

قوانین حقوقی

قوانین و مقررات کشور

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

قوانین حقوقی (قوانین و مقررات کشور)

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قوانین حقوقی (قوانین و مقررات کشور)

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور:قوانین حقوقی (قوانین و مقررات کشور)/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. گرد آوری مطالب از کلیه سایت های حقوقی و قضائی ایران صورت گرفته است. مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب موضوع:قوانین و مقررات

قوانین حقوقی

قانون اساسی و مدنی

قانون اساسی

مقدمه قانون اساسی

بسم الله الرحیم الرحیم لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط مقدمه‌قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم‌تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون درطلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن رامی‌طلبد.ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضتهای ایران در سده‌اخیر، مکتبی و اسلامی‌بودن آن است ملت مسلمان ایران پس از گذراز نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضداستعماری ملی‌شدن‌نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص‌عدم موفقیت این نهضتها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است گرچه‌در نهضتهای اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم‌اصلی و اساسی را برعهده داشت ولی به دلیل دورشدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی جنبشها به سرعت به رکود کشانده شد. از این‌جا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت‌آیت‌الله العظمی امام‌خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل‌مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که‌همواره در صف مقدم نهضتهای مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت (آغاز نهضت‌اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد .) طلیعه نهضت‌اعتراض درهم کوبنده امام‌خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب‌سفید»که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم‌وابستگیهای سیاسی فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی‌بود، عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم وخونبار امت اسلامی در خرداد ماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغازشکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود، مرکزیت امام را به‌عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی‌رغم تبعیدایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون مصونیت مستشاران آمریکایی پیوند مستحکم امت با امام‌همچنان‌استمرار یافت و ملت مسلمان و بویژه روشنفکران متعهد وروحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان شکنجه و اعدام‌ادامه دادند.در این میان قشر آگاه و مسوول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های‌علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی وپربار اسلام تلاش پیگیر و ثمربخشی را

دربالابردن سطح آگاهی وهوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه‌و همه کانونهای پرخروش انقلاب آغاز نموده بود، به مذبوحانه‌ترین‌اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم دست زد و دراین میان جوخه‌های اعدام شکنجه‌های قرون وسطایی و زندانهای‌درازمدت بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به‌ادامه مبارزه می‌پرداخت خون صدها زن و مرد جوان و باایمان که‌سحرگاهان در میدانهای تیر، فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان‌کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند، انقلاب اسلامی‌ایران را تداوم بخشید، بیانیه‌ها و پیامهای پی در پی امام به‌مناسبتهای مختلف آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش‌هر چه فزونتر داد. حکومت اسلامی‌طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام‌خمینی ارائه شد، انگیزه‌مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل‌مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد رادر داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت‌خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری وانعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح‌جهانی بنیانهای حاکمیت رژیم را بشدت متزلزل کرد و به ناچاررژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح‌بازکردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه‌اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند اماملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام قیام‌پیروزمند و یکپارچه خود را به طور گسترده و سراسری آغاز نمود. خشم ملت‌انتشار نامه توهین‌آمیزی به ساحت مقدس روحانیت و بویژه‌امام‌خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت راسریعتر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم‌برای مهارکردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضانه را بابه خاك و خون کشیدن خاموش کند اما این خود خون بیشتری دررگهای انقلاب جاری ساخت و تپشهای پی در پی انقلاب در هفتمهاو چهلمهای یادبود شهدای انقلاب حیات و گرمی و جوشش‌یکپارچه و هر چه فزونتری به این نهضت در سراسر کشور بخشید ودر ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمانهای کشور با اعتصاب‌یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم‌استبدادی مشارکت فعالانه جستند، همبستگی گسترده مردان و زنان‌از همه اقشار و جناحهای مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرزچشمگیری تعیین‌کننده بود و مخصوصا زنان به شکل بارزی درتمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند،صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش شتابان به‌سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد، بیانگر سهم عمده‌و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود. بهایی که ملت پرداخت‌نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر باباروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صدهزار زخمی ومعلول و با برجای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان‌فریادهای «استقلال آزادی حکومت اسلامی به ثمر نشست و این‌نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری درمراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی‌رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات‌گسترده مردمی در جهان شد.۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای‌فروریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی‌متکی بر آن را درهم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت‌اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهایی‌را داد.ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام‌و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی وقاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و بااکثریت ۲ /۹۸٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی جامعه بایدراهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین‌نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد. شیوه حکومت در اسلام‌حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری‌فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش وهمفکر است که به

خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری وعقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله)بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها وزنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود راپاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت واکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای رسالت قانون اساسی این است که‌زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجودآورد که در آن انسان با ارزشهای والا ـ و جهان شمول اسلامی پرورش‌یابد.قانون اساسی باتوجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی‌برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این‌انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بویژه در گسترش‌روابط بین‌المللی با دیگر جنبشهای اسلامی و مردمی می‌کوشد تاراه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار به مبارزه در نجات ملل محروم وتحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.باتوجه به ماهیت این نهضت بزرگ قانون اساسی تضمینگر نفی‌هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و درخط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست‌خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم).در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه استبراساس تلقی مکتبی صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت‌می‌گردند (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانونگذاری که مبین‌ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان‌می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادلو پرهیزکار و متعهد (فقهای عادل امری محتوم و ضروری است وچون هدف از حکومت رشددادن انسان در حرکت به سوی نظام‌الهی است (و الی الله مصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی‌استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.باتوجه به این جهت قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام‌مراحل تصمیم‌گیریهای سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراداجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خوددست‌اندرکار و مسوول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان‌تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین) ولایت فقیه عادلبراساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحققرهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبرشناخته می‌شود (مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف ازوظایف اصیل‌اسلامی خود باشد. اقتصاد وسیله است نه هدف‌در تحکیم بنیادهای اقتصادی اصل رفع نیازهای انسان در جریان‌رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز وتکاثر ثروت و سودجویی زیرا که در مکاتب مادی اقتصاد خودهدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب وفساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و ازوسیله‌انتظاری جز کارآیی‌بهتر در راه وصول به‌هدف نمی‌توان‌داشت با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم‌کردن زمینه مناسب برای‌بروز خلاقیتهای متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات‌مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای‌ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی‌است زن در قانون اساسی‌در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی نیروهای انسانی که تاکنون درخدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به‌دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌انداستیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان‌است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌سازاصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده وفراهم‌کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت‌اسلامی است زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت شیء بودن و یا (ابزار کاربودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی واستثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری‌در پرورش انسانهای مکتبی پیشاهنگ و خود همرزم مردان درمیدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسوولیتی‌خطیرتر و در دیدگاه

اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاترخواهد بود. ارتش مکتبی‌در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان‌و مکتب اساس و ضابطه باشد بدین جهت ارتش جمهوری‌اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده‌می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی‌یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا درجهان را نیز عهده‌دار خواهند بود. (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم و آخرین من دونهم). قضا در قانون اساسی‌مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت‌اسلامی به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت‌اسلامی امری است حیاتی از این رو ایجاد سیستم قضائی بر پایه‌عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق‌دینی پیش‌بینی شده است این نظام به دلیل حساسیت بنیادی ودقت در مکتبی‌بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل) قوه مجریه‌قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام ومقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه‌حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مساله حیاتی درزمینه‌سازی وصول به‌هدف نهایی حیات خواهدداشت بایستی‌راهگشای‌ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتا محصورشدن در هر نوع‌نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یاخدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد، بدین جهت نظام بوروکراسی که زاییده و حاصل حاکمیتهای طاغوتی است بشدت‌طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارآیی بیشتر و سرعت افزونتر دراجرای تعهدات اداری به وجود آید. وسایل ارتباط جمعی‌وسایل ارتباط جمعی (رادیو ـ تلویزیون بایستی در جهت روندتکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیردو در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جوید و ازاشاعه و ترویج خصلتهای تخریبی و ضداسلامی جدا پرهیز کند.پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابنای بشر راسرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشایدبرعهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسوولین کاردان و مومن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه‌در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند، به امید این که در بنای‌جامعه نمونه اسلامی (اسوه که بتواند الگو و شهیدی بر همگی‌مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس) نمایندگان‌مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم کار تدوین قانون اساسی‌را براساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی‌که از گروههای مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل‌بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن‌هجرت پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه واله و سلم بنیانگذار مکتب رهایی بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند، به‌این امید که این قرن قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

اصول قانون اساسی

اصل اول ـ حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام‌خمینی در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول ودوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت داد. اصل دوم ـ جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان به ۱ ـ خدای یکتا (لااله‌الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲ ـ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین ۳ ـ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا. ۴ ـ عدل خدا در خلقت و تشریع ۵ ـ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم‌انقلاب‌اسلام ۶ ـ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسوولیت او دربرابر خدا که از راه الف ـ اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت‌معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین ب ـ استفاده از علوم و فنون و تجارب

پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. ج ـ نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه‌پذیری قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین می کند. اصل سوم ـ دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به‌اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به‌کار برد: ۱ ـ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان وتقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ۲ ـ بالابردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر. ۳ ـ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام‌سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی ۴ ـ تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی فنی فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان ۵ ـ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب ۶ ـ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی ۷ ـ تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون ۸ ـ مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش ۹ ـ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی ۱۰ ـ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور. ۱۱ ـ تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی‌برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور. ۱۲ ـ پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه ۱۳ ـ تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امورنظامی و مانند اینها. ۱۴ ـ تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت‌قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون ۱۵ ـ توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه‌مردم ۱۶ ـ تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام تعهدبرادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان اصل چهارم ـ کلیه قوانین و مقررات مدنی جزائی مالی اقتصادی اداری فرهنگی نظامی سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین‌اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی‌و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده‌فقهای شورای نگهبان است اصل پنجم ـ در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر «عجل‌الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه‌عادل و باتقوا، آگاه به زمان شجاع مدیر و مدبر است که طبق اصل‌یکصد و هفتم عهده‌دار آن می گردد. اصل ششم ـ در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای‌عمومی اداره شود، از راه انتخابات انتخاب رئیس جمهور،نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعضای شوراها و نظایر اینها، یااز راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین‌می گردد. اصل هفتم ـ طبق دستور قرآن کریم «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر» شوراها: مجلس شورای اسلامی شورای استان شهرستان شهر، محل بخش روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره‌امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این‌قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند. اصل هشتم ـ در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف‌و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت‌به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شرایط وحدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» اصل نهم ـ در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت وتمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه‌دولت و آحاد ملت است هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام‌استفاده از آزادی به استقلال سیاسی فرهنگی اقتصادی نظامی وتمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق‌ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع‌را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. اصل دهم ـ از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه‌قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. اصل یازدهم ـ به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران‌موظف است سیاست کلی خود را بر پایه

ائتلاف و اتحاد ملل‌اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. اصل دوازدهم ـ دین‌رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری‌است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییراست ومذاهب دیگر اسلامی‌اعم از حنفی شافعی مالکی حنبلی و زیدی دارای احترام کامل‌می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه‌خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج طلاق ، ارث و وصیت و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت‌دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت‌داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق آن‌مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب اصل سیزدهم ـ ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی‌شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خودآزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل‌می‌کنند. اصل چهاردهم ـ به حکم آیه شریه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطینَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان‌موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل‌اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل‌در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران‌توطئه و اقدام نکنند. فصل دوم زبان خط تاریخ وپرچم رسمی کشور اصل پانزدهم ـ زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان وخط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات ورسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان‌فارسی آزاد است اصل شانزدهم ـ از آن جا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی‌است و ادبیات فارسی کاملا با آن آمیخته است این زبان باید پس ازدوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشته‌هاتدریس شود. اصل هفدهم ـ مبداء تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله وسلم است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هردو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است اصل هجدهم ـ پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ باعلامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است فصل سوم حقوق ملت اصل نوزدهم ـ مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. اصل بیستم ـ همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون‌قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی وفرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل بیست و یکم ـ دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات بارعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱ ـ ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. ۲ ـ حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند،و حمایت از کودکان بی‌سرپرست ۳ ـ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴ ـ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست ۵ ـ اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنهادر صورت نبودن ولی شرعی اصل بیست و دوم ـ حیثیت جان مال حقوق ، مسکن و شغل‌اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل بیست و سوم ـ تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس رانمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. اصل بیست و چهارم ـ نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادندمگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن راقانون معین می‌کند. اصل بیست و پنجم ـ بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش‌کردن‌مکالمات تلفنی افشای مخابرات تلگرافی و تلکس سانسور، عدم‌مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است‌مگر به حکم قانون اصل بیست و ششم ـ احزاب جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی وانجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به‌این که اصول استقلال آزادی وحدت ملی موازین اسلامی واساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان ازشرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت اصل بیست و هفتم ـ تشکیل اجتماعات و راه‌پیماییها، بدون حمل‌سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است اصل بیست و هشتم ـ هر کس حق دارد شغلی را

که بـدان مایل است ومخالف اسـلام و مصالـح عمومی و حقوق دیگران نیست بر گزینـد. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغـل گونـاگون برای‌همـه افراد امکـان اشـتغال به کـار و شـرایط مسـاوی را برای احرازمشاغـل ایجـاد نمایـد. اصـل بیست و نهم ـ برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی بیکاری پیری از کارافتادگی بی‌سرپرستی در راه‌ماندگی حوادث‌و سوانح و نیاز به خـدمات بهـداشتی و درمـانی و مراقبتهای پزشکی‌به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی دولت مکلّف است طبق قوانین از محل درآمـدهای عمومی و درآمـدهای حاصل از مشارکت مردم خـدمات و حمایتهای مالی‌فوق را برای یک‌یک افراد کشور تامین کند. اصـل سـی‌ام ـ دولت موظـف اسـت وسایـل آمـوزش و پروش رایگـان رابرای همـه ملت تـا پایـان دوره متوسـطه فراهـم سـازد و وسایل‌تحصیلات عالی را تا سـرحد خودکفایی کشور به طور رایگان‌گسترش دهد. اصل سی و یکم ـ داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده‌ایرانی است دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که‌نیازمندترنـد بخصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل‌را فراهم کنـد. اصـل سـی و دوم ـ هیـچ‌کس را نمی‌تـوان دسـتگیر کرد مگر به حکم وترتیـبی که قـانون معین می‌کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام‌باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثرظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع‌صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم‌گردد. متخلف از این اصل طبق قـانون مجازات می‌شود. اصل سـی و سوم ـ هیـچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعیـد کردیا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی‌مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد. اصل سی و چهارم ـ دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس‌می‌توانـد به منظور دادخواهی به دادگاههای صالـح رجوع نمایـد، همه‌افراد ملت حق دارنـد این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشـته باشـند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به‌آن را دارد منع کرد. اصل سی و پنجم ـ در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارنـد برای خودوکیل انتخاب نماینـد و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشـته باشـندباید برای آنها امکانـات تعیین وکیـل فراهم گردد. اصـل سـی و شـشم ـ حکم به مجازات و اجرای آن بایـد تنها از طریق‌دادگاه صالـح و به موجب قـانون باشـد. اصـل سـی و هفتم ـ اصـل برائت است و هیـچ‌کس از نظر قانون مجرم‌شـناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. اصل سـی و هشتم ـ هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع‌ممنوع است اجبار شخص به شهادت اقرار یا سوگند مجاز نیست‌و چنین شـهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. اصل سی و نهم ـ هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون‌دستگیر، بازداشت زندانی یا تبعیدشده به هر صورت که باشدممنوع و موجب مجازات‌است اصل چهلم ـ هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به‌غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. اصـل چهـل و یکم ـ تابعیت کشور ایران حق مسـلم هر فرد ایرانی است ودولت نمی‌توانـد از هیـچ ایرانی سـلب تابعیت کنـد، مگر به درخواست‌خود او یـا در صورتی‌که به تـابعیت کشور دیگری درایـد. اصـل چهل و دوم ـ اتباع خارجه می‌تواننـد در حـدود قوانین به تـابعیت‌ایران دراینـد و سـلب تابعیت این‌گونه اشـخاص در صورتی ممکن‌است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپـذیرد یا خود آنها درخواست‌کننـد. فصـل چهـارم اقتصـاد و امورمـالی اصـل چهل و سوم ـ برای تامین اسـتقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن‌کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، باحفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسـلامی ایران براساس ضوابط زیراسـتوار می‌شود: ۱ ـ تـامین نیازهـای اساسـی مسـکن خـوراک پوشـاک بهـداشت درمـان آموزش و پرورش و امکانـات لازم برای تشکیل خانواده‌برای همه ۲ ـ تامین شـرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به‌اشـتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسـانی که قـادر به‌کارنـد ولی وسایـل کار ندارنـد، در شـکل تعاونی از راه وام بـدون بهره‌یا هر راه مشـروع دیگر که نه به تمرکز و تـداول ثروت در دست افراد وگروههـای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای‌بزرگ مطلق درآورد. این اقـدام بایـد بـا رعـایت ضـرورتهای حـاکم بربرنـامه‌ریزی عمومی اقتصـاد کشور در هر یک از مراحل رشـد صورت‌گیرد. ۳ ـ تنظیم برنـامه اقتصـادی کشور به صورتی که شـکل و محتوا وساعـات کـار چنان باشـد که هر فرد علاوه بر تلاش شـغلی فرصت وتوان کافی برای

خودسازی معنوی سیاسی و اجتماعی و شرکت‌فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. ۴ ـ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین وجلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری ۵ ـ منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات‌باطل و حرام ۶ ـ منع اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد، اعم ازمصرف سرمایه‌گذاری تولید، توزیع و خدمات ۷ ـ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای‌توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور. ۸ ـ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور. ۹ ـ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی که نیازهای‌عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و ازوابستگی برهاند. اصل چهل و چهارم ـ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه‌بخش دولتی تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح‌استوار است بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ صنایع مادر، بازرگانی‌خارجی معادن بزرگ بانکداری بیمه تامین نیرو، سدها وشبکه‌های بزرگ آبرسانی رادیو و تلویزیون پست و تلگراف وتلفن هواپیمایی کشتیرانی راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع‌است که در شهر و روستا برطبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی دامداری صنعت تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق‌باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد وتوسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت‌قانون جمهوری اسلامی است تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین‌می‌کند. اصل چهل و پنجم ـ انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یارهاشده معادن دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای‌عمومی کوهها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی مراتعی‌که حریم نیست ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال‌عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی‌است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل وترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند. اصل چهل و ششم ـ هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش‌است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کارخود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. اصل چهل و هفتم ـ مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم‌است ضوابط آن را قانون معین می‌کند. اصل چهل و هشتم ـ در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده ازدرآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان‌استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری‌که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات‌لازم در دسترس داشته باشد. اصل چهل و نهم ـ دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب رشوه اختلاس سرقت قمار، سوءاستفاده از موقوفات سوءاستفاده از مقاطعه‌کاریها و معاملات دولتی فروش زمینهای‌موات و مباحات اصلی دایرکردن اماکن فساد و سایر مواردغیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم‌نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق‌و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. اصل پنجاهم ـ در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل‌امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات ا جتماعی رو به رشدی داشته‌باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی وغیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است اصل پنجاه و یکم ـ هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب‌قانون موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب‌قانون مشخص می‌شود. اصل پنجاه و دوم ـ بودجه سالانه کل‌کشور به ترتیبی که در قانون مقررمی‌شود ازطرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس‌شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع‌مراتب مقرر در قانون خواهد بود. اصل پنجاه و سوم ـ کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه‌داری‌کل متمرکز می‌شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به‌موجب قانون انجام می‌گیرد. اصل پنجاه و چهارم ـ دیوان محاسبات کشور مستقیما زیر نظرمجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران ومراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد. اصل پنجاه و پنجم ـ دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها،مؤسسات شرکتهای دولتی و

سایر دستگاههایی که به نحوی ازانحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقررمی‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای ازاعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف‌رسیده باشد. دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک مربوطه رابرابر قانون جمع آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام‌نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش‌باید در دسترس عموم گذاشته شود. فصل پنجم حق حاکمیت ملّت و قوای ناشی از آن اصل پنجاه و ششم ـ حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست‌و هم او، انسان را بر سرنوشت‌اجتماعی خویش حاکم ساخته‌است هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب‌کند یا درخدمت‌منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را ازطرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می کند. اصل پنجاه و هفتم ـ قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:قوه مقننه قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر وامامت امت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوامستقل از یکدیگرند. اصل پنجاه و هشتم ـ اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای‌اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود ومصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرابه قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد. اصل پنجاه و نهم ـ در مسائل بسیار مهم اقتصادی سیاسی اجتماعی‌و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه‌مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای‌عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. اصل شصتم ـ اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون‌مستقیما برعهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و وزرااست اصل شصت و یکم ـ اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری‌است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل‌دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه‌حدود الهی بپردازد. فصل ششم قوه مقننه مبحث اول مجلس شورای اسلامی اصل شصت و دوم ـ مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات راقانون معین خواهد کرد. اصل شصت و سوم ـ دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهارسال است انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزارشود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد. اصل شصت و چهارم ـ عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی‌دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یکهزار وسیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال با در نظرگرفتن عوامل انسانی سیاسی جغرافیایی و نظایر آنها حداکثربیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری وکلدانی مجموعا یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند. اصل شصت و پنجم ـ پس از برگزاری انتخابات جلسات مجلس‌شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت‌می‌یابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی‌انجام می گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی‌تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دوسوم حاضران لازم است اصل شصت و ششم ـ ترتیب انتخاب رئیس و هیات رئیسه مجلس وتعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات وانتظامات مجلس به وسیله آیین‌نامه داخلی مجلس معین می گردد. اصل شصت و هفتم ـ نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به‌ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند. بسم‌الله الرحمن‌الرحیم «من در برابر قرآن‌مجید، به خدای قادر متعال سوگند یادمی‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که‌پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب‌اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل‌پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت امانت و تقوا رارعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ‌حقوق ملت و خدمات به مردم پایبند باشم از قانون‌اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها،استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها را مدنظرداشته باشم » نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یادخواهند کرد. نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین

جلسه‌ای که حضور پیدا می کنند مراسم سوگند را به جای آورند. اصل شصت و هشتم ـ در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به‌پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نماینده‌گان وتایید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت‌برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس‌جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد. اصل شصت و نهم ـ مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشدو گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم‌منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت‌کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفراز نماینده‌گان جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه‌غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به‌تصویب سه چهارم مجموع نماینده‌گان برسد. گزارش و مصوبات این‌جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع‌عموم منتشر گردد. اصل هفتادم ـ رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به‌انفراد، حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانندمشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نماینده‌گان لازم‌بدانند، وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود. مبحث دوم اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی اصل هفتاد و یکم ـ مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدودمقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. اصل هفتاد و دوم ـ مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع‌کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی‌مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود وششم آمده برعهده شورای نگهبان است اصل هفتاد و سوم ـ شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس‌شورای اسلامی است مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان درمقام تمیز حق از قوانین می کنند نیست اصل هفتاد و چهارم ـ لوایح قانونی پس از تصویب هیات وزیران به‌مجلس تقدیم می‌شود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده‌نفر از نماینده‌گان در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است اصل هفتاد و پنجم ـ طرحهای قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که‌نماینده‌گان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمدعمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تامین‌هزینه جدید نیز معلوم شده باشد. اصل هفتاد و ششم ـ مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص درتمام امور کشور را دارد. اصل هفتاد و هفتم ـ عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها وموافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی‌برسد. اصل هفتاد و هشتم ـ هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگراصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این که یک طرفه‌نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب‌چهار پنجم مجموع نماینده‌گان مجلس شورای اسلامی برسد. اصل هفتاد و نهم ـ برقراری حکومت نظامی ممنوع است در حالت‌جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب‌مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیتهای ضروری را برقرار نماید،ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی‌روز باشد و درصورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجددا از مجلس کسب مجوز کند. اصل هشتادم ـ گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی وخارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای‌اسلامی‌باشد. اصل هشتاد و یکم ـ دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در ا مورتجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان‌مطلقا ممنوع است اصل هشتاد و دوم ـ استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت‌ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای‌اسلامی اصل هشتاد و سوم ـ بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل‌انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم‌در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد. اصل هشتاد و چهارم ـ هر نماینده در برابر تمام ملت مسوول است وحق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید. اصل هشتاد و پنجم ـ سمت نماینده‌گی قائم به شخص است و قابل‌واگذاری به دیگری نیست مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به‌شخص یا هیاتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیاروضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای‌داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که‌مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب‌نهایی

آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دایمی‌اساسنامه سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت رابا رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذی‌ربط واگذار کند و یااجازه تصویب آنها را به دولت بدهد، در این صورت مصوبات‌دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون‌اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور دراصل نود و ششم با شورای نگهبان است علاوه بر این مصوبات‌دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به‌منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن‌ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. اصل هشتاد و ششم ـ نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف‌نمایندگی و اظهارنظر و رای خود کاملا آزادند و نمی‌توان آنها را به‌سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای‌وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد. اصل هشتاد و هفتم ـ رئیس جمهور برای هیات وزیران پس از تشکیل‌و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد. در دوران‌تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف‌می‌تواند از مجلس‌برای هیات وزیران تقاضای رای اعتماد کند. اصل هشتاد و هشتم ـ در هر مورد که حداقل یک چهارم کل‌نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک ازنمایندگان از وزیر مسوول درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند،رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضرشود و به‌سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش ازیک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیرافتد مگر با عذرموجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی اصل هشتاد و نهم ـ ۱ ـ نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند‌در مواردی که لازم می‌دانند هیات وزیران یا هر یک از وزرا رااستیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس ازطرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای‌اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیات وزیران یا وزیر برای‌پاسخ نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم رامی‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رای عدم‌اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رای اعتماد نداد هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح‌عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند درهیات وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیداکنند. ۲ ـ در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای‌اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک‌ماه پس از طرح آن در مجلس حاضرشود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. درصورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهوررای دادند، مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصد و دهم به اطلاع‌مقام رهبری می‌رسد. اصل نودم ـ هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه‌قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای‌اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یاقوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و درمدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم‌باشد به اطلاع عامه برساند. اصل نود و یکم ـ به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی ازنظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی‌به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: ۱ ـ شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز،انتخاب این عده با مقام رهبری است ۲ ـ شش نفر حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی از میان‌حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس‌شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رای مجلس انتخاب می‌گردند. اصل نود و دوم ـ اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال‌انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای‌به جای آنها انتخاب می‌شوند. اصل نود و سوم ـ مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان‌اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان وانتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان اصل نود

و چهارم ـ کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به‌شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن راحداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام‌و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیندبرای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل‌اجرا است اصل نود و پنجم ـ در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای‌رسیدگی و اظهارنظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای‌اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت‌شود. اصل نود و ششم ـ تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای‌اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص‌عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای‌شورای نگهبان است اصل نود و هفتم ـ اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کارمی‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس‌حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای‌فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید درمجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند. اصل نود و هشتم ـ تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است‌که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود. اصل نود و نهم ـ شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان‌رهبری ریاست جمهوری مجلس شورای اسلامی و مراجعه به‌آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد. فصل هفتم شوراها اصل یکصدم ـ برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی اقتصادی عمرانی بهداشتی فرهنگی آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق‌همکاری مردم باتوجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا،بخش شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده بخش شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن رامردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف‌واختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی‌و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون‌معین می‌کند. اصل یکصد و یکم ـ به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری درتهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای‌هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای‌استانها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند. اصل یکصد و دوم ـ شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف‌خود طرحهایی تهیه و مستقیما یا از طریق دولت به مجلس شورای‌اسلامی‌پیشنهادکند.این‌طرحهابایددرمجلس مورد بررسی قرار گیرد. اصل یکصد و سوم ـ استانداران فرمانداران بخشداران و سایرمقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدوداختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند. اصل یکصد و چهارم ـ به‌منظور تامین قسط اسلامی و همکاری درتهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای‌تولیدی صنعتی وکشاورزی شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران‌و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی اداری خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این‌واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند. اصل یکصد و پنجم ـ تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام وقوانین کشور باشد. اصل یکصد و ششم ـ انحلال شوراها جز در صورت انحراف ازوظایف قانونی ممکن نیست مرجع تشخیص انحراف و ترتیب‌انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت‌کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند. فصل هشتم رهبر یا شورای رهبری اصل یکصد و هفتم ـ پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب‌جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت‌آیت‌الله العظمی امام‌خمینی «قدس سره‌الشریف که از طرف اکثریت‌قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین‌رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است خبرگان رهبری درباره‌همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم‌بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام وموضوعات فقهی یا مسائل سیاسی واجتماعی یا دارای مقبولیت‌عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل‌یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیراین صورت یکی از آنان را به

عنوان رهبر انتخاب و معرفی‌می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان ولایت امر و همه مسوولیتهای‌ناشی از آن را برعهده خواهد داشت رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است اصل یکصد و هشتم ـ قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان کیفیت‌انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان‌تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس‌هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات‌مربوط به وظایف خبرگـان در صلاحیت خود آنان است اصل یکصد و نهم ـ شرایط و صفات رهبر: ۱ ـ صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه ۲ ـ عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام ۳ ـ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی تدبیر، شجاعت مدیریت وقدرت کافی برای رهبری در صورت تعدد واجدین شرایط فوق ، شخصی که دارای بینش فقهی‌و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است اصل یکصد و دهم ـ وظایف و اختیارات رهبر: ۱ ـ تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲ ـ نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام ۳ ـ فرمان همه‌پرسی ۴ ـ فرماندهی کل نیروهای مسلح ۵ ـ اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها. ۶ ـ نصب و عزل و قبول استعفا: الف ـ فقهای شورای نگهبان ب ـ عالی‌ترین مقام قوه قضائیه ج ـ رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران د ـ رئیس ستاد مشترك ه ـ فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ـ فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی ۷ ـ حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه ۸ ـ حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست از طریق‌مجمع تشخیص مصلحت نظام ۹ ـ امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت‌داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارابودن شرایطی که در این‌قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و دردوره اول به تایید رهبری برسد. ۱۰ ـ عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم‌دیوان‌عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس‌شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم ۱۱ ـ عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی‌پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص‌دیگری تفویض کند. اصل یکصد و یازدهم ـ هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان‌شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم‌گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است از مقام‌خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم‌می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع‌وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام‌معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه ویکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت‌نظام همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد وچنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه‌نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع با حفظ اکثریت فقها در شورا،به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمتهای د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم پس از تصویب سه چهارم‌اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگر موقتا از انجام وظایف‌رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف‌او را عهده‌دار خواهد بود. اصل یکصد و دوازدهم ـ مجمع تشخیص مصلحت نظام برای‌تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی راشورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند ومجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تامین‌نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که دراین قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل‌می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تایید مقام رهبری خواهد رسید. فصل نهم قوه مجریه مبحث اول ریاست جمهوری و وزرا اصل یکصد و سیزدهم ـ پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین‌مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست‌قوه مجریه را جز در اموری که مستقیما به رهبری مربوط می‌شود،برعهده دارد. اصل یکصد و چهاردهم ـ رئیس‌جمهور برای مدت چهارسال با رای‌مستقیم مردم انتخاب می‌شود و

انتخـاب مجدد او به صورت متوالی‌تنهـا برای یـک دوره بلامـانع است اصـل یکصـد و پـانزدهم ـ رئیس جمهور بایـد از میـان رجال مـذهبی وسیاسـی که واجد شـرایط زیر باشـند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل تابع ایران مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت وتقوا، مؤمن و معتقـد به مبـانی جمهوری اسـلامی ایران و مذهب‌رسـمی کشور. اصل یکصـد و شانزدهم ـ نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل ازشـروع انتخابات آمادگی خود را رسما اعلام کنند. نحوه برگزاری‌انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند. اصل یکصد و هفدهم ـ رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراءشرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ‌یک‌از نامزدها چنین اکثریتی بـدست نیـاورد، روز جمعه هفته بعـد برای باردوم رای گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دورنخسـت آرای بیشتری داشـته‌اند شـرکت می‌کنند، ولی اگر بعضـی ازنامزدهای دارنده آرای بیشتر، از شـرکت در انتخابات منصـرف شوند،از میـان بقیه دو نفر که در دوره نخست بیش از دیگران رای داشـته‌اندبرای انتخـاب مجـدد معرفی می‌شونـد. اصل یکصـد و هجـدهم ـ مسوولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری طبق اصل نود و نهم برعهـده شورای نگهبان است ولی قبل‌از تشـکیل نخستین شورای نگهبـان برعهـده انجمـن نظـارتی است که‌قـانون تعییـن می‌کنـد. اصـل یکصـد و نـوزدهم ـ انتخـاب رئیس جمهـور جدیـد بـاید حـداقل‌یک‌ماه پیش از پایـان دوره ریـاست جمهوری قبلی انجـام شـده باشـد ودر فاصـله انتخـاب رئیس‌جمهور جدیـد و پایان دوره ریاست‌جمهوری سابق رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری راانجام می‌دهد. اصل یکصد و بیستم ـ هرگاه در فاصله ده روز پیش از رای گیری یکی‌از نامزدهـایی کـه صـلاحیت او طبـق این قـانون احراز شـده فـوت کنـد،انتخابـات به مـدت دو هفته به تـأخیر می‌افتـد. اگر در فاصـله دورنخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حـایز اکثریت دور نخست فوت‌کنـد، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود. اصل یکصد و بیست و یکم ـ رئیس جمهور در مجلس شورای‌اسـلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای‌شورای نگهبان تشـکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند وسوگندنامه را امضا می‌نماید. بسم‌الله الرحمن‌الرحیم «من به عنوان رئیس جمهور در پیشـگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به‌خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسـمی و نظـام‌جمهوری اسـلامی و قانون‌اساسـی کشور بـاشم و همه اسـتعداد و صـلاحیت‌خویش را در راه ایفـای مسوولیتهایی که برعهـده گرفته‌ام بکار گیرم و خود راوقف خـدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق ، پشتیبانی از حقو گسترش عدالت سازم و از هرگـونه خودکـامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت‌اشـخاص و حقـوقی کـه قـانون اساسـی برای ملت شـناخته است حمـایت کنم درحراست از مرزها و اسـتقلال سیاسـی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ‌اقـدامی دریغ نورزم و با اسـتعانت از خداوند و پیروی از پیـامبر اسـلام و ائمه‌اطهـار علیهم‌السـلام قـدرتی را که ملت به عنوان امـانتی مقـدس به من سپرده‌است همچون امینی پارسا و فـداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس‌از خود بسپارم » اصل یکصد و بیست و دوم ـ رئیس‌جمهور در حدود اختیارات ووظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارددر برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسوول است اصل یکصد و بیست و سوم ـ رئیس‌جمهور موظف است مصوبات‌مجلس یا نتیجه همه‌پرسـی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به‌وی امضا کند و برای اجرا در اختیـار مسوولا‌ن بگـذارد. اصـل یکصـد و بیست و چهـارم ـ رئیس جمهـور می‌توانـد برای انجام‌وظـایف قـانونی خـود معاونـانی داشـته باشـد. معـاون اول رئیس‌جمهور بـا موافقت وی اداره هیـات وزیران و مسوولیت هماهنگی‌سایر معاونتها را به عهـده خواهـد داشت اصل یکصد و بیست و پنجم ـ امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها،موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین‌امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب‌مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست اصل یکصد و بیست و ششم ـ رئیس‌جمهور مسوولیت امور برنامه‌و بودجه و اموراداری و استخدامی کشور را مستقیما برعهده دارد ومی‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد. اصل یکصد و بیست و هفتم ـ رئیس جمهور می‌تواند در مواردخاص برحسـب ضرورت بـا تصویب هیات وزیران نماینـده یانماینـدگان ویژه با اختیارات مشـخص تعیین نمایـد. در این موارد،تصـمیمات نماینـده یا نمایندگان مذکور در حکم تصـمیمات رئیس‌جمهور و هیات وزیران خواهد بود. اصل یکصد و بیست و هشـتم ـ سـفیران به پیشنهاد

وزير امور خارجه‌و تصويب رئيس جمهور تعيين می‌شوند. رئيس جمهور استوارنامه سفيران را امضا می کند و استوارنامه سفيران کشورهای ديگر رامی‌پذيرد. اصل يکصد و بيست و نهم ـ اعطای نشانهای دولتی با رئيس جمهوراست اصل يکصد و سی‌ام ـ رئيس جمهور استعفای خود را به رهبر تقديم‌می کند و تا زمانی که استعفای او پذيرفته نشده است به انجام‌وظايف خود ادامه می‌دهد. اصل يکصد و سی و يکم ـ در صورت فوت عزل استعفا، غيبت يابيماری بيش از دو ماه رئيس جمهور و يا در موردی که مدت‌رياست جمهوری پايان يافته و رئيس‌جمهور جديد بر اثر موانعی‌هنوز انتخاب نشده و يا امور ديگری از اين قبيل معاون اول رئيس‌جمهور با موافقت رهبری اختيارات و مسووليتهای وی را برعهده‌می گيرد و شورايی متشکل از رئيس مجلس و رئيس قوه قضائيه و معاون اول رئيس جمهور موظف است ترتيبی دهد که حداکثر ظرف‌مدت پنجاه روز، رئيس جمهور جديد انتخاب شود، در صورت‌فوت معاون اول و يا امور ديگری که مانع انجام وظايف وی گردد ونيز در صورتی که رئيس‌جمهور معاون اول نداشته باشد، مقام‌رهبری فرد ديگری را به جای او منصوب می کند. اصل يکصد و سی و دوم ـ در مدتی که اختيارات و مسووليتهای‌رئيس جمهور برعهده معاون اول يا فرد ديگری است که به موجب‌اصل يکصد و سی و يکم منصوب می گردد، وزرا را نمی‌توان‌استيضاح کرد يا به آنان رای عدم اعتماد داد و نيز نمی‌توان برای‌تجديدنظر در قانون اساسی و يا امر همه‌پرسی اقدام نمود. اصل يکصد و سی و سوم ـ وزرا توسط رئيس جمهور تعيين و برای‌گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغيير مجلس گرفتن‌رای اعتماد جديد برای وزرا لازم نيست تعداد وزيران و حدوداختيارات هر يک از آنان را قانون معين می کند. اصل يکصد و سی و چهارم ـ رياست هيات وزيران با رئيس جمهوراست که بر کار وزيران نظارت دارد و با اتخاذ تدابير لازم به هماهنگ‌ساختن تصميمهای وزيران و هيات دولت می‌پردازد و با همکاری‌وزيران برنامه و خط مشی دولت را تعيين و قوانين را اجرا می کند. در موارد اختلاف نظر و يا تداخل در وظايف قانونی دستگاههای‌دولتی در صورتی که نياز به تفسير يا تغيير قانون نداشته باشد،تصميم هيات وزيران که به پيشنهاد رئيس جمهور اتخاذ می‌شودلازم‌الاجراست رئيس جمهور در برابر مجلس مسوول اقدامات هيات وزيران است اصل يکصد و سی و پنجم ـ وزرا تا زمانی که عزل نشده‌اند و يا بر اثراستيضاح يا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتمادنداده است در سمت خود باقی‌می‌مانند. استعفای هيات وزيران يا هر يک از آنان به رئيس جمهور تسليم‌می‌شود و هيات وزيران تا تعيين دولت جديد به وظايف خود ادامه‌خواهند داد. رئيس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هايی که وزير ندارند حداکثربرای مدت سه ماه سرپرست تعيين نمايد. اصل يکصد و سی و ششم ـ رئيس جمهور می‌تواند وزرا را عزل کندو در اين صورت بايد برای وزير يا وزيران جديد از مجلس رای‌اعتماد بگيرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت‌نيمی از هيات وزيران تغيير نمايد بايد مجددا از مجلس شورای‌اسلامی برای هيات وزيران تقاضای رای اعتماد کند. اصل يکصد و سی و هفتم ـ هر يک از وزيران مسوول وظايف خاص‌خويش در برابر رئيس جمهور و مجلس است و در اموری که به‌تصويب هيات وزيران می‌رسد، مسوول اعمال ديگران نيز هست اصل يکصد و سی و هشتم ـ علاوه بر مواردی که هيات وزيران ياوزيری مأمور تدوين آيين‌نامه‌های اجرايی قوانين می‌شود، هيات‌وزيران حق دارد برای انجام وظايف اداری و تامين اجرای قوانين وتنظيم سازمانهای اداری به وضع تصويب‌نامه و آيين‌نامه بپردازد. هريک از وزيران نيز در حدود وظايف خويش و مصوبات هيات‌وزيران حق وضع آيين‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد اين‌مقررات نبايد با متن و روح قوانين مخالف باشد. دولت می‌تواند تصويب برخی از امور مربوط به وظايف خود را به‌کميسيونهای متشکل از چند وزير واگذار نمايد. مصوبات اين‌کميسيونها در محدوده قوانين پس از تاييد رئيس جمهور لازم‌الاجرااست تصويب‌نامه‌ها و آيين‌نامه‌های دولت و مصوبات کميسيونهای‌مذکور در اين اصل ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئيس مجلس‌شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانين‌بيابد با ذکر دليل برای تجديدنظر به هيات وزيران بفرستد. اصل يکصد و سی و نهم ـ صلح دعاوی راجع به اموال عمومی ودولتی يا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصويب هيات‌وزيران است و بايد به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعواخارجی باشد و در موارد مهم داخلی بايد به

تصويب مجلس نيزبرسد. موارد مهم را قانون تعيين مى كند. اصل يكصد و چهلم ـ رسيدگى به اتهام رئيس جمهور و معاونان او ووزيران در مورد جرايم عادى با اطلاع مجلس شوراى اسلامى درداد گاههاى عمومى دادگسترى انجام مى‌شود. اصل يكصد و چهل و يكم ـ رئيس جمهور، معاونان رئيس جمهور،وزيران و كارمندان دولت نمى‌توانند بيش از يك شغل دولتى داشته‌باشند و داشتن هر نوع شغل ديگر در مؤسساتى كه تمام يا قسمتى ازسرمايه آن متعلق به دولت يا مؤسسات عمومى است و نمايندگى‌مجلس شوراى اسلامى و وكالت دادگسترى و مشاوره حقوقى و نيزرياست و مديريت عامل يا عضويت در هيات مديره انواع مختلف‌شركتهاى خصوصى جز شركتهاى تعاونى ادارات و مؤسسات براى‌آنان ممنوع است سمتهاى آموزشى در دانشگاهها و مؤسسات تحقيقاتى از اين حكم‌مستثنى است اصل يكصد و چهل و دوم ـ دارايى رهبر، رئيس‌جمهور، معاونان‌رئيس‌جمهور، وزيران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئيس قوه قضائيه رسيدگى مى‌شود كه برخلاف حق افزايش‌نيافته باشد. مبحث دوم ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اصل يكصد و چهل و سوم ـ ارتش جمهورى اسلامى ايران پاسدارى‌از استقلال و تماميت ارضى و نظام جمهورى اسلامى كشور رابرعهده دارد. اصل يكصد و چهل و چهارم ـ ارتش جمهورى اسلامى ايران بايد ارتشى اسلامى باشد كه ارتشى مكتبى و مردمى است و بايد افرادى‌شايسته را به خدمت بپذيرد كه به اهداف انقلاب اسلامى مؤمن و درراه تحقق آن فداكار باشند. اصل يكصد و چهل و پنجم ـ هيچ فرد خارجى به عضويت در ارتش ونيروهاى انتظامى كشور پذيرفته نمى‌شود. اصل يكصد و چهل و ششم ـ استقرار هرگونه پايگاه نظامى خارجى دركشور هر چند به عنوان استفاده‌هاى صلح‌آميز باشد ممنوع است اصل يكصد و چهل و هفتم ـ دولت بايد در زمان صلح از افراد وتجهيزات فنى ارتش در كارهاى امدادى آموزشى توليدى وجهادسازندگى با رعايت كامل موازين عدل اسلامى استفاده كنددرحدى كه به آمادگى رزمى ارتش آسيبى وارد نيايد. اصل يكصد و چهل و هشتم ـ هر نوع بهره‌بردارى شخصى از وسايل وامكانات ارتش و استفاده شخصى از افراد آنها به صورت گماشته راننده شخصى و نظاير اينها ممنوع است اصل يكصد و چهل و نهم ـ ترفيع درجه نظاميان و سلب آن به موجب‌قانون است اصل يكصد و پنجاهم ـ سپاه پاسداران انقلاب اسلامى كه در نخستين‌روزهاى پيروزى اين انقلاب تشكيل شد، براى ادامه نقش خود درنگهبانى از انقلاب و دستاوردهاى آن پابرجا مى‌ماند، حدود وظايف‌و قلمرو مسووليت اين سپاه در رابطه با وظايف و قلمرو مسووليت‌نيروهاى مسلح ديگر با تأكيد بر همكارى و هماهنگى برادرانه ميان‌آنها به وسيله قانون تعيين مى‌شود. اصل يكصد و پنجاه و يكم ـ به حكم آيه كريمه (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرين من دونهم لا‌تعلمونهم الله يعلمهم) دولت موظف است براى‌همه افراد كشور، برنامه و امكانات آموزش نظامى را برطبق موازين‌اسلامى فراهم نمايد، به طورى كه همه افراد همواره توانايى دفاع‌مسلحانه از كشور و نظام جمهورى اسلامى ايران را داشته باشند،ولى داشتن اسلحه بايد با اجازه مقامات رسمى باشد. فصل دهم سياست خارجى اصل يكصد و پنجاه و دوم ـ سياست خارجى جمهورى اسلامى‌ايران براساس نفى هرگونه سلطه‌جويى و سلطه‌پذيرى حفظ‌استقلال همه‌جانبه و تماميت ارضى كشور، دفاع از حقوق همه‌مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهاى سلطه‌گر و روابط صلح‌آميزمتقابل با دول غيرمحارب استوار است اصل يكصد و پنجاه و سوم ـ هرگونه قرارداد كه موجب سلطه بيگانه‌بر منابع طبيعى و اقتصادى فرهنگ ارتش و ديگر شؤون كشورگردد، ممنوع است اصل يكصد و پنجاه و چهارم ـ جمهورى اسلامى ايران سعادت‌انسان در كل جامعه بشرى را آرمان خود مى‌داند و استقلال و آزادى‌و حكومت حق و عدل را حق همه مردم جهان مى‌شناسد. بنابراين‌در عين خوددارى كامل از هرگونه دخالت در امور داخلى ملتهاى‌ديگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفين در برابر مستكبرين در هر نقطه‌از جهان حمايت مى‌كند. اصل يكصد و پنجاه و پنجم ـ دولت جمهورى اسلامى ايران‌مى‌تواند به كسانى كه پناهندگى سياسى بخواهند پناه دهد مگر اين‌كه برطبق قوانين ايران خائن و تبهكار شناخته شوند. فصل يازدهم قوه قضائيه اصل يكصد و پنجاه و ششم ـ قوه قضائيه قوه‌اى است مستقل كه‌پشتيبان حقوق فردى و اجتماعى و مسوول تحقق بخشيدن به‌عدالت و عهده‌دار وظايف زير است ۱ ـ رسيدگى و صدور حكم در مورد تظلمات تعديات شكايات حل و فصل دعاوى

و رفع خصومات و اخـذ تصـمیم و اقدام لازم درآن قسـمت از امور حسبیه که قانون معین می کند. ۲ ـ احیـای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشـروع ۳ ـ نظـارت بر حسن اجرای قوانین ۴ ـ کشـف جرم و تعقیب و مجـازات و تعزیر مجرمین و اجرای حـدودو مقررات مدون جزائی اسلام ۵ ـ اقدام مناسب برای پیشـگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین اصل یکصد و پنجاه و هفتم ـ به منظور انجام مسوولیتهای قوه‌قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک‌نفرمجتهـد عادل و آگاه به امور قضائی و مـدیر و مـدبر را برای مدت‌پنـج‌سال به عنوان رئیس قوه قضـائیه تعیین می‌نمایـد که عالی‌ترین‌مقام قوه قضائیه است اصل یکصـد و پنجاه و هشتـم ـ وظایف رئیس قوه قضائیه بشرح زیراست ۱ ـ ایجاد تشـکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسوولیتهای اصل‌یکصد و پنجاه و ششم ۲ ـ تهیه لوایـح قضـایی متناسب با جمهوری اسـلامی ۳ ـ اسـتخدام قضـات عـادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییرمحل مـأموریت و تعیین مشاغـل و ترفیع آنـان و ماننـد اینها از اموراداری طبق قانون اصل یکصـد و پنجاه و نهم ـ مرجع رسـمی تظلمات و شکایات‌دادگستری است تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به‌حکم قانون است اصل یکصد و شصتم ـ وزیر دادگستری مسوولیت کلیه مسائـل مربوط‌به روابـط قوه قضـائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهـده دارد و ازمیان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشـنهاد می کنـد،انتخـاب می گردد. رئیس قوه قضـائیه می‌توانـد اختیارات تام مالی و اداری و نیزاختیارات اسـتخدامی غیرقضـات را به وزیر دادگسـتری تفویض کنـد.در این صورت وزیر دادگستری دارای همـان اختیـارات و وظایفی‌خواهـد بود که در قـوانین برای وزرا به عنـوان عـالی‌ترین مقـام اجرایی‌پیش‌بینی می‌شـود. اصـل یکصـد و شـصت و یکم ـ دیوان‌عـالی کشـور به منظور نظـارت براجرای صـحیح قوانین در محـاکم و ایجـاد وحـدت رویه قضـائی وانجـام مسوولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، براسـاس‌ضوابطی که رئیس قوه قضـائیه تعیین می کنـد تشـکیل می گردد. اصـل یکصـد و شـصت و دوم ـ رئیس دیوان‌عالی کشور و دادسـتان کل‌بایـد مجتهـد عـادل و آگـاه به امور قضـائی باشـند و رئیس قوه قضـائیه بامشورت قضات دیوان‌عالی کشور آنها را برای مدت پنج‌سال به این‌سـمت منصوب می‌کند. اصل یکصد و شـصت و سوم ـ صفات و شرایط قاضی طبق موازین‌فقهی به وسیله قانون معین می‌شود. اصل یکصد و شـصت و چهارم ـ قاضی را نمی‌توان از مقامی که‌شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب‌انفصـال است به طور موقت یـا دایم منفصـل کرد یـا بـدون رضـای اومحل خـدمت یا سـمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصـلحت جامعه‌بـا تصـمیم رئیس قوه قضـائیه پس از مشورت با رئیس دیوان‌عالی‌کشور و دادسـتان کل نقل و انتقال دوره‌ای قضات برطبق ضوابط کلی‌که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد. اصل یکصد و شـصت و پنجم ـ محاکمات علنی انجام می‌شود وحضور افراد بلامـانع است مگر آن که به تشـخیص دادگـاه علنی‌بودن آن‌منـافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشـد یا در دعاوی خصوصـی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. اصل یکصد و شـصت و شـشم ـ احکام دادگاهها باید مستدل و مستندبه مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است اصل یکصد و شصت و هفتم ـ قاضی موظف است کوشش کند حکم‌هر دعوا را در قوانین مـدّونه بیابـد و اگر نیابـد با اسـتناد به منابع معتبراسـلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضـیه را صادر نمایـد و نمی‌توانـد به‌بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی‌به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. اصل یکصد و شـصت و هشتـم ـ رسـیدگی به جرایم سیاسـی ومطبوعـاتی علنی است و بـا حضور هیـات منصـفه در محاکم‌دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب شرایط اختیارات هیات‌منصـفه و تعریف جرم سیاسـی را قانون براساس موازین اسـلامی‌معین می‌کنـد. اصل یکصد و شـصت و نهم ـ هیـچ فعـل یـا ترک فعلی به اسـتناد قـانونی‌که بعـد از آن وضع شـده است جرم محسوب نمی‌شود. اصـل یکصـد و هفتـادم ـ قضـات دادگاهها مکلفنـد از اجرای‌تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات‌اسـلامی یا خارج از حـدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کننـدو هر کس می‌توانـد ابطـال این‌گونه مقررات را از دیوان عـدالت اداری‌تقاضـا کنـد. اصل یکصـد و هفتـاد و یکم ـ هرگـاه در اثر تقصـیر یـا اشـتباه قاضـی درموضوع یـا در حکم یـا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضـرر مادی یامعنوی متوجه کسـی گردد، در صورت تقصـیر، مقصـر طبق موازین‌اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت‌جبران

می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حيثيت می گردد. اصل يكصـد و هفتاد و دوم ـ برای رسيدگی به جرايم مربوط بهوظايف خاص نظامی يا انتظامی اعضاء ارتش ژاندارمری شهربانیو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاكم نظامی مطابق قانونتشكيل می گردد، ولی به جرايم عمومی آنـان يـا جرايمی كه در مقامضابط دادگستری مرتكب شونـد، در محـاكم عمومی رسيدگی‌می‌شود. دادستانی و دادگاههـای نظـامی بخشـی از قوه قضـائيه كشور و مشـمولاصول مربوط به اين قوه هسـتند. اصـل يكصـد و هفتاد و سوم ـ به منظور رسيدگی به شكايات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورين يا واحدها ياآيين‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، ديوانی به نام ديوان عـدالتاداری زير نظر رئيس قوه قضائيه تاسيس می گردد. حدود اختيارات و نحوه عمل اين ديوان را قانون تعيين می كند. اصـل يكصـد و هفتـاد و چهـارم ـ براسـاس حق نظـارت قـوه قضائيه‌نسـبت بـه حسـن جريـان امـور و اجرای صـحيح قـوانين در دسـتگاههای‌اداری سازمـانی به نـام «سازمـان بازرسـی كـل كشـور» زير نظر رئيس‌قوه قضـائيه تشـكيل می گردد. حـدود اختيـارات و وظايف اين سازمان را قانون تعيين می‌كنـد. فصل دوازدهم صـدا و سيما اصل يكصد و هفتاد و پنجم ـ در صدا و سيمای جمهوری اسلامی‌ايران آزادی بيان و نشر افكار با رعايت موازين اسلامی و مصالح‌كشور بايد تامين گردد. نصب و عزل رئيس سازمان صدا و سيمـای جمهـوری اسـلامی ايرانبـا مقـام رهـبری است و شـورايی مركب از نماينـدگان رئيس جمهور و رئيس قوه قضـائيه و مجلس شورای اسـلامی (هر كـدام دو نفر) نظـارتبر اين سازمـان خواهنـد داشت خط مشـی و ترتيب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معين‌می‌كنـد. فصل سـيزدهم شورای عالی امنيت ملی اصل يكصـد و هفتاد و شـشم ـ به منظور تامين منافع ملی و پاسداری‌از انقلاب اسلامی و تماميت ارضی و حاكميت ملی شورای عالی‌امنيت ملی به رياست رئيس جمهور، با وظايف زير تشكيل‌می‌گردد. ۱ ـ تعيين سياسـتهای دفاعی ـ امنيتی كشور در محـدوده سياسـتهای‌كلی تعيين‌شـده از طرف مقام رهبری ۲ ـ هماهنگ‌نمودن فعاليتهای سياسـی اطلاعاتی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابير كلی دفاعی ـ امنيتی ۳ ـ بهره‌گيری از امكانات مادی و معنوی كشور برای مقابله باتهديدهای داخلی و خارجی اعضای شورا عبارتند از: رؤسای قوای سه‌گانه رئيس ستاد فرماندهی كل نيروهای مسلح مسوول امور برنـامه و بودجه دو نماينـده به انتخـاب مقـام رهبری وزرای امور خارجه كشور، اطلاعات حسب مورد وزير مربوط و عالی‌ترين مقـام ارتش و سپاه شـورای عـالی امنيت ملی به تنـاسب وظـايف خود، شوراهـای فرعی ازقبيـل شورای دفـاع و شورای امنيت كشور تشـكيل می‌دهـد. رياست هريك از شوراهای فرعی با رئيس جمهور يا يكی از اعضای شورای‌عالی است كه از طرف رئيس جمهور تعيين می‌شود. حـدود اختيارات و وظايف شوراهای فرعی را قانون معين می‌كنـد وتشـكيلات آنها به تصويب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنيت ملی پس از تاييـد مقام رهبری قابل‌اجرا است فصل چهاردهم بازنگری در قانون اساسـی اصل يكصد و هفتاد و هفتم ـ بازنگری در قانون اساسـی جمهوری‌اسلامی ايران در موارد ضروری به ترتيب زير انجام می‌گيرد: مقام رهبری پس از مشـورت بـا مجمـع تشـخيص مصـلحت نظام طی‌حكمی خطـاب به رئيس جمهور موارد اصـلاح يـا تتميم قانون‌اساسـی را به شورای بازنگری قانون اساسـی با تركيب زير پيشنهادمی‌نمايد: ۱ ـ اعضـای شورای نگهبان ۲ ـ رؤسای قوای سه‌گانه ۳ ـ اعضای ثابت مجمع تشخيص مصلحت نظام ۴ ـ پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری ۵ ـ ده نفر به انتخاب مقام رهبری ۶ ـ سه نفر از هيات وزيران ۷ ـ سه نفر از قوه قضائيه ۸ ـ ده نفر از نمايندگان مجلس شورای اسلامی ۹ ـ سه نفر از دانشگاهيان شيوه كار و كيفيت انتخاب و شرايط آن را قـانون معين می‌كنـد. مصوبـات شـورا پس از تاييـد و امضـای مقـام رهـبری بايـد از طريـق‌مراجعه به آرای عمـومی به تصويب اكثريت مطلق شـركت‌كنندگان درهمه‌پرسی برسد. رعايت ذيل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون‌اساسی لازم نيسـت محتوای اصـل مربـوط به اسـلامی‌بودن نظـام و ابتنـای كليه قـوانين ومقررات براسـاس مـوازين اسـلامی و پايه‌هـای ايمـانی و اهـداف‌جمهوری اسـلامی ايران و جمهوری‌بودن حكومت و ولايت امر وامامت امت و نيز اداره امور كشور با اتكاء به آرا عمومی و دين ومذهب رسمی ايران تغييرناپذير است

نمایه قانون اساسی

قانون مدنی

مقدمه قانون مدنی

در انتشـار و آثار و اجرای قوانین بطورعموم ماده ۱ ـ مصوبات مجلس شورای اسـلامی ونتیجه همه‌پرسی پس ازطی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور بایـد ظرف مـدت پنـج روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نمایـد و دسـتور انتشار آن را صـادر کنـد و روزنـامه رسـمی موظـف است ظرف‌مـدت ۷۲ سـاعت پس از ابلاـغ منتشـر نمایـد. تبصـره ـ در صـورت اسـتنکاف رئیس‌جمهور از امضـاء یـا ابلاـغ در مدت‌مـذکور در این ماده به دسـتور رئیس‌مجلس شورای اسـلامی روزنامه‌رسـمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ ومنتشـر نمایـد. ماده ۲ ـ قوانین پـانزده روز پس از انتشار، در سراسـر کشور لازم‌الاجراءاسـت مگر آن که در خود قـانون ترتیب خاصـی برای موقع اجراء مقرر شـده باشـد. ماده ۳ ـ انتشار قوانین بایـد در روزنامه رسـمی به عمل آید. ماده ۴ ـ اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسـبت به ماقبل خود اثرندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصـی نسبت به این‌موضوع اتخاذ شده باشد. ماده ۵ ـ کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین‌ایران خواهندبود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. ماده ۶ ـ قوانین مربوط به احوال‌شخصـیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت‌اشـخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود. ماده ۷ ـ اتباع خارجه مقیم در خاك ایران از حیث مسائل مربوطه به‌احوال شخصـیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه درحدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات‌دولت‌متبوع‌خودخواهند بود. ماده ۸ ـ اموال غیرمنقوله که اتبـاع خارجه در ایران بر طبق عهود، تملك‌کرده یا می‌کننـد از هر جهت تابع قوانین ایران خواهـد بود. ماده ۹ ـ مقررات عهودی که برطبق قـانون اساسـی بین دولت ایران وسایر دول منعقـد شـده باشـد در حکم قانون است ماده ۱۰ ـ قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند،در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است

جلد اول – در اموال

کتاب اول در بیان اموال و مالکیت بطورکلی

باب اول در بیان انواع اموال

اشاره

ماده ۱۱ ـ اموال بر دو قسم است منقول و غیرمنقول

فصل اول در اموال غیرمنقول

ماده ۱۲ ـ مـال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل‌نمود، اعم از اینکه اسـتقرار آن ذاتی باشـد یا به واسـطه عمل انسـان بنحوی که نقـل آن مسـتلزم خرابی یـا نقص خود مـال یـا محل آن شود. ماده ۱۳ ـ اراضـی و ابنیـه و آسـیا و هر چـه که در بنا منصوب و عرفاجز بنامحسوب‌می‌شود،غیرمنقول‌است‌وهمچنین‌است لوله‌ها که‌برای جریان آب یا مقاصـد دیگر در زمین یا بنا کشـیده شده باشد. ماده ۱۴ ـ آینه و پرده نقاشـی و مجسـمه و امثال آنها، در صورتی که در بنایا زمین به کار رفته باشـد، بطوری که نقل آن مـوجب نقص یـا خرابی‌خـود آن یـا محـل آن بشـود، غیرمنقول است مـاده ۱۵ ـ ثمره و حاصـل مـادام که چیـده یـا درو نشـده است غیرمنقول‌است اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد، تنها آن قسمت‌منقول است ماده ۱۶ ـ مطلق اشجار و شاخه‌های آن و نهال و قلمه مادام که بریـده یاکنـده نشـده است غیرمنقول است ماده ۱۷ ـ حیوانـات و اشـیائی که مالـک آن را برای عمل زراعت‌اختصاص داده باشـد، از قبیـل گـاو و گاومیش و ماشـین و اسـباب وادوات زراعت و تخم و غیره و بطورکلی هر مال منقول که برای‌اسـتفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصـیص داده‌باشد، از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزو ملک‌محسوب و در حکم مـال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه وگـاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ‌اختصاص داده شـده است ماده ۱۸ ـ حق انتفاع از اشـیاءق غیرمنقوله مثل حق عمری و سـکنی وهمچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر، از قبیل حق‌العبور وحق‌المجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای‌خلع‌ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است

فصل دوم در اموال منقوله

ماده ۱۹ ـ اشـیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشـد بـدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد اید، منقول است ماده ۲۰ ـ کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال‌الاجاره عین‌مستاجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه‌مبیع یا عین مسـتاجره از اموال غیرمنقوله باشـد. ماده ۲۱ ـ انواع کشتی‌هـای کوچـک و بزرگ و قایقهـا و آسـیاها و حمامهـائی که در روی رودخانه و دریاها ساخته می‌شود و می‌توان آنها را حرکت داد و کلیه کارخانه‌هایی که نظر به طرز ساختمان جزوبنای عمارتی نباشد داخل در منقولات است ولی توقیف بعضـی از اشیا مزبوره ممکن است نظر به اهمیت آنها موافق ترتیبات خاصه‌به عمل اید. ماده ۲۲ ـ مصالـح بنائی از قبیل سـنگ و اجر و غیره که برای بنائی تهیه‌شـده یا به واسـطه خرابی از بنا جدا شده باشد مادامی که در بنا به کار نرفته داخل منقول است

فصل سوم در اموالی که مالک خاص ندارد (ماده ۲۳ الی ۲۸)

ماده ۲۳ ـ اسـتفاده از اموالی که مالـک خـاص نـدارد مطابق قوانین مربوطه‌به آنها خواهـد بود. ماده ۲۴ ـ هیچکس نمی‌توانـد طرق و شوارع عـامه و کوچه‌هـائی را که آخر آن‌ها مسـدود نیست تملک نمایـد. ماده ۲۵ ـ هیچکس نمی‌توانـد اموالی را که مورد اسـتفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان‌گاههای عمومی تملک کنـد. و همچنین است قنوات و چاه‌هائی که مورد اسـتفاده عموم است ماده ۲۶ ـ اموال دولتی که معـد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه‌و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه وعمـارات دولـتی و سیمهای تلگرافی دولتی و موزه‌هـا و کتابخانه‌هـای‌عمومی و آثـار تـاریخی و امثـال آنهـا و بـالجمله آنچه که از

اموال‌منقـوله و غیرمنقـوله که دولت به عنـوان مصالـح عمـومی و منـافع ملی‌در تحت تصـرف دارد، قابـل تملـک خصوصـی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالـح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یاشـهری اختصاص یافته باشد. ماده ۲۷ ـ اموالی که ملک اشـخاص نمی‌باشـد و افراد مردم می‌توانند آنهارا مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه‌به هر یک از اقسام مختلفه آنها تملک کرده و یا از آنها اسـتفاده کنندمباحات نامیده می‌شود مثل اراضی موات یعنی زمین‌هایی که‌معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد. ماده ۲۸ ـ اموال مجهول‌المالک با اذن حاکم یا ماذون از قق بل او به‌مصارف فقرا می‌رسد.

باب دوم در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به‌اموال (ماده ۲۹)

اشاره

ماده ۲۹ ـ ممکن است اشـخاص نسـبت به اموال علاقه‌های ذیل را دارا باشند: ۱ ـ مـالکیت (اعم از عین یا منفعت ؛ ۲ ـ حق انتفاع ۳ ـ حق ارتفاق به ملک غیر.

فصل اول در مالکیت

ماده ۳۰ ـ هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف وانتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. ماده ۳۱ ـ هیـچ مـالی را از تصـرف صـاحب آن نمی‌تـوان بیرون کرد مگر به‌حکم قـانون مـاده ۳۲ ـ تمـام ثمرات و متعلقـات امـوال منقـوله و غیرمنقوله که طبعـا یـادر نتیجه عملی حاصـل شـده باشـد، بالتبع مال مالک اموال مزبوره‌است ماده ۳۳ ـ نمـا و محصـولی که از زمین حاصل می‌شود، مال مالک زمین‌است چه به خودی خود روئیده باشد یا به واسطهٔ عملیات مالک مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شـده باشـد، که‌در این صورت درخت و محصول مال صاحب اصـله یا حبه خواهـدبود، اگرچه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد. ماده ۳۴ ـ نتاج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هر کس مالک‌مادر شد، مالک نتاج آن هم خواهد شد. ماده ۳۵ ـ تصـرف به عنوان مـالکیت دلیـل مـالکیت است مگر اینکه‌خلاف آن ثابت شود. ماده ۳۶ ـ تصـرفی که ثابت شود ناشـی از سبب مملک یا ناقل قانونی‌نبوده معتبر نخواهد بود. ماده ۳۷ ـ اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقا مال مدعی او بوده است در این صورت مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای‌مالکیت شـخص مزبور، به تصـرف خود اسـتناد کند مگر اینکه ثابت‌نماید که ملک به ناقل صـحیح به او منتقل شـده است ماده ۳۸ ـ مـالکیت زمین مسـتلزم مـالکیت فضـای محاذی آن است تا هرکجا بالا رود و همچنین است نسبت به زیر زمین بالجمله مالک حق‌همه‌گونه تصـرف در هوا و قرار دارد مگر آنچه را که قانون اسـتثنا کرده‌باشـد. ماده ۳۹ ـ هر بنـا و درخت که در روی زمین است و همچنین هر بنا وحفری که در زیر زمین است ملک مالک آن زمین محسوب می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

فصل دوم در حق انتفاع

ماده ۴۰ ـ حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شـخص‌می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد اسـتفاده کند. مبحث اول در عمری و رقبی و سـکنی ماده ۴۱ ـ عمری حق انتفـاعی است که به موجب عقـدی از طرف مالک برای شـخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شـخص ثالثی‌برقرار شده باشد. ماده ۴۲ ـ رقبی حق انتفـاعی است که از طرف مالـک برای مـدت معینی‌برقرار می‌گردد. ماده ۴۳ ـ اگر حق انتفاع عبارت از سـکونت در مسـکنی باشد سـکنی یاحق سـکنی نامیده می‌شود و این حق ممکن است بطریق عمری یـابطریق رقبی برقرار شود. ماده ۴۴ ـ در صورتی که مالک برای حق انتفاع مـدتی معین نکرده باشـدحبس مطلق بوده و حق مزبور تـا فوت مالـک خواهـد بود مگر اینکه‌مالـک قبـل از فوت خود رجوع کنـد. ماده ۴۵ ـ در

موارد فوق حق انتفـاع را فقـط دربـاره شـخص يـا اشخاصـى‌مى‌توان برقرار كرد كه در حين ايجاد حق مزبور وجود داشـته باشـندولى ممكن است حـق انتفـاع تبعـا براى كسـانى هم كه در حين عقـد به وجـود نيامده‌انـد برقرار شـود و مـادامى كه صاحبـان حـق انتفـاع موجودهسـتند حق مزبور باقى و بعـد از انقراض آنها حق زايل مى‌گردد. ماده ۴۶ ـ حق انتفاع ممكن است فقط نسبت به مالى برقرار شود كه‌استفاده از آن با بقاى عين ممكن باشد اعم از اينكه مال مزبور منقول باشد يا غيرمنقول و مشاع باشد يا مفروز. ماده ۴۷ ـ در حبس اعم از عمرى و غيره قبض شرط صحت است ماده ۴۸ ـ منتفع بايد از مالى كه موضوع حق انتفاع است سوءاستفاده‌نكرده و در حفاظت آن تعـدى يا تفريط ننمايد. ماده ۴۹ ـ مخارج لازمه براى نگاهـدارى مالى كه موضوع انتفاع است برعهـده منتفع نيست مگر اينكه خلاف آن شرط باشد. ماده ۵۰ ـ اگر مالى كه موضوع حق انتفاع است بدون تعدى يا تفريط منتفع تلف شود، مشاراليه مسوول آن نخواهـد بود. ماده ۵۱ ـ حق انتفـاع در موارد ذيـل زايل مى‌شود: ۱ ـ در صورت انقضا مـدت ۲ ـ در صورت تلف‌شـدن مالى كه موضوع انتفـاع است ماده ۵۲ ـ در موارد ذيـل منتفع ضـامن تضـررات مالك است ۱ ـ در صورتيكه منتفع از مـال موضوع انتفـاع سـو استفاده كند؛ ۲ ـ در صورتيكه شـرايط مقرره از طرف مالـك را رعـايت ننمايـد و اين عـدم رعـايت موجب خسارتى بر موضوع حق انتفاع باشد. ماده ۵۳ ـ انتقـال عين از طرف مالـك به غير، موجب بطلاـن حق انتفاع‌نمى‌شود، ولى اگر منتقل‌اليه جاهل باشـد كه حق انتفـاع متعلق به ديگرى است اختيار فسـخ معامله را خواهـد داشت ماده ۵۴ ـ سـاير كيفيـات انتفاع از مال ديگرى بنحوى خواهـد بود كه‌مالك قرار داده يا عرف و عادت اقتضا بنمايـد. مبحث دوم در وقف ماده ۵۵ ـ وقف عبارت است از اينكه عين مال حبس و منافع آن تسبيل شود. ماده ۵۶ ـ وقف واقع مى‌شود به ايجـاب از طرف واقف به هر لفظى كه‌صـراحتا دلالت بر معنى آن كنـد و قبول طبقه اول از موقوف عليهم ياقـائم مقـام قـانونى آنهـا در صورتى كه محصور باشـند مثـل وقف براولاد و اگر موقوف عليهم غيرمحصور يا وقف بر مصالـح عامه باشـددر اين صورت قبول حاكم شـرط است ماده ۵۷ ـ واقف بايـد مالك مالى باشـد كه وقف ميكند و بعلاوه داراى اهليتى باشد كه در معاملات معتبر است ماده ۵۸ ـ فقط وقف مالى جايز است كه با بقاء عين بتوان از آن منتفع‌شد اعم از اينكه منقول باشـد يا غيرمنقول مشاع باشد يا مفروز. ماده ۵۹ ـ اگر واقف عين موقوفه را به تصـرف وقف ندهـد وقف محقق‌نمى‌شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پيـدا ميكند. ماده ۶۰ ـ در قبض فوريت شـرط نيست بلكه مادامى كه واقف رجوع ازوقف نكرده است هر وقت قبض بدهد وقف تمام مى‌شود. ماده ۶۱ ـ وقف بعد از وقوع آن به نحو صـحت و حصول قبض لازم‌است و واقف نمى‌تواند از آن رجوع كنـد يا در آن تغييرى بدهـد يا ازموقوف عليهم كسـى را خارج كند يا كسـى را داخل در موقوف عليهم‌نمايد يا با آنها شريك كنـد يا اگر در ضـمن عقـد متولى معين نكرده‌بعـد از آن متولى قرار دهـد يا خود به عنوان توليت دخالت كند. ماده ۶۲ ـ در صـورتى كه موقوف عليهم محصور باشـند خود آنهـا قبض‌ميكننـد و قبض طبقه اولى كـافى است و اگر موقوف عليهم‌غيرمحصور يا وقـف بر مصالـح عـامه باشـد، متولى وقف والاـ حـاكم‌قبض ميكنـد. مـاده ۶۳ ـ ولى و وصـى محجـورين از جـانب آنهـا موقـوفه را قبض‌ميكننـد و اگر خود واقف توليت را براى خود قرار داده باشـد قبض‌خود او كفايت ميكنـد. ماده ۶۴ ـ مـالى را كه منافع آن موقتا متعلـق به ديگرى است مى‌توان‌وقـف نمود و همچنين وقف ملكى كه در آن حق ارتفـاق موجوداست جـايز است بـدون اينكه به حق مزبور خللى وارد آيد. ماده ۶۵ ـ صـحت وقفى كه بعلت اضرار ديان واقف واقع شده باشد،منوط به اجازه ديان است ماده ۶۶ ـ وقف بر مقاصد غيرمشروع باطل است ماده ۶۷ ـ مالى كه قبض و اقباض آن ممكن نيست وقف آن باطل است‌ليكن اگر واقف تنها قادر بر اخذ و اقباض آن نباشد و موقوف عليه قادر به اخذ آن باشد صـحيح است ماده ۶۸ ـ هر چيزى كه طبعا يا برحسب عرف و عادت جز يـا از توابع‌و متعلقات عين موقوفه محسوب مى‌شود، داخل در وقف است مگر اينكه واقف آن را اسـتثنا كنـد بنحوى كه در فصل بيع مذكوراست ماده ۶۹ ـ وقف‌بر معدوم صحيح نيست مگر به تبع موجود. ماده ۷۰ ـ اگر وقف بر موجود و معدوم معا واقع شود، نسبت به سـهم موجود، صحيح و نسبت به سهم معدوم باطل است ماده ۷۱ ـ وقف بر مجهول صـحيح نيست ماده ۷۲ ـ وقف بر نفس به اين معنى كه واقف خود را موقوف عليه يـا جز موقوف عليهم نمايـد يـا پرداخت ديون يا ساير مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهـد،

باطل است اعم از اینکه راجع به حال حیات‌باشد یا بعد از فوت ماده ۷۳ ـ وقف بر اولاد و اقوام و خدمه و واردین و امثال آنها صحیح است ماده ۷۴ ـ در وقف بر مصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف‌علیهم واقع شود، می‌تواند منتفع گردد. ماده ۷۵ ـ واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره‌کردن امور موقوفه را مادام‌الحیاه یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و نیز می‌تواندمتولی دیگری معین کند که مستقلا یا مجتمعا با خود واقف اداره‌کند. تولیت اموال موقوفه ممکن است به یک یا چند نفر دیگر، غیراز خود واقف واگذار شود که هر یک مستقلا یا منضما اداره کنند و همچنین واقف می‌تواند شرط کند که خود او یا متولی که معین شده است نصب متولی کند و یا در این موضوع هر ترتیبی را که مقتضی‌بداند قرار دهد. ماده ۷۶ ـ کسی که واقف او را متولی قرار داده می‌تواند بدوا تولیت راقبول یا رد کند و اگر قبول کرد دیگر نمی‌تواند رد نماید و اگر رد کردمثل صورتی است که از اصل متولی قرار داده نشده باشد. ماده ۷۷ ـ هرگاه واقف برای دو نفر یا بیشتر بطور استقلال تولیت قرارداده باشد هر یک از آنها فوت کند، دیگری یا دیگران مستقلا تصرف میکنند و اگر به نحو اجتماع قرار داده باشد تصرف هر یک بدون‌تصویب دیگری یا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آنها،حاکم شخصی را ضمیمه آنکه باقی‌مانده است می‌نماید که مجتمعا تصرف کنند. ماده ۷۸ ـ واقف می‌تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد. ماده ۷۹ ـ واقف یا حاکم نمی‌تواند کسی را که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کند مگر در صورتی که حق عزل‌شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود، حاکم ضم امین‌میکند. ماده ۸۰ ـ اگر واقف وصف مخصوصی را در شخص متولی شرط کرده‌باشد و متولی فاقد آن وصف گردد منعزل می‌شود. ماده ۸۱ ـ در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود. ماده ۸۲ ـ هرگاه واقف برای اداره‌کردن موقوفه ترتیب خاصی معین‌کرده باشد متولی باید به همان ترتیب رفتار کند و اگر ترتیبی قرارنداده باشد متولی باید راجع به تعمیر و اجاره و جمع‌آوری منافع وتقسیم آن بر مستحقین و حفظ موقوفه و غیره مثل وکیل امینی عمل نماید. ماده ۸۳ ـ متولی نمی‌تواند تولیت را به دیگری تفویض کند مگر آن که‌واقف در ضمن وقف به او اذن داده باشد ولی اگر در ضمن وقف شرط مباشرت نشده باشد می‌تواند وکیل بگیرد. ماده ۸۴ ـ جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی‌قرار دهد و اگر حق‌التولیه معین نشده باشد متولی مستحق‌اجرت‌المثل عمل است ماده ۸۵ ـ بعد از آن که منافع موقوفه حاصل و حصه هر یک ازموقوف علیهم معین شد، موقوف علیه می‌تواند حصه خود راتصرف کند اگر چه متولی اذن نداده باشد مگر اینکه واقف اذن درتصرف را شرط کرده باشد. ماده ۸۶ ـ در صورتی که واقف ترتیبی قرار نداده باشد، مخارج تعمیر واصلاح موقوفه و اموری که برای تحصیل منفعت لازم است بر حق‌موقوف علیهم مقدم خواهد بود. ماده ۸۷ ـ واقف می‌تواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف‌علیهم به تساوی تقسیم شود یا به تفاوت و یا اینکه اختیار به‌متولی‌یاشخص دیگری‌بدهد که هر نحو مصلحت می‌داند تقسیم‌کند. ماده ۸۸ ـ بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که‌منجر به خرابی گردد بطوری که انتفاع از آن ممکن نباشد در صورتی‌جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضرنشود. ماده ۸۹ ـ هرگاه بعض موقوفه خراب یا مشرف به خرابی گردد بطوریکه انتفاع از آن ممکن نباشد، همان بعض فروخته می‌شود مگر اینکه‌خرابی بعض سبب سلب انتفاع قسمتی که باقی‌مانده است بشود،در این صورت تمام فروخته می‌شود. ماده ۹۰ ـ عین موقوفه در مورد جواز بیع به اقرب به غرض واقف‌تبدیل می‌شود. ماده ۹۱ ـ در موارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومیه‌خواهد شد: ۱ ـ در صورتی که منافع موقوفه مجهول‌المصرف باشد مگراینکه قدر متیقنی در بین باشد؛ ۲ ـ در صورتی که صرف منافع موقوفه در مورد خاصی که واقف معین کرده است متعذر باشد. مبحث سوم در حق انتفاع از مباحات ماده ۹۲ ـ هر کس می‌تواند با رعایت قوانین و نظامات راجعه به هر یک از مباحات از آنها استفاده نماید.

فصل سوم در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر و در احکام و آثا

مبحث اول در حق ارتفاق نسبت به ملك غير ماده ۹۳ ـ ارتفاق ، حقی است برای شخص در ملك ديگری ماده ۹۴ ـ صاحبان املاك می‌توانند در ملك خود هر حقی را كه بخواهند نسبت به ديگری قرار دهند در اين صورت كيفيت‌استحقاق ، تابع قرارداد و عقديست كه مطابق آن حق داده شده است ماده ۹۵ ـ هرگاه زمين يا خانه كسی مجرای فاضلاب يا آب باران زمين ياخانه ديگری بوده است صاحب آن خانه يا زمين نمی‌تواند جلوگيری‌از آن كند مگر در صورتی كه عدم استحقاق او معلوم شود. ماده ۹۶ ـ چشمه واقعه در زمين كسی محكوم به ملكيت صاحب زمين‌است مگر اينكه ديگری نسبت به آن چشمه عينا يا انتفاعا حقی‌داشته باشد. ماده ۹۷ ـ هرگاه كسی از قديم در خانه يا ملك ديگری مجرای آب به‌ملك خود يا حق مرور داشته صاحب‌خانه يا ملك نمی‌تواند مانع آب‌بردن يا عبور او از ملك خود شود و همچنين است ساير حقوق از قبيل حق داشتن در و شبكه و ناودان و حق شرب و غيره ماده ۹۸ ـ اگر كسی حق عبور در ملك غير ندارد ولی صاحب ملك اذن‌داده باشد كه از ملك او عبور كنند، هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن‌خود رجوع كرده و مانع عبور او بشود و همچنين است سايرارتفاقات ماده ۹۹ ـ هيچ كس حق ندارد ناودان خود را بطرف ملك ديگری بگذارديا آب باران از بام خود به بام يا ملك همسايه جاری كند و يا برف‌بريزد مگر به اذن او. ماده ۱۰۰ ـ اگر مجرای آب شخصی در خانه ديگری باشد و در مجری‌خرابی بهم رسد بنحوی كه عبور آب موجب خسارت خانه شودمالك خانه حق ندارد صاحب مجری را به تعمير مجری اجبار كندبلكه خود او بايد دفع ضرر از خود نمايد چنانچه اگر خرابی مجری‌مانع عبور آب شود مالك خانه ملزم نيست كه مجری را تعمير كندبلكه صاحب حق بايد خود رفع مانع كند در اين صورت برای تعمير مجری می‌تواند داخل خانه يا زمين شود وليكن بدون ضرورت حق‌ورود ندارد مگر به اذن صاحب ملك ماده ۱۰۱ ـ هرگاه كسی از آبی كه ملك ديگری است بنحوی از انحا ،حق انتفاع داشته باشد از قبيل دايركردن آسيا و امثال آن صاحب آن‌نمی‌تواند مجری را تغيير دهد بنحوی كه مانع از استفاده حق ديگری‌باشد. ماده ۱۰۲ ـ هرگاه ملكی كلا يا جزئا به كسی منتقل شود و برای آن ملك‌حق‌الارتفاقی در ملك ديگر يا در جزء ديگر همان ملك موجود باشدآن حق به حال خود باقی می‌ماند مگر اينكه خلاف آن تصريح شده‌باشد. ماده ۱۰۳ ـ هرگاه شركا ملكی دارای حقوق و منافعی باشند و آن ملك‌مابين شركا تقسيم شود هر كدام از آنها به قدر حصه مالك آن‌حقوق و منافع خواهد بود مثل اينكه اگر ملكی دارای حق عبور درملك غير بوده و آن ملك كه دارای حق است بين چند نفر تقسيم‌شود هر يك از آنها حق عبور از همان محلی كه سابقا حق داشته‌است خواهد داشت ماده ۱۰۴ ـ حق‌الارتفاق مستلزم وسايل انتفاع از آن حق نيز خواهد بودمثل اينكه اگر كسی حق شرب از چشمه يا حوض يا آب‌انبار غيردارد حق عبور تا آن چشمه يا حوض و آب‌انبار هم برای برداشتن آب‌دارد. ماده ۱۰۵ ـ كسی كه حق‌الارتفاق در ملك غير دارد مخارجی كه برای‌تمتع از آن حق لازم شود به عهده صاحب حق می‌باشد مگر اينكه‌بين او و صاحب ملك برخلاف آن قراری داده شده باشد. ماده ۱۰۶ ـ مالك ملكی كه مورد حق‌الارتفاق غير است نمی‌تواند درملك خود تصرفاتی نمايد كه باعث تضييع يا تعطيل حق مزبورباشد مگر با اجازه صاحب حق ماده ۱۰۷ ـ تصرفات صاحب‌حق در ملك‌غير كه متعلق حق‌اوست بايدبه‌اندازه‌ای باشد كه قرار داده‌اند و يا به مقدار متعارف و آنچه‌ضرورت انتفاع اقتضاء می‌كند. ماده ۱۰۸ ـ در تمام مواردی كه انتفاع كسی از ملك ديگری به موجب‌اذن محض باشد مالك می‌تواند هر وقت بخواهد از اذن خود رجوع‌كند مگر اينكه مانع قانونی موجود باشد. مبحث دوم در احكام و آثار املاك نسبت به املاك مجاور ماده ۱۰۹ ـ ديواری كه مابين دو ملك واقع است مشترك مابين صاحب‌آن دو ملك محسوب می‌شود مگر اينكه قرينه يا دليلی برخلاف آن‌موجود باشد. ماده ۱۱۰ ـ بنا، بطور ترصيف و وضع سرتير از جمله قرائن است كه‌دلالت بر تصرف واختصاص می‌كند. ماده ۱۱۱ ـ هرگاه از دو طرف بنا متصل به ديوار، به‌طور ترصيف باشدو يا از هر دوطرف به‌روی ديوار، سرتير گذاشته شده باشد آن ديوارمحكوم به اشتراك است مگر اينكه خلاف آن ثابت شود. ماده ۱۱۲ ـ هرگاه قرائن اختصاصی فقط از يك طرف باشد تمام ديوارمحكوم به ملكيت صاحب آن طرف خواهد بود مگر اينكه خلافش ثابت شود. ماده ۱۱۳ ـ مخارج ديوارمشترك برعهده كسانی‌است كه‌درآن‌شركت دارند. ماده ۱۱۴ ـ هيچ يك از شركا

نمی‌تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیردیوار مشترک نماید مگر اینکه دفع ضرر به نحو دیگری ممکن‌نباشد. ماده ۱۱۵ ـ در صورتی که دیوار مشترک خراب شود و احد شریکین ازتجدید بنا و اجازه تصرف در مبنای مشترک امتناع نماید شریک‌دیگر می‌تواند در حصه خاص خود تجدید بنای دیوار را کند. ماده ۱۱۶ ـ هرگاه احد شرکا، راضی به تصرف دیگری در مبنا باشدولی از تحمل مخارج مضایقه نماید شریک دیگر می‌تواند بنای‌دیوار را تجدید کند و در این صورت اگر بنای جدید با مصالح‌مشترک ساخته شود دیوار، مشترک خواهد بود والّا مختص به‌شریکی است که بنا را تجدید کرده است ماده ۱۱۷ ـ اگر یکی از دو شریک دیوار مشترک را خراب کند درصورتی که خراب‌کردن آن لازم نبوده باید آنکه خراب کرده مجددا آن را بنا کند. ماده ۱۱۸ ـ هیچیک از دو شریک حق ندارد دیوار مشترک را بالا ببرد یاروی آن بنا یا سرتیری بگذارد یا دریچه و رف باز کند یا هر نوع‌تصرفی نماید مگر به اذن شریک دیگر. ماده ۱۱۹ ـ هر یک از شرکا بر روی دیوار مشترک سرتیر داشته باشدنمی‌تواند بدون رضای شریک دیگر تیرها را از جای خود تغییر دهد و به جای دیگر از دیوار بگذارد. ماده ۱۲۰ ـ اگر صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر روی دیوار اوسرتیری بگذارد یا روی آن بنا کند، هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن‌خود رجوع کند مگر اینکه به وجه ملزمی این حق را از خود سلب‌کرده باشد. ماده ۱۲۱ ـ هرگاه کسی به اذن صاحب دیوار، بر روی دیوار، سرتیری‌گذارده باشد و بعد آن را بردارد نمی‌تواند مجددا بگذارد مگر به اذن‌جدید از صاحب دیوار و همچنین است سایر تصرفات ماده ۱۲۲ ـ اگر دیواری متمایل به ملک غیر یا شارع و نحو آن شود که‌مشرف به خرابی گردد صاحب آن اجبار می‌شود که آن را خراب کند. ماده ۱۲۳ ـ اگر خانه یا زمینی بین دو نفر تقسیم شود یکی از آنهانمی‌تواندیگری‌رامجبورکندکه‌باهم‌دیواری‌مابین‌دوقسمت بکشند. ماده ۱۲۴ ـ اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختصی همسایه بوده‌و سابقه این تصرف معلوم نباشد باید به حال سابق باقی بماند و اگربه سبب خرابی عمارت و نحو آن سرتیر برداشته شود صاحب‌عمارت می‌تواند آن را تجدید کند و همسایه حق ممانعت ندارد مگراینکه ثابت نماید وضعیت سابق به صرف اجازه او ایجاد شده بوده‌است ماده ۱۲۵ ـ هرگاه طبقه تحتانی مال کسی باشد و طبقه فوقانی مال‌دیگری هر یک از آنها می‌تواند بطور متعارف در حصه اختصاصی‌خود تصرف بکند لیکن نسبت به سقف دو طبقه هر یک از مالکین‌طبقه فوقانی و تحتانی می‌تواند در کف یا سقف طبقه اختصاصی‌خود، بطور متعارف آن اندازه تصرف نماید که مزاحم حق دیگری‌نباشد. ماده ۱۲۶ ـ صاحب اطاق تحتانی نسبت به دیوارهای اطاق و صاحب‌فوقانی نسبت به دیوارهای غرفه بالاختصاص و هر دونسبت‌به‌سقف‌مابین‌اطاق وغرفه‌بالاشتراک‌متصرف‌شناخته می‌شوند. ماده ۱۲۷ ـ پله فوقانی ملک صاحب طبقه فوقانی محسوب است مگراینکه خلاف آن ثابت شود. ماده ۱۲۸ ـ هیچ یک از صاحبان طبقه تحتانی و غرفه فوقانی نمی‌تواندیگری را اجبار به تعمیر یا مساعدت در تعمیر دیوارها و سقف آن‌بنماید. ماده ۱۲۹ ـ هرگاه سقف واقع مابین عمارت تحتانی و فوقانی خراب‌شود، در صورتی که بین مالک فوقانی و مالک تحتانی موافقت درتجدید بنا حاصل نشود و قرارداد ملزمی سابقا بین آنها موجودنباشد هر یک از مالکین اگر تبرعا سقف را تجدید نموده چنانچه بامصالح مشترک ساخته شده باشد سقف مشترک است و اگر بامصالح مختصه ساخته شده متعلق به بانی خواهد بود. ماده ۱۳۰ ـ کسی حق ندارد از خانه خود به فضای خانه همسایه بدون‌اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم به رفع آن‌خواهد بود. ماده ۱۳۱ ـ اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین‌همسایه شود باید از آن جا عطف کند و اگر نکرد همسایه می‌تواندآن را عطف کند و اگر نشد از حد خانه خود قطع کند و همچنین‌است حکم ریشه‌های درخت که داخل ملک غیر می‌شود. ماده ۱۳۲ ـ کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت یارفع ضرر از خود باشد. ماده ۱۳۳ ـ کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در بازکند اگر چه دیوار، ملک مختصی او باشد لیکن می‌تواند از دیوارمختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را نداردولی همسایه هم می‌تواند جلو روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده‌بیاویزد که مانع رؤیت شود. ماده ۱۳۴ ـ هیچیک از اشخاصی که در یک معبر یا یک مجری شریکندنمی‌توانند شرکا دیگر را مانع از عبور یا بردن آب شوند. ماده

۱۳۵ ـ درخت و حفیره و نحو آنها که فاصل مابین املاک باشد درحکم دیوار مابین خواهد بود. مبحث سوم در حریم املاک ماده ۱۳۶ ـ حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال‌آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد. ماده ۱۳۷ ـ حریم چاه برای آب خوردن (۲۰) گز و برای زراعت (۳۰) گزاست ماده ۱۳۸ ـ حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخوه (۵۰۰) گز ودر زمین سخت (۲۵۰) گز است لیکن اگر مقادیر مذکوره در این ماده و ماده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد به اندازه‌ای که برای‌دفع ضرر کافی باشد به آن افزوده می‌شود. ماده ۱۳۹ ـ حریم در حکم ملک صاحب حریم است و تملک و تصرف‌در آن که منافی باشد با آنچه مقصود از حریم است بدون اذن از طرف‌مالک صحیح نیست و بنابراین کسی نمی‌تواند در حریم چشمه و یاقنات دیگری چاه یا قنات بکند ولی تصرفاتی که موجب تضرر نشود جائز است

کتاب دوم در اسباب تملک

اشاره

ماده ۱۴۰ ـ تملک حاصل می‌شود: ۱ ـ به احیا اراضی موات و حیازت اشیا مباحه ۲ ـ به وسیله عقود و تعهدات ۳ ـ به وسیله اخذ به شفعه ۴ ـ به ارث

قسمت اول در احیاء اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه

باب اول در احیاء اراضی موات و مباحه

ماده ۱۴۱ ـ مراد از احیا زمین آنست که اراضی موات و مباحه را بوسیله عملیاتی که در عرف آباد کردن محسوب است از قبیل زراعت درختکاری بناساختن و غیره قابل استفاده نمایند. ماده ۱۴۲ ـ شروع در احیاء از قبیل سنگ چیدن اطراف زمین یا کندن چاه و غیره تحجیر است و موجب مالکیت نمی‌شود ولی برای تحجیرکننده ایجاد حق اولویت در احیا می‌نماید. ماده ۱۴۳ ـ هر کس از اراضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملک احیا کند مالک آن قسمت می‌شود. ماده ۱۴۴ ـ احیا اطراف زمین موجب تملک وسط آن نیز می‌باشد. ماده ۱۴۵ ـ احیا کننده باید قوانین دیگر مربوط به این موضوع را از هرحیث رعایت نماید.

باب دوم در حیازت مباحات

ماده ۱۴۶ ـ مقصود از حیازت تصرف و وضع ید است یا مهیاکردن وسایل تصرف و استیلا. ماده ۱۴۷ ـ هرکس مال مباحی را با رعایت قوانین مربوط به ان حیازت‌کند مالک آن می‌شود. ماده ۱۴۸ ـ هرکس در زمین مباح نهری بکند و متصل کند به رودخانه ان نهر را احیا کرده و مالک آن نهر می‌شود ولی مادامی که متصل به‌رودخانه نشده است تحجیر محسوب می‌شود. ماده ۱۴۹ ـ هرگاه کسی به قصد حیازت میاه مباحه نهر یا مجری‌احداث کند آب مباحی که در نهر یا مجرای مزبور وارد شود ملک‌صاحب مجری است و بدون اذن مالک نمی‌توان از ان نهری جدا کردیا زمینی مشروب نمود. ماده ۱۵۰ ـ هرگاه چند نفر در کندن مجری یا چاه شریک شوند به نسبت‌عمل و مخارجی که موجب تفاوت عمل باشد مالک آب می‌شوندو به همان نسبت بین آنها تقسیم می‌شود. ماده ۱۵۱ ـ یکی از شرکا نمی‌تواند از مجرای مشترک مجرایی جداکند یا دهنه نهر را وسیع یا تنگ کند یا روی آن پل یا آسیاب بسازد یا اطراف آن درخت بکارد یا هر نحو تصرفی کند مگر به اذن سایرشرکا. ماده ۱۵۲ ـ اگر نصیب مفروز یکی از شرکا از آب نهر مشترک داخل‌مجرای مختصی ان شخص شود آن آب ملک مخصوص آن می‌شود و هر نحو تصرفی در آن می‌تواند بکند. ماده

۱۵۳ ـ هرگاه نهری مشترک مابین جماعتی باشد و در مقدار نصیب‌هریک از آنها اختلاف شود، حکم به‌تساوی نصیب آنها می‌شود مگراینکه دلیلی بر زیادتی نصیب بعضی از آنها موجود باشد. ماده ۱۵۴ ـ کسی نمی‌تواند از ملک غیر، آب به ملک خود ببرد بدون اذن‌مالک اگر چه راه دیگری نداشته باشد. ماده ۱۵۵ ـ هر کس حق دارد از نهرهای مباحه اراضی خود را مشروب‌کند یا برای زمین و آسیاب و سایر حوائج خود، از آن نهر جدا کند. ماده ۱۵۶ ـ هرگاه آب نهر کافی نباشد که تمام اراضی اطراف آن مشروب‌شود و مابین صاحبان اراضی در تقدم و تاخر اختلاف شود وهیچیک نتواند حق تقدم را ثابت کند، با رعایت ترتیب هر زمینی که‌به منبع آب نزدیکتر است به قدر حاجت حق تقدم بر زمین پائین‌ترخواهد داشت ماده ۱۵۷ ـ هرگاه دو زمین در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهندآب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تاخر دربردن آب به نسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشدبه نسبت حصه تقسیم می کنند. ماده ۱۵۸ ـ هرگاه تاریخ احیا اراضی اطراف رودخانه مختلف باشدزمینی که احیا آن مقدم بوده است در آب نیز مقدم می‌شود بر زمین متاخر در احیا، اگر چه پائین‌تر از آن باشد. ماده ۱۵۹ ـ هرگاه کسی بخواهد جدیدا زمینی در اطراف رودخانه احیاکند اگر آب رودخانه زیاد باشد و برای صاحبان اراضی سابقه تضییقی نباشد می‌تواند از آب رودخانه زمین جدید را مشروب کند و الا حق‌بردن آب ندارد اگر چه زمین او بالاتر از سایر اراضی باشد. ماده ۱۶۰ ـ هر کس در زمین خود یا اراضی مباحه به قصد تملک قنات یا چاهی بکند تا به آب برسد یا چشمه جاری کند مالک آب آن می‌شود و در اراضی مباحه مادامی که به آب نرسیده تحجیرمحسوب است

باب سوم در معادن

ماده ۱۶۱ ـ معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملک صاحب زمین‌است و استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود.

باب چهارم دراشیا پیداشده و حیوانات‌ضاله

فصل اول در اشیا پیدا شده ماده ۱۶۲ ـ هرکس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم که وزن ان ۶/۱۲ نخود نقره باشد، می‌تواند آن را تملک کند. ماده ۱۶۳ ـ اگر قیمت مال پیدا شده یک درهم که وزن آن ۶/۱۲ نخود نقره یا بیشتر باشد، پیدا کننده باید یک‌سال تعریف کند و اگر درمدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را بطور امانت نگاه دارد یا تصرف دیگری در آن بکند، در صورتی که آن را بطور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود، ضامن‌نخواهد بود. تبصره ـ در صورتی که پیداکننده مال از همان ابتدا یا پیش از پایان مدت یک‌سال علم‌حاصل کند که تعریف بی‌فایده است و یا از یافتن صاحت مال مایوس گردد، تکلیف تعریف از او ساقط می‌شود. ماده ۱۶۴ ـ تعریف اشیا پیدا شده عبارتست از نشر و اعلان برحسب مقررات شرعی بنحوی که بتوان گفت که عادتا به اطلاع اهالی محل رسیده است ماده ۱۶۵ ـ هرکس در بیابان یا خرابه که خالی از سکنه بوده و مالک‌خاصی ندارد مالی پیدا کند می‌تواند آن را تملک کند و محتاج به تعریف نیست مگر اینکه معلوم باشد که مال عهد زمان حاضر استدر این صورت در حکم سایر اشیا پیدا شده در ابادی خواهد بود. ماده ۱۶۶ ـ اگر کسی در ملک غیر یا ملکی که از غیر خریده مالی پیداکند و احتمال بدهد که مال مالک فعلی یا مالکین سابق است باید به انها اطلاع بدهد، اگر انها مدعی مالکیت شدند و به قرائن مالکیت آنها معلوم شد باید به انها بدهد والا به طریقی که فوقا مقرر است‌رفتار نماید. ماده ۱۶۷ ـ اگر مالی که پیدا شده است ممکن نیست باقی بماند و فاسدمی‌شود باید به قیمت عادله فروخته شود و قیمت آن در حکم خودمال پیدا شده خواهد بود. ماده ۱۶۸ ـ اگر مال پیدا شده در زمان تعریف بدون تقصیر پیداکننده تلف شود مشارالیه ضامن نخواهد بود. ماده ۱۶۹ ـ منافعی که از مال پیدا شده حاصل می‌شود قبل از تملک متعلق به صاحب آن است و بعد از تملک مال پیدا کننده است فصل دوم در حیوانات ضاله ماده ۱۷۰ ـ حیوان گمشده (ضاله) عبارت از هر حیوان مملوکی است که‌بدون متصرف یافت شود ولی اگر حیوان

مزبور در چراگاه یا نزدیک آبی یافت شود یا متمکن از دفاع خود در مقابل حیوانات درنده باشدضاله محسوب نمی‌گردد. ماده ۱۷۱ ـ هرکس حیوان ضاله پیدا نماید باید آن را به مالك آن رد کند و اگر مالك را نشناسد باید به حاکم یا قائم مقام او تسلیم کند والا ضامن خواهد بود اگر چه آن را بعد از تصرف رها کرده باشد. ماده ۱۷۲ ـ اگر حیوان گمشده در نقاط مسکونه یافت شود و پیدا کننده بادسترسی به حاکم یا قائم مقام او، آن را تسلیم نکند حق مطالبه مخارج نگاهداری آن را از مالك نخواهد داشت هرگاه حیوان ضاله در نقاط غیرمسکونه یافت شود پیداکننده می‌تواند مخارج نگاهداری آن را از مالك مطالبه کند مشروط بر اینکه از حیوان انتفاعی نبرده باشد و الا مخارج نگاهداری با منافع حاصله احتساب و پیدا کننده یا مالك فقط برای بقیه حق رجوع به یکدیگر را خواهند داشت

باب پنجم در دفینه

ماده ۱۷۳ ـ دفینه مالی است که در زمین یا بنایی دفن شده و برحسب‌اتفاق و تصادف پیدا می‌شود. ماده ۱۷۴ ـ دفینه که مالك آن معلوم نباشد ملك کسی است که آن را پیداکرده است ماده ۱۷۵ ـ اگر کسی در ملك غیر، دفینه پیدا نماید باید به مالك اطلاع‌دهد، اگر مالك زمین مدعی مالکیت دفینه شد و آن را ثابت کرد ،دفینه به مدعی مالکیت تعلق می‌گیرد. ماده ۱۷۶ ـ دفینه که در اراضی مباحه کشف شود متعلق به مستخرج آن‌است ماده ۱۷۷ ـ جواهری که از دریا استخراج می‌شود ملك کسی است که آن را استخراج کرده است و آنچه که آب به ساحل می‌اندازد ملك کسی است که آن را حیازت نماید. ماده ۱۷۸ ـ مالی که در دریا غرق شده و مالك از آن اعراض کرده است مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.

باب ششم در شکار

ماده ۱۷۹ ـ شکارکردن موجب تملك است ماده ۱۸۰ ـ شکار حیوانات اهلی و حیوانات دیگری که علامت مالکیت در آن باشد موجب تملك نمی‌شود. ماده ۱۸۱ ـ اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند زنبور عسلی که در آن جمع می‌شوند ملك آن شخص است همین طوراست حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود. ماده ۱۸۲ ـ مقررات دیگر راجع به شکار به موجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد.

قسمت دوم در عقود و معاملات و الزامات

باب اول در عقود و تعهّدات بطورکلّی (ماده ۱۸۳ الی ۳۰۰)

ماده ۱۸۳ ـ عقد عبارت است از اینکه یك یا چند نفر در مقابل یك یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. فصل اول در اقسام عقود و معاملات ماده ۱۸۴ ـ عقود و معاملات به اقسام ذیل منقسم می‌شوند: لازم جایز، خیاری منجز و معلق ماده ۱۸۵ ـ عقد لازم آنست که هیچیك از طرفین معامله حق فسخ آن رانداشته باشد مگر در موارد معینه ماده ۱۸۶ ـ عقد جایز آن است که هر یك از طرفین بتوآند هر وقتی بخواهد آنرا فسخ کند. ماده ۱۸۷ ـ عقد ممکن است نسبت به یك طرف لازم باشد و نسبت به‌طرف دیگر جایز. ماده ۱۸۸ ـ عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آنها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد. ماده ۱۸۹ ـ عقد منجز آن است که تاثیر آن برحسب انشاء، موقوف به امر دیگری نباشد والا ـ معلق خواهد بود. فصل دوم در شرایط اساسی برای صحت معامله ماده ۱۹۰ ـ برای صحت هرمعامله شرایط ذیل اساسی است ۱ ـ قصد طرفین و رضای آنها؛ ۲ ـ اهلیت طرفین ۳ ـ موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴ ـ مشروعیت جهت معامله مبحث اول در قصد طرفین و رضای آنها ماده ۱۹۱ ـ عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به‌چیزی که دلالت بر قصد کند. ماده ۱۹۲ ـ در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن

نباشـد،اشاره که مبین قصـد و رضا باشد کافی است ماده ۱۹۳ ـ انشاء معامله ممکن است به وسـیله عملی که مبین قصد و رضا باشـد مثـل قبض و اقبـاض حاصـل گـردد مگـر در مواردی که قـانون اسـتثناء کرده باشـد. مـاده ۱۹۴ ـ الفـاظ و اشـارات و اعمـال دیگر که متعاملین به وسـیله آن انشاء معامله می‌نمایند باید موافق باشد بنحوی که احد طرفین ، همآن عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشـاء آن را داشـته است‌والا معامله باطل خواهـد بود. ماده ۱۹۵ ـ اگر کسـی در حال مستی یا بیهوشـی یا در خواب معامله‌نمایـد آن معامله به واسـطه فقـدآن قصد باطل است ماده ۱۹۶ ـ کسـی که معامله می کنـد آن معامله برای خود آن شـخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد، خلاف آن را تصـریح نمایدیا بعد، خلاف آن ثابت شود معذلک ممکن است در ضـمن معامله که شخص برای خود می کند تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید. ماده ۱۹۷ ـ در صورتی که ثمن یا مثمن معامله عین متعلق به غیر باشد،آن معامله برای صاحب عین خواهـد بود. ماده ۱۹۸ ـ ممکن است طرفین یـا یکی از آنهـا بوکالت از غیر اقدام‌بنمایـد و نیز ممکن است که یک نفر بوکـالت از طرف متعاملین این اقـدام را بعمل اورد. ماده ۱۹۹ ـ رضای حاصل در نتیجه اشـتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله‌نیسـت ماده ۲۰۰ ـ اشـتباه وقتی موجب عـدم نفوذ معامله است که مربوط به‌خود موضوع معامله باشد. ماده ۲۰۱ ـ اشتباه در شخص طرف به صحت معـامله خللی وارد نمی آورد مگر در مواردی که شخصـیت طرف علت عمـده عقـد بوده‌باشـد. مـاده ۲۰۲ ـ اکراه به اعمـالی حاصـل می‌شود که موثر در شـخص بـا شـعوری بوده و او را نسـبت به جـان یا مال یا ابروی خود تهدیـد کنـد بنحوی که عادتا قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه امیز سن وشخصـیت و اخلاق و مرد یا زن‌بودن شـخص باید در نظر گرفته شود. ماده ۲۰۳ ـ اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگرچه از طرف شـخص‌خارجی غیر از متعاملین واقع شود. ماده ۲۰۴ ـ تهدید طرف معامله در نفس یا جـان یـا ابروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و اباء و اولاد موجب اکراه است در مورد این‌ماده تشـخیص نزدیکی درجه برای موثر بودن اکراه بسته به نظر عرف‌است ماده ۲۰۵ ـ هرگاه شخصی که تهدید شده است بداند که تهدیدکننده نمی تواند تهدید خود را به موقع اجرا گـذارد و یا خود شـخص مزبور قادر باشد بر اینکه بدون مشـقت اکراه را از خود دفع کند و معامله را واقع نسازد آن شخص مکره محسـوب نمی‌شـود. مـاده ۲۰۶ ـ اگر کسـی در نـتیجه اضـطرار، اقـدام بـه معـامله کنـد مکره محسـوب نشـده و معـامله اضـطراری معتبر خواهد بود. ماده ۲۰۷ ـ ملزم‌شـدن شـخص به انشـاء معـامله به حکم مقامات صالحه قانونی اکراه محسوب نمی‌شود. ماده ۲۰۸ ـ مجرد خـوف از کسـی بـدون آن که از طرف آن کس تهدیدی‌شـده باشـد اکراه محسوب نمی‌شود. مـاده ۲۰۹ ـ امضای معـامله بعـد از رفـع اکراه موجب نفوذ معـامله است مبحث دوم در اهلیت طرفین مـاده ۲۱۰ ـ متعاملین بایـد برای معامله اهلیت داشـته باشند. ماده ۲۱۱ ـ برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل‌و رشـید باشـند. ماده ۲۱۲ ـ معامله با اشخاصـی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به‌واسطه عدم اهلیت باطل است ماده ۲۱۳ ـ معامله محجورین نافذ نیست مبحث سوم در مورد معامله ماده ۲۱۴ ـ مورد معامله بایـد مال یا عملی باشـد که هر یک از متعاملین تعهـد تسلیم یا ایفاء آن را می کنند. ماده ۲۱۵ ـ مورد معامله بایـد مالیت داشـته و متضـمن منفعت عقلایی‌مشروع باشد. ماده ۲۱۶ ـ مورد معـامله بایـد مبهم نباشـد مگر در موارد خـاصه که علم‌اجمالی به آن کـافی است مبحث چهارم در جهت معامله ماده ۲۱۷ ـ در معامله لازم نیست که جهت آن تصـریح شود ولی اگر تصـریح شده باشد، بایـد مشـروع باشـد والا معامله باطل است ماده ۲۱۸ ـ هرگـاه معلوم شود که معـامله بـا قصـد فرار از دین بطور صوری‌انجام شـده آن معـامله باطل است ماده ۲۱۸ مکرر ـ هرگـاه طلبکـار به دادگاه دادخواست داده دلایل اقامه نمایـد که مـدیون برای فرار از دین قصـد فروش اموال خود را دارد،دادگاه می توانـد قرار توقیف اموال وی را به میزان بـدهی او صادرنمایـد، که در این صورت بـدون اجازه دادگـاه حق فروش اموال را نخواهـد داشت فصـل سوم در اثر معاملاـت مبحث اول در قواعـد عمومی ماده ۲۱۹ ـ عقـودی که برطبق قانون واقع شـده باشـد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یابعلت قانونی فسخ شود. ماده ۲۲۰ ـ عقـود نـه فقـط متعـاملین را به اجرای چیزی که در آن تصـریح‌شده است ملزم می‌نمایـد بلکه متعـاملین به کلیه نتـایجی هم که به‌موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشـند. ماده ۲۲۱ ـ اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند

یا تعهد نماید که ازانجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسوول خسارت‌طرف مقابل است مشروط براینکه جبران خسارت تصریح شده و یاتعهد، عرفا به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد. ماده ۲۲۲ ـ در صورت عدم ایفاء تعهد با رعایت ماده فوق ، حاکم‌می تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تادیه مخارج آن محکوم نماید. ماده ۲۲۳ ـ هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگراینکه فساد آن معلوم شود. ماده ۲۲۴ ـ الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه ماده ۲۲۵ ـ متعارف‌بودن امری در عرف و عادت بطوری که عقد بدون‌تصریح هم منصرف به آن باشد بمنزله ذکر در عقد است مبحث دوم در خسارات حاصله‌ازعدم‌اجرای تعهدات ماده ۲۲۶ ـ در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف‌دیگر نمی تواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفاء تعهد، مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می تواند ادعای خسارت‌نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد رامطالبه کرده است ماده ۲۲۷ ـ متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت‌می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی‌بوده است که نمی توان مربوط به او نمود. ماده ۲۲۸ ـ در صورتی که موضوع تعهد، تادیه وجه نقدی باشد، حاکم‌می تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تاخیر در تادیه دین محکوم نماید. ماده ۲۲۹ ـ اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تادیه‌خسارت نخواهد بود. ماده ۲۳۰ ـ اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید، حاکم نمی تواند او رابه بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند. مبحث سوم در اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث ماده ۲۳۱ ـ معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها موثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶. فصل چهارم در بیان شرایطی که در ضمن عقد می‌شود مبحث اول در اقسام شرط ماده ۲۳۲ ـ شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست ۱ ـ شرطی که انجام آن غیر مقدور باشد؛ ۲ ـ شرطی که در آن نفع و فایده نباشد؛ ۳ ـ شرطی که نامشروع باشد. ماده ۲۳۳ ـ شروط مفصله ذیل‌باطل و موجب بطلان عقد است ۱ ـ شرط خلاف مقتضای عقد؛ ۲ ـ شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود. ماده ۲۳۴ ـ شرط بر سه قسم است ۱ ـ شرط صفت ۲ ـ شرط نتیجه ۳ ـ شرط فعل اثباتا یا نفیا. شرط صفت عبارت است از شرط راجعه به کیفیت یا کمیت‌مورد معامله شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود. شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. مبحث دوم در احکام شرط ماده ۲۳۵ ـ هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده‌است خیار فسخ خواهد داشت ماده ۲۳۶ ـ شرط نتیجه در صورتی که حصول آن نتیجه موقوف به‌سبب خاصی نباشد آن نتیجه به نفس اشتراط حاصل می‌شود. ماده ۲۳۷ ـ هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد اثباتا یا نفیا،کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می تواند به حاکم رجوع نموده‌تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید. ماده ۲۳۸ ـ هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام‌آن غیرمقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد،حاکم‌می تواند به‌خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند. ماده ۲۳۹ ـ هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن‌نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتوآند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت ماده ۲۴۰ ـ اگر بعد از عقد، انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که‌حین‌العقد ممتنع بوده است کسی که شرط بر نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد. ماده ۲۴۱ ـ ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آنچه که به واسطه معامله مشغول الذمه می‌شود رهن یا ضامن بدهد. ماده ۲۴۲ ـ هرگاه در عقد، شرط شده باشد که مشروط علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود مشروط له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارش عیب و اگر بعد از آن که مال را مشروط له به رهن گرفت آن مال

تلف یامعیوب شود دیگر اختیار فسخ نـدارد. ماده ۲۴۳ ـ هرگاه در عقـد، شـرط شـده باشـد که ضامنی داده شود و این شـرط انجام نگیرد مشروط له حق فسخ معامله را خواهد داشت ماده ۲۴۴ ـ طرف معامله که شرط به نفع او شـده می تواند از عمل به آن شـرط صرفنظر کنـد در این صورت مثل آن است که این شـرط درمعامله قیـد نشـده باشد لیکن شـرط نتیجه قابل اسـقاط نیست ماده ۲۴۵ ـ اسـقاط حق حاصل از شـرط ممکن است به لفظ باشد یا بهفعل یعنی عملی که دلالت بر اسـقاط شرط نماید. ماده ۲۴۶ ـ در صورتی که معامله به واسـطه اقاله یا فسخ بهم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام آن شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد می تواند عوض او را از مشروط له بگیرد. فصل پنجم در معاملاتی که موضوع آن مال غیر است یـا معاملات فضولی ماده ۲۴۷ ـ معـامله به مـال غیر، جز به عنوان ولاـیت یا وصایت یاوکالت نافـذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطنا راضـی باشـد ولی اگرمالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود در این‌صورت معامله صـحیح و نافـذ می‌شود. ماده ۲۴۸ ـ اجازه مالک نسبت به معامله فضولی حاصل می‌شود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید. ماده ۲۴۹ ـ سکوت مالک ولو بـا حضور در مجلس عقـد، اجازه‌محسوب نمی‌شود. ماده ۲۵۰ ـ اجـازه در صورتی موثر است که مسبوق به رد نباشـد والا اثری نـدارد. ماده ۲۵۱ ـ رد معـامله فضولی حاصـل می‌شود به هر لفـظ یـا فعلی که‌دلالـت بر عـدم رضـای به آن نمایـد. مـاده ۲۵۲ ـ لازم نیست‌اجازه یا رد فوری باشد. اگر تاخیر موجب تضـرر طرف اصیل باشد مشارالیه می تواند معامله را بهم بزند. ماده ۲۵۳ ـ در معامله فضولی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نمایداجازه یا رد، با وارث است ماده ۲۵۴ ـ هرگاه کسی نسبت به مال غیر معامله نماید و بعـد آن مـال بنحوی از آنحاء به معامله‌کننـده فضولی منتقـل شود، صـرف تملک‌موجب نفوذ معامله سابقه نخواهـد بود. ماده ۲۵۵ ـ هرگاه کسـی نسبت به مالی معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله کننده بوده است یا ملک‌کسـی بـوده است که معامله‌کننـده می توانسته است از قبـل او ولایتـا یاوکالتـا معـامله نمایـد در این صورت نفوذ و صـحت معـامله موکول به‌اجازه معامل است والا معامله باطل خواهـد بود. ماده ۲۵۶ ـ هرگاه کسـی مال خود و مال غیر را به یک عقـدی منتقل کندیا انتقال مـالی را برای خـود و دیگری قبول کنـد معـامله نسبت به خود او نافـذ و نسـبت به غیر، فضولی است مـاده ۲۵۷ ـ اگر عین مـالی که موضوع معـامله فضولی بوده است قبـل ازاینکه مالـک معـامله فضولی را اجـازه یا رد کنـد مورد معامله دیگر نیز واقع شود مالک می تواند هر یک از معاملات را که بخواهد اجازه‌کند در این صورت هر یک را اجازه کرد، معاملات بعد از آن نافذ وسابق بر آن باطل خواهد بود. ماده ۲۵۸ ـ نسـبت به منافع مالی که مورد معامله فضولی بوده است و همچنین نسبت به منافع حاصله از عوض آن، اجازه یا رد از روز عقدموثر خواهد بود. ماده ۲۵۹ ـ هرگاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است‌به تصرف متعامل داده باشد و مالـک آن معـامله را اجازه نکنـد متصـرف ضامن عین و منافع است ماده ۲۶۰ ـ در صـورتی که معامـل فضولی عوض مـالی را که موضوع‌معـامله بوده است گرفته و در نزد خود داشته باشـد و مالک با اجازه‌معامله قبض عوض را نیز اجازه کنـد دیگر حق رجوع به طرف دیگر نخواهـد داشت ماده ۲۶۱ ـ در صورتی که مبیع فضولی به تصـرف مشتری داده شود هرگـاه مالـک معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت به اصـل مـال و منـافع مـدتی که در تصـرف او بوده ضامن است اگر چه منافع را استیفا نکرده باشـد و همچنین اسـت نسبت به هر عیبی که در مدت تصرف‌مشتری حادث شده باشد. ماده ۲۶۲ ـ در مورد ماده قبل مشتری حق دارد که برای استرداد ثمن عینا یا مثلا یا قیمتا به بایع فضولی رجوع کنـد. ماده ۲۶۳ ـ هرگاه مالک معامله را اجازه نکنـد و مشتری هم برفضولی‌بودن آن جاهل باشـد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامـات به‌بـایع فضولی رجوع کنـد و در صورت عـالم‌بودن فقط حق رجوع برای‌ثمن را خواهد داشت فصل شـشم در سـقوط تعهدات ماده ۲۶۴ ـ تعهـدات به یکی از طرق ذیـل ساقـط می‌شود: ۱ ـ به وسـیله وفای به عهـد؛ ۲ ـ به وسیله اقاله ۳ ـ به وسیله ابراء؛ ۴ ـ به وسـیله تبدیل تعهد؛ ۵ ـ به وسیله تهاتر؛ ۶ ـ به وسـیله مالکیت ما فی‌الذمه مبحث اول در وفای به عهد ماده ۲۶۵ ـ هر کس مـالی به دیگری بدهـد ظـاهر، در عـدم تبرع است بنابراین اگر کسـی چیزی به دیگری بدهـد بـدون اینکه مقروض آن چیزباشـد می تواند استرداد کند. ماده ۲۶۶ ـ در مورد تعهـداتی که برای متعهدله قانونا حق مطالبه‌نمی‌باشد اگر متعهد به

میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد اومسموع نخواهد بود. ماده ۲۶۷ ـ ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جایز است اگر چه از طرف‌مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسی که دین دیگری را ادا می‌کنداگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد والا حق رجوع ندارد. ماده ۲۶۸ ـ انجام فعلی در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد به‌وسیله دیگری ممکن نیست مگر با رضایت متعهدله ماده ۲۶۹ ـ وفای به‌عهد وقتی محقق می‌شود که متعهد، چیزی را که می‌دهد، مالک و یا ماذون از طرف مالک باشد و شخصا هم اهلیت‌داشته باشد. ماده ۲۷۰ ـ اگر متعهد در مقام وفای به عهد، مالی تادیه نماید دیگرنمی تواند به عنوان اینکه در حین تادیه مالک آن نبوده استرداد آن را از متعهدله بخواهد مگر اینکه ثابت کند که مال غیر و با مجوز قانونی در ید او بوده بدون اینکه اذن در تادیه داشته باشد. ماده ۲۷۱ ـ دین باید به شخص داین یا به کسی که از طرف او وکالت دارد تادیه گردد یا به کسی که قانونا حق قبض دارد. ماده ۲۷۲ ـ تادیه به‌غیر اشخاص مذکور در ماده فوق وقتی صحیح است‌که داین راضی شود. ماده ۲۷۳ ـ اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به‌وسیله‌تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این‌اقدام مسئول خسارتی که ممکن است به‌موضوع حق وارد ایدنخواهد بود. ماده ۲۷۴ ـ اگر متعهدله اهلیت قبض نداشته باشد تادیه در وجه او معتبرنخواهد بود. ماده ۲۷۵ ـ متعهدله را نمی توان مجبور نمود که چیز دیگری بغیر آنچه‌که موضوع تعهد است قبول نماید اگرچه آن شیء، قیمتا معادل یابیشتر از موضوع تعهد باشد. ماده ۲۷۶ ـ مدیون نمی تواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف در آن شده است در مقام وفای به عهد تادیه نماید. ماده ۲۷۷ ـ متعهد نمی تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادله یا قرار اقساط دهد. ماده ۲۷۸ ـ اگر موضوع تعهد عین معینی باشد، تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد می‌شود اگر چه‌کسر و نقصان داشته باشد، مشروط بر اینکه کسر و نقصان از تعدی وتفریط متعهد ناشی نشده باشد، مگر در مواردی که در این قانون‌تصریح شده است ولی اگر متعهد با انقضای اجل و مطالبه تاخیر در تسلیم نموده باشد مسئول هر کسر و نقصان خواهد بود اگرچه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد. ماده ۲۷۹ ـ اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند لیکن از فردی هم که عرفا معیوب محسوب است نمی تواند بدهد. ماده ۲۸۰ ـ انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده بعمل اید مگراینکه بین متعاملین قرارداد مخصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید. ماده ۲۸۱ ـ مخارج تادیه به‌عهده مدیون است مگر اینکه شرط خلاف‌شده باشد. ماده ۲۸۲ ـ اگر کسی به یک نفر دیون متعدده داشته باشد تشخیص اینکه‌تادیه از بابت کدام دین است با مدیون می‌باشد. مبحث دوم در اقاله ماده ۲۸۳ ـ بعد از معامله طرفین می توانند بتراضی آن را اقاله و تفاسخ‌کنند. ماده ۲۸۴ ـ اقاله به هر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر بهم‌زدن‌معامله کند. ماده ۲۸۵ ـ موضوع اقاله ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط‌مقداری از مورد آن ماده ۲۸۶ ـ تلف یکی از عوضین مآنع اقاله نیست در این صورت به‌جای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی‌بودن داده می‌شود. ماده ۲۸۷ ـ نمائات و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می‌شود مال کسی است که به واسطه عقد مالک شده‌است ولی نمائات متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالک‌می‌شود. ماده ۲۸۸ ـ اگر مالک بعد از عقد در مورد معامله تصرفاتی کند که‌موجب ازدیاد قیمت آن شود، در حین اقاله به‌مقدار قیمتی که به‌سبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود. مبحث سوم در ابراء ماده ۲۸۹ ـ ابرا عبارت از این است که دائن از حق خود به اختیارصرف‌نظر نماید. ماده ۲۹۰ ـ ابرا وقتی موجب سقوط تعهد می‌شود که متعهدله برای ابرا اهلیت داشته باشد. ماده ۲۹۱ ـ ابرای ذمه میت از دین صحیح است مبحث چهارم در تبدیل تعهد ماده ۲۹۲ ـ تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می‌شود: ۱ ـ وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهدجدیدی که قائم مقام آن می‌شود به سببی از اسباب تراضی نمایند در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود؛ ۲ ـ وقتی که شخص ثالثی با رضایت متعهدله قبول کند که دین‌متعهد را اداء نماید؛ ۳ ـ وقتی که متعهد له‌مافی‌الذمه‌متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید. ماده ۲۹۳ ـ در تبدیل تعهد، تضمینات

تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت مگر اینکه طرفین معامله آن را صراحتا شرط کرده باشند. مبحث پنجم در تهاتر ماده ۲۹۴ ـ وقتی دو نفر در مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها به یکدیگر به طریقی که در مواد ذیل مقرر است تهاتر حاصل می‌شود. ماده ۲۹۵ ـ تهاتر، قهری است و بدون اینکه طرفین در این موضوع‌تراضی نمایند حاصل می گردد بنابراین به محض اینکه دو نفر درمقابل یکدیگر در آن واحد مدیون شدند هر دو دین تا اندازه ای که باهم معادله می‌نمایند بطور تهاتر برطرف شده و طرفین به مقدار آن‌در مقابل یکدیگر بری می‌شوند. ماده ۲۹۶ ـ تهاتر فقط در مورد دو دینی حاصل می‌شود که موضوع آنها از یک جنس باشد با اتحاد زمان و مکان تادیه ولو به اختلاف سبب ماده ۲۹۷ ـ اگر بعد از ضمان مضمون‌له به مضمون‌عنه مدیون شودموجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد. ماده ۲۹۸ ـ اگر فقط محل تادیه دینین مختلف باشد تهاتر وقتی حاصل‌می‌شود که با تادیه مخارج مربوط به نقل موضوع قرض از محلی به‌محل دیگر یا بنحوی از آنحاء، طرفین حق تادیه در محل معین راساقط نمایند. ماده ۲۹۹ ـ در مقابل حقوق ثابته اشخاص ثالث تهاتر موثر نخواهد بود و بنابراین اگر موضوع دین به‌نفع شخص ثالثی در نزد مدیون‌مطابق قانون توقیف شده باشد و مدیون بعد از این توقیف از دائن‌خود طلبکار گردد دیگر نمی تواند به استناد تهاتر، از تادیه مال توقیف شده امتناع کند. مبحث ششم مالکیت مافی‌الذمه ماده ۳۰۰ ـ اگر مدیون مالک مافی‌الذمه خود گردد ذمه او بری می‌شود مثل اینکه اگر کسی به مورث خود مدیون باشد پس از فوت مورث دین او به نسبت سهم‌الارث ساقط می‌شود.

باب دوم در الزاماتی‌که بدون قرارداد حاصل می‌شود

فصل اول در کلیات ماده ۳۰۱ ـ کسی که عمدا یا اشتباها چیزی را که مستحق نبوده است‌دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند. ماده ۳۰۲ ـ اگر کسی که اشتباها خود را مدیون می‌دانست آن دین را تادیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید. ماده ۳۰۳ ـ کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یاجاهل ماده ۳۰۴ ـ اگر کسی که چیزی را من غیر حق دریافت کرده است خود را محق می‌دانسته لیکن در واقع محق نبوده و آن چیز را فروخته باشد،معامله فضولی و تابع احکام مربوطه به آن خواهد بود. ماده ۳۰۵ ـ در مورد مواد فوق صاحب مال باید از عهده مخارج لازمه که‌برای نگاهداری آن شده است براید مگر در صورت علم متصرف به‌عدم استحقاق خود. ماده ۳۰۶ ـ اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه‌مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی‌خود را بدهد. در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تاخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تاخیر در دخالت موجب‌ضرر صاحب مال باشد دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهدبود که برای اداره کردن لازم بوده است فصل دوم در ضمان قهری ماده ۳۰۷ ـ امور ذیل موجب ضمان قهری است ۱ ـ غصب و آنچه که در حکم غصب است ۲ ـ اتلاف ۳ ـ تسبیب ۴ ـ استیفاء. مبحث اول در غصب ماده ۳۰۸ ـ غصب استیلاء بر حق غیر است بنحو عدوان اثبات ید برمال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است ماده ۳۰۹ ـ هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود مآنع شودبدون آنکه خود او تسلط بر آن مال پیدا کند غاصب محسوب‌نمی‌شود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود. ماده ۳۱۰ ـ اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آنها در دست‌اوست منکر گردد از تاریخ آنکار در حکم غاصب است ماده ۳۱۱ ـ غاصب باید مال مغصوب را عینا به صاحب آن رد نماید واگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر بعلت‌دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد. ماده ۳۱۲ ـ هرگاه مال مغصوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب‌باید قیمت حین‌الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید اخرین قیمت آن را بدهد. ماده ۳۱۳ ـ هرگاه کسی در زمین خود با مصالح متعلقه به دیگری بنائی‌بسازد یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس کند‌صاحب مصالح یا درخت می تواند قلع یا نزع آن را بخواهد مگراینکه به اخذ قیمت تراضی نمایند. ماده ۳۱۴ ـ اگر در نتیجه

عمل غاصب قیمت مال مغصوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر اینکه آن‌زیادتی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق به خود غاصب‌است ماده ۳۱۵ ـ غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف اوبه مال مغصوب وارده شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد. ماده ۳۱۶ ـ اگر کسی مال مغصوب را از غاصب غصب کند آن شخص‌نیز مثل غاصب سابق ضامن است اگر چه به غاصبیت غاصب اولی‌جاهل باشد. ماده ۳۱۷ ـ مالک می تواند عین و در صورت تلف‌شدن عین مثل یاقیمت تمام یا قسمتی از مال مغصوب را از غاصب اولی یا از هر یک‌از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند. ماده ۳۱۸ ـ هرگاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغصوب در ید اوتلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگربه غاصب دیگری بغیر آن کسی که مال در ید او تلف شده است‌رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده‌است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی‌شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و بطورکلی ضمان برعهده کسی مستقر است که مال مغصوب در نزد او تلف شده است ماده ۳۱۹ ـ اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغصوب را از یکی ازغاصبین بگیرد حق رجوع به قدر ماخوذ به غاصبین دیگر ندارد. ماده ۳۲۰ ـ نسبت به منافع مال مغصوب هر یک از غاصبین به اندازه‌منافع زمان تصرف خود و مابعد خود ضامن است اگرچه استیفاءمنفعت نکرده باشد لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف‌غاصبین لاحق خود برامده است می تواند به هر یک نسبت به زمان‌تصرف او رجوع کند. ماده ۳۲۱ ـ هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت‌مال مغصوب ابراء کند حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت‌ولی اگر حق خود را به یکی از آنان بنحوی از انحا انتقال دهد آن‌کس قائم مقام مالک می‌شود و دارای همآن حقی خواهد بود که‌مالک دارا بوده است ماده ۳۲۲ ـ ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود لیکن اگر یکی ازغاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع به لاحقین‌نخواهد داشت ماده ۳۲۳ ـ اگر کسی ملک مغصوب را از غاصب بخرد آن کس نیز ضامن‌است و مالک می تواند برطبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع ومشتری رجوع کرده عین و در صورت تلف‌شدن آن مثل یا قیمت‌مال و همچنین منافع آن را در هر حال مطالبه نماید. ماده ۳۲۴ ـ در صورتی که مشتری عالم به غصب باشد حکم رجوع هریک از بایع و مشتری به یکدیگر در آنچه که مالک از آنها گرفته است‌حکم‌غاصب‌از غاصب‌بوده تابع مقررات فوق خواهد بود. ماده ۳۲۵ ـ اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کنداگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به‌مثل یا قیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت ماده ۳۲۶ ـ اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب در صورت تلف مبیع‌به مالک داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد به مقدار زیاده نمی تواندرجوع به بایع کند ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد. ماده ۳۲۷ ـ اگر ترتب ایادی بر مال مغصوب به معامله دیگری غیر ازبیع باشد احکام راجعه به بیع مال غصب که فوقا ذکر شده مجری‌خواهد بود. مبحث دوم در اتلاف ماده ۳۲۸ ـ هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون‌عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب‌کند ضامن نقص قیمت آن مال است ماده ۳۲۹ ـ اگر کسی‌خآنه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل‌صورت اول بنآنماید واگر ممکن‌نباشد بایداز عهده‌قیمت براید. ماده ۳۳۰ ـ اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد،باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت‌نداشته باشد، باید تمام قیمت حیوان را بدهد ولیکن اگر برای دفاع ازنفس بکشد یا ناقص کند، ضامن نیست مبحث سوم در تسبیب ماده ۳۳۱ ـ هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن‌براید. ماده ۳۳۲ ـ هرگاه یک نفر سبب تلف‌مالی را ایجاد کند و دیگری مباشرتلف‌شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه‌سبب اقوی باشد بنحوی که عرفا اتلاف مستند به او باشد. ماده ۳۳۳ ـ صاحب‌دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است‌که از خراب‌شدن آن وارد می‌شود مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه‌عیبی حاصل گردد

که مالک مطلع بر آن بوده یا از عـدم مواظبت اوتولیـد شده است ماده ۳۳۴ ـ مالک یا متصـرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده‌باشد لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسـی منشا ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود. ماده ۳۳۵ ـ در صورت تصـادم بین دو کشتی یـا دو قطار راه‌اهن یا دو اتومبیل و امثال آنها، مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم‌در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یـا مسامحه کرده باشـند هر دو مسئول خواهنـد بود. مبحث چهارم در استیفاء ماده ۳۳۶ ـ هر گاه کسـی برحسب امر دیگری اقـدام به عملی نماید که‌عرفا برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شـخص عادتا مهیای آن عمل‌باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم‌شود که قصد تبرع داشته است ماده ۳۳۷ ـ هر گاه کسـی برحسب اذن صـریح یا ضمنی از مال غیراستیفا منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت‌المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع، مجانی بوده است .

باب سوم در عقود معینه مختلفه

فصل اول در بیع مبحث اول در احکام بیع ماده ۳۳۸ ـ بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم ماده ۳۳۹ ـ پس از توافق بایع و مشـتری در مـبیع و قیمت آن، عقـد بیع به ایجـاب و قبول واقع می‌شود. ممکن است بیع به داد و سـتد نیز واقع گردد. مـاده ۳۴۰ ـ در ایجاب و قبول الفاظ و عبارات بایـد صـریح در معنی بیع‌باشـد. ماده ۳۴۱ ـ بیع ممکن است مطلق باشـد یا مشـروط و نیز ممکن اسـت که‌برای تسـلیم تمـام یا قسـمتی از مبیع یا برای تادیه تمام یا قسـمتی از ثمن اجلی قرار داده شود. ماده ۳۴۲ ـ مقدار و جنس و وصـف مبیع بایـد معلوم باشـد و تعیین‌مقـدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است ماده ۳۴۳ ـ اگر مبیع به شـرط مقدار معین فروخته شود بیع واقع می‌شود اگر چه هنوز مبیع شمرده نشده یا کیل یا ذرع نشده باشد. ماده ۳۴۴ ـ اگر در عقد بیع شـرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا اقیمت موعدی معین نگشته باشد بیع قطعی و ثمن حال محسوب است مگر اینکه برحسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارتی وجود شـرط یا موعدی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع ذکری نشـده باشـد. مبحث دوم در طرفین معـامله ماده ۳۴۵ ـ هریـک از بـایع و مشتری بایـد علاـوه بر اهلیت قانونی برای‌معامله اهلیت برای تصـرف در مبیع یا ثمن را نیز داشته باشد. ماده ۳۴۶ ـ عقـد بیع بایـد مقرون به رضای طرفین باشد و عقد مکره نافذنیست ماده ۳۴۷ ـ شخص کور می تواند خرید و فروش نماید مشـروط بر اینکه شـخصا به طریقی غیر از معاینه یا به وسیله کس دیگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نماید. مبحث سوم در مبیع ماده ۳۴۸ ـ بیع چیزی که خرید و فروش آن قانونا ممنوع است و یاچیزی که مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد یا چیزی که بایع قدرت بر تسـلیم آن ندارد باطل است مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلم‌باشد. ماده ۳۴۹ ـ بیع مـال وقـف صـحیح نیست مگر در مـوردی که بین موقـوف‌علیهم تولیـد اختلاـف شود بنحوی که بیم سـفک دمـاء رود یـا منجر به‌خرابی مـال موقوفه گردد و همچنین در مواردی که در مبحث راجع به‌وقف مقرر است ماده ۳۵۰ ـ مبیع ممکن است مفروز باشد یا مشاع یا مقـدار معین‌بطورکلی از شـییء متساوی‌الاجزاء و همچنین ممکن است کلی‌فی‌الـذمه باشـد. ماده ۳۵۱ ـ در صورتی که مـبیع کلی (یعنی صادق بر افراد عدیده باشدبیع وقتی صـحیح است که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر شود. ماده ۳۵۲ ـ بیع فضولی نافذ نیست مگر بعـد از اجـازه مالـک بطوری که‌در معاملات فضولی مـذکور است ماده ۳۵۳ ـ هر گـاه چیز معین به عنوان جنس خاصـی فروخته شـود و در واقع از آن جنس نباشـد بیع باطـل است و اگر بعضـی از آن، از غیرجنس باشـد نسـبت به آن بعض باطـل است و نسبت به مابقی مشتری‌حق فسخ دارد. ماده ۳۵۴ ـ ممکن است بیع از روی نمونه بعمل ایـد در این صورت بایدتمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت ماده ۳۵۵ ـ اگر ملکی به شـرط داشـتن مساحت معین فروخته شده باشدو بعد معلوم شود که کمتر از آن مقـدار است مشتری حق فسخ معامله‌را خواهد داشت و اگر معلوم شود که بیشتر است بایع می تواند آن رافسـخ کنـد مگر اینکه در هر دو صورت طرفین به محاسـبه زیاده یآنقیصه تراضـی نمایند. ماده ۳۵۶ ـ هر چیزی که برحسب عرف و عـادت

جز یا از توابع مبیع شمرده شود یا قرائن دلالت بر دخول آن در مبیع نماید داخل در بیعو متعلق به مشتری است اگر چه در عقد، صریحا ذکر نشده باشد و اگر چه متعاملین جاهل بر عرف باشند. ماده ۳۵۷ ـ هر چیزی که برحسب عرف و عادت جز یا تابع مبیع شمرده نشود داخل در بیع نمی‌شود مگر اینکه صریحا در عقد ذکرشده باشد. ماده ۳۵۸ ـ نظر به دو ماده فوق ، در بیع باغ اشجار و در بیع خانه ممر ومجری و هر چه ملصق به بنا باشد بطوری که نتوان آن را بدون‌خرابی نقل نمود متعلق به مشتری می‌شود و برعکس زراعت در بیع‌زمین و میوه در بیع درخت و حمل در بیع حیوان، متعلق به مشتری‌نمی‌شود مگر اینکه تصریح شده باشد یا برحسب عرف از توابع‌شمرده شود. در هر حال طرفین عقد می توانند به عکس ترتیب فوق تراضی کنند. ماده ۳۵۹ ـ هرگاه دخول شییء در مبیع عرفا مشکوک باشد آن شیءداخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد. ماده ۳۶۰ ـ هر چیزی که فروش آن مستقلا جایز است استثنا آن از مبیع‌نیز جایز است ماده ۳۶۱ ـ اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع‌باطل است مبحث چهارم در اثار بیع ماده ۳۶۲ ـ اثار بیعی که صحیحا واقع شده باشد از قرار ذیل است ۱ ـ به‌مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود؛ ۲ ـ عقد بیع بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک‌ثمن قرار می‌دهد؛ ۳ ـ عقد بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید؛ ۴ ـ عقد بیع مشتری را به ا ثمن ملزم می کند. فقره اول در ملکیت مبیع و ثمن ماده ۳۶۳ ـ در عقد بیع وجود خیار فسخ برای متبایعین یا وجود اجلی‌برای تسلیم مبیع یا ثمن مانع انتقال نمی‌شود بنابراین اگر ثمن یا مبیع عین معین بوده و قبل از تسلیم آن، احد متعاملین مُفلس شودطرف دیگر، حق مطالبه آن عین را خواهد داشت ماده ۳۶۴ ـ در بیع خیاری مالکیت از حین عقد بیع است نه از تاریخ انقضا خیار و در بیعی که قبض شرط صحت است (مثل بیع‌صرف انتقال از حین حصول شرط است نه از حین وقوع بیع ماده ۳۶۵ ـ بیع فاسد اثری در تملک ندارد. ماده ۳۶۶ ـ هرگاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند باید آن را به‌صاحبش رد کند و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آنخواهد بود. فقره دوم در تسلیم ماده ۳۶۷ ـ تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری بنحوی‌که متمکن از انحا تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است‌از استیلاء مشتری بر مبیع ماده ۳۶۸ ـ تسلیم وقتی حاصل می‌شود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته‌شده‌باشد اگرچه مشتری آن را هنوز عملاً تصرف نکرده باشد. ماده ۳۶۹ ـ تسلیم به اختلاف مبیع به کیفیات مختلفه است و بایدبنحوی باشد که عرفا آن را تسلیم گویند. ماده ۳۷۰ ـ اگر طرفین معامله برای تسلیم مبیع موعدی قرار داده باشندقدرت بر تسلیم در آن موعد شرط است نه در زمان عقد. ماده ۳۷۱ ـ در بیعی که موقوف به اجازه مالک است قدرت بر تسلیم در زمان اجازه معتبر است ماده ۳۷۲ ـ اگر نسبت به بعض مبیع بایع قدرت بر تسلیم داشته ونسبت به بعض دیگر نداشته باشد بیع نسبت به بعض که قدرت برتسلیم داشته صحیح است و نسبت به بعض دیگر باطل است ماده ۳۷۳ ـ اگر مبیع قبلاً در تصرف مشتری بوده باشد محتاج به قبض‌جدید نیست و همچنین است در ثمن ماده ۳۷۴ ـ در حصول قبض اذن بایع شرط نیست و مشتری می تواندمبیع را بدون اذن قبض کند. ماده ۳۷۵ ـ مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آنجا واقع شده‌است مگر اینکه عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد ویا در ضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد. ماده ۳۷۶ ـ در صورت تاخیر در تسلیم مبیع یا ثمن ممتنع اجبار به‌تسلیم می‌شود. ماده ۳۷۷ ـ هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن‌خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر اینکه مبیع یاثمن موجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال‌باشد باید تسلیم شود. ماده ۳۷۸ ـ اگر بایع قبل از اخذ ثمن مبیع را به میل خود تسلیم مشتری‌نماید حق استرداد آن را نخواهد داشت مگر به موجب فسخ در موردخیار. ماده ۳۷۹ ـ اگر مشتری ملتزم شده باشد که برای ثمن ضامن یا رهن‌بدهد و عمل به شرط نکند بایع حق فسخ خواهد داشت و اگر بایع‌ملتزم شده باشد که برای درک مبیع ضامن بدهد و عمل به شرط نکند مشتری حق فسخ دارد. ماده ۳۸۰ ـ در صورتی‌که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجودباشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشدمی تواند از تسلیم آن امتناع کند. ماده ۳۸۱ ـ مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت حمل آن به محل تسلیم اجرت شمردن و وزن‌کردن و غیره به‌عهده بایع است مخارج تسلیم‌ثمن بر عهده مشتری است ماده ۳۸۲ ـ هرگاه عرف و

عادت از بابت مخارج معامله یا محل تسلیم‌بر خلاف ترتیبی باشد که ذکر شده و یا در عقد برخلاف آن شرط‌شده باشد باید برطبق متعارف یا مشروط در عقد رفتارشود وهمچنین متبایعین‌می توانند آنرا به تراضی تغییر دهند. ماده ۳۸۳ ـ تسلیم باید شامل آن چیزی هم باشد که از اجزاء و توابع‌مبیع شمرده می‌شود. ماده ۳۸۴ ـ هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار، معین بوده و دروقت تسلیم کمتر از آن مقدار دراید مشتری حق دارد که بیع را فسخ‌کند یا قیمت موجود را با ا حصه‌ای از ثمن به نسبت موجودقبول نماید و اگر مبیع زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع‌است ماده ۳۸۵ ـ اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضررممکن نمی‌شود و به شرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی درحین تسلیم کمتر یا بیشتر دراید در صورت اولی مشتری و درصورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت ماده ۳۸۶ ـ اگر در مورد دو ماده قبل معامله فسخ شود بایع باید علاوه برثمن مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است‌بدهد. ماده ۳۸۷ ـ اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع‌تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد مگر اینکه‌بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این‌صورت تلف از مال مشتری خواهد بود. ماده ۳۸۸ ـ اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود مشتری حق‌خواهد داشت که معامله را فسخ نماید. ماده ۳۸۹ ـ اگر در مورد دو ماده فوق ، تلف‌شدن مبیع یا نقص آن ناشی ازعمل مشتری باشد مشتری حقی بر بایع ندارد و باید ثمن‌راتادیه‌کند. فقره سوم در ضمان درک ماده ۳۹۰ ـ اگر بعد از قبض ثمن مبیع کلا یا جزئا مستحق للغیر درآید بایع ضامن است اگر چه تصریح به ضمان نشده باشد. ماده ۳۹۱ ـ در صورت مستحق‌للغیر برامدن کل یا بعض از مبیع بایع‌باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز براید. ماده ۳۹۲ ـ در مورد ماده قبل بایع باید از عهده تمام ثمنی که اخذنموده است نسبت به کل یا بعض براید اگرچه بعد از عقد بیع به‌علتی از علل در مبیع کسر قیمتی حاصل شده باشد. ماده ۳۹۳ ـ راجع به زیادتی که از عمل مشتری در مبیع حاصل شده‌باشد مقررات ماده ۳۱۴ مجری خواهد بود. فقره چهارم در ا ثمن ماده ۳۹۴ ـ مشتری باید ثمن را در موعد و در محل و برطبق شرایطی‌که در عقد بیع مقرر شده است تادیه نماید. ماده ۳۹۵ ـ اگر مشتری ثمن را در موعد مقرر تادیه نکند بایع حق‌خواهد داشت که برطبق مقررات راجعه به خیار تاخیر ثمن معامله‌را فسخ یا از حاکم اجبار مشتری را به ا ثمن بخواهد. مبحث پنجم در خیارات و احکام راجعه به آن فقره اول در خیارات ماده ۳۹۶ ـ خیارات از قرار ذیلند: ۱ ـ خیار مجلس ۲ ـ خیار حیوان؛ ۳ ـ خیار شرط ۴ ـ خیار تاخیر ثمن ۵ ـ خیار رویت و تخلف وصف ۶ ـ خیار غبن ۷ ـ خیار عیب ۸ ـ خیار تدلیس ۹ ـ خیار تبعض صفقه ۱۰ ـ خیار تخلف شرط اول در خیار مجلس ماده ۳۹۷ ـ هر یک از متبایعین بعد از عقد، فی‌المجلس و مادام که‌متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند. دوم در خیار حیوان ماده ۳۹۸ ـ اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیارفسخ معامله را دارد. سوم در خیار شرط ماده ۳۹۹ ـ در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای‌بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد. ماده ۴۰۰ ـ اگر ابتدا مدت خیار ذکر نشده باشد ابتدا آن از تاریخ عقدمحسوب است والا تابع قرارداد متعاملین است ماده ۴۰۱ ـ اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد هم شرط خیارو هم بیع باطل است چهارم در خیار تاخیر ثمن ماده ۴۰۲ ـ هرگاه مبیع عین خارجی و یا در حکم آن بوده و برای تادیه‌ثمن یا تسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری‌نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد بایع مختار در فسخ‌معامله می‌شود. ماده ۴۰۳ ـ اگر بایع بنحوی از انحا مطالبه ثمن نماید و به قرائن معلوم‌گردد که مقصود، التزام به بیع بوده‌است خیار او ساقط خواهد شد. ماده ۴۰۴ ـ هرگاه بایع در ظرف سه روز از تاریخ بیع تمام مبیع را تسلیم‌مشتری کند یا مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد دیگر برای بایع‌اختیار فسخ نخواهد بود اگرچه ثانیا بنحوی از انحا مبیع به بایع وثمن به مشتری برگشته باشد. ماده ۴۰۵ ـ اگر مشتری ثمن را حاضر کرد که بدهد و بایع از اخذ آن امتناع نمود خیار فسخ نخواهد داشت ماده ۴۰۶ ـ خیار تاخیر، مخصوص بایع است و برای مشتری از جهت‌تاخیر در تسلیم مبیع این اختیار نمی‌باشد. ماده ۴۰۷ ـ تسلیم بعض ثمن یا دادن آن به کسی که حق قبض ندارد خیاربایع را ساقط نمی‌کند. ماده ۴۰۸

ـ اگر مشتری برای ثمن ضامن بدهد یا بایع ثمن را حواله دهدبعد از تحقق حواله خیار تاخیر ساقط می‌شود. ماده ۴۰۹ ـ هرگاه مبیع از چیزهایی باشد که در کمتر از سه روز، فاسد ویا کم‌قیمت می‌شود ابتدا خیار از زمانی است که مبیع مشرف به فساد یا کسر قیمت می گردد. پنجم در خیار رویت و تخلف وصف ماده ۴۱۰ ـ هرگاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد ازدیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد مختار می‌شود که‌بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید. ماده ۴۱۱ ـ اگر بایع مبیع را ندیده ولی مشتری آن را دیده باشد و مبیع‌غیر اوصافی که ذکر شده است دارا باشد فقط بایع خیار فسخ خواهدداشت ماده ۴۱۲ ـ هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعض دیگر را به‌وصف یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعض مطابق وصف یآنمونه نباشد می تواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول نماید. ماده ۴۱۳ ـ هرگاه یکی از متبایعین مالی را سابقا دیده و به اعتماد رویت‌سابق معامله کند و بعد از رویت معلوم شود که مال مزبور اوصاف‌سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت ماده ۴۱۴ ـ در بیع کلی خیار رویت نیست و بایع باید جنسی بدهد که‌مطابق با اوصاف مقرره بین طرفین باشد. ماده ۴۱۵ ـ خیار رویت و تخلف وصف بعد از رویت فوری است ششم در خیار غبن ماده ۴۱۶ ـ هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشدبعد از علم به غبن می تواند معامله را فسخ کند. ماده ۴۱۷ ـ غبن در صورتی فاحش است که عرفا قابل مسامحه نباشد. ماده ۴۱۸ ـ اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادله بوده است‌خیار فسخ نخواهد داشت ماده ۴۱۹ ـ درتعیین مقدار غبن شرایط معامله نیز باید منظور گردد. ماده ۴۲۰ ـ خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است ماده ۴۲۱ ـ اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است تفاوت قیمت رابدهد خیار غبن ساقط نمی‌شود مگر اینکه مغبون به اخذ تفاوت‌قیمت راضی گردد. هفتم در خیار عیب ماده ۴۲۲ ـ اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری‌مختار است در قبول مبیع معیوب با اخذ ارش یا فسخ معامله ماده ۴۲۳ ـ خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت می‌شود که عیب مخفی و موجود در حین عقد باشد. ماده ۴۲۴ ـ عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع‌عالم به آن نبوده است اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که‌عیب واقعا مستور بوده است یا اینکه ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت‌آن نشده است ماده ۴۲۵ ـ عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود درحکم عیب سابق است ماده ۴۲۶ ـ تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین‌ممکن است برحسب ازمنه و امکنه مختلف شود. ماده ۴۲۷ ـ اگر در مورد ظهور عیب مشتری اختیار ارش کند تفاوتی که‌باید به او داده شود به طریق ذیل معین می گردد: قیمت حقیقی مبیع در حال بی‌عیبی و قیمت حقیقی آن در حال‌معیوبی به توسط اهل خبره معین می‌شود. اگر قیمت آن در حال‌بی‌عیبی مساوی با قیمتی باشد که در زمان بیع بین طرفین مقرر شده‌است تفاوت بین این قیمت و قیمت مبیع در حال معیوبی مقدارارش خواهد بود. و اگر قیمت مبیع در حال بی‌عیبی کمتر یا زیادتر ازثمن معامله باشد نسبت بین قیمت مبیع در حال معیوبی و قیمت آندر حال بی‌عیبی معین شده و بایع باید از ثمن مقرر بهمان نسبت‌نگاهداشته و بقیه را به عنوان ارش به مشتری رد کند. ماده ۴۲۸ ـ در صورت اختلاف بین اهل‌خبره حد وسط قیمتها معتبراست ماده ۴۲۹ ـ در موارد ذیل مشتری نمی تواند بیع را فسخ کند و فقط‌می تواند ارش بگیرد: ۱ ـ درصورت تلف‌شدن مبیع نزدمشتری‌یامنتقل کردن آن به غیر؛ ۲ ـ در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از اینکه تغییر به‌فعل مشتری باشد یا نه ۳ ـ در صورتی که بعد از قبض مبیع عیب دیگری در آن حادث‌شود مگر اینکه در زمان خیار مختص به مشتری حادث شده باشدکه در این صورت مانع از فسخ و رد نیست ماده ۴۳۰ ـ اگر عیب حادث بعد از قبض در نتیجه عیب قدیم باشدمشتری حق رد را نیز خواهد داشت ماده ۴۳۱ ـ در صورتی که در یک عقد، چند چیز فروخته شود بدون‌اینکه قیمت هر یک علیحده معین شده باشد و بعضی از آنها معیوب‌دراید مشتری باید تمام آن را رد کند و ثمن را مسترد دارد یا تمام رآنگاهدارد و ارش بگیرد و تبعیض نمی تواند بکند مگر به رضای بایع ماده ۴۳۲ ـ در صورتی که در یک عقد، بایع یک نفر و مشتری متعددباشد و درمبیع عیبی ظاهر شود یکی از مشتریها نمی تواند سهم‌خود را به تنهایی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد مگر بارضای بایع و بنابراین اگر در رد مبیع اتفاق نکردند فقط هر یک از آنهاحق ارش خواهد داشت ماده ۴۳۳ ـ اگر در یک عقد، بایع متعدد

باشد مشتری می تواند سهم‌یکی را رد و دیگری را با اخذ ارش قبول کند. ماده ۴۳۴ ـ اگر ظاهر شود که مبیع معیوب اصلا مالیات و قیمت نداشته‌بیع باطل است و اگر بعض مبیع قیمت نداشته باشد بیع نسبت به آنبعض باطل است و مشتری نسبت به باقی از جهت تبعض صفقه‌اختیار فسخ دارد. ماده ۴۳۵ ـ خیار عیب بعد از علم به آن، فوری است ماده ۴۳۶ ـ اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد به اینکه عهده‌عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد مشتری درصورت ظهور عیب حق رجوع به بایع نخواهد داشت و اگر بایع ازعیب خاصی تبرّی کرده باشد فقط نسبت به همان عیب حق مراجعه‌ندارد. ماده ۴۳۷ ـ از حیث احکام عیب ثمن شخصی مثل مبیع شخصی‌است هشتم در خیار تدلیس ماده ۴۳۸ ـ تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف‌معامله شود. ماده ۴۳۹ ـ اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهدداشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت‌تدلیس مشتری ماده ۴۴۰ ـ خیار تدلیس بعد از علم به آن، فوری است نهم در خیار تبعض صفقه ماده ۴۴۱ ـ خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت‌به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت مشتری‌حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع‌شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن‌را استرداد کند. ماده ۴۴۲ ـ در مورد تبعض صفقه قسمتی از ثمن که باید به مشتری‌برگردد به طریق ذیل حساب می‌شود: آن قسمت از مبیع که به ملکیت مشتری قرار گرفته منفردا قیمت‌می‌شود و هر نسبتی که بین قیمت مزبور و قیمتی که مجموع مبیع‌در حال اجتماع دارد پیدا شود به همان نسبت از ثمن را بایع نگاهداشته و بقیه را باید به مشتری رد نماید. ماده ۴۴۳ ـ تبعض صفقه وقتی موجب خیار است که مشتری در حین‌معامله عالم به آن نباشد ولی در هر حال ثمن تقسیط می‌شود. دهم در خیار تخلف شرط ماده ۴۴۴ ـ احکام خیار تخلف شرط بطوری است که در مواد ۲۳۴ الی۲۴۵ ذکر شده است فقره دوم در احکام خیارات بطورکلی ماده۴۴۵ ـ هر یک از خیارات بعد از فوت منتقل به‌وارث می‌شود. ماده ۴۴۶ ـ خیار شرط ممکن است به قید مباشرت و اختصاص به‌شخص مشروط له قرار داده شود در این صورت منتقل به وارث‌نخواهد شد. ماده ۴۴۷ ـ هرگاه شرط خیار برای شخصی غیر از متعاملین شده باشدمنتقل به ورثه نخواهد شد. ماده ۴۴۸ ـ سقوط تمام یا بعضی از خیارات را می‌توآن در ضمن عقدشرط نمود. ماده ۴۴۹ ـ فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل‌می‌شود. ماده ۴۵۰ ـ تصرفاتی که نوعا کاشف از رضای به معامله باشد امضای‌فعلی است مثل آنکه مشتری که خیار دارد با علم به خیار، مبیع رابفروشد یا رهن بگذارد. ماده ۴۵۱ ـ تصرفاتی که نوعا کاشف از به هم‌زدن معامله باشد، فسخ‌فعلی است ماده ۴۵۲ ـ اگر متعاملین هر دو خیار داشته باشند و یکی از آنها امضا کند و دیگری فسخ نماید معامله منفسخ می‌شود. ماده ۴۵۳ ـ در خیار مجلس و حیوان و شرط اگر مبیع بعد از تسلیم و درزمان خیار بایع یا متعاملین تلف یا ناقص شود بر عهده مشتری‌است و اگر خیار، مختص مشتری باشد تلف یا نقص به‌عهده بایع‌است ماده ۴۵۴ ـ هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود اجاره‌باطل نمی‌شود مگر اینکه عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت برمشتری صریحا یا ضمنا شرط شده که در این صورت اجاره باطل‌است ماده ۴۵۵ ـ اگر پس از عقد بیع مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق‌حق غیر قرار دهد مثل اینکه نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله‌موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد مگر اینکه شرط خلاف‌شده باشد. ماده ۴۵۶ ـ تمام آنواع خیار در جمیع معاملات لازمه ممکن است‌موجود باشد مگر خیار مجلس و حیوان و تاخیر ثمن که مخصوص‌بیع است ماده ۴۵۷ ـ هر بیع لازم است مگر اینکه یکی از خیارات در آن ثابت‌شود. فصل دوم در بیع شرط ماده ۴۵۸ ـ در عقد بیع متعاملین می توانند شرط نمایند که هرگاه بایع‌در مدت معینی تمام مثل ثمن را به مشتری رد کند خیار فسخ معامله‌را نسبت به تمام مبیع داشته باشد و همچنین می توانند شرط کنند که‌هرگاه بعض مثل ثمن را رد کرد خیار فسخ معامله را نسبت به تمام یابعض مبیع داشته باشد در هر حال حق خیار، تابع قرارداد متعاملین‌خواهد بود و هرگاه نسبت به ثمن قید تمام یا بعض نشده باشدخیار، ثابت نخواهد بود مگر با رد تمام ثمن ماده ۴۵۹ ـ در بیع شرط به مجرد عقد، مبیع ملك مشتری می‌شود با قیدخیار برای بایع بنابراین اگر بایع به شرایطی که بین او و مشتری برای‌استرداد مبیع مقرر شده است عمل ننماید بیع قطعی شده و مشتری‌مالک قطعی مبیع می گردد و اگر بالعکس بایع به

شرایط مزبوره عمل‌نماید و مبیع را استرداد کند از حین فسخ مبیع مال بایع خواهد شد ولی نمائات و منافع حاصله از حین عقد تا حین فسخ مال مشتری‌است ماده ۴۶۰ ـ در بیع شرط مشتری نمی تواند در مبیع تصرفی که منافی‌خیار باشد از قبیل نقل و انتقال و غیره بنماید. ماده ۴۶۱ ـ اگر مشتری در زمان خیار از اخذ ثمن خودداری کند بایع‌می تواند با تسلیم ثمن به حاکم یا قائم مقام او معامله را فسخ کند. ماده ۴۶۲ ـ اگر مبیع به شرط بواسطه فوت مشتری به ورثه او منتقل‌شود حق فسخ بیع در مقابل ورثه به همان ترتیبی که بوده است باقی‌خواهد بود. ماده ۴۶۳ ـ اگر در بیع شرط معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده‌است احکام بیع در آن مجری نخواهد بود. فصل سوم در معاوضه ماده ۴۶۴ ـ معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی‌می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند بدون‌ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد. ماده ۴۶۵ ـ در معاوضه احکام خاصه بیع جاری نیست فصل چهارم در اجاره ماده ۴۶۶ ـ اجاره عقدی است که به موجب آن، مستاجر، مالک منافع‌عین مستاجره می‌شود، اجاره دهنده را موجر و اجاره‌کننده رامستاجر و مورد اجاره را عین‌مستاجره گویند. ماده ۴۶۷ ـ مورداجاره‌ممکن‌است‌اشیا یا حیوان یا آنسآن باشد. مبحث اول در اجاره اشیاء ماده ۴۶۸ ـ در اجاره اشیاء، مدت اجاره باید معین شود و الا اجاره باطل‌است ماده ۴۶۹ ـ مدت اجاره از روزی شروع می‌شود که بین طرفین مقرر شده و اگر در عقد اجاره ابتدای مدت ذکر نشده باشد از وقت عقدمحسوب است ماده ۴۷۰ ـ در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین‌مستاجره شرط است ماده ۴۷۱ ـ برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستاجره با بقای اصل‌آن ممکن باشد. ماده ۴۷۲ ـ عین مستاجره باید معین باشد و اجاره عین مجهول یا مرددباطل است ماده ۴۷۳ ـ لازم نیست که موجر، مالک عین مستاجره باشد ولی بایدمالک منافع آن باشد. ماده ۴۷۴ ـ مستاجر می تواند عین مستاجره را به دیگری اجاره دهد مگراینکه در عقد اجاره خلاف آن شرط شده باشد. ماده ۴۷۵ ـ اجاره مال مشاع جایز است لیکن تسلیم عین مستاجره موقوف است به اذن شریک ماده ۴۷۶ ـ موجر باید عین مستاجره را تسلیم مستاجر کند و در صورت‌امتناع موجر اجبار می‌شود و در صورت تعذر اجبار،مستاجر خیارفسخ دارد. ماده ۴۷۷ ـ موجر باید عین مستاجره را در حالتی تسلیم نماید که‌مستاجر بتواند استفاده مطلوبه را بکند. ماده ۴۷۸ ـ هرگاه معلوم شود عین مستاجره در حال اجاره معیوب بوده مستاجر می تواند اجاره را فسخ کند یا به همان نحوی که بوده است‌اجاره را با تمام اجرت قبول کند ولی اگر موجر رفع عیب کند بنحوی‌که به مستاجر ضرری نرسد مستاجر حق فسخ ندارد. ماده ۴۷۹ ـ عیبی که موجب فسخ اجاره می‌شود عیبی است که موجب نقصان منفعت یا صعوبت در انتفاع باشد. ماده ۴۸۰ ـ عیبی که بعد از عقد و قبل از قبض منفعت در عین مستاجره‌حادث شود موجب خیار است و اگر عیب در اثنا مدت اجاره‌حادث شود نسبت به بقیه مدت خیار ثابت است ماده ۴۸۱ ـ هرگاه عین مستاجره به‌واسطه عیب از قابلیت انتفاع خارج‌شده و نتوان رفع عیب نمود اجاره باطل می‌شود. ماده ۴۸۲ ـ اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که موجر داده معیوب‌دراید مستاجر حق فسخ ندارد و می تواند موجر را مجبور به تبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد حق فسخ خواهد داشت ماده ۴۸۳ ـ اگر در مدت اجاره عین مستاجره به‌واسطه حادثه کلا یابعضا تلف شود اجاره از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ‌می‌شود و در صورت تلف بعض آن، مستاجر حق دارد اجاره رآنسبت به بقیه فسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال‌الاجاره نماید. ماده ۴۸۴ ـ موجر نمی تواند در مدت اجاره در عین مستاجره تغییری‌دهد که منافی مقصود مستاجر از استیجار باشد. ماده ۴۸۵ ـ اگر در مدت اجاره در عین مستاجره تعمیراتی لازم اید که‌تاخیر در آن موجب ضرر موجر باشد مستاجر نمی تواند مانع‌تعمیرات مزبوره گردد اگرچه در مدت تمام یا قسمتی از زمان تعمیرنتواند از عین مستاجره کلا یا بعضا استفاده نماید، در این صورت‌حق فسخ اجاره را خواهد داشت ماده ۴۸۶ ـ تعمیرات و کلیه مخارجی که در عین مستاجره برای امکان انتفاع از آن لازم است به عهده مالک است مگر آن که شرط خلاف‌شده یا عرف بلد برخلاف آن جاری باشد و همچنین است الات وادواتی که برای امکان انتفاع از عین مستاجره لازم می‌باشد. ماده ۴۸۷ ـ هرگاه مستاجر نسبت به عین مستاجره تعدی یا تفریط نمایدو موجر قادر بر منع آن نباشد موجر حق فسخ دارد. ماده ۴۸۸ ـ اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستاجره یامنافع آن، مزاحم مستاجر

گردد در صورتی که قبل از قبض باشدمستاجر حق فسخ دارد و اگر فسخ ننمود می تواند برای رفع‌مزاحمت و مطالبه اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگرمزاحمت بعد از قبض واقع شود حق فسخ ندارد و فقط می تواند به‌مزاحم رجوع کند. ماده ۴۸۹ ـ اگر شخصی که مزاحمت می‌نماید مدعی حق نسبت به عین‌مستاجره یا منافع آن باشد مزاحم نمی تواند عین مزبور را از یدمستاجر آنتزاع نماید مگر بعد از اثبات حق با طرفیت مالك ومستاجر هر دو. ماده ۴۹۰ ـ مستاجر باید: اولا ـ در استعمال عین مستاجره بنحومتعارف رفتار کرده و تعدی یا تفریط نکند. ثانیا ـ عین مستاجره را برای همان مصرفی که در اجاره مقرر شده‌و در صورت عدم تعیین در منافع مقصوده که از اوضاع و احوال‌استنباط می‌شود استعمال نماید. ثالثا ـ مال‌الاجاره را در مواعدی که بین طرفین مقرر است تادیه‌کند و در صورت عدم تعیین موعد، نقدا باید بپردازد. ماده ۴۹۱ ـ اگر منفعتی که در اجاره تعیین شده است به خصوصیت آن،منظور نبوده مستاجر می تواند استفاده منفعتی کند که از حیث ضرر،مساوی یا کمتر از منفعت معینه باشد. ماده ۴۹۲ ـ اگر مستاجر، عین مستاجره را در غیر موردی که در اجاره ذکرشده باشد یا از اوضاع و احوال استنباط می‌شود استعمال کند و منع آن ممکن نباشد موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت ماده ۴۹۳ ـ مستاجر نسبت به عین مستاجره ضامن نیست به این معنی‌که اگر عین مستاجره بدون تفریط یا تعدی او کلا یا بعضا تلف شودمسئول نخواهد بود ولی اگر مستاجر تفریط یا تعدی نماید ضامن‌است اگرچه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد. ماده ۴۹۴ ـ عقد اجاره به محض انقضا مدت برطرف می‌شود و اگرپس از انقضا آن، مستاجر، عین مستاجره را بدون اذن مالك مدتی‌در تصرف خود نگاه دارد موجر برای مدت مزبور مستحق‌اجرت‌المثل خواهد بود اگر چه مستاجر استیفا منفعت نکرده باشدو اگر با اجازه مالك در تصرف نگاه دارد وقتی باید اجرت‌المثل‌بدهد که استیفا منفعت کرده باشد مگر اینکه مالك اجازه داده باشدکه مجانا استفاده نماید. ماده ۴۹۵ ـ اگر برای مال‌الاجاره ضامنی داده شده باشد ضامن‌مسئول اجرت‌المثل مذکور در ماده فوق نخواهد بود. ماده ۴۹۶ ـ عقد اجاره به‌واسطه تلف‌شدن عین مستاجره از تاریخ‌تلف باطل می‌شود و نسبت به تخلف از شرایطی که بین موجر و مستاجرمقرر است خیار فسخ از تاریخ تخلف ثابت می‌گردد. ماده ۴۹۷ ـ عقد اجاره به‌واسطه فوت موجر یا مستاجر باطل نمی‌شودلیکن اگر موجر فقط برای مدت عمر خود مالك منافع عین مستاجره‌بوده است اجاره به‌فوت موجر باطل می‌شود و اگر شرط مباشرت‌مستاجر شده باشد به‌فوت مستاجر باطل می‌گردد. ماده ۴۹۸ ـ اگر عین مستاجره به‌دیگری منتقل شود اجاره به حال خودباقی است مگر اینکه موجر حق فسخ در صورت نقل را برای خودشرط کرده باشد. ماده ۴۹۹ ـ هرگاه متولی با ملاحظه صرفه وقف مال موقوفه را اجاره‌دهد اجاره به‌فوت او باطل نمی‌گردد. ماده ۵۰۰ ـ در بیع شرط مشتری می تواند مبیع را برای مدتی که بایع‌حق خیار ندارد اجاره دهد و اگر اجاره منافی با خیار بایع باشد بایدبه وسیله جعل خیار یا نحو آن، حق بایع را محفوظ دارد والا اجاره‌تاحدی که منافی با حق بایع باشد باطل خواهد بود. ماده ۵۰۱ ـ اگر در عقد اجاره مدت بطور صریح ذکر نشده و مال‌الاجاره‌هم از قرار روز یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد. اجاره برای‌یک روز یا یك ماه یا یك سال صحیح خواهد بود و اگر مستاجر،عین مستاجره را بیش از مدتهای مزبوره در تصرف خود نگاه دارد وموجر هم تخلیه ید او را نخواهد موجر بموجب مراضات حاصله‌برای بقیه مدت و به نسبت زمان تصرف مستحق اجرت مقرر بین‌طرفین خواهد بود. ماده ۵۰۲ ـ اگر مستاجر در عین مستاجره بدون اذن موجر تعمیراتی‌نماید حق مطالبه قیمت آن را نخواهد داشت ماده ۵۰۳ ـ هرگاه مستاجر بدون اجازه موجر در خانه یا زمینی که اجاره‌کرده وضع بنا یا غرس اشجار کند هر یك از موجر و مستاجر حق‌دارد هر وقت بخواهد بنا را خراب یا درخت را قطع نماید در این‌صورت اگر در عین مستاجره نقصی حاصل شود بر عهده مستاجراست ماده ۵۰۴ ـ هرگاه مستاجر به موجب عقد اجاره مجاز در بنا یا غرس‌بوده موجر نمی تواند مستاجر را به خراب‌کردن یا کندن آن اجبار کندو بعد از انقضا مدت اگر بنا یا درخت در تصرف مستاجر باقی بماندموجر حق مطالبه اجرت‌المثل زمین را خواهد داشت و اگر درتصرف موجر باشد مستاجر حق مطالبه اجرت‌المثل بنا یا درخت راخواهد داشت ماده ۵۰۵ ـ اقساط مال‌الاجاره که بعلت نرسیدن موعد پرداخت آن، برذمه مستاجر مستقر نشده است به موت او حال نمی‌شود. ماده ۵۰۶ ـ در اجاره عقار، افت زراعت‌از هرقبیل‌که باشد به

عهده‌مستاجر است مگر اینکه در عقد اجاره طور دیگری شرط شده باشد. مبحث دوم در اجاره حیوانات ماده ۵۰۷ ـ در اجاره حیوان، تعیین منفعت یا به تعیین مدت اجاره‌است یا به بیان مسافت و محلی که راکب یا محمول باید به آنجاحمل شود. ماده ۵۰۸ ـ در موردی که منفعت به بیان مدت اجاره معلوم شود تعیین‌راکب یا محمول لازم نیست ولی مستاجر نمی تواند زیاده بر مقدارمتعارف حمل کند و اگر منفعت به بیان مسافت و محل معین شده‌باشد تعیین راکب یا محمول لازم است ماده ۵۰۹ ـ در اجاره حیوان ممکن است شرط شود که اگر موجر در وقت معین محمول را به مقصد نرسآند مقدار معینی از مال‌الاجاره‌کم شود. ماده ۵۱۰ ـ در اجاره حیوان لازم نیست که عین مستاجره حیوان معینی‌باشد بلکه تعیین آن به نوع معینی کافی خواهد بود. ماده ۵۱۱ ـ حیوانی که مورداجاره است باید برای همان مقصودی‌استعمال شود که قصد طرفین بوده است بنابراین حیوانی را که برای‌سواری اجاره داده شده است نمی توان برای بارکشی استعمال نمود. مبحث سوم در اجاره اشخاص ماده ۵۱۲ ـ در اجاره اشخاص کسی که اجاره می کند مستاجر و کسی که مورد اجاره واقع می‌شود اجیر و مال‌الاجاره اجرت نامیده می‌شود. ماده ۵۱۳ ـ اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است ۱ ـ اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل ۲ ـ اجاره متصدیان حمل و نقل اشخاص یا مال‌التجاره اعم از راه خشکی یا اب یا هوا. فقره اول در اجاره خدمه و کارگر ماده ۵۱۴ ـ خادم یا کارگر نمی تواند اجیر شود مگر برای مدت معینی یابرای انجام امر معینی ماده ۵۱۵ ـ اگر کسی بدون تعیین انتهای مدت اجیر شود مدت اجاره محدود خواهد بود به مدتی که مزد از قرار آن معین شده است بنابراین اگر مزد اجیر از قرار روز یا هفته یا ماه یا سالی فلان مبلغ‌معین شده باشد مدت اجاره محدود به یک روز یا یک هفته یا یک ماه یا یک‌سال خواهد بود و پس از انقضاء مدت مزبور، اجاره برطرف می‌شود ولی اگر پس از انقضای مدت اجیر به خدمت خود دوام دهد و موجر او را نگاه دارد، اجیر نظر به مراضات حاصله به همانطوری‌که در زمان اجاره بین او و موجر مقرر بود مستحق اجرت خواهد شد. فقره دوم در اجاره متصدی حمل و نقل ماده ۵۱۶ ـ تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا اب یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیائی که به آنها سپرده می‌شود همان است که برای امانت داران مقرر است بنابراین درصورت تفریط یا تعدی مسوول تلف یا ضایع‌شدن اشیائی خواهندبود که برای حمل به آنها داده می‌شود و این مسئولیت از تاریخ‌تحویل اشیاء به آنآن خواهد بود. ماده ۵۱۷ ـ مفاد ماده ۵۰۹ در مورد متصدیان حمل و نقل نیز مجری‌خواهد بود. فصل پنجم در مزارعه و مساقات مبحث اول در مزارعه ماده ۵۱۸ ـ مزارعه عقدی است که به موجب آن احد طرفین زمینی رابرای مدت معینی به طرف دیگر می‌دهد که آن را زراعت کرده وحاصل را تقسیم کنند. ماده ۵۱۹ ـ در عقد مزارعه حصه هر یک از مزارع و عامل باید بنحواشاعه از قبیل ربع یا ثلث یا نصف و غیره معین گردد و اگر بنحودیگر باشد احکام مزارعه جاری نخواهد شد. ماده ۵۲۰ ـ در مزارعه جایز است شرط شود که یکی از دو طرف‌علاوه برحصه‌ای‌ازحاصل مال‌دیگری‌نیزبه طرف مقابل بدهد. ماده ۵۲۱ ـ در عقد مزارعه ممکن است هر یک از بذر و عوامل مال‌ق مزارع باشد یا عامل در این صورت نیز حصه مشاع هر یک از طرفین‌برطبق قرارداد یا عرف بلد خواهد بود. ماده ۵۲۲ ـ در عقد مزارعه لازم نیست که متصرف زمین مالک آن هم‌باشد ولی لازم است که مالک منافع بوده باشد یا به‌عنوانی ازعناوین از قبیل ولایت و غیره حق تصرف در آن را داشته باشد. ماده ۵۲۳ ـ زمینی که مورد مزارعه است باید برای زرع مقصود، قابل‌باشد اگرچه محتاج به اصلاح یا تحصیل اب باشد و اگر زرع محتاج‌به عملیاتی باشد (از قبیل حفر نهر یا چاه و غیره و عامل در حین‌عقد جاهل به آن بوده باشد حق فسخ معامله را خواهد داشت ماده ۵۲۴ ـ نوع زرع باید در عقد مزارعه معین باشد مگر اینکه برحسب‌عرف بلد، معلوم و یا عقد برای مطلق زراعت بوده باشد در صورت‌اخیر، عامل در اختیار نوع زراعت مختار خواهد بود. ماده ۵۲۵ ـ عقد مزارعه عقدی است لازم ماده ۵۲۶ ـ هر یک از عامل و مزارع می تواند در صورت غبن معامله رافسخ کند. ماده ۵۲۷ ـ هرگاه زمین به‌واسطه فقدآن اب یا علل دیگر از این قبیل ازقابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد عقد مزارعه‌منفسخ می‌شود. ماده ۵۲۸ ـ اگر شخص ثالثی قبل از اینکه زمین مورد مزارعه تسلیم‌عامل شود آن را غصب کند عامل مختار بر فسخ می‌شود ولی اگرغصب بعد از تسلیم واقع شود حق فسخ ندارد. ماده ۵۲۹ ـ

عقد مزارعه به‌فوت متعاملین یا احد آنها باطل نمی‌شودمگر اینکه مباشرت عامل شرط شده باشد در این صورت به‌فوت اومنفسخ می‌شود. ماده ۵۳۰ ـ هرگاه کسی به مدت عمر خود مالك منافع زمینی بوده و آنرا به مزارعه داده باشد عقد مزارعه به‌فوت او منفسخ می‌شود. ماده ۵۳۱ ـ بعد از ظهور ثمره زرع عامل مالك حصه خود از آنمی‌شود. ماده ۵۳۲ ـ در عقد مزارعه اگر شرط شود که تمام ثمره مال مزارع یاعامل تنها باشد، عقد باطل است ماده ۵۳۳ ـ اگر عقد مزارعه بعلتی باطل شود تمام حاصل مال صاحب‌بذر است و طرف دیگر که مالك زمین یا اب یا صاحب عمل بوده‌است به نسبت آنچه که مالك بوده مستحق اجرت‌المثل خواهدبود. اگر بذر، مشترك بین مزارع و عامل باشد حاصل و اجرت‌المثل‌نیز به نسبت بذر بین آنها تقسیم می‌شود. ماده ۵۳۴ ـ هرگاه عامل در اثناءق یا در ابتدای عمل آن، را ترك کند و کسی‌نباشد که عمل را به جای او انجام دهد حاکم به تقاضای مزارع عامل‌را اجبار به انجام می‌کند و یا عمل را به خرج عامل ادامه می‌دهد و درصورت عدم امکان، مزارع حق فسخ دارد. ماده ۵۳۵ ـ اگر عامل زراعت نکند و مدت منقضی شود مزارع مستحق‌اجرت‌المثل است ماده ۵۳۶ ـ هرگاه عامل بطور متعارف مواظبت در زراعت ننماید و ازاین حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگر متوجه مزارع گردد عامل ضامن تفاوت خواهد بود. ماده ۵۳۷ ـ هرگاه در عقد مزارعه زرع معینی قید شده باشد و عامل غیرآن را زرع نماید مزارعه باطل و برطبق ماده ۵۳۳ رفتار می‌شود. ماده ۵۳۸ ـ هرگاه مزارعه در اثنای مدت قبل از ظهور ثمره فسخ شودحاصل مال مالك بذر است و طرف دیگر مستحق اجرت‌المثل‌خواهد بود. ماده ۵۳۹ ـ هرگاه مزارعه بعد از ظهور ثمره فسخ شود هر یك از مزارع وعامل به نسبتی که بین آنها مقرر بوده شریك در ثمره هستند لیکن ازتاریخ فسخ تا برداشت حاصل هر یك به اخذ اجرت‌المثل زمین وعمل و سایر مصالح‌الاملاك خود که به حصه مقرر به طرف دیگرتعلق می گیرد مستحق خواهد بود. ماده ۵۴۰ ـ هرگاه مدت مزارعه منقضی شود و اتفاقا زرع نرسیده باشدمزارع حق دارد که زراعت را ازاله کند یا آن را به اخذ اجرت‌المثل ابقاء نماید. ماده ۵۴۱ ـ عامل می تواند برای زراعت اجیر بگیرد یا با دیگری شریك‌شود ولی برای انتقال معامله یا تسلیم زمین به‌دیگری رضای مزارع‌لازم است ماده ۵۴۲ ـ خراج زمین به‌عهده مالك است مگر اینکه خلاف آن شرط‌شده باشد سایر مخارج زمین برحسب تعیین طرفین یا متعارف‌است مبحث دوم در مساقات ماده ۵۴۳ ـ مساقات معامله‌ایست که بین صاحب درخت و امثال آن باعامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می‌شود و ثمره اعم‌است از میوه و برگ گل و غیر آن. ماده ۵۴۴ ـ در هر مورد که مساقات باطل باشد یا فسخ شود تمام ثمره مال مالك است و عامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. ماده ۵۴۵ ـ مقررات راجعه به مزارعه که در مبحث قبل ذکر شده است درمورد عقد مساقات نیز مرعی خواهد بود مگر اینکه عامل نمی تواندبدون اجازه مالك معامله را به‌دیگری واگذار یا با دیگری شرکت‌نماید. فصل ششم در مضاربه ماده ۵۴۶ ـ مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه‌می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سودآنشریك‌باشندصاحب‌سرمایه مالك‌وعامل مضارب نامیده می‌شود. ماده ۵۴۷ ـ سرمایه باید وجه نقد باشد. ماده ۵۴۸ ـ حصه هر یك از مالك و مضارب در منافع باید جز مشاع ازکل از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد. ماده ۵۴۹ ـ حصه‌های مزبوره در ماده فوق باید در عقد مضاربه معین‌شود مگر اینکه در عرف منجزا معلوم بوده و سکوت در عقدمنصرف به آن گردد. ماده ۵۵۰ ـ مضاربه عقدی است جایز. ماده ۵۵۱ ـ عقد مضاربه به یکی از علل ذیل منفسخ می‌شود: ۱ ـ در صورت موت یا جنون یا سفه احد طرفین ۲ ـ در صورت مفلس‌شدن مالك ۳ ـ در صورت تلف‌شدن تمام سرمایه و ربح ۴ ـ در صورت عدم امکان تجارتی که منظور طرفین بوده ماده ۵۵۲ ـ هرگاه در مضاربه برای تجارت مدت معین شده باشد تعیین‌مدت موجب لزوم عقد نمی‌شود لیکن پس از انقضا مدت مضارب نمی تواند معامله بکند مگر به اجازه جدید مالك ماده ۵۵۳ ـ در صورتی که مضاربه مطلق باشد (یعنی تجارت خاصی‌شرط نشده باشد) عامل می تواند هر قسم تجارتی را که صلاح بدآندبنماید ولی در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند. ماده ۵۵۴ ـ مضارب نمی تواند نسبت به همان سرمایه با دیگری‌مضاربه کند یا آن را به غیر واگذار نماید مگر با اجازه مالك ماده ۵۵۵ ـ مضارب باید اعمالی را که برای نوع تجارت متعارف ومعمول بلد و زمان است بجا اورد ولی اگر اعمالی را که برطبق عرف‌بایستی به اجیر رجوع کند خود شخصا

انجام دهـد مسـتحق اجرت آننخواهـد بود. ماده ۵۵۶ ـ مضـارب در حکم امین است و ضـامن مـال مضـاربه نمی‌شـودمگر در صورت تعـدی یا تفریط ماده ۵۵۷ ـ اگر کسـی مالی برای تجارت بدهـد و قرار گـذارد که تمام‌منافع مال مالک باشـد در این صورت معامله مضاربه محسوب‌نمی‌شود و عامل مسـتحق اجرت‌المثل خواهـد بود مگر اینکه معلوم‌شود که عامل عمل را تبرعا انجام داده است ماده ۵۵۸ ـ اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یاخسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل‌است مگر اینکه بطور لزوم شـرط شـده باشد که مضارب از مال خودبه مقدار خسارت یا تلف مجانا به مالک تملیک کند. ماده ۵۵۹ ـ در حسـاب جاری یا حساب به مـدت ممکن است با رعایت‌شـرط قسـمت اخیر ماده قبل احکام مضاربه جاری و حق‌المضاربه‌به آن تعلق بگیرد. ماده ۵۶۰ ـ بغیر از آنکه فوقا مـذکور شـد مضاربه تابع شـرایط و مقرراتی‌است که به موجب عقد بین طرفین مقرر است فصـل هفتم در جعاله ماده ۵۶۱ ـ جعـاله عبارت است از التزام شخصـی به ادا اجرت معلوم درمقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشـد یا غیرمعین ماده ۵۶۲ ـ در جعاله ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جعل می گویند. ماده ۵۶۳ ـ در جعاله معلوم‌بودن اجرت من جمیع‌الجهات لازم نیست‌بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس گمشده او را پیدا کند حصه‌مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود جعاله صحیح است ماده ۵۶۴ ـ در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است‌عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد. ماده ۵۶۵ ـ جعاله تعهـدی است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسـیده‌است هر یک از طرفین می تواننـد رجوع کنند ولی اگر جاعل در اثنا عمل رجوع نمایـد بایـد اجرت‌المثل عمل عامل را بدهـد. ماده ۵۶۶ ـ هر گـاه در جعـاله عمل دارای اجزاء متعـدد بوده و هر یک ازاجزاء، مقصـود بالاصـاله جاعـل بـوده باشـد و جعـاله فسـخ گردد عامـل ازاجرت‌المسـمی بـه نسـبت عملی که کرده است مسـتحق خواهدبود اعم‌از اینکه فسخ از طرف جاعل باشد یا از طرف‌خود عامل ماده ۵۶۷ ـ عامل وقتی مستحق جعل می گردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد. ماده ۵۶۸ ـ اگر عاملین متعدد، به شـرکت هم عمل را انجام دهند هر یک‌به نسبت مقدار عمل خود مستحق جعل می گردد. ماده ۵۶۹ ـ مالی که جعاله برای آن واقع شده است از وقتی که به دست‌عامل می‌رسد تا به جاعل رد کند در دست او امـانت است ماده ۵۷۰ ـ جعـاله بر عمل نامشـروع و یا بر عمل غیر عقلایی باطل‌است فصل هشـتم در شـرکت مبحث اول در احکام شـرکت ماده ۵۷۱ ـ شـرکت عبـارت است از اجتمـاع حقوق مـالکین متعـدد درشـییء واحـد بنحو اشـاعه ماده ۵۷۲ ـ شـرکت اختیـاری است یا قهری ماده ۵۷۳ ـ شـرکت اختیـاری یا در نتیجه عقـدی از عقود حاصل می‌شودیا در نتیجه عمل شـرکا از قبیل مزج اختیـاری یـا قبـول مـالی مشاعـا در ازا عمـل چنـد نفر و نحو اینهـا. مـاده ۵۷۴ ـ شـرکت قهری اجتمـاع حقـوق مـالکین اسـت کـه در نتیجه‌امتزاج یـا ارث حاصل می‌شود. ماده ۵۷۵ ـ هر یک از شـرکا به نسبت سـهم خود در نفع و ضـرر سهیم‌می‌باشد مگر اینکه برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سـهم‌زیادتری منظور شده باشد. ماده ۵۷۶ ـ طرز اداره‌کردن اموال مشترک تابع شرایط مقرره بین شرکا خواهد بود. ماده ۵۷۷ ـ شریکی که در ضمن عقد به اداره‌کردن اموال مشترک ماذون شده است می تواند هر عملی را که لازمه اداره‌کردن است انجام دهدو بهیچوجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود مگردر صورت تفریط یا تعدی ماده ۵۷۸ ـ شـرکا همه وقت می تواننـد از اذن خـود رجوع کننـد مگراینکه اذن در ضـمن عقـد لازم داده شـده باشـد که در این صورت مادام‌که شرکت باقی است حق رجوع ندارند. ماده ۵۷۹ ـ اگر اداره‌کردن شـرکت به‌عهده شرکا متعدد باشد بنحوی که‌هر یک بطور اسـتقلال ماذون در اقـدام باشـد هر یک از آنها می توانـدمنفردا به اعمالی که برای اداره‌کردن لازم است اقدام کند. ماده ۵۸۰ ـ اگر بین شـرکا مقرر شـده باشـد که یکی از مـدیران نمی توانـدبـدون دیگری اقدام کند مدیری که به تنهایی اقدام کرده باشد درصورت عـدم امضا شـرکا دیگر، در مقابل شـرکا، ضامن خواهـد بوداگر چه برای ماذونین دیگر امکان فعلی برای مـداخله در امر اداره‌کردن موجود نبوده باشـد. ماده ۵۸۱ ـ تصـرفات هر یک از شـرکا در صورتی‌که بـدون اذن یا خارج‌از حـدود اذن باشد فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی‌خواهـد بود. ماده ۵۸۲ ـ شـریکی که بـدون اذن یا در خارج از حـدود اذن تصـرف دراموال شـرکت نمایـد ضامن است ماده ۵۸۳ ـ هر یک از شـرکا می تواند بدون رضایت شـرکا دیگر سـهم‌خود را جزئا یا کلا به شـخص ثالثی منتقل کند.

ماده ۵۸۴ـ شریکی که مال‌الشر که در ید اوست در حکم امین است وضامن تلف و نقص آن نمی‌شود مگر در صورت تفریط یا تعدی ماده ۵۸۵ـ شریک غیرماذون در مقابل اشخاصی که با آنها معامله کرده مسئول بوده و طلبکاران فقط حق رجوع به او دارند. ماده ۵۸۶ـ اگر برای شرکت در ضمن عقد لازمی مدت معین نشده‌باشد هر یک از شرکا هر وقت بخواهد می تواند رجوع کند. ماده ۵۸۷ـ شرکت به یکی از طرق ذیل مرتفع می‌شود: ۱ـ در صورت تقسیم ۲ـ در صورت تلف‌شدن تمام مال شرکت ماده ۵۸۸ـ در موارد ذیل شرکا، ماذون در تصرف اموال مشترکه‌نمی‌باشند: ۱ـ در صورت انقضا مدت ماذونیت یا رجوع از آن در صورت امکان رجوع ۲ـ در صورت فوت یا محجور شدن یکی از شرکا. مبحث دوم در تقسیم اموال شرکت ماده ۵۸۹ـ هر شریک‌المال می تواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم‌مال مشترک را بنماید مگر در مواردی که تقسیم بموجب این قانون‌ممنوع یا شرکا به وجه ملزمی ملتزم بر عدم تقسیم شده باشند. ماده ۵۹۰ـ در صورتی که شرکا بیش از دو نفر باشند ممکن است‌تقسیم فقط به نسبت سهم یک یا چند نفر از آنها بعمل اید و سهام دیگران به اشاعه باقی بماند. ماده ۵۹۱ـ هرگاه تمام شرکا به تقسیم مال مشترک راضی باشند تقسیم‌بنحوی که شرکا تراضی نمایند بعمل می‌اید و در صورت عدم‌توافق بین شرکا، حاکم اجبار به تقسیم می کند مشروط بر اینکه‌تقسیم مشتمل بر ضرر نباشد که در این صورت اجبار جایز نیست وتقسیم باید به تراضی باشد. ماده ۵۹۲ـ هرگاه تقسیم برای بعضی از شرکا مضر و برای بعض دیگربی‌ضرر باشد در صورتی‌که تقاضا از طرف متضرر باشد طرف دیگراجبار می‌شود و اگر برعکس تقاضا از طرف غیرمتضرر بشود شریک‌متضرر اجبار بر تقسیم نمی‌شود. ماده ۵۹۳ـ ضرری که مانع از تقسیم می‌شود عبارت است از نقصان فاحش قیمت به مقداری که عادتا قابل مسامحه نباشد. ماده ۵۹۴ـ هرگاه قنات مشترک یا امثال آن خرابی پیدا کرده و محتاج به‌تنقیه و تعمیر شود و یک یا چند نفر از شرکا بر ضرر شریک یاشرکا دیگر از شرکت در تنقیه یا تعمیر امتناع نمایند شریک یاشرکای متضرر می توانند به حاکم رجوع نمایند در این صورت اگرملک قابل تقسیم نباشد حاکم می تواند برای قلع ماده نزاع و دفع‌ضرر، شریک ممتنع را به اقتضای موقع به شرکت در تنقیه یا تعمیریا اجاره یا بیع سهم خود اجبار کند. ماده ۵۹۵ـ هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترک یا حصه یک‌یا چند نفر از شرکا از مالیت باشد تقسیم ممنوع است اگرچه شرکا تراضی نمایند. ماده ۵۹۶ـ در صورتی که اموال مشترک متعدد باشد قسمت اجباری دربعضی از آنها ملازم با تقسیم باقی اموال نیست ماده ۵۹۷ـ تقسیم ملک از وقف جایز است ولی تقسیم مال موقوفه بین‌موقوف علیهم جایز نیست ماده ۵۹۸ـ ترتیب تقسیم آنست که اگر مال مشترک مثلی باشد به نسبت‌سهام شرکا افراز می‌شود و اگر قیمی باشد برحسب قیمت تعدیل‌می‌شود و بعد از افراز یا تعدیل در صورت عدم تراضی بین شرکا حصص آنها به قرعه معین می گردد. ماده ۵۹۹ـ تقسیم بعد از آنکه صحیحا واقع شد لازم است و هیچ یک ازشرکا نمی تواند بدون رضای دیگران از آن رجوع کند. ماده ۶۰۰ـ هرگاه در حصه یک یا چند نفر از شرکا عیبی ظاهر شود که‌در حین تقسیم عالم به آن نبوده شریک یا شرکا مزبور حق دارندتقسیم را بهم بزنند. ماده ۶۰۱ـ هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که قسمت بغلط واقع شده‌است تقسیم باطل می‌شود. ماده ۶۰۲ـ هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که مقدار معینی از اموال‌تقسیم شده مال غیر بوده است در صورتی که مال غیر در تمام‌حصص مفروزا به تساوی باشد تقسیم صحیح والا باطل است ماده ۶۰۳ـ ممر و مجرای هر قسمتی که از متعلقات آن است بعد ازتقسیم مخصوص همان قسمت می‌شود. ماده ۶۰۴ـ کسی که در ملک دیگری حق ارتفاق دارد نمی تواند مانع ازتقسیم آن ملک بشود ولی بعد از تقسیم حق مزبور به حال خودباقی می‌مآند. ماده ۶۰۵ـ هرگاه حصه بعضی از شرکا مجرای اب یا محل عبور حصه شریک دیگرباشدبعدازتقسیم حق مجری یاعبورساقط‌نمی‌شود مگر اینکه سقوط آن شرط شده باشد و همچنین است سایر حقوق ارتفاقی ماده ۶۰۶ـ هرگاه ترکه میت قبل از ادا دیون تقسیم شود و یا بعد ازتقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است طلبکار باید به هر یک‌از وراث به نسبت سهم او رجوع کند و اگر یک یا چند نفر از وراث معسر شده باشد طلبکار می تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به‌وراث دیگر رجوع کند. فصل نهم در ودیعه مبحث اول در کلیات ماده ۶۰۷ـ ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به‌دیگری می‌سپارد برای

آن که آن را مجانا نگاه دارد. ودیعه‌گذار مودع و ودیعه‌گیر را مستودع یا امین می گویند. ماده ۶۰۸ ـ در ودیعه قبول امین لازم است اگرچه به فعل باشد. ماده ۶۰۹ ـ کسی می تواند مالی را به ودیعه گذارد که مالک یا قائم‌مقام‌مالک باشد و یا ازطرف مالک صراحتا یا ضمنا مجاز باشد. ماده ۶۱۰ ـ در ودیعه طرفین بایـد اهلیت برای معـامله داشـته باشـند و اگرکسـی مـالی را از کس دیگر که برای معامله اهلیت نـدارد بعنوان ودیعه قبول کنـد باید آن را به ولی او رد نماید و اگر در ید او ناقص یا تلف‌شود ضامن است ماده ۶۱۱ ـ ودیعه عقـدی است جایز. مبحث دوم در تعهدات امین ماده ۶۱۲ ـ امین بایـد مال ودیعه را بطوری که مالک مقرر نموده حفظ کند و اگر ترتیبی تعیین نشـده باشـد آن را بطوری که نسبت به آن مال متعارف است حفظ کند والا ضامن است ماده ۶۱۳ ـ هرگاه مالک برای حفـاظت مال ودیعه ترتیبی مقرر نموده باشـد و امین از برای حفظ مال تغییر آن ترتیب را لازم بدآنـد می توانـدتغییر دهـد مگر اینکه مالـک صـریحا نهی از تغییر کرده باشـد که در این‌صورت ضـامن است ماده ۶۱۴ ـ امین ضـامن تلف یـا نقصـان مالی که به او سپرده شـده استنمی‌باشـد مگر در صورت تعـدی یـا تفریـط ماده ۶۱۵ ـ امین در مقـام حفـظ مسـئول وقـایعی نمی‌باشـد که دفع آن ازاقتـدار او خارج است ماده ۶۱۶ ـ هرگـاه رد مـال ودیعه مطـالبه شود و امین از رد آن امتنـاع کنـد ازتاریـخ امتناع احکام امین به او مترتب نشـده و ضـامن تلف و هرنقص یا عیبی است که در مال ودیعه حادث شود اگرچه آن عیب یا نقص مسـتند به فعل او نباشـد. ماده ۶۱۷ ـ امین نمی توانـد غیر از جهت حفاظت تصـرفی در ودیعه کنـدیا بنحوی از آنحا از آن منتفع گردد مگر با اجازه صـریح یا ضمنی امانتگذار والا ضامن است ماده ۶۱۸ ـ اگر مال ودیعه در جعبه سربسـته یا پاکت مختوم به امین‌سپرده شده باشد حق ندارد آن را باز کند والا ضامن است ماده ۶۱۹ ـ امین باید عین مالی را که دریافت کرده است رد نماید. ماده ۶۲۰ ـ امین باید مال ودیعه را به همـان حـالی که موقع پس دادن‌موجود است مسترد دارد و نسبت به نواقصـی که در آن حاصـل شـده ومربوط به عمـل امین نباشـد ضامن نیست ماده ۶۲۱ ـ اگر مال ودیعه قهرا از امین گرفته شود و مشارالیه قیمت یاچیز دیگری بجای آن اخـذ کرده باشـد باید آنچه را که در عوض گرفته‌است به امانتگـذار بدهـد ولی امانتگـذار مجبور به قبول آن نبوده وحق دارد مسـتقیما به قاهر رجوع کنـد. ماده ۶۲۲ ـ اگر وارث امین مال ودیعه را تلف کنـد بایـد از عهـده مثل یاقیمت آن برایـد اگرچه عالم به ودیعه بودن مال نبوده باشـد. ماده ۶۲۳ ـ منافع حاصـله از ودیعه مال مالک است ماده ۶۲۴ ـ امین بایـد مال ودیعه را فقط به کسـی که آن را از او دریافت‌کرده است یا قائم مقام قانونی او یا به کسـی که ماذون در اخذمی‌باشد مسترد دارد و اگر به‌واسطه ضرورتی بخواهد آنرا رد کند وبه‌کسی که حق اخذ دارد دسترس نداشته باشد باید به حاکم رد نماید. ماده ۶۲۵ ـ هرگاه مستحق‌للغیر بودن مال ودیعه محقق گردد باید امین آنرا به مالـک حقیقی رد کنـد و اگر مالـک معلوم نباشـد تابع احکام اموال‌مجهول‌المالک است ماده ۶۲۶ ـ اگر کسـی مـال خود را به‌ودیعه گـذارد ودیعه به‌فوت امانتگـذار، باطل و امین ودیعه را نمی تواند رد کند مگر به‌وراث او. ماده ۶۲۷ ـ در صورت تعدد وراث و عدم توافق بین آنها مال ودیعه بایـدبه حاکم رد شود. ماده ۶۲۸ ـ اگر در احوال شـخص امانتگذار تغییری حاصل گردد مثلا اگر امانتگذار محجور شود عقد ودیعه منفسخ و ودیعه را نمی توان مسترد نمود مگر به کسی که حق اداره‌کردن اموال محجور را دارد. ماده ۶۲۹ ـ اگر مال محجوری به‌ودیعه گـذارده شـده باشـد آن مال بایدپس از رفع حجر به مالک مسترد شود. ماده ۶۳۰ ـ اگر کسـی مالی را به سمت قیمومت یا ولایت ودیعه گـذاردان مال باید پس از رفع سـمت مزبور به مالک آن رد شود مگر اینکه‌از مالک رفع حجر نشده باشـد کـه در ایـن صـورت بـه قیـم یـا ولی بعـدی‌مسترد می گردد. مـاده ۶۳۱ ـ هرگـاه کسـی مـال غیر را به‌عنـوانی غیر از مسـتودع متصـرف‌باشد و مقررات ایـن قـانون او را نسـبت بـه آن مـال امین قرار داده باشـدمثل مستودع است بنـابراین مسـتاجر نسبت به عین مسـتاجره قیم یـاولی نسبت به مـال صـغیر یـا مولی علیه و امثـال آنهـا ضامن نمی‌باشـدمگر در صورت تفریط یا تعـدی و در صورت اسـتحقاق مالـک‌به‌استرداد از تاریـخ مطـالبه او و امتنـاع متصـرف بـا امکان رد، متصرف‌مسـئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهـد بود اگرچه مستند به فعل اونباشد. ماده ۶۳۲ ـ کاروانسـرا دار و صاحب مهمانخانه و حمامی و امثال آنها نسبت به اشیاء و اسباب یا البسه واردین وقتی مسـئول می‌باشـند که‌اشـیا و اسـباب یا البسه نزد آنها ایـداع شـده باشـد و یا اینکه برطبق‌عرف بلـد در حکم ایداع باشد.

مبحث سوم در تعهدات امانتگذار ماده ۶۳۳ ـ امانتگذار باید مخارجی را که امانتدار برای حفظ مال ودیعه کرده است به او بدهد. ماده ۶۳۴ ـ هرگاه رد مال مستلزم مخارجی باشد برعهده امانتگذاراست فصل دهم در عاریه ماده ۶۳۵ ـ عاریه عقدی است که بموجب آن احد طرفین به‌طرف دیگراجازه می‌دهد که از عین مال او مجانا منتفع شود. عاریه‌دهنده را معیر و عاریه گیرنده را مستعیر گویند. ماده ۶۳۶ ـ عاریه‌دهنده علاوه بر اهلیت باید مالك منفعت مالی باشدکه عاریه می‌دهد اگر چه مالك عین نباشد. ماده ۶۳۷ ـ هر چیزی که بتوان با بقا اصلش از آن منتفع شد می تواند موضوع عقد عاریه گردد. منفعتی که مقصود از عاریه است منفعتی‌است که مشروع و عقلایی باشد. ماده ۶۳۸ ـ عاریه عقدی است جایز و به موت هر یک از طرفین منفسخ‌می‌شود. ماده ۶۳۹ ـ هرگاه مال عاریه دارای عیوبی باشد که برای مستعیر تولیدخسارتی کند معیر مسئول خسارت وارده نخواهد بود مگر اینکه‌عرفا مسبب محسوب شود. همین حکم در مورد مودع و موجر و امثال آنها نیز جاری‌می‌باشد. ماده ۶۴۰ ـ مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد مگر درصورت تفریط یا تعدی ماده ۶۴۱ ـ مستعیر مسئول منقصت ناشی از استعمال مال عاریه نیست‌مگر اینکه در غیر مورد اذن استعمال نموده باشد و اگر عاریه مطلق‌بوده برخلاف متعارف استفاده کرده باشد. ماده ۶۴۲ ـ اگر بر مستعیر شرط ضمان شده باشد مسئول هر کسر ونقصانی خواهد بود اگرچه مربوط به عمل او نباشد. ماده ۶۴۳ ـ اگر بر مستعیر شرط ضمان منقصت ناشی از صرف استعمال‌نیز شده باشد ضامن این منقصت خواهد بود. ماده ۶۴۴ ـ در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوك و غیرمسکوك مستعیرضامن است هر چند شرط ضمان نشده و تفریط یا تعدی هم نکرده‌باشد. ماده ۶۴۵ ـ در رد عاریه باید مفاد مواد ۶۲۴ و ۶۲۶ تا ۶۳۰ رعایت شود. ماده ۶۴۶ ـ مخارج لازمه برای انتفاع از مال عاریه بر عهده مستعیر استو مخارج نگاهداری آن تابع عرف و عادت است مگر اینکه شرط‌خاصی شده باشد. ماده ۶۴۷ ـ مستعیر نمی تواند مال عاریه رابه هیچ نحوی به تصرف غیردهد مگر به اذن معیر. فصل یازدهم در قرض ماده ۶۴۸ ـ قرض عقدی است که بموجب آن احد طرفین مقدار معینی‌از مال خود را به طرف دیگر تملیك می کند که طرف مزبور مثل آنرا از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم‌الرد را بدهد. ماده ۶۴۹ ـ اگر مالی که موضوع قرض است بعد از تسلیم تلف یا ناقص‌شود از مال مقترض است ماده ۶۵۰ ـ مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگرچه قیمتا ترقی یا تنزل کرده باشد. ماده ۶۵۱ ـ اگر برای ادا قرض به وجه ملزمی اجلی معین شده باشدمقرض نمی تواند قبل از انقضا مدت طلب خود را مطالبه کند. ماده ۶۵۲ ـ در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقترض‌مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد. ماده ۶۵۳ ـ منسوخ است فصل دوازدهم در قمار و گروبندی ماده ۶۵۴ ـ قمار و گروبندی باطل و دعاوی راجعه به آن مسموع‌نخواهد بود. همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات‌نامشروع تولید شده باشد جاری است ماده ۶۵۵ ـ در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیر اندازی وشمشیرزنی گروبندی جائز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت‌نمی‌شود. فصل سیزدهم در وکالت مبحث اول در کلیات ماده ۶۵۶ ـ وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف‌دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید. ماده ۶۵۷ ـ تحقق وکالت منوط به قبول وکیل است ماده ۶۵۸ ـ وکالت ایجابا و قبولا ـ به هرلفظ یا فعلی که دلالت بر آن کندواقع می‌شود. ماده ۶۵۹ ـ وکالت ممکن است مجآنی باشد یا با اجرت ماده ۶۶۰ ـ وکالت ممکن است بطور مطلق و برای تمام امور موکل‌باشد یا مقید و برای امر یا امور خاصی ماده ۶۶۱ ـ در صورتی‌که وکالت مطلق باشد فقط مربوط به اداره‌کردن‌اموال موکل خواهد بود. ماده ۶۶۲ ـ وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را بجا آورد وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته‌باشد. ماده ۶۶۳ ـ وکیل نمی تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج استانجام دهد. ماده ۶۶۴ ـ وکیل در محاکمه وکیل در قبض حق نیست مگر اینکه قراین دلالت بر آن نماید و همچنین وکیل در اخذ حق وکیل درمرافعه نخواهد بود. ماده ۶۶۵ ـ وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن نیست مگر اینکه قرینه‌قطعی دلالت بر آن کند. مبحث دوم در تعهدات وکیل ماده ۶۶۶ ـ هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفا وکیل مسبب آن محسوب می گردد مسئول خواهد بود. ماده ۶۶۷ ـ وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل رامراعات نماید

و از آنچه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یابرحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست تجاوز نکند. ماده ۶۶۸ ـ وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد وآنچه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند. ماده ۶۶۹ ـ هرگاه برای انجام یک امر، دو یا چند نفر وکیل معین شده‌باشد هیچیک از آنها نمی تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آنامر بنماید مگر اینکه هر یک مستقلا وکالت داشته باشد، در این‌صورت هر کدام می تواند به تنهایی آن امر را به جا اورد. ماده ۶۷۰ ـ در صورتی که دو نفر به‌نحو اجتماع وکیل باشند به موت‌یکی از آنها وکالت دیگری باطل می‌شود. ماده ۶۷۱ ـ وکالت در هر امر، مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیزهست مگر اینکه تصریح به عدم وکالت باشد. ماده ۶۷۲ ـ وکیل در امری نمی تواند برای آن امر به‌دیگری وکالت دهدمگر اینکه صریحا یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد. ماده ۶۷۳ ـ اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص‌ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب‌می‌شود مسوول خواهد بود. مبحث سوم در تعهدات موکل ماده ۶۷۴ ـ موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خودکرده است انجام دهد. در مورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده است موکل‌هیچ‌گونه تعهد نخواهد داشت مگر اینکه اعمال فضولی وکیل راصراحتا یا ضمنا اجازه کند. ماده ۶۷۵ ـ موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خودنموده است و همچنین اجرت وکیل را بدهد مگر اینکه در عقدوکالت طور دیگر مقرر شده باشد. ماده ۶۷۶ ـ حق‌الوکاله وکیل تابع قرارداد بین طرفین خواهد بود واگرنسبت به حق‌الوکاله یامقدار آن قراردادنباشد تابع عرف و عادت‌است و اگر عادت مسلمی نباشد وکیل مستحق اجرت‌المثل است ماده ۶۷۷ ـ اگر در وکالت مجآنی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده‌باشد محمول بر این است که با اجرت باشد. مبحث چهارم در طرق مختلفه انقضای وکالت ماده ۶۷۸ ـ وکالت به طرق ذیل مرتفع می‌شود: ۱ ـ به عزل موکل ۲ ـ به استعفای وکیل ۳ ـ به موت یا جنون وکیل یا موکل ماده ۶۷۹ ـ موکل می تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه‌وکالت وکیل و یا عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد. ماده ۶۸۰ ـ تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است ماده ۶۸۱ ـ بعد از اینکه وکیل استعفا داد مادامی که معلوم است موکل‌به اذن خود باقی‌است می تواند در آنچه وکالت داشته اقدام کند. ماده ۶۸۲ ـ محجوریت موکل موجب بطلان وکالت می‌شود مگر دراموری که حجر، مانع از توکیل در آنها نمی‌باشد و همچنین است‌محجوریت وکیل مگر در اموری که حجر مانع از اقدام در آن نباشد. ماده ۶۸۳ ـ هرگاه متعلق وکالت از بین برود یا موکل عملی را که مورد وکالت است خود انجام دهد یا بطورکلی عملی که منافی با وکالت‌وکیل باشد به جا اورد مثل اینکه مالی را که برای فروش آن وکالت‌داده بود خود بفروشد وکالت منفسخ می‌شود. فصل چهاردهم در ضمان عقدی مبحث اول در کلیات ماده ۶۸۴ ـ عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه‌دیگری است به‌عهده بگیرد. متعهد را ضامن طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث رامضمون‌عنه یا مدیون اصلی می گویند. ماده ۶۸۵ ـ در ضمان، رضای مدیون اصلی شرط نیست ماده ۶۸۶ ـ ضامن باید برای معامله اهلیت داشته باشد. ماده ۶۸۷ ـ ضامن‌شدن از محجور و میت صحیح است ماده ۶۸۸ ـ ممکن است از ضامن ضمانت کرد. ماده ۶۸۹ ـ هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند ضمانت هر کدام که‌مضمون‌له قبول کند صحیح است ماده ۶۹۰ ـ در ضمان شرط نیست که ضامن مالدار باشد لیکن اگرمضمون‌له در وقت ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل بوده باشدمی تواند عقد ضمان را فسخ کند ولی اگر ضامن بعد از عقد، غیر ملی‌شود مضمون‌له خیاری نخواهد داشت ماده ۶۹۱ ـ ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است ماده ۶۹۲ ـ در دین حال ممکن است ضامن برای تادیه آن اجلی معین‌کند و همچنین می تواند در دین موجل تعهد پرداخت فوری آن رابنماید. ماده ۶۹۳ ـ مضمون‌له می تواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه رهن کنداگرچه دین اصلی رهنی نباشد. ماده ۶۹۴ ـ علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آنرا می‌نماید شرط نیست بنابراین اگر کسی ضامن دین شخص‌بشودبدون اینکه بدآند آن دین چه مقدار است ضمان صحیح است لیکن‌ضمانت یکی از چند دین به‌نحو تردید باطل است ماده ۶۹۵ ـ معرفت

تفصیلی ضامن به شخص مضمون‌له یا مضمون‌عنه‌لازم نیست ماده ۶۹۶ ـ هر دینی را ممکن‌است ضمانت نمود اگرچه شرط فسخی درآن موجود باشد. ماده ۶۹۷ ـ ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت به درک مبیع یا ثمن درصورت مستحق‌للغیر درامدن آن جایز است مبحث دوم در اثر ضمان بین ضامن و مضمون‌له ماده ۶۹۸ ـ بعد از این که ضمان بطور صحیح واقع شد ذمه مضمون‌عنه‌بری و ذمه ضامن به مضمون‌له مشغول می‌شود. ماده ۶۹۹ ـ تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد‌من ضامنم باطل است ولی التزام به تادیه ممکن است معلق باشد. ماده ۷۰۰ ـ تعلیق ضمان به شرایط صحت آن مثل اینکه ضامن قید کندکه اگر مضمون‌عنه مدیون باشد، من ضامنم موجب بطلان آننمی‌شود. ماده ۷۰۱ ـ ضمان، عقدی است لازم و ضامن یا مضمون‌له نمی تواننـدآن را فسخ کنند مگر در صورت اعسار ضامن بطوری که در ماده ۶۹۰مقرر است یا در صورت بودن حق فسخ نسبت به دین مضمون‌به ویا در صورت تخلف از مقررات عقد. ماده ۷۰۲ ـ هرگاه ضمان مدت داشته باشد مضمون‌له نمی تواند قبل ازانقضاء مدت مطالبه طلب خود را از ضامن کند اگرچه دین حال‌باشد. ماده ۷۰۳ ـ در ضمان حال مضمون‌له حق مطالبه طلب خود را دارداگرچه دین موجل‌باشد. ماده ۷۰۴ ـ ضمان مطلق محمول به حال است مگر آن که به قرائن‌معلوم شود که موجل بوده است ماده ۷۰۵ ـ ضمان موجل به فوت ضامن حال می‌شود. ماده ۷۰۶ ـ حذف شد. ماده ۷۰۷ ـ اگر مضمون‌له ذمه مضمون‌عنه را بری کند ضامن بری‌نمی‌شود مگر اینکه مقصود، ابراء از اصل دین باشد. ماده ۷۰۸ ـ کسی که ضامن درک مبیع است در صورت فسخ بیع به سبب‌اقاله یا خیار از ضمان بری می‌شود. مبحث سوم در اثر ضمان بین ضامن و مضمون‌عنه ماده ۷۰۹ ـ ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد مگر بعد از اداء دین‌ولی می تواند در صورتی که مضمون عنه ملتزم شده باشد که درمدت معینی برائت او را تحصیل نماید و مدت مزبور هم منقضی‌شده باشد رجوع کند. ماده ۷۱۰ ـ اگر ضامن با رضایت مضمون‌له حواله کند به کسی که دین رابدهد و آن شخص قبول نماید مثل آن است که دین را اداء کرده است‌و حق رجوع به مضمون‌عنه دارد و همچنین است حواله مضمون‌له‌به‌عهده ضامن ماده ۷۱۱ ـ اگر ضامن دین را تادیه کند و مضمون‌عنه آن را ثانیا بپردازدضامن حق رجوع به مضمون‌له نخواهد داشت و باید به مضمون‌عنه مراجعه کند و مضمون‌عنه می تواند از مضمون‌له آنچه را که‌گرفته است مسترد دارد. ماده ۷۱۲ ـ هرگاه مضمون‌له فوت شود و ضامن وارث او باشد حق‌رجوع به مضمون‌عنه دارد. ماده ۷۱۳ ـ اگر ضامن به مضمون‌له کمتر از دین داده باشد زیاده بر آنچه‌داده نمی تواند از مدیون مطالبه کند اگرچه دین را صلح به کمتر کرده‌باشد. ماده ۷۱۴ ـ اگر ضامن زیادتر از دین به داین بدهد حق رجوع به زیاده‌ندارد مگر در صورتی که به‌اذن مضمون‌عنه داده باشد. ماده ۷۱۵ ـ هرگاه دین مدت داشته و ضامن قبل از موعد آن را بدهد‌مادام که دین حال نشده است نمی تواند از مدیون مطالبه کند. ماده ۷۱۶ ـ در صورتی‌که دین حال باشد هر وقت ضامن اداء کندمی تواند رجوع به مضمون عنه نماید هر چند ضمان، مدت داشته وموعد آن نرسیده باشد مگر آن که مضمون‌عنه اذن به ضمان موجل‌داده باشد. ماده ۷۱۷ ـ هرگاه مضمون‌عنه دین را اداء کند ضامن بری می‌شود هرچند ضامن به مضمون‌عنه اذن در اداء نداده باشد. ماده ۷۱۸ ـ هرگاه مضمون‌له ضامن را از دین ابراء کند ضامن ومضمون‌عنه هر دو بری می‌شوند. ماده ۷۱۹ ـ هرگاه مضمون‌له ضامن را ابراء یا دیگری مجانا دین را بدهدضامن حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد. ماده ۷۲۰ ـ ضامنی که به قصد تبرع ضمانت کرده باشد حق رجوع به‌مضمون‌عنه ندارد. مبحث چهارم در اثر ضمان بین ضامنین ماده ۷۲۱ ـ هرگاه اشخاص متعدد از یک شخص برای یک قرض به نحوتسهیم ضمانت کرده باشند مضمون‌له به هر یک از آنها فقط به‌قدرسهم او حق رجوع دارد و اگر یکی از ضامنین تمام قرض را تادیه‌نماید به‌هر یک از ضامنین دیگر که اذن تادیه داده باشد می تواندبه‌قدر سهم او رجوع کند. ماده ۷۲۲ ـ ضامن ضامن حق رجوع به مدیون اصلی ندارد و باید به‌مضمون عنه خود رجوع کند و به همین طریق هر ضامنی به‌مضمون‌عنه خود رجوع می کند تا به مدیون اصلی برسد. ماده ۷۲۳ ـ ممکن است کسی در ضمن عقد لازمی به‌ا دین دیگری‌ملتزم شود در این صورت تعلیق به‌التزام مبطل نیست مثل اینکه‌کسی التزام خود را به ا دین مدیون معلق به عدم ا او نماید. فصل پآنزدهم در حواله ماده ۷۲۴ ـ حواله عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از

ذمه‌مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می گردد. مدیون را محیل طلبکار را محتال شخص ثالث را محال‌علیه‌می گویند. ماده ۷۲۵ ـ حواله محقق نمی‌شود مگر با رضای محتال و قبول محال‌علیه ماده ۷۲۶ ـ اگر در مورد حواله محیل مدیون محتال نباشد احکام حواله‌در آن جاری نخواهد بود. ماده ۷۲۷ ـ برای صحت حواله لازم نیست که محال علیه مدیون به‌محیل‌باشددراین‌صورت‌محال‌علیه‌پس‌ازقبولی‌درحکم ضامن است ماده ۷۲۸ ـ در صحت حواله ملائت محال علیه شرط نیست ماده ۷۲۹ ـ هرگاه در وقت حواله محال علیه معسر بوده و محتال‌جاهل به اعسار او باشد محتال می تواند حواله را فسخ و به محیل‌رجوع کند. ماده ۷۳۰ ـ پس از تحقق حواله ذمه محیل از دینی که حواله داده‌بری وذمه محال علیه مشغول می‌شود. ماده ۷۳۱ ـ در صورتی که محال علیه مدیون محیل نبوده بعد از اداءوجه حواله می تواند به همان مقداری که پرداخته است رجوع به‌محیل نماید. ماده ۷۳۲ ـ حواله عقدی است لازم و هیچ‌یک از محیل و محتال ومحال علیه نمی تواند آن را فسخ کند مگر در مورد ماده ۷۲۹ و یا درصورتی که خیار فسخ شرط شده باشد. ماده ۷۳۳ ـ اگر در بیع بایع حواله داده باشد که مشتری ثمن را به‌شخصی بدهد یا مشتری حواله داده باشد که بایع ثمن را از کسی‌بگیرد و بعد بطلان بیع معلوم گردد حواله باطل می‌شود و اگر محتال‌ثمن را اخذ کرده باشد باید مسترد دارد ولی اگر بیع به‌واسطه فسخ یااقاله منفسخ شود حواله باطل نبوده لیکن محال علیه بری و بایع یامشتری می تواند به یکدیگر رجوع کند. مفاد این ماده در مورد سایرتعهدات نیز جاری خواهد بود. فصل شآنزدهم در کفالت ماده ۷۳۴ ـ کفالت عقدی است که به موجب آن احد طرفین در مقابل‌طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می کند. متعهد را کفیل شخص ثالث را مکفول و طرف دیگر رامکفول‌له می گویند. ماده ۷۳۵ ـ کفالت به رضای کفیل و مکفول‌له واقع می‌شود. ماده ۷۳۶ ـ در صحت کفالت علم کفیل به ثبوت حقی بر عهده مکفول شرط نیست بلکه دعوی حق از طرف مکفول‌له کافی است اگرچه‌مکفول منکر آن باشد. ماده ۷۳۷ ـ کفالت ممکن است مطلق باشد یا موقت و در صورت‌موقت‌بودن باید مدت آن معلوم باشد. ماده ۷۳۸ ـ ممکن است شخص دیگری کفیل کفیل شود. ماده ۷۳۹ ـ در کفالت مطلق مکفول‌له هر وقت بخواهد می تواننداحضار مکفول را تقاضا کند ولی در کفالت موقت قبل از رسیدن‌موعد، حق مطالبه ندارد. ماده ۷۴۰ ـ کفیل باید مکفول را در زمان و مکانی که تعهد کرده است‌حاضر نماید والا باید از عهده حقی که بر عهده مکفول ثابت‌می‌شود براید. ماده ۷۴۱ ـ اگر کفیل ملتزم شده باشد که مالی در صورت عدم احضارمکفول بدهد باید بنحوی که ملتزم شده است عمل کند. ماده ۷۴۲ ـ اگر در کفالت محل تسلیم معین نشده باشد کفیل بایدمکفول را در محل عقد تسلیم کند مگر اینکه عقد منصرف به محل‌دیگر باشد. ماده ۷۴۳ ـ اگر مکفول غایب باشد به کفیل مهلتی که برای حاضرکردن‌مکفول کافی باشد داده می‌شود. ماده ۷۴۴ ـ اگر کفیل مکفول را در غیر زمان و مکان مقرر یا برخلاف‌شرایطی که کرده اند تسلیم کند قبول آن بر مکفول‌له لازم نیست لیکن‌اگر قبول کرد کفیل بری می‌شود و همچنین اگر مکفول‌له برخلاف مقرر بین‌طرفین تقاضای تسلیم نماید کفیل ملزم به‌قبول نیست ماده ۷۴۵ ـ هر کس شخصی را از تحت اقتدار ذیحق یا قائم مقام او بدون رضای او خارج کند در حکم کفیل است و باید آن شخص راحاضر کند والا باید از عهده حقی که بر او ثابت شود براید. ماده ۷۴۶ ـ در موارد ذیل کفیل بری می‌شود: ۱ ـ در صورت حاضرکردن مکفول بنحوی که متعهد شده است ۲ ـ در صورتی که مکفول در موقع مقرر شخصا حاضر شود؛ ۳ ـ در صورتی که ذمه مکفول بنحوی از انحا از حقی‌که مکفول‌له بر او دارد بری شود؛ ۴ ـ در صورتی که مکفول‌له کفیل را بری نماید؛ ۵ ـ در صورتی که حق مکفول‌له بنحوی از انحا به دیگری منتقل شود؛ ۶ ـ در صورت فوت مکفول ماده ۷۴۷ ـ هرگاه کفیل مکفول خود را مطابق شرایط مقرره حاضر کند ومکفول‌له از قبول آن امتناع نماید کفیل می تواند احضار مکفول وامتناع مکفول‌له را با شهادت معتبر نزد حاکم و یا احضار نزد حاکم‌اثبات نماید. ماده ۷۴۸ ـ فوت مکفول‌له موجب برائت کفیل نمی‌شود. ماده ۷۴۹ ـ هرگاه یک نفر در مقابل چند نفر، از شخصی کفالت نماید به‌تسلیم او به یکی از آنها در مقابل دیگران بری نمی‌شود. ماده ۷۵۰ ـ در صورتی که شخصی کفیل کفیل باشد و دیگری کفیل او وهکذا هر کفیل باید مکفول خود را حاضر کند و هر کدام از آنها که‌مکفول اصلی را حاضر کرد او و سایرین بری می‌شوند و هر کدام

که‌به یکی از جهات مزبور در ماده ۷۴۶ بری شد کفیل‌های مابعد او هم‌بری می‌شوند. ماده ۷۵۱ ـ هر گاه کفالت به‌اذن مکفول بوده و کفیل با عدم تمکن ازاحضار حقی را که به‌عهده او است اداء نماید و یا به اذن او اداء حق‌کند می تواند به مکفول رجوع کرده آنچه را که داده اخذ کند و اگرهیچ‌یک به‌اذن مکفول نباشد حق رجوع نخواهد داشت فصل هفدهم در صلح ماده ۷۵۲ ـ صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یاجلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود. ماده ۷۵۳ ـ برای صحت صلح طرفین باید اهلیت معامله و تصرف درمورد صلح داشته باشند. ماده ۷۵۴ ـ هر صلح نافذ است جز صلح بر امری که غیر مشروع باشد. ماده ۷۵۵ ـ صلح با آنکار دعوا نیز جایز است بنابراین درخواست صلح اقرار محسوب نمی‌شود. ماده ۷۵۶ ـ حقوق خصوصی که از جرم تولید می‌شود ممکن استمورد صلح واقع شود. ماده ۷۵۷ ـ صلح بلاعوض نیز جایز است ماده ۷۵۸ ـ صلح در مقام معاملات هرچند نتیجه معامله را که به جای‌آن واقع شده است می‌دهد لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله رآندارد بنابراین اگر مورد صلح عین باشد در مقابل عوض نتیجه آنهمان نتیجه بیع خواهد بود بدون اینکه شرایط و احکام خاصه بیع‌در آن مجری شود. ماده ۷۵۹ ـ حق شفعه در صلح نیست هر چند در مقام بیع باشد. ماده ۷۶۰ ـ صلح عقد لازم است اگرچه در مقام عقود جائزه واقع شده‌باشد و بر هم نمی‌خورد مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله ماده ۷۶۱ ـ صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد قاطع بین‌طرفین است و هیچیک نمی تواند آن را فسخ کند اگرچه به ادعای‌غبن باشد مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار. ماده ۷۶۲ ـ اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده‌باشد صلح باطل است ماده ۷۶۳ ـ صلح به اکراه نافذ نیست ماده ۷۶۴ ـ تدلیس در صلح موجب خیار فسخ است ماده ۷۶۵ ـ صلح دعوی مبتنی بر معامله باطله باطل است ولی صلح‌دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح است ماده ۷۶۶ ـ اگر طرفین بطورکلی تمام دعاوی واقعیه و فرضیه خود را به‌صلح خاتمه داده باشند کلیه دعاوی داخل در صلح محسوب است‌اگرچه منشاء دعوی در حین صلح معلوم نباشد مگر اینکه صلح به‌حسب قرائن شامل آن نگردد. ماده ۷۶۷ ـ اگر بعد از صلح معلوم گردد که موضوع صلح منتفی بوده‌است صلح باطل است ماده ۷۶۸ ـ در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال‌الصلحی که می گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت‌معین تادیه کند این تعهد ممکن است به نفع طرف مصالحه یا به نفع‌شخص یا اشخاص ثالث واقع شود. ماده ۷۶۹ ـ در تعهد مذکوره در ماده قبل به نفع هر کس که واقع شده‌باشد ممکن است شرط نمود که بعد از فوت منتفع نفقه به وراث اوداده شود. ماده ۷۷۰ ـ صلحی که بر طبق دو ماده فوق واقع می‌شود به‌ورشکستگی یا افلاس متعهد نفقه فسخ نمی‌شود مگر اینکه شرط شده باشد. فصل هجدهم در رهن ماده ۷۷۱ ـ رهن عقدی است که بموجب آن مدیون مالی را برای وثیقه‌به داین می‌دهد. رهن دهنده را راهن و طرف دیگر را مرتهن می گویند. ماده ۷۷۲ ـ مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین‌طرفین معین می گردد داده شود ولی استمرار قبض شرط صحت‌معامله نیست ماده ۷۷۳ ـ هر مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست نمی تواند موردرهن واقع شود. ماده ۷۷۴ ـ مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل‌است ماده ۷۷۵ ـ برای هر مالی که در ذمه باشد ممکن است رهن داده شود ولو عقدی که موجب اشتغال ذمه است قابل فسخ باشد. ماده ۷۷۶ ـ ممکن است یک‌نفر مالی را در مقابل دو یا چند دین که به‌دو یا چند نفر دارد رهن بدهد در این صورت مرتهنین باید به تراضی‌معین کنند که رهن در تصرف چه کسی باشد و همچنین ممکن است‌دو نفر یک مال را به یک نفر در مقابل طلبی که از آنها دارد رهن‌بدهند. ماده ۷۷۷ ـ در ضمن عقد رهن یا به موجب عقد علیحده ممکن است‌راهن مرتهن را وکیل کند که اگر در موعد مقرر راهن قرض خود را اداءننمود مرتهن از عین مرهونه یا قیمت آن طلب خود را استیفاء کند ونیز ممکن است قرار دهد وکالت مزبور بعد از فوت مرتهن با ورثه‌اوباشد و بالاخره ممکن‌است که‌وکالت‌به شخص‌ثالث‌داده شود. ماده ۷۷۸ ـ اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است ماده ۷۷۹ ـ هرگاه مرتهن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد وراهن هم برای فروش آن و اداء دین حاضر نگردد مرتهن به حاکم‌رجوع می‌نماید تا اجبار به بیع یا اداء دین به نحو دیگر بکند. ماده ۷۸۰ ـ برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن مرتهن بر هر

طلبکاردیگری رجحآن خواهـد داشت ماده ۷۸۱ ـ اگر مـال مرهون به قیمـتی بیش از طلب مرتهن فروخته شودمـازاد مـال مالـك آن است و اگر برعکس حاصل فروش کمتر باشـدمرتهن باید برای نقیصه به‌راهن رجوع کند. ماده ۷۸۲ ـ در مورد قسمت اخیر ماده قبل اگر راهن مفلس شده باشدمرتهن با غرماء شـریك می‌شود. ماده ۷۸۳ ـ اگر راهن مقـداری از دین را اداء کنـد حق ندارد مقداری از رهن‌را مطـالبه نمایـد و مرتهن می توانـد تمـام آن را تـا کامـل دین نگاه‌دارد مگر اینکه بین راهن ومرتهن ترتیب دیگری مقرر شـده باشد. ماده ۷۸۴ ـ تبدیل رهن به‌مال دیگر به تراضی طرفین جائز است ماده ۷۸۵ ـ هر چیزی که در عقد بیع بدون قید صریح به عنوان متعلقات‌جز مبیع محسوب می‌شود در رهن نیز داخل خواهد بود. ماده ۷۸۶ ـ ثمره رهن و زیادتی که ممکن است در آن حاصل شود درصـورتی که متصـل باشـد جزو رهن خواهـد بـود و در صـورتی که‌منفصـل باشـد متعلق به راهن است مگر اینکه ضـمن عقـد بین طرفین‌ترتیب دیگری مقرر شـده باشـد. ماده ۷۸۷ ـ عقـد رهن نسـبت به مرتهن جـائز و نسـبت به‌راهن لازم است وبنابراین مرتهن می توانـد هر وقت بخواهد آن را بر هم زند ولی راهن‌نمی تواند قبل از اینکه دین خود را ادا نماید و یا بنحوی از انحا قانونی از آن بری شود رهن را مسترد دارد. ماده ۷۸۸ ـ به موت راهن یا مرتهن رهن منفسخ نمی‌شود ولی درصورت فوت مرتهن راهن می تواند تقاضا نمایـد که رهن به تصرف‌شـخص‌ثالثی که به تراضـی او و ورثه معین می‌شـود داده شـود. در صورت عـدم تراضـی شـخص مزبور از طرف حـاکم‌معین می‌شود. مـاده ۷۸۹ ـ رهن در یـد مرتهن امـانت محسـوب است و بنـابراین مرتهن‌مسئول تلـف یـا ناقص‌شـدن آن نخواهـد بود مگر در صورت تقصـیر. ماده ۷۹۰ ـ بعـد از برائت ذمه مـدیون رهن در یـد مرتهن امـانت است‌لیکن اگر با وجود مطالبه آن، را رد ننمایـد ضامن آن خواهد بوداگرچه تقصـیر نکرده باشد. ماده ۷۹۱ ـ اگر عین مرهونه به واسـطه عمل خود راهن یا شخص دیگری‌تلف شود بایـد تلف‌کننـده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهدبود. ماده ۷۹۲ ـ وکـالت مزبور در ماده ۷۷۷ شامل بدل مزبور در ماده فوق نخواهد بود. ماده ۷۹۳ ـ راهن نمی تواند در رهن تصـرفی کند که منافی حق مرتهن‌باشد مگر به اذن مرتهن ماده ۷۹۴ ـ راهن می توانـد در رهن تغییراتی بدهـد یـا تصـرفات دیگری که‌برای رهن نـافع باشـد و منـافی حقوق مرتهن هم نباشـد بعمل اوردبـدون اینکه مرتهن بتوانـد او را منع کنـد، در صورت منع اجازه باحاکم است فصل نوزدهم در هبه ماده ۷۹۵ ـ هبه عقدی است که به موجب آن یـك نفر مالی را مجانا به‌کس دیگری تملیك می کنـد، تملیك‌کننـده واهب طرف دیگر رامتهب مالی را که مورد هبه است عین موهوبه می گویند. ماده ۷۹۶ ـ واهب باید برای معامله و تصـرف در مال خود اهلیت داشته‌باشد. ماده ۷۹۷ ـ واهب باید مالك مالی باشد که هبه می کند. ماده ۷۹۸ ـ هبه واقع نمی‌شود مگر با قبول و قبض متهب اعم از اینکه‌مباشـر قبض خود متهب باشد یا وکیل او و قبض بـدون اذن واهب‌اثری نـدارد. ماده ۷۹۹ ـ در هبه به صـغیر یـا مجنون یا سـفیه قبض ولی معتبر است ماده ۸۰۰ ـ در صـورتی که عین موهوبه در یـد متهب باشـد محتـاج به‌قبض نیست مـاده ۸۰۱ ـ هبـه مم‌کن است معوض باشـد و بنـابراین واهب می تواندشـرط کند که متهب مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجانابجا اورد. ماده ۸۰۲ ـ اگر قبل از قبض واهب یا متهب فوت کند هبه باطل‌می‌شود. ماده ۸۰۳ ـ بعـد از قبض نیز واهب می توانـد با بقاءق عین موهوبه از هبه‌رجوع کند مگر در موارد ذیل ۱ ـ در صورتی که متهب پـدر یـا مـادر و یا اولاد واهب باشـد؛ ۲ ـ در صـورتی که هبه معـوض بـوده و عوض هم داده شـده باشـد؛ ۳ ـ در صورتی که عین موهوبه از ملکیت متهب خـارج شـده یـامتعلق حق غیر واقع شود خواه قهرا مثـل اینکه متهب به واسـطه فلس‌محجور شود خواه اختیـارا مثـل اینکه عین موهوبه به رهن داده شود؛ ۴ ـ در صورتی که در عین موهوبه تغییری حاصـل شود. مـاده ۸۰۴ ـ در صورت رجوع واهب نمـاات عین موهوبه اگر متصل‌باشـد مـال واهب و اگر منفصل باشـد مال متهب خواهـد بود. ماده ۸۰۵ ـ بعد از فوت واهب یـا متهب رجوع ممکن نیست ماده ۸۰۶ ـ هرگاه داین طلب خود را به مـدیون ببخشـد حق رجوع نـدارد. ماده ۸۰۷ ـ اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد حق رجوع‌ندارد.

قسمت سوم در اخذ به شفعه

ماده ۸۰۸ ـ هرگاه مال غیر منقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص‌ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده‌است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می گویند. ماده ۸۰۹ ـ هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود. ماده ۸۱۰ ـ اگر ملک دو نفر در ممر یا مجری مشترک باشد و یکی از آنهاملک خود را با حق ممر یا مجری بفروشد دیگری حق شفعه داردا‌گرچه در خود ملک مشاعا شریک نباشد ولی اگر ملک را بدون‌ممر یا مجری بفروشد دیگری حق شفعه ندارد. ماده ۸۱۱ ـ اگر حصه یکی از دو شریک وقف باشد متولی یا موقوف‌علیهم حق شفعه ندارد. ماده ۸۱۲ ـ اگر مبیع متعدد بوده و بعض آن قابل شفعه و بعض دیگرقابل شفعه نباشد حق شفعه را می‌توان نسبت به بعضی که قابل‌شفعه است به قدر حصه آن بعض از ثمن اجرانمود. ماده ۸۱۳ ـ در بیع فاسد، حق شفعه نیست ماده ۸۱۴ ـ خیاری‌بودن بیع مانع از اخذ به شفعه نیست ماده ۸۱۵ ـ حق شفعه را نمی‌توان فقط نسبت به یک قسمت از مبیع‌اجرا نمود. صاحب حق مزبور یا باید از آن صرف‌نظر کند یا نسبت به‌تمام مبیع اجرا نماید. ماده ۸۱۶ ـ اخذ به شفعه هر معامله‌ای را که مشتری قبل از آن و بعد ازعقد بیع نسبت به مورد شفعه نموده باشد، باطل می‌نماید. ماده ۸۱۷ ـ در مقابل شریکی که به حق شفعه تملک می کند مشتری‌ضامن درک است نه بایع لیکن اگر در موقع اخذ به شفعه مورد شفعه‌هنوز به تصرف مشتری داده نشده باشد شفیع حق رجوع به مشتری‌نخواهد داشت ماده ۸۱۸ ـ مشتری نسبت به عیب و خرابی و تلفی که قبل از اخذ به‌شفعه در ید او حادث شده باشد ضامن نیست و همچنین است بعداز اخذ به شفعه و مطالبه در صورتی که تعدی یا تفریط نکرده باشد. ماده ۸۱۹ ـ نماآتی که قبل از اخذ به شفعه در مبیع حاصل می‌شود درصورتی‌که منفصل باشد مال مشتری و در صورتی که متصل باشدمال شفیع است ولی مشتری می‌تواند بنایی را که کرده یا درختی راکه کاشته قلع کند. ماده ۸۲۰ ـ هرگاه معلوم شود که مبیع حین‌البیع معیوب بوده و مشتری‌ارش گرفته است شفیع در موقع اخذ به شفعه مقدار ارش را از ثمن‌کسر می گذارد. حقوق مشتری در مقابل بایع راجع به درک مبیع همان‌است که در ضمن عقد بیع مذکور شده است ماده ۸۲۱ ـ حق شفعه فوری است ماده ۸۲۲ ـ حق شفعه قابل اسقاط است و اسقاط آن به هر چیزی که‌دلالت بر صرف‌نظرکردن از حق مزبور نماید واقع می‌شود. ماده ۸۲۳ ـ حق شفعه بعد از موت شفیع به وارث یا وراث او منتقل‌می‌شود. ماده ۸۲۴ ـ هرگاه یک یا چند نفر از وراث حق خود را اسقاط کند باقی وراث نمی‌توانند آن را فقط نسبت به سهم خود اجرا نمایند و باید یا از آن صرف‌نظر کنند یا نسبت به تمام مبیع اجرا نمایند.

قسمت چهارم در وصایا و ارث

باب اول در وصایا

فصل اول در کلیات ماده ۸۲۵ ـ وصیت بر دو قسم است تملیکی و عهدی ماده ۸۲۶ ـ وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی‌را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجانا تملیک کند.وصیت عهدی عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای‌انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مامور می‌نماید. وصیت‌کننده‌موصی کسی که وصیت تملیکی به نفع او شده است موصی‌له مورد وصیت موصی به کسی که به موجب وصیت عهدی ولی برمورد ثلث یا بر صغیر قرار داده می‌شود وصی نامیده می‌شود. ماده ۸۲۷ ـ تملیک به موجب وصیت محقق نمی‌شود مگر با قبول موصی‌له پس از فوت موصی ماده ۸۲۸ ـ هرگاه موصی‌له غیر محصور باشد مثل اینکه وصیت برای‌فقرا یا امور عام‌المنفعه شود قبول شرط نیست ماده ۸۲۹ ـ قبول موصی‌له قبل از فوت موصی موثر نیست و موصی‌می‌تواند از وصیت خود رجوع کند حتی در صورتی که موصی له موصی به را قبض کرده باشد. ماده ۸۳۰ ـ نسبت به موصی‌له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی‌معتبر است بنابراین اگر موصی‌له قبل از فوت موصی وصیت را ردکرده باشد بعد از فوت می‌تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن‌را قبول و موصی‌به را قبض کرد دیگر نمی‌تواند آن را رد

کنـد لیکن اگرقبل از فوت قبول کرده باشـد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست ماده ۸۳۱ ـ اگر موصـی‌له صغیر یا مجنون باشد رد یا قبول وصـیت بـاولی خواهـد بود. ماده ۸۳۲ ـ موصـی‌له می‌توانـد وصـیت را نسـبت به قسـمتی از موصـی به‌قبول کنـد در این صورت وصـیت نسبت به قسمتی که قبول شده‌صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می‌شود. ماده ۸۳۳ ـ ورثه موصی نمی‌تواند در موصی‌به تصـرف کنـد مـادام که‌موصـی‌له رد یـا قبول خود را به آنهـا اعلـام نکرده است اگر تاخیر این‌اعلام موجب تضـرر ورثه باشـد حاکم موصـی‌له را مجبور می‌کند که‌تصمیم خود را معین نماید. ماده ۸۳۴ ـ در وصـیت عهدی قبول شرط نیست لیکن وصی می‌توان‌دمادام که موصـی زنـده است وصایت را رد کنـد و اگر قبل از فوت‌موصـی رد نکرد بعـد ازآن‌حق‌ردنداردا‌گرچه‌جاهل‌بروصایت‌بوده‌باشد. فصل دوم در موصـی ماده ۸۳۵ ـ موصـی باید نسبت به مورد وصیت جایزالتصرف باشد. ماده ۸۳۶ ـ هرگاه کسـی به قصد خودکشی خـود را مجروح یـا مسـموم کنـدیا اعمـال دیگر از این قبیـل که موجب هلاـکت است مرتکب گردد وپس از آن وصـیت نمایـد آن وصـیت در صورت هلاکت باطل است وهرگاه اتفاقا منتهی به موت نشـد وصـیت نافـذ خواهد بود. ماده ۸۳۷ ـ اگر کسـی به موجب وصـیت یـک یا چنـد نفر از ورثه خود رااز ارث محروم کنـد وصـیت مزبور نافـذ نیست ماده ۸۳۸ ـ موصـی می‌تواند از وصـیت خود رجوع کنـد. ماده ۸۳۹ ـ اگر موصـی ثانیا وصـیتی برخلاف وصـیت اول نماید وصـیت‌دوم صـحیح است فصل سوم در موصی‌به ماده ۸۴۰ ـ وصـیت به‌صـرف مال در امر غیر مشـروع باطل است ماده ۸۴۱ ـ موصـی‌به باید ملك موصـی باشد و وصـیت به مال غیر ولوبا اجازه مالك باطل است ماده ۸۴۲ ـ ممکن است مالی را که هنوز موجود نشده است وصیت‌نمود. ماده ۸۴۳ ـ وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر به اجازه‌وراث واگر بعض از ورثه اجازه‌کند فقط نسبت به سـهم او نافذ است ماده ۸۴۴ ـ هرگاه موصی به مال معینی باشـد آن مـال تقویم می‌شود اگرقیمت آن بیش از ثلث ترکه باشـد مـازاد، مـال ورثه است مگر اینکه‌اجـازه کنـد. ماده ۸۴۵ ـ میزان ثلث به اعتبـار دارایی موصـی در حین وفـات معین‌می‌شود نه به اعتبـار دارایی او در حین وصـیت ماده ۸۴۶ ـ هرگاه موصـی به منـافع ملکی باشـد دائمـا یا در مـدت معین‌بطریق ذیل از ثلث اخراج می‌شود: بـدوا عین ملك با منافع آن تقویم‌می‌شود سپس ملك مزبور با ملاحظه مسلوب‌المنفعه بودن درمـدت وصـیت تقویم شده تفاوت بین دو قیمت از ثلث حساب‌می‌شود. اگر موصـی به منافع دائمی ملـك بوده و بـدین جهت عین‌ملـك قیمتی نداشـته‌باشد قیمت ملك باملاحظه منافع از ثلث‌محسوب می‌شود. ماده ۸۴۷ ـ اگر موصـی به کلی باشد تعیین فرد با ورثه است مگر اینکه‌در وصـیت طور دیگر مقرر شده باشد. ماده ۸۴۸ ـ اگر موصی به جزءق مشاع ترکه باشد مثل ربع یا ثلث موصـی‌له با ورثه در همان مقدار از ترکه مشاعا شـریك خواهد بود. ماده ۸۴۹ ـ اگر موصی زیاده بر ثلث را به ترتیب معینی وصـیت به‌اموری کرده باشـد و ورثه زیـاده بر ثلث را اجـازه نکننـد به همان ترتیبی که وصـیت کرده است از ترکه خارج می‌شود تا میزان ثلث و زایـد برثلث باطل خواهـد شـد و اگر وصـیت به تمام یکـدفعه باشـد زیاده ازهمه کسـر می‌شود. فصـل چهارم در موصـی‌له ماده ۸۵۰ ـ موصـی‌له بایـد موجود باشـد و بتوانـد مالـك چیزی بشود که‌برای او وصـیت شـده است ماده ۸۵۱ ـ وصـیت برای حمل صـحیح است لیکن تملك او منوط است‌بر اینکه زنـده متولـد شود. ماده ۸۵۲ ـ اگر حمـل در نتیجه جرمی سـقط شود موصـی‌به به ورثه اومیرسـد مگر اینکه جرم مانع ارث باشـد. ماده ۸۵۳ ـ اگر موصـی لهم متعدد و محصور باشـند موصـی به بین آنهابالسویه تقسیم می‌شود مگر اینکه موصـی طور دیگر مقرر داشـته‌باشد. فصل پنجم در وصی ماده ۸۵۴ ـ موصـی می‌تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید، درصورت تعدد، اوصیا باید مجتمعا عمل به وصیت کنند مگر درصورت تصریح به استقلال هر یک ماده ۸۵۵ ـ موصـی می‌توانـد چنـد نفر را به نحـو ترتیب وصـی معین کنـدبه این طریـق که اگر اولی فـوت کرد دومی وصـی باشـد و اگر دومی‌فوت کرد سومی باشـد و هکذا. ماده ۸۵۶ ـ صـغیر رامی‌توان به‌اتفـاق یک‌نفرکبیر وصـی قرار داد. در این‌صورت اجرا وصایا با کبیر خواهدبود تاموقع بلوغ و رشد صـغیر. ماده ۸۵۷ ـ موصـی می‌تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی‌معین نماید. حدود اختیـارات نـاظر به طریقی خواهـد بـود که موصـی‌مقرر داشـته است یـا از قرائن معلوم شود. مـاده ۸۵۸ ـ وصـی نسـبت به امـوالی که برحسب وصـیت در یـد اومی‌باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی‌شود مگر در صورت تعدی‌و تفریط ماده ۸۵۹ ـ وصی باید بر طبق

وصایای موصی رفتار کند والا ضامن ومنعزل است ماده ۸۶۰ ـ غیر از پدر و جد پدری کس دیگر حق ندارد بر صغیر وصی معین کند.

باب دوم در ارث

فصل اول در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراث ماده ۸۶۱ ـ موجب ارث دو امر است نسب و سبب ماده ۸۶۲ ـ اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه اند: ۱ ـ پدر و مادر و اولاد و اولادق اولاد. ۲ ـ اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها. ۳ ـ اعمام و عمات و اخوال و خالات و اولاد آنها. ماده ۸۶۳ ـ وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد. ماده ۸۶۴ ـ از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد. ماده ۸۶۵ ـ اگر در شخص واحد موجبات متعدده ارث جمع شود به‌جهت تمام آن موجبات ارث می‌برد مگر اینکه بعضی از آنها مانع‌دیگری‌باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع می‌برد. ماده ۸۶۶ ـ در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع به حاکم‌است فصل دوم در تحقق ارث ماده ۸۶۷ ـ ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدامی‌کند. ماده ۸۶۸ ـ مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته ماده ۸۶۹ ـ حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد و باید قبل ازتقسیم آن اداء شود از قرار ذیل است ۱ ـ قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق است به اعیان ترکه مثل‌عینی که متعلق رهن است ۲ ـ دیون و واجبات مالی متوفی ۳ ـ وصایای میت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده بر ثلث‌با اجازه آنها. ماده ۸۷۰ ـ حقوق مزبوره در ماده قبل باید به ترتیبی که در ماده مزبوره مقرر است تادیه شود و مابقی اگر باشد بین وراث تقسیم گردد. ماده ۸۷۱ ـ هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که‌دیون متوفی تادیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان‌می‌توآنند آن را بر هم زنند. ماده ۸۷۲ ـ اموال غائب مفقودالاثر تقسیم نمی‌شود مگر بعد از ثبوت‌فوت او یا انقضا مدتی که عادتا چنین شخصی زنده نمی ماند. ماده ۸۷۳ ـ اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برندمجهول و تقدم و تاخر هیچیک معلوم نباشد اشخاص مزبور ازیکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع‌شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند. ماده ۸۷۴ ـ اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت‌یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تاخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد. فصل سوم در شرایط و جمله از موانع ارث ماده ۸۷۵ ـ شرط وراثت زنده‌بودن در حین فوت مورث است و اگرحملی باشد در صوتی ارث می‌برد که نطفه او حین‌الموت منعقدبوده و زنده هم متولد شود اگرچه فورا پس از تولد بمیرد. ماده ۸۷۶ ـ با شک در حیات حین ولادت حکم وراثت نمی‌شود. ماده ۸۷۷ ـ در صورت اختلاف در زمان انعقاد نطفه امارات قانونی که‌برای اثبات نسب مقرر است رعایت خواهد شد. ماده ۸۷۸ ـ هرگاه در حین موت مورث حملی باشد که اگر قابل وراثت‌متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی از وراث دیگر می‌گردد تقسیم‌ارث بعمل نمی‌اید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث‌هیچیک از سایر وراث نباشد و آنها بخواهند ترکه را تقسیم کنند بایدبرای حمل حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشدکنار گذارند و حصه هر یک از وراث‌مراعا است‌تاحال‌حمل‌معلوم‌شود. ماده ۸۷۹ ـ اگر بین وراث غایب مفقودالاثری باشد سهم او کنار گذارده می‌شود تا حال او معلوم شود در صورتی که محقق گردد قبل ازمورث مرده است حصه او به سایر وراث بر می‌گردد والا به خود اویا به ورثه او می‌رسد. ماده ۸۸۰ ـ قتل از موانع ارث است بنابراین کسی که مورث خود را عمدا بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفردا باشد یا به شرکت دیگری ماده ۸۸۱ ـ در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع‌باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود. ماده ۸۸۱ مکرر ـ کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای‌کافری مسلم باشد وراث کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه ودرجه مقدم بر مسلم باشند. ماده ۸۸۲ ـ بعد از لعان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و

همچنین‌فرزنـدی که به سـبب انکار او، لعان واقع شـده از پـدر و پـدر از او ارث‌نمی‌برد لیکن فرزند مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین‌مادر و خویشان مادری از او ارث می‌برند. ماده ۸۸۳ ـ هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند. ماده ۸۸۴ ـ ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد لیکن اگرحرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابوین ثابت ونسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد طفل فقط از این‌طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس ماده ۸۸۵ ـ اولاد و اقوام کسانی که به موجب ماده ۸۸۰ از ارث ممنوع‌می‌شوند محروم از ارث نمی‌باشـند بنابراین اولاد کسـی که پدر خودرا کشته باشد از جد مقتول خود ارث می‌برد اگر وراث نزدیکتری باعث حرمان آنـان نشود. فصـل چهارم در حجب ماده ۸۸۶ ـ حجب حـالت وارثی است که به واسـطه بودن وارث دیگر ازبردن ارث کلاً ـ یـا جزئا محروم می‌شود: ماده ۸۸۷ ـ حجـب بر دو قسم است قسم اول آن است که وارث از اصـل ارث محروم می گردد مثل‌برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم‌می‌شود یا برادر ابی که با بودن برادر ابوینی از ارث محروم می گردد؛ قسم دوم آن است که فرض وارث از حـد اعلی به حـد ادنی نـازل‌می گردد مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای‌زوجه اولاد باشـد و همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی‌که برای زوج او اولاد باشد. ماده ۸۸۸ ـ ضابطه حجب از اصل ارث رعایت اقربیت به میت است بنابراین هر طبقه از وراث طبقه بعد را از ارث محروم می‌نماید مگردر مورد ماده ۹۳۶ و موردی که وارث دورتر بتوانـد به سـمت قائم‌مقـامی ارث ببرد که در این صورت هر دو ارث می‌برنـد. مـاده ۸۸۹ ـ در بیــن وراث طبقـه اولی اگر برای میت اولادی نباشـد اولاد او هر قـدر که پائین بروند قائم‌مقام پدر یا مادر خود بوده و با هریک از ابوین متوفی که زنده باشد ارث می‌برند ولی در بین اولاد،اقرب به میت ابعد را از ارث محروم می‌نماید. ماده ۸۹۰ ـ در بین وراث طبقه دوم اگر برای متوفی برادر یا خواهری نباشـد اولاد اخوه هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خودبوده با هر یک از اجداد متوفی که زنده باشد ارث می‌برند لیکن دربین اجـداد یا اولاد اخوه اقرب به متوفی ابعد را از ارث محروم‌می‌کند. مفاد این ماده در مورد وارث طبقه سوم نیز مجری می‌باشد. ماده ۸۹۱ ـ وراث ذیـل حاجب از ارث ندارنـد: پـدر ـ مادر ـ پسـر ـ دختر ـ زوج و زوجه ماده ۸۹۲ ـ حجب از بعض فرض در مـوارد ذیـل است الف ـ وقتی که برای میت اولـد یا اولاد اولاد باشـد: در این‌صورت ابوین میت از بردن بیش از یک ثلث محروم می‌شوند مگردر مورد ماده ۹۰۸ و ۹۰۹ که ممکن است هر یک از ابوین به عنوان قرابت یا رد بیش از یک سـدس ببرد همچنین زوج از بردن بیش ازیکربع و زوجه از بردن بیش از یـک ثمن محروم می‌شود. ب ـ وقتی که برای میت چنـد برادر یا خواهر باشـد: در این‌صورت مـادر میت از بردن بیش از یـک سـدس محروم می‌شودمشـروط بر اینکه اولاً ـ لااقـل دو برادر یـا یـک برادر بـا دو خواهر یـا چهـار خواهرباشـند؛ ثآنیا ـ پدر آنها زنده باشد؛ ثالثا ـ از ارث ممنوع نباشد مگر به سبب قتل رابعا ـ ابوینی یا ابی تنها باشـند. فصل پنجم در فرض و صاحبان فرض ماده ۸۹۳ ـ وراث بعضـی به فرض بعضـی به قرابت و بعضی گاه به‌فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند. ماده ۸۹۴ ـ صاحبان فرض اشخاصـی هسـتند که سـهم آنان از ترکه معین‌است و صاحبان قرابت کسانی هسـتند که سـهم آنها معین نیست ماده ۸۹۵ ـ سـهام معینه که فرض نامیـده می‌شود عبارتست از: نصف ربع ثمن دوثلث ثلث و سدس ترکه ماده ۸۹۶ ـ اشخاصی که به فرض ارث می‌برنـد عبارتند: از مادر و زوج وزوجه ماده ۸۹۷ ـ اشخاصـی که گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برندعبارتند: از پـدر، دختر و دخترهـا، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی‌و کلاله امی ماده ۸۹۸ ـ وراث دیگر به غیر از مـذکورین در دو ماده فوق به قرابت‌ارث می‌برند. ماده ۸۹۹ ـ فرض سه وارث نصف ترکه است ۱ ـ شوهر در صورت نبودن اولـد برای متوفا اگرچه ازشوهر دیگر باشد؛ ۲ ـ دختر اگر فرزند منحصر باشد؛ ۳ ـ خواهر ابوینی یا ابی تنها در صورتی که منحصر به فرد باشد. ماده ۹۰۰ ـ فرض دو وارث ربع ترکه است ۱ ـ شوهر در صورت فوت زن بـا داشتن اولاد؛ ۲ ـ زوجه یـا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بـدون اولاد. ماده ۹۰۱ ـ ثمن فریضه زوجه یا زوجه‌هاست در صورت فوت شوهربا داشتن اولاد. ماده ۹۰۲ ـ فرض دو وارث دو ثلث ترکه است ۱ ـ دو دختر و بیشتر در صورت نبودن اولـد ذکور؛ ۲ ـ دو خواهر و بیشتر ابوینی یـا ابی تنهـا بـا نبودن برادر. ماده ۹۰۳ ـ فرض دو وارث ثلـث ترکه

است ۱ ـ مادر متوفی در صورتی که میت اولاد و اخوه نداشته باشد؛ ۲ ـ کلاله امی در صورتی که بیش از یکی باشد. ماده ۹۰۴ ـ فرض سه وارث سدس ترکه‌است : پدر و مادر و کلاله امی‌اگر تنها باشد. ماده ۹۰۵ ـ از ترکه میت هر صاحب فرض حصه خود را می‌برد و بقیه به‌صاحبان قرابت می‌رسد و اگر صاحب قرابتی در آن طبقه مساوی باصاحب فرض در درجه نباشد باقی به صاحب فرض رد می‌شود مگردر مورد زوج و زوجه که به آنها رد نمی‌شود لیکن اگر برای متوفی‌وارثی به غیر از زوج نباشد زائد از فریضه به او رد می‌شود. فصل ششم در سهم‌الارث طبقات مختلفه وراث مبحث اول در سهم‌الارث طبقه اولی ماده ۹۰۶ ـ اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشدموجود نباشد هر یک از ابوین در صورت انفراد تمام ارث را می‌برد واگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث‌می‌برد لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس از ترکه متعلق به‌مادر و بقیه مال پدر است ماده ۹۰۷ ـ اگر متوفی ابوین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشدترکه به طریق ذیل تقسیم می‌شود: اگر فرزند، منحصر به یکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه‌به او می‌رسد. اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر، یا تمام دختر، ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود. اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر وبعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برد. ماده ۹۰۸ ـ هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابوین او موجود باشد بایک دختر فرض هر یک از پدر و مادر سدس ترکه و فرض دخترنصف آن خواهد بود و مابقی بین تمام وراث به نسبت فرض آنها تقسیم شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد که در این صورت‌مادر از مابقی چیزی نمی‌برد. ماده ۹۰۹ ـ هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابوین او موجود باشند باچند دختر، فرض تمام دخترها دو ثلث ترکه خواهد بود که بالسویه‌بین آنها تقسیم می‌شود و فرض هر یک از پدر و مادر یک سدس و مابقی اگر باشد بین تمام ورثه به نسبت فرض آنها تقسیم می‌شودمگر اینکه مادر حاجب داشته باشد در این صورت مادر از باقی‌چیزی نمی‌برد. ماده ۹۱۰ ـ هرگاه میت اولاد داشته باشد گر چه یک نفر، اولاد اولاد اوارث نمی‌برند. ماده ۹۱۱ ـ هرگاه میت اولاد بلا واسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام ا ولاد بوده و بدین‌طریق جزو وراث طبقه اول محسوب و با هریک از ابوین که زنده باشد ارث می‌برد. تقسیم ارث بین اولاد برحسب نسل بعمل می‌اید: یعنی هرنسل حصه کسی را می‌برد که به‌توسط او به میت می‌رسد بنابراین اولاد پسر دو برابر اولاد دخترمی‌برند. در تقسیم بین افراد یک نسل پسر دو برابر دختر می‌برد. ماده ۹۱۲ ـ اولاد اولاد تا هر چه که پایین بروند به طریق مذکور در ماده‌فوق ارث می‌برند با رعایت اینکه اقرب به میت ابعد را محروم‌می‌کند. ماده ۹۱۳ ـ در تمام صور مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که‌زنده باشد فرض خود را می‌برد و این فرض عبارت است از نصف‌ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یااولاد اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای‌زوجه در صورتی‌که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد و مابقی‌ترکه بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر وراث تقسیم می‌شود. ماده ۹۱۴ ـ اگر به‌واسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض ترکه میت‌کفایت نصیب تمام آنها را نکند نقص بر بنت و بنتین وارد می‌شود واگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتی باشد ووارثی نباشد که زیاده را به عنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم می‌شود لیکن زوج‌و زوجه مطلقا و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادی چیزی نمی‌برد. ماده ۹۱۵ ـ آنگشتری که میت معمولا استعمال می‌کرده و همچنین قرآن و رختهای شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او می‌رسد بدون اینکه‌از حصه او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر اینکه ترکه میت‌منحصر به این اموال نباشد. مبحث دوم در سهم‌الارث طبقه دوم ماده ۹۱۶ ـ هرگاه برای میت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به وارث‌طبقه ثانیه می‌رسد. ماده ۹۱۷ ـ هر یک از وراث طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را می‌برد و اگر متعدد باشند ترکه‌بین آنها برطبق‌مواد ذیل‌تقسیم می‌شود. ماده ۹۱۸ ـ اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد اخوه ابی ارث نمی‌برند درصورت نبودن اخوه ابوینی اخوه ابی حصه ارث آنها را می‌برند.اخوه ابوینی و اخوه ابی هیچ کدام اخوه امی را از ارث محروم‌نمی‌کنند. ماده ۹۱۹ ـ اگر وراث میت چند برادر ابوینی یا چند برادر ابی یا چند خواهر ابوینی یا چند خواهر ابی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود. ماده ۹۲۰ ـ اگر وراث میت چند برادر و خواهر ابوینی یا چند برادر وخواهر ابی باشند حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۲۱ ـ اگر وراث چند برادر امی یا چند خواهر امی یا چند برادر وخواهر امی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود. ماده ۹۲۲ ـ هرگاه اخوه ابوینی و اخوه امی با هم باشند تقسیم به‌طریق‌ذیل می‌شود: اگر برادر یا خواهر امی یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و بقیه‌مال اخوه ابوینی یاابی است که به طریق مذکور در فوق تقسیم‌می‌نمایند. اگر کلاله امی متعدد باشد ثلث ترکه به آنها تعلق گرفته وبین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است‌که مطابق مقررات مذکور در فوق تقسیم می‌نمایند. ماده ۹۲۳ ـ هرگاه ورثه اجداد یا جدات باشد ترکه به طریق ذیل تقسیم‌می‌شود: اگر جد یا جده تنها باشد اعم از ابی یا امی تمام ترکه به او تعلق‌می‌گیرد. اگر اجداد و جدات متعدد باشند در صورتی که ابی باشند ذکور دو برابر اناث می‌برد و اگر همه امی باشند بین آنها بالسویه تقسیم‌می‌گردد. اگر جد یا جده ابی و جد یا جده امی با هم باشند ثلث ترکه به‌جد یا جده امی می‌رسد و در صورت تعدد اجداد امی آن ثلث بین‌آنها بالسویه تقسیم می‌شود و دو ثلث دیگر به جد یا جده ابی‌می‌رسد و در صورت تعدد، حصه ذکور از آن دو ثلث دو برابر حصه‌اناث خواهد بود. ماده ۹۲۴ ـ هرگاه میت اجداد و کلاله با هم داشته باشد دو ثلث ترکه به‌وراثی می‌رسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصه‌ذکور دو برابر اناث خواهد بود و یک ثلث به وراثی می‌رسد که ازطرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند لیکن‌اگر خویش مادری فقط یک برادر یا یک خواهر امی باشد فقط‌سدس ترکه به او تعلق خواهد گرفت ماده ۹۲۵ ـ در تمام صور مذکوره در مواد فوق اگر برای میت نه برادرباشد و نه خواهر، اولاد اخوه قائم مقام آنها شده و با اجداد ارث‌می‌برند در این صورت تقسیم ارث نسبت به اولاد اخوه برحسب‌نسل به عمل می‌اید: یعنی هر نسل حصه کسی را می‌برد که به‌واسطه او به میت می‌رسد بنابراین اولاد اخوه ابوینی یا ابی حصه‌اخوه ابوینی یا ابی تنها و اولاد کلاله امی حصه کلاله امی را می‌برند. در تقسیم بین افراد یک نسل اگر اولاد اخوه ابوینی یا ابی تنهاباشند ذکور دو برابر اناث می‌برد و اگر از کلاله امی باشند بالسویه‌تقسیم می‌کنند. ماده ۹۲۶ ـ در صورت اجتماع کلاله ابوینی و ابی و امی کلاله ابی ارث‌نمی‌برد. ماده ۹۲۷ ـ در تمام مواد مذکور در این مبحث هر یک از زوجین که باشدفرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف‌اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه متقربین به مادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل‌ترکه می‌برند. هرگاه به واسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجودگردد نقص بر کلاله ابوینی یا ابی یا بر اجداد ابی وارد می‌شود. مبحث سوم در سهم‌الارث وراث طبقه سوم ماده ۹۲۸ ـ هرگاه برای میت وراث طبقه دوم نباشد ترکه او به وراث‌طبقه سوم می‌رسد. ماده ۹۲۹ ـ هر یک از وراث طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را می‌بردو اگر متعددباشند ترکه بین آنها برطبق مواد ذیل تقسیم می‌شود. ماده ۹۳۰ ـ اگر میت اعمام یا اخوال ابوینی داشته باشد اعمام یا اخوال‌ابی ارث نمی‌برند در صورت نبودن اعمام یا اخوال ابوینی اعمام یااخوال ابی حصه آنها را می‌برند. ماده ۹۳۱ ـ هرگاه وراث متوفی چند نفر عمو یا چند نفر عمه باشندترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود در صورتی که همه آنها ابوینی‌یا همه ابی یا همه امی باشند. هرگاه عمو و عمه با هم باشند در صورتی که همه امی باشندترکه را بالسویه تقسیم می‌نمایند و در صورتی که همه ابوینی یا ابی‌باشند حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود. ماده ۹۳۲ ـ در صورتی که اعمام امی و اعمام ابوینی یا ابی با هم باشندعم یا عمه امی اگر تنها باشند سدس ترکه به او تعلق می‌گیرد و اگرمتعدد باشند ثلث ترکه و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم‌می‌کنند و باقی ترکه به اعمام ابوینی یا ابی می‌رسد که در تقسیم ذکور دو برابر اناث می‌برد. ماده ۹۳۳ ـ هرگاه وراث متوفی چند نفر دایی یا چند نفر خاله یا چند نفردایی و چند نفر خاله با هم باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم‌می‌شود خواه همه ابوینی خواه همه ابی و خواه همه امی باشند. ماده ۹۳۴ ـ اگر وراث میت دایی و خاله ابی یا ابوینی با دایی و خاله‌امی باشند طرف امی اگر یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و اگرمتعدد باشند ثلث آن را می‌برند و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند ومابقی مال دایی و خاله‌های ابوینی یا ابی است که آنها هم بین خودبالسویه تقسیم می‌نمایند. ماده ۹۳۵ ـ اگر برای میت یک یا چند نفر اعمام با یک یا چند نفر اخوال‌باشد ثلث ترکه به اخوال و دو ثلث آن به اعمام تعلق می‌گیرد. تقسیم ثلث بین اخوال بالسویه بعمل می‌اید لیکن اگر بین اخوال‌یک نفر امی باشد سدس حصه اخوال به او می‌رسد و

اگر چند نفرامی باشند ثلث آن حصه به آنها داده می‌شود و در صورت اخیرتقسیم بین آنها بالسویه بعمل می‌اید. در تقسیم دو ثلث بین اعمام حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بودلیکن اگر بین اعمام یک نفر امی باشد سدس حصه اعمام به اومی‌رسد و اگر چند نفر امی باشند ثلث آن حصه به آنها می‌رسد و درصورت اخیر آن ثلث را بالسویه تقسیم می‌کنند. در تقسیم پنج سدس و یا دو ثلث که از حصه اعمام باقی می ماند بین اعمام ابوینی یا ابی حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود. ماده ۹۳۶ ـ با وجود اعمام یا اخوال اولاد آنها ارث نمی‌برند مگر درصورت انحصار وارث به یک پسرعموی ابوینی با یک عموی ابی‌تنها که فقط در این صورت پسرعمو، عمو را از ارث محروم می‌کندلیکن اگر با پسرعموی ابوینی خال یا خاله باشد یا اعمام متعددباشند ولو ابی تنها، پسرعمو ارث نمی‌برد. ماده ۹۳۷ ـ هرگاه برای میت نه اعمام باشد و نه اخوال اولاد آنها به جای‌آنها ارث می‌برند و نصیب هر نسل نصیب کسی خواهد بود که به‌واسطه او به میت متصل می‌شود. ماده ۹۳۸ ـ در تمام‌موارد مزبوره در این‌مبحث هر یک از زوجین که‌باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است ازنصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه متقرب به مادر هم‌نصیب‌خودرا از اصل ترکه‌می‌بردباقی‌ترکه مال‌متقرب به پدراست واگرنقصی‌هم باشدبرمتقربین‌به‌پدروارد می‌شود. ماده ۹۳۹ ـ در تمام موارد مذکوره در این مبحث و دو مبحث قبل اگر وارث خنثی‌بوده و از جمله وراثی باشد که ذکور آنها دو برابر اناث‌می‌برند سهم‌الارث او به‌طریق ذیل معین می‌شود: اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم‌الارث یک پسر از طبقه خود و اگر علائم اناثیت غلبه داشته باشد سهم‌الارث یک دختر از طبقه‌خود را می‌برد و اگر هیچ یک از علائم غالب نباشد نصف مجموع‌سهم‌الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد. مبحث چهارم در میراث زوج و زوجه ماده ۹۴۰ ـ زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشنداز یکدیگر ارث می‌برند. ماده ۹۴۱ ـ سهم‌الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر بطوری است که درمواد ۹۱۳ ـ ۹۲۷ و ۹۳۸ ذکر شده است ماده ۹۴۲ ـ در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به‌زوجه‌دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود. ماده ۹۴۳ ـ اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند هر یک ازآنها که قبل از انقضا عده بمیرد دیگری از او ارث می‌برد لیکن اگرفوت یکی از آنها بعد از انقضا عده بوده و یا طلاق بائن باشد ازیکدیگر ارث نمی‌برند. ماده ۹۴۴ ـ اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف‌یکسال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه از او ارث می‌برد اگرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد. ماده ۹۴۵ ـ اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض‌قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی‌برد لیکن اگر بعد از دخول یابعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد زن از او ارث می‌برد. ماده ۹۴۶ ـ زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لیکن زوجه از اموال‌ذیل ۱ ـ از اموال منقول از هر قبیل که باشد، ۲ ـ از ابنیه و اشجار. ماده ۹۴۷ ـ زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آنها وطریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقا درزمین بدون اجرت تقویم می‌گردد. ماده ۹۴۸ ـ هرگاه درمورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می‌توآند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید. ماده ۹۴۹ ـ در صورت نبودن هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه‌شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می‌برد لیکن زن فقط نصیب‌خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده۸۶۶ خواهد بود.

کتاب سوم در مقررات مختلفه

ماده ۹۵۰ ـ مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظایر آن نوعا زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحو آن و قیمی مقابل آن است معذالک تشخیص‌این معنی با عرف می‌باشد. ماده ۹۵۱ ـ تعدی تجاوزنمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به‌مال یا حق دیگری ماده ۹۵۲ ـ تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است ماده ۹۵۳ ـ تقصیر اعم است از تفریط و تعدی ماده ۹۵۴ ـ کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می‌شود و همچنین به

سفه در مواردی که رشد معتبر است ماده ۹۵۵ ـ مقررات این قانون در مورد کلیه اموری که قبل از این قانون واقع شده معتبر است

جلد دوم در اشخاص

کتاب اول در کلیات

ماده ۹۵۶ ـ اهلیت برای دارابودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود. ماده ۹۵۷ ـ حمل از حقوق مدنی متمتع می گردد مشروط بر اینکه زنده‌متولد شود. ماده ۹۵۸ ـ هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس‌نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت‌قانونی داشته باشد. ماده ۹۵۹ ـ هیچکس نمی‌تواند بطورکلی حق تمتع و یا حق اجرا تمام‌یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند. ماده ۹۶۰ ـ هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا درحدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده ازحریت خود صرف‌نظر نماید. ماده ۹۶۱ ـ جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع‌خواهند بود: ۱ ـ در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتا منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتا از اتباع خارجه سلب کرده است ۲ ـ در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون‌دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده ۳ ـ در مورد حقوق مخصوصه که صرفا از نقطه نظرجامعه ایرانی ایجاد شده باشد. ماده ۹۶۲ ـ تشخیص اهلیت هر کس برای معامله‌کردن بر حسب قانون‌دولت متبوع او خواهد بود معذلک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران‌عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع‌خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یااهلیت ناقصی داشته‌است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهدشد در صورتیکه قطع نظر از تابعیت خارجی او، مطابق قانون ایران‌نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد. حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال‌غیر منقول واقع در خارج ایران می‌باشد شامل نخواهد بود. ماده ۹۶۳ ـ اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی‌بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. ماده ۹۶۴ ـ روابط بین ابوین و اولاد، تابع قانون دولت متبوع پدر است‌مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت‌روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود. ماده ۹۶۵ ـ ولایت قانونی و نصب قیم برطبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود. ماده ۹۶۶ ـ تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یاغیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آن‌جا واقع‌می‌باشند معذالک حمل و نقل شدن شیی منقول از مملکتی به‌مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق‌قانون محل وقوع اولی شیی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی آورد. ماده ۹۶۷ ـ ترکه منقول یا غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است‌فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراث ومقدار سهم‌الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته‌است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع‌متوفی خواهد بود. ماده ۹۶۸ ـ تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگراینکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحا یا ضمنا تابع‌قانون دیگری قرار داده باشند. ماده ۹۶۹ ـ اسناد ازحیث طرز تنظیم‌تابع قانون محل تنظیم خودمی‌باشند. ماده ۹۷۰ ـ مامورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی‌می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دوتبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه رابه آنها داده باشد. درهرحال نکاح‌باید در دفاتر سجل‌احوال‌ثبت شود. ماده ۹۷۱ ـ دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول‌محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آن جا اقامه می‌شودمطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود. ماده ۹۷۲ ـ احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی‌لازم‌الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در

ایران اجراء نمودمگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شـده باشـد. ماده ۹۷۳ ـ اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ جلـد اول این قانون ویا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشـدمحکمه مکلف به رعایت این احاله نیسـت مگر اینکه احاله به قانون‌ایران شـده باشـد. ماده ۹۷۴ ـ مقررات مـاده ۷ و مـواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حـدی به‌موقع اجرا گـذارده می‌شود که مخـالف عهود بین‌المللی که دولت ایران‌آن را امضـاء کرده و یـا مخـالف با قوانین مخصوصه نباشـد. ماده ۹۷۵ ـ محکمه نمی‌توانـد قوانین خـارجی و یا قراردادهای خصوصـی را که بر خلاف اخلاق حسـنه بوده و یا به واسـطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا بعلت دیگر مخالف با نظم‌عمومی محسوب می‌شود بموقع اجرا گذارد اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولا مجاز باشد.

کتاب دوم در تابعیت

ماده ۹۷۶ ـ اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند: ۱ ـ کلیه ساکنین ایران به‌استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی‌آنها مسلم باشد، تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک‌تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد؛ ۲ ـ کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا درخارجه متولد شده باشند؛ ۳ ـ کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر انان غیرمعلوم‌باشند؛ ۴ ـ کسانی که در ایران از پـدر و مـادر خـارجی که یکی از آنها درایران متولـد شـده به‌وجود امده‌انـد؛ ۵ ـ کسـانی کـه در ایران از پـدری که تبعه خـارجه است به‌وجود آمـده و بلافاصـله پس از رسـیدن به هجـده سـال تمـام لااقـل یک‌سـال‌دیگر در ایران اقـامت کرده باشـند والا قبول‌شـدن آنهـا به تـابعیت ایران‌برطبق مقرراتی خواهـد بود که مطـابق قـانون برای تحصـیل تـابعیت‌ایران مقرر است ۶ ـ هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند؛ ۷ ـ هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصـیل کرده باشد. تبصره ـ اطفال متولد از نمایندگان سیاسـی و قنسولی خارجه مشـمول‌فقره ۴ و ۵ نخواهنـد بود. ماده ۹۷۷ ـ الف ـ هرگاه اشـخاص مـذکور در بنـد ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن بـه سن ۱۸ سـال تمـام بخواهنـد تـابعیت پـدر خـود را قبول کننـدبایـد ظرف یک‌سـال درخواست کتـبی به ضـمیمه تصـدیق دولت‌متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شـناخت به‌وزارت امور خارجه تسـلیم نمایند. ب ـ هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به‌سن ۱۸ سال تمام بخواهنـد به تابعیت پدر خود باقی بمانند بایدظرف یک‌سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع‌پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت‌امور خارجه تسلیم نمایند. ماده ۹۷۸ ـ نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولـد شده‌انـد که‌در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب‌مقررات تبعه خود محسوب داشـته و رجوع آنها را به تبعیت ایران‌منوط به اجازه می‌کننـد معامله متقابله خواهـد شد. ماده ۹۷۹ ـ اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت‌ایران را تحصیل کنند: ۱ ـ به سن هجده سال تمام رسیده باشند؛ ۲ ـ پنج سال اعم از متوالی یـا متناوب در ایران ساکن بوده باشـند؛ ۳ ـ فراری از خدمت نظامی نباشـند؛ ۴ ـ در هیـچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسـی محکوم نشـده باشـند. در مورد فقره دوم این مـاده مـدت اقـامت در خارجه برای خـدمت‌دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است ماده ۹۸۰ ـ کسـانی که به امور عـام‌المنفعه ایران خـدمت یا مساعـدت‌شایانی کرده باشـند و همچنین اشخاصـی که دارای عیال ایرانی‌هسـتند و از او اولاـد دارنـد و یـا دارای مقامـات عـالی علمی و متخصـص در امـور عـام‌المنفعه می‌باشـند و تقاضـای ورود به تابعیت‌دولت جمهوری اسـلامی ایران را می‌نمایند در صورتیکه دولت‌ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسـلامی ایران صـلاح بداندبـدون رعایت شـرط اقامت ممکن است با تصویب هیات وزیران به‌تابعیت ایران قبول شونـد. ماده ۹۸۱ ـ حـذف شده است ماده ۹۸۲ ـ اشخاصــی کـه تحصـیل تـابعیت ایرانی نمـوده یـا بنماینـد از کلیه‌حقـوقی کـه برای ایرانیـان مقرر است بهره‌منـد می‌شـوند لیکن‌نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند: ۱ ـ ریاست جمهوری و معاونین او. ۲ ـ عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه ۳ ـ وزارت و کفـالت وزارت و اسـتانداری و فرمانـداری ۴ ـ عضـویت در مجلس شـورای اسـلامی ۵ ـ عضویت شوراهـای استان و

شهرستان و شهر. ۶ ـ استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و ماموریت سیاسی ۷ ـ قضاوت ۸ ـ عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی ۹ ـ تصدی پستهای مهم اطلاعاتی و امنیتی ماده ۹۸۳ ـ درخواست تابعیت باید مستقیما یا بتوسط حکام یا ولات‌به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد: ۱ ـ سواد مصدق اسناد هویت تقاضاکننده و عیال و اولاد او؛ ۲ ـ تصدیق‌نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضاکننده درایران و نداشتن سوءسابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای‌تامین معاش وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه‌به شخص تقاضاکننده را تکمیل و ان را به هیات وزراء ارسال‌خواهد نمود تا هیات مزبور در قبول یا رد ان تصمیم مقتضی اتخاذکند در صورت قبول‌شدن تقاضا، سند تابعیت به درخواست‌کننده‌تسلیم خواهد شد. ماده ۹۸۴ ـ زن و اولاد صغیر کسانی که برطبق این قانون تحصیل‌تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی زن‌در ظرف یک‌سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیردر ظرف یک‌سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام می‌توانداظهاریه کتبی به وزارت امورخارجه داده و تابعیت مملکت سابق‌شوهر و یا پدر را قبول کند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث‌باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود. ماده ۹۸۵ ـ تحصیل تابعیت‌ایرانی پدر بهیچوجه درباره اولاد او که درتاریخ تقاضانامه به‌سن هجده‌سال تمام رسیده‌اند موثر نمی‌باشد. ماده ۹۸۶ ـ زن غیرایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواندبعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتبا مطلع کند ولی هر زن‌شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاداو به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هرحال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن اموال‌غیرمنقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع‌خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیرمنقول بیش از انچه‌که برای اتباع خارجه داشتن ان جایز است بوده یا بعدا به ارث اموال‌غیرمنقولی بیش از حد ان به او برسد باید در ظرف یک‌سال از تاریخ‌خروج از تابعیت ایران یا داراشدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد رابنحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت‌مدعی‌العموم محل به فروش رسیده پس از وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد. ماده ۹۸۷ ـ زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاوجت می‌نماید به تابعیت‌ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به‌واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی‌در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم‌درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت‌شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات‌راجعه به ان مجددا به او تعلق خواهد گرفت تبصره ۱ ـ هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت‌اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهدتابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای‌خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت‌امورخارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد. تبصره ۲ ـ زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل‌می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه‌خارجی گردد ندارند تشخیص این امر با کمیسیونی متشکل ازنمایندگان وزارتخانه‌های امورخارجه و کشور و اطلاعات است مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره ان در قسمت خروج ایرانیانی که‌تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود. ماده ۹۸۸ ـ اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط‌ذیل ۱ ـ به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند؛ ۲ ـ هیات وزراء خروج از تابعیت انان را اجازه دهد؛ ۳ ـ قبلا تعهد نمایند که در ظرف یک‌سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیرمنقول که در ایران دارا می‌باشند و یاممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک ان را به‌اتباع خارجه بدهد بنحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند. زوجه‌و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه‌اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردندمگر اینکه اجازه هیات وزراء شامل آنها هم باشد؛ ۴ ـ خدمت تحت‌السلاح خود را انجام داده باشند. تبصره الف ـ کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک‌تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای‌مقرراتی که ضمن بند (۳) از این ماده درباره انان

مقرر است بایـدظرف مـدت سه ماه از تاریـخ صـدور سـند ترک تابعیت از ایران خارج‌شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامـات صـالحه امربه اخراج آنهـا و فروش اموالشـان صادر خواهنـد نمود و تمدیـد مهلت‌مقرره فوق حـداکثر تا یک‌سال موکول به موافقت وزارت‌امورخارجه می‌باشد. تبصـره ب ـ هیات وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن‌ایرانی بی‌شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جدپدری هسـتند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارنـد و یا به جهات دیگری‌محجورند اجازه دهد فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام‌نرسیده باشند می‌توانند به تابعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک‌تابعیت نمایند. ماده ۹۸۹ ـ هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی‌او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شـناخته می‌شود ولی در عین حـال‌کلیه اموال غیرمنقوله او بـا نظارت مـدعی‌العموم محل به فروش‌رسـیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت ان به او داده خواهد شدو بعلاوه از اشـتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس‌مقننه و انجمنهـای ایـالتی و ولا‌یتی و بلـدی و هرگونه مشاغـل دولتی‌محروم خواهـد بود. تبصـره ـ هیـات وزیران می‌توانـد بنا به مصالحی به پیشـنهاد وزارت‌امورخـارجه تابعیت‌خارجی‌مشـمولین این‌مـاده را بـه رسـمیت بشـناسد. بـه ایـن گـونه اشـخاص بـا مـوافقت وزارت امورخارجه اجازه ورودبه ایران یا اقامت می‌توان داد. ماده ۹۹۰ ـ از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل‌تابعیت کرده باشـند و بخواهنـد بـه تبعیـت اصـلیه خـود رجـوع نماینـد بـه‌مجرد درخـواست بـه تـابعیت ایران قبـول خواهنـد شـد مگر ان که دولت‌تـابعیت آنها را صـلاح ندانـد. ماده ۹۹۱ ـ تکـالیف مربوط به اجرای قـانون تـابعیت و اخـذ مخـارج‌دفتری در مورد کسـانی که تقاضـای تـابعیت یـا ترک تـابعیت دولت‌جمهوری اسـلامی ایران و تقاضای بقا بر تابعیت اصـلی را دارنـد به‌موجب ائین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید معین‌خواهد شد.

کتاب سوم در اسناد سجل احوال

ماده ۹۹۲ ـ سـجل احـوال هر کس به موجب دفـاتری که برای این امر مقرر است معین می‌شود. مـاده ۹۹۳ ـ امور ذیل بایـد در ظرف مـدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سـجل احوال اطلاع‌داده شود: ۱ ـ ولادت هر طفل و همچنین سـقط هر جنین که بعد از ماه‌ششم از تاریخ حمل واقع شود؛ ۲ ـ ازدواج اعم از دائم و منقطع ۳ ـ طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت ۴ ـ وفات هر شخص ماده ۹۹۴ ـ حکم موت فرضـی غایب که برطبق مقررات کتاب پنجم ازجلد دوم این قانون صادر می‌شود بایـد در دفتر سـجل احوال ثبت‌شود. ماده ۹۹۵ ـ تغییر مطالبی که در دفاتر سـجل احوال ثبت شـده است‌ممکن نیسـت مگر بموجب حکم محکمه مـاده ۹۹۶ ـ اگر عدم صـحت مطالبی که به دایره سـجل احوال اظهار شده‌است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسـی که در دفتـر سـجل احوال‌به عنوان مجهول‌الهویه قیـد شـده است معین شود و یـا حکم فوت‌فرضـی غـایب ابطـال گردد مراتب بایـد در دفاتر مربوطه سـجل احوال‌قید شود. ماده ۹۹۷ ـ هر کس بایـد دارای نام‌خانوادگی باشد. اتخاذ نامهای‌مخصوصـی که بموجب نظامنامه اداره سـجل احوال معین می‌شود،ممنوع است ماده ۹۹۸ ـ هرکس که اسم خانوادگی او را دیگری بـدون حق اتخاذ کرده‌باشد می‌تواند اقامه دعوا کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییرنام‌خانوادگی غاصب را بخواهد. اگر کسی نام‌خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده‌است مطابق مقررات مربوطه به این امر تغییر دهد هر ذی نفع‌می‌تواند در ظرف مدت و به طریقی که در قوانین یـا نظامـات‌مخصوصه مقرر است اعـتراض کنـد. مـاده ۹۹۹ ـ سـند ولادت اشخاصـی که ولادت آنها در مـدت قانونی به‌دایره سـجل احوال اظهار شده است سندرسمی محسوب خواهدبود. ماده ۱۰۰۰ ـ سایر مطالب راجع به سجل احوال بموجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است ماده ۱۰۰۱ ـ مامورین قونسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان‌مقیم حوزه ماموریت خود وظایفی را که بموجب قوانین و نظامات‌جاریه به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

کتاب چهارم در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۲ ـ اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص درآن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد اگر محل‌سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه‌محسوب است اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود. ماده ۱۰۰۳ ـ هیچکس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد. ماده ۱۰۰۴ ـ تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل‌انتقال یافته باشد. ماده ۱۰۰۵ ـ اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذلک‌زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت‌شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده‌می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد. ماده ۱۰۰۶ ـ اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم‌آنهاست ماده ۱۰۰۷ ـ اقامتگاه مامورین دولتی محلی است که در آن جاماموریت ثابت دارند. ماده ۱۰۰۸ ـاقامتگاه‌افرادنظامی که‌درساخلو هستندمحل‌ساخلو آنها است ماده ۱۰۰۹ ـ اگر اشخاص کبیر که معمولاـ نزد دیگری کار یا خدمت‌می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود. ماده ۱۰۱۰ ـ اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنهابرای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه‌حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله‌محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد وهمچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار واخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.

کتاب پنجم در غایب مفقودالاثر

ماده ۱۰۱۱ ـ غایب مفقودالاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه‌مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد. ماده ۱۰۱۲ ـ اگر غایب مفقودالاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین‌نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانونا حق تصدی امور او را داشته‌باشد محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند وتقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی‌العموم و اشخاص ذینفع دراین امر قبول می‌شود. ماده ۱۰۱۳ ـ محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن‌یا تضمینات دیگر نماید. ماده ۱۰۱۴ ـ اگر یکی از وراث غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه‌نمی‌تواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور به این سمت‌معین خواهد شد. ماده ۱۰۱۵ ـ وظایف و مسئولیت‌های امینی که به موجب مواد قبل معین می‌گردد، همان است که برای قیم مقرر است ماده ۱۰۱۶ ـ هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثر مسلم شود اموال او بین وراث موجود حین الموت تقسیم می‌گردد اگر چه یک‌یا چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشد. ماده ۱۰۱۷ ـ اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گرددمحکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کنددر این صورت اموال غایب بین وراثی که در تاریخ مزبور موجودبوده‌اند، تقسیم می‌شود. ماده ۱۰۱۸ ـ مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می‌گردد که حکم‌موت فرضی غایب صادر شود. ماده ۱۰۱۹ ـ حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که ازتاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشدکه عادتا چنین شخصی زنده نمی‌ماند. ماده ۱۰۲۰ ـ موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتا شخص غایب زنده فرض نمی‌شود: ۱ ـ وقتی که ده‌سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات‌غایب رسیده است گذشته و در انقضا مدت مزبور سن غایب ازهفتاد و پنج‌سال گذشته باشد؛ ۲ ـ وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جز قشون مسلح‌بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح‌بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی به انعقادصلح نشده باشد مدت مزبور پنج‌سال از

تاریخ ختم جنگ محسوب‌می‌شود؛ ۳ ـ وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی‌در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف‌شدن‌کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد. ماده ۱۰۲۱ ـ در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضا مدتهای ذیل که‌مبداء آن از روز حرکت کشتی محسوب می‌شود کشتی به مقصدنرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آن جاحرکت کرده برنگشته و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کشتی‌تلف شده محسوب می‌شود: الف ـ برای مسافرت در بحرخزر و داخل خلیج‌فارس یک سال ب ـ برای مسافرت در بحرعمان ـ اقیانوس هند ـ بحراحمر ـ بحرسفید (مدیترانه ـ بحرسیاه و بحر آزوف دو سال ج ـ برای مسافرت در سایر بحار سه سال ماده ۱۰۲۲ ـ اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا درطیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت‌فرضی او را صادر نمود که پنج‌سال از تاریخ دچارشدن به خطر مرگ‌بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد. ماده ۱۰۲۳ ـ در مورد مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ محکمه وقتی‌می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی ازجراید محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه‌دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک‌ماه منتشر کرده و اشخاصی را که‌ممکن‌است ازغایب‌خبری‌داشته‌باشند دعوت نماید که اگر خبر دارندبه اطلاع محکمه برسانند. هرگاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذردو حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود. ماده ۱۰۲۴ ـ اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند فرض بر این‌می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند. مفاد این ماده مانع از اجرا مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول‌این قانون نخواهد بود. ماده ۱۰۲۵ ـ وراث غایب مفقودالاثر می‌توانند قبل از صدور حکم‌موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف‌آنها بدهد مشروط بر اینکه اولا غایب مزبور کسی را برای اداره‌کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیا دو سال تمام از آخرین خبرغایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد. در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۳ راجع به اعلان مدت‌یک‌سال حتمی است ماده ۱۰۲۶ ـ در مورد ماده قبل وراث باید ضامن و یا تضمینات کافیه دیگر بدهند تا در صورتی که اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته‌باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند. تضمینات‌مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غایب باقی خواهد بود. ماده ۱۰۲۷ ـ بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که‌از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیداشدن غایب‌موجود می‌باشد مسترد دارند. ماده ۱۰۲۸ ـ امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثر معین‌می‌شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطعه که مدت او نگذشته و نفقه او را زوج تعهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارائی غایب تادیه نماید درصورت اختلاف درمیزان نفقه تعیین آن به عهده محکمه است ماده ۱۰۲۹ ـ هرگاه شخصی چهارسال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳حاکم او را طلاق می‌دهد. ماده ۱۰۳۰ ـ اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضا مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضا مدت مزبور حق رجوع ندارد.

کتاب ششم در قرابت

ماده ۱۰۳۱ ـ قرابت بر دو قسم است قرابت نسبتی و قرابت سببی. ماده ۱۰۳۲ ـ قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است طبقه اول ـ پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛ طبقه دوم ـ اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛ طبقه سوم ـ اعمام و عمات و اخوال و خالات و اولاد آنها. در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسلها در آن‌طبقه معین می‌گردد مثلا در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد دردرجه اول و نسبت با اولاد اولاد در درجه دوم خواهد بود و هکذا درطبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جده در درجه اول از طبقه‌دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم‌خواهدبود و در طبقه‌سوم قرابت عمو و دایی و عمه و

خاله در درجه‌اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است ماده ۱۰۳۳ ـ هرکس در هر خط و به هر درجه که با یک‌نفر قرابت نسبی‌داشته باشد در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج یازوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادرق زن یک مرد اقربای سببی درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهرق یک زن از اقربای سببی‌درجه دوم آن زن خواهند بود.

کتاب هفتم در نکاح و طلاق

باب اول در نکاح

فصل اول در خواستگاری ماده ۱۰۳۴ ـ هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان‌خواستگاری نمود. ماده ۱۰۳۵ ـ وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگرچه تمام یاقسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح‌جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید. ماده ۱۰۳۶ ـ حذف شده است ماده ۱۰۳۷ ـ هر یک از نامزدها می‌تواند در صورت بهم خوردن وصلت‌منظور، هدایائی را که به طرف دیگر یا ابوین او برای وصلت منظورداده است مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بودکه عادتا نگاه داشته می‌شود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف‌دیگر تلف شده باشد. ماده ۱۰۳۸ ـ مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که‌وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها بهم بخورد مجری‌نخواهد بود. ماده ۱۰۳۹ ـ حذف شده است ماده ۱۰۴۰ ـ هر یک از طرفین می‌تواند برای انجام وصلت منظور ازطرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب به صحت از امراض مسریه‌مهم از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه دهد. فصل دوم قابلیت صحی برای ازدواج ماده ۱۰۴۱ ـ عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام‌شمسی‌وپسرقبل‌از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است‌به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح ماده ۱۰۴۲ ـ حذف شده است ماده ۱۰۴۳ ـ نکاح دخترباکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به‌اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت‌موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت‌دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نمایدو شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه ازدادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج‌اقدام نماید. ماده ۱۰۴۴ ـ در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشد واستیذ ان از آنها نیز عادتا غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج‌داشته باشد، وی می‌تواند اقدام به ازدواج نماید. تبصره ـ ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق دردادگاه مدنی خاص می‌باشد. فصل سوم در موانع نکاح ماده ۱۰۴۵ ـ نکاح با ارقاب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد: ۱ ـ نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هرقدر که بالا برود؛ ۲ ـ نکاح با اولاد هر قدر که پائین برود؛ ۳ ـ نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پائین برود؛ ۴ ـ نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادرو اجداد و جدات ماده ۱۰۴۶ ـ قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی‌است مشروط بر اینکه اولا ـ شیرزن از حمل مشروع حاصل شده باشد؛ ثانیا ـ شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد؛ ثالثا ـ طفل لااقل یک شبانه‌روز و یا ۱۵ دفعه متوالی شیر کامل‌خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر رابخورد؛ رابعا ـ شیرخوردن طفل قبل از تمام‌شدن دو سال از تولد اوباشد؛ خامسا ـ مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک‌شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه‌روز مقداری از شیر یک زن ومقداری از شیرزن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود اگرچه‌شوهر آن دو زن یکی باشد و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک‌پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگرشیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده وازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد. ماده ۱۰۴۷ ـ نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه

مصاهره ممنوع دائمی‌است ۱ ـ بین مرد و مـادر و جـدات زن او از هر درجه که باشـد اعم ازنسبی و رضـاعی ۲ ـ بیـن مرد و زنی که سابقا زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن‌پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد؛ ۳ ـ بین مرد با اناث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی‌مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد. ماده ۱۰۴۸ ـ جمع بین دوخواهرممنوع‌است اگرچه به عقد منقطع باشد. ماده ۱۰۴۹ ـ هیچکس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن‌خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود. ماده ۱۰۵۰ ـ هرکس زن شوهردار را با علم به‌وجود علقه زوجیت وحرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عـده وفات است باعلم به عـده و حرمت نکاح برای خود عقـد کند عقد باطل و آن زن‌مطلقابر آن شـخص حرام مؤبد می‌شود. ماده ۱۰۵۱ ـ حکم مـذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که‌عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزیکی‌هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل‌ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود. ماده ۱۰۵۲ ـ تفریقی که با لعان‌حاصل‌می‌شودموجب‌حرمت‌ابدی است ماده ۱۰۵۳ ـ عقـد در حـال احرام باطـل اسـت و بـا علـم بـه حرمت موجب‌حرمت ابدی است ماده ۱۰۵۴ ـ زنای با زن شوهردار یا زنی که در عـده رجعیه است موجب‌حرمت ابدی است ماده ۱۰۵۵ ـ نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث‌مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح‌سابق نیست ماده ۱۰۵۶ ـ اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهریا دختر او را تزویج کند. ماده ۱۰۵۷ ـ زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک‌نفر بوده و مطلقه شده‌بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرددیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ‌یا فوت فراق حاصل شده باشد. ماده ۱۰۵۸ ـ زن هر شخصی که به نه طلاق که شش‌تای آنها عدی است‌مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام موبد می‌شود. ماده ۱۰۵۹ ـ نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست ماده ۱۰۶۰ ـ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع‌قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است ماده ۱۰۶۱ ـ دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مامورین‌رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به‌اجازه مخصوص نماید. فصل چهارم شرایط صحت نکاح ماده ۱۰۶۲ ـ نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحا دلالت بر قصد ازدواج نماید. ماده ۱۰۶۳ ـ ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادرشود یا از طرف اشخاصی که قانونا حق عقد دارند. ماده ۱۰۶۴ ـ عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد. ماده ۱۰۶۵ ـ توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت‌عقد است ماده ۱۰۶۶ ـ هرگاه یکی از متعاقدین یا هر دو لال باشند عقد به اشاره ازطرف لال نیز واقع می‌شود مشروط بر اینکه بطور وضوح حاکی از انشا عقد باشد. ماده ۱۰۶۷ ـ تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین درشخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است ماده ۱۰۶۸ ـ تعلیق در عقد موجب بطلان است ماده ۱۰۶۹ ـ شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صداق جایز است مشروط بر اینکه‌مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلا مهر ذکرنشده است ماده ۱۰۷۰ ـ رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای‌بوده که عاقد فاقد قصد باشد. فصل پنجم وکالت در نکاح ماده ۱۰۷۱ ـ هر یک از مرد و زن می‌تواند برای عقد نکاح وکالت به غیردهد. ماده ۱۰۷۲ ـ در صورتی که وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل‌نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحابه او داده شده باشد. ماده ۱۰۷۳ ـ اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یاخصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف برتنفیذ موکل خواهد بود. ماده ۱۰۷۴ ـ حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون‌قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد. فصل ششم در نکاح منقطع ماده ۱۰۷۵ ـ نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده‌باشد. ماده ۱۰۷۶ ـ مدت نکاح منقطع باید کاملا معین شود. ماده ۱۰۷۷ ـ در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و به مهر اوهمان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است فصل هفتم در مهر ماده ۱۰۷۸ ـ هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشدمی‌توان مهر قرار داد. ماده ۱۰۷۹ ـ مهر باید بین طرفین

تا حـدی که رفع جهالت آنها بشودمعلوم باشد. ماده ۱۰۸۰ ـ تعیین مقدار مهر منوط به تراضـی طرفین است ماده ۱۰۸۱ ـ اگر در عقد نکاح شـرط شود که در صورت عدم تادیه مهردر مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صـحیح ولی شرط باطل است ماده ۱۰۸۲ ـ به مجرد عقـد، زن مالك مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع‌تصـرفی که بخواهد در آن بنماید. تبصـره ـ چنانچه مهریه وجه رایج باشـد متنـاسب بـا تغییر شـاخص‌قیمت سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقـد که توسط بانک‌مرکزی جمهوری اسـلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت‌خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری‌تراضی کرده باشند. ماده ۱۰۸۳ ـ برای تـادیه تمام یا قسـمتی از مهر می‌توان مـدت یا اقساطی‌قرار داد. ماده ۱۰۸۴ ـ هرگـاه مهر، عین معین باشـد و معلوم گردد قبل از عقـدمعیوب بوده و یا بعـد از عقـد و قبل از تسـلیم معیوب و یا تلف شودشوهر ضامن عیب و تلف است ماده ۱۰۸۵ ـ زن می‌تواند تا مهر به او تسـلیم نشده از ایفای وظائفی که‌در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشـروط بر اینکه مهر او حال باشد واین امتناع مسـقط حق نفقه نخواهـد بود. مـاده ۱۰۸۶ ـ اگر زن قبـل از اخـذ مهر به اختیـار خـود به ایفـا وظـائفی که درمقابـل شـوهر دارد قیـام نمـود دیگر نمی‌توانـد از حکم ماده قبل اسـتفاده‌کند معـذلک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد. ماده ۱۰۸۷ ـ اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشدنکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی‌معین کنند و اگر قبل از تراضـی بر مهر معین بین آنهـا نزدیکی واقع‌شود زوجه مسـتحق مهرالمثـل خواهـد بود. مـاده ۱۰۸۸ ـ در مـورد مـاده قبـل اگر یکی از زوجین قبـل از تعیین مهر وقبـل از نزدیکی بمیرد زن مسـتحق هیچگـونه مهری نیست مـاده ۱۰۸۹ ـ ممکـن است اختیـار تعیین مهر به شوهر یا شـخص ثالثی‌داده شود در این صورت شوهر یا شـخص ثالث می‌توانـد مهر را هرقـدر بخواهـد معین کنـد. ماده ۱۰۹۰ ـ اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی‌تواند بیشتر ازمهرالمثل معین نماید. ماده ۱۰۹۱ ـ برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت‌خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به اماثل و اقران واقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود. ماده ۱۰۹۲ ـ هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن‌مستحق نصف مهر خواهدبود واگر شوهر بیش‌از نصف‌مهررا قبلا داده باشـد حق دارد مـازاد از نصف را عینا یا مثلا یا قیمتا استرداد کنـد. ماده ۱۰۹۳ ـ هرگاه مهر در عقـد ذکر نشـده باشد و شوهر قبل از نزدیکی وتعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است و اگربعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود. ماده ۱۰۹۴ ـ برای تعیین مهرالمتعه حـال مرد از حیث غنـا و فقر ملاحظه‌می‌شود. مـاده ۱۰۹۵ ـ در نکاح منقطع عـدم مهر در عقـد موجب بطلان است ماده ۱۰۹۶ ـ در نکـاح منقطع مـوت زن در اثنـاء مـدت موجب سـقوط مهرنمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تـا آخر مـدت با او نزدیکی نکند. ماده ۱۰۹۷ ـ در نکـاح منقطع هرگـاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مـدت‌نکاح را ببخشـد بایـد نصف مهر را بدهد. ماده ۱۰۹۸ ـ در صورتی که عقـد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده ونزدیکی واقع نشـده زن حق مهر نـدارد و اگر مهر را گرفته شوهرمی‌تواند آن را استرداد نماید. ماده ۱۰۹۹ ـ در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن‌مستحق مهرالمثل است ماده ۱۱۰۰ ـ در صورتی که مهرالمسـمی مجهول باشـد یـا مـالیت نداشـته‌باشد یـا ملك غیر باشـد در صورت اول و دوم زن مسـتحق مهرالمثل‌خواهـد بود و در صورت سوم مسـتحق مثل یا قیمت آن خواهـد بودمگر اینکه صاحب مال اجازه نماید. ماده ۱۱۰۱ ـ هرگاه عقـد نکـاح قبـل از نزدیکی به جهتی فسـخ شود زن حق‌مهر نـدارد مگر در صورتی که موجب فسـخ عنن باشـد که در این‌صورت با وجود فسـخ نکـاح زن مسـتحق نصف مهر است فصل هشـتم در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکـدیگر ماده ۱۱۰۲ ـ همیـن که نکاح بطور صـحت واقع شد روابط زوجیت بین‌طرفین‌موجودوحقوق وتکالیف‌زوجین‌درمقابل‌همدیگربرقرارمی‌شود. ماده ۱۱۰۳ ـ زن و شوهر مکلف به حسن معاشـرت بـا یکدیگرنـد. ماده ۱۱۰۴ ـ زوجین بایـد در تشـیید مبـانی خانواده و تربیت اولاد خود به‌یکـدیگر معاضدت نمایند. ماده ۱۱۰۵ ـ در روابـط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهراست ماده ۱۱۰۶ ـ در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است ماده ۱۱۰۷ ـ نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه هـای درمـانی و بهـداشتی و خـادم در صورت عـادت یا احتیاج به واسـطه نقصان یا مرض. ماده ۱۱۰۸ ـ هرگاه زن بـدون مانع

مشروع از ادای وظایف زوجیت‌امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. ماده ۱۱۰۹ ـ نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگراینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت‌فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت‌حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه‌خواهد داشت ماده ۱۱۱۰ ـ در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تامین می گردد. ماده ۱۱۱۱ ـ زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به‌محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین وشوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. ماده ۱۱۱۲ ـ اگر اجرای حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق‌ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد. ماده ۱۱۱۳ ـ در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یاآنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. ماده ۱۱۱۴ ـ زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید مگرآنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. ماده ۱۱۱۵ ـ اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرربدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده‌اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم‌بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به‌منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. ماده ۱۱۱۶ ـ در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه‌نیافته محل سکنای زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت‌عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن رامعین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل‌مورد اطمینانی را معین خواهد کرد. ماده ۱۱۱۷ ـ شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی‌مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. ماده ۱۱۱۸ ـ زن مستقلا می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که‌می‌خواهد بکند. ماده ۱۱۱۹ ـ طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف بامقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگربنمایند: مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا درمدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن‌سو قصد یا سو رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیرقابل‌تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق‌شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

باب دوم در انحلال عقد نکاح (ماده ۱۱۲۰ الی ۱۱۵۷)

ماده ۱۱۲۰ ـ عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقدانقطاع منحل می‌شود. فصل اول در مورد امکان فسخ نکاح ماده ۱۱۲۱ ـ جنون هریک‌از زوجین‌به‌شرط استقرار، اعم از اینکه‌مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است ماده ۱۱۲۲ ـ عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: ۱ ـ خصا؛ ۲ ـ عنن به شرط اینکه ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد؛ ۳ ـ مقطوع بودن آلت‌تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل‌زناشویی نباشد. ماده ۱۱۲۳ ـ عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود. ۱ ـ قرن ۲ ـ جذام ۳ ـ برص ۴ ـ افضا؛ ۵ ـ زمین گیری ۶ ـ نابینایی از هر دو چشم ماده ۱۱۲۴ ـ عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که‌عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است ماده ۱۱۲۵ ـ جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقدهم حادث شودموجب حق فسخ برای زن خواهد بود. ماده ۱۱۲۶ ـ هر یک از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره درطرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت ماده ۱۱۲۷ ـ هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی‌گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع‌بعلت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود. ماده ۱۱۲۸ ـ هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد ازعقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای‌طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقدتصریح شده یا عقد متبانیا بر آن واقع شده باشد. ماده ۱۱۲۹ ـ در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان‌اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید.همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه ماده ۱۱۳۰ ـ در صورتی که

دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه‌باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند،چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. تبصره ـ عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته وتحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه‌صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می گردد: ۱ ـ ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه ۲ ـ اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلا وی به‌مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است ۳ ـ محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر. ۴ ـ ضرب وشتم یا هرگونه سو رفتار مستمر زوج که عرفا با توجه‌به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد. ۵ ـ ابتلاـ زوج به بیماری‌های صعب العلاج روانی یا ساری یا هرعارضه صعب العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید. موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی‌که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید. ماده ۱۱۳۱ ـ خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد ازاطلاع بعلت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط می‌شود به شرط اینکه علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و عادت است ماده ۱۱۳۲ ـ در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است‌شرط نیست فصل دوم در طلاق مبحث اول در کلیات ماده ۱۱۳۳ ـ مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید. تبصره ـ زن نیز می تواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹) ، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید. ماده ۱۱۳۴ ـ طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد. ماده ۱۱۳۵ ـ طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق به شرط باطل است ماده ۱۱۳۶ ـ طلاق دهنده‌بایدبالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد. ماده ۱۱۳۷ ـ ولی مجنون دائمی می‌تواند در صورت مصلحت مولی‌علیه زن او را طلاق دهد. ماده ۱۱۳۸ ـ ممکن‌است صیغه طلاق را به‌توسط وکیل‌اجرانمود. ماده ۱۱۳۹ ـ طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه با انقضا مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود. ماده ۱۱۴۰ ـ طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غایب باشد بطوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند. ماده ۱۱۴۱ ـ طلاق در طهر مواقعه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یاحامل باشد. ماده ۱۱۴۲ ـ طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه‌گذشته باشد. مبحث دوم در اقسام طلاق ماده ۱۱۴۳ ـ طلاق بر دو قسم است بائن و رجعی ماده ۱۱۴۴ ـ در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست ماده ۱۱۴۵ ـ در موارد ذیل طلاق ، بائن است ۱ ـ طلاقی که قبل از نزدیکی واقع شود؛ ۲ ـ طلاق یائسه ۳ ـ طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض‌نکرده‌باشد؛ ۴ ـ سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم ازاینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید. ماده ۱۱۴۶ ـ طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهرخود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد اعم ازاینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد. ماده ۱۱۴۷ ـ طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی دراین صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد. ماده ۱۱۴۸ ـ در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع‌است ماده ۱۱۴۹ ـ رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود که‌دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون به قصد رجوع باشد. مبحث سوم در عده ماده ۱۱۵۰ ـ عدق ه عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقدنکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند. ماده ۱۱۵۱ ـ عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با اقتضای‌سن عادت‌زنانگی نبیند که‌دراین‌صورت عده او سه ماه است ماده ۱۱۵۲ ـ عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضا آن در مورد نکاح‌منقطع

در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن‌عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است ماده ۱۱۵۳ ـ عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضا آن در موردزن حامله تا وضع حمل است ماده ۱۱۵۴ ـ عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماهو ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت‌شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود. ماده ۱۱۵۵ ـ زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین‌زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود. ماده ۱۱۵۶ ـ زنی که شوهر او غایب مفقودالاثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد. ماده ۱۱۵۷ ـ زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاه دارد.

کتاب هشتم در اولاد

باب اول در نسب (ماده ۱۱۵۸ الی ۱۱۶۷)

ماده ۱۱۵۸ ـ طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. ماده ۱۱۵۹ ـ هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ‌انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آن‌که ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از ششماه و یابیش از ده ماه گذشته باشد. ماده ۱۱۶۰ ـ در صورتی که عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجددا شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل به شوهری ملحق‌می‌شود که مطابق مواد قبل الحاق او به آن شوهر ممکن است درصورتی که مطابق مواد قبل الحاق طفل به هر دو شوهر ممکن باشدطفل ملحق به شوهر دوم است مگر آن که امارات قطعیه برخلاف آن دلالت کند. ماده ۱۱۶۱ ـ درمورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحا یا ضمنا اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود. ماده ۱۱۶۲ ـ در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتا پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی می‌باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس ازانقضا دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود. ماده ۱۱۶۳ ـ در موردی که شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند به نوعی که موجب الحاق طفل به او باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شودمدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف‌خدعه خواهد بود. ماده ۱۱۶۴ ـ احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیزجاری است اگرچه مادر طفل مشتبه نباشد. ماده ۱۱۶۵ ـ طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده‌اند ملحق به هر دو خواهد بود. ماده ۱۱۶۶ ـ هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل‌باشد نسبت طفل به هر یک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود. در صورت جهل هر دو، نسب طفل نسبت به هر دو مشروع است ماده ۱۱۶۷ ـ طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود .

باب دوم در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸ ـ نگاهداری اطفال هم حق و هم‌تکلیف ابوین است ماده ۱۱۶۹ ـ برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. تبصره – بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می باشد.(اصلاحی ۸/۹/۱۳۸۲ مجمع

تشخیص نظام) ماده ۱۱۷۰ ـ اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود. ماده ۱۱۷۱ ـ در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد. ماده ۱۱۷۲ ـ هیچیک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بعهده آنهاست از نگاهداری او امتناع کنند، در صورت امتناع یکی ازابوین حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا ویا به تقاضای مدعی‌العموم نگاهداری طفل را به هر یک از ابوین که‌حضانت به عهده اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یاموثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به‌خرج مادر تامین کند. ماده ۱۱۷۳ ـ هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری‌که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی‌هرتصمیمی راکه برای‌حضانت طفل مقتضی‌بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هریك از والدین است ۱ ـ اعتیاد زیان‌آور به الکل مواد مخدر و قمار. ۲ ـ اشتهار به فساد اخلاق و فحشا. ۳ ـ ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی ۴ ـ سواستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل‌ضداخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق . ۵ ـ تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف ماده ۱۱۷۴ ـ در صورتی که بعلت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوین که طفل تحت‌حضانت او نمی‌باشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آنها در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است ماده ۱۱۷۵ ـ طفل را نمی‌توان از ابوین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی ماده ۱۱۷۶ ـ مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر درصورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد. ماده ۱۱۷۷ ـ طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد بایدبه آنها احترام کند. ماده ۱۱۷۸ ـ ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل‌بگذارند. ماده ۱۱۷۹ ـ ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند.

باب سوم در ولایت قهری پدر و جدّپدری (ماده ۱۱۸۰ الی ۱۱۹۴)

ماده ۱۱۸۰ ـ طفل صغیر، تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد. ماده ۱۱۸۱ ـ هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت‌دارند. ماده ۱۱۸۲ ـ هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آنها محجور یا بعلتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد ولایت قانونی او ساقط می‌شود. ماده ۱۱۸۳ ـ در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او می‌باشد. ماده ۱۱۸۴ ـ هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید ومرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس ازاثبات دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع وبرای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید. همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی‌علیه نباشد و شخصی را هم برای این امرتعیین ننماید، طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی‌قهی منضم می‌گردد. ماده ۱۱۸۵ ـ هرگاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی‌العموم مکلف است مطابق‌مقررات راجعه به تعیین قیم قیمی برای طفل معین کند. ماده ۱۱۸۶ ـ در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارایی طفل امارات قویه موجود باشد مدعی‌العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی به عملیات او را بخواهد محکمه در این‌مورد رسیدگی کرده در صورتی که عدم امانت او معلوم شد مطابق‌ماده ۱۱۸۴ رفتار می‌نماید. ماده ۱۱۸۷ ـ هرگاه ولی قهری منحصر، به واسطه غیبت یا حبس به هرعلتی که نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم ازطرف خود معین نکرده باشد حاکم یک نفر امین به

پیشنهادمدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجعه به او موقتا معین خواهد کرد. ماده ۱۱۸۸ ـ هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشد وصی معین کند تا بعداز فوت خود در نگاهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید. ماده ۱۱۸۹ ـ هیچیک از پدر و جد پدری نمی‌تواند با حیات دیگری برای مولی‌علیه خود وصی معین کند. ماده ۱۱۹۰ ـ ممکن است پدر و یا جد پدری به کسی که به سمت‌وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد از فوت خود را برای مولی‌علیه بدهد. ماده ۱۱۹۱ ـ اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی‌علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منعزل می‌شود. ماده ۱۱۹۲ ـ ولی مسلم نمی‌تواند برای امور مولی‌علیه خود وصی غیرمسلم معین کند. ماده ۱۱۹۳ ـ همین‌که طفل کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج می‌شود و اگر بعدا سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین می‌شود. ماده ۱۱۹۴ ـ پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان‌ولی خاص طفل نامیده می‌شود.

کتاب نهم در خانواده

فصل اول در الزام به انفاق (ماده ۱۱۹۵ الی ۱۲۰۶)

ماده ۱۱۹۵ ـ احکام نفقه زوجه همان است که به‌موجب فصل‌هشتم ازباب اول کتاب هفتم مقرر شده و برطبق همین فصل مقرر می‌شود. ماده ۱۱۹۶ ـ در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند. ماده ۱۱۹۷ ـ کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت خود را فراهم نماید. ماده ۱۱۹۸ ـ کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد:یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود. ماده ۱۱۹۹ ـ نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدری است با رعایت‌الاقرب‌فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت‌الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند نفقه را باید به حصه مساوی تادیه کنند. ماده ۱۲۰۰ ـ نفقه ابوین با رعایت‌الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است ماده ۱۲۰۱ ـ هرگاه یک نفر، هم در خط عمودی صعودی و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور به حصه متساوی تادیه‌کنند بنابر این اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویا تادیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل‌داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساویا بدهند. ماده ۱۲۰۲ ـ اگر اقارب واجب‌النفقه متعدد باشند و منفق نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب درخط عمودی صعودی خواهند بود. ماده ۱۲۰۳ ـ در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب ـ النفقه دیگر، زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود. ماده ۱۲۰۴ ـ نفقه اقارب عبارت است از: مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظرگرفتن درجه استطاعت منفق ماده ۱۲۰۵ ـ در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه برعهده اوست ممکن نباشد دادگاه می‌تواند بامطالبه افراد واجب‌النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال‌غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌توانند نفقه را به عنوان قرض بپردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند. ماده ۱۲۰۶ ـ زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوا نماید و طلب او از

بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.

کتاب دهم در حجر و قیمومت

فصل اول در کلیات (ماده ۱۲۰۷ الی ۱۲۱۷)

ماده ۱۲۰۷ ـ اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی‌خود ممنوع هستند: ۱ ـ صغار؛ ۲ ـ اشخاص غیر رشید؛ ۳ ـ مجانین ماده ۱۲۰۸ ـ غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد. ماده ۱۲۰۹ ـ حذف شده است ماده ۱۲۱۰ ـ هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. تبصره ۱ ـ سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است تبصره ۲ ـ اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. ماده ۱۲۱۱ ـ جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است ماده ۱۲۱۲ ـ اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است معذلک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات ماده ۱۲۱۳ ـ مجنون دائمی مطلقا و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال‌افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر آن که افاقه او مسلم باشد. ماده ۱۲۱۴ ـ معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلا ـ داده شده باشد یا بعد از انجام عمل معذلک تملکات بلا ـ عوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است ماده ۱۲۱۵ ـ هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهدبود. ماده ۱۲۱۶ ـ هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است ماده ۱۲۱۷ ـ اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشید به عهده ولی یا قیم آنان است بطوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است

فصل دوم در موارد نصب قیم و ترتیب آن (ماده ۱۲۱۸ الی ۱۲۳۴)

ماده ۱۲۱۸ ـ برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود: ۱ ـ برای صغاری که ولی خاص ندارند؛ ۲ ـ برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند؛ ۳ ـ برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد. ماده ۱۲۱۹ ـ هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده و از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد. ماده ۱۲۲۰ ـ در صورت نبودن هیچیک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقربایی است که با شخص محتاج به قیم در یک جا زندگی می‌نمایند. ماده ۱۲۲۱ ـ اگر کسی به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود. ماده ۱۲۲۲ ـ در هر موردی که دادستان بنحوی از انحا به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌داند به آن دادگاه معرفی کند. دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز دادگاه مذکور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید دراین صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را نیز تعیین کند. اگر دادگاه مدنی

خاص اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید اشخاص دیگری را از دادسرا خواهد خواست ماده ۱۲۲۳ ـ در مورد مجانین دادستان باید قبلا رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به دادگاه مدنی خاص ارسال دارد در صورت اثبات جنون دادستان به دادگاه رجوع می‌کند تا نصب قیم شود در مورد اشخاص غیررشید نیز دادستان مکلف است که قبلا به وسیله مطلعین اطلاعات کافیه در باب سفاهت او بدست آورده و درصورتی که سفاهت را مسلم دید در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوا نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به دادگاه رجوع نماید. ماده ۱۲۲۴ ـ حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود طرز حفظ و نظارت مدعی‌العموم به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۱۲۲۵ ـ همین که حکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و به توسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی‌العموم می‌تواند حجر آن را اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده واقع گردد الزامی است ماده ۱۲۲۶ ـ اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد بعلت جنون یا سفه محجور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است ماده ۱۲۲۷ ـ فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه بعمل آمده باشد. ماده ۱۲۲۸ ـ در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی می‌تواندنسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب‌شود و در حوزه ماموریت او ساکن یا مقیم‌اند موقتا نصب قیم کند وباید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند. ماده ۱۲۲۹ ـ وظایف و اختیاراتی که بموجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین و اشخاص غیررشید مقرر است در خارج ایران به عهده مامورین قنسولی‌خواهد بود. ماده ۱۲۳۰ ـ اگر در عهود و قراردادهای منعقده بین دولت ایران و دولتی که مامور قنسولی ماموریت خود را در مملکت آن دولت اجرامی‌کند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مامورین مذکور مفاد آن دو ماده را تاحدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد. ماده ۱۲۳۱ ـ اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند: ۱ ـ کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند؛ ۲ ـ کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت ـ خیانت در امانت ـ کلاهبرداری ـ اختلاس ـ هتک‌ناموس ـ یا منافیات عفت ـ جنحه نسبت به اطفال ـ ورشکستگی به‌تقصیر. ۳ ـ کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است ۴ ـ کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند؛ ۵ ـ کسی که خود یا اقربا طبقه اول او دعوائی بر محجور داشته باشد. ماده ۱۲۳۲ ـ با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقربای محجور مقدم برسایرین خواهند بود. ماده ۱۲۳۳ ـ زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود، سمت قیمومت را قبول کند. ماده ۱۲۳۴ ـ در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت تعیین کند می‌تواند وظایف آنها را تفکیک نماید.

فصل سوم در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن(ماده ۱۲۳۵ الی ۱۲۴۷)

ماده ۱۲۳۵ ـ مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم است ماده ۱۲۳۶ ـ قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی علیه‌صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده و یک نسخه از آن را به‌امضای خود برای دادستانی که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت به میزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات لازمه بعمل آورد. ماده ۱۲۳۷ ـ مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارایی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است مخارج سالیانه مولی‌علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره‌کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمی‌تواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم ماده ۱۲۳۸ ـ قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید

مسئول ضـرر و خساراتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شـده‌اگرچه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعـدی قیم نباشد. ماده ۱۲۳۹ ـ هر گـاه معلـوم شـود که قیم عامـدا مـالی را که متعلـق به‌مـولی‌علیه بـوده جزو صـورت دارائی او قیـد نکرده و یـا بـاعث شـده‌است که آن مال در صورت مزبور قیـد نشود مسئول هر ضـرر و خساراتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی‌علیه وارد شـود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سو نیت بوده قیم معزول خواهد شد. ماده ۱۲۴۰ ـ قیم نمی‌توانـد به سـمت قیمومت از طرف مولی‌علیه باخود معامله کنـد اعم از اینکه مال مولی‌علیه را به خود منتقل کنـد یامال خود را به او انتقال دهـد. ماده ۱۲۴۱ ـ قیم نمی‌توانـد اموال غیرمنقول مولی‌علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله‌ای کند که در نتیجه آن خود، مدیون مولی‌علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی‌علیه و تصویب مـدعی‌العموم درصورت اخیر شـرط حتمی تصویب مـدعی‌العموم ملائت قیم می‌باشد و نیز نمی‌توانـد برای مولی‌علیه بـدون ضـرورت و احتیـاج قرض کنـد مگر با تصویب مـدعی‌العموم ماده ۱۲۴۲ ـ قیم نمی‌توانـد دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صـلح خـاتمه دهـد مگر بـا تصویب مـدعی‌العموم ماده ۱۲۴۳ ـ در صـورت وجود موجبـات موجه دادسـتان می‌توانـد از دادگـاه مـدنی خاص تقاضا کنـد که از قیم تضـميناتی راجع به اداره اموال مولی‌علیه بخواهـد. تعیین نوع تضـمین به نظر دادگـاه است هرگاه قیم برای تعیین نوع تضـمین حاضـر نشـد از قیمومت عزل می‌شود. ماده ۱۲۴۴ ـ قیم بایـد لااقـل سالی یک مرتبه حساب تصـدی خود را به مـدعی‌العموم یا نماینـده او بدهـد و هرگاه در ظرف یک‌ماه از تاریخ مطالبه مدعی‌العموم حساب ندهد به تقاضای مدعی‌العموم معزول می‌شود. ماده ۱۲۴۵ ـ قیم بایـد حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یارفع حجر به مولی‌علیه سابق خود بدهـد. هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابـد حساب زمان تصـدی بایـد به قیم بعـدی‌داده شود. ماده ۱۲۴۶ ـ قیم می‌توانـد برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشـتغالی که از امرقیمومت برای او حاصـل می‌شود و محلی که قیم در آن جا اقامت دارد و میزان عایـدی مولی‌علیه تعیین می گردد. ماده ۱۲۴۷ ـ مدعی‌العموم می‌تواند اعمال نظارت در امور مولی‌علیه را کلا یا بعضا به اشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه واگذار نماید.شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین‌شده درصورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی‌علیه خواهند بود.

فصل چهارم در موارد عزل قیّم (ماده ۱۲۴۸ الی ۱۲۵۲)

ماده ۱۲۴۸ ـ در موارد ذیل قیم معزول می‌شود: ۱ ـ اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود؛ ۲ ـ اگر قیم مرتکب جنـایت و یـا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل‌شـده و بموجب حکم قطعی محکوم گردد: سـرقت ـ خیانت در امانت ـ کلاهبرداری ـ اختلاس ـ هتک‌ناموس ـ منافیات عفت ـ جنحه نسبت به اطفال ـ ورشکستگی به‌تقصیر یا تقلب ۳ ـ اگر قیم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بـدین جهت نتواند امور مالی مولی‌علیه را اداره کند؛ ۴ ـ اگر قیم ورشکسته اعلان شود؛ ۵ ـ اگر عـدم‌لیاقت یـا توانایی قیم در اداره اموال مولی‌علیه معلوم‌شود؛ ۶ ـ در مـورد مواد ۱۲۳۹، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴ با تقاضای مـدعی‌العموم ماده ۱۲۴۹ ـ اگر قیم مجنـون یـا فاقـد رشـد گردد منعزل می‌شـود. مـاده ۱۲۵۰ ـ هرگـاه قیم در امـور مربـوطه به امـوال مولی‌علیه یـا جنحه یاجنایت نسبت به شخص او مورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه به تقاضای مدعی‌العموم موقتا قیم دیگری برای اداره اموال مولی‌علیه معین خواهـد کرد. مـاده ۱۲۵۱ ـ هرگـاه زن بی‌شـوهری ولو مـادر مولی‌علیه که به سـمت قیمومت معین شـده است اختیـار شوهر کنـد بایـد مراتب را در ظرف یـک مـاه از تاریـخ انعقاد نکاح به دادسـتان حوزه اقامت خود یا نماینـده او اطلاع دهـد. در این صورت دادسـتان یا نماینـده او می‌تواند بارعایت وضـعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم‌ناظر کند. ماده ۱۲۵۲ ـ در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مـدت مقرر به مـدعی‌العموم یا نماینـده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل او را بکند.

فصل پنجم در خروج از تحت قیمومت (ماده ۱۲۵۳ الی ۱۲۵۶)

ماده ۱۲۵۳ ـ پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع می‌شود. ماده ۱۲۵۴ ـ خروج از قیمومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هرشخص ذینفع دیگری تقاضا نماید، تقاضانامه ممکن است مستقیما یا توسط دادستان حوزه‌ای که مولی‌علیه در آن جا سکونت دارد یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص همان حوزه داده شود. ماده ۱۲۵۵ ـ در مورد ماده قبل مدعی‌العموم یا نماینده او مکلف است قبلا ـ نسبت به رفع علت تحقیقات لازمه به عمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید. در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان می‌شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد. ماده ۱۲۵۶ ـ رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

جلد سوم در ادله اثبات دعوی (ماده ۱۲۵۷ الی ۱۲۵۸)

کتاب اول در اقرار

اشاره

ماده ۱۲۵۷ ـ هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی‌علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است ماده ۱۲۵۸ ـ دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است ۱ ـ اقرار، ۲ ـ اسناد کتبی ۳ ـ شهادت ۴ ـ امارات ۵ ـ قسم

باب اول در شرایط اقرار (ماده ۱۲۵۹ الی ۱۲۷۴)

ماده ۱۲۵۹ ـ اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود. ماده ۱۲۶۰ ـ اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید. ماده ۱۲۶۱ ـ اشاره شخص لال که صریحا حاکی از اقرار باشد صحیح‌است ماده ۱۲۶۲ ـ اقرارکننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین‌اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیرقاصد و مکره موثرنیست ماده ۱۲۶۳ ـ اقرار سفیه در امورمالی موثر نیست ماده ۱۲۶۴ ـ اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان‌نافذ نیست ماده ۱۲۶۵ ـ اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال‌خود به ملاحظه حفظ حقوق دیگران منشا اثر نمی‌شود، تا افلاس‌یا عدم افلاس او معین گردد. ماده ۱۲۶۶ ـ در مقرله اهلیت شرط نیست لیکن برحسب قانون بایدبتواند دارای آنچه که به نفع او اقرار شده است بشود. ماده ۱۲۶۷ ـ اقرار به نفع متوفی درباره ورثه او موثر خواهد بود. ماده ۱۲۶۸ ـ اقرار معلق موثر نیست ماده ۱۲۶۹ ـ اقرار به امری که عقلا ـ یا عادتا ممکن نباشد و یا برحسب‌قانون صحیح نیست اثری ندارد. ماده ۱۲۷۰ ـ اقرار برای حمل در صورتی موثر است که زنده متولد شود. ماده ۱۲۷۱ ـ مقرله اگر بکلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگرفی‌الجمله معلوم‌باشد مثل اقرار برای یکی‌از دو نفر معین صحیح‌است ماده ۱۲۷۲ ـ در صحت اقرار، تصدیق مقرله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت ماده ۱۲۷۳ ـ اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولا تحقق نسب‌برحسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیا کسی که به نسب او اقرارشده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده به‌شرط آنکه منازعی در بین نباشد. ماده ۱۲۷۴ ـ اختلاف مقر و مقرله در سبب اقرار، مانع صحت اقرارنیست

باب دوم در آثار اقرار (۱۲۷۵ الی ۱۲۸۳)

ماده ۱۲۷۵ ـ هرکس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خودخواهد بود. ماده ۱۲۷۶ ـ اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهدداشت ماده ۱۲۷۷ ـ انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقر ادعا کند اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می‌شود و همچنین است در صورتی‌که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد: مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده‌مضر به اقرار نیست ماده ۱۲۷۸ ـ اقرار هرکس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام اونافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن راملزم قرار داده باشد. ماده ۱۲۷۹ ـ اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی‌می‌توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهودقابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد. ماده ۱۲۸۰ ـ اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است ماده ۱۲۸۱ ـ قید دین در دفتر تجارت به منزله اقرار کتبی است ماده ۱۲۸۲ ـ اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقرله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده از قسمتی از آن که به نفع او است‌بر ضرر مقر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف‌نظر کند. ماده ۱۲۸۳ ـ اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثر باشد که ارتباط تامی بایکدیگر داشته باشند (مثل اینکه مدعی‌علیه اقرار به اخذ وجه ازمدعی نموده و مدعی رد شود) مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

کتاب دوم در اسناد (ماده ۱۲۸۴ الی ۱۳۰۵)

ماده ۱۲۸۴ ـ سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع‌قابل استناد باشد. ماده ۱۲۸۵ ـ شهادت‌نامه سند محسوب نمی‌شود و فقط اعتبار شهادت راخواهد داشت ماده ۱۲۸۶ ـ سند بر دو نوع است رسمی و عادی ماده ۱۲۸۷ ـ اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاك و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنهابرطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است ماده ۱۲۸۸ ـ مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد. ماده ۱۲۸۹ ـ غیر از اسناد مذکوره در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است ماده ۱۲۹۰ ـ اسنادرسمی درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبراست و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون‌تصریح کرده باشد. ماده ۱۲۹۱ ـ اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است ۱ ـ اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید؛ ۲ ـ هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن راتکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضا یا مهر کرده است ماده ۱۲۹۲ ـ در مقابل اسنادرسمی یا اسنادی که اعتبار سند رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت به‌اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است ماده ۱۲۹۳ ـ هرگاه سند به وسیله یکی از مامورین رسمی تنظیم اسناد،تهیه شده لیکن مامور، صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یارعایت ترتیبات مقرره قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سندمزبور در صورتی که دارای امضا یا مهر طرف باشد، عادی است ماده ۱۲۹۴ ـ عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق‌می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند. ماده ۱۲۹۵ ـ محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آن جا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه اولا ـ اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد؛ ثانیا ـ مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد؛ ثالثا ـ کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده بموجب قوانین خود یا عهود، اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد؛ رابعا ـ نماینده سیاسی یا قنسولی ایران در کشوری که سند در آن‌جا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و قنسولی کشور مزبور در ایران‌تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است ماده ۱۲۹۶ ـ هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل‌تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا قنسولی خارجه در ایران‌تصدیق شده باشد قبول‌شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این‌است که

وزارت امورخارجه و يا در خارج تهران حكام ايالات و ولايات امضاى نماينده خارجه را تصديق كرده باشند. ماده ۱۲۹۷ ـ دفاتر تجارتى در موارد دعواى تاجرى بر تاجر ديگر درصورتى كه دعوى از محاسبات و مطالبات تجارتى حاصل شده‌باشد دليل محسوب مى‌شود مشروط بر اينكه دفاتر مزبوره مطابق‌قانون تجارت تنظيم شده باشد. ماده ۱۲۹۸ ـ دفتر تاجر در مقابل غير تاجر سنديت ندارد فقط ممكن‌است جزءق قرائن و امارات قبول شود ليكن اگر كسى به دفتر تاجراستناد كرد نمى‌تواند تفكيك كرده آنچه را كه بر نفع او است قبول وآنچه كه بر ضرر او است رد كند مگر آنكه بى‌اعتبارى آنچه را كه برضرر اوست ثابت كند. ماده ۱۲۹۹ ـ دفتر تجارتى در موارد مفصله ذيل دليل محسوب‌نمى‌شود: ۱ ـ در صورتى كه مدلل شود اوراق جديدى به دفتر داخل‌كرده‌اند يا دفتر تراشيدگى دارد؛ ۲ ـ وقتى كه در دفتر بى‌ترتيبى و اغتشاشى كشف شود كه بر نفع‌صاحب دفتر باشد؛ ۳ ـ وقتى كه بى‌اعتبارى دفتر، سابقا به جهتى از جهات درمحكمه مدلل شده باشد. ماده ۱۳۰۰ ـ در مواردى كه دفاتر تجارتى بر نفع صاحب آن دليل نيست‌بر ضرر او سنديت دارد. ماده ۱۳۰۱ ـ امضايى كه در روى نوشته يا سندى باشد بر ضرر امضاءكننده دليل است ماده ۱۳۰۲ ـ هرگاه در ذيل يا حاشيه يا ظهر سندى كه در دست‌ابرازكننده بوده مندرجاتى باشد كه حكايت از بى‌اعتبارى يا از اعتبارافتادن تمام يا قسمتى از مفاد سند نمايد مندرجات مزبوره معتبرمحسوب است اگرچه تاريخ و امضا نداشته و يا به وسيله خط كشيدن و يا نحو ديگر باطل شده باشد. ماده ۱۳۰۳ ـ در صورتى كه بطلان مندرجات مذكوره در ماده قبل ممضى به امضاءق طرف بوده و يا طرف بطلان آن را قبول كند و يا آن‌كه بطلان آن در محكمه ثابت شود مندرجات مزبور بلااثر است ماده ۱۳۰۴ ـ هرگاه امضاى تعهدى در خود تعهدنامه نشده و در نوشته عليحده شده باشد آن تعهدنامه بر عليه امضاكننده دليل است درصورتى كه در نوشته مصرح باشد كه به كدام تعهد يا معامله مربوط است ماده ۱۳۰۵ ـ در اسناد رسمى تاريخ تنظيم معتبر است حتى بر عليه‌اشخاص ثالث ولى در اسناد عادى تاريخ فقط درباره اشخاصى كه‌شركت در تنظيم آنها داشته و ورثه آنان و كسى كه به نفع او وصيت‌شده معتبر است

كتاب سوم در شهادت

باب اول در موارد شهادت (ماده ۱۳۰۶ الى ۱۳۱۴)

مواد ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸ حذف شده‌اند. و ماده ۱۳۰۹ ـ در مقابل سند رسمى يا سندى كه اعتبار آن در محكمه‌محرز شده دعوى كه مخالف با مفاد يا مندرجات آن باشد به‌شهادت اثبات نمى‌گردد. مواد ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ حذف شده‌اند. و ماده ۱۳۱۲ ـ احكام مذكور در فوق در موارد ذيل جارى نخواهد بود: ۱ ـ در مواردى كه اقامه شاهد براى تقويت يا تكميل دليل باشدمثل اينكه دليلى بر اصل دعوى موجود بوده ولى مقدار يا مبلغ‌مجهول باشد و شهادت بر تعيين مقدار يا مبلغ اقامه گردد، ۲ ـ در مواردى كه به واسطه حادثه‌اى گرفتن سند ممكن نيست ازقبيل حريق و سيل و زلزله و غرق كشتى كه كسى مال خود را به ديگرى سپرده و تحصيل سند براى صاحب‌مال در آن موقع ممكن نيست ۳ ـ نسبت به كليه تعهداتى كه عادتا تحصيل سند معمول نمى‌باشد مثل اموالى كه اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها وكاروانسراها و نمايشگاه‌ها مى‌سپارند و مثل حق‌الزحمه اطبا و قابله همچنين انجام تعهداتى كه براى آن عادتا تحصيل سند معمول نيست مثل كارهايى كه به مقاطعه و نحو آن تعهد شده اگرچه اصل‌تعهد به موجب سند باشد، ۴ ـ در صورتى كه سند به واسطه حوادث غيرمنتظره مفقود ياتلف شده باشد، ۵ ـ در موارد ضمان قهرى و امور ديگرى كه داخل در عقود وايقاعات نباشد. ماده ۱۳۱۳ ـ در شاهد، بلوغ عقل عدالت ايمان و طهارت مولد شرط است تبصره ۱ ـ عدالت شاهد بايد با يكى از طرق شرعى براى دادگاه احراز شود. تبصره ۲ ـ شهادت كسى كه نفع شخصى به صورت عين يا منفعت ياحق رد دعوى داشته باشد و نيز شهادت كسانى كه تكدى را شغل‌خود قرار دهند پذيرفته نمى‌شود. ماده ۱۳۱۳ مكرر ـ و تبصره آن حذف گرديد. ماده ۱۳۱۴ ـ شهادت اطفالى را كه به سن پانزده سال تمام نرسيده‌اند فقط ممكن است براى مزيد اطلاع استماع نمود مگر در

مواردی که‌قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

باب دوم در شرایط شهادت (ماده ۱۳۱۵ الی ۱۳۲۰)

ماده ۱۳۱۵ ـ شهادت بایـد از روی قطع و یقین باشد نه بطور شک وتردید. ماده ۱۳۱۶ ـ شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد. ماده ۱۳۱۷ ـ شهادت شهود باید مفادا متحد باشد، بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی به دست آید. ماده ۱۳۱۸ ـ اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف درموضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد. ماده ۱۳۱۹ ـ در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم‌شود برخلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده‌نمی‌شود. ماده ۱۳۲۰ ـ شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهـداصل وفـات یـافته یـا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر وحبس و غیره نتواند حاضر شود.

کتاب چهارم در امارات (ماده ۱۳۲۱ الی ۱۳۲۴)

ماده ۱۳۲۱ ـ اماره عبارت از اوضـاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضـی دلیل بر امری شـناخته می‌شود. ماده ۱۳۲۲ ـ امـارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری‌قرار داده مثل امارات مـذکور در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین‌دیگر. ماده ۱۳۲۳ ـ امارات قانونی در کلیه دعاوی (اگرچه از دعاوی باشد که به‌شهادت شـهود قابـل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل‌برخلاف آن موجود باشـد. ماده ۱۳۲۴ ـ اماراتی که به نظر قاضـی واگذار شده عبارت است ازاوضاع و احوالی درخصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که‌دعوا به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

کتاب پنجم در قسم (ماده ۱۳۲۵ الی ۱۳۳۵)

ماده ۱۳۲۵ ـ در دعـاوی که به شـهادت شـهود قابـل اثبـات است مدعی‌می‌توانـد حکم به دعـوی خود را که مورد انکـار مـدعی‌علیه است‌منوط به قسم او نماید. ماده ۱۳۲۶ ـ در موارد ماده فوق مدعی‌علیه نیز می‌تواند در صورتی که‌مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشـد حکم به دعوی را منوط به‌قسم مـدعی کنـد. مـاده ۱۳۲۷ ـ مـدعی یـا مـدعی‌علیه در مورد دو مـاده قبل در صورتی‌می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوا منتسب به شـخص آن طرف باشد. بنابراین در دعاوی بر صـغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر ولی یا وصـی یا قیم متوجه کرد مگرنسبت به اعمال صادره از شخص آنها آن هم مادامی که به ولایت یاوصایت یـا قیمومت بـاقی هسـتند و همچنین است در کلیه مواردی که‌امر، منتسب به یک طرف باشـد. ماده ۱۳۲۸ ـ کسـی که قسم متوجه او شـده است در صورتی که بطلان‌دعوی طرف را اثبات نکنـد یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف‌دیگر رد کند و اگر، نه قسم یاد کنـد و نه آن را به طرف دیگر رد نمایدبا سوگند مدعی به حکم حاکم مدعی‌علیه نسبت به ادعایی که‌تقاضای قسم برای آن شده ا ست محکوم می گردد. مـاده ۱۳۲۸ مکرر ـ دادگـاه می‌توانـد نظر به اهمیت موضوع دعوی وشخصـیت طرفین و اوضاع و احوال موثر مقرر دارد که قسم بـا تشـریفات خـاص مـذهبی یـاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نمایـد. تبصره ـ چنانچه کسـی که قسم به او متوجه شده تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد، ناکل محسوب نمی‌شود. ماده ۱۳۲۹ ـ قسم به کسی متوجه می گردد که اگر اقرار کند

اقرارش نافذباشـد. ماده ۱۳۳۰ ـ تقاضـای قسم قابـل توکیـل است و وکیل در دعوی می‌توانـدطرف را قسم دهـد لیکن قسم یادکردن قابل توکیل نیست و وکیل‌نمی‌توانـد به جای موکل قسم یاد کند. ماده ۱۳۳۱ ـ قسم قاطع دعوا است و هیـچ‌گونه اظهاری که منافی با قسم‌باشـد از طرف پـذیرفته نخواهد شد. ماده ۱۳۳۲ ـ قسم فقـط نسبت به اشخاصـی که طرف دعوی بوده‌انـد و قائم مقام آنها، موثر است ماده ۱۳۳۳ ـ در دعوای بر متوفی در صورتی که اصـل حق ثابت شـده وبقای آن در نظر حاکم ثابت نباشـد حاکم می‌توانـد از مـدعی بخواهد که‌بر بقای حق خود قسم یاد کند. در این مورد کسـی که از او مطالبه قسم‌شده است نمی‌تواند قسم را به مدعی علیه رد کند. حکم این ماده در موردی که مدرک دعوا سندرسـمی است جاری نخواهد بود. ماده ۱۳۳۴ ـ در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است می‌تواندنسبت به آنچه که مورد ادعای اوست از طرف مقابل تقاضای قسم‌کنـد. مگر اینکه مـدرک دعوای مـدعی سند رسـمی یا سـندی باشد که‌اعتبار آن در محکمه محرز شده است ماده ۱۳۳۵ ـ توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوای مـدنی نزدحاکم به موجب اقرار یا شـهادت یا علم قاضـی بر مبنای اسـناد یا امارات ثابت نشـده باشـد، در این صورت مدعی می‌تواند حکم به‌دعوای خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم‌اونماید.

قانون استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ – مصوب ۱۳۸۴

حضـرت حجتالاسـلام والمسـلمین جناب آقای سـید محمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ که بهمجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ ۲۷/۲/۱۳۸۴ مجلس مطرح و نظر تفسیری مجلس به شرح پیوست تصویب و در تاریخ ۴/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال میگردد.

دادرسی و اجرا

قانون آیین دادرسی دادگاههای‌عمومی‌و انقلاب کتاب اول ـ در امور مدنی

ماده ۱ ـ آیین دادرسـی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که درمقام رسـیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی درداد‌گاههـای عمومی، انقلاب تجدیـدنظر، دیوان عـالی کشور و سـایرمراجعی که به موجب قـانون موظف به رعـایت آن میباشـند به‌کارمیرود. ماده ۲ ـ هیچ دادگاهی نمیتواند به دعوایی رسـیدگی کند مگر این که‌شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونیانان رسـیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. ماده ۳ ـ قضات دادگاهها موظفنـد موافق قوانین به دعاوی رسـیدگیکرده حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که‌قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یـا اصـلا قـانونی در قضـیه مطروحه وجود نداشـته باشـد، بـا اسـتناد به منـابع‌معتبر اسـلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین‌شـرعی نباشد، حکم قضـیه را صادر نمایند و نمیتوانند به بهانه‌سـکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا وصدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شـناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد. تبصـره ـ چنانچه قاضـی مجتهد باشد و قانون را خلاف شـرع بداندپرونده به شعبه دیگری جهت رسـیدگی ارجاع خواهد شد. ماده ۴ ـ دادگاهها مکلفند در مورد هر دعوا به طور خـاص تعیین‌تکلیف نماینـد و نبایـد به صورت عـام و کلی حکم صـادر کننـد. ماده ۵ ـ آرای دادگاههـا قطعی است مگر در موارد مقرر در باب‌چهـارم این قـانون یـا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض‌یا تجدیـدنظر باشـند. ماده ۶ ـ عقود و قراردادهـایی که مخل نظم عمومی یا بر خلاف‌اخلاق حسـنه که مغایر با موازین شـرع باشـد در دادگاه قابل ترتیب اثرنیسـت ماده ۷ ـ به مـاهیت هیـچ دعوایی نمیتوان در مرحله بالاـتر رسـیدگی نمود تـا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر

نشده‌باشد، مگر به موجب قانون ماده ۸ ـ هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمیتواند حکم‌دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر دادگاهی که‌حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین‌نموده باشد. ماده ۹ ـ رسیدگی به دعاویی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه‌شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه مییابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام تابع‌قوانین مجری در زمان صدور آنان میباشد مگر این‌که آن قوانین خلاف شرع شناخته شود. نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این‌قانون از دادگاهها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان‌رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون‌عمل میشود.

کتاب اول ــ در امور مدنی

کلیات (ماده ۱ الی ۹)

باب اول ــ در صلاحیت دادگاهها

فصل‌اول ــ در صلاحیت‌ذاتی و نسبی دادگاهها (ماده ۱۰ الی ۲۵)

ماده ۱۰ ـ رسیدگی نخستین به دعاوی حسب مورد در صلاحیت‌دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع‌دیگری را تعیین کرده باشد. ماده ۱۱ ـ دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه‌قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد،در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه‌همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل‌سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است وهرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل‌اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد. تبصره ـ حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یاشهرستان که دادگاه در آن واقع است تقسیم بندی حوزه قضایی به‌واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه تغییری در صلاحیت عام دادگاه‌مستقر در آن نمی‌دهد. ماده ۱۲ ـ دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعاوی‌مالکیت مزاحمت ممانعت از حق تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر منقول در حوزه آن‌واقع است اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد. ماده ۱۳ ـ در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که ازعقود و قراردادها ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی‌رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهدمی‌بایست در آنجا انجام شود. ماده ۱۴ ـ درخواست تامین دلایل و امارات از دادگاهی می‌شود که‌دلایل و امارات مورد درخواست در حوزه آن واقع است ماده ۱۵ ـ در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول وغیرمنقول باشد، در دادگاهی اقامه دعوا می‌شود که مال غیرمنقول درحوزه آن واقع است به شرط آن که دعوا در هر دو قسمت ناشی ازیک منشا باشد. ماده ۱۶ ـ هرگاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که درحوزه‌های قضایی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیرمنقول‌متعددی باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده‌اند،خواهان‌می‌تواندبه‌هریک‌ازدادگاههای‌حوزه‌های‌یادشده‌مراجعه‌نماید. ماده ۱۷ ـ هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف‌خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی برثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوای‌اصلی مرتبط یا دارای یک منشا باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که‌دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است ماده ۱۸ ـ عنوان احتساب تهاتر یا هر اظهاری که دفاع محسوب‌شود، دعوای طاری نبوده مشمول ماده (۱۷) نخواهد بود. ماده ۱۹ ـ هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که‌رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌شود. در این مورد،خواهان مکلف است

ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی‌کننده تسلیم نماید، در غیر این‌صورت قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات‌ادعا در دادگاه صالح مجددا اقامه دعوا نماید. ماده ۲۰ ـ دعاوی راجع به ترکه متوفی اگر چه خواسته دین و یامربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که ترکه تقسیم نشده درددادگاه محلی اقامه می‌شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران آن‌محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به‌دعاوی یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل‌سکونت متوفی در ایران در حوزه آن بوده است ماده ۲۱ ـ دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی‌اقامه می‌شود که شخص متوقف یا ورشکسته در حوزه آن اقامت‌داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه‌می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات‌خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد. ماده ۲۲ ـ دعاوی راجع به ورشکستگی شرکتهای بازرگانی که مرکزاصلی آنها در ایران است همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت ودعاوی بین شرکت و شرکا و اختلافات حاصله بین شرکا و دعاوی‌اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز درصورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است درمرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود. ماده ۲۳ ـ دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج‌از شرکت در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا بایددر آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه‌می‌شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشددعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه‌محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آن که‌شعبه یادشده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد. ماده ۲۴ ـ رسیدگی به دعوای اعسار به طور کلی با دادگاهی است که‌صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد یا ابتدا به آن‌رسیدگی نموده است ماده ۲۵ ـ هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم‌خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگرمحل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد درصلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

فصل دوم ــ اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن (ماده ۲۶ الی ۳۰

ماده ۲۶ ـ تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به‌دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد. ماده ۲۷ ـ در صورتی که دادگاه رسیدگی‌کننده خود را صالح به‌رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه‌صلاحیتدار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج ازنوبت نسبت به صلاحیت اظهارنظر نماید و چنانچه ادعای عدم‌صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. رای دادگاه تجدیدنظر در تشخیص‌صلاحیت لازم‌الاتباع خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یاد شده دیوان عالی کشور می‌باشد. ماده ۲۸ ـ هرگاه بین دادگاههای عمومی نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاهها اعم از عمومی نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خودنفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل‌اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رای دیوان عالی‌کشور در خصوص تشخیص صلاحیت لازم الاتباع می‌باشد. ماده ۲۹ ـ رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، خارج از نوبت خواهد بود. ماده ۳۰ ـ هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم الاتباع است

باب دوم ــ وکالت در دعاوی (ماده ۳۱ الی ۴۷

ماده ۳۱ ـ هریک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند. ماده ۳۲ ـ وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت شرکتهای دولتی نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیردولتی شهرداریها و بانکها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند: ۱ ـ دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاههای مربوط ۲ ـ دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهده بالاترین مقام اجرایی‌سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود. ارائه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است ماده ۳۳ ـ وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب‌قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنان مقرر گردیده است ماده ۳۴ ـ وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیررسمی‌باشد. در صورت اخیر، در مورد وکالت‌نامه‌های تنظیمی در ایران وکیل می‌تواند ذیل وکالت‌نامه تایید کند که وکالت نامه را موکل‌شخصا در حضور او امضا یا مهر کرده یا انگشت زده است در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی‌یکی از مامورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد.مرجع گواهی وکالت نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مامور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسطوزارت دادگستری با همکاری وزارت امورخارجه ظرف مدت سه‌ماه تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورتجلسه قید و به‌امضای موکل می‌رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رییس زندان‌یا معاون وی باید امضا یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند. تبصره ـ در صورتی که موکل امضاء، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود. ماده ۳۵ ـ وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امردادرسی است جز آنچه را که موکل استثنا کرده یا توکیل در آن‌خلاف شرع باشد، لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل دروکالت‌نامه تصریح شود: ۱ ـ وکالت راجع به اعتراض به رای تجدیدنظر، فرجام خواهی واعاده دادرسی ۲ ـ وکالت در مصالحه و سازش ۳ ـ وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند. ۴ ـ وکالت در تعیین جاعل ۵ ـ وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور. ۶ ـ وکالت در توکیل ۷ ـ وکالت در تعیین مصدق و کارشناس ۸ ـ وکالت در دعوای خسارت ۹ ـ وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا. ۱۰ ـ وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث ۱۱ ـ وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث ۱۲ ـ وکالت در دعوای متقابل و دفاع در قبال آن ۱۳ ـ وکالت در ادعای اعسار. ۱۴ ـ وکالت در قبول یا رد سوگند. تبصره ۱ ـ اشاره به شماره‌های یاد شده در این ماده بدون ذکر موضوع آن تصریح محسوب نمی‌شود. تبصره ۲ ـ سوگند، شهادت اقرار، لعان و ایلا قابل توکیل‌نمی‌باشد. ماده ۳۶ ـ وکیل در دادرسی در صورتی حق درخواست صدور برگ‌اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی به‌نام موکل را خواهد داشت که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد. ماده ۳۷ ـ اگر موکل وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه‌و وکیل معزول اطلاع دهد. عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود. اظهار شفاهی عزل‌وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد. ماده ۳۸ ـ تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات‌وی در حدود وکالت همچنین ابلاغهایی که از طرف دادگاه به وکیل‌می‌شود موثر در حق موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه ازعزل وکیل دیگر او را در امور راجع به دادرسی وکیل نخواهدشناخت ماده ۳۹ ـ در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد،دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصا یا توسط وکیل جدید،دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل‌جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می‌گردد. وکیلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفا مکلف است آن‌را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفای وکیل واخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می‌شود، رفع نقص به‌عهده موکل است ماده ۴۰ ـ در صورت فوت

وکیل یا استعفا یا عزل یا ممنوع شدن یاتعلیق از وکالت یا بازداشت وی چنانچه اخذ توضیحی لازم نباشد،دادرسی به تأخیر نمی‌افتد و در صورت نیاز به توضیح دادگاه مراتب‌را در صورت مجلس قید می‌کند و با ذکر موارد توضیح به موکل‌اطلاع می‌دهد که شخصا یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای‌ادای توضیح حاضر شود. ماده ۴۱ ـ وکلا مکلفند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند مگراین که دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه محسوب‌می‌شود: ۱ ـ فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم ۲ ـ ابتلا به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت مضر تشخیص‌داده شود. ۳ ـ حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه‌باشد. ۴ ـ وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود. وکیل معذور موظف است عذر خود را به طور کتبی با دلایل آن برای‌جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب‌اثر می‌دهد که عذر او را موجه بداند، در غیر این صورت جریان‌محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب‌انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت‌عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی‌را به موکل اطلاع دهد. در این صورت جلسهٔ بعدی دادگاه به علت‌عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد. ماده ۴۲ ـ در صورتی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت‌شود و جمع بین آنها ممکن نباشد، لازم است در دادگاهی که حضوراو برابر قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد،حاضر شود و به دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و یا در صورت‌داشتن حق توکیل وکیل دیگری معرفی نماید. ماده ۴۳ ـ عزل یا استعفای وکیل یا تعیین وکیل جدید باید در زمانی‌انجام شود که موجب تجدیدجلسه دادگاه نگردد، در غیر این صورت‌دادگاه به این علت جلسه را تجدید نخواهد کرد. ماده ۴۴ ـ در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفروکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به طور منفرد حق اقدام نداده‌باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول‌لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت‌عدم وصول لایحه از وکیل غایب دادگاه بدون توجه به اظهارات‌وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یایکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، درصورت ضرورت جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه ووقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت جلسه‌بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد. ماده ۴۵ ـ وکیلی که در وکالت نامه حق اقدام یا حق تعیین وکیل‌مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان‌عالی کشور را داشته باشد، هرگاه‌پس از صدور رای یا در موقع ابلاغ آن استعفا و از رویت رای امتناع‌نماید، باید دادگاه رای را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای‌مدت تجدیدنظر و فرجام روز ابلاغ به وکیل یاد شده محسوب‌است مگر این که موکل ثابت نماید از استعفای وکیل بی‌اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت از روز اطلاع وی محسوب خواهد شدو چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زیانی به موکل وارد شود،وکیل مسوول می‌باشد. در خصوص این ماده دادخواست‌تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می‌شود و مدیر دفتر دادگاه‌مکلف است به طور کتبی به موکل اخطار نماید که شخصا اقدام کرده‌یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن‌را برطرف نماید. ماده ۴۶ ـ ابلاغ دادنامه به وکیلی که حق دادرسی در دادگاه بالاتر راندارد یا برای وکالت در آن دادگاه مجاز نباشد و وکیل در توکیل نیزنباشد، معتبر نخواهد بود. ماده ۴۷ ـ اگر وکیل بعد از ابلاغ رای و قبل از انقضای مهلت‌تجدیدنظر و فرجام خواهی فوت کند یا ممنوع از وکالت شود یا به‌واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت‌اعتراض از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد. تبصره ـ در مواردی که طرح دعوا یا دفاع به وسیله وکیل جریان‌یافته و وکیل یاد شده حق وکالت در مرحله بالاتر را دارد کلیه آرای‌صادره باید به او ابلاغ شود و مبدا مهلت‌ها و مواعد از تاریخ ابلاغ به‌وکیل محسوب می گردد.

باب سوم ــ دادرسی نخستین

فصل اول ــ دادخواست (ماده ۴۸ الی ۶۰)

مبحث اول ـ تقـدیم دادخواست ماده ۴۸ ـ شـروع رسـیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست‌می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای‌شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد. ماده ۴۹ ـ مـدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده رسیدی مشتمل بر نام خواهان خوانده ، تاریخ تسلیم روز و ماه و سال با ذکر شماره ثبت به تقدیم‌کننـده دادخواست‌بدهـد و در برگ دادخواست تاریـخ تسلیم را قید نماید. تاریخ رسـید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود. ماده ۵۰ ـ هرگاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مدیر دفتر بایدفوری پس از ثبت دادخواست آن را جهت ارجاع به یکی از شعب به نظر رییس شعبه اول یـا معاون وی برسانـد. مبحث دوم ـ شـرایط دادخواست ماده ۵۱ ـ دادخواست بایـد به زبان فارسـی در روی برگهای چاپی‌مخصوص نوشته شـده و حاوی نکات زیر باشد: ۱ ـ نـام نام خانوادگی نام پـدر، سن اقامتگاه و حتی الامکان شغل‌خواهان تبصره ـ در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقـدیم شودمشـخصات وکیل نیز باید درج گردد. ۲ ـ نام نام خانوادگی اقامتگاه و شـغل خوانـده ۳ ـ تعیین خواسته و بهـای آن مگر آن که تعیین بهـا ممکن نبـوده و یاخواسـته مـالی نباشـد. ۴ ـ تعهـدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق‌مطالبه می‌دانـد به طوری که مقصود واضح و روشن باشد. ۵ ـ آنچه که خواهـان از دادگاه درخواست دارد. ۶ ـ ذکر ادله و وسـایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسـناد و نوشـتجات و اطلاع مطلعین و غیره ادله مثبت به ترتیب و واضـح نوشته می‌شود و اگر دلیل گواهی گواه باشـد، خواهان بایداسامی و مشـخصات و محل اقامت آنان را به طور صـحیح معین کند. ۷ ـ امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضا، اثرانگشت او. تبصـره ۱ ـ اقامتگاه باید با تمام خصوصـیات از قبیل شـهر و روسـتاو دهسـتان و خیابان به نحوی نوشـته شود که ابلاغ به سـهولت ممکن‌باشد. تبصره ۲ ـ چنـانچه خواهـان یـا خوانـده شـخص حقوقی باشـد، در دادخواست نام و اقامتگاه شـخص حقوقی نوشـته خواهـد شـد. ماده ۵۲ ـ در صورتی که هریک از اصـحاب دعوا، عنوان قیم یامتولی یا وصـی یا مـدیریت شـرکت و امثال آن را داشـته باشـد دردادخواست باید تصـریح شـود. مبحث سوم ـ موارد توقیف دادخواست مـاده ۵۳ ـ در موارد زیر دادخواست توسـط دفتر دادگـاه پـذیرفته‌می‌شود لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل‌شود: ۱ ـ در صورتی که به دادخواست و پیوستهای آن برابر قانون تمبرالصاق نشـده یا هزینه یاد شـده تادیه نشده باشد. ۲ ـ وقتی که بنـدهای (۵،۴،۳،۲و۶) ماده (۵۱) این قانون رعایت نشـده باشد. ماده ۵۴ ـ در موارد یـاد شـده در مـاده قبل مـدیر دفتر دادگاه ظرف دوروز نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع‌داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقایص رارفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید،دادخواسـت به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند، رد می‌گردد. این قرار به خواهان ابلاغ‌می‌شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان‌دادگاه شـکایت نماید. رای دادگاه در این خصوص قطعی است ماده ۵۵ ـ در هر مورد که هزینه انتشـار آگهی ظرف یـک مـاه از تاریـخ‌ابلاغ اخطـاریه دفتر تـادیه نشود، دادخواست به وسیله دفتر رد خواهدشـد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شـکایت در دادگاه‌می‌باشد، جز در مواردی که خواهان دادخواست اعسار از هزینه‌دادرسـی تقدیم کرده باشـد که در این صورت مـدت یـک ماه یاد شـده از تاریـخ ابلاغ دادنامه رد اعسار به نامبرده محسوب خواهـد شـد. ماده ۵۶ ـ هرگاه در دادخواست خواهان یا محل اقامت او معلوم‌نباشـد ظرف دو روز از تاریخ رسـید دادخواست به موجب قراری که‌مدیر دفتر دادگـاه و در غیبت مشـارالیه جانشـین او صـادر می‌کنـد،دادخـواست رد می‌شـود. مبحث چهـارم ـ پیوسـتهای دادخواست مـاده ۵۷ ـ خواهان بایـد رونوشت یا تصویر اسـناد خود را پیوست‌دادخواست نمایـد. رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابقت آن بااصل گواهی شـده باشـد. مقصـود از گواهی آن است که دفتـر دادگـاهی که دادخواست به آنجـا داده می‌شود یـا دفتر یکی از دادگاههـای دیگر یـایکی از ادارات ثبت اسـناد یـا دفتر اسـناد رسـمی و در جـایی که هیـچ‌یک از آنهـا نباشـد بخشـدار محـل یا یکی از ادارات دولتی مطابقت آن‌را با اصل گواهی کرده باشـد. در صورتی که رونوشت یا تصویر سـنددر خارج از کشور تهیه شـده باشـد مطابقت آن با

اصل در دفتر یکی ازسفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌های ایران گواهی شده باشد. هرگاه اسنادی از قبیل دفاتر بازرگانی یا اساسنامه شرکت و امثال آنهامفصل باشد، قسمت‌هایی که مدرك ادعاست خارج نویس شده‌پیوست دادخواست می‌گردد. علاوه بر اشخاص و مقامات فوق،وکلای اصحاب دعوا نیز می‌توانند مطابقت رونوشت‌های تقدیمی‌خود را با اصل تصدیق کرده پس از الصاق تمبر مقرر در قانون به‌مرجع صالح تقدیم نمایند. ماده ۵۸ ـ در صورتی که اسناد به زبان فارسی نباشد، علاوه بررونوشت یا تصویر مصدق ، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست‌دادخواست شود. صحت ترجمه و مطابقت رونوشت با اصل رامترجمین رسمی یا مامورین کنسولی حسب مورد گواهی خواهندنمود. ماده ۵۹ ـ اگر دادخواست توسط ولی قیم وکیل و یا نماینده‌قانونی خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت سمت‌دادخواست دهنده است به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه‌می‌گردد. ماده ۶۰ ـ دادخواست و کلیه برگهای پیوست آنان باید در دو نسخه‌و در صورت تعدد خوانده به تعداد آنها به علاوه یک نسخه تقدیم‌دادگاه شود.

فصل دوم ــ بهای خواسته (ماده ۶۱ الی ۶۳)

ماده ۶۱ ـ بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان‌تجدیدنظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده‌است مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد. ماده ۶۲ ـ بهای خواسته به ترتیب زیر تعیین می‌شود: ۱ ـ اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی‌بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می‌شود. ۲ ـ در دعوای چند خواهان که هریک قسمتی از کل را مطالبه می‌نماید بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام‌قسمتهایی که مطالبه می‌شود. ۳ ـ در دعاوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام‌اقساط و منافعی که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می‌داند. در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع‌ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند. ۴ ـ در دعاوی راجع به اموال بهای خواسته مبلغی است که خواهان‌در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد. ماده ۶۳ ـ چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف موثر در مراحل بعدی رسیدگی‌باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس بهای‌خواسته را تعیین خواهد کرد.

فصل سوم ــ جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی (ماده ۶۴ الی ۹۲)

مبحث اول ـ جریان دادخواست ماده ۶۴ ـ مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده آن را فورا در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که‌کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده‌مینماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال را تعیین ودستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه‌کمتر از پنج روز نباشد. در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود. ماده ۶۵ ـ اگر به موجب یک دادخواست دعاوی متعدد اقامه شودکه با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نتواند ضمن یک‌دادرسی به آنها رسیدگی کند، دعوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هریک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی میکند و در غیراین صورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم‌صلاحیت پرونده را به مراجع صالح ارسال می نماید. ماده ۶۶ ـ در صورتی که دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده پرونده را به دفتر اعاده می دهد. موارد نقص طی اخطاریه به خواهان ابلاغ می شود، خواهان‌مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نواقص اعلام شده راتکمیل نماید وگرنه دفتر دادگاه به موجب صدور قرار،

دادخـواست را رد خواهـد کرد. این قرار ظرف ده روز از تاریـخ ابلاـغ قابـل شـکایت درهمـان دادگـاه میباشـد، رای دادگـاه در این خصوص قطعی است مبحث دوم ـ ابلاغ ماده ۶۷ ـ پس از دستور دادگاه دایر به ابلاغ اوراق دعوا، مدیر دفتریک نسخه از دادخواست و پیوستهای آن را در پرونده بایگانی میکند و نسخه دیگر را با ضمایم آن و اخطاریه جهت ابلاغ و تسلیم‌به خوانده ارسال می دارد. ماده ۶۸ ـ مـامور ابلاغ مکلف است حـداکثر ظرف دو روز اوراق را به‌شـخص خوانـده تسلیم کنـد و در برگ دیگر اخطاریه رسـید بگیرد. درصورت امتناع خوانـده از گرفتن اوراق امتناع او را در برگ اخطاریه‌قید و اعاده مینماید. تبصـره ۱ ـ ابلاغ اوراق در هریک از محل سکونت یا کار به عمل‌میآید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و موسسات مامور به‌خدمات عمومی و شرکتها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رییس کارمند مربوط ارسال میشود. اشخاص یاد شده مسوول اجرای ابلاغ میباشند و باید حداکثر به مـدت ده روز اوراق را اعاده نماینـد، در غیر این صورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به‌تخلفات اداری محکوم میگردنـد. تبصره ۲ ـ در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت نـدارد ابلاـغ‌اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل میآیـد. ماده ۶۹ ـ هرگـاه مـامور ابلاـغ نتوانـد اوراق را به شـخص خوانده‌برسانـد بایـد در نشانی تعیین شـده به یکی از بسـتگان یا خادمان او که‌سن و وضـعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یاد شـده کافیباشد، ابلاغ نماید و نام و سـمت گیرنده اخطاریه را در نسـخه دوم قید و آن را اعاده کند. ماده ۷۰ ـ چنانچه خوانده یا هریک از اشـخاص یاد شده در ماده قبل‌در محل نباشـند یا از گرفتن برگهای اخطاریه استنکاف کنند، مامورابلاغ این موضوع را در نسخ اخطاریه قید نموده نسخه دوم را به‌نشانی تعیین شده الصاق میکند و برگ اول را بـا سایر اوراق دعواعودت میدهـد. در این صورت خوانـده میتوانـد تا جلسه رسیدگی به‌دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسـید، اوراق مربوط را دریافت نمایـد. ماده ۷۱ ـ ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله ماموران‌کنسولی یا سیاسـی ایران به عمل می آید. ماموران یاد شده دادخواست و ضـمایم آن را وسیله مامورین سـفارت یا هر وسـیله‌ای که امکان داشته‌باشد برای خوانده میفرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خـارجه به اطلاـع دادگاه میرساننـد. در صورتی که در کشور محل اقامت‌خوانـده ماموران کنسولی یا سیاسـی نباشـند این اقـدام را وزارت امورخارجه به طریقی که مقتضـی بداند انجام میدهد. ماده ۷۲ ـ هرگـاه معلوم شود محلی را که خواهان در دادخواست‌معین کرده است نشانی خوانـده نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده باشـدو مامور هم نتوانـد نشانی او را پیدا کند بایـد این نکته را در برگ دیگراخطاریه قیـد کنـد و ظرف دو روز اوراق را عودت دهد. در این‌صورت برابر ماده (۵۴) رفتار خواهد شد مگر در مواردی که اقامتگاه‌خوانده برابر ماده (۱۰۱۰) قانون مدنی تعیین شده باشد که در همان‌محل ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۳ ـ در صورتی که خواهان نتوانـد نشانی خوانـده را معین نمایدیا در مورد ماده قبل پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام‌ناتوانی کنـد بنـا به درخواست خواهـان و دسـتور دادگـاه مفـاددادخواست یـک نوبت در یکی از روزنامه‌هـای کثیرالانتشار به هزینه‌خواهان آگهی خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نبایدکمتر از یک ماه باشد. ماده ۷۴ ـ در دعاوی راجع به اهالی معین اعم از ده یـا شـهر یـا بخشـیار شـهر که عـده آنهـا غیرمحصـور است علاـوه بر آگهی مفـاد دادخواست‌به شـرح مـاده قبـل یـک نسـخه از دادخواست به شـخص یـا اشخاصـیکه خواهـان آنها را معارض خودمعرفی میکنـدابلاغ‌میشود. ماده ۷۵ ـ در دعـاوی راجـع به ادارات دولتی و سازمانهای وابسـته به‌دولت و موسـسات مامور خدمات عمومی و شهرداریها و نیزموسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت است اوراق اخطاریه و ضـمایم به رییس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام‌او ابلاغ و در نسـخه اول رسـید اخذ می شود. در صورت امتناع رییس‌دفتر یا قائم مقام او از اخذ اوراق مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق اعاده می شود. در این مورد استنکاف از گرفتن اوراق اخطاریه‌و ضـمایم و نـدادن رسـید تخلف از انجام وظیفه خواهـد بود و به‌وسـیله مـدیر دفتر دادگاه به مراجع صالحه اعلام و به مجازات مقرر درقانون رسـیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد. تبصـره ـ در دعاوی مربوط به شـعب مراجع بالا یا وابسـته به دولت‌به مسوول دفتر شـعبه مربوط یـا قائم مقام او ابلاغ خواهـد شـد. ماده ۷۶ ـ در دعـاوی راجع به سایر اشـخاص حقوقی دادخواست و ضـمایم آن به مـدیر یـا قـائم مقـام او یـا دارنـده حق امضاء و در صورت‌عـدم امکان به مسوول دفتر موسسه با رعایت

مقررات مواد(۶۸،۶۹،۷۲) ابلاغ خواهد شد. تبصره ۱ ـ در مورد این ماده هرگاه ابلاغ اوراق دعوا در محل تعیین‌شده ممکن نگردد، اوراق به آدرس آخرین محلی که به اداره ثبت شرکتها معرفی شده ابلاغ خواهد شد. تبصره ۲ ـ در دعاوی مربوط به ورشکسته دادخواست و ضمایم‌آن به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه ابلاغ خواهد شد. تبصره ۳ ـ در دعاوی مربوط به شرکتهای منحل شده که دارایمدیر تصفیه نباشند، اوراق اخطاریه و ضمایم آن به آخرین مدیر قبل‌از انحلال در آخرین محلی که به اداره ثبت شرکتها معرفی شده است ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۷ ـ اگر خوانده در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشددادخواست و ضمایم آن توسط دفتر آن دادگاه به هر وسیله‌ای که‌ممکن باشد ابلاغ میشود و اگر در محل اقامت خوانده دادگاهنباشد توسط مامورین انتظامی یا بخشداری یا شورای اسلامی محل‌یا با پست سفارشی دو قبضه ابلاغ میشود. اشخاص یاد شده برابرمقررات مسوول اجرای صحیح امر ابلاغ و اعاده اوراق خواهند بود.در صورتی که خوانده در بازداشتگاه یا زندان باشد، دادخواست واوراق دعوا به وسیله اداره زندان به نامبرده ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۸ ـ هریک از اصحاب دعوا یا وکلای آنان می توانند محلی رابرای ابلاغ اوراق اخطاریه و ضمایم آن در شهری که مقر دادگاه است‌انتخاب نموده به دفتر دادگاه اعلام کنند، در این صورت کلیه برگهای راجع به دعوا در محل تعیین شده ابلاغ میگردد. ماده ۷۹ ـ هرگاه یکی از طرفین دعوا محلی را که اوراق اولیه در آن‌محل ابلاغ شده یا محلی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده تغییردهد و همچنین در صورتی که نشانی معین در دادخواست اشتباه‌باشد باید فوری محل جدید و مشخصات صحیح را به دفتر دادگاه اطلاع دهد. تا وقتی که به این ترتیب عمل نشده است اوراق درهمان محل سابق ابلاغ میشود. ماده ۸۰ ـ هیچ یک از اصحاب دعوا و وکلای دادگستری نمی توانند مسافرتهای موقتی خود را تغییر محل اقامت حساب کرده ابلاغ اوراق دعوای مربوط به خود را در محل نامبرده درخواست کنند.اعلام مربوط به تغییر محل اقامت وقتی پذیرفته می شود که محل‌اقامت برابر ماده (۱۰۰۴) قانون مدنی به طور واقعی تغییر یافته‌باشد. چنانچه بر دادگاه معلوم شود که اعلام تغییر محل اقامت‌برخلاف واقع بوده است اوراق به همان محل اولیه ابلاغ خواهد شد. ماده ۸۱ ـ تاریخ و وقت جلسه به خواهان نیز برابر مقررات این قانون ابلاغ میگردد. تبصره ـ تاریخ امتناع خوانده از گرفتن اوراق یاد شده در ماده (۶۷)و ندادن رسید به شرح مندرج در ماده (۶۸)، تاریخ ابلاغ محسوب‌خواهد شد. ماده ۸۲ ـ مامور ابلاغ باید مراتب زیر را در نسخه اول و دوم ابلاغ‌نامه تصریح و امضا نماید: ۱ ـ نام و مشخصات خود به طور روشن و خوانا. ۲ ـ نام کسی که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین این که چه‌سمتی نسبت به مخاطب اخطاریه دارد. ۳ ـ محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز، ماه و سال با تمام حروف ماده ۸۳ ـ در کلیه مواردی که به موجب مقررات این مبحث اوراق به‌غیرشخص مخاطب ابلاغ شود در صورتی دارای اعتبار است که برای دادگاه محرز شود که اوراق به اطلاع مخاطب رسیده‌است مبحث سوم ـ ایرادات و موانع رسیدگی ماده ۸۴ ـ در موارد زیر خوانده میتواند ضمن پاسخ نسبت به‌ماهیت دعوا ایراد کند: ۱ ـ دادگاه صلاحیت نداشته باشد. ۲ ـ دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض‌دیگری قبلا اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوانیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد. ۳ ـ خواهان به جهتی از جهات قانونی از قبیل صغر، عدم رشد،جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی،اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد. ۴ ـ ادعا متوجه شخص خوانده نباشد. ۵ ـ کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد. ۶ ـ دعوای طرح شده سابقا بین همان اشخاص یا اشخاصی که‌اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده و نسبت به آن‌حکم قطعی صادر شده باشد. ۷ ـ دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه‌بدون قبض ۸ ـ مورد دعوا مشروع نباشد. ۹ ـ دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد. ۱۰ ـ خواهان در دعوای مطروحه ذی نفع نباشد. ۱۱ ـ دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد. ماده ۸۵ ـ خواهان حق دارد نسبت به کسی که به عنوان وکالت یا ولایت یا قیمومت یا وصایت پاسخ دعوا را داده است در صورتی که‌سمت او محرز نباشد، اعتراض نماید. ماده ۸۶ ـ در صورتی که خوانده اهلیت نداشته باشد می تواند از پاسخ در ماهیت دعوا امتناع کند. ماده ۸۷ ـ ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین

جلسه‌دادرسی به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقبال حادث شود. ماده ۸۸ ـ دادگاه قبل از ورود در ماهیت دعوا، نسبت به ایرادات واعتراضات وارده اتخاذ تصمیم مینماید. در صورت مردود شناختن‌ایراد، وارد ماهیت دعوا شده رسیدگی خواهد نمود. ماده ۸۹ ـ در مورد بند (۱) ماده (۸۴) هرگاه دادگاه خود را صالح‌نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت مینماید و طبق ماده ۲۷) عمل میکند و در مورد بند (۲) ماده (۸۴) هرگاه دعوا در دادگاه‌دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده‌پرونده را به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است میفرستد و در سایرموارد یاد شده در ماده (۸۴) قرار رد دعوا صادر مینماید. ماده ۹۰ ـ هرگاه ایرادات تا پایان جلسه اول دادرسی اعلام نشده‌باشد دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن رای دهد. ماده ۹۱ ـ دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده وطرفین دعوا نیز میتوانند او را رد کنند. الف ـ قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس بایکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد. ب ـ دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین‌مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد. ج ـ دادرس یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد. د ـ دادرس سابقا در موضوع دعوای اقامه شده به عنوان دادرس یاداور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد. ه ـ بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد. و ـ دادرس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند. ماده ۹۲ ـ در مورد ماده (۹۱) دادرس پس از صدور قرار امتناع از رسیدگی با ذکر جهت رسیدگی نسبت به مورد را به دادرس یا دادرسان دیگر دادگاه محول می نماید. چنانچه دادگاه فاقد دادرس به تعداد کافی باشد، پرونده را برای تکمیل دادرسان یا ارجاع به شعبه‌دیگر نزد رییس شعبه اول ارسال می دارد و در صورتی که دادگاه فاقد شعبه دیگر باشد ، پرونده را به نزدیکترین دادگاه هم عرض ارسال می نماید.

فصل چهارم ــ جلسه دادرسی (ماده ۹۳ الی ۱۰۴)

ماده ۹۳ ـ اصحاب دعوا می‌توانند در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه ارسال نمایند. ماده ۹۴ ـ هریک از اصحاب دعوا می‌توانند به جای خود وکیل به‌دادگاه معرفی نمایند ولی در مواردی که دادرس حضور شخص‌خواهان یا خوانده یا هر دو را لازم بداند این موضوع در برگ اخطاریه قید می‌شود. در این صورت شخصا مکلف به حضور خواهند بود. ماده ۹۵ ـ عدم حضور هریک از اصحاب دعوا و یا وکیل آنان درجلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست در موردی که دادگاه به اخذ توضیح از خواهان نیاز داشته باشد و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از خوانده هم دادگاه نتواند رای بدهد، همچنین در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک ازاصحاب دعوا حاضر نشوند و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رای صادر کند، دادخواست ابطال خواهد شد. ماده ۹۶ ـ خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست کرده است در جلسه دادرسی حاضر نماید. خوانده نیزباید اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آنها استناد نماید درجلسه دادرسی حاضر نماید. رونوشت اسناد خوانده باید به تعدادخواهانها به علاوه یک نسخه باشد. یک نسخه از رونوشتهای یاد شده در پرونده بایگانی و نسخه دیگر به طرف تسلیم می‌شود. در مورد این ماده هرگاه یکی از اصحاب دعوا نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود، چنانچه خواهان است باید اصل اسناد خود را، واگر خوانده است اصل و رونوشت اسناد را به وکیل یا نماینده خود برای ارایه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد والا در صورتی که آن سند عادی باشد و مورد تردید و انکار واقع شود، اگر خوانده باشد ازعداد دلایل او خارج می‌شود و اگر خواهان باشد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد در آن خصوص ابطال می گردد. درصورتی که خوانده به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد خود را حاضر کند حق دارد تاخیر جلسه را درخواست نماید،چنانچه دادگاه درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت نسبت به موضوع رسیدگی می‌نماید.

ماده ۹۷ ـ در صورتی که خوانده تا پایان جلسه اول دادرسی دلایلی اقامه کند که دفاع از آن برای خواهان جز با ارایه اسناد جدید مقدور نباشد در صورت تقاضای خواهان و تشخیص موجه بودن آن ازسوی دادگاه مهلت مناسب داده خواهد شد. ماده ۹۸ ـ خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست‌تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییرنحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که بادعوای طرح شده مربوط بوده و منشا واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد. ماده ۹۹ ـ دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یکبار به تاخیر بیندازد. ماده ۱۰۰ ـ هرگاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نشود و یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد به دستور دادگاه نزدیکترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد. تبصره ـ در مواردی که عدم تشکیل دادگاه منتسب به طرفین نباشد، وقت رسیدگی حداکثر ظرف مدت دو ماه خواهد بود. ماده ۱۰۱ ـ دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه صادرکند و یا تا بیست و چهار ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این‌حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۲ ـ در موارد زیر عین اظهارات اصحاب دعوا باید نوشته شود: ۱ ـ وقتی که بیان یکی از آنان مشتمل بر اقرار باشد. ۲ ـ وقتی که یکی از اصحاب دعوا بخواهد از اظهارات طرف دیگراستفاده نماید. ۳ ـ در صورتی که دادگاه به جهتی درج عین عبارت را لازم بداند. ماده ۱۰۳ ـ اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده‌دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌نماید و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشد در یکی‌از شعب با تعیین رییس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهد شد. در مورد این ماده وکلا یا اصحاب دعوا مکلفند از دعاوی مربوط دادگاه را مستحضر نمایند. ماده ۱۰۴ ـ در پایان هر جلسه دادرسی چنانچه به جهات قانونی‌جلسه دیگری لازم باشد، علت مزبور، زیر صورتجلسه قید و روز وساعت جلسه بعد، تعیین و به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد. درصورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رای باشد، دادگاه نسبت به همان قسمت رای می‌دهد و نسبت به قسمتی دیگر رسیدگی را ادامه خواهد داد.

فصل پنجم ـ توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست (ماده ۱۰۵ الی ۱۰۷)

ماده ۱۰۵ ـ هرگاه یکی از اصحاب دعوا فوت نماید یا محجور شود یا سمت یکی از آنان که به موجب آن سمت داخل دادرسی شده‌زایل گردد دادگاه رسیدگی را به طور موقت متوقف و مراتب را به طرف‌دیگر اعلام می‌دارد. پس از تعیین جانشین و درخواست ذی‌نفع جریان‌دادرسی ادامه می‌یابد مگر این‌که فوت یا حجر یا زوال سمت یکی ازاصحاب دعوا تاثیری در دادرسی نسبت به‌دیگران نداشته باشد که دراین صورت دادرسی نسبت به دیگران ادامه خواهد یافت ماده ۱۰۶ ـ در صورت توقیف یا زندانی شدن یکی از اصحاب دعوایا عزیمت به محل ماموریت نظامی یا ماموریت دولتی یا مسافرت‌ضروری دادرسی متوقف نمی‌شود. لکن دادگاه مهلت کافی برای‌تعیین وکیل به آنان می‌دهد. ماده ۱۰۷ ـ استرداد دعوا و دادخواست به ترتیب زیر صورت می‌گیرد: الف ـ خواهان می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند. دراین‌صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید. ب ـ خواهان می‌تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوای خود را استرداد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می‌نماید. ج ـ استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن‌است که یا خوانده راضی‌باشد و یا خواهان از دعوای خود به کلی‌صرفنظر کند. دراین‌صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد.

فصل ششم ـ امور اتفاقی (ماده ۱۰۸ الی ۱۴۸)

مبحث اول ـ تامین خواسته ۱ ـ درخواست تامین ماده ۱۰۸ ـ خواهان می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به

اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که‌حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تامین‌خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است الف ـ دعوا مستند به سند رسمی باشد. ب ـ خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد. ج ـ در مواردی از قبیل اوراق تجاری واخواست شده که به موجب‌قانون دادگاه مکلف به قبول درخواست تامین باشد. د ـ خواهان خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقدا به صندوق دادگستری بپردازد. تبصره ـ تعیین میزان خسارت احتمالی با در نظر گرفتن میزان‌خواسته به نظر دادگاهی است که درخواست تامین را می‌پذیرد.صدور قرار تامین موکول به ایداع خسارت خواهد بود. ماده ۱۰۹ ـ در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواستهای مربوط به امور حسبی به‌استثنای مواردی که قانون امورحسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است خوانده می‌تواند برای تادیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله که ممکن است‌خواهان محکوم شود از دادگاه تقاضای تامین نماید. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور را با توجه به نوع و وضع دعوا و سایر جهات موجه‌بداند، قرار تامین صادر می‌نماید و تا وقتی که خواهان تامین ندهد،دادرسی متوقف خواهد ماند و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه‌برای دادن تامین منقضی شود و خواهان تامین ندهد به درخواست‌خوانده قرار رد دادخواست خواهان صادر می‌شود. تبصره ـ چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا تاخیر در انجام تعهد یا ایذا طرف یا غرض‌ورزی بوده دادگاه مکلف است‌در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تادیه سه برابر هزینه‌دادرسی به نفع دولت محکوم نماید. ماده ۱۱۰ ـ در دعاویی که مستند آنها چک یا سفته یا برات باشد و همچنین در مورد دعاوی مستند به اسناد رسمی و دعاوی علیه متوقف خوانده نمی‌تواند برای تامین خسارات احتمالی خودتقاضای تامین نماید. ماده ۱۱۱ ـ درخواست تامین از دادگاهی می‌شود که صلاحیت‌رسیدگی به دعوا را دارد. ماده ۱۱۲ ـ در صورتی که درخواست‌کننده تامین تا ده روز از تاریخ صدور قرار تامین نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد، دادگاه به‌درخواست خوانده قرار تامین را لغو می‌نماید. ماده ۱۱۳ ـ درخواست تامین در صورتی پذیرفته می‌شود که میزان‌خواسته معلوم یا عین معین باشد. ماده ۱۱۴ ـ نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن‌نرسیده است در صورتی که حق مستند به سند رسمی و در معرض‌تضییع یا تفریط باشد می‌توان درخواست تامین نمود. ماده ۱۱۵ ـ در صورتی که درخواست تامین شده باشد مدیر دفترمکلف است پرونده را فوری به نظر دادگاه برساند، دادگاه بدون‌اخطار به طرف به دلایل درخواست‌کننده رسیدگی نموده قرار تامین‌صادر یا آن را رد می‌نماید. ماده ۱۱۶ ـ قرار تامین به طرف دعوا ابلاغ می‌شود، نامبرده حق داردظرف ده روز به این قرار اعتراض نماید. دادگاه در اولین جلسه به‌اعتراض رسیدگی نموده و نسبت به آن تعیین تکلیف می‌نماید. ماده ۱۱۷ ـ قرار تامین باید فوری به خوانده ابلاغ و پس از آن اجراشود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نباشد و تاخیر اجرا باعث‌تضییع یا تفریط خواسته گردد ابتدا قرار تامین اجرا و سپس ابلاغ‌می‌شود. ماده ۱۱۸ ـ در صورتی که موجب تامین مرتفع گردد دادگاه قرار رفع‌تامین را خواهد داد. در صورت صدور حکم قطعی علیه خواهان یااسترداد دعوا و یا دادخواست تامین خود به خود مرتفع می‌شود. ماده ۱۱۹ ـ قرار قبول یا رد تامین قابل تجدیدنظر نیست ماده ۱۲۰ ـ در صورتی که قرار تامین اجرا گردد و خواهان به موجب‌رای قطعی محکوم به بطلان دعوا شود و یا حقی برای او به اثبات‌نرسد، خوانده حق دارد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی خسارتی را که از قرار تامین به او وارد شده است با تسلیم دلایل به‌دادگاه صادرکننده قرار مطالبه کند. مطالبه خسارت در این موردبدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه‌دادرسی صورت می‌گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می‌شود تاچنانچه دفاعی داشته باشد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با دلایل آن راعنوان نماید. دادگاه در وقت فوق العاده به دلایل طرفین رسیدگی و رای مقتضی صادر می‌نماید. این رای قطعی است در صورتی که‌خوانده در مهلت مقرر مطالبه خسارت ننماید وجهی که بابت خسارت‌احتمالی سپرده‌شده به درخواست خواهان به او مسترد می‌شود. ۲ ـ اقسام تامین ماده ۱۲۱ ـ تامین در این قانون عبارت است از توقیف اموال اعم ازمنقول و غیرمنقول ماده ۱۲۲ ـ اگر خواسته عین معین بوده و توقیف آن ممکن باشد،دادگاه نمی‌تواند مال دیگری را به عوض آن توقیف نماید. ماده ۱۲۳ ـ در صورتی که خواسته عین معین نباشد یا عین

معین‌بوده ولی توقیف آن ممکن نباشد، دادگاه معادل قیمت خواسته ازسایر اموال خوانده توقیف می کند. ماده ۱۲۴ ـ خوانده می‌تواند به عوض مالی که دادگاه می‌خواهدتوقیف کند و یا توقیف کرده است وجه نقد یا اوراق بهادار به میزان‌همان مال در صندوق دادگستری یا یکی از بانکها ودیعه بگذارد.همچنین می‌تواند درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به‌مال دیگر بنماید مشروط به این که مال پیشنهاد شده از نظر قیمت وسهولت فروش‌از مالی که قبلا توقیف شده است کمتر نباشد. درمواردی که عین خواسته توقیف شده باشد تبدیل مال منوط به رضایت‌خواهان است ماده ۱۲۵ ـ درخواست تبدیل تامین‌از دادگاهی می‌شود که قرار تامین را صادر کرده است دادگاه مکلف است ظرف دو روز به‌درخواست‌تبدیل رسیدگی کرده قرار مقتضی صادر نماید. ماده ۱۲۶ ـ توقیف اموال اعم‌از منقول و غیرمنقول و صورت‌برداری‌و ارزیابی و حفظ اموال توقیف شده و توقیف حقوق استخدامی‌خوانده و اموال‌منقول وی که نزد شخص ثالث موجود است به ترتیبی‌است که در قانون اجرای احکام مدنی پیش بینی شده است ماده ۱۲۷ ـ از محصول املاک و باغها به مقدار دو سوم سهم خوانده‌توقیف می‌شود. اگر محصول جمع آوری شده باشد مامور اجرا سهم‌خوانده را مشخص و توقیف می‌نماید. هرگاه محصول جمع آوری‌نشده باشد برداشت آن خواه دفعتا و یا به دفعات با حضور مامور اجرابه عمل خواهد آمد. خوانده مکلف است مامور اجرا را از زمان‌برداشت محصول مطلع سازد. مامور اجرا حق هیچ‌گونه دخالت در امربرداشت محصول را ندارد و فقط برای تعیین میزان محصولی که‌جمع آوری می‌شود حضور پیدا خواهد کرد. خواهان یا نماینده او نیزدر موقع برداشت محصول حق حضور خواهد داشت تبصره ـ محصولاتی که در معرض تضییع باشد فورا ارزیابی و بدون‌رعایت تشریفات با تصمیم و نظارت دادگاه فروخته شده وجه حاصل‌در حساب سپرده دادگستری تودیع می گردد. ماده ۱۲۸ ـ در ورشکستگی چنانچه مال توقیف شده عین معین ومورد ادعای متقاضی تامین باشد درخواست‌کننده تامین برسایرطلبکاران حق تقدم دارد. ماده ۱۲۹ ـ در کلیه مواردی که تامین مالی منتهی به فروش آن گردد رعایت مقررات فصل سوم از باب هشتم این قانون(مستثنیات دین الزامی است مبحث دوم ـ ورود شخص ثالث ماده ۱۳۰ ـ هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای‌اصلی برای خود مستقلا حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن‌یکی از طرفین ذی نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام‌نشده است وارد دعوا گردد، چه این که رسیدگی در مرحله بدوی‌باشد یا در مرحله تجدیدنظر. در این صورت نامبرده بایددادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم ودر آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید. ماده ۱۳۱ ـ دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک وضمایم آن باید به تعداد اصحاب دعوای اصلی بعلاوه یک نسخه‌باشد و شرایط دادخواست اصلی را دارا خواهد بود. ماده ۱۳۲ ـ پس از وصول دادخواست شخص ثالث وقت رسیدگی‌به دعوای اصلی به وی نیز اعلام می گردد و نسخه‌ای از دادخواست وضمایم آن برای طرفین دعوای اصلی ارسال می‌شود. در صورت نبودن‌وقت کافی به دستور دادگاه وقت جلسه دادرسی تغییر و به اصحاب‌دعوا ابلاغ خواهد شد. ماده ۱۳۳ ـ هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی‌و یا تاخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی منوط به‌رسیدگی به دعوای ثالث نمی‌باشد دعوای ثالث را از دعوای اصلی‌تفکیک نموده به هریک جداگانه رسیدگی می کند. ماده ۱۳۴ ـ رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوای شخص ثالث‌مانع از ورود او در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود. ترتیبات دادرسی در مورد ورود شخص ثالث در هر مرحله چه‌نخستین یا تجدیدنظر برابر مقررات عمومی راجع به آن مرحله است مبحث سوم ـ جلب شخص ثالث ماده ۱۳۵ ـ هریک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم‌بداند، می‌تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود رااظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه‌درخواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یاتجدیدنظر. ماده ۱۳۶ ـ محکوم‌علیه غیابی در صورتی که بخواهد درخواست‌جلب شخص ثالث را بنماید، باید دادخواست جلب را با دادخواست‌اعتراض تواما به دفتر دادگاه تسلیم کند، معترض علیه نیز حق دارد دراولین جلسه رسیدگی به اعتراض جهات و دلایل خود را اظهار کرده وظرف سه روز دادخواست جلب شخص ثالث را تقدیم دادگاه نماید. ماده ۱۳۷ ـ دادخواست جلب شخص

ثالث و رونوشت مدارک وضمایم باید به تعداد اصحاب دعوا بعلاوه یک نسخه باشد. جریان دادرسی در مورد جلب شخص ثالث شرایط دادخواست ونیز موارد رد یا ابطال آن همانند دادخواست اصلی خواهد بود. ماده ۱۳۸ ـ در صورتی که از موقع تقدیم دادخواست تا جلسه‌دادرسی مدت تعیین شده کافی برای فرستادن دادخواست و ضمایم‌آن برای اصحاب دعوا نباشد دادگاه وقت جلسه دادرسی را تغییر دادهو به اصحاب دعوا ابلاغ می‌نماید. ماده ۱۳۹ ـ شخص ثالث که جلب می‌شود خوانده محسوب و تمام‌مقررات راجع به خوانده درباره او جاری است هرگاه دادگاه احرازنماید که جلب شخص ثالث به منظور تاخیر رسیدگی است می‌تواندددادخواست جلب را از دادخواست اصلی تفکیک نموده به هریک‌جداگانه رسیدگی کند. ماده ۱۴۰ ـ قرار رد دادخواست جلب شخص ثالث با حکم راجع به‌اصل دعوا قابل تجدیدنظر است در صورتی که قرار در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، پس از فسخ قرار،رسیدگی به آن با دعوای اصلی در دادگاهی که به عنوان تجدیدنظررسیدگی می‌نماید به عمل می‌آید. مبحث چهارم ـ دعوای متقابل ماده ۱۴۱ ـ خوانده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان اقامه دعوانماید. چنین دعوایی در صورتی که با دعوای اصلی ناشی از یک‌منشا بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوای متقابل نامیده شده وتواما رسیدگی می‌شود و چنانچه دعوای متقابل نباشد، در دادگاه صالح‌به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد. ماده ۱۴۲ ـ دعوای متقابل به موجب دادخواست اقامه می‌شود، لیکن دعاوی تهاتر، صلح فسخ رد خواسته و امثال آن که برای دفاع ازدعوای اصلی اظهار می‌شود، دعوای متقابل محسوب نمی‌شود و نیاز به‌تقدیم دادخواست جداگانه ندارد. ماده ۱۴۳ ـ دادخواست دعوای متقابل باید تا پایان اولین جلسه‌دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوای متقابل را در جلسه دادرسی‌اقامه نماید، خوانده می‌تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تاخیر جلسه‌را درخواست نماید. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست همانندمقررات دادخواست اصلی خواهد بود. مبحث پنجم ـ اخذ تامین از اتباع دولتهای خارجی ماده ۱۴۴ ـ اتباع دولت‌های خارج چه خواهان اصلی باشند و یا به‌عنوان شخص ثالث وارد دعوا گردند، بنا به درخواست طرف دعوا،برای تادیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله‌به آن محکوم گردند باید تامین مناسب بسپارند. درخواست اخذ تامین‌فقط از خوانده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می‌شود. ماده ۱۴۵ ـ در موارد زیر اتباع بیگانه اگر خواهان باشند از دادن تامین‌معاف می‌باشند: ۱ ـ در کشور متبوع وی اتباع ایرانی از دادن چنین تامینی معاف باشند. ۲ ـ دعاوی راجع به برات سفته و چک ۳ ـ دعاوی متقابل ۴ ـ دعاوی که مستند به سند رسمی می‌باشد. ۵ ـ دعاوی که بر اثر آگهی رسمی اقامه می‌شود از قبیل اعتراض به‌ثبت و دعاوی علیه متوقف ماده ۱۴۶ ـ هرگاه در اثنای دادرسی تابعیت خارجی خواهان یاتجدید نظرخواه کشف شود و یا تابعیت ایران از او سلب و یا سبب‌معافیت از تامین از او زایل گردد، خوانده یا تجدیدنظر خوانده ایرانی‌می‌تواند درخواست تامین نماید. ماده ۱۴۷ ـ دادگاه مکلف است نسبت به درخواست تامین رسیدگی‌و مقدار و مهلت سپردن آن را تعیین نماید و تا وقتی تامین داده نشده‌است دادرسی متوقف خواهد ماند. در صورتی که مدت مقرر برای دادن تامین منقضی گردد و خواهان‌تامین نداده باشد در مرحله نخستین به تقاضای خوانده و در مرحله‌تجدیدنظر به درخواست تجدیدنظر خوانده قرار رد دادخواست صادر می‌گردد. ماده ۱۴۸ ـ چنانچه بر دادگاه معلوم شود مقدار تامینی که تعیین گردیده کافی نیست مقدار کافی را برای تامین تعیین می‌کند. درصورت امتناع خواهان یا تجدیدنظر خواه از سپردن تامین تعیین شده برابر ماده فوق اقدام می‌شود.

فصل هفتم ـ تأمین دلیل و اظهارنامه (ماده ۱۴۹ الی ۱۵۷)

مبحث اول ـ تامین دلیل ماده ۱۴۹ ـ در مواردی که اشخاص ذی نفع احتمال دهند که در آینده‌استفاده از دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب‌اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده ازقراین و امارات موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یادیگری است متعذر یا متعسر خواهد شد می‌توانند از دادگاه‌درخواست تامین آنها را بنمایند.

مقصود از تـامین در این موارد فقط ملاحظه و صورت‌برداری از این‌گونه دلایل است ماده ۱۵۰ ـ درخواست تامین دلیل ممکن است در هنگام دادرسـی و یاقبل از اقامه دعوا باشد. ماده ۱۵۱ ـ درخواست تامین دلیل چه کتبی یا شـفاهی باید حاوی‌نکات زیر باشد: ۱ ـ مشخصات درخواست‌کننده و طرف او. ۲ ـ موضوع دعوایی که برای اثبـات آن درخواست تامین دلیل می‌شود. ۳ ـ اوضاع و احوالی که موجب درخواست تامین دلیل شـده است ماده ۱۵۲ ـ دادگاه طرف مقابل را برای تامین دلیل احضار می‌نمایـدولی عدم حضور او مـانع از تـامین دلیـل نیست در اموری که فوریت‌داشـته باشـد دادگـاه بـدون احضار طرف اقـدام به تامین دلیل می‌نمایـد. ماده ۱۵۳ ـ دادگـاه می‌توانـد تـامین دلیـل را به دادرس علی البـدل یـا مـدیردفتر دادگـاه ارجاع دهـد مگر در مواردی که فقط تامین دلیل مبنای حکم‌دادگاه قرار گیرد، در این صورت قاضـی صادرکننـده رای باید شـخصا اقدام نماید یا گزارش تامین دلیل موجب وثوق دادگاه باشد. ماده ۱۵۴ ـ در صورتی که تعیین طرف مقابـل برای درخواست‌کننـده‌تامین دلیـل ممکن نباشـد، درخواست تـامین دلیل بـدون تعیین طرف‌پـذیرفته و به جریان گذاشـته خواهـد شد. ماده ۱۵۵ ـ تـامین دلیـل برای حفـظ آن است و تشـخیص درجه ارزش آن در موارد اسـتفاده با دادگاه می‌باشد. مبحث دوم ـ اظهارنامه ماده ۱۵۶ ـ هرکس می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست حق خود رابه وسـیله اظهارنامه از دیگری مطالبه نمایـد، مشـروط بر این که موعدمطالبه رسـیده باشد. به طور کلی هر کس حق دارد اظهاراتی را که‌راجع به معاملات و تعهـدات خود با دیگری است و بخواهـد بطوررسـمی به وی برسانـد ضـمن اظهارنامه به طرف ابلاغ نمایـد. اظهارنامه توسط اداره ثبت اسـناد و املاک کشور یا دفاتر دادگاهها ابلاغ می‌شود. تبصـره ـ اداره ثبت اسـناد و دفتر دادگاهها می‌توانند از ابلاغ اظهارنامه‌هایی که حاوی مطالب خلاف اخلاق و خارج از نزاکت‌باشد، خودداری نمایند. ماده ۱۵۷ ـ در صورتی که اظهارنامه مشعر به تسـلیم چیزی یا وجه‌یا مال یا سندی از طرف اظهارکننده به مخاطب باشد باید آن چیز یاوجه یا مال یا سند هنگام تسلیم اظهارنامه به مرجع ابلاغ تحت نظرو حفاظت آن مرجع قرار گیرد، مگر آن که طرفین هنگام تعهد محل وترتیب دیگری را تعیین کرده باشند.

فصل هشتم ـ دعاوی تصرف عدوانی ممانعت از حق و مزاحمت (ماده ۱۵۸ الی ۱۷۷)

ماده ۱۵۸ ـ دعوای تصرف عدوانی عبارت است از: ادعای متصرف سابق مبنی بر این که دیگری بدون رضایت او مال‌غیرمنقول را از تصـرف وی خـارج کرده و اعاده تصـرف خود را نسبت‌به آن مال درخواست می‌نمایـد. ماده ۱۵۹ ـ دعوای ممـانعت از حق عبـارت است از: تقاضای کسـی که رفع ممانعت از حق ارتفاق یا انتفاع خود را در ملک‌دیگری بخواهد. ماده ۱۶۰ ـ دعوای مزاحمت عبارت است از: دعوایی که به موجب آن متصـرف مال غیرمنقول درخواست‌جلوگیری از مزاحمت کسی را می‌نماید که نسبت به متصرفات اومزاحم است بـدون این که مال را از تصـرف متصـرف خارج کرده باشد. ماده ۱۶۱ ـ در دعاوی تصـرف عدوانی ممانعت از حق و مزاحمت خواهـان بایـد ثـابت نمایـد که موضوع دعوا حسب مورد، قبل از خارج‌شـدن ملک از تصـرف وی و یا قبل از ممانعت و یا مزاحمت درتصـرف و یا مورد استفاده او بوده و بدون رضایت او و یا به غیروسیله قانونی از تصرف وی خارج شده است ماده ۱۶۲ ـ در دعاوی تصـرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق‌ابراز سـند مالکیت دلیل بر سبق تصرف و استفاده از حق می‌باشد مگر آن‌که طرف دیگر سـبق تصرف و اسـتفاده از حـق خود را به طریق دیگر ثابت‌نمایـد. مـاده ۱۶۳ ـ کسـی که راجع به مـالکیت یـا اصل حق ارتفاق و انتفاع اقامه دعوا کرده است نمی‌توانـد نسبت به تصـرف عـدوانی و ممانعت‌از حق طرح دعوا نمایـد. ماده ۱۶۴ ـ هرگاه در ملک مورد تصـرف عـدوانی متصـرف پس ازتصـرف عـدوانی غرس اشـجار یا احـداث بنا کرده باشـد، اشـجار و بنادر صورتی باقی می‌مانـد که متصـرف عـدوانی مـدعی مالکیت موردحکم تصـرف عـدوانی باشـد و در ظرف یک ماه از تاریـخ اجرای‌حکم در باب مالکیت به دادگاه صلاحیتدار دادخواست بدهد. ماده ۱۶۵ ـ در صورتی که در ملک مورد حکم تصرف عدوانی‌زراعت شده باشد، اگر موقع برداشت محصول رسـیده باشـد متصـرف‌عدوانی باید فوری محصول را برداشت و اجرت المثل را تادیه نماید.چنانچه موقع برداشت محصول نرسـیده باشد، چه این که بذر روییده یا نروییده باشد محکوم‌له پس از جلب رضایت متصـرف عدوانی مخیراسـت

بین این که قیمت زراعت را نسبت به سهم صاحب بذر و دسترنج‌او پرداخت کند و ملک را تصرف نماید یا ملک را تا پایان برداشت‌محصول در تصرف متصرف عدوانی باقی بگذارد و اجرت المثل آن رادریافت کند. همچنین محکوم‌له می‌تواند متصرف عدوانی را به معدوم‌کردن زراعت و اصلاح آثار تخریبی که توسط وی انجام گرفته مکلف‌نماید. تبصره ـ در صورت تقاضای محکوم‌له دادگاه متصرف عدوانی رابه پرداخت اجرت المثل زمان‌تصرف‌نیزمحکوم‌می‌نماید. ماده ۱۶۶ ـ هرگاه تصرف عدوانی مال غیر منقول و یا مزاحمت یاممانعت از حق در مریی و منظر ضابطین دادگستری باشد، ضابطین‌مذکور مکلفند به موضوع شکایت خواهان رسیدگی و با حفظ وضع‌موجود از انجام اقدامات بعدی خوانده جلوگیری نمایند و جریان را به‌مراجع قضایی اطلاع داده برابر نظر مراجع یاد شده اقدام نمایند. تبصره ـ چنانچه به علت یکی از اقدامات مذکور در این ماده احتمال وقوع نزاع و تحقق جرمی داده شود، ضابطین باید فورا از وقوع‌هرگونه درگیری و وقوع جرم در حدود وظایف خود جلوگیری نمایند. ماده ۱۶۷ ـ در صورتی که دو یا چند نفر مال غیرمنقولی را به طور مشترک در تصرف داشته یا استفاده می‌کرده‌اند و بعضی از آنان مانع‌تصرف یا استفاده و یا مزاحم استفاده بعضی دیگر شود حسب مورد در حکم تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق محسوب ومشمول مقررات این فصل خواهد بود. ماده ۱۶۸ ـ دعاوی مربوط به قطع انشعاب تلفن گاز، برق و وسایل‌تهویه و نقاله (از قبیل بالابر و پله برقی و امثال آنها) که مورد استفاده در اموال غیرمنقول است مشمول مقررات این فصل می‌باشد مگراین که اقدامات بالا از طرف موسسات مربوط چه دولتی یاخصوصی با مجوز قانونی یا مستند به قرارداد صورت گرفته باشد. ماده ۱۶۹ ـ هرگاه شخص ثالثی در موضوع رسیدگی به دعوای‌تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق در حدود مقررات یاد شده خود را ذی نفع بداند، تا وقتی که رسیدگی خاتمه نیافته چه درمرحله بدوی یا تجدیدنظر باشد، می‌تواند وارد دعوا شود. مرجع‌مربوط به این امر رسیدگی نموده حکم مقتضی صادر خواهد کرد. ماده ۱۷۰ ـ مستاجر، مباشر، خادم کارگر و به طور کلی اشخاصی که‌ملکی را از طرف دیگری متصرف می‌باشند می‌توانند به قائم مقامی‌مالک برابر مقررات بالا شکایت کنند. ماده ۱۷۱ ـ سرایدار، خادم کارگر و به طور کلی هر امین دیگری چنانچه پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک یا مأذون ازطرف مالک یا کسی که حق مطالبه دارد مبنی بر مطالبه مال‌امانی از آن رفع تصرف ننماید متصرف عدوانی محسوب می‌شود. تبصره ـ دعوای تخلیه مربوط به معاملات با حق استرداد و رهنی‌و شرطی و نیز در مواردی که بین صاحب مال و امین یا متصرف‌قرارداد و شرایط خاصی برای تخلیه یا استرداد وجود داشته باشد،مشمول مقررات این ماده نخواهند بود. ماده ۱۷۲ ـ اگر در جریان رسیدگی به دعوای تصرف عدوانی یامزاحمت یا ممانعت از حق سند ابرازی یکی از طرفین با رعایت‌مفاد ماده (۱۲۹۲) قانون مدنی مورد تردید یا انکار یا جعل قرارگیرد، چه تعیین جاعل شده یا نشده باشد، چنانچه سند یاد شده موثر در دعوا باشد و نتوان از طریق دیگری حقیقت را احراز نمود،مرجع رسیدگی‌کننده به اصالت سند نیز رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۷۳ ـ به دعاوی تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق‌که یک طرف آن وزارتخانه یا موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته‌به دولت باشد نیز برابر مقررات این قانون رسیدگی خواهد شد. ماده ۱۷۴ ـ دادگاه در صورتی رای به نفع خواهان می‌دهد که به‌طورمقتضی احراز کند خوانده ملک متصرفی خواهان را عدوانا تصرف‌و یا مزاحمت یا ممانعت از حق استفاده خواهان نموده است چنانچه قبل از صدور رای خواهان تقاضای صدور دستور موقت‌نماید و دادگاه دلایل وی را موجه تشخیص دهد، دستور جلوگیری از ایجاد آثار تصرف و یا تکمیل اعیانی از قبیل احداث بنا یا غرس اشجاریا کشت و زرع یا از بین بردن آثار موجود و یا جلوگیری از ادامه‌مزاحمت و یا ممانعت از حق را در ملک مورد دعوا صادر خواهد کرد. این دستور با صدور رای به رد دعوا مرتفع می‌شود مگر این که مرجع‌تجدیدنظر دستور مجددی در این خصوص صادر نماید. ماده ۱۷۵ ـ در صورتی که رای صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی‌یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد، بلافاصله به دستور مرجع‌صادرکننده توسط اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهدشد و درخواست تجدیدنظر مانع اجرا نمی‌باشد. در صورت فسخ‌رای در مرحله تجدیدنظر، اقدامات اجرایی به دستور دادگاه‌اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا اعاده می‌شود و در

صورتی که‌محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد، مثل یا قیمت‌آن وصول و تادیه خواهد شد. ماده ۱۷۶ ـ اشخاصی که پس از اجرای حکم رفع تصرف عدوانی یارفع مزاحمت یا ممانعت از حق دوباره مورد حکم را تصرف یامزاحمت یا ممانعت از حق بنمایند یا دیگران را به تصرف عدوانی‌یا مزاحمت یا ممانعت از حق مورد حکم وادار نمایند، به مجازات‌مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۷ ـ رسیدگی به دعاوی موضوع این فصل تابع تشریفات‌آیین دادرسی نبوده و خارج از نوبت به عمل می‌آید.

فصل نهم ـ سازش و درخواست آن (ماده ۱۷۸ الی ۱۹۳)

مبحث اول ـ سازش ماده ۱۷۸ ـ در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوای‌خود را به طریق سازش خاتمه دهند. ماده ۱۷۹ ـ در صورتی که در دادرسی خواهان یا خوانده متعدد باشند،هر کدام از آنان می‌تواند جدا از سایرین با طرف خود سازش نماید. ماده ۱۸۰ ـ سازش بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع می‌شود یادر دادگاه و نیز ممکن است در خارج از دادگاه واقع شده و سازش‌نامه‌غیررسمی باشد. ماده ۱۸۱ ـ هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه‌ختم موضوع را به موجب سازش‌نامه در پرونده مربوط قید می‌نماید واجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم‌اجرا خواهد بود. ماده ۱۸۲ ـ هرگاه سازش در دادگاه واقع شود، موضوع سازش وشرایط آن به ترتیبی که واقع شده در صورت مجلس منعکس و به‌امضای دادرس و یا دادرسان و طرفین می‌رسد. تبصره ـ چنانچه سازش در حین اجرای قرار واقع شود، سازش‌نامه‌تنظیمی توسط قاضی مجری قرار در حکم سازش به عمل آمده درداد‌گاه است ماده ۱۸۳ ـ هرگاه سازش خارج از دادگاه واقع شده و سازش نامه غیررسمی باشد طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و به امضای دادرس‌دادگاه و طرفین می‌رسد در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون‌عذر موجه دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش نامه دادرسی را ادامه خواهد داد. ماده ۱۸۴ ـ دادگاه پس از حصول‌سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفادسازش نامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراث وقائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع‌اجرا گذاشته می‌شود، چه این که موردسازش مخصوص به دعوای مطروحه بوده یا شامل دعاوی یا امور دیگری باشد. ماده ۱۸۵ ـ هرگاه‌سازش محقق نشود، تعهدات و گذشتهایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند لازم‌الرعایه نیست مبحث دوم ـ درخواست سازش ماده ۱۸۶ ـ هرکس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به‌طور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند. ماده ۱۸۷ ـ ترتیب دعوت برای‌سازش همان است که برای احضارخوانده مقرر است ولی در دعوت‌نامه باید قید گردد که طرف برای‌سازش به دادگاه دعوت می‌شود. ماده ۱۸۸ ـ بعد از حضور طرفین دادگاه اظهارات آنان را استماع‌نموده تکلیف به‌سازش و سعی در انجام آن می‌نماید. در صورت عدم‌موفقیت به‌سازش تحقیقات و عدم موفقیت را در صورت مجلس‌نوشته به امضای طرفین می‌رساند. هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف‌نخواهند امضا کنند، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند. ماده ۱۸۹ ـ در صورتی که دادگاه احراز نماید که طرفین حاضر به‌سازش نیستند آنان را برای طرح دعوا ارشاد خواهد کرد. ماده ۱۹۰ ـ هرگاه بعد از ابلاغ دعوت نامه طرف حاضر نشد یا به طورکتبی پاسخ دهد که حاضر به‌سازش نیست دادگاه مراتب را در صورت‌مجلس قید کرده و به درخواست‌کننده‌سازش برای اقدام قانونی اعلام‌می‌نماید. ماده ۱۹۱ ـ هرگاه طرف بعد از ابلاغ دعوت نامه حاضر شده و پس ازآن استنکاف ازسازش نماید، برابر ماده بالا عمل خواهد شد. ماده ۱۹۲ ـاستنکاف طرف از حضور در دادگاه یا عدم قبول‌سازش‌بعد از حضور در هر حال مانع نمی‌شود که طرفین بار دیگر از همین‌دادگاه یا دادگاه دیگر خواستارسازش شوند. ماده ۱۹۳ ـ در صورت حصول‌سازش بین طرفین برابر مقررات‌مربوط به‌سازش در دادگاه عمل خواهد شد. تبصره ـ درخواست‌سازش با پرداخت‌هزینه دادرسی دعاوی‌غیرمالی و بدون

تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت

فصل دهم ــ رسیدگی به دلایل (ماده ۱۹۴ الی ۲۹۴)

مبحث اول ـ کلیات ماده ۱۹۴ ـ دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یادفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند. ماده ۱۹۵ ـ دلایـلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادها اقامه می‌شود، تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنهامجری بوده است مگر این که دلایل مذکور از ادله شرعیه‌ای باشد که‌مجری نبوده و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد. ماده ۱۹۶ ـ دلایـلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان‌قهری نسب و غیره اقامه می‌شود، تابع قانونی است که در موقع‌طرح دعوا مجری می‌باشد. ماده ۱۹۷ ـ اصل برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بردیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت باسوگند خوانده‌حکم برائت صادر خواهد شد. ماده ۱۹۸ ـ در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد، اصل‌بر بقای آن است مگر این که خلاف آن ثابت شود. ماده ۱۹۹ ـ در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل‌مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف‌حقیقت لازم باشد، انجام خواهد داد. ماده ۲۰۰ ـ رسیدگی به دلایلی که صحت آن بین طرفین مورد اختلاف‌و موثر در تصمیم نهایی باشد درجلسه دادرسی به عمل می‌آید مگر درمواردی که قانون طریق دیگری معین کرده باشد. ماده ۲۰۱ ـ تاریخ و محل رسیدگی به طرفین اطلاع داده می‌شودمگر در مواردی که قانون طریق دیگری تعیین کرده باشد. عدم‌حضوراصحاب دعوا مانع از اجرای تحقیقات و رسیدگی نمی‌شود. مبحث دوم ـ اقرار ماده ۲۰۲ ـ هرگاه کسی‌اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن‌طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست ماده ۲۰۳ ـ اگراقرار در دادخواست یا حین مذاکره در دادگاه یا در یکی‌از لوایحی که به دادگاه تقدیم شده است به عمل آید،اقرار در دادگاه‌محسوب می‌شود، در غیر این صورت‌اقرار در خارج از دادگاه تلقی‌می‌شود. ماده ۲۰۴ ـاقرار شفاهی است وقتی که حین مذاکره در دادگاه به عمل‌آید و کتبی است در صورتی که در یکی از اسناد یا لوایحی که به دادگاه‌تقدیم گردیده اظهار شده باشد. دراقرار شفاهی طرفی که می‌خواهد ازاقرار طرف دیگر استفاده نمایدباید از دادگاه بخواهد که‌اقرار او در صورت مجلس قید شود. ماده ۲۰۵ ـ اقرار وکیل علیه موکل خود نسبت به اموری که قاطع دعوا است پذیرفته نمی‌شود اعم از این که‌اقرار در دادگاه یا خارج از دادگاه به‌عمل آمده باشد. مبحث سوم ـ اسناد الف ـ مواد عمومی ماده ۲۰۶ ـ رسیدگی به حسابها و دفاتر در دادگاه به عمل می‌آید وممکن است در محلی که اسناد در آنجا قراردارد انجام گیرد. در هرصورت دادگاه می‌تواند رسیدگی را به یکی از دادرسان دادگاه محول‌نماید. ماده ۲۰۷ ـ سندی که در دادگاه ابراز می‌شود ممکن است به نفع‌طرف مقابل دلیل باشد، در این صورت هرگاه طرف مقابل به آن‌استناد نماید ابراز کننده سند حق ندارد آن را پس بگیرد و یا از دادگاه‌درخواست نماید سند او را نادیده بگیرد. ماده ۲۰۸ ـ هرگاه یکی از طرفین سندی ابراز کند که در آن به سنددیگری رجوع شده و مربوط به دادرسی باشد، طرف مقابل حق داردابراز سند دیگر را از دادگاه درخواست نماید و دادگاه به این‌درخواست ترتیب اثر خواهد داد. ماده ۲۰۹ ـ هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین‌است نزد طرف دیگر باشد، به درخواست طرف باید آن سند ابرازشود. هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند ولی ازابراز آن امتناع نماید دادگاه می‌تواند آن را از جمله قراین مثبته بداند. ماده ۲۱۰ ـ چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگراستناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود. در صورتی که ابرازدفاتر در دادگاه ممکن نباشد، دادگاه شخصی را مامور می‌نماید که باحضور طرفین دفاتر را معاینه و آنچه لازم است خارج نویسی نماید. هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفاترخود امتناع کند مگر این که ثابت نماید که دفتر او تلف شده یادسترسی به آن ندارد. هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است‌از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواندثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قراین مثبته اظهار طرف قرار دهد. ماده ۲۱۱ ـ اگر ابراز سند در دادگاه مقدور نباشد یا ابراز تمام یاقسمتی از آن یا

اظهار علنی مفاد آن در دادگاه برخلاف نظم یا عفت‌عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت‌اصحاب دعوا یا دیگران باشد رییس‌دادگاه یادادرس یا مدیردفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین آنچه‌را که لازم و راجع به مورد اختلاف است خارج‌نویس می‌نماید. ماده ۲۱۲ ـ هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعوااست در ادارات دولتی یا بانکها یا شهرداریها یا موسساتی که باسرمایه دولت تاسیس و اداره می‌شوند موجود باشد و دادگاه آن را موثردر موضوع تشخیص دهد، به درخواست یکی ازاصحاب دعوا به طورکتبی به اداره یا سازمان مربوط ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را باذکر موعد، مقرر می‌دارد. اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری‌دستور دادگاه را انجام دهد؛ مگر این که ابراز سند با مصالح سیاسی‌کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد که در این صورت بایدمراتب با توضیح لازم به دادگاه اعلام شود. چنانچه دادگاه موافقت‌نمود، جواز عدم ابراز سند محرز خواهد شد، در غیر این صورت بایدبه نحو مقتضی سند به دادگاه ارائه شود. در صورت امتناع کسی که‌مسوولیت عدم ارائه سند متوجه اوست پس از رسیدگی در همین‌دادگاه و احراز تخلف به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تایک سال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ در مورد تحویل اسناد سری دولتی باید با اجازه رییس‌قوه قضاییه باشد. تبصره ۲ ـ ادارات دولتی و بانکها و شهرداریها و سایر مؤسسات‌یاد شده در این ماده در صورتی که خود نیز طرف دعوا باشند، ملزم‌به رعایت مفاد این ماده خواهند بود. تبصره ۳ ـ چنانچه در موعدی که دادگاه معین کرده است نتوانندا‌سناد و اطلاعات لازم را بدهند، باید در پاسخ دادگاه با ذکر دلیل‌تاخیر، تاریخ ابراز اسناد و اطلاعات را اعلام نمایند. ماده ۲۱۳ ـ در مواردی که ابراز اصل سند لازم باشد ادارات سازمانها و بانکها پس از دریافت دستور دادگاه اصل سند را به طورمستقیم به دادگاه می‌فرستند. فرستادن دفاتر امور جاری به دادگاه‌لازم نیست بلکه قسمت خارج نویسی شده از آن دفاتر که از طرف‌اداره گواهی شده باشد کافی است ماده ۲۱۴ ـ هرگاه یکی ازاصحاب دعوا به استناد پرونده کیفری ادعایی‌نماید که رجوع به آن پرونده لازم باشد، دادگاه می‌تواند پرونده رامطالبه کند. مرجع ذی ربط مکلف است پرونده درخواستی را ارسال‌نماید. ماده ۲۱۵ ـ چنانچه یکی ازاصحاب دعوا استناد به پرونده دعوای‌مدنی دیگری نماید، دادگاه به درخواست او خطاب به مرجع ذی ربط‌تقاضانامه‌ای به وی می‌دهد که رونوشت موارد استنادی در مدت معینی‌به او داده شود. در صورت لزوم دادگاه می‌تواند پرونده مورد استناد راخواسته و ملاحظه نماید. ب ـ انکار و تردید ماده ۲۱۶ ـ کسی که علیه او سند غیررسمی ابراز شود می‌تواند خط‌یا مهر یا امضا و یا اثر انگشت منتسب به خود را انکار نماید واحکام منکر بر او مترتب می‌گردد و اگر سند ابرازی منتسب به‌شخص او نباشد می‌تواند تردید کند. ماده ۲۱۷ ـ اظهار تردید یا انکار نسبت به دلایل و اسناد ارائه شده حتی‌الامکان باید تا اولین‌جلسه دادرسی به عمل آید و چنانچه درجلسه‌دادرسی منکر شود و یا نسبت به صحت و سقم آن سکوت نمایدحسب مورد آثار انکار و سکوت بر او مترتب خواهد شد. در مواردی‌که رای دادگاه بدون دفاع خوانده صادر می‌شود، خوانده‌ضمن‌واخواهی از آن انکار یا تردید خود را به دادگاه اعلام می‌دارد.نسبت به مدارکی که در مرحله‌واخواهی مورد استناد واقع می‌شود نیزاظهار تردید یا انکار باید تا اولین‌جلسه دادرسی به عمل آید. ماده ۲۱۸ ـ در مقابل تردید یا انکار، هرگاه ارائه‌کننده سند، سند خودرا استرداد نماید، دادگاه به اسناد و دلایل دیگر رجوع می‌کند. استردادسند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود، چنانچه صاحب سند، سند خودرا استرداد نکرد و سند موثر در دعوا باشد، دادگاه مکلف است به‌اعتبار آن سند رسیدگی نماید. ج ـ ادعای جعلیت ماده ۲۱۹ ـ ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارك ارائه شده بایدبرابر ماده (۲۱۷) این قانون با ذکر دلیل اقامه شود، مگر این که دلیل‌ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده‌باشد در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد. ماده ۲۲۰ ـ ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف‌مقابل ابلاغ می‌شود. در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد،موظف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اصل سند موضوع ادعای‌جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند، آن‌رابه نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می‌نماید. چنانچه در موعد مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری‌کند، سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد. تبصره ـ در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در

دادرسی‌مداخله داشته باشد، چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق‌استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارائه اصل سند به او می‌دهد. ماده ۲۲۱ ـ دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت‌دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده است تعیین‌تکلیف نموده اگر آن را مجعول تشخیص ندهد، دستور تحویل آن رابه صاحب سند صادرنماید و در صورتی که آن را مجعول بداند،تکلیف این که باید تمام سند از بین برده شود و یا قسمت مجعول در در روی سند ابطال گردد یا کلماتی محو و یا تغییر داده شود تعیین خواهدکرد. اجرای رای دادگاه در این خصوص منوط است به قطعی شدن‌حکم دادگاه در ماهیت دعوا و گذشتن مدت درخواست تجدیدنظر یاابرام حکم در مواردی که قابل‌تجدیدنظر می‌باشد و در صورتی که وجود اسناد و نوشته‌های راجع به دعوای جعل دردفتر دادگاه لازم‌نباشد، دادگاه دستور اعاده اسناد و نوشته‌ها را به صاحبان آنها می‌دهد. ماده ۲۲۲ ـ کارمندان دادگاه مجاز نیستند تصویر یا رونوشت اسناد ومدارکی را که نسبت به‌آنها ادعای جعلیت شده مادام که به موجب حکم‌قطعی نسبت به آنها تعیین تکلیف نشده است به اشخاص تسلیم نمایند، مگر با اجازه دادگاه که در این صورت نیز باید در حاشیه آن‌تصریح شود که نسبت به این سند ادعای جعلیت شده است تخلف از مفاد این ماده مستلزم محکومیت از سه ماه تا یک سال‌انفصال از خدمات دولتی خواهد بود. د ـ رسیدگی به صحت و اصالت سند ماده ۲۲۳ ـ خط مهر، امضا و اثر انگشت اسناد عادی را که نسبت به‌آن انکار یا تردید یا ادعای جعل شده باشد، نمی‌توان اساس تطبیق‌قرارداد، هرچند که حکم به صحت آن شده باشد. ماده ۲۲۴ ـ می‌توان کسی را که خط یا مهر یا امضا یا اثر انگشت‌منعکس در سند به او نسبت داده شده است اگر در حال حیات‌باشد، برای استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر دعوت نمود.عدم حضور یا امتناع او از کتابت یا زدن انگشت یا تصدیق مهرمی‌تواند قرینه صحت سند تلقی شود. ماده ۲۲۵ ـ اگر اوراق و نوشته‌ها و مدارکی که باید اساس تطبیق قرارگیرد در یکی از ادارات یا شهرداریها یا بانکها یا موسساتی که با سرمایه‌دولت تاسیس شده است موجود باشد، برابر مقررات ماده (۲۱۲) آنهارا به محل تطبیق می‌آورند. چنانچه آوردن آنها به محل تطبیق ممکن‌نباشد و یا به نظر دادگاه مصلحت نباشد و یا دارنده آنها در شهر یا محل‌دیگری اقامت داشته باشد به موجب قرار دادگاه می‌توان در محلی که‌نوشته‌ها، اوراق و مدارك یاد شده قرار دارد، تطبیق به عمل آورد. ماده ۲۲۶ ـ دادگاه موظف است در صورت ضرورت دقت در سند،تطبیق خط امضا، اثر انگشت یا مهر سند را به‌کارشناس رسمی یا اداره‌تشخیص هویت و پلیس بین الملل که مورد وثوق دادگاه باشند، ارجاع‌نماید. اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل هنگام اعلام نظر به‌دادگاه ارجاع‌کننده باید هویت و مشخصات کسی را که در اعلام نظردخالت مستقیم داشته است معرفی نماید. شخص یاد شده از جهت‌مسوولیت و نیز موارد رد، در حکم‌کارشناس رسمی می‌باشد. ماده ۲۲۷ ـ چنانچه مدعی جعلیت سند در دعوای حقوقی شخص‌معینی را به جعل سند مورد استناد متهم کند، دادگاه به هر دو ادعا یك جارسیدگی می‌نماید. در صورتی که دعوای حقوقی در جریان رسیدگی باشد، رای قطعی‌کیفری نسبت به اصالت یا جعلیت سند، برای دادگاه متبع خواهدبود. اگر اصالت یا جعلیت سند به موجب رای کیفری ثابت شده وسند یاد شده مستند دادگاه در امر حقوقی باشد، رای کیفری برابرمقررات مربوط به‌اعاده دادرسی قابل استفاده می‌باشد. هرگاه در ضمن‌رسیدگی دادگاه از طرح ادعای جعل مرتبط با دعوای حقوقی در دادگاه‌دیگری مطلع شود، موضوع به اطلاع رییس حوزه قضایی می‌رسد تا باتوجه به سبق ارجاع برای رسیدگی توام اتخاذ تصمیم نماید. ماده ۲۲۸ ـ پس از ادعای جعلیت سند، تردید یا انکار نسبت به آن‌سند پذیرفته نمی‌شود، ولی چنانچه پس از تردید یا انکار سند،ادعای جعل شود فقط به ادعای جعل رسیدگی خواهد شد. در صورتی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار نسبت به سند شده‌باشد، دیگرادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت‌به آن پذیرفته نمی‌شود و چنانچه نسبت به اصالت سند همراه با دعوای‌پرداخت وجه یا انجام تعهد، تعرض شود فقط به ادعای پرداخت وجه‌یا انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصالت قابل رسیدگی‌نمی‌باشد. مبحث چهارم ـ گواهی ماده ۲۲۹ ـ در مواردی که دلیل اثبات دعوا یا موثر در اثبات آن گواهی گواهان باشد برابر مواد زیر اقدام می‌گردد. ماده ۲۳۰ ـ در دعاوی مدنی (حقوقی تعداد و جنسیت گواه همچنین‌ترکیب

گواهان باسوگند به ترتیب ذیل می‌باشد: الف ـ اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعاوی‌غیرمالی از قبیل مسلمان بودن بلوغ جرح و تعدیل عفو ازقصاص وکالت وصیت با گواهی دو مرد. ب ـ دعاوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین ثمن مبیع معاملات وقف اجاره وصیت به نفع مدعی غصب جنایات خطایی وشبه عمد که موجب دیه است با گواهی دو مرد یا یک‌مرد و دو زن چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد می‌تواند با معرفی‌یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک‌سوگند ادعای خود را اثبات کند.در موارد مذکور در این بند، ابتدا گواه واجد شرایط شهادت می‌دهد،سپس‌سوگند توسط خواهان ادا می‌شود. ج ـ دعاوی که اطلاع بر آنهامعمولاـدر اختیار زنان است از قبیل ولادت رضاع بکارت عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن دو مرد یا یک‌مرد و دو زن د ـ اصل نکاح با گواهی دو مرد و یا یک مرد و دو زن ماده ۲۳۱ ـ در کلیه دعاوی که جنبه حق الناسی دارد اعم از امورجزایی یا مدنی (مالی و غیر آن به شرح ماده فوق هرگاه به علت‌غیبت یا بیماری سفر، حبس و امثال آن حضور گواه اصلی متعذر یامتعسر باشد گواهی برشهادت گواه اصلی مسموع خواهد بود. تبصره ـ گواه بر شاهد اصلی باید واجد شرایط مقرر برای گواه وگواهی باشد. ماده ۲۳۲ ـ هریک از طرفین دعوا که متمسک به گواهی شده‌اند، بایدگواهان خود را در زمانی که دادگاه تعیین کرده حاضر و معرفی نمایند. ماده ۲۳۳ ـ صلاحیت گواه و موارد جرح وی برابر شرایط مندرج دربخش چهارم از کتاب دوم در امور کیفری این قانون می‌باشد. ماده ۲۳۴ ـ هریک ازاصحاب دعوا می‌توانند گواهان طرف خود را باذکر علت جرح نمایند. چنانچه پس از صدور رای برای دادگاه معلوم‌شود که قبل از ادای گواهی جهات جرح وجود داشته ولی بر دادگاه‌مخفی مانده و رای صادره هم مستند به آن گواهی بوده مورد از مواردنقض می‌باشد و چنانچه جهات جرح بعد از صدور رای حادث شده‌باشد، موثر در اعتبار رای دادگاه نخواهد بود. تبصره ـ در صورتی که طرف دعوا برای جرح گواه از دادگاه‌استمهال نماید دادگاه حداکثر به مدت یک هفته مهلت خواهد داد. ماده ۲۳۵ ـ دادگاه گواهی هر گواه را بدون حضور گواههایی که‌گواهی نداده‌اند استماع می‌کند و بعد از ادای گواهی می‌تواند ازگواهها مجتمعا تحقیق نماید. ماده ۲۳۶ ـ قبل از ادای گواهی دادگاه حرمت گواهی کذب ومسوولیت مدنی آن و مجازاتی که برای آن مقرر شده است را به گواه‌خاطر نشان می‌سازد. گواهان قبل از ادای گواهی نام و نام خانوادگی شغل سن و محل اقامت خود را اظهار وسوگند یاد می‌کنند که تمام‌حقیقت را گفته و غیر از حقیقت چیزی اظهار ننمایند. تبصره ـ در صورتی که احقاق حق متوقف به گواهی باشد و گواه‌حاضر به اتیان‌سوگند نشود الزام به آن ممنوع است ماده ۲۳۷ ـ دادگاه می‌تواند برای این که آزادی گواه بهتر تأمین شودگواهی او را بدون حضوراصحاب دعوا استماع نماید. در این صورت‌پس از ادای گواهی بلافاصله‌اصحاب دعوا را از اظهارات گواه مطلع‌می‌سازد. ماده ۲۳۸ ـ هیچ یک ازاصحاب دعوا نباید اظهارات گواه را قطع کند،لکن پس از ادای گواهی می‌توانند توسط دادگاه سوالاتی را که مربوط به‌دعوا می‌باشد از گواه به عمل آورند. ماده ۲۳۹ ـ دادگاه نمی‌تواند گواه را به ادای گواهی ترغیب یا از آن‌منع یا او را در کیفیت گواهی راهنمایی یا در بیان مطالب کمک‌نماید، بلکه فقط مورد گواهی را طرح نموده و او را در بیان مطالب‌خود آزاد می‌گذارد. ماده ۲۴۰ ـ اظهارات گواه بایدعینادر صورت مجلس قید و به امضایا اثر انگشت او برسد و اگر گواه نخواهد یا نتواند امضا کند، مراتب‌در صورت مجلس قید خواهد شد. ماده ۲۴۱ ـ تشخیص ارزش و تاثیر گواهی با دادگاه است ماده ۲۴۲ ـ دادگاه می‌تواند به درخواست یکی از اصحاب دعوا همچنین در صورتی که مقتضی بداند گواهان را احضار نماید. در ابلاغ‌احضاریه مقرراتی که برای ابلاغ اوراق قضایی تعیین شده رعایت‌می‌گردد و باید حداقل یک هفته قبل از تشکیل دادگاه به گواه یا گواهان‌ابلاغ شود. ماده ۲۴۳ ـ گواهی که برابر قانون احضار شده است چنانچه درموعد مقرر حضور نیابد، دوباره احضار خواهد شد. ماده ۲۴۴ ـ در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه وهمچنین در مواردی که دادگاه مقتضی بداند می‌تواند گواهی گواه را درمنزل یا محل کار او یا در محل دعوا توسط یکی از قضات دادگاه استماع‌کند. ماده ۲۴۵ ـ در صورتی که گواه در مقر دادگاه دیگری اقامت داشته‌باشد دادگاه می‌تواند از دادگاه محل توقف او بخواهد که گواهی او را استماع کند. ماده ۲۴۶ ـ در موارد مذکور در مادتین (۲۴۴) و (۲۴۵) چنانچه‌مبنای

رای دادگاه گواهی گواه باشد و آن گواه طبق مقررات ماده ۲۳۱) از حضور در دادگاه معذور باشد استنادکننده به گواهی فقط می‌تواند به گواهی شاهد بر گواه اصلی استناد نماید. ماده ۲۴۷ ـ هرگاه گواه برای حضور در دادگاه درخواست هزینه آمد ورفت و جبران خسارت حاصل از آن را بنماید، دادگاه میزان آن رامعین و استنادکننده را به تادیه آن ملزم می‌نماید. مبحث پنجم ـ معاینه محل و تحقیق محلی ماده ۲۴۸ ـ دادگاه می‌تواند راسا یا به درخواست هریک ازاصحاب‌دعوا قرار معاینه محل را صادر نماید. موضوع قرار و وقت اجرای آن‌باید به طرفین ابلاغ شود. ماده ۲۴۹ ـ در صورتی که طرفین دعوا یا یکی از آنان به اطلاعات‌اهل محل استناد نمایند، اگرچه به طور کلی باشد و اسامی مطلعین‌را هم ذکر نکنند، دادگاه قرار تحقیق محلی صادر می‌نماید. چنانچه‌قرار تحقیق محلی به درخواست یکی از طرفین صادر گردد، طرف‌دیگر دعوا می‌تواند در موقع تحقیقات مطلعین خود را در محل‌حاضر نماید که اطلاع آنها نیز استماع شود. ماده ۲۵۰ ـ اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی ممکن است‌توسط یکی از دادرسان دادگاه یا قاضی تحقیق به عمل آید. وقت ومحل تحقیقات باید از قبل به طرفین اطلاع داده شود. در صورتی که‌محل تحقیقات خارج از حوزه دادگاه باشد، دادگاه می‌تواند اجرای‌تحقیقات را از دادگاه محل درخواست نماید مگر این‌که مبنای رای‌دادگاه معاینه و یا تحقیقات محلی باشد که در این صورت بایداجرای قرارهای مذکور توسط شخص قاضی‌صادرکننده رای صورت‌گیرد یا گزارش مورد وثوق دادگاه باشد. ماده ۲۵۱ ـ متصدی اجرای قرار معاینه محل یا تحقیقات محلی‌صورت جلسه تنظیم و به امضای مطلعین واصحاب دعوامی‌رساند. ماده ۲۵۲ ـ ترتیب استعلام و اجرای تحقیقات از اشخاص یاد شده‌در ماده قبل به نحوی است که برای گواهان مقرر گردیده است هریک از طرفین می‌تواند مطلعین طرف دیگر را برابر مقررات جرح‌گواه رد نماید. ماده ۲۵۳ ـ طرفین دعوا می‌توانند اشخاصی را برای کسب اطلاع ازآنان در محل معرفی و به گواهی آنها تراضی نمایند. متصدی تحقیقات‌صورت اشخاصی را که‌اصحاب دعوا انتخاب کرده‌اند نوشته و به‌امضای طرفین می‌رساند. ماده ۲۵۴ ـ عدم حضور یکی ازاصحاب دعوا مانع از اجرای قرارمعاینه محل و تحقیقات محلی نخواهد بود. ماده ۲۵۵ ـ اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل ازامارات قضایی‌محسوب می‌گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه‌یا موثر در آن باشد. ماده ۲۵۶ ـ عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق‌محلی توسط متقاضی موجب خروج آن از عداد دلایل وی می‌باشدو اگر اجرای قرار مذکور را دادگاه لازم بداند، تهیه وسایل اجرا درمرحله بدوی با خواهان دعوا و در مرحله تجدیدنظر با تجدیدنظر خواه‌می‌باشد. در صورتی که به علت عدم تهیه وسیله اجرای قرار مقدور نباشد و دادگاه بدون آن نتواند انشای رای نماید دادخواست بدوی‌ابطال و در مرحله‌تجدیدنظر،تجدیدنظرخواهی متوقف ولی مانع‌اجرای حکم بدوی نخواهد بود. مبحث ششم ـ رجوع به‌کارشناس ماده ۲۵۷ ـ دادگاه می‌تواند راسا یا به درخواست هریک ازاصحاب‌دعوا قرار ارجاع امر به‌کارشناس را صادر نماید. در قرار دادگاه موضوعی که نظرکارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی‌که‌کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد. ماده ۲۵۸ ـ دادگاه بایدکارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که‌دارای‌صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است انتخاب نماید و درصورت تعدد آنها، به قید قرعه انتخاب می‌شود. در صورت لزوم تعددکارشناسان عده منتخبین باید فرد باشد تا در صورت اختلاف‌نظر، نظراکثریت ملاک عمل قرار گیرد. تبصره ـ اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان از نظرتخصص با هم مساوی باشند. ماده ۲۵۹ ـ ایداع دستمزدکارشناس به عهده متقاضی است و هرگاه‌ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ آن را پرداخت نکند، کارشناسی ازعداد دلایل وی خارج می‌شود. هرگاه قرار کارشناسی به نظر دادگاه باشد و دادگاه نیز نتواند بدون انجام‌کارشناسی انشای رای نماید، پرداخت دستمزد کارشناسی در مرحله‌بدوی به عهده خواهان و در مرحله‌تجدیدنظر به عهده‌تجدیدنظرخواه‌است درصورتی‌که در مرحله بدوی دادگاه نتواند بدون نظرکارشناس‌حتی باسوگند نیز حکم صادر نماید، دادخواست ابطال می‌گردد و اگردر مرحله‌تجدیدنظر باشدتجدیدنظرخواهی متوقف ولی مانع اجرای‌حکم بدوی نخواهد بود. ماده ۲۶۰ ـ پس از صدور قرار کارشناسی و انتخاب‌کارشناس و ایداع‌دستمزد، دادگاه به‌کارشناس اخطار می‌کند که ظرف مهلت تعیین شده‌در قرار کارشناسی نظر

خود را تقدیم نماید. وصول نظرکارشناس به‌طرفین ابلاغ خواهد شد، طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ‌ابلاغ به‌دفتر دادگاه مراجعه کنند و با ملاحظه نظرکارشناس چنانچه‌مطلبی دارند نفیا یا اثباتا به طور کتبی اظهار نمایند. پس از انقضای‌مدت یاد شده دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورت آماده بودن مبادرت به انشای رای می‌نماید. ماده ۲۶۱ ـکارشناس مکلف به قبول امر کارشناسی که از دادگاه به اوارجاع شده می‌باشد، مگر این که دارای عذری باشد که به تشخیص‌دادگاه موجه شناخته شود، در این‌صورت باید قبل از مباشرت به‌کارشناسی مراتب را به طور کتبی به دادگاه اعلام دارد. موارد معذوربودن‌کارشناس همان موارد معذور بودن‌دادرس است ماده ۲۶۲ ـکارشناس باید در مدت مقرر نظر خود را کتبا تقدیم دارد،مگر این که موضوع از اموری باشد که اظهارنظر در آن مدت میسرنباشد. دراین صورت به تقاضای‌کارشناس دادگاه مهلت مناسب‌دیگری تعیین و به کارشناس و طرفین اعلام می‌کند. در هر حال‌اظهارنظر کارشناس باید صریح و موجه باشد. هرگاه کارشناس ظرف مدت معین‌نظر خود را کتبا تقدیم دادگاه ننماید،کارشناس دیگری تعیین می‌شود. چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به‌کارشناس دیگر نظر کارشناس به دادگاه واصل شود، دادگاه به آن ترتیب‌اثر می‌دهد و تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیت دار اعلام می‌دارد. ماده ۲۶۳ ـ در صورت لزوم تکمیل تحقیقات یا اخذ توضیح‌ازکارشناس دادگاه موارد تکمیل و توضیح را در صورت مجلس‌منعکس و به‌کارشناس اعلام وکارشناس را برای ادای توضیح دعوت‌می‌نماید. در صورت عدم حضور،کارشناس جلب خواهد شد. هرگاه پس از اخذ توضیحات دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص‌دهد، قرار تکمیل آن را صادر و به همان‌کارشناس یاکارشناس دیگرمحول می‌نماید. ماده ۲۶۴ ـ دادگاه حق الزحمه‌کارشناس را با رعایت کمیت و کیفیت وارزش کار تعیین می‌کند. هرگاه بعد از اظهار نظر کارشناس معلوم گردد که حق الزحمه تعیین شده متناسب نبوده است مقدار آن را به طور قطعی تعیین و دستور وصول آن را می‌دهد. ماده ۲۶۵ ـ در صورتی که نظرکارشناس با اوضاع و احوال محقق ومعلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثرنخواهد داد. ماده ۲۶۶ ـ اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره‌حاضر بوده ولی بدون عذر موجه از اظهارنظر یا حضور در جلسه یاامضا امتناع نماید، نظر اکثریت کارشناسانی که از حیث تخصص با هم‌مساوی باشند ملاک عمل خواهد بود. عدم حضورکارشناس یاامتناعش از اظهارنظر یا امضای رای باید از طرف کارشناسان دیگرتصدیق و به امضا برسد. ماده ۲۶۷ ـ هرگاه یکی ازاصحاب دعوا از تخلف‌کارشناس متضررشده باشد در صورتی که تخلف‌کارشناس سبب اصلی در ایجادخسارات به متضرر باشد می‌تواند ازکارشناس مطالبه ضرر نماید.ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست ماده ۲۶۸ ـ طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به‌کارشناس صادرمی‌شود، می‌توانند قبل از اقدام‌کارشناس یا کارشناسان‌منتخب کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی انتخاب و به‌دادگاه معرفی نمایند. دراین صورت‌کارشناس مرضی الطرفین به‌جای‌کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام‌خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود ممکن است غیراز کارشناس رسمی باشد. ماده ۲۶۹ ـ اگر لازم باشد که تحقیقات کارشناسی در خارج از مقردادگاه رسیدگی‌کننده اجرا شود و طرفین‌کارشناس را با تراضی تعیین‌نکرده باشند، دادگاه می‌تواند انتخاب‌کارشناس را به طریق قرعه به‌دادگاهی که تحقیقات در مقر آن دادگاه اجرا می‌شود واگذار نماید. مبحث هفتم ـسوگند ماده ۲۷۰ ـ در مواردی که صدور حکم دادگاه منوط به‌سوگند شرعی‌می‌باشد، دادگاه به درخواست متقاضی قرار اتیان‌سوگند صادر کرده ودر آن موضوع‌سوگند و شخصی را که بایدسوگند یاد کند تعیین‌می‌نماید. ماده ۲۷۱ ـ در کلیه دعاوی مالی و سایر حقوق الناس از قبیل نکاح طلاق، رجوع در طلاق ، نسب وکالت و وصیت که فاقد دلایل و مدارک‌معتبر دیگر باشدسوگند شرعی به شرح مواد آتی می‌تواند ملاک ومستند صدور حکم دادگاه قرار گیرد. ماده ۲۷۲ ـ هرگاه خواهان (مدعی فاقد بینه و گواه واجد شرایط باشدو خوانده (مدعی علیه منکر ادعای خواهان بوده به تقاضای خواهان منکر ادای‌سوگند می‌نماید و به موجب آن ادعا ساقط خواهد شد. ماده ۲۷۳ ـ چنانچه خوانده از ادای‌سوگند امتناع ورزد وسوگند را به‌خواهان واگذار نماید، باسوگند وی ادعایش ثابت می‌شود و درصورت نکول ادعای او ساقط و به موجب آن حکم صادر می‌گردد. ماده ۲۷۴ ـ چنانچه

منکر از ادای‌سوگند و رد آن به خواهان نکول‌نماید دادگاه سه بار جهت اتیان‌سوگند یا رد آن به خواهان به منکراخطار می کند، در غیر این صورت ناکل شناخته خواهد شد. با اصرار خوانده بر موضع خود، دادگاه ادای سوگند را به خواهان‌واگذار نموده و با سوگند وی ادعا ثابت و به موجب آن حکم صادرمی‌شود و در صورت نکول خواهان از ادای سوگند، ادعای او ساقط‌خواهد شد. ماده ۲۷۵ ـ هرگاه خوانده در پاسخ خواهان ادعایی مبنی بر برائت‌ذمه از سوی خواهان یا دریافت مال مورد ادعا یا صلح و هبه نسبت‌به آن و یا تملیک مال به موجب یکی از عقود ناقله نماید، دعوامنقلب شده خواهان خوانده و خوانده خواهان تلقی می‌شود وحسب مورد با آنان رفتار خواهد شد. ماده ۲۷۶ ـ هرگاه خوانده درجلسه دادرسی در قبال ادعای خواهان به‌علت عارضه‌ای از قبیل لکنت زبان یا لال بودن سکوت نماید قاضی‌دادگاه راسا یا به وسیله مترجم یا متخصص امر، مراد وی را کشف یاعارضه را بر طرف می‌نماید و چنانچه سکوت خوانده واستنکاف وی‌از باب تعمد و ایذا باشد دادگاه ضمن تذکر عواقب شرعی و قانونی‌کتمان حقیقت سه بار به خوانده اخطار می‌نماید که در نتیجه‌استنکاف ناکل شناخته می‌شود، در این صورت باسوگند خواهان دعوا ثابت وحکم بر محکومیت خوانده صادر خواهد شد. ماده ۲۷۷ ـ در کلیه دعاوی مالی که به هر علت و سببی به ذمه تعلق‌می‌گیرد از قبیل قرض ثمن معامله مال‌الاجاره دیه جنایات مهریه نفقه ضمان به تلف یا اتلاف همچنین دعاوی که مقصود از آن‌مال است از قبیل بیع صلح اجاره هبه وصیت به نفع مدعی جنایت‌خطایی وشبه عمد موجب دیه ـ چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه‌شرعی نباشد می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو گواه زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند. تبصره ـ در موارد مذکور در این ماده ابتدا گواه واجد شرایط شهادت‌می‌دهد سپس سوگند توسط خواهان ادا می‌شود. ماده ۲۷۸ ـ در دعوای بر میت پس از اقامه بینه سوگند خواهان نیزلازم است و در صورت امتناع ازسوگند، حق وی ساقط می‌شود. ماده ۲۷۹ ـ هرگاه خواهان در دعوای بر میت وارث صاحب حق‌باشد و بر اثبات ادعای خود اقامه بینه کند علاوه بر آن باید ادای سوگندنماید. در صوت عدم اتیان‌سوگند حق مورد ادعا ساقط خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورت تعدد وراث هریک نسبت به سهم خود بایدادای‌سوگند نمایند چنانچه بعضی ادای‌سوگند نموده و بعضی نکول‌کنند ادعا نسبت به کسانی که ادای‌سوگند کرده ثابت و نسبت به‌نکول‌کنندگان ساقط خواهد شد. تبصره ۲ ـ چنانچه وراث خوانده متعدد باشند و خواهان شخص‌دیگری باشد پس از اقامه بینه توسط خواهان ادای یک‌سوگند کفایت‌می‌کند. ماده ۲۸۰ ـ در حدود شرعی حق‌سوگند نیست مگر در سرقت که فقط نسبت به جنبه حق الناسی آن‌سوگند ثابت است ولی حد سرقت باآن‌سوگند ثابت نخواهد شد. ماده ۲۸۱ ـ سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله (والله ـ بالله ـ تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبانها ادا گردد و در صورت نیاز به‌تغلیظ دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان مکان و الفاظ تعیین‌می‌نماید. در هر حال فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای‌سوگندبه نام خداوند متعال نخواهد بود. مراتب اتیان‌سوگند صورتجلسه‌می گردد. ماده ۲۸۲ ـ در صورتی که طرفین حاضر نباشند، دادگاه محل ادای‌سوگند، تعیین وقت نموده و طرفین را احضار می‌نماید. در احضارنامه‌علت حضور قید می گردد. ماده ۲۸۳ ـ دادگاه نمی‌تواند بدون درخواست‌اصحاب دعواسوگنددهد و اگرسوگند داد اثری بر آن مترتب نخواهد بود و چنانچه پس ازآن درخواست اجرای‌سوگند شود بایدسوگند تجدید گردد. ماده ۲۸۴ ـ درخواست‌سوگند از سوی متقاضی ممکن است شفاهی یاکتبی باشد. درخواست شفاهی در صورت مجلس نوشته شده و به‌امضای درخواست کننده می‌رسد و این درخواست را تا پایان دادرسی‌می‌توان انجام داد. ماده ۲۸۵ ـ در صورتی که‌سوگند از سوی منکر باشد،سوگند بر عدم‌وجود یا عدم وقوع ادعای مدعی یاد خواهد شد و چنانچه‌سوگند ازسوی مدعی باشد،سوگند بر وجود یا وقوع ادعا علیه منکر به عمل‌خواهد آمد. به هر حال باید مقصود درخواست‌کننده‌سوگند معلوم وصریح باشد که کدامیک از این امور است ماده ۲۸۶ ـ بعد از صدور قرار اتیان‌سوگند، در صورتی که شخصی که‌بایدسوگند یاد کند حاضر باشد، دادگاه در همان جلسه‌سوگند می‌دهد ودر صورت عدم حضور تعیین وقت نموده طرفین را دعوت می‌کند.اگر کسی که بایدسوگند یاد کند بدون عذر موجه حاضر نشود یا بعد ازحضور ازسوگند امتناع نماید نکول محسوب و دادگاه اتیان‌سوگند را به‌طرف دعوا رد می کند

و با اتیان‌سوگند، حکم صادر خواهد شد وگرنه‌دعوا ساقط می گردد. در برگ احضاریه جهت حضور و نتیجه عدم‌حضور باید قید گردد. ماده ۲۸۷ ـ اگر کسی که بایدسوگند یاد کند برای قبول یا ردسوگندمهلت بخواهد، دادگاه می‌تواند به اندازه‌ای که موجب ضرر طرف نشودبه او یک بار مهلت بدهد. ماده ۲۸۸ ـ اتیان‌سوگند باید در جلسه دادگاه رسیدگی‌کننده به دعواانجام شود. در صورتی که اداکننده‌سوگند بواسطه عذر موجه نتواند درددادگاه حضور یابد، دادگاه حسب اقتضای مورد، وقت دیگری‌برای‌سوگند معین می‌نماید یادادرس دادگاه نزد او حاضر می‌شود یا به‌قاضی دیگر نیابت می‌دهد تا او راسوگند داده و صورت مجلس را برای‌دادگاه ارسال کند و براساس آن رای صادر می‌نماید. ماده ۲۸۹ ـ هرگاه کسی که درخواست‌سوگند کرده است از تقاضای‌خود صرف‌نظر نماید دادگاه با توجه به سایر مستندات به دعوا رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر می‌نماید. مبحث هشتم ـ نیابت قضایی ماده ۲۹۰ ـ در هر موردی که رسیدگی به دلایلی از قبیل تحقیقات ازمطلعین و گواهان یا معاینه محلی و یا هر اقدام دیگری که می‌بایست‌خارج از مقر دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا انجام گیرد و مباشرت‌دادگاه شرط نباشد، مرجع مذکور به دادگاه صلاحیت‌دار محل نیابت‌می‌دهد تا حسب مورد اقدام لازم معمول و نتیجه را طی صورت‌مجلس به دادگاه نیابت دهنده ارسال نماید. اقدامات مذکور درصورتی معتبر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه باشد. ماده ۲۹۱ ـ در مواردی که تحقیقات باید خارج از کشور ایران به عمل‌آید، دادگاه در حدود مقررات معهود بین دولت ایران و کشور موردنظر، به دادگاه کشوری که تحقیقات باید در قلمرو آن انجام شود نیابت‌می‌دهد تا تحقیقات را به عمل آورده و صورت مجلس را ارسال دارد.ترتیب اثر بر تحقیقات معموله در خارج از کشور متوقف بر وثوق دادگاه به نتیجه تحقیقات می‌باشد. ماده ۲۹۲ ـ دادگاههای ایران می‌توانند به شرط معامله متقابل نیابتی که از طرف دادگاههای کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آنها داده می‌شود قبول کنند. ماده ۲۹۳ ـ دادگاههای ایران نیابت تحقیقات قضایی را برابر قانون‌ایران انجام می‌دهند، لکن چنانچه دادگاه کشور خارجی ترتیب‌خاصی برای رسیدگی معین کرده باشد، دادگاه ایران می‌تواند به شرط معامله متقابل و در صورتی که مخالف با موازین اسلام و قوانین‌مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد برابر آن عمل نماید. ماده ۲۹۴ ـ در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور، دادگاه نحوه‌بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین و از دادگاه خارجی که به‌آن نیابت داده می‌شود می‌خواهد که براساس آن کار تحقیقات را انجام دهد. در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به‌بررسی و تحقیق نماید اعتبار آن منوط به نظر دادگاه خواهد بود.

فصل یازدهم ـ رأی (ماده ۲۹۵ الی ۳۲۵)

مبحث اول ـ صدور و انشای رای ماده ۲۹۵ ـ پس از اعلام‌ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه درهمان جلسه انشا رای نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید در غیراین صورت حداکثر ظرف یک هفته انشا و اعلام رای می‌کند. ماده ۲۹۶ ـ رای دادگاه پس از انشای لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد: ۱ ـ تاریخ صدور رای ۲ ـ مشخصات‌اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان باقیداقامتگاه ۳ ـ موضوع دعوا و درخواست طرفین ۴ ـ جهات دلایل مستندات اصول و مواد قانونی که رای براساس‌آنها صادر شده است ۵ ـ مشخصات و سمت‌دادرس یا دادرسان دادگاه ماده ۲۹۷ ـ رای دادگاه باید ظرف پنج روز از تاریخ صدور پاکنویس‌شده و به امضای‌دادرس یا دادرسان صادرکننده رای برسد. ماده ۲۹۸ ـ در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن‌مقتضی صدور رای باشد با درخواست خواهان دادگاه مکلف به‌انشای رای نسبت به همان قسمت می‌باشد و نسبت به قسمت دیگررسیدگی را ادامه می‌دهد. ماده ۲۹۹ ـ چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طورجزیی یا کلی‌باشد،حکم ودرغیراین‌صورت‌قرارنامیده‌می‌شود. مبحث دوم ـ ابلاغ رای ماده ۳۰۰ ـ مدیر دفتر دادگاه موظف است فوری پس از امضای‌دادنامه رونوشت آن را به تعداد اصحاب دعوا تهیه و در صورتی که‌شخصا یا وکیل یا نماینده قانونی آنها حضور دارند به آنان ابلاغ نماید والا به مامور ابلاغ تسلیم و توسط وی به اصحاب دعوا ابلاغ گردد. ماده ۳۰۱ ـ

مدير يا اعضای دفتر قبل از آن که رای يادادنامه به امضای دادرس يا دادرس‌ها برسد، نبايد رونوشت آن را به کسی تسليم نمايند.در صورت تخلف مرتکب به حکم هیاتهای رسيدگی به تخلفات‌اداری به مجازات بند(ب ماده (۹) قانون رسيدگی به تخلفات اداری ـ مصوب ۱۳۷۲ ـ و بالاتر محکوم خواهد شد. ماده ۳۰۲ ـ هيچ حکم يا قراری را نمی‌توان اجرا نمود مگر اين که‌به صورت حضوری و يا به صورت دادنامه يا رونوشت گواهی شده‌آن به طرفين يا وکيل آنان ابلاغ شده باشد. نحوه ابلاغ دادنامه و رونوشت آن برابر مقررات مربوط به ابلاغ‌دادخواست و ساير اوراق رسمی خواهد بود. تبصره ـ چنانچه رای دادگاه غيابی بوده و محکوم‌عليه‌مجهول‌المکان باشد، مفاد رای به وسيله آگهی در يکی از روزنامه‌های کثيرالانتشار مرکز يا محلی با هزينه خواهان برای يکباربه محکوم‌عليه ابلاغ خواهد شد. تاريخ انتشار آگهی تاريخ ابلاغ رای‌محسوب می‌شود. مبحث سوم ـ حکم حضوری و غيابی ماده ۳۰۳ ـ حکم دادگاه حضوری است مگر اين که خوانده يا وکيل‌يا قائم مقام يا نماينده قانونی وی در هيچ يک از جلسات دادگاه حاضرنشده و به طور کتبی نيز دفاع ننموده باشد و يااخطاريه ابلاغ واقعی‌نشده باشد. ماده ۳۰۴ ـ در صورتی که خواندگان متعدد باشند و فقط بعضی از آنان‌در جلسه دادگاه حاضر شوند و يا لايحه دفاعيه تسليم نمايند، دادگاه‌نسبت به دعوای مطروحه عليه کليه خواندگان رسيدگی کرده سپس‌مبادرت به صدور رای می‌نمايد، رای دادگاه نسبت به کسانی که درجلسات حاضر نشده و لايحه دفاعيه نداده‌اند و يا اخطاريه ابلاغ واقعی نشده باشد غيابی محسوب است مبحث چهارم ـ واخواهی ماده ۳۰۵ ـ محکوم‌عليه غايب حق دارد به‌حکم غيابی‌اعتراض نمايد.اين‌اعتراض‌واخواهی ناميده می‌شود. دادخواست‌واخواهی در دادگاه‌صادرکننده‌حکم غيابی قابل رسيدگی است ماده ۳۰۶ ـ مهلت‌واخواهی از احکام غيابی برای کسانی که مقيم‌کشورند بيست روز و برای کسانی که خارج از کشور اقامت دارند دوماه از تاريخ ابلاغ واقعی خواهد بود مگر اين که معترض به حکم ثابت‌نمايد عدم اقدام به واخواهی در اين مهلت به دليل عذر موجه بوده‌است در اين صورت بايد دلايل موجه بودن عذر خود را ضمن‌دادخواست‌واخواهی به دادگاه صادرکننده رای اعلام نمايد. اگر دادگاه‌ادعا را موجه تشخيص داد قرار قبول دادخواست‌واخواهی را صادر واجرای حکم نيز متوقف می‌شود. جهات زير عذر موجه محسوب‌می‌گردد: ۱ ـ مرضی که مانع حرکت است ۲ ـ فوت يکی از والدين يا همسر يا اولاد. ۳ ـ حوادث قهريه از قبيل سيل زلزله و حريق که بر اثر آن تقديم‌دادخواست‌واخواهی در مهلت مقرر ممکن نباشد. ۴ ـ توقيف يا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرردادخواست‌واخواهی تقديم کرد. تبصره ۱ ـ چنانچه ابلاغ واقعی به شخص محکوم عليه ميسر نباشد وابلاغ قانونی به عمل آيد، آن ابلاغ معتبر بوده وحکم غيابی پس ازانقضای مهلت قانونی و قطعی شدن به موقع اجرا گذارده خواهد شد. در صورتی که حکم ابلاغ واقعی نشده باشد و محکوم‌عليه مدعی عدم‌اطلاع از مفاد رای باشد می‌تواند دادخواست‌واخواهی به دادگاه‌صادرکننده‌حکم غيابی تقديم دارد. دادگاه بدوا خارج از نوبت در اين‌مورد رسيدگی نموده قرار رد يا قبول دادخواست را صادر می‌کند. قرار قبول دادخواست مانع اجرای حکم خواهد بود. تبصره ۲ ـ اجرای‌حکم غيابی منوط به معرفی ضامن معتبر يا اخذتامين متناسب از محکوم‌له خواهد بود. مگر اين که دادنامه يا اجراييه به‌محکوم‌عليه غايب ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاريخ‌ابلاغ دادنامه‌واخواهی نکرده باشد. تبصره ۳ ـ تقديم دادخواست خارج از مهلت ياد شده بدون عذرموجه قابل رسيدگی در مرحله‌تجديدنظر برابر مقررات مربوط به آن‌مرحله می‌باشد. ماده ۳۰۷ ـ چنانچه محکوم عليه غايب پس از اجرای‌حکم واخواهی نمايد و در رسيدگی بعدی‌حکم به نفع او صادر شود،خواهان ملزم به‌جبران خسارت‌ناشی‌از اجرای حکم اولی به واخواه‌می‌باشد. ماده ۳۰۸ ـ رايی که پس از رسيدگی واخواهی صادر می‌شود فقط‌نسبت به واخواه و واخوانده موثر است و شامل کسی که‌واخواهی‌نکرده است نخواهد شد مگر اين که رای صادره قابل تجزيه و تفکيک‌نباشد که در اين صورت نسبت به کسانی که‌مشمول‌حکم غيابی بوده ولی واخواهی نکرده‌اند نيز تسری خواهد داشت مبحث پنجم ـ تصحيح رای ماده ۳۰۹ ـ هرگاه در تنظيم و نوشتن رای دادگاه سهو قلم رخ دهدمثل از قلم افتادن کلمه‌ای يا زياد شدن آن و يا اشتباهی در محاسبه‌صورت گرفته باشد تا وقتی که از آن درخواست‌تجديدنظر نشده دادگاه راسا يا به درخواست ذی‌نفع رای را تصحيح می‌نمايد. رای‌تصحيحی به طرفين

ابلاغ خواهد شد. تسلیم رونوشت رای اصلی‌بدون رونوشت رای تصحیحی ممنوع است حکم دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نبوده در صورت قطعیت‌اجرا خواهد شد. تبصره ۱ ـ در مواردی که اصل حکم یا قرار دادگاه قابل‌واخواهی‌یاتجدیدنظر یا فرجام است تصحیح آن نیز در مدت قانونی قابل‌واخواهی یاتجدیدنظر یا فرجام خواهد بود. تبصره ۲ ـ چنانچه رای مورد تصحیح به واسطه‌واخواهی‌یاتجدیدنظر یا فرجام نقض گردد رای تصحیحی نیز از اعتبار خواهدافتاد. مبحث ششم ـ دادرسی فوری ماده ۳۱۰ ـ در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه به‌درخواست ذی نفع برابر مواد زیردستور موقت صادر می‌نماید. ماده ۳۱۱ ـ چنانچه اصل دعوا در دادگاهی مطرح باشد مرجع‌درخواست‌دستور موقت همان دادگاه خواهد بود و در غیر این‌صورت مرجع درخواست دادگاهی می‌باشد که‌صلاحیت رسیدگی به‌اصل دعوا را دارد. ماده ۳۱۲ ـ هرگاه موضوع درخواست‌دستور موقت در مقر دادگاهی‌غیر از دادگاههای یاد شده در ماده قبل باشد، درخواست‌دستور موقت‌از آن دادگاه به عمل می‌آید اگرچه‌صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا رانداشته باشد. ماده ۳۱۳ ـ درخواست‌دستور موقت ممکن است کتبی یا شفاهی‌باشد. درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای‌درخواست‌کننده می‌رسد. ماده ۳۱۴ ـ برای رسیدگی به امور فوری دادگاه روز و ساعات مناسبی‌را تعیین و طرفین را به دادگاه دعوت می‌نماید. در مواردی که فوریت‌کار اقتضا کند می‌توان بدون تعیین وقت و دعوت از طرفین و حتی دراوقات تعطیل و یا در غیرمحل دادگاه به امور یاد شده رسیدگی نمود. ماده ۳۱۵ ـ تشخیص فوری بودن موضوع درخواست با دادگاهی‌می‌باشد که‌صلاحیت رسیدگی به درخواست را دارد. ماده ۳۱۶ ـ دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام‌عمل و یا منع از امری باشد. ماده ۳۱۷ ـ دستور موقت دادگاه به هیچ وجه تاثیری در اصل دعوانخواهد داشت ماده ۳۱۸ ـ پس از صدور دستور موقت در صورتی که از قبل اقامه‌دعوا نشده باشد، درخواست‌کننده باید حداکثر ظرف بیست روز ازتاریخ صدور دستور، به منظور اثبات دعوای خود به دادگاه صالح‌مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که‌دستور موقت صادر کرده تسلیم نماید. در غیر این صورت دادگاه‌صادرکننده‌دستور موقت به درخواست طرف از آن رفع اثر خواهدکرد. ماده ۳۱۹ ـ دادگاه مکلف است برای جبران خسارت احتمالی که‌ازدستور موقت حاصل می‌شود از خواهان تامین مناسبی اخذ نماید. دراین صورت صدوردستور موقت منوط به سپردن تامین می‌باشد. ماده ۳۲۰ ـ دستور موقت پس از ابلاغ قابل اجراست و نظر به فوریت‌کار، دادگاه می‌تواند مقرر دارد که قبل از ابلاغ اجرا شود. ماده ۳۲۱ ـ در صورتی که طرف دعوا تامینی بدهد که متناسب باموضوع‌دستور موقت باشد، دادگاه در صورت مصلحت ازدستورموقت رفع اثر خواهد نمود. ماده ۳۲۲ ـ هرگاه جهتی که موجب دستور موقت شده است مرتفع‌شود، دادگاه صادرکننده دستور موقت آن را لغو می‌نماید و اگر اصل‌دعوا در دادگاه مطرح باشد، دادگاه رسیدگی‌کننده دستور را لغو خواهدنمود. ماده ۳۲۳ ـ در صورتی که برابر ماده (۳۱۸) اقامه دعوا نشود و یا درصورت اقامه دعوا، ادعای خواهان رد شود، متقاضی‌دستور موقت به‌جبران خساراتی که طرف دعوا در اجرای دستور متحمل شده است‌محکوم خواهد شد. ماده ۳۲۴ ـ در خصوص تامین اخذ شده از متقاضی‌دستور موقت یارفع اثر از آن چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای نهایی‌برای‌مطالبه خسارت طرح دعوا نشود، به دستور دادگاه از مال موردتامین رفع توقیف خواهد شد. ماده ۳۲۵ ـ قبول یا رد درخواست دستور موقت مستقلا قابل‌اعتراض‌و تجدیدنظر و فرجام نیست لکن متقاضی می‌تواند ضمن تقاضای‌تجدیدنظر به اصل رای نسبت به آن نیزاعتراض و درخواست رسیدگی‌نماید. ولی در هر حال رد یا قبول درخواست‌دستور موقت قابل‌رسیدگی فرجامی نیست تبصره۱ـ اجرا دستور موقت مستلزم تایید رییس‌حوزه قضایی می‌باشد. تبصره ۲ ـ درخواست صدوردستور موقت مستلزم پرداخت‌هزینه‌دادرسی معادل دعاوی غیرمالی است

باب چهارم ـ تجدیدنظر

فصل اول ــ احکام و قرارهای‌قابل نقض وتجدیدنظر (ماده ۳۲۶ الی ۳۲۹)

ماده ۳۲۷ ـ چنانچه قاضی صادرکننده رای متوجه اشتباه خود شود مستدلا پرونده را به دادگاه‌تجدیدنظر ارسال می‌دارد. دادگاه یاد شده باتوجه به دلیل ابرازی رای صادره را نقض و رسیدگی ماهوی خواهدکرد. ماده ۳۲۸ ـ در صورتی که هریک از مقامات مندرج در تبصره ۱)ماده (۳۲۶) پی به اشتباه رای صادره ببرند با ذکر استدلال پرونده را به‌دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌دارند. دادگاه یاد شده در صورت پذیرش‌استدلال تذکردهنده رای را نقض و رسیدگی ماهوی می‌نماید والا رای را تایید و برای اجرا به دادگاه بدوی اعاده می‌نماید. ماده ۳۲۹ ـ در صورتی که عدم‌صلاحیت قاضی صادرکننده رای ادعاشود، مرجع‌تجدیدنظر ابتدا به اصل ادعا رسیدگی و در صورت احراز،رای را نقض و دوباره رسیدگی خواهد کرد.

فصل دوم ــ آرای قابل‌تجدیدنظر (ماده ۳۳۰ الی ۳۳۵)

ماده ۳۳۰ ـ آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است مگر در مواردی که طبق قانون قابل درخواست تجدیدنظر باشد. ماده ۳۳۱ ـ احکام زیر قابل درخواست‌تجدیدنظر می‌باشد: الف ـ در دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون (۳ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال متجاوز باشد. ب ـ کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی ج ـ حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل‌دعوا قابل تجدیدنظر باشد. تبصره ـ احکام مستند به‌اقرار در دادگاه یا مستند به رای یک یا چندنفرکارشناس که طرفین کتبا رای آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل‌درخواست تجدید نظر نیست مگر درخصوص‌صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رای ماده ۳۳۲ ـ قرارهای زیر قابل‌تجدیدنظر است در صورتی که حکم‌راجع به اصل دعوا قابل درخواست‌تجدیدنظر باشد: الف ـ قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود. ب ـ قرار رد دعوا یا عدم استماع دعوا. ج ـ قرار سقوط دعوا. د ـ قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. ماده ۳۳۳ ـ در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی‌حق‌تجدیدنظرخواهی خود را ساقط کرده باشند تجدیدنظر خواهی آنان مسموع نخواهد بود مگر در خصوص‌صلاحیت دادگاه یا قاضی‌صادرکننده رای ماده ۳۳۴ ـ مرجع تجدیدنظر آرای دادگاههای عمومی و انقلاب هرحوزه‌ای دادگاه‌تجدیدنظر مرکز همان استان می‌باشد. ماده ۳۳۵ ـ اشخاص زیر حق درخواست‌تجدیدنظر دارند: الف ـ طرفین دعوا یا وکلا و یا نمایندگان قانونی آنها. ب ـ مقامات مندرج در تبصره (۱) ماده (۳۲۶) در حدود وظایف قانونی خود.

فصل سوم ــ مهلت‌تجدیدنظر (ماده ۳۳۶ الی ۳۳۸)

ماده ۳۳۶ ـ مهلت درخواست تجدیدنظر اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت واخواهی است ماده ۳۳۷ ـ هرگاه یکی از کسانی که حق‌تجدیدنظر خواهی دارند قبل‌از انقضای مهلت‌تجدیدنظر ورشکسته یا محجور یا فوت شود، مهلت‌جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار در مورد ورشکسته به مدیر تصفیه و در مورد محجور به قیم و در صورت فوت به وراث یا قائم‌مقام یانماینده قانونی وارث شروع می‌شود. ماده ۳۳۸ ـ اگر سمت یکی از اشخاص که به عنوان نمایندگی ازقبیل ولایت یا قیمومت و یا وصایت در دعوا دخالت داشته‌اند قبل از انقضای مدت‌تجدیدنظرخواهی زایل گردد، مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ‌حکم یا قرار به کسی که به این سمت تعیین می‌شود شروع خواهد شد واگر زوال این سمت به واسطه رفع حجر باشد،مهلت‌تجدیدنظرخواهی از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به کسی که از وی‌رفع حجر شده است شروع می گردد.

فصل چهارم ــ دادخواست و مقدمات رسیدگی (ماده ۳۳۹ الی ۳۴۷)

ماده ۳۳۹ ـ متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست خود را ظرف مهلت مقرر به‌دفتر دادگاه صادرکننده رای یا دفتر شعبه اول دادگاه‌تجدیدنظریا به دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید. هریک از مراجع یاد شده در بالا باید بلافاصله پس از وصول دادخواست آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوا، تاریخ تسلیم شماره ثبت و دادنامه به تقدیم‌کننده تسلیم و در روی کلیه برگهای دادخواست‌تجدیدنظر همان تاریخ را قید کند. این‌تاریخ تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می‌گردد. تبصره ۱ ـ در صورتی که دادخواست به دفتر مرجع‌تجدیدنظریابازداشتگاه داده شود به شرح بالا ـ اقدام و دادخواست را به دادگاه‌صادرکننده رای ارسال می‌دارد. چنانچه دادخواست‌تجدیدنظر در مهلت قانونی تقدیم شده باشد،مدیردفتر دادگاه بدوی پس از تکمیل آن پرونده را ظرف دو روز به‌مرجع‌تجدیدنظر ارسال می‌دارد. تبصره ۲ ـ در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شود و یا در مهلت قانونی رفع نقص نگردد، به موجب قرار دادگاه صادرکننده‌رای بدوی رد می‌شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ در مرجع تجدید نظر قابل‌اعتراض است رای دادگاه‌تجدیدنظر قطعی است تبصره ۳ ـ دادگاه باید ذیل رای خود، قابل‌تجدیدنظر بودن یا نبودن‌رای و مرجع‌تجدیدنظر آن را معین نماید. این امر مانع از آن نخواهدبود که اگر رای دادگاه قابل‌تجدیدنظر بوده و دادگاه آن را قطعی اعلام‌کند، هریک از طرفین درخواست تجدیدنظر نماید. ماده ۳۴۰ ـ در صورتی که در مهلت مقرر دادخواست تجدیدنظر به‌مراجع مذکور در ماده قبل تقدیم نشده باشد، متقاضی تجدیدنظر بادلیل و بیان عذر خود تقاضای‌تجدیدنظر را به دادگاه صادرکننده رای تقدیم می‌نماید. دادگاه مکلف است ابتدا به عذر عنوان شده که به‌موجب عدم تقدیم دادخواست در مهلت مقرر بوده رسیدگی و درصورت وجود عذر موجه نسبت به پذیرش دادخواست تجدید نظر اتخاذ تصمیم می‌نماید. تبصره ـ جهات عذر موجه همان موارد مذکور در ذیل ماده (۳۰۶)می‌باشد. ماده ۳۴۱ ـ در دادخواست باید نکات زیر قید شود: ۱ ـ نام و نام خانوادگی واقامتگاه و سایر مشخصات‌تجدیدنظرخواه و وکیل او در صورتی که دادخواست را وکیل داده باشد. ۲ ـ نام و نام خانوادگی اقامتگاه و سایر مشخصات‌تجدیدنظر خوانده ۳ ـ حکم یا قراری که از آن درخواست‌تجدیدنظر شده است ۴ ـ دادگاه صادرکننده رای ۵ ـ تاریخ ابلاغ رای ۶ ـ دلایل‌تجدیدنظر خواهی ماده ۳۴۲ ـ هرگاه دادخواست‌دهنده عنوان قیمومت یا ولایت یاوصایت یا وکالت یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد بایدرونوشت یا تصویر سندی را که مثبت سمت او می‌باشد، پیوست‌دادخواست نماید. ماده ۳۴۳ ـ دادخواست و برگهای پیوست آن باید در دو نسخه و درصورت متعدد بودن طرف به تعداد آنها بعلاوه یک نسخه باشد. ماده ۳۴۴ ـ اگر مشخصات تجدید نظر خواه در دادخواست معین‌نشده و معلوم نباشد که دادخواست دهنده چه کسی می‌باشد یا اقامتگاه او معلوم نباشد و قبل از انقضای مهلت دادخواست تکمیل یا تجدیدنشود پس از انقضای مهلت دادخواست یادشده به موجب قراردادگاهی که دادخواست رادریافت نموده رد می‌گردد. این قرار نسبت به‌اصحاب‌دعوا ظرف ده روز از تاریخ الصاق به دیوار دادگاه قابل‌اعتراض درددادگاه تجدید نظر، خواهد بود. تبصره ـ مهلت مقرر دراین ماده و ماده (۳۳۶) شامل موارد نقض‌مذکور در ماده (۳۲۶) نخواهد بود. ماده ۳۴۵ ـ هر دادخواستی که نکات یاد شده در بندهای (۲، ۳، ۴، ۵و ۶) ماده (۳۴۱) و مواد (۳۴۲) و (۳۴۳) در آن رعایت نشده باشد به‌جریان نمی‌افتد و مدیردفتر دادگاه بدوی ظرف دو روز از تاریخ وصول‌دادخواست نقایص را به طور تفصیل به دادخواست دهنده به طور کتبی اطلاع داده و از روز ابلاغ ده روز به او مهلت می‌دهد که نقایص را رفع کند و اگر محتاج به تجدید دادخواست است آن را تجدید نماید،در غیر این صورت برابر تبصره (۲) ماده (۳۳۹) اقدام خواهد شد. ماده ۳۴۶ ـ مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف دوروز از تاریخ وصول‌دادخواست و ضمایم آن و یا پس از رفع نقص یک نسخه از دادخواست و پیوست‌های آن را برای طرف دعوا می‌فرستد که ظرف ده‌روز از تاریخ ابلاغ پاسخ دهد، پس از انقضای مهلت یاد شده اعم از این‌که پاسخی رسیده یا نرسیده باشد، پرونده را به مرجع تجدید نظرمی‌فرستد. ماده ۳۴۷ ـ تجدید نظرخواهی از آرای قابل تجدید نظر که در قانون‌احصاء گردیده مانع اجرای حکم خواهد بود، هر چند دادگاه صادرکننده رای آن را قطعی اعلام نموده باشد مگر در مواردی که طبق قانون استثنا شده باشد.

فصل پنجم ـ جهات تجدید نظر (ماده ۳۴۸ الی ۳۶۵)

ماده ۳۴۸ ـ جهات درخواست تجدید نظر به قرار زیر است الف ـ ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه ب – ادعای فقدان شرایط قانونی‌شهادت شهود. ج ـ ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی د ـ ادعای عدم‌صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رای هـ ـ ادعای مخالف بودن رای با موازین شرعی و یا مقررات قانونی تبصره ـ اگر درخواست تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکوردر این ماده به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر، مرجع‌تجدید نظر به آن جهت هم رسیدگی می‌نماید. ماده ۳۴۹ ـ مرجع تجدید نظر فقط به آنچه که مورد تجدیدنظرخواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می‌نماید. ماده ۳۵۰ ـ عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی موجب نقض رای در مرحله‌تجدید نظر نخواهد بود. در این موارد دادگاه تجدید نظر به دادخواست‌دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع‌نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد دادگاه رای صادره را نقض و قراررد دعوای بدوی را صادر می‌نماید. ماده ۳۵۱ ـ چنانچه دادگاه تجدید نظر در رای بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام سهو قلم مشخصات طرفین و یا ازقلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده اشکال‌دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رای آن را تایید خواهد کرد. ماده ۳۵۲ ـ هرگاه دادگاه تجدید نظر، دادگاه بدوی را فاقدصلاحیت‌محلی یا ذاتی تشخیص دهد رای را نقض و پرونده را به مرجع صالح‌ارسال می‌دارد. ماده ۳۵۳ ـ دادگاه تجدید نظر درصورتی که قرار مورد شکایت رامطابق با موازین قانونی تشخیص دهد آن را تایید می‌کند. در غیر این‌صورت پس از نقض پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار عودت می‌دهد. ماده ۳۵۴ ـ قرار تحقیق و معاینه محل در دادگاه تجدید نظر توسط رییس دادگاه یا به دستور او توسط یکی از مستشاران شعبه اجرامی‌شود و چنانچه محل اجرای قرار در شهر دیگر همان استان باشددادگاه تجدید نظر می‌تواند اجرای قرار را از دادگاه محل درخواست‌نماید و در صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی استان دیگرباشد با اعطای‌نیابت قضایی به دادگاه محل درخواست اجرای قرار راخواهد نمود. تبصره ـ درمواردی که مبنای رای دادگاه فقط گواهی گواه یا معاینه‌محل باشد توسط قاضی صادرکننده رای انجام خواهد شد مگر این که‌گزارش مورد وثوق دادگاه باشد. ماده ۳۵۵ ـ در صورتی که دادگاه تجدید نظر قراردادگاه بدوی را درمورد رد یا عدم استماع دعوا به جهت یاد شده در قرار، موجه نداند ولی‌به جهات قانونی دیگر دعوا را مردود یا غیر قابل استماع تشخیص‌دهد، در نهایت قرار صادره را تایید خواهد کرد. ماده ۳۵۶ ـ مقرراتی که در دادرسی بدوی رعایت می‌شود در مرحله‌تجدید نظر نیز جاری است مگر این که به موجب قانون ترتیب دیگری‌مقرر شده باشد. ماده ۳۵۷ ـ غیر از طرفین دعوا یا قائم مقام قانونی آنان کس دیگری‌نمی‌تواند در مرحله تجدید نظر وارد شود، مگر در مواردی که قانون‌مقرر می‌دارد. ماده ۳۵۸ ـ چنانچه دادگاه تجدید نظر ادعای تجدید نظرخواه را موجه‌تشخیص دهد، رای دادگاه بدوی را نقض و رای مقتضی صادرمی‌نماید. درغیر این صورت با رد درخواست و تایید رای پرونده را به دادگاه بدوی اعاده خواهد کرد. ماده ۳۵۹ ـ رای دادگاه تجدید نظر نمی‌تواند مورد استفاده غیر طرفین تجدید نظرخواهی قرار گیرد، مگر در مواردی که رای صادره قابل‌تجزیه و تفکیک نباشد که در این صورت نسبت به اشخاص دیگر هم‌که مشمول رای بدوی بوده و تجدید نظر خواهی نکرده‌اند تسری‌خواهد داشت ماده ۳۶۰ ـ هرگاه در تنظیم و نوشتن رای دادگاه تجدید نظر،سهو یا اشتباهی رخ دهد همان دادگاه با رعایت ماده (۳۰۹) آن را اصلاح‌خواهد کرد. ماده ۳۶۱ ـ تنظیم دادنامه و ابلاغ آن به ترتیب مقرر در مرحله بدوی می‌باشد. ماده ۳۶۲ـ ادعای جدید در مرحله تجدید نظر مسموع نخواهد بود ولی موارد زیر ادعای جدید محسوب نمی‌شود: ۱ـ مطالبه قیمت محکوم به که عین آن موضوع رای بدوی بوده و یا مطالبه عین مالی که قیمت آن در مرحله بدوی مورد حکم قرار گرفته‌است ۲ـ ادعای اجاره بها و مطالبه بقیه اقساط آن و اجرت المثل و دیونی که‌موعد پرداخت آن در جریان رسیدگی بدوی

رسیده و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیان که در زمان جریان دعوا یا بعد از صدور رای بدوی به خواسته اصلی تعلق گرفته و مورد حکم واقع نشده یا موعد پرداخت آن بعد از صدور رای رسیده باشد. ۳ـ تغییر عنوان خواسته از اجرت المسمی به اجرت المثل یا بالعکس ماده ۳۶۳ ـ چنانچه هریک از طرفین دعوا دادخواست تجدیدنظر خودرا مسترد نمایند، مرجع تجدید نظر قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌نماید. ماده ۳۶۴ ـ در مواردی که رای دادگاه تجدید نظر مبنی بر محکومیت خوانده باشد و خوانده یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضرنبوده و لایحه دفاعیه و یا اعتراضیه‌ای هم نداده باشند رای دادگاه تجدید نظر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم علیه یا وکیل او قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدید نظرمی‌باشد، رای صادره قطعی است ماده ۳۶۵ ـ آرای صادره در مرحله تجدید نظر جز در موارد مقرر در ماده(۳۲۶)قطعی می‌باشد.

باب پنجم ـ فرجام خواهی

فصل اول ـ فرجام خواهی در امور مدنی (ماده ۳۶۶ الی ۴۱۶) .

مبحث اول ـ فرجام خواهی و آرای قابل فرجام ماده ۳۶۶ ـ رسیدگی فرجامی عبارت است از تشخیص انطباق یا عدم‌انطباق رای مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی ماده ۳۶۷ ـ آرای دادگاههای بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل‌فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر: الف ـ احکام ۱ـ احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال باشد. ۲ـ احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن طلاق ، نسب حجر، وقف ثلث حبس و تولیت ب ـ قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد: ۱ـ قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد. ۲ـ قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. ماده ۳۶۸ ـ آرای دادگاههای تجدید نظر استان قابل‌فرجام خواهی‌نیست مگر در موارد زیر: الف ـ احکام احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن طلاق ، نسب حجر و وقف ب ـ قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل‌رسیدگی فرجامی باشد: ۱ـ قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه تجدید نظر صادر شده باشد. ۲ـ قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. ماده ۳۶۹ ـ احکام زیر اگر چه از مصادیق بندهای (الف در دو ماده‌قبل باشد حسب مورد قابل رسیدگی فرجامی نخواهد بود: ۱ـ احکام مستند به‌اقرار قاطع دعوا درددادگاه ۲ـ احکام مستند به نظریه یک یا چند نفرکارشناس که طرفین به طورکتبی رای آنها را قاطع دعوا قرارداده باشند. ۳ـ احکام مستند به‌سوگند که قاطع دعوا باشد. ۴ـ احکامی که طرفین حق‌فرجام خواهی خود را نسبت به آن ساقط‌کرده باشند. ۵ـ احکامی که ضمن یا بعد از رسیدگی به دعاوی اصلی راجع به‌متفرعات آن صادر می‌شود، در صورتی که حکم راجع به اصل دعواقابل رسیدگی فرجامی نباشد. ۶ـ احکامی که به موجب قوانین خاص غیر قابل‌فرجام خواهی است مبحث دوم ـ موارد نقض ماده ۳۷۰ ـ شعبه رسیدگی کننده پس از رسیدگی با نظر اکثریت اعضا در ابرام یا نقض رای فرجام خواسته اتخاذ تصمیم می‌نماید. چنانچه رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن ابرام آن پرونده را به دادگاه صادر کننده اعاده می‌نماید والا طبق مقررات آتی اقدام خواهد شد. ماده ۳۷۱ ـ در موارد زیر حکم یا قرار نقض می‌گردد: ۱ـ دادگاه صادرکننده رای صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به موضوع رانداشته باشد و در مورد عدم رعایت صلاحیت محلی وقتی که نسبت‌به آن ایراد شده باشد. ۲ـ رای صادره خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی شناخته شود. ۳ـ عدم رعایت اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوادر صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رای را از اعتبار قانونی‌بیندازد. ۴ـ آرای مغایر با یکدیگر، بدون سبب قانونی در یک موضوع و بین‌همان اصحاب دعوا صادر شده باشد. ۵ـ تحقیقات انجام شده ناقص بوده و یا به دلایل و مدافعات طرفین‌توجه نشده باشد. ماده ۳۷۲ ـ چنانچه رای صادره با قوانین حاکم در زمان صدور آن مخالف نباشد، نقض نمی‌گردد. ماده ۳۷۳ ـ چنانچه مفاد رای صادره با یکی از مواد قانونی مطابقت داشته باشد،

لکن اسباب توجیهی آن با ماده‌ای که دارای معنای دیگری‌است تطبیق شده رای یاد شده نقض می گردد. ماده ۳۷۴ ـ در مواردی که دعوا ناشی از قرارداد باشد، چنانچه به مفادصریح سند یا قانون یا آیین نامه مربوط به آن قراردادمعنای دیگری غیراز معنای مورد نظر دادگاه صادر کننده رای داده شود، رای صادره در آن‌خصوص نقض می گردد. ماده ۳۷۵ ـ چنانچه عدم صحت مدارك اسناد و نوشته‌های مبنای رای که طرفین در جریان دادرسی ارایه نموده‌اند ثابت شود، رای صادره‌نقض می گردد. ماده ۳۷۶ ـ چنانچه در موضوع یک دعوا آرای مغایری صادر شده‌باشد بدون این که طرفین و یا صورت اختلاف تغییر نماید و یا به سبب‌تجدید نظر یا اعاده دادرسی رای دادگاه نقض شود، رای موخر بی‌اعتباربوده و به درخواست ذی نفع بی‌اعتباری آن اعلام می گردد. همچنین‌رای اول در صورت مخالفت باقانون نقض خواهد شد، اعم از این که‌آرای یاد شده از یک دادگاه و یا دادگاههای متعدد صادر شده باشند. ماده ۳۷۷ ـ در صورت وجود یکی از موجبات نقض رای موردتقاضای فرجام نقض می‌شود اگر چه فرجام خواه به آن جهت که موردنقض قرار گرفته استناد نکرده باشد. مبحث سوم ـ ترتیب فرجام خواهی ماده ۳۷۸ ـ افراد زیر می‌توانند بارعایت مواد آتی درخواست رسیدگی‌فرجامی نمایند: ۱ـ طرفین دعوا، قائم مقام نمایندگان قانونی و وکلای آنان ۲ـ دادستان کل کشور. ماده ۳۷۹ ـ فرجام خواهی با تقدیم دادخواست به دادگاه صادرکننده‌رای به‌عمل می‌آید. مدیر دفتر دادگاه مذکور باید دادخواست را در دفترثبت و رسیدی مشتمل بر نام فرجام خواه و طرف او و تاریخ تقدیم‌دادخواست با شماره ثبت به تقدیم کننده تسلیم و در روی کلیه برگهای‌دادخواست تاریخ تقدیم را قید نماید. تاریخ تقدیم دادخواست ابتدای‌فرجام خواهی محسوب می‌شود. ماده ۳۸۰ ـ در دادخواست باید نکات زیر قید شود: ۱ـ نام و نام‌خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام‌خواه و وکیل‌او در صورتی که دادخواست را وکیل داده باشد. ۲ـ نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام خوانده ۳ـ حکم یا قراری که از آن درخواست فرجام شده است ۴ـ دادگاه صادرکننده رای ۵ـ تاریخ ابلاغ رای ۶ـ دلایل فرجام خواهی ماده ۳۸۱ ـ به دادخواست فرجامی باید برگهای زیر پیوست شود: ۱ـرونوشت‌یاتصویرمصدق حکم یا قراری که از آن فرجام خواسته می‌شود. ۲ـ لایحه متضمن اعتراضات فرجامی ۳ـ وکالتنامه وکیل یا مدرك مثبت سق مت تقدیم کننده دادخواست‌فرجامی در صورتی که خود فرجام خواه دادخواست را نداده باشد. ماده ۳۸۲ ـ دادخواست و برگهای پیوست آن باید در دو نسخه و درصورت متعدد بودن طرف دعوا به تعداد آنها به علاوه یک نسخه باشد،به استثنای مدرك مثبت سمت که فقط به نسخه اول ضمیمه می‌شود. ماده ۳۸۳ ـ دادخواستی که برابر مقررات یاد شده در دو ماده قبل تقدیم‌نشده و یا هزینه دادرسی آن پرداخت نگردیده باشد به جریان نمی‌افتد. مدیر دفتر دادگاه در موارد یاد شده ظرف دو روز از تاریخ رسیددادخواست نقایص آن را به طور مشخص به دادخواست دهنده‌اخطار می‌نماید و از روز ابلاغ ده روز به او مهلت می‌دهد که نقایص رارفع کند. در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شده یا در مدت یاد شده‌تکمیل نشود به موجب قراردادگاهی که دادخواست به آن تسلیم گردیده رد می‌شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دیوان‌عالی‌کشور می‌باشد. رای دیوان قطعی است ماده ۳۸۴ ـ اگر مشخصات فرجام خواه در دادخواست فرجامی معین‌نشده و در نتیجه هویت دادخواست دهنده معلوم نباشد، دادخواست‌بلااثر می‌ماند و پس از انقضای مهلت فرجام خواهی به موجب‌قراردادگاهی که دادخواست به آنجا داده شده رد می‌شود. قرار یاد شده‌ظرف بیست روز از تاریخ الصاق به دیوار دفتر دادگاه صادر کننده قابل‌شکایت در دیوان عالی کشور می‌باشد. رای دیوان قطعی است ماده ۳۸۵ ـ در صورتی که دادخواست فرجام خواهی تکمیل باشد،مدیر دفتر دادگاه یک نسخه از دادخواست و پیوستهای آن را برای طرف دعوا، ارسال می‌دارد تا ظرف بیست روز به طور کتبی پاسخ دهد.پس از انقضای مهلت یاد شده اعم از این که پاسخی رسیده یا نرسیده باشد، پرونده را همراه با پرونده مربوط به رای فرجام خواسته به‌دیوان عالی کشور می‌فرستد. ماده ۳۸۶ ـ درخواست فرجام اجرای حکم را تا زمانی که حکم نقض‌نشده است به تاخیر نمی‌اندازد و لکن به ترتیب زیرعمل می گردد: الف ـ چنانچه محکوم به مالی باشد، درصورت لزوم به تشخیص‌دادگاه قبل از اجرا از محکوم له تامین مناسب اخذ خواهد شد. ب ـ چنانچه محکوم به غیر مالی باشد و به تشخیص

دادگاه‌صادرکننده حکم محکوم علیه تامین مناسب بدهد اجرای حکم تاصدور رای فرجامی به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۳۸۷ ـ هرگاه از رای قابل فرجام در مهلت مقرر قانونی فرجام‌خواهی نشده یا به هر علتی در آن موارد قرار رد دادخواست فرجامی‌صادر و قطعی شده باشد و ذی نفع مدعی خلاف شرع یا قانون بودن آن‌رای باشد، می‌تواند از طریق دادستان کل کشور تقاضای رسیدگی‌فرجامی بنماید. تقاضای یاد شده مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت‌هزینه دادرسی فرجامی است تبصره ـ مهلت تقدیم دادخواست یک ماه حسب مورد از تاریخ انقضای مهلت فرجام خواهی یا قطعی شدن قرار رد دادخواست‌فرجامی یا ابلاغ رای دیوان عالی کشور در خصوص تایید قرار رددادخواست فرجامی می‌باشد. ماده ۳۸۸ ـ دفتر دادستان کل کشور دادخواست رسیدگی فرجامی رادریافت و در صورت تکمیل بودن آن از جهت ضمایم و مستندات وهزینه دادرسی برابر مقررات آن را ثبت و به ضمیمه پرونده اصلی به‌نظر دادستان کل کشور می‌رساند. دادستان کل چنانچه ادعای آنها را در خصوص مخالقت بین رای با موازین شرع یا قانون مقرون به صحت تشخیص دهد از دیوان عالی‌کشور درخواست نقض آن را می‌نماید. در صورت نقض رای در دیوان‌عالی کشور، برابر مقررات مندرج در مبحث ششم این قانون اقدام‌خواهد شد. تبصره ـ چنانچه دادخواست تقدیمی ناقص باشد دفتر دادستان کل‌کشور به تقدیم کننده دادخواست ابلاغ می‌نماید که ظرف ده روز از آن رفع نقص کند. هرگاه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص نشوددادخواست قابل ترتیب اثر نخواهدبود. دادخواست خارج از مهلت نیزقابل ترتیب اثرنیست ماده ۳۸۹ ـ پس از درخواست نقض از طرف دادستان کل محکوم‌علیه رای یادشده می‌تواند با ارایه گواهی لازم به دادگاه اجرا کننده رای تقاضای توقف اجرای آن را بنماید. دادگاه مکلف است پس از اخذ تامین مناسب دستور توقف اجرا را تا پایان رسیدگی دیوان عالی کشور صادرنماید. مبحث چهارم ـ ترتیب رسیدگی ماده ۳۹۰ ـ پس از وصول پرونده به دیوان عالی کشور، رییس دیوان یایکی از معاون ان وی پرونده را با رعایت نوبت و ترتیب وصول به یکی‌از شعب دیوان ارجاع می‌نماید شعبه مرجوع‌الیه به نوبت رسیدگی می‌کند مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رییس دیوان‌عالی کشور، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. ماده ۳۹۱ ـ پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد مگر به تجویز قانون رعایت مفاد این‌ماده در مورد رسیدگی کلیه دادگاهها نیز الزامی است ماده ۳۹۲ ـ رییس شعبه موضوع دادخواست فرجامی را مطالعه وگزارش تهیه می‌کند یابه نوبت به یکی از اعضای شعبه برای تهیه‌گزارش ارجاع می‌نماید. گزارش باید جامع یعنی حاوی جریان ماهیت دعوا و بررسی کامل دراطراف اعتراضات فرجام خواه و جهات قانونی مورد رسیدگی‌فرجامی با ذکر استدلال باشد. عضو شعبه مکلف است ضمن مراجعه به پرونده برای تهیه گزارش چنانچه از هریک از قضات که در آن پرونده دخالت داشته‌اند تخلف ازمواد قانونی یا اعمال غرض و بی‌اطلاعی از مبانی قضایی مشاهده‌نمود، آن را به طور مشروح و با استدلال در گزارش خود تذکر دهد. به‌دستور رییس شعبه رونوشتی از گزارش یاد شده به دادگاه عالی انتظامی‌قضات ارسال خواهد شد. ماده ۳۹۳ ـ رسیدگی در دیوان عالی کشور بدون حضور اصحاب دعواصورت می‌گیرد مگر در موردی که شعبه رسیدگی کننده دیوان حضورآنان را لازم بداند. ماده ۳۹۴ ـ برگهای احضاریه به دادگاه بدوی محل اقامت هر یک ازطرفین فرستاده می‌شود. آن دادگاه مکلف است احضاریه را به محض‌وصول ابلاغ و رسید آن را به دیوان عالی کشور ارسال نماید. ماده ۳۹۵ ـ در موقع رسیدگی عضو ممیز گزارش پرونده و مفاداوراقی را که لازم است قرائت می‌نماید و طر فین یا وکلای آنان درصورت حضور می‌توانند با اجازه رییس شعبه مطالب خود را اظهار نمایند و همچنین نماینده دادستان کل در موارد قانونی نظر خود را اظهار می‌نماید. اظهارات اشخاص فوق الذکر در صورت جلسه قید و به امضای آنان‌می‌رسد. عضو ممیز با توجه به اظهارات آنان می‌تواند قبل از صدور رای گزارش خود را اصلاح نماید. ماده ۳۹۶ ـ پس از اقدام طبق مقررات مواد فوق ، شعبه رسیدگی کننده‌طبق نظر اکثریت در ابرام یا نقض رای فرجام خواسته اتخاذ تصمیم می‌نماید اگر رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن ابرام آن پرونده را به دادگاه صادرکننده اعاده می‌نماید والا طبق مقررات آتی اقدام خواهد شد. مبحث پنجم ـ مهلت فرجام خواهی ماده ۳۹۷ ـ مهلت درخواست فرجام خواهی برای اشخاص ساکن

ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج دو ماه می‌باشد. ماده ۳۹۸ ـ ابتدای مهلت فرجام خواهی به قرار زیر است الف ـ برای احکام و قرارهای قابل فرجام خواهی دادگاه تجدید نظراستان از روز ابلاغ ب ـ برای احکام و قرارهای قابل تجدید نظردادگاه بدوی که نسبت به آن تجدید نظر خواهی نشده از تاریخ انقضای مهلت تجدید نظر. ماده ۳۹۹ ـ اگر فرجام خواهی به واسطه مغایر بودن دو حکم باشدابتدای مهلت تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم خواهد بود. ماده ۴۰۰ ـ مقررات مواد (۳۳۷) و (۳۳۸) این قانون در مورد فرجام‌خواهی از احکام و قرارها نیز لازم الرعایه می‌باشد. مبحث ششم ـ اقدامات پس از نقض ماده ۴۰۱ ـ پس از نقض رای دادگاه در دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد به دادگاهی که به شرح زیر تعیین می گردد ارجاع می‌شود و دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به رسیدگی می‌باشد: الف ـ اگر رای منقوض به صورت قراربوده و یا حکمی باشد که به علت نقص تحقیقات نقض شده است رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده آن ارجاع می‌شود. ب ـ اگر رای به علت عدم صلاحیت دادگاه نقض شده باشد، به دادگاهی که دیوان عالی کشور صالح بداند ارجاع می گردد. ج ـ در سایر موارد نقض پرونده به شعبه دیگر از همان حوزه دادگاه که رای منقوض را صادر نموده ارجاع می‌شود و اگر آن حوزه بیش از یک شعبه دادگاه نداشته باشد به نزدیکترین دادگاه حوزه دیگر ارجاع می‌شود. ماده ۴۰۲ ـ در صورت نقض رای به علت نقص تحقیقات دیوان عالی کشور مکلف است نواقص را به صورت یکجا و مشروح ذکر نماید. ماده ۴۰۳ ـ اگر رای مورد درخواست فرجام از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا مشخصات طرفین دعوا و نظیر آن متضمن اشتباهی باشد که به اساس رای لطمه وارد نکند، دیوان عالی کشور آن را اصلاح و رای را ابرام می‌نماید. همچنین اگر رای دادگاه به صورت حکم صادرشود ولی از حیث استدلال و نتیجه منطبق با قرار بوده و متضمن اشکال‌دیگری نباشد، دیوان عالی کشور آن را قرار تلقی و تایید می‌نماید و نیز آن قسمت از رای دادگاه که خارج از خواسته خواهان صادر شده باشد،نقض بلا ارجاع خواهد شد. تبصره ـ هرگاه سهو یا اشتباه یاد شده در این ماده در رای فرجامی واقع شود، تصحیح آن با دیوان عالی کشور خواهد بود. ماده ۴۰۴ ـ رای فرجامی دیوان عالی کشور نمی‌تواند مورد استفاده‌غیر طرفین فرجام خواهی قرارگیرد، مگر در مواردی که رای یاد شده‌قابل تجزیه و تفکیک نباشدکه در این صورت نسبت به اشخاص دیگرهم که مشمول رای فرجام خواسته بوده و درخواست فرجام نکرده‌اند،تسری خواهد داشت ماده ۴۰۵ ـ دادگاه مرجوع الیه به شرح زیر اقدام می‌نماید: الف ـ درصورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات تحقیقات‌مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام داده سپس با در نظر گرفتن آن مبادرت به صدور رای می‌نماید. ب ـ در صورت نقض قرار، دادگاه مکلف است برابر رای دیوان‌عالی کشور به دعوا رسیدگی کند مگر این که بعد از نقض سبب تازه‌ای برای امتناع از رسیدگی به ماهیت دعوا حادث گردد. در این خصوص‌چنانچه قرار منقوض ابتدائا در مرحله تجدید نظر صادر شده باشد،به دادگاه صادر کننده قرار ارجاع می‌شود و اگر در تایید قرار دادگاه بدوی بوده پرونده برای رسیدگی به همان دادگاه بدوی ارجاع می گردد. ماده ۴۰۶ ـ در مورد ماده قبل و سایر موارد نقض حکم دادگاه مرجوع‌الیه با لحاظ رای دیوان عالی کشور و مندرجات پرونده اگراقدام دیگری را لازم نداند، بدون تعیین وقت رسیدگی کرده و مبادرت به انشای رای می‌نماید والا ـ با تعیین وقت و دعوت از طرفین اقدام لازم را معمول و انشای رای خواهد نمود. ماده ۴۰۷ ـ هرگاه یکی از دو رای صادره که مغایر با یکدیگر شناخته‌شده موافق قانون بوده و دیگری نقض شده باشد، رای معتبر لازم‌الاجرا می‌باشد و چنانچه هر دو رای نقض شود برابر ماده قبل ماده ۴۰۶) اقدام خواهد شد. ماده ۴۰۸ ـ در صورتی که پس از نقض حکم فرجام خواسته در دیوان‌عالی کشور دادگاه با ذکر استدلال طبق رای اولیه اقدام به صدور رای اصراری نماید و این رای مورد درخواست رسیدگی فرجامی واقع شود، شعبه دیوان عالی کشور در صورت پذیرش استدلال رای دادگاه را ابرام در غیر این صورت پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی‌مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد ابرام قرار گرفت‌حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگری ارجاع خواهد شد. دادگاه مرجوع‌الیه طبق استدلال هیات عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر می‌نماید. این حکم در غیرموارد مذکور در ماده (۳۲۶) قطعی می‌باشد. ماده ۴۰۹ ـ برای تجدید رسیدگی به دعوا پس از نقض

تقدیم دادخواست جدید لازم نیست ماده ۴۱۰ ـ در رای دیوان عالی کشور نام و مشخصات و محل اقامت طرفین و حکم یا قراری که از آن فرجام خواسته شده است و خلاصه‌اعتراضات و دلایلی که موجب نقض یا ابرام حکم یا قرار می‌شود به طور روشن و کامل ذکر می گردد و پس از امضای آن در دفتر مخصوص با قید شماره و تاریخ ثبت خواهد شد. ماده ۴۱۱ ـ منسوخ شده است ماده ۴۱۲ ـ منسوخ شده است مبحث هفتم ـ فرجام تبعی ماده ۴۱۳ ـ فرجام خوانده می‌تواند فقط در ضمن پاسخی که به دادخواست فرجامی می‌دهد از حکمی که مورد شکایت فرجامی است نسبت به جهتی که آن را به ضرر خود یا خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی می‌داند تبعا درخواست رسیدگی فرجامی نماید دراین صورت درخواست فرجام تبعی به طرف ابلاغ می‌شود که ظرف مدت بیست روز به طور کتبی پاسخ دهد، هرچند مدت مقرر برای درخواست فرجام نسبت به او منقضی شده باشد. ماده ۴۱۴ ـ فرجام تبعی فقط در مقابل فرجام خواه و از کسی که طرف درخواست فرجام واقع شده پذیرفته می‌شود. ماده ۴۱۵ ـ اگر فرجام‌خواه دادخواست فرجامی خود را استرداد نماید و یا دادخواست او رد شود حق درخواست فرجام تبعی ساقط می‌شود و اگر درخواست فرجام تبعی شده باشد بلا اثر می گردد. ماده ۴۱۶ ـ هیچ یک از شرایط مذکور در مواد (۳۸۰) و (۳۸۱) در فرجام تبعی جاری نیست

فصل دوم ـ اعتراض شخص ثالث (ماده ۴۱۷ الی ۴۲۵

ماده ۴۱۷ ـ اگر درخصوص دعوایی رایی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که‌منتهی به رای شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد،می‌تواند نسبت به آن رای اعتراض نماید. ماده ۴۱۸ ـ در مورد ماده قبل شخص ثالث حق دارد به هرگونه رای صادره از دادگاههای عمومی انقلاب و تجدید نظر اعتراض نماید و نسبت به حکم داور نیز کسانی که خود یا نماینده آنان در تعیین داور شرکت نداشته‌اند می‌توانند به عنوان شخص ثالث اعتراض کنند. ماده ۴۱۹ ـ اعتراض شخص ثالث بردو قسم است الف ـ اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتدا از طرف‌شخص ثالث صورت گرفته باشد. ب ـ اعتراض طاری (غیر اصلی عبارت است از اعتراض یکی ازطرفین دعوا به رایی که سابقا در یک دادگاه صادر شده و طرف دیگر برای اثبات مدعای خود، در اثنای دادرسی آن رای را ابراز نموده است ماده ۴۲۰ ـ اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رای مورد اعتراض باشد. این دادخواست به دادگاهی تقدیم می‌شود که رای قطعی معترض عنه را صادر کرده است ترتیب دادرسی مانند دادرسی نخستین خواهد بود. ماده ۴۲۱ ـ اعتراض طاری در دادگاهی که دعوا در آن مطرح است بدون تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد، ولی اگر درجه دادگاه پایین‌تر از دادگاهی باشد که رای معترض عنه را صادر کرده معترض دادخواست خود را به دادگاهی که رای را صادر کرده است تقدیم می‌نماید و موافق اصول در آن دادگاه رسیدگی خواهد شد. ماده ۴۲۲ ـ اعتراض شخص ثالث قبل از اجرای حکم مورد اعتراض قابل طرح است و بعد از اجرای آن در صورتی می‌توان اعتراض نمود که ثابت شود حقوقی که اساس و ماخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده باشد. ماده ۴۲۳ ـ در صورت وصول اعتراض طاری ازطرف شخص ثالث چنانچه دادگاه تشخیص دهد حکمی که در خصوص اعتراض یاد شده صادر می‌شود موثر در اصل دعوا خواهد بود، تا حصول نتیجه اعتراض رسیدگی به دعوا را به تاخیر می‌اندازد. در غیر این صورت به دعوای اصلی رسیدگی کرده رای می‌دهد و اگر رسیدگی به اعتراض برابر ماده (۴۲۱) با دادگاه دیگری باشد به مدت بیست روز به اعتراض کننده مهلت داده می‌شود که دادخواست خود را به دادگاه مربوط تقدیم نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام نکند دادگاه رسیدگی به دعوا را ادامه خواهد داد. ماده ۴۲۴ ـ اعتراض ثالث موجب تاخیر اجرای حکم قطعی نمی‌باشد. در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد دادگاه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث به درخواست معترض ثالث پس از اخذ تامین مناسب قرار تاخیر اجرای حکم را برای مدت معین صادر می کند. ماده ۴۲۵ ـ چنانچه دادگاه پس از رسیدگی اعتراض ثالث را وارد تشخیص دهد، آن قسمت از حکم را که مورد اعتراض قرار گرفته نقض می‌نماید و

اگر مفاد حکم غیر قابل تفکیک باشد، تمام آن الغا خواهد شد.

فصل سوم ـ اعاده دادرسی (ماده ۴۲۶ الی ۴۴۱)

فصل سوم ـ اعاده دادرسی (ماده ۴۲۶ الی ۴۴۱) فصل سوم ـ اعاده دادرسی فصل سوم ـ اعاده دادرسی مبحث اول ـ جهات اعاده دادرسی ماده ۴۲۶ ـ نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود: ۱ـ موضوع حکم مورد ادعای خواهان نبوده باشد. ۲ـ حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد. ۳ـ وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا به‌مواد متضاد باشد. ۴ـ حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن که قبلا توسط همان دادگاه صادر شده است متضاد باشد بدون آن که سبب قانونی موجب این مغایرت باشد. ۵ـ طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حیله و تقلبی به کاربرده که در حکم دادگاه موثر بوده است ۶ـ حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم ، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد. ۷ـ پس از صدور حکم اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یادشده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است مبحث دوم ـ مهلت درخواست اعاده دادرسی ماده ۴۲۷ ـ مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دوماه به شرح زیر می‌باشد: ۱ـ نسبت به آرای حضوری قطعی ، از تاریخ ابلاغ . ۲ـ نسبت به آرای غیابی ، از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و درخواست تجدید نظر. تبصره ـ در مواردی که درخواست کننده اعاده دادرسی عذر موجهی داشته باشد طبق ماده (۳۰۶) این قانون عمل می‌شود. ماده ۴۲۸ ـ چنانچه اعاده دادرسی به جهت مغایر بودن دو حکم باشدابتدای مهلت از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است ماده ۴۲۹ ـ در صورتی که جهت اعاده دادرسی جعلی بودن اسناد یا حیله و تقلب طرف مقابل باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی ، تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به اثبات جعل یا حیله و تقلب می‌باشد. ماده ۴۳۰ ـ هرگاه جهت اعاده دادرسی وجود اسناد و مدارکی باشد که مکتوم بوده ، ابتدای مهلت از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع ازوجود آن محاسبه می‌شود. تاریخ یاد شده باید در دادگاهی که به درخواست رسیدگی می‌کند، اثبات گردد. ماده ۴۳۱ ـ مفاد مواد (۳۳۷) و (۳۳۸) این قانون در اعاده دادرسی نیز رعایت می‌شود. مبحث سوم ـ ترتیب‌درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی ماده ۴۳۲ ـ اعاده دادرسی بر دو قسم است الف ـ اصلی که عبارت است از این که متقاضی اعاده دادرسی به طور مستقل آن را درخواست نماید. ب ـ طاری که عبارت است از این که در اثنای یک دادرسی حکمی به عنوان دلیل ارایه شود و کسی که حکم یاد شده علیه او ابراز گردیده نسبت به آن درخواست اعاده دادرسی نماید. ماده ۴۳۳ ـ دادخواست اعاده دادرسی اصلی به دادگاهی تقدیم می‌شود که صادر کننده همان حکم بوده است و درخواست اعاده دادرسی طاری به دادگاهی تقدیم می‌گردد که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است تبصره ـ پس از درخواست اعاده دادرسی طاری باید دادخواست لازم ظرف سه روز به دفتر دادگاه تقدیم گردد. ماده ۴۳۴ ـ دادگاهی که دادخواست اعاده دادرسی طاری را دریافت می‌دارد مکلف است آن را به دادگاه صادر کننده حکم ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را قوی بداند و تشخیص دهد حکمی که‌در خصوص درخواست اعاده دادرسی صادر می‌گردد موثر در دعوا می‌باشد ، رسیدگی به دعوای مطروحه را در قسمتی که حکم راجع به اعاده دادرسی در آن موثر است تا صدور حکم نسبت به اعاده دادرسی به تأخیر می‌اندازد و در غیر این صورت به رسیدگی خود ادامه می‌دهد. تبصره ـ چنانچه دعوایی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد ودرخواست اعاده دادرسی نسبت به آن شود، درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می‌گردد. در صورت قبول درخواست یاد شده از طرف دادگاه رسیدگی در دیوان عالی کشور تا صدور حکم متوقف خواهد شد. ماده ۴۳۵ ـ در دادخواست اعاده دادرسی مراتب زیر درج می‌گردد: ۱ـ نام و نام خانوادگی و محل اقامت و سایر مشخصات درخواست‌کننده و طرف او. ۲ـ حکمی که مورد درخواست اعاده دادرسی است ۳ـ مشخصات دادگاه صادر

کننده حکم ۴ـ جهتی که موجب درخواست اعاده دادرسی شده است درصورتی که درخواست اعاده دادرسی را وکیل تقدیم نماید بایدمشخصات او در دادخواست ذکر و وکالتنامه نیز پیوست دادخواست گردد. تبصره ـ دادگاه صالح بدوا در مورد قبول یا رد درخواست اعاده دادرسی قرار لازم را صادر می‌نماید ودر صورت قبول درخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی خواهد نمود. سایر ترتیبات رسیدگی مطابق مقررات مربوط به دعاوی است ماده ۴۳۶ ـ در اعاده دادرسی به جز آنچه که در دادخواست اعاده دادرسی ذکر شده است جهت دیگری مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. ماده ۴۳۷ ـ با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می‌گردد: الف ـ چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف خواهدشد. ب ـ چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ واجرای حکم ادامه می‌یابد. ج ـ در مواردی که درخواست اعاده‌دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای (الف و (ب اقدام می‌گردد. ماده ۴۳۸ ـ هرگاه پس از رسیدگی دادگاه درخواست اعاده دادرسی راوارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده‌دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌نماید. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌گردد. این حکم از حیث تجدید نظر و فرجام خواهی تابع مقررات مربوط خواهدبود. ماده ۴۳۹ ـ اگر جهت اعاده دادرسی مغایرت دو حکم باشد، دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی حکم دوم را نقض و حکم اول به قوت خود باقی خواهد بود. ماده ۴۴۰ ـ نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌گردد ، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نخواهد شد. ماده ۴۴۱ ـ دراعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به‌هیچ عنوان نمی‌تواند داخل در دعواشود.

باب ششم ـ مواعد

فصل اول ـ تعیین و حساب مواعد (ماده ۴۴۲ الی ۴۴۹)

ماده ۴۴۲ ـ مواعدی را که قانون تعیین نکرده است دادگاه معین خواهد کرد. موعد دادگاه باید به مقداری باشد که انجام امر مورد نظر در آن امکان داشته باشد. موعد به سال یا ماه یا هفته و یا روز تعیین خواهدشد. ماده ۴۴۳ ـ از نظر احتساب موارد قانونی سال دوازده ماه ماه سی‌روز، هفته هفت روز و شبانه روز بیست و چهار ساعت است ماده ۴۴۴ ـ چنانچه روز آخر موعد، مصادف با روز تعطیل ادارات باشد و یا به جهت آماده نبودن دستگاه قضایی مربوط امکان اقدامی نباشد، آن روز به حساب نمی‌آید و روز آخر موعد، روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل یا رفع مانع باز می‌شوند. ماده ۴۴۵ ـ موعدی که ابتدای آن تاریخ ابلاغ یا اعلام ذکر شده است روز ابلاغ و اعلام و همچنین روز اقدام جز مدت محسوب نمی‌شود. ماده ۴۴۶ ـ کلیه مواعد مقرر در این قانون از قبیل واخواهی و تکمیل دادخواست برای افراد مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ می‌باشد. ماده ۴۴۷ ـ چنانچه در یک دعوا خواندگان متعدد باشند، طولانی ترین موعدی که در مورد یک نفر از آنان رعایت می‌شود شامل دیگران نیزخواهد شد. ماده ۴۴۸ ـ چنانچه در روزی که دادگاه برای حضور اصحاب دعوا تعیین کرده است مانعی برای رسیدگی پیش آید، انقضای موعد، روزی خواهد بود که دادگاه برای رسیدگی تعیین می‌کند. ماده ۴۴۹ ـ مواعدی که دادگاه تاریخ انقضای آن را معین کرده باشد در همان تاریخ منقضی خواهد شد.

فصل دوم ـ دادن مهلت و تجدید موعد (ماده ۴۵۰ الی ۴۵۳)

ماده ۴۵۰ ـ مهلت دادن در مواعدی که از سوی دادگاه تعیین می‌گردد، فقط برای یک بار مجاز خواهد بود، مگر در صورتی که در اعلام موعد سهو یا خطایی شده باشد و یا متقاضی مهلت ثابت نماید که عدم انجام کار مورد درخواست دادگاه به علت وجود

مانعی بوده که رفع آن در توان او نبوده است تبصره ـ مقررات مربوط به مواعد شامل تجدید جلسات دادرسی نمی‌باشد. ماده ۴۵۱ ـ تجدیـد مهلت قـانونی در مورد اعتراض به حکـم غیـابی و تجدیـد نظر خواهی و فرجام خواهی و اعاده دادرسـی ممنوع است مگر در موردی که قانون تصریح کرده باشد. ماده ۴۵۲ ـ مهلت دادن پس از انقضای مواعدی که قانون تعیین کرده در غیر موارد یاد شده در ماده فوق در صورتی مجاز است که در اعلام موعـد سـهو یا خطایی شـده باشـد و یا متقاضـی مهلت ثابت نماید که عدم اسـتفاده از موعـد قانونی به علت وجود یکی از عذرهای مذکور در ماده ۳۰۶) این قانون بوده است ماده ۴۵۳ ـ درصورت قبول استمهال مهلت جدیدی متناسب با رفع عذر که در هر حال از مهلت قانونی بیشتر نباشد تعیین می‌شود

باب هفتم ــ داوری (ماده ۴۵۴ الی ۵۰۱)

ماده ۴۵۴ ـ کلیه اشخاصـی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند باتراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شـده‌یا نشـده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسـیدگی باشد، به‌داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند. ماده ۴۵۵ ـ متعاملین می توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب‌قرارداد جداگانه تراضینمایند که درصورت بروز اختلاف بین آنان به‌داوری مراجعه کننـد و نیز می تواننـد داور یا داوران خود را قبل یا بعـد ازبروز اختلاف تعیین نماینـد. تبصـره ـ در کلیه موارد رجوع به داور، طرفین می تواننـد انتخاب داور یا داوران را به شـخص ثالث یا دادگاه واگـذار کنند. ماده ۴۵۶ ـ در مورد معاملات و قراردادهـای واقع بین اتبـاع ایرانی وخارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشـده است طرف ایرانی نمیتوانـدبه نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حـل آن را به‌داور یـا داوران یـا هیـاتی ارجاع نمایـد که آنان دارای همان تابعیتی باشـندکه طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخـالف این منع قانونیباشـد در قسـمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهـد بود. ماده ۴۵۷ ـ ارجـاع دعاوی راجع به امـوال عمـومی و دولـتی به داور پس از تصـویب هیـات وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می گیرد. در مواردی که طرف دعـوا خـارجی و یـا موضوع دعوا ازموضوعـاتی باشـد که قـانون آن را مهم تشـخیص داده تصویب مجلس‌شورای اسـلامی نیز ضروری است ماده ۴۵۸ ـ در هر مورد که داور تعیین می شود باید موضوع و مدت‌داوری و نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به طوری که رافع اشـتباه‌باشد تعیین گردد. در صورتی که تعیین داور بعـد از بروز اختلاف باشـد،موضوع اختلاف که به داوری ارجاع شده باید به طور روشن مشخص‌و مراتب به داوران ابلاغ شود. تبصـره ـ قراردادهای داوری که قبل از اجرای این قانون تنظیم‌شده‌اند با رعایت اصل یکصدو سی ونهم (۱۳۹) قانون اساسی تابع‌مقررات زمان تنظیم می باشند. ماده ۴۵۹ ـ در مواردی که طرفین معامله یا قرارداد متعهـد به معرفیـداور شـده ولی داور یـا داوران خود را معین نکرده باشـند و در موقع بروزاختلاف نخواهنـد و یـا نتواننـد در معرفی داور اختصاصی خود اقدام و یادر تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص‌ثالث نیز محول نشده باشد، یک طرف میتواند داور خود را معین کرده‌به وسیله اظهار نامه رسمی به طرف مقابل معرفی و درخواست تعیین‌داور نماید و یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضـی کنـد. در این صورت‌طرف مقابل مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داورخود را معرفی و یـا در تعیین داور ثـالث تراضـی نمایـد. هرگـاه تا انقضایمـدت یاد شـده اقـدام نشود، ذینفع میتوانـد حسب مورد برای تعیین‌داور به دادگاه مراجعه کنـد. ماده ۴۶۰ ـ در مواردی که مقرر گردیـده است حـل اختلاف به یـک نفرداور ارجاع شود و طرفین نخواهنـد یا نتواننـد در انتخـاب داور تراضـینمایند و نیز در صـورتی که داور یکی از طرفین فـوت شـود، یـا اسـتعفادهد و طرف نـامبرده نخـواهد جانشـین او را معین کنـد و یا در هر موردی که انتخاب داور به شـخص ثالث واگذار شده و آن شـخص از تعیین داورامتناع نماید یا تعییـن داور از طرف او غیر ممکـن باشـد، هر یـک از طرفیـن‌می تواننـد بـا معرفی داور مـورد نظر خـود وسـیله اظهارنـامه از طرف مقابـل‌درخواست نمایـد که ظرف ده روز از تاریـخ ابلاـغ اظهارنـامه نظر خود رادر مورد داور واحـد اعلام کنـد و یا حسب مورد در

تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت اقدامی به عمل نیاید، برابرقسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد. ماده ۴۶۱ ـ هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوربین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظرمینماید. ماده ۴۶۲ ـ در صورتی که طرفین نسبت به دادگاه معینی برای انتخاب‌داور تراضی نکرده باشند، دادگاه صلاحیتدار برای تعیین داور، دادگاهی خواهد بود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. ماده ۴۶۳ ـ هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروزاختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یانتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیزتراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود. ماده ۴۶۴ ـ در صورتی که در قرارداد داوری، تعداد داور معین نشده‌باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هر یک ازطرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به عنوان داورسوم به اتفاق تعیین نمایند. ماده ۴۶۵ ـ در هر مورد که داور یا داوران وسیله یک طرف یا طرفین‌انتخاب میشود، انتخاب کننده مکلف است قبولی داوران را اخذنماید. ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده وموضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه‌آنها ابلاغ شده باشد. ماده ۴۶۶ ـ اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمیتوان به عنوان داورانتخاب نمود: ۱ـ اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند. ۲ـ اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوریمحروم شده‌اند. ماده ۴۶۷ ـ در مواردی که دادگاه به جای طرفین یا یکی از آنان داور تعیین می کند، باید حداقل از بین دو برابر تعدادی که برای داوری لازم‌است و واجد شرایط هستند داور یا داوران لازم را به طریق قرعه معین‌نماید. ماده ۴۶۸ ـ دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام‌خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام ونام‌خانوادگی داور یا داوران و مدت داوری را کتبا به داوران ابلاغ می نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران‌میباشد. ماده ۴۶۹ ـ دادگاه نمیتواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین ۱ـ کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد. ۲ـ کسانی که در دعوا ذینفع باشند. ۳ـ کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم‌از طبقه سوم داشته باشند. ۴ـ کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوامیباشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد. ۵ـ کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند. ۶ـ کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یاسببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، درگذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند. ۷ـ کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تادرجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوایا زوجه و یا یکی ازاقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند. ۸ـ کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان ماده ۴۷۰ ـ کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضاییمی توانند داوری نمایند هر چند با تراضی طرفین باشد. ماده ۴۷۱ ـ در مواردی که داور با قرعه تعیین می شود، هر یک ازطرفین می توانند پس از اعلام در جلسه در صورت حضور و درصورت غیبت از تاریخ ابلاغ تا ده روز، داور تعیین شده را رد کنند، مگراین که موجبات رد بعدا حادث شود که در این صورت ابتدای مدت‌روزی است که علت رد حادث گردد. دادگاه پس از وصول اعتراض رسیدگی مینماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داوردیگری تعیین میکند. ماده ۴۷۲ ـ بعد از تعیین داور یا داوران طرفین حق عزل آنان را ندارندمگر با تراضی. ماده ۴۷۳ ـ چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل‌مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفادهد و یا از دادن رای امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تاپنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود. ماده ۴۷۴ ـ نسبت به امری که از طرف دادگاه به داوری ارجاع می شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رای امتناع نماید و یا در جلسه‌داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند دو داور دیگر به موضوع‌رسیدگی و رای خواهند داد. چنانچه بین آنان در صدور رای اختلاف حاصل شود، دادگاه به جای داوری که استعفا داده یا از دادن رای امتناع‌نموده یا دوبار متوالی در جلسه داوری حضور پیدا نکرده ظرف مدت‌ده روز داور

دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد نمود، مگر این که قبل‌از انتخاب به اقتضای مورد، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند. دراین صورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع میشود. در صورتی که داوران در مدت قرارداد داوری یا مدتی که قانون معین‌کرده است نتوانند رای بدهند و طرفین به داوری اشخاص دیگرتراضی نکرده باشند، دادگاه به اصل دعوا وفق مقررات قانونیرسیدگی و رای صادر مینماید. تبصره ـ در موارد فوق رای اکثریت داوران ملاک اعتبار است مگراین که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۴۷۵ ـ شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یابعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوا شده باشد، میتواند با طرفین‌دعوای اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده‌تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردید، به دعوای او برابر مقررات به‌طور مستقل رسیدگی خواهد شد. ماده ۴۷۶ ـ طرفین بایداسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند.داوران نیز می توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برایاتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب‌نمایند. ماده ۴۷۷ ـ داوران در رسیدگی و رای، تابع مقررات قانون آیین‌دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت‌کنند. ماده ۴۷۸ ـ هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به‌وقوع جرمی باشد و در رای داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی ازجزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگیداوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزاییا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف میگردد. ماده ۴۷۹ ـ ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا درصورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول‌ماده قبل نمیباشد. ماده ۴۸۰ ـ حکم نهایی یاد شده در ماده (۴۷۸) توسط دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که داور را انتخاب کرده است به داورانابلاغ میشود و آنچه از مدت داوری در زمان توقف رسیدگی داورانباقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم یاد شده حساب میشود. هرگاه داوربدون دخالت دادگاه انتخاب شده باشد، حکم نهایی وسیله طرفین یایک طرف به او ابلاغ خواهد شد. داوران نمی توانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزایی یا نکاح یاطلاق یا نسب صادر شده رای بدهند. ماده ۴۸۱ ـ در موارد زیر داوری از بین میرود: ۱ـ با تراضی کتبی طرفین دعوا. ۲ـ با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا. ماده ۴۸۲ ـ رای داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد. ماده ۴۸۳ ـ در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانندعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح‌نامه‌ای که به امضایداوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراست ماده ۴۸۴ ـ داوران باید از جلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رای تشکیل میشود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه‌یا دادن رای یا امضای آن امتناع نماید، رایی که با اکثریت صادر میشودمناط اعتبار است مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.مراتب نیز باید در برگ رای قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه و نحوه‌رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه توسط داوران تعیین خواهدشد. در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه بوده دعوت به حضور در جلسه به موجب اخطاریه دفتر دادگاه به عمل می آید. تبصره ـ در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده‌اند که درصورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نمایداگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن سه ماه و ابتدای آن از روزیاست که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است ماده ۴۸۵ ـ چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ‌رای داوری پیش‌بینی نکرده باشند، داور مکلف است رای خود را به‌دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگیبه اصل دعوا را دارد تسلیم نماید. دفتر دادگاه اصل رای را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به‌دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال میدارد. ماده ۴۸۶ ـ هرگاه طرفین رای داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رای در قسمت مردود بلااثر خواهد بود. ماده ۴۸۷ ـ تصحیح رای داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل‌از انقضای مدت داوری راسا با داور یا داوران است و پس از انقضایآن تا پایان مهلت اعتراض به رای داور، به درخواست طرفین یا یکیاز آنان با داور

یا داوران صادرکننده رای خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رای اتخاذ تصمیم‌نمایند. رای تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت‌رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یادشده متوقف میماند. ماده ۴۸۸ ـ هرگاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ رای داوریرا اجرا ننماید، دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری ویا دادگاهی که‌صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست‌طرف ذی نفع طبق رای داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رای برابرمقررات قانونی میباشد. ماده ۴۸۹ ـ رای داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجراییندارد: ۱ـ رای صادره مخالف با قوانین موجدحق باشد. ۲ـ داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده‌رایصادرکرده‌است ۳ـ داور خارج از حدود اختیار خود رای صادر نموده باشد. در این‌صورت فقط آن قسمت از رای که خارج از اختیارات داور استابطال میگردد. ۴ـ رای داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد. ۵ـ رای داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسنادرسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد. ۶ـ رای به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رای نبوده‌اند. ۷ـ قرارداد رجوع به داوری بی‌اعتبار بوده باشد. ماده ۴۹۰ ـ در مورد ماده فوق هر یک از طرفین می تواند ظرف بیست‌روز بعد از ابلاغ رای داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده‌یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان‌رای داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست‌رسیدگی کرده هرگاه رای از موارد مذکور درماده فوق باشد حکم به‌بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان رای داور متوقف میماند. تبصره ـ مهلت یادشده در این ماده و ماده (۴۸۸) نسبت به اشخاصیکه مقیم خارج از کشور میباشند دوماه خواهد بود. شروع مهلت‌هایتعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذرموجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده‌اندپس از رفع عذر احتساب خواهد شد. ماده ۴۹۱ ـ چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به‌داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رای داور و صدورحکم به بطلان آن رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رایداور متوقف میماند. تبصره ـ در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده ورای داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به‌عمل خواهد آمد. ماده ۴۹۲ ـ در صورتی که درخواست ابطال رای داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر مینماید. این قرار قطعیاست ماده ۴۹۳ ـ اعتراض به رای داور مانع اجرای آن نیست مگر آن که‌دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرایآن را تاپایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر مینمایدو در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد. ماده ۴۹۴ ـ چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق‌تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به‌داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به‌داوری به دادگاه صادر کننده رای فرجام خواسته ارسال می دارد. ماده ۴۹۵ ـ رای داور فقط درباره طرفین دعوا و اشخاصی که دخالت وشرکت در تعیین داور داشته‌اند و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به‌اشخاص دیگر تاثیری نخواهد داشت ماده ۴۹۶ ـ دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست ۱ـ دعوای ورشکستگی. ۲ـ دعاوی راجع به اصل نکاح فسخ آن طلاق و نسب ماده ۴۹۷ ـ پرداخت حق‌الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آن‌که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۴۹۸ ـ میزان حق‌الزحمه داوری بر اساس آیین‌نامه‌ای است که‌هر سه سال یکبار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس‌قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۴۹۹ ـ در صورت تعدد داور، حق‌الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم‌میشود. ماده ۵۰۰ ـ چنانچه بین داور و اصحاب دعوا قراردادی در خصوص‌میزان حق‌الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد. ماده ۵۰۱ ـ هرگاه در اثر تدلیس تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه‌داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعواگردد، داوران برابرموازین قانونی مسوول جبران خسارت وارده خواهند بود.

باب هشتم ـ هزینه دادرسی و اعسار

فصل اول ـ هزینه دادرسی (ماده ۵۰۲ الی ۵۰۳)

ماده ۵۰۲ ـ هزینه دادرسی عبارت است از: ۱ ـ هزینه برگهایی که به دادگاه تقدیم می‌شود. ۲ ـ هزینه قرارها و احکام دادگاه ماده ۵۰۳ ـ هزینه دادخواست کتبی یا شفاهی اعم از دادخواست بدوی و اعتراض به حکم غیابی و متقابل و ورود و جلب ثالث و اعتراض شخص ثالث و دادخواست تجدید نظر و فرجام و اعاده دادرسی و هزینه وکالتنامه و برگهای اجرایی و غیره همان است که در ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و یا سایر قوانین تعیین شده است که به صورت الصاق و ابطال تمبر و یا واریز وجه به حساب خزانه پرداخت می گردد.

فصل دوم ـ اعسار از هزینه دادرسی (ماده ۵۰۴ الی ۵۱۴)

ماده ۵۰۴ ـ معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به طور موقت قادر به تادیه آن نیست ماده ۵۰۵ ـ ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ضمن درخواست نخستین یا تجدید نظر یا فرجام مطرح خواهد شد. طرح این ادعا به موجب دادخواست جداگانه نیز ممکن است اظهار نظر درمورد اعسار از هزینه تجدید نظر خواهی و یا فرجام خواهی با دادگاهی می‌باشد که رای مورد درخواست تجدید نظر و یا فرجام را صادر نموده‌است ماده ۵۰۶ ـ در صورتی که دلیل اعسار شهادت شهود باشد، باید شهادت کتبی حداقل دو نفر از اشخاصی که از وضعیت مالی و زندگانی او مطلع می‌باشند به دادخواست ضمیمه شود. در شهادت نامه مشخصات و شغل و وسیله امرار معاش مدعی اعسار و عدم تمکن مالی او برای تادیه هزینه دادرسی با تعیین مبلغ آن باید تصریح شده و شهود منشا اطلاعات و مشخصات کامل و اقامتگاه خود را به طور روشن ذکر نمایند. ماده ۵۰۷ ـ مدیر دفتر ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست اعسار، پرونده را به نظر قاضی دادگاه می‌رساند تا چنانچه حضور شهود را در جلسه دادرسی لازم بداند به مدعی اعسار اخطار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید. مدیر دفتر نسخه دیگر دادخواست را برای طرف دعوای اصلی ارسال و در ضمن روز جلسه دادرسی را تعیین و ابلاغ می‌نماید. به هرحال حکم صادره در خصوص اعسار، حضوری محسوب است ماده ۵۰۸ ـ معافیت از هزینه دادرسی باید برای هر دعوا به طور جداگانه تحصیل شود ولی معسر می‌تواند در تمام مراحل مربوط به‌همان دعوا از معافیت استفاده کند. ماده ۵۰۹ ـ در مورد دعاوی متعددی که مدعی اعسار بر یک نفر همزمان اقامه می‌نماید حکم اعساری که نسبت به یکی از دعاوی صادر شود نسبت به بقیه دعاوی نیز موثر خواهد بود. ماده ۵۱۰ ـ اگر معسر فوت شود، ورثه نمی‌توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده نمایند، لکن فوت مورث در هر یک از دادرسیهای نخستین و تجدید نظر و فرجام مانع جریان دادرسی در آن مرحله نیست و هزینه دادرسی از ورثه مطالبه می‌شود، مگر آن که ورثه نیز اعسار خود را ثابت نمایند. ماده ۵۱۱ ـ هرگاه مدعی اعسار در دعوای اصلی محکوم له واقع شود و از اعسار خارج گردد، هزینه دادرسی از او دریافت خواهد شد. ماده ۵۱۲ ـ از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی می‌باشد بایدبرابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه جز مشمول این ماده نخواهند بود. ماده ۵۱۳ ـ پس از اثبات اعسار، معسر می‌تواند از مزایای زیر استفاده نماید: ۱ـ معافیت موقت از تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی در مورد دعوایی که برای معافیت از هزینه آن ادعای اعسار شده است ۲ـ حق داشتن وکیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق‌الوکاله ماده ۵۱۴ ـ هرگاه معسر به تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی متمکن گردد، ملزم به تادیه آن خواهد بود. همچنین اگر با درآمدهای خود بتواند تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی را بپردازد دادگاه با در نظرگرفتن مبلغ هزینه دادرسی و میزان درآمد وی و هزینه‌های ضروری زندگی مقدار و مدت پرداخت هزینه دادرسی را تعیین خواهد کرد.

باب نهم ـ مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد

فصل اول ـ کلیات (ماده ۵۱۵ الی ۵۱۸)

ماده ۵۱۵ ـ خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تاخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به ادای‌حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تاخیر تسلیم آن از باب اتلاف وتسبیب از خوانده مطالبه نماید. خوانده نیز می‌تواند خسارتی را که عمدا از طرف خواهان با علم به غیر محق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یاد شده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده وضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم علیه‌را به تادیه خسارت ملزم خواهد نمود. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده‌باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد. تبصره ۱ـ در غیر مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلا یا بعد ازختم دادرسی مطرح شود مطالبه خسارتهای موضوع این ماده مستلزم تقدیم دادخواست نیست تبصره ۲ـ خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تاخیر تادیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد. ماده ۵۱۶ ـ چنانچه هر یک از طرفین از جهتی محکوم‌له و از جهتی محکوم علیه باشند در صورت تساوی خسارت هر یک در مقابل‌خسارت طرف دیگر به حکم دادگاه تهاتر خواهد شد در غیر این صورت نسبت به اضافه نیز حکم صادر می‌گردد. ماده ۵۱۷ ـ دعوایی که به طریق سازش خاتمه یافته باشد، حکم به خسارت نسبت به آن دعوا صادر نخواهد شد. مگر این که ضمن‌سازش نسبت به خسارات وارده تصمیم خاصی اتخاذ شده باشد. ماده ۵۱۸ ـ در مواردی که مقدار هزینه و خسارات در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده باشد، میزان آن را دادگاه تعیین می‌نماید.

فصل دوم ـ خسارات (ماده ۵۱۹ الی ۵۲۲)

ماده ۵۱۹ ـ خسارات دادرسی عبارت است از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق‌الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی ماده ۵۲۰ ـ در خصوص مطالبه خسارت وارده خواهان باید این‌جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلا واسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد. ماده ۵۲۱ ـ هزینه‌هایی که برای اثبات دعوا یا دفاع ضرورت نداشته نمی‌توان مطالبه نمود. ماده ۵۲۲ ـ در دعاویی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و بامطالبه داین و تمکن مدیون مدیون امتناع از پرداخت نموده درصورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سر رسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحوه دیگری مصالحه نمایند.

فصل سوم ـ مستثنیات دین (ماده ۵۲۳ الی ۵۲۹)

ماده ۵۲۳ ـ درکلیه مواردی که رای دادگاه برای وصول دین به موقع اجرا گذارده می‌شود اجرای رای از مستثنیات دین اموال محکوم علیه ممنوع می‌باشد. تبصره ـ احکام جزایی دادگاههای صالح مبنی بر استرداد کل یا بخشی از اموال محکوم علیه یا ضبط آن مستثنی می‌باشد. ماده ۵۲۴ ـ مستثنیات دین عبارت است از: الف ـ مسکن مورد نیاز محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شوون عرفی ب ـ وسیله نقلیه مورد نیاز و متناسب با شان محکوم علیه ج ـ اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه خانواده و افراد تحت تکفل وی لازم است د ـ آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل

وی‌برای مـدتی که عرفا آذوقه ذخیره می‌شود. هـ ـ کتب و ابزار علمی و تحقیقـاتی برای اهـل علم و تحقیق متنـاسب باشـان آنان و ـ وسایل و ابزار کار کسبه پیشه‌وران کشاورزان و سایر اشخاصـی که وسیله امرار معاش محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی می‌باشد. ماده ۵۲۵ ـ در صـورت بروز اختلاف نسبت به متنـاسب بـودن اموال و اشـیای موصوف در مـاده قبـل بـا شوون و نیـاز محکوم علیه تشخیص دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا، ملاک خواهد بود. چنانچه اموال و اشیای مذکور بیش از حد نیاز و شوون محکوم علیه تشخیص داده شـود و قابـل تجزیه و تفکیـک نباشـد به دسـتور دادگـاه به فروش رسـیده مـازاد برشـان بـابت محکوم به یـا دین پرداخت می گردد. ماده ۵۲۶ ـ مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم علیه جاری است ماده ۵۲۷ ـ چنانچه رای دادگاه مبنی بر استرداد عین مالی باشد مشـمول مقررات این فصل نخواهد بود. سایر مقررات ماده ۵۲۸ ـ دادسـرا و دادگاه ویژه روحانیت که براساس دستور ولایت رهبر کبیر انقلاب امام خمینی ره تشکیل گردیـده طبق اصول پنجم (۵)و پنجاه و هفتم (۵۷) قانون اساسـی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب‌اسـلامی ادامه کار آن را مصلحت بدانند به جرایم اشـخاص روحانی‌رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضـات و کارکنـان آن تـابع مقررات مربوط به قوه قضـاییه می‌باشـد. ماده ۵۲۹ ـ از تاریـخ لازم الاجرا شـدن این قانون قانون آیین دادرسـی مـدنی مصوب سال ۱۳۱۸ و الحاقـات و اصـلاحات آن و مـواد (۱۸)،(۱۹)،(۲۱)،(۲۳) و (۳۱) قانون تشـکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می گردد.

قانون اجرای احکام مدنی

فصل اول ــ قواعد عمومی

مبحث اول ــ مقدمات اجرا (ماده ۱ الی ۱۱)

قانون اجرای احکام مـدنی مصوب اول آبان ماه ۱۳۵۶ فصل اول ـ قواعـد عمومی مبحث اول ـ مقدمات اجرا ماده ۱ ـ هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گـذارده نمی‌شود مگر این که قطعی شـده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می کند صادر شده باشد. ماده ۲ ـ احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم‌له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتبا این تقاضا را ازدادگاه بنماید. ماده ۳ ـ حکمی که موضوع آن معین نیست قابـل‌اجراء نمی‌باشـد. مـاده ۴ ـ اجرای حکم بـا صـدور اجراییه به‌عمـل می‌آیـد مگر این که درقـانون ترتیب دیگری مقرر شـده باشـد. در مواردی که حکم دادگـاه جنبه اعلامی داشـته و مسـتلزم انجام عملی ازطرف محکوم‌علیه نیست از قبیل اعلام اصـالت یـا بطلان سـند، اجراییه صادر نمی‌شود. همچنین در مواردی که سازمانها و موسـسات دولتی ووابسـته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم بایـد به وسـیله آنهـاصورت گیرد صـدور اجراییه لازم نیست و سازمانها و موسـسات مزبور مکلفنـد به دسـتور دادگاه حکم را اجرا کننـد. ماده ۵ ـ صـدور اجراییه بـا دادگاه نخستین است ماده ۶ ـ در اجراییه نـام و نـام خانوادگی و محل اقامت محکوم له ومحکوم‌علیه و مشخصات حکم و موضوع آن و این که پرداخت حق‌اجرا به عهده محکوم‌علیه می‌باشد نوشته شده و به امضای رییس دادگاه‌و مدیر دفتر رسـیده به مهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده می‌شود. ماده ۷ ـ برگ‌های اجراییه به تعداد محکـوم‌علیهم به علاوه دو نسـخه‌صادر می‌شـود یـک نسـخه از آن در پرونـده دعوی و نسـخه دیگر پس ازابلاـغ به محکوم‌علیه در پرونده اجرایی بایگانی می گردد و یک نسخه‌نیز در موقع ابلاغ به محکوم‌علیه داده می‌شود. ماده ۸ ـ ابلاغ اجراییه طبق مقررات آیین دادرسـی مدنی به عمل می‌آید و آخرین محل ابلاغ به محکوم‌علیه در پرونده دادرسـی برای ابلاغ‌اجراییه سابقه ابلاغ محسوب است ماده ۹ ـ در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آمده و تا قبل از صدور اجراییه

محکوم‌علیه محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد مفاداجراییه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادتین ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون‌آگهی می‌گردد و ده روز پس از آن به موقع اجرا گذاشته می‌شود. در این‌صورت برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به محکوم علیه‌لازم نیست مگر این که محکوم‌علیه محل اقامت خود را کتبا به قسمت‌اجرا اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود. ماده ۱۰ ـ اگر محکوم‌علیه قبل از ابلاغ اجراییه محجور یا فوت شوداجراییه حسب مورد به ولی قیم امین وصی ورثه یا مدیر ترکه اوابلاغ می‌گردد و هرگاه حجر یا فوت محکوم‌علیه بعد از ابلاغ اجراییه‌باشد مفاد اجراییه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه به آنهااطلاع داده خواهد شد. ماده ۱۱ ـ هرگاه در صدور اجراییه اشتباهی شده باشد دادگاه می‌تواند راسا یا به درخواست هریک از طرفین به اقتضای مورد اجراییه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را الغا کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.

مبحث دوم ـ دادورزها (مأمورین اجرا) (ماده ۱۲ الی ۱۸)

ماده ۱۲ ـ مدیر اجرا تحت ریاست و مسوولیت دادگاه انجام وظیفه‌می‌کند و به قدر لزوم و تحت نظر خود دادورز (مامور اجرا) خواهدداشت ماده ۱۳ ـ اگر دادگاه دادورز (مامور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز(مامور اجرا) به تعداد کافی نباشد می‌توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژندارمری اجرا کرد. ماده ۱۴ ـ در صورتی که حین اجرای حکم نسبت به دادورزها(مامورین اجرا) مقاومت یا سوءرفتاری شود می‌توانند حسب مورد ازمامورین شهربانی ژاندارمری و یا دژبانی برای اجرای حکم کمک‌بخواهند، مامورین مزبور مکلّف به انجام آن می‌باشند. ماده ۱۵ ـ هرگاه مامورین مذکور در ماده قبل درخواست دادورز(مامور اجرا) را انجام ندهند دادورز (مامور اجرا) صورت مجلسی دراین خصوص تنظیم می‌کند تا توسط مدیر اجرا برای تعقیب به مرجع‌صلاحیتدار فرستاده شود. ماده ۱۶ ـ هرگاه نسبت به دادورز (مامور اجرا) حین انجام وظیفه‌توهین یا مقاومت شود مامور مزبور صورت مجلسی تنظیم نموده به‌امضای شهود و مامورین انتظامی (در صورتی که حضور داشته باشند)می‌رساند. این صورت مجلس توسط مدیر اجرا به دادسرای شهرستان فرستاده‌خواهد شد. ماده ۱۷ ـ کسانی که مانع دادورز (مامور اجرا) از انجام وظیفه شوندعلاوه بر مجازات مقرر در قوانین کیفری مسوول خسارات ناشی ازعمل خود نیز می‌باشند. ماده ۱۸ ـ مدیران و دادورزها (مامورین اجرا) در موارد زیر نمی‌توانند قبول ماموریت نمایند: ۱ ـ امر اجرا راجع به همسر آنها باشد. ۲ ـ امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (ماموراجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد. ۳ ـ مدیر یا دادورز (مامور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد. ۴ ـ وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز(مامور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است در هریک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رییس دادگاه‌به مدیر یا دادورز (مامور اجرا) دیگری محول می‌شود و اگر در آن‌حوزه مدیر یا مامور دیگری نباشد اجرای حکم به وسیله مدیر دفتر یاکارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد ماموران شهربانی و ژاندارمری به‌عمل خواهد آمد.

مبحث سوم ـ ترتیب اجرا (ماده ۱۹ الی ۴۸)

ماده ۱۹ ـ اجراییه به وسیله قسمت اجرای دادگاهی که آن را صادرکرده به موقع اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲۰ ـ هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی باید در حوزه‌دادگاه دیگری به عمل آید مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را به‌قسمت اجرای دادگاه آن حوزه محول می‌کند. ماده ۲۱ ـ مدیر اجرا برای اجرای حکم پرونده‌ای تشکیل می‌دهد تا اجراییه و تقاضاها و کلیه برگ‌های مربوط

به ترتیب در آن بایگانی‌شود. ماده ۲۲ ـ طرفین می‌توانند پرونده اجرایی را ملاحظه و از محتویات‌آن رونوشت یا فتوکپی بگیرند، هزینه رونوشت یا فتوکپی به میزان‌مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی اخذ می‌شود. ماده ۲۳ ـ پس از ابلاغ اجراییه مدیر اجرا نام دادورز (مامور اجرا) را درذیل اجراییه نوشته و عملیات اجرایی را به عهده او محوّل می‌کند. ماده ۲۴ ـ دادورز (مامور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند‌اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تاخیر اندازد مگر به‌موجب قرار دادگاهی که دستور اجرای حکم را داده یا دادگاهی که‌صلاحیت صدور دستور تاخیر اجرای حکم را دارد یا با ابراز رسیدمحکوم‌له دایر به وصول محکوم‌به یا رضایت کتبی او در تعطیل یاتوقیف یا قطع یا تاخیر اجرا. ماده ۲۵ ـ هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که‌حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود رفع اشکال می‌نماید. ماده ۲۶ ـ اختلافات ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که‌حکم توسط آن دادگاه اجرا می‌شود. ماده ۲۷ ـ اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به‌اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود دردادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می‌شود. ماده ۲۸ ـ رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجرانمی‌باشد. مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری دادگاهی است که‌اجراییه صادر کرده است ماده ۲۹ ـ در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم هریک از طرفین‌می‌تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد. دادگاه در وقت فوق العاده‌رسیدگی و رفع اختلاف می‌کند و در صورتی که محتاج رسیدگی‌بیشتری باشد رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ نموده‌طرفین را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت می‌کند ولی‌عدم حضور آنها باعث تاخیر رسیدگی نخواهد شد. ماده ۳۰ ـ درخواست رفع اختلاف موجب تاخیر اجرای حکم نخواهد شد مگر این که دادگاه قرار تاخیر اجرای حکم را صادر نماید. ماده ۳۱ ـ هرگاه محکوم‌علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرایی‌حسب مورد تا زمان معرفی ورثه ولی وصی قیم محجور یا امین‌و مدیر ترکه متوقف می‌گردد و قسمت اجرا به محکوم له اخطار می‌کندتا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید واگر مالی توقیف نشده باشد دادورز (مامور اجرا) می‌تواند به‌درخواست محکوم‌له معادل محکوم‌به از ترکه متوفی یا اموال محجورتوقیف کند. ماده ۳۲ ـ حساب مواعد مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی‌است و مدتی که عملیات اجرایی توقیف می‌شود به حساب نخواهدآمد. ماده ۳۳ ـ هرگاه محکوم‌علیه بازرگان بوده و در جریان اجراورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه‌اعلام می‌شود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام‌گردد. ماده ۳۴ ـ همین که اجراییه به محکوم‌علیه ابلاغ شد محکوم‌علیه‌مکلف است ظرف ده روز مفاد آن را به‌موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی‌برای پرداخت محکوم‌به بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفای محکوم‌به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به‌اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف مهلت مزبور صورت جامع دارایی‌خود را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحا اعلام نماید.هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضای مهلت مذکور معلوم شود که‌محکوم‌علیه قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم‌به بوده لیکن برای‌فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع از دارایی‌خود داده به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجراییه متعسر گردیده باشد به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش‌ماه محکوم‌خواهد شد. تبصره ـ شخص ثالث نیز می‌تواند به جای محکوم علیه برای‌استیفای محکوم به مالی معرفی کند. ماده ۳۵ ـ بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت بدهی خودنبوده مکلف است هر موقع که به تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خودمتمکن گردد آن را بپردازد و هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ‌انقضای مهلت مقرر قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده‌و تا یک ماه از تاریخ امکان پرداخت آن را نپردازد و یا مالی به مسوول اجرا معرفی نکند به مجازات مقرر در ماده قبل محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ محکوم‌له می‌تواند بعد از ابلاغ اجراییه و قبل از انقضای‌مهلت مقرر در مواد قبل اموال محکوم‌علیه را برای تامین محکوم به به‌قسمت اجرا معرفی کند و قسمت اجرا مکلف به قبول آن است پس ازانقضای مهلت مزبور نیز در صورتی که محکوم‌علیه مالی معرفی نکرده‌باشد که اجرای حکم و استیفای محکوم به از آن میسر باشد محکوم‌له‌می‌تواند هر وقت مالی از محکوم‌علیه بدست آید استیفای محکوم به رااز آن مال

بخواهد. تبصره ۲ ـ تعقیب کیفری جرایم مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ منوط به‌شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یااجرای مجازات موقوف می گردد. ماده ۳۶ ـ در مواردی که مفاد اجراییه از طریق انتشار آگهی به‌محکوم علیه ابلاغ‌می‌شود درصورتی که به اموال او دسترسی باشد به‌تقاضای محکوم‌له معادل محکوم به از اموال محکوم‌علیه توقیف‌می‌شود. ماده ۳۷ ـ محکوم‌له می‌تواند طریق اجرای حکم را به دادورز (ماموراجرا) ارایه دهد و در حین عملیات اجرایی حاضر باشد ولی نمی‌تواندر اموری که از وظایف دادورز (مامور اجرا) است دخالت نماید. ماده ۳۸ ـ دادورز (مامور اجرا) محکوم به را به محکوم‌له تسلیم‌نموده برگ رسید می گیرد و هرگاه محکوم به نباید به مشارالیه داده‌شود یا دسترسی به محکوم‌له نباشد مراتب را جهت صدور دستورمقتضی به دادگاهی که اجراییه صادر کرده است اعلام می کند. ماده ۳۹ ـ هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یانقص یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلا اثر شود عملیات‌اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرابرمی گردد و در صورتی که محکوم به عین معین بوده و استرداد آن‌ممکن نباشد دادورز (مامور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می‌نماید. اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای‌حکم مقرر است بدون صدور اجراییه به عمل می‌آید. ماده ۴۰ ـ محکوم‌له و محکوم‌علیه می‌توانند برای اجرای حکم قراری گذارده و مراتب را به قسمت اجرا اعلام دارند. ماده ۴۱ ـ هر گاه محکوم‌علیه طوعا حکم دادگاه را اجرا ننماید دادورز (مامور اجرا) به ترتیب مقرر در این قانون اقدام به اجرای‌حکم می کند. ماده ۴۲ ـ هرگاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکوم‌له ممکن باشد دادورز (مامور اجرا) عین آن راگرفته و به محکوم له می‌دهد. ماده ۴۳ ـ در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملك مشاع به نفع‌مالك قسمتی از ملك مشاع صادر شده باشد از تمام ملك خلع یدمی‌شود؛ ولی تصرف محکوم‌له در ملك خلع ید شده مشمول مقررات املاك مشاعی است ماده ۴۴ ـ اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشداین امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر این که متصرف مدعی حقی ازعین یا منافع آن بوده و دلایلی هم ارایه نماید در این صورت دادورز(مامور اجرا)یك هفته به او مهلت می‌دهد تا به دادگاه صلاحیتدارمراجعه کند و در صورتی که ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکورقراری دایر به تاخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارایه نگردد عملیات‌اجرایی ادامه خواهد یافت ماده ۴۵ ـ هرگاه در محلی که باید خلع ید شود اموالی از محکوم علیه یاشخص دیگری باشد و صاحب مال از بردن آن خودداری کند و یا به اودسترسی نباشد دادورز (مامور اجرا) صورت تفصیلی اموال مذکور راتهیه و به ترتیب زیر عمل می‌کند: ۱ ـ اسناد و اوراق بهادار و جواهر و وجه نقد به صندوق دادگستری یایکی از بانکها سپرده می‌شود. ۲ ـ اموال ضایع شدنی و اشیایی که بهای آنها متناسب با هزینه‌نگاهداری نباشد بفروش رسیده و حاصل فروش پس از کسرهزینه‌های مربوط به صندوق دادگستری سپرده می‌شود تا به صاحب‌آن مسترد گردد. ۳ ـ در مورد سایر اموال دادورز (مامور اجرا) آنها را در همان محل یامحل مناسب دیگری محفوظ نگاه داشته و یا به حافظ سپرده و رسیددریافت می‌دارد. ماده ۴۶ ـ اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده یا به آن دسترسی‌نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله‌دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می‌شود وهرگاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکوم له می‌تواند دعوی خسارت‌اقامه نماید. ماده ۴۷ ـ هرگاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه ازانجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن‌باشد محکوم له می‌تواند تحت نظر دادورز (مامور اجرا) آن عمل راوسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام عمل‌هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم علیه مطالبه نماید. درهریك از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت باجلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می‌نماید. وصول هزینه‌مذکور و حق‌الزحمه کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای‌وصول محکوم به نقدی مقرر است تبصره ـ در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن‌نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد. ماده ۴۸ ـ درصورتی که در ملك مورد حکم خلع ید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد به ترتیب زیر رفتار می‌شود: اگر موقع برداشت محصول رسیده

باشـد محکـوم علیه بایـد فورامحصول را بردارد والاـ دادورز (مـامور اجرا) اقـدام به برداشت‌محصول نموده و هزینه‌هـای مربوط را تا زمان تحویل محصول به‌محکوم علیه از او وصول می‌نمایـد. هرگاه موقع برداشت محصول‌نرسـیده باشـد اعم از این که بذر روییده یا نروییده باشد محکوم له‌مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصـرف کند یا ملک راتا زمان رسـیدن محصول به تصرف محکوم علیه باقی بگذارد واجرت‌المثل بگیرد. تشـخیص بهای زراعت و اجرت‌المثل با دادگاه خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد قطعی است

فصل دوم ـ توقیف اموال

مبحث اول ـ مقرّرات عمومی (ماده ۴۹ الی ۶۰)

ماده ۴۹ ـ در صـورتی کـه محکـوم علیـه در موعـدی کـه برای اجرای‌حکم مقرر است مـدلول حکم را طوعـا اجرا ننمایـد یـا قراری بامحکوم‌له برای اجرای حکم ندهـد و مالی هم معرفی نکنـد یا مالی از او تامین و توقیف نشده باشد محکوم له می‌تواند درخواسـت کنـد که ازاموال محکوم علیه معـادل محکوم به توقیف گردد. ماده ۵۰ ـ دادورز (مامور اجرا) بایـد پس از درخواست توقیف بـدون تـاخیر اقـدام به توقیف اموال محکوم علیه نمایـد و اگر اموال در حوزه دادگـاه دیگری باشـد توقیف آن را از قسـمت اجرای دادگاه مذکوربخواهد. ماده ۵۱ ـ از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف می‌شود که معـادل‌محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشـد ولی هرگاه مال معرفی شـده ارزش‌بیشتری داشـته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد، در این‌صورت اگر مال غیر منقول باشد مقدار مشـاعی از آن که معـادل‌محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشـد توقیف می‌گردد. ماده ۵۲ ـ اگر مـالی از محکوم علیه تـامین و توقیف شـده باشد استیفای محکوم به از همان مال به عمل می‌آید مگر آن که مال تامین‌شده تکافوی محکوم به را نکند که در این صورت معـادل بقیه محکوم به‌از سـایر اموال محکوم علیه توقیف می‌گردد. ماده ۵۳ ـ هرگاه مالی از محکوم علیه در قبال خواسـته یا محکوم به‌توقیف شـده باشـد محکوم علیه می‌توانـد یـک بار تا قبل از شـروع به‌عملیات راجع به فروش درخواست تبـدیل مالی را که توقیف شده‌است به مال دیگری بنماید مشـروط بر این که مالی که پیشـنهاد می‌شوداز حیث قیمت و سـهولت فروش از مالی که قبلا توقیف شده است کمترنباشد. محکوم له نیز می‌تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع‌به فروش درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید. در صورتی که‌محکوم‌علیه یا محکوم‌له به تصـمیم قسـمت اجرا معترض باشـندمی‌توانند به دادگاه صادرکننده اجراییه مراجعه نماینـد. تصـمیم دادگـاه دراین مورد قطعی است ماده ۵۴ ـ اگر مـالی که توقیف آن تقاضـا شـده وثیقه دینی بوده یـا درمقابـل طلب دیگری توقیف شـده باشد قسـمت اجرا به درخواست‌محکوم له توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد به اداره ثبت یامرجعی که قبلاـ مـال را توقیف کرده است اطّلاـع می‌دهـد. در این صورت‌اگر مـال دیگری به تقاضـای محکوم له توقیف شود که تکـافوی طلب اورا بنمایـد از توقیف مـازاد رفع اثر خواهـد شـد. در صورت فـک وثیقه یـارفع توقیف اصـل مـال توقیف مازاد خود به خود به توقیف اصل مال‌تبـدیل می‌شود در این مورد هرگاه محکوم علیه به عنوان عدم تناسب‌بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه او مال ارزیابی شـده ازمقـدار زایـد بر بـدهی رفع توقیف خواهد شد. ماده ۵۵ ـ در مورد مـالی که وثیقه بوده یـا در مقابـل مطالباتی توقیف‌شـده باشـد محکوم له می‌توانـد تمـام دیون و خسـارات قانونی را با حقوق دولت حسب مورد در صـندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضـای‌توقیف مـال و استیفـای حقوق خود را از آن بنمایـد در این صورت وثیقه‌و توقیف‌هـای سـابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شـده بلافاصله توقیف می‌شود. ماده ۵۶ ـ هرگونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شـرطی و رهنی نسـبت به‌مال توقیف شـده باطـل و بلااثر است ماده ۵۷ ـ هرگونه قرارداد یـا تعهـدی که نسـبت به مـال توقیف شده‌بعـد از توقیف به ضـرر

محکوم له منعقد شود نافذ نخواهد بود مگراین که محکوم له کتبا رضایت دهد. ماده ۵۸ ـ در صورتی که محکوم علیه ، محکوم به و خسارات قانونی را تادیه نماید قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد. ماده ۵۹ ـ محکوم علیه می‌تواند با نظارت دادورز (مامور اجرا) مال توقیف شده را بفروشد مشروط بر این که حاصل فروش به تنهایی‌برای پرداخت محکوم به و هزینه‌های اجرایی کافی باشد و اگر مال درمقابل قسمتی از محکوم به توقیف شده حاصل فروش نباید از مبلغی‌که در قبال آن توقیف به عمل آمده کمتر باشد. ماده ۶۰ ـ عدم حضور محکوم له و محکوم علیه مانع از توقیف مال‌نمی‌شود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.

مبحث دوم ــ در توقیف اموال منقول (ماده ۶۱ الی ۶۶)

ماده ۶۱ ـ مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشدو متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید به عنوان مال محکوم علیه توقیف نخواهد شد. درصورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسوول جبران خسارت‌محکوم‌له خواهد بود. ماده ۶۲ ـ اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کارمحکوم علیه باشد در صورتی توقیف می‌شود که دلایل و قراین کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد. ماده ۶۳ ـ از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولا و عادتا مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه‌مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترك بین آنان محسوب می‌شود مگر این که‌خلاف آن ثابت گردد. ماده ۶۴ ـ اگر مال معرفی شده در جایی باشد که در آن بسته باشد واز باز کردن آن خودداری نمایند دادورز (مامور اجرا) با حضور مامور شهربانی یا ژاندارمری یا دهبان محل، اقدام لازم برای باز کردن در وتوقیف مال معمول می‌دارد و در مورد باز کردن محل که کسی در آن نیست حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش مستقل نیز بایدحضور داشته باشد. ماده ۶۵ ـ اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود. ۱ ـ لباس و اشیا و اسبابی که برای رفع حوایج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است ۲ ـ آذوقه موجود به قدر احتیاج یك ماهه محکوم علیه و اشخاص‌واجب النفقه او. ۳ ـ وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان ۴ ـ اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیرقابل توقیف می‌باشند. تبصره ـ تصنیفات و تالیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ‌نرسیده بدون رضایت مصنف و مولف و مترجم و در صورت فوت‌آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود. ماده ۶۶ ـ اموال ضایع شدنی بلافاصله و اموالی که ادامه توقیف آن‌مستلزم هزینه نامتناسب یا کسر فاحش قیمت است فورا ارزیابی و با تصویب دادگاه بدون رعایت تشریفات راجع به توقیف و مزایده بفروش می‌رسد لیکن قبل از فروش باید صورتی از اموال مزبور برداشته شود.

مبحث سوم ــ صورت‌برداری اموال منقول (ماده ۶۷ الی ۷۲)

ماده ۶۷ ـ دادورز (مامور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول صورتی که مشتمل بر وصف کامل اموال از قبیل نوع ـ عدد ـ وزن ـ اندازه و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید، در مورد طلاو نقره عیار آنها (هرگاه عیار آنها معین باشد) و در جواهرات اسامی و مشخصات آنها و در کتاب نام کتاب و مولف و مترجم و خطی یا چاپی‌بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد) و در مصنوعات ساخت ومدل و در مورد فرش بافت و رنگ و در مورد سهام و اوراق بهادار نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و به طور کلی در هر مورد مشخصات وخصوصیاتی که معرف کامل مال باشد نوشته می‌شود. ماده ۶۸ ـ تراشیدن و پاك کردن و الحاق و نوشتن بین سطرها درصورت اموال ممنوع است و اگر سهو و

اشتباهی رخ داده باشد دادورز(مامور اجرا) در ذیل صورت آن را تصحیح و به امضای حاضران‌می‌رساند. ماده ۶۹ ـ هرگاه اشخاص ثالث نسبت به اموالی که توقیف می‌شوداظهار حقی نمایند دادورز (مامور اجرا) مشخصات اظهارکننده وخلاصه اظهارات او را قید می‌کند. ماده ۷۰ ـ هرگاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنهاحاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری نمایند دادورز(مامور اجرا) ایراد و اظهار آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت‌قید می‌کند. طرفین اگر حاضر باشند ظرف یک هفته از تاریخ تنظیم‌صورت حق شکایت خواهند داشت والا ـ صورت اموال از طرف‌قسمت اجرا به طرف غایب ابلاغ می‌شود و طرف غایب حق دارد ظرف‌یک هفته از تاریخ ابلاغ شکایت نماید. ماده ۷۱ ـ در صورت اموال باید تاریخ و ساعت شروع و ختم عمل‌نوشته شود و به امضای دادورز (مامور اجرا) و حاضران برسد هرگاه‌محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها از امضای ذیل صورت‌اموال امتناع نمایند مراتب در صورت قید می‌شود. ماده ۷۲ ـ دادورز (مامور اجرا) به تقاضای محکوم له یا محکوم علیه رونوشت گواهی شده از صورت اموال را به آنها خواهد داد.

مبحث چهارم ـ ارزیابی اموال منقول (ماده ۷۳ الی ۷۶)

ماده ۷۳ ـ ارزیابی اموال منقول حین توقیف به عمل می‌آید و درصورت اموال درج می‌شود. قیمت اموال را محکوم له و محکوم علیه به‌تراضی تعیین می‌نمایند و هرگاه طرفین حین توقیف حاضر نباشند یا حاضر بوده و درتعیین قیمت تراضی ننمایند ارزیاب معین می‌شود. ماده ۷۴ ـ ارزیاب به تراضی طرفین معین می‌شود. در صورت عدم‌تراضی یا عدم حضور محکوم علیه دادورز (مامور اجرا) از بین کارشناسان رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین‌اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین می‌کند و هرگاه در حین توقیف به ارزیاب دسترسی نباشد قیمتی که محکوم له تعیین کرده برای توقیف‌مال ملاک عمل خواهد بود. در این صورت دادورز (مامور اجرا) به قیدفوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد. ماده ۷۵ ـ قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ می‌نماید.هریک از طرفین می‌تواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی به‌نظریه ارزیاب اعتراض نماید. این اعتراض در دادگاهی که حکم به‌وسیله آن اجرا می‌شود، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورت‌ضرورت با تجدید ارزیابی قیمت مال معین می‌شود، تشخیص دادگاه‌در این مورد قطعی است ماده ۷۶ ـ حق الزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار به وسیله دادورز (مامور اجرا) معین می‌گردد و پرداخت آن‌به عهده محکوم علیه است هرگاه نسبت به میزان حق الزحمه‌اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.هرگاه محکوم علیه از پرداخت حق الزحمه ارزیاب امتناع نمایدمحکوم له می‌تواند آن را بپردازد. در این صورت دادورز (مامور اجرا)وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکوم‌علیه وصول و به محکوم له‌خواهد داد. پرداخت حق‌الزحمه در مورد ماده قبل به عهده معترض‌است و اگر ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبحث پنجم ـ حفظ اموال منقول توقیف شده (ماده ۷۷ الی ۸۶)

مبحث پنجم ـ حفظ اموال منقول توقیف شده مبحث پنجم ـ حفظ اموال منقول توقیف شده ماده ۷۷ ـ اموال توقیف شده در همان جا که هست حفظ می‌شودمگر این که نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد. ماده ۷۸ ـ اموال توقیف شده برای حفاظت به شخص مسوولی سپرده‌می‌شود. حافظ با توافق طرفین تعیین می‌گردد و در صورتی که طرفین‌حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضی ننمایندددادورز (مامور اجرا) شخص قابل اعتمادی را معین می‌کند. اوراق بهادار و جواهر و امثال آنها در

صورت اقتضا در یکی از بانکها به امانت گذاشته می‌شود. ماده ۷۹ ـ اموال توقیف شده بدون تراضی کتبی طرفین به اشخاص ذیل سپرده نمی‌شود: ۱ ـ اقربای نسبی و سببی دادورز (مامور اجرا) تا درجه سوم ۲ ـ محکوم له و محکوم علیه و همسر آنان و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا در جه سوم دارند. ماده ۸۰ ـ اموال توقیف شده و رونوشت صورت اموال به شخصی که مسوولیت حفظ را به عهده گرفته تحویل و رسید اخذ می گردد. ماده ۸۱ ـ شخص حافظ می‌تواند اجرت بخواهد و هرگاه در میزان‌اجرت تراضی نشود مدیر اجرا با توجه به کمیت و کیفیت مال و مدت حفاظت میزان آن را تعیین می‌نماید. ماده ۸۲ ـ اجرت حافظ را اگر محکوم علیه تادیه نکند محکوم له‌می‌پردازد و از حاصل فروش اشیای توقیف شده استیفاء می‌نماید. درصورت مطالبه اجرت از طرف حافظ و عدم تادیه آن مدیر اجرا به‌محکوم له اخطار می کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار اجرت حافظ را بپردازد. ماده ۸۳ ـ حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده یا به کسی بدهد و به طور کلی هرگاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد مسوول پرداخت خسارت وارده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت ماده ۸۴ ـ هرگاه اموال توقیف شده منافعی داشته باشد حافظ بایدحساب آن را بدهد. ماده ۸۵ ـ در صورتی که حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مامور اجرا) معادل‌ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفا می‌نماید. ماده ۸۶ ـ هرگاه حافظ نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگاهداری کند و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید دادورز(مامور اجرا) پس از تصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد.

مبحث ششم ـ توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است (ماده ۸۷ الی ۹۵)

ماده ۸۷ ـ هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف طلبی باشد که‌محکوم علیه از شخص ثالث دارد اخطاری در باب توقیف مال یا طلب‌و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می‌شود و مراتب فورا به‌محکوم علیه نیزابلاغ‌می گردد. ماده ۸۸ ـ شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نباید مال یا طلب‌توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید، در صورت تخلف مسؤول جبران خسارت وارده به‌محکوم له خواهد بود. ماده ۸۹ ـ هرگاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یاوجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را به‌دادورز (مامور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید بمنزله سند تادیه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم‌علیه خواهد بود. ماده ۹۰ ـ در موردی که شخص ثالث دین خود را به اقساط یا اجورو عوایدی را به تدریج به محکوم‌علیه می‌پردازد و محکوم له تقاضای استیفای محکوم به را از آن بنماید دادورز (مامور اجرا) به شخص ثالث‌اخطار می کند که اقساط یا عواید و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم‌نماید. ماده ۹۱ ـ هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکوم علیه نزد خود باشد باید ظرف ده روز ازتاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را به قسمت اجرا اطلاع دهد. ماده ۹۲ ـ هرگاه شخص ثالث به تکلیف مقرر در ماده قبل عمل‌نکند و یا برخلاف واقع منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکوم‌علیه نزد خود گردد و یا اطلاعاتی که داده موافق با واقع نباشد و موجب خسارت شود محکوم‌له می‌تواند برای خسارت‌به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نماید. ماده ۹۳ ـ اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نمایدو دادورز (مامور اجرا) هم به آن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت‌آن از دارایی او برای استیفای محکوم‌به توقیف خواهد شد. در صورتی که شخص ثالث مدعی باشد که مال قبل از مطالبه قسمت اجرا بدون تعدی و تفریط او از بین رفته می‌تواند به دادگاه دادخواست دهد دادگاه در صورتی که دلایل او را موجه تشخیص دهد قراری درباب توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف نهایی صادر می کند. ماده ۹۴ ـ هرگاه شخص ثالث از تادیه وجه نقد یا طلب حال که نزد اوتوقیف شده

امتناع نماید به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف‌خواهد شد. ماده ۹۵ ـ شخص ثالثی که مال محکوم علیه نزد او توقیف شده می‌تواند مال مزبور را هر وقت بخواهد به قسمت اجرا تسلیم کند و قسمت اجرا باید آن را قبول نماید.

مبحث هفتم ــ توقیف حقوق مستخدمین (ماده ۹۶ الی ۹۸)

ماده ۹۶ ـ از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداری ها و بانکها و شرکتها وبنگاههای خصوصی و نظایر آن در صورتی که دارای زن یا فرزند باشند ربع والا ثلث توقیف می‌شود. تبصره ۱ ـ توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر این که دین مربوط به‌شخص بازنشسته یا وظیفه‌بگیر باشد. تبصره۲ـحقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند توقیف نمی‌شود. ماده ۹۷ ـ در مورد ماده فوق مدیر اجرا مراتب را به سازمان مربوط ابلاغ می‌نماید و رییس یا مدیر سازمان مکلف است از حقوق و مزایای محکوم‌علیه کسر نموده و به قسمت اجرا بفرستد. ماده ۹۸ ـ توقیف حقوق و مزایای استخدامی مانع از این نیست که اگر مالی از محکوم علیه معرفی شود برای استیفای محکوم به توقیف گردد ولی اگر مال معرفی شده برای استیفای محکوم به کافی باشد توقیف‌حقوق و مزایای استخدامی محکوم‌علیه موقوف می‌شود.

مبحث هشتم ــ توقیف اموال غیرمنقول (ماده ۹۹ الی ۱۰۴)

ماده ۹۹ ـ قسمت اجرا توقیف مال غیرمنقول را با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام می‌کند. ماده ۱۰۰ ـ اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتی که ملک به نام محکوم علیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاک و اگر ملک درجریان ثبت باشد در دفتر املاک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به‌قسمت اجرا اطلاع می‌دهد و اگر ملک به نام محکوم‌علیه نباشد فورا به‌قسمت اجرا اعلام می‌دارد. ماده ۱۰۱ ـ توقیف مال غیرمنقولی که سابقه ثبت ندارد به عنوان مال‌محکوم علیه وقتی جایز است که محکوم‌علیه در آن تصرف مالکانه‌داشته باشد و یا محکوم‌علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده‌باشد. در موردی که حکم بر مالکیت محکوم‌علیه صادر شده ولی به مرحله‌نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازای بدهی محکوم علیه جایزاست ولی ادامه عملیات اجرایی موکول به صدور حکم نهایی است ماده ۱۰۲ ـ در صورتی که عواید یک ساله مال غیرمنقول به تشخیص دادگاه برای ادای محکوم به و هزینه اجرایی کافی باشد ومحکوم علیه حاضر شود که از عواید آن ملک محکوم به داده شود عین‌ملک توقیف نمی‌شود و فقط عواید توقیف و محکوم به از آن وصول‌می‌گردد. در این صورت قسمت اجرا مکلف است مراتب را به ثبت‌محل اعلام نماید. ماده ۱۰۳ ـ توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف منافع آن‌نمی‌گردد. ماده ۱۰۴ ـ توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات مواد۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

مبحث نهم ــ صورت‌برداری اموال غیرمنقول (ماده ۱۰۵ الی ۱۰۹)

ماده ۱۰۵ ـ دادورز (مامور اجرا) پس از توقیف اموال غیرمنقول‌صورت اموال را تنظیم و نسخه‌ای از آن را به محکوم علیه ابلاغ می‌نماید تا اگر شکایتی داشته باشد ظرف یک هفته کتبا به قسمت اجرا تسلیم دارد. مدیر اجرا به شکایات مزبور رسیدگی و در صورتی که شکایت وارد باشد صورت مشخصات مال توقیف شده را اصلاح یا تجدیدمی‌نماید. ماده ۱۰۶ ـ مراتب زیر باید در

صـورت اموال غیرمنقول قیـد شود: ۱ ـ تاریـخ و مفـاد ورقه اجراییه ۲ ـ محلی که مـال غیرمنقـول در آنجـا واقع است ۳ ـ وصف مـال غیرمنقول با ذکر مشـخصات ملک و مالک و این که‌ملک مشاع است یا مفروز و اشـخاص دیگر نسبت به آن حقی دارندیا نه و اگر حقی دارنـد چه نوع حقی است و منـافع ملک به کسـی واگـذار شـده است یا خیر؟ ۴ ـ حـدود ملـک و مجاورین آن ماده ۱۰۷ ـ در صورتی که مساحت ملک معین نباشـد دادورز (ماموراجرا) مساحت تقریبی آن را در صورت قیـد می کنـد. ماده ۱۰۸ ـ محکوم علیه حین تنظیم صورت باید اسناد راجع به‌ملک یا مال غیرمنقول را به دادورز (مامور اجرا) ارائه دهد. ماده ۱۰۹ ـ هرگاه راجع به تمام یا قسمتی از ملک توقیف شـده دعوایی‌در جریان باشـد مراتب در صـورت قیـد و تصـریح می‌شـود که دعـوی درچه مرجعی مـورد رسیدگی است

مبحث دهم ـ ارزیابی و حفظ اموال غیرمنقول (ماده ۱۱۰ الی ۱۱۲)

ماده ۱۱۰ ـ ارزیـابی اموال غیرمنقول به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۶این قانون به عمل خواهد آمد. ماده ۱۱۱ ـ مال غیرمنقول بعد از تنظیم صورت و ارزیـابی حسب مورد موقتـا به مالک یا متصـرف ملک تحویل می‌شود و مشارالیه مکلف است ملک را همان طوری که طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهـد. ماده ۱۱۲ ـ در صورتی که عوایـد موجود مـال غیرمنقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده‌اند سپرده می‌شود و در صورت‌عدم تراضـی به شـخص امینی که دادورز (مامور اجرا)معین می کندسپرده خواهد شد ولی اگر عواید وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می گردد.

فصل سوم ـ فروش اموال توقیف شده

مبحث اول ـ فروش اموال منقول (ماده ۱۱۳ الی ۱۳۶)

ماده ۱۱۰ ـ ارزیـابی اموال غیرمنقول به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۶این قانون به عمل خواهد آمد. ماده ۱۱۱ ـ مال غیرمنقول بعد از تنظیم صورت و ارزیـابی حسب مورد موقتـا به مالک یا متصـرف ملک تحویل می‌شود و مشارالیه مکلف است ملک را همان طوری که طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهـد. ماده ۱۱۲ ـ در صورتی که عوایـد موجود مـال غیرمنقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده‌اند سپرده می‌شود و در صورت‌عدم تراضـی به شـخص امینی که دادورز (مامور اجرا)معین می کندسپرده خواهد شد ولی اگر عواید وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می گردد.

مبحث دوم ـ فروش اموال غیرمنقول (ماده ۱۳۷ الی ۱۴۵)

ماده ۱۳۷ ـ ترتیب فروش امول غیرمنقول به استثنای مواردی که در این مبحث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است ماده ۱۳۸ ـ در آگهی فروش باید نکات ذیل تصریح شود: ۱ ـ نام و نام خانوادگی صاحب ملک ۲ ـ محل وقوع ملک و توصیف اجمالی آن و تعیین این که ملک‌محـل سـکونت یا کسب و پیشه یا تجارت یا زراعت و غیره است ۳ ـ تعیین این که ملک ثبت شـده است یا نه ۴ ـ تعیین این که ملک در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مـدت ومیزان اجاره ۵ ـ تصریح به این که ملک مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن‌فروخته می‌شود. ۶ ـ تعیین حقوقی که اشـخاص نسبت به آن ملک تحت هر عنوان‌دارند. ۷ ـ قیمتی که مزایده از آن

شروع می‌شود. ۸ ـ ساعت و روز و محل مزایده ماده ۱۳۹ ـ آگهی فروش به ترتیب مقرر در مبحث قبل منتشرخواهد شد. آگهی مزبور در محل ملک نیز الصاق می گردد. ماده ۱۴۰ ـ هرگاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکوم علیه بفروش‌می‌رسد مگر این که سایر شرکا فروش تمام ملک را بخواهند در این‌صورت طلب محکوم له و هزینه‌های اجرایی از حصه محکوم علیه پرداخت می‌شود. ماده ۱۴۱ ـ پس از انجام مزایده صورت مجلس تنظیم و در آن نام ونام خانوادگی مالک و خریدار و خصوصیات ملک و قیمتی که‌بفروش رسیده نوشته می‌شود و به ضمیمه پرونده اجرایی به دادگاهی که قسمت اجرای آن دادگاه اقدام بفروش کرده است تسلیم می گردد. ماده ۱۴۲ ـ شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن وتخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات دادورز (مامور اجرا) ظرف‌یک هفته از تاریخ وقوع به دادگاهی که دادورز (مامور اجرا) در آنجا ماموریت دارد داده می‌شود دادگاه در وقت فوق العاده به موضوع شکایت رسیدگی و در صورتی که شکایت را وارد و موثر دانست‌اقدامی را که بر خلاف مقررات شده است ابطال و دستور مقتضی صادرخواهد نمود. قبل از این که دادگاه در موضوع شکایت اظهارنظر نماید سند انتقال داده نمی‌شود. ماده ۱۴۳ ـ دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است ماده ۱۴۴ ـ در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می‌تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه‌های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبوردستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشدخواهد داد. ماده ۱۴۵ ـ هرگاه مالک حاضر به امضای سند انتقال به نام خریدار نشود نماینده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمی به نام خریدار امضا می‌نماید.

فصل چهارم ـ اعتراض شخص ثالث (ماده ۱۴۶ الی ۱۴۷)

ماده ۱۴۶ ـ هرگاه نسبت به مال منقول یا غیرمنقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به‌حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است توقیف رفع می‌شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب‌می گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات‌ادعای خود می‌تواند به دادگاه شکایت کند. ماده ۱۴۷ ـ شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت‌تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی‌می‌شود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می‌شود و دادگاه به دلایل شخص‌ثالث و طرفین دعوی به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی‌می کند و در صورتی که دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می‌نماید. در این صورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می‌تواند با اخذ تامین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد. به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به‌ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد. تبصره ـ محکوم له می‌تواند مال دیگری را از اموال محکوم علیه به‌جای مال مورد اعتراض معرفی نماید. در این صورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف می‌شود و رسیدگی به شکایت‌شخص ثالث نیز موقوف می گردد.

فصل پنجم ـ حق تقدم (ماده ۱۴۸ الی ۱۴۹)

ماده ۱۴۸ ـ در هر مورد که اجراییه‌های متعدد به قسمت اجرا رسیده باشد دادورز (مامور اجرا) باید حق تقدم هریک از محکوم لهم را به‌ترتیب زیر رعایت نماید: ۱ ـ اگر مال منقول یا غیرمنقول محکوم علیه نزد محکوم له رهن یا وثیقه‌یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تامینی یا اجرایی باشدمحکوم له نسبت به مال مزبور به میزان محکوم به بر سایر محکوم لهم‌حق تقدم خواهد داشت ۲ ـ خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکوم علیه نسبت به‌حقوق و دستمزد شش ماه خود. ۳ ـ نفقه زن و هزینه نگهداری

اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه و مهریه تا میزان دویست هزار ریال ۴ ـ بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران ماده ۱۴۹ ـ پس از این که بستانکاران به ترتیب هر طبقه طلب خودرا از اموال محکوم علیه وصول نمودند اگر چیزی زاید از طلب آنها باقی بماند به طبقه بعدی داده می‌شود و در هریک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آنها تقسیم می گردد.

فصل ششم ـ تأدیه طلب (ماده ۱۵۰ الی ۱۵۷)

ماده ۱۵۰ ـ وجوهی که در نتیجه فروش مال توقیف شده یا به طریق‌دیگر از محکوم علیه وصول می‌شود به میزان محکوم به و هزینه‌های‌اجرایی به محکوم له داده خواهد شد و اگر زاید باشد بقیه به‌محکوم علیه مسترد می‌شود. ماده ۱۵۱ ـ در صورتی که وجوه حاصل کمتر از میزان محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشد به درخواست محکوم له برای وصول بقیه‌طلب او از سایر اموال محکوم علیه توقیف می‌شود. ماده ۱۵۲ ـ در مقابل وجهی که به محکوم له داده می‌شود دو]نسخه رسید اخذ می گردد یک نسخه از آن به محکوم علیه تسلیم و نسخه‌دیگر در پرونده اجرایی بایگانی می گردد. ماده ۱۵۳ ـ در موردی که محکوم له بیش از یک نفر باشد و دارایی‌دیگری برای محکوم علیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچ‌یک از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند از وجه وصول شده معادل هزینه اجرایی به کسی که آن را پرداخته است داده می‌شود و بقیه‌بین طلبکارانی که تا آن تاریخ اجراییه صادر و درخواست استیفای طلب خود را نموده‌اند به نسبت‌طلبی که دارند با رعایت مواد ۱۵۴ و۱۵۵ تقسیم می‌شود. ماده ۱۵۴ ـ تقسیم‌نامه را دادورز (مامور اجرا) تنظیم و به طلبکاران‌اخطار می‌نماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند. ماده ۱۵۵ ـ هریک از طلبکاران که شکایتی از ترتیب تقسیم داشته‌باشد می‌تواند ظرف یک هفته از تاریخ اخطار دادورز (مامور اجرا)راجع به ترتیب تقسیم به دادگاه مراجعه کند. دادگاه در جلسه اداری به‌شکایت رسیدگی و تصمیم قطعی اتخاذ می‌نماید در این صورت‌تقسیم پس از تعیین تکلیف شکایت در دادگاه به عمل می‌آید. ماده ۱۵۶ ـ در صورتی که به طلبکاری زاید از سهم او داده شده باشدمقدار زاید بنحوی که در ماده ۳۹ مقرر گردیده مسترد می‌شود. ماده ۱۵۷ ـ خسارت تاخیر تادیه در صورتی که حکم دادگاه تا تاریخ وصول مقرر شده باشد تا زمان تنظیم تقسیم‌نامه جزء طلب محکوم‌له‌محسوب خواهد شد.

فصل هفتم ـ هزینه‌های اجرایی (ماده ۱۵۸ الی ۱۶۸)

ماده ۱۵۸ ـ هزینه‌های اجرایی عبارت است از: ۱ ـ پنج درصد مبلغ محکوم به بابت حق اجرای حکم که بعد از اجرا وصول می‌شود. در دعاوی مالی که خواسته وجه نقد نیست حق اجرا به ماخذ بهای خواسته که در دادخواست تعیین و مورد حکم قرار گرفته‌حساب می‌شود مگر این که دادگاه قیمت دیگری برای خواسته معین‌نموده باشد. ۲ ـ هزینه‌هایی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانندحق الزحمه خبره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظایرآن ماده ۱۵۹ ـ در تخلیه مورد اجاره غیرمنقول صدی ده اجاره‌بهای سه‌ماه و در سایر مواردی که قانونا تعیین بهای خواسته لازم نیست از هزارریال تا پنج هزار ریال به تشخیص دادگاه بابت حق اجرا دریافت‌می‌شود. ماده ۱۶۰ ـ پرداخت حق اجرا پس از انقضای ده روز از تاریخ ابلاغ‌اجراییه بر عهده محکوم علیه است ولی در صورتی که طرفین سازش کنند یا بین خود ترتیبی برای اجرای حکم بدهند نصف حق اجرادریافت خواهد شد. و در صورتی که محکوم به بیست هزار ریال یاکمتر باشد حق اجرا تعلق نخواهد گرفت ماده ۱۶۱ ـ اگر محکوم به وجه نقد باشد حق اجرا هم ضمن آن وصول می گردد و هرگاه محکوم له بعد از شروع اقدامات اجرایی راسا محکوم به را وصول نموده باشد و محکوم علیه حاضر به پرداخت‌حق اجرا نشود حق مزبور از اموال محکوم علیه طبق مقررات اجرای‌احکام وصول می گردد. در این صورت هزینه‌هایی که

برای توقیف وفروش اموال محکوم علیه لازم باشد از صندوق دادگستری پرداخت‌شده و پس از وصول آن به صندوق مسترد می گردد. ماده ۱۶۲ ـ دادورز (مامور اجرا) باید حق اجرا را بلافاصله پس از وصول در قبال اخذ دو نسخه رسید به صندوق دادگستری پرداخت کند و یک نسخه از رسید مزبور را به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگر را پیوست پرونده اجرایی نماید. ماده ۱۶۳ ـ دادورز (مامور اجرا) باید جریمه نقدی مقرر در حکم‌قطعی را نیز به ترتیب مذکور در این قانون وصول نماید. ماده ۱۶۴ ـ اجرای موقت حکم حق اجرا ندارد ولی اگر اجرای موقت‌به اجرای قطعی حکم منتهی شود حق اجرا وصول می گردد. ماده ۱۶۵ ـ راجع به احکامی که قبل از خاتمه رسیدگی فرجامی‌نسبت به آنها اجراییه صادر گردیده حق اجرا پس از وصول در صندوق دادگستری می‌ماند تا در صورت نقض حکم به محکوم علیه مسترد گردد. ماده ۱۶۶ ـ پنجاه درصد از حق اجرا طبق آیین‌نامه وزارت‌دادگستری به مصرف تهیه و بهبود وسایل لازم برای تسریع اجرای‌احکام و پاداش متصدیان اجرا می‌رسد و بقیه به حساب درآمد اختصاصی وزارت دادگستری منظور می گردد. ماده ۱۶۷ ـ مقررات این قانون شامل اجراییه‌هایی نیز خواهد بود که قبل از این قانون صادر گردیده و در جریان اجرا می‌باشند لیکن آن مقدار از اقدامات اجرایی که مطابق قانون سابق به عمل آمده معتبراست ماده ۱۶۸ ـ هرگاه از تاریخ صدور اجراییه بیش از پنج سال گذشته و محکوم له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد اجراییه بلااثر تلقی‌می‌شود و در این مورد اگر حق اجرا وصول نشده باشد دیگر قابل‌وصول نخواهد بود. محکوم له می‌تواند مجددا از دادگاه تقاضای‌صدور اجراییه نماید ولی در مورد اجرای هر حکم فقط یکبار حق اجرا دریافت می‌شود.

فصل هشتم ـ احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی (ماده ۱۶۹ الی ۱۸۰)

ماده ۱۶۹ ـ احکام مدنی صادر از دادگاههای خارجی در صورتی که‌واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراست مگر این که در قانون‌ترتیب دیگری مقرر شده باشد: ۱ ـ حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهود یا قراردادها احکام صادر از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید. ۲ ـ مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد. ۳ ـ اجرای حکم مخالف با عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد. ۴ ـ حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد. ۵ ـ از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادرنشده باشد. ۶ ـ رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به‌دادگاههای ایران نداشته باشد. ۷ ـ حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد. ۸ ـ دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم‌صادر شده باشد. ماده ۱۷۰ ـ مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران‌است ماده ۱۷۱ ـ در صورتی که در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادرکننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقررشده باشد همان ترتیب و شرایط متبع خواهد بود. ماده ۱۷۲ ـ اجرای حکم باید کتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام‌محکوم له و محکوم علیه و مشخصات دیگر آنها قید گردد. ماده ۱۷۳ ـ به تقاضانامه اجرای حکم باید مدارک زیر پیوست شود: ۱ ـ نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن‌با اصل به وسیله مامور سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم‌گواهی شده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی ۲ ـ رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیتدارمربوط صادر شده با ترجمه گواهی شده آن ۳ ـ گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم درایران راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار. ۴ ـ گواهی امضای نماینده سیاسی یا کنسولی کشور خارجی مقیم‌ایران از طرف وزارت امور خارجه ماده ۱۷۴ ـ مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوستهای آن را به دادگاه‌می‌فرستد و دادگاه در جلسه اداری فوق العاده با بررسی تقاضا و

مدارک‌ضـمیمه آن قرار قبول تقاضـا و لازم‌الاـجرا بودن حکم را صادر و دسـتوراجرا می‌دهـد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام می‌نماید. ماده ۱۷۵ ـ قرار رد تقاضا بایـد به متقاضـی ابلاغ شود و نامبرده می‌توانـدظرف ده روز از آن پژوهش بخواهـد. ماده ۱۷۶ ـ دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداری فوق العاده به‌موضوع رسـیدگی و در صورت وارد بودن شـکایت با فسـخ رای پژوهش خواسته امر به اجرای حکم صادر می‌نماید و در غیر این‌صورت آن را تایید می‌کند. رای دادگاه قابل فرجام نخواهد بود. ماده ۱۷۷ ـ اسـناد تنظیم شـده لاـزم الاـجرا در کشورهای خارجی به‌همان ترتیب و شـرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی درایران مقرر گردیـده قابـل اجرا می‌باشـد و به علاـوه نماینـده سیاسـی یـاکنسولی ایران در کشوری که سـند در آنجا تنظیم شـده باشـد باید موافقت‌تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید. ماده ۱۷۸ ـ احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی‌به مرحله اجرا گـذارده می‌شود. ماده ۱۷۹ ـ ترتیب رسـیدگی به اختلافـات ناشـی از اجرای احکام و اسـناد خارجی و اشـکالاتی که در جریان اجرا پیش می‌آیـد، همچنین‌ترتیب توقیـف عملیـات اجرایی و ابطـال اجراییه به نحوی است که درقوانین ایران مقرر است مرجع رسـیدگی دادگاههای مذکور در ماده۱۷۰ می‌باشد. ماده ۱۸۰ ـ موارد مندرج در باب ششم قانون اصول محاکمات‌حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع محاکمات و سایر قوانینی که مخالف این قانون باشد ملغی‌است

قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب (۲۸ ۱ ۱۳۷۹ – ۵۲۹ ماده)

ماده ۱ ـ به منظور رسـیدگی و حـل و فصـل کلیه دعـاوی و مراجعه مسـتقیم به قاضـی و ایجـاد مرجع قضـایی واحـد، دادگاههـایی با صلاحیت‌عام به شـرح مواد آتیه تشـکیل می‌شوند. ماده ۲ ـ تاسـیس دادگاههـای عمومی در هر حوزه قضـایی و تعیین قلمرو محلی و تعـداد شـعب دادگاههـای مزبور به تشـخیص رییس قوه‌قضـاییه است مـاده ۳ ـ در حـوزه قضـایی هر شهرسـتان یـک دادسـرا نیز در معیت‌دادگاههای آن حوزه تشکیل می‌گردد. تشکیلات حدود صلاحیت وظایف و اختیارات دادسرای مذکور که (دادسرای عمومی و انقلاـب نامیـده می‌شود تـا زمـان تصویب آیین دادرسـی مربوطه طبق قـانون آیین‌دادرسـی دادگاههـای عمومی و انقلاـب در امور کیفری مصوب۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی و مقررات مندرج در این قانون به شرح ذیل می‌باشد: الف ـ دادسـرا که عهـده‌دار کشف جرم تعقیب متهم به‌جرم اقـامه دعوی‌از جنبه حق اللهی و حفـظ حقوق عمومی و حـدود اسـلامی اجرای‌حکم و همچنین رسـیدگی به امور حسبیه وفق ضوابط قانونی است به‌ریاست دادسـتان می‌باشـد و به تعداد لازم معاون دادیار، بازپرس و تشـکیلات اداری خواهد داشت اقدامات دادسـرا در جرائمی که جنبه خصوصـی دارد با شـکایت شاکی خصوصـی شروع می‌شود. در حوزه‌قضایی بخش وظیفه دادسـتان را دادرس علی البـدل برعهـده دارد. ب ـ ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظـایفی که به‌عنوان ضابط برعهـده دارنـد با دادسـتان است ج ـ مقامات و اشـخاص رسـمی در مواردی که بایـد امر جزایی را تعقیب‌نمود، موظفنـد مراتب را فورا به دادسـتان اطلاـع دهنـد. د ـ بـازپرس وقتی اقـدام به تحقیقات مقـدماتی می‌نمایـد که قانونا این حق‌را داشـته باشـد. جهات قانونی برای شـروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از: ۱ ـ ارجاع دادستان ۲ ـ شـکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسـی به دادستان‌ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد. ۳ ـ در جرائم مشهود در صورتی که بازپرس شـخصا ناظر وقوع آن‌باشد. ه ـ دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقـات بازپرس راناقص ببینـد می‌توانـد تکمیل آن را بخواهـد ولو این که بازپرس‌تحقیقات خود را کامل بدانـد. بازپرس در جریان تحقیقات تقاضای قانونی دادسـتان را اجراء نموده مراتب را در صورتمجلس قید می‌کند و هرگاه مواجه با اشـکال شود به‌نحوی که انجام آن مقدور نباشد مراتب را به دادسـتان اعلام و منتظر حل‌مشـکل می‌شود. و ـ تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم برعهده بازپرس می‌باشد. درجرائمی که در صـلاحیت رسـیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان‌نیز دارای کلیه وظایف و اختیـاراتی اسـت که برای بـازپرس مقررمی‌باشـد. در مـورد جرائمی که رسـیدگی به آنهـا در صـلاحیت دادگـاه کیفری استان‌اسـت

دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم را برای‌حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می‌آورد و در مورد سایرجرایم داستان می‌تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را ازبازپرس درخواست نماید بدون این که رسیدگی امر را به طور کلی به‌آن بازپرس ارجاع کرده باشد. ز ـ کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد و در صورت‌اختلاف نظر بین دادستان و دادیار، نظر دادستان متبع خواهد بود. ح ـ بازپرس راسا و یا به تقاضای دادستان می‌تواند در تمام مراحل‌تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی وانقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی قرار بازداشت موقت متهم و همچنین‌قرار اخذ تامین و تبدیل تامین را صادر نماید. در صورتی که بازپرس راسا قرار بازداشت موقت صادر کرده باشد مکلف است ظرف بیست وچهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید. هرگاه‌دادستان با قرار بازداشت به عمل آمده موافق نباشد، نظر دادستان متبع‌است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده است مرتفع شده وموجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد بازداشت با موافقت دادستان‌رفع خواهد شد و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت‌کرده و بازپرس باآن موافق نباشد حل اختلاف حسب مورد با دادگاه‌عمومی یا انقلاب محل خواهد بود. هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند می‌تواند از بازپرس‌درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس‌مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست نظر خود راجهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید. به هر حال متهم‌نمی‌تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند. در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص‌صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب مورد حل اختلاف‌با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود. ط ـ هرگاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهارماه‌و در سایر جرایم تا دو ماه به علت صدور قرار تامین متهم در بازداشت‌به سر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده‌باشد، مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم‌می‌باشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تامین‌صادر شده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات‌مزبور قرار ابقاء می‌شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ۱۰روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل‌شکایت نماید. فک قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت‌دادستان به عمل می‌آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه خواهد بود. چنانچه بازداشت متهم ادامه‌یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می‌شود. به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات‌حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید. ی ـ درخواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین مقامات رسمی وادارات فورا اجرا نمایند. بازپرس می‌تواند به تحقیقات ضابطین‌دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تغییری در اقدامات آنان یا تکمیلی‌در تحقیقات لازم باشد به عمل آورد. تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی برابر قانون‌مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود. ک ـ پس از آن تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم رااستماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود، پرونده را نزد دادستان می‌فرستد. در صورتی که به عقیده بازپرس عمل متهم‌متضمن جرمی نبوده یا اصولا جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای‌ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده‌بازپرس بر تقصیر متهم قرار مجرمیت درباره ایشان صادر می‌نماید وچنانچه متهم در آخرین دفاع دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نمایدبازپرس مکلف به رسیدگی می‌باشد. دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول پرونده را ملاحظه نموده و نظر خود را اعلام دارد. ل ـ هرگاه دادستان با نظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم موافق باشدکیفر خواست صادر، پرونده را از طریق بازپرسی به دادگاه صالحه‌ارسال می‌نماید و در صورت توافق بازپرس و دادستان با منع یاموقوفی تعقیب متهم بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی‌خصوصی را می‌دهد و در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فورا آزاد می‌شود. هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده نباشد (یکی عقیده به‌مجرمیت یا موقوفی و یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده عکس آن راداشته باشد) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و

انقلاب‌محل به عمل می‌آیـد و موافق تصـمیم دادگاه رفتار می‌شود. م ـ در کیفر خواست بایـد نکات ذیل تصـریح شود: ۱ ـ نام و نام خـانوادگی نـام پـدر، سن شـغل محـل اقـامت متهم بـا سواداست یـا نه مجرد است یا متاهل ۲ ـ نـوع قرار تـامین بـا قیـد این که متهم بازداشت است یا آزاد. ۳ ـ نوع اتهام ۴ ـ دلایل اتهام ۵ ـ مواد قانونی مورد استناد. ۶ ـ سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه‌محکومیت کیفری باشـد. ۷ ـ تاریـخ و محـل وقوع جرم ن ـ قرارهای بازپرس که دادسـتان با آنها موافق باشـد، در موارد ذیـل قابـل‌اعتراض در دادگـاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج ازنوبت و بـدون حضور دادسـتان به عمل می‌آید قطعی خواهـد بود: ۱ ـ اعـتراض به قرارهـای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضـای شاکی‌خصوصـی ۲ ـ اعتراض به قرارهای عـدم صلاحیت بازداشت موقت تشدیـد تامین‌و تامین خواسـته به تقاضای متهم ۳ ـ اعتراض به قرار انـاطه به تقاضـای شاکی خصوصـی و دادسـتان اعتراض به قرارهای مـذکور در بالا ظرف مـدت ده روز از تاریـخ ابلاغ آن‌می‌باشـد. اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای قرارنبوده و کلیه اقـدامات بازپرسـی تا اخـذ تصـمیم دادگاه به قوت خود باقی‌خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زنـدانی باشـد فورااجرا می‌شود. هرگاه به علت عـدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر و قعطی‌شده باشـد دیگر نمی‌تـوان به همین اتهـام او را تعقیب کرد، مگر بعـد ازکشف دلایـل جدیـد که در این صورت فقـط برای یـک مرتبه می‌توان به‌درخواست دادسـتان وی را تعقیب نمود. هرگاه دادگاه تعقیب مجـدد متهم را تجویز کنـد بازپرس رسـیدگی و قرار مقتضـی صادر می‌نمایـد.این امر مانع از رسـیدگی به دادخواست ضـرر و زیان مدعی خصوصـی‌نمی‌باشد. تبصـره ۱ ـ حوزه قضـایی عبـارت‌است از قلمرو یـک بخش یاشهرسـتان و یـا نقاط معینی از شـهرهای بزرگ تبصـره ۲ ـ رسـیدگی جرائم داخل صـلاحیت دادگاههای نظامی ازشـمول این قانون خارج است و در دادسـرا و دادگاه نظامی انجام می‌شود. تبصـره ۳ ـ پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشـمول حـد زنا و لواطاست همچنین جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس ویا جزای نقدی تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال می‌باشـد و جرائم اطفـال مسـتقیما در دادگاههـای مربوط مطرح می‌شود، مگر آن که به تشـخیص دادسـتان تحقیقـات راجع به سـایر جهات ضـرورت داشته باشد. تبصره ۴ ـ جرائمی که تا تاریـخ اجرای این قانون مستقیما در دادگاه‌مطرح شـده است در همان دادگاه بـدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی‌دادسـرا رسـیدگی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید راسا نسبت به انجام آن‌اقدام کند. تبصـره ۵ ـ با ارجاع دادسـتان یا در غیاب وی معاون دادسـرا یا دادیار،عهـده دار انجـام تمـام یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادسـتان‌خواهد بود. تبصـره ۶ ـ در حوزه قضـایی بخشـها، رئیس یـا دادرس علی البـدل‌دادگاه در جرائمی که رسـیدگی به آنهـا در صـلاحیت دادگاه کیفری استان‌است به جانشینی بازپرس تحت نظارت دادسـتان مربوطه اقدام‌می‌نماید و در سایر جرائم مطابق قانون رسـیدگی واقدام به صدور رای‌خواهد نمود. ماده ۴ ـ هر حوزه قضایی که دارای بیش از یـک شـعبه دادگاه عمومی‌باشـد آن شـعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شونـد. دادگاههای حقوقی‌صـرفا به امور حقوقی و دادگاههـای جزایی فقـط به امـور کیفری رسـیدگی‌خواهند نمود. تخصـیص شـعبی از دادگاههـای حقوقی و کیفری برای رسـیدگی به‌دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرایم اطفال بارعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه‌است در صورت ضـرورت ممکن است به شـعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به‌شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود. تبصره ـ رسـیدگی بـه جرایمی کـه مجـازات قـانونی آنهـا قصـاص نفس یاقصـاص عضـو یـا رجـم یـا صـلب یـا اعـدام یـا حبس ابـد اسـت و همچنین‌رسـیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکرمی‌شود در دادگاههای کیفری استان به عمل خواهد آمـد. رسـیدگی به کلیه اتهامات اعضاء تشـخیص مصـلحت نظام شورای‌نگهبان نماینـدگان مجلس شورای اسـلامی وزراء و معاونین آنهـا،معاونـان و مشـاوران رؤسای سه قوه سـفرا، دادسـتان و رئیس دیوان محاسـبات دارنـدگان پایه قضایی اسـتانداران فرمانـداران و جرائم‌عمومی افسـران نظامی و انتظامی از درجه سـرتیپ و بالاتر و مـدیران کل‌اطلاعات اسـتانها در صـلاحیت دادگاه کیفری اسـتان تهران می‌باشد به‌استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ماده ۵ ـ به تعداد مورد نیاز، دادگاههای انقلاب در مرکز

هر استان ومناطقى كه ضرورت تشكيل آن را رييس قوه قضاييه تشخيص مى‌دهد تحت نظارت و رياست ادارى حوزه قضايى تشكيل مى‌گردد و به‌جرايم ذيل رسيدگى مى‌نمايد: ۱ ـ كليه جرايم عليه امنيت داخلى و خارجى و محاربه يا افساد فى‌الارض ۲ ـ توهين به مقام بنيانگذار جمهورى اسلامى ايران و مقام معظم رهبرى ۳ ـ توطئه عليه جمهورى اسلامى ايران يا اقدام مسلحانه و ترور و تخريب مؤسسات به منظور مقابله با نظام ۴ ـ جاسوسى به نفع اجانب ۵ ـ كليه جرايم مربوط به قاچاق و مواد مخدر. ۶ ـ دعاوى مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسى ماده ۶ ـ طرفين دعوا در صورت توافق مى‌توانند براى احقاق حق وفصل خصومت به قاضى تحكيم مراجعه نمايند. ماده ۷ ـ احكام دادگاههاى عمومى و انقلاب قطعى است مگر درمواردى كه در اين قانون قابل نقض و تجديدنظر پيش‌بينى شده‌است ماده ۸ ـ قضات دادگاهها و دادسراهاى عمومى و انقلاب مكلفند به‌دعاوى و شكايات و اعلامات موافق قوانين موضوعه و اصل يكصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران رسيدگى كنند و تصميم قضايى را اتخاذ نمايند. ماده ۹ ـ قرارها و احكام دادگاهها بايد مستدل بوده و مستند به قانون ياشرع و اصولى باشد كه بر مبناى آن حكم صادر شده است تخلف از اين‌امر و انشاى راى بدون استناد موجب محكوميت انتظامى خواهد بود. ماده ۱۰ ـ هر حوزه قضايى به تعداد لازم شعبه دادگاه دادرس على‌البدل دفتر دادگاه واحد ابلاغ و اجراى احكام و در صورت لزوم يك‌واحد ارشاد و معاضدت قضايى خواهد داشت و در صورت تعددشعب داراى يك دفتر كل نيز خواهد بود. تبصره ـ ترتيب تشكيل اين واحدها، تعداد اعضاى هر واحد،طريقه‌انتخاب و شرايط آن ميزان صلاحيت و اختيار هر واحد يا هر يك ازاعضاى آن و نحوهٔ اقدامات و تصميم‌گيريها به موجب آيين‌نامه‌اى‌است كه به پيشنهاد و تهيه وزير دادگسترى به تصويب رييس قوه‌قضاييه خواهد رسيد. ماده ۱۱ ـ رييس شعبه اول دادگاههاى عمومى در هر حوزه قضايى رييس حوزه قضايى است و با تصويب رييس قوه‌قضاييه مى‌تواند به‌تعداد لازم معاون داشته باشد. ماده ۱۲ ـ در شهرستان رييس دادگسترى رئيس حوزه قضايى و رئيس شعبه اول دادگاه بر دادگاهها رياست ادارى دارد و در مركز استان‌رييس كل دادگسترى استان رئيس كل دادگاههاى تجديدنظر و كيفرى‌استان است و بر كليه دادگاهها و دادسراها و دادگسترى‌هاى حوزه آن‌استان نظارت و رياست ادارى خواهد داشت همچنين رئيس‌دادگسترى هر حوزه بر دادسراى آن حوزه نظارت و رياست ادارى‌دارد. ماده ۱۳ ـ براى تامين كادر قضايى دادسراها، رئيس قوه قضائيه ازقضات تحقيق فعلى و دادرسان على البدل دادگاهها و ساير قضاتى كه‌مقتضى بداند استفاده خواهد نمود و شعبى از دادگاهها را كه با تاسيس‌دادسرا غيرلازم تشخيص دهد منحل خواهد كرد و حتى الامكان حذف‌شعب اضافى از آخرين شعب دادگاهها انجام خواهد شد. تبصره ۱ ـ گروه شغلى «دادستانها» برابر گروه شغلى «رئيس‌دادگسترى شهرستان و گروه شغلى «دادستان تهران برابر گروه شغلى رئيس كل دادگسترى استان تهران خواهد بود. تبصره ۲ ـ گروه شغلى «معاون دادستان و بازپرس برابرگروه شغلى رئيس شعبه دادگاه عمومى و گروه شغلى «داديار» برابر گروه شغلى دادرس على البدل دادگاه خواهد بود. تبصره ۳ ـ به جز موارد ضرورى به تشخيص رئيس قوه قضائيه رئيس كل دادگسترى استان بايد حداقل داراى ده سال سابقه كارقضايى رئيس دادگاه تجديدنظر حداقل هشت سال و دادستان و رئيس‌دادگسترى شهرستان حداقل شش سال سابقه كار قضايى داشته باشند. ماده ۱۴ ـ الف ـ دادگاههاى عمومى حقوقى با حضور رييس دادگاه يا دادرس‌على‌البدل تشكيل مى‌شود و تمام اقدامات و تحقيقات به وسيله رييس‌دادگاه يا دادرس على البدل وفق قانون آيين دادرسى مربوط انجام‌مى‌گردد و اتخاذ تصميم قضايى و انشاى راى با قاضى دادگاه است ب ـ دادگاههاى خانواده حتى المقدور با حضور مشاور قضايى زن كه‌داراى پايه قضايى است اقدام به رسيدگى نموده و نظر مشورتى آنان‌قبل از صدور حكم توسط رئيس دادگاه اخذ خواهد شد. ج ـ دادگاههاى عمومى جزايى و انقلاب با حضور رييس دادگاه يادادرس على البدل و دادستان يا معاون او يا يكى ازداديارران به تعيين‌دادستان تشكيل مى‌گردد و فقط به جرائم مندرج در كيفر خواست وفق‌قانون آيين دادرسى مربوط رسيدگى مى‌نمايد و انشاى راى پس ازاستماع نظريات و مدافعات دادستان يا نماينده او وفق قانون برعهده‌قاضى دادگاه است تبصره ۱ ـ هرگاه دادگاه نقصى در تحقيقات مشاهده نموده يا انجام‌اقدامى را لازم بداند خود تكميل مى‌نمايد و نيز

می‌تواند رفع نقص وتکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادسرای مربوط درخواست کند. تبصره ۲ ـ هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزهٔ دادگاه دیگری لازم باشدیا اطلاعاتی از حوزه قضایی آن دادگاه باید جمع‌آوری شود دادگاه‌رسیدگی‌کننده می‌تواند با اعطای نیابت قضایی از دادگاه آن حوزه انجام‌آن تحقیقات و اقدامات یا جمع‌آوری اطلاعات را بخواهد. ماده ۱۵ ـ دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که ازطرف روسای دادگاهها در چارچوب قوانین به آنان ارجاع می‌شود و درغیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می‌نمایند. ماده ۱۶ ـ ترتیب رسیدگی در دادگاهها طبق مقررات مزبور در آیین‌دادرسی مربوط به دادگاهها خواهد بود. ماده ۱۷ ـ قاضی دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی ظرف یک هفته‌مکلف به انشای رای می‌باشد. ماده ۱۸ ـ آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان می‌باشدکه در قوانین آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری‌و مدنی مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی و۲۱/۱/۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است در مورد آرای‌قابل تجدیدنظر یا فرجام تجدیدنظر و فرجام خواهی برطبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام می‌شود. در مورد آرای قطعی جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به‌نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی‌توان رسیدگی مجدد نمودمگر اینکه رای خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به‌درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری و یادادستان مربوط (در امور کیفری ممکن است مورد تجدیدنظر واقع‌شود. تبصره ۱ ـ مراد از خلاف بین این است که رای بر خلاف نص صریح‌قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلّمات فقه باشد. تبصره ۲ ـ درخواست تجدیدنظر نسبت به آراء قطعی مذکور در این‌ماده اعم از اینکه رای در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای‌مهلت تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشد یا قانونا قطعی باشد و یا از مرجع تجدیدنظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ‌رای به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که «شعبه تشخیص نامیده می‌شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌شود. در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رای رانقض و رای مقتضی صادر می‌نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدیدنظر خواهی را صادر خواهدنمود. تصمیمات یاد شده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی وغیرقابل اعتراض می‌باشد، مگر آنکه رئیس قوه قضائیه در هر زمانی وبه هر طریقی رای صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این‌صورت جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد شد. تبصره ۳ ـ خواهان تجدیدنظر باید هزینه تجدیدنظرخواهی را وفق‌قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ۱۰ روز پس از اخطار دفتر شعبه‌تشخیص بدون عذر، هزینه را پرداخت ننماید، شعبه تشخیص قراررد درخواست او را صادر خواهد نمود. این قرار قطعی و غیرقابل‌اعتراض می‌باشد. اگر تجدیدنظر خواهی از سوی دادستان مربوط‌باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است این معافیت‌شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدیدنظر نماید می‌باشد. تبصره ۴ ـ جز در مورد اختیار ذیل تبصره ۲ این ماده از هیچ حکم‌قطعی یا قطعیت یافته بیش از یک بار نمی‌توان به عنوان خلاف بین‌درخواست تجدیدنظر نمود. تبصره ۵ ـ در مواردی که برحسب قانون دیوان عالی کشور بایداعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره۲ این ماده خواهد بود. ماده ۱۹ ـ نسخ شده است ماده ۲۰ ـ به منظور تجدیدنظر در آرای دادگاههای عمومی و انقلاب‌در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رییس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود.جلسه دادگاه با حضور دونفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رای اکثریت که به‌وسیلهٔ رییس یا عضو مستشار انشاء می‌شود قطعی و لازم‌الاجراخواهد بود. تبصره ۱ ـ رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیزرسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائا در دادگاه تجدیدنظراستان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور «دادگاه کیفری‌استان نامیده می‌شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس‌دائم باشد از پنج نفر (رئیس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه‌تجدیدنظر استان و برای رسیدگی

به جرائمی که مجازات قانونی آنهاقصاص عضو و جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر (رئیس و دومستشار یا دادرس علی‌البدل دادگاه‌تجدیدنظراستان تشکیل می‌شود.تشکیلات ترتیب رسیدگی کیفیت محاکمه و صدور رای این دادگاه تاتصویب قانون آیین دادرسی مناسب مطابق مقررات این قانون و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی‌خواهد بود. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به‌جرائم مطبوعاتی و سیاسی و با حضور هیات منصفه تشکیل خواهد شد. تبصره ۲ ـ در مرکز هر استان حسب نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه‌تجدیدنظر به عنوان «دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایم‌مربوط اختصاص می‌یابد. تعداد شعبه یا شعبی که برای این امر اختصاص می‌یابد به تشخیص رئیس قوه قضائیه خواهد بود. دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین‌دادستان وظایف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام میدهد. قبل ازاستماع اظهارات شاکی و متهم اظهارات دادستان یا نماینده وی وشهود و اهل خبره‌ای که دادستان معرفی کرده بیان می‌شود. تبصره ۳ ـ برای تسهیل یا تسریع در امر دادرسی رئیس قوه قضائیه‌می‌تواند موقتا امر به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل‌وقوع جرم بدهد. در این‌صورت دادستان همان محل یا معاون او یا یکی‌از دادیاران آن حوزه وظایف دادستان را در دادگاه مذکور به عهده‌خواهند داشت دادگاه کیفری استان با حضور رئیس و تمامی‌مستشاران رسمیت می‌یابد. تبصره ۴ ـ دادگاه کیفری استان پس از ختم رسیدگی با استعانت ازخداوند سبحان و وجدان مشاوره نموده و با توجه به محتویات پرونده‌مبادرت به صدور رای می‌نماید و نظر اکثریت اعضای دادگاه مناط اعتبار است این رای ظرف مهلت مقرر قابل تجدیدنظرخواهی دردیوان عالی کشور می‌باشد. ترتیب رسیدگی همان است که در قانون‌آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر شده است تبصره ۵ ـ اشخاص ذیل می‌توانند از رای دادگاه کیفری استان‌تقاضای تجدیدنظر نمایند. الف ـ محکوم علیه یا نماینده قانونی وی ب ـ دادستان ج ـ مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از حیث ضرر و زیان تبصره ۶ ـ اجرای احکام کیفری «دادگاه کیفری استان توسط‌دادسرای شهرستان مرکز استان وفق مقررات مربوط در قانون آیین‌دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی‌خواهد بود. تبصره ۷ ـ در شهرستان مرکز استان رئیس کل دادگستری استان‌رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد و رئیس شعبه اول‌دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان‌خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضایی رئیس شعبه‌اول دادگاه عمومی آن حوزه قضایی است ماده ۲۱ ـ مرجع تجدیدنظر آراء قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی‌حقوقی و جزایی و انقلاب دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن‌دادگاهها در حوزه قضایی آن استان قرار دارند. آراء دادگاههای کیفری‌استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدیدنظر استان که قابل فرجام‌باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدیدنظر خواهی قابل فرجام در دیوان‌عالی کشور است ماده ۲۲ ـ رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان به درخواست تجدیدنظر از احکام قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب وفق مقررات قانونی آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امورکیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس‌شورای اسلامی با حضور دادستان یا یکی ازدادیاران یا معاونان وی به‌عمل می‌آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آیین دادرسی مربوط‌خواهد بود. تبصره ۱ ـ اگر در دادگاه تجدیدنظر متهم بی گناه شناخته شود حکم‌بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد، هر چند که درخواست تجدیدنظرنکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فورا آزادمی‌شود. تبصره ۲ ـ هرگاه دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تایید حکم بدوی مستدلامی‌تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که محکوم علیه تقاضای‌تجدیدنظر نکرده باشد. تبصره ۳ ـ در امور کیفری موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده‌مرجع تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدیدکند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظرکرده باشد. تبصره ۴ ـ اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر محاکمه محکوم به یاخسارات یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و

میزان‌مجازات و تطبیق عمل‌با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس‌حکم لطمه‌ای وارد نسازد، مرجع تجدیدنظر با اصلاح حکم آن را تاییدمی‌نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد. ماده ۲۳ ـ نسخ شده است ماده ۲۴ ـ مرجع رسیدگی پس از نقض در دیوان‌عالی کشور به شرح‌ذیل اقدام می‌نماید: الف ـ در صورت نقض قرار در دیوان‌عالی کشور، باید از نظر دیوان‌متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود. ب ـ در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات باید تحقیقات‌مورد نظر دیوان را انجام دهد سپس مبادرت به انشای حکم نماید. ج ـ در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه می‌تواند رای‌اصراری صادر نماید. اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدید نظردارد تقاضای تجدیدنظر نماید پرونده مجددا در دیوان‌عالی کشورمورد بررسی قرار می‌گیرد، هرگاه شعبه دیوان‌عالی کشور استدلال‌دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام می‌نماید و در غیر این‌صورت پرونده درهیات عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوان‌عالی کشور حسب مورد مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان‌عالی کشور مورد تایید قرار گرفت‌حکم نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شد دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیات عمومی دیوان‌عالی کشور حکم‌مقتضی صادر و این حکم قطعی است تبصره ـ قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه مذکوردر ماده ۱۸ نباشد. ماده ۲۵ ـ جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است ۱ ـ ادعای عدم اعتبار مدارك استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت‌شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود. ۲ ـ ادعای مخالف بودن رای با قانون ۳ ـ ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده‌رای ۴ ـ ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات تبصره ـ اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکوردر این ماده به عمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر در صورت وجودجهتی دیگر می‌تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید. ماده ۲۶ ـ در موارد مذکور در این قانون اشخاص زیر حق درخواست‌تجدیدنظر را دارند: ۱ ـ در مورد احکام حقوقی هریك از طرفین دعوا یا نماینده قانونی یا قائم‌مقام آنان مانند وراث،وصی انتقال گیرنده که از رای دادگاه متضرر می‌شود. ۲ ـ در مورد احکام کیفری الف ـ محکوم علیه یا نماینده قانونی او. ب ـ شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او. ۳ ـ در مورد قرارها: هر یك از طرفین دعوا که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یانمایندهٔ قانونی آنان ج ـ دادستان از حکم برائت یامحکومیت غیرقانونی متهم ماده ۲۷ ـ مهلت درخواست تجدیدنظر در موارد مذکور در ماده ۱۹برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای کسانی که خارج ازکشور می‌باشند دو ماه از تاریخ ابلاغ رای می‌باشد. ماده ۲۸ ـ متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست و یا درخواست خود راظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رای و یا دفتربازداشتگاهی که در آن جا توقیف است تسلیم نماید. مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی‌مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوا و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به‌تقدیم‌کننده بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست یا درخواست‌تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید.این تاریخ تاریخ تجدیدنظرخواهی محسوب می‌گردد. دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس ازثبت تقاضای تجدیدنظربلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رای ارسال نماید. دفتر دادگاه‌صادرکننده رای در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی‌باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آن را به مرجع تجدیدنظر ارسال‌می‌دارد. تبصره ۱ ـ دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن‌رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید. تبصره ۲ ـ هرگاه نزد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت قوه‌قهریه امکان استفاده از حق تجدید نظرخواهی در مهلتهای مقرر نبوده‌است ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهد بود. تبصره ۳ ـ متقاضی تجدیدنظر در آرای کیفری باید مبلغ ده هزار ریال‌بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آرای حقوقی هزینه دادرسی برابرمقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲۹ ـ متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود رادر دادخواست یا درخواست تجدیدنظر تصریح نماید مگر این که آن‌جهت بعدا حادث شده باشد که در صورت اخیر می‌تواند برابر مقررات‌اعاده دادرسی اقدام کند. ماده ۳۰ ـ در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر داده‌شده باشد چنانچه بر اجرای حکم در امور کیفری فسادی مترتّب باشد،تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر اجرای حکم متوقف خواهد شد. ماده ۳۱ ـ نسخ شده است ماده ۳۲ ـ تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت

هر دادگاه نسبت به‌دعوای مطروحه با همان دادگاهی است که قانونا مکلف به رسیدگی به‌پرونده بوده است ماده ۳۳ ـ در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به‌رسیدگی ندانـد با صـدور قرار عـدم صـلاحیت پرونـده را به دادگاه‌ذی‌صـلاح ارسال می‌نمایـد، چنانچه دادگاه مرجوع‌الیه ادعای عدم‌صـلاحیت را نپـذیرد پرونـده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع‌الیه به دادگاه تجدیدنظر اسـتان ارسال می‌شود. تبصره ـ در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه‌قضایی از دو استان باشد مرجع حـل اختلاف دیوان عالی کشور خواهـدبود. ماده ۳۴ ـ از تاریـخ لازم الاجرا شـدن این قانون رییس قوه قضاییه‌مکلف است حـداکثر ظرف مدت پنج سال با تشـکیل تدریجی دادگاههای عمومی و انحلال دادسـراهای عمومی و انقلاب و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضـایی واجدشـرایط موجبـات اجرای این قـانون را در سراسـر کشور فراهم نمایـد. ماده ۳۵ ـ دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضای دفتری‌دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به اسـتخدام کارمنـد اداری به تعـدادلازم اقـدام کند. اجـازه مـذکور صـرفا برای تشـکیلات مربوط به‌دادگاههـای عمومی است ماده ۳۶ ـ دولـت مکلـف است در اسـرع وقت امکـان تهیه وسایـل وتجهیزات لازم دادگاههـای عمومی از قبیـل محل اسـتقرار، ملزومات و وسایط نقلیه و دیگر لوازم و وسایل را فراهم کنـد و اعتبار لازم مربوطه‌برای این وسایل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد. ماده ۳۷ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مـدت سه ماه‌توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهدرسـید. ماده ۳۸ ـ دولت مکلف است در قـالب قانون بودجه سالانه اعتبارات‌لازم را برای تهیه وسایـل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی‌جهت اجرای این قانون تامین نمایـد. ماده ۳۹ ـ از تاریـخ لازم الاجرا شـدن این قانون مواد (۲۳۵) و (۲۶۸)قـانون آیین دادرسـی دادگاههـای عمومی و انقلاب در امور کیفری‌مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای‌اسلامی و مواد (۳۲۶)، (۴۱۱) و (۴۱۲) قانون آیین دادرسی دادگاههـای‌عمومی و انقلاب در امـور مـدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ نسـخ می‌گردد.همچیـن از تاریـخ اجرای این قـانون در هر حـوزه قضایی کلیه قوانین ومقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه ملغی می‌شود.

آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب (۱۵ ۳ ۱۳۷۳ – ۴۳ ماده

با استناد به قانون اصـلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای‌عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۷/۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی که از این پس به اختصـار قـانون نامیـده می‌شود، آیین نـامه قـانون تشـکیل‌دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۴/۷۳ به شـرح زیر اصلاح‌می‌گردد. ماده ۱ ـ در هر حـوزه قضـایی که بیش از یـک شـعبه دادگـاه عمومی وجوددارد، به تشـخیص رئیس قوه قضـائیه یا مقامات مجاز از طرف وی شعب دادگاه بر اساس نیاز و به نسبت تراکم کار به حقوقی و جزایی‌تقسیم می‌شوند. همچنین تعیین شعبه یا شعبی از دادگاههای‌تجدیدنظر استان به دادگاه کیفری اسـتان و تشـکیل شـعبه یا شعب‌تشـخیص دیوانعالی کشور بر اساس نیاز و تراکم کـار با تصویب رئیس‌قوه قضائیه خواهـد بود. ماده ۲ ـ از تاریـخ تخصـیص شـعب دادگاههای عمومی و انقلاب به‌دادگاههای حقوقی و جزایی رسـیدگی به دعاوی و شـکایات مطابق‌مقررات قانون خواهد بود. لکن هر شـعبه به پرونده‌هایی که قبلا به آن‌ارجاع شـده است صـرفنظر از نوع آنها رسـیدگی خواهـد کرد. ماده ۳ ـ از تاریـخ تخصـیص شـعبی از دادگاههای تجدیدنظر به‌دادگاههای کیفری استان دادگاههای تجدیـدنظر استان کلیه پرونـده‌هایی را که در مرحله تجدیدنظر مطرح بوده است کماکان موردرسیدگی قرار داده و اتخاذ تصـمیم خواهند نمود هر چند موضوع این‌پرونده‌ها در صـلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان باشد. ماده ۴ ـ به پیشـنهاد رییس کل دادگستری اسـتان و تصویب رئیس قوه‌قضائیه شعب دادگاههای عمومی حقوقی و عمومی جزایی و دادسرادر هر حوزه قضـایی به تنـاسب امکانات و ضـرورت جهت انجام‌تحقیقات و رسـیدگی به جرایم و دعاوی خاص تخصـیص می‌یابنـد ازقبیل الف ـ دادسـراها و دادگاههـای عمومی جزایی شامـل ـ جرایم اطفـال ـ سـرقت و آدم ربـایی ـ صـدور چک پرداخت نشـدنی ـ جرایم صنفی (خوراکی بهـداشتی دارویی و سایر صـنوف ـ جرایم مربوط به مفاسد اجتماعی ـ جعل و کلاهبرداری ـ جرایم کارکنان دولت

ب ـ دادگاههای عمومی حقوقی شامل ـ دعاوی تجاری ـ امور حسبی ـ دعاوی ثبتی مالکیتهای معنوی و صنعتی ـ اعتراض به تصمیمات مراجع غیردادگستری ـ دعاوی خانواده ـ دعاوی موجر و مستاجر ـ دعاوی بین‌المللی ماده ۵ ـ موارد ضرورت مقید در ماده ۴ قانون عبارتند از: الف ـ دعاوی حقوقی ناشی از جرم ب ـ دعوای جزایی مرتبط با دعاوی خانوادگی ج ـ محدود بودن شعب حوزه قضایی به نحوی که به لحاظ جهات رد و معذوریت امکان رسیدگی نباشد. د ـ سایر موارد به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف‌ایشان ماده ۶ ـ حوزه قضایی بخش شهرستان و استان با رعایت ضوابط و مقررات تقسیمات کشوری خواهد بود. تبصره ـ هرگاه مرکز بخش فاقد دادگاه باشد، رسیدگی به امور قضایی آن به عهده نزدیکترین دادگاه همان استان یا حوزه قضایی شهرستان‌مربوط است همچنین چنانچه در شهرستان دادگاه یا دادسرا تشکیل‌نشده باشد رسیدگی به امور قضایی آن به عهده نزدیکترین حوزه‌قضایی شهرستان تابع همان استان خواهد بود. ماده ۷ ـ رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه‌تجدیدنظر و رئیس دادگاههای کیفری استان است و بر دادگاههای تجدیدنظر، کیفری استان و کلیه دادگستری‌ها، دادگاهها و دادسراهای‌حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان رئیس کل‌دادگاههای آن شهرستان خواهد بود. در غیر مرکز استان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی رئیس دادگستری‌آن شهرستان است و بر دادگاهها و دادسراهای مربوط و همچنین‌دادگاههای مستقر در بخش نظارت و ریاست اداری دارد. در صورت‌تعدد شعب دادگاههای عمومی در حوزه قضایی مستقر در مرکز بخش رئیس شعبه اول دادگاه عمومی بر شعب دیگر نظارت و ریاست اداری خواهد داشت ماده ۸ ـ با تصویب رئیس قوه قضائیه رئیس کل دادگاههای شهرستان‌مرکز استان می‌تواند تمام یا بخشی از اختیارات خود را در خصوص‌دادگاههای انقلاب به رئیس شعبه اول آن دادگاهها تفویض نماید. دراین صورت رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی در سمت معاون‌وی انجام وظیفه خواهد کرد. در صورتی که در شهرستان غیرمرکزاستان دادگاه انقلاب شعب متعدد داشته باشد، رئیس دادگستری آن‌شهرستان نیز می‌تواند به ترتیبی که ذکر شد اقدام نماید. تبصره ـ سرپرستان مجتمع‌های قضایی به عنوان معاون رئیس کل‌دادگاههای شهرستان مرکز استان انجام وظیفه خواهند نمود. ماده ۹ ـ روسای کل دادگستری استانها، رئیس کل دادگاههای‌شهرستان مرکز استان روسای دادگستری شهرستانها و سرپرستان‌حوزه قضایی نقاط معینی از شهرهای بزرگ می‌توانند با تصویب رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم معاون داشته باشند. ماده ۱۰ ـ از تاریخ اجرای قانون در هر حوزه قضایی اختیارات‌دادستان که در اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب‌مصوب ۱۳۷۳ به رئیس حوزه قضایی تفویض شده بود مجددا به‌دادستان محول می‌گردد. ماده ۱۱ـ در صورت ضرورت یکی از معاونان دادستان شهرستان‌مرکز استان وظایف وی را در رابطه با جرایمی که در صلاحیت دادگاه‌انقلاب اسلامی است به عهده خواهد گرفت معاون دادستان در اموردادگاههای انقلاب به تعداد لازم بازپرس دادیار و کارمند اداری دراختیار خواهد داشت ماده ۱۲ ـ ارجاع شکایات درخواستها و گزارشهای ضابطین به شعب‌بازپرسی و دادیاری و سایر امور مربوط به دادسرا با دادستان است معاون دادستان یا دادیاران به ترتیب تقدم در غیاب وی عهده‌دار درانجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات دادستان خواهند بود. ماده ۱۳ ـ ارجاع پرونده به بازپرس و یا دادیار در حدود صلاحیت و اختیارات قانونی آنها به تناسب اهمیت موضوع تجربه تبحر و سابقه‌کار خواهد بود. ماده ۱۴ ـ به جز اتهام مقامات موضوع تبصره ماده ۴ قانون که‌تحقیقات مقدماتی تعقیب و اقامه دعوی نسبت به آنها منحصرا توسط دادسرای تهران صورت خواهد گرفت تعقیب بقیه مقامات موضوع‌تبصره ۱ ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب‌۱۰/۷/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی و اصلاحیه‌های بعدی آن توسط‌دادسرای شهرستان مرکز استان مربوط به عمل خواهد آمد. ماده ۱۵ ـ در موارد مقرر قانونی که پرونده مستقیما در دادگاه کیفری‌استان مطرح می‌گردد، کلیه تحقیقات توسط و تحت الأمر دادگاه خواهدبود در این صورت کلیه ضابطین نسبت به انجام دستورات و تکمیل موارد خواسته شده مکلف خواهند بود. لکن در مواردی که پرونده باکیفر خواست در دادگاه مزبور مطرح گردیده است چنانچه دادگاه‌نقصی در تحقیقات مشاهده نماید یا انجام اقدامی را لازم بداندمی‌تواند رفع

نقص و تکمیل پرونـده را با ذکر موارد نقص از دادسـرای‌مربوط درخواست کنـد. ماده ۱۶ ـ تعقیب متهم تحقیقات مقـدماتی و اقامه دعوی در خصوص‌جرایم مشـمول صـلاحیت دادگاه کیفری اسـتان توسط دادسـرای حوزه‌قضایی صلاحیت دار به عمل خواهد آمد. دادگاه عمومی جزایی دادگاه کیفری اسـتان و دادگاه انقلاب به جرایم‌مندرج در کیفر خواست و نیز جرایمی که در اجرای تبصره ۳ ماده ۳قانون مسـتقیما در دادگاه مطرح می‌شود، رسـیدگی می‌نمایـد، دفاع ازکیفرخواست در دادگاه کیفری اسـتان و دادگاه انقلاب توسط دادستان‌شهرستان مرکز استان و یا معاون او و یا یکی از دادیاران به تعیین‌دادستان به عمل خواهد آمد، مگر اینکه دادگاههای مذکور درشهرسـتانهای غیرمرکز تشـکیل شود که در این صورت وظیفه فوق را دادسـتان همان شهرسـتان به عهده خواهد گرفت در دادگاه عمومی‌مستقر در شهرستان وظیفه فوق با دادستان همان شهرستان است ماده ۱۷ ـ تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری اسـتان که محل ارتکاب آنها حوزه قضایی بخش است به عهـده رئیس یا دادرس علی البـدل دادگاه می‌باشد که پس از صـدور قرار نهـایی پرونـده را نزد دادسـتان شهرسـتان حوزه قضایی مربوط ارسال می‌نماینـد تا عنـداللزوم با تنظیم کیفرخواست به دادگاه کیفری اسـتان ذیربط ارسال‌نمایـد. ماده ۱۸ ـ شـروع به رسـیدگی در دادگـاه عمومی جزایی در موارد و جهـات مقرر قـانونی حسب مورد منوط به ارجاع رئیس حوزه قضایی و یا معاون وی می‌باشد. شروع به رسیدگی در دادگاه انقلاب با ارجاع رئیس حوزه قضـایی و یا رئیس شـعبه اول خواهـد بود. ماده ۱۹ ـ امر ارجـاع در دادگاههـای تجدیـدنظر و کیفری اسـتان با رئیس‌کل دادگستری اسـتان است رئیس کـل دادگستری اسـتان می‌توانـد این‌وظیفه را به یکی از معاونین خود تفویض نمایـد. ماده ۲۰ ـ از تاریخ تشـکیل دادگـاه کیفری اسـتان دادگاههای عمومی وانقلاب اسـتان مربوط صـلاحیت رسـیدگی به جرایم موضوع تبصـره ۴قانون را نخواهند داشت تبصره ۱ ـ پرونده‌های موضوع تبصـره فوق الذکر که تا قبل از تشـکیل‌دادگاه کیفری اسـتان در دادگاههای عمومی و انقلاب مطرح رسـیدگی‌بوده است مورد رسـیدگی و اتخاذ تصمیم قرار می‌گیرند. تبصره ۲ ـ مرجع تجدیـدنظر آراء موضوع پرونده‌های فوق ،دیوانعـالی کشـور است مگر در مورد جرایم مربوط به مواد مخـدر که مرجع تجدیـدنظر آنهـا مطـابق مقررات قـانونی دادسـتان کل کشور و رئیس دیوانعـالی کشور می‌باشـد. ماده ۲۱ ـ با تصویب رئیس قوه قضائیه شـعب تشـخیص به تعـداد لازم‌در دیوانعالی کشور تشـکیل می‌شود. هر شـعبه تشـخیص مرکب از یـک رئیس و چهـار مسـتشار دیوانعـالی کشور است رسـمیت جلسـات با حضور کلیه اعضـاء و تصـمیمات آن با اکثریت آراء خواهـد بود. تبصـره ـ شـعب تشـخیص به تعـداد لازم عضو معاون خواهنـد داشت‌که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای شـعب تشخیص منصوب می‌گردند.عضو معاون می‌تواند وظایف هر یک از اعضاء شعبه تشخیص را عهده‌دار شود. ماده ۲۲ ـ شـعب تشخیص به کیفری و حقوقی تقسیم خواهند شد. ماده ۲۳ ـ هر شـعبه تشخیص یک دفتر با تعداد لازم کارمند دفتری‌خواهد داشت در رأس دفاتر شـعب تشـخیص یک دفتر کل وجود داردکه مدیر کل این دفتر از بین قضات دیوانعالی کشور با ابلاـغ رئیس قوه‌قضـائیه منصـوب می‌گردد. مـاده ۲۴ ـ تجدیــدنظر خـواه مکلـف اسـت حسـب مـورد درامـور کیفری ومـدنی هزینه تجدیـدنظر خواهی را به مأخذ تجدیدنظر خواهی دردیوان عالی کشور پرداخت نمایند. ماده ۲۵ ـ در خواست تجدیدنظر باید منضم بـه رای قطعی و حاوی‌نکـات زیر باشـد: ۱ ـ نـام و نـام خـانوادگی و اقامتگاه و سایر مشـخصات تجدیـدنظر خواه یا وکیل یا نماینـده قانونی او. ۲ ـ نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خوانده ۳ ـ تاریخ ابلاغ رای قطعی ۴ ـ دادگاه صادر کننده رای قطعی ۵ ـ دلایـل تجدیـدنظر خواهی ماده ۲۶ ـ بـا وصول تقاضـا، دفتر کل شـعب تشـخیص آن را ثبت ورسـیدی مشـتمل بر نام متقاضـی طرف او و تاریخ تقدیم تقاضا با شـمارثبت به تجدیدنظر خواه تسـلیم نموده و بر روی کلیه اوراق ، تاریخ‌تقدیم درخواست را قید می‌نماید. تاریخ مزبور تاریخ‌تجدیدنظرخواهی محسوب می‌شود. ماده ۲۷ ـ در خواستی که برابر مقررات یاد شده تقدیم نشده و یا هزینه‌دادرسـی آن پرداخت نگردیده باشد به جریان نمی‌افتد. مدیر دفتر شعبه تشخیص ظرف دو روز از تاریخ وصول درخواست نقایص آن را مطابق با قانون آیین دادرسـی مـدنی مصوب ۱۳۷۹ و آیین‌دادرسـی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به درخواست دهنـده اخطار می‌دهد و ازروز ابلاغ ۱۰ روز به او مهلت می‌دهد که نقایص را رفع کند. در صورتی‌که درخواست خارج از مهلت داده شده باشـد

یـا در مـدت یاد شـده تکمیل نشود به موجب قرار شـعبه تشـخیص رد می‌شود. این قرار قطعی وغیرقابل اعتراض می‌باشـد. ماده ۲۸ ـ ارجـاع پرونـده‌ها به شـعب تشـخیص توسط رئیس دیوان‌عالی کشور و یا معاون وی در شـعب تشـخیص که با ابلاغ رئیس قوه‌قضائیه منصـوب می گردد، صـورت می گیرد. شـعبه مرجـوع الیـه بـه نوبت‌رسـیدگی می‌نمایـد مگر در مـواردی کـه بـه مـوجب قـانون یـا به تشـخیص‌رئیس دیوان عالی کشور یا رئیس شـعبه رسـیدگی خارج از نوبت‌ضروری باشد. رئیس شعبه پرونده‌های ارجاعی را شخصا بررسـی و گزارش آن راتنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای شـعبه ارجاع می‌نماید. عضو مذکور گزارشی از پرونده را که متضمن جریان دادرسی و نیز بررسی‌کامل جهات قانونی تجدیدنظر خواهی است به صورت مستند ومستدل تهیه می‌نماید. صرف درخواست تجدیـدنظر در شعب‌تشـخیص مـانع از اجرای حکم نیست لکن چنانچه عضو مـذکور درگزارش خود پیشـنهاد توقف اجرای حکم را بدهـد، در صورتی اجرای‌حکم متوقف خواهـد شد که در جلسه فوق العاده پیشـنهاد یاد شده به تصویب اکثریت اعضاء شـعبه برسد. ماده ۲۹ ـ رسـیدگی و اتخـاذ تصـمیم در شـعب تشـخیص و وظـایف دفاترشـعب مزبور مطـابق قواعـد مقرر در قـانون آیین دادرسـی دادگاههـای عمومی و انقلاب (در امور کیفری و مـدنی مصوب ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹) درحـدی که قابل انطباق با وظایف و اختیارات این شعب باشـد به عمل‌خواهـد آمد. ماده ۳۰ ـ شـعب تشـخیص می‌توانند در صورت ضـرورت از اصـحاب‌دعوی دعوت به عمل آورند. ماده ۳۱ ـ نسـبت به پرونـده‌های موضوع مواد ۲۳۵ و ۲۶۸ قـانون آیین‌دادرسـی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مواد ۳۲۶ و۳۸۷ و ۴۱۱ و ۴۱۲ قانون آیین دادرسـی مـدنی به ترتیب زیر اقدام‌خواهـد شـد. الف ـ پرونده‌هایی که با اعلام اشـتباه توسط مقامـات مـذکور در مـواد یادشـده به مراجع مربوط ارسـال گردیـده است در همـان مرجع مورد رسیدگی قرار خواهـد گرفت ب ـ پرونـده‌هایی که تقاضای اعمال مواد مذکور در مورد آنها پذیرفته‌شده و هنوز به مراجع مربوطه ارسال نشده است جهت رسیدگی و اتخاذ تصـمیم عینا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال خواهد شد. ج ـ پرونده هایی که در اجرای ماده ۲۶۸ قـانون آیین دادرسـی دادگاههای‌عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۳۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مـدنی در دادسـرای دیوانعالی‌کشور مطرح گردیـده و هنوز در خصوص آنها اعلام اشـتباه نگردیده‌پس از تهیه گزارش در صورت تشخیص اشتباه به دیوانعالی کشورارسال خواهد شد. د ـ پرونده هایی که در اجرای مواد ۲۳۵، ۳۲۶، ۴۱۱ و ۴۱۲ قانون‌مارالـذکر در مراجع مذکور در این مواد مطرح گردیده و هنوز درخصوص آنها اظهارنظر به عمل نیامده است پس از تهیه گزارش و درصورت تشـخیص اشـتباه عینا در اجرای ماده ۲ قـانون وظـایف و اختیارات رئیس قوه‌قضائیه مصوب ۱۳۷۸ به‌قوه قضائیه ارسال خواهدشد تا پس از بررسـی و اعلام نظر در صورت اقتضا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال گردد. ماده ۳۲ ـ در حوزه هایی که پس از لازم الاجرا شدن قانون دادسـرا تشـکیل نگردیده است چنانچه رئیس حوزه قضـایی حکم کیفری راخلاف بین قانون یا شـرع تشـخیص دهـد، جهت رسـیدگی به شعب‌تشـخیص ارسال می گردد. ماده ۳۳ ـ در صورتی که رئیس قوه قضائیه رای صادره از شعبه‌تشخیص راخلاف بین شـرع تشـخیص دهد پرونده را برای‌ارجاع‌به شـعبه‌هم عرض شعبه تشـخیص نزد رئیس دیوانعالی کشور ارسال می‌نماید. ماده ۳۴ ـ هر حوزه قضایی شهرسـتان دارای واحد اجرای احکام‌کیفری و مـدنی است واحداجرای احکام مدنی به تعداد لازم مدیراجراء، دادورز و متصدی دفتری و واحد احکام کیفری به تعداد لازم‌دادیار، مـدیر اجراء، متصدی دفتری و مامور اجراء خواهد داشت رئیس واحد اجرای احکام مدنی رئیس حوزه قضایی یا معاون وی و رئیس اجرای احکـام کیفری دادسـتان یـا معـاون و یـا یکی از دادیاران‌می‌باشـد. در حوزه‌هـای قضـایی بخش اجرای احکـام مـدنی و کیفری‌توسط رئیس حوزه قضایی یا دادرس علی البـدل خواهـد بود. واحـد اجرای احکام مـدنی تحت نظر دادگاه صادر کننـده رای بـدوی‌مطابق قانون اجرای احکام مـدنی مصوب ۱۳۵۶ و سـایر قوانین و مقررات مربوط اقـدام می‌نمایـد. ماده ۳۵ ـ در حوزه قضـایی شهرهای بزرگ با تصویب رئیس قوه‌قضائیه دارای مجتمع‌های جزایی مستقل می‌باشند. اجرای احکام مدنی‌صادره از دادگاه عمومی جزایی به عهـده واحـد اجرای احکام مدنی‌مستقر در این مجتمع‌ها و تحت ریاست دادگاه صادرکننـده حکم است ماده ۳۶ ـ اجرای

احکام کیفری دادگاه کیفری استان یا دادسرای‌شهرستان مرکز استان است اجرای احکام حقوقی آن در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم وفق قانون اجرای احکام مدنی مصوب۱۳۵۶ و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امورمدنی مصوب ۱۳۷۹ با واحد اجرای مدنی شهرستان مرکز استان‌خواهد بود. اجرای احکام کیفری شعبه تشخیص دیوانعالی کشور با دادسرای‌عمومی و انقلاب حوزه قضایی دادگاه صادر کننده رای بدوی و اجرای‌احکام حقوقی آن با واحد اجرای احکام مدنی حوزه قضایی دادگاه‌صادر کننده رای بدوی است ماده ۳۷ ـ با اجرای قانون ادامه اجرای احکام باقیمانده دادگاههای‌عمومی و انقلاب در هر حوزه قضایی شهرستان با دادستان خواهد بود. ماده ۳۸ ـ در مواردی که اجرای حکم باید توسط ماموران یاسازمانهای دولتی به عمل آید مسئول اجرای حکم ضمن ارسال رونوشت حکم و صدور دستور اجراء و آموزش لازم نظارت کامل برچگونگی اجرای حکم و اقدامات آنان به عمل خواهد آمد. ماده ۳۹ – کلیه ضابطین دادگستری نیروهای انتظامی و نظامی و روسای سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و یا موسسات عمومی درحدود وظایف خود دستورات صادره از مراجع قضایی را در مقام‌اجرای حکم رعایت خواهند کرد. تخلف از مقررات این ماده علاوه برتعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط‌می‌باشد. ماده ۴۰ ـ صدور اجرائیه با رعایت مقررات ماده ۵ قانون اجرای احکام‌مدنی با شعبه بدوی صادر کننده رای خواهد بود هر چند حکم مورداجراء از مرجع تجدیدنظر صادر شده باشد. ماده ۴۱ ـ هر حوزه قضایی دارای یک یا چند واحد ابلاغ خواهد بود.رئیس واحد ابلاغ توسط رئیس حوزه قضایی از میان قضات یاکارمندان اداری تعیین می گردند. واحد ابلاغ به تعداد لازم مامور ابلاغو متصدی دفتری خواهد داشت ماده ۴۲ ـ در صورت لزوم هر حوزه قضایی واحدهای ارشاد ومعاضدت قضایی و صلح و سازش زیرنظر رئیس حوزه قضایی یادادستان جهت ارشاد و راهنمایی مراجعین و انجام صلح و سازش باتعداد لازم قاضی کارشناس و کارمند تشکیل می‌شود. ماده ۴۳ ـ روسای کل دادگستریها در امر جابجایی نیروها، مرخصی وسایر امور اداری مربوط به دادسرا مکلفند حسب مورد، نظر دادستان‌محل را جلب نمایند. این آیین نامه مشتمل بر ۴۳ ماده و ۵ تبصره در تاریخ ۹/۱۱/۱۳۸۱ به‌تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و پس از ابلاغ لازم الاجراء می‌باشد.

قانون مسؤولیت مدنی مصوب (۷ ۲ ۱۳۳۹ – ۱۶ ماده)

ماده ۱ ـ هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی به‌جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هرحق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. ماده ۲ ـ در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، اورا به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به‌جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود. ماده ۳ ـ دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را باتوجه به‌اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت‌مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تامین مقتضی برای‌پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید. ماده ۴ ـ دادگاه می‌تواند میزان خسارات را در موارد زیر تخفیف دهد: ۱ ـ هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو موثری‌به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد؛ ۲ ـ هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفا قابل‌اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود؛ ۳ ـ وقتی که زیان‌دیده بنحوی از انحا موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه‌شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد. ماده ۵ ـ اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن اونقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول‌جبران کلیه خسارات مزبور است دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق‌مستمری و یا

پرداخت مبلغی دفعتا واحده تعیین می‌نماید و درمواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری بعمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تامین گرفت با دادگاه است اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی بطور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق‌تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت ماده ۶ ـ در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصا هزینه کفن و دفن می‌باشد، اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کارکردن در مدت ناخوشی نیزجزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانونا مکلف بودهو یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نمایدو در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان‌باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتا ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن‌شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تامین که بایدگرفته شود با دادگاه است در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری‌را خواهد داشت ماده ۷ ـ کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانونا یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری‌یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شدو در هر صورت جبران زیان باید بنحوی صورت گیرد که موجب‌عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد. ماده ۸ ـ کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسئول جبران آن‌است شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف باحسن‌نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف‌شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر،زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید. ماده ۹ ـ دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوءاستفاده اززیردست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می‌تواند ازمرتکب علاوه بر زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید. ماده ۱۰ ـ کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه‌وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان‌مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیرایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه برصدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید. ماده ۱۱ ـ کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آنها که‌به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به‌اشخاص وارد نمایند شخصا مسئول جبران خسارات وارده‌می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد در این‌صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی‌در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب‌ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون بعمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. ماده ۱۲ ـ کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران‌خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان درحین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاطهائی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده بعمل آورده یا اینکه اگر احتیاطهای مزبور را بعمل می‌آوردند بازهم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود کارفرما می‌تواند به‌واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید. ماده ۱۳ ـ کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان‌اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص‌ثالث بیمه نمایند. ماده ۱۴ ـ در مورد ماده ۱۲ ـ هرگاه چندنفر مجتمعا زیانی وارد آورند،متضامنا مسئول جبران خسارات وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان باتوجه به نحوه‌مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. ماده ۱۵ ـ کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی‌شخص متعدی شود، مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه‌خسارت وارده برحسب متعارف متناسب با دفاع باشد. ماده ۱۶ ـ وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون است

قانون اعسار مصوب (۲۰ ۹ ۱۳۱۳ – ۴۰ ماده)

ماده ۱ ـ معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارائی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تادیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد. فصل اول ـ اعسار در مورد مخارج محاکمه مواد ۲ تا ۱۹ ملغی شده است فصل دوم ـ اعسار در مورد محکوم‌به ماده ۲۰ ـ مرجع رسیدگی به دعوای اعسار در مورد محکوم‌به محکمه‌ای است که بدایه به دعوی اصلی‌رسیدگی کرده است دعوی اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد. ماده ۲۱ ـ دعوی اعسار در مورد محکوم به به طرفیت محکوم‌له دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم‌الاجرای‌ثبت اسناد به طرفیت متعهدله اقامه خواهد شد. ماده ۲۲ ـ در رسیدگی به دعوی اعسار در مورد محکوم به هرگاه محکوم‌علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز ادعای اعسار کند موقتا بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه به دعوی‌اعسار معاف است ماده ۲۳ ـ مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی اومطلع باشند به عرض حال خود ضمیمه نماید. در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسایل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت‌محکوم‌به یا دین با تعیین مبلغ آن تصریح شود. ماده ۲۴ ـ مقررات مواد ۸ و ۹ و قسمت اول از ماده ۱۰ و ماده ۱۱ و ۱۲ (جز اخطار به مدعی العموم در مورد اعسار نسبت به محکوم‌به یا دین نیز رعایت خواهد شد. ماده ۲۵ ـ در صورت غیبت مدعی اعسار در جلسه محاکمه یا عدم تعقیب او تقاضای مدعی‌علیه برای‌رسیدگی به دعوی مزبور کافی است ماده ۲۶ ـ حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم‌به قابل استیناف و تمیز است فصل سوم ـ مقررات جزائی ماده ۲۷ ـ در مورد رد عرض حال اعسار به طریق ذیل رفتار می‌شود: (بند ۱ و شقوق الف و ب آن مربوط به‌رد اعسار از هزینه دادرسی‌بوده که به ماده ۷۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه شود.) ۲ ـ در صورتی که ادعای اعسار در مورد محکوم‌به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی را به‌پرداخت وجوه ذیل محکوم می‌نماید: الف ـ مخارج محاکمه اعسار معادل دوبرابر مخارج معمولی ب ـ حق‌الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار به شرح مذکور در قسمت (ب فقره اول همین ماده ماده ۲۸ ـ مفاد ماده ۲۷ در مورد رد اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد نیز لازم‌الرعایه است ماده ۲۹ ـ اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۳۰ ـ اگر پس از قبول اعسار ثابت شود که شهود قضیه عامدا شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده به‌مجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ ـ هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده و معهذا از حکم اعساراستفاده کرده است به تقاضای محکوم‌له یا متعهدله جزائا تعقیب و به حبس تادیبی تا دو ماه‌محکوم‌خواهد شد. ماده ۳۲ ـ هر کس به نحوی از انحاء برای معسر قلمداد کردن کسی که معسر نیست با او تبانی کرده و یابرخلاف حقیقت خود را طلبکار معسر قلمداد و در این موضوع با معسر تبانی کند شریک جرم مذکور درماده فوق محسوب خواهد شد. فصل چهارم ـ مقررات مختلفه ماده ۳۳ ـ از تاجر عرضحال اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف دهد. کسبه جزء مشمول این ماده نخواهند بود. ماده ۳۴ ـ در هر موقع که معسر به تادیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم به تادیه آن است نسبت به ورقه اجرائیه که بر علیه معسر صادر شده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری می‌شود و مدت آن‌ده سال است ماده ۳۵ ـ اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه را تحصیل کرده است در دعوای اصلی خود محکوم به‌بی حقی گردد محکوم‌له نیز از پرداخت بقیه محاکمه که به محکومیت معسر منتهی شده معاف خواهدبود. ماده ۳۶ ـ در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد طلبکاران او قائم مقام قانونی مدعی اعسار بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند. ماده ۳۷ ـ اشخاصی که دارایی نداشته یا دارایی آنها کافی برای تادیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغلی و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خود را بپردازند محکمه (در مورد محکوم‌به و

اداره‌ثبت (در مورد اوراق لازم الاجراء) با در نظر گرفتن مبلغ بـدهی و عایـدات بـدهکار و معیشت ضـروری او میزان و مدت وعده اقساطی را که بایـد داده شود تعیین خواهد کرد. ماده ۳۸ ـ کسـی که طلب خود را به غیر مـدیون انتقال داده و بعد از انتقال آن را از مـدیون سابق خود دریافت کرده و یا به دیگری انتقال دهد کلاهبردار محسوب می‌شود. هر گاه مدیون بدهی خود را بعد از انتقال به داین سابق تادیه نماید منتقل الیه حق رجوع به او نخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که قبل از تادیه دین انتقال را به اطلاع مدیون رسانیده و یا اینکه مدیون به‌وسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است ماده ۳۹ ـ از تاریـخ اجرای این قانون دیگر دعوایی به عنوان دعوی افلاس پذیرفته نخواهد شد و نسبت به دعوی افلاسی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده بر طبق نظامنامه مخصوصی که وزارت عـدلیه تنظیم خواهـد نمود اقدام می‌شود. ماده ۴۰ ـ قـانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۷۹۸ و۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ قانون اصول محاکماتی که به موجب قانون مزبور نسـخ شـده‌به حال منسوخی باقی می‌ماند و این قانون از تاریخ تصویب به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب (۱۵ ۸ ۶۵ – ماده واحده و ۲ تبص

ماده واحده ـ وزارتخانه‌ها و موسـسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظورمی‌گردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاهها و اوراق لازم الاجرای‌ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاهها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهـدات بودجه مصوب سالهای قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت‌عـدم وجود اعتبار و عـدم امکان تامین از محلهای قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت‌نمایند، اجرای دادگستری و ادارات ثبـت اسـناد و املاـک و سـایر مراجع قـانونی دیگر مجـاز به توقیـف اموال‌منقـول و غیر منقـول وزارتخانه‌هـا و موسـسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به‌ندارنـد تا تصویب و ابلاغ بودجه یک‌سال و نیم و بعـد از سال صـدور حکم نخواهند بود. ضـمنا دولت ازدادن هر گونه تامین در زمان مذکور نیز معاف می‌باشد، چنانچه ثابت شود وزارتخانه‌ها و موسسات یادشده با وجود تامین اعتبار از پرداخت محکوم به استنکاف نموده‌اند، مسوول یا مسوولین مستنکف‌توسط محاکم صالحه به یک‌سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف‌به‌وسیله استنکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشد، ضامن خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱ ـ دسـتگاه مدعی علیه با تقاضای مدعی باید تضمین بانکی لازم را به‌عنوان تامین مدعی به‌دادگاه بسپارد. در صورتی‌که دعوی یا مقداری از خواسـته رد شود، به حکم دادگاه تضـمین یا مبلغ ماند به‌دسـتگاه مدعی علیه رد خواهـد شد. تبصـره ۲ ـ تبصـره ۵۳ قـانون بودجه سال ۱۳۵۷ و تبصـره ۱۸ قـانون بودجه سال ۱۳۳۴ لغو می‌شود. قـانون فوق مشـتمل برماده واحده و دو تبصـره در جلسه روز پنجشـنبه پانزدهم آبان ماه یکهزار و سـیصد وشـصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۱/۷/۱۳۶۵ به تایید شورای نگهبان رسیده‌است

آیین نامه طرز پرداخت حق النسبی متصدیان اجرا

مـاده ۱ ـ ادارات کــل امــور مــالی وزارت دادگســتری و سازمــان ثبــت اســناد و املاــک کشــور در مرکز و دوائر حسابــداری ادارات‌دادگسـتری و ثبت اسناد و املاـک در شهرسـتان‌ها مکلفنـد حق نسبی از حقوق اجرائی که بایـد به موجب تبصـره ۷۳ قانون بودجه‌اصـلاحی سال ۱۳۵۳ و بـودجه سـال ۱۳۵۴ کـل کشور بر اسـاس مـاده ۱۵ قـانون متمم بـودجه سـال ۱۳۱۷ به متصـدیان اجرا داده‌شود از حقوق اجرائی (برحسب مورد ده یـک یـا ده نیم جـدا و طبق مواد زیر به تشـخیص روسای مربوط به متصـدیان وماموران اجرا پرداخت نماینـد. ماده ۲ ـ از اول فروردیـن مـاه ۱۳۵۴ به بعـد وجوهی که به طریق مـاده یک جمع و نگهـداری می‌شود بایـد به ترتیب زیر در طول‌سال در مرکز تحت نظر روسـای دادگاه‌هـا یـا رئیس اجرای ثبت و در شهرسـتان‌ها تحت نظر روسای دادگاه‌ها و

روسای ثبت بین‌متصدیان مربوط تقسیم شود. ۱ ـ در مورد اجرای دادگستری الف ـ مسئولان اجرای دادگاه‌ها که حکم تحت نظر آنها اجرا می‌شود یا روسای اجرای سایر مراجعی که در امر وصول ده یک‌دخالت دارنـد ۵۰٪. ب ـ کارمندان و مأموران اجرا که در امر وصول ده یک دخالت داشته‌اند ۵۰٪ ۲ ـ در مورد اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور: الف ـ رئیس و معاونان اداره اجرای ثبت و رئیس و معاونان دوائر اجرای ثبت و سرممیزان و ممیزان اداره و دوائر اجرای ثبت‌در مرکز، مسئولان اجرای ثبت شهرستانها و ممیزان اجرا ۷۰٪. ب ـ کارمندان و ماموران اجرا و کارمندان حسابداری و رسیدگی اجرا که در امر وصول ده نیم دخالت داشته اند ۳۰٪. تبصره ـ سهم هر یک از افرادی که به موجب این آیین نامه استحقاق دریافت حق نسبی دارند از طرف روسای مربوط با درنظر گرفتن طرز کار و فعالیت آنها در امر وصول حقوق اجرائی براساس ضوابطی که در این مورد از طرف وزارت دادگستری‌و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معین و ابلاغ خواهد شد تعیین می‌شود. ماده ۳ ـ برای اجرای ماده فوق بایـد دفتری در حسابداری مربوط نگاهداری شود که کلیه درآمـد وصولی اجرا بـابت (ده یـک یـاده نیم در آن ثبت گردد و ماخـذ احتساب پرداخت حق نسبی واقع شود. مـاده ۴ ـ وجوه حاصل از حق نسبی فقط بایـد طبق مواد فوق به کارمنـدان و خـدمتگزاران پرداخت شود و هزینه دیگری از این‌محل مجاز نیست ماده ۵ ـ نحوه نگهـداری وجوه مـذکور و به هزینه منظور نمودن آن به موجب دستورالعملی خواهد بود که از طرف وزارت اموراقتصـادی و دارائی به ادارات کـل مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور و ادارات مربوط در شهرستان‌ها ابلاغ خواهـد شد. ماده ۶ ـ در مـورد وجوه اضـافه دریـافتی مربوط به حقوق اجرائی (ده یـک یـا ده نیم طبق مقررات مالی مربوط در استرداد آن‌اقدام می‌شود و نسبت به حق نسبی اضافی پرداخت شده مبلغ اضافی از اولین حق نسبی که بعدا پرداخت می‌شود کسرخواهد شد.

قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب – مصوب ۱۳۸۵

شماره۱۷۳۰۸۵/۵۰۶ ۸/۱۱/۱۳۸۵ جنـاب آقای دکتر محمود احمـدی‌نژاد رئیس محترم جمهوری اسـلامی ایران عطف به نامه شـماره ۴۸۵۵۸/۳۳۸۸۳ مورخ ۲۴/۸/۱۳۸۴ در اجراء اصل یکصـد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح ماده (۱۸) اصـلاحی قانون تشـکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی مورخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۵ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسـلامی ـ غلامعلی حدادعادل شـماره۱۴۶۵۳۵ ۲۱/۱۱/۱۳۸۵ وزارت دادگستری قانون اصـلاح ماده (۱۸) اصـلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمـومی و انقلاب که در جلسه علنی روز یکشـنبه مـورخ بیست و چهـارم دی مـاه یکهزار و سیصد و هشـتاد و پنج مجلس شورای اسـلامی تصویب و در تاریخ ۴/۱۱/۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شـماره ۱۷۳۰۸۵/۵۰۶ مورخ ۸/۱۱/۱۳۸۵ واصل گردیـده است به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمـدی‌نژاد قـانون اصـلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشـکیل دادگاههـای عمومی و انقلاب ماده واحـده ـ ماده (۱۸) قـانون اصـلاح قـانون تشـکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۷/۷/۱۳۸۱ به شـرح زیر اصلاح می‌شود: ماده۱۸ـ آراء غیرقطعی و قابل تجدیـدنظر یا فرجام همان است که در قانون آئن دادرسـی ذکر گردیـده، تجدیـدنظر یـا فرجـام‌خواهی طبق مقررات آئن دادرسـی مربوط انجـام خواهدشـد. آراء قطعی دادگاههای عمومی و انقلاـب، نظـامی و دیوان عـالی کشور جز از طریق اعاده دادرسـی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیـده قابل رسیدگی مجدد نیست مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه قضائیه خلاف بین شرع باشد که در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسـی محسوب و پرونده حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود. تبصره۱ـ مراد از خلاـف بین شـرع، مغـایرت رأی صـادره بـا مسـلمات فقه است و در موارد اختلاـف نظر بین فقهـا ملاـک عمـل نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهدبود. تبصره۲ـ چـنانچه دادسـتان کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و رؤسای کل دادگستری استانها

مواردى را خلاف بين شرع تشخيص دهند مراتب را به رئيس قوه قضائيه اعلام خواهندنمود. تبصره۳ـ آراء خلاف بين شرع شعب تشخيص، در يكى از شعب ديوان عالى كشور رسيدگى مى‌شود. تبصره۴ـ پرونده‌هايى كه قبل از لازم‌الاجراء شدن اين قانون به شعب تشخيص وارد شده است مطابق مقررات زمان ورود رسيدگى مى‌شود. پس از رسيدگى به پرونده‌هاى موجود، شعب تشخيص منحل مى‌شود. تبصره۵ ـ آرائى كه قبل از لازم الاجراء شدن اين قانون قطعيت يافته است حداكثر ظرف سه ماه و آرائى كه پس از لازم‌الاجراء شدن اين قانون قطعيت خواهديافت حداكثر ظرف يك ماه از تاريخ قطعيت قابل رسيدگى مجدد مطابق مواد اين قانون مى‌باشد. تبصره۶ ـ از تاريخ تصويب اين قانون ماده (۲) قانون وظايف و اختيارات رئيس قوه قضائيه مصوب ۸/۱۲/۱۳۷۸ و ساير قوانين مغاير لغو مى‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنى روز يكشنبه مورخ بيست و چهارم دى ماه يكهزار و سيصد و هشتاد و پنج مجلس شوراى اسلامى تصويب و در تاريخ۴/۱۱/۱۳۸۵ به تأييد شوراى محترم نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراى اسلامى ـ غلامعلى حدادعادل

آئين‌نامه و دستورالعمل اجرايى ماده ۱۸ اصلاحى قانون تشكيل دادگاههاى عمومى و انقلاب و مادتين ۱۸ و ۴۰ ق

مديرعامل محترم روزنامه رسمى كشور به پيوست يك نسخه آيين‌نامه و دستورالعمل اجرايى ماده ۱۸ اصلاحى قانون تشكيل دادگاه‌هاى عمومى و انقلاب و مادتين ۱۸ و ۴۰ قانون ديوان عدالت ادارى مصوب بهمن ماه ۱۳۸۵ شمسى به شماره ۱۹۴۶۴/۸۵/۱ ـ ۲۵/۱۱/۱۳۸۵ كه به تأييد وتصويب رياست محترم قوه قضاييه رسيده است، جهت درج در روزنامه رسمى كشور ارسال مى‌گردد. رئيس حوزه رياست قوه قضائيه ـ عبدالرضا ايزدپناه آئين‌نامه و دستورالعمل اجرايى ماده ۱۸ اصلاحى قانون تشكيل دادگاههاى عمومى و انقلاب و مادتين ۱۸ و ۴۰ قانون ديوان عدالت ادارى مصوب بهمن ماه ۱۳۸۵ شمسى ماده۱ـ از تاريخ لازم‌الاجرا شدن ماده ۱۸ اصلاحى قانون تشكيل دادگاههاى عمومى و انقلاب حوزه نظارت قضايى ويژه و اداره كل نظارت و پيگيرى ـ دادستانى كل كشور ـ رئيس سازمان قضائى نيروهاى مسلح و رؤساى كل دادگسترى‌هاى استان سراسر كشور به شرح مواد آتى بايستى عمل و اقدام نمايند. ماده۲ـ نمايندگان حوزه نظارت قضائى ويژه در دادگسترى استانهاى سراسر كشور و سازمان قضائى نيروهاى مسلح زيرنظر رؤساى دادگسترى استانها كماكان به انجام وظايف قانونى مربوط به اجراى اين قانون در محدوده اختيارات و صلاحيتهاى تعيين شده در اين آئين‌نامه ادامه مى‌دهند. ماده۳ـ دادستان كل كشور يكى از معاونين دادستانى را براى تصدى اجراى اين قانون در محدوده اين آئين‌نامه معرفى مى‌نمايد تا ابلاغ لازم براى او صادر شود همچنين دبيرخانه تعداد لازم پرسنل قضائى و ادارى براى انجام اين كار را پيشنهاد مى‌كند تا پس از تصويب و صدور ابلاغ‌هاى قضائى لازم شروع به كار كند. ماده۴ـ دادگستريهاى استانهاى سراسر كشور نيز دبيرخانه‌اى با تعداد لازم پرسنل قضائى و ادارى براى اجراى اين قانون پيشنهاد مى‌كنند تا پس از تصويب و صدور ابلاغ‌هاى لازم شروع به كار كنند و چنانچه قبل از اجراى اين قانون نمايندگان حوزه نظارت قضائى در هر استان براى اجراى ماده۲ دبيرخانه‌اى داشته‌اند همان دبيرخانه اين وظايف را انجام خواهد داد. ماده۵ ـ متقاضيان درخواست خلاف بين شرع احكام قطعى با توجه و در نظر گرفتن تبصره پنج اين قانون از جهت مدت و با ارائه مدارك و مستندات لازم بايستى به شرح زير اقدام نمايند: الف ـ متقاضيان و معترضين به احكام قطعيت يافته مرحله بدوى و تجديدنظر هر استان بعنوان خلاف بين شرع بايستى به دادگسترى همان استان مراجعه نمايند. ب ـ متقاضيان و معترضين به احكام قطعيت‌يافته در ديوان عالى كشور و شعب تشخيص بعنوان خلاف بين شرع بايستى براى تسليم درخواست و مدارك خودشان به دادستانى كل كشور مراجعه نمايند. ج ـ متقاضيان و معترضين به احكام قطعيت يافته در سازمان قضائى نيروهاى مسلح بعنوان خلاف بين شرع بايستى براى تسليم درخواست و مدارك خودشان به نمايندگان حوزه نظارت قضائى ويژه در سازمان قضائى نيروهاى مسلح همان استان يا به رئيس سازمان قضائى نيروهاى مسلح در تهران مراجعه نمايند. تبصره ـ چنانچه مراجعان بند الف به دادستانى كل كشور و يا مراجعان بند « ب» به دادگستريهاى استان مراجعه نمايند

دبیرخانه یا مسئول هر دو مرجع به منظور حفظ حقوق معترضین از جهت تسلیم مستندات و مدارک در موعد تعیین‌شده مکلفند درخواست معترضین را پذیرفته و پس از ثبت برای انجام مراحل بعدی به مرجع مربوطه ارسال نمایند و متقاضی معترض را نیز از این اقدام مطلع سازند تا برای پیگیری به آن مرجع مراجعه نماید. ماده۶ـ دادگستریهای استانها بایستی پس از وصول درخواست و مستندات و ثبت آن و بررسی از جهت موعد در صورتی که درخواست در موعد تعیین شده در تبصره۵ باشد وسیله رئیس دادگستری یا نماینده حوزه نظارت قضائی ویژه در استان به یک نفر از قضاتی که برای انجام این کار تعیین گردیده جهت بررسی ارجاع شود، قاضی مذکور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه نموده با تهیه گزارش اظهارنظر نماید. این پرونده پس از اظهارنظر در جلسه‌ای متشکل از رئیس دادگستری استان و نماینده حوزه نظارت قضائی ویژه استان و قاضی بررسی‌کننده مطرح چنانچه حکم قطعی صادره خلاف بین شرع تشخیص داده شد با تنظیم صورت جلسه پرونده را به حوزه نظارت قضائی ارسال می‌دارند تا با کسب نظر یکی از مشاورین حوزه نظارت قضائی ویژه بنظر ریاست قوه قضائیه برسد و چنانچه ادعای خلاف بین شرع را نپذیرفتند با تنظیم صورت مجلس پرونده را بایگانی و نتیجه را با نامه جهت درج در سوابق به حوزه نظارت قضائی اعلام می‌نمایند. ماده۷ـ درخواست و مستندات تسلیم شده به دبیرخانه دادستانی کل در صورتی که در موعد مقرر در تبصره‌ی ۵ باشد به وسیله معاون دادستانی کل کشور جهت بررسی و تهیه گزارش به یک نفر از دادیاران دادسرای دیوانعالی کشور ارجاع می‌شود تا با مطالعه پرونده و تهیه گزارش اظهارنظر نماید. سپس این پرونده در جلسه‌ای متشکل از دادستان کل کشور و معاون مربوطه و دادیار بررسی‌کننده مطرح و چنانچه حکم صادره را خلاف بین شرع تشخیص دادند با تنظیم صورتمجلس به حوزه نظارت قضائی ویژه ارسال می‌دارند تا پس از ثبت و عندالاقتضاء اخذ نظر یکی از مشاوران حسب دستور رئیس قوه قضائیه پرونده به نظر رئیس قوه قضائیه برسد و چنانچه ادعای معترض را از جهت خلاف بین شرع نپذیرفتند با تنظیم صورت مجلس پرونده را بایگانی و نتیجه را از طریق حوزه نظارت قضائی ویژه به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌نمایند. ماده۸ـ سازمان قضائی نیروهای مسلح در هر استان نیز به همین ترتیب عمل نموده و در هر پرونده با اخذ نظر سه نفر از قضات آن سازمان در صورتی که خلاف بین شرع تشخیص داده شد پرونده را با اظهارنظر به حوزه نظارت قضائی ارسال می‌نمایند تا پس از اخذ نظر یک نفر مشاور یا بازرس قضائی به نظر رئیس قوه قضائیه برسد و چنانچه خلاف بین شرع تشخیص داده نشد با تنظیم صورت مجلس بایگانی و نتیجه را به حوزه نظارت قضائی اعلام می‌نمایند. ماده۹ـ چون به استناد ماده ۱۸ اصلاحی به رئیس قوه قضائیه اختیار داده شده پس از تشخیص خلاف بین شرع بودن حکم تصمیم به تجویز اعاده دادرسی گرفته و پس از اتخاذ این تصمیم در صورت ضرورت و لزوم با توجه به مقررات مربوط به اعاده دادرسی و رأی وحدت رویه شماره ۵۳۸ ـ ۱/۸/۱۳۶۹ هیئت عمومی دیوانعالی کشور اجرای حکم را متوقف و پرونده را جهت رسیدگی مجدد با عنایت به این تصمیم به مرجع صالح ارسال دارد لذا اقتضاء دارد هر سه مرجع بررسی‌کننده در پیشنهادات ارسالی درخصوص توقف اجرای حکم و چگونگی جریان امر نیز اعلام‌نظر نمایند تا در موقع تصمیم‌گیری مشکلی پیش نیاید. ماده۱۰ـ هر متقاضی بیش از یک بار نمی‌تواند این درخواست را تسلیم نماید و بدیهی است پس از اتخاذ تصمیم درخواست مجدد قابل‌پذیرش نیست. دفاتر ثبت درخواستها در استانها و دادستانی کل و سازمان قضائی و حوزه نظارت ریاست قوه لازم است با مجهز شدن به سیستم رایانه‌ای کلیه درخواستها را در رایانه ثبت و از پذیرش مکرر آنها جلوگیری بعمل آورد. ماده۱۱ـ رؤسای کل دادگستری استانها و دادستان کل کشور و رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح چنانچه رأساً پس از صدور حکم و قطعیت آن با ملاحظه پرونده یا به طریق دیگر از خلاف بین شرع بودن حکمی مطلع‌شده یا در جریان آن قرار گیرند مکلفند با در نظر گرفتن موعد مقرر در تبصره۵ قانون طبق تکلیف مندرج در مواد قبل اقدام نموده و پرونده را با اظهارنظر از طریق حوزه نظارت قضائی ویژه به رئیس قوه قضائیه ارسال و اعلام نمایند. ماده۱۲ـ چنانچه رؤسای دادگستری و دادستان شهرستانها و رؤسای دادگاههای بخش مستقل ضمن ملاحظه پرونده یا بررسی به احکام قطعی برخورد نمایند که آن را خلاف بین شرع می‌دانند بایستی سریعاً پرونده را با گزارش برای رئیس کل

دادگستری استان بفرستند تا رئیس کل دادگستری استان طبق مواد قبلی این آئین‌نامه عمل نماید. ماده۱۳ـ چون در این قانون مرجع تشخیص خلاف بین شرع رئیس قوه قضائیه بوده و تجویز اعاده دادرسی نیز بـا مشارالیه می‌باشد لـذا با توجه به عدم ذکر هزینه دادرسی در این قانون و اینکه دریافت هر وجهی از اشخاص مستلزم ذکر صراحت قانونی می‌باشد لذا از متقاضیان معترض به احکام قطعی صادره نبایستی وجهی بعنوان هزینه دادرسی اخذ شود، لیکن لازم است هر متقاضی درخواست خویش را بـا لایحه‌ای که بوسیله وکیل یا مشاور حقوقی رسمی تنظیم شده باشد و به امضاء و مهر او ممهور شده باشد تسلیم کند. وکلاء و مشاوران حقوقی مکلفند درصورت عدم مخالفت بین حکم با مسلمات فقهی متقاضی را ارشاد نموده از درخواست خود صرف‌نظر کند. ماده۱۴ـ با توجه به مفاد لایحه اصلاحی ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ضروری است برای تعیین مغایرت آراء صادره با مسلمات فقه از همکاری قضات با سابقه و با تجربه و آشنا به مسائل فقهی استفاده شود و همچنین در پرونده‌های پیچیده و مشکل و مهم به منظور اطمینان بیشتر در مرحله مقدماتی در هر سه مرجع دو یا سه نفر قاضی شرکت نموده و اظهارنظر نمایند. ماده۱۵ـ بعد از لازم‌الاجراشدن این قانون چنانچه از اشخاص درخواستی مبنی بر اعتراض به حکم به حوزه نظارت قضائی ویژه یا اداره کل نظارت و پیگیری و یا دفتر رئیس قوه قضائیه واصل گردد بایستی ثبت و برای اقدامات بعدی به دادگستری استانها یا سازمان قضائی نیروهای مسلح یا دادستانی کل کشور ارسال شود تا طبق مواد قبلی آن مراجع اقدام نمایند. ماده۱۶ـ رئیس حوزه نظارت قضائی بایستی پس از دریافت پرونده و گزارش و اخذ نظر یک نفر مشاور نتیجه را عیناً به نظر ریاست قوه قضائیه برساند و طبق نظر ایشان عمل نماید بدیهی است چنانچه رئیس قوه قضائیه اخذ نظر مشاور یا بازرس قضائی دیگری را لازم بداند دستور مقتضی صادر خواهدنمود. ماده۱۷ـ چون منظور از تشکیل نمایندگی در دادگستریهای سراسر کشور عدم مراجعه متقاضیان به تهران و سهولت و سرعت در پاسخگویی به آنها می‌باشد لذا مقتضی است رؤسای کل و نمایندگان حوزه نظارت قضائی در استانهای کشور پس از دریافت شکایت و اعتراض، دستور لازم صادر و نسبت به راهنمایی و هدایت آنها و رفع مشکلاتشان اقدام مقتضی و قانونی بعمل آورند و در نهایت چنانچه آراء قطعی را خلاف بین شرع تشخیص دادند مراتب را طبق مواد قبل اعلام نمایند. ماده۱۸ـ رسیدگی و بررسی شکایات و پرونده‌های موضوع اعمال ماده واحده لایحه اصلاحی ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب بایستی بصورت فوق‌العاده و بدون نوبت و معطلی انجام شود مگر اینکه تعداد آنها از امکانات نیروی انسانی و ظرفیت پذیرش این‌گونه درخواستها بیشتر باشد در اینصورت با تنظیم دفتر اوقات و با رعایت اولویت‌ها اقدام گردد. ماده۱۹ـ نسبت به درخواستهای اعمال ماده ۲ که قبل از لازم‌الاجراشدن این قانون در نمایندگی حوزه نظارت قضائی ویژه در استانها و سازمان قضائی نیروهای مسلح و اداره کل نظارت و پیگیری و حوزه نظارت قضائی ویژه در مرحله بررسی و رسیدگی می‌باشد هر چهار مرجع مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از اجرای این قانون آنها را بررسی نموده و با اظهارنظر طبق مواد قبل یا رویه سابق پرونده‌ها و سوابق جهت اقدامات بعدی بنظر ریاست قوه قضائیه برسد. ماده۲۰ـ احکامی که قبل از اجرای این قانون بررسی شده و خلاف بین شرع آنها باستناد ماده۲ مورد پذیرش رئیس قوه قضائیه قرار نگرفته و درخواست متقاضیان رد شده است قابل بررسی مجدد به اعتبار این قانون نیست. ماده۲۱ـ چون در تبصره سه این قانون مقرر گردیده آراء خلاف بین شرع شعب تشخیص در یکی از شعب دیوان بایستی رسیدگی شود لذا پس از تجویز اعاده دادرسی از طرف رئیس قوه قضائیه برای رسیدگی مجدد شعب دیوان بایستی مطابق مقررات زمان و ورود به شعبه تشخیص نسبت به این پرونده‌ها رسیدگی مجدد نمایند. ماده۲۲ـ نسبت به مواد ۱۸ و ۴۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۸۵ به شرح زیر بایستی عمل و اقدام گردد: نسبت به ماده ۱۸ متقاضیان خلاف بین قانون و شرع آراء دیوان عدالت اداری بایستی به رئیس دیوان عدالت اداری مراجعه و درخواست خودشان را به آن مرجع تسلیم نمایند تا رئیس دیوان به تکلیف مقرر در ماده۱۸ عمل نماید و چنانچه در این مورد به رئیس قوه قضائیه یا حوزه نظارت قضائی ویژه یا دفتر نظارت و پیگیری مراجعه شود درخواست آنها جهت بررسی و تهیه گزارش توأم با اظهارنظر به دیوان عدالت اداری ارجاع می‌گردد و دیوان عدالت اداری

بـایستی پس از بررسـی و تنظیم گزارش نـتیجه را همراه گزارش از طریـق حـوزه نظـارت قضـائی ویژه برای رئیس قوه‌قضـائیه ارسـال نماید. در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی دیوان عدالت اداری را خلاف بین شـرع یا قانون تشـخیص داد از طریق رئیس دیوان به شعبه تشخیص دیوان بفرستد. نسبت به ماده ۴۰ در صورتی که رئیس قوه قضائیه به هر نحو از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون و یـا خروج آن از اختیارات مقام تصویب‌کننـده مطلع شود پس از بررسـی موضوع و اخـذ نظر کارشناسـی به وسـیله مشاوران از طریق حوزه نظارت قضائی ویژه موضوع را به هیئت عمومی دیوان عـدالت ارسال و ابطال مصوبه را درخواست می‌نماید. ماده۲۳ـ به منظور استمرار و حُسن نظـارت قضـائی بر امر دادرسـی و بموجب دسـتور رئیس قوه قضـائیه و با ابلاغ صادره از ناحیه رئیس حوزه نظارت قضـائی ویژه بازرسان قضائی اداره کل نظارت و پیگیری نسبت به رونـد دادرسـی‌ها در پرونـده‌های قضائی در حال رسیدگی یا در حال اجرا با عزیمت به محل بازرسـی نموده و گزارش امر را جهت اسـتحضار ریاست قوه قضائیه ارائه می‌نمایـد. این آئین‌نامه در ۲۳ ماده و یک تبصره در تاریخ ۲۵/۱۱/۱۳۸۵ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

اصلاحیه آیین‌نامه ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۸۶

مـدیرعامل محترم روزنـامه رسـمی کشور به پیوست یـک نسـخه اصـلاحیه آیین‌نـامه ماده (۱۸) اصـلاحی قانون تشـکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۸۶ که در تاریخ ۷/۱۲/۱۳۸۶ به تایید و توشیح ریاست محترم قوه قضاییه نیز رسیده، جهت درج در روزنـامه رسـمی کشور ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ موحـدی اصـلاحیه آیین‌نامه ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشـکیل دادگاه‌هـای عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۸۶ الـف) متن زیر به عنـوان تبصـره‌های ۱ و ۲ به مـاده ۶ الحـاق می‌شود: تبصره۱ـ برای تسـریع در پاسخگویی به تعداد لازم هیئت فرعی تشکیل می‌شود که نظریه آنان در هیئت اصلی مطرح و تصمیم نهایی اتخاذ می‌گردد. تبصره۲ـ منظور از مـاده (۱۸) اصـلاحی قانون تشـکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و اصـلاحیه‌های بعدی آن اعاده دادرسـی فقط نسبت به آرایی است که خلاف بین شـرع و مسـلمات فقه باشـد. بنابراین تسـری آن به هر نوع تقاضا جایز نمی‌باشـد. هیئت‌هـای موضوع این آیین‌نـامه موظفنـد با اسـتفاده از منابع معتبر فقهی دقت لازم در رسـیدگی به درخواست‌های مـذکور به عمل آورند. ب) ماده۱۳ به شـرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده۱۳ـ رسـیدگی به تقاضاهای موضوع این آیین‌نامه بـدون اخذ هزینه دادرسـی خواهدبود. متقاضـی می‌تواند شـخصاً یا توسط وکیل رسمی دادگستری و یا مشاور حقوق درخواست خود را به طور مستدل تنظیم و تسـلیم مرجع مربوط نمایـد. مراجع مربوط موظفنـد از پـذیرش تقاضـای بـدون لایحه مسـتند حقوقی خودداری و متقاضـیان را ارشاد نموده تـا لاـیحه حقوقی ارائه نماینـد. تبصـره ـ نظر به این که در رسـیدگی به درخواست تنفیـذ حکم قصاص، به موضوع خلاف بین شرع نیز رسـیدگی می‌شود، بنـابراین از رسـیدگی به اعتراض محکومـان به قصـاص در هیئت‌هـای موضوع این آیین‌نامه خودداری و عین تقاضا به حوزه نظارت قضایی ویژه ارسال گردد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

امورحسبی و خانواده

قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ (م ۱ تا م ۲۸)

ماده ۱ ـ به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی‌خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم‌امین در دادگاههای شهرسـتان و در نقاطی که دادگاه شهرسـتان نباشددر دادگاه بخش رسـیدگی می‌شود و رسـیدگی به امور مذکور در تمام‌مراحل دادرسـی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهدبود. ماده ۲ ـ منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مـدنی بین هر یـک از زن‌و شوهر و فرزنـدان و جـد پـدری و وصـی و قیم است که از حقوق وتکـالیف مقرر در کتـاب هفتم در نکاح و طلاق

(منجمله دعوی مربوط‌به جهیزیه و مهر زن و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی همچنین از مواد۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد. ماده ۳ ـ دادگاه می‌تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن‌شدن موضوع دعوی و احقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطلعین و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که‌مقتضی باشد انجام دهد. ماده ۴ ـ دادگاه هر یک از طرفین را که بی بضاعت تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی و حق کارشناسی و حق داوری و سایرهزینه‌ها معاف می‌نماید. همچنین در صورت لزوم راسا وکیل معاضدتی برای او تعیین خواهد کرد. در صورتی که طرف بی‌بضاعت محکوم له شود محکوم علیه اگر بضاعت داشته باشد به‌موجب رای دادگاه ملزم به پرداخت هزینه‌های مذکور و حق الوکاله وکیل معاضدتی خواهد گردید. وکلا و کارشناسان مذکور مکلف به‌انجام دستور دادگاه می‌باشند. ماده ۵ ـ دادگاه در صورت تقاضای هر یک از طرفین مکلف است‌موضوع دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند راسا نیز دعوی را به داوری ارجاع خواهد کرد. داوری در این قانون تابع شرایط داوری مندرج در قانون آیین دادرسی‌نمی‌باشد. مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.در صورت عدم وصول نظر مذکور تا پایان مدت مقرر دادگاه راسا رسیدگی خواهد کرد مگر اینکه طرفین به تمدید مدت تراضی‌نمایند یا دادگاه تمدید مدت را مقتضی تشخیص دهد. تبصره ـ درصورتی که طرفین به تعیین داور تراضی نکرده یا داور خود را معرفی ننمایند دادگاه داور یا داوران را به ترتیب از اقربا یادوستان یا آشنایان آنان انتخاب خواهد کرد هرگاه اشخاص مذکور ازقبول داوری امتناع کرده یا انتخاب آنان از جهت عدم حضور در محل‌یا جهات دیگر میسر نباشد افراد دیگری به داوری انتخاب می‌شوند. ماده ۶ ـ داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و درصورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقرر کتبا به دادگاه اعلام می‌نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می‌شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به‌دادگاه اعلام نمایند. در صورتیکه طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای نظر داور را صادر می‌نماید مگر اینکه رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی الاثر می‌شود. هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا درموعد مقررجوابی ندهد یا رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به‌موضوع رسیدگی نموده حسب مورد رای مقتضی یا گواهی عدم‌امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۷ ـ هر گاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی راعلیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده‌شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل‌اقامت زن صالح به رسیدگی خواهد بود. در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل‌اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگرطرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی‌خواهد داشت تبصره ـ در موارد مذکور در این قانون اگر طرفین اختلاف مقیم‌خارج از کشور باشند می‌توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه نمایند. در این مورد هرگاه ذینفع نسبت به‌احکام و تصمیمات دادگاه‌ها و مراجع خارجی معترض و مدعی‌عدم رعایت مقررات و قوانین ایران باشد می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم یا تصمیم قطعی اعتراض خود را با ذکر دلایل وپیوست نمودن مدارک و مستندات آن از طریق کنسولگری ایران درکشور محل توقف به دادگاه شهرستان تهران ارسال نماید دادگاه به‌موضوع رسیدگی کرده و رای مقتضی صادر می‌کند و به دستور دادگاه رونوشت رای برای اقدام قانونی به کنسولگری مربوط ارسال‌می‌گردد. ثبت احکام و تصمیمات دادگاه‌ها و مراجع خارجی در مواردی که‌قانونا باید در اسناد سجلی یا دفتر کنسولگری ثبت شود در صورت‌توافق طرفین یا در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بلا اشکال است و الا موکول به اعلام رای قطعی دادگاه شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۸ ـ در موارد زیر زن یا شوهر حسب مورد می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید ودادگاه در صورت‌احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد: ۱ ـ توافق

زوجین برای طلاق ۲ ـ استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه همچنین درموردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد. ۳ ـ عدم تمکین زن از شوهر ۴ ـ سوء رفتار و یا سو معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه‌زندگی را برای طرف دیگر غیرقابل تحمل نماید. ۵ ـ ابتلاـ هر یک از زوجین به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد. ۶ ـ جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد. ۷ ـ عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد. ۸ ـ محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال‌حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به‌پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعا منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. ۹ ـ ابتلا به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس‌زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیرممکن سازد. ۱۰ ـ هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید. ۱۱ ـ هر یک از زوجین خانوادگی را ترک کند تشخیص ترک زندگی‌خانوادگی با دادگاه است ۱۲ ـ محکومیت قطعی هر یک از زوجین در اثر ارتکاب جرمی که‌مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد. تشخیص اینکه جرمی مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است باتوجه به وضع و موقع طرفین و عرف و موازین دیگر با دادگاه است ۱۳ ـ در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگرهمچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات‌جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند. ۱۴ ـ در مورد غایب مفقودالاثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قانون‌مدنی تبصره ـ طلاقی که موجب این قانون و بر اساس گواهی عدم امکان‌سازش واقع می‌شود فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است ماده ۹ ـ در مورد ماده ۴ قانون ازدواج هرگاه یکی از طرفین عقد بخواهد از وکالت خود در طلاق استفاده نماید باید طبق ماده قبل به‌دادگاه مراجعه کند و دادگاه در صورت احراز تخلف از شرط گواهی‌عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۱۰ـ اجرای صیغه طلاق و ثبت آن پس از رسیدگی دادگاه وصدور گواهی عدم امکان سازش صورت خواهد گرفت متقاضی‌گواهی عدم امکان سازش باید تقاضانامه‌ای به دادگاه تسلیم نماید که‌در آن علل تقاضا به طور موجه قید گردد. پس از وصول تقاضانامه‌دادگاه راسا یا به وسیله داور یا داوران سعی در اصلاح بین زن وشوهر و جلوگیری از وقوع طلاق خواهد کرد هرگاه مساعی دادگاه‌برای حصول سازش به نتیجه نرسد با توجه به ماده ۸ این قانون‌گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. دفتر طلاق پس از دریافت گواهی مذکور به اجرای صیغه طلاق وثبت آن اقدام خواهد نمود. هر یک از طرفین عقد بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش‌مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای سردفتری که‌طلاق را ثبت نماید. ماده ۱۱ ـ دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که‌صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سو رفتار و قصور طرف‌دیگر باشد او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به‌پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نمایدمشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگرمحرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یا ایجاد درآمد کافی برای او یا کاهش درآمد یا عسرت‌محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب موردتقلیل یافته یا قطع خواهد شد. در موردی که گواهی عدم امکان سازش به جهات مندرج در بندهای۵ و۶ ماده ۸ صادر شده باشد مقرری ماهانه با رعایت شرایط مذکوربه مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشروط به اینکه مرض یا جنون بعداز عقد ازدواج حادث شده باشد و در صورت اعاده‌سلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد. ماده ۱۲ ـ در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادرمی‌شود دادگاه ترتیب نگاهداری اطفال و میزان نفقه ایام عده را باتوجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین‌می‌کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانندترتیب نگاهداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید نفقه‌زوجه از عواید و دارایی مرد ونفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر درماده۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و

حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین وطریقه اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می‌کند دادگاه همچنین‌ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفی معین می‌کند حق ملاقات باطفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود. تبصره ۱ ـ اطفالی که والدین آنان قبل از تصویب این قانون ازیکدیگر جدا شده‌اند در صورتی که به طریق اطمینان بخشی ترتیب هزینه و نگاهداری و حضانت آنان داده نشده باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود. تبصره ۲ ـ پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم‌است ماده ۱۳ ـ در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقربای طفل یا دادستان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضرورت دارد (اعم از اینکه قبلا تصمیمی در این مورد اتخاذشده یا نشده باشد) و یا به طریق اطمینان بخشی ترتیب نگاهداری و حضانت طفل داده نشده باشد دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسی که مقتضی بداند محول می‌کند و هزینه حضانت به‌عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه مکلف به پرداخت آن می‌شود. ماده ۱۴ ـ هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل‌به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع طفل با اشخاص ذیحق شود او را برای هربار تخلف به‌پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به‌حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص‌دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب‌متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشدنخواهد بود. تبصره ۱ ـ پدر یا مادر کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی‌توانند طفل را به شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل از وقوع طلاق و یا به خارج کشور بدون‌رضایت والدین بفرستند مگر در صورت ضرورت با کسب اجازه ازدادگاه تبصره ۲ ـ وجوه موضوع این ماده و ماده ۱۱ به صندوق حمایت‌خانواده که از طرف دولت تاسیس می‌شود پرداخت خواهد شد.نحوه پرداخت وجوه مذکور به اشخاص ذینفع طبق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵ ـ طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می‌باشد درصورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم قدرت و لیاقت او در اداره‌امور صغیر یا فوت پدر به تقاضای دادستان و تصویب دادگاه‌شهرستان حق ولایت به هر یک از جد پدری یا مادر تعلق می‌گیردمگر اینکه عدم صلاحیت آنان احراز شود که در این صورت حسب‌مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد دادگاه در صورت اقتضا اداره امور صغیر را از طرف جد پدری یا مادر تحت نظارت‌دادستان قرار خواهد داد. در صورتی که مادر صغیر شوهر اختیار کند حق ولایت او ساقط‌خواهد شد در این صورت اگر صغیر جد پدری نداشته یا جد پدری‌صالح برای اداره امور صغیر نباشد دادگاه به پیشنهاد دادستان حسب‌مورد مادر صغیر یا شخص صالح دیگری را به عنوان امین یا قیم‌تعیین خواهد کرد. امین به تشخیص دادگاه مستقلا یا تحت نظردادستان امور صغیر را اداره خواهد کرد. ماده ۱۶ ـ مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر درموارد زیر: ۱ ـ رضایت همسر اول ۲ ـ عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳ ـ عدم تمکین زن از شوهر ۴ ـ ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و۶ ماده ۸ ۵ – محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸ ۶ ـ ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸ ۷ ـ ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸ ـ عقیم بودن زن ۹ ـ غائب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸. ماده ۱۷ ـ متقاضی باید تقاضانامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلائل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد.دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک‌ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد. به هرحال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است‌که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم‌خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج وزن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت‌همسر

اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد. ماده ۱۸ ـ شوهر میتواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هرشغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می کند. ماده ۱۹ ـ تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش‌پذیر می‌باشد: ۱ ـ صدور گواهی عدم امکان سازش ۲ ـ تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگاهداری اطفال ۳ ـ حضانت اطفال ۴ ـ حق ملاقات با اطفال ۵ ـ اجازه مقرر در ماده ۱۶ تبصره ـ در مورد بندهای ۲ و۳ و ۴ این ماده هرگاه در وضع طفل یا والدین یا سرپرستی که از طرف دادگاه معین شده تغییری حاصل‌شود که تجدید نظر در میزان نفقه یا هزینه نگاهداری یا حضانت یاحق ملاقات با اطفال را ایجاب کند دادگاه می‌تواند در تصمیم قبلی‌خود تجدیدنظر نماید. ماده ۲۰ ـ طرفین دعوی یا هر یک از آنها می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه‌نگاهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری قرار دهد و قراری در این باره صادر کند دستور موقت دادگاه فورا به مورد اجرا گذاشته‌می‌شود. ماده ۲۱ ـ مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ‌صدور است در صورتی که ظرف این مدت گواهی مذکور به دفترطلاق تسلیم نشود از درجه اعتبار ساقط می گردد. دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف‌دیگر اخطار می‌نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید برای‌اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یک از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید. ماده ۲۲ ـ هرکس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت‌تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه یا یک سال محکوم خواهد شد.تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد. ماده ۲۳ ـ ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل‌از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذلک در مواردی که‌مصالحی اقتضا کند استثنائا در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام‌کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته‌باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاوجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم‌خواهد شد. تبصره ـ در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می کند دفاتر ازدواج‌مکلفند علاوه بر مطالبه گواهینامه مذکور در ماده ۲ قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ گواهی صحت مزاج نسبت به عوامل یا بیماری‌های دیگری که موجب بروز بیماری یا عوارض سو در اولاد یا زوجین خواهد شد نیز مطالبه نماید. نوع عوامل و بیماری‌های مذکور را وزارت بهداری و وزارت‌دادگستری تعیین خواهند نمود. ماده ۲۴ ـ رسیدگی به اموال خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاچی انجام خواهد گرفت ماده ۲۵ ـ اجرای احکام دادگاه به موجب آیین نامه‌ای است که از طرف وزارت دادگستری تهیه خواهد شد. تبصره ـ در مورد وجوهی که به موجب حکم دادگاه باید ماهانه و مستمرا از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و مامورین اجرا مکلفند عملیات اجرایی را مادام که‌دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است ادامه دهند. ماده ۲۶ ـ مقررات این قانون در مورد پرونده‌هایی که تا کنون منتهی‌به صدور حکم نهایی نشده است قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۷ ـ آیین نامه اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا خواهد گذاشت ماده ۲۸ ـ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است

قانون راجع به انکار زوجیت مصوب ۱۳۱۱ (م ۱ تا م ۳)

ماده ۱ ـ هرگاه مردی در مقابل دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق و نفقه و غیره انکار زوجیت کند و بعدمعلوم شود این انکار بی اساس بوده محکمه‌ای که به دعوی مالی رسیدگی می‌نماید مرد را علاوه بر تادیه حقوق مالی به یازده روز الی دو ماه حبس تادیبی و پانصد تا هزار ریال جزای نقدی و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد نمود. حکم فوق درباره کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی ارث یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد و ازدواج شده و با علم‌به زوجیت زن آن را انکار نماید. ماده ۲ ـ هر زنی که برخلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم‌مقام قانونی زنی برای مطالبه حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه دعوی نماید به مجازات حبس از ۱۱ روز تا دوماه و یا جزای نقدی از صد تا هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ این‌قانون از اول‌خردادماه۱۳۱۱ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون راجع به تعیین قیم اتفاقی مصوب ۱۳۱۶ (ماده واحده)

ماده واحده در مواردی که تعقیب جرم موقوف به شکایت متضرر از جرم است اگر متضرر از جرم صغیر باشد و ولی یا قیم ندارد مدعی‌العموم مکلف است موافق قانون برای صغیر قیم معین کند و هرگاه تعیین قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر و زیان نسبت به صغیر باشد تا تعیین قیم مدعی العموم موقتا کسی را به عنوان قیم اتفاقی تعیین می‌نماید و در مواقع ضرورت قبل از تعیین قیم اقدامات فوری را که برای حفظ آثار و دلایل جرم و تعقیب آن لازم است دستور می‌دهد ولی ادامه تعقیب منوط است به اینکه قیم مصلحت صغیر را در تعقیب امر تشخیص کند و شکایت نماید. در مواردی که صغیر ولی یا قیم دارد و ولی یا قیم او شخصا مرتکب‌عمل شده و یا مداخله در جرم داشته و موافق قانون مدنی قیم اتفاقی هنوز معین نشده است نیز به همین ترتیب عمل خواهد شد و اگر قیم اتفاقی تعیین شده وظیفه اقدام بر عهده او است

قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ (ماده واحده)

ماده واحده ـ از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات به استثناء نکاح و طلاق ، محاکم عدلیه و ادارات‌دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی‌تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیر رشید بشناسند مگر آنکه رشدآنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع به طرفیت‌مدعی‌العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸سال شمسی تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر اینکه عدم رشد آنها به‌طرفیت مدعی‌العموم در محاکم ثابت گردد. مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج . مصوب ۱۳۱۷ . (م ۱ تا م ۶)

ماده ۱ ـ (جمله اضافه شده به ماده ۱ قانون ازدواج است به ماده‌یک الحاق گردیده است) ماده ۲ ـ کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشک را برنداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می‌گردد مطالبه نموده و پس‌از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی‌پزشک بر تندرستی نامزدها اقدام نمایند. تبصره ـ دختران از داشتن گواهینامه پزشک در قسمت امراض زهروی معاف هستند. ماده ۳ ـ پزشکهایی می‌توانند گواهینامه صادر نمایند که پروانه مخصوص از وزارت دادگستری برای این کار داشته باشند. تبصره ـ ترتیب صدور گواهینامه پزشک و تعیین دستمزد آنها به‌موجب آیین نامه‌ای است که به تصویب وزارت دادگستری و وزارت کشور خواهد رسید. ماده ۴ ـ هر سردفتری که

بدون رعایت ماده ۲ این قانون به عقد و ثبت ازدواج مبادرت نماید به حبس تادیبی از دو ماه الی یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۵ ـ هر پزشکی که برخلاف واقع گواهی تندرستی به نامزد بدهد و یا بدون جهت و از روی غرض از دادن گواهینامه خودداری نماید به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۶ ـ اجرای مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون در هر محل از تاریخی که از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام خواهد شد.

قانون مربوط به حق حضانت مصوب ۶۴ (ماده واحده در ۴ تبصره

ماده واحده ـ چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قائم مقام آن دادگاه حضانت طفل به‌عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا شخص دیگری مانع اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل امتناع ورزد دادگاه صادر کننده حکم وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می‌نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجرا حکم محکوم‌خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز یکشنبه بیست ودوم تیرماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۴/۱۳۶۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

موادی از قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲۰)

ماده ۲ ـ قباله ازدواج و طلاقنامه در صورتی که مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد سند رسمی والا سند عادی محسوب خواهد شد. برای ثبت ازدواج و طلاق دولت حق الثبت نخواهد گرفت ماده ۴ ـ طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگربنمایند مثل این که شرط شود هرگاه شوهر در مدت معینی غایب‌شده یا ترک انفاق نموده یا بر علیه حیات زن سو قصد کرده یا سوء رفتاری نماید که زندگانی زناشویی غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه وصدور حکم قطعی خود را به طلاق بائن مطلقه سازد. تبصره ـ در مورد این ماده محاکمه بین زن و شوهر در محکمه‌ابتدایی مطابق اصول محاکمات حقوقی به عمل خواهد آمد. حکم‌بدایت قابل استیناف و تمیز است مدت مرور زمان شش ماه از وقوع امری است که حق استفاده شرط می‌دهد. ماده ۸ ـ زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. ماده ۱۴ ـ زن می‌تواند در دارایی خود بدون اجازه شوهر هر تصرفی‌را که می‌خواهد بکند. ماده ۱۵ ـ نسبت به حق نگاهداری اطفال مادر تا دو سال از تاریخ ولادت اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حق نگاهداری با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم آنها حق حضانت با مادر خواهد بود.

نحوه محاسبه مهریه به نرخ روز

این محاسبه بر اساس شاخص کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران و اعداد سالانه شاخص در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۸۰ (برطبق جدول صفحه بعد) می‌باشد. روش محاسبه ابتدا عدد شاخص سال مورد محاسبه (یا سال قبل مطالبه مهریه را تقسیم بر عدد شاخص سال ازدواج می‌کنیم سپس حاصل این تقسیم را، در میزان و مقدار مهریه مندرج در سند ازدواج ضرب می‌نمائیم آنگاه میزان مهریه به نرخ روز بدست می‌آید. مثال : چنانچه مهریه زنی در سال ۱۳۵۳، مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال بوده و در سال ۱۳۷۷، مطالبه مهریه نماید، ابتدا باید عدد شاخص‌کل بهای کالا در سال ۷۶ را که طبق جدول بانک مرکزی ۱۰۰ بوده را تقسیم بر شاخص کل بهای کالا در سال ۵۳ که بر اساس جدول مذکور ۴۸/۱ می‌باشد، کرده و حاصل بدست آمده را ضربدر مبلغ مهریه مندرج در سند ازدواج وی (۱/۵۰۰/۰۰۰ریال نموده تا میزان مهریه زوجه در سال ۷۶ بدست آید. ریال ۳۵۱/۳۵۱/۱۰۱ = ۱/۵۰۰/۰۰۰ * ۴۸/۱۰۰۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاخص کل سهامی کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (اعداد سالانه شاخص

در سالهای ۱۳۸۰ ـ ۱۳۱۵) سال عددشاخص ۱۳۱۵ ۰۵/۰ ۱۳۱۶ ۰۷/۰ ۱۳۱۷ ۰۷/۰ ۱۳۱۸ ۰۸/۰ ۱۳۱۹ ۰۹/۰ ۱۳۲۰ ۱۳/۰ ۱۳۲۱ ۲۵/۰ ۱۳۲۲ ۵۴/۰ ۱۳۲۳ ۵۵/۰ ۱۳۲۴ ۴۷/۰ ۱۳۲۵ ۴۲/۰ ۱۳۲۶ ۴۴/۰ ۱۳۲۷ ۴۹/۰ ۱۳۲۸ ۵۱/۰ ۱۳۲۹ ۴۲/۰ ۱۳۳۰ ۴۶/۰ ۱۳۳۱ ۴۹/۰ ۱۳۳۲ ۵۳/۰ ۱۳۳۳ ۶۲/۰ ۱۳۳۴ ۶۳/۰ ۱۳۳۵ ۶۸/۰ ۱۳۳۶ ۷۱/۰ ۱۳۳۷ ۷۲/۰ ۱۳۳۸ ۸۱/۰ ۱۳۳۹ ۸۸/۰ ۱۳۴۰ ۸۹/۰ ۱۳۴۱ ۹۰/۰ ۱۳۴۲ ۹۱/۰ ۱۳۴۳ ۹۵/۰ ۱۳۴۴ ۹۵/۰ ۱۳۴۵ ۹۶/۰ ۱۳۴۶ ۹۶/۰ ۱۳۴۷ ۹۸/۰ ۱۳۴۸ ۰۱/۱ ۱۳۴۹ ۰۳/۱ ۱۳۵۰ ۰۹/۱ ۱۳۵۱ ۱۵/۱ ۱۳۵۲ ۲۸/۱ ۱۳۵۳ ۴۸/۱ ۱۳۵۴ ۶۳/۱ ۱۳۵۵ ۹۰/۱ ۱۳۵۶ ۳۷/۲ ۱۳۵۷ ۶۱/۲ ۱۳۵۸ ۹۱/۲ ۱۳۵۹ ۵۹/۳ ۱۳۶۰ ۴۲/۴ ۱۳۶۱ ۲۶/۵ ۱۳۶۲ ۰۴/۶ ۱۳۶۳ ۶۷/۶ ۱۳۶۴ ۱۳/۷ ۱۳۶۵ ۸۲/۸ ۱۳۶۶ ۲۶/۱۱ ۱۳۶۷ ۵۲/۱۴ ۱۳۶۸ ۰۵/۱۷ ۱۳۶۹ ۵۸/۱۸ ۱۳۷۰ ۴۳/۲۲ ۱۳۷۱ ۹۰/۲۷ ۱۳۷۲ ۲۶/۳۴ ۱۳۷۳ ۳۲/۴۶ ۱۳۷۴ ۱۹/۶۹ ۱۳۷۵ ۲۶/۸۵ ۱۳۷۶ ۰۰/۱۰۰ ۱۳۷۷ ۰۸/۱۱۸ ۱۳۷۸ ۸۳/۱۴۱ ۱۳۷۹ ۷۱/۱۵۹ ۱۳۸۰ ۹۱/۱۷۷

نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۱۶)

نظر به مدلول ماده ۱ قانون ثبت ازدواج و طلاق وزارت عدلیه موارد ذیل را مقرر می‌دارد: ماده اول ـ دفاتر ثبت ازدواج و طلاق مجلد بوده و کلیه صفحات آن به امضای مدعی‌العموم یا نماینده او رسیده و به مهر پارکه ممهور خواهد شد و به علاوه در ظهر صفحه اول و آخر دفتر نیز تعداد کلیه صفحات با تمام حروف قید و از طرف مدعی‌العموم یا نماینده او ممضی و ممهور می‌شود. تبصره ـ مدعی‌العموم می‌تواند با اجازه وزارت عدلیه برای امضا و مهر ترتیب دیگری را مقرر دارد. ماده دوم ـ عبارت ثبت باید خوانا و واضح بوده مبلغ و تاریخ و نمره ثبت باید لااقل یک مرتبه با تمام حروف در خود دفتر و در روی اوراق ازدواج و طلاق نوشته شود در صورت اختلاف آنچه که با تمام حروف نوشته شده معتبر است ماده سوم ـ فاصله سطور باید به یک اندازه باشد. سطور از حدودی که در روی دفتر برای ابتدا و انتهای سطور معین شده نباید تجاوز کند. ماده چهارم ـ بالا بردن سطور در آخر سطر ممنوع و هرجا که سطر به انتها رسید باید بقیه مطلب را به سطر بعد برد جای سفید گذاردن و تصحیح و اضافه مجاز نیست ماده پنجم ـ اگر صاحب دفتر اشتباها جای سفید گذارد یا مجبور به تصحیح و اضافات شد مطابق مقررات ذیل باید عمل‌شود: ۱ ـ جای سفید باید به وسیله دو خطی که همدیگر را تقاطع کند از حیز استفاده انداخته شود. ۲ ـ روی کلمات زیادی باید خط نازکی کشیده شود. ۳ ـ تصحیح و اضافات باید در ستون ملاحظات دفتر نوشته شده و به امضای صاحب دفتر برسد و ربط آن به وسیله راده معین‌گردد و ابطال جای سفید و همچنین حذف کلمات زیادی و تصحیح و اضافات باید در آخر ثبت سند ازدواج یا طلاق قبل از امضا قید شود. ماده ششم ـ تراشیدن و پاک کردن و الحاق کردن به هر نحوی از انحا در دفاتر ثبت ازدواج و طلاق ممنوع است به الحاقات و آنچه که به جای کلمات تراشیده یا پاک شده نوشته شده باشد ادارات و محاکم عدلیه ترتیب اثر نخواهند داد. ماده هفتم ـ در صورتی که هویت زوجین نزد صاحب دفتر محرز نباشد بایستی دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضورا هویت آنان را تصدیق و مراتب در دفتر قید و به امضای معرفین رسیده و این نکته در روی اوراق نیز قید شود ـ مانعی نیست که معرفین یک طرف معرف طرف دیگر نیز باشند. ماده هشتم ـ اشخاص کور یا گنگ یا کر یا محجور یا غیربالغ یا غیر رشید نمی‌توانند معرف یا شاهد باشند. ماده نهم ـ در صورتی که هویت طرفین یا یک طرف نزد صاحب دفتر محرز نشود باید از ثبت امتناع کند. ماده دهم ـ برای ثبت عقد مزاوجت زوج و زوجه باید شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله ذیل ثبت عقد را در دفتر و ذیل ورقه ازدواج مذکور در ماده ۱۴ را امضا کنند. برای ثبت طلاق ، طلاق دهنده باید ذیل ثبت طلاق را در دفتر ذیل طلاق نامه‌مذکوره در ماده ۱۴ را شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله امضا نماید. هرگاه زوجین یا یکی از آنها بی سواد باشند باید یک نفر مطلع باسواد که طرف اعتماد شخص بی‌سواد باشد در دفتر حاضرگردد و اگر چه از جمله شهود یا معرفین زوجین باشد. شخص معتمد باسواد باید ثبت سند ازدواج یا طلاق را برای شخص بی سواد قرائت نماید و این قرائت و رضایت شخص بی‌سواد به مفاد ثبت باید در ذیل ثبت سند مزبور قید گردد و علامت انگشت شخص بی سواد ذیل آن گذارده شود مراتب‌مزبوره و علامت انگشت شخص بی سواد را شخص معتمد تصدیق و

امضا نمایـد. کلیه مقرراتی که مخالف با مواد فوق است منسوخ می‌باشـد. ماده یازدهم ـ در صورتی که امضا مذکور در ماده فوق به توسط وکیل به عمل آیـد وکالت نامه بایـد به تصـدیق کمیساریا و یا امین صـلح و یا نایب الحکومه و یا یکی از دفاتر اسـناد رسـمی رسیده و ضبط شود مگر اینکه موکل شخصا در نزد صاحب دفترحاضـر و به شخصـی که وکالتا امضا می‌نماید وکالت دهد که در این صورت صاحب دفتر باید وقوع وکالت را نیز قید و امضا کند. ماده دوازدهم ـ هرگاه زوجین یا یک طرف از آنها کر یا گنگ و یا کور باشـند علاوه بر معرفین هر یک باید در معیت خود یک‌نفر از معتمدین خود را حاضـر نمایند. شـخص معتمد مزبور در مورد اشـخاص کر و گنگ باید از اشخاصـی باشـند که بتوانند به آنها با اشاره مطلب را بفهماند و این نکته صراحتا باید در متن دفتر و در ستون ملاحظات قیـد و به امضا صاحب دفتر برسـد. ماده سیزدهم ـ در دفتر ثبت نکاح و طلاق باید نکات ذیل قید شود: الف ـ برای عقد مزاوجت ۱ ـ نمره و تاریـخ ثبت با تمام حروف ۲ ـ تاریـخ وقوع (روز ـ ماه ـ سال با تمام حروف ۳ ـ اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنها تردیدی نباشد. ۴ ـ نکاح دائم است یا منقطع و در صورت انقطاع مدت آن چیست ۵ ـ مهر. ۶ ـ سایر شرایط ضمن عقـد نکاح و یا ضـمن عقد لازم دیگر که بین زوجین مقرر شده است ۷ ـ امضا اشـخاص مذکور در ماده ۱۰. ب ـ برای طلاـق : ۱ ـ نمره و تاریخ ثبت با تمام حروف ۲ ـ تاریخ وقوع طلاق (روز ـماه ـسال با تمام حروف ۳ ـ اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنان تردیدی نباشد. ۴ ـ نوع طلاـق از رجعی و بائن و در صورت رجعی بودن تصـریح به اینکه دفعه چنـدم است ۵ ـ امضا اشخاص مذکور در ماده ۱۰. مـاده چهـاردهم ـ صاحب دفتر مکلف است که فورا پس از ثبت نکاح یا طلاق دو نسـخه از سواد ثبت را تهیه و پس از امضا اشخاصـی که دفتر ثبت را امضا کرده انـد به هر یک از زوجین یا زوجین سابق یک نسـخه بدهـد. ماده پانزدهم ـ اوراق عقـد و طلاـقی که مطـابق مقررات این نظامنـامه به ثبت برسـد سـند رسـمی بوده و تمـام محتویات و امضاهای منـدرجه در آن معتبر خواهـد بود مگر اینکه مجعولیت آن ثـابت شود. در مورد مهریه سـند رسـمی ازدواج بـدون احتیـاج حکمی از محـاکم عـدلیه لاـزم الاجراء به تقاضای زوجه یا قائم مقام قانونی او صادر خواهد شد. ماده شانزدهم ـ ملغی شده است

نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲)

نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲) نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق مصوب آبان ماه ۱۳۱۰ نظر به مدلول ماده ۲ قانون ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ و در تعقیب نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مورخه ۱۷ مهرماه ۱۳۱۰ وزارت عدلیه مقرر می‌دارد: ماده ۱ ـ ذیـل ثبت ازدواج و طلاق در دفتر به امضای مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق خواهد رسید. ماده ۲ ـ سند ازدواج یا طلاق برای اینکه سند رسمی محسوب شود لازم است علاوه بر سایر شـرایط مقرر در نظامنامه مـذکور فوق به امضا اشـخاص ذیل برسـد: ۱ ـ زن و شـوهر در سـند ازدواج ـ شـوهر در طلاقنـامه ۲ ـ مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق . ۳ ـ امضا دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند مجموعا دارای لااقل شش امضا باشد. تبصره ـ هرگاه زن و شوهر یا بعضی از شهود سواد نداشته باشند به جای امضا علامت انگشت خواهند گذارد.

واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص.مصوب ۷۰ (م ۱ تا م ۵

ماده ۱ـ اهـداف بانظر به بندهای ۱ و ۳ و ۷ آئین‌نـامه شورای فرهنگی و اجتمـاعی زنان که برنامه‌ریزی برای تقویت هرچه بیشتر نهاد مقـدس خانواده و پاسداری از قد است آن و اسـتواری پیوند خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسـلامی از اهم اهداف آن و از دیگر اهداف پیشـگیری از ایجاد محرومیت‌های مادی و معنوی مادران و فرزندان آنها است و نیز برای رعایت حقوق همه جانبه زن بر پایه موازین اسـلامی که طبق اصـل ۲۱ قانون اساسـی و اصل ۱۵۶، دولت موظف به حفـظ کیـان و بقـای خـانواده و حمایت از مادران و فرزنـدان است و بـا هـدف حسن اجرای فرمـان حکمیت در دادگاه‌های مـدنی‌خاص و با توجه به این موارد، تشـکیل واحـد ارشاد و

امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص تصویب می گردد: ۱ ـ اصلاح بین زوجین به منظور استحکام بنای خانواده و جلوگیری از شقاق . ۲ ـ بررسی کارشناسانه دعاوی خانواده ۳ ـ کمک به تشخیص مصلحت کودک (برای حمایت مادران و حضانت فرزندان مطرح شده در قانون اساسی . ۴ ـ ارشاد خانواده در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند. ماده ۲ ـ تشکیلات ۱ ـ واحد ارشاد و امداد خانواده در هر شعبه دادگاه مدنی خاص تشکیل می‌شود. ۲ ـ واحد دارای سه عضو است ۳ ـ انتخاب اعضا به وسیله رئیس دادگاه‌های مدنی خاص است ماده ۳ ـ مشخصات اعضا: ۱ ـ مسوول و سرپرست واحد، از بانوان متعهد و متاهل آشنا به مسائل فقهی و حقوقی و اجتماعی (لیسانس حقوق یا معادل حوزوی آشنا به قوانین مدون راجع به خانواده تبصره ۱ ـ در صورتی که رئیس شعبه نتواند از میان بانوان سرپرست واجد شرایط را انتخاب کند، انتصاب از میان آقایان واجد شرایط بلامانع است تبصره ۲ ـ در صورتی که اعضای واحد، دارای سابقه کارآموزی در دادگاه‌های مدنی خاص نباشند موظفند شش ماه یا بیشتر در دادگاه‌های مدنی خاص کارآموزی کنند. ۲ ـ دو نفر کارشناس (یک مرد و یک زن متعهد و متاهل آشنا به مسائل اسلامی و حقوقی و دارای لیسانس در یکی از زمینه‌های تعلیم و تربیت مددکاری اجتماعی حقوق و مشاوره و تجربه بیش‌از شش ماه کارآموزی در دادگاه‌های مدنی تبصره ـ علاوه بر اعضای رسمی به تعداد مورد نیاز از زنان و مردان‌کارشناس متعهد و باتجربه در زمینه‌های پزشکی روان‌پزشکی وروان‌شناسی و غیره به عنوان مشاوره استفاده می‌شود. ماده ۴ ـ وظایف و اختیارات وظایف واحد ارشاد و امداد خانواده برای رفع مسائل و مشکلات خانواده‌هایی که به دادگاه مدنی خاص مراجعه می کنند بدین قراراست ۱ ـ رسیدگی به کلیه پرونده‌های راجع به دعاوی خانواده که در دادگاه‌مطرح می‌شود. تبصره ـ دادگاه پرونده‌های مطرح شده را برای بررسی کارشناسی‌به واحد ارشاد و امداد خانواده می‌فرستد. ۲ ـ بررسی شکایات و سعی در رفع و حل مشکلات خانواده‌ها درحیطه وظایف و اختیارات دادگاه مدنی خاص براساس روش‌های اسلامی مانند دعوت از طرفین دعوا یا نزدیکان آنها و راهنمایی برای انتخاب حکمین قبل از طرح دعوا در دادگاه تبصره ـ در صورت لزوم از بانوان حقوقدان واجد شرایط وکالت به منظور دفاع از زنان بی‌بضاعت دعوت می‌شود. ۳ ـ نظریه واحد همراه با مستندات پرونده به دادگاه ارائه می‌شود تا در حد نظریه کارشناسی برای دادگاه قابل اعتبار باشد. ۴ ـ راهنمایی کامل طرفین برای پیگیری اجرای احکام صادر شده از دادگاه ۵ ـ پیگیری اجرای احکام ارجاع شده از طرف دادگاه در بخش امداد و ارائه گزارش عملکرد نیروهای انتظامی به دادگاه ماده ۵ ـ شیوه اجرای طرح ۱ ـ آئین‌نامه اجرایی این طرح به تصویب رئیس دادگاه مدنی خاص‌می‌رسد. ۲ ـ اعتبارات مالی واحد همه ساله در بودجه وزارت دادگستری منظور می‌شود. ۳ ـ ارزیابی عملکرد سالیانه این واحد به وسیله قوه قضائیه انجام می‌شود و نتیجه مورد بهره‌برداری شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به منظور اجرای بند ۱ آئین‌نامه تشکیل شورا قرار می گیرد.

قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور. مصوب ۸۲ (م ۱ تا م ۵)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی – مهدی کروبی شماره ۲۶۷۰۹ ۲۳/۵/۱۳۸۲ وزارت دادگستری – وزارت بهداشت ,درمان و آموزش پزشکی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم تیر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۵/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۳۷۰۴ مورخ ۱۴/۵/۱۳۸۲ واصل گردیده است ,به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیس جمهور – سیدمحمد خاتمی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور ماده ۱ ـ به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط

شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند. ماده ۲ ـ تقاضای دریافت جنین اهدایی باید مشترکا از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل مجوز دریافت جنین را صادر می کند: الف ـ زوجین بنا به گواهی معتبر پزشکی، امکان بچه دار شدن نداشته باشند و زوجه استعداد دریافت جنین را داشته باشد. ب ـ زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند. ج ـ هیچ یک از زوجین محجور نباشند. د ـ هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری صعب العلاج نباشند. هـ ـ هیچ یک از زوجین معتاد به مواد مخدر نباشند. و ـ زوجین بایستی تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند. ماده ۳ ـ وظایف و تکالیف زوجین اهدا گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است. ماده ۴ ـ بررسی صلاحیت زوجین متقاضی در محاکم خانواده، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی صورت خواهد گرفت. و عدم تایید صلاحیت زوجین قابل تجدیدنظر می‌باشد. ماده ۵ ـ آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر پنج ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم تیر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۵/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی – مهدی کروبی

قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها. مصوب ۶۵ (ماه واحده)

ماده واحده ـ حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانشان به مقام والای شهادت رسیده و یا فوت شده باشند با مادران آنهاخواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان چنانچه از اموال خودشان باشد در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت یا بنیاد شهید پرداخت می‌شود در اختیار مادرانشان قرار می گیرد مگر آنکه دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادرحکم به عدم صلاحیت بکند. تبصره ۱ ـ مقصود از محجور در این قانون مجنون یا سفیه‌ای است‌که حجرش متصل به صغر باشد. تبصره ۲ ـ ازدواج مادرانی که در ماده واحده ذکر شده است مانع ازحق حضانت آنها نمی گردد. تبصره ۳ ـ حدود هزینه متعارف توسط دادگاه معین و به مادر یانماینده قانونی او پرداخت خواهد شد. تبصره ۴ ـ در مواردی که تعیین حدود هزینه متعارف یا عدم‌صلاحیت مادر به فرزندان شهدا، در دادگاه مطرح باشد بنیاد موظف است کارشناس خود را به دادگاه معرفی کند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و چهار تبصره در جلسه روز یکشنبه ششم مرداد ماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار مجلس‌شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۶۴ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون ثبت احوال . مصوب ۱۳۵۵

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ الی ۹)

ماده ۱ ـ وظایف سازمان ثبت احوال کشور به قرار زیر است الف ـ ثبت ولادت و صدور شناسنامه ب ـ ثبت واقعه وفات و صدور گواهی وفات ج ـ تعویض شناسنامه‌های موجود در دست مردم د ـ ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات ه ـ صدور گواهی ولادت برای اتباع خارجه و ـ تنظیم دفاتر ثبت کل جمع آوری و تهیه کل وقایع و نام‌خانوادگی ز ـ جمع‌آوری و تهیه آمار انسانی سراسر کشور و انتشار آن ح ـ وظایف مقرر دیگری که طبق قانون به‌عهده سازمان گذاشته شده‌است ماده ۲ ـ برای مطالعه و پیشنهاد روش‌های فنی و اظهار نظر درباره اصلاح یا تغییر فرم‌ها و نمونه‌های سجلی و آماری و نحوه جمع‌آوری و انتشار آنها و تهیه

دستورالعمل‌ها و روش‌های فنی سجلی و طرز جمع آوری اوراق باطله و تنظیم و نگهداری و حفاظت اسناد و مدارک سجلی در مرکز سازمان ثبت احوال کشور شورایی‌به‌نام شورای‌عالی ثبت احوال تشکیل می‌شود. اعضای شورای‌عالی‌ثبت احوال عبارت خواهند بود از رئیس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام او و یک نفر از استادان دانشکده حقوق به‌انتخاب رئیس دانشگاه تهران و یک نفر از قضات دادگستری با انتخاب وزیر دادگستری و یک نفر از کارمندان مطلع ثبت احوال به‌انتخاب رئیس سازمان ثبت احوال و نماینده مرکز آمار ایران ریاست شورا با معاون وزارت کشور و رئیس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام او می‌باشد و رای اکثریت لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره ـ نحوه جمع آوری و انتشار آمار انسانی و تهیه نمونه‌های مربوط به پیشنهاد سازمان ثبت احوال کشور پس از جلب نظر مرکز آمار ایران و تصویب شورای عالی ثبت احوال تعیین خواهد شد. ماده ۳ ـ در مقر هر اداره ثبت احوال هیاتی به‌نام هیات حل اختلافات مرکب از رئیس اداره ثبت احوال و مسوول بایگانی یا معاونین و یا نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به انتخاب رئیس اداره ثبت احوال استان تشکیل می‌شود، وظائف هیات حل اختلاف به‌قرار زیر است ۱ ـ تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات بعد از امضای سند و قبل از تسلیم شناسنامه و گواهی ولادت‌یا وفات و تکمیل سند از نظر مشخصاتی که «نامعلوم بوده است مندرج در ماده ۲۹ این قانون ۲ ـ رفع اشتباهات ناشی از تحریر ضمن ثبت وقایع یا نقل مندرجات اسناد و اعلامیه‌ها و مدارک به دفاتر ثبت کل وقایع و سایردفاتر. ۳ ـ ابطال اسناد و شناسنامه‌هایی که بیگانگان مورد استفاده قرار داده‌اند و طبق ماده /۴۴ اعلام می‌شود. ۴ ـ ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس‌صاحب سند و تغییر نامهای ممنوع ۵ ـ حذف کلمات زاید، غیر ضروری و یا ناشی از اشتباه در اسنادسجلی اشخاص ترتیب تقاضا و گردش کار دفاتر هیاتها و نحوه رسیدگی و ابلاغ تصمیمات در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصره ـ تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات اگر قبل از امضا باشد با توضیح مراتب در حاشیه سندبه عمل می‌آید و امضای کنندگان سند ذیل توضیح را امضای‌خواهند نمود. ماده ۴ ـ رسیدگی به شکایات اشخاص ذی‌نفع از تصمیمات هیات حل اختلاف و همچنین رسیدگی به‌سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت‌احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به‌عمل می‌آید و رای دادگاه فقط پژوهش پذیر است مهلت شکایت از تصمیم هیات حل اختلاف ده روز از تاریخ ابلاغ است تبصره ـ هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی‌نفع مقیم‌خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند و اگر محل‌تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشد با دادگاه‌شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۵ ـ سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایفی که بر عهده‌دارد می‌تواند از وجود کارکنان سازمانهای دولتی و ارگان‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی موجود در محل استفاده نمایند. تبصره ۱ ـ ماموران دولت و کارکنان بیمارستان‌ها و گورستانها مکلفند با سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایف قانونی‌همکاری نمایند. تبصره ۲ ـ نحوه استفاده از خدمات افراد و سازمان‌ها و ارگان‌ها ونهادها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۶ ـ نماینده یا مامور ثبت احوال کسی است که از طرف سازمان ثبت احوال کشور و یا ادارات تابعه برای ثبت وقایع یا دریافت اعلامات منصوب شده باشد. تبصره ۱ ـ اعلام کننده کسی است که مکلف به اعلام واقعه می‌باشدو می‌تواند به‌شخص دیگری رسما وکالت دهد تا از طرف او واقعه رااعلام نماید. تبصره ۲ ـ گواه از لحاظ این قانون کسی است که صحت اظهارات‌اعلام کننده را گواهی می‌کند. ماده ۷ ـ سن گواه و اعلام کننده نباید کمتر از ۱۸ سال تمام باشد. پدر و مادری که قبل از رسیدن به‌سن ۱۸ سال تمام ازدواج کرده‌اندمی‌توانند ولادت یا وفات فرزند خود را اعلام نمایند. ماده ۸ ـ دفتر ثبت کل وقایع و وفات و شناسنامه و گواهی ولادت اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و دفاتر ثبت کل وقایع و نام‌خانوادگی ازاسناد رسمی است و تا زمانی که به‌موجب تصمیم هیات حل‌اختلاف یا رای دادگاه برحسب مورد تصحیح یا باطل نشده به قوت‌خود باقی می‌باشد. ماده ۹ ـ رونوشت یا فتوکپی شناسنامه یا گواهی ولادت مراجعین به ادارات و موسسات دولتی و شهرداری و بخش خصوصی که برای انجام مراجعات آنها ضرورت دارد مستقیما توسط آن مراجع تهیه خواهد شد.

فصل دوم ـ اسناد و دفاتر ثبت احوال (ماده ۱۰ الی ۱۱)

ماده ۱۰ ـ وقایع حیاتی هر فرد (ولادت ازدواج طلاق ، رجوع بذل‌مدت وفات در دفاتری به‌شرح زیر به ثبت می‌رسد: الف ـ دفتر ثبت کل وقایع ـ که در آن بدوا ولادت هر فرد ثبت و وقایع مربوط به ازدواج و طلاق ، رجوع و بذل مدت و وفات همسر،ولادت و وفات اولاد و وفات صاحب سند از روی مندرجات اعلامیه‌ها و مدارک در آن ثبت می گردد. ب ـ دفترثبت وفات ـ که در آن واقعه مربوط به وفات هرفردبه ثبت می‌رسد. تبصره ۱ ـ صفحات دفتر ثبت کل وقایع بایـد شماره‌گذاری شود و با تعیین تعداد کل صفحات نخ کشی و سرب و منگنه شده به امضای‌دادستان شهرستان یا نماینده او برسد. تبصره ۲ ـ دفتر ثبت کـل وقـایع هر سال پس از انقضای مدت صد و بیست سال از جریان خارج و به بایگانی راکد منتقل می‌شود. تبصره ۳ ـ هرگاه اسناد یا دفاتر از بین برود در صورت وجود سابقه از روی سوابق و در صورت نبودن سابقه با دعوت صاحبان اسناد به وسیله آگهی طبق مدارک موجود در دست آنان پس از رسیدگی‌دفاتر یا اسناد معدوم تجدید می گردد. ماده ۱۱ ـ دفتر ثبت کل وقایع و وفات پس از ثبت باید به‌امضای اعلام کننده و گواهان و مامور یا نماینده ثبت احوال برسد و مهرشود و در صورت وجود گواهی ماما یا پزشک نیازی به‌گواهان‌نخواهد بود. پس از تکمیل و امضای اسناد مزبور تصحیح یا تغییر مندرجات آن منحصرا به‌موجب مقررات این قانون خواهد بود.

فصل سوم ـ ثبت ولاد (ماده ۱۲ الی ۲۱)

ماده ۱۲ ـ ولادت هر طفل در ایران اعم از این که پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به‌نماینده یا مامور ثبت احوال اعلام‌شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مامور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیکترین مامور کنسولی و یابه‌سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود. ماده ۱۳ ـ ولادت واقع در ایران به‌وسیله نماینده یا مامور ثبت‌احوال و ولادت واقع در خارج از کشور به وسیله ماموران کنسولی‌ایران دفتر ثبت کل وقایع به ثبت می‌رسد در این دفتر اطلاعات زیرقید می‌شود: ۱ ـ ساعت روز، ماه سال و محل ولادت استان و شهرستان ـ بخش دهستان (شهرروستا) و تاریخ ثبت آن ۲ ـ نام و نام‌خانوادگی صاحب سند و جنس ۳ ـ نام و نام‌خانوادگی و شماره شناسنامه یا شماره پروانه اقامت و یاگذرنامه و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت یا گذرنامه و محل‌اقامت پدر و مادر. ۴ ـ نام و نام‌خانوادگی و محل اقامت و شماره شناسنامه و محل‌صدور شناسنامه و نسبت اعلام‌کننده در صورتی که غیر از پدر ومادر صاحب سند باشد. ۵ ـ نام و نام‌خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ومحل اقامت گواهان ۶ ـ نام و نام‌خانوادگی و امضای نماینده یا مامور و مهر ثبت احوال ۷ ـ شماره و سری برگ مخصوص دفتر ثبت کل وقایع ۸ ـ محل مخصوص ثبت و شماره کلاسمان آثار انگشتان صاحب‌سند. ۹ ـ محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به ازدواج طلاق ویا وفات همسر. ۱۰ ـ محل مخصوص ثبت شماره مسلسل و سری شناسنامه‌های‌صادره ۱۱ ـ محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به اولاد ۱۲ ـ محل مخصوص ثبت وفات ۱۳ ـ محل توضیحات تبصره ـ پس از ثبت ولادت اگر طفل ایرانی باشد شناسنامه صادرو تسلیم می گردد و اعلامیه برای ثبت واقعه در دفتر ثبت کل وقایع‌صفحه مخصوص پدر و مادر به‌اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه آنان فرستاده می‌شود و در صورتی‌که طفل خارجی باشدگواهی ولادت صادر و تسلیم می گردد. ماده ۱۴ ـ برای هر فرد شماره شناسنامه که مخصوص به‌او خواهدبود تعیین می گردد و شماره شناسنامه هر شخص در کلیه مدارک‌مربوط به ثبت احوال او باید قید گردد. ماده ۱۵ ـ ثبت ولادت باید مستند به تصدیق پزشک یا مامای‌رسمی یا موسسه‌ای که طفل در آنجا متولد گردیده است باشد، درغیر این صورت واقعه به‌تصدیق دو نفر گواه ثبت می‌شود. تبصره ـ مهلت اعلام ولادت پانزده روز از تاریخ ولادت طفل است‌روز ولادت و تعطیل رسمی بعد از آن آخرین روز مهلت به حساب نمی‌آید و در صورتی‌که ولادت در اثنای سفر زمینی یا هوایی یادریایی رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به‌مقصد محسوب‌می‌شود. ماده ۱۶ ـ اعلام

و امضـای دفتر ثبت کل وقایع به‌ترتیب به‌عهده‌اشخاص زیر خواهـد بود: ۱ ـ پـدر یا جد پدری ۲ ـ مـادر در صورت غیبت پـدر و در اولین موقعی که قادر به‌انجام این‌وظیفه باشـد. ۳ ـ وصـی یا قیم یا امین ۴ ـ اشخاصـی که قانونا عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند. ۵ ـ متصدی یا نماینده موسسه‌ای که طفل به‌آنجا سپرده شده است ۶ ـ صـاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به‌بالا باشد. تبصـره ـ در صورتی‌که ازدواج پـدر و مادر طفل به‌ثبت نرسـیده باشـداعلام ولادت و امضای اسـناد متفقا به‌عهـده پدر و مادر خواهد بود وهرگاه اتفـاق پـدر و مـادر در اعلاـم ولاـدت میسر نباشـد سـند طفـل بااعلاـم یکی از ابوین که مراجعه می‌کنـد بـا قیـد نـام کوچک طرف غائب‌تنظیم خواهد شد. اگر مادر اعلام کننده باشد نام‌خانوادگی مادر به‌طفل داده می‌شود. ماده ۱۷ ـ هرگاه ابوین طفل معلوم نباشند سند با نام خانوادگی آزادو نامهای فرضـی در محل اسامی ابوین تنظیم می‌گردد. تصـحیح‌اسامی فرضـی یا تکمیل مشـخصات ناقص به‌موجب اقرارنامه‌موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مـدنی یا حکم دادگاه یا مـدارک حصـروراثت به‌عمل خواهد آمد و نام خانوادگی طبق احکام مربوط به نام‌خانوادگی اصلاح خواهد شد. موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه منعکس‌نخواهد شد. ماده ۱۸ ـ نماینـده یا مامور ثبت احوال ولادت طفل فاقـد ولی راثبت و مراتب را برای اقدام قانونی به دادسـتان اطلاع خواهد داد. تبصـره ـ در صورتی‌که طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن‌ممنوع یا محتاج به اجازه مخصوص باشد نظیر ندامتگاه کانون‌اصلاح تربیت و غیره متصدیان این سازمان مکلف به‌اطلاع واقعه وایجاد تسـهیلات لازم برای انجام وظائف صاحب واقعه می‌باشـند. ماده ۱۹ ـ ماما یا پزشـکی که در حین ولاـدت حضور و در زایمـان دخـالت داشـته مکلف به‌صـدور گواهی ولادت و ارسال یک نسـخه ازآن به ثبت احوال محـل در مهلت اعلاـم می‌باشـد. ماده ۲۰ ـ انتخـاب نـام بـا اعلام کننـده است برای نامگـذاری یک نام‌ساده یا مرکب (حسـین محمدمهـدی و مانند آن که عرفا یک نام‌محسوب می‌شود انتخاب خواهد شد. تبصـره ۱ ـ انتخـاب نام‌هایی که موجب هتک حیثیت مقدسات‌اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است تبصره ۲ ـ تشـخیص نامهای ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می‌باشد و این شورا نمونه‌های آن را تعیین و به سازمان اعلام‌می‌کند. تبصـره ۳ ـ انتخـاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شـناخته شـده درقانون اساسـی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است تبصـره ۴ ـ در اسـناد سجلی اقلیت‌های دینی شـناخته شده در قانون‌اساسـی کشور نوع دین آنان قید می‌شود. تبصـره ۵ ـ ذکر سـیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان دراسـناد سجلی پدر یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان با دلایل‌شرعی ثابت گردد الزامی است مگر کسانی که خود را سـید ندانند ویاعدم سـیادت آنان شرعا احراز شود. تبصره ۶ ـ مراتب تشـرف پیروان ادیـان دیگر به دین مبین اسـلام همراه با تغییرات مربوط به نـام و نام خانوادگی آنان در اسـناد سـجلی‌ثبت می‌شود. ماده ۲۱ ـ هرگـاه از وضع حمـل بیش از یک طفل متولد شود برای هریک دفتر ثبت کل وقایع جداگانه به‌ترتیب تولد و با ذکر ساعت ولادت تنظیم خواهد شد.

فصل چهارم ـ ثبت وفات (ماده ۲۲ الی ۳۰)

ماده ۲۲ ـ وفات هر کس اعم از ایرانی یا خارجی و همچنین ولادت طفلی که مرده به‌دنیا آمده یا بلافاصـله پس از ولادت بمیرد باید به‌مـامور یا نماینـده ثبت احوال اعلام شود. وفات ایرانیان در خارج از کشور به‌ماموران کنسولی محل اقامت یا به نزدیکترین ماموران کنسـولی ایران یـا به سازمـان ثبت احـوال کشوراعلاـم می‌شـود. وفـات ایرانیـان و خارجیـان سـاکن کشور را مـاموران و نماینـدگان ثبت‌احوال و وفـات ایرانیـان در خارج از کشور را برحسب محل اعلام ماموران کنسولی ایران یا ماموران و یا نماینـدگان ثبت احوال ثبت‌می‌کننـد، وفات بایـد در سـند ثبت وفات و همچنین در دفتر ثبت کل وقایع در صـفحات مربوط به درگذشـته و پدر و مادر او و شناسـنامه متوفی ثبـت و امضـای و مهر گردد. وفـات خارجیـان پس از ثبـت به‌شـهربانی محـل اعلاـم می‌شـود و یک‌نسـخه گـواهی به‌سازمـان ثبت احوال کشور فرسـتاده خواهـد شـد که به وزارت امور خـارجه ارسال گردد. تبصـره ـ گواهی وفات به هرشخصـی‌که درخواست کند تسلیم می‌گردد. ماده ۲۳ ـ در سـند ثبت وفات باید اطلاعات زیر قید گردد: ۱ ـ محـل روز، ماه و سال وفات و تاریخ

ثبت ۲ ـ نـام و نام‌خـانوادگی و جنس و تاریـخ تولـد و شـغل و شماره‌شناسـنامه یا پروانه اقامت و تاریـخ و محل صـدور شناسـنامه یا پروانه‌اقامت درگذشته ۳ ـ علت فـوت در صـورتی که مشـخص باشـد. ۴ ـ نـام و نام‌خـانوادگی و شـماره شناسـنامه و محـل صـدور شناسنامه‌پدر و مادر درگذشته ۵ ـ نام و نام‌خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ومحل اقامت و سمت اعلام کننده ۶ ـ نام و نام‌خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ومحل اقامت و شغل گواهان ۷ ـ نام و نام‌خانوادگی و امضای نماینده یـا مامور ثبت احوال و اثرمهر. ۸ ـ شـماره و سـری برگ مخصوص ثبت وفات ۹ ـ محل توضـیحات ماده ۲۴ ـ واقعه وفات بایـد طبق تصدیق پزشک و در صورت نبودن‌پزشک با حضور دو نفر گواه ثبت گردد. در مورد طفلی که مرده به‌دنیا آمده یا بلافاصـله پس از تولـد بمیرد درصورت وجود پزشک در محل تصـدیق پزشک ضـروری است و درصورت نبودن پزشک گواهی دو نفر کافی است پزشـکی که وقوع وفـات به‌او اطلاع داده می‌شود در هر مورد مکلف‌به‌معـاینه جسـد و صـدور تصـدیق یـا اظهـار نظر می‌باشـد و در صورت‌امکان تشـخیص علت وفات بایـد تصدیق شود و به‌هر حال یک‌نسـخه از تصدیق یا اظهار نظر خود را باید به‌ثبت احوال محل درمهلت مقرر ارسال نمایند. ماده ۲۵ ـ مهلت اعلام وفات ده روز از تاریخ وقوع یا وقوف بر آن‌است روز وفات و تعطیل رسـمی بعد از آخرین روز مهلت به‌حساب‌نمی‌آیـد و در صورتی که وفـات در اثنـای سـفر رخ دهـد مهلت اعلاـم آن‌از تاریـخ رسـیدن به‌مقصـد احتساب خواهد شد. تبصره ـ ترتیب ثبت وقایع ولادت و وفات که پس از انقضا مهلت‌مقرر اعلام شود در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهـد شـد. ماده ۲۶ ـ اعلاـم وفـات و امضـای سـند ثبـت وفـات به‌ترتیـب به‌عهـده‌یکی از اشـخاص زیر است ۱ ـ نزدیکـترین خویشاوند متوفی که در موقع وفات حاضـر بوده‌است ۲ ـ متصـدی یا صاحب مکانی که وفات در آن رخ داده است یانماینـده او. ۳ ـ هر شخصـی که در موقع وفات حاضـر بوده است ۴ ـ ماموران انتظامی یا کدخدا. تبصـره ـ متصدیان گورسـتان یادفن مکلف به‌اطلاع وفات به ثبت‌احوال هسـتند. ماده ۲۷ ـ در صورتی که وفـات یـا ولاـدت طی نامه رسـمی از طرف‌ماموران انتظامی یا قضایی و یا سایر مقامات اعلام شود شـماره وتاریـخ اعلامنامه در سـند درج و به منزله امضای سـند خواهـد بود. ماده ۲۸ ـ در موارد زیر اعلاـم وفات به‌عهده مقامات زیر است ۱ ـ در صورتی که وفات در اثر بروز سوانح از قبیل زلزله سیل طوفان و آتش‌سوزی شود مقامات انتظامی یا گروههـای امدادی‌حاضـر در محـل مکلفنـد واقعه وفـات را ضـمن ارسـال صورت حاوی‌نام و نام‌خانوادگی و حتی المقـدور شـماره شناسـنامه و محل صدورشناسنامه و سن متوفی اعلام نمایند. ۲ ـ وفات نظامیانی که در زمان صـلح درسـربازخانه و یا ضمن‌مانورهای نظامی یا در زمان جنگ واقع می‌شود وسیله فرمانده قسـمت با تعیین نام و نام خانوادگی و شـماره شناسـنامه و محل‌صدور شناسنامه اعلام می‌گردد. ماده ۲۹ ـ در مواردی که مشـخصات متوفی معلوم نشود یا به بعضـی‌از اطلاعاتی که باید در سـند قید شود دسترسـی نباشـد در سـند ثبت وفات به‌جای مشـخصات عبارت (نامعلوم نوشـته می‌شود تکمیل‌مشـخصات نامعلوم با هیات حل اختلاف خواهد بود. ماده ۳۰ ـ مدرک ثبت وفات فرضی غایب مفقودالاثر حکم قطعی‌دادگاه‌هاست مدیران دفاتر دادگاههایی که حکم قطعی وفات فرضـی‌غائب مفقودالاـثر از آن دادگـاه صـادر شـده مکلفنـد یک نسـخه از رای‌صادره را طی نامه رسـمی به ثبت احوال محل ارسال دارند.

فصل پنجم ـ ازدواج و طلاق (ماده ۳۱ الی ۳۴)

ماده ۳۱ ـ دارنـدگان دفـاتر رسـمی ازدواج و طلاـق مکلفنـد وقـایع‌ازدواج و طلاـق و رجـوع را کـه در دفـاتر مربـوط ثبـت می‌کنند درشناسـنامه زوجین نیز درج و امضای و مهر نماینـد و حـداکثر هر پانزده‌روز یک‌بار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی را که در دفاتر به ثبت می‌رسد روی نمونه‌های مربوط تهیه و به ثبت احوال محل تحویل‌و رسـید دریافت دارند. ازدواج و طلاق و رجوع ایرانیان در خارج از کشور باید به‌وسیله‌کنسولگریهای مربوط در دفاتری که از طرف ثبت احوال تهیه می‌شود ثبت و حداکثر هر یک‌ماه یک‌بار وقـایع ازدواج و طلاـق ورجـوعی را که در دفـاتر به ثبت می‌رسـد روی نمونه‌هـای مخصـوص تهیه و از طریـق وزارت امـور خـارجه

به‌سازمان ثبت احوال کشورفرستاده شود. ماده ۳۲ ـ طلاق ، رجوع و بذل مدت که در دفتر رسمی طلاق به‌ثبت نرسیده باشد با ارائه اقرار نامه رسمی در اسناد ثبت احوال‌طرفین ثبت خواهد شد. ازدواج هایی که در دفاتر رسمی ازدواج به ثبت نرسیده باشد درصورت وجود شرائط زیر در اسناد سجلی زن و شوهر ثبت خواهدشد: ۱ ـ ارائه اقرار نامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت بین‌متقاضیان ثبت واقعه ازدواج ۲ ـ در موقع تنظیم اقرار نامه سن زوج از بیست سال تمام و سن‌زوجه از هجده سال تمام کمتر نباشد. ۳ ـ گواهی ادارات ثبت احوال محل صدور شناسنامه‌های زوجین‌به‌این که در تاریخ اعلام واقعه طرفین در قید ازدواج دیگری نمی‌باشند. تبصره ـ نمایندگان ثبت احوال مکلفند پس از ثبت واقعه رونوشت اقرارنامه را به دادسرای محل ارسال نمایند. ماده ۳۳ ـ کل وقایع ازدواج و طلاق یا وفات زوج یا زوجه و رجوع و بذل مدت و فسخ نکاح باید در دفاتر ثبت کل وقایع ثبت شودولی در شناسنامه به‌شرح زیر انعکاس خواهد یافت در المثنای شناسنامه مرد یا زن آخرین نکاح و طلاق یا بذل مدت ودر صورت تعدد زوجات آن تعداد ازدواج که به‌قوت خود باقی است منعکس خواهد شد. ازدواج و طلاق غیر مدخوله در المثنای شناسنامه درج نخواهد شد. ماده ۳۴ ـ افشای اطلاعات مذکور در دفاتر ثبت کل وقایع و اسناد سجلی جز برای صاحب سند و مقامات قضایی و دولتی ذی صلاح‌ممنوع است

فصل ششم ـ صدور شناسنامه (ماده ۳۵ الی ۳۷)

ماده ۳۵ ـ صدور شناسنامه و سایر خدمات سجلی در مقابل دریافت وجه انجام خواهد شد که نحوه اخذ وجوه و میزان و نوع این‌خدمات به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۳۶ ـ شناسنامه از روی دفاتر ثبت کل وقایع صادر و دارای مشخصات و اطلاعات زیر می‌باشد: ۱ ـ آرم جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ محل مخصوص انگشت نگاری و شماره کلاسمان ۳ ـ محل الصاق عکس ۴ ـ شماره شناسنامه ۵ ـ نام و نام‌خانوادگی و جنس دارنده آن ۶ ـ تاریخ تولد به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی و قمری تبصره ـ ذکر تاریخ هجری قمری از هنگام اجرای طرح تعویض‌شناسنامه برای نوزادان الزامی است ۷ ـ محل تولد به ترتیب شهرستان بخش دهستان (شهر / روستا) ۸ ـ نام و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ابوین ۹ ـ تاریخ تنظیم سند به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی ۱۰ ـ محل تنظیم سند به ترتیب حوزه شهرستان بخش دهستان شهر / روستا) ۱۱ ـ نام و نام خانوادگی مامور تنظیم کننده سند و امضای مامورصدور و مهر اداره ۱۲ ـ شماره مسلسل و سری مخصوص شناسنامه ۱۳ ـ محل مخصوص ثبت ازدواج طلاق و وفات همسر، ولادت‌فرزندان و وفات صاحب شناسنامه ۱۴ ـ محل توضیحات ۱۵ ـ محل مخصوص و مهر انتخابات تبصره ۱ ـ شناسنامه‌های نمونه جدید افرادی که به سن ۱۵ سال‌تمام می‌رسند باید ملصق به عکس همان سال و اثر انگشت و کلاسمان انگشت نگاری صاحب آن باشد. تبصره ۲ ـ شناسنامه اولیه باید در سی سالگی تمام با عکس همان‌سال صاحب آن تجدید شود. صاحب شناسنامه پس از رسیدن به‌سن سی سال ملتف است ظرف یک سال برای تجدید آن مراجعه‌کنند. تبصره ۳ ـ صدور شناسنامه مجدد و یا گواهی ولادت اتباع خارجه‌مطابق مقررات آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. تبصره ۴ ـ به استثنای سازمان ثبت احوال کشور، دفاتر اسنادرسمی ازدواج و طلاق نمایندگی های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل و اداره‌کل انتخابات هیچ یک از ارگانها و نهادها و موسسات دولتی و بخش‌خصوصی حق نقش مهر و درج هیچگونه مطلب و یا آثار دیگری برروی شناسنامه ندارد. متخلف از این امر تحت پیگرد قانونی قرارخواهد گرفت ماده ۳۷ ـ سازمان ثبت احوال کشور مکلف است به مجرد وصول اعلام ترک تابعیت و یااخراج از تابعیت اشخاص از طرف وزارت امور خارجه ترک تابعیت و یا اخراج تابعیت را در دفاتر و اسنادمربوط منعکس و برگ ولادت یا شناسنامه را معدوم نماید.

فصل هفتم ـ صدور کارت شناسایی (ماده ۳۸ الی ۳۹)

ماده ۳۸ ـ در نقاطی که دولت مقتضی بداند و اعلام کند کسانی که‌سن آنان از پانزده سال به بالا است باید دارای کارت شناسایی بوده وهمیشه آن را همراه داشته باشند. کارت شناسایی حاوی مشخصات‌و اثر انگشت و عکس و نشانی محل سکونت و گروههای اصلی‌خون خواهد بود. ترتیب صدور و ترتیب درج مشخصات دارنده کارت شناسایی وچگونگی تحصیل اطلاعات مربوط به‌سکونت و سایر اطلاعات ازقبیل گروه خون و اشخاصی که برای صغار و مجانین کارت‌شناسایی اخذ نمایند در آیین‌نامه اجرایی تعیین خواهد شد. ماده ۳۹ ـ و تبصره‌های آن لغو شده است

فصل هشتم ــ نام خانوادگی (ماده ۴۰ الی ۴۲)

ماده ۴۰ ـ تغییر نام خانوادگی با تصویب سازمان ثبت احوال کشورخواهد بود. تبصره ـ موارد تغییر نام خانوادگی مطابق آیین‌نامه اجرایی این‌قانون می‌باشد. ماده ۴۱ ـ حق تقدم نام خانوادگی با رعایت تاریخ تقدم صدور اسنادمختص اشخاصی است که به‌نام آنان در دفاتر مخصوص نام‌خانوادگی ادارات ثبت احوال به ثبت می‌رسد و دیگری حق اختیار آن را در آن اداره ندارد مگر با اجازه دارنده حق تقدم و این حق پس از وفات به ورثه قانونی انتقال می‌یابد. هر یک از وراث می‌تواند شخصی که نام‌خانوادگی او را اختیار کرده مورد اعتراض قرار داده و تغییر نام خانوادگی او را از دادگاه بخواهد ولی وراث بالاتفاق می‌توانند به دیگری اجازه دهند که نام خانوادگی آنها را اختیار نماید. تبصره ـ نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر خواهد بود اگرچه شناسنامه فرزند در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزندان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب‌نمایند. ماده ۴۲ ـ زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قیدزوجیت می‌باشد از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق‌تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول باجازه همسر خواهد بود.

فصل نهم ــ تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن‌به‌دفاتر ثبت کل وقایع (ماده ۴۳ الی ۴۶)

ماده ۴۳ ـ سازمان ثبت احوال کشور مکلف است شناسنامه‌های‌موجود در دست مردم را به تدریج تعویض نماید و کلیه افراد نیز مکلفند در مهلتهای معین که سازمان ثبت احوال کشور طی آگهی در وسایل ارتباط جمعی و به‌ترتیب گروه سنی تعیین خواهد نمود به ماموران ثبت احوال محل اقامت خود برای اعلام هویت خود و وقایع حیاتی خود و ارائه مدارك و دریافت شناسنامه نمونه جدیدمراجعه نمایند وفات ثبت نشده زوج و زوجه و فرزندان نیز ضمن این مراجعه باید اعلام شود. تبصره ـ چنانچه درطول اجرای طرح اشخاصی اعلام فقدان و یا درخواست تعویض شناسنامه نمایند که مشمول دوره تجدید آن گروه نباشد برای آنان طبق مقررات گواهی موقت صادر خواهد شد. ماده ۴۴ ـ اشخاصی که در مهلت‌های معین در آگهی منتشره ماموران ثبت احوال را از داشتن شناسنامه مکرر یا استفاده از شناسنامه غیر یا دریافت شناسنامه موهوم یا استفاده از شناسنامه ایرانی با داشتن تابعیت خارجی مطلع نمایند از تعقیب و مجازات معاف خواهندبود والا پس از انقضا مهلتهای معین جرائم مزبور مستمر شناخته‌شده و مشمول مجازات مصرح در مواد ۴۸ و ۴۹ این قانون خواهندبود. هویت دارندگان شناسنامه مکرر به انتخاب صاحبان و یا نمایندگان قانونی آنان تثبیت و هویت اشخاصی که از شناسنامه غیر استفاده نموده‌اند و همچنین مدارك ازدواج و طلاق و شناسنامه قانونی که صادر می‌شود خواهد بود. تبصره ـ تعویض شناسنامه همسر و فرزندان ضمن گروه سنی همسری که در مهلت مقرر مراجعه می‌کنند به‌عمل خواهد آمد و همچنین در موقع ثبت ولادت طفل شناسنامه پدر و مادر و افراد خانواده تعویض خواهد شد اگرچه مهلت مراجعه معین و آگهی نشده باشد. ماده ۴۵ ـ هرگاه هویت تابعیت افراد مورد تردید واقع گردد و مدارك لازم جهت اثبات آن ارائه نشود مراتب برای اثبات هویت به مراجع انتظامی و برای اثبات تابعیت به شورای تامین شهرستان ارجاع و درصورت تایید طبق مقررات

اقدام خواهد شد. تبصره ـ در جلسات شورای تامين شهرستان که به منظور فوق تشکيل می گردد. رئيس اداره ثبت احوال محل نيز باداشتن حق رای شرکت خواهد داشت ماده ۴۶ ـ سازمان ثبت احوال کشور، پايان مهلت تعويض شناسنامه هر دوره را از طريق وسايل ارتباط جمعی آگهی خواهد داد. و پس از پايان مهلت اعلام شده شناسنامه و گواهيهای صادره قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهد شد و منحصرا شناسنامه‌های جديد جمهوری اسلامی ايران سند رسمی هويت و تابعيت افرادخواهد بود. تبصره ـ افرادی که در مهلت های مقرر مراجعه نکنند پس از تشخيص تخلف مراتب به دادگاه اعلام و طبق مقررات با آنان رفتار خواهد شد.

فصل دهم ـ تهيه مقدمات اجرای قانون (ماده ۴۷)

ماده ۴۷ ـ وزارت کشور مکلف است در مدت يک‌سال از تاريخ‌تصويب اين قانون مقدمات اجرای آن را از حيث تهيه وسايل کار وتجهيزات و تامين کارکنان لازم و آموزش آنان فراهم نمايد. دولت اعتبار لازم برای اجرای اين قانون را تامين خواهد نمود

فصل يازدهم ـ مقررات کيفری (ماده ۴۸ الی ۵۵)

ماده ۴۸ ـ اشخاصی که از وظايف مذکور در مواد ۱۶ و ۱۹ و ۲۴ و۲۶ و ۳۵ و تبصره ماده ۲۶ و تبصره يک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳خودداری کنند يا با در دست داشتن شناسنامه اقدام به اخذ المثنی‌نمايند مورد تعقيب قرار گرفته و علاوه برالزام به‌انجام تکاليف مقربه پرداخت دويست و يک هزار تا پنج هزار ريال جزای نقدی‌محکوم خواهند شد. ولی هرگاه ماموران و مسوولينی که به‌موجب اين قانون وظايفی برعهده دارند در اجرای آن تاخير يا تعلل نمايند در دادگاههای اداری يا انتظامی طبق ضوابط مربوط تحت تعقيب قرار خواهند گرفت ماده ۴۹ ـ اشخاص زير به حبس جنحه‌ای از شصت و يک روز تا شش‌ماه محکوم خواهند شد: الف ـ اشخاصی که در اعلام ولادت يا وفات يا هويت برخلاف واقع اظهاری نمايند. ب ـ اشخاصی که عالما عامدا پس از رسيدن به‌سن ۱۸ سال تمام ازشناسنامه مکرر استفاده و يا به دريافت شناسنامه مکرر برای خود يامولی عليه يا به دريافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و يا از شناسنامه ديگری خواه صاحب آن زنده يا مرده باشد بنام هويت‌خود استفاده نمايند. ج ـ ماما يا پزشکی که در مورد ولادت و وفات گواهی خلاف واقع‌صادر کند. د ـ اشخاصی که در مورد ولادت و وفات شهادت دروغ بدهند که‌شهادت آنان منجر به تنظيم دفتر ثبت کل وقايع و يا وفات گردد. ماده ۵۰ ـ افراد بيگانه که قبل از احراز تابعيت ايرانی به‌منظور ايرانی‌قلمداد کردن خود موجب تنظيم اسناد سجلی يا دريافت شناسنامه‌شوند به‌حبس جنحه‌ای از سه ماه تا يک سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۱ ـ هرکس عالما عامدا پدر و يا مادر طفل را به‌غير از پدر يامادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و شناسنامه دريافت کند به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره ـ در مواردی که پدر يا مادر طفل معلوم نباشد و همچنين موارد مذکور در قانون حمايت کودکان بدون سرپرست از شمول اين‌ماده مستثنی می‌باشد. ماده ۵۲ ـ مامورانی که عالما عامدا در جرائم مذکور در مواد ۴۹ و۵۰ و ۵۱ اين قانون به هر نحوی از انحا کمک نمايند يا گواهی‌های خلاف را ملاک اجرای وظايف قانونی خود قرار دهند به مجازات‌مرتکب اصلی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳ ـ آيين‌نامه‌های اجرايی اين قانون و نمونه‌های اوراق و اسناد مربوط وسيله وزارت کشور و وزارت دادگستری تهيه و به‌تصويب هيات وزيران خواهد رسيد. ماده ۵۴ ـ از تاريخ اجرای اين قانون و پايان مهلتهای معين قوانين‌ثبت احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ و ۱۱ آذر ۱۳۱۰ و اول بهمن۱۳۱۲ و دوم ارديبهشت ۱۳۱۹ لغو و هر قانونی که در مقام اجرا معارض اين قانون باشد بلااثر است ماده ۵۵ ـ وزارت کشور، وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری مامور اجرای اين قانون هستند.

قانون تفسير تبصره‌های ۳ و ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. مصوب ۷۳ (ماده واحده)

موضوع استفساریه نظر به اینکه در مورد تبصره ۳ و ۶ «قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق » که با اصلاحاتی در تاریخ ۲۸/۸/۱۳۷۱ به تصویب‌مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است جمعی معتقدند که مستفاد از تبصره ۳ قانون مذکور این است که تمام حقوق زوجه نسبت به زوج اعم از نفقه و جهیزیه و مهر و غیر آن (که اجرت المثل خدمات زوجه و نحله که در تبصره ۶ آمده نیز ازحقوق زوجه است باید قبل از اجرای صیغه طلاق به زوجه تادیه شود و در حقیقت تبصره ۶ مصداق برای تبصره ۳ تعیین‌می کند، و مکمل آن است و جمع دیگر معتقدند که تبصره ۶ مستقل از تبصره ۳ هست و اجرت المثل و نحله که در این تبصره آمده پس از اجرای صیغه‌طلاق با درخواست مجدد زوجه از دادگاه رسیدگی و حکم داده می‌شود و رسیدگی به آنها قبل از اجرای صیغه طلاق وجهه قانونی ندارد. مستدعی است نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص اعلام گردد.

قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش. مصوب ۷۶ (ماده واحده)

ماده واحده ـ گواهی صادره از مراجع قضایی در خصوص عدم امکان سازش بین زن و شوهر، چنانچه ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ به دفتر ثبت طلاق تسلیم نشود، از اعتبار ساقط خواهد بود. در صورتی که ظرف مدت مقرر گواهی یاد شده جهت اجرای طلاق تسلیم دفتر ثبت طلاق شود سردفتر مکلف است به طرفین اعلام‌نماید تا جهت اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حضور یابند، درصورت عدم حضور هر یک از طرفین در وقت مقرر، برای مرتبه دوم‌حداکثر ظرف مدت یک ماه دعوت و به شرح ذیل عمل خواهد شد: الف ـ در صورت امتناع زوجه از حضور، زوج صیغه طلاق را جاری‌و پس از ثبت به وسیله دفتر خانه به اطلاع زوجه رسانده می‌شود. ب ـ در صورت امتناع زوج از حضور و اجرای طلاق ، دفتر مراتب راتایید و به دادگاه صادرکننده گواهی اعلام می‌دارد. دادگاه به درخواست زوجه زوج را احضار و در صورت امتناع از حضور، دادگاه با رعایت جهات شرعی صیغه طلاق را جاری و دستور ثبت و اعلام آن را به دفتر ثبت طلاق صادر می کند. ج ـ در صورتی که زوج به دفترخانه مراجعه ولی از اجرای صیغه طلاق امتناع نماید مطابق بند (ب عمل خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده درجلسه علنی روز یکشنبه مورخ یازدهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب‌و در تاریخ ۲۸/۸/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون تصدیق انحصار وراثت. مصوب ۱۳۰۹ (م ۱ تا م ۱۴) با اصلاحات بعدی

ماده ۱ـ در هر موردی که یک یا چند نفر بخواهند مال متعلق به متوفایی را اعم از منقول یا غیرمنقول یا اسنادی که نزد غیر است به‌عنوان وراثت اخذ نمایند و یا طلب متوفایی را به این عنوان وصول کنند و متصرف یا مدیون بدون انکار وجود مال یا دین یا اسناد تصدیقی برای سمت یا انحصار وراثت از آنها بخواهد باید به طریق‌ذیل رفتار شود. ماده ۲ـ شخص یا اشخاص مزبور باید برای تحصیل تصدیق وراثت‌و عده وراث تقاضای کتبی به یکی از محاکم صلح محل اقامت دایمی متوفی یا محاکم بدایتی که وظایف صلحیه را، انجام میدهدتقدیم کند در صورتی که محل اقامت دایمی متوفی در خارج ازمملکت باشد به یکی از محاکم صلح تهران باید مراجعه شود. تبصره در غیر این مورد خواه اختلاف در وراثت بوده و خواه‌شخصی که متصرف مال منقول یا غیرمنقول است منکر باشد امر به اقامه دعوی در محاکم صالحه خاتمه خواهد یافت ماده ۳ـ امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام می دهد باید تمام ادله و اسناد مستدعی و یا مستدعیان تصدیق را از ورثه سجل احوال و شهادت شهود و غیره تحت نظر گرفته شرحیدر مجله رسمی و یکی از جراید محل به خرج مستدعی یا مستدعیان سه دفعه متوالیا ماهی یک دفعه اعلان کرده و پس از انقضای سه ماه از تاریخ نشر اولین اعلان در صورتی که معترضی نبوده تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراث به مستدعی یا مستدعیان می دهد و در صورت اعتراض امین صلح و یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام می دهد و مطابق اصول رسیدگی کرده حکم خواهد داد و این حکم قابل استیناف و تمیز خواهد بود در صورتی که معترض ادعای خود را تا دو ماه تعقیب نکرد به تقاضای

مستدعی یا مستدعیان حق اعتراض او ساقط و محکوم به ادای خسارت می شود. هرگاه مال منقول متعلق به متوفی که مورد مطالبه واقع شده بیش از پانصد ریال قیمت نداشته باشد انتشار اعلان مذکور فوق به عمل‌نخواهد آمد و امین صلح یا حاکم بدایت باید خارج از نوبت به تمام‌ادله و اسناد مستدعی تصدیق رسیدگی کرده و شهادت شهود را درصورتی که باشد استماع نموده رای مقتضی به دادن تصدیق یا ردتقاضا بدهد و در هر حال در این مورد مخارج مذکور در ماده ۸ اخذنخواهد شد ـ رای محکمه دایر به رد تقاضای تصدیق قابل استیناف و تمیز است در کلیه مواردی که مدعی العموم تشخیص بدهد که متوفی بلا وراث بوده و تقاضای شخص یا اشخاص برای صدور تصدیق بی اساس است مثل مدعی خصوصی می تواند بر تقاضای مذکور اعتراض کند و در موردی هم که مال منقول متعلق به متوفی بیش از ۵۰۰ ریال قیمت نداشته و بر اثر تقاضای شخص یا اشخاص تصدیق انحصار وراثت صادر شده باشد در صورتی که مدعی العموم متوفی رابلاوارث بداند می تواند بر تصدیق مذکور اعتراض کند و در هر حال مدعی العموم حق دارد از رای محکمه که علیه او صادر شده استیناف و تمیز بخواهد، در مواردی که اشخاص به استناد تصدیق انحصار وراثت که قبل از اجرای این قانون صادر شده مطالبه مال یا حقی ازدولت بنماید مدعی العموم تا سه ماه از تاریخ اجرای این قانون حق‌اعتراض بر تصدیق مذکور خواهد داشت (اصلاحی به موجب قانون‌مصوب تیر ماه ۱۳۱۳). ماده ۴ـ در صورتی که با نبودن معترض رای امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام می دهد دایر به رد تقاضای مستدعی یا مستدعیان تصدیق باشد مستدعی یا مستدعیان تصدیق می توانند در ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ رای به نزدیکترین محکمه‌بدایت شکایت کنند و رای محکمه بدایت پس از استماع عقیده مدعی العموم قاطع خواهد بود. ماده ۵ـ مدیون یا متصرف مال متوفی باید در مقابل اخذ اصل و یاسواد مصدق تصدیق امین صلح یا حاکم بدایت دین خود را که به‌متوفی داشته و مال متعلق به او را که نزد خود دارد به صاحب یا صاحبان تصدیق تادیه و یا تسلیم کند در صورت استنکاف مسوول خسارات وارده بر دارندگان تصدیق خواهد بود و در صورت تادیه‌دین و یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی وراثت بری محسوب خواهدشد و مدعی مزبور حق رجوع به شخص یا اشخاصی خواهد داشت‌که طلب متوفی را وصول و یا مال متعلق به او را دریافت نموده‌اند. ماده ۶ـ اگر اموال منقول و غیرمنقول و وجه نقد متعلق به اشخاص مجهول‌الوارث که در تصرف دولت یا موسسات تجارتی و یاصرافی و غیره و یا اشخاص است در ظرف ۱۰ سال نسبت به مال‌منقول و وجه نقد و بیست سال نسبت به مال غیرمنقول از تاریخ فوت مالك کسی به عنوان وراثت ادعا ننماید دیگر ادعایی پذیرفته‌نخواهد شد و اموال مزبور متعلق به دولت است که به مصرف موسسات خیریه برساند. تبصره موسسات تجارتی و صرافی و غیره و یا اشخاصی که‌اموال مجهول الوارث نزد آنها است مکلفند به وسیله پارکه‌هایبدایت هر محل آن اموال را تسلیم و یا تادیه به دولت نمایند. ماده ۷ـ مفاد مواد فوق در موردی نیز باید رعایت شود که اداره ثبت اسناد و املاك برای صدور سند مالکیت و یا تبدیل ملکی که به نام متوفی ثبت شده است به اسم وراث یا وارث او یا برای هر مقصود دیگری از تقاضاکننده سند مالکیت و یا تبدیل و غیره تصدیقی برای وراثت و عده وراث بخواهد. ماده ۸ـ مستدعی و مستدعیان تصدیق باید در موقع تقدیم دادخواست پانصد ریال تمبر الصاق نمایند. (افزایش به موجب قانون بودجه ۶۲). ماده ۹ـ هرگاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم به عدم وراثت خود تحصیل تصدیق وراثت نموده یا با علم به وجود وراثی غیر ازخود تحصیل تصدیق برخلاف حقیقت کرده است کلاهبرداری محسوب و علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد. ماده ۱۰ـ هر شاهدی که در موضوع تحصیل تصدیق وراثت برخلاف حقیقت شهادت دهد برای شهادت دروغ تعقیب و به مجازاتی که برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد. ماده ۱۱ـ هرگاه متصرفین مال متعلق به اشخاص مجهول‌الوارث ویا مدیونین به اشخاص مزبور بعد از انقضای مدتی که به موجب‌ماده ۶ مقرر است مال و یا دین و یا منافع حاصله از آن را مطابق‌تبصره ماده مذکور به دولت تسلیم و یا تادیه ننمایند به مجازاتی که‌به موجب قوانین جزائی برای خیانت در امانت مقرر است محکوم‌خواهند شد. در صورتی که متصرف یا مدیون شرکت باشد مدیر شرکت و یاشعبه آن متصرف و یا مدیون است مسوول اجرای مقررات

تبصره‌ماده ۶ بوده و در صورت تخلف به مجازات مذکور فوق محکوم‌خواهد شد. ماده ۱۲ـ اگر مال در معرض تلف و تضییع بوده و یـا اعتبار مـدیون و یا کسـی که مال نزد اوست مشـکوک باشـد محکمه می توانـد برای حفظ مال اقـدامات لازمه را اعم از فروش یا توديع آن به محـل‌معتبری و یا گرفتن ضامن به عمل آورد. ماده ۱۳ـ امین صـلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام‌میدهد در صورتی که مدرک استشهادنامه بوده و هویت شهود یاانتساب امضا یا مهر به منتسب‌الیه در نزد محکمه معلوم نبوده و یامفاد شهادت مجمل و مبهم باشد میتواند شـهود را احضار کرده وشـهادت آن را اسـتماع کند. چنانچه شاهد در خارج از مقر محکمه ساکن باشـد تحقیق از شاهـد به وسـیله محکمه محل اقامت شاهد یا نزدیکترین محکمه محل اقامت‌شاهد به عمل خواهد آمد. در تصدیق انحصار وراثت امین صـلح یا حاکم بدایت باید نسـبتی راکه مسـتدعی یا مستدعیان تصدیق با مورث خود دارند و همچنین نسبت سهم‌الارث آنها را از متروکات به نحو اشاعه معین نمایـد.(الحاقی به موجب قانون مصوب آذر ۱۳۱۳). ماده ۱۴ـ هرگاه تقاضای تصدیق انحصار وراثت برای تقـدیم‌اظهارنامه ثبت املاک و یا به طورکلی مربوط به امور مذکور در ماده۷ به عمل آید تقاضاکننده باید تصدیقی از اداره ثبت مشـعر بر لزوم اثبات انحصار وراثت تحصیل کرده و به تقاضانامه خود ضمیمه نماید. (الحاقی به موجب قانون مصوب آذر ۱۳۱۳). در این صورت امین صـلح یا حاکم بدایت اعلان مذکور در ماده ۳ رابه اداره ثبت محـل ارسال می دارد تا جز اعلانات ثبت منتشـر شـده و مخـارج اعلاـن نیز مثـل اعلانـات ثبت محسوب گردد. در مورد این مـاده فقـط نصف مخارج مـذکور در ماده ۸ اخذ خواهد شد.

قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

باب اول در کلیات (م ۱ الی م ۴۷)

ماده ۱ـ امور حسبی اموری است که دادگاهها مکلفند نسبت به آن‌امور اقدام نموده و تصـمیمی اتخاذ نمایند بدون این که رسیدگی به‌آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی ازطرف آنها باشد. ماده ۲ـ رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشـد مگرآن که خلاف آن مقرر شـده باشـد. ماده ۳ـ رسـیدگی به امور حسبی در دادگاههای حقوقی به عمل‌می‌آیـد. ماده ۴ـ در موضوعـات حسبی هرگـاه امری در خـارج از مقر دادگـاهی‌که کـار در آن جا مطرح است بایـد انجام شود دادگاه مزبور می‌توانـدانجام امر را به دادگـاهی که کـار در حوزه آن بایـد بشود ارجـاع نمایـد ودر این صورت دادگـاه نامبرده امر ارجاع شـده را انجـام و نتیجه را به‌دادگاه ارجاع‌کننـده امر می‌فرسـتد. ماده ۵ـ مقررات راجع به نیابت قضائی که در آیین دادرسـی مـدنی‌ذکر شـده شامل امور حسبی خواهد بود. ماده ۶ـ در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسـیدگی به موضوع‌صالح باشـند دادگاهی که بدوا به آن رجوع شده است رسیدگی‌می‌نماید. ماده ۷ـ در صورت حدوث اختلاف در صـلاحیت دادگاهها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسـی مدنی به عمل می‌آید. ماده ۸ـ دادرس بایـد در موارد زیر از مـداخله در امور حسبی‌خودداری کند. ۱ ـ اموری که در آنها ذینفع است ۲ ـ امـور راجـع به زوجه خود (زوجه که در عـده طلاـق رجعی است درحکم زوجه است . ۳ ـ امور اقربـای نسبی و سببی خـود درجـه یـک و دو از طبقـه اول ودرجـه یـک از طبقه دوم ۴ ـ امـور راجـع به اشخاصـی که سـمت ولاـیت یـا قیمومت یا نمایندگی‌نسبت به آنهـا دارد. ماده ۹ـ در موارد خودداری دادرس هرگـاه در آن حوزه دادرس‌صـلاحیت‌دار برای رسیدگی نباشـد رسیدگی به دادگاه نزدیکتر ارجاع‌می‌شود. ماده ۱۰ـ در موارد ماده ۸ دادرس باید از رسیدگی خودداری نمایدولی اشخاص ذینفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را ردنمایند. ماده ۱۱ـ عدم صـلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس ازمداخله در خصوص اموری رافع آثار قانونی اقدام یا تصـمیمی که به‌عمل آمده است نخواهد بود. ماده ۱۲ـ روزهـای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی‌نیست ولی دادرس می‌توانـد رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیراندازد مگر این که امر از امور فوری باشد. ماده ۱۳ـ

درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی‌باشد ـ درخواست زبانی در صورتمجلس نوشته شده و به امضای درخواست‌کننده می‌رسد. ماده ۱۴ـ در امور حسبی دادرس باید هرگونه بازجویی و اقدامی که‌برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد، هر چند درخواستی ازدادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی‌می‌تواند دلایلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید. ماده ۱۵ـ اشخاص ذینفع می‌توانند شخصا در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خودبه دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شودنمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود. تبصره ـ نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیر آنهاست ماده ۱۶ـ حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی‌ذکر شده است و اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخرموعد روز بعد از تعطیل خواهد بود. ماده ۱۷ـ در مهلت‌هایی که مسافت رعایت می‌شود ترتیب آن‌مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است ماده ۱۸ـ اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده‌های امورحسبی راملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی‌نشده از دفتر دادگاه بگیرند. ماده ۱۹ـ هرگاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف‌اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به‌تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرس در صورت‌درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات‌دادرسی فوری صادر می‌نماید. ماده ۲۰ـ اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به‌مواردی است که در قانون تصریح شده است ماده ۲۱ـ در مواردی که دادستان مکلف به اقدام می‌باشد اقدام به‌عهده دادسرای دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه‌به عمل می‌آید. ماده ۲۲ـ دادرس پس از تمام‌شدن بازجویی و رسیدگی منتهی درظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید. ماده ۲۳ـ تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد. ماده ۲۴ـ در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب‌ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است ماده ۲۵ـ در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید دادرس می‌تواند ترتیب سهلتری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد. ماده ۲۶ـ هرگاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود درددادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز به او داده می‌شود. ماده ۲۷ـ تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام‌نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد. ماده ۲۸ـ مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش درامور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین‌دادرسی مدنی صلاحیت‌رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورددعاوی دارد. ماده ۲۹ـ مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین‌دادرسی مدنی مقرر شده است ماده ۳۰ـ در صورتی که پژوهش‌خواه اثبات کند که پژوهش‌نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز ازتاریخ رفع عذر، پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی‌پژوهشی است می‌تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به‌این که از تاریخ انقضای مدت پژوهش بیش از ششماه نگذشته باشد. ماده ۳۱ـ مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهشی باشد ودرخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست ماده ۳۲ـ شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادرکننده تصمیم‌مورد شکایت بوده داده می‌شود و دفتر نامبرده باید فورا شکایت‌نامه‌را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و منتهی در ظرف دو روزشکایت‌نامه را با برگهای مربوط به آن به دادگاهی که مرجع رسیدگی‌پژوهشی است بفرستد. ماده ۳۳ـ شکایت پژوهشی ممکن است شفاهی باشد در این‌صورت شکایت نامبرده در صورتمجلس دادگاه درج و به امضای شاکی و دادرس می‌رسد و این صورت مجلس با برگهای مربوط به‌دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد. ماده ۳۴ـ شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله‌جدید باشد. ماده ۳۵ـ شکایت پژوهشی موجب تعویق اجرا تصمیم موردشکایت نمی‌شود مگر این که دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تاخیر اجرای آن را بدهد. ماده۳۶ـ تصمیم‌دادگاه‌استان‌به‌اتفاق یا به اکثریت آرا معلوم‌می‌شود. ماده ۳۷ـ دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید هرگونه رسیدگی‌و تحقیقی را که مفید و لازم بداند بدون احتیاج به درخواست به‌عمل می‌آورد و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح‌بداند آن را تایید و چنانچه نقصی در تصمیم نامبرده مشاهده کندموافق نظر خود آن را تکمیل

می‌نمایـد و هرگاه تصـمیم مورد شـکایت‌را صـحیح ندانـد آن را الغا نموده و تصـمیم مقتضـی را اعلام‌می‌نماید. ماده ۳۸ـ هرگاه در تصـمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سـهو قلم یااشـتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم‌افتادن نام یکی از اشخاص‌ذینفع یا زیادشدن نـامی ـ مادام که آن تصـمیم به وسـیله شـکایت به‌دادگاه بالاتر از دادگاه خارج نشـده باشـد دادگاه صادرکننـده تصمیم‌مستقلا یا به درخواست یکی از اشـخاص ذینفع آن را تصـحیح‌می‌نماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه یا برگ دیگری که پیوست‌آن می‌شود نوشـته خواهـد شد. دادن رونوشت از تصـمیم دادگاه بدون‌پیوست نامبرده ممنوع است تصـحیح به اشـخاص که تصـمیم دادگاه باید ابلاغ شود، ابلاغ می‌شودو در مواردی که تصـمیم دادگاه قابل پژوهش است تصـحیح آنها درمدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهـد بود. ماده ۳۹ـ هرگاه تصـمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشـد تصـحیح هم ازاعتبار خواهـد افتاد. ماده ۴۰ـ هرگـاه دادگاه راسا یا برحسب تـذکر به خطـای تصـمیم خود برخورد در صورتی که آن تصـمیم قابـل پژوهش نباشـد می‌توانـد آن راتغییر دهـد. ماده ۴۱ـ تصـمیمی که در زمینه درخواستی به عمـل آمـده است تغییرآن هم محتـاج به درخواست است مـاده ۴۲ـ هرگاه در اسـتنباط از مواد قـانون بین دادرس‌هـایی که‌رسیدگی پژوهشـی می‌کننـد اختلاف‌نظر باشـد دادگاهی که به امرحسبی رسـیدگی پژوهشـی می‌نماید می‌توانـد به توسط دادسـتان‌دیوان کشور نظر هیات عمومی دیوان کشور را بخواهـد و در این‌صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و پس از آن که دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه‌مکلف است مطابق آن عمل نماید. ماده ۴۳ـ دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سو استنباط از مواد این قانون در دادگاهها بشود یا به اختلاف نظردادگاهها راجع به امورحسبی اطلاع حاصل کنـد که مهم و مؤثر باشدنظر هیات عمومی دیوان کشور را خواسـته و به وزارت دادگستری‌اطلاع می‌دهـد که به دادگاهها ابلاغ شود و دادگاهها مکلفنـد برطبق نظرمزبور رفتار نمایند. ماده ۴۴ـ کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مضربدانند می‌توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نخست‌صادر شده و یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه‌اعتراض صـادر می‌شود قابـل پژوهش و فرجـام است ماده ۴۵ـ مقررات آیین دادرسـی مدنی راجع به نظم جلسـه رسـیدگی‌شامل امور حسبی نیز خواهـد بود. ماده ۴۶ـ در امور حسبی اگر دادرس آشـنا به زبان اشـخاص باشـد ملزم‌به مـداخله دادن مترجم نیست و در صورت احتیاج به مترجم دادرس‌می‌تواند کسـی که طرف اعتماد او است برای ترجمه انتخاب نماید. مترجم نباید از اشـخاص مذکور در ماده ۸ انتخاب شود. ماده ۴۷ـ در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات‌عزل وصـی یا قیم یا ضـم امین ترتیب رسـیدگی مطـابق مقررات این‌قـانون است و حکمی که در این خصوص صـادر می‌شود مطابق آیین‌دادرسـی مـدنی قابل پژوهش و فرجام است

باب دوم در قیمومیت (م ۴۸ تا م ۵۴)

فصل اول صلاحیت دادگاه قیمومیت

ماده ۴۸ـ امـور قیمـومت راجع به دادگـاه شهرسـتانی است که اقامتگـاه محجـور در حـوزه آن دادگـاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشـته باشـد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سـکنی دارد برای‌امور قیمومت صالح است ماده ۴۹ـ هرگاه محجور در خارج از ایران اقامت یا سکنی داشته‌باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است ماده ۵۰ـ در صورتی که محجور در خـارج ایران اقـامت یـا سـکنی داردو مطابق ماده ۱۲۲۸ قـانون مـدنی مـامور کنسـولی ایران قیم موقت برای محجور معین نمایـد اگر دادگـاه تهران تصـمیم مامور کنسولی را تنفیـذ نکنـد تعیین قیم با دادگاه نامبرده خواهـد بود. ماده ۵۱ـ در صـورتی که متوفی دارای صغاری باشد که اقامتگاه آنها مختلف است دادگاهی که برای یک نفر از صغار بدوا تعیین قیم کرده‌است می‌تواند برای صغاری هم

که در حوزه آن دادگاه اقامت ندارند قیم معین نماید و اگر قیم معین نشده باشد دادگاهی که کوچکترین‌صغیر در حوزه آن اقامت دارد برای تعیین قیم نسبت به تمام صغارصلاحیت خواهد داشت و اگر معلوم نباشد کدام‌یک از صغار کوچکترند هر یک از دادگاهها که صغیر در حوزه آن دادگاه اقامت دارد صالح است ماده ۵۲ـ هرگاه در اقامتگاه محجور دادگاه صلاحیتدار برای امور قیمومت نباشد، امور مزبور با نزدیکترین دادگاه صلاحیتدار به اقامتگاه محجور خواهد بود. ماده ۵۳ـ در صورتی که اقامتگاه محجور معلوم نباشد امورقیمومت با دادگاهی است که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود. ماده ۵۴ـ عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امورمحجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدوا تعیین قیم‌کرده است

فصل دوم ترتیب تعیین قیم (م ۵۵ تا م ۷۳)

ماده ۵۵ـ علاوه بر اشخاص مذکور در ماده ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱قانون مدنی شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و مامورین آنها و دهبان و بخشدار در هر محل مکلفند پس از اطلاع به وجود صغیری‌که محتاج به تعیین قیم است به دادستان شهرستان حوزه خود اطلاع‌دهند. ماده ۵۶ـ هر یک از دادگاهها که در جریان دعوی مطلع به وجودمحجوری شود که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد باید به دادستان‌برای تعیین قیم اطلاع بدهد. ماده ۵۷ـ در رسیدگی به درخواست حجر دادگاه نسبت به اشخاصی‌که مجنون یا سفیه معرفی شده‌اند هرگونه تحقیقی که لازم بداند به‌عمل می‌آورد و می‌تواند اشخاصی که اطلاعات آنها را قابل استفاده‌بداند احضار نموده و یا برای تحقیق از اشخاص نامبرده نماینده‌بفرستد و پس از رسیدگی و تحقیقات لازم و احراز حجر حکم به‌حجر می‌دهد و در صورت عدم احراز حجر درخواست حجر را ردمی‌نماید. ماده ۵۸ـ هرگاه دادگاه لازم بداند از کسی که محجور معرفی شده تحقیق کند و آن شخص نتواند در دادگاه به واسطه عذر موجه حاضرشود دادرس دادگاه شخصا یا به وسیله نماینده در خارج از دادگاه از اوتحقیق می‌نماید. ماده ۵۹ـ هرگاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن به سن‌رشد سفیه یا مجنون باشد قیم باید به دادستان جنون یا سفه او را اطلاع دهد و دادستان پس از اطلاع به این امر مکلف است درموضوع جنون و سفاهت تحقیق نموده و دلایل آن را اعم از نظریات‌کارشناس و اطلاعات مطلعین و غیره به دادگاه بفرستد و دادگاه پس‌از رسیدگی و احراز جنون یا سفه حکم به استمرار و بقا حجر صادرمی‌نماید در این صورت ممکن است قیم سابق را هم به قیمومت ابقا نمود. ماده ۶۰ـ برای چند نفر از اشخاص محتاج به قیم می‌توان یک قیم‌معین نمود مگر آن که اداره امور هر یک از آنها محتاج به قیم علیحده باشد. ماده ۶۱ـ پدر یا مادر محجور مادام که شوهر ندارد با داشتن‌صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم می‌باشد. ماده ۶۲ـ در صورت محجورشدن زن شوهر با داشتن صلاحیت‌برای قیمومت بر دیگران مقدم است ماده ۶۳ـ در مورد تعدد قیم و همچنین در موردی که ناظر معین شده‌است دادگاه معین می‌کند که در صورت اختلاف‌نظر بین قیم‌ها یا بین‌قیم و ناظر به دادگاه یا شخص ثالثی رجوع نماید و یا ترتیب دیگری‌را برای رفع اختلاف پیش‌بینی نماید. ماده ۶۴ـ دادگاه می‌تواند شخصی را که درخواست حجر او شده‌است قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی‌شدن آن از بعض یا تمام تصرفات در اموال موقتا ممنوع نمایدو در این صورت دادگاه امینی موقتا برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می‌نماید. ماده ۶۵ـ بعد از قطعی‌شدن حکم حجر به واسطه انقضا مدت پژوهش یا صدور حکم پژوهشی به حجر اقدام به تعیین قیم می‌گردد. ماده ۶۶ـ دادستان و محجور و قیم محجور نسب به تصمیمات دادگاه در موارد زیر می‌توانند پژوهش بخواهند، اگر قیم متعدد باشد هر یک از آنها حق پژوهش دارند. ۱ ـ حکم حجر. ۲ ـ حکم بقا حجر. ۳ ـ رفع حجر. ۴ ـ رد درخواست حجر. ۵ ـ رد درخواست بقا حجر. ۶ ـ رد درخواست رفع حجر. ماده ۶۷ـ نصب قیم در صورتی که قیم در دادگاه حاضر باشد حضورا به او اعلام و اگر در دادگاه حاضر نباشد باید فورا به او ابلاغ گردد. ماده ۶۸ـ قیم باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت قبول یا عدم قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد و اگر

در این‌مدت قبولی خود را اطلاع نداد یا قیمومت را قبول نکرد دادستان دادگاه را برای تعیین شخص دیگری به سمت قیمومت مطلع می‌کندو هرگاه قبل از تعیین قیم جدید شخصی که قبلا به قیمومت معین‌شده قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد شخص دیگری معین‌نخواهد شد. ماده ۶۹ـ دادگاه در تمام امور تصمیمات خود را به هر طریقی که‌مقتضی بداند به دادستان اطلاع می‌دهد. ماده ۷۰ـ اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حجر وجود داشته اثر حجر ازتاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود. ماده ۷۱ـ در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتدای تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم‌خود قید نماید. ماده ۷۲ـ حکم حجر یا رفع حجر مانع نیست که اگر اهلیت یا عدم‌اهلیت یکی از متعاملین در دادگاهی قبل از حکم حجر و یا بعد از رفع‌حجر ثابت شود دادگاه به آنچه نزد او ثابت شده است ترتیب اثر دهد. ماده ۷۳ـ در صورتی که محجور ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازم می‌تواند وصایت وصی را تصدیق نماید.

فصل سوم اختیارات و مسؤولیت قیم (م ۷۴ تا م ۹۵)

ماده ۷۴ـ قیم از تاریخی که سمت قیمومت به او اطلاع داده می‌شود شروع به اعمال قیمومت خواهد نمود. ماده ۷۵ـ هرگاه قیم پس از تاریخ نصب و قبل از ابلاغ به او عملی به‌عنوان قیمومت نسبت به محجور کرده باشد نافذ است ماده ۷۶ـ قیم در سیاهه اموال محجور که در ابتدای دخالت خودتنظیم می‌کند باید برگهایی که دارای اهمیت است ذکر نماید وبرگهایی که بها و اهمیتی ندارد، هر نوعی از آنها را علیحده بایگانی وعدد برگها را در سیاهه دارایی قید کند. ماده ۷۷ـ قیم باید اجرت کسی که برای حفظ اموال از طرف دادستان‌یا دادرس معین شده است از مال محجور بپردازد. ماده ۷۸ـ قیم می‌تواند هزینه تهیه صورتحساب و تسلیم اموال را اگراز اموال محجور برنداشته است پس از زوال سمت خود ازمحجوری که رفع حجر او شده یا کسی که به جای او به سمت‌قیمومت منصوب شده است مطالبه نماید. ماده ۷۹ـ قیم باید در تربیت و اصلاح خود محجور سعی و اهتمام‌نماید و در امور او رعایت مصلحت را بنماید. ماده ۸۰ـ قیم باید اموال ضایع شدنی محجور را بفروشد و از پول‌آن با رعایت مصلحت محجور مالی خریداری و یا به ترتیب دیگری که مصلحت باشد رفتار نماید. ماده ۸۱ـ قیم می‌تواند با رعایت مصلحت اموال منقوله‌ای که مورداحتیاج محجور نیست فروخته و نسبت به پول آن مطابق ماده فوق عمل نماید. ماده ۸۲ـ قیم باید هزینه زندگانی محجور و اشخاص واجب‌النفقه و همچنین هزینه معالجه آنها را در بیمارستان و غیره و هزینه لازم‌دیگر از قبیل هزینه تربیت اطفال محجور را بپردازد و اگر محجوردیوانه باشد باید به حسب اقتضا در خانه یا تیمارستان تحت‌معالجه قرار داده شود. ماده ۸۳ـ اموال غیرمنقول محجور فروخته نخواهد شد مگر بارعایت غبطه او و تصویب دادستان ماده ۸۴ـ اسناد و اشیا قیمتی باید با اطلاع دادستان در محل امنی‌نگاهداری شود و وجوه نقدی که محل احتیاج نیست باید در یکی از بانکهای معتبر گذاشته شود. ماده ۸۵ـ ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند به‌محجور اجازه اشتغال به کار یا پیشه‌ای بدهد و در این صورت اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار یا پیشه هم خواهد بود. ماده ۸۶ـ محجور ممیز می‌تواند اموال و منافعی را که به سعی خوداو حاصل شده است با اذن ولی یا قیم اداره نماید. ماده ۸۷ـ قیم باید بعد از رفع حجر اموال محجور را به تصرف اوبدهد و اگر در مدت حجر سمت قیمومت از قیم سلب و به جای اوشخص دیگری معین شد اموال را به تصرف قیم بعدی بدهد. ماده ۸۸ـ در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم بااجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید و هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه قیم‌طلاق می‌دهد. ماده ۸۹ـ در صورت فوت قیم ورثه کبیر او اگر باشند مکلف هستندبه دادستان اطلاع دهند و مادام که قیم جدید معین نشده حفظ ونظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشید که قیم آنهافوت شده به عهده دادستان خواهد بود.

ماده ۹۰ـ وجوه زائد از احتیاج صغیر را قیم در صورت امکان نبایدبدون سود بگذارد و اگر بیش از شش‌ماه بدون سود گذاشت مسوول تادیه خسارت به میزان خسارت تاخیر تادیه خواهد بود. ماده ۹۱ـ در صورتی که پس از تعیین قیم مورث محجور فوت‌نماید قیم مکلف است در ظرف ۱۰ روز درخواست مهر و موم و تحریر ترکه متوفی را بنمایـد. مـاده ۹۲ـ بعد از زوال قیمومت قیم مسوول حفظ اموال محجور است تا به تصرف شخصـی که بایـد تصرف نمایـد، بدهـد. ماده ۹۳ـ هرگـاه قیم در پـول محجـور به سود خود تصـرف نماید ازتاریخ تصـرف مسوول خسارت تاخیر تادیه می‌باشد. ماده ۹۴ـ در صورتی که قیم متعـدد بوده و با شـرکت یکدیگر دراموال محجور تعـدی یا تفریط نماینـد هر یک از آنها مسوولیت‌تضامنی دارند و اگر بعضـی از قیمین بدون شـرکت دیگران تعدی یاتفریط در اموال محجور نماینـد مسوولیت متوجه به کسـی خواهـدبود که تعـدی یا تفریط کرده است ماده ۹۵ـ هزینه حفـظ و اداره اموال محجور و هزینه‌ای که برای رسیدگی به امور محجور و انجام وظایف قیمومت لازم می‌شود از اموال محجور تادیه می گردد.

فصل چهارم عزل قیم م ۹۶ تا م ۱۰۲)

ماده ۹۶ـ محجـور ممیز می‌توانـد از قیم برای نـدادن هزینه و کوتـاهی‌او در تربیت و نگاهـداری خود شـکایت نمایـد در این صورت هرگاه دادگاه شـکایت او را وارد دیـد دسـتوری که مناسب است می‌دهـد و قیم‌بایـد برطبق آن دسـتور عمل کنـد. مفاد این ماده در موردی که دادسـتان کوتاهی قیم را در تربیت و نگاهداری محجور و دادن هزینه او به دادگاه اطلاع بدهد اجرا خواهد شد. ماده ۹۷ـ محجـور و هر ذی‌علاقـه‌ای می‌تواننـد به دادسـتان وجود سـبب عزل قیم را اطلاـع دهنـد، در این صورت اگر دادسـتان سـبب عزل را موجود دیـد از دادگاه درخواست عزل قیم را می‌نمایـد. ماده ۹۸ـ برای رسیـدگی به درخواست عزل قیم بایـد قیم و درصورت لزوم دادستان احضار شوند حکمی که راجع به عزل صادر می‌شود باید مدلل و موجه باشد. ماده ۹۹ـ قیم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود و دادسـتان از رددرخواست عزل قیم می‌تواننـد پژوهش بخواهنـد و مـادامی که تکلیف قطعی معین نشـده امور صـغیر به وسـیله دادسـتان یا قیمی که موقتا برای محجور معین می‌شود انجام خواهـد شد. ماده ۱۰۰ـ اعمال قیم بعد از ابلاغ حکم عزل او نافذ نیسـت ماده ۱۰۱ـ در مورد ماده ۱۲۴۴ قانون مدنی اگر قیم قبل از تعیین‌شخص دیگری به جای او صورت حساب را فرستاده یا معلوم شدکه تـاخیر در فرسـتادن صورت حسـاب به واسـطه عـذر موجه بوده است ممکن است همان شـخص را به قیمومت ابقا یا مجـددا او را به قیمومت معین نمود. مـاده ۱۰۲ـ محجور می‌توانـد در موارد رفع حجر اعلاـم خروج ازقیمومت را از دادگاه بخواهـد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز موجب رفع حجر و خروج محجور را از تحت قیمومت اعلام می‌نماید.

باب سوم راجع به امین(م ۱۰۳ تا م ۱۲۵

ماده ۱۰۳ـ علاـوه بر مـواردی کـه مطـابق قـانون مـدنی تعیین امین‌می‌شـود در مـوارد زیر نیز امین معین خواهـد شـد: ۱ ـ برای اداره سهم‌الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین تعلق گیرد در صورتی که جنین ولی یا وصـی نداشته باشد. ۲ ـ برای اداره اموالی که به مصارف عمومی اختصاص داده شده ومدیری نداشـته باشد. ماده ۱۰۴ـ کسـی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعض اموال خود عاجز شـده می‌توانـد از دادگاه بخواهد که برای‌اداره اموال او امین معین شود. ماده ۱۰۵ـ تعیین امین برای جنین در دادگاه شهرسـتانی به عمل‌می‌آید که مادر جنین در حوزه آن دادگاه اقامت دارد و برای کسـی که‌عاجز از اداره اموال خود است دادگاه شهرسـتانی که شـخص نامبرده‌در حوزه آن اقامت دارد و در سایر مواردی که احتیاج به تعیین امین‌پیـدا می‌شود دادگاه شهرسـتانی صالـح اسـت کـه در حـوزه آن دادگاه‌احتیـاج به تعیین امین حاصـل شـده است مـاده ۱۰۶ـ سـایر امـور مربـوط به امین با دادگـاهی است که امین راتعیین کرده است ماده ۱۰۷ـ در مورد جنین دادسـتان و اقربای جنین و در موردمصارف عمومی دادستان و

هر ذینفعی می‌تواند از دادگاه درخواست‌تعیین امین نماید. ماده ۱۰۸ـ دادستان می‌تواند اشخاصی را که برای سمت امانت‌مناسب باشند به دادگاه معرفی نموده و دادگاه پس از احراز لزوم تعیین امین از بین اشخاص نامبرده یا اشخاص دیگر که طرف اعتمادباشند یک یا چند نفر را به سمت امین معین می‌نماید. ماده ۱۰۹ـ مادر جنین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم‌است و در صورت عدم صلاحیت یا عدم قبول او اقربای نسبی وسببی جنین بر دیگران مقدم خواهند بود. ماده ۱۱۰ـ در غیر مورد جنین پدر و جد و مادر و اولاد و زن وشوهر کسی که امین برای اداره اموال او معین می‌شود با داشتن صلاحیت به ترتیب مذکور بر دیگران حق تقدم دارند و در صورت‌نبودن اشخاص مذکور سایر اقربا بر دیگران مقدم هستند. ماده ۱۱۱ـ دادگاه می‌تواند علاوه بر امین یک یا چند نفر را به عنوان‌ناظر معین نماید. ماده ۱۱۲ـ در صورت تعدد امین و ناظر دادگاه باید حدود اختیارات آنها را معین نماید و نیز می‌تواند وظایف امنای متعدد را تفکیک‌کند. ماده ۱۱۳ـ حفظ و نظارت اموال در مواردی که محتاج به تعیین‌امین است مادام که امین معین نشده به عهده دادستانی است که اموال‌در حوزه او یافت می‌شود. ماده ۱۱۴ـ در خارج ایران مامورین کنسولی ایران حق دارند برای‌اداره اموال ایرانیان که محتاج به تعیین امین و واقع در حوزه ماموریت آنها است موقتا نصب امین نمایند و باید تا ۱۰ روز پس ازنصب امین مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستند ـ نصب امین نامبرده وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه شهرستان تهران تصمیم مامور کنسولی را تنفیذ کند. ماده ۱۱۵ـ وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون و نظامات‌مربوطه در مورد دخالت دادستانها در امور محتاج به تعیین امین‌مقرر است در خارج ایران بعهده مامورین کنسولی خواهد بود. ماده ۱۱۶ـ اگر در عهود و قراردادهای منعقده بین دولت ایران ودولتی که مامور کنسولی ماموریت خود را در کشور آن دولت اجرا می‌کند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشدمامورین مذکور مفاد آن دو ماده را تاحدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد. ماده ۱۱۷ـ اشخاصی که نباید به قیمومت منصوب شوند به سمت‌امین معین نخواهند شد. ماده ۱۱۸ـ کسی که به عنوان عجز از اداره اموال برای او امین معین‌شده اگر تصرفی در اموال خود بنماید نافذ است و امین نمی‌تواند اورا ممانعت نماید. ماده ۱۱۹ـ مقررات راجع به وظایف و اختیارات و مسوولیت قیم‌شامل امین غایب و جنین هم می‌شود. ماده ۱۲۰ـ سمت امینی که برای جنین معرفی شده است پس ازتولد طفل زایل می‌شود و در غیر این مورد پس از زوال سببی که‌موجب تعیین امین شده است سمت امین زایل خواهد شد. ماده ۱۲۱ـ مقررات راجع به عزل قیم نسبت به امین هم جاری‌است ماده ۱۲۲ـ امینی که برای اداره اموال مربوطه به مصارف عمومی‌تعیین می‌شود باید به ترتیبی که مقرر شده و موافق مصلحت اموال‌را اداره و در مصارف مخصوصه که مقرر شده است صرف نماید. ماده ۱۲۳ـ امینی که برای اداره اموال عاجز معین می‌شود به منزله‌وکیل عاجز و احکام وکیل نسبت به او جاری است ماده ۱۲۴ـ امین باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مدت‌مسافت مذکور در آیین‌دادرسی مدنی قبول یا عدم قبول سمت امانت را به دادگاه اطلاع دهد و اگر در این مدت قبولی خود را اطلاع نداد شخص دیگری معین خواهد شد مگر این که قبل از تعیین دیگری قبول سمت امانت را به دادگاه اطلاع دهد که در این صورت‌همان شخص به سمت امانت باقی خواهد ماند. ماده ۱۲۵ـ هزینه حفظ و اداره اموالی که برای آن زحمت کشیده شده است.

باب چهارم راجع به غایب مفقودالاثر

فصل اول در صلاحیت دادگاه (م ۱۲۶ تا م ۱۲۹

ماده ۱۲۶ـ امور راجع به غایب مفقودالاثر با دادگاه شهرستان محلی است که آخرین اقامتگاه غایب در آن محل بوده است ماده

۱۲۷ـ هرگاه اقامتگاه غایب در خارج از ایران باشد دادگاهی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که آخرین محل سکونت غایب در حوزه آن دادگاه بوده است ماده ۱۲۸ـ هرگاه غایب در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته یا اقامتگاه و محل سکنای او در ایران معلوم نباشد دادگاه محلی برای‌رسیدگی به امور غایب صالح است که ورثه غایب در آن محل اقامت یا سکنی دارند. ماده ۱۲۹ـ در صورتی که ورثه غایب در ایران معلوم نباشد دادگاهی‌صالح است که غایب در آن جا مال دارد.

فصل دوم در تعیین امین م ۱۳۰ تا م ۱۳۵)

ماده ۱۳۰ـ دادستان و اشخاص ذینفع از قبیل وارث و بستانکار حق‌دارند از دادگاه درخواست تعیین امین برای اداره اموال غایب بنمایند. ماده ۱۳۱ـ پس از وصول درخواست تعیین امین دادگاه درخصوص غیبت و این که غایب کسی را برای اداره اموال خود معین کرده است یا نه تحقیق نموده و پس از احراز غیبت و وجود شرایط ماده ۱۰۱۲قانون مدنی تعیین امین می‌نماید. ماده ۱۳۲ـ کسی که در زمان غیبت غایب عملا متصدی امور او باشد در موقع تعیین امین برای غایب آن شخص بر دیگران مقدم‌خواهد بود. ماده ۱۳۳ـ غایبی که تابعیت او مشکوک است تابع مقررات راجع به تبعی ایران است ماده ۱۳۴ـ سایر احکام امین غایب مطابق احکام مذکور در قانون مدنی و باب سوم این قانون است ماده ۱۳۵ـ بعد از صدور حکم موت فرضی غایب یا معلوم‌شدن موت حقیقی یا زنده‌بودن غایب سمت امین زایل می‌شود.

فصل سوم دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه م ۱۳۶ تا م ۱۵۲)

ماده ۱۳۶ـ بعد از گذشتن دو سال تمام از آخرین خبر غایب ورثه او می‌توانند از دادگاه درخواست کنند که دارایی غایب به تصرف آنهاداده شود. ماده ۱۳۷ـ درخواست باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد: ۱ ـ نام و مشخصات درخواست‌کننده ۲ ـ مشخصات غایب ۳ ـ تاریخ غیبت ۴ ـ ادله و جهاتی که به موجب آن درخواست‌کننده حق این‌درخواست را برای خود قایل است ماده ۱۳۸ـ پس از وصول درخواست‌نامه دادگاه با حضوردرخواست‌کننده و دادستان به دلایل درخواست رسیدگی می‌نماید و نیز راجع به اقامتگاه غایب و تاریخ غیبت و معلوم‌نبودن محل او بازجویی لازم نموده و در صورت احراز صلاحیت درخواست کننده آگهی مشتمل بر درخواست نامبرده و دعوت اشخاصی که از غایب اطلاعی دارند برای اظهار اطلاع به دادگاه ترتیب می‌دهد. ماده ۱۳۹ـ آگهی مذکور فوق در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله‌یک ماه منتشر می‌شود و پس از یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی‌در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ قانون مدنی‌اموال غایب به تصرف ورثه او داده می‌شود. ماده ۱۴۰ـ در صورتی که غایب برای اداره اموال خود کسی را معین‌کرده باشد و آن کس فوت شود یا به جهت دیگری صلاحیتش برای‌اداره اموال از بین برود امین برای اداره اموال معین می‌گردد و اموال‌به تصرف ورثه داده نمی‌شود تا حکم موت فرضی غایب صادرشود. ماده ۱۴۱ـ هرگاه در بین اموال غایب مال ضایع‌شدنی باشد ورثه یاامین که اموال غایب به تصرف آنها داده شده آن مال را فروخته و ازنتیجه فروش با رعایت مصلحت غایب مالی خریداری و یا اقدام‌دیگری که به صرفه غایب باشد، می‌نماید. ماده ۱۴۲ـ هر یک از امین و ورثه که اموال غایب به تصرف آنها داده‌شده است می‌توانند با اجازه دادستان اموال منقوله غایب را که مورد احتیاج نیست فروخته و از پول آن مال دیگری که موافق مصلحت‌غایب باشد، خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غایب باشد بنمایند. ماده ۱۴۳ـ در موردی که اموال غایب به ورثه تسلیم می‌شود هرگاه‌وصیتی شده باشد، اموال مورد وصیت به وصی یا موصی‌له داده‌می‌شود مشروط به این که مطابق ماده ۱۰۲۶ قانون مدنی تامین‌بدهند. ماده ۱۴۴ـ ورثه و وصی و موصی‌له که اموال غایب موقتا به آنهاتسلیم می‌شود

بایـد اموال را با رعایت مصلحت غایب حفظ و اداره‌نماینـد و آنها در اداره اموال غایب به منزله وکیل او خواهند بود. ماده ۱۴۵ـ در مـورد تسلیم اموال به امین یـا ورثه دادگـاه به‌درخواست یکی از ورثه یـا امین صورتی از اموال و اسناد غـایب‌تنظیم می‌نمایـد و این صـورت در دفتر دادگاه بایگـانی می‌شـود واشـخاص ذینفع می‌تواننـد از آن رونـوشت بگیرنـد. مـاده ۱۴۶ـ در صــورتی کـه ورثه درخواست کننـد صورت اموال بـاحضور دادستان تنظیم و بهـای اموال به توسـط کارشـناس معین و درصورت اموال بهـای آنها قید شود، دادگاه درخواست نامبرده رامی‌پـذیرد و هزینه ارزیابی از مال غایب برداشـته خواهد شد. ماده ۱۴۷ـ نفقه اشخاص واجب‌النفقه غـایب و دیون غـایب از وجه‌نقـد یا منافع اموال او داده می‌شود و در صورت عـدم کفایت از اموال‌منقوله فروخته خواهـد شـد و اگر امـوال منقـول هم کـافی نباشـد ازامـوال غیرمنقـول فروخته می‌شـود. مـاده ۱۴۸ـ در غیر مـورد مـاده قبـل ورثـه و امیـن حـق نـدارند اموال‌غیرمنقول غایب را بفروشـند یا رهن بگذارند. ماده ۱۴۹ـ در دعوی بر غایب ورثه یا امین حق دارنـد برای وصول‌مطالبات غایب اقامه دعوی نمایند. ماده ۱۵۰ـ در موردی که اموال غایب به تصـرف ورثه یا امین داده‌شده باشد دادگاه می‌تواند حق‌الزحمه متناسبی از درآمـد برای ورثه یـاامین معین نمایـد هزینه حفظ و اداره اموال غایب از اموال غایب‌برداشـته می‌شود. ماده ۱۵۱ـ هرگاه بین ورثه غایب غایبی بوده که محتاج به تعیین‌امین باشد، برای او نیز امینی معین و سـهم شخص غایب به امین‌سپرده می‌شود. ماده ۱۵۲ـ هرگاه بین ورثه غایب محجوری باشد سهم او به ولی یاقیم یا وصی سپرده خواهد شد.

فصل چهارم در حکم موت فرضی م ۱۵۳ تا م ۱۶۱)

ماده ۱۵۳ـ اشـخاص زیر می‌تواننـد از دادگـاه درخواست صـدور حکم موت فرضـی غایب را بنماینـد: ۱ ـ ورثه غـایب ۲ ـ وصـی و موصی‌له ماده ۱۵۴ـ درخواست باید کتبی و مشـتمل بر امور زیر باشد: ۱ ـ مشخصات غایب ۲ ـ تاریخ غیبت ۳ ـ دلایلی که به موجب آن درخواست‌کننـده حق درخواست صـدور حکم موت فرضـی را دارد. ۴ ـ ادله و اسـنادی که مطـابق ماده ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ قانون‌مـدنی ممکـن اسـت بـه مـوجب آن ادلـه و اسـناد درخـواست حکـم مـوت فرضـی غـایب را نمـود. مـاده ۱۵۵ـ پس از وصــول درخواست‌نـامه دادگـاه اظهـارات و دلایـل درخـواست کننـده را در نظر گرفته و در صـورتی که اظهـارات و دلایل‌نـامبرده را مـوجه دانست آگهی مطـابق ماده ۱۰۲۳ قـانون مـدنی ترتیب‌می‌دهـد و این آگهی در ۳ نوبت متوالی و هر کـدام به فاصـله یـک ماه منتشـر می‌شود و جلسه رسیدگی به درخواست به فاصله یک سال‌از تاریخ نشر آخرین آگهی معین می‌گردد. مقررات این ماده در صورتی اجراء می‌شود که قبلا در زمینه‌درخواست تصـرف اموال آگهی نشده باشد و چنانچه مطابق ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی آگهی شده باشد دادگـاه بـه آن آگهی اکتفـا می‌نمایـد. مـاده ۱۵۶ـ رسـیدگی بـا حضـور درخواست‌کننـده و دادسـتان به عمل‌می‌آیـد ـ عـدم حضور درخواست‌کننده مانع رسیدگی نیست ماده ۱۵۷ـ دادگاه می‌توانـد هرگونه تحقیق که مقتضـی بداند، بنماید و پس از احراز موجبات صدور حکم موت فرضی حکم می‌دهد. ماده ۱۵۸ـ حکم باید مشتمل بر امور زیر باشد: ۱ ـ نام و نام خانوادگی درخواست‌کننده ۲ ـ مشخصات غایب ۳ ـ دلایل و مستندات حکم ۴ ـ تاریخ صدور حکم ماده ۱۵۹ـ درخواست‌کننـده می‌تواند از رد درخواست خود و دادستان از حکم موت فرضی پژوهش بخواهد و رای پژوهش قابل‌فرجام نیست ماده ۱۶۰ـ بعد از قطعیت حکم موت فرضی تامیناتی که از امین یا ورثه گرفته شـده است مرتفع می‌شود. ماده ۱۶۱ـ در هر موقع موت حقیقی یا زنـده‌بودن غایب معلوم شود اقداماتی که راجع به موت فرضی او به عمل آمده است بلااثرخواهد شد، مگر اقداماتی که برای حفظ و اداره اموال غایب شده‌است

باب پنجم در امور راجع به ترکه

فصل اول در صلاحیت(م ۱۶۲ تا م ۱۶۵

ماده ۱۶۲ـ امور راجع به ترکه عبارت است از اقداماتی که برای‌حفظ ترکه و رسانیدن آن به صاحبان حقوق می‌شود از قبیل مهر و موم و تحریر ترکه و اداره ترکه و غیره ماده ۱۶۳ـ امور راجع به ترکه با دادگاه بخشی است که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده و اگر متوفی در ایران اقامتگاه نداشته با دادگاهی است که آخرین محل سکنای متوفی درحوزه آن دادگاه بوده است ماده ۱۶۴ـ هرگاه متوفی در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد، دادگاهی که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است صلاحیت خواهد داشت و اگر اموال غیرمنقول در حوزه‌های متعددباشد صلاحیت با دادگاهی است که قبلا شروع به اقدام کرده است ماده ۱۶۵ـ هرگاه تمام یا قسمتی از اموال متوفی در حوزه دادگاهی غیر از دادگاهی که مطابق مواد فوق صالح است باشد، دادگاهی کهاموال در حوزه آن دادگاه است اقدامات راجع به حفظ اموال متوفی را از قبیل مهر و موم به عمل آورده رونوشت صورتمجلس عملیات خود را به دادگاهی که مطابق دو ماده فوق برای رسیدگی به امور ترکه صالح است می‌فرستد.

فصل دوم در مهر و موم (م ۱۶۶ تا م ۱۹۳)

ماده ۱۶۶ـ دادگاه بخش مهر مخصوصی برای مهر و موم ترکه خواهد داشت و نمونه آن باید نزد رئیس دادگاه شهرستان باشد. ماده ۱۶۷ـ اشخاص مذکور زیر می‌توانند درخواست مهر و موم ترکه را بنمایند: ۱ ـ هر یک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آنها. ۲ ـ موصی‌له در صورتی که وصیت به جز مشاع شده باشد. ۳ ـ طلبکار متوفی که طلب او مستند به سند رسمی یا حکم قطعی‌باشد به مقدار طلب در صورتی که در مقابل طلب رهن نبوده و ترتیب دیگری هم برای تامین طلب نشده باشد. ۴ ـ کسی که از طرف متوفی به عنوان وصایت معین شده باشد. ماده ۱۶۸ـ دادگاه بخش در موارد زیر پس از اطلاع اقدام به مهر وموم می‌نماید: ۱ ـ در موردی که کسی که در خانه استیجاری یا مهمانخانه و امثال آن فوت شده و کسی برای حفظ اموال او نباشد. ۲ ـ در صورتی که از اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی امانت باشد. در مورد شق اول این ماده مالک خانه یا مدیر مهمانخانه و امثال‌آنها مکلفند به دادگاه بخش اطلاع بدهند. ماده ۱۶۹ـ در مورد شق ۲ ماده فوق ، مهر و موم فقط نسبت به اموال‌دولتی یا عمومی که نزد متوفی امانت بوده است به عمل می‌آیدمگر این که اشخاص صلاحیتدار درخواست مهر و موم نسبت به‌درخواست بقیه اموال را بنمایند. ماده ۱۷۰ـ در صورتی که قبل از حضور دادرس دادگاه بخش درمحل ترکه اقدام فوری برای حفظ ترکه لازم باشد، اقدام مزبور به‌توسط دادستان و در جایی که دادستان نباشد به توسط کلانتری محل‌و اگر مامورین شهربانی نباشند به توسط دهبان با حضور دو نفرمعتمد محلی به عمل می‌آید و در مورد مداخله دهبان دادستان‌می‌تواند در هر دهستان که مقتضی بداند دهبان را از مداخله منع کرده‌و صاحب دفتر رسمی یا یکی از مامورین دولتی یا دو نفر معتمد محلی را متفقا به انجام این کار مامور نماید، مامورین نامبرده مراتب‌را در صورتمجلس نوشته و آن را به دادگاه بخش می‌فرستند. ماده ۱۷۱ـ در هر موردی که از طرف مامورین مذکور در ماده قبل‌ترکه مهر و موم می‌شود مامورین نامبرده کلید قفلهایی را که بر روی‌آن مهر و موم خورده است در پاکت یا لفافی مهر و موم نموده و به‌دادگاه بخش می‌فرستند. ماده ۱۷۲ـ در صورتی که بین ورثه محجوری باشد که ولی یا وصی‌یا قیم نداشته باشد، دادرس باید پس از مهر و موم مراتب را به دادستان اطلاع دهد که جهت تعیین قیم اقدام نماید. ماده ۱۷۳ـ در صورتی که بین ورثه غایبی باشد که برای اداره اموال‌خود نماینده نداشته باشد اگر محل غایب معلوم است دادرس مهر وموم ترکه را به او اطلاع می‌دهد و اگر محل غایب معلوم نباشد به‌دادستان اطلاع خواهد داد که در صورت اقتضا جهت تعیین امین‌برای او اقدام کند. ماده ۱۷۴ـ رئیس دادگاه در

مواردی که بایـد اقـدام به مهر و موم شودفورا بایـد خود یا به وسـیله کارمنـد علی‌البـدل اقـدام به مهر و موم‌نماید و اگر علتی موجب تاخیر این اقـدام گردد علت مـذکور را درصورتمجلس می‌نویسد. ماده ۱۷۵ـ وقت مهر و موم را دادگاه به اشخاصـی که ذینفع بداند اطلاع می‌دهـد ولی نباید این امر موجب تاخیر مهر و موم شود. ماده ۱۷۶ـ در موقع مهر و موم صورتمجلس مشتمل بر امور زیرتنظیم می‌شود: ۱ ـ تاریخ سال و ماه و روز و ساعتی که اقدام به مهر و موم شده‌است ۲ ـ نام و مشخصات کسی که مباشر مهر و موم است ۳ ـ علـتی که موجب مهر و موم شـده است ۴ ـ نـام و مشـخصات و محل اقامت کسـی که درخواست مهر و موم‌نموده و اگر دادرس به نظر خود اقدام به مهر و موم کرده باشد این‌نکته را در صورتمجلس می‌نویسد. ۵ ـ نام و مشخصات و اظهارات اشخاص ذینفع که در موقع مهر وموم حاضـر بوده‌اند. ۶ ـ تعیین جـایی که ترکه در آن جـا مهر و موم شـده از قبیـل اطـاق صـندوقخانه و گنجه ۷ ـ وصف اجمالی از اشـیایی که مهر و موم شده است ۸ ـ اموال در محـل خود مهر و موم شـده است یا محل آن تغییر داده‌شـده ۹ ـ نگهبان در صورتی که معین شده باشد با ذکر این که نگهبان رادادرس مسـتقلا معین کرده یا برحسب معرفی اشخاص ذینفع ۱۰ ـ اظهار کتبی و صریـح با قید التزام از کلیه اشخاصـی که با متوفی‌در یک جا زندگی کرده و یا اموال در تصـرف آنها بوده مشـعر بر این‌که چیزی از اموال متوفی را خارج یا مخفی نکرده و مطلع نیستند که‌دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم اموال متوفی را برده یا مخفی‌کرده است ماده ۱۷۷ـ صـورتمجلس مـذکور فـوق بایـد به امضـاء کسـی که مباشـرمهر و مـوم است و اشـخاص ذینفـع برسـد و در صـورتی که اشـخاص‌مزبور نخواهنـد یا نتوانند امضاء کنند مراتب در صورتمجلس ذکرمی‌شود. ماده ۱۷۸ـ کلیـد قفلهایی که روی آن مهر و موم شـده در دادگـاه بخش‌بایگـانی و این امر در صورتمجلس قیـد می‌شود. ماده ۱۷۹ـ نسـبت به امـوالی که مهر و موم آن ممکن نیسـت صورت‌اجمالی از آن برداشـته شـده و در صورت لزوم‌نگهبانی‌برآن‌می گمارند. ماده ۱۸۰ـ در صورتی که از اموال دولتی یـا عمومی نزد متوفی‌امـانت باشـد اموال نـامبرده در همان محلی که متوفی گـذارده است مهرو موم خواهـد شـد مگر این که موجبی برای تغییر محل باشد. ماده ۱۸۱ـ هرگاه در مهر و موم ترکه وصـیت‌نامه یا برگهای دیگری‌پیـدا شود که در لفافی مهر و موم شده باشد دادرس مشـخصات اوراق و چگونگی مهر و موم و عنوانی که روی آن نوشـته شده و نشانه‌روی لفاف را در صورت مجلس نوشته دادرس و حاضرین اگرمعروف باشند و بتوانند امضا کنند، امضا و اگر امتناع از امضا نمایند امتناع آنها از امضا نوشته می‌شود. ماده ۱۸۲ـ لفاف مذکور در ماده فوق ، به دادگاهی که برای رسـیدگی‌به امور ترکه صالح است فرستاده می‌شود. ماده ۱۸۳ـ اگر از عنوان روی لفاف یا علایم دیگری معلوم شود که‌برگها متعلق به غیرمتوفی است دادرس برگها را به صاحبان آن رد نموده و رسید دریافت می‌نماید و مشـخصات آن را در صورتمجلس‌می‌نویسـد و اگر صاحبان برگها حاضـر نباشـند آن را تامین می‌نماید تاصاحبان آنها مطالبه نمایند. حکم این مـاده در موردی جـاری است که معارضـی نباشـد والا مطابق‌ماده قبل رفتار خواهـد شـد. ماده ۱۸۴ـ هرگاه وصـیت‌نامه در لفاف نباشد، دادرس اوصاف آن رادر صورتمجلس نوشـته آن را به دادگاهی که برای رسیدگی به امورترکه صالح است می‌فرستد. ماده ۱۸۵ـ دادگاهی که لفاف مذکور در مواد فوق به آن جا فرسـتاده‌شده است آن را باز می‌کند و در صورتی که برگها جزو ترکه باشد امانت نگاه می‌دارد والا اگر صاحبان آن حاضـر باشـند به آنها داده‌می‌شود و اگر حاضـر نیستند محفوظ می‌ماند تا صاحبان آن حاضـرشوند و اگر معلوم نباشـد که برگهـا متعلق به کیست برگهـا در دادگـاه می‌مانـد تـا صـاحب آن معلوم شود. ماده ۱۸۶ـ اگر به دادرس در ضـمن عملیات مهر و موم اطلاعی راجع‌به وجود وصـیتنامه داده شود، دادرس جسـتجو نموده و چنانچه‌وصیت‌نامه موجود باشـد به ترتیب مـذکور در مـاده ۱۸۴ عمل‌می کنـد. ماده ۱۸۷ـ در مـواردی کـه وصـیت‌نامه معتـبری بـه نظر دادرس‌می‌رسـد که آن وصـیت‌نامه مشـتمل بر امور فوری باشـد، دادرس اجازه‌می‌دهـد که امور مـذکور انجـام داده شود. ماده ۱۸۸ـ در موقع مهر و مـوم یا برداشتن مهر و موم اشیا یانوشتجاتی که داخل در ترکه نبوده و متعلق به زن یا شوهر متوفی یامتعلق به غیر باشد به صاحبان آنها رد و مشـخصات اشـیاء نامبرده درصورتمجلس نوشته می‌شود. ماده ۱۸۹ـ آن مقـدار از اثـاث‌البیت و غیره که برای زنـدگانی عیـال واولاد متوفی ضـرورت دارد و همچنیـن اشـیایی کـه قابـل مهر و مـوم‌نیست مهر و مـوم نمی‌شـود و اشـیا مزبـور در صـورتمجلس توصـیف

می گردد. ماده ۱۹۰ـ هزینه‌ای که برای کفن و دفن متوفی بـا رعایت شوون او لازم و ضـروری است از وجوه نقـد برداشـته می‌شود و اگر وجه نقدنباشـد از ترکه برداشته شـده و به فروش می‌رسـد و بقیه مهر و موم‌خواهـد شـد. مـاده ۱۹۱ـ در صـورتی که متوفی مـال نداشـته یا مال قابل مهر و موم‌نباشد، دادرس صورتمجلسـی تنظیم نموده و آن مطلب را در آن قید می‌نماید. ماده ۱۹۲ـ بعد از تحریر ترکه درخواست مهر و موم پـذیرفته‌نمی‌شود و اگر در اثنا تحریر ترکه درخواست مهر و موم بشود فقط آن مقـداری که تحریر نشده است مهر و موم می گردد. مـاده ۱۹۳ـ اشـیا ضایع‌شدنی یا اشـیایی که نگاهداری آنها مسـتلزم‌هزینه بی‌تناسب است یا اموال کم‌قیمتی که حمل و نقل و نگاهداری‌آنها مسـتلزم زحمت و اشـغال مکان وسیعی است ممکن است مهر وموم نشود و در این صورت اگر اشیا نـامبرده مورد احتیـاج اشـخاص‌واجب‌النفقه نباشـد فروخته شـده و پول آن در صـندوق دادگستری یـا یکی از بانکهـای معتبر تودیع می‌شود.

فصل سوم : در برداشتن مهر و موم م ۱۹۴ تا م ۲۰۵)

ماده ۱۹۴ـ کسـانی کـه حق درخـواست مهر و مـوم ترکه را دارنـد می‌تواننـد رفـع مهر و مـوم را هم درخـواست نماینـد. مـاده ۱۹۵ـ درخواست برداشـتن مهر و موم از دادگاه بخشی می‌شود که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است و هرگاه ترکه در حوزه دادگاه بخش دیگری باشد دادگاه بخش محل وجود ترکه به دسـتور دادگاه مذکور اقدام به رفع مهر و موم می‌نماید و صورتمجلس مربوط به این عمل را به دادگاهی که دستور برداشتن مهر و موم راداده است می‌فرستد. ماده ۱۹۶ـ دادگاه بخشی که مهر و موم را برمی‌دارد روز و ساعت‌برداشـتن مهر و موم را معین و به عموم وراث و وصـی و موصـی‌لهم‌که معروف و محل اقامت آنها در حوزه آن دادگاه بخش باشد، ابلاغ‌می‌نماید. ماده ۱۹۷ـ نسـبت به اشخاص ذینفع که محل اقامت آنها خارج از حوزه دادگاه بخش باشد ابلاغ وقت به آنهـا لازم نیست و اگر وقت به‌اشـخاص مـذکور اطلاع داده نشود دادگاه به جای آنها متصـدی دفتر رسـمی یا یک نفر از معتمـدین محل را معین و او را دعوت می‌کند که‌با حضور او مهر و موم برداشـته شود. ماده ۱۹۸ـ عدم حضور اشخاصی که وقت برداشتن مهر و موم به‌آنها اطلاع داده شده مانع از برداشـتن مهر و موم نخواهد بود. ماده ۱۹۹ـ در صورتی که بین ورثه غایب یا محجور باشد رفع مهرو موم بعـد از تعیین وکیـل یـا امین برای غـایب و تعیین قیم برای محجور به عمل خواهـد آمـد. ماده ۲۰۰ـ دادرس دادگاه بخش می‌توانـد برداشت مهر و مـوم را خـود انجـام دهـد یـا به کارمنـد علی‌البـدل رجوع نمایـد. مـاده ۲۰۱ـ در موقـع برداشـتن مهر و مـوم صورتمجلسـی مشـتمل بر امـور زیر تنظیـم می‌شـود: ۱ ـ تاریـخ ـ سـاعت ـ روز ـ مـاه ـ سـال بـا تمـام حروف ۲ ـ نـام و مشـخصات درخواست‌کننده ۳ ـ حضور و اظهارات اشـخاص ذینفع و نماینـدگان آنها و اشخاصـی‌که دادگاه بخش دعوت کرده است ۴ ـ مهر و موم صـحیح و بی‌عیب بوده یا دست‌خورده با توصـیف‌کامل از دستخوردگی ۵ ـ نام و سـمت کسـی که مهر و موم را برمی‌دارد. ۶ ـ امضا کسـی که مهر و موم را برمی‌دارد و سایر حاضـرین ماده ۲۰۲ـ در موقع برداشـتن مهر و موم ریز آن چه از ترکه مهر وموم شـده مطابق ترتیب مذکور در تحریر ترکه برداشته خواهد شد واگر تنظیم صورت ریز ترکه در یک جلسه تمام نشود در آخر هرجلسه آن قسـمتی از ترکه که مهر و موم آن برداشـته شـده مجددا مهرو موم می‌شود. ماده ۲۰۳ـ اگر در ضـمن ترکه اشیا یا نوشتجاتی متعلق به غیر باشـدو صاحبـان آنهـا استرداد آن را درخواست نماینـد بایـد به کسـی که حق‌گرفتن اشـیا و نوشـتجات را دارد رد شود و هرگاه صاحبان اشـیا و نوشـتجات حاضـر نباشـند اشیا و نوشتجات نامبرده حفظ می‌شود تابه صاحبان آنها رد شود. ماده ۲۰۴ـ در موارد زیر مهر و موم بدون تنظیم صورت ریز ترکه‌برداشته می‌شود: ۱ ـ در صورتی که درخواست‌کننده مهر و موم درخواست رفع مهر وموم را بـدون تنظیم صورت ریز ترکه نماید و بین ورثه‌محجور یا غایب و علت دیگری برای مهر و موم یا تحریر ترکه نباشد. ۲ ـ در صورتی که مهر و موم به درخواست بسـتانکار به عمل آمـده وورثه پرداخت طلب او را تعهـد نمایند یا بسـتانکار با برداشـتن مهر وموم بدون

تنظیم صورت ریز ترکه رضـایت دهـد و علت دیگری برای‌مهر و موم یا تحریر ترکه نباشـد. ۳ ـ اگر علت مهر و موم قبل از برداشـتن مهر و موم یـا در جریـان آن‌مرتفع شود. مـاده ۲۰۵ـ هرگـاه بین ورثه غـایب یـا محجـور باشـد و همچنین درصورتی که وراث متوفی معلوم نباشد در موقع برداشتن مهر و موم ترکه باید تحریر شود.

فصل چهارم در تحریر ترکه م ۲۰۶ تا م ۲۲۴)

ماده ۲۰۶ـ مقصود از تحریر ترکه تعیین مقـدار ترکه و دیون متوفی‌است مـاده ۲۰۷ـ درخواست تحریر ترکه از ورثه یا نماینـده قانونی آنها و وصـی برای اداره اموال پـذیرفته می‌شود. ماده ۲۰۸ـ امین غـایب و قیم محجور بایـد در ظرف ۱۰ روز از تاریـخ تعیین و ابلاغ سمت نامبرده به آنها در صورتی که ترکه تحریر نشده‌باشد درخواست تحریر ترکه نمایند. ماده ۲۰۹ـ در صورتی که سهم محجور از ترکه متوفـایی قبـل ازتعیین قیم معین نشـده باشـد قیم بایـد به محض انتصاب خود درخواست تحریر ترکه نمایـد و همچنین است در صورتی که پس ازتعیین قیم سهمی از ترکه متوفایی به محجور برسد. ماده ۲۱۰ـ دادگاه بخش برای تحریر ترکه وقتی را که کمتر از یک ماه و بیش از سه ماه از تاریـخ نشـر آگهی نباشـد، معین کرده و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌دهد که ورثه یا نماینده قانونی‌آنها، بستانکاران و مدیونین به متوفی و کسان دیگری که حقی برترکه متوفی دارند در ساعت و روز معین در دادگاه برای تحریر ترکه حاضـر شوند. علاوه بر آگهی فوق برای هر یک از ورثه یا نماینده قانونی آنها و وصـی و موصـی‌له اگر معین و در حومه دادگاه مقیم باشـند برای‌حضور در وقت احضاریه فرستاده می‌شود. ماده ۲۱۱ـ هرگاه میزان ترکه کمتر از یک هزار ریال باشد آگهی‌مـذکور در مـاده فوق لازم نیست و دادگـاه وقـتی را برای تحریر ترکه‌معین کرده و به اشـخاص ذینفـع که معلـوم و در حوزه دادگاه مقیم‌باشـند اطلاع می‌دهـد. ماده ۲۱۲ـ غیبت اشخاصـی که احضـار شده‌انـد مـانع از تحریر ترکه‌نخواهـد بود. ماده ۲۱۳ـ برای تحریر ترکه صورتی از ترکه برداشـته می‌شود و این‌صورت باید مشتمل بر امور زیر باشد: ۱ ـ توصیف اموال منقول با تعیین بهای آن ۲ ـ تعیین اوصـاف و وزن و عیـار نقره و طلا آلات ۳ ـ مبلغ و نوع نقـدینه ۴ ـ بهـا و نوع برگهای بهادار. ۵ ـ اسناد با ذکر خصوصیات آنها. ۶ ـ نام رقبات غیرمنقول ماده ۲۱۴ـ ارزیابی اموال منقول به توسط ارزیابی که مورد تراضی ورثه یا مورد اعتماد دادرس باشد به عمل می‌آیـد. ماده ۲۱۵ـ مطالبـات و بـدهی متوفی که به موجب احکـام نهایی و اسـناد رسـمی یا دفاتر و برگهای مربوط به متوفی یا اقرار مـدیونین و ورثـه مسلم است نیز در صـورت ترکه نوشـته می‌شـود. مـاده ۲۱۶ـ در موقع تحریر ترکه صورت مجلسـی برداشـته می‌شود که مشـتمل بر امور زیر باشد: ۱ ـ نام و سمت متصدی تحریر ترکه ۲ ـ نام و مشـخصات کسانی که احضار شده و کسانی که حاضرشده‌اند. ۳ ـ محلی که تحریر ترکه در آن جا صورت می‌گیرد. ۴ ـ اظهارات اشخاص راجع به دارایی و بدهی و ترکه متوفی ۵ ـ نام و مشـخصات کسـی که اسـناد و اموال به او داده می‌شود. ماده ۲۱۷ـ اگر در ضـمن ترکه دفاتر بازرگانی باشد جاهای سـفید آن بـادو خط متقاطع پر می‌شود و اگر دفاتر مطابق قانون پلمپ نشده‌باشـد متصـدی تحریر ترکه صـفحات دفتر را امضاء می‌نمایـد و اگر بین صـفحه‌هایی که نوشته شده جای سفیدی مانده باشد آن جا دو خط متقاطع کشیده می‌شود. ماده ۲۱۸ـ در مدتی که ترکه تحریر می‌شود تصرف در ترکه ممنوع است مگر تصرفاتی که برای اداره و حفظ ترکه لازم است ماده ۲۱۹ـ عملیات اجرایی راجع به بدهی متوفی در مدت تحریرترکه معلق می‌ماند. ماده ۲۲۰ـ مرور زمان نسبت به مطالبات متوفی در مدت تحریر ترکه جاری نمی‌شود. ماده ۲۲۱ـ دعاوی راجع به ترکه یا بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه توقیف می‌شود ولی به درخواست مدعی ممکن است خواسته تامین شود. ماده ۲۲۲ـ صورت ترکه و همچنین صورت مجلس تحریر ترکه در دفتر دادگاه بایگانی می‌شود و اشـخاص ذینفع می‌تواننـد به آن‌مراجعه نموده و رونوشت بگیرند. ماده ۲۲۳ـ هرگاه در موقع تحریر ترکه اختلافی بین ورثه راجع به‌اداره ترکه باشد، دادگاه سعی می‌کنـد که اختلاـف آنهـا به طریق‌مسـالمت مرتفع شود والا به درخواست یکی از ورثه کسـی را از ورثه‌یا غیر آنها برای حفظ ترکه

موقتا معین می‌نماید. ماده ۲۲۴ـ خاتمه تحریر ترکه به ورثه اطلاع داده می‌شود و هرگاه ورثه یا اقامتگاه آنها معین نباشد اطلاع مزبور به وسیله آگهی در روزنامه خواهد شد.

فصل پنجم دیون متوفی

مبحث اول استیفاء دین از ترکه(م ۲۲۵ تا م ۲۴۱

ماده ۲۲۵ـ دیون و حقوقی که به عهده متوفی است بعد از هزینه کفن و دفن و تجهیز متوفی و سایر هزینه‌های ضروری از قبیل هزینه حفظ و اداره ترکه باید از ترکه داده شود. ماده ۲۲۶ـ ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند و اگر ترکه برای ادا تمام دیون کافی نباشد ترکه مابین تمام بستانکاران به نسبت طلب آنها تقسیم می‌شود مگر این که آن را بدون شرط قبول کرده باشند که در این صورت مطابق ماده ۲۴۶ مسوول‌خواهند بود. در موقع تقسیم دیونی که به موجب قوانین دارای حق تقدم ورجحان هستند رعایت خواهد شد، بستانکاران زیر هر یک به ترتیب‌حق تقدم بر دیگران دارند: طبقه اول الف ـ حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از فوت ب ـ حقوق خدمتگزاران بنگاه متوفی برای مدت شش‌ماه قبل ازفوت ج ـ دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت‌سه ماه قبل از فوت طبقه دوم طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره‌متوفی بوده نسبت به میزانی که متوفی از جهت ولایت و یاقیمومت مدیون شده است این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که موت دردوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال بعد از آن واقع شده‌باشد. طبقه سوم طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای متوفی‌و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از فوت رسیده است طبقه چهارم الف ـ نفقه زن مطابق ماده ۱۰۲۶ قانون مدنی ب ـ مهریه زن تا میزان ۱۰ هزار ریال طبقه پنجم سایر بستانکاران ماده ۲۲۷ـ اگر چیزی از ترکه در مقابل دینی رهن باشد مرتهن نسبت‌به مال مرهون بر سایر بستانکاران مقدم است و اگر بهای مال مرهون از طلب مرتهن زاید باشد مقدار زاید مابین بستانکاران تقسیم می‌شود و اگر کمتر باشد مرتهن نسبت به باقیمانده طلب خود مانند سایر بستانکاران خواهد بود. ماده ۲۲۸ـ ورثه می‌توانند دیون را از ترکه یا از مال خود ادا نمایند. ماده ۲۲۹ـ تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش و صلح و هبه وغیره نافذ نیست مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا ادا دیون ماده ۲۳۰ـ ورثه در مقابل بستانکاران ضامن نقص یا تلف ترکه‌نیستند مگر این که نقص یا تلف مستند به تقصیر آنها باشد. ماده ۲۳۱ـ دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود. ماده ۲۳۲ـ دعوی بر میت اعم از دین یا عین باید به طرفیت ورثه ویا نماینده قانونی آنها اقامه شود هر چند ترکه در ید وراث نباشدلیکن مادامی که ترکه به دست آنها نرسیده است مسوول ادا دیون‌نخواهند بود. ماده ۲۳۳ـ اثبات دعوی به طرفیت بعضی از ورثه نسبت به سهم‌همان بعض موثر است و وارث دیگر که طرف دعوی نبوده می‌تواندبر حکمی که به طرفیت بعضی از ورثه صادر شده اعتراض نماید. ماده ۲۳۴ـ ورثه می‌توانند برای اثبات طلب یا حقی برای متوفی‌اقامه دعوی کنند هر چند بعد از ثبوت حق چیزی عاید آنها نشودمثل این که دین متوفی مستغرق ترکه او باشد. ماده ۲۳۵ـ بستانکار از متوفی نیز در صورتی که ترکه به مقدار کافی‌برای ادا دین در ید ورثه نباشد، می‌تواند بر کسی که او را مدیون‌متوفی می‌داند یا مدعی است که مالی از ترکه متوفی در ید اوست‌اقامه دعوی کند. ماده ۲۳۶ـ در مورد ماده قبل اگر طلب از متوفی محرز نباشد مدعی‌باید طلب خود را از متوفی به طرفیت ورثه اثبات و پس از آن دعوی‌خود را بر کسی که مدیون متوفی یا مالی از متوفی نزد او می‌داند،اقامه کند و می‌تواند بر هر دو در یک دادخواست اقامه دعوی نماید. ماده ۲۳۷ـ در مواردی که برای ادا دیون متوفی وصی معین شده‌است اثبات دین به طرفیت وصی و ورثه می‌گردد. ماده ۲۳۸ـ در مورد ترکه متوفای بلاوارث که مدیر ترکه معین‌می‌شود اثبات دین به طرفیت مدیر ترکه می‌گردد. ماده ۲۳۹ـ در دعاوی راجع به عین طرف دعوی کسی است که عین‌در دست اوست خواه وارث باشد یا غیروارث مگر این که آن کس‌مقر باشد که عین

جزو ترکه است در این صورت مـدعی بایـد برای‌اثبات ادعای خود بر تمام ورثه اقامه دعوی نمایـد. ماده ۲۴۰ـ ورثه متوفی می‌توانند ترکه را قبول کرده که دیون متوفی‌را بپردازنـد و یا ترکه را واگذار و رد کنند که به بسـتانکاران داده شود و نیز می‌توانند قبول یا رد خود را منوط به تحریر ترکه نماینـد و پس ازتحریر ترکه دیون و ترکه را مطابق صورت تحریر قبول یا رد نماینـدو یا تصـفیه ترکه را از دادگاه بخواهنـد. ماده ۲۴۱ـ قیم محجور و امین غـایب نمی‌تواننـد ترکه و دیون را به‌طور مطلق قبول نماینـد ولی می‌تواننـد مطابق صورت تحریر ترکه قبول کنند.

مبحث دوم قبول ترکه(م ۲۴۲ تا م ۲۴۸

ماده ۲۴۲ـ قبول ترکه ممکن است صـریح باشـد یـا ضـمنی قبول صـریح آن است که به موجب سـند رسـمی یا عادی قبول خود رابه دادگاه اطلاع دهند. قبول ضـمنی آن است که عملیاتی در ترکه نمایند که کاشف از قبول‌ترکه و ادا دیون باشد از قبیل بیع و صلح و هبه و رهن و امثال آن که‌به طور وضوح کشف از قبول ترکه نمایـد. ماده ۲۴۳ـ حفظ ترکه و جمع‌آوری درآمد و وصول مطالبات و به‌طورکلی اقـدامات راجع به اداره ترکه کاشف از قبول آن نخواهد بود. ماده ۲۴۴ـ اگر چیزی از ترکه در معرض تلف بوده یا حفظ آن محتـاج‌به هزینه‌ای باشـد که متنـاسب بـا بهـای آن نیست وارث می‌توانـد آن رابفروشـد و این عمـل قبـول ضـمنی ترکه محسوب نمی‌شـود وهمچنین در صورتی که برای هزینه کفن و دفن میت و هزینه ضـروری‌دیگر، فروش قسـمتی از ترکه لازم باشـد این عمل قبول ضمنی ترکه‌محسوب نیست ماده ۲۴۵ـ اگر وارثی قبل از قبول یا رد ترکه فوت کنـد ورثه آن وارث‌به جای او می‌توانند ترکه را قبول یـا رد نماینـد. ماده ۲۴۶ـ هرگـاه بعضـی از ورثـه ترکـه را قبـول و بعضـی رد نماینـدترکه بایـد تحریر شـود و بعـد از تحریر هم می‌توانند قبول یا رد نمایند. ماده ۲۴۷ـ وارثی که ترکه را قبول کرده است مادامی که تصرف درترکه نکرده می‌تواند رد نماید. ماده ۲۴۸ـ در صورتی که ورثه ترکه را قبول نمایند، هر یک مسوول ادا تمام دیون به نسبت سهم خود خواهند بود مگر این که ثابت‌کنند دیـون زایـد بر ترکه بـوده یـا ثـابت کننـد که پس از فوت متوفی ترکه‌بـدون تقصـیر آنهـا تلف شـده و باقیمانـده ترکه برای پرداخت دیون‌کافی نیست که در این صورت نسبت به زاید از ترکه مسوول نخواهند بود.

مبحث سوم رد ترکه(م ۲۴۹ تا م ۲۵۴

ماده ۲۴۹ـ وارثی که ترکه را رد می‌کند، باید کتبا یا شـفاها به دادگاه اطلاع بدهد، اطلاع مزبور در دفتر مخصوصی ثبت خواهد شد این رد نباید معلق یا مشـروط باشد. ماده ۲۵۰ـ رد ترکه بایـد در مـدت یک ماه از تاریـخ اطلاع وارث به فوت مورث به عمل آید و اگر در مـدت نـامبرده رد ترکه به عمل نیایـددر حکم قبول و مشـمول ماده ۲۴۸ خواهـد بود. ماده ۲۵۱ـ در صـورتی که ترکه تحریر شـده باشد مدت مذکور فوق از تاریخ ابلاغ خاتمه تحریر ترکه به وارث شـروع می‌شود. ماده ۲۵۲ـ اگر وارثی قبـل از رد ترکه فوت شود حق رد به ورثه او منتقـل می‌شود. مـاده ۲۵۳ـ اگر وارث عـذر موجهی برای عـدم اظهار رد در مـدت مقرر داشـته باشد. دادگاه می‌توانـد مهلت مذکور را تمدید یا تجدید کند. ماده ۲۵۴ـ هرگاه تمام ورثه ترکه را رد نماینـد در حکم ترکه متوفای بلاوارث بوده و مطابق مقررات فصل هشتم این باب رفتار می‌شود لیکن اگر از دیون متوفی زایدی بماند، مال ورثه خواهد بود.

مبحث چهارم قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه(م ۲۵۵ تا ۲۵۹

ماده ۲۵۵ـ در صورتی که ورثه فقـط مطـابق صورت تحریر ترکه ترکه و دیون را قبول کننـد بایـد در ظرف مـدت یـک ماه از تاریخ فـوت مـورث این مطلب را به دادگـاه بخش اطلاع دهنـد در این صـورت ورثه ملزمنـد که دیـون متـوفی را در حـدود صورت ترکه بپردازنـد هر چندبعـد از تنظیم صورت تحریر ترکه ادعای طلب شـده باشد. ماده ۲۵۶ـ اطلاع مـذکور در صورتی موثر است که قبلا

ترکه تحریرشده یا بعدا تحریر شود. ماده ۲۵۷ـ بعد از تحریر ترکه نیز ورثه می‌توانند در ظرف یک ماه ازتاریخ اطلاع به خاتمه تحریر ترکه قبول یا رد خود را اظهار نمایند و دادگاه بخش می‌تواند به حسب اقتضا این مدت را زیاد کند. ماده ۲۵۸ـ در صورتی که بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده و بعضی رد نمایند وارثی که ترکه را قبول کرده است اقدامات لازمه را برای اداره ترکه و ادا دیون و حقوق و وصول مطالبات و غیره انجام می‌دهد و وارثی که ترکه را رد کرده است حق هیچ‌گونه اعتراضی به عملیات او ندارد لیکن اگر پس از تصفیه ترکه چیزی از ترکه بماند سهم‌الارث وارثی که ترکه را رد کرده است به او داده خواهد شد. در این صورت وارثی که ترکه را قبول کرده در ازای زحمتی که برای‌اداره‌کردن ترکه نسبت به سهم سایرین متحمل شده مستحق دستمزدخواهد بود، تشخیص میزان دستمزد در صورت عدم تراضی با دادگاه است ماده ۲۵۹ـ در صورت تحریر ترکه وارثی که در مدت مقرر قبول یارد خود را اظهار نکرده باشد در حکم کسی است که مطابق صورت‌تحریر ترکه دیون را قبول کرده باشد.

مبحث پنجم تصفیه(م ۲۶۰ تا ۲۷۵

ماده ۲۶۰ـ مقصود از تصفیه ترکه تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی و پرداخت آنها و خارج‌کردن مورد وصیت از ماترك است ماده ۲۶۱ـ وصی و هر یک از ورثه می‌توانند از دادگاه کتبا تصفیه ترکه را بخواهند. ماده ۲۶۲ـ هرگاه بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده باشند سایر ورثه‌نمی‌توانند تصفیه ترکه را بخواهند. ماده ۲۶۳ـ دادگاه بخش پس از درخواست تصفیه منتهی تا یک هفته یک یا چند نفر را به سمت مدیر تصفیه معین می‌نماید و آنهاتحت نظر دادرس امور تصفیه را انجام می‌دهند. و اگر اداره تصفیه در محل موجود باشد آن را به اداره نامبرده مراجعه می‌نمایند. اداره تصفیه می‌تواند یک یا چند نفر را به سمت مدیر تصفیه معین‌نماید که تحت نظر آنها امور تصفیه را انجام دهند. ماده ۲۶۴ـ در صورتی که متوفی وصی برای اداره اموال داشته‌باشد، امر تصفیه به وصی واگذار می‌شود. ماده ۲۶۵ـ شکایت از عملیات مدیر تصفیه راجع به دادگاهی است‌که مدیر تصفیه را معین کرده و دادرس به حسب اقتضا مورد دستورلازم به مدیر تصفیه می‌دهد و نیز می‌تواند مدیر تصفیه را تغییر دهد. ماده ۲۶۶ـ پس از تعیین مدیر تصفیه اموال به مدیر تصفیه تسلیم‌می‌شود و در صورتی که ترکه تحریر نشده باشد مطابق فصل چهارم‌این باب تحریر می‌شود. ماده ۲۶۷ـ پس از تعیین حقوق و دیون متوفی و پرداخت آن و اخراج مورد وصیت اگر از ترکه چیزی باقی بماند ، باقیمانده ترکه به‌ورثه داده می‌شود. ماده ۲۶۸ـ مدیر تصفیه باید مطالبات متوفی را وصول و از خراب‌و ضایع‌شدن اموالی که در معرض خرابی و تضییع است جلوگیری‌کرده و آنها را به فروش برساند، در نگاهداری اموال مواظبت نموده وتعمیرات ضروری اموال غیرمنقول را بنماید، از تعطیل کارخانه و یاتجارتخانه متوفی در صورتی که دایر باشد، جلوگیری کند. درآمد ترکه و محصول را جمع‌آوری نموده و نظر به مقتضیات انبارنماید، و یا به فروش برساند، مواداولیه را که برای دایر ماندن بنگاه‌صنعتی و بازرگانی متوفی لازم است تحصیل و یا تجدید کند. ماده ۲۶۹ـ مدیر تصفیه کلیه اقداماتی که برای اداره ترکه لازم است‌به عمل می‌آورد ولی نباید از حدود اقداماتی که عادتا برای انجام‌ماموریت او لازم بوده خارج شود. ماده ۲۷۰ـ بعد از تحریر ترکه مدیر تصفیه وقتی را برای رسیدگی‌تعیین و به ورثه و بستانکاران و اشخاص ذینفعی که خود را معرفی‌کرده‌اند اطلاع می‌دهد که در وقت معین حاضر شوند. ماده ۲۷۱ـ مدیر تصفیه در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده وپس از رسیدگی کلیه دیون و حقوقی را که به ترکه تعلق می‌گیردتادیه می‌نماید. ماده ۲۷۲ـ بستانکاری که در موعد مقرر برای تحریر ترکه خود را معرفی نکرده یا پس از معرفی طلب او تصدیق نشده باشد می‌توانددر دادگاه صلاحیتدار تا مقداری که از ترکه به ورثه داده شده است برورثه اقامه دعوی نماید و اگر چیزی به ورثه نرسیده یا آنچه رسیده‌است کافی برای تادیه طلب نباشد، می‌تواند بر بستانکاران دیگر که‌ترکه به آنها داده شده برای اخذ حصه غرمائی خود اقامه دعوی‌نماید. ماده ۲۷۳ـ کسی که ادعای طلبی نموده و طلب او تصدیق نشده‌باشد و نیز کسی که طلب او کسر شده یا حق رهن یا حق رجحان اومنظور نشده می‌تواند در دادگاه صلاحیتدار اقامه دعوی نماید. ماده ۲۷۴ـ تصفیه ترکه متوفی در صورتی که متوفی بازرگان

باشدتابع مقررات تصفیه امور بازرگانان متوقف است ماده ۲۷۵ـ فروش اموال متوفی به توسط مدیر تصفیه باید به طریق‌مزایده باشد مگر اموالی که دارای نرخ معینی است یا تمام اشخاص‌ذینفع در قیمت آن موافق باشند، ترتیب مزایده در آیین‌نامه وزارت‌دادگستری معین می‌شود.

فصل ششم راجع به وصیت(م ۲۷۶ تا م ۲۹۹

ماده ۲۷۶ـ وصیت‌نامه اعم از این که راجع باشد به وصیت عهدی یا تملیکی منقول یا غیرمنقول ممکن است به طور رسمی یاخودنوشت یا سری تنظیم شود. ماده ۲۷۷ـ ترتیب تنظیم وصیت‌نامه رسمی و اعتبار آن به طوری‌است که برای اسناد تنظیم‌شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است ماده ۲۷۸ـ وصیت‌نامه خودنوشت در صورتی معتبر است که تمام آن به خط موصی نوشته شده و دارای تاریخ روز و ماه و سال به خط موصی بوده و به امضای او رسیده باشد. ماده ۲۷۹ـ وصیت‌نامه سری ممکن است به خط موصی یا به خط دیگری باشد ولی در هر صورت باید به امضا موصی برسد و به ترتیبی که برای امانت اسناد در قانون ثبت اسناد مقرر گردیده در اداره ثبت اقامتگاه موصی یا محل دیگری که در آیین‌نامه وزارت دادگستری معین می گردد، امانت گذارده می‌شود. ماده ۲۸۰ـ کسی که سواد ندارد نمی‌تواند به ترتیب سری وصیت نماید. ماده ۲۸۱ـ کسی که نمی‌تواند حرف بزند هرگاه بخواهد وصیت‌نامه‌سری تنظیم کند باید تمام وصیت‌نامه را به خط خود نوشته و امضا نماید و نیز در حضور مسوول دفتر رسمی روی وصیت‌نامه بنویسدکه این برگ وصیت‌نامه اوست و در این صورت مسوول دفتر بایدروی پاکت یا لفافی که وصیت‌نامه در اوست بنویسد که عبارت‌مزبور را موصی در حضور او نوشته است ماده ۲۸۲ـ وصیت‌نامه سری را موصی همه وقت می‌تواند به‌ترتیبی که برای استرداد اسناد امانتی مقرر است استرداد نماید. ماده ۲۸۳ـ در موارد فوق العاده از قبیل جنگ یا خطر مرگ فوری و امراض ساریه و مسافرت در دریا که مراوده نوعا مقطوع و به این‌جهت موصی نمی‌تواند به یکی از طرق مذکور وصیت کند، ممکن‌است وصیت به طریقی که در مواد بعد ذکر می‌شود واقع شود. ماده ۲۸۴ـ افراد و افسران نظامی یا کسانی که در ارتش اشتغال به کاردارند می‌توانند نزد یک نفر افسر یا هم ردیف او با حضور دو گواه‌وصیت خود را شفاها اظهار نمایند. ماده ۲۸۵ـ در صورتی که نظامی یا کسی که در ارتش اشتغال به کاری دارد بیمار یا مجروح باشد ممکن است وصیت خود را درحضور رئیس بهداری ارتش و مدیر بیمارستان که موصی درآنجاست اظهار نماید. ماده ۲۸۶ـ اشخاصی می‌توانند به ترتیب مذکور در دو ماده قبل‌وصیت نمایند که در جنگ یا مامور عملیات جنگی باشند و یا درمحلی زندانی یا محصور باشند که مراوده‌ای با خارج نباشد. ماده ۲۸۷ـ در سایر موارد مذکور در ماده ۲۸۳ موصی می‌تواند درحضور دو نفر گواه وصیت خود را اظهار نماید و یکی از آن دو گواه اظهارات او را با تعیین تاریخ روز و ماه و سال و محل وقوع وصیت‌نوشته و موصی و گواهها آن را امضا می‌نمایند و اگر موصی نتواند امضا کند گواهها این نکته را در وصیت‌نامه قید می‌کنند. ماده ۲۸۸ـ اشخاصی که مطابق ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ وصیت نزد آنهاشده و همچنین گواههای مذکور در ماده قبل در اول زمان امکان باید در اداره ثبت اسناد یا محلی که در آیین‌نامه وزارت دادگستری تعیین‌می‌شود حاضر شده وصیت‌نامه را مطابق مقررات راجع به امانت‌گذاردن اسناد امانت بگذارند و ضمنا اعلام کنند که این آخرین وصیت موصی است که با داشتن اهلیت اظهار داشته است ماده ۲۸۹ـ در صورتی که اشخاص مذکور در ماده ۲۸۴ و ۲۸۵اظهارات موصی را ننوشته باشند در اول زمان امکان نزد دادرس دادگاه بخشی که به او دسترسی دارند حاضر شده و اظهارات موصی‌را با تاریخ و محل وقوع وصیت و اهلیت موصی شفاها اظهارمی‌دارند. اظهارات مزبور در صورتمجلس نوشته شده و به امضای‌دادرس دادگاه بخش و گواهها می‌رسد. ماده ۲۹۰ـ وصیتی که مطابق مواد قبل (در موارد غیرعادی واقع‌می‌شود بعد از گذشتن یک ماه از تاریخ مراجعه و رسیدن موصی به محلی که بتواند به یکی از طرق مذکور در ماده ۲۷۶ وصیت کند باگذشتن یک ماه از تاریخ بازشدن راه و

مرتفع‌شدن مانعی که به‌واسطه آن مانع نتوانسته موصی به یکی از طرق مذکور وصیت‌نماید بی‌اعتبار می‌شود مشروط به این که در مدت نامبرده موصی‌متمکن از وصیت باشد. ماده ۲۹۱ـ هر وصیتی که به ترتیب مذکور در این فصل واقع نشده‌باشد در مراجع رسمی پذیرفته نیست مگر این که اشخاص ذینفع درترکه به صحت وصیت اقرار نمایند. ماده ۲۹۲ـ هر دادگاه اداره بنگاه یا شخصی که وصیت‌نامه به اوسپرده شود و نیز دادگاهی که در موارد فوق العاده وصیت در آن جااظهار گردیده مکلف است بعد از اطلاع به فوت موصی وصیت‌نامه‌یا صورتمجلس راجع به وصیت را به دادگاه بخشی که برای رسیدگی‌به امور راجع به ترکه متوفی صالح است بفرستد اعم از این که‌وصیت‌نامه نامبرده به حسب قانون قابل ترتیب اثر باشد یا نباشد وهرگاه وصیت‌نامه متعدد باشد باید تمام آنها فرستاده شود. ماده ۲۹۳ـ هرگاه کسی که وصیت‌نامه نزد اوست خارج از مقر دادگاه‌بخش مذکور فوق باشد می‌تواند وصیت‌نامه را به دادگاه محل خودتسلیم نماید و آن دادگاه مکلف است فورا وصیت‌نامه را به دادگاه‌بخش نامبرده بفرستد. ماده ۲۹۴ـ دادگاه بخش در آگهی که برای اداره یا تصفیه ترکه یاتصدیق حصر وراثت می‌شود قید می‌کند که هر کس وصیت‌نامه‌ای‌از متوفی نزد اوست در مدت سه ماه به دادگاهی که آگهی نموده بفرستد و پس از گذشتن این مدت هر وصیت‌نامه‌ای (جزوصیت‌نامه رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است ماده ۲۹۵ـ پس از گذشتن مدت مذکور فوق دادگاه بخش وقتی رابرای افتتاح وصیت‌نامه تعیین و به اشخاصی که وراثت آنها معلوم‌است اطلاع می‌دهد که در وقت مزبور حاضر شوند. ماده ۲۹۶ـ هنگام ابراز وصیت‌نامه دادرس دادگاه بخش باید باحضور نماینده دادستان یا مدیر دفتر صورت مجلسی مشتمل برخلاصه وصیت و این که وصیت‌نامه در حضور او باز شده وخصوصیات وصیت‌نامه از قبیل مهر و موم و غیره تنظیم و به امضا حضار برساند. وصیت‌نامه سری را دادرس دادگاه بخش با حضور اشخاصی بازمی‌نماید که لفاف آن را امضاء یا مهر کرده و در تاریخ بازکردن زنده و در مقر دادگاه حاضر هستند. اصل وصیت‌نامه که مطابق این ماده نزد دادرس دادگاه بخش بازمی‌شود و به دفتر امانات ثبت فرستاده می‌شود و رونوشت آن دردفتر دادگاه می‌ماند، اشخاص ذینفع می‌توانند از آن رونوشت بگیرند. ماده ۲۹۷ـ بعد از بازشدن وصیت‌نامه دادگاه بخش به اشخاصی که‌وصیت به نفع آنها شده یا کسانی که وصی معین شده‌اند مراتب را اطلاع می‌دهد. ماده ۲۹۸ـ وصیت‌نامه وقتی معتبر است که تمام آن موجود باشد وادعاء فقدان وصیت‌نامه اعم از این که این دعوی نسبت به تمام وصیت‌نامه یا قسمتی از آن باشد مسموع نیست ماده ۲۹۹ـ ترتیب صدور سند مالکیت به نام ورثه یا موصی‌له‌نسبت به اموال غیرمنقول که به نام مورث ثبت شده است در آیین‌نامه وزارت دادگستری معین می‌شود.

فصل هفتم در تقسیم (م ۳۰۰ تا م۳۲۶)

ماده ۳۰۰ـ در صورت تعدد ورثه هر یک از آنها می‌توانند از دادگاه‌درخواست تقسیم سهم خود را از سهم سایر ورثه بخواهند. ماده ۳۰۱ـ ولی و وصی و قیم هر وارثی که محجور باشد و امین غایب و جنین و کسی که سهم‌الارث بعضی از ورثه به او منتقل شده است و همچنین موصی‌له و وصی راجع به موصی‌به در صورتی که‌وصیت به جز مشاع از ترکه شده باشد حق درخواست تقسیم رادارند. ماده ۳۰۲ـ نسبت به درخواست تقسیم مرور زمان جاری نیست و کسانی که ذیحق در درخواست تقسیم هستند همه وقت می‌توانند این درخواست را بنمایند. ماده ۳۰۳ـ هرگاه یکی از ورثه متوفی غایب مفقود الاثری باشد که‌وکیل نداشته باشد و درخواست تقسیم اموال متوفی بشود بدوا برای غایب امین معین می‌شود و بعد تقسیم به عمل می‌آید. ماده ۳۰۴ـ درخواست تقسیم باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد: ۱ ـ نام و مشخصات درخواست‌کننده و متوفی ۲ ـ ورثه و اشخاص دیگری که ترکه باید بین آنها تقسیم شود و سهام هر یک ماده ۳۰۵ـ پس از وصول درخواست هرگاه دادگاه محتاج به‌توضیحاتی باشد درخواست‌کننده را احضار نموده و توضیحاتی که لازم است از او می‌خواهد. ماده ۳۰۶ـ دادگاه برای رسیدگی به موضوع درخواست تعیین جلسه‌نموده

و درخواست‌کننده و اشخاص ذینفع را احضار می‌نماید. ماده ۳۰۷ـ درخواست‌کننده تقسیم می‌تواند زمینه‌هایی برای تقسیم ترکه تهیه نموده و به دادگاه تسلیم نماید در این صورت مراتب در احضاریه نوشته شده و تذکر داده می‌شود که مراجعه به زمینه‌های‌نامبرده در دفتر دادگاه مانعی ندارد. ماده ۳۰۸ـ وقت رسیدگی باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ احضاریه و روز دادرسی کمتر از ده روز نباشد. ماده ۳۰۹ـ اشخاص ذینفع می‌توانند در دادگاه حاضر شده به تراضی‌قراری راجع به مقدمات تقسیم اموال بگذارند. در این صورت دادگاه صورتمجلسی مشتمل بر قرارداد نامبرده تنظیم‌می‌نماید. ماده ۳۱۰ـ هرگاه یک یا چند نفر از اشخاص ذینفع در تنظیم قرارداد مذکور فوق شرکت نداشته و رضایت خود را اظهار ننموده باشند دادگاه نتیجه تصمیمی را که مربوط به شخص غایب است به اواعلام می‌نماید با ذکر این که می‌تواند در ظرف مدت معینی در دفتر دادگاه حاضر شده و به قرارداد مراجعه نموده و رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام دارد. ماده ۳۱۱ـ در اخطار مذکور در فوق قید می گردد که هرگاه شخص غایب در مدت معینه در دفتر حاضر نگردد و یا رضایت و عدم رضایت خود را اظهار نکند برطبق قرار مذکور در ماده ۳۰۹ قضیه‌حل خواهد شد. ماده ۳۱۲ـ هرگاه شخص غایب در اثر عذر موجهی حاضر نشده باشد و درخواست وقت جدیدی نماید تا رضایت و عدم رضایت خود را اعلام دارد دادگاه وقت جدیدی برای او معین خواهد نمود. ماده ۳۱۳ـ در صورتی که تمام ورثه و اشخاصی که در ترکه شرکت‌دارند حاضر و رشید باشند به هر نحوی که بخواهند می‌توانند ترکه را مابین خود تقسیم نمایند لیکن اگر مابین آنها محجور یا غایب باشد تقسیم ترکه به توسط نمایندگان آنها در دادگاه به عمل می‌آید. ماده ۳۱۴ـ در صورتی که ورثه تراضی در بهای اموال غیرمنقول مورد درخواست تقسیم ننمایند اموال نامبرده باید توسط کارشناس ارزیابی شود و اموال منقول در صورتی ارزیابی می گردد که بهارزیابی در موقع تحریر ترکه به جهاتی نتوان ترتیب اثر داد. ترتیب انتخاب کارشناس و مقررات راجع به کارشناس که درآیین‌دادرسی مدنی مقرر است در تقسیم رعایت می‌شود. ماده ۳۱۵ـ کارشناس باید بهای اموال مورد درخواست تقسیم و قابل قسمت‌بودن و قابل قسمت‌نبودن آنها را معین و سهام را تعدیل‌نماید. کارشناس باید برای ارزیابی اموال بهای روز ارزیابی را درنظر بگیرد. ماده ۳۱۶ـ تقسیم طوری به عمل می‌آید که برای هر یک از ورثه ازهر نوع اموال حصه‌ای معین شود و اگر بعضی از اموال بدون زیان قابل تقسیم نباشد ممکن است آن را در سهم دیگران منظور نمود و اگر تعدیل محتاج به ضمیمه پول یا اموال باشد به ضمیمه آن تعدیل‌می‌شود. ماده ۳۱۷ـ در صورتی که مال اعم از منقول یا غیرمنقول قابل تقسیم و تعدیل نباشد، ممکن است فروخته شده بهای آن تقسیم شود. فروش اموال به ترتیب عادی به عمل می‌آید مگر آن که یکی از ورثه فروش آن را به طریق مزایده درخواست کند. ماده ۳۱۸ـ در صورتی که بعضی از ورثه مدیون متوفی باشندممکن است دین را در سهم خود آنها قرار داد. ماده ۳۱۹ـ در صورتی که پس از تعدیل سهام ورثه به تعیین حصه‌تراضی ننمایند سهام آنها به قرعه معین می‌شود. ماده ۳۲۰ـ در موردی که تقسیم از طریق قرعه انجام می گیرد باید جلسه‌ای که برای قرعه معین شده به اشخاص ذینفع اطلاع داده شود و اگر بعضی از اشخاص نامبرده حاضر نشوند دادگاه بخش به درخواست اشخاص حاضر اقدام به قرعه و تعیین سهام می‌نماید. ماده ۳۲۱ـ هرگاه یکی از ورثه غایب یا محجور باشد برای غایب و محجور امین یا قیم معین و پس از آن تقسیم به عمل می‌آید. ماده ۳۲۲ـ پس از تمام شدن تقسیم دادگاه صورت مجلسی تنظیم‌نموده و در آن مقدار ترکه و سهم هر یک از وراث و آنچه برای تادیه دیون و اجرای وصیت منظور شده تصریح می‌نماید. ماده ۳۲۳ـ صورت مجلس مذکور فوق باید به امضا یا مهر صاحبان سهام و امضای دادرس دادگاه برسد و هرگاه بعضی ازصاحبان سهام نباشند یا نتوانند و یا نخواهند امضاء کنند، جهت امضا نکردن آنها در صورتمجلس قید می‌شود و این صورتمجلس در دفترخانه دادگاه باقی خواهد ماند. ماده ۳۲۴ـ دادگاه برطبق صورتمجلس مذکور در دو ماده فوق تقسیم‌نامه به عده صاحبان سهام تهیه نموده و به آنها ابلاغ و تسلیم می‌نماید. این تصمیم دادگاه حکم شناخته شده و از تاریخ ابلاغ در حدودقوانین قابل اعتراض و پژوهش و فرجام است ماده ۳۲۵ـ هر یک از ورثه پس از تقسیم مالک مستقل سهم خودخواهد بود و هر تصرفی که بخواهد می‌نماید و به حصه دیگران حقی ندارد. ماده ۳۲۶ـ مقررات قانون مدنی راجع به تقسیم در

مورد تقسیم ترکه جاری است و نیز مقررات راجع به تقسیم که در این قانون مذکوراست در مورد تقسیم سایر اموال جاری خواهد بود.

فصل هشتم در ترکهٔ متوفای بلاوارث(م ۳۲۷ تا م ۳۳۶

ماده ۳۲۷ـ در صورتی که وارث متوفی معلوم نباشد به درخواست دادستان یا اشخاص ذینفع برای اداره ترکه مدیر معین می‌شود. ماده ۳۲۸ـ در مورد ماده فوق ، دادستان مکلف است مراقبت نمایداقداماتی که برای حفظ ترکه لازم است به عمل آید و از دادگاه تعیین‌مدیر ترکه را بخواهد. ماده ۳۲۹ـ پس از وصول درخواست دادگاه بایـد منتهی تا یک هفته‌مدیر ترکه را معین نماید. ماده ۳۳۰ـ در صورتی که متوفی برای اجرای وصیت خود وصی‌معین کرده باشد اداره ترکه به وصی واگذار می‌شود. ماده ۳۳۱ـ هرگاه متوفی محجور بوده و وصی داشته است اداره ترکه‌به وصی یا قیم واگذار می‌شود. ماده ۳۳۲ـ در غیر موارد مذکور در دو ماده فوق اداره ترکه به کسی که‌مورد اعتماد دادرس است واگذار خواهد شد. ماده ۳۳۳ـ مقررات مواد ۲۶۵ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۳و ۲۷۴ و ۲۷۵ نسبت به ترکه متوفایی هم که وارث او معلوم نیست‌جاری خواهد بود. ماده ۳۳۴ـ مدیر ترکه پس از تحریر ترکه دیون و واجبات مالی‌متوفی را ادا کرده مورد وصیت را در صورتی که وصیت شده باشدخارج و باقی مانده ترکه را از اموال منقول و غیرمنقول و وجه نقد که در تصرف دولت یا بنگاههای بازرگانی و صرافی و غیره یا اشخاصی‌است به دادستان تسلیم می‌کند که به ترتیب مقرر در آیین‌نامه وزارت دادگستری نگاهداری نماید. ماده ۳۳۵ـ اگر از تاریخ تحریر ترکه تا ۱۰ سال وارث متوفی معلوم‌شود ترکه به او داده می‌شود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقیمانده ترکه به خزانه دولت تسلیم می‌شود و ادعای حقی نسبت به ترکه از کسی به هر عنوان که باشد پذیرفته نیست ماده ۳۳۶ـ در صورتی که قبل از انقضای مدت مذکور فوق ادعای حقی بر متوفی بشود و حق نامبرده به موجب سند رسمی یا حکم قطعی دادگاه ثابت شده باشد مدیر ترکه باید بپردازد و در صورتی که حقی به موجب نوشتجات یا دفاتر متوفی محرز شود مدیر ترکه با موافقت دادستان می‌تواند آن را بپردازد و اگر ترکه به دادستان داده‌شده باشد او خواهد پرداخت و چنانچه ادعا به ترتیب مذکور ثابت‌و محرز نشود مدعی می‌تواند به طرفیت مدیر ترکه و در صورتی که ترکه به دادستان داده شده باشد به طرفیت او اقامه دعوی نماید.

فصل نهم راجع به ترکه اتباع خارجه(م ۳۳۷ تا م ۳۵۹

ماده ۳۳۷ـ جز آنچه در این فصل ذکر می‌شود مهر و موم و برداشتن مهر و موم و تحریر و اداره ترکه اتباع خارجه به همان طریقی خواهد بود که مطابق این قانون برای ترکه اتباع ایران مقرر است ماده ۳۳۸ـ هرگاه تبعه خارجه در ایران یا در خارجه فوت شود و در ایران دارای مالی باشد دادرس دادگاه بخش محلی که مال متوفی در آنجا واقع است به درخواست هر ذینفع یا به درخواست کنسول دولت متبوع متوفی به حفظ و تصفیه امر ترکه اقدام می‌نماید و درصورتی که متوفی وارث یا قائم مقام در ایران نداشته باشد بدون درخواست هم دادرس پس از اطلاع اقدام به حفظ و تصفیه ترکه‌می‌نماید. ماده ۳۳۹ـ دادگاه بخش پس از وصول درخواست ذینفع یا کنسول و به محض اطلاع از فوت در مورد اخیر ماده فوق وقتی را که از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع متجاوز از ۴۸ ساعت نباشد برای اقدام تامینه از قبیل مهر و موم و غیره معین کرده کتبا به کنسول دولت متبوع اطلاع می‌دهد که در موقع اقدام به تامین حضور به هم رسانند. عدم حضور کنسول مانع از اقدام نخواهد بود ولی بعدا می‌تواند درمحل حاضر شده مهر و موم خود را به مهر و موم دادگاه اضافه نماید. ماده ۳۴۰ـ در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی قبلاـ از وفات مطلع شده و امر طوری باشد

که تا اطلاع به مامورین ایران بیم‌تضییع و تفریط تمام یا قسمتی از ترکه برود، می‌تواند شخصا اقدامات موقتی را برای حفظ آن به عمل آورده وضعیت موقتی را تا مداخله دادرس دادگاه بخش حفظ نماید. ماده ۳۴۱ـ در موقعی که دادگاه بخش برای مهر و موم تعیین وقت می‌کند باید بلافاصله و منتهی در ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع یک نفر را برای اداره ترکه معین و معرفی نماید. ماده ۳۴۲ـ دادگاه می‌تواند با رعایت ماده ۲۶۴ و با در نظر گرفتن مصلحت و منافع و ورثه و اشخاص ذینفع هر کس را که طرف اعتماد بداند به سمت مدیر ترکه معین کند. اقدامات مدیر ترکه با نظارت دادستان به عمل خواهد آمد. در نقاطی که اداره تصفیه موجود است مدیر ترکه معین نمی‌شود واین وظیفه به اداره تصفیه رجوع می‌شود. ماده ۳۴۳ـ مدیر ترکه باید به محض ابلاغ انتصاب خود سه آگهی هریک به فاصله یک ماه در مجله رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران منتشر نموده اشخاصی را که به‌عنوانی از عناوین برای خود حقی بر ذمه متوفی و یا بر اعیان ترکه قایل هستند دعوت نماید. در ظرف شش‌ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی خود را معرفی و موضوع حق خود را معین کنند و رونوشت یاعکس گواهی شده مدارک طلب و حقانیت خود را به او تسلیم‌نمایند. هرگاه میزان ترکه کمتر از هزار ریال باشد، آگهی در روزنامه لازم‌نیست ماده ۳۴۴ـ پس از تعیین مدیر ترکه دادگاه بخش با حضور دادستان ترکه را تحریر و به او تسلیم می‌نماید. ماده ۳۴۵ـ برای تحریر ترکه روز و ساعت و محل تحریر به دادستان‌و اشخاص مشروحه اطلاع داده می‌شود: ۱ ـ تمام وراث که در ایران حاضر بوده و یا نماینده در آنجا دارند. ۲ ـ وصی اگر معلوم و مقیم ایران باشد. ۳ ـ کسانی که وصیت به نفع آنها شده اگر معلوم و مقیم ایران بوده ویا در ایران نماینده داشته باشند. ۴ ـ شریک متوفی اگر باشد در صورتی که در ایران حاضر بوده یا نماینده داشته باشد. ۵ ـ کنسول دولت متبوع متوفی ماده ۳۴۶ـ غیبت اشخاصی که اعلام‌نامه مندرج در ماده فوق برای‌آنها فرستاده شده مانع از تحریر ترکه نخواهد بود ولی در صورتی که‌کنسول دولت متبوع متوفی در موقع تحریر ترکه حاضر نباشد در صورتمجلس قید و رونوشتی از آن برای کنسول فرستاده می‌شود. ماده ۳۴۷ـ به صورت ریز ترکه باید صورتی از اموال غیرمنقول که در ایران واقع است با تعیین بهای تقریبی آنها پیوست شود. ماده ۳۴۸ـ در صورتی که ورثه یا وصی متوفی یا قائم‌مقام قانونی آنها حاضر شوند برای بهای ترکه تامین دهند که هرگاه در مدت یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۳۴۳ بستانکارانی پیدا شوند که تبعه ایران یا مقیم ایران باشند و طلب آنها ثابت گردد از عهده برآیند ترکه پس از وضع هزینه آگهی‌ها و هزینه‌های دیگر قانونی که به عمل آمده است به تصرف آنها داده می‌شود. ماده ۳۴۹ـ تامین ممکن است به وسیله تودیع وجه نقد یا وثیقه‌دادن اموال منقول و یا غیرمنقول یا دادن ضامن معتبر به عمل آید ونیز ممکن است درخواست‌کننده از همان اموال متوفی تامین بدهد. قبول یا رد تامین منوط به نظر دادگاهی است که مدیر ترکه را تعیین‌نموده است ماده ۳۵۰ـ مدیر ترکه با اجازه دادگاه بخش می‌تواند به ورثه متوفی‌که در حال استیصال و مقیم در ایران هستند تا موقع تصفیه ماترک مبلغی که برای معیشت آنها ضروری باشد، بپردازد. در موردی که اداره تصفیه وظیفه امین ترکه را انجام می‌دهد اجازه‌دادگاه بخش لازم نیست ماده ۳۵۱ـ پس از انقضا مدت مذکور در ماده ۳۴۳ مدیر ترکه وقتی‌را برای رسیدگی به دعاوی و مطالبات معین کرده به ورثه یا وصی یا قائم‌مقام قانونی آنها و کنسول دولت متبوع متوفی اگر در محل‌باشد، اطلاع می‌دهد و در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده و پس‌از رسیدگی کلیه دیون و تعهداتی را که بر ذمه متوفی ثابت و محقق‌است با اجازه دادستان تادیه می‌نماید و بقیه را به ورثه یا وصی یا قائم‌مقام قانونی آنها و در صورتی که اشخاص نامبرده اصلا نباشند یا در ایران نباشند به کنسول یا سایر نمایندگان سیاسی دولت متبوع‌متوفی تسلیم می‌نماید. ماده ۳۵۲ـ اشخاصی که مدعی حقی بر ترکه بوده و دعوی آنها ازطرف مدیر ترکه و دادستان یا مدیر تصفیه تصدیق نشده باشد می‌توانند دعوی خود را در دادگاه صلاحیتدار اقامه یا تعقیب نمایند. انقضا مدت مقرر در ماده ۳۴۳ موجب سقوط حق اشخاصی که درظرف مدت حق خود را مطالبه نکرده‌اند، نمی‌باشد. ماده ۳۵۳ـ اگر نسبت به ترکه متوفی قرار تامین صادر شده باشدتسلیم اموال به اشخاص مذکور در ماده ۳۵۱ با رعایت قرار دادگاه به‌عمل خواهد آمد. ماده ۳۵۴ـ هرگاه متوفی بازرگان بود و

به موجب حکم دادگاه‌ورشکستگی او قبل یا بعد از فوت اعلام شود اداره تصفیه امور اوتابع مقررات راجع به تصفیه امور بازرگان متوقف است ماده ۳۵۵ـ رسیدگی به دعاوی راجع به ترکه اتباع خارجه در ایران ازصلاحیت دادگاه ایران است ماده ۳۵۶ـ تصدیق صادره از مقامات صلاحیتدار کشور متوفی‌راجع به وراثت اتباع خارجه یا انحصار آن پس از احراز اعتبار آن دردادگاه ایران از حیث صدور و رعایت مقررات مربوطه به اعتبار اسنادتنظیم شده در خارجه قابل ترتیب اثر خواهد بود. ماده ۳۵۷ـ اگر تبعه خارجه که در ایران فوت شده مسافر موقتی‌باشد اشیاء متعلق به او فورا به کنسول دولت متبوع او تسلیم‌می‌شود. ماده ۳۵۸ـ از هزینه‌هایی که برای اداره کردن ترکه می‌شود بایدصورت کاملی به دادستان داده شود. ماده ۳۵۹ـ حقوقی که به موجب این فصل برای کنسول‌ها یانمایندگان سیاسی خارجی مقرر شده مربوط به کنسول یا نماینده‌سیاسی دولی است که در خاک آن دول نسبت به کنسول‌ها یانمایندگان سیاسی ایران معامله متقابله بشود.

فصل دهم در تصدیق انحصار وراثت (م ۳۶۰ تا م ۳۷۴

ماده ۳۶۰ـ در صورتی که وارث متوفی یا سایر اشخاص ذینفع بخواهند تصدیق انحصار وراثت تحصیل کنند درخواست‌نامه کتبی مشتمل بر نام و مشخصات درخواست‌کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وراث تنظیم نموده به دادگاه‌تسلیم می‌نماید. ماده ۳۶۱ـ دادگاه رسیدگی کننده درخواست متقاضی را یک نوبت‌در روزنامه‌های کثیرالانتشار یا محلی آگهی می‌نماید. (اصلاحی۱۸/۴/۱۳۷۴) تبصره در نقاطی که روزنامه دایر نیست دادگاه می‌تواند به جای آگهی در روزنامه محلی به تعداد لازم به هزینه متقاضی گواهی حصر وراثت آگهی تهیه نموده و در معابر همان محل الصاق نماید. تاریخ الصاق آگهی‌ها که باید در یک روز به عمل آید به وسیله‌صورت جلسه که مامورین ابلاغ نسبت به این موضوع تهیه‌می‌نمایند رعایت خواهد گردید. (الحاقی ۲۰/۹/۱۳۳۷). ماده ۳۶۲ـ پس از انقضای یک ماه از تاریخ نشر آگهی در صورتی که معترضی نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست کننده تصدیق را ازبرگ شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراث و نسبت آنها به متوفی صادر می‌نماید ودر صورت اعتراض دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده و به معترض و درخواست‌کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و درجلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد و این حکم قابل پژوهش وفرجام است (اصلاحی ۱۸/۴/۱۳۷۴) ماده ۳۶۳ـ دادگاه بخش می‌تواند گواهها را احضار کرده و گواهی آنان‌را استماع کند، چنانچه گواه درخارج از مقر دادگاه ساکن باشد تحقیق از گواه به وسیله دادگاه محل اقامت گواه یا نزدیکترین دادگاه محل‌اقامت گواه به عمل خواهد بود. ماده ۳۶۴ـ در صورتی که بهای ترکه بیش از ده میلیون ریال نباشد دادگاه بدون انتشار آگهی به ادله درخواست‌کننده رسیدگی ودرخواست تصدیق صدور گواهی حصر وراثت را حسب اقتضای دلایل قبول یا رد می‌نماید. و در مورد وراث روستائیان در صورتی‌که بهای ترکه بیش از مبلغ فوق باشد فقط به الصاق آگهی برای یک‌بار و در یک روز در معابر و اماکن عمومی روستای محل اقامت متوفی اکتفا خواهد شد و پس از انقضاء یک ماه از تاریخ الصاق رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. وزارت دادگستری می‌تواند هر سه سال یک بار باتصویب رئیس قوه قضاییه با توجه به شاخص قیمت‌ها و هزینه زندگی مبلغ مذکور را افزایش یا کاهش دهد. (اصلاحی ۱۸/۴/۱۳۷۴) تبصره در مورد این ماده دادگاه باید در اولین فرصت و اسرع وقت نسب به درخواست تصدیق رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. (الحاقی۲۰/۹/۱۳۳۷) ماده ۳۶۵ـ در صورتی که به واسطه معلوم‌نبودن ورثه یا برای تصفیه‌ترکه و غیره قبلا برای معرفی ورثه آگهی شده باشد صدور تصدیق‌انحصار وراثت محتاج به آگهی جدید نبوده و در صورت درخواست هر یک از ورثه یا اشخاص ذینفع تصدیق انحصار وراثت صادرخواهد شد. ماده ۳۶۶ـ رای دادگاه دایر به رد درخواست تصدیق قابل پژوهش وفرجام است ماده ۳۶۷ـ در کلیه موارد که دادستان تشخیص دهد که متوفی‌بلاوارث بوده و

درخواست اشخاص برای صدور تصدیق بی‌اساس‌است می‌تواند به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید و نیز می‌تواند در صورتی که متوفی را بلاوارث بداند به تصدیق‌انحصار وراثت در موردی هم که تصدیق مسبوق به آگهی نبوده استاعتراض کند و در هر حال دادستان حق دارد از رای دادگاه پژوهش وفرجام بخواهد. ماده ۳۶۸ـ مادامی که برای محجور قیم و برای غایب امین معین‌نشده دادستان می‌تواند به نام محجور و غایب به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید. ماده ۳۶۹ـ در مورد ماده ۳۶۴ اشخاص ذینفع می‌توانند به‌درخواست تصدیق و همچنین به تصدیقی که در موضوع وراثت صادر می‌شود اعتراض نمایند و رای دادگاه در این خصوص قابل‌پژوهش و فرجام است ماده ۳۷۰ـ اشخاصی که تصدیق انحصار وراثت تحصیل کرده‌اندمی‌توانند مطابق تصدیق نامبرده ترکه و مطالبات متوفی را از کسانی که مدیون یا متصرف مال متوفی هستند مطالبه نمایند ـ مدیون یامتصرف اموال متوفی باید ترکه و مطالبات متوفی را به آنها تسلیم‌نماید و در صورت تادیه دین و یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی‌وراثت‌بری محسوب خواهد شد و مدعی نامبرده حق رجوع به‌شخص یا اشخاصی خواهد داشت که طلب متوفی را وصول و یامال متعلق به او را دریافت نموده‌اند. (تبصره ماده ۳۷۰ به موجب ماده واحده مصوب آذرماه ۱۳۳۷منسوخ است . ماده ۳۷۱ـ مدیون که بدهی خود را به وراث متوفی می‌دهدمی‌تواند رونوشت گواهی شده انحصار وراثت را از وراث بخواهد. ماده ۳۷۲ـ در تصدیق انحصار وراثت باید نسبتی که وراث یا ورثه به مورث خود دارند از متروکات به نحو اشاعه معین شود. ماده ۳۷۳ـ در تصدیق انحصار وراثت به درخواست ورثه دادگاه حصه هر یک از ورثه را معین می‌نماید. ماده ۳۷۴ـ در صورتی که ورثه بخواهند ملک غیرمنقولی که به نام‌مورث ثبت شده است به نام آنها ثبت گردد باید تصدیق انحصار وراثت یا رونوشت گواهی شده آن را که مشتمل بر تعیین سهام باشدبه اداره ثبت تسلیم نمایند.

باب ششم در هزینه(م ۳۷۵ تا م ۳۷۸

ماده ۳۷۵ـ هزینه رسیدگی به امور حسبی منحصر به موارد زیر بوده و در هر مورد موقع درخواست پانصد ریال گرفته می‌شود: ۱ ـ درخواست تسلیم اموال غایب به ورثه ۲ ـ درخواست حکم موت فرضی ۳ ـ درخواست پژوهش از رد درخواست حکم فرضی ۴ ـ درخواست مهر و موم ترکه ۵ ـ درخواست برداشتن مهر و موم ترکه ۶ ـ درخواست تحریر ترکه ۷ ـ درخواست تصفیه ترکه ۸ ـ درخواست تقسیم ترکه ۹ ـ درخواست تصدیق انحصار وراثت ماده ۳۷۶ـ درخواست هایی که دادستان از دادگاه می‌نماید و همچنین اقداماتی که دادگاه بدون درخواست مکلف به انجام آن است هزینه ندارد. ماده ۳۷۷ـ هزینه آگهی تصدیق انحصار وراثت از درخواست کننده گرفته می‌شود و هزینه حفظ و اداره ترکه و تحریر و تصفیه و تقسیم ترکه از ترکه برداشته می‌شود. ماده ۳۷۸ـ وزیر دادگستری مجاز است آیین‌نامه‌های لازم را برای اجرای این قانون تهیه و به موقع اجرا بگذارد.

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی درخصوص مهریه. مصوب ۷۷ (م ۱ تا م ۷

ماده واحده ـ یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می‌گردد: تبصره ـ چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری‌تراضی کرده باشند. آئین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ‌بیست و نهم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای‌اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۵/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان‌رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی ـ علی‌اکبر ناطق نوری

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. مصوب ۷۱ (ماده واحده +۷ تبصره)

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون زوجهایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیمابین از طریق دادگاه و حکمین از دو طرف که برگزیده‌دادگاهند (آن‌طور که قرآن کریم فرموده است حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقهایی را که‌گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است ندارند. در غیراین‌صورت از سردفتر خاطی سلب صلاحیت به‌عمل خواهد آمد. تبصره ۱ ـ نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به‌عهده دادگاه مدنی خاص است که آیین‌نامه اجرایی آن ظرف دو ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهدرسید. تبصره ۲ ـ گزارش کتبی مبنی بر عدم امکان سازش با توجه به کلیه‌شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری‌اسلامی ایران و نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان وحل و فصل مسائل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه وهمچنین گواهی کتبی سلامت روانی زوجین در صورتی که برای‌دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد به دادگاه باید تحویل گردد. تبصره ۳ ـ اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تادیه‌حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه نفقه جهیزیه و غیر آن به‌صورت نقد می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه‌بذل شده و یا رضایت زوجه ویا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق الذکر. تبصره ۴ ـ در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است و در صورت تحقق رجوع ،صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع در مهلت مقرر،صورتجلسه طلاق تکمیل و ثبت می گردد، صورتجلسه تکمیلی‌طلاق با امضا زوجین و حکمین و عدلین و سردفتر و مهر دفترخانه معتبر است تبصره ۵ ـ دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می‌تواند از بین بانوان‌واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات مشاور زن داشته باشد. تبصره ۶ ـ]مصوب ۲۸/۸/۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق‌الزحمه کارهایی که شرعا به‌عهده وی نبوده است دادگاه بدوا ازطریق تصالح نسبت به تامین خواسته زوجه اقدام می‌نماید. و درصورت عدم امکان تصالح چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم در خصوص امور مالی شرطی شده باشد طبق آن عمل می‌شود، درغیر این‌صورت هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد، و نیزتقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سو اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود: الف ـ چنانچه زوجه کارهایی را که شرعا به‌عهده وی نبوده به‌دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیزثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه وبپرداخت آن حکم می‌نماید. ب ـ در غیر مورد بند «الف با توجه به سنوات زندگی مشترك و نوع‌کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج دادگاه‌مبلغی را از باب بخشش (نحله برای زوجه تعیین می‌نماید. تبصره ۷ ـ گواهی وجود یا عدم وجود جنین توسط پزشک ذی‌صلاح و آزمایشگاه مربوطه باید تحویل گردد.

قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی دادگاه خانواده .

ماده واحده ـ رئیس قوه قضائیه مکلف است ظرف مدت سه ماه درحوزه‌های قضائی شهرستان‌ها به تناسب جمعیت آن حوزه حداقل‌یک شعبه از شعب دادگاه‌های عمومی را برای رسیدگی به دعاوی‌خانواده اختصاص دهد، پس از تخصیص این شعب دادگاه‌های عمومی حق رسیدگی به دعاوی مربوط به این دادگاه‌ها را نخواهنداشت صلاحیت دادگاه خانواده عبارت است از رسیدگی به دعاوی مربوطبه ۱ ـ نکاح موقت و دائم ۲ ـ طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای مدت ۳ ـ مهریه ۴ ـ جهیزیه ۵ ـ اجره‌المثل و نحله ایام زوجیت ۶ ـ نفقه معوقه و جاریه زوجه و اقربای واجب النفقه ۷ ـ حضانت و ملاقات اطفال ۸ ـ نسب ۹ ـ نشوز و

تمکین ۱۰ ـ نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها. ۱۱ ـ حکم رشد. ۱۲ ـ ازدواج مجدد. ۱۳ ـ شرایط ضمن عقد. تبصره ۱ ـ قضات دادگاه‌های خانواده باید متاهل و با سابقه حداقل چهار سال کار قضایی باشند. تبصره ۲ ـ در حوزه‌های قضائی بخش دادگاه عمومی بخش قائم‌مقام دادگاه خانواده خواهد بود. تبصره ۳ ـ هر دادگاه خانواده حتی‌المقدور با حضور مشاور قضائی‌زن شروع به رسیدگی نموده و احکام پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن صادر خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هشتم مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش‌مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۵/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون اجازه رعایت احوال شخصیهٔ ایرانیان غیر شیعه در محاکم.مصوب ۱۳۱۲ (ماده واحده + ۳ بند)

ماده واحده ـ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذاهب آنان را جز درمواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق‌ذیل رعایت نمایند: ۱ ـ در مسائل مربوط به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمه‌متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است ۲ ـ در مسائل مربوط به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمه‌متداوله در مذهب متوفی ۳ ـ در مسائل مربوط به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمه‌متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است

قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی

ماده واحده رای وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۹/۹/۱۳۶۳هیات عمومی دیوان عالی کشور، عینا و به‌شرح ذیل به تصویب‌رسید: نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که‌به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال‌شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به‌رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به‌انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفید وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در موردمقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود رابر طبق آن صادر نمایند این رای برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی وماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین‌دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه وتعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی در اجرای بندهشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه‌مورخ سوم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجمع تشخیص‌مصلحت نظام به‌شرح ماده واحده فوق به تصویب رسیده است رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ اکبر هاشمی رفسنجانی

دستورالعمل راجع به افزایش بهای ترکه

احتراما به استحضار می‌رساند، قسمت اخیر ماده ۳۶۴ قانون امور حسبی اصلاحی سال ۱۳۷۴ وزیر دادگستری را مکلف نموده است هر سه سال یکبار ترکه را با توجه به شاخص قیمتها و هزینه زندگی‌تعیین و جهت تصویب به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد نماید. بر این اساس چون برابر اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاخص تورم از عدد ۲/۶۹ در سال۱۳۷۴ به ۲۰۶ در سال ۱۳۸۱، تغییر و افزایش یافته است بنابراین بهای ترکه موضوع ماده مرقوم به مبلغ تقریبی سی میلیون ریال به شرح زیر بالغ خواهد شد. (۰۰۰/۰۰۰/۳۰) – ۷۸۶/۷۶۸/۲۹ = ۲/۶۹ : ۲۰۶ × ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ خواهشمند است در صورت موافقت مراتب را امر به ابلاغ فرمایند.

وزیر دادگستری ـ محمد اسماعیل شوشتری

تصویب نامه در خصوص آزمایش تالاسمی قبل از ازدواج. مصوب ۷۶ (فاقد ماده قانونی)

«نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۵۱۹۱ ـ ۹/۲/۱۳۷۶» هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۰/۱/۱۳۷۶، بنا به پیشنهاد شماره ۸۶۶/پ مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۷۵ بنیاد امور بیماری‌های‌خاص تصویب نمود: آزمایش تشخیص ناقلین تالاسمی قبل از ازدواج اجباری شود و دفاتر ازدواج گواهی نامه مربوطه را از نامزدها مطالبه و پس ازبایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی نامه یاد شده اقدام نمایند. معاون اول رئیس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین‌نامه نحوهٔ اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده. مصوب ۵۴ . (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ ـ اجرای احکام و تصمیمات قطعی دادگاه خانواده جز در مواردی که در این آئین‌نامه استثنا شده محتاج به درخواست ذی نفع است تبصره ـ تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر طلاق و اجازه‌نامه ازدواج مجدد به دفتر ازدواج در حکم درخواست اجرای تصمیمات دادگاه است ماده ۲ ـ در مورد تصمیمات راجع به حضانت و نفقه اطفال و تعیین تکلیف در امور حسبی ومورد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده دادگاه راسا دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب مقتضی بداند به مامورین اجرا یا کارمندان دفتر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری و سایرمامورین انتظامی می‌دهد. ماده ۳ ـ اجرای سایر احکام و تصمیمات دادگاه به ترتیب مقرر در اجرای احکام مدنی با رعایت تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت‌خانواده به عمل خواهد آمد. ماده ۴ ـ در موردکلیه احکام و تصمیمات راجع به امور مالی هرگاه کسی که ملزم به پرداخت مورد حکم یا تصمیم دادگاه‌گردیده از هریک از سازمان‌ها و موسسات عمومی یا بخش خصوصی حقوق و مستمری یا کارمزد دریافت نماید دادگاه می‌تواند دستور کسر حقوق یا مستمری یا کارمزد او را با میزانی که در اجرای احکام مدنی مقرر گردیده بدهد. کسر وجوه مذکور و تادیه آن به عهده رئیس یا مدیر یا مسئول سازمان یا موسسه یا کارفرما خواهد بود. ماده ۵ ـ در مورد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده روسا و مدیران و مسئولین سازمان‌ها و موسسات عمومی و خصوصی وکارفرمایان مکلفند تصمیم دادگاه را در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه اجراء نمایند. ماده ۶ ـ دفاتر طلاق مکلفند به محض ارائه گواهی عدم امکان سازش آن را در دفتر مخصوص ثبت کرده و رسید مشتمل بر نام زوج و زوجه و شماره و تاریخ ثبت از روز و ماه و سال به ارائه کننده گواهی تسلیم و به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده اقدام نمایند. ماده ۷ ـ دفاتر طلاق مکلفند رونوشت طلاق نامه را بلافاصله پس از ثبت طلاق به دفتر دادگاه صادر کننده گواهی عدم امکان سازش ارسال نمایند.

آیین‌نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیرایرا نی.مصوب ۱۳۴۵ (م ۱ تا م ۴)

ماده ۱ ـ به وزارت کشور اجازه داده می‌شود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی را با اتباع بیگانه با رعایت مقررات این آیین نامه صادرنماید. ماده ۲ ـ با رای صدور پروانه فوق متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند: ۱ ـ درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه‌زناشویی طبق نمونه وزارت کشور. ۲ ـ گواهینامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن‌ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهینامه مذکور برای متقاضی امکان‌پذیرنباشد وزارت کشور می‌تواند بدون دریافت مدرک فوق در صورت‌رضایت زن پروانه زناشویی را صادر نماید. ۳ ـ در صورتی که مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد تشرف مرد به دین مبین اسلام ماده ۳ ـ وزارت کشور در صورت تقاضای زن علاوه بر مدارک‌مذکور در ماده ۲ مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود: ۱ ـ گواهینامه مبنی بر اینکه مرد

مجرد است یا متاهل از مرجع‌رسمی محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد. ۲ ـ گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع‌رسـمی محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد وهمچنین گواهی عدم سوءپیشینه کیفری از مراجع کشور در صورتی‌که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشـد. ۳ ـ گواهی از مراجع محلی یـا ماموران سیاسـی و کنسولی کشورمتبوع مرد مبنی بر وجود اسـتطاعت و مکنت زوج و همچنین تعهدنامه ثبتی از طرف مرد بیگانه مبنی بر اینکه متعهد شود هزینه ونفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسـبت به او پیـدا کنـد درصورت بدرفتاری یا ترک و طلاق پرداخت نماید. تبصـره ـ در مواردی که وزارت کشور مصـلحت بدانـد، برای حسن‌انجـام وظـایفی که طبق مقررات و قوانین ایران زوج در قبـال زوجه‌دارد از قبیل حسـن رفتـار و انفـاق در تمـام مـدت زنـاشویی و ادای‌واجبـات مـالی زوجه و اولاد تحت حضانت وی و امثال آن وهمچنین در مواردی که تفریق پیش آیـد برای پرداخت هزینه‌مراجعت همسر مطلقه تا محل سـکونت زن در ایران می‌توانـد تضـمین متناسب از شوهر مطالبه نماید. فرم تعهدنامه و تضمینی که در این قبیل موارد باید اخذ شود و چگونگی استفاده از ضمانت‌نامه را، وزارت کشور تهیه خواهد نمود. ماده ۴ ـ وزارت کشور می‌توانـد به اسـتانداریها و فرمانـداری هـای کـل وهمچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضـی از نمایندگان‌سیاسـی و کنسولی ایران در خـارجه اختیـار دهـد که طبق مقررات این‌آیین‌نـامه پروانه زناشویی را مستقیمادر محل صادر نموده و مراتب‌را به ثبت احوال اعلام دارند.

آیین‌نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸ قانون امور حسبی . مصوب ۱۳۲۲ (م ۱ تا م ۵)

ماده ۱ـ وزارت دادگستری به هر یک از دادگاههای شهرسـتان و بخش و دادسـتان شهرسـتان و دفتر امور محجورین و تحریر ترکه و دفتر اسـناد رسـمی کـه مقتضـی بدانـد اجـازه می‌دهـد کـه وصیت‌نامه‌سـری را در حـوزه خـود یـا حـوزه‌ای کـه از طرف وزارت دادگستری‌معین می‌شود به طریق امانت نگهـداری نمایند. ماده ۲ـ اشخاصـی که بخواهند وصیت‌نامه سری خود را امانت‌گذارند باید در اداره ثبت اسـناد یـا یکی از محل‌هـای مـذکور در مـاده فوق که از طرف وزارت دادگستری مجاز باشـد، امانت گذارنـد. ماده ۳ـ اتباع دولت ایران در خارجه می‌تواننـد وصـیت‌نامه سـری‌خود را در کنسولگری ایران امانت بگذارند و همچنین اتباع خارجه‌در ایران می‌تواننـد وصـیت‌نامه سـری خود را در کنسولگری متبوع‌خود امانت گذارند. ماده ۴ـ ترتیب امانت‌گذاردن وصـیت‌نامه سری در هر یـک ازمحلهای نامبرده کنسولگری و استرداد آن به طریقی است که برای‌امانت گـذاردن اسـناد رسـمی و استرداد آنها در اداره ثبت اسـناد مقرراسـت و وظـایفی کـه در قـانون ثبـت اسـناد برای مسوول دفتر مقرر است‌به عهـده متصـدی یکی از محلهـای نـامبرده که وصـیت‌نامه در آنجا سپرده می‌شود خواهـد بود. ماده ۵ـ هر یک از محلهای مـذکور که وصـیت‌نامه سـری به آنجاسپرده شده مکلف است به طریقی که در قانون امور حسبی مقرر است بعد از اطلاع به فوت موصـی وصیت‌نامه را به دادگاه بخش که‌برای رسیدگی به امور راجع به ترکه متوفی صالح است بفرستند.

آیین‌نامه راجع به ماده ۲۹۹ قانون امور حسبی. مصوب ۱۳۲۲ (م ۱ تا م ۱۴)

ماده ۱ـ در موقعی که از طرف ورثه یا موصـیله بر اموال درخواست‌شود ملکی که در دفتر املاک به نام مورث ثبت شده است به نام ورثه‌یـا موصـیله یـا به عنوان وصـیت ثبت گـردد، به ترتیبی که در مواد بعدمـذکور است رفتـار خواهـد شـد. ماده ۲ـ هرگـاه در ورقه انحصار وراثت که به اداره ثبت اسناد و املاک‌داده می شود، عده ورثه و سهام هر یک از آنها معین شده و وصیت‌نامه نیز که مطابق قـانون امور حسبی بتوان به آن ترتیب اثر داد به اداره ثبت تسـلیم نشـده و قبلاـ هم وصـیتی ثبت نشـده باشـدحصه هر یک از ورثه از ملک به طریقی که در تصـدیق انحصاروراثت معین شـده یا بین ورثه مذکور در تصدیق انحصار وراثت‌توافق حاصل شده باشد ثبت میشود. ماده ۳ـ اگر کسـی به عنوان وراثت یا به عنوان اعتراض بر تصدیق انحصار وراثت در دادگاه اقامه دعوی کرده باشد باید قبل

از آن که‌ملک به نـام ورثه ثبت شود تصـدیقی از دادگاه حاکی از اقامه دعویگرفته به اداره ثبت تسـلیم نمایـد. در این صورت ثبت ملک به نام‌ورثه تا معلوم‌شدن نتیجه نهایی ادعا، توقیف خواهد شد. ماده ۴ـ در موقعی که دادستان برطبق ماده ۳۶۷ قانون امورحسبی برتصـدیق انحصار وراثت اعتراض میکنـد، در صورتی که در جزء ترکه‌ملک غیرمنقول ثبت شـده باشـد بایـد در همان موقع به اداره ثبت کتبا اطلاع دهـد. در این صورت ثبت ملک موقوف به معلوم‌شـدن نتیجه‌اعتراض خواهـد شـد. ماده ۵ـ در صورتی که نسـبت به ملک غیرمنقول ثبت شده وصـیتیشده باشد که مورد اتفاق تمام ورثه و اشخاص ذینفع باشد موردوصیت به نام موصیله یا مصرفی که برای آن وصـیت شـده ثبت‌میشود و بقیه ملک (اگر بقیه باشـد) به نام ورثه ثبت میگردد. ماده ۶ـ هرگاه وصـیت‌نامه‌ای که به موجب قانون قابل ترتیب اثراست بین ورثه و اشـخاص ذینفع مورد اختلاف واقع شود ثبت ملک‌نسبت به آنچه مورد گفتگو است موقوف به رفع اختلاف در دادگاه به‌موجب حکم نهایی خواهـد بود. ماده ۷ـ اگر قسـمتی از ملک مورد اختلاف واقع شده و قسمت دیگرمورد اختلاف نباشـد و نـتیجه گفتگـو در مـورد اختلاـف تـاثیری در این‌قسـمت نداشـته باشـد ممکـن اسـت ملـک نسـبت به آنچه مـورد اختلاف‌نیست ثبت و نسبت به آنچه مورد اختلاف است موقوف به حل‌اختلاف گردد. ماده ۸ـ هرگاه توافق و اختلاف ورثه نسبت به وصـیت‌نامه‌ای که به‌موجب قانون قابل ترتیب اثر است معلوم نباشد اداره ثبت به هزینه‌شـخص ذینفع آگهی مینماید و در آگهی باید مفاد وصـیت‌نامه و این‌که از طرف کی و در چه تاریخ ابراز شده قید و تذکر داده شود چنانچه‌کسـی اعتراضـی نسـبت به وصیت‌نامه دارد در ظرف سـه مـاه از تاریـخ انتشـار آخرین آگهی اعـتراض خـود را به اداره ثبـتی که آگهی را منتشـرنموده تسـلیم نمایـد و در صورت انقضا مدت مذکور و نرسیدن اعتراض ملک مورد وصـیت به نام موصـیله یا مصرفی که برای آن وصیت شده است در دفتر املاـک ثبت خواهـد شـد. آگهی مـذکور سه مرتبه هر مـاه یک مرتبه در روزنامه کثیرالانتشارمحل منتشـر شـده و در صورت نبودن روزنامه در محل در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران منتشر خواهد گردید. ماده ۹ـ در مورد متوفای بلاوارث اگر در ظرف ده سـال مقرر در قـانون امـور حسـبی وصـیت‌نامه‌ای ابراز شـود کـه قابـل ترتیـب اثر بـوده وبرای تحریر ترکـه آگهی نشـده باشـد مفـاد وصـیت‌نامه به ترتیب مـذکوردر مـاده فوق و بـا قیـد این که متوفی بلاوراث معرفی شـده است آگهی می گردد و در صورتی که در مدت سه ماه از تاریخ انتشار آخرین‌آگهی اعتراض نرسیده مورد وصیت به نام موصیله یا مصرفی که‌برای آن وصیت شده است ثبت و باقی ملک پس از ۱۰ سال اگر وارثی پیـدا نشد به نام دولت ثبت خواهد شد. ماده ۱۰ـ اگر از طرف ورثه یا اشـخاص دیگر ذینفع وصـیت‌نامه‌ای ابراز شود که موصـی از وصیت اول خود رجوع کرده و آن وصیت‌نامه مورد تصدیق تمام ورثه و اشخاص ذینفع واقع شود ملک مطابق وصـیت‌نامه ثانی ثبت خواهـد شـد و اگر مورد اختلاف واقع شود یاتوافق و اختلاف ورثه معلوم نباشـد در صورتی که وصـیت‌نامه‌مطابق قانون قابل ترتیب اثر باشد برطبق ماده ۶ و ۷ و ۸ عمل‌خواهد شد. ماده ۱۱ـ در صورتی که در دادگاه بخش در موعـد مقرر در مـاده ۲۹۴قـانون امور حسبی وصـیت‌نامه ابراز شـد که قابـل ترتیب اثر باشـددادگاه در تصـدیق انحصـار وراثت مفاد وصـیت‌نامه و ایـن که در موقع‌ابراز شـده و قابـل ترتیب اثر است درج خواهـد کرد و اگر تصـدیق‌انحصار وراثت صـادر شـده و این مطلب به جهتی در آن درج نشده‌باشد اشخاص ذینفع باید تصدیقی مبنی بر ابراز وصیت‌نامه درموعد مقرر و قابل ترتیب اثربودن آن از دادگاه گرفته به ضمیمه سواد وصیت‌نامه به اداره ثبت اسناد تسلیم نمایند. ماده ۱۲ـ اگر ترکه متوفی به وسیله دادگاه تقسیم شده و حکم نهـایی دادگاه در این خصوص به اداره ثبت داده شود و یا این که ورثه‌موصـیله و وصـی (در صورتی که وصـیتی شـده باشـد) ترکه را تقسیم‌کرده باشـند ملک مطابق تقسـیمی که شده است ثبت می شود و درصورت اخیر اگر اختلافی مابین ورثه و موصیله یا وصـی در تقسیم‌باشد ثبت ملـک موقوف به رفع اختلاف در دادگاه خواهـد بود. ماده ۱۳ـ در صورتی که وصـیت به طورکلی باشد «مثل ثلث اموال ورثه میتوانند ملک معین را ثلث قرار داده و باقی املاک را به نام‌خود ثبت کنند یا ثلث را از اموال دیگر معین کرده و تمام ملک ثبت‌شده را به نام خود ثبت کنند مگر این که در وصـیت‌نامه ترتیب‌دیگری مقرر شده باشد. ماده ۱۴ـ پس از ثبت ملک در دفتر املاک به نام ورثه یا موصـیله ادعای وصـیت یا هر ادعای دیگری که مخالف با ثبت ملک باشد مسـموع نخواهد شد و هیچ

وصیت‌نامه اعم از رسمی و سری و غیر اینها پذیرفته نخواهد شد.

آیین‌نامه حق‌الزحمه مدیر تصفیه و مدیر ترکه بر طبق قانون امور حسبی . مصوب ۱۳۲۶ (م ۱ تا م ۵)

ماده ۱ـ در هر مورد که طبق قانون امور حسبی مدیر تصفیه یا مدیر ترکه انتخاب می‌شوند یا اداره تصفیه عهده‌دار امور تصفیه یا ترکه می گردد پس از وضع هزینه‌های مربوط از قبیل هزینه آگهی تصدیق‌انحصار وراثت و امثال آن و همچنین پس از پرداخت دیون مسلمه و ثابته متوفی و اخراج مورد وصیت به شرح مقررات مذکور در قانون امور حسبی از باقیمانده ترکه که به ورثه یا خزانه دولت تعلق می گیرد به نسبت زیر حق‌الزحمه مدیر ترکه یا مدیر تصفیه با پیشنهاد مراجع ذیربط و تصویب دادگاه پس از کسر مالیات مقررقانونی پرداخت خواهد شد: الف ـ در مواردی که حفظ و اداره اموال و وصول عواید مستلزم‌تحمل و زحمات زیادی نباشد از قبیل جمع آوری عواید مستغلات و دکاکین و سهام و دریافت مطالبات و اقساط و انتقالات مربوط به‌اموال و امثال آن ۱ ـ تا یک میلیون ریال۲٪ تا ۴٪ ۲ ـ از یک میلیون ریال تا پنج میلیون ریال نسبت به مازاد یک‌میلیون ریال۱٪ تا ۳٪ ۳ ـ از پنج میلیون ریال تا ده میلیون ریال نسبت به مازاد پنج میلیون‌ریال‌نیم تا ۲٪ ۴ ـ از ده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ده میلیون ریال از یک چهارم تا ۱٪ ب ـ چنانچه حفظ و اداره اموال و جمع آوری و وصول عواید و اخذمطالبات مستلزم تحمل زحمات فوق العاده از قبیل مراجعه به‌ادارات رسمی و مراجع قضائی و سایر سازمانهای خصوصی وشرکتها یا مسافرت و امثال آن باشد یا اموال غیرمنقول زراعتی بوده‌که مدیر ترکه یا تصفیه طبعا بایستی در موقع کاشت و داشت وبرداشت و وصول عواید صرف وقت زیادتر و تحمل زحمت بیشترنماید: ۱ ـ تا یک میلیون ریال۴٪ تا ۶٪ ۲ ـ از یک میلیون ریال تا پنج میلیون ریال نسبت به مازاد یک میلیون ریال۳٪ تا ۵٪ ۳ ـ از پنج میلیون ریال تا ده میلیون ریال نسبت به مازاد پنج میلیون‌ریال۲٪ تا ۴٪ ۴ ـ از ده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ده میلیون ریال بین ۱٪ تا ۳٪ ج ـ در صورتی که ترکه وجه نقد بوده و مدیر ترکه یا تصفیه اقداماتی‌از حیث جمع آوری اوراق و اسناد و دفاتر و بررسی و تحریر آن انجام‌داده که متضمن تحصیل عایدات مستقیم چندانی نیز نبوده با نظرمراجع ذیربط و تصویب دادگاه حق‌الزحمه مناسبی به مدیر ترکه یاتصفیه پرداخت خواهد شد ولی به هر حال میزان این حق‌الزحمه از۱٪ تجاوز نخواهد نمود. تبصره ـ مدیر ترکه یا مدیر تصفیه مکلف است هر سال یک بارگزارش عملیات و صورتحساب درآمد و هزینه مربوط به ماترک را به انضمام مدارک و اسناد آن به مراجع ذیربط (اداره امور سرپرستی‌دادسرای عمومی یا اداره تصفیه امور ورشکستگی تسلیم نماید، درصورت تخلف از این تکلیف یا مسامحه و قصور در انجام وظایف محوله علاوه بر مسؤولیت قانونی از میزان دستمزد وی به تصویب‌دادگاه کاسته خواهد شد. ماده ۲ـ در صورتی که مدیر تصفیه یا مدیر اداره ترکه متعدد باشدحق‌الزحمه مقرر به نسبت کاری که انجام می‌دهند بین آنها تقسیم‌می‌شود. ماده ۳ـ در مواردی که امر تصفیه طبق ماده ۲۴ قانون امور حسبی با وصی است وصی علاوه بر حق‌الوصایه به عنوان مدیر تصفیه حقی‌دریافت نخواهد داشت ماده ۴ـ مقررات این آیین‌نامه شامل اموری که قبل از اجرای این‌آیین‌نامه تصفیه و خاتمه یافته نمی‌شود. ماده ۵ـ این آیین‌نامه پس از ۱۰ روز از تاریخ انتشار در روزنامه‌رسمی کشور ایران قابل اجرا است

آیین‌نامه اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق . مصوب ۷۱ (م ۱ تا م ۹)

ماده ۱ ـ نسبت به درخواستهای طلاق که از طرف زوجین یا یکی از آنها به دادگاه مدنی خاص تسلیم می‌شود، چنانچه اختلاف فیمابین از طریق دادگاه حل و فصل نگردید، رسیدگی به موضوع با صدور قرار به داوری ارجاع می گردد. تبصره ـ داوری در این قانون تابع شرایط مندرج در قانون آیین‌دادرسی مدنی نمی‌باشد. ماده ۲ ـ پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری هریک از زوجین مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب خود را که واجد شرایط مقرر در این آیین‌نامه هستند، به عنوان داور به

دادگاه معرفی نمایند. ماده ۳ ـ در صورتی که در بین اقارب فرد واجد شرایط نبوده یادسترسی به آنان مقدور نباشد و یا اقارب از پذیرش داوری استنکاف نمایند، هریک از زوجین می‌تواند داور خود را از بین افرادیگر که واجد صلاحیت هستند، تعیین و معرفی نماید و در صورت امتناع یا عدم توانایی در معرفی داور، دادگاه راسا از بین افراد واجد شرایط مبادرت به تعیین داور یا داوران خواهد کرد. ماده ۴ ـ داوران منتخب و یا منصوب باید واجد شرایط زیر باشند: ۱ ـ مسلمان ۲ ـ آشنایی نسبی به مسائل شرعی خانوادگی و اجتماعی ۳ ـ حداقل چهل سال تمام ۴ ـ متاهل ۵ ـ معتمد. ۶ ـ عدم اشتهار به فسق و فساد. ماده ۵ ـ پس از معرفی و انتخاب داوران دادگاه بلافاصله در وقت‌فوق العاده جلسه توجیهی تشکیل داده و وظایف آنان را گوشزد وارشادات لازم خواهد نمود. ماده ۶ ـ مهلت اعلام نظر داوران از سوی دادگاه تعیین می گردد،داوران می‌توانند از دادگاه تقاضای تمدید مهلت نمایند و در صورتی که دادگاه درخواست را ضروری تشخیص داد مهلت را تمدیدمی‌نماید. ماده ۷ ـ داوران منتخب یا منصوب مکلفند با تشکیل حداقل دوجلسه با حضور زوجین سعی و اهتمام در رفع اختلاف و اصلاح ذات‌البین نمایند و در صورتی که رفع اختلاف به عمل نیامد یا یکی‌از زوجین از حضور در جلسات مقرر خودداری نمود، با تشکیل‌جلسات دیگر با حضور زوجین یا یکی از آنان و یا بدون حضور آنان نسبت به موارد اختلاف بررسی نموده و نظر خود را بر امکان‌یا عدم امکان سازش در مهلت تعیین شده به دادگاه تسلیم نمایند. ماده ۸ ـ در هر مورد که داوران یا یکی از آنان درخواست حق‌الزحمه داوری نمایند، دادگاه حق الزحمه متناسبی برای وی تعیین و دستور اخذ آن و پرداخت به داور را خواهد داد. حق‌الزحمه مقرر در وهله اول از شخصی که داور از سوی وی انتخاب و یا برای وی نصب شده است دریافت خواهد شد و چنانچه دادگاه مقتضی بداندوستور وصول آن را بالمناصفه از طرفین و یا از متقاضی طلاق خواهد داد. ماده ۹ ـ این آیین‌نامه در ۹ ماده و یک تبصره توسط وزیر دادگستری تهیه و در تاریخ ۲/۱۲/۷۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

آیین نامه ماده ۳ قانون ازدواج . مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ ـ محکمه‌ای که باید در هر محل برای اجرا مقررات ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۲۳ مردادماه ۱۳۱۰ تاسیس گردد از یک نفر تشکیل خواهد شده ممکن است برای هر محکمه یک عضو علی‌البدل معین گردد. حاکم محکمه و عضو علی‌البدل را وزارت عدلیه از بین مستخدمین عدلیه تعیین می‌نماید. تبصره ـ تعیین مستخدمینی که تابع وزارت عدلیه نباشند پس از جلب موافقت وزارتخانه متبوع آنها به عمل خواهد آمد. ماده ۲ ـ در هر محل سمت نمایندگانی دولت برای تعقیب متخلفین از مقررات ماده ۳ قانون ازدواج به عهده کسی خواهد بود که با رعایت تبصره ماده اول از طرف وزارت عدلیه معین می‌شود. ماده ۳ ـ تعقیب متخلفین از مقررات ماده ۳ قانون مذکور مستقیما در خود محکمه به عمل خواهد آمد بدون اینکه قبلا مستنطق در آن امر دخالت نماید. ماده ۴ ـ محکمه می‌تواند در موارد و به ترتیبی که به موجب قوانین توقیف متهم جایز می‌باشد قرار توقیف صادر نماید قرارمزبور قابل استیناف بوده و لیکن استیناف از آن قرار مانع ادامه رسیدگی و صدور حکم در اصل قضیه نخواهد بود. ماده ۵ ـ شکایت استینافی از احکام و قرارهای صادر از محاکم مذکور فوق به محکمه‌ای مرکب از سه نفر که در تهران تاسیس می‌شود رجوع خواهد شد. رئیس و اعضا و مدعی‌العموم محکمه را وزارت عدلیه با رعایت تبصره ماده اول تعیین می‌نماید لااقل یک نفر از اعضا محکمه طبیب خواهد بود. ماده ۶ ـ سایر ترتیبات رسیدگی خواه در مرحله بدوی و خواه در مرحله استینافی همان است که به موجب اصول محاکمات جزا برای رسیدگی به امور جنحه‌ای مقرر است ماده ۷ ـ حوزه هر یک از محاکم را که به موجب ماده اول تشکیل می‌شود وزارت عدلیه در موقع تشکیل معین خواهد کرد معذلک وزارت عدلیه می‌تواند در هر موقعی که مقتضی بداند رسیدگی به یک موضوع مخصوص را از محکمه یک حوزه به‌محکمه حوزه دیگری احاله دهد. مدعی‌العموم محکمه ازدواج در موقع لزوم می‌تواند از ادارات نظمیه و امنیه و حکومتی بخواهد که تحقیقات مقدماتی و تفتیشات مخفی راجع به احراز وقوع جرم را به عمل

آورنـد. احکـام صادر از محاکمی که به دسـتور ماده سوم قانون ازدواج مصوب ۲۳/۵/۱۳۱۰ شـده یا بشود غیرقابل تمیز است اعم از اینکه قبل از این تاریخ صادر شده یا بعد.

آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده. مصوب ۱۳۵۴ (م ۱ تا م ۱۳)

ماده ۱ ـ اقامه دعوی و تقاضای رسیدگی و اقدام در امور موضوع قانون حمایت خانواده به طور شفاهی یا وسیله درخواست کتبی به‌عمل می‌آید. هرگاه درخواست شفاهی باشد اظهار خواهان وسیله منشی یا مدیر دفتر دادگاه در صورت مجلس قید و به امضای او می‌رسد. ماده ۲ ـ درخواست شفاهی یا کتبی باید مشتمل بر امور زیر باشد: ۱ ـ نام و نام خانوادگی ـ شغل ـ محل کار یا محل سکونت طرفین با ذکر مشخصات کامل ۲ ـ موضوع درخواست با ذکر علل و دلائل آن ۳ ـ در صورتی که درخواست کننده عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت یا وکالت داشته باشد باید سمت خود را در درخواست تصریح و مدارک آن را تسلیم نماید. تبصره ـ در دادگاه خانواده طرفین می‌توانند به اقربا خود تا درجه سوم نیز وکالت دهند. ماده ۳ ـ تنظیم درخواست در اوراق چاپی مخصوص الزامی نیست ولی باید در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن در پرونده امر ضبط‌شده و نسخه دیگر برای طرف فرستاده شود. ماده ۴ ـ هزینه دادرسی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی‌در موقع درخواست از خواهان وصول خواهد شد مگر این که دادگاه‌خواهان را بی بضاعت تشخیص دهد که در این صورت او را ازپرداخت هزینه معاف خواهد نمود. ماده ۵ ـ در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی یا معلوم نبودن‌نشانی خوانده به خواهان اخطار می‌شود که ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت نقص در خواست را رفع نماید. در صورت‌عدم رفع نقص و همچنین در صورتی که نشانی خواهان معلوم نباشد دادگاه دادخواست را ابطال خواهد کرد. تبصره ـ در صورتی‌که خواهان خوانده را مجهول المکان معرفی نماید باید آخرین محل اقامت او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به هر طریقی‌لازم بداند در این مورد تحقیق نموده ، تصمیم مقتضی اتخاذخواهدکرد. ماده ۶ ـ پس از وصول درخواست نسخه دوم آن با ضمائم به دستوردادگاه جهت ابلاغ به خوانده ارسال و طرفین برای رسیدگی دعوت‌می‌شوند. در صورتی که درخواست شفاهی باشد مفاد درخواست باضمائم آن به وسیله اخطاریه به خوانده ابلاغ خواهد شد. ماده۷ ـ عدم حضور طرفین یا یکی از آنها در جلسه با ابلاغ وقت‌مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست ولی اگر حضور خواهان جهت ادای توضیح لازم باشد دادگاه موارد توضیح را در صورت مجلس‌قید و مفاد آن را ضمن تعیین وقت برای جلسه دیگر به خواهان ابلاغ‌می‌نماید و اگر خواهان در این جلسه نیز حاضر نشود دادخواست اوابطال خواهد شد. ماده ۸ ـ در مواردی که دعوی به داوری ارجاع می‌شود دادگاه طرفین‌را برای انتخاب داور یا داوران دعوت می‌کند. ماده ۹ ـ هرگاه داور یا داوران از قبول داوری امتناع نموده یا استعفا کنند دادگاه به انتخاب داور یا داوران جدید اقدام می‌نماید و در صورتی که داور یا داوران بار دیگر از قبول داوری امتناع یا استعفانمایند دادگاه راسا به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۰ ـ در مواردی که تعداد داوران سه نفر بوده و یکی از آنها درنیمه دوم مهلت داوری استعفا کند رای اکثریت داوران مناط اعتبار است در این مورد و در مواردی که دو نفر داور انتخاب شده و رای آنها مختلف باشد دادگاه راسا به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱ ـ منظور از اعتیاد مضر هر نوع ابتلا ـ به مواد مخدر یا نوشابه‌های الکلی یا قمار یا امثال و نظایر آنها است که استمرار داشته و موجب صدمات و خسارات جسمانی مادی و معنوی شخص معتاد یا همسر یا اولاد زوجین گردد. ماده ۱۲ ـ حق ملاقات با اطفال کمتر از یک بار در ماه نخواهد بود. ماده ۱۳ ـ ترتیب ثبوت حجر و خیانت و رفع حجر یا عدم قدرت ولیاقت و احراز عدم صلاحیت و عزل و نصب قیم و ضم امین و تعیین امین موقت در مورد مواد ۱ و ۱۵ قانون حمایت خانواده طبق‌مقررات قانون امور حسبی خواهد بود.

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی . مصوب ۷۷ . (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ ـ چنانچه مهریه وجه رایج باشد مرجع صالح بنا به‌درخواست هر یک از زوجین می‌توان آن را با توجه به تغییر شاخص قیمت سال زمان تادیه نسبت به سال وقوع عقد محاسبه و تعیین‌می‌نماید. تبصره ـ در صورتی که زوجین در حین اجرای عقد در خصوص‌محاسبه و پرداخت مهریه وجه رایج به نحو دیگری تراضی کرده باشند مطابق تراضی ایشان عمل خواهد شد. ماده ۲ ـ نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است متوسط‌شاخص بها در سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص در سال وقوع عقد ضربدر مهریه مندرج در عقدنامه ماده ۳ ـ در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی‌پرداخت شود تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود. ماده ۴ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام مواردزیر می‌باشد: الف ـ شاخص‌های بهای سالهای قبل از اجرای این قانون را تهیه و دراختیار قوه قضاییه قرار دهد. ب ـ شاخص بهای مربوط به هر سال را به طور سالیانه حداکثر تا پایان خرداد تهیه و به قوه قضاییه اعلام نماید. رای وحدت رویه ۶۴۷ ـ ۲۸/۱۰/۱۳۷۸ «... منظور مقنن از تصویب ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن حفظ ارزش ریالی مهریه زوجه است که معمولا به‌حسب وجه رایج (ریالی تعیین می‌شود اگرچه تاریخ وقوع عقدازدواج مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره مزبور باشد با این‌وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی با ماده ۴ قانون مباینتی ندارد.» بخشنامه شماره۶۰۹ مورخه۲۸/۱/۱۳۷۸ رییس قوه قضاییه به دادگستریهای سراسر کشور «... درست است که قانون نسبت به قبل از تصویب خودش اثر نداردااما قانون راجع به زمان عقد مطلبی ندارد پیام قانون این است که‌وقتی می‌خواهند مهریه را بپردازند بایدتغییر شاخص قیمت سالانه را حساب کنند. بنابراین کسانی که قبل از قانون مهریه همسرشان راپرداخته‌اند طبعا مشمول این قانون نیستند اما کسانی که پس از تصویب قانون می‌خواهند مهریه همسرشان را بپردازند باید رعایت‌کنند عقد هر زمانی واقع شده باشد... ۲۵/۱۲/۱۳۷۷) رای وحدت رویه شماره ۶۳۳ ـ ۱۴/۲/۱۳۷۸ گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوجه تسلیم‌نشده در صورت حال بودن مهر، زن می‌تواند از ایفا وظایفی که درمقابل شوهر دارد امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بودلکن مقررات این ماده صرفا به رابطه حقوقی زوجه و عدم سقوط‌حق مطالبه نفقه زن مربوط است و از نقطه نظر جزایی با لحاظ‌مدلول ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی که به موجب‌آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تادیه نفقه زن به تمکین‌زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذاراستفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به‌مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه‌عمومی تهران مشعر بر برائت شوهر از اتهام ترک انفاق زن که با این‌نظر مطابق دارد با اکثریت قریب به اتفاق آرا صحیح و قانونی‌تشخیص می‌شود. این رای وفق‌ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاههای درموارد مشابه لازم‌الاتباع است

آیین‌نامه نحوهٔ اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده. مصوب ۵۴ . (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ ـ اجرای احکام و تصمیمات قطعی دادگاه خانواده جز در مواردی که در این آئین‌نامه استثنا شده محتاج به درخواست ذی نفع است تبصره ـ تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر طلاق و اجازه‌نامه ازدواج مجدد به دفتر ازدواج در حکم درخواست اجرای تصمیمات دادگاه است ماده ۲ ـ در مورد تصمیمات راجع به حضانت و نفقه اطفال و تعیین تکلیف در امور حسبی ومورد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده دادگاه راسا دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب مقتضی بداند به مامورین اجرا یا کارمندان دفتر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری و سایرمامورین انتظامی می‌دهد. ماده ۳ ـ اجرای سایر احکام و تصمیمات دادگاه به ترتیب مقرر در اجرای احکام مدنی با رعایت تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت‌خانواده به عمل خواهد آمد. ماده ۴ ـ در موردکلیه احکام و تصمیمات راجع به امور مالی هرگاه کسی که ملزم به پرداخت مورد حکم یا تصمیم دادگاه‌گردیده از هریک از سازمانها و

موسسات عمومی یا بخش خصوصی حقوق و مستمری یا کارمزد دریافت نماید دادگاه می‌تواند دستور کسر حقوق یا مستمری یا کارمزد او را با میزانی که در اجرای احکام مدنی مقرر گردیده بدهد. کسر وجوه مذکور و تادیه آن به عهده رئیس یا مدیر یا مسئول سازمان یا موسسه یا کارفرما خواهد بود. ماده ۵ ـ در مورد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده روسا و مدیران و مسئولین سازمان‌ها و موسسات عمومی و خصوصی و کارفرمایان مکلفند تصمیم دادگاه را در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه اجراء نمایند. ماده ۶ ـ دفاتر طلاق مکلفند به محض ارائه گواهی عدم امکان سازش آن را در دفتر مخصوص ثبت کرده و رسید مشتمل بر نام زوج و زوجه و شماره و تاریخ ثبت از روز و ماه و سال به ارائه کننده گواهی تسلیم و به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده اقدام نمایند. ماده ۷ ـ دفاتر طلاق مکلفند رونوشت طلاق نامه را بلافاصله پس از ثبت طلاق به دفتر دادگاه صادر کننده گواهی عدم امکان سازش ارسال نمایند.

آئین‌نامه متحد الشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق. مصوب ۱۳۱۱ (مصوبه در ۹ بند)

وزیر عدلیه برای اینکه مسئله ثبت عقد ازدواج و طلاق در دفاتر مربوطه متحد الشکل بوده و کلیه دفاتر از روی یک اسلوب‌عمل ثبت را انجام بدهند دستورات ذیل را مقرر می‌دارد: ۱ ـ در هر حوزه‌ای که از طرف وزارت عدلیه بر طبق ماده اول قانون ازدواج اعلام شده باشد کلیه ازدواج و طلاق هائی که درحوزه مزبور واقع بشود باید در یکی از دفاتر به ثبت برسد ولو اینکه طرفین ازدواج ساکن آن محل نباشد. ۲ ـ برای تشخیص سن ورقه هویت صادره از سجل احوال مدرک بوده و دفاتر ملزم به خواستن تصدیق دیگر نخواهند بود. ۳ ـ بر طبق دستور نظامنامه نمره ۲۳۴۳۴ برای اینکه سند ازدواج و طلاق سند رسمی محسوب شود علاوه بر سایر شرایط مقرره در نظامنامه لااقل باید شش امضا را به طریق ذیل داشته باشد: ۱ ـ زن و شوهر در سند ازدواج ـ شوهر در طلاقنامه ۲ ـ مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق . ۳ ـ امضای دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند لااقل دارای ۶ امضاء باشد. و اگر مجری صیغه عقد ازدواج یک نفر باشد در این‌صورت لااقل امضای ۳ نفر شاهد لازم است ۴ ـ در مواردی که اموال غیر منقول مهر قرار داده می‌شود برای اینکه سند ازدواج نسبت به ملک هم رسمیت حاصل نماید اگر ملک ثبت شده باشد و صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی هم باشد بایستی ورقه ازدواج را در دفتر اسناد رسمی‌هم مطابق مقررات ثبت نموده و خلاصه آن را مطابق مقررات قانون و نظامنامه ثبت تهیه نموده به دفتر املاک بفرستد و اگر ملک ثبت نشده باشد بایستی سند ازدواج را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند. و در صورتی که صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی نباشد بایستی سند ازدواج را تحت مسئولیت به یکی از دفاتراسناد رسمی حوزه خود و اگر در آن حوزه دفتر اسناد رسمی نباشد به یکی از نزدیکترین دفاتر اسناد رسمی حوزه مربوطه‌ارسال دارد تا مطابق مقررات به ثبت برسد. و البته در همه موارد حق الثبت قانونی ملک برای ثبت در دفتر اسناد رسمی اخذ خواهد شد. ۵ ـ عقد ازدواج و طلاقی که در خارج از حوزه ماموریت صاحب دفتر واقع شده و در محل وقوع عقد یا طلاق دفتر رسمی ازدواج و طلاق وجود نداشته در صورتی که متناکحین بخواهند به آن عقد یا طلاق رسمیت بدهند بایستی در یکی از دفاتر ازدواج و طلاق حاضر شده و بر طبق مقررات قانون و نظامنامه تشریفات ثبت را در دفتر و ورقه ازدواج یا طلاق تکمیل کنند. ۶ ـ ملغی شده است ۷ ـ در مورد عقد انقطاع در صورتی که زوج در حین مدت بخواهد از بقیه مدت صرفنظر کند بایستی در نزد صاحب دفتر حاضر شده و صاحب دفتر هم بذل بقیه مدت را در ستون ملاحظات دفتر و در ورقه عقدنامه قید و به امضای خود و زوج رسانیده و به علاوه سوادی از ورقه عقدنامه برداشته و بذل بقیه مدت را در آن قید نموده و به امضای خود و زوج رسانیده و آن سواد را به توسط اداره ثبت محل برای زوجه ارسال بدارد. در مورد طلاق و همچنین در مورد رجوع نیز به طریق فوق بایدرفتار شود. ۸ ـ در مواردی که هویت زوج یا زوجه نزد صاحب دفتر محرز نبوده و در بین شهود عقد اشخاصی باشند که معرفی آنها برای احراز هویت نزد صاحب دفتر کافی باشد شهود مزبور می‌توانند معرف واقع شوند و خواستن معرف علیحده الزامی نیست ۹ ـ برای

اینکه بین ورقه عقد ازدواج و یا طلاقنامه و ثبت آن در دفتر هیچ قسم اختلافی بروز نکند صاحبان دفاتر بایستی بدوا صورت عقدنامه یـا طلاقنـامه را در خارج تهیه و بعـد در دفتر وارد و ثبت کرده سواد آن را بر طبق دسـتور ماده ۱۴ نظامنـامه روی اوراق چاپی در دو نسخه نقل کنند.

آئین‌نامه ماده اول قانون ازدواج. مصوب ۱۳۱۲ (م ۱ تا م ۳)

مـاده اول ـ دفتر ازدواج و طلاـق از یکـدیگر تفکیک شـده و هریک از دو دفتر مسـتقلا تهیه و طبع خواهـد شـد. ماده دوم ـ صاحبان دفاتر طلاق ممکن است دارای دفتر ازدواج هم باشـند. ماده سوم ـ عـده دفاتر طلاق هر شـهر یا ناحیه از طرف وزارت عـدلیه تعیین و اسامی صاحبان آنها برای اطلاع اهالی اعلان‌خواهد شد.

آئین‌نامه ماده ۳ قانون ازدواج در صلاحیت محکمه ازدواج(در ۲ بند)

۱ ـ محکمه ازدواج در موارد ذیل صالح می‌باشد: الف ـ در صورت وقوع جرم در حوزه ماموریت او. ب ـ وقتی که متهم یا مقصر در حوزه او دستگیر یا جرم در حوزه او کشف شده باشد. ج ـ وقتی که متهم یا مظنون به ارتکاب در حوزه او مقیم است ولو اینکه جرم در حوزه دیگر واقع شـده باشد. ۲ ـ برای جلوگیری از فرار یـا پنهان شـدن متهمین که محاکمه آنها بایـد در محکمه ازدواج به عمل آیـد مـدعی‌العموم محکمه‌مزبور می‌توانـد قبل از صـدور ادعانامه مطابق ماده ۱۲۹ اصول محاکمات جزائی اصـلاح شـده از محکمه بـدایت ازدواج تقاضای‌اخذ تامین نموده و محکمه مطابق ماده فوق الذکر مکلف به اخذ تامین می‌باشد و در صورت اختلاف عقیده بین مـدعی‌العموم و محکمه رفع اختلاـف در تهران در محکمه استینـاف ازدواج و در ولایـات محکمه ابتـدائی محل به عمل خواهد آمد و مراتب‌مندرجه در ماده ۳۸ قانون اصول محاکمات جزائی اصلاح شده در این مواقع باید رعایت شود.

قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳

ماده ۱ ـ به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی‌خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم‌امین در دادگاههای شهرسـتان و در نقاطی که دادگاه شهرسـتان نباشددر دادگاه بخش رسـیدگی می‌شود و رسـیدگی به امور مذکور در تمام‌مراحل دادرسـی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهدبود. ماده ۲ ـ منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مـدنی بین هر یـک از زنو شوهر و فرزنـدان و جـد پـدری و وصـی و قیم است که از حقوق وتکـالیف مقرر در کتـاب هفتم در نکاح و طلاق (منجمله دعوی مربوط‌به جهیزیه و مهر زن و کتـاب هشـتم در اولاـد و کتـاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی همچنین از مواد۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشـی شده باشد. ماده ۳ ـ دادگاه می‌تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن‌شدن موضوع دعوی و احقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطلعین و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که‌مقتضی باشد انجام دهد. ماده ۴ ـ دادگاه هر یک از طرفین را که بی بضاعت تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی و حق کارشناسی و حق داوری و سایرهزینه‌ها معاف می‌نماید. همچنین در صورت لزوم راسا وکیـل معاضـدتی برای او تعیین خواهـد کرد. در صورتی که طرف بی‌بضـاعت محکوم له شود محکوم علیه اگر بضاعت داشـته باشـد به‌مـوجب رای دادگـاه ملزم بـه پرداخت هزینه‌هـای مـذکور و حـق الوکـاله وکیـل معاضـدتی خواهـد گردیـد. وکلاـ و کارشـناسان مـذکور مکلف به‌انجـام دسـتور دادگـاه می‌باشـند. مـاده ۵ ـ دادگـاه در صـورت تقاضـای هر یـک از طرفیـن مکلف است‌موضوع دعوی را به اسـتثنای رسـیدگی به اصـل نکـاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نمایـد همچنین دادگاه در صورتی که مقتضـی بدانـد راسا نیز دعـوی را بـه داوری ارجـاع خواهـد کرد. داوری در این قـانون تـابع شـرایط داوری منـدرج در قـانون آیین

دادرسی‌نمی‌باشد. مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.در صورت عدم وصول نظر مذکور تا پایان مدت مقرر دادگاه راسا رسیدگی خواهد کرد مگر اینکه طرفین به تمدید مدت تراضی‌نمایند یا دادگاه تمدید مدت را مقتضی تشخیص دهد. تبصره ـ درصورتی که طرفین به تعیین داور تراضی نکرده یا داور خود را معرفی ننمایند دادگاه داور یا داوران را به ترتیب از اقربا یادوستان یا آشنایان آنان انتخاب خواهد کرد هرگاه اشخاص مذکور ازقبول داوری امتناع کرده یا انتخاب آنان از جهت عدم حضور در محل‌یا جهات دیگر میسر نباشد افراد دیگری به داوری انتخاب می‌شوند. ماده ۶ ـ داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و درصورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقرر کتبا به دادگاه اعلام می‌نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می‌شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به‌دادگاه اعلام نمایند. در صورتیکه طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای نظر داور را صادر می‌نماید مگر اینکه رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی الاثر می‌شود. هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا درموعد مقررجوابی ندهد یا رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به‌موضوع رسیدگی نموده حسب مورد رای مقتضی یا گواهی عدم‌امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۷ ـ هر گاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی راعلیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده‌شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل‌اقامت زن صالح به رسیدگی خواهد بود. در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل‌اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگرطرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی‌خواهد داشت تبصره ـ در موارد مذکور در این قانون اگر طرفین اختلاف مقیم‌خارج از کشور باشند می‌توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه نمایند. در این مورد هرگاه ذینفع نسبت به‌احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی معترض و مدعی‌عدم رعایت مقررات و قوانین ایران باشد می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم یا تصمیم قطعی اعتراض خود را با ذکر دلایل وپیوست نمودن مدارك و مستندات آن از طریق کنسولگری ایران درکشور محل توقف به دادگاه شهرستان تهران ارسال نماید دادگاه به‌موضوع رسیدگی کرده و رای مقتضی صادر می‌کند و به دستور دادگاه رونوشت رای برای اقدام قانونی به کنسولگری مربوط ارسال‌می‌گردد. ثبت احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی در مواردی که‌قانونا باید در اسناد سجلی یا دفتر کنسولگری ثبت شود در صورت‌توافق طرفین یا در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بلا‌ اشکال است و الا‌ موکول به اعلام رای قطعی دادگاه شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۸ ـ در موارد زیر زن یا شوهر حسب مورد می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید ودادگاه در صورت‌احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد: ۱ ـ توافق زوجین برای طلاق ۲ ـ استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه همچنین درموردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد. ۳ ـ عدم تمکین زن از شوهر ۴ ـ سوء رفتار و یا سو معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه‌زندگی را برای طرف دیگر غیرقابل تحمل نماید. ۵ ـ ابتلا‌ هر یک از زوجین به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد. ۶ ـ جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد. ۷ ـ عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد. ۸ ـ محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال‌حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به‌پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعا منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. ۹ ـ ابتلا به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس‌زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیرممکن سازد. ۱۰ ـ هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید. ۱۱ ـ هر یک از زوجین خانوادگی را ترک کند تشخیص ترک زندگی‌خانوادگی با دادگاه است ۱۲ ـ محکومیت قطعی هر

یک از زوجین در اثر ارتکاب جرمی که‌مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد. تشخیص اینکه جرمی مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است باتوجه به وضع و موقع طرفین و عرف و موازین دیگر با دادگاه است ۱۳ ـ در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگرهمچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات‌جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند. ۱۴ ـ در مورد غایب مفقودالاثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قانون‌مدنی تبصره ـ طلاقی که موجب این قانون و بر اساس گواهی عدم امکان‌سازش واقع می‌شود فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است ماده ۹ ـ در مورد ماده ۴ قانون ازدواج هرگاه یکی از طرفین عقد بخواهد از وکالت خود در طلاق استفاده نماید باید طبق ماده قبل به‌دادگاه مراجعه کند و دادگاه در صورت احراز تخلف از شرط گواهی‌عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۱۰ـ اجرای صیغه طلاق و ثبت آن پس از رسیدگی دادگاه وصدور گواهی عدم امکان سازش صورت خواهد گرفت متقاضی گواهی عدم امکان سازش باید تقاضانامه‌ای به دادگاه تسلیم نماید که‌در آن علل تقاضا به طور موجه قید گردد. پس از وصول تقاضانامه‌دادگاه راسا یا به وسیله داور یا داوران سعی در اصلاح بین زن وشوهر و جلوگیری از وقوع طلاق خواهد کرد هرگاه مساعی دادگاه‌برای حصول سازش به نتیجه نرسد با توجه به ماده ۸ این قانون‌گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. دفتر طلاق پس از دریافت گواهی مذکور به اجرای صیغه طلاق وثبت آن اقدام خواهد نمود. هر یک از طرفین عقد بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش‌مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای سردفتری که‌طلاق را ثبت نماید. ماده ۱۱ ـ دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که‌صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سو رفتار و قصور طرف‌دیگر باشد او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به‌پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نمایدمشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگرمحرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یا ایجاد درآمد کافی برای او یا کاهش درآمد یا عسرت‌محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب موردتقلیل یافته یا قطع خواهد شد. در موردی که گواهی عدم امکان سازش به جهات مندرج در بندهای۵ و۶ ماده ۸ صادر شده باشد مقرری ماهانه با رعایت شرایط مذکوربه مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشروط به اینکه مرض یا جنون بعداز عقد ازدواج حادث شده باشد و در صورت اعاده‌سلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد. ماده ۱۲ ـ در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادرمی‌شود دادگاه ترتیب نگاهداری اطفال و میزان نفقه ایام عده را باتوجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین‌می‌کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانندترتیب نگاهداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید نفقه‌زوجه از عواید و دارایی مرد ونفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر درماده۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین وطریقه اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می‌کند دادگاه همچنین‌ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفی معین می‌کند حق ملاقات باطفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود. تبصره ۱ ـ اطفالی که والدین آنان قبل از تصویب این قانون ازیکدیگر جدا شده‌اند در صورتی که به طریق اطمینان بخشی ترتیب هزینه و نگاهداری و حضانت آنان داده نشده باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود. تبصره ۲ ـ پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم‌است ماده ۱۳ ـ در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقربای طفل یا دادستان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضرورت دارد (اعم از اینکه قبلا تصمیمی در این مورد اتخاذشده یا نشده باشد) و یا به طریق اطمینان بخشی ترتیب نگاهداری و حضانت طفل داده نشده باشد دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسی که مقتضی بداند محول می‌کند و هزینه حضانت به‌عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه مکلف به پرداخت آن می‌شود. ماده ۱۴ ـ هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل‌به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع طفل با

اشخاص ذیحق شود او را برای هربار تخلف به‌پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به‌حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص‌دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب‌متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشدنخواهد بود. تبصره ۱ ـ پدر یا مادر کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی‌توانند طفل را به شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل از وقوع طلاق و یا به خارج کشور بدون‌رضایت والدین بفرستند مگر در صورت ضرورت با کسب اجازه ازدادگاه تبصره ۲ ـ وجوه موضوع این ماده و ماده ۱۱ به صندوق حمایت‌خانواده که از طرف دولت تاسیس می‌شود پرداخت خواهد شد.نحوه پرداخت وجوه مذکور به اشخاص ذینفع طبق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵ ـ طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می‌باشد درصورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم قدرت و لیاقت او در اداره‌امور صغیر یا فوت پدر به تقاضای دادستان و تصویب دادگاه‌شهرستان حق ولایت به هر یک از جد پدری یا مادر تعلق می‌گیردمگر اینکه عدم صلاحیت آنان احراز شود که در این صورت حسب‌مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد دادگاه در صورت اقتضا اداره امور صغیر را از طرف جد پدری یا مادر تحت نظارت‌دادستان قرار خواهد داد. در صورتی که مادر صغیر شوهر اختیار کند حق ولایت او ساقط‌خواهد شد در این صورت اگر صغیر جد پدری نداشته یا جد پدری‌صالح برای اداره امور صغیر نباشد دادگاه به پیشنهاد دادستان حسب‌مورد مادر صغیر یا شخص صالح دیگری را به عنوان امین یا قیم‌تعیین خواهد کرد. امین به تشخیص دادگاه مستقلا یا تحت نظردادستان امور صغیر را اداره خواهد کرد. ماده ۱۶ ـ مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر درموارد زیر: ۱ ـ رضایت همسر اول ۲ ـ عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳ ـ عدم تمکین زن از شوهر ۴ ـ ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و۶ ماده ۸ ۵ – محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸ ۶ ـ ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸ ۷ ـ ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸ ـ عقیم بودن زن ۹ ـ غائب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸. ماده ۱۷ ـ متقاضی باید تقاضانامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلائل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد.دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک‌ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد. به هرحال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است‌که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم‌خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج وزن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت‌همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد. ماده ۱۸ ـ شوهر میتواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هرشغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع‌کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند. ماده ۱۹ ـ تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش‌پذیر می‌باشد: ۱ ـ صدور گواهی عدم امکان سازش ۲ ـ تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگاهداری اطفال ۳ ـ حضانت اطفال ۴ ـ حق ملاقات با اطفال ۵ ـ اجازه مقرر در ماده ۱۶ تبصره ـ در مورد بندهای ۲ و۳ و ۴ این ماده هرگاه در وضع طفل یا والدین یا سرپرستی که از طرف دادگاه معین شده تغییری حاصل‌شود که تجدید نظر در میزان نفقه یا هزینه نگاهداری یا حضانت یاحق ملاقات با اطفال را ایجاب کند دادگاه می‌تواند در تصمیم قبلی‌خود تجدیدنظر نماید. ماده ۲۰ ـ طرفین دعوی یا هر یک از آنها می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه‌نگاهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری قرار دهد و قراری در این باره صادر کند دستور موقت دادگاه فورا به مورد اجرا گذاشته‌می‌شود. ماده ۲۱ ـ مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ‌صدور است در صورتی که

ظرف این مدت گواهی مذکور به دفترطلاق تسلیم نشود از درجه اعتبار ساقط می گردد. دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف‌دیگر اخطار می‌نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید برای‌اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یک از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید. ماده ۲۲ ـ هرکس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت‌تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه یا یک سال محکوم خواهد شد.تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد. ماده ۲۳ ـ ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل‌از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذلک در مواردی که‌مصالحی اقتضا کند استثنائا در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام‌کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته‌باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاوجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم‌خواهد شد. تبصره ـ در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می کند دفاتر ازدواج‌مکلفند علاوه بر مطالبه گواهینامه مذکور در ماده ۲ قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ گواهی صحت مزاج نسبت به عوامل یا بیماری‌های دیگری که موجب بروز بیماری یا عوارض سو در اولاد یا زوجین خواهد شد نیز مطالبه نماید. نوع عوامل و بیماری‌های مذکور را وزارت بهداری و وزارت‌دادگستری تعیین خواهند نمود. ماده ۲۴ ـ رسیدگی به اموال خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاچی انجام خواهد گرفت ماده ۲۵ ـ اجرای احکام دادگاه به موجب آیین نامه‌ای است که از طرف وزارت دادگستری تهیه خواهد شد. تبصره ـ در مورد وجوهی که به موجب حکم دادگاه باید ماهانه و مستمرا از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و مامورین اجرا مکلفند عملیات اجرایی را مادام که‌دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است ادامه دهند. ماده ۲۶ ـ مقررات این قانون در مورد پرونده‌هایی که تا کنون منتهی‌به صدور حکم نهایی نشده است قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۷ ـ آیین نامه اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا خواهد گذاشت ماده ۲۸ ـ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است

قانون تسهیل ازدواج جوانان – مصوب ۱۳۸۴

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح تسهیل ازدواج جوانان که با عنوان طرح تسهیلات ازدواج جوانان به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۷/۹/۱۳۸۴ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۶۴۷۲۴ ۲۲/۱۰/۱۳۸۴ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قانون تسهیل ازدواج جوانان که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۱۰/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۹۲۰۵۰/۳۱۶ مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی نژاد قانون تسهیل ازدواج جوانان ماده۱ـ به منظور توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده، دولت مکلف است صندوق اندوخته ازدواج جوانان را ایجاد نماید. اساسنامه صندوق شامل ماهیت صندوق، منابع مالی، ارکان، شرح وظایف صندوق و نحوه عضویت در آن ظرف سه ماه از تصویب این قانون توسط دولت تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود. ماده۲ـ دولت مکلف

است علاوه بر استفاده از منابع بودجه سنواتی پیش‌بینی شده، از محل « صندوق اندوخته ازدواج جوانان» به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن، حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق، وام ودیعه مسکن پرداخت کند. ماده۳ـ با تأکید بر روشهای انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، ارزان‌سازی و استفاده از روشهای نوین ساخت در امر مسکن، دولت مکلف است علاوه بر بهره‌مندی از تسهیلات متداول و رایج فعلی (انبوه‌سازی و اجاره به شرط تملیک) از طریق نهادهای عمومی نظیر شهرداری و اوقاف و امورخیریه و با بهره گیری از همکاری و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و استفاده از زمین‌های دولتی یا زمین‌های اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی به عنوان « مسکن موقت» احداث کرده و آنها را در اختیار زوجهای جوان با اجاره مناسب قرار دهد. مدت استفاده هر زوج متقاضی از این واحدها حداکثر سه سال است. ماده۴ـ الف ـ کلیه دستگاههای دولتی، نهادهای عمومی و شهرداریهای دارای تسهیلات رفاهی، فرهنگسرا و تالار، باشگاه و اردوگاه موظفند با هماهنگی کمیته سامان ازدواج، فضاهای مذکور را برای برگزاری جشن و مراسم ازدواج در اختیار زوجهای واجد شرایط قرار دهند. ب ـ به هریک از خانواده‌های جوان عضو صندوق که هیچیک از زوجین اشتغال به کار یا منبع درامدی نداشته باشند، حداکثر تا مدت دو سال پس از تاریخ ازدواج مبلغی به عنوان کمک هزینه زندگی به صورت قرض‌الحسنه پرداخت می گردد. سقف مبلغ مزبور را کمیته سامان ازدواج متناسب با سرمایه صندوق تعیین خواهدنمود. ماده۵ ـ دولت مکلف است به منظور تکریم و ترویج سنت حسنهٔ نبوی ازدواج، فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب، با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاههای فرهنگی و آموزشی اقدامات ذیل را انجام دهد: الف ـ تصحیح باورها و آداب و رسوم مانع و مزاحم ازدواج جوانان در مناطق کشور. ب ـ تشویق جوانان و خانواده‌ها به برپایی جشنهای گروهی و کاهش هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج. ج ـ روز اول ذی‌الحجه (روز ازدواج امیرالمؤمنین «ع» و فاطمه زهرا «س») به عنوان روز ازدواج جوانان نامگذاری شود. د ـ طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و روشها و آداب همسرگزینی و ازدواج آسان و شرعی از طریق رسانه‌های گروهی، صدا و سیما، کتب درسی مقطع متوسطه (سال سوم و پیش‌دانشگاهی) و آموزش عالی. ماده۶ ـ دولت موظف است به منظور سامان فعالیتهای ازدواج در استانها و نظارت بر روند اجرایی این قانون در کلیه فرمانداریها، کمیته سامان ازدواج متشکل از فرماندار، امام جمعه شهر و رئیس شورای شهر تشکیل دهد. تبصره۱ـ این کمیته حسب مورد می‌تواند از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جهت شرکت در جلسات و تصمیم گیری‌های ذی‌ربط دعوت به عمل آورد. تبصره۲ـ کلیه دستگاههای ذی‌ربط موظف به همکاری با این کمیته هستند. تبصره۳ـ استانداران موظفند پس از دریافت گزارش اقدامات کمیته‌ها، نتیجه را از طریق دولت به تفکیک هر استان به صورت سالانه به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گزارش کنند. ماده۷ ـ به منظور رفع موانعی که باعث تأخیر ازدواج می گردد و تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است پس از موافقت فرمانده کل نیروهای مسلح اقدامات ذیل را انجام دهد: الف ـ تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیکترین پادگان و مرکز نظامی محل سکونت. ب ـ پرداخت مستمری به میزان حداقل دوبرابر سربازان مجرد به سربازان متأهل که میزان افزایش مستمری متأهلین از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می گردد. ماده۸ ـ دولت موظف است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج مشتمل بر برنامه‌های: مشاوره برای همسریابی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترك، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسرداری و آمادگی برای داشتن فرزند را تهیه و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد. ماده۹ـ دولت مکلف است متأهلین واجد شرایط را در اولویت دسترسی به فرصتهای شغلی، وام اشتغال و وام مسکن قرار دهد. ماده۱۰ـ وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مؤسسات دارای مرکز آموزشی، موظفند در چارچوب بودجه سنواتی نسبت به ساخت و واگذاری خوابگاهها برای متأهلین اقدام لازم را معمول دارند و همچنین نسبت به پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان متأهل به میزان دو برابر دانشجویان مجرد، که افزایش آن از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌شود، اقدام نمایند.

تبصره ـ دانشجویان متأهل رشته‌های پزشکی مجازند قبل از انجام خدمت سربازی و طرح خدمت نیروی انسانی در آزمون دوره‌های تخصصی شرکت کنند. ماده۱۱ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون پس از تصویب اساسنامه صندوق توسط مجلس شورای اسلامی، ظرف مدت سه ماه توسط دولت تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. ماده۱۲ـ گزارش اجرای این قانون هر شش‌ماه یکبار توسط دولت تهیه و به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. ماده۱۳ـ وزرای اموراقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی و کشور در موارد مرتبط مسؤول حُسن اجرای این قانون در برابر مجلس شورای اسلامی می‌باشند. قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۱۰/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

لایحه پیشنهادی حمایت خانواده – ۱۳۸۶

باسمه تعالی شماره ۶۸۳۵۷/۳۶۷۸۰ تاریخ۱/۵/۱۳۸۶ جناب آقای دکتر حداد عادل رئیس محترم مجلس شورای اسلامی لایحه « حمایت خانواده» که بنا به پیشنهاد قوه قضاییه در مجلس در جلسه مورخ ۳/۴/۱۳۸۶ هیات وزیران به تصویب رسیده است ، جهت طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می گردد. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور با عنایت به نقش و جایگاه ویژه نهاد خانواده در نظام حقوقی و تربیتی اسلام و با توجه به غیرشرعی اعلام شدن بخشهایی از قوانین مربوط به حقوق خانواده و وجود خلاءهای قانونی در این زمینه و نظر به متشتت بودن مقررات این حوزه و معلوم نبودن ناسخ و منسوخ آنها که موجب آثار زیانبار و مشکلات عدیده ای از جمله سردرگمی محاکم دادگستری در رسیدگی به دعاوی خانوادگی شده است و با لحاظ برخی کاستی ها و نواقص در قوانین موجود حاکم بر نهاد خانواده و عدم تطبیق آنها با واقعیت روز و به منظور تحقق بخشیدن به مفاد اصل (۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در راستای تحقق سیاست قضا زدایی و برای کاهش یا مرتفع نمودن مشکلات موجود در قواعد حقوق خانواده و رفع ابهام ، تعارض و خلاًـ از قوانین و مقررات کنونی خانواده و در اجراء بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی؛ لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می شود: لایحه حمایت خانواده فصل اول : دادگاه خانواده ماده ۱– در اجرای بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی و جرایم موضوع این قانون، قوه قضاییه موظف است ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب این قانون در تمامی حوزه ها ی قضایی شهرستان، به تعداد کافی شعب دادگاه خانواده تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزه های قضایی بخش به تناسب امکانات و به تشخیص رئیس قوه قضاییه خواهد بود. تبصره ۱– از زمان اجراء این قانون، در حوزه قضایی شهرستانهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه حقوقی عمومی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون، به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند. تبصره ۲– در حوزه قضایی بخشهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضایی رسیدگی خواهد شد . ماده ۲– دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و دو مستشار تشکیل می شود که حتی المقدور یکی از مستشاران دادگاه از بانوان دارنده پایه قضایی می باشد. رسمیت جلسه و صدور رای با اکثریت امکان پذیر است. ماده ۳– رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه خانواده باید متاهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی باشد. ماده ۴– امور و دعاوی زیر در دادگاه خانواده رسیدگی می شود: ۱– نامزدی و خسارات ناشی از بر هم خوردن آن؛ ۲– نکاح دائم ، موقت و اذن در نکاح؛ ۳– طلاق، رجوع ، فسخ و انفساخ نکاح ، بذل مدت و انقضای آن ؛ ۴– نفقه اقارب ، مهریه ونفقه زوجه و سایر حقوق قانونی ناشی از رابطه زوجیت؛ ۵– جهیزیه؛ ۶– حضانت و ملاقات طفل؛ ۷– نسب؛ ۸– نشوز و تمکین زوجین؛ ۹– ولیت قهری ، قیومت و امور راجع به ناظر و امین محجوران؛ ۱۰– رشد، حجر و رفع آن؛ ۱۱– شروط ضمن عقد نکاح؛ ۱۲– سرپرستی کودکان بی

سرپرست؛ ۱۴- اهداء جنین ماده ۵ –دادگاه خانواده به جرایم موضوع فصل ششم این قانون نیز رسیدگی می نماید. ماده ۶- دادگاه هریک از طرفین را که فاقد تمکن مالی تشخیص دهد، از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داوری و سایر هزینه ها معاف می نماید.. همچنین در صورت نیاز با الزام قانونی به داشتن وکیل، حسب مورد به در خواست فرد فاقد تمکن مالی یا راساً، دادگاه برای وی اقدام به تعیین وکیل معاضدتی می نماید چنانچه طرف مذکور محکوم له واقع شود ، دادگاه ضمن صدور رای، محکوم علیه را به پرداخت هزینه های مذکورو حق الوکاله وکیل معاضدتی محکوم می کند، مگر اینکه قبلا در این پرونده عدم تمکن مالی وی احراز شده باشد. ماده ۷- مادر یا هر شخصی که حضانت طفل و یا نگهداری شخص محجور را ضرورتا بر عهده دارد،هر چند که قیمومت را عهده دار نباشد، حق اقامه دعاوی مطالبه نفقه برای محجور را خواهد داشت. ماده ۸- دادگاه پیش از اتخاذ تصمیم نسبت به اصل دعوی، به درخواست یکی از طرفین در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد از قبیل حضانت، نگهداری، ملاقات طفل، نفقه زن و محجور، بدون اخذ تامین دستور موقت صادر می نماید. این دستور بدون نیاز به تایید رئیس حوزه قضایی قابل اجرا است و چنانچه دادگاه ظرف شش ماه مبادرت به اتخاذ راجع به اصل دعوی ننماید کان لم یکن گردیده و از آن رفع اثر می شود، مگر آن که دادگاه مطابق این ماده مجدداً دستور موقت صادر نماید. ماده ۹- رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی و مطابق آیین نامه اجرایی این قانون به عمل می آید . ماده ۱۰- ابلاغ در دادگاه خانواده می تواند از طریق پست، نمابر،پیامهای تلفنی، پست الکترونیکی و یا هر طریق دیگری که دادگاه مناسب با کیان خانواده تشخیص دهد صورت گیرد. در هر حال احراز صحت ابلاغ با دادگاه است. ماده ۱۱- دادگاه می تواند جهت فراهم نمودن فرصت صلح و سازش، جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی ازآنان، حداکثر برای دو بار به تاخیر بیندازد. ماده ۱۲- در دعاوی موضوع این قانون، محکوم له پس از صدور حکم قطعی و تا پیش از شروع اجراء آن نیز می تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است در خواست تامین محکوم به را بنماید. ماده ۱۳- چنانچه موضوع دعوا مطالبه مهریه منقول یا نفقه باشد ، زوجه می تواند در محل اقامت خوانده و یا محل سکونت خود اقامه دعوی نماید. ماده ۱۴- هر گاه از سوی زوجین ، امور دعاوی موضوع صلاحیت دادگاه خانواده در حوزه های قضایی متعدد مطرح شده باشد. دادگاهی که دادخواست یا شکایت مقدم به آن داده شده است، صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوای اقامه شده از سوی زوجه را دارد ،به تمامی دعاوی رسیدگی می نماید . ماده ۱۵- هرگاه یکی از زوجین طرف دعوا مقیم خارج کشور باشد ،دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر زوجین مقیم خارج ازکشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد دادگاه همان محل و اگر هر دو در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت موقت زوجه صالح به رسیدگی می باشد و هر گاه هیچ یک در ایران سکونت موقت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، مگر آن که زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگری توافق نمایند. ماده ۱۶- رئیس قوه قضاییه می تواند شعبی از دادگاه خانواده را برای رسیدگی به اختلافات خانوادگی ایرانیان مقیم خارج از کشور اختصاص داده وعندالاقتضاء به قضات این شعب ماموریت دهد بنا به در خواست وزارت امور خارجه ، در محل سفارتخانه ها و کنسول گری های ایران به امور مزبور رسیدگی نمایند احکام این شعب که در خارج از کشور صادرمی شود مانند احکام دادگاه های مستقر در ایران به اجرا درمی آید. تبصره- هر گاه به دلیل عدم تشکیل شعب مذکور در این ماده یا عدم دسترسی به آنها ایرانیان مقیم خارج از کشور دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیتدار محل اقامت خود مطرح نمایند در صورتی احکام این مراجع یا محاکم در ایران به اجرا در می آید که دادگاه صلاحیتدار ایرانی احکام مزبور را بررسی نموده و حکم تنفیذی صادر نماید. فصل دوم: مراکز مشاوره خانواده ماده ۱۷- به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلو گیری از افزایش اختلافات خانوادگی به ویژه طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش ، قوه قضاییه موظف است ظرف سه سال از

تاریخ تصویب این قانون در کنار دادگاه های خانواده (مراکز مشاوره خانواده) ایجاد نماید. ماده ۱۸– در حوزه های قضایی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می تواند در صورت لزوم با مشخص نمودن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر مرکز مشاوره خانواده را خواستار شود. ماده ۱۹– مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره ای، نسبت به اجراء خواسته دادگاه در مهلت مقرر اقدام و در مورد مربوط سعی در ایجاد سازش مینماید. در صورت حصول سازش مبادرت به تنظیم سازش نامه نموده و گرنه نظر کارشناسی خود را به طور کتبی و مستدل به دادگاه اعلام می نماید. تبصره– درصورتی که زوجین به صورت توافقی متقاضی طلاق باشند، مراکز مشاوره خانواده برابر ماده ۲۶ این قانون عمل می نماید . ماده ۲۰– دادگاه باید با در نظر گرفتن نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده مبادرت به صدور رای نماید مگر آنکه نظریه مزبور را برخلاف اوضاع و احوال مسلم قضایی تشخیص دهد. ماده ۲۱– اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسانی در رشته های مختلف مانند مطالعات خانواده، روانشناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق، فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می شوند و لااقل نصف اعضاء هر مرکز باید از انوان متاهل واجد شرایط باشند. سایر شرایط ،تعداد اعضاء، نحوه انتخاب، گزینش،آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات آنان، تشکیلات،شیوه انجام وظایف و تعداد مراکز مشاوره خانواده و نیز تعرفه خدمات مشاوره و نحوه پرداخت آن به موجب آئین نامه است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت رفاه و تامین اجتماعی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد. تبصره ۱– جلسات مشاوره لزوماً با حضور افراد مورد اعتماد طرفین و ترجیحاً از خویشاوندان آنان برگزار می شود. تبصره ۲– کلیه اختلافات و منازعات خانوادگی قابل طرح در شوراهای حل اختلاف می باشد. در صورت مراجعه طرفین شوراهای یادشده با حضور کارشناس مربوط تشکیل و احکام صادره به استثناء حکم طلاق ، لازم الاجراء است در صورتی که نظر بر اجراء حکم طلاق باشد پرونده به دادگاه ارجاع می شود. فصل سوم:ازدواج ماده۲۲– ثبت عقد نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح و طلاق الزامی است. تبصره : ثبت نکاح موقت تابع آیین نامه ای که به تصویب وزیر دادگستری می رسد. ماده ۲۳– اختیار همسر دائم بعدی، منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجراء عدالت بین همسران می باشد. تبصره– در صورت تعدد ازدواج چنانچه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید، اجازه ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه زن اول است. ماده ۲۴– وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این قانون بیماری هایی را که باید طرفین بیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و بیماریهای واگیر خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام دارد. دفاتر ازدواج مکلفند پیش از ثبت نکاح ، گواهی صادره از سوی پزشکان و مراکزی که وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی واجد صلاحیت ، اعلام می نماید ، مبنی بر نداشتن اعتیاد به مواد مخدر و بیماریهای موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین را از آنان مطالبه و بایگانی نمایند. ماده ۲۵– وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه های بالاتر از حد متعارف و غیر منطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسایل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید. میزان مهریه متعارف و میزان مالیات با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیات وزیران می رسد. فصل چهارم–طلاق ماده ۲۶– ثبت طلاق و سایر اسباب انحلال نکاح در دفاتر رسمی صرفاً پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه با گواهی مراکز مشاوره خانواده مبنی بر توافق زوجین بر طلاق مجاز می باشد. ماده ۲۷– در صورتی که زوجین به صورت توافقی متقاضی طلاق باشند باید به مراکز مشاوره خانواده مراجعه نمایند. این مراکز ضمن ارائه خدمات مشاوره ای، سعی در سازش و انصراف آنان از درخواست طلاق می نماید. در صورت حصول سازش و انصراف از طلاق، سازش نامه تنظیم و گرنه با ذکر دقیق موارد توافق، گواهی توافق زوجین بر طلاق صادر می نماید. ماده ۲۸– در صورتی که طلاق صرفاً به درخواست مرد باشد، دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش و اگر به

درخواست زوجه باشد، حسب مورد دادخواست صدور حکم الزام به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق تقدیم دادگاه می شود. ماده ۲۹- در تمامی موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه موظف است ضمن سعی در ایجاد صلح و سازش، موضوع را به داوری ارجاع نماید. دادگاه با توجه به نظر داوران گواهی عدم امکان سازش یا حکم طلاق صادر و چنانچه نظر آنان را نپذیرد مستدلاً رد می نماید. ماده ۳۰- پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هر یک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، یک نفر از اقارب خود را که حداقل سی سال سن داشته و متاهل و آشنا به مسایل شرعی، خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی نمایند. تبصره ۱- افرادی که متاهل بوده اند ولی همسرشان فوت نموده است نیز می توانند به عنوان داور پذیرفته شوند. تبصره ۲- نحوه انتخاب و دعوت داوران، وظایف و تعداد جلسات آنها مطابق آئین نامه ای خواهد بود که ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. ماده۳۱- در صورتی که در بین اقارب ، فرد واجد شرایط نموده یا دسترسی به آنها مقدور نباشد و یا اقارب از پذیرش داوری استنکاف نمایند. هر یک از زوجین می توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند و درصورت امتناع یا عدم توانایی در معرفی داور، دادگاه به در خواست هر یک از طرفین و یا راساً از میان اعضاء واجد شرایط داوری مراکز مشاوره خانواده مبادرت به تعیین داور می نمایند. ماده ۳۲- دادگاه ضمن صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش با توجه به شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج تکلیف جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه، اولاد و حمل و ترتیب حضانت و نگهداری اطفال وهزینه آن و نحوه پرداخت را مشخص می کند. همچنین با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات را با پدر ، مادر و سایر بستگان تعیین می نماید. ثبت طلاق موکول به تادیه حقوق مذکور می باشد، مگر با رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی براعسار زوج یا تقسیط آن، در هر حال، هر گاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد، می تواند پس از ثبت طلاق جهت دریافت این حقوق از طریق اجراء احکام دادگاه مطابق مقررات مزبور اقدام نماید. تبصره: گواهی پزشک ذی صلاح در مورد وجود یا عدم وجود جنین، باید تسلیم شود مگر آن که زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند. ماده ۳۳- مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر طلاق، سه ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی یا قطعی شدن رای می باشد. چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود و یا طرفی که آن را به دفتر طلاق تسلیم نموده است، ظرف مهلت سه ماه از تاریخ تسلیم در دفتر حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه ننماید، از درجه اعتبار ساقط است. تبصره۱- چنانچه رای دادگاه قابل فرجام خواهی باشد، مهلت مذکور در صدر این ماده از تاریخ ابلاغ رای مرحله فرجام یا انقضاء مهلت فرجام خواهی محاسبه می شود. تبصره ۲- گواهی قطعی و قابل اجرا بودن رای از سوی دادگاه صادر و همزمان به دفتر طلاق ارائه می شود. تبصره ۳- رسیدگی به فرجام خواهی از آراء طلاق نباید بیش از شش ماه به طول بیانجامد. تبصره۴- هر گاه پس از قطعی شدن حکم طلاق، زوجه مطلقه گردیده و ازدواج کرده باشد دیگر نمی توان حکم به فسخ رای که طلاق بر اساس آن ثبت شده است، صادر کرد. ماده ۲۴- گواهی صادر از مراکز مشاوره خانواده مبنی بر طلاق توافقی نیز از زمان صدور تا سه ماه اعتبار دارد و با حضور طرفین اجراء می گردد. ماده ۳۵- هر گاه زوج در مهلت مقرر به دفتر طلاق مراجعه و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم نماید، در صورتی که زوجه ظرف یک هفته حاضر نشود، سر دفتر به زوجین اخطار می کند برای اجراء صیغه طلاق و ثبت آن،در دفتر خانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه و عدم اعلام عذری از سوی وی ، صیغه طلاق جاری و ثبت می شود و در صورت اعلام عذر، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور دعوت به عمل می آید در موارد غیبت زوجه ، مراتب به وسیله دفتر خانه به اطلاع وی می رسد. ماده ۳۵- هر گاه حکم طلاق از سوی زوجه به دفتر طلاق تسلیم شود، در صورتی که زوج ظرف یک هفته حاضر نشود، سر دفتر به زوجین اخطار می کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن ، در دفتر خانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه و عدم اعلام عذری از سوی وی یا امتناع وی از اجراء صیغه طلاق، صیغه طلاق جاری و ثبت شده و به زوج ابلاغ می گردد و در

صورت اعلام عذر ، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور دعوت به عمل می آید. تبصره- فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجراء صیغه طلاق مذکور در این ماده و ماده قبل نباید کمتر از یک هفته باشد. ماده ۳۷- اجراء صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفتر خانه یا در محل دیگری با حضور سر دفتر یا نماینده وی به عمل می آید. تبصره – فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجرا صیغه طلاق مذکور در این ماده و ماده قبل نباید کمتر از یک هفته باشد. ماده ۳۷- اجراء صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفتر خانه یا در محل دیگری با حضور سر دفتر یا نماینده وی به عمل می آید. ماده ۳۸- در طلاق رجعی ، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورتجلسه می شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده می باشد، مگر اینکه زن رضایت به ثبت داشته باشد در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورتجلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود. صورتجلسه تکمیلی به امضای سر دفتر، زوجین یا نماینده آنان و دو شاهد طلاق می رسد . در صورت درخواست زوجه گواهی اجراء صیغه طلاق و عدم رجوع زوج، به وی اعطاء می شود. فصل پنجم: حضانت و نگهداری اطفال ماده ۳۹- هر گاه دادگاه تشخیص دهد توافق راجع به ملاقات ، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل بر خلاف مصلحت وی باشد یا درصورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر برای حضانت خودداری نماید یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت یا اشخاص ذی حق شود می تواند هر تصمیمی که به مصلحت طفل باشد از جمله واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت وی و نظایر آن مقرر نماید. ماده ۴۰- طفل را نمی توان بدون رضایت ولی یا قیم، مادر و شخصی که حضانت و نگهداری طفل به او واگذار شده است از محل اقامت مقرر بین طرفین یا محل اقامت قبل از وقوع طلاق به محل دیگری یا خارج از کشور فرستاد مگر اینکه دادگاه آن را به مصلحت طفل دانسته و با در نظر گرفتن حق ملاقات اشخاص ذی حق اجازه دهد. دادگاه در صورت موافقت با خارج نمودن طفل از کشور بنا به در خواست ذی نفع، جهت تضمین بازگرداندن طفل، تامین مناسبی اخذ می نماید. ماده ۴۱- در صورتی که وزارت خانه ها ، شرکت ها وموسسات دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی ، ملزم به تسلیم یا تملیک اموالی به صغیر یا سایر محجوران باشند، این اموال، در حدود تامین هزینه های متعارف زندگی، باید در اختیار شخصی قرار گیرد که حضانت و نگهداری محجور را عهده دار است، مگر آن که دادگاه به نحو دیگری مقرر نماید. ماده ۴۲- دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب النفقه، میزان و ترتیب پرداخت نفقه آینده را تعیین می کند. تبصره- در مورد این ماده و سایر مواردی که به موجب حکم دادگاه باید وجوهی مستمراً از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است وعملیات اجرایی مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر شده است ادامه می یابد. ماده ۴۳- پرداخت نفقه زوجه و نفقه و هزینه نگهداری اطفال و پرداخت تمامی دیون مقدم است. فصل ششم: مقررات کیفری ماده ۴۴- چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دایم، طلاق، فسخ و رجوع نماید، ضمن الزام به ثبت واقعه، به پرداخت مبلغ بیست میلیون تا یک صد میلیون ریال جزای نقدی و یکی از محرومیتهای اجتماعی متناسب محکوم می شود. ماده ۴۵- هر پزشکی که بر خلاف واقع ، گواهی موضوع ماده ۲۴ این قانون را صادر نماید از یک تا پنج سال از اشتغال به طبابت محروم می شود. ماده ۴۶- هر فرد خارجی بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی با زن ایرانی ازدواج نماید، به حبس از نود و یک روز تا یک سال محکوم می شود. در این صورت زن چنانچه به اختیار خود ازدواج کرده باشد و ولی دختر در صورتی که ازدواج به اذن وی صورت گرفته باشد و همچنین عاقد به عنوان معاون در جرم مزبور محکوم خواهند شد. ماده ۴۷- هر سر دفتری که بدون اجازه دادگاه اقدام به ثبت ازدواج مجدد نماید یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی یا گواهی مراکز مشاوره خانواده مبنی بر توافق زوجین بر طلاق، اقدام به ثبت هر یک از موجبات انحلال نکاح نماید، به انفصال دائم از اشتغال به سر دفتری محکوم می شود. ماده ۴۸- کسی که حضانت طفل به او محول شده است، هر گاه از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری نماید یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، به پرداخت پانصد

هزار تا پنـج میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. ماده ۴۹- هر کس که زوجیت را انکـار نمایـد و ثابت شود که این انکار بی اساس بوده است یا بر خلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوای حقوقی مدعی داشتن رابطه زوجیت با دیگری شود، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا ده میلیون تا چهل میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. این حکم در مورد قائم مقام قانونی آنـان که بـا علم به زوجیت ، آن را انکـار نمایـد یا با علم به عـدم زوجیت، ادعای زوجیت را مطرح نمایـد، نیز جاری می شود. ماده ۵۰- هر گـاه مردی بـا دختری که به سن قانونی ازدواج نرسـیده است بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مـدنی ازدواج نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. چنانچه در اثر ازدواج بر خلاف مقررات فوق، مواقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن گردد ، زوج علاـوه بر پرداخت دیه به دو تـا پنـج سال حبس و اگر منتهی به فوت زن شود علاوه بر پرداخت دیه، به پنـج تا ده سـال حبس محکـوم می شود. مـاده ۵۱- میزان جزاهـای نقـدی موضوع این قـانون، بر اسـاس نرخ تورم که توسـط بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران اعلام می شود، هر سه سال یک بار حسب مورد بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری و تایید هیات وزیران قابل افزایش است. ماده ۵۲- آیین نامه اجرائی این قانون بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری و تائید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران می رسد. ماده ۵۳- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ، قوانین زیر و تمامی قوانین و مقررات مغایر نسخ می شود: ۱- قانون راجع به ازدواج،مصوب ۲۳/۵/۱۳۱۰ ۲- قانون راجع به انکار زوجیت، مصوب ۲۰/۱۲/۱۳۱۱ ۳- قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقـوع ازدواج، مصـوب ۱۳/۹/۱۳۱۷ ۴- قـانون حمـایت خـانواده مصوب ۱۵/۱۱/۱۳۵۳ ۵- قـانون مربـوط به حـق حضـانت، مصوب ۲۲/۴/۱۳۶۵ ۶- قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷ ۷- قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق -مصوب ۲۱/۱۲/۱۳۷۰ ۸- قـانون اختصاص تعـدادی از دادگاههای موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی، مصوب ۸/۵/۱۳۷۶ ۹- قانون تعیین مـدت اعتبار گواهی عـدم امکان سازش ، مصوب ۱۱/۸/۱۳۷۶ ۱۰- قانون مجازات اسلامی مواد(۶۴۵)و(۶۴۶) مصوب ۲/۳/۱۳۷۵

وکالت و کارشناسی

مقررات خاص وکالت

قانون وکالت. مصوب ۱۳۱۵

فصل اول ـ وکیل و شرایط وکالت م ۱ تا م ۱۵)

ماده ۱ ـ وکالت در عـدلیه دارای درجات ذیل است ۱ ـ وکالت در محاکم صـلح و بـدایت و استیناف و تمیز. ۲ ـ وکالت در محاکم صلـح و بـدایت و استیناف ۳ ـ وکـالت در محـاکم صـلح و بـدایت تبصـره ـ وزارت عـدلیه می‌توانـد بر حسب ضـرورت و احتیاج از داوطلبـان شـغل وکـالت که معلوماتشان‌کـافی برای درجـات سه‌گانه نیست مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده اجازه وکالت در محـاکم صـلح‌یا نزد مـامورین صـلح و حوزه‌هـای معین بدهـد ـ اگر داوطلب مزبـور در حین اجرای این قـانون مشـغول‌وکالت بوده و صلاحیت او برای درجات سه گانه فوق تصـدیق نشده است از امتحان معاف خواهد بود این اشـخاص کارگشا نامیده می‌شوند. ماده ۲ ـ اشخاصـی که واجـد معلومات کافی برای وکالت در عـدلیه نباشـند اگر بخواهنـد برای اقربای سـببی‌یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکـالت بنمایـد ممکن است به آنهـا در سال سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود. مواد ۳ تا ۵ نسخ شده است ماده ۶ ـ اشخاصـی که به مـوجب حکم محکمه انتظـامی ممنوع‌الوکـاله شده‌انـد هرگـاه موجب حکم صـرفا فقـد معلومـات بوده می‌تواننـد از

مقررات تبصره ۲ ماده یک استفاده نمایند ـ هرگاه ممنوعیت آنها فقط ازجهات اخلاقی بوده پس از پنج سال از تاریخ صدور حکم می‌توانند اعاده حیثیت نمایند مشروط بر این‌که در مدت مزبور اعمال منافی اخلاقی از آنها مشاهده نشده باشد هرگاه ممنوعیت آنها از دو جهت بوده‌در صورت گذشتن پنج سال نیز می‌توانند از مورد تبصره ۲ ماده یک استفاده نماید. ماده ۱۵ ـ پروانه وکالت باید همه ساله مطابق تعرفه ذیل تمبر شود: برای پروانه وکالت درجه اول ۴۰۰۰ ریال برای پروانه وکالت درجه دوم ۲۰۰۰ ریال برای پروانه وکالت درجه سوم ۱۵۰۰ ریال برای پروانه کارگشایی به تفاوت نقاط از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال برای پروانه وکالت اتفاقی هر دفعه ۱۰ ریال

فصل دوم ـ تشکیلات وکلاء (م ۲۲ تا م ۲۴)

ماده ۲۲ ـ دفتر اوراق راجعه به وکالت باید مطابق نمونه‌ای که کانون مرکز تعیین می‌نماید تهیه شود ـ درآمد کانون هر محل به مصرف خود آن کانون خواهد رسید. ماده ۲۳ ـ وکلای عدلیه مکلفند همه ساله در سه دعوای حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و چنانچه موکل محکوم له واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخت خواهد شد ـ پنج یک آن متعلق به کانون است ماده ۲۴ ـ کسانی که قدرت تادیه حق الوکاله ندارند می‌توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط به این که دعوی با اساس و راجع به شخص تقاضاکننده باشد. طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضایی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین‌خواهد نمود.

فصل سوم ـ حقوق و وظایف م ۲۷ تا م ۴۵)

ماده ۲۸ ـ در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنایی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات‌ممکن نباشد باید حضور در دیوان جنایی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاههای دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد. در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنایی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات‌ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می‌داند حاضر می‌شود و به دادگاههای دیگر لایحه می‌فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می‌دارد. جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آنکه حضور وکیل در دادگاه ضروری‌باشد که در این‌صورت یا به دادگاه مذکور وکیل دیگری می‌فرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه‌ثانی اخطاریه دادگاه جنایی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه‌ای برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه می‌کند و در صورت اخیر فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد. تبصره ۱ ـ وکیل باید دادگاه جنایی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه‌جنایی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هریک از دادگاههای مذکور بر حسب تقدم تاریخ‌ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود. تبصره ۲ ـ عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه‌نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته‌نمی‌شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می‌دهد. تبصره ۳ ـ هرگاه جلسه دادگاه جنایی یا هر دادگاه جزایی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت‌دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدید شود، رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم‌تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند. هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابدو از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع‌می‌کند و دادگاه حکم خواهد داد.

ماده ۲۹ ـ از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه پذیرفته‌نمی‌شود. هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به‌دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود. ماده ۳۰ ـ وکیل باید اسراری را که به وسیله وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به‌حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید. ماده ۳۱ ـ وکلاـ باید وکالت انتخابی حقوقی و جزایی را که در حدود قوانین و نظامات به آنها ارجاع‌می‌شود قبول نمایند. تبصره ـ مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزایی و از طرف کانون‌در امور حقوقی به آنها ارجاع می‌شود. ماده ۳۲ ـ وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به‌ضمیمه وکالتنامه به دفتر محکمه تسلیم دارند قرارداد حق الوکاله و فهرست اسنادی که موکل به وکیل‌می‌سپارد و همچنین قبوض وجوهی که وکیل دریافت می‌دارد مطابق نمونه‌ای است که از طرف وزارت‌عدلیه معین خواهد شد. ماده ۳۳ ـ قرارداد حق الوکاله که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود باید به ترتیب تصاعدنسبت به مدعی و نسبت به مراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود. برای خسارتی که محکوم له می‌تواند از محکوم علیه مطالبه نماید، همچنین میزان مخارج مسافرتهایی که وکلا عدلیه برای امور وکالتی می‌نمایند نیز مطابق تعرفه‌ای است که وزارت عدلیه تنظیم می‌نماید. ماده ۳۴ ـ دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیررسمی از او علاوه بر میزان مقرره‌به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به‌عنوان وجه التزام ونذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالاـ محکوم می‌شود و چنین سند و التزام‌در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را به طور حیله انجام دهد مثل پول یا مال یا سندی در ظاهر به‌عنوان دیگرو در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیردکلاهبرداری محسوب و مورد تعقیب جزایی واقع خواهد شد. ماده ۳۵ ـ مخارج لازمه مذکور در ماده قبل عبارت است از: مخارج عدلیه و خرج مسافرت و خرج‌تحقیقات و معاینه محلی و حق الزحمه مصدقین و خبره و حق الحکمیه و خرج تلگراف و پست و طبع‌اعلانات ماده ۳۶ ـ در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلا طوری به موکل و محکمه‌اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند. ماده ۳۷ ـ وکلا نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهتی‌از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قایم مقام‌قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این مورد بپذیرند. ماده ۳۸ ـ وکلاـ نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به‌منظور تطویل محاکمه به وسیله خدعه‌آمیزی متوسل شوند. ماده ۳۹ ـ وکیل حق ندارد دعاوی را به طور مصانعه یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خودانتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه‌چهار به بالا محکوم خواهد شد. ماده ۴۰ ـ وکلاـ نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاـ به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهارعقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند. ماده ۴۱ ـ در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل‌ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد وموکل می‌تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید. ماده ۴۲ ـ وکلا باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوایح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم وتمام مقامات اداری و نسبت به وکلا و اصحاب دعوی مرعی دارند در صورت تخلف به مجازات‌انتظامی از درجه چهار به بالا محکوم خواهند شد مگر این که عمل مشمول یکی از عناوین جزایی باشدکه در این‌صورت به حداکثر مجازات مقرره در قانون محکوم خواهند شد. ماده ۴۳ ـ وکلاـ باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است ثبت وضبط نمایند ـ طرز تنظیم و نگاهداری آن را دفتر بازرسی و تشکیلات وکلا معین خواهد نمود و حفظدفتر و ته چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است ماده ۴۴ ـ وکلا باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی

از طرف‌موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتبا اطلاع دهند به‌طوری که تفویت حقی از اونشود. ماده ۴۵ ـ وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت‌می‌نماید اعم از امور حقوقی و جزایی مخصوصا در اقامه دعوی جزایی و دعاوی جعل و اعسار قبل ازتنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند

فصل چهارم ـ در تعقیب و مجازات انتظامی وکلا(م ۵۵)

ماده ۵۵ ـ وکلای معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت‌نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از این که عناوین تدلیس از قبیل‌مشاور حقوق و غیره اختیار کند یا این که به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در موسسات خود را اصیل دعوی قلمداد نماید متخلف از یک الی شش ماه به حبس تادیبی محکوم خواهد شد.

فصل پنجم ـ مقرّرات مختلفه(م ۵۶ تا م ۵۸

ماده ۵۶ ـ در صورت فوت و حجر وکیل مدعی العمومی بدایت و در نقاطی که پارکه نیست امین یاامور صلح به تقاضای اشخاص اسناد و اوراق راجعه به آنها را که نزد وکیل بوده با حضور متصدی امور متوفی و در صورت استنکاف ورثه و یا متصدی امور متوفی از تسلیم اوراق و اسناد مدعی العموم یاقایم مقام او با حضور نماینده محکمه بدایت یا صلح اسناد را اخذ و به صاحبش رد می‌نماید و صورتمجلسی در هر دو باب تنظیم و امضا می‌نماید و رسید اوراق را گرفته به متصدی امور متوفی‌می‌دهد. ماده ۵۷ ـ هرگاه محاکم و مدعیان عمومی در اجرای مواد این قانون بی نظمی یا مسامحه مشاهده کرده‌یا متوجه شوند وکیلی از عهده انجام وظیفه وکالتی بر نمی‌آید و همچنین هرگاه از سو اخلاق و اعمال وکیلی مطلع گردند مکلفند بدون تاخیر، مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند، در صورت تخلف به‌مجازات انتظامی تا درجه چهار محکوم خواهند شد. ماده ۵۸ ـ فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ و ماده ۶ قانون ۱۱ خرداد۱۳۰۸ و قانون مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و قانون وکالت مصوبه ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ می‌شود.

آیین‌نامه قانون وکالت . مصوب ۱۳۱۶

فصل اول ـ در تعیین وکلای محدوده و کارگشایان و درخواست پروانه وکالت . (م ۳ تا م ۱۸)

ماده ۳ ـ برنامه امتحانات کارگشایان عبارت است از: ۱ ـ کلیات قانون اصول محاکمات حقوقی ۲ ـ کلیات قانون اصول محاکمات جزایی ۳ ـ کلیات قانون اصول محاکمات مدنی ۴ ـ کلیات قانون اصول محاکمات مجازات عمومی ۵ ـ کلیات قوانین و نظامنامه‌های ثبت اسناد و املاک ۶ ـ قانون نظامات راجعه به وکالت ۷ ـ کلیات قوانین تجاری ماده ۴ ـ امتحان کتبی و شفاهی است و حداکثر نمرات شش است شش خیلی خوب ـ پنج خوب ـچهار کافی ـ سه قابل قبول ـ دو بد ـ یک خیلی بد. ماده ۵ ـ برای قبول شدن در امتحان حداقل معدل امتحان کتبی و شفاهی نباید از سه کمتر باشد و معهذا هر داوطلبی که دارای یک نمره یک یا دو نمره دو باشد مردود است ماده ۱۶ ـ تقاضای رسیدگی از محکمه انتظامی که در ماده ۱۲ قانون وکالت مقرر است به وسیله‌عرضحال به عمل می‌آید و هرگاه معترض مستنداتی داشته باشد و ضمیمه عرضحال ننماید پس از ابلاغ‌عرضحال به قسمت تشکیلات وکلاء دیگر

سندی از او پذیرفته نخواهد شد. ماده ۱۷ ـ عرضحال باید در دو نسخه تنظیم و یک نسخه از آن را دفتر دیوان‌عالی تمیز در ظرف پنج روز از تاریخ وصول به قسمت تشکیلات وکلاـ بفرستد. ماده ۱۸ ـ هرگاه اختلاف صلاحیت علمی تقاضاکننده برای شغل وکالت یا برای درجه مورد تقاضا باشدمحکمه انتظامی اختباری از معلومات او به عمل خواهد آورد اختبار مزبور کتبی و شفاهی است و هرگاه‌راجع به صلاحیت اخلاقی تقاضاکننده باشد محکمه عالی انتظامی اظهارات نماینده دفتر کل بازرسی‌تشکیلات وکلا را استماع خواهد نمود.

فصل دوم ــ در تشکیلات کانون وکلاء و معاضدت قضایی(م ۳۴ تا م ۴۹

ماده ۳۴ ـ موسسه معاضدت قضایی در مرکز است و دارای شعب ذیل می‌باشد: ۱ ـ دبیرخانه ۲ ـ شعبه عرایض ۳ ـ شعبه قضایی ماده ۳۵ ـ کارکنان معاضدت قضایی باید حتی المقدور از بین وکلا عدلیه انتخاب شوند و ممکن است برای آنها حق‌الزحمه در بودجه کانون منظور شود. ماده ۳۶ ـ تقاضای معاضدت در دبیرخانه موسسه مزبور داده می‌شود کسانی که دور از مرکز معاضدت قضایی هستند می‌توانند مستقیما یا توسط کانون محل در صورتی که تشکیل شده باشد و یا به هر وسیله دفتر عدلیه اقامت خود را تقاضا نمایند. در این‌صورت کانون یا دفتر عدلیه محل موظف است تقاضانامه را به انضمام مستندات و مدارکی که به‌موجب ماده ۳۷ این نظامنامه مقرر است در اسرع اوقات به دبیرخانه معاضدت قضایی ارسال دارند مده ۳۷ ـ در صورتی که معاضدت قضایی لازم بداند که توضیحاتی از تقاضاکننده بخواهد مشارالیه به‌وسیله نامه یا اخطار احضار می‌شود ولی هرگاه اقامتگاه متقاضی خارج از مرکز معاضدت قضایی باشدتحقیقات به وسیله یکی از وکلا یا دفتر عدلیه محل یا پارکه محل اقامت تقاضاکننده به عمل می‌آید: ۱ ـ تصدیق از معتمدین یا کلانتری یا محل اقامت تقاضاکننده مبنی بر عدم قدرت او برای تادیه حق الوکالت. ۲ ـ رونوشت مدارک دعوی ماده ۳۸ ـ معاضدت قضایی می‌تواند تحقیقاتی در دلایل دعوی بنماید و هرگاه تشخیص دهد که مقصود تقاضاکننده سو استفاده و شرخری است از تعیین وکیل خودداری و تقاضا را رد نماید. ماده ۳۹ ـ در صورت رد، تقاضاکننده می‌تواند در ظرف (ده روز) به هیأت مدیره کانون شکایت کند. رای‌هیات مدیره قطعی است ماده ۴۰ ـ کلیه ارجاعاتی که از طرف معاضدت قضایی در حدود صلاحیت مؤسسه به وکلا یا دفاترعدلیه یا پارکه‌ها می‌شود باید به اسرع وقت انجام گردد. ماده ۴۱ ـ شعبه عرایض پس از وصول عرضحال به طریق ذیل اقدام خواهد نمود: هرگاه عرضحال ناقص باشد نواقص آن را به دفتر دستور خواهد داد و اگر عرضحال کامل باشد عقیده‌خود را در پیشرفت دعوی خواهد نوشت و در صورتی که پیشرفت داشته باشد آن را به شعبه قضایی‌تسلیم خواهد نمود. شعبه قضایی وکیلی را برای تقاضاکننده معین می‌نماید. ماده ۴۲ ـ ابلاغات در سه نسخه صادر می‌شود: نسخه اول به تقاضاکننده داده خواهد شد و نسخه ثانی در پرونده مربوط بایگانی و نسخه ثالث برای‌ابلاغ به وکیل انتخابی به دفتر کانون ارسال می‌شود. ماده ۴۳ ـ وکیل منتخب مکلف است قرارداد حق الوکاله تنظیم نموده نسخه دوم آن را با رسید وکالتنامه‌به دبیرخانه معاضدت قضایی بفرستد و پس از ختم دعوی در صورتی که موکل محکوم له واقع شودخمس حق الوکاله را که در قرارداد تنظیمی مقرر است وصول و به صندوق کانون ایصال دارد مگر اینکه‌ثابت نماید که دریافت حق الوکاله قانونا غیرمقدور است ماده ۴۴ ـ وکیل انتخابی باید از جریان کار مرجوع شعبه قضایی را مطلع دارد. ماده ۴۵ ـ وکیل انتخابی می‌تواند از شعبه موسسه راجع به طرز اقداماتی که لازم است مشورت کند. ماده ۴۶ ـ در مواردی که انجام مقدمات و تشریفات مربوطه به معاضدت قضایی موجب انقضای‌موعدی از تقاضاکننده بشود رئیس کانون می‌تواند مستقیما وکیل انتخاب نماید مشروط به اینکه‌تقاضانامه از حیث ضمایم کامل باشد. ماده ۴۷ ـ قرارداد حق الوکاله معاضدتی به اسم معاضدت قضایی تنظیم می‌شود و مامور وصول حق‌کانون محاسبات موسسه مزبور است ماده ۴۸ ـ نمونه اوراق تقاضانامه و سایر اوراق مربوطه به امور معاضدت را هیات مدیره کانون

تعيين‌خواهد نمود. ماده ۴۹ ـ دفتر معاضـدت مکلف است اطلاعـاتی که از طرف وکيل انتخابی واصل می‌شود به موکل ابلاغ‌نمايـد. مواد ۵۰ تا ۵۳ مربوط به ترفيع است به مواد ۴۷ به بعد آيين‌نامه لايحه قانونی استقلال کانون وکلامراجعه شود.

فصل سوم ــ در تکاليف و تشکيلات دارالوکاله (م ۵۴ تا م ۶۵)

ماده ۵۴ ـ وکلای عـدليه مکلفند محل سکونت خود را کتبا به قسمت تشکيلات وکلا اطلاع دهند و درصورتی که محل سکونت خود را تغيير دهنـد مراتب را با قيـد محل اقامت جديد در ظرف ۲۴ ساعت به قسمت مزبور بنويسند. ماده ۵۵ ـ وکلا مکلفند دارای دفاتر ذيل باشند: ۱ ـ دفتر ثبت ۲ ـ دفتر رسيد اسناد موکلين ۳ ـ دفتر درآمـد و هزينه دارالوکاله و موکلين دفاتر مزبور مطابق دستور قسمت تشکيلات وکلا تنظيم و نگاهداری خواهد شد و بايد در اولين اخطارقسمت مزبور يا پارکه وکلا ارائه و تسليم شود. ماده ۵۶ ـ وکلای عدليه مکلفند برای هرگونه وجهی که از موکل به منظور حق الوکاله يا مخارج محاکمه‌يا مسافرت و يا ساير مخارج قانونی دريافت می‌کنند قبض رسيد مخصوص که مطابق نمونه موجوده دردفتر کانون وکلا است به موکل بدهند و صريحا قيد نمايند وجه ماخوذه بابت حق الوکاله است يا سايرمخارج قانونی ماده ۵۷ ـ وکلا بايـد در مقابل هر سندی که از موکل دريافت می‌کنند اعم از اينکه سند مزبور اصل باشـد يا رونوشت مصدق رسيدی مطابق نمونه مخصوص که در کانون وکلا موجود است به موکل بدهند و نوع سند، مفاد و تاريخ آن را در ورقه رسيد قيد نمايند. ماده ۵۸ ـ وکلا مکلفند همه ساله در هر فروردين ماه صورتحساب شش ماه گذشته را برای موکـل بفرسـتند صورتحساب تفصيلی است و رونوشت آن در پرونـده مربوطه به موکل بايگانی می‌شود. ماده ۵۹ ـ وکلا مکلفند در ظرف ۲۴ ساعت پس از اعلام تعليق پروانه وکالت و دفاتر وکالتی خود را درمرکز به قسمت تشکيلات وکلا و در ولايات به مدعيان عمومی که سمت نمايندگی دفتر کل بازرسی وتشکيلات وکلا را دارند تسليم نمايند که تا تعيين تکليف قطعی آنهـا در پرونـده آنهـا بايگانی شود اين ماده‌شامل اشخاصـی که قبل از اجرای قانون وکالت معلق گرديده‌انـد نيز می‌باشـد و تا تعيين تکليف قطعی‌پروانه و دفـاتر در پرونـده وکيـل معلق موقتـا بايگـانی می‌شود متخلف به مجازات انتظامی از درجه چهار به‌بالا محکوم خواهد شد. ماده ۶۰ ـ وکلای عـدليه و کارگشايان نبايـد بالاتر از درجه‌ای که دارند قبول وکالت نمايند. ماده ۶۱ ـ وکلای عدليه و کارگشايان نبايد: ۱ ـ در امور وکالتی ايجاد وسايط نمايند. ۲ ـ برای تعويق حق طرف از وکالت موکل استعفاء داده و سپس به وسيله وکالتنامه جديدی همان دعوی‌را تعقيب نمايند. ۳ ـ برای تطويل محاکمه و تعويق در احقاق حق ادعای جعل و يا تعيين جاعل نمايند و يا به طور کلی‌موجبات تطويل محاکمه را فراهم آورنـد. ماده ۶۲ ـ وکلا مکلفند لوايح و نوشـتجات خود را طبق اوراق مخصوصی که در لـوحه آن نـام و محل‌اقـامت خود و دارالوکـاله مربوطه را قيـد کرده باشـند به محـاکم تسـليم نماينـد و حـتی المقـدور ماشـين تحريراسـتعمال نموده و يـا مکاتبات را با خط خوب و خوانا بنويسـند. ماده ۶۳ ـ وکلاـ مکلفنـد وکالتنامه‌هايی که از موکلين دريافت می‌دارنـد طبق اوراق مخصوصـی که برای‌اين کـار مقرر است تنظيم و به موکـل بدهنـد متخلف در وهله اول به سه مـاه انفصال و در صورت تکرارممنوع الوکاله خواهـد شـد. ماده ۶۴ ـ وکلای درجه اول مکلفنـد برای پـذيرايی موکلين و انجـام وظايف وکالتی خود دارای دارالوکاله‌که مطابق نظامات ذيل باشـد، باشـند: ۱ ـ محل آن مناسب و به قسـمت تشـکيلات وکلا اطلاع داده شـده باشـد. ۲ ـ لااقل دارای يک نفر وکيل که قسـمت معاونت دارالوکاله را خواهد داشت و به اندازه کافی عضوتحريری باشد. ۳ ـ همه روزه لااقل چهـار سـاعت برای پـذيرايی اربـاب رجوع مفتوح و سـاعـات پـذيرايی در درب ورودِاعلاـم شـده باشـد و يـک نفر عضو برای انجـام تقاضای ارباب رجوع حاضر باشد. ۴ ـ دارای ثبت و بايگانی منظم باشـد و برای هر موکل پرونـده که محتوی کليه اقداماتی که شده باشد. ۵ ـ دفتر نماينـده به نام موکلين داشـته باشد. ماده ۶۵ ـ وکلای عـدليه نبايـد به هيچ عنوان و عذری عرضـحال که از حيث تمبر ناقص

فصل چهارم ــ در لباس (م ۶۶ تا م ۷۰)

ماده ۶۶ ـ وکلای درجه اول و دوم عدلیه مکلفند در موقع محاکمات جنایی و در سایر محاکماتی که‌قضات با لباس قضایی هستند و همچنین در مواردی که از طرف قسمت تشکیلات وکلا به آنها ابلاغ می‌شود با لباس مخصوص وکالت حاضر شوند استعمال لباس وکالت غیر از موارد فوق ممنوع است ماده ۶۷ ـ لباس مخصوص وکالت عبارت است از لباده و کلاه مشکی و یقه لب شکسته سفید و دستمال گردن سفید چین‌دار مطابق نمونه که در قسمت تشکیلات وکلا موجود است با شلوار و کفش و جوراب مشکی استعمال می‌شود. ماده ۶۸ ـ داشتن لباس وکالت برای وکلای درجه اول و دوم اجباری است ماده ۶۹ ـ لباس اعضای هیات مدیره دارای مشخصات ذیل است مغزی طلایی در طرفین پارچه که از شانه چپ به طرف جلو آویخته شده (اپی تژ) و علامت کانون که‌روی آن در قسمت پایین ملیله‌دوزی شده باشد. دوره کلاه و روی (اپی تژ) لباس رئیس کانون ملیله‌دوزی به شکل برگ گل سرخ که طرفین آن دارای نوارملیله دوزی به عرض دو سانتی متر است لباس نایب رئیس مطابق لباس رئیس است به استثنای ملیله‌دوزی طرفین برگ سرخ ماده ۷۰ ـ علامت ممیزه لباس وکلایی که دارای درجه علمی لیسانس هستند عبارت از پوست سفیدی‌است به عرض شش سانتی متر که در آخر (اپی تژ) در جلو و پشت دوخته می‌شود اعضای موسسه کانون‌مرکزی می‌توانند علامت کانون را در روی (اپی تژ) استعمال نمایند. برای استعمال علایم ممیزه مندرجه در این ماده باید قبلاـ از طرف دفتر کل بازرسی و تشکیلات وکلاتحصیل اجازه نمود.

قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری. مصوب ۷۶ (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون کانونهای وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یک‌بار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج نسبت به صدورپروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند. تبصره ـ تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیونی متشکل از رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب و رئیس کانون وکلای مربوط می‌باشد که به دعوت‌رئیس کانون وکلای هر کانون حداقل یک‌بار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌نماید. ماده ۲ ـ برای اشخاص پروانه کارآموزی وکالت صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی دارای شرایط ذیل‌باشند: الف ـ اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام ب ـ اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه قانون اساسی ج ـ نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری د ـ نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروههای الحادی و فرقه ضاله و معاند با اسلام و گروههایی که‌مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی می‌باشد. ه ـ عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت و ـ عدم عضویت و هواداری از گروهکهای غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران ز ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی تبصره ۱ ـ کانونهای وکلاـ مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذی‌صلاح مربوطه استعلام‌نمایند و مراجع مزبور مکلفند حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند. تبصره ۲ ـ برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند در صورتی پروانه وکالت صادرمی‌شود که دارای شرایط این ماده باشند. تبصره ۳ ـ مدت کارآموزی اعضای هیات علمی دانشکده‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان‌خواهد بود. تبصره ۴ ـ اقلیتهای مذهبی رسمی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف مستثنی می‌باشند. تبصره ۵ ـ اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد.

هر گاه‌وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به‌دادگاه انتظامی وکلا، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یاعدم تمدید پروانه رای مقتضی صادر می کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهدبود مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید. ماده ۳ ـ سی درصد سهمیه مورد نیاز کانون وکلای هر حوزه به ایثارگران (رزمندگانی که شش ماه سابقه‌حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا در اسارت دشمن بوده‌اند و یا جانبازان ۲۵٪ و بالاتر وبستگان درجه اول شهدا و جانبازان (۵۰٪ به بالا) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که بیشترین نمره‌را آورده‌اند انتخاب خواهند شد. تبصره ـ استفاده‌ازاین سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نمی‌باشد. ماده ۴ ـ اعضای هیات مدیره (اعم از اصلی و علی البدل کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که‌علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در بندهای (الف تا (ز) ماده (۲) واجد شرایط زیر باشند، برای مدت‌دو سال انتخاب می گردند: الف ـ داشتن حداقل ۳۵ سال سن ب ـ حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت داشته و ازطرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد. ج ـ عدم محکومیت انتظامی درجه چهار و بالاتر. د ـ عدم اشتهار به فساد اخلاق (سوء شهرت . ه ـ عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل وکالت تبصره ۱ ـ مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است‌ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعلام سوابق از مراجع ذی ربط صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند ومراجع ذی صلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن‌می‌باشند. تبصره ۲ ـ انتخاب اعضای هیات مدیره کانون به‌طور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می‌باشد. تبصره ۳ ـ وزارت دادگستری موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون‌انتخابات کانونهای وکلای دادگستری را بر اساس این قانون تجدید نماید. ماده ۵ ـ در صورت تخلف هریک از اعضای هیات مدیره کانونهای وکلای دادگستری از مفاد این قانون‌به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیاتهای مدیره کانونهای‌وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۶ ـ وکلا نمی‌توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده‌اند دفتر وکالت تاسیس‌نمایند و همچنین نمی‌توانند عملا فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. تخلف از این‌حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه سه در نوبت اول و درجه چهار در نوبت دوم و درجه پنج درنوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف درحوزه آن انجام شده است در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت تبصره ۱ ـ ادامه وکالت در پرونده‌هایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه‌کانون وکلای متبوع وکالت از خویشاوندان تا درجه سوم از شمول این ماده مستثنی است در صورتی‌که حوزه اخیر تابع کانون وکلای دیگری باشد اجازه کانون مزبور نیز لازم است تبصره ۲ ـ محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه مشخص‌خواهد شد. تبصره ۳ ـ کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه‌به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تایید رئیس کانون و رای دادگاه انتظامی کانون‌پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد. کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی‌یی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند. تبصره ۴ ـ کسانی که دارای رتبه قضایی بوده‌اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق‌وکالت نخواهند داشت متخلف از این مقرره به ترتیب تکرار مستوجب مجازاتهای درجه سه الی شش‌خواهد بود. ماده ۷ ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو می گردد.

لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری تری مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیونهای مشترک مجلسین (م

ماده ۱ ـ کانون وکلای دادگستری موسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هردادگاه استان تشکیل می‌شود. در نقاطی که تا این تاریخ کانون وکلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط بر این است که در آن‌حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشد و تا وقتی که عده وکلا به‌حد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود. کانون وکلای دادگستری از قسمتهای ذیل تشکیل می‌شود: الف ـ هیات عمومی ب ـ هیات مدیره ج ـ دادسرای انتظامی د ـ دادگاه انتظامی وکلا ماده ۲ ـ کانون وکلا هر محل به وسیله هیات مدیره اداره خواهد شد. هیات مدیره کانون وکلامرکز از دوازده نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر مراکز دادگاههای استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود. هیات مدیره عهده دار اداره امور مربوط به کانون بوده و رئیس هیات سمت ریاست کانون را داردو نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد. تبصره ـ بقا عضویت هیات مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام‌مدت عضویت در مرکز همان استان باشد. ماده ۳ ـ هیات عمومی کانون وکلا هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند وحائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای‌انتخاب اعضا هیات مدیره‌تشکیل جلسه می دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضا هیات مدیره کانون شرکت‌نمایند: الف ـ وکلا پایه یک دادگستری مشروط بر اینکه ۱ ـ محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا نداشته باشند. ۲ ـ در حال تعلیق از وکالت نباشند. ماده ۴ ـ اعضا هیات مدیره کانون وکلا از بین وکلا پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیرباشند برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند: الف ـ لااقل سی و پنج سال داشته باشند. ب ـ لیسانسیه حقوق بوده و لااقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند به شرط آنکه‌پنج سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد. ج ـ وکلایی که فاقد دانشنامه لیسانس می‌باشند در صورتی می‌توانند انتخاب شوند که دارای‌مدت بیست سال سابقه وکالت و یا بیست سال سابقه وکالت و قضاوت باشند مشروط بر آنکه پنج‌سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشند. د ـ محکومیت انتظامی بالاتر از درجه چهار نداشته باشند. هـ ـ سو شهرت نداشته باشند. تبصره رئیس و اعضا هیات مدیره کانون وکلا روسا و اعضای دادگاههای انتظامی وکلا ودادستان و دادیاران دادسرای انتظامی وکلا نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشد و درصورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آنان را به محرومیت از عضویت هیات مدیره دادگاه ودادسرای انتظامی وکلا محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند. رای دادگاه‌قطعی است ماده ۵ ـ هیات مدیره کانون وکلای مرکز از بین اعضای خود یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و دو منشی و دو بازرس به رای مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌نماید و در سایر حوزه‌ها هیات مدیره مرکب از یک رئیس و یک نایب رئیس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود. ماده ۶ ـ وظایف کانون وکلا به قرار زیر است الف ـ دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند. ب ـ اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلا و کارگشایان ج ـ رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرا ودادگاه انتظامی وکلا د ـ معاضدت قضایی هـ ـ فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلا ـ ماده ۷ ـ از تاریخ اجرای این قانون فقط به کسانی پروانه وکالت داده می‌شود که از دانشکده‌های‌حقوق داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس باشند. اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یک سال به کارآموزی اشتغال ورزند ـ پس از اختبار و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده می شود. ماده ۸ ـ به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلا داده می‌شود: الف ـ به کسانی که دارای ۱۰ سال متوالی یا ۱۵ سال متناوب سابقه خدمات قضائی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از آنها از طرف‌دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد. ب ـ کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمت قضائی داشته باشند و سلب‌صلاحیت قضائی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد. ج (اصلاحی ۷۳) ـ نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که‌دارای

لیسانس قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالیه از حوزه علمیه قم و ۵ سال سابقه کارقضائی در محاکم باشند. د (الحاقی ۷۳) ـ کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح‌عالیه از حوزه قم با حداقل پنج سال سابقه کار متوالی یا ۱۰ سال متناوب در سمتهای حقوقی دردستگاههای دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون باداشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقررکارآموزی تبصره ۱ ـ کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده دو سال سابقه خدمت قضائی‌داشته باشند ازانجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند ولی در این مورد مدت خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت‌جز خدمت محسوب نمی‌شود. تبصره ۲ ـ کانون ملزم است در مورد تقاضاهای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه‌اتخاذ تصمیم نماید. ماده ۹ ـ کسانی که تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده وکیل‌دادگستری شناخته می‌شوند. ماده ۱۰ ـ به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود: ۱ ـ اتباع خارجه ۲ ـ قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاههائی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن‌متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه ۳ ـ محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد. ۴ ـ محکومین به انفصال ابد از خدمت دولتی ۵ ـ اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت ۶ ـ محکومین به جنایت مطلقا و محکومین به جنحه‌هائی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیات مدیره کانون و یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی‌از حقوق اجتماعی است ۷ ـ کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند. ۸ ـ اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند. ماده ۱۱ ـ وکلائی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن‌انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیلا درج می‌گردد اخذ نمایند: در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان یا قائم‌مقام آنان باشد و درصورتی که‌اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رئیس کل‌دادگاههای استان و دادستان استان برسد. تبصره مقامات قضائی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از دوایر تابعه مبادرت به صدورگواهی می‌نمایند. ماده ۱۲ ـ درصورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرس یا دادستان یا دادیار یا بازپرس‌قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیما یا با واسطه از قبول وکالت درآن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است ماده ۱۳ ـ دادسرای انتظامی وکلا مرجع رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری وتعقیب آنان بوده و از دادستان عده لازم دادیار که از طرف هیات مدیره کانون برای مدت ۲ سال به‌رای مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. دادسرای انتظامی وکلا پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف‌داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف مدت ۱۰ روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت‌طبق قانون آئین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاههای انتظامی‌وکلا خواهد بود. درصورتی که دادگاه انتظامی وکلا قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده‌و حکم مقتضی صادر می‌نماید. ماده ۱۴ ـ رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلا است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه یک که به انتخاب هیات مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین‌می‌گردد، تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیات مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلا پایه‌یک انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضا اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازاتهای درجه یک و دو و سه نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی‌شاکی‌خصوصی‌که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آرا صادره و همچنین دادسرای انتظامی وکلا ـ ورئیس کانون از حکم برائت و از مجازاتهای درجه چهار به بالا می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز پس ازابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آئین دادرسی مدنی تقاضای تجدید نظر نمایند. ماده ۱۵ ـ درصورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رئیس دادگاه استان یا

دادستان‌تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتبا به دادسرای انتظامی وکلا اطلاع دهند در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدورکیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می کند و در غیر این‌صورت نظر خود را با ذکر دلیل به‌دادستان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادسرای انتظامی وکلا تسلیم نشد راسا از دادگاه‌انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید. ماده ۱۶ ـ هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند ازدادگاه انتظامی وکلاـ با ذکر دلائل امر، تقاضای رسیدگی نماید و نیز درصورتی که به حکم دادگاه‌مزبور تسلیم نباشد می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند. ماده ۱۷ ـ از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود،مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی ماده ۱۸ ـ در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس هیات مدیره کانون وکلا به جهتی‌از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی ندانند می‌توانند از دادگاه انتظامی وکلا تعلیق‌موقت او را بخواهند و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده‌و درصورتی که رای بر تعلیق صادر شود این رای قابل اجرا خواهد بود و همچنین درصورت‌درخواست ۶ نفر از اعضای هیات مدیره کانون رئیس کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق‌وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رای مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدیدنظر نماید و نیز از رای عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رئیس کانون وکلا حق تقاضای تجدیدنظر دارند. ماده ۱۹ ـ میزان حق‌الوکاله درصورتی که قبلاـ بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه‌ای است که‌با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر درصورتی که قرارداد حق‌الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد. ماده ۲۰ ـ هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین‌نماید به حبس تأدیبی از ۱۵ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد گردید. ماده ۲۱ ـ درمواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظایف یکی از اعضا هیات مدیره‌کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلا تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به‌دادستان دیوانعالی کشور ارجاع می‌نماید. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده درصورتی که تخلف را محرز دانست‌پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود. ماده ۲۲ ـ کانون وکلاـ با رعایت مقررات این قانون آئین‌نامه‌های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات کانون و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیعات وکارآموزی و پروانه وکالت را در مدت ۲ ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می‌نماید و پس ازتصویب وزیر دادگستری به موقع اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲۳ ـ برای تصفیه وکلای فعلی دادگستری دادسرای انتظامی وکلا تهران موظف است ازتاریخ تصویب این قانون در مدت ۶ ماه به سوابق کلیه وکلا دادگستری‌مرکز و در مدت یک سال به‌سوابق وکلاـ دادگستری خارج از مرکز رسیدگی‌کرده و کسانی را که تشخیص دهد صلاحیت تصدی‌شغل وکالت را ندارند پرونده آنان را به دادگاه انتظامی وکلا برای رسیدگی بفرستد و دادگاه مزبورباید از تاریخ وصول هر پرونده به دادگاه حداکثر در مدت ۲ ماه رسیدگی کرده درصورتی که تشخیص‌دهد که وکیل صلاحیت ادامه اشتغال به وکالت را ندارد از او سلب صلاحیت نماید. از حکم دادگاه انتظامی وکلاـ‌وزیر دادگستری و دادستان انتظامی وکلاـ و وکیل محکوم‌می‌توانند تجدیدنظر بخواهند. مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضات است که رای آن قطعی‌خواهد بود. ماده ۲۴ ـ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ماده ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون‌وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی وسایر قوانین و مقررات راجع به وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشند نسخ می‌شود. ماده ۲۵ ـ وزارت دادگستری می‌تواند با تصویب شورایعالی قضائی وکلا پایه یک دادگستری رابرای خدمات قضائی انتخاب و تعیین نماید. در این‌صورت سنین وکالت درجه یک در حکم سابقه قضائی منظور و بر طبق آن رتبه قضائی‌شخصی که انتخاب می‌شود، معین خواهد شد. ماده ۲۶ ـ وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون است

آیین‌نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلاءدادگستری. مصوب ۱۳۳۴

بخش اول ــ انتخاب هیأت مدیره م ۱ تا م ۱۶)

ماده ۱ ـ هیات مدیره دو ماه به انقضای هر دوره از بین وکلایی که حق حضور در هیات عمومی دارند چهار نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به عنوان عضو علی‌البدل به رای مخفی از خارج هیات مدیره‌انتخاب می‌نماید که به ریاست رئیس کانون هیات نظارت انتخاب هیات مدیره بعد را تشکیل داده و به‌انتخاب آن اقدام نماید. تبصره ـ هریک از اعضای اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی البدل به جای اودخالت خواهد کرد. ماده ۲ ـ صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن رادارند در ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیات نظارت از طرف کانون به هیات مزبور داده می‌شود. ماده ۳ ـ وقت و محل تشکیل هیات عمومی برای انتخاب هیات مدیره باید از طرف هیات نظارت‌تعیین و تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار (به تشخیص هیات نظارت آگهی شود و فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از بیست روز باشد. و یک نسخه از آگهی به وسیله پست‌سفارشی باید برای کسانی که حق حضور در هیات عمومی دارند فرستاده شود. ماده ۴ ـ اگر روز جلسه مصادف با تعطیل شد روز بعد تشکیل می‌شود و احتیاج به دعوت مجدد نخواهد بود. ماده ۵ ـ در وقت مقرر جلسه هیات عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدوا هیات‌نظارت صندوق ضبط آرا را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضرین ارائه داده آن را لاک و مهرمی‌نماید و بعد شروع به گرفتن آرا می‌کند و هیچ گونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیات عمومی‌جایز نیست و تبلیغ به موافقت یا مخالفت اشخاص به کلی ممنوع است ماده ۶ ـ انتخاب جمعی و مخفی است و باید رای روی اوراقی که به مهر هیات نظارت رسیده نوشته شود و رای دهنده پس از ارائه پروانه وکالت رای خود را در صندوق آرا بیندازد و در صورت اسامی‌واجدین شرایط انتخاب کردن مقابل اسم خود را امضاء نماید. ماده ۷ ـ حق رای کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رای ندهند ساقط است ماده ۸ ـ پس از اتمام اخذ آرا اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آن می‌شود والا ـ هیات نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌نماید و بر هر ورقه که قرائت شد مهر قرائت‌شد زده و ضبط خواهد شد. ماده ۹ ـ آرایی که دارای نشان یا امضا باشد باطل است و اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زایدبر عده که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد. ماده ۱۰ ـ آرای قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیات نظارت لاک و مهر شده وتا انقضای مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج موردرسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد. ماده ۱۱ ـ از واجدین شرایط انتخاب شدن کسانی که دارای رای بیشتر هستند عضو اصلی و کسانی که‌بعد از اعضای اصلی بیش از سایرین دارای رای می‌باشند عضو علی البدل هستند. ماده ۱۲ ـ مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آرا می‌باشد و شکایت ازکسانی که حق رای دادن دارند پذیرفته است ماده ۱۳ ـ مرجع رسیدگی به شکایت هیات نظارت انتخابات است و مکلف است طرف سه روز به‌شکایات رسیدگی و نظر خود را در محل اخذ آرا اعلام نماید. ماده ۱۴ ـ کسی که بر تصمیم هیات نظارت معترض است می‌تواند به وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی‌انتظامی قضات شکایت نماید مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیات نظارت است ودادگاه مزبور منتهی در ظرف ده روز از تاریخ وصول شکایت رسیدگی و رای خواهد داد و رای مزبورقطعی است ماده ۱۵ ـ پس از اتمام انتخاب و تعیین نتیجه قطعی رئیس هیات نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آن‌را برای تشکیل هیات مدیره (قبل از تاریخ هفتم اسفند ماه که روز جشن کانون است دعوت می‌نماید. ماده ۱۶ ـ در صورت ابطال انتخاب تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود در این‌صورت تا تعیین‌هیات مدیره جدید، هیات مدیره سابق انجام وظیفه خواهد نمود.

بخش دوم ــ انتخاب هیأت رییسه و عاملهٔ کانون و وظایف آن م ۱۷ تا م ۲۷)

ماده ۱۷ ـ جلسه هیات مدیره برای انتخاب رئیس به ریاست مسن‌ترین اعضای اصلی حاضر هیات‌مدیره تشکیل می‌شود و دو نفر جوانترین اعضا موقتا سمت منشیگری خواهند داشت ماده ۱۸ ـ رئیس کانون وکلای مرکز باید لااقل بیست سال سابقه وکالت درجه اول داشته و سن او کمتراز پنجاه سال نباشد و نواب رئیس باید لااقل ده سال سابقه وکالت درجه اول داشته و سن ایشان کمتر ازچهل سال نباشد و در خارج مرکز بدون رعایت دو شرط فوق رئیس و نواب رئیس از بین اعضای هیات‌مدیره انتخاب می‌شوند. ماده ۱۹ ـ انتخاب هیات رییسه کانون از بین اعضای اصلی به طور فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به‌عمل می‌آید مگر در موردی که اکثریت مخصوصی در این آیین‌نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن موردهم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوصی حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود. تبصره ـ رئیس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رای و در سایر کانونها دارای چهل رای باشد. ماده ۲۰ ـ رئیس کانون وکلا نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام می‌دهد و ریاست هیات مدیره به عهده او است و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات‌وکلا و کارآموزان و کارگشایان از یکدیگر در امور مربوط به شغلشان می‌باشد و همچنین ناظر اعمال ورفتار کلیه وکلا و کارآموزان و کارگشایان بوده می‌تواند خبط و خطا و انحرافات شغلی آنان را کتبا تذکردهد و تعقیب انتظامی وکیل متخلف را از دادسرای انتظامی بخواهد اجرای تصمیمات هیات مدیره‌کانون نیز به عهده او خواهد بود. ماده ۲۱ ـ رئیس کانون نسبت به کلیه کارمندان اداری و دفتر کانون سمت ریاست مستقیم دارد. ماده ۲۲ ـ رئیس کانون وکلای مرکز از حیث شوون تشریفات رسمی در ردیف دادستان کل کشور است وروسای سایر کانونها در ردیف دادستان استان هستند. ماده ۲۳ ـ دعوت هیات مدیره و هیات عمومی وکلا به عهده رئیس کانون است ماده ۲۴ ـ انتخاب رئیس و نواب رئیس و سایر اعضای هیات رییسه هرچند نوبت جایز است ماده ۲۵ ـ اداره جلسات هیات مدیره در غیبت رئیس با یکی از نواب رئیس می‌باشد. تقسیم کار وظایف بین اعضای هیات رییسه ضمن آیین‌نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد. ماده ۲۶ ـ انتخاب بازرسان و منشیان هیات مدیره پس از انتخاب رئیس و نواب رئیس به عمل خواهدآمد. ماده ۲۷ ـ در صورتی که یکی از اعضای اصلی هیات مدیره سه ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نمایدیکی از اعضای علی البدل که رای او بیشتر است به عضویت اصلی قایم مقام او خواهد شد عضو غایب قایم مقام عضو مزبور خواهد گردید.

بخش سوم ــ پروانه وکالت و کارآموزی م ۲۸ تا م ۴۶)

ماده ۲۸ ـ پروانه وکالت به عده لازم داده می‌شود و به نسبت هر ده نفر وکیل یک پروانه کارآموزی علاوه بر عده معین داده خواهد شد. ماده ۲۹ ـ عده وکیل لازم برای هر محل به وسیله کمیسیون متشکل از روسای کل دادگاههای استان مرکز و دادگاههای شهرستان تهران و دادگاههای بخش تهران و سه نماینده از طرف کانون به دعوت رئیس کانون تعیین خواهد شد. ماده ۳۰ ـ در صورتی که عده وکیل در محلی زاید بر عده معین از طرف کمیسیون باشد به استناد رای کمیسیون نمی‌توان مانع وکالت عده زاید شد و در صورتی که کمتر باشد تا عده معین پروانه داده‌می‌شود. تبصره ـ صورت نقاطی که محتاج به وکیل است در دفتر کانون به دیوار نصب می‌شود که داوطلبان شغل وکالت با توجه به آن تقاضانامه بدهند. ماده ۳۱ ـ در تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی باید نکات ذیل تصریح شود: ۱ ـ نام شخصی و خانوادگی و نام پدر متقاضی ۲ ـ محل اقامت متقاضی به طوری که مأمور کانون دادگستری یا پست بتواند بدون زحمت اوراق را درمحل مزبور ابلاغ نماید. ۳ ـ اشتغالاتی که قبل از تاریخ تقاضا داشته و در حین تقاضا دارد. ۴ ـ تصریح به اینکه محکومیت جنحه و جنایی ندارد و در صورت داشتن چنین سابقه به چه عنوان و به‌چه مجازاتی

محکوم شده است ۵ ـ تصریح به عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره ۶ ـ ذکر مجوز قانونی تقاضا. ۷ ـ تعیین و معرفی محلی که می‌خواهد در آن اشتغال به وکالت داشته باشد. ۸ ـ معرفی شخصی که متقاضی می‌خواهد نزد او کارآموزی نماید. ماده ۳۲ ـ تقاضا باید دارای ضمایم ذیل باشد: ۱ ـ رونوشت گواهی شده شناسنامه ۲ ـ چهار قطعه عکس ۳ ـ گواهینامه عدم سوءسابقه ۴ ـ در صورت داشتن سابقه در وزارتخانه‌ها یا اداره دولتی و مملکتی و بلدی یا بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است گواهینامه حسن سابقه خدمت از مراجع مربوطه تبصره ـ کانون می‌تواند برای تشخیص حسن سابقه خدمت قضات دادگستری خلاصه پرونده‌کارگزینی آنان را مطالبه نماید. ۵ ـ گواهینامه عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره ۶ ـ رونوشت مصدق مستند تقاضا از دانشنامه یا سابقه شغل قضایی و مقاماتی که دارا بوده و مدت آن ۷ ـ گواهینامه شورای‌عالی فرهنگ راجع به ارزش دانشنامه که از دانشگاههای خارج صادر شده ۸ ـ گواهینامه اداره کل بازنشستگی راجع به عدم اشتغال به مشاغل دولتی و بازنشستگی ماده ۳۳ ـ در صورتی که تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی برای محلی باشد که به قدر احتیاج دارای‌وکیل است عدم قبول آن از طرف دفتر به متقاضی اخطار می‌شود و در صورتی که برای محلی باشد که‌محتاج وکیل است و تقاضانامه یا ضمایم آن ناقص باشد بلااثر می‌ماند تا از طرف متقاضی تکمیل شوددر این‌صورت تاریخ تکمیل تاریخ تقاضا محسوب است ماده ۳۴ ـ تقاضانامه پروانه وکالت و کارآموزی در صورتی که نقصی نداشته باشد و در صورتی که دارای‌نقص باشد پس از رفع نقص از طرف دفتر کانون به نظر رئیس کانون می‌رسد و رئیس کانون رسیدگی به‌هریک از تقاضاها را به یکی از اعضای کانون و یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان رجوع می‌نماید که‌در ظرف یک هفته رسیدگی کرده و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم نماید گزارش مزبور در هیات‌مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر خواهد شد. و اگر دادن پروانه کارآموزی به متقاضی تصویب شد به کمیسیون کارآموزی رجوع می‌شود و در صورت‌رد تقاضاهای پروانه وکالت یا کارآموزی متقاضی می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیات‌مدیره به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورودشکایت تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد پروانه موردنظر دادگاه به‌متقاضی داده شود و حکم دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجرای آن به عهده ریاست کانون است و متخلف‌از آن مستوجب تعقیب انتظامی است ماده ۳۵ ـ کمیسیون کارآموزی از پنج نفر وکلایی که واجد شرایط عضویت هیات مدیره باشند از بین‌اعضای هیات مدیره یا از خارج اعضای هیات یا به طور مختلط از طرف هیات مدیره تعیین می‌شود. ماده ۳۶ ـ کارآموز موظف است در دوره کاآرموزی تکالیف ذیل را تحت نظر کانون انجام دهد: ۱ ـ کارهای معاضدت قضایی که از طرف شعبه معاضدت قضایی یا ریاست کانون رجوع می‌شود. ۲ ـ حضور در سخنرانیها. ۳ ـ حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لااقل ماهی چهار مرتبه ۴ ـ تهیه گزارش چند پرونده که به او رجوع می‌شود. ۵ ـ کار کردن در کانون اعم از دادسرا یا دادگاه یا شعبه معاضدت قضایی یا راهنمایی یا سایر کارهای اداری‌و دفتری ۶ ـ کار کردن نزدیکی از وکلای با سابقه دادگستری ماده ۳۷ ـ هر کارآموزی دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود در این‌کارنامه باید حضور در جلسات دادگاهها به گواهی روسای دادگاهها و کارهایی که نزد وکیل سرپرست‌انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی به گواهی وکیل سرپرست و کارهای معاضدت قضایی‌به گواهی شعبه معاضدت قضایی یا ریاست کانون و تمرینات و سخنرانیها به گواهی رئیس شعبه‌سخنرانیهای کانون و کارهایی که در کانون انجام می‌دهند به گواهی مدیر داخلی کانون برسد. ماده ۳۸ ـ انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است ولی از کارهای که کارآموز، خود قبول‌می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید. ماده ۳۹ ـ پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به متقاضی مشارالیه باید در حضور ریاست‌کانون و لااقل دو نفر از اعضای هیات مدیره به شرح ذیل قسم یاد کرده و صورتمجلس قسم و قسمنامه راامضا نماید. «در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نایل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که‌همیشه قوانین و

نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف‌شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضايی و اداری وهمکاران و اصحاب دعوی و ساير اشخاص رعايت احترام را نموده و از اعمال نظريات سياسی وخصوصی و کينه‌توزی و انتقام جويی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهايی که از طرف اشخاص‌انجام می‌دهم راستی و درستی را رويه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثيقه اين قسم‌است که ياد کرده و ذيل قسمنامه را امضا می‌نمايم » تبصره ـ در صورتی که وکيل در خارج از محل کانون باشد در حضور رئيس عاليترين دادگاه محل اقامت‌خود و دو نفر از وکلای آن محل به دعوت رئيس دادگاه بايد قسم ياد نمايد و اگر در محل وکيل نباشد درحضور رئيس دادگاه قسم ياد خواهد کرد. ماده ۴۰ ـ کارآموزانی که در محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نيست يا کانون به وجودايشان احتياج ندارد از سخنرانی و کارکردن در آن مرجع معافند. ماده ۴۱ ـ پس از انجام تکاليف مقرره در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی‌دوره کارآموزی را بنمايد و رئيس کانون رسيدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه‌مزبور مدارک کارآموزی را مورد مداقه قرار داده و اختبار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن رابه رئيس کانون خواهد داد تا در هيات مديره مطرح و تصميم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود. ماده ۴۲ ـ در صورتی که تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هيات مديره واقع نشد بايدتجديد شود و در هر دفعه به ترتيبی که در نوبت اول مقرر است عمل خواهد شد. ماده ۴۳ ـ کارآموزان و همچنين وکلای دادگستری نمی‌توانند به شغل ديگری که منافی با حيثيت وشوون وکالت است اشتغال ورزند. ماده ۴۴ ـ چنانچه کارآموز تکاليف مقرره را انجام داده و از عهده اختبار برايد پروانه وکالت درجه يک به‌او داده خواهد شد. ماده ۴۵ ـ کانون می‌تواند بر حسب ضرورت و احتياج از داوطلبان کارگشايی طبق آيين‌نامه امتحان‌نموده و پروانه کارگشايی برای حوزه معينی به آنان بدهد. ترتيب تقاضای کارگشايی همان است که برای‌پروانه وکالت مقرر گرديده به‌جز مدرک علمی که لازم نيست ولی بايد در محل مورد تقاضا وکيل به قدرکافی وجود نداشته باشد و ترتيب دادن پروانه نيز مطابق پروانه وکالت است ماده ۴۶ ـ مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل به وی داده نشده نام اودر فهرست اسامی وکلاـ درج نخواهد شد.

بخش چهارم ــ ترفيعات م ۴۷ تا ۵۲)

ماده ۴۷ ـ با احراز شرايط ذيل وکيل می‌تواند به درجه بالاتر وکالت نايل گردد: ۱ ـ اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم سه سال در درجه دوم ۲ ـ حسن انجام وظيفه در دادگاههای مربوطه و حسن انجام معاضدتهايی که به او رجوع شده ۳ ـ ترقی علمی و عملی که از طريق اختبار بايد احراز شود. ۴ ـ رعايت نظامات مربوطه به امر وکالت طبق آيين‌نامه‌ها. تبصره ـ مدت ترفيع نسبت به کسانی که به تنزيل درجه محکوم شده‌اند از تاريخ حکم قطعی خواهدبود. ماده ۴۸ ـ تقاضای ترفيع بايد بعد از انقضای مواعد مقرر در ماده قبل به دفتر کانون داده شود و گواهينامه‌حسن انجام وظيفه در دادگاهها از روسای دادگاهها و حسن انجام کارهای معاضدت قضايی يا عدم رجوع‌آن از شعبه معاضدت قضايی و گواهی رعايت آيين‌نامه‌ها از دادسرای انتظامی وکلا بايد ضميمه تقاضاباشد. ماده ۴۹ ـ تقاضاهايی که با رعايت شرايط مقرر در ماده ۴۷ و ۴۸ تا آخر فروردين هر سال شده باشد از طرف دفتر به نظر رئيس کانون می‌رسد و برای رسيدگی به کميسيون ترفيع رجوع خواهد شد وتقاضاهايی که بدون رعايت شرايط مزبور باشد بلااثر می‌ماند. ماده ۵۰ ـ کميسيون در ارديبهشت ماه هر سال از متقاضيان ترفيع که دارای دانشنامه ليسانس يا بالاترهستند اختبار عملی و از غير ايشان اختبار علمی و عملی به عمل آورده و با توجه به ساير شرايط نظرخود را بر قبول يا رد تقاضای ترفيع اظهار می‌دارد. ماده ۵۱ ـ رد تقاضای ترفيع در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجديد نظر در هيات مديره است و تصميم هيات مزبور قطعی است ماده

۵۲ ـ کميسيون ترفيع به ترتيب مقرر در ماده ۳۵ اين آيين‌نامه تشکيل می‌شود.

بخش پنجم ــ دادسرا و دادگاه انتظامی م ۵۳ تا ۷۵)

ماده ۵۳ ـ دادستان انتظامی بايد در مرکز لااقل دارای چهل سال سن و پانزده سال سابقه وکالت و معاون‌اول او دارای سی و پنج سال سن و ده سال سابقه وکالت و ساير معاونين دارای سی سال سن و پنج سال‌سابقه وکالت بوده و هيچ يک محکوميت انتظامی از درجه سه به بالاـ و سو شهرت نداشته باشند و ازبين معاونين خارج مرکز کسی که سابق وکالتش بيشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت ماده ۵۴ ـ دادرسان دادگاه انتظامی بايد دارای شرايط عضويت هيات مديره بوده و محکوميت انتظامی ازدرجه سه به بالا نداشته باشند. ماده ۵۵ ـ دادگاه انتظامی در مرکز ممکن است دارای شعب متعدد باشد در اين‌صورت پرونده‌ها برای‌رسيدگی از طرف رئيس کانون به هريک از دادگاهها رجوع می‌شود. ماده ۵۶ ـ انتخاب دادستان و معاونين و دادرسان از طرف هيات مديره به رای مخفی و با اکثريت دوثلث اعضای حاضر در جلسه به عمل می‌آيد. ماده ۵۷ ـ از بين دادرسان اصلی کسی که سابقه وکالت او زيادتر است سمت رياست دادگاه را دارد و اگرسابقه وکالت معلوم نباشد مسنترين دادرس اصلی سمت رياست خواهد داشت و در صورت تساوی‌سن يا سابقه دادرسان به رای مخفی يا قرعه از بين خود رئيس دادگاه را تعيين می‌نمايند. ماده ۵۸ ـ موارد رد و امتناع دادستان و معاونين ايشان و دادرسان همان است که طبق آيين دادرسی مدنی‌برای دادرسان دادگاههای عمومی مقرر است به علاوه در موردی که وکيل شاکی يا مشتکی عنه يا شريک‌يا وکيل يکی از طرفين بوده ولو شرکت به طور کلی باشد بايد از رسيدگی امتناع نمايند. ماده ۵۹ ـ در صورتی که متصدی تحقيقات ممنوع از رسيدگی باشد رسيدگی به معاون ديگر رجوع‌می‌شود و اگر دادستان ممنوع از رسيدگی باشد معاون اول مستقلا در آن مورد وظيفه دادستان را انجام‌می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد يکی از نواب رئيس وظيفه دادستان را انجام خواهد داد. ماده ۶۰ ـ در مورد غيبت يا ممنوع بودن دادرس اصلی دادرس علی البدل در رسيدگی دخالت می‌نمايدو اگر عده کافی برای رسيدگی نباشد از دادرسان شعبه ديگر تکميل می‌شود و اگر شعبه ديگر نباشد هيات‌مديره به جای اشخاص غايب و ممنوع از بين اشخاص واجد شرايط اشخاص ديگری را به عنوان‌عضويت علی‌البدل تعيين می‌نمايد که در رسيدگی دخالت نمايند. ماده ۶۱ ـ شکايت از تخلفات و اخلاق و رفتار وکلا ممکن است کتبی باشد يا شفاهی شکايت کتبی دردفتر کانون ثبت و رسيد داده می‌شود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکايت شفاهی درصورتمجلس درج و به امضای شاکی می‌رسد. دادستان شخصا يا به وسيله يکی از معاونين نسبت به شکايات رسيدگی و اظهار عقيده می‌نمايد. ماده ۶۲ ـ از هر طريقی اطلاـع راجع به تخلف يا سو اخلاق و رفتار وکيل به رئيس کانون برسد و آن راقابل توجه تشخيص دهد به دادسرا رجوع می‌نمايد و دادسرا بايد به موضوع رسيدگی کرده اظهار عقيده‌نمايد. ماده ۶۳ ـ در صورتی که دادستان حضور مشتکی عنه را برای ادای توضيحات و کشف حقيقت لازم‌بداند و او احضار نمايد و بدون عذر موجه حاضر نشود ممکن است عدم حضور قرينه صدق نسبتی که‌به او داده شده تلقی شود. تبصره ـ عذر موجه همان است که در قانون وکالت و آيين دادرسی مقرر است و بايد کتبا به ضميمه‌دليل آن در موقع معين برای رسيدگی به متصدی تحقيقات داده شود. ماده ۶۴ ـ دادستان پس از رسيدگی در صورتی که عقيده بر تعقيب داشته باشد ادعانامه صادر و به دادگاه‌می‌فرستد و در صورتی که عقيده بر منع تعقيب داشته باشد قرار منع تعقيب صادر خواهد کرد. در صورتی که بين دادستان و معاون او که متصدی تحقيقات بوده در تعقيب و تطبيق موضوع با ماده‌آيين‌نامه اختلاف حاصل شود نظر دادستان متبع است ماده ۶۵ ـ قرار منع تعقيب از طرف شاکی و رئيس کانون در ظرف ده روز پس از ابلاـغ قابل تجديدنظر دردادگاه انتظامی وکلاـ است و در صورتی که دادگاه قرار منع تعقيب را صحيح دانست آن را استوارمی‌نمايد و در صورتی که موضوع را قابل تعقيب تشخيص داد رسيدگی کرده حکم می‌دهد. ماده ۶۶ ـ پس از رسيدن

ادعانامه یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند و آماده‌بودن موضوع برای رسیدگی رونوشت ادعانامه یا تقاضا به وسیله مامور کانون یا پست سفارشی دوقبضه به شخص مورد تعقیب ابلاغ می‌شود که در مرکز و اطراف آن تا شعاع شصت کیلومتر در ظرف ده‌روز پس از ابلاغ و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر تا مرکز باشد در ظرف یک ماه‌هر گونه جوابی دارد، بدهد. ماده ۶۷ ـ پس از رسیدن جواب یا انقضای مهلت وقت رسیدگی به اطلاع داستان می‌رسد و در وقت‌مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم می‌دهد و اگر توضیحی دادستان لازم بداند یا دادگاه توضیحی از دادستان‌بخواهد در جلسه رسیدگی استماع می‌شود و اگر توضیحی از شخص مورد تعقیب لازم باشد صریحا درصورتمجلس ذکر و ضمن اخطار وقت رسیدگی به او اخطار می‌شود که در موقع معین حاضر شده شفاها توضیح دهد یا توضیحات خود را کتبا به دادگاه بفرستد چنانچه پاسخ مشتکی عنه در موقع نرسید و شخصا هم حاضر نشده باشد دادگاه رسیدگی کرده حکم می‌دهد و حکم مزبور حضوری محسوب است ماده ۶۸ ـ دادگاه باید نسبت به موضوعاتی که به آن رجوع می‌شود رسیدگی کرده رای بدهد و در صورت‌ثبوت تخلف می‌تواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین نماید و در مورد تقاضای تعلیق باید خارج‌از نوبت رسیدگی کرده رای بدهد و در موردی که موضوع متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن ازجنبه انتظامی ممکن نباشد باید رسیدگی را موقوف به فراغ از جنبه کیفر نماید. ماده ۶۹ ـ مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونین ایشان و روسا واعضای شعب و کمیسیونها راجع به انجام وظایفشان هیات مدیره است و در صورت احراز تخلف‌پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود که به ترتیب مقرر در ماده ۱۲ لایحه استقلال کانون عمل شود. ماده ۷۰ ـ وکلا ـ مکلفند محل سکونت خود را به طور صریح و روشن به کانون اطلاع دهند که مامورکانون یا دادگستری یا پست بتواند هر گونه اوراقی را در آن محل به ایشان ابلاغ نمایند و در صورت تغییرمحل باید محل جدید را ظرف ده روز به نحوی که ذکر شده کتبا به کانون اطلاع دهند و اوراقی که به‌محل مزبور فرستاده می‌شود ابلاغ شده محسوب است ماده ۷۱ ـ کلیه اوراقی که از کانون و دادسرا و دادگاه به وسیله پست سفارشی برای اشخاص فرستاده‌می‌شود در مرکز تا شعاع شصت کیلومتر پنج روز پس از تسلیم به دفتر پست و در خارج مرکز که فاصله‌آن بیش از شصت کیلومتر باشد بیست روز پس از تسلیم به دفتر پست ابلاغ شده محسوب است مگر کسی که اوراق برای او فرستاده شده ثابت نماید که بعد از مهلت مقرر رسیده که در این‌صورت تاریخ‌رسیدن به او تاریخ ابلاغ محسوب است یا ثابت نماید اصلا نرسیده که در این‌صورت ابلاغ تجدیدمی‌شود و اوراقی که به وسیله مامور فرستاده می‌شود تاریخ رساندن آن به رویت طرف تاریخ ابلاغ‌محسوب است و در موردی که از گرفتن اوراق از مامور کانون یا دادگستری یا پست و رویت آنها امتناع‌شود ابلاغ شده محسوب خواهد شد. ماده ۷۲ ـ مراجع رسمی مکلفند به اسرع وقع اطلاعاتی را که دادگاه یا دادسرا یا هیات مدیره و شعب‌کانون می‌خواهد بدهند مگر در موردی که دادن اطلاع قانونا ممنوع باشد و دادستانها یا نمایندگان ایشان‌مکلفند تحقیقاتی را که کانون از شاکی یا مشتکی عنه یا مطلعین تقاضا می‌نماید انجام داده بفرستد وتخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است ماده ۷۳ ـ چنانچه نسبتی که به شخص مورد تعقیب داده شده متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن ازجنبه انتظامی ممکن نیست رسیدگی انتظامی موکول به فراغ از جنبه کیفری در مراجع عمومی خواهدشد. ماده ۷۴ ـ در مورد ماده ۱۵ لایحه استقلال کانون و همچنین در مورد تقاضا از طرف رئیس کانون یاهیات مدیره در صورتی که دادستان مخالف با تعقیب باشد صدور ادعانامه لازم نیست و رسیدگی به‌دادگاه انتظامی رجوع می‌شود. ماده ۷۵ ـ نسبت به احکام دادگاه انتظامی وکلا رئیس کانون و دادستان و سایر اشخاص و مقامات‌مذکور در ماده ۱۵ و ۱۶ لایحه استقلال کانون و نسبت به احکام مجازات از درجه چهار به بالامحکوم علیه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت طبق آیین دادرسی مدنی می‌توانند از دادگاه‌عالی انتظامی قضات درخواست تجدیدنظر نمایند و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود اعتراض حکم را استوار والا حکمی را که به نظر خود مقتضی می‌دانند صادر نمایند.

بخش ششم ـ تخلفات و مجازات آنها (م ۷۶ تا م ۸۹)

ماده ۷۶ ـ مجازاتهای انتظامی عبارت است از: ۱ ـ اخطار کتبی ۲ ـ توبیخ با درج در پرونده ۳ ـ توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون ۴ ـ تنزل درجه ۵ ـ ممنوعیت از سه ماه تا سه سال ۶ ـ محرومیت دایم از شغل وکالت تبصره ـ در موردی که برای قبول وکالت یا انتقال یا گرفتن سند مجازات انتظامی تعیین شده وکالت وانتقال مال و سندی که از اشخاص گرفته شده در دادگاهها و سایر مراجع رسمی قابل ترتیب اثر نخواهدبود. ماده ۷۷ ـ مجازات تخلف از نظاماتی را که کانون برای وکلای دادگستری تعیین می‌نماید درجه ۱ و ۲است که از طرف رئیس کانون مستقلا یا به پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا می‌شود و اختیاررئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه یک و دو نخواهد بود. ماده ۷۸ ـ متخلف از هریک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه سه محکوم خواهد شد: ۱ ـ چنانچه به دو یا چند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور دردیوان کیفر و دیوان جنایی را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد. ۲ ـ کارهای معاضدت قضایی را که از طرف کانون و دفاع از متهمین را که از طرف دادگاهها و در حدود قانون و نظامات به ایشان ارجاع می‌شود به خوبی و با علاقمندی انجام هد. ۳ ـ کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا رونوشت ادعانامه یا حکم که به وسیله مامور یاپست فرستاده می‌شود به محض ارائه قبول و رویت کرده رسید بدهد. ماده ۷۹ ـ متخلف از هریک از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه سه و یا چهار محکوم خواهد شد: ۱ ـ از تجاهر به استعمال مُسکر و افیون و سایر مواد مخدره و مراوده در اماکن فساد اجتناب نماید. ۲ ـ در مقابل وجه یا مال دیگری که از موکل دریافت می‌نماید رسید بدهد. ۳ ـ در صورتی که بعد از انقضای مدت تمبر پروانه بدون تجدید تمبر و ثبت پروانه وکالت نماید. ۴ ـ در صورتی که بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تاخیرافتد. ماده ۸۰ ـ در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود: ۱ ـ در صورتی که به کار دیگری اشتغال پیدا کند که منافی با شوون وکالت است و با تذکر این نکته ازطرف کانون به شغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شوون وکالت است ۲ ـ در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسایل دیگر درجه خود را بالاتر از پروانه که داردمعرفی نماید. ۳ ـ در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید. ۴ ـ در صورتی که زاید بر حق الوکاله که به تراضی با موکل قرارداده و در موردی که قرارداد در بین نباشدزاید بر تعرفه وزارتی یا زاید بر هزینه‌های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی به نام خود یا دیگری بگیرد. ۵ ـ در صورتی که استعفای خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل‌مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد. ۶ ـ در صورتی که پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم دادن خرج یا اقدامی از طرف موکل‌است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود. ۷ ـ در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلا به مناسبت سمت قضایی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده‌قبول وکالت نماید. ۸ ـ در صورتی که در یکی از وزارتخانه‌ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا بنگاههایی که تمام‌یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته و علیه آنها قبول‌وکالت نماید. ۹ ـ در صورتی که برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه‌آمیز از قبیل رد دادرس یا داور یا استعفای ازوکالت و قبول مجدد وکالت متوسل شود. ۱۰ ـ در صورتی که در مذاکرات کتبی و شفاهی نسبت به دادگاه یا سایر مقامات رسمی و وکلا واصحاب دعوی و سایر اشخاص برخلاف احترام اظهاری بنماید. ماده ۸۱ ـ متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد: ۱ ـ در صورتی که دعوی را به طور مصانعه یا در ظاهر به نام دیگر و در باطن برای خود انتقال بگیرد. ۲ ـ در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید اعم از اینکه اسرارمزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد. ۳ ـ در صورت تخلف از قسم ماده ۸۲ ـ متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم

خواهد بود: ۱ ـ کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یک‌ماه از تاریخ اجرای این آیین‌نامه کتبا به کانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نماید و در صورتی که درحین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردد باید در ظرف ده روز از تاریخ فاقدشدن شرط کانون را کتبا مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نماید. ۲ ـ در صورتی که بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر وکالت طرف‌موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قایم مقام قانونی او قبول نماید. ۳ ـ در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت‌دیگری نسبت به موکل کرده باشد. ۴ ـ در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلااعلام کرده ثابت شود. ماده ۸۳ ـ هیچ تخلفی را نمی‌شود عفو کرد و اگر موجبی برای تخفیف باشد دادگاه در موردی که مجازات‌دارای حداقل و اکثر است می‌تواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد یک درجه تخفیف‌بدهد. ماده ۸۴ ـ هرکس محکوم به مجازات انتظامی شده و در مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن حکم‌مرتکب تخلفی نظیر تخلف مورد حکم شود به یک یا دو درجه بالاتر مجازات مورد حکم محکوم‌خواهد شد. ماده ۸۵ ـ استرداد شکایت یا استعفای مشتکی عنه مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استردادشکایت موجب تخفیف مجازات است ماده ۸۶ ـ مدت مرور زمان تعقیب انتظامی دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است و درمواردی که تعقیب به عمل آمده دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است ماده ۸۷ ـ در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواست صادر شوددادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود ودر صورتی که دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شوون وکالت تشخیص دهد حکم‌تعلیق موقت او را صادر می‌نماید و حکم مزبور موقتا قابل اجراست و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می‌شودو در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقا و در مورد جنحه‌هایی که به تشخیص دادگاه‌انتظامی وکلاـ ادامه وکالت منافی شوون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه‌رسمی و مجله کانون آگهی و به دادگاهها ابلاغ می‌شود. ماده ۸۸ ـ کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آیین‌نامه خواهند بود. ماده ۸۹ ـ تعقیب انتظامی مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست

از قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات

ماده ششم ـ صاحبان رتبه‌های قضایی دادگستری که به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت می‌شوند در آخرین حوزه‌ای که قبل از بازنشسته شدن یا انتظار خدمت انجام وظیفه می‌نموده‌اند تا سه سال حق اشتغال به وکالت دادگستری را نخواهند داشت

قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (مصوب ۱۳۱۵)

ماده ۱ ـ هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذی در نزد یکی از مستخدمین دولتی یا شهرداری یاکشوری یا مامورین به خدمات عمومی وجه نقد یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالث در ازا اعمال نفوذ نزد مامورین مزبوره از کسی تحصیل کند و یا وعده و یا تعهدی از او بگیرد علاوه بر ردوجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس جنحه‌ای از یک سال تا سه سال و به جزای نقدی از دو هزار ریال الی پانزده هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲ ـ هر کس از روابط خصوصی که با مامورین یا مستخدمین مذکوره در ماده یک دارد سو استفاده نموده و در کارهای اداری که نزد آنها است به نفع یا ضرر کسی بر خلاف حق و مقررات‌قانونی اعمال نفوذ کند از یک الی یک سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مامورین به خدمات عمومی که نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تاثیر دهند به محرومیت از شغل دولتی از دو

الی‌پنج سال محکوم می‌شوند و در صورتی که اقدام یا تصمیم مزبور مستلزم تفویت حقی از اشخاص یا دولت باشد محکوم‌به انفصال ابد از خدمات دولتی خواهند شد مگر آنکه این عمل مشمول قوانین‌دیگر جزایی باشد. ماده ۴ ـ هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مامورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود یا اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالث از موکل خود به عنوان‌اینکه باید به یکی از اشخاص مذکوره بپردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن‌را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس جنحه‌ای از یک سال الی سه‌سال محکوم خواهد شد.

قانون رد لایحه مربوط به تشکیل اداره دعاوی وزارت دارایی (مصوب سال ۱۳۳۸ شمسی

ماده ۱ ـ برای تعقیب و دفاع از کلیه دعاوی بر له و علیه وزارت دارایی و ادارات و بنگاه‌های وابسته به آن وزارتخانه که در محاکم عمومی طرح و نیز کلیه دعاوی که بعدا بر له و علیه وزارت دارایی در محاکم از طرف اشخاص طرح و یا طرح آن از طرف وزارت دارایی لازم تشخیص داده شود اداره‌ای به نام اداره دعاوی تشکیل می‌شود. ماده ۲ ـ از تاریخ تشکیل این اداره ، دفاع و تعقیب کلیه دعاوی مشروحه در ماده اول از وظایف اداره مزبور خواهد بود. ماده ۳ ـ اداره دعاوی تشکیل می‌شود از یک رئیس و به قدر لزوم نماینده قضایی ماده ۴ ـ رئیس و نمایندگان قضایی اداره دعاوی ، وکیل و نماینده وزارت دارایی و دادگاههامی‌باشند و دادگاهها آنان را به این سمت خواهند پذیرفت تبصره در دعاوی که اداره دعاوی محکوم‌له می‌شود حق مطالبه خسارت از محکوم‌علیه را برطبق آیین‌نامه قانون وکالت دارد.

لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی

ماده ۱ ـ کانون کارشناسان رسمی دارای شخصیت حقوقی است که در مقر هر دادگاه استان تشکیل‌می‌شود. تشکیل کانون کارشناسان رسمی هر استان منوط بر این است که تعداد کارشناسان رسمی آن‌استان به سی نفر برسد و تا وقتی که عده کارشناسان به‌حد نصاب مذکور نرسیده کارشناسان رسمی آن‌استان تابع مقررات و نظامات کانون کارشناسان رسمی تهران خواهند بود. کلیه کارشناسان رسمی عضو کانون کارشناسان رسمی محسوب می‌شوند و تابع مقررات این قانون ونظامات کانون می‌باشند. ماده ۲ ـ ارکان کانون به شرح زیر است الف ـ مجمع عمومی ب ـ هیات مدیره ج ـ بازرسان د ـ شورای کارشناسی ه ـ دادسرای انتظامی و ـ دادگاه انتظامی ماده ۳ ـ مجمع عمومی کانون کارشناسان هر استان از کارشناسانی که در حوزه آن استان اشتغال به‌کارشناسی دارند و حایز شرایط زیر باشند تشکیل می گردد: الف ـ پروانه کارشناسی آنان دارای اعتبار باشد. ب ـ حق عضویت خود را تا تاریخ تشکیل مجمع عمومی پرداخت کرده باشند. ج ـ در حال تعلیق از کارشناسی نباشند. ماده ۴ ـ طرز تشکل مجمع عمومی عادی به‌شرح زیر است ۱ ـ مجمع عمومی عادی ظرف سه ماه اول هر سال در مرکز کانون یا محل مناسب دیگری که در آگهی‌تعیین خواهد شد به دعوت هیات مدیره منعقد می‌شود. هیات مدیره مکلف به دعوت مجمع عمومی‌می‌باشد. ۲ ـ دعوت به وسیله انتشار آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران یا مرکز استان حسب مورد و همچنین ارسال دعوتنامه با پست به عمل خواهد آمد و دستور جلسه باید در متن آگهی و دعوتنامه قیدشود. ۳ ـ آگهی و دعوتنامه باید لااقل پانزده روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع در روزنامه منتشر یا به وسیله پست ارسال گردد. ۴ ـ مجمع عمومی با حضور دوسوم اعضای کانون رسمیت خواهد داشت و در صورتی‌که در جلسه اول‌نصاب مزبور حاصل نشود دعوت به ترتیب فوق تجدید خواهد شد و جلسه دوم با حضور هر عده که حاضر شوند رسمیت خواهد داشت و تصمیمات مجمع با اکثریت نافذ و معتبر است ۵ ـ مجمع عمومی دارای یک نفر رئیس و دو نفر منشی خواهد بود که از بین اعضای حاضر در جلسه‌تعیین می‌شوند برای تعیین رئیس و منشیان بدوا مسن‌ترین عضو حاضر اداره جلسه را به

عهده می گیرد. ۶ ـ هیات مـدیره و بازرسان با رای مخفی در مجمع عمومی انتخاب خواهنـد شد و برای نظارت در اخذ رای و قرائت آرا سه نفر به عنوان هیات نظارت از بین اعضای حاضـر از طرف مجمع انتخاب خواهند شد کسانی که برای عضویت در هیات مدیره و یا سـمت بازرسـی داوطلب باشـند نمی‌توانند به عضویت‌هیات نظارت انتخاب شوند. ۷ ـ هیات نظارت آرای ماخوذه را شـمارش و پس از تطبیق تعداد آن با عده حاضـر به قرائت آرا اقدام ونتیجه را در صورتمجلس قید می کند. ۸ ـ رای باید کتبی و مخفی و بدون علامت مشـخصه باشـد و آرایی که دارای علامت مشـخصه یا امضاباشـد باطل است و اسامی مکرر و همچنین اسامی زاید بر عده‌ای که باید انتخاب شوند قرائت نخواهدشد. ۹ ـ از انتخاب‌شدگان کسانی که به ترتیب دارای رای بیشتری هسـتند عضو اصلی و کسانی که بعد ازاعضای اصلی دارای رای بیشتری باشند عضو علی‌البدل خواهند بود و برای بازرسان جداگانه اخذ رای‌خواهد شد. ماده ۵ ـ وظائف و اختیارات مجمع عمومی به شرح زیر است ۱ ـ بررسـی گزارش هیات مدیره و بازرسان و اظهارنظر درباره آن ۲ ـ بررسی و تصویب ترازنامه سال گذشته ۳ ـ بررسی و تصویب بودجه سال آینده کانون ۴ ـ تعیین خط مشی برنامه‌های کانون ۵ ـ انتخاب هیات مـدیره و بازرسان در صورت انقضای دوره آنها. ۶ ـ انتخاب اعضای هیات مدیره در صورت سـلب شرایط یا فوت یا استعفای بعضی از آنان به نحوی که‌تعـداد اعضای هیات مـدیره از حـداقل مقرر کمتر شود و اعضای علی‌البـدل کافی برای تصدی محلهای‌خالی در هیات مدیره نباشـند در این مورد مجمع عمومی به‌طور فوق العاده دعوت خواهد شد. ۷ ـ مذاکره و اتخاذ تصمیم درباره سایر اموری کـه در دسـتور جلسه قرار دارد. مـاده ۶ ـ هیـات مـدیره کـانون کارشـناسان استان تهران مرکب از یـازده نفر عضـو اصـلی و سه نفر عضوعلی‌البـدل و دو نفر بـازرس اصـلی و یـک نفر بـازرس علی‌البـدل و در سایر اسـتانها دارای پنـج نفر عضواصـلی و دو نفر عضـو علی‌البدل و دو نفر بازرس خواهد بود که برای مدت چهار سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند جلسات هیات مدیره کانون در تهران با حضور حـداقل هفت نفر و در سایراسـتانها با حضور حداقل سه نفر رسـمیت خواهد داشت ماده ۷ ـ اعضا هیات مدیره از بین کارشـناسان رسـمی هر استان انتخاب می‌شونـد که علاوه بر شـرایط مـذکور در ماده ۳ بایـد واجد شـرایط زیر نیز باشـند: الف ـ داشتن لااقل ۳۵ سال سن ب ـ داشـتن مدرک تحصـیلی از لیسانس به‌بالا و حداقل پنج سال سابقه کارشناسـی و در صورت نداشـتن مـدرک لیسـانس حـداقل ده سـال سـابقه کارشناسـی متوالی ج ـ اقامت در حوزه اسـتان مربوط د ـ داشـتن حسن شـهرت ه ـ نداشـتن محکومیت انتظامی و محرومیت موقت یا دائم از کارشناسـی ماده ۸ ـ هیات مدیره کانون اسـتان تهران از بین خود یک نفر رئیس دو نفر نـایب رئیس دو نفر منشـی یک نفر مسوول امور مالی و در سایر کانونها هیات مـدیره از بین خود یک نفر رئیس ـ یک نفر نایب رئیس ـ یک نفر منشـی ـ یک نفر مسوول امور مالی با رای مخفی برای مـدت دو سال انتخاب خواهندکرد. تجدید انتخابات اعضای مـذکور برای دو ساله دوم بلامانع است رئیس هیات مـدیره مکلف است یک ماه قبل از انقضای دو سال اول اعضای هیات مدیره را برای انتخـاب هیـات رئیسه جدیـد دعوت کنـدو تا زمانی که هیات رئیسه جدیـد تعیین نشـده است هیات رئیسه قبلی وظایف خود را کماکان انجام‌خواهد داد. ماده ۹ ـ وظایف هیات مـدیره کانون به قرار زیر خواهد بود: الف ـ رسـیدگی به صـلاحیت علمی و فنی و اخلاقی متقاضـیان کارشناسـی (بعـد از اظهارنظر کمیسیونهای‌تشـخیص صـلاحیت علمی و فنی هر رشـته و دادن پروانه کارآموزی و کارشناسـی به داوطلبانی که واجدشرایط باشند. ب ـ اداره امور کانون و نظارت بر رفتار کارشناسان در امور مربوط به کارشناسی ج ـ قبول شـکایت و عندالاقتضا ارجاع آن به دادسـرای انتظامی کانون برای تعقیب کارشـناس متخلف‌هیات مدیره در صورت اطلاع از تخلف کارشـناس راسا نیز می‌تواند تعقیب کارشناس متخلف را ازدادسرای انتظامی کانون بخواهد. د ـ فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی کارشناسان ه ـ تمدیـد پروانه کارشناسـی هر دو سال یک بار. و ـ انتخاب اعضای کمیسـیونهای آزمون و کمیسونهای تشـخیص صـلاحیت علمی و فنی هیات مدیره‌می‌توانـد عنـداللزوم به تشـکیل کمیسـیونهای دیگر نیز اقـدام نمایـد. ز ـ تعـداد اعضای کمیسـیونهای آزمون و تشـخیص صـلاحیت علمی و فنی سه نفر خواهد بود که از بین پنج‌نفر کارشـناس پیشنهاد شده از طرف رشته مربوطه وسـیله هیـات مـدیره انتخاب می‌شود تعـداد اعضای‌سایر کمیسـیونها بسـته به نظر هیات مـدیره خواهـد بود. تبصـره ۱ ـ دوره

کـارآموزی داوطلبـان کارشناسـی یک‌سـال خواهـد بود و داوطلبان تحت نظر کارشناسان‌رسـمی که لااقل ده سال سابقه کارشناسـی داشـته باشـند بـا معرفی داوطلب و تاییـد کـانون کارآموزی‌خواهنـد کرد. تبصـره ۲ ـ در رشـته‌های جدیـد کارشناسـی داوطلب از کارآموزی معاف است و در رشـته هایی که سابقه‌کارشناسـی کمتر از ده سال است و یا کارشناسان آن رشته کمتر از ده سال سابقه کارشناسـی دارند شرط‌مقرر در تبصره یک از حیث مدت ده سال سابقه رعایت نخواهد شد. ماده ۱۰ ـ به اشخاص زیر حسب نیاز و اعلام وزارت دادگستری از طرف کانون پروانه کارشناسـی داده‌می‌شود: الف ـ کسانی که دارای دانشـنامه لیسانس یا بالاتر در رشته مورد درخواست بوده و دارای پنـج سـال سابقه‌کـار در رشته مزبور در ادارات دولـتی یـا شـرکتهای معتـبر خصوصـی باشـند و دوره کارآموزی را با موفقیت به‌پایان رسانیـده باشـند. ب ـ متقاضـیان باید فاقد پیشـینه محکومیت کیفری جرائم مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی وتبصره ۱ آن باشـند. ج ـ سو شـهرت نداشـته باشـند. د ـ سن آنان کمتر از سی سال نباشد. ه ـ به مواد مخدر معتاد نباشـند. تبصـره ـ کسـانی که تا تاریـخ تصویب این قانون دارای پروانه کارشناسـی معتبر بوده و سـلب صـلاحیت ازآنان نشـده باشـد کماکان کارشـناس رسـمی شناخته می‌شوند. ماده ۱۱ ـ کارشـناسان رسـمی جدیـد در مواقع اخذ پروانه باید در جلسه رسـمی هیات مدیره سوگند یادکنند. متن سوگندنامه به شـرح زیر است «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم در امور کارشناسـی که به من ارجاع می‌گردد خداوند متعال را حاضـرو ناظر دانسـته به‌راستی و درستی عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات خصوصـی را در آن دخالت ندهم وتمام نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و برخلاف واقع‌چیزی نگویم و ننویسم . ماده ۱۲ ـ در صـورت وجـود جهـات رد هرگـاه کارشناسـی شـخصا آن را اعلاـم نکنـد و در امر کارشناسـی‌اظهارنظر نمایـد متخلف محسوب و به مجازات انتظامی محکوم می‌شود. جهات رد همان است که درقانون آیین دادرسـی مدنی مقرر است ماده ۱۳ ـ شورای کارشناسـی از روسا یا نمایندگان رشـته‌های مختلف کارشناسـی با انتخاب کارشناسان‌رشـته تشـکیل می‌شود. ترتیب انتخاب روسا و نمایندگان رشـته‌ها و طرز تشکیل و تعداد اعضای شورا و مدت عضویت و نحوه اجرای وظائف شورا بر طبق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات مـدیره کانون‌خواهد رسـید. ماده ۱۴ ـ وظـایف شورای کارشناسـی به قرار زیر است الف ـ مطـالعه و اظهـارنظر درباره رشـته‌های مختلف کارشناسی ب ـ تهیه و تدوین طرحهای اصلاحی در رشته‌های مختلف کارشناسی و پیشنهاد آن به هیات مدیره ج ـ مطـالعه و اظهـارنظر مشورتی دربـاره موضوعـاتی که از طرف هیات مـدیره ارجاع می‌شود. ماده ۱۵ ـ دادسـرای انتظامی کارشناسی رسـمی مرجع رسیدگی به تخلفات کارشناسان و تعقیب آنان‌می‌باشد و دادستان دادسرای انتظامی از بین کارشناسان رسمی به وسیله مجمع عمومی عادی برای‌مدت چهار سال انتخاب خواهد شد و دادیاران دادسرای انتظامی با پیشنهاد دادستان و تصویب هیات‌مدیره به تعـداد لازم تعین می‌شوند دادسـرای انتظامی کارشـناسان رسـمی پس از رسـیدگی به تخلفات وشـکایات در صورتی‌که عقیده بر تخلف داشـته باشند کیفرخواست صادر می‌کند و در غیراین‌صورت قرارمنع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب ظرف ده روز پس از ابلاـغ بـا رعایت مسافت از طرف شاکی یارئیس هیات مـدیره کانون قابل اعتراض در دادگاه انتظامی کانون کارشـناسان می‌باشـد و چنـانچه دادگاه‌انتظـامی کانون قرار منع تعقیب را صـحیح نـدانست به موضوع رسـیدگی و حکم مقتضـی صادر می‌نمایـد. ماده ۱۶ ـ مرجع رسیدگی به تقاضای تعقیب کارشناسان رسمی دادگاه انتظامی کارشناسان رسمی است دادگاه مذکور مرکب از سه نفر عضو اصـلی و دو نفر عضو علی‌البـدل خواهـد بود که از بین کارشناسان‌رسـمی در مجمع عمومی عـادی برای مـدت چهـار سـال انتخـاب می‌شونـد. احکـام دادگاه انتظامی به‌جز در مورد محرومیتهای موقت و دائم از کارشناسـی قطعی است در موردمجازاتهای محرومیت موقت یا دائم محکوم‌علیه می‌توانـد پس از ابلاغ ظرف ده روز با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسـی مـدنی تقاضای تجدیدنظر نمایـد مرجع تجدیـدنظر دادگـاه عـالی انتظـامی قضـات‌بوده و رای دادگـاه مزبور قطعی است تبصـره ۱ ـ اعضـای دادگـاه انتظـامی و دادسـتان انتظامی کانون باید دارای همان شـرایطی باشند که برای‌اعضای هیات مدیره مقرر است تبصره ۲ ـ دادستانی انتظامی کانون نیز می‌توانـد در مـدت مقرر از حکم برائت درخواست تجدیدنظرنمایـد. مـاده ۱۷ ـ مرور زمان نسـبت به تعقیب انتظامی کارشـناسان

رسمی دو سال از تاریخ وقوع تخلف (درصورت عدم تعقیب یا آخرین اقدام تعقیبی خواهد بود. ماده ۱۸ ـ هر موقع وزیر دادگستری یـا رئیس هیـات مـدیره کـانون کارشـناسان رسـمی از سو رفتار یا اعمال‌منافی با حیثیت کارشناسـی اطلاع حاصل کننـد می‌تواننـد از دادگـاه انتظامی کانون تعلیق موقت او را تاصـدور حکم نهایی بخواهنـد و دادگاه در جلسه خارج نوبت به این درخواست رسـیدگی می‌کند درصورتی‌که رای به تعلیق موقت صادر شود قابل اجراء خواهد بود، همچنین در صورتی‌که شـش نفر ازاعضای هیات مدیره کانون به‌جهات مـذکور درخواست تعلیق کارشناسـی را بنماینـد کانون مکلف است ازدادگاه تقاضای تعلیق آن کارشـناس را بنماید کارشناس معلق می‌تواند از رای مزبور تقاضای تجدیدنظرنماید و همچنین وزیر دادگستری و یا رئیس کانون در صورت رد تقاضای تعلیق حق درخواست تجدیدنظر دارند دادگاه انتظامی قضات به کلیه این درخواسـتها خارج از نوبت رسیدگی می‌کند و رای دادگاه انتظامی قضات قطعی است تبصـره ـ آیین‌نامه انواع تخلفات کارشناسی و میزان مجازات کارشناسان را کانون کارشناسان رسمی‌تهیه می‌کند و پس از تصویب وزیر دادگستری قابل اجرا خواهد بود. ماده ۱۹ ـ میزان دستمزد کارشناسی رسمی طبق تعرفه‌ای است که به پیشنهاد کانون به تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید و در قبال اشخاص حقیقی و حقوقی این تعرفه معتبر خواهد بود این تعرفه هرپنـج سال یک بار قابل تجدیدنظر خواهد بود. ماده ۲۰ ـ با توجه به ماده ۸۶ قانون تعزیرات منسوخ است ماده ۲۱ ـ در مواردی که وزیر دادگستری از دادسـتان انتظامی یا اعضای دادگاه انتظامی تخلفی مشاهده‌نماید رسـیدگی به‌آن را به دادسـتان کل کشور ارجاع می‌نماید دادسـتان کل به‌وسیله مقتضی تحقیقات لازم‌را نموده در صورتی‌که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات‌احاله خواهـد نمود و رای دادگاه قطعی است ماده ۲۲ ـ کانون با رعایت مقررات این قانون آیین‌نامه‌های مربوط به امور شورای کارشناسـی کـارآموزی ـتعـداد کمیسـیونها ـ صـدور پروانه و نظایر آن را ظرف سه ماه از تاریـخ تصویب این قـانون تنظیـم و پس ازتصـویب شـورای کارشناســی و هیـات مـدیره بـه موقع اجرا خواهـد گـذاشت مـاده ۲۳ ـ کارشـناسان رسـمی دادگستری در رشـته‌های مختلف حسابـداری در صورت داشـتن لیسـانس یامـدارک بالاـتر و دارا بودن پنـج سـال سابقه کارشناسـی دارای همان صـلاحیت و وظائف و مسوولیتهای حسابداران رسـمی موضوع تبصـره ۲ ماده ۲۷۶ قانون مالیاتهای مسـتقیم و ماده ۲۴۲ قانون تجارت وتبصـره ذیل آن خواهنـد بود گزارش این قبیل کارشـناسان در حـدود صـلاحیت مندرج در پروانه کارشناسـی‌آنان در مورد رسـیدگی به دفـاتر حسابـداری و ترازنامه شـرکتهاو اشـخاص حقیقی و حقوقی دارای همان‌ارزش و اعتبار گزارش حسابـداران رسـمی است ماده ۲۴ ـ از تاریـخ تصویب این قانون تشـخیص صـلاحیت علمی و صـدور پروانه کارشـناسان رشـته‌های مختلف فنون توسـعه منـابع آب و آبیاری موضوع ماده ۶۴ قانون آب و نحوه ملی شـدن آن به عهـده کانون‌کارشـناسان رسـمی دادگستری محول می‌گردد. ماده ۲۵ ـ هزینه‌هـای کانون از محلهای زیر تامین می‌گردد: الف ـ حق عضویت سالیانه ب ـ کمکهای دولت ج ـ کمکهای نقدی غیر نقدی اشـخاص حقیقی یا حقوقی د ـ صدی پنج از حق‌الزحمه کارشـناسان ه ـ هزینه تمدید پروانه کارشناسی از قرار سالی یکهزار ریال تبصره ۱ ـ حق عضویت سالیانه به پیشنهاد هیات مدیره کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین‌می‌شود. تبصره ۲ ـ میزان حق عضویت سالیانه و هزینه تمدید پروانه کارشناسـی هر پنج سال یک‌بار به پیشـنهادهیات مدیره کانون و تصویب وزیر دادگستری ممکن است کـاهش یا افزایش یابـد. تبصـره ۳ ـ وزارتخانه‌هـا ـ سازمانهـا ـ موسـسات ـ شـرکتهای دولتی و شـهرداریها موظفنـد مبلغ موضوع‌بند (د) این ماده را از دسـتمزد کارشناسان رسمی کسر و به حساب کانون واریز کنند. ماده ۲۶ ـ سن بازنشستگی کارشناسان رسمی ۷۵ سـال خواهـد بـود. مـاده ۲۷ ـ مـترجمین رسـمی زبانهـای مختلـف از تـاریخی کـه وزارت دادگسـتری اعلام می‌کنـد در عدادکارشـناسان رسـمی محسوب و عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری خواهند بود. ماده ۲۸ ـ در هر مورد که هیات مـدیره کانون لازم بداند می‌تواند با جلب نظر شورای کارشناسـی در حدودصلاحیت فنی هریک از کارشناسان تجدیدنظر نماید. ماده ۲۹ ـ کارشناسانی که مستخدم شاغل دولت یا موسسات وابسته به دولت هستند نمی‌توانند دردعاوی و اموری که مربوط به وزارتخانه‌ها یا اداره یا موسسه متبوع آنهاست به عنوان کارشناس مداخله‌و اظهارنظر کنند مگر این که در آن رشته کارشناس رسمی دیگری وجود

نداشته باشد یا آنکه کارمندمذکور طبق مقررات مربوط به آن سازمان قانونا ملزم به اظهارنظر باشد. دادگاهها و دادسراها و ادارات دادگستری و ثبت نمی‌توانند امر کارشناسی را به کارشناسانی که کارمندشاغل قضایی یا اداری دادگستری یا ثبت هستند رجوع کنند مگر این که در آن رشته جز قاضی و یا کارمندشاغل کارشناس دیگری وجود نداشته باشد. ماده ۳۰ ـ آن قسمت از قوانین مربوط به کارشناسان رسمی مصوب سال ۱۳۱۷ و ۱۳۳۹ و سایر قوانین و مقررات راجع به کارشناسان که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد از تاریخ تصویب این قانون لغو می‌شود.

آیین‌نامه صدور جواز وکالت اتفاقی (شماره ۲۱۱۴/۷۸/۱ مورخ ۳/۳/۱۳۷۸). (م ۱ تا م ۷)

در اجرای ماده ۲ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵ و به تجویز ماده ۲۲ لایحه استقلال کانون‌وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و به منظور تنظیم امور مربوط به صدور جواز وکالت اتفاقی وشرایط درخواست آن ضوابط زیر تعیین و اعلام می گردد: ماده ۱ ـ درخواست اخذ جواز وکالت اتفاقی باید توسط شخص متقاضی به عمل آمده و در آن‌ضمن معرفی کامل خود و اعلام میزان تحصیلات و تجربیات و سایر جهات و دلایل احتمالی موثر در قضیه مشخصات کامل و نشانی موکل یا موکلین مورد نظر و درجه قرابت آنان و نیز مشخصات‌موضوعی که متقاضی قرار است طرح نموده و یا عهده دار دفاع از آن شود را اعلام و مدارک مورد استناد را پیوست کرده و پس از امضاء ذیل درخواست آنرا در دفتر کانون وکلا ثبت نماید. ماده ۲ ـ به همراه درخواست صدور جواز وکالت اتفاقی باید فتوکپی مصدق مدارک زیر نیز به‌کانون وکلاـ تسلیم شود: الف ـ فتوکپی شناسنامه و آخرین مدرک تحصیلی و دو قطعه عکس ب ـ فتوکپی شناسنامه موکل یا موکلین و مدارک مثبته قرابت وفق ماده ۲ قانون وکالت مصوب۱۳۱۵ ج ـ اصل درخواست موکل به عنوان کانون وکلا (به شرح فرم تهیه شده که امضاء موکل توسط‌کانون و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی گواهی شده باشد. د ـ اخطاریه یا گواهی مرجع قضایی در مورد مشخصات پرونده و وقت رسیدگی آن نسبت به‌دعاوی طرح شده هـ ـ فتوکپی کارت پایان خدمت یا معافیت دائم برای متقاضیانی که مشمول خدمت نظام وظیفه‌می‌باشند. تبصره ـ مدارک فوق به هیچ صورتی قابل استرداد نیست ماده ۳ ـ برای هر مورد وکالت اتفاقی باید درخواست جداگانه با ضمائم کامل تهیه و تسلیم شودو این قاعده در مورد پرونده‌هایی که از دو یا چند دعوی مرتبط تشکیل شده باشد نیز رعایت خواهدشد مگر اینکه به تشخیص کانون وکلا تکرار اصل تقاضا یا مدارک و مستندات و اطلاعات ضروری‌نباشد. ماده ۴ ـ کانون می‌تواند از متقاضیان جواز وکالت اتفاقی پس از احراز شرایط اختباری به منظوربررسی توان عملی و تجربی دفاع از دعوی اعلام شده به عمل آورد و صدور جواز وکالت منوط به‌موفقیت متقاضی در اختبار به تشخیص کانون وکلاست ماده ۵ ـ تشکیل پرونده جهت بررسی درخواست متقاضی اخذ جواز وکالت اتفاقی منوط به‌واریز مبلغی است که توسط کانون وکلا در هر سال تعیین و اعلام خواهد شد. تبصره ـ مبلغ مذکور به هیچ صورتی مسترد نخواهد شد. ماده ۶ ـ هیات مدیره کانون برای صدور جواز وکالت اتفاقی هر سال مبلغی را تعیین و اعلام‌خواهد نمود. ماده ۷ ـ این آیین‌نامه در ۷ ماده و ۲ تبصره تدوین و به تصویب رسید

آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری (مصوب ۲۵/۳/۷۸ قوه‌قضائیه . (م ۱ تا م ۱۷)

با توجه به ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و پیشنهاد کانونهای وکلای‌دادگستری کشور، آیین‌نامه حق‌الوکاله و هزینه سفر وکلا به شرح ذیل تصویب شد: ماده ۱ ـ قرارداد حق‌الوکاله طبق ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری مصوب‌سال ۱۳۳۳، بین وکیل و موکل معتبر است اعتبار قرارداد مذکور نسبت به محکوم‌علیه و شخص‌ثالث در صورتی است که متجاوز از مبلغ مندرج در این آیین‌نامه نباشد. ماده ۲ ـ به منظور تشخیص مالیات و سهم تعاون و تعیین حق‌الوکاله در

صورتی که قرارداد دربین نباشد و نیز در مورد محکوم‌علیه میزان حق‌الوکاله طبق این آیین‌نامه تعیین خواهد شد. درصورت اخیر، چنانچه قرارداد بین محکوم‌له و وکیل او مبلغی کمتر از مبلغ مندرج در این آیین‌نامه رامقرر دارد مبلغ مذکور ملاک عمل خواهد بود. تبصره ـ کلیه دادگاههای دادگستری و مراجع غیر دادگستری در مواردی که طبق قانون تکلیف به‌تعیین حق‌الوکاله دارند، میزان حق‌الوکاله را بر اساس این ماده محاسبه و در رای ذکر خواهند کرد. ماده ۳ ـ در دعاوی مالی اعم از مدنی یا کیفری میزان حق‌الوکاله در موردی که حکم دادگاه بدوی‌از حیث بهای خواسته قطعی است ده درصد بهای خواسته و در موردی که حکم از حیث بهای‌خواسته قطعی نیست به ترتیب ذیل تعیین می‌شود: الف ـ تا مبلغ سی میلیون ریال یازده درصد از بهای خواسته ب ـ نسبت به مازاد مبلغ سی میلیون ریال هفت درصد از بهای خواسته ماده ۴ ـ شصت درصد حق‌الوکاله مقرر در بندهای الف و ب ماده ۲ به مرحله نخستین و چهل‌درصد بقیه به مرحله تجدید نظر تعلق می گیرد. حق‌الوکاله هر مرحله در آغاز همان مرحله به وکیل‌پرداخت می گردد. ماده ۵ ـ الف ـ حق‌الوکاله دفاع از دعاوی جلب ثالث تقابل ورود ثالث و اعتراض ثالث نصف میزانی‌است که در بندهای الف و ب ماده ۲ مقرر است ولی حق‌الوکاله دعاوی‌ورود ثالث جلب ثالث تقابل و اعتراض ثالث مطابق تمام حق‌الوکاله مرحله‌ای است که ثالث در آن مرحله وارد یا جلب‌شده یا دعوی تقابل مطرح و یا به رای صادره در آن مرحله اعتراض نموده است ب ـ حق‌الوکاله حکم غیابی و اعتراض به حکم مذکور به میزان مقرر در بندهای‌الف و ب ماده ۲ است لیکن چنانچه به حکم غیابی اعتراض شود از جهت تعقیب و دفاع از دعوی حق‌الوکاله‌دیگری به وکیل محکوم‌له حکم غیابی تعلق نمی گیرد. ج ـ حق‌الوکاله وکیل در دادسراها نظیر دادسرای نظامی و دادسرای دیوان عالی‌کشور و غیره‌نصف میزان حق‌الوکاله مذکور در ماده ۲ است و چنانچه وکیل دعوی را در دادگاه نیز تعقیب کند،علاوه بر مبلغ مذکور، حق‌الوکاله مرحله نخستین نیز طبق این آیین‌نامه به وی تعلق می گیرد. ماده ۶ ـ در مواردی که دعوی به یکی از نتایج ذیل منتهی شود حق‌الوکاله به ترتیب زیر تعیین‌می‌شود: الف ـ برای قرار ابطال دادخواست پیش از پاسخ و دفاع از دعوی ربع حق‌الوکاله مرحله نخستین ب ـ برای قرار ابطال دادخواست پس از پاسخ و دفاع از دعوی نصف حق‌الوکاله مرحله نخستین ج ـ برای قرار سقوط دعوی تجدید نظر قبل از پاسخ و دفاع از دعوی ربع حق‌الوکاله مرحله‌تجدیدنظر. د ـ برای قرار سقوط دعوی تجدیدنظر پس از پاسخ ودفاع از دعوی نصف حق‌الوکاله مرحله‌تجدیدنظر. هـ ـ برای قرار رد دعوی به علت قبول ایراد مرور زمان و قرار سقوط دعوی اعتراض بر ثبت و ردتقاضای اعاده دادرسی و قرار رد دعوی به علت اعتبار امر مختومه تمام حق‌الوکاله‌ای که برای حکم‌مقرر است و ـ برای سایر قرارهایی که مستقلا قابل تجدیدنظر است میزان حق‌الوکاله نصف حق‌الوکاله آن‌مرحله می‌باشد و در صورتی که این نوع قرارها فسخ و نقض شود، حق‌الوکاله‌ای اضافه بر آنچه برای‌رسیدگی ماهوی مقرر است برای رسیدگی پس از فسخ و نقض تعلق نخواهد گرفت ماده ۷ ـ حق‌الوکاله رسیدگی بعد از نقض نصف حق‌الوکاله قبل از نقض است ماده ۸ ـ در دعاوی که تعیین بهای خواسته قانونا لازم نیست از قبیل تخلیه ملک تصرف عدوانی‌و تقسیم و افراز و امثال آن یا خواسته مالی نیست مانند طلاق ، تمکین اصلاح شناسنامه مواردمربوط به امور حسبی و در دعاوی کیفری دادگاه میزان حق‌الوکاله و خسارات مورد مطالبه از طرف‌محکوم‌له را تعیین خواهد کرد اعم از اینکه خود متهم یا دادگاه وکیل تعیین کرده باشد، لیکن‌حق‌الوکاله هر مرحله از دادرسی‌نباید کمتر از مبلغ ۵۰۰ ۰۰۰ ریال باشد و حق‌الوکاله خواسته مالی‌هم طبق این آیین‌نامه به آن اضافه خواهد شد. ماده ۹ ـ حق‌الوکاله در دیوان عدالت اداری و مراجع غیر قضایی (از قبیل سازمان تعزیرات‌حکومتی هیئت‌های مندرج در قانون کار و غیره طبق این آیین‌نامه است که ۶۰ درصد آن به مرحله‌نخستین و ۴۰ درصد به مرحله تجدیدنظر تعلق می گیرد. ماده ۱۰ ـ حق‌الوکاله امری که خارج از دادگستری یا پس از طرح آن در دادگاه به داوری ارجاع‌می گردد و منجر به صدور رای داور می‌شود و نیز موردی که دعوی در دادگاه یا خارج دادگاه به صلح‌ختم می‌شود، به میزان حق‌الوکاله مرحله نخستین است ماده ۱۱ ـ در مورد عزل وکیل یا انتفای موضوع وکالت به جهتی از جهات قانونی‌دیگر، اگر کار وکیل تمام شده یا پرونده برای صدور حکم مهیا باشد، تمام حق‌الوکاله آن مرحله به وکیل تعلق‌خواهد گرفت در غیر این صورت

میزان حق‌الوکاله وکیل به تناسب کاری که در آن مرحله انجام داده‌است به تشخیص کانون وکلا یا مراجع قضایی تعیین خواهد شد. ماده ۱۲ ـ در دعاوی که خواسته دعوی از طرف خواهان قانونا تقویم می‌شود حق‌الوکاله به‌نسبت ارزش واقعی خواسته باید تعیین شود. در صورت عدم توافق طرفین در تعیین ارزش واقعی‌خواسته دادگاه میزان واقعی ارزش خواسته را با ارجاع امر به کارشناس تعیین و ملاک حکم قرارمی‌دهد. ماده ۱۳ ـ میزان حق‌الوکاله امور اجرایی در دادگاهها و شعب اجرایی ثبت حداکثر ۴ درصدنسبت به محکوم‌به یا مورد اجرا تعیین می‌شود و ممکن است به تناسب آنچه اجرا می‌شود دریافت‌شود. در مورد سایر اجرائیه‌ها تعیین میزان حق‌الوکاله به نظر دادگاه صلاحیت دار است ماده ۱۴ ـ چنانچه مطالعه پرونده قبل از قبول وکالت در موضوع دعوی به تشخیص وکیل‌ضرورت داشته باشد، حق‌الوکاله مطالعه پرونده در کلیه مراجع قضایی دیوان عدالت اداری ومراجع غیر قضایی ۲۰۰,۰۰۰ ریال تعیین می‌شود و در صورت قبول وکالت در موضوع دعوی مبلغ‌مزبور جزو حق‌الوکاله وکیل منظور خواهد شد. ماده ۱۵ ـ وکلای دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آنچه بابت مالیات طبق قانون‌مالیاتهای مستقیم تمبر به وکالتنامه الصاق می‌کنند برای صندوق حمایت وکلا و کارگشایان و نیزیک چهارم مالیات را بابت هزینه کانون به حسابداری دادگستری پرداخت کنند و صندوق دادگستری‌مکلف است سهم صندوق حمایت از وکلا ـ و کارگشایان را در هر مورد قبول و در آخر هر ماه به‌کانون وکلای‌دادگستری مربوطه بپردازد. دو درصد از آنچه وصول می‌شود حق‌الزحمه متصدیان‌وصول خواهد بود. ماده ۱۶ ـ هزینه مسافرت وکلا، کیلومتری ۵۰۰ ریال رفت و برگشت می‌باشد، مگر هزینه‌های مذکور از سوی موکل تقبل شود. و فوق العاده روزانه مبلغ ۳۰۰ ۰۰۰ ریال تعیین می‌گردد. ماده ۱۷ ـ این آیین‌نامه از تاریخ .... لازم‌الاجرا و آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب تیر ماه ۱۳۴۱ از تاریخ فوق ملغی است

آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی‌و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مصو

الف ـ تشکیلات ماده ۱ ـ انجام امور مربوط به اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی وفرهنگی جمهوری اسلامی ایران به حوزه معاونت قضائی قوه قضائیه محول می‌گردد که طبق‌مقررات این آئین‌نامه اقدام نماید. ماده ۲ ـ به منظور بررسی صلاحیت کسانی که متقاضی تاسیس موسسه مشاوره حقوقی و یا کارشناسی می‌باشند هیاتی مرکب از معاون قضایی رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس هیات و مدیر کل آموزش و مدیر کل گزینش و استخدام قوه قضائیه به علاوه دو یا سه تن از اساتید دانشگاه در رشته حقوق یا قضات عالیرتبه با تعیین رئیس قوه قضائیه به ریاست معاون قضایی قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. وظایف هیات مذکور به شرح ذیل است الف ـ تعیین تعداد مشاور حقوقی یا کارشناس مورد نیاز در هر سال ب ـ بررسی و تعیین صلاحیت متقاضیان ج ـ نظارت و پیگیری نسبت به عملکرد مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آئین‌نامه هـ ـ پیگیری و رسیدگی به تخلفات مشاورین و کارشناسان موضوع این آئین‌نامه راسا یا حسب‌درخواست شاکی خصوصی و ـ تعیین تکلیف برای سایر موارد ضروری که در این آئین‌نامه مسکوت است با توجه به روح‌این آئین‌نامه و قوانین و مقررات موجود ب ـ شرایط متقاضیان ماده ۳ ـ متقاضیان اخذ مجوز تاسیس موسسه مشاوره حقوقی یا کارشناسی باید دارای شرایط ذیل باشند: الف ـ تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ب ـ داشتن حداقل ۲۵ سال تمام سن ج ـ داشتن دانشنامه معتبر کارشناسی از دانشکده‌های معتبر داخلی یا خارجی (در حالت اخیر، به‌شرط ارزشیابی رسمی در رشته حقوق برای متقاضیان مشاوره حقوقی‌و در رشته مورد تقاضا برای‌متقاضیان کارشناسی د ـ انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دائم برای آقایان هـ ـ عدم سو پیشینه کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی و ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر به تایید سازمان پزشکی قانونی ز ـ عدم اشتغال اعم از رسمی ، قرارداد و پیمانی در وزارتخانه‌ها، سازمانها، ادارات و شرکتهای‌دولتی نهادهای انقلابی شهرداریها و موسسات مامور به خدمات عمومی و عدم اشتغال به‌سردفتری یا دفتریاری در زمان صدور مجوز. ح ـ نداشتن سو شهرت ط ـ داشتن وثاقت و تعهد به اصل نظام و قانون اساسی ی ـ عدم محکومیت به انفصال

دائم از خدمات قضایی یا وکالت دادگستری و یا سلب صلاحیت‌برای متقاضیان شغل مشاوره حقوقی و عدم محکومیت به انفصال دائم از شغل کارشناسی برای‌متقاضیان کارشناسی تبصره ـ مشاغل آموزشی یا پژوهشی در دانشگاهها از مقررات بند (ز) مستثنی‌است ج ـ مدارک و نحوه درخواست ماده ۴ ـ در مهر ماه هر سال صورت نقاطی که احتیاج به مشاور حقوقی یا کارشناس رسمی داردبا تعیین تعداد مورد نیاز برای هر محل در روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی‌می گردد. متقاضیان بایدظرف مدت مقرر در آگهی درخواست خود را با درج مراتب ذیل در آن به معاونت قضایی قوه‌قضائیه تسلیم یا ارسال نمایند: الف ـ مشخصات کامل طبق شناسنامه و میزان تحصیلات متقاضی ب ـ محل اقامت و نشانی پستی ج ـ سوابق شغلی قبل از درخواست د ـ تعیین محل مورد درخواست برای تاسیس موسسه مشاوره حقوقی یا کارشناسی ماده ۵ ـ درخواست متقاضیان باید دارای پیوستهای ذیل باشد: الف ـ یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ب ـ شش قطعه عکس ۴*۳ ج ـ گواهی‌های مذکور در ماده ۳ د ـ گواهی وثاقت به امضای کسی که فرد مورد نظر را برای مشاوره حقوقی یا کارشناسی مناسب‌معرفی کند هـ ـ گواهی سوابق اشتغال به همراه مستندات مربوطه در صورت داشتن سابقه اشتغال د ـ نحوه رسیدگی انتخاب و آموزش ماده ۶ ـ درخواست متقاضیان به ترتیب وصول در معاونت قضایی ثبت و برای هر متقاضی‌پرونده جداگانه‌ای تشکیل می‌شود. معاونت مذکور، سوابق متقاضی را از مراجع اطلاعاتی و قضایی‌محل اقامت و اشتغال و از موسسه آموزش عالی مربوطه استعلام و درباره صلاحیت وی به نحومقتضی تحقیق و نتیجه را در پرونده منعکس و به هیات موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه تسلیم‌می‌نماید. ماده ۷ ـ معاون قضایی یا هیات مذکور در ماده ۲ می‌تواند انجام اقداماتی در رابطه با بررسی‌صلاحیت متقاضیان را از هسته‌های گزینش قوه قضاییه در استانها درخواست نماید. هسته گزینش‌مربوطه مکلف است نتیجه بررسی را ظرف مهلت مقرر به هیات اعلام نماید. ماده ۸ ـ از کلیه داوطلبان واجد شرایط به ترتیب مقرر در مواد آتی امتحان کتبی به عمل خواهدآمد. زمان و مکان برگزاری امتحان از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. تبصره ـ اعضای هیات علمی رسمی دانشکده‌های حقوق به شرط داشتن مدرک دکتری تاییدشده و حداقل سه سال سابقه تدریس در دروس حقوقی از شرکت در این آزمون معاف می‌باشند. ماده ۹ ـ مواد امتحانی برای داوطلبان مشاوره حقوقی عبارتند از: متون فقه در حد تحریرالوسیله قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی قانون مدنی و امور حسبی قانون تجارت قانون مجازات اسلامی و قانون ثبت اسناد و املاک ماده ۱۰ ـ مواد امتحانی برای داوطلبان کارشناسی رسمی عبارتند از: الف ـ دروس تخصصی و فقهی مربوط به رشته مورد تقاضا ب ـ قوانین و مقررات مربوط به کارشناسی ماده ۱۲ ـ چگونگی و نحوه انجام امتحان و امور مربوط به آن از جمله انجام مصاحبه پس ازقبولی در آزمون کتبی را هیات موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه مشخص می‌کند. ماده ۱۳ ـ هیات اسامی داوطلبانی را که صلاحیت آنان محرز تشخیص داده شده است جهت‌دستور صدور پروانه به اطلاع رئیس قوه قضاییه خواهد رسانید. ماده ۱۴ ـ پروانه مشاورین و کارشناسان رسمی موضوع این آیین‌نامه به امضای‌کسی که از طرف‌رئیس قوه قضاییه تعیین می شود خواهد رسید. اعتبار پروانه مذکور دو سال خواهد بود که پس از آن‌برای مدتهای مشابه قابل تمدید می‌باشد. در صورت عدم تمدید پروانه وکالت این افراد در مراجع‌قضایی پذیرفته نخواهد شد. همچنین ارجاع امر کارشناسی از سوی مراجع قضایی به کارشناسی که‌پروانه وی تمدید نشده است ممنوع می‌باشد. ماده ۱۵ ـ متقاضیان مشاوره حقوقی پس از احراز صلاحیت و پذیرش آنان به مدت ۶ ماه دوره‌کارآموزی را مانند کارآموزان قضایی زیر نظر اداره کل آموزش قوه قضاییه طی می‌کنند. تبصره ۱ ـ هر کارآموز دارای کارنامه مخصوصی خواهد بود که از طرف معاونت قضایی یا اداره‌کل آموزش به او داده می‌شود. در این کارنامه حسن اخلاق کارآموز و عملکرد دوره کارآموزی وی ازسوی اداره کل آموزش ثبت خواهد شد. تبصره ۲ ـ پذیرفته‌شدگانی که حداقل ۶ ماه سابقه کار قضایی به تأیید مراجع مربوطه داشته‌باشند و نیز اعضا رسمی هیات‌های علمی دانشکده‌های حقوق داخل کشور که دارای مدرک‌تحصیلی دکتری در یکی از رشته‌های حقوقی باشند و حداقل پنج سال از آغاز استخدام رسمی آنهاگذشته باشد، از انجام دوره کارآموزی معاف خواهند بود. ماده ۱۶ ـ پذیرفته شدگان کارشناسی رسمی باید به

مدت ۶ ماه نزد یکی از کارشناسان رسمی دررشته مربوط که حداقل ۵ سال سابقه کارشناسی داشته باشد کارآموزی نمایند. در رشته‌های جدیدکارشناسی شخص پذیرفته شده از کارآموزی‌معاف خواهد بود مگر آنکه هیات مذکور در ماده ۲ترتیب دیگری را مقرر نماید. ماده ۱۷ ـ پذیرفته شده هنگام اخذ پروانه با حضور اکثریت اعضای هیات مذکور در ماده ۲ به‌ترتیب ذیل سوگند یاد نموده و سوگندنامه و صورتجلسه مربوطه را امضاء می‌نماید. متن سوگندنامه مشاور به شرح ذیل می‌باشد: بسم الله الرحمن الرحیم در این موقع که می‌خواهم به شغل (مشاوره حقوقی نائل شوم به خداوند قادر متعال سوگند یادمی‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت شغلی‌ام اقدام و اظهاری ننمایم و احترام اشخاص مقامات قضایی اداری و همکاران‌و اصحاب دعوی را رعایت نموده و از اعمال نظر شخصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز و درامور و کارهایی که انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشم و شرافت‌من وثیقه این سوگند است که یاد کرده و ذیل سوگندنامه را امضاء می‌نمایم متن سوگند نامه کارشناس رسمی به شرح ذیل می‌باشد: بسم الله الرحمن الرحیم به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم در امور کارشناسی که به من ارجاع می‌گردد خداوند متعال راحاضر و ناظر دانسته به راستی و درستی عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات شخصی را در آن‌دخالت ندهم و نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی به طور کامل اظهار نمایم و هیچ چیز رامکتوم ندارم و بر خلاف واقع چیزی نگویم و ننویسم ماده ۱۸ ـ پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی منفردا یا مشترکا اقدام به تشکیل موسسه می‌نمایند.دارندگان پروانه مکلف‌اند حداکثر ظرف مدت ۶ ماه طبق مقررات مربوط به ثبت تشکیلات وموسسات غیرتجاری نسبت به ثبت موسسه اقدام نمایند در غیر این صورت مجوز باطل و بی اعتبارخواهد بود مگر آنکه هیات مذکور در ماده ۲، این مدت را حداکثر برای یک بار به مدت ۶ ماه دیگرتمدید نماید. تبصره ۱ ـ ثبت موسسه در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستانی انجام می‌شود که پروانه تاسیس‌موسسه برای آن محل صادر شده است تبصره ۲ ـ ثبت موسسات حقوقی موکول به ارائه پروانه تاسیس از قوه قضاییه برای‌مدتی که درپروانه تعیین شده است خواهد بود. تمدید ثبت تابع تمدید پروانه می‌باشد. تبصره ۳ ـ موسسه مشاوره حقوقی تابع ضوابط و مقررات مربوط به موسسات غیرتجاری‌خواهد بود. ماده ۱۹ ـ موسسه مشاوره حقوقی باید در محلی که در پروانه صادره درج شده است دایر شود ونمی‌توان عملا فعالیت آن را در محل دیگری متمرکز نمود. در غیر این صورت پروانه صادره ابطال‌می‌گردد مگر اینکه در خصوص تغییر محل قبلا موافقت هیات مذکور در ماده ۲ کسب شده باشد. تبصره ـ مفاد این ماده مانع از حضور شخص مشاور حقوقی در محاکم یا سایر مراجع شهرهای‌دیگر به عنوان وکیل نمی‌باشد. ماده ۲۰ ـ دارندگان پروانه فقط مجاز به تشکیل یک موسسه می‌باشند. ایجاد شعب و موسسات‌فرعی ممنوع و مستوجب تعقیب و تعطیلی موسسه و تمام شعب آن خواهد بود. ماده ۲۱ ـ وظایف و تکالیف و مسئولیتهای مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این‌آیین‌نامه همان است که در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به وکلای‌دادگستری و کارشناسان‌رسمی مقرر است ماده ۲۲ ـ مشاوران حقوقی موضوع این آیین‌نامه پس از اخذ پروانه به مدت دو سال مشاورحقوقی پایه ۲ محسوب می‌شوند و تنها حق شرکت در محاکم کیفری که به جرائم مستوجب تعزیررسیدگی می‌کنند و نیز در محاکم حقوقی که به دعاوی با خواسته کمتر از صد میلیون ریال یا خواسته‌غیرمالی رسیدگی می‌کنند را دارند.پس از انقضای این مدت و به شرط نداشتن تخلف پروانه مشاوربه پایه (۱) ارتقا می‌یابد. دارندگان پروانه پایه (۱) حق شرکت در کلیه محاکم اعم از حقوقی کیفری‌و غیره را دارند. تبصره ۱ ـ اعمال مفاد این ماده مانع از حق ارائه مشاوره حقوقی از سوی مشاور در کلیه پرونده‌هانمی‌باشد. تبصره ۲ ـ قبول شدگان در آزمون و مصاحبه مشاوره حقوقی باید قبل از اخذ پروانه متعهد شوندکه حسب ارجاع هیات موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه ارائه خدمات و مشاوره حقوقی از سوی آنان به‌متهمان شاکیان و اصحاب دعوایی که امکانات مالی‌لازم را برای استخدام وکیل ندارند با نرخهای‌کمتر و شرایط سهل خواستار شود. تبصره ۳ ـ آن دسته از مشاوران حقوقی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالامی‌باشند می‌توانند درخواست صدور پروانه تخصصی در رشته‌ای که در آن رشته مدرک تحصیلی‌خود را اخذ کرده‌اند بنمایند.

در چنین صورتی حق‌الوکاله و حق‌المشاوره آنها در پرونده‌های مرتبط بارشته تخصصی آنان ۲۵ درصد بیش از مبالغ مذکور در ماده ۲۳ خواهد بود. ماده ۲۳ ـ حق‌الوکاله مشاورین و حق‌الزحمه کارشناسان حداکثر تا ۶۰٪ تعرفه وکلای پایه یک‌دادگستری و کارشناسان رسمی حسب مورد خواهد بود. میزان حق‌المشاوره توسط هیات موضوع‌ماده ۲ همه ساله تعیین خواهد شد. ماده ۲۴ ـ موارد تخلف مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین‌نامه حسب مورد همان‌است که در مورد وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری در سایر قوانین و مقررات مقرر گردیده است تنبیهات انتظامی این افراد عبارت است از توبیخ کتبی‌بدون درج در پرونده توبیخ کتبی با درج درپرونده عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور موقت و لغو یا عدم تمدید پروانه‌مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور دائم تبصره ـ مرجع اعمال این تنبیهات هیات موضوع ماده ۲ آیین‌نامه خواهد بود.

قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی (مصوب ۷/۳/۱۳۷۴)

ماده واحده ـ به موجب این قانون بنیاد شهید انقلاب اسلامی بنیاد پانزده خرداد، کمیته امدادامام خمینی بنیاد مستضعفان جانبازان انقلاب اسلامی ستاد رسیدگی به امور آزادگان شهرداریها،بانکها و دانشگاههای غیر دولتی می‌توانند نماینده حقوقی‌خود را جهت طرح دعوا یا دفاع از دعاوی مربوط در مراجع قضایی معرفی‌نمایند. ۱ ـ مورخ ۳۰/۶/۱۳۷۶ عبارت زیر به این ماده واحده اضافه شد: «و شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت از جمله شرکتهای دولتی و موسسات‌انتفاعی وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و موسسات و نهادهای‌عمومی غیر دولتی »

از قانون مالیاتهای مستقیم (مصوب اسفند ۱۳۶۶). (ماده ۱۰۳ + ۳ تبصره)

ماده ۱۰۳ ـ وکلا دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت می‌کنند مکلفند در وکالتنامه‌های خود رقم حق‌الوکاله‌ها را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی‌الحساب مالیاتی روی وکالتنامه تمبر الصاق و ابطال نمایند که در هر حال مبلغ تمبر، حسب مورد نباید کمتر از میزان‌مقرر در زیر باشد: الف ـ در دعاوی و اموری که خواسته آنها مالی است پنج درصد حق‌الوکاله مقرر در تعرفه برای‌هر مرحله ب ـ در مواردی که موضوع وکالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانونا لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری که تعیین حق‌الوکاله به نظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق‌الوکاله‌مقرر در آئین‌نامه حق‌الوکاله برای هر مرحله ج ـ در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد، برطبق مفاد حکم بند الف‌این ماده د ـ در مورد دعاوی و اختلافات مالی که در مراجع اختصاصی غیرقضایی رسیدگی و حل و فصل‌می شود و برای حق‌الوکاله آنها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض‌توسعه معابر شهرداری و نظایر آنها، میزان حق‌الوکاله صرفا از لحاظ مالیاتی به شرح زیر: تا یک میلیون ریال مابه‌الاختلاف پنج درصد تا سه میلیون ریال مابه‌الاختلاف چهاردرصدنسبت به مازاد یک میلیون ریال از سه میلیون ریال مابه‌لاختلاف به بالا سه درصد نسبت به مازاد سه‌میلیون ریال منظور می‌شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد. مفاد این بند درباره اشخاصی که وکالتا در مرجع مذکور در این بند اقدام می‌نمایند (ولو اینکه‌وکیل دادگستری نباشند) نیز جاری است جز در مورد کارمندان مودی یا پدر ـ مادر ـ برادر ـ خواهر ـ پسر ـ دختر ـ نواده و همسر مودی تبصره ۱ ـ در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکالت وکیل با رعایت قانون‌مقررات قانون آئین دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاهها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود مگردر مورد وکالتهای مرجوعه از طرف وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و شهرداریهاو موسسات وابسته به دولت و شهرداریها که محتاج به ابطال تمبر روی وکالتنامه نمی‌باشند. تبصره ۲ ـ وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و شهرداریها و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها مکلفند از وجوهی که بابت حق‌الوکاله به

وکلاـ پرداخت می کننـد پنـج درصـد آن‌را کسـر و بـابت علی‌الحسـاب مالیـاتی وکیـل ظرف ده روز به حوزه مالیـاتی محل پرداخت نمایند. تبصره ۳ ـ درصورتی که پس از ابطـال تمبر، تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگـذار شود، وکیل‌جدیـد مکلف به ابطال تمبر روی وکالتنامه مربوطه نخواهد بود. تبصـره ۴ ـ در مواردی که دادگاههـا حق‌الوکـاله یا خسارت حق‌الوکاله را بیشتر یا کمتر از مبلغی که‌ماخـذ ابطال تمبر روی وکالتنامه قرار گرفته است تعیین نماینـد، مـدیران دفتر دادگاهها مکلفند میزان‌مورد حکم قطعی را به حوزه مالیاتی مربوطه اطلاع دهنـد تا مابه‌التفاوت مورد محاسبه قرار گیرد. ماده ۱۸۸ ـ متصـدیان فروش و ابطـال تمبر براساس مقررات این قـانون به میزان مقرر در روی هروکالتنـامه تمبر باطل و میزان آن را در دفتری که اختصاصا جهت تمبر مصـرفی بایـد وسـیله هر یک ازوکلاـ نگهـداری شود ثبت و گواهی نماینـد. دفتر مزبور بایـد در موقع رسیدگی به حسـاب مالیاتی وکیل به دفتر ممیزی ارائه شود وگرنه از موجبات عدم قبول دفتر وکیل از نظر مالیاتی خواهد بود.

تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی (مصوب ۲/۳/۱۳۳۹)

ماده واحده ـ در امور جنایی هر گاه متهم متواری بوده و احضار و جلب او برای‌تعیین وکیل یا انجام سایر تشـریفات راجع به تشـکیل جلسه مقدماتی یا دادرسـی‌مقدور نباشد و دادگاه حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص ندهد، دادگاه اقدام به تعیین وکیل و تشـکیل جلسه مقـدماتی نموده‌و در غیـاب متهم اقـدام به دادرسـی خواهـد نمود مگر آنکه دادسـتان رسـیدگی حضوری را ممکن دانسـته و از دادگاه تقاضای اعاده پرونده را به منظور احضار و جلب متهم بنماید. در رسیدگی غیابی به‌دادخواست مدعی خصوصی نمی‌توان رسیدگی نمود.

قانون نحوه اصلاح کانونهای وکلاء دادگستری جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۶/۷/۱۳۷۰)

ماده ۱ ـ به منظور اصـلاح کانونهـای وکلا دادگستری جمهوری اسـلامی ایران هیات بازسازی‌کانونهای وکلا مرکب از شـش نفر از وکلاـ دادگستری و سه نفر از قضـات شاغـل به انتخـاب رئیس قوه‌قضائیه برای مـدت یک سال تعیین می‌شونـد که مامور اجرای این قـانون می‌باشـند. بـه منظور تسریع‌در رسـیدگی هیـات متشـکل از سه شـعبه مسـتقل هر یـک بـا عضـویت دو نفر وکیـل و یـک نفر قاضی‌خواهد بود. رئیس شعبه اول ریاست اداری بر شعب سه گانه را دارد. تبصره ۱ ـ هیات مزبور آیین‌نامه نحوه رسیدگی و تشکیل جلسات و صدور رای را ظرف یک ماه‌تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهند رساند. تبصره ۲ ـ تا پایان مهلت اجرای این قانون انتخابات هیات مدیره کانونهای وکلا متوقف وبلافاصله پس از آن برگزار خواهد شد. ماده ۲ ـ کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، ارگانها و دسـتگاههای عمـومی کشـور موظفنـد در ارائه‌اطلاعـات مـورد درخـواست در مهلـتی که از طرف هیـات تعیین می‌شود، همکـاری نمایند. ماده ۳ ـ وکلا می‌توانند هنگام رسـیدگی در شـعبه حضور یابند و از خود دفاع کرده یا لایحه‌ارسال دارند. ماده ۴ ـ موارد رد دادرس در مورد این قـانون لازم‌الاجراست و در صورت وجود موارد رد، پرونـده‌وکیل مربوطه به شـعب دیگر هیات احاله می‌گردد. ماده ۵ ـ شعب رسیدگی کننده در موارد زیر حکم به انفصال دائم از وکالت دادگستری می‌دهند: الف ـ شاغلین مشاغل زیر در رژیم سابق ۱ ـ وزرا رژیم قبل و معاونین آنها، نماینـدگان مجلس شورای ملی و سنا بعـد از خرداد ۱۳۴۲،سفرا و استانداران بعد از خرداد ۱۳۴۲ و مجلس موسسان سـابق ۲ ـ مـامورین و منـابع سـاواک منحله ۳ ـ دبیران حزب منحله رسـتاخیز در سـطح شهرسـتان اسـتان و همچنین مقامات بالاتر حزب ۴ ـ عضویت در تشکیلات فراماسونری و سازمانهای وابسته به آن و عوامل صهیونیسم ۵ ـ افرادی که از امکانات کانون وکلا برای پیشبرد اهداف حزب رستاخیز و رژیم گذشته استفاده‌کرده‌اند. ب ـ کسانی که به اتهام یکی از جرائم زیر محکومیت قطعی یافته‌انـد: ۱ ـ افرادی که علیه جمهـوری اسـلامی قیـام یـا فعـالیت مـوثر به نفع گروههـای غیر قـانونی کرده‌انـد. ۲ ـ

عضویت در سازمانهای جاسوسی به نفع بیگانگان قبل یا بعد از انقلاب اسلامی ۳ ـ همکاری با قوای نظامی بیگانه علیه جمهوری اسلامی یا افشاء اسرار و اسناد سری کشور. ۴ ـ قاچاق ، ارتشا، اختلاس کلاهبرداری سرقت جعل جرائم منافی عفت و شرب خمر. ج ـ کسانی که مشمول یکی از موارد ذیل هستند: ۱ ـ اشتهار به فساد اخلاق . ۲ ـ اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر. ۳ ـ ارتکاب اعمال و رفتار خلاف شرافت و حیثیت و شئون شغل وکالت ۴ ـ عضویت در فرق ضاله یا عضویت در سازمانهایی که مرامنامه آن مبتنی بر نفی‌ادیان الهی‌باشد. ۵ ـ بقاء مستمر بر عضویت و هواداری تشکیلاتی از گروههای غیر قانونی پس از اعلام غیرقانونی بودن آنها. ماده ۶ ـ آرا شعب که مبنی بر انفصال وکیل باشد ظرف ده روز قابل تجدید نظر خواهی‌محکوم‌علیه در دادگاه عالی انتظامی قضات است و تا صدور رای در دادگاه مزبور به هر حال وکیل‌محکوم‌علیه ممنوع‌الوکاله خواهد بود. تبصره ـ دادگاه عالی انتظامی قضات طبق این قانون و خارج از نوبت ظرف سه ماه به تقاضاهای‌تجدید نظر رسیدگی و رای قطعی صادر می‌نماید. ماده ۷ ـ این قانون از تاریخ ۱۶/۷/۱۳۷۰ لازم‌الاجرا خواهد بود.

لایحه قانونی راجع به تصفیه و پاکسازی در کانون وکلای دادگستری

ماده واحده به شورای سرپرستی وزارت دادگستری اجازه داده می‌شود به منظور تصفیه و پاکسازی در کانون وکلا هیاتی مرکب از پنج نفر از وکلای دادگستری برای تصویب به شورای انقلاب جمهوری اسلامی‌ایران پیشنهاد کند و تا تصفیه کامل در کانون وکلای‌دادگستری ، انتخابات هیئت مدیره جدید برگزارنمی‌شود و هیئت مدیره فعلی‌کانون وکلای دادگستری کماکان اختیارات قانونی خود را خواهدداشت تبصره ۱ ـ مدت اختیار این هیات از تاریخ شروع به کار ۶ ماه خواهد بود. سایر قوانین مغایر این‌قانون ملغی است تبصره ۲ ـ جرایم و تخلفاتی که معیار پاکسازی است همان است که در لایحه پاکسازی کارمندان‌دولت مصوب شورای انقلاب

قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای‌مسلح (مصوب ۲۹/۷/۷۶). (ماده واحده در تبصره)

ماده واحده تمام وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، موسسات و سازمان‌های دولتی و دستگاه‌هایی که شمول قانون برآنها مستلزم ذکر نام است همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی مکلفند بنا به درخواست‌کارکنان خود در زمان حیات و یا وراث درجه اول آنان پس از فوت در دعواهایی که از انجام وظیفه آنان ناشی می‌شود یا به نحوی با وظایف ایشان مرتبط است با استفاده از کارشناسان حقوقی شاغل به آنان خدمات حقوقی ارائه کنند. تبصره ۱: مقررات این قانون شامل کارکنانی که دستگاه‌های دولتی از آنان شاکی‌باشندنخواهدشد. تبصره ۲: کارشناسان حقوقی موضوع این قانون باید دارای حداقل مدرک کارشناسی و رشته‌حقوق قضایی و در موارد یاد شده بدون الزام به دریافت پروانه و ارائه پروانه وکالت و با الزام به‌رعایت بخشی از مقررات راجع به وظایف و تکالیف وکلای دادگستری که در آئین‌نامه اجرایی این‌قانون مشخص می‌شود با درخواست اشخاص مذکور در ماده واحده حسب مورد در تمامی مراحل‌دادرسی به عنوان وکیل شرکت کنند. تبصره ۳: آئین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت دفاع وپشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان اداری و استخدامی کشور ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری (مصوب ۲۹ دی‌ماه ۵۵) . (م ۱ تا م ۱۸)

ماده ۱ ـ وکلا و کارگشایان دادگستری طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی

و فوت حمایت میشوند. تبصره ـ وکلا و کارگشایانی که مشمول مقررات قانون استخدام کشوری یا قانون استخدام نیروهای مسلح یا قانون تامین اجتماعی یا مقررات بازنشستگی دیگری هستند از شمول مقررات‌حمایتی این قانون مستثنی میباشند. ماده ۲ ـ برای اجرای این قانون صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری که در این قانون صندوق نامیده می شود تشکیل می گردد. ماده ۳ ـ صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و از پرداخت مالیات و عوارض‌معاف میباشد. ماده ۴ ـ اساسنامه صندوق از طرف کانون وکلای دادگستری مرکز با مشارکت نماینده یا جلب‌نظر کانونهای دیگر تهیه و پس از تایید وزارت دادگستری و وزارت بهداری و بهزیستی و تصویب شورای عالی تامین اجتماعی به موقع اجرا گذاشته می شود. ماده ۵ ـ منابع مالی صندوق به شرح زیر است : ۱ ـ حق بیمه‌ای که مشمولین این قانون مستقیما به صندوق می پردازند. ۲ ـ وجوهی که کانونهای وکلا به صندوق می پردازند. ۳ ـ سود حاصل از درآمد وجوه صندوق ۴ ـ کمکها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می شود. ماده ۶ ـ کلیه دارایی و تعهدات صندوق تعاون وکلای دادگستری به صندوق منتقل می شود. ماده ۷ ـ وجوه مذکور در تبصره ۷۹ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل‌کشور همچنین کسور بازنشستگی قضات و کارمندانی که قبل از بازنشستگی مستعفی شده یا بشوندو پروانه وکالت گرفته یا بگیرند باید به صندوق واریز شود. ماده ۸ ـ (اصلاحی ۷۵) نرخ و ترتیب پرداخت حق بیمه از طرف بیمه شده و کانون وکلاـ وشرایط استفاده از مزایا و میزان و نحوه بهره برداری از وجوه صندوق طبق آیین‌نامه‌ای است که به‌وسیله وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. تبصره ـ وکلای دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آنچه که بابت مالیات طبق قانون‌مالیاتهای مستقیم تمبر به وکالتنامه الصاق می کنند همچنین معادل نصف مالیات وجوهی که به‌عنوان حق‌المشاوره و حق‌الوکاله به طور مقطوع دریافت می دارند به صندوق حمایت وکلا وکارگشایان دادگستری پرداخت نمایند. ماده۹ ـ از تاریخ اجرای این قانون وجوه موضوع مواد ۳ و ۴ قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا(مصوب سال ۱۳۵۰) به کانون وکلای مربوط پرداخت میشود. ماده ۱۰ ـ دولت به پیشنهاد وزارت دادگستری هر سال مبلغی بابت حق‌الوکاله‌های تسخیری و معاضدتی در بودجه کل کشور پیش بینی و به کانونهای وکلا خواهد پرداخت ماده ۱۱ ـ تجدید پروانه سالانه وکلاـ و کارگشایان مشمول این قانون موکول به ارائه مفاصاحساب پرداخت حق بیمه می باشد. ماده ۱۲ ـ وکلاـ و کارگشایانی که طبق مقررات مربوط تقاضای بازنشستگی می کنند مکلفند تمام‌حق بیمه سنوات گذشته خود را به ترتیبی که در آیین‌نامه موضوع ماده ۸ این قانون تعیین خواهد شدبپردازند. ماده ۱۳ ـ سوابق خدمت رسمی قضات و کارمندان دولت و مدت نمایندگی مجلسین سنا وشورای ملی و مدت خدمت وظیفه کسانی که مشمول مقررات این قانون قرار می گیرند از لحاظ‌بازنشستگی به شرط پرداخت تمام حق بیمه سنوات مذکور با احتساب وجوه پرداختی بابت‌بازنشستگی متقاضی که به صندوق واریز شده است جز سابقه وکالت محسوب خواهد شد. تبصره ـ وکالتهایی که قبل از صدور حکم بازنشستگی به وکلای بازنشسته داده شده و محاکمات‌آن در جریان رسیدگی است به قوت خود باقی و تعقیب دعاوی مذکور تا مرحله نهایی از طرف‌وکلای بازنشسته بلامانع است ماده ۱۵ ـ وکلا و کارگشایان دادگستری میتوانند با رعایت ماده ۱۴ در صورت داشتن ۳۰ سال‌سابقه وکالت و یا دارا بودن حداقل ده سال سابقه وکالت و شصت سال سن و پرداخت حق بیمه به‌ترتیب مقرر در آیین‌نامه تقاضای بازنشستگی نمایند. تبصره ـ مدت کارآموزی وکلای دادگستری جز مدت سی سال مذکور در ماده فوق الذکر محسوب می گردد و از تاریخ اجرای این قانون پروانه کارآموزی وکالت دادگستری برای حوزه قضایی استان مرکز فقط به کسانی داده می شود که سن آنها از چهل سال تمام بیشتر نباشد و برای سایرحوزه‌های قضایی پروانه کارآموزی به کسانیداده می شود که سن از پنجاه سال تمام بیشتر نباشد وچنین پروانه‌هایی قابل انتقال به حوزه قضایی استان مرکز نمیباشد. ماده ۱۶ ـ وجوهی که از طرف وکلای دادگستری و کارگشایان به حساب تعاونی آنها به صندوق تعاون وکلای دادگستری پرداخت شده است همچنین وجوه موضوع ماده ۷ این قانون بابت حق بیمه‌آنها که باید راسا به صندوق بپردازد محاسبه خواهد شد. ماده ۱۷ ـ هر گونه برداشت یا تصرف غیر قانونی از وجوه یا

اموال صندوق در حکم اختلاس یاتصرف غیر قانونی در اموال دولت است ماده ۱۸ ـ از تاریخ اجرای این قانون مواد ۱ و ۲ قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا و آن قسمت‌از قوانین و مقررات دیگری که در مقام اجرا با این قانون مغایر است لغو میشود.

قانون اجازه پرداخت ۵۰ درصد از حق‌الوکاله‌های وصولی نمایندگان قضایی و کارمندان موثر در پیشرفت دعاوی

ماده واحده ـ به وزارت دارایی اجازه داده می‌شود نسبت به دعاوی که دولت در محاکم قضایی‌محکوم‌له واقع و طرف به پرداخت خسارت حق‌الوکاله در حق دولت محکوم می‌گردد سی درصد ازحق‌الوکاله وصولی مورد حکم را به نماینده قضایی ذی مدخل مشروط بر اینکه کارمند وزارتخانه مربوطه بوده و دادرسی بدون دخالت وکیل انجام گرفته باشد و بیست درصد آن را به تشخیص وزارتخانه مربوطه به کارمندانی که در پیشرفت دادرسی موثر شناخته می‌شوند پرداخت نماید و درهر صورت میزان پرداختی در هر دعوی نباید در مورد نماینده قضایی از چهار ماه حقوق و در مورد سایر کارمندان از دو ماه حقوق تجاوز نماید. تبصره ـ نماینده قضایی در صورتی مجاز به اقامه دعوی یا دفاع از آن است که از طرف وزارتخانه مربوطه مجاز به اقدام باشد.

قانون تشکیل صندوق تعاون وکلاء و تأمین هزینه‌های کانون وکلای‌دادگستری (مصوب ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰). (

مواد ۱ و ۲ ـ به موجب ماده ۱۸ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا لغو گردید. ماده ۳ ـ وکلای دادگستری و کارگشایان مرکز و استانها باید هر سال مبلغی به عنوان عضویت به‌کانون وکلا دادگستری حوزه خود بپردازند. ماده ۴ ـ هر یک از وکلای دادگستری و کارگشایان باید هنگام پرداخت حق تعاون مذکور در ماده۲ این قانون مبلغی هم معادل نصف آن پرداخت نمایند. وجوه حاصل از اجرای این ماده و ماده ۳ به‌مصرف تامین هزینه‌های کانون وکلای دادگستری مربوط خواهد رسید. ماده ۵ ـ کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و بانکها و شرکتهای وابسته به آنها مکلفند موقع کسر مالیات و ابطال تمبر مالیاتی وجوه مندرج درمواد ۲ و ۴ را وصول کنند و هر ماه به کانون وکلا حوزه مربوط ارسال دارند. ماده ۶ ـ صدور پروانه وکلای دادگستری و کارگشایان و ثبت تمدید مدت اعتبار آن موکول به‌پرداخت وجوه مذکور در این قانون است و هیچ وکیلی قبل از تمدید مدت اعتبار پروانه خود حق‌وکالت ندارد. ماده ۷ ـ نحوه تشکیل و اداره صندوق تعاون و مصرف وجوه آن و همچنین تعیین میزان و طرز وصول حق عضویت سالانه و شرایط معافیت از آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که از طرف‌هیات مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز تهیه می‌شود و پس از تصویب وزیر دادگستری قابل اجرا است

قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضائی لیسانسیه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح. (ماده واحده + ۴ بند)

ماده واحده ـ افسران نیروهای مسلح که واجد شرایط زیر باشند پس از بازنشستگی‌با رعایت‌مقررات ماده ۱۰ قانون استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ماه ۱۳۳۳ می‌توانند بدون طی کارآموزی به کار وکالت بپردازند و کانون وکلای دادگستری به این قبیل افسران پروانه وکالت درجه‌یک اعطا خواهد کرد. الف ـ دارا بودن حداقل دانشنامه در رشته حقوق . ب ـ دارا بودن حداقل پنج سال سابقه خدمت متوالی و یا هشت سال خدمت متناوب در مشاغل سازمانی قضائی زیر: ۱ ـ رئیس و عضو دادگاه عالی انتظامی و دادستان و دادیار دادسرای انتظامی قضات ارتش ۲ ـ دادستان ارتش و معاون او. ۳ ـ رئیس و عضو دادگاههای نظامی ۴ ـ دادستان دادیار و بازپرس و معاون بازپرس نظامی

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی

ماده واحده ـ اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاههایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند. تبصره ۱ ـ اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند، دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می کند تا از میان آنان به انتخاب متهم وکیل انتخاب گردد. تبصره ۲ ـ هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید،حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌باشد. تبصره ۳ ـ وکیل در موضوع دفاع از احترام و تامینات شاغلین شغل قضا، برخوردار می‌باشد. موضوع «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی که در تاریخ یازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و شصت ونه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته دراجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ یازدهم مهر ماه یک هزار وسیصد و هفتاد به شرح فوق به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است

قانون راجع به لیسانسیه‌های حقوق و وکلاء (مصوبه اول و نهم مرداد ۱۳۰۹)

ماده ۱ ـ اشخاصی که دارای دیپلم لیسانس حقوق از مدارس داخله یا خارجه بوده و واجد شرط اول از ماده اول قانون استخدام قضات باشند ممکن است به خدمت قضائی قبول شده و یا تحصیل‌جواز وکالت نمایند این اشخاص در صورتی که محل ماموریت آنها در خارج از مرکز باشد با رتبه ۲قضائی و هرگاه در مرکز باشد با رتبه یک قضایی استخدام خواهند شد. رتبه ۲ درصورتی برای‌اشخاص فوق باقی خواهد ماند که یکسال در خارج از مرکز اشتغال به خدمت داشته باشند. ماده ۲ ـ در هر حوزه صلح یا بدایتی که به قدر لزوم وکلاـ مجاز در آنجا مقیم نباشد وزارت عدلیه‌می‌تواند مطابق نظام‌نامه مخصوص از داوطلبان شغل وکالت امتحان نموده اجازه وکالت بدهد. این‌قبیل اشخاص فقط در نقاطی که مطابق نظام‌نامه مذکور در فوق معین می‌شوند حق وکالت خواهندداشت ماده ۳ ـ این قانون از اول شهریور ماه ۱۳۰۹ به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

وکالت در قانون اساسی

ـ اصل ۳۵ قانون اساسی در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. ۲ ـ اصل ۱۴۱ قانون اساسی رئیس جمهور و معاونان رئیس جمهور و وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل‌دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق‌به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیات مدیره انواع مختلف شرکت‌های‌خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است سمت‌های آموزشی‌در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است

قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۸۱ (م ۱ تا م ۴۱)

ماده ۱ ـ در حوزه‌هایی که وزارت دادگستری اعلام می کند هر وقت رجوع به کارشناسی لازم باشد دادگاهها و پارکه‌های و هر مقام رسمی دیگر باید منحصرا از بین کارشناسان رسمی انتخاب کند. تبصره ـ در هر مورد که تعیین کارشناس مطابق قانون با اصحاب دعوی است طرفین در صورت تراضی‌می‌توانند از غیر کارشناسان رسمی انتخاب نمایند. ماده ۲ ـ این ماده و ماده ۳ با توجه به ماده ۱۰ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی‌مصوب ۱۳۵۸ منسوخ است ماده ۴ ـ کارشناسانی که تحت

تعقیب جزایی برای جرائم مـذکور در شق از مـاده ۲ قرار بگیرند از شغل کارشناسـی رسـمی معلق می‌شوند. مقصود از تعقیب جزایی صدور ادعانامه است ماده ۵ ـ این ماده و ماده ششم به لحاظ مغایرت با لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان‌رسمی طبق ماده ۳۰ آن لایحه منسوخ است ماده ۷ ـ کارشناسانی که سوگند یاد کرده‌اند برای تجدید پروانه در سنوات بعد از یاد کردن سوگند معاف‌خواهد بود. ماده ۸ ـ کارشـناس رسمی باید وظایف مرجوعه را در اسرع اوقات انجام داده و به هیچ وسیله و عنوان‌اظهار عقیده خود را به تاخیر نیندازد. ماده ۹ ـ در صورتی که کارشناس در عقیده خود اشتباه نموده و این اشتباه در اثر مسامحه به عمل آمده‌باشد متخلف به سه مـاه تـا دو سـال محرومیت از کارشناسـی رسـمی محکوم خواهـد شـد. این محکومیت‌انتظـامی مـانع از تعقیب حقوقی نخواهـد بود. ماده ۱۰ ـ کارشـناس رسـمی مکلف است در موقعی که مقام صـلاحیتدار معین می‌کنـد در جلسه دادرسـی‌یا محلی که مقرر شده حاضر شود مگر این که عذر موجهی داشته از قبیل فوت یکی از اقربای نسبی یاسببی تا درجه دوم از طبقه سوم و همچنین در موقعی که موانع خارجی غیرقابل رفع که اراده او در آنها مـدخلیت نداشـته مانع از حرکت او باشـد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلا به اطلاع دادگاه یا مقام‌صـلاحیت‌دار دیگر برساند. ماده ۱۱ ـ در صورتی که کارشـناس در دو یا چند مقام صلاحیت‌دار احضار شـده و جمع بین اوقات ممکن نباشـد بایـد حضور در دیوان جزا و دیوان جنایی را مقـدم بـدارد و در مورد سایر مقامات نزد مقـامی‌که وقت آن زودتر ابلاغ شـده حاضـر شـود در این‌صورت کارشـناس مکلف است نسـخه ثـانی اخطـار یـا گواهی دفتر را به لایحه‌ای که برای اعتـذار به مقام بعدی می‌فرسـتد ضـمیمه نماید والا غایب متخلف‌محسوب خواهد شد. ماده ۱۲ ـ کارشناس مکلف است اسـراری را که در اثر انجام شـغل خود مطلع شده است حفظ نماید، درصورت تخلف علاوه بر مجازات انتظامی به شـش ماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهـد شد. ماده ۱۳ ـ کارشـناس هنگام مراجعه مقام صلاحیتدار اگر جهت ردی موجود باشد مکلف است آن را به آن‌مقام اظهار دارد و تشـخیص کفایت یا عـدم کفایت جهت رد با مقام ارجاع کننده است جهات رد کارشـناس‌همان جهـات رد حـاکم است ماده ۱۴ ـ دریـافت هر وجه یـا مـالی از اشـخاص ذی نفع غیر از آنچه که دادگـاه معین می‌کنـد و یا آیین‌نامه وزارت دادگستری مقرر می‌نمایـد ممنوع است و متخلف به مجازات مرتشـی محکوم خواهـد شـد. ماده ۱۵ ـ کارشـناس نمی‌تواند از قبول کاری که به او رجوع شده خودداری نماید. ماده ۱۶ ـ کارشناس باید در گزارشهایی که می‌دهد نزاکت را مراعات نماید. ماده ۱۷ ـ کارشـناس رسـمی بایـد دارای دفتر منظمی بوده و نامه‌هـایی که راجع به کارشناسـی است در آنجابایگانی نمایـد. ماده ۱۸ ـ در کلیه مواردی که تادیه دسـتمزد کارشـناس کلا یا بعضا به عهده معسر است کارشناس رسمی‌باید نسبت به معسر موقتا به طور مجانی رسیدگی و اظهار عقیده نماید و نیز نسبت به دعاوی که مدعی‌به آن کمتر از یکهزار ریال است در صورتی که دادگاه یا مقامی که تعیین کارشـناس نموده نظر به عدم‌اهمیت موضوع رسیدگی مجانی را مقتضـی بداند هریک از کارشـناسان رسمی مکلفند این‌گونه ارجاعات‌دادگاه یا مقام صـلاحیتدار دیگر را که تعـداد آن نسبت به هریک نبایـد در سال از سه تجاوز کند بدون‌مطالبه حق الزحمه رسیدگی کرده اظهار عقیده نمایند. ماده ۱۹ ـ مرجع تعقیب کارشـناس اداره فنی وزارت دادگستری است و مطـابق آیین‌نامه وزارت دادگستری‌دادرسی خواهدشد. ماده ۲۰ ـ وزیر دادگستری می تواند همین قدر که از سو رفتار و اخلاق کارشـناس رسـمی مطلع شد امربه تعقیب انتظامی او داده و در موردی که اشـتغال به کارشناسـی او منافی با حیثیت کارشناسان رسمی‌باید او را از شغل کارشناس رسـمی معلق نماید. ماده ۲۱ ـ مجازاتهای انتظامی کارشـناسان رسـمی به قرار زیر است ۱ ـ توبیخ شفاهی ۲ ـ توبیـخ کتبی با درج در پرونده ۳ ـ جریمـه نقـدی از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال ۴ ـ توبیـخ بـا درج در مجله رسـمی ۵ ـ ممنـوعیت موقت از سه مـاه تـا دو سال ۶ ـ محرومیت دائم از شـغل کارشناسـی ماده ۲۲ ـ مرور زمـان نسـبت به تعقیب انتظـامی کارشـناس دو سـال از تاریـخ وقـوع تخلف و یا آخرین تعقیب انتظامی است ماده ۲۳ ـ کارشناسـی که بعد از قبول کارشناسی در انجام کارشناسی مسامحه کرده و دستور مقامی که کارشناسـی را به او رجوع نموده رعایت نکرده یا دعوت آن مقام را برای ادای توضـیحات اجابت ننموده‌یا توضیحاتی را که خواسته شـده نـداده یا نقص کارشناسـی را رفع ننموده یا از اظهارعقیـده یا از امضای نظری که اظهار کرده امتناع نموده یا در مهلت بدوی یا

تمدیدی عقیده خود را نرسانده یا بدون عذر موجه‌استعفا نموده یا در مجلس کارشناسان برای رسیدگی و اظهار عقیده حاضر نشده است مستحق حق‌الزحمه نیست و دادگاه پس از اخطار به او که اگر بخواهد در مقام مدافعه برآید نظر به اهمیت تخلف او رابه‌تادیه جریمه نقدی از یکصد الی پانصد ریال محکوم می‌نماید و این گونه جرائم در صندوق دادگستری‌که در این مورد عنوان صندوق جرائم را خواهد داشت جمع‌آوری شده و به تصویب وزارت دادگستری به‌مصرفی که معین می‌شود می‌رسد. ماده ۲۴ ـ هرگاه کارشناسی در وقت مقرر حاضر شود و به واسطه تخلف یکی از صاحبان کار از حضوردر وقت مقرر یا عدم تهیه وسایل کار اجرای کارشناسی به تعویق افتد جبران تضییع وقت کارشناس وهزینه‌ای که کرده باشد به عهده طرف متخلف است و دادگاه حقی را که در مقابل تضییع وقت کارشناس‌باید داده شود و به‌درخواست او معین و وصول و ایصال می‌نماید و نیز در مواردی که به واسطه صلح وغیره اجرا کارشناسی مقتضی نباشد حق مزبور رعایت می‌شود. ماده ۲۵ ـ دادگاه و پارکه و هر مقام رسمی دیگری که کارشناس معین می‌کند باید طرز رفتار و اخلاق آنهارا مراقبت نموده و هرگونه تخلف که مشاهده نمودند به اداره فنی گزارش دهند. عدم رعایت مقررات این‌ماده برای مامورین دولت مستلزم تعقیب انتظامی است ماده ۲۶ ـ طرز رفتار و اعمال یکساله کارشناسان رسمی در تجدید انتخاب آنان برای سال بعد موثرخواهد بود. ماده ۲۷ ـ در صورت فوت و حجر کارشناس رئیس اداره فنی وزارت دادگستری در مرکز و مدعی العموم بدایت در سایر حوزه‌ها برگها و اسناد راجع به امور کارشناسی را جمع کرده بایگانی می‌نماید. در صورتی‌که بین آنهااشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد به صاحبان آنها رد می‌کند. ماده ۲۸ ـ هرگاه کارشناس ضمن اظهار عقیده برخلاف مشهودات خود چیزی بنویسد جاعل در اسنادرسمی محسوب می‌شود. هرگاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی خود راجع به امر جنحه و یا حقوقی تمام واقع را ذکر نکندبه حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و اگر برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد به حبس تادیبی از شش‌ماه تا دو سال محکوم می‌شود. هرگاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی راجع به امر جنایی تمام واقع را ذکر نکند به حبس تادیبی‌از یک سال تا سه سال و اگر برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باش به حبس با کار از سه سال تا پنج سال‌محکوم خواهد شد. هرگاه کارشناس در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوءنیت تغییر بدهد اگر کارشناسی برای امر جنحه یا حقوقی باشد به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال و اگر برای امر جنایی‌باشد به حبس مجرد از سه سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازاتهای مذکور در این قانون در صورتی اعمال می‌شود که عمل مشمول مقررات شدیدتری نباشدوگرنه مجازات اخیر اعمال خواهد شد. اگر گزارش خلاف واقع در حکم دادگاه موثر شده باشد کارشناس به یک درجه مجازات بالاتر از مجازات‌مذکور در فوق محکوم خواهد شد. مفاد این ماده نسبت به کارشناسان غیررسمی نیز رعایت خواهد شد. ماده ۲۹ ـ هرگاه در فن معینی کارشناس رسمی نباشد دادگاهها و پارکه‌ها و مقامات صلاحیتدارمی‌توانند هر موقع که احتیاج به انتخاب کارشناس در آن فن داشته باشند از بین کسانی که شغل و حرفه ومعلومات آنها مربوط به آن فن باشد یک یا چند نفر معتمد را به سمت کارشناس انتخاب کنندکارشناسانی که به این ترتیب انتخاب می‌شوند باید در پیشگاه دادگاه یا پارکه انتخاب‌کننده یا مقامات‌صلاحیتدار مطابق ماده ۵ سوگند یاد کنند و از حیث تخلف تابع مقررات بدون عذر قانونی مورد تعقیب‌واقع شده به یک الی سه سال محرومیت از اشتغال به شغل یا حرفه مربوطه محکوم خواهند شد. ماده ۳۰ ـ این قانون تا اندازه‌ای که راجع به مترجمین رسمی قابل اعمال است در مورد آنها لازم‌الرعایه‌خواهد بود.

قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی. مصوب ۱۳۱۶ (م ۱ تا م ۹)

ماده ۱ ـ هرگاه یکی از طرفین دعوی یا شهود و اهل خبره در محاکم و ادارات و طرفین معامله یا شهود در دفاتر اسناد رسمی زبان فارسی را ندانند اظهارات آنها توسط مترجم رسمی ترجمه خواهد شد. تبصره ـ در نقاطی که از طرف وزارت عدلیه مترجمین رسمی برای هریک از زبانهای غیرفارسی تعیین‌نشده باشد محاکم و ادارات ثبت دفاتر اسناد رسمی مترجمین که طرف اعتماد باشد

برای ترجمه تعیین می‌نماید. ماده ۲ ـ ترجمه اسناد ذیل باید از طرف مترجمین رسمی یا مامورین سیاسی و قنسولی تصدیق شده‌باشد: الف ـ اسنادی که در یکی از کشورهای بیگانه یا در ایران به یکی از زبانهای غیرفارسی تنظیم شده و دریکی از محاکم و ادارات ایران مورد استفاده باشد. ب ـ اسنادی که در ایران تنظیم شده و ترجمه آن به منظور استفاده در یکی از کشورهای بیگانه مورد حاجت باشد. ماده ۳ ـ به متقاضیان با احراز شرایط ذیل پروانه مترجمی رسمی اعطا می گردد: الف ـ داشتن حداقل ۲۵ سال سن ب ـ موفقیت در آزمون و اختبار علمی و کتبی ج ـ نداشتن پیشینه موثر کیفری د ـ عدم اشتهار به فساد اخلاقی عقیدتی ه ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر. و ـ عدم محکومیت به انفصال از خدمات دولتی ز ـ مورد وثوق و اعتماد باشد. ماده ۴ ـ اعتبار پروانه مترجمی سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی و پرداخت‌هزینه مطابق تعرفه قانونی می‌باشد چنانچه متقاضی تمدید فاقد یکی از شرایط مقرر قانونی تشخیص‌داده شود مراتب با ذکر دلایل آن به مرجع انتظامی مترجمان اعلام و درخواست رسیدگی می‌شود. مرجع انتظامی پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه مترجمی رای مقتضی صادر می‌نماید. تا زمان رسیدگی مرجع انتظامی اعتبار پروانه به قوت خود باقی است ماده ۵ ـ مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی مترجمین رسمی هیاتی مرکب از یک نفر قاضی و دو نفر ازمترجمین رسمی به انتخاب رئیس قوه قضائیه می‌باشد که انشا رای با قاضی هیات خواهد بود. ماده ۶ ـ در صورت ارتکاب هریک از تخلفات ذیل مرتکب برای بار اول به مدت یک سال و بار دوم به‌مدت دو سال و در صورت تکرار برای همیشه از مترجمی رسمی محروم می‌شود: الف ـ ترجمه و تطبیق با پروانه ای که مدت آن منقضی شده است ب ـ امتناع از قبول امور ارجاعی متقاضیان ترجمه بدون عذر موجه ج ـ امتناع از حضور در مراجع قضایی بدون عذر موجه د ـ نداشتن دفاتر و اسناد و لوازم مربوط به امور ترجمه طبق مقررات قانونی ه ـ عدم رعایت تعرفه حق‌الزحمه مترجمی و ـ ترجمه و تطبیق و تصدیق خلاف واقع تبصره ـ مجازاتهای فوق علاوه بر مجازات مندرج در سایر قوانین می‌باشد. ماده ۷ ـ در صورت ارتکاب هریک از تخلفات ذیل مرتکب به توبیخ کتبی با درج در پرونده و در صورت‌تکرار تا یک سال از مترجمی محروم می‌شود: الف ـ امتناع از حضور در مراجع قانونی غیرقضایی بدون عذر موجه ب ـ تاخیر در انجام امور ترجمه بدون عذر موجه ج ـ عدم رعایت ضوابط ترجمه د ـ عدم ارائه دفاتر، اسناد و لوازم مربوط به ترجمه در موارد بازرسی ماده ۸ ـ تشکیل دفتر یا موسسه و ترجمه اسناد و اظهارات افراد بدون رعایت مقررات این قانون ممنوع‌است و مرتکب به مجازات کلاهبرداری محکوم می گردد. ماده ۹ ـ تشکیلات و نحوه اداره دفتر، ضوابط ترجمه تعرفه حق الزحمه مترجم و مرجع تشخیص‌شرایط مذکور در این قانون به موجب آیین‌نامه‌ای می‌باشد که توسط وزارت دادگستری تهیه و به‌تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید .

آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی(م ۵۹ تا م ۷۰)

به‌استناد تبصره ماده ۱۸ قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی رسیدگی به تخلفات کارشناسان و مجازاتها به طریق زیر خواهد بود: ماده ۱ ـ شکایت از تخلفات کارشناسی باید کتبی و با امضای شاکی و شامل الف ـ نام و نشانی شاکی ب ـ نام و نشانی کارشناس ج ـ موضوع شکایت و مدارک مورد استناد باشد.این شکایت در دفتر کانون کارشناسان رسمی ثبت می‌شود و هیات مدیره کانون عندالاقتضا ظرف مدت‌یک ماه آن را به‌دادسرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی ارجاع و دادسرا پس از دریافت بدان رسیدگی‌و اظهار عقیده می‌نماید. ماده ۲ ـ در صورتی که دادسرا یا دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی حضور شاکی یا کارشناسی رابرای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند او را احضار می کند. عدم حضور بدون عذر موجه‌می‌تواند قرینه‌ای برای کذب و یا صدق نسبت وارده تلقی گردد. عذر موجه برای کارشناس علاوه برمقررات مندرج در ماده ۶۹ مکرر آیین دادرسی مدنی شامل دعوت دادگاهها، دادسراها بازپرسیها و مراجع‌قانونی دیگر جهت اجرای قرار کارشناسی و یا ادای توضیحات در نزد مراجع مذکور است کارشناس بایدعذر خود را پیش از وقت با ذکر دلیل به‌دادسرا و یا دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی

اعلام کند. ماده ۳ ـ در صورتی که دادسرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی تعقیب کارشناس را لازم بداند کیفرخواست صادر نموده و یک نسخه آن را ظرف مدت ده روز از طریق کانون کارشناسان رسمی به‌وسیله‌مامور کانون و یا پست سفارشی به‌کارشناس ابلاغ می‌کند. کارشناس می‌تواند ظرف مهلت قانونی (که درتهران و شعاع شصت کیلومتری آن ده روز پس از ابلاغ و در خارج از شعاع شصت کیلومتری تهران طبق‌ماده ۶۱۵ قانون آیین دادرسی خواهد بود) پاسخ خود را کتبا از طریق دفتر کانون به‌دادگاه انتظامی تسلیم‌و رسید دریافت دارد. درخواست تمدید مهلت برای دادن جواب پذیرفته نمی‌شود. ماده ۴ ـ دادگاه انتظامی پس از وصول پاسخ کارشناس و یا انقضای مهلت مندرج در ماده ۳ این آیین‌نامه‌وقت رسیدگی تعیین می‌کند و از طریق دفتر کانون باطلاع دادسرای انتظامی و کارشناس خواهد رساند.عدم حضور دادستان و یا کارشناس و یا دادیار دادسرای انتظامی مانع رسیدگی نخواهد شد و دادگاه دروقت مقرر رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد کرد و حکم مذکور حضور تلقی می‌گردد. در صورتی‌که موضوع شکایت متضمن جنبه کیفری نیز باشد به نحوی که به‌نظر دادگاه انتظامی تفکیک آن از جنبه‌انتظامی میسر نباشد رسیدگی و اتخاذ تصمیم و صدور حکم دادگاه انتظامی پس از صدور حکم قطعی‌کیفری انجام خواهد یافت ماده ۵ ـ در صورتی که دادسرای انتظامی تعقیب کارشناس را لازم ندانـد و قرار منع تعقیب صادر کند یک‌نسخه از آن را از طریق دفتر کانون به‌شاکی ابلاغ می‌کند و شاکی پس از رویت آن حق دارد ظرف مهلت‌مقرر در ماده ۳ به‌قرار مذکور اعتراض کند. مرجع رسیدگی به‌این اعتراض دادگاه انتظامی کانون‌کارشناسان رسمی است دادگاه مذکور اگر قرار منع تعقیب را صحیح تشخیص داد آن را استوار و در غیر این صورت آن را نقض و سپس موضوع را رسیدگی و حکم صادر می‌کند. تبصره ـ قطعیت احکام صادره از دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی و یا قبول اعتراض نسبت به‌آنها طبق مفاد ماده ۱۶ قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی خواهد بود. ماده ۶ ـ نشانی کارشناسان رسمی همان است که در موقع درخواست و یا تمدید پروانه کارشناسی‌به‌کانون اعلام شده است در صورت تغییر نشانی کارشناس مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ‌تغییر نشانی جدید خود را کتبا و به‌طور دقیق و روشن به نحوی که مامور کانون یا پست بتواند اوراق رادر محل به وی تسلیم کند به‌دفتر کانون اطلاع دهد رسید دریافت کند. در غیر این‌صورت اوراق به آخرین‌نشانی کارشناس ارسال که پس از انقضای مهلت مذکور در ماده ۳ ابلاغ شده تلقی می‌گردد مگر اینکه‌کارشناس ثابت کند که اوراق بعد از مهلت مقرر به وی رسیده است که در این‌صورت تاریخ ابلاغ تاریخ وصول محسوب می‌گردد. ماده ۷ ـ چنانچه دادسرا و یا دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی برای رسیدگی به شکایات مطروحه‌علیه کارشناسان رسمی نیازمند اطلاع یا سند و یا مدرکی باشد، کلیه دادگاهها، دادسراهای عمومی و موسسات دولتی و غیر دولتی مکلفند در اسرع وقت اطلاع یا سند و یا مدرک مورد نیاز را از طریق دفترکانون در اختیار دادسرا و یا دادگاه انتظامی کانون قرار دهند، مگر در مواردی که تسلیم آنها قانونا منع شده‌باشد، که در این‌صورت مرجع مذکور در بالا عذر خود را مستند به کانون اعلام خواهد نمود. ماده ۸ ـ درجات مجازات انتظامی به‌قرار زیر است ـ توبیخ بادرج در پرونده ـ محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی از سه ماه تا یک سال ـ محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی از یک سال تا سه سال محرومیت دائم از شغل کارشناسی ماده ۹ ـ عدم رعایت مراتب زیر دارای مجازات انتظامی درجه ۱ مندرج در ماده ۸ این آیین‌نامه خواهدبود: هرگاه کارشناس رسمی به دو یا چند دادگاه و دادسرا و دیگر مراجع رسمی دعوت شود و جمع بین‌اوقات میسر نگردد باید حضور در دادگاههای عمومی را جهت اجرای قرار کارشناسی یا ادای توضیح‌مقدم بدارد ـ در صورتی که برای حضور در دادگاههای عمومی دعوت نشده باشد در مرجعی که وقت آن‌زودتر ابلاغ شده باید حاضر گردد و از سایر مراجع با ذکر علت درخواست تجدید وقت کند. ماده ۱۰ ـ عدم رعایت مراتب زیر دارای مجازات انتظامی تا درجه ۲ مندرج در ماده ۸ این آیین‌نامه‌خواهد بود: الف ـ هر گاه کارشناس رسمی بدون عذر موجه در دادگاهها و یا دادسرای عمومی و یا بازپرسی و یامراجع دیگر که دعوت شده حضور پیدا نکند. ب ـ هرگاه خلاف عذری که برای عدم حضور در مراجع اعلام کرده ثابت شود. ماده ۱۱ ـ عدم رعایت مراتب زیر دارای مجازات انتظامی درجه ۳ مندرج در ماده ۸

این آیین‌نامه خواهدبود: الف ـ هر گاه نسبت به‌موضوع کارشناسی قبلا به‌عنوان کارشناس رسمی اظهار نظر کرده باشد و مجددا کارشناسی را قبول کند. ب ـ هرگاه کارشناس بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه کارشناسی بدون انجام مقررات مربوط به تمدیدپروانه مبادرت به قبول کارشناسی کند. ج ـ هرگاه در موردی که جهات ردی آن برای کارشناسی موجود بوده به‌انجام کارشناسی مبادرت نماید. د ـ هرگاه در رشته‌ای که خارج از صلاحیت او باشد به‌انجام امر کارشناسی مبادرت نماید، مگر اینکه‌مراتب را کتبا به‌مرجع مربوط اعلام کرده باشد. ه ـ هرگاه کارشناس رسمی بر اثر مسامحه یا سهل انگاری اعلام نظری بر خلاف واقع نموده که در رای‌دادگاه یا قرار دادسرا یا بازپرسی یا تصمیمات مراجع قانونی دیگر موثر واقع شده باشد. تبصره ۱ ـ در صورتی که اعلام نظر خلاف واقع کارشناس به نحو مذکور در بند ه موثر واقع نشده باشدکارشناس به مجازات بند ۲ ماده ۸ این آیین‌نامه محکوم خواهد شد. تبصره ۲ ـ تشخیص صلاحیت کارشناس رسمی با کمیسیون تشخیص صلاحیت علمی و فنی رشته‌مربوطه موضوع ماده ۹ قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی می‌باشد که از طرف کانون به‌مراجع‌متقاضی اعلام خواهد شد. ماده ۱۲ ـ عدم رعایت مراتب زیر داری مجازاتهای انتظامی درجه ۴ مندرج در ماده ۸ این آیین‌نامه‌خواهد بود: الف ـ هرگاه در مدتی که از کارشناس رسمی سلب صلاحیت شده به‌انجام امر کارشناسی مبادرت نموده‌باشد. ب (اصلاحی ۱۳۶۳) ـ هرگاه ثابت شود که کارشناس رسمی عمدا یا با تبانی با یکی از اصحاب دعوی‌اعلام نظری بر خلاف واقع نموده باشد. ج ـ هرگاه کارشناس رسمی دادگستری به جرائم جنحه‌ای یا جنایی باب دوم و سوم قانون جزای عمومی‌محکومیت قطعی یافته و معذالک به‌انجام امر کارشناسی مبادرت ورزیده باشد. د ـ هرگاه کارشناس رسمی علاوه بر دستمزد و هزینه‌های تعیین شده و منعکس در پرونده وجه یا مالی رااز یکی از طرفین دعوی قبول نماید. ماده ۱۳ ـ استرداد شکایت شاکی و یا استعفای کارشناس رسمی از انجام وظیفه کارشناسی مربوطه مانع‌تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست ماده ۱۴ ـ مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی کارشناسان رسمی دو سال از تاریخ وقوع تخلف (درصورت عدم تعقیب یا آخرین اقدام تعقیبی خواهد بود. ماده ۱۵ ـ آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی و میزان مجازاتها در جلسه مورخ چهاردهم دیماه ۵۹ هیات مدیره کانون کارشناسان رسمی مشتمل بر ۱۵ ماده و سه تبصره تصویب شد و پس ازتایید و تصویب شورای عالی قابل اجرا خواهد بود.

آیین‌نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶

فصل اول ــ تشکیلات

بخش اول انتخاب اشتغال تمدید(م ۱ تا م ۱۷)

الف ترتیب انتخاب ماده ۱ ـ قوه قضائیه در صورت نیاز از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار از داوطلبان واجد شرایط مترجمی رسمی دعوت می‌نماید تا درخواست خود را ظرف مهلت معینه در تهران به اداره فنی قوه‌قضائیه از طریق پست ارسال نمایند. ماده ۲ ـ درخواست مترجمی رسمی باید دارای پیوستهای زیر باشد: ۱ ـ یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ۲ ـ ۲ قطعه عکس ۴*۳ ۳ ـ تصویر مصدق بالاترین مدرک تحصیلی (داوطلبانی که تحصیلاتی در ارتباط با زبان مربوط دارند درشرایط مساوی از اولویت برخوردار خواهند بود) ۴ ـ گواهی عدم سو پیشینه (برای کارمندان رسمی دولت گواهی اداره مربوط مبنی بر اشتغال کافی‌است ۵ ـ گواهی عدم اعتیاد به مواد مخدر. ماده ۳ ـ درخواست مترجمی رسمی به ترتیب تاریخ وصول در دفتری ثبت و برای هر داوطلب پرونده‌جداگانه‌ای تشکیل می‌شود. اداره فنی قبل از صدور پروانه مترجمی رسمی از طریق دادگستری محل و یابه طریق مقتضی دیگر درباره صلاحیت داوطلب تحقیق به عمل آورده نتیجه را در پرونده وی منعکس‌می‌نماید. ماده ۴ ـ اداره فنی پرونده

داوطلبان را در کمیسیونی مرکب از رئیس یا معاون اداره فنی و یک نفر که به‌زبان خارجی مربوطه تسلط کامل داشته باشد و یک نفر از قضات به انتخاب معاون قضایی ریاست قوه‌قضائیه مطرح می‌سازد و واجدین صلاحیت را با تعیین تاریخ برای شرکت در امتحان دعوت می‌کند.دعوت کتبا و حداقل یک ماه قبل از تاریخ امتحان به عمل می‌آید. ماده ۵ ـ امتحان از کلیه واجدین صلاحیت در تهران در تاریخ معین که از طرف اداره فنی از طریق‌روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلام خواهد شد زیر نظر اداره فنی به وسیله هیات ممتحنه مذکور در ماه ۴به‌عمل آمده و در سه مرحله به صورت امتحان عمومی زبان امتحان تخصصی ترجمه و شفاهی خواهدبود. تبصره ـ هیات ممتحنه از سه نفر اشخاص متبحر در زبان مورد نظر به انتخاب اداره فنی تشکیل‌می‌گردد در صورت عدم دسترسی به تعداد مذکور ممکن است از تعداد کمتر استفاده شود. ماده ۶ ـ امتحان عمومی زبان به صورت کتبی و طرح سئوالات چهارگزینه‌ای در سطح تافل در زبان‌انگلیسی و هم سطح آن در سایر زبانها خواهد بود. سئوالات امتحان به صورت تشریحی از بان فارسی به زبان مورد نظر و بالعکس خواهد بود. تبصره ۱ ـ داوطلبانی که در امتحان مرحله عمومی حد نصاب نمره قبولی را احراز نکرده باشند می‌توانند درخواست تجدید نظر بدهند. در این مرحله ورقه امتحان توسط استاد مصحح بازبینی خواهدشد. تبصره ۲ ـ برای انجام امتحان مرحله عمومی از بانک سئوالات که به همین منظور تشکیل می‌گردداستفاده خواهد شد. تبصره ۳ ـ استفاده از فرهنگ لغات در امتحانات تخصصی تشریحی مجاز است ماده ۷ ـ سئوالات امتحان مرحله تخصصی به صورت ترجمه از زبان فارسی به زبان خارجی و بالعکس‌می‌باشد و طرح سئوالات و تصحیح اوراق امتحان زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ و توسط هیات‌ممتحنه مذکور در تبصره ماده ۵ صورت می‌گیرد و نمره‌ای که به هر یک از سه مرحله داده می‌شود از عدد۱۰۰ منظور می‌گردد و نمره هر ورقه در ذیل یا ظهر آن به حروف و عدد ثبت شده و به امضای هیات‌ممتحنه می‌رسد. تبصره ۱ ـ حداقل نمره قبولی برای هر یک از سه امتحان ۷۵ خواهد بود. تبصره ۲ ـ هر داوطلب می‌تواند در خواست اعتراض به ورقه خود را ظرف مهلت بیست روز از تاریخ‌اعلام نتیجه امتحان کتبی به اداره فنی تسلیم نماید و رئیس اداره فنی می‌تواند ورقه داوطلب را به شخص‌یاهیات ممتحنه دیگری واگذار نماید. ماده ۸ ـ قبولی در امتحان به نحو مذکور در ماده ۷ و تبصره ۱ برای شرکت در امتحان شفاهی الزامی‌است ماده ۹ ـ اداره فنی از قبول شدگان به ترتیب مذکور در تبصره ۱ ماده ۷ برای انجام امتحان شفاهی دعوت‌می‌نماید. امتحان شفاهی زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ انجام می‌گیرد اداره فنی تعداد مترجم‌رسمی مورد احتیاج را به ترتیب از بین کسانی که دارای نمره بیشتری می‌باشند انتخاب می‌کند. ماده ۱۰ ـ انتخاب شدگان باید حداقل یک‌سال نزدیک مترجم رسمی همزبان که حداقل ده سال تجربه‌مترجمی رسمی داشته باشند با معرفی داوطلب و تایید مترجم رسمی مذکور و اداره فنی کارآموزی‌نموده و کارآموز باید در مدت کارآموزی زیر نظم مترجم سرپرست خود گواهی اتمام دوره کارآموزی وپیشرفت تجربی را از مترجم سرپرست خود اخذ نماید. در غیر این‌صورت دوره کارآموزی برای یک باردیگر تمدید خواهد شد. تبصره ـ در رشته‌هایی که سابقه مترجمی رسمی کمتر از ده سال است شرط مقرر در فوق از حیث‌مدت ده سال رعایت نخواهد شد. ماده ۱۱ ـ قبول شدگان در حضور کمیسیون مذکور در ماده ۴ به شرح زیر سوگند یاد می‌کنند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به کاربرم و در سمت مترجمی راز دار و امین باشم پس از انقضای مدت کارآموزی و ارائه گواهی اداره فنی‌برحسب تخصص داوطلب پروانه مترجمی رسمی تخصصی والا پروانه مترجمی رسمی به نام داوطلب‌صادر و پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی به آنان تسلیم می‌کند پروانه مترجمی باید دارای عکس ونمونه امضا باشد. ب محل و شرایط اشتغال ماده ۱۲ ـ مترجم رسمی در غیر حوزه قضایی محل و آدرسی که در پروانه وی منعکس می‌باشد حق‌اشتغال ندارد و در صورت عدم اقامت در محل مذکور پروانه تمدید نخواهد شد. ماده ۱۳ ـ اداره فنی در صورت نیاز مشخصات کامل مترجمان را به وسیله روزنامه رسمی و دفترچه‌های‌مخصوص منتشر می‌کند. ماده ۱۴ ـ مترجم رسمی حق تغییر محل کار را از حوزه‌ای که در پروانه وی درج گردیده به حوزه دیگرندارد و هرگونه تغیر محل از شهرستان به تهران به تقاضای مترجم رسمی و موافقت کتبی رئیس‌دادگستری و اداره فنی

پس از موفقیت در امتحان شفاهی و مصاحبه و تصویب معاونت قضایی رئیس‌قوه قضائیه ممکن خواهد بو و مراتب در پروانه مترجمی درجه خواهد گردید. ماده ۱۵ ـ مترجم رسمی می‌تواند فقط یک دارالترجمه یا موسسه ترجمه رسمی دایر نماید. در غیراین‌صورت به عنوان متخلف از ادامه کار وی توسط اداره فنی قوه قضائیه جلوگیری به عمل خواهد آمد. تبصره ـ اداره فنی موظف است علاوه بر تعقیب قانونی مسوول یا مسوولین دارالترجمه‌هایی که‌برخلاف مقررات این آیین‌نامه دایر هستند از ادامه فعالیت آنها با کمک نیروی انتظامی جلوگیری به عمل‌آورد. ماده ۱۶ ـ دایر کردن موسسه‌ای با نام دارالترجمه یا تحت عنوان دیگر که بدون مسوولیت رسمی یک‌نفر دارنده پروانه رسمی مترجمی به امر ترجمه اشتغال داشته باشد ممنوع است و مدیران و مسوولین این گونه موسسات طبق مقررات کیفری با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت ج تمدید پروانه ماده ۱۷ ـ مترجم رسمی باید با در دست داشتن مفاصا حساب مالیاتی سنوات گذاشته یا گواهی مراجعه‌به دارایی به منظور تصفیه حساب مالیاتی هر سه سال یک نوبت در اردیبهشت ماه برای تمدید پروانه‌خود به اداره فنی مراجعه نماید، در صورتی که موجبی برای عدم تمدید نباشد پس از الصاق تمبر به‌مبلغ مقرر قانونی پروانه وی برای سه سال توسط اداره فنی تمدید می‌شود. اداره فنی و دادگستری‌شهرستان از تصدیق امضای مترجمی که پروانه وی تمدید نشده ممنوع می‌باشند، اداره فنی تمدیدپروانه را به دادگستری اطلاع می‌دهد.

بخش دوم شورای عالی ترجمه (م ۱۸ تا ۲۸)

ماده ۱۸ ـ نظر به ماده ۹ این قانون شورایی تحت عنوان «شورای عالی ترجمه به ریاست معاون قضایی‌رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. ماده ۱۹ ـ شورای عالی ترجمه علاوه بر معاون قضایی که رئیس شورا می‌باشد و رئیس اداره فنی که درشورا عضویت ثابت دارد دارای هفت عضو دیگر است که یک نفر از مترجمان رسمی زبان انگلیسی ویک نفر از زبان آلمانی و یک نفر زبان فرانسه و یک نفر زبان عربی و یک نفر از اساتید زبان انگلیسی ویک نفر از اساتید زبان آلمانی و یک نفر از اساتید زبان عربی از بین برجسته‌ترین مترجمان رسمی واستادان رشته‌های زبان و مترجمی دانشگاهها و موسسات عالی به حکم ریاست قوه قضائیه منصوب‌می‌شوند. تبصره ـ مترجمان رسمی عضو شورا به پیشنهاد اداره فنی و اساتید دانشگاه با هماهنگی وزارت علوم و آموزش عالی انتخاب و پیشنهاد می‌شوند. ماده ۲۰ ـ وظایف شورای عالی انتخاب‌ترجمه به قرار زیر است ۱ ـ رسیدگی به موضوعاتی که مترجمان رسمی در ارتباط با انجام ترجمه‌های قوه قضائیه ارائه طریق وراهنمایی می‌کنند. ۲ ـ رسیدگی و اعلام نظر مشورتی در باب سئوالاتی که از طرف رئیس اداره فنی قوه قضائیه در باب‌ترجمه رسمی مطرح می‌گردد. ۳ ـ ارائه نظر مشورتی در اختلاف بین مترجم رسمی و صاحبان اسناد ترجمه شده که پرونده آن در هیات‌رسیدگی به تخلفات مترجمین رسمی مطرح است ۴ ـ اتخاذ تصمیم درباره تعیین بهترین و مطلوبترین معادلها در زبانهای خارجی و برای لغات و اصطلاحات فارسی در مواردی که مترجمان رسمی به یک نتیجه واحد دست نیافته‌اند و از لغات اصطلاحات و تعبیرات متفاوتی در یک مورد خاص استفاده می‌نمایند و ایجاد وحدت رویه نسبی درامر ترجمه از فارسی به زبانهای خارجی و بالعکس و تهیه الگوهای مناسب ومطلوب در این زمینه تبصره ـ شورای عالی ترجمه نمی‌تواند به وضع لغات جدید فارسی به عنوان معادلهای خارجی که ازوظایف فرهنگستان زبان است بپردازد لکن می‌تواند معادلهای برای کلمات خارجی که در زبان فارسی‌وارده شده‌اند به فرهنگستان زبان پیشنهاد نماید. ۵ ـ بررسی و اعلام نظر نسبت به موضوعاتی که اطراف دستگاههای دولتی و مراکز علمی و آموزشی‌کشور و نظایر آن به شورا ارجاع می‌شود. ماده ۲۱ ـ شورای عالی ترجمه می‌تواند نتیجه بررسیهای خود را به صورت مقالات و نشریات ادواری‌یا به صورت فرهنگهای تخصصی نظیر فرهنگهای حقوقی اداری اقتصادی پزشکی فنی و غیره منتشرنماید و در این زمینه می‌تواند از نظر مشورتی استادان علوم تخصصی و فقها استفاده نماید،پدیدآورندگان این گونه کتب و فرهنگها از مزایای حقوقی مؤلفین و مترجمین و حق التالیف قانونی‌بهره‌مند

خواهند شد. ماده ۲۲ ـ به اعضای شورای عالی طبق مقررات حق حضور پرداخت خواهد شد. ماده ۲۳ ـ شورای عالی ترجمه می‌تواند در چهارچوب همکاریهای علمی و پژوهشی در زمینه امرترجمه با دانشگاهها و سایر مؤسسات علمی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور قراردادهای همکاری‌برای اجرای طرحهای ویژه منعقد نماید. تبصره ـ مواردی از وظایف شورای عالی که انجام آن مستلزم هزینه‌های مالی است پس از تایید معاونت اداری و مالی وزارت دادگستری و تامین اعتبارات مربوطه قابل اجرا می‌باشد. ماده ۲۴ ـ شورای عالی ترجمه براساس نیاز جامعه و میزان مراجعات و تعداد ارباب رجوع در هر زمان اولویتهای لازم را در انجام وظایف فوق در نظرخواهد گرفت و زبانهای مهجور که طبق آمار اداره فنی کمتر محل مراجعه واقع می‌شوند از آخرین اولویتها برخوردار هستند و در حال حاضر زبانهای انگلیسی و آلمانی در درجات اول و دوم اولویت قرار دارند. ماده ۲۵ ـ امور اداری و دفتری شورای عالی ترجمه در اداره فنی قوه قضائیه متمرکز است و اداره مذکور وظایف دبیرخانه آن شورا را به عهده خواهد گرفت ماده ۲۶ ـ شورای عالی در اولین جلسه خود یک نایب رئیس و یک منشی انتخاب خواهد کرد و برای‌انجام وظایف خود می‌تواند با دعوت از صاحبنظران کمیته‌های تخصصی فرعی تشکیل دهد. ماده ۲۷ ـ برای تشکیل هر جلسه با ذکر موضوعاتی که در دستور جلسه است دعوتنامه با امضای رئیس‌یا نایب رئیس شورای عالی ترجمه برای کلیه اعضا به نشانی آنان ارسال خواهد شد. جلسات شورای‌عالی ترجمه با حضور حداقل بیش از نصف اعضا رسمیت یافته و تصمیمات به رای اکثریت اتخاذخواهد شد. ماده ۲۸ ـ در صورت استعفا یا فوت هر یک از اعضای شورای عالی ترجمه عضو جانشین به پیشنهادشورا و با حکم ریاست محترم قوه قضائیه منصوب می‌گردد و در صورت غیبت بدون عذر موجه هریک از اعضا در سه جلسه متوالی عضو مذکور مستعفی شناخته شده و جانشین وی تعیین و منصوب‌خواهد شد.

فصل دوم ـ نحوه اداره م ۲۹ تا ۳۷)

ماده ۲۹ ـ چنانچه مترجمین رسمی به صورت موسسه به ترجمه زبانهای مختلف اشتغال داشته باشند موسسه مذکور باید یکی از مترجمین را به عنوان مدیر موسسه به اداره فنی معرفی نماید فرد معرفی‌شده مسوول نظارت بر اداره کلیه امور موسسه خواهد بود. لکن این امر رافع مسوولیت دیگر مترجم رسمی زبان مورد نظر در قبال تخلفات مرتکب شده نخواهد بود. ماده ۳۰ ـ دادگاه یا هر مقام رسمی دیگر که به مترجم کار ارجاع می‌کند باید طرز رفتار او را مراقبت وهرگونه تخلفی را که مشاهده نماید به اداره فنی گزارش دهد. ماده ۳۱ ـ اداره فنی موظف است اسناد و مدارک تحصیلی وکلا اوراقی را که از طرف مراجع رسمی ذی‌صلاح برای ترجمه به آن اداره فرستاده می‌شود در صورت پرداخت هزینه به مترجم رسمی ارجاع و پس‌از ترجمه و گواهی امضا اعاده نماید. ماده ۳۲ ـ برای مترجمی زبانهایی که در آن زبان مورد نظر مترجم رسمی وجود ندارد اداره فنی ودادگستریهای شهرستانها می‌توانند از خبرگان محلی پس از اتیان سوگند التزام به صحت گفتار استفاده‌کنند. ماده ۳۳ ـ سازمان ثبت شرکتها تقاضای ثبت موسسات مترجمی را خواهد پذیرفت که علاوه برداشتن‌شرایط قانونی پروانه مترجمی رسمی معتبر نیز داشته باشد. ماده ۳۴ ـ دارالترجمه‌هایی که قبل از تاریخ تصویب این آیین‌نامه دایر بوده‌اند موظفند از تاریخ‌لازم‌الاجرا شدن این آیین‌نامه وضع خود را با مقررات آن تطبیق داده و ادامه فعالیت آنها منوط به قبول مسوولیت دارالترجمه از طرف یک نفر مترجم رسمی و موافقت اداره فنی قوه قضائیه می‌باشد. ماده ۳۵ ـ مترجم مسوول باید در دارالترجمه‌ای که مسوولیت آن را به‌عهده گرفته است حضور و نظارت‌داشته باشد و تغییراتی که در اداره دارالترجمه موثر است به اطلاع اداره فنی قوه قضائیه برساند. ماده ۳۶ ـ علامت قوه قضائیه نام و نام‌خانوادگی مترجم مسوول و شماره پروانه وی باید در تابلو دارالترجمه بدین شرح قید گردد. قوه قضائیه دارالترجمه رسمی شماره ......مترجم مسوول .....شماره پروانه مترجمی رسمی ...... ماده ۳۷ ـ کسانی که بدون داشتن پروانه مترجمی از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این

آیین‌نامه مبادرت به تاسیس دارالترجمه و یا ادامه فعالیت‌غیر قانونی دارالترجمه بنمایند با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و مسوولیت نظارت بر صحت اجرا و پیگیریهای لازم بر عهده اداره فنی‌است اداره مزبور موظف است نسبت به شناسایی دارالترجمه‌هایی که بر خلاف مقررات مشغول فعالیت هستند اقدام و اداره اماکن نیروهای انتظامی نیز از ادامه کار آنها جلوگیری به عمل آورد.

فصل سوم ـ وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی م ۳۸ تا م ۵۲)

الف وظایف مترجم رسمی ماده ۳۸ ـ وظایف مترجم رسمی به قرار زیر است ۱ ـ ترجمه رسمی اسناد و اوراق مورد درخواست متقاضی که به این منظور به مترجم تسلیم می‌گردد. ۲ ـ ترجمه اظهارات اصحاب دعوا یا وکلای آنان یا شهود یا کارشناسان در مراجع قضایی و طرفین‌معامله یا وکلای آنان یا شهود در دفاتر اسناد رسمی ۳ ـ گواهی صحت ترجمه رسمی اسنادی که در ایران یا یکی از کشورهای بیگانه ترجمه یا تنظیم شده‌است ماده ۳۹ ـ مترجم رسمی باید دارای دفتر ثبت و برگ رسید و مهر به شرح زیر باشد. ۱ ـ دفتر ثبت که شماره ردیف و مشخصات کارهای ارجاعی شامل نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام‌متقاضی اگر غیر از صاحب سند باشد و تعداد نسخ اضافی و نشانی کامل او و تاریخ ارجاع و تاریخ‌استرداد ترجمه و میزان دستمزد در آن ثبت می‌شود. این دفتر به‌وسیله اداره فنی تهیه و برگ شماری و منگنه و مهر و در اختیار مترجمین رسمی قرار خواهد گرفت ۲ ـ برگ رسید که نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی (اگر غیر از صاحب سند باشد) و تاریخ‌استرداد و میزان دستمزد ترجمه در آن ثبت و هنگام دریافت سند به متقاضی ترجمه داده می‌شود. ۳ ـ مهر که در آن نام و نام‌خانوادگی مترجم و زبانی که مترجم رسمی آن است و شماره پروانه مترجمی‌رسمی قید شده و مترجم با آن ذیل اوراق ترجمه را مهر می‌کند. دفتر و رسید و مهر مذکور طبق نمونه‌موجود در اداره فنی تهیه می‌شود. ماده ۴۰ ـ مترجم رسمی موظف است ۱ ـ ترجمه سند را روی برگ مخصوص که شکل و اندازه آن از طریق اداره فنی تعیین می‌شود بدون غلط و قلم خوردگی و حک و اصلاح به هزینه خود ماشین و در پایان آن مطابقت ترجمه را با اصل تصدیق و با قید تاریخ ترجمه امضا کند هرگاه ترجمه سندی از یک صفحه تجاوز کند مترجم باید زیر هر صفحه‌تصریح کند که بقیه در صفحه بعد ترجمه شده است و ذیل تمام صفحات را امضا و آنها را منگنه یاپلمپ نماید و بین امضای مترجم ومتن ترجمه شده نباید فاصله باشد. تبصره ـ مترجم رسمی باید در نگهداری اوراق مخصوص ترجمه که با قید شماره و ترتیب در اختیار وی قرار می‌گیرد نهایت دقت را نماید اوراق مذکور نباید به صورت سفید مهر و امضا شده در اختیاردیگران قرار گیرد و چنانچه هنگام استفاده اوراق مذکور مخدوش و غیر قابل استفاده گردد باید در محل‌مطمئن آن را تا سه سال نگهداری نماید. ۲ ـ گواهی مطابقت رونوشت یا فتوکپی با اصل اسناد خارجی باید ذیل اوراق مورد گواهی به عمل آید ودر صورت تعدد صفحات ذیل هر صفحه گواهی و امضا و به ترتیب بند یک با ذکر تعداد و منضمات‌منگنه یا پلمپ شود. ۳ ـ مترجم رسمی موظف است تصویری از اصل سند را به انضمام یک نسخه تایید شده از ترجمه آن‌برای بایگانی خود تهیه و تا سه سال نگهداری نماید و در صورت مطالبه اداره فنی یا سایر مراجع‌ذی‌صلاح آن را ارائه دهد. ماده ۴۱ ـ مترجم رسمی نمی‌تواند از قبول کاری که از طرف اداره فنی یا دادگستری محل به او رجوع‌می‌شود بدون عذر موجه خودداری کند و یا آن را به تاخیر بیندازد. وقت لازم برای ترجمه اسناد ومدارک عنداللزوم از طرف اداره فنی یا دادگستری محل تعیین خواهد شد. ماده ۴۲ ـ در صورتی که مترجم رسمی به لحاظ بیماری یا ماموریت یا هر علت دیگری قادر به انجام کارترجمه نباشد باید به فوریت مراتب را به اداره فنی در مرکز و دادگستری محل درشهرستانها و به متقاضی‌اعلام نماید و هرگاه اسناد و اوراق برای ترجمه نزد او باشد این اسناد و اوراق را سریعا مسترد دارد. ماده ۴۳ ـ با دعوت کتبی مقام صلاحیتدار مترجم رسمی مکلف است در محل مقرر حاضر شود مگراینکه عذر موجهی داشته باشد

و در صورت امکان بایـد عذر خود را قبلا به اطلاع آن مقام برساند. ماده ۴۴ ـ مترجم رسمی باید ضمن رعایت امانت تمام اظهارات و مندرجات اسناد و مدارك و اوراق راكه برای ترجمه به او داده می‌شود جزء به جزء و کلمه به کلمه به نحوی که از لحاظ مضمون و مفهوم کاملا ـ با اصل برابر باشـد ترجمه نمایـد و حق نـدارد چیزی را حـذف و یا اضافه کنـد و در صورتی که سندمخدوش باشـد مراتب را در ترجمه و برگ رسیدی که به صاحب سند می‌دهد قید کند. تبصره ۱ ـ مترجم رسمی می‌تواند ترجمه رسمی اسناد را با ذکر نـام مترجم و تاریخ ترجمه سـند به زبان‌دیگری ترجمه رسـمی نمایـد. تبصـره ۲ ـ در مورد اسـناد رسـمی تشـخیص مواردی که ترجمه آنهـا ضـرورتی نـدارد بـا اداره فنی است ورعـایت دسـتورات اداره مـذکور در این مورد برای مترجم الزامی است تبصـره ۳ ـ ترجمه فاکس و تلکس که صـحت متن آن توسط دسـتگاه مربوطه تعیین شـده باشد بلااشـکال‌است تبصـره ۴ ـ مترجم موظف اسـت تصویر اصل سـند را به متن ترجمه شده ضـمیمه و پلمپ نماید. ماده ۴۵ ـ مترجم رسـمی مسوول حفظ و مراقبت از اسنادی است که برای ترجمه به او سپرده می‌شود وموظف است اسـناد را به همان صورتی که تحویل گرفته مسترد دارد. ب مقررات انتظامی ماده ۴۶ ـ هرگاه اشـتباه مترجم رسـمی به تصدیق دو نفر از مترجمین رسـمی دیگر به انتخاب اداره فنی ودر امر ترجمه محرز شود و خسارتی بابت وجه تمبر و تصـدیق امضاء و سایر هزینه‌های مربوط به امرترجمه متوجه صاحب سـند گردد مترجم موظف است با اخطار اداره فنی در جبران خسـارت وارده یـاجلب رضـایت صـاحب سـند اقـدام کنـد در غیر این‌صورت توسـط اداره فنی تحت تعقیب انتظـامی قرارخواهد گرفت تبصـره ـ در خصوص این ماده و ماده ۴۳ در صورت احراز عمد مترجم رسـمی چنانچه عمل وی مطابق‌با ماده ۲۸ قانون راجع به کارشـناسان رسمی مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۱۷ باشد قابل تعقیب کیفری خواهدبود. ماده ۴۷ ـ مرجع تعقیب انتظامی مترجم رسمی اداره فنی است و همین که از تخلف مترجم در تهران وسایر شهرستانها راسا یا حسب اعلام مراجع رسمی یا شکایت اشخاص اطلاع حاصـل نمایـد مکلـف‌است تقاضـای تعقیـب وی را از هیـات رسیدگی بـه تخلفـات انتظـامی کـه محـل تشـکیل آن در اداره فنی‌خواهـد بود درخواست نمایـد. تبصـره ـ دفتر اداره فنی عهـده دار امور دفتری هیات رسیـدگی به تخلفات انتظامی نیز خواهد بود. ماده ۴۸ ـ اداره فنی در هر رشـته از زبانهـایی که برای آنهـا مترجم رسـمی وجود دارد دو نفر را به عنوان‌اعضـای هیات رسیـدگی به تخلفـات انتظـامی به معـاونت قضـایی قـوه قضـائیه معرفی می‌نمایـد که پس ازتصویب رئیس قوه قضـائیه کتبـا به این سـمت منصوب خواهند شد. ماده ۴۹ ـ دفتر همزمان با تسلیم درخواست رسیدگی اداره فنی برای تعقیب مترجم رسیم به مرجع‌انتظامی شکایت اداره فنی را به مترجم ابلاغ و وی می‌تواند ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ پاسخ‌خود را به دفتر ارسال یا تسلیم نماید. ماده ۵۰ ـ دفتر بـا وصول پاسـخ یا عـدم وصول آن ظرف مهلت مقرره مراتب را به مرجع انتظامی گزارش‌و مرجع مـذکور با دعوت از نماینـده اداره فنی و مترجم رسـمی مورد تعقیب رسیدگی خواهند نمود. عدم‌حضور مترجم رسمی یا نماینده اداره فنی مانع رسیدگی به مورد یا یا موارد تخلف نخواهد بود. ماده ۵۱ ـ معاون قضایی می‌تواند همین که از سو رفتار و اخلاق مترجم رسـمی مطلع شد و یا اینکه‌نامبرده را فاقد یکی از شرایط بندهای (ج الی (ز) از ماده ۱۳ این قانون تشخیص داد امر به تعقیب‌انتظامی او بدهد و همچنین در مواردی که اشـتغال او را به مترجمی منـافی بـا حیثیت مترجمی رسمی‌تشـخیص داد تقاضای تعلیق وی را از شـغل مترجمی از هیات رسیـدگی به تخلفـات انتظـامی می‌نمایـد.تعلیق مترجم رسـمی موکول به رای هیـات رسیـدگی به تخلفات انتظامی خواهـد بود. ماده ۵۲ ـ چنانچه مترجم رسـمی به اتهام ارتکاب بزهی تحت پیگرد مراجع قضایی قرار گیرد و عمل‌ارتکابی به تشـخیص مرجع انتظامی مغایر با شـئون مترجم رسـمی باشد از سـمت مترجمی رسـمی معلق‌خواهد شد و در صورت صدور رای قطعی برائت یا منع پیگرد یا موقوفی تعقیب رفع تعلیق به عمل‌خواهـد آمـد. چنـانچه درباره متهم قرار تعلیق تعقیب کیفری یا حکم به تعلیق اجرای مجازات صادر شود رفع تعلیق وی با مرجع انتظامی خواهد بود.

فصل چهارم ــ حق‌الزحمه مترجم (م ۵۳ تا م ۵۹)

ماده ۵۳ ـ حق‌الزحمه مترجم رسمی به قرار زیر است ۱ ـ برای ترجمه از زبان بیگانه به فارسی و بالعکس هر کلمه هشتاد ریال ۲ ـ برای ترجمه‌های فوری هر کلمه ۱۲۰ ریال ۳ ـ برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی غیر فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس و به‌تناسب تعداد کلمات فنی و تخصصی هر کلمه از یکصد ریال تا یکصد شصت ریال ۴ ـ برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس هر کلمه صد و بیست ریال تا صد و هشتاد ریال به تشخیص اداره فنی یا دادگستری محل ۵ ـ کلمات مرکب از قبیل کتابخانه و دهکده یک کلمه محسوب می‌شود. ۶ ـ حروف ربط و اضافه یک کلمه محسوب خواهد شد. ۷ ـ در ترجمه اعداد تا ۵ رقم مستقل یک کلمه به شماره می‌رود. ۸ ـ چنانچه متقاضی از ترجمه‌ای بیش از یک نسخه بخواهد بابت نسخ اضافی تا سه نسخه اول دو هزار ریال برای نسخ بعدی به ازای هر سه نسخه اضافی پانزده درصد بر مبلغ قبل آن اضافه خواهد شد و حق‌امضای مترجم برای نسخه‌های اضافی تا سه نسخه هزار و پانصد ریال است ۹ ـ حق الزحمه گواهی مطابقت رونوشت سند با اصل که طبق ماده ۷۵ ق .آ.د.م وسیله مترجم رسمی‌انجام شود هر صفحه هزار و پانصد ریال است ۱۰ ـ حق الزحمه مترجم برای ترجمه شفاهی تا یک ساعت پنجاه هزار ریال و مازاد بر یک ساعت به‌ازای هر ساعت اضافی پانزده هزار ریال خواهد بود که متقاضی باید قبل از تشکیل جلسه حداقل حق‌الزحمه را به طور علی‌الحساب در صندوق دادگستری تودیع و قبض آن را ارائه نماید. ۱۱ ـ هزینه سفر مترجمان رسمی بر طبق تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مندرج در آیین‌نامه مربوطه و اصطلاحات بعدی خواهد بود. ۱۲ ـ پول تمبر ترجمه و نسخ اضافی و هزینه پلمپ به عهده متقاضی است ماده ۵۴ ـ در صورت اقتضا از طرف اداره فنی در خرداد ماه هر سال کمیسیونی مرکب از رئیس یا معاون اداره فنی و نماینده معاونت قضایی رئیس قوه قضائیه و دو نفر مترجم رسمی به انتخاب اداره فنی‌تشکیل و و با توجه به افزایش یا کاهش هزینه زندگی نسبت به تعدیل حق‌الزحمه ترجمه رسمی مندرج‌در ماده ۵۳ آیین‌نامه اقدام خواهد شد. ماده ۵۵ ـ امضای مترجم ذیل ترجمه یا رونوشت یا فتوکپی اسناد و اوراق در مرکز وسیله اداره فنی و درشهرستانها وسیله یکی از قضات دادگستری محل که به پیشنهاد اداره فنی و تصویب معاون قضایی‌تعیین خواهد شد تصدیق و به مبلغ مقرر قانونی تمبر الصاق می‌شود. ماده ۵۶ ـ در صورت تعلیق یا انفصال یا غیبت طولانی یا حجر یا بیماری طولانی یا فوت مترجم‌رسمی بنا به تقاضای اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها برگها و اسناد و دفاتر راجع به‌امور ترجمه جمع آوری و به اداره فنی یا دادگستری محل ارسال می‌گردد درصورتی که بین آنها اشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد باید در قبال اخذ رسید به صاحبان آنها مسترد شود. ماده ۵۷ ـ از تاریخ قابل‌اجراشدن این‌آیین‌نامه کلیه آیین‌نامه‌های مربوط به مترجمان رسمی ملغی است ماده ۵۸ ـ این آیین‌نامه پانزده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا است ماده ۵۹ ـ این آیین‌نامه در ۵۸ ماده و ۱۸ تبصره تصویب می‌شود.

آیین‌نامه مترجمان رسمی

نظر به ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۱۶آیین‌نامه مترجمان رسمی در ۳۷ ماده و ۱۲ تبصره به‌شرح زیر تصویب می‌شود: الف ـ ترتیب انتخاب مترجمان رسمی ماده ۱ ـ قوه قضائیه در صورت احتیاج به وسایل مقتضی از داوطلبان واجد صلاحیت مترجمی رسمی‌دعوت می‌کند تا درخواست خود را در تهران به اداره فنی تسلیم کنند. ماده ۲ ـ شرایط مترجمی رسمی از قرار زیر است ۱ ـ داشتن تسلط در ترجمه زبان مورد احتیاج و نگارش فارسی ۲ ـ داشتن بیش از ۲۵ سال سن ۳ ـ عدم شهرت به فساد اخلاقی و داشتن صداقت و امانت و رشد به تشخیص کمیسیون ماده ۵. ۴ ـ عدم محکومیت به مجازاتی که به تشخیص اداره فنی منافی با شغل مترجمی رسمی باشد. ماده ۳ ـ درخواست مترجمی رسمی باید دارای پیوستهای زیر باشد: ۱ ـ یک برگ رونوشت یا فتوکپی مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ۲ ـ دو قطعه عکس ۴*۳ (برقی ۳ ـ عدم شهرت به فساد

اخلاقی و داشتن صداقت و امانت و رشد به تشخیص کمیسیون ماده ۵. ۴ ـ عدم محکومیت به مجازاتی که به تشخیص اداره فنی منافی با شغل مترجمی رسمی باشد. ماده ۴ ـ درخواست مترجمی رسمی به‌ترتیب تاریخ وصول در دفتری ثبت و برای هر داوطلب پرونده‌جداگانه‌ای تشکیل می‌شود اداره فنی قبل از صدور پروانه مترجمی رسمی از طریق دادگستری محل و یابه‌هر طریق مقتضی درباره صلاحیت داوطلب تحقیق به‌عمل آورده نتیجه را در پرونده وی منعکس‌می‌نماید. ماده ۵ ـ اداره فنی پرونده داوطلبان را در کمیسیون مرکب از رئیس اداره فنی و در غیاب وی معاون اداره‌فنی و یک نفر که به‌زبان خارجی مربوط تسلط کامل داشته باشد و یک نفر از قضات به انتخاب معاون‌قضایی مطرح می‌سازد و واجدین صلاحیت را با تعیین تاریخ برای شرکت در امتحان دعوت می‌کند.دعوت کتبا و لااقل یک ماه قبل از تاریخ امتحان باید به‌عمل آید. ماده ۶ ـ امتحان در تهران زیر نظر اداره فنی به‌وسیله هیات ممتحنه به‌عمل می‌آید و به‌صورت ترجمه اززبان فارسی به‌زبان خارجی و بالعکس خواهد بود و استفاده از فرهنگ لغت در جلسه امتحان مجازاست سئوالات امتحانی در جلسه‌ای که روز امتحان تشکیل می‌شود تهیه و تکثیر و بلافاصله در اختیارداوطلبان گذارده خواهد شد. تبصره ـ هیات ممتحنه از سه نفر اشخاص متبحر در زبان مورد نیاز که لااقل یکی از آنها مترجم رسمی‌آن زبان باشد به انتخاب اداره فنی تشکیل می‌گردد و در صورت عدم دسترسی به تعداد مذکور ممکن‌است از تعداد کمتر استفاده شود. ماده ۷ ـ طرح سئوالات و تصحیح اوراق امتحانی زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۵ توسط هیات‌ممتحنه مذکور در ماده ۶ و تبصره آن صورت می‌گیرد و نمره‌ای که به اوراق داده می‌شود از صد منظور می‌گردد و حداقل نمره قبولی هشتاد می‌باشد. نمره هر ورقه ذیل یا ظهر آن ورقه ثبت شده و به امضای‌هیات ممتحنه می‌رسد. ماده ۸ ـ برای داوطلبان مترجمان رسمی اظهارات (موضوع ماده یک قانون راجع به ترجمه اظهارات واسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۱۶) شرکت در امتحان شفاهی الزامی است و قبولی در امتحان به نحو مذکور در ماده ۷ خواهد بود. ماده ۹ ـ اداره فنی از بین قبول شدگان به ترتیب نمره دو برابر تعداد مورد لزوم را برای انجام مصاحبه‌دعوت می‌نماید. مصاحبه زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۵ انجام می‌گیرد. اداره فنی تعداد مورداحتیاج را به ترتیب از بین کسانی که دارای نمره بیشتری بوده و در مصاحبه قبول شده‌اند انتخاب می‌کند. ماده ۱۰ ـ انتخاب شدگان در حضور کمیسیون مذکور در ماده ۵ به‌شرح زیر سوگند یاد می‌کنند: «به‌خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به‌کارنبرم و در سمت مترجمی رازدار و امین باشم » سپس اداره فنی به‌نام آنان پروانه مترجمی رسمی صادر و پس از الصاق تمبر به‌مبلغ مقرر قانونی به آنان‌تسلیم می‌کند. پروانه مترجم رسمی باید دارای عکس و نمونه امضا باشد. ماده ۱۱ ـ مترجم رسمی حق تغییر محل کار خود را ندارد و هر گونه تغییر محل با موافقت اداره فنی ومعاونت قضایی رئیس قوه قضائیه بوده و در پروانه مترجمی درج خواهد گردید. تبصره ۲ ـ دایر کردن موسسه‌ای با نام دارالترجمه یا تحت هر عنوان دیگری که بدون حضور مترجمان‌رسمی به امر ترجمه و تائید اسناد اشتغال داشته باشند ممنوع است و مدیران و مسوولین این موسسات‌طبق مقررات کیفری با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قرار خواهند گرفت ب ـ تمدید پروانه ماده ۱۲ ـ مترجم رسمی باید هر دو سال یک نوبت در اردیبهشت ماه برای تمدید پروانه خود به اداره‌فنی مراجعه نماید در صورتی که موجبی برای عدم تمدید نباشد پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی‌پروانه وی برای دو سال توسط اداره فنی تمدید می‌شود. اداره فنی و دادگستری شهرستانها از تصدیق امضا مترجمی که پروانه وی تمدید نشده ممنوع می‌باشند. اداره فنی تمدید پروانه را به دادگستری محل اطلاع می‌دهد. تبصره ـ چنانچه مترجمی چند سال مبادرت به تمدید پروانه خود نکند در زمان تمدید مکلف به‌الصاق تمبر سنوات گذشته خواهد بود. ماده ۱۳ ـ دادگاه یا دادسرا یا هر مقام رسمی دیگری که به مترجم کار ارجاع می‌کند باید طرز رفتار او رامراقبت و هرگونه تخلفی را که مشاهده نماید به اداره فنی گزارش دهد. ماده ۱۴ ـ اداره فنی موظف است اسناد و مدارک تحصیلی وکلا اوراقی را که از طرف مراجع رسمی ذی‌صلاح برای ترجمه به آن اداره فرستاده می‌شود در صورت پرداخت هزینه به مترجم رسمی ارجاع و پس‌از ترجمه و گواهی امضای مترجم اعاده کند. ج ـ وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی ماده ۱۵ ـ وظایف مترجم

رسمی با توجه به قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتراسناد رسمی و ماده ۷۵ قانون آیین‌دادرسی مدنی حسب مورد به‌قرار زیر است ۱ ـ ترجمه اسناد و اوراق مورد درخواست متقاضی که به این منظور به مترجم تسلیم می گردد. ۲ ـ ترجمه اظهارات اصحاب دعوی یا وکلای آنان یا شهود یا کارشناسان در مراجع قضایی و طرفین‌معامله یا وکلای آنان یا شهود در دفاتر اسناد رسمی ۳ ـ گواهی صحت ترجمه اسنادی که در ایران یا یکی از کشورهای بیگانه ترجمه یا تنظیم شده است ماده ۱۶ ـ مترجم رسمی باید دارای دفتر ثبت و برگ رسید و مهر به‌شرح زیر باشد: ۱ ـ دفتر ثبت که شماره ردیف و مشخصات کارهای ارجاعی (نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام‌متقاضی اگر غیر از صاحب سند باشد و نشانی کامل او و تاریخ ارجاع و تاریخ استرداد ترجمه و میزان‌دستمزد) در آن ثبت می‌شود این دفتر به وسیله اداره فنی برگ شماری و منگنه و مهر خواهد شد. ۲ ـ برگ رسید که نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی (اگر غیر از صاحب سند باشد) و تاریخ استرداد و میزان دستمزد ترجمه در آن ثبت و هنگام دریافت سند به متقاضی ترجمه داده می‌شودومترجم مکلف است نسخه‌ثانی رسید دستمزد ترجمه را منضم به اوراق ترجمه به اداره فنی ارسال دارد. ۳ ـ مهر که در آن نام و نام‌خانوادگی مترجم و زبانی که مترجم رسمی آن است و شماره پروانه مترجمی‌رسمی قید شده و مترجم با آن ذیل اوراق ترجمه را مهر می کند دفتر و رسید مهر مذکور طبق نمونه موجود در اداره فنی تهیه می‌شود. ماده ۱۷ ـ مترجم موظف است ۱ ـ ترجمه هر سند را روی برگ مخصوص که شکل و اندازه آن از طریق اداره فنی تعیین می‌شود پاکیزه و بدون قلم خوردگی و حک و اصلاح به هزینه خود ماشین و در پایان آن مطابقت ترجمه را با اصل‌تصدیق و با قید تاریخ امضا کند. هرگاه ترجمه سندی از یک صفحه تجاوز کند مترجم باید زیر هر صفحه تصریح کند که بقیه در صفحه‌بعد ترجمه شده است و ذیل تمام صفحات را امضا و آنها را منگنه و پلمپ می‌نماید. در مورد مدارک تحصیلی و اسناد مربوط به آن می‌توان به تقاضای متقاضی آنها را یکجا منگنه و پلمپ کرد. ۲ ـ گواهی صحت ترجمه یا مطابقت رونوشت یافتوکپی با اصل باید ذیل اوراق مورد گواهی به‌عمل آیدو در صورت تعدد صفحات ذیل هر صفحه مستقلا یا قید اینکه بقیه در صفحه دیگر است گواهی و به‌ترتیب بند یک منگنه و پلمپ می‌شود. تبصره ۱ ـ هزینه پلمپ به میزان مقرر قانونی است که متقاضی باید بپردازد. تبصره ۲ ـ مترجم موظف است علاوه بر نسخ مورد احتیاج متقاضی یک نسخه تائید شده برای‌بایگانی خود تهیه و تا پنج سال نگهداری نماید در صورت مطالبه اداره فنی یا سایر مراجع ذی‌صلاح آن را ارائه دهد. ماده ۱۸ ـ مترجم نمی‌تواند از قبول کاری که به او رجوع می‌شود بدون عذر موجه خودداری کند و یا آن‌را به تاخیر بیندازد. وقت لازم برای ترجمه اسناد و مدارک عنداللزوم از طرف اداره فنی و یا دادگستری‌محل تعیین خواهد شد. تبصره تخلف از ماده ۱۸ موجب انفصال مترجم به‌مدت شش ماه از شغل مترجمی به پیشنهاد اداره‌فنی و تصویب معاونت قضایی ریاست قوه قضائیه خواهد گردید. ماده ۱۹ ـ در صورتی که مترجم به لحاظ بیماری یا ماموریت یا هر علت دیگری قادر به انجام کارترجمه نباشد، باید به فوریت مراتب را با ذکر دلیل به اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها ومتقاضی اعلام کند و هرگاه اسناد و اوراقی برای ترجمه نزد او باشد، این اسناد و اوراق را سریعا مسترددارد. ماده ۲۰ ـ مترجم رسمی مکلف است در موقعی که مقام صلاحیتدار تعیین می‌کند در محل مقرر حاضرشود مگر اینکه عذر موجهی داشته باشد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلا به اطلاع آن مقام‌برساند. ماده ۲۱ ـ مترجم رسمی موظف است تمام اظهارات و مندرجات اسناد و مدارک و اوراقی را که برای‌ترجمه به او داده می‌شود جز به جز و کلمه به کلمه ترجمه نماید و حق ندارد چیزی را حذف و یااضافه کند و چنانچه مورد تخلف منطبق با ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب۲۳/۱۱/۱۳۱۷ باشد به مجازات مقرر در ماده مرقوم خواهد رسید. تبصره ۱ ـ مترجم رسمی نباید ترجمه اسناد را ترجمه نماید و در صورت تخلف اداره فنی یا دادگستری محل امضای او را گواهی نخواهد کرد. تبصره ۲ ـ در مورد اسناد رسمی تشخیص موادی که ترجمه آنها ضرورتی ندارد با اداره فنی است ورعایت دستورات اداره مذکور در این مورد برای مترجم الزامی است ماده ۲۲ ـ مترجم رسمی مسوول حفظ و مراقبت اسنادی است که برای ترجمه به او سپرده می‌شود وموظف است اسناد را به همان صورتی که تحویل گرفته رد کند. ماده

۲۳ ـ مترجم رسمی موظف است در صورتی که سند و مدرک مخدوش باشد مراتب را در ترجمه وبرگ رسیدی که به‌صاحب سند می‌دهد، قید کند. ماده ۲۴ ـ هرگاه اشتباه مترجم به‌تصدیق دو نفر از مترجمان رسمی دیگر به انتخاب اداره فنی در امرترجمه محرز شود و خسارتی بابت وجه تمبر و تصدیق امضاء و سایر هزینه‌های مربوط به امر ترجمه‌متوجه صاحب سند گردد مترجم موظف است بـا اخطار اداره فنی در جبران خسارت وارده یا جلب‌رضایت صاحب سـند اقـدام کنـد و تحت تعقیب انتظامی نیز قرار خواهـد گرفت تبصره ـ در خصوص مـاده فوق در صورت احراز عمـد مـترجم عمـل وی مطـابق مـاده ۲۸ قانون راجع‌به‌کارشـناسان رسـمی مصوب ۲۳/۱۱/۱۳۷۱ قابـل تعقیب کیفری خواهـد بود. ماده ۲۵ ـ مـترجم مکلـف است اسـراری که در اثر امر ترجمه به آنهـا واقـف می‌شود حفظ کنـد و در صورت‌افشای اسـرار مراجعین به مجازات مندرج در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب۱۳۶۲ ه .ش محکوم خواهـد گردیـد. مـاده ۲۶ ـ دریـافت هر وجـه یـا مـال یـا تحمیـل خـدمتی بـابت ترجمـه بیش از آنچـه ایـن آیین‌نـامه مقرر می‌داردممنوع است و مرتکب طبق ماده ۱۴ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ قابل تعقیب‌کیفری خواهد بود. ماده ۲۷ ـ در صورت تخلف مترجم رسـمی از مقررات این آیین‌نامه اداره فنی می‌توانـد از تمدیـد پروانه اوبرای یک یا چنـد دوره خودداری نمایـد و این امر مانع تعقیب انتظامی یا کیفری او حسب قوانین مربوطه‌نخواهد بود. د ـ دسـتمزد مترجم رسـمی ماده ۲۸ ـ حق الزحمه مترجم رسـمی به‌قرار زیر است ۱ ـ برای ترجمه از زبـان بیگـانه به‌فارسـی و بالعکس هر کلمه پانزده ریال ۲ ـ کلمـات مرکب از قبیل کتابخانه و دهکـده یک کلمه محسوب می‌شود. ۳ ـ حروف ربط و اضافه یک کلمه محسوب خواهـد شـد. ۴ ـ در ترجمه اعـداد هر پنج عدد مستقل یک کلمه به‌شـمار می‌رود. ۵ ـ حداقل دسـتمزد مترجم ۱۵۰۰ ریال است ۶ ـ چنانچه متقاضـی از ترجمه‌ای بیش از یک نسـخه بخواهد باید هزینه ماشین نویسـی و حق امضای‌مترجم را بپردازد. هزینه ماشـین نویسـی برای هر نسخه اضافی ۲۰۰ ریال است و حق امضای مترجم برای‌نسـخه‌های اضافی هر صفحه ۱۰۰ ریال خواهد بود. ۷ ـ حق الزحمه گواهی مطابقت رونوشت سـند با اصل که طبق ماده ۷۵ قانون آیین‌دادرسـی مدنی وسیله‌مترجم رسمی انجام شود، هر صفحه یکصد ریال است ۸ ـ حق الزحمه مترجم برای ترجمه شـفاهی هر سـاعت پنـج هزار ریال است که از طرف متقاضـی پرداخت‌می‌شود چنانچه مـدت از پنـج ساعت تجاوز کند نسبت به بقیه ساعات هر ساعت دو هزار ریال حق‌الزحمه دریافت خواهد شد. حداقل حق الزحمه شفاهی پنج هزار ریال خواهد بود. اگر مـترجم حاضـر شود ولی به‌علت غیبت یکی از اصـحاب دعوی ترجمه انجـام نشود پرداخت حـداقل‌حق‌الزحمه به عهـده متخلف است ۹ ـ هزینه سـفر مترجمـان رسـمی کیلومتری چهـل ریال و روزی ۸۰۰۰ ریال است که متقاضـی بایـد بپردازد. ۱۰ ـ حـق الزحمه مترجم برای ترجمه از زبان فارسـی به زبانهای بیگانه در مورد مـدارکی که با شـکل ثابت‌از مراجع مختلف صادر می‌شود به‌قرار زیر است (پول تمبر نسـخ اصـلی و اضـافی و هزینه پلمپ به عهـده متقاضـی است . ۱ ـ شناسـنامه فرد متاهل۱۵۰۰ ریال ۲ ـ شناسنامه فرد مجرد۱۲۰۰ ریال ۳ ـ گواهی عدم سو پیشـینه ۱۲۰۰ ریال ۴ ـ برگ پایان خـدمت نظام وظیفه ۱۲۰۰ ریال ۵ ـ برگ معافیت از خـدمت نظام وظیفه ۱۲۰۰ ریال ۶ ـ کارنامه هر کلاس غیر دانشـگاهی ۸۰۰ ریال ۷ ـ ریز نمرات هر ترم دانشـگاهی ۱۰۰۰ ریال ۸ ـ گواهینامه پایان تحصیلات ۱۰۰۰ ریـال ۹ ـ تائیـدیه گواهینـامه پایان تحصـیلات ۱۰۰۰ ریـال ۱۰ ـ گواهینـامه راننـدگی ۱۰۰۰ ریـال ۱۱ ـ کـارت شناسایی ۱۰۰۰ ریال ۱۲ ـ کارت تحصـیلی ۱۰۰۰ ریال ۱۳ ـ پروانـه کسب ۱۲۰۰ ریال ۱۴ ـ سـند ازدواج جدید ۴۰۰۰ ریال ۱۵ ـ سند ازدواج قدیم ۳۰۰۰ ریال ۱۶ ـ طلاق نامه اعم از دفترچه یا ورقه ۳۰۰۰ ریال ۱۷ ـ سند مالکیت فاقد درج انتقالات بعدی ۳۰۰۰ ریال ۱۸ ـ سـند مالکیت با درج انتقالات بعـدی ۴۰۰۰ ریال تبصـره ۱ ـ هرگاه صاحب سـند متقاضـی ترجمه فوری باشـد کتبا درخواست و ۵۰ درصـد اضافه برتعرفه‌پرداخت کند. منظور از فوری ترجمه بیش از ۵ برگ در ظرف سه روز و کمتر از پنج برگ در یک روزاسـت تبصره ۲ ـ هرگاه سـند داری اصـطلاحات مشـکل فنی و حرفه‌ای باشد از قبیل اوراق حقوقی وقراردادهای تجاری و فنی و صـنعتی با تشـخیص رئیس اداره فنی یـا معـاونین وی در مرکز و رئیس‌دادگستری محـل در شهرسـتانها تا ۲۰۰ درصـد اضافه بر تعرفه پرداخت می‌شود. ماده ۲۹ ـ در خردادماه هر سال کمیسـیونی مرکب از رئیس یا معاون اداره فنی و نماینـده معاونت قضایی‌رئیس قوه قضائیه و

یک نفر مترجم رسمی به انتخاب اداره فنی تشکیل و با توجه به افزایش یا کاهش‌هزینه زندگی نسبت به تعدیل تعرفه حق‌الزحمه مترجم رسمی مندرج در ماده ۲۸ آیین‌نامه اقدام خواهندنمود. ماده ۳۰ ـ امضای مترجم ذیل ترجمه یا رونوشت یا فتوکپی اسناد و اوراق در مرکز وسیله اداره فنی و در شهرستانهایی که مترجم رسمی در آنجا مقیم است بوسیله یکی از قضات دادگستری محل که به پیشنهاد اداره فنی و تصویب معاون قضایی تعیین خواهد شد، تصدیق و برای هر تصدیق به مبلغ مقرر قانونی‌تمبر الصاق می‌شود. ماده ۳۱ ـ در صورت تعلیق یا انفصال یا غیبت طولانی یا حجر یا فوت مترجم رسمی بنا به تقاضای‌اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها از طرف دادسرای عمومی محل برگها و اسناد و دفاترراجع به امور ترجمه جمع‌آوری و به اداره فنی یا دادگستری محل ارسال می‌گردد. در صورتی که بین آنها اشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد، باید در قبال اخذ رسید به صاحبان آنها مسترد شود. ماده ۳۲ ـ مرجع تعقیب انتظامی مترجم رسمی اداره فنی است ماده ۳۳ ـ معاون قضایی می‌تواند همین که از سو رفتار و اخلاق مترجم رسمی مطلع شد امر به تعقیب‌انتظامی او داده و در مواردی که اشتغال او به مترجمی منافی با حیثیت مترجمان رسمی باشد وی را ازشغل مترجمی معلق نماید و رفع تعلیق مترجم رسمی موکول به نظر معاونت قضایی خواهد بود. ماده ۳۴ ـ چنانچه مترجم رسمی به‌اتهام ارتکاب بزهی تحت پیگرد مراجع قضایی قرار گیرد و عمل‌ارتکابی به تشخیص اداره فنی مغایر با شوونات مترجمی رسمی باشد تا اعلام رای نهایی از محکمه‌صالحه به‌دستور اداره فنی از سمت مترجمی رسمی معلق خواهد شد و در صورت صدور رای قطعی‌برائت یا منع پیگرد یا موقوفی تعقیب رفع تعلیق به‌عمل خواهد آمد. چنانچه درباره متهم قرار تعلیق‌تعقیب کیفری یا حکم به تعلیق اجرای مجازات صادر شود رفع‌تعلیق وی با اجازه کتبی معاون قضایی ریاست قوه قضائیه ممکن خواهد بود. ماده ۳۵ ـ اداره فنی در صورت نیاز مشخصات کامل مترجمان را به‌وسیله روزنامه رسمی و دفترچه‌های‌مخصوص منتشر می‌کند. ماده ۳۶ ـ مواد ۳۱ و ۳۲ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب ۲/۳/۱۳۱۰ و بند یک (قسمتهای‌الف و ب ماده ۵۸ نظامنامه اجرای قانون علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱/۴/۱۳۱۰ و کلیه‌آیین‌نامه‌های مربوط به مترجمان رسمی از تاریخ قابل اجرا شدن این آیین‌نامه ملغی است ماده ۳۷ ـ این آیین‌نامه پانزده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا است رئیس قوه قضائیه

آیین نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری – مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۷/۲/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۲۷۹۷/۰۲/۱۱۱ مورخ ۲۸/۷/۱۳۸۱ وزارت دادگستری و به استناد ماده (۴۰) قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری – مصوب۱۳۸۱– آیین نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمود: «آیین نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری» فصل اول – کلیات: ماده ۱ – در این آیین نامه، واژه های اختصاری زیر در مفاهیم مشروح مربوط به کار می رود: الف – قانون : «قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری». ب – کانون : «کانون کارشناسان رسمی دادگستری». ج – شورای عالی : «شورای عالی کارشناسان رسمی». ماده ۲ – ملاک تعیین کارشناس رسمی مقیم در مورد تعیین نصاب تشکیل کانون در مراکز هر استان، محل اقامتی می باشد که در پروانه کارشناسی آنان تعیین گردیده است. ماده ۳ – معیار تشخیص نزدیکترین کانون، فاصله نزدیکترین مرکز هر استان با مرکز استان دیگر، براساس جداول تعیین فاصله شهرها که به وسیله وزارت راه وترابری تهیه می شود بوده و در صورت بروز هرگونه ابهام و اختلاف در تشخیص نزدیکترین کانون، نظر شورای عالی ملاک عمل می باشد. فصل دوم – شورای عالی: ماده ۴ – تعداد نصاب هر کانون برای عضویت در شورای عالی، متناسب با تعداد کارشناسان رسمی آن کانون، حداقل سه ماه قبل از برگزاری انتخابات در هر دوره انتخاباتی به وسیله شورای عالی تعیین و اعلام می گردد. ماده ۵ – نصاب کانونها برای عضویت در شورای عالی با درنظرگرفتن نسبت کل کارشناسان رسمی به تعداد هجده نفر اعضا شورای عالی تعیین می گردد چنانچه تعداد کارشناسان رسمی یک کانون (اعم از کارشناسان آن استان و کارشناسان استان دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو آن کانون محسوب می گردند) کمتر از نصاب لازم برای

معرفی یک عضو باشند، کارشناسان آن کانون به ترتیب با کارشناسان نزدیکترین کانون یا کانونهای دیگر تجمیع و تعداد نصاب اعضای برای شورای عالی تعیین خواهدشد. تبصره – پس از تعیین و اعلام تعداد نصاب اعضای هر کانون، داوطلبان عضویت در شورای عالی یک ماه مهلت دارند تا در کانون مربوط داوطلبی خود را ثبت نمایند کانونها موظفند ظرف حداکثر پانزده روز از تاریخ پایان مهلت ثبت نام، اسامی و آخرین وضعیت پروانه کارشناسی داوطلبان را به شورای عالی و در دوره اول به کانون استان تهران اعلام نمایند. ماده ۶ – شورای عالی بلافاصله پس از وصول تمامی اسامی داوطلبان که ثبت نام کرده اند فهرست اسامی و وضعیت پروانه آنان را در اختیار کمیسیون تشخیص صلاحیت موضوع ماده (۱۳) قانون قرارمی دهد. تبصره ۱ – داوطلبان باید در زمان ثبت نام و اخذ رای دارای پروانه معتبر کارشناسی بوده و در حالت تعلیق نباشند. تبصره ۲ – شورای عالی پس از اخذ نظر کمیسیون ماده (۱۳) بلافاصله فهرست اسامی داوطلبان واجدشرایط را به کانونهای مربوط اعلام می نماید داوطلبانی که صلاحیت آنها ردشده می توانند از تاریخ اعلام کانون مربوط به آنان، ظرف مدت پنج روز اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند. کانون مزبور بلافاصله اعتراضات واصله را به کمیسیون ماده (۱۳) منعکس نموده و کمیسیون یادشده ظرف یک هفته نظریه قطعی خود را به کانون مربوط اعلام خواهدکرد. ماده ۷ – به منظور انتخاب اعضا شورای عالی پس از تعیین نصاب هر استان در روز و ساعت معینی در کانون مربوط در سراسر کشور انتخابات برگزار می شود. کارشناسان رسمی دادگستری عضو کانون مربوط می توانند به تعداد دو برابر نصاب تعیین شده به کاندیداهای موردنظر خود رای دهند. انتخاب شوندگان به ترتیب فوق در جلسه ای که در محل شورای عالی تشکیل می شود و تاریخ آن از قبل تعیین وبه اطلاع منتخبین رسیده از بین خود ۱۸ نفر را به عنوان اعضا شورای عالی انتخاب می نمایند. در هر صورت تعداد انتخاب شدگان در استان باید دو برابر نصاب تعیین شده باشد. تبصره ۱ – کلیه هجده نفر باقیمانده از منتخبان مرحله اول، به عنوان افراد ذخیره کانونهای مربوط در شورای عالی محسوب می گردند تا چنانچه اعضا اصلی کانون مربوط به هر دلیل از جمله فوت، استعفای، تعلیق، ابطال پروانه کارشناسی یا غیبت غیرموجه عضویت خود را از دست دهند، افراد ذخیره آن کانون که به ترتیب حایز اکثریت آرا بوده برای بقیه مدت به عضویت اصلی شورای عالی دراینـد. تبصره ۲ – چنانچه افراد ذخیره نیز به دلایل فوق وجود نداشته باشند، انتخابات میان دوره ای در کانون مربوط انجام شده و دوبرابر نصاب تعیین شده مذکور انتخاب و معرفی می گردند تا در شورای عالی با حضور تمامی اعضا اصلی و نیز افراد ذخیره کانونها که حداکثر سی و شش نفر خواهندبود، اعضا اصلی موردنیاز تا حدنصاب را انتخاب نمایند در هر صورت رعایت نصاب تعیین شده برای کانونها اعم از اصلی و ذخیره باید مدنظر باشد بقیه منتخبان مذکور، افراد ذخیره کانون مربوط برای باقیمانده مدت محسوب می گردند. ماده ۸ – مسئولیت اجرای انتخابات به عهده شورای عالی خواهدبود. معرفی کارشناسان موضوع ماده (۱۳) قانون به رئیس قوه قضائیه و اجرای انتخابات شورای عالی و کلیه وظایفی که در قانون و این آیین نامه به عهده شورای عالی است، در دوره اول و قبل از تشکیل شورای عالی به عهده کانون استان تهران می باشد. ماده ۹ – محل برگزاری مرحله اول انتخابات شورای عالی، کانون استانها و در مرحله دوم کانون استان تهران یا شورای عالی می باشد. در مواردی که طبق قسمت اخیر ماده (۵) این آیین نامه دو یا چند کانون و نمایندگی با یکدیگر تجمیع و رای می دهند، محل برگزاری مرحله اول انتخابات در کانونهای مذکور خواهدبود که اعضا هر کانون برای اخذ رای به کانون استان خود مراجعه می نمایند حائزان اکثریت آرای در این محاسبه کارشناسی می باشد که بیشترین رای را در صندوق کانونهای مذکور کسب نموده باشد، اعم از آرا اعضای مقیم کانونها و آرا اعضای استانهای دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو نمایندگی آن کانون می باشند. ماده ۱۰ – به منظور همکاری و هماهنگی کانونها در امر انتخابات شورای عالی وانتخاب سی و شش نفر مربوط (هجده نفر اعضای اصلی و هجده نفر افراد ذخیره)، بدوا با تشکیل مجمع عمومی مرکب از اعضای هیئت مدیره کلیه کانونهای کشور که به دعوت کانون استان تهران تشکیل می گردد از بین کارشناسان معتبر نسبت به تعیین هیئت نظارت بر انتخابات شورای عالی برای هر استان به پیشنهاد هریک از هیئت مدیره های

استانها اقدام می گردد تعداد اعضای هیئت نظارت مذکور باید به نحوی باشد که برای هر استان لااقل سه نفر به عنوان ناظر بر انتخابات، به شرط آنکه ناظران خود داوطلب عضویت در شورای عالی نباشند، انتخاب شوند نحوه تشکیل، حدنصاب، اداره جلسه و سایر ضوابط مجمع عمومی هیئت مدیره کانونها، طبق نظامات و تشریفات مقرر در قانون و این آیین نامه می باشد که برای مجامع عمومی پیش بینی شده است. ماده ۱۱ – انتخابات اعضای شورای عالی در یک روز و ساعت معین در کل کشور انجام و صندوق اخذ رای در محل کانونهای مربوط یا نمایندگیهای کانون ذی ربط مستقر می گردد کارشناسان واجدشرایط رای دادن در ساعات تعیین شده برای تکمیل تعرفه منضم به رای و اخذ برگ مخصوص رای گیری شخصا با دردست داشتن پروانه کارشناسی معتبر در محل صندوق کانون استان یا نمایندگی مربوط مراجعه و به طور مخفیانه رای خواهندداد. صندوقها باید قبلا با نظارت ناظران منتخب مجمع عمومی هیئت مدیره ها لاک و مهرشده و برگهای آرای نیز قبلا توسط ناظران مذکور امضا و مهر گردد. تبصره – مجمع عمومی هیئت مدیره استانها می توانند در صورت داشتن امکانات اخذ رای در استانهایی که در آنها کانون تشکیل نشده و به صورت نمایندگی یکی از کانونها اداره می شوند ناظران را معرفی و در همان روز و ساعت و تاریخ اخذ رای، در استانهای مذکور نیز صندوق اخذ رای مستقر نمایند. ماده ۱۲ – پس از خاتمه مهلت اخذ رای، صندوقها در محل کانون یا محل نمایندگی مربوط، با حضور ناظران منتخب مجمع عمومی هیئت مدیره کانونها و دو نفر نمایندگان هیئت مدیره کانون مربوط که خود داوطلب انتخاب در شورای عالی نمی باشند، مفتوح گردیده، شمارش و قرائت آرا انجام می گیرد سپس اسامی منتخبان براساس آرای ماخوذه صندوق یا صندوقهای اخذ رای آن استان به ترتیب آرای مکتسبه صورتمجلس و به امضا اعضا جلسه رسیده و برای شورای عالی ارسال می شود. ماده ۱۳ – اولین جلسه شورای عالی، حداکثر پانزده روز پس از انتخابات مرحله دوم، با حضور کلیه اعضای اصلی تشکیل می گردد در این جلسه، اعضا از بین خود رئیس، نایب رئیس، خزانه دار، کارپرداز، دو نفر منشی و دو نفر بازرس با اکثریت آرا انتخاب می نمایند. تبصره ۱ – دعوت اعضا برای تشکیل جلسه به وسیله رئیس شورای عالی صورت می گیرد و در اولین دوره به دعوت رئیس کانون استان تهران می باشد. تبصره ۲ – چنانچه در جلسه اول همه اعضای شرکت ننمایند، ظرف یک هفته جلسه بعدی تشکیل و با حضور نصف به علاوه یک اعضا اصلی رسمیت خواهدیافت رای دو سوم حاضران در جلسه معتبر است. تبصره ۳ – جلسات شورای عالی در هر ماه یک بار تشکیل می شود و در صورت ضرورت جلسات فوق العاده تشکیل خواهدشد. ماده ۱۴– چگونگی ایجاد تشکیلات سازمانی و تقسیم وظایف اعضای شورای عالی طبق دستورالعمل داخلی شورای مزبور صورت خواهدگرفت. ماده ۱۵– عضویت در شورای عالی افتخاری است و بابت عضویت و شرکت در جلسات حق الزحمه ای پرداخت نمی شود. تبصره – چنانچه هریک از اعضا به تشخیص و تصویب شورای عالی به صورت موظف در این شورا مشغول به کار گردند، با تصویب شورای یادشده حق الزحمه ای متناسب برای دوران اشتغال به آنان پرداخت می گردد . ماده ۱۶– هزینه های جاری شورای عالی در بودجه ای که همه ساله توسط شورای مزبور تصویب می گردد، از محل درامد کانون استانها به نسبت بودجه سالانه هرکانون تامین می شود کانونها مکلف به پرداخت این هزینه ها در ظرف سال می باشند. ماده ۱۷ – شورای عالی می تواند از طریق کانونهای مستقل مربوط، محدوده مورد عمل کارشناسان رسمی را به حوزه معینی منحصر نماید. کارشناسان رسمی موظفند نظاماتی را که از طریق شورای عالی با رعایت قانون و این آیین نامه اعلام می گردد رعایت نمایند. ماده ۱۸ – شورای عالی می تواند از میان کارشناسان رسمی کانونهای کشور در هر رشته، هیئت یا هیئتهایی مرکب از حداقل سه نفر کارشناس رسمی به عنوان کمیسیونهای مشورتی علمی و فنی کارشناسان آن رشته انتخاب نماید تا ضمن همکاری لازم در تهیه سئوالات آزمون و نیز اعطا صلاحیت اولیه یا اضافی به کارشناسان رسمی یا متقاضیان کارشناسی، نظر مشورتی خود را به شورای عالی و یا به کانونهایی که شورای عالی به آنها تفویض اختیار نموده اعلام نمایند. ماده ۱۹ – به منظور هماهنگی و امکان استفاده از کارشناسان رسمی کشور در دعاوی خارجی و محاکم و مراجع بین المللی ، شورای عالی موظف است کارت و پروانه کارشناسان رسمی کل کشور را علاوه

بر زبان فارسی به زبان انگلیسی نیز تهیه و جهت استفاده آنها در اختیار کانونهای کشور قراردهد. ماده ۲۰ – اعضای شورای عالی برای مدت چهارسال با رای کارشناسان رسمی کل کشور انتخاب می شوند و انتخاب مجدد تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است. ماده ۲۱ – مکاتبات شورای عالی صرفا از طریق رئیس شورا و در غیاب وی با نایب رئیس خواهدبود. ماده ۲۲ – مقررات، دستورالعملها و ضوابطی که در حدود مقررات قانون و این آئین نامه توسط شورای عالی تصویب و ابلاغ می گردد و همچنین در کلیه مواردی که در اجرای این آئین نامه ابهاماتی پیش آید، نظر شورای عالی که با درنظرگرفتن مقررات قانون و این آیین نامه اعلام می گردد معتبر بوده و برای کلیه کارشناسان رسمی کانونها و مراجع مربوط لازم الرعایه می باشد. فصل سوم – مجامع عمومی: ماده ۲۳ – اعضای مجامع عمومی هر کانون از کارشناسان رسمی آن کانون و همچنین کارشناسان رسمی نزدیکترین استان مجاور که به لحاظ فقدان کانون مستقل عضو آن کانون هستند و دارای پروانه کارشناسی معتبر بوده و درحال تعلیق نباشند تشکیل می گردد. ماده ۲۴ – چنانچه مجامع عمومی براساس بند (الف) ماده (۶) قانون در دومین جلسه نیز نصاب لازم را نداشته باشند، دعوت از اعضا تا تشکیل مجمع با نصاب لازم قانونی تجدید می شود. ماده ۲۵ – در هیچ یک از مجامع، وکالت از اعضای دارای اعتبار نمی باشد. ماده ۲۶ – در مواردی که مهلت تشکیل مجمع عمومی عادی گذشته وبه هردلیل از جمله عدم حدنصاب قانونی در جلسات اول و دوم مجمع عمومی عادی رسمیت نیافته و منتج به نتیجه نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. ماده ۲۷ – در مواردی که نیاز به انتخابات میان دوره ای باشد و همچنین در سایر مواردی که ضرورت تشکیل مجمع فوق العاده را با رعایت دیگر مقررات قانون بنا به تشخیص هیئت مدیره کانون مربوط ایجاب نماید و تصمیمات متخذه جزو وظائف مجمع عمومی عادی نباشد، مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. ماده ۲۸ – نصاب رسمیت جلسات مجامع عمومی عادی در مورد جلسات مجامع عمومی فوق العاده نیز لازم الرعایه است. ماده ۲۹ – مهلت ثبت نام داوطلبان برای عضویت در هیئت مدیره کانون و بازرسان و دادستان انتظامی قبل از تشکیل مجامع عمومی، از سوی شورای عالی از طریق درج در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان و توسط کانون مربوط اعلام می گردد. داوطلبان باید در مهلت تعیین شده به صورت کتبی تقاضای خود را در دفتر کانون مربوط ثبت نمایند. ماده ۳۰ – منظور از شهر محل کانون مندرج در تبصره (۱) ماده (۹) قانون، حوزه فعالیت کارشناس می باشد که در پروانه کارشناسی وی مشخص شده است. ماده ۳۱ – پس از پایان مهلت ثبت نام داوطلبان، دفتر کانون مربوط موظف است تقاضاهای ثبت شده و وضع پروانه داوطلبان و مشخصات کامل آنان را در اختیار کمسیون ماده (۱۳) قانون قراردهد. کمیسیون موظف است ظرف مدت هفت روز شرایط داوطلبان را با شرایط مندرج در ماده (۹) قانون تطبیق و نظر خود را به کانون مربوط اعلام نماید. ماده ۳۲ – نظر کمیسیون بلافاصله در محل کانون مربوط اعلان می گردد. کارشناسان داوطلب که به نظر کمیسیون اعتراض دارند می توانند ظرف سه روز از تاریخ اعلان، اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند، اعتراضات واصله توسط کانون مربوط بلافاصله به شورای عالی ارسال می گردد و شورای مزبور حداکثر ظرف یک هفته رسیدگی و نظر خود را اعلام می نماید نظر شورای عالی قطعی است. ماده ۳۳ – پس از اعلام اسامی داوطلبان واجدصلاحیت، مجمع عمومی در مهلت مقررقانونی تشکیل می گردد و برای انتخاب رئیس و منشیان، ازبین اعضای حاضر در مجمع یک نفر به عنوان رئیس سنی و یک نفر منشی اداره جلسه را به عهده می گیرند و سپس رئیس و دو نفر منشی مجمع عمومی از سوی حاضران در مجمع و از بین اعضا حاضر انتخاب می شوند. ماده ۳۴ – هیئت نظارت از بین اعضای حاضر در جلسه مجمع عمومی انتخاب می گردند. داوطلبان برای هیئت مدیره، بازرسان و دادستان انتظامی نمی توانند به عضویت هیئت نظارت انتخاب شوند. ماده ۳۵ – اعضا شورای عالی و هیئت مدیره کانونها و سایر اعضا ارکان کانونها موظفند همانند سایر کارشناسان رسمی ضمن اقدام برای تمدید به موقع پروانه کارشناسی خود، سایر نظامات مربوط را از طریق کانون ذی ربط رعایت نمایند. ماده ۳۶ – وظایف هیئت رئیسه و هیئت نظارت مجامع عمومی عبارتند از: الف – ایجاد نظم در برگزاری انتخابات. ب – توزیع اوراق اخذ رای پس از امضای و مهرنمودن. ج – مراقبت در جمع

آوری، شمارش و قرائت آرا. د – تنظیم و امضا صورتجلسه برگزاری انتخابات و تهیه فهرست منتخبان به ترتیب تعداد آرا مکتسبه. ه– – اعلام نتیجه انتخابات به شورای عالی جهت صدور احکام مربوط. تبصره – هیئت نظارت مکلف است قبل از اخذ رای صندوق خالی اخذ آرا را به رویت مجمع عمومی رسانیده و سپس آن را لاک ومهر نماید. ماده ۳۷ – انتخابات به صورت جمعی و مخفی انجام می گیرد و رای باید روی اوراق چاپی دو قسمتی تاییدشده به مهر و امضای هیئت نظارت به شرح زیر نوشته شود. در قسمتی از ورقه که نزد کانون باقی می ماند مشخصات کامل رای دهنده شامل موارد ذیل ثبت می گردد: الف – نام و نام خانوادگی و نام پدر. ب – شماره پروانه کارشناسی. ج – نام کانون محل اخذ رای. د – امضا رای دهنده. پس از ثبت مشخصات مذکور، قسمت دوم ورقه که باید فاقد هرگونه امضا، شماره و علامت مشخصه بوده و فقط دارای محل مناسب و کافی برای درج اسامی به تعداد اعضا اصلی و علی البدل ارکان کانون باشد، از ورقه جدا و به رای دهنده تسلیم می گردد، تا رای خود را در آن به صورت مخفی نوشته و در صندوق بیاندازد. ماده ۳۸ – پس از پایان مهلت اخذ رای، صندوق آرای توسط هیئت رئیسه مجمع عمومی و هیئت نظارت مفتوح و آرای ماخوذه شمارش و قرائت می شود و فهرست منتخبان به ترتیب آرای ماخوذه تهیه و امضا می گردد. تبصره – آرای قرائت شده مجددا در صندوق ضبط و توسط هیئت نظارت لاک ومهر می گردد و تا پایان رسیدگی به اعتراضات احتمالی و اعلام نتیجه قطعی انتخابات محفوظ می ماند تا در صورت نیاز به بازبینی و بازرسی مورد استفاده قرارگیرد و سپس معدوم می شود. ماده ۳۹ – مدت اعتراض، از جریان انتخابات تا سه روز پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات می باشد و اعتراض از کسانی پذیرفته می شود که در مجمع عمومی حضور داشته اند. ماده ۴۰ – اعتراض به صورت کتبی به کانون مربوط تسلیم و در جلسه ای مرکب از هیئت رئیسه مجمع عمومی و هیئت نظارت و نماینده شورای عالی رسیدگی می شود رای اکثریت حاضران معتبر می باشد. ماده ۴۱ – کانون مربوط ظرف سه روز از تاریخ قطعی شدن انتخابات، اسامی منتخبان را به شورای عالی ارسال کرده و شورای مزبور احکام لازم را در اسرع وقت صادر و ابلاغ می نماید. ماده ۴۲ – چنانچه در جلسه رسیدگی به اعتراضات، اعتراض وارد تشخیص داده شود، مراتب جهت اتخاذ تصمیم لازم به شورای عالی اعلام می گردد. فصل چهارم – هیئت مدیره: ماده ۴۳ – اعضا اصلی هیئت مدیره کانون به ترتیب تعداد آرا مکتسبه از بین منتخبان تعیین و بقیه نیز به ترتیب تعداد آرا و تا حدنصاب مقرر در ماده (۱۰) قانون عضو علی البدل خواهندبود. ماده ۴۴ – اولین جلسه هیئت مدیره منتخب ظرف حداکثر یک هفته پس از صدور احکام اعضا توسط شورای عالی به ترتیب به دعوت رئیس، نایب رئیس هیئت مدیره قبلی و یا ناظر شورای عالی در مجمع عمومی با حضور تمامی اعضا تشکیل و نسبت به انتخاب رئیس و نایب رئیس و منشی و مسئول امور مالی تصمیم گیری خواهند نمود. تبصره ۱ – چنانچه در جلسه اول تمامی اعضا حضور نیابند جلسه بعدی ظرف یک هفته با رعایت نصاب مندرج در ماده (۱۰) قانون تشکیل یافته و مسئولان یادشده، انتخاب می گردند. تبصره ۲ – جلسات هیئت مدیره باید حداقل هر پانزده روز یک بار تشکیل و خلاصه مذاکرات و نتیجه تصمیمات قرائت و تصویب و سپس صورتجلسه به امضا حاضران در جلسه برسد. ماده ۴۵ – از اعضای اصلی و علی البدل جهت شرکت در جلسات هیئت مدیره دعوت به عمل می آید و اعضای علی البدل در صورتی حق رای خواهندداشت که به علت عدم حضور اعضای اصلی حدنصاب قانونی حاصل نشده باشد در این صورت تا حصول نصاب قانونی اعضای علی البدل به ترتیب آرا به عنوان اعضای اصلی صرفا در همان جلسه حق رای خواهندداشت. ماده ۴۶ – در صورت فوت یا استعفا و یا سلب صلاحیت و یا غیبت غیرموجه در شش جلسه متوالی و یا هر دلیل قانونی دیگر که باعث برکناری عضو اصلی شود، عضو علی البدلی که دارای بیشترین رای بوده به عنوان عضو اصلی جایگزین می گردد وحکم وی با معرفی رئیس کانون توسط رئیس شورای عالی صادر می شود. ماده ۴۷ – هیئت مدیره هر کانون مکلف است هزینه متناسبی را که شورای عالی برابر تبصره ذیل ماده (۳۰) قانون به عنوان سهم آن کانون از هزینه های جاری شورای عالی تعیین و ابلاغ می نماید همه ساله در بودجه خود منظور و به تدریج طی سال مالی مربوط حداکثر تا پایان سال مالی به شورای عالی بپردازد. ماده ۴۸ – هیئت مدیره هر کانون موظف است به منظور اطمینان از ارتقای

کیفیت خدمات حرفه ای کارشناسان کانون مربوط، هماهنگی در روشهای انجام کارشناسی، کیفیت گزارشهای کارشناسی، پیشگیری از رفتار ناسازگار با شیون حرفه ای و ضرورت گذراندن دوره های بازآموزی کارشناسان عضو، همچنین دقت در رعایت مقررات قانونی، آیین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی و ضوابط ونظامنامه های تدوینی و تصویبی شورای عالی، بر کار حرفه ای کارشناسان رسمی آن کانون نظارت مستمر نماید. نظارت کانون بر فعالیتهای حرفه ای اعضا با جلب نظر گروه های تخصصی ذی ربط انجام می گیرد. کارشناسان رسمی موظفند پرونده ها، اطلاعات، مدارک موردنیاز را برای رسیدگی در اختیار کانون و گروههای مذکور قراردهند گزارشها و مدارک مربوط جزو اسناد طبقه بندی شده محسوب و به کارگیری و یا افشای آن در غیرمورد ممنوع می باشد. فصل پنجم - بازرسان: ماده ۴۹ - وظایف و اختیارات بازرسان در شورای عالی عبارتست از: الف - مانند سایر اعضای شورای عالی در جلسات شورای مزبور با داشتن حق رای شرکت نموده و در تعیین خط مشی و سایر تصمیمات سهیم می باشند. ب - هر زمان که لازم بدانند می توانند امور مالی شورای عالی را مورد بررسی و حسابرسی قرارداده و اگر در زمینه نگهداری حسابها و مسائل مالی به مواردی از وجود نقص و یا سوی جریان برخورد نمودند موضوع را به رئیس شورای عالی جهت طرح در جلسات آن شورا گزارش نمایند و چنانچه رئیس شورای عالی از طرح موضوع خودداری نماید، بازرسان می توانند موضوع نواقص احتمالی را مستقیما در شورای عالی مطرح نمایند. ماده ۵۰ - وظایف و اختیارات بازرسان در هیئت مدیره کانونها به شرح زیر است: الف - بازرسان می توانند در جلسات هیئت مدیره بدون داشتن حق رای شرکت نمایند. ب - بازرسان اختیار دارند بدون دخالت در امور اجرایی بر عملیات کانون نظارت داشته و دفاتر و اسناد و مدارک و اطلاعات موردنیاز را بدون آنکه وقفه ای در فعالیتهای اجرایی کانون ایجاد شود مطالبه و مورد بررسی قراردهند. ج - بازرسان موظفند صورتهای مالی مصوب هیئت مدیره کانون را که حداقل دو هفته قبل از تشکیل مجمع عمومی سالیانه تهیه و در اختیارشان قرار می گیرد، مورد رسیدگی قرارداده و نظر خود را ظرف حداکثر پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار هیئت مدیره جهت طرح در مجمع عمومی قراردهند و گزارش سالیانه خود را براساس ماده (۲۰) قانون به مجمع عمومی ارائه نمایند. فصل ششم - آزمون، کاراموزی، صدور پروانه کارشناسی: ماده ۵۱ - شورای عالی همه ساله طی یک نوبت آگهی که حداقل در دو روزنامه کثیرالانتشار کشور منتشر می شود تعداد کارشناسان موردنیاز در رشته های مختلف را به تفکیک نیاز استانها اعلان خواهدنمود. تبصره ۱ - شورای عالی قبل از انتشار آگهی نظرات ادارات کل دادگستری های استانها و کانونها را در مورد نیاز استان مربوط کسب و برمبنای آن تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید. تبصره ۲ - کانونها می توانند آگهی منتشره از سوی شورای عالی در بخش مربوط به حوزه فعالیت خود را در یک روزنامه محلی نیز منتشر نمایند. ماده ۵۲ - داوطلبان درخواست پروانه کارشناسی باید تقاضای خود را با مشخصات زیر به دفتر کانون مربوط یا دفتر نمایندگی استانهایی که کانون کارشناسان دران استان تشکیل داده است تسلیم نمایند: الف - مشخصات کامل داوطلب. ب - محل اقامت داوطلب برای ابلاغ اوراق. ج - تصریح به نداشتن سو پیشینه. د - تعهد به عدم اعتیاد به افیون و مواد مخدر. ه- - مدرک تحصیلی موردنیاز و چنانچه دانشنامه از دانشگاههای خارج از کشور اخذشده باشد ارائه تاییدیه از مرجع ذی صلاح. و - رشته مورد درخواست پروانه کارشناسی. ز - محل مورد درخواست برای کارشناسی. ح - اعلام آدرس و مشخصات دونفر معرف. ط - گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر داشتن پنج سال سابقه کار تجربی در رشته مورد تقاضا بعد از اخذ مدرک تحصیلی لیسانس در رشته موردتقاضا با توجه به بند (و) ماده (۱۵) قانون و در مورد رشته هایی که دانشنامه لیسانس مربوط نداشته باشد اخذ گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر پانزده سال سابقه کار تجربی در رشته موردتقاضا با داشتن مدرک کارشناسی یا بالاتر در هر رشته و درخصوص متقاضیان مشمول تبصره (۲) ماده (۱۵) قانون ارایه گواهی ده سال سابقه در امور ثبتی یا نقشه برداری ثبتی. ماده ۵۳ - به منظور انتخاب کارشناسان موردنیاز از لحاظ علمی و تجربی وصلاحیت اولویتهای اخلاقی و سایر موارد مقرر در ماده (۱۵) قانون، در هر دوره آزمون شورای عالی کسانی را که در آزمون علمی وتجربی

موفق و نصاب نمره قبولی کسب کرده انـد به کمیسیون ماده (۱۳) قانون معرفی می نمایـد. ماده ۵۴ – برگزاری آزمـون به صورت کتبی و شفاهی خواهدبود و منابع سئوالات امتحانی عبارتست از منابع کتب دانشگاهی در رشته مربوط که با رعایت استانداردها و تجارب لازم مربوط به هر رشته انتخاب و معرفی می گردد. تبصره – موعد اعلام نتیجه قبولی داوطلبان حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ اخذ آزمون می باشد. ماده ۵۵ – داوطلبان کارشناسی که جهت اخذ پروانه کارشناسی انتخاب می گردند موظفند، دوره کارآموزی خود را زیرنظر کارشناس راهنما که از سوی کانون مربوط معرفی می گردد با موفقیت بگذرانند کارشناس راهنما هر سه ماه یکبار نظر خود را نسبت به کارآموز به کانون مربوط گزارش می نماید و در صورتی که نظر کارشناس راهنما نسبت به کارآموز منفی باشد دوره کارآموزی برای مدتی که لازم باشد اضافه می گردد. تبصره – وظایف کارآموز عبارتست از انجام امور کارشناسی آموزشی و مطالعه قوانین و مقررات مربوط و شناخت وظایف کارشناسی که از سوی کارشناس راهنما به وی محول می گردد و موفقیت در کلاسهای آموزشی که از طرف کانونها تشکیل می شود. ماده ۵۶ – دستورالعمل جزئیات طرح سئوالات آزمون، نحوه برگزاری آزمون، نصاب نمره قبولی، مصاحبه علمی و تجربی، کارآموزی و نظارت بر آن و همچنین مقررات رشته ها و گروه های کارشناسی و تشکیل نمایندگی کانون استانها وشهرستانها، به وسیله شورای عالی تدوین، تصویب و جهت اجرا به کانونها ابلاغ می گردد. فصل هفتم – کمیسیون صلاحیت و اولویتهای اخلاقی: ماده ۵۷ – به منظور تطبیق موارد مندرج در مواد (۹) و (۱۵) قانون و گزینش صلاحیت اولویتهای اخلاقی متقاضیان کارشناسی و همچنین اظهارنظر درخصوص صلاحیت داوطلبان عضویت در ارکان کانون و عضویت در شورای عالی کمیسیونی به شرح مندرج در ماده (۱۳) قانون تشکیل می گردد که اهم وظایف آن به شرح ذیل می باشد: الف – تطبیق شرایط داوطلبان کارشناسی (متقاضیان امر کارشناسی) با موارد مندرج در ماده (۱۵) قانون و گزینش صلاحیت اولویتهای اخلاقی و اعلام نتیجه به شورای عالی. ب – تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در ارکان کانون با شرایط مندرج در ماده (۹) قانون و اعلام نظریه خود ظرف مهلت هفت روز به کانونهای مربوط. ج – تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در شورای عالی با شرایط مندرج در بندهای یادشده در ماده (۲۷) قانون و اعلام نظر در مهلت هفت روز به شورای عالی. ماده ۵۸ – واحد حراست کانون مکلف است هرگونه همکاری را با کمیسیون ماده (۱۳) قانون به عمل آورده و تحقیقات موردنظر کمیسیون را در مهلتی که تعیین می شود انجام و نتیجه را اعلام دارد، همچنین کلیه مراجع قضایی و انتظامی، وزارتخانه ها، سازمانها، موسسات، شرکتها، بانکها، شهرداریها، بنیادها، نهادهای انقلاب اسلامی و اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی و سایر مراجع عمومی ودولتی که شمول قانون برانها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام است موظفند به استعلامات کمیسیون ماده (۱۳) و حراست کانون پاسخ داده و همکاریهای لازم را معمول دارند. تبصره – در صورتی که وزارت اطلاعات در مهلت مقرر در تبصره (ه–) ماده (۱۵) به استعلامات انجام شده پاسخ ندهد، کمیسیون براساس اطلاعات کسب شده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهدنمود. فصل هشتم – دادسرا و دادگاههای انتظامی: ماده ۵۹ – شکایت از تخلفات کارشناس رسمی باید کتبی و با امضای شاکی بوده وحاوی مشخصات زیر باشد: الف – نام و نشانی شاکی. ب – موضوع شکایت با تصویر گزارش کارشناس و ذکر مدارک مورد استناد. شکایت در دفتر کانون مربوط ثبت می شود و هیئت مدیره کانون عندالاقتضا شکایت را جهت رسیدگی و اظهارنظر به دادسرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی ارسال می نماید. ماده ۶۰ – در صورتی که دادسرای انتظامی پس از اقدامات اولیه و بررسی و تفهیم اتهام به تعقیب کارشناس معتقد باشد، کیفرخواست صادر و ضمن ارسال به دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی، یک نسخه از آن را ظرف مهلت ده روز از طریق کانون مربوط به وسیله پست سفارشی پیشتاز به کارشناس ابلاغ می نماید کارشناس می تواند ظرف مهلت یک ماه از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را کتبا از طریق دفتر کانون و یا مستقیما به دفتر دادگاه انتظامی تسلیم نماید. ماده ۶۱ – در صورتی که دادسرا یا دادگاههای انتظامی کانون حضور شاکی یا کارشناس را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بدانند حسب مورد احضاریه صادر می نمایند عدم حضور در وقت مقرر بدون عذرموجه مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهدبود. ماده

۶۲ – عـذرموجه برای کارشـناس علاوه بر مقررات مندرج در ماده (۴۱) قانون آیین دادرسـی مدنی شامل دعوت دادگاهها و مراجع قانونی دیگر جهت قرار کارشناسـی یا ادای توضیحات نزد مراجع مذکور نیز می باشد. ماده ۶۳ – دادگاههای انتظامی پس از وصول پاسخ کارشناس یا انقضای مهلت های مذکور در ماده (۵۹) وقت رسیدگی تعیین می کنند و از طریق دفتر دادگاه به اطلاع دادسرای انتظامی و کارشـناس و ریـاست کـانون مربـوط و در مورد دعـاوی تجدیـدنظر به شورای عـالی جهت معرفی دیگر اعضـای دادگـاه خواهندرساند اعضای معرفی شده در هر پرونده تا پایان رسـیدگی و صدور رای قابل تعویض نخواهندبود. عدم حضور کارشناس یا معاون دادسرای انتظامی مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهدبود. ماده ۶۴ – چنانچه به نظر شورای عالی نیاز به شعبه یا شعب دیگر تجدیدنظر انتظامی باشد، با درخواست رییس شورای مزبور و تصویب رئیس قوه قضاییه تشکیل خواهدشد ارجاع پرونده به شـعبه یا شعب تجدیـدنظر به عهده رئیس شـعبه اول تجدیدنظر است. ماده ۶۵ – در صورتی که مراجع قضائی از کارشـناسان تخلفی مشاهـده نماینـد که قابل تعقیب در دادگاه انتظامی باشـد مراتب را کتبا به کانون مربوط اطلاع می دهند هرگاه کانون موضوع را قابل تعقیب تشـخیص دهـد پرونـده را جهت رسـیدگی به دادسـرای انتظامی کانون ارجاع می نماید و چنانچه معتقد به تعقیب نباشد مراتب را به مرجع مـذکور اطلاـع می دهـد در صورتی که نظر کـانون موردپـذیرش مرجع قضـایی قرارنگیرد راسا جهت رسـیدگی به دادسـرای انتظامی کانون ارجاع می نمایـد. ماده ۶۶ – مراجع قضایی رسـیدگی کننده به شـکایات علیه کارشناسان رسمی چنانچه عمل انتسابی را جرم ندانند لکن موضوع را منطبق با یکی از تخلفات منـدرج در ماده (۲۶) قانون تشـخیص دهند پرونده را با صدور قرار مقتضی جهت رسـیدگی به دادسـرای انتظامی کانون مربوط ارسال خواهندنمود. ماده ۶۷ – کلیه شـکایات واصـله علیه اعضای هیئت مدیره، دادستان و بازرسان کانونها به شورای عالی ارسال می گردد. شورای عالی موظف است موضوع را ضمن بررسیهای لازم عندالاقتضا با سوابق امر در اجرای بنـد «ط» ماده (۷) قانون جهت رسیدگی و اتخاذ تصـمیم به دادسرای انتظامی قضات ارسال نماید. ماده ۶۸ – دادسـتان انتظـامی هر کـانون مکلف است دو برابر دادیاران موردنیاز را از بین کارشـناسان رسـمی آن کانون انتخاب و معرفی نماید هیئت مـدیره کانون مربوط دادیاران موردنیاز را تاییـد و جهت صـدور حکم انتصاب به دادسـتان انتظامی معرفی می کنـد. تبصـره – دادسـتان انتظـامی کـانون می توانـد افرادی را ازبین حقوقـدانان پس از تـامین بودجه آنـان از طریق هیئت مـدیره و مجمع عمومی به عنوان معـاون دادسـتان انتخاب و ابلاغ لازم صادر نمایـد. ماده ۶۹ – درصورتی که مراجع قضـایی و انتظـامی وزارتخـانه ها، ادارات، سازمانها، موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، بانکها، نهادها، بنیادها، شهرداریها و اشخاص حقیقی و حقوقی، کارشناس رسـمی از کانونها خواسـته باشـند مکلفند دسـتمزد کارشناسی را در امور ارجاعی به حساب کانون یا نمایندگی کانون مربوط واریز نماینـد تا پس از کسر پنـج درصد (۵٪) سـهم کـانون و سـایر کسورات قـانونی مابقی به کارشـناس پرداخت گردد. تبصـره ۱ – در صورتی که به هر علت حق الزحمه کارشناسی در صندوق کانون تودیع نگردید مراجع مذکور در این ماده مکلفند پنج درصد (۵٪) سهم کانون را کسر و در وجه کانون واریز و به اطلاع کانون یا نمایندگی کانون مربوط برسانند کارشناسان نیز موظفند فهرست پنج درصد (۵٪) وجوه مکسوره از حق الزحمه کارشناسیهای خود را به اطلاع کانون برسانند. تبصره ۲ – کارشناسان متخلف از مفاد این ماده در حکم مرتکبان خلاف شـئون شغلی مصرح در بند (ه–) ماده (۲۶) قانون بوده و تحت تعقیب قانونی قرارخواهنـدگرفت. ماده ۷۰ – در تخلفات انتظامی که دو سال از تاریـخ وقوع آن منقضـی گردیـده و تعقیب نشـده باشـد و یا دو سال از تاریـخ آخرین اقدام انتظامی آن گذشته و منتهی به صدور حکم نشده، تعقیب موقوف خواهدشد. معاون اول رئیس جمهور – محمدرضا عارف

آیین نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات – مصوب ۱۳۸۲

در اجرای دقیق قـانون وظـایف و اختیـارات رییس قوه قضائیه مصوب ۸ اسفند ۱۳۷۸ ماده ۳۶ لایحه اصـلاح قسمتی از قانون اصول تشـکیلات دادگستری، مصوب ۱۴ اسـفند ماه ۱۳۳۳ و مـاده ۲۷ قـانون اصـلاح پـاره ای از قوانین دادگستری، مصوب ۲۵ خرداد ماه

۱۳۵۶ آیین نامه ای به شرح ذیل تنظیم می گردد: ماده ۱: به منظور اعمال نظارت و ارزیابی مستمر دادسرای انتظامی قضات، به دستور دادستان انتظامی قضات، هیات های نظارت و ارزیابی، به کلیه واحدهای قضائی سراسر کشور اعزام می شوند. ماده ۲: نظارت و ارزیابی دادسرای انتظامی قضات به شرح ذیل می باشد: الف: نظارت و ارزیابی مستمر و دوره ای. ب: نظارت و ارزیابی فوق العاده. ماده ۳: نظارت و ارزیابی مستمر و دوره ای: براساس برنامه ریزی قبلی حتی المقدور یکبار در سال با ابلاغ صادره از سوی دادستان انتظامی قضات انجام می شود. ماده ۴: نظارت و ارزیابی فوق العاده: به دستور رییس قوه قضائیه و یا در صورت وصول شکایت و یا گزارش امر مهم به تشخیص دادستان انتظامی احد از دادیاران انتظامی و یا هیاتی از دادسرای انتظامی به محل عزیمت و مبادرت به انجام نظارت وارزیابی فوق العاده می نماید. ماده ۵: برنامه نظارت و ارزیابی های مستمر و دوره ای ابتدای هر سال توسط معاونت مربوطه تنظیم و مطابق جدول زمان بندی شده پس از تصویب دادستان انتظامی انجام خواهد شد. ماده ۶: در نظارت و ارزیابی فوق العاده، در صورت لزوم واحدهای قضائی به نحو مقتضی به صورت غیرمحسوس و بدون اطلاع قبلی هم مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرند. ماده ۷: موضوعات مورد نظارت و ارزیابی مستمر اموری است از قبیل: الف: کیفیت و کمیت کار قضائی. ب: دانش قضائی. ت: قدرت استنباط و شم قضائی. ج: حسن خلق با همکاران و ارباب رجوع. ح: رعایت شیون قضائی. خ: رعایت نظم و انضباط اداری. د: نظارت بر امور دفتری. ذ: حسن شهرت. تبصره ۱– مدیریت های واحدهای قضائی در حسن اعمال مدیریت توسط هیات های نظارت و ارزیابی دادسرای انتظامی قضات نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرند. تبصره ۲– روسای سازمانهای وابسته و معاونین قوه قضائیه در صورتی که قاضی باشند و همچنین روسای کل دادگستری استانها با مجوز ریاست قوه قضائیه مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرند. ماده ۸: اعضاء هیات بوسیله دادستان انتظامی یا با تفویض اختیار به یکی از معاونان دادستان از بین دادیاران انتظامی و عندالاقتضاء با سرپرستی احد از معاونان و یا یکی از دادیاران تشکیل می گردد. ماده ۹: هیات اعزامی پس از ورود به استان در جلسه قضات شرکت ضمن معارفه، توسط سرپرست هیات اهداف ماموریت تشریح می گردد. ماده ۱۰: به منظور تمهید محل استقرار و تسهیل انجام وظیفه هیات اعزامی در شهرستان و یا استان محل ماموریت باید قبلا بوسیله دادستان انتظامی یا یکی از معاونین که امور ماموریتها به عهده او واگذار شده با روسای کل دادگستریها هماهنگی لازم به عمل آید. ماده ۱۱: عملکرد قضات شاغل و مامور به خدمت در سازمان بازرسی کل کشور و حفاظت اطلاعات کل قوه قضائیه و سازمان زندانهای کشور و سازمان ثبت اسناد واملاک کشور و سایر دستگاهها همانند قضات شاغل در دادگستری ها و دادسراها مورد نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات قرارمی گیرند. ماده ۱۲: هیات های اعزامی از دادسرای انتظامی قضات موظفند گزارشات هیاتهای بازرسی قبلی را مورد مطالعه قرارداده تا تغییراتی که در این فاصله به عمل آمده در گزارش خود منظور دارند. ماده ۱۳: نظارت و ارزیابی از اول وقت اداری شروع و در پایان وقت اداری خاتمه و در صورت ضرورت خارج از وقت اداری نیز ادامه می یابد. ماده ۱۴: چنانچه هر یک از دادیاران انتظامی از حوزه ماموریت، گزارش یا پرونده ای مطالبه کرده و در مدت زمان متعارف خواسته دادیار اجابت نشده، دادیار مزبور می تواند شماره پیگیری را در اختیار هیات قرار دهد تا هیات تسریع در پاسخ را پیگیری نماید. ماده ۱۵: هیات اعزامی در صورت لزوم با رعایت موازین قانونی می تواند پیرامون عملکرد قضائی از قاضی پرونده و یا کارمند دلیل اقدامات مورد نظر را جویا شود. ماده ۱۶: به منظور ملاحظه و بررسی کیفی عملکرد قضائی قضات، هیات اعزامی چند فقره پرونده مورد عملکرد آنان را از دفاتر ثبت کلاسه و دادنامه و اجرای احکام مطالبه و مطالعه و اظهار عقیده می نماید. هیات موظف است نظرات وارزیابیهای مدیران را راجع به قضات زیر مجموعه خود نیز اخذ کرده و در ارزیابی خود منظور بدارند. ماده ۱۷: هیات اعزامی حسن اجرای بخشنامه های رییس قوه قضائیه را بررسی، در صورت مشاهده تخلف جهت تعقیب انتظامی مراتب را صورتجلسه و در گزارش خود منعکس می نماید. ماده ۱۸: علاوه بر مسئولیت دادسرای انتظامی در امر نظارت و ارزیابی روسای کل دادگستریها به عنوان نمایندگان قوه قضائیه در استانها در راستای وظیفه مدیریتی و نظارتی و به منظور حسن تمشیت امور در

حوزه قضائی خود بایـد هیات نظارت و ارزیابی اسـتانی تشـکیل و هیات مزبور را در فواصل زمانی معین به کلیه مناطق اسـتان جهت نظارت و ارزیابی اعزام نمایند. مشـروح بررسـی و ارزیابی توسط رییس کل دادگستری استان هر شش ماه یکبار به دادستان انتظامی قضـات گزارش شود. تبصـره - در نظارت و ارزیابی در مواردی که ایرادات مورد لحاظ جزیی باشـد هیات ها می تواننـد جهت رفع آن تذکر شفاهی بدهند. ماده ۱۹: در صورت ضرورت، مدت ماموریت از سوی دادستان انتظامی تمدید خواهد شد. ماده ۲۰: هرگاه هیـات اعزامی دادسـرای انتظـامی قضـات ضـمن انجـام مـاموریت بـا موضوعـاتی برخورد کنـد که واجـد اهمیت است ولی در احکام ماموریت آنها منظور نشده باشد مراتب را فورا به دادسـتان انتظامی گزارش و کسب تکلیف می نمایند. ماده ۲۱: دادیاران انتظامی و نیز هیات های نظارت و ارزیابی گزارش کار خود را مسـتقیما به دادسـتان انتظامی تسلیم خواهند نمود. ماده ۲۲: گزارشات نظارت و ارزیـابی محرمـانه بوده و هرگونه اطلاعـی در رابطه بـا موضوع مـاموریت و نـتیجه نظـارت و ارزیـابی به هر مقـامی به جز رییس قوه قضائیه ودادسـتان انتظامی ممنوع است. ماده ۲۳: اقـدامات هیات نظارت و ارزیابی نبایـد بهانه ای برای ایجاد وقفه در کارهای جاری قسمتهای تحت نظارت و ارزیابی گردد. ماده ۲۴: چنانچه در حین انجام وظیفه هیات اعزامی فساد یا عملی بر خلاف قانون که واجد وصف مجرمـانه یـا منـافی بـا حیثیت و شـیون منصب قضـاء کشف شود وقبـح عمل ارتکابی در حـدی باشـد که محاکمه مرتکب را ایجـاب نمایـد هیـات مکلـف است فورا مراتب را به دادسـتان انتظـامی قضـات گزارش کرده و کسب تکلیف کنـد. مـاده ۲۵: هیات نظـارت و ارزیـابی حق دخالت در وظایف روزمره قضات و مـدیران و کارکنان را نداشـته و ملزم به رعایت کامل آداب و احترامات منـاسب بـا شان قضات ودسـتگاه قضائی می باشـد و چنانچه موجبات هتک حیثیت و حرمت قضات و یا تضـعیف دسـتگاه قضائی را ایجاد کنند توسط دادسـتان مورد تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت. ماده ۲۶: هیات نظارت و ارزیابی می توانـد اطلاعات مورد نیاز را به نحو مقتضـی از جمله بـا اسـتفاده از مشاهـدات، مطـالعه سوابق و پرونـده هـای موجود و تهیه مـدارک لازم از آنهـا، مصاحبه و اسـتطلاع و کسب نظر از مقام مسوول جمع آوری نمایـد. اطلاعات و گزارشات می بایستی مسـتند و علمی بوده و به دور از هرگونه گرایش شخصـی و یا جناحی و گروهی تنظیم شـده باشد. ماده ۲۷: در پایان ماموریت و قبل از ترک اسـتان هیات اعزامی در جلسـه قضات دادگستری اسـتان شرکت و استنباط اجمالی خود را از وضعیت دادگستری استان مطرح می نماید. ماده ۲۸: هیات اعزامی در گزارش تقـدیمی که از سوی دادسـتان انتظامی عنـدالاقتضاء جهت اسـتحضار و صدور دسـتور مقتضـی تقدیم رییس قوه قضائیه می شود قضاتی را که اسـتحقاق تشویق داشـته باشـند پیشـنهاد تشویق از قبیل اعطاء پایه، ارتقاء سـمت و غیره و نسـبت به قضات متخلف پیشنهاد تنزل پایه یا سمت یا تغییر محل ماموریت و یا از دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست تعقیب انتظامی و یا پیشنهاد تعلیق از شغل قضاء را جهت تعقیب کیفری حسب مورد می نماید و به دسـتور دادستان انتظامی مراتب در سوابق حفاظتی نظارت و ارزشیابی قضات ضبط و نگهداری می شود. ماده ۲۹: این آیین نامه در ۲ ماده و سه تبصره تنظیم و در تاریخ ۸/۴/۱۳۸۲ به تصویب رییس قوه قضائیه رسیده است. رییس قوه قضائیه - هاشمی شاهرودی

اصلاح تبصره ماده ۵۵ آیین نامه اجرایی قانون ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی – مصوب

جناب آقای امیرحسـین پورسینا رئیس محترم هیئت مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور متن تبصره الحاقی به ماده ۵۵ آئین نامه اجرائی راجع به قانون ترجمه اظهارات و اسـناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ با اصلاحات بعدی که به پیشنهاد وزیر محترم دادگستری به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسـیده و برابر نامه شـماره ۳۶۸۹/۸۲/۱- ۱۹/۳/۱۳۸۲ جهت اقدام مقتضی به وزیر محترم دادگستری ابلاغ گردیـده است بشـرح بین الهلالین می باشـد. تبصـره ماده ۵۵ آئین نـامه اجرائی قـانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد درمحاکم و دفاتر اسناد رسمی (درصورتی که قاضی تعیین شده از شهرستان مربوطه منتقل، بازنشسته و یابه هرعلتی از خـدمت منفصـل شود یـا حضور نداشـته باشـد؛ تا تعیین قاضـی دیگر یا حضور وی، وظیفه مزبور بعهـده رئیس حوزه قضایی و در

غیاب وی بعهده معاون قضایی او خواهدبود) رئیس نهاد قوه قضائیه – محمود شیرج

تصویبنامه در مورد تمدید مهلت مقرر در تبصره (۲) ماده (۱۴) آییننامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندو

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۷/۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۸۳۲/۰۲/۱۱۱ مورخ ۱۹/۱۲/۱۳۸۳ وزارت دادگستری و به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری ـ مصوب ۱۳۷۵ ـ تصویب نمود: مهلت مقرر در تبصره (۲) ماده (۱۴) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری، موضوع تصویب‌نامه های شماره ۸۱۸۱۷/ت۱۷۹۸۵هـ مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۷۷ و شماره ۲۵۰۶۳/ت۲۳۴۶۶هـ مورخ ۲/۵/۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۴ تمدید می گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

تصویب‌نامه درخصوص لغو ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره هـ/۸۴/۳۹ مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۴ دیوان عدالت اداری و به استناد ماده (۱۳) قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری ـ مصوب ۱۳۸۱ ـ تصویب نمود: ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، موضوع تصویب نامه شماره ۶۸۱۱/ت۲۷۴۵۵هـ مورخ ۱۵/۲/۱۳۸۳ لغو می گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاحیه ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری – مصوب ۱۳۸۴

نظر به اینکه در تصویب‌نامه شماره ۱۲۷۷۷/ت۳۲۹۸۳هـ مورخ ۳/۳/۱۳۸۴ موضوع لغو ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری که براساس طرح پیشنهادی تهیه و تنظیم شده است، تاریخ ۱۵/۲/۱۳۸۲ به اشتباه ۱۵/۲/۱۳۸۳ تحریر شده است، مراتب جهت اصلاح اعلام می‌شود. دبیر هیأت دولت ـ عبداله رمضان‌زاده

اصلاح ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستر

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۴۶۸۷/۲د/۱۱۱ مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۱ وزارت دادگستری و به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاـ و کارگشایان دادگستری ـ مصوب ۱۳۷۵ ـ تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی ماده یاد شده، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۱۸۱۷/ت۱۷۹۸۵هـ مورخ۲۶/۱۲/۱۳۷۷ به شرح زیر اصلاح می گردد: ۱ـ ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود: « ماده ۲۱ـ مستمریهای موضوع این آیین‌نامه هر سال با توجه به تغییرات شاخص هزینه زندگی بر اساس پیشنهاد وزارت دادگستری و تصویب هیئت وزیران اصلاح می شود.» ۲ـ متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۲۱) اضافه می‌شود: « مستمریهای استحقاقی موضوع مواد (۸) و (۱۰) و تبصره ماده (۱۲) این آیین‌نامه که تا پایان سال ۱۳۸۰ قابل پرداخت بوده است از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۱ به میزان بیست و پنج درصد (۲۵٪) افزایش می‌یابد. چنانچه میزان مستمری که به این ترتیب محاسبه می‌شود از حداقل مقرر در ماده (۱۸) این آیین‌نامه کمتر باشد حداقل یادشده قابل پرداخت خواهد بود.» معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری – مصوب ۱۳

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۹/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری و به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری ـ مصوب ۱۳۷۵ـ تصویب نمود: ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاـ و کارگشایان دادگستری، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۱۸۱۷/ت۱۷۹۸۵هـ مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۷۷ به شرح زیر اصلاح می‌گردد: « ماده ۲ـ درامد مأخذ محاسبه حق بیمه موضوع این آیین‌نامه به عنوان پایه برای سال اول اشتغال به وکالت وکلای پایه دو و سه و کارگشایان (۱) برابر و برای وکلای پایه یک (۲/۱) برابر حداقل حقوق مبنای قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در هر سال خواهد بود که به ازای هر سال اشتغال به وکالت ده درصد (۱۰٪) مبلغ پایه به هر گروه به عنوان اضافه سالانه به مبلغ پایه آن گروه اضافه می‌شود. » معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۲۳/۵/۱۳۸۴ رئیس محترم قوه قضائیه

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور نامه شماره ۳۷۱۴/ش ـ ۱۷/۳/۱۳۸۴ رئیس محترم شورایعالی کارشناسان رسمی دادگستری در رابطه با تعرفه دستمزد کارشناسان که با انجام اصلاحاتی به استحضار ریاست محترم قوه قضائیه رسید مرقوم فرمودند: « بسمه تعالی مورد تأیید است به کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانها ابلاغ شود.» لذا تصویر نامه فوق به همراه یک نسخه از پیشنهاد اصلاحی جهت درج در روزنامه رسمی کشور به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ عبدالرضا ایزدپناه تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۲۳/۵/۱۳۸۴ رئیس محترم قوه قضائیه تعرفه حق‌الزحمه کارشناسان رسمی دادگستری بر اساس ماده ۲۹قانون کارشناسان رسمی دادگستری که شامل کارشناسان رسمی قوه قضائیه موضوع ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه نیز می‌گردد. فصل اول ـ مقررات عمومی ماده۱ـ دستمزد کارشناسان پس از گزارش و اظهارنظر کارشناسی در حدود صلاحیت آنها از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی طبق مقررات این تعرفه محاسبه و پرداخت می‌گردد. ماده۲ـ مراجع قضائی، وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی و ارگانها و نهادها و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها در تعیین دستمزد کارشناس بر اساس مقررات این تعرفه عمل نمایند. تبصره۱ـ در مواردی که مرجع قضائی برای کشف جرم و تعیین علت و علل و مشخص نمودن واقعیت اقدام به تعیین کارشناس می‌نماید تعیین دستمزد متناسب با کمیت و کیفیت کار با همان مرجع می‌باشد. تبصره۲ـ در صورت عدم استطاعت مالی اشخاص حقیقی یا حقوقی متقاضی کارشناسی به تشخیص قاضی پرونده از پرداخت حق‌الزحمه کارشناسی معاف‌شده یا حق‌الزحمه کارشناسی تا میزان معینه بوسیله دادگاه کاهش می‌یابد ولی در هرحال پرداخت هزینه‌ها یا وسیله اجرای قرار کارشناسی مانند ایاب و ذهاب کارشناس به عهده متقاضی است. تبصره۳ـ هر کارشناس حداقل موظف به ارائه ۳ مورد کارشناسی مجانی یا کاهش یافته در هر سال می‌باشد. ماده۳ـ دستمزد تأمین دلیل با توجه به کمیت و کیفیت خدمات کارشناسی موردنیاز از طرف دادگاه مربوطه تعیین می‌شود و حداقل آن مبلغ ۲۵۰.۰۰۰ ریال می‌باشد. ماده۴ـ در کارشناسی‌ها چنانچه موضوع کارشناسی مربوط به جزئی از کل بوده ولی اظهارنظر کارشناسی مستلزم بررسی در کل کار مربوطه باشد، دستمزد کارشناس بر مبنای کل کار انجام شده محاسبه و پرداخت خواهد شد. ماده۵ ـ در مواردی که موضوع کارشناسی توسط چند کارشناس رسمی انجام می‌شود به هر یک از کارشناسان بخشی از دستمزد کامل کارشناسی در یک پرونده پرداخت می‌شود به شرط اینکه کمتر از حداقل دستمزد کارشناسی برای یک نفر نباشد. ماده۶ ـ کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی مکلفند در صورت درخواست کارشناس یا کارشناسان مربوطه، دستمزد کارشناسی را طبق این تعرفه و در صورتی که قبلاً قابل براورد نباشد بطور علی‌الحساب به حساب مخصوص تودیع و قبض آن را در پرونده مربوطه پیوست نمایند در این صورت کارشناسان رسمی مکلفند پس از تودیع دستمزد نسبت به انجام کارشناسی اقدام نمایند. ماده۷ـ در صورتی که کارشناس اقدام به انجام کار کارشناسی نموده ولی به‌علت یا دلیلی که خارج از

حیطه اختیار وی باشد اجرای کارشناسی منتفی گردد، محق به دریافت بخشی از دستمزد متناسب با کارهای انجام شده و یا وقت صرف شده خواهد بود بشرط اینکه از حداقل مقرر در این تعرفه بیشتر نباشد بعلاوه چنانچه در این رابطه به محل کار مسافرت نموده باشد هزینه سفر، اقامت و فوق‌العاده روزانه وی بر مبنای ضوابط این تعرفه پرداخت می‌شود. ماده۸ ـ در صورتی که اجرای قرار کارشناسی مستلزم عزیمت به خارج از حوزه فعالیت و محل اقامت کارشناس باشد، تأمین وسیله ایاب و ذهاب و محل اقامت مناسب و غذا به عهده متقاضی بوده و علاوه بر دستمزد کارشناسی، فوق‌العاده مأموریت کارشناس برای هر روز مسافرت به مأخذ روزانه به مبلغ ۱۲۵.۰۰۰ ریال به کارشناس پرداخت خواهد شد. چنانچه متقاضی از تأمین وسیله ایاب و ذهاب و اقامت خودداری نماید و کارشناس برای انجام کارشناسی راساً و به هزینه خود نسبت به تهیه موارد فوق‌الذکر اقدام نماید علاوه بر دستمزد و فوق‌العاده مأموریت، هزینه‌های مربوطه مورد مطالبه در حد متعارف در وجه کارشناس پرداخت خواهد شد. تبصره۱ـ در صورتی که انجام کارشناسی مستلزم عزیمت به خارج از کشور باشد، اخذ روادید و هزینه‌های مربوط اعم از پرداخت عوارض خروج از کشور و تهیه بلیط هواپیما، هزینه اقامت و همچنین سایر هزینه‌های سفر و پرداخت فوق‌العاده روزانه (برابر مصوبه هیأت دولت هم‌ردیف کارشناسان) به عهده متقاضی می‌باشد. تبصره۲ـ در صورتی که مبلغ مورد رسیدگی به ارز باشد پس از تسعیر آن به ریال براساس نرخ واریزنامه رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر طبق جدول رشته مربوطه محاسبه خواهد گردید. ماده۹ـ هزینه انجام کلیه آزمایش‌ها و تهیه نمونه‌های لازم و گمانه‌زنی که طبق نظر کارشناس ضروری باشد، به عهده متقاضی است و در صورت اختلاف در ضرورت انجام این اقدامات نظر کانون کارشناسان رسمی که توسط ریاست آن اعلام می‌شود معتبر است. ماده۱۰ـ در مواردی که برای بعضی از امور کارشناسی در این تعرفه دستمزد تعیین نشده باشد دستمزد آن حسب مورد توسط دادگاه یا کمیسیون موضوع ماده ۱۵ تعرفه تعیین می‌شود و حداقل دستمزد ۲۵۰.۰۰۰ ریال خواهد بود. تبصره ۱ـ دادگاهها حسب استطاعت مالی افراد می‌توانند نسبت به معافیت متقاضی و تعدیل دستمزد کارشناسی اقدام نمایند. ماده۱۰ مکرر ـ بمنظور عدالت در امر کارشناسی کمیسیونی مرکب از ۳ عضو: ۱ـ نماینده کانون کارشناسان رسمی دادگستری ۲ـ نماینده مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء، کارشناسان قوه قضائیه ۳ـ نماینده ریاست قوه قضائیه تشکیل می‌شود تا نسبت به توزیع امور ارجاعی اقدام نمایند. ماده ۱۱ـ کارشناسان فقط از یک ردیف تعرفه دستمزد استفاده خواهند کرد مگر در مواردی که عمل کارشناسی از دو یا چند نوع خدمات کارشناسی و یا چند محل مختلف ترکیب شده باشد که در آن صورت برای هر قسمت یا محل از تعرفه مربوط به خود بطور جداگانه استفاده خواهد شد. تبصره ـ در مواردی که موضوع کارشناسی مربوط به سال‌های قبل از تاریخ انجام کارشناسی باشد، دستمزد طبق قیمت روز بر اساس این تعرفه محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه علت تأخیر در انجام کارشناسی ناشی از اقدام کارشناس رسمی باشد. ماده۱۲ـ دستمزد ارزیابی کالا، اشیاء، قطعات یدکی، ابزارالات، محصولات و مواد اولیه، به شرح زیر است: ۱ـ تا ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال ۵/۲ درصد و حداقل ۲۰۰.۰۰۰ ریال. ۲ـ از ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال تا ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال نسبت به مازاد یک درصد. ۳ـ از ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال تا ۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال نسبت به مازاد چهار در هزار. ۴ـ از ۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال تا ۷۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۵/۲ در هزار. ۵ ـ از ۷۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به بالا نسبت به مازاد یک در هزار تا حداکثر مبلغ ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده۱۳ـ در مورد ارزیابی و کارشناسی اموال و املاکی که در پلاک‌های ثبتی و آدرسهای متفاوت واقع شده‌اند دستمزد بطور جداگانه محاسبه می گردد. ماده۱۴ـ در صورتی که رسیدگی به مستندات و مدارک مربوط به کارشناسی به زبان خارجی باشد علاوه بر تعرفه قانونی در هر رشته هزینه ترجمه رسمی بر اساس آئین‌نامه تعرفه مترجمین رسمی، بنابر تشخیص قاضی یا رضایت متقاضی اضافه می‌شود. ماده۱۵ـ در صورت بروز اختلاف در نحوه محاسبه دستمزد، تفسیر موادی از این تعرفه و همچنین به منظور تعدیل و ایجاد تناسب میان میزان و نوع کار کارشناس با حق‌الزحمه، مقرر است چنانچه حق‌الزحمه قانونی کارشناسی وفق آئین‌نامه و تعرفه بیش از ده میلیون ریال باشد موضوع در کمیسیون مقرر در ماده ۱۳ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب

۱۳۸۱ مطرح گردد تـا در خصـوص میزان حق‌الزحمه کارشناسـی اظهـار نظر نمایـد. نظریه اکـثریت کمیسـیون مـذکور به شـرطی که متضـمن نظر حداقل دو نفر از اعضاء حقوقدان منتخب رئیس محترم قوه قضائیه خواهد بود قطعی و برای متقاضی انجام کارشناسی و کارشـناس منتخب لازم‌الاتباع است. وزارتخانه‌ها و سازمانها و شـرکتهای دولتی و وابسـته به دولت و شهرداریها و نهادها و مؤسسات عمـومی مجاز به پرداخت وجهی بیش از آنچه در کمیسـیون مـذکور تعیین شـده نخواهنـد بـود و بـا متخلف از این امر وفق موازین قانونی برخورد خواهـد شد. فصل دوم ـ تعرفه دسـتمزد کارشـناسان قسـمت اول ـ تعرفه دسـتمزد کارشـناسان گروه ۱ـ مهندسی آب شامـل رشـته‌های (آب ـ فلزات ـ معـادن) رشـته مهندسـی آب دسـتمزد انـدازه‌گیری آب چاههـا، چشـمه‌ها، قنوات، کانالهـا و انهار و زهکش‌ها و رودخانه‌ها به شرح زیر خواهد بود: ماده۱۶ـ دستمزد اندازه‌گیری آب: ۱ـ تا ۱۰۰ لیتر در ثانیه مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ۲ـ مازاد ۱۰۰ لیتر تـا یـک‌هزار لیتر در ثانیه به ازاء هر لیتر ۵۰۰ ریال. ۳ـ مـازاد یک‌هزار لیتر به ازاء هر لیتر در ثانیه ۱۰۰ ریال تا حداکثر مبلغ ۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده۱۷ـ دسـتمزد تعیین کیفیت شـیمیائی و آلودگی آب بـا توجه به مسائل زیست محیطی: ۱ـ برای اظهارنظر نسبت به نتایـج آزمـایش شـیمیایی آب به لحـاظ کارپـذیری، بهـداشتی، زراعی و صـنعتی مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریـال. ۲ـ برای بررسـی آلودگی آب از نقطه نظر مواد آلوده کننـده و اظهـارنظر نسبت به آن مقطوعـاً ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ماده ۱۸ـ دستمزد بررسی مشخصات سفره آب اعم از آب‌گـذاری، تراوش یا نفوذ در آب و فاضـلاب و تعیین حریم ضـرری منابع اسـتحصال آب روی یکـدیگر مقطوعاً ۳۰۰.۰۰۰ ریال. تبصـره ـ در صورتی که انجام امر کارشناسـی مسـتلزم عملیات نقشه‌برداری باشد دستمزد آن طبق تعرفه قسمت هفتم پرداخت خواهد شد. ماده۱۹ـ دسـتمزد ارزیابی قنوات، چاهها و منصوبات آن، شـبکه‌های آبیاری و زهکشی آب و فاضلاب به شرح زیر خواهد بود: ۱ـ تا ده میلیون ریال ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ۲ـ مازاد بر ده میلیون ریال تا یکصـدمیلیون ریال ۲ در هزار. ۳ـ مازاد بر یکصد میلیـون ریـال یـک در هزار حـداکثر تـا مبلـغ ۳.۰۰۰.۰۰۰ ریـال. ماده ۲۰ـ دسـتمزد انـدازه‌گیری و تشـخیص حقابه‌هـا معادل دسـتمزد انـدازه‌گیری آب، به اضافه ده درصـد خواهد بود. ماده۲۱ـ تعیین نوع و بررسـی کیفیت حفـاری چاهها و قنوات و بهسازی چشـمه‌ها مقطوعاً ۴۰۰.۰۰۰ ریال. ماده۲۲ـ دستمزد رسیدگی به اختلاف مهندسین مشاور و پیمانکاران و کارفرمایان در رابطه با امور تخصصی آب طبق تعرفه قسمتهای ۸ و ۹ تعیین می‌گردد. ماده۲۳ـ دستمزد رسیدگی به اختلافات مربوط به حریم و بستر رودخانه‌ها و کانالها و انهار به شـرح زیر تعیین می‌گردد: ۱ـ حریم کانالهـا و انهـار تا عرض بستر ۱۲ مـتر از قرار هر کیلومتر ۲۵۰.۰۰۰ ریال حـداکثر تا مبلغ ۳.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ۲ـ حریم رودخانه‌هـا و کانالهـای با عرض بستر بیش از ۱۲ مـتر از قرار هر کیلومتر ۳۵۰.۰۰۰ ریال حـداکثر تا مبلغ ۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده۲۴ـ دسـتمزد رسـیدگی به وضع فاضـلاب به لحـاظ تشـخیص بـار آلودگی بر حسب کمیت و کیفیت مقطوعاً ۳۵۰.۰۰۰ ریال. ماده۲۵ـ دسـتمزد براورد خسـارات وارده به تجهیزات منابع اسـتحصال آب و تأسیسـات تبعـی آن تا ده میلیـون ریال مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریـال نسبت به مـازاد ده میلیون ریال دو در هزار حـداکثر تا مبلغ ۳.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده۲۶ ـ دسـتمزد رسیدگی و تهیه صورت وضـعیت حفاری چاهها و قنوات و بهسازی چشـمه‌ها و کانالهای آب‌رسانی و انهار طبق دسـتمزد قسمتهای هشتم و نهم این تعرفه تعیین می‌گردد. تعرفه دسـتمزد کارشـناسان رشـته فلزات و معادن ماده۲۷ـ تعرفـه دسـتمزد کارشـنـاسان رسمی رشته فلزات طبق تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۷ صنعت و فن و تعرفه دستمزد کارشناسان رشته معادن مربوط به‌ارزیابی ذخائر معدنی (احتمالی ـ ممکن ـ قطعی) را حسب مورد قاضـی یا کمیسیون ماده ۱۵ تعرفه تعیین می‌نمایند. قسـمت دوم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۲ـ امـوال منقـول و نفقه شامـل رشـته‌های: (اشیـاء نفیسه، عـتیقه واحجـارکریمه، تعیین نفقه، سـاعت و جواهرات، فرش، لوازم خـانگی و اداری) ماده۲۸ـ دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق به شرح زیر می‌باشد: ۱ـ حداقل دستمزد کارشناسی تا مبلغ ده میلیون ریال مقطوعاً ۲۵۰/۰۰۰ ریال و در حومه شهر ۳۰۰/۰۰۰ ریال. ۲ـ از ده میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد ۸ در هزار. ۳ـ از ۱۰۰میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد&۱۷۸۰ ;درهزارحداکثر تامبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۲۹ـ دسـتمزد تعیین نفقه با توافق مقام ارجاع کننده تعییـن می‌شـود و حـداقل مبلـغ ۲۵۰/۰۰۰ ریـال و حــداکثر تـا مبلغ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریـال تعییـن می‌شـود. قسـمت سـوم ـ تعرفه دسـتمزد

کارشناسان گروه۳ـ امور پزشکی داروئی و غذائی شامل رشته‌های (پزشکی و پیراپزشکی، داروسازی و سم شناسی، مواد غذائی و مسمومیتهای ناشی از آن) ماده۳۰ـ دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق بر حسب اهمیت و حساسیت و پیچیدگی موضوع و با توجه به کمیت و کیفیت حسب مورد توسط قاضی یا کمیسیون ماده ۱۵ همین تعرفه تعیین می‌شود. تبصره ـ کلیه هزینه‌های آزمایشگاهی نمونه برداری (بیوپسی) رادیوگرافی و نظائر آن به عهده متقاضی (شاکی) می‌باشد. قسمت چهارم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۴ ـ رشته حسابداری و حسابرسی ماده۳۱ـ دستمزد کارشناسی امور حسابداری و حسابرسی نسبت به جمع ارقام حسابهای مورد رسیدگی بر اساس جدول زیر تعیین می گردد: ـ تا ده میلیون ریال مقطوعاً ۰۰۰/۲۵۰ ریال. ـ از ده میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال نسبت به مازاد سی در هزار. ـ از ۵۰ میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد ده در هزار. ـ از ۱۰۰ میلیون ریال تا ۳۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد پنج در هزار. ـ از ۳۰۰ میلیون ریال تا ۵۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد سه در هزار. ـ از ۵۰۰ میلیون ریال تا ۱۰ میلیارد ریال نسبت به مازاد دو در هزار. ـ از ۱۰میلیارد ریال به بالانسبت به مازاد نیم در هزار تا حداکثرمبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۵۰ ریال. تبصره ـ در صورتی که رسیدگی مربوط به حساب‌های فاقد دفاتر قانونی یا تولیدی و صنعتی یا سیاق بوده باشد برای هریک از موارد در قسمت مربوطه ۱۵٪ به دستمزد کارشناسی اضافه می‌شود. ماده۳۲ـ دستمزد کارشناسی امور ذیل به شرح زیر پرداخت می گردد: ۱ـ درخصوص ارزش سهام و سهم‌الشرکه مجموع دارائی‌های جاری و بدهی‌ها و ذخائر ارزیابی شده به اضافه قیمت تمام شده دفتری دارائی‌های ثابت به شرح جدول فوق. تبصره ـ علاوه بر دارائی‌های ثابت سایر دارائی‌هایی که توسط کارشناسان رسمی رشته مربوطه ارزیابی می‌شود فقط قیمت دفتری آن در محاسبه دستمزد این رشته منظور می‌شود. ۲ـ درخصوص رسیدگی و حسابرسی ترازنامه و حساب سود و زیان و امور توقف و ورشکستگی مجموع اقلام ترازنامه به شرح جدول فوق. ۳ـ درخصوص تعیین قیمت تمام شده کالا ارقام تشکیل دهنده قیمت تمام شده به شرح جدول فوق. قسمت پنجم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۵ ـ امور وسائط نقلیه شامل رشته‌های: (وسائط نقلیه هوائی، وسائط نقلیه دریائی و غواصی، وسائط نقلیه موتوری زمینی و ریلی) (دستمزد کارشناسی رشته‌های وسائط نقلیه هوایی و ریلی وفق ماده ۱۰ مقررات عمومی خواهدبود). ماده۳۳ـ دستمزد کارشناسی رشته وسائط نقلیه موتوری زمینی برای هریک از امور تشخیص اصالت خودرو، تعیین میزان سوخت، اظهارنظر فنی، تعیین اجاره بها و اجرت المثل به شرح ذیل می‌باشد: ـ برای هر دستگاه مقطوعاً ۰۰۰/۱۵۰ ریال و چنانچه خارج از شهر باشد طبق تعرفه عمومی هزینه ایاب و ذهاب و فوق‌العاده مأموریت محاسبه و دریافت خواهدشد. تبصره ـ در مورد وسایط نقلیه بدون موتور مقطوعاً ۰۰۰/۱۰۰ ریال. ماده۳۴ـ دستمزد رسیدگی به تشخیص علت تصادف و تعیین خسارت: هر مورد مقطوعاً ۰۰۰/۱۵۰ ریال در داخل شهر و برای حومه ۰۰۰/۲۰۰ ریال. ماده۳۵ـ دستمزد ارزیابی: ۱ـ به ازای هر دستگاه تا ده میلیون ریال ۰۰۰/۱۲۰ ریال. ۲ـ ازده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد، یک درهزارحداکثرتا مبلغ ۰۰&۱۷۷۶/۲;۰۰۰/ ریال. تبصره ـ برای وسائط نقلیه کمتر از چهار چرخ به میزان ۵۰٪ تعرفه فوق. تعرفه رشته وسائط نقلیه دریایی و غواصی ۱ـ برای دعاوی مربوط به حمل و نقل (مسئولیت صادر کننده اسناد حمل) میزان خواسته به ریال میزان دستمزد به ریال تا ۵ میلیون حداقل دویست و پنجاه هزار از ۵ میلیون تا ۵۰ میلیون نسبت به مازاد ده در هزار از ۵۰ میلیون تا ۱۵۰ میلیون نسبت به مازاد پنج در هزار از ۱۵۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون نسبت به مازاد سه در هزار از ۵۰۰ میلیون به بالاـ نسبت به مازاد یک در هزار حداکثر تا مبلغ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تبصره ـ تعیین میزان خسارت وارده به کالا به عهده کارشناس ذیربط طبق تعرفه مربوطه می‌باشد. ۲ـ تعیین ارزش وسائط نقلیه آبی وسیله نقلیه آبی به ریال میزان تعرفه کارشناسی تا یکصد میلیون ده در هزار از یکصد میلیون تا پانصد میلیون نسبت به مازاد پنج در هزار از پانصد میلیون تا دو میلیارد نسبت به مازاد سه در هزار از دو میلیارد به بالا نسبت به مازاد یک در هزارحداکثرتامبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۷ ریال ۳ـ تعیین مقصر در تصادم دریائی یا تصادم در آبهای داخلی الف ـ در صورت تصادم بین قایقهای تفریحی و مسافری در آبهای داخلی: حداقل ۰۰۰/۲۵۰ ریال و حداکثر ۱۰۰۰.۰۰۰ ریال. ب ـ در صورت تصادم بین دو یا چند فروند شناور در دریا. ـ برای شناورهای با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن

(ظرفیت ناخالص یا GT): یک و نیم میلیون ریال. ـ برای شناورهای با ظرفیت بالاتر از ۵۰۰ تن (ظرفیت ناخالص یا GT): دو میلیون ریال. تبصره ـ منظور از « شناور» هر وسیله نقلیه آبی اعم از مسافری یا باربر است که در آب، روی آب یا زیر آب تردد نماید. پ ـ در صورت تصادم شناور با تأسیسات دریائی. ـ برای شناورهای با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن (ظرفیت ناخالص یا GT): یک میلیون ریال. ـ برای شناورهای با ظرفیت بالاتر از ۵۰۰ تن (ظرفیت ناخالص یا GT): یک و نیم میلیون ریال. تبصره۱ـ منظور از تأسیسات دریائی هر نوع تأسیسات از جمله اسکله، بویه، لوله‌های کف دریا و سکوهای دریائی می‌باشد. تبصره۲ـ ظرفیت ناخالص هر فروند شناور طبق کنوانسیون بین‌المللی ظرفیت سال ۱۹۶۶ اندازه‌گیری گردیده و در گواهینامه ثبت شناور درج می گردد. توجه: ظرفیت‌های مذکور در این قسمت به ازاء هر «تن» برابر با یکصد فوت مکعب می‌باشد. ۴ـ تعیین میزان خسارت وارده در تصادم میزان خسارت وارده به ریال میزان تعرفه کارشناسی به ریال تا ۵۰ میلیون حداقل پانصد هزار از ۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون نسبت به مازاد ده در هزار از ۲۰۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون نسبت به مازاد پنج در هزار از ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد نسبت به مازاد سه در هزار از یک میلیارد به بالا نسبت به مازاد یک در هزار حداکثر تا مبلغ&۱۷۷۶;&۱۷۷۶;&۱۷۷۶;/۵/۰۰۰ ریال ۵ ـ تعیین مقصر برای حوادث مربوط به صدمه یا اتلاف جان اشخاص در دریا و آبهای داخلی الف ـ در آبهای داخلی: حداقل دویست و پنجاه هزار ریال. ب ـ در دریا: حداقل یک میلیون ریال و حداکثر تا سه میلیون ریال. ۶ ـ در مورد غواصی و عملیات زیرابی، ماده ۱۰ مقررات عمومی جداول تعرفه دستمزد کارشناس رسمی دادگستری ملاک عمل می‌باشد. قسمت ششم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۶ ـ راه و ساختمان و نقشه‌برداری شامل رشته‌های: (راه و ساختمان و نقشه‌برداری ـ معماری و شهرسازی ـ معماری داخلی و تزئینات مهندسی ترافیک و مهندسی محیط زیست ـ ابنیه و آثار باستانی امور ثبتی ـ برنامه‌ریزی شهری) ماده۳۶ـ دستمزد ارزیابی اراضی غیر مزروعی و ابنیه و مصالح ساختمانی و تعیین حقوق کسب و پیشه و تجارت و سرقفلی. ۱ـ تا پنجاه میلیون ریالی مقطوعاً ۲۵۰/۰۰۰ ریال. ۲ـ از ۵۰ میلیون ریال تا ۵۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد، ۵/۱ در هزار. ۳ـ از ۵۰۰ میلیون ریال به بالا، نسبت به مازاد، ۱ در هزار و حداکثر تا مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال. ماده۳۷ـ دستمزد تعیین اجاره بها برای هر واحد یا مجموعه مستقل: ۱ـ تا پانصد هزار ریال ماهانه مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ۲ـ از پانصد هزار ریال به بالا ماهانه، نسبت به مازاد، ده درصد و حداکثر تا مبلغ سه میلیون ریال. تبصره ـ دستمزد تعیین اجرت‌المثل و یا اجور گذشته بر مبنای ماده فوق به اضافه ۲۵٪ خواهد بود. ماده۳۸ـ دستمزد تشخیص علت خسارت: ـ دستمزد تشخیص علت خسارت حداقل مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال و در صورتی که کمیت و کیفیت کار ایجاب نماید دستمزد با نظر قاضی (یا کمیسیون ماده ۱۵ تعرفه) تعیین می‌شود. ماده۳۹ـ تعیین مبلغ خسارت و براورد هزینه تعمیرات: ۱ـ تا ۵ میلیون ریال مقطوعاً دویست هزار ریال. ۲ـ از ۵ میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد، چهار در هزار. ۳ـ از ۱۰۰ میلیون ریال به بالا، نسبت به مازاد، دو در هزار حداکثر تا مبلغ دو میلیون ریال. تبصره ـ در صورتی که تشخیص و تعیین مبلغ خسارت و براورد هزینه تعمیرات هر دو، موضوع کارشناسی باشد هر دستمزد جداگانه محاسبه و مجموع آن پرداخت خواهدشد. ماده۴۰ـ دستمزد رسیدگی و تهیه صورت وضعیت: الف ـ دستمزد رسیدگی به مقادیر کار و صورت وضعیت ساختمان: ۱ـ تا ده میلیون ریال، دو درصد (بیست در هزار). ۲ـ از ده میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال نسبت به مازاد، ده در هزار. ۳ـ از پانصد میلیون ریال به بالاـ ۵ در هزار تا حداکثر مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال. ب ـ دستمزد تهیه مقادیر و صورت وضعیت بر مبنای نرخ‌های بند (الف) این ماده به‌اضافه بیست درصد محاسبه می گردد. پ ـ در مورد رسیدگی و تهیه مقادیر کار و صورت وضعیت مربوط به عملیات راه‌سازی، خیابان‌سازی و کانال‌سازی دستمزد مربوطه ۵۰ درصد نرخ‌های مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده خواهدبود. ت ـ دستمزد بررسی و تعیین کیفیت آسفالت و بتن بر اساس ۳۰٪ هزینه‌های آزمایشگاهی مربوط محاسبه و پرداخت خواهد شد و حداقل ۵۰۰/۰۰۰ (پانصد هزار) ریال و حداکثر تا مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال خواهدبود. ث ـ در صورتی که برای رسیدگی یا تهیه مقادیر کار نیاز به تطبیق کار انجام شده با نقشه‌ها و مشخصات باشد به دستمزدهای ردیف (الف) و (ب) برابر ده درصد اضافه خواهد شد. ج ـ برای ساختمانهای تکراری

(بلوك مجزا) در مورد بندهای (الف) و (ب) به ازاء هر واحد تکراری فقط ده درصد دستمزد یک واحد تعلق می گیرد. ماده۴۱ـ دستمزد تطبیق نقشه‌های ساختمانی با وضعیت محل و بنا: برای هر متر مربع مساحت زیر بنا ۱۰۰۰ (یکهزار) ریال و حداقل ۱۵۰.۰۰۰ (یکصد وپنجاه هزار) ریال و حداکثر تا ۳۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده۴۲ـ دستمزد تطبیق مشخصات قراردادی ساختمان‌ها با وضعیت محل و بنا: برای هر متر مربع مساحت زیر بنا ۱۵۰۰ (یکهزار و پانصد) ریال و حداقل ۰۰۰/۲۰۰ (دویست هزار) ریال و حداکثر تا مبلغ ۴۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده۴۳ـ دستمزد تهیه نقشه‌های معماری، سازه یا برق و تأسیسات از ساختمان موجود: ۱ـ معماری کلی هر متر مربع ۷۵۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۷.۵۰۰.۰۰۰ ریال. ۲ـ سازه هر متر مربع ۱۰۰۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ۳ـ برق و تأسیسات هر متر مربع ۵۰۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۵ ریال. تبصره۱ـ در مواردیکه طبقات همانند باشند دستمزد طبقه اول به میزان مقرر در بندهای (۱) و (۲) محسوب و برای طبقات مشابه ۱۰٪ دستمزد مربوطه پرداخت خواهدشد. تبصره۲ـ چنانچه به جای نقشه‌های کامل معمول ردیفهای فوق، مقدار کمتری نقشه موردنیاز باشد و یا ساختمان از پیچیدگی خاصی برخوردار باشد دستمزد را کمیسیون ماده ۱۵ تعرفه تعیین می کند. قسمت هفتم ـ دستمزد کارشناسی نقشه‌برداری ماده۴۴ـ پیاده کردن محدوده املاک بر روی نقشه هوائی: ۱ـ پیاده کردن هر پلاك ثبتی در داخل مناطق شهری که گذربندی‌های موجود منطقه در نقشه هوائی مشخص باشد تا مساحت ۱۰۰۰ متر مربع مقطوعاً مبلغ ۰۰۰/۴۵۰ ریال (چهارصدوپنجاه هزارریال) برای مساحت بیش از هزار متر مربع نسبت به مازاد هر مترمربع ۶۰ ریال (شصت ریال) تا حداکثر ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال. ۲ـ پیاده کردن هر پلاك ثبتی در مناطقی که گذربندی‌ها در نقشه‌های هوائی مشخص نباشد تا مساحت ۱۰۰۰ متر مربع مقطوعاً مبلغ ۰۰۰/۶۰۰ ریال (ششصد هزار ریال) و از ۱۰۰۰ متر مربع نسبت به مازاد هر متر مربع ۱۰۰ (یکصد) ریال تا حداکثر مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال. ماده۴۵ـ نقشه‌برداری اراضی به مقیاس: ۵۰۰/۱ ۱ـ نقشه‌برداری در اراضی دشت و کم عارضه با منحنی میزان ۲۵ سانتیمتر تا یک هکتار مقطوعاً ۰۰۰/۵۰۰ ریال (پانصد هزار ریال) و برای هر هکتار اضافه بعدی تا پنج هکتار ۰۰۰/۱۲۰ ریال (یکصد وبیست هزار ریال) و از ۵ هکتار به بالا نسبت به مازاد، هر هکتار ۰۰۰/۶۰ ریال (شصت هزار ریال) تا حداکثر مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال. ۲ـ در نقشه‌برداری از اراضی تپه ماهور و عوارض متوسط با منحنی میزان ۵۰ سانتیمتر، پنجاه درصد و از اراضی پر عارضه و مناطق کوهستانی با نقاط ارتفاعی و برداشت عوارض با منحنی میزان حداقل ۲ متر، صد در صد به ارقام فوق اضافه می‌شود. ۳ـ دستمزد نقشه‌برداری بدون برداشت منحنی میزان (مسطحاتی) پنجاه درصد ارقام فوق می‌باشد. ماده۴۶ـ دستمزد نقشه‌برداری از اراضی بیش از یک هکتار در مقیاس‌های ۱۰۰۰/۱ و ۲۰۰۰/۱ با مشخصات فوق به ترتیب هرکدام ۲۰٪ و ۴۰٪ از تعرفه‌های بند فوق کمتر خواهدبود. تبصره ـ در مناطق جنگلی و باغات به علت محدودیت دید ۳۰٪ به ارقام مواد ۴۲و۴۳و۴۴ اضافه می گردد. ماده۴۷ـ برداشت و تهیه مقاطع و محاسبات مربوط به حجم عملیات خاکی: ـ تا میزان هزار متر مکعب ۰۰۰/۲۵۰ ریال مازاد بر آن به ازای هر متر مکعب ۵۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۵ ریال. ماده۴۸ـ تفسیر عکس‌های هوائی: تفسیر عکس هوائی برای هر پلاك ثبتی و تعیین موقعیت آن از روی عکسهای هوائی سنوات مختلف برای یک سند مقطوعاً ۰۰۰/۵۰۰ (پانصد هزار) ریال. تبصره۱ـ در صورتیکه پلاك متعدد و متصل به هم باشند به ازاء هر پلاك اضافی، به دستمزد متعلق به پلاك اول ۲۰٪ اضافه خواهد شد. تبصره۲ـ برای سنوات مختلف به ازای هر سند ۲۰٪ اضافه خواهدشد. ماده۴۹ـ دستمزد تشخیص حدود ثبتی و رسیدگی به اختلافات ثبتی: ـ دستمزد مطالعه پرونده ثبتی و پیاده نمودن پلاك مورد نظر و تشخیص حدود آن در املاك تا هزار متر مربع حداقل ۰۰۰/۵۰۰ ریال و در مواردی که مساحت ملك بیش از یک هزار متر مربع باشد برای هر متر مربع اضافه دویست ریال به دستمزد فوق اضافه خواهدشد و حداکثر از مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال تجاوز نمی‌نماید. تبصره ـ در صورتی که نیاز به نقشه‌برداری و تهیه نقشه از محل مورد اختلاف باشد حق‌الزحمه نقشه‌برداری برابر تعرفه نقشه‌برداری موضوع مواد قسمت هفتم به این ردیف اضافه خواهد شد. ماده ۵۰ ـ دستمزد افراز و قطعه‌بندی (مستلزم تهیه نقشه دقیق قطعات افرازی و صورت ارزیابی آنها ـ طرح قطعات مفروزه بطور واضح و روشن) به شرح زیر است: ۱ـ دستمزد افراز املاك و

مستغلات بر اساس تعرفه ارزیابی موضوع ماده (۳۶) به اضافه ۵۰٪ خواهد بود. در مواردی که موضوع کارشناسی تقسیم ترکه باشد، ۴۰٪ به دستمزد ارزیابی افزوده می‌شود. ۲ـ در صورتی که نقشه ملک مورد افراز تهیه نشده باشد هزینه تهیه نقشه براساس تعرفه نقشه‌برداری مربوطه علاوه بر دستمزد ردیف یک محاسبه شود. ماده۵۱ ـ دستمزد نقشه‌برداری و تهیه نقشه موقعیت قنوات و مسیر انهار و کانالها و رودخانه‌ها به شرح زیر است: ـ نقشه‌برداری و تهیه نقشه موقعیت قنوات با مقیاس ۱۰۰۰/۱ به صورت پیمایش با تعیین محل چاه‌ها، حق‌الزحمه مربوط با توافق تعیین می‌گردد و حداقل آن مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. ماده۵۲ ـ حق‌الزحمه پیاده کردن و میخکوبی و برداشت برای هر کیلومتر از مسیر: ۱ـ دردشت: پانصد هزار ریال. ۲ـ در تپه ماهور ۵۰٪ به حق‌الزحمه ردیف یک اضافه می‌گردد. ۳ـ در کوهستان ۱۰۰٪ به حق‌الزحمه ردیف یک اضافه می‌گردد. ۴ـ برداشت مسیر در بهسازی راه‌ها هر کیلومتر ۵۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر تا مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. قسمت هشتم ـ تعرفه دستمزد کارشناسی برای رسیدگی به موارد اختلاف بین کارفرمایان و پیمانکاران ۳ـ دستمزد کارشناسی تشخیص موجه یا غیر موجه بودن فسخ قرارداد: ماده ۵۳ ـ دستمزد موجه یا غیر موجه بودن فسخ قرارداد: ۱ـ برای قراردادهائی که مبلغ ابلاغ شده آنها تا یکصد میلیون ریال باشد، مقطوعاً ۷۵۰/۰۰۰ ریال. ۲ـ برای قراردادهائی که مبلغ ابلاغ شده آنها از یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال باشد، نسبت به مازاد، یک و نیم در هزار. ۳ـ برای قراردادهائی که مبلغ ابلاغ شده آنها از یک میلیارد ریال تا پنج میلیارد ریال باشد، نیم در هزار نسبت به مازاد. ۴ـ برای قراردادهایی که مبلغ ابلاغ شده آنها از پنج میلیارد ریال بیشتر باشد نیم در هزار نسبت به مازاد تا حداکثر مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۵۴ ـ دستمزد کارشناسی تعیین میزان خسارت وارده: دستمزد تعیین میزان خسارت وارده از عدم انجام تعهدات طرفین قرارداد تا مبلغ بیست میلیون ریال، مقطوعاً ۵۰۰/۰۰۰ ریال و از بیست میلیون ریال به بالا، نسبت به مازاد دو در هزار تا حداکثر مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. قسمت نهم ـ تعرفه دستمزد کارشناسی برای رسیدگی به اختلاف بین کارفرمایان و مهندسان مشاور ماده۵۵ ـ الف ـ دستمزد کارشناسی رسیدگی به اختلافات در قراردادهایی که مبلغ کل حق‌الزحمه مهندس مشاور کمتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد: ۱ـ دستمزد رسیدگی به اضافه شدن مدت قرارداد و تشخیص موجه یا غیر موجه بودن تأخیرات مهندس مشاور ۴ درصد حق‌الزحمه مهندس مشاور در مرحله مربوطه و حداقل مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۲ـ دستمزد تشخیص موجه یا غیر موجه بودن فسخ قرارداد مهندس مشاور۲ درصد حق‌الزحمه مشاور تا مقطع فسخ قرارداد. ۳ـ دستمزد تعیین حق‌الزحمه مهندس مشاور نسبت به امور مورد اختلافی که حق‌الزحمه مربوطه در قرارداد تصریح نشده باشد ۲ درصد حق‌الزحمه موارد اختلاف. ۴ـ دستمزد تعیین حق‌الزحمه مهندس مشاور برای خدمات انجام شده تا تاریخ فسخ یا خاتمه دادن به قرارداد ۲ درصد حق‌الزحمه موارد اختلاف. ۵ ـ دستمزد بررسی مطالعات و گزارش و طرح‌های تهیه شده بوسیله مهندس مشاور ۵ درصد حق‌الزحمه مهندس مشاور در مرحله مربوطه. ب ـ در قراردادهائی که مبلغ کل حق‌الزحمه مهندس مشاور از دویست میلیون ریال به بالا باشد دستمزد کارشناسی نسبت به مازاد دویست میلیون ریال برابر ۲۰ درصد دستمزد بند الف خواهد بود. قسمت دهم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۷ـ صنعت و فن شامل رشته‌های: (الکتروشیمی و پتروشیمی ـ فراورده‌های شیمیایی ـ امور انرژی هسته‌ای ـ صنایع نفت ـ برق (الکترونیک و مخابرات) ـ برق (ماشین و تاسیسات کارخانجات) ـ تأسیسات ساختمانی ـ کامپیوتر (رایانه) ـ صنایع گاز و گازرسانی ـ مهندسی پزشکی (لوازم و تجهیزات پزشکی) ـ مهندسی هوافضا ـ نساجی و رنگرزی) ماده۵۶ ـ دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق به شرح ذیل می‌باشد: ۱ـ ارزیابی. ۱ـ۱ـ تا سی میلیون ریال مقطوعاً ۲۵۰/۰۰۰ ریال. ۱ـ۲ـ از سی میلیون تا یکصد پنجاه میلیون ریال، نسبت به مازاد، ۴ در هزار. ۱ـ۳ـ از یکصد و پنجاه میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال، نسبت به مازاد ۵/۲ در هزار. ۱ـ۴ـ از پانصد میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ۱ در هزار و حداکثر تا مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال. تبصره ـ کارشناس موظف است ارزش کلیه اقلام را ضمن تهیه مشخصات فنی به تفکیک تعیین نماید. حق‌الزحمه براساس مجموع ارزش‌های تعیین شده برای هر کارخانه و یا واحد صنعتی یا غیر صنعتی در هر محل بطور یکجا محاسبه خواهد شد. ماده۵۷ ـ دستمزد تعیین اجاره بها و اجرت المثل ماهانه ماشین آلات، تاسیسات فنی دستگاههای برقی

الکترونیکی و ماشین آلات کارخانجات و موارد مختلف در رابطه با این گروه: ۱ـ تا ده میلیون ریال ۰۰۰/۲۰۰ ریال. ۲ـ از ده میلیون ریال به بالاـ نسبت به مازاد برای اجاره بهای ماهانه هر کارخانه یا کارگاه، ۱۵ درصد تا حداکثر مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده۵۸ ـ دستمزد رسیدگی یا تهیه صورت وضعیت نسبت به امور تأسیسات آب، برق، گاز، مخابرات، آسانسور و موارد مختلف در رابطه با این گروه براساس تعرفه مربوطه در ماده ۴۰ محاسبه خواهد شد. ماده۵۹ ـ دستمزد رسیدگی به امور مهندسین مشاور بر طبق تعرفه رسیدگی به موارد اختلاف بین کارفرمایان، مهندسین مشاور و پیمانکاران براساس تعرفه مربوط به قسمتهای ۸ و ۹ محاسبه خواهد شد. قسمت یازدهم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۸ ـ فنی و هنری شامل رشته‌های: (امور ورزشی ـ شعر و سرود ـ تئاتر و سینما و هنرهای نمایشی ـ موسیقی ـ تشخیص اصالت خط و امضاء و اثر انگشت ـ چاپ و چاپخانه ـ تمبر ـ چینی و سرامیک ـ کاشی ـ سفالگری ـطراحی عمومی و گرافیک ـ فیلم و عکاسی ـ تألیفات ـ صنایع دستی) ماده ۶۰ ـ دستمزد کارشناسی رشته‌های گروه۸ بجز رشته عکاسی و امور سینمائی که جداگانه در ذیل آمده بشرح ذیل است: الف ـ دستمزد کارشناسی رشته‌های گروه۸ در پرونده های غیر مالی و در هر مورد بررسی (هر مستند) حداقل ۲۰۰/۰۰۰ ریال در صورتی که کم و کیف کار ایجاب نماید با توافق قاضی یا متقاضی با کارشناس و حداکثر ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ب ـ دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق در پرونده مالی: ۱ـ تا ده میلیون ریال مقطوعاً دویست هزار ریال. ۲ـ از ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال نسبت به مازاد پنج در هزار. ۳ـ از یکصد میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد یک در هزار تا حداکثر مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده۶۱ ـ دستمزد کارشناسی مربوط به عکاسی و امور سینمایی. الف ـ امور مربوط به عکاسی و سینمایی. دستمزد رسیدگی به مسائل فنی عکس و فیلم شامل: اختلاف رنگها ـ شرایط نوری ـ کمپوزیسیون « ترکیب‌بندی» ـ پرسپکتیو ـ ظهور و چاپ حداقل دویست هزار ریال و حداکثر تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ب ـ امور مربوط به فیلمبرداری و سینما. دستمزد رسیدگی به موارد اختلاف فیمابین کارفرمایان و تهیه کنندگان اعم از نویسنده ـ کارگردان ـ تصویر بردار ـ تدوین کننده ـ لابراتوار و صدابردار شامل: ۱ـ برنامه‌های کوتاه مدت و مستند اعم از فیلم و یا ویدئو (به استثنای انیمیشن) حداقل دویست هزار ریال در صورتی که کم و کیف کار ایجاب نماید و یا برای برنامه‌های بلند مدت سینمایی حداکثر تا مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال. ۲ـ برنامه‌های انیمیشن با توجه به حجم و میزان و نوع کار براساس ماده۵۹ خواهد بود. پ ـ دستمزد ارزیابی فیلم ـ وسائل و لوازم عکاسی و فیلمبرداری و سینما و ویدئو به شرح زیر است: ۱ـ تا ده میلیون ریال مقطوعاً دویست هزار ریال. ۲ـ از ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال نسبت به مازاد سه در هزار. ۳ـ از یکصد میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد یک در هزار و حداکثر تا مبلغ سه میلیون ریال. ت ـ هزینه‌های مربوط به آزمایشگاه ـ استفاده از لوازم مونتاژ ـ دستگاههای نمایش جهت بازدید فیلم و تصاویر تابع ماده ۹ فصل اول مقررات عمومی خواهد بود. قسمت دوازدهم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۹ـ کشاورزی شامل رشته‌های: (کشاورزی و منابع طبیعی، دامپروری و دامپزشکی، آبزیان و شیلات، سم و سم‌شناسی، گیاه پزشکی، صنایع چوب، محصولات دامی (پوست و چرم، سالامبور و روده) و محیط زیست طبیعی) ماده۶۲ ـ دستمزد ارزیابی املاک مزروعی، باغها، جنگلها، مراتع و اراضی جنگلی، اراضی بایر، ساختمانهای روستایی به شرح زیر است: ۱ـ تا مبلغ بیست میلیون ریال مقطوعاً ۲۰۰/۰۰۰ ریال. ۲ـ از مبلغ بیست میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال نسبت به مازاد ۱/۵ درهزار. ۳ـ از پانصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال نسبت به مازاد یک در هزار. ۴ـ از یک میلیارد ریال به بالا نسبت به مازاد نیم در هزار و حداکثر تا مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده۶۳ ـ دستمزد ارزیابی محصولات و فراورده‌های کشاورزی و جنگلی و مراتع و دامی و شیلات بر مبنای ارقام بالا به اضافه ۲۰٪ می‌باشد. تبصره۱ـ دام شامل اغنام و احشام و چهارپایان ـ طیور ـ زنبور عسل و کرم ابریشم می‌باشد. تبصره۲ـ دستمزد کارشناسی و ارزیابی و تعیین مال‌الاجاره و اجرت المثل ماشین‌آلات و تجهیزات و تأسیسات کشاورزی ـ دامپروری و دامپزشکی ـ دام، آبزیان و شیلات به شرح مواد ۵۶ و ۵۷ حسب مورد می‌باشد. ماده۶۴ ـ دستمزد تعیین اجاره بهای سالانه املاک مزروعی، باغها، مراتع و جنگلها به شرح زیر است: ۱ـ تا مبلغ ده میلیون ریال ۲۰۰/۰۰۰ ریال. ۲ـ از مبلغ ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال نسبت به

مازاد ۱۵ در هزار. ۳ـ از مبلغ پنجاه میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ۵ در هزار حداکثر تا مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۳ ریال. ماده۶۵ ـ دستمزد تعیین حق آبادانی و حق ریشه و زراعت و نسق زارعانه و تعیین هزینه احیاء و اصلاح تسطیح زمینهای کشاورزی و باغات و حق غارسی به شرح زیر می‌باشد: ۱ـ تا مبلغ ۵ میلیون ریال ۰۰۰/۲۰۰ ریال. ۲ـ از پنج میلیون ریال تا ده میلیون ریال نسبت به مازاد ۱۵ درهزار. ۳ـ از ده میلیون ریال به بالاـ نسبت به مازاد ۵ در هزار حداکثر تا مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱ ریال. ماده۶۶ ـ دستمزد نمونه برداری بمنظور تعیین کیفیت و طبقه‌بندی محصولات زراعی، باغی، دامی، آبزیان، خوراک دام، مکمل و داروهای مصرفی دامی با توافق قاضی یا متقاضی با کارشناس و حداکثر یک میلیون ریال. ماده۶۷ ـ دستمزد تشخیص اراضی (دایر و بایر و موات) تا مساحت ۱۰۰۰ مترمربع ۰۰۰/۲۰۰ ریال و برای هر یک هزار مترمربع اضافه ۱۰درصد به دستمزد فوق اضافه می‌شود. ماده۶۸ ـ دستمزد تشخیص علت و براورد خسارت ناشی از زیان‌های وارده به مزارع و باغها ـ جنگلها ـ مراتع ـ شیلات ـ شبکه‌های آبیاری و زهکشی و آبیاری تحت فشار ـ دام و محصولات و فراورده‌های کشاورزی و دامی و تأسیسات کشاورزی و دامپروری و شیلات و تجهیزات کشاورزی و خسارات ناشی از آفات نباتی و حیوانی ـ مصرف مواد شیمیایی و داروئی نامناسب ـ آلودگی آب و خاک و مواد غذایی به شرح زیر است: الف ـ تشخیص علت خسارت ۰۰۰/۲۰۰ ریال. ب ـ براورد خسارت تا ده میلیون ریال ۰۰۰/۲۰۰ ریال. پ ـ از ده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ۲ در هزار تا حداکثر ۰۰۰/۵۰۰/۱ ریال. ماده۶۹ ـ دستمزد افراز املاک کشاورزی براساس تعرفه ارزیابی موضوع ماده ۶۲ به اضافه سی درصد خواهد بود در مواردی که موضوع افراز املاک کشاورزی تقسیم ترکه باشد بیست درصد به دستمزد ارزیابی مربوطه افزوده می‌گردد. ماده۷۰ـ در صورتی که انجام امر کارشناسی مستلزم تهیه نقشه باشد دستمزد نقشه‌برداری بر طبق تعرفه مربوطه محاسبه خواهد شد. ماده۷۱ـ دستمزد ارزیابی تجهیزات و مواد اولیه و محصولات و فراورده‌های کشاورزی و دامی و جنگلی و شیلات و غیره موجود در انبارها براساس تعرفه ماده ۱۲ محاسبه خواهد شد. ماده ۷۲ـ دستمزد کارشناسی در امور مهندسین مشاور و پیمانکاران در این گروه کارشناسان براساس تعرفه رسیدگی به موارد اختلاف بین کارفرمایان و پیمانکاران و مهندسین مشاور تعیین می‌شود. ماده۷۳ـ دستمزد تشخیص حدود ثبتی و رسیدگی به اختلافات آن املاک خارج از محدوده شهرها: ـ دستمزد مطالعه پرونده ثبتی و پیاده نمودن پلاک مورد نظر و تشخیص حدود آن در املاک مزروعی حداقل پانصد هزار ریال. ـ در مواردی که مساحت ملک بیش از یک هکتار باشد به ازای هر هکتار مازاد ۰۰۰/۱۰۰ ریال حداکثر تا سه میلیون ریال. ماده۷۴ـ دستمزد آزمایشات مربوط به خاک‌شناسی و تهیه نمونه‌های مورد لزوم بر مبنای تعرفه مؤسسه تحقیقات خاک و آب (خاک شناسی و حاصلخیزی خاک) و ضوابط مربوطه از طرف متقاضی پرداخت می‌شود. قسمت سیزدهم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۱۰ـ مدیریت و خدمات عمومی و اداری شامل رشته‌های: (آمارامور اداری و استخدامی ـ امور آموزشی ـ امور گمرکی ـ بیمه ـ امور کتاب و کتابداری ـ ثبت شرکتها و علائم تجاری و اختراعات ـ جهانگردی و ایرانگردی فناوری اطلاعات (ICT/IT) ـ امور خبرنگاری و روزنامه نگاری ـ امور کار و کارگری ـ مدیریت بازرگانی) ماده۷۵ـ دستمزد کارشناسی در مورد کلیه رشته‌های فوق: با توجه به کم و کیف کار با توافق تعیین می‌شود و حداقل دستمزد ۰۰۰/۲۰۰ ریال و حداکثر سه میلیون ریال می‌باشد. قسمت چهاردهم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان گروه۱۱ـ ایمنی و حوادث شامل رشته‌های: امور آتش سوزی و آتش نشانی، اسلحه شناسی، تأمینی و امنیتی، حوادث ناشی از کار، مواد محترقه و منفجره (ناریه) ماده۷۶ـ دستمزد کارشناسی در کلیه رشته‌های فوق با توجه به کم و کیف کار با توافق تعیین می‌شود و حداقل دستمزد ۰۰۰/۲۰۰ ریال و حداکثر ۰۰۰/۰۰۰/۳ ریال می‌باشد. قسمت پانزدهم ـ تعرفه دستمزد کارشناسان سایر رشته‌ها ماده۷۷ـ حق‌الزحمه کارشناسان سایر رشته‌هایی که بعد از تصویب این تعرفه به تصویب شورای عالی کارشناسان رسمی می‌رسد حسب مورد، براساس تعرفه گروه‌های مربوطه یا طبق مفاد ماده ۱۰ تعرفه تعیین خواهد شد. ماده ۷۸ـ با توجه به محرومیت بعضی از مناطق کشور ارقام تعرفه مورد عمل در مورد مناطق محروم و یا اشخاص حقیقی که استطاعت کافی ندارند به تشخیص قاضی پرونده یا کانون کارشناسان رسمی دادگستری تا ۴۰٪ (چهل درصد) کاهش

می‌یابد. این تعرفه در اجرای ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ در تاریخ ۲۳/۵/۱۳۸۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی، در سراسر کشور لازم‌الاجراست.

اصلاح موادی از آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری – مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی بدینوسیله اصلاح موادی از آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری که به موافقت ریاست محترم قوه قضائیه رسیده جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه ـ علیرضا جمشیدی شماره۱۶۸۱۵ ۲۸/۸/۱۳۸۴ جناب آقای دکتر جمشیدی ریاست محترم مرکز توسعه قضائی نظر به اینکه اصلاح موادی از آئین‌نامه سال ۱۳۳۳ درخصوص شرح وظایف کارآموزان، تاکنون در روزنامه رسمی منتشرنشده است خواهشمند است جهت اجراء در روزنامه رسمی منتشر گردد. رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز ـ سیدمحمد جندقی کرمانی پور شماره ۱۵۰۹۰/ح/م ۲۵/۵/۱۳۸۴ جناب آقای جندقی ریاست محترم کانون وکلای دادگستری موارد پیشنهاد اصلاح موادی از آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری (پیوست) به استحضار ریاست محترم قوه قضائیه رسید. تصویرنامه شماره ۵۵۷۶/۸۴/۱ مورخ ۱۲/۵/۱۳۸۴ رئیس محترم حوزه ریاست قوه قضائیه به پیوست ایفاد می‌گردد. معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه ـ علیرضا جمشیدی شماره۵۵۷۶/۸۴/۱ ۱۲/۵/۱۳۸۴ جناب آقای دکتر جمشیدی معاون محترم حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه نامه شماره ۱۴۸۱۰/ح/م ـ ۸/۵/۱۳۸۴ به همراه پیشنهاد اصلاحی برخی از مواد آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، باستحضار ریاست محترم قوه‌قضائیه رسید، مرقوم فرمودند: (باسمه تعالی ـ منحصرا با اصلاحیه ماده (۳۵) و بند۳ ماده ۳۶ موافقت می‌شود.) لذا بدینوسیله مراتب ابلاغ می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ عبدالرضا ایزدپناه حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی (دام‌ظله‌العالی) رییس محترم قوه قضائیه حسب‌الامر حضرتعالی پیشنهاد اصلاحی برخی از مواد آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیون‌های مشترک مجلسین مطرح شده از سوی کانون وکلای دادگستری مورد بررسی قرار گرفت و پس از هماهنگی نهایی با رئیس کانون جهت تصویب و ابلاغ بشرح پیوست تقدیم می‌گردد. معاون حقوقی و توسعه قضایی ـ علیرضا جمشیدی با اجازه حاصله از ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب پنجم اسفندماه ۱۳۳۳ کمیسیون‌های مشترک مجلسین موادی از آئین‌نامه لایحه مذکور بشرح ذیل اصلاح می‌شود: تبصره ذیل به ماده۳۱ آئین‌نامه مصوب سال ۱۳۳۴ اضافه می‌شود: تبصره ـ چنانچه قضات بازنشسته ظرف ۶ ماه پس از صدور حکم بازنشستگی برای دریافت پروانه وکالت مراجعه نمایند از ارائه گواهینامه‌های موضوع بند۳، ۴ و ۵ معاف می‌باشند. ماده۳۵ آئین‌نامه مصوب سال۱۳۳۴: کمیسیون یا کمیسیونهای کارآموزی که تعداد اعضای آنها به وسیله هیأت مدیره انتخاب خواهدشد از بین اعضای هیأت مدیره یا وکلائی که واجد شرایط عضویت هیئت‌مدیره باشند یا بطور مختلط از طرف هیأت مدیره تعیین می‌شود. بند۳ ماده۳۶ به شرح ذیل اصلاح می‌شود: بند۳ـ حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لااقل ماهی ۲ مرتبه و کارآموزان مکلفند در کارگاههای آموزشی شرکت نمایند. ماده۴۲ ـ درصورتی‌که تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هیأت‌مدیره واقع نشد مدت دوره کارآموزی به تشخیص هیأت مدیره معین خواهدشد. درهر صورت مدت مذکور فراتر از مدت نوبت اول نخواهدبود

مسکن و اجاره

قانون روابط موجر و مستأجر ـ ۵۶

فصل اول کلیات

ماده ۱ ـ هر محلی که برای سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت یا به منظور دیگری اجاره داده شده یا بشود در صورتی که تصرف‌متصرف بر حسب تراضی با موجر یا نماینده قانونی او به عنوان‌اجاره یا صلح منافع و یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره باشد اعم از اینکه نسبت به مورد اجاره سند رسمی یا عادی تنظیم شده یانشده باشد، مشمول مقررات این قانون است ماده ۲ ـ موارد زیر مشمول مقررات این قانون نمی‌باشد: ۱ ـ تصرف ناشی از معاملات با حق استرداد یا معاملات رهنی ۲ ـ اراضی مزروعی محصور و غیر محصور و توابع آنها وباغهایی که منظور اصلی از اجاره بهره‌برداری از محصول آنها باشد. ۳ ـ ساختمانها و محلهایی که به منظور سکونت عرفا به طور فصلی برای مدتی که از ششماه تجاوز نکند اجاره داده می‌شود. ۴ ـ کلیه واحدهای مسکونی واقع در محدوده خدماتی شهرها و در شهرکها که گواهی خاتمه ساختمانی آنها از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون معاملات زمین مصوب سال ۱۳۵۴ صادر شده ومی‌شود. ۵ ـ خانه‌های سازمانی و سایر محلهای مسکونی که از طرف وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت یا اشخاص اعم‌از حقیقی یا حقوقی به مناسبت شغل در اختیار و استفاده کارکنان‌آنها قرار می‌گیرد. در این مورد رابطه متصرف با سازمان یا اشخاص مربوط تابع‌قوانین و مقررات مخصوص بخود یا قرارداد فی‌مابین می‌باشد. هرگاه متصرف خانه یا محل سازمانی که به موجب مقررات یاقرارداد مکلف به تخلیه محل سکونت باشد از تخلیه خودداری کندبر حسب مورد از طرف دادستان یا رئیس دادگاه بخش مستقل به اواخطار می‌شود که ظرف یکماه محل را تخلیه نماید در صورت‌امتناع به دستور همان مقام محل مزبور تخلیه شده و تحویل سازمان‌یا موسسه یا اشخاص مربوط داده می‌شود. ۶ ـ واحدهای مسکونی که پس از اجرای این قانون به اجاره واگذار گردد.

فصل دوم میزان اجاره بها و ترتیب پرداخت آن

ماده ۳ ـ در مواردی که اجاره‌نامه تنظیم شده باشد میزان اجاره‌بها همان است که در اجاره‌نامه قید شده و هرگاه اجاره‌نامه تنظیم نشده باشد به میزانی است که بین طرفین مقرر یا عملی شده‌است و در صورتی که میزان آن معلوم نشود با رعایت مقررات این‌قانون از طرف دادگاه میزان اجاره بها به نرخ عادله روز تعیین‌می‌شود. ماده ۴ ـ موجر یا مستاجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه‌زندگی درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره بها را بنماید،مشروط به اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده‌مستاجر از عین مستاجره یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین‌یا تعدیل اجاره‌بها صادر شده سه سال تمام گذشته باشد، دادگاه‌باجلب نظر کارشناس اجاره‌بها را به نرخ عادله روز تعدیل خواهدکرد حکم دادگاه در این مورد قطعی است ماده ۵ ـ موجر می‌تواند مابه‌التفاوت اجاره‌بها را ضمن‌دادخواست تعدیل نیز مطالبه نماید. در این صورت دادگاه ضمن صدور حکم راجع به تعدیل مستاجر را به پرداخت مابه‌التفاوت از تاریخ تقدیم دادخواست تاروز صدور حکم محکوم می‌نماید. دایره اجرا مکلف است‌خسارت تاخیر تادیه از تاریخ قطعیت تا تاریخ اجرای حکم را به قراردوازده درصد در سال احتساب و از مستاجر وصول و به موجربپردازد مستاجر نیز می‌تواند ضمن تقاضای تعدیل اجاره‌بهامابه‌التفاوت پرداخت شده را به انضمام خسارت تاخیر تادیه به‌شرح فوق درخواست کند. تبصره ـ مقررات این ماده در مواردی که دادگاه حکم به تعیین‌اجاره‌بها صادر می‌نماید نیز جاری خواهد بود. ماده ۶ ـ مستاجر مکلف است در موعد معین در اجاره‌نامه‌اجرت‌المسمی و پس از انقضا مدت اجاره اجرت‌المثل را به میزان‌اجرت‌المسمی آخر هرماه اجاری ظرف ده روز به موجر یا نماینده‌قانونی او بپردازد و هرگاه اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد اجاره‌بها را به‌میزانی که بین طرفین مقرر و یا عملی شده و در صورتیکه میزان آن‌معلوم نباشد به عنوان اجرت‌المثل مبلغی که متناسب با اجاره املاک‌مشابه تشخیص می‌دهد برای هرماه تا دهم ماه بعد به موجر یانمایند قانونی او پرداخت یا در صندوق ثبت و یا بانکی که از طرف‌سازمان ثبت تعیین می‌شود سپرده و قبض رسید را اگر اجاره‌نامه‌رسمی است به دفترخانه تنظیم‌کننده سند هرگاه اجاره‌نامه

عادی‌بوده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد قبض رسید را با تعیین محل اقامت‌موجر به یکی از دفاتر رسمی نزدیک ملک تسلیم و رسید دریافت‌دارد. دفترخانه باید منتهی ظرف ده روز بوسیله اداره ثبت محل‌مراتب را به موجر یا نماینده قانونی او اخطار کند که برای دریافت‌وجه تودیع شده با دفترخانه مزبور مراجعه نماید.

فصل سوم در تنظیم اجاره‌نامه

ماده ۷ ـ در مواردی که بین موجر و کسی که ملک را به عنوان‌مستاجر در تصرف دارد اجاره‌نامه تنظیم نشده یا اگر تنظیم شده‌مدت آن منقضی گشته طرفین راجع به تنظیم اجاره‌نامه با تعیین‌اجاره‌بها و شرایط آن اختلاف داشته باشند هریک می‌تواند برای‌تعیین اجاره‌بها (در مواردی که اجاره‌نامه در بین نباشد) و تنظیم‌اجاره‌نامه به دادگاه مراجعه کند. دادگاه میزان اجاره‌بها را از تاریخ‌تقدیم دادخواست تعیین می‌کند، ولی این امر مانع صدور حکم‌نسبت به اجرت‌المثل زمان قبل از تقدیم دادخواست و خسارت‌تاخیر تادیه آن نخواهد بود. تبصره ۱ ـ هرگاه از طرف موجر تقاضای تخلیه عین مستاجره‌شده باشد رسیدگی به درخواست تنظیم اجاره‌نامه از طرف مستاجر متوقف بر خاتمه دادرسی در موضوع تخلیه خواهد بود این حکم درموردی که از طرف مالک درخواست خلع ید از ملک شده باشد نیزجاری است ماده ۸ ـ دادگاه شرایط اجاره‌نامه جدید را طبق شرایط مرسوم ومتعارف در اجاره‌نامه‌ها و شرایط مندرج در اجاره‌نامه سابق (درصورتی که قبلا اجاره‌نامه تنظیم شده باشد) با رعایت مقررات این‌قانون تعیین خواهد کرد. ماده ۹ ـ در تمام مدتی که دادرسی در جریان است مستاجر بایدطبق ماده ۶ این قانون و شرایط قبلی مال‌الاجاره را بپردازد و از تاریخ‌ابلاغ حکم قطعی طرفین مکلفند ظرف یک ماه به ترتیب مقرر درحکم اجاره‌نامه تنظیم کنند. هرگاه در این مدت اجاره‌نامه تنظیم نشود به تقاضای یکی ازطرفین دادگاه رونوشت حکم را جهت تنظیم اجاره‌نامه به دفتر اسنادرسمی ابلاغ و به طرفین اخطار می‌کند که در روز و ساعت معین‌برای امضای اجاره‌نامه در دفترخانه حاضر شوند. هرگاه موجر حاضربه امضای اجاره‌نامه نشود نمایندهٔ دادگاه اجاره‌نامه را به مدت یک‌سال از طرف او امضا خواهد کرد و اگر مستاجر تا ۱۵ روز از تاریخ‌تعیین شده حاضر به امضا نشود دادگاه در صورتی که عذر مستاجر راموجه نداند به تقاضای موجر حکم به تخلیه عین مستاجره صادرمی‌کند و این حکم قطعی است ماده ۱۰ ـ مستاجر نمی‌تواند منافع مورد اجاره را کلا یا جزئا یابه نحو اشاعه به غیر انتقال دهد یا واگذار نماید مگر اینکه کتبا این‌اختیار به او داده شده باشد. هرگاه مستاجر تمام یا قسمتی از مورد اجاره را به غیر اجاره دهدمالک می‌تواند در صورت انقضای مدت یا فسخ اجاره درخواست‌تنظیم اجاره‌نامه با هر یک از مستاجرین را بنماید. در صورتی که مستاجر حق انتقال مورد اجاره را به غیر داشته‌باشد هریک از مستاجرین نیز می‌تواند در صورت فسخ و یا انقضای‌مدت اجاره اصلی درخواست تنظیم اجاره‌نامه را با مالک یا نماینده‌قانونی او بنمایند. و ماده ۱۱ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند علاوه بر نکاتی که به‌موجب قوانین و مقررات باید رعایت شود نکات زیر را در اجاره‌نامه‌تصریح بنمایند: ۱ ـ شغل موجر و مستاجر و اقامتگاه موجر بطور کامل ومشخص ۲ ـ نشانی کامل مورد اجاره و قید اینکه از لحاظ رابطه اجاره این‌محل اقامتگاه قانونی مستاجر می‌باشد مگر اینکه طرفین به ترتیب‌دیگری تراضی نموده باشند. ۳ ـ عین مستاجره در تصرف کدام یک از طرفین می‌باشد و درصورتی که در تصرف مستاجر نیست تحویل آن در چه مدت و باچه شرایطی صورت خواهد گرفت ۴ ـ مهلت مستاجر برای پرداخت اجاره‌بها منتهی ده روز از تاریخ‌سررسید هر قسط خواهد بود، مگر اینکه طرفین به ترتیب دیگری‌زائد بر این مدت توافق کرده باشند که در این صورت ترتیب مذکورباید در سند قید گردد. ۵ ـ اجاره به منظور سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت با تعیین‌نوع کسب و پیشه و تجارت و هرگاه به منظور دیگری باشد قید آن به‌طور صریح ۶ ـ مستاجر حق انتقال به غیر را کلا ـ یا جزئا یا به نحو اشاعه داردیا خیر. ۷ ـ تعهد مستاجر به‌پرداخت اجرت‌المثل پس از انقضای مدت‌و یا فسخ اجاره تا موقع تجدید اجاره یا تخلیه ملک به میزان‌اجرت‌المسمی

فصل چهارم موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره

ماده ۱۲ ـ در موارد زیر مستاجر می‌تواند صدور حکم به فسخ‌اجاره را از دادگاه درخواست کند: ۱ ـ در صورتی که عین مستاجره با او صافی که در اجاره‌نامه قیدشده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانون مدنی ۲ ـ اگر در اثنای مدت اجاره عیبی در عین مستاجره حادث شود که آن را از قابلیت انتفاع خارج نموده و رفع عیب مقدور نباشد. ۳ ـ در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستاجر تحقق‌یابد. ۴ ـ در صورت فوت مستاجر در اثنا مدت اجاره و درخواست‌فسخ اجاره از طرف کلیه ورثه ۵ ـ هرگاه مورد اجاره کلاـ یا جزئا در معرض خرابی بوده و قابل‌تعمیر نباشد و یا برای بهداشت و سلامت مضر بوده و باید خراب‌شود. ماده ۱۳ ـ هرگاه مستاجر به علت انقضای مدت اجاره یا درمواردی که به تقاضای او حکم فسخ اجاره صادر شده مورد اجاره راتخلیه کند و موجر از تحویل گرفتن آن امتناع کند مستاجر مکلف‌است بوسیله اظهارنامه از موجر یا نماینده قانونی او تقاضا کند که‌برای تحویل مورد اجاره حاضر شود. در صورتی که موجر ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه‌حاضر نگردد مستاجر باید به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه وتخلیه کامل مورد اجاره را تامین دلیل نماید و کلید آن را به دفتردادگاه تسلیم کند. از این تاریخ رابطه استیجاری قطع می‌شود و دفتر دادگاه ظرف۲۴ ساعت به موجر یا نماینده قانونی او اخطار می‌کند که برای‌تحویل گرفتن مورد اجاره و دریافت کلید حاضر شود. تا زمانی که‌مستاجر به ترتیب فوق عمل نکرده باشد تعهدات او به موجب‌مقررات این قانون و شرایط اجاره‌نامه برقرار است ماده ۱۴ ـ در موارد زیر موجر می‌تواند حسب مورد صدورحکم فسخ اجاره یا تخلیه را از دادگاه درخواست کند دادگاه ضمن‌حکم فسخ اجاره دستور تخلیه مورد اجاره را صادر می‌نماید و این‌حکم علیه مستاجر یا متصرف اجرا و محل تخلیه خواهد شد. ۱ ـ در موردی که مستاجر مسکن بدون داشتن حق انتقال به غیردر اجاره‌نامه و یا موردی که اجاره نامه‌ای در بین نباشد مورد اجاره راکلا یا جزئا به هر صورتی که باشد به غیر واگذار نموده یا عملا ازطریق وکالت یا نمایندگی و غیره در اختیار و استفاده دیگری جزاشخاص تحت‌الکفاله قانونی خود قرار داده باشد. ۲ ـ در موردی که عین مستاجره به منظور کسب یا پیشه و یاتجارت خود مستاجره اجاره داده شده و مستاجر آن را به عناوینی ازقبیل وکالت یا نمایندگی و غیره عملا به غیر واگذار کند بدون اینکه طبق ماده ۱۹ این قانون با مستاجر لاحق اجاره‌نامه تنظیم شده باشد. ۳ ـ در صورتی که در اجاره‌نامه محل سکنی حق فسخ اجاره هنگام انتقال قطعی شرط شده باشد مشروط به اینکه خریدار بخواهد شخصا در مورد اجاره سکونت نماید و یا آن را برای‌سکونت اولاد یا پدر یا مادر یا همسر خود تخصیص دهد. در این‌صورت اگر خریدار تا سه ماه از تاریخ انتقال ملک برای تخلیه مراجعه ننماید درخواست تخلیه به این علت تا انقضای مدت اجاره‌پذیرفته نمی‌شود. ۴ ـ در صورتی که مورد اجاره محل سکنی بوده و مالک پس ازانقضای مدت اجاره احتیاج به مورد اجاره برای سکونت خود یا اشخاص مذکور در بند فوق داشته باشد. ۵ ـ هرگاه مورد اجاره محل سکنی در معرض خرابی بوده و قابل‌تعمیر نباشد. ۶ ـ در صورتی که از مورد اجاره محل سکنی بر خلاف منظوری که در اجاره‌نامه قید شده استفاده گردد. ۷ ـ در مورد محل کسب و پیشه و تجارت هرگاه مورد اجاره برای‌شغل معینی اجاره داده شده و مستاجر بدون رضای موجر شغل‌خود را تغییر دهد مگر اینکه شغل جدید عرفا مشابه شغل سابق‌باشد. ۸ ـ در صورتی که مستاجر در مورد اجاره تعدی یا تفریط کرده‌باشد. ۹ ـ در صورتی که مستاجر در مهلت مقرر در ماده ۶ این قانون ازپرداخت مال‌الاجاره یا اجرت‌المثل خودداری نموده و با ابلاغ اخطاردفترخانه تنظیم‌کننده سند اجاره یا اظهارنامه (در موردی که‌اجاره‌نامه عادی بوده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد) ظرف ده روزقسط یا اقساط عقب افتاده را نپردازد. در این مورد اگر اجاره‌نامه‌رسمی باشد موجر می‌تواند از دفترخانه یا اجرای ثبت صدوراجرائیه بر تخلیه و وصول اجاره‌بها را درخواست نماید. هرگاه پس از صدور اجرائیه مستاجر اجاره‌بهای عقب افتاده راتودیع کند اجرای ثبت تخلیه را متوقف می‌کند ولی موجر می‌توانددبه استناد تخلف مستاجر از پرداخت اجاره‌بها از دادگاه درخواست‌تخلیه عین مستاجره را بنماید. هرگاه اجاره‌نامه عادی بوده یا سند اجاره تنظیم نشده باشد موجرمی‌تواند

برای تخلیه عین مستاجره و وصول اجاره‌بها به دادگاه‌مراجعه کند. در موارد فوق هرگاه مستاجر قبل از صدور حکم دادگاه اضافه براجاره‌بهای معوقه صدی بیست آن را به نفع موجر در صندوِدادگستری تودیع نماید حکم به تخلیه صادر نمی‌شود و مستاجر به‌پرداخت خسارت دادرسی محکوم و مبلغ تودیع شده نیز به موجرپرداخت می گردد، ولی هر مستاجر فقط یکبار می‌تواند از این ارفا استفاده کند، حکم دادگاه در موارد مذکور در این بند قطعی است تبصره ۱ ـ در صورتی که مستاجر دوبار ظرف یکسال در اثراخطار یا اظهارنامه مذکور در بند ۹ این ماده اقدام به پرداختاجاره‌بها کرده باشد و برای بار سوم اجاره‌بها را در موعد مقرر به موجر نپردازد و یا در صندوق ثبت تودیع ننماید موجر می‌تواند باتقدیم دادخواست مستقیما از دادگاه درخواست تخلیه عین مستاجررا بنماید. حکم دادگاه در این مورد قطعی است تبصره ۲ ـ در صورتی که مورد اجاره به منظوری غیر از کسب‌یا پیشه یا تجارت اجاره داده شود از هر حیث تابع مقررات مربوط به‌اجاره محل سکنی خواهد بود. تبصره ۳ ـ در مورد بند شش این ماده اگر مستاجر مرکز فساد که‌قانونا دایر کردن آن ممنوع است در مورد اجاره دایر نماید. دادستان‌علاوه بر انجام وظایف قانونی خود به محض صدور کیفر خواست‌به درخواست موجر مورد اجاره را در اختیار موجر قرار می‌دهد. تبصره ۴ ـ در صورتی که مستاجر محل سکنی در شهر محل‌سکونت خود مالك یك واحد مسکونی باشد موجر حق دارد پس ازانقضای مدت اجاره تقاضای تخلیه مورد اجاره را بنماید. ماده ۱۵ ـ علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل در موارد زیر نیزپس از انقضای مدت اجاره درخواست تخلیه محل کسب یا پیشه یاتجارت از دادگاه جائز است ۱ ـ تخلیه به منظور احداث ساختمان جدید مشروط بر اینکه‌پروانه ساختمانی یا گواهی شهرداری مربوط ارائه شود. و شهرداریهامکلفند در صورت مراجعه مالك با رعایت مقررات مربوط پروانه‌ساختمان و یا گواهی مورد نظر را صادر و به مالك تسلیم نمایند. ۲ ـ تخلیه به منظور احتیاج شخص موجر برای کسب یا پیشه یاتجارت ۳ ـ در صورتی که محل کسب یا پیشه یا تجارت مناسب برای‌سکنی هم باشد و مالك برای سکونت خود یا اولاد یا پدر یا مادر یاهمسر خود درخواست تخلیه نماید. در موارد سه‌گانه فوق دادگاه ضمن صدور حکم تخلیه به‌پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت نیز حکم خواهد داد. ماده ۱۶ ـ در موارد مذکور در ماده قبل و همچنین در مواردمذکور در بند ۳ و ۴ ماده ۱۴ هرگاه مالك حسب مورد تا ششماه ازتاریخ تخلیه شروع به ساختمان نکند یا حداقل مدت یکسال از محل مورد اجاره به نحوی که ادعا کرده استفاده ننماید به درخواست‌مستاجر سابق بپرداخت مبلغی معادل یکسال اجاره‌بها یااجرت‌المثل مورد اجاره در حق او محکوم خواهد شد مگر آنکه‌ثابت شود تاخیر شروع ساختمان یا عدم استفاده از مورد اجاره در اثر قوه قاهره یا مبتنی بر علل و جهاتی خارج از اراده مالك بوده‌است تبصره ـ در صورتی که در ملك مورد تخلیه مستاجرین‌متعددی باشند و موجر تقاضای تخلیه سایر قسمتها را نیز نموده‌باشد مهلت فوق از تاریخ تخلیه آخرین قسمت شروع خواهد شد. ماده ۱۷ ـ در تمام مواردی که تخلیه عین مستاجره در نتیجه اجرای‌حکم یا به ترتیب مقرر در ماده ۱۳ صورت می گیرد باید از طرف‌دادگاه به دفترخانه تنظیم‌کننده سند اجاره اعلام شود تا در ستون‌ملاحظات ثبت اجاره قید گردد.

فصل پنجم حق کسب یا پیشه یا تجارت

ماده ۱۸ ـ میزان حق کسب یا پیشه یا تجارت که در این قانون و قوانین دیگر قید شده است بر مبنای اصول و ضوابطی که آئین‌نامه آن از طرف وزارتخانه دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به‌تصویب کمسیونهای مربوط مجلسین خواهد رسید، تعیین می گردد. ماده ۱۹ ـ در صورتی که مستاجر محل کسب یا پیشه یا تجارت‌به موجب اجاره‌نامه حق انتقال به غیر داشته باشد می‌تواند برای همان شغل یا مشابه آن منافع مورد اجاره را با سند رسمی به دیگری انتقال دهد. هرگاه در اجاره‌نامه حق انتقال به غیر سلب شده یا اجاره‌نامه‌ای‌در بین نبوده و مالك راضی به انتقال به غیر نباشد باید در مقابل‌تخلیه مورد اجاره حق کسب یا پیشه یا تجارت مستاجر را بپردازد والا مستاجر می‌تواند برای تنظیم سند انتقال به دادگاه مراجعه کند،در این صورت دادگاه حکم به تجویز انتقال

منافع مورد اجاره به غيرو تنظيم سند انتقال در دفترخانه تنظيم‌كننده سند اجاره‌نامه سابق يادفترخانه نزديك ملك (اگر اجاره‌نامه رسمى در بين نباشد) صادر ورونوشت آن را به دفترخانه مربوط ارسال مى‌نمايد و مراتب را به‌موجر نيز اعلام خواهد نمود، مستاجر جديد از هر حيث نسبت به‌تمام شرايط اجاره قائم مقام مستاجر سابق خواهد بود. هرگاه ظرف ششماه از تاريخ ابلاغ حكم قطعى منافع مورد اجاره‌با سند رسمى به مستاجر جديد انتقال داده نشود حكم مزبور ملغى‌الاثر خواهد بود. تبصره ۱ ـ در صورتى كه مستاجر بدون رعايت مقررات اين‌ماده مورد اجاره را به ديگرى واگذار نمايد موجر حق درخواست‌تخليه را خواهد داشت و حكم تخليه عليه متصرف يا مستاجر اجراخواهد شد. و در اين مورد مستاجر يا متصرف حسب مورداستحقاق دريافت نصف حق كسب يا پيشه يا تجارت را خواهدداشت تبصره ۲ ـ حق كسب يا پيشه يا تجارت به مستاجر همان محل‌اختصاص دارد و انتقال آن به مستاجر جديد فقط با تنظيم سندرسمى معتبر خواهد بود.

فصل ششم تعميرات

ماده ۲۰ ـ تعميرات كلى و اساسى مورد اجاره كه مربوط به اصل‌بنا يا تاسيسات عمده منصوبه در آن از قبيل دستگاههاى حرارت مركزى و تهويه و آسانسور باشد به عهده موجر است و تعميرات جزيى و همچنين تزيين و تعميرى كه مربوط به استفاده بهتر از مورد اجاره باشد يا مستاجر خواهد بود. ماده ۲۱ ـ رسيدگى به اختلاف بين موجر ومستاجر راجع به‌تعميرات با دادگاه است در صورتى كه موجر تعميرات كلى مورد حكم دادگاه را در مهلتى كه از طرف دادگاه تعيين مى‌شود انجام ندهد مستاجر مى‌تواند براى فسخ اجاره به دادگاه مراجعه كند يا از دادگاه درخواست كند به او اجازه داده شود تعميرات مزبور را با نظارت‌دايره اجرا انجام داده مخارج آن را حداكثر تا معادل ششماه اجاره‌بهابه حساب موجر بگذارد. ماده ۲۲ ـ هرگاه مستاجر مانع مالك از انجام تعميرات ضرورى‌شود دادگاه مستاجر را به رفع ممانعت ملزم و مهلت مناسبى براى‌انجام تعميرات تعيين مى‌نمايد. در صورت ادامه ممانعت دادگاه مى‌تواند حكم به تخليه موقت‌بنا براى مدت مذكور بدهد. در هرحال مستاجر مسوول خسارتى است كه در نتيجه ممانعت از تعمير بنا حاصل شده باشد. تبصره ـ رسيدگى به دعاوى مذكور در مادتين ۲۱ و ۲۲ خارج‌از نوبت و بدون رعايت تشريفات دادرسى صورت خواهد گرفت وحكم دادگاه قطعى است ماده ۲۳ ـ اقامه دعوى تخليه از طرف موجر مانع رسيدگى به‌دعوى تعميرات نيست هرگاه دادگاه حكم به تخليه مورد اجاره صادر نموده باشد و حكم‌مزبور قطعى نباشد حكم الزام به تعمير در صورت فسخ حكم تخليه‌به ترتيب مقرر در ماده ۲۱ قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۴ ـ در صورتى كه مستاجر در مورد اجاره حق استفاده ازانشعاب آب يا برق يا تلفن يا گاز يا تاسيسات حرارت مركزى ياتهويه يا آسانسور و امثال آن داشته باشد موجر نمى‌تواند جز درمورد تعميرات ضرورى آن را قطع يا موجبات قطع آن را فراهم‌نمايد مگر اينكه مستاجر بهاى مصرف خود را طبق شرايط اجاره‌نپرداخته باشد. در صورت تخلف دادگاه به درخواست مستاجر فورا بدون‌رعايت تشريفات دادرسى موضوع را مورد رسيدگى قرار داده‌عندالاقتضا ترتيب وصل آن را خواهد داد. دستور دادگاه بلافاصله قابل اجرا است موجر مى‌تواند ظرف ده روز از تاريخ ابلاغ دستور دادگاه به آن اعتراض كند. اعتراض در همان‌دادگاه رسيدگى مى‌شود و تصميم دادگاه قطعى است تبصره ۱ ـ هرگاه علت قطع جريان برق يا آب يا تلفن و غيربدهى موجر به سازمانهاى مربوط بوده و اتصال مجدد مستلزم‌پرداخت بدهى مزبور باشد و مستاجر مى‌تواند براساس قبوض‌سازمانهاى مربوط وجوه مذكور را بپردازد و از اولين اجاره‌بها كسرنمايد. تبصره ۲ ـ تعميرات تاسيسات و قسمتهاى مشترك‌آپارتمانهاى مشمول قانون تملك آپارتمانها تابع مقررات مربوط به‌خود خواهد بود. ماده ۲۵ ـ هرگاه مالك قصد فروش ملك خود را داشته يابخواهد وضع ملك را از جهت امكان وجود خرابى يا كسر و نقصان‌در آن مشاهده نمايد و متصرف ملك مانع از رويت خريدار يا مالك گردد، مالك يا نماينده قانونى او مى‌تواند براى رفع ممانعت به‌دادستان يا دادرس دادگاه بخش مستقل محل وقوع ملك مراجعه كند. دادستان يا دادرس دادگاه حسب مورد به مامورين شهربانى ياژاندارمرى و يا مامورين اجرا

دستور می‌دهد تا خریدار و مالک به‌معیت مامورین ملک را رویت نمایند. تشخیص ضرورت امر درحدود متعارف با مقام صادرکننده دستور است ماده ۲۶ ـ رسیدگی به‌کلیه دعاوی موضوع این قانون در دادگاه‌شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش‌مستقل به عمل می‌آید. مگر دعاوی راجع به دولت که منحصرا درداد‌گاه شهرستان رسیدگی می‌شود حکم دادگاه در هرصورت‌حضوری محسوب و فقط قابل پژوهش است مگر در مواردی که‌خلاف آن مقرر شده باشد رسیدگی به دعاوی مربوط به اتاقهای‌استیجاری کماکان در صلاحیت شورای داوری است تبصره ـ در موردی که میزان خواسته در تقاضای تعیین‌اجاره‌بهای ماهانه زاید بر چهار هزار ریال نباشد حکم دادگاه قطعی‌است ماده ۲۷ ـ در مواردی که حکم تخلیه صادر می‌شود دادگاه ضمن‌صدور حکم مهلتی که از ده روز کمتر و از دو ماه بیشتر نباشد برای‌تخلیه تعیین می‌نماید. حکم تخلیه مدارسی که با اجازه رسمی‌مقامات صلاحیتدارتاسیس‌شده‌درتعطیلات‌تابستان‌اجراخواهد شد. تبصره ۱ ـ در مواردی که حکم تخلیه با پرداخت حق کسب یاپیشه یا تجارت صادر می‌شود مهلتهای مذکور در این ماده از تاریخ‌تودیع یا پرداخت وجه مزبور شروع خواهد شد. تبصره ۲ ـ در مواردی که حکم تخلیه به علت عدم پرداخت‌اجاره‌بها صادر می‌شود حداکثر مهلت ۱۵ روز خواهد بود. ماده ۲۸ ـ در مواردی که حکم تخلیه عین مستاجره با پرداخت‌حق کسب یا پیشه یا تجارت صادر و قطعی می‌شود موجر مکلف‌است ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی وجه معینه را درصندوق دادگستری تودیع یا ترتیب پرداخت آن را به مستاجر بدهد والا ـ حکم مزبور ملغی‌الاثر خواهد بود مگر اینکه طرفین به مدت‌بیشتری توافق کرده باشند. در سایر موارد نیز هرگاه موجر ظرف‌یکسال از تاریخ ابلاغ حکم قطعی تقاضای صدور اجرائیه ننماید‌حکم صادر شده ملغی‌الاثر است مگر اینکه بین موجر و مستاجر برای تاخیر تخلیه توافق شده باشد. تبصره ـ مدتهای مذکر در ماده فوق نسبت به احکامی که درزمان اجرای قانون روابط مالک و مستاجر مصوب ۱۳۳۹ صادر وقطعی گردیده از تاریخ اجرای این قانون شروع می‌شود. ماده ۲۹ ـ وزارت دادگستری از بین کارشناسان رسمی عده‌ای رابه منظور اجرای این قانون حداکثر برای دو سال انتخاب و به‌دادگاهها معرفی می‌نماید و تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل‌نیامده دادگاهها از کارشناسان مزبور استفاده خواهند کرد. طرز تعیین و شرایط انتخاب و میزان حق‌الزحمه کارشناسان به‌موجب آیین‌نامه وزارت دادگستری است در نقاطی که وزارت دادگستری کارشناس معرفی ننماید طبق‌مقررات عمومی مربوط به کارشناسی عمل خواهد شد. ماده ۳۰ ـ کلیه طرق مستقیم یا غیر مستقیم که طرفین به منظورجلوگیری از اجرای مقررات این قانون اتخاذ نمایند پس از اثبات در دادگاه بلااثر و باطل اعلام خواهد شد. ماده ۳۱ ـ این قانون در نقاطی اجرا می‌شود که تاکنون قانون روابط مالک و مستاجر مصوب خرداد ۱۳۳۹ در آن نقاط به مرحله‌اجرا گذاشته شده یا وزارت دادگستری با جلب نظر وزارت مسکن وشهرسازی و لزوم اجرای آن را آگهی نماید در سایر نقاط رابطه موجرو مستاجر براساس قوانین و مقررات عمومی خواهد بود. ماده ۳۲ ـ از تاریخ اجرای این قانون قانون روابط مالک ومستاجر مصوب سال ۱۳۳۹ و سایر قوانین و مقرراتی که مغایر بااین قانون است لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر سی و دو ماده و هفده تبصره پس ازتصویب مجلس سنا در جلسه فوِق العاده روز چهارشنبه۲۲/۴/۱۳۵۶، در جلسه فوِق العاده روز یکشنبه دوم مرداد ماه ۱۳۵۶به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون روابط موجر و مستأجر – ۵۶

در اجرای ماده ۲۹ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال۱۳۵۶، آیین‌نامه زیر تصویب می‌شود: ماده ۱ ـ کارشناسانی ممکن‌است به‌کارشناسی‌در امور مربوط به قانون روابط موجر و مستاجر انتخاب شوند که دارای شرایط زیرباشند: ۱ ـ پروانه کارشناسی آنها مربوط به امور مذکور در قانون روابط موجر و مستاجر باشد. ۲ ـ حداقل پنج سال از تاریخ صدور پروانه کارشناسی آنها گذشته باشد. ۳ ـ سابقه محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا ـ نداشته به علاوه طی دو سال منتهی به‌زمان انتخاب هیچگونه محکومیت انتظامی‌نداشته باشند. ماده ۲ ـ اداره فنی وزارت دادگستری هر دو سال یکبار در بهمن‌ماه اسامی کارشناسان واجد شرایط هر حوزه

را بـا توجه به ضوابط مـذکور در ماده فوق تهیه می‌کنـد. ماده ۳ ـ کمیسیونی مرکب از رئیس کـل دادگاه اسـتان مرکز ورئیس کل دادگاه شهرستان تهران و مدیر کل قضایی و مدیر کل دفترتشکیلات و بودجه و رئیس اداره فنی وزارت دادگستری پس از بررسی گزارش اداره فنی اسامی کارشناسان لازم مربوط به هر حوزه‌را تعیین می‌کند و اداره فنی قبل از پایان سال صورت اسامی آنان را به دادگاهها اعلام می‌نماید. ماده ۴ ـ نام هریک از کارشناسان منتخب که محکومیت انتظامی پیدا کند از صورت مزبور حذف می‌شود و این حـذف نام‌هم بوسیله اداره فنی به دادگاههای حوزه قضایی مربوط اعلام‌می‌گردد. ماده ۵ ـ حق‌الزحمه کارشـناسان در دعاوی موجر و مسـتاجر ازطرف دادگاه با توجه به کمیت و کیفیت و شـرایط کار و خواسته دعوی در حـدود تعرفه زیر تعیین خواهـد شـد: الف ـ برای تعیین اجاره‌بها در موارد نامعلوم بودن میزان اجاره ازسه هزار ریال تا یکصد و بیست هزار ریال ب ـ در مورد تعمیرات از پنجهزار ریال تا یکصد و پنجاه هزار ریال پ ـ در مورد تعیین حق کسب و پیشه یا تجارت از شش هزار ریال تا دویست هزار ریال

قانون روابط موجر و مستأجر ـ ۶۲

فصل اول ـ کلیات

ماده ۱ ـ امـاکنی که برای سـکنی بـا تراضـی بـا موجر به‌عنوان اجـاره یا صـلح منافع و یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره به تصـرف متصـرف داده شده یا بشود اعم از این‌که سند رسمی یا سند عادی تنظیم شده یا نشده باشد مشمول مقررات این قانون است ماده ۲ ـ موارد زیر مشـمول این قـانون نمی‌باشـد: الف ـ تصـرف ناشـی از معاملات با حق استرداد یا معاملات‌رهنی ب ـ خانه‌های سازمانی و سـایر محل‌هـای مسـکونی که از طرف وزارتخانه‌هـا و موسـسات دولـتی و وابسـته به دولت یـا اشـخاص اعم‌از حقیقی یـا حقـوقی به مناسبت شغل در اختیار و استفاده کارکنان آنهاقرار می‌گیرد. این موارد تابع قوانین خاص خود یا طبق قرارداد فیمابین است ج ـ محل کار پزشـکان که تابع قرارداد فیمابین بوده و در صورت نبودن قرارداد تابع قانون a مدنی است تبصره ۱ ـ وصول هرنوع وجهی تحت عنوان سـرقفلی درمطب‌هـای استیجاری و واگـذاری محل مطب به غیر در صورتی‌که درمتن قرارداد بین موجر و مسـتاجر ذکر نشـده باشد ممنوع است تبصـره ۲ ـ اسـتفاده از محل‌های مسـکونی در محل‌هایی که درقرارداد موجر و مسـتاجر عنوان استفاده از مطب قید نگردیده بدون‌رضایت مالک ممنوع است

فصل دوم ـ اجاره بها

ماده ۳ ـ اجاره‌بهـای هر محـل همـان است که در اجاره‌نـامه قیدشـده و اگر اجاره‌نامه‌ای نباشـد به مقـداری است که بین طرفین مقرر یاعملی شده است و در صورتی که مقدار آن احراز نشود، دادگاه طبق موازین قضایی نسبت به تعیین مقدار مال‌الاجاره اقدام خواهد کرد. تبصـره ـ در موارد بطلان اجاره و استیفای مسـتاجر از مورداجاره موجر مسـتحق دریافت اجرت‌المثل می‌باشـد. ماده ۴ ـ مستاجر باید در موعد تعیین شده اجاره‌بها را بپردازد و در صورت امتناع از پرداخت تمام اجاره‌بها به موجر یا نماینده قانونی او تا ده روز بعد از آخر هر مـاه یـا هر موعـد تعیین شـده دیگر موجر می‌توانـد بـا رعـایت این قـانون در صورتی که اجاره‌نـامه رسمی‌داشـته باشـد به دفترخانه تنظیم‌کننده سند مراجعه نماید. دفترخانه موظف است در تاریخ وصول تقاضا، اخطاریه‌ای به‌مستاجر ارسال و از تاریخ ابلاغ اگر تـا ده روز بـدهی خود را نپردازد یـا رضـایت موجر را فراهم نسازد مـدارک را برای صـدور اجرائیه جهت وصول اجور معوقه به ثبت محل ارسال نمایـد. در صورتی که مسـتاجر دلیل موجهی بر عـدم پرداخت به دادگاه صالح ارائه کند دادگاه عملیات اجرائی را متوقف و اجرائیه را ابطال می‌نماید و در صورت اثبات اسـتنکاف مسـتاجر از پرداخت اجاره بها موجر می‌تواند تقاضای وصول اجاره بهای معوقه بنماید.

فصل سوم ــ در اجاره‌نامه

ماده ۵ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند علاوه بر نکاتی که به‌موجب قوانین و مقررات باید رعایت شود نکات زیر را در اجاره‌نامه‌تصریح کنند: ۱ ـ اقامتگاه موجر به‌طور کامل و مشخص ۲ ـ نشانی کامل مورد اجاره و قید این‌که از لحاظ رابطه اجاره این‌محل اقامتگاه قانونی مستاجر می‌باشد مگر این‌که طرفین به‌ترتیب دیگری تراضی نموده باشند. ۳ ـ عین مستاجره در تصرف کدام یک از طرفین می‌باشد و درصورتی که در تصرف مستاجر نباشد تحویل آن در چه مدت و یا با چه شرایط صورت خواهد گرفت ۴ ـ تعیین‌اجاره‌بها ونحوه پرداخت‌ومهلت‌نهائی پرداخت هر قسط ۵ ـ تصریح به آن‌که مستاجر حق انتقال به غیر را کلا یا جزئا یا به نحو اشاعه دارد یا ندارد. ۶ ـ تعهد مستاجر به تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر پس ازانقضا مدت اجاره یا تجدید اجاره با تراضی ۷ ـ حق فسخ موجر در صورت تخلف مستاجر از پرداخت اجاره بها در موعد مقرر یا سایر شروط اجاره‌نامه تبصره ـ موجر و مستاجر می‌توانند برای یکی از طرفین عقداجاره یا هر دو حق فسخ شرط کنند.

فصل چهارم ــ موارد فسخ

ماده ۶ ـ در موارد زیر مستاجر می‌تواند اجاره را فسخ نماید: ۱ ـ در صورتی که عین مستاجره با اوصافی که در اجاره‌نامه قیدشده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانونی مدنی ۲ ـ در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستاجر تحقق‌یابد. ۳ ـ هرگاه مورد اجاره کلا ـ یا جزئا در معرض خرابی واقع شود به‌نحوی که موجب نقص انتفاع گردد و قابل تعمیر نباشد. ماده ۷ ـ هرگاه مستاجر به‌علت انقضا مدت اجاره یا در مواردفسخ اجاره مورد اجاره را تخلیه کند و موجر از تحویل گرفتن آن‌امتناع کند مستاجر می‌تواند به‌دادگاه محل وقوع ملك مراجعه وتخلیه کامل مورد اجاره را تامین دلیل نماید و کلید آن را به دفتردادگاه تسلیم کند. از این تاریخ موجر حق مطالبه اجاره‌بها را نسبت به آینده ندارد ودفتر دادگاه ظرف ۲۴ ساعت به موجر یا نماینده قانونی او اخطارمی‌کند که برای تحویل گرفتن مورد اجاره و دریافت کلید حاضرشود. ماده ۸ ـ موجر می‌تواند در موارد زیر اجاره را فسخ و حکم‌تخلیه را از دادگاه درخواست کند: الف ـ در موردی که مستاجر با سلب حق انتقال به‌غیر مورداجاره را کلا ـ یا جزئا به هر صورتی که باشد به غیر واگذار نموده و یاعملا از طریق وکالت و یا نمایندگی و غیره در اختیار و استفاده دیگری جز اشخاص تحت‌الفکاله قانونی خود قرار داده باشد. ب ـ در صورتی که در اجاره‌نامه حق فسخ اجاره هنگام انتقال قطعی شرط شده باشد. ج ـ در صورتی که از مورد اجاره برخلاف منظور و جهتی که درقرارداد اجاره قید شده استفاده گردد. د ـ در صورتی که مستاجر با تعهد به پرداخت اجاره‌بها در مهلت‌مقرر از آن شرط تخلف نماید. تبصره ۱ ـ در صورتی که عین مستاجره برای مقصودی غیر ازکسب یا پیشه و یا تجارت به اجاره داده شود از هر حیث تابع مقررات مربوط به‌اجاره محل سکنی است تبصره ۲ ـ اگر مستاجر مورد اجاره را مرکز فساد قرار داده باشدبه محض ثبوت آن در دادگاه به درخواست موجر مورد اجاره راتخلیه و در اختیار موجر قرار می‌دهد. ماده ۹ ـ در مواردی که دادگاه تخلیه ملك مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسر و حرج مستاجر بداند و معارض با عسرو حرج موجر نباشد، می‌تواند مهلتی برای مستاجر قرار بدهد. تبصره ۱ ـ در مواردی که دادگاه صدور حکم تخلیه اماکن‌آموزشی و دولتی و مورد اجاره مهاجرین جنگی و رزمندگان را به‌علت کمبود جای مناسب عسر و حرج تشخیص دهد دادگاه موظف است تا رفع عسر و حرج به مدت پنج سال از تاریخ ۲۸/۶/۱۳۶۴ ازصدور حکم خودداری کند و مستاجرین اماکن آموزشی و دولتی مکلفند ظرف این مدت جهت رفع کمبود اماکن تدابیر لازم اتخاذنمایند. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا است تبصره ۲ ـ شورای عالی قضائی مکلف است در اولین فرصت‌دادگاه‌های ویژه‌ای را تشکیل داده و کلیه احکام تخلیه که از طرف دادگاه‌ها یا اداره ثبت صادر گردیده و هنوز اجرا نشده است موردتجدیدنظر قرار دهند چنانچه تخلیه منزل مستلزم عسر و حرج برای‌مستاجر باشد آن حکم را متوقف سازد.

تبصره ۳ ـ در مواردی که دادگاه صدور حکم تخلیه اماکن مورد استفاده مهاجرین جنگی را به‌علت کمبود جای مناسب عسر و حرج تشخیص دهد موظف است تا رفع عسر و حرج حداکثر به مدت ۲سال از تاریخ ۳/۷/۱۳۷۱ از صدور حکم تخلیه خودداری کند. این‌حکم مخصوص به صورتی است که عسر و حرج مذکور مزاحم باعسر و حرج مالک نباشد. تبصره ۴ ـ در شهرها و بخش‌ها و روستاهایی که ساکنان آن‌به‌واسطه جنگ تحمیلی مهاجرت کرده‌اند و در حال حاضر در اماکن‌دولتی و شخصی ساکن هستند به محض این‌که اماکن جدید و یاقدیم آنها در محل قبلی سکونت آنان آماده شود لازم است با اعلام‌نظر ستاد بازسازی مهاجرین جنگ تحمیلی اماکن دولتی و شخصی‌را تخلیه نمایند.

فصل پنجم ــ تعمیرات

ماده ۱۰ ـ تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره که مربوط به اصل بنا یا تاسیسات عمده منصوبه در آن از قبیل دستگاه‌های‌حرارت مرکزی و تهویه و آسانسور باشد، به عهده موجر است وتعمیرات جزئی و همچنین تزیین و تعمیری که مربوط به استفاده بهتر از مورد اجاره باشد با مستاجر خواهد بود. مگر آن‌که در قرارداد به‌صورت دیگری شرط شده باشد. ماده ۱۱ ـ رسیدگی به اختلاف بین موجر و مستاجر راجع به تعمیرات با دادگاه است در صورتی‌که موجر تعمیرات مورد حکم دادگاه را در مهلتی که از طرف دادگاه تعیین می‌شود انجام ندهد،مستاجر می‌تواند حق فسخ خود را اعمال کند یا دادگاه به مستاجراجازه دهد که تعمیرات مزبور را به‌قدر متعارف با نظارت دایره اجرا انجام بدهد. ماده ۱۲ ـ هرگاه مستاجر مالک را از انجام تعمیرات ضروری‌مانع شود دادگاه مستاجر را به رفع ممانعت ملزم و مهلت مناسب‌برای انجام تعمیرات تعیین می‌نماید. تبصره ـ رسیدگی به‌دعاوی مذکور در مواد ۱۱ و ۱۲ خارج ازنوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی صورت خواهد گرفت وحکم دادگاه قطعی است ماده ۱۳ ـ اقامه دعوی تخلیه از طرف موجر مانع قبول ورسیدگی به دعوی تعمیرات نیست و در صورتی که دادگاه مورد را ازموارد تخلیه ندانـد و آن را رد کند به دعوی تعمیرات رسیدگی و حکم‌خواهد داد. ماده ۱۴ ـ نظر به مشکلات مسکن در شهرها و ضرورت تثبیت اجاره‌بها برای مدت پنج سال به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده می‌شود ۲ ماه پس از تصویب این قانون بر اساس آئین‌نامه‌ای که‌توسط وزارتین دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به‌تصویب‌هیات دولت برسد اجاره‌بهای واحدهای مسکونی را با توجه به‌سطح زیربنا و کیفیت ساختمان و نوع بنا و مقتضیات محلی ومنطقه‌ای تعیین و اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ شهرهای بزرگ مذکور در این ماده عبارتند از کلیه‌مراکز استان‌ها به انضمام قزوین کرج اردبیل دزفول آبادان نیشابور، بابل گرگان قم تبصره ۲ ـ چنانچه موجر بیش از قیمت اعلام شده از مستاجر وجهی اضافی دریافت دارد به درخواست مستاجر و به حکم دادگاه به پرداخت مبلغ اضافی به نفع مستاجر محکوم می‌گردد. تبصره ۳ ـ اگر مالک از اجاره دادن مستغل معد اجاره بدون‌عذر موجه امتناع نمایـد بنا به ضرورت تا مدت پنج سال به حاکم‌شرع هر محل اجازه داده می‌شود به قائم مقامی مالک نسبت به‌اجاره دادن محل‌های مسکونی خالی اقدام و اجاره‌بهای دریافتی رابه حساب مالک واریز نمایند. ماده ۱۵ ـ از تاریخ تصویب این قانون اجاره محل‌هائی که برای‌سکونت واگذار می‌شود، تابع مقررات قانون مدنی و این قانون وشرایط مقرر بین طرفین می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر پانزده ماده و ۹ تبصره در جلسه روزسه‌شنبه سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۸/۲/۱۳۶۲ به‌تاییدشورای نگهبان رسیده است

قانون الحاق یک ماده به قانون روابط موجر و مستأجر ۶۲

ماده واحده – بند زیر به عنوان بند ج با دو تبصره به ماده ۲ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۲ اضافه می گردد: ج –

محل کار پزشکان که تابع قرارداد فیمابین بوده و در صورت نبودن قرارداد تابع قانون مدنی است . تبصره ۱ – وصول هر نوع وجهی تحت عنوان سرقفلی در مطب های استیجاری و واگذاری محل مطب به غیر در صورتی که در متن قرارداد بین موجر و مستاجر ذکر نشده باشد ممنوع است . تبصره ۲ – استفاده از محلهای مسکونی در محلهایی که در قرارداد موجر و مستاجر عنوان استفاده از مطب قید نگردیده بدون رضایت مالک ممنوع است . قانون فوق مشتمل بر ماده واحده (شامل الحاق یک بند و دو تبصره) در جلسه روز یک شنبه بیست و چهارم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۷/۱۱/۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است . رئیس مجلس شورای اسلامی – علی اکبر ناطق نوری

قانون روابط موجر و مستأجر ــ ۷۶

فصل اول ــ روابط موجر و مستأجر

ماده ۱ ـ از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون اجاره کلیه اماکن‌اعم از مسکونی تجاری محل کسب و پیشه اماکن آموزشی خوابگاههای دانشجویی و ساختمان‌های دولتی و نظایر آن که باقرارداد رسمی یا عادی منعقد می‌شود تابع مقررات قانون مدنی ومقررات مندرج در این قانون و شرایط مقرر بین موجر و مستاجرخواهد بود. ماده ۲ ـ قراردادهای عادی اجاره باید با قید مدت اجاره در دونسخه تنظیم شود و به امضای موجر و مستاجر برسد و به‌وسیله دونفر افراد مورد اعتماد طرفین به‌عنوان شهود گواهی گردد. ماده ۳ ـ پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یاقائم‌مقام قانونی وی تخلیه عین مستاجره در اجاره با سند رسمی‌توسط دوایر اجرای ثبت ظرف یک هفته و در اجاره با سند عادی‌ظرف یک‌هفته پس‌از تقدیم دادخواست تخلیه به‌دستور مقام قضایی‌در مرجع قضایی توسط ضابطین قوه قضاییه انجام خواهد گرفت ماده ۴ ـ در صورتی که موجر مبلغی به‌عنوان ودیعه یا تضمین‌یا قرض‌الحسنه و یا سند تعهدآور مشابه آن از مستاجر دریافت کرده‌باشد تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موکول به استرداد سند یاوجه مذکور به مستاجر و یا سپردن آن به دایره اجراست چنانچه‌موجر مدعی ورود خسارت به عین مستاجره از ناحیه مستاجر و یاعدم پرداخت مال‌الاجاره یا بدهی بابت قبوض تلفن آب برق و گازمصرفی بوده و متقاضی جبران خسارات وارده و یا پرداخت‌بدهی‌های فوق از محل وجوه یادشده باشد موظف است همزمان باتودیع وجه یا سند، گواهی دفتر شعبه دادگاه صالح را مبنی بر تسلیم‌دادخواست مطالبه ضرر و زیان به‌میزان مورد ادعا به دایره اجراتحویل نماید. در این صورت دایره اجرا از تسلیم وجه یا سند به‌مستاجر به همان میزان خودداری و پس از صدور رای دادگاه و کسرمطالبات موجر اقدام به رد آن به مستاجر خواهد کرد. ماده ۵ ـ چنانچه مستاجر در مورد مفاد قرارداد ارایه شده ازسوی موجر مدعی هرگونه حقی باشد ضمن اجرای دستور تخلیه‌شکایت خود را به دادگاه صالح تقدیم و پس از اثبات حق مورد ادعا و نیز جبران خسارات وارده حکم مقتضی صادر می‌شود.

فصل دوم ــ سرقفلی

ماده ۶ ـ هرگاه مالک ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید می‌تواند مبلغی را تحت عنوان سرقفلی از مستاجر دریافت نماید.همچنین مستاجر می‌تواند در اثنا مدت اجاره برای واگذاری حق‌خود مبلغی را از موجر یا مستاجر دیگر به عنوان سرقفلی دریافت‌کند، مگر آن که در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر از وی سلب‌شده باشد. تبصره ۱ ـ چنانچه مالک سرقفلی نگرفته باشد و مستاجر با دریافت سرقفلی ملک را به دیگری واگذار نماید پس از پایان مدت‌اجاره مستاجر اخیر حق مطالبه سرقفلی از مالک را ندارد. تبصره ۲ ـ در صورتی که موجر به‌طریق صحیح شرعی‌سرقفلی را به مستاجر منتقل نماید، هنگام تخلیه مستاجر حق‌مطالبه سرقفلی به قیمت عادله روز را دارد. ماده ۷ ـ هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود، تا زمانی که عین‌مستاجره در تصرف مستاجر باشد

مالک حق افزایش اجاره‌بها وتخلیه عین مستاجره را نداشته باشد و متعهد شود که هرساله عین‌مستاجره را به همان مبلغ به او واگذار نماید در این صورت مستاجرمی‌تواند از موجر و یا مستاجر دیگر مبلغی به‌عنوان سرقفلی برای اسقاط حقوق خود دریافت نماید. ماده ۸ ـ هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود که مالک عین‌مستاجره را به غیر مستاجر اجاره ندهد و هرساله آن را به اجاره‌متعارف به مستاجر متصرف واگذار نماید، مستاجر می‌تواند برای‌اسقاط حق خود و یا تخلیه محل مبلغی را به عنوان سرقفلی مطالبه‌و دریافت نماید. ماده ۹ ـ چنانچه مدت اجاره به پایان برسد یا مستاجر سرقفلی‌به مالک نپرداخته باشد و یا این که مستاجر کلیه حقوق ضمن عقد رااستیفاء کرده باشد هنگام تخلیه عین مستاجره حق دریافت سرقفلی را نخواهد داشت ماده ۱۰ ـ در مواردی که طبق این قانون دریافت سرقفلی مجازمی‌باشد هرگاه بین طرفین نسبت به‌میزان آن توافق حاصل نشود بانظر دادگاه تعیین خواهد شد. تبصره ـ مطالبه هرگونه وجهی خارج از مقررات فوق در روابط استیجاری ممنوع می‌باشد. ماده ۱۱ ـ اماکنی که قبل از تصویب این قانون به اجاره داده شده‌از شمول این قانون مستثنی و حسب مورد مشمول مقررات حاکم برآن خواهند بود. ماده ۱۲ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارتخانه‌های دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به‌تصویب‌هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۳ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر دو فصل و سیزده ماده و سه تبصره درجلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و ششم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۲۹/۵/۱۳۷۶ به‌تایید شورای نگهبان رسیده است

آیین‌نامه اجرایی قانون روابط موجر و مستأجر ۷۶

ماده ۱ ـ منظور از واژه قانون «در این آیین نامه قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲۶/۵/۱۳۷۶» می‌باشد. ماده ۲ ـ موارد زیر مشمول مقررات قانون نمی‌باشد: ۱ ـ روابط استیجاری قبل از اجرای قانون ۲ ـ روابط ناشی از انتقال حقوق قانونی مستاجر سابق به مستاجر جدید با اجازه موجر در صورتی که قرارداد اجاره قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون باشد. ۳ ـ روابط ناشی از صلح منافع یا هر عنوان دیگر و نیز تصرفات بر حسب تراضی شفاهی با موجر به عنوان اجاره ۴ ـ موارد تخلیه اماکن استیجاری قبل از انقضای مدت مندرج در قرارداد. ۵ ـ در صورتی که سند عادی اجاره بر طبق ضوابط مقرر در ماده (۲) قانون تنظیم نشده باشد. تبصره ـ رابطه استیجاری در اماکنی که ابتدائا از تاریخ لازم‌الاجراشدن قانون به اجاره واگذار شده یا می‌شود یا پس از تاریخ یاد شده توسط‌طرفهای قرارداد اجاره تمدید می گردد، مشمول مقررات قانون مورد اشاره‌خواهد بود. ماده ۳ ـ رسیدگی به درخواست تخلیه در مورد سند عادی موضوع‌ماده (۲) قانون بدون تقدیم دادخواست و با ابطال تمبر مربوط به دعاوی‌غیرمالی و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد. ماده ۴ ـ رییس حوزه قضایی یا دادگاه مرجوع الیه با احراز مالکیت یا ذی‌نفع‌بودن موجر حسب‌مورد مبادرت به صدور دستور تخلیه خواهد نمود. ماده ۵ ـ ابلاغ اوراق قضایی و یا اوراق اجراییه به مستاجر در محل‌عین مستاجره و به موجر در محل مندرج در قرارداد صورت می گیرد؛ مگراینکه طرفین ترتیب دیگری را مقرر نموده باشند. ماده ۶ ـ اجرای دستور تخلیه صادره توسط مقام قضایی نیاز به صدور اجراییه ندارد و توسط مامور، ابلاغ و اجرا می گردد. مامور مکلف است آن راظرف (۲۴) ساعت به شخص مستاجر ابلاغ و در نسخه ثانی رسید دریافت‌کند و در صورت امتناع مستاجر از دادن رسید، مراتب را در ابلاغ نامه قید و ظرف (۳) روز نسبت به اجرای مفاد دستور اقدام نماید. ماده ۷ ـ چنانچه مستاجر در محل حضور نداشته باشد، مفاد دستورتخلیه به یکی از بستگان یا خادمان وی که سن ظاهری او برای تمییز اهمیت موضوع کافی باشد، ابلاغ می‌شود. ماده ۸ ـ هرگاه اشخاص مذکور در ماده قبل در محل حضور نداشته‌باشند یا از دادن رسید امتناع ورزند، مامور مراتب را در اعلامیه‌ای قید و به‌محل الصاق می‌نماید. تبصره ـ در اعلامیه مراتب مراجعه مامور و استنکاف اشخاص ویا عدم حضور آنان و نیز مفاد دستور مقام قضایی درج شده وهمچنین این مطلب قید خواهد شد که چنانچه ظرف (۳) روز مستاجر اقدام به تخلیه محل و

تحویل آن به موجر یا نماینده قانونی وی و یا دفتر دادگاه ننماید، امر تخلیه در روز و ساعت معین توسط مامور اجرا انجام می‌پذیرد. ماده ۹ ـ در مورد اسناد رسمی اجاره درخواست صدوراجراییه جهت‌تخلیه مورد اجاره از دفترخانه تنظیم‌کننده سند به عمل خواهد آمد. ماده ۱۰ ـ درخواست نامه برای اسناد عادی اجاره در فرم مخصوص تنظیم می‌شود و شامل نکات زیر خواهد بود: الف ـ نام و نام خانوادگی و نام پدر و محل اقامت موجر یا نماینده‌قانونی و یا قایم مقام وی ب ـ نام و نام‌خانوادگی و محل‌اقامت مستاجر یا قایم‌مقام قانونی وی پ ـ مشخصات عین مستاجره ت ـ مشخصات و تاریخ سند اجاره تبصره ۱ ـ تصویر مصدق قرارداد باید پیوست درخواست نامه یادشده باشد. تبصره ۲ ـ در صورت فوت موجر یا مستاجر، وراث آنها و درصورت انتقال عین از ید موجر و یا منافع از ید مستاجر، ایادی‌منتقل الیهم و در صورت حجر موجر یا مستاجر، نماینده قانونی‌آنها، قایم مقام قانونی آنان می‌باشند. ماده ۱۱ ـ سر دفتر پس از احراز هویت و صلاحیت‌درخواست‌کننده اوراق اجراییه را ظرف (۲۴) ساعت در (۳) نسخه‌با قید تخلیه محل عین مستاجره موضوع سند تهیه و به مهر ویژه‌اجرا منقوش و جهت اقدام به دایره اجرای اسناد رسمی ثبت محل‌ارسال می‌نماید. ماده ۱۲ ـ اجرای ثبت موظف است با وصول اوراق اجراییه ازدفترخانه ظرف حداکثر (۲۴) ساعت نسبت به تشکیل پرونده وصدور دستور ابلاغ و تخلیه به مامور اقدام نموده و مامور مکلف‌است ظرف (۴۸) ساعت اوراق اجراییه را ابلاغ و طبق قسمت اخیرماده (۶) و مواد (۷) و (۸) این آیین نامه عمل نماید. ماده ۱۳ ـ چنانچه در زمان اجرای دستور تخلیه مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت به علت وقوع حوادث غیرمترقبه مستاجر قادر به‌تخلیه مورد اجاره نباشد و استمهال نماید، مراتب درخواست وی توسط مامور اجرا به مقام قضایی دستوردهنده گزارش می‌شود. مقام‌قضایی صالح مربوط می‌تواند با استمهال مستاجر برای یک نوبت‌به مدت حداکثر یک ماه موافقت کند. ماده ۱۴ ـ دفاتر اسناد رسمی علاوه بر رعایت شرایط عمومی تنظیم‌اسناد اجاره مکلفند در سند اجاره اماکن با کاربری تجاری و اماکنی‌که با رعایت قوانین و مقررات مربوط به منظور استفاده تجاری‌واگذار می‌شوند، تصریح کنند که عقد اجاره با سرقفلی یا بدون‌سرقفلی واقع شده است و در قراردادهای عادی اجاره نیز، طرفین‌مکلفند سند اجاره را با قید همین مطلب تنظیم نمایند. ماده ۱۵ ـ اجرای مقررات ماده (۷) قانون ناظر به مواردی است که‌در عقد اجاره شرط شده باشد که موجر هر ساله مکلف به تمدیدمدت اجاره بدون افزایش اجاره بها می‌باشد. ماده ۱۵ ـ مستاجر اماکن تجاری در مدت اجاره چنانچه حق انتقال‌به غیر از او سلب نشده باشد، می‌تواند با اخذ مبلغی به عنوان‌سرقفلی مورد اجاره را برای همان شغل و در صورتی که منع قانونی‌وجود نداشته باشد و با قرارداد اجاره منافات نداشته باشد، برای مشاغل دیگر با رعایت سایر شرایط مندرج در اجاره‌نامه به دیگری‌منتقل نماید. ماده ۱۶ ـ در غیر از موارد مذکور در ماده (۴) قانون چنانچه‌مستاجر مدعی حقی باشد می‌تواند طبق مقررات از دادگاه عمومی‌محل وقوع ملک درخواست احقاق حق کند، این امر مانع اجرای دستور تخلیه نمی‌باشد، فقط دادگاه پس از ثبوت ادعا، به تامین‌حقوق مستاجر و جبران خسارت او حکم می‌نماید. در این‌خصوص مستاجر می‌تواند تامین حقوق خود را از دادگاه درخواست‌نموده و دادگاه مکلف است نسبت به آن‌تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. ماده ۱۷ ـ در صورتی که دستور تخلیه مورد اجاره صادر شود ومستاجر نسبت به اصالت قرارداد مستند دستور، شکایتی داشته و یامدعی تمدید قرارداد اجاره باشد، شکایت خود را به دادگاه عمومی‌محل وقوع ملک تقدیم می‌نماید. اعلام شکایت مانع اجرای دستورتخلیه می‌باشد، مگر اینکه دادگاه رسیدگی‌کننده شکایت مستاجر را مدلل بداند، در این صورت پس از اخذ تامین متناسب با ضرر وزیان احتمالی موجر، قرار توقیف عملیات اجرایی تخلیه را صادرخواهد نمود. ماده ۱۸ ـ چنانچه شکایت مستاجر مورد اشاره در ماده قبل به‌موجب حکم نهایی رد شود، موجر حق دارد خسارتی را که ازتوقیف اجرای دستور تخلیه به او وارد شده است بر طبق قوانین ومقررات مطالبه کند. ماده ۱۹ ـ چنانچه موجر مبلغی به عنوان ودیعه یا تضمین یاقرض‌الحسنه و یا سند تعهدآور و مشابه آن از مستاجر دریافت کرده‌و در سند اجاره (عادی و یا رسمی درج شده باشد یا توسط خودموجر عنوان شود، در این صورت تخلیه و تحویل مورد اجاره به‌موجر موکول به استرداد سند یا وجه یاد شده به مستاجر و ارایه‌رسید آن به ضمیمه درخواست تخلیه به مرجع قضایی و یا ارایه آن‌به دایره اجرای ثبت و یا سپردن آن بر

حسب مورد به دایره اجرای‌دادگستری و یا دایره اجرای ثبت می‌باشد. تبصره ـ در صورتی که ودیعه یا تضمین یا قرض‌الحسنه و یا سندتعهدآور و مشابه آن در سند اجاره (عادی و یا رسمی ذکر نشده‌باشد و توسط موجر نیز هنگام درخواست و تقاضای تخلیه مطرح‌نشود و مستاجر از این جهت مدعی حقی شود، می‌تواند طبق ماده ۵) قانون اقدام به احقاق حق خود نماید. معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

قانون تملک آپارتمانها

مصوب ۱۶/۱۲/۱۳۴۳ با اصلاحات و الحاقات ماده ۱ ـ مالکیت در آپارتمان‌های مختلف و محلهای پیشه و سکنای یک ساختمان شامل دو قسمت است مالکیت قسمتهای اختصاصی و مالکیت قسمتهای مشترک ماده ۲ ـ قسمتهای مشترک مذکور در این قانون عبارت ازقسمتهایی از ساختمان است که حق استفاده از آن منحصر به یک یاچند آپارتمان یا محل پیشه مخصوص نبوده و به کلیه مالکین به‌نسبت قسمت اختصاصی آنها تعلق می گیرد بطور کلی قسمتهای که‌برای استفاده اختصاصی تشخیص داده نشده است یا در اسنادمالکیت ملک اختصاصی یک یا چند نفر از مالکین تلقی نشده ازقسمتهای مشترک محسوب می‌شود مگر آنکه تعلق آن به قسمت‌معینی بر طبق عرف و عادت محل مورد تردید نباشد. ماده ۳ ـ حقوق هر مالک در قسمت اختصاصی و حصه او درقسمت‌های مشترک غیر قابل تفکیک بوده و در صورت انتقال‌قسمت مشترک قهری خواهد بود. ماده ۴ ـ حقوق و تعهدات و همچنین سهم هر یک از مالکان قسمت‌های اختصاصی از مخارج قسمت‌های مشترک متناسب است‌با نسبت مساحت قسمت اختصاصی به مجموع مساحت‌قسمت‌های اختصاصی تمام ساختمان به‌جز هزینه‌هائی که به‌دلیل‌عدم ارتباط با مساحت زیربنا به نحو مساوی تقسیم خواهد شد و یااینکه مالکان ترتیب دیگری را برای تقسیم حقوق تعهدات و مخارج‌پیش‌بینی کرده باشند. پرداخت هزینه‌های مشترک اعم از اینکه ملک‌مورد استفاده قرار گیرد یا نگیرد الزامی است تبصره ۱ ـ مدیران مجموعه با رعایت مفاد این قانون میزان‌سهم هریک از مالکان یا استفاده‌کنندگان را تعیین می کند. تبصره ۲ ـ در صورت موافقت مالکانی که دارای اکثریت‌مساحت زیربنای اختصاصی ساختمان می‌باشند هزینه‌های مشترک‌براساس نرخ معینی که به تصویب مجمع عمومی ساختمان‌می‌رسد، حسب زیربنای اختصاصی هر واحد، محاسبه می‌شود. تبصره ۳ ـ چنانچه چگونگی استقرار حیاط ساختمان یا بالکن‌یا تراس مجموعه به گونه‌ای باشد که تنها از یک یا چند واحدمسکونی امکان دسترسی به آن باشد، هزینه حفظ و نگهداری آن‌قسمت به عهده استفاده‌کننده یا استفاده‌کنندگان است ماده ۵ ـ انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به‌قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یاپیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود از انجام سایر معاملات‌بازرگانی غیر مربوط به‌کارهای ساختمانی ممنوعند. ماده ۶ ـ چنانچه قراردادی بین مالکین یک ساختمان وجودنداشته باشد کلیه تصمیمات مربوط به اداره امور مربوط به‌قسمت‌های مشترک به اکثریت آرا مالکینی است که بیش از نصف‌مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را مالک باشند. تبصره ـ نشانی مالکین برای ارسال کلیه دعوتنامه‌ها و اعلام‌تصمیمات مذکور در این قانون همان محل اختصاصی آنها درساختمان است مگر اینکه مالک نشانی دیگری را در همان شهر برای‌این امر تعیین کرده باشد. ماده ۷ ـ هرگاه یک آپارتمان یا یک محل کسب دارای مالکین‌متعدد باشد مالکین یا قائم مقام قانونی آنها مکلفند یک نفر نماینده‌از طرف خود برای اجرای مقررات این قانون و پرداخت حصه‌مخارج مشترک تعیین و معرفی نمایند در صورتی که اشخاص مزبوربه تکلیف فوق عمل نکنند رای اکثریت بقیه مالکین نسبت به تمام‌معتبر خواهد بود مگر اینکه عده حاضر کمتر از ثلث مالکین باشد که‌در این صورت برای یکدفعه تجدید دعوت خواهد شد. ماده ۸ ـ در هر ساختمان مشمول مقررات این قانون در صورتی‌که عده مالکین بیش از سه نفر باشد مجمع عمومی مالکین مکلفندمدیر یا مدیرانی از بین خود یا از خارج انتخاب ننمایند طرز انتخاب‌مدیر از طرف مالکین و وظایف و تعهدات مدیر و امور مربوط به‌مدت مدیریت و سایر موضوعات مربوطه در آیین‌نامه این قانون‌تعیین خواهد شد. ماده ۹ ـ هر یک از مالکین می‌تواند با رعایت مقررات این قانون‌و سایر

مقررات ساختمانی عملیاتی را که برای استفاده بهتری ازقسمت اختصاصی خود مفید می‌داند انجام دهد هیچیک از مالکین‌حق ندارند بدون موافقت اکثریت سایر مالکین تغییراتی در محل یاشکل در یا سردر یا نمای خارجی در قسمت اختصاصی خود که درمرئی و منظر باشد بدهند. ماده ۱۰ ـ هر کس آپارتمانی را خریداری می‌نماید به نسبت‌مساحت قسمت اختصاصی خریداری خود در زمینی که ساختمان‌روی آن بنا شده یا اختصاص به ساختمان دارد مشاعا سهیم می‌گرددمگر آنکه مالکیت زمین مزبور به علت وقف یا خالصه بودن یا علل‌دیگر متعلق به غیر باشد که در این صورت باید اجور آن را به همان‌نسبت بپردازد مخارج مربوط به محافظت ملک و جلوگیری از انهدام‌و اداره و استفاده از اموال و قسمتهای مشترک و به طور کلی‌مخارجی که جنبه مشترک دارد، و یا به علت طبع ساختمان یاتاسیسات آن اقتضا دارد یکجا انجام شود نیز باید به تناسب حصه هرمالک‌به ترتیبی که در آیین‌نامه ذکر خواهد شد پرداخت شود هر چندآن مالک از استفاده از آنچه که مخارج برای آنست صرفنظر نماید. ماده ۱۰ مکرر ـ در صورت امتناع مالک یا استفاده‌کننده ازپرداخت‌سهم خوداز هزینه‌های مشترک‌ازطرف‌مدیر یا هیات مدیران‌وسیله اظهارنامه با ذکر مبلغ بدهی و صورت ریز آن مطالبه می‌شود. هر مالک یا استفاده‌کننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه‌سهم بدهی خود را نپردازد مدیر یا هیات مدیران می‌توانند به‌تشخیص خود و با توجه به امکانات از دادن خدمات مشترک ازقبیل شوفاژ، تهویه مطبوع آب گرم بِر، گاز و غیره به او خودداری‌کنند و در صورتی که مالک و یا استفاده‌کننده همزمان اقدام به تصفیه‌حساب ننماید اداره ثبت محل وقوع آپارتمان به تقاضای مدیر یاهیات مدیران برای وصول وجه مزبور بر طبق اظهارنامه ابلاغ شده‌اجرائیه صادر خواهد کرد. عملیات اجرایی وفق مقررات اجرای‌اسناد رسمی صورت خواهد گرفت و در هر حال مدیر یا هیات‌مدیران موظف می‌باشند که به محض وجوه مورد مطالبه یا ارائه‌دستور موقت دادگاه نسبت به برقراری مجدد خدمات مشترک فورا اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتی که عدم ارائه خدمات مشترک ممکن یاموثر نباشد، مدیر یا مدیران مجموعه می‌توانند به مراجعه قضائی‌شکایت کنند. دادگاهها موظف‌اند این گونه شکایات را خارج ازنوبت رسیدگی و واحد بدهکار را از دریافت خدمات دولتی که به‌مجموع ارائه می‌شود محروم کنند و تا دو برابر مبلغ بدهی به نفع‌مجموعه جریمه نمایند. استفاده مجدد از خدمات موکول به پرداخت هزینه‌های معوِ واحد مربوط بنا به گواهی مدیر یا مدیران و یا به حکم دادگاه و نیزهزینه مربوط به استفاده مجدد خواهد بود. تبصره ۲ ـ رونوشت مدارک مثبت سمت مدیر یا هیات‌مدیران و صورت ریز سهم مالک یا استفاده‌کننده از هزینه‌های‌مشترک و رونوشت اظهارنامه ابلاغ شده به مالک یا استفاده‌کننده‌باید ضمیمه تقاضانامه صدور اجرائیه گردد. تبصره ۳ ـ نظر مدیر یا هیات مدیران ظرف ده روز پس ازابلاغ اظهارنامه به مالک در دادگاه نخستین محل وقوع آپارتمان قابل‌اعتراض است دادگاه خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین‌دادرسی‌مدنی به موضوع رسیدگی و رای می‌دهد این رای قطعی است درمواردی که طبق ماده فوق تصمیم به قطع خدمات مشترک اتخاذشده رسیدگی سریع به اعتراض ممکن نباشد، دادگاه به محض‌وصول اعتراض اگر دلائل را قوی تشخیص دهد دستور متوقف گذاردن تصمیم قطع خدمات مشترک را تا صدور رای خواهد داد. تبصره ۴ ـ (الحاقی مصوب ۴/۷/۱۳۵۸ شورای انقلاب درصورتی که مالک یا استفاده‌کننده مجددا و مکررا در دادگاه محکوم‌به‌پرداخت‌هزینه‌های‌مشترک گرددعلاوه بر سایر پرداختی‌ها مکلف به‌پرداخت مبلغی معادل مبلغ محکوم بها به عنوان جریمه می‌باشد. ماده ۱۱ ـ دولت مکلف است ظرف سه ماه پس از تصویب این‌قانون آیین‌نامه‌های اجرایی آن را تهیه و بعد از تصویب هیات‌وزیران به مورد اجرا بگذارد. دولت مامور اجرای این قانون است ماده ۱۲ ـ دفاتر اسناد رسمی موظف می‌باشند در هنگام تنظیم‌هر نوع سند انتقال اجاره رهن صلح هبه و غیره گواهی مربوط به‌تسویه حساب هزینه‌های مشترک را که به تایید مدیر یا مدیران‌ساختمان رسیده باشد از مالک یا قائم مقام او مطالبه نمایند و یا باموافقت مدیر یا مدیران تعهد منتقل الیه را به پرداخت بدهی‌های‌معوق مالک نسبت به هزینه‌های موضوع این قانون در سند تنظیمی‌قید نمایند. ماده ۱۳ ـ در صورتی که به تشخیص سه نفر از کارشناسان‌رسمی دادگستری عمر مفید ساختمان به پایان رسیده و یا به هردلیل دیگری ساختمان دچار فرسودگی کلی شده باشد و بیم خطر یاضرر مالی و جانی برود و

اقلیت مالکـان قسمت‌های اختصاصـی درتجدیـد بنـای آن موافق نباشـند، آن دسـته از مالکـان که قصـد بازسازی‌مجموعه را دارنـد، می‌توانند براساس حکم دادگاه با تامین مسکن‌استیجاری مناسب برای مالك یا مالکان که از همکاری خودداری‌می‌ورزند نسبت به تجدیـدبنای مجموعه اقـدام نمایند و پس از اتمام‌عملیات بازسازی و تعیین سـهم هریك از مالکان از بنا و هزینه‌های‌انجام شده سـهم مالـك یـا مالکان یاد شـده را به اضافه اجوری که‌برای مسـکن اجاری ایشان پرداخت شـده است از اموال آن‌ها، ازجمله همان واحد استیفا کننـد. در صورت عـدم توافق در انتخاب‌کارشـناسان وزارت مسـکن و شـهرسازی با درخواست مـدیر یا هیئت‌مـدیره اقـدام به انتخاب کارشناسان یاد شده خواهد کرد. تبصره ۱ ـ مدیر یا مدیران مجموعه به نمایندگی از طرف‌مالکان می‌توانند اقدامات موضوع این ماده را انجام دهند. تبصـره ۲ ـ چنانچه مالك خودداری‌کننـده از همکاری اقـدام به‌تخلیه واحـد متعلق به خود به منظور تجدیدبنا نکنـد، حسب‌درخواست مـدیر یا مـدیران مجموعه رئیس دادگستری یا رئیس‌مجتمع قضائی محل با احراز تامین مسـکن مناسب برای وی توسط سایر مالکان دستور تخلیه آپارتمان یاد شده را صادر خواهد کرد. ماده ۱۴ ـ مدیر یا مدیران مکلف‌اند تمام بنا را به عنوان یك‌واحد در مقابل آتش‌سوزی بیمه نمایند. سـهم هریك از مالکان به‌تناسب سـطح زیربنای اختصاصـی آن‌ها وسیله مدیر یا مدیران تعیین‌و از شـرکا اخـذ و به بیمه‌گر پرداخت خواهـد شـد. در صورت عدم‌اقـدام و بروز آتش سوزی مـدیر یـا مـدیران مسـئول جبران خسارت‌وارده می‌باشند. ماده ۱۵ ـ ثبت اساسنامه موضوع این قانون الزامی نیست

قانون خرید و تملک اماکن آموزشی استیجاری

ماده ۱ ـ وزارت آموزش و پرورش و (نهضت سواد آموزی مجاز است با اسـتفاده از تسـهیلات اعتباری سیسـتم بانکی مطابق ماده ۲) ایـن قـانون املاـك کلیـه واحـدهای آموزشـی و پرورشـی و اداری و استیجـاری مـورد نیـاز خـود را پس از توافـق بـا مالکـان آنها خریداری‌نماید. ماده ۲ ـ سیسـتم بـانکی موظف است تسـهیلات اعتبـاری لازم رابرای پرداخت بهای املاکی که به موجب این قانون خریداری‌می‌شونـد، طبق مصوبـات شورای پول و اعتبار در هر سال تامین و املاك مـذکور را براساس عقـد اجاره بشـرط تملیك به مدت حداکثر(۱۵) سال به وزارت آموزش و پرورش واگذار نماید. تبصره ـ دولت بازپرداخت دیون وزارت آموزش و پرورش راکه ناشی از اجرای این قانون است تضمین می‌نماید. ماده ۳ ـ وزارت آموزش و پرورش موظف است مال‌الاجاره املاکی را که از طریق عقد قرارداد با سیستم بانکی در اختیار آن وزارت قرار گرفته‌اند از محل اعتبارات جاری یا از محل اعتبارات‌مندرج در قوانین بودجه جهت خرید مدارس تامین و به بانك ذیربط پرداخت نماید. ماده ۴ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است در صورت‌درخواست مالکین و با توافق آنها معوض عرصه املاك مذکور و یامعادل بهای آنها را در شـهر محل وقوع ملك و یا در سایر شـهرها به‌مالکین واگذار نماید. واگذاری زمین معوض از شـرایط مندرج درقانون زمین شهری مستثنی و خارج از نوبت خواهد بود. ماده ۵ ـ آیین‌نامه اجرایی ایـن قـانون بـا همکـاری وزارتخانه‌هـای آمـوزش و پرورش و مسـکن و شـهرسازی و بانـك مرکزی جمهوری‌اسـلامی ایران حداکثر مدت دو ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران‌می‌رسد. ماده ۶ ـ مهلت مقرر در قانون الحاق یك تبصره به عنوان تبصره‌یك به ماده ۹ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲۸/۶/۱۳۶۴،نسبت به آن دسته از واحدهای آموزشی که مالکان آنها مطابق ماده ۱) این قانون با وزارت آموزش و پرورش توافق ننماینـد، پنج سال‌دیگر تمدید می‌گردد. قانون فوق مشـتمل بر شـش ماده و یك تبصـره در جلسه علنی‌روز یکشنبه مورخ سی و یکم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتادمجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۷/۱۳۷۰ به تاییدشورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

قانون ضرورت عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی

مصوب ۱۶/۷/۱۳۶۸ ماده واحـده ـ به موجب این قانون تخلیه ساختمانهایی که در اختیار خوابگاههای دانشـجویی قرار دارنـد، تا رفع

نیاز دانشگاهها و موسسات آموزش عالی (حداکثر به مدت پنج سال ممنوع است تبصره ۱ ـ انتقال دانشجو به دانشگاه محل سکونت یا همجوار(در صورت درخواست چه بلاعوض چه با جانشین بلامانع است وزارتخانه‌های مربوطه آیین‌نامه‌ای که تسهیل‌کننده این امر باشد ظرف دو ماه تهیه و تصویب نمایند. انتقال به تهران و دانشگاههای مادر منوط به وجود ظرفیت و جابجایی است تبصره ۲ ـ این قانون از زمان تصویب لازم‌الاجرا است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی‌روز یکشنبه مورخ شانزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۷/۱۳۶۸ به تایید شورای‌نگهبان رسیده است

قانون محل مطب پزشکان

مصوب ۲۰/۱۰/۱۳۶۶ ماده واحده ـ فعالیت شغلی پزشکان و صاحبان حرف وابسته در ساختمانهای مسکونی و تجاری و ملکی و اجاری بلامانع است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه بیستم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۰/۱۳۶۶ به تایید شورای نگهبان‌رسیده است

قانون ممنوعیت تخلیه اماکن و واحدهای آموزشی و پرورشی در اختیار وزارت آموزش و پرورش

مصوب ۹ شهریور ۱۳۷۲ ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون تخلیه اماکن آموزشی‌و پرورشی که در تصرف وزارت آموزش و پرورش می‌باشد پس از احراز عسر و حرج طبق موازین قضائی توسط دادگاه تا رفع نیاز وزارت مذکور به مدت پنج‌سال ممنوع است و اعمال این قانون‌نافی مطالبه اجرت‌المثل یا اجرت‌المسمی حسب مورد برای مالک‌نمی‌باشد. تبصره ـ قانون تخلیه واحدهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزشی دیگر که در اختیار سایر دستگاهها، ارگانها،سازمانها و نهادها است و تحویل آن به وزارت آموزش و پرورش‌مصوب ۲۰/۹/۱۳۶۷ با حذف تبصره ۳ آن و همچنین قانون الزام‌تخلیه ساختمانهای وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی وبهداشت درمان و آموزش پزشکی و موسسات وابسته و دانشگاهها‌که در اختیار سایر وزارتخانه‌ها و ارگانها می‌باشد مصوب ۱۳۶۸لازم‌الاجرا خواهد بود.

لایحه قانونی الغاء قانون تکمیل و اجارهٔ واحدهای مسکونی

مصوب آبان‌ماه ۱۳۵۸ ماده واحده ـ قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی‌مصوب تیرماه ۱۳۵۶ از تاریخ تصویب این ماده واحده لغو می گردد.

لایحه قانونی تقلیل اجاره‌بهای واحدهای مسکونی

مصوب ۷/۸/۱۳۵۸ ماده واحده ـ کلیه اجاره‌بهای خانه‌های استیجاری که به عنوان‌محل مسکونی به اجاره واگذار شده و مستاجر از عین مستاجره به‌صورت مسکن استفاده می کند از تاریخ اول آذر ۱۳۵۸ شمسی بیست درصد تقلیل داده می‌شود. تبصره۱ ـ موجرین و مستاجرین خانه‌های مسکونی که بعد از۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شمسی نسبت به مال‌الاجاره توافق کرده و میزان‌اجاره‌بها را از رقم مندرج در اسناد رسمی و عادی و یا میزانی که بین طرفین بطور شفاهی مقرر و یا عمل شده است تقلیل داده باشند برای طرفین معتبر می‌باشد، مگر اینکه مورد اعتراض مستاجر قرارگیرد که در این صورت می‌تواند میزان اجاره‌بها را از مبلغ قید شده دراسناد رسمی و عادی و توافقات قبلی تا بیست درصد کاهش دهد. تبصره۲ ـ موجرینی که تنها محل درآمدشان وصول‌مال‌الاجاره از مستغلات بوده و جمع میزان اجاره‌بهای دریافتی آنان‌در ماه از پنجاه هزار ریال تجاوز نکند از تاریخ تصویب این قانون تاسی هزار ریال آن از پرداخت مالیات مستغلات موضوع ماده ۲۰قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۴۵ معاف خواهندبود و نسبت به مازاد آن تا

پنجاه هزار ریال مشمول پرداخت مالیات‌موضوع ماده ۲۰ قانون بوده و در صورتی که از پنجاه هزار ریال تجاوز کرد مشمول معافیت نخواهد بود. تبصره۳ ـ حکم این قانون مانع از اجرای مفاد ماده ۴ قانون‌روابط موجر و مستاجر نخواهد بود. سایر مقررات قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲۲/۴/۱۳۵۶ به قوت خود باقی است و سایر قوانین در آن قسمت که مغایر با این قانون باشد ملغی‌الاثرمی‌باشند.

لایحه قانونی راجع به مستثنی شدن شهرداری تهران در مورد واگذاری قسمتی از پارکها و میادین و اموال عمو

مصوب ۳۱/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ماده واحده ـ به‌منظور تسهیل و بهبود در عرضه خدماتی که درپارکها و میادین و سایر آنچه را که در محدوده شهر واقع و عنوان‌املاک و اموال عمومی متعلق به شهر دارد و همچنین در انجام‌تکالیفی که از حیث حفظ و نگاهداری و بهره‌برداری از املاک و مستغلات و اراضی و مستحدثاتی که در مالکیت شهرداری مستقربوده و جنبه عمومی ندارد و به‌عهده شهرداری تهران است به‌شهرداری تهران اجازه داده می‌شود که در واگذاری قسمتی از پارکها ومیادین و سایر اموال عمومی اعم از عرصه و اعیانی موجود در آن‌به‌نحوی که مخل زیبایی یا مصلحت عامه نباشد و نیز در واگذاری‌عرصه و اعیان و مستحدثات ملکی خود واقع در محدوده شهرتهران با عقد قراردادهای رسمی یا عادی به اشخاص حقیقی یاحقوقی با رعایت مصلحت و دریافت اجور مناسب براساس‌آئین‌نامه معاملات شهرداری اقدام نمایند و این‌گونه واگذاری ازشمول مقررات قانون مالک و مستاجر و هر نوع روابطی که عنوان‌اجاره داشته باشد خارج بوده و روابط طرفین براساس قراردادی‌خواهد بود که تنظیم و مبادله خواهد شد. در تمام موارد مزبورلدی‌الفسخ و یا پس از انقضای مدت در صورتی‌که شهرداری لازم‌بداند با اخطار کتبی و اعطاء دو ماه مهلت به متصرف و طرف‌قرارداد اقدام به تخلیه محل واگذار شده خواهد نمود. چنانچه درتخلیه و تحویل این‌گونه محلها در مهلت اعطائی از ناحیه طرف‌قرارداد و متصرف اقدامی نشود به درخواست شهرداری دادستان‌تهران بدون فوت وقت در معیت مامورین انتظامی دستور تخلیه‌محل را صادر خواهد نمود. این دستور بدون وقفه و با تنظیم‌صورت‌مجلس در محل به‌موقع اجرا گذارده شده با خلع ید مورد واگذاری کلاً ـ تحویل شهرداری خواهد شد. در صورتی‌که اسباب ولو ازمی اعم از منصوب یا غیر منصوب و از هر نوع در محل باشد ازمحل خارج خواهد شد و شهرداری در حفظ و نگهداری آنهامسئولیتی نداشته و متصرف و طرف قرار داد در تحت هیچ عنوانی‌حق اعتراض یا مطالبه خسارت و سرقفلی و حقوق کسب و پیشه وغیره را نخواهد داشت تبصره ۱ ـ کلیه اماکن و اراضی و مستحدثات و سایر اموال‌منقول و غیرمنقول شهرداری و شهری که جنبه عمومی دارد و قبل‌از تصویب این ماده واحده واگذار شده از حیث تخلیه شهرداری‌مشمول مقررات این قانون است تبصره ۲ ـ نسبت به قراردادهائی که با رضایت شهرداری تمدیدشده یا می‌شود نیز طبق این قانون عمل خواهد شد.

لایحه قانونی واگذاری و تخلیه اماکن و محلها در فرودگاههای کشور

مصوب ۲/۷/۱۳۵۸ ماده ۱ ـ به سازمان هواپیمایی کشوری اجازه داده می‌شود اماکن‌و محلهائی نظیر دفتر کار شرکتها و موسسات محل رستوران تریا،فروشگاه غرفه کیوسک زمین و غیره را در فرودگاههای کشور بااحراز ارتباط با فعالیتها و نیازمندیهای هواپیمائی کشوری حسب‌ضرورت به تشخیص خود، به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجدشرایط به اجاره واگذار نماید. تبصره ـ ترتیب نحوه و شرایط واگذاری به‌موجب آئین‌نامه‌ای‌خواهدبود که ظرف‌یکماه از تاریخ تصویب این قانون وسیله سازمان‌هواپیمایی کشوری تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲ ـ واگذاری مکان و محل و تاسیسات در فرودگاه‌ها،مشمول قانون روابط موجر و مستاجر مصوب مرداد ۱۳۵۶ و قانون‌محاسبات عمومی و آئین‌نامه‌های مربوط نبوده و از نظر تخلیه وتغییرات در طی و انقضای مدت قرارداد یا لزوم تخلیه و هرگونه‌تغییر به تشخیص و تقاضای سازمان هواپیمائی کشوری دادستان‌شهرستان محل یا جانشین او دستور

تخلیه و یـا انجـام تغییر را صادرمی‌نمایـد. تبصـره ـ سازمان هواپیمایی کشوری ضـرورت تخلیه رابه‌منظور بررسـی در یک هیات سـه نفری که اعضـای آن از طرف وزیر راه تعیین‌می گردد، باذکرجهت وعلت مطرح‌و در صورت تاییـد هیات تخلیه تقاضا خواهـد شـد. نظر هیـات به اکثریت مناط اعتبار است ماده ۳ ـ این قـانون نسـبت به کلیه اماکن و محل‌هائی که قبلا درفرودگاههای کشور واگـذار گردیده یا در تصـرف و اختیار اشـخاص قراردارد اعم از این‌که به‌موجب قرارداد باشد یا به‌صورت دیگری نیزتسـری داده می‌شود و کلیه قراردادهای مربوط ملغی اعلام واسـتفاده‌کنندگان از محلها و اماکن فرودگاهها مکلفند حسب موردمحل را تخلیه و یا آن دسته که ابقـا و ادامه اسـتفاده آنـان ضروری‌تشـخیص داده شود بر طبق این قـانون و آئین‌نـامه مربوط ظرف دو مـاه بـا سازمـان هواپیمـایی کشوری قرارداد جدید امضا نمایند.

لایحه قانونی‌نحوه تخلیه‌ساختمانهای استیجاری بوسیله وزارتخانه‌ها و شرکتها و سازمانهای دولتی

ماده واحـده ـ وزارتخانه‌ها و ادارات شـرکتها و سازمانهای‌دولتی تابعه و وابسـته می‌تواننـد هریک از ساختمانهای استیجاری را که در اختیـار دارنـد و مـدت آن منقضـی نشـده و نیـازی هـم بـه آن نداشته‌باشـند بـا اعلاـم قبلی ظرف مـدت ۱۵ روز مراتـــب را از طریق دفترخانه‌اسـناد رسـمی مربوط به موجر ابلاغ و ساختمان مزبور را تخلیه‌نماینـد. در این صورت قرارداد اجاره از تاریـخ تخلیه منفسـخ بـوده و موجراسـتحقاق دریـافت بقیـه مـدت اجـاره را نخواهـد داشـت چنـانچه مـوجر ظرف مـدت مـذکور حاضـر به تحویـل مـورد اجاره‌نگردیـد، حضور نماینده دادسـتان جهت تخلیه مورد اجاره کافی‌خواهد بود. ترتیب فوق نسبت به ساختمانهای تابعه که از اول فروردین ماه۵۸ تخلیه گردیده نیز مجری می‌باشد. در مورد ساختمانهایی که مورد استفاده وزارتخانه ادارات دولتی‌و سازمانهای تابعه و وابسـته قرار دارد و تاریـخ تنظیم اجـاره آنهـا قبل‌از ۲۲ بهمن ۵۷ است موسـسات مزبور می‌تواننـد با نظر کارشناس‌رسـمی وزارت دادگستری براساس نرخ عادله روز نسبت به تعدیل‌مال‌الاجاره اقدام نمایند. رای کارشناس رسمی دادگستری در حکم آرا صادره از دادگاه‌صالحه تلقی شده و قابل اجرا خواهد بود. تبصره ـ (الحاقی مصوب ۲۹/۸/۱۳۵۸) آرا صادره از محاکم‌دادگستری که به استناد ماده ۴ قـانون روابـط موجر و مسـتاجر مصوب‌سـال ۱۳۵۶ بر تعـدیل مال‌الاجـاره بر علیـه دولت یـا موسـسات وسازمانهـای دولـتی و شرکتهای وابسته بعد از تاریخ ۲۲ بهمن سال۱۳۵۷ صادر شده و به‌مرحله اجرا در نیامده باشد به تقاضای مستاجر موقوف‌الاجرا است دادگاه مکلف است با جلب نظر کارشناس حکم صادره را با تعیین اجاره‌بهای عادلانه اصلاح کند. این حکم قطعی است

مصوبه مجمع مصلحت نظام در خصوص حق کسب یا پیشه یا تجارت

مـاده واحـده ـ در مورد «حق کسب یـا پیشه یا تجارت مطابق‌قانون روابط موجر و مسـتاجر، مصوب دوم مرداد ماه یکهزار وسـیصد و پنجاه و شـش عمل شود. ماده واحده الحاقیه به قانون روابط موجر و مسـتاجر مصوب یازدهم آبانماه یکهزار سیصد وشصت و پنج به قوت خود باقی است موضوع «حق کسب یا پیشه یا تجارت در اجرای بند هشـتم‌اصل یکصد و دهم قانون اساسـی در جلسه‌ای مورخ بیست و پنجم‌دیماه یکهزار و سـیصد و شـصت و نه مجمع تشخیص مصلحت نظام‌بررسی و بشرح ماده واحده فوق به تصویب رسید. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ اکبر هاشمی رفسنجانی

آیین‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمانها با اصلاحات بعدی

بخش اول قسمتهای مختلف ساختمان

فصل اول قسمتهای اختصاصی

ماده ۱ ـ قسمتهایی از بنا، اختصاصی تلقی می‌شود که عرفا برای استفاده انحصاری شریک ملك معین یا قائم مقام او تخصیص یافته باشد. ماده ۲ ـ علاوه بر ثبت اراضی زیربنا و محوطه باغ‌ها و پارك‌های متعلقه برای مالکیت قسمتهای اختصاصی نیز باید بطور مجزا سند مالکیت صادر شود، مشخصات کامل قسمت اختصاصی از لحاظ حدود طبقه شماره مساحت قسمتهای وابسته ارزش و غیره باید در سند قید گردد.

فصل دوم قسمتهای مشترک

ماده ۳ ـ قسمتهایی از ساختمان و اراضی و متعلقات آنها که به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد استفاده تمام شرکا می‌باشد قسمتهای مشترك محسوب می‌گردد و نمی‌توان حق انحصاری برآنها قایل شد. تبصره ـ گذاردن میز و صندلی و هر نوع اشیای دیگر و همچنین نگاهداری حیوانات در قسمتهای مشترك ممنوع است قسمتهای مشترك در ملکیت مشاع تمام شرکای ملك است هرچند که در قسمتهای اختصاصی واقع شده باشد و یا از آن قسمتهاعبور نماید. ماده ۴ ـ قسمتهای مشترك مذکور در ماده ۲ قانون تملك آپارتمانها عبارت است از: الف ـ زمین زیربنا خواه متصل به بنا باشد یا بنا بوسیله پایه روی‌آن قرار گرفته باشد. ب ـ تاسیسات قسمتهای مشترك از قبیل چاه آب و پمپ منبع آب مرکز حرارت و تهویه رختشویخانه تابلوهای برِ، کنتورها،تلفن مرکزی انبار عمومی ساختمان اتاق سرایدار در هر قسمت بناکه واقع باشد، دستگاه آسانسور و محل آن چاه‌های فاضلاب لوله‌ها از قبیل (لوله‌های فاضلاب آب برِ، تلفن حرارت مرکزی تهویه مطبوع گاز، نفت هواکش‌ها، لوله‌های بخاری گذرگاههای زباله و محل جمع‌آوری آن و غیره پ ـ اسکلت ساختمان تبصره ـ جدارهای فاصل‌بین قسمتهای‌اختصاصی ، مشترك بین‌آن قسمتها است مشروط بر اینکه جزء اسکلت ساختمان نباشد. ت ـ درها و پنجره‌ها ـ راهروها ـ پله‌ها ـ پاگردها ـ که خارج ازقسمتهای اختصاصی قرار گرفته‌اند. ث ـ تاسیسات مربوط به راه پله از قبیل وسایل تأمین‌کننده‌روشنایی تلفن و وسایل اخبار و همچنین تاسیسات مربوط به آنهابه استثنای تلفن‌های اختصاصی شیرهای آتش‌نشانی آسانسور و محل آن محل اختتام پله و ورود به بام و پله‌های ایمنی ج ـ بام و کلیه تاسیساتی که برای استفاده عموم شرکا و یا حفظ‌بنا در آن احداث گردیده است ح ـ نمای خارجی ساختمان خ ـ محوطه ساختمان باغ‌ها و پارکها که جنبه استفاده عمومی‌دارد و در سند اختصاصی نیز ثبت نشده باشد.

بخش دوم اداره امور ساختمان

فصل اول مجمع عمومی

طرز انتخاب و وظائف و تعهدات مدیر ماده ۵ ـ در صورتی که تعداد مالکین از سه نفر تجاوز کند،مجمع عمومی مالکین تشکیل می‌شود. ماده ۶ ـ زمان تشکیل مجمع عمومی مالکین اعم از عادی یافوق العاده در مواردی که توافقنامه‌ای بین مالکین تنظیم نشده است‌به موجب اکثریت مطلق آرای مالکینی خواهد بود که بیش از نصف مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را مالك باشند و در صورت‌عدم حصول اکثریت مزبور، زمان تشکیل مجمع عمومی با تصمیم‌حداقل سه نفر از مالکین تعیین خواهد شد. ماده ۷ ـ در اولین جلسه مجمع عمومی ابتدا رئیس مجمع‌عمومی تعیین خواهد شد و سپس در همان جلسه مدیر یا مدیرانی از بین مالکین و یا اشخاصی خارج از انتخاب می‌شود. مجمع‌عمومی مالکین باید لااقل هر سال یك بار تشکیل شود. ماده ۸ ـ برای رسمیت مجمع حضور مالکین بیش از نصف‌مساحت تمام قسمتهای اختصاصی با نماینده آنان ضروری است تبصره ـ در صورت عدم حصول

اکثريت مندرج در اين ماده‌جلسه برای پانزده روز بعد تجديد خواهد شد، هرگاه در اين جلسه هم اکثريت لازم حاصل نگرديد جلسه برای پانزده روز بعد تجديد و تصميمات جلسه اخير با تصويب اکثريت عده حاضر معتبر است ماده ۹ ـ کسی که به عنوان نماينده يکی از شرکاء تعيين شده‌باشد قبل از تشکيل جلسه مجمع عمومی وکالتنامه معتبر خود را به‌مدير يا مديران ارائه نمايد. تبصره ـ در صورتی که مالك قسمت اختصاصی شخصيت‌حقوقی باشد نماينده آن طبق قوانين مربوط به شخصيتهای حقوقی‌معرفی خواهد شد. ماده ۱۰ ـ هرگاه چند نفر، مالك يك قسمت اختصاصی باشندبايد طبق ماده ۷ قانون تملك آپارتمان‌ها از طرف خود يك نفر رابرای شرکت در مجمع عمومی انتخاب و معرفی نمايند. ماده ۱۱ ـ مجمع عمومی شرکاء دارای وظايف و اختيارات زيرمی‌باشد: الف ـ تعيين رئيس مجمع عمومی ب ـ انتخاب مدير يا مديران و رسيدگی اعمال آنها. پ ـ اتخاذ تصميم نسبت به اداره امور ساختمان ت ـ تصويب گزارش مربوط به درآمد و هزينه‌های سالانه ث ـ اتخاذ تصميم در ايجاد اندوخته برای امور مربوط به حفظ ونگاهداری و تعمير بنا. ج ـ تفويض اختيار به مدير يا مديران به منظور انعقاد قراردادهای‌لازم برای اداره ساختمان ماده ۱۲ ـ کليه تصميمات مجمع عمومی شرکاء بايد درصورتجلسه نوشته و به وسيله مدير يا مديران نگهداری شود. تبصره ـ تصميمات متخذه مجمع بايد ظرف ده روز به وسيله‌مدير يا مديران به شرکاء غايب اطلاع داده شود. ماده ۱۳ ـ تصميمات مجمع عمومی بر طبق ماده ۶ قانون برای کليه شرکاء الزام‌آور است

فصل دوم اختيارت و وظايف مدير يا مديران

ماده ۱۴ ـ مدير يا مديران مسوول حفظ و اداره ساختمان و اجرای تصميمات مجمع عمومی می‌باشند. ماده ۱۵ ـ اصلاحی مصوب ۲۸/۱۰/۱۳۵۳ ـ تعداد مديران بايد فرد باشد و مدت ماموريت مدير يا مديران دو سال است ولی مجمع عمومی می‌تواند اين مدت را اضافه کند و انتخاب مجدد مدير يا مديران بلامانع خواهد بود. ماده ۱۶ ـ در صورت استعفا، فوت عزل يا حجر مدير يامديران قبل از انقضای مدت مجمع عمومی فوق العاده به منظور انتخاب جانشين تشکيل خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورتی که سه نفر يا بيشتر از اعضای هيات مديره به جهات فوق از هيات مديره خارج شوند، مجمع عمومی فوق العاده بايد به منظور تجديد انتخاب هيات مديره تشکيل گردد. ماده ۱۷ ـ تصميمات مديران با اکثريت آرا معتبر است ماده ۱۸ ـ مجمع عمومی يك نفر از مديران را به عنوان خزانه‌دارتعيين می‌نمايد. خزانه‌دار دفتر ثبت درآمد و هزينه خواهد داشت که‌به پيوست قبوض و اسناد مربوطه برای تصويب ترازنامه به مجمع‌عمومی تسليم و ارائه خواهد داد. ماده ۱۹ ـ مدير يا مديران امين شرکا بوده و نمی‌توانند فرد ديگر را بجای خود انتخاب نمايند. ماده ۲۰ ـ مدير يا مديران مکلفند تمام بنا را به عنوان يك واحددر مقابل آتش‌سوزی بيمه نمايند. سهم هر شريك از حق بيمه با توجه به ماده ۴ قانون بوسيله‌مدير، تعيين و از شرکا اخذ و به بيمه‌گر پرداخت خواهد شد. ماده ۲۱ ـ مدير يا مديران مکلفند ميزان هزينه مستمر و مخارج متعلق به هر شريك و نحوه پرداخت آن را قبل يا بعد از پرداخت هزينه بوسيله نامه سفارشی به نشانی قسمت اختصاصی يا نشانی‌تعيين شده از طرف شريك به او اعلام نمايند. ماده ۲۲ ـ در کليه ساختمانهای مشمول قانون تملك آپارتمانهاکه بيش از ده (۱۰) آپارتمان داشته باشد، مدير يا مديران مکلفند برای حفظ و نگاهداری و همچنين تنظيف قسمتهای مشترك و انجام ساير امور مورد نياز بنا، دربانی استخدام نمايند.

فصل سوم هزينه‌های مشترک

ماده ۲۳ ـ شرکای ساختمان موظفند در پرداخت هزينه‌های مستمر و هزينه‌هايی که برای حفظ و نگاهداری قسمتهای مشترك‌بنا

مصرف می‌شود، طبق مقررات زیر مشارکت نمایند: در صورتی که مالکین ترتیب دیگری برای پرداخت هزینه‌های‌مشترک پیش‌بینی نکرده باشند، سهم هریک از مالکین یا استفاده‌کنندگان از هزینه‌های مشترک آن قسمت که ارتباط با مساحت‌زیربنای قسمت اختصاصی دارد از قبیل آب گازوئیل آسفالت‌پشت بام و غیره به ترتیب مقرر در ماده ۴ قانون تملک آپارتمانها و سایر مخارج که ارتباطی به میزان مساحت زیربنا ندارد از قبیل‌هزینه‌های مربوط به سرایدار ، نگهبان متصدی آسانسور، هزینه‌نگاهداری تاسیسات باغبان تزیینات قسمتهای مشترک و غیره بطور مساوی بین مالکین یا استفاده‌کنندگان تقسیم می‌گردد. تعیین‌سهم هر یک از مالکین یا استفاده‌کنندگان با مدیر یا مدیران می‌باشد. تبصره ـ چنانچه به موجب اجاره‌نامه یا قرارداد خصوصی‌پرداخت هزینه‌های مشترک به عهده مالک باشد و مالک از پرداخت‌آن استنکاف نماید، مستاجر می‌تواند از محل مال‌الاجاره هزینه‌های مزبور را پرداخت کند و در صورتی که پرداخت هزینه‌های جاری‌مشترک به عهده استفاده‌کننده باشد و از پرداخت استنکاف کند،مدیر یا مدیران می‌توانند علاوه بر مراجعه به استفاده‌کننده به مالک‌اصلی نیز مراجعه نمایند. ماده ۲۴ ـ هریک از شرکا که در مورد سهمیه یا میزان هزینه‌مربوط به سهم خود معترض باشد می‌تواند به مدیر مراجعه وتقاضای رسیدگی نسبت به موضوع را بنماید در صورت عدم‌رسیدگی یا رد اعتراض شریک می‌تواند به مراجع صلاحیت‌دار قضائی مراجعه کند. ماده ۲۵ ـ هزینه‌های مشترک عبارتست از: الف ـ هزینه‌های لازم برای استفاده حفظ و نگاهداری عادی ساختمان و تاسیسات و تجهیزات مربوطه ب ـ هزینه‌های اداری و حق‌الزحمه مدیر یا مدیران

فصل چهارم حفظ و نگاهداری تعمیر بنا

ماده ۲۶ ـ در صورتی که بین شرکا توافق شده باشد که هزینه‌های نگاهداری یک قسمت از بنا یا هزینه نگاهداری و عملیات یک جز از تاسیسات فقط به عهده بعضی از شرکا باشد، فقط همین شرکا ملزم به انجام آن بوده و در تصمیمات مربوط به‌این هزینه‌ها تعیین تکلیف خواهند نمود. ماده ۲۷ ـ مدیر یا مدیران به ترتیبی که مجمع عمومی تصویب می‌کند به‌منظور تامین هزینه‌های ضروری و فوری وجوهی به‌عنوان تنخواه گردان از شرکا دریافت دارند.

آیین‌نامه اجرایی قانون خرید و تملک اماکن آموزشی استیجاری

مصوب ۱۷/۳/۱۳۷۱ هیات وزیران ماده ۱ ـ وزارت آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی فهرست مشخصات املاک استیجاری در اختیار خود را که تملک آنهابه صرفه و صلاح دولت و مورد نیاز می‌باشد، پس از کسب موافقت‌کتبی مالک مبنی بر فروش ملک همچنین تقاضای آن دسته ازمالکان مدارس و اماکن آموزشی و پرورشی و اداری استیجاری‌وزارت آموزش و پرورش که مایل به فروش ملک خود می‌باشند رابه ضمیمه مدارک لازم به کمیسیون موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه‌جهت اتخاذ تصمیم ارجاع نمایند. ماده ۲ ـ به‌منظور بررسی پیشنهادهای فروش مالکان مدارس اماکن آموزشی اداری و پرورشی و تشخیص مناسب بودن‌وضعیت این‌گونه اماکن با ضوابط و معیارهای فضای آموزشی واداری و موافقت با خرید یا عدم خرید آنها و تشخیص اولویتها،کمیسیونی تحت عنوان «کمیسیون خرید واحدهای آموزشی واداری استیجاری وزارت آموزش و پرورش بر اساس دستورالعمل‌وزیر آموزش و پرورش تشکیل می‌گردد. تبصره ۱ ـ خرید املاکی که دارای کاربری آموزشی و اداری‌هستند در اولویت قرار دارد. تبصره ۲ ـ کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی ومعماری بررسی درخواستهای تغییر کاربری اماکن آموزشی استیجاری مشمول قانون خرید و تملک اماکن آموزشی واستیجاری را با نظر مساعد در اولویت قرار خواهد داد. ماده ۳ ـ مالکان املاک استیجاری که مایل به فروش ملک خودباشند، در صورت موافقت با اخذ زمین معوض باید مراتب را به‌طورکتبی به

کمیسیون موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه اعلام کنند. ماده ۴ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است نسبت به‌واگذاری معوض زمین یـا معـادل بهای املاک واگـذاری از سوی‌مالکین که از طرف کمیسـیون موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه معرفی‌می‌شونـد، ظرف سه‌ماه تسـهیلات‌لازم را خـارج از نـوبت‌جهت واگـذاری‌زمین فراهم نمایـد و نـتیجه را به کمیسـیون مزبور اعلام نمایـد. مـاده ۵ ـ به‌منظـور همـاهنگی و توافق بـا مالکان در خصوص‌زمین معوض در هر اسـتان کمیسـیونی مرکب از نماینـدگان اداره کل‌آموزش و پرورش و زمین شـهری اسـتان و با حضور مالک یا نماینـده‌قانونی وی تشـکیل می‌شود و تصـمیمات لازم را اتخاذ می‌نماینـد. تبصـره ـ تقویم و تعیین بهای عرصه املاک خریـداری شده و زمین معوض در زمان واحد و با نظر کارشـناس موضوع ماده ۷ این‌آیین‌نامه خواهد بود. ماده ۶ ـ وزارت آمـوزش و پرورش موظـف اسـت در ابتـدای هرسـال مـالی اعتبـارات لازم را برای پرداخت بهـای املاکی کـه به موجب‌قانون خریـد و تملک اماکن آموزشـی استیجاری بایـد خریداری‌شوند، برآورد و به بانک مرکزی اعلام نماید. بانک مرکزی مکلف‌است بـا رعـایت سیاسـتهای شـورای پـول و اعتبـار، در هر سـال تسـهیلات اعتبـاری لازم را جهـت خریـد مـدارس و امـاکن استیجاری‌پیش‌بینی نماید. تبصره ـ وزارت آموزش و پرورش موظف است هنگام تدوین‌لایحه بودجه هرسال پیشنهاد اعتبار مورد نیاز برای بازپرداخت‌تسهیلات بانکی مورد نظر را به سازمان برنامه و بودجه ارسال نمایدتا در بودجه منظور شود. ماده ۷ ـ در مواردی که مالـک بـا فروش مکان موضوع قانون‌موافق باشـد، قیمت خریـد این اماکن و قیمت زمین معوض حسب‌مورد، توسط هیاتی مرکب از کارشـناسان رسـمی دادگستری ـ یـک نفربه انتخـاب آموزش و پرورش و یـک نفر به انتخـاب مالـک ـ تعیین‌خواهـد شـد. میـانگین کارشناسـیهای انجام شـده و توافق فیمابین مالک وکمیسـیون موضوع ماده ۲ به مالک ابلاغ خواهـد شـد. چنانچه مالک‌ظرف مـدت یکماه از تاریخ ابلاغ موافقت خود را با فروش ملک به‌قیمت تعیین شده و نیز حسب مورد با قبول زمین معوض به قیمت‌تعیین شده به ترتیب فوق به کمیسـیون اعلام نمایـد، وزارت آموزش‌و پرورش نسبت به خرید ملک یا انتقال معوض به مالک اقدام ونصف هزینه کارشناسـی را به حساب مالک منظور خواهد نمود. تبصره ـ مالکینی که با فروش ملک خود به آموزش و پرورش‌با دریافت زمین به ترتیـب مقرر در مـاده ۷ موافقت داشـته باشـند،موظفنـد قبـل از اعمال ماده ۷، نصـف هزینه کارشناسـی را بپردازنـد،بـدیهی است در صورتی که پس از اعمـال مـاده ۷، مالـک حاضـر به‌فروش ملـک یا دریافت زمین معوض نباشـد، هزینه کارشناسی‌سـهمی او مسترد نخواهد شد.

آیین‌نامه نحوه تعدیل و تثبیت اجاره‌بهای واحدهای مسکونی

مصوب ۶/۴/۱۳۶۳ هیـات وزیران ماده ۱ ـ حـداکثر مبلغ اجاره‌بهای ماهانه واحـد مسـکونی نبایـد ازده برابر مبلغ تعیین شـده در قبض عوارض سالیانه نوسازی شـهرداری‌آن ملک در اسفند ۱۳۶۲ (قبل از وضع بخشودگی و بدون محاسـبه‌جریمه دیر پرداخت و با توجه به تبصـره ۲ این مـاده و مبـالغ منـدرج‌در ماده ۲ آئین‌نامه تجاوز نمایـد. تبصـره ۱ ـ در صـورتی که ساختمـان مشـتمل بر چنـد واحد بوده‌لکن سـند تفکیکی نداشـته باشـد و مبلغ عوارض نوسـازی سالیـانه‌برای کل ساختمان تعیین شـده باشـد مبلغ عوارض نوسازی به نسبت‌مساحت زیربنـای اختصاصـی واحـدهای مسـکونی تقسـیم و ملاک‌عمل قرار می‌گیرد. تبصـره ۲ ـ در صـورتی‌که کـف واحد مسکونی پایین‌تر از کف‌حیاط یا محوطه اصلی باشد (زیرزمین از مبلغ اجاره‌بهای ماهانه‌مذکور در این ماده ۱۵٪ کسر و برای طبقات بالاتر از هم کف درصورت داشتن آسانسور به ترتیب نیم درصد به ازای هر طبقه به مبلغ‌مذکور افزوده می‌شود. ماده ۲ ـ در صورتی که مورد اجـاره دارای وسائل و تسـهیلات زیر باشدحـداکثر تا مبالغ منـدرج در این ماده می‌توان به اجاره‌بها اضافه نمود. الف ـ تلفن مستقل ۲۰۰۰ ریال در ماه (در صورتی‌که تلفن‌مشترک باشـد مبلغ مذکور به نسـبت تعداد مشترکین تقسـیم می‌شود). ب ـ کولر ۵۰۰ ریال در ماه ج ـ اسـتفاده از شبکه گازی شهری ۱۰۰۰ ریال در ماه د ـ پارکینگ اعم از مسـقف یا غیر آن ۱۰۰۰ ریال در ماه ه ـ حق اسـتفاده از حیـاط یـا محـوطه مشـترک ۱۰۰۰ ریـال در مـاه و ـ حمـام بـا آب گرم ۱۰۰۰ ریـال در مـاه ز ـ واحد

مسكونى‌به‌صورت‌خانه‌دربستى‌باشد۲۰۰۰ريال‌در ماه ماده ۳ ـ جهت تعيين اجاره‌بهاى واحدهاى مسكونى كه ا زپرداخت عوارض نوسازى معاف مى‌باشند همان مبلغى كه طبق‌سوابق‌وضوابط‌شهردارى‌محل‌درپرونده عوارض نوسازى مورد اجاره‌ضبط است به‌نحو مندرج در اين آئين‌نامه ملاك عمل قرار مى گيرد. ماده ۴ ـ در مواردى كه اطاقهاى يك واحد مسكونى به دو ياچند مستاجر اجاره داده مى‌شود اجاره‌بهاى متعلقه به هريك ازمستاجرين عبارت خواهد بود از تقسيم اجاره‌بهاى كل واحدمسكونى (مواد ۱ و ۲ آئين‌نامه به نسبت سطح زيربناى اختصاصى‌مورد استفاده هر مستاجر. تبصره ـ چنانچه از تسهيلات مندرج در ماده ۲ فقط بعضى ازمستاجرين موضوع اين ماده استفاده نمايند در اين‌صورت پرداخت‌مبلغ مربوطه فقط به‌عهده مستاجر يا مستاجرين منتفع بوده و دراحتساب اجاره‌بهاى متعلقه به ساير مستاجرين ارقام مذكور نبايدجز اجاره‌بهاى كل واحد مسكونى به‌شمار آيد. ماده ۵ ـ چنانچه مساحت عرصه از ۱۰۰۰ متر مربع و سه برابرمساحت اعيان تجاوز كند در اين‌صورت مال‌الاجاره ماهانه آن‌به‌شرح زير محاسبه مى‌شود. مال‌الاجاره به دست آمد طبق مواد ۱ و ۲ آيين‌نامه * مساحت‌اعيان‌مساحت‌عرصه ماده ۶ ـ چنانچه ميزان مال‌الاجاره قبلى ملك كمتر از مبلغ‌مال‌الاجاره حاصله از طريق اين آئين‌نامه باشد، فعلا تا پايان سال‌جارى همان مال‌الاجاره قبلى ملاك عمل خواهد بود. ماده ۷ ـ در صورتى كه در مدت اعتبار اين آئين‌نامه مبناى‌محاسبه عوارض نوسازى شهرداريها تغيير نمايد به‌هرحال ملاك‌محاسبه مال‌الاجاره موضوع اين آئين‌نامه تغيير نكرده و مبلغ مندرج‌در قبض عوارض نوسازى ساليانه اسفند ۱۳۶۲ مورد اجاره ملاك‌عمل خواهد بود.

دستورالعمل اجرايى تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر

مصوب جلسه ۴۴۵ ـ ۱۹/۷/۱۳۶۲ شوراى‌عالى قضايى ماده ۱ ـ در اجراى تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون روابط موجر ومستاجر مصوب ارديبهشت ۱۳۶۲ مجلس شوراى اسلامى‌بەدادگاههاى عمومى (صلح سراسر كشور و دادگاههاى عمومى‌حقوقى قائم مقائم دادگاههاى عمومى صلح (در شهرهائيكه دادگاه‌عمومى صلح تشكيل نشده اجازه داده مى‌شود چنانچه مالك از اجاره دادن واحد مسكونى معد اجاره بدون عذر موجه امتناع نمايدبه قائم مقامى مالك نسبت به اجاره دادن محلهاى مسكونى خالى‌اقدام و اجاره بهاى دريافتى را پس از كسر هزينه تنظيم سند اجاره وحق‌الزحمه كارشناس و ساير هزينه‌هايى كه مالك قانونا ملزم به‌پرداخت آن است به حساب مالك واريز نمايند. تبصره ـ شهرهاييكه دادگاههاى عمومى صلح يا قائم‌مقام او داراى شعب متعدد است رئيس يا سرپرست دادگسترى حسب نيازيك يا چند شعبه را براى منظور فوق اختصاص خواهد داد. ماده ۲ ـ دادگاه پس از اطلاع از خالى بودن واحد مسكونى به‌هرطريقى كه ممكن باشد منجمله به كمك مامورين پليس قضايى وابلاغ و اجرا و مامورين شهربانى و ژاندارمرى كميته‌ها و سايراشخاص نسبت به صحت و سقم مورد و شناسائى مالك تحقيق‌پس از احراز خالى بودن واحد مسكونى مراتب را به طريق مقتضى‌از قبيل اخطاريه تلفن يا الصاق آگهى به مالك اعلام مى‌نمايد تاچنانچه منكر خالى بودن واحد مسكونى و يا مدعى داشتن عذرموجه در اجاره ندادن آن باشد در موعد تعيين شده به دادگاه مراجعه‌نمايد. دادگاه پس از رسيدگى به دلايل و مدارك مالك در صورت‌غير موجه بودن ادعايش نسبت به اجاره دادن واحد مسكونى به‌طريق مقتضى اقدام خواهد نمود. تبصره ـ عدم حضور مالك با ابلاغ از جمله دلائل عدم عذرموجه خواهد بود. ماده ۳ ـ دادگاه بايد هنگام اجاره دادن واحدهاى مسكونى‌حتى‌الامكان رعايت ضرورتها و اولويتها و تجانسى افراد و تناسب‌تعداد عائله تحت تكفل مستاجر را با مساحت واحد مسكونى و تعداد اطاقها و غيره بنمايد. ماده ۴ ـ سند رسمى اجاره براى حداقل مدت يكسال با ذكرشرايط مندرج در قانون روابط موجر و مستاجر و سلب حق انتقال‌به غير از مستاجر تنظيم خواهد شد و در صورت امتناع مالك ازامضا آن نماينده دادگاه به قائم مقامى مالك ممتنع سند اجاره را امضا خواهد كرد و چنانچه به لحاظ مشخص نبودن پلاك ثبتى واحد مسكونى و يا به‌هر علت ديگرى تنظيم اجاره‌نامه رسمى قانونا امكان‌پذير نباشد تنظيم سند عادى اجاره كافى است ماده ۵ ـ اجاره‌بها بر مبناى آيين‌نامه

موضوع ماده ۱۴ قانون‌روابط موجر و مستاجر تعیین می‌شود و تا زمانیکه آیین‌نامه مذکورتصویب نشده دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره‌بهای عادله راتعیین می‌نماید و پس از تصویب آیین‌نامه به میزان مذکور درآیین‌نامه در صورت تقاضای یکی از طرفین تعدیل خواهد نمود. ماده ۶ ـ در صورت وجود اثاثیه‌ای متعلق به مالك یا دیگران درمحلهایی که‌به‌اجاره‌داده‌می‌شود،دادگاه ضمن صورت‌برداری نسبت‌به حفظ یا تحویل آنها به مالك اثاثیه یا امین اقدام خواهد کرد. ماده ۷ ـ متقاضیان اجاره واحدهای مسکونی باید درخواستشان را بوسیله پست سفارشی ضمن ذکر مشخصات تقریبی واحدمسکونی مورد نیاز خود و تعداد عائله تحت تکفل و میزان اجاره بهایی که قادر به پرداخت آن هستند و چگونگی نیاز به‌واحدمسکونی استیجاری را با ذکر نام و شغل و نشانی کامل خود و نیز واحد مسکونی خالی درخواستی و مشخصات مالك آنرا به دفتردادگاه محل تسلیم نمایند. دادگاه نیز در صورتیکه احضار متقاضی را ضروری نداند توسط پست پاسخ خواهد داد. تبصره ۱ ـ کسانی که خالی بودن واحد مسکونی را به دادگاه‌اعلام و خود هم متقاضی اجاره آن باشند در صورت ثبوت صحت‌اعلام و نیاز و تناسب موضوع ماده ۳ فوقِ الذکر نسبت به دیگران دراجاره آن واحد مسکونی حق تقدم دارند. تبصره ۲ ـ در صورتی که عده‌ای از متقاضیان دارای شرایط والویت‌های مساوی نسبت به واحد مسکونی معینی باشند دادگاه ازطریق قرعه اقدام خواهد نمود. ماده ۸ ـ تقاضای اجاره واحد مسکونی و اعلان خالی بودن مستغل نیازی به تسلیم دادخواست رسمی و پرداخت هزینه دادرسی‌ندارد و رسیدگی دادگاه نیز بدون رعایت تشریفات دادرسی است

فهرست شهرهای مشمول اجرای قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ در رابطه با محل کسب و پیشه یا تجا

آ

آبادان / خوزستان آباده / فارس آذران / سراسکندر سابق /آذربایجان شرقی آذر شهر / آذربایجان شرقی آزاد شهر / شاه پسند سابق /مازندران آستارا / گیلان آستانه اشرفیه / گیلان آمل / مازندران

الف

ابهر / زنجان اراک / مرکزی اردبیل / استان اردبیل اردکان / یزد ارسباران ـ اهر سابق /آذربایجان شرقی ارومیه ـ رضائیه سابق /آذربایجان غربی استهبانات / فارس اسدآباد / همدان اسفراین / خراسان اسلام آباد / شاه آباد عرب سابق / کرمانشاه اُسکو / آذربایجان شرقی اُشنویه / آذربایجان غربی اصفهان / اصفهان اقلید / فارس الیگودرز / لرستان املش / گیلان اندیمشک / خوزستان اهواز / خوزستان ایرانشهر / سیستان وبلوچستان ایلام / ایلام

ب

بابل / مازندران بابلسر / مازندران بانه / کردستان بجنورد / خراسان برازجان / بوشهر بردسکن / خراسان بروجرد / لرستان بروجن / چهارمحال وبختیاری بسطام شاهرود / سمنان بم / کرمان بناب مراغه / آذربایجان شرقی بندر انزلی پهلوی سابق‌گیلان بندر ترکمن شاه‌سابق‌مازندران بندرعباس / هرمزگان بندر گز / مازندران بندر لنگه / هرمزگان بوشهر / بوشهر بوکان / آذربایجان غربی بهبهان / خوزستان بهشهر / مازندران بیجار گروس / کردستان بیرجند / خراسان

پ

پارس آباد، مغان شهرسابق استان اردبیل پاوه / کرمانشاه پیرانشهر / آذربایجان غربی پیشوا / تهران تاکستان / زنجان تایباد / خراسان تبریز / آذربایجان شرقی تجریش / تهران تربت جام / خراسان تربت حیدریه / خراسان تفت / کرمان تفرش / مرکزی تکاف / آذربایجان غربی تنکابن شهسوارسابق‌مازندران تویسرکان / همدان تهران / تهران

ج

جلفا / آذربایجان شرقی جهرم / فارس جیرفت / کرمان

چ

چابکسر / گیلان چالوس / مازندران خاش / سیستان و بلوچستان خان به بین / مازندران خدابنده / زنجان خرم‌آباد / لرستان خرم دره / زنجان خرمشهر / خوزستان خشک بیجار / گیلان خلخال / استان اردبیل خمام / گیلان خمین / مرکزی خمینی شهر، همایون شهر /اصفهان خواف / خراسان خوانسار / اصفهان خوراسگان / اصفهان خور موج / بوشهر خوی / آذربایجان غربی

د

داراب / فارس داران / اصفهان دامغان / سمنان درگز / خراسان دزفول / خوزستان درود / لرستان دشت آزادگان دشت میشان‌سابق / خوزستان دلیجان / مرکزی دماوند / تهران دو گنبدان / خوزستان دیر / بوشهر دیلم / بوشهر

ر

رامسر / مازندران رامهرمز / خوزستان رامیان / مازندران رحیم آباد / گیلان رشت / گیلان رفسنجان / کرمان رودبار / گیلان رودسر / گیلان رودهن / تهران

ز

زابل / سیستان و بلوچستان زاهدان / سیستان و بلوچستان زرند کرمان / کرمان زنجان / زنجان

س

ساری / مازندران ساقی کلایه / متل قو سابق /مازندران ساوه / مرکزی سبزوار / خراسان سراب / آذربایجان شرقی سرابی همدان / همدان سرپل ذهاب / کرمانشاه سردرود تبریز / آذربایجان‌شرقی سردشت / آذربایجان غربی سقز / کردستان سمنان / سمنان سنقر و کلیائی / کرمانشاه سنگر / گیلان سنندج / کردستان سوریان بخش بوانات فارس /فارس سیاهکل / گیلان سیرجان / کرمان

ش

شادگان و مینو / خراسان شاهرود / سمنان شاهین دژ، صائین دژ سابق /آذربایجان غربی شاهین شهر / اصفهان شبستر / آذربایجان

شرقی شمیرانات / تهران شوشتر / خوزستان شهر ری / تهران شهرضا / اصفهان شهر کرد / چهارمحال وبختیاری شیراز / فارس شیروان / خراسان شیشوان مراغه / آذربایجان‌شرقی

ص

صحنه / کرمانشاه صومعه سرا / گیلان صائین دژ ـ شاهین دژ سابق /آذربایجان غربی

ط

طبس / خراسان

ع

عباس آباد / مازندران عجب شیر / آذربایجان شرقی علی‌آباد / مازندران علیشاه عوض / مرکزی علمدارگر گر/ آذربایجان شرقی

ف

فردوس / خراسان فرخ شهر / چهار محال وبختیاری فسا / فارس فومن / گیلان فیروزآباد / فارس فیروز کوه / تهران

ق

قائم شهر، شاهی سابق /مازندران قائن / خراسان قرچک ورامین / تهران قروه / کردستان قزوین / قزوین قصر شیرین / کرمانشاه قلهک / تهران قم / قم قوچان / خراسان

ک

کاروانسراسنگ / تهران کازرون / فارس کاشان / اصفهان کاشمر / خراسان کامیاران / کردستان کتالم و سادات محله /مازندران کرج / تهران کرمان / کرمان کرمانشاه / کرمانشاه کلات نادری / خراسان کلاچای / گیلان کلاردشت / مازندران کلاله / مازندران کنگان / بوشهر کنگاور / کرمانشاه کوچصفهان / گیلان کوهدشت / لرستان کیاکلا / مازندران

گ

گالیکش / مازندران گرگان / مازندران گرمسار / سمنان گرمی / استان اردبیل گلپایگان / اصفهان گلوگاه / مازندران گناباد / خراسان گناوه / بوشهر گنبد کاوس / مازندران گوهردشت کرج / تهران

ل

لار / فارس لاهیجان / گیلان لشت نشا/ گیلان لنگرود / گیلان لوشان / گیلان

م

ماکو / آذربایجان غربی ماه شهر / خوزستان محلات / مرکزی محمودآباد / مازندران مراغه / آذربایجان شرقی مرزن آباد / مازندران مرند / آذربایجان شرقی مرودشت / فارس مریوان / کردستان مشکین شهر / استان اردبیل مشهد / خراسان ملایر / همدان ملکان / آذربایجان شرقی منجیل / گیلان مهاباد / آذربایجان غربی میاندوآب / آذربایجان غربی میانه / آذربایجان شرقی میبد / یزد میناب / هرمزگان مینودشت / مازندران

ن

نائین / اصفهان نجف آباد / اصفهان نشتارود / مازندران نطنز / اصفهان نظرآباد مقدم کرج / تهران نقده / آذربایجان غربی نکا / مازندران نور / مازندران نورآباد ممسنی / فارس نوشهر / مازندران نهاوند / همدان نی‌ریز / فارس نیشابور / خراسان

و

ورامین / تهران وردآورد کن / تهران

قانون الزام تخلیه ساختمانهای وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و مؤس

مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۶۸ ماده واحده ـ کلیه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی و وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و نهادها و مقامات دولتی وشهرداری‌ها که اماکن و ساختمانها و خوابگاههای دانشجویی‌ساختمانهای استیجاری و املاک وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش‌عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و موسسات وابسته ودانشگاهها و مراکز تحقیقاتی (اعم از پزشکی و غیر پزشکی را درتصرف دارند، مکلفند ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ تصویب‌این قانون اماکن مذکور را تخلیه و به وزارتخانه‌های فرهنگ وآموزش عالی و بهداشت درمان آموزش پزشکی تحویل دهند و درمورد سپاه و مهاجرین جنگی در صورت تصویب شورای تامین‌استان مهلت فوق حداکثر یکسال می‌باشد والا حسب درخواست وزارتخانه و موسسات مذکور، دادسرای عمومی محل مکلف است‌خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و دستور رفع ید و تخلیه وتحویل اماکن و ساختمانهای مذکور را صادر نماید. تبصره ۱ ـ در مواردی که وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش‌عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاهها اماکن وساختمانها و املاک مورد بحث را با عقدی از عقود لازم در اختیاراشخاص یا موسسات خصوصی قرار داده است طبق مفاد قراردادعمل می‌نماید. تبصره ۲ ـ تخلف از این قانون در حکم تصرف غیر قانونی دراموال دولتی است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه روز یکشنبه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت‌مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۱۲/۱۳۶۸ به تاییدشورای نگهبان رسیده است

قانون تخلیه واحدهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزشی دیگر که در اختیار سایر دستگاهها، ارگا

مصوب ۲۰/۹/۱۳۶۷ ماده واحده ـ کلیه دستگاهها، سازمانها، نهادها، مقامات دولتی‌و اشخاص متفرقه که زمین و فضاهای آموزشی ساختمانهای اداری خانه‌های سازمانی خانه‌های پیشاهنگی سابق کانون‌های‌پرورش را در اختیار دارند موظفند ظرف مدت سه ماه از تصویب‌این قانون اماکن مذکور را تخلیه و تحویل وزارت آموزش و پرورش‌نمایند. در غیر این صورت بر حسب درخواست

آموزش و پرورش‌دادسرای عمومی محل موظف است خارج از نوبت و به فوریت رسیدگی و اماکن مورد نظر را تخلیه و تحویل نماید. تخلف از این‌قانون در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولتی است تبصره ۱ ـ اماکنی که براساس تبصره ماده ۷ قانون تشکیل‌وزارت جهادسازندگی‌مصوب ۸/۹/۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به‌تصرف و مالکیت جهاد سازندگی در آمده از این قانون مستثنی می‌باشد. تبصره ۲ ـ درمواردی که آموزش و پرورش زمین و فضاهای مورد بحث را با عقدی از عقود لازم در اختیار اشخاص یا موسسات خصوصی قرار داده است طبق مفاد قرارداد عمل می‌نماید. تبصره ۳ ـ در استانها و شهرستانها بنابر تشخیص شورای تامین استان یا شهرستان که مدیر کل و سایر رئیس آموزش و پرورش در آن شرکت می‌نماید، تا رفع نیاز همچنان در اختیار سپاه‌باقی می‌ماند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه علنی‌روز یکشنبه مورخ بیستم آذرماه یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۳۰/۹/۱۳۶۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون تمدید مدت ممنوعیت مقرر در قانون ضرورت عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی‌مصوب ۱۶/۷/۱۳۶۸

با اصلاحات مصوب ۳/۹/۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده ـ به موجب این قانون مدت ممنوعیت مقرر درقانون ضرورت عدم‌تخلیه خوابگاههای دانشجویی مصوب ۱۶/۷/۱۳۶۸ به مدت سه سال دیگر تمدید می‌شود. اجاره‌بها به قیمت کارشناسی روز تعیین و به مالک پرداخت و در بودجه سالانه وزارتخانه‌های مذکور منظور شود. این ممنوعیت شامل اماکنی که ازتاریخ ـ ۱۶/۷/۱۳۷۳ برابر قانون مدنی به اجاره واگذار می‌شودنخواهد بود. تبصره ـ کمیسیونی مرکب از وزرای دادگستری مسکن وشهرسازی فرهنگ و آموزش عالی بهداشت درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان برنامه و بودجه موظف است ظرف شش‌ماه وضعیت خوابگاههای موضوع این قانون و امکانات و اعتبارات دستگاههای ذیربط را بررسی و ساختمانهایی را که تخلیه آنها در کوتاه مدت امکان‌پذیر است تعیین کرده و روش‌های مناسب‌جایگزینی ساختمانهای تخلیه شده را به دولت پیشنهاد نماید. دولت ترتیبی اتخاذ می‌کند تا پایان سه سال مذکور در این قانون کلیه خوابگاههای یاد شده در صورت درخواست مالکان آنها تخلیه‌شود.

آیین‌نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستأجران کم‌درامد – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۰۲/۱۰۰/۳۶۱۹۶ مورخ ۲۸/۱۰/۱۳۸۴ وزارت مسکن و شهرسازی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستأجران کم‌درامد را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستأجران کم‌درامد ماده۱ـ در سال ۱۳۸۴، معادل چهارصد میلیارد ریال از منابع قرض‌الحسنه بانک مسکن و طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸، همه ساله مبلغ هشتصد میلیارد ریال از منابع قرض‌الحسنه کلیه بانکهای کشور در اختیار بانک مسکن قرار گیرد تا توسط بانک مذکور و با رعایت این آیین‌نامه به مستأجران کم‌درامد شهری پرداخت شود. ماده۲ـ متقاضیان واجد شرایط عبارتند از ایثارگران تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران، خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی و مستمری‌بگیران و بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی کشوری و لشگری و نیز خانوارهای شاغل جوان و زنان شاغل سرپرست خانوار که مستمری و یا حقوق و مزایای دریافتی آنها از ۵/۱ برابر حداقل حقوق و دستمزد موضوع قانون کار بیشتر نباشد. ماده۳ـ مبلغ قرض‌الحسنه متناسب با مساحت و نوع مسکن و حداکثر سی میلیون ریال است که با معرفی و تضمین سازمانها و نهادهای مذکور در ماده (۲) جهت پرداخت ودیعه به متقاضیان اعطا می‌گردد. متقاضیان دریافت قرض‌الحسنه اجاره در شهرهای بزرگ باید در زمان معرفی و به تأیید نهاد معرف، از حداقل ده سال سابقه سکونت در شهر محل تقاضا برخوردار باشند. ماده۴ـ نرخ کارمزد تسهیلات موضوع این آیین‌نامه معادل چهاردرصد و مدت بازپرداخت آن پنج سال و به روش تقسیط پلکانی خواهدبود. ماده۵ ـ بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است اقدامهای لازم را به منظور افزایش سقف تسهیلات قرض‌الحسنه به مبلغ سی میلیون ریال فراهم کند. ماده۶ـ دستورالعمل اجرایی این آیین‌نامه ظرف پانزده روز پس از ابلاغ، توسط وزارت مسکن و شهرسازی صادر خواهدشد. ماده۷ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است اقدامهای لازم را برای ایجاد زمینه اجرای این آیین‌نامه تا زمان ابلاغ دستورالعمل یادشده معمول و مراتب را به سیستم بانکی ابلاغ کند. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

آیین‌نامه احداث و عرضه مسکن اجاره‌ای – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۰۲/۱۰۰/۳۶۱۹۶ مورخ ۲۸/۱۰/۱۳۸۴ وزارت مسکن و شهرسازی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه احداث و عرضه مسکن اجاره‌ای را به شرح زیر تصویب نمود: ماده۱ـ به استناد ماده (۶) قانون تشویق احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری ـ مصوب ۱۳۷۷ـ سالانه پنجاه هزار واحد مسکونی اجاره‌ای توسط بخش غیردولتی و با استفاده از تسهیلات و حمایتهای دولت و سیستم بانکی احداث خواهد شد. ماده۲ـ واحدهای یادشده باید حداقل به مدت پنج سال به طور اجاره‌ای بهره‌برداری شوند. ماده۳ـ واگذاری زمین از طرف دولت با شرایط تخفیف و تقسیط صورت می‌گیرد و در طول پنج سال دوره اجاره، بهای زمین دریافت نمی‌گردد. بعد از اتمام این دوره در صورتی که سازنده بخواهد واحدهای خود را بفروشد، پول زمین به صورت یکجا دریافت و در صورت ادامه اجاره، بهای زمین تقسیط خواهد شد. ماده۴ـ تسهیلات به ازای هر واحد در سال اول یکصد و بیست میلیون ریال بوده و از سال دوم متناسب با نرخ تورم افزایش خواهد یافت. دوره بازپرداخت تسهیلات مذکور پانزده سال و روش تقسیط پلکانی می‌باشد. به این تسهیلات سالانه چهار درصد یارانه سود تسهیلات بانکی تعلق می‌گیرد. ماده۵ ـ بانکها موظفند در اجرای ماده (۹) قانون یادشده و ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی آن، نسبت به فروش اقساطی کل تسهیلات پرداختی به سازنده اقدام کنند. ماده۶ ـ هزینه خدمات انشعاب آب، برق، تلفن، گاز، فاضلاب و صدور پروانه ساخت شامل عوارض احداث و تراکم ساختمان واحدهای مسکونی موضوع این آیین‌نامه در بافتهای فرسوده شهری و شهرهای جدید با اعمال پنجاه درصد تخفیف محاسبه و دریافت خواهد شد. ماده۷ ـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبار لازم را جهت تأمین مابه التفاوت نرخ سود تسهیلات در بودجه‌های سالانه منظور کند. ماده۸ـ دستورالعمل اجرایی این آیین‌نامه ظرف پانزده روز پس از ابلاغ، توسط وزارت مسکن و شهرسازی صادر خواهد شد. ماده۹ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است اقدامهای لازم را برای ایجاد زمینه اجرای این آیین‌نامه تا زمان ابلاغ دستورالعمل یادشده معمول و مراتب را به سیستم بانکی ابلاغ کند. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

تجارت

قانون تجارت – مصوب ۱۳/۲/۱۳۱۱با اصلاحات بعدی

باب اول ــ تجار و معاملات تجارتی (م ۱ تا م ۵)

ماده ۱ـ تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار بدهد. ماده ۲ـ معاملات تجارتی از قرار ذیل است ۱ ـ خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این‌که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد. ۲ ـ تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که‌باشد. ۳ ـ هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل کاری (کمیسیون و یا عاملی‌و همچنین تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره ۴ ـ تاسیس و به‌کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این‌که برای رفع حوایج شخصی نباشد؛ ۵ ـ تصدی به

عملیات حراجی ۶ ـ تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی ۷ ـ هر قسم عملیات صرافی و بانکی ۸ ـ معاملات برواتی اعم از این‌که بین تاجر یا غیرتاجر باشد؛ ۹ ـ عملیات بیمه بحری و غیربحری ۱۰ ـ کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی‌رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها؛ ماده ۳ ـ معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می‌شود: ۱ ـ کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها؛ ۲ ـ کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوایج تجارتی خود می‌نماید؛ ۳ ـ کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می‌نماید؛ ۴ ـ کلیه معاملات شرکتهای تجارتی ماده ۴ ـ معاملات غیرمنقول به هیچ‌وجه تجارتی محسوب نمی‌شود. ماده ۵ ـ کلیه معاملات تجار، تجارتی محسوب است مگر این‌که ثابت‌شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست

باب دوم ــ دفاتر تجارتی و دفتر ثبت تجارتی

فصل اول ــ دفاتر تجارتی (م ۶ تا م ۱۵)

ماده ۶ ـ هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظام‌نامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد: ۱ ـ دفتر روزنامه ۲ ـ دفتر کل ۳ ـ دفتر دارایی؛ ۴ ـ دفتر کپیه ماده ۷ ـ دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجارتی و معاملات راجع به اوراق تجارتی (ازقبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به‌طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتی خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن دفتر ثبت نماید. ماده ۸ ـ دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند. ماده ۹ ـ دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعیاز کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کارباید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد. ماده ۱۰ ـ دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت‌حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید. تبصره ـ تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود، مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند. ماده ۱۱ ـ دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آن که در آن‌چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظام‌نامه وزارت عدلیه معین میشود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست ، ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت‌خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است ماده ۱۲ ـ دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف‌است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته باقید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه‌برای این مقصود تهیه مینماید منگنه کند. لازم است کلیه اعدادحتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود. ماده ۱۳ ـ کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود، تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال‌نگاه دارد. ماده ۱۴ ـ دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجارتی خود به‌کار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار، در امور

تجارتی، سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود. ماده ۱۵ ـ تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزای نقدی است این مجازات را محکمه حقوق راسا و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم ـ دفتر ثبت تجارتی (م ۱۶ تا م ۱۹)

ماده ۱۶ ـ در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تاسیس کند، کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند والا ـ به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ ـ مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتی را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظام‌نامه معین خواهد کرد. ماده ۱۸ ـ شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجارتی هر تاجری که‌مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به‌ثبت رسیده والا ـ علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی ازدویست تا دو هزار ریال محکوم می شود. ماده ۱۹ ـ کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظام‌نامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

باب سوم ـ شرکتهای تجارتی

فصل‌اول ـ در اقسام‌مختلفه‌شرکتها و قواعد راجع به آنها (م ۲۰)

اشاره

ماده ۲۰ ـ شرکتهای تجارتی بر هفت قسم است ۱ ـ شرکت سهامی ۲ ـ شرکت با مسوولیت محدود؛ ۳ ـ شرکت تضامنی ۴ ـ شرکت مختلط غیرسهامی ۵ ـ شرکت مختلط سهامی ۶ ـ شرکت نسبی ۷ ـ شرکت تعاونی تولید و مصرف قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴/۱۲/۴۷

مبحث اول ـ شرکتهای سهامی مصوب ۲۶ / ۱ / ۴۸

بخش ۱ ـ تعریف و تشکیل شرکت سهامی(م ۱ تا م ۲۳)

ماده ۱ ـ شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسوولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است ماده ۲ ـ شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو این‌که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد. ماده ۳ ـ در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد. ماده ۴ ـ شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود: نوع اول شرکتهایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. این‌گونه شرکتها شرکت‌سهامی عام نامیده می شوند. نوع دوم شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصرا توسط موسسین تامین گردیده است این‌گونه شرکتها شرکت سهامی خاص نامیده می شوند. تبصره ـ در شرکتهای سهامی عام عبارت «شرکت سهامی عام و درشرکتهای سهام خاص عبارت «شرکت سهامی خاص باید قبل از نام‌شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی های شرکت به‌طور روشن و خوانا قید شود. ماده ۵ ـ در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون‌ریال و سرمایه

شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تاسیس به هر علت از حداقل‌مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش‌سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابدوگرنه هر ذینفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتداردرخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود. ماده ۶ ـ برای تاسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقلا بیست‌درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصدمبلغ تعهد شده را در حسابی به‌نام شرکت در شرف تاسیس نزد یکیاز بانکها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت‌و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتها و درشهرستانها به دایره ثبت شرکتها و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهاوجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت‌کنند. تبصره ـ هرگاه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیرنقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت‌مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمایم آن به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نمایند. ماده ۷ ـ اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه موسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصا در آن ذکر شده باشد: ۱ ـ نام شرکت ۲ ـ هویت کامل و اقامتگاه موسسین ۳ ـ موضوع شرکت ۴ ـ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک ۵ ـ تعداد سهام با نام و بینام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام ۶ ـ میزان تعهد هر یک از موسسین و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده‌است در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن‌به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود؛ ۷ ـ مرکز اصلی شرکت ۸ ـ مدت شرکت ماده ۸ ـ طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: ۱ ـ نام شرکت ۲ ـ موضوع شرکت به‌طور صریح و منجز؛ ۳ ـ مدت شرکت ۴ ـ مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد؛ ۵ ـ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک ۶ ـ تعداد سهام بینام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام ۷ ـ تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود؛ ۸ ـ نحوه انتقال سهام با نام ۹ ـ طریقه تبدیل سهام با نام به سهام بینام و بالعکس ۱۰ ـ در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه ذکر شرایط وترتیب آن ۱۱ ـ شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت ۱۲ ـ مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی؛ ۱۳ ـ مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها؛ ۱۴ ـ طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی؛ ۱۵ ـ تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت ماموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند؛ ۱۶ ـ تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران ۱۷ ـ تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت‌بسپارند؛ ۱۸ ـ قید این‌که شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه‌انتخاب و مدت ماموریت بازرس ۱۹ ـ تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه ۲۰ ـ نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن ۲۱ ـ نحوه تغییر اساسنامه ماده ۹ ـ طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل برنکات زیر باشد: ۱ ـ نام شرکت ۲ ـ موضوع شرکت و نوع فعالیتهایی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود؛ ۳ ـ مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه موردنظر باشد؛ ۴ ـ مدت شرکت ۵ ـ هویت کامل و اقامتگاه و شغل موسسین در صورتی که تمام یابعضی از موسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاربی داشته باشند ذکر آن به اختصار؛ ۶ ـ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک وتعداد و نوع سهام در

مورد سرمایه غیرنقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف‌سرمایه غیرنقد اطلاع حاصل نمود؛ ۷ ـ در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین‌چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل ۸ ـ تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که‌پرداخت کرده‌اند؛ ۹ ـ ذکر هزینه‌هایی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات‌تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیتهای شرکت ۱۰ ـ در صورتی که انجام موضوع شرکت قانونا مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن‌مراجع ۱۱ ـ ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید توسط‌پذیره‌نویسی تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن‌پذیره‌نویسی نقدا پرداخت گردد؛ ۱۲ ـ ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام‌مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن‌اشخاص ذی علاقه میتوانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ‌نقدی به بانک مراجعه کنند؛ ۱۳ ـ تصریح به این‌که اظهارنامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه‌برای مراجعه به علاقه‌مندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است ۱۴ ـ ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه‌بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصرا در آن منتشرخواهد شد. ۱۵ ـ چگونگی تخصیص سهام به پذیره‌نویسان ماده ۱۰ ـ مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر خواهد نمود. ماده ۱۱ ـ اعلامیه پذیره‌نویسی باید توسط موسسین در جراید آگهی‌گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می گیرد درمعرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود. ماده ۱۲ ـ ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است‌علاقه‌مندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقدا باید پرداخت شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۳ ـ ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ ـ نام و موضوع و مرکز اصلی و مدت شرکت ۲ ـ سرمایه شرکت ۳ ـ شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی و مرجع صدورآن ۴ ـ تعداد سهامی که مورد تعهد واقع میشود و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقدا در موقع پذیره‌نویسی بایدپرداخت شود؛ ۵ ـ نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره‌نویسان بایدبه آن حساب پرداخت شود؛ ۶ ـ هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس ۷ ـ قید این‌که پذیره‌نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام‌مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید. ماده ۱۴ ـ ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاءپذیره‌نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک‌نگاهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به‌پذیره‌نویس تسلیم می شود. تبصره ـ در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاءکند هویت و نشانی کامل و سمت امضاءکننده قید و مدرک سمت اواخذ و ضمیمه خواهد شد. ماده ۱۵ ـ امضاء ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول‌اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام‌می باشد. ماده ۱۶ ـ پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است ویا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدیدشده موسسین حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی و پس از احراز این‌که تمام سرمایه شرکت صحیحا تعهد گردیده واقلا سی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک ازتعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی موسس را دعوت‌خواهند نمود. ماده ۱۷ ـ مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل‌میشود و پس از رسیدگی و احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساس‌نامه شرکت و تصویب آن اولین‌مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب میکند. مدیران وبازرسان شرکت باید کتبا قبول سمت نمایند؛ قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسوولیتهای سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب میشود. تبصره ـ هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل‌مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شودیکی از این دو روزنامه به‌وسیله مجمع عمومی موسس و روزنامه‌دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین میشود. ماده ۱۸ ـ اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده به‌ضمیمه صورت‌جلسه مجمع و اعلامیه

قبولی مدیران و بازرسان‌جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم خواهد شد. ماده ۱۹ ـ در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه‌مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هریک از موسسین یا پذیره‌نویسان مرجع ثبت شرکتها که اظهارنامه به‌آن تسلیم شده است گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به‌عمل آمده است ارسال می دارد تا موسسین و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده موسسین خواهد بود. ماده ۲۰ ـ برای تاسیس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهدبود: ۱ ـ اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد؛ ۲ ـ اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام‌باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به‌صورت غیرنقد باشد، باید تمام آن‌تادیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس‌شده باشد و در صورتی که سهام ممتازه وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد؛ ۳ ـ انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید درصورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد؛ ۴ ـ قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷؛ ۵ ـ ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد؛ تبصره ـ سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت‌شرکتهای سهامی عام مقرر است در مورد شرکتهای سهامی خاص‌لازم‌الرعایه نخواهد بود. ماده ۲۱ ـ شرکتهای سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر این‌که از مقررات مربوط به‌شرکتهای سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت‌نمایند. ماده ۲۲ ـ استفاده از وجوه تادیه شده به‌نام شرکتهای سهامی در شرف‌تاسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا درمورد مذکور در ماده ۱۹. ماده ۲۳ ـ موسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسوولیت تضامنی دارند.

بخش ۲ ـ سهام (م ۲۴ تا م ۴۲)

ماده ۲۴ ـ سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص‌میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعدادسهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ ـ سهم ممکن است با نام و یا بی‌نام باشد. تبصره ۲ ـ در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت‌مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این‌گونه سهام سهام ممتازنامیده می‌شود. ماده ۲۵ ـ اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب‌بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می‌شوند برسد. ماده ۲۶ ـ در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود: ۱ ـ نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها؛ ۲ ـ مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن ۳ ـ تعیین نوع سهم ۴ ـ مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد؛ ۵ ـ تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است ماده ۲۷ ـ تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به‌صاحبان سهام گواهی‌نامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع‌سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهی‌نامه در حکم سهم‌است ولی در هر حال ظرف مدت یک سال پس از پرداخت تمامی‌مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهی‌نامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد. ماده ۲۸ ـ تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یاگواهی‌نامه موقت سهم ممنوع است در صورت تخلف ، امضاءکنندگان مسوول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود. ماده ۲۹ ـ در شرکتهای سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد. ماده ۳۰ ـ مادام که تمامی مبلغ

اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام ممنوع است به تعهدکننده این‌گونه سهام گواهی‌نامه موقت با نام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام با نام است ماده ۳۱ ـ در مورد صدور گواهی‌نامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ بایدرعایت شود. ماده ۳۲ ـ مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد. ماده ۳۳ ـ مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیات مدیره‌شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظورت قلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد وگرنه هر ذی‌نفع‌حق‌خواهد داشت‌که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند. تبصره ـ مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه‌صاحبان سهام و بدون تبعیض به‌عمل آید. ماده ۳۴ ـ کسی که تعهد ابتیاع سهمی را نموده مسول پرداخت تمام‌مبلغ اسمی آن می‌باشد و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ‌اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده‌سهم مسول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود. ماده ۳۵ ـ در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ‌پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشرمی‌شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد از قرار نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال به مبلغ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تاخیر آن تماما پرداخت نشود شرکت این‌گونه سهام را در صورتی که‌در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس وگرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید. از حاصل فروش سهم بدوا کلیه هزینه‌های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص‌حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه‌ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می‌شود. ماده ۳۶ ـ در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های‌مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر و یک نسخه از آگهی به‌وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود. هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی های مربوط به‌سهام اعم از اصل ـ خسارات ـ هزینه‌ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش‌سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام با قید کلمه المثنی به‌نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد. ماده ۳۷ ـ دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این‌گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این‌گونه سهام معلق خواهد ماند. ماده ۳۸ ـ در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها به شرکت پرداخت‌کنند مجددا حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند. ماده ۳۹ ـ سهم بی‌نام به‌صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک‌دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این‌گونه سهام به قبض و اقباض به‌عمل می‌آید. گواهی‌نامه موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد. ماده ۴۰ ـ انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند. در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی‌کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر

اقامتگاه نیز بایـد به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شـرایط فوق به عمل آید از نظر شـرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است ماده ۴۱ ـ در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود. ماده ۴۲ ـ هر شـرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی‌فوق العاده صاحبان سـهام سـهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به‌طور وضوح‌تعیین گردد. هر گونه تغییر در امتیازات وابسـته به سـهام ممتاز باید به‌تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان‌نصف بعلاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.

بخش ۳ ـ تبدیل سهام (م ۴۳ تا م ۵۰)

ماده ۴۳ ـ هر گـاه شـرکت بخواهـد به مـوجب مقررات اساسـنامه یـا بنـا به تصـمیم مجمع عمومی فوق العـاده سـهامداران خود سـهام بی‌نام‌شـرکت را به سـهام با نام و یا آن‌که سـهام با نام را به سـهام بی‌نام تبـدیل نمایـد بایـد بر طبق مواد زیر عمل کند. ماده ۴۴ ـ در مورد تبدیل سـهام بی‌نام به سـهام با نام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتراز شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سـهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطـل شـده تلقی می گردد. ماده ۴۵ ـ سـهام بی‌نـامی که ظرف مهلت مـذکور در ماده ۴۴ برای تبـدیل‌به سـهام با نام به مرکز شرکت تسلیم نشـده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سـهام با نام صادر و توسط شـرکت در صورتی که‌سـهام شـرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق‌بورس وگرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شـش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شـرکت در آن نشر می گردد منتشـر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده‌روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین‌شده تمام یا قسـمتی از سـهام به‌فروش نرسـد حراج تا دو نوبت طبق شـرایط منـدرج در این ماده تجدیـد خواهـد شد. ماده ۴۶ ـ از حاصل فروش سـهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می‌شود بـدوا هزینه‌هـای مترتبه از قبیـل هزینه آگهی حراج یـا حق الزحمه‌کارگزار بورس کسـر و مـازاد آن توسط شـرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده می‌شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریـخ فروش‌سـهام باطل شـده به شـرکت مسـترد شـود مبلغ سـپرده و بهره مربوطه به‌دسـتور شـرکت از طرف بانـک به مالـک سـهم پرداخت می‌شود. پس از انقضـای ده سال باقی‌مانـده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و بایـد از طرف بانک و با اطلاع دادسـتان شهرسـتان به خزانه دولت منتقل گردد. تبصره ـ در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هر گاه پس از تجدید حراج مقداری از سـهام به‌فروش نرسد صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه می کننـد به ترتیب مراجعه به شـرکت اختیار خواهند داشت از خالص‌حاصل فروش سـهامی که فروخته‌شده به نسـبت سهام بی‌نامی که در دست دارنـد وجه نقـد دریافت کننـد و یا آن که برابر تعداد سـهام بی‌نام‌خود سـهام با نام تحصـیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد. ماده ۴۷ ـ برای تبدیل سهام با نام به سـهام بی‌نام مراتب فقط یک نوبت‌در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شـرکت در آن نشـر می گردد منتشـر و مهلتی که نبایـد کمتر از دو ماه باشـد به صاحبان‌سـهام داده می‌شود تا برای تبـدیل سـهام خود به مرکز شـرکت مراجعه‌کنند. پس از انقضای مهلت مـذکور برابر تعـداد سـهامی که تبدیل نشده است سـهام بی‌نام صادر و در مرکز شـرکت نگاهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سـهام با نام به شـرکت مراجعه کنند سهام با نام آنان اخذ و ابطال و سهام بی‌نام به آنها داده شود. ماده ۴۸ ـ پس از تبدیل کلیه سـهام بی‌نام به سـهام با نام و یا تبدیل سـهام با نام به سـهام بی‌نام و یا حسب مورد پس از گذشـتن هر یک ازمهلتهای مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکتها را از تبدیل سهام خود کتبا مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت‌رسیده

و برای اطلاع عموم آگهی شود. ماده ۴۹ ـ دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض‌ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت ماده ۵۰ ـ در مورد تعویض گواهی‌نامه موقت سهام با اوراق سهام با نام‌یا بی‌نام بر طبق مفاد مواد ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد.

بخش ۴ ــ اوراق قرضه (م ۵۱ تا م ۷۱)

ماده ۵۱ ـ شرکت سهامی عام می‌تواند تحت شرایط مندرج در این‌قانون اوراق قرضه منتشر کند. ماده ۵۲ ـ ورقه قرضه ورقه قابل معامله‌ای است که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزای آن در موعد یا مواعدمعینی باید مسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود. ماده ۵۳ ـ دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچ‌گونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می‌شوند. ماده ۵۴ ـ پذیره‌نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی‌باشد. ماده ۵۵ ـ انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت‌گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد. ماده ۵۶ ـ هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش‌بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می‌توانند بنا به پیشنهاد هیات مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می‌تواند به هیات مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید. تبصره ـ در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه باید متساوی باشد. ماده ۵۷ ـ تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتبا به مرجع ثبت‌شرکتها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود. تبصره ـ قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای‌فروش اوراق قرضه ممنوع است ماده ۵۸ ـ اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد. ۱ ـ نام شرکت ۲ ـ موضوع شرکت ۳ ـ شماره و تاریخ ثبت شرکت ۴ ـ مرکز اصلی شرکت ۵ ـ مدت شرکت ۶ ـ مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به این که کلیه آن پرداخت شده است ۷ ـ در صورتی که شرکت سابقا اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالا برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و درصورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقداری از آن‌گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است ۸ ـ در صورتی که شرکت سابقا اوراق قرضه موسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور؛ ۹ ـ مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره‌ای که به قرضه تعلق می‌گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایرحقوقی که احتمالا برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعد یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره‌و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل بازخرید باشد شرایط و ترتیب بازخرید؛ ۱۰ ـ تضمیناتی که احتمالا برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است ۱۱ ـ اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل ۱۲ ـ خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین‌سال مالی آن که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده‌است ماده ۵۹ ـ پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه‌کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند. ماده ۶۰ ـ ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که‌برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود: ۱ ـ نام شرکت ۲ ـ شماره و تاریخ ثبت شرکت ۳ ـ مرکز اصلی شرکت ۴ ـ مبلغ سرمایه شرکت ۵ ـ

مدت شرکت ۶ ـ مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه ۷ ـ تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه‌قرضه (اگر قابل بازخرید باشد)؛ ۸ ـ تضمیناتی که احتمالا برای قرضه در نظر گرفته شده است ۹ ـ در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا مؤسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده‌اند؛ ۱۰ ـ در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل ماده ۶۱ ـ اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد،در این صورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیات‌مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلا برابر با مبلغ قرضه تصویب کند. ماده ۶۲ ـ افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه‌باید به‌وسیله یک یا چند بانک و یا موسسه مالی معتبر پذیره‌نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع این‌گونه پذیره‌نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره‌نویس مبنی بر دادن این‌گونه‌سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین‌شرکت و این‌گونه پذیره‌نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب‌مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ برسد وگرنه معتبر نخواهد بود. تبصره ـ شورای پول و اعتبار شرایط بانکها و مؤسسات مالی را که می‌توانند افزایش سرمایه شرکتها را پذیره‌نویسی کنند تعیین خواهدنمود. ماده ۶۳ ـ در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود به خود منتفی خواهدبود. ماده ۶۴ ـ شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهم باید در ورقه قرضه قید شود. تعویض ورقه قرضه با سهم تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه‌است دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسید ورقه می‌تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهم شرکت‌تعویض کند. ماده ۶۵ ـ از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یامواعد اوراق قرضه شرکت نمی‌تواند اوراق قرضه جدید قابل‌تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به‌تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ‌اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که‌دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت می‌دارندمی گردد و چنین تلقی می‌شود که این‌گونه دارندگان اوراق قرضه ازهمان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده‌اند. ماده ۶۶ ـ از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یامواعد اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به‌سرمایه و به‌طور کلی دادن سهم و یا تخصیص یا پرداخت وجه به‌سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع‌خواهد بود مگر آن که حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقبا اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می‌کنند به نسبت سهامی که درنتیجه معاوضه مالک می‌شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت‌باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقبا اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می‌کنند بتوانند به نسبت و تحت‌همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفا نمایند. ماده ۶۷ ـ سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود با نام بوده و تا انقضای موعد یا مواعق د اوراق قرضه وثیقه تعهدپذیره‌نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دایر به تعویض سهام با اوراق مذکور می‌باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد. این‌گونه سهام تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه فقط قابل انتقال به‌دارندگان اوراق مزبور بوده و نقل و انتقال این‌گونه سهام در دفاترشرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه قرضه با سهم‌احراز گردد. ماده ۶۸ ـ سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود مادام‌که این تعویض به‌عمل نیامده است تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه قابل تأمین و توقیف نخواهد بود. ماده ۶۹ ـ اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد،در این صورت مجمع عمومی فوق العاده‌ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می‌دهد، شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این‌گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیات مدیره خواهد داد. ماده ۷۰ ـ در مورد ماده ۶۹ هیات مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع‌عمومی مذکور در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه‌ای که جهت تبدیل به سهام شرکت‌عرضه شده

است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتها، سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت‌تسلیم کرده‌اند سهم خواهد داد. ماده ۷۱ ـ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۶۳ و ۶۴ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.

بخش ۵ ـ مجامع عمومی (م ۷۲ تا م ۱۰۶)

ماده ۷۲ ـ مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام‌تشکیل می شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل‌مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص‌برای آن مقرر شده باشد. ماده ۷۳ ـ مجامع عمومی به ترتیب عبارتند از: ۱ ـ مجمع عمومی موسس ۲ ـ مجمع عمومی عادی؛ ۳ ـ مجمع عمومی فوق العاده ماده ۷۴ ـ وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است ۱ ـ رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احرازپذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم ۲ ـ تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن ۳ ـ انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت ۴ ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدیبرای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشرخواهد شد. تبصره ـ گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع‌عمومی موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده‌است برای مراجعه پذیره‌نویسان سهام آماده باشد. ماده ۷۵ ـ در مجمع عمومی موسس حضور عده‌ای از پذیره‌نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است اگردر اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند مشروط بر این که لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات بایدبه اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع‌عمومی یک سوم اکثریت لازم حاضر نشد موسسین عدم تشکیل‌شرکت را اعلام میدارند. تبصره ـ در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره‌نویسان‌حق‌حضور دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود. ماده ۷۶ ـ هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیرنقد داشته باشند،موسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی موسس نظرکتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده‌های غیرنقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیارمجمع عمومی موسس بگذارند. در صورتی که موسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبوربه مجمع عمومی موسس تقدیم شود. ماده ۷۷ ـ گزارش مربوط به ارزیابی آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی موسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه‌کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی که تعهد کرده‌اند یا مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند و آن قسمت ازسرمایه غیرنقد که موضوع مذاکره و رای است از حیث حد نصاب‌جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد. ماده ۷۸ ـ مجمع عمومی نمی تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که‌از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند. ماده ۷۹ ـ هرگاه آورده غیرنقد یا مزایایی که مطالبه شده است تصویب‌نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یک ماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل میتوانند تعهدغیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تادیه نمایند واشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده میتوانند باانصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان‌آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع تسلیم نشوند،تعهد آنها نسبت به

سهام خود باطل شده محسوب میگردد و سایرپذیره‌نویسان میتوانند به‌جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم‌را تادیه کنند. ماده ۸۰ ـ در جلسه دوم مجمع عمومی موسس که بر طبق ماده قبل به‌منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیرنقد و مزایای مطالبه شده‌تشکیل می گردد باید بیش از نصف پذیره‌نویسان هر مقدار از سهام‌شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه‌باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد. ماده ۸۱ ـ در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج‌دارندگان آورده غیرنقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تادیه‌سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهدنشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین بایدظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت‌شرکتها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهینامه مذکور در ماده ۱۹ این‌قانون را صادر کند. ماده ۸۲ ـ در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس‌الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون‌ضروری است و نمیتوان آورده‌های غیرنقد را به مبلغی بیش ازارزیابی کارشناس قبول نمود. ماده ۸۳ ـ هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال‌شرکت قبل از موعد منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده‌میباشد. ماده ۸۴ ـ در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامیکه حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب‌مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان‌بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آن‌که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۸۵ ـ تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دوم‌سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. ماده ۸۶ ـ مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجزآنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است‌تصمیم بگیرد. ماده ۸۷ ـ در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلا بیش از نصف‌سهامی که حق رای دارند ضروری است اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته‌و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن‌که در دعوت دوم نتیجه‌دعوت اول قید شده باشد. ماده ۸۸ ـ در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رای دهنده در عدد مدیرانی که‌باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر باحاصل‌ضرب مذکور خواهد بود. رای دهنده می تواند آراء خود را به‌یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند،اساسنامه شرکت نمیتواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد. ماده ۸۹ ـ مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب‌سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون‌شرکت و صورت‌حساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به‌گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود. تبصره ـ بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع‌عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال‌مالی معتبر نخواهد بود. ماده ۹۰ ـ تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است ماده ۹۱ ـ چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند راسا اقدام به‌دعوت مجمع مزبور بنمایند. ماده ۹۲ ـ هیات مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به‌طور فوق العاده دعوت‌نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود. ماده ۹۳ ـ در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آن‌که دارندگان این‌گونه سهام در جلسه‌خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آن‌که تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این‌گونه سهام در جلسه‌حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود

در دعوت دوم حضور دارندگان اقلاـ یک سوم این‌گونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آراء معتبرخواهد بود. ماده ۹۴ ـ هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. ماده ۹۵ ـ سهامدارانی که اقلا یک پنجم سهام شرکت را مالک باشندحق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیات مدیره خواستار شوند و هیات مدیره باید حداکثر تا بیست‌روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرره دعوت کنددر غیر این صورت درخواست‌کنندگان می توانند دعوت مجمع را ازبازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرره مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند وگرنه آن‌گونه صاحبان سهام حق‌خواهند داشت مستقیما به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آن‌که‌کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرسان تصریح نمایند. ماده ۹۶ ـ در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصرا موضوعی خواهدبود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیات رئیسه مجمع از بین‌صاحبان سهام انتخاب خواهند شد. ماده ۹۷ ـ در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع‌عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که‌آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به‌عمل آید. هر یک ازمجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومیسالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید درروزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشردعوت‌نامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به شرکت قبلاـ تعیین شده منتشرگردد. تبصره ـ در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشرآگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست ماده ۹۸ ـ فاصله بین نشر دعوت‌نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن‌حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود. ماده ۹۹ ـ قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به‌حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق‌موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه‌را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودیدریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن‌هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آرای هر یک ازحاضرین قید و به امضای آنان خواهد رسید. ماده ۱۰۰ ـ در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومیدستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانیکامل باید قید شود. ماده ۱۰۱ ـ مجامع عمومی توسط هیات رئیسه‌ای مرکب از یک رئیس‌و یک منشی و دو ناظر اداره میشود. در صورتی که ترتیب دیگریدر اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیات‌مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی ازمدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت‌رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبیانتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهندشد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد. ماده ۱۰۲ ـ در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونیصاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت‌حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به منزله حضورخود صاحب سهم است ماده ۱۰۳ ـ در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است ماده ۱۰۴ ـ هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیات رئیسه مجمع با تصویب‌مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نبایددیرتر از دو هفته باشد تعیین کند، تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب‌جلسه اول رسمیت خواهد داشت ماده ۱۰۵ ـ از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت‌جلسه‌ایتوسط منشی ترتیب داده میشود که به امضاء هیات رئیسه مجمع‌رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد. ماده ۱۰۶ ـ در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی ازامور ذیل باشد یک نسخه از صورت‌جلسه مجمع باید جهت ثبت به‌مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد: ۱ ـ انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان ۲ ـ تصویب ترازنامه ۳ ـ کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در

اساسنامه ۴ ـ انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن

بخش ۶ ـ هیأت مدیره (م ۱۰۷ تا م ۱۴۳)

ماده ۱۰۷ ـ شرکت سهامی به‌وسیله هیات مدیره‌ای که از بین صاحبان‌سهام انتخاب شده و کلا یا بعضا قابل عزل می‌باشند اداره خواهدشد. عده اعضای هیات مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید ازپنج نفر کمتر باشد. ماده ۱۰۸ ـ مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع‌عمومی عادی انتخاب می‌شوند. ماده ۱۰۹ ـ مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود لیکن این‌مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد . انتخاب مجدد مدیران بلامانع است ماده ۱۱۰ ـ اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب‌نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسوولیتهای مدنی‌شخص حقیقی عضو هیات مدیره را داشته و باید یک نفر رابه‌نمایندگی دایمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسوولیت های مدنی و جزائی عضو هیات مدیره بوده از جهت مدنی با شخص‌حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسوولیت تضامنی‌خواهد داشت شخص حقوقی عضو هیات مدیره می‌تواند نماینده خود را عزل کندبه شرط آن‌که در همان موقع جانشین او را کتبا به شرکت معرفی‌نماید وگرنه غایب محسوب می‌شود. ماده ۱۱۱ ـ اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: ۱ ـ محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است ۲ ـ کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به‌موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلا یا بعضا محروم شده باشند در مدت محرومیت سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ،اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی تبصره ـ دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع حکم عزل هر مدیری راکه برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول‌مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی‌خواهد بود. ماده ۱۱۲ ـ در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یاچند نفر از مدیران تعداد اعضای هیات مدیره از حداقل مقرر در این‌قانون کمتر شود اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والا ـ به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آن را خواهند گرفت و درصورتی که عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای‌علی‌البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیات مدیره نباشدمدیران باقی‌مانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت راجهت تکمیل اعضای هیات مدیره دعوت نمایند. ماده ۱۱۳ ـ در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیات مدیره حسب مورد از دعوت‌مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده‌خودداری کند هر ذی‌نفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران بارعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به‌انجام چنین درخواستی می‌باشند. ماده ۱۱۴ ـ مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده‌است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب‌اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد.این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات‌مدیران منفردا یا مشترکا بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم‌بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره‌تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به‌عنوان وثیقه باقی خواهد ماند. ماده ۱۱۵ ـ در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام‌لازم به‌عنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به‌عنوان وثیقه مدیرباید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به‌عنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد وگرنه مستعفی محسوب می‌شود. ماده ۱۱۶ ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی‌شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی‌می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی‌که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان‌سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه این‌گونه مدیران‌خودبه‌خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد. ماده

۱۱۷ ـ بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات‌قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به‌مجمع عمومی عادی گزارش دهند. ماده ۱۱۸ ـ جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت‌می‌باشند مشروط بر آن‌که تصمیمات و اقدامات آنها در حدودموضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه‌یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین‌مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل‌و کان لم یکن است ماده ۱۱۹ ـ هیات مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیات یک‌رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیات‌مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس‌هیات مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهدبود. هیات مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیات‌مدیره را از سمتهای مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود. تبصره ۱ ـ از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به‌عنوان‌نماینده شخص حقوقی عضو هیات مدیره معرفی شده باشد درحکم عضو هیات مدیره تلقی خواهد شد. تبصره ۲ ـ هرگاه رئیس هیات مدیره موقتا نتواند وظایف خود را انجام‌دهد وظایف او را نایب رئیس هیات مدیره انجام خواهد داد. ماده ۱۲۰ ـ رئیس هیات مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیات‌مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را درمواردی‌که هیات مدیره مکلف به دعوت آنها می‌باشد دعوت نماید. ماده ۱۲۱ ـ برای تشکیل جلسات هیات مدیره حضور بیش از نصف‌اعضاء هیات مدیره لازم است تصمیمات باید با اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آن‌که در اساسنامه اکثریت بیشتری مقررشده باشد. ماده ۱۲۲ ـ ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیات مدیره را اساسنامه‌تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده‌ای از مدیران که اقلا یک سوم‌اعضاء هیات مدیره را تشکیل دهند می‌توانند در صورتی که از تاریخ‌تشکیل آخرین جلسه هیات مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد باذکر دستور جلسه هیات مدیره را دعوت نمایند. ماده ۱۲۳ ـ برای هر یک از جلسات هیات مدیره باید صورت‌جلسه‌ای‌تنظیم و لااقل به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. درصورت جلسه هیات مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می‌باشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه درجلسه با قید تاریخ در آن ذکر می‌گردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت‌جلسه مخالف باشد نظر اوباید در صورت‌جلسه قید شود. ماده ۱۲۴ ـ هیات مدیره باید اقلا یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت‌عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیات‌مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیات‌مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال‌رئیس هیات مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم‌آراء حاضر در مجمع عمومی تبصره ـ هیات مدیره در هر موقع می‌توانsaid مدیرعامل را عزل نماید. ماده ۱۲۵ ـ مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیات‌مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف‌شرکت حق امضاء دارد. ماده ۱۲۶ ـ اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل‌شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ‌کس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات واقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است درمقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسوولیتهای سمت‌مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد. ماده ۱۲۷ ـ هر کس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب‌شود یاپس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای‌هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی‌خواهد بود. ماده ۱۲۸ ـ نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید باارسال نسخه‌ای از صورت‌جلسه هیات مدیره به مرجع ثبت شرکتهااعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. ماده ۱۲۹ ـ اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین‌موسسات و شرکتهایی که اعضای هیات مدیره و یا مدیرعامل‌شرکت شریک یا عضو هیات مدیره یا مدیرعامل آنها باشندنمی‌توانند بدون اجازه هیات مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به‌حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف

معامله‌واقع و یا سهیم شوند و در صورت اجازه نیز هیات مدیره مکلف‌است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله‌مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان‌سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی‌جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیات مدیره یا مدیرعامل ذی‌نفع در معامله درجلسه هیات مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم‌نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت ماده ۱۳۰ ـ معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آن‌که توسط‌مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است‌مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده‌باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی واردآمده‌باشدجبران‌خسارت‌برعهده هیات مدیره و مدیرعامل یا مدیران‌ذی‌نفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنهامتضامنا مسؤول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند. ماده ۱۳۱ ـ در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون‌اجازه هیات مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی‌شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود وشرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که‌معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن‌بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هرحال مسوولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذی‌نفع در مقابل‌شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش‌بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله دراین مورد رای خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذی‌نفع در معامله حق‌شرکت در رای نخواهد داشت مجمع عمومی مذکور در این ماده‌به‌دعوت هیات مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد. ماده ۱۳۲ ـ مدیرعامل شرکت و اعضاء هیات مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ‌گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند وشرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این‌گونه عملیات‌به‌خودی خود باطل است در مورد بانکها و شرکتهای مالی واعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آن‌که تحت قیود وشرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت‌مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص‌حقوقی عضو هیات مدیره در جلسات هیات مدیره شرکت می‌کنندو همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد وبرادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد. ماده ۱۳۳ ـ مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هرمدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضررشرکت گردد مسؤول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این‌ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت ماده ۱۳۴ ـ مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به‌ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیات مدیره در جلسات هیات‌مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به‌طور مقطوع بابت حق حضور آنهادر جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیات مدیره در جلسات هیات‌حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که دراساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کندکه نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به‌عنوان پاداش به اعضاء هیات مدیره تخصیص داده شود. اعضاء غیر موظف هیات‌مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال‌سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند. ماده ۱۳۵ ـ کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل‌اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای‌تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان راغیرمعتبر دانست ماده ۱۳۶ ـ در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب‌مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسؤول امور شرکت و اداره آن‌خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به‌وظیفه خود عمل نکنند هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتهادعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید. ماده ۱۳۷ ـ هیات مدیره باید لااقل هر شش ماه یک بار خلاصه صورت‌دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد. ماده ۱۳۸ ـ هیات مدیره موظف است بعد از

انقضای سال مالی شرکت‌ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی‌سالیانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه‌و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید. ماده ۱۳۹ ـ هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش‌بازرسان رونوشت بگیرد. ماده ۱۴۰ ـ هیات مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص‌شرکت را به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته‌قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری‌است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک بیستم‌مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم‌سرمایه بالغ گردد. ماده ۱۴۱ ـ اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان‌برود هیات مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده‌صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت‌مورد شور و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این‌قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیات مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع‌عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال‌شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. ماده ۱۴۲ ـ مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص‌ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یامصوبات مجمع عمومی برحسب مورد، منفردا یا مشترکا مسؤول‌می‌باشند و دادگاه حدود مسوولیت هر یک را برای جبران خسارت‌تعیین خواهد نمود. ماده ۱۴۳ ـ در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال‌معلوم شود که دارایی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه‌صلاحیتدار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت‌به‌نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفردا یا متضامنا به‌تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن‌نیست محکوم نماید.

بخش ۷ ـ بازرسان (م ۱۴۴ تا م ۱۵۶)

ماده ۱۴۴ ـ مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب‌مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل‌کند به‌شرط آن‌که جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. تبصره ـ در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف‌بازرسی شرکتها را در شرکتهای سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد.شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهای‌سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آیین‌نامه‌ای می‌باشد که به‌پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین‌قابل اجرا خواهد بود. ماده ۱۴۵ ـ انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی عام درمجمع عمومی موسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای‌سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون به‌عمل خواهد آمد. ماده ۱۴۶ ـ مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل نیزانتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت‌انجام وظایف بازرسی دعوت شوند. ماده ۱۴۷ ـ اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی‌انتخاب شوند: ۱ ـ اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون ۲ ـ مدیران و مدیرعامل شرکت ۳ ـ اقربای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه‌اول و دوم ۴ ـ هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفا حقوق دریافت می‌دارد. ماده ۱۴۸ ـ بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این‌قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی‌صورت دارایی و صورت‌حساب دوره عملکرد و حساب سود وزیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه‌می‌کنند و

همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهارنظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که‌قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به‌طور یکسان رعایت‌شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی‌را از آن آگاه سازند. ماده ۱۴۹ ـ بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به‌شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان‌می‌توانند به مسوولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند ازنظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آن‌که آنها را قبلا به شرکت‌معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین‌می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت ماده ۱۵۰ ـ بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون‌گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم‌کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. تبصره ـ در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر یک‌می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف‌نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد. ماده ۱۵۱ ـ بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امورشرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع‌عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام ماموریت خود ازوقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیتدار اعلام‌نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند. ماده ۱۵۲ ـ در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس‌یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون‌به‌عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب‌سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به‌هیچ‌وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ماده ۱۵۳ ـ در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یایک یا چند نفر از بازرسان به عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن‌گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب‌خواهد کرد تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به‌وسیله مجمع‌عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این موردغیرقابل شکایت است ماده ۱۵۴ ـ بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسوولیت مدنی مسوول جبران خسارت وارده‌خواهند بود. ماده ۱۵۵ ـ تعیین‌حق‌الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است ماده ۱۵۶ ـ بازرس نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به‌حساب شرکت انجام می‌گیرد به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

بخش ۸ ـ تغییرات در سرمایه شرکت(م ۱۵۷ تا م ۱۹۸)

ماده ۱۵۷ ـ سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد. ماده ۱۵۸ ـ تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان‌پذیر است ۱ ـ پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد؛ ۲ ـ تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام‌جدید؛ ۳ ـ انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت ۴ ـ تبدیل اوراق قرضه به سهام تبصره ۱ ـ فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیرنقد نیز مجاز است تبصره ۲ ـ انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است ماده ۱۵۹ ـ افزایش سرمایه از طریق بالاـ بردن مبلغ اسمی سهام موجوددر صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهدبود مگر آن‌که کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند. ماده ۱۶۰ ـ شرکت می‌تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یااین‌که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم ازخریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا

نقـدا بین‌صاحبان سـهام سابق تقسـیم کنـد یا در ازای آن سـهام جدید به صاحبان سـهام سابق بدهد. ماده ۱۶۱ ـ مجمع عمومی فوق العاده به پیشـنهاد هیات مـدیره پس از قرائت گزارش بـازرس یـا بازرسـان شـرکت در مورد افزایش سـرمایه شـرکت اتخاذ تصـمیم می‌کند. تبصره ۱ ـ مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می‌کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیات مـدیره واگـذار خواهد کرد. تبصـره ۲ ـ پیشـنهاد هیات مدیره راجع به افزایش سرمایه بایـد متضـمن توجیه لزوم افزایش سـرمایه و نیز شامل گزارشـی درباره امور شـرکت از بـدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به‌حسابهـای سـال مالی قبل تصـمیم نگرفته باشـد حاکی از وضع شـرکت از ابتـدای سال مالی قبل باشـد. گزارش بازرس یا بازرسان بایـد شامل اظهارنظر درباره پیشـنهاد هیات مدیره باشد. ماده ۱۶۲ ـ مجمع عمومی فوق العاده می‌توانـد به هیات مدیره اجازه‌دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سـرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد. ماده ۱۶۳ ـ هیات مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس ازعملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضـمن اصـلاح اساسـنامه در قسـمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده‌شرکت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کنـد تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. ماده ۱۶۴ ـ اساسـنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه‌برای هیات مـدیره باشد. ماده ۱۶۵ ـ مادام که سـرمایه قبلی شـرکت تماما تادیه نشده است افزایش‌سـرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود. ماده ۱۶۶ ـ در خرید سـهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت‌سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است‌مهلتی که طی آن سـهامداران می‌تواننـد حق تقدم مذکور را اعمال‌کنند کمتر از شـصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای‌پذیره‌نویسی تعیین می‌گردد شروع می‌شود. ماده ۱۶۷ ـ مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق‌فروش سهام جدید تصویب می‌کند یا اجازه آن را به هیات مدیره‌می‌دهد می‌تواند حق تقدم صاحبان سـهام را نسبت به پذیره‌نویسی‌تمام یا قسـمتی از سـهام جدیـد از آنـان سلب کنـد بـه شـرط آنکـه چنین‌تصـمیمی پس از قرائت گزارش هیـات مـدیره و گزارش بـازرس یابازرسان شـرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود. تبصـره ـ گزارش هیات مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه‌لزوم افزایش سـرمایه و سـلب حق تقدم از سـهامداران و معرفی شـخص یا اشخاصـی که سـهام جدید برای تخصیص به آنها در نظرگرفته شده است و تعداد و قیمت این‌گونه سهام و عواملی که درتعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یابازرسان باید حاکی از تأییـد عوامل و جهاتی باشـد که در گزارش هیات مـدیره ذکر شده است ماده ۱۶۸ ـ در مورد مـاده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره‌نویسی‌سـهام جدید از بعضـی از صاحبان سـهام به نفع بعضـی دیگر انجام می‌گیرد سـهامدارانی که سـهام جدید برای تخصـیص به آنها در نظرگرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سـلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حـد نصـاب رسـمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بـودن تصـمیمات مجمع عمـومی سهام‌سـهامدارانی که سـهام جدیـد برای تخصـیص به آنها در نظر گرفته شده‌است به حساب نخواهد آمد. ماده ۱۶۹ ـ در شـرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به‌افزایش سـرمایه از طریق انتشـار سـهام جدیـد بایـد مراتب از طریق نشـرآگهی در روزنـامه کثیرالانتشـاری که آگهیهـای مربوط به شرکت در آن‌نشـر می‌گردد به اطلاع صاحبان سـهام برسد. در این آگهی بایداطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سـرمایه و مبلغ اسـمی سهام جدیدو حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سـهم و تعداد سهامی که هر صاحب‌سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت‌پذیره‌نویسـی و نحوه پرداخـت ذکر شـود. در صـورتی کـه برای سـهام‌جدید شـرایط خاصـی در نظر گرفته شـده باشـد چگونگی این شـرایط‌در آگهی قید خواهد شد. ماده ۱۷۰ ـ در شـرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به‌افزایش سرمایه از طریق انتشار سـهام جدیـد بایـد آگهی به نحو مـذکوردر ماده ۱۶۹ منتشـر و در آن قیـد شود که صاحبـان سـهام بی‌نـام برای‌دریافت گواهی‌نامه حق خریـد سـهامی که حق تقدم در خرید آن رادارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی‌که از طرف شـرکت تعیین و در آگهی قیـد شـده است مراجعه کننـد.برای صاحبـان سـهام بـا نام گواهینامه‌های حق خریـد بایـد توسط

پست‌سفارشی ارسال گردد. ماده ۱۷۱ ـ گواهی‌نامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل‌بر نکات زیر باشد: ۱ ـ نام و شماره ثبت مرکز اصلی شرکت ۲ ـ مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت ۳ ـ تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهی‌نامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن ۴ ـ نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن‌پرداخته شود؛ ۵ ـ مهلتی که طی آن دارنده گواهی‌نامه می‌تواند از حق خرید مندرج‌در گواهی‌نامه استفاده کند؛ ۶ ـ هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره‌نویسی مقرر شده باشد. تبصره ـ گواهی‌نامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای‌امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد. ماده ۱۷۲ ـ در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقی‌مانده سهام‌جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد. ماده ۱۷۳ ـ شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدیدبرای پذیره‌نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام‌جدید را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت کنند. ماده ۱۷۴ ـ طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به‌امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ ـ نام و شماره ثبت شرکت ۲ ـ موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن ۳ ـ مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشدنشانی شعب آن ۴ ـ در صورتی که شرکت برای مدتی محدود تشکیل شده باشدتاریخ انقضاء مدت آن ۵ ـ مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه ۶ – اگر سهام ممتاز منتشرشده باشد، تعداد و امتیازات آن ۷ ـ هویت کامل اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ۸ ـ شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی ۹ ـ مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته وتقسیم دارایی بعد از تصفیه ۱۰ ـ مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشرکرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم ۱۱ ـ مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن ۱۲ ـ مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است ۱۳ ـ مبلغ افزایش سرمایه ۱۴ ـ تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق‌تقدم خود تعهد کرده‌اند؛ ۱۵ ـ تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره‌نویسی ۱۶ ـ مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم ۱۷ ـ حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید تعهد شود؛ ۱۸ ـ نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید درآن پرداخته شود؛ ۱۹ ـ ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت‌در آن نشر می‌شود؛ ماده ۱۷۵ ـ آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب‌مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه‌پذیره‌نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتها تسلیم گردد و درصورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم‌نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره‌نویسی قید شود. ماده ۱۷۶ ـ مرجع ثبت شرکتها پس از وصول طرح اعلامیه پذیره‌نویسی‌و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود. ماده ۱۷۷ ـ اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید باید علاوه برروزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن نشر می‌گردد اقلا در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام‌در نزد آن به عمل می‌آید در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود.در اعلامیه پذیره‌نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب‌سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده است ماده ۱۷۸ ـ خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی سهام‌جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه‌و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شودتادیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۷۹ ـ پذیره‌نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم‌که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد: ۱ ـ نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت ۲ ـ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه ۳ ـ مبلغ افزایش سرمایه ۴ ـ شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن ۵ ـ تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع

می‌شود و مبلغ اسمی آن ۶ ـ نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می‌شود؛ ۷ ـ هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس ماده ۱۸۰ ـ مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم‌جدید نیز حاکم است ماده ۱۸۱ ـ پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده استو در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیات مدیره‌حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی کرده و تعدادسهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبتو آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد. هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره‌نویسی مقدار سهام خریداری‌شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیات مدیره مکلف استضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه‌خریداری شده را به بانک مربوط بدهد. ماده ۱۸۲ ـ هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح‌اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکتها به‌ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیره‌نویسان سهام جدید مرجع‌ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیره‌نویسی به آن تسلیم شده است گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به‌بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره‌نویسی کرده‌اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت‌هرگونه هزینه‌ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهدشده باشد به عهده شرکت قرار می‌گیرد. ماده ۱۸۳ ـ برای ثبت افزایش سرمایه شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی‌خواهد بود: ۱ ـ صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه راتصویب نموده یا اجازه آن را به هیات مدیره داده است و در صورت‌اخیر صورت‌جلسه هیات مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب‌قرار داده است ۲ ـ یک نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است ۳ ـ اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام‌جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود؛ ۴ ـ در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیرنقد باشدباید تمام قسمت غیرنقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد. مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره‌نویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیرنقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورت‌جلسه مجمع‌عمومی فوق العاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه‌شود. تبصره ـ اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضای کلیه اعضاءهیات مدیره رسیده باشد. ماده ۱۸۴ ـ وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تادیه می‌شود باید درحساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حسابهای شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت‌رسیدن افزایش سرمایه شرکت ماده ۱۸۵ ـ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام‌افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده‌اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه‌این‌گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم‌توسط طلبکارانی که مایل به پذیره‌نویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد. ماده ۱۸۶ ـ در ورقه خرید سهم مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج دربندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ ماده ۱۷۹ باید قید شود. ماده ۱۸۷ ـ در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیره‌نویسی باید در موقع به‌ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتها صورت کاملی‌از مطالبات نقدی حال شده بستانکاران پذیره‌نویس را که به سهام‌شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی‌از تصفیه آن‌گونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده‌باشند همراه با صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهارنامه‌هیات مدیره مشعر بر این‌که کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن‌دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شود. ماده ۱۸۸ ـ در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی‌سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداپرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید هنگام پذیره‌نویسی بر حسب مورد کلا پرداخته یا تهاترشود. ماده ۱۸۹ ـ علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع‌عمومی فوق العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیات مدیره در

موردکـاهش سـرمایه شـرکت به طور اختیاری اتخاذ تصـمیم کنـد مشـروط بر آن‌که بر اثر کاهش سـرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد. تبصره ـ کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می گیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش‌بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سـهم‌به صاحب آن انجام می‌گیرد. ماده ۱۹۰ ـ پیشـنهاد هیات مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل‌چهل و پنج روز قبل از تشـکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس یا بازرسان شـرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سـرمایه و همچنین‌شامل گزارشـی درباره امور شـرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسـبت به حسابهای سال مالی قبل تصـمیم نگرفته باشـد حاکی از وضع شـرکت از ابتـدای سال مالی قبل باشـد. ماده ۱۹۱ ـ بـازرس یا بازرسان شرکت پیشـنهاد هیات مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی‌فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع‌گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت ماده ۱۹۲ ـ هیات مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه بایـد تصـمیم مجمع عمومی را دربـاره کـاهش حـداکثر ظرف یـک ماه در روزنامه رسـمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به‌شـرکت در آن نشر می گردد آگهی کند. ماده ۱۹۳ ـ در مورد کاهش اختیاری سـرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یـا بسـتانکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشـر آخرین آگهی مـذکور در ماده ۱۹۲ باشـد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشـر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه‌شـرکت به دادگاه تقدیم کنند. ماده ۱۹۴ ـ در صـورتی که به‌نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سـرمایه‌وارد تشـخیص شود و شـرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض‌وثیقه‌ای که به‌نظر دادگاه کافی باشـد نسپارد در این صورت آن دین‌حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد. ماده ۱۹۵ ـ در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضـی شـده باشـد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شـرکت از کاهش سـرمایه ممنوع است ماده ۱۹۶ ـ برای کـاهش بهای اسـمی سـهام شـرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سـهم هیات مـدیره شـرکت بایـد مراتب را طی اطلاعیه‌ای به اطلاع‌کلیه صاحبان سـهام برساند. اطلاعیه شـرکت باید در روزنامه‌کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شـرکت در آن نشـر می گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام با نام توسط پست سفارشی ارسال‌گردد. ماده ۱۹۷ ـ اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ ـ نام و نشانی مرکز اصلی شرکت ۲ ـ مبلغ سـرمایه شـرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه ۳ ـ مبلغی که هر سـهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هرسهم پس از کاهش ۴ ـ نحوه پرداخت و مهلتی که برای بـازپرداخت مبلغ کاهش یافته هرسـهم در نظر گرفته شـده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می گیرد. ماده ۱۹۸ ـ خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است

بخش ۹ ـ انحلال و تصفیه(م ۱۹۹ تا م ۲۳۱)

ماده ۱۹۹ ـ شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود: ۱ ـ وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام‌داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد. ۲ ـ در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن‌مدت منقضی شده باشد مگر این‌که مـدت قبل از انقضاء تمدید شده‌باشد. ۳ ـ در صورت ورشکسـتگی ۴ ـ در هر موقع که مجمع عمومی فوق العـاده صاحبـان سـهام به هرعلتی رای به انحلال شرکت بدهد؛ ۵ ـ در صورت صدور حکم قطعی دادگاه ماده ۲۰۰ ـ انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط‌به ورشکسـتگی است ماده ۲۰۱ ـ در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌توانـد انحلال شـرکت را از دادگاه بخواهد: ۱ ـ در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسـیدن شرکت هیچ‌اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز درصورتی که فعالیتهـای شـرکت در مـدت بیش از یـک سـال متوقـف شده‌باشـد؛ ۲ ـ در صـورتی کـه مجمـع عمـومی سالانـه برای رسـیدگی به حسابهـای‌هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسـنامه معین کرده‌است تشـکیل نشـده باشـد؛ ۳ ـ در صورتی که سـمت

تمام یا بعضـی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سـمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد. ۴ ـ در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع‌عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رای به انحلال شـرکت ندهد. ماده ۲۰۲ ـ در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله‌برحسب مورد به مراجعی که طبق اساسـنامه و این قانون صـلاحیت‌اقدام دارنـد مهلت متناسبی که حـداکثر از شـش ماه تجاوز نکنـد می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شـرکت‌می‌دهد. ماده ۲۰۳ ـ تصفیه امور شـرکت سـهامی با رعایت مقررات این قانون‌انجام می‌گیرد، مگر در مورد ورشکسـتگی که تابع مقررات مربوط به‌ورشکستگی می‌باشد. ماده ۲۰۴ ـ امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آن‌که اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده‌ای که رای به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۲۰۵ ـ در صورتی که به هر علت مـدیر تصـفیه تعیین نشـده باشد یاتعیین شده ولی به وظـایف خود عمل نکنـد هر ذی‌نفع حق دارد تعیین مـدیر تصـفیه را از دادگاه بخواهـد. در مواردی نیز که انحلال‌شـرکت به موجب حکم دادگاه صورت می گیرد مـدیر تصـفیه را دادگاه‌ضـمن صدور حکم انحلال شـرکت تعیین خواهد نمود. ماده ۲۰۶ ـ شرکت به محض انحلال در حال تصـفیه محسوب می‌شود وبایـد در دنبال نام شـرکت همه جا عبارت «در حال تصـفیه ذکر شود ونام مـدیر یا مدیران تصـفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد. ماده ۲۰۷ ـ نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی‌شـرکت خواهد بود مگر آن‌که به موجب تصمیم مجمع عمومی‌فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد. ماده ۲۰۸ ـ تا خاتمه امر تصـفیه شخصیت حقوقی شـرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خـاتمه دادن کارهـای جاری و اجرای تعهـدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شـرکت می‌باشـند و هرگاه برای اجرای تعهـدات شرکت معاملات جدیـدی لازم شود مدیران تصـفیه انجام خواهند داد. ماده ۲۰۹ ـ تصـمیم راجع به انحلال و اسامی مـدیر یا مدیران تصفیه ونشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود تا پس از ثبت برای‌اطلاع عموم در روزنـامه رسـمی و روزنـامه کثیرالانتشـاری که اطلاعیه‌هـا و آگهی هـای مربوط به شـرکت در آن نشر می گردد آگهی‌شود. در مـدت تصـفیه منظور از روزنـامه کثیرالانتشـار روزنامه‌کثیرالانتشـاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است ماده ۲۱۰ ـ انحلال شـرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشدنسبت به اشخاص ثالث بلااثر است ماده ۲۱۱ ـ از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصـفیه اختیارات مدیران‌شـرکت خاتمه یافته و تصـفیه شـرکت شروع می‌شود. مـدیران تصـفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسـناد مربوط به شـرکت را تحویل‌گرفته بلافاصـله امر تصـفیه شـرکت را عهده‌دار شوند. ماده ۲۱۲ ـ مدیران تصـفیه نماینده شـرکت در حال تصـفیه بوده و کلیه‌اختیارات لازم را جهت امر تصـفیه حتی از طریق طرح دعوا و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعاوی‌و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیـارات مدیران‌تصـفیه باطل و کان لم یکن است ماده ۲۱۳ ـ انتقال دارایی شـرکت در حال تصـفیه کلا یا بعضا به مـدیر یا مدیران تصـفیه و یـا به اقـارب آنهـا از طبقه اول و دوم تـا درجه چهـارم‌ممنوع است هر نقـل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود. ماده ۲۱۴ ـ مدت ماموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان ماموریت مدیران تصفیه امر تصـفیه خاتمه نیافته باشـد مدیر یا مدیران تصـفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصـفیه امور شـرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سـهام رسانیده تمدید مدت ماموریت خود را خواسـتار شوند. ماده ۲۱۵ ـ هرگاه مدیر یا مدیران تصـفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت ماموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ بادادگاه خواهد بود. ماده ۲۱۶ ـ مدیر یا مدیران تصفیه توسط همـان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می‌باشـند. ماده ۲۱۷ ـ مادام که امر تصـفیه خاتمه نیافته است مـدیران تصـفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سـهام شـرکت را با رعایت‌شـرایط و تشریفاتی که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی

شـده اسـت‌دعـوت كرده صـورت دارايى منقـول و منقول ۱۶غيرمنقـول و ترازنـامه و حسـاب‌سود و زيـان عمليـات خود را به ضـميمه گزارشـى حاكى از اعمالى كه تا آن موقع انجام داده‌انـد به مجمع عمومى مذكور تسـليم كنند. ماده ۲۱۸ ـ در صـورتى كه به موجب اساسـنامه شـركت يـا تصـميم مجمع‌عمومى صاحبان سـهام براى دوره تصـفيه يك يا چنـد ناظر معين شده‌باشـد ناظر بايـد به عمليات مديران تصـفيه رسـيدگى كرده گزارش‌خودرابه مجمع عمومى عادى صاحبان سـهام تسـليم كند. ماده ۲۱۹ ـ در مدت تصـفيه دعوت مجـامع عمومى در كليه موارد به‌عهـده مـديران تصـفيه است هرگاه مـديران تصـفيه به اين تكليف عمل‌نكننـد ناظر مكلف به دعوت مجمع عمومى خواهـد بود و درصورتى كه ناظر نيز به تكليف خود عمل نكند يا ناظر پيش‌بينى يامعين نشده باشد دادگاه به تقاضاى هر ذى‌نفع حكم به تشكيل مجمع‌عمومى خواهـد داد. مـاده ۲۲۰ ـ صاحبـان سـهام حق دارنـدماننـد زمان قبل از انحلال شـركت از عمليات و حسابها در مدت تصفيه كسب اطلاع كنند. ماده ۲۲۱ ـ در مدت تصفيه مقررات راجع به دعوت و تشكيل مجامع‌عمومى و شرايط حـد نصاب و اكثريت مجامع ماننـد زمان قبل از انحلال بايد رعايت شود و هرگونه دعوت‌نامه و اطلاعيه‌اى كه‌مديران تصـفيه براى صاحبان سهام منتشر مى‌كنند بايد در روزنامه‌كثيرالانتشارى كه اطلاعيه‌ها و آگهى هاى مربوط به شركت در آن درج مى‌گردد منتشر شود. ماده ۲۲۲ ـ در مواردى كه به موجب اين قانون مديران تصـفيه مكلف به‌دعوت مجامع عمومى و تسـليم گزارش كارهاى خود مى‌باشـند هرگـاه‌مجمع عمومى مورد نظر دو مرتبه بـا رعايت تشـريفات مقرر در اين‌قانون دعوت شـده ولى تشـكيل نگردد و يا اين‌كه تشـكيل شـده ونتوانـد تصـميم بگيرد مديران تصـفيه بايد گزارش خود وصورت‌حسابهاى مقرر در ماده ۲۱۷ اين قـانون را در روزنامه‌كثيرالانتشارى كه اطلاعيه‌ها و آگهى هاى مربوط به شـركت در آن درج‌مى‌گردد براى اطلاع عموم سـهامداران منتشـر كند. ماده ۲۲۳ ـ آن قسـمت از دارايى نقـدى شـركت كه در مـدت تصـفيه مورداحتياج نيست بين صاحبان سـهام به نسـبت سـهام تقسيم مى‌شود به‌شرط آن‌كه حقوق بستانكاران ملحوظ و معادل ديونى كه هنوز موعد تاديه آن نرسيده است موضوع شده باشد. ماده ۲۲۴ ـ پس از ختم تصـفيه و انجام تعهدات و تاديه كليه ديون دارايى شـركت بدوا به مصـرف بازپرداخت مبلغ اسـمى سـهام به‌سهامداران خواهد رسـيد و مازاد به ترتيب مقرر در اساسنامه شركت‌و در صورتى كه اساسنامه ساكت باشد به نسبت سهام بين‌سهامداران تقسيم خواهـد شد. ماده ۲۲۵ ـ تقسـيم دارايى شـركت بين صاحبـان سـهام خواه درمدت‌تصـفيه و خواه پس از آن ممكن نيست مگر آن‌كه شروع تصـفيه ودعـوت بسـتانكاران قبلاـ سـه مرتبـه و هر مرتبه به فاصـله يـك مـاه در روزنـامه رسـمى و روزنـامه كثيرالانتشـارى كه اطلاعيه‌ها و آگهى هاى مربوط به شـركت در آن درج مى‌گردد آگهى شـده و لااقل شـش ماه ازتاريـخ انتشار اولين آگهى گذشـته باشـد. ماده ۲۲۶ ـ تخلـف از مـاده ۲۲۵ مـديران تصـفيه را مسؤول خسارت‌بسـتانكارانى قرار خواهـد داد كه طلب خـود را دريـافت نكرده‌اند. ماده ۲۲۷ ـ مديران تصـفيه مكلفند ظرف يك ماه پس از ختم تصـفيه‌مراتب را به مرجع ثبت شركتها اعلام دارند تا به ثبت رسيده و درروزنامه رسمى و روزنامه كثيرالانتشارى كه اطلاعيه‌ها و آگهى هاى‌مربوط به شركت در آن درج مى‌گردد آگهى شود و نام شـركت از دفترثبت شركتها و دفتر ثبت تجارتى حذف گردد. ماده ۲۲۸ ـ پس از اعلام ختم تصفيه مديران تصفيه بايد وجوهى را كه‌باقى‌مانـده است در حساب مخصوصـى نزد يكى از بانكهاى ايران‌توديع و صورت اسامى بسـتانكاران و صاحبان سـهامى را كه حقوق خود را استيفاء نكرده‌اند نيز به آن بانك تسليم و مراتب را طى آگهى‌مذكور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذى‌نفع برسانند تا براى گرفتن طلب خود به بانك مراجعه كننـد. پس از انقضاى ده سال از تاريـخ انتشار آگهى ختم تصـفيه هر مبلغ از وجوه كه در بانك باقى مانده باشد در حكم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانك با اطلاع دادسـتان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد. ماده ۲۲۹ ـ دفاتر و ساير اسـناد و مـدارك شـركت تصـفيه شـده بايد تا ده‌سال از تاريخ اعلام ختم تصـفيه محفوظ بماند. به اين منظور مديران‌تصـفيه بايد مقارن اعلام ختم تصـفيه به مرجع ثبت شـركتها دفاتر واسناد و مدارك مذكور را نيز به مرجع ثبت شركتها تحويل دهنـد تانگهدارى و براى مراجعه اشـخاص ذى‌نفع آماده باشد. ماده ۲۳۰ ـ در صورتى كه مدير تصـفيه قصد اسـتعفا از سمت خود را داشـته باشـد بايـد مجمع عمومى عادى صاحبان سـهام شـركت راجهت اعلام اسـتعفاى خود و تعيين جانشـين دعوت نمايـد.

درصورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیرتصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه‌تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود رابه دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. درهر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین اوبه ترتیب‌مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون‌ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است ماده ۲۳۱ ـ در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگرمدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یاورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یامدیران تصفیه باقی‌مانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت‌انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت‌نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یانتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته راانتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یاورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه‌باقی‌مانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یاورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرا به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یاحجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط‌مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذی‌نفع می‌تواند ازمرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید ودر صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواندجانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه‌متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هرذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۰ ـ حسابهای شرکت (م ۲۳۲ تا م ۲۴۲)

ماده ۲۳۲ ـ هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت‌دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند.اسناد مذکور در این ماده باید اقلا بیست روز قبل از تاریخ مجمع‌عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود. ماده ۲۳۳ ـ در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود. با وجود این در صورتی که تغییری‌در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع‌عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیات مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد. ماده ۲۳۴ ـ در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظرگرفته شود ولو آن‌که پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل‌تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. پایین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد.برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیانها وهزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد. ماده ۲۳۵ ـ تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود. ماده ۲۳۶ ـ هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلک شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال ازتاریخی که این‌گونه هزینه‌ها به‌عمل آمده مستهلک شود. در صورتی‌که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می‌شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش‌سرمایه را می‌توان از محل این اضافه ارزش مستهلک نمود. ماده ۲۳۷ ـ سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمدحاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات وذخیره‌ها. ماده ۲۳۸ ـ از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای‌قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هرتصمیم‌برخلاف‌این ماده باطل است ماده ۲۳۹ ـ سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی‌شرکت منهای زیانهای

سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکوردر ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است ماده ۲۴۰ ـ مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز این‌که سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین‌صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع‌عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحا قید شود که مبالغ مورد نظر ازکدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع‌موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط‌مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص‌نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیات مدیره نحوه پرداخت راتعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام‌باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم‌سود انجام پذیرد. ماده ۲۴۱ ـ با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سودخالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیات مدیره‌در نظر گرفته شود به هیچ‌وجه نباید در شرکتهای سهامی عام از پنج‌درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود ودر شرکتهای سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به‌صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده‌باشد باطل و بلااثر است ماده ۲۴۲ ـ در شرکتهای سهامی عام هیات مدیره مکلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی‌را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهارنظر درباره حسابهای شرکت گواهی نمایند که کلیه دفاتر و اسناد و صورت‌حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیات‌مدیره وضع مالی شرکت را به‌نحو صحیح و روشن نشان می‌دهد. تبصره ـ منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند سال۱۳۴۵ می‌باشد و در صورتی که به موجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان درنظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.

بخش ۱۱ ـ مقررات جزائی (م ۲۴۳ تا ۲۶۹)

بخش ۱۱ ـ مقررات جزائی (م ۲۴۳ تا ۲۶۹) بخش ۱۱ ـ مقررات جزائی بخش ۱۱ ـ مقررات جزائی ماده ۲۴۳ ـ اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به‌جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ ـ هر کس که عالما و برخلاف واقع پذیره‌نویسی سهام را تصدیق‌کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره‌نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت‌شرکتها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیرنقد تقلب اعمال‌کند؛ ۲ ـ هر کس در ورقه سهم با نام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ‌پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعا پرداخت شده است قید کند؛ ۳ ـ هر کس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع‌ثبت شرکتها اعلام کند بعضا یا کلا خودداری نماید و یا مطالب‌خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد؛ ۴ ـ هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند؛ ۵ ـ هر کس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره‌نویسی کلیه سرمایه‌و تادیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه‌غیرنقد صادر کند؛ ۶ ـ هر کس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بینام یا گواهینامه موقت بینام صادر کند. ماده ۲۴۴ ـ اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به‌جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ ـ هر کس عالما سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد؛ ۲ ـ هر کس سهام بینام را قبل از آن‌که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت‌شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد؛ ۳ ـ هر کس سهام با نام را قبل از آن‌که اقلا سی و پنج درصد مبلغ‌اسمی آن

پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض‌فروش گذارد. ماده ۲۴۵ ـ هر کس عالما در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴شرکت کند. یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید برحسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۶ ـ رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرایم زیر به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یابه جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا به هر دو مجازات‌محکوم خواهند شد: ۱ ـ در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت‌نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل ازپایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه‌شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند؛ ۲ ـ در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند. ماده ۲۴۷ ـ در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاءهیات مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیات مزبور صریحا اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسوولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیات مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیات مدیره که تکلیف‌قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب‌مسوولیت جزائی از عضو هیات مدیره منوط به این است که عضو هیات مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیات مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیات‌مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیات مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسوولیت جزائی از عضو هیات مدیره کافی است ماده ۲۴۸ ـ هر کس اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تاسی هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۹ ـ هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یااطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این‌اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۲۵۰ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل‌از تادیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۱ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی عام که‌بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنمایند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۲ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت‌سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۳ ـ اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به‌جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ ـ هر کس عامدا مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات‌مجامع عمومی صاحبان سهام بشود؛ ۲ ـ هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم‌معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی صاحبان‌سهام شرکت نماید اعم از آن‌که این کار را شخصا یا توسط دیگریانجام دهد. ماده ۲۵۴ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ماه پس از هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام رادعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را به موقع تنظیم و تسلیم‌ننمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۵ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که صورت‌حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی ازبیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۶ ـ هیات رئیسه هر مجمع عمومی که صورت‌جلسه مذکور درماده ۱۰۵ را تنظیم نکند به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم‌خواهد

شد. ماده ۲۵۷ ـ رئیس و اعضای هیات رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات‌راجع به حق رای صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات‌مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۸ ـ اشخاص زیر به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال‌محکوم خواهند شد: ۱ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون‌صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه‌مزوّر منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند؛ ۲ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که ترازنامه غیرواقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان‌سهام ارائه یا منتشر کرده باشند؛ ۳ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال یااعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند؛ ۴ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که با سوء نیت‌از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به‌خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند استفاده کنند. ماده ۲۵۹ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره شرکت که متعمدا مجمع‌عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت ننمایند و یا بازرسان شرکت رابه مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یابه هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۰ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل که عامدا مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که‌برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به‌حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزارریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۱ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت‌سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که‌ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام‌گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به‌جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد و درصورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت‌به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به‌حبس تادیبی از دو ماه تا شش‌ماه و به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۲ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱ ـ در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره‌نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره‌نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته‌شود به صاحبان سهام ندهند؛ ۲ ـ در صورتی که شرکت قبلا‌ـ اوراق قرضه قابل تعویض با سهم نتشر کرده باشد حقوق دارندگان این‌گونه اوراق قرضه را نسبت به‌تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشرکنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام‌کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع‌تغییراتی بدهند. ماده ۲۶۳ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالما برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره‌نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تاسه سال یا به‌جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۴ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالما مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱ ـ در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام ۲ ـ در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل وپنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد؛ ۳ ـ در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دایر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و

شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی نشده باشد. ماده ۲۶۵ ـ رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که درصورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت ننمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع‌مذکور اقدام ننمایند به حبس از دو ماه تا شش‌ماه یا به‌جزای نقدی ازده هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم‌خواهند شد. ماده ۲۶۶ ـ هر کس با وجود منع قانونی عالما سمت بازرسی را درشرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تادیبی از دو ماه تاشش‌ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۲۶۷ ـ هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالما راجع به‌اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف‌حقیقت بدهد و یا این‌گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۶۸ ـ مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالما مرتکب‌جرایم زیر بشوند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش‌ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات‌محکوم خواهند شد: ۱ ـ در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به‌انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام‌نکنند؛ ۲ ـ در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع‌عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال‌و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی راکه جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم میدانند به اطلاع مجمع‌عمومی نرسانند؛ ۳ ـ در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفاتی که دراین قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکرده‌صورت دارایی منقول و منقول ۱۶غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان‌عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع‌انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند؛ ۴ ـ در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه‌دهند؛ ۵ ـ در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به‌مرجع ثبت شرکتها اعلام ننمایند؛ ۶ ـ در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده‌است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع‌ننمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند. ماده ۲۶۹ ـ مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم‌زیر شوند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهندشد: ۱ ـ در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه رابرخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یامؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع‌میباشند مورد استفاده قرار دهند؛ ۲ ـ در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت‌مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین‌صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش ۱۲ ــ مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی (م ۲۷۰ تا م ۳۰۰)

ماده ۲۷۰ ـ هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد رعایت نشود برحسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان‌خواهد شد لیکن مؤسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام‌شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استنادنمایند. ماده ۲۷۱ ـ در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع‌شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد. ماده ۲۷۲ ـ دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است می‌تواند بنابه درخواست خوانده مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای

مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادرخواهد کرد. ماده ۲۷۳ ـ در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان‌عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسوول بطلان هستند متضامنا مسوول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است ماده ۲۷۴ ـ دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌نماید باید ضمن‌حکم خود یک یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند. ماده ۲۷۵ ـ در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین شده‌اند حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به ادار تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می‌نماید. تبصره ـ تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین می‌شود به عهده دادگاه است ماده ۲۷۶ ـ شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیات مدیره و یا مدیرعامل به‌نام و از طرف شرکت‌و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل اقامه دعوا نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت‌را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیات مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرادخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوا پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوا پرداخت کلیه هزینه‌ها وخسارات به عهده آنان است ماده ۲۷۷ ـ مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوای‌مسوولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید. ماده ۲۷۸ ـ شرکت سهامی خاص در صورتی می‌تواند به شرکت سهامی‌عام تبدیل شود که اولا موضوع به تصویب مجمع عمومی‌فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیا سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یاشرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثا دو سال‌تمام از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به‌تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعا اساسنامه‌آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد. ماده ۲۷۹ ـ شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب‌کرده است صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه‌مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند: ۱ ـ اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به‌تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است ۲ ـ دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تایید حسابدار رسمی رسیده باشد؛ ۳ ـ صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت‌شرکتها که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول ۱۶غیرمنقول شرکت بوده و به تایید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد؛ ۴ ـ اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: الف ـ نام و شماره ثبت شرکت ب ـ موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن ج ـ مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن د ـ در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشدتاریخ انقضای مدت آن ه ـ سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن و ـ اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن ز ـ هویت کامل رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ح ـ شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی ط ـ مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته ی ـ مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که‌توسط شرکت تضمین شده است ک ـ ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی های شرکت‌در آن درج می گردد. ماده ۲۸۰ ـ مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت ومراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. ماده ۲۸۱ ـ در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل‌شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه وحساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از

اتخاذ تصـميم نسبت‌به تبـديل شـركت و همچنين صـورت دارايى شـركت و امـوال منقول ومنقول ۱۶غيرمنقـول آن در مرجـع ثبت شركتهـا و در مركز شـركت براى مراجعه‌علاقمنـدان آماده مى‌باشـد. آگهى تبـديل شـركت بايـد علاوه بر روزنامه‌كثيرالانتشارى كه آگهى هاى شـركت در آن درج مى‌گردد اقلا در يك روزنامه كثيرالانتشار ديگر نيز آگهى شود. ماده ۲۸۲ ـ شركت سهامى خاص كه بخواهد با افزايش سرمايه به‌شركت سهامى عام تبديل شود بايد سهام جديد خود را كه در نتيجه افزايش سرمايه بوجود مى‌آيد با رعايت مواد ۱۷۳ لغايت ۱۸۲ وماده ۱۸۴ اين قانون براى پذيره‌نويسـى عمومى عرضه نمايد. مرجع ثبت شـركتها در اين مورد پس از وصول تقاضا و مدارك مربوط به‌تبديل شـركت سـهامى خاص به شـركت سـهامى عام و تطبيق آنها بامقررات قانون در صورتى كه شركت بتواند با افزايش سرمايه ازطريق پذيره‌نويسى عمومى به شركت سهامى عام تبديل شود اجازه‌انتشار اعلاميه پذيره‌نويسى سهام را صـادر خواهـد نمود. در اعلاميه‌پذيره‌نويسـى بايـد شـماره و تاريـخ اجازه‌نامه مزبور قيـد گردد. ماده ۲۸۳ ـ در صـورتى كه سـهام جديـدى كه به ترتيب مـذكور در ماده قبل‌عرضه شـده است تماما تاديه نشود شـركت نمى‌تواند به شركت‌سـهامى عام تبديل گردد. ماده ۲۸۴ ـ شـركتهاى سـهامى موجود در تاريـخ تصويب اين قانون بايـدظرف ۴ سـال از تاريـخ اجراى اين قانون به‌صورت شـركت سهامى‌خـاص يـا شـركت سـهامى عـام درآينـد و وضع خود را با مقررات اين‌قانون تطبيق دهنـد يا به نوع ديگرى از انواع شـركتهاى تجـارتى مـذكوردر قـانون تجارت مصوب ارديبهشت ماه ۱۳۱۱ تبـديل شونـد والاـ منحل محسوب خواهنـد شـد و از لحاظ مقررات انحلال مشـمول قانون تجارت مصوب ارديبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود. تا هنگامى كه شـركتهاى سهامى موجود در تاريخ تصويب اين قـانون‌ظرف ۴ سـال وضـع خـود را بـا مقررات ايـن قـانون تطبيق نداده‌انـد تـابع مقررات مربـوط بـه شـركتهاى سـهامى مـذكور در قانون‌تجـارت مصوب ارديبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسـنامه خودخواهنـد بود. تطبيق وضع شـركت با مقررات اين قانون وقتى محقق مى‌شـود كه‌مرجع ثبـت شـركتها پس از احراز صـحت تطـبيق مراتب را ثبت و به‌هزينه شـركت آگهى كرده باشـد، به اسـتثناى هزينه آگهى اجراى اين‌ماده در صورت عدم افزايش سـرمايه شـركت مستلزم پرداخت‌هيچ‌گونه هزينه ديگرى نيست و در صورت افزايش سرمايه هزينه‌هاى مربوط فقط شامل ميزان افزايش سرمايه مى‌شود. ماده ۲۸۵ ـ تغيير اساسنامه هر يك از شركتهاى سهامى موجود در تاريـخ‌تصويب ايـن قـانون به منظـور تطـبيق وضـع آنهـا بـا مقررات اين قانون‌اسـتثنائا ممكن است به مـوجب تصـميم مجمع عمـومى عادى‌صاحبان سـهام شـركت صورت گيرد مگر در مورد افزايش سـرمايه كه‌بايـد به تصويب مجمع عمومى فوق العاده برسد. ترتيب دعوت‌تشكيل و حـد نصـاب و اكثريت لاـزم براى مجامع عادى و فوق العاده‌به منظور تطبيق وضع شـركت با مقررات اين قانون تابع مقررات‌قـانون تجـارت مصوب ارديبهشت ۱۳۱۱ در مورد شـركتهاى سـهامى‌و همچنين اساسـنامه معتبر شـركتهاى موجود در تـاريخ تصويب اين‌قانون مى‌باشـد. ماده ۲۸۶ ـ براى آن‌كه شـركتهاى سـهامى موجود در تاريخ تصويب اين‌قانون بتوانند به صورت شـركت سهامى خاص درايند بايد اولاسـرمايه آنها حداقل به ميزانى باشد كه براى شـركتهاى سهامى خاص‌مقرر شده است يا سرمايه خود را با رعايت مقررات اين قانون درمورد افزايش سـرمايه شـركت سـهامى خاص به آن ميزان افزايش دهندثانيا اساسنامه خود را به منظور تطبيق با مقررات اين قانون اصلاح‌كرده مراتب را به مرجع ثبت شـركتها اعلام نمايند. مرجع ثبت‌شركتها پس از احراز صحت تطبيق وضع شـركت بـا مقررات اين‌قانون مراتب را ثبت و به هزينه شـركت آگهى خواهـد نمود. ماده ۲۸۷ ـ براى آن‌كه شـركتهاى سهامى موجود در تاريـخ تصويب اين‌قـانون بتواننـد به صورت شـركت سـهامى عام درآينـد بايـد اولا سـرمايه آنها به ميزانى باشـد كه براى شركت سـهامى عام مقرر شده است يا سرمايه خود را با رعايت مقررات اين قانون در مورد افزايش سرمايه‌شركت سهامى عام به آن ميزان افزايش دهنـد. ثانيـا در تاريـخ تبديل‌شـركت به شـركت سـهامى عـام يـك سال از ثبت شـركت گذشـته و يك ترازنامه آن به تصـويب مجمـع عمومى عـادى رسـيده باشـد. ثالثـا اساسـنامه خود را بـا مقررات اين قـانون وفق دهنـد. مـاده ۲۸۸ ـ در صـورتى كه شركتهاى سـهامى موجود در تاريخ تصويب‌اين قانون بخواهند براى تطبيق وضع خود با مقررات اين قانون به‌افزايش سـرمايه مبادرت كنند در صورتى كه تمامى مبلغ اسمى سهام‌قبلى آنها تاديه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلى نسبت به‌هر سهم در مورد سهام

جدید نیز لازم‌الرعایه است و در هر حال این‌نسبت نمی‌تواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد.در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده ۱۶۵ این قانون در موردتادیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست ماده ۲۸۹ ـ شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که‌بخواهند از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه به‌وجود می‌آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیره‌نویسی عمومی عرضه‌نمایند. در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است‌تماما تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تادیه‌گرددتادیه نشود شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد. ماده ۲۹۰ ـ شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که‌بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به‌افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت‌شرکتها تسلیم نمایند: ۱ ـ اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع‌عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است ۲ ـ صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه رامورد تصویب قرار داده است ۳ ـ صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت‌شرکتها؛ صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول ۱۶غیرمنقول‌شرکت بوده به تایید کارشناس رسمی وزارت دادگستری‌رسیده باشد. ۴ ـ طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر درماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد؛ ۵ ـ آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب‌مجمع عمومی و تایید حسابدار رسمی رسیده باشد. ماده ۲۹۱ ـ مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل‌و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی‌سهام جدید را صادر خواهد نمود. ماده ۲۹۲ ـ کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون‌برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت‌سهامی عام لازم الرعایه است در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش‌سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد. ماده ۲۹۳ ـ در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بر طبق ماده ۱۸۲ این‌قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت‌مذکوردرماده ۲۸۴ وضع‌خودرابامقررات‌این‌قانون‌تطبیق دهد. ماده ۲۹۴ ـ شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور دراین قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند بایدمدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کنند: ۱ ـ اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع‌عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است ۲ ـ صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت‌شرکتها که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول ۱۶غیرمنقول شرکت‌بوده و به تایید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد؛ ۳ ـ آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تایید حسابدار رسمی رسیده باشد؛ ۴ ـ اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضا دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیرباشد: الف ـ نام و شماره ثبت شرکت ب ـ موضوع شرکت و نوع فعالیت آن ج ـ مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشدنشانی شعب آن د ـ در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشدتاریخ انقضا مدت آن ه ـ سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن و ـ اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن ز ـ هویت‌کامل رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ح ـ شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی ط ـ مقررات اساسنامه جدید راجع به تقسیم سود و تشکیل‌اندوخته ی ـ مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که‌توسط شرکت تضمین شده است ك ـ ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی های شرکت‌در آن منتشر می‌شود. ماده ۲۹۵ ـ مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل‌و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی‌را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی‌خواهد نمود. ماده ۲۹۶ ـ در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب‌این قانون به شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل‌شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارایی‌شرکت و اموال منقول و منقول ۱۶غیرمنقول و آخرین ترازنامه و حساب سودو زیان آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای

مراجعه‌علاقه‌منـدان آماده می‌باشـد. آگهی تبـدیل شـرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شـرکت در آن درج می گردد اقلاـ دریک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود. ماده ۲۹۷ ـ در مواردی که برای تطبیق وضع یک شـرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبـدیل آن به نوع دیگری از انواع شـرکتهای تجاری مـذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سـهام شـرکت یا تسـلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتها لازم باشد و رئیس واعضـای هیات مـدیره آن شـرکت به دعوت مجمع عمومی عادی یافوق العاده یا تسـلیم آن اسـناد و مـدارک به مرجع ثبت شـرکتها اقـدام ننماینـد به جزای نقـدی از بیست هزار ریـال تـا دویست هزار ریال محکوم خواهنـد شـد و علاوه بر این متضامنا مسول جبران خسـاراتی می‌باشـند که بر اثر انحلال شـرکت به صاحبـان سـهامو اشـخاص ثالث وارد می‌شود. ماده ۲۹۸ ـ در مـورد مـاده ۲۹۷ در صورتی که هر یـک از اعضای هیات‌مـدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیات مزبور صـریحا اعلام کنـد که بایـد به تکلیف قـانونی عمـل شود و به این اعلاـم از طرف‌سایر اعضای هیات مـدیره توجه نشود عضو هیات مـدیره که تکلیف‌قانونی را اعلام کرده است مسوولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت سلب مسوولیت جزائی و مدنی از عضو هیات مدیره منوط به این‌است که عضو هیات مـدیره علاـوه بر اعلاـم تکلیف قـانونی در جلسه‌هیـات مزبور مراتب را از طریق ارسـال اظهارنـامه رسـمی به هر یک ازاعضای هیات مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیات‌مدیره به هر علت تشـکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه‌رسـمی برای سـلب مسوولیت جزائی و مـدنی از عضو هیات مـدیره‌کافی است ماده ۲۹۹ ـ آن قسـمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت۱۳۱۱ مربوط به شـرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای‌تجارتی می‌باشد نسبت به آن شرکتها به قوت خود باقی است ماده ۳۰۰ ـ شرکتهای دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند.

مبحث دوم ــ شركت با مسؤوليت محدود(م ۹۴ تا ۱۱۵)

ماده ۹۴ ـ شـرکت با مسوولیت محدود شـرکتی است که بین دو یا چندنفر برای امور تجارتی تشـکیل شده و هر یک از شـرکا بدون این‌که سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسوول قروض و تعهدات شرکت است ماده ۹۵ ـ در اسم شـرکت بایـد عبـارت (بـا مسوولیت محـدود) قیـد شود والا آن شـرکت در مقابل اشـخاص ثالث شـرکت تضامنی محسوب وتـابع مقررات آن خواهـد بود. اسم شـرکت نبایـد متضـمن اسم هیچ‌یک از شـرکا باشـد والا شـریکی که اسم او در اسـم شرکت قیـد شـده در مقابل اشـخاص ثالث حکم‌شـریک ضامن در شـرکت تضامنی را خواهد داشت ماده ۹۶ ـ شـرکت با مسوولیت محدود وقتی تشـکیل می‌شود که تمام‌سرمایه نقدی تادیه و سهم‌الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. ماده ۹۷ ـ در شرکت نامه باید صـراحتا قید شده باشد که سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است ماده ۹۸ ـ شرکا نسبت به قیمتی که در حین تشـکیل شـرکت برای سهم‌الشـرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسوولیت تضامنی دارند. ماده ۹۹ ـ مرور زمـان دعـاوی ناشـی از مقررات فوق ده سـال از تاریـخ تشـکیل شـرکت است ماده ۱۰۰ ـ هر شـرکت بـا مسوولیت محـدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷تشـکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شـرکا درمقابل اشـخاص ثالث حق اسـتناد به این بطلان ندارند. ماده ۱۰۱ ـ اگر حکم بطلان شـرکت به استناد ماده قبل صادر شودشرکایی که بطلان مستند به‌عمل آنها است و هیأت نظار و مـدیرهایی که در حین حـدوث سـبب بطلان یا بلافاصـله پس از آن سـرکار بوده و انجام وظیفه نکرده‌انـد در مقابل شـرکای دیگر و اشـخاص‌ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامنا مسوول‌خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب‌بطلان است ماده ۱۰۲ ـ سهم‌الشـرکه شـرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجارتی قابل‌انتقال اعم از با اسم یا بی‌اسم و غیره دراید. سهم‌الشـرکه را نمی‌توان‌منتقـل به غیر نمود مگر بـا رضـایت عـده‌ای از شـرکا که لااقـل سه ربع‌سـرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت

عددی نیز داشته باشند. ماده۱۰۳ ـ انتقال سهم الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی ماده ۱۰۴ ـ شرکت با مسوولیت محدود به‌وسیله یک یا چند نفر مدیرموظف یا غیرموظف که از بین شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می گردد. ماده ۱۰۵ ـ مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر این‌که در اساسنامه غیر این ترتیب مقررشده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که دراساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم‌یکن است ماده ۱۰۶ ـ تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف‌سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام‌شرکا مجددا دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌شود اگرچه اکثریت مزبور دارای نصف‌سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب‌فوق مقرر دارد. ماده ۱۰۷ ـ هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر این‌که اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته‌باشد. ماده ۱۰۸ ـ روابط بین شرکا تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه‌راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به‌نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد. ماده ۱۰۹ ـ هر شرکت با مسوولیت محدود که عده شرکای آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لااقل‌سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد. هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل‌کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است هیأت نظار می‌تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده‌دعوت نماید. مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای بامسوولیت محدود نیز رعایت خواهد شد. ماده ۱۱۰ ـ شرکا نمی‌توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء. ماده ۱۱۱ ـ هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی‌شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگراین‌که در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد. ماده ۱۱۲ ـ در هیچ مورد اکثریت شرکا نمی‌تواند شریکی را مجبور به‌ازدیاد سهم‌الشرکه خود کند. ماده ۱۱۳ ـ مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی درشرکتهای با مسوولیت محدود نیز لازم‌الرعایه است ماده ۱۱۴ ـ شرکت با مسوولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: الف ـ در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳؛ ب ـ در صورت تصمیم عده‌ای از شرکا که سهم‌الشرکه آنها بیش ازنصف سرمایه شرکت باشد؛ ج ـ در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت ازبین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او راموجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت‌انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند؛ د ـ در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی‌شده باشد. ماده ۱۱۵ ـ اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند: الف ـ مؤسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام‌سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند؛ ب ـ کسانی که به وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند؛ ج ـ مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی‌مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند.

مبحث سوم ــ شرکت تضامنی(م ۱۱۶ تا م ۱۴۰)

ماده ۱۱۶ ـ شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجارتی بین دو یا چند نفر با مسوولیت تضامنی تشکیل‌می شود: اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هریک از شرکا مسوول پرداخت تمام قروض شرکت است هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. ماده ۱۱۷ ـ در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) ولااقل اسم یک نفر از شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یاشرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکا) یا (و برادران قید شود. ماده ۱۱۸ ـ شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. ماده ۱۱۹

ـ در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکا تقسیم می شود مگر آن‌که شرکت‌نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته‌باشد. ماده ۱۲۰ ـ در شرکت تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند. ماده ۱۲۱ ـ حدود مسوولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده است ماده ۱۲۲ ـ در شرکتهای تضامنی اگر سهم‌الشرکه یک یا چند نفرغیرنقدی باشد باید سهم‌الشرکه مزبور قبلا به تراضی تمام شرکا تقویم شود. ماده ۱۲۳ ـ در شرکت تضامنی هیچ‌یک از شرکا نمی تواند سهم خود رابه دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکا. ماده ۱۲۴ ـ مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن بایداز خود شرکت به‌عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت‌می توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که‌بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ‌یک از شرکا نمی توانند به استناد این‌که میزان قروض شرکت از میزان سهم او درشرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط درروابط بین شرکا مسوولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم درصورتی که در شرکت‌نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد. ماده ۱۲۵ ـ هر کس به‌عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجود داخل شود متضامنا با سایر شرکا مسوول قروضی هم خواهد بودکه شرکت قبل از ورود او داشته اعم از این‌که در اسم شرکت تغییرداده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب‌داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود. ماده ۱۲۶ ـ هر گاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت ازدارایی آن تادیه نشده هیچ‌یک از طلبکاران شخصی شرکا حقی درآن دارایی نخواهد داشت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن‌کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یافرد فرد شرکای ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکا حق تقدم نخواهند داشت ماده ۱۲۷ ـ به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز میتوان‌حکم داد مشروط به این‌که دارایی شرکت تقسیم نشده باشد. ماده ۱۲۸ ـ ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکا ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد. ماده ۱۲۹ ـ طلبکاران شخصی شرکا حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تامین یا وصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون‌خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن‌است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشدبه‌عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از این‌که شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر این‌که لااقل شش‌ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این‌صورت شرکت یا بعضی از شرکا می توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تادیه طلب داینین مزبور تا حد دارایی مدیون‌در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت‌جلوگیری کنند. ماده ۱۳۰ ـ نه مدیون شرکت می تواند در مقابل طلبی که ممکن است ازیکی از شرکا داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته‌باشد به تهاتر استناد نماید. معذلک کسی که طلبکار شرکت و مدیون‌به یکی از شرکا بوده و پس از انحلال شرکت طلب اولا وصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت ماده ۱۳۱ ـ در صورت ورشکستگی یکی از شرکا و همچنین درصورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکا به موجب ماده۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکا میتوانند سهمیه آن شریک را از دارایی شرکت نقدا تادیه کرده و او را از شرکت خارج‌کنند. ماده ۱۳۲ ـ اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم‌الشرکه شرکا کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاممنوع است ماده ۱۳۳ ـ جز در مورد فوق هیچ‌یک از شرکا را شرکت نمی تواند به تکمیل سرمایه که به‌علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکت‌نامه مقرر شده است‌به شرکت سرمایه دهد. ماده ۱۳۴ ـ هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکا (به‌حساب شخص خود یا به حساب شخص ثالث

تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و یا به‌عنوان شریک ضامن یا شریک با مسوولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود. ماده ۱۳۵ ـ هر شرکت تضامنی میتواند با تصویب تمام شرکا به‌شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است ماده ۱۳۶ ـ شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود: الف ـ در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳؛ ب ـ در صورت تراضی تمام شرکا؛ ج ـ در صورتی که یکی از شرکا به دلا‌یلی انحلا‌ل شرکت را ازمحکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد؛ د ـ در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷؛ ه ـ در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸؛ و ـ در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰. تبصره ـ در مورد بند ـ ج ـ هرگاه دلایل انحلال منحصرا مربوط به‌شریک یا شرکای معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایرشرکا به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین رابدهد. ماده ۱۳۷ ـ فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این‌حق‌از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد، تقاضای فسخ باید شش‌ماه قبل از فسخ کتبا به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در مورد ختم محاسبه سالیانه به‌عمل می آید. ماده ۱۳۸ ـ در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت‌میگیرد که مدیر تصفیه کتبا تقاضای انحلال شرکت را نموده و ازتقاضای مزبور شش‌ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای‌انحلال منصرف نکرده باشد. ماده ۱۳۹ ـ در صورت فوت یکی از شرکا بقای شرکت موقوف به‌رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود. اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفیباید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود راراجع به بقای شرکت کتبا اعلام نماید، در صورتی که قائم مقام‌متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت‌مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم‌رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به‌ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است ماده ۱۴۰ ـ در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم ــ در شرکت مختلط غیرسهامی (م ۱۴۱ تا م ۱۶۱)

ماده ۱۴۱ ـ شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجارتی در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسوولیت محدود بدون انتشار سهام‌تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسوول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسوولیت‌محدود کسی است که مسوولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که‌در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و لااقل اسم یکی از شرکای ضامن قید شود. ماده ۱۴۲ ـ روابط بین شرکا با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت‌نامه‌خواهد بود. ماده ۱۴۳ ـ هر یک از شرکا با مسوولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکا داده شده‌باشد در مقابل اشخاص ثالث بی‌اثر است ماده ۱۴۴ ـ اداره شرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای‌ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت‌تضامنی مقرر است ماده ۱۴۵ ـ شریک با مسوولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره‌کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است ماده ۱۴۶ ـ اگر شریک با مسوولیت محدود معامله‌ای برای شرکت کند،در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم‌شریک ضامن را خواهد داشت مگر این‌که تصریح کرده باشد معامله‌را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد. ماده ۱۴۷ ـ هر شریک با مسوولیت محدود حق نظارت در امور شرکت‌داشته و می‌تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص‌خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبارساقط است ماده ۱۴۸ ـ هیچ شریک با مسوولیت

محدود نمی‌تواند بدون رضایت‌سایر شرکا شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه‌خود به او، داخل در شرکت کند. ماده ۱۴۹ ـ اگر یک یا چند نفر از شرکا با مسوولیت محدود حق خودرا در شرکت بدون اجازه سایرین کلا یا بعضا به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت ماده ۱۵۰ ـ در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیرسهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسوولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسوولیت او اطلاع داشته‌اند. ماده ۱۵۱ ـ شریک ضامن را وقتی می‌توان شخصا برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد. ماده ۱۵۲ ـ هرگاه شرکت به‌طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسوولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه‌خود را نپرداخته و یا پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران‌شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم‌الشرکه باقی مانده‌است مستقیما بر علیه شریک با مسوولیت محدود اقامه دعوانمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهدداشت ماده ۱۵۳ ـ اگر در نتیجه قرارداد با شرکا ضامن و یا در اثر برداشت قبلی‌از سرمایه شرکت شریک با مسوولیت محدود از سهم‌الشرکه خود که‌به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و برطبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل‌طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می‌توانند برای‌تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تادیه همان سرمایه اولیه شریک با مسوولیت محدود را مطالبه نمایند. ماده ۱۵۴ ـ به شریک با مسوولیت محدود فرع نمی‌توان داد مگر درصورتی که موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود . اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم‌الشرکه شریک با مسوولیت محدود کسر شد مادام‌که این‌کمبود جبران نشده تادیه هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تادیه گردید شریک با مسوولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسوول تعهدات شرکت است مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته‌باشد. ماده ۱۵۵ ـ هر کس به‌عنوان شریک با مسوولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم‌الشرکه خود مسوول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این‌ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. ماده ۱۵۶ ـ اگر شرکت مختلط غیرسهامی ورشکست شود دارایی‌شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکا در آن حقی ندارند، سهم‌الشرکه شرکا با مسوولیت محدود نیز جزو دارایی شرکت محسوب است ماده ۱۵۷ ـ اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکای ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بود. ماده ۱۵۸ ـ در صورت ورشکستگی یکی از شرکا با مسوولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی‌الحقوق خواهند بود. ماده ۱۵۹ ـ مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتهای مختلط غیرسهامی‌نیز لازم‌الرعایه است ماده ۱۶۰ ـ اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسوولیت آنها درمقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است ماده ۱۶۱ ـ مقررات مواد ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۰ در موردشرکتهای مختلط غیرسهامی نیز جاری است مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکای با مسوولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود.

مبحث پنجم ــ شرکت مختلط سهامی (م ۱۶۲ تا م ۱۸۲)

ماده ۱۶۲ ـ شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکای سهامی و یک یا چند نفر شریک‌ضامن تشکیل می‌شود. شرکای سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به‌صورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه درآمده و مسوولیت آنها تا میزان همان‌سرمایه‌ای است که در شرکت دارند. شریک ضامن کسی است که سرمایه او به‌صورت سهام

درنیامده و مسوول کلیه قروضـی است که ممکن است علاوه بر دارایی شـرکت پیدا شود. در صورت تعدد شریک ضامن مسوولیت آنهـا در مقابل‌طلبکاران و روابط آنها با یکـدیگر تابع مقررات شـرکت تضامنی‌خواهـد بود. ماده ۱۶۳ ـ در اسم شـرکت باید عبارت (شـرکت مختلـط و لااقـل اسم یکی از شـرکای ضـامن قیـد شود. مـاده ۱۶۴ ـ مدیریت‌شـرکت مختلط سـهامی مخصوص به شـریک یاشرکای ضامن است ماده ۱۶۵ ـ در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیات نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکا برقرار می‌شود و این هیات را مجمع عمومی شـرکا بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می‌کند، انتخاب هیات برحسب شـرایط مقرر در اساسـنامه شـرکت تجدید می‌شود در هر صورت اولین هیات‌نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد. ماده ۱۶۶ ـ اولین هیات نظار بایـد بعـد از انتخاب شـدن بلافاصـله تحقیق‌کرده و اطمینان حاصل کنـد که تمام مقررات مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹،۴۱ و ۵۰ این قـانون رعـایت شـده است ماده ۱۶۷ ـ اعضـای هیـات نظـار از جهت اعمـال اداری و نتایـج حاصـله از آن هیچ مسوولیـتی ندارنـد لیکن هر یـک از آنهـا در انجـام مـاموریت خـود بر طبـق قوانین معموله مملکـتی مسوول اعمـال و تقصـیرات‌خود می‌باشند. ماده ۱۶۸ ـ اعضـای هیات نظار دفاتر و صـندوق و کلیه اسـناد شـرکت را تحت تـدقیق درآورده همه ساله راپرتی به مجمع عمومی می‌دهنـد وهرگـاه در تنظیم صورت دارایی بی‌ترتیبی و خطایی مشاهـده نماینـددر راپرت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشـنهاد مدیر شـرکت درتقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می‌کنند. ماده ۱۶۹ ـ هیات نظار می‌توانـد شـرکا را برای انعقاد مجمع عمومی‌دعوت نمایـد و بـا موافقت رای مجمع مزبور بر طبق فقره (ب ماده۱۸۱ شرکت را منحل کند. ماده ۱۷۰ ـ تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سـهمی‌می‌تواند (خود یا نماینـده او) در مرکز اصـلی شـرکت حاضـر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپرت هیات نظارت اطلاع حاصل کند. ماده ۱۷۱ ـ ورشکستگی هیچ‌یک از شرکای ضامن موجب انحلال‌شرکت نخواهـد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸. ماده ۱۷۲ ـ حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شـرکت مختلط سهامی وشرکای ضامن آن جاری است ماده ۱۷۳ ـ هر گاه شـرکت مختلط سـهامی ورشـکست شود و شـرکای سـهامی تمام قیمت سـهام خود را نپرداخته باشـند مدیر تصـفیه آنچه راکه بر عهده آنها باقی است وصول می‌کند. ماده ۱۷۴ ـ اگر شرکت به‌طریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر یک‌از طلبکاران شـرکت می‌توانـد به هر یک از شـرکای سـهامی که از بابت‌قیمت سـهام خود مدیون شـرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن‌شریک طلب خود را مطالبه نماید. مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ‌یک از شرکای‌سهامی را ندارند. ماده ۱۷۵ ـ اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارایی‌آن تأدیه نشده طلبکاران شخصی شرکای ضامن حقی به دارایی‌شـرکت ندارند. ماده ۱۷۶ ـ مفاد مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۵۰ شامل شرکتهای‌مختلط سهامی است ماده ۱۷۷ ـ هر شـرکت مختلـط سـهامی کـه برخلاـف مـواد ۲۸، ۲۹، ۳۹ و ۵۰ تشـکیل شـود باطـل است لیکن شـرکا نمی‌تواننـد در مقابل‌اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند. ماده ۱۷۸ ـ هرگاه شرکت برحسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد. ماده ۱۷۹ ـ مفاد مواد ۸۴، ۸۵، ۸۶ و ۸۷ این قانون در شـرکتهای مختلط‌نیز باید رعایت شود. ماده ۱۸۰ ـ مفاد مواد ۸۹، ۹۰، ۹۱ و ۹۲ این قـانون در مورد شـرکت‌مختلط نیز لازم‌الرعایه است ماده ۱۸۱ ـ شـرکت مختلـط در موارد ذیل منحل می‌شود: الف ـ در مورد فقرات ۱، ۲ و ۳ ماده ۹۳؛ ب ـ برحسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این‌حق برای مجمع مذکور تصـریح شده باشد؛ ج ـ برحسب تصـمیم مجمع عمومی و رضایت شـرکای ضامن د ـ در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن مشـروط بر این‌که انحلال شـرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد؛ در مورد فقرات ب و ج حکم ماده ۷۲ جاری است ماده ۱۸۲ ـ هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به‌انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکای ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلایل طرفـداران انحلال را موجه بینـد حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیزجاری است که یکی از شرکای ضامن به دلایلی انحلال شرکت را ازمحکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلایل را موجه ببیند.

مبحث ششم ـ شرکت نسبی (م ۱۸۳ تا م ۱۸۹)

ماده ۱۸۳ ـ شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتی در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسوولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته ماده ۱۸۴ ـ در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی و لااقل اسم‌یک نفر از شرکا بایـد ذکر شود در صورتی که اسم شـرکت مشـتمل بر اسـامی تمـام شـرکا نباشـد بعـد از اسم شـریک یا شـرکایی که ذکر شده‌عبارتی از قبیل (و شرکا) و (و برادران ضروری است ماده ۱۸۵ ـ دستور ماده ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ در موردشرکت نسبی نیز لازم‌الرعـایه است ماده ۱۸۶ ـ اگر دارایی شـرکت نسبی برای تـادیه تمام قروض شـرکت کافی‌ن باشـد هر یک از شـرکا به نسبت سـرمایه که در شرکت داشته مسوول تادیه قروض شرکت است ماده ۱۸۷ ـ مادام که شـرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن بایـد از خود شـرکت به‌عمل آیـد فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند بارعایت ماده فوق به فرد فرد شـرکا مراجعه کنند. ماده ۱۸۸ ـ هر کس به‌عنوان شـریک ضامن در شـرکت نسبی موجودی‌داخل شود به نسبت سـرمایه‌ای که در شـرکت می‌گـذارد مسوول قروضـی هم خواهـد بود که شـرکت قبل از ورود او داشته اعم از این‌که‌در اسم شـرکت تغییری داده شـده باشـد یا نشده باشد. قرار شرکا برخلاف این ترتیب نسبت به اشـخاص ثالث اثر نـدارد. ماده ۱۸۹ ـ مفـاد ماده ۱۲۶ (جز مسوولیت شـرکا که به نسبت سرمایه آنهاست و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت های نسبی نیز جاری است

مبحث هفتم ــ شرکتهای تعاونی تولید و مصرف (م ۱۹۰ تا م ۱۹۴)

ماده ۱۹۰ ـ شـرکت تعاونی تولید شـرکتی است که بین عده‌ای از ارباب‌حرف تشـکیل می‌شود و شـرکا مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیا یا اجناس به‌کار می‌برند. ماده ۱۹۱ ـ اگر در شـرکت تولید یک عده از شـرکا در خدمت دایمی شـرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شـرکت است‌نباشـند لااقل دو ثلث اعضای اداره‌کننده شرکت باید از شرکایی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیـات شـرکت است ماده ۱۹۲ ـ شـرکت تعاونی مصـرف شـرکتی است که برای مقاصـد ذیل تشـکیل می‌شود: ۱ ـ فروش اجناس لازمه برای مصارف زنـدگانی اعم از این‌که اجناس مزبوره را شـرکا ایجاد کرده یا خریده باشـند؛ ۲ ـ تقسیم نفع و ضرر بین شرکا به نسبت خرید هر یک از آنها. ماده ۱۹۳ ـ شـرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق‌اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصـی که با تراضـی شـرکا ترتیب داده شده باشد تشـکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد۳۲ و ۳۳ لازم‌الرعایه است ماده ۱۹۴ ـ در صورتی که شـرکت تعاونی تولید یا مصـرف مطابق اصول‌شـرکت سـهامی تشـکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ‌یک از شرکا نمی‌توانند در مجمع عمومی بیش از یک رای داشته باشد.

فصل‌دوم ــ در مقررات راجعه به ثبت شرکتها و نشر شرکت نامه(م ۱۹۵ تا م ۲۰۱)

ماده ۱۹۵ ـ ثبت کلیه شـرکتهای مـذکور در این قـانون الزامی و تـابع جمیع مقررات قـانون ثبت شـرکتها است مـاده ۱۹۶ ـ اسـناد و نوشـتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم‌است در نظام‌نامه وزارت عدلیه معین می‌شود. ماده ۱۹۷ ـ در ظرف ماه اول تشکیل هر شـرکت خلاصه شـرکت‌نامه و منضـمات آن طبق نظام‌نامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد. ماده ۱۹۸ ـ اگر به علت عـدم رعایت دسـتور دو ماده فوق بطلان عملیات شـرکت اعلام شد هیچ‌یک از شـرکا نمی‌توانند این بطلان را در مقابل‌اشـخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند. ماده ۱۹۹ ـ هرگاه شـرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ ـ ۱۹۷ باید به قسمی که در نظام‌نـامه وزارت عـدلیه معین می‌شود در هر حوزه جـداگانه انجـام گردد. مـاده ۲۰۰ ـ در هر موقع که تصـمیماتی برای تغییر اساسـنامه شـرکت یا تمدید مدت شـرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی درمواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت

شرکت صورت می‌گیرد)و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷لازم‌الرعایه است همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده۷۹ این قانون اتخاذ می‌شود رعایت خواهد شد. ماده ۲۰۱ ـ در هر گونه اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به‌طور خطی یا چاپی از طرف شرکتهای مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می‌شود سرمایه شرکت صریحا باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحا معین شود، شرکت متخلف به جزای نقدی ازدویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره ـ شرکتهای خارجی نیز که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم ــ در تصفیه امور شرکتها(م ۲۰۲ تا ۲۱۸)

ماده ۲۰۲ ـ تصفیه امور شرکتها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به‌ورشکستگی است ماده ۲۰۳ ـ در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آن‌که شرکای ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. ماده ۲۰۴ ـ اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکای ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد. ماده ۲۰۵ ـ در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد. ماده ۲۰۶ ـ در شرکتهای مختلط (سهامی و غیرسهامی شرکای غیرضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند. ماده ۲۰۷ ـ وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به‌ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱ و ۲۱۲. ماده ۲۰۸ ـ اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد. ماده ۲۰۹ ـ متصدیان تصفیه حق دارند شخصا یا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند. ماده ۲۱۰ ـ متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکای ضامن به او اجازه داده باشند. مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است ماده ۲۱۱ ـ آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست به‌طور موقت بین شرکا تقسیم می‌شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکا مورد اختلاف است‌موضوع نمایند. ماده ۲۱۲ ـ متصدیان تصفیه حساب شرکا را نسبت به هم و سهم هریک از شرکا را از نفع و ضرر معین می‌کنند، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می‌شود. ماده ۲۱۳ ـ در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسوولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه به‌عهده مدیران شرکت است مگر آن‌که‌اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقررداشته باشد. ماده ۲۱۴ ـ وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسوولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتها (به استثنای مورد حکمیت اجباری فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به‌آنها داده باشد. ماده ۲۱۵ ـ تقسیم دارایی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکا خواه‌در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن‌که قبلاـ سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یک سال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد. ماده ۲۱۶ ـ تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسوول خسارت‌طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده‌اند. ماده ۲۱۷ ـ دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد درمحل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند. ماده ۲۱۸ ـ هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه

ترتیب‌دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۶ و ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده۲۱۱ باشد.

فصل چهارم ـ مقررات مختلفه (م ۲۱۹ تا ۲۲۲)

ماده ۲۱۹ ـ مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکا یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکا یا وراث آنها را مسوول قرار داده پنج سال است مبدا مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد. در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می‌شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده است تبصره ـ دعوایی که سنخا تابع مرور زمان کوتاه‌تری بوده یا به موجب این قانون مرور زمان طولانی‌تری برای آن معین شده از مقررات این‌ماده مستثنی است ماده ۲۲۰ ـ هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتی خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت‌عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به‌شرکتهای تضامنی در مورد آن اجراء می گردد. هر شرکت تجارتی‌ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید درکلیه اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات خطی و یا چاپی‌خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت‌رسیده والا‌ـ محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال‌خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت‌شرکتها برای عدم ثبت مقرر شده ماده ۲۲۱ ـ اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق‌اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها به‌طریق قرعه‌باید تادیه شود و قبل از تادیه قیمت آن سهام یا اوراق منافعی که به‌آنها تعلق گرفته پرداخت شده باشد شرکت در موقع تادیه اصل‌قیمت نمی‌تواند منافع تادیه شده را استرداد نماید. ماده ۲۲۲ ـ هر شرکت تجارتی می‌تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به‌وسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکا یاقبول شریک جدید زیاد کرده و یا به‌واسطه برداشت از سرمایه آن راتقلیل دهد. در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می‌توان سرمایه‌اولیه را تقلیل داد صراحتا معین می‌شود. کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است

باب چهارم ـ برات – فته‌طلب ـ چک

فصل اول ـ برات

مبحث اول ـ صورت برات (م ۲۲۳ تا ۲۲۷)

ماده ۲۲۳ ـ برات علاوه بر امضا یا مهر برات‌دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد: ۱ ـ قید کلمه (برات در روی ورقه ۲ ـ تاریخ تحریر (روز و ماه و سال ، ۳ ـ اسم شخصی که باید برات را تادیه کند، ۴ ـ تعیین مبلغ برات ۵ ـ تاریخ تادیه وجه برات ۶ ـ مکان تادیه وجه برات اعم از این‌که محل اقامت محال علیه باشدیا محل دیگر، ۷ ـ اسم شخصی که برات در وجه یا حواله‌کرد او پرداخته می‌شود، ۸ ـ تصریح به این‌که نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است ماده ۲۲۴ ـ برات ممکن است به حواله‌کرد شخص دیگر باشد یا به‌حواله‌کرد خود برات‌دهنده ماده ۲۲۵ ـ تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود.اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام

حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است ماده ۲۲۶ ـ در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر درفقرات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتی نخواهد بود. ماده ۲۲۷ ـ برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم ــ در قبول و نکول (م ۲۲۸ تا ۲۳۸)

ماده ۲۲۸ ـ قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضا یا مهر می‌شود. در صورتی که برات به‌وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام‌حروف نوشته خواهد شد. اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رویت حساب‌می‌شود. ماده ۲۲۹ ـ هر عبارتی که محال‌علیه در برات نوشته امضا یا مهر کندقبولی محسوب است مگر این‌که صریحا عبارت مشعر بر عدم قبول‌باشد. اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است در صورتی که محال‌علیه بدون‌تحریر هیچ عبارتی برات را امضا یا مهر نماید برات قبول شده‌محسوب می‌شود. ماده ۲۳۰ ـ قبول‌کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تادیه نماید. ماده ۲۳۱ ـ قبول‌کننده حق نکول ندارد. ماده ۲۳۲ ـ ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید. ماده ۲۳۳ ـ اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می‌شود ولی مع‌هذا قبول‌کننده به‌شرط در حدود شرطی‌که نوشته مسوول پرداخت وجه برات است ماده ۲۳۴ ـ در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت‌قبول‌کننده باید تادیه شود تصریح به مکان تادیه ضروری است ماده ۲۳۵ ـ برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود. ماده ۲۳۶ ـ نکول برات باید به موجب تصدیق‌نامه‌ای که رسما تنظیم‌می‌شود محقق گردد، تصدیق‌نامه مزبور موسوم است به اعتراض پروتست نکول ماده ۲۳۷ ـ پس از اعتراض نکول ظهرنویسها و برات‌دهنده به تقاضای‌دارنده برات باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض‌نامه و مخارج برات رجوعی اگر باشد) فورا تادیه نمایند. ماده ۲۳۸ ـ اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن رانپرداخته اعتراض عدم تادیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص‌قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یاپرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

مبحث سوم ــ در قبولی شخص ثالث (م ۲۳۹ تا ۲۴۰)

ماده ۲۳۹ ـ هرگاه براتی نکول شد و اعتراض به‌عمل آمد شخص ثالثی می‌تواند آن را به نام برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویس ها قبول کند.قبولی شخص ثالث باید در اعتراض‌نامه قید شده و به امضای او برسد. ماده ۲۴۰ ـ بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تادیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات‌دهنده و ظهرنویس ها حاصل می‌شود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم ــ در وعده برات (م ۲۴۱ تا م ۲۴۴)

ماده ۲۴۱ ـ برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چندروز یا یک یا چند ماه از رویت برات یا به وعده یک یا چند روز یایک یا چند ماه از تاریخ برات ممکن است پرداخت به روز معینی‌موکول شده باشد. ماده ۲۴۲ ـ هرگاه برات بی‌وعده قبول شده باید فورا پرداخته شود. ماده ۲۴۳ ـ موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت وعده دارد به‌وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراض‌نامه نکول‌معین می‌شود. ماده ۲۴۴ ـ اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود. تبصره ـ همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتی نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم ــ ظهرنویسی (م ۲۴۵ تا م ۲۴۸)

ماده ۲۴۵ ـ انتقال برات به‌وسیله ظهرنویسی به‌عمل می‌آید. ماده ۲۴۶ ـ ظهرنویسی بایـد به امضای ظهرنویس برسد، ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسـی که برات به او انتقال داده می‌شود قیدگردد. ماده ۲۴۷ ـ ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر این‌که ظهرنویس‌وکالت در وصول را قیـد نموده باشـد که در این صـورت انتقـال برات‌واقع نشـده ولی دارنـده برات حق وصول ولـدی‌الاقتضاء حق اعتراض‌و اقامه دعوا برای وصول خواهـد داشت جز در مواردی که خلاف‌این در برات تصـریح شـده باشد. ماده ۲۴۸ ـ هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می‌شود.

مبحث ششم ــ مسؤولیت (م ۲۴۹ تا ۲۵۱)

ماده ۲۴۹ ـ برات‌دهنـده کسـی که برات را قبول کرده و ظهرنویسـها درمقابل دارنـده برات مسوولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عـدم تادیه و اعتراض می‌توانـد به هر کـدام ازآنها که بخواهد منفردا یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعا رجوع‌نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویسـها نسبت به برات‌دهنـده و ظهرنویسـهای ماقبل خود دارد. اقامه دعوا بر علیه یک یا چنـد نفر از مسوولین موجب اسـقاط حق‌رجوع به سایر مسوولین برات نیست اقامه‌کننـده دعوا ملزم نیست‌ترتیب ظهرنویسـی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضـمانت‌برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسـی را کرده فقط با کسی‌مسوولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است مـاده ۲۵۰ ـ هر یـک از مسـوولین تـادیه برات می‌توانـد پرداخـت را به‌تسـلیم برات و اعتراض‌نـامه و صورت‌حسـاب متفرعـات و مخارج‌قانونی که بایـد بپردازد موکول کند. ماده ۲۵۱ ـ هرگاه چنـد نفر از مسوولین برات ورشـکست شوند دارنده‌برات می‌تواند در هر یـک از غرمـا یا در تمام غرما برای وصول تمام‌طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی داخل شود تا این‌که طلب خود را کاملاـ وصول نمایـد، مـدیر تصـفیه هیچ‌یک از ورشکسـتگان نمی‌توانـد برای وجهی که به صاحب چنین طلب‌پرداخته می‌شود به مـدیر تصـفیه ورشکسـته دیگر رجـوع نمایـد مگردر صـورتی که مجموع وجوهی که از دارایی تمـام ورشکسـتگان به‌صـاحب طلب تخصـیص می‌یابد بیش از میزان طلب او باشد در این‌صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام‌پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب گردد که به سایرورشکسته‌ها حق رجوع دارند. تبصره ـ مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای‌پرداخت یک دین مسوولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهدبود.

مبحث هفتم ــ در پرداخت (م ۲۵۲ تا م ۲۶۹)

ماده ۲۵۲ ـ پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شـده به‌عمل‌می‌آیـد. ماده ۲۵۳ ـ اگر دارنده برات به برات‌دهنده یا کسـی که برات را به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شـده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عـدم تادیه اعتراض شود دارنـده برات می‌توانـد از دهنـده برات یا انتقال‌دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شـده مطالبه کنـد ولی از سایر مسوولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شـده قابل مطالبه نیست ماده ۲۵۴ ـ برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود. ماده ۲۵۵ ـ روز رؤیت در برواتی که به وعـده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که به وعـده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد. ماده ۲۵۶ ـ شخصـی که وجه برات را قبل از موعد، تادیه نموده در مقابل‌اشخاصـی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسوول است ماده ۲۵۷ ـ اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویسـهای ماقبل خود و برات‌دهنـده که به‌مهلت مزبور رضایت نداده‌اند حق رجوع نخواهد داشت ماده ۲۵۸ ـ شخصی که در سر وعـده وجه برات را می‌پردازد بری‌الـذمه‌محسوب می‌شـود مگر آن کـه وجه برات قانونـا در نزد او توقیـف شـده باشـد. مـاده ۲۵۹ ـ

پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الـخ به عمل آیـد در صورتی که در روی آن نسخه قیـد شـده باشـد که پس از پرداخت وجه به موجب این نسـخه نسـخ دیگر از اعتبـار ساقط است ماده ۲۶۰ ـ شخصـی که وجه برات را برحسب نسـخه‌ای بپردازد که در روی آن قبولی نوشـته نشده در مقابل شخصـی که نسـخه قبولی شده را دارد مسوول پرداخت وجه آن است ماده ۲۶۱ ـ در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می‌تواند وصول وجه آن را برحسب نسخه ثانی یا ثالث یـا رابع‌الـخ تقاضا کنـد. ماده ۲۶۲ ـ اگر نسـخه مفقـود نسـخه‌ای باشـد کـه قبـولی در روی آن نوشـته‌شده تقاضـای پرداخـت از روی نسخه‌های دیگر فقط به موجب امرمحکمه پس از دادن ضامن بعمل می‌آیـد. ماده ۲۶۳ ـ اگر شخصـی که برات را گم کرده اعم از این‌که قبولی نوشـته‌شده یا نشده باشد می‌تواند نسـخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل‌نماید. پس از اثبات این‌که برات متعلق به او است می‌توانـد با دادن ضامن تادیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند. ماده ۲۶۴ ـ اگر با وجود تقاضایی که در مورد مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳به‌عمـل آمـده است از تـادیه وجه برات امتنـاع شود صـاحب برات‌مفقود می‌توانـد تمـام حقوق خود را به موجب اعتراض‌نامه محفوظ‌بـدارد. ماده ۲۶۵ ـ اعتراض‌نامه مـذکور در فوق بایـد در ظرف بیست و چهارساعت از تاریـخ وعـده برات تنظیم شـده و در مواعـد و به ترتیبی که‌در این قانون برای ابلاغ اعتراض‌نامه معین شـده است به برات‌دهنده و ظهرنویسـها ابلاغ گردد. ماده ۲۶۶ ـ صـاحب برات مفقود برای تحصـیل نسـخه ثـانی بایـد به‌ظهرنویسـی که بلافاصـله قبل از او بوده است رجوع نمایـد. ظهرنویس مزبور ملزم است به صـاحب برات اختیـار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کنـد و همچنین هر ظهرنویس‌بایـد اختیار رجـوع به ظهرنـویس ماقبـل خـود بدهـد تـا به برات‌دهنده‌برسـد. مخـارج این اقـدامات بر عهـده صـاحب برات مفقـود خواهـد بـود. ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسوول تادیه وجه برات‌و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شـده است ماده ۲۶۷ ـ در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه‌سال است و هرگـاه در ظرف این سه سـال رسـما مطـالبه یـا اقـامه دعوانشـده باشـد دیگر از این حیث دعوا بر علیه او در محکمه مسـموع نخواهد بود. ماده ۲۶۸ ـ اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان انـدازه برات‌دهنده و ظهرنویسـها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسـبت به‌بقیه می‌توانـد اعتراض کنـد. ماده ۲۶۹ ـ محـاکم نمی‌تواننـد بـدون رضـایت صـاحب برات برای تادیه‌وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم ــ تأدیه وجه برات به‌واسطه شخص ثالث(م ۲۷۰ تا م ۲۷۳)

ماده ۲۷۰ ـ هر شـخص ثـالثی می‌توانـد از طرف برات‌دهنـده یـا یکی از ظهرنویسـها وجـه برات اعـتراض شـده را کارسـازی نمایـد، دخالت‌شـخص ثالث و پرداخت وجه بایـد در اعتراض‌نامه یا در ذیل آن قیدشود. ماده ۲۷۱ ـ شـخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمـام حقوق و وظـایف دارنـده برات است مـاده ۲۷۲ ـ اگر وجـه برات را شـخص ثـالث از طرف برات‌دهنـده پرداخـت تمـام ظهرنویسها بری‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها به‌عمل آید ظهرنویسهای بعد از او بری‌الذمه‌اند. ماده ۲۷۳ ـ اگر دو شـخص متفقا هر یک از جانب یکی از مسوولین برات‌برای پرداخت وجه حاضـر شوند پیشـنهاد آن‌کس پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عـده زیادتری از مسوولین را بری‌الـذمه می‌کند،اگر خود محال‌علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضـر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم ــ حقوق و وظایف دارنده برات(م ۲۷۴ تا م ۲۹۲)

ماده ۲۷۴ ـ نسـبت به برواتی که وجه آن بایـد در ایران به رویت یـا به‌وعـده از رویت تـادیه شود اعم از این‌که برات در ایران صـادر شده‌باشـد یـا در خـارجه دارنـده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن رادر ظرف یک سال از تاریـخ برات مطالبه نمایـد والا حق

رجوع به ظهرنويسها و همچنين به برات‌دهنده كه وجه برات را به محال عليه‌رسانيده است نخواهد داشت ماده ۲۷۵ ـ اگر در برات اعم از اين‌كه در ايران صادر شده باشد يا درخارجه براى تقاضاى قبولى مدت بيشتر يا كمترى مقرر شده باشد دارنده برات بايد در همان مدت قبولى برات را تقاضا نمايد والا حق‌رجوع به ظهرنويسها و برات‌دهنده‌اى كه وجه برات را به محال‌عليه‌رسانيده است نخواهد داشت ماده ۲۷۶ ـ اگر ظهرنويسى براى تقاضاى قبولى مدتى معين كرده باشددارنده برات بايد در مدت مزبور تقاضاى قبولى نمايد والا در مقابل آن ظهرنويس نمى‌تواند از مقررات مربوط به بروات استفاده‌كند. ماده ۲۷۷ ـ هرگاه دارنده برات به رويت يا به وعده كه در يكى ازشهرهاى ايران صادر و بايد در ممالك خارجه تاديه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولى نوشتن يا پرداخت وجه را مطالبه نكرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد. ماده ۲۷۸ ـ مقررات فوق مانع نخواهد بود كه بين دارنده برات و برات‌دهنده و ظهرنويسها قرارداد ديگر مقرر گردد. ماده ۲۷۹ ـ دارنده برات بايد روز وعده وجه برات را مطالبه كند. ماده ۲۸۰ ـ امتناع از تاديه وجه برات بايد در ظرف ده روز از تاريخ وعده به وسيله نوشته‌اى كه اعتراض عدم تاديه ناميده مى‌شود معلوم گردد. ماده ۲۸۱ ـ اگر روز دهم تعطيل باشد اعتراض روز بعد آن به‌عمل‌خواهد آمد. ماده ۲۸۲ ـ نه فوت محال‌عليه نه ورشكستگى او نه اعتراض نكولى‌دارنده برات را از اعتراض عدم تاديه مستغنى نخواهد كرد. ماده ۲۸۳ ـ در صورتى كه قبول‌كننده برات قبل از وعده ورشكست شود حق اعتراض براى دارنده برات باقى است ماده ۲۸۴ ـ دارنده براتى كه به علت عدم تاديه اعتراض شده است بايد در ظرف ده روز از تاريخ اعتراض عدم تاديه را به وسيله اظهارنامه‌رسمى يا مراسله سفارشى دو قبضه به كسى كه برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد. ماده ۲۸۵ ـ هر يك از ظهرنويسها نيز بايد در ظرف ده روز از تاريخ‌دريافت اطلاع‌نامه فوق ، آن را به همان وسيله به ظهرنويس سابق‌خود اطلاع دهد. ماده ۲۸۶ ـ اگر دارنده براتى كه بايستى در ايران تاديه شود و به‌علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقى كه ماده ۲۴۹ براى او مقرر داشته استفاده كند بايد در ظرف يك سال از تاريخ اعتراض اقامه‌دعوا نمايد. (اصلاحى ۲۶/۱۰/۵۸) تبصره ـ هرگاه محل اقامت مدعى‌عليه خارج از محلى باشد كه وجه‌برات بايد در آن‌جا پرداخته شود براى هر ۶ فرسخ يك روز اضافه‌خواهد شد. ماده ۲۸۷ ـ در مورد برواتى كه بايد در خارج تاديه شود اقامه دعوا برعليه برات‌دهنده و يا ظهرنويسهاى مقيم ايران در ظرف دو سال ازتاريخ اعتراض بايد به‌عمل آيد. (اصلاحى۲۶/۱۰/۵۸) ماده ۲۸۸ ـ هر يك از ظهرنويسها كه بخواهد از حقى كه در ماده ۲۴۹ به‌او داده شده استفاده نمايد بايد در مواعدى كه به موجب مواد ۲۸۶ و۲۸۷ مقرر است اقامه دعوا كند و نسبت به او، موعد از فرداى ابلاغ احضاريه محكمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اين‌كه برعليه او اقامه دعوا شده باشد تاديه نمايد از فرداى روز تاديه‌محسوب خواهد شد. ماده ۲۸۹ ـ پس از انقضاى مواعد مقرره در مواد فوق دعوا دارنده برات‌بر ظهرنويسها و همچنين دعوا هر يك از ظهرنويسها بر يد سابق‌خود در محكمه پذيرفته نخواهد شد. ماده ۲۹۰ ـ پس از انقضاى مواعد فوق دعواى دارنده و ظهرنويسهاى برات بر عليه برات‌دهنده نيز پذيرفته نمى‌شود مشروط بر اين‌كه برات‌دهنده ثابت نمايد در سر وعده وجه برات را به محال عليه‌رسانيده و در اين صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال‌عليه‌خواهد داشت ماده ۲۹۱ ـ اگر پس از انقضاى موعدى كه براى اعتراض و ابلاغ اعتراض‌نامه يا براى اقامه دعوا مقرر است برات‌دهنده يا هر يك از ظهرنويسها به‌طريق محاسبه يا عنوان ديگر وجهى را كه براى تاديه‌برات به محال‌عليه رسانيده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف‌مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت كه بر عليه دريافت‌كننده وجه اقامه دعوى نمايد. ماده ۲۹۲ ـ پس از اقامه دعوا محكمه مكلف است به مجرد تقاضاى دارنده براتى كه به علت عدم تاديه اعتراض شده است معادل وجه‌برات را از اموال مدعى عليه به‌عنوان تامين توقيف نمايد.

مبحث دهم ــ در اعتراض (پروتست) (م ۲۹۳ تا ۲۹۷)

ماده ۲۹۳ ـ اعتراض در موارد ذيل به‌عمل مى‌آيد: ۱ ـ در مورد نكول ۲ ـ در مورد امتناع از قبول يا نكول ۳ ـ در مورد عدم تاديه

اعتراض‌نامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به‌توسط مامور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود: ۱ ـ محال‌علیه ۲ ـ اشخاصی که در برات برای تادیه وجه عندالاقتضاء معین‌شده‌اند؛ ۳ ـ شخص ثالثی که برات را قبول کرده است اگر در محلی که اعتراض به‌عمل می‌آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود. ماده ۲۹۴ ـ اعتراض‌نامه باید مراتب ذیل را دارا باشد: ۱ ـ سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسیو غیره ۲ ـ امر به تادیه وجه برات مامور اجرا باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهدو علل امتناع از تادیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضا را در ذیل اعتراض‌نامه قید و امضاء کند. ماده ۲۹۵ ـ هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جای‌گیر اعتراض نامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد ۲۶۱، ۲۶۲ و ۲۶۳راجع به مفقود شدن برات ماده ۲۹۶ ـ مامور اجراء باید سواد صحیح اعتراض‌نامه را به محل‌اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد. ماده ۲۹۷ ـ دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام‌می‌دهند باید مفاد اعتراض‌نامه را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره‌در دفتر مخصوصی که صفحات آن به‌توسط رئیس محکمه یا قائم‌مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند، در صورتی که‌محل اقامت برات‌دهنده یا ظهرنویس اولی در روی برات قید شده‌باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تادیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم ـ برات رجوعی (۲۹۸ تا ۳۰۴)

ماده ۲۹۸ ـ برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض‌نامه و تفاوت نرخ به‌عهده برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویسها صادر می‌کند. ماده ۲۹۹ ـ اگر برات رجوعی به عهده برات‌دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن‌به‌عهده او خواهد بود و اگر برات رجوعی به‌عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که‌برات اصلی را در آن‌جا معامله یا تسلیم کرده است و نرخ مکانی که‌برات رجوعی در آن‌جا صادر شده است برآید. ماده ۳۰۰ ـ به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت ضمیمه شود، در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می‌گردد: ۱ ـ اسم شخصی که برات رجوعی به‌عهده او صادر شده است ۲ ـ مبلغ اصلی برات اعتراض شده ۳ ـ مخارج اعتراض‌نامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق‌العمل‌صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره ۴ ـ مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده ۲۹۹. ماده ۳۰۱ ـ صورت‌حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجرتصدیق شود، به‌علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراض‌نامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد. ماده ۳۰۲ ـ هرگاه برات رجوعی به‌عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیق‌نامه‌ای که‌تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین‌نماید ضمیمه شود. ماده ۳۰۳ ـ نسبت به یک برات صورت‌حساب بازگشت متعدد نمی‌توان ترتیب داد و اگر برات رجوعی به‌عهده یکی از ظهرنویسهاصادر شده باشد حساب بازگشت متوالیا به‌توسط ظهرنویسها پرداخته می‌شود تا به برات‌دهنده اولی برسد. تحمیلات براتهای رجوعی را نمی‌توان تماما بر یک نفر واردساخت هر یک از ظهرنویسها و برات‌دهنده اولی فقط عهده‌دار یک‌خرج است ماده ۳۰۴ ـ خسارت تاخیر تادیه مبلغ اصلی برات که به‌واسطه عدم‌تادیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تاخیر تادیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوا محسوب می‌شود.

مبحث دوازدهم ـ قوانین خارجی (م ۳۰۵ تا م ۳۰۶)

ماده ۳۰۵ ـ در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی‌برات تابع قوانین مملکت صدور است هر قسمت از سایر

تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی ضمانت قبولی و غیره نیز که در خارجه به‌وجود آمده تابع قوانین‌مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است مع‌ذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی‌موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اندحق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی‌مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست ماده ۳۰۶ ـ اعتراض و به‌طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آن‌جا بشود.

فصل دوم ــ در فته طلب (م ۳۰۷ تا م ۳۰۹)

ماده ۳۰۷ ـ فته‌طلب سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله‌کرد آن شخص کارسازی نماید. ماده ۳۰۸ ـ فته‌طلب علاوه بر امضا یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد: ۱ ـ مبلغی که باید تادیه شود با تمام حروف ۲ ـ گیرنده وجه ۳ ـ تاریخ پرداخت ماده ۳۰۹ ـ تمام مقررات راجع به بروات تجارتی (از مبحث چهارم الی‌آخر فصل اول این باب در مورد فته‌طلب نیز لازم‌الرعایه است

فصل سوم ــ چک (م ۳۱۰ تا م ۳۱۷)

ماده ۳۱۰ ـ چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی راکه در نزد محال علیه دارد کلا یا بعضا مسترد یا به دیگری واگذارمی‌نماید.۱ ماده ۳۱۱ ـ در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد. ماده ۳۱۲ ـ چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به‌حواله‌کرد باشد، ممکن است به صرف امضا در ظهر به دیگری منتقل شود. ماده ۳۱۳ ـ وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود. ماده ۳۱۴ ـ صدور چک ولو این‌که از محلی به محل دیگر باشد ذاتا عمل تجارتی محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت‌صادرکننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوا و ضمان و مفقودشدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود. ماده ۳۱۵ ـ اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن رامطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن‌را مطالبه نکند دیگر دعوای او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین‌برود دعوای دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست ماده ۳۱۶ ـ کسی که وجه چک را دریافت می‌کند باید ظهر آن را امضا یا مهر نماید اگرچه چک در وجه حامل باشد. ماده ۳۱۷ ـ مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است درمورد چکهایی که از خارجه صادر شده است و باید در ایران پرداخته‌شود نیز رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است

فصل چهارم ــ در مرور زمان (م ۳۱۸ تا م ۳۱۹)

ماده ۳۱۸ ـ دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ‌صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر این‌که در ظرف این مدت رسما اقرار به‌دین

واقع‌شـده باشـد که در این صورت مبـدا مرور زمان از تاریـخ اقرار محسوب‌است در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضـای مهلت‌اعتراض شـروع می‌شود. تبصـره ـ مفاد این ماده در مورد بروات و چك و فته طلب‌هایی که قبل‌از تاریـخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین‌و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجراء نبوده و این اسناد ازحیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال‌منقوله است ماده ۳۱۹ ـ اگر وجه برات یا فته‌طلب یا چك را نتوان به‌واسطه حصول‌مرور زمـان پنـج سـال مطـالبه کرد، دارنـده برات یـا فته‌طلب یـا چك‌می‌توانـد تـا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسـی که به‌ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید. تبصره ـ حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چك یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

باب پنجم ــ اسناد در وجه حامل (م ۳۲۰ تا م ۳۳۴)

ماده ۳۲۰ ـ دارنـده هر سـند در وجه حامـل مالـك و برای مطـالبه وجه آن محق محسـوب می‌شـود مگر در صـورت ثبـوت خلاف مع‌ذالك اگر مقامات صـلاحیتدار قضائی یا پلیس تادیه وجه آن سند را منع کند تادیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است‌سـند متعلق به او باشـد بری نخواهد کرد. ماده ۳۲۱ ـ جز در موردی که حکم بطلان سـند صادر شده مدیون سـنددر وجـه حامـل مکلـف به تـادیه نیست مگر در مقابـل اخـذ سـند. مـاده ۳۲۲ ـ در صـورت گـم شـدن سـند در وجـه حامـل کـه دارای ورقه‌های‌کوپن یا دارای ضـمیمه‌ای برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سـند در وجه حامل که خود سند به دارنـده آن‌حق می‌دهـد ربـح یا منفعتی را مرتبا دریافت کنـد برای اصـدار حکم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهد شد. ماده ۳۲۳ ـ مـدعی بایـد در محکمه محل اقامت مـدیون معلوم نمایدسـند در تصـرف او بوده و فعلا گم شـده است اگر مدعی فقط اوراق کوپن یـا ضـمیمه مربوط به سـند خود را گم کرده باشـد ابراز خود سـندکافی است مـاده ۳۲۴ ـ اگر محکمه ادعـای مـدعی را بنـا بر اوضـاع و احوال قابل‌اعتماد دانست بایـد به‌وسـیله اعلان در جرایـد به دارنـده مجهول سـند اخطار کنـد هر گاه از تاریـخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سـند را ابراز ننمود حکم بطلان آن صادر خواهـد شـد محکمه می‌توانـد لدی‌الاقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین کند. ماده ۳۲۵ ـ به تقاضای مدعی محکمه می‌تواند به مدیون قدغن کند که وجه سـند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یـا تـأمینی که محکمه تصویب نمایـد. مـاده ۳۲۶ ـ در مـورد گم شـدن اوراق کـوپن نسـبت به کوپنهـایی که درضـمن جریـان دعـوا لازم‌التـادیه می‌شـود به ترتیب مقرر در مواد ۳۳۲ و۳۳۳ عمل خواهـد شد. ماده ۳۲۷ ـ اخطار مـذکور در ماده ۳۲۴ بایـد سه دفعه در مجله رسمی‌منتشـر شود. محکمه می‌توانـد بعلاـوه اعلاـن در جرایـد دیگر را نیزمقرر دارد. مـاده ۳۲۸ ـ اگر پس از اعلاـن فـوق سـند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هر گاه تا انقضای‌مهلت دعوی خود را تعقیب و دلایل خود را اظهار نکند محکوم شده و سـند به ابرازکننده آن مسترد خواهد گردید. ماده ۳۲۹ ـ اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده‌سـند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود. ماده ۳۳۰ ـ ابطال سند فورا به‌وسیله درج در مجله رسـمی و هر وسـیله‌دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید. ماده ۳۳۱ ـ پس از صـدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند به‌خرج او سند جدید یا لدی‌الاقتضاء اوراق کوپن تازه به او بدهند اگرسند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیه خواهـد داشت ماده ۳۳۲ ـ هر گـاه سـند گم شـده از اسـناد مـذکور در ماده ۳۲۲ نباشـد به‌ترتیب ذیل رفتار خواهـد شـد: محکمه در صورتی که ادعای مـدعی سبق تصـرف و گم کردن سـند را قابل اعتماد دیـد حکم می‌دهد مدیون وجه سـند را فورا در صورتی‌که حال باشد و پس از انقضای اجل در صورت موجل بودن به‌صـندوق عدلیه بسپارد. ماده ۳۳۳ ـ اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سـند مفقودپس از آن مـدت قابل مطالبه نیست سـند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸رفتار والا وجهی که در صـندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی‌داده می‌شود. ماده ۳۳۴ ـ مقررات این باب شامل اسکناس نیست

باب ششم ـ دلالی

فصل اول ـ کلیات (م ۳۳۵ تا م ۳۴۷)

ماده ۳۳۵ ـ دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی‌شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدامی کند. اصولاـ قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است ماده ۳۳۶ ـ دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی نموده و شخصا نیز تجارت کند. ماده ۳۳۷ ـ دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معاملات مطلع سازد ولو این‌که دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند دلال در مقابل هر یک از طرفین مسوول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد. ماده ۳۳۸ ـ دلال نمی‌تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تادیه دین نماید و یا آن‌که تعهدات آنها را به موقع اجراء گذارد مگر این‌که اجازه‌نامه مخصوصی داشته باشد. ماده ۳۳۹ ـ دلال مسوول تمام اشیا و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر این‌که ثابت نماید که ضایع یا تلف‌شدن اشیا یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است ماده ۳۴۰ ـ در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال‌التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر این‌که طرفین معامله او را از این قید معاف دارند. ماده ۳۴۱ ـ دلال می‌تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمرین را از این‌ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رای آنها شود مطلع نماید. ماده ۳۴۲ ـ هرگاه معامله به‌توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی‌راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی‌که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به‌توسط او معامله را کرده‌انددلال ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتجات و اسنادمزبوراست ماده ۳۴۳ ـ دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند وضامن اجرای معاملاتی که به‌توسط او می‌شود نیست ماده ۳۴۴ ـ دلال در خصوص ارزش یا جنس مال‌التجاره‌ای که موردمعامله بوده مسوول نیست مگر این‌که ثابت شود تقصیر از جانب اوبوده است ماده ۳۴۵ ـ هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص‌دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است ماده ۳۴۶ ـ در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد بایدبه طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد والا مسوول خسارات‌وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم‌خواهد شد. ماده ۳۴۷ ـ در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامنا مسوول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم ـ اجرت دلال و مخارج(م ۳۴۸ تا م ۳۵۵)

ماده ۳۴۸ ـ دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد. ماده ۳۴۹ ـ اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او ماموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتی محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی‌را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد. ماده ۳۵۰ ـ هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس ازحصول شرط مستحق اجرت خواهد بود. ماده ۳۵۱ ـ اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می‌کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آن‌که معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتی محل به‌پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند. ماده ۳۵۲ ـ در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به‌واسطه یکی ازخیارات قانونی فسخ بشود

حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی‌شود مشروط بر این‌که فسخ معامله مستند به دلال نباشد. ماده ۳۵۳ ـ دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد. ماده ۳۵۴ ـ حق‌الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مامور انجام‌معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

فصل سوم ــ دفتر (م ۳۵۶)

ماده ۳۵۵ و ۳۵۶ نسخ گردیده است

باب هفتم ــ حق‌العمل‌کاری (کمیسیون (م ۳۵۷ تا ۳۷۶)

ماده ۳۵۷ ـ حق‌العمل‌کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب‌دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العملی دریافت می‌دارد. ماده ۳۵۸ ـ جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق‌العمل‌کاری نیز رعایت خواهد شد. ماده ۳۵۹ ـ حق‌العمل‌کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضرداشته و مخصوصا در صورت انجام ماموریت این نکته را به فوریت‌به او اطلاع دهد. ماده ۳۶۰ ـ حق‌العمل‌کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله‌است نیست مگر این‌که آمر دستور داده باشد. ماده ۳۶۱ ـ اگر مال‌التجاره‌ای که برای فروش نزد حق‌العمل‌کار ارسال‌شده دارای عیوب ظاهری باشد حق‌العمل‌کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان‌خسارت بحری (آواری به وسایل مقتضیه و محافظت مال‌التجاره‌اقدامات لازمه به‌عمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند والا مسوول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود. ماده ۳۶۲ ـ اگر بیم فساد سریع مال‌التجاره‌ای رود که نزد حق‌العمل‌کار برای فروش ارسال شده حق‌العمل‌کار می‌تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال‌التجاره را با اطلاع‌مدعی‌العموم محلی که مال‌التجاره در آن‌جا است یا نماینده او به‌فروش برساند. ماده ۳۶۳ ـ اگر حق‌العمل‌کار مال‌التجاره‌ای را به کمتر از حداقل قیمتی‌که آمر معین کرده به‌فروش رساند مسوول تفاوت خواهد بود مگراین‌که ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمردر موقع مقدور نبوده است ماده ۳۶۴ ـ اگر حق‌العمل‌کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه‌خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید. ماده ۳۶۵ ـ اگر حق‌العمل‌کار مال‌التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین‌کرده بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به‌فروش رساندحق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب‌دارد. ماده ۳۶۶ ـ اگر حق‌العمل‌کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشدیا پیش‌قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بودمع‌ذلک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارتی محل باشدحق‌العمل‌کار ماذون به آن محسوب می‌شود مگر در صورت دستورمخالف آمر. ماده ۳۶۷ ـ حق‌العمل‌کار در مقابل آمر مسوول پرداخت وجوه و یاانجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر این‌که مجاز در معامله‌به اعتبار نبوده و یا شخصا ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف‌تجارتی بلد او را مسوول قرار دهد. ماده ۳۶۸ ـ مخارجی که حق‌العمل‌کار کرده و برای انجام معامله و نفع‌آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده‌ای که به نفع آمر داده باشد بایداصلا و منفعتا به حق‌العمل‌کار مسترد شود. حق‌العمل‌کار می‌تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به‌حساب آمر گذارد. ماده ۳۶۹ ـ وقتی حق‌العمل‌کار مستحق حق‌العمل می‌شود که معامله‌اجراء شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به‌اموری که در نتیجه علل دیگری انجام‌پذیر نشده حق‌العمل‌کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت‌محل معین می‌نماید. ماده ۳۷۰ ـ اگر حق‌العمل‌کار کار نادرستی کرده و مخصوصا در موردی‌که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت‌فروش محسوب دارد مستحق حق‌العمل نخواهد بود بعلاوه در دوصورت اخیر آمر می‌تواند خود حق العمل کار را خریدار یا فروشنده

محسوب کند. تبصره ـ دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت‌مقرر است نیست ماده ۳۷۱ ـ حق‌العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از اونسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذکرده حق حبس خواهد داشت ماده ۳۷۲ ـ اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع‌کرده و مال‌التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق‌العمل کار بگذاردحق‌العمل کار می‌تواند آن را با نظارت مدعی‌العموم بدایت محل یانماینده او به طریق مزایده به‌فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آن‌جا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده‌او به‌عمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلا باید به او اخطاریه رسمی‌ارسال گردد مگر این‌که اموال از جمله اموال سریع‌الفساد باشد. ماده ۳۷۳ ـ اگر حق‌العمل کار مامور به خرید یا فروش مال‌التجاره یااسناد تجارتی یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری‌دارد می‌تواند چیزی را که مامور به خرید آن بوده خود شخصا به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مامور به‌فروش آن بوده شخصا به‌عنوان خریدار نگاه دارد مگر این‌که آمر دستور مخالفی داده‌باشد. ماده ۳۷۴ ـ در مورد ماده فوق حق‌العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه‌بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می‌دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق‌العمل و هم مخارج عادیه‌حق‌العمل کاری را برداشت کند. ماده ۳۷۵ ـ در هر موردی که حق العمل کار شخصا می‌تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف‌معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد. ماده ۳۷۶ ـ اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق‌العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی‌تواند شخصا خریدار یا فروشنده واقع شود.

باب هشتم ـ قرارداد حمل و نقل (م ۳۷۷ تا م ۳۹۴)

ماده ۳۷۷ ـ متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را به‌عهده می‌گیرد. ماده ۳۷۸ ـ قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر درمواردی که ذیلا استثناء شده باشد. ماده ۳۷۹ ـ ارسال‌کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل‌برساند: آدرس صحیح مرسل‌الیه محل تسلیم مال عده عدل یابسته و طرز عدل‌بندی وزن و محتوای عدلها، مدتی که مال باید درآن مدت تسلیم شود؛ راهی را که حمل باید از آن راه به‌عمل آید،قیمت اشیائی که گرانبها است خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات‌فوق و یا از تعیین آنها بغلط متوجه ارسال‌کننده خواهد بود. ماده ۳۸۰ ـ ارسال‌کننده باید مواظبت نماید که مال‌التجاره به طرز مناسبی عدل‌بندی شود. خسارات بحری (آواری ناشی از عیوب عدل‌بندی به عهده ارسال‌کننده است ماده ۳۸۱ ـ اگر عدل‌بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال‌را بدون قید عدم مسوولیت قبول کرده باشد مسوول آواری خواهدبود. ماده ۳۸۲ ـ ارسال‌کننده می‌تواند مادام که مال‌التجاره در یدمتصدی‌حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد. ماده ۳۸۳ ـ در موارد ذیل ارسال‌کننده نمی‌تواند از حق استرداد مذکوره‌در ماده ۳۸۲ استفاده کند: ۱ ـ در صورتی که بارنامه توسط ارسال‌کننده تهیه و به‌وسیله‌متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد؛ ۲ ـ در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال‌کننده داده و ارسال‌کننده نتواند آن را پس بدهد؛ ۳ ـ در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه اعلام کرده باشدکه مال‌التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد؛ ۴ ـ در صورتی که پس از وصول مال‌التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل‌الیه‌عمل کند معذلک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال‌کننده‌داده مادام که مال‌التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستورمرسل‌الیه نخواهد بود مگر این‌که رسید به مرسل‌الیه تسلیم شده‌باشد. ماده ۳۸۴ ـ اگر مرسل‌الیه مال‌التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال‌التجاره تادیه نشود و یا به‌مرسل‌الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال‌کننده رسانیده و مال‌التجاره را موقتا نزد خود به‌طورامانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت‌مخارج و هر نقص و عیب به عهده ارسال‌کننده خواهد بود. اگر ارسال‌کننده و یا مرسل‌الیه در مدت مناسبی تکلیف مال‌التجاره رامعین نکند

متصـدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را به‌فروش برسانـد. ماده ۳۸۵ ـ اگر مال‌التجاره در معرض تضـییع سریع باشد و یا قیمتی که‌می‌توان برای آن فرض کرد بـا مخـارجی که برای آن شـده تکافو ننمایدمتصـدی حمل و نقل بایـد فورا مراتب را به اطلاع مـدعی العموم بـدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند. حتی‌المقدور ارسال‌کننده و مرسل‌الیه را باید از این‌که مال‌التجاره‌به‌فروش خواهد رسـید مسـبوق نمود. ماده ۳۸۶ ـ اگر مال‌التجـاره تلف یـا گم شود متصـدی حمل و نقل مسوول قیمت آن خواهـد بود مگر این‌که ثـابت نمایـد تلف یا گم شـدن مربوط‌به جنس خود مال‌التجاره یا مسـتند به تقصـیر ارسال‌کننـده و یامرسل‌الیه و یا ناشـی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یامربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانسـت از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارات‌مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال‌التجاره معین نماید. ماده ۳۸۷ ـ در مورد خسـارت ناشـیه از تـاخیر تسـلیم یـا نقص یـا خسـارات‌بحری (آواری مال‌التجـاره نیز متصـدی حمل و نقل در حـدود ماده‌فوق مسوول خواهد بود. خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف‌شدن تمام مال‌التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر این‌که قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشـته باشد. ماده ۳۸۸ ـ متصدی حمل و نقل مسوول حوادث و تقصـیراتی است که‌در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از این‌که خود مباشـرت به حمل‌و نقل کرده و یا حمل و نقل‌کننده دیگری را مـامور کرده باشـد. بـدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصـدی حمـل و نقلی که از جـانب او مامور شـده محفوظ است ماده ۳۸۹ ـ متصـدی حمل و نقل باید به محض وصول مال‌التجاره‌مرسل‌الیه را مستحضـر نماید. ماده ۳۹۰ ـ اگر مرسل‌الیه میزان مخـارج و سـایر وجوهی را که متصـدی‌حمل و نقـل بـابت مال‌التجـاره مطالبه می‌نمایـد قبول نکنـد حق‌تقاضای تسـلیم مال‌التجاره را نخواهـد داشت مگر این‌که مبلغ متنازع‌فیه را تا ختم اختلاف در صـندوق عدلیه امانت گذارد. ماده ۳۹۱ ـ اگر مال‌التجاره بدون هیچ قیـدی قبول و کرایه آن تادیه شوددیگر بر علیه متصـدی حمل و نقل دعوا پـذیرفته نخواهد شد مگر درمورد تدلیس یا تقصـیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسوول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل‌الیه آن آواری رادر مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی به مال‌التجـاره ممکن‌بود به‌عمـل آیـد و یـا بـایستی به‌عمـل آمـده باشـد مشاهـده کرده و فورا پس از مشاهـده به متصـدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این‌اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال‌التجاره داده‌شود. ماده ۳۹۲ ـ در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل‌الیه‌اختلاف باشد محکمه صـلاحیتدار محل می‌تواند به تقاضای یکی ازطرفین امر دهد مال‌التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یالدی‌الاقتضاء فروخته شود، در صورت اخیر فروش باید پس ازتنظیم صورت‌مجلسی حاکی از آن‌که مال‌التجاره در چه حال بوده‌به‌عمل آید. به‌وسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال‌التجاره ادعا می‌شود و یـا سپردن آن به صـندوق عـدلیه از فروش مال‌التجـاره‌می‌توان جلوگیری کرد. ماده ۳۹۳ ـ نسـبت به دعوای خسارت بر علیه متصـدی حمل و نقل‌مدت مرور زمان یک سال است مبداء این مدت در صورت تلف یاگم شدن مال‌التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسـلیم بـایستی در آن روز به‌عمل آمـده باشـد و در صورت خسارات بحری آواری روزی که مال به مرسل‌الیه تسـلیم شـده ماده ۳۹۴ ـ حمل و نقل به‌وسیله پست تابع مقررات این باب نیست

باب نهم ـ قائم‌مقام تجارتی و سایر نمایندگان تجارتی (م ۳۹۵ تا ۴۰۱)

ماده ۳۹۵ ـ قـائم مقـام تجارتی کسـی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شـعب آن نـایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام‌آور است سـمت مزبور ممکن است کتبا داده شود یا عملا. ماده ۳۹۶ ـ تجدید اختیارات قائم مقام تجارتی در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته‌اند معتبر نیست ماده ۳۹۷ ـ قائم مقامی تجارتی ممکن است به چنـد نفر مجتمعا داده شود با قیـد این که تا تمام امضا نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشـخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشـته‌اند فقط درصورتی می‌توان از آن اسـتفاده کرد که این قیـد مطابق مقررات وزارت‌عـدلیه به ثبت رسـیده و اعلان شـده

باشد. ماده ۳۹۸ ـ قـائم مقـامی تجـارتی بـدون اذن رئیس تجارتخـانه نمی‌توانـد کسـی را در کلیه کارهای تجارتخانه نایب خود قرار دهد. ماده ۳۹۹ ـ عزل قائم مقام تجارتی که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود والا ـ در مقابـل ثـالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب‌می‌شود. ماده ۴۰۰ ـ بـا فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم‌مقام تجارتی منعزل‌نیست با انحلال شـرکت قائم‌مقام تجارتی منعزل است ماده ۴۰۱ ـ وکالت سایر کسانی که در قسـمتی از امور تجارتخانه یا شعبه‌تجارتخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به‌وکالت است

باب دهم ــ ضمانت (م ۴۰۲ تا ۴۱۱)

ماده ۴۰۲ ـ ضامن وقتی حق دارد از مضمون‌له تقاضا نماید که بدوا به‌مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت‌نامه این ترتیب مقرر شده باشد. ماده ۴۰۳ ـ در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصـی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعا رجوع کرده یـا پس از رجوع به یکی از آنهـا و عـدم وصول طلب خود برای تمـام یـا بقیه طلب به دیگری رجوع‌نمایـد. مـاده ۴۰۴ ـ حکم فوق در موردی نیز جاری است که چنـد نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامنا مسوول انجام تعهدی باشـند. ماده ۴۰۵ ـ قبل از رسـیدن اجل دین اصـلی ضامن ملزم به تادیه نیست ولو این‌که به‌واسـطه ورشکسـتگی یا فوت مدیون اصـلی دین موجل او حال شده باشـد. ماده ۴۰۶ ـ ضـمان حـال از قاعـده فـوق مسـتثنی است مـاده ۴۰۷ ـ اگر حق مطـالبه دین اصـلی مشـروط به اخطـار قبلی اسـت این‌اخطار نسبت به ضامن نیز باید به‌عمل آید. ماده ۴۰۸ ـ همین که دین اصـلی به نحوی از انحاء ساقط شـد ضامن نیزبری می‌شود. ماده ۴۰۹ ـ همین که دین حال شـد ضامن می‌توانـد مضـمون‌له را به‌دریافت طلب یا انصـراف از ضـمان ملزم کند ولو ضـمان موجل باشد. ماده ۴۱۰ ـ اسـتنکاف مضـمون‌له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه اگر دین با وثیقه بوده ضامن را فورا و به‌خودی خود بری‌خواهـد ساخت ماده ۴۱۱ ـ پس از آن‌که ضامن دین اصـلی را پرداخت مضـمون‌له بایـدتمام اسـناد و مـدارکی را که برای رجوع ضامن به مضـمون عنه لازم ومفید است به او داده و اگر دین اصـلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسـلیم نماید، اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته مضمون‌عنه‌مکلف به انجام تشریفاتی است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم‌است

باب یازدهم ــ در ورشکستگی

فصل اول ــ در کلیات (م ۴۱۲)

ماده ۴۱۲ ـ ورشکسـتگی تـاجر یـا شـرکت تجـارتی در نـتیجه توقـف از تـادیه وجـوهی که بر عهـده او است حاصـل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین‌الفوت در حال توقف بوده تا یک‌سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.

فصل‌دوم ــ دراعلان ورشکستگی و اثرات آن(م ۴۱۳ تا ۴۲۶)

ماده ۴۱۳ ـ تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بـدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجارتی خود را به دفتر محکمه مزبوره تسـلیم نماید. ماده ۴۱۴ ـ صورت‌حساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضای تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد: ۱ ـ تعداد

و تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول تـاجر متوقف به طور مشـروح ، ۲ ـ صورت کلیه قروض و مطالبـات ۳ ـ صورت نفع و ضـرر و صورت مخـارج شخصـی در صورت توقف شـرکتهای تضـامنی مختلـط یـا نسبی اسـامی و محـل اقامت کلیه شـرکای ضامن نیز باید ضمیمه شود. ماده ۴۱۵ ـ ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود: الف ـ برحسب اظهار خود تاجر، ب ـ به موجب تقاضای یک یا چنـد نفر از طلبکارها، ج ـ برحسب تقاضای مـدعی‌العموم بدایت ماده ۴۱۶ ـ محکمه باید در حکم خود تاریـخ توقف تاجر را معین نمایـد و اگر در حکم معین نشـد،تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است ماده ۴۱۷ ـ حکم ورشکستگی به‌طور موقت اجرا می‌شود. مـاده ۴۱۸ ـ تاجر ورشکسـته از تاریـخ صـدور حکم از مـداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مـدت ورشکسـتگی عاید او گردد ممنوع است در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسـته که اسـتفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند. ماده ۴۱۹ ـ از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کنـد، کلیه اقـدامات اجرایی نیز مشـمول همین دسـتور خواهـد بـود. مـاده ۴۲۰ ـ محکمه هر وقت صـلاح بـداند می‌توانـد ورود تـاجر ورشکسـته را به عنوان شـخص ثالث در دعوای مطروحه اجازه دهـد. ماده ۴۲۱ ـ همین که حکم ورشکسـتگی صادر شد قروض موجل بارعایت تخفیفات مقتضیـه نسـبت به مدت به قروض حال مبدل‌می‌شود. ماده ۴۲۲ ـ هر گاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یـا براتی صـادر کرده که قبول نشـده یـا براتی را قبولی نوشـته سـایر اشخاصـی که مسوول تـادیه‌وجه فته‌طلب یـا برات می‌باشـند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقدا بپردازند یا تادیه آن را در سر وعده تأمین نمایند. ماده ۴۲۳ ـ هرگاه تاجر بعـد از توقف معاملات ذیل را بنمایـد باطل و بلااثر خواهـد بود: ۱ ـ هر صـلح محابـاتی یا هبه و به‌طور کلی هر نقل و انتقـال بلاـعوض اعم از این‌که راجع به منقول یا غیرمنقول باشـد، ۲ ـ تـادیه هر قرض اعم از حـال یـا موجل به هر وسـیله که به‌عمل آمده‌باشد، ۳ ـ هر معـامله‌ای که مـالی از اموال منقول یـا غیر منقول تـاجر را مقیـد نمایـد و به ضـرر طلبکـاران تمام شود. ماده ۴۲۴ ـ هرگـاه در نتیجه اقـامه دعوا از طرف مـدیر تصـفیه یـا طلبکـاری‌بر اشخاصـی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای‌دین یا برای اضـرار به طلبکارها معامله نموده که متضـمن ضـرری بیش از ربع قیمت حین‌المعامله بوده است آن معامله قابل فسـخ‌است مگر این‌که طرف معامله قبل از صـدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد. دعوا فسـخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود. ماده ۴۲۵ ـ هرگاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسـخ معامله را صادر نمایـد محکوم علیه بایـد پس از قطعی شـدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عینا به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت‌حین المعامله آن را قبل از آن‌که دارایی تاجر به غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد. ماده ۴۲۶ ـ اگر در محکمه ثابت شود که معامله به‌طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معـامله خودبه‌خود باطـل عین و منـافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه‌ای خواهد برد.

فصل سوم ـ در تعیین عضو ناظر (م ۴۲۷ تا ۴۳۲)

ماده ۴۲۷ ـ در حکمی که به موجب آن ورشکسـتگی تاجر اعلام می‌شود محکمه یک نفر را به سـمت عضو ناظر معین خواهد کرد. ماده ۴۲۸ ـ عضو نـاظر مکلف به نظـارت در اداره امور راجعه به ورشکسـتگی و سـرعت جریـان آن است ماده ۴۲۹ ـ تمام منازعات ناشیه از ورشکسـتگی را که حـل آن از صـلاحیت محکمه است عضو نـاظر به محکمه راپورت خواهـد داد. ماده ۴۳۰ ـ شـکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن‌است که این قانون معین نموده ماده ۴۳۱ ـ مرجع شکایت محکمه‌ای است که عضو ناظر

را معین کرده ماده ۴۳۲ ـ محکمه همیشه می‌تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را به‌جای او بگمارد.

فصل چهارم ـ در اقدام به مهروموم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته (م ۴۳۳ تا م ۴۳۹)

ماده ۴۳۳ ـ محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیزمی‌دهد. ماده ۴۳۴ ـ مهر و موم باید فورا به‌توسط عضو ناظر به عمل آید مگر درصورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فورا شروع به برداشتن صورت شود. ماده ۴۳۵ ـ اگر تاجر ورشکسته به مفاد ۴۱۳ و ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد. ماده ۴۳۶ ـ قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد به‌واسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل‌ورشکستگی می‌خواهد جلوگیری کند. ماده ۴۳۷ ـ در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارایی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می‌تواند برحسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فورا اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی‌العموم اطلاع دهد. ماده ۴۳۸ ـ انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود. ماده ۴۳۹ ـ در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکای ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر این که حکم ورشکستگی آنها در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به‌موجب حکم جداگانه صادر شده باشد. تبصره ـ در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم‌معاف است

فصل پنجم ـ در مدیر تصفیه(م ۴۴۰ تا م ۴۴۲)

ماده ۴۴۰ ـ محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتها در ظرف ۵ روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می‌کند. ماده ۴۴۱ ـ اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و به‌طور کلی وظایف مدیر تصفیه علاوه بر آن قسمتی که به موجب‌این قانون معین شده بر طبق نظام‌نامه‌ای که از طرف وزارت عدلیه‌تنظیم می‌شود معین خواهد شد. ماده ۴۴۲ ـ میزان حق‌الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

فصل ششم ـ در وظایف مدیر تصفیه

مبحث اول ـ در کلیات (م ۴۴۳ تا ۴۵۰)

ماده ۴۴۳ ـ اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود. ماده ۴۴۴ ـ عضو ناظر به تقاضای مدیر تصفیه به او اجازه می‌دهد که اشیای ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید: ۱ ـ البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوایج ضروری تاجر ورشکسته‌و خانواده او لازم است ۲ ـ اشیائی که ممکن است قریبا ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید؛ ۳ ـ اشیائی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فورا تقویم و صورت آن برداشته شود. ماده ۴۴۵ ـ فروش اشیائی که ممکن است قریبا ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاه‌داشتن آنها مفید

نیست و همچنین به‌کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیر تصفیه به‌عمل می‌آید. ماده ۴۴۶ ـ دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آن‌که ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می‌نماید. دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را به‌طور خلاصه قید کند، اوراق تجارتی هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تامینیه به عمل آید ازتوقیف خارج شده در صورت‌مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحویل می‌شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه‌گرفته می‌شود به عضو ناظر تسلیم گردد، سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضی که می‌دهد وصول می‌نماید. مراسلاتی که به اسم تاجر ورشکسته می‌رسد به مدیر تصفیه تسلیم و به توسط او بازمی‌شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می‌تواند شرکت کند. ماده ۴۴۷ ـ تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می‌تواند نفقه خود و خانواده‌اش را از دارایی خود درخواست کند. در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می‌نماید. ماده ۴۴۸ ـ مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضارمی‌نماید و برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده‌می‌شود در صورتی که تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام به‌عمل خواهد آمد، تاجر ورشکسته می‌تواند در موقع کلیه عملیات‌تامینیه حاضر باشد. ماده ۴۴۹ ـ در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فورا به‌وسیله دفاتر و اسناد مشارالیه‌و سایر اطلاعاتی که تحصیل می‌نماید تنظیم می‌کند. ماده ۴۵۰ ـ عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارایی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت‌مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم ــ در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی(م ۴۵۱ تا م ۴۵۵)

ماده ۴۵۱ ـ مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارایی نموده و تاجر ورشکسته را هم در این موقع احضارمی‌کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست ماده ۴۵۲ ـ مدیر تصفیه به‌تدریجی که رفع توقیف می‌شود صورت دارایی را در دو نسخه تهیه می‌نماید. یکی از نسختین به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد اومی‌ماند. ماده ۴۵۳ ـ مدیر تصفیه می‌تواند برای تهیه صورت دارایی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند. صورت اشیائی که‌موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلا تقویم شده است‌ضمیمه صورت دارایی خواهد شد. ماده ۴۵۴ ـ مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ ماموریت خود صورت خلاصه‌ای از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل‌و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظاهرا به‌نظر می‌آید ترتیب داده به عضو ناظر بدهد. عضو ناظر صورت مزبور رافورا به مدعی‌العموم ابتدایی محل تسلیم می‌نماید. ماده ۴۵۵ ـ صاحب‌منصبان پارکه می‌توانند فقط به‌عنوان نظارت به منزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارایی حضوربه هم رسانند مامورین پارکه در هر موقع حق دارند به دفاتر و اسنادو نوشتجات مربوط به ورشکستگی مراجعه کنند این مراجعه نبایدباعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم ــ در فروش اموال و وصول مطالبات (م ۴۵۶ تا م ۴۶۰)

ماده ۴۵۶ ـ پس از تهیه شدن صورت دارایی تمام مال‌التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (به غیر از مستثنیات دین و اشیای تاجر ورشکسته به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود. ماده ۴۵۷ ـ مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می‌نماید و همچنین می‌تواند با اجازه مدعی‌العموم و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث‌البیت و مال‌التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلا ـ باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا لااقل‌مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند، ترتیب فروش

به‌موجب نظام‌نامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۴۵۸ ـ نسبت به تمام دعاوی که هیات طلبکارها در آن ذی‌نفع‌می‌باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می‌تواند دعوا را به صلح‌خاتمه دهد اگرچه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد. ماده ۴۵۹ ـ اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم‌الاجراء نخواهد بود مگر این‌که محکمه آن صلح را تصدیق نماید، در موقع تصدیق صلح‌نامه تاجر ورشکسته احضار می‌شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند،اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف‌صلح را معین نماید. ماده ۴۶۰ ـ وجوهی که به‌توسط مدیر تصفیه دریافت می‌شود باید فورا به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج بازمی‌کند. وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی‌گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه

مبحث چهارم ــ در اقدامات تأمینیه (م ۴۶۱)

ماده ۴۶۱ ـ مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به ماموریت ، اقدامات تامینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت به‌مدیونین او به‌عمل آورد.

مبحث پنجم ــ در تشخیص مطالبات طلبکارها(م ۴۶۲ تا م ۴۷۵)

ماده ۴۶۲ ـ پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند، در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظام‌نامه وزارت‌عدلیه معین شده اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند. ماده ۴۶۳ ـ تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر معین می‌گردد، به ترتیبی که در نظام‌نامه معین خواهد شد، تعقیب می‌شود. ماده ۴۶۴ ـ هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارایی منظور شده می‌تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور به‌هم رسانیده و نسبت به طلبهایی که سابقا تشخیص شده یا فعلا ـ در تحت رسیدگی است اعتراض نماید، همین‌حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت ماده ۴۶۵ ـ محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می‌شود و تعیین قلم‌خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع‌فیه است ماده ۴۶۶ ـ عضو ناظر می‌تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد. ماده ۴۶۷ ـ اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته و امضاء می‌نماید و عضو ناظر نیز آن را تصدیق‌می‌کند. «جزو قروض ... مبلغ ... قبول شد به تاریخ ...» هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظام‌نامه وزارت عدلیه معین می‌شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب‌حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است ماده ۴۶۸ ـ اگر طلب متنازع‌فیه واقع شده عضو ناظر می‌تواند حل قضیه‌را به محکمه رجوع و محکمه باید فورا از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید. محکمه می‌تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر به‌عمل آید و اشخاصی را که می‌توانند راجع به این‌طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند. ماده ۴۶۹ ـ در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه‌رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید برحسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیات طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تاخیر افتد و یا این‌که منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود. ماده ۴۷۰ ـ محکمه می‌تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قراردهد که صاحب طلب متنازع‌فیه معادل مبلغی که محکمه

در قرار مزبور معین می‌کند موقتا طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیات‌طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید. ماده ۴۷۱ ـ در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می‌تواند قرار تاخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تاخیر مجلس نمود نمی‌تواند صاحب آن طلب را موقتا جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده‌اند طلبکار مزبور نمی‌تواند به هیچ‌وجه در عملیات راجعه به‌ورشکستگی شرکت کند. ماده ۴۷۲ ـ پس از انقضای مهلتهای معین در مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ به ترتیب‌قرارداد ارفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت‌می‌شود. ماده ۴۷۳ ـ طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که‌راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به‌عمل آمده حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد به‌عمل آید جزء غرما حساب می‌شوند بدون این‌که حق داشته باشند حصه‌ای راکه در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند. ماده ۴۷۴ ـ اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته‌دعوای خیاراتی دارند و صرف‌نظر از آن نمی‌کنند باید آن را در حین‌تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و به موقع اجراء گذارند. ماده ۴۷۵ ـ حکم فوق درباره دعوای خیاراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر این‌که بر ضرر طلبکارها نباشد.

فصل هفتم – درقرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول ــ در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها (م ۴۷۶ تا م ۴۷۸)

ماده ۴۷۶ ـ عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که به موجب نظام‌نامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده به‌توسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتا قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت‌می‌نماید، موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعه‌های‌دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود. ماده ۴۷۷ ـ مجمع عمومی مزبوره در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود، طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهایی که طلب آنها موقتا قبول گردیده یا وکیل‌ثابت‌الوکاله آنها حاضر می‌شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می‌شود مشارالیه باید شخصا حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به‌تصدیق عضو ناظر رسیده باشد. ماده ۴۷۸ ـ مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به‌عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد، راپورت مزبور به امضای مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می‌شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت‌مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم ــ در قرارداد ارفاقی

فقره اول ــ در ترتیب قرارداد ارفاقی (م ۴۷۹ تا م ۴۸۸)

ماده ۴۷۹ ـ قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی‌شود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است ماده ۴۸۰ ـ قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می‌شود که لااقل نصف بعلاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتا قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند والا بلااثرخواهد بود. ماده ۴۸۱ ـ هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عددا حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه

ربع از مطالبات نباشند یا آن‌که‌دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک‌هفته بعد داده می‌شود. ماده ۴۸۲ ـ طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت‌مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آن‌که بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبارخود باقی است اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق‌ماده ۴۸۰ تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود. ماده ۴۸۳ ـ اگر تاجر به‌عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود، در موقعی که تاجر به‌عنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می‌شود لازم است طلبکارها دعوت‌شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه‌رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهندگرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به‌موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد. ماده ۴۸۴ ـ اگر تاجر به‌عنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع‌شده باشد طلبکارها می‌توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت‌مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را تاخیر بیاندازند. ماده ۴۸۵ ـ کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته‌اند می‌توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند، اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود والا از درجه اعتبار ساقط خواهدبود. مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی می کند احضار می‌شوند. ماده ۴۸۶ ـ قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نماید محکمه نمی‌تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید، هرگاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی بعمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی‌حکم واحد صادر کند، اگر اعتراضات تصدیق شود قرارداد نسبت به‌تمام اشخاص ذی‌نفع بلااثر می‌شود. ماده ۴۸۷ ـ قبل از آن‌که محکمه در باب تصدیق قرارداد رای دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید. ماده ۴۸۸ ـ در صورت عدم رعایت قواعد مقرره محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.

فقره دوم – در اثرات قرارداد ارفاقی(م ۴۸۹ تا م ۴۹۱)

ماده ۴۸۹ ـ همین‌که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضا نموده‌اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضا نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تادیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضا نموده‌اند. ماده ۴۹۰ ـ پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوای بطلان نسبت به آن قبول نمی‌شود مگر این‌که پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارایی یا مقدار قروض حیله‌ای به‌کار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است ماده ۴۹۱ ـ همین‌که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت‌حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می‌دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می‌شود. مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا نکرده‌اند داده شود به مشارالیه رد کرده و رسید می گیرد و پس از آن که قرار تادیه سهم طلبکاران مذکور را داد ماموریت مدیر تصفیه ختم می‌شود، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می‌نماید و ماموریتش

خاتمه می‌یابد. در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده و حکم مقتضی‌خواهد داد.

فقره سوم– در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی (م ۴۹۲ تا م ۵۰۳)

ماده ۴۹۲ ـ در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است ۱ ـ در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب ۲ ـ در مورد ماده ۴۹۰. ماده ۴۹۳ ـ اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامنها (در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی‌می‌شود. ماده ۴۹۴ ـ اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکرد،ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوا نمود. ماده ۴۹۵ ـ در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چندنفر ضمانت کرده باشند طلبکارها می‌توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می‌شود. در صورت تعدد ضامن مسوولیت آنها تضامنی است ماده ۴۹۶ ـ اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد به عنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس درآیدمحکمه می‌تواند هر قسم وسایل تامینیه را که مقتضی بداند اتخاذکند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسایل مزبوره مرتفع می‌شود. ماده ۴۹۷ ـ پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین‌می‌کند. ماده ۴۹۸ ـ مدیر تصفیه می‌تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید. مدیر تصفیه فورا از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارایی ترتیب می‌دهد. مدیر تصفیه باید فورا به‌وسیله اعلان‌در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف‌یک ماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند؛ در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که به موجب آن مدیر تصفیه معین شده‌است باید درج شود. ماده ۴۹۹ ـ بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می‌شود، نسبت به مطالباتی که سابقا تشخیص یاتصدیق شده است رسیدگی جدید بعمل نمی‌آید ، مطالباتی که‌تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است ،موضوع می‌شود. ماده ۵۰۰ ـ معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد. ماده ۵۰۱ ـ در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده‌اند به غرما تقسیم می‌شود. ماده ۵۰۲ ـ اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته‌اند ماخوذی آنها از وجهی که به ترتیب غرما به آنها می‌رسد کسر خواهد شد. ماده ۵۰۳ ـ هرگاه تاجری ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیا بدون این‌که قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم‌الاجراء است

مبحث سوم ــ در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی(م ۵۰۴ تا م ۵۱۳)

ماده ۵۰۴ ـ اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فورا به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد. ماده ۵۰۵ ـ در صورتی که اکثریت مذکور در ماده (۴۸۰) موافقت نماید محکمه مبلغی را برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷معین خواهد کرد. ماده ۵۰۶ ـ اگر شرکت تضامنی مختلط یا نسبی ورشکست شود طلبکارها می‌توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصرا با یک یاچند نفر از شرکای ضامن منعقد نمایند. در صورت ثانی دارایی شرکت تابع مقررات این مبحث و به غرما تقسیم می‌شود ولی دارایی شخصی شرکایی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است به‌غرما تقسیم نخواهد شد، شریک یا شرکای ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی‌توانند تعهد حصه‌ای نمایند مگر از اموال شخصی خودشان شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسوولیت ضمانتی مبری است ماده ۵۰۷ ـ اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه

دهندمی‌تواننـد برای این امر وکیل یا عامل مخصوصـی انتخاب نموده یا به خود مـدیر تصـفیه این ماموریت را بدهند. ماده ۵۰۸ ـ در ضمـن تصـمیمی که وکـالت مـذکور در مـاده فـوق را مقرر می‌دارد بایـد مـدت و حـدود وکـالت و همچنین میزان وجهی که وکیل می‌توانـد برای مخارج لازمه پیش خود نگاه دارد معین گردد ، تصـمیم مذکور اتخاذ نمی‌شود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع از طلبکارهـا عـددا و مبلغا، خود تاجر ورشکسـته و همچنین طلبکارهای مخالف (با رعایت ماده ۴۷۳) می‌توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند، این اعتراض اجرای تصمیم را به تاخیر نمی‌اندازد. ماده ۵۰۹ ـ اگر از معاملات وکیل یا عاملی که تجارت ورشکسـته را ادامه می‌دهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حد دارایی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه را داده‌انـد شـخصا علاوه برحصه‌ای که در دارایی مزبور دارنـد به نسبت طلبشان در حـدود اختیاراتی که داده‌انـد مسول تعهـدات مذکوره می‌باشند. ماده ۵۱۰ ـ در صورتی که عمل تاجر ورشکسـته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصـفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسـته را به فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صـلح و مصالحه و وصول و تفریغ کند. تمام این مراتب در تحت نظر عضـو نـاظر و بـا حضـور تـاجر ورشکسـته به عمـل می‌آیـد اگر تـاجر ورشکسـته از حضـور اسـتنکاف نمود اسـتحضار مـدعی‌العموم کافی‌است فروش اموال مطابق نظام‌نامه وزارت عـدلیه به‌عمل خواهـد آمد. ماده ۵۱۱ ـ همین‌که تفریـغ عمل تاجر به اتمام رسـید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسـته را دعوت می‌نماید. در این جلسه مدیرتصـفیه حساب خود را خواهد داد. ماده ۵۱۲ ـ هرگاه اموالی در اجاره تاجر ورشکسـته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقای اجاره به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصـمیم می‌کند، اگر تصـمیم بر فسخ اجاره شد صاحبان اموال مسـتاجره از بابت مال‌الاجاره‌ای که تا آن تاریخ مستحق شده‌اند جزء غرمـا منظور می‌شونـد اگر تصـمیم بر ابقـای اجـاره بوده و تامینـاتی هم سابقـا به موجب اجاره‌نامه به موجر داده شـده باشـد آن تامینات ابقاء خواهد شد والا تاميناتی که پس از ورشکسـتگی داده می‌شود باید کافی باشد، در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجاره موجر راضـی به فسخ نشود حق مطالبه تامین را نخواهد داشت ماده ۵۱۳ ـ مدیر تصـفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر اجاره را برای بقیه‌مـدت به دیگری تفویض نمایـد (مشـروط بر این‌که به موجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفـویض به‌غیربایـد وثیقـه کـافی کـه تـامین پرداخت مال‌الاجـاره را بنمایـد به مالـک امـوال مسـتاجره داده و کلیه شـرایط و مقررات اجاره‌نامه را به موقع خود اجرا کند.

فصل هشتم ـ در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هریک از آنها

مبحث اول ـ در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند(م ۵۱۴ تا م ۵۱۷)

ماده ۵۱۴ ـ طلبکارهایی که رهینه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند. ماده ۵۱۵ ـ مدیر تصفیه می‌تواند در هر موقع بـا اجـازه عضو نـاظر طلب طلبکارها را داده و شـییء مرهون را از رهن خارج و جزء دارایی تاجرورشکسـته منظور دارد. ماده ۵۱۶ ـ اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی‌العموم آن را به فروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکار باشد مازاد به مدیر تصـفیه تسلیم می‌شود و اگر قیمت فروش کمـتر شـد مرتهن برای بقیه طلب خـود در جزء طلبکارهـای عـادی در غرمـا منظـور خواهـد شـد. مـاده ۵۱۷ ـ مـدیر تصـفیه صورت طلبکارهایی را که ادعای وثیقه می‌نمایند به عضو ناظر تقدیم می‌کند. عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می‌دهد طلب آنها از اولین وجوهی که تهیه می‌شود پرداخته‌گردد در صورتی که نسبت به حق وثیقه طلبکارها اعتراضی داشته باشند به محکمه رجوع می‌شود.

مبحث دوم ـ در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق‌تقدم دارند (م ۵۱۸ تا م ۵۲۱)

ماده ۵۱۸ ـ اگر تقسيم وجوهی که از فروش اموال غيرمنقول حاصل‌شده قبل از تقسيم دارايی منقول يا در همان حين به عمل آمده باشد طلبکارهايی که نسبت به اموال غيرمنقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبور کفايت طلب آنها را ننموده است نسبت به بقيه‌طلب خود جزء غرمای معمولی منظور و از وجوهی که برای غرمای مزبور مقرر است حصه می‌برند مشروط بر اين‌که طلب آنها به‌طوری‌که قبلا مذکور شده است تصديق شده باشد. ماده ۵۱۹ ـ اگر قبل از تقسيم وجوهی که از فروش اموال غيرمنقول حاصل شده وجهی از بابت دارايی منقول تقسيم شود طلبکارهايی که نسبت به اموال غيرمنقول حقوقی دارند و طلب آنها تصديق و اعتراف شده است به ميزان کليه طلب خود جزء ساير غرما وارد و از وجوه مزبوره حصه می‌برند ولی عندالاقتضاء مبلغ دريافتی در موقع تقسيم حاصل اموال غيرمنقول از طلب آنها موضوع می‌شود. ماده ۵۲۰ ـ در مورد طلبکارهايی که نسبت به اموال غيرمنقول حقوقی دارند ولی به‌واسطه مقدم بودن ساير طلبکارها نمی‌توانند در حين تقسيم قيمت اموال غيرمنقول طلب خود را تماما وصول کنند ترتيب ذيل مرعی خواهد بود: اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسيم حاصل اموال غيرمنقول از بابت‌طلب خود وجهی دريافت داشته باشند اين مبلغ از حصه‌ای که از بابت اموال غيرمنقول به آنها تعلق می‌گيرد موضوع و به حصه‌ای که‌بايد بين طلبکارهای معمولی تقسيم شود اضافه می‌گردد و بقيه طلبکارهايی که در اموال غيرمنقول ذی‌حق بوده‌اند برای بقيه طلب خود به نسبت آن بقيه جزء غرما محسوب شده حصه می‌برند. ماده ۵۲۱ ـ اگر به‌واسطه مقدم بودن طلبکارهای ديگر بعضی از طلبکارهايی که نسبت به اموال غيرمنقول حقوقی دارند وجهی دريافت نکنند طلب آنها جزء غرما محسوب و بدين سمت هرمعامله‌ای که از بابت قرارداد ارفاقی و غيره با غرما می‌شود با آنها نيز به عمل خواهد آمد.

فصل‌نهم ــ درتقسيم بين طلبکارها و فروش اموال منقول(م ۵۲۲ تا م ۵۲۷)

ماده ۵۲۲ ـ پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانه‌ای که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که بايد به صاحبان مطالبات ممتازه تاديه گردد مجموع دارايی منقول بين طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلا تشخيص و تصديق شده است تقسيم خواهد شد. ماده ۵۲۳ ـ مدير تصفيه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی يک مرتبه صورت‌حساب عمل ورشکستگی را با تعيين وجوه موجوده به عضو ناظر می‌دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسيم وجوه مزبور بين طلبکارها داده مبلغ آن را معين و مواظبت می‌نمايد که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود. ماده ۵۲۴ ـ در موقع تقسيم وجوه بين طلبکارها حصه طلبکارهای مقيم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارايی و قروض منظور شده است موضوع می‌گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحيحا در صورت دارايی و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر می‌تواند حصه موضوعی را زياد کند. برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصميم قطعی اتخاذ نشده است بايد مبلغی موضوع گردد. ماده ۵۲۵ ـ وجوهی که برای طلبکارهای مقيم خارجه موضوع شده‌است تا مدتی که قانون برای آنها معين کرده به طور امانت به صندوق عدليه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق اين قانون مطالبات خود را به تصديق نرسانند مبلغ مزبور بين طلبکارهايی که طلب آنها به تصديق رسيده تقسيم می‌شود. وجوهی که برای مطالبات تصديق نشده موضوع گرديده در صورت عدم تصديق آن‌مطالبات بين طلبکارهايی که طلب آنها تصديق شده تقسيم می‌شود. ماده ۵۲۶ ـ هيچ طلبی را مدير تصفيه نمی‌پردازد مگر آن که مدارک واسناد آن را قبلا ملاحظه کرده باشد. مدير تصفيه مبلغی را که پرداخته‌در روی سند قيد می‌کند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می‌تواند اجازه دهد که به موجب صورت مجلسی که طلب در آن‌تصديق شده وجهی پرداخته شود. در هر حال بايد طلبکارها رسيدوجه را در ذيل صورت تقسيم ذکر کنند. ماده ۵۲۷ ـ ممکن است هيات طلبکارها با استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصيل اجازه نمايد که تمام يا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده به طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته

هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قراردهند در این‌صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را به‌عمل خواهد آورد در این خصوص هر طلبکار می‌تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ بنمایند.

فصل دهم ــ در دعوی استرداد (م ۵۲۸ تا ۵۳۵)

ماده ۵۲۸ ـ اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتی به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تادیه نگشته و اسناد عینا در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند. ماده ۵۲۹ ـ مال‌التجاره‌هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال‌التجاره به فروش‌برساند مادام که عین آنها کلا یا جزء نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است ماده ۵۳۰ ـ مال‌التجاره‌هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است ماده ۵۳۱ ـ هرگاه تمام یا قسمتی از مال‌التجاره‌ای که برای فروش به‌تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از این‌که نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و به‌طور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است ماده ۵۳۲ ـ اگر مال‌التجاره‌ای که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضای ارسال‌کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی‌شود والا ـ موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استردادکننده باید وجوهی را که به‌طور علی‌الحساب گرفته یا مساعدتا از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تادیه شده یا از این بابتها باید تادیه بشود به طلبکارها بپردازد. ماده ۵۳۳ ـ هرگاه کسی مال‌التجاره‌ای به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن‌هنوز آن جنس نه به خود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی‌دیگر که به حساب او بیاورد آن‌کس می‌تواند به اندازه‌ای که وجه آن‌را نگرفته از تسلیم مال‌التجاره امتناع کند. ماده ۵۳۴ ـ در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال‌التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد. ماده ۵۳۵ ـ مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظر حکم مقتضی را می‌دهد.

فصل یازدهم ــ در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی (م ۵۳۶ تا ۵۴۰)

ماده ۵۳۶ ـ حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است ماده ۵۳۷ ـ اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذی‌نفع که در ایران مقیمند در ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه به عمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان‌می‌شود. ماده ۵۳۸ ـ پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که به موجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهدشد، همین‌که مهلتهای مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت

به طلبکارها قطعی و غیرقابل تغییر خواهد بود. ماده ۵۳۹ ـ مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یک روز اضافه می‌شود. ماده ۵۴۰ ـ قرارهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست ۱ ـ قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه ۲ ـ قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یاخانواده او، ۳ ـ قرارهای فروش اسباب یا مال‌التجاره‌ای که متعلق به ورشکسته‌است ۴ ـ قرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتا موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر می‌دارد، ۵ ـ قرارهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر درحدود صلاحیت خود صادر کرده است

باب دوازدهم ــ در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول ــ در ورشکستگی به تقصیر (م ۵۴۱ تا ۵۴۸)

ماده ۵۴۱ ـ تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود: ۱ ـ در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه‌مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است ۲ ـ در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است ۳ ـ اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به‌کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از این‌که از راه استقراضی یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد؛ ۴ ـ اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح‌داده و طلب او را پرداخته باشد. ماده ۵۴۲ ـ در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به‌تقصیر اعلان شود: ۱ ـ اگر به حساب دیگری و بدون آن‌که در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد؛ ۲ ـ اگر عملیات تجارتی او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این‌قانون رفتار نکرده باشد؛ ۳ ـ اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به‌طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط براین‌که در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد). ماده ۵۴۳ ـ ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ماه تا سه سال حبس تادیبی است ماده ۵۴۴ ـ رسیدگی به جرم فوق برحسب تقاضای مدیر تصفیه یا هریک از طلبکارها یا تعقیب مدعی‌العموم در محکمه جنحه به‌عمل‌می‌آید. ماده ۵۴۵ ـ در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف‌مدعی‌العموم به‌عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچ‌وجه نمی‌توان‌به هیات طلبکارها تحمیل نمود، در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مامورین اجرا نمی‌توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدتهای معینه در قرارداد. ماده ۵۴۶ ـ مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه به‌نام طلبکارها می‌شود در صورت برائت تاجر به عهده هیات طلبکارها و درصورتی که محکوم شد به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید. ماده ۵۴۷ ـ مدیر تصفیه نمی‌تواند تاجر ورشکسته را به عنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیات طلبکارها مدعی‌خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای‌حاضر. ماده ۵۴۸ ـ مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها به عمل می‌آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برائت ذمه به عهده تعقیب‌کننده است

فصل دوم ــ در ورشکستگی به تقلب (م ۵۴۹ تا م ۵۵۰)

ماده ۵۴۹ ـ هر تـاجر ورشکسـته که دفـاتر خـود را مفقـود نمـوده یـا قسـمتی از دارایی خـود را مخفی کـرده و یـا به طریق مواضـعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسـته که خود را به‌وسـیله اسـناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به‌طور تقلب به میزانی که در حقیقت مـدیون نمی‌باشـد مـدیون قلمـداد نموده است ورشکسـته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود. ماده ۵۵۰ ـ راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفادمواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم‌الرعایه است

فصل سوم ـ در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند (م ۵۵۱ تا م

ماده ۵۵۱ ـ در مورد ورشکسـتگی اشـخاص ذیـل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسـته به تقلب محکوم خواهند شد: ۱ ـ اشخاصـی که عالما به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسـمتی از دارایی منقول یا غیرمنقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاه دارند یا مخفی نمایند؛ ۲ ـ اشخاصـی که به قصـد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیرواقعی را واقعی قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ التزام داده باشند. ماده ۵۵۲ ـ اشخاصـی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده‌انـد به مجازاتی که برای ورشکسـته به تقلب مقرر است محکوم می‌باشـند. مـاده ۵۵۳ ـ اگر اقوام شـخص ورشکسته بـدون شـرکت مشـاراليه اموال او را از میـان ببرنـد یا مخفی نماینـد یا پیش خود نگاه دارنـد به مجازاتی که برای سـرقت معین اسـت محکوم خواهند شد. ماده ۵۵۴ ـ در موارد معینه در مواد قبل محکمه‌ای که رسیدگی می‌کند باید در خصوص مسائل ذیل ولو این‌که متهم تبرئه شده باشد، حکم بدهد: ۱ ـ راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیـات طلبکارها، این حکم را محکمه در صورتی که مدعی‌خصوصـی هم نباشد باید صادر کند؛ ۲ ـ راجع به ضـرر و خساراتی که ادعا شده است ماده ۵۵۵ ـ اگر مـدیر تصـفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسـته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. ماده ۵۵۶ ـ هرگاه مدیر تصـفیه اعم از این‌که طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصـی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد به‌نفع مرتکب و به ضـرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۷ ـ کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده‌باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل شـده دریافت کرده است به اشـخاص ذی‌حق مسترد دارد. ماده ۵۵۸ ـ هر حکم محکومیتی که به موجب این فصل یا به موجب فصول سابق صادر بشود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد.

فصل چهارم ـ در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته‌در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب (م ۵۵۹ تا م ۵۶۰)

ماده ۵۵۹ ـ در تمام مواردی که کسی به واسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم می‌شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در مـاده ۵۵۴ مذکور است از صـلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود. ماده ۵۶۰ ـ مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی‌العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه را به او بدهد.

باب سیزدهم ـ در اعاده اعتبار (م ۵۶۱ تا م ۵۷۵)

ماده ۵۶۱ ـ هر تـاجر ورشکسـته که کلیه دیون خود را بـا متفرعـات وم خـارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاـ بپردازد حقا اعاده

اعتبار می‌نمایـد. ماده ۵۶۲ ـ طلبکارهـا نمی‌تواننـد از جهت تـاخیری که در ادای طلب آنهـا شـده است برای بیش از پنـج سال مطالبه متفرعات و خسارات نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می‌شود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب باشد. ماده ۵۶۳ ـ برای آن‌که شـریک ضامن یک شـرکت ورشکسـته که حکم ورشکسـتگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شـرکت را پرداخته است ولو این‌که نسبت به شـخص او قرارداد ارفاقی مخصوصـی وجود داشـته باشد. ماده ۵۶۴ ـ در صورتی که یـک یـا چنـد نفر از طلبکارها مفقودالاثر یا غایب بوده یا این‌که از دریافت وجه امتناع نمایـد؛ تاجر ورشکسته بایـد وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع مدعی‌العموم در صـندوق عدلیه بسپارد و همین‌که تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است بری‌الـذمه محسوب است ماده ۵۶۵ ـ تجار ورشکسـته در دو مورد ذیل پس از اثبات صـحت عمل‌در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکسـتگی می‌توانند اعتبار خودرا اعاده نمایند: ۱ ـ تاجر ورشکسـته که تحصـیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد به عهـده گرفته است پرداخته باشـد. این ترتیب در مورد شـریک شـرکت ورشکسته‌ای که شخصـا تحصـیل قرارداد ارفـاقی جـداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود؛ ۲ ـ تـاجر ورشکسته‌ای کـه کلیه طلبکـاران ذمه او را بری کرده یا به‌اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند. ماده ۵۶۶ ـ عرض‌حال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبته آن به مدعی‌العموم حوزه ابتدایی داده شود که اعلان ورشکسـتگی در آن‌حوزه واقع شـده است ماده ۵۶۷ ـ سواد این عرض‌حـال در مـدت یک ماه در اطاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره مدعی‌العموم بدایت الصاق و اعلان می‌شود. بعلاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرض‌حال مزبور را به کلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصـفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق‌مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کاملا دریافت نکرده‌انـد به‌وسیله مکتوب سفارشـی اعلام دارد. ماده ۵۶۸ ـ هر طلبکـاری که مطـابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کاملا دریافت نکرده می‌توانـد در مـدت یک ماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرض‌حال اعاده اعتبار اعتراض کند. ماده ۵۶۹ ـ اعتراض به‌وسیله اظهارنـامه که به ضـمیمه اسـناد مثبته به‌دفتر محکمه بـدایت داده می‌شود به عمل می‌آیـد. طلبکار معترض می‌توانـد به موجب عرض‌حـال در حین رسیـدگی به دعوی اعاده‌اعتبار به‌طور شـخص ثالث ورود کنـد. ماده ۵۷۰ ـ پس از انقضای موعد نتیجه تحقیقاتی که به‌توسط‌مدعی‌العموم به‌عمل آمده است به انضـمام عرایض اعتراض به‌رئیس محکمه داده می‌شود، رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی ومعترضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می‌کند. ماده ۵۷۱ ـ در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقـط صـحت مـدارک را سـنجیده‌در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می‌دهـد و در موردماده ۵۶۵ محکمه اوضـاع و احوال را سنجیده به‌طوری که مقتضی عدل و انصاف بداند حکم می‌دهد و در هر دو صورت حکم باید درجلسه علنی صادر گردد. ماده ۵۷۲ ـ مـدعی اعـاده اعتبـار و همچنین مـدعی عمومی و طلبکارهـای معترض می‌تواننـد در ظرف ده روز از تاریـخ اعلاـم حکم به‌وسیله‌مکتوب سفارشـی از حکمی که در خصوص اعـاده اعتبـار صادرشـده استیناف بخواهنـد، محکمه استیناف پس از رسیـدگی برحسب‌مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر می‌کنـد. ماده ۵۷۳ ـ اگر عرض‌حـال اعـاده اعتبـار رد بشود تجدیـد ممکن نیست‌مگر پس از انقضای شـش ماه ماده ۵۷۴ ـ اگر عرض‌حـال قبول شود حکمی که صادر می‌گردد در دفتر مخصوصـی که در محکمه بـدایت محل اقامت تاجر برای این کار مقرر است ثبت خواهـد شـد. اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه‌ای که حکم می‌دهد نباشد، در سـتون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دایره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مزبور اشـاره‌می‌شود. ماده ۵۷۵ ـ ورشکسـتگان به تقلب و همچنین اشخاصـی که برای سـرقت یـا کلاهبرداری یـا خیـانت در امـانت محکوم شده‌اند مادامی که از جنبه‌جزائی اعاده حیثیت نکرده‌اند نمی‌توانند از جنبه تجارتی اعاده اعتبارکنند.

باب چهاردهم ــ اسم تجارتی (م ۵۷۶ تا م ۵۸۲)

ماده ۵۷۶ ـ ثبـت اسـم تجـارتی اختیـاری اسـت مگر در مـواردی کـه وزارت عـدلیه ثبـت آن را الزامی کنـد. مـاده ۵۷۷ ـ صـاحب

تجارت‌خانه‌ای که شریک در تجارت‌خانه ندارد نمی‌تواند اسمی برای تجارت‌خانه خود انتخاب کند که موهوم وجود شریک باشد. ماده ۵۷۸ ـ اسم تجارتی ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی‌تواند اسم تجارتی خود قرار دهد ولو این‌که اسم تجارتی ثبت‌شده با اسم خانوادگی او یکی باشد. ماده ۵۷۹ ـ اسم تجارتی قابل انتقال است ماده ۵۸۰ ـ مدت اعتبار ثبت اسم تجارتی پنج سال است ماده ۵۸۱ ـ در مواردی که ثبت اسم تجارتی الزامی شده و در مورد مقرر ثبت به‌عمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت ماخوذ خواهد داشت ماده ۵۸۲ ـ وزارت عدلیه به موجب نظام‌نامه ترتیب ثبت اسم تجارتی و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوط به اسم تجارتی را معین خواهد کرد.

باب پانزدهم ــ شخصیت حقوقی

فصل اول ــ اشخاص حقوقی (م ۵۸۳ تا م ۵۸۷)

ماده ۵۸۳ ـ کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت‌حقوقی دارند. ماده ۵۸۴ ـ تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجارتی تاسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. ماده ۵۸۵ ـ شرایط ثبت موسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظام‌نامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق‌الثبت موسسات و تشکیلات مطابق نظام‌نامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است ماده ۵۸۶ ـ موسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد. ماده ۵۸۷ ـ موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.

فصل‌دوم ــ حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی(م ۵۸۸ تا م ۵۹۱)

ماده ۵۸۸ ـ شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبیعه فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت ، بنوت و امثال ذلک . ماده ۵۸۹ ـ تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به‌موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود. ماده ۵۹۰ ـ اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آن‌جا است ماده ۵۹۱ ـ اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است

باب شانزدهم ــ مقررات نهایی (م ۵۹۲ تا ۶۰۰)

ماده ۵۹۲ ـ در مورد معاملاتی که سابقا تجار یا شرکتها و موسسات تجارتی به اعتبار بیش از یک امضا کرده‌اند خواه بعضی از امضا کنندگان به عنوان ضامن امضا کرده باشند خواه به‌عنوان دیگر، طلبکار می‌تواند به امضاکنندگان مجتمعا یا منفردا رجوع نماید. ماده ۵۹۳ ـ در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکارحق رجوع به آنها دارد قاطع مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست ماده ۵۹۴ ـ به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به‌کلیه شرکتهای ایرانی موجود که به امور تجارتی اشتغال دارند تا اول تیرماه ۱۳۱۱ مهلت داده می‌شود که خود را با مقررات یکی ازشرکتهای مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند والا نسبت به شرکت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتها مصوب خردادماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد. ماده ۵۹۵ ـ هرگاه

مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تا شش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیتدار مهلت اضافی داده شود مشروط بر این‌که در موقع تقاضای تمدید نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود. ماده ۵۹۶ ـ تاریخ اجرای ماده ۱۵ این قانون در آن قسمتی که مربوط به جزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده ۲۰۱ و تبصره آن و قسمت اخیر ماده ۲۲۰ اول فروردین ۱۳۱۲ خواهد بود. ماده ۵۹۷ ـ شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف‌شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیات نظاری مطابق این قانون‌تشکیل دهند والا ـ هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت راتقاضا کند. ماده ۵۹۸ ـ طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون‌طلب خود را مطالبه کرده‌اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و ازحقی که به موجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهندکرد. ماده ۵۹۹ ـ نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگیهای سابق قبل ازتاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده‌اند مدیر تصفیه هرورشکسته اعلانی منتشر کرده و یک ماه به آنها مهلت خواهد داد که‌مطابق ماده ۴۶۲ این قانون رفتار کنند والا مشمول مقررات ماده۴۷۳ خواهند شد. ماده ۶۰۰ ـ قوانین ذیل قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو ۱۳۰۳دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴، قانون اصلاح ماده ۳۰۶ قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تادیه مصوب دوم تیرماه ۱۳۰۷قانون اجازه عدم رعایت ماده ۲۳۷ و قسمتی از ماده ۴۴ قانون‌تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی وشرکت سهامی بانک پهلوی مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ از تاریخ اول‌خردادماه ۱۳۱۱ نسخ و این قانون از تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳/۲/۱۳۱۱

اول ـ کلیات(م ۱ تا م ۳۵)

ماده ۲۱ ـ شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجارتی تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسوولیت صاحبان سهام محدودبه سهام آنها است ماده ۲۲ ـ در اسم شرکت سهامی نام هیچ‌یک از شرکا قید نخواهد شد.در اسم شرکت باید کلمه (سهامی قید شود. ماده ۲۳ ـ سهام ممکن است با اسم یا بی‌اسم باشد. ماده ۲۴ ـ سهام بی‌اسم به صورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده‌آن مالک شناخته می‌شود مگر آن‌که خلاف آن قانونا ثابت گردد.نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض به‌عمل می‌آید. ماده ۲۵ ـ انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد. صاحب‌سهم باید شخصا یا به‌توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید. ماده ۲۶ ـ سهام ممکن است نقدی باشد یا غیرنقدی سهام غیرنقدی سهامی است که در ازاء آن به جای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود. ماده ۲۷ ـ قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت‌تجزیه متساوی خواهد بود. ماده ۲۸ ـ در صورتی که سرمایه شرکتهای سهامی از دویست هزار ریال‌تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زاید بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام‌کمتر از یکصد ریال نخواهد بود. ماده ۲۹ ـ مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی اعم از با اسم یا بی‌اسم نمی‌توان صادر کرد. هر سهم یا تصدیق‌موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده باشد باطل و صادرکنندگان متضامنا مسوول خساراتی هستند که به دارندگان این‌قبیل اوراق وارد شده است تا زمانی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تادیه نشده نمی‌توان سهام بی‌اسم یا تصدیق موقتی بی‌اسم انتشار داد. ماده ۳۰ ـ کسانی که تعهد ابتیاع سهام کرده‌اند تا موقعی که پنجاه درصدقیمت اسمی سهام خود را نپرداخته‌اند مسوول تادیه بقیه قیمت آن‌خواهند بود اگرچه سهام خود را به دیگری منتقل کرده و منتقل‌الیه‌نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد.
ماده ۳۱ ـ بعد از تادیه پنجاه درصد نیز کسی که تعهد ابتیاع سهمی راکرده است از تادیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر این‌کهاساسنامه شرکت آن را تجویز کرده باشد که در این صورت منتقل‌الیه‌مسوول تادیه آن بقیه است ماده ۳۲ ـ هر کس تعهد

ابتیاع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه به خسارات تاخیر تادیه از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تاخیر) محکوم‌خواهد شد. ماده ۳۳ ـ اساسنامه شرکت می‌تواند نسبت به اشخاص مذکور در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده و حتی مقرر دارد که درصورت عدم تادیه بقیه قیمت سهام مقدار تادیه شده از آن بابت‌بلا‌عوض تعلق به شرکت یافته و تعهدکننده نسبت به سهام تعهدی هیچ حقی نداشته باشد لیکن در این صورت پرداخت وجه تعهد شده باید لااقل سه مرتبه به وسیله مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یک ماه منقضی شده باشد. در مورد سهام بی‌اسم به جای مکتوب اعلان در جراید به‌عمل خواهد آمد. مفاد این‌ماده باید در موقع تعهد صریحا در دفتر شرکت قید شده و متعهد ذیل آن را امضا نماید. ماده ۳۴ ـ خواه در سهام با اسم و خواه در سهام بی‌اسم مادام که قیمت آنها کاملا تادیه نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحا روی سهم قید شود. بعلاوه شرکت مکلف است در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به‌طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می‌نماید میزان سرمایه خود و آن قسمتی را که تادیه شده است صریحا قید کند. ماده ۳۵ ـ هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب رای مجمع عمومی که‌مطابق ماده (۷۴) این قانون تشکیل شده باشد سهام ممتازه ترتیب‌دهد که نسبت به سایر سهام رجحان و مزایایی داشته باشد ولی‌ایجاد این نوع سهام مشروط است به این‌که اساسنامه شرکت چنین‌اقدامی را تجویز کرده باشد.

دوم – تشکیل شرکت(م ۳۶ تا م ۴۷)

ماده ۳۶ ـ شرکت سهامی به موجب شرکت‌نامه که در دو نسخه نوشته شده باشد تشکیل می‌شود یکی از نسختین به‌طوری که در ماده ۵۰مقرر است ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگری در مرکز اصلی‌شرکت ضبط خواهد شد. ماده ۳۷ ـ شرکت باید دارای اساسنامه‌ای باشد که نکات ذیل مخصوصا در آن تصریح بشود: ۱ ـ اسم و مرکز اصلی شرکت ۲ ـ موضوع شرکت ۳ ـ مدت شرکت در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل‌شود، ۴ ـ مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام ۵ ـ نوع سهام (که سهام با اسم است یا بی‌اسم عده هر نوع از سهام و تعیین این‌که سهام با اسم و بی‌اسم به چه شکل ممکن است به هم تبدیل شود در صورتی که این تبدیل اساسا پذیرفته باشد، ۶ ـ هیأتهای اداره و تفتیش ۷ ـ عده سهامی را که مدیران شرکت باید به صندوق شرکت‌بسپارند، ۸ ـ مقررات راجع به دعوت مجمع عمومی و حق رای صاحبان‌سهام و طریقه شور و اخذ رای ۹ ـ مطالبی که برای قطع آن در مجمع عمومی اکثریت مخصوصی‌لازم است ۱۰ ـ طرز ترتیب صورت‌حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین‌اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود، ۱۱ ـ طریق تغییر اساسنامه ماده ۳۸ ـ تشکیل شرکتهای سهامی محقق نمی‌شود مگر بعد از آن که تادیه تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد. بعلاوه هرگاه سهام یا قطعات آن زاید بر پنجاه ریال نباشد تعهدکنندگان باید تمام وجه را تادیه نمایند والا باید لااقل ثلث قیمت سهام را نقدا بپردازند و در هرحال وجهی که پرداخته می‌شود نباید کمتر از پنجاه ریال باشد. ماده ۳۹ ـ چیزی که در ازاء سهام غیرنقدی تعهد شده تماما باید تحویل‌شود. ماده ۴۰ ـ موسسین باید پس از تنظیم نوشته‌ای که حاکی از تعهدپرداخت سرمایه شرکت و تادیه واقعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند. این مجمع اولین مدیرهای‌شرکت و همچنین مفتش (کمیسر)هایی را که به موجب ماده (۶۲)مقرر است معین می‌کند. ماده ۴۱ ـ هرگاه یکی از تعهدکنندگان سهم غیرنقدی اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید مجمع عمومی در جلسه اول‌که منعقد می‌شود امر به تقویم سهم غیرنقدی نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر می‌گیرد. تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به‌عمل نمی‌آید و تشکیل شرکت واقع نمی‌شود مگر در جلسه دیگر مجمع عمومی که برحسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای این‌که در جلسه دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لااقل پنج روز قبل ازانعقاد جلسه راپرتی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد. تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث‌تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی

قانونی نخواهدبود مگر این‌که عددا نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده‌اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند، کسانی‌که دارای سهام غیرنقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه‌کرده‌اند در موقعی که سهم غیرنقدی یا مزایای آنها موضوع رای است‌حق رای ندارند، آن قسمت از سرمایه غیرنقدی که موضوع مذاکره ورای است در جزء سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد. اگر در جلسه دوم مجمع عمومی نصف تعهدکنندگان سهام نقدی و نصف سرمایه نقدی حاضر نشده مجمع به‌طور موقت تصمیم‌خواهد گرفت و مطابق قسمت اخیر ماده (۴۵) رفتار می‌شود. هرگاه سهام غیرنقدی یا موجبات مزایایی که مطالبه شده تصویب نشود هر یک از تعهدکنندگان می‌تواند از شرکت خارج شود. ماده ۴۲ ـ تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از این‌که بعدا نسبت به آنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود. ماده ۴۳ ـ هرگاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه‌های‌غیرنقدی مشاعا و منحصرا متعلق به خودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره در ماده (۴۱) راجع به تقویم سهام غیرنقدی لازم نخواهدبود. ماده ۴۴ ـ اظهارنامه‌ای که به موجب ماده ۵۰ به دایره ثبت اسناد باید تسلیم شود موسسین شرکت تهیه نموده با اسناد مربوطه به اولین‌مجمع تقدیم می‌نمایند تا مجمع صحت یا سقم آن را معین کند. ماده ۴۵ ـ مجمع عمومی که در باب صحت اظهارات موسسین اظهار رای و اولین مدیرها و مفتشین را انتخاب می‌نماید باید از یک عده صاحبان سهامی مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند، اگر در مجمع عمومی عده‌ای که نصف سرمایه را دارا باشندحاضر نشدند تصمیمات مجمع موقتی خواهد بود. در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت می‌شود و اگر پس از آن که لااقل یک‌ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به‌وسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشرشد و مجمع جدید آن را تصویب نمود تصمیمات مزبوره قطعی می‌شود مشروط بر این‌که در مجمع جدید عده‌ای حاضر شوند که‌لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند. تبصره ـ جراید‌ی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه ساله‌توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد. ماده ۴۶ ـ مجمع عمومی فوق اولین مدیرها و مفتشین شرکت را انتخاب می‌کند مفتشین برای سال اول و مدیران منتها برای مدت‌چهار سال معین می‌شوند مدیرها را می‌توان پس از انقضای مدت چهار سال مجددا انتخاب نمود مگر آن‌که اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد. ولی در صورتی که برحسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول به تصویب مجمع عمومی نباشد مدت مدیری آنها بیش از دو سال نخواهد بود. ماده ۴۷ ـ در صورتی که مدیرها و مفتشینی که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده‌اند قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها درصورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می‌گردد.

سوم – مدیرهای شرکت و وظایف آنها (م ۴۸ تا م ۶۱)

ماده ۴۸ ـ شرکت سهامی به‌واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیرموظف که از میان شرکا به سمت مدیری و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل می‌باشند، اداره خواهد شد. ماده ۴۹ ـ در صورتی که چند نفر به سمت مدیری معین شده باشند باید یک نفر از میان خود به سمت ریاست انتخاب کنند، رئیس مزبور و هر یک از مدیران می‌توانند در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصویب یکدیگر یک نفر شخص خارج را به جای خود معین کنند ولی مسوولیت اعمال شخص خارج به عهده خود آنها خواهد بود. ماده ۵۰ ـ برای این‌که تعهد و تادیه وجه سرمایه از طرف شرکا ثابت‌شود، باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته‌ای که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می‌سپارد و به ثبت می‌رسد، اعلام نماید و باید اسامی شرکا را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسختین شرکت‌نامه به نوشته مزبور منضم نماید. ماده ۵۱ ـ مسوولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسوولیتی‌است که وکیل در مقابل موکل دارد. ماده ۵۲ ـ مدیرها باید یک عده سهامی را که به موجب اساسنامه مقرر است دارا باشند، این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری مدیرها مشترکا یا منفردا بر شرکت وارد شود. سهام مذکوره با اسم بوده و قابل انتقال نیست و به‌وسیله مهری که بر روی آنها زده می‌شود غیرقابل

انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شرکت ودیعه خواهد ماند. ماده ۵۳ ـ مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی درمعاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سهیم شوند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آن را همه ساله به مجمع عمومی بدهند. ماده ۵۴ ـ مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه به شش ماه خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را مرتب کرده به مفتشین بدهند. ماده ۵۵ ـ مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده ۹ این قانون‌صورت حسابی که متضمن دارایی منقول و غیرمنقول و همچنین‌صورت مطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند. این‌صورت حساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت بایدلااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند. ماده ۵۶ ـ از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می‌تواند در مرکز شرکت به صورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت‌حساب شرکت است و از راپرت مفتشین سواد بگیرد. ماده ۵۷ ـ همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد، همین‌که سرمایه‌احتیاطی به‌عشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است ماده ۵۸ ـ اگر به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای شود، تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد. ماده ۵۹ ـ هرگاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومی را دعوت نکردند و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانون منعقد گردد هر ذی‌حقی می‌تواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد. ماده ۶۰ ـ هرگاه یک یا چند نفر از ارباب سهامی که مجموع سهام آنها لااقل معادل یک خمس سرمایه شرکت باشد کتبا تقاضای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند باید مجمع عمومی به‌طور فوق العاده منعقدشود. ماده ۶۱ ـ مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت‌مرتکب شوند موافق قواعد عمومی مسوول می‌باشند مخصوصا درموقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

چهارم – مفتشین شرکت و وظایف آنها (م ۶۲ تا م ۶۴)

ماده ۶۲ ـ مجمع عمومی سالیانه یک یا چند مفتش (کمیسر) معین‌می‌کند. مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکا نیز انتخاب شوند ماموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج و صورت‌حسابهایی که مدیرها تقدیم می‌کنند راپرتی به مجمع عمومی سال آینده بدهند؛ تصمیماتی که بدون این راپرت راجع به تصدیق بیلان و صورت‌حساب‌های مدیران اخذ می‌شود معتبر نخواهد بود. درصورتی که مجمع عمومی مذکور را معین نکرده باشد یا یک یا چندنفر از مفتشینی که معین شده‌اند نتوانند راپرت بدهند یا از دادن راپرت امتناع نمایند رئیس محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت به‌تقاضای هر ذی‌حقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا به جای آنهایی که نتوانسته‌اند یا امتناع کرده‌اند مفتشین‌جدیدی معین می‌کند. ماده ۶۳ ـ در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که به موجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است مفتشین می‌توانند به‌دفاتر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند.مفتشین می‌توانند در مواقعی که ضرورت فوری داردمجمع عمومی را دعوت نمایند. ماده ۶۴ ـ حدود مسوولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به‌حدود مسوولیت وکلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانونا معین است

پنجم – مجمع عمومی شرکت (م ۶۵ تا م ۷۵)

ماده ۶۵ ـ مجمع عمومی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه در موقعی که به موجب اساسنامه معین است منعقد شود. ماده ۶۶ ـ اساسنامه معین می‌کند برای حق ورود در مجمع چند سهم به‌عنوان وکالت یا مالکیت باید داشت ماده ۶۷ ـ عده آرائی که هر یک از شرکا به نسبت عده سهام خود دارند به موجب اساسنامه معین می‌گردند. ماده ۶۸ ـ در جلسات مجمع عمومی هیچ‌کدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتازه از حیث رای تفاوتی ندارند مگر این‌که اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر کرده باشد. ماده ۶۹ ـ دارندگان سهامی که عده سهام هر یک از آنها برای حضور یا رای در مجمع عمومی کافی نیست می‌توانند به اندازه‌ای که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رای کافی باشد با یکدیگر متفق شده یک نفر را از میان خود برای حضور و رای در مجمع مذکور معین نمایند. ماده ۷۰ ـ در مجامع عمومی که برای رسیدگی به سهم‌الشرکه و مزایا مطابق ماده ۴۱ و در مجامعی که برای تعیین اولین مدیرها و مفتشین و تصدیق اظهارات مؤسسین مطابق ماده ۴۵ منعقد می‌شود کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند می‌توانند حضور به‌هم رسانند. ماده ۷۱ ـ مجمع عمومی شرکت جز در موارد مذکور در مواد (۴۱ و ۴۵و ۷۴) باید مرکب از یک عده صاحبان سهامی باشد که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومی جدیدی مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو این که حد نصاب فوق حاصل نشود. ماده ۷۲ ـ تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت آراء خواهد بود. ماده ۷۳ ـ در مواردی که مجمع عمومی شرکا نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی اتخاذ نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آن‌که صاحبان سهام مزبوره در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای این‌که آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید حاضرین جلسه لااقل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشند که موضوع مذاکره است ماده ۷۴ ـ در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل می‌شود. باید عده‌ای از صاحبان سهام که بیش ازسه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر گردند. اگر در مجمع عمومی عده‌ای که سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشندحاضر نشدند ممکن است مجمع عمومی جدیدی دعوت کرد مشروط بر این‌که لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محل (که سالیانه ازطرف وزارت عدلیه معین می‌شود) دستور جلسه قبل و نتیجه آن‌اعلان گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل نصف سرمایه شرکت حاضر باشند اگر این حد نصاب حاصل نشد ممکن‌است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود. این مجمع با حضور صاحبان لااقل ثلث سرمایه شرکت حق تصمیم‌خواهد داشت و در هر یک از سه مجمع فوق تصمیمات به اکثریت‌دو ثلث آراء حاضر گرفته می‌شود. در این مجامع کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و به نسبت هر یک سهم یک رای دارند ولو این‌که اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد. هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی‌تواند تغییر بدهد. بر تعهدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی‌توان افزود. ماده ۷۵ ـ در مجمع عمومی ورقه حاضر و غایبی خواهد بود حاوی‌اسم و محل اقامت و عده سهام هر یک از شرکا، ورقه مزبور پس از تصدیق هیأت رئیسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و به هر کسی که تقاضا نماید ارائه می‌شود.

ششم – در تبدیل سهام (م ۷۶ تا م ۸۱)

ماده ۷۶ ـ هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه سهام بی‌اسم خود را به سهام با اسم تبدیل نماید باید اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از شش ماه نباشد به صاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را به سهام جدید تبدیل نمایند. ماده ۷۷ ـ اعلان مذکور در فوق باید در مجله رسمی عدلیه و در یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و به فاصله ده روز منتشر شود. در صورتی که مرکز اصلی شرکت در خارج از تهران باشد باید در یکی از روزنامه‌های یومیه

تهران که همه ساله از طرف وزارت عـدلیه برای انتشار این قبیل اعلانات معین می‌شود نیز منتشـر گردد. ابتدای مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمی خواهدبود. ماده ۷۸ ـ هر صاحب سهمی که سهام خود را تا انقضای مهلت مذکوره در ماده ۷۶ به سهام جدید تبدیل نکند دیگر نمی‌تواند تقاضای‌تبدیل نماید و شـرکت حق خواهد داشت سـهام جدیدی را که در ازای سهام تبدیل نشده موجود می‌باشـد به اشـخاص دیگر به طریق مزایـده‌ب فروشد. ماده ۷۹ ـ قیمت سـهامی که به طریـق مـذکور در فوق فروخته می‌شود درمرکز اصـلی شـرکت یا در بانک ملی ایران ودیعه گذاشـته خواهـد شـد و هرگاه در ظرف ده سال از تاریـخ فروش سـهام صاحب سهم سهام سابق خود را نداده و وجهی را که به طریق فوق امانت گذاشته شده‌است مطالبه ننماید نسبت به حق او مرور زمان حاصل شـده و وجه مزبور در حکم اموال بلاصاحب بوده و مـدیر شـرکت مکلف است آن‌را به مقامات صـلاحیتدار تسـلیم نمایـد. هر مدیر شرکت که به این‌تکلیف عمـل نکنـد به تادیه سه برابر وجه مـذکور محکوم خواهـد شـد. ماده ۸۰ ـ در صورتی که شـرکت بخواهد سهام با اسم خود را به سـهام بی‌اسم تبـدیل نماید باید مراتب را به طریقی که فوقا مقرر است یک مرتبه اعلان نماید و اگر در ظرف مهلتی که معین می‌شود و نبایدکمتر از دو ماه باشد صاحبان سهام سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نکنند سهام با اسمی که در دست آنهـا باقی می‌مانـد باطل و سـهام جدیـد در مرکز اصـلی شـرکت به اسم آنها ودیعه خواهـدبود. ماده ۸۱ ـ در هر موقـع که شرکت بخواهد تصدیقهای موقتی را که به اشـخاص داده تبدیل به سهام کند در مورد تصدیقهای موقتی بی‌اسم مطابق مقررات مواد (۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹) و در مورد تصدیق‌موقتی با اسم مطابق ماده ۸۰ رفتار خواهد شد.

هفتم – بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات(م ۸۲ تا م ۸۸)

ماده ۸۲ ـ هر شـرکت سـهامی که مقررات یکی از مـواد ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۳۷،۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۵۰ این قـانون را رعایت نکرده باشـد از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهـد بود لیکن شـرکا نمی‌تواننـد در مقابل اشـخاص خارج به این بطلان اسـتناد نمایند. ماده ۸۳ ـ در هر مورد که موافق مقررات مـاده قبـل محکمه بر بطلاـن شـرکت یـا اعمـال و تصـمیمات آن حکم کنـد موسسـینی که مسوول‌این بطلان هستند و همچنین مفتشین و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌انـد متضامنـا مسوول خسـاراتی خواهنـد بود که از این‌بطلاـن به صاحبـان سـهام و اشـخاص ثالث متوجه می‌شود. همین مسـوولیت ممکن است به شـرکایی متوجه شود که سـهم غیر نقـدی آنهـا تقویم و تصویب نشـده یـا مزایـایی که مطـالبه کرده‌انـد به تصدیق‌نرسـیده باشد. ماده ۸۴ ـ هرگـاه قبـل از اقـامه دعوا برای ابطـال شـرکت یا برای ابطال‌عملیات و قراردادهای شـرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوای‌ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد. ماده ۸۵ ـ اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یک سال منقضی شده و اشـخاص خـارج از جهت معاملاـتی که با ایشان شـده است به اسـتناد اموری که موجب بطلان بوده و دعوای خسارت نکرده باشـند دیگر دعوای مزبور از آنهـا پـذیرفته نمی‌شود. مـاده ۸۶ ـ هرگـاه مقرر شـده باشـد که مجمع عمومی مخصوصـی برای رفع موجبـات بطلان منعقـد شود و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسـنامه به‌عمل آمده باشد دعوای بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پـذیرفته نخواهـد شـد مگر این‌که مجمع مزبورموجبات بطلان را رفع ننماید. ماده ۸۷ ـ هرگاه از تاریخ حدوث سـبب بطلان شرکت ده سـال گذشـته و اقـامه دعوای بطلان و خسارت نشـده باشـد دیگر دعوای مذکورپـذیرفته نخواهـد شـد. ماده ۸۸ ـ استرداد منـافعی که بین شـرکا تقسیم شـده ممکن نیست مگر این‌که تقسـیم بـدون ترتیب صورت دارایی یا مخالف نتیجه حاصـله ازصورت مزبور به عمل آمـده باشـد در این صورت نیز فقط تا پنج سال اقامه دعوای استرداد می‌توان نمود. مبداء مرور زمان روز تقسـیم منافع است ۸ ـ مقررات جزائی ماده ۸۹ ـ هر کسی سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۴ و ۵۰ این قانون‌رعایت نشـده صادر نماید، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شـرکت یا افراد محکوم خواهـد شد. درمواردی که عمل مشـمول ماده ۲۳۸ قـانون مجـازات عمومی است مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده

نیز محکوم می‌شود. ماده ۹۰ ـ حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رای شرکت نمایند و یا سهامی را برای این که به طور تقلب استعمال شود به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی متخلف را می‌توان به یک تا شش ماه حبس تادیبی نیز محکوم نمود. ماده ۹۱ ـ هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ رعایت نشده با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنهارا اعلان نموده باشد، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم‌خواهد شد. مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول‌ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب به مجازات حبس‌مذکور در آن ماده نیز محکوم شود. ماده ۹۲ ـ اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند: ۱ ـ هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تادیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تادیهای را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به‌تعهد خرید سهام یا تادیه قیمت سهام نماید اعم از این‌که عملیات‌مذکور موثر شده یا نشده باشد، ۲ ـ هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را برخلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید، ۳ ـ مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزبور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

هشتم – مقررات جزائی (م ۸۹ تا م ۹۲)

ماده ۸۹ ـ هر کسی سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۴ و ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در مواردی که عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی است مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم می‌شود. ماده ۹۰ ـ حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رای شرکت نمایند و یا سهامی را برای این‌که به‌طور تقلب استعمال شود به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی متخلف را می‌توان به یک تا شش ماه حبس تادیبی نیز محکوم نمود. ماده ۹۱ ـ هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ رعایت نشده با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد؛ به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول‌ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب به مجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود. ماده ۹۲ ـ اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند: ۱ ـ هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تادیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تادیه‌ای را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تادیه قیمت سهام نماید اعم از این‌که عملیات مذکور موثر شده یا نشده باشد؛ ۲ ـ هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را برخلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید؛ ۳ ـ مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزبور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

نهم – در انحلال شرکت (م ۹۳)

ماده ۹۳ ـ شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱ ـ وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام‌داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد، ۲ ـ وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد، ۳ ـ در صورتی که شرکت

ورشکست شود، ۴ ـ در صورت تصمیم مجمع عمومی

قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴/۴/۱۳۱۸

مبحث اول ـ سازمان اداره تصفیه (م ۱ تا م ۱۲)

مبحث دوم ـ اقدامات تأمینی اداره تصفیه (م ۱۳ تا م ۲۲)

مبحث سوم ـ دعوت بستانکاران (م ۲۳ تا م ۲۵)

مبحث چهارم ـ اداره اموال (م ۲۶ تا م ۲۹)

مبحث پنجم ـ رسیدگی به مطالبات (م ۳۰ تا م ۳۷)

مبحث ششم ـ تصفیه (م ۳۸ تا م ۴۵)

مبحث هفتم ـ تقسیم وجوه حاصله از فروش(م ۴۶ تا م ۴۸)

مبحث هشتم ـ خاتمه ورشکستگی (م ۴۹ تا م ۵۰)

مبحث نهم ـ مقررات مالی (م ۵۱ تا م ۵۷)

مبحث دهم ـ مقررات مخصوص (م ۵۸ تا م ۶۰)

آیین‌نامه اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸

فصل اول ـ صورتمجلسها و حسابداری

مبحث اول ـ مقررات عمومی (م ۱ تا م ۶)

ماده ۱ ـ اداره تصفیه باید دارای دفاتر زیر باشد: ۱ ـ دفتر فهرست ورشکستگان ۲ ـ دفتر فهرست ماموریتهای اداره تصفیه ۳ ـ دفتر روزنامه ۴ ـ دفتر صندوق . ۵ ـ دفتر کل ۶ ـ دفتر ترازنامه آزمایش ۷ ـ دفتر نماینده که خلاصه کلیه نامه‌های وارده و فرستاده در آن ثبت میگردد. ماده ۲ ـ اداره تصفیه باید دارای برگهای نمونه برای امور زیر باشد: ۱ ـ برگ صورتمجلس ۲ ـ برگ صورت دارایی. ۳ ـ برگ صورت ادعای بستانکاری. ۴ ـ برگ دعوت بستانکاران ۵ ـ برگ طبقه‌بندی بستانکاران ۶ ـ دعاوی مشکوک ۳۸برگ انتقال دعاوی مشکوک ۷ ـ برگ مزایده ۸ ـ برگ هزینه‌ها و تقسیم وجوه حاصله ۹ ـ برگ اعلام صورت تقسیم وجوه حاصله ۱۰ ـ سند

عدم کفایت دارایی. ۱۱ ـ آگهی های مربوط به شروع به عمل ورشکستگی و طبقه‌بندی بستانکاران و خاتمه ورشکستگی. ماده ۳ ـ اداره تصفیه باید کلیه احکام ورشکستگی را بر حسب تاریخ در دفتر فهرست ورشکستگان ثبت نماید. در اول هر سال شماره‌گذاری تجدید خواهد شد. ورشکستگی هایی که تا آخر هر سال خاتمه نیافته باید به طور اختصار در اول دفتر سال بعد نوشته شود. درمقدمه این دفتر باید فهرست ورشکستگان به طور الفباء قید گردد. ماده ۴ ـ ماموریت هایی که از سایر ادارات تصفیه برای انجام امور ورشکستگی می رسد باید در دفتر فهرست ماموریت های اداره تصفیه ثبت گردد. ماده ۵ ـ اداره تصفیه باید پیش‌نویس نامه‌های فرستاده را که نامه روی برگهای نمونه نوشته نمی شود نگاهداری نماید. پول و برگهای بهادار و نامه‌های سفارشی باید در قبال قبض رسید اداره پیوست فرستاده‌شود. هرگاه اقدام اداره تصفیه به وسیله آگهی رسمی به عمل آید باید یک نسخه از آگهی یا قسمتی از روزنامه که شامل آگهی با قید تاریخ انتشار باشد در پرونده مربوط بایگانی شود. ماده ۶ ـ در موقع تغییر رئیس تحویل اداره باید با حضور نماینده وزارت‌دادگستری به عمل آید. در این صورت تمام دفاتر تا آن تاریخ بسته‌شده و رئیس سابق زیر آن را امضا می نماید. سپس به حسابهای اداره رسیدگی به عمل آمده و موجودی صندوق باید با مندرجات دفاتر مربوطه وفق دهد. تاریخ شروع و خاتمه به کار رئیس سابق همچنین تاریخ شروع به کار رئیس لاحق باید زیر کلیه دفاتر نوشته شود و این تحویل باید در صورتمجلس اداری نوشته شده و کلیه حاضرین آن را امضا نمایند.

مبحث دوم ـ صورت مجلس‌ها (م ۷ تا م ۹)

ماده ۷ ـ اداره تصفیه باید برای هر ورشکستگی و یا ماموریتهایی که به اداره تصفیه مراجعه شود صورتمجلس تنظیم نماید. برگ صورتمجلس به محض اعلام ورشکستگی یا وصول ماموریتهای مرجوعه به اداره شروع شده و به ترتیب تاریخ خلاصه عملیات ورشکستگی و اموری که موثر در تصفیه بوده و دارای آثار حقوقی است در آن درج شده و هرگاه حکم یا قراری صادر شده باشد فقط قسمت مربوط به تصمیم دادگاه به طور خلاصه در آنجا نقل می‌شود شماره برگها و احکام و قرارهای مورد اقدام در ستون مربوطه به طور ترتیب قید می گردد. ماده ۸ ـ صورتمجلس‌ها باید روی برگهای جداگانه که شماره‌گذاری شده به ترتیب تنظیم و در پوشه مخصوصی که به نام ورشکسته است مجلد شود. در موقع خاتمه عمل ورشکستگی زیر آخرین اقدامی که در صورتمجلس ثبت گردیده باید با قید تاریخ به امضای رئیس و مهر اداره تصفیه برسد. پس از خاتمه عمل ورشکستگی برگهای صورت دارایی ـ صورت ادعای بستانکاری ـ طبقه‌بندی بستانکاران ـ هزینه‌ها و تقسیم وجوه حاصله و گزارشی که کارمند مربوطه به رئیس اداره تصفیه مربوطه می‌دهد باید به آن پیوست شده و به طور مجلد نگاهداری شود. ماده ۹ ـ برگهای اسامی را که به ترتیب بالا تنظیم گردیده فقط در صورتی می‌توان به دادگاه‌های مربوطه تسلیم نمود که به جهاتی نتوان به رونوشت گواهی شده آنها قناعت کرد.

مبحث سوم ـ نگاهداری اسناد ورشکستگی(م ۱۰ تا م ۱۲)

ماده ۱۰ ـ هر برگی که به اداره تصفیه واصل شود باید تاریخ ورود روی آن قید گردد. کلیه برگهای مربوط به امور تصفیه باید بر حسب موضوع در پوشه‌های مخصوصی گذارده شده و در پرونده‌ای که به‌نام ورشکسته تهیه می‌شود بایگانی گردد. اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه می‌شود باید با قید شماره مندرجه در برگ ادعای‌بستانکاری به ترتیب حروف الفبا در پوشه مخصوصی بایگانی‌شود. ماده ۱۱ ـ پرونده غیرمجلدی که به دستور ماده بالا تنظیم گردیده ممکن‌است پس از ۱۰ سال اعلام خاتمه ورشکستگی نابود شده و این نکته در ملاحظات دفتر فهرست ورشکستگان قید خواهد شد.پرونده که به دستور ماده هشت تشکیل شده باید

همیشه نگاهداری‌شود. ماده ۱۲ ـ اداره تصفیه باید مقررات زیر را نسبت به حفظ دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته رعایت نماید: ۱ ـ هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار شده باشد این شخص حق خواهد داشت دفاتر و اسناد مربوط را تحویل بگیرد. ۲ ـ هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار نشده باشد نکات زیر باید رعایت گردد: الف ـ هرگاه ورشکسته فرد تاجر باشد دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته پس از خاتمه ورشکستگی در مقابل رسید به او رد گردیده و این نکته در صورتمجلس ورشکستگی قید خواهد شد.هرگاه ورشکسته شرکت تضامنی یا مختلط باشد دفاتر و اسناد نامبرده به شریکی که از طرف سایر شرکاء معرفی گردیده تحویل داده می‌شود. در صورتی که شرکاء نسبت به شخص معینی در این‌باب موافقت ننمایند دفاتر و اسناد نامبرده به شخصی که از طرف‌اداره تصفیه معین می‌شود سپرده خواهد شد. ج ـ هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا تعاونی باشد دفاتر و اسناد باید در اداره تصفیه نگاهداری شود. ۳ ـ در صورتی که اداره تصفیه محل مناسبی برای حفظ این قبیل دفاتر و اسناد نداشته باشد آنها را به دفتر راکد ارسال خواهد داشت

مبحث چهارم ـ نگاهداری دفاتر حسابداری (م ۱۳ تا م ۲۳)

ماده ۱۰ ـ هر برگی که به اداره تصفیه واصل شود باید تاریخ ورود روی آن قید گردد. کلیه برگهای مربوط به امور تصفیه باید بر حسب موضوع در پوشه‌های مخصوصی گذارده شده و در پرونده‌ای که به‌نام ورشکسته تهیه می‌شود بایگانی گردد. اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه می‌شود باید با قید شماره مندرجه در برگ ادعای‌بستانکاری به ترتیب حروف الفبا در پوشه مخصوصی بایگانی‌شود. ماده ۱۱ ـ پرونده غیرمجلدی که به دستور ماده بالا تنظیم گردیده ممکن‌است پس از ۱۰ سال اعلام خاتمه ورشکستگی نابود شده و این نکته در ملاحظات دفتر فهرست ورشکستگان قید خواهد شد.پرونده که به دستور ماده هشت تشکیل شده باید همیشه نگاهداری‌شود. ماده ۱۲ ـ اداره تصفیه باید مقررات زیر را نسبت به حفظ دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته رعایت نماید: ۱ ـ هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار شده باشد این شخص حق خواهد داشت دفاتر و اسناد مربوط را تحویل بگیرد. ۲ ـ هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار نشده باشد نکات زیر باید رعایت گردد: الف ـ هرگاه ورشکسته فرد تاجر باشد دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته پس از خاتمه ورشکستگی در مقابل رسید به او رد گردیده و این نکته در صورتمجلس ورشکستگی قید خواهد شد.هرگاه ورشکسته شرکت تضامنی یا مختلط باشد دفاتر و اسناد نامبرده به شریکی که از طرف سایر شرکاء معرفی گردیده تحویل داده می‌شود. در صورتی که شرکاء نسبت به شخص معینی در این‌باب موافقت ننمایند دفاتر و اسناد نامبرده به شخصی که از طرف‌اداره تصفیه معین می‌شود سپرده خواهد شد. ج ـ هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا تعاونی باشد دفاتر و اسناد باید در اداره تصفیه نگاهداری شود. ۳ ـ در صورتی که اداره تصفیه محل مناسبی برای حفظ این قبیل دفاتر و اسناد نداشته باشد آنها را به دفتر راکد ارسال خواهد داشت

فصل دوم ـ اجرای مقررات مربوط به مراحل مختلفه ورشکستگی

مبحث اول ـ تهیه صورت دارایی (م ۲۴ تا م ۳۱)

ماده ۲۴ ـ در فصول جداگانه برگ صورت دارایی باید هر یک از اموال منقول و غیرمنقول و برگهای بهادار و بستانکاری و وجه نقد به‌ترتیب ذکر شود. جمع ارزیابی که به عمل آمده در آخر برگ نوشته می‌شود. هرگاه در فصل بخصوصی مالی موجود نباشد

این نکته در خلاصه ذکر خواهد شد. در برگ صورت دارایی باید محل وقوع هرمال بخصوص نوشته شود. ماده ۲۵ ـ صورت دارایی غیرمنقول باید با ذکر حقوق اشخاص ثالث و بر طبق نمونه تهیه شود. در صورتی که مال غیر منقول در اجاره باشد باید نام و مشخصات مستأجر و مدت اجاره و مال‌الاجاره با حق فسخ اجاره در برگ صورت دارایی قید گردد. منافع غیر منقولی که در جریان ورشکستگی حاصل می‌شود به ترتیب باید در فصل جداگانه‌صورت دارایی نوشته شود. ماده ۲۶ ـ اموال ورشکسته که در خارجه واقع است در فهرست ذکرخواهد شد در مواردی که اشخاص ثالث نسبت به اموال نامبرده حقی دارند نوع حق باید در برگ صورت دارایی نوشته شود. در برگ صورت دارایی باید تاریخ شروع به تصفیه و مدتی که برای تشخیص دارایی طول کشیده و نام کلیه اشخاصی که در تنظیم برگ نامبرده شرکت داشته‌اند ذکر شود. رئیس اداره یا کارمند مربوطه و کارشناسان باید قسمتهای مختلفه برگ صورت دارایی را امضا نمایند. پس از تهیه برگ صورت دارایی متصدی تنظیم باید ورشکسته را از کیفری که در ماده ۱۴ قانون تصفیه پیش‌بینی شده متذکر ساخته و به او اخطار نماید تا چنانچه نکات مذکور در برگ‌صورت دارایی مورد قبول او است مطابق دستور ماده ۲۰ قانون تصفیه عمل نماید. ماده ۲۷ ـ در صورتی که ورشکسته فوت شده یا فراری باشد ورثه و شرکا و خدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند مکلفند به جای او امضا نموده و گواهی دهند. در مورد شرکتهای تضامنی یا مختلط تکلیف مذکور در بالا به عهده هر یک از شرکا مسول حاضر که اختیار اداره کردن امور شرکت را داشته‌اند محول خواهد بود. هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا شرکت تعاونی باشد مدیرانی که درحین اعلام ورشکستگی عهده‌دار امور شرکت بوده‌اند مسوول انجام تکلیف نامبرده شناخته خواهند شد. هرگاه تکلیف بالا انجام نگیرد علت آن باید در برگ صورت دارایی قید شود. ماده ۲۸ ـ اشیایی را که اداره تصفیه به عنوان مستثنیات دین برای ورشکسته باقی می‌گذارد باید با ذکر شماره‌های مندرجه در برگ صورت دارایی در آخر صورت نوشته شده و موضوع نیز به او اعلام گردد. هرگاه ورشکسته از حق خود صرف‌نظر کند این نکته در برگ‌صورت دارایی قید شده و به امضا او می‌رسد. ماده ۲۹ ـ تصمیم راجع به مستثنیات دین در اولین جلسه به بستانکاران‌اعلام گردیده و آنها حق دارند از تاریخ اعلام به مرجع صلاحیتدارشکایت نمایند. هرگاه شخص ثالثی نسبت به مالی ادعایی داشته‌باشد نوع ادعا در برگ مخصوص به آن نوشته شده و در آنجا نام‌کسی که ادعا دارد و شماره ترتیب مال و اسنادی که ارائه شده ذکرمی‌شود. به علاوه در ستون ملاحظات برگ صورت دارایی این نکته‌نیز در مقابل شیء مورد ادعا قید می‌شود. اظهارات ورشکسته وتصمیمات اداره و دادگاه نیز به طور خلاصه و به ترتیب تاریخ درستون ملاحظات این برگ نوشته خواهد شد. ماده ۳۰ ـ هرگاه اداره تصفیه ادامه دادن به تجارت یا صنعت ورشکسته‌را مقتضی بداند دفاتر ورشکسته را از روز اعلام ورشکستگی بسته و مجددا حسابهای جدیدی از آن تاریخ به بعد باز نموده و یا آنکه‌دفاتر مخصوصی برای این امر در نظر خواهد گرفت ماده ۳۱ ـ در موقع تهیه برگ صورت دارایی اداره تصفیه پرسشهای زیرین را از ورشکسته می‌نماید: ۱ ـ نام و محل اقامت بستانکارانی که دفاتر ورشکسته حکایت ازمشخصات آنها نمی‌نماید. ۲ ـ دعاوی که نسبت به دارایی ورشکسته در جریان است ۳ ـ بیمه‌نامه‌هایی که ورشکسته بابت بیمه اشخاص یا خسارت و حوادث غیرمترقبه نسبت به اموال دارد. ۴ ـ حق ولایت یا قیمومتی که ورشکسته داشته و همچنین حقوق ودعاوی مربوطه آن

مبحث دوم ـ دعوت بستانکاران (م ۳۲ تا م ۳۳)

ماده ۳۲ ـ آگهی مذکور در ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه علاوه بر اینکه برای بستانکاران فرستاده می‌شود برای اشخاص زیر نیز فرستاده‌خواهد شد: ۱ ـ قسمتهای اجرای حوزه ورشکسته ۲ ـ دادگاه‌هایی که دعاوی مربوطه به ورشکسته نزد آنها مطرح است ۳ ـ بنگاههای بیمه که ورشکسته قرارداد بیمه شخصی یا هر نوع بیمه‌دیگری که مؤثر در امر تجارتی ورشکسته باشد با آنها منعقد

نموده‌است ۴ ـ دادسرای مربوطه اگر اعمال ولایت یا قیمومیت می‌نماید. ۵ ـ دفتر املاکی که ورشکسته در حوزه آن دارای اموال غیر منقول‌می‌باشد. صورت بستانکارانی که برای آنها یک نسخه آگهی بالا فرستاده شده‌باید در صورتمجلس ورشکستگی یا برگ جداگانه که به امضا رئیس‌اداره تصفیه یا کارمند مربوط رسیده و پیوست صورتمجلس‌می‌شود قید گردد. ماده ۳۳ ـ اصول اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه گردیده در صورتی‌به آنها رد خواهد شد که رونوشت گواهی شده آن اسناد را به اداره‌تسلیم نمایند.

مبحث سوم ـ ادعای اشخاص ثالث (م ۳۴ تا م ۳۷)

ماده ۳۴ ـ برای هر جلسه بستانکاران باید صورتمجلس تنظیم شود. دراین صورتمجلس نام تمام بستانکارانی که شخصا حاضر شده یا نماینده فرستاده‌اند قید خواهد شد، سپس گزارش مذکور در ماده ۲۶قانون اداره تصفیه قرائت شده و در صورتمجلس ذکر می‌شود. کلیه پیشنهادات در صورت‌مجلس نوشته شده و تصمیم اداره نیز در آخرآن ذکر خواهد شد. ماده ۳۵ ـ هرگاه اموال ورشکسته مورد مطالبه اشخاص ثالثی باشد اداره تصفیه تصمیم مقتضی خواهد گرفت فروش مال مورد ادعا مانع تصمیم اداره نخواهد بود مگر آنکه حاصل فروش بین بستانکاران تقسیم شده باشد. ماده ۳۶ ـ همینکه اداره تصفیه تصمیم مقتضی راجع به ادعای شخص‌ثالثی گرفت مدلول آن را به اشخاص ذی نفع اعلام کرده و مخصوصا به کسانی که ادعا دارند باید تذکر داده بشود که در صورت عدم‌مراجعه به دادگاه صلاحیت‌دار در موعد مقرر ادعای آنها مسموع‌نخواهد بود. ماده ۳۷ ـ هرگاه شخصی نسبت به شیئی که داخل در مستثنیات دین‌است حق رهن یا رجحان داشته و حق او را نیز اداره تصفیه شناخته‌باشد قبلا طلب صاحب حق رهن یا رجحان پرداخته شده و مازاد آن‌به ورشکسته تسلیم خواهد شد. هرگاه شیئی که داخل در مستثنیات‌دین است مورد ادعای دیگری قرار گیرد در این صورت مقررات بالارعایت نشده و شخص ثالث می‌تواند بر علیه شخص ورشکسته‌اقامه دعوی نماید.

مبحث چهارم ـ رسیدگی به مطالبات (م ۳۸ تا م ۴۶)

ماده ۳۸ ـ اطلاعاتی را که ورشکسته طبق ماده ۳۰ قانون اداره تصفیه راجع به مطالبات می‌دهد در برگ صورت ادعای طلب یا برگ‌جداگانه وارد شده و به امضا او می‌رسد. مقررات مذکور در ماده ۲۷آیین‌نامه راجع به شرکتهای تضامنی و سهامی و تعاونی در اینجا نیزمراعات می‌شود. ماده ۳۹ ـ برگ طبقه‌بندی بستانکاران به ترتیب زیر تنظیم می‌گردد: ۱ ـ ذکر بستانکارانی که دارای حق رهن هستند. ۲ ـ ذکر بستانکاران مذکور در ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه هرگاه در بند ۱ یا یکی از طبقات بند ۲ بستانکاری موجود نباشد بایددر صورت طبقه‌بندی بستانکاران تذکر داده شود. ماده ۴۰ ـ هرگونه ادعای بستانکاری باید در طبقه و ستون مخصوص به‌خود نوشته شود. تصمیم اداره تصفیه مبنی بر رد یا قبول آن نیز بایدبا ذکر خلاصه علت در آنجا قید گردد. هرگاه ادعای بستانکاری موجه شناخته نشود اداره تصفیه آن را رد خواهد کرد. رد یا قبول ادعایی به‌طور مشروط جایز نیست ماده ۴۱ ـ مطالبات باید به ترتیب شماره گذارده شده و جهت بستانکاری در آنجا قید و به شماره برگ ادعای بستانکاری نیز اشاره شود. در برگ طبقه‌بندی بستانکاران باید اموال مورد رهن قید شود هرگاه منافع مالی مورد رهن باشد این موضوع نیز ذکر خواهد شد. ماده ۴۲ ـ هرگاه در قبال طلبی اموال شخص ثالثی در رهن بوده باشد این قسمت جزء بستانکاری های عادی ثبت خواهد شد. در صورتی که‌مال مورد رهن قبل از تقسیم وجوه حاصله به فروش رسیده وبستانکار به حق خود برسد صاحب مال جانشین بستانکار شناخته‌شده و در سهم‌بندی به همان نسبت شرکت خواهد کرد. ماده ۴۳ ـ هرگاه دعوای مربوط به طلبی در موقع اعلام ورشکستگی درجریان باشد این ادعا جزء صورت طبقه‌بندی بستانکاران ذکر شده‌ولی اداره تا تعیین تکلیف قطعی از طرف دادگاه تصمیمی در آن

باب‌نخواهـد گرفت اداره تصـفیه می‌توانـد تصـمیم خود را در ظرف مدت‌اعتراض راجع به بسـتانکاری تغییر دهد ولی این تغییر باید طبق ماده۳۵ قانون اداره تصـفیه آگهی شده و به اشـخاص ذی‌نفع نیز اعلام گردد. ماده ۴۴ ـ هرگاه در نتیجه اعتراضـی که طبق ماده ۳۶ قانون اداره تصفیه به‌عمل آمده دادگاه تصمیمی اتخاذ نماید این تصمیم در صورت‌طبقه‌بندی بستانکاران قید می گردد. ماده ۴۵ ـ آگهی مـذکور در مـاده ۳۵ قـانون اداره تصـفیه بایـد در همان‌روزنـامه که توقف اعلام شـده است ضـبط گردد. در آگهی منـدرج درقسمت ۲ ماده ۳۵ قانون اداره تصـفیه بایـد اخطار شود که اگر اشـخاص‌ذی نفع در ظرف مـدت مقرر در ماده ۳۶ قانون به دادگاه مراجعه‌ننمایند حق آنها از بین خواهد رفت ماده ۴۶ ـ در مورد تصفیه اختصاری نیز صورت طبقه‌بندی بستانکاران‌تنظیم خواهد شد و مقررات فوق تا اندازه‌ای که قابل اعمال است درآنجا نیز رعایت خواهد گردید.

مبحث پنجم ـ تصفیه (م ۴۷ تا م ۵۳)

ماده ۴۷ ـ در مـورد مـاده ۴۲ قـانون اداره تصـفیه برای هر مزایـده بایـدصورت مخصوصـی تنظیـم شـود. در این صـورتمجلس بـاید نام‌اشخاصـی که مباشـر مزایـده بوده و همچنین تاریـخ و محل و مدت‌مزایـده و بالاترین بهاء هر شـیء در آن قید شود. صورتمجلس رارئیس یا کارمند اداره تصـفیه امضا می‌نماید. ماده ۴۸ ـ هرگاه موضوع مزایـده مال غیر منقول باشد اداء این عبارت از طرف رئیس یا کارمند اداره تصفیه که (فلان مال غیر منقول به بهاءفلان مبلغ به آقای ... واگذار می‌شود) باید در صورتمجلس قید گردد و برنده مزایـده نیز آن را امضا نمایـد. هرگاه به بهاء ارزیابی شده‌خریـداری پیدا نشود باید در صورتمجلس ذکر گردد که مال غیرمنقول در مزایده به فروش نرسیـد. هرگاه مزایده تحت شـرایطی به عمل آیداین نکته نیز در صورتمجلس باید قید گردد. ماده ۴۹ ـ کسانی که در مزایده مال غیرمنقول شرکت می‌کنند باید صدی‌پنج بهاء مال غیرمنقول ارزیابی شده را به صندوق اداره تصفیه تا روزی که برای مزایده مقرر شده بسپارند. هرگاه پرداخت بهاء درموعد مقرر انجام نگیرد یا آنکه پیشـنهاد دهنده حاضـر به اجرای تعهدخود نگردد خسارت وارده از مبلغ سپرده برداشت خواهـد شـد. ماده ۵۰ ـ هرگـاه مال غیرمنقول موضوع مزایـده مورد حق رهن و غیره‌واقع شـده باشد باید اخطاریه‌ای که متضمن تاریخ و ساعت و محل‌مزایده باشد برای صاحب حق فرستاده شود. در صورتی که برنده مزایده غیر از صاحب حق رهن باشـد باید شـخص برنده مزایده و شـخص صاحب حق و رئیس یا کارمند اداره تصـفیه در یکی از دفترخانه‌های اسـناد رسـمی حضور بهم رسانیـده و ضـمن انتقـال ملک به‌خریـدار حق صاحب رهن را پرداخته و مازاد آن را به حساب ورشکسـته منظور دارنـد. ماده ۵۱ ـ هرگاه اشیاء مورد مزایـده بیمه شـده باشـد این نکته بایـد درموقع مزایده اعلام گردد. در صورتی که اشیاء مـذکور یکجا به یک نفرواگـذار شود این انتقال باید به بیمه‌کننده اعلام گردد. ماده ۵۲ ـ انتقال دعوای مشـکوکی که طبق ماده ۴۵ قانون اداره تصـفیه‌پیش‌بینی شـده بایـد به وسـیله برگ نمونه و تحت شـرایطی که در آن‌ذکر شده به عمل آمده و هزینه‌ای که به آن تعلق می گیرد به عهده‌انتقال گیرنـده خواهد بود. ماده ۵۳ ـ همین که قرارداد ارفاقی بسـته شـد اقدام دیگری برای فروش‌اموال به عمل نیامده و اداره تصفیه منتظر گواهی دادگاه مربوطه‌خواهد بود.

مبحث ششم ـ تقسیم وجوه حاصله(م ۵۴ تا م ۵۹)

ماده ۵۴ ـ اداره تصفیه باید برای تقسیم موقت سهام بر طبق ماده ۴۸قانون اداره تصفیه صورت تقسیم موقت تهیه نموده و اعلام نماید که‌صورت تقسیـم در ظرف مـدت ده روز در دسترس بسـتانکاران گذارده‌خواهـد شد. هرگاه دعوای مربوط به بسـتانکاری در موقع تقسـیم‌موقت سـهام به نتیجه نرسـیده باشد سـهمی که برای او منظور شده کنار گذارده می‌شود و همچنین بستانکارانی که طلب آنها

موجل است قبل از رسیدن موعد به آنها پرداخته نخواهد شد مگر آنکه برای برگشت فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند. ماده ۵۵ ـ صورت تقسیم نهایی وقتی تنظیم می‌شود که کلیه‌دعاوی‌مربوط به دارایی و بدهی ورشکسته قطعی شده باشد. برای تنظیم‌صورت قطعی لازم نیست منتظر مازاد مذکور در ماده ۴۵ قانون اداره تصفیه گردید. ماده ۵۶ ـ صورت تقسیم به ترتیب زیر تنظیم می‌شود: قبل از هر چیز اموال مورد رهن یا وثیقه و وجهی که از حاصل فروش آن بدست‌می‌آید قید گردیده و هزینه که از بابت اداره کردن و فروش آن به عمل آمده ذکر خواهد شد. این‌گونه هزینه‌ها از حاصل فروش کسر شده و پس از پرداخت طلبهای وثیقه‌دار مازاد آن به حساب عمومی وجوه‌حاصله نقل خواهد شد. هرگاه وجه حاصل فروش کافی برای تادیه طلب بستانکار وثیقه‌دار نباشد نام او به نسبت بقیه طلب جزء طبقه پنجم مذکور در ماده ۵۷ قانون ذکر خواهد شد. از حاصل کل دارایی بدوا هزینه‌های ورشکستگی و هزینه امور ورشکستگی کسر گردیده و بقیه بین اشخاص مذکور در برگ صورت طبقه‌بندی بستانکاران تقسیم خواهد شد. ماده ۵۷ ـ هرگاه به موجب ماده ۴۵ قانون دعوایی به بستانکاری واگذارشده و این دعوی به نتیجه مثبتی رسیده باشد اداره تصفیه ضمن صورت تقسیم یا به وسیله ضمیمه جداگانه آن را بین بستانکار انتقال‌گیرنده و سایر بستانکاران تقسیم خواهد نمود. ماده ۵۸ ـ همینکه صورت تقسیم تهیه شد باید به بستانکاران اعلام گرددکه صورت نامبرده در اداره تصفیه در دسترس آنها گذارده خواهد شد. هرگاه بعد از آگهی تغییری در صورت مزبور داده شود این نکته نیز به‌طریق فوق اعلام خواهدگردید. ماده ۵۹ ـ قبل از اقدام به تقسیم اداره باید مطمئن شود که هیچ‌گونه‌اعتراضی در ظرف مدت مقرر نسبت به صورت تقسیم به عمل‌نیامده است در صورتی که نسبت به این صورت اعتراضی شده‌باشد اداره تصفیه برای تقسیم منتظر نتیجه رسیدگی به این اعتراض‌خواهد بود.

مبحث هفتم ــ خاتمه ورشکستگی (م ۶۰ تا م ۶۲)

ماده ۶۰ ـ پس از خاتمه ورشکستگی کارمند مربوطه گزارشی مبنی برخاتمه ورشکستگی به رئیس اداره خواهد داد. در این گزارش خلاصه عملیات تصفیه و جهت ورشکستگی و مبلغ دارایی و بدهی و میزان زمینه خالی و سهمیه هایی که به موجب فقره ۴ ماده ۴۷ قانون اداره تصفیه به صندوق وزارت دادگستری سپرده شده ذکر خواهد شد .سپس خاتمه ورشکستگی از طرف رئیس اداره اعلام و انتشارخواهد یافت ماده ۶۱ ـ گزارش نهایی در مورد تصفیه اختصاری نیز باید تنظیم شده و خاتمه ورشکستگی هم به موجب آگهی اعلام گردد. در مورد ماده۲۲ قانون انتشار آگهی مبنی بر اعلام خاتمه ورشکستگی ضروری نیست ماده ۶۲ ـ سند عدم کفایت دارایی باید بر طبق نمونه پیوست صادر شود.

مبحث هشتم ــ تصفیه اختصاری (م ۶۳)

ماده ۶۳ ـ در مورد تصفیه اختصاری مذکور در فقره ۲ ماده ۲۳ قانون اداره تصفیه نکات زیر رعایت می شود: ۱ـ بستانکاران برای تشکیل جلسه دعوت نمی شوند مع‌ذلک هرگاه‌اداره مقتضی بداند ممکن است بوسیله تشکیل جلسه جلب نظر آنها را بنماید ولی در صورتی که ورشکسته پیشنهاد قرارداد ارفاقی نموده باشد در این مورد باید جلسه بستانکاران دعوت شود. ۲– در هر موقع بدون هیچ‌گونه شرطی ممکن است خواه از طریق عادی یا بطور مزایده اقدام به فروش اموال ورشکسته به عمل آید.مهلتی که برای پرداخت بها مال داده می شود نباید از سه ماه تجاوزکند. در صورت نبودن خریدار به بها ارزیابی شده اقدام به مزایده‌مجدد به عمل نیامده و اداره تصفیه به نحو مقتضی اقدام به فروش آن خواهد نمود. ۳– تقسیم وجوه حاصله طبق مدلول مواد ۴۶ و ۴۷ قانون به

عمل آمده و سند عدم کفایت دارایی صادر می شود ولی صورت تقسیم برای مراجعه اشخاص ذینفع در اداره تصفیه گذارده نشده و تقسیم موقت سهام نیز به عمل نخواهد آمد.

مبحث نهم ـ مقررات مخصوص (م ۶۴ تا ۶۷)

ماده ۶۴ ـ در هر حوزه که تشکیل اداره تصفیه اعلام شود امور ورشکستگی که تا آن تاریخ خاتمه نیافته تحویل اداره تصفیه گردیده و مدیران تصفیه و کارمندان ناظر باید از هرگونه اقدام خودداری نمایند. ماده ۶۵ ـ عملیات ورشکستگی اموری که تصفیه آن در موقع اعلام‌تشکیل اداره تصفیه خاتمه نیافته طبق مقررات قانون اداره تصفیه و این آیین‌نامه ادامه خواهد یافت ماده ۶۶ ـ هرگاه اعمال ورشکستگی که قبل از اعلام تشکیل اداره تصفیه انجام شده ناقص تشخیص شود با رعایت مقررات این آیین‌نامه تکمیل خواهد گردید. ماده ۶۷ ـ در موارد مذکور در مواد بالا که قسمتی از اعمال تصفیه به‌وسیله مدیران تصفیه و قسمت دیگر به وسیله اداره تصفیه انجام می‌شود هزینه امور تصفیه باید به تشخیص رئیس اداره بین مدیران و اداره تقسیم گردد.

قانون معادن مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

فصل اول ـ تعاریف و کلیات (م ۱ تا م ۴)

ماده ۱ ـ تعریف واژه‌های به کار رفته در این قانون به شرح زیر است الف ـ ماده معدنی (کانی : هر ماده یا ترکیب طبیعی که به صورت جامد یا گاز یا مایع و یا محلول در آب در اثر تحولات زمین شناسی به‌وجود آمده است ب ـ کانه مواد معدنی یا کانیهای موجود در کانسار که دارای ارزش اقتصادی است پ ـ ذخیره معدنی (کانسار): تمرکز و یا انباشت طبیعی یک یا چند ماده معدنی در زیر یا روی زمین و یا محلول در آب می‌باشد. ت ـ معدن ذخیره معدنی است که بهره برداری از آن مقرون به‌صرفه باشد. ث ـ اکتشاف تجسس ارادی به منظور یافتن کانسار است که شامل عملیاتی از جمله موارد زیر می باشد: ۱ ـ آثاریابی و نمونه‌برداری و آزمایشات کمی و کیفی ۲ ـ بررسیهای زمین شناسی ژئوفیزیکی و ژئوشیمیایی و مانند آنها و انجام اموری که برای این گونه‌بررسیها لازم باشد. ۳ ـ حفاری روباز و زیرزمینی ۴ ـ تعیین شکل و کیفیت و کمیت ذخیره معدنی و تهیه نقشه‌های مربوطه ج ـ پروانه اکتشاف مجوزی است که برای انجام عملیات اکتشافی مواد معدنی در محدوده مشخص ازطرف وزارت معادن و فلزات صادر می‌شود. چ ـ گواهی کشف تاییدیه‌ای است که توسط وزارت معادن و فلزات پس از اتمام عملیات اکتشافی و کشف کانه به نام دارنده پروانه اکتشاف صادر می‌شود. ح ـ بهره‌برداری مجموعه عملیاتی است که به منظور استخراج و کانه آرایی و به دست آوردن مواد معدنی قابل فروش انجام می گیرد. خ ـ بهره‌بردار: شخص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی تعاونی و خصوصی است که دارای پروانه بهره‌برداری از وزارت معادن و فلزات باشد. د ـ استخراج مجموعه عملیاتی است که به منظور جدا کردن کانه از کانسار و انتقال آن به محل انباشت‌مواد انجام می گیرد. ذ ـ اجازه برداشت مجوزی است که از طرف وزارت معادن و فلزات برای تامین مصالح ساختمانی موردنیاز طرحهای عمرانی و برداشت واریزه‌ها و ذخایر محدود و جزیی و نیز عملیات آزمایشگاهی صادرمی‌شود. ر ـ حقوق دولتی عبارت است از درآمد دولت ناشی از استخراج بهره برداری و برداشت هر واحد از ماده‌یا مواد معدنی ز ـ کانه آرایی عبارت است از کلیه عملیات فیزیکی شیمیایی و یا فیزیک و شیمیایی که به منظور جداکردن قسمتی از مواد باطله از کانه و یا تفکیک کانه‌ها از یکدیگر انجام می گیرد. ژ ـ فرآوری شامل کلیه عملیاتی است که بر روی مواد خام معدنی یا کانه آرایی شده آنها انجام و در نتیجه موجب تولید مواد اولیه صنعتی می‌شود. س ـ محل انباشت مواد: محلی است خارج از کارگاههای استخراج و

تونلها و چاهها که مواد مستخرجه‌در آنجا انباشته می‌شود. ش ـ مواد باطله عبارت است از موادی که در نتیجه استخراج یا کانه آرایی از کـانه جـدا می گردد. ص ـ شن و مـاسه معمولی شن و مـاسه‌ای است که حاوی کانیهای با ارزش نبوده و یا تفکیک آنها مقرون‌به صرفه نباشد و عمدتا در کارهای ساختمانی راه‌سازی بتن‌ریزی و نظایر آن استفاده می گردد. ض ـ خاک رس معمولی خاکی است که برای ساختن خشت و آجر معمولی (غیرنسوز) بکار می رود ونیز در عملیات ساختمانی و راه سازی و کشاورزی از آن استفاده می‌شود. ط ـ خاک صنعتی خاکی است که به علت داشتن خواص فیزیکی و یا شیمیایی خاص مصارف صنعتی‌مختلف دارد. ظ ـ سنگ لاشه و ساختمانی سنگهای مختلف موجود در طبیعت که حاوی کانه قابل تفکیک در شرایط کنونی نبوده و عمل آوری آن رایج و معمول و یا مقرون به صرفه نباشد و بنا به تشخیص وزارت معادنو فلزات سنگ تزیینی نیست و عموما در پی یا دیوار چینی ساختمانها، راه سازی و دیواره‌سازی و امورنظیر آن به کار می‌رود. ع ـ سنگ تزیینی سنگهای متبلور و غیر متبلور رسوبی آذرین و دگر گونی که حاوی کانه قابل تفکیک درشرایط کنونی نبوده و عمل آوری آنها نظیر برش و صیقل رایج و مقرون به صرفه باشد از قبیل مرمر، شبه‌مرمر (مرمریت تراورتن گرانیت و امثالهم غ ـ پروانه بهره‌برداری مجوزی است که توسط وزارت معادن و فلزات برای بهره‌برداری از معادن درمحدوده‌ای که مشخص شده است صادر می گردد. ف ـ طرح بهره‌برداری طرحی است که در آن جزئیات برنامه‌های اجرایی برای بهره‌برداری از معدن وزمان بندی اجرای عملیات و سایراطلاعات براساس شناسنامه معدن در نمونه فرمهای ویژه وزارت‌معادن و فلزات توسط عاملین بهره‌برداری درج می گردد. ق ـ معادن بلامعارض به معادنی اطلاق می شود که فاقد بهره‌بردار بوده و یا واگذاری آن از نظر این قانون منعی نداشته باشد. ماده ۲ ـ در اجرای اصول چهل و چهارم و چهل و پنجم قانون اساسی مسوولیت اعمال حاکمیت دولت‌بر معادن کشور و حفظ ذخائر معدنی و نیز صدور اجازه انجام فعالیتهای معدنی مقرر در این قانون و نظارت بر امور مزبور و فراهم آوردن موجبات توسعه فعالیتهای معدنی دستیابی به ارزش افزوده ایجاد اشتغال در این بخش و نیز افزایش هم بخش معدن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به عهده وزارت معادن و فلزات می‌باشد. اعمال حاکمیت مذکور در این ماده نمی‌تواند مانع اعمال مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده مقررات باشد. ماده ۳ ـ مواد معدنی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند: الف ـ مواد معدنی طبقه یک عبارت هستند از: سنگ آهک سنگ گچ شن و ماسه معمولی خاک رس معمولی صدف دریایی پوکه معدنی نمک‌آبی و سنگی مارن سنگ لاشه ساختمانی و نظایر آنها. ب ـ مواد معدنی طبقه دوم عبارت هستند از: ۱ ـ آهن طلا، کرم قلع جیوه سرب روی مس تیتان آنتیموان مولیبدن کبالت تنگستن کادمیوم وسایر فلزات ۲ ـ نیتراتها، فسفاتها، براتها، نمکهای قلیایی سولفاتها، کربناتها، کلرورها (به استثنای مواد یاد شده درطبقه یک و نظایر آنها. ۳ ـ میکا، گرافیت تالک کائولن نسوزها، فلدسپات سنگ و ماسه سیلیسی پرلیت دیاتومیت زئولیت بوکسیت خاک سرخ خاک زرد، خاکهای صنعتی و نظایر آنها. ۴ ـ سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی مانند الماس زمرد، یاقوت یشم فیروزه انواع عقیق و امثال آنها. ۵ ـ انواع سنگهای تزیینی و نما. ۶ ـ انواع زغال سنگها و شیلهای غیرنفتی ۷ ـ مواد معدنی قابل استحصال از آبها و نیز گازهای هیدروکربوری ج ـ مواد معدنی طبقه سه عبارت هستند از: کلیه هیدروکربورها به استثنای ذغال سنگ مانند: نفت خام گاز طبیعی قیر، پلمه سنگهای نفتی سنگ‌آسفالت طبیعی و ماسه‌های آغشته به نفت و امثال آنها. قیر، پلمه سنگهای نفتی و سنگ آسفالت طبیعی در صورتی که مورد عمل وزارت نفت شرکتها و واحدهای تابعه و وابسته به آن وزارت نباشد جزو معادن طبقه دو محسوب می گردد. د ـ مواد معدنی طبقه چهار عبارت هستند از: کلیه مواد پرتوزا اعم از اولیه و ثانویه تبصره ـ طبقه آن دسته از مواد معدنی مرتبط با محدوده طبقات یک و دو که در طبقه‌بندی فوق مشخص نشده یا مورد تردید باشد و نیز طبقه موادی شامل چند ماده از یک طبقه و موادی از طبقه‌دیگر، بر حسب نوع اهمیت و ارزش این مواد توسط وزارت معادن و فلزات تعیین می‌شود. ماده ۴ ـ امور مربوط به مواد معدنی طبقات یک و دو به استثنای شن و ماسه معمولی و خاک رس معمولی در چهارچوب مقررات این قانون در حیطه وظایف وزارت معادن و فلزات می‌باشد. تبصره ـ تشخیص معمولی بودن شن و ماسه و خاک رس با وزارت معادن و فلزات است

فصل دوم ــ اکتشاف (م ۵ تا م ۸)

ماده ۵ ـ اکتشاف ذخایر معدنی توسط بخشهای دولتی و تعاونی و خصوصی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌شود. وزارت معادن و فلزات نیز مکلف است راساً یا توسط سازمانها و شرکتها و واحدهای تابعه و یا با استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط واجد صلاحیت نسبت به‌اکتشاف و شناسایی ذخایر معدنی کشور اقدام نماید. ماده ۶ ـ اکتشاف ذخائر معدنی منوط به صدور پروانه اکتشاف توسط وزارت معادن و فلزات است چگونگی اخذ پروانه ضوابط اکتشاف مدت اعتبار پروانه انتقال حقوق متعلق به آن پروانه و نیز سایر موارد ضروری مربوط برابر مفاد این قانون در آیین‌نامه اجرایی تعیین خواهد شد. تبصره ـ اکتشاف حین بهره‌برداری نیاز به صدور پروانه اکتشاف ندارد، لکن در صورت کشف ذخیره یا ماده معدنی جدید گواهی کشف دارنده پروانه بهره‌برداری به ترتیب با رعایت مفاد این قانون اصلاح یا گواهی جدید صادر خواهد شد. ماده ۷ ـ وزارت معادن و فلزات مکلف است پس از رسیدگی و تایید عملیات اکتشافی نسبت به صدور گواهی کشف به نام دارنده پروانه اکتشاف اقدام نماید. در این گواهی نوع یا انواع ماده معدنی کشف شده کمیت کیفیت حدود، مساحت و هزینه عملیات اکتشافی باید ذکر شود. گواهی مزبور با تایید وزارت معادن و فلزات ظرف یک سال از تاریخ صدور، قابل انتقال به اشخاص ثالث خواهد بود. تبصره ۱ ـ چگونگی اجرای ماده فوق به خصوص در صورت عدم تایید عملیات اکتشافی در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورت عدم دستیابی به کانه پس از انجام عملیات اکتشافی حقی برای دارنده پروانه اکتشاف ایجاد نمی‌شود. ماده ۸ ـ دارندگان گواهی کشف می‌توانند حداکثر ظرف یک سال پس از صدور گواهی کشف درخواست خود را برای اخذ پروانه بهره برداری معدن کشف شده تسلیم وزارت معادن و فلزات نمایند.عدم تسلیم درخواست مزبور در مهلت مقرر موجب سلب حق اولویت یاد شده از آنان خواهد شد. تبصره ـ در صورت عدم تسلیم به موقع درخواست یاد شده هزینه‌های اکتشافی مندرج در گواهی کشف توسط بهره‌بردار ذخیره معدنی مکشوفه به دارنده گواهی مذکور به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد پرداخت می‌گردد.

فصل سوم ــ بهره‌برداری (م ۹ تا م ۱۷)

ماده ۹ ـ بهره برداری از ذخایر معدنی مستلزم اخذ پروانه بهره‌برداری از وزارت معادن و فلزات است این پروانه بر اساس شناسنامه معدن و طرح بهره‌برداری مصوب وزارت مذکور صادر خواهدشد. ماده ۱۰ ـ عاملین بهره‌برداری از ذخایر معدنی عبارتند از: الف ـ اشخاص حقیقی و حقوقی زیر با تشخیص و اجازه مستقیم وزارت معادن و فلزات ۱ ـ دارندگان گواهی کشف در مهلت مقرر در ماده ۸. ۲ ـ واحدهای تولیدکننده مواد معدنی فرآوری شده با ارزش افزوده‌تر تا مرحله تولید مواد اولیه صنعتی از معادن بلامعارض تا زمانی که به تولید ادامه می‌دهند. ۳ ـ واحدهای صنعتی مصرف کننده مواد معدنی از معادن بلامعارض تا زمانی که به تولید ادامه‌می‌دهند. ۴ ـ متقاضیان بهره‌برداری که متخصص معدن یا زمین‌شناسی بوده و یا بین آنها حداقل یک نفر از متخصصین مذکور وجود داشته باشد، از معادن بلامعارض تا زمانی که ترکیب فوق را دارا باشد. ب ـ واحدها یا شرکتهای تابعه و وابسته به وزارت معادن و فلزات بنا به ضرورت واحدها و شرکتهای مذکور می‌توانند با استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی صلاحیتدار و یا با مشارکت آنها از ذخایر معدنی بهره برداری کنند. ج ـ شرکتهای تعاونی معدنی متشکل از کارکنان معادن تبصره ۱ ـ در صورتی که متقاضیان بهره برداری متعدد باشند و یا متقاضیان در عداد بندهای فوِق نباشند، مقررات مربوط به بخش معاملات دولتی قانون محاسبات عمومی ملاک عمل می‌باشد. تبصره ۲ ـ شناسنامه هر معدن در بردارنده مشخصات معدن کمیت و کیفیت ذخیره معدنی ارزیابی‌فنی و اقتصادی شامل نرخ بازگشت داخلی سرمایه الزامات اجرایی عملیات معدنی استخراج بهینه‌ذخیره مزبور و رعایت

اصول ایمنی و حفاظت فنی و سایر موارد ضروری است ذخیره معدنی قطعی‌مندرج در شناسنامه توسط وزارت معادن و فلزات تضمین خواهد شد و به عنوان وثیقه قابل قبول‌می‌باشد. تبصره ۳ ـ پروانه بهره‌برداری سندی است رسمی لازم الاجرا، حاوی مدت بهره برداری بر اساس شناسامه معدن و طرح بهره برداری مصوب قابل تمدید، قابل معامله و انتقال به اشخاص ثالث که متضمن حق انتفاع دارنده پروانه از ذخیره معدنی و نیز بردارنده تعهدات وی در اجرای مفاد آن می‌باشد.مدت هر دوره بهره‌برداری با توجه به موارد فوق و ذخیره موجود تا حداکثر ۲۵ سال با حق اولویت‌تمدید برای دارنده پروانه تعیین می‌شود. ماده ۱۱ ـ وزارت معادن و فلزات مکلف است در صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن به خانواده‌های شهدا و جانبازان و ایثارگران و شرکتهای تعاونی و سهامی افراد واجد شرایط محلی با رعایت مفاد این قانون اولویت دهد. ماده ۱۲ ـ معادن بزرگ با توجه به میزان ذخیره عیار، میزان استخراج ارزش ماده معدنی میزان‌سرمایه‌گذاری موقعیت جغرافیایی و ملاحظات سیاسی اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزارت معادن و فلزات و تصویب هیات وزیران تشخیص داده می‌شود و نحوه بهره‌برداری آن توسط هیات‌دولت تعیین می گردد. ماده ۱۳ ـ وزارت معادن و فلزات می‌تواند برای تامین مصالح ساختمانی مورد نیاز طرحهای عمرانی و نیز برداشت واریزه‌ها و ذخایر محدود کشف شده یا در صورت لزوم برداشت جزیی از یک ذخیره معدنی و همچنین برای عملیات آزمایشگاهی با تشخیص خود اجازه برداشت محدود صادر نماید. ماده ۱۴ ـ دارنده پروانه بهره‌برداری باید درصدی از بهای ماده معدنی سرمعدن مندرج در پروانه را به‌نرخ روز، به عنوان حقوق دولتی سالانه به وزارت معادن و فلزات پرداخت نماید. وزارت مزبور می‌تواند در صورت لزوم معادل بهای آن ماده معدنی از بهره‌بردار اخذ کند. چگونگی اجرای این ماده و نیز ضوابط تعیین درصد یاد شده با توجه به عوامل موثر در آن از جمله محل و موقعیت معدن وضعیت ذخیره معدنی روش استخراج تعهدات و سود ترجیحی بهره بردار درآیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. بدیهی است کلیه درآمدهای حاصل از اجرای این ماده به حساب خزانه منظور خواهد شد. تبصره ۱ ـ مبنای قیمت پایه ماده معدنی معادنی که از طریق اعمال قانون محاسبات عمومی کشور واگذار می‌شوند، میانگین حقوق دولتی معادن مشابه مجاور آنها خواهد بود. تبصره ۲ ـ حقوق دولتی برای دارندگان اجازه برداشت میانگین حقوق دولتی معادن مجاور محل برداشت خواهد بود. بررسیهای آزمایشگاهی و کاربردی تا میزان یک تن از پرداخت حقوق مزبور معاف‌خواهد بود. تبصره ۳ ـ ماخذ درآمد موضوع قسمت اخیر بند (الف تبصره (۶۶) قانون بودجه سال ۱۳۶۳، درصد تعیین شده در ماده فوق خواهد بود. ماده ۱۵ ـ مواد باطله حاصل از عملیات استخراج و بهره‌برداری از معادن در صورت عدم استفاده بهره‌بردار از آن پس از انقضای مدت ذکر شده در پروانه یا اجازه برداشت متعلق به دولت بوده و به طرقی که وزارت معادن و فلزات صلاح بداند استفاده خواهد شد. ماده ۱۶ ـ وزارت معادن و فلزات موظف است به منظور تشویق سرمایه‌گذاری برای تولید مواد معدنی‌فرآوری شده واحدهای مربوطه را زیر پوشش نظارتی و حمایتی و هدایتی خود قرار داده و از سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در این امور حمایت نماید و در این باره مطالعات امکان سنجی و تهیه‌طرحهای تیپ انجام دهد. چگونگی آن در آیین‌نامه اجرایی مشخص خواهد شد. ماده ۱۷ ـ دولت موظف است به منظور توسعه فرآوری و صادرات مواد معدنی با ارزش افزوده بیشتر و نیز گسترش فعالیتهای اکتشافی و بهره‌برداری پیشنهاد وزارت معادن و فلزات در رابطه با خط مشیهای تولیدی بازرگانی مالی و پولی مرتبطه را مورد بررسی قرار داده در صورت تصویب در برنامه‌های توسعه منظور نماید و برای تحقق آن در لوایح بودجه سالانه کشور پیش‌بینی لازم را به عمل آورد. تبصره ـ وزارت معادن و فلزات مکلف است گسترش فرآوری مواد معدنی و صادرات آن را در اولویت برنامه‌های اجرایی خود قرار دهد.

فصل چهارم ــ مقررات عمومی (م ۱۸ تا م ۳۶)

ماده ۱۸ ـ وزارت معادن و فلزات مکلف است وضع بهره‌برداران فعلی را به تدریج پیش از انقضای اعتبارمجوزهای صادره با این قانون تطبیق داده در صورت انجام تعهدات مربوط برای آنان پروانه بهره‌برداری جدید صادر نماید. در هر حال اقدامات یاد شده

نباید به هیچ وجه به حقوق مکتسبه‌بهره‌برداران لطمه‌ای وارد سازد. ماده ۱۹ ـ هر کس بـدون اخذ پروانه اکتشاف یا بهره‌برداری و یا اجازه برداشت اقـدام به حفاریهای اکتشافی اسـتخراج برداشت و بهره‌برداری مواد معـدنی نماید، متصـرف در اموال عمومی و دولتی محسوب می‌شود و بـا او برابر قوانین و مقررات مربوط رفتار خواهـد شـد. در این موارد ماموران انتظامی موظفنـد حسب درخواسـت وزارت معادن و فلزات بلافاصله از این‌گونه عملیات جلوگیری و متهم یا متهمان را برای صدور حکم به مرجع قضایی معرفی نمایند. وزارت معـادن و فلزات مکلف است ضـمن انجـام اقـدامات لازم به موقع درخواست ضـرر و زیـان ناشـی از جرم را به مرجع قضایی مربوط تسلیم نماید. ماده ۲۰ ـ وزارت معـادن و فلزات به دارنـدگان پروانه بهره برداری و اجـازه برداشت که به تعهـدات خود عمل ننماینـد و یـا قـادر به انجـام آن نباشـند بـا تعیین مهلتی متنـاسب اخطـار خواهـد نمود تا تعهـد خود را ایفا نماینـد. در صورتی که در انقضای مهلت مقرر اقـدامی از سوی متعهـد صورت نگیرد و یا اقـدام انجام شده به طور کلی کافی نباشد، ملزم به پرداخت خسارات ناشـی از عـدم انجام تعهـدات مربوط خواهد شد و یا درنهایت فاقد صـلاحیت برای ادامه عملیات مربوط شـناخته می‌شود. انجام این عمـل در اعتبـار پروانه بهره‌برداری و یـا حقوق اشـخاص ثـالث تاثیری نخواهـد داشت تبصـره ـ وزارت معادن و فلزات موظف اسـت شرایط مربوط به چگونگی جبران خسارات ناشـی از عدم انجام تعهدات موضوع این ماده را در پروانه بهره برداری و اجازه برداشـت درج نمایـد. ماده ۲۱ ـ بهره‌بردار و دارنـده اجـازه برداشت قبلی موظـف است امـوال و تجهیزات مربوط به معـدن را که انـتزاع آن به تشخیص کارشناسی وزارت معادن و فلزات موجب وارد آمدن لطمه و خسارت به معدن می‌شود به نرخ تعیین شده بر اساس ارزیابی کارشـناس رسـمی دادگستری به قیمت روز به بهره‌بردار جدید واگذار نماید. در صورت عدم واگذاری اموال و تجهیزات مربوط به معـدن برابر شـرایط یاد شده مسوول جبران خسارت وارده خواهد بود. ماده ۲۲ ـ چنانچه اجرای عملیات معـدنی در محدوده املاک دایر یا مسبوق به احیای اشـخاص واقع و نیاز به تصـرف این املاک باشـد، مجری عملیات پس از تاییـد وزیر معادن و فلزات مکلف است اجاره یا بهای آن را بـدون محاسبه ذخایر معـدنی واقع در آن برابر نظر کارشـناس رسـمی دادگستری به قیمت روز به صاحب ملـک بپردازد و در صورت امتناع وی از دریافت آن در صـندوق سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور تودیع نمایـد که در این حالت زمینه انجام عملیات معدنی توسط وزارت معادن و فلزات با هماهنگی دستگاههای مسوول فراهم خواهد شد. تشخیص دایر یا مسبوق به احیاء بودن املاک و وضع مالکیت مالک یا مالکین به عهده مراجع مربوطه می‌باشد. تبصره ۱ ـ در صورتی که برای ادامه عملیات اکتشـافی یـا بهره‌برداری و اسـتخراج معادن واقع در خارج از املاک یاد شـده نیاز به حفر کانال یا تونل زیرزمینی باشـد که در عمق عرفی املاـک مزبـور قرار گیرد،مشـمول مـاده فـوق بوده در غیر این صورت تـابع ملـک نخواهـد بود. تشـخیص عمق عرفی موضوع این‌تبصـره با توجه به نوع کاربری اراضـی منطقه عملیات معدنی به عهده کارشـناس رسـمی دادگستری‌می‌باشد. تبصره ۲ ـ مالک یا مالکین املاک فوق الذکر یا قائم مقام قانونی آنها در اخذ پروانه اکتشاف ذخایرسـنگ لاشه ساختمانی و سنگهای تزیینی و نما واقع در عمق عرفی املاک دایر یا مسـبوق به احیای خودکه به ترتیب مقرر در قسـمت اخیر تبصـره فوق تعیین می‌شود، مشـروط به تسلیم درخواست به وزارت‌معـادن و فلزات قبـل از صـدور پروانه اکتشاف برای سایرین نسـبت به آنها حق تقـدم خواهنـد داشت که دراین صورت مواد مکشوفه تا عمق عرفی به تبع ملک متعلق به آنان بوده ضمن معافیت از پرداخت‌حقوق دولتی براساس مفاد ماده (۱۰) و بند (۱) شق (الف ماده مـذکر و با آنها رفتار خواهـد شد. تبصـره ۳ ـ مـاموران انتظـامی مکلفنـد در صورت ممانعت مالک از اجرای عملیات معدنی موضوع این‌ماده بلافاصله به درخواست وزارت معادن و فلزات طبق مقررات موضوعه رفع ممانعت و مزاحمت‌نمایند. ماده ۲۳ ـ هرگونه اقدام در محدوده‌های بهره برداری و برداشت مواد معدنی توسط دستگاههای اجرایی اعم از وزارتخانه‌ها، شرکتها و سازمانهـای دولتی و موسـسات عمومی غیرانتفـاعی و نهادهـای انقلاـب و واحـدهای تـابعه آنهـا موکول به کسب مجوز از وزارت معادن و فلزات می‌باشد. ماده ۲۴ ـ جهت تسریع در امر اکتشاف و بهره برداری از معادن دستگاههای اجرایی مربوط مکلفند حداکثر ظرف چهـار مـاه نسـبت به اسـتعلام وزارت معادن و فلزات در مورد حریمهای قانونی مربوط به آنها و مناطق موضوع بنـد (الف ماده

(۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه‌های تصویب شده آن و رعایت قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب‌سال ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن و نیز قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب سال ۱۳۷۴هنگام صدور پروانه اکتشاف و بهره برداری اعلام نظر نمایند. عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله موافقت دستگاههای مزبور برای اجرای عملیات فوق تلقی می‌شود. ماده ۲۵ ـ چنانچه محدوده عملیات معدنی در منابع ملی و طبیعی واقع باشد، مطابق تبصره (۴) ماده ۳) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های تصویب شده‌آن اقدام لکن به جای بهره مالکانه و حق الارض مندرج در تبصره یاد شده به مأخذ سه درصد (۳٪)حقوق دولتی موضوع ماده (۱۴) این قانون و تبصره‌های (۱) و (۲) آن به منظور بازسازی مناطق عملیات معدنی علاوه بر حقوق دولتی مذکور توسط وزارت معادن و فلزات از بهره‌برداران و دارندگان اجازه برداشت دریافت و به حساب مربوطه واریز می‌شود. ماده ۲۶ ـ محدوده‌های مربوط به استخراج و انباشت و بهره برداری مواد معدنی و دفع مواد زائد معادن واقع در منابع ملی که مساحت این محدوده‌ها در مجوز صادره قید می‌شود، عرصه عملیاتی معدن مربوطه بوده و تا پایان عمر معدن به صورت اموال عمومی در مجوزهایی که صادر می‌شود به منزله تصرف در اموال عمومی محسوب می‌شود. ماده ۲۷ ـ وزارت معادن و فلزات موظف است به منظور استفاده مطلوب از خدمات متخصصان معدن و زمین‌شناسی و امور مربوط به آن این گروه را در قالب دفاتر فنی مهندسی ساماندهی کند. دولت موظف است لایحه نظام مهندسی معدن و زمین‌شناسی را تدوین نموده و ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به مجلس ارائه نماید. ماده ۲۸ ـ دستگاههای اجرایی مکلفند با توجه به موقعیت جغرافیایی معادن و لزوم توسعه بخش معدن مناطق محل وقوع معادن را جزو اولویت اجرای طرحها و برنامه‌های توسعه‌ای و اعمال نرخهای‌تعرفه‌ای ـ ترجیحی خود قرار دهند. ماده ۲۹ ـ به منظور ایجاد ثبات در محاسبات اقتصادی تولید مواد معدنی مقرراتی که منجر به تحمیل هزینه غیرمرتبط و سربار برای تولید مواد مذکور می‌شود از تاریخ تصویب این قانون کان لم یکن تلقی‌می‌گردد. ماده ۳۰ ـ مطالبات وزارت معادن و فلزات از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی بابت حقوق دولتی سه‌درصد بازسازی و جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات به ترتیب موضوع ماده (۱۴) وتبصره‌های (۱) و (۲) آن و مواد (۲۰) و (۲۵) این قانون درحکم مطالبات مستند به اسناد لازم الاجرابوده و براساس ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱/۶/۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی‌بر طبق مقررات اجرایی مالیاتهای مستقیم قابل وصول خواهد بود. ضرر و زیان ناشی از دیرکرد براساس جدولی خواهد بود که به همراه آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت معادن و فلزات تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۱ ـ به منظور تحقق توسعه پایدار در بخش معدن دولت موظف است صندوق بیمه‌سرمایه‌گذاری فعالیتهای معدنی را جهت تامین تمام یا قسمتی از خسارات احتمالی ناشی از عدم کشف‌کانه و سرمایه‌گذاریهای موجود، طبق اساسنامه‌ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید در وزارت‌معادن و فلزات تاسیس نماید و همه ساله در صورت لزوم اعتبار مورد نیاز سهم دولت را با توجه به سیاستهای تولیدی در لوایح بودجه سالانه پیشنهاد نماید. ماده ۳۲ ـ وزارت معادن و فلزات مجاز است در اجرای بند (۱۴) ماده (۱) قانون تاسیس وزارت مزبور مصوب سال ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی به منظور تسریع در تحقق امر اکتشاف و شناسایی کانسارها و ضرور تا سایر عملیات معدنی شرکتهای عملیاتی که اساسنامه آنها به تصویب هیات وزیران خواهد رسید، تاسیس نماید. ماده ۳۳ ـ کارکنان رسمی دولت در وزارت معادن و فلزات و شرکتها و سازمانهای تابعه دولتی در زمان اشتغال و تا یک سال بعد از قطع اشتغال نمی‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم در معاملات و امتیازات موضوع این قانون ذی سهم و یا ذی نفع باشند. در صورت تخلف به انفصال ابد از خدمات دولتی و محرومیت از پنج تا ده سال از هرگونه عقد قرارداد معدنی و اخذ هرگونه مجوز عملیات معدنی محکوم می‌گردند. ماده ۳۴ ـ وزارت معادن و فلزات مکلف است در کلیه معادن کشور برای جلوگیری از تخریب و تضییع ذخایر معدنی و اجرای تعهدات اکتشاف‌کنندگان و بهره‌برداران و رعایت اصول ایمنی و حفاظتی کارکنان معادن طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون نظارت کامل بنماید. ماده ۳۵ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت معادن و

فلزات بـا هماهنگی سایر وزارتخانه‌ها،سازمانها و ارگانهای ذی ربط در مـدت سه ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهـد رسـید. ماده ۳۶ ـ از تاریـخ تصویب این قـانون قـانون معادن و اصـلاحات بعـدی آن و نیز سایر قوانین و مقررات‌مربوط در قسـمت مغایر لغو می گردد.

قانون صدور چک مصوب ۸ / ۴ / ۱۳۵۵ (م ۱ تا م ۲۳)

با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲ ماده ۱ ـ انواع چـک عبارت است از: ۱ ـ چک عادی چکی است که اشـخاص عهده بانکها به‌حساب جاری خود صادر و دارنـده آن تضـمینی جز اعتبار صادر کننـده آن نـدارد. ۲ ـ چک تاییـد شـده چکی است که اشـخاص عهده بانکها به حسـاب جـاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تاییـد می‌شود. ۳ ـ چک تضـمین شده چکی است که توسط بانک به عهـده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضـمین می‌شود. ۴ ـ چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد. ماده ۲ ـ چکهـای صـادر عهـده بانکهـایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شـده و یا می‌شونـد، همچنین شـعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسـناد لازم‌الاجراست و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسـمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسـناد رسـمی وجه چک یا باقیمانـده آن را از صادرکننـده وصول نمایـد. برای صـدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهینامه مندرج در ماده ۵را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کنـد که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننـده در بانک از طرف بانک گواهی شـده باشد. دارنده چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت‌نویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه‌حامل یا قائم مقام قانونی آنان تبصـره ـ دارنـده چک می‌توانـد محکومیت صادر کننـده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شـده که مسـتقیما و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شـده است اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشـد، از دادگـاه تقاضـا نمایـد، در صورتی که دارنـده چـک جبران خسـارت و هزینه‌های مزبور را پس از صـدور حکم درخواست کنـد، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید. ماده ۳ ـ صادر کننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشـته باشد و نباید تمام یا قسـمتی از وجهی را که‌به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج‌نمایـد یا دسـتور عـدم پرداخت وجه چک را بدهـد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانـک به عللی از قبیـل عـدم مطـابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در منـدرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک‌خودداری نماید. هرگاه در متن چک شـرطی برای پرداخت ذکر شده باشدبانک به آن شـرط ترتیب اثر نخواهد داد. ماده ۳ مکرر ـ چک فقط در تاریـخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود. ماده ۴ ـ هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳پرداخت نگردد بانک مکلف است در برگ مخصوصـی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننـده در آن ذکر شـده باشـد، علت یا علل عـدم پرداخت را صـریحا قیـد و آن را امضا و مهر نموده و به دارنـده چک تسـلیم نمایـد. در برگ مزبور بایـد مطـابقت امضـای صادرکننـده بـا نمونه‌امضـای موجود در بانـک (در حـدود عرف بانکـداری و یا عـدم مطـابقت آن از طرف بانـک تصـدیق شـود. بانـک مکلـف است به منظور اطلاع صادرکننـده چـک فورا نسـخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. در برگ مزبور بایـد نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چـک نیز قیـد گردد. ماده ۵ ـ در صورتی که موجودی حسـاب صادرکننـده چـک نزد بانـک کمتر از مبلغ چـک باشـد، به تقاضای دارنده چک ، بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به‌دارنده چک بپردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشـت

چک و تسلیم آن به بانک گواهی‌نامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت می‌نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی‌محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید. ماده ۶ ـ بانکها مکلفند در روی هر برگ چک نام و نام‌خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند. ماده ۷ ـ هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد: الف ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد. ب ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. ج ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادر کننده چک اقدام به اصدار چکهای بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چکها ملاک عمل خواهد بود. تبصره ـ این مجازاتها شامل مواردی که ثابت شود چکهای بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره‌ربوی صادر شده ، نمی‌باشد. ماده ۸ ـ چکهایی که در ایران عهده بانکهای واقع در خارج کشور صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت شده باشند، از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهندبود. ماده ۹ ـ در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را نقدا به دارنده آن پرداخته یابا موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده‌باشد ، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید، قابل تعقیب کیفری نیست در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد. ماده ۱۰ ـ هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج درماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است ماده ۱۱ ـ جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تاشش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک‌مراجعه نکند، یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارایه داده است برای تشخیص‌این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکرتاریخ ذکر نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده‌حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آن که انتقال قهری باشد. در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید، و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود. تبصره ـ هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هرنحو به دیگری واگذار نماید، تعقیب کیفری موقوف خواهدشد. ماده ۱۲ ـ هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقدا به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم کند یا در صندوِق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند. هرگاه پس از صدور حکم قطعی ، شاکی گذشت کند و یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد

بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. تبصره ـ میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک ـ مصوب ۱۰/۳/۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ خواهد بود. ماده ۱۳ ـ الف ـ در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد. ب ـ هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ج ـ چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. د ـ هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. هـ ـ در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد. ماده ۱۴ ـ صادرکننده چک یا ذی نفع یا قائم مقام قانونی‌آنها با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم‌دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتبا دستور عدم‌پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احرازهویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهدکرد و در صورت ارایه چک بانک گواهی عدم پرداخت رابا ذکر علّت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت‌داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم‌پرداخت شده ثابت گردد، دستوردهنده علاوه بر مجازات‌مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده‌به دارنده چک محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ ذی نفع در مورد این ماده کسی است که چک به‌نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده‌باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده . در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب‌مسدودی نگهداری نماید. تبصره ۲ ـ دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک‌تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت‌مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک‌وجه آن را پرداخت کند. تبصره ۳ ـ پرداخت چکهای تضمین شده و مسافرتی رانمی‌توان متوقف نمود مگر آن که بانک صادر کننده نسبت‌به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک‌راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیرماده (۱۴) محفوظ خواهد بود. ماده ۱۵ ـ دارنده چک می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان‌خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید. ماده ۱۶ ـ رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی وحقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه‌دادرسی فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۷ ـ وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت‌وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر این که‌خلاف این امر ثابت گردد. ماده ۱۸ ـ مرجع رسیدگی کننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ـ مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ـ حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ می‌نماید. ماده ۱۹ ـ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی ازطرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی‌صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب‌متضامنا مسوول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود.بعلاوه امضا کننده چک طبق مقررات این قانون مسوولیت کیفری خواهد داشت مگر این که ثابت نماید که عدم‌پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسوول خواهد بود. ماده ۲۰ ـ مسوولیت مدنی پشت‌نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است ماده ۲۱ ـ بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی راکه بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آنهامنتهی به صدور کیفرخواست شده باشد، بسته و تا سه‌سال به‌نام آنها حساب جاری دیگر باز ننمایند. مسوولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل ننمایندحسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده

۹ قانون‌رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأت رسیدگی به‌تخلّفات اداری محکوم خواهند شد. تبصره ۱ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف‌است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده‌اند، به‌صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد. تبصره ۲ ـ ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت‌اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که‌ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیأت دولت می‌رسد. ماده ۲۲ ـ در صورتی‌که به متهم دسترسی حاصل نشود،آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل‌می‌آید . هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین‌شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم به‌وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت ماده ۲۳ ـ قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴نسخ می‌شود.

تصویب‌نامه درخصوص الحاق یک تبصره به بند « ب» ماده (۹) آیین‌نامه بند « هـ» ماده (۲۹) قانون برگزاری من

وزارت راه و ترابری هیئت‌وزیران در جلسه مورخ۱۵/۷/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره۲۷۳۷/۱۱ مورخ۲۵/۲/۱۳۸۶ وزارت راه و ترابری و به استناد بند « هـ» ماده (۲۹) قانون برگزاری مناقصات ـ مصوب۱۳۸۳ـ تصویب نمود: متن زیر به عنوان تبصره به بند « ب» ماده (۹) آیین‌نامه بند « هـ» ماده (۲۹) قانون برگزاری مناقصات، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۱۷۸/ت۳۴۱۶۲هـ مورخ ۱۶/۷/۱۳۸۵ الحاق می‌گردد. « تبصره ـ موافقت قطعی انجام فعالیت‌های پژوهشی در زمینه‌های مربوط به دانشگاهها، مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی، مراکز رشد و پارکهای علم و فناوری و سایر مراکز تحقیقاتی قانونی که حسب مورد توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر می‌شوند، به منزله گواهینامه صلاحیت برای ارجاع کارهای پژوهشی و تحقیقاتی که دارای اعتبارات پژوهشی هستند تلقی می‌شوند». ارجاع کارهای پژوهشی و تحقیقاتی به دانشگاهها، مؤسسات و مراکز یادشده با ترک تشریفات مناقصه انجام می‌گیرد. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

کار و تامین اجتماعی

قانون کار جمهوری اسلامی ایران – مصوب مهرماه ۱۳۶۸

فصل اول تعاریف کلی و اصول (م ۱ تا م ۶)

ماده ۱. کلیه کارفرمایان کارگران کارگاه‌ها، موسسات تولیدی صنعتی خدماتی و کشاورزی مکلف به تبعیت از این قانون می‌باشند. ماده ۲. کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل‌دریافت حق‌السعی اعم از مزد، حقوق ، سهم سود و سایر مزایا به‌درخواست کارفرما کار می‌کند. ماده ۳. کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به‌درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق‌السعی کار می‌کند.مدیران و مسوولان و به طور عموم کلیه کسانی که عهده‌دار اداره کارگاه هستند، نماینده کارفرما محسوب می‌شوند و کارفرما مسوول‌کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می‌گیرند. در صورتی که نماینده کارفرما خارج از اختیارات خودتعهدی بنماید و کارفرما آن را نپذیرد، در مقابل کارفرما ضامن است ماده ۴. کارگاه محلی است که کارگر به درخواست کارفرما یا نماینده‌او در آنجا کار می‌کند، از قبیل موسسات صنعتی کشاورزی ،معدنی ساختمانی ترابری مسافربری خدماتی تجاری تولیدی اماکن عمومی و امثال آنها. کلیه تاسیساتی که به اقتضای کار متعلق به کارگاه‌اند، از قبیل نمازخانه ناهارخوری تعاونی‌ها، شیرخوارگاه مهدکودک ، درمانگاه ، حمام آموزشگاه حرفه‌ای قرائت خانه

کلاس‌های‌سوادآموزی و سایر مراکز آموزشی و اماکن مربوط به شورا و انجمن‌اسلامی و بسیج کارگران ورزشگاه و وسایل ایاب و ذهاب و نظایرآنها جزء کارگاه می‌باشند. ماده ۵. کلیه کارگران کارفرمایان نمایندگان آنان و کارآموزان و نیزکارگاه‌ها مشمول مقررات این قانون می‌باشند. ماده ۶. براساس بند چهار اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم واصول نوزدهم بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری‌اسلامی ایران اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع ومردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارندو رنگ نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراداعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق‌دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست بر گزیند.

فصل دوم قرارداد کار

مبحث اول تعریف قرارداد کار و شرایط اساسی انعقاد آن(م ۷ تا م ۱۳)

ماده ۷. قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به‌موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی کاری را برای مدت‌موقت یا مدت غیر موقت برای کارفرما انجام می‌دهد. تبصره ۱. حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه‌غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲. در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود. ماده ۸. شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی‌نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این‌قانون منظور ننماید. ماده ۹. برای صحت قرارداد کار در زمان بستن قرارداد رعایت شرایط‌ذیل الزامی است الف ـ مشروعیت مورد قرارداد ب ـ معین بودن موضوع قرارداد ج ـ عدم ممنوعیت قانونی و شرعی طرفین در تصرف اموال یا انجام‌کار مورد نظر تبصره اصل بر صحت کلیه قراردادهای کار است مگر آنکه بطلان‌آنها در مراجع ذی صلاح به اثبات برسد. ماده ۱۰. قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین باید حاوی‌موارد ذیل باشد: الف ـ نوع‌کار یا حرفه یاوظیفه‌ای که‌کارگر باید به آن اشتغال یابد. ب ـ حقوق یا مزد مبنا و لواحق آن ج ـ ساعات کار، تعطیلات و مرخصیها د ـ محل انجام کار ه ـ تاریخ انعقاد قرارداد و ـ مدت قرارداد، چنانچه کار برای مدت معین باشد. ز ـ موارد دیگری که عرف و عادات شغل یا محل ایجاب نماید. تبصره در مواردی که قرارداد کار کتبی باشد قرارداد در چهار نسخه‌تنظیم می‌گردد که یک نسخه از آن به اداره کل محل و یک نسخه نزدکارگر و یک نسخه نزد کارفرما و نسخه دیگر در اختیار شورای‌اسلامی کار و در کارگاه‌های فاقد شورا در اختیار نماینده کارگر قرارمی‌گیرد. ماده ۱۱. طرفین می‌توانند با توافق یکدیگر مدتی را به نام دوره آزمایشی کار تعیین نمایند. در خلال این دوره هر یک از طرفین حق‌دارد، بدون اخطار قبلی و بی‌آنکه الزام به پرداخت خسارت داشته‌باشد، رابطه کار را قطع نماید. در صورتی که قطع رابطه کار از طرف‌کارفرما باشد وی ملزم به پرداخت حقوق تمام دوره آزمایشی‌خواهد بود و چنانچه کارگر رابطه کار را قطع نماید کارگر فقط‌مستحق دریافت حقوق مدت انجام کار خواهد بود. تبصره مدت دوره آزمایشی باید در قرارداد کار مشخص شود.حداکثر این مدت برای کارگران ساده و نیمه ماهر یک ماه و برای‌کارگران ماهر و دارای تخصص سطح بالا سه ماه می‌باشد. ماده ۱۲. هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه از قبیل‌فروش یا انتقال به هر شکل تغییر نوع تولید، ادغام در مؤسسه‌دیگر، ملی شدن کارگاه فوت مالک و امثال اینها، در رابطه قراردادی‌کارگرانی که قراردادشان قطعیت یافته است موثر نمی‌باشد وکارفرمای‌جدید،قائم مقام تعهدات و حقوق کارفرمای‌سابق‌خواهد بود. ماده ۱۳. در مواردی که کار از طریق مقاطعه انجام می‌یابد،مقاطعه‌دهنده مکلف است قرارداد خود

را بـا مقاطعه‌کـار به نحوی‌منعقـد نمایـد که در آن مقاطعه‌کـار متعهـد گردد که تمـامی مقررات این‌قـانون را در مورد کارکنان خود اعمال نماید. تبصره ۱. مطالبـات کارگر جزء دیون ممتازه بوده و کارفرمایان‌موظف می‌باشـند بـدهی پیمانکاران به کارگران را برابر رای مراجع‌قـانونی از محـل مطالبـات پیمانکار، من جمله ضـمانت حسن انجام‌کار، پرداخت نماینـد. تبصـره ۲. چنانچه مقاطعه‌دهنده برخلاـف ترتیب فوق به انعقـادقرارداد با مقاطعه‌کار بپردازد و یا قبل از پایان ۴۵ روز از تحویل‌موقت تسویه حساب نمایـد، مکلف به پرداخت دیون مقاطعه‌کار درقبال کارگران خواهد بود.

مبحث دوم تعلیق قرارداد کار (م ۱۴ تا م ۲۰)

ماده ۱۴. چنـانچه به واسـطه امور مـذکور در مواد آتی انجـام تعهـدات‌یکی از طرفین موقتـا متوقف شود، قرارداد کـار به حـال تعلیق درمی‌آیـد و پس از رفع آنهـا قرارداد کـار با احتساب سابقه خـدمت (ازلحاظ بازنشسـتگی و افزایش مزد) به حالت اول بر می‌گردد. تبصره مدت خدمت نظام وظیفه (ضرورت احتیاط و ذخیره وهمچنین مدت شرکت داوطلبانه کارگران در جبهه جزء سوابق‌خدمت و کـار آنان محسوب می‌شود. ماده ۱۵. در مـوردی که به واسـطه قوه قهریه و یـا بروز حوادث غیرقابـل پیش‌بینی که وقوع آن از اراده طرفیـن خـارج اسـت تمـام یاقسـمتی از کارگـاه تعطیـل شـود و انجـام تعهـدات کـارگر یـا کارفرمـا به‌طـور مـوقت غیرممکن گردد، قراردادهای کار با کارگران تمام یا آن‌قسـمت از کارگاه که تعطیل می‌شود به حال تعلیق در می‌آیـد.تشـخیص موارد فوق با وزارت کار و امور اجتماعی است ماده ۱۶. قرارداد کارگرانی که مطابق این قانون از مرخصی تحصیلی و یا دیگر مرخصی‌های بدون حقوق یا مزد اسـتفاده می‌کنند، در طول‌مرخصـی و به مدت دو سال به حال تعلیق در می‌آید. تبصـره مرخصـی تحصـیلی برای دو سال‌دیگر قابل‌تمدید است ماده ۱۷. قرارداد کارگری که توقیف می‌گردد و توقیف وی منتهی به‌حکم محکومیت نمی‌شود در مدت توقیف به حال تعلیق در می‌آیدو کارگر پس از رفع توقیف به کار خود باز می‌گردد. ماده ۱۸. چنانچه توقیف کارگر به سبب شکایت کارفرما باشـد و این‌توقیف در مراجع حل اختلاف منتهی به حکم محکومیت نگردد،مـدت آن جزء سابقه خدمت کارگر محسوب می‌شود و کارفرمامکلف است علاوه بر جبران ضرر و زیان وارده که مطابق حکم‌دادگاه به کارگر می‌پردازد، مزد و مزایای وی را نیز پرداخت نمایـد. تبصـره کارفرمـا مکلف است تـا زمانی که تکلیف کارگر از طرف‌مراجع مـذکور مشـخص نشـده باشـد، برای رفع احتیاجات خانواده وی حداقل پنجاه درصد از حقوق ماهیانه او را به طور علی‌الحساب‌به خانواده‌اش پرداخت نماید. ماده ۱۹. در دوران خدمت نظام وظیفه قرارداد کار به حالت تعلیق‌در می‌آید، ولی کارگر باید حداکثر تا دو ماه پس از پایان خدمت به‌کار سابق خود برگردد و چنانچه شغل وی حذف شده باشد در شغلی‌مشابه آن به کار مشغول می‌شود. ماده ۲۰. در هر یک از موارد مذکور در مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۹چنـانچه کارفرمـا پس از رفع حالت تعلیق از پـذیرفتن کارگر خودداری‌کنـد، این عمل در حکم اخراج غیر قانونی محسوب می‌شود و کـارگرحق دارد ظرف مـدت ۳۰ روز به هیات تشـخیص مراجعه نمایـد (درصورتی که کارگر عـذر موجه داشـته باشد) و هرگاه کارفرما نتوانـدثابت کند که نپذیرفتن کارگر مستند به دلایل موجه بوده است به‌تشـخیص هیات مزبور مکلف به بازگرداندن کارگر به کار و پرداخت‌حقوق یا مزد وی از تاریـخ مراجعه به کارگاه می‌باشـد و اگر بتوانـد آن‌را اثبات کند به ازای هر سال سابقه کار ۴۵ روز آخرین مزد به وی‌پرداخت نمایـد. تبصـره چنـانچه کارگر بـدون عـذر موجه حـداکثر ۳۰ روز پس از رفع‌حـالت تعلیق آمـادگی خود را برای انجـام کـار به کارفرما اعلام نکنـد ویا پس از مراجعه و اسـتنکاف کارفرما، به هیات تشـخیص مراجعه‌ننمایـد، مستعفی شناخته می‌شود که در این صورت کارگر مشمول‌اخذ حق سنوات به ازای هر سال یک ماه آخرین حقوق خواهد بود.

مبحث سوم خاتمه قرارداد کار (م ۲۱ تا م ۲۸)

ماده ۲۱. قرارداد کـار به یکی از طرق زیر خـاتمه می‌یابـد: الف ـ فوت کـارگر. ب ـ بازنشسـتگی کـارگر. ج ـ از کـار افتادگی کلی کـارگر. د ـ انقضـای مـدت در قراردادهای کار با مـدت موقت و عـدم تجدیدصـریح یا ضـمنی آن ه ـ پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است و ـ استعفای کارگر. تبصره کارگری که استعفا می‌کند موظف است یک ماه به کار خود ادامه داده و بدوا استعفای خود را کتبـا به کارفرما اطلاع دهـد و درصورتی که حـداکثر ظرف مـدت ۱۵ روز انصـراف خود را کتبـا به‌کارفرما اعلام نمایـد، استعفای وی منتفی تلقی می‌شود و کارگرموظف است رونوشت استعفا و انصـراف از آن را به شورای اسلامی کارگاه و یا انجمن صـنفی و یا نماینـده کارگران تحویل دهد. ماده ۲۲. در پایـان کـار، کلیه مطالباتی که ناشـی از قرارداد کار و مربوطبه دوره اشتغال کارگر در موارد فوق است به کارگر و در صورت‌فوت او به وارث قانونی وی پرداخت خواهـد شد. تبصـره تا تعیین تکلیف وراث قـانونی و انجـام مراحـل اداری وبرقراری مسـتمری توسـط سازمـان تامین اجتماعی این سازمان‌موظف است نسـبت به پرداخت حقوق متوفی به میزان آخرین‌حقوق دریـافتی به طور علی‌الحسـاب و به مـدت سه ماه به عائله‌تحت تکفل وی اقـدام نمایـد. ماده ۲۳. کـارگر از لحـاظ دریـافت حقوق یـا مستمری‌های ناشـی ازفوت بیماری بازنشسـتگی بیکاری تعلیق از کارافتادگی کلی وجزیی و یا مقررات حمایتی و شرایط مربوط به آنها تابع قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۲۴. در صورت خاتمه قرارداد کار، کار معین یا مـدت موقت کارفرمـا مکلف است به کـارگری که مطابق قرارداد، یک سال یابیشتر، به کار اشـتغال داشـته است برای هر سال سابقه اعم از متوالی‌یـا متنـاوب براسـاس آخرین حقوق مبلغی معـادل یک ماه حقوق به‌عنوان مزایای پایان کار به وی پرداخت نمایـد. ماده ۲۵. هر گـاه قرارداد کـار برای مـدت موقت و یـا برای انجام کارمعین منعقـد شـده باشـد هیـچ‌یک از طرفین به تنهایی حق فسـخ آن راندارد. تبصـره رسـیدگی به اختلافات ناشی از نوع این قراردادها درصلاحیت هیات‌های تشخیص و حل اختلاف است ماده ۲۶. هر نوع تغییر عمـده در شـرایط کـار که بر خلاـف عرف‌معمول کارگـاه و یـا محـل کـار باشـد و پس از اعلام موافقت کتبی اداره‌کار و اموراجتمـاعی محـل قابـل اجراست در صورت بروز اختلاف رای هیات حل اختلاف قطعی ولازم‌الاجراست ماده ۲۷. هر گاه کارگر در انجـام وظایف محوله قصور ورزد و یا آیین‌نامه‌های انضـباطی کارگاه را پس از تـذکرات کتبی نقض نمایـدکارفرما حق دارد در صورت اعلاـم نظر مثبت شورای اسـلامی کارعلاـوه بر مطالبـات و حقوق معوقه به نسبت هر سـال سـابقه کارمعادل یک ماه آخرین حقوق کـارگر را به عنوان «حق سـنوات به وی پرداخته و قرارداد کـار را فسخ نمایـد. در واحـدهایی که فاقـد شورای اسـلامی کـار هسـتند نظر مثبت انجمن‌صـنفی لازم است و در هر مورد از موارد یاد شده اگر مساله با توافق‌حل نشد به هیات تشـخیص ارجاع و در صورت عدم حل اختلاف از طریق هیات حل اختلاف رسـیدگی و اقدام خواهد شد.درمدت‌رسیدگی‌مراجع‌حل‌اختلاف قرارداد کار به حالت‌تعلیق‌درمی‌آید. تبصـره ۱. کارگاه‌هـایی که مشـمول قـانون شورای اسـلامی کـار نبوده و یا شورای اسـلامی کار و یا انجمن صنفی در آن تشـکیل نگردیـده باشـدیا فاقد نماینده کارگر باشـند اعلام نظر مثبت هیات تشـخیص موضوع ماده ۱۵۸این قانون) در فسخ قرارداد کار الزامی است تبصـره ۲. موارد قصور و دسـتورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های انضـباطی‌کارگاه‌ها، به موجب مقرراتی است که با پیشـنهاد شورای عالی کار به‌تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهـد رسـید. ماده ۲۸. نماینـدگان قانونی کارگران و اعضای شوراهـای اسـلامی کـارو همچنین داوطلبان واجـد شـرایط نماینـدگی کارگران و شوراهای‌اسـلامی کار، در مراحل انتخابات قبل از اعلام نظر قطعی هیات‌تشخیص (موضوع ماده ۲۲ قانون شوراهای اسـلامی کار) و رای‌هیات حل اختلاف کماکان به فعالیت خود در همـان واحـد ادامه داده و ماننـد سـایر کـارگران مشـغول کـار و همچنین انجـام وظـایف و امورمحوله خواهنـد بود. تبصـره ۱. هیات تشـخیص و هیـات حـل اختلاف پس از دریافت‌شـکایت در مورد اختلاف فیمابین نماینـده یا نماینـدگان قانونی‌کارگران و کارفرما، فورا و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نظرنهایی خود را اعلام خواهنـد داشت در هر صورت هیات حل‌اختلاف موظف اسـت حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت‌شکایت به موضوع رسیدگی نماید. تبصره ۲. در کارگاه‌هایی که شورای اسلامی کار

تشکیل نگردیده و یا در مناطقی که هیات تشخیص (موضوع ماده ۲۲ قانون شوراهای اسلامی کار) تشکیل نشده و یا اینکه کارگاه مورد نظر مشمول قانون‌شوراهای اسلامی کار نمی‌باشد، نمایندگان کارگران و یا نمایندگان انجمن صنفی قبل از اعلام نظر قطعی هیات تشخیص (موضوع‌ماده ۲۲ قانون شوراهای اسلامی کار) و رای نهایی هیات حل‌اختلاف کماکان به فعالیت خود در همان واحد ادامه داده و مشغول‌کار و همچنین انجام وظایف و امور محوله خواهند بود.

مبحث چهارم جبران خسارت از هرقبیل و پرداخت مزایای پایان کار(م ۲۹ تا م ۳۳)

ماده ۲۹. در صورتی که بنا به تشخیص هیات حل اختلاف کارفرماموجب تعلیق قرارداد از ناحیه کارگر شناخته شود، کارگر استحقاق دریافت خسارت ناشی از تعلیق را خواهد داشت و کارفرما مکلف‌است کارگر تعلیقی از کار را به کار سابق وی بازگرداند. ماده ۳۰. چنانچه کارگاه بر اثر قوه قهریه (زلزله سیل و امثال اینها)و یا حوادث غیر قابل پیش‌بینی (جنگ و نظایر آن تعطیل گردد وکارگران آن بیکار شوند، پس از فعالیت مجدد کارگاه کارفرما مکلف‌است کارگران بیکار شده را در همان واحد بازسازی شده و مشاغلی که در آن به وجود می‌آید به کار اصلی بگمارد. تبصره دولت مکلف است با توجه به اصل بیست و نهم قانون‌اساسی و با استفاده از درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل ازمشارکت مردم و نیز از طریق ایجاد صندوق بیمه بیکاری نسبت به تامین معاش کارگران بیکار شده کارگاه‌های موضوع ماده ۴ این قانون‌و با توجه به بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی امکانات لازم رابرای اشتغال مجدد آنان فراهم نماید. ماده ۳۱. چنانچه خاتمه قرارداد کار به لحاظ از کارافتادگی کلی و یابازنشستگی کارگر باشد، کارفرما باید براساس آخرین مزد کارگر به‌نسبت هر سال سابقه خدمت حقوقی به میزان ۳۰ روز مزد به وی‌پرداخت نماید. این وجه علاوه بر مستمری از کارافتادگی و یا بازنشستگی کارگر است که توسط سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌شود. ماده ۳۲. اگر خاتمه قرارداد کار در نتیجه کاهش تواناییهای جسمی و فکری ناشی از کار کارگر باشد (بنا به تشخیص کمیسیون پزشکی‌سازمان بهداشت و درمان منطقه با معرفی شورای اسلامی کار و یانمایندگان قانونی کارگر) کارفرما مکلف است به نسبت هر سال‌سابقه خدمت معادل دو ماه آخرین حقوق به وی پرداخت نماید. ماده ۳۳. تشخیص موارد از کار افتادگی کلی و جزئی و یا بیماریهای‌ناشی از کار یا ناشی از غیر کار و فوت کارگر و میزان قصور کارفرمادر انجام وظایف محوله قانونی که منجر به خاتمه قرارداد کارمی‌شود، براساس ضوابطی خواهد بود که به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل سوم شرایط کار

مبحث اول حق السعی (م ۳۴ تا م ۵۰)

ماده ۳۴. کلیه دریافتهای قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار، اعم ازمزد یا حقوق ، کمک عائله‌مندی هزینه‌های مسکن خواربار، ایاب‌و ذهاب مزایای غیرنقدی پاداش افزایش تولید، سود سالانه ونظایر آنها دریافت می‌نماید را حق‌السعی می‌نامند. ماده ۳۵. مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیر نقدی و یا مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می‌شود. تبصره ۱. چنانچه مزد با ساعت انجام کار مرتبط باشد، مزد ساعتی‌و در صورتی که براساس میزان انجام کار و یا محصول تولید شده باشد، کارمزد و چنانچه بر اساس محصول تولید شده و یا میزان انجام کار در زمان معین باشد، کارمزد ساعتی نامیده می‌شود. تبصره ۲. ضوابط و

مزایای مربوط به مزد ساعتی کارمزد ساعتی و کارمزد و مشاغل قابل شمول موضوع این ماده که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید تعیین می گردد. حداکثر ساعات کار موضوع ماده فوق نباید ازحداکثر ساعت قانونی کار تجاوز نماید. ماده ۳۶. مزد ثابت عبارت است از مجموع مزد شغل و مزایای‌ثابت پرداختی به تبع شغل تبصره ۱. در کارگاههایی که دارای طرح طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل نیستند منظور از مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل مزایایی است که بر حسب ماهیت شغل یا محیط کار و برای ترمیم‌مزد در ساعات عادی کار پرداخت می گردد، از قبیل مزایای سختی کار، مزایای سرپرستی فوق العاده شغل و غیره تبصره ۲. در کارگاههایی که طرح طبقه‌بندی مشاغل به مرحله اجرادرآمده است مزد گروه و پایه مزد مبنا را تشکیل می‌دهد. تبصره ۳. مزایای رفاهی و انگیزه‌ای از قبیل کمک هزینه مسکن خواربار و کمک عائله‌مندی پاداش افزایش تولید و سود سالانه جزو مزد ثابت و مزد مبنا محسوب نمی‌شود. ماده ۳۷. مزد باید در فواصل زمانی مرتب و در روز غیرتعطیل وضمن ساعات کار به وجه نقد رایج کشور یا با تراضی طرفین به وسیله چک عهده بانک و با رعایت شرایط ذیل پرداخت شود: الف ـ چنانچه براساس قرارداد یا عرف کارگاه مبلغ مزد به صورت‌روزانه یا ساعتی تعیین شده باشد، پرداخت آن باید پس از محاسبه‌در پایان روز یا هفته یا پانزده روز یکبار به نسبت ساعات کار و یا روزهای کارکرد صورت گیرد. ب ـ در صورتی که بر اساس قرارداد یا عرف کارگاه پرداخت مزد به‌صورت ماهانه باشد، این پرداخت باید در آخر ماه صورت گیرد. دراین حالت مزد مذکور حقوق نامیده می‌شود. تبصره در ماههای سی و یک روز مزایا و حقوق باید براساس سی‌و یک روز محاسبه و به کارگر پرداخت شود. ماده ۳۸. برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض‌در تعیین میزان مزد براساس سن جنس نژاد و قومیت و اعتقادات‌سیاسی و مذهبی ممنوع است ماده ۳۹. مزد و مزایای کارگرانی که به صورت نیمه وقت و یا کمتراز ساعات قانونی تعیین شده به کار اشتغال دارند به نسبت ساعات‌کار انجام یافته محاسبه و پرداخت می‌شود. ماده ۴۰. در مواردی که با توافق طرفین قسمتی از مزد به صورت‌غیرنقدی پرداخت می‌شود، باید ارزش نقدی تعیین شده برای این گونه پرداختها منصفانه و معقول باشد. ماده ۴۱. شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به‌معیارهای ذیل تعیین نماید: ۱ ـ حداقل مزد کارگران باتوجه به درصد تورمی که از طرف بانک‌مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. ۲ ـ حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگیهای کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای‌باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع‌رسمی اعلام می‌شود را تامین نماید. تبصره کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین‌شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید،پرداخت ننمایند و در صورت تخلف ضامن تأدیه مابه التفاوت مزدپرداخت شده و حداقل مزد جدید می‌باشند. ماده ۴۲. حداقل مزد موضوع ماده ۴۱ این قانون منحصرا باید به‌صورت نقدی پرداخت شود. پرداختهای غیر نقدی به هر صورت که‌در قراردادها پیش‌بینی می‌شود، به عنوان پرداختی تلقی می‌شود که‌اضافه بر حداقل مزد است ماده ۴۳. کارگران کارمزد برای روزهای جمعه و تعطیلات رسمی ومرخصی استحقاق دریافت مزد را دارند و ماخذ محاسبه میانگین کارمزد آنها در]این روزها، کارکرد آخرین ماه کار آنهاست مبلغ‌پرداختی در هر حال نباید کمتر از حداقل مزد قانونی باشد. ماده ۴۴. چنانچه کارگر به کارفرمای خود مدیون باشد، در قبال این‌دیون وی تنها می‌توان مازاد بر حداقل مزد را به موجب حکم دادگاه‌برداشت نمود. در هر حال این مبلغ نباید از یک چهارم کل مزد کارگربیشتر باشد. تبصره نفقه و کسوه افراد واجب‌النفقه کارگر از قاعده مستثنی وتابع مقررات قانون مدنی می‌باشد. ماده ۴۵. کارفرما فقط در موارد ذیل می‌تواند از مزد کارگر برداشت‌نماید: الف ـ موردی که قانون صراحتا اجازه داده باشد. ب ـ هنگامی که کارفرما به عنوان مساعده وجهی به کارگر داده باشد. ج ـ اقساط وامهایی که کارفرما به کارگر داده است طبق ضوابط‌مربوطه د ـ چنانچه در اثر اشتباه محاسبه مبلغی اضافه پرداخت شده باشد. ه ـ مال الاجاره خانه سازمانی (که میزان آن با توافق طرفین تعیین گردیده است در صورتی که اجاره‌ای

باشـد بـا توافق طرفین تعیین‌می گردد. و ـ وجوهی که پرداخت آن از طرف کـارگر برای خریـد اجناس‌ضـروری از شـرکت تعـاونی مصـرف همان کارگاه تعهـد شـده است تبصـره هنگام دریافت وام مـذکور در بند ج با توافق طرفین بایدمیزان اقساط پرداختی تعیین گردد. مـاده ۴۶. به کـارگرانی که به موجب قرارداد یـا موافقت بعـدی به‌ماموریت‌هـای خـارج از محل خـدمت اعزام می‌شونـد فوق العاده‌مـاموریت تعلق می گیرد. این فوق العـاده نبایـد کمتر از مزد ثابت یا مزد مبنای روزانه کارگران باشـد، همچنین کارفرما مکلف است‌وسـیله یا هزینه رفت و برگشت آنها را تامین نماید. تبصره ماموریت به موردی اطلاق می‌شود که کارگر برای انجام‌کار حداقل ۵۰ کیلومتر از محل کارگاه اصلی دور شود و یا ناگزیر باشـد حـداقل یک شب در محل ماموریت توقف نمایـد. ماده ۴۷. به منظور ایجاد انگیزه برای تولیـد بیشتر و کیفیت بهتر وتقلیل ضایعات و افزایش علاقمنـدی و بالا بردن سـطح درآمـدکارگران طرفین قرارداد دریافت و پرداخت پاداش افزایش تولیـد رامطابق آیین‌نامه‌ای که با تصویب وزیر کار و امور اجتماعی تعیین‌می‌شود منعقد می‌نمایند. ماده ۴۸. به منظور جلوگیری از بهره‌کشـی از کار دیگری وزارت کارو اموراجتماعی موظف است نظام ارزیابی و طبقه‌بنـدی مشاغل را بااسـتفاده از اسـتاندارد مشاغل و عرف مشاغل کارگری در کشور تهیه‌نمایـد و به مرحله اجرا در آورد. ماده ۴۹. به منظور استقرار مناسـبات صـحیح کارگـاه بـا بـازار کـار درزمینه مزد و مشـخص بـودن شـرح وظـایف و دامنه مسؤولیت مشاغل‌مختلف در کارگـاه کارفرمایان مشمول این قانون موظفند با همکاری‌کمیته طبقه‌بندی مشاغل کارگاه و یا موسسات ذی صلاح طرح‌طبقه‌بندی مشاغل را تهیه کننـد و پس از تایید وزارت کار و اموراجتماعی به مرحله اجرا درآورند. تبصـره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی دستورالعمل و آیین‌نامه‌های‌اجرایی طرح ارزیابی مشاغل کارگاه‌های مشمول این ماده را که ناظربه تعداد کارگران و تاریخ اجرای طرح است تعیین و اعلام خواهـدکرد. تبصـره ۲. صـلاحیت موسـسات و افرادی که به تهیه طرح‌های‌طبقه‌بنـدی مشاغـل در کارگاه‌ها می‌پردازنـد باید مورد تایید وزارت کار و امور اجتماعی باشد. تبصـره ۳. اختلافات ناشـی از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با نظر وزارت کار و امور اجتماعی در هیات حل اختلاف قابل رسیدگی‌است ماده ۵۰. چنانچه کارفرمایان مشمول این قانون در مهلت‌های تعیین‌شده از طرف وزارت کـار و امور اجتماعی مشاغل کارگاه‌های خود را ارزیابی نکرده باشـند، وزارت کار و امور اجتماعی انجام این امر رابه یکی از دفاتر موسـسات مشاور فنی ارزیابی مشاغل و یا اشخاص‌صاحب صلاحیت (موضوع تبصره ۲ ماده ۴۹) واگذار خواهد کرد. تبصره کارفرمـا علاـوه بر پرداخت هزینه‌های مربوط به این امر،مکلف به پرداخت جریمه‌ای معادل ۵۰٪ هزینه‌های مشاوره به‌حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کـل است از تـاریخی که‌توسـط وزارت کـار و امور اجتماعی تعیین می‌شود کارفرما بایـد مابه‌التفاوت احتمالی مزد ناشی از اجرای طرح ارزیابی مشاغل راپبردازد.

مبحث دوم مدت (م ۵۱ تا م ۶۱)

ماده ۵۱. سـاعت کـار در این قـانون مـدت زمـانی است که کـارگر نیرو یـاوقت خود را به منظور انجـام کـار در اختیار کارفرما قرار می‌دهـد. به‌غیر از مواردی که در این قـانون مسـتثنی شـده است ساعات کارکارگران در شـبانه روز نبایـد از ۸ ساعت تجاوز نمایـد. تبصره ۱. کارفرمـا بـا توافق کارگران نماینـده یا نماینـدگان قانونی‌آنان می‌توانـد ساعات کار را در بعضـی از روزهای هفته کمتر از میزان‌مقرر و در دیگر روزهـا اضـافه بر این میزان تعیین کنـد، به شـرط آنکه‌مجموع ساعـات کار هر هفته از ۴۴ ساعت تجاوز نکند. تبصره ۲. در کارهای کشاورزی کارفرما می‌توانـد با توافق کارگران نماینـده یا نمایندگان قانونی آنان ساعات کار در شـبانه روز را بـاتوجه به کار، عرف و فصول مختلف تنظیم نمایـد. ماده ۵۲. در کارهای سـخت و زیان آور و زیرزمینی ساعات کار نباید از شـش ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نمایـد. تبصـره کارهای سـخت و زیان آور و زیرزمینی به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسـط شورای عـالی حفـاظت فنی وبهـداشت کـار و شورای عالی کار تهیه و به تصویب وزرای کار و اموراجتماعی و بهداشـت

درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید. ماده ۵۳. کـار روز کارهایی است که زمان انجام آن از ساعت ۶ بامدادتا ۲۲ می‌باشد و کار شب کارهایی است که زمان انجام آن بین ۲۲ تا۶ بامداد قرار دارد. کار مختلط نیز کارهایی است که بخشی از ساعات انجام آن در روز وقسـمتی از آن در شب واقع می‌شـود. در کارهـای مختلـط ساعـاتی که جزء کـار شب محسوب می‌شود،کـارگر از فوق العـاده موضوع مـاده ۵۸ این قـانون اسـتفاده می‌نمایـد. ماده ۵۴.کـار متنـاوب کـاری‌است که‌نوعا درساعات متوالی انجام‌نمی‌یابـد، بلکه در ساعات معینی از شـبانه روز صورت می گیرد. تبصـره فواصل تناوب کار در اختیار کارگر است و حضور او در کارگاه الزامی نیست در کارهای متناوب ساعات کار و فواصل‌تناوب و نیز کار اضافه نباید از هنگام شروع تا خاتمه جمعا از ۱۵ساعت در شبانه روز بیشتر باشـد. سـاعت شـروع و خـاتمه کـار و فواصـل تنـاوب با توافق طرفین و نوع‌کار و عرف کارگاه تعیین می گردد. ماده ۵۵. کار نوبتی عبـارت است از کـاری که در طـول مـاه گردش دارد،به نحـوی که نوبتهـای آن در صبـح یـا عصـر یـا شب واقـع می‌شود. مـاده ۵۶. کارگری که در طول ماه به طور نوبتی کار می کند و نوبتهای‌کار وی در صبـح و عصـر واقع می‌شود ۱۰٪ و چنانچه نوبتها در صبح‌و عصـر و شب قرار گیرد ۱۵٪ و در صوتی که نوبتهـا به صبـح و شب‌یا عصـر و شب بیفتـد ۵/۲۲٪ علاوه بر مزد به عنوان فوق العـاده نوبت‌کاری دریافت خواهد کرد. ماده ۵۷. در کار نوبتی ممکن است ساعات کار از ۸ ساعت در شبانه‌روز و چهل و چهار ساعت در هفته تجـاوز نمایـد، لکن جمع ساعات کار در چهار هفته متوالی نبایـد از ۱۷۶ ساعت تجاوز کنـد. ماده ۵۸. برای هر سـاعت کار در شب تنهـا به کارگران غیر نوبتی ۳۵٪اضـافه بر مزد سـاعت کار عادی تعلق می‌گیرد. ماده ۵۹. در شـرایط عادی ارجاع کار اضافی به کـارگر بـا شـرایط ذیل‌مجـاز است الف ـ موافقت کارگر. ب ـ پرداخت ۴۰٪ اضـافه بر مزد هر سـاعت کار عادی تبصـره ساعات کار اضـافی ارجاعی به کارگران نبایـد از ۴ سـاعت درروز تجـاوز نمایـد (مگر در موارد اسـتثنایی بـا توافق طرفین . ماده ۶۰. ارجاع کار اضافی با تشـخیص کارفرما به شـرط پرداخت‌اضافه کاری (موضوع بند ب ماده ۵۹) و برای مـدتی که جهت مقابله‌با اوضاع و احوال ذیل ضـرورت دارد مجاز است و حداکثر اضافه‌کاری موضوع این ماده ۸ ساعت در روز خواهد بود (مگر در مواردادسـتثنایی با توافق طرفین : الف ـ جلوگیری از حوادث قابـل پیش بینی و یا ترمیم خسارتی که‌نتیجه حوادث مـذکور است ب ـ اعاده فعالیت کارگاه در صورتی که فعـالیت مـذکور به علت بروزحـادثه یا اتفاق طبیعی از قبیل سـیل زلزله و یا اوضاع و احوال غیرقابل پیش بینی دیگر قطع شده باشد. تبصـره ۱. پس از انجـام کـار اضـافی در موارد فوق ، کارفرما مکلف‌است حـداکثر ظرف مـدت ۴۸ سـاعت موضوع را به اداره کار و اموراجتماعی اطلاع دهـد تا ضـرورت کار اضافی و مدت آن تعیین شود. تبصـره ۲. در صورت عدم تایید ضـرورت کار اضـافی توسـط اداره کار و امور اجتماعی محل کارفرما مکلف به پرداخت غرامت و خسارات وارده به کارگر خواهـد بود. ماده ۶۱. ارجاع کار اضافی به کارگرانی که کار شبانه یا کارهای‌خطرناك و سخت و زیان آور انجام می‌دهند ممنوع است

مبحث سوم تعطیلات و مرخصی‌ها (م ۶۲ تا م ۷۴)

ماده ۶۲. روز جمعه روز تعطیل هفتگی کارگران با اسـتفاده از مزدمی‌باشـد. تبصـره ۱. در امور مربوط به خـدمات عمومی نظیر آب برق ،اتوبوسرانی و یا در کارگاه‌هایی که برحسب نوع یا ضرورت کار و یاتوافق طرفین به طور مستمر روز دیگری برای تعطیل تعیین شود،همـان روز در حکم روز تعطیـل هفتگی خواهـد بود و به هر حال‌تعطیـل یك روز معین در هفته اجباری است کارگرانی که به هر عنوان به این ترتیب روزهای جمعه کار می کننـد،در مقابل عدم اسـتفاده از تعطیلی روز جمعه ۴۰٪ اضافه بر مزد دریافت خواهند کرد. تبصـره ۲. در صورتی که روزهـای کـار در هفته کمتر از شـش روز باشـد، مزد روز تعطیـل هفتگی کـارگر معـادل یك ششـم مجموع مزد یاحقوق دریافتی وی در روزهای کار در هفته خواهد بود. تبصـره ۳. کارگاه‌هایی که با انجام ۵ روز کار در هفته و ۴۴ ساعت‌کار قانونی کارگرانشان از دو روز تعطیل اسـتفاده می کنند، مزد هر یك از دو روز تعطیل هفتگی برابر با مزد روزانه کارگران

خواهد بود. ماده ۶۳. علاوه بر تعطیلات رسمی کشور، روز کارگر (۱۱اردیبهشت نیز جزء تعطیلات رسمی کارگران به حساب می‌آید. ماده ۶۴. مرخصی استحقاقی سالانه کارگران با استفاده از مزد واحتساب چهار روز جمعه جمعا یک ماه است سایر روزهای تعطیل جزء ایام مرخصی محسوب نخواهد شد. برای کار کمتر از یک سال مرخصی مزبور به نسبت مدت کار انجام یافته محاسبه‌می‌شود. ماده ۶۵. مرخصی سالیانه کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور اشتغال دارند ۵ هفته می‌باشد. استفاده از این مرخصی حتی الامکان در دو نوبت و در پایان هر شش ماه کار صورت می‌گیرد. ماده ۶۶. کارگر نمی‌تواند بیش از ۹ روز از مرخصی سالانه خود راذخیره کند. ماده ۶۷. هر کارگر حق دارد به منظور ادای فریضه حج واجب درتمام مدت کار خویش فقط برای یک نوبت یک ماه به عنوان‌مرخصی استحقاقی یا مرخصی بدون حقوق استفاده نماید. ماده ۶۸. میزان مرخصی استحقاقی کارگران فصلی بر حسب ماه‌های‌کارکرد تعیین می‌شود. ماده ۶۹. تاریخ استفاده از مرخصی با توافق کارگر و کارفرما تعیین‌می‌شود و در صورت اختلاف بین کارگر و کارفرما نظر اداره کار وامور اجتماعی محل لازم الاجراست تبصره در مورد کارهای پیوسته (زنجیره‌ای و تمامی کارهایی که همواره حضور حداقل معینی از کارگران در روزهای کار را اقتضامی‌نماید، کارفرما مکلف است جدول زمانی استفاده از مرخصی‌کارگران را ظرف سه ماه آخر هر سال برای سال بعد تنظیم و پس ازتایید شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی یا نماینده کارگران اعلام‌نماید. ماده ۷۰. مرخصی کمتر از یک روز کار جزء مرخصی استحقاقی‌منظور می‌شود. ماده ۷۱. در صورت فسخ یا خاتمه قرارداد کار یا بازنشستگی و ازکار افتادگی کلی کارگر و یا تعطیل کارگاه مطالبات مربوط به مدت‌مرخصی استحقاقی کارگر به وی و در صورت فوت او به ورثه اوپرداخت می‌شود. ماده ۷۲. نحوه استفاده از مرخصی بدون حقوق کارگران و مدت آنو شرایط برگشت آنها به کار پس از استفاده از مرخصی با توافق کتبی‌کارگر یا نماینده قانونی او و کارفرما تعیین خواهد شد. ماده ۷۳. کلیه کارگران در موارد ذیل حق برخورداری از سه روزمرخصی با استفاده از مزد را دارند: الف ـ ازدواج دائم ب ـ فوت همسر، پدر، مادر و فرزندان ماده ۷۴. مدت مرخصی استعلاجی با تایید سازمان تامین اجتماعی جزء سوابق کار و بازنشستگی کارگران محسوب خواهدشد.

مبحث چهارم شرایط کار زنان (م ۷۵ تا م ۷۸)

ماده ۷۵. انجام کارهای خطرناک سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای‌کارگران زن ممنوع است دستور العمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۷۶. مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعا ۹۰ روز است‌حتی الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توامان ۱۴ روز به مرخصی اضافه‌می‌شود. تبصره ۱. پس از پایان مرخصی زایمان کارگر زن به کار سابق خودباز می‌گردد و این مدت با تایید سازمان تامین اجتماعی جزء سوابق‌خدمت وی محسوب می‌شود. تبصره ۲. حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد. ماده ۷۷. در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تامین‌اجتماعی نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده‌شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی بدون کسری حق‌السعی کارمناسبتر و سبکتری به او ارجاع می‌نماید. ماده ۷۸. در کارگاه‌هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف‌است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه‌ساعت نیم ساعت فرصت شیردادن بدهد. این فرصت جزء ساعات‌کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب‌با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به‌نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه مهد کودک و ...) را ایجادنماید. تبصره آیین‌نامه اجرایی ضوابط تاسیس و اداره شیرخوارگاه و مهد کودک توسط سازمان بهزیستی کل کشور تهیه و پس از تصویب‌وزیر کار و

امور اجتماعی به مرحله اجراء گذاشته می‌شود.

مبحث پنجم شرایط کار نوجوانان (م ۷۹ تا م ۸۴)

ماده ۷۹. به کـار گمـاردن افراد کمـتر از ۱۵ سـال تمـام ممنوع است مـاده ۸۰. کـارگری که سـنش بین ۱۵ تـا ۱۸ سال تمام باشـد، کارگرنوجوان نامیده می‌شود و در بدو اسـتخدام باید توسط سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشـکی قرار گیرد. ماده ۸۱. آزمایش‌هـای پزشـکی کارگر نوجوان حـداقل بایـد سالی یک بار تجدیـد شود و مـدارك مربوط در پرونـده اسـتخدامی وی ضـبط گردد. پزشـك دربـاره تنـاسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهارنظر می‌کنـد و چنانچه کار مربوط را نامناسب بدانـد کارفرما مکلـف‌است در حـدود امکانـات خود شـغل کـارگر را تغییر دهـد. مـاده ۸۲. ساعـات کـار روزانه کـارگر نوجوان نیم سـاعت کمتر ازسـاعت کـار معمولی کـارگران است ترتیب اسـتفاده از این امتیـاز باتوافق کارگر و کارفرما تعیین می‌شود. ماده ۸۳. ارجاع هر نوع کـار اضـافی و انجـام کار در شب و نیز ارجاع‌کارهای سـخت و زیان آور و خطرناك و حمل بار با دست بیش ازحـد مجاز و بـدون اسـتفاده از وسایـل مکـانیکی برای کـارگر نوجوان‌ممنوع است ماده ۸۴. در مشاغـل و کارهـایی که به علت مـاهیت آن یـا شـرایطی که‌کـار در آن انجـام می‌شود برای سـلامتی یـا اخلاـق کـارآموزان ونوجوانان زیان‌آور است حـداقل سن کار ۱۸ سـال تمام خواهد بود.تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است

فصل چهارم حفاظت فنی و بهداشت کار

مبحث اول کلیات (م ۸۵ تا م ۹۵)

ماده ۸۵. برای صـیانت نیروی انسـانی و منـابع مـادی کشور، رعایت‌دسـتورالعملهایی که از طریق شورای عـالی حفـاظت فنی (جهت تـامین حفـاظت فنی و وزارت بهـداشت درمـان و آموزش پزشـکی جهت جلوگیری از بیماری‌هـای حرفه‌ای و تـامین بهـداشت کـار وکـارگر و محیـط کـار) تـدوین می‌شود، برای کلیه کارگاه‌هـا، کارفرمایـان کارگران و کارآموزان الزامی است تبصـره کارگاه‌های خـانوادگی نیز مشـمول مقررات این فصـل بـوده و مکلـف به رعـایت اصول فنی و بهـداشت کـار می‌باشـند. مـاده ۸۶. شورای عـالی حفـاظت فنی مسـوول تهیه مـوازین و آیین‌نامه‌هـای حفـاظت فنی می‌باشـد و از اعضـای ذیـل تشـکیل‌می گردد: ۱ ـ وزیرکـار و امـور اجتمـاعی یـا معـاون او که رییس شورا خواهـد بود. ۲ ـ معـاون وزارت صـنایع ۳ ـ معاون وزارت صـنایع سـنگین ۴ ـ معـاون وزارت کشاورزی ۵ ـ معـاون وزارت نفت ۶ ـ معـاون وزارت معادن و فلزات ۷ ـ معاون وزارت جهاد سازنـدگی ۸ ـ رییس سازمان حفاظت محیـط زیست ۹ ـ دو نفر از اسـتادان بـا تجربـه دانشـگاه در رشـته‌های فنی ۱۰ ـ دو نفر از مـدیران صـنایع ۱۱ ـ دو نفر از نماینـدگان کارگران ۱۲ ـ مـدیر کل بازرسـی کار وزارت کار و امور اجتماعی که دبیر شوراخواهد بود. تبصـره ۱. پیشنهادات شورا به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی‌رسـیده و شورا در صورت لزوم می‌توانـد برای تهیه طرح آیین‌نامه‌های مربوط به حفاظت فنی کارگران در محیط کار و انجام‌سایر وظایف مربوط به شورا، کمیته‌های تخصصـی مرکب ازکارشـناسان تشـکیل دهد. تبصـره ۲. آیین‌نامه داخلی شورا بـا پیشـنهاد شورای عـالی حفـاظت‌فنی به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهـد رسـید. تبصـره ۳. انتخاب اساتید دانشـگاه نماینـدگان کـارگران و نمایندگان‌مـدیران صـنایع مطـابق دسـتورالعملی خواهـد بـود که توسـط شورای‌عـالی حفـاظت فنی تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی‌خواهد رسید. ماده ۸۷. اشخاص حقیقی و حقوقی که بخواهند کارگاه جدیدی‌احداث نمایند و یا

کارگاههای موجود را توسعه دهند، مکلفند بدوابرنامه کار و نقشه‌های ساختمانی و طرحهای مورد نظر را از لحاظ پیش‌بینی در امر حفاظت فنی و بهداشت کار، برای اظهارنظر و تاییدبه وزارت کار و امور اجتماعی ارسال دارند. وزارت کار و اموراجتماعی موظف است نظرات خود را ظرف مدت یک ماه اعلام‌نماید. بهره‌برداری از کارگاه‌های مزبور منوط به رعایت مقررات‌حفاظتی و بهداشتی خواهد بود. ماده ۸۸. اشخاص حقیقی یا حقوقی که به ساخت یا ورود و عرضه‌ماشین می‌پردازند مکلف به رعایت موارد ایمنی و حفاظتی مناسب‌می‌باشند. ماده ۸۹. کارفرمایان مکلفند پیش از بهره‌برداری از ماشینها،دستگاهها، ابزار و لوازمی که آزمایش آنها مطابق آیین‌نامه‌های‌مصوب شورای عالی حفاظت فنی ضروری شناخته شده است آزمایشهای لازم را توسط آزمایشگاهها و مراکز مورد تایید شورای‌عالی حفاظت فنی انجام داده و مدارک مربوطه را حفظ و یک نسخه از آنها را برای اطلاع به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال نمایند. ماده ۹۰. کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که بخواهند لوازم حفاظت‌فنی و بهداشت را وارد یا تولید کنند، باید مشخصات وسایل را حسب مورد همراه با نمونه‌های آن به وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ارسال دارند و پس ازتایید، به ساخت یا وارد کردن این وسایل اقدام نمایند. ماده ۹۱. کارفرمایان و مسوولان کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵این قانون مکلفند براساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برایتامین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل وامکانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربردوسایل فوق الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص رعایت مقررات‌حفاظتی و بهداشتی نظارت نمایند. افراد مذکور نیز ملزم به استفاده و نگهداری از وسایل حفاظتی و بهداشتی فردی و اجرای دستورالعملهای مربوطه کارگاه می‌باشند. ماده ۹۲. کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون که شاغلین درآنها به اقتضای نوع کار در معرض بروز بیماری‌های ناشی از کار قراردارند باید برای همه افراد مذکور پرونده پزشکی تشکیل دهند وحداقل سالی یکبار توسط مراکز بهداشتی ـ درمانی از آنها معاینه و آزمایشهای لازم را به عمل آورند و نتیجه را در پرونده مربوطه ضبط‌نمایند. تبصره ۱. چنانچه با تشخیص شورای پزشکی نظر داده شود که فردمعاینه شده به بیماری ناشی از کار مبتلا یا در معرض ابتلا باشد،کارفرما و مسوولین مربوطه مکلفند کار او را براساس نظریه شورای‌پزشکی مذکور بدون کاهش حق‌السعی در قسمت مناسب دیگری‌تعیین نمایند. تبصره ۲. در صورت مشاهده چنین بیمارانی وزارت کار و اموراجتماعی مکلف به بازدید و تایید مجدد شرایط فنی و بهداشت وایمنی محیط کار خواهد بود. ماده ۹۳. به منظور جلب مشارکت کارگران و نظارت بر حسن اجرای‌مقررات حفاظتی و بهداشتی در محیط کار و پیشگیری از حوادث وبیماریها، در کارگاه‌هایی که وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی ضروری تشخیص دهند، کمیته‌حفاظت فنی و بهداشت کار تشکیل خواهد شد. تبصره ۱. کمیته مذکور از افراد متخصص در زمینه حفاظت فنی وبهداشت حرفه‌ای و امور فنی کارگاه تشکیل می‌شود و از بین اعضا،دو نفر شخص واجد شرایطی که مورد تایید وزارتخانه‌های کار وامور اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشند تعیین‌می گردند که وظیفه‌شان برقراری ارتباط میان کمیته مذکور با کارفرماو وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش‌پزشکی می‌باشد. تبصره ۲. نحوه تشکیل و ترکیب اعضا براساس دستورالعملهایی‌خواهد بود که توسط وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی تهیه و ابلاغ خواهد شد. ماده ۹۴. در مواردی که یک یا چند نفر از کارگران یا کارکنان‌واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون امکان وقوع حادثه یا بیماری‌ناشی از کار را در کارگاه یا واحد مربوطه پیش بینی نمایند، می‌توانندمراتب را به کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار یا مسوول حفاظت‌فنی و بهداشت کار اطلاع دهند و این امر نیز بایستی توسط فردمطلع شده در دفتری که به همین منظور نگهداری می‌شود ثبت گردد. تبصره چنانچه کارفرما یا مسوول واحد، وقوع حادثه یا بیماری‌ناشی از کار را محقق نداند، موظف است در اسرع وقت موضوع راهمراه با دلایل و نظرات خود به نزدیکترین اداره کار و امور اجتماعی‌محل اعلام نماید. اداره کار و امور اجتماعی مذکور موظف است دراسرع وقت توسط بازرسین کار به موضوع رسیدگی و اقدام لازم رامعمول نماید. ماده ۹۵. مسوولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کاربرعهده کارفرما یا

مسوولین واحدهای موضوع ذکر شده در ماده ۸۵این قانون خواهد بود. هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسوولین واحـد، حادثه‌ای رخ دهد، شـخص کارفرمایا مسوول مذکور از نظر کیفری و حقوقی ونیز مجازات‌های مندرج‌در این قانون مسوول است تبصـره ۱. کارفرمـا یـا مسوولان واحـدهای موضوع ماده ۸۵ این‌قـانون موظفنـد کلیه حوادث ناشـی از کـار را در دفتر ویژه‌ای که فرم آن از طریق وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌گردد، ثبت و مراتب را سـریعا به صورت کتبی به اطلاع اداره کار و امور اجتماعی محل‌برسانند. تبصره ۲. چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ماده ۸۵این قانون برای حفاظت فنی و بهداشت کـار وسایـل و امکانـات لازم‌را در اختیار کارگر قرار داده باشـند و کارگر با وجود آموزشـهای لازم وتـذکرات قبلی بـدون توجه به دسـتورالعمل و مقررات موجود، از آنهـا اسـتفاده ننمایـد، کارفرما مسوولیتی نخواهـد داشت در صورت بروزاختلاف رای هیات حل اختلاف نافذ خواهد بود.

مبحث دوم بازرسی کار (م ۹۶ تا م ۱۰۶)

ماده ۹۶. به منظور اجرای صـحیح این قـانون و ضوابـط حفـاظت فنی اداره کـل بازرسـی وزارت کار و امور اجتماعی با وظایف ذیل تشـکیل‌می‌شود: الف ـ نظارت بر اجرای مقررات ناظر به شـرایط کار به ویژه مقررات‌حمایتی مربوط به کارهای سخت و زیان آور و خطرناک مـدت کار،رفاه کارگر، اشـتغال زنان و کارگران نوجوان ب ـ نظارت بر اجرای صـحیح مقررات قانون کار و آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مربوط به حفاظت فنی ج ـ آموزش مسایل مربوط به حفاظت فنی و راهنمایی کارگران کارفرمایان و کلیه افرادی که در معرض صدمات و ضایعات ناشی ازحوادث و خطرات ناشـی از کار قرار دارند. د ـ بررسـی و تحقیق پیرامون اشـکالات ناشـی از اجرای مقررات‌حفاظت فنی و تهیه پیشـنهاد لازم جهت اصـلاح میزانها و دسـتورالعملهای مربوط به موارد مذکور، مناسب با تحولات وپیشـرفتهای تکنولوژی ه ـ رسیدگی‌به‌حوادث‌ناشی از کار در کارگاه‌های مشمول و تجزیه‌وتحلیل‌عمومی‌وآماری این گونه موارد به منظور پیشـگیری حوادث تبصره ۱. وزارت بهـداشت درمـان و آموزش پزشـکی مسوول برنامه‌ریزی کنترل ارزشـیابی و بازرسـی در زمینه بهـداشت کار و درمان کارگری بوده و موظف است اقدامات لازم را در این زمینه به‌عمل آورد. تبصـره ۲. بازرسی به صورت مسـتمر، همراه با تذکر اشـکالات ومعایب و نواقص و در صورت لزوم تقاضای تعقیب متخلفان در مراجع صالح انجام می‌گیرد. ماده ۹۷. اشـتغال در سـمت بازرسی کار منوط به گذراندن دوره‌های‌آموزش نظری و عملی در بدو استخدام است تبصره آیین‌نامه شرایط اسـتخدام بازرسان کار و کارشـناسان‌بهداشت کار با پیشنهاد مشترک وزارت کار و امور اجتماعی وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشـکی و سازمان امور اداری واسـتخدامی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. این شرایط به‌نحوی تدوین خواهد شد که ثبات و اسـتقلال شغلی بازرسان را تامین کند و آنها را از هر نوع تعرض مصون بدارد. ماده ۹۸. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در حـدود وظایف‌خویش حق دارند بدون اطلاع قبلی در هر موقع از شـبانه‌روز به موسـسات مشـمول ماده ۸۵ این قانون وارد شـده و به بازرســی‌بپردازند و نیز می‌تواننــد بـه دفـاتر و مــدارک مربـوطه در موســسه مراجعـه و در صـورت لزوم از تمـام یـا قســمتی از آنها رونوشت‌تحصـیل نماینـد. تبصـره ورود بازرسان کار به کارگاههای خانوادگی منوط به اجازه کتبی دادسـتان محل خواهد بود. ماده ۹۹. بازرسان کار و کارشـناسان بهداشت کار حق دارند به منظور اطلاع از ترکیبات موادی که کارگران با آنها در تماس می‌باشند و یـا درانجـام کـار مورد اسـتفاده قرار می‌گیرنـد، به انـدازه‌ای که برای آزمایش‌لازم است در مقابل رسـید، نمونه بگیرنـد و به روسای مسـتقیم خودتسلیم نمایند. تبصره سایر مقررات مربوط به چگونگی بازرسی کار مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عـالی حفـاظت فنی وبهـداشت کـار حسب مورد به تصویب وزیر کـار و امور اجتمـاعی و وزیر بهـداشت درمـان و آموزش پزشـکی خواهد رسید. ماده ۱۰۰. کلیه بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه‌ای دارای‌کارت ویژه حسب مورد با امضای وزیر کار و امور

اجتماعی یا وزیربهـداشت درمان و آموزش پزشـکی هسـتند که هنگام بازرسـی بایـدهمراه آنها باشـد و در صورت تقاضای مقامات رسـمی مسوولین‌کارگاه ارائه شود. ماده ۱۰۱. گزارش بازرسان کار و کارشـناسان بهـداشت کار در مواردمربوط به حدود وظایف و اختیاراتشان در حکم گزارش ضابطین‌دادگستری خواهد بود. تبصـره ۱. بازرسان کار و کارشـناسان بهداشت کار می‌توانند به‌عنوان مطلع و کارشـناس در جلسـات مراجع حـل اختلاف شـرکت‌نمایند. تبصـره ۲. بازرسـان کـار و کارشـناسان بهـداشت کار نمی‌توانند درتصـمیم‌گیری مراجع حل اختلاف نسـبت به پرونـده‌هایی که قبلا به‌عنوان بازرس در مورد آنها اظهارنظر کرده‌انـد، شـرکت کنند. ماده ۱۰۲. بازرسان کار و کارشـناسان بهداشت کار نمی‌توانند درکارگاهی اقدام به بازرسی نمایند که خود یا یکی از بستگان نسبی آنهـا تـا طبقـه سـوم و یـا یکی از اقربـای سـببی درجه اول ایشـان به طورمسـتقیم در آن ذی نفـع باشـند. مـاده ۱۰۳. بازرسـان کار و کارشـناسان بهداشت کار حق ندارند درهیچ مورد حتی پس از برکناری از خدمت دولت اسـرار و اطلاعات را که به مقتضای شـغل خود به دست آورده‌انـد و یـا نـام اشخاصـی را که‌به آنـان اطلاعـاتی داده یا موارد تخلف را گوشـزد کرده‌انـد، فاش نماینـد. تبصـره متخلفین از مقررات این ماده مشـمول مجازات‌های مقرردر قوانین مربوط خواهند بود. ماده ۱۰۴. کارفرمایان و دیگر کسانی که مانع ورود بازرسان کار وکارشـناسان بهـداشت کار به کارگاه‌های مشـمول این قانون گردند و یامانع انجام وظیفه ایشان شوند یا از دادن اطلاعـات و مـدارک لازم به‌آنـان خودداری نماینـد، حسب مورد به مجازاتهـای مقرر در این قانون‌محکوم خواهنـد شـد. ماده ۱۰۵. هرگـاه در حین بازرسـی به تشـخیص بـازرس کار یاکارشـناس بهـداشت حرفه‌ای احتمال وقوع حادثه و یا بروز خطر درکارگاه داده شود، بـازرس کار یا کارشـناس بهـداشت حرفه‌ای مکلف‌هسـتند مراتب را فورا و کتبا به کارفرما یا نماینـده او و نیز به رییس‌مسـتقیم خود اطلاع دهند. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهـداشت درمان وآموزش پزشـکی حسب مورد گزارش بازرسان کـار و کارشـناسان‌بهداشت حرفه‌ای از دادسـرای عمـومی محـل و در صورت عدم‌تشـکیل دادسـرا، از دادگـاه عمومی محـل تقاضـا خواهنـد کرد فورا قرارتعطیل و لاک و مهر تمام یا قسـمتی از کارگاه را صادر نماید. دادستان‌بلافاصـله نسـبت به صدور قرار اقدام و قرار مـذکور پس از ابلاـغ قابـل‌اجراست دسـتور رفـع تعطیـل توسـط مرجع مزبور در صورتی صـادر خواهـد شـدکه بـازرس کـار یا کارشـناس بهداشت حرفه‌ای و یا کارشناسان ذی‌ربط‌دادگستری رفع نواقص و معایب موجود را تأیید نموده باشند. تبصره ۲. کارفرما مکلف است در ایامی که به علت فوق کار تعطیل‌می‌شود مزد کارگران را بپردازد. تبصـره ۳. متضرران از قرارهای موضوع این ماده در صورت‌اعتراض به گزارش بـازرس کـار و یـا کارشـناس بهـداشت حرفه‌ای وتعطیـل کارگاه می‌تواننـد از مراجع مزبور، به دادگاه صالـح شـکایت‌کنند و دادگـاه مکلـف است به فوریت و خـارج از نوبت به موضوع‌رسـیدگی نمایـد. تصـمیم دادگـاه قطعی و قـابل اجراست ماده ۱۰۶. دستورالعملها و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به این فصل‌به‌پیشنهادمشترک وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل پنجم آموزش و اشتغال

مبحث اول کارآموز و مراکز کارآموزی

اول – مراکز کارآموزی (م ۱۰۷ تا م ۱۱۱)

ماده ۱۰۷. در اجرای اهداف قانون اساسی به منظور اشتغال مولد و مستمر جویندگان کار و نیز بالا بردن دانش فنی کارگران وزارت کـار و امـور اجتمـاعی مکلف است امکانـات آموزشـی لازم را فراهم سـازد. تبصـره وزارتخانه‌هـا و سازمان‌هـای ذی نفع موظف به همکاریهـای لازم بـا وزارت کـار و امور اجتماعی می باشـند. ماده ۱۰۸. وزارت کـار و امـور اجتمـاعی موظف است‌برحسب‌نیـاز و

باتوجه به استقرار نوع صنعت موجود در نقاط مختلف کشور برای ایجاد و توسعه مراکز کارآموزی ذیل در سطوح مختلف مهارت اقدام‌نمایـد: الف ـ مراکز کـارآموزی پـایه برای آموزش کـارگران و کارجویـان غیرمـاهر. ب ـ مراکز کـار آموزی تکمیل مهارت و تخصصـهای موردی برای بازآموزی، ارتقای مهارت و تعلیم تخصصـهای پیشـرفته به کارگران و کارجویان نیمه ماهر، ماهر و مربیان آموزش حرفه‌ای. ج ـ مراکز تربیت مربی برای آموزش مربیـان مراکز کـارآموزی. د ـ مراکز کـارآموزی خاص معلولین و جانبازان با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذی ربط (مانند وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشـکی، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان و ...) ماده ۱۰۹. مراکز آموزش مـذکور در مـاده ۱۰۸ این قـانون از نظر مـالیو اداری بـا رعایت قانون محاسـبات عمومی به طور مسـتقل زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی اداره خواهنـد شد. ماده ۱۱۰. واحدهای صـنعتی، تولیدی و خدماتی به منظور مشارکت در امر آموزش کـارگر مـاهر و نیمه مـاهر مورد نیاز خویش مکلفنـد نسبت به ایجاد مراکز کارآموزی جوار کارگاه و یا بین‌کارگاهی، همکاریهای لازم را با وزارت کار و امور اجتماعی به عمل آورنـد. تبصـره ۱. وزارت کـار و امور اجتماعی، اسـتانداردها و جزوات‌مربوط به امر آمـوزش در مراکز کـارآموزی جوار کارگـاه و بین کارگـاهی را تهیه و در مورد تعلیم و تـامین مربیـان مراکز مزبور اقـدام مینمایـد. تبصره ۲. دستورالعملها و مقررات مربوط به ایجاد مراکز کارآموزی جوار کارگاه و بین کارگاهی برحسب مورد به پیشنهاد وزیرکار و امـور اجتمـاعی به تصـویب هیـات وزیران خواهـد رسـید. مـاده ۱۱۱. علاوه بر تشـکیل مراکز کـارآموزی توسـط وزارت کـار و اموراجتمـاعی، آموزشـگاه فنی و حرفـه‌ای آزاد نیز به منظـور آمـوزش صـنعت یـا حرفه معین به وسـیله اشـخاص حقیقی یـا حقـوقی، بـاکسب پروانه از وزارت کـار و امـور اجتمـاعی تاسـیس می شود. تبصـره آیین‌نـامه مربوط به تشـخیص صـلاحیت فنی و موسـسات کـارآموزی آزاد و صـلاحیت مسوول و مربیان و نیز نحوه نظارت وزارت کار و امور اجتماعی بر این مؤسـسات با پیشـنهاد وزیر کار وامور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

دوم – کارآموز و قرارداد کارآموزی (م ۱۱۲ تا م ۱۱۸)

ماده ۱۱۲. از لحـاظ مقررات این قـانون کـارآموز به افراد ذیل اطلاق می شود: الف ـ کسانی که فقط برای فرا گرفتن حرفه‌ای خاص بـازآموزی یـا ارتقـا مهـارت برای مـدت معین در مراکز کارآموزی و یا آموزشـگاههای آزاد، آموزش می بیننـد. ب ـ افرادی که به مـوجب قرارداد کـارآموزی به منظـور فراگرفتن‌حرفه‌ای خـاص برای مـدت معین که زایـد بر سه سـال نباشـد، درکارگـاهی معین به کـارآموزی توام بـا کار اشـتغال دارنـد، مشـروط بر آنکه‌سن آنها از ۱۵ سـال کمـتر نبوده و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشـد. تبصـره ۱. کارآموزان بند الف ممکن است کارگرانی باشـند که مطابق‌توافق کتبی منعقده با کارفرما به مراکز کارآموزی معرفی می شوند و یا داوطلبـانی باشـند که شاغل نیسـتند و راسا به مراکز کارآموزیمراجعه مینماینـد. تبصـره ۲. دسـتورالعملهای مربوط به شـرایط پذیرش حقوق وتکـالیف دوره کـارآموزی داوطلبان مـذکور در بنـد «ب با پیشـنهاد شورای عالی کار، به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی میرسد. ماده ۱۱۳. کارگران شاغلی که مطابق تبصره یک ماده ۱۱۲ برای کارآموزی در یکی از مراکز کارآموزی پذیرفته می شوند، از حقوق زیر برخوردار خواهنـد بود: الف ـ رابطه اسـتخدامی کارگر در مـدت کارآموزی قطع نمیشود و این مدت از هر لحاظ جزء سوابق کـارگر محسوب می شود. ب ـ مزد کـارگر در مـدت کارآموزی از مزد ثابت و یا مزد مبنا کمترنخواهـد بود. ج ـ مزایای غیر نقـدی، کمکهـا و فـوق العادههـایی کـه برای جـبران هزینه‌زنـدگی و مسؤولیتهـای خـانوادگی بـه کـارگر پرداخـت میشـود در دوره کـارآموزی کماکان پرداخت خواهـد شـد. چنانچه کارفرما قبل از پایان مـدت بـدون دلیل موجه مانع ادامه‌کارآموزی شود و از این طریق خسارتی به کارگر وارد گردد، کارگر میتواند به مراجع حل اختلاف مندرج در این قانون مراجعه ومطالبه خسارت نماید. ماده ۱۱۴. کارگری که مطابق تبصـره (۱) ماده ۱۱۲ برای کارآموزیـدر یکی از مراکز کـارآموزی پـذیرفته میشـود مکلف است الف ـ تا پایـان مـدت مقرر بـه کـارآموزی بپردازد و بـه طـور منظـم دربرنامه‌هـای کـارآموزی شـرکت نمـوده و مقررات و آیین‌نامه‌های

واحدآموزشی را مراعات نماید و دوره کارآموزی رابا موفقیت‌به پایان برساند. ب ـ پس از طی دوره کارآموزی، حداقل دو برابر مدت کارآموزی درهمان کارگاه به کار اشتغال ورزد. تبصره در صورتی که کارآموز پس از اتمام کارآموزی حاضر به‌ادامه کار در کارگاه نباشد، کارفرما می تواند برای مطالبه خسارت‌مندرج در قرارداد کارآموزی به مراجع حل اختلاف موضوع این‌قانون مراجعه و تقاضای دریافت خسارت نماید. ماده ۱۱۵. کارآموزان مذکور در بند «ب ماده ۱۱۲، تابع مقررات‌مربوط به کارگران نوجوان مذکور در مواد ۷۹ الی ۸۴ این قانون خواهند بود ولی ساعت کار آنان از شش ساعت در روز تجاوز نخواهد کرد. ماده ۱۱۶. قرارداد کارآموزی علاوه بر مشخصات طرفین باید حاوی مطالب ذیل باشد: الف ـ تعهدات طرفین ب ـ سن کارآموز. ج ـ مزد کارآموز. د ـ محل کارآموزی. ه ـ حرفه یا شغلی که طبق‌استاندارد مصوب تعلیم داده‌خواهد شد. و ـ شرایط فسخ قرارداد (در صورت لزوم . ز ـ هر نوع شرط دیگری که طرفین در حدود مقررات قانونی ذکر آن رادر قرارداد لازم بدانند. ماده ۱۱۷. کارآموزی توام با کار نوجوانان تا سن ۱۸ سال تمام موضوع ماده ۸۰ این قانون در صورتی مجاز است که از حدود توانایی آنان خارج نبوده و برای سلامت و رشد جسمی و روحیآنان مضر نباشد. ماده ۱۱۸. مراکز کارآموزی موظفند برای آموزش کارآموز، وسایل و تجهیزات کافی را مطابق استانداردهای آموزشی وزارت کار و اموراجتماعی در دسترس وی قرار دهند و به طور منظم و کامل حرفه موردنظر را به او بیاموزند. همچنین مراکز مذکور باید برای تامین سلامت و ایمنی کارآموز در محیط کارآموزی امکانات لازم را فراهم آورند.

مبحث دوم اشتغال (م ۱۱۹)

ماده ۱۱۹. وزارت کار و امور اجتماعی موظف است نسبت به ایجاد مراکز خدمات اشتغال در سراسر کشور اقدام نماید. مراکز خدمات مذکور موظفند تا ضمن شناسایی زمینه‌های ایجاد کار و برنامه‌ریزی‌برای فرصتهای اشتغال نسبت به ثبت نام و معرفی بیکاران به مراکز کارآموزی (در صورت نیاز به آموزش و یا معرفی به مراکز تولیدی ، صنعتی کشاورزی و خدماتی اقدام نمایند. تبصره ۱. مراکز خدمات اشتغال در مراکز استانها موظف بـه ایجاددفتری تحت عنوان دفتر برنامه‌ریزی و حمایت از اشتغال معلولین‌خواهند بود و کلیه موسسات مذکور در این ماده موظف به همکاری‌با دفاتر مزبور می‌باشند. تبصره ۲. دولت موظف است تا در ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی کشاورزی صنعتی و توزیعی ، معلولین را از طریق اعطای وامهای قرض‌الحسنه دراز مدت و آموزشهای لازم و برقراری‌تسهیلات انجام کار و حمایت از تولید یا خدمات آنان مورد حمایت قرار داده و نسبت به رفع موانع معماری در کلیه مراکز موضوع این‌ماده و تبصره‌ها که معلولین در آنها حضور می‌یابند اقدام نماید. تبصره ۳. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است تا آیین‌نامه‌های لازم را در جهت برقراری تسهیلات رفاهی مورد نیاز معلولین شاغل‌در مراکز انجام کار با نظرخواهی از جامعه معلولین ایران و سازمان‌بهزیستی کشور تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی برساند.

مبحث سوم اشتغال اتباع بیگانه (م ۱۲۰ تا م ۱۲۹)

ماده ۱۲۰. اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر آنکه اولا دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده و ثانیا مطابق‌قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه پروانه کار دریافت دارند. تبصره اتباع بیگانه ذیل مشمول مقررات ماده ۱۲۰ نمی‌باشند: الف ـ اتباع بیگانه‌ای که منحصرا در خدمت ماموریتهای دیپلماتیک و کنسولی هستند با تایید وزارت امور خارجه ب ـ کارکنان و کارشناسان سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آنها با تایید وزارت امور خارجه ج ـ خبرنگاران خبرگزاریها و مطبوعات

خارجی به شرط معامله‌متقابل و تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ماده ۱۲۱. وزارت کار و امور اجتماعی با رعایت شرایط ذیل درمورد صدور روادید با حق کار مشخص برای اتباع بیگانه موافقت و پروانه کار صادر خواهد کرد: الف ـ مطابق اطلاعات موجود در وزارت کار و امور اجتماعی درمیان اتباع ایرانی آماده به کار افراد داوطلب واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد. ب ـ تبعه بیگانه دارای اطلاعات و تخصص کافی برای اشتغال به کارمورد نظر باشد. ج ـ از تخصص تبعه بیگانه برای آموزش جایگزینی بعدی افرادایرانی استفاده شود. تبصره احراز شرایط مندرج در این ماده با هیات فنی اشتغال‌است ضوابط مربوط به تعداد اعضا و شرایط انتخاب آنها و نحوه‌تشکیل جلسات هیات به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که باپیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران‌می‌رسد. ماده ۱۲۲. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به صدور،تمدید و تجدید پروانه کار افراد ذیل اقدام نماید: الف ـ تبعه بیگانه‌ای که حداقل ده سال مداوم در ایران اقامت داشته‌باشد. ب ـ تبعه بیگانه‌ای که دارای همسر ایرانی باشد. ج ـ مهاجرین کشورهای بیگانه خصوصا کشورهای اسلامی و پناهندگان سیاسی به شرط داشتن کارت معتبر مهاجرت و یاپناهندگی و پس از موافقت کتبی وزارتخانه‌های کشور و امورخارجه ماده ۱۲۳. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند در صورت‌ضرورت و یا به عنوان معامله متقابل اتباع بعضی از دول و یا افراد بدون تابعیت را (مشروط بر آنکه وضعیت آنان ارادی نباشد) پس از تایید وزارت امور خارجه و تصویب هیات وزیران از پرداخت حق‌صدور، حق تمدید و یا حق تجدید پروانه کار معاف نماید. ماده ۱۲۴. پروانه کار با رعایت مواد این قانون حداکثر برای مدت‌یک سال صادر یا تمدید و یا تجدید می‌شود. ماده ۱۲۵. در مواردی که به هر عنوان رابطه استخدامی تبعه بیگانه‌با کارفرما قطع می‌شود کارفرما مکلف است ظرف پانزده روز،مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کند. تبعه بیگانه نیزمکلف است ظرف پانزده روز پروانه کار خود را در برابر اخذ رسید،به وزارت کار و امور اجتماعی تسلیم نماید. وزارت کار و اموراجتماعی در صورت لزوم اخراج تبعه بیگانه را از مراجع ذی صلاح‌درخواست می‌کند. ماده ۱۲۶. در مواردی که مصلحت صنایع کشور اشتغال فوری تبعه‌بیگانه را به طور استثنایی ایجاب کند، وزیر مربوطه مراتب را به‌وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌نماید و با موافقت وزیر کار وامور اجتماعی برای تبعه بیگانه پروانه کار موقت بدون رعایت‌تشریفات مربوط به صدور روادید با حق کار مشخص صادر خواهدشد. تبصره مدت اعتبار پروانه کار موقت حداکثر سه ماه است و تمدید آن مستلزم تایید هیات فنی اشتغال اتباع بیگانه خواهد بود. ماده ۱۲۷. شرایط استخدامی کارشناسان و متخصصین فنی بیگانه‌مورد نیاز دولت با در نظر گرفتن تابعیت و مدت خدمت و میزان مزدآنها و با توجه به نیروی کارشناس داخلی پس از بررسی و اعلام نظروزارت کار و امور اجتماعی و سازمان امور اداری و استخدامی کشور، با تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود. پروانه کارجهت استخدام کارشناسان خارجی در هر مورد پس از تصویب‌مجلس شورای اسلامی از طرف وزارت کار و امور اجتماعی صادرخواهد شد. ماده ۱۲۸. کارفرمایان مکلفند قبل از اقدام به عقد هرگونه قراردادی‌که موجب استخدام کارشناسان بیگانه می‌شود، نظر وزارت کار وامور اجتماعی را در مورد امکان اجازه اشتغال تبعه بیگانه استعلام‌نمایند. ماده ۱۲۹. آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به اشتغال اتباع بیگانه ازجمله نحوه صدور، تمدید، تجدید و لغو پروانه کار و نیز شرایط انتخاب اعضای هیات فنی اشتغال اتباع بیگانه مذکور در ماده ۱۲۱این قانون با پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیات‌وزیران خواهد رسید.

فصل ششم تشکلهای کارگری و کارفرمایی (م ۱۳۰ تا م ۱۳۸)

ماده ۱۳۰. به منظور تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع ازدستاوردهای انقلاب اسلامی و در اجرای اصل بیست و ششم قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران کارگران واحدهای تولیدی صنعتی کشاورزی خدماتی و صنفی می‌توانند نسبت به تاسیس انجمنهای‌اسلامی اقدام نمایند. تبصره ۱. انجمنهای اسلامی می‌توانند به منظور هماهنگی درانجام وظایف و شیوه‌های تبلیغی نسبت به تاسیس کانونهای‌هماهنگی انجمنهای اسلامی در سطح استانها و کانون عالی‌هماهنگی انجمنهای اسلامی در کل کشور اقدام نمایند.

تبصره ۲. آیین‌نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات‌و نحوه عملکرد انجمنهای اسلامی موضوع این ماده باید توسط وزارتین کشور، کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات اسلامی تهیه‌و به تصویب هیات وزیران برسد. ماده ۱۳۱. در اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری‌اسلامی ایران و به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی وبهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان که خود متضمن حفظ‌منافع جامعه باشد، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می‌توانند مبادرت به تشکیل انجمنهای صنفی‌نمایند. تبصره ۱. به منظور هماهنگی در انجام وظایف محوله و قانونی انجمنهای صنفی می‌توانند نسبت به تشکیل کانون انجمنهای صنفی‌در استان و کانون عالی انجمنهای صنفی در کل کشور اقدام نمایند. تبصره ۲. کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوطه به هنگام‌تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانونی و طرح‌و تصویب آن در مجمع عمومی و تسلیم به وزارت کار و اموراجتماعی جهت ثبت می‌باشند. تبصره ۳. کلیه نمایندگان کارفرمایان ایران در شورای عالی کار،شورای عالی تامین اجتماعی شورای عالی حفاظت فنی وبهداشت کار، کنفرانس بین المللی کار و نظایر آن توسط کانون عالی‌انجمنهای صنفی کارفرمایان در صورت تشکیل انتخاب و در غیراین صورت توسط وزیر کار و امور اجتماعی معرفی خواهند شد. تبصره ۴. کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه موردشورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته‌باشند. تبصره ۵. آیین‌نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات‌و نحوه عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوطه حداکثر ظرف‌مدت یک ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورای عالی کارتهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۶. آیین‌نامه نحوه انتخابات نمایندگان مذکور در تبصره ۳این ماده ظرف یک ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیرکار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۱۳۲. به منظور نظارت و مشارکت در اجرای اصل سی و یکم‌قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین براساس مفادمربوطه در اصل چهل و سوم قانون اساسی کارگران واحدهای‌تولیدی صنفی صنعتی خدماتی و کشاورزی که مشمول قانون کارباشند، می‌توانند نسبت به ایجاد شرکتهای تعاونی مسکن اقدام‌نمایند. تبصره شرکتهای تعاونی مسکن کارگران هر استان می‌توانندنسبت به ایجاد کانون هماهنگی شرکتهای تعاونی مسکن کارگران‌استان اقدام نمایند و کانونهای هماهنگی تعاونیهای مسکن کارگران‌استانها می‌توانند نسبت به تشکیل کانون عالی هماهنگی تعاونیهای‌مسکن کارگران کشور (اتحادیه مرکزی تعاونیهای مسکن کارگران ـ اسکان اقدام نمایند. وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی مسکن و شهرسازی و اموراقتصادی و دارایی موظف به همکاری با اتحادیه اسکان بوده واساسنامه شرکتهای مذکور توسط وزارت کار و امور اجتماعی به‌ثبت خواهد رسید. ماده ۱۳۳. به منظور نظارت و مشارکت در اجرای مفاد مربوط به‌توزیع و مصرف در اصول چهل و سوم و چهل و چهارم قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران کارگران واحدهای تولیدی صنفی صنعتی خدماتی و یا کشاورزی که مشمول قانون کار باشند،می‌توانند نسبت به ایجاد شرکتهای تعاونی مصرف (توزیع کارگری‌اقدام نمایند. تبصره شرکتهای تعاونی مصرف (توزیع کارگران می‌توانندنسبت به تاسیس کانون هماهنگی شرکتهای تعاونی مصرف کارگران‌استان اقدام نمایند و کانونهای هماهنگی تعاونیهای مصرف (توزیع کارگران استانها می‌توانند نسبت به تشکیل کانون عالی هماهنگی‌تعاونیهای مصرف کارگران «اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف توزیع کارگران ـ امکان اقدام نمایند. وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و بازرگانی و همچنین‌وزارتخانه‌های صنعتی موظف هستند تا همکاریهای لازم را بااتحادیه امکان به عمل آورند و اساسنامه شرکتهای تعاونی مذکورتوسط وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت خواهد رسید. ماده ۱۳۴. به منظور بررسی و پی‌گیری مسایل و مشکلات صنفی واجتماعی و حسن اجرای آن قسمت از مفاد اصل بیست و نهم قانون‌اساسی که متضمن حفظ حقوق و تامین منافع و بهره‌مندی ازخدمات بهداشتی درمانی و مراقبتهای پزشکی می‌باشد، کارگران ومدیران بازنشسته می‌توانند به طور مجزا نسبت به تاسیس کانونهای‌کارگران و مدیران بازنشسته شهرستانها و استانها اقدام نمایند. تبصره ۱. کانونهای کارگران و مدیران بازنشسته استانها می‌توانندنسبت به تاسیس کانونهای عالی کارگران و مدیران بازنشسته کشوراقدام نمایند. تبصره ۲. وزارتخانه‌های کار و امور

اجتماعی و بهداشت درمان وآموزش پزشکی و سازمان تامین اجتماعی موظف به همکاری باکانونهای عالی کارگران و مدیران بازنشسته کشور می‌باشند. ماده ۱۳۵. به منظور ایجاد وحدت روش و هماهنگی در امور وتبادل نظر در چگونگی اجرای وظایف و اختیارات شوراهای‌اسلامی کار می‌توانند نسبت به تشکیل کانون هماهنگی شوراهای‌اسلامی کار در استان و کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کاردر کل کشور اقدام نمایند. تبصره آیین‌نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات ونحوه عملکرد کانونهای شوراهای اسلامی کار موضوع این ماده بایدتوسط وزارتین کشور و کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات‌اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد. ماده ۱۳۶. کلیه نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی ایران درسازمان جهانی کار، هیاتهای تشخیص هیاتهای حل‌اختلاف شورای‌عالی تامین اجتماعی شورای عالی حفاظت فنی و نظایر آن حسب‌موردتوسط کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمنهای‌صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران انتخاب خواهند شد. تبصره ۱. آیین‌نامه اجرایی این ماده با پیشنهاد شورای عالی کار به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲. در صورتی که تشکلهای عالی کارگری و کارفرمایی‌موضوع این فصل ایجاد نشده باشند، وزیر کار و امور اجتماعی‌می‌تواند نسبت به انتخاب نمایندگان مزبور در مجامع شوراها وهیاتهای عالی اقدام نماید. ماده ۱۳۷. به منظور هماهنگی و حسن انجام وظایف مربوطه تشکلهای کارفرمایی و کارگری موضوع این فصل از قانون می‌توانندبه طور مجزا نسبت به ایجاد تشکیلات مرکزی اقدام نمایند. تبصره آیین‌نامه‌های انتخابات شورای مرکزی و اساسنامه‌تشکیلات مرکزی کارفرمایان و همچنین کارگران جداگانه توسط‌کمیسیونی مرکب از نمایندگان شورای عالی کار، وزارت کشور ووزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهدرسید. ماده ۱۳۸. مقام ولایت فقیه در صورت مصلحت می‌توانند در هریک از تشکلهای مذکور نماینده داشته باشند.

فصل هفتم مذاکرات و پیمانهای دسته جمعی کار (م ۱۳۹ تا م ۱۴۶)

ماده ۱۳۹. هدف از مذاکرات دسته جمعی پیشگیری و یا حل‌مشکلات حرفه‌ای و یا شغلی و یا بهبود شرایط تولید و یا امور رفاهی کارگران است که از طریق تعیین ضوابطی برای مقابله با مشکلات و تامین مشارکت طرفین در حل آنها و یا از راه تعیین و یاتغییر شرایط و نظایر اینها، در سطح کارگاه حرفه و یا صنعت با توافق طرفین تحقق می‌یابد. خواستهای طرح شده از سوی طرفین‌باید متکی به دلایل و مدارک لازم باشد. تبصره ۱. هر موضوعی که در روابط کار متضمن وضع مقررات وایجاد ضوابط از طریق مذاکرات دسته جمعی باشد، می‌تواند موضع مذاکره قرار بگیرد، مشروط بر آنکه مقررات جاری کشور و از جمله سیاستهای برنامه‌ای دولت اتخاذ تصمیم در مورد آنها را منع نکرده‌باشد. مذاکرات دسته جمعی باید به منظور حصول توافق و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات با رعایت شوون طرفین و با خودداری ازهرگونه عملی که موجب اختلال نظم جلسات گردد، ادامه یابد. تبصره ۲. در صورتی که طرفین مذاکرات دسته جمعی موافق‌باشند می‌توانند از وزارت کار و امور اجتماعی تقاضا کنند شخص‌بی طرفی را که در زمینه مسایل کار تبحر داشته باشد و بتواند در مذاکرات هماهنگی ایجاد کند، به عنوان کارشناس پیمانهای دسته‌جمعی به آنها معرفی نماید. نقش این کارشناس کمک به هر دوطرف در پیشبرد مذاکرات دسته جمعی است ماده ۱۴۰. پیمان دسته جمعی کار عبارت است از پیمان کتبی که به منظور تعیین شرایط کار فیمابین یک یا چند (شورا یا انجمن صنفی‌و یا نماینده قانونی کارگران از یک طرف و یک یا چند کارفرما و یانمایندگان قانونی آنها از سوی دیگر و یا فیمابین کانونها و کانونهای‌عالی کارگری و کارفرمایی منعقد می‌شود. تبصره در صورتی که مذاکرات دسته جمعی کار منجر به انعقادپیمان دسته جمعی کار شود، باید متن پیمان در سه نسخه تنظیم و به امضای طرفین برسد. دو نسخه از پیمان در اختیار طرفین عقدپیمان دسته جمعی قرار گرفته و نسخه سوم ظرف سه روز در قبال‌اخذ رسید و به منظور رسیدگی و تایید، تسلیم وزارت کار و اموراجتماعی خواهد شد. ماده ۱۴۱. پیمانهای دسته جمعی کار هنگامی اعتبار قانونی وقابلیت اجرایی خواهند داشت که الف ـ مزایایی کمتر از آنچه در قانون کار پیش

بینی گردیده است درآن تعیین نشده باشد. ب ـ با قوانین و مقررات جاری کشور و تصمیمات و مصوبات‌قانونی دولت مغایر نباشد. ج ـ عدم تعارض موضوع یا موضوعات پیمان با بندهای الف و ب به تایید وزارت کار و امور اجتماعی برسد. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی باید نظر خود در موردمطابقت یا عدم تطابق پیمان با بندهای الف و ب مذکور در این مادهرا ظرف ۳۰ روز به طرفین پیمان کتبا اعلام نماید. تبصره ۲. نظر وزارت کار و امور اجتماعی در مورد عدم مطابقت‌مفاد پیمان دسته جمعی با موضوعات بندهای الف و ب باید متکی‌به دلایل قانونی و مقررات جاری کشور باشد. دلایل و موارد مستندباید کتبا به طرفین پیمان ظرف مدت مذکور در تبصره یک همین ماده اعلام گردد. ماده ۱۴۲. در صورتی که اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این‌قانون و یا پیمانهای قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کارضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، هیات تشخیص موظف است بر اساس درخواست هریک از طرفین اختلاف و یا سازمانهای کارگری و کارفرمایی موضوع اختلاف را سریعا مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید. تبصره در صورتی که هر یک از طرفین پیمان دسته جمعی نظرمذکور را نپذیرد می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام نظرهیات تشخیص (موضوع ماده ۱۵۸) به هیات حل اختلاف مندرج‌در فصل نهم این قانون مراجعه و تقاضای رسیدگی و صدور رای نماید. هیات حل اختلاف پس از دریافت تقاضا فورا به موضوع اختلاف‌در پیمان دسته جمعی رسیدگی و رای خود را نسبت به پیمان دسته‌جمعی کار اعلام می‌کند. ماده ۱۴۳. در صورتی که پیشنهادات هیات حل اختلاف ظرف سه‌روز مورد قبول طرفین واقع نشود رییس اداره کار و امور اجتماعی‌موظف است بلافاصله گزارش امر را، جهت اتخاذ تصمیم لازم به‌وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع دهد. در صورت لزوم هیات‌وزیران می‌تواند مادام که اختلاف ادامه دارد، کارگاه را به هر نحوی که‌مقتضی بداند به حساب کارفرما اداره نماید. ماده ۱۴۴. در پیمانهای دسته جمعی کار که برای مدت معینی منعقدمی‌گردد، هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند به تنهایی قبل از پایان مدت درخواست تغییر آن را بنماید، مگر آن که شرایط استثنایی به‌تشخیص وزارت کار و امور اجتماعی این تغییر را ایجاب کند. ماده ۱۴۵. فوت کارفرما و یا تغییر مالکیت از وی در اجرای پیمان‌دسته جمعی کار موثر نمی‌باشد و چنانچه کار استمرار داشته باشد،کارفرمای جدید قائم مقام کارفرمای قدیم محسوب خواهد شد. ماده ۱۴۶. در کلیه قراردادهای انفرادی کار، که کارفرما قبل از انعقادپیمان دسته جمعی کار منعقد ساخته و یا پس از آن منعقد می‌نماید،مقررات پیمان دسته جمعی لازم‌الاتباع است مگر در مواردی که‌قراردادهای انفرادی از لحاظ مزد دارای مزایایی بیشتر از پیمان دسته‌جمعی باشند.

فصل هشتم خدمات رفاهی کارگران م ۱۴۷ تا م ۱۵۶)

ماده ۱۴۷. دولت مکلف است خدمات بهداشتی و درمانی را برای‌کارگران و کشاورزان مشمول این قانون و خانواده آنها فراهم سازد. ماده ۱۴۸. کارفرمایان کارگاههای مشمول این قانون مکلفند بر اساس قانون تامین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند. ماده ۱۴۹. کارفرمایان مکلفند با تعاونیهای مسکن و در صورت‌عدم وجود این تعاونیها مستقیما با کارگران فاقد مسکن جهت تامین‌خانه‌های شخصی مناسب همکاری لازم را بنمایند و همچنین‌کارفرمایان کارگاههای بزرگ مکلف به احداث خانه‌های سازمانی درجوار کارگاه و یا محل مناسب دیگر می‌باشند. تبصره ۱. دولت موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی وامکانات وزارت مسکن و شهرسازی شهرداریها و سایر دستگاههای ذی ربط همکاری لازم را بنماید. تبصره ۲. نحوه و میزان همکاری و مشارکت کارگران کارفرمایان ودستگاههای دولتی و نوع کارگاههای بزرگ مشمول این ماده طبق‌آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارتین کار و امور اجتماعی ومسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵۰. کلیه کارفرمایان مشمول این قانون مکلفند در کارگاه محل مناسب برای ادای فریضه نماز ایجاد نمایند و نیز در ایام ماه مبارک رمضان برای تعظیم شعائر مذهبی و رعایت حال روزه‌داران باید شرایط و ساعات کار را با همکاری انجمن اسلامی و شورای‌اسلامی

کار و یا سایر نمایندگان قانونی کارگران طوری تنظیم نمایندکه اوقات کار مانع فریضه روزه نباشد. همچنین مدتی از اوقات کار را برای ادای فریضه نماز و صرف افطار یا سحری اختصاص دهند. ماده ۱۵۱. در کارگاههایی که برای مدت محدود به منظور انجام‌کاری معین (راه‌سازی و مانند آن دور از مناطق مسکونی ایجادمی‌شوند، کارفرمایان موظفند سه وعده غذای مناسب و ارزان‌قیمت (صبحانه نهار و شام برای کارگران خود فراهم نمایند، که‌حداقل یک وعده آن باید غذای گرم باشد. در این قبیل کارگاهها به‌اقتضای فصل محل و مدت کار، باید خوابگاه مناسب نیز برای‌کارگران ایجاد شود. ماده ۱۵۲. در صورت دوری کارگاه و عدم تکافوی وسیله نقلیه‌عمومی صاحب کار باید برای رفت و برگشت کارکنان خود وسیله‌نقلیه مناسب در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۵۳. کارفرمایان مکلفند برای ایجاد و اداره امور شرکتهای‌تعاونی کارگران کارگاه خود، تسهیلات لازم را از قبیل محل وسایل‌کار و امثال اینها فراهم نمایند. تبصره دستورالعملهای مربوط به نحوه اجرای این ماده با پیشنهادشورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۱۵۴. کلیه کارفرمایان موظفند با مشارکت وزارت کار و اموراجتماعی و سازمان تربیت بدنی کشور، محل مناسب برای استفاده‌کارگران در رشته‌های مختلف ورزش ایجاد نمایند. تبصره آیین‌نامه نحوه ایجاد و ضوابط مربوط به آن و همچنین‌مدت شرکت کارگران در مسابقات قهرمانی ورزشی یا هنری وساعات متعارف تمرین توسط وزارت کار و امور اجتماعی وسازمان تربیت بدنی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهدرسید. ماده ۱۵۵. کلیه کارگاهها موظفند بر حسب اعلام وزارت کار و اموراجتماعی و با نظارت این وزارت و سازمانهای مسؤول در امرسوادآموزی بزرگسالان به ایجاد کلاسهای سواد آموزی بپردازند.ضوابط نحوه اجرای این تکلیف چگونگی تشکیل کلاس شرکت‌کارگران در کلاس انتخاب آموزش یاران و سایر موارد آن مشترکا توسط وزارت کار و امور اجتماعی و نهضت سوادآموزی تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره شرط ورود کارگران به دوره‌های مراکز کارآموزی حداقل‌داشتن گواهینامه نهضت سوادآموزی یا معادل آن است ماده ۱۵۶. دستورالعملهای مربوط به تاسیسات کارگاه از نظربهداشت محیط کار مانند غذاخوری حمام و دستشویی برابر آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش‌پزشکی تصویب و به مرحله اجرا در خواهد آمد.

فصل نهم مراجع حل اختلاف(م ۱۵۷ تا م ۱۶۶

ماده ۱۵۷. هر گونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای این قانون و سایر مقررات کار، قرارداد کارآموزی موافقت‌نامه‌های کارگاهی یا پیمانهای دسته جمعی کار باشد، درمرحله اول از طریق سازش مستقیم بین کارفرما و کارگر یا کارآموز و یا نمایندگان آنها در شورای اسلامی کار و در صورتی که شورای‌اسلامی کار در واحدی نباشد، از طریق انجمن صنفی کارگران و یا نماینده قانونی کارگران و کارفرما حل و فصل خواهد شد و درصورت عدم سازش از طریق هیاتهای تشخیص و حل اختلاف به‌ترتیب آتی رسیدگی و حل و فصل خواهد شد. ماده ۱۵۸. هیات تشخیص مذکور در این قانون از افراد ذیل تشکیل‌می‌شود: ۱ ـ یک نفر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی ۲ ـ یک نفر نماینده کارگران به انتخاب کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان ۳ ـ یک نفر نماینده مدیران صنایع به انتخاب کانون انجمنهای صنفی کارفرمایان استان در صورت لزوم و باتوجه به میزان کارهیاتها، وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به تشکیل چند هیات تشخیص در سطح هر استان اقدام نماید. تبصره کارگری که مطابق نظر هیات تشخیص باید اخراج شود،حق دارد نسبت به این تصمیم به هیات حل اختلاف مراجعه و اقامه‌دعوی نماید. ماده ۱۵۹. رای هیاتهای تشخیص پس از ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ آن لازم‌الاجرا می‌گردد و در صورتی که ظرف مدت مذکور یکی ازطرفین نسبت به رای مزبور اعتراض داشته باشد اعتراض خود را کتبابه هیات حل اختلاف تقدیم می‌نماید و رای هیات حل اختلاف‌پس از صدور، قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. نظرات اعضای هیات بایستی در پرونده درج شود. ماده ۱۶۰. هیات حل اختلاف استان از سه نفر نماینده کارگران به‌انتخاب کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان یا کانون انجمنهای

صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران واحدهای منطقه و سه نفر نماینده کارفرمایان به انتخاب مدیران واحدهای‌منطقه و سه نفر نماینده دولت (مدیر کل کار و امور اجتماعی فرماندار و رییس دادگستری محل و یا نمایندگان آنها) برای مدت ۲سال تشکیل می گردد. در صورت لزوم و با توجه به میزان کار هیاتها،وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به تشکیل چند هیات‌حل اختلاف در سطح استان اقدام نماید. ماده ۱۶۱. هیاتهای حل اختلاف با توجه به حجم کار و ضرورت به‌تعداد لازم در محل واحدهای کار و امور اجتماعی و حتی‌الامکان‌خارج از وقت اداری تشکیل خواهد شد. ماده ۱۶۲. هیاتهای حل اختلاف از طرفین اختلاف برای حضور درجلسه رسیدگی کتبا دعوت می کنند. عدم حضور هر یک از طرفین یانماینده تام‌الاختیار آنها مانع رسیدگی و صدور رای توسط هیات‌نیست مگر آنکه هیات حضور طرفین را ضروری تشخیص دهد. در این صورت فقط یک نوبت تجدید دعوت می‌نماید. در هر حال‌هیات حتی‌الامکان ظرف مدت یک ماه پس از وصول پرونده رسیدگی و رای لازم را صادر می‌نماید. ماده ۱۶۳. هیاتهای حل اختلاف می‌توانند در صورت لزوم از مسوولین و کارشناسان انجمنها و شوراهای اسلامی واحدهای تولیدی صنعتی خدماتی و کشاورزی دعوت به عمل آورند و نظرات و اطلاعات آنان را در خصوص موضوع استماع نمایند. ماده ۱۶۴. مقررات مربوط به انتخاب اعضای هیاتهای تشخیص و حل اختلاف و چگونگی تشکیل جلسات آنها توسط شورای عالی‌کار تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۱۶۵. در صورتی که هیات حل اختلاف اخراج کارگر را غیرموجه تشخیص داد، حکم بازگشت کارگر اخراجی و پرداخت‌حق‌السعی او را از تاریخ اخراج صادر می کند و در غیر این صورت موجه بودن اخراج کارگر، مشمول اخذ حق سنوات به میزان مندرج در ماده ۲۷ این قانون خواهد بود. تبصره چنانچه کارگر نخواهد به واحد مزبور بازگردد، کارفرما مکلف است که بر اساس سابقه خدمت کارگر به نسبت هر سال ۴۵ روز مزد و حقوق به وی بپردازد. ماده ۱۶۶. آرای قطعی صادره از طرف مراجع حل اختلاف کار،لازم‌الاجرا بوده و به وسیله اجرای احکام دادگستری به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ضوابط مربوط به آن به موجب آیین‌نامه‌ای‌خواهد بود که به پیشنهاد وزارتین کار و امور اجتماعی و دادگستری به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

فصل دهم شورای عالی کار (م ۱۶۷ تا م ۱۷۰)

ماده ۱۶۷. در وزارت کار و امور اجتماعی شورایی به نام شورای‌عالی کار تشکیل می‌شود. وظیفه شورا انجام کلیه تکالیفی است که‌به موجب این قانون و سایر قوانین مربوطه به عهده آن واگذار شده‌است اعضای شورا عبارتند از: الف ـ وزیر کار و امور اجتماعی که ریاست شورا را به عهده خواهدداشت ب ـ دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسایل اجتماعی و اقتصادی به‌پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیات وزیران که یکنفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد. ج ـ سه نفر از نمایندگان کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی به انتخاب کارفرمایان د ـ سه نفر از نمایندگان کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار. شورای عالی کار از افراد فوق تشکیل که به استثنای وزیر کار و اموراجتماعی بقیه اعضای آن برای مدت دو سال تعیین و انتخاب‌می گردند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است تبصره هر یک از اعضای شرکت‌کننده در جلسه دارای یک رای خواهند بود. ماده ۱۶۸. شورای عالی کار هر ماه حداقل یک بار تشکیل جلسه‌می‌دهد. در صورت ضرورت جلسات فوق العاده به دعوت رییس و یا تقاضای سه نفر از اعضای شورا تشکیل می‌شود. جلسات شورا با حضور هفت نفر از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با اکثریت آرا معتبر خواهد بود. ماده ۱۶۹. شورای عالی کار دارای یک دبیرخانه دائمی است کارشناسان مسایل کارگری و اقتصادی و اجتماعی و فنی دبیرخانه مطالعات مربوط به روابط و شرایط کار و دیگر اطلاعات مورد نیاز را تهیه و در اختیار شورای عالی کار قرار می‌دهند. تبصره محل دبیرخانه شورای عالی کار در وزارت کار و امور اجتماعی است مسوول دبیرخانه به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی کار انتخاب می‌شود، که به عنوان‌دبیر شورا،

بدون حق رای در جلسات شورای عالی کار شرکت‌خواهد کرد. ماده ۱۷۰. دستورالعملهای مربوط به چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار و وظایف دبیرخانه شورا و همچنین نحوه انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل کارگران و کارفرمایان در شورای عالی کاربه موجب مقرراتی خواهد بود که حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ‌تصویب این قانون توسط وزیر کار و امور اجتماعی تهیه به تصویب‌هیات وزیران خواهد رسید.

فصل یازدهم جرایم و مجازاتها (م ۱۷۱ تا م ۱۸۶)

ماده ۱۷۱. متخلفان از تکالیف مقرر در این قانون حسب موردمطابق مواد آتی با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم‌به مجازات حبس یا جریمه نقدی و یا هر دو محکوم خواهند شد. در صورتی که تخلف از انجام تکالیف قانونی سبب وقوع حادثه‌ای گردد که منجر به عوارضی مانند نقص عضو و یا فوت کارگر شود،دادگاه مکلف است علاوه بر مجازاتهای مندرج در این فصل نسبت‌به این موارد طبق قانون تعیین تکلیف نماید. ماده ۱۷۲. کار اجباری با توجه به ماده ۶ این قانون به هر شکل‌ممنوع است و متخلف علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل کار انجام یافته و جبران خسارت با توجه به شرایط و امکانات خاطی ومراتب جرم به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه محکوم خواهد شد. هرگاه چندنفر به اتفاق یا از طریق یک مؤسسه شخصی را به کار اجباری‌بگمارند هریک از متخلفان به مجازاتهای فوق محکوم و مشترکا مسوول پرداخت اجرت‌المثل خواهند بود. مگر آنکه مسبب اقوی از مباشر باشد، که در این صورت مسبب شخصا مسوول است تبصره چنانچه چند نفر به طور جمعی به کار اجباری گمارده‌شوند، متخلف یا متخلفین علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل با توجه‌به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به حداکثر مجازات‌مذکور در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۳. متخلفان از هریک از موارد مذکور در مواد ۱۴۹ ـ ۱۵۱ ـ۱۵۲ ـ ۱۵۳ ـ ۱۵۴ و ۱۵۵ و قسمت دوم ماده ۷۸، علاوه بر رفع‌تخلف در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و اموراجتماعی تعیین خواهد کرد، با توجه به تعداد کارگران و حجم کارگاه در کارگاههای کمتر از ۱۰۰ نفر برای هر بار تخلف به پرداخت جریمه‌نقدی از هفتاد تا یکصد و پنجاه برابر حداقل مزد روزانه رسمی یک‌کارگر در تاریخ صدور حکم محکوم خواهند شد و به ازای هر صدنفر کارگر اضافی در کارگاه ۱۰ برابر حداقل مزد به حداکثر جریمه‌مذکور اضافه خواهد شد. ماده ۱۷۴. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۳۸ ـ ۴۵ـ ۵۹و تبصره ماده ۴۱، برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع‌تخلف یا تادیه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب‌نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای‌هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: ۱ ـ برای تا ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۲ ـ برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۵ تا ۱۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۳ ـ برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۲ تا ۵ برابرحداقل مزد روزانه یک کارگر. ماده ۱۷۵. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۷۸ (قسمت‌اول ـ ۸۰ ـ ۸۱ ـ ۸۲ و ۹۲ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه‌بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه باکسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به‌ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: ۱ ـ برای تا ۱۰ نفر، ۳۰ تا ۱۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۲ ـ برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۱۰ تا ۳۰ برابر حداقل‌مزد روزانه یک کارگر. ۳ ـ برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۵ تا ۱۰ برابرحداقل مزد روزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف متخلفان مذکور به ۱/۱ تا ۵/۱ برابر حداکثرجرایم نقدی فوق و یا به حبس از ۹۱ تا ۱۲۰ روز محکوم خواهندشد. ماده ۱۷۶. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۵۲ ـ ۶۱ ـ ۷۵ـ ۷۷ ـ ۷۹ ـ ۸۳ ـ ۸۴ و ۹۱ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه‌بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر یا هر دو در مهلتی که دادگاه باکسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به‌ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: ۱ ـ برای تا ۱۰ نفر، ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۲ ـ برای تا ۱۰۰ نفر

نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل‌مزد روزانه یک کارگر. ۳ ـ برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف متخلفان مذکور به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰روز محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۷. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۸۷ ـ ۸۹(قسمت اول ماده و ۹۰ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بررفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه باکسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به‌حبس از ۹۱ تا ۱۲۰ روز و یا جریمه نقدی به ترتیب ذیل محکوم‌خواهند شد: ۱ ـ در کارگاههای تا ۱۰ نفر، ۳۰۰ تا ۶۰۰ برابر حداقل مزد روزانه‌یک کارگر. ۲ ـ در کارگاههای ۱۱ تا ۱۰۰ نفر، ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ برابر حداقل مزدروزانه یک کارگر. ۳ ـ در کارگاههای ۱۰۰ نفر به بالا، ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ برابر حداقل مزدروزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف متخلفان به حبس از ۱۲۱ تا ۱۸۰ روزمحکوم خواهند شد. ماده ۱۷۸. هر کس شخص یا اشخاص را با اجبار و تهدید وادار به‌قبول عضویت در تشکلهای کارگری یا کارفرمایی نماید، یا مانع ازعضویت آنها در تشکلهای مذکور گردد و نیز چنانچه از ایجادتشکلهای قانونی و انجام وظایف قانونی آنها جلوگیری نماید، باتوجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی از۲۰ تا ۱۰۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر در تاریخ صدور حکم یاحبس از ۹۱ تا ۱۲۰ روز و یا هر دو محکوم خواهد شد. ماده ۱۷۹. کارفرمایان یا کسانی که مانع ورود و انجام وظیفه‌بازرسان کار و ماموران بهداشت کار به کارگاههای مشمول این قانون‌گردند یا از دادن اطلاعات و مدارک لازم به ایشان خودداری کنند، درهر مورد با توجه به شرایط و امکانات خاطی به پرداخت جریمه‌نقدی از ۱۰۰ تا ۳۰۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر پس از قطعیت‌حکم و در صورت تکرار به حبس از ۹۱ روز تا ۱۲۰ روز محکوم‌خواهند شد. ماده ۱۸۰. کارفرمایانی که بر خلاف مفاد ماده ۱۵۹ این قانون ازاجرای به موقع آرای قطعی و لازم الاجرای مراجع حل اختلاف این‌قانون خودداری نمایند، علاوه بر اجرای آرای مذکور، با توجه به‌شرایط و امکانات خاطی به جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل‌مزد روزانه کارگر محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۱. کارفرمایانی که اتباع بیگانه را که فاقد پروانه کارند و یامدت اعتبار پروانه کارشان منقضی شده است به کار گمارند و یا اتباع بیگانه را در کاری غیر از آنچه در پروانه کار آنها قید شده است‌بپذیرند و یا در مواردی که رابطه استخدامی تبعه بیگانه با کارفرماقطع می‌گردد مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام ننمایند،با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به مجازات‌حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۲. کارفرمایانی که برخلاف مفاد ماده ۱۹۲ این قانون ازتسلیم آمار و اطلاعات مقرر به وزارت کار و امور اجتماعی خودداری نمایند، علاوه بر الزام به ارائه آمار و اطلاعات مورد نیازوزارت کار و امور اجتماعی در هر مورد با توجه به شرایط وامکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی از ۵۰ تا ۲۵۰ برابرحداقل مزد روزانه کارگر محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۳. کارفرمایانی که بر خلاف مفاد ماده ۱۴۸ این قانون ازبیمه نمودن کارگران خود خودداری نمایند، علاوه بر تادیه کلیه‌حقوق متعلق به کارگر (سهم کارفرما) با توجه به شرایط و امکانات‌خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی معادل دو تا ده برابر حق بیمه‌مربوطه محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۴. در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی‌باشد، اجرت المثل کار انجام شده و طلب و خسارت باید از اموال‌شخص حقوقی پرداخت شود، ولی مسوولیت جزایی اعم از حبس جریمه نقدی و یا هر دو حالت متوجه مدیرعامل یا مدیر مسوول‌شخصیت حقوقی است که تخلف به دستور او انجام گرفته است وکیفر درباره مسوولین مذکور اجرا خواهد شد. ماده ۱۸۵. رسیدگی به جرایم مذکور در مواد ۱۷۱ تا ۱۸۴ درصلاحیت دادگاههای کیفری دادگستری است رسیدگی مذکور دردادسرا و دادگاه خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۸۶. جرایم نقدی مقرر در این قانون به حساب مخصوصی در بانک واریز خواهد شد و این وجوه تحت نظر وزیر کار و اموراجتماعی به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد، جهت امور رفاهی آموزشی و فرهنگی کارگران به مصرف‌خواهد رسید.

فصل دوازدهم مقررات متفرقه م ۱۸۷ تا م ۲۰۳)

ماده ۱۸۷. کارفرمایان مکلفند پس از پایان قرارداد کار بنا به‌درخواست کارگر، گواهی انجام کار با قید مدت زمان شروع و پایان و نوع کار انجام شده را به وی تسلیم نمایند. ماده ۱۸۸. اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین‌و مقررات خاص استخدامی و نیز کارگران کارگاههای خانوادگی که‌انجام کار آنها منحصرا توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان‌نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می‌شود، مشمول مقررات‌این قانون نخواهند بود. تبصره حکم این ماده مانع انجام تکالیف دیگری که در فصول‌مختلف نسبت به موارد مذکور تصریح شده است نمی باشد. ماده ۱۸۹. در بخش کشاورزی فعالیتهای مربوط به پرورش وبهره‌برداری از درختان میوه انواع نباتات جنگلها، مراتع پارکهای‌جنگلی و نیز دامداری و تولید و پرورش ماکیان و طیور، صنعت‌نوغان پرورش آبزیان و زنبور عسل و کاشت داشت و برداشت وسایر فعالیتها در کشاورزی به پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب هیات وزیران می‌تواند از شمول قسمتی از این قانون معاف گردد. ماده ۱۹۰. مدت کار، تعطیلات و مرخصی‌ها، مزد یا حقوق صیادان کارکنان حمل و نقل (هوایی زمینی و دریایی خدمه ومستخدمین منازل معلولین و نیز کارگرانی که طرز کارشان به نحوی‌است که تمام یا قسمتی از مزد و درآمد آنها به وسیله مشتریان یامراجعین تامین می‌شود و همچنین کارگرانی که کار آنها نوعا درساعات متناوب انجام می گیرد، در آیین‌نامه‌هایی که توسط شورای‌عالی کار تدوین و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید تعیین‌می گردد. در موارد سکوت مواد این قانون حاکم است ماده ۱۹۱. کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان بر حسب‌مصلحت موقتا از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنا نمود.تشخیص مصلحت و موارد استثنا به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بودکه با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیات وزیران خواهدرسید. ماده ۱۹۲. کارفرمایان موظفند در مهلت مقرر، آمار و اطلاعات‌مورد نیاز وزارت کار و امور اجتماعی را طبق آیین‌نامه‌ای که به‌تصویب وزیر کار و امور اجتماعی می‌رسد تهیه و تسلیم نمایند. ماده ۱۹۳. وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان وآموزش پزشکی حسب مورد به منظور تامین کادر متخصص‌سرپرستی در صورت لزوم به افرادی که در واحدها به عنوان‌سرپرست تعیین شده‌اند، آموزشهای لازم را در زمینه مسایل ناظر به‌روابط انسانی روابط کار و ایمنی و بهداشت کار خواهند داد. آیین‌نامه مربوط توسط شورای عالی کار تهیه و حسب مورد به‌تصویب وزرای کار و امور اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش‌پزشکی می‌رسد. ماده ۱۹۴. کارفرمایان کارخانه‌ها مکلفند در زمینه آموزش نظامی‌کارگران واحدهای خود با نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران‌انقلاب اسلامی همکاریهای لازم را مبذول دارند. تبصره آیین‌نامه اجرایی این ماده با همکاری مشترک وزارتین کارو امور اجتماعی و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۹۵. به منظور تشویق نیروهای کارگری مولد، متخصص مخترع و مبتکر، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است همه ساله‌به طرق مقتضی در مورد انتخاب کارگران نمونه سال اقدام نماید. تبصره ضوابط اجرایی این ماده و چگونگی تشویق کارگران نمونه‌و نحوه اجرای آن و پیش‌بینی هزینه‌های متعارف مربوط توسطوزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد گردید. ماده ۱۹۶. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است در جهت آگاهی‌و شکوفایی فکری بیشتر کارگران و رشد کارهای علمی عملی تخصصی در زمینه‌های علم و صنعت کشاورزی و خدماتی فیلم اسلاید و آموزشهای لازم دیگر را تدارک ببیند و این امکانات را ازطریق رادیو، تلویزیون و رسانه‌های گروهی و یا هر نحو دیگری که‌لازم باشد در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۹۷. دولت مکلف است با توجه به امکانات خود برای‌کارگرانی که قصد داشته باشند از شهر به روستا مهاجرت کنند و به‌کار کشاورزی بپردازند تسهیلات لازم را فراهم نماید. ماده ۱۹۸. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند در موارد ضرورت‌برای تنظیم نیروی کار ایرانیان خارج از کشور، در نمایندگی‌های‌جمهوری اسلامی ایران وابسته کار منصوب نماید. تبصره ۱. وابسته کار، توسط وزیر کار و امور اجتماعی تعیین وپس از موافقت وزیر امور خارجه منصوب و اعزام می‌گردد. تبصره ۲. وزارتین کار و امور

اجتماعی و امور خارجه و سازمان‌امور اداری و استخدامی موظفند پس از تصویب این قانون آیین‌نامه‌اجرایی موضوع این ماده را تهیه و به تصویب هیات وزیران‌برسانند. ماده ۱۹۹. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است ظرف شش ماه‌از تاریخ تصویب این قانون آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط را تهیه وبه تصویب مراجع مذکور در این قانون برساند. تبصره آن دسته از آیین‌نامه‌های اجرایی قانون کار مصوب‌۲۶/۱۲/۱۳۳۷ که با مقررات این قانون مغایر نباشد، تا تصویب‌آیین‌نامه‌های موضوع این ماده قابل اجرا می‌باشند. ماده ۲۰۰. با تصویب این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن قوانین‌کار و کشاورزی مغایر این قانون لغو می‌گردند. ماده ۲۰۱. وزارت کار و امور اجتماعی باید کلیه حقوق و تکالیف‌مذکور در این قانون را با روشهای مناسب به اطلاع کارگران وکارفرمایان برساند. ماده ۲۰۲. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است سازمان وتشکیلات خود را در ارتباط با قانون کار جدید، طراحی و به‌تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور برساند. ماده ۲۰۳. وزارت کار و امور اجتماعی و دادگستری مامور اجرای‌این قانون می‌باشند. تبصره مفاد این ماده رافع تکالیف و مسوولیتهایی نخواهد بود که‌در این قانون و یا سایر قوانین به عهده وزارتخانه‌های ذی ربط و موسسات و کارگاههای دولتی مشمول این قانون نهاده شده است قانون فوق که در تاریخ دوم مهرماه یکهزارو سیصد و شصت و هشت‌به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و موادی از آن مورداختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته است در جلسات‌متعدد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و با اصلاح و تتمیم‌مواد ۳ ـ ۷ ـ ۸ ـ ۱۲ ـ ۱۵ ـ ۲۰ ـ ۲۴ ـ ۲۶ ـ ۲۷ ـ ۲۹ ـ ۳۱ ـ ۳۲ ـ ۳۳ـ ۴۱ ـ ۴۶ ـ ۵۱ ـ ۵۲ ـ ۵۳ ـ ۵۶ ـ ۵۸ ـ ۵۹ ـ ۶۰ ـ ۶۲ ـ ۶۴ ـ ۶۵ ـ ۶۶ـ ۶۷ ـ ۶۹ ـ ۷۰ ـ ۷۳ ـ ۸۱ ـ ۱۰۵ ـ ۱۰۸ ـ ۱۱۰ ـ ۱۱۱ ـ ۱۱۲ ـ ۱۱۳ ـ ۱۱۴ـ ۱۱۸ ـ ۱۱۹ ـ ۱۳۰ ـ ۱۳۱ ـ ۱۳۵ ـ ۱۳۶ ـ ۱۳۷ ـ ۱۳۸ ـ ۱۴۳ ـ ۱۵۱ـ ۱۵۴ ـ ۱۵۵ ـ ۱۵۸ ـ ۱۵۹ ـ ۱۶۰ ـ ۱۶۶ ـ کل فصل مجازاتها(مواد ۱۷۱ ـ ۱۷۲ ـ ۱۷۳ ـ ۱۷۴ ـ ۱۷۵ ـ ۱۷۶ ـ ۱۷۷ ـ ۱۷۸ ـ ۱۷۹ ـ ۱۸۰ ـ ۱۸۱ ـ ۱۸۲ ـ ۱۸۳ ـ ۱۸۴ ـ ۱۸۵ ـ ۱۸۶) ۱۸۸ ـ ۱۸۹ ـ ۱۹۰ ـ ۱۹۱ ـ ۲۰۲ ـ ۲۰۳ مشتمل بر دویست و سه ماده و یکصد و بیست‌و یک تبصره در تاریخ بیست و نهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و شصت‌و نه به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. رییس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام اکبر هاشمی رفسنجانی

قانون تأمین اجتماعی

فصل اول تعاریف ـ کلیات(م ۱ تا م ۱۱

ماده ۱ ـ به‌منظور اجرا و تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و متناسب با برنامه‌های تامین اجتماعی همچنین تمرکز وجوه و درآمدهای موضوع قانون تامین اجتماعی وسرمایه گذاری و بهره برداری از محل وجوه و ذخایر، سازمان‌مستقلی به نام «سازمان تامین اجتماعی وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که در این قانون «سازمان نامیده می‌شود،تشکیل می‌گردد. سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن منحصرا طبق اساسنامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد، اداره خواهد شد. تبصره ۱ ـ صندوق تامین اجتماعی موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل‌وزارت بهداری و بهزیستی مصوب تیرماه ۱۳۵۵ در سازمان ادغام وکلیه وظایف و دارایی و مطالبات و دیون و تعهدات صندوق مذکوربه سازمان منتقل می‌شود. تبصره ۲ ـ کلیه واحدهای اجرایی تامین اجتماعی سازمانهای‌منطقه‌ای بهداری و بهزیستی استانها، موضوع ماده ۶ قانون تشکیل‌وزارت بهداری و بهزیستی مصوب تیرماه ۱۳۵۵، از سازمانهای‌مذکور منتزع و با کلیه وظایف و دارایی و مطالبات و دیون وتعهدات به «سازمان منتقل می‌شود. تبصره ۳ ـ کلیه کارکنان سازمان تامین اجتماعی سابق که در اجرای ماده۶ قانون تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی به سازمانهای منطقه‌ای‌بهداری و بهزیستی استانها منتقل شده‌اند و همچنین کارمندانی که‌توسط سازمانهای مذکور به منظور انجام وظایف مربوط به تامین‌اجتماعی در نواحی بهداری و بهزیستی طبق آئین نامه استخدامی بیمه‌های اجتماعی استخدام شده و عملا در کار تامین اجتماعی‌اشتغال دارند و کلیه حقوق و مزایای خود را از محل اعتبارات‌پرسنلی و اداری

تامين اجتماعی دريافت می‌دارنـد به سازمان منتقل‌می‌شونـد. ماده ۲ ـ تعاريف ۱ ـ بيمه شده شخصـی است که راسا مشـمول مقررات تامين‌اجتمـاعی بوده و بـا پرداخت مبـالغی به‌عنوان حق بيمه حق اسـتفاده ازمزايـای مقرر در اين قانون را دارد. ۲ ـ خانواده بيمه شـده شخص يا اشخاصـی هستند که به تبع بيمه‌شده از مزايای موضوع اين قانون استفاده می کنند. ۳ ـ کارگاه محلی است که بيمه شده به دسـتور کارفرما يا نماينده اودر آنجا کار می کند. ۴ ـ کارفرما شـخص حقيقی يا حقوقی است که بيمه شده به دسـتور يابه حساب او کار می کنـد. کليه کسانی که به عنوان مـدير يا مسوول عهـده‌دار اداره کارگاه هسـتند نماينـده کارفرما محسوب می‌شونـد وکارفرما مسوول انجام کليه تعهـداتی است که نمايندگان مزبور درقبال بيمه شده به‌عهده می گيرند. ۵ ـ مزد يا حقوق يا کارمزد در اين قانون شامـل هرگونه وجوه ومزايـای نقـدی يا غيرنقـدی مسـتمر است که در مقابل کار به بيمه شـده داده می‌شود. ۶ ـ حق بيمه عبـارت از وجوهی است که به حکم اين قـانون و برای‌استفاده از مزايـای موضوع آن به‌سازمـان پرداخت می گردد. ۷ ـ بيمـاری وضع غيرعادی جسـمی يـا روحی است که انجام خـدمات درمانی را ايجاب می کنـد يا موجب عـدم توانايی موقت‌اشـتغال به کار می‌شود يا اين که مـوجب هر دو در آن واحــد می گردد. ۸ ـ حـادثه از لحـاظ اين قـانون اتفـاقی است پيش‌بينی نشـده که تحت تـاثير عامـل يا عوامل خـارجی در اثر عمـل يـا اتفـاق ناگهـانی رخ‌می‌دهـد و مـوجب صـدماتی بر جسم يـا روان بيمه شـده می گردد. ۹ ـ غرامـت دسـتمزد به‌وجوهی اطلاـق می‌شود که در ايام بارداری بيماری و عـدم توانايی موقت اشـتغال به کار و عـدم دريافت مزد ياحقوق به‌حکم اين قانون به جای مزد يا حقوق به بيمه شـده پرداخت‌می‌شود. ۱۰ ـ وسايل کمک پزشـکی (پروتزوارتز) وسايلی هستند که‌به‌منظور اعاده سلامـت يـا برای جـبران نقص جسـمانی يـا تقويت يکی‌از حواس به کـار می‌رود. ۱۱ ـ کمـک ازدواج مبلغی است که طبـق شـرايط خاصـی برای جبران‌هزينه‌های ناشـی از ازدواج به بيمه شـده پرداخت می گردد. ۱۲ ـ کمک عائله‌منـدی مبلغی است که طبق شـرايط خاص در مقابل‌عائله‌مندی توسط کارفرما به بيمه شده پرداخت می‌شود. ۱۳ ـ از کارافتادگی کلی عبارت است از کاهش قدرت کار بيمه شـده‌به‌نحوی که نتوانـد بـا اشـتغال به کـار سـابق يـا کـار ديگری بيش از يـک‌سوم درآمـد قبلی خود را بـدست آورد. ۱۴ ـ از کارافتـادگی جزئی عبـارت است از کـاهش قـدرت کـار بيمه شـده‌به‌نحوی که بـا اشـتغال به کـار سابق يا کار ديگر فقط قسـمتی از درآمـدخود را بدست آورد. ۱۵ ـ بازنشسـتگی عبارت است از عدم اشـتغال بيمه شده به کار به‌سـبب رسيدن به‌سن بازنشستگی مقرر در اين قانون ۱۶ ـ مستمری عبارت از وجهی است که طبق شرايط مقرر در اين‌قانون به منظور جبران قطع تمام يا قسمتی از درآمد به بيمه شـده ودر صورت فوت او برای تـامين معيشت بازمانـدگان وی به آنان‌پرداخت می‌شود. ۱۷ ـ غرامت مقطـوع نقص عضو مبلغی است که بطور يکجا برای‌جبران نقص عضو يا جبران تقليل درآمد بيمه شده به شخص او داده می‌شود. ۱۸ ـ کمک کفن و دفن مبلغ مقطـوعی است که به منظور تامين‌هزينه‌هـای مربوط به کفن و دفن بيمه شـده در مواردی که خـانواده اواين امر را به‌عهـده می گيرند پرداخت می گردد. ماده ۳ ـ تـامين اجتماعی موضوع اين قانون شامل موارد زير می‌باشـد: الف ـ حوادث و بيماريها ب ـ بارداری ج ـ غرامـت دسـتمزد د ـ از کـار افتـادگی ه ـ بازنشسـتگی و ـ مرگ ز ـ مقرری بيمه بيکـاری تبصـره ۱ـ مشـمولين اين قانون از کمکهای ازدواج و عائله‌منـدی طبـق‌مقررات مربـوط برخـوردار خواهنـد شـد. تبصـره ۲ ـ ملاـک تشـخيص برای برخـورداری از مزايـای قـانون تامين‌اجتماعی شناسـنامه‌ای است که در بـدو بيمه شدن به سازمان تامين‌اجتماعی ارائه شده يا می‌شود و هر گونه تغييراتی که پس از آن درشناسـنامه به عمل آيـد برای سازمان ياد شـده معتبر نخواهـد بود.افرادتحت تکفل بيمه شده نيز مشـمول اين حکم خواهند بود. ماده ۴ ـ مشـمولين اين قانون عبارتند از: الف ـ افرادی که به‌هر عنوان در مقابل دريافت مزد يا حقوق کارمی کنند. ب ـ ملغی شده ج ـ دريافت‌کنندگان مسـتمريهای بازنشستگی از کارافتادگی و فوت تبصره ۱ ـ مسـتخدمين وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی و مسـتخدمين موسـسات وابسـته به دولت که طبـق قـوانين مربـوط به‌نحـوی از انحا از موارد مـذکور در مـاده سه اين قـانون بهره‌مند می‌باشـند در سـاير مـواردی کـه قـوانين خـاص برای آنهـا وجـود نـداردطبق آئين‌نـامه‌ای کـه به پيشـنهاد وزارت بهـداشت درمـان و آموزش‌پزشـکی و تأييد سازمان امور اداری و اسـتخدامی کشور به تصويبهيات وزيران خواهد رسـيد تابع مقررات اين قانون خواهند

بود. تبصره ۲ ـ مشمولین قانون استخدام نیروهای مسلح و افزارمندان‌مشمول قانون تعاون و بیمه بازنشستگی افزارمندان ارتش از شمول‌این قانون خارج بوده و تابع قانون و مقررات خاص خود خواهندبود. تبصره ۳ ملغی گردیده تبصره ۴ ـ مشمولین قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی ازپیری و از کار افتادگی و فوت کماکان تابع مقررات قانون مذکورخواهند بود، موسسات مشمول قانون مذکور مکلفند با اعلام‌سازمان تامین خدمات درمانی حق بیمه درمانی سهم خود و بیمه‌شده را کسر و توسط صندوق حمایت مربوط به سازمان نامبرده‌بپردازند. میزان حق بیمه درمانی موضوع قانون این ماده تابع ضوابطو مقررات بیمه خدمات درمانی موضوع تامین خدمات درمانی‌مستخدمین دولت است و نحوه وصول آن عینا به ترتیبی است که‌در قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کارافتادگی و فوت پیش بینی شده است ماده ۵ ـ بیمه اتباع بیگانه که طبق قوانین و مقررات مربوط در ایران به‌کار اشتغال دارند تابع مقررات این قانون خواهد بود مگر در مواردزیر: الف ـ در صورتی که بین دول متبوع آنان و دولت جمهوری اسلامی‌ایران موافقتنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه تامین اجتماعی منعقدشده باشد که در این صورت طبق موافقتنامه عمل خواهد شد. ب ـ هرگاه تبعه بیگانه طبق گواهی مقامات صالح دولت متبوع خوددر مدت اشتغال در ایران در کشور خود یا در کشور دیگر در مواردپیش‌بینی شده در ماده ۳ این قانون کلا یا بعضا بیمه شده باشند که دراین صورت در همان موارد از شمول مقررات این قانون معاف‌می‌باشند. تبصره ـ حوادث ناشی از کار اتباع کشورهای ملحق شده به مقاوله‌نامه شماره (۹) سازمان بین المللی کار از شمول بند «ب مستثنی‌می‌باشد و نرخ و مأخذ حق بیمه طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که‌توسط سازمان تامین اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران‌خواهد رسید. ماده ۶ ـ اجرای هر یک از موارد مندرج در ماده سه این قانون درباره‌روستائیان و افراد خانواده آنها به تدریج در مناطق مختلف مملکت‌و به تناسب توسعه امکانات و مقدورات سازمان به پیشنهاد هیأت‌مدیره و تصویب شورای عالی سازمان با توجه به ماده ۱۱۷ این‌قانون خواهد بود. ماده ۷ ـ افراد شاغل در فعالیتهائی که تا تاریخ تصویب این قانون‌مشمول بیمه‌های اجتماعی اعلام نشده‌اند به ترتیب زیر به پیشنهادهیأت مدیره و تصویب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی‌مشمول مقررات این قانون قرار خواهند گرفت الف ـ موارد مذکور در بندهای (ج د، ه ، و) ماده ۳ این قانون به‌تدریج و با توجه به امکانات سازمان اجراء خواهد شد و دراین‌صورت میزان حق بیمه با توجه به ماده ۲۸ این قانون تا خاتمه‌سال ۱۳۵۴، ۱۹ ٪ حقوق یا مزد و از اول سال ۱۳۵۵ معادل ۲۱ ٪حقوق و یا مزد خواهد بود که در سال ۱۳۵۴ کارفرما ۱۳٪ و بیمه‌شده ۴٪ و دولت ۲٪ و از سال ۱۳۵۵ کارفرما ۱۴٪ و بیمه شده ۵٪و دولت ۲٪ می‌پردازند. ب ـ موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون به تدریج ودر صورتی اجراء خواهد شد که سازمان وسایل و امکانات درمانی‌لازم را برای بیمه شدگان فراهم نموده باشد. الزام کارفرمایان یا افرادی که به‌موجب این ماده مشمول مقررات این‌قانون می‌شوند به‌تادیه حق بیمه از تاریخی است که بیمه آنها ازطریق انتشار آگهی در روزنامه و یا کتبا اعلام می‌شود. ماده ۸ ـ بیمه افراد و شاغلین فعالیتهائی که تا تاریخ تصویب این قانون‌به‌نحوی از انحا مشمول مقررات قانون بیمه‌های اجتماعی یا قانون‌بیمه‌های اجتماعی روستائیان قرار گرفته‌اند با توجه به مقررات این‌قانون ادامه خواهد یافت تبصره ـ شرایط مربوط به ادامه تمام و یا قسمتی از بیمه‌های مقرر دراین قانون برای کسانی که به‌علتی غیر از علل مندرج در این قانون ازردیف بیمه شدگان خارج شوند به موجب آئین‌نامه مربوط تعیین‌خواهد گردید و به هرحال پرداخت کلیه حق بیمه در این قبیل مواردبه‌عهده بیمه شده خواهد بود. ماده ۹ ـ ملغی شده است ماده ۱۰ ـ از تاریخ اجرای این قانون سازمان بیمه‌های اجتماعی وسازمان بیمه‌های اجتماعی روستائیان در سازمان تامین اجتماعی‌ادغام می‌شوند و کلیه وظایف تعهدات دیون مطالبات بودجه دارائی و کارکنان آنها با حفظ حقوق و سوابق و مزایای استخدامی‌خود که تا تاریخ تصویب و اجرای آئین‌نامه موضوع ماده ۱۳ این‌قانون معتبر خواهد بود به سازمان منتقل می گردند. ماده ۱۱ ـ و تبصره آن منتفی شده است

فصل دوم ارکان و تشکیلات (م ۱۲ تا م ۲۷

ماده ۱۲ تا ۱۷ منسوخ شده است ماده ۱۸ ـ آئین نامه داخلی شورای عالی سازمان پس از تصویب شورا به موقع اجرا گذارده خواهد شد. مواد ۱۹ تا انتهای ماده ۲۷ منسوخ شده است

فصل‌سوم منابع درآمد ـ مأخذ احتساب حق بیمه و نحوه وصول آن(م ۲۸ تا م ۵۰

ماده ۲۸ ـ منابع درآمد سازمان به شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ حق بیمه از اول مهر ماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست وهشت درصد مزد یا حقوق است که هفت درصد آن به‌عهده بیمه‌شده و هیجده درصد به‌عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تامین خواهد شد. ۲ ـ درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان ۳ ـ وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون ۴ ـ کمکها و هدایا. تبصره ۱ ـ از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما بیست درصد مزدیا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده وکمک دولت کل حق بیمه به سی درصد مزد یا حقوق افزایش‌می‌یابد. تبصره ۲ ـ دولت مکلف است حق بیمه سهم خود را به طور یکجا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به سازمان پرداخت کند. تبصره ۳ ـ سازمان باید حداقل هر سه سال یکبار امور مالی خود را بااصول محاسبات احتمالی تطبیق و مراتب را به شورای عالی گزارش دهد. ماده ۲۹ ـ نه درصد از ماخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ قانون‌حسب مورد برای تامین هزینه‌های ناشی از موارد مذکور در بندهای‌الف و ب ماده ۳ این قانون تخصیص می‌یابد و بقیه به سایر تعهدات‌اختصاص خواهد یافت تبصره ـ غرامت دستمزد ایام بیماری بیمه شدگان که از طرف کارفرما پرداخت نمی‌شود به‌عهده سازمان می‌باشد. ماده ۳۰ ـ کارفرمایان موظفند از کلیه وجوه و مزایای مذکور در بند ۵مادهٔ ۲ این قانون حق بیمه مقرر را کسر و به‌اضافه سهم خود به‌سازمان پرداخت نمایند. تبصره ـ ارزش مزایای غیرنقدی مستمر مانند ند مواد غذائی پوشاك‌و نظایر آنها طبق آئین‌نامه‌ای که به‌پیشنهاد هیات مدیره به تصویب‌شورای عالی خواهد رسید به طور مقطوع تعیین و حق بیمه از آن‌دریافت می گردد. ماده ۳۱ ـ در مورد بیمه شدگانی که تمام یا قسمتی از مزد و درآمد آنهابه وسیله مشتریان یا مراجعین تامین می‌شود درآمد تقریبی هر طبقه‌یا حرفه مقطوعا به پیشنهاد هیات مدیره و تصویب شورای عالی‌تعیین و ماخذ دریافت حق بیمه قرار خواهد گرفت ماده ۳۲ ـ در مورد بیمه شدگانی که کارمزد دریافت می‌دارند حق بیمه به‌ماخذ کل درآمد ماهانه آنها احتساب و دریافت می گردد. این حق‌بیمه در هیچ مورد نباید از حق بیمه‌ای که به حداقل مزد کارگر عادی‌تعلق می گیرد کمتر باشد. ماده ۳۳ ـ حق بیمه کارآموزان باید به نسبت مزد یا حقوق آنها پرداخت‌شود و در هر حال میزان حق بیمه در این مورد نباید از میزانی که به‌حداقل مزد یا حقوق تعلق می گیرد کمتر باشد. در صورتی که مزد یاحقوق کارآموز کمتر از حداقل دستمزد باشد پرداخت ما به التفاوت‌حق بیمه سهم کارآموز به‌عهده کارفرما خواهد بود. ماده ۳۴ ـ در صورتی که بیمه شده برای دو یا چند کارفرما کار کند هریک از کارفرمایان مکلفند به نسبت مزد یا حقوقی که می‌پردازند حق‌بیمهٔ سهم بیمه شده را از مزد یا حقوق او کسر و به انضمام سهم خودبه سازمان پرداخت نمایند. ماده ۳۵ ـ سازمان می‌تواند در موارد لزوم با تصویب شورای عالی‌سازمان مزد یا حقوق بیمه‌شدگان بعضی از فعالیتها را طبقه‌بندی‌نماید و حق بیمه را به ماخذ درآمد مقطوع وصول و کمك‌های‌نقدی را بر همان اساس محاسبه و پرداخت نماید. ماده ۳۶ ـ کارفرما مسوول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به‌سازمان می‌باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق ومزایا سهم بیمه شده را کسر نموده و سهم خود را بر آن افزوده به‌سازمان تأدیه نماید. در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم‌بیمه شده خودداری کند شخصا مسوول پرداخت آن خواهد بود.تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع‌مسوولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود. تبصره ـ بیمه شدگانی که تمام یا قسمتی از درآمد آنها به ترتیب مذکوردر ماده ۳۱ این قانون تامین می‌شود مکلفند حق بیمه سهم خود رابرای پرداخت به سازمان به‌کارفرما تأدیه نمایند ولی در هر حال‌کارفرما مسوول پرداخت حق بیمه خواهد بود. ماده ۳۷ ـ هنگام نقل و انتقال عین یا منافع مؤسسات و کارگاههای‌مشمول این قانون اعم از اینکه انتقال به صورت قطعی شرطی ـ رهنی ـ صلح حقوق یا اجاره باشد و اعم از اینکه انتقال

بطور رسمی‌یا غیر رسمی انجام بگیرد انتقال گیرنده مکلف است گواهی سازمان‌را مبنی بر نداشتن بدهی معوق بابت حق بیمه و متفرعات آن ازانتقال دهنده مطالبه نماید. دفاتر اسناد رسمی مکلفند در موقع‌تنظیم سند از سازمان راجع به بدهی واگذار کننده استعلام نمایند. درصورتی که سازمان ظرف ۱۵ روز از تاریخ ورود برگ استعلام به‌دفتر سازمان پاسخی به‌دفترخانه ندهد، دفترخانه معامله را بدون‌مفاصاحساب ثبت خواهد کرد. در صورتی که بنا به اعلام سازمان واگذار کننده بدهی داشته باشد می‌تواند با پرداخت بدهی معامله را انجام دهد بدون اینکه پرداخت بدهی حق واگذارکننده را نسبت به‌اعتراض به تشخیص سازمان و رسیدگی به میزان حق بیمه ساقط‌کند. در صورت انجام معامله بدون ارائه گواهی مذکور انتقال دهنده‌و انتقال گیرنده برای پرداخت مطالبات سازمان دارای مسوولیت‌تضامنی خواهند بود. وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی‌همچنین شهرداریها و اطاقهای اصناف و سایر مراجع ذیربط مکلفنددر موقع تقاضای تجدید پروانه کسب یا هر نوع فعالیت دیگرمفاصاحساب پرداخت حق بیمه را از متقاضی مطالبه نمایند. در هرحال تجدید پروانه کسب موکول به ارائه مفاصاحساب پرداخت حق‌بیمه می‌باشد. تبصره ـ سازمان مکلف است حداکثر پس از یک ماه از تاریخ ثبت‌تقاضا، مفاصا حساب صادر و به تقاضاکننده تسلیم نماید. ماده ۳۸ ـ در مواردی که انجام کار بطور مقاطعه به اشخاص حقیقی یاحقوقی واگذار می‌شود کارفرما باید در قراردادی که منعقد می‌کندمقاطعه کار را متعهد نماید که کارکنان خود و همچنین کارکنان‌مقاطعه‌کاران فرعی را نزد سازمان بیمه نماید و کل حق بیمه را به‌ترتیب مقرر در ماده ۲۸ این قانون بپردازد. پرداخت پنج درصد بهای‌کل کار مقاطعه کار از طرف کارفرما موکول به ارائه مفاصا حساب ازطرف سازمان خواهد بود. در مورد مقاطعه کارانی که صورت مزد وحق بیمه کارکنان خود را در موعد مقرر به سازمان تسلیم و پرداخت‌می‌کنند معادل حق بیمه پرداختی بنابه درخواست سازمان از مبلغ‌مذکور آزاد خواهد شد. هرگاه کارفرما آخرین قسط مقاطعه کار رابدون مطالبه مفاصا حساب سازمان بپردازد مسوول پرداخت حق‌بیمه مقرر و خسارات مربوط خواهد بود و حق دارد وجوهی را که ازاین بابت به سازمان پرداخته است از مقاطعه کار مطالبه و وصول‌نماید. کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی همچنین شهرداریهاو اطاق اصناف و مؤسسات غیردولتی و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه مشمول مقررات این ماده می‌باشند. تبصره ـ کلیه کارفرمایان موضوع این ماده و ماده ۲۹ قانون بیمه‌های‌اجتماعی سابق مکلفند مطالبات سازمان تامین اجتماعی را ازمقاطعه‌کاران و مهندسین مشاوری که حداقل یکسال از تاریخ‌خاتمه تعلیق و یا فسخ قرارداد آنان گذشته و در این فاصله جهت‌پرداخت حق بیمه کارکنان شاغل در اجرای قرارداد و ارائه مفاصاحساب سازمان تامین اجتماعی مراجعه ننموده‌اند ضمن اعلام‌فهرست مشخصات مقاطعه‌کاران و مهندسین مشاور از محل پنج‌درصد کل کار و آخرین قسط نگهداری شده به این سازمان پرداخت‌نمایند. میزان حق بیمه پس از قطعی شدن طبق قانون و براساس آراءهیات تجدیدنظر موضوع ماده ۴۴ قانون تامین اجتماعی و ابلاغ‌مجدد به پیمانکار جهت پرداخت بدهی حق بیمه ظرف ۲۰ روز ازتاریخ ابلاغ توسط سازمان تامین اجتماعی اعلام خواهد شد. نحوه اجرای این تبصره بموجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط سازمان تامین اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۳۹ ـ کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد. همچنین صورت مزد یاحقوق بیمه شدگان را به ترتیبی که در آئین نامه طرز تنظیم و ارسال‌صورت مزد که به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید به‌سازمان تسلیم نماید. سازمان حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ‌دریافت صورت مزد، اسناد و مدارک کارفرما را مورد رسیدگی قرارداده و در صورت مشاهده نقص یا اختلاف یا مغایرت به شرح مادهٔ ۱۰۰ این قانون اقدام و ما به التفاوت را وصول می‌نماید. هر گاه‌کارفرما از ارائه اسناد و مدارک امتناع کند سازمان ما به التفاوت حق‌بیمه را راسا تعیین و مطالبه و وصول خواهد کرد. ماده ۴۰ ـ در صورتی که کارفرما از ارسال صورت مزد مذکور در ماده۳۹ این قانون خودداری کند سازمان می‌تواند حق بیمه را راسا تعیین‌و از کارفرما مطالبه و وصول نماید. ماده ۴۱ ـ در مواردی که نوع کار ایجاب کند سازمان می‌تواند به پیشنهاد هیات مدیره و تصویب شورای عالی سازمان نسبت مزد را به کل کارانجام یافته تعیین و حق بیمه متعلق را به همان نسبت مطالبه و وصول نماید. ماده ۴۲ ـ در

صورتی که کارفرما به میزان حق بیمه و خسارت تاخیر تعیین شده از طرف سازمان معترض باشد می‌تواند ظرف سی روز ازتاریخ ابلاغ اعتراض خود را کتبا به سازمان تسلیم نماید. سازمان‌مکلف است اعتراض کارفرما را حداکثر تا یک ماه پس از دریافت آن‌در هیات بدوی تشخیص مطالبات مطرح نماید. در صورت عدم‌اعتراض کارفرما ظرف مدت مقرر، تشخیص سازمان قطعی و میزان‌حق بیمه و خسارات تعیین شده طبق ماده ۵۰ این قانون وصول‌خواهد شد. ماده ۴۳ ـ هیاتهای بدوی تشخیص مطالبات سازمان از افراد زیر تشکیل‌می گردند: ۱ ـ نماینده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که ریاست‌هیات را به‌عهده خواهد داشت ۲ ـ یک‌نفر به‌عنوان نماینده کارفرما به انتخاب اتاق بازرگانی وصنایع و معادن ایران در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع یا یک نفر نماینده صنف مربوط به معرفی اصناف در مورد افراد صنفی وصاحبان حرف و مشاغل آزاد. ۳ ـ یک‌نفر به انتخاب شورای عالی تامین اجتماعی ۴ ـ نماینده کارگران در مورد کارگران مشمول قانون تامین اجتماعی‌حسب مورد به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون‌عالی انجمن‌های صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران درصورت تشکیل و در غیر این صورت به انتخاب وزیر کار و اموراجتماعی آراء هیاتهای بدوی در صورتی که مبلغ مورد مطالبه سازمان اعم ازاصل حق بیمه و خسارات یک میلیون و پانصدهزار (۱۵۰۰/۰۰۰)ریال یا کمتر باشد و یا اینکه در موعد مقرر مورد اعتراض واقع نشودقطعی و لازم الاجرا خواهد بود. در صورتی که مبلغ مورد مطالبه‌بیش از یک میلیون و پانصدهزار (۱۵۰۰/۰۰۰) ریال باشد کارفرما وسازمان ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی یا قانونی رای هیات‌بدوی حق تقاضای تجدیدنظر خواهند داشت ماده ۴۴ ـ هیاتهای تجدیدنظر تشخیص مطالبات در مراکز استانها باشرکت افراد زیر تشکیل می‌شود: ۱ ـ نماینده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که ریاست‌هیات را به‌عهده خواهد داشت ۲ ـ یک‌نفر از قضات دادگستری به انتخاب وزارت دادگستری ۳ ـ یک‌نفر به انتخاب شورای عالی تامین اجتماعی ۴ ـ نماینده‌سازمان‌به‌انتخاب‌رئیس‌هیات‌مدیره‌ومدیرعامل سازمان ۵ ـ یک‌نفر به‌عنوان نماینده کارفرما به انتخاب اتاق بازرگانی وصنایع و معادن ایران در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع یا یک‌نفرنماینده شورای مرکزی اصناف در مورد افراد صنفی و صاحبان‌حرف و مشاغل آزاد. آراء هیات تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجراء است تبصره ـ هیات‌های بدوی و تجدیدنظر تاریخ رسیدگی را به کارفرما ابلاغ‌خواهندکردوحضورکارفرما برای ادای توضیحات بلامانع است ماده ۴۵ ـ نحوه تسلیم اعتراض و درخواست تجدیدنظر و تشکیل‌جلسات هیاتها و ترتیب رسیدگی و صدور رای و ابلاغ به‌موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد هیات مدیره سازمان به‌تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید. ماده ۴۶ ـ سازمان می‌تواند به درخواست کارفرما بدهی او را حداکثر تاسی و شش قسط ماهانه تقسیط نماید و در این صورت کارفرما بایدمعادل دوازده درصد در سال نسبت به مانده بدهی خود بهره به‌سازمان بپردازد. در صورتی که کارفرما هر یک از اقساط مقرر را درراس موعد پرداخت نکند بقیه اقساط تبدیل به حال شده و طبق‌ماده ۵۰ این قانون وصول خواهد شد. تبصره ـ به موجب قانون منع دریافت خسارت و جرایم‌مصوب ۱۳۶۱ منتفی شده است ماده ۴۷ ـ کارفرمایان مکلفند صورت مزد و حقوق و مزایای بیمه‌شدگان همچنین دفاتر و مدارک لازم را در موقع مراجعه بازرس‌سازمان در اختیار او بگذارند. بازرسان سازمان می‌توانند از تمام یاقسمتی از دفاتر و مدارک مذکور رونوشت یا عکس تهیه و برای‌کسب اطلاعات لازم به هر یک از رؤسا و کارمندان و کارگران کارگاه‌و مراجع ذیربط مراجعه نمایند. بازرسان سازمان حق دارندکارگاههای مشمول قانون را مورد بازرسی قرار دهند و دارای همان‌اختیارات و مسوولیت‌های مذکور در مواد ۵۲ و ۵۳ قانون کارخواهند بود. نتیجه بازرسی حداکثر ظرف یک ماه از طرف سازمان‌به کارفرما اعلام خواهد شد. ماده ۴۸ ـ از تاریخی که سازمان با توجه به مادهٔ ۷ این قانون گروه‌جدیدی را مشمول بیمه اعلام نماید ملزم به انجام تعهدات قانونی‌طبق مقررات نسبت به بیمه شدگان خواهد بود و کارفرمایان‌موظفند حق بیمه را از همان تاریخی که گروه مزبور مشمول بیمه‌اعلام شده است به سازمان بپردازند. تبصره ـ در صورت عدم ارسال صورت مزد در موعد مقرر از طرف‌کارفرما سازمان می‌تواند مزد یا حقوق بیمه شدگان را بر اساس‌ماخذی که طبق مادهٔ ۴۰ این قانون مبنای تعیین حق بیمه قرار گرفته‌است احتساب و ماخذ پرداخت مزایای نقدی قرار دهد.

در مواردی‌که تعیین مزد یا حقوق بیمه شده به طریق مذکور میسر نباشدسازمان می‌تواند مزایای نقدی را به‌ماخذ حداقل مزد یا حقوق بطورعلی الحساب پرداخت نماید. ماده ۴۹ ـ مطالبات سازمان ناشی از اجرای این قانون در عداد مطالبات‌ممتاز می‌باشد. ماده ۵۰ ـ مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تاخیر وجریمه‌های نقدی که ناشی از اجرای این قانون یا قوانین سابق‌بیمه‌های اجتماعی و قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان باشد،همچنین هزینه‌های انجام شده طبق مواد ۶۶ و ۹۰ خسارات مذکوردر مواد ۹۸ و ۱۰۰ این قانون در حکم مطالبات مستند به اسنادلازم‌الاجرا بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی‌به وسیله مامورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد. آئین‌نامه‌اجرائی این ماده حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون‌از طرف سازمان تهیه و پس از تصویب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و وزارت دادگستری به موقع اجراء گذارده خواهدشد. تا تصویب آئین‌نامه مزبور مقررات این ماده توسط مامورین‌اجرای احکام محاکم دادگستری بر اساس آئین‌نامه ماده ۳۵ قانون‌بیمه‌های اجتماعی اجراء خواهد شد.

فصل چهارم مقررات مالی(م ۵۱ تا م ۵۳

ماده ۵۱ ـ هیات مدیره مکلف است تا اول دی ماه هر سال بودجه کل‌سازمان را برای سال بعد تنظیم و به شورای عالی سازمان پیشنهادنماید. شورای عالی سازمان مکلف است حداکثر تا پانزدهم اسفندماه بودجه سال بعد را تصویب و به هیات مدیره ابلاغ نماید. تبصره ـ منتفی شده است ماده ۵۲ ـ مانده درآمد پس از وضع مخارج و کلیه درآمدهای حاصل ازخسارات و زیان دیرکرد و بهره سپرده‌ها و سود اوراق بهادار و سودسرمایه‌گذاری‌ها و درآمد حاصل از فروش و یا واگذاری و یابهره‌برداری از اموال سازمان کلا به حساب ذخائر منظور خواهد شد. تبصره ۱ ـ شورای عالی سازمان هر سال به پیشنهاد هیات مدیره ازمحل ذخائر، مبلغی جهت خرید اموال غیرمنقول و ایجادساختمانها یا تاسیسات و تجهیزات جدید که اعتبار آن در بودجه‌سازمان تامین نشده باشد تخصیص خواهد داد. تبصره ۲ ـ منتفی شده است ماده ۵۳ ـ ذخایر سازمان نزد بانک رفاه کارگران متمرکز خواهد شد.بانک مذکور ذخائر مزبور را تحت نظر هیاتی با تصویب شورای‌عالی سازمان به کار خواهد انداخت .

فصل پنجم حوادث و بیماریها و بارداری(م ۵۴ تا م ۶۹

ماده ۵۴ ـ بیمه شدگان و افراد خانواده آنها از زمانی که مشمول مقررات‌این قانون قرار می‌گیرند در صورت مصدوم شدن بر اثر حوادث یا ابتلاء به بیماری می‌توانند از خدمات پزشکی استفاده نمایند.خدمات پزشکی که به عهده سازمان تامین اجتماعی است شامل‌کلیه اقدامات درمانی سرپایی ـ بیمارستانی ـ تحویل داروهای لازم وانجام آزمایشات تشخیص طبی می‌باشد. ماده ۵۵ ـ خدمات درمانی موضوع این قانون به دو صورت انجام می‌گیرد: الف ـ اولویت درمان به روش درمان مستقیم داده شود. ب ـ استفاده از روش درمان غیرمستقیم با اختیار و تشخیص وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی به‌موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بودکه سازمان تامین اجتماعی ظرف مدت ۱۵ روز پس از تصویب این‌ماده تهیه و به مرحله اجرا درخواهد آمد. تبصره ـ به موجب قانون الزام سازمان تامین اجتماعی .. مصوب۱۳۶۸ منتفی شده است ماده ۵۶ ـ به منظور توانبخشی ترمیم و تجدید فعالیت بیمه شدگان‌آسیب دیده که قدرت کار اولیه خود را از دست داده‌اند سازمان تامین‌اجتماعی برای اشتغال آنها به کارهای مناسب دیگر طبق‌آئین‌نامه‌هائی که از طرف شورای فنی سازمان مذکور پیشنهاد و به‌تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید از طریق موسسات حرفه‌ای معلولین اقدام خواهد نمود. ماده ۵۷ ـ در صورتی که معالجه بیمار مستلزم انتقال او از روستا یا ازشهرستان به شهرستان دیگر باشد ترتیب نقل و انتقال طبق ضوابطی‌خواهد بود که از طرف سازمان تامین اجتماعی پیشنهاد و به‌تصویب شورای فنی سازمان

مذکور می‌رسد. ماده ۵۸ ـ افراد خانواده بیمه شـده که از کمکهای مقرر در ماده ۵۴ این‌قانون استفاده می کنند عبارتند از: ۱ ـ همسر بیمه شده ۲ ـ شوهر بیمه شده در صورتی که معاش او توسط بیمه شده زن‌تامین می‌شود و سن او از شـصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده شناخته‌شود. ۳ ـ فرزندان بیمه شده که دارای یکی از شرایط زیر باشند: الف ـ کمتر از هیجـده سـال تمـام داشـته باشـند و در مورد فرزنـدان انـاث‌به شـرط نداشـتن شوهر تا بیست سالگی و یا منحصـرا طبق گواهی یکی از موسـسات رسـمی آموزشـی به تحصـیل اشـتغال داشـته باشند. ب ـ در اثر بیماری یا نقص عضو طبق گواهی سازمان تامین‌اجتماعی خدمات درمانی قادر به کار نباشـند. ۴ ـ پـدر و مادر تحت تکفل بیمه شده مشـروط براینکه سن پدر ازشـصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال متجاوز باشد و یا اینکه به تشـخیص کمیسـیونهای پزشـکی موضوع ماده ۹۱ از کارافتاده باشند و در هر حال از سازمان مسـتمری دریافت ننماینـد. ماده ۵۹ ـ بیمه‌شـدگانی که تحت معـالجه و یا درمانهای توانبخشـی قرارمی گیرنـد و بنا به تشخیص سازمان تامین اجتماعی موقتا قادر به کارنیستند به شرط عدم اشتغال به کار و عدم دریافت مزد یا حقوق ،استحقاق دریافت غرامت دسـتمزد را با رعایت شـرایط زیر خواهنـدداشت الف ـ بیمه شـده بر اثر حوادث ناشـی از کار و غیرناشـی از کار یابیماریهای حرفه‌ای تحت درمـان قرار گرفته باشـد. ب ـ در صورتی که بیمه شـده به سـبب بیمـاری و طبق گواهی پزشـک احتیـاج به استراحت مطلق یا بستری شدن داشـته باشد و در تاریخ‌اعلام بیماری مشغول به کار بوده و یا در مرخصـی اسـتحقاقی باشد. ماده ۶۰ ـ حوادث ناشـی از کـار حوادثی است که در حین انجـام وظیفه و به سـبب آن برای بیمه شـده اتفاق می‌افتـد. مقصود از حین انجام‌وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا موسسات وابسته‌یا ساختمانها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه عهده‌دار انجام ماموریتی باشد. اوقات‌مراجعه به درمانگاه و یا بیمارسـتان و یا برای معالجات درمانی وتوانبخشـی و اوقات رفت و برگشت بیمه شـده از منزل به کارگاه جزءاوقات انجام وظیفه محسوب می گردد مشـروط براینکه حادثه درزمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشـد. حوادثی که‌برای بیمه شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان و مساعدت‌به آنان اتفاق می‌افتـد حادثه ناشـی از کار محسوب می‌شود. ماده ۶۱ ـ بیماریهای حرفه‌ای به موجب جـدولی که به پیشـنهاد هیات مـدیره به تصـویب شـورای عـالی سازمـان خواهـد رسـید تعیین می گردد.مـدت مسـوولیت سازمـان تـامین اجتمـاعی نسبت به درمـان هر یک ازبیماریهای حرفه‌ای پس از تغییر کار بیمه شـده به شـرحی است که درجـدول مزبور قیـد می‌شود. ماده ۶۲ ـ مـدت پرداخت غرامت دسـتمزد ایـام بیماری و میزان آن به‌شـرح زیر می‌باشـد: ۱ ـ غرامـت دسـتمزد از اولین روزی که بیمه شـده یـا بر اثر حـادثه یابیمـاری حرفه‌ای و به موجب تشـخیص سازمـان تامین اجتماعی قادربه کار نباشـد پرداخت خواهـد شـد. در مواردی که عـدم اشـتغال به کار ومعالجه به سبب بیماری باشد در صورتی که بیمار در بیمارستان‌بستری نشود غرامت دستمزد از روز چهارم پرداخت خواهد شد. ۲ ـ پرداخت غرامت دستمزد تا زمانی که بیمه شده به تشخیص‌سازمان تامین اجتماعی قادر به کار نبوده و به موجب مقررات این‌قانون از کار افتاده شـناخته نشـده باشـد ادامه خواهد یافت ۳ ـ غرامت دسـتمزد بیمه شـده‌ای که دارای همسـر یا فرزنـد یا پـدر و یامادر تحت تکفل باشد به میزان سه چهارم آخرین مزد یا حقوق روزانه او پرداخت می گردد. ۴ ـ غرامت دستمزد بیمه شده‌ای که همسر یا فرزند یا پـدر و مادرتحت تکفل نداشـته باشـد معادل دو سوم آخرین مزد یا حقوق روزانه‌او می‌باشـد مگر اینکه بیمه شده به هزینه سازمان بستری شود که دراین صورت غرامت دسـتمزد معادل یک دوم آخرین مزد یا حقوق روزانه وی خواهد بود. ۵ ـ هرگاه سازمان بیمه شـده‌ای را برای معالجه به شهرسـتان دیگری‌اعزام دارد و درمان او را بطور سـرپائی انجام دهد علاوه بر غرامت‌دسـتمزد متعلق معادل صـد در صد غرامت دسـتمزد روزانه هم بابت‌هزینه هر روز اقامت او پرداخت خواهد شد. در صورتی که به تشـخیص پزشک معالج مادام که بیمار احتیاج به‌همراه داشته باشد علاوه بر مخارج مسافرت معادل پنجاه درصدحقوق یا دستمزد بیمه شده نیز به همراه بیمار از طرف سازمان‌پرداخت خواهـد شد. ماده ۶۳ ـ در مورد بیماریها یا حوادث آخرین مزد یا حقوق روزانه بیمه‌شـده به منظور محاسـبه غرامت دسـتمزد ایـام بیماری عبارت است ازجمع کل دریافتی بیمه شـده که به مأخـذ آن حق بیمه دریافت شـده‌است در آخرین ۹۰

روز قبل از شروع بیماری تقسیم به روزهای کارو در مورد بیمه شدگانی که کارمزد دریافت می‌کنند آخرین مزدعبارت است از جمع کل دریافتی بیمه شده که به مأخذ آن حق بیمه‌دریافت شده است در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع بیماری تقسیم بر ۹۰ مشروط براینکه غرامت دستمزد این مبلغ از غرامت دستمزدی‌که به حداقل مزد کارگر عادی تعلق می‌گیرد کمتر نباشد. در صورتی‌که بیمه شده دریافت کننده کارمزد ظرف سه ماه مذکور مدتی ازغرامت دستمزد استفاده کرده باشد متوسط دستمزدی که مبنای‌محاسبه غرامت دستمزد مذکور قرار گرفته است به منزله دستمزدروزانه ایام بیماری تلقی و در محاسبه منظور خواهد شد. ماده ۶۴ ـ در مواردی که کارفرمایان طبق قوانین و مقررات دیگری‌مکلف باشند حقوق یا مزد بیمه شدگان بیمار خود را پرداخت‌نمایند سازمان فقط عهده‌دار معالجه آنها طبق مقررات این قانون‌خواهد بود. تبصره ـ در مواردی که کارفرمایان طبق قوانین و مقررات دیگری‌مکلف باشند حقوق کارگران مسلول خود را پرداخت نمایند سازمان‌فقط عهده‌دار معالجه آنها طبق مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۶۵ ـ در صورت وقوع حادثه ناشی از کار، کارفرما مکلف است‌اقدامات لازم اولیه را برای جلوگیری از تشدید وضع حادثه دیده به‌عمل آورده و مراتب را ظرف سه روز اداری کتبا به اطلاع سازمان‌برساند. در صورتی که کارفرما بابت اقدامات اولیه مذکور متحمل‌هزینه‌ای شده باشد سازمان هزینه مربوط را خواهد پرداخت ماده ۶۶ ـ در صورتی که ثابت شود وقوع حادثه مستقیما ناشی از عدم‌رعایت مقررات حفاظت فنی و بروز بیماری ناشی از عدم مقررات‌بهداشتی و احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او بوده‌سازمان هزینه‌های مربوط به معالجه و غرامات و مستمری‌ها و غیره‌را پرداخته و طبق ماده ۵۰ این قانون از کارفرما مطالبه و وصول‌خواهد نمود. تبصره ۱ ـ مقصر می‌تواند با پرداخت معادل ده سال مستمری موضوع‌این ماده به سازمان از این بابت بری‌الذمه شود. تبصره ۲ ـ هرگاه بیمه شده مشمول مقررات مربوط به بیمه شخص‌ثالث باشد در صورت وقوع حادثه سازمان شخصا کمکهای مقرر دراین قانون را نسبت به بیمه شده انجام خواهد داد و شرکتهای بیمه‌موظفند خسارات وارده به سازمان را در حدود تعهدات خود نسبت‌به شخص ثالث بپردازند. ماده ۶۷ ـ بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتی که ظرف یک‌سال قبل از زایمان سابقه پرداخت حق بیمه شصت روز را داشته‌باشد می‌تواند به شرط عدم اشتغال به کار از کمک بارداری استفاده‌نماید. کمک بارداری دو سوم آخرین مزد یا حقوق بیمه شده طبق‌ماده ۶۳ می‌باشد که حداکثر برای مدت دوازده هفته جمعا قبل و بعداز زایمان بدون کسر سه روز اول پرداخت خواهد شد. ماده ۶۸ ـ بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتی که در طول‌مدت یکسال قبل از وضع حمل حق بیمه شصت روز را پرداخته‌باشد از کمک‌ها و معاینه‌های طبی و معالجات قبل از زایمان و حین‌زایمان و بعد از وضع حمل استفاده خواهد کرد. سازمان بنابه‌درخواست بیمه شده می‌تواند بجای کمکهای مذکور مبلغی وجه‌نقد به بیمه شده پرداخت نماید، مبلغ مزبور در آئین‌نامه‌ای که ازطرف هیات مدیره سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی سازمان می‌رسد تعیین خواهد شد. ماده ۶۹ ـ در صورتی که بیمه شده زن و یا همسر بیمه شده مرد به‌بیماریهائی مبتلا شود که شیردادن برای طفل او زیان‌آور باشد یا پس‌از زایمان فوت شود شیر مورد نیاز تا ۱۸ ماهگی تحویل خواهد شد.

فصل ششم از کارافتادگی(م ۷۰ تا م ۷۵)

ماده ۷۰ ـ بیمه شدگانی که طبق نظر پزشک معالج غیرقابل علاج‌تشخیص داده می‌شوند پس از انجام خدمات توانبخشی و اعلام‌نتیجه توانبخشی یا اشتغال چنانچه طبق نظر کمیسیونهای پزشکی‌مذکور در ماده ۹۱ این قانون توانائی خود را کلا یا بعضا از دست داده‌باشند به ترتیب زیر با آنها رفتار خواهد شد: الف ـ هرگاه درجه کاهش قدرت کار بیمه شده شصت و شش درصد و بیشتر باشد از کارافتادگی کلی شناخته می‌شود. ب ـ چنانچه میزان کاهش قدرت کار بیمه شده بین سی و سه تاشصت و شش درصد و به‌علت حادثه ناشی از کار باشد از کارافتاده جزئی شناخته می‌شود. ج ـ اگر درجه کاهش قدرت کار بیمه شده بین ده تا سی و سه درصدبوده و موجب آن حادثه ناشی از کار باشد استحقاق دریافت غرامت‌نقص مقطوع را خواهد داشت ماده ۷۱ ـ بیمه

شـده‌ای که در اثر حادثه ناشـی از کار یا بیماری حرفه‌ای ازکارافتاده کلی شـناخته شود بـدون درنظر گرفتن مـدت پرداخت حق‌بیمه استحقاق دریافت مستمری از کارافتادگی کلی ناشـی از کار راخواهـد داشت ماده ۷۲ ـ میزان مستمری ماهـانه از کارافتادگی کلی ناشـی از کارعبـارتست از یـک سـی‌ام مزد یا حقوق متوسط بیمه شـده ضربدرسـنوات پرداخت حق بیمه مشـروط براینکه این مبلغ از پنجاه درصـدمزدیاحقوق متوسط ماهانه او کمتر و از صـد در صـد آن بیشتر نباشـد. در مورد بیمه شـدگانی که دارای همسـر بوده یا فرزند یا پدر یا مادر تحت تکفل داشـته باشند و مستمری استحقاقی آنها از شصت درصدمزد یا حقوق متوسط آنها کمتر باشد علاوه برآن معادل ده درصدمستمری استحقاقی به‌عنوان کمک مشروط برآنکه جمع مستمری وکمک از ۶۰٪ تجاوز نکند پرداخت خواهد شد. تبصره ۱ ـ شوهر یا فرزنـد یا پـدر یا مادر با شـرایط زیر تحت تکفل بیمه‌شـده محسوب می‌شونـد: ۱ ـ سن شوهر از شـصت سال متجاوز باشد و یا به تشخیص کمیسـیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قـانون از کار افتاده کلی‌بوده و در هر دو حالت به حکم این قـانون مستمری دریـافت ننمایـد ومعاش او توسط زن تامین شود. ۲ ـ فرزنـدان بیمه شـده که حائز شـرایط مـذکور در بند ۳ مادهٔ ۵۸ این‌قانون باشند. ۳ ـ سن پدر از شـصت و سن مادر از پنجاه و پنج‌سال بیشتر بوده یا اینکه به تشـخیص کمیسـیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون‌از کارافتاده باشـند و معاش آنها توسط بیمه شـده تامین و در هر حال‌به‌موجب این قانون مسـتمری دریافت ندارند. تبصره ۲ ـ مزد یـا حقـوق متوسـط ماهـانه بیمه شـده موضـوع این ماده‌عبـارتست از جمـع کـل مزد یـا حقـوق او که به مأخـذ آن حق بیمه‌دریافت گردیده ظرف هفتصد و بیست روز قبل از وقوع حادثه ناشـی‌از کار یا شـروع بیماری حرفه‌ای که منجر به ازکارافتادگی شده است تقسیم به روزهای کار ضربدر سی ماده ۷۳ ـ به بیمه شده‌ای که در اثر حادثه ناشـی از کار بین سی و سه تاشصت و شش درصـد توانـائی کـار خود را از دست داده باشـد مسـتمری از کارافتـادگی جزئی ناشـی از کار پرداخت خواهـد شـد. میزان‌مسـتمری عبـارتست از حاصل ضـرب درصـد از کارافتادگی در مبلغ‌مسـتمری از کارافتادگی کلی اسـتحقاقی که طبق ماده ۷۲ این قانون‌تعیین می‌گردد. ماده ۷۴ ـ بیمه شـده‌ای که در اثر حـادثه ناشـی از کار بین ده تا سـی و سه‌درصـد توانائی کار خود را از دست داده باشـد اسـتحقاق دریافت‌غرامت نقص عضو را خواهـد داشت میزان این غرامت عبارتست ازسـی و شـش برابر مسـتمری اسـتحقاقی مقرر در ماده ۷۲ این قانون‌ضربدر، درصد از کارافتادگی ماده ۷۵ ـ بیمه شده‌ای که ظرف ده سال قبل از وقوع حادثه غیرناشی ازکار یا ابتلاء به بیمـاری حـداقل حق بیمه یکسـال کـار را که متضـمن حق‌بیمه نود روز کـار ظرف یکسال قبل از وقوع حادثه یا بیماری منجر به‌از کارافتادگی باشد پرداخت نموده باشد در صورت از کارافتادگی کلی‌حق اسـتفاده از مسـتمری از کارافتادگی کلی غیرناشـی از کار ماهانه راخواهد داشت تبصـره ـ محاسـبه متوسط دسـتمزد و مسـتمری از کارافتادگی موضوع‌ماده فوق به ترتیب مقرر در ماده ۷۲ این قانون و تبصره ۲ آن صورت‌خواهد گرفت

فصل هفتم بازنشستگی(م ۷۶ تا م ۷۹

ماده ۷۶ ـ مشـمولین این قانون در صورت حائز بودن شـرایط زیر حق‌استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت ۱ ـ حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای‌بازنشستگی پرداخته باشند. ۲ ـ سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام‌رسیده باشد. تبصره ۱ ـ کسانی که ۳۰ سـال تمام کار کرده و در هر مورد حق بیمه‌مـدت مزبور را به سازمان پرداخته باشـند در صـورتی که سن مردان۵۰ سـال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می‌توانند تقاضای مستمری‌بازنشسـتگی نمایند. تبصـره ۲ ـ افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب درمناطق بـد آب و هوا کار کرده و یا آنکه به کارهای سـخت و زیان آور(مخل سـلامتی اشـتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت‌مزبور را به سازمان پرداخته باشند در صورتی که سن مردان ۵۰ سال‌و سن زنان ۴۵ سال تمام باشـد می‌توانند تقاضای مستمری‌بازنشسـتگی نمایند. مناطق بد آب و هوا و کارهای سـخت و زیان آوربه موجب آئین‌نامه مربوطه خواهد بود. افزایش هزینه ناشـی از این‌تبصـره از کاهش هزینه سازمان ناشـی از اجراء تبصره ۱ همین ماده تامین خواهـد شد.

تبصره ۳ ـ بیمه شدگانی که دارای ۳۵ سال تمام سابقه پرداخت حق‌بیمه باشند می‌توانند بدون در نظر گرفتن شرط سنی مقرر در قانون‌تقاضای بازنشستگی نمایند. تبصره ۴ ـ زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن به‌شرط پرداخت حق بیمه با ۲۰ روز حقوق می‌توانند بازنشسته‌شوند. ماده ۷۷ ـ میزان مستمری بازنشستگی عبارتست از یک سی‌ام متوسط مزد یا حقوق بیمه شده ضربدر سنوات پرداخت حق بیمه مشروط‌برآنکه از (۳۰/۳۵) سی و پنج سی‌ام متوسط مزد یا حقوق تجاوزننماید. تبصره ـ متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی‌عبارتست از مجموع مزد یا حقوق بیمه شده که بر اساس آن حق‌بیمه پرداخت گردیده ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم‌بر بیست و چهار. ماده ۷۸ ـ کارفرما می‌تواند بازنشستگی بیمه شدگانی را که حداقل‌پنج‌سال پس از رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون به کارخود ادامه داده‌اند از سازمان تقاضا نماید. ماده ۷۹ ـ در مورد مستخدمین شرکتهای دولتی که به‌موجب قانون‌اکثریت سهام آنها متعلق به بخش خصوصی شده یا بشود به‌ترتیب‌زیر رفتار خواهد شد: ۱ ـ مستخدمین مشمول ماده ۳۳ مقررات استخدامی شرکتهای‌دولتی و مستخدمین شرکتهای دولتی که مشمول مقررات‌بازنشستگی و وظیفه خاص بوده‌اند تابع مقررات بازنشستگی ووظیفه مورد عمل خود خواهند بود. ۲ ـ مستخدمین شرکتهای دولتی که مشمول قانون بیمه‌های‌اجتماعی هستند مشمول مقررات این قانون خواهند شد. ۳ ـ سایر مستخدمین تابع مقررات قانون حمایت کارمندان در برابراثرات ناشی از پیری و ازکارافتادگی و فوت خواهند شد. ۴ ـ نحوه احتساب سوابق خدمت دولتی مستخدمین مذکور دربندهای ۱ و ۳ و میزان پرداخت کسور بازنشستگی توسط مستخدم‌و کارفرما و همچنین ترتیب تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه‌مستخدمین آنان به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت‌بهداشت درمان وآموزش پزشکی با همکاری سازمان امور اداری واستخدامی کشور به تصویب شورای عالی تامین اجتماعی‌می‌رسد.

فصل هشتم مرگ(م ۸۰ تا م ۸۴

ماده ۸۰ ـ بازماندگان واجد شرایط بیمه شده متوفی در یکی از حالات‌زیر مستمری بازماندگان دریافت خواهند داشت ۱ ـ در صورت فوت بیمه شده بازنشسته ۲ ـ در صورت فوت بیمه شده از کارافتاده کلی مستمری بگیر ۳ ـ در صورت فوت بیمه شده‌ای که در ده سال آخر حیات خودحداقل حق بیمه یکسال کار، مشروط بر اینکه ظرف آخرین سال‌حیات حق بیمه ۹۰ روز کار را پرداخت کرده باشد. تبصره ۱ ـ بیمه شدگان مشمول قانون تامین اجتماعی که قبل ازتصویب این ماده واحده فوت شده و به هر علت در مورد آنهامستمری برقرار نشده است حسب مورد مشمول شرایط مقرر دراین بند یا تبصره ۲ می‌باشند. تبصره ۲ ـ چنانچه بیمه شده فاقد شرایط مقرر در این بند باشد ولی‌حداقل ۲۰ سال حق بیمه مقرر را قبل از فوت پرداخت کرده باشد،بازماندگان وی از مستمری برخوردار خواهند شد. در تعیین متوسط مزد یا حقوق ماهانه مشمولان این تبصره برای محاسبه میزان‌مستمری تبصره ماده ۷۷ قانون تامین اجتماعی ملاک عمل قرارمی‌گیرد. تبصره ۳ ـ بیمه شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت‌می‌شود و فاقد شرایط مقرر در این بند می‌باشد، چنانچه سابقه‌پرداخت حق بیمه او کمتر از ۲۰ و بیشتر از ده سال باشد، به‌بازماندگان وی در ازای هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت‌مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت‌بطور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده ۸۳ قانون تامین اجتماعی‌پرداخت می‌شود. ۴ ـ در مواردی که بیمه شده بر اثر حادثه ناشی از کار یا بیماریهای‌حرفه‌ای فوت نماید. ماده ۸۱ ـ بازماندگان واجد شرایط متوفی که استحقاق دریافت‌مستمری را خواهند داشت عبارتند از: ۱ ـ عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است تبصره ـ همسران بیمه شدگان متوفی که شوهر اختیار نموده‌اند (عقددائم در صورت فوت شوهر دوم توسط تامین اجتماعی مجددا به‌آنها مستمری پرداخت خواهد شد. بار مالی ناشی از این تبصره ازمحل (۳٪) کمک دولت به بیمه شدگان تامین خواهد شد. آیین نامه اجرایی این تبصره ظرف مدت دو ماه توسط سازمان‌تامین اجتماعی پیشنهاد و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ۲ ـ فرزندان متوفی در صورتی که سن آنان کمتر از هیجده سال تمام‌باشد و یا منحصرا به

تحصیل اشتغال داشته باشند یا به‌علت بیماری‌یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این‌قانون قادر به کار نباشند. ۳ ـ پدر و مادر متوفی در صورتی که اولاـ تحت تکفل او بوده ثانیاسن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج‌سال تجاوز کرده‌باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این‌قانون از کارافتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت‌ندارند. ماده ۸۲ ـ بازماندگان بیمه شده زن با شرایط زیر از مستمری استفاده‌خواهند کرد: ۱ ـ شوهر مشروط براینکه اولاـ تحت تکفل زن بوده ثانیا سن او ازشصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع‌ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده بوده و در هر حال مستمری از سازمان‌دریافت نکند. ۲ ـ فرزندان در صورت حائز بودن شرایط زیر: الف ـ پدر آنها در قید حیات نبوده یا واجد شرایط مذکور در بند اول‌این ماده باشد و از مستمری دیگری استفاده نکند. ب ـ سن آنها کمتر از هیجده سال تمام باشد و یا منحصرا به‌تحصیل‌اشتغال داشته باشند تا پایان تحصیل و یا به‌علت بیماری یا نقص‌عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون قادربه کار نباشند. ۳ ـ پدر و مادر در صورتی که اولا تحت تکفل او بوده ثانیا سن پدر ازشصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج‌سال تجاوز کرده باشد و یاآنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون ازکارافتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند. ماده ۸۳ ـ سهم مستمری هر یک از بازماندگان بیمه شده متوفی به شرح‌زیر می‌باشد: ۱ ـ میزان مستمری همسر بیمه شده متوفی معادل پنجاه درصدمستمری استحقاقی بیمه شده است و در صورتی که بیمه شده مرددارای چند همسر دائم باشد مستمری به تساوی بین آنان تقسیم‌خواهد شد. ۲ ـ میزان مستمری هر فرزند بیمه شده متوفی معادل بیست و پنج‌درصد مستمری استحقاقی بیمه شده می‌باشد و در صورتی که پدر ومادر را از دست داده باشد مستمری او دو برابر میزان مذکور خواهدبود. ۳ ـ میزان مستمری هر یک از پدر و مادر بیمه شده متوفی معادل‌بیست درصد مستمری استحقاقی بیمه شده می‌باشد. مجموع‌مستمری بازماندگان بیمه شده متوفی نباید از میزان مستمری‌استحقاقی متوفی تجاوز نماید. هرگاه مجموع مستمری از این میزان‌تجاوز کند سهم هر یک از مستمری بگیران به نسبت تقلیل داده‌می‌شود و در این صورت اگر یکی از مستمری بگیران فوت شود یافاقد شرایط استحقاقی دریافت مستمری گردد سهم بقیه آنان با توجه‌به تقسیم بندی مذکور در این ماده افزایش خواهد یافت و در هر حال‌بازماندگان بیمه شده از صد در صد مستمری بازماندگان متوفی‌استفاده خواهند کرد. تبصره ـ منظور از مستمری استحقاقی بیمه شده متوفی مستمری حین‌فوت او می‌باشد. در مورد بیمه شدگانی که در اثر هر نوع حادثه یابیماری فوت شوند مستمری استحقاقی عبارتست از مستمری که‌برای بیمه شده از کارافتاده کلی حسب مورد برقرار می‌شود. ماده ۸۴ ـ هرگاه بیمه شده فوت کند هزینه کفن و دفن او از طرف‌سازمان تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد.

فصل نهم ازدواج و عائله‌مندی(م ۸۵ تا م ۸۷)

ماده ۸۵ ـ به بیمه شده زن یا مرد که برای اولین بار ازدواج می‌کند مبلغی‌معادل یک ماه متوسط مزد یا حقوق با رعایت شرایط زیر به‌عنوان‌کمک ازدواج پرداخت می‌شود: ۱ ـ در تاریخ ازدواج رابطه استخدامی او با کارفرما قطع نشده باشد. ۲ ـ ظرف پنج‌سال قبل از تاریخ ازدواج حداقل حق بیمه هفتصد و بیست روز کار را به سازمان پرداخته باشد. ۳ ـ عقد ازدواج دائم بوده و در دفتر رسمی ازدواج به ثبت رسیده‌باشد. تبصره ۱ ـ مزد یا حقوق متوسط موضوع این ماده عبارتست از جمع‌دریافتی بیمه شده ظرف دو سال قبل از ازدواج که به ماخذ آن حق‌بیمه پرداخت شده است تقسیم بر ۲۴. تبصره ۲ ـ در صورتی که طرفین عقد ازدواج واجد شرایط مذکور دراین ماده باشند کمک ازدواج به‌هر دو نفر داده خواهد شد. ماده ۸۶ ـ کمک عائله‌مندی منحصرا تا دو فرزند بیمه شده پرداخت‌می‌شود مشروط برآنکه ۱ ـ بیمه شده حداقل سابقه پرداخت حق بیمه هفتصد و بیست روزکار را داشته باشد. ۲ ـ سن فرزندان او از هیجده سال کمتر باشد و یا منحصرا به تحصیل‌اشتغال داشته باشند تا پایان تحصیل یا در اثر بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون قادر به‌کار نباشند. میزان کمک عائله‌مندی معادل سه برابر حداقل مزد

روزانه کارگر ساده در مناطق مختلف برای هر فرزند در ماه می‌باشد. ماده ۸۷ ـ پرداخت کمک عائله‌مندی به‌عهده کارفرما می‌باشد و باید درموقع پرداخت مزد یا حقوق به بیمه شده پرداخت شود. تبصره ـ هرگاه در مورد پرداخت کمک عائله‌مندی اختلافی بین بیمه‌شده و کارفرما حاصل شود به‌طریق مذکور در فصل حل اختلاف‌قانون کار عمل خواهد شد.

فصل دهم مقررات کلی راجع به کمک‌ها(م ۸۸ تا م ۹۶)

ماده ۸۸ ـ انجام خدمات بهداشتی مربوط به محیط کار به‌عهده‌کارفرمایان است بیمه شدگانی که در محیط کار با مواد زیان آور ازقبیل گازهای سمی اشعه و غیره تماس داشته باشند باید حداقل هرسال یکبار از طرف سازمان معاینه پزشکی شوند. ماده ۸۹ ـ افرادی که به‌موجب قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی یابه‌موجب این قانون بازنشسته و یا از کارافتاده شده یا می‌شوند وافراد بلافصل خانواده آنها همچنین افرادی که مستمری بازماندگان‌دریافت می‌دارند با پرداخت دو درصد از مستمری دریافتی ازخدمات مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون توسط‌سازمان برخوردار خواهند شد. ما به التفاوت وجوه پرداختی توسط‌بیمه شدگان موضوع این ماده تا مبالغی که طبق ضوابط قانون تامین درمان مستخدمین دولت باید پرداخت شود از طرف سازمان تامینخواهد شد. ماده ۹۰ ـ افراد شاغل در کارگاهها باید قابلیت و استعداد جسمانی‌متناسب با کارهای مرجوع را داشته باشند بدین منظور کارفرمایان‌مکلفند قبل از به کار گماردن آنها ترتیب معاینه پزشکی آنها را بدهند. در صورتی که پس از استخدام مشمولین قانون معلوم شود که‌نامبردگان در حین استخدام قابلیت و استعداد کار مرجوع را نداشته وکارفرما در معاینه پزشکی آنها تعلل کرده است و بالنتیجه بیمه شده‌دچار حادثه شده و یا بیماریش شدت یابد سازمان مقررات این‌قانون را درباره بیمه شده اجرا و هزینه‌های مربوط را از کارفرما طبق‌ماده ۵۰ این قانون مطالبه و وصول خواهد نمود. ماده ۹۱ ـ برای تعیین میزان از کارافتادگی جسمی و روحی بیمه شدگانو افراد خانواده آنها کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر پزشکی تشکیل‌خواهد شد. ترتیب تشکیل و تعیین اعضاء و ترتیب رسیدگی وصدور رای براساس جدول میزان از کارافتادگی طبق آئین‌نامه‌ای‌خواهد بود که به پیشنهاد این سازمان به تصویب شورای عالی‌می‌رسد. ماده ۹۲ ـ به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف درمانی ناشی ازاجرای این قانون سه نفر از کارشناسان بیمه درمانی به انتخاب وزیربهداشت درمان و آموزش پزشکی در شورای فنی سازمان تامینخدمات درمانی موضوع ماده ۴ قانون تأمین خدمات درمانی‌مستخدمین دولت عضویت خواهند یافت ماده ۹۳ ـ تغییر میزان از کارافتادگی در موارد زیر مستلزم تجدیدنظر درمبلغ مستمری می‌باشد: ۱ ـ مستمری از کارافتادگی کلی در صورت از بین رفتن شرایط ازکارافتادگی کلی به محض اشتغال مجدد مستمری بگیر قطع می‌شود.در صورتی که تقلیل میزان از کارافتادگی ناشی از کار به میزان مندرج‌در مواد ۷۳ و ۷۴ این قانون باشد حسب مورد مستمری ازکارافتادگی‌جزئی‌ناشی از کار یاغرامت‌نقص عضوپرداخت‌خواهدشد. ۲ ـ مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار موضوع ماده ۷۳ این‌قانون ظرف پنج‌سال از تاریخ برقراری قابل تجدیدنظر می‌باشد. درصورتی که در نتیجه تجدیدنظر معلوم گردد که بیمه شده فاقد یکی ازشرایط مقرر می‌باشد مستمری او قطع خواهد شد و در صورتی که‌مشمول ماده ۷۴ این قانون شناخته شود غرامت مذکور در آن ماده رادریافت خواهد نمود. ۳ ـ هرگاه میزان از کارافتادگی جزئی ناشی از کار افزایش یابد و این‌تغییر نتیجه حادثه منجر به از کارافتادگی باشد مستمری ازکارافتادگی جزئی حسب مورد به مستمری کلی ناشی از کار تبدیل ویا میزان مستمری از کارافتادگی جزئی افزایش خواهد یافت ماده ۹۴ ـ هرگاه برای یک مدت دو یا چند کمک نقدی موضوع این‌قانون به بیمه شده تعلق گیرد فقط کمک نقدی که میزان آن بیشتراست پرداخت خواهد شد به استثنای کمک ازدواج و عائله‌مندی ونوزاد که دریافت آنها مانع استفاده از سایر کمکهای مقرر نخواهد بود. افراد تحت تکفل بیمه شدگان در ایام خدمت سربازی بیمه شده ازمزایای قانونی بیمه‌های اجتماعی برخوردار خواهند بود. ماده ۹۵ ـ مدت خدمت وظیفه مشمولین این قانون پس از پایان‌خدمت و اشتغال مجدد در مؤسسات مشمول این قانون جزو سابقه‌پرداخت حق بیمه آنها منظور خواهد شد. ماده ۹۶ ـ

سازمان مکلف است میزان کلیه مستمریهای بازنشستگی ازکارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیات وزیران به همان نسبت افزایش دهد.

فصل یازدهم تخلفات ـ مقررات کیفری(م ۹۷ تا م ۱۰۹

ماده ۹۷ ـ هر کس به استناد اسناد و گواهی‌های خلاف واقع یا با توسل‌به عناوین و وسائل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خوداستفاده نماید یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص‌ثالث را از مزایای مذکور فراهم سازد به پرداخت جزای نقدی معادل‌دو برابر خسارات وارده به سازمان و در صورت تکرار به حبس‌جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۹۸ ـ ماده ۹۹ ـ کارفرمایانی که ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون درمورد ترتیب پرداخت بدهی معوقه متعلق به قبل از فروردین ۱۳۵۴خود با سازمان توافق نمایند از تادیه خسارت تاخیر و جرائم معاف‌خواهند بود. همچنین ظرف مدت یک سال فوق کارفرمایانی که به‌تشخیص سازمان به پرداخت بدهی‌های سابق خود معترض‌می‌باشند و یا آنکه کارگران آنان عملا امکان استفاده از قسمتی ازکمکهای قانونی مقرر را نداشته‌اند می‌توانند به هیاتهای تشخیص‌مطالبات مقرر در مواد ۴۳ و ۴۴ مراجعه نمایند. هیاتهای مذکور به‌دلائل و مدارکی که از طرف کارفرما ابراز می‌شودرسیدگی نموده و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهند کرد. در مورد بدهیهای زائد بر یک میلیون و پانصدهزار ریال به تقاضای کارفرما و یا سازمان موضوع قابل رسیدگی مجدد در هیات‌تجدیدنظر بوده و تصمیم متخذه قطعی و لازم الاجرا است هیاتهای‌فوق الذکر می‌توانند به‌درخواست کارفرما ترتیب پرداخت بدهی اورا حداکثر در ۳۶ قسط ماهانه بدهند و در این مدت کارفرما باید به‌میزان ۱۲ درصد نسبت به مانده بدهی خود بهره به سازمان بپردازد. در مورد دیون قطعی اعم از اینکه قطعیت آن ناشی از انقضای مهلت‌اعتراض مقرر در قانون و یا صدور آراء هیاتهای موضوع مواد ۴۳ و۴۴ این قانون بوده و مربوط به قبل از فروردین ۱۳۵۴ باشد درصورتی که کارفرمای مربوط تا تاریخ تصویب این قانون ترتیب‌پرداخت اصل بدهی خود را داده باشد از تادیه خسارت تاخیر که‌پرداخت ننموده معاف خواهد بود. در مورد دیون مربوط به قبل ازفروردین ۱۳۵۴ در صورتی که کارفرما از انجام تعهدات و اجرای‌ترتیب پرداخت بدهی خود که مورد موافقت سازمان قرار گرفته‌تخلف نماید کلیه جرائم و خسارات بخشوده شده قابل وصول‌خواهد بود. ماده ۱۰۰ ـ ماده ۱۰۱ ـ سازمان مکلف است به صورت مزد ارسالی از طرف کارفرماظرف شش ماه از تاریخ وصول رسیدگی کند و در صورتی که ازلحاظ تعداد بیمه شدگان یا میزان مزد یا حقوق یا مدت کار اختلافی‌مشاهده نماید مراتب را به کارفرما ابلاغ کند در صورتی که کارفرماتسلیم نظر سازمان نباشد می‌تواند از هیاتهای تشخیص موضوع‌مواد ۴۳ و ۴۴ این قانون تقاضای رسیدگی کند هرگاه رای هیات‌مبنی بر تایید نظر سازمان باشد کارفرما علاوه بر پرداخت حق بیمه‌به تادیه خسارتی معادل یک دوازدهم ما به التفاوت ملزم خواهدبود که طبق ماده ۵۰ این قانون از طریق صدور اجرائیه وصول‌خواهد شد. ماده ۱۰۲ ـ در صورتی که کارفرما یا نماینده او از اقدامات بازرس‌سازمان جلوگیری نموده یا از ارائه دفاتر و مدارک مربوط و تسلیم رونوشت یا عکس آنها به بازرس خودداری کند به‌جزای نقدی ازپانصد ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد گزارش بازرسان‌سازمان در این خصوص در حکم گزارش ضابطین دادگستری است ماده ۱۰۳ ـ کارفرمایانی که عمدا وجوهی زائد بر میزان مقرر در این‌قانون به‌عنوان حق بیمه از مزد یا حقوق و مزایای بیمه شدگان‌برداشت نمایند علاوه بر الزام به استرداد وجوه مذکور به حبس‌جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهند شد. ماده ۱۰۴ ـ وجوه و اموال سازمان در حکم وجوه و اموال عمومی‌می‌باشد و هرگونه برداشت غیرقانونی از وجوه مذکور و تصرف‌غیرمجاز در اموال آن اختلاس یا تصرف غیرقانونی است و مرتکب‌طبق قوانین کیفری تعقیب خواهد شد. ماده ۱۰۵ ـ کلیه کسانی که گواهی آنان مجوز استفاده از مزایای مقرر دراین قانون می‌باشد در صورت صدور گواهی خلاف واقع علاوه برجبران خسارت وارده به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه‌محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۶ ـ کلیه خسارات و وجوه حاصل از جرائم نقدی مقرر در این‌قانون به حساب سازمان واریز و جزء

درآمدهای آن منظور خواهدشد. ماده ۱۰۷ ـ به‌شکایات و دعاوی سازمان در مراجع قضائی خارج ازنوبت رسیدگی خواهد شد. ماده ۱۰۸ ـ منسوخ شده است. ماده ۱۰۹ ـ در صورتی که کارفرما شخص حقوقی باشد، مسوولیت‌های‌جزائی مقرر در این قانون متوجه مدیر عامل شرکت یا هر شخص‌دیگری خواهد بود که در اثر فعل یا ترک فعل او موجبات ضرر وزیان سازمان یا بیمه شدگان فراهم شده است

فصل دوازدهم مقررات مختلف (م ۱۱۰ تا م ۱۱۸)

ماده ۱۱۰ ـ سازمان از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض اعم ازنوسازی و غیره و پرداخت هزینه تمییز دعاوی معاف است همچنین سازمان از پرداخت حقوق و عوارض گمرگی آن قسمت ازداروها و تجهیزات و لوازم بیمارستانها و درمانگاهها که معافیت آنهاقبلا مورد تایید وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گرفته است‌معاف خواهند بود. ماده ۱۱۱ ـ مستمری از کارافتادگی کلی و مستمری بازنشستگی و مجموع مستمری بازماندگان در هر حال نباید از حداقل مزد کارگرعادی کمتر باشد. ماده ۱۱۲ ـ بیمه شدگانی که به موجب این قانون مستمری یا کمک‌نقدی دیگری از سازمان دریافت می‌کنند نسبت به وجوه دریافتی ازپرداخت هرگونه مالیات معاف می‌باشند. ماده ۱۱۳ ـ ماده ۱۱۴ ـ ضوابط سنی و مدت خدمت برای احتساب مستمری‌بازنشستگی کارکنان سازمان قبل از موعد مقرر تابع ضوابط ومقررات قانون استخدام کشوری و تغییرات و اصلاحات بعدی آن‌خواهد بود. حقوق بازنشستگی این افراد برابر با متوسط حقوق و مزایای دریافت دو سال آخر خدمت که ماخذ پرداخت حق بیمه‌بوده است می‌باشد. ماده ۱۱۵ ـ افرادی که تا تاریخ تصویب این قانون طبق قوانین سابق‌بیمه‌های اجتماعی مستمری در حق آنان برقرار شده است مستمری‌خود را از سازمان دریافت خواهند داشت مفاد ماده ۹۶ در موردمشمولین این ماده نیز رعایت خواهد شد. ماده ۱۱۶ ـ سوابق پرداخت حق بیمه افراد بیمه شده از نظر تعهدات‌مذکور در ماده یک این قانون نزد شرکت سهامی بیمه ایران بنگاه‌رفاه اجتماعی صندوق تعاون و بیمه کارگران و سازمان بیمه‌های‌اجتماعی کارگران و سازمان بیمه‌های اجتماعی و همچنین افرادی که‌بیمه اختیاری بوده‌اند برای استفاده از مزایای مذکور در این قانون‌جزء سابقه آنان محسوب خواهد شد مشروط بر اینکه ۱ ـ کارگاه یا مؤسسه‌ای که بیمه شده در آن به کار اشتغال داشته است‌کارگران و کارمندان خود را نزد یکی از مؤسسات مذکور بیمه نموده‌باشد و اشتغال بیمه شده نیز در آن کارگاه یا مؤسسه مسلم باشد. ۲ ـ کمک مورد تقاضا در قانونی که حق بیمه به‌موجب آن پرداخت‌گردیده پیش بینی شده باشد. ماده ۱۱۷ ـ میزان حق بیمه روستائیان مشمول قانون بیمه‌های‌اجتماعی روستائیان و ترتیب وصول آن و انواع کمکهای قانونی ومنابع مالی تامین هزینه‌های مربوط به بیمه شدگان روستائی به‌موجب آئین نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت رفاه اجتماعی‌به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین می‌رسد. تا زمان تصویب آئین‌نامه مذکور مقررات و آئین نامه‌های موجودقانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان به قوت خود باقی است ماده ۱۱۸ ـ از تاریخ اجرای این قانون قانون بیمه‌های اجتماعی مصوب‌سال ۱۳۳۹ و اصلاحیه‌های آن و قانون افزایش مستمریهای بعضی‌از مستمری بگیران مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی قانون تامین‌آموزش فرزندان کارگر و سایر قوانینی که با این قانون مغایرت داردملغی است تبصره ۱ ـ کلیه تعهدات مالی و اموال و دارائی صندوق تامین آموزش‌فرزندان کارگر به سازمان منتقل می‌شود. تبصره ۲ ـ کارکنان صندوق تامین آموزش فرزندان کارگر به سازمان‌منتقل و تابع مقررات و نظامات استخدامی سازمان خواهند بود. تبصره ۳ ـ آئین نامه‌های اجرائی قانون سابق بیمه‌های اجتماعی که بااین قانون مغایرت نداشته باشد تا زمان تنظیم و تصویب آئین‌نامه‌های اجرائی این قانون قابل اجرا است قانون فوق مشتمل بر یکصد و هیجده ماده و چهل تبصره پس ازتصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۱۹/۳/۱۳۵۴ ، در جلسه روز سه شنبه سوم تیرماه یکهزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی به‌تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور

ماده ۱ ـ تعاریف ۱ ـ بیمه شده اصلی فردی است که راسا مشمول مقررات بیمه‌خدمات درمانی موضوع این قانون بوده و پس از پرداخت حق‌السهم توسط فرد یا مراجع مشمول در قانون مشمول استفاده از مزایای‌خدمات درمانی قرار می گیرد. ۲ ـ بیمه شده تبعی خانواده شخص یا اشخاصی هستند که به تبع‌سرپرستی و کفالت بیمه شده اصلی از مزایای مقرر در این قانون‌می‌توانند استفاده نمایند. ۳ ـ روستایی شخصی است که در روستا سکونت داشته باشد.عشایر کوچ رو در این قانون از مزایای روستاییان برخوردارند. ۴ ـ افراد نیازمند: به افرادی اطلاق می‌شود که به لحاظ شرایط اقتصادی اجتماعی جسمی و روانی توانایی اداره زندگی خود وخانواده تحت تکفل خود را ندارند. مصادیق افراد نیازمند حسب‌مورد به پیشنهاد کمیته امداد امام خمینی (ره و سازمان بهزیستی‌تعیین می‌شود. ۵ ـ صاحبان حرف و مشاغل آزاد: به کلیه اشخاصی اطلاق می‌شودکه از نظر مقررات و قوانین خویش فرما باشند. ۶ ـ حق سرانه مبلغی است که بر مبنای خدمات مورد تعهد به‌مشمولین بیمه خدمات درمانی برای هر فرد در یک ماه تعیین‌می گردد. ۷ ـ فرانشیز: قسمتی از هزینه درمان است که بیمه شده باید در زمان‌دریافت خدمات درمانی پرداخت نماید. ۸ ـ قیمت واقعی خدمات عبارتست از قیمت تمام شده خدمات به‌اضافه سود سرمایه (دارایی‌های ثابت . در بخش دولتی سود سرمایه (دارایی‌های ثابت و استهلاک منظورنخواهد شد. ماده ۲ ـ به منظور توسعه و تعمیم بیمه خدمات درمانی و اعمال‌وظایف سیاستگذاری برنامه‌ریزی ایجاد هماهنگی‌های اجرایی هدایت نظارت و ارزشیابی سطح کمی و کیفی بیمه خدمات‌درمانی در چهارچوب این قانون شورای عالی بیمه خدمات درمانی‌کشور که بعد از این شورای عالی نامیده می‌شود، در وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی تشکیل می گردد. ماده ۳ ـ ترکیب شورای عالی به شرح زیر خواهد بود: ۱ ـ وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی (رئیس شورای عالی ۲ ـ وزیر کار و امور اجتماعی ۳ ـ وزیر امور اقتصادی و دارائی ۴ ـ رئیس سازمان برنامه و بودجه ۵ ـ دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور ۶ ـ رئیس کل سازمان نظام پزشکی ۷ ـ مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی ۸ ـ مدیر عامل سازمان بیمه خدمات درمانی ۹ ـ مدیر عامل سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح ۱۰ ـ سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره ۱۱ ـ معاون امور درمان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی بدون حق رأی ۱۲ ـ دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیونهای‌برنامه و بودجه و بهداری و بهزیستی (از هر کدام یک نفر) که در هردوره مجلس به انتخاب مجلس تعیین خواهند شد، به عنوان ناظر درجلسات شورای عالی شرکت خواهند کرد. تبصره ـ دبیرخانه شورای عالی در وزارت بهداشت درمان و آموزش‌پزشکی بوده و معاون امور درمان دبیر شورای عالی و مسؤول ابلاغ‌مصوبات آن می‌باشد. ماده ۴ ـ دولت موظف است شرایط لازم را برای تحت پوشش قرار دادن‌تمام گروهها و افراد جامعه که متقاضی بیمه خدمات درمانی‌هستند، فراهم نماید. پوشش و تعمیم بیمه خدمات درمانی برای کلیه گروههای مشمول‌این قانون حداکثر ظرف پنج سال پس از تصویب این قانون با اولویت نیازمندان و روستائیان طبق موازین این قانون انجام خواهد شد. ماده ۵ ـ به منظور تامین موجبات و امکانات بیمه خدمات درمانی‌کارکنان دولت افراد نیازمند، روستائیان و سایر گروههای اجتماعی سازمان بیمه خدمات درمانی که پس از این سازمان نامیده می‌شودتشکیل و به صورت شرکت دولتی اداره خواهد شد. و در صورتی‌تابع مقررات عمومی دولت و موسساتی که با سرمایه دولت‌تشکیل شده‌اند می‌شود که در مقررات مزبور صراحتا از آن یاد شده‌باشد. تبصره ۱ ـ سازمان وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش‌پزشکی بوده و دارای شخصیت حقوقی مستقل است تبصره ۲ ـ وظایف اختیارات ارکان و تشکیلات منابع مالی و نحوه‌اداره و حدود و شمول عملیات و فعالیت سازمان بر طبق‌اساسنامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب‌این قانون به پیشنهاد شورای عالی به تصویب هیات وزیران‌می‌رسد. تبصره ۳ ـ با تشکیل سازمان آن قسمت از وظایف اختیارات امکانات کارکنان دارایی‌ها و اعتبارات وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که در امر بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت به‌کارگرفته می‌شود به سازمان منتقل می گردد. تبصره ۴ ـ کلیه دارایی‌های منتقل شده به سازمان توسط هیاتی که‌ترکیب آن در

اساسنامه تعیین می‌شود، ارزیابی شده و به صورت‌سرمایه سازمان اعلام خواهد شد. تبصره ۵ ـ هریک از گروههای مذکور در ماده فوق دارای صندوق جداگانه‌ای خواهند بود. ماده ۶ ـ کلیه شرکت‌های بیمه مجازند براساس موازین این قانون و بارعایت حق سرانه مصوب در امور بیمه خدمات درمانی گروههای‌مختلف همکاری مشارکت و فعالیت نمایند. تبصره ـ کلیه شرکتهای بیمه علاوه بر فعالیت در بیمه خدمات درمانی‌مجازند در امور بیمه‌های مضاعف (مکمل براساس موازین قانونی‌خود از طریق عقد قراردادهای تکمیلی (خاص و مطابق این قانون‌همکاری مشارکت و فعالیت نمایند. ماده ۷ ـ کلیه دستگاهها و سازمانهای دولتی و وابسته به دولت کمیته‌امداد امام خمینی (ره و اشخاص حقیقی و حقوقی در انتخاب‌سازمان و یا شرکت‌های بیمه‌گر برای عقد قراردادهای بیمه خدمات‌درمانی در چهارچوب موازین و مفاد این قانون مخیر می‌باشند وتشکیل سازمان بیمه خدمات درمانی نافی این حق و اختیار نخواهدبود. تبصره ۱ ـ دستگاههای مشمول قانون تامین اجتماعی و سازمان‌خدمات درمانی برای انعقاد قراردادهای بیمه خدمات درمانی باسازمانها و یا شرکتهای بیمه‌گر موظفند طرح پیشنهادی خود را به‌سازمان تامین اجتماعی و سازمان خدمات درمانی حسب موردارائه و مجوز لازم را از سازمان‌های مذکور دریافت نمایند. در صورتی که سازمان تامین اجتماعی و یا سازمان خدمات درمانی‌با طرح پیشنهادی موافقت ننمایند و این امر مورد اعتراض‌پیشنهاددهنده باشد، مراتب جهت تصمیم‌گیری نهایی به شورای‌عالی منعکس خواهد شد. تبصره ۲ ـ دستگاههای موضوع تبصره ۱ به استثنای کمیته امداد امام‌خمینی (ره موظفند دو نهم سهم درمان یا حق سرانه درمان راحسب مورد در اختیار سازمان تامین اجتماعی و یا سازمان خدمات‌درمانی قرار دهند تا برای تداوم استفاده بیمه شده از خدمات درمانی‌در دوران مستمری‌بگیری ذخیره شود. تبصره ۳ ـ آئین نامه اجرائی این ماده حداکثر ظرف چهار ماه به پیشنهاد مشترک سازمان تامین اجتماعی و سازمان خدمات درمانی و تایید شورای عالی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۴ ـ کمیته امداد امام خمینی (ره علاوه بر سازمان‌ها وشرکت‌های بیمه‌گر دولتی می‌تواند با موسسات خدمات درمانی‌انعقاد قرارداد نماید. ماده ۸ ـ تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی براساس قیمت‌های‌واقعی و نرخ سرانه حق بیمه درمانی مصوب به پیشنهاد مشترک‌سازمان برنامه و بودجه و وزارت بهداشت درمان و آموزش‌پزشکی‌باتاییدشورای‌عالی‌به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹ ـ حق بیمه سرانه خدمات درمانی برای گروههای تحت پوشش‌بیمه خدمات درمانی و میزان فرانشیز قابل پرداخت توسط‌بیمه‌شوندگان با در نظر داشتن سطح درآمد گروه‌های بیمه‌شونده ووضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور به پیشنهاد مشترک سازمان‌برنامه و بودجه و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و تاییدشورای عالی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ـ مابه التفاوت سهم درمان مشمولین قانون تامین اجتماعی تاحق سرانه موضوع این ماده همه ساله در بودجه کل کشور منظور وبه سازمان تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد. ماده ۱۰ ـ حداقل شمول و سطح خدمات پزشکی و دارو شامل‌خدمات پزشکی اورژانس عمومی و تخصصی (سرپایی و بستری که انجام و ارائه آن در نظام بیمه خدمات درمانی به‌عهده سازمان‌های‌بیمه‌گر قرار می‌گیرد و لیست خدمات فوق تخصصی که مشمول‌بیمه‌های مضاعف (مکمل می‌باشد به پیشنهاد وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و تایید شورای عالی و تصویب هیات‌وزیران تعیین و اعلام می‌شود. ماده ۱۱ ـ تامین خدمات بهداشتی که از طریق شبکه بهداشتی و درمانی‌تابع وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی انجام می‌شودهمچنان رایگان است تبصره ـ همه ساله وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی فهرست‌این گونه خدمات و اسامی و مشخصات داروها و ملزومات مصرفی‌رایگان در برنامه‌های استراتژیک بهداشتی را تعیین و اعلام می‌کند. ماده ۱۲ ـ ارائه خدمات درمانی به روستائیان از طریق شبکه‌های‌بهداشتی درمانی و سیستم ارجاع بوده و میزان حق بیمه سرانه‌خدمات درمانی روستائیان در شروع برنامه معادل ۴۰٪ حق سرانه‌تعیین شده شهرنشینان خواهد بود. تبصره ـ به منظور حمایت از روستائیان و تعمیم بیمه خدمات درمانی‌در جوامع روستایی و عشایری دولت موظف است بخشی از هزینه‌سرانه بیمه خدمات درمانی روستائیان بیمه شده را تقبل و از محل‌بودجه عمومی تامین و به صورت ردیفی مستقل در قانون بودجه‌سالانه منظور و براساس موافقتنامه شرح فعالیتهای جاری جهت‌حق بیمه سرانه خدمات

درمانی افراد مشمول این ماده و انعقادقرارداد با سازمان‌ها و شرکت‌های بیمه گر به مصرف برساند. ماده ۱۳ ـ سهم مشمولان این قانون از حق بیمه سرانه خدمات درمانی‌بر حسب گروههای شغلی به ترتیب زیر خواهد بود: ۱ ـ کارکنان دولت یک پنجم تا یک سوم حق بیمه سرانه که متناسب‌با حقوق و مزایا با تصویب هیات وزیران تعیین می‌شود. ۲ ـ مشمولان قانون تامین اجتماعی بر طبق مقررات قانون تامین‌اجتماعی ۳ ـ روستائیان براساس مصوبات هیات وزیران ۴ ـ صاحبان حرف و مشاغل آزاد: تا ۱۰۰٪ حق بیمه سرانه به‌پیشنهاد شورای عالی و تصویب هیات وزیران ۵ ـ سایر اقشاری که در این قانون ذکری از آنها به عمل نیامده است براساس پیشنهاد شورای عالی و تصویب هیات وزیران ماده ۱۴ ـ تامین حق بیمه سرانه خدمات درمانی افراد نیازمند جامعه که‌فاقد توانائی پرداخت هستند به پیشنهاد مشترک کمیته امداد امام‌خمینی ره و سازمان برنامه و بودجه توسط دولت تعهد شده و به‌صورت ردیفی مستقل در قانون بودجه هر سال منظور و در اختیارکمیته یاد شده قرار می گیرد تابراساس موافقتنامه شرح فعالیت‌های‌جاری جهت حق بیمه سرانه خدمات درمانی افراد مذکور و انعقادقرارداد با سازمانها و شرکتهای بیمه گر به مصرف برساند. تبصره ۱ ـ آئین‌نامه چگونگی تشخیص و تعیین افراد نیازمند مشتمل‌بر تعاریف ضوابط و موازین تشخیص به پیشنهاد مشترک کمیته‌امداد امام خمینی (ره و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیات‌وزیران می‌رسد. تبصره ۲ ـ کمیته امداد امام خمینی ره موظف است با رعایت مفادموضوع تبصره ۱ این ماده ضمن استفاده از همکاری‌های وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی از جمله سازمان بهزیستی‌استانها، وزارت کشاورزی وزارت جهاد سازندگی و دیگر سازمان‌هاو نهادها، همه ساله اطلاعات آماری افراد تحت پوشش و مشمول‌دریافت خدمات را به تفکیک هر استان تهیه و پس از تایید شورای‌عالی جهت اقدامات اجرائی و پیش‌بینی و تامین اعتبار لازم به‌سازمان برنامه و بودجه اعلام نماید. ماده ۱۵ ـ سازمان برنامه و بودجه موظف است همه ساله اعتبارات‌مربوط به سهم دولت از حق بیمه خدمات درمانی کارمندان‌دستگاههایی را که از بودجه عمومی دولت استفاده می کنند به‌صورت یک برنامه مشخص در قالب بودجه مصوب سالانه هریک‌از دستگاههای اجرائی پیش‌بینی و منظور نماید. دستگاههای ذیربط‌موظفند راسا نسبت به انعقاد قرارداد با سازمان بیمه خدمات درمانی‌یا سایر شرکتها و موسسات بیمه گر اقدام نمایند. تبصره ـ علاوه بر مواردی که در این قانون مشخص شده است سازمان‌برنامه و بودجه موظف است در مورد سایر بندهای ماده ۱۳ این‌قانون با توجه به درصدهای مذکور در همان ماده سهم دولت رامتناسب با تعداد افراد بیمه شده هر گروه به صورت کمک درردیف‌های خاص در قانون بودجه منظور نماید. ماده ۱۶ ـ سایر دستگاهها در صورت تمایل می‌توانند تابع این قانون‌باشند. ماده ۱۷ ـ کلیه بیمارستانها، مراکز بهداشتی و درمانی و مراکز تشخیصی‌و پزشکان کشور موظف به پذیرش و مداوای بیمه‌شدگان و ارائه وانجام خدمات و مراقبتهای پزشکی لازم براساس ضوابط و مقررات‌این قانون هستند. تبصره ـ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظف است باهمکاری سازمان نظام پزشکی و قوه قضائیه مقررات و نحوه نظارت‌بر امور بیمه خدمات درمانی همگانی را با توجه به اهداف این قانون‌و قوانین موجود تعیین و پس از تایید شورای عالی به‌تصویب هیات‌وزیران برساند. ماده ۱۸ ـ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظف است دراجرای بیمه خدمات درمانی همگانی کشور حداکثر تا یک سال پس‌از تصویب این قانون کلیه موازین مقررات روش‌های نظارتی وآئین‌نامه‌های موضوع این قانون را با همکاری مبادی ذیربط تهیه‌نموده و به تصویب مراجع مربوط برساند. ماده ۱۹ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون پس از لازم‌الاجراشدن این قانون لغو می گردد. قانون فوق مشتمل بر نوزده ماده و هفده تبصره در جلسه علنی روزسه‌شنبه مورخ سوم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس‌شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۱/۸/۱۳۷۳ به تایید شورای‌نگهبان رسیده است

قانون بیمه بیکاری مصوب (۲۶ /۶/ ۶۹) (م ۱ تا م ۱۴)

ماده ۱. کلیه مشمولین قانون تامین اجتماعی که تابع قوانین کار وکار کشاورزی هستند مشمول مقررات این قانون می‌باشند. تبصره

گروههای زیر از شمول مقررات این قانون مستثنا هستند: ۱ ـ بازنشستگان و از کارافتادگان کلی ۲ ـ صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه‌شدگان اختیاری ۳ ـ اتباع خارجی ماده ۲. بیکار از نظر این قانون بیمه‌شـده‌ای است که بدون میل واراده بیکار شده و آماده کار باشد. تبصره ۱. بیمه‌شدگانی که به علت تغییرات ساختار اقتصادی واحدمربوطه به تشـخیص وزارتخانه ذی ربط و تایید شورای عالی کاربیکار موقت شـناخته شوند نیز مشـمول مقررات این قانون خواهندبود. تبصـره ۲. بیمه‌شـدگانی که به علت بروز حـوادث قهریه و غیرمـترقبه‌از قبیـل سـیل زلزله جنـگ آتش‌سـوزی و ... بیکـار می‌شونـد بـامعرفی واحـد کـار و امـور اجتمـاعی محـل از مقرری بیمه بیکاری‌استفاده خواهند کرد. ماده ۳. بیمه بیکـاری به عنوان یکی از حمایتهای تامین اجتماعی‌است و سازمان تامین اجتماعی مکلف است با دریافت حق بیمه‌مقرر، به بیمه‌شدگانی که طبق مقررات این قانون بیکار می‌شوندمقرری بیمه بیکاری پرداخت نماید. ماده ۴. بیمه شـده بیکار با معرفی کتبی واحـد کار و امور اجتماعی‌محل از مزایای این قانون منتفع خواهـد شـد. تبصـره بیکاران مشـمول این قـانون کلیه حقوق و مزایـا و خسارات‌مربوطه (موضوع قانون کار) را دریافت خواهنـد نمود. ماده ۵. حق بیمه بیکـاری به میزان (۳٪) مزد بیمه شـده می‌باشـد که‌کلا توسط کارفرما تامین و پرداخت خواهـد شـد. تبصـره مزد بیمه شـده و نحوه تشـخیص تعیین حق بیمه بیکـاری چگونگی وصول آن تکلیف بیمه‌شـده و کارفرمـا و همچنین نحوه‌رسیدگی به اعتراض تخلفات و سایر مقررات مربوطه در این موردبراسـاس ضوابطی است که برای حق بیمه سایر حمایتهای تامین‌اجتماعی در قانون و مقررات تامین اجتماعی پیش‌بینی شـده است ماده ۶. بیمه‌شـدگان بیکـار در صورت احراز شـرایط زیر اسـتحقاق دریافت مقرری بیمه بیکاری را خواهنـد داشت الف ـ بیمه شـده قبل از بیکار شـدن حداقل ۶ ماه سابقه پرداخت حق‌بیمه را داشته باشد. مشـمولین تبصـره ۲ ماده ۲ این قانون از شـمول‌این بند مستثنا می‌باشند. ب ـ بیمه شده مکلف است ظرف ۳۰ روز از تاریخ بیکاری با اعلام‌مراتب بیکاری به واحدهای کار و امور اجتماعی آمادگی خود رابرای اشتغال به کار تخصصی و یا مشابه آن اطلاع دهد. مراجعه بعداز سی روز با عذر موجه و با تشخیص هیأت حل اختلـاف تا سه ماه‌امکان‌پـذیر خواهـد بود. ج ـ بیمه شـده بیکار مکلف است در دوره‌های کارآموزی وسوادآموزی که توسط واحد کـار و امور اجتماعی و نهضت‌سوادآموزی و یا سایر واحـدهای ذی ربط با تاییـد وزارت کار و اموراجتماعی تعیین می‌شود شـرکت نموده و هر دو مـاه یـک بـار گواهی‌لـازم در این مورد را به شـعب تامین اجتماعی تسلیم نمایـد. تبصـره ۱. کـارگرانی که در زمان دریافت مقرری بیمه بیکاری به‌شغل یا مشاغلی گمارده شوند که میزان حقوق و مزایای آن از مقرری‌بیمه بیکاری متعلقه کمتر باشد مابه‌التفاوت دریافتی بیمه‌شده ازحساب صـندوق بیمه بیکاری پرداخت خواهد شد. تبصره ۲. مدت دریافت مقرری بیمه بیکاری جزء سوابق پرداخت‌حق بیمه بیمه‌شـده از نظر بازنشسـتگی از کارافتادگی و فوت‌محسوب خواهد شد. ماده ۷. مدت پرداخت مقرری بیمه بیکـاری و میزان آن به شـرح زیر است الـف ـ جمع مـدت پرداخت مقرری از زمـان برخورداری از مزایـای‌بیمه بیکـاری اعم از دوره اجرای آزمایشـی و یا دائمی آن برای‌مجردین حداکثر ۳۶ ماه و برای متاهلین یا متکفلین حـداکثر ۵۰ ماه‌براساس سابقه کلی پرداخت حق بیمه و به شـرح جـدول ذیل‌می‌باشـد: سابقه پرداخت حق بیمه حـداکثر مدت اسـتفاده از مقرری جمعا با احتساب دوره‌های قبلی برای مجردین برای متاهلین یا متکفلین از ۶ ماه لغایت ۲۴ ماه ۶ ماه ۱۲ ماه از ۲۵ ماه لغایت ۱۲۰ ماه ۱۲ ماه ۱۸ ماه از ۱۲۱ ماه لغایت ۱۸۰ ماه ۱۸ ماه ۲۶ ماه از ۱۸۱ ماه لغایت ۲۴۰ ماه ۲۶ ماه ۳۶ ماه از ۲۴۱ ماه به بالا ۳۶ ماه ۵۰ ماه تبصره افراد مسن مشمول این قانون که دارای ۵۵ سال سن وبیشتر می‌باشـند مادامی که مشـغول به کار نشده‌اند می‌توانند تارسیدن به سن بازنشستگی تحت پوشش بیمه بیکاری باقی بماننـد. ب ـ میزان مقرری روزانه بیمه‌شده بیکار معادل ۵۵٪ متوسط مزد یاحقوق و یا کارمزد روزانه بیمه‌شده می‌باشد. به مقرری افراد متاهل‌یـا متکفل تا حـداکثر ۴ نفر از افراد تحـت تکفـل به ازای هریـک از آنهـابه میزان ۱۰٪ حداقل دسـتمزد افزوده خواهد شد. در هر حال‌مجموع دریافتی مقرری‌بگیر نباید از حداقل دستمزد، کمتر و از ۸۰٪متوسط مزد یا حقوق وی بیشتر باشد. ج ـ مقرری بیمه بیکـاری از روز اول بیکاری قابل پرداخت است تبصـره ۱. متوسط مزد یا حقوق روزانه بیمه‌شده بیکار به منظورمحاسـبه مقرری بیمه بیکاری عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه‌شـده که به مأخـذ حق بیمه دریافت شـده در آخرین ۹۰ روز قبل ازشروع

بیکاری تقسیم بر روزهای کار و در مورد بیمه‌شدگانی که‌کارمزد دریافت می‌کنند آخرین مزد عبارت است از جمع کل دریافتی‌بیمه‌شده که به مأخذ آن حق بیمه دریافت شده در آخرین ۹۰ روزقبل از شروع بیکاری تقسیم بر ۹۰ در صورتی که بیمه‌شده کارمزد،ظرف ۳ ماه مذکور مدتی از غرامت دستمزد استفاده نموده باشدمتوسط مزدی که مبنای محاسبه غرامت دستمزد قرار گرفته به منزله‌دستمزد ایام بیکاری تلقی و در محاسبه منظور خواهد شد. تبصره ۲. افراد تحت تکفل موضوع این ماده عبارتند از: ۱ ـ همسر (زن یا شوهر). ۲ ـ فرزندان اناث مادام که ازدواج ننموده و فاقد حرفه و شغل باشند. ۳ ـ فرزندان ذکور که سن آنان کمتر از هجده سال تمام باشد و یامنحصرا به تحصیل اشتغال داشته و یا طبق نظر پزشک معتمدسازمان تامین اجتماعی از کارافتاده کلی باشند. ۴ ـ پدر و مادر که سن پدر از ۶۰ سال متجاوز باشد و یا طبق نظرپزشک معتمد سازمان تامین اجتماعی از کارافتاده کلی باشند و درهر حال معاش آنان منحصرا توسط بیمه‌شده تامین گردد. ۵ ـ خواهر و برادر تحت تکفل در صورت داشتن شرایط مربوط به‌فرزندان اناث و ذکور، مذکور در بندهای ۲ و ۳ این تبصره تبصره ۳. دریافت مقرری بیمه بیکاری مانع از دریافت مستمری‌جزیی نمی‌گردد. تبصره ۴. در صورت بیکاری زوجین فقط یکی از آنان (زن یاشوهر) محق به استفاده از افزایش مقرری به ازای هریک از فرزندان‌خواهد بود. تبصره ۵. بیمه‌شده بیکار و افراد تحت تکفل در مدت دریافت‌مقرری بیمه بیکاری از خدمات درمانی موضوع بندهای «الف و«ب ماده ۳ قانون تامین اجتماعی استفاده خواهند کرد. تبصره ۶. مقرری بیمه بیکاری مانند سایر مستمریهای تامین‌اجتماعی از پرداخت هرگونه مالیات معاف خواهد بود. ماده ۸. در موارد زیر مقرری بیمه بیکاری قطع خواهد شد: الف ـ زمانی که بیمه‌شده مجددا اشتغال به کار یابد. ب ـ بنا به اعلام واحد کار و امور اجتماعی محل و یا نهضت‌سوادآموزی و سایر واحدهای ذی ربط از طریق وزارت کار و اموراجتماعی بیمه‌شده بیکار بدون عذر موجه از شرکت در دوره‌های کارآموزی یا سوادآموزی خودداری نماید. ج ـ بیمه‌شده بیکار از قبول شغل تخصصی خود و یا شغل مشابه‌پیشنهادی خودداری ورزد. د ـ بیمه‌شده بیکار ضمن دریافت مقرری بیمه بیکاری مشمول‌استفاده از مستمری بازنشستگی و یا ازکارافتادگی کلی شود. ه ـ بیمه‌شده به نحوی از انحا با دریافت مزد ایام بلاتکلیفی به کارمربوطه اعاده گردد. تبصره ۱. در صورتی که پس از پرداخت مقرری بیمه بیکاری محرزشود که بیکاری بیمه‌شده ناشی از میل و اراده او بوده است کارگرموظف به استرداد وجوه دریافتی به سازمان تامین اجتماعی خواهدبود. مشمولین بند «ه » این ماده نیز مکلف به بازپرداخت مقرری بیمه‌بیکاری دریافتی به سازمان مذکور می‌باشند. تبصره ۲. چنانچه بیمه‌شده بیکار اشتغال مجدد خود را مکتوم‌داشته و مقرری بیمه بیکاری را دریافت کرده باشد، ملزم به‌بازپرداخت مقرری دریافتی از تاریخ اشتغال خواهد بود. تبصره ۳. دریافت کمک هزینه حین کارآموزی مانع استفاده ازمقرری بیمه بیکاری نخواهد بود. ماده ۹. کارفرمایان موظفند با هماهنگی شوراهای اسلامی و یانمایندگان کارگران فهرست محلهای خالی شغل را که ایجاد می‌شوندبه مراکز خدمات اشتغال محل اعلام نمایند. محلهای شغلی مذکور(به استثنای رده‌های شغلی کارشناسی به بالا) منحصرا توسط مراکزخدمات اشتغال و با معرفی بیکاران تامین می‌گردد. تبصره ۱. دولت مکلف است همه ساله از طریق سیستم بانکی ومنابع اعتباری سازمان تامین اجتماعی و با استفاده از اعتبارات‌قرض‌الحسنه طرحهای اشتغال‌زای مشخصی را جهت اشتغال به کاربیکاران مشمول این قانون در بودجه سالانه کشور پیش‌بینی و رأسایا از طریق شرکتهای تعاونی و یا خصوصی و با نظارت وزارت کارو امور اجتماعی به مورد اجرا گذارد. تبصره ۲. بیکاران مشمول این قانون در اخذ پروانه‌های کسب و کارو موافقت اصولی و تأسیس واحدهای اقتصادی از وزارتخانه‌های‌صنعتی کشاورزی و خدماتی با معرفی وزارت کار و امور اجتماعی‌در اولویت قرار خواهند داشت تبصره ۳. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار و اموراجتماعی مکلف است همزمان با اجرای قانون بیمه بیکاری آموزش مهارتهای مورد نیاز بازار کار و نیز بازآموزی و تجدیدمهارت کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری موضوع بند «ج ماده ۶این قانون را در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و یا مراکز آموزش جوارکارخانجات فراهم نماید. هزینه‌های مربوط از محل اعتبارات‌حساب صندوق بیمه بیکاری مطابق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهادسازمانهای آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و تامین اجتماعی

تهیه و به‌تصویب وزرای کار و امور اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش‌پزشکی خواهد رسید قابل پرداخت است تبصره ۴. نهضت سوادآموزی موظف است با همکاری کارفرمایانو وزارتخانه‌های ذی ربط نسبت به تشکیل کلاسهای سوادآموزی‌برای بی‌سوادان مشمول این قانون اقدام نماید. ماده ۱۰. سازمان تامین اجتماعی مکلف است حسابهای درآمد حق‌بیمه بیکاری و پرداخت مقرری بیمه بیکاری موضوع این قانون راجداگانه نگهداری و در صورتهای مالی خود منعکس نماید و گزارش‌عملکرد مالی خود را هر سال یک بار به وزیر بهداشت درمان وآموزش پزشکی و وزیر کار و امور اجتماعی و شورای اقتصاد ارائه‌نماید. ماده ۱۱. وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی‌مجری این قانون خواهند بود. ماده ۱۲. سازمان تامین‌اجتماعی‌مکلف‌است‌هزینه‌های‌موضوع این‌قانون را منحصرا از محل درآمدهای ناشی از آن تامین نماید. هزینه‌های اداری و پرسنلی هر دو دستگاه مجری قانون به‌طوری که‌از ۱۰٪ میزان مقرری پرداختی به بیمه‌شدگان تجاوز ننماید با تاییدوزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و وزیر کار و امور اجتماعی‌تعیین و تخصیص داده می‌شود. ماده ۱۳. زمان اجرای این قانون از زمان اتمام قانون آزمایشی بیمه‌بیکاری ۶/۵/۱۳۶۹ لازم‌الاجراست ماده ۱۴. آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف یک ماه توسط وزارت‌کار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی تهیه و به تصویب‌هیأت وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر چهارده ماده و بیست و یک تبصره در جلسه‌علنی روز دوشنبه مورخ بیست و ششم شهریور ماه یکهزار و سیصدو شصت و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۱۰/۷/۱۳۶۹ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی مهدی کروبی

قانون اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها مصوب ۸۴ و ۸۵

مصوب ۷ اسفند ماه ۱۳۵۲ ماده واحده کارفرمایان مکلفند طرح طبقه‌بندی مشاغل درکارگاه‌های خود را که شامل شرح وظایف شرایط احراز و ارزیابی‌مشاغل ـ دستورالعمل اجرایی طرح و جدول مزد ـ تغییرات جداول‌مزد ناشی از تغییر حداقل مزد در مناطق و صنایع و همچنین سایرضوابط فنی مربوط می‌باشد، طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب شورای‌عالی کار خواهد رسید در مهلت‌هایی که شورای مزبور تعیین خواهدکرد تهیه و به موقع اجرا بگذارند. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی برای تسهیل طبقه‌بندی‌مشاغل در کارگاه‌ها به دفاتر مشاور فنی طبقه‌بندی مشاغل که‌صلاحیت فنی آنان مورد تایید شورای عالی کار قرار گیرد براساس‌ضوابطی که شورای مزبور تعیین خواهد کرد اجازه کار خواهد داد. تبصره ۲. در صورتی که کارفرمایان مشمول این قانون در پایان‌مهلت‌های تعیین شده مشاغل کارگاه‌های خود را طبقه‌بندی ننمایند وزارت کار و امور اجتماعی انجام این امر را به یکی از دفاتر مشاورفنی طبقه‌بندی مشاغل واگذار خواهد نمود و کارفرما مکلف است‌هزینه‌های مربوط را با اعلام وزارت کار و امور اجتماعی به دفترمشاور فنی مذکور بپردازد. به علاوه ۱۰٪ هزینه‌های مشاوره را به‌عنوان جریمه به حساب خزانه پرداخت نماید. تبصره ۳. مابه‌التفاوت احتمالی دستمزد ناشی از اجرای طرح‌طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌های موضوع این قانون همچنین کارگاه‌هایی که قبلا به‌موجب مقررات مصوب ۷/۳/۴۹ شورای عالی‌کار مکلف به طبقه‌بندی مشاغل از لحاظ مزد گردیده‌اند از تاریخ‌خاتمه اولین مهلت قابل پرداخت است تبصره ۴. مرجع محاسبه و تعیین میزان مطالبات کارگران وهمچنین میزان هزینه‌های موضوع تبصره ۲ در صورت بروزاختلاف هیات حل اختلاف مذکور در ماده ۴۰ قانون کار می‌باشد و رای هیات مزبور در این مورد قطعی و لازم‌الاجرا است تبصره ۵. حداقل مزد ماده ۲۲ قانون کار باتوجه به ضروریات وحوائج زندگی یک خانواده کارگری و تاثیر آن بر سایر سطوح مزد ازتاریخ تصویب این قانون هر یک سال یکبار تعیین و پس از تصویب‌شورای عالی کار و امور اجتماعی به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

قانون اصلاح بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی مصوب۶۶(م ۱ تا م ۱۰)

بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد ماده واحده ـ سازمان تامین اجتماعی مکلف است با استفاده ازمقررات عام قانون تامین اجتماعی صاحبان حرف و مشاغل آزاد رابه صورت اختیاری در برابر تمام یا قسمتی از مزایای قانون تامین‌اجتماعی بیمه نماید. چگونگی انجام بیمه و نرخ حق بیمه وهمچنین میزان مزایای مربوط به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که‌به تصویب هیات دولت خواهد رسید. تبصره ۱ ـ بیمه شده مختار است که سطح درآمد ماهانه خود را که‌مبنای پرداخت حق بیمه قرار می‌گیرد بین حداقل و حداکثر دستمزدقانونی انتخاب نماید. تبصره ۲ ـ از تاریخ تصویب این قانون مفاد بند ب و تبصره ۳ ماده ۴قانون و همچنین آئین‌نامه مربوط ملغی می‌گردد. تبصره ۳ ـ کلیه اتباع ایرانی اعم از شاغل و یا غیرشاغل در فعالیتهای‌مختلف در خارج از کشور که بیمه آنان با مقررات قانون تامین‌اجتماعی و تغییرات بعدی آن مغایرت نداشته باشد می‌توانند به‌طور اختیاری مشمول مقررات این قانون و آئین‌نامه‌های مربوط قرارگیرند، مشروط بر اینکه بیمه شده حق بیمه خود را به طور منظم‌پرداخت نماید، بدیهی است سازمان در مورد این قبیل ازبیمه‌شدگان مانند سایر بیمه شدگان داخل کشور مکلف به ارائه‌خدمات و انجام تعهدات قانونی براساس آئین‌نامه و مقررات مربوطدر ایران خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه روز یکشنبه‌سی‌ام شهریور ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای‌اسلامی تصویب و در تاریخ ۳/۷/۱۳۶۵ به تأیید شورای نگهبان‌رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی ـ اکبر هاشمی

قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۶۸ (ماده و

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون انجام تعهدات بندهای الف وب ماده ۳ قانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ به‌عهده‌سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. سازمان مذکور موظف است کلیه تعهدات درمانی مزبور را ازبخشهای دولتی و در صورت نیاز از بخش خصوصی با رعایت‌تعرفه‌های رسمی تامین نماید. تبصره ۱ ـ نحوه استفاده از واحدهای درمانی و بیمارستانی تحت‌مالکیت سازمان (اعم از واحدهای ملکی و استیجاری موجود) وواحدهایی که بدین منظور ایجاد خواهد شد و چگونگی پرداخت‌هزینه‌های درمان و نگهداری حسابها و نحوه خرید خدمت طبق‌آئین‌نامه اجرائی این قانون خواهد بود که توسط سازمان تامین‌اجتماعی حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بارعایت مفاد بندهای ذیل تهیه و به تصویب وزرای بهداشت درمانو آموزش پزشکی، کار و امور اجتماعی و امور اقتصادی و دارائیخواهد رسید. الف ـ کل هزینه واحدهای درمانی و بیمارستانی تحت مالکیت‌سازمان به‌عهده سازمان تامین اجتماعی بوده و سازمان مزبورمکلف است بودجه هر سال آنرا از محل سهم درمان (۹٪ از ماخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۹ قانون تامین اجتماعی)پیش‌بینی و در بودجه خود منظور نماید سازمان تامین اجتماعی به‌منظور انجام هزینه‌ها امین خود را تحت عنوان صاحب جمع اموال و مسوول امور مالی در واحدهای مذکور مستقر می نماید که بر امورمالی مطابق ضوابط نظارت مستقیم خواهد داشت سرپرست‌سازمان مسوول امور مالی را پیشنهاد و پس از تأیید وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی منصوب خواهد نمود. ب ـ کلیه واحدهای آموزشی موجود سازمان و بیمارستانهائی که درآینده دارای توان آموزشی می شوند براساس برنامه‌ریزی آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به خدمات آموزشی خود ادامه خواهند داد. ج ـ کلیه بیمارستانهای تحت مالکیت سازمان مکلفند تا ۲۰٪ ازظرفیت تختهای خود را به پذیرش بیماران غیربیمه‌ای بیبضاعت وهمچنین بیمارانی که از خانواده‌های محترم شهدا، اسرا، مفقودین وجانبازان هستند بطور رایگان اختصاص دهند و در شهرهایی که‌منحصر به فرد هستند به تمام متقاضیان ارائه خدمت کنند. د ـ کلیه واحدهای درمانی وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مکلفند نسبت به پذیرش بیماران بیمه شده تامین‌اجتماعی اقدام و هزینه‌های انجام شده را براساس تعرفه‌های مصوب از سازمان تامین اجتماعی دریافت نمایند. ه ـ سازمان تامین اجتماعی می تواند در صورت لزوم با عقد قرارداداز خدمات پزشکی بخش خصوصی جهت درمان بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی استفاده نموده و هزینه‌های مربوطه را طبق

تعرفه‌های مصوب مورد عمل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی راسا از محل سهم درمان پرداخت نماید. و ـ درآمدهای حاصله از ارائه خدمات درمانی به غیربیمه شده درواحدهای تحت مالکیت سازمان مستقیما به حساب جداگانه‌ای جهت کمک به ساخت و تعمیر و نگهداری بیمارستان‌های تحت‌مالکیت اختصاص مییابد. تبصره ۲ ـ از تاریخ تصویب این قانون به اعضای تشکیل‌دهنده شورای فنی موضوع ماده ۴ قانون تامین خدمات درمانی دو نفر به شرح زیراضافه میگردند: ۱ ـ مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی یا نماینده او. ۲ ـ رئیس سازمان برنامه و بودجه یا نماینده او. تبصره ۳ ـ اجراء این قانون باید هماهنگ با سیاستهای کلی و بهداشتی درمانی کشور در قالب طرح گسترش شبکه‌های بهداشتی درمانی باشد. تبصره ۴ ـ از تاریخ تصویب این قانون آن دسته از مواد قانون‌تامین‌اجتماعی وسایرقوانینی که‌با این‌قانون مغایراست لغو میگردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم آبانماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۴/۸/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

قانون الغاء تبصره ۳ ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت بهداری (بهزیستی)

ماده واحده ـ از تاریخ اول آذرماه ۱۳۶۰ تبصره ۳ ماده ۱۱ قانون‌تشکیل وزارت بهداری (بهزیستی مصوب سال ۱۳۵۵ لغو و کلیه‌کارمندانی که طبق مقررات قانون سابق حمایت کارمندان بیمه‌شده‌اند و در حال حاضر حق بیمه آنها براساس ضوابط قانون سابق‌حمایت کارمندان در برابر حوادث ناشی از پیری و از کارافتادگی وفوت به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌شود از هر جهت (نرخ‌حق بیمه ماخذ حقوق و مزد مبنای کسر حق بیمه و استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی مشمول مقررات قانون تامین‌اجتماعی می‌باشند ضمنا پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی توسط سازمانهای منطقه‌ای بهداری استانها در فاصله‌زمانی اول فروردین لغایت آذر ماه سال ۱۳۶۰ همان مقداری است‌که براساس قوانین گذشته یا اصلاح شده دریافت گردیده است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز یکشنبه هفدهم‌فروردین ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای‌اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۱/۱۳۶۵ به تایید شورای نگهبان‌رسیده است

قانون دریافت جرایم از کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون تأمین اجتماعی که ظرف مهلت مقرر نسبت به ارسال

ماده ۱ ـ کارفرمایان کلیه کارگاههای مشمول قانون تامین اجتماعی‌مصوب تیرماه سال ۱۳۵۴ مکلفند صورت مزد و حقوق کلیه‌بیمه‌شدگان و حق بیمه و بیمه بیکاری مربوط به هر ماه را حداکثر تاپایان آخرین روز ماه بعد به سازمان تامین اجتماعی ارسال و پرداخت نمایند. تبصره ۱ ـ کارفرمایانی که از تنظیم و ارسال صورت مزد و حقوق بیمه‌شدگان به ترتیب مذکور در این قانون و آئین‌نامه موضوع ماده ۳۹قانون تامین اجتماعی خودداری کنند و همچنین کارفرمایانی که درموعد مقرر در این قانون صورت مزد یا حقوق بیمه‌شدگان را به‌سازمان تامین اجتماعی ارسال ندارند یا به ترتیبی که با موافقت‌قبلی سازمان مزبور تعیین می‌شود در مورد ارسال صورت مزد یاحقوق عمل نکنند ملزم به پرداخت جریمه نقدی مقطوع به ترتیب‌زیر خواهند بود: الف ـ تا مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال حق بیمه ماهانه معادل ۵ درصد حق‌بیمه همان ماه ب ـ از مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال حق بیمه‌ماهانه معادل ده درصد حق بیمه همان ماه ج ـ از مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۲ ریال حق بیمه‌ماهانه معادل ۱۵ درصد حق بیمه همان ماه د ـ از مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۲ ریال به بالا معادل ۲۰ درصد حق بیمه‌همان ماه تبصره ۲ ـ کارفرمایانی که در موعد مقرر در این قانون تمام یا قسمتی‌از حق بیمه و بیمه بیکاری مربوط به هر ماه را پرداخت ننمایند علاوه بر تادیه اصل حق بیمه و بیمه بیکاری ملزم به پرداخت‌جریمه نقدی مقطوع به ترتیب زیر خواهند بود: الف ـ تا مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال بدهی ماهانه معادل ۷ درصد تمام یاکسر بدهی پرداخت نشده همان ماه ب ـ از مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال بدهی ماهانه‌معادل ۱۲ درصد تمام یا کسری بدهی

پرداخت نشده همان ماه ج ـ از مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۲ ریال بدهی‌ماهانه معادل ۱۷ درصد تمام یا کسری بدهی پرداخت نشده همان‌ماه د ـ از مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۲ ریال به بالا بدهی ماهانه معادل ۲۲ درصدتمام یا کسری بدهی پرداخت نشده همان ماه تبصره ۳ ـ جریمه نقدی موضوع تبصره ۲ این ماده منحصرا برای یک‌سال می‌باشد و چنانچه کارفرمایان به تکالیف قانونی تعیین شده دراین قانون عمل ننمایند جرایم نقدی از ابتدای سالهای بعد، همه‌ساله معادل جریمه سال اول اضافه خواهد شد. ماده ۲ ـ کارفرمایانی که قبل از تاریخ تصویب این قانون دارای بدهی‌حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی می‌باشند در صورتی که ظرف‌یکسال از تاریخ تصویب این قانون در مورد ترتیب پرداخت بدهی‌قطعی با سازمان مزبور توافق نمایند از پرداخت جرایم موضوع این‌قانون معاف و در غیر این صورت مشمول پرداخت جرایم نقدی به‌شرح تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۱ از تاریخ اتمام مهلت مزبور، خواهندبود. تبصره ـ در مورد بدهی های قطعی نشده مهلت مقرر در این ماده ازتاریخ قطعیت بدهی خواهد بود. ماده ۳ ـ کارفرمایانی که قبل از صدور اجرائیه اقدام به پرداخت کامل‌بدهی خود نمایند از ۳۰٪ جرایم مربوط معاف خواهند بود. تبصره ـ در صورت تقسیط بدهی چنانچه کارفرما هر یک از اقساط مقرر را راس موعد پرداخت نکند بقیه اقساط تبدیل به حال شده و جرایم نسبت به کل حق بیمه قبل از تقسیط با رعایت تبصره ۳ ماده۱ این قانون بطور کامل دریافت خواهد شد. ماده ۴ ـ قانون جایگزینی تبصره ۳ الحاقی به قانون منع دریافت‌خسارات و جرایم بهره مندرج در قانون تامین اجتماعی مصوب۲۹/۶/۱۳۶۶ از تاریخ اجرای این قانون لغو و اشخاص حقیقی وحقوقی خارجی در خصوص خسارات و جرایم تابع این قانون‌می‌باشند. ماده ۵ ـ کلیه جرایم وصولی موضوع این قانون به حساب خزانه‌داری کل واریز می گردد. دولت مکلف است همه ساله معادل مبلغ جرایم واریز شده را در قانون بودجه منظور و به منظور تعمیم بیمه‌های‌اجتماعی در اختیار سازمان تامین اجتماعی قرار دهد. صددرصد اعتبار مذکور تخصیص یافته تلقی می گردد. ماده ۶ ـ جرایم موضوع این قانون طبق ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی از طریق صدور اجرائیه وصول خواهد شد. ماده ۷ ـ طرحهای بازسازی مناطق جنگ زده و محلهایی که در اثر بمباران دشمن و یا تخریب ضد انقلاب بازسازی شده حداکثر به‌مدت ۳ سال از جرایم موضوع این قانون معاف خواهند بود. قانون فوق مشتمل بر ۷ ماده و ۵ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه‌مورخ نهم مرداد ماه یکهزار و سیصدو هفتاد و سه مجلس شورای‌اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۵/۱۳۷۳ به تایید شورای نگهبان‌رسیده است

قانون راجع به افزایش مستمری دریافت‌کنندگان مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار

ماده واحده ـ افزایش مستمری از کارافتادگی جزئی مشمولین مقررات تامین اجتماعی عینا تابع ضوابط و مقررات موضوع ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ خواهد بود. سازمان تامین اجتماعی مکلف است افزایش‌های قبلی را که براساس ماده فوق الذکر صورت پذیرفته باشد، در مورد مستمری‌بگیران از کارافتادگی‌جزئی نیز معمول دارد. تبصره ـ تعیین حداقل و حداکثر جمع مستمری از کار افتادگی جزئی‌ناشی از این قانون و تاریخ پرداخت مابه‌التفاوت مستمری که به‌ترتیب فوق محاسبه خواهد شد با هیات وزیران خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه روزپنجشنبه پانزدهم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس‌شورای اسلامی تصویب در تاریخ ۲۷/۱۰/۱۳۶۲ به تایید شورای‌نگهبان رسیده است

قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند.مصوب ۶۱ (ماده واحده و ۶ ت

ماده واحده ـ از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاههای تولیدی وصنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل برق ، آب تلفن راه استفاده می‌نمایند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم‌کارفرما معاف بوده و از ۵ نفر به بالا نسبت به مازاد ۵ نفر حق بیمه راخواهند پرداخت تبصره ۱ ـ دولت مکلف است هزینه مورد نیاز سال‌های آتی را دربودجه سال مربوطه پیش‌بینی و منظور

نماید. تبصره ۲ ـ در مورد کارگاههائی که ظرفیت کاری کمتر از ۵ نفر کارگر رادارند، در صورتی که کارفرما افرادی را بدون اشتغال در کارگاه برای‌استفاده از مزایای این قانون به تامین اجتماعی به عنوان کارگرمعرفی نماید برای همیشه از مزایای این قانون و خدمات دولتی‌محروم خواهد شد. تبصره ۳ ـ کارخانجات معادن پیمانکاران و شرکتهای خارجی ازشمول این قانون مستثنی هستند. تبصره ۴ ـ کارفرمایان مشمول قانون تامین اجتماعی که به علل بحران‌مالی قادر به پرداخت حق بیمه معوقه خود نبوده و پرداخت بدهی‌به صورت یکجا یا طبق ماده ۴۶ قانون تامین اجتماعی موجب‌تعطیل یا وقفه کار در کارگاه باشد هیات مدیره سازمان تامین‌اجتماعی می‌تواند حسب مورد بدهی مذکور را حداکثر تا شصت‌قسط ماهانه تقسیط نماید. همچنین هیات مدیره سازمان می‌تواند در مورد بخشودگی بدهی‌معوقه قطعی تا پایان بهمن ۱۳۶۱ کارفرمایانی که بدهی آنان‌یکصدهزارریال یا کمتر بوده و قادر به پرداخت آن نباشند اتخاذتصمیم نماید. تبصره ۵ ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون جهت تعیین نوع کارگاههای‌تولیدی صنعتی و فنی توسط وزارت بهداری از طرف دولت تهیه و توسط هیات دولت به تصویب خواهد رسید. تبصره ۶ ـ در مورد کارفرمایانی که صورت مزد یا حقوق و نیز حق‌بیمه ماهانه سهم کارگر را تا دو ماه پس از مهلت قانونی ارسال وپرداخت نکنند بخشودگی موضوع این قانون برای آن مدت منتفی‌می‌شود و مکلف به پرداخت حق بیمه قانونی ماهانه خواهند بود.

قانون نحوه تأثیر سوابق منتقله بر سازمان تأمین‌اجتماعی برای استفاده از مزایای مقرر در قانون‌تأمین اجت

مصوب ۹/۲/۸۰ مجلس شورای اسلامی ماده واحده سوابق خدمت غیر مشمول قانون تامین اجتماعی بیمه‌شدگان که بابت آن حق بیمه یا کسور بازنشستگی به صندوق بازنشستگی ذی ربط پرداخت شده است با انتقال حق بیمه یا کسوربازنشستگی و ما به التفاوت بر اساس محاسبات بیمه‌ای آن طبق‌قوانین و مقررات موجود صرفا در تعیین مستمری بازنشستگی از کارافتادگی و بازماندگان قابل احتساب می‌باشد مشروط بر آن که‌افراد مذکور در حالت بازنشستگی دارای حداقل سابقه پرداخت حق‌بیمه مندرج در قانون تامین اجتماعی باشند

قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب۶۵ (ماده واحده)

ماده واحده ـ حق بیمه یا بازنشستگی سوابق خدمت اشخاصی که‌وجوهی را به هریک از صندوقهای بیمه یا بازنشستگی یا صندوقهای مشابه پرداخت نموده‌اند در صورتی که محل کار یاخدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول خدمات صندوق مربوط خارج شده باشند، یا طبق ضوابط قانونی مشترک صندوق دیگری شده‌اند به میزان ۴ درصد آخرین حقوق و مزایای آنان که‌مبنای برداشت حق بیمه یا بازنشستگی قرار گرفته است بابت هر ماه‌به صندوقی که مشمول به تبع شغل خود مشترک آن شده است‌منتقل می‌شود. در مورد اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب این قانون از شمول‌خدمت صندوق بازنشستگی مربوط خارج شده و زیر پوشش‌صندوق بیمه یا بازنشستگی دیگری قرار گیرند به‌جای نرخ ۴ درصدمذکور در این ماده کلیه وجوهی که به صندوق بیمه یا بازنشستگی‌قبلی مستخدم پرداخت شده است پس از کسر حق درمان عینا به‌صندوقی که مستخدم مشترک آن شده است واریز خواهد شد. تبصره ۱ ـ انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی اشخاصی که قبل ازتصویب این قانون به‌موجب قوانین مربوط حق بیمه یا کسوربازنشستگی آنان از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر منتقل شده است مشمول مقررات این قانون‌نخواهد بود. تبصره ۲ ـ آن قسمت از سنوات خدمت قابل قبول دولتی مستخدم که‌مبنای برداشت حق بیمه یا کسور بازنشستگی قرار گرفته با انتقال‌حق بیمه یا کسور بازنشستگی جزء خدمت رسمی قرار می‌گیرد ومازادبر آن مشمول مقررات صندوق بازنشستگی مربوط خواهد بود. تبصره ۳ ـ در خصوص آن دسته از مشمولین تامین اجتماعی وصندوقهای مشابه که سهم بازنشستگی آنان به مأخذ مذکور در ماده‌واحده از سایر صندوقهای بازنشستگی دریافت گردیده است با اخذمابه التفاوت سهم بازنشستگی

براساس قوانین و مقررات مربوط ازمستخدم سنوات خدمت آنان محاسبه خواهد شد. میزان و نحوه‌اخذ سهم بازنشستگی مذکور در این تبصره بر اساس آئین‌نامه‌ای‌خواهد بود که به تصویب هیات وزیران می‌رسد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه روز سه‌شنبه‌بیست و هفتم خرداد ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس‌شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۴/۱۳۶۵ به تایید شورای‌نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی ـ اکبر هاشمی

لایحه قانونی یکسان شدن ساعات کار کارمندان و کارگران در سراسر کشور و میزان آن

مصوب ۲۳ تیرماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب ماده واحده از اول شهریور ماه سال ۱۳۵۹ ساعت کار کلیه‌کارمندان و کارگران مشمول قانون استخدام کشوری و سایر قوانین‌خاص استخدامی و کارگران مشمول قانون کار یکسان و ۴۴ ساعت‌در هفته تعیین می گردد. تبصره ۱. تنظیم و تقسیم ساعات کار در طول هفته یا ماه درواحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی طبق روال گذشته و براساس‌شرایط کار و قوانین طرفین می‌باشد. و در موسسات دولتی و وابسته‌به دولت کمافی‌السابق از سوی مقامات ذیربط انجام و اعلان‌می گردد. تبصره ۲. مقررات قوانین کار و استخدام کشوری و قوانین خاص‌استخدامی درباره‌ساعات کارهای‌سخت‌وزیان‌آور و فرجه‌های‌تعیین‌شده قانونی و سایر موارد کماکان به قوت خود باقی است تبصره ۳. قوانین خاص مذکور در این لایحه قوانین استخدام‌لشکری و قوای انتظامی را شامل نمی گردد. تبصره ۴. این قانون شامل کارگران مشمول قانون کارکشاورزی نمی‌شود. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

مصوبه چهل و سومین جلسه شورای عالی بیمه خدمات درمانی

۱ ـ بیمه شدگان حرف و مشاغل آزاد و بیمه شدگان اختیاری برای‌درمان بستری منحصرا مجاز به استفاده از واحدهای درمان ملکی ومراکز آموزشی درمانی تحت پوشش دانشگاههای علوم پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی و همچنین بیمارستانهای طرف قراردادنیروهای مسلح می‌باشند و ۱۰ درصد از کل هزینه‌های درمانی انجام‌شده برابر تعرفه‌های مصوب به‌عهده آنان می‌باشد. ۲ ـ در صورت بستری شدن این قبیل بیماران در سایر بیمارستانهای‌خصوصی اعم از طرف قرارداد یا غیر طرف قرارداد کل هزینه درمان‌به‌عهده خود آنان می‌باشد و سازمان تعهدی در قبال هزینه‌های انجام‌شده ندارد. بدیهی است دفاتر اسناد پزشکی مجاز به پرداخت هزینه درمان‌بستری بیمه شدگان حرف و مشاغل آزاد و بیمه شدگان اختیاری که‌در بخش غیردولتی اعم از طرف قرارداد و غیر طرف قرارداد بستری‌می گردند نمی‌باشند و همچنین هزینه‌های درمانی آنان از طریق‌خسارت متفرقه قابل محاسبه و پرداخت نمی‌باشد تاریخ اجرای این‌بخشنامه از ۱۵/۱/۱۳۷۸ می‌باشد.

آئین نامه ادامه بیمه به طور اختیاری

ماده ۱ ـ افرادی که به عللی غیر از علل مندرج در لایحه قانونی بیمه‌های‌اجتماعی کارگران مصوب تیرماه ۱۳۳۴ و قانون بیمه‌های اجتماعی‌مصوب اردیبهشت ۱۳۳۹ و قانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه۱۳۵۴ و همچنین مشمولین قانون سابق حمایت کارمندان از ردیف‌بیمه شدگان خارج شده یا بشوند در صورتی که طبق قوانین‌فوق الذکر مشمول بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی کلی و فوت‌بوده و لااقل دارای ۳۶۰ روز سابقه پرداخت حق بیمه متناوبا یامستمرا از زمان اجرای قوانین ذکر شده به بعد باشند می‌توانند باتوجه به مقررات این آئین نامه بیمه خود را به طور اختیاری ادامه‌دهند. ماده ۲ ـ بیمه اختیاری افرادی که قبل از اجرای این آئین‌نامه طبق‌مقررات آئین‌نامه‌های مصوب ۲۶/۱۲/۴۱ و ۴/۳/۱۳۵۵ ، شورای‌عالی تامین اجتماعی به نحوی از انحاء برقرار گردیده است طبق‌مقررات این آئین نامه ادامه خواهد یافت ماده ۳ ـ ماخذ محاسبه حق بیمه ماهانه مشمولین این آئین نامه‌عبارتست از جمع کل

حقوق و مزایای مشمول کسر حق بیمه بیمه‌شده ظرف آخرین ۳۶۰ روز پرداخت حق بیمه قبل از تاریخ ثبت‌تقاضا تقسیم بر ۳۶۰ ضربدر ۳۰ که این مبلغ در هر حال نباید ازحداقل دستمزد کارگر عادی کمتر باشد. تبصره ـ ماخذ محاسبه حق بیمه موضوع ماده ۳ این آئین‌نامه درصورت تقاضای بیمه شده هر دو سال یکبار به نسبت ۱۰٪ قابل‌افزایش می‌باشد و پس از هر بار افزایش رقم جدید مبنای محاسبه و وصول حق بیمه قرار خواهد گرفت چنانچه بیمه شده مدتی پس ازانقضاء موعد مقرر (دو سال درخواست افزایش ماخذ حق بیمه رابنماید در این حالت نیز نسبت افزایش همان ۱۰٪ خواهد بود وبرای مدت اضافی زائد بر دو سال افزایش صورت نخواهد گرفت وافزایشهای بعدی نیز موکول به گذشت دو سال از تاریخ آخرین‌افزایش خواهد بود. ماده ۴ ـ مشمولین این آئین‌نامه با پرداخت حق بیمه مقرر می‌توانند به‌ترتیب زیر از حمایتهای موضوع قانون تامین اجتماعی بهره‌مندگردند: الف ـ بیمه بازنشستگی (شامل بازنشستگی و فوت بعد ازبازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۲٪) ب ـ فوت و بازنشستگی (شامل بازنشستگی و فوت قبل و بعد ازبازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۴٪) ج ـ بیمه بازنشستگی و از کارافتاده کلی و فوت (نرخ حق بیمه ۱۸٪) تبصره ۱ ـ بیمه شدگان می‌توانند علاوه بر پرداخت حق بیمه با نرخ‌تعیین شده در فوق با پرداخت حق بیمه به میزان مشخص شده درماده ۲۹ قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی آن از حمایتهای‌موضوع بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تامین اجتماعی نیز استفاده‌نمایند. تبصره ۲ ـ درخواست‌کنندگان بیمه اختیاری موضوع بند ج این ماده‌بدوا با معرفی سازمان براساس ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی موردمعاینه قرار خواهند گرفت و چنانچه از کار افتاده کلی شناخته شوندتنها می‌توانند در قبال حمایتهای بند الف و ب این ماده مشمول‌مقررات بیمه اختیاری قرار گیرند. ماده ۵ ـ بیمه اختیاری از تاریخ ثبت تقاضا در دفتر شعبه مربوط و درصورتی که متقاضی واجد شرایط لازم جهت استفاده از مقررات‌بیمه اختیاری باشد شروع می‌شود. سازمان مکلف است ظرف مدت دو ماه استحقاق بیمه شده واستفاده از بیمه اختیاری را احراز و بلافاصله مراتب را ضمن تعیین‌نرخ حق بیمه کتبا به متقاضی اعلام نماید و متقاضی می‌تواند حق‌بیمه را از تاریخ ثبت تقاضا تا تاریخ ابلاغ یکجا به سازمان پرداخت‌و از سابقه امر برخوردار شود، در غیر اینصورت پرداخت حق بیمه ازتاریخ درخواست مجدد امکان‌پذیر خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که پس از شروع بیمه اختیاری پرداخت حق بیمه‌از طرف بیمه شده متوقف گردد چنانچه بین تاریخ قطع پرداخت حق‌بیمه و تاریخ پرداخت مجدد بیش از شش ماه فاصله ایجاد نشده‌باشد بیمه شده می‌تواند حق بیمه معوقه را به سازمان پرداخت‌نماید، در غیر اینصورت ارتباط بیمه شده با سازمان قطع و ادامه‌بیمه اختیاری موکول به تسلیم درخواست مجدد و موافقت سازمان‌خواهد بود. ماده ۶ ـ شرایط برقراری و میزان مستمریهای بازنشستگی و بازماندگان‌و از کار افتادگی کلی و همچنین استفاده از خدمات درمانی وبهداشتی در زمان اجرای بیمه اختیاری و پس از برقراری‌مستمریهای مذکور عینا به ترتیب تعیین شده در قانون تامین‌اجتماعی و تغییرات بعدی آن خواهد بود. ماده ۷ ـ در صورتی که مشمولین این آئین‌نامه پس از شروع بیمه‌اختیاری به نحوی از انحاء در ردهٔ سایر مشمولین قانون تامین‌اجتماعی یا قوانین موضوع تبصره‌های ۱ و ۲ و ۴ ماده ۴ قانون‌مذکور قرار گیرند موظفند مراتب را کتبا به آگاهی سازمان برسانند تانسبت به قطع بیمه اختیاری آنان اقدام گردد. در صورت عدم اقدام‌بیمه شده در این زمینه از تاریخ اجرای هریک از موارد فوق الذکردرباره مشمولین این آئین‌نامه بیمه اختیاری آنان قطع شده تلقی‌خواهد شد. ماده ۸ ـ این آئین‌نامه در ۸ ماده و ۴ تبصره در یکصدوپنجاهمین جلسه‌مورخ ۸/۸/۱۳۶۴ شورای عالی تامین اجتماعی مطرح و به‌تصویب رسید.

آئین‌نامه اجرائی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان

ماده ۱ ـ سازمان بیمه خدمات درمانی موظف است هر متقاضی را به‌صورت انفرادی بیمه نماید. ماده ۲ ـ بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان از طریق پزشک خانواده‌و نظام ارجاع به مؤسسات طرف قرارداد سازمان اجرا خواهد شد وفرد متقاضی در انتخاب پزشک خانواده از بین پزشکان و مؤسسات‌درمانی طرف قرارداد (معرفی شده از سوی سازمان بیمه خدمات‌درمانی مخیر می‌باشد.

ماده ۳ ـ حق سرانه بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان همه ساله‌متناسب با عملکرد، فرانشیز و تعرفه‌های واقعی به پیشنهاد مشترک‌سازمان برنامه و بودجه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان بیمه خدمات درمانی تهیه و پس از تأیید شورای عالی‌بیمه به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۴ ـ خویش فرمایانی که به صورت خانوادگی بیمه می‌شوند به‌ازای‌تعداد افراد بیمه شده تحت تکفل خود از تخفیف برخوردار می‌گردندو این تخفیف شامل سرپرست و کلیه افراد تحت تکفل نیز خواهدشد. ماده ۵ ـ خویش فرمایانی که بیمه خدمات درمانی خود را برای سالهای‌بعد نیز ادامه دهند، متناسب با سنوات تداوم بیمه از تخفیف‌برخوردار می‌شوند و در صورت انقطاع بیمه به میزان زمانی که‌تداوم بیمه قطع شده است از سابقه سنواتی بیمه شونده کسرمی‌گردد. ماده ۶ ـ میزان تخفیف مورد فوق الذکر همه ساله با پیشنهاد مشترک‌سازمان برنامه و بودجه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی سازمان بیمه خدمات درمانی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۷ ـ حداقل سرانه بیمه خویش فرمایان پس از اعمال تخفیفهای‌مقرر در این دستورالعمل نباید از سرانه کارمندان دولت کمتر وحداکثر آن نباید از حق سرانه مصوب خویش فرمایان در سال مزبوربیشتر باشد. ماده ۸ ـ حق سرانه بیمه خویش فرمایان برای هر متقاضی به ترتیب زیرمحاسبه می‌شود: [۱۰۰-nl.xl۱۰۰ a-۱۰۰] [.x۲(n۲-n۳)۱۰۰] حق سرانه برای‌هرمتقاضی‌خویش‌فرما حق سرانه مصوب شورای عالی بیمه برای خویش فرما در سال‌مورد نظر = oa تعداد عائله تحت تکفل بیمه شده = ۱n سنوات استمرار بیمه شده = ۲n سنوات انقطاع بیمه = ۳n درصد تخفیف به ازای هر فرد بیمه شده = lx درصد تخفیف به ازای هر سال سابقه بیمه = ۲x ماده۹ ـ سرانه بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان با فرانشیز سی‌درصد (۳۰٪)خدمات سرپایی‌ها و بیست و پنج درصد (۲۵٪)خدمات بستری معادل شانزده هزار و پانصد (۵۰۰/۱۶) ریال تعیین‌می‌گردد. سرانه بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان با فرانشیزبیست و پنج درصد (۲۵٪) خدمات بستری معادل یازده هزار(۰۰۰/۱۱) ریال تعیین می‌گردد. درصد تخفیف به ازای هر فرد بیمه شده پنج درصد (۵٪) وبه ازای‌هر سال سابقه بیمه ده درصد (۱۰٪) می‌باشد. تبصره ـ به منظور ترغیب افراد به پوشش بیمه درمان سازمان بیمه‌خدمات درمانی می‌تواند در صورت بیمه گروهی و با شرایط خاص‌بیمه شوندگان تسهیلاتی برای بیمه خویش فرمایان منظور نماید.

آئین‌نامه اجرائی قانون اصلاح بند (ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی

ماده ۱ ـ صاحبان حرف و مشاغل آزاد در این آئین‌نامه به افرادی اطلاق می‌شود که برای انجام حرفه و شغل مورد نظر با داشتن کارگر(کارفرما) یا خود به تنهائی (خویش فرما) به استناد مجوز اشتغال‌صادره از سوی مراجع ذیصلاح یا به تشخیص هیات مدیره سازمان‌تامین اجتماعی (که منبعد سازمان تامین اجتماعی در این آئین‌نامه‌سازمان نامیده می‌شود) به کار اشتغال داشته و مشمول مقررات‌حمایتی خاص (مشابه موارد موضوع این آئین‌نامه نباشند. ماده ۲ ـ مشمولین این آئین‌نامه عبارتند از: ۱ ـ افراد موضوع ماده یک این آئین‌نامه ۲ ـ اتباع ایرانی اعم از شاغل و یا غیرشاغل در فعالیتهای مختلف درخارج از کشور که بیمه آنان با مقررات قانون تامین اجتماعی وتغییرات بعدی آن مغایرت نداشته باشد. تبصره ـ آن دسته از متقاضیان که دارای سابقه پرداخت حق بیمه به ماخذ کامل به مدت ۳۶۰ روز یا بیشتر می‌باشند با رعایت تبصره‌ماده ۵ این آئین نامه مشمول مقررات این آئین‌نامه قرار می‌گیرند. ماده ۳ ـ اجرای مقررات این آئین‌نامه با رعایت مقررات ماده ۷ قانون‌تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۴ ـ مشمولین این آئین‌نامه با پرداخت حق بیمه مقرر می‌توانند به‌ترتیب زیر از حمایتهای مندرج در قانون تامین اجتماعی مصوب‌تیرماه ۵۴ و تغییرات بعدی آن برخوردار گردند. الف ـ بیمه بازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۲ درصد. ب ـ بیمه بازنشستگی و فوت با نرخ حق بیمه ۱۴ درصد. ج ـ بیمه بازنشستگی و از کار افتادگی و فوت با نرخ حق بیمه ۱۸درصد. تبصره ۱ ـ بیمه شدگان موضوع ماده ۲ این آئین‌نامه می‌توانند علاوه برپرداخت حق بیمه با نرخهای تعیین شده در فوق ، با پرداخت حق‌بیمه به میزان مشخص شده در ماده ۲۹ قانون تامین اجتماعی وتغییرات بعدی آن از حمایتهای موضوع بندهای «الف و «ب ماده۳ قانون تامین اجتماعی استفاده نمایند. تامین اعتبار دفترچه

درمان‌بيمه شدگان هر سه ماه يكبار و با ارائه رسيد پرداخت حق بيمه‌مقرره انجام خواهد گرفت تبصره ۲ ـ پرداخت دو درصد (۲٪) حق بيمه مربوط به حمايتهای‌موضوع بندهای «الف يا «ب يا «ج و نيز يك درصد (۱٪) حق‌بيمه موضوع تبصره يك اين ماده (جمعا ۳ درصد) براساس ماده ۲۸قانون تامين اجتماعی به‌عهده دولت خواهد بود. تبصره ۳ ـ درخواست متقاضيان حمايتهای بند «ج اين ماده درصورتی پذيرفته خواهد شد كه از سوی مراكز درمانی اعلام شده‌توسط اين سازمان از كارافتاده كلی شناخته نشوند. تبصره ۴ ـ اتباع ايرانی خارج از كشور تا فراهم نمودن امكانات لازم ازسوی سازمان منحصرا مخير به استفاده از مزايای مندرج دربندهای الف و«ب وتبصره يك اين ماده در كشور ايران خواهند بود. تبصره ۵ ـ تشخيص حوادث ناشی از كار منجر به فوت يا از كارافتادگی كلی در مورد مشمولين بند يك ماده ۲ اين آئين‌نامه به‌عهده كميسيونی مركب از مسوول واحد كار و امور اجتماعی محل مسوول و بازرس واحد تامين اجتماعی مربوط خواهد بود وهمچنين در صورت فراهم شدن امكانات مورد نظر در تبصره ۴ اين‌ماده حوادث ناشی از كار در مورد اتباع ايرانی خارج از كشورموضوعيت نداشته و كليه حوادث غير ناشی از كار تلقی خواهدگرديد. ماده ۵ ـ ماخذ كسر حق بيمه ماهانه مشمولين اين آئين‌نامه به اختيارمتقاضی بين حداقل و حداكثر دستمزد قانونی خواهد بود. بيمه شده می‌تواند هر بار با دارا بودن ۲ سال سابقه پرداخت حق بيمه موضوع‌اين آئين‌نامه از تاريخ ثبت درخواست كتبی ۱۰ درصد ميزان آن را افزايش دهد. چنانچه بيمه شده مدتی پس از انقضاء موعد مقرر (دوسال درخواست افزايش ماخذ حق بيمه را بنمايد در اين حالت نيزنسبت افزايش همان ۱۰ درصد خواهد بود و برای مدت اضافی زائدبر دو سال افزايشی صورت نخواهد گرفت و افزايشهای بعدی نيزموكول به گذشت دو سال پرداخت حق بيمه موضوع اين آئين‌نامه ازتاريخ آخرين افزايش خواهد بود. تبصره ـ ماخذ كسر حق بيمه افرادی كه به‌نحوی از انحاء دارای سابقه‌پرداخت حق بيمه بوده و مشمول اين آئين‌نامه قرار می‌گيرند توسطوی به اختيار انتخاب می‌شود مشروط بر اينكه مبلغ انتخابی‌افزايشی بيش از ۱۰ درصد متوسط مبنای ماهانه كسر حق بيمه‌يكسال آخر نداشته باشد. ماده ۶ ـ بيمه مشمولين واجد شرايط از تاريخ ثبت تقاضا در هريك ازشعب سازمان شروع می‌شود. سازمان مكلف است ظرف مدت دو(۲) ماه استحقاق متقاضی را احراز و بلافاصله ضمن تعيين نرخ وميزان حق بيمه ماهانه مراتب را به متقاضی اعلام نمايد و متقاضی‌نيز ظرف يك‌ماه فرصت پرداخت حق بيمه به واحد سازمان راخواهد داشت در غير اينصورت موضوع درخواست مزبور منتفی‌اعلام می گردد. ماده ۷ ـ چگونگی بيمه اتباع ايرانی شاغل يا غيرشاغل در كشورهای‌خارجی به ترتيب زير خواهد بود: ۱ ـ متقاضی درخواست خود را طبق فرم مخصوصی كه توسط‌سازمان تهيه می گردد، به نمايندگيهای سياسی جمهوری اسلامی‌ايران تسليم و نمايندگيهای سياسی موظفند ظرف ۱۵ روز از تاريخ‌وصول اين قبيل درخواستها ضمن تاييد تابعيت ايرانی متقاضيان درخواست آنها را به انضمام فتوكپی مدارك شناسائی متقاضيان وافراد خانواده موضوع ماده ۵۸ قانون تامين اجتماعی به سازمان‌ارسال دارند. ۲ ـ سازمان مكلف است ظرف مدت يك‌ماه استحقاق متقاضی رااحراز و ضمن تعيين نرخ و ميزان حق بيمه ماهانه از طريق‌نمايندگيهای سياسی بلافاصله مراتب را به متقاضی اعلام نمايد. ۳ ـ متقاضيان حق بيمه مربوط را به حساب بانكی كه به نام سازمان‌تامين اجتماعی توسط نمايندگيهای سياسی افتتاح خواهد شدپرداخت و رسيد پرداخت را به نمايندگيهای مزبور ارسال نمايند. ۴ ـ نمايندگيهای سياسی مكلفند همه ماهه موجودی حساب مزبوررا به حسابی كه بانك مركزی مشخص می‌نمايد واريز و صورت‌وضعيت بانكی و رسيدهای پرداخت حق بيمه را به سازمان تامين‌اجتماعی ارسال دارند. ۵ ـ نحوه بيمه اين قبيل افراد در ساير موارد تابع مواد اين آئين‌نامه‌می‌باشد و پرداخت حق بيمه مقرره مشمولين اين ماده بايستی به‌پولی صورت گيرد كه در قرارداد فيمابين سازمان و متقاضی توافق گرديده است ۶ ـ نمايندگيهای سياسی جمهوری اسلامی ايران در كشورهای‌خارجی موظف به ابلاغ مفاد اين آئين‌نامه به‌نحو مقتضی به اتباع‌ايرانی خواهند بود. ماده ۸ ـ در صورتی كه پرداخت حق بيمه از طرف بيمه شده متوقف گردد و بين تاريخ قطع پرداخت حق بيمه و پرداخت مجدد بيش از ۳ماه فاصله ايجاد نشده باشد بيمه شده می‌تواند حق بيمه معوقه را به‌سازمان پرداخت نمايد در غيراينصورت ارتباط بيمه شده با سازمان‌قطع و ادامه بيمه وی موكول به تسليم درخواست

مجدد و موافقت‌سازمان خواهد بود که در اينصورت مبنای کسر حق بيمه اين قبيل‌متقاضيان همان مبنای قبلی خواهد بود. ماده ۹ ـ شرايط برقراری و ميزان مستمريهای بازنشستگی و بازماندگانو از کارافتادگی کلی و همچنين استفاده از خدمات درمانی وبهداشتی عينا به ترتيب تعيين شده در قانون تامين اجتماعی وتغييرات بعدی آن خواهد بود. ماده ۱۰ ـ در صورتی که مشمولين اين آئين‌نامه پس از شروع بيمه به‌نحوی از انحاء از شمول مقررات اين آئين‌نامه خارج و يا طبق قانون‌تامين اجتماعی يا ساير قوانين مربوطه می‌بايست حق بيمه را خودبراساس مقررات ديگری پرداخت نمايند، موظفند مراتب را کتبا به‌آگاهی سازمان برسانند تا نسبت به قطع بيمه آنان اقدام گردد. درصورت عدم اقدام بيمه شده در اين زمينه و ادامه پرداخت حق بيمه حق بيمه‌های دريافتی پس از کسر هزينه‌های انجام شده مستردخواهد شد. نخست وزير ـ ميرحسين موسوی

آئين‌نامه اجرائی کميسيون‌های پزشکی بدوی و تجديد نظر

ماده ۱ ـ تشکيل کميسيونهای پزشکی بدوی و تجديد نظر به‌عهده‌سازمان تامين اجتماعی که در اين آئين‌نامه سازمان ناميده می‌شودخواهد بود. ماده ۲ ـ کميسيونهای پزشکی بدوی و تجديدنظر بر حسب فراهم بودن‌امکانات در يکی از واحدهای سازمان و يا يکی از مراکز درمانی بنابه تشخيص سازمان تشکيل می‌گردد. ماده ۳ ـ چنانچه امکان تشکيل کميسيونهای پزشکی بدوی وتجديدنظر با توجه به شرايط مندرج در اين آئين‌نامه فراهم نباشدلازم است سازمان بيمه شده را به يکی از نزديکترين کميسيونهای‌متشکله در ساير شهرستانها معرفی نمايد. ماده ۴ ـ کميسيونهای پزشکی بدوی با حضور افراد زير تشکيل‌می‌گردد: الف ـ يک نفر پزشک مرجحا از بين پزشکان متخصص با انتخاب و ابلاغ اداره کل تامين اجتماعی استان به‌عنوان عضو که سمت رياست‌کميسيون را نيز عهده‌دار خواهد بود. ب ـ يک‌نفر پزشک متخصص داخلی با انتخاب و ابلاغ اداره کل‌تامين اجتماعی استان به‌عنوان عضو کميسيون ج ـ يک‌نفر پزشک متخصص در رشته بيماری مربوطه به‌عنوان‌عضو کميسيون با ابلاغ اداره کل تامين اجتماعی استان د ـ نماينده فنی سازمان با ابلاغ رسمی از طرف اداره کل تامين‌اجتماعی استان و تاييد اداره کل فنی که سمت مشاور کميسيون راخواهد داشت هـ يک‌نفر کارمند سازمان که با ابلاغ اداره کل تامين اجتماعی استان به‌عنوان دبير کميسيون وظيفه تهيه و تنظيم صورتجلسات راعهده‌دار خواهد بود. ماده ۵ ـ کميسيونهای پزشکی تجديدنظر با حضور افراد زير تشکيل‌می‌گردند: الف ـ يک‌نفر پزشک متخصص که با ابلاغ مدير عامل سازمان‌به‌عنوان عضو کميسيون منصوب و سمت رياست کميسيون را نيزعهده‌دار خواهد بود. ب ـ يک‌نفر پزشک متخصص داخلی به‌عنوان عضو کميسيون با ابلاغ مدير عامل سازمان ج ـ يک‌نفر پزشک متخصص در رشته بيماری مربوطه به‌عنوان‌عضو کميسيون با ابلاغ اداره کل تامين اجتماعی استان د ـ نماينده فنی سازمان به‌عنوان مشاور به پيشنهاد اداره کل فنی وابلاغ مدير عامل سازمان ه ـ يک‌نفر کارمند سازمان که با ابلاغ اداره کل تامين اجتماعی استان‌به‌عنوان دبير کميسيون که وظيفه تهيه و تنظيم صورتجلسات را(بدون حق رای) عهده‌دار خواهد بود. تبصره ۱ ـ پزشکان عضو کميسيونهای بدوی مادام که عضويت يک‌کميسيون بدوی را دارند نمی‌توانند به عضويت کميسيون پزشکی‌تجديدنظر منصوب شوند. تبصره ۲ ـ برای هريک از اعضاء شرکت‌کننده در کميسيون‌های پزشکی‌افرادی با شرايط ذکر شده در اين آئين‌نامه به‌عنوان عضو علی‌البدل‌تعيين می‌گردد. تبصره ۳ ـ ترتيب تشکيل کميسيونها و دعوت اعضاء و بيمه‌شدگان‌طبق ضوابط و مقررات اين آئين‌نامه با هماهنگی رئيس کميسيون‌به‌عهده دبير مربوطه می‌باشد. ماده ۶ ـ پرونده پزشکی بيمه شده که شامل کليه مدارک کلينيکی وپاراکلينيکی نظريه پزشک معالج و همچنين شرح و سابقه بيماری باقيد تاريخ شروع آن و تشخيص فعلی بيماری و خلاصه درمانهای‌انجام شده با ذکر نتيجه آن در مدت درمان و اظهارنظر نهائی درباره‌بيماری می‌باشد، با انعکاس علت ارجاع پرونده به کميسيون بدوی‌توسط دبير کميسيون در دستور کار قرار می‌گيرد. ماده ۷ ـ تاريخ تشکيل کميسيونهای پزشکی جهت حضور بيمه شده به‌وی اعلام خواهد گرديد. چنانچه در شهرستان مربوطه امکان تشکيل‌کميسيونهای پزشکی بدوی و تجديدنظر با توجه به‌شرايط مندرج‌در اين آئين‌نامه

فراهم نباشد، در صورت اعزام بیمه شده به شهرستان‌دیگر هزینه سفر و اقامت بیمار و همراه (در صورت نیاز به داشتن‌همراه در شهرستان محل تشکیل کمیسیون با رعایت مقررات عام‌قانون تامین اجتماعی و از محل سهم درمان موضوع ماده ۲۹ قانون‌مزبور پرداخت خواهد گردید. ماده ۸ ـ کمیسیون پزشکی بدوی با توجه به مدارک موضوع ماده ۶ واقداماتی که لزوما براساس ضوابط قانونی به عمل می‌آورد مبادرت‌به صدور رای می‌نماید. تبصره ـ آراء کمیسیونهای پزشکی بدوی که جهت ادامه درمان صادرشده باشد قابل اعتراض نخواهد بود. ماده ۹ ـ رای کمیسیونهای پزشکی بدوی توسط کمیسیون مربوطه به‌بیمه شده حاضر در جلسه ابلاغ خواهد شد و در صورتی که بیمه‌شده به رای صادره معترض باشد می‌تواند حداکثر ظرف مدت‌یک‌ماه از تاریخ ابلاغ اعتراض کتبی خود را به شعبه تامین اجتماعی‌مربوطه تسلیم نماید و در صورت عدم حضور بیمه شده درکمیسیون پزشکی واحد تامین اجتماعی مربوطه موظف است‌مراتب را رأسا به بیمه شده ابلاغ نماید. تبصره ۱ ـ اعتراض بیمه شده همراه با مدارک لازم از طرف شعبه تامین‌اجتماعی‌به‌کمیسیون‌تجدیدنظرارسال‌وکمیسیون‌مزبور با توجه به‌مفاد ماده ۸ این آئین نامه اقدام به صدور رای می‌نماید. تبصره ۲ ـ در مواردی که سازمان نسبت به آراء صادره از طرف‌کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر (اعم از اینکه به استناد آیین نامه‌قبلی یا آیین نامه فعلی صورت گرفته مشکوک یا معترض باشدمراتب در کمیسیون تجدیدنظری که زیرنظر مدیر عامل سازمان درتهران تشکیل می‌شود مطرح و نظر این کمیسیون قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۱۰ ـ کمیسیونهای پزشکی بدوی و تجدیدنظر با حضور کلیه اعضاء تشکیل خواهد شد و آراء کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر به‌اتفاق آراء معتبر خواهد بود. ماده ۱۱ ـ آراء صادره از طرف کمیسیونهای پزشکی بدوی در صورتی‌که از طرف بیمه شده ظرف مدت مقرر در این آئین‌نامه مورداعتراض قرار نگیرد آراء کمیسیونهای پزشکی تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجراء است تبصره ـ آراء کمیسیونهای پزشکی می‌بایست قابل انطباق با موازین‌قانونی صریح و فاقد هرگونه ابهام باشد و به منظور جلوگیری ازسرگردانی بیمه‌شدگان حتی‌المقدور از تصویب تغییر شغل در آراءصادره توسط کمیسیونها خودداری گردد. ماده ۱۲ ـ به شرکت‌کننده در کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر موضوع مواد ۴و۵این آئین‌نامه حق‌حضوری به شرح زیر پرداخت خواهد شد: الف ـ هریک از پزشکان شرکت‌کننده در کمیسیونهای پزشکی موضوع بند الف و ب ماده ۴ و ۵) بابت هر جلسه ۸۰۰۰ ریال و درصورت افزایش از یک ساعت بابت هر ساعت ۶۰۰۰ ریال ب ـ هریک از پزشکان متخصص در بیماری مربوطه بابت هر جلسه ۸۰۰۰ ریال و در صورت افزایش از یک ساعت بابت هر ساعت ۶۰۰۰ ریال ج ـ دبیر و مشاور کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر بابت هر جلسه به‌ترتیب مبلغ ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ ریال تبصره ـ اعتبار مورد نیاز جهت انجام هزینه‌های فوق از محل اعتبارات‌موضوع ماده ۲۹ قانون تامین اجتماعی تامین خواهد شد. این آئین‌نامه مشتمل بر ۱۲ ماده و ۷ تبصره در یکصد و هشتاد وششمین جلسه شورای عالی تامین اجتماعی مورخ ۶/۳/۱۳۶۶تصویب و از تاریخ ۶/۳/۱۳۶۶ لازم‌الاجرا است و آئین‌نامه قبلی ازاین تاریخ ملغی تلقی می‌گردد.

آئین‌نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی . مصوب ۶۵ . (م ۱ تا م ۱۰)

ماده ۱ـ مشمولین قانون تامین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی وصندوقهای مشابه که حق بیمه یا کسور بازنشستگی به‌هر یک ازصندوقهای مذکور پرداخت نموده‌اند در صورتی که طبق ضوابط محل کار یا خدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول صندوق مربوط خارج شده یا بشوند یا طبق ضوابط قانونی مشترک صندوق دیگری شده یا بشوند چنانچه کسور بازنشستگی یا حق بیمه آنان به‌صندوق جدید منتقل نشده باشد از لحاظ پرداخت مابه‌التفاوت‌مندرج در تبصره ۳ قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی تابع‌مقررات این آئین‌نامه خواهند بود. ماده ۲ ـ چنانچه حق بیمه یا کسور بازنشستگی شخصی که قبل از تاریخ۲۷/۳/۶۵ از شمول خدمات صندوق بیمه یا بازنشستگی مربوط‌خارج شده و زیر پوشش صندوق دیگری قرار گرفته است انتقال‌نیافته باشد مقررات این آئین‌نامه در تعیین وجوه قابل انتقال و مابه‌التفاوت متعلقه وی مجری خواهد بود. ماده ۳ ـ در مورد اشخاصی که طبق

ضوابط قانونی یا به لحاظ تغییرمحل کار یا خدمت مشترک صندوق دیگری بشوند کسوربازنشستگی یا حق بیمه متعلقه (سهم شخص هر ماه از سنوات‌خدمت مورد نظر طبق ضوابط مورد عمل بر مبنای اولین حقوق ومزایای ماهانه در محل خدمت جدید که مبنای کسر حق بیمه یابازنشستگی قرار می گیرد محاسبه و مابه التفاوت آن با حق بیمه یاکسور بازنشستگی (سهم شخص‌وکارفرما) که‌به‌صندوق جدید منتقل‌شده به ترتیب مقرر در این آئین‌نامه از شخص وصول خواهد شد. تبصره ۱ ـ در مورد اشخاصی که طبق ضوابط قانونی به سبب انتقال‌و تغییر ساختار سازمانی مشترک صندوق تامین اجتماعی شده یابشوند، حق بیمه متعلقه هر ماه از سنوات خدمات مورد نظر به ماخذ هجده درصد (۱۸٪) ـ هفت درصد (۷٪) سهم مستخدم ویازده درصد (۱۱٪) سهم کارفرما ـ حقوق و مزایای ماهانه زمان‌تقاضا در محل خدمت جدید که مبنای کسر حق بیمه قرار می گیرد ویا آخرین حقوق و مزایای مبنای برداشت کسور بازنشستگی درمحل خدمت قبلی (هر کدام بیشتر باشد) محاسبه و ما به التفاوت‌آن با کسور بازنشستگی (سهم شخص و کارفرما) که به صندوق جدید منتقل شده است به ترتیب مقرر در این تبصره از شخص وکارفرمای سابق وصول خواهد شد. تبصره ۲ ـ اشخاصی که به دلیل استعفا، بازخرید خدمت و اخراج‌رابطه استخدامی آنان با دستگاه مربوط قطع گردیده است و مشترک‌صندوق تامین اجتماعی شده یا می‌شوند و کسور بازنشستگی یاحق بیمه خود را به طور کلی یا جزئی از دستگاه مربوط وصول‌ننموده‌اند به ماخذ (۱۸٪) هیجده درصد به ترتیب مذکور در تبصره ۱) این ماده محاسبه و مابه التفاوت (سهم شخص و کارفرما) ازشخص وصول خواهد شد. تبصره ۳ ـ در صورتی که مشمولین تبصره‌های (۱ و ۲) این ماده ظرف‌سه ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به پرداخت ما به التفاوت اقدام ننمایندو یا ترتیبی برای پرداخت آن ندهند بر اساس تقاضای مجدد ورعایت تبصره‌های مذکور، ما به التفاوت قابل وصول خواهد بود. تبصره ۴ ـ سوابق مشمولین تامین اجتماعی که به یکی از علل مندرج‌در تبصره (۲) این ماده با دستگاه متبوع قطع رابطه استخدامی نموده‌یا می‌نمایند محفوظ و از مزایای قانونی آن بهره‌مند می‌شوند. ماده ۴ ـ صندوقهای موضوع این آئین‌نامه چنانچه طبق مقررات موردعمل علاوه بر پرداخت حقوق بازنشستگی از کارافتادگی و وظیفه‌وراث مشترکین خود را در برابر بیماریها بیمه خدمات درمانی‌نموده باشند، به هنگام انتقال کسور بازنشستگی یا حق بیمه ازاینگونه صندوقها به صندوقهای دیگر بخشی از این کسور یا حق‌بیمه که در ازای تامین بیمه مزبور می‌باشد از جمع وجوه انتقالی‌کسر می گردد. تبصره ـ در صورتی که حق بیمه خدمات درمانی طبق مقررات مربوطرقم معینی از کسور بازنشستگی یا حق بیمه پرداختی را تشکیل‌ندهد، (یک چهارم مجموع حق بیمه یا کسور بازنشستگی سهم‌شخص و کارفرما از این بابت منظور می گردد. ماده ۵ ـ صرفا آن قسمت از سنوات پرداخت حق بیمه یا بازنشستگی که‌در اجرای مقررات صندوق بیمه و بازنشستگی متبوع شخص قابل‌احتساب تلقی شده یا می‌شود در تعیین میزان مابه التفاوت ملاک‌عمل قرار می گیرد. ماده ۶ ـ حق بیمه یا کسور بازنشستگی و مابه التفاوت متعلقه به‌شخص که طبق مقررات این آئین‌نامه یا سایر قوانین و مقررات‌مربوط از یک صندوق به صندوق دیگر منتقل شده است در صورتی‌که محل خدمت شخص مجددا تغییر نموده یا بنماید یا طبق ضوابطقانونی مشترک صندوق دیگری شده یا بشود عینا به صندوق جدیدمنتقل می گردد و از بابت اینگونه سوابق مابه‌التفاوتی وصول‌نخواهد شد. ماده ۷ ـ مابه التفاوت موضوع این آئین‌نامه به اقساط ماهانه وصول‌خواهد شد. میزان اقساط با توجه به کل مبلغ مابه التفاوت میزان‌حقوق و مزایای شخص و سایر ملاحظات طبق توافق شخص وصندوق مربوط تعیین می گردد. حداکثر مدت پرداخت مابه‌التفاوت‌معادل سنوات خدمت مورد محاسبه می‌باشد. ماده ۸ ـ در صورتی که رابطه استخدامی شخص با دستگاه متبوعش به‌لحاظ استعفا، اخراج بازخرید خدمت قطع شده یا می‌شود و کسوربازنشستگی یا حق بیمه خود را دریافت ننموده باشد از لحاظ انتقال‌کسور بازنشستگی یا حق بیمه و احتساب مابه‌التفاوت متعلقه تابع‌مقررات این آئین‌نامه خواهد بود. در مورد اشخاصی که کسوربازنشستگی متعلقه را جزئا یا کلا از صندوق بازنشستگی ذیربط‌دریافت داشته‌اند مسئله نقل و انتقال کسور موضوعا منتفی است ماده ۹ ـ در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی واین آئین‌نامه صرفا سوابق خدمت دولتی کارکنان که حق بیمه یاکسور بازنشستگی آنان طبق مقررات این

آئین نامه منتقل شده یامی‌شود جزء سنوات خدمت دولتی آنان از لحاظ بازنشستگی ووظیفه قابل احتساب می‌باشد. در مورد شرکتها و موسسات و واحدهای غیردولتی که تابع قانون‌تامین اجتماعی می‌باشند سوابق خدمت دولتی کارکنان با انتقال‌کسور بازنشستگی یا حق بیمه مربوط جزء سنوات خدمت آنان ازلحاظ بازنشستگی و وظیفه محسوب و منظور می‌گردد. ماده ۱۰ ـ کسور بازنشستگی سوابق خدمت دولتی بیمه شدگانی که دراجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه به سازمان تامین‌اجتماعی منتقل شده یا می‌شود، برای متقاضیان بازنشستگی تنها درمحاسبه میزان مستمری بازنشستگی به جمع سنوات پرداخت حق‌بیمه آنان اضافه می‌گردد و در سنوات پرداخت حق بیمه برای احرازشرایط بازنشستگی منظور نخواهد شد. کسور بازنشستگی سوابق‌خدمت دولتی بیمه شدگانی که از کار افتاده کلی یا فوت می‌شوند دراحراز شرایط برقراری مستمری از کار افتادگی کلی و فوت و میزان‌مستمری آنان ملاک محاسبه قرار خواهد گرفت تبصره ـ آن گروه از مستخدمین که در اجرای لایحه قانونی نحوه انتقال‌مستخدمین وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی مشمول قانون استخدام‌کشوری به موسسات مستثنی شده از قانون مزبور و بالعکس‌مصوب ۲۰/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب منتقل می‌شوند و نیزمستخدمین موسسات دولتی دارای مقررات استخدامی خاص که‌طبق مقررات مربوط به سایر دستگاههای دولتی منتقل شده یامی‌شوند تابع قوانین مربوط خواهند بود.

آئین‌نامه ضوابط و نحوه اعمال ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی در مورد اشخاص حقوقی که دفاتر قانونی ارائه

ماده ۱ ـ اشخاص حقوقی که از ارائه دفاتر قانونی به سازمان خودداری ودر تمام یا برخی از ماههای هر سال مالی صورت مزد و حقوق وحق بیمه کارکنان خود را به سازمان ارسال و پرداخت نکرده باشندمشمول اعمال ماده ۴۰ قانون منحصرا برای سال مالی و یا ماههای‌مذکور قرار می‌گیرند. ماده ۲ ـ دستمزد کارکنان اشخاص حقوقی مذکور موجود در حوزه‌های‌مالیاتی که براساس آن مالیات تکلیفی تعیین و دریافت گردیده استدر هر سال مالی مبنای محاسبه و مطالبه حق بیمه آنان به صورت‌علی‌الراس قرار می‌گیرد. تبصره ـ در مواردی که دستمزد مبنای پرداخت مالیات تکلیفی درحوزه مالیاتی موجود نباشد و یا امکان دسترسی به آن وجود نداشته‌باشد، هزینه‌های حقوق و دستمزد و سایر هزینه‌های مرتبط با آنهامندرج در اظهارنامه مالیاتی شخص حقوقی موجود در حوزه‌مالیاتی مربوط به سال مالی مورد نظر، مبنای محاسبه و مطالبه حق‌بیمه بصورت علی الراس قرار می‌گیرد. ماده ۳ ـ در کلیه مواردی که امکان دسترسی به هزینه‌های دستمزد از طرق مندرج در ماده ۲ و تبصره آن میسر نگردد، سازمان تامین اجتماعی مجاز است با بررسیهای کارشناسی و با در نظر گرفتن‌پروانه بهره‌برداری کارگاه تعداد کارکنان آن در سالها یا ماههایی که‌صورت مزد و حقوق و حق بیمه ارسال و پرداخت نموده است وعنداللزوم با استفاده از تعداد کارکنان شاغل در فعالیتهای مشابه تعداد کارکنان شخص حقوقی را تعیین نماید. در این حالت دستمزدمبنای محاسبه حق بیمه بصورت علی الراس از رابطه زیر بدست‌می‌آید. «جمع حداقل و حداکثر دستمزد ماهانه مشمول کسر حق بیمه زمان‌محاسبه ضربدر ۲، نتیجه آن تقسیم بر سه سپس ضربدر تعدادکارکنان برآورد شده و تعداد ماههای مورد نظر سال مالی ماده ۴ ـ این آئین‌نامه مشتمل بر ۴ ماده یک تبصره در دویست و نود ونهمین جلسه شورای عالی تامین اجتماعی مورخ ۵/۴/۷۸ به‌تصویب رسید.

آیین‌نامه اجرایی طرح طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل کارگاهها. شماره ۴۸۱۰ . مصوب ۵۳ . (م ۱ تا م ۱۱)

موضوع تبصره یک ماده ۴۹ قانون کار ماده ۱. در اجرای ماده ۴۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران کلیه‌کارفرمایان مشمول قانون مزبور که تاکنون طرح طبقه‌بندی مشاغل‌کارگاه خود را طبق نظام ارزیابی وزارت کار و امور اجتماعی تهیه واجرا ننموده‌اند مکلفند در تاریخهایی که توسط این وزارتخانه تعیین‌می‌شود طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگاه خود را تهیه و پس از تاییدوزارت کار و امور اجتماعی به مورد اجرا گذارند. تبصره ۱. کارگاهها می‌توانند قبل از تعیین مهلت‌های مقرر نسبت‌به تهیه و اجرای طرح طبقه‌بندی

مشاغل خود مبادرت نموده و آن رابه تایید وزارت کار و امور اجتماعی برسانند. در این صورت ماخذ شمول طرح در مورد کارکنان تاریخی است که تقاضای تهیه واجرای طرح در این وزارتخانه به ثبت رسیده باشد. تبصره ۲. کارگاههایی که براساس ضوابط مبادرت به ثبت‌توافقنامه تهیه و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در وزارت کار وامور اجتماعی نموده‌اند و در تاریخ تصویب این آیین‌نامه طرح آنان‌به تایید نهایی نرسیده کماکان براساس توافقنامه قبلی عمل خواهندکرد. ماده ۲. تهیه و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاههایی که درتاریخ تصویب این آیین‌نامه یا بعد از آن دارای بیش از پانصد نفرکارگر تابع قانون کار بوده و مشمول مصوبه ۱۷/۴/۶۹ شورای عالی‌کار قرار نگرفته باشند، الزامی است تاریخ شمول طرح درباره‌کارگاههای مزبور، حسب مورد، تاریخ تصویب این آیین‌نامه و یاتاریخی است که به حد نصاب مزبور می‌رسند. ماده ۳. ملاک تعیین حد نصاب تعداد کارگران برای شمول این‌آیین‌نامه در مورد کارگاهها، تعداد کارگران دائم آنها می‌باشد. ماده ۴. واحدهایی که تحت عنوان گروه یا مجتمع و نظایر آنها تابع‌یک شخصیت حقوقی بوده و شامل چند کارگاه مختلف می‌باشند ازنظر ماده یک این آیین‌نامه از لحاظ تعداد کارگران یک واحدمحسوب می گردند. ماده ۵. هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه از قبیل فروش‌یا انتقال به هر شکل تغییر نوع تولید، ادغام در مؤسسه دیگر، ملی‌شدن کارگاه فوت مالک و امثال آنها مانع از ادامه روند تهیه و اجرای‌طرح طبقه‌بندی مشاغل نمی‌شود. و هنگام چنین تغییری تعهدات وآثار اقدامات کارفرما یا مدیریت قبلی در زمینه طرح مذکور عیناً به‌کارفرما یا مدیریت جدید منتقل می‌شود. ماده ۶. طرح طبقه‌بندی مشاغل که هدف آن استقرار مناسبات‌صحیح کارگاه با بازار کار در زمینه مزد و مشخص بودن شرح وظایف‌و دامنه مسؤولیت مشاغل شرح و وظایف جاری و ادواری شغل شرایط احراز، مهارتها، تواناییهای لازم برای تصدی هر شغل عوامل‌تعیین‌کننده امتیازات شغل جدول تخصیص امتیازات شغل جدول‌تخصیص امتیازات عوامل جدول مزد، دستورالعمل اجرایی طرح‌و لیست تطبیق وضع کارکنان با ضوابط طرح می‌باشد که تهیه وتنظیم و اجرای آن براساس ضوابط و رویه‌ها و دستورالعمل‌های‌وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود. تبصره برای دستیابی به استاندارد مشاغل در صنایع و حرف وفعالیتهای مختلف در هر صنعت یا حرفه وزارت کار و اموراجتماعی با همکاری کارگاههای ذیربط مشاغل را از نظر رشته وشرایط احراز و مهارت‌ها و توانایی‌ها، گروه یا طبقه شغلی شرح‌وظایف امتیازات متعلقه و نظایر آنها به تدریج استاندارد نموده و به‌واحدهای ذیربط ابلاغ خواهد کرد. ماده ۷. کارفرمایان مکلفند مابه‌التفاوت احتمالی مزد ناشی ازاجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل را از تاریخی که کارگاه مشمول‌اجرای طرح می‌شود به کارگران مشمول پرداخت نمایند. ماده ۸. هرگونه اصلاح و تجدیدنظر در طرحهای طبقه‌بندی‌مشاغلی که به تایید رسیده‌اند، موکول به تایید مجدد وزارت کار وامور اجتماعی است این آیین‌نامه در هشت ماده و سه تبصره در تاریخ ۱۲/۲/۷۱ به‌تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است

آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه بیکاری. مصوب ۶۹ (م ۱ تا م ۲۴)

ماده ۱. قانون بیمه بیکاری مصوب ۲۶/۶/۱۳۶۹ در این آیین‌نامه‌اختصارا قانون نامیده می‌شود. ماده ۲. کلیه مدیران و کارفرمایان کارگاه‌ها، موسسات تولیدی صنعتی و کشاورزی ، خدماتی فنی و خدماتی دارای کارکنان‌مشمول قانون تامین اجتماعی که تابع قوانین کار یا کشاورزی‌هستند موظف به اجرای مقررات این آیین‌نامه می‌باشند. ماده ۳. بیکار از نظر این آیین‌نامه بیمه‌شده‌ای است که بدون میل واراده بیکار شده و آماده کار باشد. تشخیص بیکاری بدون میل و ارادهو تاریخ وقوع بیکاری به‌عهده واحد کار و امور اجتماعی محل‌است ماده ۴. هرگونه تغییر یا بازسازی خط تولید، جابجایی کارگاه وماشین‌آلات به منظور کاهش وابستگی و بهینه کردن تولید که درراستای سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت صورت گیرد تغییرساختار اقتصادی تلقی می گردد و تصمیم‌گیری در مورد کارکنان این‌قبیل کارگاهها که موقتا بیکار شناخته شده و در چارچوب بند «الف ماده ۷ قانون از مقرری بیمه بیکاری استفاده خواهند نمود، به‌عهده شورای عالی کار می‌باشد. تبصره ۱. مدیران و کارفرمایان کارگاههای موضوع این

مادهموظفند طرح تغییر ساختار اقتصادی واحد خود را که به تصویبوزارتخانه ذی ربط (واحدهای تابعه در استانها) رسیده است همراهبا تقاضای کتبی تعهدات لازم و فهرست اسامی کارکنان مشمولطرح که موقتا بیکار خواهند شد با ذکر مدت زمان استفاده از مقرریبیمه بیکاری به واحد کار و امور اجتماعی محل تسلیم نمایند و پس‌از تأیید طرح توسط شورای عالی کار نسبت به اجرای آن اقدام کنند. تبصره ۲. واحدهای کار و امور اجتماعی مکلفند حداکثر ظرف ۱۵روز پس از دریافت طرح و تقاضای کتبی مدارک مربوط را همراه باگزارش بازرسی کار جهت اتخاذ تصمیم به شورای عالی کار ارسال‌نمایند. شورای عالی کار ظرف یک ماه پس از دریافت مدارک مربوطتصمیم خود را اعلام خواهد نمود. ماده ۵. کلیه مدیران و کارفرمایان و مجریان پروژه‌ها مکلفند حق‌بیمه بیکاری مشمولین قانون را به ترتیب مذکور در قانون تامین‌اجتماعی از تاریخ ۶/۵/۱۳۶۹ به شعب مربوط سازمان تامین‌اجتماعی پرداخت نمایند. تبصره ۱. مبنای پرداخت حق بیمه بیکاری مزد بیمه شده‌می‌باشد. تبصره ۲. سازمان تامین اجتماعی مکلف است با دریافت حق‌بیمه بیکاری طبق ضوابط قانون تامین اجتماعی به بیمه‌شدگانی که‌باتوجه به مقررات این آیین‌نامه بیکار شناخته شده و از طریق‌واحدهای کار و امور اجتماعی معرفی می‌شوند، مقرری بیمه‌بیکاری پرداخت نماید. ماده ۶. بیمه‌شدگانی که به‌علت بروز حوادث قهریه و غیرمترقبه ازقبیل سیل زلزله جنگ آتش‌سوزی و ... بیکار می‌شوند، درصورتی که سابقه پرداخت حق بیمه آنان کمتر از ۶ ماه باشد، مطابق‌با مشمولینی که دارای ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه می‌باشند ازمقرری بیمه بیکاری استفاده خواهند نمود. ماده ۷. بیمه شده بیکار موظف است ظرف ۳۰ روز از تاریخ‌بیکاری فرم تقاضای استفاده از مقرری بیمه بیکاری را تکمیل و به‌واحد کار و امور اجتماعی محل ارائه نماید. تبصره ۱. چنانچه بیمه‌شده بیکار در فاصله زمانی ۳۰ روز بعد ازبیکاری امکان مراجعه و یا اعلام بیکاری به واحد کار و اموراجتماعی و ارائه یا ارسال تقاضای استفاده از مقرری بیمه بیکاری راپیدا نکند تا ۳ ماه از تاریخ وقوع بیکاری فرصت دارد مدارک خود رامبنی بر عذر موجه همراه با تقاضای کتبی به واحد کار و اموراجتماعی محل به منظور طرح در هیات حل اختلاف ارائه نماید. درصورتی که هیات حل اختلاف استان مربوط عذر متقاضی را موجه‌تشخیص دهد مراتب را اعلام خواهد نمود. تبصره ۲. بیمه‌شده بیکار از تاریخ ارائه تقاضای استفاده از مقرری‌بیمه بیکاری آمادگی خود را برای اشتغال به کار تخصصی و یا مشابه‌آن اعلام نموده است و موظف است در فاصله زمانهای معینی که‌توسط واحد کار و امور اجتماعی تعیین می‌گردد در اداره کار و اموراجتماعی محل حضور یافته و دفاتر مربوط را امضا نماید. ماده ۸. واحدهای کار و امور اجتماعی موظفند حداکثر ظرف ۳۰روز پس از اخذ مدارک تکمیل شده (موضوع ماده ۷ این آیین‌نامه ،نسبت به غیرارادی بودن بیکاری متقاضی اظهارنظر نموده و درصورت تأیید، وی را کتبا به سازمان تامین اجتماعی معرفی نمایند.واحدهای اجرایی سازمان تامین اجتماعی مکلفند ظرف ۱۰ روزپس از ثبت معرفی‌نامه فرد بیکار، نسبت به احراز شرایط مندرج دربند «الف ماده ۶ قانون اظهارنظر و متعاقب آن مقرری بیمه بیکاری‌وی را برقرار نمایند. ماده ۹. بیکارانی که در زمان دریافت مقرری بیمه بیکاری با معرفی‌واحدهای کار و امور اجتماعی به شغل یا مشاغلی گمارده شوند که‌میزان حقوق و مزایای آنان کمتر از مقرری بیمه بیکاری باشد،مابه‌التفاوت حقوق و مزایای دریافتی تا میزان مقرری بیمه بیکاری‌متعلقه توسط سازمان تامین اجتماعی به آنان پرداخت خواهد شد.در این‌گونه موارد اشتغال بیمه‌شده بیکار و میزان حقوق و مزایای‌وی توسط واحد کار و امور اجتماعی محل به شعبه تامین اجتماعی‌پرداخت‌کننده مقرری بیمه بیکاری اعلام خواهد شد. ماده ۱۰. پرداخت مقرری بیمه بیکاری به مقرری‌بگیران دارای ۵۵سال سن و بیشتر در صورت عدم امکان اشتغال به کار آنان بدون‌رعایت بند «الف ماده ۷ قانون تا رسیدن به سن بازنشستگی‌موضوع ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی ادامه می‌یابد. ماده ۱۱. مقرری بیمه‌شدگانی که در حین استفاده از مقرری بیمه‌بیکاری به خدمت وظیفه عمومی اعزام می‌گردند در صورتی که‌متأهل نباشند قطع می‌گردد و پس از پایان خدمت وظیفه عمومی درصورت عدم اشتغال با معرفی واحد کار و امور اجتماعی مجددانسبت به باقیمانده مدت استحقاقی مقرری آنان برقرار خواهد شد. ماده ۱۲. در مورد کارگرانی که در حین استفاده از مقرری بیمه‌بیکاری براساس حکم صادرشده از سوی مراجع ذی صلاح بازداشت‌یا زندانی

می گردند در صورت صدور رأی مراجع مذکور مبنی برمجرمیت آنان مشروط بر آن که متأهل نباشند پرداخت مقرری بیمه‌بیکاری متوقف می گردد و پس از گذراندن دوره محکومیت به شرط‌عدم اشتغال با معرفی واحد کار و امور اجتماعی مجددا برقرارخواهد شد. ماده ۱۳. چنانچه دریافت‌کننده مقرری بیمه بیکاری حائز شرایط‌استفاده از مستمریهای بازنشستگی و یا ازکارافتادگی کلی گردد،مقرری بیمه بیکاری وی قطع و مستمریهای مذکور طبق قانون‌تامین اجتماعی برقرار می گردد. تبصره ملاک انجام حمایتهای موضوع قانون تامین اجتماعی درایام دریافت مقرری بیمه بیکاری حقوق و مزایای مبنای کسر حق‌بیمه زمان اشتغال بیمه‌شده بیکار خواهد بود. ماده ۱۴. در صورتی که در طول مدت دریافت مقرری بیمه بیکاری‌در تعداد افراد تحت تکفل بیمه‌شده تغییراتی حاصل شود، میزان‌مقرری وی طبق مقررات بند «ب ماده ۷ قانون محاسبه و پرداخت‌خواهد شد. بیمه‌شده مکلف است تغییرات تعداد عائله خود را با ارائه مدارک‌مثبته به شعبه پرداخت‌کننده مقرری و واحد کار و امور اجتماعی‌محل اطلاع دهد. تبصره احراز کفالت خواهر و برادر بیمه‌شده بیکار به عهده وزارت‌کار و امور اجتماعی خواهد بود. ماده ۱۵. دریافت‌کننده مقرری بیمه بیکاری در صورت اشتغال‌مجدد مکلف است حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ اشتغال مراتب رابه واحد کار و امور اجتماعی و شعبه پرداخت‌کننده مقرری کتبااعلام نماید. ماده ۱۶. واحدهای کار و امور اجتماعی مکلفند مشخصات‌مقرری‌بگیرانی را که بدون عذر موجه از شرکت در دوره‌های کارآموزی یا سوادآموزی و یا قبول شغل تخصصی یا شغل‌مشابه‌پیشنهادی خودداری می‌نمایند با ذکر تاریخ امتناع به سازمان تامین‌اجتماعی اعلام نمایند. سازمان تامین اجتماعی موظف است مقرری بیمه بیکاری این قبیل‌افراد را از تاریخ امتناع قطع نماید. ماده ۱۷. واحد کار و امور اجتماعی محل مکلف است در صورت‌اطلاع از اشتغال به کار بیمه‌شده که مقرری بیمه بیکاری دریافت‌می‌نماید، فورا بررسی نموده و پس از احراز اشتغال به کارمقرری‌بگیر مراتب را به شعبه پرداخت‌کننده مقرری جهت قطع‌مقرری اعلام نماید. چنانچه سازمان تامین اجتماعی نیز به نحوی از انحا از اشتغال به کارمقرری‌بگیر مطلع گردد، لازم است ضمن قطع مقرری بیمه‌شده‌مراتب را به واحد کار و امور اجتماعی محل اعلام نماید. تبصره در صورت اعتراض کارگر نسبت به قطع مقرری توسط‌سازمان تامین اجتماعی واحد کار و امور اجتماعی مکلف است‌مراتب را بررسی و اعلام نظر نماید. نظر واحد کار و امور اجتماعی‌قطعی و لازم‌الاجراست ماده ۱۸. مقرری بیمه بیکاری بیمه‌شدگانی که با دریافت مزد ایام‌بلاتکلیفی به کار اعاده می گردند قطع می‌شود و این قبیل افرادمکلفند مقرری دریافتی در دوران مزبور را طبق اعلام سازمان تامین‌اجتماعی مسترد نمایند. مدیران و کارفرمایان بیمه‌شدگان موضوع‌این ماده و واحدهای کار و امور اجتماعی مکلفند مراتب اعاده به کارمقرری‌بگیر را کتبا به شعبه پرداخت‌کننده مقرری اطلاع دهند. تبصره مدیران و کارفرمایان بیمه‌شدگان موضوع این ماده مکلفندحق بیمه‌های موضوع ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی و ماده ۵ قانون‌بیمه بیکاری مربوط به ایام بلاتکلیفی را طبق ضوابط مقرر به‌سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمایند. ماده ۱۹. در مواردی که بیمه‌شده بیکار تحت هر عنوان من غیر حق‌مبالغی را از صندوق بیمه بیکاری دریافت نموده باشد، ملزم به‌پرداخت وجوه دریافتی مذکور خواهد بود. سازمان تامین اجتماعی با استفاده از اختیارات اجرایی ناشی ازقانون تامین اجتماعی نسبت به وصول وجوه موضوع این ماده اقدام‌می‌نماید. ماده ۲۰. در اجرای ماده ۹ قانون کلیه مدیران و کارفرمایان موظفندفرصتهای اشتغال واحد خود را با هماهنگی شوراهای اسلامی کار یانمایندگان کارگران به مراکز خدمات اشتغال محل اعلام نمایند. تبصره مراکز خدمات اشتغال مکلفند ظرف ۳۰ روز نسبت به‌تامین و معرفی نیروی کار مورد نیاز که از طرف مدیران و کارفرمایان‌به آنان اعلام می‌شود اقدام نمایند و در غیر این صورت مراتب عدم‌امکان تامین نیروی مذکور را کتبا به واحد درخواست‌کننده اطلاع‌دهند. ماده ۲۱. کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی که به نحوی از انحاپروانه کسب و کار و موافقت اصولی و اجازه تأسیس واحدهای‌تولیدی و صنعتی و کشاورزی و خدمات فنی را صادر می‌نمایندموظفند بیمه‌شدگانی را که مقرری بیمه بیکاری دریافت می‌نمایندبراساس معرفی واحدهای کار و امور اجتماعی جهت اخذمجوزهای کسب و کار و موافقت اصولی در اولویت قرار دهند. تبصره مقرری بیمه‌شدگان بیکاری که با استفاده از مزایای قانون‌بیمه بیکاری و این آیین‌نامه موفق به اخذ

پروانه کسب و کار و یاموافقت اصولی می‌شوند از تاریخ آغاز بهره‌برداری و کسب و کارطبق اعلام وزارت کار و امور اجتماعی قطع می‌گردد. ماده ۲۲. آن دسته از بیمه‌شدگانی که تاریخ وقوع بیکاری آنان قبل ازتاریخ ۶/۵/۱۳۶۹ باشد از هر حیث مشمول قانون و مقررات ودستورالعملهای مربوط به قانون دوره آزمایشی بیمه بیکاری‌خواهند بود. ماده ۲۳. در اجرای ماده ۱۲ قانون اعتبار لازم جهت هزینه‌های‌اداری و پرسنلی وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تامین‌اجتماعی در اجرای قانون بیمه بیکاری و این آیین‌نامه براساس‌توافق وزرای بهداشت درمان و آموزش پزشکی و کار و اموراجتماعی از محل درآمدهای ناشی از قانون بیمه بیکاری تعیین‌می‌گردد و به مصرف می‌رسد. ماده ۲۴. مقررات این آیین‌نامه از تاریخ اتمام دوره قانون آزمایشی‌بیمه بیکاری ۶/۵/۱۳۶۹ لازم الاجراست حسن حبیبی معاون اول رییس‌جمهور

آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۷۱ همراه با اصلاحات بعدی (م ۱ تا م ۱۷)

الف ـ چگونگی‌صدور، تمدید، تجدید و لغو پروانه کار اتباع خارجی ماده ۱. پروانه کار اتباع خارجی که روادید با حق کار آنان موردموافقت هیات فنی اشتغال اتباع خارجی موضوع تبصره ماده (۱۲۱)قانون کار قرار گرفته است توسط وزارت کار و امور اجتماعی ـ اداره‌کل اشتغال اتباع خارجی ـ صادر می‌شود. تبصره ۱. صدور روادید با حق کار در مورد اتباع خارجی موضوع۹ ماده (۱۲۲) قانون کار جمهوری اسلامی ایران از شمول این ماده‌مستثنی بوده و وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند حسب موردرأساً اقدام نماید. تبصره ۲. وزارت کار و امور اجتماعی مجاز است در مواردإستثنایی موضوع ماده (۱۲۶) قانون کار جمهوری اسلامی ایران‌بدون رعایت تشریفات مربوط به صدور روادید کار و با رعایت‌سایر قوانین مربوط پروانه کار موقت سه ماه صادر نماید؛ ولی‌تمدید پروانه کار این‌گونه افراد، پس از تایید هیات فنی اشتغال مجازخواهد بود. ماده ۲. کارفرمایانی که از خدمات اتباع خارجی استفاده می‌نمایندمکلفند مدارک لازم جهت صدور پروانه کار اتباع یاد شده را ظرف‌مدت یکماه از تاریخ ورود تبعه خارجی به کشور، به واحدهای ذی‌ربط در وزارت کار و امور اجتماعی ارائه نمایند. در غیر این‌صورت‌وزارت کار و امور اجتماعی به استناد ماده (۱۸۱) قانون کار، مراتب‌را به مراجع قضایی اعلام می‌نماید. ماده ۳. صدور پروانه کار جهت کارشناسان و متخصصین خارجی‌موردنیاز دولت پس از تایید هیات فنی اشتغال اتباع خارجی وتصویب مجلس شورای اسلامی در هر مورد توسط اداره کل اشتغال‌اتباع خارجی انجام می‌گیرد. تبصره شرایط استخدامی کارشناسان و متخصصین فنی خارجی‌موردنیاز بخش دولتی و اجازه صدور پروانه کار بنا به پیشنهادوزارت کار و امور اجتماعی و سازمان امور اداری و استخدامی‌کشور، به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید. ماده ۴. کارفرمایانی که از خدمت اتباع خارجی استفاده می‌نمایند،مکلفند در صورت تمایل به تمدید پروانه کار کارشناسان خارجی‌شاغل در واحدهای خود، مدارک لازم را جهت تمدید پروانه کار به‌انضمام گزارش عملکرد برنامه آموزشی حداقل یک ماه قبل ازانقضای اعتبار پروانه کار به واحدهای ذی‌ربط وزارت کار و اموراجتماعی ارائه نمایند. ماده ۵. تمدید پروانه کار اتباع خارجی موضوع ماده (۳) این‌آیین‌نامه توسط وزارت کار و امور اجتماعی بلامانع است تبصره هرگونه افزایش در نیروی کار خارجی طرحها، یا تغییر درنوع تخصصهای مصوب قبلی منوط به طرح مجدد موضوع درهیات فنی اشتغال اتباع خارجی خواهد بود. ماده ۶. کلیه درخواستهای تمدید پروانه کار اتباع خارجی شاغل دربخش خصوصی ـ در هر نوبت تمدید ـ در هیات فنی اشتغال اتباع‌خارجی مطرح و تصمیم‌گیری خواهد شد. ماده ۷. اتباع خارجی دارای پروانه کار معتبر که قرارداد استخدامی‌آنان با کارفرما به هر دلیل فسخ می‌گردد، در صورت تغییر کارفرما،مشمول تجدید پروانه کار می‌شوند. ماده ۸. تجدید پروانه کار اتباع خارجی ـ در موارد تغییر کارفرما یانوع کار ـ به استثنای اتباع موضوع ماده (۱۲۲) قانون کار، پس ازموافقت هیات فنی اشتغال اتباع خارجی توسط واحدهای ذیربط‌وزارت کار و امور اجتماعی انجام می‌گیرد. ماده ۹. در مواردی که رابطه استخدامی تبعه خارجی با کارفرما قطع‌می‌گردد، کارفرما مکلف است حداکثر ظرف پانزده روز مراتب راجهت ابطال و ضبط پروانه

کـار تبعه خـارجی به واحـدهای ذیربـطوزارت کار و امور اجتماعی اعلام نمایـد. با متخلفین در این زمینه‌طبق ماده (۱۸۱) قانون کار رفتار خواهـد شـد. تبصـره اشـتغال مجـدد تبعه خارجی که پروانه کار وی ابطال گردیـده‌است به هر صورت مشـمول مراحل صـدور پروانه کار خواهد شد. ماده ۱۰. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به لغو پروانه‌کار اتباع خارجی که شئون اسلامی قوانین و مقررات جاری کشور وموازین انسانی روابط کار را براساس گزارش و اعلام مراجع ذیصلاح‌رعایت ننمایند، اقدام نماید. تبصره ۱. وزارت کـار و امور اجتمـاعی می‌توانـد پس از لغو پروانه‌کـار، اخراج تبعه خارجی از کشور را از مراجع ذیصـلاح درخواست‌نمایـد. تبصره ۲. وزارت کـار و امـور اجتمـاعی در صورت لزوم می‌توانـد ازمراجع ذیصـلاح ممنوعیت ورود اتبـاع بیگـانه‌ای که بیش از دو بارمرتکب تخلفات موضوع این ماده شده‌انـد را درخواست نماید. ماده ۱۱. روش اجرایی و مدارک لازم جهت صدور روادید ورود باحق کار و همچنین صـدور، تمدیـد و تجدیـد پروانه کار اتباع خارجی‌به‌موجب دسـتورالعملی می‌باشـد که بنا به پیشـنهاد اداره کل اشتغال‌اتباع خارجی به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی می‌رسـد. ب ـ هیات فنی اشـتغال اتباع خارجی ماده ۱۲. هیات فنی اشتغال اتبـاع خـارجی درخصوص اعطـای اجازه‌کـار به متخصصـین خارجی با توجه به موارد زیر بررسـی و اتخاذتصـمیم خواهـد نمود: ۱ ـ استفاده از اطلاعات دقیق و به هنگام از عرضه و تقاضای بازار کارداخلی در اجرای سیاست‌های کلی اشتغال اتباع خارجی ۲ ـ توجه و نظارت بر اعمال سیاستهای کلی اشتغال اتباع خارجی درزمینه تأمین کمبود نیازهای بازار کار داخلی با رعایت قوانین ومقررات ۳ ـ بررسـی و نظارت و پیگیری برنامه‌های آموزش زمان‌بنـدی شده‌واحد اسـتفاده‌کننده از خدمات تبعه خارجی ۴ ـ بررسـی و نظارت بر تحقق امر انتقـال مهـارت و جـایگزینی افرادایرانی به‌جـای تبعه خارجی ۵ ـ نظـارت بر تعییـن و تاییـد میزان مهـارت تبعه خـارجی در ظرف‌مـدت اعتبار پروانه کار. ماده ۱۳. ترکیب اعضای هیات فنی اشـتغال اتباع خارجی به شـرح‌زیر است ۱ ـ دو نفر نماینـده وزارت کار و امور اجتماعی به تشخیص وزیر وامور اجتماعی ۲ ـ یک نفر نماینده دستگاه استفاده‌کننده از تبعه خارجی ۳ ـ یک نفر نماینده سازمان امور اداری و استخدامی کشور. ۴ ـ یک نفر نماینده سازمان برنامه و بودجه ماده ۱۴. جلسات هیات فنی اشتغال اتباع خارجی حـداقل هفته‌ای‌دوبار با دعوت قبلی در محل وزارت کار و امور اجتماعی و به‌ریاست یکی از نماینـدگان آن وزارتخانه به تشـخیص وزیر کار و اموراجتماعی تشکیل می‌گردد. ماده ۱۵. جلسات با حضور چهار نفر از اعضاء، رسـمیت می‌یابد وتصـمیمات اتخاذ شده در صورت وجود حـداقل سه رای موافق معتبر خواهد بود. ماده ۱۶. اداره کل اشتغال اتباع خارجی موظف به اجرای تصمیمات‌هیات فنی اشتغال اتباع خارجی خواهد بود. ماده ۱۷. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند برحسب مورد،هیاتهای فنی اشتغال را در استانها تشـکیل دهـد و تمـام یا قسـمتی ازاختیارات هیات فنی اشـتغال در مرکز را به آنان محول نمایـد. تبصـره ترکیب و چگونگی تشـکیل هیـات فنی اشـتغال دراسـتانهابراساس دسـتورالعملی می‌باشـد کـه بـه تصـویب وزارت کـار وامـور اجتمـاعی می‌رسـد. معـاون اول رییس‌جمهور ـ حسن حبیبی

آیین‌نامه طرز اجرای آرای قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف (موضوع تبصره ۲ ماده ۳۵ ق.ک) (ماده ۱

اشاره

موضوع ماده ۱۶۶ قانون کار مصوب ۱۲/۳/۱۳۷۰ هیات وزیران ماده ۱. کلیه آرای قطعی هیات های تشخیص و حل اختلاف‌به‌وسیله «اجرای دادگاه‌های دادگستری به مورد اجراء گذاشته‌می‌شود. ماده ۲. مرجع صلاحیتدار برای اجرای آرای قطعی هیات‌های‌تشخیص و حـل اختلاـف «اجرای دادگاه محل کارگاهی است که‌موضوع اجرائیه از لحاظ نصاب در صـلاحیت آن دادگاه می‌باشـد وچنانچه موضوع اجرائیه غیرمالی باشـد اجرای آن به عهده «اجرای‌دادگاه حقوقی یک و در صورتی که دادگاه حقوقی یک در محل‌نباشد به عهـده «اجرای دادگاه حقوقی دو مستقل خواهـد بود. ماده ۳. محکوم‌له احکام قطعی مـذکور، بایـد در موقع تقاضای‌صـدور اجرائیه

يک نسخه رونوشت مصدق ابلاغ شده رأی قطعی راپيوست تقاضانامه خود نموده و به «اجرای دادگاه تسليم نمايد. ماده ۴. ترتيب اجرای آرای قطعی هيات‌هـای تشخيص و حل‌اختلاف تابع احکام و مقررات اجرای احکام مربوط به محاکم‌دادگستری است معاون اول رييس‌جمهور ـ حسن حبيبی

فصل اول نظام کارمزدی(م ۲ تا م ۱۱)

ماده ۱. در اجرای تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون کار جمهوری اسلامی‌ايران ضوابط و مزايا و مشاغل قابل شمول به نظام‌های کارمزدی مزد ساعتی و کارمزد ساعتی به‌موجب اين آيين‌نامه به مورد اجراگذاشته می‌شود. فصل اول نظام کارمزدی ماده ۲. کارمزد عبارت است از مزدی که بـابت انجام مقدار کاری‌مشخص که از نظر کمی قابل انـدازه‌گيری يـا شمارش باشد به ازای هرواحد کـار تعيين و پرداخت می‌شود. تبصره کـارمزد برحسب آنکه حاصل کار موردنظر مربوط به يک‌نفر يا يک گروه مشخصی از کارگران کارگاه باشـد به ترتيب به صورت‌کـارمزد انفرادی کـارمزد گروهی و کارمزد جمعی تعيين می گردد. در نظام کارمزد گروهی و جمعی بايد علاوه بر شغل هريک ازکـارگران سهم هريک در ميزان فعاليت و کـارمزد متعلقه از قبل‌مشخص گردد و موضوع مورد قبول کارگران باشد. ماده ۳. قرارداد کـارمزدی برحسب آنکه اولين واحد يا قطعه ملاک‌محاسبه کارمزد قرار گيرد ساده و چنانچه برای مازاد بر تعدادمشخص باشد ترکيبی است در صورت ترکيبی بودن نرخ کارمزد تعيين شده نبايد کمتر از جمع‌مزد ثابت تقسيم بر تعداد کاری که مزد ثابت بابت آن تعيين شده‌است باشد. ماده ۴. در صورت توقف کـار به واسطه قوای قهريه يـا حوادث‌غيرقابل پيش‌بينی که وقوع آن از اراده طرفين خارج باشد مقررات‌ماده ۱۵ قانون کار اجرا خواهد شد. ولی هرگاه عوامل توقف کاربرای کارفرما قابل پيش‌بينی بوده و خارج از اختيار کـارگر باشـد،کارفرما علاوه بر مزد ثابت (در مورد قرارداد کـار ترکيبی مکلف به‌پرداخت مزد مدت توقف کار به مأخذ متوسط کارمزد آخرين ماه‌کارکرد کارگر خواهد بود. در صورت بروز اختلاف تشخيص موارد‌فوق با وزارت کار و امور اجتماعی است تبصره مجموع مزد کارمزدی که براساس اين آيين‌نامه پرداخت‌می‌شود نبايد کمتر از حداقل مزد قانونی به نسبت ساعات عادی کارباشد. ماده ۵. ارجاع کـار اضافی به کارگران کارمزدی علاوه بر ساعات‌عادی کار و نيز کـار نوبتی و کـار در شب برای آنان تابع مقررات‌مربوطه می‌باشـد. مأخـذ محاسـبه فوق العاده اضافه‌کـاری نوبت‌کـاری يا شب‌کاری‌کارگران کارمزد نرخ کارمزد آنان است ماده ۶. چنانچه به‌جای روز جمعه روز ديگری به عنوان تعطيل‌هفتگی توافق شده باشد نرخ کارمزد و نيز مزد ثابت (در مورد قراردادکار ترکيبی در روز جمعه ۴۰٪ اضافه می‌شود. ماده ۷. نحوه محاسبه مزد روزهای تعطيل و جمعه و روزهای‌تعطيل رسمی و مرخصی کـارگران کـارمزد تابع ماده ۴۳ قانون کارمی‌باشد. ماده ۸. هرگاه قرارداد کـارمزدی به‌صورت پاره‌وقت (کمتر از حداکثرساعات قانونی کـار) باشد، مزايای رفاهی و انگيزه‌ای به نسبت‌ساعات کار مورد قرارداد و به مأخذ ساعات کـار قانونی محاسبه وپرداخت می‌شود. ماده ۹. مأخذ محاسبه مزد، حقوق ، حق سنوات و خسارات ومزايای پايان کـار موضوع مواد ۱۸، ۲۰، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲ قانون کـاردر مورد کـارگران کـارمزد ميانگين مجموع پرداختی‌ها در آخرين ۹۰روز کارکرد کارگر است ماده ۱۰. در صورتی که به‌موجب عرف و رويه ديگری در کارگاه مزدو مزايايی بيش از آنچه در اين آيين‌نامه مقرر شده است جاری باشد،عرف و رويه مذکور برای کارگران مشمول و همچنين کارگرانی که‌بعداً به صورت کارمزدی در کارگاه استخدام می‌شوند جاری است ماده ۱۱. تغيير نظام کارمزدی به ساير نظام‌های مزدی يا بالعکس درمورد تمام يا قسمتی از کارکنان در کارگاه بايستی پس از تاييد شورای‌اسلامی کار يا انجمن صنفی و يا نمايندگان قانونی کارگران کارگاه به‌تصويب وزارت کار و امور اجتماعی برسد.

فصل دوم نظام مزد ساعتی(م ۱۲ تا م ۲۰)

ماده ۱۲. مزد ساعتی مزدی است که بابت ساعاتی که وقت کارگردر اختیار کارفرماست محاسبه و پرداخت می‌شود. ماده ۱۳. در قراردادهای مزد ساعتی نوع کار (صرف‌نظر از مقدار ومیزان آن و نیز ساعات کار در روز یا هفته یا ماه مشخص می گردد. ماده ۱۴. در نظام مزد ساعتی کارفرما مکلف است علاوه بر مزدثابت مزایای رفاهی از قبیل حق مسکن حق خواربار و کمک‌عائله‌مندی را به نسبت ساعات کار محاسبه و به‌کارگرپرداخت‌نماید. ماده ۱۵. اعمال نظام کارمزد ساعتی در موارد زیر مجاز است الف ـ متصدیان حمل و نقل کالا و مسافر. ب ـ کارگران مطب‌های خصوصی پزشکان کلینیک‌های پزشکی وپیراپزشکی و دامپزشکی و نظایر آنها در صورتی که مدت فعالیت‌آنها کمتر از حداکثر ساعات قانونی کار در شبانه‌روز باشد. ج ـ مشاغل غیر تمام‌وقت در زمینه‌های مشاوره و نظایر آن د ـ مشاغل مربوط به نگهداری و مراقبت از اموال تأسیسات وساختمان و حیوانات به شرطی که ساعات کار کمتر از حداکثرساعات قانونی کار در شبانه‌روز باشد. ه ـ مشاغل آموزشی و پژوهشی تبصره ۱. حکم این ماده مانع از اعمال سایر نظام‌های مزدی درفعالیت‌های مذکور نخواهد بود. تبصره ۲. استفاده از نظام مزد ساعتی جز در موارد مصرحه در این‌ماده موکول به اخذ موافقت وزارت کار و امور اجتماعی است ماده ۱۶. مزد کارگرانی که مشمول نظام مزد ساعتی می‌باشند به‌تناسب ساعات کار عادی کار در شبانه‌روز نباید کمتر از مزد مشاغل‌مشابه در نظام روزمزدی باشد. ماده ۱۷. در کارگاههایی که فعالیت آنها جنبه استمرار دارد یابه‌صورت فصلی فعالیت می کنند کارگران مشمول مزد ساعتی حق‌استفاده از مرخصی و تعطیلات رسمی با استفاده از مزد را دارند. هرگاه نوع کار طوری باشد که تعداد ساعات کار عادی و مجموع مزدهر روز مساوی باشند مزد ایام مذکور معادل روزهای کار است درغیر این صورت ماخذ محاسبه میانگین مزد ساعتی کارگر درروزهای آخرین ماه کار وی خواهد بود. مبلغ پرداختی در هر حال‌نباید کمتر از حداقل مزد قانونی باشد. ماده ۱۸. ماخذ محاسبه مزد، حقوق ، حق سنوات و خسارات ومزایای پایان کار موضوع مواد ۱۸، ۲۰، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲ قانون کاردر مورد کارگران مشمول نظام مزد ساعتی میانگین مجموع‌پرداختی‌ها در آخرین ۹۰ روز کارکرد کارگر است ماده ۱۹. در کارگاههایی که دارای عرف و رویه خاص در مورد مزدساعتی می‌باشند در صورتی که براساس عرف و رویه موجود مزد ومزایایی بیش از ضوابط مقرر در این آیین‌نامه به کارکنان مشمول‌پرداخت نمایند عرف و رویه مذکور مناط اعتبار است ماده ۲۰. تغییر نظام ساعتی به سایر نظام‌های مزدی در اجرای ماده۲۶ قانون کار با موافقت کارکنان مشمول و تایید وزارت کار و اموراجتماعی امکان‌پذیر است

فصل سوم نظام کارمزد ساعتی (م ۲۱ تا م ۳۰)

ماده ۲۱. کارمزد ساعتی مزدی است که در مقابل انجام کار مشخص‌در زمان مشخص پرداخت می‌شود. در قرارداد کارمزد ساعتی بایدمیزان و مقدار کار متناسب با زمان مشخص باشد. ماده ۲۲. کارمزد ساعتی برحسب آنکه حاصل کار مورد نظر مربوطبه یک نفر یا گروه مشخصی از کارگران یا مجموعه کارگران کارگاه‌باشد به ترتیب به صورت کارمزد ساعتی انفرادی کارمزد ساعتی گروهی و کارمزد ساعتی جمعی تعیین می گردد. در نظام کارمزد ساعتی گروهی و جمعی باید علاوه بر شغل هریک‌از کارگران سهم هریک در میزان فعالیت و کارمزد ساعتی متعلقه ازقبل مشخص گردد و موضوع مورد قبول کارگران باشد. ماده ۲۳. در نظام کارمزد ساعتی کارفرما مکلف است علاوه برکارمزد، مزایای رفاهی از قبیل حق مسکن حق خواربار و کمک‌عائله‌مندی را به نسبت ساعات کار محاسبه و به کارگر پرداخت‌نماید. ماده ۲۴. مزد کارگرانی که مشمول نظام کارمزد ساعتی می‌باشند به‌تناسب ساعات عادی کار در شبانه‌روز نباید کمتر از مزد مشاغل‌مشابه در نظام روزمزدی باشد. ماده ۲۵. در کارگاههایی که فعالیت آنها جنبه مستمر دارد و یابه‌صورت فصلی فعالیت می‌کنند کارگران مشمول کارمزد ساعتی‌حق استفاده از مرخصی و تعطیلات رسمی با استفاده از مزد را دارند. هرگاه نوع کار طوری باشد که تعداد ساعات کار عادی و مجموع‌کارمزد هر روز مساوی باشند مزد ایام

مذکور معادل کارمزد روزهای‌کار است در غیر این صورت مأخذ محاسبه‌میانگین کارمزد ساعتی‌کارگر در روزهای کار آخرین ماه کار خواهـد بود. مبلغ پرداختی در هرحال نباید کمتر از حداقل مزد قانونی باشد. ماده ۲۶. مأخذ محاسبه مزد، حقوق ، حق سنوات و خسارات ومزایای پایان کار موضوع مواد ۱۸، ۲۰، ۲۷، ۲۹، ۳۱ و ۳۲ قانون کاردر مورد کارگران مشمول کارمزد ساعتی میانگین مجموع‌پرداختی‌ها در آخرین ۹۰ روز کارکرد کارگر است ماده ۲۷. در کارگاه‌هایی که دارای عرف و رویه خاص در موردپرداخت کارمزد ساعتی می‌باشند درصورتی که براساس عرف ورویه موجود مزد و مزایایی بیش از ضوابط مقرر در این آیین‌نامه به‌کارکنان مشمول پرداخت می‌شود، عرف و رویه مذکور مناط اعتبارخواهد بود. ماده ۲۸. تغییر نظام کارمزد ساعتی به سایر نظام‌های مزدی دراجرای ماده ۲۶ قانون کار با موافقت کارکنان مشمول و تأیید وزارت‌کار و امور اجتماعی امکان‌پذیر است ماده ۲۹. مشاغل قابل شمول در نظام کارمزد ساعتی نوعا مشاغلی‌هستند که استاندارد زمان انجام کار توسط ابزار و یا دستگاه مورداستفاده از قبل مشخص شده و قابل مشخص شدن باشند. استفاده ازنظام کارمزد ساعتی در کارگاه‌هایی که فعالیت آنها جنبه مستمر داردو یا به‌صورت فصلی یا در مقاطع زمانی خاص فعالیت دارند موکول‌به اخذ موافقت اداره کار و امور اجتماعی محل است ماده ۳۰. سایر مقررات قانون کار و ضوابط و مقررات قانونی ناظربه کارگران که در این آیین‌نامه اشاره به آنها نگردیده در مورد کارگران‌مشمول نظام کارمزدی مزد ساعتی و کارمزد ساعتی نیز حاکم است تبصره فعالیت‌هایی که توسط صاحبان حرف پیشه و مشاغل‌آزاد مستقیما به مصرف‌کننده عرضه می‌شود و در مدت معین ومحدود انجام می‌گیرند مشمول این آیین‌نامه نخواهند بود. (مانندمعلمین خصوصی که به‌طور پاره‌وقت و غیرمستمر انجام وظیفه‌می‌نمایند.) این آیین‌نامه در اجرای تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون کار مشتمل بر ۳۰ماده و ۵ تبصره از طرف شورای عالی کار پیشنهاد و در تاریخ ۱۹/۱۱/۷۰ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است

آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به بند (۱) ماده (۸۱) قانون تأمین اجتماعی . مصوب ۷۵ . (م ۱ تا

ماده ۱ ـ همسران بیمه شدگان متوفی که مجددا ازدواج دایم کرده‌اند و به‌تبع آن مستمری آنها قطع شده است از تاریخ فوت شوهر دوم‌مجددا و با رعایت مقررات مربوط از مستمری یاد شده برخوردارمی‌شوند. تبصره ـ مستمری آن دسته از همسران بیمه‌شدگان متوفی که مشمول‌قانون تامین اجتماعی بوده و شوهر دوم آنها قبل از تاریخ اجرای این‌قانون فوت کرده است در صورتی که شوهر دایم دیگری اختیارنکرده باشند، از تاریخ مراجعه و ارایه درخواست کتبی پرداخت‌می‌شود. ماده ۲ ـ مستمری موضوع این آیین نامه شامل فوت همسر سوم و بعداز آن نمی‌شود. ملاک تشخیص و شناسایی شوهر دوم و فوت اومدارك رسمی مثبته است ماده ۳ ـ بار مالی ناشی از اجرای این قانون صرفا از محل سه درصد(۳٪) حق بیمه سهم دولت تامین می‌شود و سازمان برنامه و بودجه‌موظف است حق بیمه‌های سهم دولت را همه ساله و به طورعلی‌الحساب در بودجه کل کشور منظور و به حساب سازمان تامین‌اجتماعی واریز کند.معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین‌نامه انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار (مصوب ۶۴) (م ۱ تا م ۲۳)

ماده ۱. در اجرای ماده ۱ قانون شوراهای اسلامی کار در واحدهای‌تولیدی صنعتی کشاورزی و خدمات که بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم‌مشمول قانون کار (صنعتی و کشاورزی داشته باشند شورای‌اسلامی کار که در این آیین‌نامه به اختصار شورا نامیده می‌شود،توسط وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد. تبصره ۱. ملاک تعیین تعداد کارکنان هر واحد فهرست حقوقی ماه‌گذشته کارکنان قبل از تشکیل شورا و در صورت اختلاف فهرست‌حقوقی سه ماه قبل از انتخابات می‌باشد. تبصره ۲. تعیین نوع فعالیت واحد مطابق تعریفی است که دراساسنامه آن واحد قید گردیده است تبصره ۳. از نظر این آیین‌نامه شاغل دائم به افرادی

اطلاق می‌شودکه در یکی از مشاغل دائم واحد مربوطه مشغول فعالیت باشند. ماده ۲. واحدهایی که کار عمده آنها فصلی است چنانچه فصل کارآنها در دو سال متوالی در هر سال کمتر از ۶ ماه نباشد بنا به تشخیص‌وزارت کار و امور اجتماعی و با رعایت ماده یک این آیین‌نامه‌می‌توانند نسبت به تشکیل شورا اقدام نمایند. ماده ۳. تشخیص شرکتهای بزرگ دولتی و همچنین زمان تشکیل‌شورا در آنها با کسب نظر از دستگاه مربوطه به عهده شورای عالی کار (موضوع ماده ۵۵ قانون کار) می‌باشد. ماده ۴. به منظور انتخاب اعضای شورا، مجمع عمومی کارکنان‌موضوع تبصره ۱ ماده ۱ قانون که تعیین‌کننده خط مشی شورا درچهارچوب قانون و آیین‌نامه اجرایی آن می‌باشد از کلیه کارکنان‌واحد، به استثنای مدیریت تشکیل می‌شود. تبصره منظور از مدیریت در این آیین‌نامه اعضای اصلی وعلی‌البدل هیات مدیره مدیرعامل و قائم مقام مدیرعامل و مدیرواحد می‌باشد. ماده ۵. وزارت کار و امور اجتماعی جهت تشکیل شورا و نظارت‌بر انتخاب آن نماینده‌ای تعیین و به کارکنان و مدیریت واحد معرفی‌می‌نمایند. ماده ۶. نماینده وزارت کار و امور اجتماعی با هماهنگی مدیریت واز طریق نشر آگهی کارکنان واحد را به تشکیل اولین مجمع عمومی‌جهت انتخاب نماینده مجمع در هیات تشخیص صلاحیت دعوت‌می‌نماید. تبصره ۱. انتخابات برطبق تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیل شوراهای‌اسلامی کار انجام خواهد شد. تبصره ۲. نماینده کارکنان در هیات تشخیص نباید داوطلب‌عضویت در شورا باشد. ماده ۷. وزارت کار و امور اجتماعی برای تشکیل مجمع عمومی‌کارکنان و انتخاب اعضای شورا اقدامات زیر را از طریق مقتضی و باجلب همکاری کارکنان و مدیریت واحدها انجام خواهد داد: الف ـ توجیه و راهنمایی کارکنان واحد در مورد قانون شوراها وآیین‌نامه‌های مربوط ب ـ فراهم آوردن زمینه تشکیل مجمع عمومی و دعوت کارکنان‌برای شرکت در آن ج ـ تعیین دقیق تعداد اعضای مجمع عمومی در اجرای تبصره ۱ ماده۱ و ماده ۱۵ قانون د ـ تعیین تعداد اعضای شورای اسلامی (موضوع ماده ۱۷ قانون . ه ـ تعیین محل و زمان انتخابات پس از هماهنگی با مدیریت و ـ دریافت اسامی کاندیداهای عضویت در شورای اسلامی و ارائه‌آن به هیات تشخیص صلاحیت ز ـ همکاری با هیات تشخیص صلاحیت جهت تهیه اطلاعات ومدارک مورد نیاز. ح ـ نصب کلیه آگهی‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به انتخابات و تشکیل‌مجمع عمومی در محل مناسب ط ـ اقدام لازم جهت تشکیل جلسه مجمع عمومی به منظور انتخاب‌اعضای شورا حداکثر ظرف یکماه پس از پایان مهلت اعلام داوطلبی‌باتوجه به مواد ۱۰ و ۱۲ این آیین‌نامه ی ـ تهیه صندوقهای رای و برگه‌های انتخابات و مهر هیات نظارت‌بر انتخابات ک ـ اعلام اسامی کاندیداهای عضویت در شورای اسلامی پس ازتأیید هیات تشخیص صلاحیت و حداقل یک هفته قبل از تشکیل‌مجمع عمومی تبصره ۱. مدیریت واحد در جهت تأمین امکانات لازم برای‌برگزاری صحیح انتخابات با نماینده وزارت کار و امور اجتماعی‌همکاری می‌نماید. تبصره ۲. داوطلبان عضویت در شورا، موظفند حداکثر ظرف‌مدت پنج روز از تاریخ انتشار آگهی مراتب داوطلبی خود را کتباً به‌واحد کار و امور اجتماعی محل اعلام و رسید دریافت نمایند. ماده ۸. چنانچه پس از ایجاد فرصتهای پیش‌بینی شده در قانون واین آیین‌نامه به‌دلیل عدم کفایت تعداد کاندیداها عدم تشکیل مجمع‌عمومی و یا عدم حصول حد نصاب لازم در رای‌گیری (موضوع‌تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیل شورای اسلامی کار میسر نگردد،انتخابات برای یک سال به تعویق خواهد افتاد. ماده ۹. نماینده وزارتخانه مربوطه در هیات تشخیص صلاحیت‌موضوع بند ۲ تبصره ماده ۲ قانون در مورد واحدهای دولتی ووابسته به دولت نماینده وزارتخانه‌ای خواهد بود که واحد تابع یاوابسته به آن می‌باشد و در مورد نهادها و بخش خصوصی نماینده‌وزارتخانه‌ایست که فعالیت آن واحد در حیطه نظارت آن وزارت قراردارد. ماده ۱۰. هیات تشخیص صلاحیت موظف است حداکثر ظرف‌مدت ۱۵ روز از تاریخ پایان مهلت اعلام داوطلبی نسبت به بررسی‌صلاحیت داوطلبان و اعلام نتیجه آن اقدام نماید. تبصره هیات می‌تواند در رابطه با صلاحیت داوطلبان باتوجه به‌شرایط مندرج در ماده ۲ قانون به طرق مقتضی تحقیق نماید ونظرات آن با اکثریت آرا قطعی است ماده ۱۱. هیاتهای تشخیص صلاحیت در مورد افرادی که قبل از ۲۲بهمن سال ۵۷ عضو هیات مدیره سندیکا و یا نماینده کارگران درواحدها بوده‌اند برای احراز شرط اعتقاد و التزام عملی آنها به اسلام‌و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی دقت‌لازم معمول

خواهند داشت ماده ۱۲. مجمع عمومی حداکثر پس از ۱۵ روز از اعلام نظر هیات‌تشخیص صلاحیت تشکیل و با رعایت تبصره ۲ ماده ۱ قانون تحت‌نظارت هیات نظارت بر انتخابات (موضوع ماده ۱۳ این آیین‌نامه نسبت به انتخاب اعضای شورا رای‌گیری به عمل خواهد آورد. ماده ۱۳. وزارت کار و امور اجتماعی در اجرای ماده ۳ قانون به‌منظور حسن جریان امر انتخابات شوراها، از هیات تشخیص‌صلاحیت به‌عنوان هیات نظارت بر انتخابات دعوت به عمل‌می‌آورد. ماده ۱۴. تعداد نمایندگان منتخب مجمع عمومی کارکنان در شوراباتوجه به مواد ۱ و ۱۷ قانون به نسبت‌های مقرر در زیر خواهد بود: از ۳۶ نفر تا ۱۵۰ نفر ـ ۲ نفر عضو اصلی ۲ نفر عضو علی‌البدل از ۱۵۱ نفر تا ۵۰۰ نفر ـ ۴ نفر عضو اصلی ۳ نفر عضو علی‌البدل از ۵۰۱ نفر تا ۱۰۰۰ نفر ـ ۶ نفر عضو اصلی ۴ نفر عضو علی‌البدل از ۱۰۰۱ نفر تا ۵۰۰۰ نفر ـ ۸ نفر عضو اصلی ۵ نفر عضو علی‌البدل از ۵۰۰۰ نفر به بالاـ ـ ۱۰ نفر عضو اصلی ۶ نفر عضو علی‌البدل تبصره در صورتی که در این انتخابات اعضای اصلی و علی‌البدل‌مورد نیاز انتخاب نشوند، انتخابات نسبت به داوطلب یا داوطلبانی‌که حدنصاب مقرر را به دست نیاورده‌اند ظرف مدت یک هفته الی‌۱۵ روز تجدید خواهد شد. ماده ۱۵. نماینده مدیریت در شورا که حتی‌الامکان یکی از افرادمورد اشاره در تبصره ماده ۵ خواهد بود حداکثر ظرف مدت یک‌هفته از تاریخ اتمام انتخاب نمایندگان مجمع عمومی تعیین و کتباًبه وزارت کار و امور اجتماعی معرفی می‌شوند. ماده ۱۶. اخذ رای به‌صورت مستقیم و مخفی بوده و هریک ازشرکت‌کنندگان فقط حق دادن یک رای را خواهند داشت تبصره ۱. هریک از کارکنان شرکت‌کننده در مجمع عمومی ورقه‌سفیدی را که به امضای و مهر هیات نظارت رسیده باشد دریافت وبا نوشتن نام و نام خانوادگی افراد موردنظر خود (حداکثر به تعداداعضای اصلی و علی‌البدل شورا) آن را در صندوق رای‌گیری خواهداندداخت تبصره ۲. کارکنانی که سواد نوشتن نداشته باشند، می‌توانند از افرادباسواد مورد اعتماد خویش کمک بگیرند. ماده ۱۷. پس از شمارش آرا، صورت جلسه‌ای در پنج نسخه باامضای هیات نظارت تنظیم و حائزین اکثریت آرا با رعایت ماده ۱۵به‌ترتیب به‌عنوان اعضای اصلی و علی‌البدل تعیین می‌گردند، یک‌نسخه از صورت جلسه تنظیمی به وزارت کار و امور اجتماعی ویک نسخه به مدیریت و یک نسخه به هیات تشخیص موضوع ماده۲۲ قانون و یک نسخه به شورا تسلیم و نسخه پنجم نیز جهت اطلاع‌کارکنان در واحد مربوطه الصاق خواهد شد. تبصره در صورت تساوی آرا تقدم و تأخر به قید قرعه تعیین‌می‌شود. ماده ۱۸. معترضین به انتخابات می‌توانند حداکثر ظرف یک هفته‌بعد از برگزاری انتخابات اعتراض خود را به هیات نظارت اعلام‌نمایند و هیات مذکور موظف است حداکثر ظرف مدت پنج روز به‌موضوع رسیدگی و نظر قطعی خود را در مورد صحت و سقم‌اعتراضات واصله اعلام نماید. تبصره در صورت ابطال کلیه و یا قسمتی از انتخابات نسبت به‌تجدید یا تکمیل قسمت باطل‌شده اقدام و کلیه مراحل مذکور در این‌آیین‌نامه برای آن تکرار می‌شود. ماده ۱۹. شورا حداکثر پس از یک هفته از خاتمه مراحل انتخابات‌جهت انجام وظایف مندرج در تبصره ۴ ماده ۳ قانون تشکیل جلسه‌می‌دهد چنانچه رییس نایب رییس یا منشی شورا به سمت‌های‌ریاست مدیریت عامل خزانه‌داری شرکتهای تعاونی یا عضویت‌شوراهای شهر، شهرستان استان و یا نمایندگی مجلس شورای‌اسلامی دارایند شورا می‌تواند نسبت به تجدید انتخاب رییس نایب‌رییس و منشی اقدام نماید. ماده ۲۰. شورای اسلامی کار، پس از ثبت در وزارت کار و اموراجتماعی دارای شخصیت حقوقی بوده و مدت اعتبار آن دو سال‌خواهد بود. ماده ۲۱. در موارد ابهام این آیین‌نامه نظر وزارت کار و اموراجتماعی لازم‌الرعایه خواهد بود. ماده ۲۲. وزارتخانه‌ها، واحدهای دولتی و وابسته به دولت ونهادهای قانونی در جهت حسن اجرای قانون شوراها، همکاریهای‌لازم را با وزارت کار به عمل آورده و در صورت نیاز، تجهیزات ونیروی انسانی لازم را در اختیار آن قرار خواهند داد. ماده ۲۳. مهلت‌های مقرر در این آیین‌نامه بدون احتساب ایام‌تعطیل خواهد بود.

آیین‌نامه چگونگی بازرسی کار موضوع تبصره ماده ۹۹ قانون کار. مصوب ۷۷ . (م ۱ تا م ۱۹)

ماده ۱. بازرسان کار موظفند در جهت نظارت بر حسن اجرای‌مقررات قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوطه به ویژه

مصوبات‌شورای‌عـالی حفـاظت فنی مقررات حمـایتی مربوط به مـدت کار،مزد، رفاه کارگران اشـتغال زنان کارگران نوجوان و اتباع خارجی مرخصی نوبت کاری کار شبانه اضافه‌کاری کمک هزینه مسکن وخواربار و ایاب و ذهاب کارگران کمک عائله‌مندی بیمه پاداش‌افزایش تولیـد و طبقه‌بنـدی مشاغل کارگران مراتب را مورد بررسـی وتحقیق قرار داده و به مـدارکی که مربوط به امور کار و کارگر کارگاه‌باشد مراجعه و در صورت نیاز از تمام و یا قسـمتی از دفاتر، اسناد و مدارک مذکور رونوشت تحصیل نمایند. ماده ۲. بازرسـی از کارگاه‌هـای مشـمول قـانون کار به اسـتثنای کارگاه‌های خانوادگی بـدون اطلاع قبلی کارفرما و نیاز به اجازه وی‌براساس برنامه از پیش تعیین شـده از طرف واحـد مربوطه انجام‌می‌پـذیرد. تبصـره بازرسان کار موظفند هنگام بازرسـی کارت شـناسایی‌ویژه بازرسـی را که به امضای وزیر کار و امور اجتماعی رسـیده است‌همراه داشـته باشـند و به کارفرما یا نماینده وی ارائه نمایند. ماده ۳. بازرسـان کار موظفنـد به منظور نظارت بر حسن اجرای‌مقررات و آیین‌نامه‌های مصوب شورای عالی حفاظت فنی از همه‌قسـمت‌های کارگاه بازرسـی ایمنی به عمل آورنـد. ماده ۴. بازرسـان کار بایـد هنگام بازرسـی از کارگاه‌ها با توجه به‌نوع صـنعت و نوع کار، به آیین‌نامه‌های مربوطه توجه و به مواد آن‌اسـتناد نمایند. ماده ۵. بازرسان کار در مواردی که ادامه کار دسـتگاه یا قسمتی ازکارگاه را خطرنـاک تشـخیص می‌دهنـد، موظفنـد مراتب را کتبـاوازطریق‌اداره متبوع خود جهت توقف کار و رفع خطر به کارفرما ابلاغ کننـد. ماده ۶. بازرسـان کـار موظفنـد در موارد لزوم ضـمن ارائه‌توضـیحات کـافی به کارگران و کارفرمایان نسبت به راهنمایی وآموزش حضوری آنان اقدام نمایند. ماده ۷. بازرسان کار موظفند در صورت مشاهده تولیدماشین‌آلات غیر ایمن و خطرناک با توجه به ماده ۸۸ و ۸۹ قانون‌کـار، تـذکرات و راهنمایی‌هـای لازم را کتبـا و از طریق اداره متبوع خودبه کارفرمایـان مربوطه ابلاغ نماینـد. ماده ۸. بازرسان کار موظفند پس از انجام بازرسـی در مورد کلیه‌مشاهدات خود، طبق دسـتورالعمل‌های اداره کل بازرسی کار ازمشخصات کارگاه و نواقص موجود گزارش کتبی تهیه و به اداره‌متبوع خود تسلیم کنند. ماده ۹. بازرسان کار مکلفند نواقص و ایرادات موجود راحضورا به مسؤولین کارگـاه اعلام و سپس مراتب را کتبا و از طریق‌اداره متبوع خود به کارفرما و با تعیین مهلت معقول و مناسـب درجهت رفع نواقص و ایرادات ابلاغ نماینـد. ماده ۱۰. در صورت عـدم اجرای موارد ابلاغ شده و عدم رفع‌تمام یا برخی از نواقص و ایرادات بازرسان کار موظف به درخواست‌تعقیب متخلفین‌ازمراجع قضایی از طریق اداره متبوع خود می‌باشند. ماده ۱۱. بازرسان کار موظفند کلیه حوادث ناشـی از کار رابراساس مقررات و دسـتورالعمل‌های مربوطه که از طرف اداره کل‌بازرسـی کار صادر می‌شود، مورد بازرسـی بررسی و تجزیه و تحلیل‌قرار داده و نسبت به تهیه و تنظیم گزارشات و ابلاغ دستورالعمل‌های‌لازم به کارفرما به منظور جلوگیری از وقوع حوادث مشابه اقدام‌نمایند. ماده ۱۲. بازرسان کار موظفنـد رونوشت گزارش حوادث را به‌مراجع درخواست‌کننده (انتظـامی و قضـایی از طریـق اداره متبوع‌خـود ارسـال دارنـد. مـاده۱۳.درهنگام‌بررسی‌حوادث‌منجربه‌فوت‌ونقص‌عضو،بازرسان‌کار موظفنـد نظریه پزشـکی قانونی را اخـذ و مورد توجه قرار دهنـد. ماده ۱۴. بررسـی حوادث منجر به فوت یـا نقص عضوحتی‌الامکـان توسط ۲ نفر از بازرسان کار انجام شود. تبصـره بازرسان کار با کمتر از سه سال سابقه کار تجربی‌نمی‌توانند به بررسی حوادث منجر به فوت و نقص عضو مسـتقلا اقدام نمایند. ماده ۱۵. بررسـی مجدد حوادث ناشی از کار و ابراز نظریه‌کارشناسی صرفا به درخواست مراجع قضـایی امکان‌پـذیر می‌باشـد. مـاده ۱۶. در بررسـی حـوادث ناشـی از کـار چنـانچه حـادثه بـه علت‌نـواقص ایمنی کارگـاه یا ماشـین‌آلات مربوطه اتفاق افتاده باشد بازرس‌کار موظف است طبق ماده ۱۰۵ قانون کار اقـدام نماید. ماده ۱۷. بازرسان کار مکلفند برای تشـکیل و فعال نمودن‌کمیته‌های حفاظت فنی و بهداشت کار از کارگاه‌های مشمول باکارفرمایان همکاری نموده و در صورت لزوم بـا شـرکت در جلسات‌متشـکله بـا این کمیته‌ها تبادل نظر کننـد. ماده ۱۸. جهت ارتقـای فرهنـگ ایمنی کـارگران و کارفرمایان بازرسان کار باید در کلاسـهای آموزشی که توسط وزارت کار و اموراجتماعی تشکیل می‌گردد شرکت و نسبت به تدریس دروس ایمنی‌و حفاظتی اقـدام نماینـد. ماده ۱۹. نماینـده مـورد نظر در مواد ۱۷۳ ـ ۱۷۴ ـ ۱۷۵ ـ ۱۷۶ ـ۱۷۷ قـانون کـار (فصل یازدهم از بین بازرسان کار واحـد کار و اموراجتماعی محل انتخاب می‌گردد. این آیین‌نامه مشـتمل بر ۱۹ ماده و ۲ تبصره به استناد تبصره ماده۹۹

قانون کار جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۹/۸/۷۷شورای عالی حفاظت فنی تهیه و در تاریخ ۸/۹/۷۷ به تصویب‌وزیر کار و امور اجتماعی رسید. جدول نرخ پایه در گروه‌ها در کلیه طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ گروه ۲۵۵ ۲۵۰ ۲۴۵ ۲۴۰ ۲۳۵ ۲۳۰ ۲۲۵ ۲۲۰ ۲۱۵ ۲۱۰ نرخ پایه ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ گروه ۳۵۰ ۳۴۰ ۳۳۰ ۳۲۰ ۳۱۰ ۳۰۰ ۲۹۰ ۲۸۰ ۲۷۰ ۲۶۰ نرخ پایه ابوالقاسم کرم بیگی مدیر کل بهره‌وری و مزد

آیین‌نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت حل اختلاف . مصوب ۶۹ . (م ۱ تا م ۱۰

مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۶۹ شورای عالی کار ماده ۱. هیات حل اختلاف از سه نفر نماینده کارگران به انتخاب‌کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان یا کانون انجمن‌های‌صنفی کارگران استان و یا مجمع نمایندگان کارگران واحدهای منطقه‌و سه نفر نماینده کارفرمایان به انتخاب مدیران واحدهای منطقه وسه نفر نماینده دولت (مدیرکل کار و امور اجتماعی فرماندار ورییس دادگستری محل و یا نمایندگان آنها برای مدت دو سال‌تشکیل می‌گردد. تبصره جهت تسریع در امر رسیدگی در هر استان به تعدادموردنیاز هیات حل اختلاف تشکیل می‌گردد. ماده ۲. جلسات هیات حل اختلاف در محل کار و امور اجتماعی وحتی‌المقدور در خارج از وقت اداری به ریاست مدیرکل کار و اموراجتماعی و یا نماینده او تشکیل خواهد شد. تبصره ۱. در صورتی که جلسات هیات حل اختلاف در ساعات‌اداری تشکیل شود کارفرما مکلف است با مأموریت نماینده کارگردر جلسات هیات موافقت نماید. تبصره ۲. دعوت از اعضای هیات حل اختلاف برای تشکیل‌جلسات با واحد کار و امور اجتماعی خواهد بود. ماده ۳. جلسات هیات حل اختلاف با حضور حداقل هفت نفر ازاعضای رسمیت خواهد داشت و تصمیمات هیات با اکثریت پنج‌رأی از آرای افراد حاضر معتبر خواهد بود. ماده ۴. در صورتی که هریک از نمایندگان کارگران و کارفرمایان سه‌جلسه متوالی یا پنج جلسه غیرمتوالی ظرف پانزده جلسه غیبت‌غیرموجه داشته باشند واحد کار و امور اجتماعی می‌تواند غیبت رادر حکم استعفا تلقی نماید. تبصره واحد کار و امور اجتماعی مکلف است بلافاصله نسبت به‌انتخاب جانشین نماینده مستعفی براساس مقررات اقدام نماید. ماده ۵. غیبت غیرموجه نمایندگان دولت در جلسات هیات حل‌اختلاف تقصیر اداری محسوب می‌شود و مراتب جهت پیگیری امربه وزیر کار و امور اجتماعی منعکس می‌گردد. ماده ۶. وظایف هیات حل اختلاف عبارت از انجام وظایفی است‌که طبق قانون کار و سایر قوانین و مقررات به عهده هیات حل‌اختلاف گذاشته شده است ماده ۷. رسیدگی به پرونده‌ها به ترتیب تاریخ وصول می‌باشد ولی‌هیات حل اختلاف می‌تواند به پیشنهاد واحد کار و امور اجتماعی‌به پرونده خاصی خارج از نوبت رسیدگی نماید. ماده ۸. تصمیمات هیات حل اختلاف در دفتر مخصوصی ثبت‌خواهد شد و ابلاغ آنها به طرفین با واحد کار و امور اجتماعی محل‌می‌باشد. اشخاص ذی نفع می‌توانند از آرای صادره هیات رونوشت‌اخذ نمایند. ماده ۹. میزان حضور اعضای هیاتهای حل اختلاف به پیشنهاد وزیرکار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۰. این آیین‌نامه شامل ۹ ماده و ۴ تبصره در جلسه مورخ۱۲/۱۲/۶۹ شورای عالی کار تهیه و در تاریخ ۱۲/۱۲/۶۹ به‌تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسید. نمایندگان دولت نمایندگان کارگران نمایندگان کارفرمایان

آیین‌نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط ـ موضوع ماده (۱۳۱) قانون کار. مصوب ۷۱ هیات وزیراتن

فصل اول چگونگی‌تشکیل‌انجمنهای‌صنفی‌وکانونهای مربوط(م ۱ تا م ۶

ماده ۱. در اجرای مـاده (۱۳۱) قـانون کـار جمهـوری اسـلامی ایران به‌منظور حفـظ حقوق و منـافع مشـروع و قـانونی و بهبود وضع

اقتصادکـارگران و کارفرمایان که خود متضـمن منافع جامعه نیز باشـد، کارگران‌مشـمول قانون کار و کارفرمایان هر حرفه یا صـنعت می‌توانند بارعایت مقررات قانونی و این آیین‌نامه مبادرت به تشـکیل انجمن‌صـنفی نمایند. ماده ۲. کمترین نصاب لازم برای تشکیل انجمن صـنفی کارگری درسطح کارگاه ده نفر و در صـنف دست کم پنجاه عضو از صـنف‌مربوط از کارگاه‌های مختلف می‌باشد. انجمن صنفی کارفرمایی دست کم با عضویت ده شخصیت حقوقی یا حقیقی‌تشکیل‌می‌شود. تبصره عضویت کارگران و کارفرمایان بـه اعتبـار شـغل و فعالیتهـای‌مختلف در انجمنهـای صـنفی متفـاوت مجـاز است ولی آنهـا نمی‌تواننـد در بیش از یـک انجمن صـنفی کارگری و کارفرمایی‌به‌عنوان عضو هیات مدیره یا بازرس انتخاب شوند. ماده ۳. به منظور هماهنگی در انجام وظایف محول شده و قانونی انجمنهای صـنفی کارگری و کارفرمایی هر صـنعت یا حرفه یک اسـتان‌می‌توانند مطابق این آیین‌نامه نسبت به تشکیل کانون انجمنهای‌صـنف آن صـنعت یا حرفه در آن اسـتان اقدام نمایند. تبصره کانونهای انجمنهای صنفی حرفه یا صنعت خاص دراستانها از اجتمـاع اعضـای اصـلی هیـات مـدیره دست کم پنـج انجمن‌صـنفی مربوط تشـکیل می‌شود. (این کانونها می‌تواننـد دارای‌تشـکیلات مرکزی در سـطح کشور باشند.) ماده ۴. کانونهای انجمنهای صـنفی صـنعت یا حرفه خاص در هراسـتان می‌توانند جداگانه نسبت به تشـکیل کانون انجمنهای صـنفی‌حرف آن استان اقدام نمایند. تبصره کانون انجمنهای صنفی یا حرف در هر استان توسط نمایندگان معرفی شده از سوی کانونهای انجمنهای صـنفی صـنعت یاحرفه خاص آن اسـتان به تعداد انجمنهای صنفی عضو و نمایندگان‌معرفی شده از طرف انجمنهای صـنفی که کانون مربوط را ندارند،تشکیل می‌شود. ماده ۵. کانون انجمنهای صنفی هر استان از نمایندگانی که کانون انجمنهای صـنفی صـنایع و کانون انجمنهای صنفی حرف آن استان معرفی می‌کنند، تشکیل می‌شود. تبصره تعداد پنج نفر از نه نفر اعضای اصـلی و دو نفر از چهار نفراعضای علی‌البدل هیات مدیره کانون اسـتان را کانون انجمنهای‌صـنفی صنایع انتخاب و معرفی می‌کند. ماده ۶. کانون عالی انجمنهای صـنفی سراسـر کشور توسط هیات‌مدیره کانون انجمنهای صنفی دست کم پنج استان تشکیل می‌شود.

فصل دوم هیأت مؤسس و ارکان انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط م ۷ تا م ۱۱)

ماده ۷. به منظور تاسیس انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط هیاتی به نام هیات موسس مرکب از دست کم سه نفر از افراد ذیربط با توجه به نوع تشـکل انجمنهـای صـنفی و کانونهـای مربوط برای‌فراهم آوردن مقـدمات لازم تشـکیل می‌شود. تبصـره وظایف هیات موسـس عبارتند از: ۱ ـ تهیه و پیش‌نویس اساسـنامه بـا رعایت مواد (۱۲) و (۱۳) این‌آیین‌نامه ۲ ـ تهیه فهرست مشـخصات داوطلبان عضویت ۳ ـ دعوت از اعضـاء جهت شـرکت در مجمع عمومی به منظور تصویب اساسـنامه و انجـام انتخابـات ماده ۸. ارکان انجمن صنفی عبـارت است از: ۱ ـ مجمـع عمومی ۲ ـ هیات مـدیره ۳ ـ بازرسان تبصـره چگونگی تشکیل مجامع عمومی حـدود وظایف و اختیارت هیات‌مـدیره‌و بازرسان در اساسـنامه انجمن تعیین خواهـد شـد. ماده ۹. ارکان کانون انجمن‌های صـنفی اسـتان به شـرح زیر می‌باشد: ۱ ـ مجمع عمومی نمایندگان ۲ ـ هیات مدیره کانون استان ۳ ـ بازرسان تبصره چگونگی تشکیل مجمع عمومی نمایندگان حـدود وظـایف و اختیـارات هیـات مـدیره کـانون اسـتان و بازرسان در اساسـنامه انجمن تعیین می‌شود. ماده ۱۰. ارکـان کانون‌عالی انجمنهای صـنفی سراسـر کشور بدین شرح است ۱ ـ مجمع عمومی سراسـری نماینـدگان ۲ ـ هیـات مـدیره کانون عالی ۳ ـ بازرسان تبصـره چگونگی تشـکیل مجمع عمومی سراسـری نماینـدگان حـدود وظـایف و اختیـارات هیـات مـدیره کـانون عـالی بازرسـان در اساسـنامه کانون عالی تعیین خواهد شد. ماده ۱۱. هیات مـدیره انجمنهای صـنفی و کانونهای مربوط مکلفنددست کم سه ماه قبل از پایـان دوره مجمـع عمـومی را برای تجدیـدانتخابات دعـوت نماینـد. هیـات مـدیره انجمنهـای صــنفی و کانونهـای مربـوط تـا تعیین هیات‌مدیره جدید کلیه مسوولیت‌های قبلی را به عهده خواهند داشت تبصره ۱. بازرسان یا یک سوم از اعضاء می‌توانند در هر زمانی که‌تشخیص می‌دهند نسبت به تشکیل جلسه مجمع عمومی اقدام نمایند. تبصره ۲. حداکثر دو ماه پس از پایان دوره بازرس نسبت به

تشکیل مجمع عمومی و تجدید انتخابات اخطار می‌دهد. یک سوم اعضا حداکثر تا چهارماه فرصت دارند تا نسبت به تشکیل مجمع‌عمومی و تجدید انتخابات اقدام نمایند. تبصره ۳. چنانچه حداکثر شش ماه پس از پایان دوره تجدید انتخابات صورت نگرفته باشد، بازرسان مکلفند انحلال تشکل انجمن صنفی یا کانون مربوط را به وزارت کار و امور اجتماعی و سایر مراجع ذی ربط اعلام نمایند.

فصل سوم چگونگی ثبت و انحلال انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط م ۱۲ تا م ۲۰)

ماده ۱۲. کمترین اطلاعات و مشخصاتی که باید در اساسنامه‌انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط درج شود، ظرف سه ماه ازتاریخ تصویب این آیین‌نامه بنا به پیشنهاد وزارت کار و اموراجتماعی به تصویب شورای عالی کار خواهد رسید. ماده ۱۳. کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط کانون انجمنهای‌صنفی در استان و کانون عالی انجمنهای صنفی در کل کشور، به‌هنگام تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانونی‌و طرح و تصویب آن در مجمع عمومی مربوط و ثبت در وزارت کارو امور اجتماعی می‌باشند. ماده ۱۴. ثبت اساسنامه انجمنهای صنفی کارگری و کارفرمایی وکانونهای مربوط و هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه همچنین‌انتخاب یا تغییر مسوولان مستلزم تسلیم مدارک زیر به وزارت کارو امور اجتماعی است ۱ ـ دو نسخه تقاضانامه تاسیس انجمنهای صنفی یا کانونهای مربوطدر مرحلهٔ اول ۲ ـ دو نسخه اساسنامه ۳ ـ دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی در خصوص تصویب یا اصلاح اساسنامه یا انتخاب یا تجدید انتخاب اعضای هیاتهای‌مدیره هیاتهای مدیره کانون استان و کانون‌عالی و بازرسان ۴ ـ آگهی منتشر شده هیات مؤسس مربوط به تاسیس انجمن صنفی‌کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مذکور در این آیین‌نامه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا روزنامه‌های محلی ۵ ـ یک نسخه صورت اسامی شرکت‌کنندگان در مجمع عمومی که‌به امضای ایشان رسیده باشد. ماده ۱۵. وزارت کار و امور اجتماعی پس از دریافت مدارک یادشده در ماده (۱۴) در صورت تکمیل و صحت مدارک ظرف یک ماه‌نسبت به ثبت صدور گواهی صحت انتخابات و انتشار آگهی ثبت‌در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه‌تشکل ذی ربط اقدام خواهد نمود. تبصره وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است هنگام ثبت مراقبت نماید که وظایف مصوب در اساسنامه با سایر قوانینی که‌وظایف خاصی را برای صنوف پیش‌بینی نموده است از قبیل‌قوانین نظام صنفی نظام پزشکی کانون وکلای دادگستری و ...،تداخل یا مغایرت نداشته باشد. ماده ۱۶. ثبت دو تشکل انجمن صنفی یا کانونهای مربوط با یک‌نام و تحت یک عنوان مجاز نیست ماده ۱۷. انحلال انجمنهای صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای‌مربوط موجب تضییع حق یا اسقاط تکلیف دو طرف قرارداد در پیمانهای دسته‌جمعی منعقد شده قبلی نخواهد بود. تبصره ایفای تعهدات و تصفیه حسابها به عهده هیاتهای تصفیه‌تشکل انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مربوط به‌انتخاب مجمع عمومی خواهد بود. در صورت عدم انتخاب بازرسان و رییس هیات مدیره این وظیفه را عهده‌دار خواهند بود. ماده ۱۸. پس از انحلال انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یاکانونهای مربوط ثبت آن از سوی وزارت کار و امور اجتماعی لغو و مراتب به هزینه آن تشکل در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار جهت اطلاع عموم درج خواهد شد. تبصره هزینه‌های نظارت بر انتخابات ثبت و آموزش انجمنها،توسط وزارت کار و امور اجتماعی از محل همکاریهای اعضا و خودیاری آنان تأمین می‌شود. میزان پرداختی هر انجمن پس ازتعیین در شورای عالی کار، قابل وصول خواهد بود. چنانچه در زمان‌انحلال انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی کانونهای مربوط فاقددارایی باشند، هزینه درج آگهی از محل درآمد حاصل از اجرای این‌تبصره پرداخت خواهد شد. ماده ۱۹. ثبت تشکل‌های صنفی موضوع این آیین‌نامه و نظارت برانتخابات و فعالیت آنها به عهده وزارت کار و امور اجتماعی است در صورتی که اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی در وزارتخانه‌یاد شده فعالیت انجمن صنفی یا یکی از اعضای هیات مدیره آن رامغایر با قوانین و مقررات تشخیص دهد، مراتب را جهت اخذتصمیم حسب مورد به هیات حل اختلاف یا

دادگاه صالح ارجاع‌می کند. ماده ۲۰. کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط مکلفند تاریخ‌تشکیل مجامع عمومی خود را دست کم پانزده روز قبل از تشکیل و بدون احتساب ایام تعطیل به طور کتبی به وزارت کار و اموراجتماعی اعلام نماید.

فصل چهارم وظایف واختیارات‌انجمنهای‌صنفی وکانونهای مربوط (م ۲۱ تا م ۲۴)

ماده ۲۱. وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی کارگری به شرح زیراست ۱ ـ کوشش در جهت استیفای حقوق و خواستهای مشروع و قانونی‌اعضا. ۲ ـ دریافت حق عضویت و کمکهای داوطلبانه به ترتیبی که دراساسنامه مقرر می‌شود. ۳ ـ همکاری در جهت تاسیس و تقویت شرکتهای تعاونی صندوق قرض‌الحسنه همچنین تلاش در جهت تامین امکانات رفاهی اعضابا رعایت مقررات مربوط ۴ ـ همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در جهت شناخت‌مشکلات کارگری و اجرای قانون کار. ۵ ـ عضویت در کانون انجمنهای صنفی استان پس از تصویب مجمع‌عمومی مربوط ۶ ـ فعالیت مشترک با کانون انجمنهای صنفی استان و کانون عالی‌انجمنهای صنفی سراسر کشور در حدود قوانین و مقررات کشور. ۷ ـ همکاری با سایر تشکلهای کارگری و کارفرمایی و انجام سایروظایف و اختیاراتی که به موجب قانون بر عهده انجمنهای صنفی‌قرارداده شده است ماده ۲۲. وظایف و اختیارات کانونهای استان و کانون‌عالی‌انجمنهای صنفی کارگری به شرح زیر است ۱ ـ ایجاد هماهنگی بین انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای‌صنفی استانها. ۲ ـ همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی ربط به منظورحسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به تشکلهای کارگری ازراههای مختلف از جمله برگزاری گردهماییهای مربوط ۳ ـ ارائه نظر مشورتی و حقوقی در خصوص تهیه لوایح و طرحهای‌مربوط به قوانین کار و تامین اجتماعی مسایل رفاهی و حقوق قانونی کارگران به مراجع ذی ربط ۴ ـ انتخاب نمایندگان قانونی کارگران در مراجع و مجامع قانونی‌داخلی و بین‌المللی با توجه به آیین‌نامه ماده (۱۳۶) قانون کار ومقررات مربوط ۵ ـ کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواستهای مشروع وقانونی اعضا. ماده ۲۳. وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی و کانونهای‌انجمنهای صنفی استانی کارفرمایی به شرح زیر است ۱ ـ کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواستهای مشروع وقانونی اعضا. ۲ ـ جمع‌آوری اطلاعات بررسی و تحقیق درباره مشکلات شناخت نیازها و الویتها. ۳ ـ برنامه‌ریزی برای تامین‌نیازها، توسعه و گسترش فعالیتها. ۴ ـ کوشش در ارتقای ظرفیت تولید، انتقال و نوآوری تکنولوژیک ۵ ـ سعی در بهبود و کیفیت تولید، با بررسی شناخت استقرارروشهای نوین کنترل کیفیت ۶ ـ کوشش در جهت هماهنگی در آموزش و تامین نیروی انسانی‌مورد نیاز، همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی و سایر دستگاههاو نهادهای ذی ربط برای انجام آموزشهای مربوط به حفاظت فنی وبهداشت کار. ۷ ـ همکاری در جهت تاسیس و تقویت شرکتهای تعاونی مرتبط باوظایف انجمن ۸ ـ قبول مسؤولیت و همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای‌رسمی در انجام وظایف و تکالیفی که این دستگاهها به‌کانونهای‌استانی انجمن محول می‌کنند و آمادگی برای ارائه مشورتهای لازم به‌آنها. ۹ ـ عضویت و ایجاد ارتباط با تشکلها و سازمانهای مرتبط باوظایف انجمنهای صنفی یا کانونهای استانی در داخل یا خارج ازکشور در چهارچوب فعالیتهای صنفی و قوانین و مقررات کشور. ۱۰ ـ جمع‌آوری حق عضویت و کمکهای داوطلبانه به ترتیبی که دراساسنامه مقرر می‌شود. ۱۱ ـ همکاری با انجمنهای صنفی کارگری یا کانونی استانی و دیگرانجمنهای صنفی و کارفرمایی و سایر تشکلهای کارفرمایی ۱۲ ـ ارائه نظر مشورتی و حقوقی در خصوص تهیه لوایح وطرحهای مربوط به قوانین کار و تامین اجتماعی و مسایل رفاهی وحقوق قانونی کارفرمایان به مراجع ذی‌ربط ماده ۲۴. سایر اختیارات کانون‌عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی‌علاوه بر موارد مندرج در ماده (۲۳) به شرح زیر است ۱ ـ ایجاد هماهنگی بین‌انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای‌صنفی استانها. ۲ ـ همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی‌ربط جهت حسن‌اجرای قوانین و مقررات مربوط ۳ ـ انجام تحقیقات لازم به منظور ارائه نظر مشورتی در خصوص‌تهیه لوایح و طرحهای مربوط به قوانین کار و تامین اجتماعی ۴ ـ ارائه نظرات حقوقی جهت دفاع از حقوق اعضا. ۵ ـ انتخاب نمایندگان قانونی کارفرمایان در مراجع و مجامع قانونی‌داخلی و

بین‌المللی یاد شده در قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوط معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین‌نامه کارهای سخت و زیان‌آور مصوب ۷۱ (م ۱ تا م ۲۰)

ماده ۱. کار سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آنها عوامل‌فیزیکی شیمیایی مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیر استاندارد بوده که در اثر اشتغال کارگر تنشی به مراتب بالاـتر از ظرفیتهای طبیعی (جسمی و روانی در وی ایجاد می‌گردد که نتیجه آن بیماری‌شغلی و عوارض ناشی از آن می‌باشد. تبصره کارهایی که در آن عوامل و شرایط محیط کار به دلیل نقص‌یا عدم استفاده از امکانات فنی و مهندسی و موازین پیشگیری غیراستاندارد باشد چنانچه با رفع نقص و یا بکارگیری امکانات فوق بتوان این عوامل را به حد استاندارد و مجاز رسانید جزء کارهای‌سخت و زیان‌آور محسوب نمی‌گردد. تشخیص این امر به عهده کمیته ماده ۱۸ این آیین‌نامه خواهد بود. براین اساس کارهای سخت و زیان‌آور به شرح مواد آتی خواهد بود. ماده ۲. کار در معادن اعم از تحت‌الارضی یا سطح‌الارضی که ایجاب‌می‌نماید کارگران در تونلها و راهروهای سرپوشیده به استخراج‌بپردازند. تبصره کار استخراج شامل جداکردن یا منفجر ساختن مواد ازسطح کار، حمل مواد عملیات مربوط به انفجار، اداره تاسیسات آب‌و برق در داخل معدن و به طور کلی هرگونه مباشرت و نظارتی که‌ایجاب نماید کارگر در تونلها، راهروها یا میله‌های معدن انجام‌وظیفه نمایند، می‌باشد. ماده ۳. حفر قنوات و چاهها و فاضل آبها و تونلهای زیرزمینی و کاردر مخارج سربسته ماده ۴. تخلیه و حمل مواد مذاب از کوره‌های مشغول به کار و کارمستمر در مجاورت کوره‌های ذوب به نحوی که کارگر در معرض‌مستقیم حرارت یا بخارات زیان‌آور متصاعد از کوره باشد. ماده ۵. کارگرانی که مستقیما و مستمرا در امر تولید در کارگاههای‌دباغی سالامبورسازی و روده پاک‌کنی اشتغال دارند و کار مستمر درگندآبروها ـ جمع‌آوری حمل و دفن زباله شهری ماده ۶. کارگرانی که مستمرا به امر جمع‌آوری و انتقال و انبار کردن‌کود (نظافت مستمر طویله اصطبل سالنهای پرورش طیور) درواحدهای دامداری و طیور اشتغال دارند. ماده ۷. کار مستمر و مداوم در فضای باز و در ارتفاع بیش از پنج‌مترازسطح‌زمین‌برروی‌دکلها،اطاقکهای متحرک ،داربست‌هاو اسکلتها. ماده ۸. کار مداوم بر روی خطوط و پستهای انتقال برق با فشارشصت و سه کیلو ولت و بالاـتر. ماده ۹. مشاغل‌شن‌پاشی پخت‌اسفالت‌دستی قیرپاشی‌ومالچ‌پاشی ماده ۱۰. عملیات جوشکاری در داخل مخازن ماده ۱۱. کارهایی که استمرار آنها موجبات ابتلاـ به بیماری‌های‌حاصل از اشعه را فراهم می‌آورد نظیر کار با مواد رادیواکتیو و قرارگرفتن در معرض پرتوهای یونساز به تشخیص مراجع ذی صلاح وبه استناد قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب جلسه مورخ بیستم‌فروردین ماه ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی ماده ۱۲. کار در محلهای با فشار محیط بیش از حد مجاز از قبیل‌غواصی ماده ۱۳. کار مستمر در محیط‌هایی که با وجود رعایت مقررات‌حفاظتی و ایمنی موجبات بیماریهای گوشی و یا کری کارگر رافراهم سازد. ماده ۱۴. کار در امور سمپاشی باغات و اشجار و مزارع وضدعفونی اماکن و طویله‌ها و آشیانه‌های مرغداری در زمان‌سمپاشی ماده ۱۵. کار کارگرانی که مستقیما در امر تولید و ترکیب سموم وحشره‌کش‌ها اشتغال دارند در زمان انجام کار. ماده ۱۶. کار با وسایل دارای ارتعاش در حدی که برای سلامتی‌کارگر زیان‌آور باشد. ماده ۱۷. مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار حدمجاز و استاندارد هریک از مواد شیمیایی و عوامل بیولوژیکی وفیزیکی که در این آیین‌نامه نام برده شده است پس از تشکیل‌کمیته‌های تخصصی تعیین و جهت تصویب به شورای عالی‌حفاظت فنی پیشنهاد می‌نماید. ترکیب کمیته‌های تخصصی تعیین و جهت تصویب به شورای‌عالی‌حفاظت فنی تعیین خواهد شد. ماده ۱۸. به منظور حسن اجرای مقررات این آیین‌نامه کمیته‌ای‌متشکل از اعضای زیر: ۱ ـ مدیرکل کار و امور اجتماعی استان که ریاست کمیته را عهده‌دارخواهد بود. ۲ ـ بازرس کار استان به انتخاب مدیر کل کار و امور اجتماعی ۳ ـ یک نفر نماینده سازمان تامین اجتماعی استان ۴ ـ یک نفر پزشک یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای با معرفی سازمان‌منطقه‌ای بهداشت درمان و آموزش پزشکی استان ۵ ـ یک نفر نماینده کارفرما به انتخاب و معرفی کانون اتحادیه‌های‌صنفی استان ۶ ـ یک نفر نماینده کارگر

به انتخاب و معرفی کانون هماهنگی‌شوراهای اسلامی کار استان یا کانون انجمنهای کارگران استان یامجمع نمایندگان کارگران استان ۷ ـ یک نفر نماینده اداره کل صنایع استان ۸ ـ یک نفر نماینده اداره کل صنایع سنگین استان ۹ ـ یک نفر نماینده اداره کل معادن و فلزات استان ۱۰ ـ یک نفر نماینده اداره کل کشاورزی استان ۱۱ ـ یک نفر نماینده صنعت نفت استان ۱۲ ـ یک نفر نماینده سازمان حفاظت محیط زیست استان ۱۳ ـ یک نفر نماینده سازمان جهاد سازندگی استان ۱۴ ـ یک نفر از اساتید دانشگاه با معرفی دانشگاه استان در هر استان و محل اداره کل کار و امور اجتماعی و با وظایف زیرتشکیل می گردد. الف ـ تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور با مواد این آیین‌نامه و اعلام‌آن به مراجع ذی ربط ب ـ بررسی مشاغلی که در این آیین‌نامه کارهای سخت و زیان‌آورذکر نگردیده است و از طرف کارگران یا کارفرمایان و یاسایر مراجع‌سخت و زیان‌آوری آن تقاضا شده و اعلام به شورای عالی حفاظت‌فنی ج ـ بررسی مواردی که شغل یا مشاغل به اتخاذ تدابیر لازم حالت‌سختی و زیان‌آوری آنها از بین رفته ودر عداد مشاغل عادی‌درآمده‌اند و اعلام آن به مراجع ذیربط به منظور حذف مزایایی که به‌عنوان مزایای کار سخت و زیان‌آور پرداخت می گردیده است تبصره ۱. جلسات کمیته مذکور با حضور حداقل ۷ نفر از اعضارسمیت یافته و تصمیمات کمیته با اکثریت آرای حاضرین در جلسه‌معتبر خواهد بود. تبصره ۲. کمیته قبل از اتخاذ تصمیم موظف است نظریات‌کارشناسی را درخصوص ارزیابی محیط کار از نظر حد مجاز عوامل‌فیزیکی و شیمیایی و مکانیکی شرایط کار و وسایل استحفاظی‌جمعی و فردی از مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کارو یا سایر مراجع مورد تایید وزارت کار و امور اجتماعی تحصیل‌نماید. ماده ۱۹. کلیه کارفرمایان مکلفند قبل از ارجاع کارهای سخت وزیان‌آور به کارگران جدیدالاستخدام و یا کارگرانی که می‌خواهندجدیدا به اینگونه کارها گمارده شوند ترتیب انجام معاینات پزشکی‌آنان را از لحاظ قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با نوع کارهای‌مرجوع بدهند. ماده ۲۰. مقررات این آیین‌نامه به استناد تبصره ماده ۵۲ قانون کارجمهوری اسلامی ایران می‌باشد و ارتباط به تصمیمات کمیته‌های‌موضوع قانون بازنشستگی پیش از موعد بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی موضوع مصوبات مورخ ۲۸/۲/۱۳۶۷ و ۲۴/۶/۱۳۷۰مجلس محترم شورای اسلامی که مطابق با ضوابط و مقررات خاص‌خود و در ارتباط با شخص و شغل و زمان و موقعیت کار به مورداجرا گذاشته شده است ندارد. این آیین‌نامه مشتمل بر ۲۰ ماده و ۴ تبصره به استناد ماده ۵۲ قانون‌کار جمهوری اسلامی ایران در جلسه نهایی مورخ ۴/۳/۱۳۷۰شورای عالی کار تهیه و پس از بررسی مجدد و اصلاحاتی درجلسات متعدد شورای عالی حفاظت فنی در جلسه ۱۲/۸/۷۱ تاییدو در تاریخ ۲۹/۹/۷۱ به تصویب وزرای کار و امور اجتماعی وبهداشت درمان و آموزش پزشکی رسید. وزیر کار و امور اجتماعی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی حسین کمالی رضا ملک‌زاده

آیین‌نامه نحوه تشکیل حدود وظایفو اختیارات و عملکرد کانون هماهنگی‌شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی‌هماهنگی‌شوراهای‌اسلامی‌کارسراسرکشور مصوب ۳۰/۳/۷۲

فصل اول کانون هماهنگی شوراهای کار استان

ماده ۱. کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار هر استان بنا به‌درخواست شوراهای اسلامی کار همان استان و براساس مقررات‌این آیین‌نامه تشکیل می‌شود. تبصره ۱. برای تشکیل کانون استان وجودحداقل ده شورا در هراستان الزامی است تبصره ۲. در هر استان بیش از یک کانون نمی‌تواند تشکیل شود. ماده ۲. ارکان‌کانون هماهنگی‌شوراهای‌اسلامی کاراستان عبارتند از: الف ـ مجمع عمومی ب ـ هیات مدیره ج ـ بازرسان ماده ۳. مجمع عمومی عالی‌ترین رکن کانون هماهنگی شوراهای‌اسلامی کار استان است که از اجتماع اعضای اصلی به نمایندگی‌شوراهای اسلامی کار به ترتیب زیر تشکیل می‌شود: الف ـ شوراهای اسلامی کار ۳ و ۵ نفره یک نفر نماینده ب ـ شوراهای اسلامی کار ۷ و ۹ نفره دو نفر نماینده ج ـ شوراهای اسلامی کار ۱۱ نفره سه نفر نماینده تبصره جلسات

مجمع عمومی بـا حضور حـداقل ۲۳ اعضا رسـمیت‌می‌یابد. در صورت عـدم تشـکیل جلسه با نصاب یاد شـده جلسه‌بعـدی با حضور حداقل ۱۲ اعضـا تشـکیل می‌شود. در هر صورت‌تصـمیمات آن با آرای نصف بعلاوه یک اعضای حاضـر معتبر است ماده ۴. تعداد اعضای اصـلی و علی‌البـدل هیات مـدیره و بازرسان‌کانون شوراهای اسـلامی کار اسـتان به شـرح جـدول زیر می‌باشد: تعداد شوراها اعضای اصـلی اعضای بازرس بازرس هیات مدیره علی‌البدل اصلی علی البدل ۱۰ شورا ۳ نفر ۲ نفر ۱ نفر ۱ نفر ۱۱ تا ۳۰ شورا ۵ نفر ۲ نفر ۱ نفر ۳۱ تا ۶۰ شورا ۷ نفر ۲ نفر ۳ نفر ۲ نفر از۶۱ شورابه‌بالا ۹ نفر ۳ نفر ـ ۲ نفر تبصره ۱. مجمع عمومی شوراهای اسـلامی کار استان از بین خود،اعضای هیات مـدیره را برای مـدت دو سال و بازرسان را برای مدت‌یکسال انتخاب می کند. انتخاب مجدد آنان بلامانع است تبصره ۲. انتخاب بیش از یک نفر از هر شورا برای عضویت درهیات مدیره کانون اسـتان مجاز نیست و در مـواردی که بازرسان‌متعـدد هسـتند بیش از یـک بـازرس از هر شورا انتخـاب نخواهـد شـد. مـاده ۵. وظـایف و اختیـارات کانونهای همـاهنگی شوراهای اسـلامی‌کار اسـتان به شـرح زیر است الف ـ ایجاد هماهنگی بین شوراهای اسـلامی کار اسـتان ب ـ همکاری با دسـتگاههای اجرایی و مراجع ذی‌ربـط‌به‌منظورحسن‌اجرای قوانین و مقررات مربوط به شوراهـای اسـلامی کار استان ج ـ جمع‌بنـدی نظرات شوراهـای اسـلامی کـار اسـتان درخصوص‌مسائل و امور کار و کارگری و ارائه نظرات به‌صورت پیشـنهاد درامور مـذکور به کانون عالی هماهنگی شوراهای اسـلامی کار سراسـرکشور و مراجع ذی ربط اسـتان د ـ کوشـش در جهت استیفای حقوق صـنفی و خواسـته‌های مشـروع وقـانونی کـارگران اسـتان ه ـ انعقـاد پیمانهـای دسـته‌جمعی با سازمانهای کارفرمایی مربوط وهمچنین همکاری متقابل با سایر سازمانها و راهنمایی اعضا در عقـدقراردادها. و ـ انتخاب نماینـدگان قانونی کارگران در مراجع و مجامع قانونی‌مربوط در استان باتوجه به مواد (۱۵۸)، (۱۶۰) و (۱۶۴) قانون کار.

فصل دوم کانون‌عالی هماهنگی شوراهای اسلامی‌کارسراسر کشور

ماده ۶. کانونهـای همـاهنگی شوراهای اسـلامی کار اسـتان در صورتی‌که به حـد نصاب کانون برسـند می‌تواننـد نسبت به تشـکیل کانون‌عالی هماهنگی شوراهای اسـلامی کار سراسر کشور اقدام نمایند. ماده ۷. ارکان کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسـرکشور عبارتنـد از: الف ـ مجمع عمومی ب ـ هیـات مـدیره ج ـ بازرسـان ماده ۸. مجمع عمومی عـالی‌ترین رکن کـانون عالی هماهنگی‌شوراهـای اسلامی کـار سراسـر کشور است که از اجتمـاع کلیه اعضای‌اصـلی هیـات مـدیره کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استانهاتشکیل می‌شود. تبصره ۱. علاوه بر هیات مـدیره مذکور در ماده فوق به ازای هر ۱۵شورای اسلامی کار یک نفر اعضای شوراها به انتخاب مجمع‌عمومی کانون اسـتان در مجمع عمومی کانون سراسـر کشور شـرکت‌می‌نماید. در استانهایی که حد نصاب موضوع ماده (۱) حاصل نشده‌و یا کانون تشـکیل نشده باشد، تا ده شورا سه نفر و مازاد بر آن به‌ازای هر پانزده شورا یک نفر به انتخاب آنان جهت شرکت در مجمع‌عمومی کانون سراسری معرفی می‌شود. تبصره ۲. جلسات مجمع عمومی با حضور حداقل ۱۲ اعضارسـمیت می‌یابـد و تصـمیمات آن بـا نصف بعلاـوه یـک آرای حاضـرین‌معتبر خواهـد بود. مـاده ۹. هیـات مـدیره کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کارسراسر کشور دارای ۱۱ نفر عضو اصلی و ۴ نفر عضو علی‌البدل‌می‌باشد که برای مدت ۲ سال توسط مجمع عمومی از بین اعضای‌مجمع انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان برای دوره‌های بعدبلامانع است ماده ۱۰. مجمع عمومی از بین اعضا دو نفر را به عنوان بازرس‌اصلی و یک نفر را به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال‌انتخاب می کند و انتخاب مجدد آنان برای دوره‌های بعد بلامانع‌است ماده ۱۱. وظایف و اختیارات کانون عالی هماهنگی شوراهای‌اسلامی کار سراسر کشور عبارت است از: الف ـ ایجـاد ارتبـاط و همـاهنگی بین کانونهـای هماهنگی شوراهای‌اسـلامی کار اسـتانها و فعالیتهای آنها. ب ـ همکاری با دسـتگاههای اجرایی و مراجع ذی‌ربط بـه منظـورحسن اجرای قـوانین و مقررات کانونهـا. ج ـ بررسـی و جمع‌بنـدی نظرات کـانون هماهنگی شوراهای اسـلامی‌کار اسـتانها در خصوص مسایل و امور کار و کارگری و ارائه‌پیشنهادات و نظرات به وزارت کار و امور

اجتماعی یا دستگاههای‌ذی‌ربط د ـ انتخاب نمایندگان قانونی کارگران در مراجع و مجامع قانونی‌داخلی و بین‌المللی با توجه به قوانین و مقررات مربوط ه ـ کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواسته‌های مشروع وقانونی کارگران سراسر کشور از طریق مراجع ذی‌ربط و ـ انعقاد پیمانهای دسته جمعی با سازمانهای کارفرمایی مشابه وهمچنین همکاری متقابل با سایر سازمانها و راهنمایی اعضا در عقدقراردادها.

فصل سوم مقررات مشترک و نحوه ثبت و انحلال کانونهای‌هماهنگی شوراهای‌اسلامی‌کاراستان و کانون عالی‌هما

ماده ۱۲. به منظور تاسیس کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی‌کار هر استان هیات موسسی مرکب از حداقل سه کانون عالی‌هماهنگی شوراهای اسلامی کشور، هیات موسسی مرکب از حداقل‌سه کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تاسیس کانون‌عالی را از وزارت کار و امور اجتماعی درخواست می‌نماید. ماده ۱۳. وظایف هیات موسس به شرح زیر می‌باشد: الف ـ تهیه پیش‌نویس اساسنامه ب ـ دعوت از کلیه شوراهای اسلامی کار استان یا کلیه کانونهای‌شوراهای اسلامی کار استانها حسب مورد جهت شرکت در مجمع‌عمومی به منظور تصویب اساسنامه و انجام انتخابات ج ـ تهیه لیست داوطلبان عضویت ماده ۱۴. هیات موسس کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کاراستان و کانون‌عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشورموظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانون و این آیین‌نامه وطرح و تصویب آن در مجمع عمومی موضوع ماده (۱۳) و ثبت دروزارت کار و امور اجتماعی می‌باشند. ماده ۱۵. ثبت اساسنامه کانونهای مذکور و هرگونه تغییر یا اصلاح‌اساسنامه و همچنین انتخاب یا تغییر مسوولان مستلزم تسلیم‌مدارک ذیل به وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود: ۱ ـ دو نسخه تقاضانامه تاسیس کانون در مرحله اولیه ۲ ـ دو نسخه اساسنامه ۳ ـ یک نسخه صورتجلسه مجمع عمومی در خصوص تصویب یااصلاح اساسنامه یا انتخاب یا تجدید مسوولین ۴ ـ آگهی منتشر شده به وسیله هیات موسس (در یکی ازروزنامه‌های کثیرالانتشار یا روزنامه محلی به منظور تاسیس کانون‌مربوط ۵ ـ یک نسخه از امضای کلیه شرکت‌کنندگان با اسامی خوانا. ۶ ـ یک نسخه فرم مشخصات اعضای هیات مدیره و بازرسان‌کانونها. ماده ۱۶. هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان‌و نیز هیات مدیره کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کارسراسر کشور مکلفند حداقل سه ماه قبل از پایان دوره اعضای‌مجمع عمومی را برای تجدید انتخاب دعوت نمایند. به طوری که‌انتخاب مورد نظر حداقل یکماه قبل از انقضای دوره قبل به پایان‌رسیده باشد. تبصره تعیین هیات مدیره کانونهای مذکور قبل از اتمام اعتبارقانونی به عهده مجمع عمومی است در صورتی که بنا به علل موجهی که از سوی وزارت کار و اموراجتماعی تایید می‌شود انتخابات صورت نگیرد هیات مدیره‌موجود انجام وظیفه نموده و موظف است حداکثر ظرف مدت سه‌ماه نسبت به برگزاری انتخابات اقدام نماید و پس از این مدت پایان‌کار کانون قبلی اعلام و وزارت کار و امور اجتماعی تصمیم مقتضی‌اتخاذ می‌نماید. ماده ۱۷. کانونهای مذکور مکلفند تاریخ تشکیل مجامع خود راحداقل (۱۵) روز قبل از تشکیل به طور کتبی به وزارت کار و اموراجتماعی تسلیم نمایند. ماده ۱۸. کانونهای مذکور در موارد زیر منحل می‌شوند: الف ـ بنا به تصویب مجمع عمومی با توجه به مقررات پیش‌بینی‌شده در اساسنامه ب ـ در صورت صدور رای قطعی از طرف مراجع قضایی کشور. تبصره انحلال کانونهای مذکور تأثیری در رسمیت و اعتبارپیمانهای دسته جمعی منعقد شده قبل از انحلال نخواهد داشت معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی – مصوب ۱۵/۶/۱۳۵۸ هیأت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی‌ایران با آخرین اصلاحات

بخش اول ــ کلیات (هدف و وظایف)(م ۱ تا م ۵

مصوب ۱۵/۶/۱۳۵۸ هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی‌ایران با آخرین اصلاحات هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ۱۰/۶/۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد شماره ۲۲۹۶ مورخ ۳/۲/۱۳۵۸ وزارت‌بهداری و بهزیستی اساسنامه سازمان تامین اجتماعی را به شرح زیرتصویب نمودند: بخش اول ـ کلیات (هدف و وظایف ماده ۱ ـ سازمان تامین اجتماعی که در این اساسنامه اختصارا سازمان‌نامیده می‌شود و براساس «قانون تشکیل سازمان تامین اجتماعی‌مصوب ۱۳۵۸» تشکیل شده است دارای شخصیت حقوقی واستقلال مالی و اداری است و امور آن منحصرا طبق مقررات این‌اساسنامه اداره خواهد شد. ماده ۲ ـ سازمان برای اجرای وظایف خود دارای تشکیلات مرکزی و واحدها و شعب و نمایندگیهائی در تهران و شهرستانها خواهد بود. ماده ۳ ـ آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی با پیشنهاد هیات مدیره و تایید شورای عالی تامین اجتماعی و تصویب هیات وزیران قابل اجراءخواهد بود و همچنین آئین نامه استخدامی سازمان با پیشنهاد هیات‌مدیره و تایید شورای عالی تامین اجتماعی و تصویب سازمان اموراداری و استخدامی کشور قابل اجراء خواهد بود. سازمان مکلف‌است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این اساسنامه آئین‌نامه‌های‌مذکور را تهیه و به شورا تقدیم دارد و تا تایید شورا و تصویب هیات‌وزیران آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و استخدامی فعلی صندوق تامین اجتماعی معتبر خواهد بود. ماده ۴ ـ دارائی و درآمدهای سازمان عبارتست از: الف ـ کلیه وجوه و دارائی صندوق تامین اجتماعی موضوع ماده ۱۰قانون تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی مصوب تیر ماه ۱۳۵۵ ب ـ کلیه حق بیمه‌هائی که براساس قانون تامین اجتماعی و قانون‌تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی و قانون تشکیل سازمان تامین‌اجتماعی دریافت می‌شود. ج ـ درآمدهای حاصل از به کار انداختن وجوه و ذخائر و اموال‌سازمان د ـ وجوه حاصل از خسارات و جزاهای نقدی موضوع قانون تامین‌اجتماعی ه ـ کمکها و هدایا ماده ۵ ـ وظایف و اختیارات سازمان عبارتست از: الف ـ جمع‌آوری و تمرکز کلیه وجوه موضوع حق بیمه مشمولین‌قانون تامین اجتماعی و سایر وجوه و درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از وجوه و ذخائر و اموال سازمان ب ـ انجام تعهدات موضوع قانون تامین اجتماعی ج ـ سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از وجوه ذخائر سازمان

بخش دوم ـ ارکان سازمان م ۶ تا م ۱۹)

ماده ۶ ـ ارکان سازمان عبارتند از: الف ـ شورای عالی تامین اجتماعی که در این اساسنامه «شورا»نامیده می‌شود. ب ـ هیات مدیره ج ـ مدیر عامل د ـ هیات نظارت شورا ماده ۷ ـ اعضاء شورای عالی عبارتند از: الف ـ هشت نفر نمایندگان دولت به شرح زیر: ـ وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی که ریاست شورا را برعهده خواهد داشت ـ وزیر کار و امور اجتماعی یا معاون او ـ وزیر مشاور در سازمان برنامه و بودجه و یا معاون او و یا نماینده‌تام الاختیار وزیر ـ وزیر امور اقتصادی و دارائی و یا معاون او و یا نماینده‌تام‌الاختیار وزیر ـ وزیر صنایع سنگین و یا معاون او و یا نماینده تام الاختیار وزیر ـ وزیر صنایع ـ وزیر معادن و فلزات و یا معاون او و یا نماینده تام‌الاختیار وزیر ـ وزیر تعاون و یا نماینده وی ب ـ پنج نفر نمایندگان کارفرمایان بشرح زیر: ـ سه نفر کارفرمای واحدهای تولیدی صنعتی به انتخاب کانون عالی‌انجمنهای صنفی کارفرمایان در صورت تشکیل و در غیراین صورت‌به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی ـ دو نفر کارفرمای واحدهای صنفی و بازرگانی به انتخاب کانون‌عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان در صورت تشکیل و در غیر این‌صورت به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی ج ـ سه نفر نمایندگان بیمه‌شدگان به شرح زیر: ـ یک نفر نماینده بیمه‌شدگان واحدهای تولیدی صنعتی حسب‌مورد به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی‌انجمنهای صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران ـ یک نفر نماینده بیمه‌شدگان واحدهای اداری دولتی به انتخاب‌اتحادیه کارمندان دولت و مادام که اتحادیه مذکور تشکیل نشده‌است به انتخاب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ـ یک نفر نماینده بیمه‌شدگان واحدهای صنفی و بازرگانی حسب‌مورد به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی‌انجمنهای صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران ماده ۸ ـ اعضای انتخابی شورا برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند

وتجدید انتخاب آنها بلامانع است تبصره ۱ ـ چنانچه هریک از اعضای گروه بیمه شده و کارفرمای شورافوت یا استعفاء کند یا بیش از سه جلسه متوالی بدون عذر موجه‌غیبت نماید جانشین او برای بقیه مدت مقرر به نحو مذکور در فوق انتخاب خواهد شد، تشخیص عذر موجه با رئیس شورا خواهد بود. تبصره ۲ ـ تصمیمات شورا با اکثریت آراء اتخاذ می‌شود. ماده ۹ ـ وظایف و اختیارات شورا به شرح زیر است ـ تصویب آئین‌نامه‌های اجرائی که طبق مقررات قانون تامین‌اجتماعی یا سایر قوانین به آن محول شده است ـ اتخاذ تصمیم درباره خط مشی و سیاست کلی تامین اجتماعی به‌پیشنهاد هیات مدیره سازمان ـ تصویب تشکیلات کلی سازمان به پیشنهاد هیات مدیره سازمان ـ رسیدگی به بودجه و گزارش مالی و ترازنامه و تصویب آن ـ تعیین حقوق و مزایای مدیر عامل و اعضای هیات مدیره با تایید شورای حقوق و دستمزد و حق حضور اعضای انتخابی شورا وحق‌الزحمه اعضای هیات نظارت ـ تصویب پیشنهادات هیات مدیره در خصوص سرمایه‌گذاری و به‌کار انداختن وجوه ذخائر سازمان ـ تصویب خرید و فروش اموال غیرمنقول سازمان ـ بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص سایر مواردی که بنا به پیشنهادهیات مدیره سازمان در شورا مطرح می گردد. تبصره ـ شورا برای بررسی و اظهار نظر در خصوص مسائل تامین‌اجتماعی می‌تواند کمیته‌های تخصصی داشته باشد. ترتیب تشکیل‌جلسات شورا و کمیته‌های تخصصی آن طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بودکه به تصویب شورا می‌رسد. هیات مدیره ماده ۱۰ ـ اعضاء هیات مدیره مرکب از سه نفر به شرح زیر است ـ رئیس هیات مدیره که سمت مدیر عامل را دارا می‌باشد از بین‌افرادی که در امور تامین اجتماعی دارای بصیرت و سوابق ممتدباشد و با پیشنهاد وزیر بهداری و تصویب هیات وزیران تعیین‌می‌شود، منصوب می‌شود. ـ دو نفر عضو اصلی هیات مدیره با پیشنهاد وزیر بهداری و تصویب‌هیات وزیران تعیین می‌شوند. ـ یک نفر عضو علی البدل هیات مدیره که از بین اعضای عالی رتبه‌سازمان به ترتیب مذکور در مورد اعضای اصلی تعیین خواهد شد. تبصره ـ اعضای هیات مدیره موظفا انجام وظیفه خواهند کرد و بایدتمام اوقات در اختیار سازمان باشند و هیچ نوع شغل موظف درخارج از سازمان قبول نکنند. ماده ۱۱ ـ مدت ماموریت مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره سه سال‌است و تجدید انتخاب آنها بلامانع می‌باشد. در مورد فوت یااستعفای هریک یا در مواردی که به تشخیص وزیر بهداری وبهزیستی تغییر آنان ایجاب نماید جانشین هریک از آنها به ترتیب‌مذکور در فوق انتخاب خواهد شد. اعضاء هیات مدیره پس از اتمام‌مدت ماموریت خود تا تعیین هیات مدیره جدید کماکان به کار خودادامه خواهند داد. ماده ۱۲ ـ وظایف و اختیارات هیات مدیره به شرح زیر است ـ پیشنهاد سیاست کلی و خط مشی و برنامه‌های اجرائی تامین‌اجتماعی به شورا ـ تایید آئین‌نامه‌های اجرائی موضوع قانون تامین اجتماعی و این‌اساسنامه جهت پیشنهاد به مراجع مربوط ـ تایید برنامه و بودجه و گزارش مالی و ترازنامه سازمان جهت‌تصویب شورا ـ پیشنهاد تشکیلات سازمان در حدود بودجه مصوب جهت‌تصویب شورا ـ بررسی در مورد بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری از محل وجوه و ذخائرسازمان و تهیه پیشنهاد لازم جهت طرح و تصویب در شورا ماده ۱۳ ـ تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آراء مناط اعتبار خواهدبود. ماده ۱۴ ـ رئیس هیات مدیره و مدیر عامل که مسوول اداره امورسازمان می‌باشد عالیترین مرجع اجرائی سازمان بوده و بر کلیه‌تشکیلات و کارکنان سازمان ریاست دارد. وظایف و اختیارات مدیرعامل به شرح زیر است ـ اجرای مصوبات شورا و هیات مدیره ـ تهیه و تنظیم بودجه و برنامه و گزارش مالی و ترازنامه سازمان وپیشنهاد آن به هیات مدیره ـ پیشنهاد تشکیلات سازمان به هیات مدیره جهت تایید و تقدیم آن‌به شورا جهت تصویب ـ پیشنهاد خط مشی عملیاتی اعم از استخدامی مالی معاملاتی وغیره به هیات مدیره جهت تصویب ـ اداره امور سازمان در حدود خط مشی و مقررات و اختیارات‌مصوب ـ مدیر عامل در مقابل اشخاص حقیقی یا حقوقی و کلیه مراجع‌قانونی نماینده سازمان می‌باشد و می‌تواند این اختیار را شخصا یابه وسیله وکلا یا نمایندگانی که تعیین می‌کند اعمال نماید. ماده ۱۵ ـ مدیر عامل می‌تواند قسمتی از اختیارات و وظایف خود را به‌هیاتی یا به هریک از اعضای هیات مدیره یا هریک از کارکنان‌سازمان به مسوولیت خود تفویض نماید. هیات نظارت ماده۱۶ ـ اعضاءهیات‌نظارت‌مرکب‌ازسه‌نفر به شرح زیر است ـ یک نفر نماینده دولت به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارائی ـ یک نفر نماینده کارفرمایان به انتخاب کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان و در

صورت عدم تشکیل به انتخاب وزیر کار و اموراجتماعی ـ یک نفر نماینده بیمه شدگان از بین اعضاء شوراهای اسلامی کار به‌انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی ماده ۱۷ ـ وظایف و اختیارات هیات نظارت به شرح زیر است ـ نظارت بر حسن اجرای این اساسنامه و قانون تامین اجتماعی وتطبیق عملیات سازمان با مقررات قانونی ـ اظهار نظر در مورد ترازنامه تنظیمی سازمان قبل از طرح در شورای‌عالی ـ انجام وظایف دیگری که به‌موجب این اساسنامه یا قانون تامین‌اجتماعی و مقررات دیگر در صلاحیت هیات نظارت است تبصره ۱ ـ هیات نظارت حق مداخله در امور سازمان را ندارد و دراجرای وظایف خود برای گرفتن اطلاعات لازم و رسیدگی به دفاتر ومدارک باید به مدیر عامل مراجعه نماید و مدیر عامل موظف است‌هرگونه مدارک یا توضیحاتی که مورد نیاز باشد، در اختیار هیات‌نظارت بگذارد. تبصره ۲ ـ چنانچه هیات نظارت در اداره امور سازمان عملی خلاف‌قانون و مقررات مشاهده نماید مراتب را به اطلاع مدیر عامل‌خواهد رساند. ماده ۱۸ ـ هیات نظارت برای مدت سه سال انتخاب می‌شود و تجدیدانتخاب اعضای آن بلامانع است در موارد فوت یا استعفای هریک جانشین وی برای بقیه مدت به‌نحو مذکور در ماده ۱۶ تعیین خواهدشد. ماده ۱۹ ـ امور داخلی هیات نظارت و طرز تشکیل جلسات آن طبق‌آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیات مذکور می‌رسد.

بخش سوم ــ امور مالی (م ۲۰ تا م ۲۲)

ماده ۲۰ ـ هیات مدیره مکلف است تا اول دیماه هر سال بودجه کل‌سازمان را برای سال بعد تنظیم و به شورا پیشنهاد نماید. شورامکلف است حداکثر تا پانزدهم اسفندماه بودجه سال بعد را تصویب‌و به هیات مدیره ابلاغ نماید. تبصره ۱ ـ ترازنامه سالانه و گزارش مالی و صورت دارائی و بدهی‌سازمان باید حداکثر لغایت شهریور ماه سال بعد توسط مدیر عامل‌جهت رسیدگی به هیات مدیره و هیات نظارت ارسال گردد. هیات‌مدیره موظف است حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ وصول‌نظرات هیات نظارت در مورد ترازنامه و گزارش صورت مذکورترازنامه را به انضمام یک نسخه از نظرات هیات نظارت به شورا تقدیم دارد. تبصره ۲ ـ هیات نظارت مکلف است نسخه‌ای از نظرات خود را درمورد ترازنامه سالانه و گزارش مالی و صورت دارائی و بدهی‌سازمان حداکثر ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ دریافت آن به هیات‌مدیره تسلیم کند. ماده ۲۱ ـ مانده درآمد پس از وضع مخارج و کلیه درآمدهای حاصل ازخسارات و زیان دیرکرد و بهره سپرده‌ها و سود اوراق بهادار و درآمدحاصل از فروش یا واگذاری یا بهره‌برداری یا سرمایه‌گذاری از وجوه‌و اموال سازمان کلا ـ به حساب ذخائر سازمان منظور خواهد شد. ماده ۲۲ ـ تا تصویب آئین‌نامه‌های موضوع این اساسنامه آئین نامه ومقررات فعلی معتبر خواهد بود. اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است

نمونه قرارداد بیمه اختیاری

این قرارداد بین سازمـان تامین اجتماعی و خانم‌آقای به شماره‌شناسـنامه .... و بشـماره بیمه ....باتوجه به اطلاع‌کامل از مفاد آئین‌نـامه بیمـه اختیـاری و براسـاس درخـواست کـتـبی‌مورخ .... متقاضـی کـه طی شـماره .... مـورخ .... ثبت‌دفتر واحدتامین‌اجتماعی گردیده‌استطبق‌شـرایطزیر منعقـد می‌گردد: ۱ ـ ایـن قرارداد از تـاریخی کـه متقاضـی درخـواست خـود را در دفترواحـد این سازمان به ثبت می‌رساند، طبق مقررات آئین‌نامه بیمه‌اختیاری شـروع شده و قابل اجراء می‌باشد. ۲ ـ نوع بیمه اختیاری که متقاضی تمایل دارد از مزایای مربوط به آن‌استفاده نماید: الف بازنشستگی و فوت بعد از بازنشستگی با نرخ ۱۲٪ ب بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی با نرخ ۱۴٪ ج بازنشستگی و فوت و از کار افتادگی کلی با نرخ ۱۸٪ ۳ ـ متقاضی در صورت تمایل می‌توانـد علاوه بر انتخـاب هریک ازموارد ردیف ۲ بـا پرداخت ۹٪ حـق بیمه از مزایـای موضوع بنـد الف وب مـاده ۳ قانون تامین اجتماعی استفاده نماید. ۴ ـ متقاضی بیمه اختیاری موضوع بند ج ردیف ۲ قبل از انجام واجرای بیمه اختیاری از لحاظ از کارافتادگی کلی می‌بایستی به‌کمیسیون پزشـکی معرفی گردیده و چنانچه از کارافتاده کلی شناخته‌شود نمی‌تواند از مزایای بند ج مزبور استفاده نماید. ۵ ـ بیمه شـده اختیاری می‌توانـد هر دو سال یکبار درخواست کتبی‌حق بیمه اختیاری خود را به میزان ۱۰٪ ماخذ محاسبه قبلی افزایش‌دهـد و در هر حال برای هربار افزایش بایـد پس از گـذشت دو سال از تاریخ آخرین افزایش اقدام شود. ۶ ـ بیمه اختیاری از تاریخ تسـلیم تقاضای کتبی متقاضـی که ثبت دفترشـعبه یا نمایندگی می‌گردد شـروع خواهد شد و بیمه شده اختیاری‌مکلف است با توجه به اولین ابلاغ سازمان کل حق بیمه تعیین شـده‌را یکجا به سازمان پرداخت نموده و سـپس حق بیمه هر ماه راحداکثر تا آخرین روز ماه بعـد پرداخت نماید. در صورتی که پس ازتاریخ شـروع بیمه اختیاری پرداخت حق بیمه متوقف گـردد چنانچه‌بین تاریخ قطع پرداخت حق بیمه و تاریخ پرداخت حق بیمه مجددبیش از شـش ماه (۶ ماه فاصله ایجاد نشده باشد بیمه شده می‌تواندحق بیمه معوقه را بطور یکجا به سازمان پرداخت نماید و اگر فاصله‌مزبور از شش ماه (۶ماه تجاوز نماید قرارداد بیمه اختیاری لغو وحق بیمه گذشته وصول نخواهـد شد. ۷ ـ در صورتی که بیمه شـده اختیـاری در جریـان اجرای بیمه اختیـاری‌به‌نحوی از انحاء در زمره سایر مشـمولین قانون تامین اجتماعی یاقوانین موضوع تبصره‌های ۱ و ۲ و ۴ ماده چهار قانون مذکور قرارگیرد موظف است مراتب را کتبا به آگاهی سازمان برسانـد تا نسبت به‌قطع بیمه اختیاری وی اقـدام گردد. در صورت عدم اعلام بیمه شده‌اختیاری در این زمینه از تاریخ اجرای هریـک از مـوارد فـوق درباره‌متقاضـی بیمه اختیـاری از تاریـخ مزبور، قطع شـده تلقی و سوابق‌پرداخت بیمه اختیـاری بعـد از تـاریخ مذکور به هیچ عنوان ملاک‌استفاده از مزایای مندرج در قانون نخواهد بود. ۸ ـ اسـتفاده از مزایای تامین اجتماعی کلا یا بعضا برای بیمه شده‌اختیاری و یا در زمان اسـتفاده از مستمریهای بازنشستگی ازکارافتادگی کلی و یا بازماندگان بعد از بیمه اختیاری از هر نظر تابع‌شرایط پیش‌بینی شده در قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی آن‌خواهد بود. ۹ ـ متقاضی موظف است آدرس دقیق خود را در برگ درخـواست وایـن قرارداد قیـد و در صـورت تغییر آدرس مراتب را بطـور صـریح وروشن بـا ذکر دقیـق آدرس جدیـد به واحد مربوطه اعلام دارد، بـدیهی‌است چنانچه به‌علت عـدم اطلاع سازمان از آدرس جدیـد هرگونه‌مشـکلی در چگونگی وصول و یا ادامه بیمه اختیاری متقاضی در این‌شرایط بوجود آید مسوولیت آن به‌عهده بیمه شده خواهد بود. ۱۰ ـ چنانچه متقاضی از طریق غیرقانونی مبـادرت به ارائه اسـناد ومـدارک جهت بیمه اختیـاری خود بنمایـد در صورت وقوف سازمـان‌از چنین امری بلافاصـله بیمه اختیـاری متقاضـی قطع و بیمه شده‌نمی‌تواند در چنین شـرایطی از مزایای مربوط استفاده نماید و درصورتی که در این رابطه هزینه‌هائی متوجه سازمان گردیده باشدمتقاضی می‌بایستی کلیه هزینه‌های وارده به سازمان را بپردازد. ۱۱ ـ این قرارداد در سه نسخه تنظیم و مدت آن یکسال می‌باشـد که‌به ترتیب یک نسـخه در واحـد فنی و یک نسـخه در واحـد درآمد شـعبه‌یا نمایندگی و نسـخه سوم نزد متقاضـی خواهـد بود. مسوول درآمـدمسوول فنی مهر و امضـاء رئیس شـعبه یـا نماینـدگی‌امضاء یا اثر انگشت متقاضـی آدرس دقیق متقاضـی

شماره تلفن متقاضی یا شماره‌ای که بتوان با آن با متقاضی تماس‌برقرار نمود.

اصلاحیه آیین نامه اجرایی بند (۵) جز (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلا

اصلاحیه آیین نامه اجرایی بند (۵) جز (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه شماره ۴۴۳۰ه‍-/ب مورخ ۱۶/۹/۱۳۸۱ تصویب نمود: در تبصره ماده (۷) تصویب نامه شماره ۵۸۳۵۲/ت۲۵۹۶۰ه‍- مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۰، موضوع آیین نامه اجرایی بند (۵) جز (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ – مصوب ۱۳۸۰ – ، عبارت «به استثنای تدوین آیین نامه های مربوط به حفاظت فنی که مسؤولیت آن به عهده شورای عالی حفاظت فنی می باشد» بعد از عبارت «سخت و زیان آور» اضافه می گردد. معاون اول رییس جمهور – محمدرضا عارف

آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۲/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۸۲۳۱/۱۰۰ مورخ ۱۷/۱۱/۱۳۸۳ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد بند «ه» ماده (۱۶) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ـ آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی ماده۱ـ در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط بکار می‌روند: الف ـ چتر ایمنی رفاه اجتماعی: مجموعه‌ای از سیاستها و اقدامات جبرانی، پیشگیرانه و ارتقایی است که برای کنترل و کاهش فقر و پایداری جامعه سالم انجام می‌شود. ب ـ گروههای آسیب پذیر: افرادی از جامعه که در معرض مخاطرات اجتماعی هستند و به ساماندهی و بازپروری نیاز دارند. پ ـ فقر شدید: وضعیتی است که در آن اگر تمامی درامد خانوار صرف تهیه غذا شود سرپرست خانوار قادر به تأمین (۲۰۰۰) کیلو کالری روزانه برای هر فرد بر مبنای سبد مطلوب غذایی نباشد. ت ـ فقر مطلق: وضعیتی است که در آن خانوار به لحاظ درامدی قادر به تأمین حداقل نیازهای اساسی خوراکی و غیرخوراکی (مسکن، پوشاک، درمان و آموزش) خود نباشد. ث ـ جامعه سالم : جامعه‌ای است که افراد آن با حداقل احتمال با مخاطرات روبرو هستند. ج ـ مدیریت مخاطرات : استفاده از سازوکارهای مناسب جهت پیشگیری و جبران خسارات ناشی از رویدادهای نامطلوب اجتماعی، اقتصادی که منجر به کاهش سطح زندگی افراد می‌شود. چ ـ وزارت رفاه: وزارت رفاه و تأمین اجتماعی. ماده۲ـ جمعیت هدف تحت‌پوشش این آیین‌نامه به سه گروه درامدی زیر طبقه‌بندی می‌شوند: گروه اول ـ جمعیت زیر خط فقر شدید. گروه دوم ـ جمعیت مابین خط فقر شدید و خط فقر مطلق. گروه سوم ـ جمعیت بالاتر از خط فقر مطلق (جامعه سالم). تبصره۱ـ برای گروههای اول و دوم اقدامات جبرانی و برای گروه سوم اقدامات ارتقایی و پیشگیرانه انجام می‌گیرد . تبصره۲ـ برای کاهش مخاطرات و تأمین پوشش کامل گروههای آسیب‌پذیر یک محدوده ده درصدی درامدی بالاتر از خط فقر مطلق به جمعیت گروه دوم اضافه می‌شود. تبصره۳ـ مرجع تعیین سبد مطلوب غذایی و تدوین و بهبود الگوی نگهداری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که با رعایت ماده (۸۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب۱۳۸۳ـ اقدام خواهد نمود. وزارت رفاه مکلف است بر مبنای سبد یاد شده، معادل درامدی خط فقر شدید خانوار را سالانه محاسبه و اعلام نماید. تبصره۴ـ وزارت رفاه موظف است در نیمه اول هر سال معادل درامدی خط فقر مطلق را با استفاده از آمارهای مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محاسبه و پس از تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی اعلام نماید و مبنای اجرای این آیین‌نامه قرار دهد. تبصره ۵

ـ اقدامات ارتقایی و پیشگیرانه برای جمعیت گروه سوم، موضوع تبصره (۱) این ماده بنا به پیشنهاد وزارت رفاه به تصویب شورای‌عالی رفاه و تأمین اجتماعی می‌رسد. ماده۳ـ خانوارهای دارای فقر شدید به صورت کامل تحت پوشش چتر ایمنی رفاه اجتماعی قرار می‌گیرند و اولویت ارایه خدمات به خانوارهای دارای فقر مطلق به ترتیب زیر خواهد بود: الف ـ کودکان بی سرپرست. ب ـ زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست. پ ـ سالمندان. ت ـ معلولان. ث ـ سایرین (بیکاران، معتادان، بیماران مزمن جسمی و روانی و). ... تبصره ـ تعیین ضوابط تشخیص مصادیق گروه‌های هدف از نظر آسیب‌پذیری و اولویت ارایه خدمات بر عهده وزارت رفاه است. ماده۴ـ اقدامات و برنامه‌های حمایتی موضوع این آیین‌نامه عبارتند از امنیت تغذیه، بهداشت و درمان پایه، اشتغال مولد، توانمندسازی، ارتقای آگاهی عمومی، مسکن و مدیریت مخاطرات. تبصره ـ میزان و نوع خدمات مورد نیاز، توسط وزارت رفاه با رعایت قوانین و مقررات حمایتی موجود با همکاری نهادها و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این آیین‌نامه، تدوین و پس از تصویب شورای‌عالی رفاه و تأمین اجتماعی به عنوان اولویتهای اجرایی، به نهادها و دستگاههای ذی‌ربط ابلاغ می‌گردد. نهادها و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط در چارچوب اعتبارات سالانه مرتبط خود و اعتبارات اختصاص یافته از سوی وزارت رفاه مکلفند مطابق اولویتهای ابلاغ شده برنامه‌های عملیاتی و تخصیص منابع خود را تنظیم و اجرا نمایند. ماده۵ ـ وزارت رفاه موظف است در اجرای بند « م» ماده (۱۶) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ـ با همکاری کمیته امداد امام خمینی، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و کشور و نهادهای مردمی از جمله شوراهای اسلامی شهر و روستا، معتمدان محلی و خیران نسبت به شناسایی واجدان شرایط برخورداری از حمایت‌های موضوع این آیین‌نامه اقدام نماید. تبصره ـ کلیه دستگاهها و نهادهای همکار در امر شناسایی موظفند اطلاعات خانوارهای تحت پوشش یا شناسایی شده خود را با کد ملی آنها در اختیار استانداریها قرار دهند. استانداریها به نمایندگی از وزارت رفاه موظفند مطابق دستورالعمل ارایه شده توسط آن وزارتخانه ضمن برپایی اطلاعات نسبت به پایش اطلاعات و ارسال آن به وزارت یاد شده اقدام نمایند. ماده۶ ـ در اجرای بند « الف» ماده (۱۵) قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی، هماهنگی بین دستگاههای ذی‌ربط بر عهده شورای‌عالی رفاه و تأمین اجتماعی خواهد بود. شورای یاد شده سازوکار مناسب برای اجرای این آیین‌نامه را تعیین و با رعایت قوانین و مقررات اجرا می‌نماید. تبصره ـ هماهنگی و نظارت بر اجرای این آیین‌نامه در استانها برعهده استاندار و نماینده وزارت رفاه و تأمین اجتماعی می‌باشد. ماده۷ ـ دستگاههای ذی‌ربط موظفند با رعایت اصول و سیاستهای اجرایی موضوع ماده (۹) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نسبت به تدوین برنامه‌های عملیاتی مرتبط با چتر ایمنی رفاه اجتماعی ظرف (۴۵) روز از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه به شرح زیر اقدام و پس از تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی نسبت به اجرای آن اقدام نمایند: الف ـ وزارت کار و امور اجتماعی موظف است به منظور توانمندسازی افراد موضوع این آموزش‌های مهارتی خاصی را طراحی نماید. ب ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است نسبت به تأمین حداقل سرپناه برای خانوارهای موضوع این آیین‌نامه و سازوکارهای برخورداری از آن با رعایت بند « د» ماده (۳۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۸۳ـ اقدام نماید. پ ـ وزارت رفاه موظف است ضمن برپایی سازوکارهای مناسب جهت برخورداری گروههای آسیب‌پذیر از خدمات درمانی پایه، نسبت به تدوین طرح ساماندهی و بازپروری گروههای آسیب‌پذیر و برنامه‌های آموزشی اقدام نماید. ماده۸ ـ وزارت رفاه براساس تبصره (۱) ماده (۱۱) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، ضمن راهبری منابع اختصاص یافته به برنامه‌های چتر ایمنی رفاه اجتماعی، موظف است گزارش نظارتی اقدامات انجام گرفته دستگاههای ذی‌ربط درخصوص اجرای برنامه‌های یاد شده مذکور را هر شش ماه یک‌بار به هیئت دولت ارایه نماید. ماده۹ـ کلیه دستگاههای اجرایی که از منابع موضوع ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی اعتباری را در اختیار دارند موظف هستند در مصرف اعتبار یادشده اولویت را به حمایت از برنامه‌ها و اقدامات موضوع ماده (۴) این آیین‌نامه اختصاص دهند. تبصره ـ

سازمـان مـدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است در لوایـح بودجه سالانه مابه‌التفاوت اعتبار مورد نیاز برای اجرای این آیین‌نامه و اعتبار مندرج در ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی را پیش‌بینی نمایـد . ماده۱۰ـ این آیین‌نامه در سال۱۳۸۴ در سه اسـتان کشور با تشخیص وزارت رفاه اجرا خواهد شد. ماده۱۱ ـ آن دسـته از دستگاههای اجرایی که بر اساس قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی برای آنها وظایفی پیش‌بینی شـده است موظفنـد وظایف مرتبط با این آیین‌نامه را با اولویت انجام دهنـد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

تصویب‌نامه راجع به افزایش حق مسکن کارگران – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشـنهاد شورای عالی کار و به اسـتناد ماده واحده قانون اصلاح طبقه‌بندی مشاغل و برقراری کمک هزینه مسـکن کارگری مصوب ۲۷/۱/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسـلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۰ ـ تصویب نمود: حق مسکن کارگران به میزان یکصد هزار (۱۰۰،۰۰۰) ریال تعیین می‌گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی

هیئـت وزیران در جلسه مـورخ ۲۶/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشـنهاد شماره ۶۱۴۶/۱۰۰ مورخ ۱۱/۴/۱۳۸۴ وزارت رفـاه و تـأمین اجتماعی و به استناد ماده (۱) و بنـد (الف) ماده (۱۵) قـانون سـاختـار نظـام جامع رفـاه و تـأمین اجتماعـی ـ مصـوب ۱۳۸۳ ـ و مـاده (۹۷) قانون برنـامه چهـارم تـوسـعـه اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگـی جمهـوری اسـلامی ایـران ـ مصـوب ۱۳۸۳ ـ آیین‌نامه سامانـدهی کودکان خیابانی را به شـرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه سامانـدهی کودکان خیابانی فصل اول ـ کلیات ماده۱ ـ اصطلاحات زیر در آیین‌نامه در معانی مشروح مربوط به کار میروند: ۱ـ کودک خیابانی : فرد کمتر از ۱۸ سال تمام که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد، اعم از کودکی که هنوز بـا خانواده خود تماس دارد و از سـرپناه برخوردار است و یا کودکی که خیابان را خانه خود می‌دانـد و رابطه او با خانواده به حـداقل رسیـده و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد. ۲ـ ساماندهی : مجموعه فعالیتهایی که توسط نهادهـا، سازمانهـا و دسـتگاههای اجرایی دولتی و غیر دولتی تعریف شـده در این آیین‌نامه، از شـناسایی، جـذب و پـذیرش کودکان خیابـانی آغـاز و تا رسـیدن وی به فرجام قابل اطمینان ادامه می‌یابـد. ۳ـ شـناسایی : ارتبـاطی که توسط مـددکار اجتماعی با کودک خیابـانی شـکل می‌گیرد و به تشـخیص وضـع موجود وی می‌انجامـد. ۴ـ جـذب : ارتبـاط تقویت یـافته مـددکار اجتماعی با کودک خیابـانی که جلب اعتمـاد و پـذیرش ارتبـاط از سوی کودک خیابـانی را به همراه دارد. این فعـالیت بـا هـدف آگـاه نمودن کودک خیابانی از منـابع و خـدماتی کـه می‌توانـد در اختیـار او قرار گیرد انجـام می‌پـذیرد. ۵ ـ اقـامت: حضور کوتـاه مـدت، میان مـدت و درازمـدت کودک خیابـانی در مراکز اقامت که شامل سه سطح زیر می‌شود: الف ـ اقامت کوتاه مـدت: حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت حداکثر به مدت ۲۱روز. ب ـ اقـامت میان مـدت: حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت بیشتر از ۲۱ روز تا یک سال. ج ـ اقامت دراز مدت : حضور کودک خیابانی بیسرپرست یا بدسرپرست در مراکز شبانه‌روزی تا پایان ۱۸ سالگی مطابق با آیین‌نامه مراکز شـبانه روزی سازمـان بهزیسـتی کشور. تبصـره ـ در موارد اسـتثنایی و درصورت ضـرورت بـا نظر تیم تخصصـی مـدت اقـامت موضوع بنـد « الف» حداکثر یک دوره قابل تمدید می‌باشد. ۶ ـ مراکز کودکان خیابانی : مراکزی که در آنها خدمات تخصصـی به کودکـان خیابانی ارایه می‌شود. این مراکز در چهار سـطح زیر می‌باشـند: الف ـ مراکز و پایگاههای سـطح یک (سـرپایی) : مراکز و پایگاههای ثابت و سیاری که بـدون اقامت کودک نسبت به ارایه خـدمات سـرپایی به وی و خانوادهاش اقدام مینمایند. ب ـ مراکز سطح دو (اقامت کوتاه مدت) : مراکزی که امکان اقامت کودک را حداکثر تا ۲۱ روز فراهم می‌کنند. (موضوع جزء « الف» بند (۵) ماده (۱) این آیین‌نـامه) ج ـ مراکز سـطح سه (اقـامت میـان مـدت) : مراکزی که امکـان اقـامت کودک را حـداکثر تا یک سال مهیا

می کنـد. (موضوع جزء « ب» بنـد (۵) ماده (۱) این آیین‌نـامه) د ـ مراکز سـطح چهـار (اقامت دراز مـدت): مراکزی که امکان اقامت کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست را تا پایان ۱۸ سالگی تأمین می کنـد. (موضوع جزء « ج» بنـد (۵) ماده (۱) این آیین‌نـامه) ۷ ـ پذیرش : برقراری رابطه پایدار حرفهای که زمینه را برای اجرای فرایند مشکلگشایی در سطوح مختلف فراهم می کند. پذیرش در سه سطح زیر انجام میپذیرد: الف ـ پـذیرش سـطح یک : برقراری ارتباط فعال مددکار با کودک خیابانی برای فراهم نمودن حمایتهای لازم، بـدون نگهداری کودک در مرکز اقامت. این نوع پذیرش در مرکز کودکان خیابانی سطح یک صورت میپذیرد. ب ـ پذیرش سطح دو : اقامت کوتاه مدت کودک خیابانی در مرکز سطح دو برای دریافت خدمات تخصصی بیشتر.(پذیرش سطح (۲) از طریق ارجاع از سطح (۱) یـا به طور مستقیم انجام می‌شود.) ج ـ پـذیرش سـطح سه : اقامت میان مـدت کودک خیابانی در مرکز سه برای دریافت خدمات تخصصی و حمایتهای بیشتر.(پذیرش سطح (۳) از طریق ارجاع از سطوح (۱) و (۲) انجام می‌شود). د ـ مراکز سطح چهـار (اقـامت بلنـد مـدت): این مراکز مستقیماً و یـا بـا اعطـای مجوز رسـمی سازمان بهزیستی کشور به اشـخاص حقیقی و حقوقی تاسیس و اداره میشونـد. تبصـره ـ اقـامت بلنـد مـدت و میـان مـدت کودکان خیابانی که در مراکز سـطح (۳) و (۴) انجـام می گیرد می‌توانـد بـه اشـخاص حقیقی و حقـوقی و سازمانهـا و مؤسـسات غیر دولـتی علاقمنـد و واجـد صـلاحیت واگـذار شـود. ضوابط و شاخصـهای تشـکیل (فضای فیزیکی، نیروی انسانی و غیره)، نحوه اداره و کنترل کیفیت این مراکز بر اساس آیین‌نامه ضوابط تاسیس و انحلال مراکز نگهـداری کودکان خیابانی، موضوع بند (۲) ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشـی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸۰ ـ توسط سازمان بهزیستی کشور تهیه و ابلاغ خواهـد شد. ۸ ـ ترخیص: پایان اقدامات تیم تخصصـی مراکز و دستیابی به اهداف تعیین شـده که منجر به پاسخگویی به نیازهـای کودک در کوتـاه مـدت، میـان مـدت و بلندمـدت می گردد. بـازگشت کودک به کـانون خانواده اولویت اقـدامات ترخیص مراکز خواهد بود. ۹ ـ پیگیری: سلسـله اقداماتی که به منظور پیشگیری از بروز مجدد مشکل برای کودک پس از ترخیص از طریق تمـاس بـا خـانواده و بازدیـد از شـرایط خـانوادگی یـا دعوت والـدین یا خانواده نزدیک کودک یا سرپرستان وی جهت بررسی و مشاورههای مدد کاری انجام میپذیرد. ۱۰ـ توانمندسازی : فرایندی است که طی آن مجموعه اقدامات و خـدماتی بـا هـدف تحقق زنـدگی عادی با حـداقل وابسـتگی به منابع حمایتی و ارتقاء تواناییها و مهارتهای آموزشـی، اجتماعی و حرفه آمـوزی به کـودک و یـا خـانواده وی ارایه می‌شـود. ۱۱ـ تیـم تخصصـی: شامـل گروهی از متخصصـین و کارشـناسان از جمله سرپرست مرکز، روانشـناس، مـددکار اجتمـاعی، روانپزشـک، پزشک، پرسـتار، کارشـناس حقوقی، مربی و غیره است که به صورت سیار یا ثابت به ارایه خـدمات تخصصـی به کودک خیابانی و خانواده وی میپردازند. ۱۳ـ نهادهـای حامی: کلیه نهادها و سازمانهایی که به اسـتناد اساسـنامه یا وظایف سازمانی، نسبت به ارایه تمام یا بخشـی از خدمات موضوع این آیین‌نامه به کودکان خیابانی اقدام می‌نمایند. فصل دوم ـ روند اجرایی ماده۲ـ سازمان بهزیستی کشور موظف است با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمنهای خیریه، تشـکلهای غیردولـتی و نیروی انتظـامی و بـا اسـتفاده از مـدد کاراجتمـاعی (در قـالب تیـم تخصصـی سیار یـا مستقر در مراکز که با همکاری شـهرداریها سازمانـدهی خواهـد شد)، نسبت به شـناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استانها و در صورت صـلاحدید کارگروه اجتماعی اسـتان در شـهرهای بالای دویست هزار نفر اقدام نماید. تبصره۱ـ نیروی انتظامی جمهوری اسـلامی ایران موظف است در مواردی که سـلامت جسـمانی و روانی کودک در معرض خطر جدی قرار می گیرد در امر جـذب با سازمان بهزیستی کشور همکاری نماید. ماده۳ـ در هر مرحله مسئولیت پیگیریهای پس از ترخیص کودک به عهـده مرکز ترخیص کننده است به جز مرکز سـطح یک موضوع این آیین‌نامه و این امر تا رسیدن وی به فرجام قابل اطمینان ادامه میابد. ماده۴ـ در صورت تحویـل کودک خیابـانی به خـانواده، بهزیستی اسـتانها و سـایر نهادهـای حـامی موظفنـد در زمینه حمایت مادی و معنوی خـانواده اقـدامات لازم را به عمـل آورنـد و هر شـش مـاه یکبـار گزارش اقـدامات خود را به سازمـان بهزیسـتی کشور و کـارگروه اجتماعی اسـتان اعلام نمایند. ماده۵ ـ اداره کـل بهزیستی اسـتانها به منظور تـأمین همـاهنگی بین بخشـی و اسـتفاده از همکاری سایر

سازمانها و ادارات کل ذیربط موظفند مسایل مربوط به‌ساماندهی کودکان خیابانی را به طور مستمر در کارگروه اجتماعی استان مطرح و نسبت به جلب همکاری و مشارکت سازمانها و نهادهای ذی ربط اقدام نمایند. فصل سوم ـ وظایف سازمانها و نهادهای همکار در سازماندهی کودکان خیابانی ماده۶ ـ سازمانها و نهادهای همکار در فرایند ساماندهی کودکان خیابانی در زمینه‌های تعیین شده زیر همکاری خواهند نمود: ۱ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران: الف ـ برقراری امنیت در کلیه مراحل اجرایی (امنیت مراکز و تیمهای سیار). ب ـ اقدامات لازم برای اجرای تبصره (۲) ماده (۲) این آیین‌نامه. ج ـ تعیین تکلیف کودکان خیابانی بزهکار. ۲ ـ وزارت دادگستری : الف ـ صدور مجوزها و احکام قضایی لازم در مراحل مختلف ساماندهی. ب ـ ارایه مشاوره حقوقی لازم جهت تسهیل ساماندهی کودکان خیابانی. ۳ ـ شهرداری : الف ـ تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب جهت اجرای مراحل ساماندهی به‌استناد ماده (۶) قانون شهرداریها. ب ـ تأمین امکانات موردنیاز ساماندهی یا اجرای تصمیمات کارگروه اجتماعی استان ۴ ـ وزارت کار و امور اجتماعی : الف ـ ارایه تسهیلات اعتباری اشتغالزا به خانوادههای جویای کار کودکان خیابانی و کودکان بالای پانزده سال (با اولویت). ب ـ آموزش رایگان مهارتهای شغلی به خانواده کودکان خیابانی و کودکان بالای پانزده سال توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای. ۵ ـ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی : الف ـ تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی کودکان خیابانی و خانواده درجه اول آنان و تأمین پزشک و پرستار مورد نیاز مراکز ساماندهی کودکان خیابانی. ب ـ ارایه خدمات بهداشت و درمان در مراکز سطح (۲) و (۳). ۶ ـ سازمان بیمه خدمات درمانی : ـ تأمین و صدور بیمه‌نامه خدمات درمانی برای کودک و خانواده درجه اول وی حسب اعلام بهزیستی استانها. ۷ ـ سازمان تأمین اجتماعی: ـ پوشش درمانی و خدمات مورد نیاز کودک و خانواده درجه اول وی در مراکز درمان و بیمارستانهای تابعه بدون دریافت وجه. ۸ ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران : الف ـ انجام اقدامات فرهنگی و تبلیغی لازم. ب ـ تهیه برنامهها و تیزرهای لازم برای آگاه سازی اقشار مختلف جامعه ج ـ همکاری رسانهای با سازمانهای مسئول در جهت انجام وظایف محوله به آنان. ۹ ـ جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران: ـ تأمین خدمات حمایتی و انسان دوستانه جهت کودک و خانواده وی در حد مقدور حسب درخواست بهزیستی استانها. ۱۰ ـ وزارت آموزش و پرورش: الف ـ هشدار و آگاه سازی اولیا دانش آموزان از طریق طرح مسئله توسط انجمنهای اولیا و مربیان. ب ـ شناسایی و راهنمایی دانش آموزانی که در معرض آسیب هستند از طریق مشاور مدرسه با همکاری مددکاران سازمان بهزیستی. ج ـ ارایه آموزشهای لازم و آگاه‌سازی دانش آموزان توسط مربیان و معلمان در خصوص خطرات فرار از خانه و گروههای آسیب رسان و دامهای اجتماعی. ۱۱ ـ کمیته امداد امام (ره): ـ اعمال حمایتهای لازم از خانواده‌های تحت پوشش حمایتی که دارای کودکان خیابانی بودهاند. فصل چهارم ـ هماهنگی و نظارت ماده ۷ ـ هماهنگیهای لازم و نظارت بر حُسن اجرای مفاد این آیین‌نامه در استانها توسط کارگروه اجتماعی استان اعمال خواهد شد. تبصره ـ چنانچه کارگروه اجتماعی استان ضروری بداند، کارگروهی با ترکیب و وظایف مشابه در سطح شهرستان نیز قابل تشکیل خواهد بود. ماده ۸ ـ اداره کل بهزیستی استانها موظفند محورهای زیر را در کارگروه اجتماعی استان مطرح و نسبت به تحقق موارد زیر پیگیری نمایند: ۱ـ بررسی فرایند و عملکرد هر یک از دستگاهها و نهادهای مجری در هر یک از مراحل اجرای طرح ساماندهی. ۲ـ بررسی و رسیدگی به شکایات و تخلفات و بررسی گزارشهای ادارات بهزیستی یا کارگروه اجتماعی شهرستان. ۳ ـ فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تسهیل اجرای برنامه‌های عملیاتی ساماندهی کودکان خیابانی در سطح استان. ۴ ـ ایجاد تعهد و حمایت سیاسی از اجرای برنامههای عملیاتی ساماندهی کودکان خیابانی در سطح استان. ۵ ـ برقراری هماهنگی بین بخشی در سطح سازمانها و نهادهای اجرایی دولتی و غیردولتی در راستای تحقق اهداف برنامه. ۶ ـ ارزیابی عملکرد و پایش مستمر شاخصهای تعیین شده در سطح استان. ۷ـ تحلیل وضع موجود در استان بر اساس گزارشهای دریافت شده از شهرستانها. ۸ ـ ترسیم وضعیت مطلوب استان بر اساس شاخصهای کشوری و داده‌های شهرستانها. ۹ـ تهیه چارچوب آموزش، برقراری ارتباط و اطلاع رسانی عمومی و ایجاد هماهنگی در زمینه‌های زیر: الف ـ برقراری ارتباط با انجمنهای

خیریه و اطلاع رسانی در این زمینه. ب ـ برقراری ارتباط با مسئولان سیاسی، اجتماعی و مذهبی استان و جلب حمایت آنان. ج ـ آگاه سازی مردم از آرمانها و هدفهای برنامه با استفاده از وسایل ارتباط جمعی استان. ۱۰ ـ جمع آوری و تحلیل مستندات و گزارشهای ادواری و موردی شهرستانها. ۱۱ ـ ایجاد بستر لازم جهت توانمندسازی فرد و خانواده وی. تبصره ـ در صورت تشخیص کارگروه اجتماعی استان، سایر سازمانها و نهادها علاوه بر سازمانها و نهادهای موضوع ماده (۶) این آیین‌نامه با سازمان بهزیستی کشور در فرایند ساماندهی کودکان خیابانی همکاری خواهند نمود. فصل پنجم ـ مقررات عمومی ماده۹ـ سازمان بهزیستی کشور موظف است با مشارکت و همکاری سازمانها و نهادهای ذی ربط نسبت به راه‌اندازی مراکز سطوح چهارگانه موضوع این آیین‌نامه در کلیه مراکز استانهایی که با مشکل کودکان خیابانی مواجه می‌باشند اقدام نماید. ماده۱۰ ـ سازمان بهزیستی کشور مجاز است از محل اعتبارات ساماندهی کودکان خیابانی نسبت به جذب نیروی متخصص مورد نیاز به صورت قراردادی با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نمایند. ماده۱۱ـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این آیین‌نامه را تأمین و در اختیار وزارت رفاه وتأمین اجتماعی قرار دهد. ماده۱۲ـ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی هماهنگی اجرای این آیین‌نامه را بر عهده دارد و این امر را توسط شورایی متشکل از دستگاه‌های ذی‌ربط در ماده (۶) به انجام می‌رساند و هر شش ماه یک بار گزارش اقدامات انجام یافته را تحلیل و جمع‌بندی و به‌شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی ارایه خواهد نمود.
معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۲/۴/۱۳۸۴ باتوجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه شماره ۶۶۳۸۹/۸۱۰۳هـ/ب مورخ ۲۶/۲/۱۳۸۴ تصویب نمود: آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر موضوع تصویب‌نامه شماره ۶۵۸۴۶/ت ۳۲۱۸۰ هـ مورخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ ـ متن زیر جایگزین بند « ح» ماده (۱) می گردد: «بند ح ـ از کارافتادگی کلی : عبارت است از کاهش قدرت کار بیمه شده در نتیجه بیماری یا حادثه به نحوی که پس از انجام خدمات درمانی و توانبخشی طبق نظریه کمیسیونهای پزشکی توانایی کار خود را شصت و شش درصد (۶۶٪) یا بیشتر از دست داده باشد.» ۲ ـ ماده (۳) حذف می گردد. ۳ ـ در ماده (۶) واژه « تدریجی» حذف می گردد. ۴ ـ ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می گردد: « ماده ۸ ـ در سالهایی که به تشخیص مراجع ذیصلاح خشکسالی در منطقه یا روستایی اعلام می گردد و یا در مواقع بروز حوادث غیرمترقبه و آفت زدگی و یا مرگ و میر دام تا رفع عوارض ناشی از آن موجب بیکاری و ناتوانی بیمه شده در پرداخت حق بیمه گردد، سهم مشارکت روستاییان و عشایر در آن منطقه یا روستا حسب اعلام وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تأیید شورایعالی رفاه و تأمین اجتماعی برعهده دولت خواهد بود.» ۵ ـ ماده (۱۰) به شرح زیر اصلاح می گردد: « ماده۱۰ـ تعهدات موضوع این آیین‌نامه شامل موارد بیمه‌ای از جمله موارد زیر می‌باشد: الف ـ خدمات درمانی (بیماریها، حوادث و سوانح) ب ـ پیری. پ ـ فوت. ت ـ از کارافتادگی. ث ـ بیکاری. تبصره ـ میزان حق بیمه، ضوابط و شرایط برخورداری از بیمه بیکاری براساس پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب هیئت وزیران خواهد بود. ۶ ـ در ماده (۱۴) عبارت «شصت و شش درصد (۶۶٪) و بیشتر» جایگزین عبارت « بیش از ۶۶ درصد» گردد. ۷ ـ متن زیر جایگزین ماده (۱۵) می‌گردد: « ماده ۱۵ ـ نحوه تشکیل کمیسیونهای پزشکی، تعیین میزان درصد از کارافتادگی در بدو ورود و نیز جهت پرداخت مستمری به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد هیئت مدیره صندوق، تأیید وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب شورایعالی رفاه و تأمین اجتماعی خواهد رسید.» ۸ ـ در بند « الف» ماده (۱۹) عدد « ۳۵/۱» به «۳۰/۱» اصلاح می گردد. ۹ ـ ماده (۲۰) به شرح زیر اصلاح گردد: « ماده۲۰ ـ صندوق به عنوان یک مؤسسه دولتی مستقل دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری و استخدامی بوده و طبق ضوابط و مقررات مورد عمل خود وظایف زیر را برعهده دارد: الف ـ تعمیم و

گسترش بیمه روستاییان و عشایر به افراد مشمول. ب ـ جمع آوری و تمرکز کلیه وجوه موضوع صندوق. ج ـ سرمایه گذاری و بهره برداری از وجوه جاری و ذخیره شده. د ـ انجام تعهدات موضوع این آیین‌نامه.» معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی آئین‌نامه اجرایی بند(۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴/۸/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۳۴۹۷ مورخ ۱۶/۷/۱۳۸۴ وزارت کار و امور اجتماعی و به استناد بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ ـ مصوب ۱۳۸۰ـ تصویب نمود: در ماده (۱۸) اصلاحی آیین نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ ـ مصوب ۱۳۸۰ـ، موضوع تصویب نامه شماره ۸۵۸۳/ت۳۰۴۲۴هـ مورخ ۱۸/۲/۱۳۸۴ عبارت « تاپایان شهریور سال ۱۳۸۴ » به عبارت « تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵» اصلاح می گردد. این تصویب نامه از تاریخ اول مهر سال ۱۳۸۴ لازم الاجرا است. معاون اول رئیسجمهور ـ پرویز داودی

تصویب‌نامه راجع به تمدید مدت معافیت کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر از قانون کار – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۱۰/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۹۷۹۵۹ مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۴ وزارت کار و اموراجتماعی و به استناد ماده (۱۹۱) قانون کار جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۶۹ ـ تصویب نمود: تصویب‌نامه شماره ۵۶۳۹۲/ت۲۷۹۲۹هـ مورخ ۷/۱۱/۱۳۸۱، موضوع موارد استثناء و معافیت کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر از قانون کار به مدت سه سال تمدید می‌شود.

اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره(۲) الحاقی ماده

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴/۱۱/۱۳۸۵ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تأمین اجتماعی و به استناد بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶)قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ ـ مصوب ۱۳۸۰ ـ تصویب نمود : در ماده (۱۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب۱۳۷۱ ـ مصوب ۱۳۸۰ـ موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۰۴۸۳/ت۳۵۹۹۳ هـ مورخ۸/۷/۱۳۸۵ عبارت « تا پایان آبان سال ۱۳۸۵» به عبارت « تا پایان دی سال ۱۳۸۵» اصلاح می گردد. این تصویب‌نامه از تاریخ اول آذر سال ۱۳۸۵ لازم الاجرا است.

قانون اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار و الحاق یک تبصره به آن . مصوب ۸۴ (م ۱ تا م ۵)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار که یک فوریت آن در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۲ تصویب شده بود درجلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۳۰/۱/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و متن تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است، در اجرای اصل یکصدوبیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی شماره۶۴۹۲ ۲۲/۲/۱۳۸۳ وزارت کار و امور اجتماعی قانون اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار و الحاق یک تبصره به آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در

تاریخ ۹/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۸۹۰۹ مورخ ۱۵/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور ـ سیدمحمدخاتمی قانون اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار و الحاق یک تبصره به آن ماده واحده ـ تبصره ماده (۱۴) قانون کار مصوب ۲/۷/۱۳۶۸ به عنوان تبصره (۱) به شرح ذیل اصلاح و تبصره دیگری به آن الحاق می گردد: تبصره ۱ـ مدت خدمت نظام وظیفه شاغلین مشمول قانون کار یا شرکت داوطلبانه آنان درجبهه قبل از اشتغال و یا حین اشتغال جزو سوابق خدمتی آنان نزد سازمان تامین اجتماعی محسوب می گردد. اعتبار موردنیاز برای اجرای این قانون از محل دریافت میانگین حق بیمه دو سال آخر فرد بیمه شده تامین می گردد. تبصره ۲ـ آن دسته از بیمه شدگانی که مشمول اصلاحیه تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۴/۷/۱۳۸۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند به شرط آن که خدمت نظام وظیفه خود را در جبهه های نبرد حق علیه باطل طی نموده یا حضور داوطلبانه در جبهه داشته باشند سوابق خدمتی آنان جزء کارهای سخت و زیان آور محسوب می شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام فروردین ماه یکهزار سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

اصلاح ماده (۱۴) آیین‌نامه نحوه تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و عملکرد کانون هماهنگی شوراهای اسلامی ک

وزارت کار و امور اجتماعی ـ وزارت صنایع و معادن ـ وزارت دادگستری ـ وزارت کشور ـ وزارت جهاد کشاورزی وزرای عضو کارگروه موضوع تصویب‌نامه شماره۷۲۸۸۴/ت۳۴۴۵۲هـ مورخ۹/۱۱/۱۳۸۴ در جلسه مورخ ۱۷/۸/۱۳۸۵ به استناد تبصره ماده (۱۳۵) قانون کار ـ مصوب ۱۳۶۹ـ و با رعایت تصویب‌نامه یادشده تصویب نمودند: متن زیر به عنوان تبصره به ماده(۱۴) آیین‌نامه نحوه تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و عملکرد کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، موضوع تصویب‌نامه شماره ۶۵۱۱ت۱۳۰هـ مورخ ۲۶/۴/۱۳۷۲ اضافه می‌شود: « تبصره ـ چنانچه پس از ثبت اساسنامه، وزیر کار و امور اجتماعی تشخیص دهد مورد یا مواردی از اساسنامه منطبق با مقررات قانون و این آیین‌نامه نباشد، ثبت اساسنامه کان‌لم‌یکن تلقی و باطل اعلام می‌گردد.» این تصویب‌نامه در تاریخ ۴/۲/۱۳۸۶ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب۲۷/۷/۱۳۷۶ – مصوب ۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب۱۳۷۶ مصوب جلسه علنی مورخ ۲۲/۳/۱۳۸۶ مجلس که با عنوان طرح دو فوریتی اصلاح بند (۳) ماده(۸۰) قانون تأمین اجتماعی به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با تأیید آن مجمع به پیوست ابلاغ می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۱۹۹۲۱۹ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون اصلاح تبصره(۳) بند(۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶ که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و با توجه به ایراد شورای نگهبان، در جلسه مورخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب نهایی رسیده و طی نامه شماره ۱۹۱۷۲۵/۶۸۸ مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب۲۷/۷/۱۳۷۶ ماده

واحده ـ تبصره ـ تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ۱ـ در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ده تا بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته‌باشد به بازماندگان وی به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه بدون الزام به رعایت ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) همان قانون مستمری پرداخت می‌گردد. ۲ـ بیمه‌شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او از یک سال تا ده سال باشد به بازماندگان وی در ازاء هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت به طور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده(۸۳) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی – مصوب

شماره ۱۶۹۲۰۱/۷۸۰ ۳۰/۱۰/۱۳۸۶ جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی که با عنوان طرح دوفوریتی تسری قانون پرداخت حقوق وظیفه به فرزندان مستخدمین متوفی مصوب۱۳۵۵ به مشمولین قانون تأمین اجتماعی به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۵/۱۰/۱۳۸۶ مجلس با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رسیده است به لحاظ انقضاء مهلت مقرر، موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عدم وصول پاسخ شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره ۱۷۵۱۶۲ ۶/۱۱/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ پنجم دی‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و بدون ارایه نظر از سوی شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل ۹۴ قانون اساسی طی نامه شماره ۱۶۹۲۰۱/۷۸۰ مورخ ۳۰/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس‌جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی ماده واحده ـ حقوق وظیفه مادران متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی اعم از سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی با رعایت شرایط قانونی مربوط و همانند مردان مشمول در خصوص فرزندانشان (از محل کسورات بازنشستگی پرداختی توسط آنان) برقرار می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در مهلت مقرر موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظر شورای نگهبان واصل نگردید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

تصویب‌نامه در خصوص تعیین مشاغل سخت و زیان‌آور در شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران – مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۸/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۶۴۹۶۰/۱۰۰ مورخ ۱۰/۵/۱۳۸۶ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور و به استناد تبصره (۴) ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور ـ مصوب ۱۳۶۷ ـ تصویب نمود: مشاغل زیر در شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران به عنوان مشاغل سخت و زیان‌آور تعیین می‌شوند. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب۲۷/۷/۱۳۷۶ – مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۸۶

در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب۱۳۷۶ مصوب جلسه علنی مورخ ۲۲/۳/۱۳۸۶ مجلس که با عنوان طرح دو فوریتی اصلاح بند (۳) ماده(۸۰) قانون تأمین اجتماعی به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با تأیید آن مجمع جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید. شماره۱۹۹۲۱۹ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون اصلاح تبصره(۳) بند(۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶ که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و با توجه به ایراد شورای نگهبان، در جلسه مورخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب نهایی رسیده و طی نامه شماره ۱۹۱۷۲۵/۶۸۸ مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب۲۷/۷/۱۳۷۶ ماده واحده ـ تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ۱ـ در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ده تا بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته‌باشد به بازماندگان وی به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه بدون الزام به رعایت ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) همان قانون مستمری پرداخت می‌گردد. ۲ـ بیمه‌شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او از یک سال تا ده سال باشد به بازماندگان وی در ازاء هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت به طور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده(۸۳) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

آیین‌نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت – مصوب ۱۰/۱۰/۱۳۸۶

وزرای عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک هیئت دولت در جلسه مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد مشترک معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد تبصره (۵) ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۸۶ ـ و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۶ آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند: آیین‌نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ماده۱ـ در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف ـ قانون: قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۸۶ـ ب ـ سنوات خدمات قابل قبول: سنواتی است که طبق قوانین و مقررات مربوط از لحاظ احراز شرایط بازنشستگی جزو سنوات خدمت ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. پ ـ وزارت: وزارت امور اقتصادی و دارایی. ماده۲ـ کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در صورت دارا بودن حداقل بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت قابل قبول (بدون رعایت شرط سنی) می‌توانند در مهلت پیش‌بینی شده در قانون با ارایه در خواست کتبی مبنی بر بازنشستگی پیش از موعد و موافقت دستگاه متبوع با استفاده از حداکثر پنج (۵) سال سال سنوات ارفاقی تا سقف سی‌سال بازنشسته شوند. تبصره۱ـ بانوان شاغل که فاقد شرط سابقه خدمت مقرر در این ماده می‌باشند، به شرط داشتن حداقل بیست (۲۰) سال سنوات خدمت قابل قبول

می‌توانند با ارایه درخواست کتبی و موافقت دستگاه متبوع با استفاده از حداکثر پنج (۵) سال سنوات ارفاقی بازنشسته شوند. تبصره۲ـ افرادی که در طول مدت اجرای قانون شرایط موضوع ماده (۲) این آیین‌نامه را احراز و بصورت مکتوب درخواست خود را ارایه نمایند و مطابق ماده (۳) این آیین‌نامه تا پایان ۵/۶/۱۳۸۹ با درخواست بازنشستگی آنها موافقت شود، مشمول این آیین‌نامه خواهندبود. ماده۳ـ بمنظور بررسی درخواستی بازنشستگی پیش از موعد در انطباق با برنامه‌های جامع نیروی انسانی دستگاههای دولتی، رییس دستگاه یا بالاترین مقام مسئول دستگاه اجرایی می‌تواند کارگروهی مرکب از مدیران واحدهای ذی‌ربط دستگاه متبوع تشکیل دهد. درخواستهای مشمولان قانون پس از اعلام نظر مدیر بلافصل متقاضی در کارگروه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. تبصره ـ تصمیمات کارگروه در صورت وجود اعتبار لازم و پس از تأیید بالاترین مقام دستگاه قابل اجرا خواهدبود. ماده۴ـ پاداش پایان خدمت کارکنان رسمی مشمول قانون با رعایت مفاد قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۷۵ ـ و اصلاحات بعدی آن و با احتساب سنوات ارفاقی توسط دستگاه متبوع مستخدم محاسبه و پرداخت می‌شود. تبصره۱ـ در مورد مستخدمان پیمانی مطابق آیین‌نامه استخدام پیمانی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۲۸۲/ت۶۶۴ مورخ ۱۵/۶/۱۳۶۸ و اصلاحات بعدی آن و در مورد مشمولان قانون کار مطابق احکام مندرج در قانون کار توسط دستگاه متبوع مستخدم عمل خواهدشد. تبصره۲ـ پاداش پایان خدمت بانوان متقاضی با کمتر از بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت به میزان سنوات خدمت قابل قبول (بدون احتساب سنوات ارفاقی) محاسبه و پرداخت خواهدشد. ماده۵ ـ وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلفند در سال ۱۳۸۶ اعتبار لازم برای پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی براساس آخرین حقوق و مزایای مشمول کسر کسور بازنشستگی را بصورت یکجا و نیز مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی بابت سنوات ارفاقی آنان را (همان سال) به ترتیب مقرر در تبصره (۱) ماده واحده قانون محاسبه و به وزارت اعلام کند. وزارت موظف است اعتبار اعلام شده را از سر جمع اعتبارات دستگاهها کسر و به حساب صندوقهای بازنشستگی ذی‌ربط واریز نماید. ماده۶ ـ از سال ۱۳۸۷ تا پنج (۵) سال پس از مهلت اجرای قانون، اعتبار لازم برای پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی براساس آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی بطور یکجا و با اعمال ضریب (۱/۱) محاسبه و در ردیف بودجه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، همچنین مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی بابت سنوات ارفاقی آن دسته از کارکنانی که تا سال قبل بازنشسته شده‌اند در ردیف جداگانه‌ای ذیل بودجه وزارت پیش‌بینی خواهدشد. وزارت موظف است سهم هر یک از صندوقهای بازنشستگی را سالانه به حساب صندوقهای بازنشستگی ذی‌ربط واریز نماید. تبصره ـ وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلفند کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی را بطور یکجا به صندوقهای بازنشستگی پرداخت نمایند. ماده۷ـ کارکنانی که با استفاده از سنوات ارفاقی بازنشسته می‌شوند پی از بازنشستگی از امتیازاتی که در سایر قوانین و مقررات برای کارکنان بازنشسته در نظر گرفته شده یا می‌شود بهره‌مند خواهندشد. ماده۸ ـ شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند کارکنان واجد شرایط را صرفاً از محل منابع مالی خود و براساس مفاد این آیین‌نامه بازنشسته کنند. ماده۹ـ منظور از کارکنان قراردادی در آیین‌نامه، اشخاص زیر هستند: الف ـ مستخدمان موقت شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی. ب ـ آن دسته از مستخدمان متناظر کارکنان پیمانی شاغل در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی دارای مقررات خاص که به موجب قرارداد به استخدام درآمده‌اند. ج ـ کارکنانی که براساس تصویب‌نامه شماره ۱۷۵۹۸ مورخ ۲۲/۳/۱۳۶۲ به صورت خرید خدمت با رعایت قوانین و مقررات مربوط در دستگاههای مشمول این قانون اشتغال دارند. د ـ آن دسته از کارکنان مشمول قانون که براساس مجوزهای قانونی با انعقاد قرارداد در خدمت دستگاههای یادشده بوده‌اند و کسور بازنشستگی یا حق بیمه (اعم از سهم مستخدم و کارفرمای) آنها طبق مقررات به صندوقهای بازنشستگی مربوط پرداخت گردیده است. تبصره ـ کارکنان ثابت یا عناوین مشابه دستگاههای مزبور برای استفاده از تسهیلات قانون در حکم مستخدم رسمی هستند.

ماده۱۰ـ دستگاههای مشمول موظفند فهرست کارکنان مشمول قانون را با قید مشخصات استخدامی هر یک از آنان، میزان سنوات ارفاقی و پاداش پایان خدمت پرداختی به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی در فواصل شش ماهه ارسال کنند. ماده۱۱ـ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است هر سال گزارش اجرای قانون را به هیئت وزیران ارایه نماید. ماده۱۲ـ درخصوص مستخدمان شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور و جانبازان مقررات مربوط ملاک عمل خواهدبود. این تصویب‌نامه در تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده‌است .

دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار موضوع ماده (۱۷۰) قانون کار – مصوب ۱۳۸۷ ۱ ۵

وزرای عضو کارگروه موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۲۸۸۴/ت۳۴۴۵۲هـ مورخ ۹/۱۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و به استناد بند (ب) ماده (۱۶۷) و ماده (۱۷۰) قانون کار ـ مصوب ۱۳۶۹ـ و با رعایت تصویب‌نامه یادشده، دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار را به شرح زیر اصلاح و تصویب نمودند: وزارت کار و امور اجتماعی ـ وزارت صنایع و معادن ـ وزارت دادگستری ـ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ـ وزارت جهاد کشاورزی ـ وزارت کشور دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار موضوع ماده (۱۷۰) قانون کار ماده۱ـ در اجرای ماده (۱۶۷) قانون کار ـ مصوب ۱۳۶۹ـ شورای عالی کار که در این دستورالعمل به اختصار شورا نامیده می‌شود متشکل از اعضای زیر است: الف ـ وزیر کار و امور اجتماعی به عنوان رییس شورا. ب ـ دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسایل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیئت وزیران که یک نفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد. ج ـ سه نفر از نمایندگان کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی)، با معرفی کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان. د ـ سه نفر از نمایندگان کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی) با معرفی کانون عالی شورای اسلامی کار. هـ ـ وزیر رفاه و تأمین اجتماعی. و ـ رییس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. تبصره ـ در صورت عدم تشکیل یا فقدان اعتبار هر یک از کانونهای عالی یادشده، انتخاب نماینده کارفرمایان و کارگران در اجرای تبصره (۲) ماده (۱۳۶) قانون کار با وزیر کار و امور اجتماعی خواهد بود. ماده۲ـ جلسات شورا، در وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد. در صورت ضرورت حسب مورد با نظر وزیر کار و امور اجتماعی در محل دیگری تشکیل خواهد شد. ماده۳ـ جلسات عادی شورا هر ماه حداقل یک بار بنا به دعوت و به ریاست وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد. در موارد ضروری، جلسات فوق‌العاده بنا به تشخیص رییس شورا یا تقاضای سه نفر از اعضای شورا تشکیل خواهد شد. ماده۴ـ هر یک از کانونهای یادشده باید علاوه بر اعضای اصلی، سه نفر به عنوان عضو علی‌البدل به شورا معرفی نمایند. به طوری که به ازای هر عضو اصلی همواره یک عضو علی‌البدل جایگزین گردد. تبصره۱ـ در صورتی که در خلال عضویت، هر یک از اعضای اصلی این ماده فوت نماید و یا شرایطی را که به اعتبار آن برای نمایندگی شورا معرفی شده‌اند از دست بدهند، مانند استعفا، بازنشستگی، خاتمه خدمت، خروج از عضویت کانون عالی مربوط و نظایر آنها، غیبت غیرموجه در دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب در طول سال تقویمی، عضویت آنها در شورا خاتمه یافته و برای باقیمانده مدت، عضو یا اعضای جدید مطابق این ماده به ترتیب فهرست معرفی‌شدگان انتخاب می‌شوند. تبصره۲ـ در صورت مرخصی و عدم حضور اعضای اصلی در جلسه، اعضای علی‌البدل با داشتن حق رأی شرکت خواهند کرد. تبصره۳ـ کانونهای عالی موضوع بندهای «ج» و «د» ماده (۱) می‌توانند قبل از اتمام دوره عضویت هر یک از نمایندگان یادشده، به عضویت وی خاتمه داده و فرد دیگری را برای باقیمانده مدت عضویت معرفی نمایند. ماده۵ ـ اعضای شورا مرکب از (۱۱) نفر می‌باشند و جلسات آن با حضور حداقل (۷) نفر از اعضا رسمیت خواهد داشت مشروط بر اینکه در هر جلسه دو نفر از گروه کارگر و دو نفر از گروه کارفرما حضور داشته باشند. مصوبات شورا با اکثریت آراء اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. ماده۶ ـ مدت عضویت هر یک از نمایندگان کارفرمایان یا کارگران (اعم از اصلی یا علی‌البدل) در شورا دو سال

است و انتخاب مجدد آنها مجاز است. ماده۷ـ دبیر شـورا با پیشـنهاد وزیـر کار و امور اجـتماعی و تـصویب شـورا تعیین می گردد. تبصره ـ شـورا دارای یـک دبیرخـانه دایمی، تحت سرپرستی دبیرشـورا خواهـد بـود کـه تهیـه و تنظیـم دسـتور جلسـات و همچنین صورت‌جلسات، دعوت از اعضاء، تنظیم امور دفتری، انجام مکاتبات لازم، حفظ و نگهداری و ثبت اوراق و اسـناد و تهیه توضیحات لازم برای دسـتور جلسـات و اعلام آگهی تصـمیمات شورا را عهـده‌دار خواهـد بود. ماده۸ ـ تشـکیلات موردنیاز دبیرخانه شورا به پیشـنهاد دبیر شورا تعیین و نیازهـای پرسـنلی و پشتیبـانی توسـط وزارتخانه یادشـده تأمین می‌شود. تبصـره۱ـ دبیر شـورا موظف است خلاصه مـذاکرات و تصـمیمات شورا را در صورت‌جلسه قیـد و آن را به امضای اعضا برسانـد. آن بخش از مصوبات شورا که برای افراد ایجـاد حق و یـا تکلیف می‌نمایـد، در روزنامه رسـمی جمهوری اسـلامی ایران، برای اطلاع درج می گردد. تبصـره۲ـ دبیر شورا دسـتورجلسات را با نظر رییس شورا تنظیم و حداقل (۷۲) ساعت قبل از تشـکیل جلسه به اطلاع اعضاء می‌رساند. دبیر شورا می‌تواند حسب ضـرورت از افراد صاحب‌نظر دعوت به عمل آورد. افراد یادشده بدون داشـتن حق رأی و فقط به منظور اظهارنظر کارشناسـی در جلسه شرکت خواهند نمود. ماده۹ـ شورا می‌تواند در موارد ضـروری و به منظور انجام بررسی‌های لازم نسبت به مسایلی که نیاز به کارشناسـی دارد، اقدام به تشکیل کارگروههای تخصصی نماید. ماده۱۰ـ حق حضور اعضای شورا و کارگروههای تخصصـی آن در بودجه سالانه وزارت کار و امور اجتماعی پیش‌بینی و پرداخت خواهد شد. ماده۱۱ـ از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل، دستورالعمل قبلی لغـو می گردد. ایـن تصویب‌نـامه در تاریـخ ۵/۱/۱۳۸۷ به تأییـد مقـام محترم ریـاست جمهوری رسـیده است. معـاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی – مصوب ۱۳۸۶

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی که در جلسه علنی روز چهارشـنبه مورخ نهم آبان ماه یکهزار و سـیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۸۶ به تایید شورای نگهبان رسیده ، جهت اجراء ابلاغ گردید. توضیح ضروری روزنـامه رسـمی: به رغم آنکه نامه شـماره ۱۳۲۷۳۴ ـ ۱۱/۹/۱۳۸۶ رئیس جمهوری اسـلامی ایران حکـایت از ابلاـغ قـانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی به روزنامه رسمی جهت درج و انتشار می‌نماید لیکن قانون موصوف در ساعت ۴۰/۹ مورخ۳/۲/۱۳۸۷ از طریق شبکه الکترونیکی پیام دولت که زیر نظر حوزه معاونت پشتیبانی و تحول اداری ریاست جمهوری بوده و از آغاز سال۱۳۸۲ تـا کنون تنهـا کانـال برقراری ارتبـاط نوشـتاری روزنـامه رسـمی بـا ریـاست جمهوری جهت دریـافت قوانین مصوب مجلس شورای اسـلامی و نیز مصوبـات هیأت دولت می‌باشـد دریافت گردیـده است لـذا برای اولین بار در روزنامه رسـمی درج و منتشـر می گردد. مدیرعامل روزنامه رسـمی کشور ـ پورسـینا شماره۱۲۴۲۹۴/۴۷۱ ۱۹/۸/۱۳۸۶ جنـاب آقـای دکتر محمود احمـدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسـلامی ایران عطف به نامه شـماره ۲۸۹۷۷/۳۱۷۰۷ مورخ ۱۱/۵/۱۳۸۴ در اجراء اصل یکصـد و بیست و سوم(۱۲۳) قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران قـانون بیمه‌هـای اجتماعی کارگران ساختمانی که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسـلامی تقـدیم گردیده بود ، با تصویب در جلسه علنی روز چهارشـنبه مورخ ۹/۸/۱۳۸۶ و تاییـد شورای محترم نگهبان ، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شـورای اسـلامی ـ غلامعلی حـدادعادل شـماره۱۳۲۷۳۴ ۱۱/۹/۱۳۸۶ وزارت رفـاه و تـامین اجتمـاعی قـانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی که در جلسه علنی روز چهارشـنبه مورخ نهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۸۶ به تایید شورای نگهبان رسـیده و طی نامه شـماره ۱۲۴۲۹۴/۴۷۱ مورخ ۱۹/۸/۱۳۸۶ واصل گردیـده است بـه پیـوست جهت اجراء ابلاـغ می گردد. رئیس جمهـور ـ محمـود احمـدی نژاد قـانون بیمه‌هـای اجتمـاعی کـارگران ساختمانی ماده۱ـ کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد یا توسعه ساختمان ، تجدید بنا ، تعمیرات اساسـی و یا تخریب مربوط به ساختمان و به ترتیب منـدرج در این قانون با نام‌نویسـی و اخـذ کد ملی نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه می‌شوند. تبصره ـ

کارگران شاغل در کارهای ساختمانی تا زمان تحت پوشش قرار گرفتن به موجب این قانون ، کماکان از حیث خدمات مشمول قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲ و اصلاحات بعدی آن هستند و درصورت احراز شرایط از مزایای قانون یاد شده برخوردار خواهند شد. ماده۲ـ کارگران شاغل در کارهای ساختمانی درموارد زیر از شمول این قانون خارج و کماکان تابع قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و اصلاحات بعدی آن هستند: ۱ـ وزارتخانه‌ها ، سازمانها ، موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت ، موسسات عمومی غیردولتی ، شهرداریها ، بانکها و موسسات عامالمنفعه و نیز کارخانجات دارای پروانه بهره‌برداری اعم از این‌که انجام کار را به پیمانکار واگذار نمایند یا رأساً انجام دهند. ۲ـ درمورد آن دسته از کارهای ساختمانی مشمول این قانون که انجام آنها از طریق انعقاد پیمان به پیمانکار واگذار می‌شود حق بیمه کارگران پیمانکار براساس ماده ۳۸) قانون تامین اجتماعی وصول خواهد شد. ماده۳ـ وزارت کار و امور اجتماعی (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای موظف است نسبت به فراخوان و آموزش کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اقدام و کارت مهارت فنی برای آنها صادر نماید. تبصره۱ـ زمانبندی ، شرایط و ترتیب صدور ، تمدید ، تعلیق و کارت مهارت فنی و نحوه شناسایی کارگران شاغل در کارگاههای ساختمانی موضوع این ماده و اشتغال آنها در طول دوره اعتبار کارت ، طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که مشترکاً توسط وزارتخانه‌های رفاه و تامین اجتماعی ، کار و امور اجتماعی ، مسکن و شهرسازی و کشور تهیه و به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. تبصره۲ـ کارگران شاغل دارای کارت مهارت فنی معتبر از تاریخ نام‌نویسی در سازمان تامین اجتماعی مبتنی بر کد ملی مشمول مقررات این قانون هستند و از تعهدات آن بهره‌مند خواهند شد. ماده۴ـ تعهدات موضوع این قانون شامل موارد زیر است که به بیمه شده درصورت احراز شرایط ارائه خواهد شد: الف ـ حوادث و بیماریها. ب ـ غرامت دستمزد. ج ـ ازکارافتادگی د ـ بازنشستگی هـ ـ فوت تبصره ـ افراد خانواده بیمه‌شده جهت برخورداری از خدمات موضوع بند (الف این ماده طبق ماده (۵۸) قانون تامین‌اجتماعی ودرمورد بازماندگان طبق مواد(۸۱) و (۸۲) قانون یادشده تعیین می‌گردند. ماده۵ ـ درمواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد ، مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر مترمربع سطح زیر بنا معادل چهاردرصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهانه سال درخواست پروانه به حسابی که سازمان تامین اجتماعی اعلام خواهد کرد ، نمایند. تبصره۱ـ درصورتی که حوادث ناشی از کار منجر به مصدومیت ، فوت یا ازکارافتادگی گردد ولی متقاضی با وجود الزام به گرفتن پروانه نسبت به اخذ آن اقدام ننموده باشد ، سازمان تامین اجتماعی علاوه بر حق بیمه موضوع این قانون جریمه‌ای به طور مقطوع معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) اصل حق بیمه محاسبه و وصول خواهد کرد. تبصره۲ـ مبالغی که موقع صدور پروانه طبق مقررات این ماده پرداخت می گردد ، در محاسبه حق بیمه کارگران پیمانکار موضوع بند (۲) ماده (۲) این قانون محسوب خواهد گردید. ماده۶ ـ حق بیمه سهم بیمه‌شده معادل هفت درصد (۷٪) دستمزد ماهانه‌ای خواهدبود که طبق ماده(۳۵) قانون تامین اجتماعی مصوب۱۳۵۴ برای کارگران تعیین می‌شود. تبصره ـ دولت مکلف است معادل سه درصد (۳٪) ماخذ کسر حق بیمه موضوع این ماده به عنوان سهم مشارکت خود به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نماید ، همچنین باتوجه به تعداد افراد تحت پوشش ، همه ساله با اعلام سازمان تامین اجتماعی سهم مشارکت خود را در بودجه کل کشور منظور و به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نماید. ماده۷ـ بیمه‌شده مکلف است حق بیمه خود را به ترتیبی که سازمان تامین اجتماعی تعیین می‌نماید پرداخت نماید. تبصره ـ درصورت عدم پرداخت حق بیمه موضوع این قانون ، سازمان طبق اختیارات مندرج در قانون تامین اجتماعی برای وصول حق بیمه اقدام خواهد نمود. ماده۸ ـ نقل و انتقال سابقه پرداخت حق بیمه موضوع این قانون ، فی‌مابین صندوقهای بیمه و بازنشستگی براساس قوانین مربوط انجام می‌شود. ماده۹ـ چگونگی استفاده از خدمات درمانی ، مدت و شرایط و میزان غرامت دستمزد برای حوادث ناشی از کار ، تعیین درصد ازکارافتادگی ، چگونگی تشخیص حوادث ناشی و غیرناشی از کار ، شرایط پرداخت غرامت نقص مقطوع و برقراری مستمری جزئی و کلی ، نحوه محاسبه و میزان آن و تغییر درجه ازکارافتادگی جزئی و کلی تابع مقررات قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده۱۰ـ مشمولان این قانون

درصورت دارا بودن یکی از شرایط زیر می‌توانند درخواست بازنشستگی نمایند: ۱ـ داشتن حداقل سابقه مقرر در قانون تامین اجتماعی و شصت سال تمام سن ۲ـ داشتن سی و پنج سال کامل سابقه پرداخت حق بیمه تبصره ـ میزان مستمری بازنشستگی طبق قانون تامین اجتماعی تعیین می‌شود. مستمری ازکارافتادگی جزئی و کلی ، نحوه محاسبه و میزان آن و تغییرات درجه ازکارافتادگی جزئی و کلی تابع مقررات قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده۱۱ـ شرایط بیمه شده متوفی ، بازماندگان واجد شرایط بیمه شده متوفی ، نحوه برقراری مستمری بازماندگان و سهم مستمری هر یک از آنان طبق قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده۱۲ـ درصورتی که ثابت شود وقوع حادثه ناشی از کار مستقیما ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظت فنی کارفرما می‌باشد ، سازمان تامین اجتماعی طبق مقررات این قانون (ماده ۶۶ قانون تامین اجتماعی و تبصره‌های آن هزینه‌های مربوط را طبق ماده (۵۰) قانون تامین اجتماعی از کارفرما مطالبه و وصول خواهد نمود. ماده۱۳ـ کلیه وزارتخانه‌ها ، دستگاهها ، نهادها ، شرکتها و موسسات دولتی و وابسته به دولت ، شهرداریها و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مراجع صدور پروانه ساختمان مکلف به همکاری با مجریان این قانون می‌باشند. ماده۱۴ـ از تاریخ تصویب این قانون آن دسته از مواد قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲ و سایر قوانینی که با این قانون مغایر است لغو می گردد. قانون فوق مشتمل بر چهارده ماده و نه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ نهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۸۶ به تایید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

بیمه

قانون بیمه –(مصوب ۷/۲/۱۳۱۶)

معاملات بیمه

ماده ۱ ـ بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهدمی کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران‌نموده یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار به بیمه‌گر می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه نامند. ماده ۲ ـ عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد وسند مزبور موسوم به بیمه نامه خواهد بود. ماده ۳ ـ در بیمه نامه بایـد امور ذیل به طور صریح قید شود. ۱ ـ تاریخ انعقاد قرارداد. ۲ ـ اسم بیمه‌گر و بیمه‌گذار. ۳ ـ موضوع بیمه ۴ ـ حادثه یاخطری که عقد بیمه به‌مناسبت آن به عمل آمده است ۵ ـ ابتدا و انتهای بیمه ۶ ـ حق بیمه ۷ ـ میزان تعهد بیمه‌گردر صورت وقوع حادثه ماده ۴ ـ موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسوولیت حقوقی مشروط براینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می‌دهد ذی نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می گردد. ماده ۵ ـ بیمه‌گذار ممکن است اصیل باشد یا به یکی از عناوین‌قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخص ذینفع را داشته یا مسوولیت حفظ آن را از طرف صاحب مال داشته باشد. ماده ۶ ـ هرکس بیمه می‌دهد بیمه متعلق به خود اوست مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است‌لیکن در بیمه حمل و نقل ممکن است بیمه نامه بدون ذکر اسم بنام حامل تنظیم شود. ماده ۷ ـ طلبکار می‌تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن‌است بیمه دهد، در این صورت هرگاه حادثه‌ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه‌گرباید بپردازد تا میزان آنچه‌را که بیمه‌گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت ماده ۸ ـ در صورتی که مالی بیمه شده باشد در مدتی که بیمه‌باقیست نمی‌توان همان مال را به نفع همان شخص و از همان‌خطر مجدداً بیمه نمود. ماده ۹ـ در صورتی که مالی به کمتر از قیمت بیمه شده باشدنسبت به بقیه قیمت می‌توان آن را بیمه نمود، در این

صورت‌هر یک از بیمه گران به نسبت مبلغی از مال که بیمه کرده است مسول خواهد بود. ماده ۱۰ ـ در صورتی که مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه‌گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسول خسارت خواهد بود.

فسخ و بطلان

ماده ۱۱ ـ چنانچه بیمه‌گذار یا نماینده او با قصد تقلب، مالی را اضافه بر قیمت عادله در موقع عقد قرارداد بیمه داده باشد عقد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست ماده ۱۲ ـ هر گاه بیمه‌گذار عمدا از اظهار مطالبی خودداری کندیا عمدا اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگرمراتب مذکوره تاثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته است قابل‌استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند. ماده ۱۳ ـ اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد عقد بیمه باطل نمی‌شود ـ در این‌صورت هر گاه مطلب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع قبل از وقوع حادثه معلوم شود بیمه‌گر حق دارد یا اضافه حق بیمه را از بیمه‌گذار در صورت رضایت او دریافت داشته قرار داد را ابقاء کند و یا قرارداد بیمه را فسخ کند ـ در صورت فسخ بیمه‌گر باید مراتب را به موجب اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه به‌بیمه‌گذار اطلاع دهد اثر فسخ ده روز پس از ابلاغ مراتب به‌بیمه‌گذار شروع می‌شود و بیمه‌گر باید اضافه حق بیمه دریافتی‌تا تاریخ فسخ را به بیمه‌گذار مسترد دارد. در صورتیکه مطلب‌اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع بعد از وقوع حادثه معلوم‌شود خسارت به نسبت وجه بیمه پرداختی و وجهی که بایستی درصورت اظهارنظر به طور کامل و واقع پرداخته شده باشدتقلیل خواهد یافت ماده ۱۴ ـ بیمه‌گر مسوول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یانمایندگان او نخواهد بود. ماده ۱۵ ـ بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت مراقبتی را که عادتا هر کس از مال خود می‌نماید نسبت به موضوع بیمه‌نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت‌لازم است به عمل آورد. اولین زمان امکان و منتهی در ظرف‌پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه‌گر را مطلع‌سازد والا بیمه‌گر مسوول نخواهد بود، مگر آنکه بیمه‌گذار ثابت‌کند که بواسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده است اطلاع‌به بیمه‌گردر مدت مقرر برای او مقدور نبوده است مخارجی که بیمه‌گذار برای جلوگیری از توسعه خسارت‌می‌نماید بر فرض که منتج به نتیجه نشود بعهده بیمه‌گر خواهدبود ولی هر گاه بین طرفین در موضوع لزوم مخارج مزبوره یاتناسب آن با موضوع بیمه اختلافی ایجاد شود حل اختلاف به‌حکم یا محکمه رجوع می‌شود. ماده ۱۶ ـ هر گاه بیمه‌گذار در نتیجه عمل خود خطری را که به‌مناسبت آن بیمه منعقد شده است تشدید کند یا یکی از کیفیات یا وضعیت موضوع بیمه را به طوری تغییر دهد که اگر وضعیت مزبور قبل از قرارداد موجود بود بیمه‌گرحاضر برای‌انعقاد قرارداد با شرایط مذکوره در قرارداد نمی‌گشت بایدبیمه‌گر را بلافاصله از آن مستحضر کند ـ اگر تشدید خطر یاتغییر وضعیت موضوع بیمه در نتیجه عمل بیمه‌گذار نباشد مشارالیه باید مراتب را در ظرف ده روز از تاریخ اطلاع خود رسما به بیمه‌گر اعلام کند. در هر دو مورد مذکور در فوق بیمه‌گر حق دارد اضافه حق بیمه‌را معین نموده به بیمه‌گذار پیشنهاد کند و در صورتی که‌بیمه‌گذار حاضر برای قبولی و پرداخت آن نشود قرارداد را فسخ کند و اگر تشدید خطر در نتیجه عمل خود بیمه‌گذار باشدخسارات وارده را نیز از مجرای محاکم عمومی از او مطالبه کندو در صورتی که بیمه‌گر پس از اطلاع تشدید خطر به نحوی ازانحاء رضایت به بقاء عقد قرارداد داده باشد مثل آنکه اقساطی‌از وجه بیمه را پس از اطلاع از مراتب از بیمه‌گذار قبول کرده یاخسارت بعد از وقوع حادثه به او پرداخته باشد دیگر نمی‌تواندبه مراتب مذکوره استناد کند ـ وصول اقساط حق بیمه بعد از اطلاع از تشدید خطر یا پرداخت خسارت پس از وقوع حادثه ونحو آن دلیل بر رضایت بیمه‌گر به بقاء قرارداد می‌باشد. ماده ۱۷ ـ در صورت فوت بیمه‌گذار یا انتقال موضوع بیمه به‌دیگری اگر ورثه یا منتقل الیه کلیه تعهداتی را که به موجب‌قرارداد بعهده بیمه‌گذار

بوده است در مقابل بیمه‌گر اجرا کندعقـد بیمه به نفع ورثه یا منتقل الیه به اعتبار خود باقی می‌مانـد معهذا هر یک از بیمه‌گر یا ورثه یا منتقل الیه حق فسخ آن را نیزخواهند داشت بیمه‌گر حق دارد در ظرف سه ماه از تاریخی که منتقل الیهقطعی موضوع بیمه تقاضای تبـدیل بیمه نـامه را به نام خود می‌نمایـد، عقـد بیمه را فسـخ کنـد. در صورت انتقال موضوع بیمه به دیگری ناقل مسوول کلیهاقساط عقب افتـاده وجه بیمه در مقابـل بیمه‌گر خواهـد بود لیکن از تـاریخی که انتقـال را به بیمه‌گر به موجب نـامه سفارشـی یـا اظهارنامه اطلاع می‌دهد نسبت به اقساطی که از تاریخ اطلاع به‌بعد باید پرداخته شود مسوول نخواهد بود. اگر ورثه یا منتقل الیه متعدد باشـند هر یک از آنها نسبت به تمام‌وجه بیمه در مقابل بیمه‌گر مسوول خواهد بود. ماده ۱۸ ـ هرگاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه به عمل‌آمـده قبـل از عقـد قرارداد واقع شـده بـوده است قرارداد بیمه‌باطـل و بی اثر خواهـد بـود در این صـورت اگر بیمه‌گر وجهی از بیمه‌گذار گرفته باشد عشر از مبلغ مزبور را بعنوان مخارج کسر و بقیه را باید به بیمه‌گذار مسترد دارد.

مسئولیت بیمه‌گر

ماده ۱۹ ـ مسوولیت بیمه‌گر عبارت است از تفاوت قیمت مال‌بیمه شده بلافاصـله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقی مانده آن‌بلافاصـله بعـد از حادثه خسارت حاصـله به پول نقـد پرداخته‌خواهـد شد مگر اینکه حق تعمیر و یا عوض برای بیمه‌گر در سـند بیمه پیش بینی شـده باشـد، در این صورت بیمه‌گر ملزم است موضوع بیمه را در مدتی که عرفا کمتر از آن نمی‌شود تعمیر کرده یا عوض را تهیه و تحویل نماید. در هر صورت حداکثر مسوولیت بیمه‌گر از مبلغ بیمه شده تجاوز نخواهد کرد. ماده ۲۰ ـ بیمه‌گر مسوول خساراتی که از عیب ذاتی مال ایجاد می‌شود نیست مگر آنکه در بیمه نامه شرط خلافی شده باشد. ماده ۲۱ ـ خسارات وارده از حریق که بیمه‌گر مسوول آن است‌عبـارت است از: ۱ ـ خسـارت وارده به موضـوع بیمه از حریق اگر چه حریق درنزدیکی آن واقع شـده باشـد. ۲ ـ هر خسارت یا تنزل قیمت وارده به اموال از آب یا هر وسـیله‌دیگری که برای خاموش کردن آتش به کار برده شده است ۳ ـ تلف شدن یا معیوب شـدن مال در موقع نجات دادن آن ازحریق ۴ ـ خسـارت وارده به اموال بیمه شـده در نتیجه خراب کردن‌کلی یا جزئی بناء برای جلوگیری از سـرایت یـا توسـعه حریق ماده ۲۲ ـ در بیمه‌هـای ذیـل خسارت‌به‌این‌طریق‌حساب‌می‌شود: ۱ ـ در بیمـه حمـل و نقل قیمت مال در مقصد. ۲ ـ در بیمه منافعی که متوقف بر امری است منافعی که درصورت پیشـرفت امر عایـد بیمه‌گذار می‌شد. ۳ ـ در بیمه محصول زراعتی قیمت آن در سـر خرمن و موقع برداشت محصول برای تعیین میزان واقعی خسارت مخارج وحق الزحمه که در صورت عدم وقوع حادثه به مال تعلق‌می‌گرفت از اصل قیمت کسر خواهد شد و در هر صورت‌میزان خسارت از قیمت معینه در بیمه نامه تجاوز نخواهد کرد. ماده ۲۳ ـ در بیمه عمر یا نقص یا شکسـتن عضوی از اعضاءبدن مبلغ پرداختی بعد از مرگ یا نقصان عضو بایـد به طور قطع در موقع عقـد بیمه بین طرفین معین شود. بیمه عمر یـا بیمه نقصان یا شکسـتن عضو شـخص دیگری در صورتی که آن شـخص قبلا رضایت خود را کتبا نداده باشد باطل است هرگاه بیمه‌گذار اهلیت قانونی نداشـته باشد رضایت ولی یا قیم او شـرط است اگر بیمه راجع به عمر یا نقص یا شکسـتن عضو بـدن جماعتی به‌طور کلی باشـد میزان خسارت عبارت از مبلغی خواهد بود که مطـابق تعرفه قبلا بین طرفین معین می‌شود. ماده ۲۴ ـ وجه بیمه عمر که بایـد بعـد از فوت پرداخته شود به‌ورثه قانونی متوفی پرداخته می‌شود مگر اینکه در موقع عقـدبیمه یا بعـد از آن در سـند بیمه قیـد دیگری شـده باشد که در این‌صورت وجه بیمه متعلق به کسـی خواهد بود که در سـند بیمه اسم برده شده است ماده ۲۵ ـ بیمه‌گذار حق دارد ذی نفع در سـند بیمه عمر خود راتغییر دهد مگر آنکه آن را بـه دیگری انتقـال داده و بیمه نـامه راهم به منتقـل الیه تسـلیم کرده باشـد. مـاده ۲۶ ـ در تمـام مـدت اعتبـار قرارداد بیمه عمر، بیمه‌گـذار حق‌دارد وجه معینه در بیمه نامه را به دیگری منتقل نماید. انتقال‌مزبور باید به امضاء انتقال دهنده و بیمه‌گر برسد. ماده ۲۷ ـ اثرات قـانونی انتقال وجه بیمه عمر از تاریـخ فوت‌بیمه شـده شـروع می‌شود ولی اگر بیمه‌گـذار از بابت آن وجهی دریافت کرده یا نسـبت به آن با بیمه‌گر معامله نموده باشـد درکمال اعتبار خواهـد بود. ماده ۲۸ ـ بیمه‌گر مسوول خسـارات ناشـیه از جنگ و شورش

نخواهد بود مگر آنکه خلاف آن در بیمه نامه شرط شده باشد. ماده ۲۹ ـ در مورد بیمه مال منقول در صورت وقوع حادثه وپرداخت خسارت به بیمه گذار بیمه گر از هرگونه مسوولیت درمقابل ثالث بری می‌شود. ماده ۳۰ ـ بیمه گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یاپرداخت می کند در مقابل اشخاصی که مسوول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه گذار خواهد بود و اگر بیمه گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه گرمسوول شناخته می‌شود. ماده ۳۱ ـ در صورت توقف یا افلاس بیمه گر بیمه گذار حق فسخ قرارداد را خواهد داشت ماده ۳۲ ـ در صورت ورشکستگی بیمه گر بیمه گذاران نسبت به سایر طلبکاران حق تقدم دارند و بین معاملات مختلف بیمه دردرجه اول حق تقدم با معاملات بیمه عمر است ماده ۳۳ ـ بیمه گر نسبت به حق بیمه در مقابل هرگونه طلبکاری بر مال بیمه شده حق تقدم دارد حتی اگر طلب سایرین به موجب سند رسمی باشد. ماده ۳۴ ـ اگر در یك قرارداد بیمه موضوعات مختلفه بیمه‌شده باشد در صورت اثبات تقلب از طرف بیمه گذار نسبت به یکی از آن موضوعات بطلان نسبت به سایر موضوعات نیزسرایت کرده تمام قرارداد باطل خواهد بود. موضوعات مختلفه که در یك بیمه نامه ذکر می‌شود در حکم یك قرارداد محسوب است ماده ۳۵ ـ طرفین می‌توانند در قراردادهای بیمه هر شرط دیگری بنمایند لیکن موعد مذکوره در ماده ۱۶ را نمی‌توانند تقلیل دهند ولی ممکن است موعد را به رضایت یکدیگرتمدید کنند. این قانون شامل قراردادهای گذشته بیمه نیز خواهد بود. ماده ۳۶ ـ مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه دو سال است و ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشا دعوی خواهد بود لکن دعاوی که قبل از اجرای این قانون در محاکم طرح شده باشدمشمول این ماده نخواهد بود. این قانون که مشتمل بر سی و شش ماده است در جلسه هفتم‌اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری – مصوب ۳۰ خردادماه ۱۳۵۰

بخش اول ــ بیمه مرکزی ایران

قسمت اول ــ تشکیل و موضوع

ماده ۱ ـ به منظور تنظیم و تعمیم و هدایت امر بیمه در ایران و حمایت بیمه گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها و همچنین به منظور اعمال نظارت دولت بر این فعالیت موسسه‌ای به نام بیمه مرکزی ایران طبق مقررات این قانون به صورت شرکت سهامی تاسیس می گردد. ماده ۲ ـ سرمایه بیمه مرکزی ایران پانصد میلیون ریال است که‌به پنجاه سهم ده میلیون ریالی با نام تقسیم می‌شود و تمامی آن متعلق به دولت و غیرقابل انتقال است و افزایش آن با تصویب‌مجمع عمومی امکان‌پذیر است مبلغ مزبور از محل‌اندوخته‌های شرکت سهامی بیمه ایران تامین خواهد شد. ماده ۳ ـ مرکز اصلی بیمه مرکزی ایران تهران است و بیمه‌مرکزی ایران می‌تواند در هر جا که لازم بداند به شرکت سهامی بیمه ایران نمایندگی بدهد. ماده ۴ ـ بیمه مرکزی ایران تابع قوانین و مقررات عمومی‌مربوط به دولت و دستگاههایی که با سرمایه دولت تشکیل شده‌اند نمی‌باشد مگر آنکه در قانون مربوط صراحتا از بیمه‌مرکزی ایران نام برده شده باشد ولی نسبت به مواردی که دراین قانون پیش بینی نشده باشد بیمه مرکزی ایران تابع قانون‌تجارت است

قسمت دوم ــ وظایف و اختیارات

ماده ۵ ـ بیمه مرکزی ایران دارای وظایف و اختیارات زیراست ۱ ـ تهیه آیین نامه‌ها و مقرراتی که برای حسن اجرای امر بیمه‌در ایران

لازم باشد با توجه به مفاد این قانون ۲ ـ تهیه اطلاعات لازم از فعالیتهای کلیه موسسات بیمه که درایران کار می کنند. ۳ ـ انجام بیمه‌های اتکایی اجباری ۴ ـ قبول بیمه‌های اتکایی اختیاری از موسسات داخلی یاخارجی ۵ ـ واگذاری بیمه‌های اتکایی به موسسات داخلی یا خارجی‌در هر مورد که مقتضی باشد. ۶ ـ اداره صندوق تامین خسارتهای بدنی و تنظیم آیین نامه آن موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب دی‌ماه ۱۳۴۷. ۷ ـ ارشاد و هدایت و نظارت بر موسسات بیمه و حمایت ازآنها در جهت حفظ سلامت بازار بیمه و تنظیم امور نمایندگی و دلالی بیمه و نظارت بر امور بیمه اتکایی و جلوگیری از رقابت‌های مکارانه و ناسالم تبصره ـ بیمه مرکزی ایران ملزم به حفظ اسرار موسساتی‌است که به موجب این قانون حق نظارت بر آنها را دارا می‌باشد و به هیچ وجه نباید از اطلاعاتی که در جهت اجرای این قانون‌بدست می‌آورد جز در مواردی که قانون معین می‌نماید استفاده کند.

قسمت سوم ـ ارکان بیمه مرکزی ایران

اشاره

ماده ۶ ـ بیمه مرکزی ایران دارای ارکان زیر است ۱ ـ مجمع عمومی ۲ ـ شورای عالی بیمه ۳ ـ هیات عامل ۴ ـ بازرسان

فصل اول ـ مجمع عمومی

ماده ۷ ـ مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران مرکب از وزیر امور اقتصادی و دارایی وزیر بازرگانی وزیر کار و امور اجتماعی ، هیات عامل و بازرسان بدون داشتن حق رای در جلسه شرکت‌خواهند کرد. ماده ۸ ـ مجمع عمومی عادی به دعوت رئیس کل بیمه مرکزی‌ایران سالی یک مرتبه حداکثر تا پایان شهریور ماه تشکیل‌می‌شود. مجمع عمومی فوق العاده به دعوت رئیس کل بیمه مرکزی ایران و یا به پیشنهاد هر یک از اعضاء مجمع عمومی تشکیل‌خواهد شد. رئیس کل بیمه مرکزی ایران موظف است ظرف ده روز پس ازدریافت پیشنهاد تشکیل جلسه مجمع عمومی را کتبا دعوت کند. در دعوتنامه دستور جلسه روز و ساعت و محل انعقادجلسه ذکر خواهد شد. هیچ موضوعی را نمی‌توان در مجمع عمومی عادی یا فوق العاده مطرح کرد مگر آنکه قبلا جزو دستور قرار داده شده باشد. ماده ۹ ـ وظایف مجمع عمومی به شرح زیر است الف تعیین خط مشی کلی ب ـ رسیدگی و اظهارنظر نسبت به گزارش سالانه رئیس کل‌بیمه مرکزی ایران ج ـ رسیدگی و تصویب بودجه و ترازنامه و حساب سود و زیان‌و ترتیب تقسیم سود. د ـ تصویب سازمان و آیین نامه‌های مالی و اداری بیمه مرکزی‌ایران ه ـ تصویب مقررات استخدامی با رعایت بند پ ماده ۲ قانون‌استخدام کشوری و ـ انتخاب بازرسان ز ـ تعیین حقوق رئیس کل و اعضای هیات عامل و حق الزحمه‌بازرسان ح ـ تصمیم نسبت به هر موضوعی که از طرف رئیس کل بیمه‌مرکزی ایران جزو دستور قرار داده شده باشد.

فصل دوم ـ شورای عالی بیمه

ماده ۱۰ ـ شورای عالی بیمه از اشخاص زیر تشکیل می‌شود: ۱ ـ رئیس کل بیمه مرکزی ایران ۲ ـ معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی ۳ ـ معاون وزارت بازرگانی ۴ ـ معاون وزارت کار و امور اجتماعی ۵ ـ معاون وزارت تعاون و امور روستاها. ۶ ـ رئیس شرکت سهامی بیمه ایران ۷ ـ مدیرعامل یکی از موسسات بیمه به انتخاب سندیکای‌بیمه‌گران ایران ۸ ـ یک نفر کارشناس امور حقوقی به انتخاب مجمع عمومی ۹ ـ یک نفر کارشناس در امور بیمه به انتخاب مجمع عمومی ۱۰ ـ یک نفر مطلع در امور بیمه به انتخاب رئیس اطِبازرگانی و صنایع و معادن ایران تبصره ـ اعضاء شورای عالی بیمه موضوع بندهای ۷ و ۸ و ۹و ۱۰ برای مدت سه

سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان‌بلامانع است ماده ۱۱ ـ ریاست شورای عالی بیمه بدون شرکت در اخذ رای با رئیس کل بیمه مرکزی ایران و درغیاب او بـا قائم مقام او خواهـد بود. ماده ۱۲ ـ اعضای شورای عالی بیمه قبل از شـروع به کار بایـددر مجمع عمومی سوگنـد یـاد کننـد که در انجـام وظایف شورایعالی بیمه نهایت دقت و مراقبت را مبـذول دارنـد و کلیه‌تصـمیمات خود را به صلاح کشور اتخاذ نمایند و اسرار شورای عالی بیمه را حفظ کنند. ماده ۱۳ ـ جلسات شورای عالی بیمه حداقل ماهی یکبار به‌دعوت رئیس شورای عـالی بیمه تشـکیل خواهـد شـد و در صورتی که حـداقل چهار نفر از اعضای شورای عالی بیمه کتبا تقاضای تشـکیل جلسه را بنماینـد رئیس شورای عـالی بیمه موظف است ظرف یک هفته اعضای شورای عالی را برایتشـکیل جلسه دعوت کنـد. ماده ۱۴ ـ جلسه شورای عالی بیمه با حضور حـداقل شـش نفراز اعضا رسـمیت می‌یابد و تصـمیمات با اکثریت پنج رای حاضـر در جلسـه رسـمی معتبر و قابل اجرا است هنگام رسـیدگی و اخذ رای نسـبت به مؤسـسه بیمه‌ای که یکی از اعضای شورایعالی به نحوی در آن سهیم است آن عضو در رای شرکت‌نخواهد کرد. ماده ۱۵ ـ صورت جلسات مـذاکرات شورای عالی بیمه دردفتری ثبت و به امضای رئیس شورای عالی بیمه رسیده و دربیمه مرکزی ایران نگاهداری می‌شود. ماده ۱۶ ـ شورای عالی بیمه دارای دبیرخانه‌ای خواهد بود که‌سازمـان آن را شـورای عـالی بیمـه تصـویب خواهـد کرد، رئیس وکارکنـان دبیرخـانه از بیـن کارکنـان بیمـه مرکزی ایران انتخاب‌می‌شوند. ماده ۱۷ ـ وظـایف شورای عالی بیمه به شـرح زیر است ۱ ـ رسـیدگی و اظهارنظر نسبت به صدور پروانه تأسیس یا لغوپروانه موسـسات بیمه طبق مقررات این قـانون و پیشـنهاد آن به‌مجمع عمومی ۲ – تصویب نمونه ترازنـامه که بایـد مورد اسـتفاده موسسات‌بیمه قرار گیرد. ۳ ـ تعیین انواع معاملات بیمه و شـرایط عمومی بیمه نامه‌ها ونظارت بر امور بیمه‌های اتکایی ۴ ـ تعیین میزان کارمزد و حق بیمه مربوط به رشته‌های مختلف‌بیمه مستقیم ۵ ـ تصویب آیین نامه‌های لازم برای هدایت امر بیمه و فعالیت‌موسـسات بیمه ۶ ـ رسـیدگی و اظهارنظر نسبت به گزارش بیمه مرکزی ایران‌درباره عملیات و فعالیتهای موسـسات بیمه در ایران که حـداقل‌هر شش ماه یکبار باید تسـلیم شود. ۷ ـ اظهـار نظر درباره هرگونه پیشـنهاد که از طرف رئیس شورایعالی بیمه به آن ارجاع می‌شود. ۸ ـ انجام سایر وظایفی که این قانون برای آن تعیین نموده‌است

فصل سوم ـ هیأت عامل

ماده ۱۸ ـ هیـات عامـل بیمه مرکزی ایران مرکب از رئیس کـل و قائم مقام رئیس کل و معاونان بیمه مرکزی ایران خواهـد بود. ماده ۱۹ ـ رئیس کـل بیمه مرکزی ایران و قـائم مقـام او به پیشـنهاد وزیر امـور اقتصـادی و دارایی و تصویب هیـات وزیران و معاونـان‌بیمه مرکزی ایران به پیشـنهاد رئیس کـل بیمه مرکزی ایران و مـوافقت وزیر امـور اقتصـادی و دارایی به موجب تصویبنـامه هیـات وزیران منصوب می‌شوند. ماده ۲۰ ـ رئیس کل و قائم مقام رئیس کل بیمه مرکزی ایران‌برای مـدت چهار سال منصوب می‌شونـد و انتصاب مجدد آنان بلامانع است ماده ۲۱ ـ رئیس کل بیمه مرکزی ایران بالاترین مقام اجرایی و اداری بیمه مرکزی ایران می‌باشد. ماده ۲۲ ـ وظایف و اختیارات رئیس کل بیمه مرکزی ایران به شرح زیر است الف ـ نظارت در اجرای این قانون و آیین نامه‌های مربوط به آن ب ـ نمایندگی بیمه مرکزی ایران در مقابل اشخاص و موسسات دولتی یا خصوصی و دادگاهها و سایر مراجع‌قضایی و غیر قضایی با حق توکیـل و سـازش و سایر اختیارات‌منـدرج در ماده ۶۲ قـانون آیین دادرسـی مـدنی ج ـ تفویض قسـمتی از اختیارات خود و حق امضـاء به قـائم مقـام و یـا معاونـان و یا روسا یا کارمنـدان و تعیین وظایف آنان د ـ تقـدیم گزارش وضع حسابها و امور بیمه مرکزی ایران به‌مجمع عمومی ه ـ تقـدیم گزارش عملیـات و فعالیت‌هـای موسـسات بیمه در ایران به شورای عـالی بیمه مـاده ۲۳ ـ در غیـاب رییس کل بیمه مرکزی ایران قائم مقام‌رئیس کل دارای کلیه اختیارات و وظایف قانونی او خواهد بود .

فصل چهارم ـ بازرسان

ماده ۲۴ ـ بیمه مرکزی ایران دارای دو نفر بازرس که اطلاعات و تجارب کافی در امور بیمه و حسابداری داشته باشند خواهد بود که یکنفر از آنان از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی ودیگری از طرف وزیر بازرگانی پیشنهاد و با تصویب مجمع عمومی برای یک سال تعیین خواهند شد، انتخاب مجددبازرسان بلامانع است ماده ۲۵ ـ بازرسان حق دارند هرگونه اطلاعی را از بیمه مرکزی ایران بخواهند ولی حق دخالت مستقیم در امور بیمه مرکزی ایران را ندارند. رسیدگی به ترازنامه سالانه وظیفه اصلی بازرسان می‌باشد.ترازنامه بیمه مرکزی ایران یک ماه قبل از تشکیل مجمع عمومی تسلیم بازرسان خواهد شد تا گزارش درباره آن تهیه وضمن اظهارنظر به مجمع عمومی تسلیم کنند. قسمت چهارم ـ مقررات مختلف ماده ۲۶ ـ رئیس کل و سایر اعضاء هیات عامل در مدت تصدی‌خود نمی‌توانند عضویت شرکتها و موسسات بازرگانی را قبول نمایند و یا در سایر دستگاههای دولتی یا ملی سمتی داشته‌باشند. تبصره ـ تدریس در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و قبول سمتهای غیر موظف در موسسات خیریه و اجتماعی و آموزشی بلامانع است ماده ۲۷ ـ اسناد مالی و اوراق بهادار و چک‌های بیمه مرکزی‌ایران با دو امضاء معتبر خواهد بود. ماده ۲۸ ـ بیمه مرکزی ایران مجاز خواهد بود که موجودیهای‌نقدی خود را به صورت حساب جاری و یا سپرده نزد بانک بیمه ایران نگاهداری نماید، یا بر اساس بودجه مصوب ازمحل سرمایه وذخایر و اندوخته‌های خود و صندوق تأمین خسارتهای بدنی تا مبلغ یکصد میلیون ریال در هر سال باتصویب هیات عامل و مازاد بر آن با تصویب مجمع عمومی به هر نوع عملیات دیگر از جمله خرید سهام و مشارکت دربانکها و شرکت‌های دیگر با حق فروش و انتقال آنها که برای توسعه و پیشرفت وظایف بیمه مرکزی ضروری یا مفید باشدمبادرت نماید. ماده ۲۹ ـ اعضاء شورای عالی بیمه و مشاورین و اعضای‌اداری شورای عالی بیمه و افرادی که شورای عالی بیمه در اجرای وظایف خود به آنها مراجعه می‌کند و رئیس کل و سایراعضای هیات عامل و بازرسان و کلیه کارکنان بیمه مرکزی ایران باید از افشای اطلاعات محرمانه‌ای که در اجرای وظایف‌محوله به دست می‌آورند خودداری نمایند والا مشمول مقررات ماده ۱۳۸ قانون مجازات عمومی خواهند بود. ماده ۳۰ ـ شرکت سهامی بیمه ایران عملیات خود را جز آنچه‌به موجب بندهای ۱ و ۲و ۳ و۶ و ۷ ماده ۵ این قانون جزء وظایف و اختیارات بیمه مرکزی ایران قرار داده شده است برطبق اساسنامه خود ادامه خواهد داد. وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و هر موسسه دیگری که اکثریت سرمایه آن متعلق به دولت یا سازمانهای مزبور می‌باشد و یا تحت نظر دولت و یا سازمانهای‌مزبور اداره می‌شوند موظفند بیمه‌های خود را منحصرا درشرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند. این حکم شامل شرکت ملی نفت ایران ـ شرکت ملی ذوب آهن ایران ـ شرکت هواپیمایی ملی ایران ـ بانک مرکزی ایران ـ بانک ملی ایران ـ سازمان مرکزی گسترش و نوسازی صنایع‌ایران و صندوق توسعه کشاورزی خواهد بود مگر آنکه مجمع عمومی هر یک از این موسسات نسبت به بیمه آنها تصمیم دیگری اتخاذ نماید. تبصره ـ دولت مکلف است ظرف چهار ماه از تاریخ تصویب‌این قانون اساسنامه جدید شرکت مزبور را برای تصویب کمیسیونهای دارایی و استخدام مجلسین تقدیم کند.

بخش دوم ـ بیمه گری

قسمت اول ـ مؤسسات بیمه

فصل اول ـ کلیات

ماده ۳۱ ـ عملیات بیمه در ایران به وسیله شرکتهای سهامی‌عام ایرانی که کلیه سهام آنها با نام بوده و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت تبصره ۱ ـ فعالیت موسسات بیمه خارجی مشمول مقررات فصل چهارم این قانون خواهد بود. تبصره ۲ ـ تشخیص فعالیتهایی که به آن عملیات بیمه اطلاق می‌شود با شورای عالی بیمه خواهد بود. ماده ۳۲ ـ

تعـداد سـهامداران یک موسـسه بیمه ایرانی نباید کمتراز ده شـخص حقیقی یا حقوقی باشد. ماده ۳۳ ـ هر شـخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند بیش از ۲۰درصد سـهام یک موسـسه بیمه ایرانی را دارا باشد، نصاب ۲۰درصد شامل اقارب نسبی و سـببی درجه یک از طبقه اول‌صاحب سهم نیز خواهد بود. ماده ۳۴ ـ احکام مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ شامل موسسات بیمه‌ای‌که صاحب سهم آن دولت یا بنیاد پهلوی است نمی‌شود . مـاده ۳۵ ـ واگذاری سـهام موسـسات بیمه ایرانی غیر دولتی به‌اشـخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا بیست درصـد بـا مـوافقت بیمـه مرکزی ایران مجـاز است و بیش از آن موکـول به‌پیشـنهاد بیمه مرکزی ایران و تأییـد شـورای عـالی بیمه و تصویب هیـات وزیران خواهـد بود. در مورد اخیر انتقـال سود سهام‌سـهامداران خـارجی در هر سال نبایـد از دوازده درصـد مجموع سرمـایه پرداخت شـده و سود انتقـال نیافته سالهای قبل تجاوزکنـد. تبصـره ـ انتقال سـهام موسـسات بیمه ایرانی به دولتهای‌خارجی یا انتقال بیش از ۴۹ درصد سهام آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی مطلقا ممنوع است انتقال سهام بین‌سهامداران اتباع خارجی بایـد بـاموافقت قبلی بیمه مرکزی ایران صورت گیرد. مـاده ۳۶ ـ موسـسات بیمه ایرانی با سـرمایه حداقل یکصدمیلیون ریال تشـکیل می‌شود که باید ۵۰ درصـد آن نقدا پرداخت شده باشد میزان ودیعه‌ای که عندالاقتضاء برای هریک از رشـته‌های بیمه در نظر گرفته خواهـد شـد در آیین نامه‌ای که از طرف بیمه مرکزی ایران تهیه و به تصویب شورای عالی‌بیمه می‌رسـد تعیین خواهد شد. ماده ۳۷ ـ ثبت هر موسـسه بیمه در ایران موکول به ارائه پروانه تاسیس که از طرف بیمه مرکزی ایران صادر می‌شود خواهـد بود همچنین ثبت هرگونه تغییرات بعدی در اساسـنامه و میزان‌سـرمایه و سـهام موسـسات بیمه‌ای که به ثبت رسـیده باشند موکول به ارائه موافقت بیمه مرکزی ایران می‌باشد.

فصل دوم ــ صدور پروانه

ماده ۳۸ ـ برای انجـام عملیـات بیمه در تمـام رشـته‌ها یـا رشـته‌ای معین بایـد قبلاـ طبق مقررات این فصل از بیمه مرکزی ایران پروانه تحصـیل گردد. برای تحصـیل پروانه مذکور متقاضـی باید مدارک و اطلاعات زیر را به بیمه مرکزی ایران تسـلیم کند: ۱ ـ اساسنامه موسسه ۲ ـ میزان سـرمایه موسسه ۳ ـ صورت کامل اسامی شـرکاء و مـدیران و تابعیت و تعدادسـهام هر یک از آنها. ۴ ـ میزان سهام نقـدی و غیر نقدی و نحوه پرداخت آنها. ۵ ـ اسـناد و مدارک و اطلاعات دیگری که بیمه مرکزی ایران‌برای احراز صلاحیت مالی و فنی موسـسه و حسن شـهرت مـدیران لازم بداند. ماده ۳۹ ـ تقاضـای صـدور پروانه به بیمه مرکزی ایران تسـلیم‌می‌شود. بیمه مرکزی ایران مکلف است حداکثر ظرف مدت‌شـصت روز از تاریخ تسـلیم آخرین مدارک و اطلاعات خواسـته‌شده با رعایت مفاد بند یک ماده ۱۷ نظر مجمع عمومی را اعم از قبول یا رد تقاضا کتبا به متقاضی اعلام نماید. هر گاه متقاضی نسبت به نظر اعلام شده اعتراض داشـته باشدمی‌توانـد ظرف سـی روز اعـتراض خـود را بـه هیـات وزیران تسـلیم نمایـد. نظری کـه هیـات وزیران اتخـاذ نمایـد قطعی خواهدبود.

فصل سوم ــ ابطال پروانه

ماده ۴۰ ـ پروانه بیمه برای تمـام رشـته‌ها و یـا رشـته‌های معینی در مـوارد زیر پس از مـوافقت شـورای عـالی بیمه بـا تصـویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران ابطال خواهد شد: ۱ ـ در صورت تقاضای دارنده پروانه ۲ ـ در صورتی که موسـسه بیمه تا یکسال پس از صـدور پروانه‌عملیات خود را شـروع نکرده باشد. ۳ ـ در مـواردی که به تشـخیص بیمه مرکزی ایران وضع مالی‌موسـسه بیمه طوری باشـد که نتوانـد به تعهـدات خود عمـل نمایـد یـا بر بیمه مرکزی ایران ثـابت گردد که ادامه فعـالیت موسسه به‌زیان بیمه شـدگان و بیمه‌گـذاران و یا صاحبان حقوق آنها است ماده ۴۱ ـ در مواردی که موسـسه بر خلاف اساسـنامه خود یا قوانین و مقررات بیمه رفتار کند به پیشـنهاد بیمه مرکزی ایران وتصویب شورای عالی بیمه به طور موقت از قبول بیمه در رشته‌های معین ممنوع خواهد شد. ماده

۴۲ ـ در صورتی که پروانه موسسه بیمه‌ای طبق ماده ۴۰باطل گردد موسسه مزبور می‌تواند ظرف سی روز به هیات وزیران مراجعه و لغو تصمیم متخذه را درخواست کند. نظرهیات وزیران قطعی است ماده ۴۳ ـ صدور یا لغو پروانه موسسه بیمه و اطلاعاتی که ازلحاظ حفظ منافع بیمه گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوِق آنها لازم باشد به هزینه خود موسسه بیمه توسط بیمه مرکزی‌ایران در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و در صورتی که موسسه بیمه در شهر یاشهرهای دیگر شعبه یا نمایندگی داشته باشد در یکی ازروزنامه‌های آن شهرها نیز در دو نوبت به فاصله یک ماه آگهی‌خواهد شد. ماده ۴۴ ـ در صورتی که پروانه موسسه بیمه‌ای برای یک یاچند رشته به طور دائم لغو شود بیمه مرکزی ایران با تصویب شورای عالی بیمه کلیه سوابق و اسناد مربوط به حقوق وتعهدات (پرتفوی Portefeuille) موسسه مزبور را به شرکت سهامی بیمه ایران انتقال خواهد داد و یا ترتیب خاص دیگری‌را که متضمن منافع بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوِق آنها باشد خواهد داد.

فصل چهارم ــ مقررات مربوط به مؤسسات بیمه خارجی

ماده ۴۵ ـ از تاریخ تصویب این قانون شروع فعالیت موسسات بیمه خارجی در ایران موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تایید شورای عالی بیمه و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ماده ۴۶ ـ موسسات بیمه خارجی باید طبق آیین نامه‌ای که به‌پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه می رسد مبلغی برای هر یک از دو رشته بیمه‌های زندگی وسایر انواع بیمه نزد بیمه مرکزی ایران تودیع نمایند. مبلغ این ودیعه در هر یک از دو مورد مذکور از پانصد هزار دلار یامعادل آن از ارزهای مورد قبول بانک مرکزی ایران کمتر نخواهد بود. هر یک از موسسات بیمه خارجی باید درآمدهای خود را سال‌به سال به ودیعه مزبور اضافه کند تا در هر مورد مبلغ ودیعه‌حداقل به دو برابر مبلغ مصوب شورای عالی بیمه برسد. افزایش ودیعه مازاد بر مبالغ فوق اختیاری است ماده ۴۷ ـ انتقال درآمد موسسات بیمه خارجی پس از تکمیل ودیعه مذکور در ماده ۴۶ به خارج بلامانع خواهد بود مشروط بر اینکه رقم انتقالی در هر سال از ۱۰ درصد مبلغی که بعنوان‌ودیعه در نزد بیمه مرکزی ایران است تجاوز ننماید. تبصره ـ ترتیب انتقال درآمد مازاد بر ودیعه به ماخذ ده درصددر سال مذکور در این ماده موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تایید شورای عالی بیمه و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ماده ۴۸ ـ موسسات بیمه خارجی که در ایران کار میکنند بایدنماینده‌ای که در ایران مقیم و دارای اختیارات لازم برای اداره کردن تمام کارهای موسسه در ایران و انجام تعهدات از طرف‌موسسه بیمه اصلی باشد معرفی نمایند. نماینده مذکور مسئول‌کلیه عملیات موسسه بیمه اصلی در ایران خواهد بود و بایددارای اختیارنامه‌ای باشد که ضمن آن حدود اختیارات اومشخص گردیده و حق انتخاب نماینده مجاز یا قائم مقام به‌جای خود به او داده شده باشد. نماینده مزبور موظف است کلیه بیمه‌های منعقد شده در ایران را شخصا یا به وسیله قائم مقام یا نماینده مجاز خود بدون اینکه تصویب موسسه بیمه اصلی لازم باشد امضاء نماید وبتواند در دعاوی خوانده یا خواهان قرار گیرد و حق توکیل وسازش داشته باشد. ماده ۴۹ ـ نماینده موسسات بیمه خارجی فقط تا حدودی که ازموسسه بیمه اصلی اختیار دارد اقدام به بیمه در ایران خواهد نمود و در صورتی که در هر یک از رشته‌های بیمه از موسسه‌بیمه اصلی سلب اجازه بیمه کردن به طور موقت یا دائم بشود ویا موسسه بیمه اصلی از نماینده خود جزئا یا کلا سلب اختیارکند باید مراتب را کتبا به بیمه مرکزی ایران اطلاع دهد. ماده ۵۰ ـ موسسات بیمه خارجی علاوه بر مقررات این قانون‌و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط مشمول مقررات عمومی مربوط به شرکتها و موسسات خارجی نیز خواهند بود.

قسمت دوم ــ انحلال و ورشکستگی

ماده ۵۱ ـ در صورتی که ورشکستگی یک موسسه بیمه اعلام بشود دادگاه مکلف است قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم نظر بیمه

مرکزی ایران را جلب نماید. بیمه مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف ۱۵ روز نظریه خود را کتبا به دادگاه‌اعلام دارد دادگاه با توجه به نظریه بیمه مرکزی ایران تصمیم‌مقتضی اتخاذخواهد کرد. ماده ۵۲ ـ ابطال پروانه یک موسسه بیمه برای کلیه عملیات‌بیمه‌ای از موارد انحلال موسسه است و در این صورت مفاد ماده ۴۴ این قانون اجرا خواهد شد. ماده ۵۳ ـ تصفیه موسسه بیمه ورشکسته طبق قانون تجارت به‌عمل می‌آید. در نقاطی که اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود ندارد دادگاه بیمه مرکزی ایران را به عنوان قائم مقام‌اداره تصفیه تعیین می‌نماید و در حوزه دادگاههای شهرستانی که اداره تصفیه در آنجا تاسیس گردیده است اداره تصفیه با معاونت بیمه مرکزی ایران امر تصفیه را انجام خواهد داد.

قسمت سوم ــ انتقال عملیات و ادغام

ماده ۵۴ ـ موسسات بیمه می‌توانند با موافقت بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه تمام یا قسمتی از پرتفوی (Portefeuille) خود را با کلیه حقوق و تعهدات ناشی از آن به‌یک یا چند موسسه بیمه مجاز دیگر واگذار کنند. ماده ۵۵ ـ تقاضای انتقال پرتفوی (Portefeuille) یک موسسه بیمه به موسسات دیگر بیمه دوبار به فاصله ده روز در روزنامه رسمی کشور و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهرانو عنداللزوم در یکی از روزنامه‌های محلی به هزینه متقاضی ازطرف بیمه مرکزی ایران آگهی خواهد شد. ماده ۵۶ ـ پس از انقضای سه ماه از تاریخ آخرین آگهی بیمه‌مرکزی ایران در صورت حصول اطمینان از اینکه در این انتقال هیچیک از حقوق بیمه شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنها تضییع نخواهد شد موافقت خود را با انتقال پرتفوی کتبا به‌موسسه بیمه متقاضی اعلام خواهد داشت ماده ۵۷ ـ در صورت موافقت بیمه مرکزی ایران با انتقال‌پرتفوی این انتقال برای کلیه بیمه شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنها از تاریخ انتقال معتبر خواهد بود. ماده ۵۸ ـ یک یا چند موسسه بیمه می‌توانند با رعایت مواد ۵۵و ۵۶ و ۵۷ با موافقت بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه در یک موسسه بیمه دیگر ادغام شوند. ماده ۵۹ ـ بیمه مرکزی ایران به منظور حفظ حقوق بیمه‌گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنها یا به ملاحظات اقتصادی و حمایت امر بیمه می‌تواند با تأیید شورایعالی بیمه و تصویب‌مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران موسسات بیمه‌ای را که وضع‌مالی یا اداری آنها رضایت بخش نیست مکلف نماید که دریکی از موسسات بیمه دیگری که موافق باشند ادغام شوند ودر صورتی که ادغام صورت نگیرد پروانه موسسهای که وضع‌مالی یا اداری آن رضایت بخش نیست طبق مقررات این قانون‌لغو خواهد شد. تصمیم بیمه مرکزی ایران علاوه بر ابلاغ کتبی‌به موسسات مورد نظر در روزنامه رسمی کشور و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و عنداللزوم در یکی از روزنامه‌های محلی به اطلاع عموم خواهد رسید.

قسمت چهارم ــ مقررات مختلف

ماده ۶۰ ـ اموال موسسات بیمه همچنین ودایع مذکور در مواد۳۶ و ۴۶ تضمین حقوق و مطالبات بیمه‌گذاران بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان است و در صورت انحلال یا ورشکستگی‌مؤسسه بیمه بیمه‌گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان‌نسب به سایر بستانکاران حق تقدم دارند. در میان رشته‌های‌مختلف بیمه حق تقدم با بیمه عمر است موسسات بیمه نمی‌توانند بدون موافقت قبلی بیمه مرکزی‌ایران اموال خود را صلح حقوق نمایند و یا به رهن واگذار کنند و یا موضوع هر نوع معامله با حق استرداد قرار دهند. دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام این قبیل معاملات‌موافقتنامه بیمه مرکزی ایران را مطالبه و مفاد آن را در سند منعکس کنند. ماده ۶۱ ـ موسسات بیمه موظفند اندوخته‌های فنی و قانونی‌نگهدارند و در حسابهای خود نحوه به کار افتادن آنها را به طورمشخص

منعکس نمایند.انواع اندوخته‌های فنی و قانونی برای‌هر یک از رشته‌های بیمه و میزان و طرز محاسبه همچنین‌ترتیب بکار انداختن این اندوخته‌ها و نحوه ارزیابی اموال‌منقول و غیر منقولی که نماینده اندوخته‌های موسسات بیمه‌است از طرف شورای عالی بیمه تعیین خواهد شد. ماده ۶۲ ـ کلیه موسسات بیمه موظفند ترازنامه و حسابهای‌سود و زیان خود را طبق نمونه‌ای که از طرف بیمه مرکزی ایران‌تهیه و به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد تنظیم نمایند وپس از تصویب نسخه‌ای از آن را برای بیمه مرکزی ایران ارسال‌دارند. ماده ۶۳ ـ موسسات بیمه موظفند ترازنامه خود را در روزنامه‌رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران درج نمایند. ماده ۶۴ ـ اشخاصی که در ایران یا در خارجه به علت ارتکاب‌جنایت یا دزدی یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا صدورچک بی‌محل یا اختلاس یا معاونت در یکی از جرایم فوق محکوم شده باشند و ورشکستگان به تقصیر نمی‌توانند جزو موسسین یا مدیران موسسات بیمه باشند. همچنین واگذاری‌نمایندگی به این اشخاص و اشتغال به دلالی از طرف آنان‌ممنوع است ماده ۶۵ ـ در صورتی که به حکم دادگاه مسلم شود که ورشکستگی مؤسسه بیمه به علت تقصیر و تقلب مدیر یامدیران بوده است در صورت عدم تکافوی دارایی مؤسسه‌مدیران متضامنا مسئول پرداخت طلب بیمه‌گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان خواهند بود. ماده ۶۶ ـ عرضه بیمه جز به وسیله اشخاص زیر ممنوع است ۱ ـ موسسات بیمه ۲ ـ نمایندگان بیمه ۳ ـ دلالان رسمی بیمه تبصره ـ هر کارمند یا نماینده بیمه که اقدام به عرضه بیمه‌نماید باید دارای کارت شناسایی از طرف مؤسسه بیمه مربوط باشد. نام دلال رسمی یا نماینده بیمه که بیمه‌نامه وسیله اوعرضه شده است باید در بیمه‌نامه ذکر شود. ماده ۶۷ ـ موسسات بیمه و نمایندگان و دلالان رسمی بیمه‌مسئول جبران خساراتی می‌باشند که در اجرای وظایفشان به‌سبب تقصیر و یا مسامحه آنها یا کارکنانشان به دیگران وارد آید. ماده ۶۸ ـ پروانه دلالی رسمی بیمه به وسیله بیمه مرکزی ایران‌صادر خواهد شد و آیین‌نامه دلالان رسمی بیمه به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید. ماده ۶۹ ـ هر مؤسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که‌پروانه بیمه ندارد رأسا و یا به وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید مکلف به جبران خسارت زیان دیده خواهد بود. تبصره ـ هر شخص حقیقی یا حقوقی که بدون داشتن پروانه‌از مؤسسه بیمه تحت عنوان نمایندگی بیمه برای هر یک از رشته‌ها قبول بیمه نماید به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ قانون‌مجازات عمومی محکوم خواهد شد. ماده ۷۰ ـ بیمه‌های زیر باید منحصرا بوسیله موسسات بیمه‌ای که بر اساس این قانون اجازه فعالیت دارند انجام گیرد: الف ـ بیمه اموال منقول یا غیر منقول موجود در ایران ب ـ بیمه حمل و نقل کالای وارداتی که قرارداد خرید آن درایران منعقد می‌شود یا اعتبار اسنادی آن در ایران باز شده‌است ج ـ بیمه مربوط به کارگران و مستخدمین خارجی به استثنای‌بیمه عمر و حوادث شخصی در مدت اقامت در ایران د ـ بیمه مربوط به ایرانیان مقیم ایران تبصره ـ تجهیزات نظامی مورد نیاز وزارت دفاع و پشتیبانی‌نیروهای مسلح که فاقد امکان ساخت در داخل کشور بوده و فروشندگان آن تجهیزات حمل و نقل کالاهای مورد معامله را انحصارا توسط بیمه‌های کشور فروشنده بیمه می‌نمایند، باپیشنهاد وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و تأیید بیمه‌مرکزی ایران و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی از شمول‌بند (ب این ماده مستثنی می‌باشد. ماده ۷۱ ـ کلیه موسسات بیمه که در ایران فعالیت می‌نمایندباید ۵۰ درصد در رشته بیمه‌های زندگی و ۲۵ درصد در سایر رشته‌ها از معاملات بیمه‌ای مستقیم خود را نزد بیمه مرکزی‌ایران بیمه اتکایی نمایند. بیمه مرکزی ایران مکلف است باتوجه به ظرفیت قبولی هر یک از موسسات بیمه‌ای که در ایران‌کار می‌کنند تمام یا قسمتی از بیمه اتکایی مجدد سهمیه اتکایی‌اجباری دریافتی را در صورت تساوی شرایط به آنها واگذارنماید. تبصره ـ آنچه موسسات بیمه به عنوان اتکایی قبول می‌کنند ازشمول این ماده خارج است ماده ۷۲ ـ نحوه واگذاری بیمه اتکایی اجباری و میزان کارمزد ومشارکت در سود آن برای هر رشته بیمه به وسیله شورای‌عالی بیمه تعیین خواهد شد. ماده ۷۳ ـ موسسات بیمه که در ایران فعالیت می‌کنند موظف‌خواهند بود معادل ۳۰ درصد از مازاد سهمیه بیمه اتکایی اجباری از معاملات مستقیم خود را با همان شرایطی که درخارج بیمه اتکایی می‌نمایند به بیمه مرکزی ایران واگذار کنند. در صورتی که بیمه مرکزی ایران به هر علت از قبول آن‌استنکاف بنماید موسسات مزبور مجاز خواهند بود در

خـارج‌از ایران بیمه اتکـایی نماینـد. انتقـال ارز بابت این ۳۰ درصـدموکول به ارائه اجـازه بیمه مرکزی ایران خواهـد بود. مـاده ۷۴ ـ موسـسات بیمه اعم از ایرانی یا خارجی که تا تاریخ‌تصویب این قانون به موجب مقررات قبلی به ثبت رسیده‌اند ومشغول فعالیت‌های بیمه‌ای می‌باشـند برای رشـته‌هایی که درآن فعالیت می‌کننـد احتیاج به کسب پروانه جدیـد نخواهنـد داشت ولی در هر حال موظفند ظرف هیجده ماه از تاریخ‌تصویب این قانون وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند درغیر این صورت پروانه آنها لغو خواهد شـد. شورای‌عالی بیمه می‌توانـد با توجه به دلایل و مقتضـیات این مدت رایکبار تمدید نماید. ماده ۷۵ ـ موسـسات بیمه که در ایران کار می‌کنند عضوسـندیکای بیمه گران ایران شـناخته می‌شوند اساسـنامه این سـندیکا بوسـیله بیمه مرکزی ایران با جلب نظر اعضای سندیکاتدوین می‌شود و حداکثر ظرف شـش ماه پس از تشـکیل بیمه‌مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسـید. ماده ۷۶ ـ موسسات بیمه که در ایران فعالیت می‌نمایند ملزم به‌رعایت دستورات بیمه مرکزی ایران که در حدود این قانون و آیین نامه‌های اجرایی آن صـادر می‌شود خواهنـد بود. ماده ۷۷ ـ کلیه قوانین و مقررات مغـایر بـا این قانون از تاریـخ‌تصویب این قانون ملغی اسـت قانون فوق مشـتمل بر هفتاد و هفت ماده و ده تبصـره پس ازتصویب مجلس سـنا در تاریخ روز شنبه ۲۹/۳/۱۳۵۰ درجلسه فوق العاده عصر روز یکشنبه سی ام خرداد ماه یکهزار وسیصد و پنجاه شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

لایحه قانونی ملی‌شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری

مصوب ۴ تیر ۱۳۵۸ ماده ۱ ـ به منظور حفظ حقوق بیمه گـذاران و گسترش صـنعت‌بیمه در سراسـر کشور و گماردن بیمه به خدمت مردم از تاریـخ تصویب این قانون کلیه موسـسات بیمه کشور ضـمن قبول اصل‌مالکیت مشـروع مشـروط ملی اعلام می‌شود. ماده ۲ ـ پروانه فعـالیت نماینـدگیهای موسـسات بیمه خـارجی درایران لغـو می‌شود و بیمه مرکزی ایران ترتیب تصـفیه عملیـات نماینـدگیهای مذکور را به هر نحوی که مقتضی بداند خواهدداد. ماده ۳ ـ به جای مجامع عمومی موسسات بیمه مجمع عمومی مشترکی متشکل از وزیر امور اقتصـادی و دارایی وزیر بازرگـانی وزیر بهـداری و بهزیستی وزیر مشـاور و سـرپرست سازمان برنامه و بودجه وزیر کار و امور اجتمـاعی خواهـد بود. ماده ۴ ـ به جـای هیـات مـدیره موسـسات بیمه کشور، هیات‌مـدیره مشترکی متشـکل از رئیس کـل بیمه مرکزی ایران مدیرعامل شـرکت سـهامی بیمه ایران و نمایندگان وزارتخانه‌های مذکور در ماده ۳ خواهد بود. ماده ۵ ـ مدیران عامل موسسات بیمه کشور از طرف هیات‌مدیره مشترک موسسات بیمه انتخاب و به تصویب مجمع عمومی مشترک موسسات بیمه خواهد رسـید و احکام انتصاب‌مـدیران عامل از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر خواهـد شد. ماده ۶ ـ کلیه اختیارات مدیران عامل سـابق موسـسات بیمه تـاتصویب مقررات جدیـد از طرف مجمع عمومی مشترک به مـدیران عامـل منتخب تفویض می‌شود. ماده ۷ ـ کلیه کارکنان موسـسات بیمه کشور تا تصویب مقررات‌استخدامی مربوط تابع مقررات استخدامی موجود خواهند بود، لکن از لحاظ حـداقل و حـداکثر حقوِق ، تـابع مقررات‌مصوب دولت می‌باشـند. مـاده ۸ ـ کلیـه شـرکتهای پس انـداز و وام م ۵۹C سـکن مشمول قانون‌ملی شدن بانکها از تاریخ تصویب قانون مذکور خواهند بود.

قانون اداره امور شرکتهای بیمه

مصوب ۱۳/۹/۱۳۶۷ ماده ۱ ـ شـرکتهای بیمه ایران آسـیا و البرز و دانا به صورت‌سهامی اداره می‌شوند و مجاز به انجام انواع عملیات بیمه‌ای در بخشـهای دولتی تعاونی و خصوصـی می‌باشند. تبصره ۱ ـ شـرکتهای بیمه آریا، امیـد، پارس تهران توانا،حافظ ساختمان و کار، شـرق و ملی در شرکت بیمه دانا ادغام می‌گردند. تبصره ۲ ـ اجازه داده می‌شود مطالبات اشـخاص حقیقی و حقوقی بابت سهام ارزیابی شـده شـرکتهای بیمه ملی شده که در تاریخ ملی شدن (۴/۴/۱۳۵۸) دارای ارزش مثبت بوده است بـا تصویب مجمع عمومی شرکتهای مذکور منتهی ظرف۲ سال از تاریخ تصویب این قانون از محل منابع داخلی‌شـرکتهای مربوطه پس از کسر مطالبات دولتی

و دیون ممتازه تأمین و پرداخت گردد مشروط بر اینکه عدم مشروعیت‌مالکیت آنها از سوی دادگاه انقلاب اسلامی اعلام نشود. تبصره ۳ ـ اجازه داده می‌شود مطالبات دولت و بانک‌ها ازشرکتهای بیمه‌ای که تراز منفی دارند از منابع داخلی شرکتهای بیمه ملی شده دارای تراز مثبت پرداخت شود. ماده ۲ ـ کلیه سهام شرکتهای بیمه موضوع ماده۱ این قانون‌متعلق به دولت بوده و هر یک از این شرکتها دارای اساسنامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف مدت شش ماه ازتاریخ تصویب این قانون توسط مجمع عمومی شرکتهای مذکور تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد و شامل هدف موضوع شرکت نحوه اداره آن و سایر وظایف و اختیارات می‌باشد. مجمع عمومی هر یک از شرکتهای مزبور مرکب از وزراء اقتصاد و دارایی بازرگانی و برنامه و بودجه می‌باشد ریاست مجامع مزبور با وزیر امور اقتصادی و دارایی است تبصره ـ رئیس کل بیمه مرکزی ایران بدون حق رای درجلسات مجمع عمومی شرکتهای بیمه حضور می‌یابد. ماده ۳ ـ مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره شرکتهای بیمه باپیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب‌خواهد شد و عزل مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره شرکتهای بیمه با پیشنهاد هر یک از اعضاء مجمع عمومی و تصویب‌مجمع عمومی با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی انجام‌می‌گیرد. ماده ۴ ـ شرکتهای بیمه ایران آسیا، البرز و دانا با رعایت قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری و این قانون طبق‌مقررات اساسنامه مربوط اداره خواهند شد و در موارد پیش‌بینی نشده مشمول قانون تجارت می‌باشند و در صورتی تابع مقررات عمومی مربوط به دولت و موسساتی که با سرمایه‌دولت تشکیل شده‌اند، می‌گردند که در مقررات مزبور صراحتا از آنها یاد شده باشد. ماده ۵ ـ آیین نامه استخدامی مشترک شرکت‌های بیمه و بیمه‌مرکزی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۶ ـ موسسات بیمه موضوع ماده ۵ می‌توانند حداکثر ۵درصد از سود ویژه مازاد در سال قبل خود را فقط بین کارکنانی که درسال مربوط با فعالیت فوق العاده در جهت افزایش تولید یا ارائه خدمات مناسبت‌تر باعث بالا رفتن سود ویژه موسسه شده‌اند توزیع نمایند مشروط بر اینکه مبلغ آن بیش از ۴۰درصد حقوق سالانه هر فرد نباشد. تبصره ـ نحوه توزیع که توسط هیات مدیره انجام می‌گیرد بادر نظر گرفتن ارزش کمی و کیفی فعالیت کارکنان مزبور بر طبق‌آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۷ ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات‌مغایر ملغی است قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و پنج تبصره در جلسه علنی‌روز یکشنبه مورخ سیزدهم آذرماه یک هزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۱۲/۱۱/۱۳۶۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل‌نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث

مصوب ۲۶/۹/۱۳۴۷ ماده ۱ ـ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه آهن اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسول جبران خسارات‌بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود و مکلفند مسوولیت‌خود را از این جهت نزد شرکت سهامی بیمه ایران و یا یکی ازموسسات بیمه داخلی که اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع‌ایرانی و صلاحیت آنها به پیشنهاد وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مورد تایید دولت باشد بیمه نمایند. تبصره ۱ ـ منظور از حوادث مذکور در این قانون هرگونه‌تصادف یا سقوط یا آتش سوزی یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خساراتی است که از محمولات وسایل مزبور به‌اشخاص ثالث وارد شود. تبصره ۲ ـ کلیه وزارتخانه‌ها، ادارات مستقل بانکها، بنگاههاو شرکتهایی که حداقل نصف سهام آنها متعلق به دولت است وسازمان برنامه و شرکتهای تابع آن و به طور کلی عموم موسسات وابسته به دولت مکلفند عملیات موضوع این قانون را منحصرا نزد شرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند. ماده ۲ ـ کلیه اشخاصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می‌شوند از لحاظ این قانون ثالث تلقی می‌شوند به استثنای اشخاص زیر: الف ـ بیمه‌گذار ـ مالک یا راننده وسیله نقلیه مسول حادثه

ب ـ کارکنان بیمه‌گذار مسوول حادثه حین کار و انجام وظیفه ج ـ همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت‌تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه‌ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسوول حادثه باشد. تبصره ـ در صورت تصادف دو وسیله نقلیه رانندگان وسایل‌مزبور نیز در برابر یکدیگر شخص ثالث محسوب می‌شوندداعم از آنکه مالک وسیله نقلیه باشند یا نباشند. ماده ۳ ـ از تاریخ انتقال وسیله نقلیه کلیه تعهدات ناشی ازقرارداد بیمه به منتقل الیه وسیله نقلیه منتقل می‌شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه بیمه‌گذار محسوب خواهدشد و مکلف است ظرف پانزده روز از تاریخ انتقال وسیله نقلیه به خود مراتب را به طریق اطمینان بخشی با ذکر مشخصات‌کامل خود به بیمه گر اعلام کند. ماده ۴ ـ موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج‌است ۱ ـ خسارات ناشی از فورس ماژور از قبیل جنگ سیل زلزله ۲ ـ خسارات وارده به محمولات وسایل نقلیه مورد بیمه ۳ ـ خسارات مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی ورادیو اکتیو. ۴ ـ خسارات وارد به متصرفین غیر قانونی وسایل نقلیه یا به‌رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی ۵ ـ خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم ۶ ـ خسارات ناشی از حوادثی که در خارج از کشور اتفاِمی‌افتد مگر این که توافقی بین بیمه گر و بیمه‌گذار در این موضوع شده باشد. ماده ۵ ـ در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه یا در صورتی که‌راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان دیده می‌تواند برای استرداد وجوه‌پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه‌نماید. ماده ۶ ـ بیمه گر ملزم به جبران کلیه خسارات وارد به اشخاص‌ثالث خواهد بود. حداقل مبلغ بیمه با توجه به نوع و سایر خصوصیات وسایل‌نقلیه و همچنین تعرفه حق بیمه و شرایط عمومی آن با رعایت نرخها و شرایط بین المللی توسط شرکت سهامی بیمه ایران‌تعیین و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷ ـ پس از گذشتن سه ماه از تاریخ اجرای این قانون ازحرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی که فاقد قرارداد بیمه موضوع این قانون می‌باشد از طرف مأموران اداره راهنمایی ورانندگی و پلیس راه جلوگیری به عمل می‌آید. ماده ۸ ـ شرکتهای بیمه طبق مقررات این قانون و آیین نامه‌های‌مربوط به آن مکلف به انعقاد قرارداد بیمه با دارندگان وسایل‌نقلیه مشمول این قانون خواهند بود. ماده ۹ ـ دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارداِیران می‌شوند در صورتی که خارج از کشور مسوولیت خود را نسبت به حوادث ناشی از وسیله نقلیه موضوع این قانون به‌موجب بیمه نامه‌ای که از طرف شرکت سهامی بیمه ایران‌معتبر شناخته می‌شود بیمه نکرده باشند مکلفند هنگام ورودبه مرز ایران طبق ماده یک این قانون اقدام به بیمه نمایند. ماده ۱۰ ـ برای جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که‌به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه بطلان قرارداد بیمه تعلیق‌قرارداد بیمه تعلیق تامین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته‌نشدن مسوول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت‌نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارتهای خارج از شرایط بیمه نامه (به استثنای موارد مصرح در ماده ۴) صندوِق مستقلی به نام «صندوق تامین خسارتهای بدنی تاسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهدشد. سازمان وظایف و صلاحیت صندوق تامین خسارتهای‌بدنی به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که به وسیله شرکت‌سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهدرسید. ماده ۱۱ ـ درآمد صندوق تامین خسارتهای بدنی از منابعی‌است که به پیشنهاد دولت به تصویب کمیسیونهای داراییمجلسین برسد. ماده ۱۲ ـ مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون‌از تاریخ وقوع حادثه دو سال می‌باشد و هر نوع اقدام ذینفع به‌منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگرام یا اظهار نامه قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یک سال است ماده ۱۳ ـ آیین نامه اجرایی این قانون از طرف شرکت سهامی‌بیمه ایران تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۱۴ ـ این قانون از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ به موقع اجراگذارده خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر چهارده ماده و سه تبصره که در جلسه‌روز سه شنبه بیست و ششم آذرماه یک هزار و سیصد و چهل‌و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود در جلسه روز دوشنبه بیست و سوم دیماه یکهزار و سیصد و چهل و هفت شمسی به تصویب مجلس رسید .

قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران درسازمان‌ها و مجامع بین‌المللی

مصوب ۲۶/۱/۱۳۶۵ ماده واحده ـ عضویت دولت ایران در سازمان‌ها و مجامع‌بین‌المللی به شرح فهرست پیوست تایید و به دولت اجازه داده‌می‌شود نسبت به پرداخت حق عضویت‌های معوقه اقدام‌نماید. تبصره ۱ ـ عضویت‌هایی که به تصویب مجلس شورای‌اسلامی رسیده کماکان به اعتبار خود باقی است تبصره ۲ ـ به دولت اجازه داده می‌شود در صورت ضرورت‌نسبت به پرداخت حقوق معوقه عضویت در سازمان‌هایی که ادامه عضویت در آنها به تصویب نرسیده اقدام نماید. تبصره ۳ ـ تغییرات میزان حق عضویت سازمان‌ها و مجامع‌مذکور در این قانون همه ساله در بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به وسیله هیات وزیران تخصیص داده می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره و دو فقره‌فهرست ضمیمه در جلسه روز سه شنبه بیست و ششم فروردین ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای‌اسلامی به تصویب رسیده است نام سازمان بین‌المللی نام وزارتخانه‌ها و یا سازمان‌های دولتی حق عضویت ۱...... .... ۲...... .... ۳۷.صندوق بیمه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی حق عضویت اتکایی‌همکاری عمران و بیمه مرکزی ایران ندارد منطقه‌ای (اکو) . . . ۵۳. فدراسیون بیمه‌گران و بیمه مرکزی ایران ۷۵۰ دلار بیمه‌گران اتکایی آفریقایی و آسیایی (FAIR)

قانون اجازه عضویت بیمه مرکزی ایران در اتحادیه نظارت کنندگان بر شرکت‌های بیمه در کشورهای در حال توسعه

مصوب ۲/۵/۱۳۶۵ ماده واحده ـ به بیمه مرکزی ایران اجازه داده می‌شود که‌عضویت «اتحادیه نظارت کننده بر شرکت‌های بیمه در کشورهای در حال توسعه » را پذیرفته و حق عضویت مربوطه را از محل منابع داخلی خود پرداخت نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز پنجشنبه دوم‌مرداد ماه یک هزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۶۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران

مصوب ۱۵/۷/۱۳۷۵ ماده ۱ ـ به منظور توسعه و افزایش صادرات کشور از طریق‌تضمین اعتبارات و سرمایه گذاریهای مربوط به کالاها و خدمات صادراتی و ایجاد تسهیلات لازم و ضمانت مطالبات‌صادر کنندگان کالاها و خدمات از خریداران خارج از کشور در قبال خطرات حاصل از عواملی که به طور معمول شرکت‌های‌بیمه تجاری آنها را بیمه نمی‌کنند، صندوق ضمانت صادرات ایران ـ که در این قانون «صندوِق» نامیده می‌شود ـ از مرکزتوسعه صادرات ایران منتزع می‌گردد و به موجب ضوابط و مقررات این قانون اداره می‌شود. ماده ۲ ـ صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و به صورت شرکت سهامی خاص زیر نظر وزارت‌بازرگانی و طبق این قانون و اساسنامه آن ـ که به پیشنهاد وزارت‌بازرگانی ـ به تصویب هیات وزیران می‌رسد اداره خواهد شد و در موارد پیش بینی نشده تابع قانون تجارت می‌باشد و درصورتی مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به شرکتها ومؤسسات دولتی و وابسته به دولت می‌شود که به طور صریح‌از آن نام برده شود. تبصره ـ آیین نامه استخدامی مشترك شرکت‌های بیمه و بیمه‌مرکزی ایران و تغییرات بعدی آن در صندوق قابل اجرامی‌باشد. تغییرات مورد نظر صندوق در آیین نامه یاد شده به‌پیشنهاد وزیر بازرگانی و تصویب هیات وزیران اعمال خواهدشد. ماده ۳ ـ سرمایه صندوق مبلغ صد میلیارد(۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال است که به صد هزار سهم یک‌میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریالی با نام تقسیم می‌شود و تمام آن‌متعلق به دولت است افزایش و کاهش سرمایه صندوق تابع مقررات اساسنامه خواهد بود. ماده ۴ ـ صندوق دارای ارکان زیر است که حدود وظایف و اختیارات هر یک در اساسنامه صندوق تعیین می‌شود: الف مجمع عمومی اعضای مجمع عمومی عبارت هستند از: ۱ ـ وزیر بازرگانی که ریاست مجمع عمومی را برعهده دارد. ۲ ـ وزیر امور اقتصادی و دارایی ۳ ـ وزیر امور خارجه ۴ ـ وزیر صنایع ۵ ـ رئیس سازمان برنامه و بودجه ۶ ـ

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۷ ـ رئیس کل مرکز توسعه صادرات ایران ۸ ـ دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ازکمیسیون‌های امور بازرگانی و توزیع و امور اقتصادی و داراییو تعاون بـا انتخاب مجلس به عنوان نـاظر. مـدیرعامل صنـدوق به عنـوان دبیر مجمع عمومی بـدون حق رای در جلسـات مجمع عمومی صـندوق حضور خواهـد یـافت ب هیـات مـدیره و مدیرعامل مدیرعامل و اعضای هیات مدیره که تعداد آنها پنج نفرمی‌باشد به پیشنهاد وزیر بازرگانی و تایید مجمع عمومی صـندوق برای مـدت پنـج سال منصوب می‌شونـد. مدیرعامل می‌تواند رئیس هیات مدیره نیز باشد. وزیر بازرگانی می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید. ج بازرس یا بازرسان قانونی صـندوق دارای یک یا دو بازرس اصلی و نیز یک یا دو بازرس علی البدل خواهد بود که توسط مجمع عمومی برای مـدت یکسال انتخاب می‌شونـد. ماده ۵ ـ ضـمانت صـندوق به ترتیبی که در آیین نامه‌های مربوط تعیین می‌شود شامـل موارد زیر خواهـد بود: الف مطالبـات صـادر کننـدگان کالاهـا و یا خـدمات از خریـدارانخارج از کشور که به دلایل زیر در سررسـید مقرر وصول نشود ، مشروط بر آن که ناشـی از عـدم انجام تعهد صادر کننده نباشد: ۱ ـ اسـتنکاف خریدار از قبول کالای صادر شـده یا خـدمت انجام شده ۲ ـ عـدم پرداخت بهـای کالا یا خـدمت در سررسـید مقرر. ۳ـ عـدم توانایی مالی خریـدار به دلیل ورشکستگی یا اعسار یاتوقف ۴ ـ بروز جنگ یا حالت جنگ ۵ ـ تیره شدن روابط و یا قطع روابط سیاسـی با کشور خریدار به‌نحوی که در نتیجه آن صـادر کننـده موفق به دریـافت مطالبـات خود در سررسـید آنهـا نشود. ۶ ـ اعمـال سیاست‌های اقتصادی که موجب مسـدود شدنمطالبات صادر کنندگان شود. ۷ ـ اعمال سیاست‌های مربوط به محـدودیت‌های وارداتی وارزی در کشور خریدار. ۸ ـ سلب مالکیت از خریدار بر اثر ملی شدن یا مصادره اموالبه نحوی که صادر کننده موفق به دریافت مطالبات خود نشود. سایر عوامل خارج از حیطه اختیار صادر کننده و خریدار که به‌تشخیص هیات مدیره صندوق موجب عدم وصول مطالبات صادر کننده شود. ب تسهیلاتی که برای کالاها یا خدمات صادراتی تخصیص‌یابد. ج سایر مواردی که به تشخیص هیات وزیران در امر توسعه‌صادرات لازم و یا مفید باشد. ماده ۶ ـ صـندوق مکلف است پس از قبول یا پرداخت خسارتناشی از موارد فوِ، نسبت به استیفای حقوق خود برای وصول خسـارات مربوط اقـدام نمایـد. ماده ۷ ـ صـندوق در مقابـل خـدماتی که ارائه می‌دهـد کـارمزد دریافت می‌کنـد. میزان کـارمزد بـا پیشـنهاد مجمـع عمـومی و تصـویب هیـات وزیران تعییـن می‌گردد. تبصـره ۱ ـ دولـت مکلـف اسـت از تمـامی واردکنندگانغیردولتی یک درصد (۱٪) از ارزش سیـف کالا دریافت و در اختیار صـندوق قرار دهد تا به حساب اندوخته احتیاطی منظورشود. تبصـره ۲ ـ وجوه مصـرف نشـده انـدوخته احتیـاطی مربوط به هرسـال نیز به حسـاب افزایش انـدوخته احتیـاطی صـندوق اختصـاص می‌یابـد. چگونگی و نحوه اسـتفاده از انـدوختهاحتیاطی برابر آیین نـامه‌ای خواهـد بود که بـا پیشـنهاد مجمع عمومی و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. تبصـره ۳ ـ سود ویژه سالانـه صـندوق نیز که پس از کسـر تمامی‌هزینه‌ها، ذخایر فنی انـدوخته قانونی مالیات و کسور قانونیمحاسبه می‌شود و به حساب انـدوخته احتیاطی منظور خواهدشد. تبصـره ۴ ـ هرگاه درآمدهای صـندوق برای پرداخت خسـاراتو تأمین ذخایر فنی کافی نباشـد ما به التفاوت پس از تصویب هیات وزیران در بودجه سالانه کل کشور به حساب صندوِق منظور خواهد شد. میزان و ترتیب محاسبه ذخایر فنی توسطمجمع عمومی صـندوق تعیین می‌شود. ماده ۸ ـ حق الثبت اسناد رهنی مربوط به صـندوق سه دهم درهزار تعیین می‌شود. قانون فوق مشـتمل بر هشت ماده و شـش تبصـره در جلسه علنیروز یکشنبه مورخ پـانزدهم مهر ماه یک هزار و سـیصد و هفتاد و پنـج مجلس شورای اسـلامی تصویب و در تاریـخ۲۹/۷/۱۳۷۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون بیمه محصولات کشاورزی

مصوب ۲۵/۳/۱۳۶۲ مـاده واحـده ـ به منظـور انجـام بیمه انـواع محصولاـت کشـاورزی دام طیور، زنبور عسـل کرم ابریشم و آبزیـان پرورشـی در مقابلخسارتهای ناشی از سوانح طبیعی و حوادث قهری نظیرتگرگ طوفان خشکسالی زلزله سیل سرمازدگی ، یخبندان

آتش سوزی صاعقه آفات و امراض نباتی عمومی و قرنطینه‌ای امراض واگیر حیوانی عمومی و قرنطینه‌ای به عنوان وسیله‌ای برای نیل به اهداف و سیاستهای بخش کشاورزی صندوق بیمه کشاورزی در بانک کشاورزی تأسیس می‌شود. تبصره ۱ ـ صندوق بیمه محصولات کشاورزی دارای استقلال‌مالی و شخصیت حقوقی است و بر اساس مقررات قانونی شرکتهای دولتی اداره و دارای شورای عالی مرکب از وزراء کشاورزی امور اقتصادی ودارایی بازرگانی مشاور و رئیس‌سازمان برنامه و بودجه به ریاست وزیر کشاورزی می‌باشد،حدود وظایف و اختیارات شورای عالی در اساسنامه صندوبیمه محصولات کشاورزی خواهد آمد. تبصره ۲ ـ شورای عالی بیمه محصولات کشاورزی دارای کمیته فنی مرکب از نمایندگان ذی صلاح و تام الاختیار اعضای‌شورای عالی و صندوق با وظایف زیر خواهد بود: ۱ ـ بررسی و تأیید کلیه طرحها و برنامه‌ها و مسائلی که از طریق‌صندوق به شورای عالی احاله می‌گردد. ۲ ـ نظارت بر حسن اجرای طرحها و برنامه‌های مصوب به‌نیابت از طرف شورای عالی ۳ ـ بررسی و اظهار نظر مشورتی در مورد مسائل و مشکلاتی که توسط صندوق ارجاع می‌شود. تبصره ۳ ـ هیات مدیره صندوق مرکب از ۵ نفر شامل‌مدیرعامل بانک کشاورزی و یک نفر از هیات مدیره بانک‌کشاورزی و یک نماینده از جهاد سازندگی و دو نفر دیگر به‌معرفی وزیر کشاورزی و تصویب شورای عالی می‌باشد،مدیرعامل بانک کشاورزی سمت مدیرعامل صندوق بیمه‌محصولات کشاورزی را نیز به عهده خواهد داشت تبصره ۴ ـ سرمایه اولیه صندوق بیمه کشاورزی مبلغ یک‌میلیارد ریال می‌باشد که به پیشنهاد وزارت کشاورزی از طریق دولت تامین و پرداخت می‌گردد. سرمایه صندوق طبق‌اساسنامه مربوطه و با تصویب شورای عالی بیمه محصولات کشاورزی قابل افزایش می‌باشد. تبصره ۵ ـ دولت موظف است اساسنامه فوق را ظرف ۳ ماه‌از تاریخ تصویب این لایحه تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. تبصره ۶ ـ کمک دولت بابت تامین قسمتی از سهم حق بیمه‌کشاورز و جبران زیانهای احتمالی عملیات بیمه به پیشنهاد شورای عالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی و تصویب‌هیات وزیران هر ساله در بودجه کل کشور منظور و به صندوپرداخت خواهد شد. تبصره ۷ ـ بتدریج که صندوق بیمه محصولات کشاورزی‌آمادگی لازم را برای انجام وظایف خود بر اساس این لایحه در هر منطقه و برای هر محصول اعلام نماید صندوق کمک به‌تولید کنندگان خسارت دیده محصولات کشاورزی و دامی به فعالیتهای خود در آن منطقه و برای آن محصول خاتمه داده ومنابع و امکانات مربوط را به صندوق بیمه محصولات کشاورزی منتقل خواهد نمود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و هفت تبصره در جلسه روز یکشنبه اول خردادماه یک هزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۵/۳/۱۳۶۲ به تأییدشورای نگهبان رسیده است

قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی

ماده واحده ـ به منظور تعمیم و گسترش صنعت بیمه در کشور،افزایش رقابت و کارآیی در بازار بیمه افزایش رفاه عمومی وگسترش امنیت اجتماعی و اقتصادی افزایش نقش بیمه در رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان‌جامعه با توجه به ذیل اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی‌و در چارچوب ضوابط قلمرو و شرایط تعیین شده زیر اجازه تاسیس مؤسسه بیمه غیردولتی به اشخاص داخلی داده می‌شود: ۱ ـ سیاستگذاری در صنعت بیمه اعمال نظارت بر فعالیتهای‌بیمه‌ای و صدور مجوز فعالیت بیمه‌ای کماکان جهت اعمال حاکمیت دراختیار دولت جمهوری اسلامی ایران باقی خواهدبود. ۲ ـ ضوابط مربوط به نحوه تاسیس و فعالیت موسسات بیمه‌داخلی و از قبیل شرایط اخذ مجوز تاسیس و لغو آن نحوه انتقال عملیات و ادغام انحلال و ورشکستگی موسسات بیمه‌ای محدوده فعالیت بیمه‌ای و بیمه اتکایی شامل انواع معاملات بیمه حق بیمه و کارمزد مربوط به رشته‌های مختلف‌بیمه میزان ذخایر فنی و اندوخته‌های قانونی و نحوه سرمایه‌گذاری آنها بر اساس قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه بعدی و قانون بیمه مصوب ۷/۲/۱۳۱۶ تعیین خواهد شد. ۳ ـ حداقل سرمایه موسسات بیمه موضوع ماده (۳۶) قانون‌تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ برای موسسات بیمه غیردولتی با پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تایید

وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه‌مورخ ششم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۷/۶/۱۳۸۰ به تایید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

مقررات تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه در مناطق‌آزاد تجاری ــ صنعتی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول ــ تعاریف

ماده ۱ ـ در این آیین نامه واژه‌های زیر به جای عبارتهای‌مشروح مربوط به کار می‌رود: الف ـ مناطق آزاد: مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری‌اسلامی ایران ب ـ سایر نقاط کشور: کشور جمهوری اسلامی ایران به‌استثنای مناطق آزاد. پ ـ منطقه هر یک از مناطق آزاد. ت ـ سازمان سازمان هر یک از مناطق آزاد. ث ـ موسسات موضوع این آیین نامه کلیه موسسات مذکوردر ماده (۲) این آیین نامه ج ـ موسسات بیمه موسسات بیمه‌ای که طبق مقررات این‌آیین نامه مجاز به فعالیت در منطقه می‌باشند. چ ـ موسسات بیمه متقابل موسسات بیمه‌ای که خدمات خودرا به صورت بیمه متقابل تنها به اعضاء ارایه می‌نمایند. ح ـ موسسه کارگزاری بیمه شخص حقوقی که در مقابل‌دریافت کارمزد، واسطه انجام معاملات بیمه و یا بیمه اتکایی‌بین طرفها بوده و شغل او تنها ارایه خدمات بیمه‌ای باشد. خ ـ شعبه واحد تابعه یکی از موسسات بیمه ایرانی که درچهارچوب موضوع و وظایف موسسه اصلی تحت نام و مسوولیت آن در منطقه فعالیت می‌کند. د ـ نمایندگی بیمه شخص حقیقی یا حقوقی که بر اساس‌قرارداد نمایندگی با یکی از موسسات بیمه ایرانی و مقررات این آیین نامه انجام بخشی از موضوع و وظایف موسسه طرف‌قرارداد در امر بیمه را در منطقه به عهده گرفته است

فصل دوم ــ تأسیس

ماده ۲ ـ عملیات بیمه و بیمه اتکایی در مناطق آزاد به وسیله موسساتی که بنا به پیشنهاد سازمان طبق مقررات این آیین نامه‌از بیمه مرکزی ایران مجوز دریافت داشته و به یکی ازصورتهای زیر به ثبت برسند انجام خواهد شد: ۱ ـ شرکت سهامی یا تعاونی بیمه ایرانی با مشارکت سهامداران‌حقیقی و حقوقی ایرانی و یا خارجی که کلیه سهام آن با نام‌باشد. ۲ ـ مؤسسه نمایندگی و یا کارگزاری بیمه تبصره ۱ ـ تأسیس شعبه توسط موسسات بیمه با رعایت‌مقررات این آیین نامه و ثبت در منطقه بلامانع است تبصره ۲ ـ اعطای نمایندگی بیمه به اشخاص حقیقی با رعایت‌ضوابطی که به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد امکانپذیراست تبصره ۳ ـ فعالیت شعبه‌ها و نمایندگی‌های موسسات بیمه‌سایر نقاط کشور در هر یک از مناطق آزاد با رعایت مقررات قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری در چهارچوب این‌آیین نامه و سایر ضوابط حاکم بر موسسات مزبور بلامانع‌است ماده ۳ ـ موسساتی که در اجرای این آیین نامه اجازه فعالیت درمنطقه دریافت می‌نمایند، مجاز به عرضه بیمه برای اشخاص‌مقیم موضوعات و موارد بیمه موجود در سایر نقاط کشور وبیمه حمل و نقل کالای وارداتی به سایر نقاط کشور که قراردادخرید آن در ایران منعقد یا اعتبار اسنادی آن در ایران باز شده‌است نمی‌باشند. عملیات بیمه اتکایی از شمول حکم این ماده‌مستثناست تبصره ۱ ـ موسساتی که تنها اجازه فعالیت بیمه‌ای مستقیم درمنطقه رادارند نمی‌توانند از موسسات بیمه سایر نقاط کشور بیمه اتکایی قبول نمایند. تبصره ۲ ـ موسسات بیمه می‌توانند نسبت به بیمه اموال و مسوولیت (غیر بیمه اشخاص در چهارچوب این آیین نامه و رعایت قوانین و مقررات مربوط در مناطق ویژه اقتصادی‌فعالیت کنند. تبصره ۳ ـ صدور بیمه نامه توسط موسسات بیمه‌ای مناطق‌آزاد برای آن دسته از موضوعات و موارد بیمه‌ای که از طرف موسسات بیمه‌ای ایرانی فعال در سایر نقاط کشور عرضه نمی‌شود از شمول این ماده مستثناست و فهرست این قبیل موضوعات و موارد بیمه مجاز در سایر نقاط کشور، برای‌موسسات بیمه توسط بیمه مرکزی ایران

حداکثر ظرف ۳ ماه‌از تاریخ تصویب این مقررات تهیه و به سازمانها اعلام می‌شود. ماده ۴ ـ حداقل سرمایه برای موسسات بیمه نمایندگی و کارگزاری بیمه به قرار زیر است ۱ ـ موسسات بیمه مستقیم با سرمایه حداقل پانزده میلیارد(۱۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد. ۲ ـ موسسات بیمه متقابل با سرمایه حداقل دویست میلیون ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد. ۳ ـ موسسات بیمه اتکایی با سرمایه حداقل هشتاد و پنج‌میلیارد (۸۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که بایدحداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده‌باشد. ۴ ـ موسسات نمایندگی و یا کارگزاری بیمه با سرمایه حداقل‌سیصد میلیون (۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت‌شده باشد. تبصره ۱ ـ هرگونه تعدیل در ارقام مندرج در این ماه هر ۲ سال‌یک بار موکول به پیشنهاد مشترک دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و بیمه مرکزی ایران و تصویب هیات وزیران است تبصره ۲ ـ سهامداران خارجی موسسات موضوع این آیین‌نامه سهم الشرکه ریالی خود را باید به ارزهای مورد قبول بانک مرکزی ایران پرداخت و یا گواهی تبدیل ارز ارایه نمایند. تبصره ۳ ـ وجوه سرمایه موضوع این ماده باید نزد یکی ازبانکهای مورد تایید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که ترجیحا در مناطق آزاد دارای شعبه باشد واریز شود.

فصل سوم ـ مجوز ثبت و پروانه فعالیت

ماده ۵ ـ ثبت موسسات موضوع این آیین نامه در منطقه موکول به ارایه مجوز ثبت که توسط بیمه مرکزی ایران صادر می‌شود و ثبت هرگونه تغییرات بعدی در اساسنامه میزان‌سرمایه و سهام موسساتی که به ثبت رسیده باشند موکول به‌ارایه موافقت بیمه مرکزی ایران است ماده ۶ ـ برای تحصیل مجوز ثبت مدارک و اطلاعات زیر بایدبه بیمه مرکزی ایران تسلیم شود: الف ـ اساسنامه موسسه ب ـ میزان سرمایه موسسه، رسید یا گواهینامه تعهد پرداخت‌آن پ ـ سهام نقدی و غیرنقدی و نحوه پرداخت آنها . ت ـ صورت اسامی سهامداران بازرسان و مدیران و تابعیت و تعداد سهام هر یک از آنها . ث ـ اسناد و مدارک و اطلاعات دیگری که معرف صلاحیت‌مالی و فنی مؤسسه و حسن شهرت مدیران آن باشد. تبصره ـ مجوز ثبت صادر شده برای مدت ۶ ماه اعتبار دارد.در صورت عدم ثبت مؤسسه ظرف مهلت مذکور باید مجددا مجوز ثبت تحصیل شود. ماده ۷ ـ بیمه مرکزی ایران موظف است حداکثر ظرف ۳۰ روز از تاریخ تسلیم آخرین مدارک و اطلاعات خواسته شده با رعایت ماده (۲۸) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۲ ـ و مقررات این آیین نامه نظر خود را اعم از قبول یا رد تقاضا به طور کتبی‌به سازمان اعلام نماید. تبصره ـ در صورتی که متقاضی به نظر اعلام شده اعتراض‌داشته باشد می‌تواند ظرف ۳۰ روز اعتراض خود را به مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران تسلیم کند. تصمیم مجمع مزبور قطعی و لازم الاجراست ماده ۸ ـ بیمه مرکزی ایران با دریافت گواهی ثبت مؤسسه در منطقه پروانه فعالیت برای بیمه اتکایی یک یا چند رشته بیمه‌مستقیم و یا هر دو صادر خواهد کرد.

فصل چهارم ـ لغو پروانه و محدود نمودن فعالیت

ماده ۹ ـ پروانه فعالیت صادر شده توسط بیمه مرکزی ایران‌برای تمام رشته‌ها یا رشته‌های معین در موارد زیر لغو خواهد شد: الف ـ در صورت تقاضای دارنده پروانه ب ـ در صورتی که موسسه تا یک سال پس از صدور پروانه‌عملیات خود را در منطقه شروع نکرده باشد. پ ـ در صورت ورشکستگی موسسه ت ـ در صورتی که به تشخیص بیمه مرکزی ایران و تایید شورای عالی بیمه وضع مالی موسسه طوری باشد که نتواندبه تعهدات خود عمل نماید یا ادامه فعالیت موسسه به زیان‌بیمه شدگان و بیمه گذاران و صاحبان حقوق آنها باشد. ث ـ سایر موارد پیش بینی شده در این آیین‌نامه ماده ۱۰ ـ درمواردی که موسسات موضوع این آیین‌نامه برخلاف

اساسنامه خود یا مقررات این آیین نامه یا حسب اعلام سازمان برخلاف سایر مقررات حاکم بر این موسساتدر منطقه رفتار نمایند، به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب‌شورای عالی بیمه از فعالیت در رشته یا رشته‌های معین یابیمه‌های اتکایی به طور موقت یا دائم ممنوع خواهند شد. ماده ۱۱ ـ صدور و لغو پروانه فعالیت موسسات موضوع این‌آیین نامه یا ممنوعیت آنها از فعالیت به طور موقت و اطلاعاتی که از لحاظ حفظ منافع بیمه گذاران و بیمه شدگان صاحبان‌حقوق آنها لازم باشد، به هزینه خود موسسه توسط بیمه مرکزی ایران در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و منطقه در دو نوبت به فاصله یک ماه آگهی‌خواهد شد. ماده ۱۲ ـ در صورتی که پروانه فعالیت موسسه بیمه‌ای برای‌یک یا چند رشته بیمه یا بیمه اتکایی بطور دایم لغو شود بنا به‌پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه ترتیبی‌اتخاذ خواهد شد که متضمن منافع بیمه گذاران بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنها باشد. از جمله این ترتیبات انتقال پرتفوی‌موسسه با کلیه سوابق و اسناد مربوطه به حقوق و تعهدات آن‌به‌موسسه دیگری که مجاز به فعالیت در منطقه باشد خواهد بود.

فصل پنجم ــ نحوه فعالیت

ماده ۱۳ ـ موسسات بیمه موضوع این آیین نامه موظفندحساب اندوخته‌های قانونی و ذخایر فنی خود را نگهدارند و نحوه به کار افتادن آنها را به صورت مشخص منعکس نمایند.انواع اندوخته‌های قانونی و ذخایر قانونی و ذخایر فنی برای هریک از رشته‌های بیمه و میزان و طرز محاسبه همچنین ترتیب‌به کار انداختن این اندوخته و ذخایر و نیز سرمایه موسسه ونحوه ارزیابی اموال منقول و غیرمنقول که نماینده منابع مالی‌موسسات مذکور است به موجب دستورالعمل‌هایی است که‌به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد. ماده ۱۴ ـ موسسات بیمه موضوع این آیین نامه موظفند ده‌درصد (۱۰٪) از کلیه معاملات بیمه‌ای مستقیم خود را نزد بیمه مرکزی ایران بیمه اتکایی نمایند. بیمه مرکزی ایران درقبول یا رد اتکایی مزبور مجاز می‌باشد. تبصره ـ نرخ کارمزد و سایر شرایط به موجب دستورالعملی‌است که به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید. ماده ۱۵ ـ اموال موسسات بیمه موضوع این آیین نامه همچنین اندوخته‌ها و ذخایر مذکور در ماده (۱۳) تضمین حقوق و مطالبات بیمه گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان است و در صورت انحلال یا ورشکستگی موسسه بیمه‌گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان نسبت به سایربستانکاران حق تقدم دارند. تبصره ۱ ـ در میان رشته‌های مختلف بیمه حق تقدم با بیمه‌عمر است تبصره ۲ ـ موسسات مذکور در این ماده نمی‌توانند بدون موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران اموال خود را صلح حقوِق نمایند و یا به رهن واگذار کنند و یا موضوع هر نوع معامله باحق استرداد قرار دهند. تبصره ۳ ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام معاملات‌موضوع تبصره (۲) این ماده مطابق بخش اخیر ماده (۶۰) قانون بیمه تاسیس بیمه مرکزی و بیمه گری موافقتنامه بیمه‌مرکزی ایران را مطالبه و مفاد آن را در سند منعکس نمایند. ماده ۱۶ ـ موسسات بیمه موضوع این آیین نامه موظفند ترازنامه و صورت سود و زیان خود را در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و منطقه درج نمایند. ماده ۱۷ ـ موسسات موضوع این آیین نامه موظفند هرگونه‌تغییر در سهامداران عمده مدیران و بازرسان (حسابرسان موسسه را ظرف دو هفته به اطلاع بیمه مرکزی ایران برسانند. ماده ۱۸ ـ اشخاصی که در ایران یا در خارج از کشور به یکی ازجرایم قتل سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری صدورچک بی محل و اختلاس یا معاونت در جرایم مذکور محکوم شده باشند، همچنین ورشکستگان به تقصیر و تقلب‌نمی‌توانند جزو موسسان یا مدیران موسسات موضوع این‌آیین‌نامه باشند. ماده ۱۹ ـ موسسات بیمه موضوع این آیین نامه از نظر ادغام و انتقال‌عملیات‌انحلال و ورشکستگی تابع مقررات این آیین‌نامه و مواد (۵۱) الی (۵۹) قانون تاسیس بیمه مرکزی‌ایران و بیمه گری می‌باشند.

فصل ششم ــ نظارت

ماد ۲۰ ـ بیمه مرکزی ایران طبق مقررات آیین‌نامه بر فعالیت موسسات موضوع این آیین نامه در منطقه نظارت خواهند کرد. ماده ۲۱ ـ موسسات موضوع این آیین نامه حسب موردموظفند: الف ـ حسابها و صورتهای مالی خود را طبق نمونه‌ای که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تایید شورای عالی بیمه می‌رسد تنظیم و نگهداری نمایند. ب ـ یک نسخه از صورتهای مالی خود را که مورد رسیدگی و اظهارنظر حسابرسان تایید شده توسط سازمان حسابرسی یاحسابرسان معتبر بین المللی قرار گرفته است حداکثر ظرف ۶ماه از پایان دوره مالی به بیمه مرکزی ایران تسلیم کنند. پ ـ صورت وضعیت عملیات بیمه‌ای سالانه خود را طبق‌نمونه‌ای که بیمه مرکزی ایران تهیه می‌کند، تنظیم و ظرف ۳ ماه از پایان دوره مربوط به بیمه مرکزی ایران تسلیم نمایند. ت ـ سایر اطلاعات و آمار دوره‌ای یا موردی را که بیمه مرکزی‌ایران به منظور نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه لازم تشخیص دهد در اختیار این سازمان قرار دهند. ث ـ با بازرسان اعزامی که با حکم کتبی یکی از اعضای هیات عامل بیمه مرکزی ایران و با اطلاع دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد در محل حضور پیدا می‌کنند همکاری نمایند و اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند. تبصره ـ موسسات بیمه‌ای که بیمه نامه‌های بلند مدت زندگی‌عرضه می‌نمایند، علاوه بر رعایت ترتیبات فوق موظفند ترتیبی اتخاذ کنند تا حسابها و ذخایر فنی مربوط مورد رسیدگی و تایید محاسبه فنی مورد قبول بیمه مرکزی ایران قرار گیرد. ماده ۲۲ ـ حسابرسان موسسات بیمه موضوع این آیین نامه‌علاوه بر وظایف قانونی و حرفه‌ای مکلفند در گزارش نهایی خود نسبت به حسن اجرای مقررات این آیین نامه نیز اظهارنظرنمایند. ماده ۲۳ ـ بیمه مرکزی ایران در صورت مشاهده هرگونه تخلف‌موسسات موضوع این آیین نامه از مقررات مربوط مراتب رابه طور کتبی به موسسه و سازمان اعلام و مهلت مناسبی رابرای رفع ایراد تعیین و ابلاغ می‌نماید. در صورت عدم رفع به موقع تخلف یا تکرار تخلف بیمه‌مرکزی ایران حسب مورد و با اخطار کتبی مطابق ماده (۱۰)این آیین نامه عمل خواهد کرد. ماده ۲۴ ـ ارزش خالص داراییها (حقوق صاحبان سهام درموسسات بیمه موضوع این آیین نامه هیچگاه نباید از بزرگترین رقم حاصل از بندهای زیر کمتر باشد: الف ـ نود درصد (۹۰٪) حداقل سرمایه پرداخت شده طبق‌مقررات این آیین نامه ب ـ ده درصد (۱۰٪) حق بیمه‌های صادر شده ناخالص‌آخرین سال مالی ضربدر نسبت نگهداری خسارت دوره ج ـ چهارده و سه دهم (۳/۱۴٪) درصد میانگین سالانه کل‌خسارات ایجاد شده در سه دوره قبلی ضربدر نسبت نگهداری خسارت دوره تبصره ـ نسبت نگهداری خسارت دوره عبارت است از: کل خسارتهای ایجاد شده پس از کسر خسارت سهم بیمه‌گراناتکایی کل خسارت ایجاد شده دوره مربوط ماده ۲۵ ـ در صورت عدم حصول نصابهای مندرج در ماده ۲۴) این آیین نامه موسسه بیمه موظف است طرح خود درخصوص نیل به نصابهای مذکور را ظرف ۳ ماه از پایان مهلت‌مقرر برای ارایه صورتهای مالی به تایید بیمه مرکزی ایران‌برساند در غیر این صورت بیمه مرکزی ایران طبق مقررات این‌آیین نامه نسبت به محدود کردن فعالیت یا لغو پروانه موسسه بیمه حسب مورد اقدام خواهد کرد. در هر حال زمان اجرای‌طرح شده نباید بیشتر از یک سال باشد. ماده ۲۶ ـ موسسات موضوع این آیین نامه مکلفند کلیه داراییهای معرف بدهیها و ذخایرعملیات بیمه‌ای همچنین‌سرمایه و اندوخته‌های خود را تنها در مناطق آزاد یا سایر نقاط کشور نگهداری و سرمایه گذاری نمایند. تبصره ـ نگهداری بخشی از داراییهای موضوع این ماده درخارج از کشور با تایید سازمان و موافقت بیمه مرکزی ایران مجاز است

فصل هفتم ـ سایر مقررات

ماده ۲۷ ـ موسسات بیمه و نمایندگان و کارگزاران رسمی بیمه مسئول جبران خساراتی می‌باشند که در اجرای وظایفشان به‌سبب تقصیر و یا مسامحه آنها یا کارکنانشان به دیگران وارد آید. هر موسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که پروانه بیمه ندارد رأسا به وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید،مکلف به جبران خسارت زیان دیده خواهد بود. ماده ۲۸ ـ از عملیات اشخاصی که بدون

تحصیل پروانه‌مبادرت به عملیات بیمه و یا بیمه اتکایی موضوع این آیین نامه نمایند، به درخواست بیمه مرکزی ایران توسط سازمان‌جلوگیری به عمل آمده و به علاوه در صورت لزوم بیمه‌مرکزی ایران اشخاص مزبور را بر اساس مقررات ماده (۲۱)ضوابط ثبت شرکتها و مالکیتهای صنعتی و معنوی در مناطق‌آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب۱۳۷۴/۲/۴ شورای عالی مناطق آزاد ـ و سایر قوانین ومقررات مربوط از طریق مراجع ذی‌صلاح تحت پیگرد قرارخواهد داد. ماده ۲۹ ـ رئیس شورای عالی بیمه در کلیه مواردی که اعضای‌شورای عالی بیمه را به منظور اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات مربوط به تاسیس یا فعالیت موسسات بیمه درمناطق آزاد دعوت می‌نماید، از دبیر شورای عالی مناطق آزاد یا نماینده وی نیز برای شرکت در جلسه دعوت می‌کند. در این‌جلسات دبیر شورای عالی مناطق آزاد یا نماینده وی نیز حق رای خواهد داشت ماده ۳۰ ـ فعالیت موسسات موضوع این آیین نامه تنها تابع مقررات این آیین‌نامه است و در موارد پیش بینی نشده از حیث اداره امور موسسه، تابع قانون تجارت و قانون اصلاح قسمتی‌از قانون تجارت خواهد بود. ماده ۳۱ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مقررات مغایر با آن در منطقه لغو می‌شود.

قانون الحاق دولت ایران به سیستم بین‌المللی بیمه مسئولیت مدنی وسایط نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص

مصوب ۱۳۵۶/۳/۵ ماده واحده ـ بیمه مرکزی ایران مجاز است دفتر ایرانی بیمه‌بین‌المللی مسوولیت مدنی دارندگان وسایط نقلیه نقلیه‌موتوری زمینی (کارت سبز) را در تهران دائر کند و نسبت به‌الحاق آن دفتر به سیستم بین‌المللی بیمه مزبور اقدام نماید. کلیه موسسات بیمه ایرانی مجاز به انجام عملیات بیمه اجباری‌مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی درمقابل شخص ثالث ملزم به قبول عضویت دفترمزبورمی‌باشند. ترتیب اجرای این قانون به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که‌به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر یک ماده پس از تصویب مجلس شورای‌ملی در جلسه روز پنج شنبه ۵ خرداد ماه ۱۳۵۶، در جلسه روزچهارشنبه بیست و پنجم خردادماه سال یک هزار و سیصد وپنجاه و شش به تصویب مجلس سنا رسید.

قانون حق‌الثبت شرکتهای بیمه

مصوب ۱۳۱۰/۹/۶ کمیسیون قوانین عدلیه ماده ۱ ـ مقررات ماده (۱۰) قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ در آن قسمتی که راجع به حق الثبت خود شرکت است شامل شرکتهای بیمه نخواهد بود و شرکتهای مزبور باید حقوق ذیل را تادیه نمایند: (اصلاحی ۱۳۶۷/۳/۲۵ هیات وزیران ـ برای ثبت خود شرکت ۳۰۰/۰۰۰ ریال برای معاملات شرکت الف ـ در بیمه بر ضد حریق ۱ ـ اگر سند بیمه (پلیس بیمه برای مدتی بیش از سه ماه صادر شود یک دینار برای هر چهارصد ریال قیمت مال بیمه شده یاکسر آن در هر سال یا کسر سال ۲ ـ اگر سند بیمه برای سه ماه یا کمتر صادر شود یک دینار برای هر هشتصد ریال قیمت مال بیمه شده یا کسر آن ب ـ در سایر بیمه‌ها ده دینار برای هر بیست ریال حق بیمه یا کسر آن که شرکت اخذ می‌کند. ج ـ برای تصدیقات موقتی ده دینار از هر تصدیق هرگاه مبلغ بیمه شده در اوراق و اسناد فوق معین نشده باشد هر یک دینار حق بیمه را باید در مقابل ده ریال قیمت مال بیمه‌شده محسوب داشت هرگاه مدت بیمه ذکر نشده باشد مدت آن یک سال محسوب خواهد شد. تبصره ۱ ـ در موقع تجدید سند بیمه باید مطابق مقررات فوق حق الثبت تادیه شود. تبصره ۲ ـ تادیه حقوق مذکور در این ماده به عهده خود شرکت است و شرکت به هیچ وجه حق ندارد به وسیله ازدیاد میزان‌حق بیمه یا به طریق دیگر آن را از بیمه‌شدگان اخذ کند. هر قراردادی که با بیمه‌شدگان برخلاف این ترتیب داده شود در قسمتی که مخالف این تبصره است باطل بوده و به علاوه ممکن است موجب الغای اجازه عملیات شرکت بشود. تبصره ۳ ـ به هر سند بیمه یا تصدیق باید معادل حقوق قانونی تمبر الصاق شود والا سه برابر حق تمبر از شرکت گرفته خواهد شد. وصول این وجه به طریق اداری و بدون مراجعه به محکمه خواهد بود. اگر سند بیمه در نسخ متعدد تنظیم شده باشد تمبر به نسخه الصاق می‌شود که به صاحب سند بیمه باید تسلیم گردد و در سایرنسخ باید قید نمود که تمبر به نسخه مزبور الصاق

شـده است به هر یـک از سـایر نسـخ نیز بایـد معـادل یـک دینار تمبر الصاق گردد. ماده ۲ ـ ایـن قـانون از ۱۵/۹/۱۳۱۰ به موقـع اجرا گذارده می‌شود.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی

مصوب ۲۱/۸/۱۳۷۶ ماده واحده ـ شـرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شـرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابـل از سوی کشور متبوع می‌تواننـد در زمینه‌هـایی که توسط دولت جمهوری اسـلامی ایران تعیین می‌شود در چارچوب قوانین و مقررات‌کشور به ثبت شـعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند. تبصـره ـ آیین نامه اجرایی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی سایر مراجع ذی ربط به‌تصویب هیات وزیران خواهـد رسـید. آیین نامه اجرایی قانون بالا به شـرح زیر است آیین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شـعبه یا نماینـدگی شـرکتهای خارجی ـ مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیـات وزیران ماده ۱ ـ شرکتهای خارجی که در کشور محـل ثبت خود، شـرکت قانونی شـناخته می‌شونـد، مشـروط به عمل متقابل در کشور متبوع می‌تواننـد برای فعالیت در ایران در زمینه‌های زیر بر اساس مقررات این آیین نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط نسبت به ثبت شـعبه یا نماینـدگی خود اقـدام نمایند: ۱ ـ ارائه خـدمات بعـد از فروش کالاها یا خـدمات شـرکت خارجی ۲ ـ انجـام عملیات اجرایی قراردادهایی که بین اشـخاص ایرانی و شـرکت خارجی منعقـد می‌شود ۳ ـ بررسـی و زمینه سـازی برای سـرمایه‌گذاری شـرکت خـارجی در ایران ۴ ـ همکـاری با شرکتهـای فنی و مهندسـی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث ۵ ـ افزایش صادرات غیرنفتی جمهوری اسـلامی ایران ۶ ـ ارائه خدمات فنی و مهندسـی و انتقال دانش فنی و فناوری ۷ ـ انجام فعالیتهایی که مجوز آن توسط دسـتگاههای دولتی که به طور قانونی مجاز به صدور مجوز هسـتند، صادر می‌گردد، ازقبیل ارائه خدمات در زمینه‌های حمل و نقل بیمه و بازرسی کالا، بانکی بازاریابی و غیره ماده ۲ ـ شـعبه شـرکت خارجی واحد محلی تابع شـرکت اصـلی است که مسـتقیماً موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود. ماده ۳ ـ شرکتهای خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران موظفند اطلاعات و مدارک زیر را به همراه درخواست کتبی خود به‌اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی ارائه نمایند: ۱ ـ اساسـنامه شـرکت آگهی تاسـیس و آخرین تغییرات ثبت شـده در مراجع ذیربط ۲ ـ آخرین گزارش مالی تاییـد شـده شـرکت ۳ ـ گزارش تـوجیهی حـاوی اطلاعـات مربوط به فعالیتهـای شـرکت و تـبیین دلایـل و ضـرورت ثبت شـعبه در ایران تعیین نوع و حـدود اختیـارات و محـل فعـالیت شـعبه برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز، و نحوه تأمین منابع وجوه ارزی وریالی برای اداره امور شعبه ماده ۴ ـ نماینده شـرکت خارجی شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس قرارداد نمایندگی انجام بخشی از موضوع و وظایف شـرکت طرف نمایندگی را در محل بر عهده گرفته است نمایندگی شرکت خارجی نسبت به فعالیتهایی که تحت‌نمایندگی شرکت طرف نماینـدگی در محل انجام می‌پـذیرد، مسـئولیت خواهد داشت ماده ۵ ـ اشـخاص حقیقی ایرانی یا اشـخاص حقوقی که متقاضـی ثبت نماینـدگی شـرکت خارجی در ایران هسـتند موظفند ترجمه فارسـی اسـناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شـرکتها و مالکیت صنعتی ارائه نمایند: ۱ ـ تصویر مصدق قرارداد موضوع ماده (۴) این آیین نامه ۲ ـ مدارک شـناسایی شـخص متقاضـی برای اشـخاص حقیقی تصویر شناسـنامه و نشانی اقامتگاه قانونی و برای اشخاص‌حقوقی اساسـنامه شـرکت و آگهی تاسـیس و آخرین تغییرات ثبت شـده آن نزد مراجع ذیربط ۳ ـ ارائه سابقه فعالیت شخصـی متقاضـی ثبت نماینـدگی در زمینـه امـور پیش بینی شـده در قرارداد نماینـدگی ۴ ـ اساسـنامه شـرکت خـارجی طرف نماینـدگی آگهی تاسـیس و آخرین تغییرات ثبت شـده آن نزد مراجع ذیربـط ۵ ـ گزارش فعالیتهای شـرکت خارجی طرف نماینـدگی و تبیین دلایل و ضـرورت اخذ نمایندگی ۶ ـ آخرین گزارش مالی تایید شده شـرکت خارجی طرف نمایندگی ۷ ـ معرفی وزارتخانه ذیربط ماده ۶ ـ اشخاصی که مجوز فعـالیت آنهـا از سوی مراجع ذی صـلاح لغو می‌شود مکلفنـد، در مهلت تعیین شـده توسط اداره ثبت شـرکتها و مالکیتهای

صنعتی نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند. تبصره ـ شرکتهایی که مجوز فعالیت آنها تمدید نمی‌شود، (۶) ماه مهلت دارند تا نسبت به انحلال شرکت ثبت شده و انجام‌امور تصفیه آن اقدام نمایند. ماده ۷ ـ شعبه شرکتهای خارجی که نسبت به ثبت شعبه خود در ایران اقدام نموده و به فعالیت می‌پردازند موظفند هر سال گزارش سالانه شرکت اصلی مشتمل بر گزارشهای مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع را به‌دستگاه ذیربط ارائه نمایند. ماده ۸ ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول این آیین نامه موظفند گزارش فعالیت شعبه یا نمایندگی در ایران را همراه باصورتهای مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت (۴) ماه پس از پایان سال مالی به دستگاههای ذیربط ارسال دارند.حسابرسی مذکور تا زمانی که آیین نامه اجرایی تبصره (۴) ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای‌حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی ـ مصوب ۱۳۷۲ ـ اعلام نشده است توسط سازمان حسابرسی و مؤسسات‌حسابرسی مورد قبول دستگاه ذیربط که شرکای آن افراد حقیقی تایید شده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند،انجام می‌گیرد. ماده ۹ ـ اداره امور شعبه یا نمایندگی ثبت شده طبق این آیین نامه باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام‌گیرد. ماده ۱۰ ـ به منظور برخورداری شرکتهای خارجی از مزایای این آیین نامه و استمرار فعالیت آنها، شرکتهای خارجی که تا قبل‌از لازم الاجرا شدن این آیین نامه در ایران از طریق شعبه یا نمایندگی خود فعالیت می‌کرده‌اند، مکلفند، اطلاعات و مدارک‌موضوع مواد (۳ و ۵) این آیین نامه را به دستگاههای ذی ربط ارائه داده و وضعیت خود را با آیین نامه تطبیق دهند.

قانون کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین المللی جهانی

مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۷ ۱ ـ الف ـ از کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین المللی جهانی که دولت ایران به موجب قانون مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۷ به آن ملحق شده است ماده ۷۸ ـ خسارات وارده به شخص ثالث ـ اعضای ماموریت هیات نمایندگی یا هیات نمایندگی ناظر بایستی کلیه الزامات قوانین و مقررات دولت پذیرنده را در خصوص بیمه خسارات وارده به شخص ثالث نسبت به اتومبیل کشتی یا هواپیمای متعلق به وی یا مورد استفاده او رعایت نمایند.

اجازه پذیرفتن پرداختی مؤسسات بیمه به صندوق تأمین خسارتهای بدنی هزینه‌های قابل قبول

مصوب ۲۹/۸/ ۱۳۵۱ ماده واحده ـ در اجرای تبصره (۲) الحاقی به ماده (۱۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ به وزارت دارایی اجازه داده می‌شود پانزده درصد از حق بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایط نقلیه زمینی پرداختی موسسات بیمه به صندوق تامین خسارتهای بدنی مقرر در بند «الف ماده (۱) آیین‌نامه منابع درآمد صندوق مذکور مصوب ۲/۱۲/۱۳۴۸کمیسیون دارایی مجلسین در مورد مالیات دوره عمل سال ۱۳۴۸ به بعد موسسات مذکور که به مرحله قطعیت نرسیده باشدجزء هزینه‌های قابل قبول پذیرفته شود. اجازه فوق به استناد تبصره (۲) الحاقی به ماده (۱۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم در تاریخ روز دوشنبه ۲۹/۸/۱۳۵۱ به تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی رسیده است

قانون الزام سازمانهای بیمه‌گر درمانی به پرداخت خسارتهای متفرقه

ماده واحده- سازمانهای بیمه‌گر از تاریخ تصویب این قانون موظف هستند نسبت به پرداخت هزینه‌های درمان بستری بیماران بیمه شده به میزان تعرفه دولتی در بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و خیریه اقدام نمایند. تبصره ۱ - باتوجه به ماده(۱۷) قانون بیمه همگانی، بیمارستان‌های خصوصی حسب درخواست سازمان‌های بیمه‌گر پایه، ملزم به عقد قرارداد با آن سازمانها بوده و ملاک پرداخت سازمان‌های بیمه‌گر تعرفه‌های دولتی مصوب هیأت وزیران خواهد بود. تبصره ۲ - حداکثر هزینه‌های دریافتی از بیماران در

بیمارستان‌های خصوصی براساس تعرفه مصوب بخش خصوصی در هرسال می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۷/۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان رسید. غلامعلی حدادعادل رئیس مجلس شورای اسلامی

اصلاح ماده (۹) اصلاحی آیین نامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان – مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۲۰۲۴۵ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد مواد (۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور – مصوب ۱۳۷۳ – تصویب نمود: ماده (۹) اصلاحی آیین نامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان، موضوع تصویب نامه شماره ۴۶۰۶/ت۲۲۷۷۰ه– مورخ ۱۲/۲/۱۳۷۹ به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۹ – حق بیمه سرانه خویش فرمایان با فرانشیز سی درصد (۳۰٪) برای خدمات سرپایی و بیست وپنج درصد (۲۵٪) برای خدمات بستری در سال ۱۳۸۲، مبلغ بیست وچهارهزار (۲۴،۰۰۰) ریال برای هر نفر در ماه تعیین می گردد. درصد تخفیف به ازای هر فرد بیمه شده پنج درصد (۵) و به ازای هر سال سابقه بیمه ده درصد (۱۰٪) تعیین می شود. تبصره ۱– شرط بیمه خانوار و محدودیت مراجعه خویش فرمایان به بیمارستان های بخش دولتی (دانشگاهی – تامین اجتماعی و نیروهای مسلح) در موارد بستری همچنان برقرار است. تبصره ۲– شرط بیمه خانوار برای بیماران خاص (تالاسمی، مزمن کلیوی و هموفیلی) لحاظ نخواهد شد و این گروه از بیماران می توانند با رعایت ضوابط سازمان بیمه خدمات درمانی به صورت تک نفره تحت پوشش بیمه خدمات درمانی قرار گیرند. تبصره ۳– به منظور ترغیب افراد به پوشش بیمه درمان، سازمان بیمه خدمات درمانی می تواند در صورت بیمه گروهی و با شرایط خاص بیمه شوندگان تسهیلاتی را برای بیمه خویش فرمایان منظور نماید. معاون اول رییس جمهور – محمدرضا عارف

اصلاح تبصره (۱) ماده (۹) اصلاحی آییننامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش‌فرمایان – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۴/۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۴۶۷۰۲ مورخ ۲۴/۹/۱۳۸۳وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به استناد مواد(۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور ـ مصوب۱۳۷۳ـ تصویب نمود: عبارت « و محدودیت مراجعه خویشفرمایان به بیمارستانهای بخش دولتی (دانشگاهی، تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح)» از تبصره (۱) ماده (۹) اصلاحی آییننامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویشفرمایان، موضوع تصویبنامه شماره ۴۴۲۹/ت۲۸۲۸۵هـ مورخ۲/۲/۱۳۸۲و بند (د) تصویبنامه شماره ۵۸۳۰/ت۲۴۵۳۰هـ مورخ ۱۶/۲/۱۳۸۰ حذف میشود. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

تصویب‌نامه راجع‌به تعیین حق سرانه بیمه پایه درمان خویش فرمایان – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۲۳۶۹۱/۱۰۰ مورخ ۲۲/۱۲/۱۳۸۴ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تأیید شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور و به استناد ماده (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور ـ مصوب ۱۳۷۳ـ تصویب نمود: ۱ـ حق سرانه بیمه پایه درمان خویش فرمایانی که به مدت سه سال درخواست بیمه می‌نمایند، در سال ۱۳۸۴ معادل افراد تبعی درجه۳ و معادل ۴۳۰۰۰ ریال می‌باشد. تبصره۱ـ حق سرانه پایه بیمه درمان خویش فرمایان برای مدت سه سال و با فرانشیز (۱۰٪) بستری تعیین می‌شود. تبصره۲ـ افرادی که متقاضی استفاده از دو سال بیمه پایه درمان می‌باشند، به رقم فوق‌الذکر (۳۳٪) افزوده می‌شود و کسانی که متقاضی یک‌سال بیمه پایه درمان به صورت خویش‌فرما می‌باشند، (۶۶٪) بیشتر از حق بیمه سرانه فوق‌الاشاره پرداخت می‌نمایند. ۲ـ سازمان بیمه خدمات درمانی هزینه‌های

مربوط به بیماران خاص را به صورت جداگانه محاسبه و نگهداری و به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام می‌کند تا جهت برنامه‌ریزی بودجه سالهای آینده اعمال شود. ۳ـ فرانشیز بستری (۱۰٪) و سرپایی (۳۰٪) تعیین می‌شود. فرانشیز ذکر شده در این بند براساس تعرفه‌های مصوب هیئت وزیران در بخش دولتی قابل محاسبه و اعمال خواهد بود.

تصویب‌نامه در مورد تعیین حق سرانه بیمه پایه درمان ماهیانه صندوق خویش فرمایان– مصوب ۲۷/۱۲/۱۳۸۶

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۶ بنابه پیشنهاد شماره ۲۵۰۳۶/ص/۸۶ مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: به منظور حمایت از اجرای برنامه‌های ذیل ردیف ۱۲۹۱۰۹ سازمان بیمه خدمات درمانی به وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اجازه داده می‌شود: وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ۱ـ حق سرانه بیمه پایه درمان ماهیانه صندوق خویش فرمایان موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۸۰۴۴/ت۳۴۷۲۵هـ مورخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۴ به ازای هر نفر از مبلغ چهل و سه هزار (۴۳.۰۰۰) ریال به مبلغ شصت و سه هزار و چهارصد و شانزده (۶۳.۴۱۶) ریال افزایش می‌یابد که حداکثر تا مبلغ بیست هزار و چهارصد و شانزده (۲۰.۴۱۶) ریال آن سهم دولت بوده و از سال ۱۳۸۴ به بعد تا تصویب تصویب‌نامه جدید بدون ایجاد تعهد مالی جدید برای دولت قابل پرداخت می‌باشد. ۲ـ حق بیمه سرانه سهم دولت از خدمات درمانی روستائیان موضوع ماده (۱۲) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ برای هر نفر در هر ماه از سال ۱۳۸۴ به بعد تا تصویب تصویب‌نامه جدید حداکثر معادل بیست هزار (۲۰.۰۰۰) ریال تعیین و بدون ایجاد تعهد مالی جدید برای دولت قابل پرداخت می‌باشد. ۳ـ مبلغ ۱۳۰.۳۴۶.۴۱۰ هزار ریال تحت عنوان تعرفه‌های ترجیحی مناطق محروم در سال ۱۳۸۴ موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۲۸۱/ت۳۲۶۶۱هـ مورخ ۳۱/۲/۱۳۸۴ برابر موافقتنامه مبادله شده در وجه سازمان بیمه خدمات درمانی بدون ایجاد تعهد مالی جدید برای دولت اعمال حساب شود. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

قانون عضویت بیمه مرکزی ایران در شرکت بیمه اتکایی آسیا

مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۷۱ ماده واحده ـ بیمه مرکزی ایران مجاز است بر اساس شرایط مذکور در موافقتنامه تاسیس شرکت بیمه اتکایی آسیا در آن‌شرکت مشارکت و سهم الشرکه مربوط را از محل منابع داخلی‌خود پرداخت نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه‌مورخ بیست و پنجم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و یک‌مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲/۱۲/۱۳۷۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است

اوقاف

قانون اوقاف

مصوب ۲۲/۴/۱۳۵۴ ماده ۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون امور ذیل به عهده سازمان اوقاف واگذار می‌شود: ۱ ـ اداره امور موقوفات عامه که متولی ندارد یا مجهول‌التولیه است ۲ ـ نظارت کامل بر کلیه اعمال مربوط به تولیت و نظارت متولیان و نظارت موقوفات عامه ۳ ـ نظارت بر کلیه اماکن مذهبی اسلامی ۴ ـ اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است ۵ ـ اداره امور حج ۶ ـ اداره امور زیارت اماکن متبرکه در خارج از کشور . تبصره ۱ ـ در موقوفات عامه که متولی ندارد و یا مجهول‌التولیه است وظائف و اختیارات مربوط به تولیت با سازمان اوقاف‌است تبصره ۲ ـ موقوفاتی که تولیت آنها با سلطان عصر است از شمول مقررات این قانون مستثنی است تبصره ۳ ـ موارد مصرف وجوهی که طبق مقررات مربوط برای خدمات رفاهی از

زائران دریافت می‌شود توسط شورای عالی حج و زیارت تعیین خواهد شد. ماده ۲ ـ شورای عالی حج و زیارت مرکب از معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف معاونان وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارائی امور خارجه بهداری دادگستری کشور و نیز معاونان بانک مرکزی ایران جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران سازمان اطلاعات و امنیت کشور، شهربانی کشور، شرکت هواپیمائی ملی ایران و دو نفر از مجتهدین و یک نفر ازمعتمدان به تشخیص معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف و یک نفر از بازرگانان به معرفی اتاق بازرگانی و صنایع ومعادن ایران در سازمان اوقاف تشکیل می‌شود. تبصره ـ ریاست شورای عالی حج و زیارت با معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف است و آئین‌نامه طرز تشکیل و وظائف آن به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳ ـ موقوفه عام دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان اوقاف حسب مورد نماینده آن می‌باشد. ماده ۴ ـ متولی موقوفه کسی است که به موجب مقررات قانون مدنی واجد این سمت باشد تولیت متولی باید به وسیله شعبه‌تحقیق اوقاف گواهی شود. اشخاص ذینفع پس از ابلاغ تصمیم شعبه تحقیق در صورتی که معترض باشند می‌توانند ظرف ده‌روز اعتراض‌نامه خود رابه هیات تجدیدنظر اوقاف تسلیم کنند پس از انقضای مدت گواهی شعبه تحقیق اوقاف و تصمیم هیات تجدیدنظر از ناحیه اشخاص ذینفع قابل شکایت در دادگاه شهرستان است و حکم دادگاه در این موارد قابل پژوهش و فرجام می‌باشد. همین حکم در مورد ثلث ـ نذر و حبس نیز جاری است تبصره ۱ ـ موقوفاتی که متولی آنها فوت می‌شوند تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که آن به حکم تحقیق اوقاف ممنوع المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت باضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است تبصره ۲ ـ هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقف‌نامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول‌التولیه است تبصره ۳ ـ در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای تصدی تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند، وکیل مذکور باید توانائی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیلی که از طرف متولی برای‌انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه انتخاب شده به تشخیص سازمان اوقاف قادر به انجام امور موقوفه نباشد مراتب کتب به طریق اطمینان بخشی به متولی ابلاغ خواهد شد. هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان‌مقیم خارج کشور متولی اقدام به تغییر وکیل نماید، وکیل مزبور باابلاغ سازمان اوقاف منعزل می‌شود این حکم شامل وکلائی که قبلا نیز انتخاب شده‌اند خواهد شد. ماده ۵ ـ سازمان اوقاف می‌تواند برای اماکن مذهبی اسلامی از قبیل مساجد و بقاع متبرکه و امامزاده‌ها و معابد و امثال آن‌همچنین موقوفات عامه‌ای که متولی ندارد با تصویب شورای عالی اوقاف شخص یا هیاتی از اشخاص متدین و معروف به‌امانت را به عنوان امین یا هیات امناء تعیین کند. تبصره ۱ ـ نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیات امناء و میزان حق‌الزحمه آنان همچنین‌نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن مذکور در این ماده و اموال آنها به موجب آئین‌نامه‌هائی خواهد بود که بر اساس‌مقررات و سنن و خصوصیات اماکن مربوط به تصویب شورای عالی اوقاف می‌رسد. تبصره ۲ ـ وجوه و حاصل فروش اموال منقول زائد بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهداء می‌شود با جلب نظر سازمان اوقاف به وسیله هیات امناء به ترتیب صرف عمران و آبادی آنها و تدارک وسایل رفاه و بهداشت زوار اماکن مذکور و ساکنان‌آن ناحیه خواهد رسید. ماده ۶ ـ صرف درآمد موقوفات به منظور بقاء عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی‌رقبات موقوفه را با ارشاد و راهنمائی‌های سازمان اوقاف در جهت بهره‌برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیات واقف‌فراهم آورد. ماده ۷ ـ هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی و تفریط نماید و یا در انجام وظایف مقرر در وقفنامه اوقاف و آئین‌نامه‌های مربوط مسامحه و اهمال ورزد به موجب تصمیم شعبه اوقاف از دخالت در امور موقوفه ممنوع می‌شود.ممنوعیت از دخالت در امور موقوفه در صورتی که به سبب خیانت باشد با ضم امین بر طبق مقررات قانون مدنی و رد مال‌مورد خیانت مرتفع می‌شود و در سایر موارد ممنوعیت در صورتی رفع می‌شود که متولی یا ناظر ممنوع عملا به مقررات‌قانونی تمکین و خسارات ناشی از علت ممنوعیت را جبران نماید. تبصره ۱ ـ در مواردی که مطابق

قانون مـدنی ضم امين می‌شود دادگاه‌ها می‌توانند سازمان اوقاف را هم به عنوان امين تعيين‌نمايند. تبصـره ۲ ـ كليه مباشران موقوفات و امـاكن مـذهبی اعم از متولی و متصـدی و نـاظر و امناء و غيره در حكم امين می‌باشـند و درصورت تعـدی و تفريط ملزم به جبران خسـارات خواهنـد بود و هرگـاه عمل آنها مشـمول عناوين كيفری باشـد به مجازات مقرر نيز محكوم خواهنـد شـد. ماده ۸ ـ درآمد موقوفات مجهول‌المصـرف و اموالی كه به صـيغه مبرات مطلقه وقف شده همچنين عشر نذور و بقاع متبركه اسلامی كه مبلغ نذور هر كدام در سال بيش از يک ميليون ريال باشد اختصاص به تحقيق و تبليغ و نشر كتب در زمينه معارف‌اسلامی دارد و طبق آئين‌نامه‌ای كه شورای عالی اوقاف تصويب خواهد كرد به مصرف می‌رسد. تبصره ـ درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی كه عوايد آنها به علت قلت برای اجرای نظر واقف كافی نيست همچنين آن قسـمت از درآمـد موقوفاتی كه به علت كثرت عوايـد زائـد بر مصارف متعـارف باشـد بـا تشـخيص تحقيق اوقاف به نزديک‌ترين غرض واقف در محل به مصـرف می‌رسـد. مقصود از متعذرالمصـرف آن است كه به علت فراهم نبودن و يا انتفاء موضوع و يا عـدم احتياج به مصـرف صـرف درآمـد موقوفه در مصارف مقرر مقدور نباشد. ماده ۹ ـ سازمـان اوقـاف در مورد كليه موقوفـات عـامه و امـاكن مـذهبی اسـلامی در صورت عـدم اقـدام متولی حق تقاضای ثبت و اعـتراض و اقـامه دعـوی را دارد و اگر متـولی طرف دعـوی واقع شـده باشـد می‌توانـد به عنوان ثـالث وارد دعوی شود و در صورت محكوم شـدن متولی بر حكم اعتراض كنـد. در كليه موارد مـذكور سازمـان اوقاف از پرداخت مخارج دادرسـی و هزينه‌های ثبتی و اجرائی معاف می‌باشد. ماده ۱۰ ـ ثبت معاملات راجع به عين يا منافع موقوفه و حبس و ثلث و نـذری كه منافع آنها به طور دائم و يا در مدتی كه كمتر از ده سال نباشد و برای مصارف عامه تخصيص داده شده باشد در دفاتر اسـناد رسمی موكول به موافقت سازمان اوقـاف است دفـاتر اسناد رسـمی مكلفنـد رونوشت اسـناد راجع به وقف و حبس و ثلث و نـذر را ظرف ده روز پس از ثبت به اداره اوقـاف مربوط ارسـال دارنـد. تبصـره ـ ادارات ثبت مكلفنـد رونوشت مصـدق اسـناد مـالكيت وقف و ثلث و حبس و نـذر را پس از صـدور به اداره اوقاف محل تحويل نمايند و متوليان موظفند ظرف دو ماه از تاريخ اجرای اين قانون رونوشت مصدق اسـناد مالكيت و وقفنامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسـليم دارند. ماده ۱۱ ـ حق‌التوليه متولی و يا سازمان اوقاف در قبال اعمال توليت نسبت به موقوفات عامه همچنين حق‌النظاره ناظر به ميزان مقرر در وقفنامه خواهـد بود و در صورتی كه وقفنـامه موجود نباشـد و يـا ميزان حق‌التوليه و حق‌النظاره در آن تعيين نشـده باشـد حق‌التوليه ده درصـد و حق‌النظاره پنـج درصـد از عايـدات خالص خواهـد بود و سازمان اوقاف برای نظارت در موقوفات عامه‌ای كه متولی دارد صـدی پنج از عايدات خالص آنها را به عنوان حق‌النظـاره دريـافت خواهـد داشت تبصـره ۱ ـ سازمـان اوقـاف از موقوفـات مساجـد و بيمارسـتان‌ها و مـدارس حق‌التوليه و حق‌النظاره دريافت نمی‌كنـد همچنين نظارت آن بر درآمـد و هزينه مؤسـسات خيريه و آب‌های وقف بر شـهرها مجانی خواهـد بود. تبصره ۲ ـ در موردی كه واقف خود متولی است سازمان اوقاف جز به درخواست او نسبت به درآمد و هزينه موقوفه نظارت ندارد و حق‌النظارت دريافت نمی‌كند. تبصره ۳ ـ به متولی ممنوع‌المداخله در زمان ممنوعيت حق‌التوليه تعلق نخواهد گرفت در صورت ضـم امين نصف حق‌التوليه متعلق به امين خواهـد شـد. مـاده ۱۲ ـ سازمـان اوقـاف عوايـدی را كه از محـل حق‌التوليه و حق‌النظاره دريافت می‌دارد طبـق بـودجه‌ای كـه هر سـال تنظيـم و تصـويب خواهـد كرد بـه مصــرف عمران و تعمير امـاكن مـذهبی اسـلامی و احـداث ساختمان‌هـای عـام‌المنفعه و نشـر و تبليغ معـارف اسـلامی و هزينه‌هـای مربـوط به حفـظ منـافع موقوفـات و امـاكن مـذهبی اسـلامی می‌رساند. ماده ۱۳ ـ تحقيق در جمع و خرج عوايد راجع به وقف و ثلث و حبس و نذر به وصف مذكور در قسـمت اول ماده ۱۰ اين قـانون و صـدور مفاصاحسـاب و تطبيق مصـارف با مفاد وقفنامه و تشـخيص متولی و ناظر و موقوف عليهم و حل اختلافات بين آنان همچنين رسـيدگی و اظهـارنظر و اخـذ تصـميم در مورد ممنوعيت متولی از دخالت در امور مربوط و لغو آن با شـعب تحقيق اوقاف است ماده ۱۴ ـ هيات تحقيق اوقاف مركب از دو قسـمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراكز استان‌ها و شهرسـتان‌ها تاسيس می‌گردد. تبصره ـ تجديدنظر از تصميمات شعب تحقيق در هيات تجديدنظری كه در مركز تشكيل می‌شود به

عمل می‌آید. اداره‌اوقاف و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند ظرف ده روز پس از ابلاغ تصمیم شعبه تحقیق‌اعتراض‌نامه خود را به هیات تجدیدنظر تحقیق اوقاف تسلیم کنند. ماده ۱۵ ـ تصمیمات مرحله بدوی قسمت حقوقی تحقیق اوقاف تا زمانی که تصمیم از هیات تجدیدنظر تحقیق اوقاف و یاحکم قطعی یا دستور موقت از مراجع قضائی بر فسخ یا جلوگیری از اجراء آنها صادر نشده باشد قابل اجرا است ماده ۱۶ ـ تصمیمات شعب تحقیق اوقاف بر اساس قوانین و مقررات اجرائی به وسیله ماموران اجرای اوقاف یا قوای انتظامی به مرحله اجراء گذارده می‌شود. ماده ۱۷ ـ اشخاص ذینفع می‌توانند نسبت به تصمیمات تجدیدنظر تحقیق اوقاف و تصمیمات بدوی که مدت تجدیدنظر آن‌مقتضی شده باشد به دادگاه‌های عمومی مراجعه نمایند. ماده ۱۸ ـ تبدیل به احسن موقوفه با رعایت مقررات قانون مدنی و تصویب شورای عالی اوقاف به عمل می‌آید. تبصره ـ خرید سهام موسسات تولیدی به تشخیص شورای عالی اوقاف و با رعایت مقررات قانون مدنی در مقام تبدیل به احسن مجاز است و انتقال این سهام جز در موارد تبدیل به احسن جایز نیست ماده ۱۹ ـ سهم شرکت‌های تولیدی و اموالی که مورد حبس و یا وصیت برای امور خیریه یا نذر با وصف مذکور در قسمت اول ماده ۱۰ قرار گرفته باشد مشمول مواد این قانون خواهد بود. تبصره ـ سهام موضوع این ماده و ماده ۱۸ باید در اختیار سازمان اوقاف قرار گیرد تا به نحو اطمینان بخشی نگهداری کند. ماده ۲۰ ـ تبدیل به احسن موقوفات خاص همچنین اجاره زائد بر ده سال موقوفات مذکور با موافقت و تصویب شورای عالی اوقاف ممکن است و سازمان اوقاف در سایر موارد در این موقوفات مداخله‌ای ندارد ولی در صورتی که تقاضای ثبت موقوفه‌به عنوان مالکیت شده باشد سازمان اوقاف مکلف است نسبت به آن اعتراض و اقامه دعوی نماید. ماده ۲۱ ـ اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف یا نذر یا حبس می‌شود در صورتی که متولی در مدت متناسب با تشخیص شورای عالی اوقاف اقدام مؤثری برای احداث مراکز مذکور نکند سازمان اوقاف می‌تواند با تصویب شورای عالی اوقاف اراضی مذکور را حسب مورد در اختیار وزارت آموزش و پرورش ـ وزارت بهداری ـ جمعیت شیر و خورشید سرخ محل یا سازمان خدمات اجتماعی بگذارد تا مراکز مورد نظر را احداث و تصدی کند. ماده ۲۲ ـ آئین‌نامه طرز تحقیق و رسیدگی در شعب تحقیق اوقاف همچنین طرز تشکیل هیات‌های تجدید نظر و سایر آئین‌نامه‌های اجرای این قانون جز در مواردی که نحوه تصویب آنها ذکر نشده است با پیشنهاد سازمان اوقاف به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ ـ مواد ۶ و ۷ قانون معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ قمری و قانون اوقاف مصوب دی ماه ۱۳۱۳ شمسی و قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ تصویب این قانون لغو می‌گردد.

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

مصوب ۲/۱۰/۱۳۶۳ ماده ۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می‌یابد و امور ذیل به عهده این سازمان واگذار می‌گردد. ۱ ـ اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحقه و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد. ۲ ـ اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها نشده است به استثنای مساجد ومدارس دینی و تکایا. ۳ ـ اداره امور موسسات و انجمنهای خیریه‌ای که از طرف دولت یا سایر مراجع ذی صلاح به سازمان محول شده یا بشود. ۴ ـ اداره موسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل فاقد مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه و همچنین است در صورت نبودن یا عدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش بینی‌شده باشد). ۵ ـ انجام امور مربوط به گورستانهای متروکه موقوفه‌ای که متولی معین ندارد و اتخاذ تصمیم لازم در مورد آنها. ۶ ـ کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی ۷ ـ اثلاث باقیه محبوسات نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از عنوان وقف برای امور عام‌المنفعه و خیریه اختصاص یافته در حکم موقوفات عامه است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه قرار خواهد گرفت

رعایت مفاد اسناد تنظیمی مربوط به این اموال و رقبات اعم از وصیت‌نامه و حبس نامه و سیره جاریه در اداره امور و مصرف عواید آنها ضروری خواهد بود. (الحاقی ۱۲/۱۲/۷۵). تبصره ۱ ـ سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه‌است باشد. تبصره ۲ ـ بقاع متبرکه حضرت رضا علیه السلام و حضرت احمد بن موسی (شیراز) و حضرت‌معصومه و حضرت عبدالعظیم (ع و موقوفات مربوط به آنها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آنها از طرف ولی فقیه نایب التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی‌است و در غیر این صورت اداره آنها با سازمان خواهد بود. تبصره ۳ ـ سازمان اوقاف و امور خیریه در صورت نیاز در مورد رقبات و اموال موضوع بند ۷ بال با تایید نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان به منظور جلوگیری از تعدی و تفریط در اداره آنها نسبت به‌نصب امین یا هیات امناء اقدام خواهد کرد. (الحاقی ۱۲/۱۲/۷۵). ماده ۲ ـ از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف از نخست وزیری منتزع و اداره امور حج و زیارت اماکن متبرکه اسلامی خارج از کشور و امور اوقاف تحت عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی اداره می‌شود. ماده ۳ ـ هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد. ماده ۴ ـ متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون واجد این سمت باشد. در مورد اعتراض اشخاص با رعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ این قانون اقدام خواهد شد. تبصره ۱ ـ موقوفاتی که متولی آنها عزل یا فوت می‌شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آنها ممنوع المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است تبصره ۲ ـ هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول‌التولیه است تبصره ۳ ـ در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد درصورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفای وظایف محوله نباشد مراتب کتبا به متولی ابلاغ خواهد شد هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان خارج کشور،متولی اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود این حکم شامل وکلایی که قبلا نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود. ماده ۵ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است شخص یا هیاتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیات امناء تعیین نماید. تبصره ۱ ـ نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیاتی امناء و میزان‌حق الزحمه آنان همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن و اموالی که اداره آن به عهده سازمان‌حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد به موجب آیین‌نامه‌هایی که براساس مقررات و سنن و خصوصیات‌اماکن مربوط که به تصویب هیات وزیران می‌رسد خواهد بود. تبصره ۲ ـ نذور نقدی که جهت مشخصی برای مصرف آن معین نشده است و وجوه حاصل از فروش‌اموال منقول زائد بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهداء می‌شود با جلب نظر اداره اوقاف به وسیله هیات امناء به ترتیب در امور ذیل مصرف می‌شود: الف ـ عمران و آبادی اماکن مذکور. ب ـ تدارک وسائل رفاه و بهداشت زوار این اماکن و ساکنان ناحیه ج ـ نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعایر دینی در آن محل د ـ کمک به مدارس علوم دینی در آن محل ه ـ خیرات و مبرات مطلقه ماده ۶ ـ صرف درآمد موقوفات به منظور بقای آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیات واقف فراهم آورد. تبصره ـ در صورتی که درآمد یک ساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی‌نباشد درآمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید. ماده ۷ ـ هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف‌مقرر در وقفنامه و قانون و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، یا رسیدگی شعبه‌تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع المداخله یا ضم امین خواهد شد. تبصره ۱ ـ به متولی و ناظر ممنوع المداخله

در زمان ممنوعیت حق التولیه و حق النظاره تعلّق نخواهد گرفت مگر آنکه برائت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می‌شود اوقاف حق امین را خواهد پرداخت تبصره ۲ ـ در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می‌شود دادگاهها می‌توانند سازمان‌حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند. تبصره ۳ ـ نسبت به تعدی و تفریط یا سایر تخلفات مدیران و امنای موسسات و بنیادهای خیریه طبق‌اساسنامه موسسه و بنیاد مربوط اقدام خواهد شد و در صورتی که اساسنامه آنها در این موارد ساکت یاناقص باشد مشمول مقررات پیش بینی شده در این ماده و تبصره‌های آن خواهند بود. تبصره ۴ ـ کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و ناظر و امناء و مدیران و امنای‌موسسات و بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می‌باشند در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می‌باشند در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تادیه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود هرگاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد. ماده ۸ ـ درآمد موقوفات مجهول المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل‌مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظرسازمان به مصرف می‌رسد. ماده ۹ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امناء یا موقوف علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد. همچنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاب نماید در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند. تبصره ـ در کلیه موارد مذکور در این ماده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه موقوفات عام بقاع‌متبرکه اماکن مذهبی اسلامی مدارس علوم دینی و موسسات و بنیادهای خیریه از پرداخت مخارج وهزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند. ماده ۱۰ ـ ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و موسسات خیریه مذکور در ماده ۹در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت مصدق وقفنامه‌ها و اسناد راجع به وقف را ظرف ده روز پس از ثبت به اداره اوقاف مربوطه ارسال دارند. تبصره ـ ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند. متولیان نیز موظفند ظرف دو ما از تاریخ اجرای این قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و رونوشت وقفنامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم‌دارند. ماده ۱۱ ـ حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی همچنین‌حق النظاره ناظر به میزان مقرر در وقفنامه است و در صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق‌التولّیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد حق التولیه به مقدار اجرت المثل از عایدات خالص خواهدبود. ماده ۱۲ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وجوهی را که از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق‌النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و به تصویب هیات دولت خواهد رساند راسا به‌مصرف می‌رساند. ماده ۱۳ ـ وجوهی که از محل پذیره و اهدایی حاصل از اجاره و استجاره رقبات موقوفه دریافت می گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرره خواهد رسید. تبصره ـ نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات دولت‌خواهد رسید. ماده ۱۴ ـ تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاصا حساب و تطبیق مصارف بامفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر موقوف علیهم (با رعایت ماده ۷ این قانون و تبصره‌های آن با شعب تحقیق اوقاف است مگر در موقوفات منصوص التولیه و در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد. ماده ۱۵ ـ هیات تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استانها و شهرستانها تأمین می گردد. تبصره ـ ادارات اوقاف و اشخاص ذی نفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ‌نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاههای دادگستری طرح نمایند. حکم این ماده در مورد بنیادها وموسسات خیریه و اماکن مذهبی اسلامی نیز جاری است ماده ۱۶ ـ در مورد اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف می‌شود در صورتی که

متولی‌بدون عذر موجه در مدت مناسب با تشخیص سازمان اقدام موثری برای احداث آن مراکز نکند و الزام‌متولی هم به انجام آن ممکن نباشد سازمان می‌تواند حسب مورد آن اراضی را در اختیار وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداری سازمان بهزیستی هلال احمر محل یا سازمان دیگری که وظایف آن متناسب با اهداف واقف باشد قرار دهد تا اقدام لازم به عمل آورند. ماده ۱۷ ـ آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۸ ـ کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون لغو می گردد. Advertisement| بستن سایر امکانات اولین های حقوقی تماس با ما مراجع قضایی تهران راهنمای قوانین منوی اصلی صفحه اصلی قوانین حقوقی اساسی و مدنی دادرسی و احرا امورحسبی و خانواده وکالت و کارشناسی مسکن و اجاره تجارت کار و تامین اجتماعی بیمه اوقاف قوانین متفرقه قوانین کیفری مجازات و دادرسی مواد مخدر و قاچاق تخلفات صنفی و تعزیرات پزشکی و بهداشتی مطبوعات و رسانه ها هوایی، دریایی و مرزی منابع و محیط زیست زندان و عفو مقررات مختلفه ثبتی و اراضی ثبت اسناد و املاک دفاتر اسناد رسمی اجرای اسناد ثبت شرکت ها ثبت علائم واختراعات ثبت احوال اوقاف اراضی و املاک کارشناسان، دلالان و مشاورین راهنمایی و رانندگی وزارت کشور شهرداری تهران سازمان حمل و نقل شرکت واحد تاکسیرانی ترمینال مسافربری اداره راهنمایی رانندگی قطار شهری تهران جرائم تخلفات رانندگی قوانین متفرقه معاینه فنی شهرداری شهرداری و شورا قوانین شهرسازی مصوبات شورایعالی معماری اراضی و املاک مقررات مالی مقررات استخدامی صنوف و اماکن عمومی حمل و نقل و ترافیک فضای سبز نیروهای مسلح جزا و دادرسی مقررات وزارت دفاع مقررات ارتش مقررات نیروی انتظامی مقررات سپاه مقررات بسیج مقررات نظام وظیفه مقررات عمومی قوانین بین الملل منشور سازمان ملل و ... خصوصی عمومی صلاحیت محاکم فن آوری اطلاعات آرای وحدت رویه آرای حقوقی آرای کیفری بخشنامه های قوه قضائیه معرفی سایر قسمتها

قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و اداره اوقاف

مصوب ۲۰/۲/۱۳۱۱ ماده ۱ ـ دعاوی اداره اوقاف بر اشخاص و دعاوی اشخاص بر اداره اوقاف راجع به وقفیت اموال منقول و غیرمنقول یابالعکس مشمول ماده ۴ قانون ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۹ راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت نبوده و در محاکم عدلیه قطع و فصل‌خواهد شد ولو قبل از تاریخ اجرای این قانون به استناد قانون مذکور محاکم عدلیه قرار عدم صلاحیت صادر کرده و آن قرار قطعی شده باشد. ماده ۲ ـ این قانون از اول خرداد ماه ۱۳۱۱ به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای مرکزی اوقاف

مصوب ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۵۸ «نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۰۲۳ ـ۲۳/۱/۱۳۵۹» ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این لایحه کلیه وظائف و اختیارات شورای عالی اوقاف مستند به ماده ۵ قانون تفکیک وزارت فرهنگ و هنر مصوب آذر ماه ۱۳۴۳ و آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور و سایر قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط که رسیدگی و اظهارنظر نسبت به آنها از وظایف شورای عالی اوقاف می‌باشد و همچنین وظائف و اختیارات کمیسیون ماده چهارم آئین‌نامه قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفات عام به زارعین صاحب نسق به شورائی به نام شورای مرکزی اوقاف واگذار می‌شود. تبصره ۱ ـ شورای مزبور با عضویت سرپرست سازمان یا نماینده قانونی او، معاون امور اوقافی دو نفر روحانی صالح و یکی‌از قضات عالی مقام دادگستری با انتخاب شورای عالی قضائی و وزیر آموزش و پرورش یا نماینده او و وزیر کشاورزی یا نماینده او برای مدت دو سال تشکیل و از میان اعضاء یک نفر به عنوان رئیس و یک نفر به عنوان دبیر شورا با صلاحدیدجدید اعضاء انتخاب خواهد شد. تبصره ۲ ـ سازمان اوقاف می‌تواند قبل از طرح موضوعات در شورای مرکزی نظر شورای فنی و قضائی سازمان اوقاف راجلب نماید. شورای فنی و قضائی طبق آئین‌نامه‌ای تشکیل

خواهد شد که از طرف سازمان اوقاف تدوین و شورای مرکزی آن را تصویب نموده باشد. تبصره ۳ ـ شورای مرکزی می‌تواند با اکثریت آراء قسمتی از وظایف و اختیارات خود را به شورای امناء و نظار شهرستان یا اداره کل اوقاف استان تفویض کند. این شورا به موجب آئین‌نامه‌ای تشکیل می‌شود که از طرف شورای مرکزی تهیه تصویب و ابلاغ خواهد شد. تبصره ۴ ـ کلیه قوانین و آئین‌نامه‌های مغایر با این لایحه از تاریخ ابلاغ این لایحه لغو و کان لم یکن می‌باشد.

لایحه قانونی تجدید قرارداد واجاره املاک و اموال موقوفه وتجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن مت

مصوب ۲۵/۲/۱۳۵۸ ماده ۱ ـ به منظور جلوگیری از هر گونه تضییع حق در موقوفات کشور و تنظیم اسناد و قرارداد اجاره و تعیین اجاره بهای عادلانه املاک استیجاری و متصرفی موقوفه از این تاریخ کلیه اسناد و قراردادها (اعم از عادی و رسمی منعقده بین اوقاف و مستاجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحدثات شهری و روستائی فسخ و به‌این قبیل مستاجرین و سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که به هر نحوی از انحاء درحال حاضر املاک موقوفه را متصرف می‌باشند اخطار می‌شود که در ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ تصویب این لایحه جهت روشن نمودن وضع املاک استیجاری و متصرفی خود و تادیه اجاره بهای گذشته و تنظیم اسناد جدید اجاره به نرخ عادله روز به اداره اوقاف محل وقوع ملک مراجعه نمایند. در صورت عدم مراجعه و انقضای مهلت مقرر اداره اوقاف از ادامه استفاده و تصرفات غیر قانونی آنها جلوگیری و باخلع ید از مستاجر یا متصرف با رعایت صرفه موقوفه آن را به اشخاص متقاضی واگذار خواهد نمود و کلیه مطالبات موقوفه را نیز از مستاجر یا متصرف قبلی و یا از محل فروش و واگذاری اعیانی متعلق به آنها دریافت می‌دارد. تبصره ـ ترتیب تنظیم اجاره‌نامه و میزان اجاره بهای عادله روز بر اساس آئین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف ۱۵ روز از تاریخ‌تصویب این قانون از طرف سازمان اوقاف تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲ ـ به منظور حسن اداره اماکن متبرکه مذهبی اسلامی کشور و مساجد از طریق انتخاب هیات امنای جدید از اشخاص واجد صلاحیت که مراتب تقوی و امانت آنان مورد تایید و قبول باشد و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار که از طرف سازمان اوقاف منصوب خواهند شد از این تاریخ کلیه اعضا هیات امنا مذکور و متولیان و امنا و نظار مربوطه ازسمت خود معزول و از هر گونه دخل و تصرف در اموال اماکن مورد تصدی ممنوع می‌گردند و مکلفند تا انتخاب و تعیین متولیان و امنا ونظار جدید کلیه اموال و وجوه دریافتی و اسناد و مدارک موقوفه و اماکن مربوطه را به طور امانی حفظ ونگهداری نموده و به‌محض صدور ابلاغ و معرفی اعضای جدید عینا طبق صورت جلسه با نظر اوقاف محل تحویل نمایند. تبصره ـ تجدید انتخاب و انتصاب متولیان و امنا و نظار قبلی بلامانع است و اداره امور موقوفه تا انتخاب اعضای جدید به‌عهده اداره اوقاف محل خواهد بود. ماده ۳ ـ سازمان اوقاف می‌تواند با کسب نظر مشورتی شورای امنا و نظار هر حوزه اوقافی از بین اشخاص علاقمند و ذیصلاح مذکور در فوق نسبت به تشکیل و تعیین هیات امنا و انتخاب متولیان و نظار جهت کلیه اماکن متبرکه مذهبی اسلامی اقدام لازم را به عمل آورد. هیات امنا این قبیل اماکن حداقل سه نفر و حداکثر پنج نفر خواهند بود که پس از انتخاب و صدور ابلاغ انجام وظیفه خواهند نمود. صدور ابلاغ و احکام مزبور نیازی به تصویب شورای عالی اوقاف نخواهد داشت تبصره ۱ ـ در هرحوزه اوقافی که شورای مشورتی امنا و نظار تشکیل نشده باشد جلب نظر و تصویب شورای عالی اوقاف ضروری است . تبصره ۲ ـ در مورد تعیین هیات امنا و انتخاب متولیان و نظار جهت مساجد، سازمان اوقاف لایحه دیگری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به شورای انقلاب اسلامی تقدیم می‌نماید. ماده ۴ ـ تصمیمات متخذه از طرف سازمان اوقاف نسبت به اجرای مفاد این لایحه قانونی قطعی و لازم الاجرا است .

نظریه فقهای شورای نگهبان در خصوص ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه

شماره ۳۳۹ ـ۸/۳/۱۳۷۴ «نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۴۶۳۶ ـ ۱۷/۳/۱۳۷۴» فقهای شورای نگهبان در جلسه ۷/۳/۱۳۷۴ با استفاده از اصل چهارم قانون اساسی نسبت به ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه به شرح زیر اظهار نظر شرعی نمود : «عموم آئین‌نامه‌ها و مقررات مذکور در ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه نسبت به متولی منصوص که خیانت در عین و منافع موقوفه نمی‌نماید به لحاظ اینکه دادگاه حکم به معزول شدن و یا ممنوع‌المداخله بودن‌وی می کند و یا ضم امین می‌نماید خلاف موازین شرع است و تایید سوابق شورای نگهبان به دلیل انصراف آن به موارد خیانت متولی بوده است دبیر شورای نگهبان ـ احمدجنتی

قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه

مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۷۱ ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است تبصره ۱ ـ پس از ابطال سند مالکیت در مواردی که موقوفه قابل اجاره باشد و متصرف تقاضای اجاره کند با رعایت مصلحت وقف و حقوق مکتسبه متصرف قرار داد اجاره با متصرف تنظیم خواهد شد. تبصره ۲ ـ کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفات عام مصوب ۲۹/۱/۱۳۵۰ و سایر مراحل اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنان تقسیم شده با حفظ مصلحت وقف بامتصرفین و زارعان صاحب نسق با رعایت حقوق اکتسابی آنان اجاره نامه تنظیم می‌شود وجوهی که قبلا از طرف دولت بابت‌املاک مزبور مطابق ماده واحده پرداخته شده بابت اهدائی دولت به موقوفه محسوب و از تاریخ تحویل زمین به متصرف اجرت المثل زمین توسط کارشناس رسمی یا خبره محلی تعیین و با محاسبه وجوه پرداختی قبلی متصرف تهاتر و کسر یا اضافه آن محاسبه خواهد گردید. تبصره ۳ ـ کسانی که زمین یا خانه موقوفه‌ای را بدون اطلاع از وقفیت از اشخاص حقیقی یا حقوقی خریداری نموده و به‌موجب این قانون اسناد مالکیت آن باطل می‌شود می‌توانند برای دریافت خسارت وارده به فروشنده رجوع نمایند، درصورتی‌که متصرف طبق تبصره ۱ این قانون تقاضای اجاره نماید سازمان اوقاف می‌تواند از تاریخ تصویب این قانون با متصرف تنظیم اجاره نماید. تبصره ۴ ـ در کلیه موارد مذکور درتبصره‌های فوق درصورتی که متصرف و یا زارع صاحب نسق در مواعدی که به وسیله واحدهای اوقافی تعیین و کتبا به آنان ابلاغ می‌نماید ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ رویت نامه اوقاف ازتنظیم سند اجاره با موقوفه خودداری نمایند سازمان می‌تواند موقوفه را به اشخاص داوطلب اجاره دهد. بدیهی است در این صورت متولی و اوقاف باید چنانچه متصرف و یا زارع صاحب نسق حقوق مکتسبه داشته باشد بهای آن را به متصرف و یا زارع صاحب نسق با نظر کارشناس پرداخت نمایند در صورت بروز اختلاف فیمابین طرفین موضوع به مراجع قضائی احاله و محاکم مکلفند این گونه موارد را خارج از نوبت رسیدگی و تعیین تکلیف نمایند. تبصره ۵ ـ اراضی و املاکی که درتصرف ومالکیت کشاورزان و مالکین محلی بوده و در اثر اجرای سیاست‌های غلط و یا زورمندانه سلاطین بدون مجوز شرعی از مالکیت آنان خارج شده ولی اراضی کماکان درتصرف مالکین مذکور می‌باشد وسپس من غیر حق درمالکیت موقوفات و آستان قدس رضوی درآمده و توسط مالکین هیچگونه سند وقفیت اعم از عادی و رسمی تنظیم نشده و یا هر دلیل معتبر شرعی و قانونی وجود نداشته باشد و همچنین املاکی که در تصرف اشخاص بوده و سند رسمی دارند ولی ادعای وقفیت نسبت به آنها شده است درصورتی که دلایل معتبری دال بر صحت وقف وجود نداشته‌باشد ازشمول حکم ماده واحده خارج و هرگونه تصمیم و اقدامی که درمورد اراضی فوق الذکر انجام شده از درجه اعتبارساقط و کان لم یکن می گردد ودرصورت بروز اختلاف در هر دو مورد دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود. تبصره ۶ ـ آن دسته از اراضی و املاک و جنگل‌ها ومراتع و اراضی منابع ملی که مشمول ماده (۱) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۲۵/۵/۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن و قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایرجنگلی

مصوب ۵/۷/۱۳۷۱ قرار گیرد مشـمول ماده واحده مذکور نبوده و موقوفه تلقی نمی‌شود مگر درمورد حریم موقوفات و اراضی‌ای که قبل از تاریـخ ۱۶/۱۲/۱۳۶۵ احیاء شده باشد. تبصـره ۶ـ درمواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یـافته باشـد بـایستی به نظر واقف عمل شود. تبصـره ۷ـ کلیه قوانین و مقررات مغـایر بـا این مـاده و تبصـره‌های آن لغو و کـان لم یکن می‌باشـد. وزارت کشـاورزی و سازمـان اوقـاف موظفنـد آئین‌نامه اجرائی این قانون را ظرف مـدت سه ماه از تاریـخ تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب هیات دولت‌به اجراء درآورند. قانون فوق مشـتمل بر ماده واحده و شـش تبصـره درجلسه علنی روز یکشـنبه مورخ بیست و پنجم بهمن ماه یکهزارو سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲/۱۲/۱۳۷۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است .

آیین نامه چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذ

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱/۴/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۷۲۶۵/۱ مورخ ۲۷/۳/۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده (۱۲) قـانون تشـکیلات واختیـارات سازمـان حـج و اوقاف و امور خیریه – مصوب ۱۳۶۳ – ، آیین نـامه چگـونگی هزینه وجـوه حاصـل از محـل هـدایای مسـتقل و حـق التـولیه و حـق النظـاره و اداره امور امـاکن مـذهبی را به شـرح زیر تصویب نمود: آیین نـامه چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مسـتقل و حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذهبی ماده ۱ – سازمان اوقاف و امورخیریه که در این تصویب نامه به اختصار سازمان نامیـده می شود، مجاز است مبلغ شانزده میلیون و پانصدو بیست و دو هزار و هشتصد و پنجاه و پنج هزار ریال (۸۵۵، ۵۲۲، ۱۶ هزار ریال) وجوهی را که از محل هدایای مستقل، حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مـذهبی دریافت می کنـد، درسال ۱۳۸۲ به شـرح زیر راسا هزینه نمایـد: الف – درامـد ۱ – مانـده وصولی حق التولیه در حساب (۲۱) خزانه در پایان سال ۱۳۸۱، مبلغ ۵۰۰، ۲۲ هزار ریال. ۲ – مانده وصولی حق النظاره در حساب (۲۳) خزانه در پایان سال ۱۳۸۱، مبلغ ۵۰۰، ۲ هزار ریـال. ۳ – مانـده وصـولی حاصـل از بـابت اداره امـور امـاکن مـذهبی در حسـاب (۲۵) خزانـه در پایـان سال ۱۳۸۱، مبلغ ۰۰۰، ۸۵ هزار ریال. ۴ – مانـده وصولی وجوه حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مـذهبی (تفکیک نشـده) در حساب (۹۱۰۶۲) بانـک ملی شـعبه دولتی در پایان سال ۱۳۸۱، مبلغ ....هزار ریـال. ۵ – براورد برگشتی از اعتبـارات حواله شـده به واحدهای اسـتانی و شهرسـتانی، مبلغ ....هزار ریال. ۶ – پیش بینی وصـولی حق التولیه در سـال ۱۳۸۲، مبلغ &۱۷۸۲; ۷۵۰،۰۰۰ هزار ریـال. ۷ – پیش بینی وصولی حق النظـاره در سـال ۱۳۸۲، مبلغ ۲،۴۸۰،۰۰۰ هزارریال. ۸ – پیش بینی وصـولی وجوه حاصل از بابت اداره امور اماکن مذهبی در سال ۱۳۸۲ از نذورات مطلقه ، مبلغ ۷،۱۸۲،۸۵۵ هزار ریال. جمع: شانزده میلیون و پانصد و بیست و دو هزار و هشـتصد وپنجاه وپنـج هزارریال(۸۵۵، ۵۲۲، ۱۶ هزار ریـال) ب – هزینه ۱ – تبلیغ و نشـر معارف اسلامی ، مبلغ ۲۰۰، ۵۰۵، ۳ هزار ریال. ۲ – حفظ عین و منافع و احیای موقوفات و شناسایی آنها، مبلغ ۶۵۵، ۲۳۷، ۱۲ هزار ریال. ۳- حق الزحمه یا پاداش هیات های امنای اماکن اسلامی، مبلغ ۵۰۴،۰۰۰ هزار ریال ۴ – حق الزحمه هیات امناء و حق النظاره نظار موقوفات، مبلغ ۰۰۰، ۲۷۶ هزار ریال. جمع: شانزده میلیون و پانصد و بیست و دو هزار و هشـتصد و پنجاه و پنج هزارریال (۸۵۵، ۵۲۲، ۱۶ هزار ریال) ماده ۲ – چنانچه میزان وصولی درامد بیش از درامد پیش بینی شده در بند «الف» ماده (۱) این تصویب نامه باشد، سازمان می تواند مازاد درامد را از خزانه دریافت و به نسبت اعتبار ردیف های بند«ب» ماده (۱) این تصویب نامه هزینه نماید. ماده ۳ – تبلیغ و نشر معارف اسـلامی (موضوع این تصویب نامه) شامل فعالیت هایی است که برای کمک به ترویج و تعظیم شـعایر اسلامی و آموزش قران مجید انجـام می شود، ماننـد چاپ و اهـدای قران کریم، کتب و نشـریات دیگر، تشـکیل کلاس های آموزش و برگزاری مسابقات حفظ و قرایت قران کریم، انتخاب و اعزام قاریان و داوران به مسابقات، تجهیز کتابخانه، اهـدای جوایز نقدی و غیرنقدی ، اعزام مبلغ مذهبی به کلیه نقـاط کشور با اولویت مناطق محروم. ماده ۴ – حفـظ عین، منافع و احیای موقوفات (موضوع ردیف(۲) بند«ب» ماده (۱) این تصویب نـامه) شامـل کمـک و پرداخت وجوه لازم برای انجام امور ثبتی، قضایی ، عمرانی ، تعمیر و احیای رقبات و غیره، با رعایت

صرفه و صلاح موقوفات، همچنین تهیه وسایل، امکانات و ساختمان برای استقرار ادارات اوقاف و امور خیریه در استان ها، شهرستان ها و مرکز و پرداخت اجرت و مزایای کارکنان غیررسمی (موضوع قسمت آخر تبصره(۳) تصویب نامه شماره ۷۱۹۷۶/ت۴۹۶ مورخ ۲۵/۶/۱۳۶۶ مربوط به بودجه سال۱۳۶۶ سازمان)، حق بیمه و کسری های احتمالی بودجه جاری سال ۱۳۸۲ است. ماده ۵ – سازمان می تواند از محل اعتبار ردیف های (۳) و (۴) بند«ب» ماده (۱) این تصویب نامه امور زیر را انجام دهد: الف – از محل اعتبار ردیف (۳) حق الزحمه یا پاداش مقرر امین و هریک از اعضای هیات امنای اماکن مذهبی اسلامی را با رعایت ماده (۸) آیین نامه اجرایی ماده (۵) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه و سایر مقررات پرداخت کند. ب – از محل اعتبار ردیف(۴) حق الزحمه هیات امنا و حق النظاره نظارموقوفات را با توجه به مفاد ماده (۳۳) آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه و تبصره(۲) آن و ماده (۱۹) آیین نامه اجرایی ماده (۵) قانون یاد شده حسب مورد پرداخت کند. ماده ۶ – فعالیت های پیش بینی شده در مواد (۳، (۴) ، (۵) این تصویب نامه با توجه به ضرورت و اولویت در حدود اعتبار مصوب انجام خواهد شد. تشخیص ضرورت و اولویت هزینه های موضوع مواد فوق با سرپرست سازمان یا مقام مجاز ازطرف وی خواهد بود. ماده ۷ – تعهدات دوره مالی سال قبل نسبت به مفاد مواد (۳)، (۴) و (۵) این تصویب نامه با موافقت سرپرست سازمان یا مقام مجاز از طرف وی قابل پرداخت است. ماده ۸ – مانده درامد سازمان در پایان سال به درامد سال بعد منتقل و منظور خواهد شد. ماده ۹ – سال مالی سازمان از اول فروردین ماه تا پایان اسفند ماه است. معاون اول رییس جمهور – محمد رضا عارف

اصلاح بند « هـ» ماده (۱۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امورخیریه –

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۵/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۴/۲۳۰/۲/۱ مورخ ۲۶/۲/۱۳۸۴ سازمان اوقاف و امور خیریه و به استناد ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امورخیریه ـ مصوب۱۳۶۳ـ تصویب نمود: در بند « هـ» ماده (۱۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۲۲/۲/۱۳۶۵ عبارت « مبلغ پیشنهادی» به عبارت « قیمت پایه‌ای که با نظر کارشناس یا خبره برای انجام مزایده تعیین می‌شود» اصلاح می گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح ماده (۶) آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۲۲۰۳۰ مورخ ۱۸/۴/۱۳۸۴ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد تبصره ماده (۱۳) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ـ مصوب ۱۳۶۳ ـ تصویب نمود: ماده (۶) آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی، موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۰۷۸ مورخ ۲۲/۲/۱۳۶۵ به شرح زیر اصلاح می شود: « ماده ۶ ـ در انتقالات ناشی از ارث، طبقه اول ارثی از پرداخت پذیره انتقال معاف می‌باشند.» معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

قوانین متفرقه

سیاست های کلی قضائی قوه قضائیه

۱ ـ اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تامین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاستهای مذکور در بندهای بعدی. ۲ ـ نظام مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاهها ۳ ـ استفاده از تعدد قضات در پرونده

های مهم ۴ ـ تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز. ۵ ـ تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط بر اساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهیها و تظلمات. ۶ ـ کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام درزمان مناسب. ۷ ـ یکسان سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی. ۸ ـ اصلاح و تقویب نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاههای اجرایی و قضایی و نهادها . ۹ ـ استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی. ۱۰ ـ بالا بردن سطح علمی مراکز آموزش حقوقی متناسب با نظام قضایی کشور، بالاـ بردن دانش حقوقی قضات، تقویت امور پژوهشی قوه قضائیه و توجه بیشتر به شرایط مادی و معنوی متصدیان سمتهای قضایی. ۱۱ ـ بالاـبردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان عملی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی. ۱۲ ـتامین نیازهای قوه قضائیه در زمینه‌های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی. ۱۳ ـ تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای کلیه امور قضایی از قبیل قضاوت، وکالت، کارشناسی و ضابطان و نظارت مستمر و پیگیری قوه قضائیه برحسن اجرای آنها. ۱۴ ـ بازنگری در قوانین درجهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان. ۱۵ ـ تنقیح قوانین قضایی. ۱۶ ـ گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی در جامعه. ۱۷ ـ گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضایی.

آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین

آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۲۱/۱/۱۳۷۹ ماده ۱ ـ به منظور اجرای وظایفی که به موجب قانون برعهده اداره کل حقوقی و تدوین‌قوانین محول است و همچنین انجام اموری که رئیس قوه قضائیه ارجاع می‌نماید کمیسیونهای‌مشورتی طبق مقررات این آیین‌نامه و در معیت اداره کل حقوقی و تدوین قوانین تشکیل‌می‌گردد. ماده ۲ ـ کمیسیونهای مشورتی دائمی عبارتند از: ۱ ـ کمیسیون قوانین مدنی ۲ ـ کمیسیون آیین دادرسی مدنی ۳ ـ کمیسیون قوانین جزایی ۴ ـ کمیسیون آیین دادرسی کیفری ۵ ـ کمیسیون تهیه لوایح قضایی مدیرکل حقوقی و تدوین قوانین می‌تواند درموارد لزوم کمیسیونهای فرعی دیگری را حسب‌نیاز تشکیل دهد و از صاحبنظران ذی صلاح برای عضویت و شرکت در آنها دعوت نماید. ماده ۳ ـ هر کمیسیون از یک رییس و چهار عضو تشکیل می‌شود. رییس و اعضای‌کمیسیونها را رییس قوه قضائیه از میان قضات حائز شرایط انتخاب خواهد کرد. لااقل یک نفر ازاعضاء هر کمیسیون از میان معاونان یا مستشاران اداره کل حقوقی و تدوین قوانین انتخاب‌می‌شوند. ماده ۴ ـ در هر کمیسیون یکی از معاونان یا مستشاران اداره کل حقوقی و تدوین قوانین که به‌عضویت کمیسیون مشورتی انتخاب می‌شود علاوه بر عضویت سمت دبیری کمیسیون را نیزخواهد داشت ماده ۵ ـ رئیس هر کمیسیون مسئول اداره جلسات کمیسیون و انجام امور آن می‌باشد و هرگاه در کار کمیسیونها و تشکیل آن اشکالی پیش آید مراتب را به اداره کل حقوقی و تدوین قوانین اطلاع می‌دهد. وظایف کمیسیونها: ماده ۶ ـ وظایف کمیسیونهای مشورتی عبارت است از: الف ـ اظهارنظر نسبت به استعلامات قضایی و امور مربوط به استرداد و تعاون قضایی ب ـ مطالعه آرای دیوان عالی کشور و هیات عمومی و طرز دادرسی محاکم و نحوه استنباط از قوانین و پیشنهاد تدابیر لازم برای تسریع دادرسی و جلوگیری از تضییع حق و تفسیر غلط‌قوانین پ ـ تهیه و تنظیم طرحهای قانونی در هر مورد که رئیس قوه قضائیه مقتضی بداند و بررسی اظهارنظر نسبت به طرحهایی که به کمیسیونها فرستاده می‌شود. ماده ۷ ـ وظایف هر یک از کمیسیونهای پنج گانه به شرح زیر است الف ـ کمیسیون قوانین مدنی بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به قوانین مدنی تجارت وثبت ب ـ کمیسیون آیین دادرسی مدنی بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به آیین دادرسی‌مدنی اجرای احکام مدنی و امور حسبی پ ـ کمیسیون قوانین جزایی بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به

جزای عمومی و جزای‌اختصاصی ت ـ کمیسیون آیین دادرسی کیفری بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به آیین دادرسی‌کیفری و اجرای احکام جزایی ث ـ کمیسیون تهیه لوایح قضایی بررسی و تهیه لوایح قضایی که از طرف اداره کل حقوقی وتدوین قوانین و یا ریاست قوه قضائیه ارجاع می‌شود. تبصره ـ هر کمیسیون معمولاً به امور مربوط به خود رسیدگی و اظهارنظر خواهد کرد.لیکن این ترتیب مانع رسیدگی آنان به هر امر دیگری که به کمیسیون ارجاع شود نخواهد بود. ماده ۸ ـ مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین در صورت ضرورت می‌تواند بررسی و اظهارنظر در هر مورد را به دو یا چند کمیسیون ارجاع نماید که مشترکا اقدام نمایند. همچنین می‌تواند برحسب تشخیص خود یا پیشنهاد کمیسیونها از اشخاص صاحبنظر و خبره برای شرکت‌درکمیسیونها دعوت به عمل آورد. به صاحبنظران و خبرگانی که به این ترتیب دعوت می‌شودحق حضور متناسبی برای هر جلسه پرداخت خواهد شد. ماده ۹ ـ هرگاه کمیسیونهای مشورتی در نتیجه بررسی استعلامات قضایی یا مطالعه آرای‌محاکم یا به طریق دیگر به ابهام یا اجمال قوانین برخورد نمایند و یا از تفسیر غلط قوانین که‌موجب تضییع حق و یا کندی دادرسی است مستحضر شوند مکلفند نظر خود را مستدلاً و باپیشنهاد اصلاحی به اداره کل حقوقی و تدوین قوانین اعلام نمایند تا برای اقدام مقتضی تسلیم‌رئیس قوه قضائیه گردد. ماده ۱۰ ـ هرگاه کمیسیونها در نتیجه تحولات و ضرورتهای اجتماعی تغییری در قوانین‌موجود را لازم بدانند و یا تصویب قانونی تازه را مفید تشخیص دهند طرح لازم را تهیه وپیشنهاد می‌نمایند. ماده ۱۱ ـ اوقات کار کمیسیونهای مشورتی هفته‌ای دو جلسه است و مدیرکل حقوقی و تدوین قوانین در موارد لزوم می‌تواند آن را تا ۴ جلسه در هفته افزایش دهد. کمیسیونهای‌مشورتی در محل اداره کل حقوقی و تدوین قوانین تشکیل جلسه خواهند داد و روزهای جلسه‌را مدیرکل حقوقی و تدوین قوانین با جلب نظر هر کمیسیون تعیین می‌نماید. ماده ۱۲ ـ مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین مسؤول اداره امور کمیسیونهای مشورتی است اداره کل حقوقی و تدوین قوانین باید وسایل کار کمیسیونها را فراهم نماید. ماده ۱۳ ـ کلیه استعلامات و امور مربوط به کمیسیونها از طریق اداره کل حقوقی و تدوین قوانین به آنان ارجاع می‌گردد. مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین می‌تواند در هر یک از کمیسیونهاشرکت نماید و توضیح لازم را در مورد امور ارجاعی به اطلاع کمیسیون برساند و نظر خود رالدی الاقتضا اعلام نماید. ماده ۱۴ ـ اظهارنظر و پیشنهاد کمیسیونهای مشورتی وسیله دبیر هر کمیسیون به اداره کل‌حقوقی و تدوین قوانین فرستاده می‌شود. مدیرکل حقوقی و تدوین قوانین در مورد پیشنهادها و نظرهای اصلاحی و موارد مهمه‌مراتب را ضمن اظهارنظر نزد معاون قضایی رئیس قوه قضائیه ارسال می‌دارد تا تصمیم مقتضی‌اتخاذ شود. ماده ۱۵ ـ کمیسیونهای مشورتی مکلفند رسیدگی به استعلام یا امور معینی را به تقاضای اداره کل حقوقی و تدوین قوانین بر کارهای دیگر مقدم بدارند یا در مورد مسأله‌ای به طور فوری و خارج از نوبت اقدام کنند. طرز کار کمیسیونها: ماده ۱۶ ـ هر کمیسیون دفتری مخصوص خواهد داشت که کارهای کمیسیون در آن به ثبت‌می‌رسد. دبیر هر کمیسیون موظف است کارهای رسیده را با قید تاریخ وصول در این دفتر ثبت‌کند و پس از بررسی و اعلام نتیجه نظر کمیسیون را به طور دقیق و توأم با استدلالی که شده دردفتر به ثبت برساند و تاریخ حصول نتیجه را نیز قید نماید. ماده ۱۷ ـ دبیر کمیسیون استعلامها و امور ارجاعی را پس از وصول و ثبت در دفتر به نوبت‌میان اعضای کمیسیون تقسیم خواهد نمود. هر یک از اعضای کمیسیون و همچنین دبیرکمیسیون مکلفند نسبت به استعلام یا امر ارجاعی مطالعه نموده و پس از آن که مسأله درکمیسیون مطرح گردید نتیجه مطالعه و نظر خودرا برای بحث و بررسی به کمیسیون بدهند. ماده ۱۸ ـ دبیر کمیسیون مکلف است در پایان هر جلسه صورتمجلس متضمن تاریخ جلسه‌و نام اعضای حاضر و صورت دقیق کارهای انجام شده در آن جلسه و نتایج حاصله و دیگرمسائل لازم را تنظیم نموده و به امضای اعضای حاضر برساند و دبیر کمیسیون مکلف است‌صورتمجلس هر جلسه را امضا کرده و در همان روز تسلیم اداره کل حقوقی و تدوین قوانین‌نماید. ماده ۱۹ ـ در غیبت دبیر یکی ازاعضای کمیسیون وظایف مذکوردر ماده ۱۸ را انجام خواهدداد. ماده ۲۰ ـ دبیر کمیسیون در پایان هرماه صورتی از کارهای انجام شده را تهیه و به اداره کل‌حقوقی و تدوین قوانین تسلیم می‌نماید. این صورت با گزارش اداره کل حقوقی و تدوین قوانین‌به استحضار معاونت قضایی خواهد رسید. پاداش ماده ۲۱ ـ

به اعضای کمیسیونها برای حضور در هر جلسه مبلغ متناسبی به عنوان حق‌حضور طبق آیین‌نامه هیات وزیران در آخر هر ماه پرداخت خواهد شد. معاونت مالی و پیشتیبانی اعتبار لازم برای پرداخت حق حضور اعضای کمیسیونهای مشورتی را در اختیار اداره‌کل حقوقی و تدوین قوانین خواهد گذاشت ماده ۲۲ ـ عدم حضور غیرموجه سه جلسه هر یک از اعضای کمیسیونها در هر ماه به منزله‌انصراف از عضویت تلقی شده و به جای وی عضو دیگر انتخاب خواهد شد. ماده ۲۳ ـ هرگاه در نتیجه رسیدگی معلوم شود که کمیسیونی به طور مرتب و کامل تشکیل‌نمی‌شود و یا میزان کار آن متناسب با ساعات و جلسات معین شده نیست کمیسیون مذکورمنحل می گردد. ماده ۲۴ ـ آیین‌نامه پیشین کمیسیونهای مشورتی اداره حقوقی از تاریخ تصویب این‌آیین‌نامه نسخ می گردد.

قانون اصلاح قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید

ماده واحده ـ در متن ماده واحده قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی (ره از پرداخت هزینه دادرسی عبارت « و شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت از جمله شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی بعد از عبارت «دانشگاههای غیر دولتی » افزوده می‌شود.

قانون مربوط به وحدت رویه قضایی

ماده واحده ـ هرگاه در شعب دیوان‌عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل هیات عمومی دیوان‌عالی کشور که در این مورد لااقل با حضور سه ربع از روسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل میابد موضوع مختلف فیه را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر می نمایند. در این صورت نظر اکثریت هیات مزبور برای شعب دیوان‌عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است و جز به موجب نظر هیات عمومی یا قانون قابل تغییر نخواهد بود.

قانون نحوه وصول مطالبات بانکها

مصوب ۵/۱۰/۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده ۱ ـ کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانکها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب۸/۶/۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده‌اند اعم از آنکه قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار در سررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد بر اساس‌مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات قابل مطالبه و وصول است کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت مکلفند طبق مقررات و شرایط زمان اعطای وجوه و تسهیلات‌رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانکها اعم از اصل و هزینه‌ها و خسارات متفرعات متعلقه (خسارت تاخیر تادیه جریمه عدم انجام تعهد و غیره اقدام نمایند. ماده ۲ ـ در خصوص دعاویی که قبلاـ راجع به مطالبات بانکها نزد مراجع قضایی مطرح و منجر به‌صدور حکم شده است و هزینه‌ها و متفرعات و جریمه تاخیر تادیه و جزاء تخلف از شرط متعلقه که وصول آن به نفع بانک مورد لحوق حکم واقع نشده است بانکها می‌توانند تقاضای تصحیح حکم را ازمرجع صادرکننده حکم بنمایند و مرجع صادرکننده حکم مکلف است وفق مقررات این قانون رسیدگی و احکام صادره را تصحیح نماید. مقررات این قانون در مورد دعاویی که در حال حاضر در محاکم مطرح‌رسیدگی است نیز اعمال می گردد. تبصره ـ دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک مکلفند براساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی بین بانکها و مشتریان که منجر به صدور اجراییه شده اعم از آنکه عملیات اجرایی خاتمه

پیدا کرده یا در جریان اجرا باشد، نسبت به وصول خسارات تاخیر تادیه و سایر متفرعات و هزینه‌های مربوط طبق مقررات این قانون حمل نمایند.

قانون وظایف و اختیارت رئیس قوه قضائیه

ماده ۱ ـ رئیس قوه قضـائیه علاوه بر وظـائف و اختیـارات موضوع قـانون اختیـارات وظـایف رئیس قوه قضـائیه مصوب ۹/۱۲/۱۳۷۲، دارای وظـائف و اختیارت مصـرح در متن قانون نیز به شـرح زیر می‌باشـد: الف ـ ایجاد تشـکیلات قضایی و اداری لازم و متناسب با وظایف مقرر در اصل یکصـد و پنجاه و شـشم‌قانون اساسـی در دادگستری ب ـ انتقال قضات داوطلب به تهران و سایر شهرسـتانهایی که با کمبود شدید قاضـی مواجه هستند درصورت مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات ج ـ پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضـائیه و سازمانهـای وابسـته آن به هیأت وزیران ماده ۲ ـ ریـاست قوه قضـائیه سـمت قضایی است و هرگاه رئیس قوه‌قضائیه ضـمن بازرسـی رای دادگاهی‌را خلاف بین شـرع تشـخیص دهـد آن را جهت رسـیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد داد. ماده ۳ ـ دولت موظف است لوایـح قضـایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود،حـداکثر ظرف مـدت سه ماه تقـدیم مجلس شورای اسلامی نماید. ماده ۴ ـ رئیس قوه قضائیه می‌تواند صـلاحیت قضات را به سه درجه تقسـیم و با در نظر گرفتن سوابق‌علمی و تجربی درجه صـلاحیت هر قاضـی را تعیین نمایـد. مـاده ۵ ـ آیین‌نـامه اجرایی این قـانون توسـط وزیر دادگسـتری تهیه و به تصـویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

قانون الحاق ماده واحده به قانون انتخابات

مـاده واحـده ـ اسـتفاده از هرگونه پلاکـارد، تراکت دیوار نویسـی و کاروانهای تبلیغاتی و اسـتفاده از بلنـدگوهای سیار در خارج از محیط سـخنرانی و امثال اینها به اسـتثنا عکس حـداکثر در دو فرم و جزوه و سـخنرانی و پرسـش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسـلامی و ریـاست‌جمهوری و شوراهـای اسـلامی و طرفـداران آنـان ممنوع می‌باشـد. متخلفین از این قـانون از سه تا سی‌روز زنـدان محکوم می‌گردند. تبصـره ـ اعلام نظر شخصـیت‌ها در تاکید کاندیداها به شـرطی مجاز است که بدون ذکر عنوان و مسوولیت آنها باشد و مدرک کتبی مربوط به امضا آنان تسلیم هیات اجرایی انتخابات شده باشد

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

طرح الحـاق یک تبصـره به ماده (۹) قـانون انتخابـات مجلس شـورای اسـلامی که دو فـوریت آن در جلسه علنی روز یکشـنبه مورخ ۶/۲/۱۳۸۳ تصویب شـده بود، در جلسه علنی روز دوشـنبه مورخ ۷/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسـلامی با اصلاحاتی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسـیده است، در اجرای اصل یکصـد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رییس مجلس شورای اسـلامی ـ مهدی کروبی شـماره ۶۱۷۵ ۱۵/۲/۱۳۸۳ وزارت کشور قانون الحاق یک تبصـره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسـلامی که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسـلامی تصویب و در تاریـخ ۷/۲/۱۳۸۳ به تاییـد شورای نگهبـان رسـیده و طی نامه شـماره ۷۱۴۰ مورخ ۸/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسـلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رییس جمهور ـ سیدمحمد خاتمی قانون الحاق یـک تبصـره به ماده (۹) قـانون انتخابـات مجلس شورای اسـلامی مـاده واحـده ـ تبصـره ذیل به عنوان تبصـره (۶) به مـاده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسـلامی مصوب ۷/۹/۱۳۷۸ الحاق می گردد: تبصـره ۶ ـ انتخابـات مرحلـه دوم حـوزه انتخـابیـه تهران، ری، شمیرانـات و اسلامشـهر در هفتمین دوره مجلس شورای اسـلامی همزمـان بـا انتخابـات نهمین دوره ریـاست جمهوری انجـام خواهد

پـذیرفت. این قـانون از زمـان تصویب لازم الاجراست. قـانون فوق مشـتمل بر مـاده واحـده در جلسه علنی روز دوشـنبه مورخ هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رییس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

تصویبنامه راجع به فوقالعاده ویژه قضات – ۱۳۸۴

هیئتوزیران در جلسه مورخ۲۱/۱/۱۳۸۴ بنا بهپیشنهاد وزارت دادگستری و بـه اسـتناد اصـل یکصـد و سـی و هشـتم قـانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: از ابتدای سال ۱۳۸۴ فوقالعاده خاصی تحت عنوان « فوقالعاده ویژه قضات» بهقضات شاغل در قوهقضاییه قابل پرداخت میباشد. نحوه محاسبه فوقالعاده یادشده حاصل ضرب ارقام زیر در حقوق مبنای مربوط خواهد بود: الف ـ کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص تا گروه ۴ رقم ۸/۷ ب ـ کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۵ رقم ۶/۸ ج ـ کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۶ رقم ۲/۹ د ـ کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۷ رقم ۷/۹ هـ ـ کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۸ رقم ۲/۱۰ اعتبار لازم برای اجرای این تصویبنامه از محل اعتبارات قوهقضاییه تأمین و پرداخت خواهد شد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح تصویب‌نامه در خصوص فوق‌العاده ویژه قضات – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مـورخ ۲۸/۲/۱۳۸۴ بنا به پیشـنهاد شماره ۱۱۴۳/۱۶ مورخ ۲۰/۲/۱۳۸۴ قوه قضاییه و به اسـتناد اصل یکصـد و سی و هشـتم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران تصویب نمود: در تصویب‌نامه شـماره ۳۸۱۲/ت۳۲۷۱۶هـ مورخ ۲۸/۱/۱۳۸۴ در بنـد « الف» پـس از عـبارت « تا گروه ۴ » واژه « حداکـثر» اضـافه می‌شود و نیز عبارت « از محل اعتبارات قوه قضاییه» به عبارت « از محل فصل اول اعتبارات قوه‌قضاییه طبق قوانین و مقررات مربوط» اصلاح می‌شود. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

قانون ساماندهی مد و لباس – مصوب ۱۳۸۵

جنـاب آقـای دکتر محمود احمـدی‌نژاد ریـاست محترم جمهوری اسـلامی ایران در اجرای اصل یکصـد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران قـانون سامانـدهی مـد و لبـاس که به عنوان طرح به مجلس شورای اسـلامی تقـدیم گردیـده بود، با تصویب در جلسه علنی مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۸۵ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسـلامی ـ غلامعلی حدادعادل شـماره۱۳۷۳۰۶ ۲/۱۱/۱۳۸۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی قانون سامانـدهی مـد و لباس که در جلسه علنی روز سه‌شـنبه مورخ دوازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشـتاد و پنج مجلس شورای اسـلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۰/۱۳۸۵ به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده و طی نامه شماره۱۶۳۵۵۱/۴۳۲ مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمـدی‌نژاد قـانون سامانـدهی مـد و لبـاس مـاده۱ـ به منظور حفـظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی ـ اسـلامی، ارج نهادن، تبیین، تثبیت و ترویج الگوهای بومی و ملی، هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشـاک براسـاس طرحهـا و الگوهـای داخلی و نیز در جهت ترغیب عموم مردم به پرهیز از انتخـاب و مصـرف الگوهـای بیگـانه و غیرمـأنوس بـا فرهنـگ و هویت ایرانی، وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی مکلف است جهت پی‌ریزی ساختار مـدیریتی موضوع این قانون، کارگروهی (کمیته‌ای) متشکل از یک نفر نماینده تام‌الاختیار از هر کدام از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بازرگانی و صـنایع و معادن و سازمانهای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سه نفر از نماینـدگان صـنوف ذی‌ربط (طراحان و تولیدکنندگان) و یک نفر نماینده از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسـلامی به عنوان

ناظر تشکیل دهد. تبصره ـ مصوبات این کارگروه (کمیته) پس از امضاء و ابلاغ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قابل اجراء خواهدبود. ماده۲ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلفند در جهت ترویج نمادها و الگوهای پارچه و لباس ایرانی و بومی مناطق مختلف ایران نمادها و الگوهای مورد تأیید کارگروه (کمیته) یادشده در ماده (۱) این قانون را تشویق و ترغیب و تبلیغ نمایند و در جهت پرهیز از تبلیغ الگوهای مغایر با فرهنگ ایرانی ـ اسلامی اهتمام جدی بورزند. ماده۳ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی جهت تبادل فرهنگی ملل مسلمان، موزه، نمایشگاه و جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت معرفی نمادها و الگوهای پارچه و لباس ایرانی ـ اسلامی برگزار نماید. ماده۴ـ طرحها و الگوهای تولیدشده پارچه و لباس مبتنی بر نمادهای ایرانی ـ اسلامی مشمول حمایت قانونی حقوق مؤلفان و مصنفان و کانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی خواهدبود. ماده۵ ـ وزارت بازرگانی مکلف است برای دسترسی عمومی و حمایت از تولید و فروش پارچه‌ها و پوشاک منطبق با الگوهای ایرانی ـ اسلامی، نمایشگاههای عرضه فصلی مد لباس و پوشاک برگزار نماید. ماده۶ ـ وزارت بازرگانی مکلف است برای حمایت از تولیدات داخلی با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی آن، عوارض گمرکی، بر واردات تجاری پوشاک و پارچه‌های خارجی وضع نماید به نحوی که امکان رقابت برای تولیدکنندگان داخلی فراهم گردد. ماده۷ـ وزارتخانه‌های تعاون، کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن مکلفند در تأسیس تعاونی، اعطاء مجوز فعالیت و استفاده از تسهیلات دولتی، طراحان و تولیدکنندگان پارچه و لباس مبتنی بر الگوهای ایرانی ـ اسلامی را در اولویت قرار دهند. تبصره۱ـ تعیین شرایط استفاده از تسهیلات و مزایای دولتی و مشمولان آن به عهده کارگروه (کمیته) یادشده در ماده (۱) این قانون خواهدبود. تبصره۲ـ بانکها ملزم هستند که در اعطاء تسهیلات بانکی و وامهای خوداشتغالی، متقاضیان فوق را در اولویت قرار دهند. ماده۸ ـ وزارت بازرگانی موظف است تمهیدات و اقدامات حمایتی لازم را برای تشکیل و تقویت صنف طراحان لباس اعمال نماید. ماده۹ـ کلیه دستگاههای دولتی مکلفند از بودجه سنواتی ردیفهای خدماتی رفاهی خود، جهت تشویق تقاضای پارچه و لباس منطبق با الگوهای ایرانی ـ اسلامی تسهیلات خرید پارچه و لباسهای مذکور را در اختیار کارکنان خود قرار دهند. ماده۱۰ـ وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفند نسبت به حمایت و پشتیبانی از تحقیقات و رساله‌های تخصصی مشمول این قانون اقدام لازم به عمل آورند. ماده۱۱ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سایر دستگاهها و نهادهای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهدرسید. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۰ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری – مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۰

وزارت دادگستری هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۳ بنا به پیشنهاد شماره ۱۴۵۱۴/۰۲/۱۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۵ وزارت دادگستری و به استناد ماده (۱۸۹) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۸۳ـ آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری ماده ۱ـ به منظور ارتقای جایگاه صلح و سازش و تسهیل و تسریع در حل و فصل پرونده‌های در صلاحیت دیوان عدالت اداری، «شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری» که در این آیین‌نامه به اختصار «شوراهای حل اختلاف تخصصی» نامیده می‌شوند، تشکیل می‌گردد. ماده ۲ـ حدود صلاحیت شوراهای حل اختلاف تخصصی، رسیدگی به

پرونده‌های مربوط به اقدامات دستگاه‌های موضوع ماده (۱۳) قانون دیوان عـدالت اداری ـ مصوب ۱۳۸۵ ـ می‌باشد که قابلیت طرح در شعب دیوان عـدالت اداری را دارند و دارای ماهیت قضایی نبوده یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است. ماده ۳ـ شوراهـای حـل اختلاف تخصصـی با رعایت مفاد ماده (۶) ایـن آیین‌نـامه، در مراکز زیر تأسیس شـده و به ترتیب زیر رسیدگی می‌نمایند: الف ـ در محل دیوان عدالت اداری؛ برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین‌نامه در مواردی که به تشخیص معاون ارجاع یا رییس شعب دیوان با تصالح قابل حل می‌باشـد؛ ب ـ در دسـتگاه‌های مسـتقر در تهران؛ با هماهنگی وزیر یا بالاترین مقام مسئول، برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین‌نامه در حوزه آن دستگاه؛ ج ـ در دسـتگاه‌های مستقر در مراکز استان‌ها؛ با هماهنگی اسـتاندار و رییس کل دادگستری اسـتان، برای رسـیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین‌نامه در حوزه آن استان. ماده ۴ـ شوراهـای حـل اختلاف تخصصی دارای سه عضـو اصلـی به شـرح زیر می‌باشـند: الف ـ یـک نفرقاضـی از میـان رؤسای شعب یا مستشاران یا دادرسان دیوان عـدالت اداری برای عضویت در شوراهای حل اختلاف تخصصـی موضوع بنـدهای (الف) و (ب) ماده (۳) این آیین‌نـامه و یـک نفر از قضـات شاغـل در مراکز اسـتان‌ها که دارای حـداقل ده سـال سـابقه قضایی باشـد، برای عضویت در شوراهای حل اختلاف تخصصی موضوع بنـد (ج) ماده (۳) یادشده؛ قاضـی عضو شوراهای حل اختلاف تخصصـی موضوع بندهای (الف) و (ب) مـاده (۳)، از سوی رییس دیوان عـدالت اداری پیشـنهاد و بـا ابلاـغ رییس قوه قضـاییه منصوب می‌شود. قاضـی عضـو شوراهـای حـل اختلاـف تخصصـی مسـتقر در مراکز اسـتانها با پیشـنهاد رییس دیوان عـدالت اداری و رییس کل دادگستری اسـتان مربوط، انتخـاب و از سوی رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود. ب ـ یک نفر از مـدیران دسـتگاه‌های موضوع ماده (۲) این آیین‌نامه، دارای وثاقت و حـداقل ده (۱۰) سال سابقه کاری؛ مـدیران مـذکور، بر حسب مورد در هر یک از شوراهای حل اختلاف تخصصـی موضوع ماده (۳) آیین‌نامه به ترتیب با معرفی معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور یا وزیر و یا بالاترین مقام مسئول مربوط یا اسـتاندار و بـا ابلاـغ رییس دیوان عـدالت اداری تعیین خواهنـد شـد. ج ـ یـک نفر عضو معتمـد از میان وکلاء ، کارشـناسان، قضات بازنشسته و سـایر افراد صـاحبنظر در موضوعات تخصصـی، با ابلاغ رییس دیوان عـدالت اداری. تبصـره ۱ـ هر شورای حـل اختلاف تخصصـی می‌تواند دو عضو علی‌البدل با شـرایط مندرج در بندهای (ب) و (ج) داشـته باشد. تبصـره ۲ـ مسـئول دبیرخانه شورای حل اختلاـف تخصصـی، توسط دیوان عـدالت اداری معرفی شـده و برابر ضوابط جاری شوراهای مـذکور فعالیت خواهـد نمود. ماده ۵ ـ مطرح شـدن پرونـده در شوراهـای حـل اختلاـف تخصصـی به یکی از سه طریق زیر می‌باشـد: الف ـ مراجعه مسـتقیم شـاکی و طرح شکـایت در شـورا؛ ب ـ ارجـاع پرونـده از سـوی واحـد ارجـاع دیـوان عـدالت اداری قبـل از ثبت در دیوان؛ ج ـ ارجـاع پرونـده‌های مطروحه در شـعب دیوان با پیشـنهاد رییس شعبه رسیدگی‌کننده و موافقت مقام ارجاع‌کننده. ماده ۶ ـ یکی از معاونین دیوان عدالت اداری بـا همـاهنگی اداره کـل پیگیری امور اسـتان‌های قوه قضـاییه و معـاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور یا وزیر و بالاترین مقام مسئول مربوط یا استاندار (برحسب مورد)، نسبت به تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی و تأمین و گزینش نیروی انسانی و اداره آن اقـدام می‌نمایـد. سازمان و تشـکیلات این شوراها از سوی معاونت مزبور تـدوین و با پیشـنهاد رییس دیوان عدالت اداری و تصویب رییس قوه قضـاییه به مرحله اجراء درمی‌آیـد. ماده ۷ـ پرونـده‌های مطرح شده در شوراهای حل اختلاف تخصصـی به طریق زیر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد: الف ـ موضوع بدواً از طریق راهنمایی شاکی و مأمور یا اداره طرف شکایت و ضمن تلاش در حل آن از طریـق تصالـح، مـورد پیگیری قرار گرفتـه و در صـورت حصـول توافـق طرفیـن، اتخـاذ تصـمیم شـده و ضـمن تنظیـم گزارش اصـلاحی، پرونـده مختومه می‌گردد. ب ـ در صورتی که مطابق نظر اکثریت اعضای شورای حل اختلاف تخصصـی، پرونده غیرقابل رسیدگی در آن شورا باشد، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده به دیوان عدالت اداری ارسال تا مطابق قانون دیوان عدالت اداری جهت رسیدگی به یکی از شعب آن ارجاع می‌گردد. ج ـ چنانچه موضوع از طریق مصالحه حل و فصل نشود، پرونده طبق قوانین و مقررات مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و براساس رأی اکثریتی که قاضـی عضو شورا در آن قرار دارد، حکم مقتضـی صادر می‌شود.

این رأی به طرفین ابلاغ گردیده و در فرصت قانونی قابل تجدیدنظر در شعب دیوان خواهد بود. در صورتی که رأی اکثریت مشتمل بر رأی قاضی عضو شورا نباشد، طبق بند (ب) این ماده عمل خواهد شد. ماده ۸ ـ رسیدگی در شوراهای حل اختلاف تخصصی تابع تشریفات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نمی‌باشد. ماده ۹ـ محل استقرار و تجهیزات مورد نیاز شوراهای حل اختلاف تخصصی، به نحو زیر تأمین خواهد شد: الف ـ شوراهای موضوع بند (الف) ماده ۳، از سوی قوه قضاییه و دیوان عدالت اداری؛ ب ـ شوراهای موضوع بند (ب) ماده (۳)، از سوی دستگاه محل استقرار شعب شوراهای تخصصی. ج ـ شوراهای موضوع بند (ج) ماده (۳)، از سوی استانداری یا دادگستری استان مربوط بر حسب توافق دیوان عدالت اداری و دو مرجع مزبور. ماده ۱۰ـ حق‌الزحمه اعضای شوراهای حل اختلاف تخصصی براساس دستورالعملی که از سوی رییس دیوان عدالت اداری و اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته قوه قضاییه تدوین و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد، از محل اعتبارات دیوان عدالت اداری تأمین می‌گردد. ماده ۱۱ـ اعتبارات لازم برای اجرای این آیین‌نامه، همه ساله در بودجه سنواتی دستگاه‌های مربوط پیش‌بینی خواهد شد. ماده ۱۲ـ رییس دیوان عدالت اداری موظف است تمهیدات لازم جهت نظارت بر انجام کار شوراهای حل اختلاف تخصصی را فراهم نماید. این آیین‌نامه به عنوان الحاقیه به آیین‌نامه موضوع ماده (۱۸۹) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۷۹۴۹/ت۳۳۴۱۶هـ مورخ ۸/۵/۱۳۸۴ اضافه می‌شود. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

قانون جامع حمایت از حقوق معلولین

ماده۱. دولت موظف است زمینه های لازم را برای تأمین حقوق معلولان، فراهم و حمایت های لازم را از آنها به عمل آورد. تبصره. معلول در این قانون به افرادی اطلاق میگردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی براثر ضایعه جسمی، ذهنی،روانی یا توأم ، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد. به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی شود. ماده ۲. کلیه وزارتخانه ها، سازمانها وموسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمانها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد. تبصره۱. وزارتخانه ها ، سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره مندی معلولان ، ساختمانها و اماکن عمومی ، ورزشی ، تفریحی ، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چهارچوب بودجه های مصوب سالانه خود مناسب سازی نمایند. تبصره ۲. شهرداریها موظفند از صدور پروانه احداث و پایان کار برای آن تعداد از ساختمانها و امکان عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان را رعایت نکرده باشند خودداری نمایند. تبصره ۳ . سازمان بهزیستی کشور مجاز است بر امر مناسب سازی ساختمانها و اماکن دولتی و عمومی دستگاه های مذکور در ماده فوق نظارت و گزارشات اقدامات آنها را درخواست نماید. تبصره ۴ . آیین نامه اجرایی ماده فوق ظرف سه ماه مشترکا توسط وزارت مسکن و شهرسازی ، سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۳. سازمان بهزیستی کشور موظف است در چارچوب اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سالانه اقدامات ذیل را به عمل آورد: الف . تامین خدمات توانبخشی ، حمایتی ، آموزشی و حرفه آموزی موردنیاز معلولان با مشارکت خانواده های معلولان و همکاری بخش غیردولتی (خصوصی ، تعاونی ، خیریه) و پرداخت یارانه (کمک هزینه) به مراکز غیردولتی و خانواده ها . ب. گسترش مراکز خاص نگهداری ، آموزشی و توانبخشی معلولان واجد شرایط (معلولان نیازمند ، معلولان بی سرپرست ، معلولان مجهول الهویه ، معلولان با ناهنجاریهای رفتاری) با همکاری بخش غیر دولتی و پرداخت تسهیلات

اعتباری و یارانه (کمک هزینه) به آنها. ج. تامین و تحویل وسایل کمک توانبخشی موردنیاز افراد معلول . د. گسترش کارگاه های آموزشی ، حمایتی و تولیدی معلولان و ارایه خدمات توانبخشی حرفه ای به معلولان جهت توانمندسازی آنان. تبصره . کارگاه های آموزشی ، حمایتی و تولیدی معلولان موضوع ماده فوق از شمول قانون کار مصوب ۲۹/۸/۱۳۶۹مستثنی خواهد بود. ماده ۴- معلولان می توانند در استفاده از امکانات ورزشی ، تفریحی ، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی (مترو ، هواپیما ، قطار) از تسهیلات نیمه بها بهره مند گردند. تبصره . وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان تربیت بدنی و شهرداریها موظفتند کتابخانه ، اماکن ورزشی ، پارک و امکان تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز نمایند که امکان بهره مندی معلولان فراهم گردد. ماده ۵. افراد تحت سرپرستی معلولان با معرفی سازمان بهزیستی کشور تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و معلولان تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و بیمه مکمل درمانی قرار می گیرند. ماده ۶. یکی از فرزندان اولیایی که خود ناتوان و معلول بوده (هر دو یا یکی از آنها معلول باشد) و یا حداقل دو نفر از فرزندان آنها ناتوان و معلول باشد از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می گردد. تبصره . همسرانی که زن ناتوان و معلول خود را سرپرستی می نمایند مادامی که سرپرستی همسر ناتوان و معلول را برعهده داشته باشند از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می گردند. ماده ۷. دولت موظف است جهت ایجاد فرصت های شغلی برای افراد معلول تسهیلات ذیل را فراهم نماید: الف. اختصاص حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی ، پیمانی ، کارگری) دستگاه های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه ها ، شرکتها و موسسات ، شرکتها ، نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می نمایند به افراد معلول واجد شرایط . ب. تامین حق بیمه سهم کارفرما توسط سازمان بهزیستی کشور و پرداخت آن به کارفرمایانی که افراد معلول را به کار می گیرند . ج. پرداخت تسهیلات اعتباری به واحدهای تولیدی ، خدماتی ، عمرانی و صنفی و کارگاه های تولیدی حمایتی در مقابل اشتغال افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می گردد . د. پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی (وجوه اداره شده) به افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می گردد. ه . پرداخت تسهیلات اعتباری (وجوه اداره شده) جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغالزا به شرکتها و موسساتی که بیش از شصت درصد سهام و سرمایه آنها متعلق به افراد معلول است. و. اختصاص حداقل شصت درصد از پستهای سازمانی تلفنچی (اپراتور تلفن) دستگاه ها ، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم بینا و معلولان جسمی ، حرکتی . ز. اختصاص حداقل شصت درصد از پست های سازمانی متصدی دفتری و ماشین نویسی دستگاه ها ، شرکتها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی ، حرکتی. تبصره ۱. کلیه وزارتخانه ها ، سازمانها ، موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی مجازند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود ، افراد نابینا و ناشنوا و معلولین ضایعات نخاعی واجد شرایط را رأسا به صورت موردی و بدون برگزاری آزمون استخدامی به کار گیرند. تبصره ۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است سه درصد از مجوزهای استخدامی سالانه وزارتخانه ها ، سازمانها ، موسسات دولتی ، شرکتها و نهادهای عمومی و انقلابی را کسر و در اختیار سازمان بهزیستی کشور قرار دهد تا نسبت به برگزاری آزمون استخدامی اختصاصی برای معلولین واجد شرایط با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اقدام و معلولین واجد شرایط پذیرفته شده را حسب مورد به دستگاه مربوطه معرفی نماید. تبصره ۳. سازمان بهزیستی کشور مجاز است در قالب اعتبارات مصوب خود ، صندوق فرصت های شغلی معلولان و مددجویان بهزیستی را ایجاد و اساسنامه آن را به تصویب هیات وزیران برساند. تبصره ۴. سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور موظف است آموزش های لازم فنی و حرفه ای را متناسب با بازار کار برای معلولان به صورت رایگان و تلفیقی تامین نماید. ماده ۸. معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می توانند با معرفی سازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه های آموزش و پرورش ، علوم ، تحقیقات و فناوری ، بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی ، بهره مند گردند. تبصره . آیین نامه اجرایی این ماده مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارتخانه های مذکور و

دانشگاه آزاد اسلامی ظرف مدت دو ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹. وزرات مسکن و شهرسازی ، بانک مسکن و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظفند حداقل ده درصد از واحدهای مسکونی احداثی استیجاری و ارزان قیمت خود را به معلولان نیازمند فاقد مسکن اختصاص داده و با معرفی سازمان بهزیستی کشور در اختیار آنان قرار دهند. تبصره ۱. سیستم بانکی کشور مکلف است ، تسهیلات اعتباری یارانه دار مورد نیاز احداث و خرید مسکن معلولان را تأمین کند و به معلولان یا تعاونی های آنها و یا موسسات خیریه ای که برای معلولان مسکن احداث می نمایند پرداخت کند. تبصره ۲. سازمان ملی زمین و مسکن موظف است زمین مورد نیاز احداث واحدهای مسکونی افراد معلول فاقد مسکن را به نرخ کارشناسی تهیه و در اختیار افراد مذکور یا تعاونی ها و موسسات خیریه ای که برای آنان مسکن احداث می نمایند قرار دهد. تبصره ۳. معلولان از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی ، آماده سازی زمین و عوارض نوسازی معاف می گردند. تبصره ۴. سازمان بهزیستی کشور موظف است در قالب اعتبارات مصوب خود در قوانین بودجه سالانه و کمکهای یارانه ای اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به احداث واحدهای مسکونی برای معلولان و مددجویان اقدام و مالکیت یا بهره برداری آنها را مطابق آیین نامه ای که سازمان بهزیستی کشور با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد به معلولان و مدد جویان واحد شرایط واگذار نماید. ماده ۱۰. میزان کمک هزینه (یارانه) پرداختی سازمان بهزیستی کشور به مراکز غیردولتی (روزانه و شبانه روزی) بابت نگهداری ، خدمات توانبخشی و آموزشی و حرفه آموزی معلولان همه ساله با درنظر گرفتن نرخ تمام شده خدمات و تورم سالانه مشترکا توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور وزارت بازرگانی تهیه و قبل از خرداد ماه هر سال به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱. مرکز آمار ایران مکلف است در سرشماری های عمومی جمعیت کشور به نحوی برنامه ریزی نماید که جمعیت افراد معلول به تفکیک نوع معلولیت آنها مشخص گردد. ماده ۱۲. سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است حداقل دو ساعت از برنامه های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندیهای معلولین اختصاص دهد. ماده ۱۳. سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد ساز و کار مناسب ، نسبت به قیمومیت افراد معلول اقدام نماید ، دادگاهها موظفند در نصب یا عزل قیم افراد معلول صرفا از طریق سازمان مذکور عمل و مبادرت به صدور حکم نمایند. تبصره ۱. سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول ، در محاکم قضایی وکیل تعیین نموده و به دادگاه مربوطه معرفی کند. تبصره ۲. آیین نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه مشترکا توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۴. مودیان مالیاتی می توانند از طریق سازمان بهزیستی کشور و با نظارت آن جهت احداث مراکز توابخشی ، درمانی و حرفه آموزی و مسکن مورد نیاز افراد معلول اقدام نمایند . گواهی هزینه مودیان مالیاتی در موارد فوق که به تایید سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد به عنوان هزینه قابل قبول مالیایت آنان تلقی می گردد. تبصره . آیین نامه اجرایی این ماده مشترکا توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ قانونی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵. روسای سازمانهای بهزیستی استانها مجازند در جلسات شورای برنامه ریزی و توسعه استان و گروه های کاری آن به عنوان عضو شرکت نمایند. تبصره . به منظور کمک به اشتغال معلولان و مددجویان رئیس سازمان بهزیستی کشور مجاز است در جلسات شورای عالی اشتغال شرکت نماید. ماده ۱۶. اعتبار مورد نیاز اجرای این قانون از محل منابع زیر تامین می گردد: ۱. محل اعتباراتی که دستگاهها و نهادها حسب وظایف قانونی در قوانین بودجه سالانه منظور می نمایند. ۲. از محل اعتبارات هزینه ای و تملک سرمایه ای سازمان بهزیستی کشور که تاکنون از محل اعتبارات مذکور خدمات لازم را به معلولان ارایه می داده است. ۳. از محل وجوه واصله از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها در کشور. ۴. از محل صرفه جویی در هزینه های دستگاه ها و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی که میزان سالانه آن برای هر یک از دستگاه ها و شرکت ها و نهاد ها را هیأت وزیران مشخص

می نماید. تبصره ۱. آیین نامه اجرایی این ماده توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲. آن تعداد یا بخشی از مواد این قانون که نیاز به اعتبار جدیدی داشته باشد مادامی که اعتبار لازم از محل منابع مذکور در این ماده .تامین نگردد ، اجرا نخواهد شد.

آیین‌نامه اجرایی تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان – مصوب ۵ ۱ ۱۳۸۷

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت مسکن و شهرسازی, سازمان بهزیستی کشور و معاونت برنامه‌ریزی ونظارت راهبردی رییس جمهور و به استناد تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ـ مصوب ۱۳۸۳ ـ و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخآیین نامه اجرایی تبصره یادشده را به شرح زیر تصویب نمود: ۱۰/۱۰/۱۳۸۶ معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور ـ وزارت مسکن و شهرسازی ـ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ـ سازمان بهزیستی کشور آیین‌نامه اجرایی تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ماده۱ـ در این تصویب‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف ـ معلولان: کلیه افرادی که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی, ذهنی, روانی یا توأم, اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآیی عمومی وی ایجاد گردد به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود. ب ـ مددجویان: کلیه افرادی که تحت پوشش حمایتی سازمان بهزیستی کشور (به جز معلولان) هستند. ج ـ قانون: قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ـ مصوب ۱۳۸۳ـ . د ـ سازمان: سازمان بهزیستی کشور. هـ ـ معاونت برنامه‌ریزی: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور. ماده۲ـ سازمان هر ساله اعتبارات معینی را جهت پیش بینی در لوایح بودجه سالانه به منظور اجرای تبصره (۴) ماده (۹) قانون و تأمین مسکن مورد نیاز مشمولین آیین‌نامه به معاونت برنامه‌ریزی پیشنهاد می‌نماید. ماده۳ـ سازمان مکلف است اعتبارات مصوب قوانین بودجه سالانه را به همراه کلیه کمکهای یارانه‌ای اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور تأمین مسکن معلولان نیازمند و مددجویان صورت می گیرد با رعایت قوانین و مقررات مربوط صرف هزینه احداث واحدهای مسکونی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی برای مشمولین آیین‌نامه انجام می‌شود نماید. ماده۴ـ کمکهای یارانه‌ای اشخاص حقیقی و حقوقی جهت احداث واحدهای مسکونی برای مشمولین آیین‌نامه به استناد ماده (۱۴۷) قانون مالیاتهای مستقیم ـ مصوب ۱۳۶۶ـ جزو هزینه‌های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات محسوب خواهدشد. ماده۵ ـ سازمان مکلف است پس از احداث واحدهای مسکونی و آماده شدن آن جهت سکونت, مالکیت یا بهره‌برداری از آنها را به معلولان و مددجویان واجد شرایط واگذار نماید. ماده۶ ـ برای احداث واحدهای مسکونی موضوع این آیین‌نامه, سازمان صرفاً مجاز به قبول کمکهای یارانه‌ای اشخاصی است که کتباً قصد تبرع در کمک خود را اعلام داشته و حقهرگونه ادعای حق و حقوق نسبت به واحدهای احداثی آن را از خود ساقط نموده باشند. ماده۷ـ اولویت‌ها و شرایط معلولان نیازمند و مددجویان و شرایط و نوع واگذاری جهت استفاده از واحدهای مسکونی موضوع این آیین‌نامه مطابق ضوابطی خواهدبود که توسط سازمان تهیه و به تصویب کارگروهی متشکل از وزرای رفاه و تأمین اجتماعی, مسکن و شهرسازی و رؤسای سازمان بهزیستی کشور و بنیاد مسکن خواهدرسید. ماده ۸ ـ احداث و بهره‌برداری از واحدهای مسکونی موضوع این آیین‌نامه از پرداخت کلیه هزینه‌های صدور پروانه ساختمان, آماده‌سازی زمین و عوارض نوسازی معاف می‌باشند. ماده۹ـ واگذاری واحدهای مسکونی موضوع این آیین‌نامه باید از طریق اعلان فراخوان عمومی به مشمولین آیین‌نامه و پس از انتخاب مشمولین واجد شرایط براساس اولویتها و شرایط موضوع ماده (۷) توسط هیئتی مرکب از رییس سازمان شهرستان, نماینده سازمان استان و نماینده فرماندار شهرستان صورت گیرد. ماده۱۰ـ واگذاریهای موضوع این آیین‌نامه به صورت بلاعوض و رایگان می‌باشد. ماده۱۱ـ رییس سازمان مسئول نظارت بر حسن اجرای این آیین‌نامه می‌باشد. این تصویب‌نامه در تاریخ ۵/۱/۱۳۸۷ به تأیید

مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

ثبتی و اراضی

ثبت اسناد و املاک

قانون ثبت اسناد و املاک – مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی

باب اول ـ تشکیلات اداری ثبت (ماده ۱ تا ۸)

قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی باب اول ـ تشکیلات اداری ثبت ماده ۱ در هر حوزه ابتدایی به اقتضای اهمیت محل ، یک اداره یا دایره ثبت اسناد و املاک تاسیس می‌شود. ممکن است هر اداره یا دایره ثبت دارای شعبی باشد. ماده ۲ مدیران و نمایندگان ثبت و مسوولین دفاتر و صاحبان دفاتر اسناد رسمی جز در محل مأموریت خود نمی‌توانند انجام وظیفه نمایند، اقدامات آنها در خارج از آن محل اثر قانونی ندارد. مواد ۳ و ۴ و ۵ ـ ملغی شده ماده ۶ برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقر هر دادگاه استان هیاتی به نام هیات نظارت مرکب از رییس ثبت استان یا قایم مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می‌شود. هیات مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان رسیدگی می‌نماید. برای این هیات یک عضو علی البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.(اصلاحی مصوب ۱۳۵۱) ماده ۷ دفاتر لازم برای ثبت اسناد و املاک و عده و نوع و ترتیب آنها مطابق نظامنامه ای که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد. ماده ۸ مراجعه به دفاتر املاک برای اشخاص ذینفع مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه جایز است

باب دوم ـ ثبت عمومی

فصل اول ـ اعلان ثبت و تحدید حدود (ماده ۹ تا ۱۵)

ماده ۹ در نقاطی که اداره ثبت موجود است از تاریخ اجرای این قانون و در سایر نقاط پس از تشکیل اداره یا دایره ثبت ، وزارت عدلیه ، حوزه هر اداره یادایره ثبت را به چند ناحیه تقسیم کرده و به ثبت کلیه اموال غیرمنقول واقعه در هر ناحیه اقدام می کند. (اصلاحی مصوب ۱۳۳۷) ماده ۱۰ قبل از اقدام به ثبت عمومی املاک هر ناحیه ، حدود ناحیه مزبور و این که املاک واقعه در آن ناحیه باید به ثبت برسد به وسیله اعلان در جراید به اطلاع عموم خواهد رسید. اعلان مزبور در ظرف ۳۰ روز ۳ مرتبه منتشر می‌شود. ماده ۱۱ از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ده تا شصت روز باید متصرفین به عنوان مالکیت و اشخاص مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ نسبت به املاک واقع در آن ناحیه به وسیله اظهارنامه درخواست ثبت نمایند. اداره ثبت مکلف است تا نود روز پس از انتشار اولین آگهی مذکور ، صورت کلیه اشخاصی را که اظهارنامه داده‌اند با نوع ملک و شماره‌ای که از طرف اداره ثبت برای هر ملک معین شده در روزنامه ها آگهی نماید و این آگهی تا شصت روز فقط در دو نوبت به فاصله سی روز منتشر خواهد شد. مأمور انتشار آگهی ها پس از انتشار و الصاق آگهی ها باید گواهی انتشار از کدخدای محل یا ژاندارمری یا پاسبان اخذ و تسلیم اداره ثبت نماید و در این موارد کدخدا و سایر مأمورین دولتی باید به مأمورین ثبت مساعدت نموده و گواهی لازم رابه مأمور ثبت

بدهند.(اصلاحی مصوب ۱۳۱۷) تبصره در مورد اراضی و املاکی که آثار تصرف مالکانه فعلی کسی نسبت به آنها موجود نباشد درخواست ثبت از کسی پذیرفته می‌شود که بر مالکیت یا بر تصرف سابق خود به عنوان مالکیت یا بر تصرف خود به‌عنوان تلقی از مالک یا قایم مقام قانونی مدارکی داشته باشد. چنانچه تقاضای ثبت نسبت به این قبیل املاک به یکی از عناوین مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ باشد در صورتی تقاضای ثبت پذیرفته می‌شود که تقاضاکننده مدارکی بر عنوان مذکور یا برتصرف سابق خود به آن عنوان یا بر تصرف کسی که تقاضاکننده ، قائم مقام قانونی او محسوب می‌شود داشته باشد. .(الحاقی مصوب ۱۳۱۷) ماده ۱۲ نسبت به املاکی که مجهول المالک اعلان شده اشخاصی که حق تقاضای ثبت دارند می‌توانند در ظرف دو سال از تاریخ اجرای این قانون تقاضای ثبت نمایند و پس از گذشتن مدت دو سال ، معاملات راجع به آن املاک قبل از تقاضای ثبت در دفتر اسناد رسمی پذیرفته نمی‌شود و صدی بیست و پنج از حق الثبت معمولی در موقع تقاضای ثبت ، علاوه دریافت خواهد شد و نسبت به املاکی که آگهی نوبتی آن منتشر نشده از تاریخ انتشار آگهی نوبتی مذکور در ماده ۱۱ معاملات این املاک به هیچ عنوان قبل از تقاضای ثبت در دفاتر اسناد رسمی پذیرفته نخواهد شد و پس از یکسال از تاریخ اولین آگهی نوبتی صدی بیست و پنج از حق‌الثبت معمولی در موقع تقاضای ثبت علاوه دریافت خواهد شد. (اصلاحی مصوب ۱۳۲۲) - (رجوع به قانون افزایش هزینه های ثبتی مصوب ۱/۳/۱۳۴۵) مواد ۱۳ و ۱۳ مکرر ـ ملغی شده ماده ۱۴ تحدید حدود املاک واقعه در هر ناحیه متدرجا به ترتیب نمره املاک ، مطابق نظامنامه وزارت عدلیه به عمل میاید و تقاضاکنندگان ثبت و مجاورین ، برای روز تعیین حدود به وسیله اعلان احضار می‌شوند. این اعلان لااقل بیست روز قبل از تحدید حدود یک مرتبه در جراید منتشر می‌شود. به علاوه مطابق نظامنامه وزارت عدلیه در محل نیز اعلانی منتشر خواهد شد. ماده ۱۵ اگر تقاضاکننده در موقع تحدید حدود ، خود یا نماینده اش حاضر نباشد ، ملک مورد تقاضا با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدیدخواهد شد. هرگاه مجاورین نیز در موقع تحدید حاضر نشوند و به این جهت حدود ملک تعیین نگردد اعلان تحدید حدود نسبت به آن املاک تجدید می‌شود و اگر برای مرتبه دوم نیز تقاضاکننده و مجاورین هیچ یک حاضر نشده و تحدید حدود به عمل نیاید حق الثبت ملک دو برابر اخذ خواهد شد. تبصره هرگاه حدود مجاورین از لحاظ عملیات ثبتی تثبیت و معین باشد تحدید حدود بدون انتشار آگهی با تبعیت از حدود مجاورین به عمل خواهدآمد و در این مورد در صورتی که یک یا چند حد ملک مورد تحدید از اموال عمومی مربوط به دولت و شهرداری و یا حریم قانونی آنها باشد تحدیدحدود با حضور نمایندگان سازمانهای ذیربط به عمل خواهد آمد و عدم حضور نماینده مزبور مانع انجام تحدید حدود نخواهد بود.(اصلاحی مصوب ۱۳۵۱)

فصل دوم ــ اعتراض (ماده ۱۶ تا ۲۰)

ماده ۱۶ هر کس نسبت به ملک مورد ثبت اعتراضی داشته باشد ، باید از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا ۹۰ روز اقامه (دعوا) نماید. عرضحال مزبور مستقیما به اداره یا دایره یا شعبه ثبتی که در ضمن اعلان نوبتی معین شده است تسلیم می‌شود ، در مقابل عرضحال باید رسید داده شود. در صورتی که‌عرضحال در مدت قانونی داده شده باشد اداره ثبت آن را نزد دفتر محکمه ای که مرجع رسیدگی است ارسال می‌دارد. اگر اداره ثبت تشخیص دهد که‌عرضحال خارج از مدت داده شده ، کتبا نظر خود را اظهار خواهد کرد و به حاکم محکمه ابتدایی ، محل می‌دهد تا حاکم مزبور در جلسه اداری موافق نظامنامه وزارت عدلیه رسیدگی کرده رای دهد. رای حاکم محکمه ابتدایی در این موضوع قاطع است (رجوع به قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین ثبتی که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آنها در مراجع قضایی از بین رفته است مصوب۲۵/۲/۱۳۷۳) ماده ۱۷ هرگاه راجع به ملک مورد تقاضای ثبت بین تقاضاکننده و دیگری قبل از انتشار اولین اعلان نوبتی دعوایی اقامه شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوا با تقاضاکننده است باید از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا ۹۰ روز تصدیق محکمه را مشعر به جریان دعوا به اداره ثبت تسلیم نماید

والاـ حق او ساقط خواهـد شـد. تبصـره در مواردی که اداره ثبت تشـخیص دهـد تصـدیق مزبور خارج از مـدت به اداره ثبت تسلیم گردیده ، موافق ماده ۱۶ عمل خواهد شد. ماده ۱۸ در صورتی که محکمه قرار عدم صلاحیت خود را صادر نماید مکلف است پس از قطعیت قرار مزبور به تقاضای مدعی دوسیه عمل را برای مرجع صـلاحیتدار بفرسـتد ، در این مورد تجدید عرضـحال لازم نیسـت اگر معترض پس از تقـدیم عرضـحال در مدت شـصت روز دعوای خود را تعقیب نکرد (مسـکوت گذاشت محکمه مکلف است به تقاضای مسـتدعی ثبت ، قرار اسـقاط دعوای اعتراض را صادر نماید از این قرار می‌توان استیناف داد. رای استیناف قابل تمیز نیسـت ماده ۱۸ مکرر در صورت فوت معترض به ثبت اعم از این که تاریخ فوت قبل یا بعد از اجرای این قانون باشد ، هرگاه معترض علیه نتواند تمام یا بعض از وراث را معرفی نماید به تقاضای او به شرح زیر اقدام می‌شود: ۱ ـ در مورد اول ، دادگاه مراتب را به دادستان محـل ابلاـغ می‌کنـد که در صورت وجود وراث محجور نسـبت به نصب قیم و تعقیب دعوا اقـدام شود و به علاـوه موضوع و جریان دعـوا را سـه دفعه متـوالی در یکی از روزنامه‌هـای کثیرالانتشـار مرکز و یکی از روزنـامه هـای محـل یـا نزدیـک مقر دادگـاه آگهی می‌نماید. چنانچه ظرف ۹۰ روز از تاریـخ انتشـار آخرین آگهی ، دعوا تعقیب نشود قرار سـقوط دعوا صادر گردد. ابلاغ قرار مزبور یک نوبت در یکی از روزنامه های محل یا نزدیک مقر دادگاه آگهی خواهـد شـد و اگر ظرف مـدت مقرر از قرار صادر ، پژوهش خواهی نشود قرار مزبور قطعی و لاـزم الاـجرا است ۲ ـ در مورد دوم ، به وراث شـناخته شـده اخطـار می‌شود درصورتی که در مقام تعقیب دعوا باشـد ظرف پنـج روز از تاریـخ ابلاغ اخطاریه به تقدیم درخواست تعقیب مبادرت کند. در مورد وراث شـناخته نشده و همچنین وراث شـناخته شـده که با صدور و ابلاغ اخطاریه دعوا را مسـکوت گذاشـته باشد به طریق مذکور در بند یک عمل خواهد شـد. تبصـره هرگاه دعوا از طرف یکی از وراث تعقیب شود درخواست دهنـده باید دلیل مثبت وراثت خود را پیوست و میزان سـهم الارث خود را صـریحا دربرگ درخواست قیـد نمایـد. در مواردی که درخواست تعقیب فاقـد شـرایط فوق باشـد به متقاضـی اخطار می‌شود که ظرف پنـج روز از تاریخ ابلاغ درخواست خود را تکمیل کند ، در صورت عدم تکمیل اگر مدت مقرر در بند یک ماده ۱۸ مکرر منقضـی شـده باشد قرار سـقوط دعوا صادر خواهد شد.(الحاقی مصوب ۱۳۵۱.) ماده ۱۹ در صـورتی که در جلسه مقرر برای محاکمه ، معترض یا وکیل او حاضـر نشود و مطابق مقررات اصول محاکمات حقوقی به تقاضای مسـتدعی ثبت ، عرضـحال او ابطال گردد ، تجدیـد عرضـحال فقط در ظرف ۱۰ روز پس از ابلاـغ قرار ابطـال برای یـک مرتبه ممکن خواهـد بـود ، در این مورد عرضـحال مسـتقیما به دفتر محکمه صـلاحیتدار داده خواهد شد. تبصره در مواردی نیز که به موجب مواد ۱۶ و ۱۷ اصول محاکمات آزمایشـی ، عرض حال رد می‌شود مفاد این ماده لازم الرعایه است (رجوع به مواد ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی) ماده ۱۹ مکرر هرگاه مالکیت متقاضـیان ثبت یا دعوای اعتراض ، دارای منشا واحد بوده و تعداد متقاضـیان ثبت و یا معترضـین و یا وراث آنـان بیش از ۱۵ نفر باشـد به درخواست معـترض یـا پژوهشـخواه ، دادخواست و ضـمایم آن به دو نفر از شـرکا یـا وراث که سـهام زیـادتری دارنـد ابلاـغ می‌شود و به علاـوه مفـاد دادخواست و پیوسـتهای آن در یکی از روزنـامه هـای کثیرالانتشـار مرکز و یکی از روزنـامه هـای محـل یـا نزدیـک مقر دادگـاه سه دفعه متـوالی آگهی خواهدشـد.(الحـاقی مصـوب ۱۳۵۱) هرگـاه دعـوا در جریـان رسـیدگی باشـد به درخواست هر یـک از طرفین دعوا دو نفر از طرف دیگر که سـهام زیـادتری دارنـد برای ابلاـغ اخطـاریه انتخاب ومراتب برای اطلاـع سایرین یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه‌های محل یا نزدیک مقر دادگاه آگهی می‌شـود و در این آگهی و همچنین آگهی مربوط به درج دادخواست بایـد صـریحا قیـد شود که برای شـرکت در جلسـات ، وقت رسـیدگی فقط به دو نفر اشـخاص انتخاب شده مزبور با ذکر اسامی ابلاغ خواهد شد و سایرین حق دارند برای اطلاع از جریان دادرسـی و یا شرکت در جلسات دادرسی با مراجعه به دفتر دادگاه از جریان دعوا و پاسخ لوایح و وقت رسیدگی مطلع شوند و یا به وسیله وکیل دادگستری در دادرسـی شـرکت نمایند. اگر بعضـی از شـرکای ملک یا وراث ، ولو آنکه سـهم کمتری داشته باشند به وسیله وکیل دادگستری در دادرسی مداخله نمایند به جای شریک ، شریک ملک یا وارثی که سهم زیادتری دارند باید دادخواست

و اوراق اخطاریه به وکیل ابلاغ شود. در صورتی که وکیل دادگستری در دعوا مداخله داشته باشد ابلاغ اوراق اخطاریه به کلیه وکلا الزامی است در موردی که دادخواست و یا جریان دعوا از طریق انتشار آگهی به عده‌ای از خواندگان ابلاغ می‌شود حضوری بودن حکم صادر نسبت به آنان موکول به دعوت آنان برای شرکت در جلسه دادرسی نمی‌باشد. ماده ۲۰ مجاوری که نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی ، حقی برای خود قایل است می‌تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود به وسیله اداره ثبت به مرجع صلاحیت دار عرضحال دهد. مقررات مواد ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ و ۱۹ (به استثنای مدت اعتراض که ۳۰ روز است در این مورد نیز رعایت خواهد شد. تقاضاکننده ثبتی که خود یا نماینده‌اش در موقع تحدید حدود حاضر نبوده و ملک مورد تقاضای او با حدود اظهارشده از طرف مجاورین مطابق ماده ۱۵ تحدید شده می‌تواند مطابق مقررات این ماده عرضحال اعتراض دهد.(۱۵) تبصره ـ در دعاوی اعتراض به حدود ملک مورد تقاضای ثبت واقع در محدوده قانونی شهرها که تا تاریخ تصویب این قانون مطرح شده است هرگاه‌اعتراض از طرف غیرمجاور به عمل آمده باشد و همچنین در صورت استرداد دعوا به‌موجب سند رسمی یا اخذ سند مالکیت از طرف معترض باحدودی که در صورت مجلس تحدید حدود تعیین شده است دادگاه در جلسه اداری فوق العاده رسیدگی ، حسب مورد قرار رد یا سقوط دعوا را صادرخواهد کرد و این قرار فقط قابل رسیدگی پژوهشی است (رجوع به قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبت .. مصوب ۲۵/۲/۱۳۷۳) نسبت به اعتراضاتی که بعد از تصویب این قانون به عمل میاید در صورتی که اعتراض از طرف غیر مجاور به عمل آید یا معترض مجاور با حدود تعیین شده در صورت مجلس تحدید حدود ، سند مالکیت بگیرد یا به موجب سند رسمی از اعتراض خود بدون قید و شرط صرف نظر کند ، واحد ثبتی مربوط نظر خود را در بی اثر بودن اعتراض به معترض ابلاغ می‌نماید. معترض می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نظر مزبور ، به هیات نظارت شکایت نماید. رای هیات نظارت قطعی است در صورتی که اقامتگاه معترض معلوم نباشد نظر واحد ثبتی یک نوبت در روزنامه‌ای که برای آگهی های ثبتی تعیین شده منتشر می‌گردد و معترض می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ انتشار آگهی به هیات نظارت شکایت نماید.

فصل سوم ــ آثار ثبت (ماده ۲۱ تا ۴۵)

ماده ۲۱ پس از اتمام عملیات مقدماتی ثبت ، ملک در دفتر املاک ثبت شده و سند مالکیت مطابق ثبت دفتر املاک داده می‌شود. ماده ۲۲ همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا این که ملک مزبور از مالک رسمی ارثا به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت در مورد ارث هم ملک وقتی در دفتر املاک به اسم وارث ثبت می‌شود که وراثت و انحصار آنها محرز و در سهم الارث بین آنها توافق بوده و یا در صورت اختلاف ، حکم نهایی در آن باب صادر شده باشد. تبصره حکم نهایی عبارت از حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی و یا به واسطه انقضای مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوایی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعاوی مختومه محسوب شود. ماده ۲۳ ثبت ملک به حقوق کسانی که در آن ملک مجرای آب یا چاه قنات (اعم از دایر و بایر) دارند به هیچ عنوان و در هیچ صورت خللی وارد نمیاورد. ماده ۲۴ پس از انقضای مدت اعتراض ، دعوای این که در ضمن جریان ثبت تضییع حقی از کسی شده پذیرفته نخواهد شد ، نه به عنوان قیمت نه به هیچ عنوان دیگر ، خواه حقوقی باشد خواه جزایی . در مورد مذکور در ماده ۴۴ مطابق ماده ۴۵ و در موارد مذکور در مواد ۱۰۵ ـ ۱۰۶ ـ ۱۰۷ ـ ۱۰۹ ـ ۱۱۶ و ۱۱۷ مطابق مقررات جزایی مذکور در باب ششم این قانون رفتار خواهد شد. ماده ۲۵ حدود صلاحیت و وظایف هیات نظارت بدین قرار است ۱ ـ هرگاه در اجرای مقررات ماده ۱۱ از جهت پذیرفتن تقاضای ثبت ، اختلافی بین اشخاص و اداره ثبت واقع شود و یا اشتباهی تولید گردد و یا در تصرف اشخاص تزاحم و تعارض باشد رفع اختلاف و تعیین تکلیف و یا ابطال و یا اصلاح درخواست ثبت با هیات نظارت است ۲ ـ هرگاه هیات نظارت تشخیص دهد که در جریان مقدماتی ثبت املاک ، اشتباه موثر واقع شده آن

اشتباه و همچنین عملیات بعدی که اشتباه مزبور در آن موثر بوده ابطال و جریان ثبت طبق مقررات ، تجدید یا تکمیل یا اصلاح می‌گردد. ۳ ـ هرگاه در موقع ثبت ملک و یا ثبت انتقالات بعدی صرفا به علت عدم توجه و دقت نویسنده سند مالکیت و یا دفتر املاک ، اشتباه قلمی رخ دهد وهمچنین در صورتی که ثبت دفتر املاک مخالف یا مغایر سند رسمی یا حکم نهایی دادگاه باشد هیات نظارت پس از رسیدگی و احراز وقوع اشتباه دستوراصلاح ثبت دفتر املاک و سند مالکیت را صادر خواهد کرد. ۴ ـ اشتباهاتی که قبل از ثبت ملک در جریان عملیات مقدماتی ثبت پیش آمده و موقع ثبت ملک در دفتر املاک مورد توجه قرار نگرفته بعدا اداره ثبت به‌آن متوجه گردد در هیات نظارت مطرح می‌شود و در صورتی که پس از رسیدگی ، وقوع اشتباه محرز و مسلم تشخیص گردد و اصلاح اشتباه به حق کسی خلل نرساند هیات نظارت دستور رفع اشتباه و اصلاح آن را صادر می‌نماید و در صورتی که اصلاح مزبور خللی به حق کسی برساند به شخص ذینفع اخطار می‌کند که می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید و اداره ثبت دستور رفع اشتباه یا اصلاح آن را پس از تعیین تکلیف نهایی در دادگاه صادر خواهد نمود. ۵ ـ رسیدگی به تعارض در اسناد مالکیت کلا یا بعضا خواه نسبت به اصل ملک خواه نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی آن با هیات نظارت است ۶ ـ رسیدگی و رفع اشتباهی که در عملیات تفکیکی رخ دهد و منتج به انتقال رسمی یا ثبت دفتر املاک شود با هیات نظارت است مشروط بر این که رفع اشتباه مزبور خللی به حق کسی نرساند. ۷ ـ هرگاه در طرز تنظیم اسناد و تطبیق مفاد آنها با قوانین ، اشکال یا اشتباهی پیش آید رفع اشکال و اشتباه و صدور دستور لازم با هیات نظارت خواهد بود. ۸ ـ رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به نظریه رییس ثبت در مورد تخلفات و اشتباهات اجرایی با هیات نظارت است تبصره ۱ در مواردی که برحسب تشخیص هیات نظارت مقرر شود که آگهی‌های نوبتی تجدید گردد ظرف سی روز از تاریخ انتشار آگهی مجدد که فقط یک نوبت خواهد بود معترضین حق اعتراض خواهند داشت تبصره ۲ در صورتی که اشتباه از طرف درخواست کننده ثبت باشد هزینه تجدید عملیات مقدماتی ثبت به طریقی که در آیین نامه تعیین خواهد شد به‌عهده درخواست‌کننده خواهد بود. تبصره ۳ رسیدگی هیات نظارت در موارد مذکور در بندهای یک و دو این ماده تا وقتی است که ملک در دفتر املاک به ثبت نرسیده باشد. تبصره ۴ آرای هیات نظارت فقط در مورد بندهای یک و پنج و هفت این ماده بر اثر شکایت ذینفع قابل تجدیدنظر در شورای عالی ثبت خواهد بودولی مدیرکل ثبت به منظور ایجاد وحدت رویه در مواردی که آرای هیاتهای نظارت متناقض و یا خلاف قانون صادر شده باشد موضوع را برای رسیدگی و اعلام نظر به شورای عالی ثبت ارجاع می‌نماید و در صورتی که رای هیات نظارت به موقع اجرا گذارده نشده باشد طبق نظر شورای عالی ثبت به موقع اجرا گذارده می‌شود. در مورد ایجاد وحدت رویه نظر شورای عالی ثبت برای هیاتهای نظارت لازم الاتباع خواهد بود. تبصره ۵ در مورد بندهای یک و پنج و هفت ، رای هیات نظارت برای اطلاع ذی نفع به مدت بیست روز در تابلوی اعلانات ثبت محل الصاق و سپس به موقع اجرا گذارده می‌شود. وصول شکایت از ناحیه ذی نفع چنانچه قبل از اجرای رای باشد اجرای رای را موقوف می‌نماید و رسیدگی و تعیین تکلیف با شورای عالی ثبت خواهدبود. هرگاه شورای عالی ثبت در تجدید رسیدگی رای هیات نظارت را تایید نماید عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد. ماده ۲۵ مکرر مرجع تجدیدنظر نسبت به آرای هیات نظارت شورای عالی ثبت خواهد بود که دارای دو شعبه به شرح زیر است (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱) الف ـ شعبه مربوط به املاک ب ـ شعبه مربوط به اسناد هر یک از شعب مذکور از سه نفر که دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری و مسوول قسمت املاک در شعبه املاک و مسئول قسمت اسناد در شعبه اسناد تشکیل می‌گردد. ماده ۲۶ در مورد انتقال تمام یا قسمتی از ملک ثبت شده و یا واگذاری حقی نسبت به عین آن ملک و همچنین در مورد عمری و رقبی و سکنی و معاملات راجع به انتقال منافع ملک برای مدتی بیش از سه سال به ترتیب ذیل عمل خواهد شد: سند معامله در دفتر اسناد رسمی یا دفتر معاملات غیرمنقول ثبت و خلاصه آن در دفتر املاک ذیل صورت ثبت ملک قید می‌شود و به همین طریق خلاصه کلیه انتقالات در دفتر املاک به ترتیب تاریخ ، ذیل یکدیگر به ثبت خواهد رسید. شرایط و ترتیب ثبت خلاصه انتقالات در دفتر املاک و تجدید اوراق مالکیت به

موجب نظامنامه وزارت عـدلیه معین خواهـد شد. ماده ۲۷ کسـانی که در مورد املاـک وقف و حبس و ثلث باقی بایـد تقاضای ثبت بدهند و همچنین کسانی که نسبت به ثبت این قبیل املاک باید عرضـحال اعتراض داده و حقوق وقف و حبس و ثلث باقی را حفظ کننـد به موجب نظامنامه وزارت عـدلیه معین خواهـد شد. ماده ۲۸ هرگـاه نسبت به این قبیـل املاک به عنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نماینده اوقافی که به موجب نظامنامه مکلف به دادن عرضـحال اعتراض و تعقیب دعوا و حفظ حقوق وقف یا حبس یـا ثلث بـاقی است در اثر تبـانی به تکلیف خود عمـل ننمایـد به مجـازات خیـانت در امانت محکوم خواهـد شـد. در مواردی نیز که تقاضای ثبت ملک دیگری بـدون ذکر حقوق ارتفاقی املاک وقف و حبس و ثلث باقی شـده است هرگاه اشـخاص مذکور در فوق در اثرتبانی به تکلیف خود عمل ننمایند به مجازات خائنین در امانت محکوم می‌شوند. ماده ۲۹ مخارج راجع به ثبت املاک مذکور در فوق در صورتی که ملک مورد تقاضا عایـدات نداشته و برای امور خیریه تخصیص داده شـده باشـد و همچنین مخارج محاکمه اعتراض از محـل مبرات مطلقه و موقوفـات مجهول المصـرف داده می‌شود و در صورت عـدم کفـایت این عایـدات ، مخـارج گرفته نخواهد شد. ماده ۳۰ در مواردی که اداره اوقاف تقاضای ثبت می‌دهد مخارج راجع به ثبت را خود مستقیما از عایدات موقوفه مورد تقاضـا وصول خواهـد نمود. برای ثبت مساجـد و امـاکن متبرکه و مـدارس قـدیمه و تکایـا و آب انبـار های عمومی تقاضای ثبت از طرف متولی یا اداره اوقاف بدون اخذ حق الثبت و مخارج مقدماتی پذیرفته خواهد شد. ماده ۳۱ ثبت رقبه به عنوان وقفیت و حبس ، مثبت تولیت نیست ماده ۳۲ تقاضای ثبت نسبت به املاک دولت به عهده مالیه محل و نسبت به املاک موسسات بلدی و خیریه بر عهده رییس موسسه و نسبت به املاک شرکتها به عهده مدیر شرکت و در مورد املاک محجورین به عهده ولی یا قیم آنهاست ماده ۳۳ نسبت به املاکی که با شـرط خیار یا به عنوان قطعی با شرط نذر خارج و یا به‌عنوان قطعی با شرط وکالت منتقل شده است و به طور کلی نسبت به املاکی که به عنوان صلح یا به هر عنوان دیگر با حق استرداد قبل از تاریخ اجرای این قانون انتقال داده شده اعم از این که مدت خیار یا عمل به شـرط و به طورکلی مدت حق استرداد منقضـی شده یا نشده باشد و اعم از این که ملک در تصـرف انتقال دهنده باشد یا در تصرف انتقال گیرنده ، حق تقاضای ثبت باانتقال دهنده است مگر در موارد ذیل که اظهارنامه فقط از منتقل الیه پـذیرفته می‌شود: ۱ ـ در صـورتی که ملـک قبـل از تاریـخ اجرای این قـانون به مـوجب حکم نهـایی به ملکیت قطعی منتقـل الیه محکوم شده باشد. ۲ ـ در صورتی که پس از انقضـای مـدت حق استرداد ، انتقال دهنـده مالکیت قطعی (بـدون حق استرداد) انتقال گیرنـده را کتبا تصـدیق کرده باشد. ۳ ـ در صـورتی که در تاریـخ اجرای قـانون مصوب ۲۱ بهمن مـاه ۱۳۰۸ ملـک مورد معامله در تصـرف انتقال گیرنـده بوده و لااقل پنـج سال از انقضای موعد حق استرداد تا تاریخ مزبور گذشـته باشد مشـروط به دو شـرط ذیل (اصلاحی مصوب ۱۳۱۲) الف ـ از انقضـای موعـد حق استرداد تـا تاریـخ اجرای قانون بهمن ماه ۱۳۰۸ از طرف انتقال دهنـده یا قایم مقـام قـانونی او به وسـیله عرضـحال یا اظهارنامه رسـمی اعتراض به مالکیت انتقال گیرنـده نشـده باشـد. ب ـ در صورتی‌که تا تاریخ تصویب این قانون (۲۸ دی ماه ۱۳۱۲) حکم قطعی بر بی‌حقی انتقال گیرنـده یا قائم مقام قانونی او صادر نشده باشد. تبصـره ۱ کلیه معاملاـت بـا حق استرداد ولو آن که در ظـاهر معـامله با حق استرداد نباشـد مشـمول جمیع مقررات راجعه به معاملات با حق استرداد خواهـد بود اعم از این که بین متعـاملین محصور بوده و یـا برای تـامین حق استرداد ، اشـخاص ثـالثی را بـای نحو کـان مـداخله داده باشند. تبصره ۲ در مواردی که مطابق این ماده انتقال دهنـده تقاضای ثبت می کنـد ، باید حق انتقال گیرنده را در تقاضانامه خود قید نمایـد و این حق در ضـمن اعلان با تصـریح به اسم طرف ذکر خواهـد شـد. ماده ۳۴ در مورد معاملاـت مـذکور در ماده ۳۳ و کلیه معاملات شـرطی و رهنی راجع به اموال غیرمنقول در صورتی که بدهکار ظرف مدت مقرر در سـند بدهی خود را نپردازد بسـتانکار می‌توانـد وصول طلب خودرا توسط دفترخـانه تنظیم کننـده سـند درخواست کنـد. دفترخانه ، بنا به تقاضای بسـتانکار ، اجراییه برای وصول طلب و اجور و خسـارت دیرکرد صـادر خواهـد کرد و به اداره ثبت ارسـال خواهـد داشت و بـدهکار از تاریـخ ابلاغ اجراییه هشت ماه مهلت خواهـد داشت که نسبت به پرداخت بـدهی خود اقدام نماید. بدهکار می‌تواند ظرف شـشماه از تاریخ ابلاغ اجراییه

درخواست نمایـد که ملک از طریق حراج به فروش برسـد. در این صورت اجرای ثبت یا ثبت محل پس از انقضای مدت ششماه به حراج ملک اقـدام خواهـد کرد. قبل از فروش ملک در صورت اعلام انصـراف بـدهکار حراج ملک موضوعا منتفی خواهدبود. مبلغ حراج بایـد از کـل مبلغ طلب و خسـارت قـانونی و حقوق و عوارض و هزینه هـای قـانونی تا روز حراج شـروع شود و در هر حال به کمتر از آن فروخته نخواهـد شـد. در صورت نبودن خریـدار و همچنین در صورتی که تقاضای بـدهکار ظرف مدت مقرر به اجرا یا ثبت محـل واصـل نشود پس از انقضای هشت ماه مـذکور در این قانون ، ملک با اخـذ کلیه حقوق و عوارض و هزینه‌های قانونی به موجب سـند انتقال رسـمی به بسـتانکار واگذار خواهد شد. هرگاه بسـتانکار قسـمتی از طلب خود را دریافت کرده باشد در صورت واگذاری ملک به او باید وجوه دریافتی را مسترد نماید. در مورد موسـسات و شرکتهای دولتی و بانکها وجوه دریافتی از اصل طلب مسترد می‌گردد. در مورد اموال منقول اعم از این که اجراییه نسبت به تمام یا باقیمانـده طلب صادر شـده باشد هرگاه بدهکار ظرف چهارمـاه از تاریـخ ابلاـغ اجراییه نسبت به پرداخت بـدهی خود اقـدام ننمایـد مـال مورد معامله وسـیله اجرای ثبت به حراج گذاشـته می‌شود. هرگـاه مـال به قیمتی بیش از طلب مورد مطـالبه و خسـارت قـانونی و حقوق و عوارض و هزینه های قانونی تا روز حراج به فروش نرود ، پس از دریـافت حقوق اجرایی تمـام مال مورد معامله ضـمن تنظیم صورت مجلس توسط رییس اجرا تحویل بسـتانکار خواهد شد. در مواردی هم که مال یا ملکی وثیقه دین یا ضمانتی قرار داده شود برحسب آنکه مال مزبور منقول و یا غیرمنقول باشد طبق مقررات این قانون عمل خواهد شد. تبصره ۱ حراج اموال منقول و غیرمنقول بدون تشریفات انتشار آگهی خاص در روزنامه در مرکز یا مراکز حراج به عمل میایـد. ختم عملیات حراج نبایـد از دو ماه تجاوز نمایـد و انجام حراج بایـد در هفته آخر دو ماه مذکور باشـد. نحوه اجرای حراج و نوبت آن و همچنین تشـکیل مرکز یـا مراکز حراج به موجب آیین نـامه وزارت دادگستری خواهـد بود. تبصره ۲ هرگاه بعد از ابلاغ اجراییه و قبل از واگذاری مال به غیر یا انتقال یا تحویل مال به بسـتانکار ، وقوع فوت بدهکار مسـتندا به مدرک رسـمی اعلام شود از تاریخ فوت ، وراث نسـبت به اموال منقول ، سه ماه و نسـبت به اموال غیرمنقول ، ششماه مهلت خواهند داشت که نسبت به پرداخت بدهی مورث اقدام نمایند. در هر مورد که مهلت استفاده از حق استرداد بیش از مهلت های مذکور فوق باشد باید همان مهلت بیشتر ، رعایت و احتساب شود. تبصره ۳ در کلیه اسناد رسمی بایستی اقامتگاه متعاملین به طور وضوح در سند قید شود. اقامتگاه متعاملین همان است که در سـند قید شده و مادام که تغییر اقامتگاه خود را قبل از صدور اجراییه به دفترخانه و قبل از ابلاـغ به اجرا بـا نشانی صـحیح و ذکر شـماره پلاک محل اقامت اعم از خانه و مهمانخانه و غیره که بتوان اجراییه را به آنجا ابلاغ کرد اطلاع ندهند ، کلیه برگ ها و اخطاریه های اجرایی به محلی که در سـند قید شده ابلاغ می‌شود و متعهد نمی‌تواند به عذر عدم اطلاع متعذر گردد. دفاتر اسـناد رسـمی مکلفند پس از صدور اجراییه مراتب را به آخرین نشانی متعهد از طریق پست سفارشی به او اطلاـع دهنـد و برگ اجراییه را به ضـمیمه قبض پست سفارشـی جهت ابلاـغ اجراییه و عملیـات اجرایی به ثبت محـل ارسال دارنـد. هرگاه محل اقامت متعهد در سـند قید نشده و یا به جهات دیگر احراز محل اقامت میسر نباشد ، ثبت محل موضوع اجراییه را به طور اختصـار یک نوبت در یکی از جرایـد کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل آگهی خواهـد نمود. طرز ابلاغ برگ اجرایی و همچنین ترتیب انتشار آگهی به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. تبصـره ۴ در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ و معاملات رهنی زیان دیرکرد از تاریخ انقضای سـند و در مورد رهن تصرف از زمان تخلیه و تحویل تعلق خواهد گرفت و در مورد سایر دیون و معاملاـت استقراضـی موجـل که تعلق زیـان دیرکرد در سـند شـرط نشـده باشـد و همچنین دیون عنـدالمطالبه ، تعلق زیان دیرکرد مشـروط به تقـدیم دادخواست یا اظهارنامه و یا صدور اجراییه می‌باشد و از تاریخ تقدیم دادخواست یا ابلاغ اظهارنامه یا ابلاغ برگ اجرایی محسـوب می‌شـود ، ولی به طـورکلی زیـان دیرکرد در صـورتی تعلق می‌گیرد که وجه الـتزامی بین طرفین در ضـمن معـامله اصلی یا ضمن هر نوع قرارداد و معامله دیگری به طوری که التزام مزبور راجع به معامله اصلی باشد مقرر نشده و بدهکار در صورت دیرکرد به طور مسـتقیم به تادیه آن ملزم نگردیـده باشد. تبصـره ۵ هر قراری که در اسـناد استقراضـی به صورت وجه التزام یـا طرق

دیگر گذارده شود که موجب شود خسارت دیرکرد بیش از صدی دوازده باشد نسبت به مازاد ، غیرقانونی و بلااثر است در صورتی که در سند بهره یا اجوری کمتر از ۱۲٪ قید شده باشد خسارات دیرکرد به همان میزان اخذ خواهدشد. تبصره ۶ در مورد معاملات رهنی بستانکار می‌تواند از رهن اعراض نماید. در صورت اعراض ، مورد رهن آزاد و عملیات اجرایی براساس اسناد ذمه خواهد بود. تبصره ۷ در مواردی که مال بدهکار برای استیفای طلب بستانکار معرفی می‌شود ، پس از بازداشت و ارزیابی و قطعیت بهای ارزیابی هرگاه بدهکارظرف ۲ ماه از تاریخ قطعیت ارزیابی بدهی خود را نپردازد ، با دریافت حقوق اجرایی مال به بستانکار در قبال تمام یا بعض طلب او واگذار می‌شود. ترتیب معرفی و بازداشت و ارزیابی و نحوه واگذاری مال و همچنین در صورتی که ارزش مال معرفی شده بیش از تمام طلب بستانکار و حقوق اجرایی باشد چگونگی واگذاری تمام یا بعض آن به موجب آیین نامه وزارت دادگستری تعیین خواهد شد. تبصره ۸ هرگاه بدهکار یا قایم مقام قانونی او در نیمه اول مهلت هایی که برای استفاده از حق استرداد در این قانون مقرر شده با بستانکار معامله خود را مستقیما ختم و نصف نیم عشر اجرایی را بپردازد و یا کلیه دیون و خسارت قانونی بستانکار و نصف نیم عشر اجرایی را در صندوق ثبت تودیع نماید اجراییه مختوم می‌گردد و در صورتی‌که ظرف مهلت مزبور نصف نیم عشر اجرایی کلا- یا بعضا پرداخت نشود تمام آن دریافت خواهد شد. تبصره ۹ در مورد وام های مربوط به طرحهای صنعتی و معدنی ، بانک وام دهنده می‌تواند ظرف ششماه از تاریخ ابلاغ اجراییه تقاضای حراج مال مورد رهن یا وثیقه را بنماید ، خواه بدهکار تقاضای حراج کرده یا نکرده باشد. پس از انقضای مدت مذکور مال از طریق حراج به فروش می‌رسد. حراج باید به میزان کل مبلغ طلب و خسارت و حقوق و عوارض و هزینه های قانونی تا روز حراج شروع شود. در صورتی که خریداری نباشد ، یکبار دیگر حراج تجدیدو بهای مال به وسیله ارزیاب ، ارزیابی و پس از قطعیت بهای ارزیابی ، حراج برمبنای آن شروع می‌گردد. ترتیب انتخاب ارزیاب همچنین نحوه ارزیابی طبق آیین نامه ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن و وزارت دادگستری و بانک مرکزی ایران به تصویب کمیسیون های دادگستری و صنایع و معادن مجلسین خواهد رسید. هرگاه بهای ارزیابی بیش از کل طلب و خسارت و هزینه‌های قانونی تا روز حراج باشد ، حراج از کل طلب و خسارت و هزینه های قانونی تا روز حراج شروع می‌شود و اگر ارزیابی کمتر از میزان کل طلب باشد ، بانک می‌تواند تا تعیین نتیجه قطعی حراج ، درخواست بازداشت سایر اموال مدیون را تا میزان باقیمانده طلب بنماید. در هر حال هرگاه مال مورد رهن یا وثیقه در حراج بار دوم به فروش نرسد پس از اخذ کلیه حقوق و عوارض و هزینه‌های قانونی ، مال مزبور به مبلغ شروع حراج به موجب سند رسمی به بانک واگذار می‌شود. هرگاه مبلغی از طلب بانک باقی مانده باشد از سایر اموال مدیون تا میزان باقیمانده طلب بانک ارزیابی و پس از قطعیت بهای ارزیابی از طریق حراج به شرح مذکور فوق استیفای طلب بانک خواهد شد. بانک می‌تواند نظیر سایر مرتهنین با استفاده ازحق مقرر در تبصره ۶ از رهن اعراض نموده اموال مدیون را اعم از مورد رهن و غیر آن برای استیفای طلب خود معرفی نماید. در این صورت نیز اموال به‌شرح فوق از طریق حراج به فروش رسیده یا به بانک واگذار خواهد شد. احراز تخصیص وام به طرح صنعتی یا معدنی طبق ضوابطی خواهد بود که به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و تصویب شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد و منوط به قید آن در سند رسمی مربوط به اخذ وام خواهد بود. ماده ۳۴ مکرر در کلیه معاملات مذکور در ماده ۳۴ این قانون بدهکار می‌تواند با تودیع کلیه بدهی خود اعم از اصل و اجور و خسارت قانونی و حقوق اجرایی نزد سردفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند ، مورد معامله را آزاد و آن را با دیگری معامله نماید یا کلیه بدهی خود را در صندوق ثبت یا هر مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین می‌نماید تودیع و با تسلیم مدرک تودیعی به دفترخانه تنظیم کننده سند ، موجبات فسخ و فک سند را فراهم کند. دفاتر اسناد رسمی مکلفند وجوه امانی مذکور را بلافاصله و در صورت انقضای وقت اداری در اولین وقت اداری بعد به صندوق ثبت تحویل نمایند. هر بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد نیز می‌تواند کلیه بدهی موضوع سند به بستانکار دیگر و نیز حقوق دولت را پرداخت ویا در صندوق ثبت و یا هر مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین می‌نماید تودیع و تقاضای استیفای حقوق خود را از اداره

ثبت بنمایـد. هرگاه مدت سـند باقی باشد باید حق بسـتانکار تا آخر مدت رعایت شود. در صورت صدور اجراییه گواهی اداره اجرا در مورد بلامانع بودن فک و فسخ معامله یا انجام معامله نیز ضـروری خواهد بود. در کلیه موارد مذکور فوق هرگاه منافع مال مورد معامله حق سـکنی یا حقوق دیگری بوده و به بستانکار منتقل شده باشد ، باید حق نامبرده تا آخر مدت مذکور در سند رعایت شود. تبصره ۱ انتقـال قهری حق استرداد به وراث بـدهکار موجب تجزیه مورد معـامله نخواهـد بود. هرگاه قبل از صـدور اجراییه یا قبل از خاتمه عملیات اجرایی کلیه بدهی و خسارت قانونی و حق اجرا در صورت صدور اجراییه از ناحیه احد از وراث مدیون در صـندوق ثبت یا مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین نماید تودیع شود مال مورد معامله در وثیقه وارث مزبور قرار می گیرد. در این مورد هرگاه هریـك از وراث به نسبت سـهم الارث ، بـدهی خود را به وارث مزبور بپردازد به همان نسـبت از مورد وثیقه به نفع او آزاد خواهد شد. ترتیب و نحوه وصول طلب وارث پرداخت کننده دین از سایر وراث به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. تبصـره ۲ عملیات اجرایی با صـدور سـند انتقال یا تحویل مال منقول یا پرداخت طلب بسـتانکار و اجرای تعهـد بـدهکار مختومه خواهد بود. درصورتی که مـال از طریق حراج به فروش برسـد ختم عملیات اجرایی تاریـخ تنظیم صورت مجلس حراج می‌باشـد. تبصـره ۳ نحوه توقیف حق بـدهکار نسبت به مـازاد مورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننـده به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. تبصره ۴ کلیه اسـناد تنظیمی و اجراییه هـای صـادر قبـل از اجرای این قانون تابع مقررات زمان تنظیم سـند خواهـد بود. ماده ۳۵ محاکم عدلیه در هیچ مورد نسبت به وجه التزام مقرر در معاملات مذکور در ماده ۳۳ و معاملات استقراضی بیش از صدی پانزده در سال به نسبت مـدت تاخیر حکم نـداده و ادارات ثبت بیش از صـدی دوازده در سال ورقه لازم الاجرا صادر نخواهنـد کرد. ماده ۳۶ خسـارت تاخیر تادیه در صورتی که در محاکم عـدلیه مورد مطالبه واقع نشود مشـمول مواد ۴۲ و ۴۴ قانون تسریع محاکمات خواهد بود و در صورتی که به‌وسیله اداره ثبت مأخوذ شود از قرار صدی دوازده در سال بوده و تمام آن به طلبکار داده می‌شود. وجه التزام در صورتی که در محاکم عـدلیه مورد مطالبه واقع شود و بیش از صـدی ده باشـد مازاد از صدی ده تا صدی پانزده نیزمشـمول مواد ۴۲ و ۴۴ قانون تسریع محاکمات است و چنانچه صدی ده یا کمتر باشد تمام آن به محکوم له داده خواهد شد و هرگاه وجه التزام به وسـیله اداره ثبت مأخوذ شود منتهی از قرار صـدی دوازده در سال است که تماما به طلبکار داده می‌شود. ماده ۳۷ نسبت به معاملات مذکور در ماده ۳۳ که قبل از تاریـخ اجرای این قانون و پس از ثبت ملك واقع شـده مقررات ماده ۳۴ لازم الرعایه خواهد بود. ماده ۳۸ در موضوع انتقالات مـذکور در ماده ۳۳ که قبل از تاریـخ اجرای این قانون واقع شـده محاکم مکلفند در مواردی که مطابق ماده مزبور حق تقاضـای ثبت به انتقـال دهنـده داده شـده ، برطبق ماده ۳۴ حکـم بـه رد اصـل و اجـور و غیره داده و در مـواردی که حق تقاضـای ثبت به انتقـال گیرنـده داده شـده است ، حکم به مالکیت انتقال گیرنـده بدهنـد اعم از این که نسبت به ملك مورد معامله تقاضای ثبت شـده یا نشـده باشد. نسـبت به معاملات مذکوره در ماده ۳۳ که پس از تاریـخ اجرای این قـانون واقع شود ، محـاکم و ادارات ثبت مکلفند مدلول ماده ۳۴ را به موقع اجرا گذارند ماده ۳۹ حقوقی که در مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ و ۳۸ برای انتقال دهنده مقرر است قبل از انقضای مدت حق استرداد قابل اسـقاط نیست هر قرارداد مخالف این ترتیب باطل و کان لم یکن خواهد بود ، خواه قبل از این قانون باشد ، خواه بعد و اعم از این که به موجب سـند رسـمی باشد یا غیررسـمی ماده ۴۰ تخلف قضـات و مأمورین دولت از مقررات مواد ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۵ ـ ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ و ۳۹ مسـتلزم مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالاـست ماده ۴۱ در صورتی که در اثنـای مـدت عملیات مقـدماتی ، تقاضا کننده ثبت ، مورد تقاضا را کلا یا بعضا به دیگری منتقل کند ، انتقال دهنده مکلف است تا ده روز از تاریخ انتقال شـخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله در اداره ثبت اسـناد حاضر و معامله خود را کتبا اطلاع دهد (اصلاحی مصوب ۷/۵/۱۳۱۲) . ماده ۴۲ هرگاه مورد انتقال ملکی باشد که نسبت به آن عرضحال اعتراضی داده شده است ، انتقال دهنده مکلف است در حین انتقال ، انتقال گیرنـده را ازوجود معترض و در ظرف ده روز از تاریخ انتقال ، معترض را از وقوع انتقال و اسم انتقال گیرنده به وسـیله اظهارنامه رسمی مسبوق نماید و اگر انتقال دهنده در حین انتقال از اعتراضی که شده است رسما مطلع نبوده و یا عرضحال

اعتراض بعد از انتقال داده شود ، انتقال دهنده مکلف است در ظرف‌ده روز از تاریخ اطلاع رسمی ، معترض را به وسیله اظهارنامه رسمی از وقوع انتقال و اسم منتقل‌الیه و انتقال گیرنده را در همان مدت و به همان طریق ازوقوع اعتراض مسبوق کند. منتقل‌الیه به محض ابلاغ اظهارنامه در مقابل معترض ، قائم مقام انتقال دهنده شده و دعوا بدون تجدید عرض حال به طرفیتاو جریان خواهد یافت انتقال دهنده ای که مطابق مقررات فوق عمل ننماید مسوول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از تخلف او بر انتقال‌گیرنده و یا معترض وارد گردد و مادام که ضرر و خسارت مزبور را جبران نکرده است به تقاضای انتقال‌گیرنده یا معترض توقیف خواهد شد. تبصره هرگاه معترض حقوق ادعاییه خود را به دیگری انتقال دهد آن شخص بدون تجدید عرضحال قائم مقام او شده و از مواعدی که برای معترض درتاریخ انتقال باقی است استفاده خواهد کرد. ماده ۴۳ هرگاه انتقال ، به موجب سند عادی بوده و انتقال‌دهنده معامله خود را به اداره ثبت اطلاع نداد ، چنانچه مدت اعتراض باقی است ، منتقل الیه مطابق مقررات عرضحال می‌دهد و چنانچه مدت منقضی شده ، منتقل‌الیه می‌تواند به وسیله اظهارنامه به انتقال دهنده اخطار نماید ، هرگاه مشارالیه معامله را در ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ اخطاریه تصدیق نمود ملک به نام انتقال گیرنده ثبت والا ملک به نام انتقال دهنده ثبت و انتقال گیرنده به موجب‌ماده ۱۰۵ و ۱۱۴ می‌تواند انتقال دهنده را تعقیب نماید. هرگاه انتقال به موجب سند عادی بوده و انتقال دهنده مطابق ماده ۴۱ عمل نماید و یا انتقال به موجب سند رسمی باشد به ترتیب ذیل عمل خواهد شد: اگر اعلانات نوبتی منتشر نشده ، ملک به اسم انتقال‌گیرنده اعلان می‌شود و اگر اعلانات در جریان باشد بقیه اعلانات به نام انتقال گیرنده با قید انتقال اصلاح می‌شود و اگر رجوع به اداره ثبت بعد از اتمام اعلانات باشد ملک به اسم انتقال گیرنده به ثبت خواهد رسید. اگر معلوم شود سند رسمی انتقال مجعول بوده ، مرتکب به ۵ تا ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه محکوم و به علاوه مفاد ماده ۱۱۴ درباره او مجری خواهدشد. ماده ۴۴ هرگاه کسی که نسبت به ملک مورد ثبت اقامه دعوا کرده ، قبل از انقضای موعدهای مقرر در مواد ۱۷ ـ ۱۸ و ۱۹ فوت کرده یا مجنون یا محجور شود ، مستدعی ثبت مکلف است مراتب را به اداره ثبت و پارکه بدایت صلاحیتدار کتبا اطلاع داده و پس از معین شدن قائم مقام قانونی ، به او از طریق محکمه مربوطه اخطار نماید که مشارالیه در ظرف ۶۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه ، دعوا را تعقیب کند. هرگاه قائم مقام قانونی در مدت مقرر دعوا را تعقیب نکرد محکمه قرار اسقاط دعوا را صادر می‌کند. این قرار فقط قابل استیناف است ماده ۴۵ اگر به واسطه عدم اقدام در مورد مواد ۱۷ ـ ۱۸ و ۱۹ ملکی به ثبت رسیده و بعد معلوم شود عدم تعقیب یا عدم ابراز تصدیق به علت فوت یا جنون یا حجر طرف دعوا با مستدعی ثبت بوده و اخطار مذکور در ماده فوق هم با این که مستدعی ثبت به فوت یا جنون یا حجر ، عالم بوده به عمل نیامده است ، قائم مقام قانونی متوفی و یا مجنون و یا محجور می‌تواند در ظرف پنج سال از بابت قیمت ملک و اجور و خسارات در محکمه حقوق به وسیله عرضحال جدید بر علیه مستدعی ثبت اقامه دعوا نماید. مبدأ پنج سال مذکور فوق در مورد وراث کبیر و وراثی که ولی خاص (پدر یا جد پدری یا وصی منصوب مسلم الوصایه دارند از تاریخ فوت و در غیر این موارد از تاریخ تعیین قیم یا مدیر تصفیه محسوب می‌شود. در مورد این ماده چنانچه مستدعی ثبت محکوم گردد و ملک را قبلاً به دیگری انتقال داده و در موقع اجرای حکم مفلس باشد و ثابت شود برای فرار از ادای حق طرف خود را مفلس کرده ، به حبس تادیبی از یک سال تا دو سال محکوم خواهد شد. تعقیب جزایی در این مورد منوط به شکایت مدعی خصوصی است و با استرداد شکایت ، تعقیب موقوف می‌شود.

باب سوم ـ ثبت اسناد

فصل اول ـ مواد عمومی (ماده ۴۶ تا ۶۹)

ماده ۴۶ ثبت اسناد ، اختیاری است مگر در موارد ذیل کلیه عقود و معاملات راجع به عین یا منافع املاکی که قبلا در دفتر املاک

ثبت شـده باشـد. کلیه معاملات راجع به حقوقی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شـده است ماده ۴۷ در نقـاطی که اداره ثبت اسـناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بدانـد ثبت اسناد ذیل اجباری است ۱ ـ کلیه عقـود و معاملات راجعه به عین یا منافع اموال غیرمنقوله که در دفتر املاک ثبت نشده ۲ ـ صلح نامه و هبه نامه و شرکت نامه ماده ۴۸ سندی که مطابق مواد فوق بایـد به ثبت برسد و به ثبت نرسیده در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد. ماده ۴۹ وظایف مسئولین دفاتر از قرار ذیل است ۱ ـ ثبت کردن اسناد مطابق مقررات قانون ۲ ـ دادن سواد مصدق از اسناد ثبت شده به اشخاصی که مطابق مقررات حق گرفتن سواد دارنـد. ۳ ـ تصدیق صحت امضا. ۴ ـ قبول و حفظ اسـنادی که امانت می‌گذارنـد. ماده ۵۰ هرگاه مسئول دفتر در هویت متعاملین یا طرفی که تعهد می‌کند تردید داشته باشد باید دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضورا هویت آنان را تصدیق نموده و مسئول دفتر مراتب را در دفتر ثبت و به امضای شهود رسانیده و این نکته را در خود اسناد قید نماید. ماده ۵۱ در مورد ماده فوق شاهدی که یک طرف از اصحاب معامله را معرفی می‌نماید ، نمی‌تواند معرف طرف دیگر باشد. ماده ۵۲ وقتی که مسئول دفتر نتوانـد به وسیله شهود معروف و معتمـد هویت اشخاص را معین کنـد بایـد از ثبت نمودن سند امتناع نمایـد. ماده ۵۳ مسئول دفتر نمی‌توانـد اسنادی را که به منفعت خود یـا کسانی که در تحت ولایت یا وصایت یا قیمومت او واقعنـد یا با او قرابت نسبی تا درجه چهارم یا سببی تا درجه سوم دارند و یا در خدمت او هستند ، ثبت نماید. ماده ۵۴ در مواقعی که مسئول دفتر به واسطه مرض و امثال آن از انجام وظیفه معذور است عمل ثبت به عهده مسئول دفتر دیگری که در آن حوزه مأموریت دارد واگذار خواهد شد. در مورد ماده ۵۳ اگر مسئول دفتر منحصر به فرد باشـد مشارالیه با حضور امین صلح و مـدعی العموم محل یا نماینده او سند را ثبت خواهد کرد. ماده ۵۵ مسئول دفتر بایـد نمره و تاریخ ثبت را با تعیین دفتری که سند در آن ثبت شده ، در روی هر سندی که ثبت می‌شود قید کرده و به امضای خود ممضی و به مهر دایره ثبت برساند. ماده ۵۶ اسناد باید حرف به حرف از اول تا آخر متن و حاشیه سجل و ظهر ثبت شود. ماده ۵۷ مسئول دفتر نباید معاملات اشخاصی را که مجنون یا غیررشید یا به نحوی دیگر از انحای قانونی ممنوع از تصرف هستند ثبت نماید مگر این که معامله به وسیله قائم مقام قانونی اشخاص مزبور واقع شود. ماده ۵۸ شهود باید موثق باشند ، علاوه بر این ورقه هویت (سجل احوال خود را ارایه دهنـد. مـاده ۵۹ شـهادت اشـخاص ذیل پـذیرفته نخواهد شد: ۱ ـ غیررشید یا محجور. ۲ ـ کور یـا گنگ ۳ ـ اشخاص ذینفع در معامله ۴ ـ خدمه مسئول دفتر. ۵ ـ خدمه اصحاب معامله ماده ۶۰ مسئول دفتر ثبت نبایـد اسناد راجع به معاملاتی را که مـدلول آن مخالفت صریح با قوانین موضوعه مملکتی داشته باشـد ثبت نماید. ماده ۶۱ هرگاه طرفین معـامله یـا شـهود ، زبان فارسـی را ندانـنـد و مسئول دفتر نیز زبان آنها را ندانـد اظهارات آنها به وسیله مترجم رسـمی ترجمه خواهدشـد. ترتیب تعیین مترجمین رسـمی و میزان حقی که برای ترجمه و تصـدیق ترجمه و سوادبرداری از نقشه و تصـدیق صحت سواد نقشه اخـذ می‌شود به موجب نظامنامه از طرف وزارت عـدلیه معین خواهد شد. ماده ۶۲ تراشیدن و پاک کردن و الحاق کردن به هر نحوی از انحاء در دفاتر ثبت اسناد و املاک ممنوع است کلیه الحاقات و آنچه که به جای کلمات تراشیده و یا در محل پاک شده نوشته می‌شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ماده ۶۳ طرفین معامله یا وکلای آنها باید ثبت سند را ملاحظه نموده و مطابقت آن ثبت بـا اصل سند به توسط مشارالیهم و مسئول دفتر ثبت تصـدیق گردد. در مورد اسـنادی که فقط برای یک طرف ایجاد تعهد می‌نماید تصدیق و امضای طرف متعهد کافی خواهد بود. ماده ۶۴ در صورتی که طرفین معامله و یا یکی از آنها کور یا کر و گنگ و بی سواد باشند علاوه بر معرفین هر یک از اشخاص مزبوره بایـد به معیت خود یک نفر از معتمـدین خود را حاضر نمایند که در موقع قرائت ثبت و امضای آن حضور به هم رسانند مگر این که بین خود معرفین کسی باشد که طرف اعتماد آنهاست معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ بایـد از جمله اشخاصی باشـد که بتواند به آنها به اشاره مطلب را بفهماند. در مورد این ماده ، مراتب در سندی که ثبت می‌شود و در ستون ملاحظات دفتر باید قید گردد. تبصره ملغی شده ماده ۶۵ امضای ثبت سند پس از قرائت آن به توسط طرفین معامله یا وکلای آنها ، دلیل رضایت آنها خواهد بود. ماده ۶۶ در موقعی که معامله راجع به اشخاص بی سواد است

علاوه بر معرفین ، حضور یک نفر مطلع با سواد نیز که طرف اعتماد شخص بی‌سواد باشد لازم است مگر در صورتی که بین خود معرفین شخص باسوادی باشد که طرف اعتماد شخص بی سواد است ماده ۶۷ ثبت سند باید برای شخص بی سواد قرائت شده و این قرائت و همچنین رضایت مشارالیه باید در دفتر ثبت قید و از طرف معتمد امضا گردد. معامله کننده بی‌سواد نیز باید علامت انگشت خود را ذیل ثبت سند بگذارد. ماده ۶۸ هرگاه سندی به واسطه تقصیر یا غفلت مسئول دفتر از اعتبار افتاده باشد مسئول مذکور باید علاوه بر مجازاتهای مقرر از عهده کلیه خسارات وارده نیز برآید. ماده ۶۹ هرگاه برطبق شرایط مقرر بین طرفین و با اطلاع مراجع ثبت احد متعاملین ، معامله را فسخ و یا متعهدی تعهد خود را انجام دهد و طرف مقابل حاضر نبوده یا نشود ، مراجع مزبور پس از ملاحظه قبض صندوق اداره ثبت حاکی از ودیعه گذاردن مورد معامله ، در صورتی که عبارت از وجه نقد یا مال منقول دیگر باشد و پس از تامین حقوق طرف مقابل در غیر این صورت مراتب را در دفتر قید و به طرف اخطار می‌نماید که حق خود را اخذ و برای باطل نمودن ثبت حاضر گردد.

فصل دوم ـ آثار ثبت اسناد (ماده ۷۰ تا ۷۴)

ماده ۷۰ سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر این که مجعولیت آن سند ثابت شود. انکار مندرجات اسناد رسمی راجع به اخذ تمام یا قسمتی از وجه یا مال و یا تعهد به تادیه وجه یا تسلیم مال مسموع نیست مأمورین قضایی یا اداری که از راه حقوقی یا جزایی انکار فوق را مورد رسیدگی قرار داده و یا به نحوی از انحاء مندرجات سند رسمی را در خصوص رسید وجه یا مال یا تعهد به تادیه وجه یا تسلیم مال معتبر ندانند به شش ماه تا یکسال انفصال موقت محکوم خواهند شد.(اصلاحی مصوب ۱۳۱۲ (تبصره هرگاه کسی که به موجب سند رسمی اقرار به اخذ وجه یا مالی کرده یا تادیه وجه یا تسلیم مالی را تعهد نموده ، مدعی شود که اقرار یا تعهد او در مقابل سند رسمی یا عادی یا حواله یا برات یا چک یا ، فته طلبی بوده است که طرف معامله به او داده و آن تعهد انجام نشده و یا حواله یا برات یا چک یا سفته طلب پرداخت نگردیده است این دعوا قابل رسیدگی خواهد بود. ماده ۷۱ اسناد ثبت شده در قسمت راجع به معاملات و تعهدات مندرجه در آنها نسبت به طرفین و یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند رسمیت و اعتبار خواهند داشت ماده ۷۲ کلیه معاملات راجعه به اموال غیرمنقوله که برطبق مقررات راجعه به ثبت املاک ثبت شده است نسبت به طرفین معامله و قائم مقام قانونی آنها و اشخاص ثالث دارای اعتبار کامل و رسمیت خواهد بود. ماده ۷۳ قضات و مأمورین دیگر دولتی که از اعتباردادن به اسناد ثبت شده استنکاف نمایند در محکمه انتظامی یا اداری تعقیب می‌شوند و در صورتی که این تقصیر قضات یا مأمورین بدون جهت قانونی باشد و به همین جهت ، ضرر مسلم نسبت به صاحبان اسناد رسمی متوجه شود محکمه انتظامی یا اداری علاوه بر مجازات اداری ، آنها را به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد نمود. ماده ۷۴ سوادی که مطابقت آن با ثبت دفتر تصدیق شده است به منزله اصل سند خواهد بود مگر در صورت اثبات عدم مطابقت سواد با ثبت

فصل سوم ـ در امانت اسناد (ماده ۷۵ تا ۸۰)

ماده ۷۵ هرکس بخواهد سند خود را در اداره ثبت اسناد امانت بگذارد ، باید آن را در پاکت و یا لفاف دیگری که لاک و مهر شده باشد گذاشته و شخصا روی پاکت ، تاریخ تسلیم امانت را با تمام حروف در حضور مسئول دفتر قید کند و در صورتی که نتواند بنویسد باید دو نفر شاهد ، تاریخ مزبور را روی لفافه یا پاکت نوشته امضا و مهر کنند. ماده ۷۶ مسئول دفتر پس از تصدیق تاریخ تسلیم ، نمره ترتیبی امانت را تعیین نموده و پاکت یا لفافه را به مهر اداره ثبت اسناد رسانیده و در دفتر مخصوصی همان نمره ترتیبی را که اتخاذ کرده به اسم امانت گذار و تاریخ امانت و اسامی شهود ، اگر باشند ، قید می‌کند و به مهر و امضای امانتگذار

وشـهود نیز خواهد رسانید. ماده ۷۷ اشخاصـی که سـند خود را امانت می‌گذارنـد می‌توانند قبل از آن که آنها را در پاکت و یا لفافه دیگری گـذارده مهر کنند تقاضای سواد بنمایند ، دراین صورت مسئول دفتر سواد مصدق خواهد داد ولی باید در روی سواد مزبور قید شود که این سواد مطابق با اصلی است که در اداره ثبت اسناد و املاك امانت گذاشته شده و به هیچ وجه رسمیت ندارد ، مگر این که (آن سند قبلا مطابق مقررات قانون ثبت شده باشد ، در این صورت دایره ثبت اسناد واملاك می‌تواند سواد مصدق سند را به طوری که در این قانون مقرر است بدهد. ماده ۷۸ در موقع امانت گذاشتن اسناد ، مسئول دفتر باید کلیه مشخصات و ممیزات پاکت یا لفافه امانتی را در ستون مخصوص دفتر قید نموده و به امضای خود و امانت گذار و شهود ممضی دارد و پس از آن ، رسیدی که مشتمل بر نمره و مشخصات پاکت یا لفافه امانت است به امانت گذار بدهد. ماده ۷۹ استرداد اسناد امانتی به این ترتیب به عمل می‌آید که در ستون ملاحظات دفتر امانت و در مقابل ثبتی که از امانت سند به عمل آمده شخصی که سند را پس می‌گیرد با حضور دو نفر شاهد رسید نوشته و آن را امضا می‌نماید. ماده ۸۰ تاریخ استرداد بایـد در ذیل رسید با تمام حروف قید شود و همچنین اسم مسئول دفتر و مبلغ حق الحفاظه که اخذ می‌شود درج خواهد شد.

باب چهارم ـ دفاتر اسناد رسمی (ماده ۸۱ تا ۹۱)

ماده ۸۱ در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی بداند برای تنظیم اسناد رسمی (دفاتر رسمی) به عده کافی معین خواهد کرد. هر دفتر رسمی اسناد مرکب است از یک نفر صاحب دفتر و لااقل یک نفر نماینده اداره ثبت اسناد. ماده ۸۲ هیچ دفتری را نمی‌توان رسمیت داد مگر این که صاحب آن در ضمن تقاضانامه خود تبعیت از قوانین و نظامات وزارت عدلیه را راجع به ثبت اسناد تعهد نماید. ماده ۸۳ حوزه صلاحیت هر یک از دفاتر اسناد رسمی به موجب نظامنامه های وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۸۴ نماینده ای که از طرف اداره کل ثبت اسناد و املاک برای هر دفتری تعیین می‌شود باید در اوقات کار در دفتر اسناد رسمی حاضر باشد تا هرمعامله و تعهدی (را) که واقع می‌شود پس از ثبت در دفتر صاحب دفتر، در دفتر خود ثبت نماید. در هر یک از این دو دفتر باید نمره صفحه دفتر دیگری که سند در آن ثبت شده است قید گردد. ماده ۸۵ هرگاه دفتر اسناد رسمی که باید با رعایت ماده ۸۲ معین شود در محضر یکی از مجتهدین جامع الشرایط باشد، حضور نماینده (به شرط اجازه وزارت عدلیه) در دفتر لازم نبوده و سندی که مطابق مقررات از دفتر صادر شده و به اداره ثبت صدور آن از ناحیه صاحب دفتر مسلم باشد در دفتر اداره به ثبت خواهد رسید. ماده ۸۶ در صورتی که تقاضای ثبت سندی بشود تحصیل اطمینان از هویت متعاملین یا طرفی که تعهد کرده به عهده صاحب دفتر است و اگر مشارالیه شخصا آنها را نشناسد باید بر طبق مواد این قانون رفتار نماید و در صورت تخلف مشمول ماده ۱۰۲ این قانون خواهد بود. ماده ۸۷ شهود و معرفین و اصحاب معامله بایـد دفتر صاحب دفتر را مطابق مواد ۵۰ و ۶۳ این قانون امضا نماینـد. ولی در دفتر ثبت نماینده ، فقط امضا اصحاب معامله کافی خواهد بود. ماده ۸۸ در مورد املاکی که مطابق این قانون به ثبت نرسیده دفاتر اسناد رسمی و همچنین دوایر ثبت اسناد و املاک (در دفتر مخصوص می‌تواننـد هرنوع معامله و تعهـد و نقل و انتقال را راجع به عین غیرمنقول یا منافع آن ثبت نماینـد ولی این قبیل اسناد فقط نسبت به طرفین یا طرفی که تعهد کرده و قائم مقام قانونی آنها رسمیت خواهد داشت ماده ۸۹ از درآمد حاصل از حق الثبت صاحبان دفتر و دفتریارها به ترتیب زیر سهم خواهند برد : تا ششصد ریال در ماه نصف . از ششصد و یک ریال تا چهار هزار ریال نسبت به مازاد ششصد ریال یک پنجم از چهار هزار و یک ریال تا ده هزار ریال نسبت به مازاد از چهارهزار ریال یک دهم و از ده‌هزار و یک ریال تا بیست هزار ریال نسبت به مازاد از ده هزار ریال یک بیستم ماده ۹۰ عایدات حاصله از حق الثبت دفاتر اسناد رسمی پس از پرداخت سهم صاحبان دفاتر، جز عایدات عمومی محسوب و تسلیم خزانه خواهدشد. ماده ۹۱ به استثنای مواردی که برای دفاتر اسناد رسمی مطابق این قانون ترتیب خاصی معین شده مقررات

این قانون در دفاتر اسناد رسمی نیز لازم الرعایه و اعتبار اسناد ثبت شده در دفاتر رسمی همان است که در ماده ۷۰ و ۷۱ مقرر شده است

باب پنجم ــ اجرای مفاد اسناد رسمی (ماده ۹۲ تا ۹۹)

باب پنجم ـ اجرای مفاد اسناد رسمی (ماده ۹۲ تا ۹۹) باب پنجم ـ اجرای مفاد اسناد رسمی (ماده ۹۲ تا ۹۹) باب پنجم ـ اجرای مفاد اسناد رسمی ماده ۹۲ ـ مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجرا است مگر در مورد تسلیم عین منقولی که شخص ثالثی متصرف و مدعی مالکیت ماده ۹۳ ـ کلیه اسناد رسمی راجع به معاملات املاک ثبت شده مستقلا و بدون مراجعه به محاکم لازم الاجراست ماده ۹۴ ـ ملغی شده (۱) ماده ۹۵ ـ عموم ضابطین عدلیه و سایر قوای دولتی مکلف هستند که در مواقعی که از طرف مأمورین اجرا به آنها مراجعه می‌شود در اجرای مفاد ورقه اجراییه اقدام کنند. ماده ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ ـ ملغی شده ماده ۹۹ ـ ادعای مجعولیت سند رسمی عملیات راجع به اجرای آن را موقوف نمی‌کند مگر پس از این که مستنطق قرار مجرمیت متهم را صادر و مدعی العموم هم موافقت کرده باشد. ۱ ـ (ماده مذکور طبق قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۲۷/۶/۱۳۲۲ ملغی شده است)

باب ششم ــ جرایم و مجازات (ماده ۱۰۰ تا ۱۱۷)

ماده ۱۰۰ ـ هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عامدا یکی از جرم های ذیل را مرتکب شود جاعل در اسنادرسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است محکوم خواهد شد: اولا ـ اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند. ثانیا ـ سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید. ثالثا ـ سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند. رابعا ـ تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا موخر در دفتر ثبت کند. خامسا ـ تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد. سادسا ـ اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند. سابعا ـ سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده ثبت کند. ماده ۱۰۱ ـ هرگاه اعضای ثبت اسناد و املاک سندی را که مفاد آن مخالفت صریح با قوانین موضوعه مملکتی داشته ثبت کند، از یک سال تا سه سال ازخدمات دولتی منفصل خواهد شد. ماده ۱۰۲ ـ هر یک از اعضای ثبت اسناد و املاک قبل از احراز هویت اشخاص و یا اهلیت اصحاب معامله و یا قابلیت موضوع معامله سندی را عمدا ثبت نماید به مجازات اداری فوق محکوم خواهد گردید. ماده ۱۰۳ ـ هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک عامدا تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد، در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود. ماده ۱۰۴ ـ در موارد تقصیراتی که مجازات آنها به موجب این باب معین نشده مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک که مرتکب جرم عمومی و یا تقصیر اداری می‌شوند، موافق مقررات قوانین جزایی و یا قانون استخدام تعقیب و مجازات خواهند شد. ماده ۱۰۵ ـ جز در مورد مذکور در ماده ۳۳ (راجع به بیع شرط و امثال آن هرکس تقاضای ثبت ملکی را بنماید که قبلا ـ به دیگری انتقال داده یا با علم به‌این که به نحوی از انحا قانونی سلب مالکیت از او شده است تقاضای ثبت نماید ، کلاهبردار محسوب می‌شود و همچنین است اگر در موقع تقاضا مالک‌بوده ولی در موقع ثبت ملک در دفتر ثبت املاک ، مالک نبوده و معهذا سند مالکیت بگیرد یا سند مالکیت نگرفته ولی پس از اخطار اداره ثبت ، حاضربرای تصدیق حق طرف نباشد. ماده ۱۰۶ ـ مقررات فوق در مورد وارثی نیز جاری است که با علم به انتقال ملک از طرف مورث خود یا با

علم به این که به نحوی از انحای قانونی سلب مالکیت از مورث او شده بوده است تقاضای ثبت آن ملك یا تقاضای صدور سند مالکیت آن ملك را به اسم خود کرده و یا مطابق قسمت اخیر ماده فوق پس از اخطار اداره ثبت رفتار نکند. در تمام این موارد علم وارث باید به وسیله امضا یا مهر و یا نوشته به خط او محرز شود. ماده ۱۰۷ ـ هرکس به عنوان اجاره یا عمری یا رقبی یا سکنی و یا مباشرت و به طورکلی هرکس نسبت به ملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بکند، به مجازات کلاهبردار محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۸ ـ هرگاه شخصی که ملك را به یکی از عناوین مذکوره در فوق متصرف بوده شخصا تقاضای ثبت ننموده ولی به واسطه خیانت یا تبانی او ، ملك به نام دیگری به ثبت برسد به طریق ذیل عمل خواهد شد: الف ـ اگر کسی که ملك به اسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو به عنوان مجرم اصلی به‌مجازات کلاهبردار محکوم شده و نسبت به خسارات مدعی خصوصی متضامنا مسئول خواهند بود. ب ـ هرگاه کسی که ملك به نام او به ثبت رسیده مشمول هیچ یك از مقررات مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ نباشد شخص مزبور به هیچ عنوان اعم از حقوقی‌و جزایی قابل تعقیب نیست ولی امین به عنوان مجرم اصلی تعقیب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم شده و به علاوه برای جبران‌خسارت صاحب ملك در توقیف خواهد ماند. در صورتی که در ظرف پنج سال نتوانست با تادیه خسارت یا از طریق دیگر رضایت مدعی خصوصی رافراهم سازد وزیر عدلیه از مقام سلطنت عفو او را استدعا می‌کند. ماده ۱۰۹ ـ هرکس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب می‌شود. اختلافات‌راجع به تصرف در حدود ، مشمول این ماده نیست ماده ۱۱۰ ـ در مورد مواد فوق و همچنین در کلیه مواد دیگر این قانون اظهارنامه ای که در مورد ثبت عمومی املاك داده می‌شود به منزله تقاضانامه است ماده ۱۱۱ ـ در مورد مواد قبل تعقیب متهم موکول به شکایت مدعی خصوصی است (طبق ماده دوم اصلاحی مصوب ۷/۵/۱۳۱۲ ، مقصود از مواد قبل مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ می‌باشد) ماده ۱۱۱ مکرر ـ اگر مورد مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ متهم کسی باشد که املاك موقوفه عام المنفعه را به عنوان متولی یا متصدی و یا املاك مولی علیه را به‌عنوان ولایت یا قیمومت در تصرف دارد ، تعقیب جزایی موکول به شکایت مدعی خصوصی نیست ماده ۱۱۲ ـ در صورتی که مدعی خصوصی قبل از صدور حکم نهایی شکایت خود را مسترد داشت تعقیب متروك خواهد شد. ماده ۱۱۳ ـ تجدید شکایت از مدعی خصوصی پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۱۴ ـ در مورد مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ (به استثنای مورد مذکور در بند ب ماده ۱۰۸) مجرم علاوه بر مجازات مقرر برای جرم کلاهبرداری تا موقعی که به وسیله تصدیق حق مدعی خصوصی در اداره ثبت املاك یا به وسایل دیگر خساراتی را که مستقیما به واسطه تقاضای ثبت وصدور سند مالکیت به طرف وارد آورده و مدعی خصوصی به وسیله تقدیم عرضحال مطالبه نموده و مورد حکم واقع شده جبران ننماید ، در توقیف خواهد ماند. تعیین میزان خسارت با محکمه‌ای است که به جنبه جزایی رسیدگی کرده ولو این که عرضحال خسارت از طرف مدعی خصوصی پس ازصدور حکم جزایی داده شده باشد. خسارات غیرمستقیم (خسارات ناشی از محاکمه مطابق اصول معموله تعیین و وصول خواهد شد. ماده ۱۱۵ ـ هرکس یکی از اعمال مشروحه در مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ را قبل از اول اسفند ماه ۱۳۰۸ مرتکب شده و تا اول خرداد ماه۱۳۰۹ به وسیله تصدیق حق طرف در دفاتر ثبت یا به وسایل دیگر خسارات وارده بر صاحب ملك را جبران ننموده کلاهبردار محسوب شده و علاوه برمجازات مقرر برای این جرم تا موقعی که خسارت وارده بر طرف را مطابق ماده ۱۱۴ جبران نکرده در توقیف خواهد ماند. ماده ۱۱۶ ـ در مورد املاکی که به رهن یا به یکی از عناوین مذکوره در ماده ۳۳ انتقال داده شده ، راهن یا انتقال دهنده مکلف است حق طرف را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید. در صورتی که راهن یا انتقال‌دهنده به این تکلیف عمل ننموده مرتهن یا انتقال گیرنده می‌تواند تا یك سال از تاریخ انقضای مدت حق استرداد یا رهن ، به وسیله اظهارنامه رسمی حق خود را مطالبه کند. هرگاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه راهن یا انتقال دهنده حق‌طرف را نداد ، کلاهبردار محسوب و با رعایت مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ مطابق ماده ۱۱۴ با او رفتار خواهد شد. اگر اخطار قبل از انقضای

مدت حق استرداد و یا رهن به عمل آمده باشد ، راهن یا انتقال‌دهنده وقتی مجرم خواهد بود که در صورت بقای ملك به ملکیت او ، حق طرف را تا ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه در اداره ثبت تصدیق ننماید و در صورتی که ملك به ملکیت او باقی نباشد ، وقتی مجرم محسوب خواهدشد که تا ده روز پس از انقضای مدت حق استرداد یا رهن ، حق مرتهن یا انتقال گیرنده را تادیه نکند. تبصره ـ مرتهن یـا انتقال‌گیرنـده که در ظرف مـدت یـک سـال ، اخطـار مـذکور در فوق را نکرد مادام که مرور زمان منقول شامل طلب او نشده ، حق مطالبه طلب خود را خواهد داشت ماده ۱۱۷ ـ هرکس به موجب سـند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی (اعم از منقول یا غیرمنقول) حقی به شـخص یا اشـخاص داده و بعدنسبت به همان عین یا منفعت به موجب سـند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.(اصلاحی مصوب ۱۳۱۲)

باب هفتم ـ تعرفه و مخارج ثبت اسناد و املاک (ماده ۱۱۸ تا ۱۳۶

ماده ۱۱۸ ـ حقوقی که در اداره ثبت اسـناد و املاک و دفاتر رسـمی اخـذ می‌شود مطابق مواد ذیل خواهد بود: ماده ۱۱۹ ـ برای ثبت ملك در دفتر املاک موضوع مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۱۹ قـانون ثبت ، کلا به ازا هر ده هزار ریال یک هزار ریال دریافت می‌شود. ملاک محاسبه حق الثبت املاـك ، حـداقل قیمت منطقه ای و در نقاطی که قیمت منطقه‌ای تعیین نشـده ، طبق برگ ارزیابی ادارات ثبت ، خواهد بود. ماده ۱۲۰ ـ حق الثبت املاک مطابق نظامنامه وزارت عـدلیه به اقساط دریافت خواهد شد. ماده ۱۲۱ ـ حق الثبت هر اسم تجـارتی بـدون احتساب بهای ورقه تقاضانامه به ازا هر اسم تجارتی چهل هزار ریال است ماده ۱۲۲ ـ حق الثبت شرکتها مطابق قانون ثبت شـرکتها و حق الثبت شرکتهای بیمه مطابق قانون مصوب ۶ آذرماه ۳۱ و حق الثبت شرکتهای حمل و نقل بحری و هوایی معادل یـک دوم و حق الثبت شـرکتهای حمـل و نقـل بری معادل دو ثلث حق الثبتی است که مطابق قانون خرداد ۱۳۱۰ برای شرکتها مقرر است (اصلاحی مصوب ۱۳۳۴) تبصـره ـ حق الثبت شرکتهای حمل و نقل بحری و هوایی مطابق نظامنامه وزارت عدلیه ممکن است به اقسـاط تادیه شود. ماده ۱۲۳ ـ تعرفه ثبت کلیه اسـناد در دفاتر اسـناد رسـمی به میزان نیم درصـد مبلغ منـدرج در سـند و در موارد اسـنادی که موضوع آنهـا انتقـال منـافع می‌باشـد هرگاه منافع به طور عمومی انتقال داده شود حق الثبت از منافع ده ساله اخـذ خواهد شد. تبصره ۱ ـ مبنـای وصول حق الثبت اسـناد و در مورد املاك به شـرح بنـد (ع ماده یك قانون نحوه وصول برخی از درآمـدهای دولت و مصرف آن درموارد معین مصوب ۱۳۷۳ و در مورد انواع خودروهای سبك و سنگین اعم از سواری و غیر سواری و ماشین آلاـت راهسـازی و کشاورزی و موتورسـیکلت اعم از تولیـد داخل یا وارداتی حسب مورد ، ماخـذ محاسـبه مالیات نقل و انتقال و یا ارزش اعلام شده توسط وزارت اقتصادی و دارایی می‌باشد. تبصـره ۲ ـ حق الثبت اسـناد وکالت برای فروش وسایط نقلیه موتوری و ماشین آلات راهسازی و معدنی و کشاورزی و موتور سیکلت و نظایر آنها مطابق حق الثبت سند قطعی آنها می‌باشد. ماده ۱۲۴ ـ حق الثبت اسـنادی که تعیین قیمت موضوع آنهـا ممکن نباشـد و انجـام گواهی هر امضا و صـدور رونوشت برای هر برگ و فسـخ و اقاله معاملاـت و هر نـوع گـواهی که از ادارات ثبت گرفته می‌شود به پنـج هزار (۵۰۰۰) ریـال افزایش یافته و برای المثنی سـند علاوه بر پانزده هزار (۱۵۰۰۰)ریـال بهـای دفترچه دویست و پنجاه هزار (۲۵۰۰۰۰) ریـال نیز حق الثبت دریافت خواهـد شـد. کلیه قوانین و مقررات که مغایر بـا این قـانون باشـد و نیز هر گونه معافیت از حق الثبت به اسـتثنا قانون معافیت کلیه دانشـجویان بورسـیه و اعضای هیـات علمی که جهت تحصـیلات عـالی یا اسـتفاده از فرصت های مطالعاتی به خارج از کشور اعزام می‌گردنـد از حق الثبت اسـناد مربوط به سپردن تعهـد رسـمی مصوب ۲/۱۲/۱۳۷۱ به موجب این قـانون لغو می‌گردد. بنـدهای الحـاقی به مـاده ۱۰ ـ ۱ ـ به منظـور ساماندهی و رفع مشکلات مربوط به ترهین اموال کشاورزان نزد بانکهای عامل جهت اخذ تسهیلات بانکی ، دولت مکلف است در صورت درخواست مالکین وسایط نقلیه موتوری کشاورزی از قبیل کمباین ، تراکتور و... را شماره گذاری و برای آنها سند مالکیت

صادر نمایـد. ۲ ـ اسـناد مـالکیت وسایـط نقلیه موتوری مـذکور و همچنین اسـناد ماشـین آلاـت و ادوات سـنگین کشـاورزی از قبیل دسـتگاههای تراش و انواع دسـتگاههای کاشت ، داشت و برداشت به عنوان وثیقه برای تضـمین تسـهیلات اعطایی به کشاورزان نزد بانک های عامل مورد قبول می‌باشـد. ماده ۱۲۵ ـ برای ثبت بروات و حوالجـات تجـارتی هر هزار ریال ۲۵ دینار اخـذ و کسور هزار ریال به منزله هزار ریال حساب می‌شود. ماده ۱۲۶ ـ از بابت مخارج حرکت به خارج از مقر اداره یا شـعبه ثبت در مورد ثبت املاک علاـوه بر مخـارج حمـل و نقـل که به عهـده مسـتدعی ثبت است برای مهندسـین شـبانه روزی ۲۰ ریـال و برای نماینـده هشت ریـال دریافت می‌شود. ماده ۱۲۷ ـ در موقع ثبت عمومی املاک خرده مالکین مخارج حرکت و کرایه حمل و نقل به‌تناسب سـهام آنها در املاـک گرفته می‌شود. ماده ۱۲۸ ـ حق الودیعه اسناد و اوراق از بـابت هر بسـته ممهور دویست و پنجـاه (۲۵۰) ریـال تعیین که حق الودیعه شـش مـاه قبلاـ اخـذ خواهـد شـد و برای اسـناد و اوراقی که به طور دایم به اداره ثبت امانت داده می‌شود معادل حق الودیعه بیست ۲۰ سـال به طور مقطوع قبلا تادیه خواهـد شـد. ماده ۱۲۹ ـ حق الثبت رونوشت اسـناد و مـدارک ، برای اسـناد ثبت شـده (که نمونه آن را وزارت عـدلیه معین می نمایـد) ، هر صـفحه دویست و پنجاه ۲۵۰ ریال تعیین می‌شود ، کسـر صـفحه ، یک صفحه تمام محسوب می‌شود. ماده ۱۳۰ ـ حق الثبت رونوشت اسناد و مدارک برای اسناد ثبت نشده ، هر صفحه یکصد و پنجاه /۱۵۰ ریال تعیین می‌شود ، کسـر صفحه ، یک صفحه محسوب است ماده ۱۳۱ ـ حق الاجرای اسناد لازم الاجرا پنج درصد (۵٪) مبلغ مورد اجرا تعیین می‌شـود و از کسـی که اجرا علیه اوست اخـذ خواهـد شـد مگر اینکه داین بـدون حق تقاضـای اجرا نموده باشـد که در این صورت نسبت به آن قسـمتی که دائن حق نداشـته از خود او ماخوذ می گردد. تبصـره ـ هرگاه طرفین پس از صدور اجراییه و ابلاغ در خارج صلح نمایند یا قرار اقساط بگذارند یا مهلت بدهند یا مدت یکسال اجراییه را تعقیب نکنند متضامنا مسئول پرداخت نیم عشر خواهند بـود و کسـی کـه در نـتیجه مسـئولیت تضـامنی حـق اجرا را می‌پردازد می‌توانـد آن را از طرفی که قانونـا مسـئول پرداخت حـق اجرا می‌باشد به وسـیله اجرا وصول نماید. (الحاقی مصوب ۱۳۲۰) ماده ۱۳۲ ـ برای تصدیق صـحت هر امضا ده ریال مأخوذ می‌شود. ماده ۱۳۳ ـ کلیه مخارج و حقوق فوق الذکر به اسـتثنای حق الاجرا به عهده طرفی است که تقاضای ثبت می‌نماید مگر این که بین طرفین متعاهدین ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۱۳۴ ـ سوادهایی که از طرف محاکم و مدعیان عمومی و مستنطقین تقاضا می‌شود از حقوق دولتی معـاف خواهـد بود ولی در صورتی که سوادهـای مزبوره را بـدون علت و سبب تقاضـا کرده باشـند علاوه بر مجازات اداری ، دو برابر حق معمولی از تقاضاکننـده اخـذ خواهد شد. ماده ۱۳۵ ـ بر کلیه حقـوقی که اداره ثبت به موجب مواد فوق مـأخوذ می‌دارد بـه اسـتثنای حق‌الاـجرا صـدی بیست و پنـج اضـافه می‌شـود. عوایـد حاصـله از صـدی بیست و پنـج فـوق الـذکر در حسـاب مخصوص گـذارده شـده و سـرمایه ذخیره خاصـی را تشـکیل خواهد داد. سـرمایه مزبور منحصـرا و به ترتیب ذیل به‌مصـرف خواهد رسـید: الف ـ برای تکمیل تشـکیلات و توسـعه اداره ثبت اسـناد و املاک در مملکت منتها سـی درصد. ب ـ برای تکمیل تشکیلات عـدلیه و توسـعه آن در مملکت هفتاددرصـد. صـرف ذخیره فوق الـذکر در غیر موارد مذکور فوق ممنوع است ماده ۱۳۶ ـ در موقع اخذ کلیه حقوقی که اداره ثبت وصول می کند مبلغهای کمتر از ده دینار ، ده دینار اخذ خواهد شد.

باب هشتم ـ مواد مخصوصه (ماده ۱۳۷ تا ۱۴۱)

ماده ۱۳۷ ـ هر یک از مستخدمین ثبت که به عنوان کفالت ، شغل بالاتری را اشغال نماید حق دارد نصف حقوق رتبه خود و نصف حقوق بودجه مقامی را که متکفل است دریافت دارد مشروط بر این که شـغل بالاتر نماینـدگی ، مسئولیت دفتر ، مـدیریت ضـبط ، معـاونت یـا ریـاست یکی از شـعب یـا دوایر ادارات ثبت خارج از مرکز باشـد. ماده ۱۳۸ ـ اگر اراضـی ای که قبلاـ جز شـارع عـام یا میدانهای عمومی بوده و بدین جهت قابل ثبت نبوده است از شارع یا میدان عمومی بودن خارج وجز املاک خصوصی شهر گردد و

یا از طرف بلدیه به دیگری انتقال یابد ، بلدیه یا مالک جدید می‌تواند نسبت به آن اراضی تقاضای ثبت نماید. ماده ۱۳۹ ـ در هر نقطه که اعلان ثبت عمومی شده و در تاریخ اجرای این قانون موعد مقرر برای تقدیم اظهارنامه ها منقضی گردیده و اعلان نوبتی منتشرشده ، اداره ثبت نسبت به املاکی که اظهارنامه‌های مربوط به آنها عودت داده نشده است اعلانی منتشر و به کسانی که حق تقاضای ثبت دارند ۶۰ روزمهلت خواهد داد تا تقاضای ثبت نمایند. در مورد اظهارنامه هایی که در ظرف مدت مزبور داده می‌شود و یا قبل از این تاریخ ولی در خارج از مدت داده شده است مطابق ماده ۱۲ عمل خواهد شد. املاکی که نسبت به آنها در مدت مذکور فوق تقاضانامه داده نشود به عنوان مجهول المالک اعلان و تابع مقررات مذکور در ماده ۱۲ خواهد بود اگر چه قبل از تاریخ اجرای این قانون اداره ثبت آن ملک را در نتیجه تحقیقات خود به اسم اشخاصی اعلان کرده باشد. ماده ۱۴۰ ـ املاکی که قبل از تاریخ اجرای این قانون تقاضای ثبت آنها شده است چنانچه اولین اعلان نوبتی آنها منتشر شده باشد مطابق مقررات قانون‌ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۰۸ به ثبت خواهد رسید و هرگاه اولین اعلان نوبتی منتشر نشده باشد ثبت ملک برطبق مقررات این قانون به‌عمل خواهد آمد مگر این که تقاضاکننده ثبت تقاضا نماید که اعلانات مطابق قانون فوق الذکر به جریان افتد ، ولی در این صورت نیز فقط انتشار اعلان وتحدید حدود برطبق مقررات قانون سابق بوده و سایر جریانات از اعتراض و غیره تابع مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۱۴۱ ـ از تاریخ اجرای این قانون کلیه مواعدی که در این قانون معین شده به همان ترتیب که در ماده ۱۷ قانون تسریع محاکمات مقرر است محسوب خواهد شد.

باب نهم – مواد الحاقی به قانون ثبت اسناد و املاک (از ماده ۱۴۲ به بعد الحاقی مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱)

(از ماده ۱۴۲ به بعد الحاقی مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱.) ماده ۱۴۲ ـ نسبت به املاک مجهول المالک و املاکی که درباره آنها تقاضای ثبت نشده و به ثبت نرسیده باشد و در اجرای قانون اصلاحات ارضی به زارعین واگذار شده یا بشود احتیاج به تقاضای ثبت از طرف منتقل الیه ندارد. ثبت محل مکلف است برطبق انتقالاتی که واقع شده یا می‌شود پرونده‌ای به‌نام هر یک از خریداران تشکیل داده و اعم از این که ملک به صورت مشاع یا مفروز به زارع منتقل شده باشد بدون انتشار آگهی‌های نوبتی حصه متصرفی زارع را تحدید و به صدور سند مالکیت آن اقدام نماید. (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱.) این عملیات از پرداخت هرگونه حق الثبت و هزینه مقدماتی و بهای سند مالکیت و سایر هزینه های مربوط معاف می‌باشد. ماده ۱۴۳ ـ هرگاه مالکین سابق املاک موضوع ماده ۱۴۲ بخواهند وجوه تودیع شده و یا قبوض مربوط به بهای املاک خود را دریافت دارند می‌توانند ازثبت محل تقاضای اخذ ثمن معامله را بنمایند. در این موارد در صورتی که با رسیدگی ، سابقه مالکیت متقاضی احراز شود درخواست او قبول و مراتب ضمن آگهی‌های نوبتی برای اطلاع عموم اعلام و در آن تصریح خواهد شد که هرگاه افرادی پرداخت تمام یا قسمتی از وجوه و قبوض تودیع شده را به‌شخصی که به نام او آگهی شده از جهت ادعای مالکیت سابق خود نسبت به اصل و یا حدود رقبه مورد انتقال محل حق خود بدانند از تاریخ انتشار اولین آگهی تا نود روز اعتراض خود را به ثبت محل تسلیم و یا در صورت وجود دعوا در دادگاه گواهی لازم تحصیل و به ثبت محل تسلیم نمایند.با انقضای مهلت مقرر در صورتی که اعتراض و یا گواهی طرح دعوا تسلیم نشده باشد در پرداخت وجوه و تسلیم قبوض مربوط اقدام می‌شود و در غیراین صورت پس از تعیین تکلیف از طریق مراجع قضایی طبق رای صادر عمل خواهد شد. در این موارد مقررات مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ قانون ثبت لازم الرعایه است تبصره ۱ ـ عملیات ثبتی مربوط به اجرای این قانون از هزینه اضافی مذکور در ماده ۱۲ قانون ثبت معاف خواهد بود و از متقاضی براساس جمع اقساط تبدیل شده به نقد حق ثبت دریافت می گردد. تبصره ۲ ـ قبل از قبول تقاضای موضوع این ماده تسلیم قبوض سپرده شده ولو با اخذ تامین ممنوع است و پس از قبول تقاضا در صورت وصول اعتراض ، تسلیم قبوض سپرده موکول به پرداخت هزینه‌های ثبتی و اخذ ضامن

معتبر خواهـد بود. در مواردی که قبـل از قبول تقاضـای متقاضـی قبوض سپرده بـا اخـذ تـامين تسـليم او شـده باشـد رفع اثر از تامين مـأخوذه موكول به تصـديق مـالكيت متقاضـی نسـبت به ثمن معـامله و پرداخت هزينه هـای ثبتی خواهـد بود. مـاده ۱۴۴ ـ بـا اجرای مقررات اصـلاحات ارضـی نسبت بـه هر ملـك ، تحديـد حـدود قطعـات مـورد تصـرف زارعيـن و يـا سـهم اختصاصـی مالـك در صورت‌تقسـيم و يا مسـتثنيات قانون اصـلاحات ارضـی فقط با انتشار آگهی الصاقی پس از اسـتعلام از اداره تعاون و امور روستاهای محل انجام می گيرد. هر گاه املاك مشـمول مقررات اصـلاحات ارضـی متصل به هم باشند ، می‌توان تحديد حدود قطعات را ضمن يك آگهی الصاقی انجام داد. در مواردی كه مجاور ملك از املاك جز اموال عمومی باشد وقت تحديد حدود بايد به مرجع صالح ابلاغ شود. عـدم حضور نماينـده اداره تعاون و امور روسـتاها و يا نماينـده ساير مراجع صالـح مانع انجام تحديـد حـدود نخواهد بود. تبصره ۱ ـ عـدم حضور مالك قطعه مورد تحديد يا نماينده او مانع انجام تحديد حدود نخواهد بود ، در اين صورت تحديد حدود با معرفی مجاور يا معتمدين و مطلعين محل انجام می گيرد. تبصـره ۲ ـ اجرای مقررات اين مـاده به موجب آيين نامه وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۱۴۵ ـ در مركز هر اسـتان يـا فرمانـداری كل به موجب آيين‌نامه مصوب وزارت دادگستری و وزارت تعاون و امور روسـتاها هيـاتی به نـام هيـات تشـخيص ، برای انجـام وظايف زير تشـكيل می‌شود: الف ـ در تحديـد حـدود قطعات تقسـيم‌شده بين زارعين و يا قطعات اختصاصی مالك يا مستثنيات قانونی اصلاحات ارضی در صورت وصول اعتراض يا وجود اختلاف رسيدگی به موضوع و رفع اختلاـف و تعيين تكليف قطعی آن ، مـدت اعـتراض بر حـدود اعم از اين كه معترض متصـرف قطعه مورد تحديـد يا مجاور آن باشـد از تاريـخ تحديد حدود قطعه مورد اعتراض تا ۳۰ روز پس از ختم عمليات تحديـد حـدود آخرين قطعه ملك مورد آگهی خواهد بود ، اعتراضات واصـله از طريق ثبت محل به هيات تسـليم می گردد. ب ـ رسـيدگی و صدور دستور مقتضی در مورد هرگونه اشـتباهی كه در آگهی الصـاقی يـا عمليـات تحديـدی املاكی كه طبق ماده ۱۴۴ اين قـانون انجـام می گيرد. ج ـ تشـخيص و تعيين قائم مقام قانونی زارع انتقال‌گيرنـده درصورتی كه انتقال گيرنده فوت كرده و يا طبق مقررات اصـلاحات ارضـی از او خلع يد شـده باشـد. د ـ تشـخيص نوع اعيـانی زراعی و تعيين مالـك آن و همچنين تشـخيص مسـتثنيات قـانونی براساس مقررات اصـلاحات ارضـی برای اراضـی مكانيزه و تعيين‌مالك آن در صورت وجود اختلاف (رجوع به آيين نامه هيات تشـخيص مصوب ۱۵/۹/۱۳۵۲) ماده ۱۴۶ ـ در مورد املاكی كه قبل از اجرای اين قانون قسـمتی به‌طور مشاع و قسـمتی به طور مفروز درخواست ثبت شده و قسمت مفروز در تصـرف بلامنازع متقاضی ثبت يا قائم مقام او باشد موضوع در هيات نظارت طرح و طبق تشخيص هيات مزبور درخواست ثبت مفروز ابقا و اظهارنامه سـهام مشاعی با تفكيك قسـمتهای مفروز اصـلاح می‌شود و عمليات ثبت قسـمتهای مشاع و مفروز بدون احتياج به تجديـد آگهی‌های نوبتی ادامه می‌يابد. در مورد املاكی كه قبل از اجرای اين قانون به سـهام مشاعی درخواست ثبت شده ولی عملاـ تمـام يـا قسـمتی از ملك به صورت مفروز در تصـرف بلامنازع تمام يا بعضـی از متقاضـيان ثبت يا قائم مقام قانونی آنان درآمـده باشـد در صـورت تقاضـای هريـك از متقاضـيان ، موضـوع در هيـات نظـارت طرح و بر طبق تشـخيص و رای هيـات مزبور درخواسـتهای ثبت سـهام مشاعی كه به صورت مفروز در تصـرف بلامنازع متقاضـی ثبت يا ايادی متلقای از او باشـد به صورت و با حـدود مفروز اصـلاح و قسـمتهای مفروز از اصـل ملك تفكيك و اظهارنامه ساير متقاضـيان ثبت مشاعی اصـلاح می‌شود و عمليات ثبت درخواسـتهايی كه به‌صورت مشاع باقی می‌مانـد بدون احتياج به تجديد آگهی های نوبتی ادامه می‌يابد و جريان ثبت قسـمتهای مفروز بـا انتشـار آگهی‌هـای نوبتی شـروع می گردد. درخواست احـاله كار به هيات نظارت بر طبق اين ماده فقط تا سه سال از تاريخ اجرای اين قـانون مجـاز خواهـد بود و رسـيدگی هيـات نظارت نيز در صورتی جايز است كه هيـچ يك از درخواسـتهای ثبت سـهام مشاعی منتهی به ثبت در دفتر املاك نشده باشد و موضوع نيز مسـبوق به طرح و رسيدگی در مراجع قضايی نباشد. ماده ۱۴۷ ـ برای تعيين وضع ثبتی اعيان املاكی كه اشـخاص تا تاريـخ ۱/۱/۱۳۷۰ بر روی زمينهـايی ايجاد نمودهانـد كه به واسـطه موانع قانونی تنظيم سندرسـمی برای آنهـا ميسور نبوده است ، همچنين تعيين وضع ثبتی اراضـی كشـاورزی و نسـقهای زراعی و باغات اعم از شـهری و

غیرشهری و اراضی خارج از محدوده شهر و حریم آن مورد بهره برداری متصرفین است و اشخاص تا تاریخ فوق خریداری نموده‌اند و به واسطه موانع قانونی تنظیم سند یا صدورسند مالکیت برای آنها میسور نبوده است به شرح زیر تعیین تکلیف می‌شود: ۱ ـ در صورتی که بین متصرف و مالک توافق بوده پس از احراز تصرف بلامنازع متصرف توسط کارشناس منتخب اداره ثبت و نداشتن معترض رییس ثبت دستور ادامه عملیات ثبتی را به نام متصرف به منظور صدور سند مالکیت خواهد داد. ۲ ـ هرگاه انتقال (اعم از رسمی یا عادی به نحو مشاع و تصرف به صورت مفروز بوده و بین متصرف و مالك مشاعی توافق باشد پس از کارشناسی و تهیه نقشه کلی ملك و انعکاس قطعه مورد تصرف در آن و احراز تصرف بلامنازع مشروط بر این که مقدار تصرف از سهم فروشنده در کل ملك بیشتر نباشد و سایر مالکین هم مراتب را تایید کنند رییس ثبت دستور تعیین حدود و حقوق ارتفاقی مورد تقاضا و باقیمانده را به منظور صدور سند مالکیت مفروزی خواهد داد و الا عملیات ثبتی به صورت مشاع ادامه می‌یابد و در صورت عدم دسترسی به مالکین مشاعی یا وصول اعتراض ، مراتب به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۲ این قانون ارجاع می‌شود. ۳ ـ در مورد مناطقی نظیر مازندران که غالبا مالك عرصه و اعیان جدا از هم بوده و مورد معامله اکثرا اعیان ملك می‌باشد و آخرین منتقل الیه متقاضی سند مالکیت است هیات موضوع ماده ۲ به این گونه تقاضا ها رسیدگی نموده در صورت احراز واقع و توافق طرفین طبق بند ۱ این ماده عمل ، و الا ـ باحفظ حقوق مالك عرصه رای بر صدور سند مالکیت اعیان طبق عرف محل خواهد داد. ۴ ـ اگر متصرف نتواند سند عادی مالکیت خود را ارایه نماید هیات موضوع ماده ۲ با رعایت کلیه جوانب به موضوع رسیدگی درصورتی که هیات توافق طرفین را احراز و مدعی بلامعارض باشد مراتب را برای صدور سند مالکیت به اداره ثبت محل اعلام می‌نماید. ۵ ـ چنانچه بین اشخاص در تصرف اختلاف باشد یا اعتراض برسد و یا اتخاذ تصمیم برای رییس ثبت مقدور نباشد و همچنین در صورتی که مالك عرصه ، اوقاف یا دولت یا شهرداری باشد موضوع به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۲ این قانون ارجاع می‌شود. ۶ ـ در مواردی که متصرف با در دست داشتن سند عادی تقاضای سند رسمی دارد موضوع به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۲ این قانون ارجاع می‌شود ، هیات رسیدگی نموده و پس از احراز تصرف مالکانه متقاضی ، مراتب را به اداره ثبت اعلام تا در دو نوبت به فاصله پانزده روز به نحو مقتضی اگهی نماید. در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراض واصل شود معترض به دادگاه صالح هدایت می‌شود و اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. چنانچه اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات ، سند مالکیت را صادر خواهد کرد. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. ۷ ـ در صورتی که مساحت قطعات متصرفی در باغها ، کمتر از میزان مقرر در ضوابط ابلاغی ـ حسب مورد به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی یاوزارت کشاورزی ـ باشد و با رعایت مقررات تبصره (۱) ماده (۴) قانون (حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت ـ مصوب ۱۳۵۲) مشمول این قانون نخواهد بود. (الحاقی مصوب ۱۳۷۶) ماده ۱۴۸ ـ در هر حوزه ثبتی هیات یا هیات هایی به عنوان هیات حل اختلاف در ثبت تشکیل می‌شود. اعضای این هیات عبارتند از: یکی از قضات دادگستری به انتخاب رییس قوه قضاییه و رییس ثبت یا قائم مقام وی و یک نفر خبره ثبتی به انتخاب رییس سازمان ثبت اسناد و املاك کشور. نحوه تشکیل جلسات و اختیارات هیات و سایر موارد اجرایی آن مطابق آیین‌نامه این قانون خواهد بود. هیات مذکور می‌تواند برای کشف واقع ازخبرگان امور ثبتی استفاده کند و همچنین با تحقیقات و یا استماع گواهی شهود رای خود را صادر نماید ، رای مذکور به وسیله ثبت محل به طرفین ابلاغ می‌شود در صورت عدم وصول اعتراض ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رای ، ادارات ثبت مکلف به اجرای آن می‌باشند. در صورت وصول اعتراض معترض به دادگاه هدایت می‌شود ، رسیدگی به این اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود. تبصره ۱ ـ هیاتها مکلفند حداکثر ظرف سه سال از تاریخ ارجاع رای خود را صادر نمایند. تبصره ۲ ـ در صورتی که اعیان کلا یا جزئا در اراضی موقوفه احداث شده باشد هیات با موافقت متولی منصوص و اطلاع اداره اوقاف و رعایت مفاد وقفنامه و در صورتی که متولی نداشته باشد تنها با موافقت اداره اوقاف و رعایت مفاد وقفنامه و مصلحت موقوف علیهم و با در

نظر گرفتن جمیع جهات نسبت به تعیین اجرت زمین اقدام و در رای صادره تکلیف اداره ثبت را نسبت به مورد برای صدور سند مالکیت کل یا جز اعیان با قید اجرت زمین مقرر و معین خواهد کرد. تبصره ۳ ـ در مورد آن دسته از متقاضیان که مستحدثات و بنا متعلق به آنها در اراضی دولت یا شهرداریها ایجاد شده باشد هیات پس از دعوت ازنماینده مرجع ذیربط و احراز واقع ، به شرح زیر رای به انتقال ملک صادر می‌نماید: (اصلاحی مصوب ۱۳۷۶.) الف ـ در مورد واحدهای مسکونی احداثی ، چنانچه متقاضی واجد شرایط باشد (فاقد واحد مسکونی یا زمین متناسب با کاربری مسکونی قابل ساختمان تا مساحت (۲۵۰) متر مربع زمین به قیمت تمام شده و نسبت به مازاد (۲۵۰) متر مربع تا سقف (۱۰۰۰) متر مربع به قیمت عادله روز. ب ـ تمامی مستحدثات غیرمسکونی کل عرصه به قیمت عادله روز. ج ـ هرگاه متقاضی واجد شرایط نباشد ، کل عرصه مورد تصرف به قیمت عادله روز. د ـ تصرف مازاد (۱۰۰۰) متر مربع در صورتی که دارای تاسیسات ساختمانی متناسب باشد کلا به بهای عادله روز و در غیر این صورت ، متصرف براساس مقررات ، مکلف به خلع ید و رفع تصرف خواهد بود. ه ـ اراضی تصرف شده واقع در محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرهای بزرگ با جمعیت دویست هزار نفر و بیشتر (موضوع بند الف مشروط براین که متصرف واجد شرایط مندرج در بند (الف باشد تا میزان دویست متر مربع به قیمت منطقه‌ای (تقویم دولتی و مازاد بر آن و همچنین افرادی که فاقد شرایط بند (الف مذکور باشند و مشمولان جز اول بند (د) به بهای کامل کارشناسی روز ارجاع امر به کارشناسی تقویم بهای کارشناسی روز و تعیین زمان ساخت بنا به عهده کارشناس واجد شرایط می‌باشد. در صورت اعتراض هر یک از طرفین به نظریه کارشناس ، هیات حل اختلاف به تقاضای معترض ، گروهی مرکب از سه کارشناس از بین کارشناسان واجد شرایط انتخاب و معرفی می‌نماید. نظر اکثریت این گروه قطعی است پرداخت هزینه کارشناسی ، در مرحله اول ، به عهده متصرف و هزینه گروه کارشناسی به عهده معترض می‌باشد. تبصره ۱ ـ متصرفان موضوع این قانون فقط برای یک پرونده متشکله در ادارات ثبت اسناد و املاک می‌توانند از مزایای مندرج در این بند استفاده نمایند. تبصره ۲ ـ در صورتی که از تاریخ ارجاع امر به کارشناس تا تاریخ واریز بهای تعیین شده توسط متقاضی بیش از یک سال بگذرد کارشناسی تجدیدخواهد شد. تبصره ۳ ـ کاهش درآمد دولت از تغییر قیمت اراضی از کارشناسی روز به قیمت منطقه‌ای از محل تقلیل میزان دویست و پنجاه مترمربع به دویست مترمربع و درآمد حاصله از نقل و انتقال این گونه املاک تامین خواهد شد. (اصلاحی ۱۹/۳/۱۳۸۱) و ـ هیاتها باید قیمت تمام شده زمین (شامل بهای منطقه‌ای و سایر هزینه‌ها) و واجد شرایط بودن یا نبودن متقاضی را از سازمان مسکن و شهرسازیاستان استعلام نمایند و در صورت موافقت دستگاه ، صاحب زمین سند انتقال را به نام متصرف صادر نماید. ز ـ قیمت عادله زمین موضوع این تبصره به وسیله کارشناس رسمی دادگستری و در صورت نبودن کارشناس رسمی ، توسط خبره محلی به انتخاب‌هیات ، تعیین خواهد شد. ح ـ در تمامی موارد بالا ، چنانچه اراضی مورد تصرف در معابر و کاربریهای خدماتی عمومی بستر رودخانه‌ها و حریم آنها و خطوط فشار قوی برق قرارداشته باشد در صورتی که تصرف متصرف قانونی نباشد و خطوط فشار قوی قبل از تصرف وی ایجاد شده باشد ، از شمول این قانون مستثنا می‌باشد. ط ـ به منظور جلوگیری از تصرفات غیرقانونی اشخاص در اراضی دولتی و شهرداری ها ، تنها تصرفاتی معتبر شناخته می‌شود که تا تاریخ ۱/۱/۱۳۷۰ احداث مستحدثات و بنا شده باشد. ی ـ آیین‌نامه اجرایی این تبصره ظرف مدت دو ماه به وسیله وزیر دادگستری و با هماهنگی وزیر مسکن و شهرسازی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. تبصره ۴ ـ چنانچه ملک سابقه ثبت نداشته باشد و متقاضی به عنوان مالک متصرف است و هیات به موضوع رسیدگی و نظر خود را جهت تنظیم‌اظهارنامه به واحد ثبتی ابلاغ کند ثبت مکلف است پس از تنظیم اظهارنامه مراتب را ضمن اولین آگهی نوبتی موضوع ماده ۵۹ آیین نامه قانون ثبت به‌اطلاع عموم برساند ، تحدید حدود این قبیل املاک با درخواست متقاضی به صورت تحدید حدود اختصاصی انجام می‌شود. تبصره ۵ ـ اگر ملک در جریان ثبت باشد و سابقه تحدید حدود نداشته باشد واحد ثبتی طبق قسمت اخیر تبصره ۴ اقدام خواهد نمود. تبصره ۶ ـ در صورتی که ملک قبلا ثبت دفتر املاک شده و طبق مقررات این قانون با رای هیات

می‌بایست سند مالکیت به نام متصرف صادر گردد ،مراتب در ملاحظات دفتر املاک قید و در دفتر املاک جاری به نام متصرف حسب مورد ثبت خواهد شد. تبصره ۷ ـ رسیدگی به تقاضای اتباع بیگانه مستلزم رعایت تشریفات آیین‌نامه استملاک اتباع خارجه در ایران است تبصره ۸ ـ چنانچه در خلال رسیدگی محرز گردید که مورد تقاضا جزو حوزه ثبتی دیگری است و متقاضی اشتباها تقاضای خود را تسلیم نموده استتقاضا به واحد ثبتی مربوط ارسال می‌شود که حسب مورد در ردیف هم عرض مورد تقاضا رسیدگی می‌شود. ماده ۱۴۹ ـ نسبت به ملکی که با مساحت معین مورد معامله قرار گرفته باشد و بعدا معلوم شود اضافه مساحت دارد ذی نفع می‌تواند قیمت اضافی رابراساس ارزش مندرج در اولین سند انتقال و سایر هزینه‌های قانونی معامله به صندوق ثبت تودیع و تقاضای اصلاح سند خود را بنماید. در صورتی که اضافه مساحت در محدوده سند مالکیت بوده و به مجاورین تجاوزی نشده و در عین حال بین مالک و خریدار نسبت به اضافه مذکور قراری داده نشده باشد ، اداره ثبت سند را اصلاح و به ذی نفع اخطار می‌نماید تا وجه تودیعی را از صندوق ثبت دریافت دارد. عدم مراجعه فروشنده برای دریافت وجه در مدتی زاید بر ده سال از تاریخ اصلاح سند اعراض محسوب و وجه به حساب درآمد اختصاصی ثبت واریز می‌شود. تبصره ـ در مواردی که تعیین ارزش اضافه مساحت میسر نباشد ارزش اضافه مساحت در زمان اولین معامله به وسیله ارزیاب ثبت معین خواهد شد. ماده ۱۵۰ ـ هرگاه نسبت به ملکی از طرف مالک یا قائم مقام او تقاضای تفکیک شود این تقاضا به اداره ثبت ارسال می‌گردد و در تقاضانامه باید ارزش‌مورد تفکیک براساس ارزش معاملاتی روز تعیین شود و هزینه تفکیکی به قرار ده هزار ریال ، دویست ریال از طرف ذی نفع براساس مبلغ مزبور قبلاـپرداخت گردد. مبنای وصول هزینه تفکیک ارزش معاملاتی روز خواهد بود هر چند بهای معامله بیش از ارزش معاملاتی روز باشد.(اصلاحی مصوب ۲۸/۱۲/۷۳) ماده ۱۵۱ ـ حق الثبت املاک و حقوق اجرایی و هزینه تفکیک و حق الثبت اسناد رسمی و سایر درآمدهای ثبتی به حساب بانکی که از طرف ثبت کل‌اسناد و املاک تعیین می‌شود پرداخت می‌گردد و رویه الصاق و ابطال تمبر در این موارد ملغی است ماده ۱۵۲ ـ ثبت کل می‌تواند در هر شهرستانی که مقتضی بداند برای انجام امور ثبتی از قبیل امور مربوط به املاک و اجرای اسناد و حسابداری ، واحد یا واحدهای ثبتی مرکب از یک یا چند بخش تشکیل دهد. ماده ۱۵۳ ـ تودیع وجوه سپرده در حساب مخصوص ودایع ثبتی شعب بانک ملی پس از اعلام ثبت مجاز است و محتاج به تودیع آن در صندوق‌حسابداری ثبت نخواهد بود. ماده ۱۵۴ ـ دادگاهها و ادارات ثبت اسناد و املاک باید طبق نقشه تفکیکی که به تایید شهرداری محل رسیده باشد نسبت به افراز و تفکیک کلیه اراضی واقع در محدوده شهرها و حریم آنها اقدام نمایند و شهرداریها مکلفند براساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی و دیگر ضوابط مربوط به شهرسازی نسبت به نقشه ارسالی از ناحیه دادگاه یا ثبت ظرف دو ماه اظهارنظر و نظریه کتبی را ضمن اعاده نقشه به مرجع ارسال‌کننده اعلام دارند در غیراین صورت دادگاهها و ادارات ثبت نسبت به افراز و تفکیک رأسا اقدام خواهند نمود. (اصلاحی مصوب ۱۳۶۵) ماده ۱۵۵ ـ ثبت کل مکلف است پس از تحصیل اعتبار ترتیب بایگانی اسناد و مدارک و پرونده های ثبتی را با تنظیم آیین نامه خاص به منظور تسریع کار و یکنواخت‌کردن و ساده نمودن امور در بایگانی تغییر دهد. ماده ۱۵۶ ـ به منظور تشخیص حدود و موقعیت املاک واقع در محدوده شهرها و حومه نقشه املاک به صورت کاداستر تهیه خواهد شد. اداره امور املاک ثبت کل علاوه بر وظایف فعلی خود عهده‌دار تهیه املاک به صورت نقشه کاداستر خواهد بود. تبصره ۱ ـ در مورد تقاضای تفکیک و افراز املاک مذکور در این ماده و تحدید حدود املاک مجاور و همچنین در دعاوی مطروحه در مراجع قضایی رفع اختلاف حدودی نقشه کاداستر ملاک عمل خواهد بود. تبصره ۲ ـ نسبت به املاکی که نقشه رسمی کاداستر تهیه شده است صاحبان املاک مزبور می‌توانند با پرداخت یک هزار ریال تقاضای الصاق نقشه‌مزبور را به سند مالکیت خود بنمایند. تبصره ۳ ـ حدود وظایف و تشکیلات اداره امور املاک از جهت تهیه نقشه املاک به صورت کاداستر و همچنین اجرای مقررات این قانون به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۱۵۷ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و تصویب خواهد کرد.

قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۲

در تفسیر ماده ۳۸ ماده ۱ این قسمت ذیل ماده ۳۳ (بند ۳) ذکر شده است ماده ۲ الف ـ مقصود از حکم مقرر در قسمت اول ماده ۳۸ قانون ثبت اسناد و املاك مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۰ راجع به معاملات مذکور در ماده ۳۳ این قانوناین است که اگر چه انتقال گیرنده یا قایم مقام قانونی او عین مورد معامله را مطالبه کرده باشد محاکم مکلفند برطبق مفاد ماده ۳۴ و تبصره دوم آن و ماده ۳۸ قانون مزبور به رد اصل وجه و متفرعات مذکور در ماده ۳۴ حکم صادر نمایند مگر آن که انتقال دهنده قبل از حکم ، به تسلیم عین مال در مقابل اصل‌حاضر شود که در این صورت به تسلیم عین متفرعات حکم صادر خواهد شد. ب ـ در صورتی که مدعی ، اصل وجه و متفرعات را مطالبه کند محکمه نمی‌تواند حکم به تسلیم عین بدهد ولو این که انتقال دهنده به تسلیم عین مال‌حاضر شود. ماده ۳ در صورتی‌که مال مورد معامله با حق استرداد در تصرف شخص دیگری غیر از انتقال دهنده یا وارث او باشد ، انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او برای وصول طلب خود بابت اصل وجه و متفرعات می‌تواند(علیه هر یک از انتقال‌دهنده یا وارث او و یا کسی که عین مورد معامله را متصرف است ، اقامه دعوا نماید و رجوع به هر یک مانع مراجعه به دیگری نخواهد بود. هرگاه به متصرف رجوع شد و حاصل از فروش ملك کفایت اصل ومتفرعات را نکرد مدعی می‌تواند برای بقیه ، به انتقال‌دهنده رجوع کند و انتقال‌گیرنده می‌تواند در صورتی که متصرف عالم به معامله اولیه بوده برای بقیه طلب خود در حدود مدتی که مورد معامله در تصرف متصرف بوده به مشارالیه نیز مراجعه کند اعم از این که متصرف استیفای منفعت کرده یا نکرده باشد. ماده ۴ هرگاه انتقال گیرنده عین مال مورد معامله با حق استرداد را ادعا کرده و به استناد مقررات قانون ثبت راجع به آن نوع معاملات ، در مطالبه عین محکوم شده باشد ، طرف دعوای او حق مطالبه خسارات محاکمه را از او نخواهد داشت

قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد – مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و ال

مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن (مصوب ۲۱/۶/۱۳۷۰) مواد ۱و۲ این قانون در خصوص اصلاح مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت بوده که در متن قانون ثبت اسناد و املاك اعمال گردیده است ماده ۳ ـ ماده ۳ قانون مزبور به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۳ ـ هرگاه تعداد متصرفین در یك پلاك چند نفر باشند به سازمان ثبت اجازه داده می‌شود که با دریافت هزینه کارشناسی مناسب و انتخاب هیاتی ازکارشناسان و خبرگان ثبتی حدود کلی پلاك را نقشه برداری و تصرفات اشخاص را به تفکیك برداشت و دستور رسیدگی را حسب مورد با انطباق آن با موارد فوق صادر نماید. نحوه تعیین کارشناس یا هیات کارشناسی و هزینه های متعلقه و ارجاع کار و سایر موارد اجرایی مطابق آیین نامه این قانون خواهد بود. تبصره ـ در هر مورد که در اجرای موارد مذکور در این قانون نیاز به تفکیك یا افراز ملك باشد واحدهای ثبتی با توجه به وضع موجود رأسا اقدام‌خواهند نمود و مورد مشمول مقررات ماده ۴ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاك مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن نخواهدبود. ماده ۴ ـ ماده زیر به عنوان ماده ۶ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۶ ـ از هریك از متقاضیان استفاده از مقررات این قانون به هنگام صدور و تسلیم سند مالکیت علاوه بر بهای دفترچه مالکیت و هزینه‌های مربوط به‌هیاتها و کارشناسی معادل ۵۰ در هزار بر مبنای ارزش منطقه‌ای ملك و در نقاطی که ارزش منطقه‌ای معین نشده بر مبنای برگ ارزیابی اخذ و به حساب‌دولت واریز می‌شود. تبصره ـ چنانچه ملك مورد تقاضا مسبوق به صدور سند مالکیت اولیه نباشد علاوه بر مبلغ فوق بقایای ثبتی متعلقه نیز طبق مقررات به حساب‌مربوطه واریز می‌گردد. ماده ۵ ـ ماده زیر به عنوان ماده ۷ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۷ ـ نسبت به درخواستهایی که طبق مواد ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ و ۱۴۸ مکرر قانون ثبت و ماده ۴ قانون متمم قانون ثبت و همچنین مطابق مواد یك و دو قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۳۶۵ در موعد مقرر تسلیم شده و منتهی به صدور رای نگردیده بر طبق این قانون

رسیدگی‌خواهد شد و نیاز به تجدید تقاضا ندارد. تبصره ۱ ـ در مورد تقاضاهایی که قبلا تسلیم شده و به علت عدم حضور متقاضی یا مالک رای منفی صادر شده است در صورت وصول تقاضای مجدد مطابق مقررات این قانون قابل رسیدگی است تبصره ۲ ـ ادارات ثبت مکلفند از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از طریق رادیوی استان و نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک به محل و الصاق آگهی در اماکن و معابر عمومی مراتب را به اطلاع مردم برسانند که ظرف مدت یکسال درخواست خود رابه ضمیمه رونوشت مصدق مدارک در قبال اخذ رسید تسلیم ثبت محل وقوع ملک نمایند.(۶۲) تبصره ۳ ـ کلیه درخواستهای واصله به ترتیب وصول در دفتر اداره ، ثبت می‌گردد به علاوه ادارات ثبت مکلفند مراتب را در دو دفتر دیگری که به این‌منظور تهیه خواهد شد ثبت نموده و یکی از دو دفتر را به اداره کل امور املاک سازمان ثبت ارسال نمایند. ماده ۶ ـ ماده زیر به عنوان ماده ۸ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۸ ـ ترتیب تشکیل جلسات ، نحوه رسیدگی هیات ها ، چگونگی انتخاب کارشناس یا خبره ثبتی و تعیین هزینه های هیاتها و کارشناسان و هزینه آنها وموارد دیگر اجرایی این قانون مطابق آیین نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. ماده ۷ ـ ماده زیر به عنوان ماده ۹ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۹ ـ در صورت امتناع اولیا صغار شهدا نسبت به انجام عملیات ثبتی ، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید انقلاب اسلامی می‌تواند پس از احراز امتناع وغبطه صغار ۴۵ روز پس از انقضای مدت مقرر در قانون نسبت به انجام عملیات ثبتی به قائم مقامی از ولی قهری و قیم صغار اقدام به انجام تمهیدات لازم و ثبت نماید. ماده ۸ ـ ماده زیر به عنوان ماده ۱۰ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۱۰ ـ اولویت رسیدگی به تقاضاهای رسیده در هیاتهای رسیدگی به ترتیب با صغار و خانواده های شهدا ، مفقودین ، آزادگان و جانبازان انقلاب‌اسلامی خواهد بود. ۶۲ ـ (به موجب ماده واحده مصوب ۱۸/۸/۱۳۷۸ مهلت مذکور در این تبصره به مدت پنج سال دیگر تمدید گردیده است

قانون متمم قانون ثبت اسناد و املاک – مصوب ۹ تیر ماه ۱۳۵۴

مصوب ۹ تیر ماه ۱۳۵۴ ماده ۱ ـ در مورد اراضی متعلق به دولت یا موسسات و یا شرکتهای دولتی که در جریان عملیات مقدماتی ثبت برای تامین مسکن به شرکتهای تعاونی واگذار شده یا می‌شود اعم از این که در اراضی مزبور احداث بنا شده یا نشده باشد انتقال گیرنده و ایادی بعدی انتقال از پرداخت حق الثبت ملک و هزینه مقدماتی و بقایای آنها معافند. در مورد هزینه تفکیک انتقال دهنده و شرکت تعاونی انتقال گیرنده از پرداخت هزینه تفکیک معاف می‌باشند. تبصره – در مورد املاکی که بلاعوض به شرکتهای تعاونی برای تامین مسکن کارکنان دولت و موسسات و شرکتهای دولتی منتقل می‌شود اعم از این که انتقال دهنده دولت یا هر شخص حقیقی یا حقوقی باشد سند انتقال با معافیت از پرداخت حق الثبت انتقال و هرگونه مالیات و عوارض شهرداری و بقایای آنها و هزینه تفکیک تنظیم می‌گردد. در صورتی که مالک در جریان عملیات مقدماتی ثبت باشد انتقال دهنده و انتقال گیرنده از پرداخت حق الثبت ملک و هزینه مقدماتی و بقایای آنها معاف می‌باشند. ماده ۲ ـ نسبت به قطعات مفروز از پلاک اصلی شماره ۲۳۹۵ اراضی مشاعی طرشت که مساحت هریک بیشتر از یکهزار متر مربع نباشد در صورتی که‌متقاضی ثبت یا قائم مقام قانونی او تا تاریخ تقدیم این لایحه (۲۹/۱۲/۱۳۵۷) احداث ساختمان در زمین مذکور کرده باشد و اشکال دیگری جز اعتراض بر تحدید حدود مزبور وجود نداشته باشد اداره ثبت به نام متقاضی ثبت یا قائم مقام قانونی او فقط نسبت به یک قطعه سند مالکیت صادر خواهد نمود و هرگاه پس از صدور سند مالکیت معترض ذی حق تشخیص شود دادگاه کسی را که به‌موجب این قانون سند مالکیت به نام او صادرمی‌شود به پرداخت بهای زمین معادل ارزش معاملاتی آن در تاریخ صدور حکم در وجه ذی نفع محکوم خواهند نمود.(اصلاحی مصوب ۲۰/۶/۱۳۵۸.) تبصره ۱ ـ در مورد آن قسمت از اراضی مذکور در این ماده که طبق احکام قطعی در سهم موقوفه قرار گرفته و مساحت آن تا پانصد متر مربع بوده و ازطرف اوقاف به اجاره واگذار شده و مستاجر تا تاریخ ۱۲/۸/۵۳ در

آن احداث ساختمان کرده باشد سند مالکیت عرصه به نام موقوفه و سند مالکیت اعیانی به نام صاحب اعیان صادر خواهد شد. تبصره ۲ ـ تشخیص شرایط مقرر در این ماده با اداره ثبت تهران است و اداره ثبت به محض صدور سند مالکیت مراتب را به دادگاهی که پرونده در آن مطرح رسیدگی است اعلام خواهد نمود. ماده ۳ ـ در مورد املاکی که طبق مقررات اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق منتقل شده یا می‌شود در صورتی که ملک مسبوق به درخواست ثبت‌باشد فروشنده یا قائم مقام قانونی او از پرداخت بقایای ثبتی اعم از حق الثبت و هزینه مقدماتی ملک معاف است در مورد انتقال این قبیل املاک هرگاه درخواست ثبت ملک نشده باشد مالک سابق در اجرای مقررات ماده ۱۴۳ الحاقی به قانون ثبت اسناد و املاک ازپرداخت وجوه مقرر در تبصره یک ماده مزبور معاف خواهد بود. تبصره ـ وجوهی که قبل از اجرای این قانون از بابت بقایای ثبتی و یا طبق تبصره یک ماده ۱۴۳ الحاقی به قانون ثبت اسناد و املاک وصول شده استقابل استرداد نیست در صورتی که دریافت وجوه مذکور قبلا تقسیط شده باشد اقساطی که وصول نشده اعم از این که موعد پرداخت آن قبل یا بعد ازاجرای این قانون باشد مشمول معافیت موضوع این ماده خواهد بود. در مواردی که از این بابت قبوض اقساطی بدهی زارعین مربوط به انتقال ملک دریافت شده باشد قبوضی که وصول نشده مسترد می‌شود. ماده ۴ ـ برای رفع اختلاف موجود بین صاحبان اراضی واقع در محدوده شهر شاهی (قائم شهر) و مرودشت شیراز و افرادی که تا اول فروردین ماه سال ۱۳۵۰ در اراضی مزبور ساختمانهایی ایجاد نموده و خود یا قائم مقام قانونی آنان متصرفند و صاحبان عرصه حاضر به تصدیق اعیانی آنها نیستند هیاتی‌مرکب از دو نفر از قضات حوزه قضایی همان محل به تعیین وزیر دادگستری و رییس ثبت محل یا معاون او تشکیل می‌شود این هیات به اختلافات موجود با توجه به اوضاع و احوال و استطاعت هریک از طرفین به طور کدخدامنشی رسیدگی و رای به پرداخت بهای عادله اراضی در تاریخ تصرف و اجرت المثل آن تا تاریخ صدور رای صادر می‌نماید. و یا به تقاضای مالکین ، رای به پرداخت بهای اعیانی و خلع ید از متصرف می‌دهد. رای هیات قطعی و لازم الاجراست و مرجع اجرای آن دادگاه شهرستان محل و در صورت نبودن دادگاه شهرستان دادگاه بخش خواهد بود. تبصره ۱ ـ صاحبان اعیان در صورتی می‌توانند از مقررات این قانون استفاده کنند که ظرف یکسال از تاریخ اجرای این قانون دادخواست خود را در قبال اخذ رسید به ثبت محل تسلیم نموده باشند والا به تقاضای مالک به شرح این ماده اقدام خواهد شد. ثبت محل مکلف است از تاریخ اجرای این قانون منتهی ظرف یکماه با نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک به محل و الصاق آگهی در اماکن عمومی مهلت مقرر را به اطلاع صاحبان اعیان برساند. تبصره ۲ ـ پس از صدور رای هیات و پرداخت بهای اراضی و اجور آن هرگاه ملک منتهی به ثبت در دفتر املاک شده باشد به نام صاحب اعیان در دفتر املاک ثبت می‌شود و اگر ملک در جریان ثبت باشد عملیات ثبتی به نام او ادامه می‌یابد، در این صورت هرگاه موعد اعتراض بهاصل یا حدود ملک منقضی نشده و یا اعتراض رسیده باشد وجه مورد حکم هیات تا تعیین تکلیف قطعی باید در صندوق ثبت محل تودیع گردد. هرگاه حکم قطعی به نفع معترض صادر شود بنا به درخواست صاحب اعیان رای هیات به محکوم له ابلاغ می‌شود محکوم‌له می‌تواند از تاریخ صدور حکم قطعی به نفع او تا ده روز پس از ابلاغ رای هیات فقط نسبت به بهای تعیین شده عرصه به هیات مذکور اعتراض نماید و رای هیات قطعی است اعیان موضوع حکم نیز وقتی به مالکیت قطعی صاحب عرصه درخواهد آمد که وجه مورد حکم کلا پرداخت شده باشد. تبصره ۳ ـ رقبات مشمول قوانین و مقررات ملی شدن جنگلها و مراتع یا قوانین و مقررات اصلاحات ارضی از شمول این ماده مستثناست ماده ۵ ـ مهلت مندرج در تبصره یک ماده ۱۴۸ قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۵۱ در مورد کرمان تا آخر سال ۱۳۵۴ تمدید می‌شود.

آیین نامه قانون ثبت املاک – مصوب سال ۱۳۱۷ با اصلاحیه‌های بعدی

فصل اول ــ دفاتر ثبت اسناد و املاک (ماده ۱ تا ۴)

ماده ۱ ـ اداره ثبت اسناد و املاك دارای دفاتر زیر خواهد بود: (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ۱ ـ دفتر املاك ۲ ـ دفتر نماینده املاك ۳ ـ دفتر املاك توقیف شده ۴ ـ دفتر ثبت موقوفات ۵ ـ دفتر گواهی امضا. ۶ ـ دفتر سپرده ها. ۷ ـ دفتر توزیع اظهارنامه ها. ۸ ـ دفتر املاك مجهول المالك ۹ ـ دفتر ثبت شركتها. ۱۰ ـ دفتر اسناد رسمی ۱۱ ـ دفتر ثبت قنوات ۱۲ ـ دفتر آمار و ثبت اظهارنامه تبصره ـ دفتر املاـك و دفتر ثبت قنوات در مركز و كلیه شهرستان ها یك نسخه خواهد بود و در موقع مقتضی با فراهم شدن امكانات از مندرجات دفاتر مزبور میكروفیلم و یا اسكن تهیه و به مركز ارسال می گردد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲ ـ كلیه دفاتر نامبرده در ماده قبل باید مجلد بوده و به استثنای دفتر توزیع اظهارنامه و دفتر املاك مجهول المالك بقیه دفاتر باید تمام صفحات آن‌را در بدو امر دادستان شهرستان محل یا نماینده او شماره گذاشته و امضا كرده و به مهر دادسرا ممهور و مجموع عده صفحات را در صفحه اول و آخر دفتر با تمام حروف ذكر و قید نماید. (اصلاحی ۱۳۲۳.) ماده ۳ ـ برای ثبت املاك هر بخش یك دفتر املاك تخصیص و برای ثبت هر شماره مستقل مجموعا سه صفحه و به جهت ثبت هر شماره از املاك مزروعی علاوه بر گنجایش مقدار ثبت لااقل سه صفحه سفید برای انتقالات بعدی آن منظور خواهد شد.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ـ در صورتی كه یك دفتر املاك برای یك بخش كافی نباشد بنا به پیشنهاد مدیر كل ثبت استان و تصویب سازمان ثبت اسناد و املاك كشور بخش مذكور به دو یا چند ناحیه تقسیم و برای هر ناحیه یك دفتر املاك تخصیص می‌یابد. در این صورت هر ناحیه به نواحی دیگر محدود و حد فاصل آنها اعم از خیابان اصلی یا آثار طبیعی در صورت جلسه‌ای به امضای مدیر كل و رییس ثبت محل قید می گردد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۴ ـ دفاتر نامبرده در ماده یك مادام كه صفحه سفید دارد مورد عمل و پس از اتمام آن مسئول دفتر باید تعداد شماره های ثبت را در آخر دفتر قید وبسته نمونه (امضا) نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰

فصل دوم ـ در شماره گذاری املاك و توزیع اظهارنامه (ماده ۵ تا ۱۹)

ماده ۵ ـ در موقعی كه اداره ثبت ، قطعه یا بخشی را برای ثبت عمومی در نظر می گیرد باید پیش‌نویس آگهی ماده ۹ قانون ثبت را تهیه و برای نمونه (امضا) و انتشار به اداره كل ثبت بفرستد و در ضمن این مدت بایستی وسایل مقدمات توزیع اظهارنامه را از انتشار آگهی ماده ۱۰ در محل و تهیه پلاك از مركز و غیره در نظر گرفته كه در موقع مقرر بتواند نماینده در محل حاضر شده و تاخیری در كار پلاـك كوبی و توزیع اظهارنامه نشود. ماده ۶ ـ در قرا و قصبات خرده مالك ، قبل از شروع به عملیات ثبت عمومی لازم است نماینده عمل به وسایل مقتضی از قبیل جار و غیره ، مالكین را مطلع و با اطلاع كدخدا و ریش سفیدان ، قریه را به بخشهای معینی كه حدود طبیعی داشته باشد تقسیم و اسامی و سایر مشخصات مالك و ملك را دركتابچه یا صورت مجلس نوشته به نمونه (امضا) كدخدا و ریش سفیدان برساند و بعد به شماره گذاری و توزیع اظهارنامه شروع كند و نماینده مأمور توزیع اظهارنامه باید دقیقا مراقبت كند كه اظهارنامه ها با صورت مجلس فوق الذكر كاملا تطبیق نموده و در صورت مزبور كلیه قطعات با مشخصات ومعروفیت آنها و اسامی مالكین كه معرفی می‌شوند و حدود اربعه آن ذكر گردد و شماره و نوع املاك و اسامی مالكین در دفتر توزیع اظهارنامه نوشته شودو در روی اظهارنامه نیز كه به مالكین و در صورت غیبت آنها به مستاجر یا كدخدای محل تسلیم و در دفتر توزیع اظهارنامه رسید داده می‌شود ، شماره ملك و مشخصات آن یادداشت و به نمونه (امضا) نماینده مربوطه برسد. ماده ۷ ـ در املاك شهری و مستغلات نیز پس از تعیین بخشی كه مورد ثبت عمومی واقع می‌شود شماره‌گذاری و توزیع اظهارنامه طبق مواد بالا به استثنای (جار) و صورت مجلس كه مخصوص املاك مزروعی خرده مالك است به‌عمل خواهد آمد. ماده ۸ ـ در مستغلات برای هر ملك یك شماره و در املاك مزروعی نیز برای قرا و مزارع ششدانگی یك شماره اصلی منظور می‌شود و در صورتی كه

مزرعه مشتمل بر قطعات مفروز و اعیانی و غیره باشد برای هر قسمت یک شماره فرعی از همان شماره اصلی منظور خواهد شد. ماده ۹ ـ چنانچه پس از شماره گذاری املاک هر قطعه یا بخشی معلوم شود که ملکی از قلم افتاده آخرین شماره آن بخش برای آن اختصاص داده می‌شودو اگر ملکی پس از شماره گذاری مفروزا به قطعاتی تقسیم شد برای هریک از قطعات شماره فرعی از همان شماره اصلی منظور خواهد شد مثلا از شماره۵ اصلی ۵۱ ۵۲ ۵۳ ماده ۱۰ ـ برای سرعت جریان باید قطعات ثبت عمومی ، کوچک انتخاب شود. ماده ۱۱ ـ در مورد کاروانسرا و امثال آن که دارای حجرات متعدده است در صورتی که متعلق به یک‌نفر یا مشاعا متعلق به اشخاص باشد یک شماره و درصورتی که حجرات مالک جداگانه داشته باشد برای هریک ، شماره مستقلی منظور خواهد شد. ماده ۱۲ ـ هر بخشی که به ثبت عمومی گذارده می‌شود قنوات آن بخش هم باید جزو سایر املاک برای ثبت عمومی منظور و آخرین نمره آن بخش به قنوات داده شود و در اظهارنامه و دفتر توزیع اظهارنامه و آگهی‌ها نیز شماره و اسم قنوات و مبدأ و مظهر آن قید شود. هرگاه قنات از متعلقات ملک است و جداگانه مورد معامله واقع نمی‌شود تابع اصل ملک بوده و شماره مستقلی لازم ندارد. ماده ۱۳ ـ در موقع توزیع اظهارنامه در قرا مأمورین عمل به وسایل مقتضی در محل رسیدگی نموده پس از تشخیص این که اعیانی قریه متعلق به رعایا می‌باشد تعیین شماره فرعی نموده و از روی شماره ردیف در دفتر توزیع اظهارنامه وارد و به مالکین اعیانی اظهارنامه می‌دهد. به مالکین عرصه هم پس‌از تعیین سهام آنها اظهارنامه توزیع می‌نماید ، سپس اظهارنامه های مالکین اعیانی و عرصه را جداگانه با اخذ حق الثبت از هریک از آنها تنظیم و قبول می‌نماید ، در موقع تنظیم آگهی ابتدا عرصه و بعدا اعیانی به اسم مالکین آگهی می‌شود. در صورتی که اختلافی بین مالکین عرصه و اعیانی پیدا شود باید بدوا به مدارک و قبالجات و بنچاق مالکین اصل مزرعه و عرصه مراجعه شود. چنانچه مدارک مالکین عرصه حاکی است که اعیانی‌ها متعلق به آنان بوده و رعایا مدرکی برای مالکیت خود از طرف مالک یا مالکین فعلی یا قبلی ندارند درخواست ثبت را باید از مالک عرصه ده پذیرفته و رعایا معترض شناخته شوند و چنانچه مدارک مالکیت مالکین قرا و قصبات حکایتی از اعیانی ها ندارد یا رعایا مدارکی بر مالکیت خود دارند حق درخواست ثبت با رعایا است ماده ۱۴ ـ نسبت به درخواستهای ثبتی که قبلا شده و نسبت به اعیانی های آن که تشریفات این نظامنامه به‌عمل نیامده چنانچه در موقع تعیین حدود ، مالکین عرصه اعیانی را برای رعایا گواهی نمایند یا قبلا به طور کلی گواهی کرده باشند باید برای اعیانی ها شماره فرعی منظور درخواست ثبت پذیرفته آگهی نمود. ماده ۱۵ ـ در مورد املاکی که قبلا درخواست ثبت شده و تعیین حدود به عمل آمده و مالکین حق رعایا را نسبت به اعیانی با اسامی معین قید و گواهی نموده‌اند و آگهی هم شده است با دریافت حق الثبت و مخارج از صاحبان اعیانی و تعیین حدود آن می‌توان در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت صادرنمود. ماده ۱۶ ـ املاکی که در جریان ثبت عادی بدون قید حق اعیانی برای رعایا به ثبت رسیده و بعدا در ثبت عمومی رعایا اظهارنامه داده‌اند چون سابقا ملک ثبت شده و جریان ثبت عمومی موردی نداشته این قبیل پرونده ها باید برای رای مقتضی به هیات نظارت احاله شود. ماده ۱۷ ـ در مورد املاک مشاع اگر بعضی (از) مالکین نسبت به اعیانی ها حق را گواهی کرده و بعضی گواهی نکرده‌اند نسبت به اعیانی از رعایا اظهارنامه پذیرفته شده و مالکین که حق مزبور را گواهی نکرده‌اند معترض شناخته می‌شوند. ماده ۱۸ ـ ملاک اخذ حق الثبت املاک قیمت منطقه‌بندی مذکور در ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب (۷/۲/۱۳۷۱) است هرگاه در موقع ثبت‌ملک در دفتر املاک ارزش منطقه بندی تغییر کرده باشد بهای ملک طبق قیمت منطقه‌بندی جدید تعیین می‌گردد. در نقاطی که قیمت منطقه بندی تعیین‌نشده ملک باید ارزیابی شود. اعتبار برگ ارزیابی یکسال از تاریخ تنظیم است ولو اینکه بهای ملک طبق ارزیابی در دفتر املاک و سند مالکیت نوشته شده باشد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۱ ـ چنانچه متقاضی ثبت قبل از ثبت ملک در دفتر املاک بخواهد معامله نماید در پاسخ پرسش نامه دفاتر اسناد رسمی برای معامله باید مبلغ وصولی حق الثبت ، تعیین و به دفترخانه اعلام شود تا مابه التفاوت بقایای ثبتی ملک را بر اساس قیمت منطقه بندی دریافت و به حساب مربوطه واریز نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۲ ـ در مواردی که پس از ثبت و صدور سند مالکیت مالک برای

گرفتن سند مالکیت به اداره ثبت مراجعه ننماید و در مقام معامله براید طبق تبصره فوق رفتار شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۹ ـ هرگاه نسبت به قسمتی از ملکی به نحو مشاع و یا مفروز اظهارنامه پذیرفته شده نسبت به بقیه سهام برخلاف اظهارنامه اولی ، اظهارنامه پذیرفته نخواهد شد در صورت توافق مالکین مطابق آن عمل می گردد و چنانچه قبلا اظهارنامه هم به عنوان مشاع و هم مفروز پذیرفته شده صدور سند مالکیت موکول به رفع اختلاف در دادگاه است (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۰ ـ قلم خوردگی و کسر و اضافه کردن در مندرجات اظهارنامه ممنوع و اگر توضیحی لازم باشد باید صریحا ذکر شده و به نمونه (امضا) متصدی مربوطه (نماینده تنظیم اظهارنامه و مستدعی ثبت برسد. تخلف از مقررات این ماده موجب مسئولیت شدید خواهد بود.

فصل سوم ــ در درخواست ثبت (ماده ۲۱ تا ۵۱)

ماده ۲۱ ـ اظهارنامه باید به نمونه (امضا) مستدعی ثبت یا وکیل یا جانشین قانونی او بەاداره ثبت محل داده شود. هرگاه دهنده اظهارنامه نتواند نمونه (امضا) کند علامت انگشت خود را زیر اظهارنامه خواهد گذاشت و در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل یا جانشین مستدعی ثبت داده شود باید وکالت نامه یا اوراق مربوطه ضمیمه شود. ماده ۲۲ ـ اظهارنامه شامل نکات زیر خواهد بود: ۱ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه یا کد ملی و محل صدور آن و نام پدر و سمت دهنده اظهارنامه نسبت به ملک مورد درخواست و محل اقامت مستدعی ثبت ۲ ـ تابعیت مستدعی ثبت ۳ ـ نوع مال غیرمنقولی که درخواست ثبت آن می‌شود با تعیین محل وقوع ملک (حوزه ثبتی ، بخش یا روستا و شماره پلاک اعم از اصلی و فرعی ،حدود و مشخصات اجزا و متعلقات آن و آدرس ملک (خیابان ، کوچه ، پلاک شهرداری) و محل اقامت متقاضی ۴ ـ بهای ملک در تاریخ درخواست ثبت طبق قیمت منطقه بندی ۵ ـ شرح حقوق عینی که برای اشخاص در آن ملک است با تعیین صاحبان حقوق و همچنین حقوق عینی که مستدعی ثبت در املاک مجاور دارد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۳ ـ دهنده اظهارنامه باید اسناد و قبالجات و بنچاق ملک و مدارک راجعه به مالکیت و تصرف خود را به اداره ثبت ارایه دهد تا رونوشت یا خلاصه آن ضمیمه اظهارنامه و در پرونده عمل بایگانی شود و اگر دلیل مالکیت منحصر به تصرف است ادله و نشانیهای تصرف فعلی خود را کتبا به اداره ثبت تسلیم نماید و در هر حال درخواست کننده باید نحوه تصرف خود را که او را برای تقاضای ثبت مجاز می‌دارد معلوم کند. ماده ۲۴ ـ پس از ارائه مدارک از طرف متقاضی ثبت و معرفی ملک باید نقشه آن توسط نقشه بردار ثبت ترسیم و صورت مجلس مبنی بر تصرف مالکانه مستدعی ثبت وسیله نماینده و نقشه بردار تهیه شود ، در اظهارنامه میزان و مقدار املاک و اراضی مورد درخواست باید به دانگ و سهم قرارداده شود.(۱) اصطلاحات محل از قبیل جام و فنجان و پیمان و غیره را برحسب تحقیقات محلی با دانگ و سهم تطبیق بنمایند. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۵ ـ در هر موقع که اداره ثبت اجرای ثبت عمومی را در بخش معینی در نظر می گیرد باید لااقل پانزده روز قبل از انتشار آگهی مقرر در ماده ۱۰ قانون‌ثبت به نماینده اوقاف آن محل اطلاع دهد تا نماینده مزبور به متولیان موقوفات عام المنفعه محل اخطار کند که در ظرف ۳۰ روز از تاریخ نشر اولین آگهی نامبرده در ماده ۱۰ قانون ثبت نسبت به املاک موقوفه که در آن بخش واقع و تحت تصدی و تولیت آنها می‌باشد درخواست ثبت نمایند. ماده ۲۶ ـ اظهارنامه اتباع خارجه و کنسولگری ها و سفارتخانه ها در برگهایی که برای این کار تخصیص داده شده تنظیم و یک نسخه در محل بایگانی و نسخه دیگر به اداره کل ثبت فرستاده می‌شود تا پس از صدور اجازه به جریان ثبت اقدام گردد. ماده ۲۷ ـ اراضی که قبلا جز شوارع یا میدانهای عمومی بوده و همچنین انبار متروکه که بعدا تبدیل به ملک می‌شود از طرف مالک یا شهرداری یامرجع ذیربط درخواست ثبت نسبت به آنها پذیرفته خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۸ ـ هر اظهارنامه و صورت مجلس تحدید حدود مختص یک پلاک است هرگاه درخواست چندین شماره در یک بخش یا قطعاتی که در یک قریه و مزرعه واقع است و قبلا در یک اظهارنامه پذیرفته شده

باشـد در موقع تحدیـد حـدود برای هر شـماره یـک صورت مجلس تحدیـد حـدود تنظیم شود. ماده ۲۹ ـ تـا وقـتی که آگهی نوبتی نامبرده در ماده ۱۱ قانون ثبت منتشـر نشده اظهارنامه می‌توان پذیرفت ماده ۳۰ ـ در صـلحهای محاباتی که برای مصالح حق فسخ قید شـده درخواست ثبت از متصالح با قید حق فسخ برای مصالح پذیرفته می‌شود و مشـمول ماده ۳۳ قانون ثبت نیست سند مالکیت این قبیل املاک با قیـد حق فسـخ به نام متصالـح صادر و پس از سـقوط حق خیار ، متصالـح می‌تواند بدون ذکر حق فسخ سـند مالکیت جدید بگیرد. ماده ۳۱ ـ دسترنج رعیتی و حق اولویت و گاوبندی و غیره که در املاک معمول و بین رعایا خرید و فروش می‌شود از حقوق راجعه به عین املاـک نبوده و قابـل درخواست ثبت و اعتراض ثبت نیست و صـدور سـند مالکیت به نام مالک هم تغییری در وضع حقوق مزبور در هر جا که معمول است نمی‌دهـد. ماده ۳۲ ـ در صورتی که متولیان در ظرف مدت سـی روز مقرر در ماده ۲۵ این آیین نامه اقـدام به درخواست ثبت ننمایند نماینده اوقاف محل درخواست‌ثبت خواهد کرد. لکن اگر تا انقضای مدت نامبرده در ماده ۱۱ قانون ثبت متولی نیز درخواست ثبت کند درخواست اداره اوقاف بلاتعقیب گذارده خواهدشد. ماده ۳۳ ـ نسبت به موقوفاتی که متولی خـاص نـدارد نماینـده اوقاف محل مسـتقیما درخواست ثبت خواهـد کرد. ماده ۳۴ ـ نسـبت به املاـکی که به نفـع عمومی حبس شـده است متصـدی امور حبس مکلف به درخواست ثبت است ماده ۳۵ ـ درخواست ثبت نسـبت به موقوفات خاصه به عهـده متولی و نسـبت به املاک که به نفع اشخاص معینی حبس شده به عهده متصدی امورحبس است معذلک هریک از موقوف علیهم و محبوس لهم نیز می‌تواننـد درخواست ثبت نمایند. ماده ۳۶ ـ در مورد ثلث موبد و باقی ، وصـی مکلف به درخواست ثبت است ماده ۳۷ ـ طبق ماده ۳ قانون اوقاف ، املاکی که مورد نـذر یا وصـیت یا حبس شود به طور دایم یا مدتی که کمتر از هیجده سال نباشد و برای مصـارف عـامه تخصـیص داده شـده اداره اوقـاف حق درخواست ثبت و اعـتراض بر ثبت دارد و ادارات اوقـاف بایـد مـدارک وقفیت و تصـرف وقف را ضمیمه اظهارنامه نمایند.(۲) ماده ۳۸ ـ چنانچه گواهی رسـمی اداره اوقاف بر موجود نبودن وجوهی بابت موقوفات مجهول المصـرف و مبرات مطلقه ضـمیمه درخواسـتنامه ثبت یا دادخواست اعتراض بر ثبت املاک مشـمول ماده ۲۹ قانون باشـد بدون مطالبه حق الثبت و هزینه به جریان گذارده می‌شود. ماده ۳۹ ـ در مورد درخواست ثبت املاـک موقوفه و حبس ثلث در اظهارنامه عنوان درخواست‌کننده ثبت متصدی یا مدعی تولیت قید می‌شود. ماده ۴۰ ـ کلیساها و معابد اقلیتهای دینی شناخته شده در قـانون اساسـی و کاروانسـراهای عباسـی و رباطهـا از حق الثبت معـاف است معافیت سایرسازمانها و ارگانها تابع مقررات خاص خود می‌باشد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۴۱ ـ نسبت به املاکی که مالک خاص ندارد مانند طرق و شوارع و اراضی و جبال موات و مبـاحه ، نیزارهـا ، بیشه‌هـا ، مراتع و جنگلها و قبرسـتان های عمومی و بستر مسـیلها و آب رودخانه ها و نهرها منشـعب از آنها و انهار طبیعی و هر مسـیر طبیعی دیگر اعم از سـطحی و زیر زمینی و چشمه سار ها ازافراد ، درخواست ثبت پذیرفته نخواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) مـاده ۴۲ ـ نسبت به آب رودخانه‌هـا و انهـار طبیعی و چشـمه‌سارها که ضـمن درخواست ثبت ملک بعنوان حقابه طبق معمول محـل قبول تقاضـای ثبت گردیـده در موقع صـدور سـند مـالکیت از ذکر حق مزبور خودداری نموده و به جای آن عبارت با حقابه از مقررات قانون توزیع عادلانه آب قید گردد. ماده ۴۳ ـ هرگاه ششدانگ قنات یا چشمه متعلق به یک نفر است به منزله یک ملـک محسوب و شـماره مخصوص به آن داده می‌شود و اگر مالکین متعـدددارد بایـد میزان سـهام هریک از روی ساعت و گردش شبانه روز تعیین شود و درخواست ثبت هر سهم مستقلا پذیرفته خواهد شد و تمام قنات یا چشمه دارای یک شماره خواهد بود. اگر چشـمه از روی ساعت تقسـیم نشده و میزان آن مشـخص نباشد اظهارنامه ثبت آب را فقط در ضـمن درخواست ثبت ملک به عنوان حقابه مطابق معمول باید قبول کرد و در آگهی ها و سـند مالکیت جمله (مطابق معمول محل را قید نمود. ماده ۴۴ ـ درخواست ثبت پاکنه‌هـایی که از قنوات در املاـک مورد درخواست ثبت موجود است بـدون اجـازه صاحب قنات پـذیرفته نخواهـد شـد. ماده ۴۵ ـ املاکی را که پس از پلاک کوبی و توزیع اظهارنامه و قبل از درخواست ثبت و آگهی بوسـیله اصلاحات خراب می‌شود باید مالک یـا شـهرداری‌مراتب را به اداره ثبت اطلاـع دهـد و همچنین اگر خود اداره ثبت اطلاع حاصل کرد بایستی پس از رسـیدگی و معاینه

محل ، مراتب را در دفتر توزیع اظهارنامه و پرونده مربوطه و اگر ملک ثبت شده است در ستون ملاحظات دفتر املاک هم قید کرده و هرگاه قسمتی از ملک باقی بماند یا به شهرداری منتقل شود به همان شماره اصلی ملک که برای تمام ملک تعیین شده آگهی خواهد شد و چنانچه قبلا آگهی و تحدید شده حدود بقیه تعیین و در صورتی که در دفتر املاک ثبت شده با توضیح مراتب در ملاحظات دفتر املاک با حدود واقعی در زیر ثبت اولیه با بایگانی کردن سند مالکیت اولی سند مالکیت‌جدید صادر خواهد شد. (و نیز هرگاه در نتیجه تغییر وضع مجاور املاک ثبت شده و تبدیل حد به کوچه اصلاح سند مالکیت در حدی که قبلا به ملک مجاور و فعلا به کوچه محدود است تقاضا شود در صورتی که شهرداری عمومی بودن کوچه را اعم از بن بست یا غیر بن بست تایید نماید اصلاح ثبت دفتر املاک و سند مالکیت توسط اداره ثبت مربوطه با رعایت حقوق مجاورین انجام خواهد شد). ماده ۴۶ ـ املاک مشاعی که قبل از این بر طبق قانون سابق درخواست ثبت شده است نسبت به بقیه آن فقط در موقع ثبت عمومی بخش مربوطه درخواست ثبت پذیرفته خواهد شد. ماده ۴۷ ـ اظهارنامه‌هایی که تا قبل از انتشار آگهی نامبرده در ماده ۱۱ قانون ثبت به اداره تسلیم شود مشمول جریمه نخواهد بود. املاکی که به واسطه تاخیر درخواست در آگهی اولیه قید نشده در آگهی های شش ماهه که در ماده ۱۲ قانون ثبت مقرر است آگهی خواهد شد. ماده ۴۸ ـ متصدی تنظیم اظهارنامه باید مراقبت نماید که اسم و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور آن و مقدار مورد درخواست و سهام مالکین و کلیه مطالب اظهارنامه صحیحا و صریحا نوشته شود که بعدا موجب اشتباه نگردد و هر نوع اشتباهی هم که در مطالب اظهارنامه روی دهد ومعلوم شود در اثر بی مراقبتی متصدی بوده موجب مسئولیت خواهد بود. ماده ۴۹ ـ در قرا و قصباتی که به ثبت عمومی گذارده می‌شود نماینده توزیع اظهارنامه به امر مدیر ثبت مأمور تنظیم اظهارنامه ها نیز خواهد بود. ماده ۵۰ ـ در موقعی که اظهارنامه‌ها عودت داده می‌شود وصول آن مرتبا با قید تاریخ در دفتر توزیع اظهارنامه قید شود. ماده ۵۱ ـ پس از انتشار آگهی نوبتی نامبرده در ماده ۱۱ شماره‌هایی که تمام یا قسمتی از آن مجهول المالک مانده باید فورا در دفتر املاک مجهول المالک وارد شده و اظهارنامه هایی که بعدا داده می‌شود در ستون مربوط به هر شش ماه یادداشت و مطابق آن در آگهی های نوبتی ششماهه آگهی شود و غفلت درانجام آن موجب مسئولیت خواهد بود. مسئولیت تنظیم این دفتر باید رسما به عهده یک‌نفر از کارمندان گذارده شود که در صورت غفلت و از قلم افتادن شماره ملکی مورد مواخذه واقع شود.

فصل چهارم ـ در آگهی‌های نوبتی و تحدیدی و تعیین حدود املاک (ماده ۵۲ تا ۸۵

ماده ۵۲ ـ آگهیهای نوبتی و تعیین حدود را اداره ثبت در یکی از جراید حوزه خود و یا در یکی از جراید نزدیکترین حوزه خود و یا در یکی از جراید مرکزمنتشر می‌نماید. (اصلاحی مصوب ۱۳۲۴.) ماده ۵۳ ـ آگهی های مربوطه به هر بخش باید در روزنامه معینی منتشر شود که در آخر هر سال برای سال بعد از طرف اداره کل ثبت تعیین شده و به اطلاع عموم خواهد رسید. ماده ۵۴ ـ علاوه بر انتشار روزنامه یک نسخه از آگهی تعیین حدود در شهرها به هریک از املاک مورد تحدید الصاق و در دهات نیز چند نسخه از آگهی مزبور باید در محلهای عمومی قریه مورد تحدید و قرا مجاور به وسیله مأمورین ثبت الصاق و انتشار آگهی را کدخدایان محل گواهی نمایند. ماده ۵۵ ـ حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۵۶ ـ حقوق ارتفاقی در آگهیهای نوبتی ذکر نمی‌شود ولی باید در زیر آگهیها قید کرد که حقوق ارتفاقی در موقع تعیین حدود در صورت مجلس منظور می گردد ، که اگر معترضی باشد مطابق مقررات در مدت سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس دادخواست اعتراض بدهد. ماده ۵۷ ـ در پیش نویس آگهیهای نوبتی باید مراقبت شود که کلمات روشن و خوانا بوده و در اسامی درخواست کنندگان ثبت و شماره و اسم املاک اشتباهی نشود و لازم است اولین نسخه آگهی چاپ شده قبلا در اداره ثبت با پیش نویس آگهی مطابقه شود و پس از

غلط گیری به چاپ آن اقدام گردد. روسای ثبت و مدیر مجله رسمی مستقیما مسئول صحت تنظیم و چاپ آگهیها می‌باشند. اولین نسخه آگهی که برای غلط گیری مقابله شده باید به نمونه امضا) رییس ثبت محل برسد و پس از چاپ آگهی ها در پرونده اداره بایگانی شود. ماده ۵۸ ـ آگهیهایی که باید طبق ماده ۱۰ قانون ثبت در سی روز سه مرتبه منتشرشود انتشار آن در روز اول و پانزدهم و سیام خواهد بود. ماده ۵۹ ـ آگهیهای درخواست ثبت املاک مجهول المالک در هر سال با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون به طریق زیر باید منتشر شود: ۱ ـ درخواستهای ثبت قبول شده در فروردین و اردیبهشت و خرداد هر سال در اول مرداد همان سال ۲ ـ درخواستهای ثبت قبول شده در تیر و مرداد و شهریور هر سال در اول آبان ماه همان سال ۳ ـ درخواستهای ثبت قبول شده در مهر و آبان و آذر هر سال در اول بهمن همان سال ۴ ـ درخواستهای ثبت قبول شده در دی و بهمن و اسفند هر سال در اول اردیبهشت سال بعد. (اصلاحی مصوب ۱۳۲۸.) تبصره ۱ ـ آگهیهایی که طبق دستور هیات نظارت باید تجدید شود ضمن آگهیهای فوق در قسمت مخصوص با قید عنوان آگهیهای اصلاحی منتشرمی گردد. تبصره ۲ ـ هرگاه ملکی در موعد مقرر فوق آگهی نشده باشد باید در آگهیهای سه ماهه بعدی منتشر گردد. تبصره ۳ ـ در مواردی که روز انتشار آگهی نوبت اول با تعطیل عمومی تصادف نماید باید نوبت اول آن آگهی بلافاصله روز بعد از تعطیل منتشر گردد و در این مورد مبدأ مدت واخواهی از همان روز انتشار اولین آگهی نوبتی خواهد بود. ماده ۶۰ ـ در آگهیهای نوبتی مفاد ماده ۱۷ قانون ثبت نیز باید قید شود. ماده ۶۱ ـ حتی الامکان برای هر ملکی نباید یک آگهی تحدید جداگانه تهیه کرد. املاکی که برای تحدید در نظر گرفته می‌شود باید به تعداد و با رعایت اهمیت ملک و استعداد نمایندگان لااقل برای ده الی بیست شماره از املاک شهری و اعیانی و قطعات مفروزه یک آگهی منتشر و متوالیا تحدید شود مگرآن که درخواست کننده ثبت در موقع تجدید تعیین حدود هزینه آگهی و فوق العاده و هزینه سفر نماینده را (در صورتی که لازم باشد) به وسیله اداره بپردازد و نسبت به املاک مزروعی با رعایت اهمیت آن باید یک یا چند روز وقت تحدید آن را قرار دهند. ماده ۶۲ ـ در آگهیهای تحدیدی نسبت به املاک مزروعی شماره‌های فرعی را نیز پس از شماره اصلی ملک می‌توان برای تعیین حدود قید و آگهی کرد. ماده ۶۳ ـ پیش‌نویس آگهی موضوع ماده ۹ قانون ثبت باید در ۶ نسخه تهیه و برای نمونه (امضا) و انتشار به مرکز فرستاده شود. ماده ۶۴ ـ آگهیهای مذکوره در ماده ۵۹ باید تا ۱۵ روز قبل از انتشار به روزنامه هایی که برای انتشار آگهی تعیین شده رسیده باشد. ماده ۶۵ ـ برای قنوات باید در آگهی و صورت مجلس مبدأ و مظهر قنات و حقوق ارتفاقی اشخاص قید گردد. ماده ۶۶ ـ آگهی تحدیدی منتشر نخواهد شد مگر پس از نشر اولین آگهی نوبتی ماده ۶۷ ـ فاصله بین انتشار آگهی تحدیدی و روز تعیین حدود نباید کمتر از بیست و بیشتر از شصت روز باشد. ماده ۶۸ ـ عملیات تحدید حدود با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت توسط نماینده به اتفاق نقشه بردار ثبت انجام خواهد شد. املاک و اراضی که قبلا بدون نقشه کامل تحدید حدود شده در صورتی که منجر به ثبت در دفاتر املاک نگردیده باید نقشه ملک طبق صورت مجلس تحدیدی به طور صحیح ترسیم شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۶۹ ـ در صورتیکه مالک و نماینده او غایب باشد و ملک تحدید نشود باید مراتب در صورت مجلس ضمیمه قید و به نمونه (امضا) حاضرین‌برسد. نمایندگانی که برخلاف حقیقت به بهانه غیبت مالک از تحدید ملکی خودداری کرده یا عمل طبق ماده ۱۵ ممکن بوده و اقدام نشده باشد به دادگاه‌اداری جلب خواهند شد. ماده ۷۰ ـ درخواست‌کننده یا نماینده او حدود ملکی را که می‌خواهد ثبت کند بطور مشخص معرفی نموده و صاحبان املاک مجاور و دخالت کنندگان چنانچه ایراد و اعتراضی دارند بیان می‌نمایند. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۷۱ ـ مستدعی ثبت فقط ابنیه و اجزایی را می‌تواند در موقع تعیین حدود معرفی کند که داخل در حدود مندرجه در اظهارنامه باشد و نماینده عمل باید معرفی مالک یا نماینده او را وقتی معتبر بشناسد که تصرفات او در قسمت معرفی شده محرز باشد والا از تعیین حدود خودداری خواهد نمود. ماده ۷۲ ـ صورت مجلس تحدید حدود باید حاوی مطالب زیر باشد و به امضا نماینده و نقشه بردار و کلیه حاضرین برسد: ۱ ـ تعیین روز و ماه و یا روزهایی که عملیات تعیین حدود در آن واقع شده ۲ ـ نام و مشخصات و محل اقامت اشخاصی که حضور داشته‌اند. ۳ ـ اشخاصی که اعتراض

نموده‌اند. ۴ ـ ذکر حقوقی که دیگران در ملک مورد تحدید دارند و یا مورد تحدید در ملک دیگران دارد. ۵ ـ ذکر حدود و مشخصات با علامات و عده و نوع فواصل آنها و شماره‌های مجاورین ۶ ـ ذکر عبارت آگهی تحدید حدود و شماره روزنامه‌ای که آگهی در آن درج شده و گواهی صحت انتشار آگهی و یا ذکر اشتباه در آگهی مزبور. ماده ۷۳ ـ در صورت مجلس تحدید قلم زدن و کم و زیاد نمودن عبارات به کلی ممنوع است و اگر اصلاح و توضیحی لازم باشد زیر صورت مجلس‌نوشته شده به نمونه (امضا) حاضرین برسد و اگر بعضی از حاضرین نخواهند نمونه (امضا) کنند این نکته در صورت مجلس قید می‌شود و کسانی که‌نمونه (امضا) ندارند علامت انگشت خواهند گذاشت ماده ۷۴ ـ باید به معترضین خاطرنشان شود که اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت محل تسلیم نمایند و علاوه بر آن ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی ، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. ماده ۷۵ ـ در موقع تحدید حدود املاک باید نقشه کامل ملک به وسیله نقشه‌بردار ثبت ترسیم شود و حدود و مشخصات ملک با ذکر طول ابعاد و مساحت آن در صورت مجلس تحدید حدود قید گردد. تبصره ـ نسبت به قطعات اراضی غیرمحصور اطراف شهرها و قصبات و هم چنین اراضی قرا و مزارع قطعاتی و خرده مالک نیز به طریق فوق عمل خواهد شد و در صورت نبودن مهندس در این موارد نماینده مالکین کروکی از وضعیت کلی قطعه مورد تحدید ترسیم و طول اضلاع جهات اربعه را ولو به طور تقریب باشد تعیین و با ذکر فاصل در صورت مجلس تحدیدی قید نماید. این کروکی بایستی به امضا نماینده و مستدعی ثبت یا وکیل او برسدو پیوست صورت مجلس تحدیدی خواهد شد. ماده ۷۶ ـ در صورتی که بتوان از روی حدود املاک مجاور حدود ملکی را تعیین نمود تجدید آگهی و اخذ دوبرابر حق الثبت مورد نخواهد داشت ماده ۷۷ ـ در مورد املاک مشاع که قسمتی از آن درخواست ثبت و قبلا تحدید شده چنانچه نسبت به بقیه درخواست ثبت شود تحدید مجدد لازم نیست‌و همچنین در مواردی که املاک مجاور ملک مورد درخواستی کلا تحدید شده باشد و درخواست‌کننده ثبت در اظهارنامه این موضوع را متذکر شود یا اداره مطلع گردد انتشار آگهی تحدیدی و عملیات تعیین حدود نسبت به آن ملک لازم نبوده و بر طبق حدود مجاورین به ثبت خواهد رسید. ماده ۷۸ ـ درمواردی که ملکی قبلا تحدید شده ، حدود مجاورین که بعدا تحدید می‌شود باید با آن تطبیق و تبعیت نماید. ماده ۷۹ ـ مقیاس نقشه در دهکده ها پنج هزار یک و در قرا و قصبات ده هزار یک و در فاصله هایی که حد غیرطبیعی مستقیم باشد ممکن است با مقیاس بیست هزار یک نقشه ترسیم شود. ماده ۸۰ ـ در اراضی بیاض غیرمحصور که حدفاصل نداشته باشد باید در اطراف زمین به عمق نیم گز از طرف مالک پی حفر شود. ماده ۸۱ ـ هرگاه در وسط ملکی ، اشخاص دیگر ملک داشته باشند نقشه قطعات مزبور هم ترسیم و در صورت مجلس تحدید حدود مراتب با ذکر موقعیت مکانی و حدود و مشخصات با طول اضلاع و مساحت تصریح خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۲ ـ نسبت به املاکی که در ثبت عادی تحدید شده و در ثبت عمومی آگهی نوبتی آن منتشر می‌شود باید در آگهی های تحدیدی برای آن ملک نیزوقت تحدید داد و روز مقرر نماینده در محل حاضر شده در زیر صورت مجلس سابق بنویسد که از این تاریخ تا مدت سی روز اعتراض برحدود و حقوق ارتفاقی پذیرفته می‌شود. ماده ۸۳ ـ پس از تسلیم صورت مجلس تحدیدی مسئول اداره کتبا در زیر آن دستور ثبت در دفتر را می‌دهد.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۴ ـ نمایندگان محدد باید پس از خاتمه عملیات تحدیدی و ثبت صورت مجلس تعیین حدود صورت مجلس مزبور را با پرونده‌های مجاورین‌تطبیق نموده و پس از تکمیل آن پیش نویس سند مالکیت را تهیه و ضمیمه پرونده به شعبه بایگانی تسلیم نمایند. چنانچه معلوم شود که پرونده ناقص تحویل شده نماینده مسئول مورد تعقیب اداری واقع خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۵ ـ نصف هزینه و فوق العاده نمایندگان را می‌توان در موقع عزیمت برای عملیات تحدیدی به عنوان پیش پرداخت داد و پرداخت بقیه موکول به تکمیل و تحویل پرونده ها و گواهی مدیر بایگانی است

فصل پنجم ــ در اعتراض (ماده ۸۶ تا ۱۰۲)

ماده ۸۶ ـ در آگهی‌های نوبتی و تحدیدی قید می‌شود که اعتراض باید کتبی و مستقیما به اداره ثبتی که آگهی را منتشر می کند تسلیم شود و معترض بایدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی ،دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. اداره ثبت بدون توجه به‌اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه می‌دهد. مبدأ اعتراض به اصل ملک ، تاریخ انتشار روزنامه ایست که اولین آگهی نوبتی در آن درج شده‌است و ادارات ثبت باید مراقبت نمایند تاریخ انتشار آگهی که در زیر آگهی هم قید شده با تاریخ انتشار روزنامه مطابق باشد. (الحاقی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ـ دادگاهها در مورد دادخواستهای مربوط به اصل و حدود و حقوق املاک پس از احراز اینکه اعتراض در مواعد مقرر به اداره ثبت مربوطه تسلیم‌شده و داخل مدت می‌باشد به موضوع رسیدگی و الّا قرار مقتضی صادر می‌نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۷ ـ قبل از انتشار آگهی نوبتی دادخواست اعتراض یا گواهی نامه جریان دعوا بین معترض و مستدعی ثبت پذیرفته نخواهد شد. ماده ۸۸ ـ حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۸۹ ـ اعتراض اعم از اینکه در مدت قانونی داده شده باشد یا خارج از مدت باید گرفته و متصدی امر بلافاصله روی اظهارنامه ملک مورد اعتراض درمورد هر اعتراض مهری که کلمه اعتراض روی آن نقش شده باشد زده و با قید تاریخ رسید به دهنده آن داده شود و همچنین در مواردی که گواهی نامه جریان دعوا به اداره ثبت تسلیم می‌شود باید طبق این ماده عمل شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۹۰ ـ در رسید دادخواست اعتراض یا گواهی نامه جریان دعوا باید تاریخ رسید باتمام حروف قید شود. ماده ۹۱ ـ در مورد گواهینامه هایی نیز که مطابق ماده ۸۶ داده شده باشد متصدی امر بلافاصله روی اظهارنامه ملک در مورد هر گواهی مهری که جمله تقدیم دادخواست روی آن نقش شده باشد زده و با قید تاریخ رسید به دهنده آن داده شود. ماده ۹۲ ـ مسئول اداره ثبت نسبت به اعتراضهایی که خارج از مدت داده می‌شود نظر خود را در زیر برگ اعتراض نوشته و در نشست اداری طبق ماده ۱۶قانون ثبت مطرح می‌نماید تا تکلیف قطعی آن معین گردد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۹۳ ـ در مورد گواهی‌نامه‌هایی نیز که مطابق ماده ۱۷ قانون ثبت داده شده و بنظر اداره خارج از مدت می‌باشد مدلول مواد ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۲ در آن قسمتی که راجع به گرفتن گواهی نامه و دادن رسید و مهر اعتراض مقرر است رعایت خواهد شد. ماده ۹۴ ـ دادخواست هایی که از طرف دارایی بر ثبت املاک اشخاص یا از طرف اشخاص نسبت به مورد تقاضای دارایی تسلیم شود باید به‌وسیله دفتر اداره کل ثبت به دیوان محاکمات دارایی فرستاده شود. ماده ۹۵ ـ در مواردی که پرونده‌های ثبتی املاک و یا دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق از نظر رسیدگی مقامات صلاحیتدار قضایی دادگستری مورداحتیاج این مقامات باشد مدیر ثبت یا سردفتر ، پرونده یا دفتر مورد احتیاج را به‌وسیله یکی از کارمندان به آنجا فرستاده و مقامات مذکور پس از اقدامی که برای حفظ آثار مورد نظر لازم است بلافاصله پرونده یا دفتر را به‌وسیله آورنده عودت می‌دهند مگر این که باقی بودن پرونده یا دفتر مزبور را ضروری‌تشخیص دهند و مطابق قانون چنین اجازه‌ای به مقام صلاحیتدار قضایی داده شده باشد که در این صورت می‌توانند به مسئولیت خود با تعیین مدتی که‌وجود پرونده یا دفتر لازم است پرونده یا دفتر را نگاهداشته و پس از رفع احتیاج فورا به اداره ثبت یا دفترخانه مربوطه اعاده دهند .(اصلاحی مصوب۱۳۳۴.) ماده ۹۶ ـ حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۹۷ ـ رییس دادگاه با دعوت اداره ثبت در غیر ساعات اداری و در موقعی که با موافقت مسئول اداره ثبت معین می‌شود در اداره ثبت حاضر و درموضوع اعتراض های مذکور در ماده ۹۲ و گواهی نامه مذکور در ماده ۹۳ رسیدگی و زیر برگ اعتراض یا گواهی نامه کتبا اظهارنظر می‌نماید. مسئول ثبت یا نماینده او نیز در این نشست حضور خواهد داشت (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۹۸ ـ حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۹۹ ـ اعتراضی که باید برای حفظ منافع وقف به عمل آید در مورد موقوفاتی که متولی خاص ندارد به عهده اداره اوقاف و در مورد موقوفات عام المنفعه که متولی خاصی دارد

به عهده متولی یا ناظر یا اداره اوقاف است و در حبس عام المنفعه نیز اعتراضـی که باید برای حفظ منافع حبس به عمل آید به عهده متصدی امور حبس است ماده ۱۰۰ ـ در موقوفات خاصه متولی و هریك از موقوف علیهم و در حبس به نفع اشخاص معین متصدی امور حبس و هریـك از محبوس لهم می‌تواننـد برای حفـظ منافع وقف یا حبس دادخواست اعتراض بدهنـد. حق مزبور را ناظر وقف نیز اگر باشـد دارا می‌باشـد و اعتراضـی که بایـد برای حفظ منافع ثلث باقی داده شود به عهـده وصـی یا ناظر ثلث می‌باشد و در ثلث غیرباقی کسانی نیز حق اعتراض دارنـد که بعـد از خروج ملك از حالت ثلث در آن ملك ذی حق می‌شونـد. ماده ۱۰۱ ـ در موردی که ملکی مورد اعتراض واقع شود اعم از این که مسـتدعی ثبت به اعتراض معترض تمکین کنـد یـا در دادگـاه محکوم شود معترض محکوم له ، جانشین مستدعی شناخته شده و چنانچه مانع دیگری نباشد ملك طبق حکم نهایی دادگاه ، ثبت خواهد گردید و محتاج به آگهی مجـدد به نـام معترض نخواهـد بود. ماده ۱۰۲ ـ در مواردی که قبـل از اعتراض پس از خـاتمه مـدت قانونی مسـتدعی ثبتی بـدون این که مطـابق مقررات انتقـالی واقع شود گواهی کنـد که تمـام یـا قسـمتی از ملـك مورد تقاضای او در موقع تقاضا متعلق به دیگری بوده آن مقدار از مورد تقاضای او خارج و مجددا از مالك واقعی آن تقاضای ثبت پذیرفته خواهد شد .

فصل ششم ــ در ثبت املاک در دفتر املاک و ثبت انتقالات ملک (ماده ۱۰۳ تا ۱۲۶)

ماده ۱۰۳ ـ پس از اتمـام عملیـات مقـدماتی ثبت مسئول دفتر ثبت ملـك را با مشـخصات زیر در دفتر املاك وارد نموده و به نمونه (امضا) مدیر ثبت یاکارمندی که از طرف وزارت دادگستری برای نمونه (امضا) کردن دفتر و برگهای مالکیت مجاز است می‌رساند: ۱ ـ شماره ملك ۲ ـ تاریخ ثبت ملك در دفتر املاك ۳ ـ اسم و نام خانوادگی و شـماره شناسنامه و محل صدور آن و محل اقامت و تابعیت مالك ۴ ـ نوع و مشـخصات ملـك و محـل وقوع و اجزا و متعلقات آن ۵ ـ حـدود ملك ۶ ـ بهـای ملك ۷ ـ حقـوق عینیه که اشخاص در آن ملك دارند با اسامی صاحبان حقوق و همچنین حقوق ارتفاقیه که برای ملك مورد ثبت در املاك مجاور و یا برای املاـك مجـاور در ملك مورد ثبت موجود است ماده ۱۰۴ ـ در موقع انتقـال تمام یا قسـمتی از ملك ثبت شـده و یا واگـذاری حقی نسـبت به عین ملك سـند معامله در دفتر اسناد رسمی ثبت و خلاصه آن در دفتر املاك زیر ثبت ملك به طریق آتی ثبت می‌شود: (اصلاحی مصوب ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴.) ۱ ـ در مورد انتقال قطعی تمام ملك باید خلاصه انتقال را مطابق معمول در زیر ثبت ملك ثبت و خروج آن را از ملکیت مالك اولی نیز با مرکب قرمز ودر ملاحظات دفتر املاك قیـد نمایند. ۲ ـ اگر انتقال راجع به قسمتی از ملك مفروز یـا مشاعـا باشـد خروج آن را از ملکیت مالـك اولی به نحوی که به منزله ذکر خلاصه معامله نیز محسوب شود با مرکب قرمز در زیر ثبت ملـك یـا در سـتون ملاحظـات به این شـرح (یـك دانـگ مشـاع یـا دو دانگ مفروز یا دو هزار گز از ملك بالا را آقای مالك به موجب سـند شماره ... به آقای ... منتقل کرده و در صفحه ... این دفتر یا دفتر متمم به شماره ... ثبت و از ملکیت مالك بالا خارج گردید.) قید و سپس مورد انتقال را اگر مشاع است به نحو ثبت املاك مشاعه و اگر مفروز است به طوری که ملك مستقل با تمـام مشـخصات و حـدود و بهـا و حقوق در صـفحه معینی از دفتر اصـلی یا متمم ثبت و در ملاحظات ثبت آن یادداشت نماینـد که اصل ملك در صفحه ... دفتر.... ثبت شده یا مورد ثبت از ملك شماره ... که درصفحه ... ثبت شده افراز شده است ۳ ـ هرگاه نسبت به هریك از دو قسمت املاك بالا انتقالاتی به طور شرطی و رهنی یا قطعی واقع شود به وفق معمول سابق خلاصه آن را در زیر ثبت ملـك ثبت و فسـخ و فـك را نیز در موقع خود در مقابل همان قسـمت در سـتون ملاحظات دفتر یادداشت نماینـد و به همین طریق ، خلاـصه کلیه معاملاـت راجعه به عین ملـك مزبور در دفتر املاـك به ترتیب تاریـخ ، زیر یکـدیگر ثبت خواهـد شـد. در موارد بـالا سردفتر خلاـصه معـامله را در برگ مخصوص که برای این کـار تهیه شـده نوشـته و به دفتر املاك حوزه ثبت ملك ارسال می‌دارد. خلاصه مـذکور علاوه بر امضای متعاملین بایـد به امضای سـردفتر و نماینده ثبت (چنانچه نماینده داشـته باشد) رسـیده باشد. مسـئول

دفتر املاـك بايـد خلاـصه مـذكور فوق را فورا به طوری كه در بالا مقرر است در زير ثبت ملك قيـد نموده و به امضای مـدير ثبت برسانـد. در موقع فسـخ معاملات نيز بايـد سـردفتر لاشه سـند باطل شـده و آگهی فسـخ را به اداره ثبت بفرسـتد تا در ملاحظات دفتر املاك قيـد شود. متصديان مربوطه ثبت املاك مكلفند پس از وصول خلاصه معامله از دفترخانه در ظرف ۲۴ ساعت آن را در دفتر املاك ثبت نموده و در پرونده مربوطه بايگانی نمايند و چنانچه خلاصه معامله دارای نواقص باشد در ظرف همان مدت از دفترخانه مربوطه توضيـحات لاـزمه (را) بخواهنـد. تسامـح و تاخير و يا غفلت در اجرای اين دسـتور مسـتلزم تعقيب اداری و كيفر خواهـد بود. هرگاه معامله راجع باشد به انتقال قطعی تمام ملك ثبت شده سـردفتر انتقال را در صفحات مخصوص به انتقالات سند مالكيت قيد و امضـا كرده و به منتقل اليه تسـليم می‌نمايـد و مادام كه در صـفحات انتقالات جا دارد سـند مالكيت به نام منتقل اليه تجديـد نخواهد شـد. در موردی نيز كه معـامله مربوط به واگـذاری حق عينی نسـبت به ملك باشـد (مثل رهن و حقوق ارتفاقی) و يا راجع به انتقال تمام يا قسـمتی از عين ملك باشـد ولی با حق استرداد ، سـردفتر بايـد آن را در صـفحات مخصوص به انتقالات سـند مالكيت نوشـته امضـا نمايـد. در مورد عمری و رقبی و سـكنی و مواردی كه معامله راجع به انتقال سود ملكی برای بيش از ۳ سال باشد مقررات بالا راجع به تنظيم خلاـصه سـند و فرسـتادن آن به اداره ثبت حوزه وقوع ملـك و قيـد آن در زير ثبت ملـك در دفتر املاـك و در سـند مـالكيت و بايگـانی نمودن خلاـصه معـامله در پرونـده بايـد مجری گـردد. در مواردی كه معامله راجع به‌انتقال يک قسـمت از ملك باشـد خلاصه آن بايـد در صـفحات مخصوص به انتقالات سـند مالكيت قيد و امضا گرديده و سـند مزبور به ناقل مسترد گردد و در اين صـورت منتقـل اليه می‌توانـد به اداره ثبت حـوزه وقوع ملـك مراجعه كرده و برای خود سـند مـالكيت مسـتقلی بگيرد. در موارد صلحهای محاباتی با حق خيار فسـخ و يا اسـتفاده از سود و غيره برای مصالـح نسـبت به املاك ثبت شده مطابق خلاصه معامله با قيد حق خيار و ساير حقوق منظور شده به نام متصالح در دفتر ثبت ، و سـند مالكيت صادر می‌شود و در صورت فسخ از طرف مصالح و يا انقضای مدت خيار يا اسقاط حق مذكور مراتب در دفتر و در برگهای مالكيت قيد می‌شود. تبصره ـ حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حـذف شـده است) ماده ۱۰۴ مكرر ـ چنـانچه پس از ثبت ملـك در دفتـر املاـك مالـك آن به موجب سـند رسـمی قراردادی نمايـد كه بـالنتيجه اعيـان احـداثی در آن ملك به ملكيت طرف قرارداد كه مجاز در احـداث اعيانی بوده ، مسـتقر گردد خلاصه سـند قرارداد او را بايـد در سـتون انتقالات سـند مالكيت و ذيل ثبت ملك قيد نمود و مالك اعيانی پس از انجام عمل می‌توانـد سـند مـالكيت آن را از اداره ثبت بخواهـد. اداره ثبت وقت معاينه محل و تعيين حـدود و حقوق ارتفاقی اعيانی را به مالك عرصه و مجـاورين اخطـار می‌نمايـد و در وقت مقرر صورت مجلس معـاينه را تنظيم كه هرگـاه اختلافی نباشـد با دريافت حق الثبت انتقال ، سند مالكيت اعيانی را صادر خواهد نمود و در صورت بروز اختلاف و ارايه گواهی رجوع به دادگاه از تاريخ تنظيم صورت مجلس تا سی روز ازصدور سند مالكيت تا صدور حكم نهايی خودداری می‌شود. (الحاقی مصوب ۱۳۲۴.) ماده ۱۰۵ ـ در مواردی كه سـند مـالكيت جديـد صـادر می‌شود بايـد سـند مـالكيت اولی باطـل شـده در پرونـده مربوطه بايگـانی و در مورد انتقال ملك به ورثه‌بايد بعد از احراز انحصار وراثت و سمت ورثه نسبت به مورث خلاصه مفاد و شماره گواهينامه دادگاه راجع به حصر وراثت در ملاحظـات دفتر قيـد و در زير ثبت اوليه ملـك سـهم يكی از وراث ، ثبت و سـهام بقيه وراث در دفتر جاری ثبت شود (۳) و چنانچه مالـك پس از خـاتمه جريـان ثبـتی و قبـل از ثبت ملـك در دفتر املاـك فوت شود حصه هر يـک از ورثه از ملك طبق مقررات به طريقی كه در تصـديق انحصار وراثت معين شـده يا بين ورثه مذكور در تصديق انحصار وراثت توافق حاصل شده باشد با قيد انتقال از مورث متوفی ثبت می‌شود وديگر ثبت ملك مستقلا به نام مورث لازم نخواهد بود(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۱ ـ هرگاه ورثه متوفی يـا قائم مقام يا نماينـده قانونی آنها تقاضای پرداخت بهای ربع يا ثمن اعيانی زوجه متوفی را از اداره ثبت بنماينـد مسئول‌ثبت محل ، كارشـناس رسـمی دادگستری را برای ارزيابی تعيين می‌كند تا كارشناس بهای عادله اعيانی را با لحاظ ماده ۹۴۷ قانون مدنی (۴) و سـايرمقررات معين نمايـد. ورثه می‌تواننـد بهـای مـذكور را به حساب سپرده ادارات ثبت توديع نماينـد. اداره ثبت بهای تعيين

شـده ملک را به ذینفع ابلاغ واقعی می‌کنـد و چنانچه ذینفع فاقد نشانی باشد یا نشانی تعیین شده موافق با واقع نباشد مراتب در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار فقط یک مرتبه آگهی‌خواهد شد. در آگهی مزبور و همچنین در اخطاریه حسب مورد باید تصریح شود که ذینفع جهت اخـذ سپرده مذکور به اداره مربوطه مراجعه نماید و درصورتی که مدعی تضـییع حق باشد ظرف مدت یک ماه پس از رویت اخطار یا انتشار آگهی می‌تواند به دادگاه صالحه مراجعه و گواهی طرح دعوی را به اداره ثبت محل ارائه نماید. تبصـره ۲ ـ هرگاه ظرف مـدت مرقوم گواهی طرح دعوی تسـلیم نشود اداره ثبت سـند مالکیت ملک را بـدون اسـتثنا بهای اعیانی صادر خواهد نمود و درصورت وصول گواهی طرح دعوی در مدت مزبور صدور سـند مالکیت به شـرح فوق موکول به صدور حکم نهایی است هزینه ارزیابی و آگهی به عهده متقاضی است ماده ۱۰۶ ـ در مواردی که مطابق ماده ۱۰۴ سند مالکیت جدید داده می‌شود بر اساس مقررات هزینه قانونی سند مالکیت جدید دریافت خواهد شد. درصورتی که املاک بعد از ثبت در دفتر املاک به قطعات مفروزه یا آپارتمـان تفکیـک شود در صورت درخواست مالـک یا مالکین اداره ثبت مطابق صورت‌مجلس تفکیکی یکی از قطعات را در زیر ثبت ملـک و بقیه را در صـفحه یـا صـفحات دفتر جـاری یـا دفتر متمم ثبت نموده و بـا ابطـال سـند مـالکیت اولیه درمورد هر یک از قطعـات مفروزه یا آپارتمان ها سـند مالکیت تفکیکی و جـداگانه صادر خواهـد شـد.(اصـلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) مـاده ۱۰۷ ـ املاک موقوفه پس از ثبت در دفتر املاک در دفتر ثبت موقوفات نیز به ترتیب و در زیر یکـدیگر ثبت خواهد شد و در دفتر مزبور احتیاج به گذاردن صـفحات سفید نخواهد داشت املاک مورد ثلث باقی نیز در دفتر مزبور به ثبت خواهد رسید. ماده ۱۰۸ ـ نمونه (امضا) دفتر املاک بایـد با دست به عمل آیـد و نمونه (امضا) مهری ممنوع است ماده ۱۰۹ ـ املاـکی که از جهت بنا مفروز و از حیث صـحن و غیره مشـاع است طبق ماده ۳ در دفتر املاک برای هر سـهمی ۳ صـفحه تخصـیص داده می‌شود و انتقالات هر سهمی زیر ثبت همان قسـمت ثبت و حدود و مشخصات و حقوق ارتفاقی قسمت مشاع را در زیر ثبت سهم اولی قید و در بقیه سهام وصفحات ذکر شماره صفحه اولیه کافی خواهد بود. ماده ۱۱۰ ـ هرگاه ملک مشاع در نتیجه انتقالات به یک نفر منتقل شود در صورت تقاضای مالک در ملاحظـات هریـک از صـفحات ثبت مربوط به سـهام مـالکین مراتب ذکر می‌شود و انتقال مزبور در زیر ثبت آخرین سـهم با رعایت مقررات بالا ثبت و اسـناد مالکیت اولیه باطل و یک جلد سـند مالکیت‌جدید صادر شود. (اصـلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۱۱ ـ ثبت انتقالـات قهری به نام ورثه در دفتر املاک مجانی است و حق الثبت به آنان تعلق نمی‌گیرد. (اصـلاحی مصوب ۱۳۲۴.) ماده ۱۱۲ ـ برای حقوق ارتفاقی که برای اشـخاص در سـند مالکیت غیرقید شده است صاحبان حقوق می‌توانند طبق ماده ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون ثبت گواهینامه بگیرنـد. ماده ۱۱۳ ـ برای هر شخصـی از هر شـماره ملـک بایـد یک جلـد سـند مالکیت جـداگانه صادر شود.(اصـلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۱۴ ـ هرگاه ملک مشاع از طرف چنـد نفر درخواست ثبت شده و قبل از ثبت ملک به یکنفر منتقل شود با تذکر به اسامی متقاضـیانی که ملک به نام آنها آگهی شده و انتقال داده‌اند به نام منتقل الیه در یکجا ثبت شده و سـند مالکیت تمام ملک صادر می‌گردد. ماده ۱۱۵ ـ در املاک مشاع برای هریک نسبت به سهم او یک سند مالکیت صادر خواهد شد. ماده ۱۱۶ ـ در ثبت اعیـانی املـاک مزروعی برای هر شـماره دو صـفحه دفـتر املـاک کـافی است و در صورتی که ارزش آن کمتر از هزار ریـال باشـد برگهای مخصوصی که تنظیم شده صادر می‌گردد. ماده ۱۱۷ ـ تغییر در وضـعیات املاک ثبت شده مستلزم تغییر سند مالکیت نیست مگر در مورد انتقال تمام یا قسـمتی از آن که در این مورد سـند تازه به نام منتقل الیه با ذکر مشـخصات معامله صادر خواهد گردید. ماده ۱۱۸ ـ در قسـمت املاک مشاع که یک قسـمت از آن در ثبت عادی بدون ذکر شـماره املاک مجاور ثبت شده و برای بقیه در ثبت عمومی سـند مالکیت‌صـادر می‌شود بـایستی شـماره املـاک مجاور در ثبت سـهام اخیر قیـد و در ملاحظات ثبت سـهم اولیه نیز تصـریح شود و در صورتی که تمام سـهام ملک مشاع بدون قید شماره املاک (مجاور) ثبت شده باشد در موقع انتقال و صدور سند مالکیت تازه بایستی شـماره املاک مجاورین قیـد گردد و همچنین نسبت به هر ملکی که در ثبت عادی سـند آن صادر شـده اسـت ماده ۱۱۹ ـ املاک مشاعی که سـهام مالکین یک قسـمت از آن توأما در یکجا ثبت و سـند مالکیت صادر شده و بقیه سـهام در ثبت

عمومی سند مالکیت صادر می‌شود قسمت ثبت شده به حالت اول باقی ولی برای سهم هریک از شرکای بعدی سه صفحه سفید تخصیص و در ملاحظات ثبت هریک ازسهام شماره صفحات ثبت سایر سهام ذکر می‌شود. ماده ۱۲۰ ـ در مواردی که مالک به علت از بین رفتن یا گم شدن سند مالکیت ، تقاضای صدور المثنای سند مالکیت می‌نماید بایستی طریق از بین رفتن یا گم شدن سند را کتبا به اداره ثبت محل اعلام و استشهادیه ای (که نمونه آن را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور چاپ نموده و دو برگ برای تنظیم وتکمیل به‌درخواست کننده داده می‌شود) ، مبنی بر شهادت و اظهار اطلاع حداقل سه نفر که هویت و امضای آنها به گواهی یک نفر از شهود مذکور رسیده‌و هویت و امضای نامبرده به گواهی نیروی انتظامی محل یا یکی از دفاتر اسناد رسمی رسیده باشد ضمیمه نماید. اداره ثبت پس از وصول درخواست نامه و برگ استشهاد باید نخست آن را ثبت و در دفتر املاک منعکس کند و سپس مراتب را طی بخشنامه ای به دفاتر اسناد رسمی اعلام کند و در محلهایی که از رایانه استفاده می‌شود صدور بخشنامه مزبور ضرورت نداشته و بایستی موضوع را به متصدی رایانه ابلاغ نمایند و پس از آن به هزینه درخواست کننده مراتب را یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا یکی از روزنامه هایی که آگهی‌های ثبتی در آن درج می‌شود آگهی کند. درصورتی که تا ده روز از تاریخ انتشار آگهی ، اعتراضی نرسیده یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشده باشد اداره ثبت اقدام به‌صدور المثنی سند مالکیت خواهد نمود و در مواردی هم که مندرجات صفحه یا صفحات سند مالکیت مفقود گردیده می‌بایست المثنی صادر گردد.سند مالکیت المثنی حاوی کلیه مندرجات سند مفقودی است (ذکر اسناد شرطی و رهنی که فسخ و یا فک شده ضرورتی ندارد) در آگهی که در روزنامه منتشر می‌شود باید مطالب زیر قید شود: ۱ ـ نام و نام خانوادگی مالک ۲ ـ شماره پلاک و بخش و محل وقوع ملک ۳ ـ خلاصه ادعای از بین رفتن یا گم شدن سند مالکیت ۴ ـ معاملاتی که به حکایت سوابق ثبتی و اظهار مالک مستند به سند رسمی در سند مالکیت نوشته شده است ۵ ـ تذکر به این که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده که در قسمت ۴ ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد ، باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. (در صورت ارایه سند مالکیت یا سند معامله ، صورت‌مجلس مبنی بر وجود آن نزد معترض در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن به‌متقاضی المثنی تسلیم و اصل سند به ارایه دهنده مسترد می‌شود). در صورتی که در آگهی مذکور اشتباهی رخ دهد تشخیص اشتباه و صدور دستور رفع اشتباه به عهده مسئول اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مربوط خواهد بود.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۱ ـ اداره ثبت مکلف است هنگام صدور المثنی سند مالکیت ، مراتب را به دفاتر حوزه خود کتبا اعلام و متذکر شود که هر موقع نسبت به پلاک موضوع المثنی سند مالکیت بخواهند هرگونه سند معامله‌ای تنظیم نمایند (اعم از این که به استناد اصل سند مالکیت باشد یا المثنی جریان ثبتی ملک‌را استعلام و سپس در صورت نبودن مانع اقدام به تنظیم و ثبت معامله کنند. هریک از دفترخانه ها مکلفند دفتری برای ثبت شماره پلاک این قبیل املاک داشته باشند که در موقع تنظیم اسناد به آن مراجعه نموده و در صورتی که مورد معامله از املاکی باشد که نسبت به آن سند مالکیت المثنی صادر شده باید قبلا جریان ثبتی ملک را استعلام و در صورت نبودن مانعی اقدام به تنظیم سند بنمایند و در محل‌هایی که از رایانه استفاده می‌شود نیاز به اعلام موضوع به دفاتر اسناد رسمی نمی‌باشد ولی دفاتر با توجه به سند مالکیت المثنی در موقع انجام معامله باید جریان ثبتی را استعلام و سپس در صورت نبودن مانع اقدام به تنظیم و ثبت معامله نمایند. تخلف از رعایت دستور فوق مستلزم کیفر درجه سه به بالا مقرر در ماده ۳۸ قانون دفاتر اسناد رسمیاست (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۲ ـ در مواردی که سند مالکیت در ید ثالث بوده و دادگاه حکم به استرداد آن می‌دهد و با صدور اجراییه نیز استرداد سند مالکیت مقدور نمی‌شود مالک می‌تواند با اخذ گواهی از دادگاه صادرکننده حکم و تسلیم آن به اداره ثبت مربوطه تقاضای صدور سند مالکیت المثنی بنماید. در این مورد ارائه فرم استشهاد و

انتشار آگهی فقدان سند مالکیت ضرورت نداشته ، اداره ثبت باید با رعایت تبصره یک طبق گواهی دادگاه مبادرت به صدورالمثنی بنماید.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۳ ـ هرگاه بعضی از ورثه با تسلیم رونوشت گواهی انحصار وراثت و سایر مدارک ضروری صدور سند مالکیت ، سهمیه خود را از ماترک مورث تقاضا نمایند و اعلام بدارند که سند مالکیت مورث نزد احد از وراث است که از ابراز و تسلیم آن به وارث یا اداره ثبت خودداری می‌نماید اداره ثبت مکلف است پس از اخطار به شخص مذکور و انقضای مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را یکبار در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی‌نماید. چنانچه دارنده سند مالکیت بدون مجوز قانونی ظرف مهلت معین شده در آگهی ، سند مورد مطالبه را تسلیم ننماید سند مالکیت وراث متقاضی را با رعایت کلیه مقررات قانونی صادر و تسلیم خواهد کرد و بلافاصله طی بخشنامه‌ای به کلیه دفاتر اسناد رسمی اعلام خواهد نمود که هر موقع سند مورث ابراز گردید آن را اخذ و برای اقدام به اداره ثبت ارسال دارند.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۴ ـ در مواردی که سند مالکیت بنام دولت صادر گردیده و یا سند مالکیت بنام دیگری صادر و بعدا به دولت منتقل شده باشد و مرجع ذیربط به علت از بین رفتن و یا گم شدن سند مالکیت مربوطه با گواهی وزارت دارایی و امور اقتصادی تقاضای صدور المثنای سند مالکیت مفقوده را می‌نماید ازشمول این ماده مستثنی است (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۵ ـ هرگاه به علت ریختن جوهر یا سوختگی یا پارگی و یا جهات دیگری قسمتی از سند مالکیت از بین رفته باشد و یا قابل استفاده نباشد اداره‌ثبت با انجام تشریفات مقرر در این ماده اقدام به صدور المثنای سند مالکیت خواهد نمود و سند مالکیت ناقص را باطل و در پرونده بایگانی می‌نماید.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۶ ـ در صورت اعلام کتبی مالک مبنی بر پیدا شدن سند مالکیت اولیه چنانچه با سند مالکیت المثنی معامله ای انجام نشده باشد سند مالکیتالمثنی باطل و مراتب پیرو بخشنامه مربوط به دفاتر اسناد رسمی تابعه اعلام گردد و چنانچه با سند مالکیت المثنی معامله‌ای انجام شده باشد سند مالکیت اصلی اخذ و پس از ابطال در پرونده ثبتی مربوط ضبط گردد.(الحاقی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۲۱ ـ برای هر سهمی از املاک مشاع یک پیش‌نویس سند مالکیت تنظیم می گردد و حدود کلیه ملک در یکی از پیش نویس ها قید و در بقیه ، اشاره به پیش نویس مزبور می‌شود و به همین ترتیب در دفتر املاک ثبت و در زیر هر سهمی نوشته می‌شود که حدود ، مطابق حدودی است که در صفحه شماره فلان نوشته شده ماده ۱۲۲ ـ در مورد وصیت نسبت به ملک ثبت شده باید مفاد وصیت در سند مالکیت مثل سایر معاملات قید شده خلاصه آن به دفتر املاک فرستاده‌شود و همچنین در موقع عدول از وصیت ترتیب مزبور رعایت و در صورتی که ملک مورد وصیت ثبت نشده باشد باید مفاد وصیت در پرونده ثبتی بایگانی و موقع صدور سند مالکیت رعایت گردد. ماده ۱۲۳ ـ در مورد ثمن اعیانی که ضمن درخواست ثبت ملک یا مستقیما به عنوان ثمن اعیانی درخواست و آگهی شده باشد سند مالکیت صادرمی‌گردد ولی هرگاه در درخواست بهای ثمن اعیانی گواهی شده باشد فقط به صاحب آن گواهی نامه حق مزبور داده می‌شود. ماده ۱۲۴ ـ در مواردی که برای استیفای طلب بستانکار طبق حکم دادگاه ملک مدیون به طرف بستانکار داده می‌شود اداره ثبت باید متصرف را جانشین مدیون شناخته و اگر ملک به نام مدیون به ثبت رسیده باید مطابق همان حکم ملک را به نام محکوم له مثل مورد انتقال ثبت نماید. ماده ۱۲۵ ـ املاک مشاعی که اولین سهم آن در دفتر املاک ثبت می‌شود ، باز گذاشتن صفحات سفید برای ثبت بقیه سهام آن لازم نیست و باید بقیه سهام را به ترتیب طبق معمول در دفاتر جاری ثبت و شماره صفحه و ثبت آن را در ستون ملاحظات ثبت سهم اول قید نمایند و نسبت به صفحاتی که تا این‌تاریخ برای ثبت بقیه سهام بازگذاشته شده در همان صفحات سفید ثبت گردد.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ـ حذف شده است (۵) ماده ۱۲۶ ـ در مورد قنوات مستقل ، دفتری به نام دفتر ثبت قنوات تخصیص داده می‌شود تا کلیه قنواتی که مستقلا مورد معامله واقع می‌شود و تابع املاک نیست در آن دفتر به ثبت برسد و با رعایت تعداد قنوات هر ناحیه و به نسبت سهام و عده مالکین آن باید یک یا چند دفتر را برای قنوات یک یا چند ناحیه اختصاص داده شود.(اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰)

فصل هفتم ـ محققین ثبت (مواد ۱۲۷ تا ۱۶۰)

مواد ۱۲۷ تا ۱۶۰ راجع به محققین ثبت بوده که با حذف مورد محققین ثبت از تشکیلات سازمانی ثبت ، عملا ملغی شده است

فصل هشتم ـ در مقررات مختلفه (ماده ۱۶۱ تا ۱۶۴)

ماده ۱۶۱ ـ در مورد املاکی که به ثبت نرسیده ولی شماره ملك از طرف اداره ثبت تعیین شده است ، دفاتر اسناد رسمی مکلف هستند که مطابق ماده ۱۰۴ این آیین نامه خلاصه معامله را تهیه و به طوری که در ماده مزبور مقرر است به اداره ثبت بفرستند که در پرونده مربوطه بایگانی و در موقع ثبت ملك منظور گردد و همچنین در مورد فسخ معاملات املاك ثبت نشده مقررات ماده مزبور لازم الرعایه است ماده ۱۶۲ ـ مدیران ثبت و هریك از نمایندگان و کارمندانی که دخالت در کار ثبت املاك دارند باید در ابتدای تصدی دو برگه نمونه از برگهای مخصوصی که تهیه شده است نمونه (امضا) نموده به اداره ثبت تسلیم دارند که یك برگ در ثبت محل باقی مانده و دیگری به اداره کل ثبت فرستاده شود. ماده ۱۶۳ ـ هر موقع که اداره ثبت طبق قانون المثنی سند مالکیت می‌دهد باید در ستون ملاحظات دفتر املاك در مقابل ثبت ملك تاریخ صدور المثنی را قید کند. ماده ۱۶۴ ـ آیین‌نامه شماره ۱۰۴۵ مورخ شانزدهم فروردین ۱۳۱۱ نسخ و این آیین نامه جایگزین آن خواهد بود.

قانون تمدید مدت مواد اصلاحی ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک کشور – مصوب ۱۸/۸/۱۳۷۸

مصوب ۱۸/۸/۱۳۷۸ (روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۵۰ ـ۷/۹/۱۳۷۸) ماده واحده ـ مهلت مذکور در تبصره (۲) ماده (۷) قانون اصلاح مواد (۱)و (۲)و (۳) قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاك مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن مصوب ۲۱/۶/۱۳۷۰ به مدت پنج سال دیگر از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون تمدید می‌شود. تبصره ـ سازمان ثبت اسناد و املاك موظف است با افزایش تعداد کمیسیون های موضوع قانون فوق ترتیبی اتخاذ نماید که به کلیه پرونده ها در مدت پنج سال رسیدگی شود.

قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی – مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ و ۱۳۳۵

مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ و ۱۳۳۵ ماده ۱ ـ هرکس دستور اجرای اسناد رسمی را مخالف با مفاد سند یا مخالف قانون دانسته یا از جهت دیگری شکایت از دستور اجرای سند رسمی داشته باشد می‌تواند به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی اقامه دعوا نماید. ماده ۲ ـ مرجع رسیدگی به دعاوی ناشی از دستور اجرای اسناد رسمی دادگاه صلاحیت دار محلی است که در حوزه آن دستور اجرا داده شده ماده ۳ ـ رسیدگی به دعاوی مزبور تابع مقررات دادرسی اختصاری بوده و خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد. ماده ۴ ـ اقامه دعوا مانع از جریان عملیات اجرایی نیست مگر در صورتی که دادگاه حکم به بطلان دستور اجرا داده و یا قراری دایر به توقیف عملیات اجرایی بدهد. ماده ۵ ـ در صورتی که دادگاه دلایل شکایت را قوی بداند یا در اجرای سند رسمی ضرر جبران ناپذیر باشد به درخواست مدعی بعد از گرفتن تامین ، قرار توقیف عملیات اجرایی را می‌دهد. ترتیب تامین همان است که در قوانین دادرسی مدنی برای تامین خواسته مقرر است و در صورتی که موضوع سند لازم الاجرا وجه نقد باشد و مدعی وجه نقد بدهد آن وجه در صندوق ثبت محل توقیف می‌شود و تامین دیگر گرفته نخواهد شد. ماده ۶ ـ هریك از طرفین می‌توانند در اثنای رسیدگی

به دعوا جبران خسارت ، مالی را که تامین داده و یا خساراتی که به سبب توقیف عملیات اجرایی به او وارد شده است بخواهد و در این صورت دادگاه ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم علیحده محکوم علیه را به پرداخت خسارت ملزم خواهد نمود و در صورتی که موضوع اجرا وجه نقد باشد و یا برای توقیف عملیات اجرایی وجه نقد تامین شده باشد خسارت از قرار صدی دوازده درسال خواهد بود. ماده ۷ ـ هرگاه مدلول سند قبل از صدور حکم ابطال اجرا شده باشد پس از قطعیت آن حکم عملیات اجرایی به حالت قبل از اجرا برمی‌گردد. ماده ۸ ـ ترتیب اجرای مفاد اسناد رسمی و عملیاتی که اجرا متوقف بر آن است از ابلاغ و توقیف اموال و اشخاص و هزینه های اجرایی و مصارف آن و تعیین حق الاجرا در مواردی که در قانون معین نشده و مقتضی باشد و وصول حق الاجرا و نیز ترتیب شکایت از طرز عمل و اقدامات اجرایی و مرجع رسیدگی به آن و به طور کلی آنچه برای اجرای اسناد رسمی لازم است طبق آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۹ ـ هزینه مسافرت و فوق العاده مهندسین و نمایندگان و سایر مأمورین و کارمندانی که از محل هزینه مقدماتی استخدام شده‌اند و همچنین حقوق کارمندان و خدمتگزاران جز و رانندگان و بهای لباس و عیدی و سایر مزایای مربوطه آنها و دستمزد کارشناسان قراردادی که از محل مذکور استخدام شده‌اند و سایر هزینه های مربوطه که طبق مقررات عمومی مجاز باشد از محل درآمد مقدماتی مطابق آیین نامه ای که وزارت دادگستری تنظیم خواهد نمود پرداخت می‌شود. مستخدمین و کارمندان و رانندگانی که طبق مقررات قبلی استخدام شده‌اند مشمول مقررات بالا خواهند بود. «اصلاحی مصوب ۱۳۳۵.» ماده ۱۰ ـ ماده ۹۴ قانون ثبت مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ و مواد (۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴) قانون دفتر اسناد رسمی مصوب خرداد ماه۱۳۱۷ و تبصره اضافی به ماده ۶۴ مصوب مهرماه ۱۳۱۷ و آن قسمتی از شق ۲ ماده ۲۵ مکرر از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ مرداد ۱۳۲۰ که‌راجع است به هیأت رفع اختلاف و دادرس دادگاه شهرستان در مورد رسیدگی به شکایات مربوطه به اجرای مفاد اسناد رسمی و هر قانون دیگر درقسمتی که مخالف این قانون باشد نسخ می‌شود.«قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ می‌باشد.»

لایحه قانونی راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض – مصوب دی ماه ۱۳۳۳

مصوب دی ماه ۱۳۳۳ کمیسیونهای مشترک دو مجلس با اصلاحیه های بعدی ماده ۱ ـ ملغی شده (طبق قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱ و قانون اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱) ماده ۲ ـ در کلیه مواردی که هیات نظارت طبق بند ۲ از ماده ۲۵ اصلاحی سال ۱۳۱۷ قانون ثبت یا به موجب این قانون به اشتباهات رسیدگی می‌نماید می‌تواند با تعیین فهرستی از نوع اشتباهات که به نظر هیات موثر یا غیر موثر تشخیص گردیده دستور رفع اشتباه و اصلاح ثبت ملک یا اجرای شقوق ۵ و۶ و ۷ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت را به روسای ثبتی که مقتضی بداند، بدهد. ماده ۳ ـ هر موقع در هیات نظارت تشخیص شود نسبت به ملکی کلا یا بعضا اسناد مالکیت معارض صادرشده خواه نسبت به اصل ملک خواه نسبت به‌حدود یا حقوق ارتفاقی آن به ترتیب زیر عمل خواهد شد:(اصلاحی مصوب ۱۳۵۱.) ۱ ـ سند مالکیت ثبت مقدم تا موقعی که به موجب حکم نهایی دادگاه ابطال نشده است معتبر شناخته خواهد شد و سند مالکیت ثبت موخر تا زمانی که حکم نهایی از دادگاه به صحت آن صادر نشده باشد نسبت به مورد تعارض سند معارض تلقی می‌شود. ۲ ـ ادارات ثبت مکلفند به محض اطلاع از صدور اسناد معارض وجود سند مالکیت معارض (ثبت موخر) و همچنین سند مالکیت ثبت مقدم را به دفاتر اسناد رسمی حوزه مربوط کتبا ابلاغ نمایند و گزارش امر را جهت اتخاذ تصمیم به هیات نظارت ارسال دارند. در صورتی که هیات نظارت یا شورای عالی ثبت در تجدید رسیدگی وقوع تعارض را محرز بداند ثبت محل مراتب را کتبا به دارنده سند مالکیت معارض (ثبت موخر) ابلاغ می‌نماید. چنانچه دارنده سند مالکیت معارض با اخطاری که طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به او ابلاغ شده است در مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه نکند و گواهی طرح دعوا را به اداره ثبت محل تسلیم و رسید اخذ ننماید و دارنده سند مالکیت

مقـدم گواهی عـدم طرح دعوا را از مراجع صـالحه در مـدت مزبور تقـدیم دارد اداره ثبت بطلان سـند مالکیت معارض را نسبت به مورد تعارض در ستون ملاحظات ثبت ملک قید و مراتب را به دارنده سـند مزبور و دفاتر اسـناد رسمی اعلام خواهد نمود. ماده ۴ ـ دارنـده سـند مالکیت مقدم قبل از تعیین تکلیف نهایی در دادگاه می‌تواند نسبت به مورد سـند مالکیت معامله کند ولی دفاتر اسـناد رسـمی مکلف انـد در متن سـند قیـد کننـد نسبت به مورد معامله سـند معارض صادر شـده و مادام که تکلیف نهایی طبق این قانون معلوم نشده به خریدار ، سـند مالکیت جدید داده نخواهد شد و همین حکم نسبت به انتقالات بعدی هم جاری است ماده ۵ ـ دارنده سنـد مـالکیت معـارض مـادام که تکلیف نهـایی سـند مزبور در دادگـاه معلوم نشـده حق هیـچ گونه معامله نسبت به آن نـدارد ولی می‌توانـد حقوق متصوره خود را به دیگری انتقـال دهـد. تبصـره ـ دادگـاه پس از رسـیدگیهای لازم هریک از اسناد معارض را که تشخیص دهـد جریـان ثبتی آن بر طبق قانون و مقررات صـحیحا انجام شـده تعیین و حکم ابطال سـند دیگر را خواهـد داد. ماده ۶ ـ کسـی که طبق مـاده فوق ممنوع از معامله است هرگاه نسـبت به ملک مزبور معامله نمایـد پس از صـدور حکم نهایی بر بطلان سـند موخر التاریـخ و با انقضای مـدت دو ماه و عدم مراجعه دارنده سـندی که تاریخا موخر است به محاکم ، به جریمه نقدی معادل یک برابر بهـای مورد معـامله محکوم خواهدشـد و نیز سـردفتران اسـناد رسـمی هم که بـا وجود اخطـار اداره ثبت در مورد سـند مالکیت معارض اقـدام به ثبت معامله نماینـد به انفصال ابـد از شـغل سـردفتری محکوم خواهنـد شد. ماده ۷ ـ کارمنـدان اداره ثبـت که عمل مخالف مقررات آنها موجب صـدور سـند مالکیت معارض یا معاملات متعدد بشود در دادگاه اداری مورد تعقیب وبه انفصال موقت که کمتر از دو سال نخواهد بود و یا انفصال ابد به تناسب موضوع محکوم می‌شوند و تخلف آنها مشمول مرور زمان تخلفات اداری نخواهد بود.

فهرست اشتباهات ثبتی – مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۵۳

مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۵۳ چون منظور از تصویب مواد اصـلاحی قانون و آیین نامه ها انجام مراجعات و مشکلات ارباب رجوع می‌باشد و از طرفی در امور جاری هیات نظارت ملاحظه می‌شود نسبت به بعضـی موارد که اتخاذ تصـمیم از ناحیـهٔ روسای واحـدهای ثبتی (با اجازه این هیات در ظرف مـدتی انـدک امکان دارد و با رد و بـدل شـدن گزارشـها و احیانا مکاتبات متعـددی که برای روشن شدن مطالب به عمل می‌آیـد مـدتها وقت مامورین محلی و هیات نظارت اشـغال و طبعا اتخاذ تصـمیم مدتی به تاخیر می‌افتد علیهذا هیات نظارت ثبت منطقه مرکزی با اختیار حاصله از ماده ۱۰ آیین نامه ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت درجلسه مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۵۳ ضمن تعیین موارد جدیدی علاوه بر موضوعات مذکور در دسـتور شـماره ۳۷۰۰ ـ ۲۴ ۸ ۱۳۵۲ کلیه مواردی که اتخاذ تصـمیم درباره آنها طبق نظریه کلی این هیـات به عهـده آقایـان روسـای واحـدهای ثبتی گـذارده می‌شود به شـرح زیر تاییـد و تصویب می‌نمایـد الف ـ اشتباهات موثر در آگهی های نوبتی ۱ ـ اشـتباه در نام متقاضی ثبت یا قایم مقام قانونی او. ۲ ـ اشتباه در نام خانوادگی متقاضی ثبت در مواردی که نام خانوادگی اساسا آگهی نشده و یا تمام نام خانوادگی اشتباه شده باشد. ۳ ـ اشتباه در محل وقوع ملک در صورتی که طوری ذکر شده باشد که منطبق با محل دیگری گردد. ۴ – اشتباه در نوع ملک ۵ ـ اشتباه در شماره اصلی ملک یا عدم ذکر آن ۶ ـ اشـتباه در شـماره فرعی ملک در مواردی که اشتباه در اظهارنامه هم به عمل آمده باشد. ۷ ـ اشـتباه در نام قریه یا مزرعه یا قنات مورد تقاضای ثبت ۸ ـ در مواردی که تقاضا به دیگری منتقل شده و پرونده حاکی از امر انتقال بوده معهذا اشتباها آگهی‌های نوبتی به نام انتقال دهنده منتشـر شده باشد. ب ـ اشـتباهات غیر موثر در آگهی‌های نوبتی ۱ ـ اشـتباه در شماره فرعی ملک که در اظهارنامه صحیحا قیـد ولی در آگهی اشـتباه شـده باشـد. ۲ ـ اشـتباه در مضـاف الیه نـام خـانوادگی یـا عـدم ذکر مضاف الیه ۳ ـ عـدم قید نام خانوادگی مالک در صورتی که نام پـدر قیـد شـده باشد. ۴ ـ هرگاه آگهی زایـد بر میزان مورد تقاضای ثبت منتشر شـده باشد. ۵ ـ هرگاه اطلاع اداره ثبت از وقوع معامله بعـد از انتشار آگهی‌ها بوده و مورد تقاضا به نام انتقال دهنده آگهی شده باشد. ۶ ـ اشتباه در

ذکر شهرت ملك یا عدم ذکر آن ج ـ اشتباهات موثر در آگهی تحدیدی ۱ ـ اشتباه در شماره پلاك اعم از اصلی یا فرعی یا عدم ذکر هر یك از آنها. ۲ ـ اشتباه یا عدم ذکر نام یا نام خانوادگی متقاضی ثبت یا قایم مقام قانونی وی ۳ ـ اشتباه در محل وقوع ملك و همچنین عدم ذکر محل وقوع ملك ۴ – اشتباه در نوع ملك همچنین عدم ذکر نوع ملك ۵ ـ عدم رعایت ماده ۱۴ قانون ثبت به این ترتیب که در انتشار آگهی تحدیدی رعایت ترتیب شماره املاك نشده باشد. ۶ ـ عدم رعایت ماده ۶۷ آیین نامه قانون ثبت که باید فاصله انتشار آگهی تحدید و روز تحدید حدود کمتر از بیست روز و بیش از ۶۰ روز نباشد. ۷ ـ در صورتی که با وجود اطلاع اداره از وقوع معامله قبل از انتشار آگهی تحدیدی اشتباها آگهی تحدیدی به نام فروشنده منتشر شده باشد. د ـ اشتباهات غیرموثر در آگهی تحدیدی ۱ ـ اشتباه در مضاف الیه نام خانوادگی یا عدم قید آن ۲ ـ عدم قید و یا اشتباه در ذکر نام ونام خانوادگی بعضی از شرکا مشروط بر اینکه حداقل نام و نام خانوادگی یکی از متقاضیان صحیح آگهی شده باشد. ۳ ـ اشتباه در ذکر مقدار مورد تقاضا اعم از اینکه بیشتر یا کمتر آگهی شده باشد. ۴ ـ اشتباه در نشر آگهی به نام فروشنده در صورتی که اطلاع اداره از وقوع معامله پس از انتشار آگهی تحدید باشد. ۵ ـ انتشار آگهی تحدید حدود اختصاصی قبل از آگهی انتشار ماده ۱۴ قانون ثبت ه ـ اشتباهات در عملیات ثبتی ۱ ـ هرگاه صرفا در ذکر جهات اربعه ملك در صورت مجلس تحدید حدود اشتباه شده باشد پس از تطبیق با مجاورین که تحدید آنها به عمل آمده و احراز عدم تجاوز به مجاورین و شوارع اصلاح صورت مجلس تحدید بلامانع است ۲ ـ هرگاه تحدید حدود ملکی به معرفی مالك یا نماینده قانونی او در وقت مقرر به عمل آمده و اشتباها صورت مجلس تحدید حدود به امضا مالك یانماینده قانونی او نرسیده باشد در صورتی که با مجاورین اختلافی در بین نباشد مانعی ندارد که صورت مجلس تحدیدی با حضور نماینده ثبت به امضا متقاضی یا قایم مقام قانونی او برسد. ۳ ـ هرگاه تحدید حدود در غیر روز مذکور در آگهی تحدیدی به عمل آمده و همچنین در صورتی که صورت مجلس تحدیدی به امضا نماینده محدد نرسیده باشد در هر دو مورد عملیات تحدیدی با انتشار آگهی تحدیدی تجدید خواهد شد. ۴ ـ در مواردی که نقشه‌بردار در عملیات تحدیدی حاضر بوده و نقشه مربوطه را تهیه و امضا و تسلیم نموده است و صورتمجلس تحدیدی هم با ذکر طول اضلاع تنظیم شده ولی اشتباها صورت‌مجلس به امضا نقشه بردار نرسیده باشد در صورتی که نقشه با صورت مجلس تحدیدی از هر حیث منطبق بوده وهیچ گونه اختلافی نداشته باشد ادامه عملیات ثبتی بلامانع است و ـ اشتباهات در املاك ثبت شده ۱ ـ هرگاه شماره و یا شهرت و یا نوع ملك و یا محل وقوع آن و همچنین نام یا نام خانوادگی مالك در اظهارنامه و آگهی های نوبتی صحیحا قید ولی در موقع ثبت ملك در دفتر املاك یا سند مالکیت یا در یکی از موارد مذکور اشتباهی شده باشد پس از رسیدگی و احراز وقوع اشتباه مراتب در ستون ملاحظات ثبت و سند مالکیت توضیح داده شود. ۲ ـ هرگاه نام پدر مالك یا شماره شناسنامه مالك یا محل صدور آن در اظهارنامه صحیحا قید ولی در موقع ثبت ملك در دفتر املاك یا در سند مالکیت اشتباهی شده باشد، پس از رسیدگی و تطبیق شناسنامه متقاضی با اظهارنامه و نبودن اختلافی در سایر مشخصات شناسنامه در رفع اشتباه به طریق فوق اقدام گردد. ۳ ـ هرگاه نام یا نام خانوادگی یا شماره شناسنامه مالك در اظهارنامه و آگهی یا یکی از آنها اشتباه شده و با همان اشتباه ملك به ثبت رسیده باشد پس از انطباق شناسنامه متقاضی بوسیله تحقیق از اداره ثبت احوال و احراز تصرفات مالکانه و بلامعارض بودن آن و نبودن اختلافی در سایر مشخصات شناسنامه به ترتیب فوق در رفع اشتباه اقدام گردد. ۴ ـ هرگاه سهم مالك اشتباها زاید بر میزانی که تقاضا و آگهی شده یا مورد انتقال واقع گردیده ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم شده باشد و مالك در اداره حاضر و کتبا این موضوع را گواهی و سند مالکیت را برای اصلاح تسلیم نماید با قید توضیح لازم در ملاحظات ثبت ملك و سند مالکیت در رفع اشتباه اقدام شود. ۵ ـ هرگاه در تعیین شماره ملك یکی از مجاورین در صورت مجلس تحدیدی و ثبت ملك یا یکی از آنها اشتباه شده باشد با معاینه محل و تطبیق باپرونده مجاور و احراز وقوع اشتباه و نبودن اختلاف و تعارض در صورتی که در حد فاصل تغییری داده نشود و اقدام به رفع اشتباه خللی به حق غیرنرساند در رفع اشتباه با قید شماره صحیح ملك در ملاحظات ثبت ملك و سند مالکیت اقدام شود. ۶ ـ هرگاه معامله از نوع

شرطی یا رهنی یا اجاره و امثال آن بوده ولی در موقع ثبت آن اشتباها به عنوان معامله قطعی ثبت دفتر املاک شده باشد و یابالعکس پس از احراز وقوع اشتباه و تحقیق از دفترخانه مربوطه در صورتی که سند مالکیت از این جهت اشتباهی نداشته باشد دفتر املاک اصلاح والا پس از مطالبه و ملاحظه سند مالکیت یک جا اقدام گردد. ۷ ـ در موردی که ثبت ملک در دفتر املاک به استناد سند انتقال رسمی بوده و در یکی از مشخصات شناسنامه انتقال گیرنده موقع تنظیم سند انتقال اشتباهی رخ داده باشد و با همان اشتباه ملک به نام خریدار به ثبت رسیده و سند مالکیت صادر شده باشد باید در صورت امکان بدوا در اصلاح سند رسمی وسیله دفترخانه مربوطه طبق مقررات اقدام و سپس مراتب در ملاحظات ثبت ملک و سند مالکیت قید شود و در صورت عدم حضور طرف معامله باتحقیق از اداره ثبت احوال و احراز اشتباه به شرح فوق اقدام گردد. ۸ ـ هرگاه در سند مالکیت و ثبت دفتر املاک به واسطه اشتباه دفترخانه در تنظیم خلاصه معامله برخلاف مدلول سند انتقال اشتباهی روی داده باشد پس از احراز وقوع اشتباه و اعلام کتبی دفترخانه مربوط دایر بر اینکه سند معامله صحیح تنظیم گردیده با توضیح لازم در ستون ملاحظات ثبت یا سندمالکیت در رفع اشتباه اقدام گردد. ۹ ـ در مواردی که حدود اربعه ملک در صورت مجلس تحدید یا صورت مجلس تفکیک یا تقسیم‌نامه رسمی یا دادنامه به طور صحیح قید شده ولیکن در موقع ثبت ملک در دفتر املاک حدی ساقط یا اشتباه شود پس از احراز وقوع اشتباه با توجه به سوابق مربوطه و انطباق با مجاور و نبودن اختلاف ،مراتب در ملاحظات ثبت و سند مالکیت قید شود. ۱۰ ـ هرگاه در ذکر جهات اربعه ملک اشتباه شده و با همان اشتباه ملک در دفتر املاک ثبت شده باشد پس از احراز اشتباه به شرط اینکه اختلافی با مجاورین و همچنین اختلافی در حد فاصل نباشد اصلاح آن بلامانع است ز ـ امور متفرقه ۱ ـ هرگاه در نتیجه تغییر وضع مجاور املاک ثبت شده و تبدیل حد به کوچه اصلاح سند مالکیت در حدی که قبلا به ملک مجاور و فعلا به کوچه محدود است تقاضا شود در صورتی که کوچه مورد بحث بن بست نباشد و شهرداری نیز عمومی بودن کوچه را تایید نماید اصلاح ثبت دفتر املاک و سند مالکیت از این جهت مانعی نخواهد داشت ۲ ـ در مورد کسر مساحت و طول اضلاع چنانچه مالک کتبا تقاضای اصلاح سند مالکیت خود را بنماید و با کسر مساحت و طول اضلاع موافق باشد ومورد ثبت در وثیقه و بازداشت و بند (ز) نباشد اصلاح ثبت ملک و سند مالکیت بلامانع است ۳ ـ در مواردی که مساحت و طول اضلاع ملکی به منظور اجرای طرح شهرداری کسر و ثبت دفتر املاک و سند مالکیت اصلاح شده باشد و بعدا شهرداری از طرح اصلاحی انصراف حاصل نماید و مالک تقاضای اصلاح سند مالکیت را به صورت اولیه بنماید اصلاح ثبت و سند به وضع اولیه به شرط موافقت شهرداری بلامانع است

قانون راجع به رشد متعاملین – مصوب شهریور ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقودو ایقاعات به استثنای نکاح و طلاق ، محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیررشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸سال شمسی تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر این که عدم رشد آنها به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد. مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف‌آن ثابت شود.

قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین ثبتی که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آنها در مراجع ق

مصوب ۲۵ ۲ ۱۳۷۳ ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون اعتراضاتی که موجب مادتین ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت تا پایان سال ۱۳۶۰

نسبت به اصل یا حدود املاک به مرجع قضایی ذیربط ارسال گردیده و به هر علت سابقه اعتراض در مراجع قضایی وجود ندارد معترضین یا قایم مقام قانونی آنان می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۶ ماه دیگر از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون دادخواست اعتراض خود را با در دست داشتن مدارک لازم به دادگاه صالح تقدیم نموده گواهی لازم در این مورد اخذ و به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم دارند اگر در این مدت بدون عذر موجه شرعی مراجعه ننمایند معرض شناخته خواهند شد. تبصره ۱ ـ متقاضیان ثبت املاک یا قایم مقام قانونی آنها که نسبت به تقاضای ثبت آنان اعتراض شده و از طرف معترض یا معترضین در مهلت تعیین‌شده فوق گواهی مربوط را به ثبت محل تسلیم ننموده‌اند می‌توانند با مراجعه به دادگاه مربوط و اخذ گواهی مبنی بر نداشتن سابقه اعتراض قبلی و عدم تقدیم دادخواست جدید آن را به ثبت محل تسلیم نموده و تقاضای ادامه عملیات ثبتی را بنمایند. ثبت محل مکلف است نسبت به ادامه عملیات ثبت اقدام نماید. تبصره۲ ـ اعتراض به تقاضای ثبت و تحدید حدود (موضوع مواد ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت می‌باید توسط معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی با تقدیم دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی صورت پذیرد. تبصره ۳ ـ مهلت مذکور در تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۳۱ ۴ ۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن مصوب ۲۱ ۶ ۱۳۷۰ به مدت ۲ سال دیگر از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تمدید می‌شود.

قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه‌ای ما

مصوب ۲۸ ۱۲ ۱۳۶۹ مجلس و ۱۷ ۲ ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده ۱ ـ در مواقعی که به علت جنگ یا حوادث غیرمترقبه ای نظیر زلزله ، سیل و آتش سوزی آثار اعیان املاک یا اسناد و مدارک ثبتی از بین رفته باشد به‌سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود که نسبت به تشکیل پرونده و دفاتر و سوابق ثبتی املاک و همچنین اسناد و مدارک مربوط به اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی و اختراعات اقدام نماید. تبصره ـ سازمان ثبت اسناد واملاک کشور ازطریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم می‌رساند تا ذویالحقوق اسناد و مدارک و مستندات و دلایل خود را حداکثر ظرف شش ماه به ثبت محل ارایه نمایند ، کسانی که بعد از مدت مذکور مراجعه کنند می بایست اصالت اسناد و مدارک ومستندات آنها به تایید دادگاه های محل رسیده باشد. ماده ۲ ـ سازمان ثبت و ادارات تابعه باید نسبت به جمع آوری مدارک و اطلاعاتی که به رفع مشکل کمک می کند اقدام نمایند و وزارتخانه ها ، سازمان ها و موسسات دولتی و عمومی و شهرداری ها نیز مکلفند اسناد و مدارک و نقشه‌های مورد نیاز را در اختیار ادارات ثبت قرار دهند. ماده ۳ ـ در صورتی که مدارک و مستندات متقاضی مشعر بر ثبت ملک در دفتر املاک باشد یا مسوول بازسازی محل براساس پرونده های موجود که عینا به ثبت محل تحویل می‌نماید گواهی کند و یا معتمدین و گواهان محل شهادت بر مالکیت متقاضی بدهند و معارضی هم نباشد اداره ثبت بلافاصله با تشکیل پرونده و تهیه نقشه و ثبت ملک در دفتر املاک سند مالکیت متقاضی را صادر می کند ترتیب تعیین شماره پلاک و تهیه و جایگزینی دفاتر و سایر سوابق را آیین نامه تعیین خواهد نمود. ماده ۴ ـ به جز موارد مذکور در ماده ۳ و همچنین در مواردی که بین اشخاص در تصرف یا مالکیت اختلاف باشد موضوع جهت رسیدگی به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۵ این قانون ارجاع می‌شود. ماده ۵ ـ در هر حوزه ثبتی هیات حل اختلافی مرکب از مسوول بازسازی ، رییس ثبت ، دو نفر معتمد با معرفی نماینده یا نمایندگان محل در مجلس شورای اسلامی و شهردار محل در خصوص شهرها و بخشدار محل در مورد خارج شهر تشکیل می‌شود وظیفه این هیات بررسی شکایات و اعتراضات و ارجاعات ثبت و انجام تحقیقات به منظور تشخیص مالکیت متقاضی و میزان آن و حدود و مشخصات ملک یا رد تقاضا می‌باشد. ماده ۶ ـ هیات حل اختلاف نظر خود را نسبت به ارجاعات ثبت یا اعتراضات و شکایات وارده به ثبت محل اعلام می کند اداره ثبت مکلف است طبق رای هیات بلافاصله مبادرت به تشکیل پرونده و صدور سند

مالکیت نماید. معترض به رای هیات می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه کند و دادگاه نسبت به مالکیت عرصه و تعیین تکلیف اعیانی حکم لازم را صادر خواهد نمود. تبصره ـ اعتراض به رای هیات حل اختلاف مانع از صدور سند و شروع بازسازی نخواهد بود. ماده ۷ ـ اشخاص حقوقی که دفاتر ثبت شرکت های آنان از بین رفته است می‌توانند مدارک خود را به ثبت محل تسلیم نمایند تا نسبت به تشکیل پرونده و سوابق و دفاتر جدید اقدام گردد. ماده ۸ ـ در مواردی که پرونده اجرایی بر اثر حدوث وقایع مذکور در ماده یک از بین رفته باشد چنانچه اشخاص با ارایه مدارک و مستندات معتبر مدعی عدم اقدام در مورد پرونده اجرایی شوند اداره ثبت مکلف به تشکیل پرونده اجرایی خواهد بود ماده ۹ ـ متعهدله اسناد رسمی و ازدواج و طلاق که سررسید طلب آنها فرا رسیده و قبوض و دفاتر آنها از بین رفته است می‌تواند با ارایه مدارک ومستندات معتبر قانونی به ثبت محل مراجعه نماید و ثبت محل مبادرت به صدور اجراییه خواهد کرد. ماده ۱۰ ـ دولت مکلف است در شهرهایی که بر اثر حوادث مذکور در این قانون نیاز به بازسازی دارد و قبلا طرح جامع نداشته بدوا طرح جامع شهرها را تهیه و براساس طرح مصوب اقدام به بازسازی نماید. تبصره ـ در کلیه موارد مذکور در این ماده صدور سندمالکیت و پروانه ساختمانی مشمول پرداخت هیچگونه عوارض و مالیات و حق الثبت برای باراول نمی‌باشد. ماده ۱۱ ـ در موارد مذکور در ماده ۱ این قانون به دولت اجازه داده می‌شود برای واگذاری اراضی به کسانی که املاک آنها در طرح های عمرانی یا توسعه معابر و فضاهای آموزشی یا سبز قرار می گیرد همچنین برای ایجاد تاسیسات عمومی املاک مورد نیاز را در محدوده طرح جامع پیش بینی و تملک نماید. پرداخت بهای این املاک طبق مقررات مربوطه موکول است به ارایه اسناد و مدارک معتبر با رای هیات موضوع ماده ۵ و تا انجام کار حق انتقال راندارند. ماده ۱۲ ـ نسبت به املاکی که طبق اسناد و مدارک یا دلایل معتبر معامله شرطی یا رهنی یا مورد وثیقه و بازداشت بوده یا دیگری در آن حق کسب و پیشه داشته و یا موارد مذکور را هیات موضوع ماده پنج احراز نماید موضوع در سوابق ثبتی و دفاتر ثبت و سند مالکیت با قید مراتب درج خواهد شد و چنانچه قبلا سند مالکیت بدون قید مورد یا موارد فوق صادر و تسلیم شده باشد به مالک اخطار می کند که سند مالکیت را برای اصلاح تسلیم ثبت محل‌نماید و در صورت استنکاف ظرف ده روز مراتب به دفاتر اسناد رسمی ابلاغ تا از انجام معامله نسبت به سند مالکیت مزبور خودداری نمایند. ماده ۱۳ ـ در مواردی که دفاتر اسناد رسمی یا دفاتر ازدواج و طلاق به شرح مذکور در ماده ۱ این قانون از بین رفته باشد افراد ذینفع می‌توانند با ارایه اسناد و مدارک و دلایل معتبر به ثبت محل مراجعه نمایند ثبت محل با اعلام نظر خود تقاضانامه و اسناد و مدارک مربوطه را به هیات موضوع ماده ۵ این‌قانون ارسال می‌دارد و هیات مزبور در صورت عدم وصول اعتراض به قضیه رسیدگی کرده و تصمیم لازم اتخاذ می کند و در صورت وصول اعتراض به متقاضی اخطار خواهد کرد که می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه نماید. ماده ۱۴ ـ هر یک از کارکنان دولت که در اجرای این قانون به تشخیص دادگاه صالح رعایت دقیق مقررات آن را ننموده و تخطی نمایند علاوه بر مجازات های مقرر در قوانین جزایی به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال از خدمات دولتی نیز محکوم می‌شوند ، همچنین اشخاصی که عالما عامدا درجرایم فوق مباشرت داشته و از آن منتفع شده‌اند علاوه برجبران خسارات وارده به دولت یا اشخاص و اعاده وضع می‌بایست حقوق ثبتی را از قرار هر ده‌هزار ریال ۵۰۰ ریال بپردازند. تبصره ـ مواد ۱۰۰ تا ۱۱۷ قانون ثبت در مورد این قانون نیز رعایت می‌شود. ماده ۱۵ ـ کلیه اشخاصی که از مزایای مقرر در این قانون استفاده می کنند موظفند در تقاضانامه خود هرگونه حقی را که اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به تمام یا قسمتی از املاک و اسناد مورد تقاضا دارند را منعکس نمایند در غیر این صورت چنانچه عالما و عامدا اعلام و منعکس ننمایند کلاهبردار محسوب و به مجازات آن محکوم خواهند شد. ماده ۱۶ ـ متخلفین از مقررات این قانون به مجازات‌هایی که در قوانین ثبتی و مجازات اسلامی و قوانین یا مقررات دیگر مذکور است محکوم خواهندشد. تبصره ـ علاوه بر مجازات های مقرر در ماده فوق متخلفین به پرداخت هزینه‌های ثبتی از قرار هر ده هزار ریال ، پانصد ریال نیز محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ ـ سازمان زمین شهری مکلف است در طول دوران بازسازی جهت مسکن افراد محلی که هیچگونه زمین و ملکی در کل کشور ندارند اراضی مناسب را

آماده‌سازی و به طور رایگان به افراد مذکور واگذار نماید. هزینه آماده‌سازی از محل اعتبارات بازسازی تامین خواهد شد. ماده ۱۸ ـ آیین نامه اجرایی این قانون با پیشنهاد مشترک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی کشور به تصویب هیات دولت خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیرمترقبه ای مانند زلزله ، سیل و آتش سوزی از بین رفته‌اند مصوب ۱۷ ۷ ۱۳۷۰

بخش اول ــ املاک (ماده ۱ تا ۲۱)

ماده ۱ ـ قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه‌ای مانند زلزله ، سیل و آتش سوزی از بین رفته‌اند مصوب ۱۷ ۲ ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام در این آیین نامه انحصارا (قانون نامیده می‌شود. ماده ۲ ـ در هر موقع که در اثر وقوع جنگ یا حوادث غیرمترقبه‌ای مانند زلزله ، سیل و آتش سوزی اسناد و مدارک ثبتی از بین رفته و تهیه المثنی برای آنها مقدور نباشد ، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور امکانات و تسهیلات لازم را جهت اجرای قانون در حوزه ثبتی مربوط فراهم می‌نماید. ماده ۳ ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به منظور اطلاع عامه و مراجعه اشخاص به واحدهای ثبتی ذیربط برای تسلیم اسناد و مدارک و مستندات و دلایل مالکیت و سایر حقوق متصوره خود از طریق رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های محلی که آگهی های ثبتی در آنها منتشر می‌شود و الصاق آگهی در معابر و اماکن عمومی مراتب اجرای قانون را اعلام می‌دارد. ماده ۴ ـ ثبت محل از تاریخ مقرر در آگهی ظرف شش ماه درخواست و اسناد و مدارک اشخاص را می‌پذیرد. ملاک پذیرش در مورد اشخاصی که تقاضا و مدارک خود را با پست سفارشی ارسال می‌دارند ، تاریخ تسلیم آنها به پست است بعد از انقضای مدت مزبور مدارک و مستنداتی پذیرفته و رسیدگی می‌شود که اصالت آنها به تایید دادگاه محل رسیده باشد. ماده ۵ ـ در صورتی که مدارک و مستندات متقاضی مشعر بر ثبت ملک در دفتر املاک باشد یا مسول بازسازی محل براساس پرونده‌های موجود که عینا به ثبت محل تحویل می‌نماید گواهی کند یا معتمدین و گواهان محل شهادت بر مالکیت متقاضی بدهند و معارضی هم نباشد ، اداره ثبت بلافاصله باتشکیل پرونده و تهیه نقشه و ثبت ملک در دفتر املاک سند مالکیت متقاضی را صادر می کند. ماده ۶ ـ برای تایید اصالت اسناد و املاک (موضوع تبصره ماده یک قانون ، دادگاه ها در وقت فوق العاده به موضوع رسیدگی و در صورت لزوم با جلب نظر هیات حل اختلاف موضوع ماده (۵) قانون ، نسبت به مورد اتخاذ تصمیم می‌نمایند. تبصره ـ نظر دادگاه مبنی بر اصالت سند موجب سلب حق اقامه دعوی اشخاص ذینفع نمی‌شود. ماده ۷ ـ کلیه رسانه‌های عمومی به ویژه صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف به همکاری در اعلام اطلاعیه ها و آگهی های موضوع این آیین نامه می‌باشند. ماده ۸ ـ وزارتخانه ها ، سازمان ها و موسسات دولتی و عمومی و شهرداری ها مکلفند اسناد و مدارک و نقشه های مورد نیاز سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا ادارات تابع آن را از تاریخ دریافت تقاضا ظرف (۱۵) روز تسلیم نمایند. ماده ۹ ـ با توجه به نقشه جامع شهر و بخش‌های موجود ، هر بخش به چند ناحیه تقسیم و نواحی واقع در هر بخش با تعیین شماره مشخص می‌شود. تبصره ـ هر ناحیه محاط در چهار خیابان اصلی یا فرعی و یا انهار طبیعی ، غیرقابل تغییر خواهد بود. ماده ۱۰ ـ برای شماره گذاری و نقشه برداری و تعیین حدود املاک واقع در هر ناحیه (به ترتیب از ناحیه یک هر بخش) به وسیله جراید کثیرالانتشار مرکز ، روزنامه های محلی که آگهی های ثبتی را منتشر می‌نماید و الصاق آگهی در معابر و اماکن عمومی از مالکین آنها دعوت به عمل میاید که در محل مربوط (که مشخصات کامل آن ناحیه در آگهی قید می‌شود) حضور به هم رسانند. موضوع و عنوان اطلاعیه و اینکه مشروح آن در جراید کثیرالانتشار و روزنامه‌های محلی چاپ و منتشر می‌شود ، از طریق شبکه سراسری صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و همچنین صدا و سیمای

مراکز استان جهت اطلاع عامه اعلام می گردد. ماده ۱۱ ـ شماره گذاری از اولین ملک واقع در سمت شمال غربی هر ناحیه شروع و به ترتیب به سمت شرق ادامه می‌یابد تا شماره‌های کلیه املاک واقع در آن ناحیه تعیین گردد. ماده ۱۲ ـ شماره های تعیین شده به ترتیب اسامی مالکین آن با ذکر نوع ملک ، در دفتر مخصوصی که دفتر اظهارنامه نامیده می‌شود ثبت می گردد. ماده ۱۳ ـ در قرا و روستاها با توجه به شماره اصلی آنها نسبت به تعیین شماره‌های فرعی به طریق مذکور در ماده (۱۱) این آیین نامه اقدام خواهد شد. ماده ۱۴ ـ محدوده هر ملک که قبلا به وسیله مالک (با ایجاد حد فاصل یا حفر پی مشخص شده با دعوت از مجاورین ، نقشه‌برداری می گردد و حدود و مشخصات و مساحت آن بر اساس نقشه ترسیمی تعیین و صورت مجلس تعیین حدود تنظیم و به امضای نماینده و نقشه‌بردار ثبت و مالک می‌رسد. عدم حضور مجاورین مانع از انجام کار نخواهد بود. تبصره ـ قرا و روستاها و املاک واقع در آنها به صورت یکجا به شرح فوق نقشه‌برداری و تعیین حدود می‌شود. ماده ۱۵ ـ اشخاصی که نسبت به اصل مالکیت یا حدود و حقوق ارتفاقی اعتراضی داشته باشند می‌توانند اعتراض خود را به ثبت محل تسلیم دارند ورسید دریافت نمایند ، ثبت محل مکلف است اعتراضات واصل شده را ظرف (۴۸) ساعت جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به هیات حل اختلاف ارجاع‌نماید. ماده ۱۶ ـ ثبت محل بر اساس صورت مجلس تنظیمی نماینده و نقشه‌بردار ثبت ، باید بلافاصله پیش‌نویس سند مالکیت ملک را تهیه و در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت آن را صادر نماید. ماده ۱۷ ـ در هر حوزه ثبتی هیات حل اختلافی مرکب از مسیول بازسازی ، رییس ثبت (یا کفیل اداره ثبت ، دو نفر معتمد با معرفی نماینده یا نمایندگان محل در مجلس شورای اسلامی و شهردار (یا کفیل شهرداری محل در خصوص شهرها و بخشدار (یا کفیل بخشداری محل در مورد خارج شهر ، تشکیل می‌شود. تبصره ـ محل‌هایی که بیش از یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند ، نمایندگان محل در مجلس متفقا نسبت به معرفی نمایندگان خود از بین معتمدین محل اقدام می‌نمایند. ماده ۱۸ ـ ادارات ثبت پس از انتشار آگهی موضوع تبصره ذیل ماده یک قانون ، اعضای هیات حل اختلاف را برای تشکیل جلسه در اداره ثبت محل دعوت می‌نمایند. هیات حل اختلاف دارای دبیرخانه‌ای است که به وسیله واحد ثبتی محل اداره می‌شود و دبیر آن توسط مدیر کل ثبت استان منصوب می گردد. تبصره ۱ ـ جلسات هیات حل اختلاف با حضور حداقل سه نفر از پنج نفر اعضا رسمیت می‌یابد و رای اکثریت مناط اعتبار و قابل اجرا خواهد بود. تبصره ۲ ـ جلسات هیات حل اختلاف به تعداد مورد لزوم تا (۲۰) جلسه در ماه تشکیل می‌شود. تبصره ۳ ـ آرا صادر شده از طرف هیات به ترتیب تاریخ صدور در دفتر مخصوصی ثبت و به امضای اعضای حاضر در جلسه می‌رسد و یک نسخه از رای صادر شده ظرف (۲۴) ساعت به منظور اجرای آن به اداره ثبت ارسال می گردد. تبصره ۴ ـ چنانچه ظرف (۱۰) روز پس از دعوت از اعضا ، به هر علت امکان تشکیل هیات حل اختلاف فراهم نشود رییس ثبت موظف است مراتب را با قید فوریت به اداره کل ثبت استان اطلاع دهد و اداره کل مذکور جهت رفع مشکل در اسرع وقت موضوع را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گزارش می‌نماید. ماده ۱۹ ـ دبیر هیات حل اختلاف اسامی متقاضیان را به ترتیب شماره و تاریخ ارجاع ، در دفتر مخصوصی با قید مشخصات کامل و نشانی محل اقامت متقاضی ثبت می‌نماید. نحوه دعوت از متقاضیان و شکات و معترضین ، به ترتیب ثبت دفتر خواهد بود. تبصره ـ دعوت از متقاضیان و شکات و معترضین به صورت کتبی به عمل میاید. ماده ۲۰ ـ هیات حل اختلاف نظر خود را نسبت به ارجاعات ثبت یا اعتراضات و شکایات واصل شده به ثبت محل اعلام می کند ، اداره ثبت مکلف است طبق رای هیات بلافاصله مبادرت به تشکیل پرونده و صدور سند مالکیت نماید. معترض به رای هیات حل اختلاف می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه نماید و دادگاه نسبت به مالکیت عرصه و تعیین تکلیف اعیانی حکم لازم را صادر خواهد کرد. تبصره ـ اعتراض به رای هیات حل اختلاف مانع از شروع بازسازی نخواهد بود. ماده ۲۱ ـ دبیر هیات حل اختلاف مکلف است پس از تعیین تکلیف قطعی هر پرونده ، سوابق امر را با اخذ رسید به واحد ثبتی تحویل نماید. اداره ثبت مکلف است طبق رای هیات بلافاصله مبادرت به تشکیل پرونده و صدور سند مالکیت نماید.

بخش دوم ـ اسناد و ثبت شرکت‌ها – (ماده ۲۲ تا ۲۶)

ماده ۲۲ ـ در مواردی که اشخاص با ارایه مدارک و مستندات معتبر ادعا نمایند که پرونده اجرایی مختومه نشده است ثبت محل حسب مورد پس ازتشکیل پرونده اجرایی بر طبق آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی ، عملیات اجرایی را ادامه می‌دهد. در صورت وصول اعتراض مراتب جهت اظهارنظر به‌هیات حل اختلاف ارجاع خواهد شد. بدیهی است عمل به این ماده منوط به این است که قبلا مورد رسیدگی هیات واقع نشده باشد. ماده ۲۳ ـ در صورتی که سوابق دفتر ثبت اسناد رسمی یا ازدواج یا طلاق بر اثر حوادث مذکور از بین رفته باشد و اشخاص ذینفع با ارایه مدارک ومستندات معتبر درخواست صدور اجراییه نمایند ، رییس ثبت پس از بررسی و اظهارنظر ، تقاضانامه و ضمایم آن را به هیات حل اختلاف ارجاع خواهد داد. هیات پس از بررسی موضوع در صورت نبودن اعتراض رای خود را مبنی بر صدور اجراییه صادر و به ثبت محل ارسال می‌نماید ، ثبت محل مکلف است با استفاده از اوراق مخصوص ، اجراییه را صادر نماید و طبق آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی به موقع اجرا گذارد. ماده ۲۴ ـ اشخاص حقوقی که دفاتر ثبت شرکت‌های آنان از بین رفته است برای تشکیل پرونده می‌بایست مدارک و صورت‌جلسه مجمع عمومی را به ثبت محل تسلیم نمایند. ثبت محل مراتب را یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی و پس از انقضای (۱۰) روز از تاریخ انتشار در صورت عدم وصول اعتراض طبق مقررات ، شرکت را در دفاتر مربوط ثبت می‌نماید و به امضای صاحبان سهام می‌رساند و در صورت وصول اعتراض مراتب به هیات حل اختلاف ارجاع می‌شود. ماده ۲۵ ـ ابلاغ اخطاریه ها و دعوت نامه ها بر طبق مقررات آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی است ماده ۲۶ ـ مدت مأموریت هیات حل اختلاف موضوع ماده (۵) قانون تا زمانی است که وظایف ناشی از قانون به اتمام برسد. هیات مکلف است درظرف این مدت به کلیه ارجاعات و اعتراضات واصل شده رسیدگی نماید و نظر خود را به ثبت محل اعلام دارد. در پایان مدت مذکور هیات به خودی خود منحل می گردد.

بخش سوم ـ امور متفرقه (ماده ۲۷ تا ۳۳)

ماده۲۷ ـ به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود به منظور تسهیل و تسریع در اجرای این آیین نامه و جبران کمبود نیروی انسانی متخصص بالاخص نقشه‌بردار ثبت ، علاوه بر استفاده از پرسنل موجود خود در سطح کشور با دفاتر فنی و نقشه برداری بخش خصوصی و اشخاص حقیقی یا حقوقی قرارداد لازم برای امور نقشه برداری ، منعقد نماید. تبصره ـ تشخیص میزان هزینه نقشه‌برداری برای انعقاد قراردادهای لازم به عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است سازمان مزبور می‌تواند عنداللزوم تعرفه سازمان برنامه و بودجه را ملاک عمل قرار دهد. ماده ۲۸ ـ هیات حل اختلاف برای تشخیص واقعیت امر می‌تواند موضوع را به کارشناس ارجاع دهد. تعیین میزان دستمزد کارشناس به عهده هیاتاست ماده ۲۹ ـ هزینه‌های مربوط به اجرای قانون و این آیین نامه اعم از هزینه‌های جاری (بجز حقوق و فوق العاده کارکنان رسمی و مأموریت‌های اداری وتامین تدارکات و تجهیزات و ملزومات اداری ، هزینه های نقشه برداری و کارشناسی های محل و فوق العاده کار اعضای هیات ها در خارج از ساعت اداری ،از محل اعتبارات بازسازی تامین و پرداخت خواهد شد. ماده ۳۰ ـ ستاد بازسازی مناطق جنگ‌زده و وزارت کشور حسب مورد مکلفند در شهرهایی که بر اثر جنگ یا حوادث غیرمترقبه نیاز به بازسازی دارند و قبلا طرح جامع نداشته‌اند ، بر اساس طرح جامعی که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می گردد ، اقدام به بازسازی نمایند. تبصره ـ در کلیه موارد مذکور در این ماده صدور سند مالکیت و پروانه ساختمانی مشمول پرداخت هیچگونه عوارض و مالیات و حق‌الثبت برای بار اول نمی‌باشد. ماده ۳۱ ـ در موارد مذکور در ماده (۱) قانون و ماده (۱) این آیین نامه دولت مجاز است برای واگذاری اراضی به کسانی که املاک آنها در طرح‌های

عمرانی یا طرح‌های توسعه معابر ، فضای آموزشی یا فضای سبز قرار می گیرد همچنین برای ایجاد تاسیسات عمومی ، املاک موردنظر را در محدوده طرح جامع پیش بینی و تملک نماید. پرداخت بهای این املاک طبق مقررات مربوط موکول به ارایه اسناد و مدارک معتبر یا رای هیات حل اختلاف موضوع ماده (۵)قانون می‌باشد و تا انجام کار صاحبان آنها حق انتقال ملک خود را ندارند. ماده ۳۲ ـ سازمان زمین شهری مکلف است در طول دوران بازسازی ، جهت مسکن افراد محلی که هیچگونه زمین و ملکی در کل کشور ندارند اراضی مناسب را آماده سازی و به طور رایگان به افراد مذکور واگذار کند. تبصره ۱ ـ هزینه آماده‌سازی اراضی موضوع این ماده از محل اعتبارات بازسازی تامین خواهد شد. تبصره ۲ ـ افراد محلی مندرج در این ماده ، افرادی هستندکه خود یا خانواده آنها قبل از وقوع جنگ یا حوادث غیرمترقبه موضوع قانون ، ساکن یکی ازشهرهای جنگ زده یا خسارت دیده از حوادث غیرمترقبه بوده‌اند و تشخیص این امر حسب مورد بر عهده بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی یا استانداری های ذیربط می‌باشد. ماده ۳۳ ـ طبق ماده (۱۶) قانون ، متخلفین به مجازات هایی که در قوانین ثبتی و مجازات اسلامی و قوانین یا مقررات دیگر مذکور است محکوم خواهندشد.

آیین نامه اجرایی رسیدگی اسناد مالکیت معارض و هیات نظارت و شو رای عالی –مصوب ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ وزارت دادگستری

فصل اول ــ اسناد مالکیت معارض و هیات نظارت و شورای عالی (ماده ۱ تا ۱۶

ماده ۱ ـ واحدهای ثبتی مکلفند به محض اطلاع از صدور اسناد مالکیت معارض (اعم از این که نسبت به اصل یا حدود یا حقوق ارتفاقی باشد) فورا به موضوع رسیدگی و مراتب را به دفاتر اسناد رسمی حوزه تابعه ابلاغ نموده گزارش کار را به نحوی که هیچ گونه ابهامی باقی نباشد به هیات نظارت ارسال‌دارند. دفاتر اسناد رسمی باید به محض وصول اطلاعیه ثبت محل به مواد ۴ و ۵ قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض عمل نمایند. هرگاه به موجب رای هیات نظارت یا شورای عالی ثبت موضوع تعارض منتفی و یا در میزان آن تغییری داده شود باید مراتب پیرو بخشنامه قبلی به دفاتر اسناد رسمی ابلاغ گردد. در نقاطی که پاسخ استعلام به وسیله ماشینهای الکترونیکی تهیه می‌شود اطلاع لازم نیز به ماشینهای مزبور داده خواهد شد. ماده ۲ ـ محل تشکیل جلسات هیات نظارت در اداره ثبت استان و جلسات آن حداقل دوبار در هفته تشکیل خواهد شد. ماده ۳ ـ در هر مورد که واحدهای ثبتی گزارش برای طرح در هیات نظارت ارسال می‌دارند باید نکات زیر را رعایت نمایند ۱ ـ هرگاه از جهت پذیرفتن تقاضای ثبت بین اشخاص و اداره ثبت اختلاف حاصل شود و یا در تصرف اشخاص تزاحم و تعارض باشد باید کلیه مدارک طرفین اخذ و با تعیین وقت مناسب آنها را برای معاینه محلی به‌وسیله اخطار دعوت نموده و متذکر شوند که اولا عدم حضور هریک از طرفین مانع رسیدگی نخواهد بود، ثانیا هریک از طرفین می‌توانند تا قبل از وقت رسیدگی برای ملاحظه و اطلاع از مدارک تسلیمی طرف دیگر به اداره ثبت مراجعه نمایند و سپس در وقت مقرر با معاینه و تحقیق محلی نسبت به تصرفات آنها رسیدگی و مراتب را صورت مجلس و اظهارات طرفین و حاضرین را در آن قید و به امضای حضار رسانیده چگونگی را با ارسال سوابق و اظهارنظر صریح خود مبنی بر این که چه شخصی متصرف است و تصرفات به چه نحو می‌باشد به هیات نظارت گزارش نمایند. ۲ ـ در مواردی که بعد از قبول درخواست ثبت دیگری مدعی شود که در پذیرفتن تقاضا اشتباه شده و متقاضی ثبت متصرف مورد تقاضا نبوده و مدعی تصرف حین تقاضا شود باید مقدمتا مدارک مدعی را مطالبه و چگونگی را ضمن ارسال کلیه سوابق و اظهارنظر خود به این که ادعای مدعی با توجه به‌سوابق مقرون به واقع به نظر می‌رسد یا نه به ثبت استان گزارش نمایند. ثبت استان چنانچه با توجه به سوابق امر تحقیق محلی را لازم بداند دستور مقتضی به واحد مربوطه خواهد داد و در این صورت واحد مزبور باید با تعیین وقت مناسب طرفین

را برای معاینه و تحقیقات محلی دعوت و در اخطار مربوطه متذکر شود که اولا عدم حضور مانع رسیدگی نخواهد بود ثانیا هریک از طرفین می‌توانند برای ملاحظه و اطلاع از مدارک تسلیمی طرف دیگر تا قبل از وقت رسیدگی به اداره ثبت مراجعه نمایند. در وقت مقرر با معاینه محلی و تحقیق از شهود و مجاورین باید معلوم نمایند که ملک مورد ادعا حین تقاضای ثبت در تصرف مالکانه چه شخصی بوده و در موقع رسیدگی در تصرف کیست و مراتب را در صورت مجلس قید و اظهارات شهود و طرفین را نیز ذکر و به امضای شهود و افراد ذی نفع رسانده وسپس گزارش جریان را با اظهارنظر صریح تهیه و به ضمیمه کلیه سوابق برای طرح در هیات نظارت ارسال دارند. ۳ ـ در مورد اشتباه شماره ملک در آگهی ها تعیین گردد که شماره اصلی است یا فرعی و در محل نصب پلاک شده است یا نه و شماره مقدم و موخر شماره صحیح ملک چیست ۴ ـ در مورد اشتباه در عملیات تحدیدی و آگهی آن توضیح داده شود که عمل به تبصره ماده ۱۵ اصلاحی قانون ثبت میسر است یا نه و ضمنا وضع ثبتی مجاورین از هر حیث گزارش شود. ۵ ـ نسبت به اشتباه در نام و نام خانوادگی تصریح شود که در سایر مشخصات اختلافی موجود است یا نه ۶ ـ نسبت به اشتباه در شماره اصلی قریه یا مزرعه یا قنات ذکر شود که نام آن صحیحا آگهی شده است یا نه ۷ ـ در مورد اشتباه در مبدا و مظهر و مدار قنوات اعلام گردد که تا تاریخ صدور گزارش ، سهامی از آن منتهی به صدور سند مالکیت گردیده است یا نه ۸ ـ چنانچه با انتقال تمام یا قسمتی از مورد تقاضا به دیگری اشتباها آگهی به نام فروشنده صادر شده باشد تصریح شود که اطلاع اداره ثبت از وقوع انتقال قبل از انتشار آگهی‌ها بوده یا بعد از آن و تاریخ اطلاع اداره و انتشار آگهی‌ها ذکر شود. ۹ ـ در مواردی که تقاضای ثبت ملکی کلا یا جزیا مبنی بر اشتباه پذیرفته شده باشد در گزارش تصریح شود که متقاضی یا قایم مقام او حاضر به استرداد مورد تقاضا و یا تمکین به اصلاح مورد اشتباه هست یا نه ۱۰ ـ نسبت به حق الشرب و حق گردش آسیا و امثال آن که در آگهی اشتباها قید یا اصولا از قلم افتاده تصریح نمایند که نسبت به قنات مورد انتفاع جریان ثبتی در چه مرحله ایست و آیا ضمن تقاضا و یا تعیین حدود آن حقوقی که به شرح بالا در آگهی از قلم افتاده و یا اشتباه شده برای ملک مورد گزارش گواهی شده است یا نه ۱۱ ـ در مورد اشتباه در تاریخ انتشار آگهی معلوم شود تاریخی که برای انتشار در نظر گرفته شده بوده است مصادف با تعطیل بوده و یا روز انتشار روزنامه نبوده و تصریح شود که قبلا در مورد سایر شماره‌های مندرج در آگهی در هیات نظارت مطرح شده یا در صورت طرح رای هیات به چه کیفیت صادرگردیده است ۱۲ ـ چنانچه در جریان مقدماتی ثبت ملکی اشتباهی رخ داده و بدون توجه به آن در دفتر املاک وارد شده ولی به امضا نرسیده باشد قبل از هر اقدام بایدمراتب برای تعیین تکلیف به هیات نظارت گزارش شود. ۱۳ ـ در مورد اشتباه در عملیات ثبتی املاکی که قسمتی از آن اختصاصی و قسمت دیگر مشترک می‌باشد باید گزارش امر به ضمیمه کروکی ملک فرستاده شود. ۱۴ ـ در هر مورد که از طرف سازمان مسکن و یا اداره تعاون و امور روستاها مستندا به ماده ۱۷ قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستاجر مورد تقاضای ثبتی کلا ـ یا بعضا موات اعلام می‌شود باید موارد ذیل در گزارش تصریحا قید گردد الف ـ ملک مورد ادعا در چه تاریخی درخواست ثبت شده و مستند قبول تقاضا چه بوده است ب ـ آیا ملک سابقه شماره‌گذاری در دفتر توزیع اظهارنامه دارد یا نه و در صورت وجود سابقه شماره گزارش مربوط به زمان اجرای مقررات ثبت عمومی می‌باشد یا بعدا برای آن تعیین شماره شده است ج ـ منشا و مستند مالکیت متقاضی ثبت چه بوده است د ـ نوع ملک و نحوه تصرف متقاضی ثبت چگونه است و درصورتی که موات بوده و قسمتهایی از آن بعدا احیا شده آن مقدار که احیا و عمران شده به چه میزان است و چه عملیات عمرانی در آن به عمل آمده و مربوط به چه زمانی است ه ـ نقشه‌ای که شامل محدوده کلی مورد تقاضا و مشخص وضع زمین از جهت اعیانی و مستحدثات حدود و مساحت اراضی معمور و موات باشد تهیه و ارسال گردد. و ـ در مواردی که شهرداری ها و ادارات دولتی بر طبق مقررات مربوطه تمام یا قسمتی از مورد تقاضای ثبت را قابل تملک خصوصی ندانند نیز به‌شرح‌مذکور عمل خواهد شد. ۱۵ ـ در هر مورد که به علت عدم اجرای مفاد تبصره الحاقی به ماده ۷۵ آیین نامه قانون ثبت مصوب ۴۶۳۷ گزارش لازم به هیات نظارت فرستاده می‌شود باید منجزا تاریخ تعیین حدود ذکر و به علاوه کیفیت

حدود مجاورین با تصریح به این که دارای نقشه ثبتی قطعی می‌باشد یا نه در آن قید گردد. ۱۶ ـ در هر مورد که حدود ملکی با مجاورین اختلاف داشته و یا وضع تصرف ملکی با سند مالکیت آن منطبق نبوده و اختلاف و عدم انطباق نیز ناشی ازاشتباه باشد و همچنین در مورد تعارض خواه نسبت به اصل باشد یا حدود باید نقشه‌ای که وضع ملك و مجاورین در آن نمایان شده باشد به گزارش جریان امر ضمیمه شود. ۱۷ ـ در هر مورد که در عملیات تفکیکی مذکور در بند ۶ از ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت اشتباهی رخ دهد باید حدود اولیه در گزارش هیات نظارت قید و رونوشت صورت مجلس تفکیکی و نقشه‌ای که در آن مورد اشتباه نمایان شده باشد ارسال گردد. ۱۸ ـ هرگاه در تنظیم اسناد و تطبیق مفاد آنها با قوانین اشکال یا اشتباهی پیش آید باید ضمن ارسال رونوشت سند و ذکر صریح موارد اشکال یا اشتباه ، موضوع به رییس ثبت منطقه گزارش شود تا در صورت اقتضا برای تعیین تکلیف به هیات نظارت گزارش شود. مرجع رفع مشکلات دفاتر اسناد رسمی قبل از تنظیم اسناد اداره امور اسناد ثبت کل خواهد بود. ۱۹ ـ در مورد اعتراض اشخاص به نظریه رییس ثبت نسبت به عملیات اجرایی اعم از این که اجراییه مورد اعتراض تابع مقررات قانون سابق باشد یا قانون اصلاحی ضمن نقل متن اعتراض و نظریه رییس ثبت رونوشتی از گزارش رییس یا ممیز اجرا که مستند نظریه رییس ثبت بوده باید به هیات نظارت فرستاده شود. هرگاه موضوع مورد اعتراض راجع به‌نحوه ابلاغ اجراییه باشد رونوشتی از اجراییه و چنانچه مربوط به اشتباه در آگهی باشد نسخه‌ای از آگهی و اگر مستند برگی از پرونده است رونوشت آن باید ضمن گزارش ارسال گردد. در صورتی که اعتراض طوری باشد که ارسال پرونده را به هیات نظارت ایجاب نماید باید ترتیبی اتخاذ شود که در مدتی که پرونده در هیات نظارت مطرح رسیدگی است عملیات اجرایی متوقف نشود. ۲۰ ـ علاوه بر موارد مذکور در هر مورد که گزارش به هیات نظارت فرستاده می‌شود واحدهای ثبتی مکلفند گزارش را جامع و مستند و مستدل تهیه و مطالب دیگری را نیز که در اتخاذ تصمیم هیات موثر به نظر می‌رسد در آن قید نمایند و در صورتی که اشتباه در آگهی واقع شده باشد عین عبارت آگهی باید با ذکر تاریخ انتشار در گزارش قید شود. ماده ۴ ـ هرگاه در رای هیات نظارت به علت سهو قلم مطلبی از قلم افتاده و یا اشتباه بینی رخ داده باشد مادام که رای به مرحله اجرا در نیامده هیات مبادرت به صدور رای اصلاحی خواهد نمود و مفاد رای اصلاحی در ذیل رای قبلی و ملاحظات دفتر آرای هیات با ذکر شماره و تاریخ قید خواهد شد. چنانچه رای اصلاحی مربوط به اشتباهات مذکور در بندهای ۱ و ۵ و ۷ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت باشد به دستور تبصره ۵ از ماده ۲۵ اصلاحی باید در تابلو اعلانات الصاق گردد. ماده ۵ ـ رای هیات نظارت دارای مقدمه ای مشتمل بر خلاصه جریان کار و بیان اشکال و موضوع اختلاف بوده و منجز و مستدل و بدون قید و شرط و ابهام صادر می‌شود و چنانچه به اتفاق آرا نباشد نظر اقلیت به طور مشروح و مستدل در آن قید خواهد شد. و همچنین آرای صادره باید مستند به مواد قانون باشد و در آن صریحا قید شود که قطعی است یا قابل تجدیدنظر می‌باشد. ماده ۶ ـ در مورد شکایت از عملیات اجرایی هرگاه متعهد در قید بازداشت باشد هیات نظارت در اولین جلسه رسیدگی ، اتخاذ تصمیم خواهد نمود. ماده ۷ ـ مفاد آرای هیات نظارت و شورای عالی ثبت باید به ترتیب صدور با ذکر شماره و تاریخ در دفتر ثبت آرا قید و به امضای صادرکنندگان برسد. ماده ۸ ـ از هریک از آرای هیات نظارت باید یک نسخه به اداره دبیرخانه ثبت کل فرستاده شود. ماده ۹ ـ واحدهای ثبتی مکلفند آرای هیات نظارت را در دفتر اندیکاتور ثبت نمایند. در مورد آرای مذکور در تبصره ۵ ماده ۲۵ اصلاحی باید فورا رونوشت رای در تابلو اعلانات ثبت محل الصاق گردد. تاریخ الصاق با تمام حروف در ذیل رای الصاقی ثبت و با تذکر به این که تا بیست روز قابل تجدیدنظر است به امضا و گواهی مسئول مربوط برسد. مرجع تسلیم اعتراض به رای هیات نظارت واحد ثبتی است که رای مزبور در تابلو اعلانات آن الصاق شده است ماده ۱۰ ـ هیات های نظارت برای تسریع در کار بر طبق اختیار حاصل از ماده ۲ قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض در مورد بندهای ۲ و ۳ و ۴ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت فهرستی از اشتباهات موثر و غیر موثر تدوین نموده و حداکثر ظرف یکسال برای رعایت وحدت رویه به دبیرخانه شورای عالی ثبت ارسال خواهند داشت و نیز می‌توانند در حدود فهرست اشتباهات موثر و غیرموثری که قبلا از طرف

هیات نظارت سابق تهیه و طبق ماده ۲ قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض به واحدهای ثبتی ابلاغ شده اختیار لازم به هریک از روسای ثبتی که مقتضی بدانند تفویض نمایند. ماده ۱۱ ـ جلسات شورای عالی ثبت حداقل هفته‌ای یکبار در اداره کل ثبت تشکیل خواهد شد. ماده ۱۲ ـ در هر مورد که نسبت به‌آرای مذکور در بندهای ۱ و ۵ و ۷ ماده ۲۵ اصلاحی قبل از اجرای رای اعتراض شود، ثبت محل پرونده ثبتی را با کلیه سوابق به دبیرخانه شورای عالی ثبت ارسال خواهد داشت ماده ۱۳ ـ آرای سابق هیات نظارت و همچنین آرای هیاتهای تجدیدنظر اجرایی با صدور دستور طرح در شعب مربوطه شورای عالی ثبت قابل رسیدگی‌خواهد بود. ماده ۱۴ ـ در صورتی که معلوم شود در آرای شورای عالی سابق و یا آرایی که از طرف شعب فعلی شورای عالی ثبت (صادر گردیده به علت سهو قلم مطلبی ساقط و یا اشتباه بینی رخ داده و یا به علت اشتباه در مبانی مستند صدور رای اشتباهی پیش آمده باشد چنانچه رای اجرا نشده باشد شورا به‌صدور رای اصلاحی مبادرت می‌نماید. در این صورت دبیر شورا مکلف است در دفتر آرا و در مقابل رای اولیه مفاد رای اصلاحی را با ذکر شماره و تاریخ قید نماید. ماده ۱۵ ـ با صدور دستور طرح موضوع در شورای عالی ثبت اجرای رای متوقف می‌گردد و هرگاه شورا در تجدید رسیدگی رای قبلی را تایید نماید عملیات اجرایی تعقیب خواهد شد. ماده ۱۶ ـ آرای شورا در مورد وحدت رویه به کلیه هیاتهای نظارت ابلاغ و در روزنامه رسمی و عندالاقتضا در هفته نامه دادگستری درج و در آخر هر سال مجموع آنها از طرف ثبت کل چاپ و منتشر خواهد شد.

فصل دوم ـ مواد متفرقه (مواد ۱۷ تا ۲۰)

ماده ۱۷ ـ در اجرای تبصره اصلاحی ماده ۱۵ قانون ثبت پس از تحدید و تثبیت حدود مجاورین در صورتی که یک یا چند حد ملک مورد تحدید ازاموال عمومی مربوط به دولت و شهرداری و یا حریم قانونی آنها باشد حداقل بیست روز قبل از وقت تعیین حدود اخطاری به مراجع ذی ربط ابلاغ و ضمن تذکر تاریخ تحدید اعلام می‌شود که عدم حضور مانع تحدید حدود نخواهد بود. ماده ۱۸ ـ در اجرای ماده ۱۴۴ الحاقی به قانون ثبت قبل از تهیه آگهی الصاقی بدوا با استعلام از اداره تعاون و امور روستاها نماینده و نقشه‌بردار ثبت بااستفاده از نقشه های هوایی (به شرط وجود) کلیه قطعات تقسیمی بین زارعین و مستثنیات و سهم مالک را با معرفی صاحبان آنها یا دهبان یا معتمدین‌محل تعیین و شماره گذاری می‌نمایند و سپس به صدور آگهی الصاقی مبادرت می‌شود. ماده ۱۹ ـ فاصله بین انتشار آگهی الصاقی و عملیات تحدیدی نباید کمتر از بیست و بیشتر از شصت روز باشد و چنانچه به حکایت نقشه هوایی و یارسیدگی در موقع شماره‌گذاری یک یا چند حد قطعات تحدیدی به اموال عمومی مجاورت داشته باشد باید قبلا مراتب به مراجع ذی ربط ابلاغ گردد. در موقع تحدید حدود نقشه‌بردار و نماینده با توجه به حدود معرفی شده نقشه مورد تحدید را ضمن صورت مجلس تهیه و به امضای افراد ذینفع می‌رساند. پس از پایان تحدید قطعات باید صورت مجلس حاکی از تاریخ ختم تعیین حدود آخرین قطعه تهیه و به امضای حاضرین از نماینده و نقشه‌بردار و افراد ذی نفع و دهبان یا رییس یا اعضای انجمن ده برسد. ماده ۲۰ ـ هزینه مذکور در تبصره ۲ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت حسب مورد عبارت از هزینه آگهی و فوق العاده و هزینه سفر قانونی مأمورین مربوطه خواهد بود.

قانون افراز و فروش املاک مشاع – مصوب آبان ماه ۱۳۵۷

مصوب آبان ماه ۱۳۵۷ (شماره ۱۳۱۱۹۸۹۵۵۷ روزنامه رسمی ماده ۱ ـ افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته اعم از این که در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد، در صورتی که مورد تقاضای یک یا چند شریک باشد با واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است واحد ثبتی با رعایت کلیه قوانین و مقررات ملک مورد تقاضا را افراز می‌نماید.(۱) تبصره ـ

نسبت به ملك مشاع که برای آن سند مالکیت معارض صادر گردیده تا زمانی که رفع تعارض نشده اقدام به افراز نخواهد شد. ماده ۲ ـ تصـمیم واحد ثبتی قابل اعتراض از طرف هریك از شـرکاء در دادگاه شهرستان محل وقوع ملك است مهلت اعتراض ده روز از تاریـخ ابلاغ تصـمیم مورد اعتراض می‌باشـد دادگاه شهرسـتان به دعوی رسـیدگی کرده و حکم مقتضـی صادر خواهـد نمود. حکم دادگاه شهرسـتان قابل شکایت فرجامی‌است ماده ۳ ـ هزینه تفکیك مقرر در ماده ۱۵۰ قانون اصـلاحی ثبت اسناد و املاك در موقع اجرای تصمیم قطعی بر افراز بوسیله واحد ثبتی دریافت خواهدشد. ماده ۴ ـ ملکی که‌به موجب تصمیم قطعی غیرقابل افراز تشخیص شود یـا تقاضای هریك از شـرکا به‌دستور دادگاه شهرسـتان فروخته می‌شود. ماده ۵ ـ ترتیب رسـیدگی واحـد ثبتی و ابلاـغ اوراق و ترتیب فروش املاك غیرقابل افراز و تقسیم وجوه حاصل بین شرکا و به‌طور کلی مقررات اجرایی این قانون طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد. ماده ۶ ـ پرونده‌های افراز که در تاریخ اجرای این قانون در دادگاهها مطرح می‌باشد کماکـان مورد رسیدگی و صـدور حکم قرار می‌گیرد ولی اگر خواهان‌افراز بخواهـد دعوی خود را در واحـد ثبتی مطرح کنـد باید دعوی سـابق را از دادگاه استرداد نمایـد. ۱ ـ (رای شـماره ۳۵۳۰ مورخه ۷۲۱۳۶۰ ردیف ۲۹۵۹ وحـدت رویه هیئت عمومی دیوان عـالی کشور مقرر می‌دارد: نظر به اینکه مقنن به لحـاظ حقوق محجورین و غـایب مفقود الاـثر و رعایت مصـلحت آنها طبق قسـمت اخیر مـاده ۲۱۳ قـانون امـور حسبی مقرر داشته‌است کـه در تقسیم ترکـه اگر بین وراث محجـور یـا غـایب باشـد تقسیم به توسـط نمایندگان آنها در دادگاه به عمل آید و با توجه به ماده ۳۲۶ همین قانون که‌به موجب آن مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم ترکه در مورد تقسیم سایر اموال نیز ساری خواهد بود و نظر به اینکه ماده اول قانون افراز وفروش املاك مشاع که قانون عام است و بر طبق آن افراز املاـکی که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته است در صـلاحیت واحـد ثبتی محل شـناخته شـده علی‌الاصول ناسـخ ماده ۳۱۳ قـانون امـور حسـبی که قـانون خـاص است نمی‌باشـد نظر شـعبه پنجم دیوانعـالی کشور که تقسـیم املاـك محجورین و غـایب مفقودالاثر را از صلاحیت واحد ثبتی خارج دانسته و در صلاحیت دادگاه شناخته است صحیح و مطابق با موازین قانونی است

آیین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع – مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ وزارت دادگستری

یین‌نامه قانون افراز و فروش املاك مشاع مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ وزارت دادگستری (شماره ۳۱۲۹۹۷۲۵۸ روزنامه رسمی ماده ۱ ـ مسوول هر واحـد ثبتی با وصول درخواست افراز از طرف یك یا چند نفر از شـرکای ملك مشاعی که در حوزه ثبتی مزبور واقع شده رسیدگی به آن را به نماینده ثبت ارجاع می‌نماید. ماده ۲ ـ نماینده ثبت با مراجعه به پرونده ملك وضعیت ثبتی پلاك مزبور را ملاحظه و نسبت به خاتمه یافتن جریان ثبتی آن اعم از اینکه در دفتر املاك ثبت شده یا نه و دارای سند مالکیت معارض می‌باشد یا خیر اعلاـم نظر نموده پرونـده را به نظر مسوول واحـد ثبتی می‌رسانـد. ماده ۳ ـ پس از تأییـد اینکه جریـان ثبتی خـاتمه یافته و ملك دارای سـند مـالکیت معارض نمی‌باشـد، مسوول واحـد ثبتی به نقشه بردار ثبت مأموریت می‌دهـد که با دعوت و حضور متقاضـی و سایر شـرکا و نماینده ثبت محل را معاینه و با توجه به سوابق ثبتی و تصرفات و رعایت حقوق آنان نقشه ملك مورد افراز را ترسیم و به امضـای نماینـده ثبت و کلیه شـرکای حاضـر می‌رسانـد. ماده ۴ ـ نقشـه بردار مکلـف اسـت پس از ترسـیم نقشـه به طـوری که در تفکیك معمول است حدود و مساحت و مشـخصات هر یك از قطعات تفکیکی رانیز تعیین و در صورت مجلس منعکس و به امضا نماینـده ثبت و شـرکا حاضـر رسانیـده و به مسـئول واحد ثبتی تسـلیم نماید. ماده ۵ ـ مسوول واحـد ثبـتی پس از رسیـدگی و تطبیق درخواست با مقررات قانونی و ملاحظه صورتمجلس تنظیمی و نقشه افرازی و مطابقت آن با وضـعیت و سوابق ثبتی تصـمیم خود را مبنی بر رد یا قبول درخواست و نحوه افراز اعلام می‌نماید. ماده ۶ ـ تصمیم مسوول واحد ثبتی به ضمیمه یك نسخه از صورتمجلس و فتوکپی نقشه افرازی (در صورتی که ملك قابل افراز اعلام شود) به کلیه شـرکا ابلاغ می‌شود تا چنانچه اعتراضی داشته باشند وفق مقررات ماده ۲ قـانون افراز و فروش املاـك مشاع به دادگاه شهرسـتان محل وقوع ملك تسـلیم‌نمایند. طریقه ابلاغ مطابق با مقررات

ابلاغ در آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا می‌باشد. ماده ۷ ـ رسیدگی به اعتراضات واصله نسبت به تصمیمات متخذه از طرف واحد ثبتی در دادگاه شهرستان تابع مقررات دادرسی اختصاری است ماده ۸ ـ اجرای حکم قطعی افراز تابع مقررات اجرای احکام مدنی خواهد بود. ماده ۹ ـ در صورت صدور حکم قطعی بر غیر قابل تقسیم بودن ملک دادگاه شهرستان برحسب درخواست یک یا چندنفر از شرکا دستور فروش آن را به دایره اجرای دادگاه خواهد داد. مدیر اجرا نسبت به فروش ملک بر وفق مقررات قانون اجرای احکام مدنی مربوط به فروش اموال غیر منقول اقدام می‌نماید. ماده ۱۰ ـ وجوه حاصله از فروش ملک غیر قابل افراز پس از کسر هزینه عملیات اجرایی طبق دستور دادگاه شهرستان بین شرکا به نسبت سهام تقسیم‌خواهد شد.

قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران – مصوب ۲۲ ۱۲ ۱۳۵۱ با اصلاحات

مصوب ۲۲ ۱۲ ۱۳۵۱ با اصلاحات روزنامه رسمی ۸۲۲۴ ـ ۳۰ ۱ ۱۳۵۲ ماده ۱ ـ برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم همچنین به منظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبکهای مختلف معماری سنتی و ملی و ارائه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روشهای نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه‌های‌اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تاسیس می‌شود. ماده ۲ ـ وظایف شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران به‌شرح زیر است ۱ ـ بررسی پیشنهادهای لازم در مورد سیاست کلی شهرسازی برای طرح در هیأت وزیران ۲ ـ اظهارنظر نسبت به پیشنهادها و لوایح شهرسازی و مقررات مربوط به طرحهای جامع شهری که شامل منطقه‌بندی ـ نحوه استفاده از زمین ـ تعیین مناطق صنعتی بازرگانی ـ اداری ـ مسکونی ـ تاسیسات عمومی ـ فضای سبز و سایر نیازمندیهای عمومی شهر می باشد. ۳ ـ بررسی و تصویب نهایی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها خارج از نقشه‌های تفصیلی ۴ ـ تصویب معیارها و ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی ماده ۳ ـ اعضای شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران عبارتند از: ۱ ـ وزیر مسکن و شهرسازی ۲ ـ وزیر کشور ۳ ـ وزیر صنایع ۴ ـ وزیر فرهنگ آموزش عالی ۵ ـ وزیر ارشاد اسلامی ۶ ـ وزیر نیرو ۷ ـ وزیر کشاورزی ۸ ـ وزیر دفاع و پشتیبانی ۹ ـ وزیر جهاد سازندگی ۱۰ ـ رئیس سازمان برنامه و بودجه ۱۱ ـ رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ۱۲ ـ وزیر راه و ترابری یک نفر از اعضای کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون و تصویب مجلس به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری شرکت خواهد کرد. تبصره ۱ ـ در مورد بررسی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها نظرات استاندار و شورای شهرستان و شورای شهر و شهردار و کارشناسان ذی‌صلاحیت کسب و مورد استفاده قرار خواهد گرفت تبصره ۲ ـ جلسات شورا با حضور اکثریت اعضا رسمیت خواهد داشت و تصمیمات شورا با حداقل ۶ رای معتبر خواهد بود. تبصره ۳ ـ در صورتی‌که هریک از اعضای شورا نتواند شخصا در هر یک از جلسات شورا شرکت کند یکی از معاونان خود را به شورا اعزام خواهدداشت ماده ۴ ـ وزارت مسکن و شهرسازی به‌جای دبیرخانه شورای عالی شهرسازی در تشکیلات خود واحدی ایجاد می‌کند که تحت نظر معاون شهرسازی ومعماری آن وزارت وظایف زیر را انجام دهد ۱ ـ بررسی و اظهارنظر در مورد طرحهای جامع شهری از طریق کمیته‌های فنی که اعضای آن به انتخاب اعضای شورای عالی شهرسازی و موسسات ذی‌ربط تعیین می‌شوند. ۲ ـ تهیه معیارها و ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی ۳ ـ نظارت در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط در حین تهیه طرحهای تفصیلی ۴ ـ نظارت در اجرای مراحل مختلف طرحهای تفصیلی شهری ۵ ـ ابلاغ مصوبات شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه و سازمانهای مسئول و ارشاد و راهنمایی دستگاههای مربوط در مورد مسائل‌ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری ۶ ـ ایجاد یک مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری ۷ ـ جمع‌آوری اطلاعات و آمار اقتصادی و اجتماعی و شهرسازی و معماری ۸ ـ تشکیل نمایشگاهها از کارهای مختلف معماری و شهرسازی با همکاری سازمانهای مربوط و انجام مسابقات شهرسازی و معماری و تشکیل‌کنفرانسهای

لازم به‌منظور نیل به‌هدفهای مذکور در این قانون ماده ۵ ـ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به‌وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار و به عضویت رئیس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسکن و شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه‌کننده طرح و عضویت نماینده وزارت کشاورزی انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که به تصویب شورای شهر برسد برای شهرداری لازم‌الاجرا خواهد بود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح‌جامع شهری موثر باشد باید به تایید شورای‌عالی شهرسازی برسد. تبصره ـ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی ،کشور ، نیرو(در حد معاونت مربوطه سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران یا نماینده تام الاختیار او و رئیس شورای شهر تهران می‌باشد. محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او خواهد بود و جلسات آن با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته‌و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رای موافق معتبر است ضمنا تا تشکیل شوراهای شهر نماینده وزیر کشور به عنوان قائم مقامی رئیس شورای شهرتهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد.(اصلاحی ۲۵۹۶۵ مجلس شورای اسلامی ماده ۶ ـ در شهرهایی که دارای نقشه جامع می‌باشند ثبت کل مکلف است در مورد هر تفکیک طبق نقشه‌ای که شهرداری بر اساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی تایید کرده باشد اقدام به تفکیک نماید و در مورد افراز دادگاهها مکلفند طبق نقشه تفکیکی شهرداری اقدام نمایند. هرگاه ظرف مدت‌چهار ماه نقشه تفکیکی از طرف شهرداری حسب مورد به ثبت یا دادگاه ارسال نشود ثبت یا دادگاه نسبت به تفکیک یا افراز رأسا اقدام خواهند نمود. ماده ۷ ـ شهرداریها مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق مفاد ماده ۲ می‌باشند. تبصره ـ در موارد ابهام و اشکال و اختلاف نظر در نحوه اجرای طرحهای جامع و تفصیلی شهری موضوع ماده ۵ مراتب در شورای‌عالی شهرسازی مطرح و نظر شورای عالی قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۸ ـ کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت مکلفند در صورت درخواست وزارت مسکن و شهرسازی هر نوع اطلاع مربوط به شهرسازی ومعماری را در اختیار وزارت مذکور بگذارند. ماده ۹ ـ عقد قراردادهای مربوط به نقشه‌های جامع شهری با مهندسین مشاور همچنین تهیه شرح وظیفه فنی برای تهیه طرحهای مذکور موکول به‌کسب‌نظر از وزارت مسکن و شهرسازی خواهد بود. ماده ۱۰ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون از طرف وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور تهیه و پس از تایید شورای‌عالی شهرسازی و معماری به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱ ـ مواد ۹۷ و ۹۸ اصلاح پاره‌ای از مواد قانون شهرداری و قوانین و مقررات مغایر با مفاد این قانون از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

قانون ثبت آثار ملی – مصوب ۱۲ ۹ ۱۳۵۲

مصوب ۱۲ ۹ ۱۳۵۲ ماده واحده ـ به وزارت فرهنگ و هنر اجازه داده می‌شود علاوه بر آثار مشمول قانون حفظ آثار ملی مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ آثار غیر منقولی را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشد، صرف نظر از تاریخ ایجاد یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور درقانون مزبور به ثبت برساند. آثار مذکور در این ماده مشمول کلیه قوانین و مقررات مربوط به آثار ملی خواهد بود.

آیین نامه اجرایی تصویب نامه قانونی راجع به استملاک اتباع بیگانه در ایران – مصوب ۵ ۵ ۱۳

در اجرای ماده ۳ تصویب نامه قانونی مورخ ۱۳۷۴۲ راجع به استملاك اتباع بیگانه در ایران آیین نامه شماره ۱۷۸۱۰۶ مورخ ۲۳ ۱۰ ۱۳۴۲ لغو و آیین نامه اجرایی تصویب نامه مذکور به شرح زیر تصویب می‌شود ماده ۱ ـ بیگانگانی که به منظور سیاحت و استفاده

ییلاقی مسافرت های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران می‌نمایند هرگاه بخواهند در ایران محلی برای سکونت شخصی خریداری نمایند باید به ترتیب زیر اقدام نمایند. ماده ۲ ـ متقاضیان تقاضای خود را که باید حاوی نکات زیر باشد الف ـ نام و نام خانوادگی و محل اقامت و رونوشت شناسنامه یا رونوشت برگ هویت ب ـ تابعیت فعلی و در صورت تغییر تابعیت ، تابعیت اصلی ج ـ مشخصات کامل محل مورد تقاضای خود را در استانها و فرمانداری های کل به استانداری یا فرمانداری کل و در تهران به دفتر نخست وزیر تسلیم نمایند. استانداران یا فرمانداران کل بر حسب مورد تقاضای واصله را حداکثر در ظرف یکماه با نظر شورای امنیت محل رسیدگی نموده و نتیجه را به نخست وزیری ارسال می‌دارند. کلیه تقاضاهای واصله به مرکز و استانها در کمیسیونی مرکب از نمایندگان نخست وزیری و وزارتخانه های کشور، دادگستری ، امور خارجه در نخست وزیری مورد رسیدگی قرار گرفته و برای تصویب نهایی به هیبت وزیران تقدیم می‌شود تصمیم کمیسیون در مورد تقاضا قطعی است ماده ۳ ـ در صورتی که تقاضا مورد تصویب هیات وزیران قرار گیرد مراتب توسط دفتر نخست وزیری به متقاضی و اداره ثبت کل و در شهرستانها به استانداری یا فرمانداری کل اعلام می‌شود. اداره ثبت کل مکلف است مراتب را حداکثر در ظرف یک هفته به اداره ثبت محل ابلاغ نماید. ماده ۴ ـ خریدار مکلف است ثمن مورد معامله را از طریق انتقال یا فروش ارز بوسیله یکی از بانکهای مجاز تحصیل نماید. دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام انجام معامله گواهی بانک مجاز را از خریدار مطالبه و مراتب را با ذکر مشخصات در سند قید نمایند.

آیین نامه استملاک اتباع خارجه – مصوب سال ۱۳۲۸

ماده ۱ ـ اتباع خارجه که در ایران می‌خواهند ملکی برای محل سکونت یا صنعت یا کسب خود استملاک نمایند باید اظهار نامه ای مشتمل بر مشخصات زیر به اداره ثبت محل وقوع آن ملک بدهند تا برای تحصیل اجازه به اداره کل ثبت فرستاده شود الف ـ نام و نام‌خانوادگی ب ـ تابعیت فعلی و در صورت تغییر تابعیت اصلی ج ـ سن تاهل و هر گاه تقاضا کننده مرد باشد تابعیت زن او قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد ، جنسیت ، سن و تعداد آنها. د ـ تاریخ ورود به ایران ـ مدت اقامت ـ نقاط مختلفی که در آنجاها سکونت داشته با تعیین مشاغل قبلی و شغل فعلی ه محل اقامت دائمی و ـ منظور از مالکیت که برای سکونت ـ صنعت و یا محل کسب می‌باشد. ز ـ نوع و مشخصات و مساحت و شماره پلاک ثبت و محل وقوع ملک ح ـ تقاضا کننده در تقاضای خود تعهد می‌نماید که هر گاه بخواهد محل اقامت دائمی خود را به‌خارج ایران انتقال دهد باید ملک مورد تقاضای استملاک را حداکثر تا شش ماه از تاریخ خروج از ایران به یکی از اتباع ایران یا خارجیانی که طبق مقررات اجازه استملاک تحصیل نموده‌اند انتقال دهد والا ـ اداره ثبت مربوطه با اجازه اداره کل ثبت ملک را طبق مقررات مربوطه به مزایده املاک بیع شرطی از طریق مزایده به‌فروش رسانیده وجه آن را پس از وضع هزینه ها و عوارض قانونی به‌مالک خواهد پرداخت و هرگاه در مزایده خریداری پیدا نشد اداره کل ثبت مراتب را یک مرتبه در روزنامه رسمی کشور اعلام نموده و پس از انقضای مدت شصت روز از تاریخ اعلام ملک را به هر قیمتی که خریدار داشته باشد به فروش رسانده وجه آن را به‌شرح مذکور درفوق به مالک خواهد پرداخت تبصره ـ ثبت ملک به‌نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه و سپردن تعهد مذکور در بند (ح می‌باشد. ط ـ تعیین اینکه متقاضی و یا افراد خانواده او از اولاد و عیال و پدر و مادر که تحت تکفل وی هستند و با وی در یک محل سکونت و یا در کسب و صنعت شرکت دارند ملک دیگری در ایران غیر از آنچه که مورد تقاضا است دارا می‌باشند یا نه و یا اگر ملک دیگری دارند نوع و مشخصات و محل آن باید تعیین شود. ی ـ گواهینامه اداره مربوطه دایر بر نداشتن پیشینه کیفری که متضمن عدم محرومیت از جمیع یا بعضی از حقوق اجتماعی باشد. ک ـ رونوشت پروانه اقامت دائم که عکس متقاضی در آن الصاق و گواهی شده باشد. ماده ۲ ـ در مواردی که تقاضا از طرف شرکت یا سایر موسسات خارجی مجاز داده می‌شود اظهار نامه باید دارای مشخصات زیر باشد الف ـ تابعیت ـ نوع شرکت یا موسسه ـ تاریخ تاسیس ـ میزان سرمایه ـ نوع عملیاتی که در ایران می‌نماید و

منظوری که از استملاک دارد. ب ـ طبق قانون دولت متبوع خود شرکت یا موسسه شخصیت حقوقی داشته و در ایران نیز به ثبت رسیده باشد. ج ـ تعیین اینکه شرکت یا موسسه غیر از ملک مورد تقاضا در ایران دارای ملک دیگری هست یا خیر. د ـ مساحت ملک مورد تقاضا ـ مشخصات ـ نوع و شماره پلاک ثبت و محل وقوع آن ه ـ شرکت یا موسسه مجاز خارجی باید طبق مقررات بند (ح ماده یک تعهد بسپارد. ماده ۳ ـ موافقت با تقاضای استملاک که طبق مقررات بالا تنظیم شده باشد منوط به‌رعایت مراتب زیر می‌باشد الف ـ تقاضا مخالف با مقررات عهدی دولت ایران نباشد. ب ـ تقاضا مخالف قوانین ایران و انتظامات عمومی کشور نباشد. ج ـ در کشور متبوع متقاضی اتباع و شرکتها و موسسات ایرانی هم حق استملاک داشته و بتوانند لااقل همان مقدار ملک را عملا تحصیل نمایند. د ـ مساحت ملک مورد تقاضا متناسب با تعداد خانواده و وضعیت اجتماعی و مالی و یا نوع کسب و صنعت و منظوری که برای آن تقاضای استملاک شده است باشد. ه ـ محل وقوع ملک مورد تقاضا در مناطق مرزی یا نقاطی که استملاک خارجیان بر طبق مقررات محدود یا ممنوع گردیده نباشد. و ـ در مواردی که استملاک برای محل کار و کسب باشد باید طبق مقررات و قوانین ایران مباشرت به آن شغل مجاز بوده و در صورت لزوم پروانه اشتغال به آن شغل قبلا تحصیل شده باشد. ماده ۴ ـ اداره کل ثبت پس از رسیدگی به درخواست استملاک با ارسال رونوشت درخواست و ضمایم آن نظریه خود را به وزارت امور خارجه اعلام و وزارتخانه مزبور هم نسبت به رد یا قبول تقاضا اظهار نظر نموده و در صورت لزوم از مقام نخست وزیری کسب اجازه کرده و نتیجه را بعدا به‌اداره کل ثبت اعلام خواهد داشت ماده ۵ ـ تقاضای استملاک برای محل سفارتخانه ها یا کنسولگری ها یا موسسات وابسته به‌سفارتها باید از مجرای سیاسی به‌عمل آمده و موافقت با آن منوط به‌این خواهد بود که در کشور متبوع متقاضی نسبت به تقاضای مشابه دولت ایران معامله متقابله بشود و در هر حال اخذ تصمیم با هیات وزیران بوده و در صورت قبول درخواست مراتب را وزارت امور خارجه به اداره کل ثبت اعلام خواهد داشت ماده ۶ ـ در اداره کل ثبت دفتر مخصوصی برای ثبت صورت املاکی که با تحصیل اجازه طبق مقررات موضوعه به اتباع یا شرکتها و موسسات مجاز خارجی منتقل شده است تهیه می‌شود که نام و نام خانوادگی متقاضی و مشخصات ملک در آن قید شده و سپس جریان به وزارت امور خارجه اعلام می گردد تا در دفتر مخصوصی که در آن وزارتخانه برای این کار تهیه خواهد شد مراتب را به ثبت برساند.

آیین نامه چگونگی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی غیرمقیم در جمهوری اسلامی ایران – مصوب

(روزنامه رسمی شماره ۱۴۸۳۴ ـ ۱۲ ۱۱ ۱۳۷۴) ماده ۱ ـ اتباع خارجی که بدون داشتن پروانه اقامت دایمی به منظور سیاحت و استفاده ییلاقی مسافرت های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران مینمایند هرگاه بخواهند در ایران محلی را برای سکونت شخصی خریداری نمایند باید تقاضای خود را در اظهارنامه ای دربردارنده مشخصات زیر و مدارک و اسناد مربوط از طریق یکی از نمایندگی های سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و یا استانداری محل وقوع ملک به همراه مدارک و اسناد مربوط به وزارت امور خارجه تقدیم دارند. اظهارنامه یاد شده باید دارای مشخصات زیر باشد الف نام و نام خانوادگی و شغل متقاضی. ب تابعیت فعلی و تابعیت اصلی (در صورت تغییر تابعیت ج سن وضعیت ، تاهل ، تابعیت فعلی همسر متقاضی و تابعیت وی قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد تعداد ، جنسیت و سن هریک د) محل اقامت دایمی متقاضی. تبصره ۱ ـ مدارک مورد نیاز شامل تصویر اسناد مالکیت و نشانی محل وقوع ملک و تصویر اوراق گذرنامه متقاضی است مراجع یاد شده در بالا مکلفند پس از دریافت تقاضا و اسناد و مدارک مربوط و بررسی ، آنها را به وزارت امور خارجه ارسال کنند. گواهی برابری تصویر مدارک و اسناد مزبور با اصل آنها به عهده مراجع یاد شده در ماده (۱) میباشد. تبصره ۲ ـ وزارت امور خارجه پس از کسب نظر از مراجع مربوط (وزارت کشور و وزارت اطلاعات) موضوع را مورد بررسی قرار داده و در خصوص قبولی یا رد تقاضا بنا به مقتضیات سیاسی اعلام نظر نموده و در صورت موافقت تقاضا را به منظور تصمیم گیری به هیات وزیران ، ارائه خواهد نمود. ماده ۲

ـ محل وقوع ملک مورد تقاضا نبایستی در نقاطی که استملاک خارجیان محدود و یا ممنوع اعلام شده واقع شود. تبصره ـ وزارت کشور با همکاری وزارت اطلاعات و مراجع نظامی و انتظامی کشور ، فهرست نقاط ممنوع و یا محدود از نظر استملاک اتباع خارجی را تهیه و به وزارت امور خارجه و استانداری اعلام خواهد کرد. ماده ۳ ـ متقاضیان مکلفند ثمن معامله را به صورت ریالی از طریق انتقال یا فروش ارز از یکی از بانک‌های مجاز تحصیل و به فروشنده بپردازند. دفاتراسناد رسمی موظفند هنگام انجام معامله گواهی بانک مجاز را از خریدار مطالبه و مراتب را با ذکر مشخصات در سند قید کنند. ماده ۴ ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور پس از انتقال قطعی ملک به متقاضی ، مشخصات مالک و ملک مورد معامله را در دفتر مخصوص ثبت وجریان امر را جهت درج در دفتر خاص به وزارت امور خارجه اعلام میدارد. ماده ۵ ـ ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه خواهد بود. ماده ۶ ـ در صورت عدم مراجعه ورثه ظرف دو سال از زمان فوت مالک یا امتناع ورثه ایشان از انجام موارد مقرر در این آیین نامه ملک مورد نظر توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با رعایت کلیه مقررات مربوط به مزایده بیع شرطی ، از طریق مزایده ، به فروش خواهد رسید و وجه حاصل از آن پس ازکسر هزینه ها ، مالیات و عوارض قانونی در حساب خاصی نزد خزانه داری کل نگهداری و سپس به ورثه یاد شده پرداخت خواهد شد. هرگاه ملک مزبوراز طریق مزایده به فروش نرود وزارت یاد شده مراتب را یک نوبت در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران آگهی مینماید و پس از انقضای شصت روز از تاریخ درج آگهی مزبور ، ملک را به بالاترین قیمت پیشنهادی خواهد فروخت و وجه آن را به نحو یاد شده در این ماده به ورثه پرداخت خواهد کرد. ماده ۷ ـ کلیه مقررات مغایر با این آیین نامه لغو میشود.

آیین نامه چگونگی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی غیرمقیم در جمهوری اسلامی ایران – مصوب

(روزنامه رسمی شماره ۱۴۸۳۴ ـ ۱۲ ۱۱ ۱۳۷۴) ماده ۱ ـ اتباع خارجی که بدون داشتن پروانه اقامت دایمی به منظور سیاحت و استفاده ییلاقی مسافرت های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران مینمایند هرگاه بخواهند در ایران محلی را برای سکونت شخصی خریداری نمایند باید تقاضای خود را در اظهارنامه ای دربردارنده مشخصات زیر و مدارک و اسناد مربوط از طریق یکی از نمایندگی های سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و یا استانداری محل وقوع ملک به همراه مدارک و اسناد مربوط به وزارت امور خارجه تقدیم دارند. اظهارنامه یاد شده باید دارای مشخصات زیر باشد الف نام و نام خانوادگی و شغل متقاضی. ب تابعیت فعلی و تابعیت اصلی (در صورت تغییر تابعیت ج سن وضعیت ، تاهل ، تابعیت فعلی همسر متقاضی و تابعیت وی قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد تعداد ، جنسیت و سن هریک د) محل اقامت دایمی متقاضی. تبصره ۱ ـ مدارک مورد نیاز شامل تصویر اسناد مالکیت و نشانی محل وقوع ملک و تصویر اوراق گذرنامه متقاضی است مراجع یاد شده در بالا مکلفند پس از دریافت تقاضا و اسناد و مدارک مربوط و بررسی ، آنها را به وزارت امور خارجه ارسال کنند. گواهی برابری تصویر مدارک و اسناد مزبور با اصل آنها به عهده مراجع یاد شده در ماده (۱) میباشد. تبصره ۲ ـ وزارت امور خارجه پس از کسب نظر از مراجع مربوط (وزارت کشور و وزارت اطلاعات) موضوع را مورد بررسی قرار داده و در خصوص قبولی یا رد تقاضا بنا به مقتضیات سیاسی اعلام نظر نموده و در صورت موافقت تقاضا را به منظور تصمیم گیری به هیات وزیران ، ارائه خواهد نمود. ماده ۲ ـ محل وقوع ملک مورد تقاضا نبایستی در نقاطی که استملاک خارجیان محدود و یا ممنوع اعلام شده واقع شود. تبصره ـ وزارت کشور با همکاری وزارت اطلاعات و مراجع نظامی و انتظامی کشور ، فهرست نقاط ممنوع و یا محدود از نظر استملاک اتباع خارجی را تهیه و به وزارت امور خارجه و استانداری اعلام خواهد کرد. ماده ۳ ـ متقاضیان مکلفند ثمن معامله را به صورت ریالی از طریق انتقال یا فروش ارز از یکی از بانک‌های مجاز تحصیل و به فروشنده بپردازند. دفاتراسناد رسمی موظفند هنگام انجام معامله گواهی بانک مجاز را از خریدار مطالبه و مراتب را با ذکر مشخصات در سند قید کنند. ماده ۴ ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

پس از انتقال قطعی ملک به متقاضی ، مشخصات مالک و ملک مورد معامله را در دفتر مخصوص ثبت وجریان امر را جهت درج در دفتر خاص به وزارت امور خارجه اعلام میدارد. ماده ۵ ـ ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه خواهد بود. ماده ۶ ـ در صورت عدم مراجعه ورثه ظرف دو سال از زمان فوت مالک یا امتناع ورثه ایشان از انجام موارد مقرر در این آیین نامه ملک مورد نظر توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با رعایت کلیه مقررات مربوط به مزایده بیع شرطی ، از طریق مزایده ، به فروش خواهد رسید و وجه حاصل از آن پس ازکسر هزینه ها ، مالیات و عوارض قانونی در حساب خاصی نزد خزانه داری کل نگهداری و سپس به ورثه یاد شده پرداخت خواهد شد. هرگاه ملک مزبوراز طریق مزایده به فروش نرود وزارت یاد شده مراتب را یک نوبت در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران آگهی مینماید و پس از انقضای شصت روز از تاریخ درج آگهی مزبور ، ملک را به بالاترین قیمت پیشنهادی خواهد فروخت و وجه آن را به نحو یاد شده در این ماده به ورثه پرداخت خواهد کرد. ماده ۷ ـ کلیه مقررات مغایر با این آیین نامه لغو میشود.

آیین نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی کشاورزی – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۶/۶/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت جهادکشاورزی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد بند « چ» تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور، آیین نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی کشاورزی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی کشاورزی ماده۱ـ اراضی کشاورزی موضوع این آیین‌نامه شامل اراضی واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرکها، تعریف شده در ماده (۲) قانون زمین شهری و در روستاها نیز خارج از بافت مسکونی روستاها طبق طرح هادی روستاها مورد عمل ماده (۱۳۳) قانون برنامه چهارم توسعه می‌باشد که مورد بهره‌برداری کشاورزی بوده یا به حالت آیش است. تبصره ـ تشخیص اراضی مشمول ماده (۱) به عهده مدیریت جهادکشاورزی شهرستان است. ماده۲ـ مدیریت جهادکشاورزی شهرستانها مزایای استفاده از این آیین‌نامه و نحوه تسلیم تقاضا را راساً یا از طریق شورای اسلامی روستاها با انتشار آگهی الصاقی در محل به اطلاع عموم می‌رساند. ماده۳ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به تهیه فرم تقاضای مخصوص این آیین‌نامه اقدام می‌نماید و فرمهای مذکور را در اختیار وزارت جهادکشاورزی قرار می‌دهد. ماده۴ـ مدیریت جهادکشاورزی شهرستان ضمن بررسی تقاضاهای واصل شده، گواهی لازم مبنی بر صدور سند مالکیت اراضی موضوع این آیین نامه و بلامانع بودن از لحاظ مقررات اراضی موات و منابع ملی و اصلاحات ارضی و عدم تداخل با مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست و سایر مقررات مرتبط صادر و به اداره‌های ثبت محل ارسال می کند. ماده۵ ـ اداره‌های ثبت اسناد و املاک محل پس از دریافت گواهی موضوع ماده (۴) اقدامهای زیر را انجام می‌دهند: الف ـ اداره های ثبت محل نسبت به اعزام نماینده و نقشه‌بردار برای بررسی وضع محل و ترسیم و تطبیق نقشه اقدام کرده و جهت بررسی و تأیید و عدم مغایرت با قوانین و مقررات به اداره های جهادکشاورزی شهرستان ارسال می کنند. ب ـ در صورت بروز اختلاف در مساحت و حدود و سایر موارد، نمایندگان سازمان ثبت و جهادکشاورزی و دادگستری محل منطقه مربوط را معاینه و بررسی و رفع نقص و اختلاف می نمایند. ج ـ چنانچه اراضی مذکور فاقد سابقه ثبت باشند، پس از احراز تصرف مالکانه متقاضی، اظهارنامه به نام وی تنظیم می‌شود و عملیات ثبتی تا صدور سند مالکیت ادامه می‌یابد. د ـ چنانچه مورد تقاضا در جریان ثبت باشد، پس از معاینه محل و تطبیق سوابق ثبتی با مالکیت متقاضی در صورت ختم عملیات ثبتی نسبت به صدور سند مالکیت طبق مفاد این آیین‌نامه اقدام می‌شود. ماده۶ ـ قیمت تمام شده صدور اسناد مندرج در این آیین‌نامه شامل حق‌الزحمه نماینده و نقشه‌بردار، کارکنان تنظیم اظهارنامه صدور مالکیت و حقوق دولتی می‌باشد که با پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر تا یک ماه پس از تصویب آیین‌نامه تعیین می شود. ماده۷ ـ اداره‌های ثبت اسناد و املاک محل در هنگام

تنظیم اظهارنامه یا ثبت در دفتراملاک، سی درصد قیمت تمام شده صدور سند مالکیت (به شرح ماده ۶) را از مالک دریافت نموده و پس از واریز حق ثبت املاک به حساب درامد عمومی ردیف ۱۴۰۱۰۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۴کل کشور مابقی را به حساب مخصوصی که به همین منظور افتتاح می‌شود، واریز می نمایند و در پایان هر ماه با امضای مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان و ذیحساب به عاملان مؤثر، بابت هزینه‌های متعلقه موضوع ماده (۶) پرداخت می‌شود. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی – ۱۳/۶/۱۳۸۵

لایحه تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی که با عنوان لایحه اصلاح مقررات تنظیم و ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی از سوی دولت به شماره ۴۷۶/۲۷۲۹۰ مورخ ۱۱/۱/۱۳۸۳ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۲۴/۵/۱۳۸۵ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید. شماره۶۵۴۶۵ ۱۳/۶/۱۳۸۵ وزارت دادگستری قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و چهارم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۶/۱۳۸۵ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۸۸۱۱۳/۸۴ مورخ ۵/۶/۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده‌است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیسجمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی ماده ۱ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند با رعایت بندهای زیر پس از دریافت دلایل مالکیت و پاسخ استعلام از اداره ثبت محل به منظور تطبیق سند با دفتر املاک و اعلام وضعیت ثبتی (حسب مورد) و عدم بازداشت نسبت به تنظیم سند رسمی انتقال عین اراضی و املاک اقدام نمایند: الف ـ گواهی پایان ساختمان یا عدم خلاف موضوع تبصره (۸) ماده (۱۰۰) اصلاحی قانون شهرداری در مورد املاک مشمول قانون مذکور. ب ـ اعلام نظر وزارت جهاد کشاورزی (حسب مورد سازمان امور اراضی و سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور) مبنی بر عدم شمول مقررات قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن و ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع، در مورد املاک واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها. ج ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام نقل و انتقال عین املاک، مفاصا حساب مالیاتی و بدهی موضوع ماده (۳۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ را از انتقال‌دهنده مطالبه و شماره آن را در سند تنظیمی قید نمایند مگر اینکه انتقال‌گیرنده ضمن سند تنظیمی متعهد به پرداخت بدهی احتمالی گردد که در این صورت متعاملین نسبت به‌پرداخت آن مسؤولیت تضامنی خواهند داشت. تبصره ـ در موارد مذکور در ماده فوق مراجع ذی‌ربط مکلفند در تاریخ مراجعه، به‌مراجعه‌کنندگان گواهی وصول تقاضا، تسلیم و ظرف مدت بیست روز از تاریخ صدور گواهی یاد شده پاسخ آن را صادر نمایند. اعلام نظر مراجع مذکور باید روشن و با ذکر علت و مستند به دلایل قانونی باشد در غیر این‌صورت ثبت سند با تصریح موضوع در سند تنظیمی بلامانع خواهد بود. ماده۲ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند در صورت عدم وصول پاسخ استعلامات، منتقل‌الیه را از آثار و تبعات سند تنظیمی موضوع تبصره ماده (۱)، مطلع سازند در این صورت طرفین پس از تنظیم سند و نقل و انتقال متضامناً مسؤول و پاسخگوی کلیه تعهدات قانونی و بدهی‌های مربوط به ملک که تا زمان تنظیم سند، طبق قوانین محقق و مسلم بوده می‌باشند. ماده۳ـ سردفتران دفاتر اسناد رسمی ذی‌ربط مسؤول صحت و اعتبار اسناد تنظیمی می‌باشند و در صورت تخلف مطابق مقررات قانونی با آنان عمل می‌شود. ماده۴ـ دفاتر اسناد رسمی می‌توانند در صورت درخواست متعاملین نسبت به تنظیم سند رسمی راجع به نقل و انتقال تلفن ثابت و همراه اقدام نمایند. شرکت مخابرات ایران مکلف است پاسخ استعلام دفاتر در موارد مربوط را حداکثر ظرف مدت دو روز صادر نماید. اعتبار پاسخ استعلام یک روز پس از صدور است. ماده۵ ـ نقل و انتقال ماشین‌های چاپ، لیتوگرافی و صحافی پس از ارائه موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط مالک، باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شود نقل و انتقالات مذکور در شناسنامه مالکیت که نمونه آن توسط سازمان

ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه می گردد منعکس می‌شود. ماده۶ ـ هر گونه انتقال بلاعوض به نفع دولت و شهرداریها از پرداخت عوارض و اخذ هرگونه گواهی به استثناء پاسخ استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک محل، معاف می‌باشد. ماده۷ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر شش ماه پس از ابلاغ با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهدرسید. ماده۸ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از تاریخ تصویب این قانون لغو می گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده هشت ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و چهارم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۶/۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن – مصوب ۱۲/۱۲/۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن که با عنوان طرح دو فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۲۰۳۳۶۳ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ وزارت دادگستری قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۹۴۵۱۴/۷۹۷ مورخ ۱۲/۱۲/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن ماده واحده ـ ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ به شرح زیر اصلاح و ماده (۳۴) مکرر آن حذف می گردد: ماده۳۴ـ در مورد کلیه معاملات رهنی و شرطی و دیگر معاملات مذکور در ماده (۳۳) قانون ثبت، راجع به اموال منقول و غیرمنقول، درصورتی که بدهکار ظرف مهلت مقرر در سند، بدهی خود را نپردازد، طلبکار می‌تواند از طریق صدور اجرائیه وصول طلب خود را توسط دفترخانه تنظیم‌کننده سند، درخواست کند. چنانچه بدهکار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننماید بنا به تقاضای بستانکار، اداره ثبت پس از ارزیابی تمامی مورد معامله و قطعیت آن، حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ قطعیت ارزیابی، با برگزاری مزایده نسبت به وصول مطالبات مرتهن به میزان طلب قانونی وی اقدام و مازاد را به راهن مسترد می‌نماید. تبصره۱ـ در مواردی هم که مال یا ملکی، وثیقه دین یا انجام تعهد یا ضمانتی قرار داده می‌شود مطابق مقررات این قانون عمل خواهدشد. تبصره۲ـ نحوه ابلاغ اجرائیه، بازداشت مازاد مورد رهن و چگونگی ختم عملیات اجرائی و برگزاری مزایده و اعراض از رهن و سایر موارد به موجب آئین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه ماه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهدرسید. تبصره۳ـ این قانون نسبت به اسناد تنظیمی و اجرائیه‌های صادره که قبل از تصویب این قانون مختومه نگردیده است نیز جاری است. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

آیین‌نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی – مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۸۶

وزیران عضو کمیسیون لوایح در جلسه مورخ ۳۰/۱۰/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موضوع نامه شماره ۷۷۸۸/۰۲/۱۱۱ مورخ ۲۵/۴/۱۳۸۶ و به استناد ماده (۷) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی ـ مصوب ۱۳۸۵ ـ و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۶، آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند: آیین‌نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی ماده۱ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند رسمی انتقال عین اراضی و املاک اعم از قطعی، شرطی، هبه، معاوضه، صلح، وقف و وصیت، مطابقت مشخصات ملک و مالک (مندرج در سند مالکیت) با دفتر املاک و بازداشت نبودن ملک را از اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع آن استعلام و پس از اخذ پاسخ، با رعایت سایر مواد این آیین‌نامه مبادرت به تنظیم اسناد مذکور نمایند و شماره و تاریخ پاسخ استعلام را در سند تنظیمی قید کنند. پاسخ استعلام ثبت باید حاوی نام و مشخصات آخرین مالک، شماره پلاک ثبتی، ثبت، صفحه و دفتر املاک، شماره چاپی سند مالکیت و مراتب بازداشت یا عدم بازداشت ملک مورد استعلام باشد. چنانچه ملک در دفتر املاک ثبت نشده باشد، اداره ثبت محل مکلف است وضعیت ثبتی را اعلام نماید. تبصره۱ـ استعلام یادشده، مطابق برگه مخصوصی است که حاوی اطلاعات موصوف بوده و توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به صورت اوراق بهادار تهیه و به‌دفاتر اسناد رسمی تحویل می‌شود. تبصره۲ـ اعتبار پاسخ استعلام، در مواردی که دفتر اسناد رسمی و اداره ثبت در یک شهر قرار دارند، یک ماه و در غیر این صورت ۴۵ روز از تاریخ صدور خواهد بود. تبصره۳ـ دفاتر اسناد رسمی نمی‌توانند پاسخ استعلام ثبتی را که به عنوان دفترخانه دیگری صادر گردیده است، مستند ثبت معامله قرار دهند و رأساً باید استعلام نمایند. ماده۲ـ چنانچه پس از ارسال پاسخ استعلام به دفتر اسناد رسمی در مدت اعتبار پاسخ مذکور، دستور مرجع ذی‌صلاح قضایی یا ثبتی مبنی بر بازداشت ملک یا نظریه قطعی وزارت مسکن و شهرسازی یا وزارت جهاد کشاورزی حسب مورد مبنی بر موات بودن و یا شمول ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، به اداره ثبت محل وقوع ملک واصل گردد، اداره مذکور مکلف است فوراً مراتب را رأساً یا از طریق اداره ثبت محل استقرار دفترخانه به دفتر یادشده کتباً ابلاغ نماید. ماده۳ـ دفاتر اسناد رسمی درخصوص گواهی پایان ساختمان و عدم خلاف، ملزم به رعایت تبصره (۸) اصلاحی ماده (۱۰۰) قانون شهرداری ـ مصوب ۲۷/۶/۱۳۵۸ شورای انقلاب ـ قبل از تنظیم سند انتقال املاک موضوع تبصره مذکور می‌باشند. ماده۴ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام تنظیم سند رسمی انتقال اراضی و املاک واقع در خارج از محدوده و حریم شهر، اعلام نظر اداره جهاد کشاورزی شهرستان مربوط مبنی بر عدم شمول مقررات قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن و یا عدم شمول ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را اخذ و شماره و تاریخ آن را در سند تنظیمی قید نمایند. ادارات جهاد کشاورزی مکلفند با رعایت مفاد تبصره ماده (۱) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی و ماده (۷) این آئین‌نامه، نسبت به ارجاع موضوع به سازمان‌های ذی‌ربط (حسب مورد سازمان امور اراضی یا سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور) و یا ادارات وابسته اقدام و اعلام نظر نمایند. تبصره۱ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند به منظور تعیین موقعیت پلاک ثبتی مورد انتقال از جهت داخل یا داخل از محدوده و حریم شهر قرارداشتن آن، از سازمان مسکن و شهرسازی استعلام نمایند. تبصره۲ـ در صورت وجوه سابقه مبنی بر اعلام نظر نسبت به موات نبودن ملک از مرجع ذی‌ربط یا در صورتی که برای مورد معامله سند مالکیت به صورت اراضی کشاورزی، باغ مشجر و یا دارای اعیانی صادر شده و یا مستندات و پاسخ استعلام قبلی مؤید آن باشد، نیاز به اخذ نظر مجدد در این خصوص نخواهد بود. ماده۵ ـ وزارت جهادکشاورزی تا پایان مهلت قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به شرح بند (ج) ماده (۶۸) قانون مذکور، باید کلیه اراضی موات واقع در خارج از محدوده و حریم شهر و همچنین اراضی مشمول ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک منعکس نموده و در مورد آنها تقاضای صدور سند مالکیت نماید. ماده۶ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند، هنگام تنظیم سند نقل و انتقال عین اراضی و املاک، مفاصا حساب مالیاتی و حسب مورد بدهی موضوع ماده

(۳۷) قانون تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۵۴ـ را از انتقال دهنده مطالبه و شماره آن را در سند تنظیمی قید نمایند، مگر اینکه انتقال‌گیرنده ضمن سند تنظیمی متعهد به پرداخت بدهی احتمالی انتقال‌دهنده گردد که در این صورت متعاملین نسبت به پرداخت آن مسئولیت تضامنی خواهند داشت. در صورت اخیر، دفاتر اسناد رسمی موظفند تصویر سند تنظیمی را جهت وصول مطالبات موصوف تا پایان ماه بعد به ادارات امور مالیاتی و تأمین اجتماعی محل مربوط ارسال نمایند. تبصره ـ ادارات مذکور موظفند طبق مقررات، پس از تاریخ وصول تصویر اسناد مذکور در صورتی که مورد معامله دارای بدهی باشد، مراتب را ضمن صدور برگ تشخیص و تعیین میزان قطعی بدهی تا تاریخ ثبت سند رسمی به نشانی مندرج در سند تنظیمی به هر یک از متعاملین ابلاغ نمایند. ماده۷ـ ادارات و سازمان‌های مذکور در بندهای ذیل ماده (۱) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام تقاضای ذی‌نفع و یا ارایه استعلام دفتر اسناد رسمی، گواهی وصول تقاضا یا استعلام، حاوی پلاک ثبتی ملک مورد استعلام را به‌مراجعه‌کننده تسلیم و یا برای دفتر اسناد رسمی ذی‌ربط ارسال و حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور گواهی وصول تقاضا و یا استعلام، پاسخ آن را اعلام نمایند. نظر مخالف مراجع مذکور باید روشن و با ذکر علت و مستند به دلایل قانونی و اعلام نظر موافق نیز باید صریح و بدون قید و شرط باشد. در غیر این صورت یا در صورت عدم ارایه پاسخ در مهلت مقرر، ثبت سند با تصریح موضوع در سند تنظیمی بلامانع خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که مراجعه‌کننده مدعی عدم صدور پاسخ لازم ادارات مربوط در ظرف مدت مقرر باشد، دفتر اسناد رسمی موضوع را از اداره ذی‌ربط استعلام خواهد نمود. ماده۸ ـ دفاتر اسناد رسمی هنگام تنظیم سند، موظفند در صورت عدم وصول پاسخ استعلامات و یا ارایه پاسخ مشروط و مبهم یا مقید، منتقل‌الیه را از آثار و تبعات سند تنظیمی مطلع و مسئولیت تضامنی متعاملین در پاسخگویی کلیه تعهدات قانونی و بدهی‌های مربوط به مورد معامله که تا زمان تنظیم سند طبق قوانین محقق و مسلم بوده را صریحاً در سند قید و ثبت نمایند. ماده۹ـ هرگونه انتقال بلاعوض اراضی و اعیان به نفع دولت و شهرداری‌ها و نیز تنظیم اسنادی که موجب تغییر مالکیت عین نمی‌گردد از قبیل اجاره، رهن و تقسیم‌نامه (غیر از حبس)، از پرداخت عوارض و اخذ هرگونه گواهی و اعلام نظر به استثنای پاسخ استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک معاف می‌باشد، لکن دفاتر اسناد رسمی مکلفند نشانی محل وقوع ملک را طبق اظهار متعاملین در سند تنظیمی قید نموده و حداکثر تا پایان ماه بعد تصویر سند تنظیمی را حسب مورد به اداره امور مالیاتی یا اداره تأمین اجتماعی شهر مربوط ارسال نمایند. ماده۱۰ـ اداره امور مالیاتی محل مکلف است در اجرای تبصره (۱) ماده (۱۲۳) اصلاحی قانون ثبت موضوع ماده (۱۰) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸۴ـ، ارزش معاملاتی ملک مورد معامله را به دفتر اسناد رسمی استعلام کننده اعلام نماید. ماده۱۱ـ چنانچه به درخواست متعاملین سند نقل و انتقال تلفن ثابت و همراه در دفاتر اسناد رسمی تنظیم و ثبت گردد، شرکت مخابرات ایران موظف است پس از ارایه سند مذکور نسبت به تغییر نام مالک مبادرت نماید. ماده۱۲ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند نقل و انتقال ماشین‌های چاپ، لیتوگرافی و صحافی موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را اخذ و پس از انجام معامله، خلاصه نقل و انتقال را در شناسنامه مالکیت مربوط درج و تصویر سند تنظیمی را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال نمایند. شناسنامه مذکور طبق نمونه‌ای است که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این آئین‌نامه، تهیه و در اختیار مالکان ماشین‌های یادشده قرار می‌گیرد. تبصره ـ تا زمانی که شناسنامه مالکیت موضوع این ماده تهیه و در اختیار مالک قرار داده نشده است، تنظیم سند با ارایه موافقت‌نامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع خواهد بود. این تصویب‌نامه در تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

دفاتر اسناد رسمی

قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران – مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴

اول ــ تشکیلات دفترخانه (ماده ۱ تا ۵

ماده ۱ ـ دفترخانه اسناد رسمی واحد وابسته به وزارت دادگستری است و برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل می‌شود. سازمان و وظایف دفترخانه تابع قوانین و نظامات راجع به آن است ماده ۲ ـ اداره امور دفترخانه اسناد رسمی به عهده شخصی است که با رعایت مقررات این قانون بنا به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با جلب نظر مشورتی کانون سردفتران و به موجب ابلاغ وزیر دادگستری منصوب و سردفتر نامیده می‌شود. تبصره ـ تا زمانی که در مراکز استان کانون سردفتران تاسیس نشده نظر مشورتی دادستان شهرستان محل و در محلهای فاقد دادسرا نظر دادگاه بخش محل جلب خواهد شد. ماده ۳ ـ هر دفترخانه علاوه بر یک دفتریار که سمت معاونت دفترخانه و نمایندگی سازمان ثبت را دارا می‌باشد و دفتریار اول نامیده می‌شود می‌تواند یک دفتریار دوم نیز داشته باشد. دفتریار به پیشنهاد سردفتر و به‌موجب ابلاغ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برابر مقررات این قانون منصوب می‌شود. ماده ۴ ـ محل دفترخانه در هر شهر یا بخش به معرفی سردفتر و موافقت اداره ثبت محل تعیین خواهد شد و در صورت ضرورت انتقال محل دفترخانه به محل دیگر در همان شهر یا بخش با تصویب ثبت محل امکان‌پذیر است ماده ۵ ـ پس از تصویب این قانون تاسیس دفترخانه با توجه به نیازمندیهای هر محل تابع ضابطه زیر خواهد بود: در شهرها برای حداقل هر پانزده هزارنفر و حداکثر هر بیست هزار نفر با توجه به آمار و درآمد حاصل از حق ثبت معاملات ، یک دفترخانه شهرها و بخشهایی که جمعیت آنها کمتر از پانزده هزار نفر باشد یک دفترخانه خواهد داشت اجازه تجدید فعالیت دفترخانه ای که به علت انفصال دایم سردفتر تعطیل شده در حکم تاسیس دفترخانه جدید خواهد بود. همچنین است در مورد بازنشستگی و فوت سردفتر که پس از انقضای مدتهای مقرر در ماده ۶۹ این قانون در حال تعطیل باقی بماند. تبصره ـ پس از تعیین تعداد دفاتر اسناد رسمی هر محل به شرح این ماده هرگاه با توجه به میزان معاملات و درآمد دفاتر اسناد رسمی موجود و مقتضیات محلی ، افزایش تعداد دفاتر زاید بر حد نصاب مذکور ضروری تشخیص شود به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تصویب وزارت دادگستری حداکثر تا دو دفترخانه می‌توان به دفاتر موجود در هر حوزه ثبتی با رعایت مقررات این قانون اضافه نمود.

فصل دوم ــ انتخاب سردفتران و دفتریاران و صلاحیت آنها (ماده ۶ تا ۱۷)

ماده ۶ ـ اشخاص زیر را می‌توان به سردفتری دفترخانه اسناد رسمی تعیین نمود: ۱ ـ اشخاصی که دارای لیسانس حقوق در رشته قضایی یا منقول از دانشکده الهیات یا دانشکده سابق معقول و منقول باشند. ۲ ـ کسانی که دارای دو سال سابقه خدمات قضایی یا وکالت پایه یک دادگستری باشند. ۳ ـ سایر لیسانسیه‌ها به شرط داشتن سه سال سابقه دفتریاری ۴ ـ اشخاصی که از مراجع مسلم دارای تصدیق اجتهاد طبق آیین نامه ای که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد باشند. ۵ ـ دفتریارانی که دارای گواهی قبولی امتحان مخصوص سردفتری و دفتریاری موضوع شق سوم ماده ۱۰ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶باشند به شرط داشتن پنج سال سابقه دفتریاری ۶ ـ دفتریارانی که دارای دیپلم کامل متوسطه باشند به شرط داشتن هفت سال سابقه دفتریاری اول ۷ ـ دفتریاران اول که در تاریخ تصویب این قانون شاغل بوده و ۱۵ سال سابقه دفتریاری اعم از متناوب و مستمر داشته باشند. تبصره ۱ ـ متصدیان دفاتر اسناد رسمی که تا تاریخ اجرای این قانون با رعایت مقررات قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ درجه بندی شده‌اند کماکان صلاحیتشان برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی محدود به حدودی است که در آخرین اجازه نامه آنها ابلاغ شده است تبصره

۲ ـ پس از تصویب این قانون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به تطبیق وضع سردفتران که براساس قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ منحصرا در حد قانونی درجات دوم و سوم انجام وظیفه می کنند با مقررات این قانون طبق آیین نامه ای که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد اقدام خواهند کرد. تبصره ۳ ـ به منظور تربیت کادر علمی و فنی برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دفتر اسناد رسمی وزارت علوم و آموزش عالی با جلب نظر وزارت دادگستری با توجه به آیین نامه ای که طبق مقررات این قانون تدوین و به تصویب وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت دادگستری خواهد رسید از طریق تشکیل کلاسهای مخصوص یا تاسیس رشته‌ای خاص در دانشکده ها یا منظور نمودن فنون مزبور در برنامه های تحصیلی آموزشگاه های عالی اقدام خواهد کرد. فارغ التحصیلان رشته مزبور بر سایر داوطلبان سردفتری و دفتریاری حق تقدم خواهند داشت ماده ۷ ـ دارندگان دانشنامه لیسانس را بدون کارآموزی و دارندگان دیپلم کامل متوسطه را به شرط یکسال کارآموزی می‌توان به دفتریاری دفاتر اسناد رسمی انتخاب نمود. دفتریارانی که در تاریخ تصویب این قانون به دفتریاری اشتغال دارند کماکان دفتریار شناخته می‌شوند. تبصره ـ کفیل دفترخانه باید واجد همان شرایط باشد که برای سردفتر مقرر است ماده ۸ ـ به وزارت دادگستری اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال در صورتی که برای تصدی دفتر اسناد رسمی و دفتریاری در خارج‌از مراکز استان داوطلب واجد شرایط موضوع مواد ۶ و ۷ این قانون موجود نباشد از میان اشخاص واجد شرایط طبق قانون سابق انتخاب کند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور فقط در صورتی با تقاضای انتقال این افراد به محل دیگر موافقت می‌نماید که در محل جدید نیز داوطلب واجد شرایط وجودنداشته باشد. ماده ۹ ـ سن سردفتران در بدو اشتغال نباید کمتر از بیست و چهار سال و بیشتر از پنجاه سال و سن دفتریاران نباید کمتر از بیست سال و بیشتر از پنجاه سال باشد. ماده ۱۰ ـ پس از تصویب این قانون هریک از سردفتران و دفتریاران اول که دارای سی سال سابقه خدمت اعم از متوالی یا متناوب (اعم از سردفتری و دفتریاری اول باشد می‌توانند تقاضای بازنشستگی کند. نحوه استفاده این اشخاص از مزایای بازنشستگی به موجب آیین نامه موضوع ماده ۶۸ این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۱۱ ـ سردفتران و دفتریاران اول پس از رسیدن به سن ۶۵ سال تمام براساس مقررات این قانون بازنشسته خواهند شد. ملاک تشخیص سن ، شناسنامه‌ای است که در بدو اشتغال به‌کار ارایه شده است تبصره ـ سردفتران و دفتریاران اول که در تاریخ تصویب این قانون به کار اشتغال دارند می‌توانند تا سن ۷۰ سال تمام به کار ادامه دهند. ماده ۱۲ ـ اشخاص زیر را نمی‌توان به سمت سردفتری یا دفتریاری انتخاب یا ابقا کرد: ۱ ـ اتباع بیگانه ۲ ـ کسانی که تحت قیمومت یا ولایت هستند. ۳ ـ محکومین به انفصال دایم از خدمات دولتی یا قضایی یا وکالت دادگستری و همچنین محکومین به انفصال موقت از خدمات و مشاغل مزبور درمدت انفصال یا تعلیق ۴ ـ محکومین به جنایات عمدی و محکومین به ارتکاب جنحه های منافی عفت و همچنین محکومین به جنحه هایی که مطابق قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی مذکور در ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی است و همچنین اشخاصی که احراز شود به اتهامات جنایات عمدی‌تحت محاکمه هستند. ۵ ـ اشخاص مشهور به فساد عقیده و معتادین به مواد مخدر و کسانی که فاقد صلاحیت اخلاقی باشند. ماده ۱۳ ـ سردفتران و دفتریارانی که به اتهام ارتکاب جنایت عمدی مطلقا و یا به اتهام ارتکاب جنحه‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی ازطرف مراجع قضایی علیه آنها کیفرخواست صادر شود تا صدور حکم قطعی معلق خواهند شد و در صورتی که سردفتر معلق شود دفترخانه تا روشن شدن تکلیف نهایی سردفتر معلق به کفالت دفتریار واجد شرایط یا سردفتر دیگری اداره خواهد شد و در صورت برائت از اتهام منتسب سازمان ثبتاسناد و املاک کشور مکلف است بلافاصله اجازه اشتغال مجدد او را صادر نماید. ماده ۱۴ ـ یک سردفتر نمی‌تواند متصدی امور دو دفترخانه باشد. کفالت دفترخانه دیگر در مواردی که به موجب این قانون مقرر است تصدی محسوب نمی‌شود. وظایف سردفتر کفیل نسبت به امور دفترخانه ای که سردفتر آن در حال تعلیق یا مرخصی یا معذوریت است و یا به علت فوت یا بازنشستگی سردفتر ، دفترخانه تعطیل شده است در هریک از شقوق مذکور در فوق طبق آیین نامه معین خواهد شد. ماده ۱۵ ـ مشاغل زیر منافی شغل سردفتری و دفتریاری است ۱ ـ قضاوت و وکالت دادگستری و عضویت در موسسات

دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها. ۲ ـ اشتغال به امر تجارت بنا به تعریف ماده یک قانون تجارت ۳ ـ عضویت در هیات مدیره و مدیریت عامل شرکتهای تجاری و بانکها و یا موسسات بیمه و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت ۴ ـ مدیریت روزنامه یا مجله اعم از مدیر مسوول یا مدیر داخلی و صاحب امتیاز و سردبیر (به استثنای نشریه کانون سردفتران و مجلاتی که صرفا جنبه‌علمی داشته باشد) تبصره ۱ ـ تدریس در دانشکده‌ها و مدارس عالی با اجازه وزارت دادگستری مانع از اشتغال به شغل سردفتری و یا دفتریاری نخواهد بود. تبصره ۲ ـ سردفتر یا دفتریار در صورت انتخاب به نمایندگی مجلسین یا شهردار انتخابی با حفظ سمت از اشتغال به سردفتری معذور خواهد بود و دراین‌مدت دفترخانه به تصدی دفتریار واجد شرایط که از طرف سردفتر معرفی می‌شود اداره خواهد شد. مدت نمایندگی سردفتر در مجلسین یا خدمت درسمت شهردار انتخابی جز سنوات خدمات او محسوب می‌شود. ماده ۱۶ ـ سردفتران و دفتریاران قبل از اشتغال به کار باید سوگند یاد نمایند. (متن سوگندنامه و ترتیب اجرای آن به موجب آیین نامه خواهد بود). ماده ۱۷ ـ سردفتران و دفتریاران قبل از شروع به کار باید ضامن معتبر بدهند. ترتیب گرفتن ضامن و میزان ضمانت و شرایط و نحوه استفاده از آن به موجب آیین نامه خواهد بود.

فصل سوم ـ مقررات مربوط به دفترخانه و وظایف سردفتران و دفتریاران (ماده ۱۸ تا ۳۱)

ماده ۱۸ ـ کلیه اسناد در دفترخانه های اسناد رسمی و در اوراق مخصوصی که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در اختیار دفترخانه قرار داده می‌شود تنظیم و فقط در یک دفتر که به نام دفتر سردفتر نامیده می‌شود ثبت می گردد و ثبت سند به امضای اصحاب معامله و سردفتر و دفتریار خواهد رسید مگر آن که دفترخانه فاقد دفتریار باشد. ماده ۱۹ ـ هر دفترخانه علاوه بر دفتر سردفتر که یک نسخه است دارای دفاتر دیگر که نوع و عنوان و تعداد و نحوه تنظیم و نگهداری آن طبق آیین نامه‌معین می‌شود خواهد بود. ماده ۲۰ ـ دفتر گواهی امضا دفتری است که منحصرا مخصوص تصدیق امضای ذیل نوشته‌های عادی است و نوشته تصدیق امضا شده با توجه به ماده ۳۷۵ آیین دادرسی مدنی مسلم الصدور شناخته می‌شود. وزارت دادگستری آیین نامه لازم را برای گواهی امضا تهیه و تصویب خواهد کرد. ماده ۲۱ ـ اصول اسناد رسمی در صورت تقاضای متعاملین به تعداد آنها تهیه می‌شود و به هر حال یک نسخه اضافی تنظیم خواهد شد که نسخه اخیر باید در دفترخانه نگهداری شود. متعاملین می‌توانند از اصول اسناد رونوشت یا فتوکپی اخذ نمایند. در مواردی که نسبت به سند ادعای جعل و یا ادعای‌عدم مطابقت فتوکپی یا رونوشت با اصل سند شده باشد دفاتر اسناد رسمی مکلفند به درخواست مراجع صالح قضایی اصل سند را لاک و مهر شده موقتا به مرجع قضایی مذکور ارسال دارند و هرگاه مراجع مذکور ملاحظه دفتر را لازم بدانند می‌توانند آن را در محل دفترخانه ملاحظه کنند. ماده ۲۲ ـ سردفتران و دفتریارانی که در انجام وظایف خود مرتکب تخلفاتی بشوند در مقابل متعاملین و اشخاص ذی نفع مسوول خواهند بود. هرگاه‌سندی در اثر تقصیر یا تخلف آنها از قوانین و مقررات مربوط بعضا یا کلا از اعتبار افتد و در نتیجه ضرری متوجه آن اشخاص شود علاوه بر مجازاتهای مقرر باید از عهده خسارت وارد برایند. دعاوی مربوط به خسارات ناشی از تخلفات سردفتران و دفتریاران تابع قوانین و مقررات عمومی خواهد بود. ماده ۲۳ ـ سردفتر مسوول کلیه امور دفترخانه است و دفتریار اول مسوول اموری است که به موجب مقررات به عهده او محول شده و یا از طرف‌سردفتر در حدود مقررات انجام آن امور به او ارجاع می‌شود. در مورد اخیر سردفتر و دفتریار مسوولیت مشترک خواهند داشت در هر مورد که براساس‌مقررات این قانون دفتریار به جای سردفتر انجام وظیفه می کند مسوولیت دفتریار همان مسوولیت سردفتر است و همین حکم در مورد سردفتری که‌کفالت دفترخانه دیگری را به عهده دارد نسبت به امور کفالت جاری خواهد بود. ماده ۲۴ ـ سردفتران و دفتریاران می‌توانند از مرخصی و معذوریت استفاده نمایند. نحوه استفاده از مرخصی و معذوریت و مدت آن به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و

كانون سـردفتران تهران تهيه و به تصويب وزارت دادگستری خواهد رسـيد. ماده ۲۵ ـ در موارد مرخصـی ـ بيمـاری ـ تعليق ـ انفصال موقت و معـذوريت دفتريـار و نيز در مواردی كه دفتريـار كفـالت دفترخـانه را طبق اين قانون عهـده‌دارشود، در صورتی كه دفترخانه دارای دفتريـار دوم باشـد امور مربوط به دفتريـار به عهـده دفتريـار مزبور خواهـد بود و هرگـاه دفتريـار دوم نباشـد، تا دو ماه‌وظايف دفتريـار را خود سـردفتر انجـام می‌دهـد و اگر مـدتهای بالا زايـد بر دو ماه باشـد كفالت امور دفتريار موقتا به عهـده دفتريار دفترخانه ديگری گـذارده خواهد شد. نحوه كفالت و انتخاب دفتريار كفيل به موجب آيين نامه مندرج در ماده ۲۴ تعيين خواهد شد. ماده ۲۶ ـ در مواردی كه سـردفتر يا دفتريار كفيل دفترخانه طبق حكم دادگاه انتظامی به انفصال دايم يا سـلب صلاحيت محكوم و يا مستعفی يا بازنشسته می‌شود و بالنتيجه دفترخانه تعطيل می گردد، مسوول دفترخانه بايد بلافاصـله اقدام به تحويل كليه دفاتر و اسـناد و اوراق مربـوط به دفترخـانه بنمايـد و نيزكليه وجـوه و اوراق بهـادار كه به هر عنـوان به او سـپرده شـده طبـق دسـتور ثبت محـل به دفتريـار ، ۱۸دفترخـانه يـا به دفترخـانه‌ای كه تعيين می‌شود حسب مورد تحويـل دهـد، در صورت امتنـاع به ششـماه الی يكسال حبس جنحه‌ای محكوم خواهـد شـد و همين حكم در مورد سـردفتر يـا دفتريـاری كه به علت بيمـاری ياحـادثه قـدرت لازم را برای انجـام وظيفه به تشخيص پزشك و تاييد سازمان ثبت اسناد و املاك كشور از دست داده باشد در صورت امتناع نيز جاری است ماده ۲۷ ـ در موارد مذكور در ماده ۲۶ در صورتی كه سـردفتر و دفتريار از تحويل دفاتر و اوراق و سوابق مربوط خودداری نماينـد علاوه بر تعقيب آنها به‌شرح ماده ۲۸ رييس ثبت محـل يا نماينـده او بايـد با حضور نماينـده دادسـتان شهرسـتان دفاتر و اوراق و سوابق را در هر محل كه باشـد ولو در غياب سـردفتر و دفتريار با تنظيم صورت مجلس به جانشـين آنها تحويل دهند و يا به اداره ثبت منتقل نمايند. ماده ۲۸ ـ در صورت فوت سـردفتر يا دفتريار كفيل دفترخانه ، رييس ثبت محل يا نماينده او با حضور نماينده دادسـتان و در نقاطی كه دادسرا نباشـد با حضور دادرس دادگاه بخش يا نماينده او دفاتر و اوراق مربوط به دفترخانه را با تنظيم صورت مجلس به سـردفتر كفيل و يا به مسوول تعيين شده از طرف رييس ثبت موقتا تحويل خواهند داد و در مورد فوت دفتريار نيز به ترتيب بالا اسناد و اوراق به دفتريار جانشين و يا موقتا به سردفتر تحويل خواهد شد.در هر مورد كه طبق مقررات اين قانون دفتريار بايد به جای سردفتر انجام وظيفه كند، اگر دفتريار واجـد شـرايط در محل وجود نداشـته باشد دفترخانه موقتا تعطيل و به شـرح اين ماده عمل خواهد شد. ترتيب انجام امور مربوط به دفترخـانه در زمـان تعطيـل به موجب آيين نـامه تعيين می‌شود. مـاده ۲۹ ـ سـردفتران و دفتريـاران مكلفنـد علاوه بر رعايت تكـاليف قانونی از نظاماتی كه وزارت دادگستری برای آنها مقرر می‌دارد متابعت نماينـد.همچنين مواد ۴۹ تا ۶۹ قانون ثبت اسناد و املـاك در مورد مسوولـان دفتر نسبت به سـردفتران و دفتريـاران و سـردفتران ازدواج و طلاق نيز جاری است ماده ۳۰ ـ سردفتران و دفتريـاران موظفنـد نسبت به تنظيم و ثبت اسـناد مراجعين اقـدام نماينـد مگر آن كه مفاد و مـدلول سـند مخالف با قوانين و مقررات موضوعه و نظم عمومی يـا اخلاـق حسـنه باشـد كه در اين صورت بايـد علت امتنـاع را كتبـا به تقاضاكننـده اعلام نماينـد. ماده ۳۱ ـ سردفتران و دفتريـاران نبايـد اسـنادی را كه مربوط به خود يـا كسـانی كه تحت ولايت يا وصايت يا قيمومت آنها هستند و يا با آنها قرابت نسبی يـا سـببی تا درجه چهارم از طبقه سوم دارنـد يا در خـدمت آنها هسـتند ثبت نماينـد و در صورتی كه در محل دفترخانه ديگری نباشد سـند با حضور دادسـتان شهرسـتان محلی كه دفترخانه در حوزه آن واقع است يا رييس دادگاه بخش يا نماينده آنها با توضيح مراتب در ذيل آن در همان دفترخانه تنظيم و ثبت خواهدشد.

فصل چهارم ـ تعقيب و مجازات انتظامی سردفتران و دفترياران (ماده ۳۲ تا ۴۹

ماده ۳۲ ـ رسيدگی مقـدماتی به شـكايات و گزارشـهای مربوط به تخلفـات سـردفتران و دفترياران در اداره امور اسـناد سازمان ثبت اسـناد و املاك كشور انجام خواهـد شد و اداره مزبور پس از رسيدگی ، موضوع را با اظهار نظر خود به دادسرای انتظامی سردفتران

احاله می‌نماید. ماده ۳۳ ـ دادسرای انتظامی سردفتران از دادستان و در صورت ضرورت به تعداد لازم دادیار و کارمند دفتری تشکیل خواهد شد. ماده ۳۴ ـ برای محاکمه انتظامی سردفتران و دفتریاران و سردفتران ازدواج و طلاق هر استان یک دادگاه بدوی در اداره ثبت استان و برای تجدیدنظر احکام غیرقطعی دادگاههای بدوی ، یک دادگاه تجدیدنظر در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تشکیل می‌شود. ماده ۳۵ ـ دادگاه بدوی و تجدیدنظر سردفتران و دفتریاران هریک دارای سه عضو اصلی و یک عضو علیالبدل خواهد بود که به شرح زیر انتخاب می‌شوند: الف ـ دادگاه بدوی ۱ ـ یکی از روسای شعب مدنی دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری ۲ ـ یکی از کارمندان مطلع ثبت استان به انتخاب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۳ ـ یکی از سردفتران مرکز استان به انتخاب کانون محل و در صورت عدم تشکیل کانون در محل به انتخاب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ب ـ دادگاه تجدیدنظر: ۱ ـ یکی از روسای شعب یا مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری ۲ ـ معاون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در قسمت امور اسناد. ۳ ـ یکی از اعضای اصلی کانون سردفتران تهران به انتخاب کانون ماده ۳۶ ـ اعضای دادگاه بدوی و تجدیدنظر باید حداقل پانزده سال و دادستان و دادیاران حداقل ده سال سابقه قضایی یا اداری یا سردفتری داشته باشندو سردفتر محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نیز نداشته باشد. ماده ۳۷ ـ ترتیب رسیدگی مقدماتی و صدور کیفرخواست و تشکیل دادگاه بدوی و تجدیدنظر و محاکمه و نحوه ابلاغ و اجرای احکام صادر به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. میزان پاداش و مزایای اعضای دادگاههای مزبور طبق مقررات مربوط تعیین و پرداخت خواهد شد. تبصره ـ دادستان و دادیاران و اعضای علی البدل از بین قضات وزارت دادگستری یا کارمندان مطلع ثبت انتخاب خواهند شد. ماده ۳۸ ـ مجازاتهای انتظامی به قرار ذیل است ۱ ـ توبیخ با درج در پرونده ۲ ـ جریمه نقدی از پانصد ریال الی بیست هزار ریال ۳ ـ انفصال موقت از اشتغال به سردفتری یا دفتریاری از سه ماه الی ششماه ۴ ـ انفصال موقت از ششماه تا دو سال ۵ ـ انفصال دایم ماده ۳۹ ـ وجوه حاصل از اجرای بند ۲ ماده فوق به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل موضوع ردیف ۴۱۰۱۰۸ قسمت سوم این قانون واریزمی‌گردد و معادل صد در صد (۱۰۰٪) آن تا سقف سیصد میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۳۰۰) ریال در اختیار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت اعمال نظارت بر دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق قرار می‌گیرد. ماده ۴۰ ـ طبقه‌بندی تخلفات انتظامی و تطبیق آنها با هر یک از مجازاتهای مذکور در ماده ۳۸ به‌موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید. ماده ۴۱ ـ هر سردفتر یا دفتریاری که دو مرتبه سابقه محکومیت از درجه ۳ به بالا ـ داشته باشد در صورتی که ظرف سه سال پس از قطعیت حکم سابق مرتکب تخلف دیگری بشود دادگاه می‌تواند مجازات اخیر او را تا یک درجه بالاتر تشدید نماید. ماده ۴۲ ـ در هر مورد که وزیر دادگستری از سو شهرت یا عدم امانت یا نداشتن صلاحیت علمی یا عملی سردفتر یا دفتریاری اطلاع حاصل کند،می‌تواند از دادگاه انتظامی رسیدگی به صلاحیت او را بخواهد. هرگاه در نتیجه رسیدگی عدم صلاحیت سردفتر یا دفتریار به یکی از جهات مذکور محرزگردد دادگاه رای به سلب صلاحیت صادر خواهد کرد، این حکم از تاریخ ابلاغ ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر خواهد بود و در صورتی که سردفتر یا دفتریار دارای مدرک علمی رسمی باشد رسیدگی به صلاحیت علمی او جایز نیست تبصره ـ هرگاه وزیر دادگستری رفتار و اخلاق سردفتر یا دفتریاری را مخالف با نظم و حسن جریان امور دفترخانه تشخیص دهد بدون مراجعه به محکمه انتظامی می‌تواند تا ششماه دستور انفصال صادر نماید. ماده ۴۳ ـ پس از شروع تعقیب هرگاه به تشخیص وزارت دادگستری تصدی سردفتر یا دفتریار منافی با شوون سردفتری یا دفتریاری و یا مخالف با حسن جریان امور دفترخانه باشد وزیر دادگستری می‌تواند تعلیق آنان را از دادگاه تجدیدنظر انتظامی بخواهد. دادگاه باید به این تقاضا رسیدگی کند و با در نظرگرفتن علل و سوابق امر در صورت اقتضا حکم تعلیق متخلف را تا خاتمه رسیدگی قطعی تخلف صادر نماید و این حکم غیرقابل شکایت است تبصره ۱ ـ در صورتی که پس از رسیدگی انتظامی دادگاه متخلف را به انفصال موقت محکوم کند مدت انفصال با ایام تعلیق احتساب خواهد شد. تبصره ۲ ـ در مورد این ماده و ماده ۴۲ رسیدگی فوری و خارج از نوبت خواهد بود. ماده

۴۴ ـ در صورتی که سردفتر یا دفتریار مشتکی عنه پاسخ کیفرخواست و یا توضیحات مورد نظر دادگاه را در موعد مقرر ندهد و همچنین در موردی که حضور او برای ادای توضیحات و رسیدگی لازم باشد و پس از اخطار دفتر دادگاه حاضر نشود، دادگاه با توجه به مدارك موجود در پرونده و تحقیقاتی که لازم بداند به موضوع رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد نمود. ماده ۴۵ ـ جلب رضایت شاکی و یا استعفای مشتکی عنه مانع از تعقیب انتظامی نیست ولی جلب رضایت شاکی موجب تخفیف مجازات می‌شود. درصورت استعفای سردفتر پس از شروع تعقیب تضمین او تا اجرای حکم به اعتبار خود باقی خواهد بود. ماده ۴۶ ـ مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی و تخلفات سردفتران و دفتریاران دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب و یا از آخرین تعقیب انتظامی خواهد بود. ماده ۴۷ ـ در مورد تعلیق یا انفصال موقت سردفتر که دفترخانه به کفالت اداره می‌شود درآمد دفترخانه پس از وضع هزینه بین کفیل و سردفتر معلق یا منفصل بالسویه تقسیم خواهد شد. ماده ۴۸ ـ مجازاتهای انتظامی درجه ۱ و ۲ قطعی و از درجه ۳ به بالا ظرف ده روز پس از ابلاغ حکم قابل تجدیدنظر است ماده ۴۹ ـ وزارت دادگستری صدور ابلاغ اجازه اشتغال مجدد سردفتر یا دفتریار منفصل را به تصفیه محاسبات بدهی های مسلم ناشی از شغل او موکول می کند.

فصل پنجم ــ امور مالی (ماده ۵۰ تا ۵۷)

ماده ۵۰ ـ وجوهی که برای تنظیم و ثبت سند در دفاتر اسناد رسمی وصول می‌شود به شرح زیر است ۱ ـ حق تحریر طبق تعرفه مقرر وزارت دادگستری ۲ ـ حق ثبت به ماخذ ماده ۱۲۳ قانون اصلاحی قانون ثبت ۳ ـ مالیات و حق تمبر برابر مقررات قوانین مالیاتی ۴ ـ سایر وجوهی که طبق قوانین وصول آن به عهده دفترخانه محول است تبصره ۱ ـ نسبت به اجور و بهره منجز قید شده در سند هم حق ثبت تعلق خواهد گرفت تبصره ۲ ـ برای ثبت اسنادی که تعیین قیمت موضوع آنها ممکن نباشد حق ثبت به ماخذ پنجاه هزارریال وصول خواهد شد. حق ثبت فسخ یا اقاله معاملات یا اقرار به وصول قسمتی از وجه معامله دویست ریال است ماده ۵۱ ـ نسبت به وجه التزام و وجه الضمان خواه رأسا موضوع سند باشد یا در ضمن معامله و عقد دیگری شرط شده باشد و برای تامین آن هم مالی‌به وثیقه گرفته نشده باشد حق ثبت وصول نخواهد شد. همچنین هر نوع انتقال بلاعوض و وقف و حبس و وصیت که به نفع موسسات مذهبی و خیریه‌و سازمانهای فرهنگی و بهداشتی مصرح در مواد مربوط به معافیت قانون مالیاتهای مستقیم صورت گیرد از پرداخت حق ثبت معاف خواهد بود.همچنین معافیت هایی که به‌موجب قوانین و مقررات خاص مقرر گردیده است کماکان به قوت خود باقی است و نیز موقوفات خاندان پهلوی (بنیاد پهلوی از پرداخت کلیه هزینه های ثبتی معاف است ماده ۵۲ ـ برای ایصال وجوه عمومی که به هر عنوان وصول آن طبق مقررات قانونی در عهده دفاتر اسناد رسمی است دفاتر موظفند حقوق متعلق را دربرگ مخصوصی که از طرف سازمان ذینفع تهیه و در اختیار دفاتر قرار خواهد گرفت با مشخصات لازم قید کنند و حداکثر پنج روز بعد از امضای سند به‌حساب یا حسابهایی که معین خواهد شد واریز نمایند. آیین نامه اجرایی این ماده را وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تصویب خواهندکرد. ماده ۵۳ ـ از درآمد حاصل از حق ثبت صاحبان دفتر و دفتریارها به ترتیب زیر سهم خواهند برد: تا ششصدریال در ماه نصف از ششصد و یک ریال تاچهارهزار ریال نسبت به مازاد ششصدریال یک پنجم از چهارهزار و یك ریال تا ده هزار ریال نسبت به مازاد از چهارهزار ریال یکدهم و از ده هزار و یك‌ریال تا پنجاه هزار ریال نسبت به مازاد از ده هزار ریال یك بیستم از مبالغ فوق به سردفتر و دفتریار و کمك اعاشه کارکنان دفاتر برابر آیین نامه وزارت دادگستری سهمی اختصاص خواهد یافت ماده ۵۴ ـ میزان حق تحریر طبق تعرفه تعیین شده وزارت دادگستری خواهد بود که باید هر چهارسال یکبار مورد بررسی مجدد قرار گیرد و در صورت اقتضا در آن تجدیدنظر شود. ماده ۵۵ ـ سردفتران مکلفند وجوه مربوط به بیمه سردفتران اسناد رسمی و دفتریاران موضوع ماده ۱۶۵ قانون مالیاتهای مستقیم را برای اجرای مواد ۱۰و ۱۱ این قانون با رعایت مفاد

ماده ۵۲ به حساب کانون سردفتران تهران واریز نمایند. ماده ۵۶ ـ کانون سردفتران تهران مکلف است موجودی حساب حق بیمه سردفتران و دفتریاران را طبق آیین نامه مربوط به مصرف خرید اوراق قرضه یااسناد خزانه رسانده و یا در بانک ملی به حساب سپرده ثابت بگذارد و از سود آن اقدام به تشکیل صندوق تعاون کند. نحوه خرید و نگهداری اوراق قرضهو اسناد خزانه طبق آیین نامه خواهد بود. آیین نامه اجرایی این ماده را وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تصویب خواهند کرد. ماده ۵۷ ـ از تاریخ اجرای این قانون به منظور کمکهای ضروری یا دادن وام به سردفتران و دفتریاران و کارکنان دفاتر اسناد رسمی صندوقی به نام صندوق تعاون سردفتران و دفتریاران تحت نظر کانون سردفتران مرکز تشکیل می گردد. آیین نامه اجرای این ماده را وزارت دادگستری تصویب خواهد کرد.

فصل ششم ـ کانون سردفتران و دفتریاران (ماده ۵۸ تا ۶۸

ماده ۵۸ ـ وزارت دادگستری در تهران و سایر مراکز استان با توجه به تعداد دفاتر اسناد رسمی و سایر مقتضیات محلی ، کانون سردفتران و دفتریاران راتحت نظارت خود تشکیل خواهد داد. کانون دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و از نظر نظامات تابع وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۵۹ ـ کانون سردفتران به وسیله هیات مدیره‌ای مرکب از هفت عضو اصلی «پنج سردفتر و دودفتریار اول و سه عضو علی البدل (دو سردفتر و یک دفتریار) اداره می‌شود. ماده ۶۰ ـ هیات مدیره کانون سردفتران مرکز هر استان از بین سردفتران و دفتریاران همان محل انتخاب خواهند شد. ماده ۶۱ ـ به منظور نظارت در انتخابات هیات مدیره کانون هیاتی برای نظارت بر انتخابات از طرف وزیر دادگستری تعیین می‌شود. تعداد اعضای هیات نظار و شرایط انتخاب آنها و طرز تشکیل هیات و نحوه عمل و نظارت و اخذ رای و سایر امور مربوط به انتخابات به موجب آیین نامه تعیین خواهدشد. ماده ۶۲ ـ سردفتران و دفتریارانی را می‌توان برای عضویت هیات مدیره کانون انتخاب نمود که حداقل دارای ۱۰ سال سابقه تصدی دفتر اسناد رسمی ودفتریاری بوده و در پنجسال اخیر خدمت خود محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند. کسانی که دارای سابقه خدمت قضایی و یا وکالت دادگستری باشند. سوابق قضایی و وکالت آنها جزو ۱۰ سال مذکور منظور می گردد. ماده ۶۳ ـ یکماه قبل از پایان هر دوره سردفتران پانزده سردفتر و دفتریاران نیز پانزده دفتریار واجد شرایط را با رای مخفی برای عضویت هیات مدیره کانون انتخاب خواهند نمود. پس از اخذ رای هیات نظارت بر انتخابات صورت اسامی حایزین اکثریت را ضمن صورت مجلس پایان انتخابات به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال خواهد داشت و وزیر دادگستری از بین منتخبی ن اعضای اصلی و علی البدل کانون هر محل را تعیین خواهد کرد. ماده ۶۴ ـ دوره تصدی اعضای هیات مدیره سه سال و انتخاب مجدد آنها بلامانع است ماده ۶۵ ـ سردفتران عضو هیات مدیره در اولین جلسه با رای مخفی از میان خود یک رییس ـ یک نایب رییس و یک خزانه‌دار و یک دبیر انتخاب خواهند کرد. تصمیمات هیات مدیره به اکثریت آرا معتبر می‌باشد. رییس هیات مدیره نماینده قانونی کانون در اجرای تصمیمات هیات مدیره است و مکاتبات کانون با امضای او خواهد بود و در امور مالی امضای خزانه دار نیز لازم است ماده ۶۶ ـ وظایف کانون به شرح زیر است ۱ ـ فراهم کردن موجبات پیشرفت علمی و عملی سردفتران و دفتریاران ۲ ـ ایجاد وحدت رویه در جهت اجرای مقررات و نظامات در دفاتر اسناد رسمی با تایید سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۳ ـ اداره امور مالی کانون از قبیل تنظیم بودجه ـ وصول درآمدها ـ پرداخت مخارج ـ تهیه ترازنامه ۴ ـ کمک به اشخاص بی بضاعت از طریق راهنمایی آنان به دفاتر اسناد رسمی به منظور تنظیم و ثبت اسناد آنها بدون دریافت حق تحریر. ۵ ـ انجام دادن امور مربوط به بیمه بازنشستگی و صندوق تعاون سردفتران و دفتریاران موضوع مواد ۵۶ و ۵۷ و ۶۸ این قانون ۶ ـ همکاری با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در بازرسی و نظارت در امور دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق در هر مورد که کانون از تخلف و یاسو شهرت سردفتر ، ۱۸ سردفتر یا دفتریاری

اطلاع حاصل کند باید پس از رسیدگی مقدماتی مراتب را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گزارش دهد. ۷ ـ تنظیم و تصویب آیین نامه استخدامی کارکنان دفاتر اسناد رسمی ۸ ـ رسیدگی به اختلافات ناشی از روابط شغلی میان سردفتر و دفتریار و اعلام نظر قطعی کانون به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت اتخاذ تصمیم‌لازم ماده ۶۷ ـ تا زمانی که در استانی کانون سردفتران تشکیل نشده باشد امور مربوط به دفاتر اسناد رسمی آن استان به عهده کانون نزدیکترین استان می‌باشد. ماده ۶۸ ـ کانون سردفتران تهران مکلف است کلیه سردفتران و دفتریاران را از محل وجوه موضوع ماده ۵۵ این قانون برابر آیین نامه مصوب بیمه کند. وجوه دریافتی سردفتران و دفتریاران و بازماندگان آنها از لحاظ معافیت مشمول مقررات ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ خواهد بود.

فصل هفتم ـ مقررات مختلفه (ماده ۶۹ تا ۷۶)

ماده ۶۹ ـ سردفتر شاغل که بازنشسته می‌شود می‌تواند شخص واجد صلاحیت طبق مقررات این قانون را برای تصدی دفترخانه خود به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معرفی کند. مدت لازم برای معرفی در مورد بازنشستگی الزامی دو ماه قبل از تاریخ بازنشستگی است و در غیر این مورد باید معرفی مزبور ضمن تقاضانامه بازنشستگی به عمل آید. ورثه سردفتر متوفی که حین‌الفوت شاغل بوده است تا ششماه از تاریخ فوت سردفتر می‌توانند مجتمعا به ترتیب فوق شخص واجد صلاحیت را معرفی کنند. درصورتی که سردفتر یا وراث او در مهلتهای مذکور شخص واجد صلاحیت معرفی نکنند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌تواند تصدی دفترخانه را با رعایت مقررات این قانون به شخص واجد شرایط دیگری واگذار نماید. ماده ۷۰ ـ کانون سردفتران تهران مکلف است با موافقت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اوراق مخصوصی برای تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی تهیه کند و آنچه را که به عنوان مقررات عمومی و کلی در هر معامله یا سندی الزاما باید قید شود تعیین و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید نسبت به‌تهیه اوراق رسمی که آن مقررات در پشت اوراق قید خواهد شد اقدام کند. در این صورت ثبت آنچه که به نام مقررات کلی و عمومی در پشت اوراق چاپ‌شده است در متن سند و دفتر ضرورت ندارد و پس از امضای دفتر برای طرفین لازم‌الرعایه خواهد بود. ماده ۷۱ ـ محاکم دادگستری مکلفند در هر مورد که رای بر بیاعتباری سند رسمی صادر می‌کنند مراتب را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام‌کنند. هرگاه موضوع سندی که ابطال شده ملک باشد مفاد حکم در ملاحظات ثبت دفتر اسناد رسمی توسط سردفتر منعکس خواهد شد. ولی هرگونه اقدام نسبت به دفتر املاک و سند مالکیت موکول به صدور حکم نهایی و اعلام آن به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خواهد بود. در صورتی که بی اعتباری سند ناشی از تخلف سردفتر یا دفتریار از قوانین و مقررات باشد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت تعقیب انتظامی او اقدام خواهد کرد. ماده ۷۲ ـ محاکم دادگستری در هر مورد که رای به حجر اشخاص می‌دهند باید مراتب را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کنند. ماده ۷۳ ـ نظارت و بازرسی دفاتر اسناد رسمی به وسیله بازرسان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا کانون سردفتران یا هیاتهای مخصوصی که ازطرف وزارت دادگستری تعیین می‌شوند یا نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی برای امور مالیاتی به عمل خواهد آمد. سایر مراجع دولتی که به‌منظور بازرسی امور مربوط به دستگاه خود احتیاج به مراجعه و ملاحظه دفاتر داشته باشند مراجعه آنها باید با اطلاع اداره ثبت محل و حضور بازرس ثبت باشد. امور مالی دفترخانه باید لااقل هر ششماه یکبار مورد بازرسی قرار گیرد. ماده ۷۴ ـ کسانی که به سردفتری دفتر اسناد رسمی انتخاب می‌شوند مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ صدور ابلاغ نسبت به تشکیل دفترخانه اقدام نمایند والا ـ ابلاغ آنها کان لم یکن خواهد بود. ابلاغ سردفتری افرادی که در تاریخ تصویب این قانون بیش از سه ماه از تاریخ صدور آن گذشته باشد و به تاسیس دفترخانه اقدام نکرده باشند نیز کان لم یکن تلقی می‌شود. ماده ۷۵ ـ وزارت دادگستری مکلف

است کلیه آیین نامه‌های مذکور در مورد این قانون را ظرف ششماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به موقع اجرا بگذارد. مادام که آیین نامه‌های این قانون تصویب نشده باشد در هر مورد که اجرای مقررات این قانون به تصویب آیین نامه محول شده است آیین نامه‌های قبلی مجری خواهد بود. ماده ۷۶ ـ آن قسمت از قوانین و مقررات که مغایر با مقررات این قانون باشد، نسخ می‌شود.

قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران –مصوب۲۵ ۴ ۵۴

مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ (روزنامه رسمی ۱۳۷۶۴ ـ ۲۴/۳/۱۳۷۱) ماده ۱ ـ بند ۷ ماده ۶۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ حذف و کلیه کارکنان دفاتر اسناد رسمی مشمول قانون کار می گردند. ماده ۲ ـ لایحه قانونی راجع به حق التحریر دفاتر اسناد رسمی و نحوه تقسیم آن مصوب ۳/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب در خصوص کمک به کارکنان دفاتر اسناد رسمی لغو می گردد. ماده ۳ ـ پانزده درصد از حق التحریر دفاتر اسناد رسمی هر ماهه به عنوان پاداش به کارکنان دفاتر اسناد رسمی پرداخت می گردد. تبصره ـ آیین نامه نحوه توزیع پاداش به کارکنان توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب ریاست قوه قضاییه خواهد رسید.

آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی – مصوب ۱۳۱۷ با اصلاحات و الحاقات

در کلیات – (ماده ۱ تا ۱۵)

مصوب ۱۳۱۷ با اصلاحات و الحاقات (روزنامه رسمی شماره ۱۴۰۹/۶۲۴۳ مورخ ۱۴/۲/۱۳۱۷ به همراه اصلاحات و الحاقات مصوب ۱۳/۸/۴۳ و ۱۸/۱۰/۴۹) وزارت عدلیه نظر به ماده ۴۷ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ مقرر می‌دارد. در کلیات ماده ۱ ـ دفاتر اسناد رسمی باید مجلد بوده و تمام صفحات آن را در بدو امر مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او شماره گذارده به امضای خودممضی و به مهر پارکه مهر نماید. ماده ۲ ـ مجموع عده صفحات هر دفتر را باید مدعی العموم یا نماینده او با تمام حروف در صفحه اول و آخر دفتر با ذکر تاریخ قید کند. ماده ۳ ـ دفاتر ثبت اسناد مادام که صفحه سفید دارد استعمال می‌شود و پس از تمام شدن ، متصدی دفتر ذیل آن را بسته و در ضمن صورت مجلسی که بلافاصله پس از آخرین ثبت دفتر نوشته می‌شود ختم دفتر را قید کرده و امضا می‌نماید. ماده ۴ ـ هر سردفتر و دفتریار و نماینده قبل از تصدی باید دو نمونه از امضای خود را بدهد. یکی از نمونه‌ها در دفتر ثبت محل و دیگری در اداره کل ثبت اسناد و املاک بایگانی خواهد شد. ماده ۵ ـ کلیه سردفتران و دفتریاران و نمایندگان موظفند اسناد و دفاتر را مطابق نمونه ای که داده‌اند امضا نمایند. ماده ۶ ـ این ماده به لحاظ مغایرت با ماده ۲۰ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ و ماده ۱۲ آیین نامه مربوطه ملغی شده ماده ۷ ـ شماره ثبت معاملات دفاتر اسناد رسمی باید مسلسل بوده و در آخر سال تجدید نشود. ماده ۸ ـ در موقع مراجعه اشخاص برای انجام معامله به دفاتر اسناد رسمی باید از مراجعه کنندگان ورقه شناسنامه مطالبه شود. ماده ۹ ـ در کلیه اسناد و دفاتر و قبوض باید تاریخ شمسی قید گردد. ماده ۱۰ ـ دوائر دولتی و موسساتی که برای ثبت معاملات خود اوراق مخصوصی تهیه نموده و برای ثبت معامله در آن اوراق به دفاتر اسناد رسمی مراجعه می‌نمایند در صورتی اوراق مزبور پذیرفته می‌شود که به تصویب اداره کل ثبت اسناد و املاک رسیده باشد. تبصره ـ سردفتران می‌توانند با اجازه اداره کل ثبت اوراق تصویب شده را در دفتر مخصوصی به هزینه خود چاپ نمایند. ماده ۱۱ ـ هرگاه کسی بخواهد وجهی تودیع نماید تا دویست ریال را در مقابل قبض رسمی نزد نماینده دفتر اسناد رسمی (چنانچه دارای نماینده باشد) والا نزد سردفتر تودیع نموده و بیش از مبلغ مذکور را باید به صندوق ثبت محل سپرده و در مقابل رسید به سردفتر اسناد

رسمی تسلیم نماید. در هر دومورد فوق دفتر اسناد رسمی مکلف است منتهی در ظرف دو روز مراتب را به اداره ثبت محل اطلاع دهد تا اداره ثبت تودیع وجه را به وسیله اخطار به‌طرف ابلاغ کند. ماده ۱۲ ـ در دفتر اسناد رسمی وجه تودیع شده در دفتر مخصوص ثبت می گردد و در موقعی که قبض وجه تودیع شده به صاحب آن رد می‌شود در ستون مربوطه دفتر از کسی که قبض به او تسلیم شده رسید اخذ می گردد. ماده ۱۳ ـ هیچ یک از سردفتران یا دفتریاران حق ندارند محل کار دفتر خود را بدون اطلاع و اجازه اداره ثبت تغییر دهند. ماده ۱۴ ـ سردفتران حق ندارند دفاتر را از محل کار خود به منزل اصحاب معامله ببرند مگر آن که محقق شود کسی که می‌خواهد معامله نماید مریض بوده ، که در این صورت باید تنظیم سند و ثبت معامله با حضور نماینده مدعی العموم محل و در نقاطی که دسترسی به مدعی العموم نباشد با حضور دونفر از معتمدین محل به عمل آید. تبصره یک (الحاقی مصوب ۱۳۴۳)ـ سردفتران مکلفند دفاتر اسناد رسمی را برای ثبت معاملات دولتی و بنگاه های عمومی به محلی که اداره کل ثبت تعیین و دستور می‌دهد برده و سند را در آن محل تنظیم و ثبت نمایند. تبصره دو (الحاقی مصوب ۱۳۴۳)ـ برای تنظیم اسناد زندانیان ، سردفتری که از طرف اداره کل ثبت معین می‌شود مکلف است دفاتر اسناد رسمی را به دفتر زندان برده سند رابا حضور نماینده دادستان شهرستان تنظیم و ذیل سند و ثبت دفتر مراتب را قید و به امضای ذینفع و نماینده مزبور برساند. ماده ۱۵ ـ در صورت تغییر سر دفتر مدیر ثبت اسناد واملاک محل و یا نماینده او با حضور مدعی العموم ابتدائی یا نماینده والا با حضور امین یا مامور صلح و در صورتی که هیچیک از مامورین مزبور حاضر نباشند با حضور دو نفر از معتمدین محل ذیل دفاتر را بسته و به قائم مقامی که بجای او معین میشود تسلیم می‌نمایند.

باب اول ــ در تنظیم اسناد و ثبت آن (ماده ۱۶ تا ۲۶)

فصل اول ــ در معاملات و قراردادها (ماده ۲۶ تا ۳۰)

ماده ۱۶ ـ هیچ سندی را نمی توان تنظیم و در دفتر اسناد رسمی ثبت نمود مگر آن که موافق با مقررات قانون باشد. ماده ۱۷ ـ در کلیه اسناد بایستی شماره شناسنامه و محل اقامت متعاملین به طور وضوح قید شود و هرگاه خود متعاملین تغییر محل اقامت خود را بعد ازثبت سند به دفتر اسناد رسمی و بعد از صدور و ابلاغ اجراییه به اداره اجرا اطلاع ندهند ، کلیه اوراق به‌همان محلی که در سند قید شده ابلاغ می گردد. ماده ۱۸ ـ سردفتر و نماینده هیچ سندی را نباید امضا نمایند مگر آن که وارد دفتر شده و به امضای اصحاب معامله رسیده باشد. ماده ۱۹ ـ سند معامله باید پس از تنظیم و ثبت در دفتر سردفتر و نماینده (چنانچه دارای نماینده باشد) و انجام سایر تشریفات به تصدیق و امضای اصحاب معامله برسد و متعاملین باید در یک جلسه اسناد و دفاتر مربوطه را امضا نمایند و در صورتی که قبوض اقساطی هم ضمیمه سند باشد قبوض مزبور را هم بایستی در همان جلسه که اسناد و دفاتر امضا می‌شود امضا کنند. ماده ۲۰ ـ سند ثبت شده در دفتر اسناد رسمی باید به صاحب سند یا وکیل او تسلیم و در دفتر مخصوصی رسید گرفته شود. ماده ۲۱ ـ در مورد اسنادی که در دو نسخه تنظیم می‌شود پس از ثبت یک نسخه در دفتر، باید در ذیل آن نسخه قید (نسختان) شود و در نسخه ثانی قید شود که نسخه اول این سند در ذیل شماره فلان ثبت و تمبر حق الثبت هم به آن الصاق گردیده و اگر سند بیش از دو نسخه لازم باشد فقط رونوشت داده‌می‌شود. ماده ۲۲ ـ تنظیم و ثبت معاملاتی که از طرف قیمین صغار و محجورین نسبت به اموال آنها در دفاتر واقع می‌شود، بدون اجازه کتبی مدعی العموم محل ممنوع است و به اوراق قیم نامه عادی در دفاتر اسناد رسمی نباید ترتیب اثر داده شود. ماده ۲۳ ـ دفاتر اسناد رسمی در مورد اقاله و فسخ معاملات باید به‌طریق ذیل عمل کنند: الف ـ در صورتی که یکی از متعاملین بخواهد از حق خیار فسخ خود استفاده نماید بایستی پس از احراز حق مزبور فسخ معامله در حاشیه سند و ثبت دفاتر قید شده و به امضای کسی که معامله را فسخ نموده برسد. سردفتر باید امضای شخص مزبور و وقوع فسخ را تصدیق و

امضا نمایـد و همین عمل را عینا نماینده (چنانچه دفتر اسـناد رسـمی دارای نماینده باشد) باید در دفتر خود بنماید. در این مورد زدن مهر باطل شـد، مورد نخواهـد داشت ب ـ در صورتی که طرفین برای اقاله به دفتر اسـناد رسـمی مراجعه کنند باید پس از اقاله معامله در سـتون ملاحظات دفتر ، سند معامله ابطال و مهر (باطل شد) روی سند و ثبت دفتر زده شود، در املاک چنانچه اقاله گردد خلاصه اقاله طبق خلاصه معاملات به دفتر املاک ارسال گردد. ماده ۲۴ ـ در اسنادی که مواد مختلفی بین اصحاب معامله مقرر شده مادامی که تمام مواد ، اقاله نشـده باشـد استعمال مهر (باطل شـد) در سـند و ثبت دفتر مورد نخواهد داشت ماده ۲۵ ـ هیـچ یک از اوراق را نباید قبل از تنظیم آن اصحاب معامله امضا نمایند.

فصل دوم ـ در معاملات غیرمنقول (ماده ۳۱ تا ۴۶)

ماده ۲۶ ـ در کلیه اسناد اجاره باید در متن سـند تصریح شود که اگر بعد از گسستن عقد و یا پس از انقضای مدت اجاره عین مورد اجاره تخلیه نشود، مادام که اجاره‌دار ملک را در تصـرف دارد بهره بهای زمان تصرف معادل اجاره بها ، بدهی مسلم او می‌باشد که ملتزم است تـادیه نمایـد مگر این که طرفین معامله به نحو دیگر تراضـی نماینـد. ماده ۲۷ ـ در مورد معاملات با شـرط وکالت خارج باید شـرط مزبور در همان سـند قید شود و تنظیم سـند شـرط نامه جداگانه ممنوع است ماده ۲۸ ـ در مورد کلیه معاملات اقساطی و اسناد و اجاره نامه باید قبوض اقساطی چاپی صادر شود. ماده ۲۹ ـ در کلیه اسـناد معاملات نمی‌توان وکالت داین را از طرف مدیون در انتقال مقـداری از مال مدیون بخود به عنوان وجه التزام قید نمود. ماده ۳۰ ـ در مورد معاملات اقساطی باید قبوض رسمی به عده اقساط صادر و شـماره سـند معامله و تاریخ تادیه در آن قید شده به امضای متعهد برسد.قبوض مزبور به داین تسـلیم و تعداد شـماره قبوض آن در سـتون ملاحظات دفتر ذکر شـده به امضای متعهـدله خواهـد رسـید و در صورتی که ضامن داشـته باشد اسم ضامن در قبوض اقساطی قیـد گردیـده به امضای ضامن برسـد. چنانچه قبوض اقساطی مربوط به اصل معاملات شـرطی یا رهنی باشـد بایـد در قبوض مزبور رهنی و یا شرطی بودن معامله قید شود.

باب دوم ـ در صدور ورقه اجراییه (ماده ۴۷ تا ۵۱)

ماده ۳۱ ـ در مورد املاکی که در دفتر املاک ثبت نشده باشد سردفتر مکلف است قبل از تنظیم سند، وضعیت ثبتی ملک را از اداره ثبت محل اسـتعلام نموده و پس از وصول صورت وضعیت ثبت ملک هرگاه مانعی برای انجام معامله نباشد اقدام به ثبت سند نماید. تبصره (الحاقی مصوب ۱۳۴۹)ـ دفاتر اسناد رسـمی مکلفند وضـعیت املاک ثبت شده حوزه ثبت تهران را از لحاظ بازداشت و عدم شمول مقررات لاـیحه قـانونی اراضـی‌دولت و شـهرداری هـا و بانکها و اوقاف مصوب مردادماه ۱۳۳۵ و قانون اصـلاحی سال ۱۳۳۹ اسـتعلام نماینـد. پاسـخهای رسیده از ماشـینهای الکـترونیکی که روی برگهـای مخصوص منعکس و بـا مهر مخصوص ثبت مربوط ممهور گردیـده نیز معتبر خواهـد بود. ماده ۳۲ ـ در کلیه اسـناد معاملاـت املاک بایـد شـماره پلاک و حـدود و فواصل ملک مورد معامله تصـریحا قید گردد. ماده ۳۳ ـ هرگـاه معامله راجع به انتقال قطعی تمام ملک ثبت شـده باشـد، سـردفتر بایـد خلاصه آن را در صفحات خلاصه انتقالات قیـد و امضا کرده و به انتقال گیرنـده تسلیم نمایـد تا در صورتی که بخواهد، سـند مالکیت جدیدی برای خود تحصـیل کند. ماده ۳۴ ـ در موردی که معامله راجع به انتقال یک قسـمت از ملک باشـد خلاصه آن باید در صـفحات خلاصـه انتقالات قیـد و امضا گردیـده و سـند مزبور به انتقال دهنـده مسترد گردد، در این صورت انتقال گیرنـده می‌تواند به اداره ثبت حوزه وقوع ملک مراجعه کرده و برای خود سـند مالکیت مستقل تحصـیل نماید. ماده ۳۵ ـ در مواردی نیز که معـامله مربوط به واگـذاری حق عینی نسبت به ملک (مثل رهن و حقوق ارتفاقی) و یا راجع به انتقال تمام یا قسـمتی از عین ملک با حق استرداد باشـد سـردفتر

باید آن را در صفحات خلاصه انتقالات قید و امضا نماید. ماده ۳۶ ـ بعد از تنظیم سند، سردفتر مکلف است خلاصه معامله را که نزد او واقع شده روی برگهای مخصوص این کار نوشته منتهی در ظرف پنج روز به اداره ثبت بفرستد. خلاصه نامبرده باید حاوی نام پدر و شماره شناسنامه متعاملین نیز بوده و علاوه بر امضای آنان به امضای سردفتر و نماینده ثبت درصورتی که دارای نماینده باشد ممضی باشد. تخلف از دستور این ماده مستلزم کیفر انتظامی شدید خواهد بود. ماده ۳۷ ـ در صورتی که معامله راجع به ملک ثبت شده باشد باید خلاصه آن مستقیما به دفتر املاک ثبت محل فرستاده شود که در ذیل ثبت ملک قیدگردد و در غیر این صورت به دایره بایگانی ثبت محل داده می‌شود. قسمت اول این ماده در مورد وصیت نسبت به املاک ثبت شده هم باید رعایت گردد. ماده ۳۸ ـ شخصی که نسبت به عین ملک حقی به او واگذار شده باید نسخه‌ای را که به‌او داده شده به ترتیب مقرر در ماده فوق به دفتر املاک یا دایره بایگانی بدهد و رسید دریافت دارد. ماده ۳۹ ـ در مورد عمری و رقبی و سکنی مقررات ماده فوق راجع به تنظیم خلاصه سند و ارسال آن به اداره ثبت حوزه وقوع ملک باید مجری گردد. ماده ۴۰ ـ در مورد معاملات وراث متوفی نسبت به املاک معامله را وقتی می‌توان تنظیم و ثبت نمود که گواهی نامه انحصار وراثت در دست داشته وبین آنها در سهم الارث توافق باشد. ماده ۴۱ ـ در مورد ترکه متوفی که دارای صغیر است چنانچه قبل از صدور گواهی نامه انحصار وراثت برای دریافت درآمد و یا پرداخت دیون و یا صرف وجه اقدام فوری لازم باشد و مدعی العموم بدایت در مرکز با موافقت مدعی العموم کل و در ولایات با موافقت مدعی العموم استیناف اجازه انجام امری که لازم بوده بدهد، تنظیم سند معامله در دفاتر اسناد رسمی برای این گونه امور مجاز و موکول به صدور گواهینامه انحصار وراثت نخواهد بود. ماده ۴۲ ـ در موقع مراجعه کلیه اتباع خارجه برای تملک اموال غیرمنقول باید سردفتران جواز اقامت آنها را ملاحظه تا در صورتی که مدت آن منقضی نشده باشد بوسیله اظهارنامه مخصوص از اداره ثبت محل برای تنظیم سند معامله تحصیل اجازه نمایند. ماده ۴۳ ـ در مورد اتباع خارجه که از اعضای سفارتخانه ها و مستخدمین و روسای هیاتهای اعزامی (میسیون) باشد گذرنامه آنها که به تصدیق شهربانی رسیده باشد به‌منزله جواز اقامت خواهد بود. ماده ۴۴ ـ تنظیم و ثبت اسناد معامله غیرمنقول اتباع ایران که ترک تابعیت نموده‌اند و مطابق قانون حق خرید اموال غیرمنقوله در ایران ندارند ممنوع است ماده ۴۵ ـ در مورد معاملات با حق استرداد (بیع شرط و رهن و غیره اتباع خارجه ، تحصیل اجازه مخصوص از اداره ثبت محل لازم نیست و مثل معاملات اتباع داخله باید وضعیت ثبتی ملک استعلام و خلاصه معامله نیز به اداره ثبت ارسال گردد. ماده ۴۶ ـ در مورد فسخ معاملات املاک ثبت شده دفاتر اسناد رسمی مکلف هستند پس از قید فسخ در دفاتر و سند مالکیت ، لاشه سند معامله و اعلامیه فسخ را به دفتر املاک حوزه ثبت ارسال داشته و رسید دریافت نمایند.

باب سوم ـ در حق الثبت و تعرفه حق التحریر (ماده ۵۲ تا ۵۹)

ماده ۴۷ ـ تقاضای صدور ورقه اجراییه باید به وسیله تقاضانامه از ناحیه ذی نفع و یا قائم مقام او از دفتر اسناد رسمی که سند مورد اجراییه در آن دفتر ثبت شده به عمل آمده و رسید دریافت دارد. ماده ۴۸ ـ در مورد فسخ معاملات و تقاضای تخلیه عین مستاجره باید قبوض اقساطی بقیه مدت ضمیمه تقاضانامه باشد. ماده ۴۹ ـ دفتری که سند مورد تقاضای اجرا در دفتر او ثبت شده پس از اطمینان به هویت تقاضاکننده و تشخیص این که حق مطالبه اجرای مفاد سند را دارد سواد سند را در سه نسخه تهیه کرده و به اداره ثبت می‌فرستد. ماده ۵۰ ـ ورقه اجراییه را فقط نسبت به موضوعاتی می‌توان صادر کرد که در سند مربوطه منجزا قید شده باشد. ماده ۵۱ ـ نسبت به وجه التزامی که در معاملات استقراضی یا هر نوع قرارداد و معامله دیگری مقرر شده و متعهد به تادیه آن ملزم باشد بیش از صدی دوازده در سال نباید ورقه اجراییه صادر شود.

در موارد مختلفه (ماده ۶۰ تا ۶۴)

ماده ۵۲ ـ حق الثبت در دفاتر اسناد رسمی که دارای نماینده باشند به وسیله نماینده اخذ و معادل آن تمبر به سند الصاق می‌شود. ماده ۵۳ ـ مبلغ حق الثبت ماخوذی باید در دفتر در ستون حقوق دولتی قید شود. ماده ۵۴ ـ نسبت به وجه الضمانه و وجه التزام حق الثبت اخذ نمی گردد. ماده ۵۵ ـ حق‌الثبت معاملات بر طبق قانون باید اخذ شود و هرگاه مورد معامله غیر از وجه نقد باشد قیمت عادله ملاک عمل خواهد بود. ماده ۵۶ ـ حق‌الثبت باید قبل از تنظیم سند تادیه و قبض رسمی صادر گردد و هرگاه قبل از تنظیم سند معامله و ثبت آن در دفاتر مربوطه ، طرفین از انجام معامله صرفنظر نمایند باید در ظهر قبض ، رد وجه با تصدیق سردفتر قید و به امضای گیرنده آن برسد و درصورتی که معامله در دفتر ثبت شده باشدحق‌الثبت ماخوذه مسترد نخواهد شد و باید معادل حق الثبت تمبر به سند الصاق و باطل شود. ماده ۵۷ ـ در صورتی که اصحاب معامله برای تنظیم سند و یا استرداد وجه تادیه شده تا یکماه حاضر نشوند، وجوه دریافتی در هر ماه به حساب امانت به صندوق ثبت محل تحویل و قبض امانت دریافت می‌شود. ماده ۵۸ ـ دفاتر اسناد رسمی حق ندارند بیش از میزان مندرجه در تعرفه حق التحریر وجهی اخذ نمایند و حق‌التحریر هم به میزان اصلی معامله اخذ می گردد و نسبت به متفرعات آن هیچ گونه وجهی تعلق نمی گیرد. ماده ۵۹ ـ بعد از دریافت حق التحریر مطابق تعرفه مقرره در مقابل آن قبض رسید صادر و به دهنده آن تسلیم می‌شود و قبض مذکور با قید تاریخ و شماره در دفتر مربوطه ثبت می گردد.

آیین نامه موضوع تبصره ماده ۳ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی – مصوب ۷۱

ماده ۶۰ ـ در مورد انتقال املاک موقوفه و تبدیل به احسن باید اجازه اداره اوقاف ارایه شود. ماده ۶۱ ـ تنظیم و ثبت معاملات اشخاص به عنوان شرکت یا نمایندگی شرکت قبل از احراز شخصیت حقوقی آنها ممنوع است ماده ۶۲ ـ دفاتر اسناد رسمی رونوشت مصدق اسناد ثبت شده را چنانچه تقاضا شده باشد به صاحبان اسناد و اشخاص ذی نفع در معامله و به قائم مقام قانونی آنها می‌دهند و به غیر اشخاص فوق درصورتی رونوشت داده می‌شود که از محکمه گواهی نامه برای اخذ آن داشته باشند. ماده ۶۳ ـ رونوشت اوراقی که تشریفات آن در دفتر انجام نشده و ناقص مانده است باید قید شود که ثبت آن از چه جهتی ناقص مانده و تکمیل نشده‌است ماده ۶۴ ـ از قیم نامه و وکالت نامه و اوراق دیگری که برای تنظیم ثبت سند به دفتر اسناد رسمی سپرده شده رونوشت به تقاضاکننده داده می‌شود. ولی رونوشت مزبور در حکم اصل سند نبوده و سند عادی محسوب است و در ذیل آن قید می‌شود: رونوشت مطابق سند عادی است که به دفتر سپرده شده

آیین نامه اصلاحی ماده ۶۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب تیرماه ۵۴

در اجرای ماده ۳ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۳۳۷۱ و تبصره ذیل آن نحوه توزیع پاداش به کارکنان دفاتر اسناد رسمی به شرح زیر تصویب می‌شود ماده ۱ ـ سردفتر هر دفترخانه ، مکلف است ۱۵ درصد از حق التحریر مصوب اسناد تنظیمی در دفترخانه را در هر ماه احتساب و به کارکنان و دفتریار دوم همان دفترخانه به شرح آتی پرداخت نماید ماده ۲ ـ برای پرداخت پاداش رعایت شعایر اسلامی نوع شغل مهارت فنی ، نحوه رفتار با همکاران و ارباب رجوع ، دقت و صحت درکار و حضور منظم ، ملاک عمل خواهد بود. ماده ۳ ـ عناوین شغلی موجود در دفاتر اسناد رسمی و امتیازات عبارتند از ۱ ـ مستخدم و آبدارچی ۴ امتیاز ۲ ـ نامه رسان ۵ امتیاز ۳ ـ ماشین نویس ۶ امتیاز ۴ ـ بایگان ۷ امتیاز ۵ ـ ثبات ۷ امتیاز ۶ ـ مسیول خدمات اداری و مالی دفترخانه ۷ امتیاز ۷ ـ سند نویس ۸ امتیاز ۸ ـ دفتریار دوم ۵ امتیاز و در صورتی که متصدی هر کدام از مشاغل فوق الذکر باشد، از امتیاز آن شغل نیز بهره‌مند خواهد شد. تبصره ۱ ـ دفتریاران دومی که عهده دار کفالت

دفترياری اول باشند از دريافت پاداش برخوردار نخواهند بود. تبصره ۲ ـ در صورتی که کارکنان دفترخانه دارای مدرک تحصيلی ديپلم و ليسانس و بالاتر از آن باشند به ترتيب ۲ و ۳ امتياز به امتيازات فوق در ه رده اضافه می‌شود. تبصره ۳ ـ هرگاه کارمندی تصدی چند شغل از مشاغل را عهده دار باشد از کليه امتيازات آن مشاغل استفاده خواهد کرد. ماده ۴ ـ سردفتر دفترخانه مکلف است در پايان هر ماه بر اساس ضوابط مذکور در مواد ۳ و ۵ اين آيين نامه ۱۵٪ از حق التحرير ماهيانه را طبق ليستی ، در قبال اخذ رسيد، به کارکنان دفترخانه پرداخت و يا به حساب بانکی آنان واريز نمايد. تبصره ۱ ـ در صورت عدم رعايت ضوابط مذکور در ماده ۲ اين آيين نامه توسط کارمند سردفتر می‌تواند ۵۰٪ از سهم اختصاصی آن کارمند را کسر و به تساوی بين ساير کارمندان دفترخانه تقسيم و به آنان پرداخت نمايد. تبصره ۲ ـ مرجع رسيدگی به شکايات و اختلافات فی مابين سردفتر و کارمند ، نسبت به اجرای تبصره فوق هيات موضوع ماده ۶ اين آيين نامه خواهدبود. ماده ۵ ـ نحوه محاسبهٔ پرداخت ۱۵ درصد به شرح زير خواهد بود ۱۵ درصد حق التحرير ماهيانه هر دفترخانه تقسيم بر کل امتيازات کارکنان آن دفترخانه ضرب در امتياز شغل مورد تصدی هرکارمند، برای مثال فرض بر اين است که جمع ۱۵ درصد ماهيانه ۶۸۰۰۰۰ ريال و جمع امتيازات ۳۴ و جمع امتياز شغل ثبات عدد ۷ باشد ۱۴۰۰۰۰ = ۷ ۳۴ ۶۸۰۰۰۰ و يا در صورتی که جمع ۱۵ درصد ماهيانه ۴۸۰۰۰۰ ريال و جمع امتياز کارکنان دفترخانه‌ای ۴۸ باشد و جمع امتياز سند نويس عدد ۸ باشد ۸۰۰۰۰ = ۸ ۴۸ ۴۸۰۰۰۰ تبصره ـ در صورتی که دفترخانه ، فاقد کارمند باشد، سردفتر نسبت به پرداخت ۱۵ درصد پاداش موضوع قانون تکليفی ندارد. ماده ۶ ـ در صورت بروز اختلاف فی مابين سردفتر و کارکنان دفترخانه نسبت به ميزان و نحوه پاداش ، در هر واحد ثبتی ، هياتی مرکب از رييس واحد ثبتی يا قايم مقام او و يک سردفتر به انتخاب سردفتران همان حوزه ثبتی و يکی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی به انتخاب کارکنان دفاتر اسناد رسمی همان حوزه ثبتی تشکيل و ملاک ، تصميم اکثريت هيات خواهد بود که تصميمات آن قطعی و لازم الاجرا است تبصره ـ مدت عضويت سردفتر و کارمند مزبور ، دو سال خواهد بود و انتخاب مجدد آنها بلامانع و عضويت کليه اعضا تبرعی است اين آيين نامه مشتمل بر ۶ ماده و ۷ تبصره می‌باشد که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مامور اجرای آن است

آيين نامه تشکيل صندوق تعاون سردفتران و دفترياران دفاتر اسناد رسمی – مصوب ۱۸ ۱۰ ۱۳۷۴ با اصلا

ماده ۱ ـ پنج ماه قبل از پايان هر دوره کانون سردفتران و دفترياران ، رييس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تاريخ انقضای آن دوره را به رييس قوه قضاييه اعلام مينمايد و رييس قوه قضاييه هيات نظارت بر انتخابات کانون را تعيين خواهد کرد. تبصره ـ هيات مديره کانون موظف است شش ماه قبل از انقضا هر دوره مراتب را جهت اجرای اين ماده به رييس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام نمايد. ماده ۲ ـ هيات نظارت در استان تهران مرکب از دو نفر از قضات عالی رتبه و دو نفر از معاونين يا مديران کل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دو نفر سردفتر و يک نفر دفتريار شاغل که بيش از ده سال سابقه سردفتری و دفترياری داشته باشد و در ساير استان ها افراد مذکور از قضات و کارکنان عاليرتبه اداره کل ثبت اسناد و املاک و سردفتران و دفترياران همان استان با انتخاب رييس قوه قضاييه تشکيل خواهد شد. تبصره ـ چنانچه در مرکز استانی برای اين منظور سردفتر و دفتريار با سابقه بيش از ده سال به حد لازم وجود نداشته باشد سابقه بيش از پنج سال کافی خواهد بود. ماده ۳ ـ سردفتران و دفترياراني که به عضويت هيات نظارت تعيين ميشوند حق انتخاب شدن در هيات مديره را ندارند و همچنين اعضای هيات مديره وقت کانون نيز اعم از اصلی و علی البدل به عضويت هيات نظارت بر انتخابات تعيين نخواهند شد. ماده ۴ ـ اعضای هيات نظارت بر انتخابات بايد بلافاصله جهت فراهم نمودن مقدمات انتخابات در محل کانون تشکيل جلسه داده و از ميان خود يک نفر را به عنوان رييس و يک نفر را به عنوان نايب رييس و يک نفر را به عنوان دبير انتخاب مينمايند و طی اطلاعيه‌ای در يکی از روزنامه‌های کثيرالانتشار تهران يا يکی از روزنامه‌های محلی (مرکز استان و يا به طريقی ديگر که هيات مقتضی تشخيص دهد از سردفتران و دفترياراني که خود را

واجد شرایط عضویت در هیات مدیره کانون میدانند اعلام مینماید که ظرف مدت یک هفته از تاریخ تعیین شده در اطلاعیه نامزدی خود را کتبا به دفترهیات اعلام دارنـد. پس از انقضای این مدت هیات نظارت در حداقل زمان ممکن صورت اسامی داوطلبان واجد شرایط عضویت و تاریخ و ساعت شروع و ختم و محل اخذ رای را تعیین و مراتب را به طریق فوق به اطلاع سردفتران و دفتریاران حوزه انتخابیه خواهد رساند. ماده ۵ ـ سردفتران و دفتریارانی که نامزدی خود را برای عضویت در هیات مدیره کانون اعلام مینمایند بایـد دارای شرایط زیر باشند الف ـ اشتغال به شغل سردفتری و دفتریاری. ب ـ حداقل ده سال سابقه سردفتری اسناد رسمی و یا دفتریاری و یا کفالت و قضاوت ج ـ اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام د ـ اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه و قانون اساسی. ه ـ نداشتن پیشینه و محکومیت موثر کیفری. و ـ نداشتن محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالاـ در پنج سال اخیر خدمت خود. ز ـ داشتن حسن شهرت ح ـ عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه های رژیم طاغوت ط ـ عدم عضویت و هواداری از گروهک های غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی. ی ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر. تبصره ـ احراز شرایط مذکور با هیات نظارت است در صورت اختلاف اعضای هیات رای اکثریت مناط اعتبار است ماده ۶ ـ هیات مدیره وقت کانون سردفتران و دفتریاران موظف است هزینه و وسایل و امکاناتی که جهت انجام و اجرای انتخابات لازم است در اختیار هیات نظارت بر انتخابات قرار دهـد. ماده ۷ ـ هیات نظارت علاوه بر نصب اسامی نامزدهای واجد شرایط در محل مناسب صورت کامل اسامی سردفتران و دفتریاران شاغل حوزه انتخابیه را تهیه و در محل اخذ آرا در دسترس شرکت کنندگان قرار داده تا هر رای دهنده مقابل اسم خود را به نشانه شرکت در انتخابات کانون امضا نماید. ماده ۸ ـ هرگونه آگهی و آثار تبلیغاتی باید قبل از شروع اخذ رای از محل شعبه اخذ رای توسط هیات نظارت محو گردد. ماده ۹ ـ اخذ آرا در یک روز و در مدتی که کمتر از هفت ساعت نباشد در محل کانون یا هر محلی که توسط هیات نظارت تعیین شده انجام میشود وهیات نظارت موظف است پس از اخذ آرا و خاتمه رای گیری بلافاصله شروع به شمارش و قرایت آرا نموده و بعد از قرایت هر رای آن را با مهر قرایت شده مشخص و در پایان نتیجه آرا قرایت شده را صورت جلسه نمایند. تبصره ـ هرگاه شمارش همه آرا در روز اخذ رای میسر نباشد هیات نظارت پس از شمارش باقی مانده آرا صندوق محتوی آرا را لاک و مهر نموده وروز بعد بقیه آرا مذکور را به کیفیت مقرر در ماده فوق قرایت مینماید. ماده ۱۰ ـ کلیه سردفتران و دفتریاران شاغل در هر استان که کانون آن تشکیل شده فقط برای کانون همان استان حق رای خواهند داشت و انتخاب کنندگان حق تعیین وکیل یا نماینده جهت دادن رای ندارند. ماده ۱۱ ـ پس از پایان قرایت آرا و اعلام حایزین اکثریت در محل اخذ رای چنانچه نسبت به انتخابات معترضی باشد بایستی اعتراض خود را ظرف سه روز از تاریخ اعلام حایزین اکثریت به دفتر هیات نظارت تسلیم نماید و هیات نظارت ظرف یک هفته نسبت به اعتراضات رسیدگی و نظر خود را اعلام‌مینماید. ماده ۱۲ ـ در صورتی که هیات نظارت بر ابطال انتخابات نظر بدهد، رییس قوه قضاییه هیات نظارت دیگری تعیین و انتخابات تجدید خواهد شد. ماده ۱۳ ـ در صورت عدم وصول اعتراض و یا رد اعتراض ، هیات نظارت صورت حایزین اکثریت را به ترتیب آرا و با قید تعداد آرا آنها تهیه و به‌سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال میدارد تا طبق ماده ۶۳ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران اعضای اصلی و علی البدل انتخاب شوند.

آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی – مصوب ۱۲ آبان ۱۳۸۱

اشاره

مصوب ۱۸ ۱۰ ۱۳۷۴ با اصلاحیه‌های بعدی ماده ۱ ـ در اجرای ماده ۵۷ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب تیرماه ۵۴ و به منظور کمک

هـای ضروری بـا پرداخت وام به سـردفتران و دفتریاران و کارکنان دفاتر اسـناد رسـمی صـندوقی به نام صـندوق تعاون سـردفتران و دفتریاران دفاتر اسـناد رسـمی تاسیس می‌شود. صـندوق مزبور دارای شخصـیت حقوقی بوده و بر اساس مقررات این آیین نامه اداره خواهـد شد. ماده ۲ ـ سـرمایه صـندوق عبـارت است از سـرمایه فعلی به اضـافه مبـالغی که از محل سود حساب بیمه موضوع ماده ۵۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب سال ۱۳۵۴ عاید خواهد شد. تبصره ـ در اجرای این آیین نامه حساب خاصـی در یکی از شـعب بانـک ملی توسـط هیـات مـدیره کـانون افتتـاح و حساب مزبور به نام حساب صـندوق تعاون سـردفتران و دفتریاران دفاتر اسـناد رسمی نامیده خواهد شد. ماده ۳ ـ درآمد صـندوق ، متعلق به صندوق مزبور بوده و هزینه های تاسیس و اداره مربوط به آن از محل درآمـد صـندوق پرداخت خواهـد شد و باقیمانده درآمد به سـرمایه صـندوق افزوده خواهد شد. ماده ۴ ـ اداره امور صـندوق تعاون به عهـده هیات مـدیره کانون خواهـد بود ومدیر عامل صـندوق از بین اعضا هیات مدیره کانون برای مدت سه سال‌انتخاب می‌شود و میزان حقوق و مزایا و پاداش مـدیر عامل صـندوق طبق تصویب هیات مـدیره کانون خواهد شود که جز هزینه های صـندوق تعاون منظور و پرداخت خواهـد شـد. تبصـره ـ انتخاب مجـدد مدیرعامل پس از انقضا مدت فوق بلامانع خواهد بود و همچنین تغییر مـدیر عامل قبل از انقضا مـدت مزبور در اختیار هیات مدیره کانون است ماده ۵ ـ جلسات هیات مـدیره به جهت انجام امور صـندوق هر ماه یکبار تشـکیل و با حضور اکثریت اعضا هیات مدیره رسمیت خواهد داشت وتصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرا قابـل اجرا خواهـد بود. ماده ۶ ـ وظـایف هیات مـدیره کانون سـردفتران و دفتریاران در صـندوق تعاون به شـرح ذیل است الف ـ تعیین خط مشـی صـندوق و نحوه ضوابط و شـرایط و تشـخیص حق تقـدم وام گیرنـده و مـدت بازپرداخت آن ب ـ تعیین حـداقل و حـداکثر و شـرایط وام و تعیین سـهم اسـتانها و مرکز. ج ـ تصویب هزینه سالانه صـندوق که از طرف مدیرعامل تهیه وتنظیم و تقدیم می گردد. د ـ رسیدگی و تصویب ترازنامه صندوق که از طرف مدیرعامل تنظیم شده و همچنین بررسی عملکرد شش ماهه صندوق در هر سـال ماده ۷ ـ وظایف مـدیر عامل صـندوق تعاون الف ـ انتخاب و اسـتخدام و تغییر کارکنان صـندوق با تصویب هیات مدیره کـانون ب ـ مـدیر عامـل مسیول اداره امـور صـندوق تعـاون مـذکور می‌باشـد. ج ـ تنظیم بودجه سالیـانه و تنظیم امور اداری و مـالی صندوق د ـ اجرا تصـمیمات هیات مدیره در مورد صـندوق ه ـ امضا چکها و اوراق و اسناد مالی صندوق به عهده سه نفر مدیر عامل صنـدوق و خزانه دار و یـک نفر از دو نفر (رییس هیـات مـدیره و یـا نـایب رییس که امضـا مـدیرعامل الزامی است و ـ مـدیر عـامل نماینده قانونی هیات مدیره در محاکم و مراجع قضایی و اداری و همچنین اقامه دعوی علیه اشخاص در مراجع فوق و دفاع از دعاوی علیه صـندوق می‌باشد. تبصـره ـ مدیر عامل صندوق تعاون باید هر شش ماه یک بار گزارش جامعی ازجریان امور صندوق تعاون به هیات مدیره کانون تسلیم دارد. ماده ۸ ـ خدمت در صندوق تعاون و یا هیات مدیره کانون مانع از دریافت وام طبق شرایط و مقررات عمومی این آیین نامه نخواهد بود. موارد و شرایط پرداخت وام ماده ۹ ـ پرداخت وام مخصوص به موارد زیر است ۱ ـ تهیه مسکن یا محـل کار یا تعمیرات آن ۲ ـ تهیه ملزومـات مورد نیـاز دفترخانه ماننـد کامپیوتر ، ماشـین تحریر ، تلفن ، فاکس و نظایر آن ۳ ـ برای ازدواج سـردفتر یـا دفتریـار و کارکنـان و یـا فرزنـدان آنـان تبصـره ـ سـردفتران و دفتریاران و کارکنان بازنشسـته حق اسـتفاده از وام صنـدوق تعاون را طبق مقررات این آیین نامه خواهند داشت ماده ۱۰ ـ سال مالی از اول فروردین تا آخر اسفند ماه هر سال می‌باشد. ماده ۱۱ ـ کارمزد وام دریافتی ۴٪ در سال می‌باشد که در موقع پرداخت وام به میزان اصل وام متقاضـی اضافه خواهد شد و هرگونه هزینه های قانونی وارزیابی و بیمه مانـده بدهی و دریافت وام به عهده وام گیرنده می‌باشد. تبصـره ـ وام گیرنده ضـمن اخذ وام باید تعهـد نمایـد در صورت تاخیر در پرداخت اقساط علاوه بر اصل و کارمزد ، ۱۰٪ (ده درصـد) اقساط معوقه را به عنوان جریمه تاخیر در وجه صندوق بپردازد. ماده ۱۲ ـ نحوه و شـرایط تامین باز پرداخت وام از لحاظ احراز اسـتحقاق وام گیرنده و اخذ وثیقه یا ضامن موکول به تشـخیص هیات مدیره می‌باشد. ماده ۱۳ ـ حداکثر وام پرداختی به سـردفتران و دفتریاران اعم از شاغل و بازنشسـته با توجه به وضـعیت موجودی صندوق و میزان وجوه واریزی از محل‌سود حساب بیمه و بازپرداخت وام ها و نوع وام و امکان بازپرداخت آن

، همه ساله توسط هیات مدیره کانون پیشنهاد و به تصویب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خواهد رسید. تبصره ۱ ـ دستورالعمل تعیین سهم کارکنان و شرایط و ضوابط و نحوه پرداخت وام به آنان ظرف دو ماه پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه توسط کانون سردفتران و دفتریاران تهیه و به تصویب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خواهد رسید. تبصره ۲ ـ حداکثر مدت بازپرداخت وام های اعطایی به سردفتران و دفتریاران و کارکنان پنج سال است ماده ۱۴ ـ هیچ کس نمی‌تواند تا وقتی که وام دریافتی خود را کاملا واریز و تصفیه ننموده و یا ضمانت او خاتمه نیافته است وام مجدد دریافت یا ضمانت دیگری رابنماید. ماده ۱۵ ـ مدیر عامل صندوق موظف است فرم های لازم را برای تقاضا و دریافت وام تهیه و به تصویب هیات مدیره کانون برساند. ماده ۱۶ ـ این آیین نامه مشتمل بر ۱۶ ماده و ۴ تبصره تهیه و کلیه مقررات مغایر با آن ملغی و فاقد اعتبار می‌باشد.

فصل اول ــ تعاریف (اصطلاحات (ماده ۱)

ماده ۱ ـ اصطلاحات که در این آیین نامه ذکر شده به شرح زیر است الف ـ حساب بیمه برای انجام امور زیر ۱ ـ بیمه بازنشستگی ، از کار افتادگی ، بیمه عمر و حوادث ، سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی و مستمری ، مستمری بگیران ۲ ـ امور رفاهی و درمانی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی و عایله تحت تکفل آنان و مستمری بگیران ، حسابی به نام حساب بیمه توسط کانون در بانک ملی ایران افتتاح شده یا خواهد شد کلیه وجوه حاصل از ماده ۱۶۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ و ماده واحده مصوب۱۱۲۱۳۶۷ و ماده واحده ۲۸۲۱۳۷۳ که به بیمه سردفتران و دفتریاران تخصیص یافته به این حساب واریز شده یا خواهد شد. ب ـ حساب تعاون منظور از حساب تعاون حسابی است که از طرف کانون به منظور واریز سود حاصله از وجوه حساب بیمه ، در بانک ملی ایران افتتاح شده یا خواهد شد. ج ـ کانون منظور از کانون کانون سردفتران و دفتریاران موضوع ماده ۶۸ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۵۴ است د ـ منظور از دفتریار ، دفتریار اول اس

فصل دوم ــ تکالیف دفاتر اسناد رسمی (ماده ۲)

ماده ۲ ـ با توجه به بند یک ماده واحده مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی سردفتران دفاتر اسناد رسمی مکلفند ده درصد از حق التحریردریافتی هر ماه را به حساب تعیین شده واریز نموده و فتوکپی فیش پرداختی را ضمن اعلام کتبی جمع حق التحریر ماخوذه همان ماه تا دهم ماه بعد به کانون ارسال دارند. عدم انجام وظیفه مذکور تخلف انتظامی محسوب می گردد.

فصل سوم ــ بیمه بازنشستگی (ماده ۳ تا ۱۲)

ماده ۳ ـ حق بیمه بازنشستگی عبارت از مبلغی است که سردفتران و دفتریاران رسمی پس از احراز شرایط بازنشستگی و بازنشسته شدن در حدود قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۵۴ و این آیین نامه استحقاق دریافت آن را خواهند داشت تبصره ۱ ـ سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی مکلفند حداقل شش ماه قبل از فرارسیدن موعد بازنشستگی الزامی ، مراتب را جهت انجام مقدمات لازم کتبا به سازمان ثبت اعلام نمایند. تبصره ۲ ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ضمن صدور حکم موضوع بازنشستگی یا استعفا یا انفصال دایم یا سلب صلاحیت و اعلام فوت سردفتر یا دفتریار ، مدت اشتغال آنان را نیز به کانون اعلام می‌نماید. ضمنا یک نسخه از حکم صادره به دارایی مربوطه فرستاده خواهد شد تا بدهی مسلم سردفتر یا دفتریاران را ظرف مدت

سه ماه ضمن ارسال صورتمجلس رسیدگی به کانون ارسال و اعلام دارد. تبصره ۳ ـ صورتجلسه رسیدگی به امور مالی اشخاص مذکور در تبصره (۲) با تعیین میزان بدهی مسلم آنان همراه با صورتمجلس تحویل و تحول ، ظرف سه ماه توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به کانون ارسال می گردد. تبصره ۴ ـ صدور حکم برقراری حق بیمه بازنشستگی سردفتران و دفتریاران منوط است به پرداخت کلیه بدهی های مسلم سردفتر و دفتریار در دوران عملکرد که به مقتضای شغل و وظایف قانونی محوله بدهکار گردیده‌اند. در صورت عدم اعلام بدهی ظرف مهلت مذکور در تبصره‌های فوق ، کانون نسبت به صدور ابلاغ برقراری حق بیمه بازنشستگی اقدام خواهد نمود. ماده ۴ ـ سردفتران و دفتریارانی که به سن قانونی بازنشستگی می‌رسند الزاما بازنشسته خواهند شد ولو اینکه تحت تعقیب انتظامی یا کیفری و یا تحمل مجازات یا در حال تعلیق و یا انفصال موقت باشند. تبصره ۱ ـ در مواردی که سردفتر و یا دفتریار اول مستعفی شوند یا برابر مقررات برکنار یا به حکم دادگاه به انفصال دایم یا سلب صلاحیت محکوم شده یا بشوند مشروط به اینکه سابقه اشتغال آنان ده سال و بیشتر باشد از نظر سابقه خدمت و استفاده از حق بیمه بازنشستگی نسبت به مدت اشتغال استحقاق دریافت حق بیمه بازنشستگی را دارند. تبصره ۲ ـ چنانچه سابقه اشتغال سردفتران و دفتریاران موضوع تبصره (۱) کمتر از ده سال باشد، ۲۵٪ از حق بیمه پرداختی دفترخانه تحت تصدی درمدت اشتغال هر یک محاسبه و مقطوعا به سردفتر یا دفتریار پرداخت خواهد شد. پرداخت وجه موضوع این تبصره موکول به انجام تحویل و تحول و ارایه مفاصا حساب مالی و مالیاتی است ماده ۵ ـ هرگاه سردفتر یا دفتریار علیل و یا به علت حادثه‌ای ناقص شود به نحوی که از کارکردن باز بماند بدون شرط سن از ادامه اشتغال معاف خواهدشد. تشخیص این امور به عهده هیاتی متشکل از نماینده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و کانون و سازمان پزشکی قانونی در مرکز خواهد بود، چنانچه سابقه خدمت سردفتر و یا دفتریار مذکور کمتر از ده سال باشد، حق بیمه بازنشستگی بر مبنای ده سال محاسبه و پرداخت می‌شود و چنانچه سابقه خدمت آنان بیش از ده سال و کمتر از ۱۵ سال باشد، حق بیمه بازنشستگی بر مبنای ۱۵ سال تمام محاسبه و پرداخت می‌شود و نسبت به بیش از ۱۵ سال تمام ، طبق روال عادی و به نسبت مدت اشتغال محاسبه و پرداخت می گردد. تبصره ـ عایله تحت تکفل سردفتر و دفتریار موضوع این ماده و نیز عایله تحت تکفل سردفتر و دفتریار شاغلی که قبل از رسیدن به سوابق خدمتی فوق فوت شوند، از مزایای این ماده استفاده خواهند کرد. ماده ۶ ـ از اول سال ۱۳۸۲ به هر سردفتر بازنشسته در صورت ۳۰ سال سابقه خدمت و بیشتر ماهیانه سه میلیون ۳۰۰۰۰۰۰ ریال حق بیمه بازنشستگی پرداخت خواهد شد این مبلغ با توجه به موجودی حساب بیمه و افزایش هزینه زندگی هر سال با پیشنهاد کانون و تصویب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل تعدیل است تبصره ۱ ـ حق بیمه بازنشستگی ماهانه دفتریار معادل ۸۰٪ (هشتاد درصد) حق بیمه بازنشستگی سردفتر مطابق این آیین نامه خواهد بود. تبصره ۲ ـ توقیف حق بیمه بازنشستگی سردفتران و دفتریاران و مستمری بگیران سردفتران و دفتریاران متوفی در قبال مطالبات مسلم دولت یا محکومیت مدنی و یا عناوینی از این قبیل مطابق مقررات عمومی است ماده ۷ ـ سردفتران و دفتریارانی که بعد از تصویب قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۲۸ اسفندماه ۱۳۴۵ اشتغال داشته‌اند با احراز شرایط مقرر در این آیین نامه از حقوق بیمه بازنشستگی استفاده خواهند کرد. ماده ۸ ـ از تاریخ تصویب این آیین‌نامه حق بیمه بازنشستگی سردفتران و دفتریاران متوفی (اعم از شاغل یا بازنشسته که مشمول دریافت حق مزبور برابر مقررات بوده‌اند به عایله تحت تکفل قانونی آنان (فرزندان ـ همسر ـ پدر ـ مادر و نوادگانی که پدر و مادر آنان فوت شده وتحت تکفل سردفتر ودفتریار بوده‌اند) به نسبت مدت اشتغال و به تساوی به عنوان مستمری پرداخت خواهد شد. ماده ۹ ـ استحقاق ورثه سردفتر و دفتریار متوفی به دریافت مبالغ موضوع ماده فوق در مورد فرزندان و نوادگان ذکور تا زمانی است که به سن بیست و دو سال تمام خورشیدی نرسیده‌اند و یا مشغول تحصیل در یکی از دانشگاهها و یا موسسات آموزش عالی رسمی هستند مشروط به اینکه سن آنان از ۲۷سال تمام خورشیدی تجاوز نکرده باشد و در مورد فرزندان و نوادگان اناث و همسر تا موقعی خواهد بود که شوهر اختیار نکرده باشند و همچنین درمورد پدر و مادر استحقاق دریافت این وجوه منوط است به اینکه تحت تکفل متوفی بوده باشند. استخدام هر یک از

عـایله تحت تکفل در هر یک از سازمانهای دولتی و یا موسسات عمومی موجب قطع مستمری او خواهـد شـد. فرزنـدان و نوادگان انـاث که در زمـان حیـات سـردفتر و دفتریـار شوهر اختیـار کرده و پس از مطلقه شـدن یـا فوت شوهر مجـددا تحت تکفل سـردفتر و دفتریار قرار گرفته انـد مشـمول دریافت مسـتمری خواهنـد بود. دریافت حقوق بازنشسـتگی و مسـتمری از مراجع دولتی و غیر دولتی مانع اسـتفاده از مسـتمری موضوع این ماده نخواهد بود. تبصـره ۱ ـ زوجه سـردفتر یـا دفتریار متوفی چنانچه شاغل یا بازنشسته مراجع دیگر نیز باشد مشمول دریافت مستمری موضوع این ماده می‌باشد. تبصره ۲ ـ در صورت قطع مستمری هر یک از وراث ، سهم او به سهـام دیگر ورثه مشـمول دریافت ، بالسویه یا به سـهم وارث منحصـر اضافه خواهـد شـد. تبصـره ۳ ـ فرزنـدان و نیز نوادگـان ذکور سردفتر یـا دفتریـاری که در زمـان فوت آنـان دچـار عوارض روحی روانی و جسـمی بوده و یـا در زمـان مسـتمری بگیری دچار این عوارض شوند نیز تا زمان افاقه مشـمول دریافت مستمری خواهند بود. تبصره ۴ ـ هرگاه فرزندان یا نوادگان اناث سردفتر و یا دفتریار که شوهر اختیار کرده‌اند، بعد از فوت سـردفتر و یا دفتریار مطلقه شوند یا اختیار شوهر بعد از فوت سـردفتر یا دفتریار بوده باشد پس از مطلقه شدن به شـرط موافقت سایر مسـتمری بگیران می‌توانند به تساوی از سـهم مستمری موافقان استفاده‌نمایند. ماده ۱۰ ـ کانون مکلف است از تاریخ ابلاغ این آیین نامه وضـعیت کلیه سـردفتران و دفتریاران مشـمول و بازماندگان سردفتران و دفتریاران متوفی را براساس مقررات این آیین‌نامه تطبیق داده و ابلاغ جدید برقراری حق بیمه بازنشسـتگی و یا مسـتمری برای آنان صادر و به موقع اجرا بگذارد. ماده ۱۱ ـ سـردفتران و دفتریاران در سـمتی که شاغل هسـتند طبق مقررات این آیین‌نامه بازنشسته خواهند شد. مدت اشتغال در دفتریاری اول برای سنوات بازنشستگی در سردفتری جزو سابقه خدمت آنها محسوب خواهد شد. ماده ۱۲ ـ کانون موظف است بر اساس دسـتورالعملی که سازمان ثبت تهیه و تصویب خواهد کرد به دفتریارانی که به علت انفصال سردفتر و یا تعطیلی دفترخانه به هر علت بیکار می‌شوند حداکثر تا دو سال مبلغی متناسب با معیشت آنان به عنوان کمک هزینه ماهیانه از محل حساب بیمه پرداخت نماید.

فصل چهارم ـ امور مالی (ماده ۱۳ تا ۱۸)

ماده ۱۳ ـ کانون موظف است حساب پرداختی هر دفتر اسـناد رسمی را بابت حق بیمه های پرداختی آن دفترخانه جداگانه نگهداری نماید و برای نگاهداری حساب درآمد و مصارف بیمه بازنشستگی دفاتر لازمه را تنظیم کند و پرداخت هایی که از این محل خواهد شد باید مستند به اسناد و مدارک مثبته باشد و اسناد و مدارک مربوطه را مرتبا ضبط و بایگانی و حسابها را به نحوی تنظیم نماید که در هر موقع قابل بررسـی و رسیدگی باشد. ماده ۱۴ ـ کـانون مکلف است از محـل حساب بیمه کلیه سـردفتران و دفتریاران شاغل و بازنشسـته و عایله تحت تکفل آنها و نیز ورثه واجد شرایط سردفتران و دفتریاران متوفی را بیمه درمانی (اصلی و تکمیلی نموده و در صورت اقتضا با تصویب رییس سازمان ثبت نسـبت به سایر بیمه های موضوع فراز یک بند الف ماده یک این آیین نامه اقدام نماید. ماده ۱۵ ـ کانون مکلف است برای تامین خدمات مذکور در ماده فوق با شـرکتهای بیمه و یا مراکز درمانی مجاز و پزشـکان سراسر کشور قرارداد لازمه را تنظیم یـا به طرق مقتضـی اقـدام و هزینه آن را از محل حساب فوق پرداخت نمایـد. ماده ۱۶ ـ کانون مکلف است حـداکثر تـا پایـان دی ماه هر سال حق بیمه بازنشسـتگی بازنشسـتگان و مسـتمری بازمانـدگان و هزینه های درمانی و بیمه های تکمیلی ، بیمه عمر و حوادث را برای سال آینده پیش‌بینی و تعیین و تنظیم و ضمن بودجه سالانه به سازمان ثبت ارسال نماید، رییس سازمـان ثبت در صورت بلااشـکال بودن حـداکثر تـا پایـان سـال آن را تصویب و جهت اجرا ابلاغ خواهـد نمود. مـاده ۱۷ ـ رییس سازمـان ثبت اسـناد و املاک کشور برای اداره محاسـبات دریـافت و پرداخت وجوه بیمه بازنشسـتگی و نظـارت مسـتمر بر عملیـات حسـاب بیمه ، شـخص مطلعی را به عنوان مـدیر داخلی برای مـدت دو سـال منصوب تـا تحت نظر هیـات مـدیره کـانون انجام وظیفه

نمایـد. انتخاب مجـدد و تغییر او در مـدت مـذکور بلااشـکال است مـدیر منتخب مکلف است گزارش سالانه عملیات را که به تایید یک موسسه حسابرسی رسمی رسیده باشد حداکثر تاپایان تیرماه سال بعد به رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تسلیم نماید. حق الزحمه مـدیر منتخب داخلی توسط هیات مـدیره کانون تعیین و پرداخت خواهـد شد. ماده ۱۸ ـ بـا تصویب این آیین‌نامه ، آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران اسناد رسمی و دفتریاران مصوب ۲۴ ۹ ۱۳۷۳ و اصلاحیه های بعدی آن و سایر مقررات مغایر ملغی می گردد.

اصلاح موادی از آیین نامه تشکیل صندوق تعاون سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی – مصوب ۱۳

مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحیه‌های بعدی ماده ۱ ـ در ماده (۱) عبارت (و کارکنان بعد از عبارت (پرداخت وام به سـردفتران و دفتریاران اضافه میشود. ماده ۲ ـ ماده ۲ به این شـرح اصـلاح می‌شود سرمایه صندوق عبارت است از سرمایه فعلی به اضافه مبالغی که از محل سود حساب بیمه موضوع ماده ۵۶ قانون دفاتر اسـناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب سال ۱۳۵۴ عاید خواهد شد. ماده ۳ ـ عبارت (و کارکنان به ترتیب به بنـد ۳ و تبصره ماده ۹ بعد از عبارت (سـردفترو دفتریار) و (سـردفتران و دفتریاران اضافه می‌شود ماده ۴ ـ کـارمزد وام دریافتی منـدرج در ماده ۱۱ از (۵٪) به (۴٪) اصـلاح و تبصـره زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود تبصـره ـ وام گیرنـده ضـمن اخذ وام باید تعهد نماید در صورت تاخیر در پرداخت اقساط علاوه بر اصل و کارمزد ۱۰٪ (ده درصد) اقساط معوقه را به عنوان جریمه تاخیر در وجه صندوق بپردازد. ماده ۵ ـ (ماده ۱۳) به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن اضافه می‌شود تبصره ۱ ـ دستورالعمل تعیین سهم کارکنان و شرایط و ضوابط و نحوه پرداخت وام به آنان ظرف دو ماه پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه توسط کانون سـردفتران ودفتریاران تهیه و به تصویب رییس سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور خواهـد رسـید. تبصـره ۲ ـ حداکثر مدت بازپرداخت وامهای اعطایی به سردفتران و دفتریاران و کارکنان پنج سال است

قانون توزیع حق التحریر دفاتر اسناد رسمی– موضوع ماده ۵۴ مصوب ۲۵ ۴ ۵۴–مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۷۳

موضوع ماده ۵۴ قانون دفاتر اسـناد رسمی مصوب ۲۵ ۴ ۱۳۵۴ مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۷۳ ماده واحـده ـ از تاریخ تصویب این قانون درآمد حاصل از حق التحریر دفاتر اسـناد رسمی موضوع ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۲۵ ۴ ۱۳۵۴ به شرح زیر پرداخت خواهد شد ۱ ـ به منظور تhمین وجوه لازم جهت اجرای مواد ۱۰، ۱۱، ۵۷، ۶۸ قانون دفاتر اسـناد رسمی ، دفاتر اسناد رسمی مکلفند همه ماهه ده درصد ازحق التحریر دریافتی را به حساب مربوط به بیمه و بازنشستگی و از کارافتادگی و امور رفاهی و درمانی سردفتران و دفتریـاران دفـاتر اسـناد رسـمی و عـائله تحت تکفـل آنـان پرداخت نماینـد. نحوه پرداخت و بیمه و بازنشسـتگی و حسـاب مربوط به موجب آیین نـامه ای خواهـد بود که از طرف سازمـان ثبت اسـناد و املاـک کـل کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. ۲ ـ پـانزده درصـد از حق التحریر مصوب توسط سـردفتر به دفتریار اول در مقابل اخـذ رسـید پرداخت خواهـد شـد. ۳ ـ قانون اصـلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسـناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۳ ۳ ۱۳۷۱ به قوت خود بـاقی است ۴ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود.

قانون تفسیر ماده (۴۲) قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران – مصوب ۶ ۳ ۱۳۷۵

مصوب ۶ ۳ ۱۳۷۵ موضوع استفسار ۱ ـ آیا مباشـرت رییس قوه قضاییه در اقدامات مصـرح در ماده (۴۲) قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴ لازم است و یا اختیار انجام اقـدامات مذکور قابل تفویض به سایر مقامات قوه قضاییه نیز

می‌باشد؟ ۲ ـ آیا تصمیمات دادگاه مقرر در ماده (۴۲) قانون فوق‌الذکر مشمول تبصره ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری می‌باشد که در نتیجه از صلاحیت دیوان عدالت اداری خارج باشد و یا این مرجع صلاحیت رسیدگی به شکایت از تصمیمات دادگاه فوق الذکر را دارد؟ نظر مجلس ماده واحده الف ـ در مورد بند (۱) (انجام اقدامات مذکور قابل تفویض به سایر مقامات قوه قضائیه می‌باشد.) ب ـ در مورد بند (۲) (دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به شکایت از تصمیمات دادگاه مذکور را دارد).

دستورالعمل ماده ۱۲ آیین نامه بیمه بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی – مصوب ۱۰ ۱۰ ۱

مصوب ۱۰ ۱۰ ۱۳۸۲ ماده ۱ ـ اداره کل امور اسناد و سردفتران موظف است اسامی دفتریاران اولی که دفترخانه آنها به هر علت از قبیل فوت انفصال ، بازنشستگی سردفتر تعطیل و آنان بیکار می‌شوند را با تعیین مدت اشتغال جهت برقراری کمک هزینه مذکور در ماده ۱۲ آیین نامه بیمه و بازنشستگی به کانون سردفتران ودفتریاران اعلام نماید. ماده ۲ ـ کانون سردفتران و دفتریاران موظف است بـه دفتریاران اول که به علت مذکور در ماده ۱ این دستورالعمل بیکار می‌شوند وجوهی به عنوان کمک هزینه ماهیانه از محل حساب بیمه به ترتیب زیر بر مبنای حق بیمه بازنشستگی دفتریاران پرداخت نماید ۱ ـ به دفتر یارانی که سابقه اشتغال آنها تا ده سال تمام است ماهیانه یک سوم حق بیمه بازنشستگی دفتریار ۲ ـ به دفتر یارانی که سابقه اشتغال آنها بیش از ده سال تمام تا پانزده سال تمام باشد ماهیانه یک دوم حق بیمه بازنشستگی دفتر یار ۳ ـ به دفتر یارانی که سابقه اشتغال آنها بیش از پانزده سال تمام باشد کمک هزینه به نسبت مدت اشتغال ماده ۳ ـ به دفتریاران مشمول این دستورالعمل در صورت تقاضای آنان ، از اولین روز بیکاری کمک هزینه ماهیانه تعلق خواهد گرفت تبصره ـ دفتر یارانی که قبلاً بیکار شده‌اند، در صورت ادامه بیکاری تا تاریخ تصویب این دستورالعمل از تاریخ لازم الاجرا شدن آیین نامه بیمه و بازنشستگی (۱۲۸۸۱) مشمول دریافت کمک هزینه موضوع مقررات مذکور خواهند بود. ماده ۴ ـ به دفتریاران مشمول این دستورالعمل که به هر طریق حقوق بازنشستگی یا مستمری دریافت می‌کنند، چنانچه دریافتی آنان کمتر از مبلغ موضوع بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۲ این دستورالعمل باشد با توجه به اشتغال در سمت دفتریاری اول حسب مورد مابه التفاوت آن مبالغ مزبور پرداخت‌خواهد شد. ماده ۵ ـ دفتریار مکلف است هنگام تسلیم تقاضای برقراری کمک هزینه به کانون ، تعهدنامه ای را که وسیله کانون تهیه خواهد شد تکمیل و امضا نموده و در آن متعهد شود به محض اشتغال در سمت دفتریاری (اصلی و جانشین مراتب را کتبا به کانون اعلام و چنانچه مبلغی اضافه پرداخت شده باشد ، کانون مجاز باشد مبلغ اضافه پرداختی را به هر نحو که صلاح بداند وصول نماید.

تصویبنامه برای تقسیم و تنظیم ثبت اسناد – مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ هیات وزیران

برای تقسیم و تنظیم ثبت اسناد راجع به وزارتخانه ها و موسسات و شرکتها و بانک های دولتی و شهرداری ها بین دفاتر اسناد رسمی ، در تهران هیاتی مرکب از نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی و رییس کانون سردفتران و نماینده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، در شهرهایی که بیش از یک دفتر اسناد رسمی وجود دارد رییس واحد ثبتی محل و نماینده اداره امور اقتصادی و دارایی و رییس کانون سردفتران و در نقاطی که کانون تشکیل نشده ، یکی از قضات دادگستری (به انتخاب رییس دادگستری یا رییس دادگاه بخش مستقل حسب مورد تشکیل می‌شود. هیات های مذکور با در نظر گرفتن ضوابط و تدابیری که متضمن تقسیم و توزیع عادلانه تنظیم و ثبت اسناد باشند تعداد دفاتر اسناد رسمی را برای انجام معاملات مربوط به هر یک از سازمانهای مذکور در فوق تعیین و به آنها ابلاغ خواهد نمود. هیات‌های مذکور می‌توانند در مواعد مقتضی در نحوه تقسیم و توزیع اسناد تجدیدنظر کنند. سازمانهای مذکور در فوق موظفند از تاریخ ابلاغ تصمیم هیأت در مورد تنظیم و ثبت اسناد مربوط به خود در دفتر اسناد رسمی ،

طبق تصمیم هیات عمل نمایند. رونوشت این تصویبنامه را وزیر دادگستری وقت (آقای غلامرضا کیانپور) به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و کانون سردفتران و کلیه دادگستری های استان شهرستان و دادگاه های بخش مستقل ابلاغ نمود.

دستورالعمل نقل و انتقال سردفتران اسناد رسمی – مصوب ۱۷ ۸ ۱۳۷۸

الف ـ سردفتران اسناد رسمی که حداقل ۵ سال به شغل سردفتری اشتغال داشته باشند ، می‌توانند درخواست انتقال به محل دیگری را بنمایند. این مدت برای درخواست انتقال به تهران ۱۰ سال و از شهرستان های حومه تهران به شهر تهران ۵ سال خواهد بود. نقل و انتقال سردفتران با توجه به نیازهای هر استان و موافقت مدیر کل استان مربوطه فقط برای یک بار صورت می گیرد ۱ ـ انتقال سردفتران اسناد رسمی از استانی به استان دیگر و نیز از محلی به محل دیگر ، هم تراز یا پایین تر ، بدون رعایت مدت مقرر در بند (الف خواهد بود ، این حکم در مورد انتقال سردفتر به نقاط محروم و بد آب و هوا نیز جاری است ؛ همچنین جابجایی دو سردفتر در صورت موافقت ادارات کل مربوطه ۲ ـ هر سال خدمت در مناطق محروم و بد آب و هوا دو برابر محاسبه خواهد شد. ۳ ـ مدت اشتغال لازم برای اقربای درجه یک خانواده شهدا و کسانی که بنا به گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی ، سرپرستی خانواده شهدا را به عهده دارند (به منظور تبعیت از محل سکونت خانواده شهید) آزادگان و ایثارگران دو برابر محاسبه خواهد شد. برای جانبازان هر ۲۵٪ جانبازی یک سال محاسبه می‌شود. ۴ ـ سردفترانی که محکومیت درجه ۳ به بالا دارند برای هر سال محکومیت ۲ سال به مدت های مقرر در بند (الف اضافه خواهد شد. ب ـ محلی که استعداد پذیرش یک دفترخانه به طور دایم را نداشته باشد و امر معاش سردفتر به لحاظ کمبود مراجعین ممکن نباشد با پیشنهاد اداره ثبت محل و موافقت اداره کل ثبت استان ابلاغ سردفتری سیار برای نزدیکترین سردفتر به محل مورد نیاز صادر خواهد شد. ج ـ محلی که قبلا ظرفیت چند دفترخانه را داشته و بعدا نیاز محل تقلیل یافته بنا به درخواست سردفتر و پیشنهاد ثبت محل و موافقت اداره کل ثبت استان ، سردفتر مزبور به محل دیگری که نیاز مبرم به تاسیس دفترخانه داشته باشد، منتقل خواهد شد. د ـ در مواردی که حسب گواهی هیات مقرر در ماده ۵ آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی مصوب ۱۳۷۳ اقامت سردفتر و یا افراد تحت تکفل او در محل ممکن نباشد، به پیشنهاد اداره کل ثبت استان و موافقت رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به محل مناسبی که توصیه شده ، منتقل خواهد شد. ه ـ سردفتران و دفتر یارانی که در مقطع کارشناسی ارشد یا بالاتر پذیرفته شده‌اند و برای ادامه تحصیل لازم باشد در محل دیگری غیر از محل اشتغال ادامه تحصیل دهند، می‌توانند برای ادامه تحصیل در محل جدید درخواست انتقال نمایند. و ـ درخواست‌های انتقال سردفترانی که از طریق اداره کل ثبت استان ها ارسال می‌شود به وسیله هیات مسئول نقل و انتقال مورد رسیدگی قرار می گیرد. هیات مزبور مرکب است از ـ معاون سازمان ثبت اسناد و املاک (قسمت امور اسناد) ـ مدیر کل امور اسناد و سردفتران ـ یک سردفتر به پیشنهاد کانون سردفتران و دفتریاران و تایید رییس سازمان ز ـ هیات سالی دو بار در اردیبهشت ماه و آبان ماه تشکیل می‌شود و با رعایت مقررات این دستورالعمل و با توجه به اولویت ها ونیازهای هر محل به درخواست ها رسیدگی و اعلام نظر می کند و اتخاذ تصمیم نهایی با توجه به نظریه هیات با رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است

تعرفه حق التحریر دفاتر اسناد رسمی – ۱۳۸۳

شماره ۱۰۱۵۵۸۳۱ ـ ۱۶.۷.۱۳۸۳ به استناد ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ و بنا به اختیار تفویضی شماره ۱۰۱۵۵۸۳۱ مورخ ۱۶ ۷ ۸۳ قوه قضاییه تعرفه حق التحریر دفاتر اسناد رسمی به شرح زیر اصلاح و تصویب میشود تا از تاریخ ۱ ۴ ۸۵ در کلیه دفاتر اسناد رسمی اجرا میشود. الف ـ اسناد رسمی موضوع ماده ۱۲۳ اصلاحی قانون ثبت اعم از قطعی ـ قرارداد ـ مشارکت مدنی و

فروش اقساطی ـ رهنی ـ استقراضی ـ اجاره اموال منقول و غیرمنقول و اقرارنامه و تعهدنامه هایی که در آن منجزا ذکر مبلغ میشود ۱ ـ اسنادی که مبلغ آن تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال است مقطوع ۱۵۰۰۰۰ ریال ۲ ـ اسنادی که مبلغ آن تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال است نسبت بمازاد دو میلیون ریال ۲۰ در هزار ۳ ـ اسنادی که مبلغ آن تا ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال است نسبت بمازاد ده میلیون ریال ۲ در هزار ۴ ـ اسنادی که مبلغ آن تا ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال است نسبت بمازاد دویست میلیون ریال ۵۱ در هزار ۵ ـ اسنادی که مبلغ آن از یک میلیارد ریال به بالاـ است نسبت بمازاد یک میلیارد ریال ۵۰ در هزار که در هر صورت حق التحریر متعلقه برای تنظیم و ثبت سند مجموعا از ۸۰۰۰۰۰۰ ریال تجاوز نخواهد کرد. تبصره ـ در صورتیکه طرفین معامله بیش از ۴ نفر باشند به ازا هر نفر اضافه ۵۰۰۰۰ ریال به حق التحریر متعلقه اضافه میشود. ب ـ اسناد رسمی موضوع ماده ۱۲۴ اصلاحی قانون ثبت که تعیین قیمت موضوع آنها ممکن نباشد. ۱ ـ وکالت نامه‌های مختصرحداقل ۶۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۱۵۰۰۰۰ ریال ۲ ـ وکالت نامه‌های مفصل حداقل ۱۰۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۳۵۰۰۰۰ ریال ۳ ـ تنفیذنامه و رضایت نامه‌حداقل ۵۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۲۵۰۰۰۰ ریال ۴ ـ تقسیم نامه برای هر واحد تقسیم مال منقول نظیر انواع خودرو و غیر منقول اعم از زمین و آب و قطعات تفکیکی (آپارتمان و نوع دیگر) ۷۵۰۰۰ریال که از ۳۰۰۰۰۰ ریال کمتر نخواهد بود. توضیح پارکینگ و انباری و سایر منضمات راجع به هر واجد جزو واحد تقسیم خواهد بود. ۵ ـ تعهدنامه دانشجویی و اعضا هیبت علمی دانشگاهها و مراکز آموزشی و بورسیه ها که بنفع واحد آموزش عالی یا آموزش و پرورش و صندوقهای مربوط به آنها داده میشود حداقل ۳۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۸۰۰۰۰ ریال ۶ ـ وقف نامه و وصیت نامه مختصر حداقل ۱۵۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۲۵۰۰۰۰ ریال ۷ ـ وقف نامه و وصیت نامه مفصل حداقل ۳۰۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۴۰۰۰۰۰ ریال ۸ ـ اقرارنامه و تعهدنامه حداقل ۳۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۷۵۰۰۰ ریال ۹ ـ صلح نامه و هبه نامه ها (که تعیین قیمت برای آنها مقدور نباشد) در صورتیکه در یک برگ باشد. حداقل ۶۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۱۵۰۰۰۰ ریال و به ازا هر برگ اضافی ۳۰۰۰۰ ریال اضافه میشود. ۱۰ ـ تعویض وثیقه ـ ضم وثیقه ـ اقاله و متمم قراردادها ۲۰۰۰۰۰ ریال ۱۱ ـ فک رهن یا فسخ اسناد۵۰۰۰۰ ریال ۱۲ ـ صدور اجراییه برای هر برگ ۳۰۰۰۰ ریال ۱۳ ـ صدور اخطاریه برای هر نفر ۲۰۰۰۰ ریال ۱۴ ـ دریافت و یا تعویض قبوض سپرده ۳۰۰۰۰ ریال ۱۵ ـ تهیه رونوشت یا فتوکپی مصدق از اسناد برای هر برگ ۲۵۰۰۰ ریال ۱۶ ـ صدور گواهی عدم ثبت معامله موضوع بند ۸۹ مجموعه بخشنامه های ثبتی ۵۰۰۰۰ ریال ۱۷ ـ ثبت عزل یا استعفای وکیل در حاشیه ملاحظات ثبت دفتر ۵۰۰۰۰ ریال ۱۸ ـ گواهی هر امضا حداقل ۱۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۳۰۰۰۰ ریال ۱۹ ـ سایر اسناد غیرمالی که در بالاـ نیامده از قبیل ابرا و ضم امین حداقل ۱۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۳۰۰۰۰ ریال تبصره ۱ ـ پرداخت حق التحریر و قیمت اوراق و اسناد و قبوض اقساطی بالمناصفه بعهده طرفین است مگر اینکه قبلا توافق دیگری در این خصوص بعمل آمده باشد یا اینکه یکی از طرفین شخصا تمام آن را بپردازد. تبصره ۲ ـ منظور از مختصر سندی است که به اندازه اوراق نیم برگی بیشتر نباشد و مفصل آن است که بیش از نیم برگی باشد. تبصره ۳ ـ در فرازهای ۱ الی ۳ و ۵ لغایت ۹ و ۱۸ و ۱۹ بند (ب به منظور رقابتی کردن نرخ دفاتر و فعالیتهای آنان بصورت حداقل و حداکثر تعیین گردیده است

آیین نامه مربوط به روشهای نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک و نحوه ثبت وقایع مالی و چگونگی تنظیم صورتهای مالی نهایی موضوع تبصره ۲ ماده ۹۵ اصلاحی مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ قانون مالیات‌های مستقیم

فصل اول ــ کلیات

ماده ۱ ـ مقررات این آیین‌نامه شامل مودیانی است که در موعد مقرر در قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱ ۲ ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن ترازنامه و حساب سود و زیان و با حسب مورد حساب درآمد و هزینه و حساب سود و زیان خود را با رعایت مقررات

مربوط تسلیم می‌نمایـد. تبصـره ـ مودیان در انتخاب یکی از رویه‌های حسابداری بر اساس اسـتانداردهای پذیرفته شده مجازند و در سالهـای بعـد بایـد همان رویه را اعمال نماینـد، در صورتی که به جهات مشخصـی تغییر رویه داده باشـند ، مکلفنـد اثرات حاصل از تغییر رویه را بر صورتهای مالی مشخص و طی یادداشتی جداگانه پیوست اظهارنامه به اداره امور مالیاتی تسلیم نمایند.

فصل دوم ـ مشخصات دفاتر قانونی (ماده ۲ تا ۷)

ماده ۲ ـ دفاتر قانونی مشمول این آیین‌نامه عبارت است از کلیه دفاتر روزنامه و کل اعم از مشترک یا جدا از یکدیگر و دفتر مشاغل (دفتر درآمـد و هزینه که قبـل از ثبت هر گونه عملیات حسابـداری در آنها، دفاتر روزنامه و کل مطابق مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ از طرف نماینده اداره ثبت اسـناد و دفتر مشاغل از طرف ادارات امور مالیاتی ذی ربط حسب مورد امضـا و پلمپ و ثبت گردیـده و به فارسـی و بـا خودنویس یا خودکار تحریر شـده باشـد. تبصـره ۱ ـ اشـتباه در شـماره گذاری صفحات و همچنین اشتباهات ناشی از پلمپ دفاتر در مراجع مذکور موجب بی اعتباری دفاتر نخواهد بود. تبصره ۲ ـ از پلمپ خارج شدن یکی از دفـاتر روزنـامه یـا کل موجب بیاعتباری دفاتر نخواهـد بود. مشـروط بر آن که ضـمن اعلام مراتب به اداره امور مالیاتی ، اقـدام به پلمپ مجدد دفتر مذکور شود یا پس از بستن ذیل آخرین ثبت دفتر قبلی ادامه فعالیت در دفتر پلمپ شده دیگر ثبت گردد. تبصره ۳ ـ ادارات امور مالیاتی موظفند فهرست دفاتر ثبت و پلمپ شده واصله از اداره ثبت اسناد و همچنین فهرست دفاتر مشاغل ثبت و امضا شـده از ناحیه خود را به ادارات امور مالیاتی مربوط ارسال نمایند. ماده ۳ ـ مودیان مشمول این آیین‌نامه مکلفند برای هر سال مالی ، فقـط از دفاتر امضا ، پلمپ و ثبت شـده ظرف یک سال قبل اسـتفاده نماینـد، مگر این که‌در اثنا سال به علت تمام شـدن دفاتر نیاز به دفاتر جدیـد باشـد که در این صورت مجاز هسـتند دفاتر جدید امضا پلمپ و ثبت نمایند و با رعایت مقررات ماده ۱۶ این آیین نامه ادامه عملیات مالی را در دفاتر جدید ثبت کنند. درج تعداد و مشـخصات دفاتر ماخوذه برای استفاده در هر سال مالی ، در اظهارنامه مالیـاتی مربـوط به آن سـال الزامی است مـاده ۴ ـ دفـتر روزنـامه دفتری است که اشـخاص حقوقی یـا حقیقی کلیه معاملات و سـایر رویدادهای مالی و محاسباتی خود را با رعایت اصول و موازین و اسـتانداردهای پذیرفته شده حسابداری و به ترتیب تاریخ وقوع در آن ثبت نماینـد. تبصـره ـ نگهـداری دفاتر روزنامه واحـد برای ثبت کلیه عملیات و یا دفاتر روزنامه متعـدد برای هر بخش از عملیات مجاز است ماده ۵ ـ دفتر کل دفتری است که عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه بر حسب سرفصل یا کدگذاری حساب‌ها در صفحـات مخصـوص آن ثبت می‌شـود، به ترتیـبی که تنظیم حسـاب سود و زیـان و ترازنـامه از آن امکان‌پـذیر باشـد. مـاده ۶ ـ دفـتر مشترک روزنـامه و کـل دفتری است که دارای سـتون هـایی برای سـرفصل هـای حساب های متفاوت باشـد، به طوری که اشـخاص حقوقی وحقیقی با ثبت و نگهـداری دفتر مـذکور بر طبق اصول و ضوابط و اسـتانداردهای حسابداری ، بتوانند نتایج عملیات خود را از آن استخراج و حساب سود و زیان و ترازنامه تهیه نمایند. ماده ۷ ـ دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه دفتری است که حداقل دارای ستونهایی برای درج تاریخ ، شـرح معاملات ، درآمد ، هزینه و دارایی های قابل اسـتهلاک باشد و معاملات مذکور به ترتیب تاریخ وقـوع در آن ثبت گردد، به طـوری که در پایـان سـال تعیین جمـع درآمـد و هزینه شـغلی مـودی و تنظیم‌حسـاب سود و زیـان از آن امکان‌پذیر باشد.

فصل سوم ـ سایردفاتر اسناد حسابداری و مدارک حساب (ماده ۸ تا ۱۰)

ماده ۸ ـ دفتر معین دفتری است که برای تفکیک و مجزا ساختن هر یک از حساب های دفتر کل برحسب مقتضیات و شرایط حساب

ممکن است نگهداری شود. کارت‌های حساب اعم از آن که به وسیله دست یا ماشین تهیه شده باشد، در حکم دفاتر معین است ماده ۹ ـ سند حسابداری فرمی است که در آن یک یا چند مورد از معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی به حساب‌هایی که حسب موردبدهکار یا بستانکار گردیده تجزیه می‌شود و پس از امضای مراجع ذی صلاح مندرجات آن قابل ثبت در دفاتر می‌باشد. ماده ۱۰ ـ مدارک حساب عبارت از مستنداتی است که بیانگر وقوع یک یا چند فعالیت یا رویداد مالی یا محاسباتی بوده و اسناد حسابداری و دفاتر بر مبنای آنها تنظیم و تحریر می گردد.

فصل چهارم ـ نحوه تحریر و نگهداری دفاتر قانونی (ماده ۱۱ تا ۱۷)

ماده ۱۱ ـ مودیانی که دفتر روزنامه و کل نگهداری می‌نمایند باید کلیه معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی و مودیان مجاز به نگهداری دفاتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه باید هر گونه درآمد و هزینه و خرید و فروش دارایی های قابل استهلاک خود را طبق مقررات این آیین‌نامه حسب مورد در دفاتر مربوط ثبت کنند ولو آن که برای نگهداری حساب‌ها از ماشین های الکترونیکی و کارتهای حساب استفاده شوند. تبصره ـ در خصوص اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل موضوع بند الف ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم ، اشتباهات حسابداری در صورت ارایه مستندات مربوط چنانچه بر پایه استانداردهای حسابداری در دفاتر همان سال اصلاح شود به اعتبار دفاتر خللی وارد نخواهد کرد. ماده ۱۲ ـ مودیان مجاز به نگهداری دفتر مشاغل می‌توانند تمام یا قسمتی از درآمد و هزینه های مشابه روزانه را تحت یک شماره ردیف در دفتر ثبت نمایند. مشروط بر این که در ستون شرح دفتر ، نوع و تعداد آنها را قید و اگر متکی به اسناد و مدارک باشد مشخصات آن را نیز در ستون مزبور درج نمایند. اقلام درآمد و هزینه و خرید و فروش داراییهای قابل استهلاک که در حدود متعارف متکی به اسناد و مدارک است می‌بایست پس از ثبت در دفتر مشاغل ، اسناد و مدارک مربوط به ترتیب شماره ردیف دفتر و به نحوی که برای رسیدگی ماموران تشخیص مالیات قابل استفاده باشد نگهداری گردد. ماده ۱۳ ـ در مواردی که دفاتر روزنامه و کل نگهداری می‌شود، کلیه معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی مربوط و در موارد نگهداری دفاتر مشاغل ، درآمدها و هزینه ها و خرید و فروش دارایی های قابل استهلاک باید در همان روز انجام حسب مورد در دفاتر روزنامه یا مشاغل ثبت گردد. تبصره ۱ ـ تاریخ مذکور در مدارک یا فاکتور فروش یا خرید و غیره ملاک قطعی تاخیر تحریر شناخته نمی‌شود و هرگاه انجام و ختم این گونه اعمال باتوجه به روش و طرز کار موسسه تابع تشریفات و طی مراحلی باشد تا موضوع آماده برای ثبت در دفتر مربوط شود، فاصله بین تاریخ فاکتور یا مدارک و روز آماده شدن آن برای ثبت در دفتر تاخیر ثبت تلقی نخواهد شد. تبصره ۲ ـ تاخیر در تحریر عملیات در صورتی که به منظور سو استفاده نباشد تا ۱۵ روز به تشخیص اداره امور مالیاتی و بیش از آن به تشخیص هیات ۳ نفری موضوع بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱ ۲ ۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی به قانونی بودن دفاتر خللی وارد نخواهد کرد. تبصره ۳ـ در مواردی که دفاتر موضوع این آیین نامه توسط مقامات قضایی یا سایر مراجع قانونی و یا به عللی خارج از اختیار مودی از دسترس مودی خارج شود و صاحب دفتر از وقوع این امر حداکثر ظرف سی روز دفاتر جدید امضا، پلمپ و عملیات آن مدت را در دفاتر جدید ثبت کند، تاخیر ثبت عملیات در این مدت به اعتبار دفاتر خللی وارد کرد. تبصره ۴ ـ تاخیر ثبت دفاتر در مورد اشخاص حقوقی جدیدالتاسیس از تاریخ ثبت شخص حقوقی و در مورد سایر اشخاص از تاریخ شروع فعالیت تاسی روز مجاز خواهد بود. ماده ۱۴ ـ کلیه عملیات ثبت شده در دفاتر روزنامه هر ماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل نقل شود. ماده ۱۵ ـ اشخاص ملزم به نگهداری دفاتر روزنامه و کل که دارای شعبه هستند مکلفند با توجه به روش‌های حسابداری خلاصه عملیات شعبه یا شعب خود را در صورتی که دارای دفاتر پلمپ شده باشند، حداکثر تا ۴ ماه پس از سال مالیاتی و در غیر این صورت کلیه معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی شعبه یا

شعب خود را ظرف مدت سی روز از تاریخ وقوع در دفتر روزنامه مرکز ثبت کنند. ماده ۱۶ ـ امضا و پلمپ دفاتر ضمن سال مالی مشروط بر اینکه تا تاریخ امضا و پلمپ هیچ گونه عمل مالی و پولی صورت نگرفته باشد و همچنین‌تاخیر امضا پلمپ تا حد مجاز مقرر در تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۱۳ این آیین‌نامه در مورد دفتر روزنامه یا حسب مورد دفتر مشاغل و ماده ۱۴ این آیین‌نامه در مورد دفتر کل به اعتبار دفاتر خللی وارد نخواهد کرد. ماده ۱۷ ـ مودیانی که از سیستم های الکترونیکی استفاده می‌نمایند، موظفند خلاصه عملیات داده شده به ماشین های الکترونیکی طی هر ماه را تحت سرفصلهای دفترکل حداکثر تا پایان ماه بعد در دفاتر روزنامه یا مشاغل حسب مورد ثبت نمایند. علاوه بر این به منظور تسهیل رسیدگی باید دستورالعمل های نحوه کار با نرم افزارهای مالی مورد استفاده را در اختیار ماموران رسیدگی قرار دهند. ضمنا مودیان مذکور مکلفند هر سه ماه یك بار خلاصه عملیات داده شده به ماشین‌های الکترونیکی را حداکثر ۱۰ روز پس از پایان سه ماه به اداره امور مالیاتی مربوطه تسلیم نمایند.

فصل پنجم ـ چگونگی تنظیم صورتهای مالی نهایی (ماده ۱۸ تا ۱۹)

ماده ۱۸ ـ اشخاص حقوقی و مشمولین بند الف ماده ۹۶ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ مکلفند صورتهای مالی نهایی خود را با رعایت استاندارد حسابداری شماره یک که از طرف مراجع ذی ربط اعلام گردیده و از تاریخ ۱ ۱ ۱۳۸۰ لازم الاجرا می‌باشد، تهیه و تنظیم نمایند. تبصره ـ اشخاص یاد شده مکلفند صورت های مالی نهایی خود را بر اساس آخرین استاندارد حسابداری که از طرف مراجع ذی ربط اعلام می‌شود، تهیه و تنظیم نمایند. ماده ۱۹ ـ مشمولین بند ب ماده ۹۶ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ مکلفند حساب درآمد و هزینه سال مالی خود که حداقل نشان دهنده فروش کالا ، درآمد حاصل از خدمات در ستون درآمد و خرید کالا، هزینه استهلاك دارایی ها و جمع سایر هزینه‌ها در ستون هزینه باشد را با درج نتیجه عملیات (سود یا زیان تهیه و تنظیم نمایند. تبصره ـ مودیان یاد شده می‌توانند موجودی کالای فروش نرفته در پایان سال مالی را جزو اقلام هزینه سال خرید منظور نمایند .

فصل ششم ـ موارد رد دفاتر (ماده ۲۰ تا ۲۱)

ماده ۲۰ ـ تخلف از تکالیف مقرر در این آیین‌نامه در موارد زیر موجب رد دفاتر می‌باشد ۱ ـ در صورتی که دفاتر ارایه شده از پلمپ خارج شده و یا فاقد یك یا چند برگ باشد. ۲ – عدم ثبت یك یا چند فعالیت مالی در دفاتر به شرط احراز ۳ـ تراشیدن ، پاك کردن و محو کردن مندرجات دفاتر به منظور سواستفاده ۴ ـ تاخیر تحریر دفاتر روزنامه و مشاغل زاید بر حد مجاز مندرج در تبصره‌های ۲ الی ۴ ماده ۱۳ و ماده ۱۷ تاخیر تحریر دفتر کل زاید بر حد مجاز مندرج‌در ماده ۱۴ این آیین نامه ۵ ـ عدم ثبت عملیات شعبه یا شعب در دفاتر مرکزی طبق مقررات ماده ۱۵ این آیین‌نامه ۶ ـ در اجرای مقررات تبصره ۳ ماده ۱۳ این آیین‌نامه در مواردی که دفاتر مزبور به ادعای مودی از دسترس وی خارج شده باشد و غیر اختیاری بودن موضوع مورد تایید اداره امور مالیاتی ذی ربط قرار نگیرد. ۷ ـ عدم ارایه دستورالعمل های نحوه کار با نرم افزار های مالی مورد استفاده در مورد اشخاصی که از سیستم‌های الکترونیکی استفاده می‌نمایند. ۸ ـ عدم تطبیق مندرجات دفاتر قانونی یا دفاتر مشاغل حسب مورد که به شرح ماده ۱۷ این آیین‌نامه تهیه و تنظیم گردیده با اطلاعات موجود درسیستم های الکترونیکی در مورد اشخاصی که از سیستم های مذکور استفاده می‌نمایند. ۹ ـ جای سفید گذاشتن بیش ازحد معمول در دفتر روزنامه و دفتر مشاغل به منظور سو استفاده ۱۰ ـ عدم ارایه یك یا چند جلد از دفاتر امضا پلمپ و ثبت شده نانویس ۱۱ ـ در صورتی که ثابت شود اسناد ثبت شده در ماشین‌های الکترونیکی ظرف مهلت‌های

مقرر در مواد ۱۲، ۱۴، ۱۷ آیین‌نامه (با در نظر گرفتن مقررات تبصره‌های ماده ۱۳) قطعی نشده باشد. (هرگونه اصلاحات مربوط به عملیات و رویدادهای مالی مربوط به قبل از قطعیت اسناد باید در همان سال از طریق ثبت های حسابداری اصلاح گردد) ۱۲ ـ تهیه وتنظیم صورتهای مالی بدون رعایت مقررات ماده ۱۸ این آیین‌نامه برای اشخاص حقوقی و مشمولین بند الف ماده ۹۶ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ ۱۳ ـ اشتباه حساب حاصل از ثبت عملیات موسسه در صورتی که نسبت به اصلاح آن طبق مقررات تبصره ماده ۱۱ این آیین‌نامه اقدام نشده باشد. ۱۴ ـ در صورتی که مودیان مالیاتی حسب مورد از اوراق مخصوص ماده ۱۶۹ قانون مالیاتهای مستقیم استفاده ننماید. ماده ۲۱ ـ هیات سه نفری حسابرسان موضوع بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم ، در مواردی که با توجه به دلایل توجیهی مودی و نحوه تحریر دفاتر و رعایت استانداردهای حسابداری و درجه اهمیت ایرادات مطروحه از سوی اداره امور مالیاتی و رعایت واقعیت امر ، احراز نمایند که ایرادات مزبور به اعتبار دفاتر خللی وارد نمی‌نمایند، می‌توانند نظر خود را مبنی بر قبولی دفاتر و اسناد و مدارک اعلام نمایند. این آیین نامه در اجرای تبصره (۲) ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ به پیشنهاد شماره ۳۸۴۲۹ ـ ۲۱۱ تاریخ ۱۰ ۱ ۸۲ سازمان امور مالیاتی کشور در پنج فصل و بیست و یک ماده و دوازده تبصره در تاریخ ۱۰ ۱ ۸۲ به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی رسید و مقررات آن از اول فروردین سال ۸۲ لازم الاجرا بوده و نسبت به اشخاص حقوقی که سال مالی آن‌ها با سال شمسی منطبق نباشد، در مورد سالی مالی که از ۱ ۱ ۸۲ به بعد آغاز می‌گردد جاری بوده و نسبت به سال مالی قبل از آن مفاد آیین‌نامه قبلی مجری می‌باشد.

آیین نامه های بند ۴ ماده ۶ و تبصره ۲ ماده ۶ و مواد ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۷ و ۵۳ قانون دفاتر

مصوب ۱۷ ۱۰ ۱۳۵۴ وزارت دادگستری با اصلاحات بعدی ماده ۱ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ در تصدیق اجتهاد صادره از مراجع مسلم باید نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و تاریخ تولد ذینفع با حروف‌قید و صحت صدور آن به تایید شورای عالی قضایی رسیده باشد. ماده ۲ ـ به تصدیقاتی که دلالت صریح بر اجتهاد ندارد و یا حاکی از مراتبی از تحصیلات باشد ترتیب اثر داده نمیشود. ماده ۳ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای انتخاب سردفتر اسناد رسمی در شهریورماه هر سال طی آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز ، مراتب را به اطلاع متقاضیان خواهد رسانید. متقاضیان واجد شرایط مکلفند تا آخر مهرماه تقاضای خود را به سازمان ثبت یا اداره ثبت محل تسلیم دارند و حداکثر تا پایان آذرماه هر سال از کلیه داوطلبان واجد شرایط به وسیله هیات منتخب به پیشنهاد سازمان و تصویب شورای عالی قضایی ثبت به نحو مقتضی اختبار به عمل خواهد آمد و سپس تعداد لازم را از بین داوطلبان مذکور انتخاب خواهد نمود. ماده ۴ ـ ۱ ـ هریک از سردفتران مذکور در تبصره دوم ماده ششم قانون دفاتر اسناد رسمی هر موقع خود را واجد یکی از شرایط مذکور در ماده (۶)تشخیص دهد میتواند تقاضای تطبیق وضع خود را با ارسال مدارک لازم به ثبت محل یا سازمان ثبت اسناد و املاک در مرکز تسلیم کند به این تقاضاها بدون رعایت تشریفات مذکور در ماده (۳) این آیین نامه رسیدگی و ابلاغ لازم صادر خواهد شد. ۲ ـ در مورد دفتریارانی که براساس قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ و نظامنامه آن و قبل از قانون فعلی دفاتر اسناد رسمی به سردفتری مرفع شده‌ولی عملا به سردفتری اشتغال نیافته اند با رعایت مهلت مقرر درماده (۸) قانون در صورت وجود محل میتوان آنان را به تصدی دفترخانه ای که متناسب با درجه آنان باشد انتخاب کرد. در صورتی که درجه این قبیل سردفتران کمتر از درجه یک باشد تصدی آنان در دفترخانه‌های درجه یک منوط به احرازیکی از شرایط مندرج در ماده (۶) قانون دفاتر اسناد رسمی و صدور ابلاغ برای آنان هست ماده ۵ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ دفتریاری که به موجب ماده (۳) قانون دفاتر اسناد رسمی پیشنهاد میشود هرگاه سابقه دفتریاری نداشته باشد و یا سابقه او در دفتریاری اول یا دوم کمتر از یک سال باشد هیاتی که از طرف سازمان ثبت تعیین میشود از فرد پیشنهاد شده به نحو مقتضی امتحان و مصاحبه به عمل آورده و در صورت پذیرفته شدن در امتحان و تشخیص شایستگی با رعایت

ماده (۷) قانون دفاتر اسناد رسمی ابلاغ نامبرده از طرف سازمان ثبت صادر خواهد شد. ماده ۶ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ کفیل دفترخانه‌ای که سردفتر آن فوت یا به انفصال دایم محکوم یا غیبت غیرموجه دارد حق تنظیم و ثبت سند جدید در دفاتر مورد کفالت را ندارد و تکمیل اسناد ناقص نیز موکول به کسب اجازه از ثبت محل خواهد بود. تبصره ـ در مورد درآمد دفترخانه در مدت کفالت به ترتیب مقرر در ماده (۴۷) قانون عمل خواهد شد. ماده ۷ ـ سوگندنامه مندرج در ماده (۱۶) قانون دفاتر اسناد رسمی به شرح ذیل است (اینجانب امضاکننده ذیل خداوند را شاهد اعمال خود گرفته و سوگند یاد میکنم که قوانین و نظامات کشور ایران خاصه قوانین و نظامات مربوط به دفاتر اسناد رسمی را محترم شمرده در کمال بیطرفی و پاکدامنی ، به وظایف مرجوعه قیام و اقدام نمایم ماده ۸ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ مراسم سوگند با حضور رییس سازمان ثبت و معاونین او و رییس یا هیات مدیره کانون سردفتران و مدیرکل امور اسناد و سردفتران و معاون او یا در صورت اقتضا با حضور یکی از مقامات نامبرده در فوق به عمل خواهد آمد. ماده ۹ ـ ۱ ـ شروع به کار سردفتران و دفتریاران منوط به معرفی ضامن میباشد و این کار باید به موجب سند رسمی انجام گیرد. ۲ ـ مبلغ مورد ضمانت در مورد سردفتر ۵۰۰۰۰۰ ریال و در مورد دفتریار اول و دوم ۲۵۰۰۰۰ ریال است ۳ ـ مشمولین این ماده میتوانند به جای معرفی ضامن برابر مبالغی که مقرر گردیده به ایداع وثیقه نقدی یا ملکی یا تضمین بانکی مبادرت کنند. ۴ ـ ضمانت یا ایداع وثیقه نقدی یا ملکی و یا ضمانت بانکی برای جبران خسارت وارده به اشخاص و دولت از طرف سردفتران و دفتریاران و یا پرداخت محکومیتهای نقدی دادگاه انتظامی است و این موضوع باید در سند تصریح شود. ۵ ـ تبدیل تضمین جایز است ماده ۱۰ ـ در صورتی که مال غیرمنقول مورد وثیقه به مناسبت اجرای ماده (۹) کلا یا بعضا به مصرف برسد و یا به جهتی از جهات از اعتبار و یا ارزش خود بیفتد سردفتر یا دفتریار موظف است با اخطار اداره ثبت ظرف یک ماه تضمین خود را تجدید نماید والا اجازه اشتغال از او سلب خواهد شد. تبصره ـ هرگاه اعتبار ضامن به جهتی از بین برود یا متزلزل شود ادامه کار سردفتر یا دفتریار موکول به تبدیل ضامن یا دادن وثیقه به شرح ماده (۹)خواهد بود. همین حکم در موردی هم جاری است که ارزش یا میزان تضمین به جهتی از جهات کاهش یابد. ماده ۱۱ ـ دفترخانه‌ها باید دارای دفاتر ذیل باشند ۱ ـ یک نسخه دفتر ثبت اسناد که پلمپ شده و اسناد در آن ثبت میشود. ۲ ـ دفتر راهنما که متضمن اسامی متعاملین و نوع سند و شماره و تاریخ سند خواهد بود. ۳ ـ دفتر درآمد که به منظور ثبت کلیه وجوهی است که به منظور ثبت سند مقرر است و شماره قبض هزینه های مزبور در آن قید میشود. این دفتر ازطرف سازمان ثبت پلمپ خواهد شد.(۱) ۴ ـ دفتر ثبت مکاتبات و تقاضانامه اجرایی و خلاصه معاملات ۵ ـ دفتر ابواب جمعی قبوض سپرده و اوراق بهادار. ۶ ـ دفتر گواهی امضا. ماده ۱۲ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ ۱ ـ دفاتر گواهی امضا مکلفند رونوشت یا فتوکپی سند گواهی شده را به هزینه متقاضی دریافت و نگاهداری نمایند. ۲ ـ دفاتر، مجاز به تصدیق صحت امضای نوشته‌های مالی نیستند ، مقصود از نوشته های مالی نوشته هایی است که در آن به‌طور منجز پرداخت وجه نقدی از طرف امضاکننده تعهد و یا ضمانت شده باشد و یا آن که موضوع گواهی امضا شده عین یا منفعت مال غیرمنقول و یا سهام شرکتهای ثبت شده‌باشد. ۳ ـ در مورد تصدیق صحت امضای مواد ۶۴، ۶۶ و ۶۷ قانون ثبت اسناد و املاک لازم الرعایه است ماده ۱۳ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ در موارد مرخصی و معذوریت و تعلیق و انفصال موقت سردفتر کفیل دفترخانه از بین دفتریاران واجد شرایط سردفتری و یا سردفتران همان حوزه ثبتی توسط ثبت منطقه تعیین میگردد. ماده ۱۴ ـ ۱ ـ میزان مرخصی سالانه سردفتر و دفتریار یک ماه است ۲ ـ ابلاغ مرخصی سردفتر و دفتریار در منطقه ثبتی تهران از طرف سازمان ثبت و در سایر مناطق ثبتی از سوی مدیرکل ثبت منطقه صادر میگردد. صدور ابلاغ مزبور موکول به درخواست متقاضی و موافقت رییس واحد ثبتی محل است ۳ ـ در صورتی که سردفتر یا دفتریار از مرخصی سالانه خود استفاده نکند مرخصی مزبور برای او ذخیره میشود و میتواند از مجموع آنها به شرط آنکه از چهار ماه تجاوز نکند یکجا یا به دفعات استفاده کند. در این صورت صدور ابلاغ منوط به پیشنهاد واحد ثبتی و موافقت ثبت منطقه یا سازمان ثبت میباشد. ماده ۱۵ ـ در صورتی که سردفتر یا دفتریار به لحاظ عارضه بیماری قادر به انجام وظیفه نباشد باید با ارسال

گواهی پزشک معالج به واحد ثبتی محل درخواست مرخصی استعلاجی نماید. در صورتی که مدت بیماری بیش از یک ماه باشد صدور ابلاغ مرخصی استعلاجی منوط به گواهی هیات پزشکی به انتخاب سازمان ثبت خواهد بود. ماده ۱۶ ـ صدور ابلاغ مرخصی فقط برای خروج از کشور موکول به اعلام نتیجه بازرسی دفترخانه و ارایه گواهی تصفیه حساب است مگر در موارد ضروری که در این صورت سازمان ثبت باید با اخذ ضامن یا تضمین کافی اقدام به صدور ابلاغ مرخصی نماید. ماده ۱۷ ـ دفتریار کفیل دارای وظایف و حقوق دفتریار اصیل میباشد و تعیین وی با واحد ثبت محل است تبصره ـ تغییر دفتریار از یک دفترخانه به دفترخانه دیگر با موافقت هر دو سردفتر و تصویب سازمان ثبت جایز است ماده ۱۸ ـ در نقاطی که دفترخانه منحصر باشد و دفتریار واجد شرایط نباشد دفاتر تحویل رییس ثبت محل یا یکی از کارمندان به تعیین رییس ثبت محل‌میشود. ماده ۱۹ ـ جز در موارد تنظیم سند جدید و تکمیل سند ناقص و گواهی امضا و فسخ سند در سایر موارد انجام امور دفترخانه در زمان تعطیل آن به عهده اداره ثبت است تبصره ـ در مورد تکمیل سند ناقص یا فسخ یا اقاله سند تنظیم شده در دفتری که در حال تعطیل است ثبت محل میتواند ابلاغ سیار برای یکی از دفاتر صلاحیتدار صادر نماید. ماده ۲۰ ـ رسیدگی مقدماتی در اطراف شکایات واصل با تحقیق در دفترخانه و تنظیم صورتمجلس در محل آغاز میگردد. مامور تحقیق ضمن ارسال صورتمجلس تنظیم شده گزارش ماموریت خود را برای صدور دستور مقتضی به اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال میدارد. ماده ۲۱ ـ در موردی که گزارشهای واصل علیه سردفتران و دفتریاران حاکی از وقوع تخلف باشد هرگاه تحقیقات انجام شده برای اخذ تصمیم کافی ووقوع تخلف به نظر اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور محرز باشد آن اداره پرونده را در تهران نزد دادستان انتظامی سردفتران و در مناطق ثبت نزد کسی که وظایف دادستان انتظامی را در محل انجام میدهد ارسال میدارد. ماده ۲۲ ـ هرگاه تحقیقات انجام شده کافی نباشد و نیز در مورد شکایات واصل علیه سردفتران و دفتریاران اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور وسیله یکی از مامورین خود یا سایر مامورین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا ثبت محل تحقیقات لازم را انجام میدهد. در صورتی که وقوع تخلف به نظر آن اداره محرز بود به تکلیف مقرر در قسمت اخیر ماده (۲۱) عمل میشود. ماده ۲۳ ـ دادستان انتظامی در صورتی که نقصی در پرونده ملاحظه نکند به تنظیم کیفرخواست مبادرت مینماید در غیر این صورت پس از رفع نقص‌وسیله اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک به تکلیف مزبور عمل میکند. در کیفرخواست باید علاوه بر مشخصات کامل متخلف جریان وقوع‌تخلف و مواد مورد استناد تصریح گردد. ماده ۲۴ ـ کیفرخواست وسیله مامور ابلاغ ثبت محل به متخلف ابلاغ میشود. ترتیب ابلاغ کیفرخواست و دادنامه و سایر اخطارات براساس مقررات آیین دادرسی مدنی میباشد.(۲) ماده ۲۵ ـ ۱ ـ مدت پاسخ متخلف به کیفرخواست ده روز از تاریخ ابلاغ میباشد. این مهلت به تقاضای متخلف و تصویب مدیرکل منطقه ثبت و درتهران با تصویب مدیرکل امور اسناد یکبار برای ده روز قابل تمدید است ۲ ـ متخلف در پاسخ کیفرخواست باید کلیه دلایل و اسنادی را که حاکی از برایت خود میداند همراه لایحه به ثبت محل ، به اداره کل امور اسناد سازمان ثبت تسلیم کند. ماده ۲۶ ـ هرگاه ضمن رسیدگی مقدماتی موضوع رسیدگی بزه تشخیص شود مراتب با تصریح جهات امر به مرجع صالح قضایی اعلام میشود. درصورتی که مرجع صالح قضایی موضوع را بزه تشخیص ندهد اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک مورد را از جهت تخلف انتظامی با توجه به مقررات مربوط مورد رسیدگی قرار خواهد داد. در این صورت تخلف انتظامی تا ابلاغ حکم قطعی مراجع قضایی مشمول مرور زمان نخواهد شد. ماده ۲۷ ـ ۱ ـ حکم دادگاه انتظامی به متخلف و دادستان ابلاغ میشود. ۲ ـ در صورتی که حکم مبنی بر محکومیت متخلف به مجازاتهای انتظامی درجه سه و بالاتر از آن باشد متخلف میتواند ظرف مدت ده روز نسبت به آن به دادگاه تجدید نظر انتظامی شکایت کند. این شکایت به دادگاه بدوی انتظامی تسلیم میشود. دادگاه اخیرالذکر پرونده را همراه شکایت مزبور به دادگاه تجدید نظر انتظامی ارسال میدارد. ۳ ـ مدت شکایت دادستان نیز نسبت به حکم صادره ده روز از تاریخ ابلاغ است ماده ۲۸ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ در مورد اعضای دادگاه بدوی انتظامی و تجدید نظر و دادستان و دادیاران و اعضای علی البدل موارد رد همان است که در بندهای

۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ ماده (۲۰۸) قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است (۳) ماده ۲۹ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) ـ الف ـ تخلفات ذیل موجب توبیخ کتبی با درج در پرونده است ۱ ـ تاخیر در پرداخت وجوه عمومی در صورتی که زاید بر یک هفته نباشد در صورت تاخیر زاید بر یک هفته به مجازات مقرر در بند (ب و در صورت تاخیر زاید بر پانزده روز متخلف و به مجازات مقرر در بند (ج این ماده محکوم خواهد شد. ۲ ـ تاخیر در ارسال آمار به مراجع مربوطه و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب محکوم خواهد شد. ۳ ـ عدم رعایت حضور در دفترخانه در ساعات مقرر و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب محکوم خواهد شد. ۴ ـ اهمال در نظارت بر امور دفترخانه برای بار اول و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب و برای بار سوم به مجازات مقرر در بند (ج محکوم‌خواهد شد. ۵ ـ تمرد دفتریار از انجام دستور قانونی سردفتر برای بار اول و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب و برای بار سوم به مجازات مقرر در بند (ج محکوم خواهد شد. ۶ ـ رفتار خارج از نزاکت با همکاران یا ارباب رجوع برای بار اول و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب و برای بار سوم به مجازات مقرر در بند (ج محکوم خواهد شد. ب (اصلاحی ۶۵۱۳۶۱) ـ تخلفات ذیل موجب جریمه جریمه از ۵۰۰ ریال تا ۲۰ هزار ریال است ۱ ـ غیبت غیرمجاز یا غیرموجه تا مدت سه روز و بیش از آن به مجازات مقرر در بند (ج محکوم خواهد شد. ۲ ـ تاخیر در ارسال خلاصه معامله و اطلاع نامه فسخی و رونوشت تقسیم‌نامه و اطلاع نامه نکاح و طلاق به اداره ثبت مربوطه ۳ ـ خودداری غیرموجه از صدور اجراییه و یا صدور اجراییه به صورت ناقص به نحوی که موجب تاخیر در کار شود. ۴ ـ عدم رعایت مواد مربوطه به تشکیلات دفترخانه ۵ ـ قصور در تبدیل قبوض سپرده و حواله آن به صندوق ثبت ۶ ـ امتناع از ثبت واقعه ازدواج و طلاق و ثبت سند هرچند دلیل امتناع کتبا به متقاضی اعلام شده باشد ولی موضوع از مسایل نظری نبوده واقعا باید سند تنظیم میشده ۷ ـ خودداری از تسلیم رونوشت و مدارک به اشخاصی که حق دریافت آنها را دارند و یا تسلیم آنها به اشخاصی که حق دریافت آنها را ندارند. ج ـ تخلفات ذیل موجب انفصال موقت از سه ماه الی شش ماه است ۱ ـ کسر پرداختی در صورتی که با توجه به موازین آن عرفا اشتباه محاسبه تلقی نشود. ۲ ـ بردن دفتر اسناد رسمی برای ثبت به خارج از محل دفترخانه بدون مجوز قانونی. ۳ ـ ثبت سند در خارج از حوزه مقرر برای دفترخانه های اسناد رسمی و ازدواج و طلاق ۴ ـ امتناع از ارسال خلاصه معامله و اطلاع‌نامه فسخی و رونوشت تقسیم نامه ۵ ـ امتناع از ارسال آمار. ۶ ـ تقصیر در تبدیل قبوض سپرده و صدور حواله آن به صندوق ثبت در صورت احراز سو نیت ۷ ـ ثبت سند بدون استعلام از ثبت در مواردیکه تکلیف به استعلام دارد. ۸ ـ تنظیم سند برخلاف مقررات و بخشنامه ها و دستورالعمل ها. ۹ ـ امتناع از معرفی دفتریار مورد قبول سازمان ثبت ظرف مهلت معقولی که ثبت محل تعیین مینماید. ۱۰ ـ عدم قید حقوق دولتی و حق التحریر در دفتر و صدور اسناد تنظیمی. ۱۱ ـ تمرد از اجرای دستورات صادره و خودداری از قبول کفالت دفاتر دیگر در مواردی که از طرف ثبت محل تکلیف میشود. د ـ تخلفات ذیل موجب انفصال موقت از شش ماه تا دو سال است ۱ ـ امتناع از پرداخت وجوه عمومی با صدور اخطار لازم و دادن مهلت معقول وسیله واحد ثبتی یا سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۲ ـ امتناع از ثبت سند در صورتی که کتبا دلیل امتناع را به متقاضی تسلیم نکند و یا نوشته فاقد دلیل باشد. ۳ ـ تنظیم سند برخلاف مقررات و بخشنامه‌ها و دستورالعملها بیش از یکبار. ۴ ـ عدم قید حقوق دولتی و حق‌التحریر در دفتر و صدور اسناد تنظیم در صورت تکرار. ۵ ـ دخالت مستقیم یا غیرمستقیم سردفتر منفصل یا معلق در امور دفترخانه برای بار اول و در صورت تکرار متخلف به مجازات مقرر در بند (ه) این ماده محکوم خواهد شد. ۶ ـ عدم مخالفت کفیل دفترخانه از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم سردفتر منفصل یا معلق در امور دفترخانه و یا خودداری از اعلام مراتب مذکور به سازمان ثبت اسناد و ثبت محل برای بار اول و در صورت تکرار متخلف به مجازات مقرر در بند (ه) این ماده محکوم خواهد شد. ه ـ تخلفات ذیل موجب انفصال دایم ۱ ـ قصور یا تقصیری که منتهی به ثبت سند معارض گردد. تبصره ـ در صورت جلب رضای ذینفع و رفع آثار تعارض از طرف متخلف دادگاه میتواند کیفر او را برحسب اهمیت موضوع به یکی از دو نوع انفصال موقت تنزل دهد. ۲ ـ گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تجویز گردیده

است مـاده ۳۰ ـ ۱ ـ محـل دفترخـانه بـا انتخـاب و موافقت اداره ثبت محـل بـا رعـایت فواصل مناسب تعیین میشود. ۲ ـ ساعـات کار دفترخانه به تناسب فصول از طرف اداره ثبت محل تعیین و به دفترخانه ابلاغ میشود. ۳ ـ دفترخانه باید متناسب حجم کار خود علاوه بر اتاقهای کافی برای استقرار سردفتر و دفتریار و کارکنان دفترخانه محلی برای بایگانی منظم اسناد و اوراق خود داشته باشد. ماده ۳۱ ـ سهمیه دفتریار از محل درآمد حق التثبت تا ششصد ریال تمام آن و از ششصد ریال تا بیست هزار ریال دو سوم درآمد مزبور میباشد و بقیه سهم سردفتر خواهد بود و درآمد بیش از بیست هزار ریال در اختیار سردفتر میباشد تا به ترتیبی که مقتضی بداند براساس لیستی که تنظیم میکند برای کمک و اعاشه به کارکنان دفترخانه پرداخت نماید. تبصره ـ در صورتی که دفترخانه فاقد دفتریار باشد سهم دفتریار نیز متعلق به سردفتر خواهد بود. ماده ۳۲ ـ هرگاه دفتریار زاید بر یک نفر باشد حقوق او به عهده سردفتر است ۱ ـ مراجعه گردد به ماده ۹۵ و بند ۱۵ ماده ۹۶ قانون مالیاتهای مستقیم ۲ ـ مواد ۶۷ لغایت ۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۱ ۱ ۷۹ ۳ ـ در حال حاضر ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مصوب ۲۱ ۱ ۷۹ جایگزین ماده ۲۰۸ قانون مزبور مصوب ۲۵ ۶ ۱۳۱۸ شده است طبق ماده ۹۱ ق آ.د.م مصوب ۲۱ ۱ ۷۹ دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز میتوانند او را رد کنند. الف ـ قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد. ب ـ دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد. ج ـ دادرس یا همسر یا فرزند او ، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد. د ـ دادرس سابقا در موضوع دعوای اقامه شده به عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد. ه ـ بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دوسال نگذشته باشد. و ـ دادرس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند.

قانون راجع به رشد متعاملین –مصوب ۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات به استثنای نکاح و طلاق ، محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیررشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یاعقد و یا ایقاع به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر این که عدم رشد آنها به طرفیت مدعی‌العموم در محاکم ثابت گردد. مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

قانون اصلاح ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و الحاق دو تبصره به آن– مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۶

با اصلاحیه‌های بعدی ماده واحده ـ ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا به شرح ذیل اصلاح و دو تبصره به آن اضافه می‌شود ماده ۱۵ اصلاحی ـ کلیه قراردادهایی که در اجرای این قانون مبادله می‌گردد به موجب قراردادی که بین طرفین منعقد می‌شود و در حکم اسناد رسمی بوده و در صورتی که در مفاد آن طرفین اختلافی نداشته باشند لازم‌الاجرا بوده و تابع مفاد آیین نامه اجرایی اسناد رسمی می‌باشد. آن دسته از معاملات مربوط به اموال غیرمنقول و اموال منقول که طبق قوانین و مقررات موضوعه باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شوند کماکان طبق تشریفات مربوط انجام خواهد شد. تبصره ۱ ـ کلیه وجوه و تسهیلات اعطایی که بانکها در اجرای این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت نموده و یا می‌نمایند و برابر قرارداد تنظیمی مقرر شده باشد که اشخاص

مذکور در سررسید معینی وجوه و تسهیلات دریافتی به انضمام سود و خسارت و هزینه های ثبتی و اجرایی دادرسی و حق الوکاله را بپردازنـد، در صورت عـدم پرداخت و اعلام بانـک بسـتانکار قابل مطالبه و وصول است و کلیه مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی مکلفند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی نسبت به صدور حکم و اجراییه و وصول مطالبات بانک طبق مقررات این‌قانون اقدام نمایند. تبصره ۲ ـ اشخاصی که در قالب استفاده از خدمات بانکی از وجوه و منافع مالی بانکها به نحو غیرمجاز بهره‌مند می‌شوند مکلفند علاوه بر استرداد وجوه مذکور ، خسارت مربوط را به ترتیبی که در قراردادهای تنظیمی مقرر شده باشد پرداخت نمایند. تبصره ۳ ـ چنانچه در هر یک از موارد اعطای تسهیلات بانکی بیش از یک قرارداد بین بانک با مشتریان خود در دفتر اسناد رسمی تنظیم گردد حقوق متعلق اعم از هر نوع عوارض حق الثبت و نظایر آن نسبت به سند اول محاسبه و دریافت خواهد شد و در مورد قرارداد بعدی تعلق حقوق مزبور منوط به‌افزایش رقم مندرج در قراردادهای بعدی نسبت به رقم مذکور در قرارداد ماقبل آن است در این صورت حقوق متعلق اعم از هر نوع عوارض ، حق الثبت و نظایر آن به استثنای حق التحریر بایـد به نسبت مـا به التفـاوت دو رقم فوق الـذکر محاسبه و دریـافت گردد. ملاک تشـخیص ارتبـاط قراردادهـا اعلام بانک ذیربط می‌باشد. تبصره ۴ ـ در مواردی که وسایل نقلیه موتوری (ساخت کارخانجات داخلی یا وارداتی مع الواسطه از طریق اعطای تسهیلات بانکی به اشخاص منتقل‌می‌گردد بانک انتقال دهنده از لحاظ مقررات مالیات نقل و انتقال در حکم انتقال دهنده دست اول تلقی خواهد شد. ۱ ـ به موجب رای وحدت رویه شورای عالی ثبت به شماره ۳۵۰۴ مورخ ۳۰ ۱ ۸۳ مقرر گردیـد گرچه طبق قانون اصلاح ماده ۵۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا و الحاق ۲تبصره به آن خسارت به ترتیبی که در قرارداد تنظیمی مقرر شده باید پرداخت شود لکن چون قانون در مورد پرونده‌هایی که‌اجراییه های آن قبل از تصویب قانون مزبور صادر شده است و بر طبق مقررات سابق جریان داشته ساکت است لذا قانون مذکور قابل تسری به پرونده هایی که اجراییه آن قبل از قانون صادر شده نیست

قانون تسری مفاد برخی از قوانین و مقررات مربوط به بانکها به صندوق تعاون – مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون مقررات ماده (۲۴) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره ـ مصوب ۸.۶.۱۳۶۲ ـ و قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۵) ۹ اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا ـ مصوب ۲۱ ۱۱ ۱۳۷۶ ـ در مورد صندوق تعاون نیز اعمال خواهد شد

لایحه قانونی نحوه نقل و انتقالات و سایل نقلیه موتوری – مصوب ۲۵ ۴ ۱۳۵۹

ماده یک ـ از تاریخ اجرای این قانون کلیه دفاتر اسناد رسمی از انجام هر نوع معاملات مربوط به وسایل نقلیه موتوری ممنوع بوده و هرگونه معامله ونقل و انتقال وسایل نقلیه موتوری فقط در یگانهای راهنمایی و رانندگی مجاز به شماره گذاری وسایل نقلیه موتوری در کشور به ترتیبی که در این قانون وآیین نامه اجرایی آن تعیین می گردد انجام خواهد شد. ماده دو ـ اداره راهنمایی و رانندگی تهران و شهربانی شهرستانها مکلفند برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری شناسنامه تنظیم نموده و کلیه نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری را در این شناسنامه ها ثبت نمایند تبصره ـ مشخصات ، نحوه و ترتیب تنظیم این شناسنامه ها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده سه ـ هر نوع جعل و تزویر در این شناسنامه‌ها و اسناد مربوط به آن جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد. ماده چهار ـ صدور المثنی برای این شناسنامه‌ها به موجب ضوابط و مقررات مندرج در آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده پنج ـ هر نوع نقل و انتقال اعم از خرید و فروش ، صلح ، هبه و غیره نسبت به کلیه تاکسی ها و اتومبیلهای سواری تولید کارخانجات داخلی و وانتها اعم از ساخت داخل یا خارج تا سه سال

تمام از تاریخ شـماره گذاری ممنوع می‌باشد. تبصره ۱ ـ اتومبیلهای هشت سیلندر از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. تبصره ۲ ـ نقل و انتقالات مربوط به مقررات ارث از شـمول این ماده مستثنی می‌باشـد ماده شـش ـ کلیه وکالتنامه هایی که در مورد نقل و انتقالات موضوع ماده ۵ این قانون توسط دفاتر اسناد رسمی تنظیم می گردد در صورتی دارای اعتبارقانونی است که تاریخ تنظیم آنها سه سال تمام بعد از تاریخ شماره گذاری اتومبیل باشد. تبصره ـ سردفتران و دفتریاران متخلف از اجرای این قانون به انفصال موقت از اشتغال به سـردفتری و دفتریـاری از سه مـاه تـا شـش ماه محکوم خواهدشـد. ماده هفت ـ تاریـخ اجرای این قانون در تهران پس از سه ماه از تاریـخ تصویب آیین نـامه اجرایی و در شهرسـتانها بعـد از شـش مـاه از تاریـخ تصویب آیین نـامه اجرایی خواهـد بود و کلیه نقـل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری قبل از اجرای این قانون کما فی السابق انجام خواهـد پذیرفت ماده هشت ـ آیین نامه اجرایی این قانون ظرف دو مـاه از تاریـخ تصـویب توسـط اداره راهنمـایی و راننـدگی تهیه و به تصویب وزرا کشور ، دادگستری و بازرگـانی خواهد رسید. ماده نه ـ کارخانجات داخلی مکلف به رعایت ضوابط مقرر در آیین‌نامه اجرایی این قانون می‌باشند. ماده ده ـ از تاریخ اجرای این قـانون تبصـره مـاده ده قـانون نحوه رسـیدگی به تخلفـات و اخـذ جرایم راننـدگی و سـایر قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغ ومی گردد.

آیین نامه ثبت انتقالات و معاملات کشتی ها – مصوب ۱۳ ۶ ۱۳۴۴ با اصلاحات

هیـات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۴۴ بنـا به پیشـنهاد وزارتین دادگستری و اقتصاد با توجه به ماده ۲۴ قـانون دریایی ایران آیین نامه مربوط به ثبت انتقالات و معاملات کشتی ها را در نه ماده به شـرح ذیل تصویب نمودنـد. ماده ۱ ـ ثبت کلیه انتقالات و معاملات و اقاله راجع به کشتی ها اعم از عین یا منفعت اجباری است و منحصـرا به وسـیله دفاتر اسـناد رسـمی که طبق مقررات این آیین نامه از طرف اداره کل ثبت اسـناد و املاک اجازه مخصوص خواهد داشت انجام می‌شود. ماده ۲ ـ سازمان بنادر کشتیرانی تعداد دفتر خانه هـایی را که در کلیه نقاط کشور برای ثبت معاملات کشتی ها لازم بدانـد به اطلاع اداره کل ثبت اسـناد و املاک می‌رسانـد و اداره مزبور مکلف است اجازه مخصوص ثبت معاملات کشتی را به سـردفتران دفترخانه های درجه اول که لااقل سه سال سابقه سردفتری درجه اول داشـته و برای تنظیم و ثبت اینگونه معاملات صـلاحیت لازم را واجـد باشـند تفویض نماید. ماده ۳ ـ ثبت اسـناد مربوط به معاملات کشتی عینا تابع مقررات مربوط به ثبت اسـناد رسـمی است دفاتر اسـناد رسـمی مـذکور در ماده ۲ مکلفنـد علاوه بر رعایت مقررات مربوط به ثبت اسـناد رسمی هنگام ثبت اسناد مربوط به معاملات کشتی و همچنین رعایت مفاد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران (۱) در مورد نشـر آگهی فروش ـ تاریخ و ساعت ثبت اسـناد معامله کشتی ـ شماره تابعیت کشتی و مشخصاتاصلی کشتی را در دفاتر و اسـناد درج نماینـد. مشـخصات مزبور عبارت است از نام کشتی ـ توان قوه محرکه ـ جنس بـدنه کشتی ـ تاریـخ و محل ساختمان ـ ابعـاد و ظرفیت هـا ـ تعـداد پـل ها و دکل ها و دودکش ها ـ نوع قوه محرکه (بخار ـ دیزل ـ اتم و غیره علایم مشـخصه نام و ملیت و محل اقامت مالک یا مالکین و سـهم هر یک از آنها ـ نام محل ثبت کشتی و بندر وابسـته ماده ۴ ـ دفاتر اسناد رسمی مخصوص ثبت معاملات کشتی ها مکلفنـد قبل از اقـدام به ثبت هرگونه معامله وضع کشتی را از سازمان بنادر و کشتیرانی اسـتعلام نماینـد. ماده ۵ ـ سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است پس از وصول برگ خلاصه معامله مربوط به کشتی ارسالی از دفاتر اسـناد رسـمی مخصوص ثبت معاملات کشتی ها مندرجات آن را بر طبق مقررات قانون دریایی در دفتر رسمی ثبت کشتی ها قید کند. ماده ۶ ـ سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است پس از انجـام تشـریفات قـانونی به درخواست هر یک از طرفین معامله خلاصه معامله مربوط به کشتی رادر ظهر اسـناد ثبت و تابعیت کشتی قیـد نمایـد. ماده ۷ ـ در صـورتی که معاملات مربـوط به کشـتی در خـارج از کشور صورت گیرد معاملات مزبور بایـد در دفتر کنسولگری ایران در محـل وقوع معـامله ویـا نزدیک ترین کنسولگری ایران منعکس گردد و برای این منظور متعـاملین بایـد مراتب را به اطلاع کنسولگری ایران برساننـد که خلاصه معامله را به سازمان بنادر و کشتیرانی ارسال دارنـد و

کنسولگری ایران موظف است مراتب را در ظهر اسناد تابعیت و ثبت کشتی قید نموده و برگ خلاصه معامله راظرف پنج روز به سازمان بنادر و کشتیرانی ارسال دارد. ماده ۸ ـ فک کلیه معاملات رهنی مربوط به کشتی باید در دفاتر اسناد رسمی مخصوص ثبت معاملات کشتی و طبق تشریفات این آیین نامه انجام گیرد و سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است فك معاملات رهنی را در ظهر اسناد ثبت و تابعیت قید نماید چنانچه فک معامله رهنی در خارج از کشور صورت گیرد باید موضوع به وسیله کنسولگری ایران ظهر اسناد ثبت و تابعیت قید و ظرف پنج روز نسبت به اعلام مراتب به سازمان بنادر و کشتیرانی اقدام شود. ماده ۹ ـ اداره کل ثبت اسناد مکلف است در اجرا دستور ماده ۲۴ قانون دریایی ۲) یک نفر نماینده صلاحیتدار از بین کارمندان رسمی خود که سوابق کافی در امور ثبت داشته باشد به سازمان بنادر و کشتیرانی معرفی نماید تا ثبت انتقالات و معاملات مربوط به کشتی را در دفاتر منعکس نماید. ۱ ـ ماده ۲۵ قانون دریایی مقرر می‌دارد در مورد فروش کشتی های تابع ایران ، سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است انجام معامله را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیر الانتشار مرکز در سه نوبت به فاصله ۱۰ روز آگهی نماید. هزینه آگهی ها توسط مرجع قانونی که وقوع معامله را ثبت می کند در موقع انجام معامله از فروشنده دریافت می گردد. ۲ ـ ماده ۲۴ قانون دریایی مصوب ۲۹۶۱۳۴۳ مقرر می‌دارد انتقالات و معاملات کشتی الف ثبت کلیه انتقالات و معاملات و اقاله راجع به عین کشتی های مشمول این قانون همچنین منافع آنها در صورتی که مدت آن زاید بر دو سال باشددر داخل کشور اجباری است و منحصرا وسیله دفاتر اسناد رسمی که برای این کار از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه مخصوص دارند انجام می‌شود و در صورتی که معاملات مزبور در خارج از کشور صورت گیرد انجام معامله طبق مقررات کشور محل وقوع آن باید توسط نزدیکترین نماینده‌کنسولی ایران به محل معامله گواهی و مراتب در دفتر کنسولگری نیز منعکس و ظرف ۱۵ روز به سازمان بنادر و کشتیرانی ایران اعلام شود. ب ـ اداره کل ثبت اسناد و املاک نماینده‌ای در سازمان بنادر کشتیرانی خواهد داشت که ثبت انتقالات و معاملات مزبور را در دفاتر خود منعکس خواهدنمود. ج ـ فروش و یا انتقال تمام و یا قسمتی از کشتی که در ایران به ثبت رسیده است اعم از اینکه انتقال ارادی یا قهری باشد تغییری در تابعیت کشتی نمی‌دهد به شرط آنکه حد نصاب مندرج در بند الف ماده یک این قانون و شرایط دیگر رعایت شود. د ـ کلیه معاملات مربوط به فروش ، انتقال و رهن کشتی باید در اسناد ثبت و تابعیت کشتی هر دو قید گردد. ه ـ مالك کشتی ایرانی که کشتی خود را در ایران و یا خارج از کشور و به رهن گذاشته است نمی‌تواند قبل از فک رهن و یا بدون اجازه مرتهن یا بدون تامین حق مرتهن کشتی خود را به فروش رساند. در صورت تخلف از حکم مزبور معامله انجام شده نافذ نخواهد بود. و ـ دفاتر اسناد رسمی و یا مامورین کنسولی ایران در خارج که از مقررات این ماده تخلف ورزند علاوه بر مجازات های مقرره مسئول پرداخت کلیه‌خسارات وارده نیز خواهد بود. آیین نامه اجرایی مربوط به این ماده به وسیله سازمان بنادر و کشتیرانی و وزارت دادگستری تنظیم و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون اجازه تاسیس بانکهای غیردولتی – مصوب ۲۱ ۱ ۱۳۷۹

ماده واحده ـ به منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس انداز و سرمایه گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور وجلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل چهل و چهارم قانون اساسی و در چهارچوب ضوابط ، قلمرو و شرایط تعیین شده در زیر اجازه تاسیس بانک توسط بخش غیردولتی داده می‌شود الف ـ سیاستگذاری پولی ، اعتباری ، ارزی ، چاپ اسکناس ، ضرب سکه ، حفظ ذخایر ارزی ، نظارت بر بانکها و صدور مجوز بانکی در قلمرو وظایف دولت بوده و در جهت اعمال حاکمیت همچنان در اختیار دولت باقی می‌ماند. ب ـ ضوابط مربوط به نحوه فعالیت بانکها از قبیل رعایت نسبتهای مالی تعیین شده جهت داشتن ساختار مالی سالم و نوع قراردادها و عقود و فعالیتهای بانکها طبق قوانین پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ و قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود. ج ـ دولت می‌تواند به افراد حقیقی و حقوقی داخلی به شرط داشتن شرایط زیر

مجوز فعالیت صادر نماید ۱ ـ داشتن تجربه و دانش لازم در این کار. ۲ ـ از نظر مالی توان تأمین سرمایه لازم و انجام کار را داشته باشد. ۳ ـ عدم داشتن هرگونه سو پیشینه اعم از مالی و اخلاقی

قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره – مصوب ۸ ۶ ۱۳۶۲

فصل اول ــ اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱ تا ۲

ماده ۱ ـ اهداف نظام بانکی عبارتند از ۱ ـ استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور. ۲ ـ فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری ۳ ـ ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه گذاری به منظور اجرای بند (۲ و ۹) اصل چهل و سوم قانون اساسی ۴ ـ حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل درموازنه پرداختهاو تسهیل مبادلات بازرگانی ۵ ـ تسهیل درامور پرداختها و دریافتها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون برعهده بانک گذاشته می‌شود. ماده ۲ ـ وظایف نظام بانکی عبارتند از ۱ ـ انتشار اسکناس و سکه‌های فلزی رایج کشور طبق قانون و مقررات ۲ ـ تنظیم کنترل وهدایت گردش پول و اعتبار طبق قانون و مقررات ۳ ـ انجام کلیه عملیات بانکی ارزی و ریالی و تعهد یا تضمین پرداختهای ارزی دولت طبق قانون و مقررات ۴ ـ نظارت بر معاملات طلا و ارز و ورود و صدور پول رایج ایران و ارز و تنظیم مقررات مربوط به آنها طبق قانون ۵ ـ انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات ۶ ـ اعمال سیاستهای پولی و اعتباری طبق قانون و مقررات ۷ ـ عملیات بانکی مربوط به آن قسمت از برنامه‌های اقتصادی مصوب که از طریق سیستم پولی و اعتباری باید انجام گیرد. ۸ ـ افتتاح انواع حسابهای قرض الحسنه (جاری و پس انداز) و سپرده‌های سرمایه گذاری مدت دار و صدور اسناد مربوط به آنها بر طبق قوانین و مقررات ۹ ـ اعطای وام و اعتبار بدون ربا (بهره طبق قانون و مقررات ۱۰ ـ اعطای وام و اعتبار و ارائه سایر خدمات بانکی به تعاونیهای قانونی جهت تحقق بند (۲) اصل ۴۳) قانون اساسی ۱۱ ـ انجام معاملات طلاـ و نقره و نگاهداری و اداره ذخایر ارزی و طلای کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط به آن ۱۲ ـ نگاهداری وجوه ریالی موسسات پولی و مالی بین‌المللی و یا موسسات مشابه و یا وابسته به این موسسات طبق قانون و مقررات ۱۳ ـ انعقاد موافقتنامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و بازرگانی و ترانزیتی بین دولت و سایر کشورها طبق قانون و مقررات ۱۴ ـ قبول و نگهداری امانات طلا و نقره و اشیای گرانبها و اوراق بهادار و اسناد رسمی از اشخاص حقیقی و حقوقی و اجاره صندوق امانات ۱۵ ـ صدور و تأیید و قبول ضمانتنامه ارزی و ریالی جهت مشتریان ۱۶ ـ انجام خدمات وکالت و وصایت بر طبق قانون و مقررات

فصل دوم ــ تجهیز منابع پولی (ماده ۳ تا ۶)

ماده ۳ ـ بانکها می‌توانند، تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند الف سپرده‌های قرض الحسنه ۱- جاری ۲ ـ پس انداز ب ـ سپرده‌های سرمایه گذاری مدت دار. تبصره ـ سپرده‌های سرمایه گذاری مدت دار که بانك در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت ، مضاربه ، اجاره به تملیك ، معاملات اقساطی ، مزارعه ، مساقات ، سرمایه گذاری مستقیم ، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماده ۴ ـ بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده های قرض الحسنه (پس انداز

و جاری می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار را تعهد و یا بیمه نمایند. ماده ۵ ـ منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده (۳) این قانون بر اساس قرارداد منعقده متناسب با مدت و مبالغ سپرده های سرمایه گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات ، تقسیم خواهد شد. ماده ۶ ـ بانکها می‌توانند به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روشهای تشویقی از امتیازات ذیل به سپرده گذاران اعطا نمایند الف ـ اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض الحسنه ب ـ تخفیف و یا معافیت سپرده گذاران از پرداخت کارمزد و یا حق الوکاله پ ـ دادن حق تقدم به سپرده گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم

فصل سوم ـ تسهیلات اعطایی بانکی (ماده ۷ تا ۱۷)

ماده ۷ ـ بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخشهای مختلف تولیدی و بازرگانی و خدماتی قسمتی از سرمایه یامنابع مورد نیاز این بخشها را به صورت مشارکت تامین نمایند. ماده ۸ ـ بانکها می‌توانند، در امور و یا طرحهای تولیدی و عمرانی مستقیما به سرمایه گذاری مبادرت نمایند، برنامه این گونه سرمایه گذاریها باید درضمن لایحه بودجه سالانه کل کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و نتیجه ارزیابی طرح حاکی از عدم زیان دهی باشد. تبصره ـ بانکها به هیچ وجه حق ندارند در تولید اشیای تجملی و مصرفی غیرضروری سرمایه گذاری نمایند. ماده ۹ ـ بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی در چهارچوب سیاستهای بازرگانی دولت منابع مالی لازم را براساس قرارداد مضاربه در اختیار مشتریان با اولویت دادن به تعاونیهای قانونی قرار دهند. تبصره ـ بانکها در امر واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نمی‌باشند. ماده ۱۰ ـ بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم در گسترش امر مسکن ، با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی ، واحدهای مسکونی ارزان قیمت به منظور فروش اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک احداث نمایند. تبصره ـ تملک زمین با رعایت قانون اراضی شهری جهت احداث واحدهای مسکونی موضوع ماده ۱۰ توسط بانکها بلامانع است ماده ۱۱ ـ بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن کشاورزی و خدمات اموال منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر خرید و مصرف و یا استفاده مستقیم مال و یا اموال مورد درخواست خریداری نموده و با اخذ تامین به صورت اقساطی به‌مشتری بفروشند. ماده ۱۲ ـ بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی کشاورزی صنعتی و معدنی اموال منقول و غیرمنقول را بنا به‌درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر انجام اجاره به شرط تملیک و استفاده خود، خریداری و به صورت اجاره به شرط تملیک به مشتری واگذار نمایند. ماده ۱۳ ـ بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به هر یک از عملیات ذیل مبادرت نمایند الف ـ مواد اولیه و لوازم یدکی مورد نیاز واحدهای تولیدی را بنا به درخواست این واحدها و تعهد آنها مبنی بر خرید و مصرف مواد اولیه و لوازم یدکی مورد درخواست خریداری و به صورت نسبت به واحدهای مذکور بفروشند. ب ـ آن قسم از تولیدات این واحدها را که سهل البیع باشد بنا به درخواست آنها پیش خرید نمایند. ماده ۱۴ ـ بانکها موظفند جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی بخشی از منابع خود را از طریق قرض الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند. آیین نامه اجرایی این ماده توسط بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیات دولت می‌رسد. ماده ۱۵ (اصلاحی ۲۸۱۲۱۳۶۵) ـ کلیه قراردادهایی که در اجرای این قانون مبادله می گردد به موجب قراردادی که بین طرفین منعقد می‌شود در حکم اسناد رسمی بوده و در صورتی که در مفاد آن طرفین اختلافی نداشته باشند لازم الاجرا بوده و تابع مفاد آیین نامه اجرایی اسناد رسمی می‌باشد. آن دسته از معاملات مربوط به اموال غیرمنقول و اموال منقول که طبق قوانین و مقررات موضوعه باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شود کماکان طبق تشریفات مربوط انجام خواهد شد. تبصره ۱

(الحاقی ۲۹۱۱۱۳۷۶) ـ کلیه وجوه و تسهیلات اعطایی که بانکها در اجرای این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت نموده یامی‌نمایند و برابر قرارداد تنظیمی مقرر شده باشد که اشخاص مذکور در سررسید معینی وجوه و تسهیلات دریافتی به انضمام سود و خسارت و هزینه‌های ثبتی و اجرایی دادرسی و حق الوکاله را بپردازند، در صورت عدم پرداخت و اعلام بانک بستانکار قابل مطالبه و وصول است و کلیه مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی مکلفند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی نسبت به صدور حکم و اجرائیه و وصول مطالبات بانک طبق مقررات این قانون اقدام نمایند. تبصره ۲ (الحاقی ۲۹۱۱۱۳۷۶) ـ اشخاصی که در قالب استفاده از خدمات بانکی از وجوه و منابع مالی بانکها به نحو غیرمجاز بهره‌مند می‌شوند مکلفند علاوه بر استرداد وجوه مذکور، خسارت مربوط را به ترتیبی که در قراردادهای تنظیمی مقرر شده باشد پرداخت نمایند. تبصره ۳ (اصلاحی ۲۹۱۱۱۳۷۶) ـ چنانچه در هر یک از موارد اعطای تسهیلات بانکی بیش از یک قرارداد بین بانک با مشتریان خود در دفتر اسنادرسمی تنظیم گردد حقوق متعلق اعم از هر نوع عوارض حق الثبت و نظایر آن نسبت به سند اول محاسبه و دریافت خواهد شد و در مورد قرارداد بعدی تعلق حقوق مزبور منوط به افزایش رقم مندرج در قراردادهای بعدی نسبت به رقم مذکور در قرارداد ماقبل آن است در این صورت حقوق متعلق اعم از هرنوع عوارض حق الثبت و نظایر آن به استثنای حق التحریر باید به نسبت مابه التفاوت دو رقم فوق الذکر محاسبه و دریافت گردد. ملاک تشخیص ارتباط قراردادها اعلام بانک ذی ربط می‌باشد. تبصره ۴ (اصلاحی ۲۹۱۱۱۳۷۶) ـ در مواردی که وسایل نقلیه موتوری (ساخت کارخانجات داخلی یا وارداتی مع الواسطه بانکها از طریق اعطای تسهیلات بانکی به اشخاص منتقل می‌گردد بانک انتقال دهنده از لحاظ مقررات مالیات نقل و انتقال در حکم انتقال دهنده دست اول تلقی خواهد شد. ماده ۱۶ ـ بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی بازرگانی و خدماتی مبادرت به جعاله نمایند. ماده ۱۷ ـ بانکها می‌توانند، اراضی مزروعی و یا باغات را که در اختیار و تصرف خود دارد به مزارعه و یا مساقات بدهند.

فصل چهارم ـ بانک مرکزی ایران و سیاست پولی (ماده ۱۸ تا ۲۰

ماده ۱۸ ـ بانک مرکزی ایران که از این پس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نامیده می‌شود در مورد شرکتهای دولتی که سهام آن صددرصد متعلق به‌دولت نیست فقط می‌توانند طبق عملیات مجاز در این قانون عمل نماید. ماده ۱۹ ـ سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی کوتاه مدت (یک ساله به پیشنهاد مجمع عمومی بانک مرکزی و تصویب هیات دولت تعیین شده و سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی پنجساله و دراز مدت در ضمن لوایح برنامه‌های عمرانی پنج ساله و دراز مدت کشور جهت تصویب به مجلس‌شورای اسلامی تقدیم می‌شود. ماده ۲۰ ـ بانک مرکزی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می‌تواند با استفاده از ابزار ذیل طبق آیین نامه ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد بر اساس ماده (۱۹)، در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند ۱ ـ تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانکها در عملیات مشارکت و مضاربه این نسبتها ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد. ۲ ـ تعیین رشته های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت درحدود سیاستهای اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه گذاری و مشارکت ، حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته های مختلف متفاوت باشد. ۳ ـ تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله . این نسبتها ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد. ۴ ـ تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر این که بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق الوکاله به کارگیری سپرده‌های سرمایه گذاری که توسط بانکها دریافت می‌شود. ۵ ـ تعیین نوع میزان حداقل وحداکثر امتیازات موضوع ماده (۶) و تعیین ضوابط

تبلیغات برای بانکها در این موارد. ۶ ـ تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت ، مضاربه ، سرمایه گذاری ، اجاره به شرط تملیک ، معاملات اقساطی ، نسیه ، سلف ، مزارعه ، مساقات ، جعاله و قرض الحسنه ، برای بانکها و یا هر یک از آنها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری

فصل پنجم ــ متفرقه (ماده ۲۱ تا ۲۷)

ماده ۲۱ ـ بانک مرکزی با هر یک از بانکها و نیز بانکها با یکدیگر مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نمی‌باشند. ماده ۲۲ ـ بانکها می‌توانند با اجازه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با موسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکتهای دولتی به عملیات مجاز بانکی مبادرت نمایند. ماده ۲۳ ـ وجوه دریافتی تحت عنوان کارمزد و حق الوکاله جزو درآمدهای بانکها بوده و قابل تقسیم بین سپرده گذاران نمی‌باشد. ماده ۲۴ ـ معافیت از سود بازرگانی و یا معافیت های مالیاتی اعطایی طبق قانون به کارخانجات و موسسات تولیدی به بانکهایی که از لحاظ واردات و یا مالکیت جانشین کارخانجات و یا موسسات تولیدی می‌شوند نیز تعلق می گیرد. ماده ۲۵ ـ واحدهایی که بانکها درآنها مشارکت و یا سرمایه گذاری نموده باشند تابع قانون تجارت خواهند بود،مگر این که مشمول قانون دیگری باشند. ماده ۲۶ ـ پس از تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو و اختیارات و وظایف مذکور در قانون پولی و بانکی و لایحه قانونی اداره امور بانکها و متمم آن که در این قانون به مراجع ذی صلاح دیگری سپرده شده است از مراجع قبلی سلب می گردد. ماده ۲۷ ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است آیین نامه اجرایی این قانون را با پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و پس ازتصویب هیات دولت که نباید مدت تهیه و تصویب آن از مدت ۴ ماه بیشتر باشد به مرحله اجرا بگذارد.

قانون تسری امتیازات خاص بانکها به موسسات اعتباری غیربانکی مجاز – مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱

ماده واحده ـ به موجب این قانون کلیه حقوق و امتیازات پیش‌بینی شده برای بانکها در تبصره‌های ذیل بند (الف ماده (۱) قانون وصول برخی ازدرآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ و ماده (۱۵) اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا ـ مصوب ۱۳۶۵ ـ در حدود مقررات ناظر بر فعالیت موسسات اعتبار غیربانکی مجاز و موضوع فعالیت آنها به این قبیل موسسات نیز تسری داده می‌شود.

آیین نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶

فصل اول ــ تشکیلات بخش اول انتخاب ، اشتغال ، تمدید

الف ترتیب انتخاب (ماده ۱ تا ۱۱)

آیین نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶ مصوب تیرماه ۱۳۷۶ ریاست قوه قضاییه (شماره ۲۳۶۱۵۵۹۷۷۷ روزنامه رسمی کشور) فصل اول ـ تشکیلات بخش اول انتخاب ، اشتغال ، تمدید الف ترتیب انتخاب ماده ۱ ـ قوه قضاییه در صورت نیاز از طریق روزنامه های کثیرالانتشار از داوطلبان واجد شرایط مترجمی رسمی دعوت می‌نماید تا درخواست خود را ظرف مهلت معینه در تهران به اداره فنی قوه قضاییه از طریق پست ارسال نمایند. ماده ۲ ـ

درخواست مترجمی رسمی باید دارای پیوستهای زیر باشد ۱ ـ یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ۲ ـ ۲ قطعه عکس ۴۳ ۳ ـ تصویر مصدق بالاترین مدرک تحصیلی (داوطلبانی که تحصیلاتی در ارتباط با زبان مربوط دارند در شرایط مساوی از اولویت برخوردار خواهند بود) ۴ ـ گواهی عدم سو پیشینه (برای کارمندان رسمی دولت گواهی اداره مربوط مبنی بر اشتغال کافی است ۵ ـ گواهی عدم اعتیاد به مواد مخدر. ماده ۳ ـ درخواست مترجمی رسمی به ترتیب تاریخ وصول در دفتری ثبت و برای هر داوطلب پرونده جداگانه ای تشکیل می‌شود. اداره فنی قبل از صدور پروانه مترجمی رسمی از طریق دادگستری محل و یا به طریق مقتضی دیگر درباره صلاحیت داوطلب تحقیق به عمل آورده ، نتیجه را در پرونده وی منعکس می‌نماید. ماده ۴ ـ اداره فنی پرونده داوطلبان را در کمیسیونی مرکب از رییس یا معاون اداره فنی و یک نفر که به زبان خارجی مربوطه تسلط کامل داشته باشد ویک نفر از قضات به انتخاب معاون قضایی ریاست قوه قضاییه مطرح می‌سازد و واجدین صلاحیت را با تعیین تاریخ برای شرکت در امتحان دعوت می‌کند. دعوت کتبا و حداقل یک ماه قبل از تاریخ امتحان به عمل میاید. ماده ۵ ـ امتحان از کلیه واجدین صلاحیت در تهران در تاریخ معین که از طرف اداره فنی از طریق روزنامه های کثیرالانتشار اعلام خواهد شد زیر نظر اداره فنی به وسیله هیات ممتحنه مذکور در ماه ۴ به عمل آمده و در سه مرحله به صورت امتحان عمومی زبان ، امتحان تخصصی ترجمه و شفاهی خواهد بود. تبصره ـ هیات ممتحنه از سه نفر اشخاص متبحر در زبان مورد نظر به انتخاب اداره فنی تشکیل می گردد در صورت عدم دسترسی به تعداد مذکور ممکن است از تعداد کمتر استفاده شود. ماده ۶ ـ امتحان عمومی زبان به صورت کتبی و طرح سوالات چهار گزینه ای در سطح تافل در زبان انگلیسی و هم سطح آن در سایر زبانها خواهد بود. سوالات امتحان به صورت تشریحی از بان فارسی به زبان مورد نظر و بالعکس خواهد بود. تبصره ۱ ـ داوطلبانی که در امتحان مرحله عمومی حد نصاب نمره قبولی را احراز نکرده باشند می‌توانند درخواست تجدیدنظر بدهند. در این مرحله ورقه امتحان توسط استاد مصحح بازبینی خواهد شد. تبصره ۲ ـ برای انجام امتحان مرحله عمومی از بانک سوالات که به همین منظور تشکیل می گردد استفاده خواهد شد. تبصره ۳ ـ استفاده از فرهنگ لغات در امتحانات تخصصی تشریحی مجاز است ماده ۷ ـ سوالات امتحان مرحله تخصصی به صورت ترجمه از زبان فارسی به زبان خارجی و بالعکس می‌باشد و طرح سوالات و تصحیح اوراق امتحان زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ و توسط هیات ممتحنه مذکور در تبصره ماده ۵ صورت می گیرد و نمره‌ای که به هر یک از سه مرحله داده می‌شود از عدد ۱۰۰ منظور می گردد و نمره هر ورقه در ذیل یا ظهر آن به حروف و عدد ثبت شده و به امضای هیات ممتحنه می‌رسد. تبصره ۱ ـ حداقل نمره قبولی برای هر یک از سه امتحان ۷۵ خواهد بود. تبصره ۲ ـ هر داوطلب می‌تواند در خواست اعتراض به ورقه خود را ظرف مهلت بیست روز از تاریخ اعلام نتیجه امتحان کتبی به اداره فنی تسلیم نماید و رییس اداره فنی می‌تواند ورقه داوطلب را به شخص یا هیات ممتحنه دیگری واگذار نماید. ماده ۸ ـ قبولی در امتحان به نحو مذکور در ماده۷ و تبصره ۱ برای شرکت در امتحان شفاهی الزامی است ماده ۹ ـ اداره فنی از قبول شدگان به ترتیب مذکور در تبصره ۱ ماده ۷ برای انجام امتحان شفاهی دعوت می‌نماید. امتحان شفاهی زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ انجام می گیرد اداره فنی تعداد مترجم رسمی مورد احتیاج را به ترتیب از بین کسانی که دارای نمره بیشتری می‌باشند انتخاب می کند. ماده ۱۰ ـ انتخاب شدگان باید حداقل یک سال نزدیک مترجم رسمی همزبان که حداقل ده سال تجربه مترجمی رسمی داشته باشند با معرفی داوطلب وتایید مترجم رسمی مذکور و اداره فنی کارآموزی نموده و کارآموز باید در مدت کارآموزی زیر نظم مترجم سرپرست خود گواهی اتمام دوره کارآموزی وپیشرفت تجربی را از مترجم سرپرست خود اخذ نماید. در غیر این صورت دوره کارآموزی برای یک بار دیگر تمدید خواهد شد. تبصره ـ در رشته‌هایی که سابقه مترجمی رسمی کمتر از ده سال است شرط مقرر در فوق از حیث مدت ده سال رعایت نخواهد شد. ماده ۱۱ ـ قبول شدگان در حضور کمیسیون مذکور در ماده ۴ به شرح زیر سوگند یاد می کنند (به خداوند متعال سوگند یاد می کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به کار نبرم و در سمت مترجمی راز دار و امین باشم) پس‌از انقضای مدت

کارآموزی و ارایه گواهی ، اداره فنی برحسب تخصص داوطلب پروانه مترجمی رسمی تخصصی والا پروانه مترجمی رسمی به نام داوطلب صادر و پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی به آنان تسلیم می‌کند پروانه مترجمی باید دارای عکس و نمونه امضا باشد.

ب – محل و شرایط اشتغال (ماده ۱۲ تا ۱۶)

ماده ۱۲ ـ مترجم رسمی در غیر حوزه قضایی محل و آدرسی که در پروانه وی منعکس می‌باشد حق اشتغال ندارد و در صورت عدم اقامت در محل مذکور پروانه تمدید نخواهد شد. ماده ۱۳ ـ اداره فنی در صورت نیاز مشخصات کامل مترجمان را به وسیله روزنامه رسمی و دفترچه های مخصوص منتشر می‌کند. ماده ۱۴ ـ مترجم رسمی حق تغییر محل کار را از حوزه‌ای که در پروانه وی درج گردیده به حوزه دیگر ندارد و هرگونه تغیر محل از شهرستان به تهران به تقاضای مترجم رسمی و موافقت کتبی رییس دادگستری و اداره فنی پس از موفقیت در امتحان شفاهی و مصاحبه و تصویب معاونت قضایی رییس قوه قضاییه ممکن خواهد بو و مراتب در پروانه مترجمی درجه خواهد گردید. ماده ۱۵ ـ مترجم رسمی می‌تواند فقط یک دارالترجمه یا موسسه ترجمه رسمی دایر نماید. در غیر این صورت به عنوان متخلف از ادامه کار وی توسط اداره فنی قوه قضاییه جلوگیری به عمل خواهد آمد. تبصره ـ اداره فنی موظف است علاوه بر تعقیب قانونی مسوول یا مسوولین دارالترجمه هایی که برخلاف مقررات این آیین نامه دایر هستند از ادامه فعالیت آنها با کمک نیروی انتظامی جلوگیری به عمل آورد. ماده ۱۶ ـ دایر کردن موسسه ای با نام دارالترجمه یا تحت عنوان دیگر که بدون مسوولیت رسمی یک نفر دارنده پروانه رسمی مترجمی به امر ترجمه اشتغال داشته باشد ممنوع است و مدیران و مسوولین این گونه موسسات طبق مقررات کیفری بااعلام اداره فنی تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت

ج – تمدید پروانه (ماده ۱۷)

اشاره

ماده ۱۷ ـ مترجم رسمی باید با در دست داشتن مفاصا حساب مالیاتی سنوات گذاشته یا گواهی مراجعه به دارایی به منظور تصفیه حساب مالیاتی ، هرسه سال یک نوبت در اردیبهشت ماه برای تمدید پروانه خود به اداره فنی مراجعه نماید، در صورتی که موجبی برای عدم تمدید نباشد پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی پروانه وی برای سه سال توسط اداره فنی تمدید می‌شود. اداره فنی و دادگستری شهرستان از تصدیق امضای مترجمی که پروانه وی تمدید نشده ممنوع می‌باشند، اداره فنی تمدید پروانه را به دادگستری اطلاع می‌دهد.

بخش اول – شورای عالی ترجمه (ماده ۱۸ تا ۲۸)

ماده ۱۸ ـ نظر به ماده ۹ این قانون شورایی تحت عنوان (شورای عالی ترجمه) به ریاست معاون قضایی رییس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. ماده ۱۹ ـ شورای عالی ترجمه علاوه بر معاون قضایی که رییس شورا می‌باشد و رییس اداره فنی که در شورا عضویت ثابت دارد دارای هفت عضو دیگراست که یک نفر از مترجمان رسمی زبان انگلیسی و یک نفر از زبان آلمانی و یک نفر زبان فرانسه و یک نفر زبان عربی و یک نفر از اساتید زبان انگلیسی و یک نفر از اساتید زبان آلمانی و یک نفر از اساتید زبان عربی از بین برجسته ترین مترجمان رسمی و استادان رشته های زبان و مترجمی دانشگاه ها و موسسات عالی به حکم ریاست قوه قضاییه منصوب می‌شوند. تبصره ـ مترجمان رسمی عضو شورا به پیشنهاد اداره فنی و اساتید دانشگاه با هماهنگی وزارت علوم و آموزش عالی انتخاب و پیشنهاد می‌شوند. ماده ۲۰ ـ وظایف شورای عالی انتخاب‌ترجمه به قرار زیر است ۱ ـ رسیدگی به موضوعاتی که مترجمان رسمی در ارتباط با انجام ترجمه های قوه قضاییه ارایه طریق و راهنمایی می‌کنند. ۲ ـ رسیدگی و اعلام نظر مشورتی در

باب سوالاتی که از طرف رییس اداره فنی قوه قضاییه در باب ترجمه رسمی مطرح می گردد. ۳ ـ ارایه نظر مشورتی در اختلاف بین مترجم رسمی و صاحبان اسناد ترجمه شده که پرونده آن در هیات رسیدگی به تخلفات مترجمین رسمی مطرح‌است ۴ ـ اتخاذ تصمیم درباره تعیین بهترین و مطلوبترین معادلها در زبانهای خارجی و برای لغات و اصطلاحات فارسی در مواردی که مترجمان رسمی به یک نتیجه واحد دست نیافته اند و از لغات ، اصطلاحات و تعبیرات متفاوتی در یک مورد خاص استفاده می‌نمایند و ایجاد وحدت رویه نسبی در امر ترجمه از فارسی به زبانهای خارجی و بالعکس و تهیه الگو های مناسب ومطلوب در این زمینه تبصره ـ شورای عالی ترجمه نمی‌تواند به وضع لغات جدید فارسی به عنوان معادلهای خارجی که از وظایف فرهنگستان زبان است بپردازد لکن می‌تواند معادل های برای کلمات خارجی که در زبان فارسی وارده شده اند به فرهنگستان زبان پیشنهاد نماید. ۵ ـ بررسی و اعلام نظر نسبت به موضوعاتی که اطراف دستگاههای دولتی و مراکز علمی و آموزشی کشور و نظایر آن به شورا ارجاع می‌شود. ماده ۲۱ ـ شورای عالی ترجمه می‌تواند نتیجه بررسی های خود را به صورت مقالات و نشریات ادواری یا به صورت فرهنگ های تخصصی نظیر فرهنگهای حقوقی ، اداری ، اقتصادی ، پزشکی فنی و غیره منتشر نماید و در این زمینه می‌تواند از نظر مشورتی استادان علوم تخصصی و فقها استفاده نماید ، پدیدآورندگان این گونه کتب و فرهنگ ها از مزایای حقوقی مولفین و مترجمین و حق التالیف قانونی بهره مند خواهند شد. ماده ۲۲ ـ به اعضای شورای عالی طبق مقررات حق حضور پرداخت خواهد شد. ماده ۲۳ ـ شورای عالی ترجمه می‌تواند در چهارچوب همکاری های علمی و پژوهشی در زمینه امر ترجمه با دانشگاهها و سایر موسسات علمی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور قراردادهای همکاری برای اجرای طرحهای ویژه منعقد نماید. تبصره ـ مواردی از وظایف شورای عالی که انجام آن مستلزم هزینه های مالی است پس از تایید معاونت اداری و مالی وزارت دادگستری و تامین اعتبارات مربوطه قابل اجرا می‌باشد. ماده ۲۴ ـ شورای عالی ترجمه براساس نیاز جامعه و میزان مراجعات و تعداد ارباب رجوع در هر زمان اولویت های لازم را در انجام وظایف فوق درنظرخواهد گرفت و زبانهای مهجور که طبق آمار اداره فنی کمتر محل مراجعه واقع می‌شوند از آخرین اولویتها برخوردار هستند و در حال حاضر زبانهای انگلیسی و آلمانی در درجات اول و دوم اولویت قرار دارند. ماده ۲۵ ـ امور اداری و دفتری شورای عالی ترجمه در اداره فنی قوه قضاییه متمرکز است و اداره مذکور وظایف دبیرخانه آن شورا را به عهده خواهدگرفت ماده ۲۶ ـ شورای عالی در اولین جلسه خود یک نایب رییس و یک منشی انتخاب خواهد کرد و برای انجام وظایف خود می‌تواند با دعوت از صاحبنظران کمیته های تخصصی فرعی تشکیل دهد. ماده ۲۷ ـ برای تشکیل هر جلسه با ذکر موضوعاتی که در دستور جلسه است دعوتنامه با امضای رییس یا نایب رییس شورای عالی ترجمه برای کلیه اعضا به نشانی آنان ارسال خواهد شد. جلسات شورای عالی ترجمه با حضور حداقل بیش از نصف اعضا رسمیت یافته و تصمیمات به رای اکثریت اتخاذ خواهد شد. ماده ۲۸ ـ در صورت استعفا یا فوت هر یک از اعضای شورای عالی ترجمه ، عضو جانشین به پیشنهاد شورا و با حکم ریاست محترم قوه قضاییه منصوب می گردد و در صورت غیبت بدون عذر موجه هر یک از اعضا در سه جلسه متوالی عضو مذکور مستعفی شناخته شده و جانشین وی تعیین ومنصوب خواهد شد.

فصل دوم ــ نحوه اداره (ماده ۲۹ تا ۳۷)

ماده ۲۹ ـ چنانچه مترجمین رسمی به صورت موسسه به ترجمه زبانهای مختلف اشتغال داشته باشند موسسه مذکور باید یکی از مترجمین را به عنوان مدیر موسسه به اداره فنی معرفی نماید فرد معرفی شده مسوول نظارت بر اداره کلیه امور موسسه خواهد بود. لکن این امر رافع مسوولیت دیگر مترجم رسمی زبان مورد نظر در قبال تخلفات مرتکب شده نخواهد بود. ماده ۳۰ ـ دادگاه یا هر مقام رسمی دیگر که به مترجم کار ارجاع می کند باید طرز رفتار او را مراقبت و هرگونه تخلفی را که مشاهده نماید به اداره فنی

گزارش دهد. ماده ۳۱ ـ اداره فنی موظف است اسـناد و مدارک تحصیلی وکلا اوراقی را که از طرف مراجع رسمی ذی صلاح برای ترجمه به آن اداره فرسـتاده می‌شود در صورت پرداخت هزینه به مترجم رسـمی ارجاع و پس از ترجمه و گواهی امضا اعاده نمایـد. ماده ۳۲ ـ برای مـترجمی زبانهـایی که در آن زبـان مورد نظر مـترجم رسـمی وجود نـدارد اداره فنی و دادگسـتری هـای شهرسـتانها می‌تواننـد از خبرگان محلی پس از اتیان سوگنـد التزام به صـحت گفتار اسـتفاده کنند. ماده ۳۳ ـ سازمان ثبت شـرکتها تقاضای ثبت موسـسات مترجمی را خواهـد پـذیرفت که علاوه برداشـتن شـرایط قـانونی پروانه مترجمی رسـمی معتبر نیزداشـته باشـد. مـاده ۳۴ ـ دارالترجمه هایی که قبل از تاریخ تصویب این آیین‌نامه دایر بوده‌اند موظفند از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه وضع خود را با مقررات آن تطبیق داده و ادامه فعـالیت آنها منوط به قبول مسوولیت دارالترجمه از طرف یک نفر مترجم رسـمی و موافقت اداره فنی قوه قضاییه می‌باشد. ماده ۳۵ ـ مترجم مسوول باید در دارالترجمه ای که مسوولیت آن را به عهده گرفته است حضور و نظارت داشته باشـد و تغییراتی که در اداره دارالـترجمه مـوثر است به اطلاع اداره فنی قوه قضـاییه برسانـد. مـاده ۳۶ ـ علامـت قوه قضـاییه ، نـام و نام‌خانوادگی مترجم مسوول و شـماره پروانه وی باید در تابلو دارالترجمه بدین شرح قید گردد. قوه قضاییه دارالترجمه رسمی شماره ....مترجم مسوول .....شـماره پروانه مترجمی رسـمی ...... ماده ۳۷ ـ کسانی که بـدون داشـتن پروانه مترجمی از تاریـخ لازم الاجرا شـدن این آیین نـامه مبـادرت به تاسیس دارالترجمه و یـا ادامه فعالیت غیر قانونی دارالترجمه بنماینـد با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قـانونی قرار خواهنـد گرفت و مسوولیت نظارت بر صـحت اجرا و پیگیریهای لازم بر عهـده اداره فنی است اداره مزبور موظف است نسبت به شناسایی دارالترجمه هایی که بر خلاف مقررات مشغول فعالیت هستند اقدام و اداره اماکن نیروهای انتظامی نیز از ادامه کار آنها جلوگیری به عمل آورد

فصل سوم ـ وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی

الف – وظایف مترجم رسمی (ماده ۳۸ تا ۴۵)

ماده ۳۸ ـ وظـایف مـترجم رسـمی به قرار زیر است ۱ ـ ترجمه رسـمی اسـناد و اوراق مـورد درخواست متقاضـی که به این منظور به مترجم تسلیم می‌گردد. ۲ ـ ترجمه اظهارات اصـحاب دعوا یا وکلای آنان یا شهود یا کارشناسان در مراجع قضایی و طرفین معامله یا وکلای آنان یا شهود در دفاتر اسناد رسمی ۳ ـ گواهی صحت ترجمه رسمی اسنادی که در ایران یا یکی از کشورهای بیگانه ترجمه یا تنظیم شـده است ماده ۳۹ ـ مترجم رسـمی بایـد دارای دفتر ثبت و برگ رسـید و مهر به شـرح زیر باشـد. ۱ ـ دفتر ثبت که شـماره ردیف و مشـخصات کارهای ارجاعی شامل نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی اگر غیر از صاحب سند باشد و تعداد نسخ اضـافی و نشـانی کامل او و تاریـخ ارجاع و تاریخ استرداد ترجمه و میزان دسـتمزد در آن ثبت می‌شود. این دفتر به وسـیله اداره فنی تهیه و برگ شـماری و منگنه و مهر و در اختیار مترجمین رسـمی قرار خواهـد گرفت ۲ ـ برگ رسـید که نوع و تعـداد و نام صاحب سنـد یا نام متقاضـی (اگر غیر از صاحب سـند باشد) و تاریخ استرداد و میزان دسـتمزد ترجمه در آن ثبت و هنگام دریافت سـند به متقاضـی ترجمه داده می‌شود. ۳ ـ مهر که در آن نـام و نـام خـانوادگی مـترجم و زبـانی که مترجم رسـمی آن است و شـماره پروانه مترجمی رسمی قید شده و مترجم با آن ذیل اوراق ترجمه را مهر می‌کند. دفتر و رسید و مهر مذکور طبق نمونه موجود در اداره فنی تهیه می‌شود. ماده ۴۰ ـ مترجم رسمی موظف است ۱ ـ ترجمه سند را روی برگ مخصوص که شکل و اندازه آن از طریق اداره فنی تعیین می‌شود بدون غلط و قلم خوردگی و حک و اصـلاح به هزینه خود ماشـین و در پایان آن مطابقت ترجمه را با اصل تصدیق و با قیـد تاریـخ ترجمه امضا کنـد هرگاه ترجمه سـندی از یک صـفحه تجاوز کند مترجم باید زیر هر صـفحه تصـریح کند که بقیه در صفحه بعـد ترجمه شـده است و ذیـل تمام صـفحات را امضا و آنها را منگنه یا پلمپ نمایـد و بین امضای مترجم و متن ترجمه شـده

نباید فاصله باشد. تبصره ـ مترجم رسمی باید در نگهداری اوراق مخصوص ترجمه که با قید شماره و ترتیب در اختیار وی قرار می‌گیرد نهایت دقت را نماید اوراق مذکور نباید به صورت سفید مهر و امضا شده در اختیار دیگران قرار گیرد و چنانچه هنگام استفاده اوراق مذکور مخدوش و غیر قابل استفاده گردد باید در محل مطمین آن را تا سه سال نگهداری نماید. ۲ ـ گواهی مطابقت رونوشت یا فتوکپی با اصل اسناد خارجی باید ذیل اوراق مورد گواهی به عمل آید و در صورت تعدد صفحات ، ذیل هر صفحه گواهی و امضا و به ترتیب بند یک با ذکر تعداد و منضمات منگنه یا پلمپ شود. ۳ ـ مترجم رسمی موظف است تصویری از اصل سند را به انضمام یک نسخه تایید شده از ترجمه آن برای بایگانی خود تهیه و تا سه سال نگهداری نماید و در صورت مطالبه اداره فنی یا سایر مراجع ذی صلاح آن را ارایه دهد. ماده ۴۱ ـ مترجم رسمی نمی‌تواند از قبول کاری که از طرف اداره فنی یا دادگستری محل به او رجوع می‌شود بدون عذر موجه خودداری کند و یا آن را به‌تاخیر بیندازد. وقت لازم برای ترجمه اسناد و مدارک عنداللزوم از طرف اداره فنی یا دادگستری محل تعیین خواهد شد. ماده ۴۲ ـ در صورتی که مترجم رسمی به لحاظ بیماری یا ماموریت یا هر علت دیگری قادر به انجام کار ترجمه نباشد باید به فوریت مراتب را به اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها و به متقاضی اعلام نماید و هرگاه اسناد و اوراق برای ترجمه نزد او باشد این اسناد و اوراق را سریعا مسترددارد. ماده ۴۳ ـ با دعوت کتبی مقام صلاحیتدار مترجم رسمی مکلف است در محل مقرر حاضر شود مگر اینکه عذر موجهی داشته باشد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلا به اطلاع آن مقام برساند. ماده ۴۴ ـ مترجم رسمی باید ضمن رعایت امانت تمام اظهارات و مندرجات اسناد و مدارک و اوراق را که برای ترجمه به او داده می‌شود جز به جز و کلمه به کلمه به نحوی که از لحاظ مضمون و مفهوم کاملاـ با اصل برابر باشد ترجمه نماید و حق ندارد چیزی را حذف و یا اضافه کند و در صورتی که سند مخدوش باشد مراتب را در ترجمه و برگ رسیدی که به صاحب سند می‌دهد قید کند. تبصره ۱ ـ مترجم رسمی می‌تواند ترجمه رسمی اسناد را با ذکر نام مترجم و تاریخ ترجمه سند به زبان دیگری ترجمه رسمی نماید. تبصره ۲ ـ در مورد اسناد رسمی تشخیص مواردی که ترجمه آنها ضرورتی ندارد با اداره فنی است و رعایت دستورات اداره مذکور در این مورد برای مترجم الزامی است تبصره ۳ ـ ترجمه فاکس و تلکس که صحت متن آن توسط دستگاه مربوطه تعیین شده باشد بلااشکال است تبصره ۴ ـ مترجم موظف است تصویر اصل سند را به متن ترجمه شده ضمیمه و پلمپ نماید. ماده ۴۵ ـ مترجم رسمی مسوول حفظ و مراقبت از اسنادی است که برای ترجمه به او سپرده می‌شود و موظف است اسناد را به همان صورتی که تحویل گرفته مسترد دارد.

ب مقررات انتظامی (ماده ۴۶ تا ۵۲)

ماده ۴۶ ـ هرگاه اشتباه مترجم رسمی به تصدیق دو نفر از مترجمین رسمی دیگر به انتخاب اداره فنی و در امر ترجمه محرز شود و خسارتی بابت وجه تمبر و تصدیق امضا و سایر هزینه های مربوط به امر ترجمه متوجه صاحب سند گردد مترجم موظف است با اخطار اداره فنی در جبران خسارت وارده یا جلب رضایت صاحب سند اقدام کند در غیر این صورت توسط اداره فنی تحت تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت تبصره ـ در خصوص این ماده و ماده ۴۳ در صورت احراز عمد مترجم رسمی چنانچه عمل وی مطابق با ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۱۱۳۱۷ باشد قابل تعقیب کیفری خواهد بود. ماده ۴۷ ـ مرجع تعقیب انتظامی مترجم رسمی اداره فنی است و همین که از تخلف مترجم در تهران و سایر شهرستانها رأسا یا حسب اعلام مراجع رسمی یا شکایت اشخاص اطلاع حاصل نماید مکلف است تقاضای تعقیب وی را از هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی که محل تشکیل آن در اداره فنی خواهد بود درخواست نماید. تبصره ـ دفتر اداره فنی عهده دار امور دفتری هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی نیز خواهد بود. ماده ۴۸ ـ اداره فنی در هر رشته از زبانهایی که برای آنها مترجم رسمی وجود دارد دو نفر را به عنوان اعضای هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی به‌معاونت قضایی قوه قضاییه معرفی می‌نماید که پس از تصویب رییس قوه قضاییه کتبا به این سمت منصوب

خواهند شد. ماده ۴۹ ـ دفتر همزمان با تسلیم درخواست رسیدگی اداره فنی برای تعقیب مترجم رسیم به مرجع انتظامی شکایت اداره فنی را به مترجم ابلاغ و وی می‌تواند ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را به دفتر ارسال یا تسلیم نماید. ماده ۵۰ ـ دفتر با وصول پاسخ یا عدم وصول آن ظرف مهلت مقرره مراتب را به مرجع انتظامی گزارش و مرجع مذکور با دعوت از نماینده اداره فنی ومترجم رسمی مورد تعقیب رسیدگی خواهند نمود. عدم حضور مترجم رسمی یا نماینده اداره فنی مانع رسیدگی به مورد یا یا موارد تخلف نخواهد بود. ماده ۵۱ ـ معاون قضایی می‌تواند همین که از سو رفتار و اخلاق مترجم رسمی مطلع شد و یا اینکه نامبرده را فاقد یکی از شرایط بندهای (ج الی (ز) ازماده ۱۳ این قانون تشخیص داد امر به تعقیب انتظامی او بدهد و همچنین در مواردی که اشتغال او را به مترجمی منافی با حیثیت مترجمی رسمی‌تشخیص داد تقاضای تعلیق وی را از شغل مترجمی از هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی می‌نماید. تعلیق مترجم رسمی موکول به رای هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی خواهد بود. ماده ۵۲ ـ چنانچه مترجم رسمی به اتهام ارتکاب بزهی تحت پیگرد مراجع قضایی قرار گیرد و عمل ارتکابی به تشخیص مرجع انتظامی مغایر با شئون مترجم رسمی باشد از سمت مترجمی رسمی معلق خواهد شد و در صورت صدور رای قطعی برایت یا منع پیگرد یا موقوفی تعقیب رفع تعلیق به عمل‌خواهد آمد. چنانچه درباره متهم قرار تعلیق تعقیب کیفری یا حکم به تعلیق اجرای مجازات صادر شود رفع تعلیق وی با مرجع انتظامی خواهد بود.

فصل چهارم ـ حق‌الزحمه مترجم (ماده ۵۳ تا ۵۹)

ماده ۵۳ ـ حق الزحمه مترجم رسمی به قرار زیر است ۱ ـ برای ترجمه از زبان بیگانه به فارسی و بالعکس هر کلمه هشتاد ریال ۲ ـ برای ترجمه های فوری هر کلمه ۱۲۰ ریال ۳ ـ برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی غیر فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس و به تناسب تعداد کلمات فنی و تخصصی هر کلمه ازیکصد ریال تا یکصد شصت ریال ۴ ـ برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس هر کلمه صد و بیست ریال تا صد و هشتاد ریال به تشخیص‌اداره فنی یا دادگستری محل ۵ ـ کلمات مرکب از قبیل کتابخانه و دهکده یک کلمه محسوب می‌شود. ۶ ـ حروف ربط و اضافه یک کلمه محسوب خواهد شد. ۷ ـ در ترجمه اعداد تا ۵ رقم مستقل یک کلمه به شماره می‌رود. ۸ ـ چنانچه متقاضی از ترجمه ای بیش از یک نسخه بخواهد بابت نسخ اضافی تا سه نسخه اول دو هزار ریال برای نسخ بعدی به ازای هر سه نسخه اضافی پانزده درصد بر مبلغ قبل آن اضافه خواهد شد و حق امضای مترجم برای نسخه های اضافی تا سه نسخه هزار و پانصد ریال است ۹ ـ حق الزحمه گواهی مطابقت رونوشت سند با اصل که طبق ماده ۷۵ ق آ.د.م وسیله مترجم رسمی انجام شود هر صفحه هزار و پانصد ریال است ۱۰ ـ حق الزحمه مترجم برای ترجمه شفاهی تا یک ساعت پنجاه هزار ریال و مازاد بر یک ساعت به ازای هر ساعت اضافی پانزده هزار ریال خواهد بودکه متقاضی باید قبل از تشکیل جلسه حداقل حق الزحمه را به طور علی الحساب در صندوق دادگستری تودیع و قبض آن را ارایه نماید. ۱۱ ـ هزینه سفر مترجمان رسمی بر طبق تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مندرج در آیین نامه مربوطه و اصطلاحات بعدی خواهد بود. ۱۲ ـ پول تمبر ترجمه و نسخ اضافی و هزینه پلمپ به عهده متقاضی است ماده ۵۴ ـ در صورت اقتضا از طرف اداره فنی در خرداد ماه هر سال کمیسیونی مرکب از رییس یا معاون اداره فنی و نماینده معاونت قضایی رییس قوه قضاییه و دو نفر مترجم رسمی به انتخاب اداره فنی تشکیل و و با توجه به افزایش یا کاهش هزینه زندگی نسبت به تعدیل حق الزحمه ترجمه رسمی مندرج در ماده ۵۳ آیین نامه اقدام خواهد شد. ماده ۵۵ ـ امضای مترجم ذیل ترجمه یا رونوشت یا فتوکپی اسناد و اوراق در مرکز وسیله اداره فنی و در شهرستانها وسیله یکی از قضات دادگستری‌محل که به پیشنهاد اداره فنی و تصویب معاون قضایی تعیین خواهد شد تصدیق و به مبلغ مقرر قانونی تمبر الصاق می‌شود. ماده ۵۶ ـ در صورت تعلیق یا انفصال یا غیبت طولانی یا

حجر یا بیماری طولانی یا فوت مترجم رسمی بنا به تقاضای اداره فنی در مرکز و دادگستری‌محل در شهرستانها برگها و اسناد و دفاتر راجع به امور ترجمه جمع آوری و به اداره فنی یا دادگستری محل ارسال می گردد درصورتی که بین آنها اشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد باید در قبال اخذ رسید به صاحبان آنها مسترد شود. ماده ۵۷ ـ از تاریخ قابل اجرا شدن این آیین نامه ، کلیه آیین‌نامه های مربوط به مترجمان رسمی ملغی است ماده ۵۸ ـ این آیین نامه پانزده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا است ماده ۵۹ ـ این آیین نامه در ۵۸ ماده و ۱۸ تبصره تصویب می‌شود.

قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی – مصوب ۲۰ خردادماه ۱۳۱۶ و اصلاحات

شماره ۳۶۱۵۲۸۷۷۶ روزنامه رسمی ماده ۱ ـ هرگاه یکی از طرفین دعوی یا شهود و اهل خبره در محاکم و ادارات و طرفین معامله یا شهود در دفاتر اسناد رسمی زبان فارسی را ندانند اظهارات آنها توسط مترجم رسمی ترجمه خواهد شد. تبصره ـ در نقاطی که از طرف وزارت عدلیه مترجمین رسمی برای هر یک از زبانهای غیرفارسی تعیین نشده باشد محاکم و ادارات ثبت ، دفاتر اسناد رسمی مترجمین که طرف اعتماد باشد برای ترجمه تعیین می‌نماید. ماده ۲ ـ ترجمه اسناد ذیل باید از طرف مترجمین رسمی یا مامورین سیاسی و قنسولی تصدیق شده باشد الف ـ اسنادی که در یکی از کشورهای بیگانه یا در ایران به یکی از زبانهای غیرفارسی تنظیم شده و در یکی از محاکم و ادارات ایران مورد استفاده باشد. ب ـ اسنادی که در ایران تنظیم شده و ترجمه آن به منظور استفاده در یکی از کشورهای بیگانه مورد حاجت باشد. ماده ۳ ـ به متقاضیان با احراز شرایط ذیل پروانه مترجمی رسمی اعطا می گردد الف ـ داشتن حداقل ۲۵ سال سن ب ـ موفقیت در آزمون و اختبار علمی و کتبی ج ـ نداشتن پیشینه موثر کیفری د ـ عدم اشتهار به فساد اخلاقی عقیدتی ه ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر. و ـ عدم محکومیت به انفصال از خدمات دولتی ز ـ مورد وثوق و اعتماد باشد. ماده ۴ ـ اعتبار پروانه مترجمی سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی و پرداخت هزینه مطابق تعرفه قانونی می‌باشد چنانچه متقاضی تمدید فاقد یکی از شرایط مقرر قانونی تشخیص داده شود مراتب با ذکر دلایل آن به مرجع انتظامی مترجمان اعلام و درخواست رسیدگی می‌شود.مرجع انتظامی پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه مترجمی رای مقتضی صادر می‌نماید. تا زمان رسیدگی مرجع انتظامی اعتبار پروانه به قوت خود باقی است ماده ۵ ـ مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی مترجمین رسمی هیاتی مرکب از یک نفر قاضی و دو نفر از مترجمین رسمی به انتخاب رییس قوه قضاییه می‌باشد که انشا رای با قاضی هیات خواهد بود. ماده ۶ ـ در صورت ارتکاب هریک از تخلفات ذیل مرتکب برای بار اول به مدت یک سال و بار دوم به مدت دو سال و در صورت تکرار برای همیشه ازمترجمی رسمی محروم می‌شود الف ـ ترجمه و تطبیق با پروانه ای که مدت آن منقضی شده است ب ـ امتناع از قبول امور ارجاعی متقاضیان ترجمه بدون عذر موجه ج ـ امتناع از حضور در مراجع قضایی بدون عذر موجه د ـ نداشتن دفاتر و اسناد و لوازم مربوط به امور ترجمه طبق مقررات قانونی ه ـ عدم رعایت تعرفه حق الزحمه مترجمی و ـ ترجمه و تطبیق و تصدیق خلاف واقع تبصره ـ مجازاتهای فوق علاوه بر مجازات مندرج در سایر قوانین می‌باشد. ماده ۷ ـ در صورت ارتکاب هریک از تخلفات ذیل مرتکب به توبیخ کتبی با درج در پرونده و در صورت تکرار تا یک سال از مترجمی محروم می‌شود الف ـ امتناع از حضور در مراجع قانونی غیرقضایی بدون عذر موجه ب ـ تأخیر در انجام امور ترجمه بدون عذر موجه ج ـ عدم رعایت ضوابط ترجمه د ـ عدم ارایه دفاتر، اسناد و لوازم مربوط به ترجمه در موارد بازرسی ماده ۸ ـ تشکیل دفتر یا موسسه و ترجمه اسناد و اظهارات افراد بدون رعایت مقررات این قانون ممنوع است و مرتکب به مجازات کلاهبرداری محکوم می گردد. ماده ۹ ـ تشکیلات و نحوه اداره دفتر، ضوابط ترجمه ، تعرفه حق الزحمه مترجم و مرجع تشخیص شرایط مذکور در این قانون به موجب آیین نامه ای می‌باشد که توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید.

قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن

ماده ۱ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون هرگونه واگذاری و نقل و انتقال اراضی به اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکتهای تعاونی مسکن اعم از شرکتهای تعاونی مسکن کارمندی و کارگری و تعاونی های مسکن کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی برای امر مسکن در داخل محدوده (قانونی شهرها ، شهرک ها و شهرهای جدید موکول به اخذ گواهی مبنی بر نداشتن کاربری معارض و ضوابط ساخت و ساز متناسب با نیاز و هدف متقاضیان در اراضی مورد نظر از مراجع مذکور در مواد (۳) و (۴) این قانون می‌باشد. ماده ۲ ـ دفاتر اسناد رسمی و کلیه مراجع قانونی واگذار کننده زمین اعم از سازمانها، نهادها و دستگاههای دولتی و غیردولتی موظفند قبل از هرگونه نقل و انتقال و یا واگذاری زمین به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع بلامانع بودن احداث واحدهای مسکونی در اراضی موردنظر را طبق مواد آتی از مراجع تعیین شده در این قانون استعلام و پیوست مدارک نمایند. اعتبار این گواهی حداکثر دو سال از تاریخ صدور می‌باشد. ماده ۳ ـ کاربری ضوابط ساختمانی و بلامانع بودن نقل وانتقال یا واگذاری زمین برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی وحقوقی در داخل محدوده (قانونی شهرها، باید از طریق شهرداری مربوط و بر اساس طرحهای مصوب توسعه شهری به طور کتبی اعلام و گواهی شده‌باشد. ماده ۴ ـ هرگونه نقل و انتقال و واگذاری زمین به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی برای امر مسکن در خارج محدوده (قانونی شهرها اعم از داخل و یا خارج از حریم شهرها به جز در محدوده مصوب شهرهای جدید و شهرکهایی که طبق مقررات و بر اساس طرحهای مصوب احداث شده یا می‌شوند ممنوع می‌باشد. احراز وقوع زمین مورد نظر در داخل شهرهای جدید و شهرکهای مصوب و تناسب زمین مذکور از نظر کاربری و ضوابط ساختمانی با برنامه‌های متقاضیان به عهده سازمان مسکن و شهرسازی استان می‌باشد. ماده ۵ ـ ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند تاییدیه های زیر را در مورد تهیه نقشه‌های تفکیک اراضی و املاک و انجام قانونی مراحل تفکیک ، به شرح‌زیر اخذ نمایند الف ـ تفکیک اراضی واملاک در داخل محدوده (قانونی شهر و حریم شهر از نظر رعایت مصوبات طرحهای جامع و هادی شهری از شهرداری مربوط ب ـ تفکیک اراضی واملاک واقع در خارج از حریم شهرها از نظر رعایت کاربری و ضوابط طرحهای جامع ناحیه‌ای و در صورت عدم تهیه طرح برای ناحیه مورد نظر، از نظر رعایت ضوابط آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی واحداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها (مصوب ۱۳۵۵ هیات وزیران و اصلاحات بعدی آن از سازمان مسکن و شهرسازی استان تبصره ـ در داخل محدوده روستاها مرجع تهیه و تایید نقشه‌های مربوط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است ماده ۶ ـ هر نوع نقل و انتقال اعم از رسمی و عادی تفکیک افراز، صدور سند و تغییر کاربری در مورد زمینهای موضوع این قانون بدون رعایت مفاداین قانون و مقررات مربوط ممنوع است در صورت تخلف متخلفان از جمله هیات مدیره شرکت تعاونی ذی ربط مسوول جبران خسارات وارد شده‌به اشخاص حقیقی و حقوقی ، شهرداری ها ، دولت و اعضای شرکتهای تعاونی مسکن می‌باشند. ماده ۷ ـ مراجعی که خارج از حدود وظایف خود در حریم یا خارج از حریم شهرها تصمیم‌گیری کنند و به هر نحو به ساخت و سازهای غیرقانونی وبرخلاف مفاد این قانون اقدام نمایند و یا موثر در احداث این گونه بناها باشند و یا به نحوی در این گونه اقدامات خلاف مشارکت نمایند، طبق این قانون متخلف محسوب می‌شوند و با آنها برابر مقررات رفتار خواهد شد. ماده ۸ ـ کلیه سازمانها، موسسات و شرکتهای تامین کننده خدمات آب برق گاز ، تلفن و نظایر آن مکلفند خطوط و انشعاب به ساختمانها را برحسب مراحل مختلف عملیات ساختمانی فقط در قبال ارایه پروانه معتبر ساختمانی ، گواهی عدم خلاف یا گواهی پایان ساختمان معتبر صادر شده توسط‌مراجع مسوول صدور پروانه و ذکر شماره و تاریخ مدارک مذکور در قراردادهای واگذاری ، تامین و واگذار نمایند. واگذاری خطوط و انشعاب این گونه خدمات به واحدهای مسکونی و صنفی و هرگونه بنایی که به طور غیرمجاز و برخلاف ضوابط و مقررات اجرایی طرحهای مصوب احداث شودممنوع می‌باشد. ماده

۹ ـ وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی موظف است به کلیه جراید و سایر رسانه‌ها ابلاغ نماید قبل از درج هرنوع آگهی تبلیغاتی در ارتباط با تفکیک وفروش اراضی مجوزهای صادر شده توسط مراجع موضوع ماده (۵) این قانون را حسب مورد از آگهی دهنده درخواست و در صورت عدم ارایه مدارک مذکور، نظر وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان مسکن و شهرسازی استان مربوطه را در خصوص بلامانع بودن تفکیک و عرضه زمین اخذ نمایند. ماده ۱۰ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شوند. ماده ۱۱ ـ آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارتخانه های مسکن و شهرسازی کشور، تعاون و کار و امور اجتماعی حداکثر ظرف مدت سه ماه تهیه وبه تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرک

ماده ۱ ـ در اجرای این آیین نامه ، محدوده (قانونی و حریم شهر ، شهرک مسکونی و شهر جدید و محدوده روستا عبارت از محدوده‌ها و حریم‌هایی‌می‌باشند که در طرحهای مصوب جامع و تفصیلی و هادی شهرها ، ایجاد شهرک و شهر جدید و طرح هادی روستایی به تصویب مراجع قانونی ذی ربط رسیده باشند. ماده ۲ ـ منظور از نداشتن کاربری معارض موضع ماده (۱) قانون برخورداری از کاربری مسکونی در محدوده (قانونی طبق طرحهای مصوب جامع ، تفصیلی و هادی و طرحهای شهرکها و شهرهای جدید می‌باشد. ماده ۳ ـ کلیه مقررات این آیین نامه مانند لزوم استعلام و نظایر آن در استفاده مسکونی از زمین برای کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از خصوصی ، عمومی و دولتی و وابسته به آنها و همچنین بنیادها و نهادهای انقلابی و اوقاف لازم الاجرا است ماده ۴ ـ واگذاری تفکیک وافراز اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن توسط تمام دستگاههای دولتی و عمومی و وابسته به آنها اعم ازوزارتخانه ها ، سازمان ها ، نیروهای نظامی و انتظامی ، شهرداری ها و شرکتهای دولتی ، بنیادها و نهادهای انقلابی و موسسات عمومی غیر دولتی و هر نهاد وابسته به دولت که به واگذاری اراضی اقدام می‌کند ، تحت هر عنوان و در هر نقطه از کشور اعم از داخل یا خارج شهرها مطلقا ممنوع است ماده ۵ ـ هرگونه واگذاری اراضی در داخل مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست ممنوع است ماده ۶ ـ هرگونه نقل و انتقال اراضی فاقد کاربری مسکونی ، مشروط به تسلیم اقرارنامه کتبی ضمن سند انتقال در دفاتر اسناد رسمی توسط منتقل الیه دایر بر اطلاع از کاربری غیرمسکونی زمین و عدم امکان ساختن مسکن در آن خواهد بود. ماده ۷ ـ کاربریهای اراضی غیر مسکونی که به ترتیب مقرر در ماده (۶) این آیین نامه مورد نقل و انتقال قرار می‌گیرند، قابل تغییر توسط کمیسیون های ماده ۵) لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۵۹ ـ و مراجع تصویب طرح هادی و تغییرات بعدی آنها نبوده و قبول تقاضای متضمن درخواست تغییر کاربری آنها توسط دبیرخانه های مربوط ، شهرداریها و سایر اعضا و طرح این تقاضا در جلسات کمیسیونها و مراجع مذکور ممنوع است ماده ۸ ـ کلیه دستگاههایی که قانونا مجاز به واگذاری زمین برای امر مسکن به اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشند، موظفند شماره تاریخ و متن پاسخ استعلام دریافت شده از مراجع مقرر در قانون را دایر بر برخورداری زمین مورد واگذاری از کاربری مسکونی و ضوابط و مقررات متناسب با تعداد استفاده کنندگان ، به طور کتبی در توافق نامه ها ، صورتجلسات ، ابلاغیه ها و سایر مدارک مربوط به واگذاری زمین قید نمایند. ماده ۹ ـ استعلام کنندگان کاربری زمین و ضوابط و مقررات ساختمانی آن مکلفند نقشه موقعیت زمین در مقیاس مناسب طبق سند مالکیت ، نشانی زمین و سایر مشخصاتی که اظهارنظر توسط مرجع مورد استعلام را تسهیل می‌نماید، به مراجع مورد استعلام مربوط ارایه دهند. ماده ۱۰ ـ مراجع مورد استعلام مکلفند ظرف ده روز پس از وصول نامه دفترخانه اسناد رسمی یا مراجع واگذار کننده زمین ، نسبت به صدور پاسخ استعلام اقدام نمایند. تبصره ـ در صورت کامل نبودن مدارک، مراجع استعلام شونده مکلفند ظرف پنج روز از تاریخ وصول استعلام ، کسری مدارک را به دستگاه استعلام کننده اعلام نمایند. ماده ۱۱ ـ سازمانهای مسکن و شهرسازی در مورد زمینها و املاک واقع در محدوده شهرکها و شهرهای جدید و شهرداریها در داخل محدوده

شهر ، استعلام های دریافت شده را بر اساس مصوبات و نقشه‌های اجرایی طرحهای جامع ، تفصیلی و هادی آنها پاسخ خواهند داد. در مورد شهرهای دارای‌طرح جامع در صورت فقدان طرحهای تفصیلی و وقوع تقریبی زمین در مجاورت زمینهایی که موقعیت کلی آنها برای کاربریهای عمومی و خدماتی شهرها پیش بینی گردیده‌اند ، بر اساس مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عمل خواهد شد. تبصره ـ در صورت وجود یا دایر شدن شهرداری در شهرک ها و یا در تمام یا بخشی از هر شهر جدید، پاسخگویی به استعلام موضوع این ماده توسط شهرداری های مزبور به انجام خواهد رسید. ماده ۱۲ ـ هر نوع نقل و انتقال اراضی برای امر مسکن اعم از رسمی و عادی در داخل محدوده روستاها منوط به استعلام از دهیاری مربوط بر اساس طرح هادی مصوب ، با همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و در صورت عدم تشکیل دهیاری ، از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی محل خواهد بود.دهیاری ها با همکاری بنیاد یاد شده حسب مورد ، در صورت وجود طرح هادی روستایی بر اساس طرح مصوب مذکور و در صورت عدم وجود طرحهای هادی ، طبق عرف محل ، کاربری و ضوابط ساختمانی مربوط را اعلام خواهند نمود. ماده ۱۳ ـ سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها موظفند استعلامهای دریافت شده از ادارات ثبت اسناد و املاک در مورد نقشه‌های تفکیک اراضی واملاک واقع در خارج از حریم شهرها (به جز روستاها) را از نظر رعایت کاربری و ضوابط طرحهای جامع ناحیه ای و در صورت عدم تهیه طرح برای‌ناحیه مورد نظر از نظر رعایت ضوابط آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و اصلاحات بعدی آن ، پاسخ دهند. ماده ۱۴ ـ مراجع پاسخ دهنده به استعلام موظفند استعلام های به عمل آمده از سوی ادارات ثبت اسناد و املاک در مورد نقشه‌های تفکیک اراضی را که می‌بایست منضم به نقشه تفکیکی خوانا در مقیاس مناسب و سایر اطلاعات و مشخصات مورد نیاز برای تشخیص موقعیت زمین باشد، حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ وصول استعلام پاسخ دهند. تبصره ۱ ـ در صورت موافقت مراجع فوق الذکر با نقشه‌های تفکیکی دریافت شده از نظر کاربری و ضوابط تفکیک ، سایر مدارک لازم برای تفکیک طبق مقررات ذی ربط توسط متقاضی ارایه خواهد شد. تبصره ۲ ـ نقشه‌های تفکیکی پیشنهادی از سوی متقاضیان در مورد اراضی واقع در شهرک های مسکونی و شهرهای جدید جهت تایید از حیث امکان تفکیک و رعایت کاربری و ضوابط تفکیک از طرف ادارات ثبت اسناد و املاک حسب مورد به ترتیب به سازمان مسکن و شهرسازی استان مربوط و شرکت عمران شهر جدید ذی ربط ارسال خواهد شد. مراجع مذکور بر اساس طرحها و ضوابط و مقررات مصوب ، حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ وصول ، اظهارنظر خواهند بود. تبصره ۳ ـ در صورت وجود یا دایر شدن شهرداری در شهرکها و یا در تمام یا بخشی از شهر جدید، اظهارنظر در خصوص موضوع این ماده به عهده شهرداری های مذکور خواهد بود. ماده ۱۵ ـ تامین و واگذاری تاسیسات زیربنایی موضوع ماده (۸) قانون (آب برق گاز و تلفن ثابت و نظایر آن موکول به ارایه پروانه های معتبر ساختمانی یا عدم خلاف یا پایان کار (در مورد شهرها، شهرهای جدید و شهرکها) یا تاییدیه مراجع صدور مجوز ساختمان در محدوده روستا ، دایر بر رعایت کاربری مسکونی خواهد بود. ماده ۱۶ ـ مفاد ماده (۶) قانون برای آن دسته از اراضی و املاک که بر اساس اسناد عادی و دست نویس طبق قوانین دیگر قابلیت تفکیک و یا صدور سند یافته باشند از جمله مواد (۱۴۷) و (۱۴۸) موضوع قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک ـ مصوب ۱۳۷۰ ـ و در کلیه واگذاریهای زمین توسط مراجع مختلف برای امر مسکن از جمله سازمان ملی زمین و مسکن شهرداریها و کمیسیونهای موضوع ماده (۳۲) لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۵۹ـ و قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و منابع طبیعی و سایر مراجعی که به موجب قوانین مجاز به واگذاری زمین شناخته شده‌اند نیز لازم الاجرا می‌باشد. تبصره ـ نقشه تایید شده موضوع ماده (۴) آیین نامه اجرایی قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها که مبنای تغییر کاربری و تفکیک اراضی زراعی و باغهای خارج از محدوده شهرها و شهرکها توسط ادارات ثبت اسناد و املاک قرار می گیرند، منحصرا مربوط به استفاده کشاورزی و باغداری از اراضی زراعی و باغات موضوع نقشه های مذکور بعد از تفکیک می‌باشند و درهر حال تغییر کاربری این اراضی به مسکونی ممنوع است

ماده ۱۷ ـ کلیه مراجعی که در محدوده (قانونی و حریم یا خارج از حریم شـهرها ، در داخل شـهرکها و شهرهای جدید و حریم آنها و همچنین روسـتاها،برخلاـف مفاد این قانون تصـمیم گیری کرده و یا به هر نحو به ساخت و سازهای غیرقانونی اقـدام نموده یا موثر در احداث بناهای خلاف باشـند، متخلف محسوب و طبق مقررات با آنها رفتار خواهد شد. ماده ۱۸ ـ درج شماره تاریخ و نام صادر کننده مجوز در آگهی های تفکیک و فروش اراضی موضوع این قانون الزامی است و آگهی های فاقد مشخصات مذکور ، غیر قابل چـاپ و تبلیغ در مطبوعـات ، صـدا و سـیما و سـایر رسانه‌هـای گروهی و نصـب در امـاکن عمـومی می‌باشـند و وزارت فرهنـگ و ارشاداسـلامی اقـدامات لاـزم را در جهت تحقق این موضوع به عمـل خواهـد آورد و وزارت مسـکن و شـهرسازی نیز موظف است هرگـونه تخلف از این مـاده را پیگیری نمایـد. مـاده ۱۹ ـ سازمـان ثبت اسـناد و املاـک کشـور ، وزارت بازرگـانی و وزارت تعـاون مکلفند حسب مورد به روشـهای مقتضـی به تمامی بنگاه های معاملات املاک و مستغلات دفاتر اسـناد رسـمی و شـرکتهای تعاونی ابلاغ نماینـد که در اجرای مفاد ماده (۶) قـانون از تنظیم مبـایعه نامه و نظایر آنها برای زمینهای موضوع این قانون که فاقـد نقشه‌های تفکیـک مصوب مرجع قـانونی است ، اکیـدا خودداری نماینـد. تبصـره ـ وزارت بازرگـانی و وزارت تعاون موظفنـد حسب مورد در صورت مشاهـده تخلف از قـانون و این آیین نامه توسط بنگاههای معاملات ملکی وشـرکتهای تعاونی و یا دریافت گزارش از سوی وزارت مسکن و شهرسازی مبنی بر وقوع تخلف ، برخورد لازم را با متخلفان به ترتیب برابر قانون نظام صنفی و قانون تعاون به عمل آورند. ماده ۲۰ ـ وزارت مسـکن و شـهرسازی در اجرای صحیح قانون به محض اطلاع از وقوع تخلف از قانون و این آیین نامه پس از احراز آن ، متخلفـان را همراه ادله و مـدارک مربوط جهت رسیدگی و صـدور رای مقتضـی به مراجع صالـح قضـایی معرفی و تا حصول نتیجه مراتب را پیگیری نموده و همچنین وزارت مـذکور و سـایر مراجع ذی ربط می‌تواننـد ابطـال اقـدامات خلاـف ، اعـاده وضـعیت به حـالت سـابق و نیز جبران خسـارات وارد شـده به دولت را مطابق مقررات مربوط ، از مقامات قضایی درخواست نماینـد. ماده ۲۱ ـ دبیرخانه شورای عالی شـهرسازی و معماری ایران مسـئولیت نظارت عالی بر حسن انجام این قانون و آیین نامه را بر عهـده خواهد داشت

قانون معافیت کلیه دانشجویان بورسیه و اعضای هیات علمی که جهت تحصیلات عالی یا استفاده‌از فر

ماده یک ـ از تاریخ اجرای این قانون کلیه دفاتر اسـناد رسمی از انجام هر نوع معاملات مربوط به وسایل نقلیه موتوری ممنوع بوده و هرگونه معامله ونقل و انتقال وسایل نقلیه موتوری فقط در یگانهای راهنمایی و رانندگی مجاز به شماره‌گذاری وسایل نقلیه موتوری در کشور به ترتیبی که در این قانون و آیین نامه اجرایی آن تعیین می‌گردد انجام خواهـد شـد. ماده دو ـ اداره راهنمایی و راننـدگی تهران و شـهربانی شهرسـتانها مکلفنـد برای هر نـوع وسـیله نقلیه موتوری شناسـنامه تنظیم نموده و کلیه نقـل و انتقالاـت وسایـل نقلیه موتوری را در این شناسـنامه‌ها ثبت نمایند تبصـره ـ مشـخصات نحوه و ترتیب تنظیم این شناسـنامه‌ها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده سه ـ هر نوع جعل و تزویر در این شناسـنامه‌ها و اسناد مربوط به آن جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهـای مقرر در قـوانین مربـوط محکوم خواهنـد شـد. مـاده چهـار ـ صـدور المثنی برای این شناسـنامه‌ها به موجب ضوابـط و مقررات منـدرج در آیین نامه اجرایی این قانون خواهـد بود. ماده پنـج ـ هر نوع نقل و انتقال اعم از خرید و فروش صـلح هبه و غیره نسـبت به کلیه تاکسـی‌ها و اتومبیلهـای سواری تولیـد کارخانجات داخلی و وانت ها اعم از ساخت داخل یا خارج تا سه سال تمام از تاریخ شـماره‌گذاری ممنوع می‌باشد. تبصـره ۱ ـ اتومبیلهـای هشت سـیلندر از شـمول این ماده مسـتثنی می‌باشـند. تبصـره ۲ ـ نقـل و انتقالاـت مربوط به مقررات ارث از شـمول این مـاده مسـتثنی می‌باشـد ماده شـش ـ کلیه وکالتنامه هایی که در مورد نقل و انتقالات موضوع ماده ۵ این قانون توسط دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌گردد در صورتی دارای اعتبارقانونی است که تاریخ تنظیم آنها سه سال تمام بعد از تاریخ شـماره‌گذاری اتومبیل باشد. تبصره ـ سردفتران و دفتریاران متخلف از اجرای این قانون به انفصال موقت از اشتغال

به سردفتری و دفترياری از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهدشد. ماده هفت ـ تاريخ اجرای اين قانون در تهران پس از سه ماه از تاريخ تصويب آيين نامه اجرايي و در شهرستانها بعد از شش ماه از تاريخ تصويب آيين نامه اجرايي خواهد بود و كليه نقل و انتقالات وسايل نقليه موتوری قبل از اجرای اين قانون كمافي السابق انجام خواهد پذيرفت ماده هشت ـ آيين نامه اجرايي اين قانون ظرف دو ماه از تاريخ تصويب توسط اداره راهنمايي و رانندگي تهيه و به تصويب وزرا كشور، دادگستری و بازرگانی خواهد رسيد. ماده نه ـ كارخانجات داخلی مكلف به رعايت ضوابط مقرر در آيين‌نامه اجرايي اين قانون می‌باشند. ماده ده ـ از تاريخ اجرای اين قانون تبصره ماده ده قانون نحوه رسيدگی به تخلفات و اخذ جرايم رانندگی و ساير قوانين و مقررات مغاير با اين قانون لغو می گردد.

لایحه قانونی نحوه نقل و انتقالات و سایل نقلیه موتوری – مصوب ۲۵.۴.۱۳۵۹

ماده يک ـ از تاريخ اجرای اين قانون كليه دفاتر اسناد رسمی از انجام هر نوع معاملات مربوط به وسايل نقليه موتوری ممنوع بوده و هرگونه معامله ونقل و انتقال وسايل نقليه موتوری فقط در يگانهای راهنمايي و رانندگی مجاز به شماره‌گذاری وسايل نقليه موتوری در كشور به ترتيبی كه در اين قانون و آيين نامه اجرايي آن تعيين می گردد انجام خواهد شد. ماده دو ـ اداره راهنمايي و رانندگی تهران و شهربانی شهرستانها مكلفند برای هر نوع وسيله نقليه موتوری شناسنامه تنظيم نموده و كليه نقل و انتقالات وسايل نقليه موتوری را در اين شناسنامه‌ها ثبت نمايند تبصره ـ مشخصات نحوه و ترتيب تنظيم اين شناسنامه‌ها به موجب آيين نامه اجرايي اين قانون خواهد بود. ماده سه ـ هر نوع جعل و تزوير در اين شناسنامه‌ها و اسناد مربوط به آن جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتكبين به مجازاتهای مقرر در قوانين مربوط محكوم خواهند شد. ماده چهار ـ صدور المثنی برای اين شناسنامه‌ها به موجب ضوابط و مقررات مندرج در آيين نامه اجرايي اين قانون خواهد بود. ماده پنج ـ هر نوع نقل و انتقال اعم از خريد و فروش صلح هبه و غيره نسبت به كليه تاكسی‌ها و اتومبيلهای سواری توليد كارخانجات داخلی و وانت ها اعم از ساخت داخل يا خارج تا سه سال تمام از تاريخ شماره‌گذاری ممنوع می‌باشد. تبصره ۱ ـ اتومبيلهای هشت سيلندر از شمول اين ماده مستثنی می‌باشند. تبصره ۲ ـ نقل و انتقالات مربوط به مقررات ارث از شمول اين ماده مستثنی می‌باشد ماده شش ـ كليه وكالتنامه هايی كه در مورد نقل و انتقالات موضوع ماده ۵ اين قانون توسط دفاتر اسناد رسمی تنظيم می‌گردد در صورتی دارای اعتبارقانونی است كه تاريخ تنظيم آنها سه سال تمام بعد از تاريخ شماره‌گذاری اتومبيل باشد. تبصره ـ سردفتران و دفترياران متخلف از اجرای اين قانون به انفصال موقت از اشتغال به سردفتری و دفترياری از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهدشد. ماده هفت ـ تاريخ اجرای اين قانون در تهران پس از سه ماه از تاريخ تصويب آيين نامه اجرايي و در شهرستانها بعد از شش ماه از تاريخ تصويب آيين نامه اجرايي خواهد بود و كليه نقل و انتقالات وسايل نقليه موتوری قبل از اجرای اين قانون كمافي السابق انجام خواهد پذيرفت ماده هشت ـ آيين نامه اجرايي اين قانون ظرف دو ماه از تاريخ تصويب توسط اداره راهنمايي و رانندگي تهيه و به تصويب وزرا كشور، دادگستری و بازرگانی خواهد رسيد. ماده نه ـ كارخانجات داخلی مكلف به رعايت ضوابط مقرر در آيين‌نامه اجرايي اين قانون می‌باشند. ماده ده ـ از تاريخ اجرای اين قانون تبصره ماده ده قانون نحوه رسيدگی به تخلفات و اخذ جرايم رانندگی و ساير قوانين و مقررات مغاير با اين قانون لغو می گردد.

قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی اير

ماده ۱ ـ از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دريافت هر گونه وجوه از جمله ماليات و عوارض اعم از ملی و محلی از توليدكنندگان

کالاها ، ارایه دهندگان خدمات و همچنین کالاهای وارداتی صرفا به موجب این قانون صورت می‌پذیرد و کلیه قوانین و مقررات مربوط به برقراری اختیار و یا اجازه برقراری‌و دریافت وجوه که توسط هیات وزیران ، مجامع ، شوراها و سایر مراجع وزارتخانه ها، سازمان ها ، موسسات و شرکتهای دولتی از جمله آن دسته ازدستگاه های اجرایی که شمول قوانین بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است همچنین موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی صورت می‌پذیرد به استثنا (قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن ، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷۶۱۳۷۲، قانون مقررات تردد و سایل نقلیه خارجی مصوب ۱۲۴۱۳۷۳، عوارض آزاد راهها ، عوارض موضوع ماده (۱۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۲۱۲۱۳۷۴ و عوارض موضوع بند (ب ماده (۴۶)، بند (ب)ماده (۱۳۰) و بندهای (الف و (ب ماده (۱۳۲) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷۱۱۳۷۹) لغو می‌گردد. تبصره ۱ ـ هزینه کارمزد و سایر وجوهی که از درخواست کننده در ازا ارایه مستقیم خدمات خاص و یا فروش کالا که طبق قوانین و مقررات مربوطه دریافت می‌شود و همچنین خسارات و جرایمی که به موجب قوانین و یا اختیارات قانونی لغو نشده دریافت می‌گردد، از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. تبصره ۲ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ، بند (ج ماده (۱۹)، ماده (۱۴۵)، ماده (۱۶۸) و بند (ب ماده (۱۷۵) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ لغو گردیده و در بند (ب ماده (۱۹) آن قانون عبارت چهل و هشت درصد (۴۸٪)به پنجاه درصد (۵۰٪) اصلاح می‌شود. ماده ۲ ـ حقوق گمرکی ، مالیات ، حق ثبت سفارش کالا ـ، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی تجمیع گردیده و معادل چهار درصد(۴٪) ارزش گمرکی کالاها تعیین می‌شود. به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیات وزیران تعیین می‌شود حقوق ورودی اطلاق می‌گردد. تبصره ۱ ـ نرخ حقوقی ورودی علاوه بر رعایت سایر قوانین و مقررات می‌بایست به نحوی تعیین گردد که الف ـ در راستای حمایت موثر از اشتغال و کالای تولید یا ساخت داخل در برابر کالای وارداتی باشد. ب ـ در برگیرنده نرخ ترجیحی و تبعیض آمیز بین واردکنندگان دولتی یا بخشهای خصوصی ، تعاونی و غیر دولتی نباشند . ج ـ نرخ حقوق ورودی قطعات ، لوازم و موادی که برای مصرف در فرآوری یا ساخت یا مونتاژ یا بسته بندی اشیا یا مواد یا دستگاهها وارد می‌گردند ازنرخ حقوق ورودی محصول فرآوری شده یا شی یا ماده یا دستگاه آماده پایین تر باشد. تبصره ۲ ـ حق ثبت سفارش پرداختی کالاهایی که تا پایان سال ۱۳۸۱ اظهار و ترخیص نشده‌اند به عنوان علی الحساب حقوق ورودی محسوب می‌شود. تبصره ۳ ـ معادل دوازده در هزار ارزش گمرکی کالاهای وارداتی که حقوق ورودی آنها وصول می‌شود از محل اعتباراتی که همه ساله در قوانین بودجه سنواتی کل کشور منظور می‌شود در اختیار وزارت کشور (سازمان شهرداریها) قرار می‌گیرد تا به نسبت هفتاد درصد (۷۰٪) میان شهرداری ها و سی درصد(۳۰٪) میان دهیاری های سراسر کشور به عنوان کمک پرداخت و به هزینه قطعی منظور شود. تبصره ۴ ـ کلیه قوانین و مقررات مربوط به معافیتهای حقوق ورودی به استثنای معافیت های موضوع ماده (۶) و بندهای (۱)، (۲)، (۴) تا (۹) و (۱۲) تا(۱۹) ماده (۳۷) قانون امور گمرکی مصوب ۱۷۳۱۳۵۰ و معافیت لایحه قانونی راجع به ماشین آلات تولیدی که توسط واحدهای تولیدی ، صنعتی ومعدنی مجاز وارد می‌شود از پرداخت حقوق ورودی مصوب ۲۴۲۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ایران و معافیت گمرکی لوازم امدادی اهدایی به‌جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و اقلام عمده صرفا دفاعی کشور لغو می‌گردد. ماده ۳ ـ مالیات و عوارض دریافتی از کالاها به شرح زیر تعیین می‌گردد الف ـ انواع نوشابه‌های گازدار ساخت داخل (به استثنا نوشابه‌های حاصل از فرآورده‌های لبنی و کنسانتره انواع میوه و آب معدنی که با وسایل ماشینی‌تهیه می‌شوند و همچنین شربت های غلیظ تولیدی مورد استفاده در دستگاههای نوشابه‌سازی کوچک (دستگاه پست میکس که به منظور تهیه نوشابه به‌بازار عرضه می‌گردد پانزده درصد (۱۵٪) بهای فروش کارخانه]دوازده درصد (۱۲٪) مالیات و سه درصد (۳٪) عوارض . ب ـ سیگار تولید داخل پانزده درصد (۱۵٪) بهای فروش کارخانه]دوازده درصد (۱۲) مالیات و سه درصد (۳٪) عوارض . ج ـ

بنزین بیست درصد (۲۰٪) قیمت مصوب فروش]ده درصد (۱۰٪) مالیات و ده درصد (۱۰٪) عوارض [د ـ نفت سفید و نفت گاز ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪) قیمت مصوب فروش (به عنوان عوارض . ه ـ سایر کالاهای تولیدی (به استثنای محصولات بخش کشاورزی که امکان استفاده از آنها به عنوان محصول نهایی وجود دارد مطابق فهرستی که به پیشنهاد کار گروهی مرکب از وزیر امور اقتصادی و دارایی (رییس ، وزرای بازرگانی صنایع و معادن و کشور و رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای سال بعد به تصویب هیات وزیران می‌رسد سه درصد (۳٪) قیمت فروش]دو درصد (۲٪) مالیات و یک درصد(۱٪) عوارض . آن دسته از محصولات صنایع آلوده کننده محیط زیست به تشخیص و اعلام (تا پانزدهم اسفند ماه هر سال برای اجرا در سال بعد) سازمان حفاظت محیط زیست که در فهرست فوق قرار نمی‌گیرند یک درصد (۱٪) قیمت فروش (به عنوان عوارض تبصره ۱ ـ مالیات و عوارض بندهای (ج و (د) علاوه بر قیمت مصوب فروش محصولات مربوطه که به موجب قوانین تعیین می‌شود در قیمت فروش نهایی محاسبه و منظور می‌شود. تبصره ۲ ـ مالیات و عوارض بندهای (الف و (ه) این ماده در خصوص کالاهای صادراتی طبق قانون برنامه سوم اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معاف و در خصوص آن دسته از کالاهایی که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر از تولید کننده نهایی کالا صادر می‌شوند مطابق رسیدهای معتبر واریزی مربوطه ، حسب مورد از محل درآمد مالیاتی مربوط و عوارض وصولی قابل اختصاص به وزارت کشور (سازمان‌شهرداری‌ها) قابل استرداد می‌باشد. نحوه استرداد به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد. ماده ۴ ـ مالیات و عوارض دریافتی از برخی خدمات به شرح زیر تعیین می گردد الف ـ خدمات مخابرات از قبیل آبونمان تلفنهای ثابت وهمراه کارکرد مکالمات داخلی و خارجی خدمات بین المللی ، کارتهای اعتباری معادل شش‌درصد (۶٪) قیمت خدمات]پنج درصد (۵٪) مالیات و یک درصد (۱٪) عوارض . ب ـ واگذاری خطوط تلفن همراه معادل بیست درصد (۲۰٪) قیمت واگذاری (به عنوان مالیات ج ـ برق و گاز مصرفی مشترکین (به استثنا مصارف صنعتی معدنی و کشاورزی و همچنین آب مصرفی مشترکین در حوزه استحفاظی شهرها سه‌درصد (۳٪) بهای مصرفی آنها (به عنوان عوارض د ـ خدمات هتل متل مهمانسرا، هتل آپارتمان مهمان‌پذیر ، مسافرخانه ، تالارها و باشگاهها دو درصد (۲٪) هزینه (به عنوان عوارض ه ـ حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل زمینی ، ریلی ، دریایی و هوایی پنج درصد (۵٪) بهای بلیط (به عنوان عوارض و ـ عوارض سالیانه انواع خودروهای سواری و وانت دوکابین اعم از تولید داخل یا وارداتی حسب مورد معادل یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا یک در هزار مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها. ز ـ شماره گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دوکابین اعم از تولید داخل و یا وارداتی به استثنا خودروهای سواری عمومی درون شهری یا برون‌شهری حسب مورد سه درصد (۳٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا سه درصد (۳٪) مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها]دو درصد (۲٪)مالیات و یک درصد (۱٪) عوارض . ح ـ مالیات نقل و انتقال انواع خودرو به استثنا ماشین آلات راهسازی ، معدنی ، کشاورزی ، شناورها ، موتورسیکلت و سه چرخه موتوری اعم از تولیدداخل یا وارداتی ، حسب مورد معادل یک درصد (۱٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا یک درصد (۱٪) مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها. مبنای محاسبه این مالیات به ازای سپری شدن یک سال از عمر خودرو (و حداکثر تا پنج سال به میزان ده درصد (۱۰٪) (و حداکثر تا پنجاه درصد(۵۰٪)) تقلیل می‌یابد. ط ـ به پیشنهاد کار گروهی متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی (رییس ، وزیر بازرگانی وزیر ذی ربط و رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور وتصویب هیات وزیران وجوهی بابت صدور، تمدید و یا اصلاح انواع کارتها و مجوزهای مربوط به فعالیت موضوع مواد (۲۴)، (۲۶) و (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۲۷۱۱۱۳۸۰ و ماده (۸۰) قانون وصول برخی از درآمدهای دولتی و مصرف آن در موارد معین مصوب۲۸۱۲۱۳۷۳ از متقاضیان دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل کشور) واریز می گردد. ی ـ به دولت اجازه داده می‌شود بابت خروج مسافر

از مرزهای هوایی برای نوبت اول در هر سال یکصدهزار (۱۰۰۰۰۰) ریال و برای نوبتهای بعدی در همان سال مبلغ یکصد و پنجاه هزار (۱۵۰۰۰۰) ریال و از مرزهای دریایی و زمینی مبلغ سی‌هزار (۳۰۰۰۰) ریال از مسافران دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل کشور) واریز نماید. تغییرات این مبالغ هر سه سال یک بار با توجه به نرخ تورم یا تصویب هیات وزیران تعیین می گردد. تبصره ۱ ـ قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی انواع خودروها که مبنای محاسبه مالیات و عوارض بندهای (و)،(ز) و (ح این ماده قرار می گیرند، همه ساله بر اساس آخرین مدل توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد اعلام خواهد شد. این مهلت زمانی برای انواع جدید خودروهایی که بعد از تاریخ مزبور تولید آنها شروع می‌شود لازم الرعایه نمی‌باشد. همچنین قیمت فروش یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی خودروهایی که تولید آنها متوقف می‌شود توسط وزارت یاد شده و متناسب با آخرین مدل ساخته شده تعیین می گردد. تبصره ۲ ـ تنظیم سند وثیقه وکالت خرید و خروج موقت برای خودرو، مشمول مالیات نقل و انتقال موضوع بند (ح این ماده نمی‌باشد. دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند مربوط به انواع خودرو رسید و یا گواهی پرداخت عوارض موضوع بند (و) این ماده و همچنین رسیدپرداخت مالیات موضوع بند (ح این ماده را از فروشنده اخذ نموده و ضمن درج شماره فیش بانکی و تاریخ و مبلغ و نام بانک دریافت کننده مالیات ونیز فیش بانکی و یا گواهی پرداخت عوارض موضوع بند (و) و همچنین نوع و مشخصات خودرو در سند تنظیمی فهرست کامل نقل و انتقالات‌خودروها را هر پانزده روز یک بار به ادارات مالیاتی ذی ربط ارسال نمایند. در صورت تخلف از این حکم علاوه بر پرداخت مالیات و عوارض متعلقه و جرایم موضوع این قانون مشمول جریمه ای معادل پنجاه درصد (۵۰٪)مالیات و عوارض متعلقه خواهد بود.(۱) فسخ و اقاله معامله خودرو تا سه ماه بعد از معامله مشمول مالیات نقل و انتقال مجدد نخواهد شد و تنها در صورتی که پس از پرداخت مالیات ، معامله انجام نشود، مالیات وصول شده طبق قوانین و مقررات مالیات مستقیم مسترد می گردد. تبصره ۳ ـ اولین انتقال خودرو از کارخانجات سازنده و یا مونتاژ کننده داخلی و یا واردکنندگان (نمایندگیهای رسمی شرکتهای سازنده خودروهای خارجی به خریداران مشمول پرداخت مالیات نقل و انتقال موضوع بند (ح این ماده نخواهد بود. ماده ۵ ـ برقراری هر گونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و کالاهای تولیدی و همچنین آن دسته از خدمات که در ماده (۴) این قانون ، تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است ، همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات سود سهام شرکتها، سود اوراق مشارکت ، سود سپرده گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی مجاز توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد. تبصره ۱ ـ وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ هر یک از عوارض محلی ، می‌بایستی حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام عمومی گردد. تبصره ۲ ـ عبارت (پنج در هزار) مندرج در ماده (۲ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۷۹۱۳۴۷ به عبارت (یک درصد (۱٪)) اصلاح می‌شود. تبصره ۳ ـ قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری ها ملغی می گردد. تبصره ۴ ـ وزارت کشور موظف است بر حسن اجرای این ماده در سراسر کشور نظارت نماید. ماده ۶ ـ الف ـ مالیاتهای موضوع مواد (۳)و (۴) این قانون به حساب یا حسابهای درآمد عمومی مربوط که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) تعیین و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود ، واریز می گردد. ب ـ عوارض موضوع بندهای (الف و (ه) ماده (۳) و عوارض موضوع بندهای (الف ، (ج ، (د)، (ه) و (و) ماده (۴) این قانون در مورد واحدهای تولیدی ، خدماتی و مشترکین واقع در داخل حریم شهرها به حسابی که توسط شهرداری محل تولید یا فعالیت اعلام می‌شود واریز می گردد. ج ـ عوارض مشروحه بند (ب این ماده در مورد واحدهای تولیدی خدماتی و مشترکین واقع در خارج حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام‌وزارت کشور (سازمان شهرداریها) واریز می‌شود تا بین دهیاریهای همان شهرستان توزیع شود. د ـ عوارض موضوع بندهای (ب ، (ج و (د) ماده (۳) و عوارض موضوع بند (ز) ماده (۴) این قانون به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور

(سازمان‌شهرداریها) واریز می‌شود تا به نسبت پانزده درصد (۱۵٪) کلان شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت و شصت و پنج درصد (۶۵٪) سایرشـهرها و بیست درصد (۲۰٪) دهیـاری ها تحت نظر کار گروهی متشـکل از نماینـدگان سازمان مـدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان شهرداری ها توزیع گردد. تبصره ۱ ـ حساب تمرکز وجوه قید شده در بنـدهای (ج و (د) این ماده توسط خزانه داری کل کشور به نام وزارت کشور (سازمان شـهرداری‌ها) افتتاح‌می‌شود. وجوه واریزی به این حسـاب مطـابق آیین‌نامه اجرایی که به پیشـنهاد مشترک وزارت کشور و شورای عالی اسـتانها به تصویب هیات وزیران می‌رسـد بین شـهرداری هـا و دهیـاری هـا توزیع می‌شود. هرگونه برداشت از این حسـاب به جز پرداخت به شـهرداری ها و دهیاری ها ممنوع می‌باشد. سازمان شهرداری ها موظف است گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یک بار به شورای عالی استانها ارایه نماید. تبصره ۲ ـ تولید کنندگان کالاهای موضوع ماده (۳) و همچنین ارایه دهندگان خدمات موضوع ماده (۴) این قانون مکلفند مالیات و عوارض موضوعه را در مبادی تولید یا ارایه خدمات با درج در سند فروش از خریداران کالا یا خدمات اخذ و تا پایان دو ماه بعد به حسابهای بانکی تعیین شـده واریزنمایند. اشـخاص یاد شده موظفند مدارک و اطلاعات مورد نیاز را طبق فرمهایی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین و اعلام می‌گردد به واحدهای اجرایی سازمان یاد شده و نسـخه‌ای از واریزی عوارض مربوط به شـهرداری محل را به همان شـهرداری ارایه دهند. شـرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی مالیات و عوارض مربوط به بندهای (ج و (د) ماده (۳) را در محلهـای عرضه محصولات محاسـبه و از خریـداران دریافت و مطابق این تبصـره عمل خواهـد نمود. تبصـره ۳ ـ وجوه دریافتی موضوع مواد (۳) و (۴) این قانون که توسط سازمان امور مالیاتی کشور وصول می‌گردد مشـمول احکام ماده (۲۱۱) به بعدفصل نهم بـاب چهـارم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصـلاحات بعـدی اسـت پرداخت مالیـات و عـوارض پس از موعـد مقرر موجب تعلق جریمه‌ای معـادل دو و نیم درصـد (۵۲٪) به ازا هر مـاه تأخیر خواهـد بود. این جریمه قابل بخشودگی نیست تبصـره ۴ ـ مطالبـات سازمـان حمایت مصـرف کننـدگان و تولیـد کننـدگان از اشـخاص حقیقی یا حقوقی بابت مابه‌التفاوتهایی که تا پایان سال ۱۳۸۱ ایجـاد شـده باشـد با همکاری سازمان امور مالیاتی کشور و طبق مقررات‌اجرایی قانون مالیاتهای مسـتقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصـلاحات بعـدی آن قابل وصول خواهد بود. ماده ۷ ـ سازمـان مـدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است متناسب با درآمـد پیش بینی شده دولت ناشـی از اجرای این قانون ، اعتبارات حذف شده در دسـتگاهها را در لوایح سـنواتی بودجه و در اعتبارات مربوط به همان دسـتگاه منظور نماید. ماده ۸ ـ در مواردی از این قـانون که محاسـبه مالیات عوارض و سایر وجوه تعیین شـده به ارقامی دارای کسـر یکصـد ریـال منجر شود، یکصـدریال قابل احتساب خواهـد بود. ماده ۹ ـ آیین‌نـامه اجرای ایـن قـانون ظرف سه مـاه از تـاریخ تصویب به پیشـنهاد مشترک وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی ، بازرگانی ، کشور و صنایع ومعادن و اتاق بازرگانی و صنایع و معـادن جمهوری اسـلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسـد. ماده ۱۰ ـ کلیه قوانین و مقررات خـاص و عـام مغایر با این قانون لغو می‌گردد. ۱ ـ هییت عمومی دیوان عدالت اداری طبق رأی شـماره ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ مورخ ۲۵۸۴ مقرر نمود الف ـ حکم مقرر در صدر تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سـایر وجوه از تولیدکننـدگان کالاـ، ارایه دهنـدگان خـدمات و کالاهـای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ مصـرح در عـدم شـمول‌مالیات موضـوع بنـد (ح مـاده مزبور در موارد تنظیم سـند وثیقه ، وکـالت خریـد و خروج موقت برای خودرو و همچنین به قرینه تکلیف دفاتر اسـناد رسـمی به اخذ رسید یا گواهی پرداخت مالیات و عوارض از فروشنده مفید اختصاص حکم قانونگذار به اخذ مالیات و عوارض در صورت نقل و انتقال قطعی‌خودرو لزوم تنظیم سند انتقال در دفاتر اسناد رسمی است بنا به جهات فوق الـذکر و عنایت به اصل ۵۱ قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران که وضع هر گونه مالیات را منحصرا از طریق قانون مجاز اعلام داشـته است مفاد تبصره یک ماده ۱۱ آیین نامه مورد اعتراض که مفهم تسـری حکم مقنن به اخـذ مالیات و عوارض در صورت تنظیم هر نوع سند (شرطی ، اجاره‌ای ، رهنی ، صلح ، وکالتی و غیره و همچنین تبصره ۵ ماده ۱۱. آیین‌نامه که مبین تفویض

صلاحیت تنظیم سند انتقال توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ادارات راهنمایی و رانندگی در خارج از سیستم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود. ب ـ مستفاد از حکم مقرر در قسمت دومتبصره ۲ ماده ۴ قانون مذکور با عنایت به عدم جواز دریافت مالیات و عوارض مضاعف در مورد نقل و انتقال قطعی خودرو ، الزام دفاتر اسناد رسمی به پرداخت مالیات و عوارض متعلقه و جرایم مقرر در تبصره ۲ ماده ۴ قانون مزبور منحصرا ناظر به تنظیم سند رسمی انتقال قطعی در صورت عدمپرداخت مالیات و عوارض مربوط توسط فروشنده است بنابراین سیاق عبارات تبصره یک ماده ۱۱ آیین‌نامه مزبور که مفهم الزام دفاتر اسناد رسمی به پرداخت مالیات و عوارض و جرایم موضوع این قانون حتی در صورت پرداخت مالیات و عوارض مقرر قبل از تنظیم سند رسمی توسط فروشنده می‌باشد خلاف هدف و حکم مقنن در این باب است ج ـ طبق تبصره ۳ ماده ۴ قانون موسوم به تجمیع عوارض پرداخت مالیات و عوارض پس از موعد مقرر موجب تعلق جریمه‌ای معادل ۵۲٪ به ازا هرماه تاخیر خواهد بود. بنابراین مدول قسمت آخر ماده ۲۹ آیین نامه اجرایی قانون که دریافت جریمه فوق الاشعار را به صورت روز شمار اعلام داشته خلاف حکم مقنن در این باب است بنا بمراتب مذکور تبصره های یک و ۵ ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مستندا به قسمت دوم ماده ۲۱۵ اقتصادی و دارایی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط مربوط به تنظیم سند انتقال خودرو و لزوم تعیین مشخصات دقیق مالک و ضرورت تصریح در مورد اختیار وکیل به انتقال خودروی متعلق به موکل تبصره ۳ ماده ۱۱ آیین‌نامه قانون خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی نمی‌باشد.

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولید کنندگان کالا، ارایه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۲۸ ۱۲ ۱۳۸۱

فصل اول تعاریف (ماده ۱)

ماده ۱ ـ واژه ها و اصطلاحات به کار برده شده در این آیین نامه به شرح زیر تعریف می‌شوند الف ـ قانون قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولید کنندگان کالا، ارایه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۲۲ ۱۰ ۱۳۸۱. ب ـ عوارض محلی عوارضی است که به استناد تبصره (۱) ماده (۵) قانون و با رعایت مقررات مندرج در قانون تشکیلات وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱ ۳ ۱۳۷۵ و آیین نامه اجرایی آن توسط شوراهای اسلامی کشوری وضع می گردد. پ ـ تولیدکنندگان کالا ـ اشخاص حقیقی و حقوقی سازنده و مونتاژ کننده کالاهای موضوع قانون می‌باشند. ت ـ ارایه دهندگان خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ارایه دهنده خدمات موضوع قانون می‌باشند. ث ـ ارزش گمرکی تابع تعریف مقرر در ماده (۱۰) قانون امور گمرکی مصوب ۳۰ ۳ ۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن می‌باشد. ج ـ حقوق ورودی چهاردرصد ارزش گمرکی کالاهای وارداتی به اضافه سود بازرگانی است که طبق قوانین مربوط توسط هییت وزیران تعیین می‌شودو در قالب یک نرخ برای هر ردیف تعرفه در جداول ضمیمه آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات درج می گردد. چ ـ حریم شهر حریم شهر از نظر قانون ، تابع تعریف مقرر در قانون شهرداری ها می‌باشد. ح ـ حوزه استحفاظی حوزه استحفاظی از نظر قانون تابع مقررات مقرر در تبصره (۴) ذیل ماده (۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۶۲ و اصلاحات بعدی آن می‌باشد. خ ـ مودی اشخاصی که به تولید کالا و ارایه خدمات موضوع قانون مبادرت می‌نمایند و مشمول مقررات مربوط خواهند بود.

فصل دوم – تکالیف تولید کنندگان کالا (ماده ۲ تا ۵)

ماده ۲ ـ شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران مکلف است مالیات و عوارض مربوط به بندهای (ج و (د) ماده (۳) قانون را بر اساس قیمت مصوب فروش محاسبه و از خریداران اخذ و مالیات و عوارض مذکور را به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) که از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نماید. تبصره ـ مالیات و عوارض موضوع این ماده علاوه بر قیمت مصوب مربوط که به موجب قوانین و مقررات تعیین می گردد، در قیمت فروش نهایی محاسبه و منظور می گردد. ماده ۳ ـ تولیدکنندگان کالاهای موضوع بندهای (الف و (ه) ماده (۳) قانون مکلفند مالیات و عوارض موضوع بندهای مذکور را با درج در صورتحساب های صادر شده یا اسناد فروش از خریداران کالا ـ اخذ و مالیات را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و عوارض واحدهای تولیدی داخل‌حریم شهر را به حساب شهرداری محل و در خصوص واحدهای تولیدی خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. ماده ۴ ـ شرکت دخانیات ایران و سایر تولید کنندگان سیگار مکلفند مالیات و عوارض موضوع بند (ب ماده (۳) قانون را با درج در صورتحسابهای صادر شده و یا اسناد فروش از خریداران کالا ـ اخذ و مالیات و عوارض را به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. ماده ۵ ـ تولید کنندگان انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین تولید داخل (به استثنای خودروهای سواری که به عنوان خودروی عمومی شماره گذاری می‌شود) مکلفند مالیات و عوارض موضوع بند (ز) ماده (۴) قانون (مالیات و عوارض شماره گذاری را با درج در اسناد فروش از خریداران‌اخذ و مالیات و عوارض مذکور را به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. تبصره ۱ ـ مالکان خودروهای سواری و وانت دو کابین وارداتی (به استثنای خودروهای سواری که به عنوان خودرو عمومی شماره‌گذاری می‌شوند) مکلفند قبل از شماره‌گذاری با مراجعه به ادارات امور مالیاتی شهر محل شماره‌گذاری نسبت به پرداخت مالیات و عوارض موضوع این ماده اقدام نمایند. تبصره ۲ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (معاونت راهنمایی و رانندگی مکلف است قبل از شماره‌گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دوکابین وارداتی به استثنای خودروهای سواری عمومی درون شهری یا برون شهری ، گواهی پرداخت مالیات و عوارض را از مالکان اخذ و ضمیمه اسناد مربوط نماید و از شماره‌گذاری خودروهای مزبور که مالیات و عوارض آن پرداخت نشده است خودداری نماید. گواهی مزبور توسط اداره امور مالیاتی پس از وصول وجوه متعلق صادر خواهد شد.

فصل سوم – تکالیف ارایه دهندگان خدمات (ماده ۶ تا ۹)

ماده ۶ ـ شرکت مخابرات ایران و سایر اشخاص ارایه دهنده خدمات مخابراتی مکلفند مالیات و عوارض خدمات مخابراتی از قبیل آبونمان تلفنهای ثابت و همراه ، کارکرد مکالمات داخلی و خارجی ، خدمات بین المللی و کارتهای اعتباری موضوع بند (الف ماده (۴) قانون را با درج در صورتحساب (اسناد فروش و به تفکیک از خریداران خدمات (مشترکین یا مشتریان مطابق نرخهای مقرر در قانون (پنج درصد مالیات و یک درصد عوارض اخذ وبه حساب سازمان امور مالیاتی کشور و شهرداری محل حسب مورد واریز نمایند. تبصره ۱ ـ عوارض موضوع این ماده در خصوص مشترکان واقع در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام

وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز گردد. تبصره ۲ ـ اشخاص موضوع این ماده مکلفند بیست درصد (۲۰٪) قیمت واگذاری خطوط جدید تلفن همراه موضوع بند (ب ماده (۴) را به هنگام‌دریافت وجوه از خریداران اخذ و به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند. ماده ۷ ـ اشخاص ارایه دهنده خدمات موضوع بند (ج ماده (۴) قانون مکلفند عوارض برق و گاز مصرفی مشترکان (به استثنای مصارف صنعتی معدنی و کشاورزی را با نرخ (۳٪) سه درصد بهای مصرفی آنها با درج در صورتحساب از مشترکان مذکور اخذ و در خصوص مشترکان داخل حریم شهرها به‌حساب شهرداری محل و مشترکان خارج از حریم شهرها را به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. تبصره ـ اشخاص یاد شده مکلفند عوارض آب مصرفی مشترکان در حوزه استحفاظی شهرها را با نرخ سه درصد (۳٪) بهای مصرفی آنها با درج درصورتحساب از مشترکان اخذ و به حساب شهرداری محل واریز نمایند. ماده ۸ ـ واحدهای ارایه دهنده خدمات هتل ، متل ، مهمانسرا ، هتل آپارتمان ، مهمان‌پذیر ، مسافرخانه ، تالارها و باشگاهها مکلفند دو درصد (۲٪) هزینه خدمات ارایه شده (از قبیل اقامت غذا و غیره موضوع بند (د) ماده (۴) را به عنوان عوارض از مشتریان اخذ و به حساب شهرداری محل واریز نمایند.واحدهای مذکور مستقر در خارج از حریم شهرها مکلفند عوارض مزبور را به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. تبصره ـ منظور از تالارها و باشگاههای مذکور در این ماده مکانهایی هستند که جهت برگزاری مراسم مختلف در اختیار مشتریان قرار داده می‌شوند. ماده ۹ ـ اشخاصی که مبادرت به حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل نقلیه زمینی ریلی دریایی و هوایی می‌نمایند، مکلفند پنج‌درصد (۵٪) بهای بلیط موضوع بند (ه) ماده (۴) قانون را با درج در بلیط به عنوان عوارض از مسافران اخذ و به حساب شهرداری محل فروش بلیط واریزنمایند. ماده ۱۰ ـ مالکان خودروهای سواری و وانت دوکابین اعم از تولید داخل یا وارداتی مکلفند از تاریخ اجرای قانون عوارض سالیانه خودروهای متعلق به خود را موضوع بند (و) ماده (۴) قانون به نرخ یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی (وارداتی بر اساس قیمتهای مندرج در جداولی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی کشور) اعلام می‌گردد، محاسبه و به حساب شهرداری محل‌واریز نمایند. ماده ۱۱ ـ مالیات نقل و انتقال انواع خودرو به استثنای ماشین آلات راهسازی ، معدنی ، کشاورزی ، شناورها ، موتور سیکلت و سه چرخه موتوری اعم ازتولید داخل یا وارداتی موضوع بند (ح ماده (۴) حسب مورد معادل یک درصد (۱٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا یک درصد (۱٪) مجموع‌ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها می‌باشد. تبصره ۱ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم هر نوع سند (قطعی ، شرطی ، اجاره ای ، رهنی ، صلح ، وکالتی و غیره) مربوط به انواع خودرو ، رسید و یا گواهی پرداخت عوارض مقرر در قانون و همچنین رسید پرداخت مالیات مربوط را طبق جداول تنظیمی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، از فروشنده اخذ و ضمن درج شماره فیش بانکی ، تاریخ ، مبلغ ، نام بانک دریافت کننده مالیات و نیز فیش بانکی و یا گواهی پرداخت عوارض‌موضوع بند (و) ماده (۴) و همچنین نوع و مشخصات خودرو و نام متعاملین در سند تنظیمی ، فهرست کامل نقل و انتقال خودروها را به انضمام تصویر نسخه مخصوص دفترخانه هر پانزده روز یک بار به ادارات امور مالیاتی ذی ربط ارسال نمایند. در صورت تخلف از این حکم علاوه بر پرداخت مالیات و عوارض متعلقه و جرایم موضوع تبصره (۳) ماده (۶) قانون ، مشمول جریمه ای معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات و عوارض متعلقه خواهند بود. (سازمان امور مالیاتی کشور (ادارات امور مالیاتی ذی ربط) موظف است ماهیانه نسخه ای از فهرست‌های دریافتی از دفاتر اسناد رسمی را در هر شهر به شهرداری محل ارایه نماید.) تبصره ۲ ـ تنظیم سند وثیقه ، وکالت خرید و خروج موقت خودرو، مشمول مالیات موضوع این ماده نخواهد بود. تبصره ۳ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند در تنظیم وکالتنامه های کلی در مورد انتقال اموال ، وکالت نسبت به خودرو را تصریح نمایند. تبصره ۴ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از تنظیم سند ،

شماره سند و شماره دفترخانه را در نسخ قبض مالیاتی مخصوص پرداخت کننده و دفترخانه‌درج و نسخه خود را به انضمام اسناد مربوط نگهداری نمایند. تبصره ۵ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ادارات راهنمایی و رانندگی مکلف است پس از اخذ نسخه پرداخت شده قبض مالیات نقل وانتقال مربوط در خصوص نقل و انتقالات خارج از سیستم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، نسبت به ثبت انتقال در سوابق اقدام نماید. تبصره ۶ ـ فسخ و اقاله اسناد خودرو تا سه ماه بعد از معامله مشمول مالیات نقل و انتقال مجدد نخواهد شد. در صورتی که پس از پرداخت مالیات ، معامله انجام نشود، مالیات وصول شده با گواهی دفتر اسناد رسمی مربوط طبق قوانین و مقررات مالیاتهای مستقیم مسترد می گردد ولی مالیات وصول‌شده از معامله ای که منجر به فسخ و اقاله شده است ، قابل استرداد نمی‌باشد. تبصره ۷ ـ پرداخت مالیات نقل و انتقال از طریق قبوض مخصوصی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می گردد ، انجام می گیرد، قبوض پرداخت مالیات در هر استان برای انجام معامله و تنظیم سند در همان استان قابل پذیرش می‌باشد. تبصره ۸ ـ بانک ملی و شعب آن ، مالیات نقل و انتقال خودرو را مطابق دستورالعمل اجرایی پرداخت مالیات از طریق سیستم بانکی ، وصول خواهندنمود. ماده ۹ ـ اولین انتقال خودرو از کارخانه‌های سازنده و یا مونتاژ کننده داخلی و یا واردکنندگان (نمایندگی های رسمی شرکتهای سازنده خودروهای‌خارجی) به خریداران مشمول پرداخت مالیات نقل و انتقال مقرر در قانون نخواهد بود.

فصل چهارم تکالیف اشخاص ثالث (ماده ۱۲ تا ۱۷)

ماده ۱۲ ـ گمرک ایران مکلف است حق ثبت سفارش پرداختی کالاهایی را که تا پایان سال ۱۳۸۱ اظهار نگردیده و ترخیص نشده‌اند، به عنوان علی الحساب حقوق ورودی محسوب و از تعهد حقوق ورودی وارد کنندگان کالا کسر و نسبت به استرداد اضافه پرداختی اقدام نماید. ماده ۱۳ ـ گمرک ایران مکلف است در پایان هر ماه میزان ارزش گمرکی کالاهای وارداتی را که حقوق ورودی آنها دریافت گردیده است به وزارت امور اقتصادی و دارایی (اداره کل خزانه و وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) اعلام نماید. تبصره ـ معادل دوازده در هزار رقم اعلامی گمرک از محل اعتباراتی که به همین منظور در قوانین بودجه سالیانه منظور می گردد، در اختیار وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) قرار می گیرد تا صرفا و با رعایت نسبتهای مقرر در تبصره (۳) ماده (۲) قانون به عنوان کمک به شهرداریها و دهیاری های سراسر کشور پرداخت به هزینه قطعی منظور گردد. ماده ۱۴ ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی کشور) قیمت فروش کارخانه در مورد خودروهای ساخت داخل و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی انواع خودروهای وارداتی را که مبنای محاسبه مالیات و عوارض بندهای (و)، (ز) و (ح ماده (۴) قانون قرار می گیرند ، بر اساس آخرین مدل تا پانزده بهمن ماه هر سال جهت اجرا در سال بعد اعلام می‌نماید. اعلام قیمتهای مذکور برای انواع جدید خودروها که بعد از پانزده بهمن ماه هر سال و یا در طول سال بعد، تولید آنها شروع می‌شود و یا به کشور واردمی گردند، محدود به مهلت زمانی مذکور نخواهد بود. تبصره ـ قیمتهای موضوع این ماده برای انواع خودروهایی که تولید و یا واردات آنها متوقف می گردد، متناسب با آخرین مدل ساخته شده و یا واردشده تعیین می گردد. ماده ۱۵ ـ مسافرانی که به خارج از کشور عزیمت می‌نمایند، مکلفند وجوه موضوع بند (ی ماده (۴) قانون را به حساب تعیین شده واریز و فیش واریزی را در مبادی خروجی به نیروی انتظامی ارایه نمایند. تبصره ۱ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است رسید پرداخت وجوه موضوع این ماده را در هنگام خروج مسافر از مبادی خروجی کشور از مسافران اخذ و رسیدهای دریافتی را پس از کنترل و مهر کردن به مهر خروج ،در پایان هر ماه به سازمان امور اقتصادی و دارایی استان ذی ربط ارسال نماید. تبصره ۲ ـ در خصوص پرداخت وجوه موضوع این ماده ، دارندگان گذرنامه های سیاسی و خدمت خدمه خطوط پروازی و سایر وسایل نقلیه عمومی زمینی و دریایی

دانشـجويان شاغـل به تحصـيل در خارج از كشور (دارنـدگان اجازه خروج دانشـجويى ،بيمارانى كه با مجوز شوراى پزشـكى جهت درمـان به خارج از كشور اعزام مى گردنـد، دارنـدگان پروانه گـذر مرزى و جانبازان انقلاب اسـلامى كه براى معالجه به كشورهاى ديگر اعزام مى‌شوند، مسافر محسوب نمى گردند. ماده ۱۶ ـ شوراهاى اسلامى مكلفند هر گونه عوارض محلى جديد و يا افزايش در نرخ عوارض محلى جـارى را بـا رعايت مقررات ماده (۵) قـانون و بانظـارت وزارت كشور تصويب و حـداكثر تا پانزده بهمن ماه هر سال جهت اجرا در سال بعد اعلام نمايند. تبصـره ـ دريافت عوارض محلى موضوع تبصره (۱) ماده (۵) قانون در چهارچوب مقررات ماده مـذكور در سال ۱۳۸۲ مجـاز است ماده ۱۷ ـ در اجراى تبصـره (۳) ماده (۵) قانون از تاريـخ ۱۱۱۳۸۲ كليه تخفيفـات و معافيت هاى مربوط به وجوه و عوارض شهردارى ها لغو مى گردد.

فصل پنجم– مقررات عمومى (ماده ۱۸ تا ۳۴)

ماده ۱۸ ـ عوارض موضوع بنـد (ب ماده (۶) قانون (در مورد واحدهاى توليدى خدماتى و مشتركان واقع در داخل حريم شـهرها) به حساب يا حسابهاى شـهردارى محل توليـد يا فعاليت كه توسط شـهردارى محل اعلام مى‌شود، واريز مى گردد. برداشت از حساب يا حسابهاى فوق با امضاهاى مقامات مجاز شـهردارى محل ذى ربط خواهد بود. ماده ۱۹ ـ عوارض موضوع بندهاى (ج و (د) ماده (۶) قـانون به حسابهـاى رابـط غيرقابـل برداشت تمركز وجوه جـداگانه‌اى به نـام وزارت كشور (سازمان شـهرداريهاى كشور) كه توسـط خزانه معين هر اسـتان براى شهرسـتانهاى همان استان افتتاح و توسط سازمان امور مالياتى كشور اعلام مى‌شود، واريزمى گردد. وجوه واريزى به حسابهـاى رابـط فوق الـذكر در پايـان هر هفته به حسابهاى تمركز وجوه وزارت كشور (سازمان شـهرداريهاى كشور) كه توسط اداره كل خزانه افتتاح مى‌شود، منتقل مى گردد. تبصره ـ خزانه معين استان مكلف است ميزان وجوه واريزى به حسابهاى رابط موضوع اين مـاده در هر مـاه را حـداكثر تا پانزدهم ماه بعـد به تفكيك هر شهرسـتان به وزارت كشور (سازمان شـهرداريهاى كشور) اعلام نمايد. ماده ۲۰ ـ وزارت كشور (سازمان شهرداريهاى كشور) و شهرداريهاى محل در اجراى تبصره (۳) ماده (۶) قانون مكلفند يك درصد (۱٪) از وجوه دريافتى موضوع مواد (۱۸) و (۱۹) اين آيين نامه را به حسابى كه توسط سازمان امور مالياتى كشور اعلام مى‌شود، واريز نماينـد. تبصـره ـ اداره كل خزانه و خزانه معين اسـتانها مكلفند با درخواست سازمان امور مالياتى كشور، يك درصـد (۱٪) عوارض دريافتى موضوع قانون را به‌حساب مربوط سازمان مزبور واريز و مابقى را به حساب تمركز وجوه وزارت كشور منظور نماينـد. ماده ۲۱ – وصـول عـوارض موضـوع بنـدهاى (ج ، (د)، (ه) و (و) مـاده (۴) قـانون به شـهرداريهاى محـل محول مى گردد. شهرداريهـاى مـذكور مكلفنـد عـوارض فـوق الـذكر را در خصوص واحـدهاى توليـدى و خـدماتى داخـل حريم شـهرها به حسـاب شهردارى محـل و در خصـوص واحـدهاى يـاد شـده در خـارج از حريـم شــهرها بـه حسـاب تمركز وجـوه وزارت كشـور (سازمـان شهرداريهـاى كشور) كه توسـط سازمـان امور مالياتى كشور اعلام مى‌شود، واريز نماينـد. دسـتورالعمل نحوه اجراى اين ماده توسـط سازمـان امـور ماليـاتى كشـور و سازمـان شـهرداريهاى كشـور تهيه و پس از تصـويب وزيران امـور اقتصـادى و دارايى و كشور اجرا مى‌شود. ماده ۲۲ ـ اضافه پرداختى توليـد كننـدگان كالا و ارايه دهنـدگان خـدمات بابت ماليات و عوارض مواد (۳) و (۴) قانون از محـل وصولى هـاى جـارى مربوط توسـط سازمـان امور مالياتى كشور، شـهردارى هاى محل و وزارت كشور (سازمان شـهرداريهاى كشور) حسب مورد، قابل استرداد مى‌باشـد. ماده ۲۳ ـ مطالبـات معوق قابل وصول تا پايان سال ۱۳۸۱ دستگاهها از بابت وجوهى كه دريـافت آنها به موجب قانون لغو مى گردد، طبق مقررات مربوط توسط دسـتگاههاى ذى ربط وصول و همچنان به حسابهاى مفتوحه واريز مى گردد. وجـوه وصولى از بـابت مطالبـات معوق وزارتخـانه هـا و موسـسات دولـتى به درآمـد عمومى كشور واريز مى گردد. تبصـره ـ مطالبـات معوق وزارتخانه‌ها و موسـسات دولتى با اعلام دسـتگاه ذى ربط به سازمان امور مالياتى كشور، طبق مقررات ماده

(۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۶۱۳۶۶ قابل وصول می‌باشد. ماده ۲۴ ـ به منظور نظارت بر حسن اجرای قانون و انجام و بررسی و رسیدگی های لازم ، ماموران ادارات مالیاتی ذی ربط می‌توانند به تولید کنندگان کالا و ارایه دهندگان خدمات موضوع قانون مراجعه و دفاتر ، اسناد و مدارک آنها را رسیدگی نمایند. تولید کنندگان کالا و ارایه دهندگان خدمات مکلف به ارایه دفاتر ، اسناد و مدارک درخواستی می‌باشند و در صورت عدم ارایه دفاتر ، اسناد و مدارک موردنیاز، مالیات و عوارض متعلق به صورت علی الرأس محاسبه ، مطالبه و وصول خواهد شد. ماده ۲۵ ـ چنانچه در رسیدگی ماموران مالیاتی به اسناد و مدارک مابه التفاوتی مشخص گردد، مابه التفاوت مذکور به طور کتبی از تولید کنندگان کالا یا ارایه دهندگان خدمات مطالبه می‌شود. ماده ۲۶ ـ تاریخ تعلق مالیات و عوارض موضوع قانون در مورد تولید کالا و ارایه خدمات تاریخ فروش یا ارایه خدمات می‌باشد. ماده ۲۷ ـ مواعد پرداخت مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون (به استثنای مالیات نقل و انتقال خودرو) نسبت به مالیات و عوارض متعلق به فروش کالاـ و یا ارایه خدمات هر ماه ، حداکثر ظرف دو ماه از انقضای ماه مزبور خواهد بود. ماده ۲۸ ـ مودیان مالیاتی مکلفند اطلاعات مورد نیاز را طبق فرمها و در سررسیدهایی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین و اعلام می‌شود ، به ادارات امور مالیاتی مربوط تسلیم نمایند. تبصره ـ مودیان مکلفند نسخه ای از رسید واریز عوارض مربوط به شهرداری محل را به همان شهرداری ارایه دهند. ماده ۲۹ ـ مبدأ احتساب جریمه موضوع قانون ، تاریخ انقضای سررسید پرداخت وجوه می‌باشد. جریمه مزبور معادل دو و نیم درصد (۵۲٪) به ازای هر ماه تاخیر بوده و به صورت روزشمار محاسبه می‌شود و این جریمه قابل بخشودگی نیست ماده ۳۰ ـ ماخذ محاسبه مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و(۴) قانون بهای کالا یا خدمات مندرج در صورتحساب خواهد بود. در مواردی که صورتحساب موجود نباشد و یا از ارایه آن خودداری شود و یا به موجب اسناد و مدارک مثبته احراز شود که ارزش مندرج در آنها واقعی نیست ماخذ محاسبه مالیات و عوارض ، بهای روز کالاـ یا خدمت به تاریخ روز تعلق مالیات یا عوارض می‌باشد. ماده ۳۱ ـ در مواردی که اسناد و مدارک مربوط به تولید کالاـ و ارایه خدمات موضوع قانون نزد اشخاص ثالث باشد، اشخاص مزبور مکلفند بادرخواست کتبی ماموران مالیاتی اسناد و مدارک مربوط و هرگونه اطلاعات لازم را ارایه دهند. ماده ۳۲ ـ مرجع رسیدگی به شکایات مودیان ناشی از اقدامات اجرایی در وصول مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون هییت اختلاف‌مالیاتی می‌باشد که برابر مقررات ماده (۲۱۶) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی و تبصره (۲) آن به شکایات مزبوررسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد نمود. رای صادر شده قطعی و لازم الاجرا می‌باشد. ماده ۳۳ ـ اقلام کالاهای مندرج در فهرست کالاهای نهایی موضوع بند (ه) ماده (۳) قانون ، شامل آن دسته از کالاهایی که در فرایند غیر صنعتی و به صورت کارگاهی و سنتی تولید می‌شوند ، نخواهد بود. ماده ۳۴ ـ تاریخ اجرای این آیین نامه از ابتدای سال ۱۳۸۲ می‌باشد.

قانون تسری امتیازات خاص بانکها به موسسات اعتباری غیربانکی مجاز – مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱

ماده واحده ـ به موجب این قانون کلیه حقوق و امتیازات پیش‌بینی شده برای بانکها در تبصره‌های ذیل بند (الف ماده (۱) قانون وصول برخی ازدرآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ و ماده (۱۵) اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا ـ مصوب ۱۳۶۵ ـ در حدود مقررات ناظر بر فعالیت موسسات اعتبار غیربانکی مجاز و موضوع فعالیت آنها به این قبیل موسسات نیز تسری داده می‌شود.

اصلاح ماده۶۹ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی – مصوب ۱۳۸۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور به استحضار می‌رساند ماده ۶۹ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی بشرح زیر اصلاح و مورد

موافقت ریاست محترم قوه قضائیه قرار گرفت: خواهشمند است دستور فرمائید متن زیر در روزنامه رسمی چاپ گردد. ماده۶۹ ـ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی (اصلاحی ۲۰/۱۰/۱۳۸۵) « ماده۶۹ ـ اموال و اشیاء زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی‌شود: ۱ـ مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او. ۲ـ لباس، اشیاء، اسباب و اثاثی که برای رفع حوائج متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او لازم است. ۳ـ آذوقه موجود به قدر احتیاج سه‌ماهه متعهد و عائله او. ۴ـ وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب‌النفقه آنان. ۵ ـ وسیله نقلیه موردنیاز و متناسب با شأن متعهد. ۶ ـ سایر اموال و اشیایی که به موجب قوانین خاص، غیرقابل توقیف می‌باشد. تبصره۱ـ درصورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال بجامانده از او بدون استثناء چیزی، استیفاء می‌شود. تبصره۲ـ در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده ۲۲۹ اتخاذ تصمیم خواهدکرد.» مشاور ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و رئیس دفتر ـ سیدعلی میرهادی

اجرای اسناد

آیین نامه اجرای مفاد اســناد رســمی لازم الاجرا و طرز رســیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۶ تیر ۱۳۵۵ وزارت دادگستری با اصلاحیه‌های بعدی

فصل اول ـ صدور اجراییه (مواد ۱ تا ۱۳)

با اصلاحیه‌های بعدی (روزنامه رسمی شماره ۹۱۹۳ مورخ ۲۸.۴.۱۳۵۵) فصل اول ـ صدور اجراییه ماده ۱ ـ درخواست اجرا مفاد اسناد رسمی از مراجع ذیل به عمل می‌آید الف ـ درمورد اسناد رسمی لازم الاجرا نسبت به دیون و اموال منقول و املاک ثبت شده و نیز املاک مورد وثیقه و اجاره (مشمول قانون روابط مالک و مستاجر) اعم از اینکه ملک مورد وثیقه و اجاره ثبت شده یا نشده باشد از دفترخانه ای که سند را ثبت کرده است در مورد سایر اسناد راجع به املاکی که ثبت در دفتر املاک نشده است برای اجرا مفاد سند ذینفع باید به دادگاه صالحه مراجعه کند. ب ـ در مورد وجه یا مال موضوع قبوض اقساطی از ثبت محل و در این مورد باید عین تصویر گواهی شده قبوض اقساطی و سند پیوست درخواست نامه به ثبت محل داده شود. در تهران درخواست نامه اجرایی قبوض اقساطی به اجرا داده می‌شود.(اصلاحی ۲۵.۵.۱۳۷۶) ج ـ در مورد مهریه و تعهداتی که ضمن ثبت ازدواج و طلاق و رجوع شده نسبت به منقول و سایر تعهدات (به استثنای غیرمنقول) از دفتری که سند راتنظیم کرده است و نسبت به اموال غیر منقول که به ثبت دفتر املاک رسیده است از دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند. د ـ در مواردی که موجر با درخواست وصول وجه قبوض اقساطی فسخ و تخلیه مورد اجاره را بخواهد باید به دفتر اسناد رسمی مربوطه مراجعه کند. ماده ۲ ـ درخواست نامه طبق فرم مخصوص تنظیم می‌شود و باید شامل نکات زیر باشد ۱ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور آن و محل اقامت درخواست کننده اجراییه یا نماینده قانونی او و شماره دفترخانه ای که سند درآن ثبت شده و یا قبوض اقساطی که صادر گردیده است ۲ ـ نام و محل اقامت متعهد و در صورت فوت متعهد نام و مشخصات ورثه او و هرگاه بین ورثه محجور یا غایب وجود داشته باشد باید نام ومشخصات نماینده قانونی محجور یا غایب معین گردد و متعهد له یا نماینده قانونی او موظف است ورثه متعهد را معرفی و در این مورد احتیاجی به گواهی حصر وراثت نیست در صورت عجز متعهد له از معرفی ورثه ، دفترخانه و اجرای ثبت تکلیفی نخواهند داشت (اصلاحی ۲۵.۵.۱۳۷۶) ۳ ـ موضوعی که اجرا آن تقاضا شده است ، اگر راجع به چگونگی اجرا مورد درخواست توضیحی دارد باید قید کند. ۴ ـ تصریح به مطالبه خسارت تاخیر تادیه و اگر نخواسته باشد باید آن را نیز ذکر کند. ۵ ـ

شماره و تاریخ مستند درخواست صدور اجراییه تبصره ـ هر گاه درخواست اجرا از طرف وکیل یا مدیر شرکت یا ولی یا قیم یا سایر نمایندگان قانونی متعهدله به عمل آمده باشد باید مدارکی که صلاحیت متقاضی را محرز بدارد پیوست شود و اگر اختیار انجام تعهد با متعهدله باشد با توجه به ماده ۲۲۶ قانون مدنی ۱) باید اخطار یا اظهارنامه رسمی را نیز که طی آن مطالبه به عمل آمده پیوست درخواست نامه کند. ماده ۳ ـ بستانکار با وثیقه باید در درخواست نامه صدور اجراییه از دفترخانه نکات ذیل را بنویسد ۱ ـ میزان اصل طلب ۲ ـ میزان اجور عقب افتاده (اگر قبوض اقساطی دارد باید رونوشت یا فتوکپی گواهی شده آن را پیوست کند). ۳ ـ میزان خسارت تاخیر تادیه تا روز درخواست اجراییه تبصره ـ در مورد بند (ه) ماده واحده مصوب ۲۶ ۵ ۱۳۲۰ محاسبه فیمابین متعهد و متعهدله تا تاریخ صدور اجراییه انجام می‌شود. محاسبه خسارت تاخیر تادیه در هر مورد با اداره ثبت مربوطه است ماده ۴ ـ سردفتر پس از احراز هویت درخواست کننده و اینکه صلاحیت برای درخواست صدور اجراییه دارد رونوشت سند را در برگهای ویژه ظرف ۲۴ساعت با خط خوانا در سه نسخه (اگر متعهد یکنفر باشد و اگر متعدد باشد یا وثیقه متعلق به متعهد نباشد برای هر یک از متعهدین و صاحب وثیقه دو نسخه اضافه می‌شود) تهیه کرده و موضوعی را که باید اجرا شود در محل مخصوص آن نوشته (در صورتی که در صدور آن اشکالی نباشد) ظرف ۴۸ ساعت از تاریخ وصول تقاضا برگهای اجراییه را امضا کرده و به مهر ویژه (اجرا شود) رسانیده و برای اجرا نزد مسوول اجرا می‌فرستد و رسید دریافت‌می کند. عملیات اجرایی بلافاصله آغاز می‌شود. تبصره اول ـ هرگاه سردفتر در صدور اجراییه با اشکالی روبرو شود باید از صدور آن خودداری کرده و با طرح صریح اشکال از ثبت محل استعلام وکسب تکلیف نماید و ثبت محل مکلف است او را راهنمایی کند و هرگاه ثبت محل هم با اشکال مواجه شود از ثبت منطقه کسب تکلیف خواهد نمود. تبصره دوم ـ ورقه اجراییه را فقط نسبت به موضوعاتی می‌توان صادر کرد که در سند منجزا قید شده باشد. تبصره سوم ـ در مواردی که مرجع صدور اجراییه اداره ثبت است نیز مدلول این ماده و تبصره های مذکور فوق رعایت می‌شود. ماده ۵ ـ نسبت به معاملات املاک یک نسخه اجراییه از دفتر اضافه صادر می‌شود که به وسیله مسوول اجرا به ثبت محل ارسال می‌گردد و ثبت محل مکلف است ظرف سه روز وضع ثبتی ملک و حدود و مشخصات آن را به اجرا اطلاع دهد و تا وصول این اطلاع جز ابلاغ اجراییه اقدامی نمی‌شود. ماده ۶ ـ در مورد قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی هرگاه احد از ورثه قبل از صدوراجراییه دین مورث خود را پرداخت نماید پرداخت کننده به عنوان قایم مقام طلب کار می‌توانند با توجه به قسمت اخیر تبصره مذکور و رعایت مقررات مربوط علیه سایر وراث نسبت به سهم الارث آنها مبادرت به صدور اجراییه نماید. ماده ۷ ـ دفاتر اسناد رسمی نیز مکلفند در موقع صدور اجراییه هر نوع سند لازم الاجرا صدور اجراییه را در ملاحظات ثبت مربوطه با ذکر تاریخ قید وامضا نمایند.(اصلاحی ۲۵.۵.۱۳۷۶) ماده ۸ ـ در صورتی که متعهد له فوت کند، هر یک از ورثه می‌تواند به وسیله گواهان یا ارایه شناسنامه وراثت خود را اثبات کرده و درخواست صدور یاتعقیب اجراییه مورث خود را در سهم الارث خود بکند ولی پس از اجرا اجراییه وجه یا مال مورد تعهد به اداره ثبت سپرده می‌شود و تسلیم آن به ورثه موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و مفاصا حساب مالیاتی خواهد بود. ماده ۹ ـ در اسناد وثیقه هرگاه دارنده حق استرداد (اعم از بدهکار اصلی یا منتقل الیه با قید حق بستانکار و ذکر تاریخ انقضا مدت اسناد با جلب رضای‌بستانکار حق استرداد خود را واگذار کند اجراییه باید علیه آخرین منتقل الیه صادر و تعقیب گردد. ماده ۱۰ ـ در مورد سند متمم که مدیون به اعتبار وثیقه سندی که قبل از قانون اصلاحی قانون ثبت مصوب دی ماه ۵۱ تنظیم گردیده وام جدیدی از همان بستانکار دریافت می‌دارد صدور اجراییه و عملیات اجرایی‌تابع آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۲۲ می‌باشد. ماده ۱۱ ـ هرگاه اجراییه قبل از اعلام ورشکستگی متعهد صادر و به او ابلاغ و اقدامات اجرایی انجام شده باشد و حکم بدوی ورشکستگی فسخ و این حکم قطعی شود، نیازی به تجدید عملیات قانونی انجام شده قبلی نیست ماده ۱۲ ـ با ادعای گم شدن قبوض اقساطی اجراییه صادر نخواهد شد. ماده ۱۳ ـ اجرای ثبت باید اجراییه های واصله را به ترتیب تاریخ وصول در دفتر مخصوص ثبت کند.

فصل دوم ـ کلیات (مواد ۱ تا ۶)

آیین نامه نحوه اجرای حراج و نوبت آن و تشکیل مراکز حراج و نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد ورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننده مصوب آبان ۱۳۵۲ نظر به تبصره ۱ از ماده ۳۴ و تبصره ۳ از ماده ۳۴ مکرر و ماده ۱۵۷ قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸ ۱۰ ۵۱ مواد ذیل را مقرر می‌دارد فصل اول ـ کلیات ماده ۱ ـ در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مقتضی بداند مرکز یا مراکز حراج مرکب از یک رییس ولدی الاقتضا یک معاون و به تعداد کافی کارمند و اعلام کننده (چوب زن تشکیل می‌شود. در سایر واحدهای ثبتی به تناسب حجم کار تصدی مرکز حراج با رییس اجرا و یا کارمندی است که به پیشنهاد ثبت منطقه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سمت منصوب خواهد شد و عنداللزوم تعداد کافی کارمند و ممیز خواهد داشت ماده ۲ ـ مرکز حراج می‌تواند برای شناساندن خود و جلب توجه عموم به وسایل مقتضی تبلیغ نماید و افراد ذینفع نیز چنانچه مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال و املاک مورد حراج باشند با نظارت مرکز حراج می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. ماده ۳ ـ مرکز حراج علاوه بر دفاتر اداری لازم ، دارای دفاتر زیر خواهد بود ۱ ـ دفتر اموال غیر منقول ۲ ـ دفتر اموال منقول ۳ ـ دفتر اوقات حراج ۴ ـ دفتر انبار. ماده ۴ ـ در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که مرکز یا مراکز حراج جداگانه تشکیل می گردد، بایگانی مرکز حراج با روش تنظیم کارت اداره خواهد شد ـ نمونه کارت و نحوه عمل را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین خواهد کرد. اجرا به جای ارسال پرونده اجرایی به مرکز حراج برای هر پرونده کارت مذکور را در دو نسخه تنظیم و کلیه مشخصات مال را در آن قید و پس از گواهی در موعد مقرر به مرکز حراج ارسال می‌دارد. عملیات حراج و همچنین صورت مجلس مربوط به فروش یا عدم فروش مال در هر دو کارت مزبور به وسیله مرکز حراج منعکس و به امضا اشخاص ذینفع و مسولین امر خواهد رسید، پس از پایان کار یک نسخه از کارت تکمیل شده در مرکز حراج بایگانی و نسخه دیگر به اجرا مربوطه برای بایگانی در پرونده ارسال می گردد. ماده ۵ ـ رییس و کارمندان مرکز حراج و اجرا و مباشرین فروش و کارمندان ثبت محل و نماینده دادستان حق شرکت در اصل حراج به طور مستقیم یاغیر مستقیم نخواهند داشت ماده ۶ ـ رییس و کارمندان مرکز حراج مکلفند با مراجعین نهایت حسن سلوک را مرعی داشته و اطلاعات لازم و کافی در اختیار آنها قرار دهند و همچنین رییس مرکز حراج باید در حفظ نظم و ترتیب کارها مراقبت کافی معمول داشته چنانچه افرادی مخل نظم و یا مانع ادامه کار به نحو صحیح و مطلوب گردند با تنظیم صورت مجلس نسبت به اخراج آنها اقدام و عندالاقتضا آنان را به مقامات انتظامی تحویل نماید.

فصل سوم ـ ابلاغ (مواد ۱۴ تا ۱۹)

ماده ۱۴ ـ اجرا پس از وصول اجراییه با رعایت ماده ۱۳ این آیین نامه باید آن را در دفاتر لازمه وارد و پرونده برای آن تنظیم و در صورتی که متعهد مقیم محل صدور اجراییه باشد نام مامور اجرا را در آن نوشته و برای ابلاغ به مامور تسلیم کند. اگر متعهد مقیم حوزه دیگر باشد برگهای اجرایی در ظرف ۲۴ ساعت به ثبت محلی که متعهد مقیم آنجاست و در صورت نبودن ثبت در محل به اداره دادگستری یا شهربانی یا بخشداری یا ژاندارمری ارسال می‌شود و یا به دهدار و یا دهبان تسلیم می گردد تا ابلاغ شود و در مورد مقیمین در کشورهای بیگانه به وسیله دفتر اداره کل ثبت به وزارت امور خارجه ارسال می‌شود که طبق مقررات ابلاغ نمایند. ماده ۱۵ ـ مامور اجرا مکلف است ظرف ۴۸ ساعت از زمان دریافت اوراق اجراییه یک نسخه از آن را به شخص متعهد تسلیم و در

نسخه دیگر با ذکر تاریخ با تمام حروف رسید بگیرد. اگر متعهد از رویت یا امضا اجراییه امتناع کند مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد اگر متعهد در اقامتگاه حضور نداشته باشد به یکی از کسان یا خادمان او که در آن محل ساکن و سن ظاهری او برای تمیز اهمیت برگ اجراییه کافی باشد ابلاغ می‌کند مشروط بر اینکه بین متعهد و شخصی که برگ را دریافت می‌دارد تعارض منفعت نباشد. اگر اشخاص نامبرده بی سواد باشند اثر انگشت آنها باید در ذیل برگ اجرایی و سایر اوراق منعکس شود و هرگاه به جهتی از جهات نتوانند رسید بدهند مامور این نکته را با مسوولیت خود قید خواهد نمود و هرگاه این اشخاص درمحل نباشند یا رسید ندهند مامور باید اجراییه را به اقامتگاه متعهد الصاق کند و مراتب را در نسخه دیگر بنویسد.(اصلاحی مصوب ۲۵.۵.۱۳۷۶) الف ـ در مورد شرکتها اوراق اجرایی به مدیر شرکت یا دارنده حق امضا به ترتیب مذکور فوق ابلاغ می‌شود و در صورت انحلال شرکت به مدیر یا مدیران تصفیه ابلاغ می‌شود. در صورت امتناع از رویت یا امضا مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد در صورت عدم حضور یا امتناع اشخاص مزبور به ترتیب مقرر در صدر ماده یک نسخه از اوراق اجرایی به نشانی مدیر یا مدیران تصفیه طبق آگهی انحلال شرکت الصاق خواهد شد. ب ـ در مورد وزارتخانه ها و ادارات دولتی و سازمانهای وابسته به دولت و موسسات عمومی و شهرداری ها اوراق اجرایی مستقیما وسیله پست برای مسوول وزارتخانه یا اداره یا سازمان یا موسسه ، یا شهرداری فرستاده می‌شود.در این صورت پس از گذشت ده روز از تاریخ تسلیم اوراق اجرایی به پست‌با رعایت مواد مقرر در آیین دادرسی مدنی اجراییه ابلاغ شده محسوب است ج ـ اگر محل اقامت متعهد سند، اداره دولتی یا سازمانهای وابسته به آن و یا شهرداری معین شده باشد اجراییه در همان محل وفق مقررات ابلاغ می‌شود. ت ـ درصورتی که‌نشانی متعهد صندوق پستی باشد یک برگ اجراییه وسیله پست سفارشی به صندوق پستی ارسال می‌شود و از تاریخ تسلیم به پست پس از گذشت ده روز اجراییه ابلاغ شده محسوب است تبصره ۱ ـ مامور اجرا نباید با کسی که اوراق اجراییه یا سایر اخطارات و اوراق به او ابلاغ می‌شود و یا عملیات اجرایی له و علیه او انجام می‌شود قرابت سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته و مابین او و شخص مورد نظر تعارض منفعت و یا پرونده اجرایی و یا دعوی جزایی و مدنی مطرح باشد و یا آنکه دعوی جزایی سابقا مطرح بوده و در جنحه بیش از دو سال و در جنایی بیش از پنج سال از تاریخ ختم آن نگذشته باشد. تبصره ۲ ـ مامورین اجرا و ابلاغ باید نام و مشخصات کسی را که اجراییه به او ابلاغ شده و اینکه چه سمتی با متعهد دارد و محل و تاریخ ابلاغ را باتعیین ساعت و روز و ماه و سال و نام مشخصات خود با جوهر ثابت و عبارت خوانا و با تمام حروف در نسخه ای که به شعب اجرا تسلیم خواهند نمود بنویسند و امضا کنند. ماده ۱۶ ـ متعهد مکلف است دلیل اقامت خود را در محلی که به عنوان اقامتگاه جدید خود معرفی می‌نماید به دفترخانه یا اجرا تسلیم و رسید دریافت‌کند. به اظهاراتی که متکی به دلیل کتبی از قبیل سند رسمی که دلالت بر تغییر اقامتگاه داشته باشد یا گواهی شهربانی یا ژاندارمری یا کدخدای محل درداخل کشور و کنسولگری یا مامورین سیاسی ایران در خارج کشور نباشد ترتیب اثرداده نخواهد شد. ماده ۱۷ ـ هرگاه محل اقامت متعهد در سند تعیین نشده یا محلی که تعیین گردیده موافق با واقع نباشد و یا به جهاتی محل مزبور از بین رفته و یا اساسا شناخته نشود اجراییه یا اخطاریه ظرف ۲۴ ساعت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد در روزنامه کثیرالانتشار نزدیک‌ترین محل فقط یک مرتبه آگهی خواهد شد و در آگهی مزبور باید تصریح شود که ظرف ده روز پس از انتشار آگهی عملیات اجرایی جریان خواهدیافت و جز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد در صورتی که متعهدله متعهد را معرفی نماید اجراییه طبق مقررات ابلاغ واقعی خواهد شد. ماده ۱۸ ـ هرگاه متعهد قبل از صدور اجراییه فوت شود و درخواست صدور اجراییه علیه ورثه به عمل آید اجراییه در اقامتگاه مورث به آنان ابلاغ واقعی می‌گردد. در صورتی که ابلاغ واقعی در محل مزبور به هر یک از آنان میسر نگردد یا کسی که به نحو مزبور ابلاغ واقعی به او ممکن نگردیده اقامتگاه خودرا اعلام ندارد و متعهد له نیز نتواند اقامتگاه او را به ترتیبی که ابلاغ واقعی میسر گردد تعیین نماید ابلاغ اجراییه وسیله درج در جراید به عمل میاید. تبصره ـ در صورتی که متعهد پس از صدور اجراییه فوت کند طرز ابلاغ به ورثه

به ترتیب مزبور خواهد بود. ماده ۱۹ ـ هر گاه متعهـد محجور باشـد اجراییه و سایر عملیات اجرایی به ولی یا قیم او ابلاغ می‌شود. در صورتی که قیم یا ولی نداشته باشد مراتب جهت تعیین قیم به اطلاع دادستان محل می‌رسد.

فصل چهارم ــ ترتیب اجرا (مواد ۲۰ تا ۴۶)

ماده ۲۰ ـ از تاریـخ ابلاغ اجراییه متعهد باید ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت دین خود بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای سـند را میسر گرداند. اگر خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف همان مدت صورت جامع دارایی خود را به مسوول اجرا بدهـد و اگر مالی نـدارد صـریحا اعلام‌کند. بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت دین خود نبوده مکلف است هر موقع که متمکن از پرداخت تمام یا قسـمتی از بـدهی خود گردد آن رابپردازد. تبصـره ـ مقررات این ماده مانع نمی‌شود که بسـتانکار هر وقت مالی از مـدیون به دست آید به تعقیب اجراییه و استیفای طلب خود اقدام کند. ماده ۲۱ ـ قیمت مالی که برای فروش نشـان داده می‌شود بایـد متنـاسب بـا دین بوده و نیز بلامـانع بودن آن جهت استیفای موضوع لازم الاجرا از هر جهت محرز باشد. ماده ۲۲ ـ معرفی مطالبات از طرف متعهد در صورت قبول متعهدله اشـکال ندارد هر چند که مطالبات موجل باشد. ماده ۲۳ ـ ثـالث می‌توانـد مـال خـود را برای اجرای اجراییه معرفی کنـد در این صورت پس از بـازداشت از طرف اجرا معرفی کننـده حق انصـراف ندارد.معرفی مال ثالث به توسط مدیون سـند، وکالتا از جانب مالک در صورت دلالت صـریح وکالتنامه رسـمی بر این امر منعی نـدارد، در این صورت پس ازبـازداشت مال موکل حق نـدارد تقاضای استرداد مال مورد بازداشت را بنمایـد. ماده ۲۴ ـ معرفی مال از طرف بدهکار یا ثالث مانع از تقاضای بازداشت اموال دیگر مدیون از طرف متعهدله نخواهد بود مشـروط به اینکه فروش آن آسانتر باشـد، در این صورت پس از بازداشت ، معادل آن از اموالی که قبلا بازداشت شده است رفع بازداشت می‌شود. این تقاضا از طرف متعهـدله فقط برای یک مرتبه تا قبل از انتشار آگهی مزایـده پذیرفته خواهد شد. ماده ۲۵ ـ در صورتی که مـال به آسانی قابل فروش باشـد نمی‌توان آن را به مال دیگر تبـدیل کرد مگر به رضای ذینفع ماده ۲۶ ـ متعهـدله می‌تواند قبل از انقضا مدت مذکور در ماده ۲۰ تقاضـای تـامین طلب خود را از اموال متعهـد بکنـد در این صورت اجرا بلافاصـله پس‌از ابلاـغ اجراییه معـادل موضوع لازم الاجرا را از اموال متعهـد بازداشت می‌کنـد. ماده ۲۷ ـ اگر اجراییه بر تسـلیم عین منقول صـادر شـده باشـد و تـا ده روز پس از ابلاغ متعهد آن را تسلیم نکند مامور اجرا عین مزبور و منافع آن را (درصورتی که اجراییه بر منافع نیز صادر شده باشد) به متعهدله تسـلیم کرده قبض رسـید خواهد گرفت مگر اینکه مال در تصـرف غیر بوده و متصرف نسبت به عین یا منافع آن دعوی مالکیت کند که در این صورت مامور اجرا متعرض آن نمی‌شود و متعهـد می‌تواند به دادگاه مراجعه کند. اگر اجراییه بر تسـلیم مال غیرمنقول ثبت شده بود و متصـرف نسبت به منافع آن به اسـتناد حکم دادگاه یا سـند رسـمی صادر از مالک (که تاریخ آن مقدم برسـند متعهدله باشد) دعوی حق کند مال با رعایت حقوق و تصـرفات مستند به حکم یا سند رسمی تحویل متعهدله داده می‌شود. متعهدله در صورتی که معترض باشـد می‌تواند به دادگاه مراجعه کند. ماده ۲۸ ـ اگر موضوع اجراییه تسـلیم عین غیرمنقول ثبت شده باشد لکن متعهد سند ، آن را در تاریخ مقدم به موجب سـند رسـمی به دیگری منتقل کرده‌باشد متعهدله می‌تواند ثمن را به وسیله اجرا ثبت در صورتی که مورد محتـاج رسـیدگی قضـایی نباشـد استرداد کنـد. اجرا بایـد پس از وصول ثمن مراتب را به اداره ثبت املاـک و دفترخـانه تنظیم کننـده سـند اطلاع دهد تا جریان امر را در سـتون ملاحظات ثبت دفتر قید نماید. این حکم در موارد ذیل هم جاری است الف ـ عین مورد معـامله مـذکور وجوه خـارجی نداشـته باشـد. ب ـ عین مورد معـامله مـذکور کمتر از میزان مورد معـامله باشـد در این صورت متعهدله به نسبت کسری موضوع معامله نیز می‌تواند درخواست استردادثمن نماید. ج ـ متعهد قبلا مقداری از عین مورد معامله را به ثالث منتقل کرده باشـد. د ـ مورد معامله کلا یا بعضا خود بخود یا توسط متعهـد سـند یا ثالث قبل از قبض تلف یا غصب شده باشد.

ماده ۲۹ ـ هرگاه موضوع اجراییه عین معین منقول بوده و به آن دسترسی نباشد یا مال کلی در ذمه بوده و متعهد از انجام تعهد امتناع ورزد یا مثل آن درخارج یافت نشود متعهدله می‌تواند بهای روز اجرا تعهد را بخواهد در این مورد رییس اجرا در مرکز یا مدیر ثبت در خارج از مرکز بهای مزبور را به وسیله کارشناس تعیین واز متعهد خواهد گرفت مگر اینکه در سند ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد که طبق آن عمل می‌شود. ماده ۳۰ ـ برگهای اجراییه که از حوزه‌ای به حوزه دیگر ارجاع می‌شود مدیر ثبت محل مکلف است طبق مقررات این آیین نامه اقدام کند. ماده ۳۱ ـ در هر مورد که نیابت اجرایی طبق ماده ۳۰ داده می‌شود ثبت نیابت دهنده مادام که از نتیجه اقدام ثبت مرجوع الیه مطلع نشده نباید عملیات اجرایی را خود تعقیب کند و باید مترصد اقدامات مورد نیابت باشد ولی اگر متعهدله مالی را از متعهد معرفی نماید و برای ثبت نیابت دهنده احراز شودکه موضوع نیابت توسط ثبت مرجوع الیه انجام نگردیده توقیف مال معرفی شده اشکال قانونی ندارد و در این صورت به ثبت مرجوع الیه مراتب را بلافاصله اطلاع خواهد داد تا دیگر اقدامی از این جهت به عمل نیاورد. ماده ۳۲ ـ ادارات ثبت نمی‌توانند نیابت اجرایی از اداره تصفیه یا مدیر تصفیه یا اجراییات دارایی بپذیرند ولی مراجع مذکور در حدود مقررات و وظایف و صلاحیت خود می‌توانند توقیف املاک و مطالبات و دریافت سپرده های ورشکسته و متعهد را از ادارات ثبت بخواهند. ماده ۳۳ ـ شخصی که در اجرا از طلب متعهد، ضمانت می کند باید از عهده براید در صورت خودداری مسوول اجرا مورد ضمانت را با خسارت ناشی از تاخیر ضامن درانجام دادن تعهد برابر مقررات استیفا خواهد کرد. ماده ۳۴ ـ در موردی که اجراییه برای انجام تعهدی از قبیل تعمیر بنا ، قنات ، یا تکمیل ساختمان یا بنای جدید یا غرس اشجار و امثال آن ، صادر شده و متعهد پس از ابلاغ اجراییه اقدام به انجام آن ننماید اداره ثبت متعهد را الزام به انجام تعهد یا پرداخت هزینه‌های لازم برای انجام آن می‌نماید، اگر متعهد اقدام نکند متعهدله می‌تواند با اطلاع اداره ثبت به هزینه خود تعهد مزبور را انجام داده و یا معامله را فسخ کند و اگر کیفیت انجام تعهد یا تعیین میزان هزینه آن محتاج به نظر کارشناس باشد اداره ثبت یک نفر کارشناس برای تعیین کیفیت انجام تعهد یا هزینه آن تعیین خواهد کرد، و حق الزحمه کارشناس به میزان مناسبی جز سایر هزینه‌ها از متعهدله توسط اجرای ثبت دریافت می‌گردد و متعهد له حق دارد کلیه هزینه ها را از متعهد توسط اجرای ثبت مطالبه و دریافت نماید. ماده ۳۵ ـ در مواردی که متعهد قبوض اداره دارایی و شهرداری را راجع به مالیات و عوارض قانونی و یا فیش بانکی که حاکی از تادیه بدهی به حساب بانکی متعهدله باشد و یا حکم دادگاه را که مشعر بر برائت او باشد ارایه دهد اداره ثبت یا اجرا باید وجوه پرداختی را محسوب و مفاد حکم را اجرا کند و در مورد فیش بانکی تاییدیه آن را از بانک بخواهد. ماده ۳۶ ـ در مواردی که موضوع سند لازم الاجرا تادیه وجه نقد و خسارت باشد و در سند برای تاخیر تادیه وجه التزامی مقرر نشده باشد به تقاضای متعهدله حسب المورد دفترخانه یا اجرا ثبت باید خسارت تاخیر تادیه را نیز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا ابلاغ اجراییه به مدیون تا روز وصول از قرارصدی دوازده در سال حساب کرده و از متعهد دریافت و به متعهدله بدهد. تبصره ۱ ـ وجه التزام مقرر در سند بیش از صدی دوازده در سال گرفته نخواهد شد اگرچه اجراییه برای بیش از صدی دوازده صادر شده باشد. تبصره ۲ ـ نسبت به اجراییه‌هایی که به وسیله آگهی در روزنامه ابلاغ می‌شود، در صورتی که از مواردی باشد که خسارت تاخیر از تاریخ ابلاغ تعلق‌می گیرد ، ازتاریخ آخرین آگهی خسارت دریافت خواهد شد. تبصره ۳ ـ هر گاه متعهدله در اثنا عملیات اجرایی خسارت بخواهد خسارت از تاریخ ابلاغ اظهارنامه که بعد از صدور اجراییه از طریق دفترخانه صادرو ابلاغ شده تعلق می گیرد. متعهدله می‌تواند در این مورد خسارت را از طریق اجرای ثبت مطالبه کند و در این صورت خسارت از تاریخ ابلاغ اخطاریه ای که شعبه اجرا به متعهد ابلاغ خواهد کرد تعلق خواهد گرفت ماده ۳۷ ـ در هر مورد که برابر مقررات و قوانین خاص و یا مدلول سند رسمی میزان خسارت دیر کرد کمتر از صدی دوازده معین شده باشد، خسارت به ماخذ مقرر احتساب خواهد شد. ماده ۳۸ ـ هرگاه مورد معامله عین کلی در ذمه باشد در صورتی که راجع به خسارت تاخیر انجام تعهد در سند ترتیبی داده نشود، اداره ثبت تکلیفی در وصول خسارت تاخیر انجام تعهد ندارد و ذینفع می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه کند. ماده ۳۹ ـ هرگاه در سند برای تاخیر انجام

تعهـد، وجه التزام معین شـده باشـد مطالبه وجه التزام مانع مطالبه اجرا تعهـد نمی‌باشد ولی اگر وجه التزام برای عدم انجام تعهد مقرر شـده باشـد متعهـدله فقط می‌توانـد یکی از آن دو را مطالبه کند. ماده ۴۰ ـ حق الوکـاله وکیـل در صورت دخالت در تمام اقـدامات اجرایی تـا مرحله وصول طبق قرارداد منعقـده بین طرفین و حـداکثر تا میزان مصـرح درماده ۱۴ اصـلاحی آیین نامه قانون وکالت در صورت تقاضای ذینفع قابل مطالبه و وصول است و در مورد اسناد وثیقه همان مورد وثیقه جواب‌گوی حق‌الوکاله نیز خواهد بود.(۲) ماده ۴۱ ـ الف ـ به اجاره بها و بهره بها و صداق وجه نقد هم خسارت تاخیر (با رعایت ذیل تبصره ماده ۳) تعلق می گیرد. ب ـ متعهد بایـد خسارت تاخیر ایام توقف یا توقیف عملیات اجرایی را نیز بپردازد. ماده ۴۲ ـ در مواردی که دین به صـندوق ثبت یا دادگستری یـا بانـک ملی سـپرده می‌شود، متعهـد بایـد قبض سـپرده را در مقابـل رسـید به دفترخـانه مربوط بسـپارد، دفترخـانه بایـد مراتب را به بسـتانکار اخطـار کنـد و از تاریـخ سپردن قبض به دفترخانه خسارت تاخیر تعلق نمی گیرد. ماده ۴۳ ـ در مورد ذیل تبصـره ۵ ماده ۳۴ قانون اصـلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱ تعیین بهره یا اجوری کمتر از صدی دوازده درسـند مانع از این نیست که طرفین معـامله درباره تعیین خسارت تاخیر تادیه تا میزان صـدی دوازده توافق کننـد. در صورت سـکوت قرارداد به تبصـره مزبور عمل می‌شود. ماده ۴۴ ـ ابرا ذمه مدیون نسبت به خسارت یا قسمتی از اصل مانع از صدور اجراییه ماده ۳۴ قانون اصلاحی قانون ثبت و تملیک تمام مورد وثیقه نمی‌شود ولی داین وقتی می‌توانـد تمام مورد وثیقه را تملک کند که معادل آنچه را که ابرا کرده است به مـدیون بپردازد و یـا با رعایت مقررات به صـندوق ثبت بسپارد. ماده ۴۵ ـ در مورد مـالی که در مقابـل مطالباتی توقیف شـده باشـد بسـتانکار می‌توانـد تمـام دیون و هزینه‌هـای قـانونی بـازداشت کننـدگان مقـدم و حقوق‌دولتی را در صـندوق ثبت تودیع و تقاضـای توقیف مـال و استیفـای حقوق خود را از آن بنمایـد. در این صورت از توقیفها رفع اثر نموده و مال بابت کل یا قسـمتی از طلب او و مجمـوع وجوه تودیع شـده بلافاصـله توقیف و از طریق مزایـده به فروش می‌رسـد.(اصـلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصـره ـ در کلیه مواردی که بسـتانکار ، خریـدار مورد مزایده و حراج واقع می‌شود بدهکار می‌تواند تا قبل از تنظیم سـند انتقال یا تحویل مال حسب مورداقدام به پرداخت بدهی خود نماید.(الحاقی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۴۶ ـ هزینه آگهی و دستمزد کارشناس و حق الحفاظه و هزینه بازداشت اموال و سایر هزینه‌های قانونی طبق مقررات این آیین نامه مانند اصل دین وصول می‌شود.

فصل پنجم ــ بازداشت اموال منقول (مواد ۴۷ تا ۸۰)

ماده ۴۷ ـ بازداشت اموال متعهد به تقاضای متعهدله صورت می گیرد و مامور اجرا با حضور نماینده دادگستری و در صورت لزوم با حضور مامور نیروی انتظامی و با معرفی متعهدله اقدام به بازداشت اموال متعلق به متعهد را می‌نماید و حاضر نبودن متعهد یا کسان و خادمینش و نیز بسته بودن محلی که مال در آن است مانع بازداشت مال نیست (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۴۸ ـ در صورتی که دین و متفرعات تا پنج میلیون ریال ارزش داشته باشد و مال معرفی شده حسب الظاهر بیش از مبلغ مزبور به تشخیص مامور اجرا ارزش نداشـته باشـد بدون نظر ارزیاب از اموال مدیون بازداشت خواهد کرد. درغیر این صورت مامور اجرا در موقع بازداشت اموال نظر ارزیاب یا کارشناس را جلب خواهد کرد و از اموال متعهد معادل طلب و یک تا دو عشر اضافه بازداشت می کند. اگر مال مورد بـازداشت غیرقابـل تجزیه و بیش از میزان مـذکور فوق باشـد تمـام آن بازداشت می‌شود.(اصـلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۴۹ ـ اموالی که بایـد بـازداشت شود در همـان جـایی که هست بـازداشت می‌شود در صورت لزوم به جای محفوظی نقل می گردد. در هر حال بایـد مال بازداشت شـده به حافظ سپرده شود. در صورت عـدم توافق متعهدله در انتخاب حافظ ، انتخاب او با مامور اجرا اسـت ماده ۵۰ ـ کسـی که مال بازداشت شده را به عنوان حافظ دریافت می کند به اعتراض او به بازداشت پس از قبول مال به عنوان حافظ در ادارات ثبت ترتیب اثر داده نخواهـد شد. ماده ۵۱ ـ حافظ بایـد به قدر امکان دارایی داشـته باشد]و[حتی المقدور بدون نقل مال

مورد بـازداشت به جـاى ديگر تعهـد حفاظت مال را بكنـد. تبصـره ـ مامور اجرا اگر در انتخاب حافظ واجـد شـرايط امانت و شـرايط ديگر راجع به امين تقصـير كند با حافظ متضامنا مسوول خواهد بود. ماده ۵۲ ـ مامور اجرا نمى‌تواند بدون تراضى كتبى طرفين اموال بـازداشت شـده را به اشـخاص زير بسـپارد: الف ـ به اقوام و اقربـاى خود تا درجه سوم ب ـ به متعهـد له و متعهـد و همسـر آنان و به اشخاصـى كه با متعهد يا متعهدله قرابت نسبى يا سببى تا درجه سوم دارند و به مخدوم يا خدمه آنان مگراينكه شخص ديگرى براى حفـظ اموال بازداشت شـده پيـدا نشود. ماده ۵۳ ـ مـامور اجرا رونـوشت صورت اموال بـازداشت شـده را به حـافظ داده قبض رسـيد مى‌گيرد و در ذيـل قبض صـحت صـدور آن را تصـديق مى‌كنـد.مامور اجرا به تقاضاى متعهـد يا متعهـدله رونوشت گواهى شـده از صورت اموال را به آنان مى‌دهـد. ماده ۵۴ ـ حافـظ حق مطـالبه حق الحفاظه (اعم از كرايه محل و غيره را متناسب با ارزش مال مورد بـازداشت دارد. تشـخيص تنـاسب در تهران بـا رييس‌مركز حراج يـا رييس اجرا و در شهرسـتانها بـا رييس ثبت و اگر تعلق مال مورد حفـاظت به شـخص ثالث احراز شود پرداخت حق الحفاظه به عهـده معرفى كننـده است ماده ۵۵ ـ اگر عمليـات اجرايى پايان يابـد و صاحب مال از دريافت آن امتناع ورزد و حافظ هم راضـى به ادامه حفاظت نباشـد مركز حراج در تهران و رييس‌ثبت در شهرسـتانها اقـدام به فروش آن كرده و ثمن را در صـندوق ثبت به نام مالك آن ايداع مى‌كند. ماده ۵۶ ـ حافـظ در صورت مطالبه مال از طرف اداره ثبت بايـد آن را تحويل دهـد (و) در صورت امتناع يا تقصـير ضامن است و در حكم مديون اصـلياست و اداره ثبت معادل مال بـازداشت شـده را از دارايى حافـظ استيفـا خواهـد كرد. در صورت ضـرورت تغيير حافظ به نظر مـديريت ثبت مى‌باشـد.(اصـلاحى مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۵۷ ـ هرگاه مال بازداشت شـده منافع داشـته باشـد حافظ بايد آنها را حفظ كند و حساب آن را هم بدهد. هرگاه حفاظت مسـتلزم هزينه فورى قبل ازكسب اذن از اداره ثبت باشـد حافظ مى‌تواند از مال خود داده و با تسـليم مداركـ به اداره ثبت احتساب كند يا به تشـخيص خود و اطلاع و تاييد رييس اجرا قسـمتى از مال مورد حفاظت را صرف نگهدارى مابقى كند. ماده ۵۸ ـ هزينه بازداشت و حفاظت و نيم عشـر تا روز تاديه بـدهى و حق حراج به عهده متعهد است در هر موردى كه نتوان اين هزينه‌ها را از متعهـد وصول كرد، متعهـدله بايـد آن را پرداخت و پس از فروش اموال و يـا وصول طلب به موجب همـان اجراييه وصول و به متعهدله داده مى‌شود.(اصـلاحى‌مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۵۹ ـ در صورتى كه بخواهنـد قسـمتى از مال متعهد را بازداشت نمايند و متعهد يا كسان او غايب باشـند بايد از بقيه اموال صورت جامعى با قيد كليه مشخصات برداشته و نيز اگر بخواهند مال بازداشت شده را از محلى كه اموال ديگر متعهـد در آنجاست خارج كننـد بايـد متعهـدله شـخص معتبرى را براى‌حفاظت ساير اموال متعهد به اجرا معرفى كنـد. ماده ۶۰ ـ بازداشت اموال ضايع شـدنى ممنوع است و بايـد به تدريـج كه به دست ميايـد فورا بـدون صدور آگهى و به مزايده فروخته و صورت بردارى شود در اين مورد رعايت مقررات ماده ۱۵۶ اين آيين نامه ضرورت ندارد. ماده ۶۱ ـ بازداشت منافع جـايز است ماده ۶۲ ـ بازداشت حقوق مـديون نسبت به سرقفلى يا منافع جايز است لكن مزايـده آن به لحاظ رعايت منافع اشـخاص ثالث جايز نيست در صورت بازداشت منافع مراتب به اداره ثبت محل جهت ثبت در دفاتر بازداشتى و ابلاغ آن به دفاتر اسناد رسمى مربوطه اعلام مى‌گردد.(اصـلاحى مصوب‌۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۶۳ ـ بـازداشت حقوق مـانع از اين نيست كه اگر مـال ديگرى از متعهد يـافت شود به تقاضـاى ذينفع بـازداشت گردد در اين صورت هرگـاه مـال بازداشت شـده معادل طلب بسـتانكار باشـد از حقوق رفع بازداشت خواهـد شـد. ماده ۶۴ ـ هرگـاه چنـد بسـتانكار عليه يـكـ نفر اجراييه صـادر كنـد آنكه به نفع او بازداشت در تاريـخ مقـدم صورت گرفته است نسـبت به وصول طلب از موردبازداشت حق تقـدم دارد. تبصـره ـ اگر اجراييه‌هاى متعـدد عليه متعهـد صادر شده ولى بازداشت به نفع هيچ يكـ از بسـتانكاران صورت نگرفته باشد پس از بازداشت مال مورد بازداشت بين بستانكارانى كه تا تاريخ بازداشت اجراييه صادر كرده‌اند به نسبت طلب آنان قسمت مى‌شود. ماده ۶۵ ـ قرارداد خصوصى برخلاف ترتيب مذكور درماده ۶۴ و تبصـره آن نسبت به ثالث اعتبار ندارد. ماده ۶۶ ـ در مورد ماده ۶۵ فرق نمى‌كند كه اجراييه‌هاى متعدد از ثبت صادر شده باشـند يا اجرا دادگاه و ثبت و يا از ساير مراجع قانونى كه حق توقيف مال مـديون را دارند. ماده ۶۷ ـ هرگاه مديون سند ذمه‌اى از ثالثى طلب

با وثیقه داشته باشد بازداشت آن طلب نزد ثالث مذکور جایز است در این صورت بازداشت کننده قایم مقام طلبکار با وثیقه شده و از حقوق دارنده وثیقه طبق مقررات اسناد وثیقه استفاده خواهد کرد. ماده ۶۸ ـ در اجرا اسناد ذمه ای علیه ورثه متوفی بازداشت اموال ورثه با رعایت ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی ۳) جایز است مگر اینکه وارث ترکه را ردکرده باشد و رد ترکه با رعایت مادتین ۲۴۹ و ۲۵۰ قانون امور حسبی ۴) محرز و انجام شده باشد. ماده ۶۹ ـ اموال‌واشیازیرازمستثنیات‌دین است و بازداشت نمی‌شود: ۱ ـ مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب النفقه او. ۲ ـ لباس اشیا، اسباب و اثاثی که برای رفع حوایج متعهد و اشخاص واجب النفقه او لازم است ۳ـ آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عایله او. ۴ ـ وسایل و ابزار کار کسبه ، پیشه وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب النفقه آنان ۵ – سایر اموال و اشیایی که به موجب قوانین خاص ، غیرقابل توقیف می‌باشد.(اصلاحی مصوب ۲۳/۹/۱۳۷۰) تبصره ۱ ـ در صورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال بجا مانده از او بدون استثنا چیزی استیفا می‌شود.(اصلاحی مصوب ۲۳/۹/۱۳۷۰) تبصره ۲ ـ در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیا موصوف با نیاز اشخاص فوق الذکر، رییس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل ، مطابق ماده ۲۲۹ اتخاذ تصمیم خواهد کرد.(اصلاحی مصوب ۲۳/۹/۱۳۷۰) تبصره ۳ ـ به‌موجب مصوبه شماره ۵۷۳۰/۷۷/۱ مورخ ۱/۶/۷۷ ریاست قوه قضاییه لغو گردیده که مفاد مصوبه اخیر ذیلاـ درج می‌شود.(الحاقی مصوب ۲۵/۵/۷۶ و اصلاحی مصوب ۱۳۷۷.) (نظر به اینکه برابر بند (ه) ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و فتاوی مشهور فقهای عظام ، مسکن مورد نیاز ومتناسب بدهکار و عایله او از مستثنیات دین بوده و قابل بازداشت نمی‌باشد و نظر به اینکه تبصره ۳ الحاقی به بند (ه) ماده ۶۹ آیین نامه مصوب۲۵/۶/۷۶ که مقرر می‌دارد: (در صورتی که بستانکار همسر مدیون بوده و بابت وصول مهریه درخواست بازداشت محل سکونت مدیون را بنماید در این صورت تا نصف از مالکیت مدیون بازداشت می‌شود) مخالف حکم کلی بند (ه) و مغایر با فتاوی مشهور می‌باشد لذا لغو تبصره ۳ مرقوم اعلام می گردد. و در صورتی که واحدهای اجرای ثبت در اجرای تبصره ۳ بند ه مسکن مورد نیاز و متناسب بدهکار را توقیف نموده و عملیات اجرایی به پایان نرسیده باشد مکلفند بلافاصله از آن رفع توقیف نموده وعملیات اجرایی را با لحاظ بند ه ماده ۶۹ آیین نامه ادامه دهند).(۵) ماده ۷۰ ـ بازداشت مال منقولی که در تصرف غیر است و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت می کند ممنوع است ماده ۷۱ ـ قبل از بازداشت اموال باید صورتی مرتب شود که در آن اسامی و توصیف کلیه اشیا بازداشت شده نوشته شود و در موقع لزوم کیل و وزن و عدد اشیا معین شود و در مورد طلا و نقره آلات هرگاه عیار آنها معین باشد در صورت مجلس قید می گردد و در جواهر عدد و اندازه و صفات و اسامی آنها معین می‌شود ـ در کتب اسم کتاب و مصنف و تاریخ طبع ـ در تصویر و پرده‌های نقاشی موضوع پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش اگر معلوم باشد ـ در نوع مال التجاره تعداد عدل تصریح می‌شود ـ در سهام و کاغذهای قیمتی عدد و قیمت اصلی و نوع آنها در صورت مجلس معین می‌شود و همچنین در صورت ریز اشیا نو یا مستعمل بودن آنها باید قید گردد. تبصره ۱ ـ عدد و کیل و وزن باید با تمام حروف نوشته شود و صورت باید قیطان کشیده شده و به مهر مامور اجرا برسد. تبصره ۲ ـ اگر در صورت ریز اشیا سهو و اشتباهی به عمل آید در آخر صورت تصریح و به امضا مامور اجرا می‌رسد. تراشیدن و پاک کردن و نوشتن بین سطرها ممنوع است تبصره ۳ ـ حتی المقدور صورت مجلس روی برگهای چاپی که باید تهیه شود تنظیم خواهد شد. ماده ۷۲ ـ مازاد احتمالی مال مورد وثیقه یا توقیف شده قابل بازداشت است ماخذ محاسبه مازاد احتمالی جمع ارقام ذیل است الف ـ اصل طلب و خسارت تاخیر با رعایت ماده ۳۴ قانون ثبت و سایر مقررات مربوطه ب ـ حق حراج (مالیات حراج ج ـ نیم عشر (حق الاجرا) دـ وجه التزام (اگر مقرر شده باشد) ه ـ اجور عقب افتاده و ـ حق الوکاله اگر جز قرارداد مذکور در سند باشد ز ـ سایر هزینه هایی که بستانکار با وثیقه (و کسی که اصل ملک در مقابل طلب او توقیف شده است پرداخته و برابر مقررات این آیین نامه حق وصول آن را از متعهد دارد. ماده ۷۳ ـ هرگاه نسبت به اشیایی که بازداشت می‌شود اشخاص ثالث اظهار حقی نمایند مامور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار را قید می‌کند. ماده ۷۴ ـ در

مواردی که متعهدله و متعهد یا نماینده دادسرا و گواهان حاضر باشند صورت ریز اشیا به امضای آنها نیز می‌رسد و هرگاه امتناع از امضا نمایند مراتب در صورت جلسه قید می گردد. ماده ۷۵ ـ اشخاص مذکور در ماده قبل می‌توانند ایرادات خود را در باب صورت تنظیم شده به مامور اجرا اظهار نماینـد مامور اجرا آن اظهارات را باجهات رد و قبول آن در صورت مجلس قید می‌نماید. ماده ۷۶ ـ هرگاه اموال منقول در جای محفوظ و معین باشد مامور اجرا مدخل آن را بسته و مهر و موم می‌نماید و هرگاه اشیا در جای محفوظ و معینی نباشد به هر کدام از اشیا کاغذی الصاق کرده و مهر می کند، متعهدله و متعهد نیز می‌توانند پهلوی مهر مامور اجرا را مهر نمایند. ماده ۷۷ ـ هر گاه طول مدت بازداشت باعث فساد بعضی از اشیا شود از قبیل فرش و پارچه های پشمی و غیره اشیا مزبور را بایـد جدا کرده طوری بازداشت نمایند که بتوان سرکشی و مراقبت نمود. ماده ۷۸ ـ هر یک از متعهدله و متعهد که موقع عملیات بازداشت حاضر باشد و ایرادی ننمایـد دیگر حق شکایت از اقدامات مامور اجرا را نخواهدداشت ماده ۷۹ ـ هرگاه متعهد یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می‌نمایند از اثاث البیت آنچه که عادتا مورد استعمال زنانه است ملک زن و آنچه‌عادتا مورد استعمال مردانه است ملک شوهر و مابقی مشترک بین زوجین محسوب خواهد شد مگر اینکه خلاف ترتیب فوق ثابت شود. ماده ۸۰ ـ هرگاه مالی که بازداشت می‌شود بین متعهد و شخص یا اشخاص دیگر مشاع باشد شرکت بین آنان به نحو تساوی فرض می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

فصل ششم ـ بازداشت اموال نزد شخص ثالث (مواد ۸۱ تا ۹۱

ماده ۸۱ ـ هرگاه متعهدله اظهار نمایـد که وجه نقد یا اموال منقول متعهد نزد شخص ثالثی است آن اموال و وجوه تا اندازه‌ای که با دین متعهد و سایر هزینه های اجرایی برابری کند بازداشت می‌شود و بازداشت نامه به شخص ثالث و متعهد ابلاغ و در نسخه ثانی رسید گرفته می‌شود اعم از اینکه شخص ثالث شخص حقیقی باشد یا حقوقی و اعم از اینکه دین او حال باشد یا موجل ماده ۸۲ ـ هرگاه ثالث مذکور در ماده قبل مصونیت سیاسی داشته باشد ارسال بازداشت نامه از طریق دبیرخانه سازمان ثبت صورت خواهدگرفت ماده ۸۳ ـ ابلاغ بازداشت نامه به شخص ثالث او را ملزم می کند که وجه یا اموال بازداشت شده را به صاحب آن بدهد و الا ـ معادل آن وجه یا قیمت آن اموال را اداره ثبت از او وصول خواهد کرد این نکته در بازداشت نامه باید قید شود. ماده ۸۴ ـ هرگاه مال بازداشت شده نزد شخص ثالث وجه نقد یا طلب حال باشد شخص مزبور باید آن را به صندوق ثبت سپرده و رسید بگیرد. و اگر کسی که اجراییه بر علیه او صادر شده است امتناع از دادن رسید نماید مدیر ثبت که عملیات اجرا در حوزه او به عمل میاید رسید داده واین رسید سند برائت شخص ثالث خواهد بود. ماده ۸۵ ـ هرگاه شخص ثالثی که مال یا طلب حال متعهد نزد او بازداشت شده است از تادیه آن امتناع ورزد بازداشت اموال او مطابق مقررات این آیین‌نامه خواهد بود. ماده ۸۶ ـ هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول دیگری باشد باید ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ بازداشت نامه به‌شخص او مراتب رابه مدیر ثبت اطلاع دهد و الا مسوول پرداخت وجه و یا تسلیم مال خواهد بود و اداره ثبت آن وجه را وصول و یا آن مال را از او خواهد گرفت ماده ۸۷ ـ در صورتی که شخص ثالث منکر وجود مال یا طلب متعهد نزد خود باشد و در ظرف مدت مقرر در ماده فوق بعد از ابلاغ بازداشت نامه اطلاع دهد عملیات اجرایی نسبت به او متوقف می‌شود و متعهدله می‌تواند برای اثبات وجود وجه و مال یا طلب نزد شخص ثالثی که منکر آن بوده به دادگاه صالح مراجعه کند و یا از اموال دیگر متعهد استیفا طلب خود را بخواهد. تبصره ـ در مواردی که وجودمال یا طلب نزد شخص ثالث به موجب سند رسمی محرز باشد صرف انکار شخص ثالث مانع از تعقیب اجرایی نسبت به او نیست ماده ۸۸ ـ مقررات مواد فوق در صورتی نیز لازم الرعایه است که مال الاجاره اموال منقول یا غیر منقول متعلق به متعهد نزد مستاجر باشد در این صورت باید وجوهی که به تدریج وصول می‌شود تا استهلاک طلب متعهدله

به مشارالیه تادیه گردد و اگر نگاهداری موقت وجوه مزبور لازم باشد باید در صندوق ثبت اسناد و یا در بانک معتبری ایداع گردد. ماده ۸۹ ـ بازداشت هزینه مسافرت مامورین دولت و حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند ممنوع است ماده ۹۰ ـ جز درموارد ذیل هرگاه بازداشت حقوق و مزایا و دستمزدی که متعهد از وجوه عمومی می گیرد لازم باشد در صورتی که دارای کسان واجب‌النفقه باشد ربع و الا ـ یک ثلث را می‌توان بازداشت کرد: ۱ ـ ماده ۲۴ قانون کار مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۳۷. ۲ ـ ماده ۹۶ قانون استخدام کشوری اصلاحی سال ۱۳۴۶. ۳ ـ ماده ۱۰۲ قانون استخدام نیروهای مسلح و تبصره یک آن ۴ ـ ماده ۱۵ قانون بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی و تعاون افزارمندان کارگاهها و کارخانجات ارتش مصوب ۷/۵/۱۳۳۵. ماده ۹۱ ـ در مورد ماده قبل پس از ابلاغ بازداشت نامه به اداره متبوع مدیون یا کارگاه رییس اداره یا مسوول کارگاه و مسوول حسابداری (در موسساتی که مسوول حسابداری دارد) باید در کسر و فرستادن مبلغ بازداشت شده طبق تقاضا اقدام کند و گرنه برابر مقررات مسوول خواهد بود (این مراتب باید در بازداشت نامه نوشته شود) تبصره ـ در مواردی که بستانکار برای استیفای طلب خود تقاضای بازداشت از موجودی حساب و سپرده بانکی بدهکار را می کند بایستی نام ،نام‌خانوادگی و اسم پدر و شماره شناسنامه و محل اقامت و شغل بدهکار و حتی المقدور شماره حساب را به نحوی که اشکالی برای بانك تولید نشود در تقاضانامه ذکر کند و در بازداشت نامه نیز قید گردد.

فصل هفتم ـ بازداشت اموال غیر منقول (مواد ۹۲ تا ۱۰۴

ماده ۹۲ ـ بازداشت اموال غیر منقول اعم از اصل و مازاد به نحوی که در مواد ۴۷ـ ۴۸ مقرر است به عمل میاید و ماموراجرا صورتی که حاوی مراتب‌ذیل باشد روی نمونه چاپی برای اموال بازداشت شده ترتیب خواهد داد: الف ـ تاریخ و مفاد اجراییه ب ـ محل وقوع ملك در شهرستان و بلوك و بخش و کوی و کوچه و شماره ملك اگر داشته باشد. ج ـ حدود چهارگانه ملك وتوصیف اجمالی آن د ـ مساحت تخمینی ملك ه ـ مشخصات دیگر از قبیل این که مشتمل بر چند قسمت است در صورتی که خانه مسکونی باشد و یا مشتمل بر چند ابنیه و متعلقات است در صورتی‌که ملك مزروعی باشد علاوه بر مراتب فوق باید متعلقات آن از قبیل گاو و ماشین آلات و توضیحات دیگری که در تسهیل فروش ملك موثر باشد درصورت مزبور قید شود. ماده ۹۳ ـ هرگاه حدود یا قسمتی از ملك متنازع فیه باشد مراتب در صورت مجلس قید شده و تصریح می‌شود که طرف منازعه کیست و در کجا تحت رسیدگی است ماده ۹۴ ـ اجرا مکلف است فورا بازداشت را به متعهد و ثبت محل اطلاع داده و صورت وضعیت و جریان ثبتی ملك مورد بازداشت را از اداره ثبت بخواهد ، اداره نامبرده در صورتی که ملك ثبت شده باشد در دفتر املاك توقیف شده (دفتر بازداشتی) و در ستون ملاحظات دفتر ثبت املاك بازداشت را یادداشت می‌نماید و اگر ملك به موجب دفتر املاك و محتویات پرونده ثبتی متعلق به غیر باشد و انتقال آن به متعهد محرز نباشد ثبت محل فورا مراتب را به اجرا اطلاع می‌دهد و اجرا از آن رفع بازداشت می کند. ماده ۹۵ ـ هرگاه ملك مورد بازداشت ثبت نشده باشد مطابق شقوق ذیل رفتار خواهد شد: ۱ ـ هرگاه ملك مزبور از طرف متعهد تقاضای ثبت شده و طبق سند رسمی به غیر منتقل نشده باشد و یا اینکه مجهول المالك باشد بازداشت در دفتربازداشتی قید و در پرونده ثبتی یادداشت می‌شود. ۲ ـ هرگاه نسبت به ملك از طرف کسی دیگر تقاضای ثبت شده و به متعهد هم منتقل نشده باشد یا اینکه اساسا مورد بازداشت جزو نقاطی که به ثبت عمومی گذارده شده نباشد مراتب به اجرا اطلاع داده می‌شود. ماده ۹۶ ـ پس از ابلاغ بازداشت نامه به صاحب مال نقل وانتقال از طرف صاحب مال نسبت به مال بازداشت شده ممنوع است و ترتیب اثر نسبت به انتقال بعد از بازداشت مادام که بازداشت باقی است داده نمی‌شود (هر چند که انتقال با سند رسمی به عمل آمده باشد) مگر در صورت اجازه کسی که مال‌برای حفظ حق او بازداشت شده است که در این صورت باید اشخاص ذینفع تکلیف ادامه بازداشت ملك یا رفع آن را معین کنند. ماده ۹۷ ـ بازداشت مال غیر منقول ثبت نشده به نام مدیون که در تصرف

مالکـانه غیر است ولو اینکه متعهـدله مـدعی مـالکیت متعهـد و یا خود متعهـد مـدعی مالکیت آن باشـد مادام که این ادعا به موجب حکم نهایی به ثبوت نرسیده ممنوع است و در مورد املاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده و به موجب آن ملک متعهد شناخته می‌شود ، ادعای شـخص ثالث اگرچه متصـرف آن باشد مسموع نبوده و آن ملک مال متعهد شناخته شده و بازداشت می‌شود. ماده ۹۸ ـ بـازداشت مـال غیر منقـولی که نسبت به منـافع آن تعهـدی به نفع غیر نشـده است مسـتلزم بـازداشت منـافع آن است مگر اینکه حـاجت به بـازداشت منفعت نباشـد، در این صـورت بایـد مراتب در صورت مجلس منعکس شود. مـاده ۹۹ ـ در بـازداشت محصول املاـک مزروعی دخـالت مـامور اجرا در محصـول تـا موقع برداشـت و تعییـن سـهم متعهـد ممنـوع است ولی مـامور اجرا بایـد برای جلوگیری از تفریط نظارت و مراقبت کامل نماید. ماده ۱۰۰ ـ در دو مورد زیر متعهد می‌تواند در ظرف مدت بازداشت مال منقول و یـا غیر منقول بـازداشت شـده را بـا اطلاع مامور اجرا بفروشـد یا وثیقه بدهـد: الف ـ در مواردی که قبلا و لااقل در حین وقوع معامله مبلغی را که مـال برای استیفـای آن بـازداشت شـده است نقـدا تـادیه کنـد دراین صورت پس از استیفـای حق متعهـدله و هزینه اجرا بلافاصـله رفع بازداشت خواهد شد. ب ـ در صورت رضایت کتبی متعهدله در فروش یا وثیقه دادن مال توسط خود متعهد. ماده ۱۰۱ ـ مال غیر منقول بعـد از بازداشت موقتا در تصـرف مالک باقی می‌ماند و متعهد مکلف است مال غیر منقول را موافق صورت تحویل گرفته و مطابق آن تحویل دهـد. ماده ۱۰۲ ـ در صورت بـازداشت منـافع مال غیر منقول یا بازداشت محصول درو شـده از نظر تعیین حافـظ و سـایر مقررات مربـوط تـابع حکم مواد ۴۹ تا۵۹ این آیین نـامه خواهـد بود. مـاده ۱۰۳ ـ هرگـاه شـخص ثالث نسبت به مال بازداشت شـده (اعم از منقول و یا غیرمنقول اظهار حقی نمایـد در موارد زیر از مزایده خودداری می‌شود: ۱ ـ درموردی که متعهدله اعتراض شخص ثالث را قبول کند. ۲ ـ درموردی که شـخص ثالث سند رسمی مقدم بر تاریخ بازداشت ارایه کند مبنی بر اینکه مال مورد بازداشت به او منتقل شده و یا در رهن یا وثیقه طلب اوست ۳ ـ در صورتی که مال قبل از تاریخ بازداشت به موجب قرار تامین یـا دسـتور اجرای دادگـاه یـا اجرای ثبت بـابت طلب معترض توقیف شـده باشـد. ۴ ـ هرگـاه شـخص ثـالث حکمی اعـم از قطعی یا غیرقطعی بر حقانیت خود ارایه کنـد. ۵ ـ در صورتی که قبـل از بـازداشت از معترض قبول تقاضـای ثبت به عنوان ملکیت یـا وقفیت شده باشد. ۶ـ در موردی که بر اثر شـکایت معترض موضوع قابل طرح در هیات نظارت یا شورای عالی ثبت تشخیص شده باشد. در مورد بندهای ۱ و۲ و نیز در مورد بند ۴ در صورت وجود حکم قطعی از مـال رفع بازداشت می‌شود، و در سایر موارد ادامه عملیات اجرایی موکول به‌اتخاذ تصـمیم نهایی علیه معترض در مراجع مربوط خواهـد بود. متعهـدله می‌توانـد از مال مورد بازداشت صـرفنظر کرده و درخواست بازداشت اموال دیگر متعهد را بکند. تبصره ۱ ـ در صورتی که هر یک از موارد مذکور در این ماده پس از انجام مزایـده و قبل از صـدور سـند انتقال تحقق یابـد اداره ثبت صورت مجلس مزایده را ابطال و سپس به ترتیب مقرر در ماده فوق عمل خواهـد کرد و هر گاه مال مورد مزایـده به برنده یا متعهدله تحویل شده باشد مسترد می‌گردد. تبصـره ۲ ـ در صورتی که مشخصات مال مورد مزایده با مفاد سـند یا حکم مستند شخص ثالث تطبیق نکند اعتراض او مانع عملیات اجرایی نیست وشخص ثالث می‌تواند به دادگاه مراجعه نمایـد. ماده ۱۰۴ ـ متعهـدله می‌توانـد ملک درخواست ثبت نشده متعهد را برای استیفای طلب خود معرفی کند در این صورت پس از حراج یا مزایـده و انقضا مهلت قانونی برابر مقررات جاری اداره ثبت به برنده حراج یا مزایده سـند انتقال می‌دهد و در آگهی و صورت جلسه حراج و سـند انتقـال قیـد می‌شود که‌چون در مورد ملک درخواست ثبت نشـده اداره ثبت تکلیفی برای تحویل مورد انتقال نـدارد و نیز مسوولیتی از جهت اشکالاتی که ممکن است در حین پذیرش تقاضای ثبت و یا بعد از آن از جهت اعتراض و غیره پیش آیـد نخواهـد داشت انتقـال گیرنـده برابر مقررات جاری بایستی برای درخواست ثبت مراجعه کنـد و بایـد کلیه هزینه های مربوط به اقـدامات اجرایی را که از جهت توقیف ملک به وجود آمده بپردازد و پرونده اجرایی قبلی برابر مقررات تعقیب خواهد شد. تبصره ـ معرفی ملک مجهول قبل از پذیرش تقاضای ثبت از جانب متعهد قبول نمی‌شود.

فصل هشتم ـ ارزیابی (مواد ۱۰۵ تا ۱۱۱)

ماده ۱۰۵ ـ در هر مورد که مالی معرفی می‌شود هرگاه معرفی کننده مال به ارزیابی مذکور در ماده ۴۸ معترض باشد فقط می‌تواند ضمن امضا صورت مجلس اعتراض خود را اظهار کند، هرگاه طرف دیگر هم حاضر و به ارزیابی معترض باشد مکلف است به همین نحو عمل نماید در صورت عدم حضور مراتب ارزیابی حداکثر ظرف سه روز از طرف اجرای ثبت به او ابلاغ می‌شود. ماده ۱۰۶ ـ هزینه ارزیابی به عهده معترض است و اگر هر دو معترض باشند نصف به عهده هر یک خواهد بود. ماده ۱۰۷ ـ در هر مورد که از طرف متعهد یا ثالث مالی در قبال دین معرفی و بازداشت شود متعهدله می‌تواند تا قبل از قطعیت ارزیابی مال دیگری برای استیفای طلب خود معرفی کند مشروط به اینکه وصول طلب از این مال آسانتر باشد در این صورت مال معرفی شده بازداشت و ارزیابی می‌شود ومعادل آن از اموال بازداشت شده سابق رفع بازداشت به عمل میاید. هزینه بازداشت و ارزیابی مجدد به عهده متعهدله است ماده ۱۰۸ ـ معترض که ضمن امضا صورت مجلس به ارزیابی اعتراض کرده باید حداکثر ظرف سه روز به اجرا مراجعه و با اطلاع از میزان دستمزدارزیاب مجدد آن را ایداع و قبض مربوط را تسلیم اجرا کرده و رسید اخذ کند در موردی که طبق ماده ۱۰۵ نتیجه ارزیابی ابلاغ می‌شود باید در آن میزان دستمزد ارزیاب مجدد درج شود. هرگاه مخاطب به ارزیابی معترض باشد ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ باید کتبا اعتراض خود را با پیوست کردن قبض سپرده دستمزد ارزیاب مجدد به اجرا تسلیم دارد. در صورتی که به ترتیب مقرر فوق اعتراض نرسید ارزیابی قطعی خواهد شد. تبصره ـ در صورت وارد بودن اعتراض معترض دستمزد ارزیاب مجدد به عهده مدیون است ماده ۱۰۹ ـ در هر مورد که به نظر ارزیاب نخستین اعتراض شود رییس اجرا در تهران و رییس ثبت در شهرستانها به قرعه از بین سه نفر ارزیاب یک نفر را انتخاب و مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند تا ظرف سه روز چنانچه از حیث رد کارشناس نظری دارند اعلام دارند درصورتی که از این حیث نظری ابراز نشود با تعیین مهلت مناسب به کارشناس اخطار می‌شود که اظهار نظر نماید. ماده ۱۱۰ ـ دستمزد ارزیاب با در نظر گرفتن درجه علمی و تجربی ارزیاب و محل ارزیابی و نوع مال ارزیابی شده و میزان کار توسط رییس اجرا در تهران و رییس ثبت یا قایم مقام او در شهرستانها معین می‌شود. ماده ۱۱۱ ـ هرگاه در اجرای سند ذمه‌ای مالی بازداشت شود پس از ارزیابی و قطعیت آن آگهی مزایده منتشر می‌شود اعم از اینکه مال مورد بازداشت قابل تجزیه باشد یا نه در این مورد آگهی مزایده با رعایت ماده ۱۴۰ و ۱۴۱ منتشر و مفاد مواد ۱۵۲و ۱۵۷و ۱۵۸و ۱۵۹و ۱۶۰و ۱۶۱و ۱۶۲و ۱۶۳و۱۶۴و ۱۶۵و ۱۶۶و ۱۶۷ و ۱۷۳و ۱۷۴و ۱۷۵و ۱۸۲ آیین نامه اجرا در مزایده اموال بایستی رعایت شود و آگهی مزایده در دو نوبت به فاصله ده روزدر روزنامه منتشر و فاصله انتشار آگهی نوبت دوم تا روز مزایده نباید از ۱۵ روز کمتر باشدو علاوه بر این آگهی ، آگهی الصاق تهیه و به محل وقوع ملک ومحل مورد مزایده و ابنیه عمومی از قبیل فرمانداری ، بخشداری ، شهرداری ، نیروی انتظامی ، دادگستری (و) ثبت اسناد الصاق می‌شود. در مورد اموالی که‌به کمتر از ۵ میلیون ریال به مزایده گذاشته می‌شود فقط الصاق آگهی کافی است (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصره ۱ ـ در صورتی که منافع مورد بازداشت مستند به سند رسمی و عادی باشد خواه مدت آن منقضی شده یا نشده باشد مراتب با ذکر مال الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی مزایده درج می‌شود.(الحاقی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصره ۲ ـ هر گاه آگهی مزایده برخلاف مواد ۱۴۰ و ۱۴۱ باشد قبل از تنظیم و امضای صورت مجلس مزایده به دستور مدیر ثبت آگهی تجدیدمی‌گردد.(الحاقی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصره ۳ ـ در صورتی که مال بازداشتی در جلسه مزایده خریدار پیدا نکند مال با دریافت نیم عشر و حق حراج به قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود به بستانکار واگذار می‌شود.(الحاقی ۲۵/۵/۱۳۷۶)

فصل نهم ـ در وثیقه (مواد ۱۱۲ تا ۱۳۹)

ماده ۱۱۲ ـ هرگاه مورد وثیقه مال منقول باشد بستانکار می‌تواند حین ابلاغ اجراییه یا پس از آن درخواست بازداشت مورد معامله را بکند. ماده ۱۱۳ ـ هرگاه مالی وثیقه برای دین یا ضمانت قرار داده شود و عنوان رهن و معاملات با حق استرداد را نداشته باشد نیز کلیه مقررات اجرایی اسناد رهنی و معاملات با حق استرداد درباره آن مجری خواهد بود. ماده ۱۱۴ ـ هرگاه منافع مورد وثیقه به وثیقه گیرنده به اجاره واگذار شده باشد اجراییه ای که برای وصول اجرت المسمی صادر می گردد مانند اجراییه اسناد ذمه ای است و متعهدله می‌تواند درخواست بازداشت سایر اموال متعهد را بکند. ماده ۱۱۵ ـ در مواردی که وثیقه دهنده غیر از مدیون اصلی است ابلاغ اجراییه و سایر عملیات اجرایی باید به طرفیت مالک وثیقه جریان یابد و در عین‌حال مراتب باید به مدیون نیز ابلاغ شود تا از جریان کارآگاه گردد مگر اینکه ابلاغ به او متعسر باشد. ماده ۱۱۶ ـ بازداشت کننده مازاد وثیقه که مطابق مقررات اصل و متفرعات موضوع سند بستانکار مقدم را قبل از صدور اجراییه سند مقدم می‌پردازد باید تقاضای صدور اجراییه را به ماخذ هر دو طلب و متفرعات آنها بنماید. ماده ۱۱۷ ـ هرگاه بازداشت کننده مازاد طبق مقررات تمام طلب و متفرعات بستانکار مقدم را پس از صدور اجراییه و سند مقدم بپردازد عملیات اجرایی به موجب پرونده تشکیل شده به سود بازداشت کننده نسبت به مجموع دو طلب و متفرعات ادامه خواهدیافت ماده ۱۱۸ ـ در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و وثایق حسن انجام خدمات معامله کننده می‌تواند با قید حق بستانکار مقدم و ذکر تاریخ انقضای سند مقدم مورد معامله را برای وامهای دیگر وثیقه یا تامین دهد. و در صورت فک معامله مقدم ، تمام مال مورد معامله در وثیقه بستانکاران بعدی به ترتیب تقدم قرار می گیرد، معاملات بعدی باید در همان دفترخانه تنظیم کننده سند مقدم واقع شود، سردفتر مکلف است وقوع معامله موخر را با ذکر مشخصات کامل بستانکار معامله مازاد در ملاحظات ثبت سند مقدم نیز قید کند. دارنده حق استرداد اعم از بدهکاراصلی یا منتقل الیه می‌تواند با قید حق بستانکار یا بستانکاران و ذکر تاریخ انقضا مدت حق استرداد خود را واگذار کند.در این صورت اجراییه و عملیات اجرایی باید علیه آخرین منتقل الیه صادر و تعقیب گردد مگر اینکه مرتهن از رهن رجوع کند یا از مندرجات سند رهنی و یا سند رسمی دیگر ، دفترخانه احراز کند که مقرر بین طرفین این بوده که مرتهن برای وصول طلب خود اجراییه علیه راهن صادر کند نه منتقل الیه ، مثل‌اینکه در سند رهنی شرط شود که راهن حق صلح حقوق و یا واگذاری حق استرداد را ندارد که در این قبیل موارد واگذاری حق استرداد به غیر نسبت به مرتهن موثر نبوده و اجراییه و عملیات اجرایی علیه بدهکار اصلی و در صورت فوت علیه قایم مقام او صادر و تعقیب خواهد شد. تبصره ۱ ـ تنظیم هر نوع سند بین بدهکار و یک و یا چند نفر از بستانکاران که موجب شود مدت سند تمدیدگردد و یا مبلغ موضوع سند افزایش یابد بدون موافقت بقیه بستانکاران بعدی ممنوع است تبصره ۲ ـ برای استیفای حقوق بستانکار معامله موخر طی دو ماه آخر عملیات اجرایی سند مقدم ملک در معرض حراج گذاشته می‌شود. عملیات‌حراج به همان نحوی است که در مورد بازداشت مازاد مقرر است عدم وصول تقاضای حراج از ناحیه مدیون و یا استرداد تقاضا مانع عملیات حراج نخواهد بود. تبصره ۳ ـ بستانکار معامله موخر پس از انقضای مدت سند مقدم می‌تواند با استفاده از ماده ۳۴ مکرر اصلاحی قانون ثبت قبل از فروش مال از طریق حراج و یا تنظیم سند انتقال ملک به بستانکار مقدم کلیه بدهی موضوع سند مقدم را پرداخت و یا ایداع نماید نحوه پرداخت و یا سپردن وجه و صدورگواهی و انعکاس مراتب در پرونده ثبتی ملک به شرح مذکور در ماده ۱۹۶ این آیین نامه می‌باشد و دفتر تنظیم کننده سند به دستور اجرا وثیقه بودن مال را در ازا طلب بستانکار بابت معامله موخر و وجوه پرداختی بابت طلب بستانکار مقدم در دفتر قید می کند. در این مورد عملیات اجرایی نسبت به هر دو سند تواما انجام و میزان مبلغ شروع حراج عبارت از مجموع طلب بستانکار پرداخت کننده دین به ضمیمه اصل و متفرعات سند مقدم و خسارات و حقوق اجرایی خواهد بود، در صورتی که مدت سند بستانکار موخر، حال نشده باشد پس از حال شدن موعد عملیات اجرایی به ترتیب مذکور انجام خواهد گرفت ماده ۱۱۹ ـ هرگاه در زمان حکومت قانون اصلاحی ثبت مصوب ۱۳۵۱ به اعتبار مالی که قبلا (در زمان قانون سابق به وثیقه داده شده است وام جدید گرفته شود سند جدید تابع قانون جدید است تبصره ـ طرفین می‌توانند اجرا سند سابق را تابع مقررات

زمان قانون جدیـد قرار دهند. ماده ۱۲۰ ـ هرگاه سـند وثیقه در زمان قانون سابق تنظیم شـده و وثیقه دهنـده در زمان حکومت قانون اصلاحی ثبت مصوب ۱۳۵۱ برای تکمیل وثیقه ، مال دیگری به وثیقه دهـد این سـند متمم از نظر صـدور اجراییه تابع مقررات سابق برقانون ۱۳۵۱ می‌باشـد مگر آنکه طرفین آن را تابع مقررات جدیـد قرار دهنـد که در این صورت مقررات اخیرالذکر قابل اجراست ماده ۱۲۱ ـ هرگـاه بسـتانکار سـند وثیقه‌ای که در زمان قانون سابق تنظیم شـده حقوق خود را در زمان قانون اصـلاحی ثبت مصوب ۱۳۵۱ به ثالث صلح کند سند صلح از نظر اجرایی تابع مقررات سابق خواهد بود. ماده ۱۲۲ ـ در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و یـا وثـایق حسن انجـام خـدمات هرگـاه مورد معامله منقول و غیر منقول باشـد طرفین قرارداد می‌تواننـد ضـمن سـند توافق نماینـد که عملیـات اجرایی بـدون تفکیـک بر اسـاس مقررات امـوال غیر منقول انجـام گیرد، سـکوت طرفین در قرارداد به منزله توافق آنـان در انجـام عملیـات اجرایی براساس مقررات مربوط به اموال غیر منقول است ماده ۱۲۳ ـ تعیین بهره یا اجوری کمتر از صـدی دوازده در سند مانع از این نیست که طرفین معامله درباره تعیین خسارت تاخیر تادیه تا میزان صدی دوازده ، توافق و تراضی نمایند. در صورت سکوت قرارداد تبصره ۵ ماده ۳۴ قانون اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ مجری خواهد بود. ماده ۱۲۴ ـ بعد از ابلاغ اجراییه و اعاده آن ممیز اجرا مکلف است بـا رسیدگی لازم اگر نقصـی در ابلاغ وجود نداشـته باشـد صـحت آن را روی نسـخه ابلاغ‌شـده اجراییه گواهی و به تاییـد رییس یا معاون اجرا رسانیـده و سـپس حسب مورد برای آنها وقت اقـدام بعدی را که دو ماه قبل از مدت مذکور درماده ۳۴ اصـلاحی و تبصره ۲ آن است تعیین و در دفـتر اوقـات ثبت و پرونـده را به بایگـانی ارسـال دارد. مـاده ۱۲۵ ـ ممیز اجرا مکلف است همه روزه بـا مراجعه به دفتر اوقـات مـذکور در مـاده قبـل پرونـده هـایی را که موعـد آن فرا می‌رسـد یک روز پیش از بایگـانی مطـالبه و روز بعـد از انقضا موعـد مقرر با رسیـدگی لازم چنانچه تقاضای حراج نسبت به آن واصل شـده باشـد همان روز پرونـده و سوابق را به‌مرکز حراج بفرسـتد. اگر به گواهی متصـدی دفتر اندیکاتور تقاضای حراج واصل نشده باشد روی برگ ابلاغ شـده اجراییه عـدم وصول تقاضای حراج را گواهی و وقت مزبور بعـد از پایان هشت ماه در دفتر اوقات ثبت و پرونـده را به بایگانی ارسـال دارد. ممیز اجرا موظف است طبق دفتر اوقـات در وقت مقرر به پرونـده‌ها رسیدگی و نسبت به تهیه مقـدمات تحویـل اموال منقول و یا تنظیم سـند انتقال اقدام‌کنـد. ماده ۱۲۶ ـ تقاضای حراج بایـد کتبی بوده و به دفتر اجرا تسـلیم و رسید اخذ شود. متصدی دفتر انـدیکاتور مکلف است آن را در همان روز وصول در دفتر انـدیکاتور ثبت و مفاد تقاضا را به طور صـریح ذکر کند و رسـیدی که به متقاضـی حراج داده می‌شود باید شـماره و تاریخ ثبت دفتر اندیکاتور و شـماره پرونده اجرایی در آن قید شود. در مواردی که تقاضای حراج به وسیله پست و یا تلگراف می‌رسـد بایـد متصدی دفتر بلافاصـله آن را در دفتر اندیکاتور ثبت‌کند. ماده ۱۲۷ ـ عدم رعـایت مقررات مـذکور در سه مـاده قبل (۱۲۴ ـ ۱۲۵ و ۱۲۶) تخلـف اداری از نـوع الـف و ب مـاده ۱ آیین نـامه دادرسـی اداری محسوب است ماده ۱۲۸ ـ تاریـخ وصول تقاضای حراج تاریخ ثبت تقاضای مربوطه در دفتر اندیکاتور خواهد بود. ماده ۱۲۹ ـ در هر مورد که تقاضای حراج خارج از موعـد مقرر واصل شـده باشد رییس اجرا باید در همان روز به آن رسـیدگی و پس از احراز اینکه خارج از موعـد است نسـبت به رد آن اقـدام و مراتب را به اطلاع متقاضـی برسانـد. نظر رییس اجرا در این مورد پس از تایید رییس ثبت محـل قطعی و غیرقابـل شـکایت است تبصـره ـ در واحـدهای ثبتی که مسوول یـا رییس اجرا وجود نـدارد رییس و در غیـاب او کفیـل ثبت به تکلیف مـذکور در این مـاده عمل خواهـد نمود. ماده ۱۳۰ ـ مرتهن می‌توانـد مـادام که دین برذمه راهن بـاقی است از رهینه اعراض کند. هرگاه اعراض قبل از صدور اجراییه باشد باید مرتهن در دفتر اسـناد رسـمی مربوطه حاضر شود و با ذکر توضیح در ملاحظات ثبت سـند مراتب قید و به امضا او برسد ، در این صورت با توضیح موضوع اعراض اجراییه صادر خواهد شد. اگر پس از صـدور اجراییه رهنی اعراض به عمـل آیـد بایـد مراتب کتبـا به اجرا اعلام و رییس اجرا پس از احراز صـحت انتسـاب تقاضانامه مـذکور موضوع را به متعهـد ابلاغ کرده و برابر مقررات اسـناد ذمه ای عمل بنمایـد. تبصـره ـ حق اعراض از رهن با انجام حراج و یا انقضـای هشت ماه از روز ابلاغ اجراییه ساقط می‌شود. ماده ۱۳۱ ـ هرگاه اعراض از رهن در حین عملیات اجرایی باشـد اجرا مکلف

است مراتب را به دفتر تنظیم کننده سند اعلام کند، در این مورد و نیز درموردی که اعراض در دفترخانه اسناد رسمی به عمل میاید دفتر اسناد رسمی اطلاعنامه فسخ مربوطه را به اداره ثبت ارسال خواهد داشت اگر موعد سند منقضی نشده باشد به مجرد اعراض مورد رهن آزاد و حق عینی بستانکار به حق ذمی تبدیل می گردد و مطالبه وجه و صدور اجراییه برای وصول آن موکول به انقضا مدت مذکور در سند معامله خواهد بود. در مورد وراث مدیون و نیز وقتی که راهن متعدد بوده و فک رهن و فسخ سند موکول به ادا تمام دین شده باشد اعراض از رهن باید نسبت به تمام مرهونه باشد و اعراض از رهن نسبت به سهم یک یا چند نفر از بدهکاران وقتی پذیرفته می‌شود که حق مطالبه دین بدهکارانی که از رهینه آنها اعراض گردیده از سایر بدهکاران اسقاط شده باشد و در هر حال بستانکار نمی‌تواند مال مورد وثیقه را به کمتر از اصل و متفرعات خود تملک کند. هرگاه مازاد مرهونه به نفع غیر بازداشت شده باشد در صورت اعراض از رهن بازداشت مازاد به بازداشت اصل تبدیل می گردد. ماده ۱۳۲ ـ در صورتی که مازاد مال مورد وثیقه از طریق اجرا ثبت یا مراجع صالح قانونی دیگر بازداشت شود، به مجرد وصول دستور بازداشت باید مراتب در دفتر بازداشتی ثبت شود و در واحدهایی که برای انجام معامله املاک ثبت شده موضوع عدم بازداشت استعلام نمی‌شود به دفاتر اسناد رسمی تابعه ابلاغ گردد بازداشت به مجرد ابلاغ به مدیون یا ثبت مفاد آن در دفاتر بازداشتی تحقق خواهد یافت و هرگاه معامله‌ای که مازاد آن بازداشت شده فسخ شود خود به خود بازداشت مازاد به اصل تبدیل خواهد شد، در هر حال مفاد بازداشت باید بلافاصله به دفتر تنظیم کننده سند ابلاغ و دفتر مزبور مکلف‌است مفاد آن را در ملاحظات ثبت معامله قید کرده و اگر سند معامله به صدور اجراییه منتهی شده باشد مراتب را به اجرا مربوط اعلام دارد. استیفای حقوق بازداشت کننده مازاد به شرح تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت و مقررات مربوط به آن است هرگاه بازداشت کننده مازاد کلیه بدهی موضوع سند را برابر ماده ۳۴ مکرر بپردازد استیفا مطالبات او طبق مقررات مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر اصلاحی است ماده ۱۳۳ ـ اجرای مفاد ماده ۳۴ مکرر اصلاحی از جهت ایداع وجه نزد سردفتر اسناد رسمی منحصر به مواقعی است که بدهکار در مقام انجام معامله‌دیگری نسبت به مورد وثیقه بوده و بخواهد با پرداخت کلیه بدهی و خسارات قانونی و نیم عشر با فسخ معامله مورد وثیقه را با دیگری معامله کند.سردفتر به شرح قسمت آخر ماده مذکور موظف است در موعد مقرر وجه ایداعی را به صندوق ثبت تحویل دهد. ماده ۱۳۴ ـ هرگاه مقداری از وثیقه قبل یا بعد از صدور اجراییه تلف شده باشد و بستانکار از مورد وثیقه عدول نکند سند وثیقه به نسبت قیمت جزیی که باقی مانده (در مقایسه تمام قیمت با تمام دین به اعتبار خود باقی است نسبت به جز تلف شده هرگاه بدل داده نشده باشد سند مزبور در حکم اسناد ذمه خواهد بود. برای بدست آوردن نسبت از راه اعمال نظر کارشناسی عمل خواهد شد. ماده ۱۳۵ ـ در مواردی که موضوع وثیقه قبل از ختم عملیات اجرایی به حکم قوانین خاص به تملک ثالث در میاید و در نتیجه متعهدله به کل طلب‌خود نمی‌رسد متعهدله می‌تواند برای وصول مانده طلب طبق مقررات اجرایی راجع به اسناد ذمه ای از طریق اداره ثبت اقدام کند. ماده ۱۳۶ ـ ایداع در تبصره هشتم ماده ۳۴ قانون اصلاحی قانون ثبت در صندوق هر واحد ثبتی معتبر است خواه واحد ثبتی صادر کننده اجراییه باشدخواه نباشد. ماده ۱۳۷ ـ در موارد سکوت این فصل نسبت به اسناد وثیقه مقررات سایر فصول این آیین نامه رعایت خواهد شد. ماده ۱۳۸ ـ هر گاه مورد وثیقه واقعا یا حکما تلف شود سند تابع مقررات اسناد ذمه‌ای خواهد بود. ماده ۱۳۹ ـ درمورد اجرا ماده ۱۱۱ تشخیص غیرقابل تجزیه بودن مال (منقول و غیرمنقول مورد معامله یا مورد بازداشت به عهده اجرا است

فصل دهم ــ در حراج (مواد ۱۴۰ تا ۲۰۰)

ماده ۱۴۰ ـ در آگهی الصاقی حراج مال غیر منقول باید نکات زیر تصریح شود: ۱ ـ نام و نام خانوادگی مالک ۲ ـ محل و حدود و مقدار و توصیف اجمالی ملک ۳ ـ هرگاه واگذاری منافع مستند به سند رسمی باشد خواه مدت آن منقضی شده باشد یا نشده باشد

مراتب با ذکر مال الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی الصاقی درج می‌شود و در صورتی که به موجب سند رسمی مقدم بر تاریخ تنظیم سند معامله موضوع اجراییه برای مدت معینی مسلوب المنفعه باشد موضوع صریحا باید در آگهی قید شود. ۴ ـ تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه ۵ ـ تصریح به اینکه مورد حراج مشاع است یا مفروز. ۶ ـ قیمتی که حراج از آن شروع می‌شود. ۷ ـ اشاره به اینکه بدهی‌های مربوط به آب لوله کشی و برق و تلفن و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مکالمه و مصرف در صورتی که مورد حراج دارای آب لوله کشی و برق و تلفن و گاز باشد و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری تا تاریخ حراج اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده حراج است ۸ ـ روز و محل و ساعت شروع و ختم حراج ماده ۱۴۱ ـ در آگهی الصاقی حراج اموال منقول نکات زیر باید تصریح شود: ۱ ـ نوع اموال مورد حراج و توصیف اجمالی آن ۲ ـ روز و محل و ساعت شروع و ختم حراج ۳ ـ قیمتی که حراج از آن شروع می‌شود. ماده ۱۴۲ ـ مسوول مرکز حراج مکلف است هنگام صدور آگهی الصاقی مراقبت کامل نماید که مندرجات آگهی طبق مقررات این آیین نامه صحیحا تنظیم شده باشد و قبل از الصاق نیز مجددا بررسی لازم به عمل آورده و اگر احیانا اشتباهی رخ داده باشد با حضور نماینده دادستان نسبت به اصلاح نسخ آگهی و قید توضیح در ذیل آن اقدام و به امضا خود و نماینده دادستان برساند و سپس نسبت به الصاق آگهی اقدام شود. مسوولیت هر نوع اشتباه درآگهی به عهده شخص رییس یا مسوول مرکز حراج خواهد بود. ماده ۱۴۳ ـ فاصله انتشار آگهی الصاقی با اولین روز حراج نباید از پانزده روز کمتر باشد. آگهی‌ها در مرکز حراج باید تا آخرین ساعت اداری روز فروش یاواگذاری مال در تابلو آگهی ها محفوظ نگاهداشته شود و در مورد اموال غیر منقول باید نقشه هوایی و یا کروکی که نشان دهنده موقعیت و محل وقوع ملک است با آگهی الصاقی در مرکز حراج به طوری که جلب نظر کند نصب شود. آگهی نامبرده علاوه بر مرکز حراج باید به محل ملک و ابنیه عمومی از قبیل (فرمانداری ، بخشداری ، شهرداری ، کلانتری ، دادگستری و ثبت اسناد) الصاق شود. در مورد اموالی که به کمتر از پنجاه هزار ریال به حراج گذاشته می‌شود فقط الصاق آگهی در مرکز حراج کافی است ماده ۱۴۴ ـ هرگاه مورد وثیقه چند ملک باشد که در نقاط مختلف کشور قرار دارند آگهی در همه نقاط مذکور برابر ماده ۱۳۹ الصاق می‌شود و در آگهی تصریح می‌گردد که جلسه حراج در مرکز حراج ثبت محل تنظیم سند که شهر... است تشکیل خواهد شد. ماده ۱۴۵ ـ هرگاه مال مورد مزایده بیمه باشد باید در آگهی الصاقی این نکته اعلام گردد و در صورتی که مال مورد مزایده به دیگری واگذار می‌شود باید به بیمه گر اعلام گردد. ماده ۱۴۶ ـ در صورتی که آگهی برخلاف مواد ۱۴۰ تا ۱۴۵ باشد قبل از تنظیم و امضا صورت مجلس حراج ، به دستور مدیر ثبت آگهی تجدید می‌گردد. ماده ۱۴۷ ـ در هر واحد ثبتی که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مقتضی بداند مرکز یا مراکز حراج مرکب از یک رییس و لدی الاقتضا ، یک معاون و به تعداد کافی کارمند و اعلام کننده (چوب زن تشکیل می‌شود. در سایر واحدهای ثبتی به تناسب حجم کار تصدی مرکز حراج با رییس اجرا و یا کارمندیاست که به پیشنهاد ثبت منطقه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سمت منصوب خواهد شد و عنداللزوم تعداد کافی کارمند و ممیزخواهد داشت ماده ۱۴۸ ـ مرکز حراج می‌تواند برای شناساندن خود و جلب توجه عموم به وسایل مقتضی تبلیغ کند و افراد ذینفع نیز اگر مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال و املاک مورد حراج باشند با نظارت مرکز حراج می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی کنند. ماده ۱۴۹ ـ مرکز حراج علاوه بر دفاتر اداری لازم ، دارای دفاتر زیر خواهد بود: ۱ ـ دفتر اموال غیر منقول ۲ ـ دفتر اموال منقول ۳ ـ دفتر اوقات حراج ۴ ـ دفتر انبار ماده ۱۵۰ ـ در مرکز هر واحد ثبتی که مرکز یا مراکز حراج جداگانه تشکیل می‌گردد ، بایگانی مرکز حراج با روش تنظیم کارت اداره خواهد شد. نمونه کارت و نحوه عمل را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین خواهد کرد. اجرا به جای ارسال پرونده اجرایی به مرکز حراج برای هر پرونده کارت مذکور را در دو نسخه تنظیم و کلیه مشخصات مال را در آن قبل و پس از گواهی در موعد مقرر به مرکز حراج ارسال می‌دارد عملیات حراج و همچنین صورت مجلس مربوطه به فروش یا عدم فروش مال در هر دو کارت مزبور به وسیله مرکز حراج منعکس و به امضا اشخاص ذینفع و مسوولین امر خواهد رسید. پس از

پایان کار یک نسخه از کارت تکمیل شده در مرکز حراج بایگانی و نسخه دیگر به اجرا مربوطه برای بایگانی در پرونده ارسال می گردد. تبصره ـ ارسال کارت به مرکز حراج مبین لزوم اقدام به عملیات حراج خواهد بود. ماده ۱۵۱ ـ در هر مورد که تا قبل از ارسال کارت به مرکز حراج معلوم شود که واگذاری مورد بازداشت یا مورد معامله قانونا میسر نیست مادام که رفع مانع نشده از ارسال کارت به مرکز حراج خودداری می‌شود. هرگاه مانع مزبور قبل از خاتمه عملیات حراج در مرکز حراج ظاهر گردد، مرکز حراج از هرگونه اقدام خودداری می کند و مراتب را به اجرا اطلاع می‌دهد. در مورد وثایق غیرمنقول هرگاه در خلال دو ماه عملیات حراج معلوم گردد که واگذاری مورد معامله قانونا مقدور نیست از هرگونه اقدام خودداری و جریان به اجرا اعلام خواهد شد. ماده ۱۵۲ ـ رییس و کارمندان مرکز حراج و اجرا و مباشرین فروش و کارمندان ثبت محل و نماینده دادستان حق شرکت در حراج به عنوان مشتری به طور مستقیم یا غیر مستقیم نخواهند داشت ماده ۱۵۳ ـ مرکز حراج باید به مجرد وصول کارت از جهت اطلاع اینکه تغییراتی در وضع ملک حادث شده یا خیر از ثبت محل استعلام و اگر ملک دراجاره رسمی باشد میزان مال الاجاره را تعیین نماید و نیز اگر ملک دارای اعیانی است با معاینه محل و ترسیم کروکی مساحت و مشخصات و کیفیت اعیانی را اعم از ساختمان و اشجار تعیین و درصورت وجود نقشه هوایی موقعیت ملک را روی آن مشخص و هرگاه نقشه هوایی نباشد به کیفیتی که محل وقوع ملک و نشانی آن برای مراجعین مشخص گردد کروکی تهیه کند و مقدمات حراج را فراهم سازد. ماده ۱۵۴ ـ اعتراض نسبت به عملیات اجرایی مربوط به اموال منقول تا پنج روز بعد از ارسال کارت به مرکز حراج پذیرفته خواهد شد. مدیر ثبت یاقایم مقام او (حسب مورد) مکلف است فورا نسبت به اعتراض رسیده رسیدگی و نظر خود را اعلام نماید هرگاه این نظر مورد اعتراض قرار گیرد هیات نظارت مکلف است خارج از نوبت و حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ حراج رای خود را صادر و دفتر هیات فورا آن را به مرکز حراج ارسال دارد اگر تا روز حراج نتیجه قطعی اعتراض اعلام نشود عملیات حراج متوقف و پس از تعیین تکلیف قطعی عملیات حراج تعقیب و ظرف سی روز پایان خواهدپذیرفت ماده ۱۵۵ ـ مرکز حراج مکلف است از تاریخ صدور آگهی الصاقی تا آخرین ساعت روز حراج اموال منقول مورد آگهی را به رویت مشتریانی که مراجعه می‌نمایند برساند. همچنین در مواردی که قبل از صدور آگهی الصاقی بدهکار مشتریانی را برای ملاحظه اموال منقولی که برای حراج در اختیار مرکز حراج است بیاورد مرکزمذکور موظف است اموال نامبرده را با حضور مدیون و یا نماینده قانونی او به مشتری نشان دهد در مورد اموال غیرمنقول نیز باید مرکز حراج راسا مشتریانی را که مراجعه می کنند به محل وقوع ملک هدایت نماید. ماده ۱۵۶ ـ ورود به مرکز حراج برای عموم آزاد است جلسه حراج با حضور رییس و در غیاب او با حضور معاون مرکز حراج و نماینده دادستان و متصدی حراج تشکیل خواهد شد. ماده ۱۵۷ ـ اموالی که حراج می‌شود باید لااقل یک هفته قبل از روز حراج به مسوول حراج تحویل شده و رسید گرفته شود. اموال مزبور در دفتر حراج با شماره و مشخصات آن ثبت می‌شود. ماده ۱۵۸ ـ مسوول حراج باید وقت حراج را که در پیش نویس آگهی الصاقی تعیین شده با قید روز و ساعت در دفتر اوقات حراج یادداشت کند. ماده ۱۵۹ ـ حق حراج طبق آیین نامه مخصوص و سایر مقررات مربوط درصورت انجام شدن حراج دریافت و جز درآمد عمومی به خزانه داری کل تحویل می‌شود. تقسیط آن نیز برابر آیین نامه دادن مهلت و نحوه تقسیط بدهی اشخاص به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و تعیین نرخ بهره و خسارت تاخیر تادیه مصوبه آبان ماه ۵۱ جایز است ماده ۱۶۰ ـ مسوول حراج باید وجوه حاصل از فروش را همه روزه به بانک ملی تحویل داده قبض رسید آن را با صورت فروش فورا به اجرا تسلیم ورسید بگیرد. ماده ۱۶۱ ـ حراج حضوری است (ماده ۱۵۵) اگر در جلسه اول خریدار پیدا شود مورد حراج به او داده می‌شود مگر اینکه مدیون درخواست کند که موردحراج در جلسه بعدی به حراج گذارده شود در این صورت مال در جلسه بعدی به حراج نهاده می‌شود. ماده ۱۶۲ ـ هنگام حراج قیمتهای پیشنهادی به وسیله بلندگو و وسایل دیگر اعلان و در تابلو اعلانات به خط درشت منعکس می‌شود و به مجرد اینکه خریدار دیگری با نرخ بیشتر پیدا شود به همین ترتیب اقدام می‌شود و تا آخرین ساعت مقرر حراج ادامه خواهد یافت هر خریدار هنگام پیشنهاد باید حداقل

مبلغ مذکور در ماده ۱۹۰ این آیین نامه را به مرکز حراج تسلیم و قبض موقت ممضی به امضا رییس مرکز حراج‌دریافت دارد. با وصول پیشنهاد خرید به قیمت بیشتر خریدار اخیر نیز به شرح مذکور اقدام و وجه قبض موقت خریدار قبلی بلافاصله به نامبرده‌ردخواهد شد. با انقضا وقت حراج صورت مجلس لازم تنظیم و درصورت فروش از طریق حراج وجه دریافتی به عنوان امانت به صندوق مرکز حراج تحویل و اموال منقول بلافاصله به خریدار یا در صورتی که خریدار نباشد به بستانکاری که قانونا ملزم به دریافت آن است تحویل و رسید گرفته خواهدشد. ماده ۱۶۳ ـ در صورت تراضی طرفین و نیز در صورتی که حمل اشیا به مرکز حراج باعث هزینه نامتناسب باشد در وقت مقرر قانونی اشیا در محلی که‌بازداشت شده به فروش می‌رسد. ماده ۱۶۴ ـ حراج اموال فاسد شدنی و حیوانات که برای استیفای طلب معرفی می‌شود به دستور رییس اجرا بلافاصله و بدون تشریفات در محل به وسیله مامورین مرکز حراج و با حضور نماینده دادستان به عمل خواهد آمد. ماده ۱۶۵ ـ کتب و رسالات و مقالات خطی صاحب اثر قابل بازداشت و حراج نیست مگر با رضایت وی ماده ۱۶۶ ـ صورت مجلس حراج باید به امضا مسوولین امر و نماینده دادستان و خریدار و نیز مدیون و داین و یا نمایندگان آنان (در صورتی که حضورداشته باشند) برسد. ماده ۱۶۷ ـ فروش مال به نسیه جایز نیست مگر اینکه متعهدله فروش به نسیه را قبول و مدیون نیز مازاد را نقدا دریافت و یا نسبت به مازاد نسیه را قبول نماید در هر دو صورت خود مسوول وصول خواهند بود و حق حراج نقدا دریافت می‌شود. ماده ۱۶۸ ـ هرگاه برنده حراج بعد از پرداخت وجه و صدور قبض و قبل از تنظیم صورت مجلس حراج از خرید منصرف شود در صورت موافقت مدیون وجه سپرده شده مسترد و اگر وقت باقی باشد به حراج ادامه داده خواهد شد. ماده ۱۶۹ ـ در مورد اموال غیرمنقول هرگاه برنده حراج وجه مذکور در ماده ۱۹۰ را بپردازد و قبل از تنظیم سند انتقال اظهار نماید که ثمن معامله متعلق‌به غیر بوده و شرکت در حراج به نمایندگی از طرف مشارالیه انجام گرفته سند انتقال با قید مراتب به نام خریدار واقعی حراج تنظیم و به امضای برنده‌حراج و شخص اصیل یا قایم مقام قانونی آنها خواهد رسید مگر اینکه اصیل از امضا سند خودداری کند که در این صورت مال به برنده مزایده منتقل می‌شود. ماده ۱۷۰ ـ مرکز حراج مکلف است در صورت درخواست خریدار گواهی فروش مال منقول مورد حراج را با ذکر مشخصات کامل به نامبرده تسلیم دارد. ماده ۱۷۱ ـ تحویل مال منقول به کسی که برابر مقررات در حراج برنده شده است و دستور تنظیم سند رسمی واگذاری طبق مقررات و نیز در مورد اموال منقول و غیرمنقول وصول نیم عشر و سایر حقوق قانونی و صدور قبض پرداخت وجوه حاصله از فروش به بستانکار و تحویل مازاد به مدیون و سپس تحویل منقول به عهده رییس مرکز حراج و در غیاب او معاون مرکز حراج است در مورد مال غیرمنقول دستور تنظیم سند انتقال و سایر اقدامات با مدیر ثبت در شهرستانها و با رییس اجرا در تهران است ماده ۱۷۲ ـ هر گاه مال معرفی شده در جلسه حراج خریدار پیدا نکند هر یک از بدهکار و بستانکار می‌توانند تقاضا کنند که مورد حراج در جلسه بعد به‌حراج گذارده شود و هرگاه در جلسه بعد هم خریدار پیدا نشود طبق صورت ارزیابی به بستانکار واگذار خواهد شد. ماده ۱۷۳ ـ در مورد حراج اموال منقول درخواست مدیون برای تقدم و تاخر فروش پذیرفته می‌شود و هر موقع وجوه حاصله برای تامین کل طلب قانونی بستانکار و حقوق دولتی کافی باشد از فروش بقیه اموال خودداری خواهد شد و در این مورد ولو اینکه خریدار متعدد باشد یک صورت مجلس حراج تنظیم می‌شود. ماده ۱۷۴ ـ در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط است و باید با رعایت مواد فوق آگهی فروش تجدید شود: ۱ ـ هرگاه فروش در روز و ساعت و یا محلی که در آگهی معین شده به عمل نیاید. ۲ ـ هرگاه بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شود و یا بالاترین قیمتی را که پیشنهاد شده است رد کنند. ۳ ـ در صورتی که مزایده بدون حضور نماینده دادسرا به عمل آید. ۴ ـ در صورتی که مباشرین فروش و کارمندان اداره ثبت در خرید شرکت کرده باشند. ماده ۱۷۵ ـ در مورد مال غیر منقول پس از انجام مزایده باید اجرا ظرف ۴۸ ساعت پرونده را فهرست و منگنه کرده پیوست گزارش برای صدور سندانتقال نزد مدیر ثبت بفرستد. تبصره ـ در مورد واگذاری اموال مذکور در تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت مصوب سال ۱۳۵۱ با انقضا دو ماه مقرر مال منقول بلافاصله‌تحویل بستانکار خواهد شد و مال غیرمنقول حداکثر ظرف یک هفته رأسا از

طرف اداره ثبت با دریافت نیم عشر و هزینه‌های اجرایی به بستانکار انتقال و تحویل داده می‌شود. ماده ۱۷۶ ـ در کلیه پرونده‌های اجرایی پس از ختم مزایده یا حراج هرگاه مدیون یا مالک (حسب مورد) یا متبرع بدهی پرونده و خسارات را تا روز تادیه بدهد از تحویل مال در منقول و صدور انتقال (در مواردی که قانونا سند تنظیم می‌شود) خودداری خواهد شد.(۱۰) ماده ۱۷۷ ـ پس از انجام فروش مال مورد مزایده یا انتقال آن به بستانکار اداره ثبت باید آن مال را تحویل داده و رسید دریافت دارد. ماده ۱۷۸ ـ در مورد اموال منقول باید کیفیت و نوع و مشخصات کامل آن تعیین گردد. و اجرا باید ترتیبی اتخاذ نماید که در انقضا چهار ماه مقرر اموال مورد حراج را در اختیار داشته و با کارت مربوطه به مرکز حراج تحویل نمایـد. قبل از تحویل مال مورد حراج به مرکز حراج ارسال کارت به مرکز مزبورمورد نـدارد. ماده ۱۷۹ ـ حراج اموال غیرمنقول در روزهـای یکشـنبه و چهارشـنبه و اموال منقول در روزهـای دوشنبه و پنج شنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح به عمل خواهد آمد ، روزهای مذکور در هر حال باید داخل هفته آخر دو ماه مقرر در قانون باشد چنانچه هر یک از روزهای مقرر مصادف با تعطیل باشد روز بعد از تعطیل روز حراج است در مورد حراج اموال غیر منقول هرگاه آخرین روز دو ماه مقرر مصادف با هر یک از روزهـای یکشـنبه یا دوشنبه یا سه شنبه باشد اولین روز حراج روز چهارشنبه هفته قبل خواهد بود و در مورد اموال منقول به همین روش عمل خواهد شد. هرگاه خریداری نبود مورد حراج طبق مقررات در قبال اصل و خسارات و حقوق دولتی به بستانکار واگذار می گردد. ماده ۱۸۰ ـ در مورد معاملات اموال غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ هرگاه بدهکار متعدد بوده و فک و فسخ معامله موکول به پرداخت تمامی دین شده و تاریخ ابلاغ اجراییه به بدهکاران متفاوت باشد برای هر یک از بدهکاران تاریخ ابلاغ موخر مبدأ احتساب شش ماه‌موعد قبول تقاضای حراج خواهد بود و وصول تقاضای حراج از ناحیه هر یک از مدیونین برای حراج شش دانگ کافی است در این قبیل موارد قبول استرداد تقاضای حراج و یا در صورت وجود خریدار تجدید حراج برای جلسه دوم موکول به موافقت کلیه بدهکاران است ماده ۱۸۱ ـ در مورد ماده قبل هرگاه در اولین جلسه حراج خریدار پیدا شود و مازاد مال در بازداشت غیرباشد تجدید جلسه موکول به موافقت مدیون وبازداشت کننده مازاد خواهد بود. هر یک از بدهکاران و یا هر یک از اشخاص ذینفع اعم از بازداشت کننده مازاد و غیره در صورت عدم توافق می‌توانند تفاوت مبلغ شروع حراج تا میزانی که خریدار پیدا شده به انضمام حق حراج را برای جبران خسارات احتمالی پرداخت و تقاضا نماینـد مال در جلسه دوم به حراج گذاشته شود و اگر درجلسه بعد مورد حراج به مبلغ کمتری فروش رفت و یا خریدار پیدا نشد تفاوت از مبلغ پرداختی برداشت و به صاحب حق تسلیم و حق حراج به‌صندوق پرداخت خواهد شد. در صورتی که تقاضای تجدید جلسه از طرف افرادی باشد که در صورت ختم حراج از تفاوت حاصله از فروش منتفع می گردند متقاضی می‌تواند تفاوت را با کسر مبلغی که در صورت فروش به او تعلق می گرفت با حق حراج برای جبران خسارات سایرین بسپارد. ماده ۱۸۲ ـ عملیات حراج جز در موارد ذیل متوقف نخواهد شد: ۱ ـ وصول حکم یا دستور موقت یا قرار توقیف عملیات اجرایی ۲ ـ مورد مذکور در ماده ۱۵۱ این آیین نامه ۳ ـ اعلام وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی در صورتی که قانونا موجب تمدید مدت شود. ۴ ـ رای‌هیات‌نظارت یا شورای عالی ثبت بر ابطال عملیات اجرایی ۵ ـ استرداد تقاضای حراج از ناحیه مدیون در مواردی که مجاز به استرداد است ۶ ـ مورد مذکور در قسمت آخر ماده ۱۵۴ این آیین نامه ۷ ـ پرداخت کلیه مطالبات بستانکار و حقوق اجرایی هرگاه مال مورد حراج غیرمنقول باشد پس از رفع مانع عملیات حراج طی دوماه مقرر از سرگرفته‌خواهد شد و در مورد اموال منقول هرگاه فاصله بین تاریخ متوقف شدن عملیات حراج تا انقضای دو ماه مقرر بیش از سی روز باشد پس از رفع مانع عملیات حراج تا انقضای مدت ادامه خواهد یافت و اگر این فاصله کمتر از سی روز باشد عملیات حراج طی مدت سی روز انجام خواهد گرفت ماده ۱۸۳ ـ هرگاه مورد معامله رقبات متعدد باشد اگر برای هر یک از رقبات خریدار جداگانه پیدا شود و جمع مبلغ خرید بیشتر از مبلغ شروع حراج مذکور در آگهی باشد اقدام به فروش و تنظیم صورت مجلس خواهد شد هرگاه حاصل فروش بعضی از رقبات کافی برای پرداخت بدهی گردد از تنظیم صورت مجلس حراج نسبت به بقیه

خودداری می‌شود و در این مورد بـدهکار می‌توانـد برای فروش یک یا بعضـی از رقبات رعایت تقـدم را تقاضا کنـد ،خریـد در این قبیل موارد کلا نقدی است و خریداران باید وجه نقد و یا تضـمین نامه بانکی تحویل و یا بسـتانکار معادل طلب خود فروش نسیه را قبول کنـد که در این صورت شـخصا مسوول وصول طلب از خریـدار خواهد بود. ماده ۱۸۴ ـ در مورد حراج اموال غیرمنقول هر گـاه قسـمتی از دین پرداخت شده باشد مدیون در جلسه حراج می‌تواند درخواست کند که بعض یا قسمتی مشاع از مورد معامله به حراج گذاشـته شود. در این صورت اگر مورد حراج به قیمـتی که تکـافوی بـاقی طلب و خسـارات و حقوق دولتی و حق حراج رانمایـد به فروش برسـد اقدام به فروش خواهد شد در غیر این صورت پس از استرداد وجوه دریافتی و حقوق دولتی نسبت به واگذاری تمامی مال مورد حراج به بسـتانکار اقدام می‌شود. ماده ۱۸۵ ـ هر گاه هیچ یک از ورثه از مفاد تبصـره ۱ ماده۳۴ مکرر اصلاحی برای ایداع وجه اسـتفاده نکننـد هر یک از ورثه تا دو ماه قبل از انقضا مواعـد مـذکور در تبصـره ۲ ماده ۳۴ مکرر اصـلاحی حق دارند تقاضای حراج مورد معامله را بنماید. در این صورت برای حراج آن اقدام و اگر در مورد اموال منقول تا قبل از خاتمه عملیات حراج (تحویل مال به برنـده مزایده و در مورد اموال غیر منقول تا قبل از انتقال رسـمی ملک بعضـی از ورثه تمامی بدهی و خسارات را بسپارند از تحویل مال به برنده مزایده و تنظیم سـند رسمی انتقال خودداری خواهد شد. ماده ۱۸۶ ـ هر گاه پرداخت وجه قبل از صدور اجراییه باشـد پس از انقضا مواعد مقرر نسـبت به اموال منقول و غیرمنقول و ابلاغ مراتب به سایر وراث وانقضا هشت ماه در مورد اموال غیر منقول و چهـار ماه نسـبت به اموال منقول و عـدم پرداخت بـدهی هر یک از ورثه مورد وثیقه به وارثی که وجه راپرداخته است برابر مقررات تملیک و سـند انتقال با ارایه گواهی حصـر وراثت و گواهی پرداخت مالیاتی به نام او صادر خواهد شد. ماده ۱۸۷ ـ هر گاه پرداخت وجه از طرف یکی از وراث در خلال عملیـات اجرایی باشـد بایـد بلافاصـله مراتب به وسـیله اخطـار به سایر وراث اعلام و تـذکرداده شود که از تاریـخ ابلاغ اخطـاریه تـا سه مـاه (اعم از اینکه مورد معامله منقول باشـد یا غیر منقول هر یک حق دارد که به نسبت سهم الارث خود بدهی وخسارات و حقوق اجرایی را ایداع و سهم خود را آزاد کند و اگر مایل باشد می‌تواند حداکثر تا دو ماه قبل از انقضای مـدت مـذکور تقاضای حراج سـهم الارث خود را بکنند. هر گاه ابلاغ واقعی به وراث میسر نباشد ابلاغ به وسـیله آگهی صورت خواهـد گرفت هر گاه در تاریـخ صدور اخطار مذکور در مواعدمقرر در ماده ۳۴ اصلاحی و تبصره ۲ آن بیش از سه ماه باقی باشد وقت بیشتر برای وراث قابل استفاده است ماده ۱۸۸ ـ در مورد اموال غیر منقول وصول تقاضای حراج از ناحیه هر یک از وراث مدیون مانع اسـتفاده وراث دیگر از مقررات تبصـره ۱ ماده ۳۴ مکررقانون اصـلاحی ثبت نخواهـد بود، در این صورت اگر متقاضـی حراج تقاضای خود را پس نگیرد عملیات حراج نسبت به سـهم الارث او انجام خواهـد شد ، اگر تا روز حراج کلیه وراث تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بکننـد ولو اینکه به موقع تقاضای حراج نکرده باشـند و یا بعضا نسبت به سـهم الارث بـدهی خود را پرداخت کرده باشـند تمام ملک به حراج گذاشته خواهد شد. ماده ۱۸۹ ـ اختلاف بین وراث بـدهکار یا اختلاف بین تمام یا بعضـی از ورثه بـا مـدعی وصـایت یـا موصـی له مـانع ادامه عملیـات اجرایی نخواهـد بود.هر گاه اختلاف طوری باشـد که تشـخیص اشـخاص ذینفع در اسـتفاده از حق استرداد و یا تعیین میزان سهم هر یک محتاج به رسیدگی قضایی باشد هر یک ازورثه و یا دارنده وصـیت نامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌تواننـد ظرف مدت مقرر تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بکنند. هر گاه در فروش مال منقول و یا غیر منقول از طریق حراج مازادی پیـدا شود، پرداخت مازاد موکول به ارایه گواهی حصـر وراثت و گواهی دارایی و رفع اختلاف خواهـد بود، در مورد فوق هر یک از مـدعیان وراثت یا دارنـده وصـیت نامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌تواند با اسـتفاده از بند ۱ ماده۳۴ مکرر قـانون اصـلاحی ثبت کلیه بـدهی و حقوق اجرایی را پرداخت کننـد در این صورت پس از ابلاـغ حکم نهـایی مبنی بر رفع اختلاف طبق مقررات مواد ۱۸۲ و ۱۸۳ این آیین نامه عمل خواهـد شد. ماده ۱۹۰ ـ در جلسه حراج اموال غیر منقول برنـده حراج می‌توانـد حـداقل مبلغی معـادل مـازاد مبلغ شـروع حراج تـا میزان مبلغ خریـد را نقـدا یا تضـمین نامه‌بانکی و همچنین به موجب چک و یا سـفته مورد قبول مـدیون تادیه کنـد و بایـد حق حراج را نقـدا بپردازد و بقیه را حـداکثر تا

ساعت ۱۲ روز دیگر که برطبق این آیین نـامه برای حراج اموال غیر منقول پیش بینی و مقرر شـده به صـندوق مرکز حراج پرداخت نمایـد. در صـورتی که در مـدت مقرر بقیه وجه پرداخت نشـود خریـدار حقی به وجه پرداختی به شـرح فـوق نخواهـد داشت و این موضوع بایـد تصـریحا در صورت مجلس قیـد شود در این مورد ملک‌مورد حراج در قبال اصل و حقوق دولتی و خسارات قانونی به بسـتانکار انتقال داده خواهـد شـد، حق حراج به درآمـد مربوطه منظور و مازاد مـذکور پس ازامضا سـند انتقال عینا به مدیون تسلیم خواهـد گردیـد و هر گاه قبل از تنظیم سـند انتقال مدیون کلیه بدهی و خسارات حق الاجرا را بپردازد وجوه پرداختی برنده حراج به استثنا حق حراج عینا به نامبرده مسترد خواهد شد. ماده ۱۹۱ ـ در معاملات اموال غیر منقول هرگاه مدیون محجور بوده و ولی خاص نداشته باشـد تقاضای قیم یا دادسـتان یا اداره سـرپرستی به تنهایی برای ارسال کارت به مرکز حراج و اقـدام به عملیات حراج کافی است به شـرط آنکه تقاضا ظرف مـدت مقرر به اجرا واصل شـده باشـد. استرداد تقاضای حراج ازناحیه قیم وقتی پذیرفته می‌شود که موافقت سـرپرستی نیز جلب شـده باشـد. اگر در اولین جلسه حراج خریداری پیدا شود و قیم مصـلحت محجور را در تجدید عملیات حراج بداند می‌تواند در خواست تجدید نماید و قبول این درخواست موکول به موافقت نماینده دادستان در مرکز حراج خواهد بود. چنـانچه نماینـده دادسـتان بـا توجه به ارزش مـال مورد حراج و میزان مبلغ پیشـنهاد شـده و اوضاع و احوال تجدیـد عملیات حراج به مصـلحت محجور تشـخیص دهـد با تقاضای قیم موافقت خواهد کرد. ماده ۱۹۲ ـ در مورد معاملات غیر منقول مـذکور در ماده ۳۴ اصلاحی سال ۱۳۵۱ قانون ثبت اگر مازاد ملک بازداشت و دستور بازداشت قبل از دو ماه‌آخر عملیات اجرایی واصل شود با فروش ملک از طریق حراج حقوق بازداشت کننـده مازاد استیفا می گردد. استرداد تقاضای حراج از ناحیه مـدیون مانع حراج و فروش ملک نخواهـد بود. هرگـاه دسـتور بـازداشت مازاد در خلال دو ماه آخر واصل شود و مـدیون نیز تقاضای حراج نکرده باشـد اجرا مکلف است بلافاصله مراتب را به مرجع بـازداشت کننـده اطلاـع دهـد در این مورد استیفا حقوق بازداشت کننـده بر طبق مقررات ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت خواهد بود. ماده ۱۹۳ ـ در مورد اموال منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی سال ۱۳۵۱ قانون ثبت که برای حراج بـازداشت می‌شـود حق الحفـاظه بـه تشـخیص رییس مرکز حراج در تهران و در شهرسـتانها به تشـخیص رییس ثبت محـل در صورت مطـالبه حافظ پرداخت و ضـمن سایر حقوق احتساب و وصول خواهـد شـد. ماده ۱۹۴ ـ در مـورد امـوال منقول و غیر منقول مـذکور در ماده ۳۴ قـانون اصـلاح ثبت اسـناد و املاک سال ۱۳۵۱ هرگـاه بسـتانکار برای ادا دین به بـدهکار مهلت بدهـد عملیات اجرایی متوقف و حسب مورد به شـرح زیر اقدام خواهد شد: ۱ ـ در مورد اموال غیرمنقول الف ـ اگر قبـل از انقضـای مهلت تقاضای حراج بـا ذکر مـدت معیـن مهلت داده شـود بـاقی مهلت مـدیون اعم از مهلت برای تقاضـای حراج و یـا پرداخت دین بعـد از تـاریخ انقضـای مهلتی که داین داده است شـروع خواهـد شـد. ب ـ هرگـاه مهلت با ذکر مـدت معین در خلال جریان حراج و قبل از تنظیم صورت مجلس حراج داده شـده باشـد از تاریـخ انقضا مهلت مـذکور عملیات اجرایی ادامه می‌یابد. ج ـ در صورتی که تا جلسه دوم حراج خریداری پیدا نشود و بعد از آن بسـتانکار برای پرداخت دین با ذکر مدت به مدیون مهلت بدهد و یا اصولا ظرف مدت مقرر تقاضای حراج نشـده باشـد، مهلتی که بسـتانکار داده موجب تجدیـد حراج نشـده و مهلت مـذکور به باقی مانـده مهلت حق استرداد اضـافه خواهدشـد. د ـ اگر مهلت بـدون ذکر مـدت داده شـده باشـد پس از وصول تقاضـای تعقیب از نـاحیه داین و ابلاـغ مراتب به مـدیون تاریـخ ابلاغ به مدیون پایان مهلت محسوب و حسب مورد به شـرح فوق عمل می گردد. ۲ ـ در مـورد اموال منقول الف ـ در مورد اموال منقول اگر داین تـا قبـل از تنظیم صورت مجلس حراج دایر به فروش برای پرداخت دین به مـدیون مهلت بدهـد عملیات اجرایی‌متوقف و هرگاه مهلت با ذکر مدت باشد با انقضا مدت در غیر این صورت با وصول تقاضای تعقیب و ابلاغ مراتب به مدیون باقی مانده مهلت عملیات اجرایی شروع خواهد شد. هرگاه باقی مانده مدت مذکور کمتر از سی روز باشد باقی مانده مدت سی روز محسوب و عملیات حراج ظرف مـدت مذکور انجام خواهد گردید. ب ـ در مورد فوق رفع بازداشت بنا به تقاضای بسـتانکار بلامانع است در این صورت ارسـال مجـدد کـارت به مرکز حراج موکول به بـازداشت مجـدد مال و تحویل آن به مرکز حراج است ج ـ در

مورد فوق قبول مهلت مستلزم پرداخت حق الحفاظه و رفع بازداشت موکول به پرداخت حقوق اجرایی خواهد بود. ماده ۱۹۵ ـ در کلیه موارد مذکور در ماده ۱۹۲ اگر مازاد رقبه بازداشت باشد قبول هرگونه مهلت و یا رفع بازداشت مال منقول موکول به موافقت بازداشت کننده مازاد خواهد بود. در مواردی که مدیون متعهد بوده و فک و فسخ سند موکول به پرداخت تمامی دین شده باشد و یا در سند تصریح به میزان سهم هریک از مدیونین شده‌باشد و نیز در مورد وراث مدیون در صورتیکه به یکی از بدهکاران مهلت داده شود در حکم این است که به همه آنها مهلت داده شده است در هر مورد که ضمن عملیات حراج مهلت داده شود کارت مربوط به اجرا اعاده و شروع مجدد و یا ادامه عملیات حراج موکول به ارسال مجدد کارت به مرکز حراج‌خواهد بود. ماده ۱۹۶ ـ در مورد بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد و بخواهد با استفاده از ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت کلیه بدهی موضوع سند و حقوق اجرایی را (در صورت صدور اجراییه بپردازد مورد معامله در ازا هر دو بدهی و متفرعات قانونی به محض پرداخت مزبور دربازداشت خواهد بود و مراتب در دفتر بازداشتی منعکس می‌شود. دراین صورت مراتب ذیل باید رعایت شود: ۱ ـ در صورت صدور اجراییه با پرسش از اجرا مربوط میزان بدهی و خسارات و حقوق اجرایی را تعیین و سپس با ایداع آن در صندوق ثبت قبض آن رابه اجرا تحویل و تقاضای فسخ سند را خواهد کرد. ۲ ـ اجرا مکلف است در صورتی که تمامی دین و خسارات و حقوق اجرایی پرداخت شده باشد مراتب را برای فسخ سند به دفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند اعلام و به واحد ثبتی مربوطه نیز اطلاع بدهد که رقبه مورد معامله به سود تودیع کننده وجه بازداشت شده است و در صورتی که پرونده‌اجرایی تودیع کننده مذکور در همان اجرا در جریان باشد بلافاصله مراتب بازداشت را در دفاتر مربوطه منعکس کند و اگر پرونده در آنجا نباشد باید گواهی لازم دایر به تودیع وجه و صدور دستور فسخ با ذکر مبلغ تودیعی و نام پرداخت کننده و شماره نامه ای که ضمن آن بازداشت به واحد ثبتی اعلام‌شده صادر و به متقاضی تسلیم دارد. ۳ ـ هرگاه نسبت به مورد معامله اجراییه صادر نشده باشد باید ذینفع با مراجعه به دفتر اسناد رسمی و با اطلاع از بدهی تمام آن را در صندوق ثبت سپرده‌و رسید آن را به دفترخانه تسلیم دارد. دفتر اسناد رسمی مکلف است اگر تمام دین سپرده شده باشد نسبت به فسخ سند به شرح فوق اقدام و گواهی لازم‌دایر به ایداع وجه و فسخ معامله با ذکر نام پرداخت کننده و مبلغ سپرده صادر و به متقاضی تسلیم دارد. ۴ ـ در موردی که پرونده اجرایی در دایره دیگری در جریان است و یا سند مربوط منتهی به صدور اجراییه نشده ذینفع باید گواهی مربوط را به دایره‌اجرایی که پرونده‌اش در آن دایره در جریان است تسلیم و درخواست بازداشت ملک را بکند دایره اخیرالذکر مکلف است بلافاصله دستور بازداشت ملک‌را صادر کند. ۵ ـ در موردی که موعد سند منقضی نشده باشد پس از بازداشت عملیات بعدی متوقف خواهد شد و بعد از انقضا موعد سند با صدور اخطار به مدیون اقدامات بعدی شروع می‌شود. ۶ ـ نحوه استیفا حقوق بستانکار پرداخت کننده وجه بر طبق مقررات تبصره ۷ ماده ۳۴ قانون اصلاحی ثبت خواهد بود.(اصلاحی ۲۵/۵/۱۳۷۶) ۷ ـ هرگاه مورد معامله در جریان عملیات اجرایی باشد و منتهی به تنظیم صورت مجلس قطعی حراج و یا صدور سند انتقال اجرایی نشده باشد، باسپردن وجه از طرف بدهکار یا بازداشت کننده مقدم مازاد مورد وثیقه سند، فسخ و پرونده اجرایی مختومه می‌گردد و مراتب به دفترخانه تنظیم کننده سند اعلام می‌گردد که موضوع را در ملاحظات ثبت سند قید نماید.(اصلاحی ۲۵/۵/۱۳۷۶.) ماده ۱۹۷ ـ در موردی که مازاد ملک از طرف غیر بازداشت شده باشد به شرح زیر عمل خواهد شد: الف ـ اگر دستور بازداشت قبل از دو ماه مقرر برای حراج واصل شده (اعم از اینکه قبل از انقضا موعد سند باشد یا بعد از آن و یا در خلال دو ماه مزبوربوده و مدیون تقاضای حراج کرده باشد استیفا حقوق بستانکار پرداخت کننده دین موکول به پرداخت طلب بازداشت کننده مقدم خواهد بود. ب ـ در موردی که دستور بازداشت در خلال دو ماه آخر عملیات اجرایی واصل شده و مدیون نیز تقاضای حراج نکرده باشد بستانکاری که حق‌درخواست بازداشت اموال مدیون را دارد می‌تواند با پرداخت کلیه بدهی موضوع سند و حقوق دولتی تقاضای استیفا حق خود را بکند در این صورت بستانکار پرداخت کننده دین در استیفا حق خود نسبت به سایر بازداشت کنندگان مقدم است ماده ۱۹۸ ـ هرگاه مدیون قبل از ابلاغ اجراییه فوت نماید

به معرفی بستانکار اوراق اجرایی به کلیه وراث مدیون ابلاغ می‌شود. در مورد اموال منقول عملیات اجرایی تا تحویل مال به بستانکار یا برنده حراج و برحسب مورد تا تنظیم سند انتقال ادامه می‌یابد. در مورد اموال غیر منقول علاوه بر ابلاغ اجراییه به شرح فوق باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل یک نوبت آگهی شود. در این آگهی باید نام و نام خانوادگی مدیون و داین و خلاصه اجراییه و مشخصات اجمالی مورد معامله قید و تذکر داده شود که این آگهی برای ابلاغ اجراییه به وراث قانونی مدیون منتشر گردیده است تاریخ انتشار آگهی در روزنامه یا تاریخ ابلاغ اجراییه به احداز وراث هر کدام موخر باشد تاریخ ابلاغ اجراییه برای کلیه وراث محسوب می‌شود. ماده ۱۹۹ ـ هرگاه بعد از ابلاغ اجراییه به مدیون وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی اعلام شود، اجرا ضمن ادامه عملیات اجرایی اطلاعیه ای حاوی صدور اجراییه و اینکه عملیات اجرایی در چه مرحله‌ای است با قید تاریخ آخرین روز استفاده از مهلت حق استرداد تنظیم و به محل اقامت مدیون متوفی الصاق و یک نسخه از اطلاعیه مزبور را برای هر یک از وراثی که محل اقامتشان معلوم باشد از طریق پست سفارشی دو قبضه ارسال می‌دارد. چنانچه ابلاغ اجراییه به مدیون از طریق انتشار آگهی در روزنامه به عمل آمده باشد در صورت فوت او اطلاعیه موصوف نیز باید یک نوبت‌دریکی از جراید کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل آگهی شود. در مورد فوق و همچنین در مورد مذکور در ماده ۱۹۶ تنظیم صورت مجلس حراج و یا تنظیم سند انتقال و همچنین ثبت ملک در دفتر املاک به نام‌خریدار یا بستانکار محتاج به ارایه گواهی حصر وراثت نخواهد بود. در مورد فوق هرگاه مال در حراج به فروش برسد پرداخت مازاد به وراث موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی دارایی است تبصره ـ در صورت فوت مدیون در خلال عملیات اجرایی احتساب بقیه مواعد و ادامه عملیات اجرایی موکول به معرفی ورثه از طرف متعهدله و ابلاغ اطلاعنامه حاکی از صدور اجراییه به ورثه خواهد بود. ماده ۲۰۰ ـ هرگاه مالی از متعهد توقیف و در جلسه حراج به بستانکار یا برنده مزایده واگذار گردیده باشد و سپس متعهد فوت شود، فوت او در حق‌مکتسبه بستانکار یا برنده مزایده تغییری نمی‌دهد و بعض یا تمام ورثه فقط وقتی می‌توانند رفع توقیف و استرداد مال را در حدود مواد این آیین نامه بخواهند که تمام وجوه متعلقه به پرونده اجرایی را بپردازند هرگاه احد از ورثه کلیه وجوه متعلقه را پرداخت نماید با سایر ورثه طبق مقررات این آیین نامه در مورد وثایق عمل خواهد شد.

فصل یازدهم ـ تخلیه (مواد ۲۰۱ تا ۲۱۳)

ماده ۲۰۱ ـ در اجرای بندهای (الف و (ج تبصره ۷۱ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۳ در مواردی که وزارت آموزش و پرورش به موجب قانون مذکور قایم مقام است صدور اجراییه تخلیه محل مدارس علیه متعهد مجوز ندارد مگر اینکه وزارت آموزش و پرورش از تعهدات شخصی یا تعهدات ناشی از قایم مقامی تخلف کرده باشد که در این صورت اجراییه علیه وزارت آموزش و پرورش صادر می‌شود. ماده ۲۰۲ ـ هرگاه اجراییه تخلیه صادر گردد و ثالث به موجب سند رسمی اجاره در ملک مورد تخلیه ساکن باشد اجرا ثبت وظیفه ای جز تحویل ندارد و از تخلیه ملک خودداری می‌شود. تبصره ـ در محل هایی که قانون روابط مالک و مستاجر اجرا می‌شود اجاره نامه غیررسمی و تراضی موجر (یا نماینده او) با مستاجر از جهت تخلیه درحکم سند رسمی است ماده ۲۰۳ ـ هرگاه ملک مشمول قانون مالک و مستاجر باشد حکم ماده ۲۰۶ و تبصره آن جاری است ولو آنکه مدت اجاره منقضی شده باشد. اگر ملک مشمول قانون مالک و مستاجر نباشد و مدت سند رسمی منقضی باشد و شرط سند اجاره مانع تخلیه نباشد تخلیه ملک به موجب اجراییه‌منعی ندارد و ثالث برای احقاق حق خود می‌تواند به دادگاه صالح برود. ماده ۲۰۴ ـ هرگاه مورد وثیقه سهم مشاع از ملک باشد لیکن طرفین با توافق به تصرف مرتهن در قسمت مفروز از ملک رضایت داده باشند اجرا سند ازجهت تخلیه مال مورد رهن به تخلیه مورد تصرف خواهد بود. ماده ۲۰۵ ـ در مورد بند ۷ ماده ۸ قانون روابط مالک و مستاجر صدور اجراییه صرفا به منظور

تخلیه مجوز نـدارد. در این قبیل موارد در صورت تاخیر درپرداخت مال الاجاره یا اجرت المثل باید ورقه اجراییه برای تخلیه و اجاره بها یا بهره بها صادر گردد. ماده ۲۰۶ ـ هرگاه پس از صدور اجراییه برای وصول قسـمتی از اجاره بها یا بهره بها و تخلیه قرار توقیف عملیـات اجرایی از دادگـاه صادر گردد و در زمان اعتبار قرار مـذکور اجراییه دیگر برای عـدم پرداخت اقساط بعـدی و تخلیه صادر شود اجرا این اجراییه مغایرت با قرار قبلی دادگاه نـدارد. ماده ۲۰۷ ـ هرگاه در سـند وثیقه سـلب حق انتقال منافع از متعهد شده باشد تخلف متعهـد مانع تخلیه وثیقه به نفع برنده در مزایده نخواهد بود ولو آنکه ثالث به موجب سـند رسـمی در تاریخ موخر وثیقه را به اجاره گرفته باشـد. ماده ۲۰۸ ـ هرگـاه وثیقه پلاـک معین و بنـای واقع در آن باشـد و بعـدا معلوم شود که قسـمتی از بنـا روی زمین مجـاور که متعلق به غیر است قرار گرفته است تخلیه و تحویل قسـمتی از بنا که از پلاک مـذکور به خارج تجاوز کرده است مـدلول سنـد نبوده و از صـلاحیت ادارات ثبت خـارج است ماده ۲۰۹ ـ هرگـاه موقع تحویل معلوم شود که شـخص یا اشـخاص ثالث بـدون مجوز در آن احـداث اعیان کرده‌انـد تحویل مورد وثیقه به وسـیله اجرا ثبت‌با وضع موجود اشـکال ندارد. ماده ۲۱۰ ـ تحویـل اگر به طور مطلق در سـند ذکر شده باشد محمول به تخلیه است تبصره ـ تخلیه سهم مشاع به مداخله دادن متعهدله در سهم مشاع است ماده ۲۱۱ ـ مـامور اجرا در مورد تخلیه ملـک بایـد بـا حضور نماینـده دادگستری و در صورت لزوم با حضور مامور انتظامی طبق مقررات اقـدام نمایـد عـدم‌حضور متعهـد و کسـان و خـادمینش مانع تخلیه نخواهـد بود و اگر اموالی در محل مورد تخلیه وجود داشـته باشـد صورت تفصـیلی آن را برداشـته و حتی الامکان در همان محل در مکان محفوظی گـذارده و درب آن را مهر و موم می‌کند و یا آن را به امینی سپرده و رسید دریافت دارند. ماده ۲۱۲ ـ اداره اجرا در تهران و ادارات ثبت در شهرسـتانها در موقع تخلیه عین مستاجره و همچنین ختم پرونـده‌های اجرایی اسـناد وثیقه بایـد مراتب تخلیه و ختم پرونـده را به دفاتر اسـناد رسـمی مربوطه اعلام دارنـد که در ستون ملاحظـات ثبت دفتر قیـد و اقـدام لاـزم معمول گردد. ماده ۲۱۳ ـ ختم عملیـات اجرایی حسب مـورد عبـارت است از: الـف – وصول تمام وجه موضوع لازم الاجرا و هزینه‌های مربوطه ب ـ تسـلیم مال منقول به برنـده مزایـده ج ـ تنظیم‌سـند انتقال پس از مدت مذکور در ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت د ـ تحقق تخلیه یا تحویل در مواردی که اجراییه برای تخلیه یا تحویل صادر شده باشد.

فصل دوازدهم ـ هزینه‌های اجرایی (مواد ۲۱۴ تا ۲۲۸)

ماده ۲۱۴ ـ وصول حق الاجرا به همان طریقی که برای وصول موضوع تعهد مقرر است به عمل خواهد آمد و مدیر ثبت می‌تواند نظر به مبلغ حق‌الاجرا هر طریق دیگری را که برای وصول مناسب بداند اختیار کند. ماده ۲۱۵ ـ حق الاجرا از هر اداره یا دایره یا شعبه که وصول می‌شود به حساب در آمـد عمومی منظور و یک نسـخه از قبض صادر شـده به اداره صادرکننـده اجراییه ارسال می‌شود. ماده ۲۱۶ ـ فوق العـاده و کرایه راه مـامورین اجرا که برای انجام امور اجرایی به خارج می‌رونـد و همچنین کارمنـدان اجرا که لزوما برای انجـام کارهـای اجرایی مامور خارج می‌شونـد به تناسب پایه آنان بر طبق تصویب نامه هیات دولت پرداخت می‌شود. ماده ۲۱۷ ـ در هر پرونـده اجرایی برابر مـاده ۱۳۱ قـانون ثبت و تبصـره آن و سـایر مقررات مربـوطه (حسب مورد) پس از ابلاـغ اجراییه حق الاـجرا وصول می‌شود مگر اینکه مرجعی که پرداخت نیم عشـر به عهده اوست به موجب مقررات خاصـی از پرداخت آن معاف شده باشد. ماده ۲۱۸ ـ هر گاه سـند معامله معارض اشـتباها منتهی به صدور اجراییه و ابلاغ شده باشد، مادام که حکم قطعی بر اعتبار سند صادر نشـده است حق الاـجرا تعلق نمی‌گیرد. ماده ۲۱۹ ـ در هر مـورد که پس از صـدور اجراییه و ابلاـغ به جهت قـانونی عملیـات اجرایی متوقف یا توقیف شود مادام که رفع توقف یا توقیف نشده‌باشـد حق الاجرا تعلق نمی‌گیرد. موارد مـذکور در تبصـره ماده ۱۳۱ قانون ثبت از این حکم مستثنی است ماده ۲۲۰ ـ در مواردی که اجراییه صادر و ابلاغ شـده و سـپس قضـیه به علت احراز ورشکسـتگی به اداره تصـفیه ارجاع می‌شود حق الاجرا تعلق نمی‌گیردمگر اینکه حکم ورشکسـتگی نقض و عملیات اجرایی در ثبت به انجام برسـد.

ماده ۲۲۱ ـ به خسارات تاخیر نیم عشـر تعلق می گیرد و همین طور است حق الوکاله اگر جزو مـدلول سـند باشد. ماده ۲۲۲ ـ ابرا ذمه متعهد بعضا یا کلا پس از ابلاغ اجراییه موجب سقوط ذمه متعهد از نیم عشر نمی‌شود و برابر تبصره ماده ۱۳۱ قانون ثبت باید وصول شود. ماده ۲۲۳ ـ در مواردی که تخلیه مورد اجاره هم جز موضوع لازمالاجرا باشد حقوق دولتی برای تخلیه مورد اجاره از میزان مال الاجـاره سه ماهه‌دریـافت خواهـد شـد. اگر بعـد از ابلاـغ اجراییه و قبل از تخلیه طرفین سازش نماینـد و یا موجر (بسـتانکار) از تخلیه منصـرف شود نیم عشـر تخلیه باید وصول گردد لیکن در مواقعی که به علت پرداخت شدن اجور از تخلیه عین مستاجره خودداری و ختم عملیات اجرایی موکول به صـدور حکم قطعی دادگاه می‌شود مادام که عمل تخلیه انجام نگردیـده مطالبه نیم عشـر تخلیه مورد نخواهـد داشت تبصـره ـ در غیر موارد اجـاره هر گـاه موضوع لازم الاجرا تحویل عین مورد تعهـد باشـد حقوق دیوانی مقرر در ماده ۱۳۱ قـانون ثبت در صورت معـامله قطعی از میزان اجـاره سه مـاهه دریـافت می‌شود و میزان اجاره نسبت به بهای ملک که در سـند تعیین شـده از قرار صـدی شـش در سال معین می‌شود ونسـبت به مواردی که قیمت در سـند ذکر نشده ملاک عمل قیمت معاملاتی موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیاتهای مسـتقیم خواهد بود و در صورت‌نبودن قیمت معاملاتی طبق نظر کارشناس ارزیابی خواهد شد. ماده ۲۲۴ ـ هرگاه محرز شود که متعهـد در تاریخ ابلاغ اجراییه ورشکسـته یا محجور بوده است حق الاجرا تعلق نمی گیرد. ماده ۲۲۵ ـ هرگـاه بسـتانکار درخـواست کنـد که از ابلاـغ اجراییه خـودداری شـود، فقـط در صورتی که محرز باشـد که اجراییه پیش از وصول و ثبت تقاضای مذکور در دفتر اداره ثبت صلاحیت دار ابلاغ شده است حق الاجرا تعلق می گیرد. ماده ۲۲۶ ـ در اسناد رسمی تضامنی نیم عشر اجرایی به نسبت از اصل موضوع اجراییه از شخص یا اشخاصی که اجراییه علیه آنها صادر و ابلاغ شده‌است وصول خواهد شد. ماده ۲۲۷ ـ در هر مورد که رای مدیر ثبت یا قایم مقام او بر عدم تعلق نیم عشـر (حق الاجرا) باشد به مسوول حسابداری و در واحدهای ثبتی که مسوول حسابداری ندارد به حسابدار ابلاغ و نامبرده مکلف است از رای مزبور شـکایت نماید تا موضوع در هیـات نظارت مطرح و رسـیدگی شود رای هیات به اسـتناد بنـد ۸ ماده ۲۵ اصـلاحی قـانون ثبت سال ۱۳۵۱ قطعی اسـت مگر اینکه سازمان ثبت آن را خلاف قانون تشـخیص دهد که در این صورت قضیه درشورای عالی ثبت طرح خواهد شد. ماده ۲۲۸ ـ مادام که حراج صـحیحا واقع نشــده حق حراج تعلق نمی گیرد نسـبت بـه آنچـه از طلب کـه قبـل از حراج پرداختـه شــده حق حراج تعلق نخواهدگرفت

فصل سیزدهم – شکایت از عملیات اجرایی و طرز رسیدگی به شکایات (مواد ۲۲۹ تا ۲۳۲

فصل ۲۲۹ ـ عملیات اجرایی بعـد از صدور دسـتور اجرا (موضوع ماده ۱ قانون اصـلاح بعضـی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسـمی مصوب شهریور ماه ۱۳۲۲) شـروع و هر کس (اعم از متعهد سـند و هر شـخص ذینفع که از عملیات اجرایی شـکایت داشـته باشد می‌تواند شـکایت خود را با ذکردلیل و ارایه مدارک به رییس ثبت محل تسـلیم کند و رییس ثبت مکلف است فورا رسـیدگی نموده و با ذکر دلیل رای صادر کنـد. نظر رییس ثبت به هرحال برابر مقررات به اشـخاص ذینفع ابلاغ می‌شود و اشـخاص ذینفع اگر شکایتی از تصـمیم رییس ثبت داشـته باشـند می‌تواننـد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ شـکایت خود را به ثبت محل و یا هیات نظارت صلاحیت دار تسلیم نمایند تا قضیه برابر بند ۸ ماده ۲۵ اصـلاحی قانون ثبت در هیات نظارت طرح ورسیدگی شود. ماده ۲۳۰ ـ در مورد اعتراض به نظر رییس ثبت بـایستی رونوشت کامل یا فتوکپی مـدارک ذیل به ضـمیمه گزارش جامع و صـریح و مشـروح ثبت محـل ازجریـان پرونـده و موضوع شـکایت به نحوی که محتـاج به تکرار مکاتبه نباشـد به هیات نظارت فرسـتاده شود: ۱ ـ رونوشت کامـل یـا فتوکپی اعتراض نامه ذینفع و ضـمایم آن به عملیات اجرایی ۲ ـ رونوشت کامـل یـا فتوکپی گزارش رییس یا ممیز اجرا که مستند نظر رییس ثبت بوده است ۳ ـ رونوشت کامـل یا فتوکپی نظر رییس ثبت ۴ ـ رونوشت کامل یا فتوکپی شـکایت نامه ذینفع و

ضمایم آن از نظر رییس ثبت ۵ ـ رونوشت کامل یا فتوکپی برگ یا برگهایی از پرونده اجرایی که مربوط به موضوع شکایت است ماده ۲۳۱ ـ هرگاه هیات نظارت محتاج به توضیحاتی از اجرا یا طرفین قضیه باشد می‌تواند توضیحات لازم را بخواهد. ماده ۲۳۲ ـ پس از انقضا مواعد مذکور در قانون اصلاحی ثبت ۱۳۵۱ شکایت از عمل اجرا از کسی مسموع نیست این امر مانع از آن نمی‌شود که هرگاه قبل از تنظیم سند انتقال یا تحویل مال رییس اجرا در تهران یا مدیر ثبت در خارج از تهران عمل اجرا را مخالف قانون تشخیص دهند رای بر تجدید عمل اجرایی داده و رای صادره برابر ماده ۲۲۹ به اشخاص ذینفع ابلاغ و قابل شکایت و رسیدگی در هیات نظارت است

فصل چهاردهم ـ امور متفرقه (مواد ۲۳۳ تا ۲۶۰)

ماده ۲۳۳ ـ سازمان ثبت می‌تواند وظایف رییس ثبت را در امور مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به معاون او و یا کارمند دیگری به موجب ابلاغ مخصوص واگذار کند و این واگذاری از رییس ثبت سلب صلاحیت نمی‌کند. تبصره ـ در مدت مرخصی استحقاقی یا استعلاجی رییس ثبت معاون او تکالیف رییس ثبت در کلیه امور مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی اعم ازصدور دستور اجرا و امور مربوط به سایر عملیات اجرایی را عهده دار خواهد بود و نیازی به صدور ابلاغ مرکزی ندارد ولی در واحدهای ثبتی که فاقدمعاون است باید برای عضو ارشد ابلاغ مرکزی کفالت صادر شود. ماده ۲۳۴ ـ قراردادی که در زمان قانون جدید تنظیم شده و به موجب آن در مدت یا خصوصیات دیگر قرارداد سابق بر قانون جدید تغییر داده باشد ازنظر اجرایی تابع مقررات سابق است ماده ۲۳۵ ـ در مورد مطالبات وزارت دارایی صلاحیت اقدام با مراجع دارایی است و ادارات ثبت باید از اقدام راجع به اسناد طلب دارایی خودداری کنند. ماده ۲۳۶ ـ در مورد مطالبات وزارتخانه‌ها و موسسات یا شرکتهای دولتی و یا بانکها تشخیص اینکه از مبلغ پرداختی مدیون چه مقدار بابت اصل طلب می‌باشد با بستانکار است اگر مدیون نسبت به تشخیص بستانکار معترض باشد مرجع رفع اختلاف دادگاه صلاحیت دار خواهد بود. ماده ۲۳۷ ـ در مورد مالیاتهای متعلق به پرونده های اجرایی ، دوایر اجرا و ادارات ثبت باید بدهکار مالیاتی پرونده را برای پرداخت بدهی راهنمایی‌نمایند تا پس از پرداخت مالیات قبض آن را به اجرای ثبت تحویل دهند سپس در پرداخت طلب بستانکار یا ختم پرونده اقدام شود. ماده ۲۳۸ ـ در احتساب مواعد در کلیه فصول این آیین نامه روز ابلاغ و روز اقدام محسوب نخواهد شد و اگر آخرین روز مهلت اقدام تعطیل باشدتعطیل به حساب نیاید و روز بعد از تعطیل آخرین روز مهلت خواهد بود. ماده ۲۳۹ ـ قراردادهایی که طرفین نسبت به پرونده اجرایی در حضور مدیر ثبت یا مسوول اجرا یا مامورین اجرای پرونده در حدود صلاحیت قانونی آنها منعقد می‌نمایند معتبر و قابل ترتیب اثر است ماده ۲۴۰ ـ در اجرای ماده ۷۰۹ قانون مدنی ضامن که در اثر عملیات اجرایی بدهی مضمون عنه را پرداخته است وقتی می‌تواند به استناد سند ضمان (مستند پرونده اجرایی اجراییه را تعقیب کند که حق مراجعه ضامن به مدیون اصلی در سند مزبور ذکر شده باشد. ماده ۲۴۱ ـ اجراییه برگ وثیقه انبارهای عمومی مطابق ماه ۱۰ تصویبنامه انبارهای عمومی اصلاحی در تاریخ ۲/۱۰/۱۳۴۰ و ماده ۱۴ آیین نامه انبارهای عمومی مصوب ۲/۱۰/۱۳۴۰ روی اوراق اجرایی اسناد وثیقه از ثبت محل صادر می‌گردد و ضمایم درخواست نامه اجرایی و نیز عملیات اجرایی تابع مقررات راجع به انبارهای عمومی خواهد بود. ماده ۲۴۲ ـ برای اجراییه‌های راجع به قانون الحاق ماده ۱۰ مکرر و دو تبصره به قانون تملک آپارتمانها باید اوراق ذیل به ضمیمه تقاضانامه اجرایی به‌اجرای ثبت محل تسلیم شود. و در تقاضانامه قید گردد که بدهکار در مدت مقرر گواهی تقدیم دادخواست اعتراض به محکمه را تسلیم نکرده است ۱ ـ رونوشت اظهار نامه ابلاغ شده به مالک ۲ ـ رونوشت مدارک مثبت سمت مدیر یا هیات مدیران و صورت ریز سهم مالک از هزینه های مشترک ۳ ـ رونوشت سند معامله آپارتمان ماده ۲۴۳ ـ برای تقاضای صدور اجراییه بابت عوارض شهرداری موضوع ماده ۷۷ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق

مواد جدید به قانون شهرداری مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۴۵ باید اوراق ذیل به ثبت محل تسلیم شود: ۱ ـ درخواستنامه مخصوص صدور اجراییه ۲ ـ رونوشت مصدق رای کمیسیون حل اختلاف ۳ ـ اخطاریه ابلاغ شده رای مذکور به مودی ماده ۲۴۴ ـ در مواردی که شهرداری به استناد ماده ۷۷ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ و مواد ۸ ـ ۱۳ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب۱۳۴۷ و تبصره یک آن از اداره ثبت درخواست صدور اجراییه می‌نماید باید دلیل قطعیت رای مذکور در ماده یاد شده را نیز اعلام دارد. ماده ۲۴۵ ـ درخواست اجرا چک از ثبت محلی که بانک طرف حساب صادرکننده چک در آن محل واقع است به عمل میاید برای صدور اجراییه در مورد چک باید اوراق ذیل به ثبت محل تسلیم شود: ۱ ـ درخواست نامه چاپی طبق نمونه موجود در ثبت ۲ ـ اصل و فتوکپی چک و برگشتی آن ماده ۲۴۶ ـ هرگاه چک نسبت به قسمتی از مبلغ آن بدون محل باشد دارنده چک نسبت به باقی مانده حق صدور اجراییه دارد. ماده ۲۴۷ ـ هرگاه گواهینامه‌های متعدد و متعارض از بانک صادر گردد صدور اجراییه موکول به رفع تعارض از همان بانک است ماده ۲۴۸ ـ دعوی صادر کننده چک در مورد مطالبی که گاهی به عنوان بابت . در متن چک نوشته می‌شود و همچنین مطالب مذکور در ظهر چک درمورد ظهرنویس در اداره ثبت قابل رسیدگی نمی‌باشد و فقط وجه مرقوم در چک قابل صدور اجراییه در اداره ثبت می‌باشد. ماده ۲۴۹ ـ اعلام جرم علیه صادر کننده چک بی محل به مقامات صلاحیتدار مانع درخواست صدور اجراییه برای وصول وجه چک از طریق اداره ثبت نخواهد بود مگر اینکه دستوری در این باره از طرف مقامات قضایی صادر شود. ماده ۲۵۰ ـ اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای ذیل چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد باشد در اداره ثبت اجراییه صادر نخواهد شد. ماده ۲۵۱ ـ دارنده چک که حق تقاضای صدور اجراییه دارد اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او ظهرنویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل . ماده ۲۵۲ ـ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد صادر کننده چک و صاحب حساب متضامنا مسوول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار اجراییه علیه آنها بر اساس تضامن صادر می‌شود. ماده ۲۵۳ ـ در مورد چک‌های وعده‌دار اجراییه پس از سررسید صادر خواهد شد. ماده ۲۵۴ ـ پس از صدور اجراییه چک دارنده چک می‌تواند ضمن اعلام انصراف از تعقیب عملیات اجرایی مطالبه استرداد لاشه چک را بکند در این‌صورت اگر اجراییه ابلاغ شده باشد حق الاجرا را باید بپردازد. و دراین مورد پرونده مختومه محسوب است ماده ۲۵۵ـ به استناد ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی (مصوب ۱۲/۴/۵۴) لغو می‌شود. ماده ۲۵۶ ـ هر یک از شعب بانکهای تعاون کشاورزی و شرکتهای تعاونی روستایی و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و شرکتهای تعاونی کشاورزی و اتحادیه‌های تعاونی کشاورزی که درخواست صدور اجراییه به استناد اسناد تنظیمی با وام گیرندگان بر طبق ماده ۱۱ قانون تشکیل بانک تعاون کشاورزی ایران مصوب سال ۴۸ و تبصره ۶۳ ماده واحده قانون بودجه اصلاحی سال ۵۲ و بودجه سال ۵۳ کل کشور را تا مبلغ یکصد هزار ریال دارند باید یک‌نسخه از سند تنظیم شده طبق فرم مخصوص را به انضمام رونوشت آن به اداره ثبت بفرستند. اداره ثبت پس از ملاحظه اصل سند و تطبیق رونوشت آن در صورتی که بانک مطالبه نماید اصل سند را مسترد خواهد نمود. ماده ۲۵۷ ـ در صورتی که استفاده کنندگان از آب از پرداخت بهای آب خودداری نمایند اگر قراردادی بین آنها و سازمانها و شرکت‌های آبیاری که بیش ازپنجاه درصد سهام آن متعلق به دولت است منعقد شده باشد طبق همان قرارداد و در صورت نبودن قرارداد و عدم توافق برابر رای کمیسیون مذکور درماده واحده مصوب سال ۴۶ قانون وصول بهای آب سازمانها و شرکتهای تابع وزارت آب و برق که قطعی است اداره ثبت محل برابر این آیین نامه به‌تقاضای مرجع وصول کننده آب بها اجراییه صادر خواهد نمود و مرجع متقاضی باید یک نسخه از قرارداد یا رای کمیسیون و رونوشت مصدق یا فتوکپی انها را به انضمام مطالبه نامه و تقاضای صدور اجراییه به اداره ثبت محل ارسال دارد. اصل رای یا قرارداد پس از مقابله و تصدیق برابری با اصل به‌متقاضی رد می‌شود. ماده ۲۵۸ ـ در مورد تقاضای صدور اجراییه برای وصول آب بها بر طبق ماده ۵۳ قانون آب و نحوه ملی شدن آن ۲۰) مصوب سال ۴۷ در نقاطی که‌دستور اجرای قانون داده شده است مسوول منطقه یا ناحیه آبیاری یک نسخه از اخطاریه

ابلاغ شده موضوع تبصره ۶ ماده مذکور را به انضمام تقاضانامه ای که بر طبق ماده یاد شده تنظیم می‌نماید جهت صدور اجراییه به اداره ثبت محل خواهد فرستاد. ماده ۲۵۹ ـ دادستان ارتش (نظامی در مورد محکومیت‌های نقدی باارسال رونوشت حکم قطعی شده می‌توانـد از طریق اداره حقوقی و قضـایی وزارت جنـگ بـا معرفی اموال منقول یـا غیر منقول محکوم علیه تقاضـا نمایـد که عملیات اجرایی به وسیله ادارات ثبت بر اساس مقررات مربوط به اجرا اسناد رسمی به عمل آیـد و ادارات ثبت مکلف به انجام این تقاضـا می‌باشند. ماده ۲۶۰ ـ اختیارت و مسوولیتها و وظایفی که در تبصره اول و سوم ماده ۴ و مواد ۲۹ و ۳۰و ۵۰و ۵۴و ۵۶و ۵۷و ۸۳و ۸۴و ۸۶و ۱۰۳و ۱۰۴و۱۰۹و ۱۱۰و ۱۲۹و ۱۳۰و ۱۴۶و ۱۴۷و ۱۷۱و ۱۷۵ و تبصره آن و ۱۷۷و ۲۱۲و ۲۱۴و ۲۲۷و ۲۲۹و ۲۳۰ و بند ۲و ۳و ۴ آن و ۲۳۲و ۲۳۳و تبصره آن۲۳۹و ۲۴۱و ۲۴۳و ۲۴۴و ۲۴۵و ۲۴۸و ۲۵۰و ۲۵۵و ۲۵۶و ۲۵۷و ۲۵۸و ۲۵۹ این آیین نامه به اداره ثبت و مدیر ثبت و رییس اجرا در تهران گذاشته‌شده از تاریخ تصویب و ابلاغ تشکیلات جدید در تهران به اداره کل اجرا و مدیر کل آن محول می‌شود.(الحاقی ۲۸/۳/۱۳۶۹)

قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی – مصوب ۲۲ آبان ۱۳۵۲

مـاده واحـده ـ از تاریـخ اجرای این قـانون جز در مورد جزای نقـدی هیـچ کس در قبال عـدم پرداخت دین و محکوم به و تخلف از انجـام سـایر تعهـدات والزامات مالی توقیف نخواهـد شـد و کسانی که به این جهات در توقیف می باشـند، آزاد می‌شونـد. بـدهکار مکلف است از تاریـخ ابلاغ اجراییه تا یک ماه مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به یا دین خود بدهد یـا مـالی معرفی کنـد که اجرای حکم و استیفای طلب از آن میسر باشـد. در صورتی که بـدهکار خودرا قادر به اجرای مفاد اجراییه ندانـد بایـد ظرف مهلت مـذکور صورت جامع دارایی خود را به مسیول اجرا تسـلیم کنـد و اگر مالی نـدارد صـریحا اعلام نمایـد و بـدهکارانی که در توقیف بوده و به موجب این قـانون آزاد می‌شونـد نیز قبل از آزادی مکلف به تسـلیم چنین صورتی از اموال خود می‌باشـند همچنین در مورد بـدهکارانی که قبلا اجراییه به آنها ابلاغ شـده لیکن تاکنون بازداشت نشده‌انـد ابتدای یک ماه مقرر ، از روز قابل اجرا بودن این قانون است هرگاه ظرف سه سال بعـد از انقضای مهلت مذکور یا سه سال پس از آزاد شدن از زندان معلوم شود که بـدهکار قـادر به اجرای حکم و پرداخت دین بوده‌لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یـا صورت خلاف واقع از دارایی خود داده و یـا پس از تحصـیل مـالی که قبلاـ مالـک نبوده و بعـدا به دست آورده وجود آن را اعلاـم ننموده به نحوی که اجرای تمام یا قسـمتی از مفاد اجراییه متعسر گردیـده است به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم‌خواهـد شد. بدهکاری که درمدت مذکور قادر به پرداخت دین خود نبوده ، مکلف است هر موقع که به تادیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ، آن را بپردازد. هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده و تا یک ماه از تاریخ تمکن آن را نپردازد و یا به مسیول اجرا معرفی نکند به مجازات فوق الذکر محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ مقررات این ماده مانع از آن نخواهـد بود که طلبکار هر وقت مالی از محکوم علیه یا مـدیون به دست آید به تعقیب اجراییه و استیفای طلب خود اقدام کند. تبصره ۲ ـ تنظیم سـند مبتنی بر اشـتغال ذمه مدیون برخلاف واقع بین او و اشـخاص ثالث و استفاده از آن به منظور فرار از پرداخت تمام یا قسـمتی ازدین یا محکوم به ، مستلزم مجازات فوق الذکر است تبصره ۳ ـ تعقیب کیفری جرایم منـدرج در این ماده منوط به شـکایت شـاکی خصوصـی است و در صورت گـذشت او تعقیب یـا اجرای مجازات موقوف می گردد. تبصـره ۴ ـ مقررات مربوط به صـدور اجراییه مـذکور در ماده یک قانون صـدور چک مصوب سال ۱۳۴۴ بـدون آنکه منتهی به بازداشت شود کماکان لاـزم الاـجرا می‌باشـد و مقررات کیفری چـک نیز به قوت خود باقی است آن قسـمت از مقررات مربوط به اجرای احکام و اسـناد و تعهدات و اعسار که مغایر این قانون می‌باشد، ملغی است

آیین نامه کیفیت هزینه و نحوه نگهداری حساب از درآمد موضوع ماده ۳۹ اصلاحی قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری

فصل اول ــ جمع آوری درآمدها و نگهداری حساب آنها (مواد ۱ تا ۵)

موضوع ماده ۳۹ اصلاحی قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری فصل اول ـ جمع آوری درآمدها و نگهداری حساب آنها ماده ۱ ـ به منظور تمرکز حاصله از اجرا ماده واحده اصلاح ماده ۳۹ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ شورای انقلاب‌اسلامی ایران حساب مخصوصی از طرف خزانه داری کل در بانک مرکزی ایران افتتاح و کلیه عواید حاصله از اجرا قانون به حساب مذکور منتقل و واریز خواهد شد. ماده ۲ ـ ادارات امور مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد در مرکز و کلیه واحدهای قضایی و ادارات ثبت شهرستان‌ها و واحدهای وصول آنها مکلفند پانزده درصد از وجوهی که بابت هزینه های دادرسی و حق اجرا احکام مدنی و جزای نقدی و هزینه‌های ثبتی و اجرایی و غیره وصول می‌نمایند از طریق ادارات امور اقتصادی و دارایی به حسابی که موجب ماده ۱ این آیین نامه در بانک مرکزی ایران افتتاح گردیده منتقل نموده و همه ماهه آمار وجوه وصولی و تحویلی را به تفکیک نوع درآمد تنظیم و منتهی تا پنجم ماه بعد به اداره کل امور مالی وزارت دادگستری ارسال دارند. ماده ۳ ـ اداره کل امور مالی وزارت دادگستری دفاتر مخصوصی برای نگاهداری حساب عواید وصولی و هزینه هایی که از محل وجوه مذکور انجام می‌شود اختصاص و کلیه عملیات را در آن ثبت خواهد نمود. ماده ۴ ـ چنانچه وجوهی که بابت پانزده درصد وصول می‌شد در سال جاری به حساب درآمد عمومی واریز شده باشد یا بشود از حساب درآمد عمومی برگشت و به حسابی که به موجب ماده ۱ این آیین نامه در بانک مرکزی ایران افتتاح گردیده است منتقل خواهد شد. ماده ۵ ـ در پایان هر سال مانده عواید حاصله به سال های بعد منتقل و مورد تعهد و مصرف واقع خواهد شد.

فصل دوم ــ هزینه (مواد ۶ تا ۱۰)

ماده ۶ ـ تشخیص و انجام تعهد و تسجیل در مورد هزینه‌های موضوع ماده ۳۹ قانون اصلاح قوانین دادگستری به عهده وزیر دادگستری یا مقاماتی است که از طرف وزیر دادگستری تعیین می‌شود. ماده ۷ ـ برای پرداخت هزینه هایی که از محل درآمد موضوع قانون مزبور انجام خواهد شد حساب مخصوصی در بانک مرکزی ایران یا با موافقت بانک مذکور در بانک ملی ایران به نام اداره کل امور مالی وزارت دادگستری افتتاح خواهد شد و وجوهی که به موجب ماده ۱ در بانک مرکزی ایران متمرکز گردیده به درخواست ذیحساب وزارت دادگستری از طریق خزانه به این حساب منتقل خواهد شد. تبصره ـ استفاده از این حساب با امضا مشترک ذیحساب و لااقل یک امضا دیگر به معرفی وزیر دادگستری خواهد بود. ماده ۸ ـ اداره کل امور مالی وزارت دادگستری صورت کلیه درآمدهای وصولی و هزینه هایی را که به موجب دستورات وزارت دادگستری و با رعایت مقررات و موازین این آیین نامه پرداخته شده با اسناد هزینه ضمن سایر حساب های ماهیانه به دیوان محاسبات ارسال خواهد نمود. ماده ۹ ـ هرگونه تغییر و تجدید نظر در مواد این آیین نامه و ارقام بودجه موکول به تصویب وزیر دادگستری می‌باشد. ماده ۱۰ ـ از تاریخ تصویب آیین نامه ، آیین نامه نحوه وصول و نگاهداری حساب درآمد و کیفیت هزینه پانزده درصد درآمدهای دادگستری و ثبت موضوع ماده ۳۹ قانون اصلاح قوانین دادگستری مصوب خرداد ۱۳۵۶ الغا می‌شود.

نظریه شورای نگهبان در خصوص دریافت بهره و خسارات تاخیر تادیه از دولتها و موسسات و شرکتها و ا

دریافت بهره و خسارات تاخیر تادیه از دولت ها و موسسات و شرکت ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند ، شرعا مجاز است لذا مطالبه وصول این گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد

قانون اعسار – مصوب آذر ماه ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی

فصل اول ــ اعسار در مورد مخارج محاکمه (مواد ۱ تا ۱۹

مصوب آذر ماه ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی) شماره ۱۷۸۴ سال ۱۳۱۳ مجله رسمی) ماده ۱ ـ معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تادیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد. فصل اول ـ اعسار در مورد مخارج محاکمه مواد ۲ تا ۱۹ ملغی شده است

فصل دوم ــ اعسار در مورد محکوم به (ماده ۲۰ تا ۲۶)

ماده ۲۰ ـ مرجع رسیدگی به دعوای اعسار در مورد محکوم به محکمه‌ای است که بدایه به دعوی اصلی رسیدگی کرده است دعوی اعسار در مقابل اوراق اجراییه ثبت اسناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد. ماده ۲۱ ـ دعوی اعسار در مورد محکوم به به طرفیت محکوم له دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم الاجرای ثبت اسناد به طرفیت متعهدله اقامه خواهدشد. ماده ۲۲ ـ در رسیدگی به دعوی اعسار در مورد محکوم به هرگاه محکوم علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز ادعای اعسار کند موقتابدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه به دعوی اعسار معاف است ماده ۲۳ ـ مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به عرض حال خود ضمیمه نماید. در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسایل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکوم‌به یا دین با تعیین مبلغ آن تصریح شود. ماده ۲۴ ـ مقررات مواد ۸ و ۹ و قسمت اول از ماده ۱۰ و ماده ۱۱ و ۱۲ (جز اخطار به مدعی العموم در مورد اعسار نسبت به محکوم‌به یا دین نیزرعایت خواهد شد. ماده ۲۵ ـ در صورت غیبت مدعی اعسار در جلسه محاکمه یا عدم تعقیب او تقاضای مدعی علیه برای رسیدگی به دعوی مزبور کافی است ماده ۲۶ ـ حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف و تمیز است

فصل سوم ــ مقررات جزایی (ماده ۲۷ تا ۳۲)

ماده ۲۷ ـ در مورد رد عرض حال اعسار به طریق ذیل رفتار می‌شود (بند ۱ و شقوق الف و ب آن مربوط به رد اعسار از هزینه دادرسی بوده که به مواد ۵۰۴ الی ۵۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مراجعه شود) ۲ ـ در صورتی که ادعای اعسار در مورد محکوم‌به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی را به پرداخت وجوه ذیل محکوم می‌نماید الف ـ مخارج محاکمه اعسار معادل دوبرابر مخارج معمولی ب ـ حق‌الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار به شرح مذکور در قسمت (ب فقره اول همین ماده ماده ۲۸ ـ مفاد ماده ۲۷ در مورد رد اعسار در مقابل اوراق اجراییه ثبت اسناد نیز لازم الرعایه است ماده ۲۹ ـ اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده به حبس تادیبی

از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۳۰ ـ اگر پس از قبول اعسار ثابت شود که شهود قضیه عامدا شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده به مجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون‌مجازات عمومی محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ ـ هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده و معهذا از حکم اعسار استفاده کرده است به تقاضای محکوم له یا متعهدله جزایا تعقیب و به حبس تادیبی تا دو ماه محکوم خواهد شد. ماده ۳۲ ـ هر کس به نحوی از انحاء برای معسر قلمداد کردن کسی که معسر نیست با او تبانی کرده و یا برخلاف حقیقت خود را طلبکار معسر قلمداد و دراین موضوع با معسر تبانی کند شریک جرم مذکور در ماده فوق محسوب خواهد شد.

فصل چهارم ـ مقررات مختلفه (مواد ۳۳ تا ۴۰)

ماده ۳۳ ـ از تاجر عرضحال اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف دهد. کسبه جز مشمول این ماده نخواهند بود. ماده ۳۴ ـ در هر موقع که معسر به تادیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم به تادیه آن است ـ نسبت به ورقه اجراییه که بر علیه معسر صادرشده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری می‌شود و مدت آن ده سال است ماده ۳۵ ـ اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه را تحصیل کرده است در دعوای اصلی خود محکوم به بی حقی گردد محکوم له نیز از پرداخت بقیه محاکمه که به محکومیت معسر منتهی شده معاف خواهد بود. ماده ۳۶ ـ در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد طلبکاران او قایم مقام قانونی مدعی اعسار بوده وحق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند. ماده ۳۷ ـ اشخاصی که دارایی نداشته یا دارایی آنها کافی برای تادیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغلی و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی‌خود را بپردازند محکمه (در مورد محکوم به) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم الاجرا) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان و مدت وعده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد. ماده ۳۸ ـ کسی که طلب خود را به غیر مدیون انتقال داده و بعد از انتقال آن را از مدیون سابق خود دریافت کرده و یا به دیگری انتقال دهد کلاهبردار محسوب می‌شود. هرگاه مدیون بدهی خود را بعد از انتقال به داین سابق تادیه نماید منتقل الیه حق رجوع به او نخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که قبل از تادیه دین‌انتقال را به اطلاع مدیون رسانیده و یا اینکه مدیون به وسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است ماده ۳۹ ـ از تاریخ اجرای این قانون دیگر دعوایی به عنوان دعوی افلاس پذیرفته نخواهد شد و نسبت به دعوی افلاسی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده بر طبق نظامنامه مخصوصی که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود اقدام می‌شود. ماده ۴۰ ـ قانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ قانون اصول محاکماتی که به موجب قانون مزبور نسخ شده به حال منسوخی باقی می‌ماند و این قانون از تاریخ تصویب به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون اجازه کسر اقساط معوقه و استیفای مطالبات بانک مسکن از محل حقوق و دریافتی های بدهکارا

ماده واحده ـ به بانک مسکن اجازه داده می‌شود به منظور استیفای مطالبات خود و وصول اقساط معوقه بابت وام هایی که مستقیما یا به قائم مقامی یانمایندگی وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی به کارمندان و مستخدمین دولت و سازمانها و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت یا موسسات دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است پرداخت نموده یا می‌نماید ، در صورت عدم اجرای تعهدات و پرداخت به موقع اقساط و دو نوبت اخطار کتبی ده روزه و عدم مراجعه بدهکار و پرداخت بدهی به نحوی که بانک مقرر می‌کند با ابلاغ موضوع به دستگاه متبوع بدهکار درخواست کسر اقساط معوقه را از حقوق و مزایا و یا دستمزد

بدهکار بنماید و دستگاه متبوع بدهکار ، ملزم به انجام درخواست و واریز کسور مذکور به حساب بانک مسکن می‌باشند مشروط به آن که حداکثر از اقساط ماهانه معوقه بیشتر نباشد. تبصره ۱ ـ سازمان بازنشستگی کشور و نیز کلیه سازمانها و موسسات که به مستخدمین و کارکنان بازنشسته خود یا به ورثه آنان حقوق بازنشستگی یا مستمری و وظیفه پرداخت می‌نمایند مشمول احکام این قانون می‌باشند. تبصره ۲ ـ مطالبات فوق شامل اصل و کار مزد وام خواهد بود. تبصره ۳ ـ در مورد شهرداری ها و شرکتهای خصوصی و موسسات مشابه که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است بانک با توافق بدهکاران می‌توانند ،به طریق فوق عمل نماید و در صورت عدم توافق به دادگاه صالحه مراجعه نمایند.

قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها – مصوب ۱۴ ۲ ۱۳۶۱

ماده واحده ـ وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها اعم از اینکه در بانکها و یا در تصرف شهرداری و یا در نزد اشخاص ثالث و بصورت ضمانتنامه به نام شهرداری باشد قبل از صدور حکم قطعی قابل تامین و توقیف و برداشت نمی‌باشد. شهرداریها مکلفند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادره از دادگاهها و یا اوراق اجرایی ثبتی یا اجرای دادگاهها و مراجع قانونی دیگر را درحدود مقررات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و یا در صورت عدم امکان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تاخیر تادیه به محکوم لهم پرداخت نمایند. در غیر اینصورت ذینفع می‌تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تامین و یا توقیف یا برداشت نماید. تبصره ـ چنانچه ثابت شود که شهرداری با داشتن امکانات لازم از پرداخت دین خود استنکاف نموده است شهردار بمدت یکسال از خدمت منفصل‌خواهد شد.

آیین نامه نحوه اجرای حراج و نوبت آن و تشکیل مراکز حراج و نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد ورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننده – مصوب آبان ۱۳۵۲

فصل اول ــ کلیات (مواد ۱ تا ۶)

آیین نامه نحوه اجرای حراج و نوبت آن و تشکیل مراکز حراج و نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد ورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننده مصوب آبان ۱۳۵۲ نظر به تبصره ۱ از ماده ۳۴ و تبصره ۳ از ماده ۳۴ مکرر و ماده ۱۵۷ قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸ ۱۰ ۵۱ مواد ذیل را مقرر می‌دارد فصل اول ـ کلیات ماده ۱ ـ در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مقتضی بداند مرکز یا مراکز حراج مرکب از یک رییس ولدی الاقتضا یک معاون و به تعداد کافی کارمند و اعلام کننده (چوب زن تشکیل می‌شود. در سایر واحدهای ثبتی به تناسب حجم کار تصدی مرکز حراج با رییس اجرا و یا کارمندی است که به پیشنهاد ثبت منطقه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سمت منصوب خواهد شد و عنداللزوم تعداد کافی کارمند و ممیز خواهد داشت ماده ۲ ـ مرکز حراج می‌تواند برای شناساندن خود و جلب توجه عموم به وسایل مقتضی تبلیغ نماید و افراد ذینفع نیز چنانچه مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال و املاک مورد حراج باشند با نظارت مرکز حراج می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. ماده ۳ ـ مرکز حراج علاوه بر دفاتر اداری لازم ، دارای دفاتر زیر خواهد بود ۱ ـ دفتر اموال غیر منقول ۲ ـ دفتر اموال منقول ۳ ـ دفتر اوقات حراج ۴ ـ دفتر انبار. ماده ۴ ـ در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که مرکز یا مراکز حراج جداگانه تشکیل می‌گردد، بایگانی مرکز حراج با روش تنظیم کارت اداره خواهد شد ـ نمونه کارت و نحوه عمل را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین خواهد کرد. اجرا به جای ارسال پرونده اجرایی به مرکز

حراج برای هر پرونـده کارت مـذکور را در دو نسـخه تنظیم و کلیه مشـخصات مال را در آن قید و پس از گواهی در موعد مقرر به مرکز حراج ارسـال می‌دارد. عملیـات حراج و همچنین صورت مجلس مربوط به فروش یا عـدم فروش مال در هر دو کارت مزبور به وسیله مرکز حراج منعکس و به امضا اشخاص ذینفع و مسولین امر خواهد رسید، پس از پایان کار یک نسخه از کارت تکمیل شده در مرکز حراج بایگـانی و نسـخه دیگر به اجرا مربوطه برای بایگـانی در پرونـده ارسـال می گردد. ماده ۵ ـ رییس و کارمنـدان مرکز حراج و اجرا و مباشـرین فروش و کارمنـدان ثبت محل و نماینده دادسـتان حق شـرکت در اصل حراج به طور مسـتقیم یاغیر مسـتقیم نخواهند داشت ماده ۶ ـ رییس و کارمنـدان مرکز حراج مکلفند با مراجعین نهایت حسن سـلوک را مرعی داشـته و اطلاعات لازم و کافی در اختیار آنها قرار دهنـد و همچنین رییس مرکز حراج بایـد در حفظ نظم و ترتیب کارها مراقبت کافی معمول داشـته چنانچه افرادی مخل نظم و یا مانع ادامه کار به نحو صحیح و مطلوب گردند با تنظیم صورت مجلس نسبت به اخراج آنها اقدام و عندالاقتضا آنان را به مقامات انتظامی تحویل نماید.

فصل دوم ـ تهیه مقدمات حراج (مواد ۷ تا ۱۵)

ماده ۷ ـ مرکز حراج بایـد به مجرد وصول کـارت ـ از جهت اطلاـع اینکه تغییراتی در وضع ملک حـادث شـده یـا خیر از ثبت محل استعلام و اگر ملک دراجاره رسمی باشد میزان مال الاجاره را تعیین نماید و همچنین اگر ملک دارای اعیانی است با معاینه محل و ترسیم کروکی مساحت و مشخصات وکیفیت اعیـانی را اعم از ساختمـان و اشـجار تعیین و در صورت وجود نقشه هوایی موقعیت ملک را روی آن مشخص چنـانچه نقشه هوایی نباشـد به کیفیتی که محـل وقوع ملک و نشانی آن برای مراجعین مشـخص گردد ـ کروکی تهیه کنـد و مقـدمات حراج را فراهم سازد. ماده ۸ ـ در مورد اموال منقول بایـد کیفیت و نوع و مشـخصات کامـل آن تعیین گردد و اجرا بایـد ترتیبی اتخـاذ نمایـد که در انقضا چهار ماه مقرر اموال مورد حراج را در اختیار داشـته و با کارت مربوط به مرکز حراج تحویـل نمایـد ـ قبـل از تحویـل مـال مورد حراج به مرکز حراج ارسـال کارت به مرکز مزبور مورد نـدارد. ماده ۹ ـ در آگهی الصـاقی حراج مـال غیر منقول بایـد نکات زیر تصـریح شود ۱ ـ نـام و نـام خانوادگی مالک ۲ ـ محل و حـدود و مقـدار و توصیف اجمالی ملک ۳ ـ هرگاه واگذاری منافع مستند به سند رسمی باشد خواه مدت آن منقضی شده باشد یا نشده باشد مراتب با ذکر مال الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی الصاقی درج می‌شود و در صورتی که به موجب سـند رسـمی مقدم بر تاریخ تنظیم سند معامله موضوع اجراییه برای مـدت معینی مسلوب المنفعه باشـد موضوع صـریحا بایـد در آگهی قید شود. ۴ ـ تعیین اینکه ملـک ثبت شـده است یا نه ۵ ـ تصریح به اینکه مورد حراج مشاع است یا مفروز. ۶ ـ قیمتی که حراج از آن شروع می‌شود. ۷ ـ تذکر اینکه بدهی‌های مربوط به آب لوله‌کشی و برق و تلفن اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مکالمه و مصرف در صورتیکه مورد حراج دارای آب لوله‌کشـی و برق و تلفن و گاز باشد و همچنین بدهی مالیات و عوارض شهرداری تا تاریخ حراج اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شـده یا نشده باشد، به عهده برنده حراج است ۸ ـ روز و محل و ساعت شـروع و ختم حراج ماده ۱۰ ـ در آگهی الصاق حراج اموال منقول نکات زیر باید تصریح شود ۱ ـ نوع اموال مورد حراج و توصیف اجمالی آن ۲ ـ روز و محل و ساعت شروع و ختم حراج ۳ ـ قیمتی که حراج از آن شـروع می‌شود. ماده ۱۱ ـ مسـیول مرکز حراج مکلف است هنگام صـدور آگهی الصاقی مراقبت کامل نماید که مندرجات آگهی طبق مقررات این آیین نامه صحیحا قید وتنظیم شده باشد و قبل از الصاق نیز مجددا بررسی لازم به عمل آورده و چنانچه احیانا اشـتباهی رخ داده باشد با حضور نماینده دادسـتان نسبت به اصلاح نسخ آگهی و قید توضیح در ذیل آن اقدام و به امضا خود و نماینده دادسـتان برساند و سـپس نسـبت به الصاق آگهی اقدام شود. مسـئولیت هر نوع اشتباه در آگهی به عهده شخص رییس یا مسـیول مرکز حراج خواهـد بود. ماده ۱۲ ـ فاصـله انتشار آگهی الصاقی با اولین روز حراج نبایـد از پانزده روز کمتر باشـد.

آگهی‌های ملاصـقه در مرکز حراج بایـد تا آخرین ساعت اداری روز فروش یا واگـذاری مال در تابلو آگهی‌ها محفوظ نگاه داشـته شود و در مورد اموال غیرمنقول بایـد نقشه هوایی و یـا کروکی ترسـیمی که نشـان دهنـده موقعیت محـل وقوع ملـک است با آگهی الصـاقی در مرکز حراج بـا جنبه نمایشـی و تبلیغـاتی نصب شود. آگهی نـامبرده علاوه بر مرکز حراج بایـد به محـل ملـک و امـاکن عمومی از قبیل (فرمانـداری ـ بخشداری ـ شـهرداری ـ کلانتری و دادگستری و ثبت اسـناد) الصاق شود. در مورد اموالی که به کمتر از پنجـاه هزار ریـال به حراج گذاشـته می‌شود فقـط الصـاق آگهی در مرکز حراج کـافی است ماده ۱۳ ـ اعتراض نسبت به عملیات اجرایی مربوط به اموال منقول مورد وثیقه تا پنج روز بعد از ارسال کارت به مرکز حراج پذیرفته خواهد شد. مدیرثبت یا رییس اجرا (حسب مورد) مکلف است فورا نسبت به اعتراض واصله رسیدگی و نظر خود را اعلام نماید ـ چنانچه نظر متخذه مورد اعتراض‌قرار گیرد هیـات نظارت مکلف است خارج از نوبت و حـداکثر تا یک هفته قبل از تاریـخ حراج رای خود را صادر و دفتر هیات فورا آن را به مرکز حراج ارسـال دارد چنـانچه تـا روز حراج نتیجه قطعی اعتراض اعلام نشود ، عملیات حراج متوقف و پس از تعیین تکلیف قطعی حراج تعقیب و ظرف سی روز انجام و پایان خواهد پذیرفت ماده ۱۴ ـ هر مرکز حراج می‌تواند در هر موقع که اموال منقول و غیر منقول که برای حراج در اختیار دارد به مقـداری برسـد که از جهت کیفیت و کمیت قابل توجه باشـد. با کسب اجازه از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بولتن (Bulletin) شامل مشـخصات کامل اموال و املاک مورد حراج و تاریخ و مبلغ شروع آن و سایر اطلاعاتی که به شـناساندن مال به مشتری کمک نماید مرتبا و به فاصـله‌ای که مقتضی بداند منتشر و به مبلغی که حداکثر ده در صد بیشتر از بهای تمام شده و اجرت توزیع نباشد در اختیار عموم قرار دهد. چنانچه افرادی مایل باشند که بولتن (Bulletin) مذکور را آبونه شوند مخارج توزیع از وجه اشتراک کسر خواهد شد. مطالعه این بولتن (Bulletin) در مرکز حراج نیز مجانا برای استفاده در اختیار مراجعین گذاشته می‌شود برای عموم آزاد و مجانی است ماده ۱۵ ـ مرکز حراج مکلف است از تاریخ صدور آگهی الصاقی تا آخرین ساعت روز حراج اموال منقول مورد آگهی را به رویت مشتریانی که مراجعه می‌نماینـد برسانـد. همچنین در مواردی که قبل از صـدور آگهی الصـاقی بـدهکار مشتریـانی را برای ملاحـظه اموال منقولی که برای حراج در اختیار مرکز حراج است بیاورد مرکز مـذکور موظف است اموال نامبرده را با حضور مدیون و یا نماینده قانونی او به مشتری ارایه دهد . در مورد اموال غیر منقول نیز باید مرکز حراج رأسا مشتریانی را که مراجعه می‌نمایند به محل وقوع ملک هدایت نماید.

فصل سوم ــ حراج اموال منقول و غیر منقول و تنظیم سند انتقال (مواد ۱۶ تا ۴۴)

ماده ۱۶ ـ حراج اموال غیر منقول در روزهـای یکشـنبه و چهارشـنبه و اموال منقول در روزهای دوشـنبه و پنجشـنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ صبـح به عمـل خواهـد آمـد ، روزهـای مـذکور در هر حـال بایـد داخـل هفته آخر دو مـاه مقرر در قانون باشـد ، چنانچه هر یک از روزهای مقرر مصادف با تعطیل باشـد روز بعـد از تعطیل روز حراج است در مورد حراج اموال غیر منقول هرگاه آخرین روز دو ماه مقرر مصادف با هر یک از روزهای یکشـنبه یا دوشـنبه یا سه شـنبه باشـد اولین روز حراج روز چهارشـنبه هفته قبل خواهـد بود و در مورد اموال منقول به همین روش عمل خواهـد شد. حراج حضوری خواهد بود ، چنانچه در جلسه اول خریدار پیدا شود مورد حراج به خریـدار واگـذار خواهـد شـد مگر اینکه مـدیون درخواست نمایـد که موردحراج در جلسه بعـدی به حراج گذارده شود ، در این صورت مـال در جلسه بعـدی به حراج گذاشـته می‌شود. چنانچه خریـداری نبود مورد حراج طبق مقررات در قبال اصل و خسارات و حقوق دولتی به بسـتانکار واگذار می گردد. ماده ۱۷ ـ در مورد معاملات اموال غیر منقول مـذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت هرگـاه بـدهکار متعـدد بوده و فک و فسـخ معامله موکول به پرداخت تمامی دین شـده و تاریـخ ابلاغ اجراییه به بـدهکاران متفاوت باشـد برای هر یک از بـدهکاران تاریخ ابلاغ موخر مبـدا احتساب شـش ماه موعـد قبول تقاضای حراج خواهد بود. وصول تقاضای

حراج از ناحیه هر یک از مدیونین برای حراج ششدانگ کافی است در این قبیل موارد قبول استرداد تقاضای حراج و یا در صورت وجود خریدار تجدید حراج برای جلسه دوم موکول به موافقت کلیه بدهکاران است ماده ۱۸ ـ در مورد ماده قبل هرگاه در اولین جلسه حراج خریدار پیدا شود و مازاد مال در بازداشت غیر باشد تجدید جلسه موکول به موافقت مدیون و بازداشت‌کننده مازاد خواهد بود. هر یک از بدهکاران و یا هر یک از اشخاص ذینفع اعم از بازداشت‌کننده مازاد و غیره در صورت عدم توافق می‌توانند تفاوت مبلغ شروع حراج تا میزانی‌که خریدار پیدا شده به انضمام حق حراج را برای جبران خسارات احتمالی پرداخت و تقاضا نمایند مال در جلسه دوم به حراج گذاشته شود و اگر درجلسه بعد مورد حراج به مبلغ کمتری فروش رفت و یا خریدار پیدا نشد تفاوت از مبلغ پرداختی برداشت و به صاحب حق تسلیم و حق حراج به صندوق پرداخت خواهد شد. در صورتی که تقاضای تجدید جلسه از طرف افرادی باشند که در صورت ختم حراج از تفاوت حاصله از فروش منتفع می‌گردند متقاضی می‌تواند تفاوت را با کسر مبلغی که در صورت فروش به او تعلق می‌گرفت با حق حراج برای جبران خسارات سایرین تودیع نماید. ماده ۱۹ ـ جلسات حراج اموال منقول و غیر منقول بیش از دو جلسه نخواهد بود ولو این که طرفین تقاضای تکرار آن را نموده باشند. ماده ۲۰ ـ ورود به مرکز حراج برای عموم آزاد است جلسه حراج با حضور رییس و در غیاب او با حضور معاون مرکز حراج و نماینده دادستان و متصدی حراج تشکیل خواهد شد. ماده ۲۱ ـ در هر مورد که تا قبل از ارسال کارت به مرکز حراج معلوم شود که واگذاری مورد معامله قانونا میسر نیست مادام که رفع مانع نشده از ارسال کارت به مرکز حراج خودداری خواهد شد و چنانچه در خلال دو ماه عملیات حراج معلوم گردد که واگذاری مورد معامله قانونا مقدور نیست از هر گونه اقدام خودداری و جریان به اجرا اعلام خواهد شد. ماده ۲۲ ـ عملیات حراج جز در موارد ذیل متوقف نخواهد شد ۱ ـ دستور اجرا. ۲ ـ وصول حکم یا دستور موقت یا قرار توقیف عملیات اجرایی ۳ ـ مورد مذکور در ماده ۲۱ این آیین نامه ۴ ـ اعلام وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی در صورتی که موجب تمدید مدت شود. ۵ ـ رای هیات نظارت یا شورای عالی ثبت ۶ ـ استرداد تقاضای حراج از ناحیه مدیون در مواردی که مجاز به استرداد است ۷ ـ پرداخت کلیه مطالبات بستانکار و حقوق اجرایی در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ چنانچه مال مورد حراج غیر منقول باشد پس از رفع مانع عملیات حراج طی دو ماه مقرر از سر گرفته خواهد شد و در مورد اموال منقول هرگاه فاصله بین تاریخ متوقف شدن عملیات حراج تا انقضای دو ماه مقرر بیش از سی روز باشد پس از رفع مانع عملیات حراج تا انقضای مدت ادامه خواهد یافت و اگر این فاصله کمتر از سی روز باشد عملیات حراج طی مدت سی روز انجام خواهد گرفت ماده ۲۳ ـ در مورد اجرای قسمت اخیر ماده ۲۱ آیین نامه اجرای قانون اصلاحی ثبت تشخیص عدم قابلیت تجزیه مال (اعم از منقول یا غیر منقول به عهده اجرا است در کلیه موارد صرف ارسال کارت به مرکز حراج مبین لزوم اقدام به عملیات حراج خواهد بود. ماده ۲۴ ـ هرگاه مورد معامله رقبات متعدد باشد چنانچه برای هر یک از رقبات خریدار جداگانه پیدا شود و جمع مبلغ خرید بیشتر از مبلغ شروع حراج مذکور در آگهی باشد اقدام به فروش و تنظیم صورت مجلس خواهد شد. اگر حاصل فروش بعضی از رقبات کافی برای پرداخت بدهی قانونی گردد ازتنظیم صورت مجلس حراج نسبت به بقیه خودداری می‌شود و دراین مورد بدهکار می‌تواند برای فروش یک یا بعضی از رقبات رعایت تقدیم را تقاضاکند. خرید در این قبیل موارد کلا نقدی است و خریداران باید وجه نقد و یا تضمین نامه بانکی تحویل و یا بستانکار معادل طلب خود فروش نسیه راقبول نماید که در این صورت شخصا مسئول وصول طلب از خریدار خواهد بود. ماده ۲۵ ـ در مورد حراج اموال منقول درخواست مدیون برای تقدم و تاخر فروش پذیرفته می‌شود و هر موقع وجوه حاصله برای تامین کل طلب قانونی بستانکار و حقوق دولتی کافی باشد از فروش بقیه اموال خودداری خواهد شد. و در این مورد و لو اینکه خریدار متعدد باشد یک صورت مجلس‌حراج تنظیم می‌شود. ماده ۲۶ ـ در مورد اموال غیر منقول هرگاه قسمتی از دین پرداخت شده باشد مدیون در جلسه حراج می‌تواند درخواست نماید که بعضی و یا قسمت مشاع از مورد معامله به حراج گذاشته شود. در این صورت اگر مورد حراج به قیمتی که تکافوی باقی طلب و خسارات و حقوق دولتی و حق حراج را نماید به

فروش برسد، اقدام به فروش خواهدشد. در غیر این صورت پس از استرداد وجوه دریافتی و حقوق دولتی نسبت به واگذاری تمامی مال مورد حراج به بستانکار اقدام می‌شود. ماده ۲۷ ـ اعتراض بدهکار به عملیات اجرایی اعم از اینکه قبل و یا بعد از تقاضای حراج باشد مانع عملیات حراج نخواهد شد. در صورتی که مدیون قبل از تنظیم صورت مجلس حراج انصراف خود را از حراج ملک اعلام نکند و صورت مجلس حراج دایر به فروش تنظیم شود رای‌صادره در مورد اعتراض هیچگونه تاثیری در عملیات حراج نداشته و صورت مجلس حراج لازم الاجرا است اگر خریدار در موعد مقرر مابقی ثمن معامله را تودیع ننماید و در نتیجه صورت مجلس حراج کان لم یکن گردد و یا اصولا خریداری نباشد واگذاری ملک به بستانکار موکول به تعیین تکلیف اعتراض است ماده ۲۸ ـ در مورد معاملات اموال غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون هرگاه بدهکار متعدد بوده و فک و فسخ معامله موکول به پرداخت‌تمامی دین شده باشد چنانچه تا قبل از تنظیم صورت مجلس حراج به عملیات اجرایی اعتراض شود به دستور اجرا عملیات حراج متوقف و کارت به اجرا اعاده و پس از تعیین تکلیف قطعی و وصول مجدد کارت عملیات حراج از سر گرفته خواهد شد. در تجدید عملیات حراج دیگر هیچگونه اعتراضی مسموع نخواهد بود. ماده ۲۹ ـ در مورد اموال غیر منقول وصول تقاضای حراج از ناحیه هر یک از وراث مدیون مانع استفاده وراث دیگر از مقررات تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت نخواهد بود. در این صورت چنانچه متقاضی حراج تقاضای خود را مسترد نکند عملیات حراج نسبت به سهم الارث او انجام خواهدشد. اگر تا روز حراج کلیه وراث تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بنماید ولو اینکه به موقع تقاضای حراج نکرده باشند و یا بعضا نسبت به‌سهم الارث بدهی خود را پرداخت نموده باشند تمام ملک در جلسات تعیین شده به حراج گذاشته خواهد شد. ماده ۳۰ ـ اختلاف بین وراث بدهکار یا اختلاف بین تمام یا بعضی از ورثه با مدعی وصایت یا موصی‌له مانع ادامه عملیات اجرایی نخواهد بود هرگاه اختلاف طوری باشد که تشخیص اشخاص ذینفع در استفاده از حق استرداد و یا تعیین میزان سهم هر یک محتاج به رسیدگی قضایی باشد هر یک از ورثه و یا دارنده وصیتنامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌تواند ظرف مدت مقرر تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بنماید. هرگاه در فروش مال منقول و یا غیر منقول از طریق حراج مازادی پیدا شود پرداخت مازاد موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی دارایی و رفع‌اختلاف خواهد بود در مورد فوق هر یک از مدعیان یا دارنده وصیتنامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌توانند با استفاده از بند ۱ ماده ۳۴ قانون‌اصلاحی ثبت کلیه بدهی و حقوق اجرایی را پرداخت نمایند در این صورت پس از ابلاغ حکم نهایی مبنی بر رفع اختلاف طبق مقررات مواد ۲۸ و ۲۰آیین نامه اصلاحی اجرا مورخ ۱۶۲۵۲ عمل خواهد شد. ماده ۳۱ ـ در جلسه حراج اموال غیر منقول برنده حراج می‌تواند حداقل مبلغ معادل مازاد مبلغ شروع حراج تا میزان مبلغ خرید را نقدا یا تضمین نامه بانکی و همچنین به موجب چک و یا سفته مورد قبول مدیون تادیه کند و باید حق حراج را نقدا بپردازد و بقیه را حداکثر تا ساعت ۱۲ روز دیگر که برطبق این آیین نامه برای حراج اموال غیر منقول پیش‌بینی و مقرر شده به صندوق مرکز حراج پرداخت نماید. در صورتی که در مدت مقرر بقیه وجه پرداخت نشود خریدار حقی به وجه پرداختی به شرح فوق نخواهد داشت و این موضوع باید تصریحا در صورت مجلس قید شود در این مورد ملک مورد حراج در قبال اصل و حقوق دولتی و خسارات قانونی به بستانکار انتقال داده خواهد شد، حق حراج به درآمد مربوطه منظور و مازاد مذکور پس ازامضا سند انتقال عینا به مدیون تسلیم خواهد گردید، و هرگاه قبل از تنظیم سند انتقال مدیون کلیه بدهی و خسارات و حق الاجرا را بپردازد وجوه پرداختی برنده حراج به استثنا حق حراج عینا به نامبرده مسترد خواهد شد. ماده ۳۲ ـ هنگام حراج قیمت‌های پیشنهادی به وسیله بلندگو یا وسایل دیگر اعلام و در تابلو اعلانات به خط درشت منعکس می‌شود و به مجرد اینکه خریدار دیگری با نرخ بیشتر پیدا شد به همین ترتیب اقدام می‌شود و تا آخرین ساعت مقرر حراج ادامه خواهد یافت هر خریدار هنگام پیشنهاد باید حداقل مبلغ مذکور در ماده ۳۱ این آیین نامه را به مرکز حراج تسلیم و قبض موقت ممضی به امضا رییس مرکز حراج دریافت دارد. با وصول پیشنهاد خرید به قیمت بیشتر خریدار اخیر نیز به شرح مذکور اقدام و وجه قبض موقت خریدار قبلی بلافاصله به نامبرده مسترد

خواهـد شـد. بـا انقضـا وقت حراج صـورت مجلس لازم تنظيم و در صورت فروش از طريق حراج وجه دريـافتی به عنوان امـانت به صنـدوق مركز حراج تحويـل و اموال منقول بلافاصله به خريـدار يا در صورتی كه خريـدار نباشـد به بسـتانكار تحويل و رسـيد اخذ خواهد شد. ماده ۳۳ ـ هر گاه برنده حراج بعد از پرداخت وجه و صدور قبض و قبل از تنظيم صورت مجلس حراج از خريد انصـراف حاصل نمايـد و در صورت‌موافقت مـديون وجه توديعی مسترد و چنانچه وقت باقی باشد به حراج ادامه داده خواهد شد. در صورت عدم موافقت مديون هر گاه تا آخر وقت دومين جلسه حراج خريداری پيدا نشود و يا مال به مبلغ كمتری به فروش برسد حسب مورد تمـام ويـا مـا به التفـاوت مبلغ مورد پيشـنهاد خريـدار متصـرف با قيمت فروش برای جبران خسارت مـديون در صـندوق مركز حراج نگهـداری و به طبق مـاده ۳۱ اين آيين نامه نسـبت به آن اقـدام خواهـد شـد. ماده ۳۴ ـ در معاملات اموال غير منقول هر گاه مـديون محجور بوده و ولی خاص نداشته باشد تقاضای قيم يا دادستان يا اداره سرپرستی به تنهايی برای ارسال كارت به مركز حراج و اقدام به عمليـات حراج كـافی است به شـرط آنكه تقاضا ظرف مـدت مقرر به اجرا واصل شـده باشـد. استرداد تقاضای حراج از ناحيه قيم وقتی پـذيرفته می‌شـود كه مـوافقت سـرپرستی نيز جلب شـده باشـد. اگر در اولين جلسه حراج خريـداری پيـدا شود و قيم مصـلحت محجـور را در تجديـد عمليـات حراج بدانـد می‌توانـد درخـواست تجديـد نمايـد و قبـول اين درخواست موكول به موافقت نماينـده دادسـتان در مركز حراج خواهد بود. چنانچه نماينده دادستان با توجه به ارزش مال مورد حراج و ميزان مبلغ پيشنهاد شده و اوضاع و احوال تجديد عمليات حراج را به مصـلحت محجور تشـخيص دهد با تقاضای قيم موافقت خواهد كرد. ماده ۳۵ ـ در مورد معاملات غير منقول مـذكور در مـاده ۳۴ اصـلاحی قـانون ثبت چنـانچه مـازاد ملـك بـازداشت و دسـتور بازداشت قبل از دو ماه آخر عمليات اجرايی واصـل شود بـا فروش ملـك از طريق حراج حقوق بـازداشت كننـده مـازاد استيفـا می گردد. استرداد تقاضـای حراج از ناحيه مـديون مانع حراج و فروش ملك نخواهـد بود. هر گاه دسـتور بازداشت مازاد در خلال دو ماه آخر واصل شود و مديون نيز تقاضای حراج نكرده باشـد اجرا مكلف است بلافاصـله مراتب را به مرجع بازداشت كننـده اطلاع دهـد. در اين مورد استيفا حقوق بازداشـت كننـده بر طبق مقررات ماده ۳۴ مكرر قانون اصـلاحی ثبت خواهد بود. ماده ۳۶ ـ فروش مال به نسـيه جايز نيست مگر اينكه متعهدله فروش به نسيه را قبول و مديون نيز مازاد را نقدا دريافت و يا نسبت به مازاد نسيه را قبول نمايد در هر دو صورت خود مسيول وصول خواهـد بود و حق حراج نقدا دريافت می‌شود. ماده ۳۷ ـ در صورت تراضـی طرفين و يا آنكه حمل اشيا به مركز حراج باعث هزينه نامتنـاسب باشـد در وقت مقرر قـانونی اشيا در محلی كه بـازداشت شـده به فروش می‌رسـد. مـاده ۳۸ ـ حراج امـوال فاسـد شـدنی و حيوانات و طيور كه برای استيفای طلب معرفی می‌شود به دسـتور رييس اجرا بلافاصـله و بدون تشـريفات در محل‌به وسـيله مأمورين مركز حراج و با حضور نماينده دادسـتان به عمل خواهد آمد. ماده ۳۹ ـ صورت مجلس حراج بايد به امضای مسـيولين امر و نماينده دادسـتان و خريدار و همچنين مديون و داين و يا نمايندگان آنها (در صورتی كه‌حضور داشـته باشند) برسد. ماده ۴۰ ـ در مورد مال غير منقول هر گاه مـديون موافقت برنـده حراج را قبل از تنظيم سـند انتقال جلب نمايد پس از تنظيم توافق نامه در دفتر اسـناد رسـمی مبنی بر انصـراف برنـده حراج از تملـك ملـك به خـود مراتب در ذيـل صورت مجلس حراج قيـد و از تحويـل و تنظيم سـند انتقـال خودداری و جريـان به اجرااعلام می گردد. ماده ۴۱ ـ در مورد مـال غير منقول هرگـاه برنـده حراج تا قبل از تنظيم سـند انتقال اظهار نمايد كه ثمن معامله متعلق به غير بوده و شركت در حراج به نمايندگی از طرف مشاراليه انجام گرفته سند انتقال با قيد مراتب به نام خريـدار واقعی حراج تنظيم و به امضای برنـده حراج و شـخص اصـيل يا قايم مقام قانونی آنها خواهـد رسـيد. ماده ۴۲ ـ مركز حراج مكلف است در صورت درخواست خريدار گواهی فروش مال منقول مورد حراج را با ذكر مشـخصات كامل به نامبرده تسـليم دارد. ماده ۴۳ ـ تحويـل مـال منقـول به خريـدار و در صورتی‌كه خريـدار پيـدا نشود به بسـتانكار و عنـدالاقتضا دسـتور تنظيم سـند رسـمی واگذاری و همچنين درمورد اموال منقول و غير منقول وصول نيم عشـر و ساير حقوق قانونی و صدور قبض و پرداخت وجوه حاصله از فروش به بسـتانكار و تحويل مازاد به مـديون و سـپس دسـتور تنظيم سـند انتقال ملك به خريـدار مال مورد حراج و تحويل آن به

نمایندگی اجرا به عهده رییس مرکز حراج و در غیاب او معاون مرکز حراج است در موردی که مال غیر منقول از طریق حراج به فروش نرسد دستور تنظیم سند انتقال و سایر اقدامات با رییس اجرا خواهد بود. ماده ۴۴ ـ اشتباهاتی که در عملیات حراج رخ داده باشد مانع ادامه عملیات حراج و فروش مال نخواهد بود و این امر از متصدیان مربوط رفع مسئولیت نمی کند.

فصل چهارم ــ مقررات مختلفه (ماده ۴۵ تا ۵۴)

ماده ۴۵ ـ اجرای ثبت باید نسخه اضافی اجراییه مندرج در تبصره ماده ۱ آیین نامه ماده ۳۴ و ۳۴ مکرر اصلاحی قانون ثبت را همزمان با ارجاع اجراییه‌برای ابلاغ جهت اعلام جریان ثبتی ملک مورد اجراییه به واحد ثبتی مربوطه ارسال دارد و ثبت مزبور مکلف است حداکثر ظرف سه روز مشروح جریان ثبتی مورد پرسش را ضمن اعلام حدود و مشخصات آن به اجرا مربوطه اعلام دارد همچنین اجرا باید در همان موقع با مکاتبه به دارایی و شهرداری‌میزان بدهی‌های مالیاتی را اعم از مالیات مستغلات و بایر و سایر مالیات های ملک مورد اجراییه تا انقضا موعد مقرر عملیات اجرایی و میزان بدهی و عوارض شهرداری را اعم از بدهی عوارض بایر ملغی شده و عوارض سطح شهر و نوسازی و غیره تا تاریخ مذکور را پرسش و ترتیب کار را طوری بدهد که در موقع صدور آگهی الصاقی حراج میزان بدهی های فوق معلوم و با ذکر مبلغ حق حراج در آگهی نامبرده درج شود ـ در آگهی مزبور باید تصریح گردد که مالیات و سایر هزینه های انتقال به عهده خریدار است ـ عدم تعیین میزان بدهی فوق مانع صدور آگهی الصاقی و عمل حراج نخواهد شد و در این قبیل موارد در آگهی الصاقی و حین حراج باید تذکر داده شود که میزان بدهی های مذکور مشخص نیست و کلیه بدهی‌های مربوطه به عهده برنده حراج‌است و به علاوه در کلیه حراج هایی که مورد حراج دارای آب لوله کشی یا برق و یا تلفن و یا گاز می‌باشد در آگهی الصاقی و حین حراج باید تذکر داده شود که چنانچه بابت انشعابات و یا حق اشتراک و مکالمه و مصرف بدهی داشته باشد کلا به عهده برنده حراج است و تنظیم سند انتقال موکول به ارایه مفاصا حساب دارایی و شهرداری است ماده ۴۶ ـ در مورد اموال منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت که برای حراج بازداشت می‌شود حق‌الحفاظه به تشخیص رییس مرکز حراج پرداخت و ضمن سایر حقوق احتساب و وصول خواهد شد. ماده ۴۷ ـ در مورد مطالبات وزارتخانه‌ها و موسسات یا شرکت‌های دولتی و یا بانک ها تشخیص اینکه از مبلغ پرداختی مدیون چه مقدار بابت اصل‌طلب می‌باشد با بستانکار است چنانچه مدیون نسبت به تشخیص بستانکار معترض باشد مرجع رفع اختلاف دادگاه صلاحیت دار خواهد بود. ماده ۴۸ ـ در مورد اموال منقول و غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ قانون اصلاح ثبت اسناد و املاک هرگاه بستانکار برای ادای دین به بدهکار مهلت بدهدعملیات اجرایی متوقف و حسب مورد به شرح زیر اقدام خواهد شد ۱ ـ در مورد اموال غیر منقول الف ـ اگر قبل از انقضای مهلت تقاضای حراج با ذکر مدت معین مهلت داده شود باقی مهلت مدیون اعم از مهلت برای تقاضای حراج و یا پرداخت دین بعد از تاریخ انقضا مهلتی که داین داده است شروع خواهد شد. ب ـ هرگاه مهلت با ذکر مدت معین در خلال جریان حراج و قبل از تنظیم صورت مجلس حراج داده شده باشد از تاریخ انقضا مهلت مذکور عملیات‌حراج ظرف دو ماه مقرر در ماده ۳۴ انجام خواهد یافت ج ـ در صورتی که تا جلسه دوم حراج خریداری پیدا نشود و بعد از آن بستانکار برای پرداخت دین با ذکر مدت معین به مدیون مهلت بدهد و یا اصولا ظرف مدت مقرر تقاضای حراج نشده باشد، مهلتی که بستانکار داده موجب تجدید حراج نشده و مهلت مذکور به باقی مانده مهلت حق استرداد اضافه خواهد شد. د ـ اگر مهلت بدون ذکر مدت داده شده باشد پس از وصول تقاضای تعقیب از ناحیه داین و ابلاغ مراتب به مدیون تاریخ ابلاغ به مدیون پایان مهلت محسوب و حسب مورد به شرح فوق عمل می گردد. ۲ ـ در مورد اموال منقول الف ـ در مورد اموال منقول چنانچه داین تا قبل از تنظیم صورت مجلس حراج دایر به فروش برای پرداخت داین به مدیون مهلت بدهد عملیات اجرایی متوقف و هرگاه مهلت با ذکر مدت باشد با انقضا مدت در غیر این

صورت بـا وصول تقاضـای تعقیب و ابلاغ مراتب به مـدیون باقی مانـده مهلت اجرایی شـروع خواهـد شـد. هرگاه باقی مانـده مـدت مذکور کمتر از سی روز باشد باقی مانده مدت سی روز محسوب و عملیات حراج ظرف مدت مذکور انجام خواهد گردید. ب ـ در مورد فوق رفع بازداشت بنا به تقاضای بسـتانکار بلامانع است در این صورت ارسال مجدد کارت به مرکز حراج موکول به بازداشت مجـدد مـال وتحویـل آن به مرکز حراج است ج ـ در مورد فوق قبول مهلت مسـتلزم پرداخت حق‌الحفـاظه و رفع بازداشت موکول به پرداخت حقوق اجرایی خواهد بود. ماده ۴۹ ـ در کلیه مواد مذکور در ماده ۴۸ چنانچه مازاد رقبه بازداشت باشد قبول هرگونه مهلت و یا رفع بازداشت مال منقول موکول به موافقت بازداشت‌کننـده مازاد خواهـد بود. در مواردی که مدیون متعدد بوده و فک و فسـخ سنـد موکول به پرداخت تمـامی دین شـده باشـد و همچنین در مورد وراث مـدیون در صورتی که به یکی از بـدهکاران مهلت داده شود در حکم این است که به همه آنها مهلت داده شده است در هر مورد که ضمن عملیات حراج مهلت داده شود کارت مربوطه را به اجرا اعاده و شـروع مجـدد و یا ادامه عملیات حراج موکول به ارسال مجـدد کارت به مرکز حراج خواهد بود. ماده ۵۰ ـ در مورد بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد و بخواهد با استفاده از ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت کلیه بدهی موضوع سـند و حقوق اجرایی را (در صورت صـدور اجراییه) پرداخت و یا تودیع نمایـد به طریق زیر عمل خواهـد شد ۱ ـ بدوا در صورت صدور اجراییه با پرسـش از اجرا مربوطه میزان بدهی و خسارات و حقوق اجرایی را تعیین و سـپس با تودیع آن در صـندوق ثبت یامرجعی که اداره ثبت تعیین می‌نماید قبض آن را به اجرا تحویل و تقاضای فسخ سند را خواهد نمود. ۲ ـ اجرا مکلف است در صورتی که تمامی دین و خسارات و حقوق اجرایی پرداخت شـده باشـد مراتب را برای فسخ سـند به دفتر اسـناد رسـمی تنظیم‌کننده سنـد اعلام و به واحـد ثبتی مربوطه نیز اطلاع بدهـد که رقبه مورد معامله به سود تودیع کننده وجه بازداشت شده است و در صورتی که پرونـده اجرایی تودیع کننده مذکور در همان اجرا در جریان باشد بلافاصـله دسـتور بازداشت ملک را صادر نماید و اگر پرونده در آنجا نباشد باید گواهی لازم دایر به تودیع وجه و صدور دستور فسخ با ذکر مبلغ تودیعی و نام پرداخت‌کننده و شماره نامه‌ای که ضمن آن بازداشت به واحـد ثبتی اعلام شـده صادر و به متقاضـی تسـلیم دارد. ۳ ـ هرگاه نسبت به مورد معامله اجراییه صادر نشـده باشد باید ذینفع با مراجعه به دفتر اسناد رسمی اطلاع از کل میزان بدهی تمامی آن را در صندوق ثبت یا مرجعی که اداره ثبت تعیین می‌نماید تودیع و رسـید آن را به دفترخانه تسـلیم دارد ، دفتر اسـناد رسمی مکلف است چنانچه تمامی دین تودیع شده باشدنسبت به فسـخ سـند اقدام و گواهی لازم دایر به تودیع وجه و فسخ معامله با ذکر نام پرداخت‌کننده و مبلغ تودیعی صادر و به متقاضـی تسـلیم دارد و ضـمن‌ارسال اطلاعنامه فسخ باید به واحد ثبتی مربوطه اعلام دارد که با تودیع وجه از طرف شخص تودیع کننده مورد معامله به خودی خود در ازا مبلغ تودیعی و طلب دیگر تودیع کننـده به سود مشـارالیه بازداشت می‌باشـد. ۴ ـ در موردی که پرونـده اجرایی در دایره دیگری در جریـان است و یـا سـند مربـوطه منتهی به صـدور اجراییه نشـده ذینفع بایـد گواهی مربوطه را به دایره‌اجرایی که پرونـده اش در آن دایره در جریـان است تسـلیم و درخواست بـازداشت ملک را بنمایـد. ۵ ـ دایره اخیرالذکر مکلف است بلافاصـله دستور بازداشت ملک را صادر نماید. ۶ ـ پس از اینکه ملک طبق مقررات بازداشت و مبلغ مورد بازداشت تعیین گردیـد اجرا متعاقبا مبلغ مربوطه را برای انعکـاس در سوابق به واحـد ثبـتی مربوطه اعلاـم خواهـد نمود. ۷ ـ به مجرد اینکه وجوه مـذکور تودیـع شود ، بخودی خود ملـک مورد معـامله موقتـا در ازا وجه تودیعی و طلب دیگر تودیع کننـده وجه به سود نـامبرده دربـازداشت قرار خواهد گرفت ۸ ـ در موردی که موعـد سـند منقضـی نشـده باشد پس از بازداشت عملیات بعدی متوقف خواهد شد و بعد از انقضا سـند با صدور اخطار به مدیون اقدامات بعدی شـروع می‌شود. ۹ ـ نحوه استیفا حقوق بسـتانکار پرداخت‌کننده وجه بر طبق مقررات تبصره ۷ ماده ۳۴ قانون اصـلاحی ثبت خواهـد بود و بهای ارزیابی نباید کمتر از مبلغ کلیه بدهی موضوع سـند فسخ شده و خسارات و حقوق اجرایی مربوطه باشـد. ۱۰ ـ هرگـاه مورد معـامله در جریـان عملیـات اجرایی باشـد و منتهی به تنظیم صورت مجلس قطعی حراج و یا صدور سـند انتقال اجرایی نشده باشد با تودیع وجه و فسخ سـند عملیات اجرایی موقوف و پرونده اجرایی مختومه می گردد. ۱۱ ـ در

موردی که مازاد ملک از طرف غیر بازداشت شده باشد به شرح زیر عمل خواهد شد الف ـ اگر دستور بازداشت قبل از دو ماه مقرر برای حراج واصل شده (اعم از اینکه قبل از انقضا موعد سند باشد یا بعد از آن و یا در خلال دو ماه مزبور بوده و مدیون تقاضای حراج کرده باشد استیفا حقوق بستانکار پرداخت‌کننده دین موکول به پرداخت طلب بازداشت‌کننده مقدم خواهد بود. ب ـ در موردی که دستور بازداشت در خلال دو ماه آخر عملیات اجرایی واصل شده و مدیون نیز تقاضای حراج نکرده باشد بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال مدیون را دارد می‌تواند با پرداخت کلیه بدهی موضوع سند و حقوق دولتی تقاضای استیفا حق خود را بنماید در این صورت بستانکار پرداخت کننده دین در استیفا حق خود نسبت به سایر بازداشت کنندگان مقدم است ماده ۵۱ ـ هرگاه مدیون قبل از ابلاغ اجراییه فوت نماید به معرفی بستانکار اوراق اجرایی به کلیه وراث مدیون ابلاغ می‌شود، در مورد اموال منقول عملیات اجرایی تا تحویل مال به بستانکار یا برنده حراج و بر حسب مورد تا تنظیم سند انتقال ادامه می‌یابد. در مورد اموال غیر منقول علاوه بر ابلاغ اجراییه به شرح فوق باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشار محل و یا نزدیکتر به محل ، یک نوبت آگهی شود. در این آگهی باید نام و نام خانوادگی مدیون و داین و خلاصه اجراییه و مشخصات اجمالی مورد معامله قید و تذکر داده شود که این آگهی برای ابلاغ اجراییه به وراث قانونی مدیون منتشر گردیده است تاریخ انتشار آگهی در روزنامه یا تاریخ ابلاغ اجراییه به احد از وراث هر کدام موخر باشد تاریخ ابلاغ اجراییه برای کلیه وراث محسوب می‌شود. ماده ۵۲ ـ هرگاه بعد از ابلاغ اجراییه به مدیون وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی اعلام شود، اجرا ضمن ادامه عملیات اجرایی اطلاعیه ای حاوی از صدور اجراییه و اینکه عملیات اجرایی در چه مرحله‌ای است با قید تاریخ آخرین روز استفاده از مهلت حق استرداد تنظیم و به محل اقامت مدیون متوفی الصاق و یک نسخه از اطلاعیه مزبور را برای هر یک از وراثی که محل اقامتشان معلوم باشد از طریق پست سفارشی دو قبضه ارسال می‌دارد. چنانچه ابلاغ اجراییه به مدیون متوفی از طریق انتشار آگهی در روزنامه به عمل آمده باشد اطلاعیه موصوف نیز باید یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل آگهی شود. در مورد فوق و همچنین در مورد مذکور در ماده ۵۱ تنظیم صورت مجلس حراج و یا تنظیم سند انتقال و همچنین ثبت ملک در دفتر املاک به نام خریدار یا بستانکار محتاج به ارایه گواهی حصر وراثت نخواهد بود. در مورد فوق هرگاه مال در حراج به فروش برسد پرداخت مازاد به وراث موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی دارایی است ماده ۵۳ ـ هرگاه اعراض از رهن درحین عملیات اجرایی باشد اجرا مکلف است مراتب را به دفتر تنظیم‌کننده سند اعلام نماید، در این مورد و همچنین درموردی که اعراض در دفتر اسناد رسمی به عمل میاید دفتر اسناد رسمی اطلاعنامه فسخ مربوطه رابه اداره‌ثبت ارسال خواهد داشت اگر موعد سند منقضی نشده باشد به مجرد اعراض مال مورد رهن آزاد و حق عینی بستانکار به حق ذمی تبدیل می‌گردد و مطالبه وجه و صدور اجراییه برای وصول آن موکول به انقضا مدت مذکور در سند معامله خواهد بود. در مورد وراث داین و همچنین وقتی که راهن متعدد بوده و فک رهن و فسخ سند موکول به ادا تمامی دین شده باشد اعراض از رهن باید نسبت به تمامی مرهونه باشد و اعراض از رهن نسبت به سهم یک یا چند نفر از بدهکاران وقتی پذیرفته می‌شود که حق مطالبه دین بدهکارانی که از رهینه آنها اعراض گردیده از سایر بدهکاران اسقاط شده باشد ، هرگاه مازاد مرهونه به نفع غیر بازداشت شده باشد در صورت اعراض از رهن بازداشت مازاد به بازداشت اصل تبدیل می‌گردد. ماده ۵۴ ـ آن قسمت از مقررات آیین نامه اجرا مفاد اسناد رسمی مصوب ۲۸ ۹ ۱۳۲۲ که در این آیین نامه درباره آن مقررات خاص تعیین نشده است کماکان به اعتبار خود باقی است

آیین نامه طرز اجراییه معاملات شرطی و رهنی و با حق استرداد – مصوب ۱۶ ۲ ۱۳۵۲ با اصلاحات بعدی

موضوع مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۶ ۲ ۱۳۵۲ با اصلاحات بعدی (روزنامه رسمی شماره ۸۲۴۷ ـ ۲۷ ۲ ۱۳۵۲) ماده ۱ ـ سر دفتر اسناد رسمی باید با رعایت ماده ۳ آیین نامه اجرا اسناد رسمی مصوب ۲۸۹۲۲ و تبصره آن

اوراق اجرایی را (در صورتی که در صدورآن اشکالی نباشد) ظرف مدت ۴۸ ساعت از تاریخ وصول تقاضا تنظیم و امضا نموده و به مهر ویژه (اجرا شود) رسانیده و برای اجرا به ثبت صلاحیت‌دار بفرستند. اداره ثبت اجراییه را جهت ابلاغ و اقدام به اجرای ثبت ارجاع خواهد نمود. سردفتر در صورت وجود اشکال در صدور اجراییه موضوع را از ثبت محل استعلام و کسب تکلیف خواهد کرد. تبصره ـ نسبت به معاملات املاک یک نسخه اجراییه از دفترخانه اضافه صادر می‌شود که در اجرا این ماده به وسیله اجرا به ثبت محل ارسال می گردد. ماده ۲ ـ بستانکار مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی در درخواست صدور اجراییه از دفترخانه باید نکات ذیل را در تقاضانامه تصریح نماید. ۱ ـ میزان اصل طلب ۲ ـ میزان اجور عقب افتاده (اگر قبوض اقساطی دارد باید پیوست نماید(۳ ـ میزان خسارت تاخیر تادیه تا روز درخواست اجراییه ماده ۳ ـ نسبت به اجراییه ای که برای اجرت المسمی عقب افتاده صادر می‌شود مثل سایر دیون عمل خواهد شد و متعهدله می‌تواند درخواست بازداشت سایر اموال متعهد را بنماید. ماده ۴ ـ در صورتی که مورد معامله در حراج به فروش برسد حق حراج طبق آیین نامه اصلاحی حراج وصول خواهد شد. ماده ۵ ـ مامور اجرا مکلف است ظرف ۴۸ ساعت از زمان دریافت اوراق اجراییه یک نسخه از آن را به شخص متعهد تسلیم و در نسخه دیگر با ذکر تاریخ ابلاغ با تمام حروف رسید بگیرد اگر متعهد از رویت یا امضا اجراییه امتناع کند مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد. اگر متعهد در اقامتگاه حضور نداشته باشد به یکی از کسان یا خادمین او که در آن محل ساکن و سن ظاهری برای تمیز اهمیت برگ اجراییه کافی باشد ابلاغ می کند مشروط براینکه بین متعهد و شخصی که برگ را دریافت می‌دارد تعارض منفعت نباشد. اگر اشخاص نامبرده بی‌سواد باشند ، اثر انگشت آنها باید در ذیل برگ اجرایی و سایر اوراق منعکس شود و هر گاه به جهتی از جهات نتوانند رسید بدهند مامور این نکته را با مسوولیت خود قید خواهد نمود و هر گاه این اشخاص در محل نباشند یا رسید ندهند مامور باید اجراییه را به اقامتگاه متعهد الصاق کند و مراتب را در نسخه دیگر بنویسد. الف ـ در مورد شرکت‌ها اوراق اجرایی به مدیر شرکت یا دارنده حق امضا به ترتیب مذکور فوق ابلاغ می‌شود و در صورت انحلال شرکت به مدیر یا مدیران تصفیه ابلاغ می‌شود. در صورت امتناع از رویت یا امضا مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد. در صورت عدم حضور یا امتناع اشخاص مزبور به ترتیب مقرر در صدر ماده یک نسخه از اوراق اجرایی به محل شرکت الصاق خواهد شد. ب ـ در مورد وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و موسسات عمومی و شهرداری ها اوراق اجرایی به مسیول دفتر ابلاغ و درصورت امتناع اوراق اجرایی به ترتیب مذکور در فوق الصاق خواهد شد. ج ـ هر گاه محل اقامت متعهد در سند اداره دولتی یا سازمان‌های وابسته به آن و یا شهرداری تعیین شده باشد اجراییه مربوطه نزد رییس کارگزینی یا رییس مستقیم کارمند فرستاده می‌شود و اشخاص مذکور طبق مقررات مسیول اجرای امر ابلاغ خواهند بود و باید حداکثر ظرف ۱۰ روز اوراق اجراییه ابلاغ شده را اعاده دهند. د ـ در ابلاغ اجراییه و سایر اوراق مربوط در کشورهای بیگانه باید برگ‌ها به وسیله دبیرخانه ثبت کل به وزارت امور خارجه ارسال شود تا طبق ماده ۹۵ اصلاحی آیین دادرسی مدنی ابلاغ و اعاده گردد.(۱) ه ـ در مورد متعهدینی که مقیم حوزه دیگر باشند برگ‌های اجرایی باید در ظرف ۲۴ ساعت به ثبت محلی که متعهد مقیم آنجا است و در صورت نبودن‌ثبت در محل به اداره دادگستری یا شهربانی یا بخشداری یا ژاندارمری یا دهدار یا دهبان ارسال شود که طبق مقررات ابلاغ نمایند. ماده ۶ ـ متعهد که اقامتگاه خود را تغییر می‌دهد باید دلیل اقامت خود را در محلی که به عنوان اقامتگاه جدید خود معرفی می کند حسب مورد به دفترخانه یا اجرا ثبت تسلیم و رسید بگیرد. به اظهاراتی که متکی به دلیل کتبی از قبیل سند رسمی اجاره و مانند آن یا گواهی شهربانی یا ژاندارمری یا کدخدای محل در داخل کشور و کنسولگری و یا مامورین سیاسی ایران در خارج کشور نباشند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ماده ۷ ـ در آگهی ابلاغ اجراییه باید نام و نام خانوادگی و میزان بدهی و مشخصات مورد وثیقه طبق مندرجات سند قید و تصریح شود که از تاریخ انتشار آگهی مدت‌های مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی احتساب خواهد شد. ماده ۸ ـ هر گاه مورد معامله رهنی یا شرطی مال منقول باشد بستانکار می‌تواند حین ابلاغ اجراییه یا پس از آن درخواست بازداشت مورد معامله رابنماید. ماده ۹ ـ بعد از ابلاغ اجراییه و

اعاده آن ممیز اجرا مکلف است با رسیدگی لازم اگر نقصی در ابلاغ وجود نداشته باشد صحت آن را روی نسخه ابلاغ شده اجراییه گواهی و به تایید رییس یا معاون اجرا رسانیده و سپس حسب مورد برای آنها وقت اقدام بعدی را که دو ماه قبل از مدت مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی و تبصره ۲ آن است تعیین و در دفتر اوقات ثبت و پرونده را به بایگانی ارسال دارد. تبصره ـ در احتساب مواعد روز ابلاغ و روز آخر محسوب نخواهد شد و اگر روز آخر تعطیل باشد تعطیل مذکور به حساب نمی‌آید. ماده ۱۰ ـ ممیز اجرا مکلف است همه روزه با مراجعه به دفتر اوقات مذکور در ماده قبل پرونده هایی را که موعد آن فرا می‌رسد یک روز پیش از بایگانی مطالبه و روز بعد از انقضا موعد مقرر با رسیدگی لازم در مورد مال منقول هر گاه مال در اختیار باشد کارت مربوطه را برای انجام عملیات حراج به مرکزحراج ارسال دارد. در مورد مال غیر منقول چنانچه تقاضای حراج نسبت به آن واصل شده باشد همان روز باید کارت مربوطه را به مرکز حراج بفرستد. اگر با گواهی متصدی دفتر اندیکاتور تقاضای حراج واصل نشده باشد با توجه به انقضا وقتی که تعیین شده وقت دو ماهه دیگری تعیین و در دفتر اوقات ثبت و روی برگ ابلاغ شده اجراییه عدم وصول تقاضای حراج را گواهی و پرونده را به بایگانی ارسال دارد. ممیز اجرا موظف است طبق دفتر اوقات در وقت مقرر به پرونده های اخیرالذکر رسیدگی و نسبت به تهیه مقدمات تنظیم سند انتقال اقدام نماید. ماده ۱۱ ـ تقاضای حراج باید کتبی بوده و به دفتر اجرا تسلیم و رسید اخذ شود. متصدی دفتر اندیکاتور مکلف است آن را در همان روز وصول و در دفتر اندیکاتور ثبت و مفاد تقاضا را به طور صریح ذکر کند. و رسیدی که به متقاضی‌حراج داده می‌شود باید شماره و تاریخ ثبت دفتر اندیکاتور و شماره پرونده اجرایی در آن قید شود. در مواردی که تقاضای حراج به وسیله پست و یا تلگراف می‌رسد باید متصدی دفتر بلافاصله آن را در دفتر اندیکاتور ثبت نماید. ماده ۱۲ ـ عدم رعایت مقررات مذکور در سه ماده قبل تخلف اداری محسوب و مستوجب مجازات از درجه ۲ به بالا خواهد بود. ماده ۱۳ ـ تاریخ وصول تقاضای حراج تاریخ ثبت تقاضای مربوطه در دفتر اندیکاتور خواهد بود. ماده ۱۴ ـ در هر مورد که تقاضای حراج خارج از موعد مقرر واصل شده باشد رییس اجرا باید در همان روز به آن رسیدگی و پس از احراز اینکه خارج ازوقت است نسبت به رد آن اقدام و مراتب را به اطلاع متقاضی برساند. نظر رییس اجرا در این مورد قطعی و غیر قابل شکایت است ماده ۱۵ ـ مرتهن می‌تواند مادام که دین بر ذمه راهن باقی است از رهینه اعراض کند. هر گاه اعراض قبل از صدور اجراییه باشد باید مرتهن در دفتر اسناد رسمی مربوطه حاضر شود و با ذکر توضیح در ملاحظات ثبت سند مراتب قید و بامضا او برسد در این صورت با توضیح موضوع اعراض اجراییه صادر خواهد شد. اگر پس از صدور اجراییه رهنی اعراض به عمل آید باید مراتب کتبا به اجرا اعلام و رییس اجرا پس از احراز انتصاب تقاضانامه مذکور موضوع را به متعهد ابلاغ کرده و برابر مقررات اسناد ذمه‌ای عمل بنماید. ماده ۱۶ ـ متعهد برای پرداخت دین خود و شخص ثالث به جای متعهد و نیز متعهدله برای وصول طلب خود می‌توانند مال معرفی نمایند. ماده ۱۷ ـ در هر مورد که مالی معرفی می‌شود هر گاه معرفی کننده مال به ارزیابی معترض باشد فقط می‌تواند ضمن امضا صورت مجلس اعتراض خودرا اظهار کند. هر گاه طرف دیگر هم حاضر و به ارزیابی معترض باشد مکلف است به همین نحو عمل نماید در صورت عدم حضور مراتب ارزیابی حد اکثر ظرف سه‌روز از طرف اجرای ثبت به او ابلاغ می‌شود. ماده ۱۸ ـ در هر موردی که از طرف متعهد یا ثالث مالی در قبال دین معرفی و بازداشت شود متعهدله می‌تواند تا قبل از قطعیت ارزیابی مال دیگر برای استیفای طلب خود معرفی نماید. در این صورت مال معرفی شده بازداشت و ارزیابی می‌شود و معادل آن از اموال بازداشت شده سابق رفع بازداشت به‌عمل می‌آید. هزینه بازداشت و ارزیابی مجدد به عهده متعهدله است ماده ۱۹ ـ معترض که ضمن امضا صورت مجلس به ارزیابی اعتراض نموده باید حداکثر ظرف ۳ روز به اجرا مراجعه و با اطلاع از میزان دستمزد ارزیاب تجدیدنظر آن را ایداع و قبض مربوطه را تسلیم اجرا کرده و رسید اخذ نماید در موردی که طبق ماده ۱۷ نتیجه ارزیابی ابلاغ می‌شود باید در آن میزان دستمزد ارزیاب تجدیدنظر درج و اعلام شود هر گاه مخاطب به ارزیابی معترض باشد ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ باید کتبا اعتراض خود را باپیوست نمودن مدرک سپردن دستمزد ارزیاب تجدیدنظر به اجرا تسلیم دارد. در

صورتی که به ترتیب مقرر فوق اعتراض نرسد ارزیابی قطعی خواهد شد. ماده ۲۰ ـ در هر مورد که به نظریه ارزیاب بدوی اعتراض شود رییس اجرا حداکثر ظرف یک هفته یک نفر ارزیاب دیگر معین خواهد کرد و نظر این ارزیاب در هر حال قطعی است تبصره ـ در صورتی که مال بازداشت شده به نظر دایره اجرای ثبت بیش از پنجاه هزار ریال ارزش نداشته باشد واصل دین موضوع سند لازم الاجرا نیزبیش از پنجاه هزار ریال نباشد مقررات مواد ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ این آیین‌نامه و نیز مقررات مواد ۳۵ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی‌مصوب ۱۳۲۲ از حیث تعیین ارزیاب و یا کارشناس لازم الرعایه نیست و نظر دایره اجرا در تقویم مال بازداشت شده قطعی است ماده ۲۱ ـ هر گاه مال مورد بازداشت غیر قابل تجزیه بوده و بیش از میزان طلب بستانکار و خسارات به اضافه یک عشر ارزش داشته باشد تمام آن بازداشت خواهد شد. در این صورت هر گاه تا انقضا ۲ ماه از تاریخ قطعیت ارزیابی بدهکار بدهی خود را نپردازد ، با پرداخت مازاد از طرف بستانکار مال مزبور به نامبرده تحویل و منتقل خواهد شد. اگر بستانکار ظرف ۵ روز از تاریخ انقضا مدت مازاد را نپردازد مورد بازداشت منتها ظرف دو ماه از طریق حراج به فروش خواهد رسید و از حاصل فروش بدهی و خسارات قانونی و نیم عشر و حق حراج پرداخت و اگر مازادی باشد به صاحب مال تادیه می‌شود. ماده ۲۲ ـ در مورد واگذاری اموال مذکور در تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی با انقضا دو ماه مقرر مال منقول بلافاصله تحویل بستانکار خواهد شد و مال غیر منقول حداکثر ظرف یک هفته رأسا از طرف اداره ثبت با دریافت نیم عشر و هزینه های اجرایی به بستانکار انتقال و تحویل داده خواهد شد. در مورد مال منقول مادام که مال مورد بازداشت تحویل بستانکار نشده و نسبت به اموال غیر منقول تا وقتی که سند انتقال داده نشده است هر گاه بدهکار کلیه بدهی و خسارات و حق الاجرا را بپردازد از تحویل مال و یا صدور سند انتقال خودداری خواهد شد. ماده ۲۳ ـ در مورد اموال منقولی که عرفا با سند رسمی مورد انتقال قرار می گیرد از قبیل اتومبیل و تراکتور و امثال آن واگذاری با سند رسمی به عمل‌می‌آید. ماده ۲۴ ـ پس از ختم عملیات اجرایی شکایت نسبت به آن در اداره ثبت مسموع نبوده و وصول شکایت مانع ادامه کار نخواهد بود. ماده ۲۵ ـ اجرای مفاد ماده ۳۴ مکرر اصلاحی از جهت ایداع وجه نزد سردفتر اسناد رسمی منحصرا در مواقعی است که بدهکار در مقام انجام معامله دیگری نسبت به مورد وثیقه بوده و بخواهد با پرداخت کلیه بدهی و خسارات قانونی و نیم عشر با فسخ معامله مورد وثیقه را با دیگری معامله نماید.سردفتر به شرح قسمت آخر ماده مذکور موظف است در موعد مقرر وجه ایداعی را به صندوق ثبت تحویل نماید. ماده ۲۶ ـ در مورد قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی هر گاه احد از ورثه قبل از صدور اجراییه دین مورث را پرداخت نماید پرداخت کننده به عنوان قایم مقام طلبکار می‌تواند با توجه به قسمت اخیر تبصره مذکور و رعایت مقررات مربوط علیه سایر وراث نسبت به سهم الارث آنها مبادرت به صدور اجراییه نماید. ماده ۲۷ ـ هر گاه هیچ یک از ورثه از مفاد تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی برای ایداع وجه استفاده ننمایند هر یک از ورثه تا دو ماه قبل از انقضا مواعدمذکور در تبصره ۲ ماده ۳۴ اصلاحی حق دارند تقاضای حراج مورد معامله را بنمایند در این صورت برای حراج آن اقدام و اگر تا قبل از حراج بعضی ورثه تمامی بدهی و خسارات را ایداع نمایند از حراج خودداری خواهد شد. ماده ۲۸ ـ هر گاه پرداخت وجه قبل از صدور اجراییه باشد پس از انقضا مواعد مقرر نسبت به اموال منقول و غیر منقول و ابلاغ مراتب به سایر وراث وانقضا هشت ماه در مورد اموال غیر منقول و شش ماه نسبت به اموال منقول و عدم پرداخت بدهی هر یک از ورثه مورد وثیقه به وارثی که وجه را پرداخته است برابر مقررات تملیک و سند انتقال با ارایه گواهی حصر وارثت به نام او صادر خواهد شد. ماده ۲۹ ـ هر گاه پرداخت وجه از طرف یکی از وراث در خلال عملیات اجرایی باشد باید بلافاصله مراتب به وسیله اخطاریه به سایر وارث اعلام و تذکر داده شود که از تاریخ ابلاغ اخطاریه تا سه ماه (اعم از اینکه مورد معامله منقول باشد یا غیر منقول هر یک حق دارند که نسبت به سهم الارث خودبدهی و خسارات و حقوق اجرایی را ایداع و سهم خود را آزاد نمایند و اگر مایل باشند می‌توانند حد اکثر تا دو ماه قبل از انقضا مدت مذکور تقاضای حراج سهم الارث خود را بنمایند هر گاه ابلاغ واقعی به وراث میسر نباشد ابلاغ به وسیله آگهی صورت خواهد گرفت هر گاه در تاریخ صدور اخطار مذکور در مواعد مقرر در ماده ۳۴ اصلاحی و

تبصره ۲ آن بیش از ۳ ماه باقی باشد وقت بیشتر برای وراث قابل استفاده‌است ماده ۳۰ ـ در صورتی که مازاد مال مورد وثیقه از طریق اجرا ثبت یا مراجع صالح قضایی بازداشت شود به مجرد وصول دستور بازداشت باید مراتب دردفتر بازداشتی ثبت شود و در واحدهایی که برای انجام معامله املاک ثبت شده موضوع عدم بازداشت استعلام نمی‌شود به دفاتر اسناد رسمی تابعه ابلاغ گردد. بازداشت به مجرد ابلاغ به مدیون یا ثبت مفاد آن در دفتر بازداشتی تحقق خواهد یافت و هر گاه معامله‌ای که مازاد آن بازداشت شده فسخ شود خود به خود بازداشت مازاد به اصل تبدیل خواهد شد در هر حال مفاد بازداشت باید بلافاصله به دفتر تنظیم کننده سند ابلاغ و دفتر مزبور مکلف است مفاد آن رادر ملاحظات ثبت معامله قید کرده و اگر سند معامله به صدور اجراییه منتهی شده باشد مراتب را به اجرا مربوطه اعلام دارد. استیفای حقوق بازداشت کننده مازاد به شرح تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت و مقررات مربوط به آن است ـ هر گاه بازداشت کننده مازاد کلیه بدهی موضوع سند را برابر ماده ۳۴ مکرر بپردازد استیفا مطالبات او طبق مقررات مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر اصلاحی است ماده ۳۱ ـ آن قسمت از مقررات آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب ۲۸۹۲۲ که در این آیین نامه درباره آن مقررات خاصی تعیین نشده است کماکان به اعتبار خود باقی است ماده ۳۲ ـ در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و وثایق حسن انجام خدمات هر گاه مورد معامله منقول و غیر منقول باشد طرفین قرارداد می‌توانند ضمن سند توافق نمایند که عملیات اجرایی بدون تفکیک بر اساس مقررات اموال غیر منقول انجام گیرد. سکوت طرفین در قرارداد به منزله توافق آنان درانجام عملیات اجرایی بر اساس مقررات مربوط به اموال غیر منقول است ماده ۳۳ ـ در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و وثایق حسن انجام خدمات معامله کننده می‌تواند با قید حق بستانکار مقدم و ذکر تاریخ انقضای سندمقدم مورد معامله را برای وام های دیگر، وثیقه یا تامین دهد. در صورت فک معامله مقدم تمام مال مورد معامله در وثیقه بستانکاران بعدی به ترتیب‌تقدم قرار می گیرد. معاملات بعدی باید در همان دفترخانه تنظیم کننده سند مقدم واقع شود. سردفتر مکلف است وقوع معامله موخر را با ذکر مشخصات کامل بستانکار معامله مازاد در ملاحظات ثبت سند مقدم نیز قید کند. دارنده حق استرداد اعم از بدهکار اصلی یا منتقل‌الیه می‌تواند با قید حق بستانکار یا بستانکاران و ذکر تاریخ انقضا مدت اسناد حق استرداد خود را واگذار کند در این صورت اجراییه و عملیات اجرایی بایستی به طرفیت آخرین منتقل الیه صادر و تعقیب گردد مگر اینکه مرتهن از رهن رجوع نماید یا ازمندرجات سند رهنی یا سند رسمی دیگر دفتر اسناد رسمی احراز نماید مقرر بین طرفین این بوده مرتهن برای وصول طلب خود اجراییه علیه راهن صادرکند نه منتقل الیه مثل اینکه در سند رهنی شرط شود که راهن حق صلح حقوق و یا واگذاری حق استرداد را ندارد که در این قبیل موارد واگذاری حق استرداد به غیر نسبت به مرتهن موثر نبوده و اجراییه و عملیات اجرایی علیه بدهکار اصلی و در صورت فوت علیه قایم مقام او صادر و تعقیب خواهدشد. تبصره ۱ ـ تنظیم هر نوع سند بین بدهکار و یک یا چند نفر از بستانکاران که موجب شود مدت سند تمدید گردد و یا مبلغ موضوع سند افزایش یابد بدون موافقت بقیه بستانکاران بعدی ممنوع است تبصره ۲ ـ برای استیفای حقوق بستانکار معامله موخر طی دو ماه آخر عملیات اجرایی سند مقدم ملک در معرض حراج گذاشته می‌شود عملیات حراج به همان نحوی است که در مورد بازداشت مازاد مقرر است عدم وصول تقاضای حراج از ناحیه مدیون و یا استرداد تقاضا مانع عملیات حراج نخواهد بود. تبصره ۳ ـ بستانکار معامله موخر پس از انقضای مدت سند مقدم می‌تواند با استفاده از ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت قبل از فروش مال از طریق‌حراج و یا تنظیم سند انتقال ملک به بستانکار مقدم کلیه بدهی موضوع سند مقدم را پرداخت و یا ایداع نماید. نحوه پرداخت و یا سپردن وجه و صدورگواهی وانعکاس مراتب در پرونده ثبتی ملک به شرح مذکور در ماده (۵۰) آیین نامه مرکز حراج می‌باشد و دفتر تنظیم کننده سند به دستور اجرا وثیقه بودن تمام مال را در ازا طلب بستانکار بابت معامله موخر و وجوه پرداختی بابت طلب بستانکار مقدم در دفتر قید می کند. در این مورد عملیات اجرایی نسبت به هر دو سند تواما انجام و میزان مبلغ شروع حراج عبارت از مجموع طلب بستانکار پرداخت کننده دین به ضمیمه‌اصل و متفرعات سند مقدم و خسارات و حقوق اجرایی خواهد بود. در صورتی که مدت سند بستانکار موخر حال نشده

باشد پس از حال شدن موعد عملیات اجرایی به ترتیب مذکور انجام خواهد گرفت ماده ۳۴ ـ بدهکار می‌تواند به موجب سند جدید در مقابل مورد معامله از بستانکار وام جدیدی دریافت کند. در مواردی که سند مقدم در زمان حکومت قانون سابق و سند بعدی در زمان اجرای قانون اصلاح ثبت تنظیم شده باشد نحوه اجرای مفاد اسناد به قرار زیر خواهد بود ۱ ـ هر گاه سند موخر متمم یا مکمل سند مقدم و جز لاینفک آن باشد و یا سند موخر راجع به مازاد و یا صلح حق استرداد تنظیم شود قرارداد اخیر تابع قرارداد مقدم و مشمول تبصره ۴ ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاح قانون ثبت خواهد بود. ۲ ـ هر گاه به موجب سند اخیر قرارداد مقدم تابع شرایط مندرج در معامله موخر شده باشد و تخلف از شرایط مقرر در سند اخیر موجب صدور اجراییه برای هر دو سند گردد عملیات اجرایی بر طبق مقررات قانون اصلاح قانون ثبت خواهد بود. پاورقی۱ ـ ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۲۱ ۱ ۷۹) که جایگزین ماده ۹۵ اصلاحی آیین دادرسی مدنی سابق التصویب گردیده مقرر می‌دارد ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله ماموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می‌آید. ماموران یاد شده دادخواست و ضمایم آن را وسیله مامورین سفارت یا هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد برای خوانده می‌فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه می‌رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خوانده ، ماموران کنسولی یا سیاسی نباشند ، این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند، انجام می‌دهد.

قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی – مصوب ۱۰ آبانماه ۱۳۷۷

(شماره ۱۵۶۶۶ ـ ۱۶ ۹ ۱۳۷۷ روزنامه رسمی ماده ۱ ـ هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادرکننده حکم به ازای هر یکصد هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌گردد در صورتی که محکومیت مذکور توام با مجازات حبس باشد، بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام مجازات حبس شروع می‌شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد شد و در هر حال حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز نماید. تبصره ـ مبلغ مذکور در این ماده به تناسب تورم هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه تعدیل و در خصوص‌احکامی که در آن سال صادر می‌گردد لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۲ ـ هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود، چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت ، از مال ضبط شده استیفا می‌نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له ، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد. تبصره ـ چنانچه موضوع این ماده صرفا دین بوده و در ذمه مدیون باشد دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استردادعین در صورتی مقررات فوق اعمال می‌شود که عین موجود نباشد به جز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد. ماده ۳ ـ هرگاه محکوم‌علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم به را صادر خواهد کرد. تبصره ـ در صورتی که محکوم‌علیه موضوع این ماده بیمار باشد به نحوی که حبس موجب شدت بیماری و یا تاخیر درمان وی شود ، اجرای حبس تارفع بیماری به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۴ ـ هرکس به قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیت های مالی مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهارماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم‌خواهد شد و درصورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال

گیرنـده باشـد عین‌آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنـده بابت تادیه دین استیفا خواهد شد. ماده ۵ ـ مفاد این قانون در خصوص محکومین سازمان تعزیرات حکومتی نیز مجری خواهـد بود. ماده ۶ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه‌ماه توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهـد رسـید. ماده ۷ ـ این قانون از تاریـخ تصویب لازم الاجرا بوده و حکم منـدرج در ماده (۱) شامـل کلیه آرای صـادره قبل از لازم الاجرا شـدن این قانون نیز می‌گردد و کلیه قوانین و مقررات مغـایر بـا آن از جمله قـانون نحـوه اجرای محکومیتهـای مـالی مصوب ۱۳۵۱ و قـانون منـع توقیف اشـخاص در قبـال تخلف از انجـام تعهدات و الزامات مالی مصوب ۱۳۵۲ لغو می‌گردد.

آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی – مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۸

ماده ۱ ـ (اصلاحی ۲۶.۶.۱۳۸۱) چنـانچه محکوم علیه پس از لـازم الاجرا شـدن حکم ، جزای نقـدی را نپردازد و اظهار نمایـد مالی برای پرداخت آن نـدارد و برای مرجع مجری حکم هم خلاف این اظهار مسـلم نباشد ، طبق دسـتور مرجع صادره کننده حکم در ازا هر یکصـدهزار ریـال یک روز بازداشت می‌شود. تبصـره ۱ ـ (اصـلاحی ۲۶.۶.۱۳۸۱) اگر میزان محکومیت به جزای نقـدی یـا بـاقی مانـده آن کمتر از یکصدهزار ریال باشد نیز یک روز بازداشت می‌شود. تبصـره ۲ ـ منظور از مرجع صادر کننـده حکم در این آیین نامه ، در هر حال مرجع بدوی است که حکم زیر نظر او اجرا می‌شود. ماده ۲ ـ هرگاه محکوم علیه برای پرداخت جزای نقدی مهلت بخواهـد، مرجع اجرا کننـده حکم می‌تواند مهلت مناسبی که بیش از یک ماه نباشد به او بدهد. مرجع صادر کننده حکم می‌تواند به درخواست محکوم علیه و پیشـنهاد مرجع مجری حکم با در نظر گرفتن شـرایط و وضـعیت محکوم علیه و میزان جزای نقـدی و سایر اوضاع و احوال موثر ، این مهلت را حـداکثر تا دو ماه دیگر تمدید کند. ماده ۳ ـ چنانچه محکوم علیه جزای نقدی مقرر در حکم را نپردازد اما مالی (منقول یا غیرمنقول) غیر از مستثنیات دین از او به دست آید که بتوان تمام یا قسمتی از جزای نقدی را استیفا نمود به دسـتور مرجع مجری حکم به ترتیب ذیل عمل می‌شود الف اگر مال مورد نظر وجه نقد باشد معادل جزای نقدی از آن ضبط و به حساب مربوط واریز می‌شود. ب در مورد اموال منقول یا غیرمنقول چنانچه بـدون معارض باشد معادل جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه‌هـای اجرایی فورا توقیف و مطابق مقررات این آیین نامه به فروش می‌رسـد و جزای نقـدی و هزینه های مربوط استیفا می‌شود. ماده ۴ ـ پس از توقیـف مـال برای استیفـا جزای نقـدی نظریه دو نفر کارشـناس به تعیین مرجع مجری حکم در مورد ارزش آن مـال تحصیل می‌شود سپس روز و ساعت و محل انجام مزایده تعیین و با الصاق آگهی در معابر اصلی محل ، انجام مزایده به اطلاع عموم می‌رسد و به بالاترین قیمت پیشـنهادی که نباید کمتر از قیمت کارشناسـی باشد فروخته می‌شود. تبصـره ـ اگر ارزش کارشناسی مال از سـی میلیون ریـال بیشتر باشـد آگهی مزایـده یـک نـوبت در روزنـامه محلی و در صـورت نبـودن آن در یکی از روزنـامه هـای کثیرالانتشار نیز درج می‌شود. ماده ۵ ـ هرگاه مال مورد نظر، خریدار نداشته یا مبلغ پیشنهادی کمتر از قیمت کارشناسی باشد، حسب مورد تمـام یـا قسـمتی از آن مـال مطابق ارزیابی کارشـناس به دسـتور مرجع صادر کننـده حکم در ازا جزای نقـدی به تملک دولت درمی‌آیـد و در اختیـار سازمـان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی قرار می‌گیرد تـا بر اسـاس مقررات مربوط عمـل نماینـد. ماده ۶ ـ اموال ضایع شدنی و سریع الفساد ، همچنین مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن است ، ونیز مـالی که ارزش آن کمتر از سی میلیون ریال است بـدون انجام مزایـده و با نظر کارشناسـی به فروش می‌رسـد. ماده ۷ ـ چنـانچه مـالی از محکوم علیه معرفی شود یـا مرجع مجری حکم بـا قراین قویه احتمـال دهـد محکوم علیه مالی غیر از مسـتثنیات دین دارد که می‌توان با فروش آن جزای نقدی را استیفا نمود تحقیقات لازم در این خصوص بعمل می‌آید. ماده ۸ ـ اگر محکوم علیه در ازا جزای نقـدی بازداشت شود و در جریان اجرای حکم مالی از او به دست آیـد که بتوان باقیمانـده جزای نقدی را استیفا نمود مال مـذکور توقیـف و اقـدامات اجرایی در این خصوص معمول و از محکوم علیه رفع بـازداشت می‌شود. مـاده ۹ ـ هرگـاه اموال محکوم

علیه متناسب با میزان محکومیت او به جزای نقدی نباشد و نتوان از این طریق جزای نقدی را استیفا نمود و تفاوت ارزش آن اموال با میزان محکومیت ، فاحش باشد محکوم علیه در ازا جزای نقدی بازداشت می‌شود و اقدامات اجرایی برای فروش و استیفا قسمتی از جزای نقدی ادامه خواهد یافت ماده ۱۰ ـ هرگاه قبل از فروش مال توقیف شده جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه های اجرایی پرداخت شود از مال مذکور رفع توقیف به عمل می‌آید. ماده ۱۱ ـ در کلیه مواردی که برای پرداخت جزای نقدی مهلت داده می‌شود یا استیفا جزای نقدی از اموال محکوم علیه مستلزم اقداماتی است که‌اجرای حکم را به تاخیر می‌اندازد ، چنانچه قبلا از محکوم علیه تامین متناسب گرفته نشده باشد، مرجع صادر کننده حکم متناسب با میزان محکومیت او مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری قرار تامین صادر می‌کند و هرگاه این تامین منتهی به بازداشت محکوم علیه شود از میزان محکومیت او کسر خواهدشد. ماده ۱۲ ـ حقوق و مزایا و عواید احتمالی و آتی محکوم علیه و مطالبات او از شخص ثالث در ازا جزای نقدی قابل توقیف نیست و مانع بازداشت اونمی‌باشد. ماده ۱۳ ـ در کلیه مواردی که صدور سند انتقال به نام خریدار ضرورت داشته باشد مرجع صادر کننده حکم پس از بررسی و احراز صحت جریان فروش و اقدامات اجرایی دستور تنظیم سند انتقال را صادر خواهد نمود. ماده ۱۴ ـ از وجوه حاصل از فروش اموال توقیف شده جهت استیفای جزای نقدی ، بدوا هزینه های ضروری اجرا حکم از قبیل هزینه کارشناسی و نگهداری مال و نظایر آن پرداخت می‌شود. ماده ۱۵ ـ فروش اموال توقیف شده جهت استیفا جزای نقدی با حضور نماینده مرجع مجری حکم بعمل می‌آید. ماده ۱۶ ـ در مواردی که طبق این آیین نامه مقررات خاصی وضع نشده مطابق قانون اجرای احکام مدنی عمل می‌شود. ماده ۱۷ ـ الزام به تادیه محکومیتهای مالی موضوع ماده ۲ قانون مستلزم صدور اجراییه مطابق قانون اجرای احکام مدنی است به جز محکومیت هایی که‌به تبع امر کیفری بدون تقدیم دادخواست حاصل شده که در این صورت دستور مرجع صادرکننده حکم به منزله الزام به تادیه است ماده ۱۸ ـ هرگاه محکوم علیه محکوم به را تادیه ننماید به طریق ذیل عمل می‌شود الف چنانچه موضوع محکومیت استرداد عین مال باشد آن مال عینا اخذ و به ذی نفع تحویل می‌شود و اگر رد آن ممکن نباشد بدل آن (مثل یا قیمت از اموال محکوم علیه بدون رعایت مستثنیات دین استیفا می‌گردد. ب در مورد سایر محکومیتهای مالی با رعایت مستثنیات دین مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی مال وی جهت استیفای محکوم به توقیف و به‌فروش می‌رسد. ج چنانچه استیفای محکوم به به نحو مذکور ممکن نباشد محکوم علیه به درخواست ذی نفع و به دستور مرجع صادرکننده حکم تا تادیه محکوم به یا اثبات اعسار حبس می‌شود. ماده ۱۹ ـ به دعوی اعسار محکوم علیه مطابق مقررات اعسار در مرجع بدوی رسیدگی می‌شود. تبصره ـ چنانچه در رسیدگی به دعوی اعسار ثابت شود محکوم علیه قادر نیست محکوم به را یکجا بپردازد ولی متمکن از پرداخت به نحو اقساط می‌باشد، مرجع رسیدگی متناسب با وضعیت مالی او حکم به تقسیط محکوم به صادر می‌کند. ماده ۲۰ ـ در مواردی که محکوم‌علیه به علت محکومیتهای مالی متعدد حبس شده است دعوی اعسار باید علیحده مطرح شود مگر در مورد محکومیتهایی که محکوم له آنها یکی است که در این صورت حکم اعسار شامل همه آن محکومیتها می‌شود. ماده ۲۱ ـ در مواردی که حکم به تقسیط محکوم به صادر می‌شود چنانچه محکوم علیه در زمان مقرر قسط را نپردازد به درخواست ذی نفع تا پرداخت قسط معوقه و یا اثبات اعسار او از پرداخت باقی‌مانده محکوم به ، حبس می‌شود. ماده ۲۲ ـ صدور حکم اعسار یا تقسیط مانع استیفای حقوق محکوم له از اموالی که بعدا از محکوم علیه به‌دست می‌آید نخواهد بود. ماده ۲۳ ـ مرجع تشخیص بیماری موضوع تبصره ماده ۳ قانون ، پزشکی قانونی و در صورت نبودن آن پزشک معتمد است ماده ۲۴ ـ این آیین نامه در ۲۴ ماده و ۴ تبصره در اجرای ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۰ ۸ ۷۷ مجلس شورای اسلامی توسط وزارت دادگستری تهیه و در تاریخ ۲۶ ۲ ۷۸ به‌تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

آیین نامه ترتیب وصول درآمد حراج و محل مصرف آن – مصوب ۲۱ ۱۲ ۱۳۳۱

مواد ۱ تا ۹ مربوط به ترتیب فروش دفاتر و اوراق بهادار است ماده ۱۰ ـ حق حراج مطابق تعرفه ذیل گرفته می‌شود ۱ ـ در اموال منقول شش درصد (۶٪). ۲ ـ در اموال غیر منقول از یک ریال تا ده هزار (۱۰۰۰۰) ریال شش درصد (۶٪) و از ده هزار و یک (۱۰۰۰۱) ریال به بالا چهار درصد (۴٪). ۳ ـ دستمزد چوب زن حراج تا یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال مبلغ فروش ده درصد (۱۰٪) به ماخذ حق حراج صدی صد وصولی ۴ ـ دستمزد چوب زن حراج از یکصد هزار و یک (۱۰۰۰۰۱) ریال تا دویست هزار (۲۰۰۰۰۰) ریال مبلغ فروش نسبت به مازاد یکصد هزار ریال یک شصتم به ماخذ حق حراج صدی صد وصولی . ۵ ـ دستمزد چوب زن حراج از دویست هزار و یک (۲۰۰۰۰۱) ریال به بالا نسبت به مازاد دویست هزار (۲۰۰۰۰۰) یک صدم به ماخذ حق حراج صدی صد وصولی ماده ۱۱ ـ محل مصرف وجوه حاصل از درآمد حراج مذکور در ماده ۱۰ به شرح ذیل است الف تهیه اثاثیه لازمه و کرایه محل انبار سوخت و روشنایی و دستمزد چوب‌زن و فرد انباردار و هزینه‌های پیش بینی نشده به پیشنهاد اداره ثبت محل و تصویب اداره کل ثبت ب فوق العاده و پاداش و کمک به کارمندان فعال ثبت کل و هزینه‌های متفرقه به تشخیص مدیرکل ثبت و تصویب وزارت دادگستری ج حقوق و مزایای کارمندان و مامورینی که تا به حال از درآمد حراج پرداخت می‌شده کماکان قابل پرداخت خواهد بود ولی از این تاریخ به بعد استخدام کارمند و خدمتگزار جز از محل درآمد حراج ممنوع است ماده ۱۲ ـ ماده ۹۴ و ۹۵ آیین نامه اجرا مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۲۹ ۹ ۲۲ ملغی است

آیین نامه طرز پرداخت حق النسبی متصدیان اجرا – مصوب ۱ ۱۰ ۱۳۵۴

ماده ۱ ـ ادارات کل امور مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در مرکز و دوایر حسابداری ادارات دادگستری و ثبت اسناد و املاک در شهرستان‌ها مکلفند حق نسبی از حقوق اجرایی که باید به موجب تبصره ۷۳ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۳ و بودجه سال ۱۳۵۴ کل کشور براساس ماده ۱۵ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ به متصدیان اجرا داده شود از حقوق اجرایی (برحسب مورد ده یک یا ده نیم جدا و طبق مواد زیر به تشخیص روسای مربوط به متصدیان و ماموران اجرا پرداخت نمایند. ماده ۲ ـ از اول فروردین ماه ۱۳۵۴ به بعد وجوهی که به طریق ماده یک جمع و نگهداری می‌شود باید به ترتیب زیر در طول سال در مرکز تحت نظر روسای دادگاه ها یا رییس اجرای ثبت و در شهرستان ها تحت نظر روسای دادگاه ها و روسای ثبت بین متصدیان مربوط تقسیم شود. ۱ ـ در مورد اجرای دادگستری الف ـ مسیولان اجرای دادگاه‌ها که حکم تحت نظر آنها اجرا می‌شود یا روسای اجرای سایر مراجعی که در امر وصول ده یک دخالت دارند ۵۰٪. ب ـ کارمندان و مأموران اجرا که در امر وصول ده یک دخالت داشته‌اند ۵۰٪ ۲ ـ در مورد اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور الف ـ رییس و معاونان اداره اجرای ثبت و رییس و معاونان دوایر اجرای ثبت و سرممیزان و ممیزان اداره و دوایر اجرای ثبت در مرکز، مسیولان اجرای ثبت شهرستانها و ممیزان اجرا ۷۰٪. ب ـ کارمندان و ماموران اجرا و کارمندان حسابداری و رسیدگی اجرا که در امر وصول ده نیم دخالت داشته اند ۳۰٪. تبصره ـ سهم هر یک از افرادی که به موجب این آیین نامه استحقاق دریافت حق نسبی دارند از طرف روسای مربوط با در نظر گرفتن طرز کار و فعالیت‌آنها در امر وصول ، حقوق اجرایی براساس ضوابطی که در این مورد از طرف وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معین و ابلاغ خواهدشد تعیین می‌شود. ماده ۳ ـ برای اجرای ماده فوق باید دفتری در حسابداری مربوط نگاهداری شود که کلیه درآمد وصولی اجرا بابت (ده یک یا ده نیم در آن ثبت گردد وماخذ احتساب پرداخت حق نسبی واقع شود. ماده ۴ ـ وجوه حاصل از حق نسبی فقط باید طبق مواد فوق به کارمندان و خدمتگزاران پرداخت شود و هزینه دیگری از این محل مجاز نیست ماده ۵ ـ نحوه نگهداری وجوه مذکور و به هزینه منظور نمودن آن به موجب دستورالعملی خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی به ادارات کل مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات مربوط در شهرستان‌ها ابلاغ خواهد شد. ماده ۶ ـ در مورد وجوه اضافه دریافتی مربوط به حقوق اجرایی (ده یک یا ده نیم طبق مقررات مالی مربوط در

استرداد آن اقدام می‌شود و نسبت به حق نسبی اضافی پرداخت شده مبلغ اضافی از اولین حق نسبی که بعدا پرداخت می‌شود کسر خواهد شد.

لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری – مصوب ۲۶ ۶ ۱۳۵۸

(روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۸۸ ـ ۱۹ ۷ ۱۳۵۸) ماده واحده ـ ماده ۳۹ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری به شرح زیر اصلاح می‌شود ماده ۳۹ ـ پانزده درصد از کلیه درآمدهای وصولی دادگستری بابت هزینه دادرسی و حق اجرای احکام حقوقی و جزای نقدی و هزینه های ثبتی و اجرایی و غیره برای احداث یا تهیه ساختمانهای مناسب دادگستری و واحدهای ثبتی و تامین خانه های سازمانی و مسکن قضاوت و کارکنان وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاك كشور و اعطای وام ضروری به آنها و تهیه و تجهیز وسایل کار، هزینه های لازم برای بهبود امور دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاك كشور اختصاص می‌یابد. کیفیت هزینه و نحوه نگهداری حساب از درآمد مذکور و طرز تشکیل صندوق تعاون وام ضروری سازمان ثبت‌اسناد و املاك كشور و شرایط وام بر طبق آیین نامه هایی خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری برسد.

نظریه شورای نگهبان در خصوص خسارت تاخیر تادیه

شماره ۵۱۲۲۱۷۶۱۳۱۳۷۶ حضرت آیت ا... یزدی رییس محترم قوه قضاییه با سلام نامه شماره ۴۶۱۳۳۱۹ مورخ ۲۷ ۱۲ ۱۳۷۴ قایم مقام رییس کل دادگستری استان تهران در جلسه رسمی مورخ ۳۱ ۲ ۱۳۷۶ آقایان فقهای شورای نگهبان مطرح و نظر آقایان فقها بدین شرح اعلام می گردد نظریه‌های شماره ۹۴۹۹ مورخ ۲۵ ۸ ۱۳۶۲ و ۳۸۴۵ مورخ ۱۲ ۴ ۱۳۶۴ و ۳۳۷۸ مورخ ۱۴ ۱۰ ۱۳۶۷ فقهای شورای نگهبان به عنوان شورای عالی محترم قضایی در خصوص خسارت تاخیر تادیه شامل چك بلامحل نیز می‌باشد. تصویر نظریه‌های مورد اشاره به پیوست ارسال می گردد. دبیر شورای نگهبان ـ احمد جنتی شماره ۹۴۹۹۲۵۸۱۳۶۲ بسم الله الرحمن الرحیم شورایعالی قضایی عطف به نامه شماره ۴۱ ۲۶۱ مورخ ۳۱ ۵ ۱۳۶۲ موضوع در جلسه رسمی فقها شورای نگهبان مطرح و بررسی شد. (دریافت خسارت تاخیر تادیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آیین دادرسی به نظر اکثریت فقها مغایر با موازین شرعی شناخته شد) دبیر شورای نگهبان ـ لطف الله صافی شماره ۳۸۴۵۱۲۴۱۳۶۴ بسم ا.. الرحمن الرحیم شورای عالی قضایی نظر به اینکه در موضوع حکم خسارت تاخیر تادیه مراجعات متعدد به شورای نگهبان می‌شود و از قرار بعض شکایات ، بانکها مطالبه خسارت تاخیر تادیه می‌نمایند موضوع در جلسه رسمی فقها شورای نگهبان مطرح شد و به شرح زیر اعلام نظر گردید (مطالبه مازاد بدهی بدهکار به عنوان خسارت تاخیر تادیه چنانچه حضرت امام مدظله نیز صریحا به این عبارت (آنچه به حساب دیرکرد تادیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است اعلام نموده‌اند جایز نیست و احکام صادره بر این مبنی شرعی نمی‌باشد. بنابراین مواد ۷۱۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی حقوقی و سایر موادی که بطور متفرق احتمالا در قوانین در این رابطه موجود باشد خلاف شرع انور است و قابل اجرا نیست) دبیر شورای نگهبان ـ لطف الله صافی شماره ۳۳۷۸۱۴۱۰۱۳۶۷ بسم الله الرحمن الرحیم شورایعالی قضایی عطف به نامه شماره ۲۶۹۴۱۱ مورخ ۳۱ ۵ ۱۳۶۲ آن شورای محترم و پیرو نامه‌های شماره ۹۴۹۹ مورخ ۲۵ ۸ ۱۳۶۲ و شماره ۳۸۴۵ مورخ ۱۲ ۴ ۱۳۶۴ با اینکه نیازی به اظهارنظر مجدد نیست و تمام مواد و تبصره‌های موجود در قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقرراتی که اجازه اخذ مبلغی را به عنوان خسارت‌تاخیر تادیه می‌دهد (که حقیقت آن اخذ مازاد بر بدهی بدهکار است باطل است معذالك بلحاظ اینکه بعض مقامات ثبتی هنوز هم تردید دارند فلذا نظر شورای نگهبان بشرح ذیل اعلام می‌شود (آن قسمت از ماده ۳۴ قانون ثبت و تبصره ۴ و ۵ آن و ماده ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی ثبت که اخذ مازاد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تاخیر تادیه مجاز شمرده

است خلاف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود) لازم بتذکر است که تاخیر ادا دین حال پس از مطالبه طلبکار برای شخص متمکن شرعا جرم و قابل تعزیر است دبیر شورای نگهبان ـ محمد محمدی گیلانی

قانون نحوه وصول مطالبات بانکها – مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۵ ۱۰ ۱۳۶۸

مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۵ ۱۰ ۱۳۶۸ ماده ۱ ـ کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانکها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۸ ۶ ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده‌اند اعم از آن که قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار در سررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد بر اساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات قابل مطالبه و وصول است کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت مکلفند طبق مقررات و شرایط زمان اعطای وجوه وتسهیلات رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانکها اعم از اصل و هزینه ها و خسارات و متفرعات متعلقه (خسارت تاخیر تادیه ، جریمه عدم انجام تعهد و غیره اقدام نمایند. ماده ۲ ـ در خصوص دعاوی که قبلا راجع به مطالبات بانکها نزد مراجع قضایی مطرح و منجر به صدور حکم شده است و هزینه ها و متفرعات وجریمه تاخیر تادیه و جزای تخلف از شرط متعلقه که وصول آن به نفع بانک مورد لحقوق حکم واقع نشده است بانکها می‌توانند تقاضای تصحیح حکم را از مرجع صادر کننده حکم بنمایند و مرجع صادر کننده حکم مکلف است وفق مقررات این قانون رسیدگی و احکام صادره را تصحیح نماید. مقررات این قانون در مورد دعاوی که در حال حاضر در محاکم مطرح رسیدگی است نیز اعمال می گردد. تبصره ـ دوایر اجرای ثبت اسناد و املاـك مکلفند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی بین بانکها و مشتریان که منجر به صدور اجراییه شده اعم ازآن که عملیات اجرایی خاتمه پیدا کرده یا در جریان اجرا باشد، نسبت به وصول خسارات تاخیر تادیه و سایر متفرعات و هزینه های مربوط طبق مقررات این قانون عمل نمایند.

قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی

) شماره ۸۹۱۲۱۶۰۶۵ روزنامه رسمی) ماده واحده ـ وزارتخانه ها و موسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می گردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت درمورد احکام قطعی دادگاهها و اوراق لازم الاجرای ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاهها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سالهای قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود اعتبار و عدم امکان تامین از محلهای قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت نمایند، اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاك و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیر منقول وزارتخانه ها و موسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم و بعد از سال صدور حکم نخواهند بود. ضمنا دولت از دادن هر گونه تامین در زمان مذکور نیز معاف می‌باشد، چنانچه ثابت شود وزارتخانه ها و موسسات یاد شده با وجود تامین اعتبار از پرداخت محکوم به استنکاف نموده‌اند، مسوول یا مسوولین مستنکف توسط محاکم صالحه به یك سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف به وسیله استنکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشد ، ضامن خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱ ـ دستگاه مدعی علیه با تقاضای مدعی باید تضمین بانکی لازم را به‌عنوان تامین مدعی به دادگاه بسپارد. در صورتی که دعوی یا مقداری ازخواسته رد شود، به حکم دادگاه تضمین یا مبلغ مانده به دستگاه مدعی علیه رد خواهد شد. تبصره ۲ ـ تبصره ۵۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۷ و

تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۳۴ لغو می‌شود.

ثبت شرکت ها

قانون ثبت شرکتها – مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی

مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی ماده ۱ ـ هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است ماده ۲ ـ کلیه شرکتهای ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی ، ضمانتی ، مختلط ، تعاونی) که در تاریخ اجرای این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده‌اند باید تا آخر شهریورماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند والا به تقاضای مدعی العموم بدایت محلی که ثبت باید در آنجا به عمل آید ، محکمه مدیران آنها را به یکصد الی هزارتومان جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی العموم حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر خواهد شد. در صورتی که مدت فوق برای تطبیق تشکیلات با قانون تجارت و تقاضای ثبت کافی نباشد رییس محکمه ابتدایی محل به تقاضای شرکت تا سه ماه مهلت ضمان خواهد داد. ماده ۳ ـ از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود ، شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. ماده ۴ ـ هر شرکت خارجی که در تاریخ اجرای این قانون در ایران به‌وسیله شعبه یا نماینده مشغول به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف چهار ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید. درصورتی که این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به اداره ثبت کافی نباشد رییس محکمه ابتدایی تهران به تقاضای نماینده شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد. ماده ۵ ـ اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکتهای خارجی در ایران اقدام به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضای موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدایی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و به علاوه محکمه برای هر روز تاخیر پس از صدور حکم متخلف را به تادیه پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود. ماده ۶ ـ در مورد شرکتهای خارجی که شرایط عملیات آنها به‌موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت ، وزارت امورخارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تاخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است ماده ۷ ـ تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتبا اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای‌حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به‌ثبوت رساند. ماده ۸ ـ شرکتهای بیمه اعم از ایرانی و خارجی تابع نظامنامه هایی خواهند بود که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود. قبول تقاضای ثبت شرکتهای فوق و شرایط راجعه به ادامه عملیات آنها منوط به رعایت مقررات نظامنامه های مزبوره خواهد بود. ماده ۹ ـ برای اجرای این قانون از طرف وزارت عدلیه نظامنامه‌های لازمه تنظیم خواهد شد. در نظامنامه های مزبور باید راجع به مسایل ذیل صریحا تعیین تکلیف شود ۱ ـ اشخاصی که باید اظهارنامه ثبت بدهند. ۲ ـ نکاتی که باید در اظهارنامه قید شود. ۳ ـ اوراق و مدارکی که عین یا ترجمه مصدق آنها باید ضمیمه اظهارنامه شود. ۴ ـ نکاتی که در صورت تغییر باید مجددا به ثبت برسد. ۵ ـ طرز ثبت شعب یا نمایندگان جدید. ۶ ـ اعلاناتی که پس از ثبت باید به‌وسیله اداره ثبت اسناد به خرج شرکت به عمل آید. ۷ ـ تعرفه راجع به ترجمه و تصدیق

صحت ترجمه ماده ۱۰ ـ حقوق ثبتی برای ثبت شرکتها و موسسات اعم از ایرانی و خارجی مطابق تعرفه زیر تعیین می‌شود الف ـ حق الثبت شرکتها و موسسات تجاری (موضوع ماده ۱۰ اصلاحی مصوب ۲۸ ۸ ۱۳۴۶ قانون ثبت شرکتها) به ترتیب ذیل تعیین می‌شود(مصوب ۱۷ ۳ ۱۳۷۶) ۱ ـ تا دو میلیون ریال از کل سرمایه به ازای هر ده هزارریال صد و شصت ریال که در هر صورت از دو هزار ریال کمتر نخواهد بود. ۲ ـ تا چهار میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد دو میلیون ریال هر ده هزار ریال صد ریال ۳ ـ تا هشت میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد چهار میلیون ریال هر ده هزار ریال ، هفتاد ریال ۴ ـ تا ده میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد هشت میلیون ریال هر ده هزار ریال ، چهل ریال ۵ ـ تا یکصدمیلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد ده میلیون ریال هر ده هزار ریال سی ریال ۶ ـ از یکصدمیلیون ریال تا پانصد میلیون ریال سرمایه از مبدا مقطوعا پانصد هزار ریال ۷ ـ از پانصد میلیون ریال سرمایه به بالا از مبدأ مقطوعا هفتصد هزار ریال ۸ ـ حق الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازای هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای فوق الذکر است و حق الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر (به استثنای تغییر سرمایه) چهار هزار ریال است ب اصلاحی ۳۰ ۱۲ ۱۳۶۲) ـ حق الثبت موسسات غیرتجاری (موضوع بند ب ماده ۱۰ اصلاحی ۲۸ ۸ ۱۳۴۶ قانون ثبت شرکتها) که بدون سرمایه می‌باشند، چهارهزار ریال و حقوق ثبتی موسسات غیرتجاری با سرمایه به ترتیب ذیل است ۱ ـ حق الثبت موسسات غیرتجاری تا دو میلیون ریال سرمایه ، مقطوعا پنج هزار ریال ۲ ـ حق الثبت موسسات غیرتجاری از دو میلیون و یک ریال تا ده میلیون ریال سرمایه مقطوعا هفت هزار و پانصد ریال ۳ ـ حق الثبت موسسات غیرتجاری از ده میلیون و یک ریال سرمایه تا یکصدمیلیون ریال سرمایه مقطوعا ده هزار ریال ۴ ـ حق الثبت موسسات غیرتجاری از یکصد میلیون و یک ریال سرمایه به بالاـ مقطوعا بیست هزار ریال ۵ ـ حق الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازای دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای فوق الذکر و حق الثبت هر دفعه تغییر درموارد دیگر (به استثنای تغییر سرمایه یکهزار ریال است پ ـ شرکتهای تعاونی روستایی و سایر شرکتهای تعاونی که اساسنامه آنها طبق مقررات به تصویب رسیده باشد و همچنین سازمان تعاون و مصرف کادر نیروهای مسلح و واحدهای اقتصادی تابع آن و شرکتهای دولتی توسعه کشاورزی و شرکتهای دولتی کشت و صنعت از پرداخت حقوق ثبتی معاف می‌باشند. ت ـ حق الثبت هر شعبه شرکتها و موسسات تجاری و غیرتجاری و تغییرات آن حسب مورد مطابق تعرفه های مقرر در بند (ب ماده ۱۰ این قانون می‌باشد. ث ـ از تاریخ اجرای این قانون هیچ گونه حقوق دیگری اعم از عمومی و اختصاصی برای ثبت شرکتها و موسسات مندرج در این قانون دریافت نخواهد شد و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود. ماده ۱۱ ـ نماینده هر شرکت خارجی یا مدیر شعبه آن که برخلاف ماده ۳ قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجارتی یا صنعتی یا مالی نماید مطابق ماده ۵ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهد شد. در مورد شرکتهای داخلی که پس از تاریخ اجرای این قانون تشکیل می‌شوند کسانی که مکلف به تقاضای ثبت شرکت بوده و در موعد قانونی به تکلیف خود عمل نکنند مطابق ماده ۲ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهند شد. ماده۱۲ ـ مواد ۶۶ و ۱۴۱ قانون تجارت و ماده ۲۴۱ قانون ثبت اسناد نسخ واین قانون از ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

طرح اصلاحی آیین نامه ثبت شرکتها – مصوب شهریور ماه ۱۳۴۰

مصوب شهریور ماه ۱۳۴۰ نظر به مقررات قانون عهدنامه عمومی پاریس مصوب دهم اسفند ماه ۱۳۳۷ مربوط به حمایت مالکیت صنعتی و ماده ۹ قانون ثبت شرکتها مصوب خردادماه ۱۳۱۰ و ماده ۴۵ قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ و ماده ۱۱ و ۱۵ و مواد ۵۸۲ و ۵۸۵ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ وزارت دادگستری مقرر می‌دارد ماده اول ـ اداره ثبت شرکتها و علایم تجارتی و اختراعات اداره کل ثبت در تهران از این تاریخ به نام (اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی) نامیده می‌شود و دارای وظایف زیر خواهد بود ۱ ـ ثبت شرکتهای تجارتی ایران حوزه تهران و همچنین ثبت کلیه شرکتهای خارجی در

ایران و موسسات غیرتجارتی ایرانی حوزه تهران و ثبت کلیه موسسات خارجی در ایران ۲ ـ ثبت علایم تجارتی و اختراعات و نام تجارتی و اشکال و ترسیمات صنعتی ۳ ـ ثبت دفترتجارتی و پلمپ دفاتر تجارتی و غیرتجارتی حوزه تهران تبصره ـ اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی عنوان شعبه مخصوص دفتر دادگاه شهرستان تهران را برای اجرای مفاد مواد ۶ و ۷ قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ دارد و رییس این اداره نسبت به قبول یا رد تقاضانامه های مربوط به ثبت شرکتهای تجارتی و موسسات غیرتجارتی و علایم تجارتی و اختراعات اتخاذ تصمیم نموده و گواهینامه های ثبت را امضا خواهد کرد. ماده دوم ـ علاوه بر انجام وظایف قانونی ، اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی موظف است در موضوع حمایت مالکیت صنعتی با در نظر گرفتن احتیاجات و مقتضیات اوضاع اقتصادی کشور و تعهدات بین المللی ، طرحهای قانونی و آیین نامه های اجرایی آن را به کمک (کمیته مشورتی) تهیه وپیشنهاد نماید. ماده سوم ـ کمیته مشورتی از نمایندگان وزارتخانه های زیر در محل اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی تشکیل می‌شود ۱ ـ اداره حقوقی وزارت دادگستری ۲ ـ اداره حقوقی وزارت امور خارجه ۳ ـ وزارت بازرگانی ۴ ـ وزارت صنایع و معادن کمیته مزبور به دعوت رییس اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی و یا هریک از وزارتخانه های ذی نفع تحت ریاست رییس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی تشکیل خواهد شد ، در هر دعوتنامه دستورجلسه نیز ذکر خواهد شد. تبصره ۱ ـ کمیته هر وقت مقتضی بداند می‌تواند از نمایندگان سایر وزارتخانه ها و موسسات و کارشناسان و اشخاص مطلع ، برای شرکت در جلسات‌خود دعوت نماید ولی اتخاذ تصمیم نهایی در هر موضوع با اعضای ثابت کمیته مشورتی خواهد بود. تبصره ۲ ـ در صورتی که طرحهای قانونی و آیین نامه‌های اجرایی که کمیته مزبور و یا کارشناسان مربوطه تهیه می‌نمایند احتیاج به پرداخت حق الزحمه داشته باشد از محل هزینه مقدماتی ثبت کل تامین و پرداخت خواهد شد. ماده چهارم ـ در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت موجود است برای ثبت شرکتهای داخلی و پلمپ دفاتر تجارتی و ثبت نام تجارتی و موسسات غیرتجارتی ، متصدی مخصوصی از طرف اداره کل ثبت تعیین خواهد شد. ماده پنجم ـ اداره ثبت شرکتها در تهران و دوایر ثبت شرکتها در شهرستانها در ثبت شرکتنامه قائم مقام دفترخانه‌های رسمی می‌باشند.

نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها – مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی

مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی ماده ۱ ـ برای ثبت کلیه شرکت های خارجی و همچنین ثبت شرکتهای ایرانی که باید در تهران ثبت شود دایره مخصوصی در اداره ثبت اسناد تهران به اسم دایره ثبت شرکتها تشکیل خواهد شد. ماده ۲ ـ مهلتی که برای تقاضای ثبت شرکتهای خارجی داده می‌شود از قرار ذیل است ۱ ـ نسبت به شرکتهای خارجی که در تاریخ اجرای این نظامنامه به وسیله شعبه یا نماینده در ایران به امر تجاری یا صنعتی و یا مالی اشتغال دارند تا ۱۵ مهرماه ۱۳۱۰ و این مهلت ممکن است مطابق ماده ۵ قانون ثبت شرکتها تا شش ماه دیگر تمدید شود. ۲ ـ نسبت به شرکتهای خارجی که از تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به بعد بخواهند در ایران به وسیله شعبه یا نماینده به امر تجاری یا صنعتی یا مالی مبادرت کنند تقاضای ثبت باید قبل از اشتغال به امری که موضوع عملیات شرکت است به عمل آید. ماده ۳ ـ ثبت کلیه شعبی نیز که ممکن است شرکت خارجی در ایران داشته باشد در دایره ثبت شرکتها به عمل خواهد آمد. ماده ۴ ـ اظهارنامه ثبت هر شرکت خارجی یا شعب آن به وسیله شخصی که از طرف شرکت حق امضا در ایران دارد و یا به توسط کسی که از طرف شخص مزبور برای این تقاضا وکالت دارد تقدیم خواهد شد. ماده ۵ ـ برای ثبت هر شرکت خارجی تقدیم اسناد ذیل لازم است ۱ ـ اظهارنامه ثبت ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت ۳ ـ یک نسخه مصدق از اختیارنامه نماینده عمده شرکت در ایران و در صورتی که شرکت چند نماینده مستقل در ایران داشته باشد یک نسخه مصدق از اختیارنامه هریک از آنها. تبصره ـ هرگاه شرکت خارجی شرکتی باشد که شرایط عملیات آن به موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر گردیده علاوه بر اسناد فوق باید سواد امتیازنامه با تصدیق وزارت امور خارجه مشعر بر صحت آن امتیازنامه نیز تسلیم

شود. ماده ۶ ـ اظهارنامه ثبت باید به فارسی نوشته شده و دارای نکات ذیل باشد ۱ ـ نام کامل شرکت ۲ ـ نوع شرکت از سهامی و ضمانتی و مختلط و غیره ۳ ـ مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن ۴ ـ تابعیت شرکت ۵ ـ مقدار سرمایه شرکت در تاریخ تقاضا. ۶ ـ آخرین بیلان شرکت مشروط بر این که قوانین جاریه و یا عرف تجاری مملکت اصلی شرکت و یا اساسنامه خود شرکت انتشار بیلان شرکت را مقررکرده باشد. ۷ ـ در چه محل و در چه تاریخ و در نزد کدام مقام صلاحیت‌دار شرکت تقاضاکننده مطابق قوانین مملکت اصلی خود ثبت شده است ۸ ـ شرکت به چه نوع امر صنعتی یا تجاری یا مالی در ایران مبادرت می‌کند. ۹ ـ شعب آن در کدامیک از نقاط ایران موجود است ۱۰ ـ نماینده عمده شرکت در ایران کیست و اگر شرکت چند نماینده مستقل دارد نمایندگان مستقل شرکت در ایران چه اشخاصی هستند. ۱۱ ـ اسم و آدرس صحیح شخص یا اشخاصی که مقیم در ایران بوده و برای دریافت کلیه ابلاغات مربوطه به شرکت صلاحیت دارند. ۱۲ ـ تعهد به این که همه ساله یک نسخه از آخرین بیلان شرکت را در صورتی که بیلان مزبور مطابق فقره ششم این ماده قابل انتشار باشد به دایره ثبت‌شرکتها بدهد. ماده ۷ ـ سواد اساسنامه شرکت و اختیارنامه نماینده عمده آن در ایران و اگر شرکت چند نماینده مستقل در ایران داشته باشد اختیارنامه آن نمایندگان وهمچنین آخرین بیلان شرکت باید در مرکز اصلی شرکت به توسط شخص یا اشخاصی که از طرف شرکت حق امضا دارند تصدیق گردد. امضای آن شخص یا اشخاص باید به تصدیق مقامات صلاحیت دار مملکتی که امضا در آنجا واقع شده و نماینده سیاسی یا قنسولی ایران در مملکت مزبور و یا نماینده سیاسی یا قنسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد. ماده ۸ ـ برای ثبت شعبه هر شرکت خارجی تقدیم مدارک ذیل لازم است ۱ ـ اظهارنامه ثبت به فارسی ۲ ـ سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران ۳ ـ سواد مصدق از اختیار (نامه نماینده که مدیر شعبه است تبصره ـ ممکن است تقاضای ثبت شعبه در ضمن تقاضای ثبت خود شرکت به عمل آید در این صورت تقدیم سواد مصدق سند ثبت خود شرکت لازم نخواهد بود. ماده ۹ ـ اگر علاوه بر نماینده یا نمایندگانی که اسم آنها مطابق ماده ۶ با خود شرکت ثبت شده و یا نمایندگانی که مدیریت شعبه را داشته و اسم آنها مطابق ماده ۸ در موقع ثبت شعبه به ثبت رسیده است شرکت خارجی در ایران نمایندگانی داشته باشد که حق امضا از طرف آن دارند اسم نمایندگان مزبور نیز باید ثبت شود معذالک ثبت اسامی مستخدمین جز که حق امضا دارند از قبیل محاسب و وکیل و غیره اجباری نیست ماده ۱۰ ـ هرگاه یکی از نکات مذکور در فقره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ ماده شش تغییر یابد این تغییر نیز باید در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت برسد. ماده ۱۱ ـ اگر شعبه جدیدی تاسیس و یا نمایندگان جدیدی معین شود تاسیس شعب و یا تعیین نمایندگان مزبور نیز باید در اداره ثبت اسناد تهران ثبت‌شود. ماده ۱۲ ـ اگر نماینده عمده شرکت در ایران تغییر یابد قائم مقام از برای ثبت سمت خود باید اسناد ذیل را به دایره ثبت شرکتها تقدیم کند ۱ ـ اظهارنامه بەزبان فارسی که شخصا امضا کرده باشد. ۲ ـ سواد اختیارنامه مطابق ماده ۷. ماده ۱۳ ـ کلیه اوراقی که مطابق مواد فوق لازم است به تقاضانامه ها منضم گردد باید به فارسی تهیه شده و یا یک ترجمه مصدق از آن به فارسی ضمیمه‌آن شود. ماده ۱۴ ـ در دایره ثبت شرکتها دفتر مخصوصی برای ثبت شرکتهای خارجی خواهد بود و شرکتهای مزبور باید در این دفتر به ترتیب تقاضا و در تحت نمره ترتیبی ثبت شوند. ماده ۱۵ ـ در دفتر مذکور در ماده فوق باید برای ثبت هر شرکت لااقل ۴ صفحه سفید تخصیص داده شود و کلیه شعب شرکت که تقاضای ثبت آن می‌گردد و همچنین تغییراتی که باید مطابق این نظامنامه به ثبت برسد به تدریجی که حاصل می‌شود ذیل ثبت خود شرکت و در صفحات مذکوره فوق ثبت خواهد شد. ماده ۱۶ ـ علاوه بر صفحات سفیدی که بر طبق ماده ۱۵ مقرر است برای هر شرکت خارجی باید دوسیه مخصوصی تشکیل داده شود. در دوسیه مزبور برای خود شرکت و هریک از شعب آن در ایران یک لفافه تخصیص داده خواهد شد. اظهارنامه و هر سندی که ضمیمه آن است در لفاف مخصوص شرکت یا شعبه آن ضبط می‌گردد. پس از آن یک نسخه از هر اظهارنامه دیگری که راجع به تغییرات باشد و همچنین کلیه اوراق که راجع به آن شرکت یاشعبه یا نماینده آن باشد در دوسیه مزبور و در لفاف مخصوص خود ضبط خواهد شد. ماده ۱۷ ـ دایره ثبت شرکتها باید برای هر اظهارنامه رسیدی با قید تاریخ وصول اظهارنامه بدهد. ماده ۱۸ ـ پس از ثبت شرکت و هر

یک از شعب آن اداره ثبت اسناد بایـد تصدیقی مشعر بر ثبت شرکت یا شعبه آن به تقاضا کننده بدهد. تصدیق مزبورباید حاوی مراتب ذیل باشد ۱ ـ نام کامل شرکت ۲ ـ نوع شرکت از سهامی و ضمانتی و مختلط و غیره ۳ ـ مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن ۴ ـ تابعیت شرکت ۵ ـ مقدار سرمایه شرکت در تاریخ تقاضا. ۶ ـ در چه محل و در چه تاریخ و در نزد کدام مقام صلاحیت‌دار شرکت تقاضاکننده مطابق قوانین مملکت اصلی خود ثبت شده است ۷ ـ شرکت به چه نوع امر صنعتی یا تجاری یا مالی در ایران مبادرت می کند. ۸ ـ تاریخ ثبت ۹ ـ امضای مدیر کل ثبت اسناد مملکتی تبصره ـ هرگاه تصدیق راجع به ثبت شعبه باشد باید علاوه بر مراتب فوق در تصدیق نامه محل شعبه نیز قید شود. ماده ۱۹ ـ سواد مصدق از تصدیق ثبت هر شعبه شرکت خارجی باید توسط اداره کل ثبت به اداره ثبت اسناد محلی که شعبه در آنجا دایر بوده و یا می‌شود ارسال گردد و اگر در آن محل ثبت اسناد نباشد سواد مزبور به دفتر محکمه ابتدایی آن محل فرستاده خواهد شد. ماده ۲۰ ـ در ظرف یک ماه از تاریخ ثبت هر شرکت خارجی یا شعبه آن دایره ثبت شرکتها بایـد مراتب ذیـل را به خرج خود شرکت در مجله رسمی وزارت عـدلیه و یکی از روزنـامه های یومیه تهران به تعیین وزارت عدلیه منتشر نماید ۱ ـ خلاصه اساسنامه شرکت ۲ ـ اسم نماینده عمده شرکت در ایران و اگر شرکت در ایران چند نفر نماینده مستقل داشته باشد اسم همه آنها. ۳ ـ اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضا دارند. ۴ ـ اسم شخص یا اشخاص مقیم در ایران که برای دریافت کلیه ابلاغات مربوطه به شرکت صلاحیت دارند. ماده ۲۱ ـ مراتب مذکور در ماده فوق باید در یکی از روزنامه های محلی نیز منتشر شود که شعبه شرکت در آنجا دایر بوده و یا تاسیس می‌شود و اگر در آن محل روزنامه نباشد این انتشار بایـد در یکی از روزنامه های یومیه تهران و با قیـد این که مربوط به کـدام شعبه است به عمل آیـد. انتشارات مذکور در این ماده نیز به توسط دایره ثبت شرکتها و به خرج خود شرکت به عمل خواهد آمد. ماده ۲۲ ـ هر شرکت خارجی که اظهارنامه ثبت را با شرایط و در مواعـد مقرره در قانون ثبت شرکتها و این نظامنامه تقـدیم نمایـد از مهلت های ذیل بهره مندخواهـد شد الف ـ برای تقاضای ثبت شعب و اسم نمایندگانی که در ایران مشغول تجارت بوده و در ضمن اظهارنامه راجع به ثبت خود شرکت نسبت به آنها اظهارنامه تقـدیم نشـده باشد یک ماه از تاریخ ثبت خود شرکت ب ـ برای تقاضای ثبت شعب یا نمایندگانی که ممکن است بعد از ثبت خود شرکت در ایران تشکیل و یا معین گردند یک ماه از تاریخ تشکیل یا تعیین آنها. ج ـ برای تقاضای ثبت تغییرات حاصله در شعب شرکت یا نمایندگانی که در ایران دارد که از آن جمله نماینده عمده شرکت و نمایندگان مستقل دیگرشرکت در ایران است و همچنین برای تغییر شخص یـا اشخاصـی که برای دریـافت کلیه ابلاغـات راجعه به شرکت صلاحیت دارنـد دو ماه از تاریخ تغییر. د ـ برای تغییرات حاصله در خود شرکت سه ماه از تاریخ تغییر ، اگر مرکز اصلی شرکت در آسیا به استثنای شرق اقصی و یا در اروپا و یا آمریکای شمالی باشـد و چهار ماه اگر در سایر ممالک باشـد. ماده ۲۳ ـ مقصود از نماینده عمده شرکت خارجی که در قـانون ثبت شرکتها مـذکور است کسی است که شرکت خـارجی به او اختیار لازم داده و تعهـدات او به سـمت نماینـدگی شرکت ، تعهدات خود شرکت محسوب می‌شود. ماده ۲۴ ـ مقررات ماده ۷ در مورد بیلان سالیانه شرکت نیز که مطابق فقره دوازده ماده شش این قانون باید همه ساله به دایره ثبت شرکتها تسلیم شود رعایت خواهد شد. ماده ۲۵ ـ ثبت شرکتهای ایرانی باید مطابق مقررات قـانون تجـارت به عمل آیـد و در مورد شرکتهای ایرانی که در ۱۵ خردادماه ۱۳۱۰ به ثبت نرسیده باشـند مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتها تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ برای ثبت مهلت داده خواهـد شد. این مهلت ممکن است مطابق ماده مزبور تمدیدشود. ماده ۲۶ ـ مراجعه به دفاتر ثبت شرکتها اعم از ایرانی و خارجی برای عموم مردم آزاد و هر ذی نفعی می تواند از مندرجات آن سواد مصدق تحصیل کند. ماده ۲۷ ـ شرکتهای بیمه عمر اعم از ایرانی و خارجی نمی‌تواننـد در ایران اقدام به عملیات نمایند مگر این که قبلا از دولت تحصیل اجازه کرده و بعد به ثبت رسیده باشند. ماده ۲۸ ـ شرکتهای بیمه از هر قبیل و اعم از ایرانی و خارجی مکلفند کلیه قراردادهای مربوطه به بیمه را به زبان فارسی یا با ترجمه به زبان فارسی تنظیم نماینـد و در مقابل بیمه شدگان ایرانی فقط متن فارسی سندیت خواهد داشت مفاد این ماده در مورد قراردادهای بیمه ای رعایت خواهد شد که از اول اسفندماه ۱۳۱۰ به بعد منعقد

گردد. ماده ۲۸ مکرر ـ قراردادهای بیمه بحری که در ایران صادر ولی وجه آن در صورت حدوث خسارت باید در خارجه پرداخته شود تابع ماده قبل نبوده و قراردادهای مذکور را می‌توان به زبان غیر فارسی صادر نمود. ماده ۲۹ ـ مادام که برای شرکتهای بیمه نظامنامه مخصوصی مقرر نشده است ثبت شرکتهای مزبور به استثنای شرکتهای بیمه مطابق مقررات قانون ثبت شرکتها و این نظامنامه خواهد بود. ماده ۳۰ ـ حق الثبت شرکتها که به موجب ماده ۱۰ قانون ثبت شرکتها اخذ می‌شود باید در حین تسلیم اظهارنامه تادیه گردد. مواد ۳۱ و ۳۲ ملغی شده ماده ۳۳ ـ این نظامنامه از تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۳۴ ـ شرکتهای منعقده بین کسبه جز که اطلاق تاجر به آنها نمی‌شود و مطابق مقررات نمره ۷۰۴۴ مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۱ وزارت عدلیه تشخیص و تعیین شده‌اند در عداد شرکتهای تجارتی نبوده و به عنوان قرارداد مطابق مقررات قانون ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی باید به ثبت برسد. ماده الحاقی ـ در مورد شرکتهای فرعی که از طرف یک شرکت تشکیل داده می‌شود، اگر اکثریت سهام شرکتهای فرعی متعلق به شرکت اصلی است هر شرکت فرعی از حیث ثبت در حکم شعبه شرکت اصلی خواهد بود. در صورتی که تمام سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی باشد حق الثبت فقط از سرمایه شرکت اصلی ماخوذ می گردد اگر قسمتی از سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی نباشد از آن قسمت حق الثبت جداگانه اخذ خواهد شد. از تاریخ اجرای این نظامنامه ، نظامنامه شماره ۷۰۴۴ مورخ ۱۵ ۳ ۱۳۱۱ وزیر عدلیه لغو می‌شود.

آیین نامه ماده ۸ قانون ثبت شرکت ها درمورد شرکت‌های بیمه – مصوب ۶ ۹ ۱۳۱۰ شماره ۲۵۷۵۹ با اصلا

مصوب ۶ ۹ ۱۳۱۰ شماره ۲۵۷۵۹ با اصلاحات ماده ۱ ـ مدتی که به موجب ماده ۲۸ نظامنامه اجرا قانون ثبت شرکت ها برای تنظیم قراردادهای بیمه به زبان فارسی معین شده است تا اول اسفند ماه۱۳۱۰ تمدید میشود و شرکت های بیمه از هر قبیل اعم از ایرانی و خارجی مکلف هستند که از تاریخ مزبور قرار دادهای مربوطه به بیمه را به زبان فارسی یا با ترجمه به زبان فارسی تنظیم کنند. ماده ۲ ـ شرکت‌های بیمه خارجی از هر قبیل مکلفند در صورتی که بخواهند عملیات خود را در ایران ترک نمایند و یا در صورتی که به علت ورشکستگی یابه هر علت دیگری اصلا از ادامه عملیات خود صرفنظر کنند مراتب را کتبا به وزارت عدلیه اطلاع دهند. وزارت عدلیه باید برای تصفیه امور شرکت‌های مزبوره در ایران مراتب را سه دفعه متوالی و به فاصله بیست روز هر دفعه در مجله رسمی و یکی ازجراید کثیرالانتشار تهران به خرج شرکت اعلان نماید. ماده ۳ ـ شرکت های مزبور در ماده فوق باید صورت کاملی از کلیه اسناد بیمه که صاحبان آنها در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نکرده‌اند و همچنین اسناد بیمه که صاحبان آنها غایب بوده و یا بدون وراث معروف شرکت وفات کرده‌اند به وزارت عدلیه تسلیم نماید. وجوهی که شرکت باید به اشخاص مذکور فوق بدهد اعم از اینکه وجوه مزبور عبارت باشد از حق بیمه هایی که تا آن تاریخ دریافت شده است و باید مسترد شود یا غیر آن در بانک معتبری که وزارت عدلیه در هر مورد کتبا به شرکت معرفی مینمایند ودیعه گذاشته شده و به تدریجی که صاحبان اسناد که در وجوه مزبور میباشند خود را معرفی مینمایند به آنها مسترد خواهد گردید. هر قسمت از وجوه مزبور که تا ده سال از تاریخ اولین اعلان مذکور در ماده ۲ صاحبان اسناد بیمه دریافت ننموده باشند متعلق به دولت خواهد شد. وزارت عدلیه میتواند به وسیله ماموری که معین میکند در امر تصفیه نظارت کند. ماده ۴ ـ صاحبان اسناد بیمه که در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نموده باشند میتوانند یا تقاضا نمایند که حق بیمه آنها تماما مسترد شود و یا شرکت در ایران ضامن معتبری بدهد که از عهده کلیه تعهداتی که شرکت در مقابل صاحبان اسناد بیمه تقبل کرده است بر آید مگر در مورد ورشکستگی یا انحلال شرکت که در این صورت مطابق قوانین مربوطه رفتار خواهد شد.

قانون حق الثبت شرکتهای بیمه – مصوب ۶ ۹ ۱۳۱۰ کمیسیون قوانین عدلیه

ماده ۱ ـ مقررات ماده (۱۰) قانون ثبت شرکت ها مصوب ۲ ۳ ۱۳۱۰ در آن قسمتی که راجع به حق الثبت خود شرکت است شامل شرکتهای بیمه نخواهد بود و شرکتهای مزبور باید حقوق ذیل را تادیه نمایند (اصلاحی ۲۵ ۳ ۱۳۶۷ هیات وزیران ـ برای ثبت خود شرکت ۳۰۰۰۰۰ ریال برای معاملات شرکت الف ـ در بیمه بر ضد حریق ۱ ـ اگر سند بیمه (پلیس بیمه) برای مدتی بیش از سه ماه صادر شود یک دینار برای هر چهارصد ریال قیمت مال بیمه شده یا کسر آن در هر سال یا کسرسال ۲ ـ اگر سند بیمه برای سه ماه یا کمتر صادر شود یک دینار برای هر هشتصد ریال قیمت مال بیمه شده یا کسر آن ب ـ در سایر بیمه ها ده دینار برای هر بیست ریال حق بیمه یا کسر آن که شرکت اخذ می کند. ج ـ برای تصدیقات موقتی ده دینار از هر تصدیق هرگاه مبلغ بیمه شده در اوراق و اسناد فوق معین نشده باشد هر یک دینار حق بیمه را باید در مقابل ده ریال قیمت مال بیمه شده محسوب داشت هرگاه مدت بیمه ذکر نشده باشد مدت آن یک سال محسوب خواهد شد. تبصره ۱ ـ در موقع تجدید سند بیمه باید مطابق مقررات فوق حق الثبت تادیه شود. تبصره ۲ ـ تادیه حقوق مذکور در این ماده به عهده خود شرکت است و شرکت به هیچ وجه حق ندارد به وسیله ازدیاد میزان حق بیمه یا به طریق دیگر آن را از بیمه‌شدگان اخذ کند. هر قراردادی که با بیمه شدگان برخلاف این ترتیب داده شود در قسمتی که مخالف این تبصره است باطل بوده و به علاوه ممکن است موجب الغای اجازه عملیات شرکت بشود. تبصره ۳ ـ به هر سند بیمه یا تصدیق باید معادل حقوق قانونی تمبر الصاق شود والا سه برابر حق تمبر از شرکت گرفته خواهد شد. وصول این وجه به طریق اداری و بدون مراجعه به محکمه خواهد بود. اگر سند بیمه در نسخ متعدد تنظیم شده باشد تمبر به نسخه الصاق می‌شود که به صاحب سند بیمه باید تسلیم گردد و در سایر نسخ باید قید نمود که تمبر به نسخه مزبور الصاق شده است به هر یک از سایر نسخ نیز باید معادل یک دینار تمبر الصاق گردد. ماده ۲ ـ این قانون از ۱۵ ۹ ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

آیین نامه قانون ثبت شرکت های بیمه – مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱

مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ ماده ۱ ـ هیچ شخص یا موسسه‌ای نمی‌تواند در ایران سفارش بیمه گرفته و در خارجه آن را اجرا نماید مگر اینکه موسسه بیمه‌ک ننده قبلا در ایران به ثبت‌رسیده باشد، در این صورت نیز سند بیمه صادر از خارجه باید بر طبق مقررات قوانین و نظامات ایران تمبر شود. ماده ۲ ـ در کلیه معاملات بیمه هرگاه مشتری خارجه باشد سند بیمه ممکن است به زبان خارجه صادر شود و ترجمه آن ضروری نخواهد بود. ماده ۳ ـ کلیه موسسات بیمه که خواه مستقیما و خواه به طور غیر مستقیم در ایران معامله می‌نمایند باید یک نسخه از فرمول های سند بیمه که استعمال می کنند به زبان ملی خود (یا به زبان خارجه‌ای که در مرکز اصلی خود به کار می‌برند) با ترجمه آن به فارسی به اداره ثبت شرکت ها تسلیم دارند. درصورت بروز اختلاف بین موسسه بیمه و مشتری فقط متن و ترجمه مزبور سندیت خواهد داشت مگر اینکه بین متن و ترجمه فارسی اختلاف باشد که در آن صورت هر یک از آنها که به نفع مشتری باشد معتبر خواهد بود. هر گاه در مقررات سند بیمه تغییراتی داده شود بدون اینکه فرمول مربوط به آن تغییرات به اداره ثبت تسلیم گردد موسسه بیمه کننده نمی‌تواند به تغییرات مزبور استناد کند لیکن استناد به آن تغییرات بر علیه موسسه مزبور جایز است

نظامنامه ثبت شرکتهای بیمه – مصوب ۶ ۹ ۱۳۱۰

مصوب ۶ ۹ ۱۳۱۰ نظر به ماده ۸ قانون ثبت شرکت ها مصوب دوم خرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی مواد ذیل مقرر می‌شود ماده ۱ ـ (اصلاحی ۴ ۱۱ ۱۳۱۰ موضوع شماره ۳۱۶۷۲ مورخ ۴ ۱۱ ۱۳۱۰) مدتی که به موجب ماده ۲۸ نظامنامه اجرا قانون ثبت شرکتها برای تنظیم قراردادهای بیمه به زبان فارسی معین شده است تا اول اسفندماه ۱۳۱۰ تمدید می‌شود و شرکتهای بیمه از هر قبیل اعم از

ایرانی و خارجی مکلف هستند که از تاریخ مزبور قراردادهای مربوطه به بیمه را به زبان فارسی یا با ترجمه به زبان فارسی تنظیم کنند. ماده ۲ ـ شرکتهای بیمه خارجی از هر قبیل مکلفند در صورتی که بخواهند عملیات خود را در ایران ترک نمایند و یا در صورتی که به علت ورشکستگی یا به هر علت دیگری اصلا از ادامه عملیات خود صرف نظر کنند مراتب را کتبا به وزارت عدلیه اطلاع دهند. وزارت عدلیه باید برای تصفیه امور شرکتهای مزبوره در ایران مراتب را سه دفعه متوالی و به فاصله بیست روز هر دفعه در مجله رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار تهران به خرج شرکت اعلان نماید. ماده ۳ ـ شرکتهای مزبور در ماده فوق باید صورت کاملی از کلیه اسناد بیمه که صاحبان آنها در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نکرده‌اند و همچنین اسناد بیمه که صاحبان آنها غایب بوده و یا بدون وراث معروف شرکت وفات کرده‌اند به وزارت عدلیه تسلیم نماید. وجوهی که شرکت باید به اشخاص مذکور فوق بدهد اعم از اینکه وجوه مزبور عبارت باشد از حق بیمه هایی که تا آن تاریخ دریافت شده است و باید مسترد شود یا غیر آن در بانک معتبری که وزارت عدلیه در هر مورد کتبا به شرکت معرفی می‌نماید ودیعه گذاشته شده و به تدریجی که صاحبان اسناد که در وجوه مزبور محق می‌باشند خود را معرفی می‌نمایند به آنها مسترد خواهد گردید. هر قسمت از وجوه مزبور که تا ده سال از تاریخ اولین اعلان مذکور در ماده ۲ صاحبان اسناد بیمه دریافت ننموده باشند متعلق به دولت خواهد شد. وزارت عدلیه می‌تواند به وسیله ماموری که معین می‌کند در امر تصفیه نظارت کند. ماده ۴ ـ صاحبان اسناد بیمه که در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نموده باشند می‌توانند یا تقاضا نمایند که حق بیمه های آنها تماما مسترد شود و یا شرکت در ایران ضامن معتبری بدهد که از عهده کلیه تعهداتی که شرکت در مقابل صاحبان اسناد بیمه تقبل کرده است برآید مگر در مورد ورشکستگی یا انحلال شرکت که در این صورت مطابق قوانین مربوطه رفتار خواهد شد.

نظامنامه ثبت فرمولهای سند بیمه صادره شرکت های بیمه خارجی – مصوب ۱ ۲ ۱۳۱۱

مصوب ۱ ۲ ۱۳۱۱ وزارت عدلیه نظر به ماده ۸ قانون ثبت شرکتها مقرر می‌دارد ماده ۱ ـ هیچ شخص یا موسسه ای نمی‌تواند در ایران سفارش بیمه گرفته و در خارجه آن را اجرا نماید مگر اینکه موسسه بیمه کننده قبلاـ در ایران به ثبت رسیده باشد در این صورت نیز سند بیمه صادر از خارجه باید بر طبق مقررات قوانین و نظامات ایران تمبر شود. ماده ۲ ـ در کلیه معاملات بیمه هرگاه مشتری خارجی باشد سند بیمه ممکن است به زبان خارجه صادر شود و ترجمه آن ضروری نخواهد بود. ماده ۳ ـ کلیه موسسات بیمه که خواه مستقیما و خواه به طور غیرمستقیم در ایران معامله می‌نمایند باید یک نسخه از فرمولهای سند بیمه که استعمال می کنند به زبان ملی خود (یا به زبان خارجه ای که در مرکز اصلی خود به کار می‌برند) با ترجمه آن به فارسی به اداره ثبت شرکتها تسلیم دارند. در صورت بروز اختلاف بین موسسه بیمه و مشتری فقط متن و ترجمه مزبور سندیت خواهد داشت مگر اینکه بین متن و ترجمه فارسی اختلاف باشدکه در این صورت هر یک از آنها که به نفع مشتری باشد معتبر خواهد بود. هرگاه در مقررات سند بیمه تغییراتی داده شود بدون اینکه فرمول مربوط به آن تغییرات به اداره ثبت تسلیم گردد موسسه بیمه کننده نمی‌تواند به تغییرات مزبور استناد کند لیکن استناد به آن تغییرات بر علیه موسسه مزبور جایز است

آیین نامه دفتر ثبت تجارتی – مصوب فروردین ۱۳۲۵

مصوب فروردین ۱۳۲۵ وزارت دادگستری نظر به مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد ماده ۱ ـ در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت تشکیل شده یا می‌شود به منظور ثبت نام بازرگانان و بنگاه های بازرگانی و شرکت های تجارتی دفتر مخصوصی به نام دفتر ثبت تجارتی تاسیس خواهد شد. تبصره ۱ ـ صفحات دفاتر مزبور را باید در بدو امر دادستان

محل یا نماینده او شماره گذاری کرده و به امضای خود و مهر دادسرا ممهور و مجموع عده صفحات را باتمام حروف در اول و آخر هر دفتر با ذکر تاریخ قید کند. تبصره ۲ ـ در دفتر مزبور برای ثبت هر شماره یک صفحه تخصیص داده خواهد شد. ماده ۲ ـ کلیه بازرگانان و بنگاه های بازرگانی و شرکت های تجارتی ایرانی و خارجی که مرکز اصلی آنها یا تجارتخانه آنها در ایران بوده و یا اینکه درخارجه باشد ولی در ایران شعبه یا شعبی دارند باید نام خود را طبق مقررات این آیین نامه در دفتر مذکور در ماده یک به ثبت برسانند. ماده ۳ ـ کلیه بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های مذکور در ماده۲ که در تاریخ اجرای این آیین نامه در هر محل به شغل بازرگانی اشتغال دارند مکلفند در ظرف ۳ ماه از تاریخ نشر آگهی مذکور اظهار نامه خود را طبق ماده ۶ این آیین نامه تنظیم و به ثبت محل تسلیم نمایند. مهلت اظهارنامه تا آخرمهر ماه ۱۳۲۵ تمدید می گردد. ماده ۴ ـ بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت های تجارتی که پس از مدت مذکور در ماده سه به شغل بازرگانی اشتغال ورزیده یا تاسیس می‌شوند در ظرف یک ماه از تاریخ شروع به کار یا تاسیس مکلف به تسلیم اظهار نامه مذکور در ماده فوق می‌باشند. ماده ۵ ـ اظهار نامه باید در سه نسخه روی نمونه های چاپی مخصوص که از متصدی دفتر ثبت تجارتی محل گرفته می‌شود تنظیم و به همان دفتر تسلیم و رسید گرفته شود. ماده ۶ ـ در اظهار نامه باید نکات زیر به ترتیبی که شماره گذاری شده نوشته شود ۱ ـ نام و نام خانوادگی بازرگان و رییس بنگاه و مدیران شرکت و اسم تجارتخانه یا بنگاه یا شرکت ۲ ـ تاریخ و محل تولد و شماره شناسنامه و محل صدور آن ۳ ـ تابعیت اصلی و تابعیت فعلی در صورتی که تابعیت دیگری را تحصیل نموده باشد. تاریخ و طرز تحصیل تابعیت ثانوی باید قید شود. ۴ ـ تاریخ ورود به ایران و شماره و محل صدور پروانه اقامت (اگر اظهارکننده تبعه خارجه باشد). ۵ ـ محل اقامت شخصی محل تجارتخانه یا بنگاه (نشانی کامل محل مرکز اصلی شرکت و شعبات آن ۶ ـ میزان سرمایه در شرکت های تجارتی ۷ ـ شماره ثبت منگنه و پلمپ دفاتر تجارتی که به موجب مواد ۶ و ۱۲ قانون تجارت به عمل آمده است ۸ ـ شماره تلفن ، عنوان تلگرافی ، کتاب رمز تجارتی (اگر داشته باشد) ۹ ـ رشته تجارت (تجارت داخلی یا تجارت خارجی یا هر دو). ۱۰ ـ قید شماره ثبت علایم تجارتی (چنانچه داشته باشد) تبصره ۱ ـ در اظهارنامه شرکت یا تجارتخانه و یا بنگاهی که به تجارت خارجی اشتغال دارد باید تعیین شود که وارد کننده است یا صادرکننده یا حق العمل کار یا هر سه و حتی الامکان ارقام کالاهای عمده ای که اختصاصا صادر یا وارد می‌نماید باید معین گردد. تبصره ۲ ـ در اظهارنامه شرکت یا تجارتخانه یا بنگاهی که منحصرا به معاملات داخلی اشتغال دارد باید نوع معاملات و ارقام کالاهایی که معمولا مورد معامله می‌باشد تعیین شود. ماده ۷ ـ متصدی دفتر ثبت تجارتی مکلف است مفاد اظهارنامه را در ظرف ده روز در دفتر خود ثبت و ذیل هر سه نسخه شماره ثبت و تاریخ و اسم دفترثبت تجارتی محل را قید و یک نسخه را با تصدیق به اینکه اظهار نامه مزبور ثبت شده است امضا و مهر نموده به اظهار کننده تسلیم نماید و نسخه دیگر را به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ارسال دارد. ماده ۸ ـ هر نوع تغییر وتبدیلی که هر یک از بندهای ماده ۶ این آیین نامه پس از ثبت اظهار نامه به عمل آید و همچنین در صورت توقف و انحلال اظهارکننده مکلف است تغییرات حاصله را در سه نسخه تهیه و به دفتر ثبت محلی که شرکت یا بنگاه و یا تجارتخانه در آن ثبت شده است تسلیم نماید که دردفتر ثبت تجارتی قید و مراتب به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر اعلام گردد. تبصره ـ در صورت تغییر محل مرکز اصلی شرکت یا شعبه آن و محل تجارتخانه و یا بنگاه باید تغییر مزبور به دفتر ثبت تجارتی مربوطه اطلاع داده شود و متصدی دفتر مزبور پس از ثبت تغییر در ذیل ثبت اصلی گواهی نامه شامل اطلاعات مربوط به ثبت مزبور به اظهار کننده تسلیم می‌نماید که به‌دفتر ثبت تجارتی محل منتقل الیه داده و در دفتر ثبت تجارتی محل جدید ثبت نماید. ضمنا متصدی دفتر وزارت بازرگانی و پیشه و هنر را هم از آن تغییر آگاه خواهد نمود. ماده ۹ ـ در صورتی که مدیر شرکت یا بازرگان یا رییس بنگاه فوت نماید قایم مقام او مکلف است منتهی در ظرف شش ماه مراتب را به دفتر ثبت تجارتی مربوط اطلاع دهد. در این اطلاع نامه باید وضعیت شرکت یا تجارتخانه یا بنگاه بعد از فوت تصریح و معین شود که در اثر فوت نسبت به هیات مدیره چه تصمیمی اتخاذ گردیده و آیا تجارتخانه بر چیده شده یا این که عملیات به وسیله وراث یا قائم

مقام متوفی تعقیب خواهد شد. در این صورت قایم مقام متوفی باید خود را معرفی و اطلاعاتی را که در بندهای یک تا شش ماده ۶ این آیین نامه تصریح شده است در اظهارنامه خود توضیح دهد.متصدی دفتر ثبت تجارتی مراتب را ذیل ثبت اولیه تجارتخانه ثبت کرده و یک نسخه از اظهارنامه را طبق ماده ۷ این آیین نامه به اظهار کننده تسلیم نموده نسخه دیگر را به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ارسال می‌دارد. ماده ۱۰ ـ هر بازرگان و یا رییس بنگاه بازرگانی و یا شرکتی که طبق مقررات این آیین نامه اسم خود را ثبت می‌نماید مکلف است در سر لوحه کاغذهای تجارتی و سیاهه های فروش و یادداشت ها و برگه‌های سفارش و هر نوع اسناد و مطبوعات تجارتی که به کار می‌برد ضمن درج عنوان تجارتی شماره‌ثبت دفتر ثبت تجارتی را نیز قید نماید. ماده ۱۱ ـ در هر محل که وزارت دادگستری مقتضی بداند دستور اجرای این آیین نامه را خواهد داد و اجرای آن به وسیله نشر آگهی در روزنامه رسمی‌کشور و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل به اطلاع عموم خواهد رسید. ماده ۱۲ ـ اجرای این آیین نامه در تهران به عهده دایره ثبت شرکت ها و در شهرستان ها به عهده ادارات ثبت می‌باشد.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی – مصوب ۲۱ ۸ ۱۳۷۶

ماده واحده ـ شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع می‌توانند در زمینه هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند. تبصره ـ آیین نامه اجرایی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی سایر مراجع ذیربط به تصویب هیات وزیران خواهدرسید

آیین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی – مصوب ۱ ۱۱ ۱۳۷۸

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱ ۱۱ ۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد تبصره ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی ـ مصوب ۱۳۷۶ ـ آیین نامه اجرایی قانون مذکور را به شرح زیر تصویب نمود ماده ۱ ـ شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند مشروط به عمل متقابل در کشور متبوع ، می‌توانند برای فعالیت در ایران در زمینه های زیر براساس مقررات این آیین نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام نمایند ۱ ـ ارایه خدمات بعد از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی ۲ ـ انجام عملیات اجرایی قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی منعقد می‌شود. ۳ ـ بررسی و زمینه سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران ۴ ـ همکاری با شرکت های فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث ۵ ـ افزایش صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران ۶ ـ ارایه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فن آوری ۷ ـ انجام فعالیت‌هایی که مجوز آن توسط دستگاه های دولتی که به طور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند ، صادر می‌گردد، از قبیل ارایه خدمات درزمینه های حمل و نقل ، بیمه و بازرسی کالا ـ، بانکی ، بازاریابی و غیره ماده ۲ ـ شعبه شرکت خارجی ، واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیما موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل ، انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود. ماده ۳ ـ شرکت های خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران موظفند اطلاعات و مدارک زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی ارایه نمایند. ۱ ـ اساسنامه شرکت ، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذیربط ۲ ـ آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت ۳ ـ گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت های شرکت و تبیین دلایل و ضرورت ثبت شعبه در ایران ، تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه ، برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز ،

و نحوه تـامین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شـعبه ماده ۴ ـ نماینده شـرکت خارجی ، شخص حقیقی یا حقوقی است که براساس قرارداد نمایندگی انجام بخشـی از موضوع و وظایف شـرکت طرف نمایندگی را در محل برعهـده گرفته است نمایندگی شرکت خـارجی نسبت به فعـالیت هایی که تحت نمایندگی شـرکت طرف نمایندگی در محل انجام می‌پـذیرد ، مسئولیت خواهد داشت ماده ۵ ـ اشـخاص حقیقی ایرانی یا اشـخاص حقوقی که متقاضـی ثبت نمایندگی شـرکت خارجی در ایران هسـتند موظفند ، ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی ارایه نمایند ۱ ـ تصویر مصدق قرارداد موضوع ماده (۴) این آیین نامه ۲ ـ مدارک شناسایی شخص متقاضی ، برای اشخاص حقیقی تصویر شناسنامه و نشانی اقامتگاه قانونی و برای اشخاص حقوقی ، اساسنامه شرکت و آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذیربط ۳ ـ ارایه سابقه فعالیت شـخص متقاضـی ثبت نمایندگی ، در زمینه امور پیش بینی شـده در قرارداد نمایندگی ۴ ـ اساسـنامه شـرکت خارجی طرف نمایندگی ، آگهی تاسـیس و آخرین تغییرات ثبت شـده آن نزد مراجع ذیربط ۵ ـ گزارش فعالیت های شـرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی ۶ ـ آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی ۷ ـ معرفی وزارتخـانه ذی ربـط مـاده ۶ ـ اشخاصـی که مجوز فعـالیت آنهـا از سوی مراجع ذیصـلاح لغو می‌شود مکلفنـد، در مهلت تعیین شـده توسط اداره ثبت شـرکتها و مالکیت های صـنعتی ، نسبت به انحلال شـعبه یا نمایندگی و انجام امور تصـفیه آن اقدام نمایند. تبصره ـ شرکت‌هایی که مجوز فعالیت آنها تمدید نمی‌شود، (۶) ماه مهلت دارند تا نسبت به انحلال شرکت ثبت شده و انجام امور تصفیه آن اقدام‌نمایند. ماده ۷ ـ شعبه شرکتهای خارجی که نسبت به ثبت شعبه خود در ایران اقدام نموده و به فعالیت می‌پردازنـد موظفنـد ، هر سال گزارش سالانه شـرکت اصـلی مشـتمل بر گزارش‌های مالی حسابرسـی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع را به دستگاه ذیربط ارایه نمایند. ماده ۸ ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول این آیین نامه موظفند گزارش فعالیت شـعبه یا نمایندگی در ایران را همراه با صورت های مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت (۴) ماه پس از پایان سال مالی به دسـتگاه های ذی ربط ارسال دارند حسابرسـی مذکور تا زمانی که آیین نامه اجرایی تبصره (۴) ماده واحده قانون استفاده از خـدمات تخصصـی و حرفه‌ای حسابـداران ذیصـلاح به عنوان حسابـدار رسـمی ـ مصوب ۱۳۷۲ ـ اعلام نشـده است ،توسـط سازمان حسابرسـی و موسـسات حسابرسـی مورد قبول دسـتگاه ذیربط ، که شـرکای آن افراد حقیقی تاییـد شـده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند ، انجام می گیرد. ماده ۹ ـ اداره امور شعبه یا نمایندگی ثبت شده طبق این آیین‌نامه ، باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد. ماده ۱۰ ـ به منظور برخورداری شـرکت های خارجی از مزایای این آیین نامه و استمرار فعالیت آنها، شرکت هـای خـارجی که تـا قبل از لازم الاجرا شـدن این آیین‌نامه ، در ایران ، از طریق شـعبه یا نماینـدگی خود فعالیت می کرده‌اند مکلفند ، اطلاعات و مدارک موضوع مواد (۳) و (۵) این آیین‌نامه را به دستگاه های ذیربط ارایه داده و وضعیت خود را با آیین نامه تطبیق دهند.

آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجارتی – مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی

مقدمه (مواد ۱ تا ۴)

ماده ۱ ـ مقصود از تشـکیلات و موسسات غیرتجارتی مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشـکیلات و موسساتی است که برای مقاصـد غیرتجارتی از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشـکیل می‌شود اعم از آنکه موسسین و تشـکیل دهنـدگان قصد انتفاع داشتـه یا نداشتـه باشند . تبصره ـ تشکیلات و موسسات مزبور می‌توانند عناوینی از قبیل انجمن کانون یا بنگاه و امثال آن

اختیار نمایند ولی اتخاذ عناوینی که اختصاص به تشکیلات دولتی و کشوری دارد از طرف موسسات مزبور ممکن نخواهد بود. ماده ۲ ـ تشکیلات و موسسات مزبور از لحاظ انطباق با مقررات این آیین نامه به دو قسمت می‌شوند الف ـ موسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضا خود نباشد. ب ـ موسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضا خود یا غیر باشد مانند کانون های فنی و حقوقی و غیره . ماده ۳ ـ ثبت تشکیلات و موسسات مزبور در تهران در اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان ها در اداره ثبت مرکز اصلی آن به عمل خواهد آمد . تبصره ـ ثبت موسسات و تشکیلات غیرتجارتی که در خارج از کشور به ثبت رسیده است فقط در تهران در اداره ثبت شرکت ها به عمل خواهد آمد . ماده ۴ ـ موسسات و تشکیلات غیرتجارتی ثبت نشده که در ایران دارای فعالیت هستند موظف می‌باشد از تاریخ تصویب این آیین نامه ظرف دو ماه طبق مقررات مربوطه تقاضای ثبت نمایند . تبصره ـ اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی به محض وصول تقاضای ثبت این قبیل موسسات و تشکیلات مراتب را با ذکر خصوصیات به وزارت امورخارجه اعلام می‌دارد و پس از موافقت آن وزارتخانه طبق مقررات اقدام به ثبت آنها خواهد نمود.

فصل اول – درتسلیم اظهارنامه و ثبت مجامع و موسسات غیرتجارتی (مواد ۵ تا ۹)

ماده ۵ ـ اظهارنامه ثبت تشکیلات و موسسات مزبور باید در دو نسخه به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضا حاوی نکات ذیل باشد الف ـ اسم و اقامتگاه و تابعیت و موضوع موسسه و مراکز و شعب آن . ب ـ اسم و اقامتگاه و شهرت اشخاصی که برای اداره کردن موسسات و تشکیلات معین شده‌اند . ج ـ اسم و اقامتگاه و تابعیت وکیل در صورتی که اظهارنامه به وسیله وکیل تنظیم شده باشد. د ـ تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت و نام کشوری که موسسه در آن به ثبت رسیده در صورتی که موسسات یا تشکیلات مذکور در خارج از ایران به ثبت رسیده باشد . ه ـ تعیین ضمایم اظهارنامه ماده ۶ ـ اظهارنامه باید دارای ضمایم زیر باشد الف ـ نسخه اصلی یا رونوشت وکالت نامه درصورتی که تقاضا به توسط وکیل داده شده باشد. ب ـ رونوشت گواهی شده تصدیق کشوری که موسسات یاتشکیلات مزبور در آنجا به ثبت رسیده به انضمام ترجمه مصدق آن به فارسی ج ـ دونسخه اساسنامه و دونسخه ترجمه مصدق آن در صورتی که اصل اساسنامه به زبان خارجی باشد. د ـ دوصورت مجلس مجمع عمومی مبنی بر انتخاب هیات مدیره ومعرفی کسانی که حق امضا دارند. ه ـ یک نسخه اجازه نامه حاصله شهربانی در صورتی که موضوع ثبت طبق مدلول ردیف الف از ماده ۲ این آیین نامه باشد. و ـ رسید پرداخت حق الثبت ماده ۷ ـ در صورتی که ظرف ۱۵ روز بعد از وصول اظهارنامه معلوم گردد که تقاضای ثبت دارای نواقصی باشد دفتر اداره ثبت شرکت‌ها به متقاضیاخطار می کند که نواقص را ظرف مدت پانزده روز رفع کند و چنانچه در ظرف مدت مذکور اقدامی برای رفع نواقص نکند و یا اصولا تقاضای ثبت غیرقابل قبول باشد رییس اداره ثبت شرکت ها اقدام به رد آن خواهد کرد. در شهرستان ها این اقدام بر عهده ادارات ثبت می‌باشد . ماده ۸ ـ در صورتی که تقاضای ثبت قبول شود مراتب در دفتر مخصوصی ثبت و ورقه‌ای حاکی از تصدیق ثبت به تقاضاکننده داده می‌شود و خلاصه آن‌نیز به خرج متقاضی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار برای اطلاع عموم منتشر خواهد گردید. ماده ۹ ـ موسسات و تشکیلات مذکور باید کلیه تغییراتی که در مورد اساسنامه و یا اشخاصی که حق امضا دارند و یا اقامتگاه قانونی آنها پیدا می‌شود ظرف یک ماه به اداره ثبت شرکت ها اطلاع دهند و مادام که اطلاع نداده اند استناد به آن تغییرات در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

فصل دوم – در انحلال تشکیلات و موسسات غیرتجاری (مواد ۱۰ تا ۱۱)

ماده ۱۰ ـ در صورت انحلال موسسات و تشکیلات مذکور دراین آیین نامه هر گاه انحلال اختیاری باشد تصفیه امور آن به توسط مدیر یا مدیران آن برطبق شرایط مقرره در اساسنامه به عمل میاید و در صورتی که در اساسنامه متصدی امر تصفیه و ترتیب آن معین نشده باشد مجمع عمومی باید در موقع تصمیم به انحلال یک نفر را برای تصفیه انتخاب کرده و حدود اختیارات او را معین کند. ماده ۱۱ ـ در صورتی که موسسه به موجب حکم محکمه منحل گردید و در اساسنامه متصدی امور تصفیه معین نشده باشد محکمه در ضمن حکم انحلال یک نفر را برای تصفیه معین می‌کند و در این قبیل موارد تصفیه امور مربوطه بر طبق قانون تجارت و تصفیه امور شرکت ها خواهد بود.

فصل سوم – حق الثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری (مواد ۱۲ تا ۱۴)

مواد ۱۲ و ۱۳ ـ منسوخ شده است ماده ۱۴ ـ این آیین نامه پس از ده روز از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور ایران قابل اجرا خواهد بود و آیین نامه شماره ۱۵۴۰۹ مورخ ۲۰ مرداد۱۳۱۵ نسخ می‌شود .

ضوابط ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری ــ صنعتی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول ــ تعاریف (ماده ۱)

شماره ۲۱۴۵۳ ت ۱۵۰۱۱ ک ـ ۳۰ ۲ ۱۳۷۴ (روزنامه رسمی شماره ۱۴۶۳۰ ـ ۸ ۳ ۱۳۷۴) فصل اول ـ تعاریف ماده ۱ ـ در این تصویبنامه واژه های زیر به جای عبارت های مشروح مربوط به کار می‌رود ۱ ـ۱ ـ کشور جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ۱ ـ منطقه هر یک از مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی ۳ ـ۱ ـ سازمان سازمان هر یک از مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی است که به موجب قانون تاسیس شده‌اند ۴ ـ۱ ـ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی مصوب ۷ ۶ ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ۵ ـ۱ ـ شورای عالی شورای عالی مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران . ۶ ـ۱ ـ واحد ثبتی مرجع ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی هر یک از سازمان های مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی ۷ ـ۱ ـ شعبه شرکت یا موسسه شعبه یک شرکت یا موسسه شخص حقوقی است که در منطقه توسط شرکت یا موسسه اصلی که خارج از منطقه ایجادشده تشکیل شده است و اکثریت سهام آن متعلق به شرکت یا موسسه مذکور می‌باشد واین شخص حقوقی تازه تاسیس شرکت یا موسسه فرعی آن محسوب می‌شود. ۸ ـ۱ ـ نماینده یک شرکت یا موسسه ، شخص حقوقی یا حقیقی است که آن شرکت یا موسسه به آن اختیارات لازم را داده است و تعهدات آن در سمت‌نمایندگی شرکت یا موسسه ، تعهدات شرکت یا موسسه اختیار دهنده محسوب می‌شود.

فصل دوم ــ ایجاد و وظایف واحد ثبتی (ماده ۲ تا۳)

ماده ۲ ـ سازمان هر منطقه به منظور انجام امورثبتی شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی در آن منطقه واحدی را به نام واحد ثبت شرکت‌ها و مالکیت های صنعتی و معنوی تاسیس می‌کند. ماده ۳ ـ وظایف واحد ثبتی عبارتند از ۱ ـ۳ ـ ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ایرانی و خارجی ۲ ـ۳ ـ ثبت علایم و اسامی تجاری و صنعتی ۳ ـ۳ ـ ثبت اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی ۴ ـ۳ ـ ثبت دفاتر تجاری بازرگانان ۵ ـ۳ ـ پلمپ دفاتر تجاری و غیر تجاری واقع در حوزه هر منطقه ۶ ـ۳ ـ ثبت بانک‌ها و

موسسات اعتباری با رعایت آیین نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد. ۷ ـ۳ ـ ثبت شرکت های بیمه طبق مقررات حاکم در مناطق آزاد

فصل سوم ــ تشریفات قانونی ثبت شرکت‌ها و مالکیت های صنعتی و معنوی (ماده ۴ تا ۱۸)

ماده ۴ ـ هر شرکت یا موسسه ای که در منطقه ثبت شود و مرکز اصلی آن نیز در همان منطقه باشد شرکت ایرانی و ثبت شده درمنطقه محسوب می‌شود. تبصره ۱ ـ از تاریخ اجرای این تصویبنامه هر شرکت یا موسسه خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نمایندگی در منطقه به فعالیت های اقتصادی‌مبادرت نماید باید در کشور متبوع خود مطابق قوانین و مقررات جاری آن کشور ـ به تصدیق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور ـ شرکت‌قانونی محسوب شود و در واحد ثبتی منطقه نیز به ثبت رسیده باشد. تبصره ۲ ـ هر شرکت یا موسسه خارجی که در تاریخ اجرای این تصویبنامه در منطقه به وسیله شعبه یا نمایندگی به فعالیت های اقتصادی اشتغال داشته باشد باید در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این تصویبنامه تقاضای ثبت نماید. در غیر این صورت شرکت مذکور اعتبار قانونی نداشته و موسس آن در قبال اشخاص ثالث متضامنا مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. ماده ۵ ـ انواع شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مذکور در قانون تجارت و سایر قوانین ایران می‌توانند در واحد ثبتی منطقه به ثبت برسند مشروط برآنکه موضوع فعالیت آنها قانونی باشد. در هر حال تاسیس و فعالیت شرکت ها تحت قوانین موضوعه امکان‌پذیر است . ماده ۶ ـ تمامی اشخاص حقوقی که درمنطقه فعالیت اقتصادی دارند موظفند ظرف سه ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی وضعیت خود را با مفاد این تصویبنامه و دستورالعمل های اجرایی آن تطبیق دهند در غیر این صورت مرجع صالح به تقاضای سازمان از ادامه فعالیت اشخاص مذکور جلوگیری‌خواهد نمود. دستورالعمل اجرایی این ماده توسط سازمان هر منطقه تهیه و به اجرا گذاشته می‌شود. تبصره ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور کلیه سوابق و مدارک مربوط به اشخاص حقوقی که قبل از تاریخ ایجاد واحد ثبتی منطقه در سایر نقاط کشوربه ثبت رسیده‌اند و به موجب اساسنامه مربوط مرکز اصلی (اقامتگاه آنها منطقه است و از سازمان مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند بنا به تقاضای واحدثبتی برای آن واحد ارسال می کند همچنین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به منظور پیشگیری از تعیین نام های مشابه برای شرکت های در حال ثبت با واحدهای ثبتی مناطق همکاری خواهند نمود. ماده ۷ ـ ثبت شرکت و موسسه در منطقه با ارائه مدارك و اسناد زیر به واحد ثبتی منطقه به عمل خواهد آمد ۱ ـ اظهارنامه ثبت ۲ ـ اساسنامه شرکت ۳ ـ صورت جلسه مجمع عمومی موسسین ۴ ـ صورت جلسه اولین جلسه هیات مدیره ۵ ـ گواهی بانکی از یکی از بانك‌های منطقه مبنی بر تودیع حداقل ۳۵٪ سرمایه نقدی ۶ ـ مجوز فعالیت در منطقه که توسط سازمان صادر شده باشد . تبصره ۱ ـ در مورد اشخاص حقوقی خارجی تهیه و ارائه اصل اختیار نامه نمایندگی مجوز تاسیس شعبه اشخاص مذکور در ایران که شرایط تنظیم و صدور آنها مطابق قوانین و مقررات کشور متبوع اشخاص حقوقی خارجی به تصدیق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور رعایت شده باشد ضرورت دارد همچنین لازم است برای ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اشخاص حقوقی خارجی اظهارنامه ثبت شرکت و رونوشت مصدق سند ثبت‌شرکت در کشور متبوع را به زبان فارسی نیز ضمیمه نمایند. تبصره ۲ ـ کلیه اسناد و مدارك موضوع ماده ۸ این تصویبنامه توسط اشخاص حقوقی خارجی باید به صورت رسمی به زبان فارسی نیز تسلیم شود. تبصره ۳ ـ در کلیه موارد پس از دریافت رسید حق الثبت اقدامات مربوط به ثبت و صدور گواهی مربوط صورت خواهد گرفت ماده ۸ ـ اظهارنامه ثبت شعب و نمایندگی های اشخاص حقوقی خارجی علاوه بر قید تاریخ و امضا باید حاوی نکات زیر باشد ۱ ـ نام کامل شرکت یا موسسه به زبان فارسی با علایم اختصاری و مشخصات آن ۲ ـ نوع شرکت یا موسسه و موضوع فعالیت آن ۳ ـ مرکز اصلی و اقامتگاه شرکت یا موسسه در خارج ایران ۴ ـ تابعیت شرکت یا موسسه ۵ ـ میزان سرمایه شرکت یا موسسه ۶ ـ آخرین بیلان مالی

شرکت یا موسسه ۷ ـ مرجع ثبت شماره محل شهر و کشور و تاریخ ثبت شرکت یا موسسه در خارج ایران ۸ ـ فعالیت مورد نظر شرکت یا موسسه جهت اشتغال درمنطقه ۹ ـ سایر شعب و نمایندگی های شرکت یا موسسه در ایران و اسامی مدیران هر کدام در صورت تاسیس ۱۰ ـ اقامتگاه شرکت یا موسسه جهت اشتغال در ایران و منطقه و تعیین افراد صلاحیت دار دریافت کننده ابلاغ ها و اخطاریه ها. ۱۱ ـ قبولی مدیر یا مدیران شعب و نمایندگی ها ذیل مجوز تاسیس یا اختیار نامه نمایندگی موضوع تبصره ۱ ماده ۷ این تصویبنامه . ۱۲ ـ نام و نام خانوادگی ، اقامتگاه مدیران یا اداره کنندگان شرکت یا موسسه تبصره ـ نام و نام خانوادگی ، اقامتگاه و تابعیت وکیل همچنین نسخه اصلی یا رونوشت مصدق وکالتنامه درصورتی که اظهارنامه و تقاضای ثبت به‌وسیله وکیل داده شده باشد تسلیم شود. ماده ۹ ـ اشخاص حقوقی پس از ثبت دارای شخصیت حقوقی خواهندبود و بر اساس قوانین ومقررات حاکم در منطقه فعالیت می‌نمایند. واحد ثبتی سازمان موظف است سندی مشعر بر ثبت اشخاص حقوقی یا شعبه نمایندگی آنها که ممهور به مهر واحد ثبتی است به تقاضاکننده ثبت بدهد. ماده ۱۰ ـ اشخاص حقوقی مکلفند به منظور ثبت هر گونه تغییرات در اساسنامه و ترکیب هیات مدیره بازرسان صاحبان امضای مجاز کاهش یا افزایش سرمایه و انحلال شرکت یا موسسه ظرف یک هفته مراتب را به صورت کتبی به واحد ثبتی منطقه اطلاع دهند. عدم اطلاع به موقع رافع مسئولیت مدیران اشخاص حقوقی مذکور نخواهد بود. ماده ۱۱ ـ هر ذینفعی می‌تواند ازمندرجات پرونده‌های ثبتی مربوط اطلاع یافته تقاضای دریافت رونوشت مصدق نماید. ماده ۱۲ ـ واحد ثبتی موظف است مراتب تاسیس شرکت یا موسسه و تغییرات آن را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ ثبت به منظور درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و روزنامه محلی به هزینه متقاضی به آن روزنامه اعلام نماید. ماده ۱۳ ـ تقاضای ثبت علایم واسامی تجاری ـ صنعتی و ثبت اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی در منطقه به موجب اظهارنامه صورت می‌گیرد و شرایط ثبت آن در واحد ثبتی طبق دستورالعمل اجرایی مصوب سازمان هر منطقه خواهد بود. ماده ۱۴ ـ کلیه اشخاص حقیقی ایرانی که طبق قانون تجارت به امور بازرگانی در منطقه مبادرت دارند موظفند نام خود یا مدیران خود را مطابق مقررات این تصویبنامه حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی در دفتر ثبت تجارتی واحد ثبتی به ثبت برسانند. ماده ۱۵ ـ ثبت اسامی اشخاص حقیقی ایرانی و خارجی در دفاتر ثبت با تنظیم و تسلیم سه نسخه اظهارنامه که حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی انجام می‌گیرد و حاوی نکات زیر می‌باشد به عمل میاید ۱ ـ نام ونام خانوادگی بازرگان ۲ ـ تاریخ و محل تولد، شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه بازرگان تصویر اوراق شناسنامه برای اشخاص حقیقی ایرانی و گذرنامه برای اشخاص حقیقی خارجی ۳ ـ تابعیت اصلی و فعلی افراد مزبور در صورت تحصیل تابعیت دیگر و تاریخ و چگونگی اخذ تابعیت مزبور. ۴ ـ تاریخ ورود به منطقه و شماره و محل صدور پروانه اقامت و محل اقامت اتباع خارجی ۵ ـ اقامتگاه قانونی اشخاص حقیقی ۶ ـ شماره ثبت منگنه و پلمپ دفاتر تجاری که به موجب بند ۵ ماده ۳ این تصویبنامه به عمل آمده است ۷ ـ رشته فعالیت تجاری داخلی یا خارجی یا هر دو مورد. ۸ ـ سایر مشخصات تجارتی بازرگانان از جمله شماره ثبت علایم تجاری کتاب رمز تجارتی وغیره ماده ۱۶ ـ واحد ثبتی مکلف است پس از ثبت مفاد اظهارنامه در دفتر ثبت تجارتی ظرف حداکثر ده روز از تاریخ تسلیم یک نسخه امضا شده از اظهارنامه ثبت را ممهور به مهر واحد به اظهار کننده تسلیم نماید و نسخه دیگر را به واحد ذیربط در سازمان ارسال کند. ماده ۱۷ ـ اظهار کننده موظف است ظرف مدت یک هفته هر گونه تغییراتی را در مفاد اظهار نامه طی اظهارنامه جدیدی که در سه نسخه تنظیم می‌شودتهیه و به واحد ثبتی سازمان تسلیم کند تا در دفتر ثبت تجارتی واحد ثبتی قید گردد. ماده ۱۸ ـ اشخاص حقیقی و حقوقی که طبق مقررات این تصویبنامه اسم خود را ثبت می‌نمایند مکلفند در سربرگ اوراق تجارتی و برگ های فروش وسفارش و هر نوع اسناد و مدارک تجارتی که به کار می‌برند ضمن درج عنوان تجارتی شماره ثبت خود را نیز قید نمایند.

فصل چهارم ـ سایر مقررات (ماده ۱۹ تا ۲۲)

ماده ۱۹ ـ پلمپ دفاتر تجارتی اشخاص حقیقی و حقوقی طبق دستورالعملی که توسط سازمان هر منطقه تعیین می‌شود صورت گرفته و پس از امضای‌نماینده واحد ثبتی به مهر واحد مذکور ممهور خواهد شد. ماده ۲۰ ـ هزینه های مربوط به ثبت شرکت موسسه و تغییرات آن همچنین ثبت علایم و اسامی تجاری و صنعتی و اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی و نیز ثبت دفاتر تجارتی و پلمپ دفاتر تجارتی و غیرتجارتی به موجب دستورالعملی که توسط سازمان هر منطقه تهیه می‌شود دریافت می گردد. ماده ۲۱ ـ از ادامه فعالیت متخلفین از اجرای مفاد این تصویبنامه بنا به تقاضای سازمان توسط نیروی انتظامی منطقه جلوگیری به عمل خواهد آمد. درهر صورت این گونه اقدامات رافع مسئولیت مدیران شرکت یا موسسه و اشخاص حقیقی متخلف در قبال اشخاص ثالث نخواهد بود. ماده ۲۲ ـ دستورالعمل های اجرایی این تصویبنامه و فرم های چاپی مربوط توسط سازمان هر منطقه حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این‌تصویبنامه تهیه و به اجرا گذاشته خواهد شد.

نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت – مصوب ۱۵ ۳ ۱۳۱۱ با اصلاحات والحاقات بعدی

نظر به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد ماده ۱ ـ در هر محلی که اداره ثبت اسناد و یا دفتر اسناد رسمی موجود است شرکت های تجارتی که در آن محل تشکیل می‌شود باید به موجب شرکت نامه رسمی تشکیل گردد. ماده ۲ ـ شرکت‌های تجارتی باید در تهران در دایره ثبت شرکت ها و در خارج تهران در اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به ثبت برسند. تبصره ـ در نقاطی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت اسناد نباشد ثبت در دفتر اسناد رسمی و اگر دفتر اسناد رسمی هم نباشد ثبت در دفتر محکمه ابتدایی یا صلحیه با رعایت ترتیب کافی خواهد بود لیکن شرکت باید در ظرف سه ماه از تاریخ تاسیس اداره یا دایره یا شعبه ثبت اسناد در آن محل خود را در دفترثبت اسناد به ثبت برساند. ماده ۳ ـ ثبت شرکت به موجب تقاضانامه که در دو نسخه تنظیم می‌شود به عمل خواهد آمد. ماده ۴ ـ به تقاضانامه باید اسناد ذیل ضمیمه شود الف ـ در شرکت‌های سهامی ۱ ـ یک نسخه اصل از شرکت نامه . ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت ۳ ـ نوشته به امضا مدیر شرکت حاکی از تعهد پرداخت تمام سرمایه و پرداخت واقعی لااقل ثلث آن ۴ ـ اسامی شرکا با تعیین اسم واسم خانوادگی وعده سهام هر یک از آنها. ۵ ـ سواد مصدق از تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام در موارد مذکور در مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۴ قانون تجارت ب ـ در شرکت‌های با مسیولیت محدود ۱ ـ یک نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد). ۳ ـ اسامی شریک یا شرکایی که برای اداره کردن شرکت معین شده‌اند. ۴ ـ نوشته به امضای مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی و تسلیم تمام سرمایه غیرنقدی با تعیین قیمت حصه های غیر نقدی ج ـ در شرکت های تضامنی ۱ ـ یک نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت (اگر باشد) ۳ ـ نوشته به امضا مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی و تسلیم تمام سرمایه غیر نقدی با تعیین قیمت حصه های غیرنقدی ۴ ـ اسامی شریک یا شرکایی که برای اداره کردن شرکت معین شده‌اند. د ـ در شرکت‌های مختلف غیرسهامی ۱ ـ یک نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) ۳ ـ اسامی شریک یا شرکا ضامن که سمت مدیریت دارند. ه ـ در شرکت‌های مختلط سهامی ۱ ـ یک نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه ۳ ـ اسامی مدیر یا مدیران شرکت ۴ ـ نوشته به امضا مدیر شرکت حاکی از تعهد پرداخت تمام سرمایه سهامی و پرداخت واقعی لااقل ثلث از آن سرمایه ۵ ـ سواد مصدق از تصمیمات مجمع عمومی در موارد مذکور در مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۴. ۶ ـ نوشته به امضا مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی شرکا ضامن و تسلیم تمام سرمایه غیرنقدی با تعیین قیمت حصه های غیرنقدی و ـ در شرکت های نسبی ۱ ـ یک نسخه مصدق از شرکت نامه . ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) ۳ ـ اسامی مدیر و یا مدیران شرکت ۴ ـ نوشته به امضای مدیر شرکت حاکی از پرداختن تمام سرمایه نقدی و تسلیم تمام سرمایه

غیرنقدی با تعیین قیمت حصه‌های غیرنقدی . ز ـ در شرکت‌های تعاونی ۱ ـ یک نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ ـ یک نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) ماده ۵ ـ بعد از ثبت شرکت متصدی ثبت باید نسخه ثانی تقاضانامه را با قید تاریخ و نمره ثبت امضا وبه مهر اداره ممهور کرده به تقاضاکننده بدهد این سند ، سند ثبت شرکت خواهد بود . ماده ۶ ـ در ظرف ماه اول ثبت هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن باید به توسط اداره ثبت محل در مجله رسمی عدلیه و یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت به خرج خود شرکت منتشر شود. تبصره ۱ ـ در نقاطی که اداره ثبت نباشد اجرا این ماده به عهده مقامی است که شرکت نامه در آنجا به ثبت رسیده است تبصره ۲ ـ هر گاه در نقاطی که شرکت های تعاونی روستایی طبق قانون مصوب ۱۳۳۴ تشکیل می‌شود روزنامه منتشر نشود پس از ثبت شرکت آگهی های مربوط طبق آیین نامه تهیه شده و به تعداد کافی در نقاط کثیرالعبور اهالی الصاق خواهد شد. تبصره ۳ ـ آگهی‌های مربوط به شرکت‌های تعاونی کارگران که طبق قانون مصوب سال ۱۳۳۴ تشکیل می‌شود پس از ثبت در دفتر شرکت‌ها به وسایل مقتضی تهیه و در محل اصلی شرکت به تعداد کافی در نقاط کثیر العبور الصاق خواهد شد. ماده ۷ ـ خلاصه مذکور درماده قبل باید متضمن نکات ذیل باشد الف ـ نسبت به شرکت های از هر قبیل ۱ ـ نمره و تاریخ ثبت شرکت ۲ ـ مقدار سرمایه (با تشخیص مقداری از آن که پرداخته شده و مقداری که شرکا پرداخت آن را تعهد کرده‌اند) ۳ ـ اسامی مدیر یا مدیران . ۴ ـ تاریخ آغاز و ختم شرکت در صورتی که برای مدت محدود تشکیل شده باشد. ب ـ در شرکت‌های تضامنی و شرکت مختلط اعم از سهامی و غیرسهامی علاوه بر نکات فوق باید اسم تمامی شرکا ضامن نیز منتشر شود. ماده ۸ ـ هر گاه شرکت در چندین حوزه محکمه ابتدایی شعبه داشته باشد انتشارات مذکور فوق باید به نحوی که درماده ۶ مقرر است در محل وقوع شعبه نیز علیحده به عمل آید و برای انجام این مقصود مقامی که خود شرکت در آنجا به ثبت رسیده است باید سواد مصدق از تقاضانامه و منضمات آنرا به ثبت اسناد محل وقوع شعبه یا شعب ارسال دارد تا اقدام به انتشار نماید. ماده ۹ ـ در هر موقع که تصمیماتی راجع به تمدید مدت شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت قبل از مدت معینه یا تغییر درتعیین کیفیت تفریغ حساب یا تغییر اسم شرکت یا تبدیل دیگر در اساسنامه یا تبدیل و یا خروج بعضی از شرکا ضامن از شرکت اتخاذ شود و همچنین در هر موقعی که مدیر یا مدیران شرکت تغییر می‌یابد و یا تصمیمی نسبت به مورد معین در ماده ۵۸ قانون تجارت اتخاذ شود مقررات این نظامنامه راجع به ثبت و انتشارباید در مورد تغییرات حاصله نیز رعایت شود.

آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

الف ـ تشکیلات (ماده ۲ تا ۴)

(شماره ۱۶۷۶۸ ـ ۳۱ ۶ ۱۳۸۱ روزنامه رسمی ماده ۱ ـ واژه ها و عبارات اختصاری به کار رفته در این آیین نامه به شرح ذیل تعریف می گردند ۱ ـ هیات اجرایی مشاوران حقوقی ، وکلا ـ و کارشناسان قوه قضاییه ۲ ـ مرکز مرکز امور مشاوران حقوق وکلا ـ و کارشناسان قوه قضاییه ۳ ـ ماده ۱۸۷ ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷ ۱ ۱۳۷۹.(۱) الف ـ تشکیلات ماده ۲ ـ به منظور تنظیم و تصویب سیاستهای اجرایی و خط مشی اجرای ماده ۱۸۷ هیاتی مرکب از معاون قضایی ، رییس قوه قضاییه (به عنوان رییس هیات و رییس مرکز امور مشاوران حقوقی ، وکلا ـ و کارشناسان و معاون آموزش و تحقیقات و دبیر هیات مرکزی گزینش قوه قضاییه به علاوه سه تن از اساتید دانشگاه در رشته حقوق یا قضات عالیرتبه که دارای پایه قضایی ۹ به بالا ـ می‌باشند با تعیین رییس قوه قضاییه تشکیل می گردد. جلسات هیات حداقل با حضور پنج عضو رسمیت داشته و رای اکثریت معتبر خواهد بود تصمیمات هیات اداری بوده و با رای اکثریت که رییس هیات با آن موافق باشد

قابل عدول است وظایف هیات مذکور به شرح ذیل می‌باشد الف – تعیین تعداد مشاور حقوقی یا کارشناس مورد نیاز در هر سال ب – اعطای مجوز کارآموزی مشاوره حقوقی ، وکالت و کارشناسی و تعیین حوزه‌های قضایی محل خدمت آنان و اعطای پروانه های مشاوره حقوقی و وکالت پایه ۱،۲ و پروانه کارشناسی و تایید صلاحیت پس از بررسی توسط مرکز. ج – نظارت و پیگیری بر حسن اجرای مقررات این آیین نامه د – نظارت و پیگیری نسبت به عملکرد مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان موضوع این آیین نامه ه – بررسی گزارشات تخلفات مشاوران حقوقی ، وکلاـ و کارشناسان و تعیین تکلیف در خصوص تنبیهات انتظامی ایشان پس از استماع گزارشات واصله از واحدهای ذیربط که رأسا یا حسب درخواست شاکی خصوصی و یا اعلام قضات محاکم دادگستری ها صورت می گیرد. ز – انتخاب رییس مرکز امور مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان از قضاتی که دارای پایه قضایی ۹ به بالا بوده و دارای حداقل ۱۰ سال سابقه کار قضایی می‌باشند و معرفی آن از طرف معاونت قضایی به ریاست محترم قوه قضاییه جهت صدور ابلاغ برای مدت ۲ سال و – تعیین تکلیف برای سایر موارد ضروری که در این آیین نامه مسکوت است با توجه به روح این آیین نامه و قوانین و مقررات موجود. ماده ۳ ـ انجام امور مربوط به اجرای ماده ۱۸۷ به مرکز امور مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه که زیر مجموعه معاونت قضایی قوه قضاییه می‌باشد محول می گردد که طبق مقررات این آیین نامه اقدام نماید. ماده ۴ ـ (مرکز امور مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه) جهت اجرای آیین نامه مربوطه و تصمیمات هیات در ذیل معاونت قضایی قوه قضاییه و تحت نظر رییس مرکز و عضو هیات اجرای موضوع ماده ۲ آیین نامه تشکیل می گردد و وظایف این مرکز به شرح ذیل است الف – انجام بررسیهای کارشناسی و جمع آوری اطلاعات لازم از سراسر کشور در خصوص تعیین تعداد مشاوران و کارشناسان در هر سال ب – برگزاری آزمون های علمی ، مصاحبه و گزینش متقاضیان ج – نظارت و پیگیری نسبت به عملکرد مشاوران حقوقی ، وکلاـ و کارشناسان بویژه بررسی و تحقیق در خصوص تخلفات آنان و همچنین بررسی وضعیت و عملکرد مشاوران حقوقی ، وکلا پایه ۲ که حایز شرایط ارتقا به درجه بالاتری می‌باشند. د – شناسایی افراد کم بضاعت و نیازمند به خدمت قضایی و ارجاع امر به مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه هـ – بررسی مدارك و احراز شرایط متقاضیان پروانه وکالت و مشاوره حقوقی و کارشناسی که عضو رسمی هیات علمی دانشگاه می‌باشند و یا متقاضیان واجد سوابق قضایی و – نظارت و ارزیابی نحوه کارآموزی عملی و آموزش علمی کارآموزان ز – انجام مقدمات اعطای پروانه کارآموزی و پروانه مشاوره حقوقی و وکالت پایه ۱ ، ۲ و کارشناسی ح – برگزاری مراسم تحلیف و اخذ تعهدنامه و سوگندنامه از دریافت کنندگان پروانه مشاوره حقوقی ، وکالت و کارشناسی تبصره ـ مرکز مکلف است گزارشات مربوط به هر بند را به تفصیل جهت اتخاذ تصمیم و اعلام نظر ، به هیات اجرایی موضوع ماده ۲ اعلام نماید.

ب ـ شرایط متقاضیان (ماده ۵)

ماده ۵ ـ متقاضیان اخذ مجوز تاسیس موسسه مشاوره حقوقی یا کارشناسی باید دارای شرایط ذیل باشند الف – تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ب – داشتن حداقل ۲۴ سال تمام شمسی برای مشاوران حقوقی و کارشناسان رسمی در زمان صدور پروانه مشاوره حقوقی و وکالت و کارشناسی و حداکثر ۶۵ سال تمام شمسی برای مشاوران حقوقی و وکلا. ج – داشتن حداقل دانشنامه معتبر کارشناسی از دانشکده‌های معتبر داخلی یا خارجی (در حالت اخیر، به شرط ارزشیابی رسمی در رشته حقوق برای‌متقاضیان مشاوره حقوقی و وکالت و در رشته مورد تقاضا برای متقاضیان کارشناسی د – انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دایم برای آقایان ه – عدم سو پیشینه موثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی و – عدم اعتیاد به مواد مخدر و سکرآور به تایید سازمان پزشکی قانونی و عدم تجاهر به فسق . ز – عدم اشتغال اعم از رسمی قراردادی پیمانی در وزارتخانه ها ، سازمانها ، ادارات و

شرکتهای دولتی ، نهادهای انقلابی ، شهرداری ها و موسسات مامور به‌خدمات عمومی و عدم اشتغال به سردفتری یا دفتریاری در زمان صدور مجوز و پس از آن مادامی که شخص به مشاوره حقوقی و وکالت موضوع این آیین نامه اشتغال دارد. (برای متقاضیان وکالت و مشاوره حقوقی . ح - نداشتن سو شهرت ط - داشتن وثاقت و تعهد به اصل نظام و قانون اساسی ی عدم محکومیت به انفصال دایم از خدمات قضایی یا خدمات دولتی یا وکالت دادگستری و یا سلب صلاحیت برای متقاضیان شغل مشاوره حقوقی و عدم محکومیت به انفصال دایم از شغل کارشناسی برای متقاضیان کارشناسی تبصره ـ مشاغل آموزشی یا پژوهشی در دانشگاهها از مقررات بند (ز) مستثنی می‌باشد.

ج ـ مدارک و نحوه درخواست (ماده ۶ تا ۷)

ماده ۶ ـ در هر سال صورت نقاطی که احتیاج به مشاوره حقوقی و وکیل و کارشناس دارد با تعیین تعداد مورد نیاز برای هر محل از طریق انتشار ویژه نامه پذیرش داوطلبان به اطلاع متقاضیان رسانده می‌شود. متقاضیان باید ظرف مدت مقرر در آگهی ها درخواست خود و مدارک مربوطه را تکمیل و با درج‌مراتب ذیل از طریق پست سفارشی به نشانی مرکز مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان ارسال نمایند. الف - مشخصات کامل طبق شناسنامه و میزان تحصیلات متقاضی ب - محل اقامت و نشانی پستی ج - سوابق شغلی قبل از درخواست در صورت اشتغال قبلی د - تعیین محل خدمت مورد درخواست برای تاسیس موسسه مشاوره حقوقی ، وکالت و یا کارشناسی . ماده ۷ ـ درخواست متقاضیان باید دارای پیوست های ذیل باشد الف یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ب ۶ قطعه عکس ۴۳ ج گواهی مدارک تحصیلی د گواهی وثاقت به امضای افراد مورد وثوق که فرد مورد نظر را برای مشاوره حقوقی ، وکالت و یا کارشناسی مناسب معرفی کند. هـ گواهی سوابق اشتغال به همراه مستندات مربوطه در صورت داشتن سابقه اشتغال

د – نحوه رسیدگی ، انتخاب و آموزش (ماده ۸ تا ۲۸)

ماده ۸ ـ درخواست متقاضیان به ترتیب وصول در «مرکز» ثبت و برای هر متقاضی پرونده جداگانه ای تشکیل می‌شود ، مرکز مذکور ، سوابق متقاضی را از مراجع اطلاعاتی و قضایی محل اقامت و اشتغال یا محل تحصیل فعلی و گذشته و از موسسه آموزش عالی مربوطه استعلام و درباره صلاحیت وی بنحو مقتضی تحقیق و نتیجه را در پرونده منعکس و به هیات موضوع ماده ۲ این آیین نامه یا افرادی که هیات تعیین می کند تسلیم می‌نماید. ماده ۹ ـ مرکز امور مشاوران حقوقی ، وکلاـ و کارشناسان می‌توانند انجام اقداماتی در رابطه با بررسی صلاحیت متقاضیان را از هسته های گزینش قوه قضاییه در استانها درخواست نمایند. هسته گزینش مربوطه مکلف است اقدامات لازم را انجام و نتیجه بررسی را ظرف مهلت مقرر به مرکز اعلام نماید. ماده ۱۰ ـ از کلیه داوطلبان واجد شرایط به ترتیب مقرر در مواد آتی امتحان کتبی به عمل خواهد آمد. زمان و مکان برگزاری امتحان از طریق روزنامه های کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. تبصره ۱ ـ اعضای هیات علمی رسمی دانشکده‌های حقوق و سایر رشته های کارشناسی در رشته مرتبط با تحصیلات ایشان به شرط داشتن حداقل سه سال سابقه تدریس در دروس حقوقی یا دروس تخصصی مرتبط با رشته کارشناسی از شرکت در آزمون معاف هستند و فقط از کسانی که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده به نحوی که توسط هیات موضوع ماده ۲ این آیین نامه مشخص می‌شود مصاحبه علمی لازم بعمل خواهد آمد. تبصره ۲ ـ (داوطلبانی که دارای حداقل دانشنامه لیسانس در یکی از رشته‌های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی و سه سال سابقه قضایی بوده و حایز شرایط دیگر مندرج در ماده

۵ باشند از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف بوده و به آنان پروانه پایه ۲ مشاوره حقوقی و وکالت اعطا می‌شود.) همچنین در صورتی که داوطلبان فوق دارای ۵ سال سابقه کار قضایی و شرایط مندرج در ماده ۵ باشند نیز از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف بوده وپروانه پایه ۱ مشاوره حقوقی و وکالت اعطا می‌شود ولی به مدت ۲ سال از انجام امر وکالت و مشاوره حقوقی در آخرین حوزه قضایی محل خدمت قضایی ممنوع می‌باشند. تبصره ۳ ـ کارمندان دستگاه قضایی که در محاکم مشغول به خدمت بوده‌اند ، با دارا بودن سابقه خدمتی حداقل ۱۵ سال و در صورتی که حایز شرایط مندرج در این آیین نامه باشند و به شرط ارایه حسن سابقه کار از محل خدمت خود از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف خواهند بود و به آنان پروانه مشاوره حقوقی و وکالت پایه ۲ اعطا می‌شود. ولی برای مدت ۳ سال از انجام امر وکالت و مشاوره حقوقی در آخرین حوزه قضایی محل خدمت اداری خود ممنوع می‌باشند. تبصره ۴ ـ کارمندان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با دارا بودن سابقه خدمتی ۲۰ سال و در صورتی که حایز شرایط مندرج در این آیین نامه باشند وبه شرط داشتن دانشنامه لیسانس و بالاتر در صورت تایید صلاحیت علمی و اخلاقی و تجربه آنها توسط سازمان مذکور جهت پذیرش در رشته‌های امور ثبتی ، نقشه برداری ثبتی و ارزیابی املاک از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف خواهند بود و به آنان پروانه کارشناسی اعطا می‌شود. تبصره ۵ ـ (۳۰٪ از پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی و وکالت و کارشناسی هر حوزه قضایی به ایثارگران (شامل رزمندگانی که ۶ ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا به مدت سه ماه در اسارت دشمن بوده و جانبازان (۲۵٪) و بالا و بستگان درجه اول شهدا و مفقودین و جانبازان (۵۰٪ به بالا) از ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده‌اند) اختصاص می‌یابد استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نمی‌باشد) ماده ۱۱ ـ مواد امتحانی برای داوطلبان مشاوران حقوق عبارتند از متون فقه در حد تحریرالوسیله ، آیین دادرسی کیفری و مدنی ، حقوقی مدنی و امور حسبی ، حقوق تجارت ، حقوق جزای عمومی و اختصاصی و حقوق ثبت ماده ۱۲ ـ مواد امتحانی برای داوطلبان کارشناسی رسمی عبارتند از الف _دروس تخصصی و فقهی مربوط به رشته مورد تقاضا. ب – قوانین و مقررات مربوط به کارشناسی . ماده ۱۳ ـ از پذیرفته شدگان در امتحان کتبی توسط هیات یا اشخاصی که هیات تعیین می‌کند مصاحبه شفاهی بعمل میاید. تبصره ـ افرادی که اسامی آنها به عنوان ذخیره اعلام می‌گردد باید در آزمون مجددی که از طرف هیات اعلام می‌شود شرکت نمایند و پس از موفقیت در آزمون مجدد از آنها مصاحبه شفاهی بعمل میاید. ماده ۱۴ ـ چگونگی و نحوه انجام امتحان و امور مربوط به آن از جمله انجام مصاحبه پس از قبولی در آزمون کتبی را هیات موضوع ماده ۲ این آیین نامه مشخص می‌کند. ماده ۱۵ ـ مرکز اسامی داوطلبانی را که صلاحیت آنان توسط هیات محرز تشخیص داده شده است جهت دستور صدور پروانه به اطلاع معاونت قضایی رییس قوه قضاییه خواهد رسانید. تا با توجه به اختیار مفوضه نسبت به صدور پروانه و امضا آن اقدام نمایند. ماده ۱۶ ـ اعتبار پروانه مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان رسمی موضوع این آیین نامه پس از صدور به مدت ۲ سال خواهد بود که پس از آن برای مدتهای مشابه قابل تمدید می‌باشد مشاورین حقوقی و وکلا موظفند برای تمدید پروانه ، مفاصا حساب مالیاتی خود را ارایه نمایند و تمبر قانونی تجدید پروانه را نیز ابطال نمایند. در صورت عدم تمدید پروانه ، وکالت این افراد در هیچ یک از مراجع ذیصلاح قانونی پذیرفته نخواهد شد. همچنین ارجاع امر کارشناسی از سوی مراجع ذیصلاح به کارشناسی که پروانه وی تمدید نشده است ممنوع می‌باشد. ماده ۱۷ ـ متقاضیان مشاوره حقوقی پس از احراز صلاحیت و پس از پذیرش آنان به مدت ۶ ماه دوره کارآموزی علمی و عملی را زیر نظر مرکز طی می‌کنند. مرکز می‌تواند انجام اقداماتی را در رابطه با کارآموزی پذیرفته شدگان از معاونت آموزش و تحقیقات و همچنین ادارات آموزش در استانها درخواست نماید و دادگستری های استانها موظفند همکاری لازم را بنمایند. تبصره ۱ ـ هر کارآموز دارای کارنامه مخصوصی خواهد بود در این کارنامه حسن اخلاق کارآموز و عملکرد دوره کارآموزی وی ثبت و ارزیابی خواهدشد و دوره کارآموزی کارآموزانی که قادر به کسب نصاب قبولی از کارآموزی کارآموزانی که قادر به کسب نصاب قبولی از کارآموزی علمی و عملی نباشند برای یک نوبت ،

تجدید خواهد شد. تبصره ۲ ـ پـذیرفته شدگانی که حداقل ۶ ماه سابقه کار قضایی متوالی به تایید مراجع مربوط داشته باشند و نیز اعضا رسمی هیات های علمی دانشکده های حقوق داخل کشور که دارای مدرک تحصیلی دکتری در یکی از رشته های حقوقی باشند و حداقل پنج سال از آغاز استخدام رسمی آنها گذشته باشد، از انجام کارآموزی معاف خواهند بود و به آنان پروانه پایه یک اعطا می‌شود. تبصره ۳ ـ معاونان و مدیران کل حقوقی و امور مجلس و کارشناسان حقوقی وزارتخانه ها ، سازمانها، نهادها و موسساتی که از بودجه دولتی استفاده می‌نمایند و به مدت ۵ سال سابقه خدمت در پست مربوطه را داشته باشند (به شرط ارایه تاییدیه حسن خدمت از سوی اداره مربوطه از دوره کارآموزی معاف می‌باشند و به آنها پروانه پایه ۲ مشاوره حقوقی و وکالت داده می‌شود.) ماده ۱۸ ـ مرکز امورمشاوران حقوقی وکلا ـ و کارشناسان قوه قضاییه می‌تواند انجام اقداماتی را که در رابطه با پیشبرد اهداف مرکز ضروری و لازم استاز تمامی واحدهای قضایی و ستادی و سازمانهای وابسته به قوه قضاییه در سراسر کشور درخواست نماید، مراجع مربوطه مکلف هستند اقدامات لازم را در رابطه با درخواست به عمل آمده انجام دهند. ماده ۱۹ ـ پذیرفته شدگان کارشناسی رسمی باید به مدت ۶ ماه نزدیکی از کارشناسان رسمی در رشته مربوط که حداقل ۵ سال سابقه کارشناسی داشته‌باشد یا به هر نحوی که هیات موضوع ماده ۲ مصلحت بداند کارآموزی نماید. در رشته های جدید کارشناسی ، شخص پذیرفته شده از کارآموزی معاف خواهد بود، مگر آن که هیات مذکور در ماده ۲ ترتیب دیگری را مقرر نماید. ماده ۲۰ ـ پذیرفته شده هنگام اخذ پروانه با حضور ریاست محترم هیات یا نماینده ایشان به ترتیب ذیل سوگند یاد نموده و سوگندنامه و صورتجلسه مربوطه را امضا می‌نماید. متن سوگندنامه مشاور به شرح ذیل می‌باشد بسم ا... الرحمن الرحیم در این موقع که می‌خواهم به شغل (مشاوره حقوقی و وکالت نایل شوم به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت شغلی ام اقدام و اظهاری ننمایم و احترام اشخاص ، مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی را رعایت نموده و از اعمال نظر شخصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز و در امور و کارهایی که انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشم و شرافت من وثیقه این سوگند است که یادکرده و ذیل سوگندنامه را امضا می‌نمایم بسم ا... الرحمن الرحیم به خداوند متعال سوگند یاد می کنم در امور کارشناسی که به من ارجاع می گردد خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته به راستی عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات شخصی را در آن دخالت ندهم و نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی به طور کامل اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم وبرخلاف واقع چیزی نگویم و ننویسم و ذیل سوگندنامه را امضا می‌نمایم ماده ۲۱ ـ پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی منفردا یا مشترکا اقدام به تشکیل موسسه می‌نمایند. دارندگان پروانه مکلف‌اند حداکثر ظرف مدت ۶ ماه ازتاریخ صدور مجوز طبق مقررات مربوط به ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری نسبت به ثبت موسسه اقدام نمایند، در غیر این صورت مجوز صادره باطل و بی اعتبار خواهد بود مگر آنکه هیات مذکور در ماده ۲ این مدت را حداکثر برای یک بار به مدت ۶ ماه دیگر تمدید نماید. در صورتی که موسسه توسط چند نفر تاسیس شود لازم است یکی از مشاورین به عنوان مدیر موسسه حقوقی معرفی تا مسیولیت امور موسسه به عهده او باشد. تبصره ۱ ـ ثبت موسسه در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستانی انجام می‌شود که پروانه تاسیس برای آن محل صادر شده است تبصره ۲ ـ ثبت موسسات حقوقی موکول به ارایه پروانه تاسیس از قوه قضاییه برای مدتی که در پروانه تعیین شده است خواهد بود، تمدید ثبت تابع تمدید پروانه می‌باشد. تبصره ۳ ـ موسسه مشاوره حقوقی تابع ضوابط و مقررات مربوط به موسسات غیر تجاری خواهد بود. ماده ۲۲ ـ موسسه مشاوره حقوقی باید در محلی که در پروانه صادره درج شده است دایر شود و نمی‌توان عملا فعالیت آن را در محل دیگری متمرکزنمود، در غیر این صورت پروانه صادره ابطال می گردد مگر اینکه در خصوص تغییر محل قبلا موافقت هیات مذکور در ماده ۲ کسب شده باشد. تبصره ـ مفاد این ماده مانع از حضور شخص مشاور حقوقی در محاکم یا سایر مراجع شهرهای دیگر به عنوان وکیل نمی‌باشد. ماده ۲۳ ـ دارندگان پروانه فقط مجاز به تشکیل یک موسسه می‌باشند، ایجاد شعب و موسسات فرعی ممنوع و مستوجب تعقیب و

تعطیلی دایمی یا موقت موسسه و تمام شعب آن خواهد بود. ماده ۲۴ ـ وظایف و تکالیف و مسیولیت های مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین نامه همان است که در قوانین و مقررات و آیین‌نامه های مربوط به وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی مقرر است ماده ۲۵ ـ مشاوران حقوقی موضوع این آیین نامه پس از اخذ پروانه به مدت ۲ سال مشاور حقوقی و وکیل پایه ۲ محسوب می‌شوند و تنها حق شرکت در محاکم کیفری که به جرایم (تعزیری مستوجب حبس کمتر از ۱۰ سال و شلاق و جزای نقدی و اقدامات تامینی و بازدارنده) رسیدگی می کنند و نیز درمحاکم حقوقی که به دعاوی با خواسته کمتر از پانصد میلیون ریال یا خواسته غیر مالی مگر در دعاوی مربوط به اختلاف در اصل نکاح اصل طلاق ، اثبات و نفی نسب رسیدگی می کنند را دارند. پس از انقضای این مدت و احراز صلاحیت توسط هیات پروانه مشاور به پایه ۱ ارتقا می‌یابد. دارندگان پروانه پایه ۱ حق شرکت در کلیه محاکم اعم از حقوقی ، کیفری و غیره را دارند. تبصره ۱ ـ اعمال مفاد این ماده مانع از حق ارایه مشاوره حقوقی از سوی مشاور در کلیه پرونده ها نمی‌باشد. تبصره ۲ ـ پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی ، وکالت کارشناسی باید قبل از اخذ پروانه متعهد شوند که حسب ارجاع هیات و مرکز ، خدمات حقوقی و کارشناسی لازم را برای متهمان ، شاکیان و اصحاب دعوایی که امکانات مالی لازم را برای استخدام وکیل و کارشناس ندارند به صورت مجانی یا با نرخهای کمتر و شرایط سهل انجام دهند. تبصره ۳ ـ آن دسته از مشاوران حقوقی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالا می‌باشند می‌توانند درخواست صدور پروانه تخصصی در رشته‌ای که در آن رشته مدرک تحصیلی خود را اخذ کرده‌اند بنمایند، در چنین صورتی حق الوکاله و حق المشاوره آنها در پرونده‌های مرتبط با رشته تخصصی آنان ۲۵٪ بیش از مبالغ مذکور در ماده ۲۶ خواهد بد. ماده ۲۶ ـ حق الوکاله مشاورین پایه ۲ حداکثر تا ۴۰٪ تعرفه وکلای پایه یك دادگستری و حق الوکاله مشاورین پایه ۱ حداکثر تا ۶۰٪ آن تعرفه و حق الزحمه کارشناسان رسمی موضوع این آیین نامه تا ۶۰٪ تعرفه کارشناسان رسمی حسب مورد خواهد بود. میزان حق المشاوره توسط هیات موضوع ماده ۲ همه ساله تعیین خواهد شد. ماده ۲۷ ـ موارد تخلف و مجازاتهای مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین‌نامه حسب مورد همان است که در مورد وکلاـ و کارشناسان رسمی‌دادگستری در سایر قوانین و مقررات مقرر گردیده است تنبیهات انتظامی این افراد عبارت است از توبیخ کتبی بدون درج در پرونده ، توبیخ کتبی با درج درپرونده ، تنزل درجه ، عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور موقت به مدت ۳ ماه تا ۳ سال و لغو یا عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور دایم تبصره ـ مرجع اعمال این تنبیهات پس از بررسی و کارشناسی و اظهار نظر مرکز هیات موضوع ماده ۲ آیین نامه خواهد بود. ماده ۲۸ ـ این آیین نامه در اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷ ۱ ۱۳۷۹ ، مجلس شورای اسلامی در ۲۸ ماده و ۱۸ تبصره تهیه شده و در تاریخ ۱۳ ۶ ۱۳۸۱ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

ثبت علائم واختراعات

قانون ثبت علایم و اختراعات – مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ شمسی کمیسیون قوانین عدلیه)

فصل اول – ثبت علایم تجارتی (ماده ۱ تا ۲۵)

ماده ۱ – علامت تجارتی عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش – تصویر رقم – حرف – عبارت – مهر – لفاف و غیر آن که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی – تجارتی یا فلاحتی اختیار می‌شود. ممکن است یك علامت تجارتی برای تشخیص امتیاز محصول جماعتی از زارعین یا ارباب صنعت یا تجار و یا محصول یك شهر و یا یك ناحیه ازمملکت اختیار شود. تبصره – داشتن علامت تجارتی اختیاری است مگر در مواردی که دولت آن را الزامی قرار دهد. ماده ۲ – حق استعمال انحصاری علامت تجارتی

فقط برای کسی شناخته خواهد شد که علامت خود را به ثبت رسانیده باشد. ماده ۳ – کسانی که در ایران دارای موسسات تجارتی – صناعتی یا فلاحتی هستند اعم از اتباع داخله یا خارجه در صورتی که علایم تجارتی آنها موافق مواد ذیل ثبت شود از مزایای این قانون بهره‌مند خواهند شد. ماده ۴ – کسانی که موسسات صنعتی یا تجارتی و یا فلاحتی آنان در خارج از ایران واقع است موافق شرایط ذیل می‌توانند از مزایای این قانون بهره‌مند شوند: ۱) علایم خود را به موجب مقررات این قانون در ایران به ثبت برسانند. ۲) مملکتی که موسسه آنها در آنجا واقع شده به موجب عهدنامه و یا قوانین داخلی خود از علایم تجارتی ایران حمایت کنند. ماده ۵ – هیچ یک از علایم ذیل را نمی‌توان به عنوان علامت تجارتی اختیار نمود و یا آنها را یکی از اجزا یک علامت تجارتی قرار داد: ۱ – بیرق مملکتی و سلطنتی ایران و هر بیرق دیگری که دولت ایران استعمال آن را به طور علامت تجارتی منع کند – علامت شیر و خورشید – نشان ها – مدال ها و انگهای دولت ایران. ۲ – تمثال پادشاه و ولیعهد مگر با اجازه مخصوص. ۳ – کلمات و یا عباراتی که موهم انتساب به مقامات رسمی ایران باشد از قبیل شاهنشاهی – سلطنتی – دولتی و امثال آن. ۴ – علامات موسسات رسمی مانند شیر و خورشید سرخ و صلیب احمر و نظایر آن. ۵ – علایمی که مخل انتظامات عمومی و یا منافی عفت باشد. ماده ۶ – کسی که تقاضای ثبت علامتی را می‌نماید باید شخصا و یا توسط وکیل ثبت آن را از شعبه مخصوصی که در دفتر محکمه ابتدایی تهران برای این امر تشکیل می‌شود به موجب اظهارنامه بخواهد – این اظهارنامه باید بلافاصله بعد از تسلیم به شعبه مزبور در دفتر خاصی ثبت و در مقابل آن رسید داده شود. ماده ۷ – متصدی شعبه مزبور در ماده فوق باید تا پانزده روز از تاریخ وصول اظهارنامه و ضمایم آن تکلیف قبول یا رد آن را معین نماید. در صورتی که تقاضای ثبت رد شود علل رد باید صریحا ذکر گردد – تقاضاکننده می‌تواند از تصمیم رد تا ده روز از تاریخ ابلاغ آن به رییس محکمه اول ابتدایی تهران شکایت کند – حکم محکمه قابل استیناف و تمیز خواهد بود. ماده ۸ – در صورتی که تقاضای ثبت از طرف متصدی شعبه فوق الذکر قبول گردد و یا بعد از رد تقاضا حکم قطعی دایر به قبول آن صادر شود اداره ثبت اسناد تهران مکلف است تا پانزده روز از تاریخ تقدیم سواد تصمیم یا حکم قطعی علامت را به ثبت رسانیده تصدیق رسمی ثبت را به تقاضاکننده بدهد. ماده ۹ – در موارد ذیل متصدی شعبه مذکور در ماده ۶ تقاضای ثبت را رد خواهد کرد: ۱ – در صورتی که علامت مخالف مقررات قانون باشد. ۲ – در صورتی که علامت قبلا به اسم دیگری ثبت شده و یا شباهت علامت با علامت دیگری که ثبت شده است به اندازه باشد که مصرف‌کنندگان عادی یعنی اشخاصی را که اطلاعات مخصوصی ندارند به اشتباه بیندازد. ماده ۱۰ – ثبت هر علامت با قید مراتب ذیل به عمل می‌آید: ۱ – تاریخ روز و ماه و سال ثبت با تمام حروف. ۲ – اسم – شغل – محل اقامت و تابعیت صاحب علامت و وکیل در صورتی که تقاضا به توسط وکیل به عمل آمده باشد. ۳ – اسامی و اوصاف محصول یا طبقات محصولاتی که علامت برای تشخیص و امتیاز آن اختیار شده. ۴ – تعریف علامت به طور اجمال با تعیین اجزایی که تقاضاکننده می‌خواهد حق استعمال انحصاری آن را برای خود تخصیص دهد. ۵ – حق الثبتی که اخذ می‌شود. ماده ۱۱ – هر تغییری که در خود علامت و یا در نوع محصولاتی که علامت برای تشخیص و امتیاز آن به کار می‌رود داده شود باید مطابق مقررات این قانون جداگانه به ثبت برسد و الا قابل حمایت نخواهد بود. ماده ۱۲ – علامت تجارتی قابل نقل و انتقال است ولی انتقال آن در مقابل اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که موافق مقررات این قانون به ثبت رسیده باشد. ماده ۱۳ – ثبت هر علامت و هر تغییری که مطابق این قانون باید به ثبت برسد تا پانزده روز از تاریخ ثبت توسط اداره ثبت اسناد تهران به خرج تقاضاکننده در مجله رسمی وزارت عدلیه اعلان خواهد شد. ماده ۱۴ – علاماتی که ثبت شده باشند از تاریخ تسلیم اظهارنامه حمایت خواهند شد و مدت اعتبار ثبت علامت ده سال است ولی صاحب علامت می‌تواند تقاضای تجدید ثبت نماید در این صورت حق استعمال انحصاری ده سال دیگر با صاحب علامت خواهد بود و به همین طریق هر تجدید ثبت حق مزبور را برای ده سال تضمین می‌نماید. ماده ۱۵ – حقی که برای ثبت علامت اخذ می‌شود به قرار ذیل است: ۱ – برای اظهارنامه ثبت دو ریال طلا. ۲ – برای ثبت علامت قطع نظر از عده طبقات محصول یک پهلوی. ۳ – برای هر طبقه محصول اگر چه منحصر به

فرد باشد علاوه بر حق الثبت علامت پنج ریال طلا. ماده ۱۶ – اشخاص ذیل می‌توانند نسبت به علامتی که تقاضای ثبت آن شده یا به ثبت رسیده است اعتراض کنند: ۱ – کسانی که آن علامت را علامت تجارتی خود می‌دانند. ۲ – کسانی که آن علامت با علامت آنها به اندازه شباهت دارد که مصرف کنندگان عادی را به اشتباه می‌اندازد. در هر یک از دو صورت فوق‌الذکر اگر معترض کسی باشد که علامت قبلاً به اسم او ثبت نشده است باید در حین اعتراض برای علامت خود مطابق مقررات این قانون تقاضای ثبت کرده حق الثبت و تمام مخارج مربوطه به آن را قبلا تادیه نماید – در مورد کسانی که موسسه آنها در خارج از ایران واقع است حق اعتراض مشروط به شرط معامله متقابله مذکوره در فقره دوم ماده ۴ می‌باشد. ماده ۱۷ – اگر اعتراض قبل از آنکه علامت معترض علیه به ثبت رسیده باشد به عمل آید باید به ترتیب و در موعدی که در نظامنامه مذکور در ماده ۲۳مقرر می‌شود به تقاضاکننده ثبت علامت ابلاغ گردد تا در صورتی که به اعتراض تسلیم نشده و تقاضای خود را مسترد ننمود معترض در مدت مقرر درنظامنامه فوق الذکر به محکمه ابتدایی تهران رجوع کند – در مورد این ماده عملیات راجعه به ثبت متوقف خواهد ماند لیکن هر گاه معترض در ظرف مدتی که به موجب نظامنامه مذکور فوق مقرر می‌شود به محکمه رجوع ننمود و یا بعد از رجوع دعوای خود را تعقیب نکرد علامت به اسم معترض علیه ثبت و وجوهی که معترض تادیه نموده به نفع دولت ضبط خواهد شد. ماده ۱۸ – هر گاه اعتراض راجع به علامت ثبت شده باشد معترض باید مستقیما در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده و ابطال ثبت را تقاضا نماید. ماده ۱۹ – جز در مواردی که به موجب نظامنامه های وزارت عدلیه استثنا شود اصول رسیدگی مطابق اصول محاکمات تجارتی است و در هر حال حکم محکمه در حدود قوانین قابل استیناف و تمیز خواهد بود. تبصره – مفاد حکم قطعی باید به خرج محکوم له در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از جراید یومیه تهران منتشر شود – محکوم له می‌تواند مخارج مزبور را در جز خسارت از محکوم علیه مطالبه نماید. ماده ۲۰ – هر گاه معترض ثابت کند که نسبت به علامت به واسطه سابقه استعمال مستمر قبل از تقاضای ثبت حق تقدم داشته محکمه حکم خواهدداد که آن علامت به اسم معترض ثبت شود و اگر علامت مورد اعتراض قبلا در اداره ثبت اسناد به ثبت رسیده باشد محکمه حکم خواهد داد که ثبت سابق ابطال و علامت به نام معترض ثبت گردد. ماده ۲۱ – ترتیبات مقرره فوق در موردی نیز رعایت خواهد شد که اعتراض راجع به ثبت انتقال علامت یا به ثبت تغییر خود علامت و یا راجع به ثبت تغییر محصولاتی باشد که علامت برای تشخیص و امتیاز آن به کار می‌رود. ماده ۲۲ – کسی که نسبت به ثبت های راجع به علامتی از تاریخ ثبت تا سه سال اعتراض نکرده باشد دیگر نمی‌تواند نسبت به ثبت آن اعتراض نماید مگر اینکه ثابت کند معترض علیه در حین ثبت عالم بوده است به اینکه علامت را خود معترض یا کسی که به معترض علامت را انتقال داده قبلا به طور مستمر استعمال کرده ولی هر گاه معترض علیه ثابت نماید که معترض قبل از انقضا مدت سه سال فوق از ثبت علامت اطلاع داشته است اعتراض معترض پذیرفته نخواهد شد. ماده ۲۳ – برای اجرای مقررات این فصل نظامنامه‌های لازمه از طرف وزارت عدلیه تنظیم خواهد شد – در نظامنامه های مزبور تکلیف نکات ذیل باید صراحتا تعیین شود: ۱) طرز تنظیم اظهارنامه. ۲) اسناد و اوراقی که باید عین یا سواد یا ترجمه مصدق آن و همچنین کلیشه یا کلیشه هایی که باید ضمیمه اظهارنامه بشود. ۳) طبقه بندی محصولات. ۴) موافق چه ترتیب علامت به ثبت خواهد رسید. ۵) مراتبی که باید در اظهارنامه راجع به ثبت انتقال علامت و یا راجع به تغییر در علامت و یا در محصولی که علامت راجع به آن است قید شود. ۶) اعلاناتی که باید راجع به علامت در مجله رسمی منتشر شود و میزان خرج اعلانات. ۷) اصول رسیدگی محاکم در مورد مذکور در مواد ۷ و ۱۹. ۸) ترتیبی که مطابق آن کلیه ابلاغات مربوطه به علامات تجارتی باید به عمل آید. ۹) تعرفه ترجمه و تصدیق صحت ترجمه. ماده ۲۴ – ثبت علامات متعلق به کسانی که در ایران دارای موسسات صنعتی و تجارتی یا فلاحتی بوده و مطابق قانون علایم صنعتی مصوب نهم‌فروردین ۱۳۰۴) به عمل آمده است برای بقیه مدت ده سال مقرر در قانون مزبور به اعتبار خود باقی است. ماده ۲۵ – کسانی که موسسات تجارتی – صنعتی یا فلاحتی آنان در خارج ایران بوده و مطابق قانون نهم فروردین ماه ۱۳۰۴ علامت خود را به ثبت رسانیده باشند یا تقاضای ثبت کرده ولی علامت

آنها به ثبت نرسیده و بعد از تاریخ اجرای این قانون به ثبت برسد در صورتی از مزایای این قانون برای بقیه مدت ده سال بهره مند خواهند شد که مملکتی که موسسات آنها در آنجا است به موجب عهدنامه یا قوانین داخلی خود از علایم تجارتی ایران حمایت نمایند.

فصل دوم – ثبت اختراع (ماده ۲۶ تا ۴۵)

ماده ۲۶ – هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و درمدت مقرره در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید مشروط بر این که اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. نوشته که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد ورقه اختراع نامیده می‌شود. ماده ۲۷ – هر کس مدعی یکی از امور ذیل باشد می‌تواند تقاضای ثبت نماید: ۱ – ابداع هر محصول صنعتی جدید. ۲ – کشف هر وسیله جدید یا اعمال وسایل موجوده به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی یا فلاحتی. ماده ۲۸ – برای امور ذیل نمی‌توان تقاضای ثبت نمود: ۱) نقشه‌های مالی. ۲) هر اختراع یا تکمیلی که مخل انتظامات عمومی یا منافی عفت یا مخالف حفظ الصحه عمومی باشد. ۳) فرمولها و ترکیبات دوایی. ماده ۲۹ – کسی که بدوا مطابق این قانون تقاضای ثبت اختراع به نام خود می‌نماید مخترع شناخته می‌شود مگر اینکه خلاف ادعای او در محاکم صلاحیتدار به ثبوت برسد. ماده ۳۰ – مخترعی که در خارج ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل تحصیل ورقه اختراع کرده می‌تواند در صورتی که مدت ورقه مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند لیکن اگر اختراع مزبور را کسی یا موسسه در ایران قبل از تقاضای ثبت اختراع کلا یا جزیا به موقع عمل یا استفاده گذارده و یا مقدمات استفاده آن را تهیه کرده باشد مخترع نمی‌تواند از عملیات آن شخص یا موسسه جلوگیری کند. ماده ۳۱ – مفاد مواد ۶ و ۷ و ۸ این قانون در مورد تقاضای ثبت اختراع نیز رعایت خواهد شد. ماده ۳۲ – اظهارنامه ثبت وقتی قبول می‌شود که مخترع یا نماینده او پنج ریال طلا برای اظهارنامه و لااقل حق الثبتی را که به موجب ماده ۳۴ برای سال اول مقرر است نقدا تادیه نماید. حقی که برای اظهارنامه اخذ می‌شود در هیچ مورد مسترد نخواهد شد. ماده ۳۳ – مدت اعتبار ورقه اختراع به تقاضای مخترع ۵ یا ۱۰ یا ۱۵ و یا منتهی ۲۰ سال خواهد بود – در مدت مزبور که باید صراحتا در ورقه اختراع قید شود مخترع یا قایم مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را خواهد داشت. ماده ۳۴ – برای ثبت اختراع حق الثبت به طریق ذیل اخذ می‌شود: برای پنج سال اول از قرار سالی ۱۰ ریال طلا. برای پنج سال دوم از قرار سالی ۲۰ ریال طلا. برای پنج سال سوم از قرار سالی ۳۰ ریال طلا. برای پنج سال چهارم از قرار سالی ۴۰ ریال طلا. ممکن است تمام یا بعضی از اقساط سنواتی فوق را در حین صدور ورقه اختراع دفعتا تادیه نمود در این صورت اگر پنج قسط دفعتا تادیه شود پنج درصد ۵٪ و اگر ده قسط تادیه شود ده درصد ۱۰٪ و اگر پانزده قسط تادیه شود پانزده درصد ۱۵٪ و اگر بیست قسط تادیه شود بیست درصد ۲۰٪ تخفیف داده می‌شود. ماده ۳۵ – قسط هر سال اگر قبلا تادیه نشده باشد باید در ظرف سه ماه اول همان سال تادیه گردد و الا ثبت اختراع از درجه اعتبار ساقط خواهد شد. هر گاه در ظرف سه ماه دوم سال صاحب ورقه دو برابر حقی را که متعلق به آن سال است تادیه نماید ثبت اختراع به اعتبار خود باقی خواهد بود. ماده ۳۶ – ورقه اختراع به هیچ وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین ورقه مزبور به هیچ وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضاکننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع و یا نقشه های آن صحیح است و اشخاص ذینفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده خلاف آن را ثابت نمایند. ماده ۳۷ – در موارد ذیل هر ذینفعی می‌تواند به محکمه ابتدایی تهران رجوع کرده و تقاضای صدور حکم بطلان ورقه اختراع را بنماید: ۱ – وقتی که اختراع اختراع جدید نیست.

۲ - وقتی که ورقه اختراع مخالف مقررات ماده ۲۸ صادر شده باشد. ۳ - وقتی که اختراع مربوط به طریقه‌های علمی صرف بوده و عملا قابل استفاده صنعتی یا فلاحتی نباشد. ۴ - وقتی که پنج سال از تاریخ صدور ورقه اختراع گذشته و اختراع به موقع استفاده عملی گذاشته نشده باشد. تبصره - هر اختراع یا هر تکمیل اختراع موجودی که قبل از تاریخ تقاضای ثبت خواه در ایران و خواه در خارجه در نوشتجات یا نشریاتی که در دسترس عموم است شرح و یا نقشه آن منتشر شده و یا به مورد عمل یا استفاده گذارده شده باشد ، اختراع جدید محسوب نمی‌گردد. ماده ۳۸ - در مورد مواد ۳۶ و ۳۷ مفاد ماده ۱۹ لازم الرعایه خواهد بود. ماده ۳۹ - دارنده ورقه اختراع می‌تواند ملکیت یا حق استفاده از موضوع اختراع خود را کلا یا جزیا به هر طریقی که بخواهد به دیگری منتقل نماید. هر گاه ورقه اختراع ارثا منتقل شده باشد مالک جدید وقتی می‌تواند از مزایای این قانون بهره مند شود که این انتقال را به ثبت برساند. ماده ۴۰ - هر گونه معامله راجع به ورقه اختراع باید به موجب سند رسمی به عمل آمده و در دفتر ثبت اختراعات نیز ثبت شود و الا آن معامله‌نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود. هر گاه معامله در خارج ایران واقع گردد آن معامله در ایران نسبت به اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که در اداره ثبت اسناد تهران ثبت شده باشد. ماده ۴۱ - حق الثبت معاملات و انتقالات مذکور در دو ماده فوق را وزارت عدلیه مطابق نظامنامه معین خواهد کرد لیکن در هر حال نباید از دو پهلوی تجاوز نماید. ماده ۴۲ - مراجعه به کلیه اسناد و اوراق مربوط به ثبت هر اختراع پس از صدور ورقه اختراع آزاد است و هر کس می‌تواند از اسناد و اوراق مربوط به‌ورقه اختراع یا معاملات راجعه به آن با تادیه حقی که به موجب نظامنامه معین خواهد شد سواد مصدق تحصیل کند. ماده ۴۳ - دارنده هر ورقه اختراع یا قایم‌مقام قانونی او می‌تواند در تمام مدت اعتبار ورقه مزبور هر تغییری را که در اختراع خود داده باشد مطابق مقررات این قانون به ثبت رساند — حق الثبت هر تغییر ده ریال طلا خواهد بود. ماده ۴۴ - نسبت به اتباع خارجه که در ایران تقاضای ثبت اختراع نموده و اقامتگاه آنان در ایران نباشد مقررات عهدنامه که با دولت متبوع آنها منعقد شده باشد مرعی خواهد بود و اگر عهدنامه نباشد معامله متقابله خواهد شد. ماده ۴۵ - وزارت عدلیه نظامنامه‌های مربوطه به اجرای این فصل را تنظیم خواهد نمود - در نظامنامه های مزبور باید تکلیف نکات ذیل صریحا معین گردد: ۱ - طرز تنظیم اظهارنامه ثبت. ۲ - اسناد و اوراقی که باید عین یا سواد یا ترجمه مصدق آنها ضمیمه اظهارنامه شود. ۳ - تعرفه انتشارات در مجله رسمی و تعرفه ترجمه و تصدیق صحت ترجمه. ۴ - ترتیبی که مطابق آن کلیه ابلاغات مربوط به ثبت اختراع باید به عمل آید.

فصل سوم – مقررات مشترکه (ماده ۴۶ تا ۵۱)

ماده ۴۶ - رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی مربوط به اختراع یا علامات تجارتی در محاکم تهران به عمل خواهد آمد اگر چه در مورد دعاوی جزایی جرم در خارج تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج تهران دستگیر شده باشد که در این موارد تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یادستگیری متهم به عمل آمده و دوسیه برای رسیدگی به محاکم تهران ارجاع می‌شود. ماده ۴۷ - اگر در ضمن رسیدگی جزایی متهم برای دفاع خود موضوع مالکیت علامت تجارتی یا اختراع را مطرح کند خود محکمه جزا باید در این‌موضوع نیز رسیدگی نماید. ماده ۴۸ - طرق تامین دلیل - موارد ترتیب توقیف محصولاتی که مخالف حق حاصل از ثبت علامات تجارتی یا حق اختراع باشد و همچنین‌موعدی که اگر بعد از تامین یا توقیف اقامه دعوی نشود تامین یا توقیف باطل می‌گردد به موجب نظامنامه هایی که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد اعم از اینکه مطابق نظامنامه های مزبور مراجعی که برای انجام این امور معین می‌شود مقامات قضایی باشد یا مامورین کشوری از قبیل مامورین گمرک و غیر آنها. ماده ۴۹ - در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای جزایی در دعاوی مربوطه به اختراعات و علایم تجارتی مطالبه می‌شود خسارات شامل ضررهای وارده و منافعی خواهد بود که طرف از آن محروم شده است. ماده ۵۰ - قانون نهم فروردین ماه

۱۳۰۴ راجع به علایم تجارتی و صنعتی نسخ و این قانون از ۱۵ تیر ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود. ماده ۵۱ – وزارت عدلیه مامور اجرای این قانون است. چون به موجب قانون بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۱۰ وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد می‌نماید پس‌از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیا برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا قانون ثبت علایم و اختراعات) مشتمل بر پنجاه و یک ماده که در تاریخ اول تیر ماه یک هزار و سیصد و ده شمسی به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده است قابل اجراست. رییس مجلس شورای ملی – دادگر

آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات – مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی

باب اول ــ مقررات مربوط به علایم تجارتی

فصل اول ــ در تسلیم اظهارنامه (ماده ۱ تا ۹)

ماده ۱ ـ اظهارنامه ثبت علامت صنعتی یا تجارتی باید به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضا ، حاوی نکات ذیل باشد : ۱ ـ اسم و اقامتگاه و تابعیت صاحب علامت و مرکز اصلی موسسه او. ۲ ـ اسم و اقامتگاه وکیل او در تهران در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل داده شده باشد. ۳ ـ رشته تجارت یا نوع صنعت صاحب علامت ۴ ـ تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت علامت در کشور مبدأ در صورتی که آن علامت در خارج ایران به ثبت رسیده باشد. ۵ ـ اقامتگاهی که صاحب علامت در تهران انتخاب می‌نماید. ۶ ـ اسم و اقامتگاه شخص یا اشخاصی که در تهران صلاحیت دریافت ابلاغ ها و اخطارها را دارند. ۷ ـ شرح نوع کالا یا محصولاتی که علامت برای تشخیص آن به کار می‌رود با تعیین طبقات درخواست شده طبق طبقه بندی ضمیمه این آیین نامه ۸ ـ شرح و توصیف علامت درخواست شده و طرز مخصوص استعمال آن اگر مورد داشته باشد. ۹ ـ تعیین ضمایم تبصره ـ تنظیم نام و نشانی درخواست کنندگان مقیم خارجه باید علاوه بر فارسی به حروف لاتین باشد و با همان حروف نیز ثبت و آگهی خواهد شد. ماده ۲ ـ اظهارنامه باید دارای ضمایم زیر باشد ۱ ـ نسخه اصلی یا رونوشت گواهی شده وکالت نامه در صورتی که تقاضا به توسط وکیل به عمل آید. ۲ ـ ده عدد نمونه علامت به طریقی که استعمال می‌شود به علاوه نمونه های اضافی به تعداد یک نمونه برای هر طبقه اضافی که درخواست می‌شود. درخواست کننده باید بر روی هر اظهارنامه یک نمونه علامت را الصاق و آن را امضا نماید. نمونه سوم در موقع ثبت بر روی صفحه مربوطه در دفتر ثبتو نمونه چهارم بر روی تصدیق ثبت الصاق می‌شود. علاماتی که برجسته یا گود در روی شیئی نشان داده می‌شود بر روی کاغذ نقش خواهد شد. ابعاد نمونه نباید از ده سانتیمتر از هر طرف تجاوز کند. بر روی هر نمونه الصاق شده به طریق بالا مهر شعبه ثبت شرکتها و علایم تجارتی و اختراعات زده می‌شود به طریقی که یک قسمت از مهر بر روی نمونه و قسمت دیگر بر روی صفحه قرار گیرد. ۳ ـ یک کلیشه برای چاپ علامت به طور وضوح (ابعاد کلیشه مزبور نباید از ده سانتیمتر از هر طرف تجاوز کند) در صورتی که علامت عبارت از یک یاچند کلمه بوده و دارای هیچ گونه تصویر و حروف مخصوص نباشد تقاضاکننده مجبور به ضمیمه کردن کلیشه نخواهد بود. ۴ ـ در صورتی که علامت در خارجه به ثبت رسیده باشد تسلیم رونوشت گواهی شده از طرف اداره صادرکننده آن به زبان اصلی به انضمام ترجمه غیررسمی آن به فارسی به مسوولیت تقاضاکننده الزامی است ۵ ـ در صورتی که علامت برای تشخیص امتیاز محصول جماعتی یا محصول یک شهر یا یک ناحیه از کشور اختیار شود گواهینامه از طرف مقام‌صلاحیتدار دایر بر تصدیق استفاده از علامت مزبور به وسیله سازندگان کالاهای

مربوط به آن (در ایران مقام صلاحیت دار که اداره ثبت مکلف به قبول گواهی آن در مورد مراتب مذکور در این بند می‌باشد به ترتیب عبارتند از ۱ ـ اتحادیه صنفی ۲ ـ اطاق بازرگانی یا صنایع ۳ ـ شهرداری ۴ ـ فرمانداری ماده ۳ ـ دریافت کننده اظهارنامه مقدمتا صحت تنظیم آن را مورد رسیدگی قرار داده و پس از وارد نمودن اظهارنامه در دفتر درخواست های وارده نسخه دوم آن را که دارای همان مشخصات اصلی نسخه است بعد از امضا و مهر شعبه ثبت شرکتها و علایم تجارتی به عنوان رسید به درخواست کننده مسترد خواهد کرد. نسخه سوم درخواست که دارای همان مشخصات اظهارنامه است فورا در شعبه ثبت شرکتها و علایم تجارتی و اختراعات تا تاریخ رد یا قبول قطعی درخواست آگهی خواهد شد تا هر ذی نفعی بتواند از مفاد آن اطلاع حاصل کرده و اعتراض خود را طبق مواد بعدی تسلیم نماید. ماده ۴ ـ شخصی که تقاضای ثبت چندین علامت می‌نماید باید برای هریک از آنها مطابق مقررات این آیین نامه اظهارنامه جداگانه بدهد، در این صورت اگر تقاضا توسط وکیل و به موجب یک وکالتنامه به عمل آمده باشد وکالتنامه اصلی به یکی از اظهارنامه‌ها و یک رونوشت مصدق آن به هر یک از اظهارنامه های دیگر باید ضمیمه شود. ماده ۵ ـ هر اظهارنامه ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول از جهات ذیل مورد بررسی قرار می گیرد ۱ ـ از لحاظ شکل برای ملاحظه این که درخواست و ضمایم آن مطابق اصول پیش بینی شده در قانون و این آیین نامه می‌باشد اگر نقایصی در اظهارنامه مشاهده شود مراتب به درخواست‌کننده کتبا اخطار می‌شود تا در موعد مناسب (نسبت به ساکنین در ایران تا دو ماه و نسبت به ساکنین در خارجه تا شش ماه اقدام به رفع آنها بنماید. چنانچه مدت مزبور کافی نباشد درخواست کننده می‌تواند فقط برای یک مرتبه استمهال نماید. ۲ ـ از جهت تطبیق طبقه ای که درخواست کننده ثبت علامت جهت کالای خود ذکر نموده با طبقات مربوط به نوع کالا در صورت عدم مطابقت کالا با طبقه مندرج در اظهارنامه از درخواست کننده ثبت دعوت خواهد شد تا در اصلاح طبقه بندی کالای مشروحه اقدام نماید. ۳ ـ از لحاظ مطابقت علایم با شرایط مقرره در قانون و این آیین نامه تبصره ۱ ـ از لحاظ امتیاز و تشخیص مذکور در ماده یک قانون نامهای عام محصولات یا اسامی جغرافیایی که خریدار را نسبت به مبدأ و کیفیت محصولات گمراه کند علامت مشخصه تجارتی محسوب نمی‌شود. تبصره ۲ ـ در مورد علامت تجارتی شباهت مذکور در ماده ۹ قانون ممکن است از لحاظ شکل ظاهر یا تلفظ یا کتابت یا به هر کیفیت دیگری باشد که مصرف‌کنندگان عادی را به اشتباه اندازد. ماده ۶ ـ در موارد زیر در صورتی که در ظرف ۱۵ روز بعد از وصول اظهارنامه معلوم گردد که تقاضای ثبت قابل قبول نیست یا درخواست‌کننده در مدت مقرر در تکمیل آن اقدام ننماید شعبه ثبت شرکتها و علایم تجارتی و اختراعات کتبا رد تقاضا را با ذکر علل به درخواست‌کننده ثبت ابلاغ خواهد نمود. ماده ۷ ـ برای هر علامتی که تقاضای ثبت آن بر طبق ماده ۵ مورد قبول قرار گیرد شعبه ثبت شرکتها و علایم تجارتی یک آگهی در روزنامه رسمی منتشرخواهد نمود آگهی مزبور شامل نام و نشانی صاحب علامت و خصوصیات آن و کالاهایی که علامت در مورد آنها به کار می‌رود خواهد بود. ماده ۸ ـ هرگونه اصلاحی که به وسیله درخواست‌کننده ثبت بعد از انتشار آگهی به عمل آید باید به وسیله تقدیم اظهارنامه جدیدی صورت گیرد. این اظهارنامه به ترتیب مقرر در ماده ۵ این آیین نامه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و هرگاه اصلاحات و تغییرات مورد تقاضا مورد قبول اداره ثبت علایم واقع شود به وسیله آگهی جدید به اطلاع عامه خواهد رسید. ماده ۹ ـ سی روز بعد از انتشار آگهی ، شعبه ثبت شرکتها و علایم تجارتی مکلف است در صورت عدم اعتراض علامت را به ثبت برساند.

فصل دوم ـ ثبت علامت (ماده ۱۰ تا ۱۳)

ماده ۱۰ ـ ثبت علامت در دفتر مخصوصی با قید مراتب زیر به‌عمل خواهد آمد الف ـ تاریخ و شماره ترتیب اظهارنامه ب ـ تاریخ و شماره ثبت علامت و مشخصات مذکور در ماده یک این آیین نامه ج ـ الصاق یک نمونه از علامت در محلی که به این امر اختصاص داده شده است د ـ حق الثبت و حقوق دریافتی برای هر طبقه ه ـ امضای درخواست‌کننده یا قائم مقام او به طریقی که

قسمتی از امضای او در روی صفحه و قسمتی در روی علامت باشد. و ـ امضای رییس شعبه ثبت علایم و یا قائم مقام او. تبصره ـ در دفتر ثبت علامات برای هر علامت دو صفحه تخصیص داده خواهد شد. ماده ۱۱ ـ پس از ثبت علامت تصدیقی که حاوی نکات زیر باشد با الصاق یک نمونه کامل از علامت بر روی آن به صاحب علامت یا نماینده او تسلیم‌می‌شود ۱ ـ تاریخ وصول اظهارنامه و شماره ثبت آن در دفتر ثبت اظهارنامه ۲ ـ تاریخ ثبت علامت و شماره ثبت آن ۳ ـ اسم و شغل و اقامتگاه و تابعیت صاحب علامت ۴ ـ نوع مال التجاره و یا محصول و طبقات محصولی که علامت برای تشخیص آن به کار می‌رود. ۵ ـ تعیین اجزایی که صاحب علامت حق استفاده انحصاری آن را به خود تخصیص داده است ۶ ـ تاریخ و شماره و محل ثبت در خارجه در صورتی که علامت قبلاـ در خارجه به ثبت رسیده باشد. ۷ ـ تاریخ صدور تصدیق ۸ ـ مدت اعتبار ثبت علامت ۹ ـ امضای رییس شعبه ثبت علایم تجارتی و مدیرکل ثبت اسناد و املاک ماده ۱۲ ـ در ظرف سی روز پس از ثبت هر علامت اداره ثبت باید آگهی حاوی کلیه مراتب مندرج در ماده ۱۱ منتشر نماید. ماده ۱۳ ـ در صورتی که علامت ثبت شده برای محصولات مقرر در ماده یک قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ ظرف مدت ۳ سال از تاریخ ثبت آن از طرف صاحب علامت یا قائم مقام یا نماینده قانونی او بدون عذر موجه مورد استفاده تجارتی در ایران (یا) در خارجه قرار نگیرد هر ذینفعی می‌تواند ابطال آن را از دادگاه شهرستان تقاضا نماید.

فصل سوم ــ تغییرات (ماده ۱۴ تا ۱۹)

ماده ۱۴ ـ تغییرات مربوط به علامت یا طبقه کالا یا صاحب علامت و همچنین تغییرات مربوط به نشانی و تابعیت و نماینده قانونی او در ایران رسمیت نخواهد داشت مگر این که در ایران به ثبت رسیده باشد. ثبت این تغییرات باید در روی صفحه مخصوص به آن علامت به عمل خواهد آمد. ثبت تغییرات به موجب اظهارنامه رسمی به امضای صاحب علامت یا نماینده قانونی او به عمل خواهد آمد. اظهارنامه باید در سه نسخه تنظیم و تغییرات مشروحا در آن قید و مدارک مربوطه و قبض پرداخت حق الثبت ضمیمه آن گردد. رسیدگی به اظهارنامه و ثبت تغییرات بر طبق اصولی که برای ثبت علامت ذکر شده است به عمل خواهد آمد. تغییرات مربوطه به نشانی و نام مرکز اصلی صاحب علامت و یانماینده قانونی او در ایران احتیاج به آگهی ندارد. ماده ۱۵ ـ در صورتی که تغییرات مربوط به خود علامت باشد ده نمونه از علامت جدید باید ضمیمه اظهارنامه شود. ماده ۱۶ ـ ثبت تغییرات باید در روی صفحه مخصوص به آن علامت به عمل آید و مراتب در ظهر برگ تصدیق از طرف اداره ثبت منعکس گردد. ماده ۱۷ ـ در صورتی که علامت به‌هر طریق قانونی مورد انتقال قرار گرفته باشد در اظهارنامه مربوط به تغییر نام صاحب علامت نکات زیر باید صریحا قید شود الف ـ شماره ثبت در ایران ب ـ نام و اقامتگاه و تابعیت مالک جدید. ج ـ نام و نشانی نماینده قانونی او در ایران ماده ۱۸ ـ مدارک قانونی انتقال و وکالتنامه و تصدیق ثبت علامت در ایران باید ضمیمه اظهارنامه شود (تصدیق ثبت بعد از ثبت تغییرات و درج آن در ظهر تصدیق به صاحب جدید علامت مسترد خواهد شد). تبصره ـ در صورتی که انتقال در خارجه به ثبت رسیده باشد رونوشت مصدق مستخرجه ثبت اداره علایم خارجی کافی است ماده ۱۹ ـ در مواردی که صاحب علامت یا قائم مقام قانونی او استفاده از آن را به دیگری اجازه دهد این اجازه در صورتی معتبر خواهد بود که اجازه‌نامه مربوطه در ایران به ثبت رسیده باشد. در مواردی که اجازه استفاده از علامت تجارتی به امضای صاحب علامت و استفاده‌کننده رسیده باشد ثبت اجازه نامه مزبور با تقاضای کتبی صاحب علامت یا نماینده مجاز او و یا استفاده کننده صورت خواهد گرفت

فصل چهارم ــ تجدید ثبت (ماده ۲۰)

ماده ۲۰ ـ هر صاحب علامت یا قائم مقام یا نماینده قانونی او می‌تواند ثبت علامت را تا ششماه بعد از انقضای مدت اعتبار آن هر ده

سال یکبار تجدید نماید. تقاضای تجدید ثبت علامت باید در دو نسخه به امضای صاحب علامت و یا قائم مقام یا نماینده قانونی او رسیده و نمونه علامت در روی آن الصاق شود. تجدید ثبت با تادیه همان حقوق و مخارجی به عمل می‌آید که برای ثبت علامت مقرر است تجدید ثبت دنباله ثبت اصلی در دفتر ثبت علایم به عمل خواهد آمد. هرگاه در موقع تجدید ثبت تغییری در علامت داده شود مقررات مربوط به تغییرات از هر حیث باید کلا رعایت شود. تجدید ثبت در صورتی که تغییری در علامت داده نشده باشد محتاج به آگهی نیست در صورتی که مدت اعتبار علامت منقضی شده باشد ثبت آن علامت از طرف صاحب اولیه یا دیگران تابع کلیه مقررات و تشریفات مربوط به ثبت علایم خواهد بود. اشخاص ذینفع می‌توانند در ظرف سی روز از تاریخ نشر آگهی اعتراض خود را تسلیم نمایند.

فصل پنجم ــ طبقه‌بندی کالا (ماده ۲۱)

ماده ۲۱ ـ طبقات محصولات علامت که برای ثبت هر طبقه حقوق مخصوصی طبق ماده ۱۵ قانون دریافت می‌شود در فهرست ضمیمه این آیین نامه معین است در موقع تجدید ثبت یا بر حسب تقاضای صاحب علامت ثبت شده شعبه ثبت علایم مکلف است طبقه محصولات را مطابق فهرست ضمیمه این آیین نامه در دفتر ثبت و تصدیق ثبت علامت تصحیح نماید.

باب دوم ــ در ثبت اختراع

فصل اول ــ در اظهارنامه اختراع (ماده ۲۲ تا ۲۹)

ماده ۲۲ ـ اظهارنامه که برای ثبت اختراع داده می‌شود باید به فارسی تنظیم شده دارای تاریخ و امضا بوده و حاوی نکات ذیل باشد ۱ ـ اسم و شغل و اقامتگاه و تابعیت درخواست کننده ۲ ـ اسم و اقامتگاه وکیل او در تهران در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل داده شده باشد. ۳ ـ موضوع اختراع به طور خلاصه و روشن ۴ ـ مدتی که درخواست‌کننده می‌خواهد در حدود ماده ۳۳ قانون ثبت علایم و اختراعات برای اعتبار ورقه اختراع تخصیص دهد بدون هیچ شرط و قید. ۵ ـ تاریخ و محل صدور و شماره ورقه اختراع در خارجه در صورتی که برای آن اختراع در خارج ایران ورقه صادر شده باشد. ۶ ـ اقامتگاهی که درخواست‌کننده در تهران انتخاب می‌نماید. ۷ ـ اسم و اقامتگاه شخص یا اشخاصی که مقیم در ایران بوده و برای دریافت کلیه ابلاغات مربوط به اختراعی که درخواست ثبت آن می‌شود صلاحیت داشته باشند. تبصره ـ در اظهارنامه ممکن است نام و نشانی درخواست کننده ، موضوع اختراع ، نام کشوری که قبلا اختراع در آنجا به ثبت رسیده است و شماره و تاریخ ثبت در خارجه به زبان فرانسه یا انگلیسی نوشته شود. ماده ۲۳ ـ اظهارنامه باید دارای ضمایم ذیل باشد ۱ ـ توصیف مشروح اختراع و یا وسیله جدیدی که برای آن تقاضای ورقه اختراع می‌شود در سه نسخه ۲ ـ نقشه‌هایی که برای فهم توصیف مزبور لازم می‌باشد در ۳ نسخه ۳ ـ قبض صندوق اداره ثبت اسناد حاکی از پرداخت وجوه مذکور در ماده ۳۲ قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات ۴ ـ وکالتنامه در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل تسلیم شده باشد. ماده ۲۴ ـ اظهارنامه باید به موضوع اصلی یک اختراع و موضوعات تفصیلی که مربوط به همان موضوع اصلی است محدود باشد. تبصره ـ چنانچه اختراع قبلا در خارجه به ثبت رسیده باشد درخواست کننده می‌تواند براساس اختراع اصلی و اختراع تکمیلی آن درخواست ورقه اختراع واحدی بنماید. ماده ۲۵ ـ توصیف مشروح اختراع که مطابق ماده بیست و سه ضمیمه اظهارنامه می‌شود باید به فارسی تهیه در آخر آن خلاصه ای از اختراع و نحوه اعمال آن اضافه شود، معذلک اگر تنظیم آن به فارسی برای درخواست کننده میسر نباشد می‌تواند توصیف کامل را به فرانسه یا به انگلیسی و خلاصه آن را به فارسی ضمیمه نماید. ماده ۲۶ ـ توصیف مزبور به هر زبانی که باشد باید خوانا و به طوری که اشخاص با اطلاع بتوانند از مطالعه آن موضوع و

تازگی آن را درک کنند نوشته شود. تراشیدن و پاک کردن و بین السطور نوشتن ممنوع است روی کلمات زیادی باید خط کشیده شده و تعداد آنها در آخر معین و امضا شود. صفحات و رونوشتها نیز باید به امضای درخواست‌کننده یا وکیل اوبرسد. نقشه‌ها با مرکب و از روی مقیاس متری تهیه شده و باید دارای امضا یا مهر درخواست‌کننده و یا وکیل او باشد. ماده ۲۷ ـ توصیف اختراع و نقشه‌های آن روی کاغذی که (سی و چهار) سانتی متر طول و بیست و دو سانتی متر عرض داشته‌باشد نوشته شده و فقط در روی یک طرف کاغذ تهیه شود به نحوی که پشت صفحه سفید بماند. صفحات توصیف باید شماره مسلسل داشته و به یکدیگر با قیطان یا منگنه ملصق شود. نقشه‌ها باید روی کاغذ مخصوص نقشه تهیه و دارای شماره ترتیبی باشد. ماده ۲۸ ـ شعبه ثبت علایم و اختراعات پس از دریافت اظهارنامه صحت تشریفات مقدماتی آن را مورد رسیدگی قرار داده و پس از وارد نمودن اظهارنامه در دفتر درخواستهای وارده نسخه دوم آنرا که دارای همان مشخصات نسخه اصلی است پس از امضا و مهر اداره ثبت با قید تاریخ ، ساعت و روز و ماه و سال وصول آن با تمام حروف به درخواست‌کننده مسترد خواهد کرد. ماده ۲۹ ـ از تاریخ وصول اظهارنامه به دفتر ، متصدی شعبه اختراعات در ظرف ۱۵ روز اظهارنامه و ضمایم آن را از لحاظ تطبیق با مقررات قانون و مواد آیین نامه حاضر مورد مطالعه قرار می‌دهد و در صورتی که نواقصی در اظهارنامه یا ضمایم مشاهده شود مراتب را کتبا به درخواست‌کننده اطلاع داده و ضمنا مهلتی در حدود دو ماه اگر درخواست‌کننده ساکن ایران باشد و شش ماه اگر ساکن خارجه باشد جهت رفع نواقص مزبور تعیین خواهد کرد. درصورت عذر موجه شعبه ثبت علایم و اختراعات مهلت مذکور را فقط برای یکبار تمدید می‌نماید. چنانچه درخواست‌کننده در ظرف مهلت مقرر نواقص مزبور را رفع ننماید یا اظهارنامه با مقررات قانون منطبق نباشد شعبه ثبت علایم و اختراعات اظهارنامه ناقص را با ذکر دلیل رد نموده مراتب را کتبا به درخواست کننده ابلاغ خواهد نمود. درخواست‌کننده می‌تواند نسبت به رد اظهارنامه با رعایت مهلت مقرره در قانون به دادگاه شهرستان اعتراض نماید.

فصل دوم ــ ثبت اختراع (ماده ۳۰ تا ۳۳)

ماده ۳۰ ـ در صورتی که اظهارنامه صحیح و قانونی تشخیص داده شود اختراع در دفتر مخصوصی با قید مراتب زیر به ثبت خواهد رسید ۱ ـ شماره ثبت ۲ ـ شماره دفتر اظهارنامه ۳ ـ تاریخ وصول اظهارنامه با تعیین ساعت روز و ماه و سال ۴ ـ نام و نشانی کامل تسلیم‌کننده اظهارنامه ۵ ـ نام و نشانی وکیل درخواست‌کننده اختراع اگر اختراع توسط وکیل درخواست ثبت شده باشد. ۶ ـ موضوع اختراع ۷ ـ مدت اعتبار ورقه اختراع ۸ ـ شماره ثبت و مدت اعتبار ورقه اختراع در خارجه ۹ ـ تاریخ ثبت اختراع ۱۰ ـ امضای رییس شعبه ثبت علایم تجارتی و اختراعات ۱۱ ـ امضای درخواست کننده ثبت اختراع یا نماینده او. تبصره ـ در دفتر ثبت اختراعات برای هر اختراع دو صفحه تخصیص داده خواهد شد. هر تغییر و تکمیلی نسبت به موضوع اختراع و همچنین کلیه نقل و انتقالاتی که جزئا و یا کلا نسبت به اختراع واقع می‌شود باید در صفحات مزبور ثبت گردد. ماده ۳۱ ـ پس از ثبت اختراع ورقه اختراعی که به صاحب اختراع یا نماینده او داده می‌شود باید شامل نکات زیر باشد ۱ ـ شماره ثبت اختراع ۲ ـ تاریخ ثبت اختراع ۳ ـ شماره دفتر اظهارنامه ۴ ـ موضوع اختراع ۵ ـ تاریخ تسلیم اظهارنامه ۶ ـ نام و نشانی کامل صاحب اختراع و وکیل او ۷ ـ نشانی صاحب اختراع در ایران ۸ ـ مدت اعتبار ورقه اختراع ۹ ـ شماره ثبت و مدت اعتبار اختراع در خارجه ۱۰ ـ امضای رییس شعبه ثبت علایم تجارتی و اختراعات ۱۱ ـ امضای مدیر کل ثبت ۱۲ ـ شماره و تاریخ صدور ورقه اختراع یک نسخه از توصیف اختراع و خلاصه آن و نقشه ها به وسیله قیطان یا منگنه به ورقه اختراع ملصق و مهر می‌شود. ماده ۳۲ ـ در ظرف سی روز پس از ثبت هر اختراع اداره مربوطه ثبت ، آگهی که شامل مراتب زیر است منتشر خواهد نمود شماره ثبت اختراع مدت اعتبار ورقه اختراع نام صاحب اختراع و نشانی کامل او موضوع اختراع آگهی مزبور به امضای رییس شعبه ثبت علایم تجارتی و اختراعات در روزنامه رسمی کشور منتشر خواهد شد. ماده ۳۳ ـ مدت اعتبار ورقه اختراع از تاریخ تسلیم اظهارنامه محسوب می‌گردد.

فصل سوم ــ تغییرات (ماده ۳۴ تا ۴۴)

ماده ۳۴ ـ هر تغییر یـا اضـافه یا تکمیلی که در مـدت اعتبار ورقه اختراع راجع به آن اختراع حاصل می‌شود تابع مقررات منـدرجه در مواد ۲۳ و ۲۴ خواهدبود. ماده ۳۵ ـ برای تغییر و یا تکمیل و یا اضافات مزبور، ورقه اختراعی در تکمیل ورقه اصـلی صادر می‌گردد. ورقه اختراع تکمیلی تابع همان مقرراتی خواهد بود که برای ورقه اصـلی معین شده است ولی مدت اعتبار ورقه تکمیلی نمی‌تواند از مدت اعتبار ورقه اصلی تجاوز نماید. ماده ۳۶ ـ هر صـاحب ورقه اختراع که بخواهـد برای تغییر یـا تکمیل یا اضافات به عوض ورقه تکمیلی ورقه اصـلی علیحـده صادر نمایـد باید مقررات قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات و همچنین مقررات این نظامنامه را که مربوط به ورقه اختراع است رعـایت نموده و حق الثبت و سـایر مخـارج مربوطه را تادیه کنـد. ماده ۳۷ ـ در صورتی که تقاضاکننـده اختراع تکمیلی ، شـخص دیگری غیر از صاحب اختراع اصـلی باشد ورقه ثبت اختراع تکمیلی اجازه اسـتفاده از اختراع اصلی را به او نمی‌دهـد و صاحب اختراع اصـلی نیز نمی‌توانـد از اختراع تکمیلی اسـتفاده کند مگر آن که بین آنها تراضـی به عمل آید. ماده ۳۸ ـ تغییرات مربـوط به نـام و نشـانی و تـابعیت و نماینـده صـاحب اختـراع در ایران رسـمیت نخواهـد داشت مگر آن که در ایران به ثبت برسـد، ثبت تغییرات مزبور به موجب اظهارنامه رسـمی به امضای صاحب اختراع یا نماینـده قانونی او به عمل خواهد آمد. اظهارنامه باید در سه نسـخه تنظیم و تغییرات مشـروحا در آن قید و مدارک مربوطه و قبض پرداخت حق الثبت ضـمیمه آن گردد. رسیدگی به اظهارنـامه وثبت تغییرات بر طبق اصولی که برای ثبت اختراع ذکر شـده است به عمـل خواهـد آمـد. تغییرات مربوط به نشـانی و نـام صاحب اختراع یا نماینـده قانونی او در ایران احتیاج به آگهی نـدارد. ماده ۳۹ ـ ثبت کلیه تغییرات باید در روی صـفحه مخصوص به آن اختراع به عمل آید و مراتب در ظهر ورقه ثبت اختراع از طرف شـعبه ثبت علایم واختراعات قید گردد. ماده ۴۰ ـ در صورتی که اختراعی قانونـا مورد انتقـال قرار گیرد مراتب زیر بایـد در اظهارنـامه تصـریح گردد الف ـ شـماره ثبت در ایران ب ـ نام و اقامتگاه و تـابعیت منتقل الیه ج ـ نام و نشانی نماینـده قانونی او در ایران ماده ۴۱ ـ مـدارک قـانونی انتقال و وکالت نامه و ورقه ثبت اختراع در ایران بایـد ضـمیمه اظهارنامه شود (ورقه اختراع بعد از ثبت انتقال به صاحب آن مسترد خواهد شد) ماده ۴۲ ـ در صورتی که انتقال در خارجه واقع شده باشد و شـعبه ثبت اختراعات محل ، انتقال مزبور را به ثبت رسانیده باشد مسـتخرجه ثبت فوق الذکر دلیل انتقال خواهـد بود. ماده ۴۳ ـ صـاحب اختـراع می‌توانـد اجـازه اسـتفاده از اختراع خود را که در ایران به ثبت رسـیده بـا هرگونه شـرایط به دیگری بدهد. اجازه مزبور باید در دفتر ثبت اختراعات در صفحه مربوط به آن اختراع ثبت و در روزنامه رسمی منتشر شود. ماده ۴۴ ـ اداره ثبت پس از رسیدگی و مطابقت درخواست بـا مقررات قـانونی و آیین نـامه مبـادرت به ثبت آن نموده و آگهی حـاوی نـام صاحب اختراع و استفاده‌کننده از اختراع و شماره اختراع و خلاصه از مفاد اجازه‌نامه منتشر خواهد نمود و به شخص ذینفع مستخرجه از ثبت مزبور را تسلیم خواهدداشت

باب سوم ــ مقررات مشترکه

فصل اول (ماده ۴۵ تا ۴۶)

ماده ۴۵ ـ شـعبه ثبت علایـم و اختراعـات پس از درج و انتشـار آگهی هـای مربـوطه به‌صـدور ورقه اختـراع یـا گواهی ثبت علامـت مبادرت خواهـد نمود. ماده ۴۶ ـ هرگـاه کسـی که تقاضـای ثبت علامت یا اختراعی را می‌نمایـد مقیم در ایران نباشـد بایـد در تهران اقامتگاه معلوم مشخصی انتخاب کند و یا شخص دیگری را که مقیم در تهران باشد معین و معرفی نماید که برای قبول کلیه ابلاغات مربوطه به علایم تجارتی و اختراعات صلاحیت داشته باشد. همین تکلیف به عهده کسی نیز وارد است که نسبت به علامت تجارتی

یـا ورقه اختراع اعتراض می‌نمایـد و مقیم در ایران نمی‌باشـد. کلیه ابلاغات مربوطه به علایم تجارتی یا اختراعات به اقامتگاه شـخص ذی نفع و یا اقامتگاه شخص یا اشخاصی که به موجب این ماده معین می‌شود به عمل خواهد آمد.

فصل دوم – آیین دادرسی مربوط به علایم تجارتی و اختراعات

مبحث اول ــ در شکایت از رد تقاضای ثبت (ماده ۴۸ تا ۵۰)

ماده ۴۷ ـ هر کسی نسبت به علامت تجارتی یـا ورقه اختراع اعتراض می‌نمایـد اعم از این که آن اعتراض قبـل از ثبت علامـت یا اختراع باشد یا بعد از آن باید معادل ده هزار ریال در صـندوق دادگستری ودیعه گذاشـته و قبض آن را ضمیمه دادخواست اعتراض نماید. از وجه مزبور در صورتی که معترض محکوم به بی حقی شود خسارت طرف پرداخته شده و در صورتی که طرف بیش از ده هزار ریـال خسـارت دیـده باشـد برای مازاد به محکمه رجوع خواهـدکرد. مبحث اول ـ در شـکایت از رد تقاضای ثبت ماده ۴۸ ـ به دادخواستی که درخواست‌کننده ثبت علامت یا اختراع باید در صورت رد تقاضای او مطابق ماده ۷ قانون علایم تجارتی و اختراعات بدهداسـناد ذیل ضمیمه خواهد شد ۱ ـ اصـل یـا رونوشت گواهی شـده تصـمیمی که به موجب آن تقاضای ثبت رد شـده است ۲ ـ اعتراضـاتی کـه درخواست‌کننـده ثبت به تصـمیم مزبـور دارد. ۳ ـ قبض سـپرده بر طبـق مـاده ۴۷. ۴ ـ وکالت‌نـامه در صـورتی که دادخواست وکالتا داده شده باشد. ماده ۴۹ ـ مدیر دفتر دادگاه روز جلسه را معین کرده به معترض و به متصدی شعبه مذکور در ماده ۶ قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات اخطار می‌نمایـد که در روز مزبور حاضـر شوند. معترض می‌تواند مهلتی که بیش از ششـماه نباشـد تقاضـا کنـد. در روز جلسه محکمه توضـیحات شـفاهی هریک از طرفین را اسـتماع نموده و حکم مقتضـی خواهـد داد. عـدم حضور هیچ یک از طرفین مانع از صدور حکم نخواهد بود. در این صورت حکم نسبت به طرف غایب نیز حضوری محسوب است ماده ۵۰ ـ ترتیب رسیدگی پژوهشی نیز همان است که به موجب ماده قبل مقرر گردیده

مبحث دوم ــ در اعتراض به ثبت قبل از این که علامت یا اختراع ثبت شده باشد (ماده ۵۱ تا ۶۰)

ماده ۵۱ ـ اعتراضـات مربوط به علایم یا اختراعاتی که هنوز به ثبت نرسـیده است بایـد کتبا به شـعبه ثبت علایم تجارتی و اختراعات تسلیم گردد. در مقابل اعتراض نامه رسیدی با قیـد تاریـخ وصول داده خواهـد شـد. معترض باید در اعتراض نامه نکات ذیل را قید کند ۱ ـ اسم و شـغل و اقامتگـاه خـود در تهران ۲ ـ ذکر کلیه دلایـل و مـدارکی که معـترض به اسـتناد آن خود را محق در اعـتراض می‌داند. ماده ۵۲ ـ رونوشت گواهی شـده اسنادی که ادعای معترض مبنی بر آن است بایـد در صورت امکان ضـمیمه اعتراض نامه شود. ماده ۵۳ ـ هرگـاه اعتراض معترض مبنی بر حق مـالکیتی باشـد که نسبت به علامت یا اختراع مورد تقاضای ثبت ادعا می‌نماید بـدون این که آن علامت یا اختراع در ایران به اسم او ثبت شـده باشد، اعتراض او وقتی پذیرفته می‌شود که ثبت علامت یا اختراع را نیز مطـابق قـانون ثبت علایـم تجارتی و اختراعات و مقررات این آیین نامه تقاضا نمایـد. همین ترتیب در هر موردی نیز بایـد رعایت شود که اعتراض معترض برای حفظ حقوق خود نسبت به علامت یا اختراعی به عمل می‌آید که آن علامت یا اختراع هنوز در ایران به ثبت نرسـیده است مگر آن که علامـت یا اختراع قانونا قابل ثبت نباشـد. ماده ۵۴ ـ تا ده روز از تاریـخ وصول اعتراض نامه ، شـعبه ثبت علایم تجارتی و اختراعات باید آن را به اقامتگاه درخواست کننده ثبت یا اشخاصـی که به موجب ماده ۴۶ معین می‌شوند ابلاغ کنـد. در ضـمن ابلاغ نامه بایـد صـراحتا اخطار شود که هرگاه به اعتراض معترض تسـلیم می‌گردد درخواست ثبت علامت را مسترد کنـد. طریقه ابلاـغ اعـتراض نـامه همـان است که مطـابق آیین دادرسـی مـدنی برای ابلاـغ دادخـواست مقرر است مـاده ۵۵ ـ هرگـاه درخواست‌کننـده ثبت کتبـا به اعتراض معترض تمکین نمود، درخواست او مسترد شـده و مراتب کتبـا به معترض اخطـار می‌گردد و هرگـاه علامت یا اختراع معترض قبلا به ثبت نرسـیده باشـد بر طبق اظهارنامه که مطابق ماده ۵۳ در حین اعتراض تقدیم نموده اسـت

اقدام به ثبت آن می‌شود. ماده ۵۶ ـ معترض باید تا شصت روز از تاریخ ابلاغ اعتراض نامه به درخواست کننده ثبت به دادگاه شهرستان تهران رجوع کند مگر این که قبل از انقضای این مدت تقاضاکننده ثبت مطابق ماده قبل به اعتراض او تمکین کرده باشد. ماده ۵۷ ـ هرگاه معترض در مدت مذکور فوق به دادگاه شهرستان تهران رجوع ننمود شعبه ثبت علایم تجارتی و اختراعات به درخواست کسی که تقاضای ثبت علامت را کرده بعد از ملاحظه گواهی دفتر دادگاه شهرستان تهران که حاکی از عدم تقدیم دادخواست باشد علامت یا اختراع را به اسم معترض علیه ثبت خواهد کرد و در این صورت حقوق و مخارجی که معترض بر طبق ماده ۱۶ قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات تادیه کرده باشد، به نفع دولت ضبط خواهد شد. ماده ۵۸ ـ اگر معترض نتواند تمام اسناد و مدارك خود را به دادخواست ضمیمه نماید به تقاضای او رییس دادگاه پس از رسیدگی و در صورت لزوم مهلتی که بیش از ششماه نباشد خواهد داد. ماده ۵۹ ـ مهلت مذکور در فوق به درخواست‌کننده ثبت نیز برای تقدیم مدارك دفاع داده خواهد شد. ماده ۶۰ ـ سایر ترتیبات رسیدگی خواه در دادگاه شهرستان و خواه در دادگاه استان همان است که برای رسیدگی به دعاوی تجارتی مقرر است

باب چهارم – هزینه مربوط به علایم تجارتی و اختراعات (ماده ۶۶ تا ۶۷)

اشاره

ماده ۶۶ ـ هزینه مربوط به علایم تجارتی و اختراعات به قرار ذیل خواهد بود بند ۱ ـ حق‌الترجمه و رونوشت گواهی شده به موجب آیین نامه های مربوط به مترجمین رسمی و تهیه رونوشت اسناد. بند ۲ ـ تعرفه اعلانات طبق تعرفه روزنامه رسمی کشور. بند ۳ ـ برای معاملات و انتقالات مربوط به اختراع به استثنای مورد مذکور در بند ۴ این ماده مطابق تعرفه مقرره ثبت اسناد مشروط بر این که مبلغ دریافتی از ۴۰ ریال طلا تجاوز نکند. بند ۴ ـ برای ثبت انتقال اختراع به وسیله ارث سه ریال طلا. ماده ۶۷ ـ از تاریخ اجرای این آیین نامه نظامنامه اجرای قانون ثبت علایم تجارتی و صنعتی مصوب ۲۹ ۴ ۱۳۱۰ ملغی است این آیین نامه ده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی کشور قابل اجرا است

مبحث سوم ـ در اعتراض به علایم یا اختراعات ثبت شده (ماده ۶۱ تا ۶۲

ماده ۶۱ ـ هر کس بخواهد ابطال علامت تجارتی یا ورقه اختراع را که در ایران به ثبت رسیده است تقاضا کند باید به دادگاه شهرستان تهران دادخواست بدهد. دادخواست مزبور باید دارای ضمایم ذیل باشد ۱ ـ مستخرجه گواهی شده از شعبه ثبت علایم تجارتی و اختراعات مشعر بر ثبت علامت یا ورقه اختراعی که ابطال آن تقاضا می‌شود. ۲ ـ اصل یا رونوشت گواهی شده کلیه اسناد مثبته ادعای معترض ۳ ـ وکالتنامه در صورتی که دادخواست وکالتا داده شده باشد. ماده ۶۲ ـ ابلاغ دادخواست و مقدمات کتبی دعوا و سایر ترتیبات رسیدگی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد لیکن مفاد ماده ۵۹ درباره خوانده باید رعایت شود.

فصل سوم ـ در طرق تامین (ماده ۶۳ تا ۶۵

ماده ۶۳ ـ مالك هر علامت تجارتی و همچنین صاحب هر ورقه اختراع و یا قائم مقام قانونی آنان می‌توانند به موجب امر نزدیکترین دادگاه بخش محلی که محصولات مورد ادعا در آن محل است صورت مشروحی از محصولاتی که به ادعای آنها با حق حاصل از علامت تجارتی و یا اختراع آنها مخالف است بردارند. اجرای امر فوق در صورتی که محصولات هنوز در گمرك باشد به وسیله

مامورین گمرک والا به وسیله مامور اجرا به عمل‌خواهد آمد. توقیف محصولات مزبوره وقتی ممکن است که امر دادگاه تصریح به آن داشته باشد. امر دادگاه در هر یک از دو صورت فوق بنابردادخواست مالک علامت یا صاحب ورقه اختراع و یا قائم مقام قانونی آنان صادر می گردد. به دادخواست مزبور باید رونوشت گواهی شده سند ثبت علامت و یا گواهی نامه ثبت اختراع ضمیمه گردد. اگر مالک علامت و یا ورقه اختراع تقاضای توقیف محصولات مذکور فوق را نماید باید تضمین کافی بدهد که عندالاقتضا از محل مزبور کلیه خسارات وارد برطرف و منافعی که ممکن است طرف از تحصیل آن محروم شود جبران گردد. ماده ۶۴ ـ در دعاوی که راجع به حقوق حاصله از ثبت علامت تجارتی و یا حق ثبت اختراع اقامه می‌شود معترض در دعاوی حقوقی و شاکی خصوصی در دعاوی جزایی می‌توانند در هر موقع از مراجع قضایی که موضوع در آنجا مطرح است صدور قرار تامین دلیل یا توقیف محصولات تقلبی و تقلیدی یا تقاضای صدور قرار دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش یا ورود اجناس تقلبی یا تقلیدی را بنماید و مراجع قضایی مزبور موظفند نسبت به تقاضای نامبرده موافقت نمایند. در مورد توقیف محصولات با صدور قرار دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش اجناس تقلبی یا تقلیدی مرجع قضایی مزبور می‌تواند قبل از صدور قرار از تقاضاکننده تضمین کافی بخواهد تا عندالاقتضا از محل مزبور کلیه خسارات وارده بر طرف و منافعی که ممکن است از آن محروم گردد جبران شود. ماده ۶۵ ـ اگر مدعی تا ده روز از تاریخ صدور امر مذکور در ماده ۶۳ این آیین نامه و رعایت مقررات ماده ۶۱۵ آیین دادرسی مدنی از مجرای حقوقی یا از طریق جزایی طرح دعوا ننماید صورت مشروحی که برداشته شده و یا توقیفی که به عمل آمده است باطل و کان لم یکن بوده و مشارالیه مطابق ماده۶۳ مذکور مسوول خسارات طرف خواهد بود.

اصلاح جدول طبقه بندی علایم صنعتی و تجاری موضوع باب چهارم آیین نامه اصلاحی اجرای قانون

سر فصلهای اصلی مربوط به طبقه بندی کالاها و خدمات طبقه ۱ ـ مواد شیمیایی مورد استفاده در صنایع ، علوم ، عکاسی و همچنین کشاورزی ، باغبانی و جنگلبانی ، رزین های مصنوعی پردازش نشده ، پلاستیک های پرداز نشده ، کودهای گیاهی ، ترکیبات اطفا حریق ، مواد آبکاری و جوشکاری فلزات ، مواد شیمیایی برای نگهداری مواد غذایی ، مواد دباغی ، چسبهای صنعتی . طبقه ۲ ـ رنگ ، روغن جلا ، لاک ، مواد ضد زنگ زدگی و جلوگیری کننده از فاسد شده چوب ، مواد رنگی ، مواد تثبیت رنگ رزین یا صمغ‌های خام طبیعی ، فلزات به صورت پودر یا ورق برای نقاشان ساختمان ، چاپگرها و هنرمندان طبقه ۳ ـ ترکیبات سفید کننده و سایر مواد مخصوص شستشوی لباس ، مواد مخصوص تمیز کردن ، براق کردن ، لکه‌گیری و ساییدن ، صابون ، عطریات ، روغن‌های اسانس ، مواد آرایش ، لوسیون های مو ، گرد و خمیردندان طبقه ۴ ـ روغن‌ها و گریس های صنعتی ، روان کننده ها ، ترکیبات گردگیری ، مرطوب کردن و جذب رطوبت ، انواع سوخت (شامل سوخت موتور) و مواد روشنایی ، انواع شمع و فتیله وچراغ طبقه ۵ ـ مواد دارویی و بیطاری ، مواد بهداشتی برای مصارف پزشکی ، مواد رژیمی برای مصارف پزشکی ، غذای کودکان ، انواع گچ شکسته بندی ، لوازم‌زخم بندی ، مواد پرکردن دندان ، موم دندانسازی ، ضدعفونی کننده ها ، مواد نابود کننده حشرات موذی ، قارچ کش ، مواد دفاع نباتات هرزه طبقه ۶ ـ فلزات عادی و آلیاژهای آنها ، مواد ساختمانی فلزی ، ساختمانهای فلزی قابل حمل ، مواد فلزی خطوط راه آهن ، کابل و سیم های غیر برقی ازجنس فلزات عادی ، آهن آلات ، اقلام کوچک فلزی ، لوله و مجراهای فلزی ، گاو صندوق ، اجناس ساخته شده از فلزات عادی که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، سنگهای معدنی فلزات . طبقه ۷ ـ انواع ماشین و ماشینهای افزار ، انواع موتور (به استثنا موتور وسایط نقلیه زمینی) قفل و بست و حلقه های اتصال قطعات ماشینها و قطعات انتقال قوه (به غیر از اتصالات و اجزا انتقال قوه وسایط نقلیه زمینی ، لوازم و ابزار کشاورزی ، (به استثنا ابزارهای دستی ، ماشین جوجه کشی طبقه ۸ ـ انواع ابزار و لوازم دستی (که با دست کار می کنند) ، سرویس کارد و قاشق و چنگال ، سلاح کمری ، تیغ . طبقه ۹ ـ اسباب و آلات علمی ، دریانوردی ، مساحی ، عکاسی ، سینمایی ، بصری ، وزن کردن ، اندازه‌گیری ، علامت دادن ،

کنترل و مراقبت (نظارت ،نجات و آموزش ، اسباب و لوازم هدایت ، قطع و وصل ، تبدیل ، ذخیره‌سازی ، تنظیم و کنترل جریان برق ، آلات و اسباب ضبط ، انتقال یا تکثیر صوت یا تصویر ، اسباب ذخیره اطلاعات مغناطیسی ، دیسک های قابل ضبط ، ماشینهای فروش خودکار و مکانیسم دستگاههایی که با سکه کار می‌کنند ،صندوق های ثبت مبلغ دریافتی ، ماشینهای حساب ، تجهیزات داده پردازی و رایانه ای ، دستگاه آتش‌نشانی طبقه ۱۰ ـ آلات و ابزار جراحی ، پزشکی ، دندانسازی و بیطاری ، اندامهای مصنوعی ، دندان و چشم مصنوعی ، اقلام ارتوپدی ، مواد بخیه زنی طبقه ۱۱ ـ دستگاههای روشنایی ، حرارتی ، مولد بخار ، طبخ ، خنک کردن ، تهویه ، تامین آب بهداشتی طبقه ۱۲ ـ وسایط نقلیه ، دستگاههای حمل و نقل زمینی ، دریایی و هوایی طبقه ۱۳ ـ اسلحه گرم ، مهمات و انواع پرتابه (از قبیل موشک ، خمپاره و غیره ، مواد منفجره ، مواد وسایل آتشبازی طبقه ۱۴ ـ فلزات گرانبها و آلیاژهای آنها و کالاهایی که با فلزات گرانبها ساخته شده یا با آنها روکش شده‌اند و در سایر طبقات ذکر نشده‌اند ، جواهرات ،سنگ های گرانبها ، اسباب و لوازم ساعت سازی و زمان سنجی طبقه ۱۵ ـ آلات موسیقی طبقه ۱۶ ـ کاغذ ، مقوا و کالاهای ساخته شده از آنها که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، مطالب چاپ شده ، مواد صحافی ، عکس ، نوشت افزار ، چسب برای مصارف تحریری یا خانگی ، لوازم نقاشی ، قلم مو نقاشی ، ماشین تحریر و لوازم ملزومات دفتری (به استثنای مبلمان مواد آموزشی و تدریس (بهاستثنای دستگاهها) ، مواد پلاستیکی برای بسته بندی (که در سایر طبقات ذکر نشده‌اند) ، حروف و کلیشه چاپ طبقه ۱۷ ـ لاستیک ، کایوچو ، صمغ ، آزبست (پنبه نسوز) ، میکا (سنگ طلق و کالاهای ساخته شده از این مواد که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، پلاستیک دارای شکل و قالب خاص برای استفاده در تولید سایر کالاها ، مواد بسته بندی ، درپوش گذاری ، انسداد و عایق بندی ، لوله‌های قابل ارتجاع غیرفلزی طبقه ۱۸ ـ چرم و چرم مصنوعی و کالاهای ساخته شده از آنها که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، پوست حیوانات ، چمدان ، کیسه و کیفهای مسافرتی ،چتر ، چتر آفتابگیر و عصا ، شلاق ، یراق و زین و برگ طبقه ۱۹ ـ مواد و مصالح ساختمانی (غیرفلزی ، لوله‌های غیر فلزی سخت و غیرقابل انعطاف برای استفاده در ساختمان ، آسفالت ، قیر و قطران ،ساختمانهای متحرک غیرفلزی ، بناهای یاد بود غیرفلزی طبقه ۲۰ ـ مبلمان و اثاثیه ، آیینه ، قاب عکس ، کالاهای ساخته شده از چوب ، چوب پنبه ، نی ، حصیر ، شاخ ، استخوان ، عاج ، استخوان آرواره نهنگ ، صدف ، کهربا ، صدف مروارید ، کف دریا و بدل کلیه این مواد یا ساخته شده از پلاستیک (که در سایر طبقات ذکر نشده‌اند) طبقه ۲۱ ـ ظروف خانگی یا لوازم آشپزخانه (که از فلزات قیمتی ساخته یا روکش نشده‌اند) ، شانه و ابر و اسفنج ، انواع برس و قلم مو (به استثنای قلم‌موهای نقاشی ، مواد ساخت برس ، لوازم نظافت وتمیزکاری ، سیم ظرفشویی ، شیشه کار شده یا نیمه کار شده (به استثنای شیشه مورد استفاده در ساختمانها) شیشه آلات ، اشیا ساخته شده از چینی و سفال که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند. طبقه ۲۲ ـ طناب ، ریسمان ، تور ، چادر ، سایبان ، برزنت (تارپولین) ، بادبان و شراع ، کیسه و گونی که در طبقات دیگر ذکر نشده است ، مواد لایی و لایه گذاری و پوشال (به استثنای لاستیک و پلاستیک ، مواد خام لیفی برای نساجی طبقه ۲۳ ـ انواع نخ و رشته برای مصارف پارچه بافی و نساجی طبقه ۲۴ ـ محصولات نساجی و پارچه ای که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، انواع روتختی و رومیزی طبقه ۲۵ ـ انواع لباس و پوشاک ، پاپوش و پوشش سر. طبقه ۲۶ ـ انواع توری و قلابدوزی ، روبان ، بند ، (نوار) حاشیه و قیطان ، دکمه ، قزن قفلی ، سنجاق و سوزن ته گرد ، گلهای مصنوعی طبقه ۲۷ ـ انواع فرش ، قالیچه ، حصیر و زیرانداز ، لینولیوم و سایر کف پوشها ، آویزهای دیواری (غیرپارچه ای . طبقه ۲۸ ـ انواع بازی و اسباب بازی ، لوازم ورزشی و ژیمناستیک که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، تزیینات درخت کریسمس . طبقه ۲۹ ـ گوشت ، گوشت ماهی ، گوشت طیور و شکار ، عصاره گوشت ، سبزیجات و میوه‌جات به صورت کنسرو ، خشک شده و پخته شده ، انواع ژله ، مربا و کمپوت ، تخم مرغ ، شیر و محصولات لبنی ، روغن‌ها و چربی های خوراکی طبقه ۳۰ ـ قهوه ، چای ، کاکایو ، شکر ، برنج ، نشاسته کاسار یا مانیوک (تاپیوکا) ، نشاسته نخل خرما (ساگو) ، بدل قهوه ، آرد و فرآورده های تهیه شده ازغلات ،نان ، نان شیرینی ، شیرینی جات ، شیرینی یخی ، عسل ، ملاس یا شیره قند ، مایه خمیر ، گرد مخصوص شیرینی پزی

یا پخت نان ، نمک ،خردل ،سرکه ، انواع سس (چاشنی ادویه‌جات ، یخ طبقه ۳۱ ـ محصولات کشاورزی ، باغداری و جنگلبانی و دانه هایی که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، حیوانات زنده ، میوه و سبزیجات تازه ، بذر ، گیاهان و گلهای طبیعی ، غذای حیوانات ، مالت (جو سبزی خشک شده طبقه ۳۲ ـ ماالشعیر ، آبهای معدنی و گازدار و سایر نوشیدنی های غیرالکلی ، آب میوه و شربتهای میوه‌ای ، شربت و ترکیبات مخصوص ساخت نوشابه طبقه ۳۳ ـ... طبقه ۳۴ ـ تنباکو ، لوازم تدخین ، کبریت خدمات طبقه ۳۵ ـ تبلیغات ، مدیریت تجاری ، امور اداری تجارت ، کارهای دفتری و اداری طبقه ۳۶ ـ بیمه ، امور مالی ، امور پولی ، امور مربوط به معاملات املاک و مستغلات طبقه ۳۷ ـ ساختمان سازی ، تعمیر و بازسازی ، خدمات نصب طبقه ۳۸ ـ مخابرات از راه دور. طبقه ۳۹ ـ حمل و نقل بسته بندی و نگهداری کالاها ، تهیه مقدمات و ترتیب دادن مسافرتها. طبقه ۴۰ ـ بهسازی و عمل آوری مواد. طبقه ۴۱ ـ آموزش و پرورش ، دوره های کارآموزی و تعلیمی ، تفریح و سرگرمی ، فعالیتهای ورزشی و فرهنگی طبقه ۴۲ ـ خدمات علمی و فن‌آوری و تحقیق و پژوهش و طراحی در این زمینه ، خدمات تجزیه و تحلیل و تحقیقات صنعتی ، طراحی و توسعه نرم‌افزار و سخت افزارهای رایانه ای ، خدمات حقوقی طبقه ۴۳ ـ خدمات عرضه اغذیه و نوشابه ، تامین مسکن و محل اقامت موقت طبقه ۴۴ ـ خدمات پزشکی ، خدمات بیطاری ، مراقبت های بهداشتی و زیبایی برای انسانها یا حیوانات ، خدمات کشاورزی ، باغداری و جنگلداری طبقه ۴۵ ـ خدمات شخصی یا اجتماعی که توسط دیگران برای رفع نیازهای افراد ارایه می‌شوند ، خدمات امنیتی برای محافظت از افراد ، اموال ودارایی ها.

آیین نامه ماده ۹ قانون ثبت شرکتها و ماده ۴۵ قانون ثبت علایم

نظر به ماده ۹ قانون ثبت شرکت ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰و ماده ۴۵ قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ وزارت دادگستری مقرر می‌دارد ماده ۱ ـ برای ثبت شرکتهای تجارتی و علایم و اختراعات در تهران اداره ای به نام اداره ثبت شرکتها و علایم تجارتی و اختراعات که جز تشکیلات اداره کل ثبت است تشکیل می‌شود و دارای وظایف زیر خواهد بود ۱ ـ ثبت شرکتهای داخلی و تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجارتی در حوزه تهران تشکیل و تاسیس می‌شود. ۲ ـ ثبت کلیه شرکتهای خارجی . ۳ ـ ثبت علایم تجارتی و صنعتی . ۴ ـ ثبت اختراعات ۵ ـ ثبت تجارتی و ثبت اسم تجارتی ۶ ـ پلمپ دفاتر تجارتی حوزه تهران تبصره ـ اداره ثبت شرکتها و علایم تجارتی و اختراعات عنوان شعبه مخصوص دفتر دادگاه شهرستان تهران را برای اجرای مفاد مواد ۶ و۷ قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ خواهد داشت ماده ۲ ـ اداره مزبور دارای تشکیلات زیر می‌باشد ۱ ـ دایره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجارتی و ثبت تجارتی و ثبت اسم تجارتی و پلمپ دفاتر تجارتی که به نام دایره ثبت شرکتها نامیده می‌شود. ۲ ـ دایره ثبت علایم تجارتی وصنعتی و اختراعات ۳ ـ دفتر و بایگانی ماده ۳ ـ در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت موجود است برای ثبت شرکتهای داخلی و پلمپ دفاتر و ثبت نام تجارتی و موسسات غیر تجارتی متصدی مخصوصی از طرف اداره کل ثبت تعیین خواهد شد. ماده ۴ ـ دوایر ثبت شرکتها در تهران و شهرستانها در ثبت شرکتنامه مجاز هستند.

تصویب نامه در خصوص تعیین نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی – مصوب ۱۳۸۲

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۰/۲/۱۳۸۲ بنابه پیشنهاد شماره ۲۳۵۴ مورخ ۲۳/۱/۱۳۸۲ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد تبصره (۵) الحاقی به ماده واحده قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران درسازمان ها و مجامع بین المللی – مصوب ۱۳۷۰ – تصویب نمود: وزارت دادگستری بعنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی

تعیین می شود. معاون اول رییس جمهور – محمدرضا عارف

قانون ثبت اختراعات ، طرحهای صنعتی و علائم تجاری – مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۸۶

در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب جلسه مورخ ۷/۸/۱۳۸۶ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با عنوان طرح ثبت اختراعات طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۳/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای نگهبان، جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید. شماره۱۸۷۹۶۱/۱۸ ۲۹/۱۱/۱۳۸۶ جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب جلسه مورخ ۷/۸/۱۳۸۶ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با عنوان طرح ثبت اختراعات طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۳/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل قانون ثبت اختراعات طرحهای صنعتی‌و علائم تجاری فصل اول ـ اختراعات ماده۱ـ اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می کند و مشکلی را دریک حرفه فن فناوری صنعت و مانند آنها حل می‌نماید. ماده۲ـ اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد. ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده مهارت عادی در فن مذکور معلوم و آشکار نباشد و از نظر صنعتی اختراعی کاربردی محسوب می‌شود که در رشته‌ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. مراد از صنعت معنای گسترده آن است و شامل مواردی نظیر صنایع‌دستی کشاورزی ماهیگیری و خدمات نیز می‌شود. ماده۳ـ گواهینامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می کند و دارنده آن می‌تواند از حقوق انحصاری بهره‌مند شود. ماده۴ـ موارد زیر از حیطه حمایت از اختراع خارج است الف ـ کشفیات نظریه‌های علمی روشهای ریاضی و آثار هنری ب ـ طرحها و قواعد یا روشهای انجام کار تجاری و سایر فعالیتهای ذهنی و اجتماعی ج ـ روشهای تشخیص و معالجه بیماریهای انسان یا حیوان این بند شامل فرآورده‌های منطبق با تعریف اختراع و مورد استفاده در روشهای مزبور نمی‌شود. د ـ منابع ژنتیک و اجزاء ژنتیک تشکیل‌دهنده آنها و همچنین فرآیندهای بیولوژیک تولید آنها. هـ ـ آنچه قبلاً در فنون و صنایع پیش‌بینی شده باشد. فن یا صنعت قبلی عبارت است از هر چیزی که در نقطه‌ای از جهان ازطریق انتشار کتبی یا شفاهی یا ازطریق استفاده عملی و یا هرطریق دیگر، قبل از تقاضا و یا درموارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ثبت اختراع افشاء شده باشد. درصورتی که افشاء اختراع ظرف مدت شش ماه قبل از تاریخ تقاضا یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ حق تقدم اختراع صورت گرفته باشد، مانع ثبت نخواهد بود. و ـ اختراعاتی که بهره‌برداری از آنها خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی و اخلاق‌حسنه باشد. ماده۵ ـ چگونگی ذکر نام مخترع در گواهینامه اختراع و نحوه تعلق حق اختراع ثبت شده به شرح زیر است الف ـ حقوق اختراع ثبت شده منحصراً به مخترع تعلق دارد. ب ـ اگر افرادی به صورت مشترک اختراعی کرده باشند، حقوق ناشی از اختراع مشترکاً به آنان تعلق می گیرد. ج ـ هرگاه دو یا چند نفر، مستقل از دیگری اختراع واحدی کرده باشند شخصی که اظهارنامه اختراع خود را زودتر تسلیم کرده و یا درصورت ادعای حق تقدم هرکدام بتوانند اثبات کنند که در تاریخ مقدم اظهارنامه خود را به صورت معتبر تسلیم کرده‌اند، مشروط بر این‌که اظهارنامه مذکور مسترد یا رد نگردیده یا مسکوت گذاشته نشده باشد، حق ثبت اختراع را خواهند داشت د ـ حقوق ناشی از اختراع ثبت شده قابل انتقال است و درصورت

فوت صاحب حق به ورثه او منتقل می‌شود. هـ ـ درصورتی که اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد باشد، حقوق مادی آن متعلق به کارفرما خواهد بود، مگر آن که خلاف آن درقرارداد شرط شده باشد. و ـ نام مخترع در گواهینامه اختراع قید می‌شود مگر این که کتباً از اداره مالکیت صنعتی درخواست کند که نامش ذکر نشود. هرگونه اظهار یا تعهد مخترع مبنی بر این که نام شخص دیگری به عنوان مخترع قید گردد، فاقد اثر قانونی است ماده۶ ـ اظهارنامه ثبت اختراع که به اداره مالکیت صنعتی داده می‌شود، باید موضوعی را که حمایت از آن درخواست می‌شود، تعیین کرده و به فارسی تنظیم شود، دارای تاریخ و امضاء بوده و خواسته توصیف ادعا، خلاصه‌ای از توصیف اختراع و درصورت لزوم نقشه‌های مربوطه را دربرداشته باشد. هزینه‌های ثبت اظهارنامه از درخواست‌کننده ثبت دریافت می‌شود. در تنظیم و تسلیم اظهارنامه باید موارد زیر رعایت شود: الف ـ نام و سایر اطلاعات لازم درخصوص متقاضی مخترع و نماینده قانونی او، درصورت وجود و عنوان اختراع در اظهارنامه درج شود. ب ـ درمواقعی که متقاضی شخص مخترع نیست مدارك دال بر سمت قانونی وی همراه اظهارنامه تحویل گردد. ج ـ ادعای مذکور در اظهارنامه گویا و مختصر بوده و با توصیف همراه باشد، به نحوی که برای شخص دارای مهارت عادی در فن مربوط واضح و کامل بوده و حداقل یك روش اجرائی برای اختراع ارائه کند. خلاصه توصیف فقط به منظور ارائه اطلاعات فنی است و نمی‌توان برای تفسیر محدوده حمایت به آن استناد کرد. ماده۷ ـ متقاضی ثبت اختراع تا زمانی که اظهارنامه او برای ثبت اختراع قبول نشده است می‌تواند آن را مسترد کند. ماده۸ ـ اظهارنامه باید فقط به یک اختراع یا به دسته‌ای از اختراعات مرتبط که یك اختراع کلی را تشکیل می‌دهند مربوط باشد. دراختراع کلی ذکر نکردن ارتباط اجزاء آن موجب بی‌اعتباری گواهینامه اختراع مربوط نمی‌شود. متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه وی مورد موافقت قرار نگرفته است الف ـ اظهارنامه خود را اصلاح کند، مشروط بر آن که از حدود اظهارنامه نخست تجاوز نکند. ب ـ آن را به دو یا چند اظهارنامه تقسیم کند. اظهارنامه تقسیمی باید دارای تاریخ تقاضای اولیه بوده و درصورت اقتضاء، مشمول حق تقدم اظهارنامه نخستین است ماده۹ـ متقاضی می‌تواند همراه با اظهارنامه خود، طی اعلامیه‌ای حق تقدم مقرر در کنوانسیون پاریس برای حمایت ازمالکیت صنعتی مورخ ۱۲۶۱ هجری شمسی (۲۰ مارس ۱۸۸۳ میلادی و اصلاحات بعدی آن را درخواست نماید. حق تقدم می‌تواند براساس یك یا چند اظهارنامه ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی باشد که در هر کشور یا برای هر کشور عضو کنوانسیون مذکور تسلیم شده است درصورت درخواست حق تقدم الف ـ اداره مالکیت صنعتی از متقاضی می‌خواهد ظرف مدت معین رونوشت اظهارنامه‌ای را ارائه دهد که توسط مرجع ثبت اظهارنامه‌ای که مبنای حق تقدم است گواهی شده باشد. ب ـ با پذیرش درخواست حق تقدم حمایتهای مذکور در کنوانسیون پاریس شامل آن خواهد بود. درصورت عدم مراعات شرایط مندرج در این ماده و مقررات مربوط به آن اعلامیه مذکور کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. ماده۱۰ـ بنا به درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید شماره و تاریخ اظهارنامه اختراعی را که در خارج تسلیم کرده و عیناً و ماهیتاً مربوط به اختراع مذکور در اظهارنامه تسلیم شده به اداره مالکیت صنعتی است ارائه دهد. همچنین با درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید مدارك زیر را به اداره مذکور تسلیم کند: الف ـ تصویر هرگونه نامه و اخطاریه‌ای که متقاضی درمورد نتایج بررسی‌های انجام شده درخصوص اظهارنامه‌های خارج دریافت کرده است ب ـ تصویر گواهینامه اختراع که براساس اظهارنامه‌های خارجی ثبت شده است ج ـ تصویر هرگونه تصمیم نهایی مبنی بر رد اظهارنامه خارجی یا رد ثبت اختراع ادعا شده در اظهارنامه خارجی د ـ تصویر هر تصمیم نهایی مبنی بر بی‌اعتباری گواهینامه اختراع صادرشده براساس اظهارنامه خارجی ماده۱۱ـ اداره مالکیت صنعتی تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه تلقی خواهد کرد مشروط بر این که اظهارنامه در زمان دریافت حاوی نکات زیر باشد: الف ـ ذکر صریح یا ضمنی این نکته که ثبت یک اختراع تقاضا می‌شود. ب ـ ذکر نکاتی که شناخت هویت متقاضی را میسر می‌کند. ج ـ توصیف اجمالی اختراع اگر اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که اظهارنامه در زمان تقاضا فاقد شرایط فوق بوده است از متقاضی دعوت خواهد کرد تا از تاریخ ابلاغ ظرف سی روز اصلاحات لازم را انجام دهد و تاریخ تقاضا همان تاریخ دریافت اصلاحات

مذکور خواهد بود ولی اگر در مهلت تعیین شده اصلاح صورت نگیرد، اظهارنامه کان‌لم‌یکن تلقی خواهد شد. ماده۱۲ـ چنانچه در اظهارنامه به نقشه‌هایی اشاره شود که در آن درج یا ضمیمه نشده است اداره مالکیت صنعتی از متقاضی دعوت می‌کند تا نقشه‌ها را ارائه دهد. اگر متقاضی دعوت را اجابت کرده و نقشه‌های مورد اشاره را ارائه نماید، اداره مذکور تاریخ دریافت نقشه را تاریخ تقاضا تلقی خواهد نمود. درغیر این صورت تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه قید نموده و اشاره به نقشه‌ها را کأن لم یکن تلقی خواهد کرد. ماده۱۳ـ پس از قید تاریخ تقاضا، اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از نظر انطباق با شرایط مندرج در این قانون و آئین‌نامه آن بررسی خواهد کرد و درصورت تشخیص انطباق اقدام لازم را برای ثبت اختراع انجام می‌دهد. درغیر این صورت اظهارنامه را رد و مراتب را به متقاضی ابلاغ می‌کند. ماده۱۴ـ اداره مالکیت صنعتی پس از ثبت اختراع باید: الف ـ درخصوص ثبت اختراع یک نوبت آگهی منتشر کند. ب ـ گواهینامه ثبت اختراع را صادر کند. ج ـ رونوشت گواهینامه ثبت اختراع را بایگانی و پس از دریافت هزینه مقرر، اصل آن را به متقاضی تسلیم کند. د ـ به درخواست دارنده گواهینامه اختراع تغییراتی را در مضمون و نقشه‌های اختراع به منظور تعیین حدود حمایت اعطاء شده انجام دهد، مشروط بر این که در نتیجه این تغییرات اطلاعات مندرج در گواهینامه اختراع ازحدود اطلاعات مذکور در اظهارنامه اولیه‌ای که اختراع براساس آن ثبت شده است تجاوز نکند. ماده۱۵ـ حقوق ناشی از گواهینامه اختراع به ترتیب زیر است الف ـ بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع مشروط به موافقت مالک آن است بهره‌برداری از اختراع ثبت شده به شرح آتی خواهد بود: ۱ ـ درصورتی که اختراع درخصوص فرآورده باشد: اول ـ ساخت صادرات و واردات عرضه برای فروش فروش و استفاده از فرآورده دوم ـ ذخیره به قصد عرضه برای فروش فروش یا استفاده از فرآورده ۲ ـ درصورتی که موضوع ثبت اختراع فرآیند باشد: اول ـ استفاده از فرآیند. دوم ـ انجام هر یک از موارد مندرج در جزء (۱) بند (الف این ماده درخصوص کالاهایی که مستقیماً از طریق این فرآیند به دست می‌آید. ب ـ مالک می‌تواند با رعایت بند (ج این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدون اجازه او بهره‌برداریهای مندرج در بند (الف را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند. ج ـ حقوق ناشی از گواهینامه اختراع شامل موارد زیر نمی‌شود: ۱ـ بهره‌برداری از کالاهایی که توسط مالک اختراع یا با توافق او در بازار ایران عرضه‌می‌شود. ۲ـ استفاده از وسایل موضوع اختراع در هواپیماها، وسائط نقلیه زمینی یا کشتی‌های سایر کشورها که به طور موقت یا تصادفاً وارد حریم هوایی مرزهای زمینی یا آبهای کشور می‌شود. ۳ـ بهره‌برداریهایی که فقط با اهداف آزمایشی درباره اختراع ثبت شده انجام می‌شود. ۴ـ بهره‌برداری توسط هر شخصی که با حُسن نیت قبل از تقاضای ثبت اختراع یا درمواقعی که حق تقدم تقاضا شده است قبل از تاریخ تقاضای حق تقدم همان اختراع از اختراع استفاده می‌کرده یا اقدامات جدی و مؤثری جهت آماده شدن برای استفاده از آن در ایران به عمل می‌آورده است د ـ حقوق استفاده کننده قبلی که در جزء(۴) بند (ج این ماده قید شده است تنها به همراه شرکت یا کسب و کار یا به همراه بخشی که در آن از اختراع استفاده می‌شده یا مقدمات استفاده از آن فراهم گردیده قابل انتقال یا واگذاری است ماده۱۶ـ اعتبار گواهینامه اختراع با رعایت این ماده پس از بیست‌سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه اختراع منقضی می‌شود. به‌منظور حفظ اعتبار گواهینامه یا اظهارنامه اختراع پس از گذشت یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه و قبل از شروع هر سال مبلغی که به موجب آئین‌نامه این قانون تعیین می‌شود، توسط متقاضی به اداره مالکیت صنعتی پرداخت می‌گردد. تأخیر در پرداخت، حداکثر تا شش ماه در صورت پرداخت جریمه مجاز است درصورتی که هزینه سالانه پرداخت نشود، اظهارنامه مربوط مسترد شده تلقی و یا گواهینامه اختراع فاقد اعتبار می‌شود. ماده۱۷ـ دولت یا شخص مجاز از طرف آن با رعایت ترتیبات زیر، می‌توانند از اختراع بهره‌برداری نمایند: الف ـ درمواردی که با نظر وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط منافع عمومی مانند امنیت ملی تغذیه بهداشت یا توسعه سایر بخشهای حیاتی اقتصادی کشور، اقتضاء کند که دولت یا شخص ثالث از اختراع بهره‌برداری نماید و یا بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد بوده و از نظر مقام

مذکور، بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد، موضوع در کمیسیونی مرکب از رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، یکی از قضات دیوان عالی کشور با معرفی رئیس قوه قضائیه دادستان کل کشور، نماینده رئیس جمهور و وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط مطرح و درصورت تصویب با تعیین کمیسیون مذکور، سازمان دولتی یا شخص ثالث بدون موافقت مالک اختراع از اختراع بهره‌برداری می‌نماید. ب ـ بهره‌برداری از اختراع محدود به منظوری خواهد بود که در مجوز آمده است و مشروط به پرداخت مبلغ مناسب به مالک مذکور با درنظرگرفتن ارزش اقتصادی مورد اجازه می‌باشد. درصورتی که مالک اختراع یا هر شخص ذی‌نفع دیگر توضیحی داشته باشند، کمیسیون پس از رسیدگی به اظهارات آنان و لحاظ کردن بهره‌برداری در فعالیتهای غیررقابتی اتخاذ تصمیم خواهد کرد. کمیسیون می‌تواند بنا به درخواست مالک اختراع یا سازمان دولتی یا شخص ثالثی که مجوز بهره‌برداری از اختراع ثبت شده را دارد، پس از رسیدگی به اظهارات طرفین یا یکی از آنها در محدوده‌ای که ضرورت اقتضاء نماید، نسبت به تصمیم‌گیری مجدد اقدام کند. ج ـ درصورتی که مالک اختراع ادعا نماید که شرایط و اوضاع و احوالی که باعث اتخاذ تصمیم شده دیگر وجود ندارد و امکان تکرار آن میسر نیست و یا این که ادعا نماید سازمان دولتی یا شخص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده نتوانسته طبق مفاد تصمیم و شرایط آن عمل کند، موضوع در کمیسیون مطرح و بررسی و پس از استماع اظهارات مالک اختراع وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط و بهره‌بردار، اجازه بهره‌برداری لغو شده و حسب مورد اجازه بهره‌برداری برای مالک یا بهره‌بردار دیگر صادر می‌شود. با احراز شرایط مقرر در این بند، اگر کمیسیون تشخیص دهد حفظ حقوق قانونی اشخاصی که این اجازه را کسب کرده‌اند، بقاء تصمیم را ایجاب می‌نماید آن تصمیم را لغو نمی‌کند. درمواردی که اجازه بهره‌برداری توسط کمیسیون به شخص ثالثی داده شده است می‌توان آن مجوز را فقط به همراه شرکت یا کسب و کار شخص تعیین‌شده ازطرف کمیسیون یا به همراه قسمتی از شرکت یا کسب و کاری که اختراع در آن بهره‌برداری می‌شود، انتقال داد. د ـ اجازه بهره‌برداری موضوع این ماده مانع انجام امور زیر نیست ۱ ـ انعقاد قرارداد بهره‌برداری توسط مالک اختراع با رعایت مقررات این ماده ۲ ـ بهره‌برداری مستمر از حقوق تفویضی توسط مالک اختراع طبق مندرجات بند (الف ماده (۱۵). ۳ ـ صدور اجازه استفاده ناخواسته طبق اجزاء (۱) و (۲) بند (ح این ماده هـ ـ درخواست اجازه بهره‌برداری از کمیسیون باید همراه دلیل و سندی باشد که به‌موجب آن ثابت شود دستگاه دولتی یا شخص مجاز، از مالک اختراع درخواست بهره‌برداری کرده ولی نتوانسته است اجازه بهره‌برداری را با شرایط معقول و ظرف مدت زمان متعارف تحصیل نماید. رعایت مراتب این بند، درصورت فوریت ناشی از مصالح ملی یا موارد حصول شرایط قهریه در کشور کلاً ـ به تشخیص کمیسیون لازم نخواهد بود، مشروط بر آن که در این قبیل موارد مالک اختراع دراولین فرصت ممکن از تصمیم کمیسیون مطلع شود. و ـ بهره‌برداری از اختراع توسط سازمان دولتی یا اشخاص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده‌اند، برای عرضه در بازار ایران است ز ـ اجازه کمیسیون درخصوص بهره‌برداری از اختراع در زمینه فناوری نیمه‌هادیها، تنها در موردی جایز است که به منظور استفاده غیرتجاری عمومی بوده یا درموردی باشد که وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط تشخیص دهد که نحوه استفاده از اختراع ثبت شده توسط مالک یا استفاده کننده آن غیررقابتی است ح ـ پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک در موارد زیر نیز با ترتیباتی که ذکر می‌شود قابل صدور است ۱ـ درصورتی که در یک گواهینامه اختراع ادعا شده باشد که بدون استفاده از یک اختراع ثبت‌شده قبلی قابل بهره‌برداری نیست و اختراع مؤخر نسبت به اختراع مقدم متضمن پیشرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجه باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالک اختراع مؤخر پروانه بهره‌برداری از اختراع مقدم را درحد ضرورت بدون موافقت مالک آن صادر می‌کند. ۲ـ درمواقعی که طبق جزء (۱) این بند پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک صادر شده باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالک اختراع مقدم پروانه بهره‌برداری از اختراع مؤخر را نیز بدون موافقت مالک آن صادر می‌کند. ۳ـ درصورت درخواست صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک طبق اجزاء (۱) و (۲) این بند در تصمیم مربوط به صدور هر یک از پروانه‌های مذکور، حدود و کاربرد پروانه و مبلغ مناسبی که

بایـد به مالک اختراع ذی‌ربط پرداخت شود و شـرایط پرداخت تعیین می‌شود. ۴ـ درصورت صـدور پروانه بهره‌برداری طبق جزء (۱) انتقال آن فقط به همراه اختراع مؤخر و درصورت صدور پروانه بهره‌برداری طبق جزء (۲) انتقال آن فقط به همراه اختراع مقدم مجاز است ۵ ـ درخواست صـدور پروانه بهره‌برداری بـدون موافقت مالک مشـروط به پرداخت هزینه مقرر می‌باشد. ۶ ـ درصورت صدور پروانه بهره‌برداری بـدون موافقت مالک، اجزاء ۱) و (۲) این بنـد و بنـدهای (ب تـا (و) و نیز بنـد (ط این ماده قابل اعمال است ط ـ تصـمیمات کمیسیـون درمحـدوده بنـدهای این مـاده در دادگاه عمومی تهران قابل اعتراض است ماده۱۸ـ هر ذی‌نفع می‌توانـد ابطال گواهینامه اختراعی را از دادگاه درخواست نمایـد. درصورتی که ذی‌نفع ثابت کنـد یکی از شـرایط مندرج در مواد (۱)، (۲)، (۴) و صدر ماده (۶) و بنـد (ج آن رعـایت نشـده است یـا این که مالـک اختراع مخترع یا قائم مقام قانونی او نیست حکم ابطال گواهینامه اختراع صادر می‌شود. هر گواهینامه اختراع یا ادعا یا بخشـی از ادعاهای مربوط که باطل شـده است از تاریخ ثبت اختراع باطل تلقی می‌شود. رأی نهـایی دادگـاه به اداره مالکیت صـنعتی ابلاغ می‌گردد و اداره مزبور آن را ثبت و پس از دریافت هزینه آگهی مربوط به آن را دراولین فرصت ممکن منتشـر می‌کند. ماده۱۹ـ چنانچه مالک اختراع بخواهد ازاختراع ثبت شده اسـتفاده کند، سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور حداکثر ظرف مهلت یک هفته موضوع را به دسـتگاه یا دسـتگاههای ذی‌ربط منعکس می‌نماید. دسـتگاههای مـذکور در خصـوص امکـان بهره‌برداری از اخـتراع حـداکثر ظرف مـدت دومـاه اظهـار نظر نمـوده و نـتیجه را جهـت صـدور پروانه بهره‌برداری کتباً به سازمـان ثبت اسـناد و املاـک اعلام می‌نمایـد. فصل دوم ـ طرحهای صـنعتی ماده ۲۰ـ از نظر این قـانون هرگـونه ترکیب خطوط یا رنگها و هرگونه شکل سه‌بعدی با خطوط رنگها و یا بدون آن به‌گونه‌ای که ترکیب یا شکل یک فرآورده صنعتی یا محصولی از صنایع دستی را تغییر دهد، طرح صنعتی است در یک طرح صنعتی تنها دسترسی به یک نتیجه فنی بدون تغییر ظاهری مشـمول حمایت از این قانون نمی‌باشد. ماده۲۱ـ طرح صـنعتی زمانی قابل ثبت است که جدید و یا اصیل باشد. طرح صـنعتی زمانی جدیـد است که ازطریق انتشار به طور محســوس و یا از طریق اسـتفاده به هر نحو دیگر قبل از تاریخ تسـلیم اظهارنامه یا بر حسـب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشاء نشده باشد. مفاد قسمت اخیر بند (هـ) و بند (و) ماده (۴) این قـانون درخصوص طرحهـای صـنعتی نیز قابـل اعمـال است ماده۲۲ـ اظهارنـامه ثبـت طرح صـنعتی که به اداره مـالکیت صنعـتی تسـلیم می‌شـود، همراه نقشـه عکس وسایرمشـخصات گرافیکی کالا که‌تشـکیل‌دهنده طرح صـنعتی هسـتند و ذکر نـوع فرآورده‌هـایی که طرح صـنعتی برای آنهـا اسـتفاده می‌شود، خواهـد بود. اگر طرح صـنعتی سه بعـدی باشـد، اداره مـالکیت صـنعتی می‌تواند نمونه واقعی یا ماکتی از آن را نیز به همراه اظهارنامه درخواست نماید. اظهارنامه مشمول هزینه مقرر برای تسلیم آن خواهد بود. اظهارنامه بایـد در بردارنـده مشـخصات طرح باشد و درمواردی که متقاضـی همان طراح نیست اظهارنامه باید به همراه مدرکی باشـد که ذی‌حق بودن متقاضـی را برای ثبت طرح صـنعتی ثابت نماید. ماده۲۳ـ مفاد مواد (۵)، (۹) و بنـد (ج مواد(۱۱) و (۱۵) این قـانون درخصوص طرحهای صـنعتی نیز قابل اعمال است ماده۲۴ـ دو یاچنـد طرح صـنعتی را می‌توان در یک اظهارنامه قید و تسلیم نمود، مشـروط بر آن‌که مربوط به یـک طبقه‌بنـدی بین‌المللی و یـا مربوط به یک مجموعه یا ترکیبی از اجزاء باشـد. ماده۲۵ـ ممکن است ضـمن اظهارنامه درخواست شود که انتشار آگهی ثبت طرح صـنعتی از تاریـخ تسلیم اظهارنامه حـداکثر تا دوازده ماه و یا اگر ادعای حق تقدم شده است از تاریخ حق تقدم به تأخیر افتد. ماده۲۶ـ متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه در جریان بررسی است آن را مسترد نماید. ماده۲۷ـ بررسـی ثبت و انتشار آگهی طرح صـنعتی به ترتیب زیر خواهد بود: الف ـ تاریخ اظهارنامه همان تاریخ تسلیم آن به اداره مالکیت صنعتی است مشروط بر این که در زمان تسلیم اظهارنامه حاوی کلیه اطلاعاتی باشد که شناسایی متقاضی و همچنین نمـایش گرافیکی کالاـی متضـمن طرح صـنعتی را میسـر سازد. ب ـ اداره مالکیت صـنعتی پس از وصول اظهارنامه آن را ازنظر مطابقت با مفاد ماده (۲۲) و نیز این‌که طرح صـنعتی مذکور، وفق مقررات مندرج در ماده (۲۰) و بند (و) ماده (۴) و مقررات مربوط می‌باشـد، بررسـی می‌کنـد. ج ـ درصورتی که اداره مالکیت صـنعتی تشـخیص دهد شـرایط موضوع بند (ب این ماده رعایت

شـده است طرح صـنعتی را ثبت و آگهی مربـوط را منتشـر و گواهی ثبت آن را به نـام متقاضـی صـادر می‌نمایـد در غیر این‌صورت اظهارنامه را مردود اعلام می کنـد. د ـ هرگاه درخواستی طبق ماده (۲۵) ارائه شده باشد، پس از ثبت طرح صنعتی نمونه طرح و مفاد اظهارنـامه منتشـر نمی‌شود. در این صورت اداره مـالکیت صـنعتی یـک آگهی حاوی تأخیر انتشار طرح صـنعتی مـذکور و اطلاعات مربـوط به هویت مالـک طرح ثبت شـده و تاریـخ تسـلیم اظهارنـامه و مـدت تـأخیر مورد درخواست و سـایر امور ضـروری را منتشـر می کنـد. پس از انقضـاء مـدت تـأخیر درخواست شـده اداره مـالکیت صـنعتی آگهی طرح صـنعتی ثبت‌شـده را منتشـر خواهـد کرد. رسیدگی به دعوی راجع به یک طرح صـنعتی ثبت شـده درمـدت تأخیر انتشار آگهی مشـروط به آن است که اطلاعات مندرج در دفاتر ثبت و اطلاعات مربوط به پرونـده اظهارنامه به شخصـی که علیه او دعوی اقامه می‌شود به طور کتبی ابلاغ شـده باشد. ماده۲۸ـ حقوق ناشـی از ثبت طرح صـنعتی مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف ـ بهره‌برداری از هر طرح صنعتی که در ایران ثبت شـده باشـد، توسط اشـخاص مشـروط به موافقت مالـک آن است ب ـ بهره‌برداری از یک طرح صـنعتی ثبت شـده عبارت است از: ساخت فروش و وارد کردن اقلام حاوی آن طرح صـنعتی ج ـ مالک طرح صنعتی ثبت شده می‌تواند علیه شخصی که بدون موافقت او افعال مـذکور در بنـد (ب این ماده را انجام دهـد یا مرتکب عملی شود که عادتاً موجبات تجاوز آینـده را فراهم آورد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. د ـ مدت اعتبار طرح صنعتی پنج سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن خواهد بود. این مدت را می‌توان برای دو دوره پنجساله متوالی دیگر پس از پرداخت هزینه مربوط تمدید نمود. پس از انقضاء هر دوره که از پایان دوره شـروع می‌شود، یک مهلت شـش ماهه برای پرداخت هزینه تمدید گردیده و همچنین جریمه تأخیر در نظر گرفته خواهد شد. ماده۲۹ـ هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگـاه ابطال ثبت طرح صـنعتی را درخواست نمایـد. در این صورت بایـد ثابت کنـد که یکی از شـرایط منـدرج در مواد (۲۰) و (۲۱) رعـایت نشـده است و یـا کسـی که طرح صـنعتی به نـام وی ثبت شـده پدیدآورنـده آن‌طرح یـا قائم‌مقـام قانونی او نیست مفاد قسمت‌اخیر ماده(۱۸) دراین خصوص نیز اعمـال می‌شود. فصـل سوم ـ علائـم علائم جمعی و نامهای تجاری ماده۳۰ـ علامت علامت جمعی و نام تجاری عبارتند از: الف ـ علامت یعنی هر نشان قابل رؤیتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمـایز سـازد. ب ـ علامـت جمعی یعنی هر نشـان قابـل رؤیتی که بـاعنوان علامت جمعی در اظهارنامه ثبت معرفی شود و بتواند مبـدأ و یا هرگونه خصوصـیات دیگر ماننـد کیفیت کالا یاخدمات اشـخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامـت ثبت شـده جمعی اسـتفاده می‌کننـد متمـایز سـازد. ج ـ نـام تجارتی یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشـخص‌کننده شـخص حقیقی یا حقوقی باشد. ماده۳۱ـ حق اسـتفاده انحصاری از یک علامت به کسـی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد. ماده۳۲ـ علامت درموارد زیر قابل ثبت نیست الف ـ نتوانـد کالاها یا خدمات یک مؤسسه را از کالاها و خدمات مؤسسه دیگر متمایز سازد. ب ـ خلاف موازین شـرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسـنه باشد. ج ـ مراکز تجاری یا عمومی را به ویژه درمورد مبدأ جغرافیایی کالاها یا خدمات یا خصوصیات آنها گمراه کند. د ـ عین یا تقلید نشان نظامی پرچم یا سایر نشانهای مملکتی یا نام یا نام اختصاری یا حروف اول یک نام یا نشان رسـمی متعلق به کشور، سازمانهای بین‌الـدولی یا سازمانهایی که تحت کنوانسـیونهای بین‌المللی تأسیس شده‌اند، بوده یا موارد مذکور یکی از اجزاء آن علامت باشد، مگر آن که توسط مقام صـلاحیتدار کشور مربوط یا سازمان ذی‌ربط اجازه استفاده از آن صادر شود. هـ ـ عین یا به طرز گمراه‌کننده‌ای شبیه یا ترجمه یک علامت یا نام تجـاری باشـد که برای همـان کالاها یا خـدمات مشابه متعلق به مؤسـسه دیگری در ایران معروف است و ـ عین یا شبیه آن قبلاً برای خـدمات غیرمشابه ثبت و معروف شـده باشـد مشـروط بر آن که عرفاً میان اسـتفاده از علامت و مالک علامت معروف ارتباط وجود داشـته و ثبت آن به منـافع مالـک علامـت قبلی لطمه وارد سـازد. ز ـ عین علامـتی باشـد که قبلاً به نام مالک دیگری ثبت شـده و یا تاریـخ تقاضـای ثبت آن مقـدم یـا دارای حق تقـدم برای همان کالا و خـدمات و یا برای کالا و خـدماتی است که به‌لحاظ ارتباط و شبـاهت موجب فریب و گمراهی شود. مـاده۳۳ـ اظهارنـامه ثبت‌علامـت به همراه نمونه علامـت وفهرست کالاها یا خـدماتی که ثبت

علامت برای آنها درخواست شده و براساس طبقه‌بندی قابل اجراء یا طبقه‌بندی بین‌المللی باشد، به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. پرداخت هزینه‌های ثبت علامت بر عهده متقاضی است ماده۳۴ـ درصورتی که اظهارنامه دربردارنده ادعای حق تقدم به شرح مذکور در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی باشد که توسط متقاضی یا سلف او در هر کشور عضو کنوانسیون تقاضا شده است طبق مفاد ماده (۹) این قانون رفتار می‌شود. ماده۳۵ـ متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه او هنوز ثبت‌نشده آن را مسترد کند. ماده۳۶ـ اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را ازلحاظ انطباق با شرایط و مقررات مندرج در این قانون بررسی و درصورتی که علامت را قابل ثبت بداند، اجازه انتشار آگهی مربوط به آن را صادر می‌کند. ماده۳۷ـ هر ذی‌نفع می‌تواند حداکثر تا سی روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را مبنی بر عدم رعایت مفاد بند (الف ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون به اداره مالکیت صنعتی تسلیم نماید. دراین صورت : ۱ـ اداره مالکیت صنعتی رونوشت اعتراض‌نامه را به متقاضی ابلاغ کرده و بیست روز به او مهلت می‌دهد تا نظر خود را اعلام کند. متقاضی درصورت تأکید بر تقاضای خود یادداشت متقابلی را به همراه استدلال مربوط به اداره مذکور می‌فرستد. درغیر این‌صورت اظهارنامه وی مسترد شده تلقی خواهد شد. ۲ـ اگر متقاضی یادداشت متقابلی بفرستد، اداره مالکیت صنعتی رونوشت آن را دراختیار معترض قرار می‌دهد و با درنظر گرفتن نظرات طرفین و مواد این قانون تصمیم می‌گیرد که علامت را ثبت و یا آن را رد کند. ماده۳۸ـ پس از انتشار آگهی اظهارنامه و تا زمان ثبت علامت متقاضی از امتیازات و حقوقی برخوردار است که درصورت ثبت برخوردار خواهد بود. با این حال هرگاه به وسیله متقاضی ثبت درباره عملی که پس از آگهی اظهارنامه‌انجام شده دعوایی مطرح شود و خوانده ثابت کند که در زمان انجام عمل علامت، قانوناً قابل ثبت نبوده است به دفاع خوانده رسیدگی و درمورد ثبت یا عدم ثبت علامت تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود. ماده۳۹ـ هرگاه اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که شرایط مندرج در این قانون رعایت شده است علامت را ثبت کرده و آگهی مربوط به ثبت آن را منتشر و گواهینامه ثبت را به‌نام متقاضی صادر می‌نماید. ماده۴۰ـ حقوق ناشی از ثبت علامت مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف ـ استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیراز مالک علامت مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد. ب ـ مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یاخدمات مشابه موجب گمراهی عموم می‌گردد. ج ـ حقوق ناشی از ثبت علامت اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می‌گردد، شامل نمی‌شود. د ـ مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می‌باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره‌های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می‌شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تأخیر، درنظر گرفته می‌شود. ماده۴۱ـ هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت علامت را درخواست نماید. دراین‌صورت باید ثابت کند مفاد بند (الف ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون رعایت نشده است ابطال ثبت یک علامت از تاریخ ثبت آن مؤثر است و آگهی مربوط به آن نیز دراولین فرصت ممکن منتشر می‌شود. هر ذی‌نفع که ثابت کند که مالک علامت ثبت شده شخصاً یا به وسیله شخصی که از طرف او مجاز بوده است آن علامت را حداقل به مدت سه سال کامل از تاریخ ثبت تا یک ماه قبل از تاریخ درخواست ذی‌نفع استفاده نکرده است می‌تواند لغو آن را از دادگاه تقاضا کند. درصورتی که ثابت شود قوه‌قهریه مانع استفاده از علامت شده‌است ثبت علامت لغو نمی‌شود. ماده۴۲ـ با رعایت این ماده و ماده (۴۳)، مواد (۳۱) تا (۴۱) این قانون درمورد علائم جمعی نیز قابل اعمال است در اظهارنامه ثبت علامت جمعی ضمن اشاره به جمعی بودن علامت نسخه‌ای از ضوابط و شرایط استفاده از آن نیز ضمیمه می‌شود. مالک علامت جمعی ثبت شده باید اداره مالکیت صنعتی را از هرگونه تغییر در ضوابط و شرایط مذکور در صدر این ماده مطلع

کند. ماده۴۳ـ علاوه بر موجبات ابطال مذکور در ماده (۴۱)، هرگاه خواهان ثابت کند که مالک علامت ثبت شده از آن به تنهایی و یا برخلاف ضوابط مندرج در ذیل ماده(۴۲) از آن استفاده کرده و یا اجازه استفاده از آن را صادر می‌کند یا به نحوی از علامت جمعی استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد که موجب فریب مراکز تجاری یا عمومی نسبت به مبدأ و یا هرخصوصیت مشترک دیگر کالا ـ و خدمات مربوط گردد، دادگاه علامت جمعی را باطل می‌کند. ماده۴۴ـ قرارداد اجازه بهره‌برداری از ثبت یا اظهارنامه ثبت علامت باید به طور مؤثر کنترل اجازه دهنده بر کیفیت و مرغوبیت کالا و ارائه خدمات توسط استفاده‌کننده را در برداشته باشد. درغیر این صورت یا درصورتی که کنترل به طور مؤثر انجام نگیرد، قرارداد اجازه بهره‌برداری فاقد اعتبار خواهد بود. ماده۴۵ـ ثبت علامت جمعی یا اظهارنامه آن نمی‌تواند موضوع قرارداد اجازه بهره‌برداری باشد. ماده۴۶ـ اسم یا عنوانی که ماهیت یا طریقه استفاده از آن برخلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد و یا موجبات فریب مراکز تجاری یا عمومی را نسبت به ماهیت مؤسسه‌ای فراهم کند که اسم یا عنوان معرف آن است نمی‌تواند به عنوان یک نام تجارتی به کار رود. ماده۴۷ـ با رعایت قوانین و مقررات ثبت اجباری نامهای تجارتی این قبیل نامها حتی بدون ثبت در برابر عمل خلاف قانون اشخاص ثالث حمایت می‌شوند. هرگونه استفاده از نام تجارتی توسط اشخاص ثالث به صورت نام تجارتی یا علامت یا علامت جمعی یا هرگونه استفاده از آنها که عرفاً باعث فریب عموم شود، غیرقانونی تلقی می‌شود. فصل چهارم ـ مقررات عمومی ماده۴۸ـ هرگونه تغییر در مالکیت اختراع ثبت طرح صنعتی یا ثبت علائم تجاری یا علامت جمعی یا حق مالکیت ناشی از تسلیم اظهارنامه مربوط به درخواست کتبی هر ذی‌نفع از اداره مالکیت صنعتی انجام شده و به ثبت می‌رسد و جز درمورد تغییر مالکیت اظهارنامه توسط اداره مذکور آگهی می‌شود. تأثیر این گونه تغییر نسبت به اشخاص ثالث منوط به تسلیم درخواست مذکور است تغییر در مالکیت ثبت علامت یا علامت جمعی درصورتی که در مواردی مانند ماهیت مبدأ، مراحل ساخت خصوصیات یا تناسب با هدف کالاها یاخدمات سبب گمراهی یا فریب عمومی شود، معتبر نیست هرگونه تغییر در مالکیت ثبت یک علامت جمعی یا مالکیت اظهارنامه مربوط به آن منوط به موافقت قبلی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. ماده۴۹ـ هرگونه تغییر در مالکیت نام تجاری باید همراه با انتقال مؤسسه یا بخشی از آن که با نام مزبور شناخته می‌شود، صورت پذیرد. ماده ۵۰ ـ هرگونه قرارداد اجازه بهره‌برداری از اختراع و طرحهای صنعتی ثبت شده یا علامت ثبت شده یا اظهارنامه مربوط به آنها به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. اداره مالکیت صنعتی مفاد قرارداد را به صورت محرمانه حفظ ولی اجازه بهره‌برداری را ثبت و آگهی می‌کند. تأثیر این گونه قراردادها نسبت به اشخاص ثالث منوط به مراعات مراتب فوق است ماده۵۱ ـ درصورتی که محل اقامت متقاضی یا مرکز اصلی تجارت وی خارج از ایران باشد، وکیل قانونی او که مقیم و شاغل در ایران است می‌تواند به نمایندگی از او اقدامات لازم را انجام دهد. ماده۵۲ ـ تصدی امور مربوط به مالکیت صنعتی و همچنین نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی و اتحادیه‌های مربوط به کنوانسیونهای ذی‌ربط به عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است ثبت کلیه موضوعات مالکیت صنعتی اعم از اختراع علامت علامت جمعی طرح صنعتی نیز توسط اداره مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام می‌شود. در مواردی که مراجع دیگر به موجب قانون اقدام به بررسی و ثبت می‌نمایند درصورتی از حمایتها و امتیازات مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند که حسب مورد مالکیت یا اختراع آنها در اداره مالکیت صنعتی به ثبت رسیده باشد. ماده۵۳ ـ اداره مالکیت صنعتی با استفاده از شیوه‌های نوین دفاتر جداگانه‌ای برای ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجارتی پیش‌بینی می‌کند. علائم جمعی در بخش ویژه‌ای در دفتر ثبت علائم ثبت می‌شود. ماده۵۴ ـ اطلاعات موجود در دفاتر ثبت قابل دسترسی همگان بوده و هر شخص می‌تواند برابر مقررات مندرج در آئین‌نامه اجرائی اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت نماید. ماده۵۵ ـ اداره مالکیت صنعتی کلیه آگهی‌های مذکور در این قانون را در روزنامه رسمی کشور منتشر خواهد کرد. ماده۵۶ ـ اداره مالکیت صنعتی مجاز است هرگونه اشتباه در ترجمه یا نسخه‌برداری اشتباه اداری اشتباه در اظهارنامه و یا اشتباه در هر یک از ثبت‌های

انجام‌شده طبق این قانون یا آئین‌نامه اجرائی را تصحیح کند. ماده۵۷ ـ اداره مالکیت صنعتی پس از دریافت هرگونه درخواست کتبی مبنی بر تمدید مهلت انجام هر اقدامی که در این قانون یا آئین‌نامه اجرائی آن پیش‌بینی شده است پس از بررسی شرایط موجود می‌تواند آن را تمدید نماید. این کار پس از اعلام به اشخاص ذی‌نفع طبق مقررات مذکور در آئین‌نامه انجام می‌شود. ماده۵۸ ـ اداره مالکیت صنعتی قبل از اعمال اختیارات قانونی به طرفی که می‌خواهد علیه او تصمیم بگیرد فرصت کافی می‌دهد تا مطالب خود را اعلام نماید. دراین صورت هرگونه تصمیم با لحاظ اعلام مذکور اتخاذ می‌شود. ماده۵۹ ـ رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاههای عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش‌ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. تصمیمات اداره مالکیت صنعتی توسط اشخاص ذی‌نفع قابل اعتراض است و دادخواست مربوط باید ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم به ذی‌نفع و یا اطلاع او از آن به دادگاه صالح تقدیم گردد. تجدیدنظرخواهی از آراء و نحوه رسیدگی تابع مقررات آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است ماده۶۰ ـ نقض حقوق مندرج در این قانون عبارت است از معنای انجام هرگونه فعالیتی در ایران که توسط اشخاصی غیر از مالک حقوق تحت حمایت این قانون و بدون موافقت او انجام می‌گیرد. علاوه بر مالك حقوق تحت حمایت این قانون هرگاه ثابت شود دارنده اجازه استفاده، از مالك درخواست کرده است تا برای خواسته معینی به دادگاه دادخواست بدهد و مالك امتناع کرده یا نتوانسته آن را انجام دهد، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید. ماده۶۱ ـ هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد(۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته‌شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود. در دعوای مدنی راجع به نقض حقوق مالك اختراع در مواقعی که اختراع فرآیند دستیابی به یك فرآورده باشد، درصورت وجود شرایط زیر، مسؤولیت اثبات این که فرآورده ازطریق آن فرآیند ساخته نشده است به عهده خوانده دعوی نقض حق خواهد بود. در این صورت دادگاه درصورت ارائه اسناد و مدارك منافع مشروع خوانده دعوی نقض حق را از جهت عدم افشاء اسرار تولیدی و تجاری وی در نظر خواهد گرفت ۱ـ فرآورده جدید باشد. ۲ـ احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرآیند مزبور ساخته شده و مالك حقوق ثبت‌شده علی‌رغم تلاشهای معقول نتوانسته است فرآیندی را که واقعاً استفاده شده تعیین نماید. ماده۶۲ ـ درصورت تعارض مفاد این قانون با مقررات مندرج در معاهدات بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته و یا می‌پیوندد، مقررات معاهدات مذکور مقدم است ماده۶۳ ـ باپیش‌بینی درقانون بودجه سالانه تامعادل پنجاه درصد(۵۰٪) از درآمد ارزی ناشی از اجراء مفاد کنوانسیونهای مربوط به ثبت بین‌المللی مالکیت صنعتی که از تاریخ تصویب این‌قانون عاید می‌گردد، برای ارتقاء و تجهیز اداره مالکیت صنعتی و ارتقاء کیفی آن در قانون بودجه سالانه اختصاص می‌یابد. پس از تأیید اداره مالکیت صنعتی بانك مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ارز مورد نیاز صاحبان ایرانی حقوق مالکیت صنعتی را جهت ثبت بین‌المللی این حقوق برابر تعرفه‌های مذکور در کنوانسیونها و مقررات بین‌المللی با نرخ رسمی تأمین نماید. ماده۶۴ ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف یك سال از تاریخ تصویب توسط سازمان ثبت اسناد و املاك کشور تهیه و به‌تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. در آئین‌نامه مذکور به‌ویژه باید تعرفه هزینه‌های مربوط به اظهارنامه‌های ثبت اختراعات و طرحهای صنعتی ثبت علائم و علائم جمعی و تمدید ثبت آنها و جرائم تأخیر در تمدید با رعایت این قانون و مفاد کنوانسیونهای مربوط که جمهوری اسلامی ایران عضویت در آنها را پذیرفته است تعیین شود و درصورت لزوم هر سه سال یك بار قابل تجدید نظر می‌باشد. ماده۶۵ ـ اختراعات و علائم تجارتی که قبلاً برابر مقررات سابق ثبت شده است، معتبر بوده و مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد. در این صورت : الف ـ درمورد اختراعات باید

هزینه‌های سالانه مقرر در این قانون برای مدت باقیمانده پرداخت شود. ب ـ علائم باید درموعد مقرر در همان قانون تمدید شده و پس از تمدید براساس طبقه‌بندی بین‌المللی مجدداً طبقه‌بندی شود. ماده ۶۶ ـ از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱/۴/۱۳۱۰و اصلاحات بعدی آن و آئین‌نامه‌های مربوط به آن ملغی می‌شود. قانون فوق مشتمل بر شصت و شش ماده در جلسه مورخ هفتم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

ثبت احوال

قانون ثبت احوال – مصوب ۱۶ ۴ ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقیه های بعدی سال ۱۳۶۳

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۹)

ماده ۱ ـ وظایف سازمان ثبت احوال کشور به قرار ذیل است الف ـ ثبت ولادت و صدور شناسنامه ب ـ ثبت واقعه وفات و صدور گواهی وفات . ج ـ تعویض شناسنامه های موجود در دست مردم . د ـ ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات . ه ـ صدور گواهی ولادت برای اتباع خارجه . و ـ تنظیم دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی . ز ـ جمع آوری و تهیه آمار انسانی سراسر کشور و انتشار آن . ح ـ وظایف مقرر دیگری که طبق قانون به عهده سازمان گذاشته شده است . ماده ۲ ـ برای مطالعه و پیشنهاد روش‌های فنی و اظهار نظر درباره اصلاح یا تغییر فرم ها و نمونه های سجلی و آماری و نحوه جمع آوری و انتشار آنها و تهیه دستورالعمل ها و روش‌های فنی سجلی و طرز جمع آوری اوراق باطله و تنظیم و نگهداری و حفاظت اسناد و مدارک سجلی در مرکز سازمان ثبت احوال کشور شورایی به نام شورای عالی ثبت احوال تشکیل می‌شود. اعضای شورای عالی ثبت احوال عبارت خواهند بود از رییس سازمان ثبتاحوال کشور یا قایم مقام او و یک نفر از استادان دانشکده حقوق به انتخاب رییس دانشگاه تهران و یک نفر از قضات دادگستری به انتخاب وزیردادگستری و یک نفر از کارمندان مطلع ثبت احوال به انتخاب رییس سازمان ثبت احوال و نماینده مرکز آمار ایران ، ریاست شورا با معاون وزارت کشور و رییس سازمان ثبت احوال کشور یا قایم مقام او می‌باشد و رای اکثریت لازم الاجرا خواهد بود . تبصره ـ نحوه جمع آوری و انتشار آمار انسانی و تهیه نمونه های مربوط به پیشنهاد سازمان ثبت احوال کشور پس از جلب نظر مرکز آمار ایران و تصویب شورای عالی ثبت احوال تعیین خواهد شد . ماده ۳ ـ در مقر هر اداره ثبت احوال هیاتی به نام هیات حل اختلاف مرکب از رییس اداره ثبت احوال و مسیول بایگانی یا معاونین و یا نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به انتخاب رییس اداره ثبت احوال استان تشکیل می‌شود، وظایف هیات حل اختلاف به قرار زیر است ۱ ـ تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات بعد از امضا سند و قبل از تسلیم برگه یا شناسنامه یا وفات و تکمیل سند ازنظر مشخصاتی که ((نامعلوم) بوده است مندرج در ماده ۲۹ این قانون . ۲ ـ رفع اشتباهات ناشی از تحریر ضمن ثبت وقایع یا نقل مندرجات اسناد و اعلامیه ها و مدارک به دفاتر ثبت کل وقایع و سایر دفاتر . ۳ ـ ابطال اسناد و شناسنامه هایی که بیگانگان مورد استفاده قرار داده‌اند و طبق ماده۴۴ اعلام می‌شود . ۴ ـ ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند و تغییر نام های ممنوع ۵ ـ حذف کلمات زاید، غیرضروری و یا ناشی از اشتباه در اسناد سجلی اشخاص . ترتیب تقاضا و گردش کار دفاتر هیات ها و نحوه رسیدگی و ابلاغ تصمیمات در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد . تبصره ـ تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات اگر قبل از امضا باشد با توضیح مراتب در حاشیه سند به عمل میاید و

امضا کننـدگان سـند ذیل توضـیح را امضا خواهنـد نمود . ماده ۴ ـ رسـیدگی به شـکایات اشـخاص ذینفع از تصـمیمات هیات حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سـایر دعـاوی راجع به اسـناد ثبت احوال بـا دادگـاه شهرسـتان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهـان به عمـل میایـد و رای دادگاه فقط پژوهش پـذیر است مهلت شـکایت از تصـمیم هیات حل اختلاف ده روز از تاریـخ ابلاغ است . تبصره ـ هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذینفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند و اگر محل تنظیم سـند و اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشـد با دادگاه شهرسـتان تهران خواهـد بود . ماده ۵ ـ سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظـایفی که بر عهـده دارد می‌توانـد از وجود کارکنـان سازمان‌هـای دولتی و ارگـان هـا و نهادهـای انقلاب اسـلامی موجود در محل اسـتفاده نمایند . تبصره ۱ ـ ماموران دولت و کارکنان بیمارسـتان ها و گورسـتان ها مکلفنـد با سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایف قانونی همکاری نمایند . تبصـره ۲ ـ نحوه اسـتفاده از خدمات افراد و سازمان ها و ارگان ها و نهادها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود . ماده ۶ ـ نماینده یا مامور ثبت احوال کسـی است که از طرف سازمان ثبت احوال کشور و یا ادارات تابعه برای ثبت وقایع یا دریافت اعلامات منصوب شـده باشـد . تبصـره ۱ ـ اعلام کننده کسـی است که مکلف به اعلام واقعه می‌باشد و می‌تواند به شـخص دیگر رسـما وکالت دهد تا از طرف او واقعه را اعلام نماید . تبصره ۲ ـ گواه از لحاظ این قانون کسـی است که صحت اظهارات اعلام کننده را گواهی می‌کند . ماده ۷ ـ سن گواه و اعلام کننـده نباید کمتر از ۱۸ سال تمام باشد . پدر و مادری که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ازدواج کرده‌انـد می‌تواننـد ولادت یا وفات فرزند خود را اعلام نمایند . ماده ۸ ـ دفتر ثبت کـل وقـایع و وفات و شناسـنامه و گواهی ولادت و اعلامیه ها و اطلاعیه ها و دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی از اسناد رسمی است و تا زمانی که به موجب تصمیم هیات حل اختلاف یا رای دادگاه برحسب مورد تصحیح یا باطل نشده به قوت خود باقی می‌باشـد. ماده ۹ ـ رونوشت یـا فتوکپی شناسـنامه یـا گواهی ولادت مراجعین به ادارات و موسـسات دولتی و شـهرداری و بخش خصوصی که برای انجام مراجعات آنان ضرورت دارد مستقیما توسط آن مراجع تهیه خواهد شد .

فصل دوم ــ اسناد و دفاتر ثبت احوال (ماده ۱۰ تا ۱۱)

ماده ۱۰ ـ وقایع حیاتی هر فرد (ولادت ، ازدواج ، طلاق ، رجوع و بذل مدت ، وفات) در دفاتری به شـرح زیر به ثبت می‌رسد الف ـ دفتر ثبت کـل وقایع ـ که در آن بـدوا ولادت هر فرد ثبت و وقایع مربوط به ازدواج ، طلاق ، رجوع و بـذل مـدت و وفات همسـر ، ولادت و وفات اولاد و وفات صاحب سـند از روی منـدرجات اعلامیه ها و مدارک در آن ثبت می گردد . ب ـ دفتر ثبت وفات ـ که در آن واقعه مربوط به وفـات هر فرد به ثبت می‌رسـد . تبصـره ۱ ـ صـفحات دفتر ثبت کل وقایع بایـد شـماره گذاری شود و با تعیین تعداد کل صـفحات نخ کشی و سرب و منگنه شده به امضا دادستان شهرستان یا نماینده او برسد . تبصره ۲ ـ دفتر ثبت کل وقایع هر سال پس از انقضا مدت صد و بیست سال از جریان خارج و به بایگانی راکد منتقل می‌شود . تبصـره ۳ ـ هرگاه اسناد یا دفاتر از بین برود در صورت وجود سابقه از روی سوابق و در صورت نبودن سابقه با دعوت صاحبان اسـناد به وسیله آگهی طبق مدارک موجود در دست آنان پس از رسـیدگی دفاتر یا اسـناد معدوم تجدید می گردد . ماده ۱۱ ـ دفتر ثبت کـل وقایع یا وفات پس از ثبت بایـد به امضـا اعلام کننـده و گواهـان و مـامور یا نماینـده ثبت احوال برسـد و مهر شود و در صورت وجود گواهی ماما یا پزشک نیازی به گواهان نخواهد بود .پس از تکمیل و امضا اسـناد مزبور تصـحیح یا تغییر مندرجات آن منحصرا به موجب مقررات این قانون خواهد بود .

فصل سوم ــ ثبت ولادت (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲ ـ ولادت هر طفل در ايران اعم از اينكه پـدر و مادر طفل ايراني يا خارجي باشـند بايـد به نماينـده يا مامور ثبت احوال اعلام شـود و ولادت اطفـال ايرانيـان مقيم خـارج از كشور به مـامور كنسولي ايران در محـل اقـامت و اگر نباشـد به نزديـك ترين مـامور كنسولي و يـا به سازمـان ثبت احوال كشور اعلام‌شود. ماده ۱۳ ـ ولادت واقع در ايران بوسـيله نماينـده يا مامور ثبت احوال و ولادت واقع در خارج از كشور بوسـيله ماموران كنسولي ايران در دفتر ثبت كل وقايع به ثبت مي‌رسد. در اين دفتر اطلاعات زير قيد مي‌شود ۱ ـ سـاعت ، روز ، ماه ، سال و محل ولادت ، اسـتان ـ شهرسـتان ـ بخش ـ دهسـتان (روسـتا شـهر) و تاريـخ ثبت آن . ۲ ـ نـام و نام خـانوادگي صاحب سـند و جنس . ۳ ـ نـام و نام خانوادگي و شـماره شناسـنامه يا شـماره پروانه اقامت و يا گـذرنامه و محل صـدور شناسـنامه يا پروانه اقامت و يا گـذرنامه و محل اقامت پدر و مادر . ۴ ـ نام و نام خانوادگي و محل اقامت و شـماره شناسـنامه و محل صدور شناسنامه و نسبت اعلام كننده در صورتي كه غير از پدر و مادر صاحب سندباشد . ۵ ـ نام و نام خانوادگي و شماره شناسنامه و محل صـدور شناسـنامه و محل اقامت گواهان . ۶ ـ نـام و نـام خـانوادگي و امضا نماينـده يا مامور و مهر ثبت احوال . ۷ ـ شماره و سري برگ مخصـوص دفتر ثبت كـل وقـايع . ۸ ـ محـل مخصوص ثبت و شـماره كلاسـمان آثـار انگشـتان صاحب سـند . ۹ ـ محل مخصـوص ثبت خلاـصه اطلاعـات راجع به ازدواج ، طلاـق و يـا وفـات همسـر . ۱۰ ـ محـل مخصوص ثبت شـماره مسـلسل و سـري شناسـنامه هاي صادره . ۱۱ ـ محـل مخصوص ثبت خلاـصه اطلاعـات راجع به اولاد . ۱۲ ـ محـل مخصوص ثبت وفـات . ۱۳ ـ محل توضـيحات . تبصـره ـ پس از ثبت ولادت اگر طفل ايراني باشد ، شناسنامه صادر و تسليم مي‌گردد و اعلاميه براي ثبت واقعه در دفتر ثبت كل وقايع صـفحه مخصوص پدر و مادر به اداره ثبت احوال محل صدور شناسـنامه آنان فرستاده مي‌شود و در صورتي كه طفل خارجي باشد گواهي ولادت صادر و تسليم‌مي‌گردد . ماده ۱۴ ـ براي هر فرد شـماره شناسـنامه كه مخصوص به او خواهد بود تعيين مي‌گردد و شماره شناسنامه هر شخص در كليه مدارك مربوط به ثبت احوال او بايد قيد گردد . ماده ۱۵ ـ ثبت ولادت بايد مستند به تصديق پزشك يا ماماي رسـمي يا موسسه اي كه طفل در آنجا متولد گرديده است باشد ، در غير اينصورت واقعه به تصديق دو نفر گواه ثبت مي‌شود. تبصـره ـ مهلت اعلام ولادت پانزده روز از تاريخ ولادت طفل است ، روز ولادت و تعطيل رسـمي بعد از آخرين روز مهلت به حساب نمايد و درصورتي كه ولادت در اثنا سـفر زميني يا هوايي يا دريايي رخ دهد مهلت اعلام آن از تاريخ رسيدن به مقصـد محسوب مي‌شود . ماده ۱۶ ـ اعلام و امضا دفتر ثبت كل وقايع به ترتيب به عهـده اشـخاص زير خواهـد بود ۱ ـ پدر يا جد پدري . ۲ ـ مادر در صورت غيبت پـدر و در اولين موقعي كه قادر به انجام اين وظيفه باشد. ۳ ـ ملغي شده است . ۴ ـ وصي يا قيم يا امين . ۵ ـ اشخاصي كه قانونا عهده دار نگهداري طفل مي‌باشند. ۶ ـ متصدي يا نماينده موسسه اي كه طفل به آنجا سپرده شده است . ۷ ـ صـاحب واقعه كه سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشـد . تبصـره ـ در صورتي كه ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسـيده باشـد اعلام ولادت و امضا اسـناد متفقا به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدرو مادر در اعلام ولادت ميسر نباشد سند طفل با اعلام يكي از ابوين كه مراجعه مي‌كنـد با قيد نام كوچك طرف غايب تنظيم خواهد شد . اگر مادر اعلام كننده باشد نام خانوادگي مـادر به طفـل داده مي‌شود . ماده ۱۷ ـ هرگـاه ابوين طفل معلوم نباشـند سـند با نام خانوادگي آزاد و نام‌هاي فرضـي در محل اسامي ابوين تنظيم مي‌گردد. تصـحيح اسامي فرضي يا تكميل مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدني يا حكم دادگـاه يـا مـدارك حصـر وراثت به عمـل خواهـد آمـد و نام خانوادگي طبق احكام مربوط به نام خانوادگي اصـلاح خواهـد شـد . موضوع فرضـي بودن اسامي پدر و مادر در شناسـنامه منعكس نخواهد شد . ماده ۱۸ ـ نماينـده يا مامور ثبت احوال ولادت طفل فاقد ولي را ثبت و مراتب را براي اقـدام قـانوني به دادسـتان اطلاـع خواهـد داد . تبصـره ـ در صورتي كه طفـل در مكاني متولـد شود كه خروج از آن ممنـوع يـا محتـاج به اجـازه مخصوص باشـد نظير نـدامتگاه ، كـانون اصـلاح و تربيت وغيره ، متصـديان اين سازمـان‌ها مكلف به اطلاـع واقعه و ايجـاد تسـهيلات لاـزم براي انجـام وظايف صاحب واقعه مي‌باشـند . ماده ۱۹ ـ مامـا يا پزشـكي كه در حين

ولادت حضور و در زایمان دخالت داشته مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می‌باشد . ماده ۲۰ ـ انتخاب نام با اعلام کننده است ، برای نامگذاری یک نام ساده یا مرکب (حسین ، محمد مهدی و مانند آن که عرفا یک نام محسوب می‌شود انتخاب خواهد شد . تبصره ۱ ـ انتخاب نامهایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام های زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است . تبصره ۲ ـ تشخیص نام‌های ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می‌باشد و این شورا نمونه های آن را تعیین و به سازمان اعلام می کند . تبصره ۳ ـ انتخاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است . تبصره ۴ ـ در اسناد سجلی اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی کشور نوع دین آنان قید می‌شود . تبصره ۵ ـ ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان با دلایل شرعی ثابت گردد الزامی است مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعا احراز شود. تبصره ۶ ـ مراتب تشرف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام همراه با تغییرات مربوط به نام و نام خانوادگی آنان در اسناد سجلی ثبت می‌شود. ماده ۲۱ ـ هرگاه از وضع حمل بیش از یک طفل متولد شود برای هر یک سند ولادت جداگانه به ترتیب تولد با ذکر ساعت ولادت تنظیم خواهد شد .

فصل چهارم ــ ثبت وفات (ماده ۲۲ تا ۳۰)

ماده ۲۲ ـ وفات هرکس اعم از ایرانی یا خارجی و همچنین ولادت طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از ولادت بمیرد باید به مامور یا نماینده ثبت احوال اعلام شود . وفات ایرانیان در خارج از کشور به ماموران کنسولی محل اقامت یا به نزدیک ترین ماموران کنسولی ایران یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام می‌شود . وفات ایرانیان و خارجیان ساکن کشور را ماموران و نمایندگان ثبت احوال و وفات ایرانیان خارج از کشور را بر حسب محل اعلام ماموران کنسولی ایران یا ماموران و یا نمایندگان ثبت احوال ثبت می کنند ، وفات باید در سند ثبت وفات و همچنین در دفتر ثبت کل وقایع در صفحات مربوط به درگذشته وپدر و مادر او و شناسنامه متوفی ثبت و امضا و مهر گردد . وفات خارجیان پس از ثبت به شهربانی محل اعلام می‌شود و یک نسخه گواهی به سازمان ثبت احوال کشور فرستاده خواهد شد که به وزارت امورخارجه ارسال گردد . تبصره ـ گواهی وفات به هر شخصی که درخواست کند تسلیم می‌گردد. ماده ۲۳ ـ در سند ثبت وفات باید اطلاعات زیر قید گردد ۱ ـ محل ، روز ، ماه و سال وفات و تاریخ ثبت ۲ ـ نام و نام خانوادگی و جنس و تاریخ تولد و شغل و شماره شناسنامه و برگ ولادت یا پروانه اقامت و تاریخ و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت در گذشته . ۳ ـ علت وفات در صورتی که مشخص باشد . ۴ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه پدر و مادر درگذشته . ۵ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و سمت اعلام کننده . ۶ ـ نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و شغل گواهان . ۷ ـ نام و نام خانوادگی و امضا نماینده یا مامور ثبت احوال و اثر مهر . ۸ ـ شماره و سری برگ مخصوص ثبت وفات . ۹ ـ محل توضیحات . ماده ۲۴ ـ واقعه وفات باید طبق تصدیق پزشک و در صورت نبودن پزشک با حضور دو نفر گواه ثبت گردد . در مورد طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از تولد بمیرد در صورت وجود پزشک در محل ، تصدیق پزشک ضروری است و در صورت نبودن پزشک گواهی دو نفر کافی است . پزشکی که وقوع مرگ به او اطلاع داده می‌شود در هر مورد مکلف به معاینه جسد و صدور تصدیق یا اظهار نظر می‌باشد و در صورت امکان تشخیص علت مرگ باید تصدیق شود و به هر حال یک نسخه از تصدیق یا اظهار نظر خود را باید به ثبت احوال محل در مهلت مقرر ارسال نمایند . ماده ۲۵ ـ مهلت اعلام وفات ده روز از تاریخ وقوع یا وقوف بر آن است . روز وفات و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز مهلت به حساب نمیاید و در صورتی که مرگ در اثنا سفر رخ دهد مهلت

اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد احتساب خواهد شد . تبصره ـ ترتیب ثبت وقایع ولادت و وفاتی که پس از انقضا مهلت مقرر اعلام شود در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد . ماده ۲۶ ـ اعلام وفات و امضا سند ثبت مرگ به ترتیب به عهده یکی از اشخاص زیر است ۱ ـ نزدیک‌ترین خویشاوند متوفی که در موقع وفات حاضر بوده است . ۲ ـ متصدی یا صاحب مکانی که وفات در آن رخ داده است یا نماینده او . ۳ ـ هر شخصی که در موقع وفات حاضر بوده است . ۴ ـ ماموران انتظامی یا کدخدا . تبصره ـ متصدیان گورستان یا دفن مکلف به اطلاع وفات به ثبت احوال هستند . ماده ۲۷ ـ در صورتی که وفات یا ولادت طی نامه رسمی از طرف ماموران انتظامی یا قضایی و یا سایر مقامات اعلام شود شماره و تاریخ اعلامنامه درسند درج و به منزله امضا سند خواهد بود. ماده ۲۸ ـ در موارد زیر اعلام وفات به عهده مقامات زیر است ۱ ـ در صورتی که مرگ در اثر بروز سوانح از قبیل زلزله ، سیل ، طوفان و آتش سوزی واقع شود مقامات انتظامی یا گروه های امدادی حاضر در محل مکلفند واقعه مرگ را ضمن ارسال صورت حاوی نام و نام خانوادگی و حتی المقدور شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و سن متوفی اعلام‌نمایند. ۲ ـ مرگ نظامیانی که در زمان صلح در سربازخانه و یا ضمن مانورهای نظامی یا در زمان جنگ واقع می‌شود وسیله فرمانده قسمت با تعیین نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه اعلام می گردد . ماده ۲۹ ـ در مواردی که مشخصات متوفی معلوم نشود یا به بعضی از اطلاعاتی که باید در سند قید شود دسترسی نباشد در سند ثبت وفات به جای‌مشخصات عبارت (نامعلوم نوشته می‌شود تکمیل مشخصات نامعلوم با هیات حل اختلاف خواهد بود . ماده ۳۰ ـ مدرک ثبت وفات فرضی غایب مفقودالاثر حکم قطعی دادگاه است مدیران دفاتر دادگاه‌هایی که حکم قطعی وفات فرضی غایب مفقودالاثر از آن دادگاه صادر شده مکلفند یک نسخه از رای صادره را طی نامه رسمی به ثبت احوال محل ارسال دارند .

فصل پنجم ــ ازدواج و طلاق (ماده ۳۱ تا ۳۴)

ماده ۳۱ ـ دارندگان دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مکلفند وقایع ازدواج و طلاق و رجوع را که در دفاتر مربوط ثبت می کنند در شناسنامه زوجین نیز درج و امضا و مهر نمایند و حداکثر هر پانزده روز یکبار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی را که در دفاتر به ثبت می‌رسد روی نمونه های مربوط تهیه و به ثبت احوال محل تحویل و رسید دریافت دارند . ازدواج و طلاق و رجوع ایرانیان در خارج از کشور باید به وسیله کنسولگری های مربوط در دفاتری که از طرف ثبت احوال تهیه می‌شود ثبت و حداکثر هریک ماه یکبار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی را که در دفاتر به ثبت می‌رسد روی نمونه های مخصوص تهیه و از طریق وزارت امور خارجه به سازمان‌ثبت احوال کشور فرستاده شود . ماده ۳۲ ـ طلاق ، رجوع و بذل مدت که در دفتر رسمی طلاق به ثبت نرسیده باشد با ارایه اقرارنامه رسمی در اسناد ثبت احوال طرفین ثبت خواهد شد . ازدواج هایی که در دفاتر رسمی ازدواج به ثبت نرسیده باشد در صورت وجود شرایط زیر در اسناد سجلی زن و شوهر ثبت خواهد شد . ۱ ـ ارایه اقرارنامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت بین متقاضیان ثبت واقعه ازدواج . ۲ ـ در موقع تنظیم اقرارنامه سن زوج از بیست سال تمام و سن زوجه از هیجده سال تمام کمتر نباشد . ۳ ـ گواهی ادارات ثبت احوال محل صدور شناسنامه های زوجین به اینکه در تاریخ اعلام واقعه طرفین در قید ازدواج دیگری نمی‌باشند . تبصره ـ نمایندگان ثبت احوال مکلفند پس از ثبت واقعه رونوشت اقرارنامه را به دادسرای محل ارسال نمایند . ماده ۳۳ ـ کلیه وقایع ازدواج و طلاق یا وفات زوج یا زوجه و رجوع و بذل مدت و فسخ نکاح باید در دفاتر ثبت کل وقایع ثبت شود ولی در شناسنامه‌به شرح زیر انعکاس خواهد یافت . در المثنای شناسنامه مرد یا زن آخرین نکاح و طلاق یا بذل مدت و در صورت تعدد زوجات آن تعداد ازدواج که به قوت خود باقی است منعکس خواهدشد . ازدواج و طلاق غیر مدخوله در المثنای شناسنامه درج نخواهد شد. ماده ۳۴ ـ افشای اطلاعات مذکور در دفاتر ثبت کل وقایع و اسناد سجلی جز برای صاحب سند و مقامات

قضایی و دولتی ذیصلاح ممنوع است

فصل ششم ـ صدور شناسنامه (ماده ۳۵ تا ۳۷)

ماده ۳۵ ـ صدور شناسنامه و سایر خدمات سجلی در مقابل دریافت وجه انجام خواهد شد که نحوه اخذ وجوه و میزان و نوع این خدمات به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۳۶ ـ شناسنامه از روی دفاتر ثبت کل وقایع صادر و دارای مشخصات و اطلاعات زیر می‌باشد ۱ ـ آرم جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ محل مخصوص انگشت نگاری و شماره کلاسمان آن ۳ ـ محل الصاق عکس ۴ ـ شماره شناسنامه ۵ ـ نام و نام خانوادگی و جنس دارنده آن ۶ ـ تاریخ تولد به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی و قمری تبصره ـ ذکر تاریخ هجری قمری از هنگام اجرای طرح تعویض شناسنامه برای نوزادان الزامی است ۷ ـ محل تولد به ترتیب شهرستان ، بخش ، دهستان (روستاشهر) ۸ ـ نام و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ابوین ۹ ـ تاریخ تنظیم سند به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی ۱۰ ـ محل تنظیم سند به ترتیب حوزه ، شهرستان ، بخش ، دهستان (روستاشهر) ۱۱ ـ نام و نام خانوادگی مامور تنظیم کننده سند و امضا مامور صدور و مهر اداره ۱۲ ـ شماره مسلسل و سری مخصوص شناسنامه ۱۳ ـ محل مخصوص ثبت ازدواج ، طلاق ، وفات همسر ، ولادت فرزندان و وفات صاحب شناسنامه ۱۴ ـ محل توضیحات ۱۵ ـ محل مخصوص مهر انتخابات تبصره ۱ ـ شناسنامه های نمونه جدید افرادی که به سن ۱۵ سال تمام می‌رسند باید ملصق به عکس همان سال و اثر انگشت و کلاسمان انگشت نگاری‌صاحب آن باشد. تبصره ۲ ـ شناسنامه اولیه باید در سی سالگی تمام با عکس همان سال صاحب آن تجدید شود . صاحب شناسنامه پس از رسیدن به سن سی سال مکلف است ظرف مدت یک سال برای تجدید آن مراجعه نماید . تبصره ۳ ـ صدور شناسنامه مجدد و یا گواهی ولادت اتباع خارجه مطابق مقررات آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود . تبصره ۴ ـ به استثنای سازمان ثبت احوال کشور ، دفاتر اسنادرسمی ازدواج و طلاق ، نمایندگی های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ، اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل و اداره کل انتخابات هیچ یک از ارگان‌ها و نهادها و موسسات دولتی و بخش خصوصی حق نقش مهر و درج هیچگونه مطلب و یا آثار دیگری بر روی شناسنامه را ندارند متخلف از این امر تحت پیگرد قانونی قرارخواهد گرفت ماده ۳۷ ـ سازمان ثبت احوال کشور مکلف است به مجرد وصول اعلام ترک تابعیت و یا اخراج از تابعیت اشخاص از طرف وزارت امورخارجه ترک‌تابعیت و یا اخراج تابعیت را در دفاتر و اسناد مربوط منعکس و شناسنامه را معدوم نماید .

فصل هفتم ـ صدور کارت شناسایی (ماده ۳۸ تا ۳۹)

ماده ۳۸ ـ در نقاطی که دولت مقتضی بداند و اعلام کند کسانی که سن آنان از ۱۵ سال به بالا است باید دارای کارت شناسایی بوده و همیشه آن را همراه داشته باشند. کارت شناسایی حاوی مشخصات و اثر انگشت و عکس و نشانی محل سکونت و گروه های اصلی خون خواهد بود . ترتیب صدور و ترتیب درج مشخصات دارنده کارت شناسایی و چگونگی تحصیل اطلاعات مربوط به سکونت و سایر اطلاعات از قبیل گروه خون و اشخاصی که برای صغار و مجانین کارت شناسایی اخذ نمایند در آیین نامه اجرایی تعیین خواهد شد. ماده ۳۹ ـ و تبصره‌های آن لغو شده است

فصل هشتم ـ نام خانوادگی (ماده ۴۰ تا ۴۲)

ماده ۴۰ ـ تغییر نـام خانوادگی با تصویب سازمان ثبت احوال کشور خواهـد بود. تبصـره ـ موارد تغییر نام خانوادگی مطابق آیین نامه اجرایی این قانون می‌باشـد. ماده ۴۱ ـ حق تقـدم نام خانوادگی با رعایت تاریخ تقدم صدور اسناد مختص اشخاصـی است که به نام آنـان در دفـاتر مخصوص نـام خـانوادگی ادارات ثبت احوال به ثبت می‌رسـد و دیگری حق اختیـار آن را در آن اداره نـدارد مگر با اجازه دارنده حق تقدم و این حق پس از فوت به ورثه قانونی انتقال می‌یابد. هر یک از وراث می‌تواند شخصـی که نام خانوادگی او را اختیـار کرده مورد اعتراض قرارداده و تغییر نـام خانوادگی او را از دادگاه بخواهـد ولی وراث بالاتفاق می‌تواننـد به دیگری اجازه دهنـد که نام خانوادگی آنها را اختیار نمایـد . تبصـره ـ نام خانوادگی فرزنـد همان نام خانوادگی پـدر خواهد بود اگر چه شناسـنامه فرزنـد در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزنـدان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب نمایند. ماده ۴۲ ـ زوجه می‌تواند با موافقت همسـر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند ودر صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول به اجازه همسر خواهد بود .

فصل نهم ـ تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل وقایع (ماده ۴۳ تا ۴۶

ماده ۴۳ ـ سازمـان ثبت احـوال کشور مکلف است شناسـنامه‌های موجود در دست مردم را به تدریـج تعویض نمایـد و کلیه افراد نیز مکلفنـد در مهلت های معین که سازمان ثبت احوال کشور طی آگهی در وسایل ارتباط جمعی و به ترتیب گروه سنی تعیین خواهد نمود به ماموران ثبت احوال محل اقامت خود برای اعلام هویت و وقایع حیاتی خود و ارایه مدارک و دریافت شناسنامه نمونه جدید مراجعه نمایند مرگ های ثبت نشده زوج و زوجه و فرزندان نیز ضـمن این مراجعه باید اعلام شود . تبصـره ـ چنانچه در طول اجرای طرح ، اشخاصـی اعلام فقدان و یا درخواست تعویض شناسنامه نمایند که مشمول دوره تجدید آن گروه نباشد برایانان طبق مقررات گواهی موقت صـادر خواهـد شـد. ماده ۴۴ ـ اشخاصـی کـه در مهلـت معیـن در آگهی منتشـره ، مـاموران ثبـت احـوال را از داشـتن شناسـنامه مکرر یا اسـتفاده از شناسـنامه غیر یا دریافت شناسـنامه موهوم یا اسـتفاده از شناسـنامه ایرانی با داشتن تابعیت خارجی مطلع نماینـد از تعقیب و مجازات معـاف خواهنـد بود و الا ـ پس از انقضـا مهلت هـای معینه جرایم مزبور مسـتمر شـناخته شـده و مشـمول مجازات مصرح در مواد ۴۸ و ۴۹ این قانون خواهنـد بود . هویت دارندگان شناسـنامه مکرر به انتخاب صاحبان و نمایندگان قانونی آنان تثبیت و هویت اشخاصـی که از شناسـنامه غیر اسـتفاده نموده‌اند و همچنین مدارک ازدواج و طلاق و شناسـنامه فرزندان مطابق شناسـنامه قانونی که صادر می‌شود خواهد بود. تبصـره ـ تعویض شناسنامه همسر و فرزندان ، ضمن گروه سنی همسری که در مهلت مقرر مراجعه می‌کنـد به عمل خواهـد آمد و همچنین در موقع ثبت ولادت طفل شناسـنامه پدر و مادر و افراد خانوار تعویض خواهد شـد اگر چه مهلت مراجعه معین و آگهی نشـده باشد. ماده ۴۵ ـ هرگاه ((هویت و تابعیت) افراد مورد تردیـد واقع گردد و مـدارک لازم جهت اثبـات آن ارایه نشود مراتب برای اثبـات ((هویت) به مراجع‌انتظامی و برای اثبات ((تابعیت) به شورای تامین شهرسـتان ارجـاع و در صورت تاییـد طبق مقررات اقـدام خواهـد شـد. تبصـره ـ در جلسـات شورای تامین شهرسـتان که به منظور فوق تشـکیل می‌گردد رییس اداره ثبت احوال محل نیز با داشتن حق رای شرکت خواهدداشت ماده ۴۶ ـ سازمان ثبت احوال کشور ، پایان مهلت تعویض شناسـنامه هر دوره را از طریق وسایل ارتباط جمعی آگهی خواهد کرد و پس از پایان مهلت اعلام شده شناسـنامه و گواهی های صادره قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهـد شـد و منحصـرا شناسـنامه های جدیـد جمهوری اسـلامی ایران سـند رسـمی هویت و تابعیت افراد خواهد بود. تبصـره ـ افرادی که در مهلت‌های مقرر مراجعه نکنند پس از تشخیص تخلف مراتب به دادگاه اعلام و طبق مقررات با آنان رفتار خواهد شد .

فصل دهم ـ تهیه مقدمات اجرای قانون (ماده ۴۷)

ماده ۴۷ ـ وزارت کشور مکلف است در مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون مقدمات اجرای آن را از حیث تهیه وسایل کار و تجهیزات و تامین کارکنان لازم و آموزش آنان فراهم نماید . دولت اعتبار لازم برای اجرای این قانون را تامین خواهد نمود .

فصل یازدهم ـ مقررات کیفری (ماده ۴۸ تا ۵۵)

ماده ۴۸ ـ اشخاصی که از وظایف مذکور در مواد ۱۶ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۵ و تبصره ماده ۲۶ و تبصره یک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ خودداری کنند یا با در دست داشتن شناسنامه اقدام به اخذ المثنی نمایند مورد تعقیب قرار گرفته و علاوه بر الزام به انجام تکالیف مقرر به پرداخت دویست و یک تا پنج‌هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ولی هرگاه ماموران و مسیولینی که به موجب این قانون وظایفی بر عهده دارند در اجرای آن تاخیر یا تعلل نمایند در دادگاه های اداری یا انتظامی طبق ضوابط مربوط تحت تعقیب قرارخواهند گرفت ماده ۴۹ ـ اشخاص زیر به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهند شد الف ـ اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت برخلاف واقع اظهاری نمایند. ب ـ اشخاصی که عالما عامدا پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده و یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی علیه یا به‌دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد به نام هویت خود استفاده نمایند. ج ـ ماما یا پزشکی که در مورد ولادت و وفات گواهی خلاف واقع صادر کند . د ـ اشخاصی که در مورد ولادت و وفات شهادت دروغ بدهند که شهادت آنان منجر به تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات گردد . ماده ۵۰ ـ افراد بیگانه که قبل از احراز تابعیت ایرانی به منظور ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شوند به حبس‌جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۱ ـ هرکس عالما عامدا پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و شناسنامه دریافت کند به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره ـ در مواردی که پدر یا مادر طفل معلوم نباشد و همچنین در موارد مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست از شمول این ماده مستثنی می‌باشد. ماده ۵۲ ـ ماموران که عالما عامدا در جرایم مذکور در مواد ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ این قانون به هر نحوی از انحا کمک نمایند یا گواهی های خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قراردهند به مجازات مرتکب اصلی محکوم خواهند شد . ماده ۵۳ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون و نمونه های اوراق و اسناد مربوط وسیله وزارت کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید . ماده ۵۴ ـ از تاریخ اجرای این قانون و پایان مهلت های معین قوانین ثبت احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ و ۱۱ آذرماه ۱۳۱۰ و اول بهمن ۱۳۱۲ و دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ لغو و هر قانونی که در مقام اجرا معارض این قانون باشد بلا اثر است . ماده ۵۵ ـ وزارت کشور ، وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون هستند .

آیین نامه اجرایی ماده ۳۵ اصلاحی قانون ثبت احوال – مصوب ۲ ۵ ۱۳۶۴

ماده ۱ ـ خدمات سجلی در ادارات ثبت احوال در قبال ارایه فیش بانکی مبنی بر واریز وجوه مقرر در این آیین نامه به حسابی که در شعب بانک ها بارعایت مقررات مربوط از طریق خزانه افتتاح شده و یا می‌شود انجام می گیرد. تبصره ـ در بخش‌ها و روستاهایی که فاقد شعب بانک می‌باشند و یا خدمات سجلی توسط اکیپ های سیار سجلی انجام می‌شود وجوه مقرر از طریق صدور برگ رسید

دریافت وجه طبق نمونه ضـمیمه این آیین نامه اخذ خواهد شد. بند ۱ ـ مسـیول صدور اوراق مذکور موظف است نسخه اول قبض را به متقاضـی تحویـل و نسـخه دوم را به عنوان جمع عملیـات مالی ضـمیمه ، لیست مربوطه را به بانک ارایه نمایـد که به عنوان سوابق اداری نگهـداری گردد و نسـخه سوم نیز ضـمیمه پرونده درخواستی متقاضـی خواهد شد. بند ۲ ـ مسـیول صدور قبض رسید موظف است حـداکثر ظرف ۲۴ سـاعت از تاریـخ وصول ، بـدون در نظر گرفتن روزهـای تعطیـل کلیه وجوه دریـافتی راهمراه با نسـخه دوم قبوض و لیست تنظیمی بـا امضـای رییس ثبت احوال و حسابـدار به حسـاب موضوع مـاده یـک آیین نـامه واریز و فیش بـانکی لازم رادریافت نماید. بند ۳ ـ واریز وجوه دریـافتی در مـدت ماموریت اکیپ‌های سـیار توسط سرپرست اکیپ اعزامی در اولین فرصت و حـداکثر ظرف مدت ۲۴ سـاعت پس ازانجـام مأموریت بـدون در نظر گرفتن روزهای تعطیل با رعایت بنـد ۲ تبصـره ذیل ماده یک آیین نـامه انجام می گیرد. ماده ۲ و تبصـره یک آن ـ که در رابطه با دریافت وجوهی در قبال ارایه خـدمات سـجلی است تبصـره ۲ ـ ارایه رونوشت وفات (شـهادت شهدای گرانقدر بدون اخذ وجه خواهد بود. تبصره ۳ ـ ارایه دهندگان اقرارنامه‌های رسمی ازدواج و یـا طلاـق موظفنـد ، به هنگـام درخـواست ثبت ازدواج و یـا طلاـق در اسـناد سـجلی و شناسـنامه ، وجـوه تعیین شـده را به نحو مقرر پرداخت و رسـید دریافت دارند. تبصره ۴ ـ نماینـدگی‌های دولت جمهوری اسـلامی ایران در خارج کشور ، در قبال انجام خـدمات سجلی ایرانیـان مقیم خـارجه وجوه تعیین شـده را معـادلهم ارز ریـالی آن به ترتیب مورد عمل در مورد حقوق کنسولی به نرخ روز تسـعیر واخـذ و به حساب خزانه واریز و هر سه ماه یک بار گزارش وضـعیت مالی ناشـی از اجرای این ماده از قانون رابه ثبت احوال امور خارجه تهران ارسال نمایند. ماده ۳ ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی ، وزارت امور خارجه ، دادگستری جمهوری اسلامی ایران و سایر وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی که به نحوی از انحا در اجرای این آیین نامه دخالت دارند مکلف به همکاریهای لازم با سازمان ثبت احوال کشور می‌باشند.

آیین نامه طرز رسیدگی هیات های حل اختلاف – مصوب ۱۶ ۸ ۱۳۵۶

ماده ۱ ـ حل اختلاف مربوط به اسناد ثبت احوال موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال به عهده هیات حل اختلاف محل صدور شناسنامه می‌باشـد. تبصـره ـ رسیدگی به درخواست مربوط به اسـناد ثبت احوال که در خارج از کشور تنظیم شده باشد با هیات حل اختلاف ثبت احوال امور خارجه (تهران خواهد بود. ماده ۲ ـ شروع به رسیدگی در هیاتهای حل اختلاف محتاج به تسلیم گزارش مسیولین یا درخواست کتبی صاحبـان اسـناد سـجلی یـا اشـخاص ذینفع یـا قـائم مقـام قانونی و یا نماینـده آنان می‌باشـد. ماده ۳ ـ متقاضـی باید درخواست خود را در برگهای مخصوص و به زبان فارسـی نوشـته و به انضمام فتوکپی یا رونوشت اسناد و مدارک به دفتر هیات‌حل اختلاف محل اقامت یا محل صدور شناسـنامه خود تسـلیم و رسید دریافت دارند. ماده ۴ ـ درخواست باید حاوی مشـخصات و محل اقامت طرفین و موضوع درخواست باشـد. تبصـره ـ در مواردی که متقاضـی درخواست خود را به غیر از محل صدور شناسـنامه خود تسـلیم نمایـد دفتر هیـات حل اختلاف بایستی درخواست وضـمایم را در صورتی که کامل دانست جهت رسـیدگی و اتخاذ تصـمیم مقتضـی به هیات حل اختلاف محل صدور شناسنامه ارسال دارد. ماده ۵ ـ درخواست و کلیه برگهای پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت تعـدد طرف به عـده آنها به علاوه یک نسـخه باشد. ماده ۶ ـ چنانچه درخواست توسط وکیل تسـلیم شود بایـد وکالتنامه رسـمی وکیـل و در صورتی که درخواست را قیم داده باشـد فتوکپی یا رونوشت قیم نامه و به طور کلی رونوشت مـدرکی که مثبت سمت متقاضـی است بایـد پیوست دادخواست باشد. ماده ۷ ـ دفتر هیـات حـل اختلاف بایـد درخواست و برگهای پیوست آن را که برابر مواد بالا تهیه شـده باشـد اخذ و پس از تطبیق فتوکپی یا رونوشت اسـناد و مدارک با اصل ، آنها را گواهی نموده و در صورت کامل بودن درخواست و برگهای پیوست و قبول آنها رسـید به متقاضی تسلیم نماید. ماده ۸ ـ اگر مسیولین ثبت احوال از هیات‌های حل اختلاف درخواست رسیدگی نمایند گزارش آنها باید مستدل و مشـروح و متضـمن موضوع درخواست بوده و عین مدارک به

امضا مأمور یا نماینده ثبت احوال یا مسیول بایگانی اسناد رسیده و فتوکپی یا رونوشت مدرکی که پیوست گزارش است نیز باید از سوی امضا کننده گزارش گواهی شده باشد. ماده ۹ ـ دفتر هیات حل اختلاف محل صدور شناسنامه باید بلافاصله پس از دریافت گزارش یا درخواست ، آن را در دفتر مخصوص ثبت و به هیات حل اختلاف تسلیم نمایند. هیات مذکور چنانچه پرونده را آماده برای رسیدگی و اخذ تصمیم نهایی تشخیص داد، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. در غیر این‌صورت درخواست و ضمایم را برای طرف متقاضی ارسال می‌دارد که ظرف ده روز کتبا پاسخ دهد و پس از وصول پاسخ رسیدگی لازم را انجام می‌دهد،و در صورت ضرورت با تعیین وقت ، متقاضی و طرف را برای اخذ توضیح و رسیدگی دعوت می‌نماید. تبصره ـ تاریخ رسیدگی باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد. مدت مسافت هم طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به موعد مقرر اضافه می گردد. ماده ۱۰ ـ ابلاغ در محل دفتر هیات توسط دفتر و در خارج از محل دفتر هیات ، توسط مأمور ابلاغ ثبت احوال و در خارج از شهرها به وسیله مأمورین ژاندارمری یا دهبانان به عمل میاید. ماده ۱۱ ـ تحویل و ابلاغ درخواست و پیوستها به مأمورین و عودت آنها در دفتر مخصوص ثبت می‌شود. ماده ۱۲ ـ ابلاغ به طریق مذکور در ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل میاید، و متقاضی می‌تواند مأمورین ابلاغ را راهنمایی کند. ماده ۱۳ ـ اگر محل اقامت مخاطب در قلمرو هیات حل اختلاف دیگر باشد، ابلاغ توسط دفتر یا مأمور ابلاغ ثبت احوال همان محل به عمل میاید. ماده ۱۴ ـ دفتر هیات حل اختلاف باید ، یک نسخه از درخواست و پیوستها را در پرونده مخصوص که برای اختلاف مربوط تشکیل می‌دهد بایگانی نماید. ماده ۱۵ ـ دفتر هیات حل اختلاف در صورتی که لایحه ای در مورد درخواست واصل شود آن را پیوست پرونده نموده و در وقت رسیدگی به هیات حل اختلاف تحویل می‌دهد، به هر حال وصول یا عدم وصول لایحه مانع رسیدگی نمی‌باشد. ماده ۱۶ ـ هیات های حل اختلاف می‌توانند جلسه رسیدگی را با رضایت طرفین فقط برای یک بار به تأخیر اندازند. ماده ۱۷ ـ عدم حضور یک طرف مانع ادای توضیحات طرف دیگر و انجام رسیدگی نیست ماده ۱۸ ـ هیات حل اختلاف در وقت رسیدگی باید پرونده را مطالعه و بررسی نموده و پس از ملاحظه اوراق و اسناد مربوط و استماع توضیحات طرفین و درج آن در صورت مجلس (طبق نمونه و اعلام ختم رسیدگی ، رای آن را حداکثر ظرف ۴۸ ساعت صادر نماید. تبصره ـ رای باید کاملا مستدل و مشروح نوشته شود. ماده ۱۹ ـ هیات حل اختلاف پس از امضا رای حق تغییر آن را ندارد. ماده ۲۰ ـ هرگاه هیات حل اختلاف در حین رسیدگی متوجه جعلیت اسناد ثبت احوال گردید ، باید رسیدگی را متوقف ساخته و پرونده امر را ضمن گزارش جامعی از طریق اداره ثبت احوال مربوط جهت پیگیری موضوع و اقدام قانونی به مرکز ارسال دارد. ماده ۲۱ ـ دفتر هیات حل اختلاف مکلف است رای هیات را بلافاصله پس از صدور و ثبت در دفتر مخصوص ، برای ابلاغ به طرفین به نشانی مندرج دردادخواست ارسال دارد. در این صورت ابلاغ برابر احکام مواد ۹۱، ۹۲، ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی کفایت می کند. ماده ۲۲ ـ نمونه برگها و دفاتر مندرج در این آیین نامه توسط سازمان ثبت احوال کشور تهیه و با تایید شورایعالی ثبت احوال مورد استفاده قرار خواهدگرفت اصل تصوینامه در دفتر نخست وزیر است

قانون ازدواج – مصوب ۲۲ ۵ ۱۳۱۰

ماده ۱ ـ در نقاطی که وزارت عدلیه معین و اعلام می‌نماید هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتری که مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه تنظیم می‌شود ، واقع و به ثبت برسد. در نقاط مزبور هر مردی که در غیر از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج و طلاق و رجوع نماید به یک تا شش ماه حبس تادیبی محکوم می‌شود و همین مجازات درباره عاقدی مقرر است که در این نقاط بدون داشتن دفاتر رسمی به اجرای صیغه ازدواج یا طلاق یا رجوع مبادرت نماید. در حوزه‌هایی که آگهی فوق الذکر از طرف وزارت دادگستری نشده است شوهر مکلف است در صورتی که در غیر دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج یا طلاق یا رجوع نماید تا بیست روز پس از وقوع عقد یا طلاق یا رجوع به یکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق رجوع کرده قباله

مزاوجت یا طلاقنامه یا رجوع را به ثبت برساند والا به یک ماه تا شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد. تبصره ـ رسیدگی به تخلفات اداری سردفتران ازدواج و طلاق و تعیین کیفر آنها طبق آیین نامه ای که وزارت دادگستری مقرر خواهد داشت به عمل می‌آید. ماده ۲ ـ قباله ازدواج وطلاقنامه ، در صورتی که مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد، سند رسمی والا سند عادی محسوب خواهدشد. برای ثبت ازدواج و طلاق دولت ، حق الثبت نخواهد گرفت ماده ۳ ـ هرکس بر خلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی باکسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاوجت کند به شش ماه الی دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ تمام نرسیده باشد لااقل به دو الی سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس ، به جزای نقدی از دو هزار ریال الی ۲۰ هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق ، مواقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یامرض دایم زن گردد، مجازات زوج از ۵ الی ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج ، حبس دایم با اعمال شاقه است عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است ، محکوم می‌شوند.محاکمه این اشخاص را وزارت عدلیه می‌تواند به محاکم مخصوص که اصول تشکیلات وترتیب رسیدگی آن به موجب نظامنامه معین می‌شود رجوع‌نماید و در صورت عدم تشکیل محکمه مخصوصی رسیدگی در محاکم عمومی به عمل خواهد آمد. ماده ۴ ـ طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند، مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر در مدت معینی غایب شده یا ترک انفاق نموده یا بر علیه حیات زن سو قصد کرده یا سوءرفتاری نماید که زندگانی زناشویی غیرقابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم قطعی ، خود را به طلاق باین مطلقه سازد. تبصره در مورد این ماده ـ محاکمه بین زن و شوهر در محکمه ابتدایی مطابق اصول محاکمات حقوقی به عمل خواهد آمد حکم بدایت قابل استیناف و تمیز است مدت مرور زمان شش ماه از وقوع امری است که حق استفاده شرط ، می‌دهد. ماده ۵ ـ هر یک از زن و شوهری که قبل از عقد طرف خود را فریبی داده که بدون آن فریب مزاوجت صورت نمی‌گرفت به شش ماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. ماده ۶ ـ هر مردی مکلف است در موقع ازدواج به زن و عاقد صریحا اطلاع دهد که زن دیگر دارد یا نه این نکته در قباله مزاوجت قید می‌شود. مردی که در موقع ازدواج برخلاف واقع خود را بی‌زن قلمداد کرده و از این حیث زن را فریب دهد به مجازات فوق محکوم خواهد گردید. ماده ۷ ـ تعقیب جزایی در مورد دو ماده فوق بسته به شکایت زن یا مردی است که طرف او را فریب داده است و هرگاه قبل از صدور حکم قطعی ، مدعی‌خصوصی شکایت خود را مسترد داشت تعقیب جزایی موقوف خواهد شد. ماده ۸ ـ زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. ماده ۹ ـ نفقه زن بر عهده شوهر است تبصره ـ نفقه عبارت است از مسکن و لباس و غذا و اثاث البیت به طور مناسب ماده ۱۰ ـ زن می‌تواند در مورد استنکاف شوهر از دان نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محمکه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. هرگاه اجرای حکم مزبور ممکن نباشد، زن می‌تواند برای تفریق از طریق محاکم عدلیه به محاکم شرع رجوع کند. ماده ۱۱ ـ تعیین منزل زن با شوهر است مگر خلاف آن شرط شده باشد. ماده ۱۲ ـ در مواردی که زن ثابت کند ترک منزل به سبب خوف ضرر بدنی یا مالی است که عادتا نمی‌توان تحمل کرد و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور ، محکمه حکم بازگشت به منزل نخواهد داد و مادام که زن در بازنگشتن به منزل معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. ماده ۱۳ ـ در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته ، محل سکنای زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی ، محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین ، منزل زن را تعیین خواهد نمود و در صورتی که اقربایی نباشد محکمه خود محل مورد اطمینانی را معین‌خواهد کرد. ماده ۱۴ ـ زن می‌تواند در دارایی خود بدون اجازه شوهر هر تصرفی را که می‌خواهد بکند. ماده ۱۵ ـ نسبت به حق نگاهداری اطفال ، مادر تا دو سال از تاریخ ولایت اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حق نگاهداری با پدر است مگر

نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم آنها حق حضانت با مادر خواهد بود. ماده ۱۶ ـ اگر مادر طفل در مدتی که حق حضانت با اوست به دیگری شوهر کند یا مبتلا به جنون شود یا از حضانت امتناع نماید مادام که یکی از علل مذکور باقی است پدر از اولاد نگاهداری خواهد کرد. ماده ۱۷ ـ ازدواج مسلمه با غیر مسلم ممنوع است ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص بوده ودولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه ، معین نماید. هر خارجی که بدون اجازه مذکور در فوق زن ایرانی را ازدواج نماید به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۸ ـ در مورد عقد و طلاقی که در دفاتر مذکوره در ماده اول قانون به ثبت برسد آن قسمتی از مقررات مواد ۴ و ۵ قانون سجل احوال مصوب بیستم مردادماه ۱۳۰۷ که مربوط به اعلام وقوع عقد و طلاق است لازم الرعایه نخواهد بود. ماده ۱۹ ـ نظامنامه‌های لازم برای اجرای این قانون را وزارت عدلیه ، تنظیم خواهد کرد. ماده ۲۰ ـ این قانون از اول مهرماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق – مصوب ۱۷ مهرماه ۱۳۱۰

نظر به مدلول ماده ۱ قانون ثبت ازدواج و طلاق وزارت عدلیه موارد ذیل را مقرر می‌دارد ماده اول ـ دفاتر ثبت ازدواج و طلاق مجلد بوده و کلیه صفحات آن به امضای مدعی العموم یا نماینده او رسیده و به مهر پارکه ممهور خواهد شد و به علاوه در ظهر صفحه اول و آخر دفتر نیز تعداد کلیه صفحات با تمام حروف قید و از طرف مدعی العموم یا نماینده او ممضی و ممهور می‌شود. تبصره ـ مدعی‌العموم می‌تواند با اجازه وزارت عدلیه برای امضا و مهر ترتیب دیگری را مقرر دارد. ماده دوم ـ عبارت ثبت باید خوانا و واضح بوده مبلغ و تاریخ و نمره ثبت باید لااقل یک مرتبه با تمام حروف در خود دفتر و در روی اوراق ازدواج وطلاق نوشته شود در صورت اختلاف آنچه که با تمام حروف نوشته شده معتبر است ماده سوم ـ فاصله سطور باید به یک اندازه باشد. سطور از حدودی که در روی دفتر برای ابتدا و انتهای سطور معین شده نباید تجاوز کند. ماده چهارم ـ بالا بردن سطور در آخر سطر ممنوع و هرجا که سطر به انتها رسید باید بقیه مطلب را به سطر بعد برد جای سفید گذاردن و تصحیح و اضافه مجاز نیست ماده پنجم ـ اگر صاحب دفتر اشتباها جای سفید گذارد یا مجبور به تصحیح و اضافات شد مطابق مقررات ذیل باید عمل شود ۱ ـ جای سفید باید به وسیله دو خطی که همدیگر را تقاطع کند از حیز استفاده انداخته شود. ۲ ـ روی کلمات زیادی باید خط نازکی کشیده شود. ۳ ـ تصحیح و اضافات باید در ستون ملاحظات دفتر نوشته شده و به امضای صاحب دفتر برسد و ربط آن به وسیله راده معین گردد و ابطال جای سفید وهمچنین حذف کلمات زیادی و تصحیح و اضافات باید در آخر ثبت سند ازدواج یا طلاق قبل از امضا قید شود. ماده ششم ـ تراشیدن و پاک کردن و الحاق کردن به هر نحوی از انحا در دفاتر ثبت ازدواج و طلاق ممنوع است به الحاقات و آنچه که به جای کلمات تراشیده یا پاک شده نوشته شده باشد ادارات و محاکم عدلیه ترتیب اثر نخواهند داد. ماده هفتم ـ در صورتی که هویت زوجین نزد صاحب دفتر محرز نباشد بایستی دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضورا هویت آنان را تصدیق و مراتب در دفتر قید و به امضای معرفین رسیده و این نکته در روی اوراق نیز قید شود ـ مانعی نیست که معرفین یک طرف معرف طرف دیگر نیز باشند. ماده هشتم ـ اشخاص کور یا گنگ یا کر یا محجور یا غیربالغ یا غیررشید نمی‌توانند معرف یا شاهدباشند. ماده نهم ـ در صورتی که هویت طرفین یا یک طرف نزد صاحب دفتر محرز نشود باید از ثبت امتناع کند. ماده دهم ـ برای ثبت عقد مزاوجت زوج و زوجه باید شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله ذیل ثبت عقد را در دفتر و ذیل ورقه ازدواج مذکور در ماده۱۴ را امضا کنند. برای ثبت طلاق ، طلاق دهنده باید ذیل ثبت طلاق را در دفتر و ذیل طلاق نامه مذکوره در ماده ۱۴ را شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله امضا نماید. هرگاه زوجین یا یکی از آنها بی سواد باشند باید یک نفر مطلع باسواد که طرف اعتماد شخص بی‌سواد باشد در دفتر حاضر گردد و اگر چه از جمله شهود یا معرفین زوجین باشد. شخص معتمد باسواد باید ثبت سند ازدواج یا طلاق را برای شخص بی سواد قرائت نماید و این قرائت و رضایت شخص بی سواد به مفاد ثبت باید در ذیل ثبت سند مزبور قید

گردد و علامت انگشت شخص بی سواد ذیل آن گذارده شود مراتب مزبوره و علامت انگشت شخص بی سواد را شخص معتمد تصدیق و امضا نماید. کلیه مقرراتی که مخالف با مواد فوق است منسوخ می‌باشد. ماده یازدهم ـ در صورتی که امضا مذکور در ماده فوق به توسط وکیل به عمل آید وکالت نامه باید به تصدیق کمیساریا و یا امین صلح و یا نایب الحکومه و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی رسیده و ضبط شود مگر اینکه موکل شخصا در نزد صاحب دفتر حاضر و به شخصی که وکالتا امضا می‌نماید وکالت دهد که در این صورت صاحب دفتر باید در دفتر خود وقوع وکالت را نیز قید و امضا کند. ماده دوازدهم ـ هرگاه زوجین یا یک طرف از آنها کر یا گنگ و یا کور باشند علاوه بر معرفین هر یک باید در معیت خود یک نفر از معتمدین خود را حاضر نمایند. شخص معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از اشخاصی باشند که بتوانند به آنها با اشاره مطلب را بفهماند و این نکته صراحتا باید در متن دفتر و در ستون ملاحظات قید و به امضا صاحب دفتر برسد. ماده سیزدهم ـ در دفتر ثبت نکاح و طلاق باید نکات ذیل قید شود الف ـ برای عقد مزاوجت ۱ ـ نمره و تاریخ ثبت با تمام حروف ۲ ـ تاریخ وقوع عقد (روز ـ ماه ـ سال با تمام حروف ۳ ـ اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنها تردیدی نباشد. ۴ ـ نکاح دائم است یا منقطع و در صورت انقطاع مدت آن چیست ۵ ـ مهر. ۶ ـ سایر شرایط ضمن عقد نکاح و یا ضمن عقد لازم دیگر که بین زوجین مقرر شده است ۷ ـ امضا اشخاص مذکور در ماده ۱۰. ب ـ برای طلاق ۱ ـ نمره و تاریخ ثبت با تمام حروف ۲ ـ تاریخ وقوع طلاق (روز ـ ماه ـ سال با تمام حروف ۳ ـ اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنان تردیدی نباشد. ۴ ـ نوع طلاق از رجعی و باین و در صورت رجعی بودن تصریح به اینکه دفعه چندم است ۵ ـ امضا اشخاص مذکور در ماده ۱۰. ماده چهاردهم ـ صاحب دفتر مکلف است که فورا پس از ثبت نکاح یا طلاق دو نسخه از سواد ثبت را تهیه و پس از امضا اشخاصی که دفتر ثبت را امضا کرده اند به هر یک از زوجین یا زوجین سابق یک نسخه بدهد. ماده پانزدهم ـ اوراق عقد و طلاقی که مطابق مقررات این نظامنامه به ثبت برسد سند رسمی بوده و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبرخواهد بود مگر اینکه مجعولیت آن ثابت شود. در مورد مهریه سند رسمی ازدواج بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجرا به تقاضای زوجه یا قائم مقام قانونی او صادر خواهد شد. ماده شانزدهم ـ به موجب بند ج ماده یک آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۲۸ ۹ ۱۳۲۲ ملغی شده است

آیین نامه متحد الشکل شدن ثبت عقد ازدواج و طلاق – مصوب ۲۰ ۵ ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی

برای اینکه مسئله ثبت عقد ازدواج و طلاق در دفاتر مربوطه متحد الشکل بوده و کلیه دفاتر از روی یک اسلوب عمل ثبت را انجام بدهند دستورات ذیل را مقرر می‌دارد ۱ ـ در هر حوزه ای که از طرف وزارت عدلیه بر طبق ماده اول قانون ازدواج اعلام شده باشد کلیه ازدواج و طلاق هایی که در حوزه مزبور واقع بشود باید در یکی از دفاتر به ثبت برسد ولو اینکه طرفین ازدواج ساکن آن محل نباشد. ۲ ـ برای تشخیص سن ورقه هویت صادره از سجل احوال مدرک بوده و دفاتر ملزم به خواستن تصدیق دیگر نخواهند بود. ۳ ـ بر طبق دستور نظامنامه نمره ۲۳۴۳۴ برای اینکه سند ازدواج و طلاق سند رسمی محسوب شود علاوه بر سایر شرایط مقرره در نظامنامه لااقل باید شش امضا را به طریق ذیل داشته باشد ۱ ـ زن و شوهر در سند ازدواج ـ شوهر در طلاقنامه ۲ ـ مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق ۳ ـ امضای دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند لااقل دارای ۶ امضا باشد. و اگر مجری صیغه عقد ازدواج یک نفر باشد در این صورت لااقل امضای ۳ نفرشاهد لازم است ۴ ـ در مواردی که اموال غیر منقول مهر قرار داده می‌شود برای اینکه سند ازدواج نسبت به ملک هم رسمیت حاصل نماید اگر ملک ثبت شده باشد و صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی هم باشد بایستی ورقه ازدواج را در دفتر اسناد رسمی هم مطابق مقررات ثبت نموده و خلاصه آن را مطابق مقررات قانون و نظامنامه ثبت تهیه نموده به دفتر املاک بفرستد و اگر ملک ثبت نشده باشد بایستی سند ازدواج را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند. و در صورتی که صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی نباشد بایستی سند ازدواج را تحت مسئولیت خود به یکی از دفاتر اسناد

رسمی حوزه خودو اگر در آن حوزه دفتر اسناد رسمی نباشد به یکی از نزدیکترین دفاتر اسناد رسمی حوزه مربوطه ارسال دارد تا مطابق مقررات به ثبت برسد. و البته در همه موارد حق الثبت قانونی ملك برای ثبت در دفتر اسناد رسمی اخذ خواهد شد. ۵ ـ عقد ازدواج و طلاقی که در خارج از حوزه ماموریت صاحب دفتر واقع شده و در محل وقوع عقد یا طلاق ، دفتر رسمی ازدواج و طلاق وجود نداشته در صورتی که متناکحین بخواهند به آن عقد یا طلاق رسمیت بدهند بایستی در یکی از دفاتر ازدواج و طلاق حاضر شده و بر طبق مقررات قانون و نظامنامه تشریفات ثبت را در دفتر و ورقه ازدواج یا طلاق تکمیل کنند. ۶ ـ به موجب ماده ۱۰۳ نظامنامه اداره کل احصاییه و سجل احوال ملغی شده است ۷ ـ در مورد عقد انقطاع در صورتی که زوج در حین مدت بخواهد از بقیه مدت صرفنظر کند بایستی در نزد صاحب دفتر حاضر شده و صاحب دفتر هم بذل بقیه مدت را در ستون ملاحظات دفتر و در ورقه عقدنامه قید و به امضای خود و زوج رسانیده و به علاوه سوادی از ورقه عقدنامه برداشته و بذل‌بقیه مدت را در آن قید نموده و به امضای خود و زوج رسانیده و آن سواد را به توسط اداره ثبت محل برای زوجه ارسال بدارد. در مورد طلاق و همچنین در مورد رجوع نیز به طریق فوق باید رفتار شود. ۸ ـ در مواردی که هویت زوج یا زوجه نزد صاحب دفتر محرز نبوده و در بین شهود عقد اشخاصی باشند که معرفی آنها برای احراز هویت نزد صاحب دفتر کافی باشد شهود مزبور می‌توانند معرف واقع شوند و خواستن معرف علیحده الزامی نیست ۹ ـ برای اینکه بین ورقه عقد ازدواج و یا طلاقنامه و ثبت آن در دفتر هیچ قسم اختلافی بروز نکند صاحبان دفاتر بایستی بدوا صورت عقدنامه یا طلاقنامه را در خارج تهیه و بعد در دفتر وارد و ثبت کرده سواد آن را بر طبق دستور ماده ۱۴ نظامنامه روی اوراق چاپی در دو نسخه نقل کنند.

آیین نامه ماده اول قانون ازدواج – مصوب تیر ماه ۱۳۱۲

ماده اول ـ دفتر ازدواج و طلاق از یکدیگر تفکیک شده و هریک از دو دفتر مستقلا تهیه و طبع خواهد شد. ماده دوم ـ صاحبان دفاتر طلاق ممکن است دارای دفتر ازدواج هم باشند. ماده سوم ـ عده دفاتر طلاق هر شهر یا ناحیه از طرف وزارت عدلیه تعیین و اسامی صاحبان آنها برای اطلاع اهالی اعلان خواهد شد.

نظامنامه ماده ۲ قانون ثبت ازدواج و طلاق – مصوب آبان ماه ۱۳۱۰

نظر به مدلول ماده ۲ قانون ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۱۰ و در تعقیب نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مورخه ۱۷ مهرماه ۱۳۱۰ وزارت عدلیه مقرر می‌دارد ماده ۱ ـ ذیل ثبت ازدواج و طلاق در دفتر به امضای مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق خواهد رسید. ماده ۲ ـ سند ازدواج یا طلاق برای اینکه سند رسمی محسوب شود لازم است علاوه بر سایر شرایط مقرر در نظامنامه مذکور فوق به امضا اشخاص‌ذیل برسد ۱ ـ زن و شوهر در سند ازدواج ـ شوهر در طلاقنامه ۲ ـ مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق ۳ ـ امضاء دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند مجموعا دارای لااقل شش امضا باشد. تبصره ـ هرگاه زن و شوهر یا بعضی از شهود سواد نداشته باشند به جای امضا علامت انگشت خواهند گذارد.

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق – مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق – مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق – مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق – مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این

قانون زوجهایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیمابین از طریق دادگاه و حکمین ، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آن طور که قرآن کریم فرموده است حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقهایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خاطی ، سلب صلاحیت به‌عمل خواهد آمد. تبصره ۱ ـ نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه مدنی خاص است که آیین نامه اجرایی آن ظرف دو ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. تبصره ۲ ـ گزارش کتبی مبنی بر عدم امکان سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و نیزتعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و حل و فصل مسایل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی‌زوجین در صورتی که برای دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد به دادگاه باید تحویل گردد. تبصره ۳ ـ اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر ، موکول به تادیه حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه ، نفقه ، جهیزیه و غیر آن به صورت نقد می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه بذل شده و یا رضایت زوجه ویا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق الذکر. تبصره ۴ ـ در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است و در صورت تحقق رجوع صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع در مهلت مقرر ، صورتجلسه طلاق تکمیل و ثبت می گردد ، صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضا زوجین و حکمین وعدلین و سردفتر و مهر دفترخانه معتبر است تبصره ۵ ـ دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می‌تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات مشاور زن داشته باشد. تبصره ۶ ـ (مصوب ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام) پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعا به‌عهده وی نبوده است دادگاه بدوا از طریق تصالح نسبت به تامین خواسته زوجه اقدام می‌نماید. و در صورت عدم امکان تصالح ، چنانچه ضمن‌عقد یا عقد خارج لازم ، در خصوص امور مالی ، شرطی شده باشد طبق آن عمل می‌شود، در غیر این صورت ، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد،و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سو اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود الف ـ چنانچه زوجه کارهایی را که شرعا به عهده وی نبوده به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و بپرداخت آن حکم می‌نماید. ب ـ در غیر مورد بند (الف با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وضع مالی زوج ، دادگاه مبلغی را ازباب بخشش (نحله برای زوجه تعیین می‌نماید. تبصره ۷ ـ گواهی وجود یا عدم وجود جنین توسط پزشک ذی صلاح و آزمایشگاه مربوطه باید تحویل گردد.

قانون تفسیر تبصره‌های ۳و ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق – مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب

موضوع استفساریه نظر به اینکه در مورد تبصره‌های ۳ و ۶ (قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق) که با اصلاحاتی در تاریخ ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است جمعی معتقدند که مستفاد از تبصره ۳ قانون مذکور این است که تمام حقوق زوجه نسبت به زوج اعم از نفقه و جهیزیه و مهر و غیر آن (که اجرت المثل خدمات زوجه و نحله که در تبصره ۶ آمده نیز از حقوق زوجه است باید قبل از اجرای صیغه طلاق به زوجه تادیه شود و درحقیقت تبصره ۶ مصداق برای تبصره ۳ تعیین می کند، و مکمل آن است و جمع دیگر معتقدند که تبصره ۶ مستقل از تبصره ۳ است و اجرت المثل و نحله که در این تبصره آمده پس از اجرای صیغه طلاق با درخواست مجدد زوجه از دادگاه رسیدگی و حکم داده می‌شود و رسیدگی به آنها قبل از اجرای صیغه طلاق وجهه قانونی ندارد. مستدعی است نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت

نظام ماده واحده ـ منظور از کلمه (پس از طلاق)در ابتدای تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب مورخ ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ، پس از احراز عدم امکان سازش توسط دادگاه است بنابراین طبق موارد مذکور در بند ۳ عمل خواهد شد.

آیین نامه اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق – مصوب ۲ اسفندماه

(شماره ۲۳۰۶ ـ ۹ ۱۲ ۱۳۷۱ روزنامه رسمی) ماده ۱ ـ نسبت به درخواستهای طلاق که از طرف زوجین یا یکی از آنها به دادگاه مدنی خاص تسلیم میشود، چنانچه اختلاف فیمابین از طریق دادگاه حل و فصل نگردید، رسیدگی به موضوع با صدور قرار به داوری ارجاع میگردد. تبصره ـ داوری در این قانون تابع شرایط مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی نمیباشد. ماده ۲ ـ پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری ، هریک از زوجین مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ ، یک نفر از اقارب خود را که واجد شرایط مقرر در این آیین نامه هستند، به عنوان داور به دادگاه معرفی نمایند. ماده ۳ ـ در صورتی که در بین اقارب ، فرد واجد شرایط نبوده یا دسترسی به آنان مقدور نباشد و یا اقارب ، از پذیرش داوری استنکاف نمایند، هریک از زوجین میتواند داور خود را از بین افراد دیگر که واجد صلاحیت هستند، تعیین و معرفی نماید و در صورت امتناع یا عدم توانایی در معرفی داور ، دادگاه رأسا از بین افراد واجد شرایط مبادرت به تعیین داور یا داوران خواهد کرد. ماده ۴ ـ داوران منتخب و یا منصوب باید واجد شرایط زیر باشند ۱ ـ مسلمان ۲ ـ آشنایی نسبی به مسایل شرعی ، خانوادگی و اجتماعی . ۳ ـ حداقل چهل سال تمام ۴ ـ متأهل ۵ ـ معتمد. ۶ ـ عدم اشتهار به فسق و فساد. ماده ۵ ـ پس از معرفی و انتخاب داوران ، دادگاه بلافاصله در وقت فوق‌العاده جلسه توجیهی تشکیل داده و وظایف آنان را گوشزد و ارشادات لازم خواهدنمود. ماده ۶ ـ مهلت اعلام نظر داوران از سوی دادگاه تعیین میگردد، داوران میتوانند از دادگاه تقاضای تمدید مهلت نمایند و در صورتی که دادگاه درخواست را ضروری تشخیص داد مهلت را تمدید مینماید. ماده ۷ ـ داوران منتخب یا منصوب ، مکلفند با تشکیل حداقل دو جلسه با حضور زوجین ، سعی و اهتمام در رفع اختلاف و اصلاح ذات البین نمایند و درصورتی که رفع اختلاف به عمل نیامد یا یکی از زوجین از حضور در جلسات مقرر خودداری نمود ، با تشکیل جلسات دیگر با حضور زوجین یا یکی از آنان و یا بدون حضور آنان ، نسبت به موارد اختلاف ، بررسی نموده و نظر خود را بر امکان یا عدم امکان سازش ، در مهلت تعیین شده به دادگاه تسلیم نمایند. ماده ۸ ـ در هر مورد که داوران یا یکی از آنان درخواست حق الزحمه داوری نمایند ، دادگاه حق الزحمه متناسبی برای وی تعیین و دستور اخذ آن و پرداخت به داور را خواهد داد. حق الزحمه مقرر در وهله اول از شخصی که داور از سوی وی انتخاب و یا برای وی نصب شده است دریافت خواهد شدو چنانچه دادگاه مقتضی بداند دستور وصول آن را بالمناصفه از طرفین و یا از متقاضی طلاق خواهد داد. ماده ۹ ـ این آیین نامه در ۹ ماده و یک تبصره توسط وزیر دادگستری تهیه و در تاریخ ۲۱ ۲ ۱۳۷۱ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش – مصوب آبانماه ۱۳۷۶

(شماره ۲۶۹۱۵۳۸۴۷۶ روزنامه رسمی کشور) ماده واحده ـ گواهی صادره از مراجع قضایی در خصوص عدم امکان سازش بین زن و شوهر، چنانچه ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ ، به دفتر ثبت طلاق تسلیم نشود، از اعتبار ساقط خواهد بود. در صورتی که ظرف مدت مقرر گواهی یاد شده جهت اجرای طلاق تسلیم دفتر ثبت طلاق شود سردفتر مکلف است به طرفین اعلام نماید تا جهت اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حضور یابند ، در صورت عدم حضور هر یک از طرفین در وقت مقرر ، برای مرتبه دوم حداکثر ظرف مدت یک ماه دعوت وبه شرح ذیل عمل خواهد شد الف ـ در صورت امتناع زوجه از حضور ، زوج صیغه طلاق را جاری و پس از

ثبت به وسیله دفتر خانه به اطلاع زوجه رسانده می‌شود. ب ـ در صورت امتناع زوج از حضور و اجرای طلاق دفتر مراتب را تایید و به‌دادگاه صادرکننده گواهی اعلام می‌دارد. دادگاه به درخواست زوجه زوج را احضار و در صورت امتناع از حضور ، دادگاه با رعایت جهات شرعی صیغه طلاق را جاری و دستور ثبت و اعلام آن را به دفتر ثبت طلاق صادر می کند. ج ـ در صورتی که زوج به دفترخانه مراجعه ولی از اجرای صیغه طلاق امتناع نماید مطابق بند (ب عمل خواهد شد.

تعرفه حق التحریر اسناد ازدواج و طلاق – مصوب ۶ ۶ ۱۳۷۹

با توجه به گذشت بیش از چهارسال از تعیین تعرفه حق التحریر ازدواج و طلاق و با استفاده از ملاک ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی وکانون سردفتران ودفتریاران و بنا به اختیار تفویضی شماره ۱۰۱۵۵۸۳۱ ـ ۱۶ ۷ ۱۳۸۳ ریاست محترم قوه قضاییه و لحاظ نمودن نرخ تورم چهارساله بر اساس اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بدینوسیله تعرفه حق التحریر تنظیم و ثبت واقعه ازدواج یا طلاق و رجوع به مابذل و بذل مدت و همچنین صدور اجراییه و تهیه رونوشت از وقایع ثبت شده در دفاتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق از اول تیرماه سال جاری به شرح زیر تعیین می گردد الف ازدواج ۱ ـ در صورتی که مهریه تا ده میلیون ریال باشد ۱۰۰۰۰۰ ریال ۲ ـ در صورتی که مهریه تا بیست و پنج میلیون ریال باشد۲۰۰۰۰۰ ریال ۳ ـ در صورتی که مهریه تا پنجاه میلیون ریال باشد ۳۰۰۰۰۰ ریال ۴ ـ در صورتی که مهریه پنجاه میلیون ریال به بالا باشد ۴۵۰۰۰۰ ریال ب طلاق مدت واقعه طلاق اعم از رجعی و باین ۳۰۰۰۰۰ ریال صدور اجراییه و تهیه رونوشت و ثبت رجوع و بذل مدت ۱ ـ صدور اجراییه ۵۰۰۰ ریال ۲ ـ تهیه رونوشت از ثبت واقعه ازدواج یا طلاق ۵۰۰۰ ریال ۳ ـ ثبت رجوع و رجوع به مابذل و بذل مدت ۵۰۰۰ ریال تبصره ۱ ـ در صورتیکه واقعه ازدواج فاقد مهریه باشد مشمول حق التحریر بند ۱ ازدواج می‌باشد.

قانون حمایت خانواده – مصوب سال ۱۳۵۳

ماده ۱ ـ به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم امین در دادگاههای شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش رسیدگی می‌شود و رسیدگی به امور مذکور در تمام مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲ ـ منظور از دعاوی خانوادگی ، دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر درکتاب هفتم در نکاح و طلاق (منجمله دعوی مربوط به جهیزیه و مهر زن و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی همچنین از مواد ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد. ماده ۳ ـ دادگاه می‌تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن شدن موضوع دعوی واحقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطلعین و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که مقتضی باشد انجام دهد. ماده ۴ ـ دادگاه هر یک از طرفین را که بی بضاعت تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی و حق کارشناسی و حق داوری و سایر هزینه‌ها معاف می‌نماید. همچنین در صورت لزوم رأسا وکیل معاضدتی برای او تعیین خواهد کرد. در صورتی که طرف بی بضاعت محکوم له شود محکوم علیه اگر بضاعت داشته باشد به موجب رای دادگاه ملزم به پرداخت هزینه های مذکور و حق الوکاله وکیل معاضدتی خواهد گردید. وکلا و کارشناسان مذکور مکلف به انجام دستور دادگاه می‌باشند. ماده ۵ ـ دادگاه در صورت تقاضای هر یک از طرفین مکلف است موضوع دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند رأسا نیز دعوی را به داوری ارجاع خواهد کرد. داوری در این قانون تابع شرایط داوری مندرج در قانون آیین دادرسی

نمی‌باشد. مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. در صورت عدم وصول نظر مذکور تا پایان مدت مقرر دادگاه رأسا رسیدگی خواهد کرد مگر اینکه طرفین به تمدید مدت تراضی نمایند یا دادگاه تمدید مدت را مقتضی تشخیص دهد. تبصره ـ درصورتی که طرفین به تعیین داور تراضی نکرده یا داور خود را معرفی ننمایند دادگاه داور یا داوران را به ترتیب از اقربا یا دوستان یا آشنایان آنان انتخاب خواهد کرد هرگاه اشخاص مذکور از قبول داوری امتناع کرده یا انتخاب آنان از جهت عدم حضور در محل یا جهات دیگر میسر نباشد افرادیگری به داوری انتخاب می‌شوند. ماده ۶ ـ داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و در صورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقررکتبا به دادگاه اعلام می‌نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می‌شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به دادگاه اعلام نمایند. در صورتیکه طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای‌نظر داور را صادر می‌نماید مگر اینکه رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی الاثر می‌شود. هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا درموعد مقرر جوابی ندهد یا رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به موضوع رسیدگی نموده‌حسب مورد رای مقتضی یا گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۷ ـ هر گاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی را علیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل اقامت زن صالح به رسیدگی خواهد بود. در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر طرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت تبصره ـ در موارد مذکور در این قانون اگر طرفین اختلاف مقیم خارج از کشور باشند می‌توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه نمایند. در این مورد هرگاه ذینفع نسبت به احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی معترض و مدعی عدم رعایت مقررات و قوانین ایران باشد می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم یا تصمیم قطعی اعتراض خود را با ذکر دلایل و پیوست نمودن مدارک و مستندات آن از طریق کنسولگری ایران در کشور محل توقف به دادگاه شهرستان تهران ارسال نماید دادگاه به موضوع رسیدگی کرده و رای مقتضی صادر می‌کند و به دستور دادگاه رونوشت رای برای اقدام قانونی به کنسولگری مربوط ارسال می‌گردد. ثبت احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی در مواردی که قانونا باید در اسناد سجلی یا دفتر کنسولگری ثبت شود در صورت توافق طرفین یا درصورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بلااشکال است و الا موکول به اعلام رای قطعی دادگاه شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۸ ـ در موارد زیر زن یا شوهر حسب مورد می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید ودادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد ۱ ـ توافق زوجین برای طلاق ۲ ـ استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه همچنین درموردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد. ۳ ـ عدم تمکین زن از شوهر ۴ ـ سو رفتار و یا سو معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه زندگی را برای طرف دیگر غیرقابل تحمل نماید. ۵ ـ ابتلا ـ هر یک از زوجین به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد. ۶ ـ جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد. ۷ ـ عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد. ۸ ـ محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعا منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. ۹ ـ ابتلا به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیر ممکن سازد. ۱۰ ـ هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید. ۱۱ ـ هر یک از زوجین خانوادگی را ترک کند تشخیص ترک زندگی خانوادگی با دادگاه است ۱۲ ـ محکومیت قطعی هر یک از زوجین

در اثر ارتکـاب جرمی که مغـایر بـا حیـثیت خـانوادگی و شـئون طرف دیگر باشـد. تشـخیص اینکه جرمی مغـایر بـا حیثیت و شـئون خـانوادگی است بـا توجه به وضع و موقع طرفین و عرف و موازین دیگر با دادگاه است ۱۳ ـ در صـورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضـای طرف دیگر همچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصـیات جسـمی نتواننـد از یکـدیگر صـاحب اولاد شوند. ۱۴ ـ در مورد غـایب مفقودالا‌ـثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قـانون مـدنی تبصـره ـ طلاقی که موجب این قانون و بر اساس گواهی عـدم امکان سازش واقع می‌شود فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عـده قابل رجوع است ماده ۹ ـ در مورد ماده ۴ قانون ازدواج هرگاه یکی از طرفین عقـد بخواهـد از وکالت خود در طلاق اسـتفاده نمایـد بایـد طبق ماده قبل به دادگاه مراجعه کند ودادگاه در صورت احراز تخلف از شـرط ، گواهی عـدم امکان سازش صادر خواهـد کرد. ماده ۱۰ـ اجرای صـیغه طلاق و ثبت آن پس از رسیدگی دادگـاه و صـدور گواهی عـدم امکـان سـازش صورت خواهـد گرفت متقاضـی گواهی عـدم امکـان سـازش باید تقاضانامه‌ای به دادگاه تسلیم نماید که در آن علل تقاضا به طور موجه قید گردد. پس از وصول تقاضانامه دادگاه رأسا یا به وسیله داور یاداوران سعی در اصلاح بین زن و شوهر و جلوگیری از وقوع طلاق خواهد کرد هرگاه مساعی دادگاه برای حصول سازش به نتیجه نرسد با توجه به ماده ۸ این قانون گواهی عـدم امکان سازش صادر خواهد کرد. دفتر طلاق پس از دریافت گواهی مذکور به اجرای صیغه طلاق و ثبت آن اقدام خواهد نمود. هر یک از طرفین عقد بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه‌ای از شـش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای سردفتری که طلاق را ثبت نماید. ماده ۱۱ ـ دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سو رفتار و قصور طرف دیگر باشـد او رابا توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نماید مشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یـا ایجـاد درآمـد کافی برای او یا کاهش درآمـد یا عسـرت محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسـب مورد تقلیل یافته یا قطع خواهـد شـد. در موردی که گواهی عدم امکان سازش به جهات مندرج در بندهای ۵ و۶ ماده ۸ صادر شده باشـد مقرری ماهانه با رعایت شـرایط مذکور به مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشـروط به اینکه مرض یا جنون بعداز عقد ازدواج حادث شـده باشـد و در صورت اعاده سـلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد. ماده ۱۲ ـ در کلیه مواردی که گواهی عـدم امکـان سـازش صـادر می‌شود دادگـاه ترتیب نگاهـداری اطفـال و میزان نفقه ایـام عـده را بـا توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصـلحت اطفـال معین می‌کنـد و اگر قرار شود فرزنـدان نزد مادر یا شـخص دیگری بماننـد ترتیب نگاهـداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید نفقه زوجه از عواید و دارایی مرد و نفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر درماده ۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و حتی از حقوق بازنشسـتگی استیفا خواهـد گردیـد. دادگاه مبلغی را که بایـد از عوایـد یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین و طریقه اطمینان بخشـی برای پرداخت آن مقرر می‌کند دادگاه همچنین ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفی معین می‌کنـد حق ملاقات با طفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشـخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود. تبصـره ۱ ـ اطفالی که والـدین آنـان قبل از تصویب این قانون از یکـدیگر جـدا شده‌انـد در صورتی که به طریق اطمینان بخشـی ترتیب هزینه و نگاهـداری وحضانت آنان داده نشده باشد مشـمول مقررات این قانون خواهند بود. تبصـره ۲ ـ پرداخت نفقه قـانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم است ماده ۱۳ ـ در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقربای طفل یا دادسـتان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضـرورت دارد (اعم از اینکه قبلا تصـمیمی در این مورد اتخاذ شـده یا نشـده باشد) و یا به طریق اطمینان بخشـی ترتیب نگاهـداری و حضانت طفل داده نشـده باشدداد‌گاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسـی که مقتضـی بدانـد محول می‌کنـد و هزینه حضانت به عهده کسـی است که به موجب تصـمیم دادگاه مکلف به پرداخت آن می‌شود. ماده ۱۴ ـ هرگاه دادگاه خـانواده تشـخیص دهـد کسـی که حضـانت طفـل به او محـول شـده از انجـام تکـالیف مربوط به حضـانت خودداری کرده یـا مـانع

ملاقات‌طفل با اشخاص ذیحق شود او را برای هربار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود. تبصره ۱ ـ پدر یا مادر کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی‌توانند طفل را به شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل از وقوع طلاق و یا به خارج از کشور بدون رضایت والدین بفرستند مگر در صورت ضرورت با کسب اجازه از دادگاه تبصره ۲ ـ وجوه موضوع این ماده و ماده ۱۱ به صندوق حمایت خانواده که از طرف دولت تاسیس می‌شود پرداخت خواهد شد. نحوه پرداخت وجوه مذکور به اشخاص ذینفع طبق آیین نامه ای است که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵ ـ طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می‌باشد در صورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم قدرت و لیاقت او در اداره امور صغیر یا فوت پدربه تقاضای دادستان و تصویب دادگاه شهرستان حق ولایت به هر یک از جد پدری یا مادر تعلق می گیرد مگر اینکه عدم صلاحیت آنان احراز شود که دراین صورت حسب مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد دادگاه در صورت اقتضا اداره امور صغیر را از طرف جد پدری یا مادر تحت نظارت دادستان قرار خواهد داد. در صورتی که مادر صغیر شوهر اختیار کند حق ولایت او ساقط خواهد شد در این صورت اگر صغیر جد پدری نداشته یا جد پدری صالح برای اداره امور صغیر نباشد دادگاه به پیشنهاد دادستان حسب مورد مادر صغیر یا شخص صالح دیگری را به عنوان امین یا قیم تعیین خواهد کرد. امین به تشخیص دادگاه مستقلا یا تحت نظر دادستان امور صغیر را اداره خواهد کرد. ماده ۱۶ ـ مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر ۱ ـ رضایت همسر اول ۲ ـ عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳ ـ عدم تمکین زن از شوهر ۴ ـ ابتلا زن به جنون یا امراض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ ۵ – محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸ ۶ ـ ابتلا زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸ ۷ ـ ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸ ـ عقیم بودن زن ۹ ـ غایب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸. ماده ۱۷ ـ متقاضی باید تقاضانامه ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلائل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد. به هرحال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد. ماده ۱۸ ـ شوهر میتواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواندازدادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می کند. ماده ۱۹ ـ تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می‌باشد ۱ ـ صدور گواهی عدم امکان سازش ۲ ـ تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگاهداری اطفال ۳ ـ حضانت اطفال ۴ ـ حق ملاقات با اطفال ۵ ـ اجازه مقرر در ماده ۱۶ تبصره ـ در مورد بندهای ۲ و۳ و ۴ این ماده هرگاه در وضع طفل یا والدین یا سرپرستی که از طرف دادگاه معین شده تغییری حاصل شود که تجدید نظردر میزان نفقه یا هزینه نگاهداری یا حضانت یا حق ملاقات با اطفال را ایجاب کند دادگاه می‌تواند در تصمیم قبلی خود تجدیدنظر نماید. ماده ۲۰ ـ طرفین دعوی یا هر یک از آنها می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه نگاهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری قرار دهد و قراری در این باره صادر کند دستور موقت دادگاه فورا به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲۱ ـ مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از

تاریخ صدور است در صورتی که ظرف این مدت گواهی مذکور به دفتر طلاق تسلیم نشود ازدرجه اعتبار ساقط می گردد. دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف دیگر اخطار می‌نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یکی از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید. ماده ۲۲ ـ هرکس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید به حبس جنحه ای از سه ماه یا یک سال محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد. ماده ۲۳ ـ ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذلک در مواردی که مصالحی اقتضاکند استثنائا در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاوجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد. تبصره ـ در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می کند دفاتر ازدواج مکلفند علاوه بر مطالبه گواهینامه مذکور در ماده ۲ قانون گواهینامه ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ گواهی صحت مزاج نسبت به عوامل یا بیماری‌های دیگری که موجب بروز بیماری یا عوارض سو در اولاد یا زوجین خواهد شد نیز مطالبه نماید. نوع عوامل و بیماری‌های مذکور را وزارت بهداری و وزارت دادگستری تعیین خواهند نمود. ماده ۲۴ ـ رسیدگی به امور خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاچی انجام خواهد گرفت ماده ۲۵ ـ اجرای احکام دادگاه به موجب آیین نامه‌ای است که از طرف وزارت دادگستری تهیه خواهد شد. تبصره ـ در مورد وجوهی که به موجب حکم دادگاه باید ماهانه و مستمرا از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجراییه کافی است و مأمورین اجرا مکلفند عملیات اجرایی را مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است ، ادامه دهند. ماده ۲۶ ـ مقررات این قانون در مورد پرونده هایی که تا کنون منتهی به صدور حکم نهایی نشده است قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۷ ـ آیین نامه اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا خواهد گذاشت ماده ۲۸ ـ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است

آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده – مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴ هیأت وزیران

(روزنامه رسمی شماره ۸۸۴۶ ـ ۳۱۲۵۴) ماده ۱ ـ اقامه دعوی و تقاضای رسیدگی و اقدام در امور موضوع قانون حمایت خانواده به طور شفاهی یا وسیله درخواست کتبی به عمل می‌آید. هرگاه درخواست شفاهی باشد اظهار خواهان وسیله منشی یا مدیر دفتر دادگاه در صورت مجلس قید و به امضای او می‌رسد. ماده ۲ ـ درخواست شفاهی یا کتبی باید مشتمل بر امور زیر باشد ۱ ـ نام و نام خانوادگی ـ شغل ـ محل کار یا محل سکونت طرفین با ذکر مشخصات کامل ۲ ـ موضوع درخواست با ذکر علل و دلایل آن ۳ ـ در صورتی که درخواست کننده عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت یا وکالت داشته باشد باید سمت خود را در درخواست تصریح و مدارک آن را تسلیم نماید. تبصره ـ در دادگاه خانواده طرفین می‌توانند به اقربا خود تا درجه سوم نیز وکالت دهند. ماده ۳ ـ تنظیم درخواست در اوراق چاپی مخصوص الزامی نیست ولی باید در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن در پرونده امر ضبط شده و نسخه دیگر برای طرف فرستاده شود. ماده ۴ ـ هزینه دادرسی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی در موقع درخواست از خواهان وصول خواهد شد مگر این که دادگاه خواهان را بی بضاعت تشخیص دهد که در این صورت او را از پرداخت هزینه معاف خواهد نمود. ماده ۵ ـ در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی یا معلوم نبودن نشانی خوانده به خواهان اخطار می‌شود که ظرف پنج روز از

تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت ، نقص در خواست را رفع نماید. در صورت عدم رفع نقص و همچنین در صورتی که نشانی خواهان معلوم نباشد دادگاه دادخواست را ابطال خواهد کرد. تبصره ـ در صورتی که خواهان خوانده را مجهول المکان معرفی نماید باید آخرین محل اقامت او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به هر طریقی لازم بداند دراین مورد تحقیق نموده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. ماده ۶ ـ پس از وصول درخواست نسخه دوم آن با ضمایم به دستور دادگاه جهت ابلاغ به خوانده ارسال و طرفین برای رسیدگی دعوت می‌شوند. درصورتی که درخواست شفاهی باشد مفاد درخواست با ضمایم آن به وسیله اخطاریه به خوانده ابلاغ خواهد شد. ماده۷ ـ عدم حضور طرفین یا یکی از آنها در جلسه با ابلاغ وقت مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست ولی اگر حضور خواهان جهت ادای توضیح لازم باشد دادگاه موارد توضیح را در صورت مجلس قید و مفاد آن را ضمن تعیین وقت برای جلسه دیگر به خواهان ابلاغ می‌نماید و اگر خواهان در این جلسه نیز حاضر نشود دادخواست او ابطال خواهد شد. ماده ۸ ـ در مواردی که دعوی به داوری ارجاع می‌شود دادگاه طرفین را برای انتخاب داور یا داوران دعوت می کند. ماده ۹ ـ هرگاه داور یا داوران از قبول داوری امتناع نموده یا استعفا کنند دادگاه به انتخاب داور یا داوران جدید اقدام می‌نماید و در صورتی که داور یاداوران بار دیگر از قبول داوری امتناع یا استعفا نمایند دادگاه رأسا به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۰ ـ در مواردی که تعداد داوران سه نفر بوده و یکی از آنها در نیمه دوم مهلت داوری استعفا کند رای اکثریت داوران مناط اعتبار است در این مورد و در مواردی که دو نفر داور انتخاب شده و رای آنها مختلف باشد دادگاه رأسا به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱ ـ منظور از اعتیاد مضر هر نوع ابتلا به مواد مخدر یا نوشابه های الکلی یا قمار یا امثال و نظایر آنها است که استمرار داشته و موجب صدمات وخسارات جسمانی مادی و معنوی شخص معتاد یا همسر یا اولاد زوجین گردد. ماده ۱۲ ـ حق ملاقات با اطفال کمتر از یک بار در ماه نخواهد بود. ماده ۱۳ ـ ترتیب ثبوت حجر و خیانت و رفع حجر یا عدم قدرت و لیاقت و احراز عدم صلاحیت و عزل و نصب قیم و ضم امین و تعیین امین موقت درمورد مواد ۱ و ۱۵ قانون حمایت خانواده طبق مقررات قانون امور حسبی خواهد بود.

آیین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده – مصوب ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۴

شماره ۹۵۷ ـ۱۲۱۵۴ ماده ۱ ـ اجرای احکام و تصمیمات قطعی دادگاه خانواده جز در مواردی که در این آیین نامه استثنا شده ، محتاج به درخواست ذینفع است تبصره ـ تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر طلاق و اجازه نامه ازدواج مجدد به دفتر ازدواج در حکم درخواست اجرای تصمیمات دادگاه است ماده ۲ ـ در مورد تصمیمات راجع به حضانت و نفقه اطفال و تعیین تکلیف در امور حسبی ومورد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده دادگاه راسا دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب مقتضی بداند به مامورین اجرا یا کارمندان دفتر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری و سایرمامورین انتظامی‌می‌دهد. ماده ۳ ـ اجرای سایر احکام و تصمیمات دادگاه به ترتیب مقرر در اجرای احکام مدنی با رعایت تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده به عمل خواهدآمد. ماده ۴ ـ در موردکلیه احکام و تصمیمات راجع به امور مالی هرگاه کسی که ملزم به پرداخت مورد حکم یا تصمیم دادگاه گردیده از هریک از سازمان ها و موسسات عمومی یا بخش خصوصی حقوق و مستمری یا کارمزد دریافت نماید دادگاه می تواند دستور کسر حقوق یا مستمری یا کارمزد او را به میزانی که در اجرای احکام مدنی مقرر گردیده بدهد. کسر وجوه مذکور و تادیه آن به عهده رئیس یا مدیر یا مسئول سازمان یا موسسه یا کارفرما خواهد بود. ماده ۵ ـ در مورد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده ، روسا و مدیران و مسئولین سازمان ها و موسسات عمومی و خصوصی و کارفرمایان مکلفند تصمیم دادگاه را در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه اجراء نمایند. ماده ۶ ـ دفاتر طلاق مکلفند به محض ارائه گواهی عدم امکان سازش آن را در دفتر مخصوص ثبت کرده و رسید مشتمل بر نام زوج و زوجه و شماره و تاریخ ثبت از روز و ماه و سال به ارائه کننده گواهی تسلیم و به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده اقدام نمایند. ماده ۷ ـ دفاتر طلاق مکلفند رونوشت طلاق نامه را بلافاصله پس از ثبت طلاق به دفتر دادگاه صادر کننده

گواهی عدم امکان سازش ارسال نمایند.

قانون حفظ اعتبار اسناد سجل و جلوگیری از تزلزل آنها – مصوب دوم بهمن ۱۳۶۷

(روزنامه رسمی شماره ۱۲۸۲۰ ـ ۸ ۱۲ ۱۳۶۷) ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون تغییر تاریخ تولد اشخاص ممنوع است . تبصره ـ صاحب شناسنامه تنها یکبار در طول عمر و در صورتی که اختلاف سن واقعی با سن مندرج در اسناد سجلی به تشخیص کمیسیونی مرکب ازفرماندار یا بخشدار ، رییس اداره ثبت احوال محل و پزشک منتخب ، مدیرعامل سازمان بهداری استان و رییس شورای اسلامی شهر و یا بخش محل صدور شناسنامه و با عضویت و ریاست قاضی دادگاه صالحه محل تشکیل می گردد بیش از پنج سال باشد می‌تواند سن خود را اصلاح نماید.

قانون لغو قانون انگشت نگاری عمومی مصوب ۲۷ ۲ ۱۳۶۲

مصوب ۷ ۳ ۱۳۶۸ ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون قانون راجع به انگشت نگاری عمومی مصوب ۲۷ ۲ ۱۳۶۲ ملغی است تبصره ـ به منظور دسترسی به هویت حقیقی اشخاص و گروه هایی که دولت صلاح می‌داند به ترتیبی که طبق آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد انگشت نگاری به عمل می‌آید . آیین نامه اجرای این قانون به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران ظرف مدت یک ماه تهیه و ابلاغ خواهد شد.

آیین نامه اجرایی تبصره ذیل ماده واحده لغو قانون انگشت نگاری عمومی – مصوب ۷ ۵ ۱۳۶۸

ماده ۱ ـ در اجرای آیین نامه مذکور از افراد مشروحه زیر انگشت نگاری به عمل خواهد آمد الف ـ کلیه متقاضیان گواهی عدم سو پیشینه با معرفی مراجع دولتی ذیربط ب ـ کلیه افرادی که به استناد ماده ۴۵ قانون ثبت احوال در مورد تابعیت آنها تردید حاصل شده و پرونده آنان به شورای تامین شهرستان یا استان احاله‌گردیده است و نیز افراد بالاتر از ۱۵ سال که فاقد اسناد سجلی هستند با معرفی ادارات ثبت احوال هر محل ج ـ پناهندگان و آوارگان و معاودین و همچنین افراد غیر ایرانی که به هر دلیل بدون در دست داشتن گذرنامه ، روادید معتبر و سایر مدارک مربوطه به‌کشور وارد می‌شوند با معرفی مرجع ذیربط جهت صدور مدارک اقامتی د ـ کلیه افرادی که به تابعیت جمهوری اسلامی ایران در می‌آیند. ه ـ کلیه مشمولین ماده ۹۸۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران و ـ گروه های دیگری که بنا به درخواست مراجع ذیصلاح و موافقت شورای امنیت کشور نیاز به ضبط اثر انگشت آنان باشد. ماده ۲ ـ اداره تشخیص هویت مکلف است کلاسمان آثار انگشتان کلیه افرادی را که از آنان انگشت نگاری به عمل آورده‌اند در شناسنامه آنان درج و درکارت مخصوص ثبت و نگهداری نموده و یک نسخه از کلاسمان مربوطه را به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه ارسال دارد. تبصره ۱ ـ اثر انگشت سبابه دست راست افرادی که انگشت نگاری می‌شوند در شناسنامه آنان و همچنین در مدارک اقامتی افراد مذکور در بند ج ماده یک منعکس می‌شود، در صورت فقدان انگشت سبابه دست راست و یا داشتن ضایعه طبق ضوابط فنی اداره تشخیص هویت اقدام می‌شود. تبصره ۲ ـ کلاسه آثار انگشتان افراد مشکوک التابعه به اداره ثبت احوال محل درخواست و کلاسمان آثار انگشتان افراد مذکور در بند ج ماده یک به اداره ثبت احوال امور خارجه سازمان ثبت احوال کشور اعلام می گردد. تبصره ۳ ـ اثر انگشت سبابه دست راست کلیه افراد ۱۵ سال به بالاـ در شناسنامه آنان توسط ثبت احوال منعکس می‌شود. تبصره ۴ ـ درج کلاسه و اخذ اثر انگشت فقط بر روی شناسنامه‌های جدید جمهوری اسلامی به عمل می‌آید. ماده ۳ ـ ادارات ثبت احوال مکلفند کلاسمان آثار انگشتان اعلام شده از طریق اداره تشخیص هویت را در اسناد سجلی مربوطه ثبت و در

مواقع اصلاح یا تعویض در شناسنامه آنان درج نمایند. ماده ۴ ـ در صورت عدم تطبیق مشخصات مندرج در کارت انگشت نگاری با مشخصات مندرج در اسناد سجلی مراتب از سوی اداره ثبت احوال محل کتبا به شهربانی جمهوری اسلامی و یا به اداره تشخیص هویت جهت اصلاح و تکمیل کارت انگشت نگاری و یا پیگیری موضوع اعلام می گردد. ماده ۵ ـ هرگاه اداره تشخیص هویت و مراکز ذیصلاح (مربوطه به دو یا چند کارت انگشت نگاری متعلق به شخص واحدی که از مشخصات متفاوت سجلی استفاده نموده برخورد نمایند مکلفند مراتب را با ذکر مشخصات کامل به ثبت احوال محل صدور شناسنامه اعلام دارند. ماده ۶ ـ ادارات ثبت احوال مکلفند مشخصات کامل و کلاسمان آثار انگشتان شهدا و متوفیان ثبت شده را به اداره تشخیص هویت اعلام دارند. ماده ۷ ـ کلیه وزارتخانه ها و سازمانها و مؤسسات دولتی که به نحوی از ارباب رجوع و متقاضیان خودخواهان انگشت نگاری هستند موظف به ایجادتسهیلات و هماهنگی و همکاری های لازمه با اداره تشخیص هویت می‌باشند. ماده ۸ ـ چنانچه در مراحل اجرای این آیین نامه به موارد پیش‌بینی نشده‌ای برخورد شود ، کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور و سازمان ثبت احوال و شهربانی مسیول رسیدگی وحل قانونی موضوع بوده و تصمیمات متخذه توسط این کمیسیون با تصویب وزیر کشور قابل اجرا خواهد بود. ماده ۹ ـ همزمان با اجرای این آیین نامه شهربانی جمهوری اسلامی ایران مقدمات کامپیوتری نمودن بایگانی انگشت نگاری اشخاص را فراهم خواهدآورد. ماده ۱۰ ـ پرسنل تجهیزات و امکانات و اعتبارات لازمه جهت اجرای این آیین‌نامه به پیشنهاد وزارت کشور از طریق دولت تامین و در اختیار شهربانی جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرد. ماده ۱۱ ـ از تاریخ ابلاغ این مصوبه کلیه آیین نامه‌ها و مقررات مغایر با آن ملغی خواهد بود.

قانون تخلفات ، جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه – مصوب ۱۰ ۵ ۱۳۷۰

(روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۳۹ ـ۱۳ ۶ ۱۳۷۰) ماده ۱ ـ به منظور التزام افراد به حفظ اسناد سجلی و شناسنامه هزینه صدور شناسنامه المثنی و یا گواهی موقت ناشی از فقدان شناسنامه برای اولین بار مبلغ ۵۰۰۰ ریال و برای بار دوم ۲۰۰۰۰ ریال و در مورد بعد ۱۰۰۰۰۰ ریال تعیین می گردد صدور المثنی موکول به پرداخت هزینه های فوق می‌باشد . تبصره ۱ ـ دریافت کنندگان شناسنامه المثنی مکلفند درصورت پیدا شدن شناسنامه اصلی ظرف ده روز نسبت به تحویل شناسنامه المثنی به اداره ثبت احوال مربوطه اقدام نمایند. متخلف به مجازات استفاده کنندگان از شناسنامه مکرر محکوم می‌شود. تبصره ۲ ـ چنانچه به تشخیص اداره ثبت احوال فقدان شناسنامه براثر امور غیر مترقبه و خارج از حیطه اختیار باشد برای صدور المثنی فقط هزینه مقرر در آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۵ قانون ثبت احوال اصلاحی سال ۱۳۶۳ دریافت خواهد شد. ماده ۲ ـ اشخاص زیر به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند الف ـ اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت بر خلاف واقع اظهاری نمایند. ب ـ اشخاصی که عالما عامدا پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده نموده یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی علیه و یا به دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد به نام هویت خود استفاده نمایند. افرادی که شناسنامه خود را در اختیار استفاده کنندگان فوق قرار دهند به همان مجازات محکوم می‌شوند. ج ـ ماما یا پزشکی که درمورد ولادت یا وفات گواهی خلاف واقع صادر کند. د ـ اشخاصی که در مورد ولادت یا وفات شهادت دروغ بدهند و شهادت آنان در تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات موثر واقع شود. تبصره ـ در کلیه موارد مذکور در فوق مرتکب در صورت تکرار به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ اشخاصی که از وظایف مقرر در مواد ۱۶ و ۱۹ و ۲۴و ۲۶ و تبصره ماده ۲۶ و تبصره یک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ قانون ثبت احوال خودداری کنند علاوه بر الزام به انجام تکالیف قانونی به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم خواهند شد . ماده ۴ ـ اشخاصی که با داشتن شناسنامه

اقدام به اخذ المثنی نمایند به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند و در صورت تکرار دادگاه مکلف به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد . ماده ۵ ـ هر کس به مهر کردن غیر مجاز شناسنامه های معتبر اقدام نماید به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال ودرصورت تکرار به‌پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. مجازت تکرار بیش از دوبار علاوه بر جزای نقدی حبس از ۹۱ روز تا یک سال خواهد بود. ماده ۶ ـ هر یک از کارکنان دولت اعم از لشکری یا کشوری و همچنین کارکنان موسسات عمومی و شرکت‌های دولتی و موسسات وابسته به دولت و بانک ها و نهادهای قانونی به مهر کردن غیرمجاز شناسنامه های معتبر اقدام نماید. علاوه بر مجازات های اداری و جبران خسارت وارده بر حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۵ این قانون محکوم خواهد شد. ماده ۷ ـ هر یک از کارمندان و مسیولین دولتی اعم از لشکری یا کشوری و همچنین کارکنان موسسات دولتی و عمومی بانکها و شرکتهای دولتی ونهادهای قانونی و دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق در ارتباط با انجام وظایف قانونی خود شناسنامه هایی را که فاقد اعتبار اعلام شده ملاک انجام کار قرار دهد علاوه بر مجازاتهای اداری وانتظامی و جبران خسارات وارده به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. درصورت تکرار دادگاه مکلف به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد . ماده ۸ ـ دارندگان اسناد سجلی فاقد اعتبار در صورت استفاده از آنها علاوه بر الزام به تعویض به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند. ماده ۹ ـ هر کس برای فرار از تعقیب یا اجرای مجازات قانونی وی یا به قصد اقدام به خروج غیر مجاز از کشور مبادرت به استفاده از شناسنامه دیگر به‌نام هویت خود نماید علاوه بر تحمل مجازات اصلی به حبس از یک سال تا سه سال وبه پرداخت جریمه از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۰ ـ هر کس در شناسنامه یا اسناد سجلی خود یا دیگری هر گونه خدشه از قبیل خراشیدن یاتراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن وارد نماید به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. در صورتی که اقدامات مذکوره به قصد متقلبانه انجام یافته باشد مرتکب به مجازات جعل در اسناد رسمی به کیفیت مقرر درقوانین جزایی محکوم می‌شود در صورت تکرار دادگاه مکلف به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد . ماده ۱۱ ـ هر غیر ایرانی که قبل از تحصیل تابعیت ایرانی با ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شود به حبس از یکسال تا سه سال و پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۲ ـ هر غیر ایرانی که شناسنامه افراد ایرانی را چه صاحب آن زنده یا مرده باشد به هر طریق به دست آورده واز آن برای ایرانی قلمداد کردن هویت خود استفاده نماید علاوه بر محکومیت به حبس از دو سال تا پنج سال و به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم‌می‌شود. در صورتی که اعمال ارتکابی فوق توأم با جعل یا استفاده از اسناد سجلی مجعول باشد مرتکب به حداکثر هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۱۳ ـ هرکس اقدام به چاپ غیر مجاز اوراق و اسناد سجلی و یا ساخت و تهیه غیر مجاز مهرهای سجلی یا سرقت آن نماید به حبس از دو سال تا پنج سال و پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود و در صورت تکرار به اشد هر دو مجازات محکوم می‌شود. ماده ۱۴ ـ هر کس از اوراق چاپی مذکور درماده فوق با علم و آگاهی استفاده نماید به حبس از یک سال تاسه سال و به پرداخت جریمه از ۵۰۰۰۰۰ ریال‌تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۵ ـ خرید و فروش شناسنامه و اسناد سجلی جرم محسوب و هر یک از مرتکبین به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۰۰۰ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند در صورت تکرار به اشد مجازات مذکور محکوم و در صورت تبدیل به حرفه علاوه بر محکومیت به حداکثر جزای نقدی فوق به‌حبس از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۶ ـ کسانی که برای ارتکاب جرایم مندرج دراین قانون به تشکیل باند و شبکه اقدام نمایند هر یک به حبس از پنج سال تا پانزده سال و پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند. ماده ۱۷ ـ مأمورینی که عالما در وقوع جرایم مذکور دراین قانون به هر نحوی از انحا کمک نمایند یا گواهی‌های خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی‌خود قرار دهند به مجازات مرتکب اصلی

محکوم خواهند شد. ماده ۱۸ ـ هر یک از کارکنان سازمان ثبت احوال درتهران و شهرستان ها مکلفند به محض اطلاع از وقوع هر یک از جرایم موضوع این قانون مراتب را فورا از طریق روسای واحدهای مربوطه جهت رسیدگی و تعقیب متهمین به مراجع ذیصلاح قضایی اعلام نمایند. ماده ۱۹ ـ اعمال مجازات‌های این قانون مانع از وصول هزینه‌های مقرر در آیین نامه های اجرایی ماده ۳۵ قانون ثبت احوال نخواهد بود. ماده ۲۰ ـ قوانینی که مغایر با مقررات این قانون نباشد به قوت و اعتبار خود باقی است ماده ۲۱ ـ درکلیه جرایم موضوع این قانون چنانچه از اقدام مرتکب خساراتی متوجه دولت یا اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی گردد حق مطالبه خسارات برای زیان دیده محفوظ می‌باشد. ماده ۲۲ ـ در صورتی که مرتکبین جرایم مذکور در این قانون از افراد غیر ایرانی باشند پس از تحمل مجازات دادگاه می‌تواند آنها را از کشور اخراج نماید. ماده ۲۳ ـ کلیه وجوه حاصل از اجرای این قانون به حساب درآمد عمومی منظور می‌شود.

قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی – مصوب ۱۷ ۲ ۱۳۷۶

(روزنامه رسمی شماره ۱۵۲۲۷ ـ۲۴ ۳ ۱۳۷۶) ماده ۱ ـ وزارت‌خانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن موظفند با رعایت قوانین و مقررات برای کلیه اتباع ایرانی شماره ملی و کد پستی اختصاص دهند. ماده ۲ ـ کلیه اشخاص حقیقی وحقوقی وزارتخانه‌ها سازمان‌ها شرکت‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت ، دانشگاه‌ها ، بانک ها ، شهرداری ها ، نهادها انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌ها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظفند از شماره ملی و کدپستی ده رقمی که توسط سازمان ثبت احوال کشور و در قالب کارت شناسایی با همکاری شرکت پست جمهوری اسلامی ایران برای شناسایی افراد و اشخاص و محل کار یا سکونت آنها حسب مورد اختصاص خواهد یافت تبعیت نموده و به کار گیرند. ماده ۳ ـ کارت یاد شده در ماده فوق به عنوان سند شناسایی اتباع ایرانی و مشمول کلیه احکام حقوقی و کیفری مربوط است وباید همیشه همراه صاحب آن باشد. تبصره ـ دارنده کارت در صورت تغییر محل سکونت یا کار خود باید مراتب را در اولین فرصت ممکن به سازمان ثبت احوال کشور اطلاع دهد. ماده ۴ ـ صدور هر گونه کارت شناسایی اداری یا صنفی یا گواهی نامه رانندگی و مشابه آنها بدون درج شماره ملی و کدپستی ممنوع است تبصره ـ کارت های شناسایی اداری صنفی یا گواهی نامه رانندگی و مشابه آنها که قبل از تصویب واجرای این قانون صادر شده‌اند تا زمانی که شرایط برای تعویض آنها به شکل جدید فراهم نگردیده معتبر خواهند بود. ماده ۵ ـ دولت موظف است هزینه‌های اجرای طرح شماره ملی و کد پستی را در بودجه دستگاه‌های اجرایی مربوط پیش بینی نماید . ماده ۶ ـ آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن ظرف مدت ۲ ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهدرسید .

آیین نامه اجرایی قانون الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی – مصوب ۱۳

(روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۳۲ ـ۱۷ ۱۲ ۱۳۷۸) ماده ۱ ـ در این آیین نامه اصطلاحات و واژه های زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند الف ـ سازمان سازمان ثبت احوال کشور . ب ـ شرکت شرکت پست جمهوری اسلامی ایران . پ ـ قانون قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی مصوب ۱۳۷۶. ت ـ شماره ملی عددی است ده رقمی و منحصر به فرد که توسط سازمان برای هر فرد ایرانی تعیین و به وی اختصاص داده می‌شود. ث ـ کدپستی عددی است ده رقمی و یگانه که توسط شرکت تنها برای شناسایی هر مکان تعیین و به آن اختصاص داده می‌شود ج ـ محل سکونت مکانی است که شخص اظهار می‌دارد که در آنجا زندگی می کند . چ ـ کارت شناسایی ملی سند شناسایی اتباع ایرانی است که توسط سازمان صادر می‌شود و در آن

مشخصات فردی شماره ملی و کدپستی محل سکونت دارنده کارت درج می‌شود. ماده ۲ ـ کلیه افراد بالای ۱۵ سال سن موظفند پس از اعلام سازمان با در دست داشتن مدارک لازم و برابر زمانبندی برای دریافت و تکمیل فرم‌درخواست کارت شناسایی خویش اقدام نمایند. تبصره ـ اعتبار اولین کارت شناسایی ملی از تاریخ صدور به مدت ۷ سال است .تغییر اعتبار در دوره‌های بعد بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ماده ۳ ـ صاحب کارت مکلف است با تغییر محل سکونت یا تغییر هر یک از اقلام اطلاعاتی کارت شناسایی یا پایان مدت اعتبار کارت نسبت به تعویض کارت شناسایی ملی خود اقدام نماید. تبصره ـ با ثبت واقعه وفات هر فرد کارت شناسایی متوفی باطل و از درجه اعتبار ساقط می‌شود. ماده ۴ ـ کلیه دستگاه های موضوع ماده ۲ قانون موظفند پایگاه های اطلاعات خود را به نحوی سامان دهند که هر فرد با شماره ملی و کدپستی در کلیه سیستم‌های اختصاصی مربوط شناخته شود. تبصره ـ پایگاه اطلاعات جمعیت سازمان تنها مرجع رسمی اطلاعات افراد به شرح موضوع ماده ۵ این آیین نامه است . ماده ۵ ـ سازمان مکلف است نسبت به ابلاغ اطلاعات فردی افراد تحت پوشش دستگاه متقاضی مشتمل بر نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، شماره شناسنامه ، محل صدور ، تاریخ تولد ، سریال شناسنامه ، شماره ملی و کدپستی براساس درخواست بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوط اقدام نماید. تبصره ۱ ـ سازمان موظف است نسبت به تحویل اطلاعات فردی از طریق پایانه و محیط های مغناطیسی و یا براساس روش هایی که به تصویب هیات موضوع ماده ۱۴ این آیین نامه می‌رسد اقدام نماید. تبصره ۲ ـ اولویت تحویل اطلاعات فردی و کدپستی به دستگاه های اجرایی توسط هیات موضوع ماده ۱۴ این آیین نامه تعیین می‌شود و حداکثر تا ۶ ماه پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه تحویل اطلاعات فردی و کدپستی به کلیه دستگاه های موضوع ماده ۲ قانون لازم الاجرا است ماده ۶ ـ کلیه دستگاه‌های موضوع ماه ۲ قانون موظفند یک سال پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه نسبت به درج شماره ملی وکد پستی درهر گونه کارت شناسایی اداری یا صنفی یا گواهینامه رانندگی و موارد مشابه اقدام نمایند . ارایه خدماتی که نیاز به کسب اطلاعات فردی دارد موکول به اخذ شماره ملی و کدپستی از متقاضیان است . ماده ۷ ـ به منظور تسریع در ابلاغ شماره ملی و کدپستی و رفع مغایرت های احتمالی قبل از صدور کارت شناسایی ملی سازمان موظف است با همکاری شرکت ظرف سه ماه شماره ملی و کدپستی را از طریق کارت یا نامه رسمی حاوی مشخصات فردی شامل شماره ملی ، نام ، نام خانوادگی ، نام پدر و کدپستی ابلاغ نماید . تبصره ـ سازمان برنامه و بودجه نسبت به تامین اعتبار اجرای این ماده اقدام های لازم را به عمل خواهد آورد . ماده ۸ ـ کلیه وزارتخانه ها ، سازمان ها ، شرکت‌ها ، موسسات دولتی و عمومی مکلفند ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه با همکاری شرکت نسبت به جایگزینی کدپستی با کد شناسایی اماکن متعلق به خود اقدام نمایند . تبصره ـ شرکت موظف است اقدام های لازم را در زمینه بهنگام سازی اطلاعات کدپستی و ارایه آن به سازمان ها انجام دهد . ماده ۹ ـ شهرداری ها و بخشداری های سراسر کشور موظفند با همکاری شرکت طی سال اول برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نصب پلاکهای کدپستی ده رقمی در محل ورودی اماکن اقدام نمایند تا جایگزین پلاک های شناسایی موجود شود. تبصره ـ شهرداری ها و بخشداری ها موظفند هر ماه تغییرات اماکن معابر و ساخت و ساز ساختمان ها را به اداره پست محدوده فعالیت خود اطلاع دهند. ماده ۱۰ ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی پس از اجرای ماده ۸ این آیین نامه مکلفند در هنگام صدور هر نوع کارت سر برگ اوراق تبلیغاتی پروانه گواهی نامه و موارد مشابه آن کدپستی ده رقمی را قید نمایند. ماده ۱۱ ـ ادارات ثبت اسناد و املاک کشور دفترخانه‌های اسناد رسمی دفاتر ازدواج و طلاق ، بنگاه های معاملاتی و کلیه واحدهای ذیربط موظفند در هنگام تنظیم اسناد ، نسبت به درج شماره ملی و کدپستی ده رقمی افراد ، متعاملین و مورد معامله در اسناد مربوط اقدام نمایند . ماده ۱۲ ـ سازمان ثبت اسناد واملاک کشور موظف است جهت مکانیزه نمودن اطلاعات و اسناد ملکی و ایجاد پایگاه اطلاعات و اجرای طرح کاداستر شماره ملی مالك یا مالکان و کدپستی ملك را به کار گیرد. ماده ۱۳ ـ کلیه دستگاههای متقاضی شماره ملی و کدپستی موظفند برابر تعرفه‌هایی که به تصویب هیات موضوع ماده (۱۴) این آیین نامه

می‌رسد ،هزینه‌های مربوط را پرداخت نمایند. ماده ۱۴ ـ به منظور هدایت ، نظارت و تهیه زمان‌بندی اجرایی ، دستورالعمل ها و پیگیری موارد ذیربط در امر ابلاغ شماره ملی ، کدپستی و صدور کارت شناسایی ملی و پایگاه های اطلاعات فردی دستگاه ها ، هیاتی مرکب از نمایندگان تام الاختیار سازمان ثبت احوال کشور سازمان برنامه و بودجه ، شرکت‌پست جمهوری اسلامی ایران و سازمان امور اداری و استخدامی کشور به مسئولیت سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شود. تبصره ـ هیات موضوع این ماده موظف است هر ۳ ماه یک بار گزارش عملکرد این آیین نامه را به هیات وزیران ارایه نماید .

آیین نامه رسیدگی به تخلفات اداری سردفتران ازدواج و طلاق و تعیین کیفر آنان – مصوب ۱۳۲۰

وزارت دادگستری نظر به تبصره مصوب ۲۶ مردادماه ۱۳۲۰ الحاقی به ماده اول قانون ازدواج اصلاح شده در ۱۳۱۶ مقرر میدارد ماده ۱ ـ مرجع بازرسی و رسیدگی مقدماتی نسبت به تخلفات و شکایات و اصل از سردفتران ازدواج و طلاق ، اداره امور اسناد است و دادرسی انتظامی آنان در دادگاه انتظامی و تجدیدنظر رسیدگی آن در دادگاه تجدیدنظری که به تخلفات سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی رسیدگی مینماید ، به عمل‌خواهد آمد. وظایف دادستانی را دادستان دادگاههای نامبرده انجام میدهد. ماده ۲ ـ طرز تعقیب سردفتران ازدواج و طلاق همان است که در فصل هفتم آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی در مواد ۳۱ تا ۳۵ مقرر شده و ماده ۳۹ و۴۰ قانون دفتر اسناد رسمی درباره سردفتران ازدواج و طلاق نیز رعایت میشود. ماده ۳ ـ مجازات انتظامی تخلف سردفتران ازدواج و طلاق به قرار زیر است ۱ ـ توبیخ زبانی ۲ ـ توبیخ کتبی ۳ ـ کیفر نقدی از سی ریال تا پانصد ریال ۴ ـ انفصال موقت از دو ماه تا یک سال ۵ ـ انفصال دایم از شغل سردفتری ازدواج یا طلاق یا هر دوی آنها. و رأی دادگاه بدوی نسبت به سردفتر در قسمت فقرات ۳ و ۴ و ۵ قابل تجدیدنظر و تکرار تخلف موجب تشدید است ماده ۴ ـ در ضمن رسیدگی به تخلف سردفتران ازدواج و طلاق ، دادگاه میتواند به صلاحیت علمی و عملی و اخلاقی سردفتر راجع به امور ازدواج و طلاق رسیدگی نموده و رای شایسته را صادر نماید. ماده ۵ ـ در صورتی که تخلف جنبه کیفری داشته باشد، رسیدگی انتظامی موکول به حصول نتیجه قطعی رسیدگی کیفری است و چنانچه سردفتر دردادگاهی که مرجع رسیدگی کیفری است برایت حاصل نمود، در دادگاه انتظامی به تخلف وی رسیدگی میشود. ماده ۶ ـ این آیین نامه در تهران ده روز پس از انتشار در مجله رسمی وزارت دادگستری و در شهرستانها با رعایت مسافت قانونی قابل اجرا میباشد.

نظامنامه مربوط به انتخاب سران دفاتر ازدواج و طلاق و نقل و انتقال آنان

(روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۷۰ ـ۳۰ ۹ ۱۳۷۸) ماده ۱ ـ دفتر ازدواج و طلاق از یکدیگر تفکیک شده و هر یک از این دو دفتر جداگانه تهیه و چاپ خواهد شد. ماده ۲ ـ اشخاص زیر را می‌توان به سردفتری ازدواج از طریق آزمون کتبی و مصاحبه حضوری انتخاب نمود. ۱ ـ دارندگان مدرک کارشناسی یا بالاتر در رشته حقوق ، علوم ثبتی ، الهیات و معارف اسلامی (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی . ۲ ـ دارندگان گواهی پایان سطح عالی با تایید شورای مدیریت حوزه علمیه قم ۳ ـ دارندگان گواهی افتا از مراجع مسلم اهل سنت که به تایید رییس قوه قضاییه رسیده باشد. تبصره ۱ ـ افرادی که قبل از تصویب این آیین نامه در آزمون های مربوطه شرکت کرده و قبول شده‌اند صدور ابلاغ آنان موکول به شرکت در مصاحبه حضوری و کسب موفقیت در آن خواهد بود. تبصره ۲ ـ سردفتر ازدواج و طلاق اقلیت های دینی با رعایت مقررات مربوط به احوال شخصیه آنان و شرایط مندرج در ماده ۴ و تبصره ۲ آن و پس ازمعرفی و گواهی مراکز رسمی دینی مربوط منصوب خواهد شد. ماده ۳ ـ آزمون کتبی و مصاحبه توسط هیاتی متشکل از اشخاص واجد صلاحیت به پیشنهاد رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تایید رییس قوه قضاییه به عمل خواهد

آمد. تبصره ۱ ـ مواد امتحانی عبارت است از ادبیات فارسی ـ عربی ، متون فقهی ، مقررات مربوط به ازدواج و طلاق ، حقوق مدنی ، احکام شرعی واطلاعات عمومی تبصره ۲ ـ سؤالات مربوط به متون فقه متقاضیان سنی مذهب از کتب فقهی آنان استخراج خواهد شد. تبصره ۳ ـ از افرادی که دارای درجه اجتهاد از مبادی قانونی ذیربط باشند یا اجتهاد آنان به تایید رییس قوه قضاییه رسیده باشد در صورت دارا بودن شرایط صرفا از آنان در خصوص مقررات مربوط به ازدواج و طلاق و حقوق مدنی امتحان به عمل خواهد آمد. تبصره ۴ ـ هزینه برگزاری امتحان مبلغ پنج هزار تومان تعیین که پرداخت آن به عهده متقاضی است ماده ۴ ـ سران دفاتر ازدواج و طلاق باید واجد شرایط زیر باشند ۱ ـ تدین به دین مبین اسلام ۲ ـ اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل مترقی ولایت فقیه و قانون اساسی ۳ ـ ملتزم به احکام شرعی ۴ ـ دارا بودن حداقل ۲۵ سال شمسی ۵ ـ حسن شهرت ۶ ـ تاهل ۷ ـ توانایی انجام کار. ۸ ـ داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت دایم از خدمت نظام وظیفه عمومی تبصره ۱ ـ مفاد مواد ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ و ۶۲ مکرر اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۶ ۳ ۱۳۷۷ نیز مجری خواهد بود. تبصره ۲ ـ اقلیت‌های دینی شناخته شده باید متدین به مذهب خود باشند. ماده ۵ ـ سردفتر طلاق از بین سردفتران شاغل که حداقل ۵ سال سابقه داشته باشند و یا افرادی که علاوه بر شرایط مقرره در این نظامنامه دارای ۳۰ سال‌سن باشند انتخاب خواهد شد. ماده ۶ ـ کسانی که به سردفتری ازدواج انتخاب می‌شوند مکلفند حداقل ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ دریافت ابلاغ نسبت به تاسیس دفترخانه اقدام نمایند والا ابلاغ آنان کان لم یکن تلقی خواهد شد. ماده ۷ ـ نقل و انتقال سردفتران ازدواج و طلاق مطابق مقررات مربوط به نقل و انتقال سردفتران اسناد رسمی خواهد بود. ماده ۸ ـ مرخصی (استحقاقی ، استعلاجی) سردفتر ازدواج و طلاق تابع مواد ۱۴ و ۱۵ آیین نامه بندهای قانون دفاتر رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) خواهد بود.

قانون راجع به انکار زوجیت – مصوب ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱

ماده ۱ ـ هرگاه مردی در مقابل دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق و نفقه و غیره انکار زوجیت کند و بعد معلوم شود این انکار بی اساس بوده محکمه ای که به دعوی مالی رسیدگی می‌نماید مرد را علاوه بر تادیه حقوق مالی به یازده روز الی دو ماه حبس تادیبی و پانصد تا هزار ریال جزای نقدی و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد نمود. حکم فوق درباره کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی ارث یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد و ازدواج شده و با علم به زوجیت زن آن را انکار نماید. ماده ۲ ـ هر زنی که برخلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم مقام قانونی زنی برای مطالبه حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه دعوی نماید به مجازات حبس از ۱۱ روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از صدتا هزارریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ این قانون از اول خردادماه ۱۳۱۱ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم – مصوب دهم مردادماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند ۱ ـ در مسایل مربوط به نکاح و طلاق ، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است ۲ ـ در مسایل مربوط به ارث و وصیت ، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب متوفی ۳ ـ در مسایل مربوط به فرزندخواندگی ، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است

قانون راجع به خیانت ولی قهری – مصوب ۱ ۸ ۱۳۱۳

ماده واحده ـ ولی قهری (پدر یا جد) هرگاه در مقام اتلاف مال صغیر یا مجنون یا سفیه باشد بعد از ثبوت خیانت او نسبت به اموال مولی علیه به طرفیت مدعی العموم در محکمه مثل مورد ماده ۷۹ قانون مدنی حاکم یک نفر امین به ولی منضم می کند.

قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه – مصوب ۲۵ ۱۰ ۱۳۴۵

ماده واحده ـ از این تاریخ ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه و یا کسانی که قبلا بر اثر ازدواج به تابعیت ایران درآمده‌اند ، ممنوع است کارمندان متخلف ، صلاحیت ادامه خدمت در وزارت امور خارجه را نخواهند داشت تبصره ۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون ، هیچ فردی که همسرش تبعه بیگانه باشد یا سابقا تابعیت بیگانه داشته است به خدمت وزارت امور خارجه پذیرفته نخواهد شد. تبصره ۲ ـ اعزام کارمندان فعلی وزارت امور خارجه که دارای همسرانی باشند که قبلاـ تبعیت غیرایرانی داشته‌اند ، از هر طبقه و مقام به مأموریت ثابت کشورهایی که همسر آنها، قبلا تابعیت آن کشور را داشته‌اند ، ممنوع است

قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست – مصوب اسفند ماه ۱۳۵۳

(شماره ۳۱۱۴ ۸۸۱۹ ۱۳۵۴ روزنامه رسمی) ماده ۱ ـ هر زن و شوهر مقیم ایران می‌توانند با توافق یکدیگر طفلی را با تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی نمایند. ماده ۲ ـ این سرپرستی به‌منظور تامین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود. ماده ۳ ـ تقاضانامه سرپرستی باید مشترکا از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل قرار سرپرستی طفل را برای دوره آزمایشی صادر می کند الف ـ پنج سال تمام از تاریخ ازدواج آنها گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند. ب ـ سن یکی از زوجین حداقل سی سال تمام باشد. ج ـ هیچیک از زوجین ، دارای محکومیت جزایی موثر به علت ارتکاب جرائم عمدی نباشند. د ـ هیچ یک از زوجین محجور نباشند. ه ـ زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند. و ـ زوجین یا یکی از آنها دارای امکان مالی باشند. ز ـ هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری های واگیر صعب العلاج نباشند. ح ـ هیچ یک از زوجین معتاد به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند. تبصره ۱ ـ باردار شدن زوجه با تولد کودک در خانواده سرپرست در دوران آزمایشی یا پس از صدور حکم موجب فسخ سرپرستی نخواهد بود. تبصره ۲ ـ هرگاه زوجین به‌دلایل پزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند دادگاه می‌تواند آنان را از شرایط بند الف و ب این ماده معاف نماید. ماده ۴ ـ قبل از صدور حکم سرپرستی دادگاه با کسب نظر موسسه یا شخصی که کودک تحت سرپرستی موقت اوست طفل را با صدور قرار دوره آزمایشی به مدت شش ماه به زوجین سرپرست خواهد سپرد. عدم موافقت افراد یا موسسات مذکور در صورتی که به تشخیص دادگاه به مصلحت کودک‌نباشد قابل ترتیب اثر نخواهد بود. در مدت دوره آزمایشی دادگاه مجاز است بنا به تقاضای دادستان یا انجمن ملی حمایت کودکان یا موسسه ای که طفل قبلا در آنجا تحت سرپرستی بوده است و یا رأسا در اثر تحقیق به وسایل مقتضی دیگر قرار صادره را فسخ نماید. زوجین سرپرست در مدت آزمایشی‌حق دارند انصراف خود را اعلام کنند و در این صورت دادگاه قرار صادر را فسخ خواهد نمود. تبصره ـ قرار دادگاه در مورد برقراری دوره آزمایشی و فسخ آن فقط قابل رسیدگی پژوهشی است ماده ۵ ـ دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر خواهد نمود که درخواست کنندگان سرپرستی به کیفیت اطمینان بخشی در صورت فوت خود هزینه‌تربیت و نگاهداری و تحصیل طفل را تا رسیدن به سن بلوغ تامین نمایند. تبصره ـ هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد در صورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد. ماده ۶ ـ طفلی که برای سرپرستی سپرده می‌شود باید دارای شرایط

زیر باشد الف ـ سن طفل از ۱۲ سال تمام کمتر باشد. ب ـ هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر طفل شناخته نشده یا در قید حیات نباشند و یا کودکانی باشند که به موسسه عام المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری او مراجعه نکرده باشند. تبصره ـ کسانی که کودکان واجد شرایط را قبل از تصویب این قانون تحت سرپرستی گرفته‌اند در صورتی که از جهات اخلاقی و مادی واجد شرایط باشند به تشخیص دادگاه نسبت به سایر متقاضیان در مورد این کودکان حق تقدم دارند و در این حالت شرط سن نیز برای طفل و سرپرست او رعایت نخواهد شد. ماده ۷ ـ دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به کلیه امور مربوط به این قانون دادگاه حمایت خانواده محل اقامت درخواست کننده است ماده ۸ ـ دادگاه از نظر رسیدگی به امر سرپرستی موضوع این قانون تابع مقررات حمایت خانواده است ماده ۹ ـ احکام صادر در کلیه امور مربوط به سرپرستی قابل رسیدگی پژوهشی و فرجامی است ماده ۱۰ ـ متقاضیان می‌توانند با تصویب دادگاه و رعایت مقررات این قانون کودکان متعددی را سرپرستی نمایند. ماده ۱۱ ـ وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگاهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادراست تبصره ـ اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر به عهده سرپرست خواهد بود مگر آنکه دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ نماید. ماده ۱۲ ـ در مواردی که اختلاف زناشویی زوجین سرپرست منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌شود دادگاه در مورد طفل تحت سرپرستی به ترتیب مقرر در قانون حمایت خانواده اقدام خواهد کرد. ماده ۱۳ ـ مقررات قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در مورد فرزند خواندگی به اعتبار خود باقی است ماده ۱۴ ـ مفاد حکم قطعی سرپرستی به‌اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد. ماده ۱۵ ـ خروج طفل صغیری که برای سرپرستی به‌کسی سپرده شده در دوره آزمایشی از کشور منوط به موافقت دادستان محل خواهد بود. ماده ۱۶ ـ سرپرستی که به‌موجب این قانون برقرار می‌شود فقط در موارد ذیل قابل فسخ است ۱ ـ تقاضای دادستان در صورتی که سو رفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگاهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد ۲ ـ تقاضای سرپرست در صورتی که سو رفتار طفل برای هر یک از آنان غیر قابل تحمل باشد همچنین در موردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگاهداری طفل را از دست داده باشد. ۳ ـ توافق طفل بعد از رسیدن به‌سن کبر یا زوجین سرپرست یا موافقت زوجین سرپرست با پدر و مادر واقعی طفل صغیر. ماده ۱۷ ـ قبل از صدور حکم فسخ سرپرستی دادگاه در هر مورد سعی خواهد نمود که اقدامات لازم را در جهت بقای سرپرستی به عمل آورد. در صورت صدور حکم فسخ سرپرستی و قطعیت آن مراتب به‌وسیله دادگاه صادر کننده حکم برای تصحیح شناسنامه و اسناد مربوط به اداره ثبت احوال اعلام می‌شود.

قانون لزوم ارایه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج – مصوب ۱۳ آذر ماه ۱۳۱۷

ماده ۱ ـ (جمله اضافه شده به ماده ۱ قانون ازدواج است و به ماده یک الحاق گردیده است) ماده ۲ ـ کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشک را برنداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می‌گردد مطالبه نموده و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی پزشک بر تندرستی نامزدها اقدام نمایند. تبصره ـ دختران از داشتن گواهینامه پزشک در قسمت امراض زهروی معاف هستند. ماده ۳ ـ پزشک هایی می‌توانند گواهینامه صادر نمایند که پروانه مخصوص از وزارت دادگستری برای این کار داشته باشند. تبصره ـ ترتیب صدور گواهینامه پزشک و تعیین دستمزد آنها به موجب آیین نامه ای است که به تصویب وزارت دادگستری و وزارت کشور خواهدرسید. ماده ۴ ـ هر سردفتری که بدون رعایت ماده ۲ این قانون به عقد و ثبت ازدواج مبادرت نماید به حبس تادیبی از دو ماه الی یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۵ ـ هر پزشکی که برخلاف واقع گواهی تندرستی به نامزد بدهد و یا بدون جهت از روی غرض از دادن

گواهینامه خودداری نماید به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۶ ـ اجرای مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون در هر محل از تاریخی است که از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام خواهد شد.

قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج – مصوب ۲۳ ۱ ۱۳۶۷

ماده واحده ـ به منظور پیشگیری از تلفات ناشی از کزاز نوزادان ، بانوان مکلفند قبل از وقوع عقد ازدواج در مناطقی که وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌نماید نسبت به واکسینه کردن خود علیه بیماری کزاز اقدام کنند. دفاتر ازدواج موظفند قبل از ازدواج ، گواهینامه معتبر مبنی بر واکسیناسیون ضد کزاز از زوجه را اخذ و پس از بایگانی نسبت به انجام و ثبت عقد با ذکر مشخصات گواهی اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی موظف است تسهیلات لازم برای این امر را در اختیار مراجعین قرار دهد. تبصره ۲ ـ در مورد واکسیناسیون های دیگر تعیین نوع واکسن و گروه سنی و منطقه تزریق واکسن بر اساس تشخیص و لزوم و اعلام وزارت بهداشت ،درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. کلیه دستگاهها و واحدهای مربوطه موظف به همکاری هستند و تمام افرادی که بر اساس اعلام وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مشمول تزریق واکسن می‌شوند مکلفند در مدت تعیین شده نسبت به تزریق واکسن اقدام نمایند. تبصره ۳ ـ سردفتر متخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب در مرحله اول به تعطیل دفترخانه از یکماه تاشش ماه و در مرحله دوم علاوه بر مجازات فوق به جریمه نقدی از ده هزار تا ۵۰ هزار تومان و در مرحله سوم به لغو پروانه محکوم خواهد شد. تبصره ۴ ـ آئین نامه اجرایی این قانون ظرف یکماه پس از تصویب قانون توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری وزارت دادگستری تهیه و تصویب خواهد شد. تبصره ۵ ـ چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در این ماده شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تأدیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تأدیب فوق پرونده را بایگانی می‌نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

تصویبنامه در خصوص آزمایش تالاسمی قبل از ازدواج – مصوب ۱۰ ۱ ۱۳۷۶

آزمایش تشخیص ناقلین تالاسمی قبل از ازدواج اجباری شود و دفاتر از ازدواج گواهینامه مربوط را از نامزدها مطالبه و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بدون گواهینامه یاد شده ، اقدام نمایند.

قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها – مصوب ۲۲ ۴ ۱۳۶۵

ماده واحده ـ حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانشان به مقام والای شهادت رسیده و یا فوت شده باشند با مادران آنها خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان چنانچه از اموال خودشان باشد در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت یا بنیاد شهید پرداخت می‌شود دراختیار مادرانشان قرار می‌گیرد مگر آنکه دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بکند. تبصره ۱ ـ مقصود از محجور در این قانون مجنون یا سفیه ای است که حجرش متصل به صغر باشد. تبصره ۲ ـ ازدواج مادرانی که در ماده واحده ذکر شده است مانع از حق حضانت آنها نمی‌گردد. تبصره ۳ ـ حدود هزینه متعارف توسط دادگاه معین و به مادر یا نماینده قانونی او پرداخت خواهد شد. تبصره ۴ ـ در مواردی که تعیین حدود هزینه متعارف یا عدم صلاحیت مادر به فرزندان شهدا ، در دادگاه مطرح باشد بنیاد موظف است کارشناس خود رابه دادگاه معرفی کند.

قانون مربوط به حق حضانت – مصوب ۲۲ ۴ ۱۳۶۵

ماده واحـده ـ چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قایم مقام آن دادگاه حضانت طفل به عهده کسـی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا شخص دیگری مـانعا جرای حکم شود و یـا از استرداد طفـل امتنـاع ورزد دادگـاه صادرکننـده حکم وی را الزام به عـدم ممـانعت یا استرداد طفل می‌نماید و در صورت مخالفت به‌حبس تا اجرا حکم محکوم خواهد شد.

قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست – مصوب ۲۴ ۸ ۱۳۷۱

ماده ۱ ـ به پیروی از تعـالیم عـالیه اسـلام در جهت حفـظ شوون و حقوق اجتمـاعی زن و کودك بی‌سرپرست و زدودن آثار فقر از جامعه اسـلامی و به‌منظور اجرای قسـمتی از اصل بیست و یکم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران ، زنان و کودکان بی‌سرپرست که تحت پوشـش قوانین حمایتی دیگری نیسـتند از حمایتهای مقرر در این قانون بهره‌منـد خواهنـد شد. ماده ۲ ـ مشمولان این قانون عبارتند از ۱ ـ زنان بیوه ـ بیوه به زنانی اطلاق می‌شود که به عقد ازدواج (دایم یا منقطع) درآمده و سـپس به یکی از دلایل طلاق ، فوت شوهر ،فسـخ عقـد ، صـدور حکم موت فرضـی ، بـذل مـدت و یا انقضای مـدت در نکاح منقطع ، شوهر خود را از دست داده باشند. ۲ ـ زنان پیر و سالخورده ـ زنان بی سـرپرست و مسنی هستند که قادر به تامین معاش خود نباشند. ۳ ـ سایر زنان و دختران بی سرپرست ـ به زنـان و دخترانی اطلاـق می‌شود که بنـا به عللی از قبیل مفقودالاثر شـدن یا از کار افتادگی سـرپرست ، به طور دایم یا موقت بدون سرپرست (نان آور) می‌مانند. ۴ ـ کودکان بی‌سـرپرست ـ به کودکانی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دایم یا موقت ، سـرپرست خود را از دست داده باشند. تبصره ۱ ـ پسران موضوع بند ۴ این ماده تا رسـیدن به حداقل سن قانونی (مندرج در قانون کار) و دختران تا زمانی که ازدواج نمایند مشـمول این قانون باقی خواهند ماند مگر اینکه تحت سرپرستی قرار گیرند یا به نحوی تمکن مالی بیابند. تبصـره ۲ ـ پسـرانی که ادامه تحصـیل دهند به شـرط وجود اعتبار تا پایان تحصـیل مشـمول مفاد این قانون می‌باشند. ماده ۳ ـ زنان و کودکان بی‌سـرپرست که به هر نحو از مسـتمری های بازنشسـتگی ، از کارافتادگی و بازماندگان بهره مند می‌شوند و یا از تمکن مالی برخوردار باشند از شمول مقررات این قانون خارج هستند. ماده ۴ ـ حمایتهای موضوع این قانون عبارتند از ۱ ـ حمایتهای مالی شامل تهیه وسایل و امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی به صورت نوبتی یا مسـتمر. ۲ ـ حمایتهای فرهنگی ، اجتمـاعی شامل ارایه خـدماتی نظیر خـدمات آموزشـی (تحصـیلی) ، تربیتی ، کاریابی ، آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشـتغال ،خدمات مشاوره ای و مددکاری جهت رفع مسایل و مشـکلات زندگی مشمولان و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده ۳ ـ نگهـداری روزانه یا شـبانه روزی کودکان و زنان سالمنـد بی‌سـرپرست در واحـدهای بهزیستی یا واگذاری سـرپرستی و نگهـداری اینگـونه کودکـان و زنـان بـه افراد واجـد شـرایط تبصـره ـ کلیـه مشـمولان واجـد شـرایط که از سـلامتی جسـمی و روانی برخوردارند به تشـخیص مددکاران ذیربط ، جهت شرکت در دوره های آموزش حرفه‌ای و کاریابی معرفی می‌شوند. ماده ۵ ـ میزان و مـدت پرداخـت مقرری ماهیـانه طبـق آیین نـامه‌ای تعیین می‌گردد که بنـا به پیشـنهاد سازمـان بهزیسـتی کشـور به تصـویب هیـات وزیران‌خواهـد رسـید. تبصـره ـ پرداخت مقرری نقـدی و غیر نقـدی تا احراز موارد مندرج در ماده (۶) این قانون ادامه خواهـد یافت ماده ۶ ـ در موارد زیر مقرری مشـمولان قطع خواهد شد ۱ ـ در صورت ازدواج ، رجوع یـا تحت تکفـل قرار گرفتن ۲ ـ یافتن تمکن مالی ۳ ـ خودداری از شـرکت در دوره‌های آموزشـی (تحصیلی و آموزش حرفه ای بدون عذر موجه ۴ ـ امتناع از قبول شغل مناسب پیشـنهادی تبصـره ـ در صـورت محکـومیت کیفری که منجر به بـازداشت و زنـدان شـود ، مقرری مربـوط در مـدت محکومیت قطع خواهد شد. ماده ۷ ـ هر کس بر اسـاس اسـناد و گواهی‌هـای خلاـف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود اسـتفاده نمایـد به رد عین یـا معـادل کمکهای نقـدی و غیرنقـدی دریافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می‌شود و چنانچه

موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیر حق فراهم نماید به جزای نقدی تا سه برابر مزبور محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ کلیه خسارات و وجوه حاصله از جرایم نقدی مقرر در این قانون جز درآمد اختصاصی سازمان بهزیستی و در یک ردیف درآمد و هزینه مستقل همه ساله در قانون بودجه منظور و طبق آیین نامه ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسد هزینه می گردد. تبصره ۲ ـ سازمان بهزیستی می‌تواند از هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت اجرای این قانون استفاده نماید. ماده ۸ ـ چنانچه مشمول این قانون ، اشتغال ، ازدواج یا رجوع خود را مکتوم داشته و مقرری دریافت دارند ، برابر ماده ۷ این قانون مورد پیگرد قرارخواهند گرفت ماده ۹ ـ سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون خواهد بود و موظف است آیین نامه های اجرایی مربوط را ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قانون باهماهنگی کلیه نهادها و دستگاههای ذیربط تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران تقدیم نماید. تبصره ـ اجرای این قانون مانع از انجام وظایف قانونی و موارد پیش بینی شده در اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره نمی‌باشد و کمیته مزبور درچهارچوب وظایف قانونی خویش کماکان نسبت به ارایه خدمات مربوط ادامه خواهد داد. ماده ۱۰ ـ کلیه وزارتخانه ها ، سازمان های دولتی و وابسته به دولت ، موسسات عمومی و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد موظفند همکاریهای لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور معمول دارند.

آیین نامه اجرایی قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست – مصوب ۱۱ ۵ ۱۳۷۴

ماده ۱ ـ محور و اساس حمایتها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین نامه عبارت است از ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی سازی زندگی زنان و کودکان بی سرپرست موضوع ماده ۲ قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست که از این پس در این آیین نامه به اختصار قانون نامیده می‌شود. ماده ۲ ـ کودکان بی سرپرست مشمول قانون با هماهنگی نیروی انتظامی مورد شناسایی قرار می گیرند و پس از تحقیقات اولیه و طی مراحل قانونی ازطریق مراجع ذی صلاح قضایی به سازمان بهزیستی کشور معرفی می‌شوند. تبصره ـ در موارد اضطراری به منظور حفظ سلامت کودکان واحدهای بهزیستی رأسا کودکان کمتر از هفت سال را با رعایت ضوابط ، پذیرش موقت‌می کنند و متعاقب آن مدارک و گزارشهای لازم را به مراجع ذی صلاح قضایی ارسال و اعلام می کنند. ماده ۳ ـ مشمولان موضوع مواد ۳ و ۶ قانون همچنین مشمولانی که در نتیجه اقدامات حمایتی و خدمات و تسهیلات دریافتی به تشخیص مددکاران و تایید مدیران مسوول ، توانایی لازم را برای گذراندن زندگی عادی و خود اتکایی کسب کرده باشند، از شمول اقدامات حمایتی خارج می‌شوند و مجاز به استفاده از حمایتهای موضوع این آیین نامه نیستند. ماده ۴ ـ اقدامات اجرایی به منظور ایجاد حمایتهای اجتماعی و اقتصادی از زنان و کودکان بی سرپرست عبارتند از الف ـ خدمات آموزشی و تربیتی در سطوح آمادگی و پیش دبستانی تا تحصیلات عالی ب ـ خدمات حرفه آموزی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای ج ـ خدمات کاریابی و اشتغال د ـ مددکاری مشاوره و راهنمایی ه ـ نگهداری و مراقبت از افراد نیازمند به ویژه کودکان وسالمندان متناسب با نیازها و شرایط سنی و جنسی و اجتماعی هر فرد یا خانواده تحت پوشش به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تا حصول اطمینان از بازتوانی و خود اتکایی کامل آنان توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها. تبصره ۱ ـ پسران بی سرپرست تا رسیدن به سن قانونی – موضوع ماده ۷۹ قانون کار ـ و دختران بی سرپرست تا زمانی که ازدواج نکرده باشند ، مشمول پذیرش در واحدهای نگهداری شبانه‌روزی می‌شوند. تبصره ۲ ـ دختران بی سرپرستی که واجد شرایط پذیرش در واحدهای شبانه روزی نباشند، بنا به تشخیص سازمان بهزیستی از حمایتهای موضوع این آیین نامه بهره مند می‌شوند. تبصره ۳ ـ به منظور جلوگیری از جدایی فرهنگی و اجتماعی کودک از فرهنگ بومی خود و فراهم‌شدن زمینه بازگشت به خانواده و اجتماع ، حتی الامکان کودکان بی سرپرست در شهرهای محل تولد یا شهرهای همجوار پذیرش و نگهداری می‌شوند و در صورتی که در بدو پذیرش ، والدین یا بستگان کودک شناسایی شوند، به منظور پیشگیری از ورود کودکان ، به واحدهای شبانه روزی و حفظ نهاد خانواده در

صورت نیاز نسبت به ارایه حمایتهای مالی ،فرهنگی و اجتماعی طبق ضوابط و آیین نامه های مربوط اقدام می‌شوند. تبصره ۴ ـ شرایط خانواده های داوطلب واجد شرایط و نحوه نگهداری آنها بر اساس دستورالعمل اجرایی مورد عمل سازمان بهزیستی کشور تعیین‌می‌شود. ماده ۵ ـ پرداختهای غیرمستمر ، ناظر بر فراهم ساختن و تهیه امکانات ، ابزار و وسایل حرفه آموزی ، کار و اشتغال ، تامین هزینه های کارآموزی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای ، پرداخت سرمایه کار و تامین هزینه های تشکیل خانواده و ازدواج به تناسب شرایط و تواناییهای جسمی ، اجتماعی و اقتصادی مشمولان است که سالانه در حد اعتبارات مصوب در برنامه های مربوط توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها به مشمولان نیازمند و واجد شرایط اختصاص می‌یابد. تبصره ـ مستمری ماهانه خانواده هایی که از سرمایه کار و اشتغال و ابزار و وسایل کار استفاده می کنند ، حداکثر پس از شش ماه از تاریخ استفاده ، قطع می‌شود. ماده ۶ ـ میزان و مدت پرداختهای مستمر به ترتیب زیر تعیین می‌شود الف ـ مستمری ماهانه ـ افرادی که به تنهایی زندگی می کنند و خانواده های دونفره ، حداکثر ۳۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال ـ خانواده‌های سه نفره ، حداکثر ۳۵٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال ـ خانواده های چهار نفره ، حداکثر ۴۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال ـ خانواده‌های پنج نفره و بیشتر ، حداکثر ۵۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال تبصره ـ کلیه پرداختهای یاد شده به صورت نقدی و حتی المقدور توسط سیستم بانکی با توجه به اعتبارات دستگاه پرداخت کننده تا حداکثر میزان تعیین شده ، انجام می‌شود. ب ـ هزینه تحصیلات هزینه تحصیلات برای هر یک از دانش آموزان و دانشجویان خانواده های تحت حمایت ، حداکثر معادل ۵۰۰۰ ریال در ماه تعیین می‌شود. ج ـ حق سرانه بیمه خدمات درمانی حق سرانه بیمه خدمات درمانی برای هر یک از زنان و کودکان بی سرپرست معادل رقم مصوب هر ساله از محل اعتبارات موضع ماده ۱۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره قرار می گیرد. کمیته یاد شده موظف است کلیه خانواده‌ها و افراد مشمول این آیین نامه را تحت پوشش بیمه خدمات درمانی درآورد. د ـ هزینه نگهداری بخشی از هزینه نگهداری و مراقبت از کودکان بی سرپرست و زنان سالمند مشمول ، در مراکز نگهداری شبانه‌روزی غیر دولتی همچنین مراکزی که به شکل هیبت امنایی اداره می‌شوند ، به صورت سرانه توسط سازمان بهزیستی تامین و پرداخت می‌شود. سازمان بهزیستی موظف است اولویت امر نگهداری افراد مشمول را در میان خانواده های داوطلب واجد صلاحیت فراهم کند و شرایط را با پرداخت هزینه سرانه نگهداری تعیین شده رعایت نماید و گسترش دهد. تبصره ۱ ـ هزینه نگهداری و مراقبت از مشمولان نیازمند در مراکز نگهداری وابسته به سازمان بهزیستی ، کماکان از محل اعتبارات جاری این سازمان‌در برنامه های ذیربط تامین می‌شود و افرادی که در مراکز توانبخشی و حمایتی سازمان بهزیستی نگهداری می‌شوند ، مشمول پرداختهای فوق قرار نمی گیرند. تبصره ۲ ـ اقدام به تامین مسکن مشمولان نیازمند در قالب سیاستها و اقدامات حمایتی دولت با استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی صورت می گیرد. ماده ۷ ـ مبانی و میزان پرداخت مستمریهای مشمولان این آیین نامه در سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره هماهنگ و یکسان می‌باشد. ماده ۸ ـ در شرایطی که انجام و ارایه خدمات آموزشی و نگهداری مشمولان این آیین نامه در مراکز غیر وابسته به سازمان بهزیستی اعم از بخش دولتی وغیر دولتی یا در خانواده صورت گیرد ، هزینه‌های مربوط به صورت سرانه از محل اعتبارات مصوب سالانه سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها پرداخت می‌شود. ماده ۹ ـ افراد و خانواده‌های تحت پوشش علاوه بر کسب موقعیت ها و شرایط موضوع ماده ۶ قانون ، در صورت نیل به خوداتکایی و کسب توانایی لازم‌برای زندگی متعارف (به تشخیص مددکاران و تایید مدیران ذیربط مجاز به استفاده از حمایتهای اقتصادی و دریافت مستمری نخواهند بود. ماده ۱۰ ـ سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظف به بررسی و تنظیم برنامه‌های اجرایی و ارایه و طرح آن در قالب بودجه عملیاتی سالانه پیشنهادی به سازمان برنامه و بودجه برای ایجاد تعادل لازم بین حجم و میزان فعالیت ها و اقدامات و منابع اعتباری قابل تخصیص سالانه هستند. ماده ۱۱ ـ سازمان

بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظفند ضمن اعمال نظارت مستمر و برنامه‌ریزی شده بر مراحل اجرایی اقدامات ، گزارش اقدامات و فعالیتهای انجام یافته را هر شش ماه یکبار به سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند. ماده ۱۲ ـ در اجرای مواد ۷ و ۸ قانون ، سازمان بهزیستی مکلف است موارد تخلف را پس از بررسی و تشخیص تخلفات به مراجع ذیصلاح قضایی منعکس و متخلفان را با تشکیل پرونده برای اعمال مجازاتهای مالی مقرر در ماده ۷ قانون معرفی کند. ماده ۱۳ ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی به منظور نگهداری حساب مبالغ واریزی جرایم موضوع مواد ۷ و ۸ قانون ، حساب جداگانه ای به عنوان سازمان بهزیستی کشور با رعایت تبصره ۱ ماده ۷ قانون افتتاح می‌کند. مبالغ واریز شده به حساب یاد شده همچنین مشارکتهای مردمی و هدایای نقدی مردم به سازمان بهزیستی در اجرای قانون ، به عنوان بخشی از منابع تامین اعتبار اقدامات اجرایی قانون محسوب می‌شود. ماده ۱۴ ـ سازمان بهزیستی کشور موظف است مددکاران (ترجیحا مددکاران زن) خود را برای نظارت و آگاهی از وضعیت کودکان و زنان سالمند سپرده شده به خانواده‌های داوطلب و مراکز ، اعزام کند.

قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی ، کلیمی

(شماره ۱۷۱۴۱۳۸۷۲ روزنامه رسمی کشور) ماده واحده رای وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۹ ۹ ۱۳۶۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور ، عینا و بشرح ذیل به تصویب رسید نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رای برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است

قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی – مصوب ۲۲ ۹ ۱۳۷۴

ماده ۱ ـ ورود هر نوع شیر خشک و غذاهای کمکی شیرخوار ، باید با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات کشور صورت گیرد و شیرخشک فقط از طریق داروخانه ها توزیع شود. تبصره ۱ ـ وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مقررات مربوط به ورود انواع مجاز و مقدار مورد نیاز و جانشین شونده های شیر مادر (شیرخشک و غذاهای کمکی شیرخوار) را تهیه و اعلام نماید. وزارت بازرگانی موظف به مراعات مقررات مزبور می‌باشد. تبصره ۲ ـ موارد ضرورت تجویز پزشکی و همچنین نحوه عرضه و فروش در بازار مصرف و ارائه مستقیم و غیر مستقیم انواع شیرخشک و جانشین شونده ها در شبکه بهداشتی ـ درمانی کشور طبق ضوابطی خواهد بود که توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام خواهد شد. ماده ۲ ـ انتشار هر گونه جزوه ، کتاب ، نشریه و نظایر آن در مورد تغذیه شیرخوار با انواع شیرخشک و جانشین شونده های شیر مادر در کلیه موارد منوط به رعایت ضوابط و معیارهایی خواهد بود که توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تعیین خواهد شد. ماده ۳ ـ مرخصی زایمان تا سه (۳) فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند در بخش های دولتی و غیردولتی چهار (۴) ماه می‌باشد. تبصره ۱ ـ مادرانی شیرده پس از شروع به کار مجدد در صورت ادامه شیردهی می‌توانند حداکثر تا ۲۰ ماهگی کودک روزانه یک ساعت از مرخصی (بدون کسر از مرخصی استحقاقی) استفاده کنند. تبصره ۲ ـ امنیت شغلی مادران پس از پایان مرخصی زایمان و در

حین شیردهی باید تامین شود. تبصره ۳ ـ مرخصی زایمان برای وضع حمل های دوقلو ، پنج ماه و برای زایمان های سه قلو و بیشتر ، یکسال با استفاده از حقوق و فوق العاده های مربوط تعیین می‌شود. ماده ۴ ـ دستگاههای دولتی و وابسته به دولت از جمله سازمان‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و دیگر دستگاههایی که به لحاظ مقررات خاص استخدامی مشمول قانون کار نیستند موظف به ایجاد تسهیلات مناسب برای تغذیه شیرخوارگان با شیر مادر در جوار محل کار کارکنان زن می‌باشند. ماده ۵ ـ به منظور سیاستگذاری ، نظارت و تعیین نحوه آن بر اجرای این قانون کمیته‌ای با عنوان (کمیته سیاستگذاری ، نظارت بر ترویج تغذیه با شیرمادر) در وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌شود. اعضای این کمیته که با حکم وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به عضویت کمیته منصوب می‌شوند عبارتند از الف ـ معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ب ـ معاون امور دارو و درمان وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ج ـ رئیس سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران د ـ دو نفر از اعضا کمیته کشوری ترویج تغذیه با شیرمادر. ه ـ یک نفر پزشک متخصص زنان و زایمان و ـ یک نفر پزشک متخصص اطفال ز ـ یک نفر متخصص علوم تغذیه ح ـ یک نفر روحانی آشنا به مبانی اسلام که حداقل ۶ سال دوره خارج فقه و اصول را طی کرده باشند. ط ـ یک نفر به نمایندگی از شورای فرهنگی ـ اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی خدمات کمیته سیاست گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر افتخاری می‌باشد. ماده ۶ ـ وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند نسبت به تشکیل کمیته های ترویج تغذیه با شیرمادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی‌در استان ها اقدام نماید. کمیته های موضوع این ماده موظف خواهند بود نتایج اقدامات خود را به کمیته سیاست گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیرمادر در وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی گزارش نمایند. ماده ۷ ـ شرح وظایف و اختیارات کمیته های موضوع این قانون در حدود صلاحیت و شرایط اجرای تصمیمات آنها و نحوه انتخاب و ترکیب اعضای کمیته های استانی به موجب آیین نامه ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در هر حال تصمیمات کمیته های موضوع مواد ۵ و ۶ در صورت تایید وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی یا مقام مجاز از سوی وی قابل ابلاغ‌خواهد بود. ماده ۸ ـ اعضا کمیته‌های موضوع این قانون و مأمورین وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مجازند از مراکز ارایه دهنده خدمات بهداشتی ودرمانی ، داروخانه ها و سایر موسساتی که در ارتباط با تولید و توزیع جانشین شونده های شیر مادر فعالیت می‌کنند بازدید به عمل آورند. این گونه موسسات مکلف به همکاری می‌باشند. ماده ۹ ـ متخلفین از اجرای این قانون ، با رعایت مراتب و دفعات جرم ، به تعزیر از قبیل نصب پارچه تخلف بر سر در داروخانه ، تعطیل موقت آن ، قطع موقت بعضی خدمات شهری یا جزای نقدی از یک تا صد میلیون ریال و در صورت تکرار جرم به حداکثر تعزیر و جزای نقدی در محاکم صالحه محکوم می‌گردند. ماده ۱۰ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه بنا به پیشنهاد وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱ ـ کلیه قوانین مغایر با این قانون لغو می‌گردد.

آیین نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی – مصوب ۱

ماده ۱ ـ ورود شیرخشک (شیر مصنوعی) و غذاهای کمکی شیرخوار منحصرا توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که ضوابط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی را رعایت می‌کنند مجاز است ماده ۲ ـ کلیه دستگاههای دولتی و غیر دولتی مکلف به اجرای ضوابط تعیین شده توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، موضوع تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۱) و ماده (۲) قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی که از این پس قانون نامیده می‌شود هستند. ماده ۳ ـ اعطای چهارمین ماه مرخصی زایمان منوط به گواهی پزشک متخصص اطفال یا پزشک مرکز بهداشتی ـ درمانی (شهری و روستایی همراه باشناسنامه شیرخوار (برای احراز عدم استفاده از شیرخشک) است ، مگر اینکه مطابق مقررات دیگر برای آنها مرخصی زایمان

بیشتری پیش بینی شده باشد. تبصره ـ بانوانی که در طول بارداری با تایید پزشک معالج از مرخصی استعلاجی استفاده می‌کنند ، از چهارماه مرخصی زایمان بهره مند خواهند بود ومدت مرخصی استعلاجی از مرخصی زایمان آنان کسر نخواهد شد. ماده ۴ ـ استفاده از مرخصی ساعتی تا سن (۲۰) ماهگی کودک ، منوط به ارایه گواهی مرکز بهداشتی ـ درمانی مبنی بر تغذیه شیرخوار توسط مادر است تبصره ـ بانوان مشمول قانون کار تابع ضوابط مربوط به خود هستند. ماده ۵ ـ مادران مشمول این آیین نامه پس از پایان مرخصی زایمان و در دوران شیردهی ، باید در کار قبلی خود اشتغال یابند. در این دوران نقل و انتقال آنها ممنوع است ماده ۶ ـ مادران مشمول این آیین نامه می‌توانند طی ساعات مقرر کار روزانه ، حداکثر از یک ساعت مرخصی ساعتی استفاده کنند. مادران یاد شده می‌توانند بر حسب نیاز کودک مرخصی مزبور را حداکثر در سه نوبت استفاده کنند. تبصره ۱ ـ وزارتخانه ها ، موسسات و شرکتهای دولتی و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظفند متناسب باتعداد مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند ، نسبت به ایجاد محل مناسب اقدام کنند. تبصره ۲ ـ ضوابط مربوط به ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک در کارگاه های مشمول قانون کار ، بر اساس ماده (۷۸) قانون کار و آیین نامه اجرایی شیرخوارگاه ها و مهدکودک هاست ماده ۷ ـ وظایف و اختیارات (کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر) به شرح زیر است ۱ ـ تداوم سیاست ترویج تغذیه با شیرمادر. ۲ ـ تعیین چگونگی برآورد نیاز و نظارت بر ورود ، عرضه و فروش شیرخشک و غذاهای کمکی شیرخوار و ابلاغ آن به مراجع ذی ربط ۳ ـ تعیین چگونگی نظارت بر توزیع صحیح شیرخشک در سیستم شبکه های بهداشتی ، درمانی کشور و ابلاغ آن به مراجع ذی ربط ۴ ـ نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های آموزشی ، تبلیغاتی و تحقیقاتی ۵ ـ بررسی تخلفات و ابلاغ آن به مراجع ذی ربط ۶ ـ تعیین چگونگی استفاده از تحقیقات به عمل آمده در زمینه شیر مادر و تغذیه کمکی ۷ ـ نظارت بر فعالیت های کمیته های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی تبصره ۱ ـ کمیته موضوع این ماده می‌تواند برای انجام هر چه بهتر وظایف خود گروههای اجرایی ایجاد کند. تبصره ۲ ـ دستورالعمل چگونگی تشکیل جلسات و اداره آن ، توسط کمیته مزبور تنظیم شده وبه تصویب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد. ماده ۸ ـ تصمیمهای کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر ، پس از تصویب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی لازم الاجرا است ماده ۹ ـ معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، رییس کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر بوده و موظف است جلسات را به طور منظم تشکیل دهد. ماده ۱۰ ـ وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند نسبت به تشکیل (کمیته های ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی) در استانهایی که مقتضی بداند با ترکیب زیر اقدام کند ۱ ـ معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی استان ۲ ـ معاون دارو و درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی استان ۳ ـ رییس نظام پزشکی مرکز استان ۴ ـ دو نفر از اعضای کمیته استانی ترویج تغذیه با شیر مادر. ۵ ـ یک نفر پزشک متخصص زنان و زایمان ۶ ـ یک نفر متخصص یا کارشناس علوم تغذیه ۷ ـ یک نفر ماما. ۸ ـ یک نفر پرستار. افراد موضوع این ماده با حکم رییس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی استان منصوب می‌شوند. خدمات کمیته استانی افتخاری است ماده ۱۱ ـ وظایف و اختیارات کمیته‌های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی به شرح زیر است ۱ ـ نظارت بر چگونگی برآورد نیاز استان به شیر مصنوعی و توزیع صحیح آن ۲ ـ نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های آموزشی ، تبلیغاتی ، انتشاراتی و تحقیقاتی ۳ ـ ارایه گزارش اقدام های انجام شده به کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر. ۴ ـ انجام امور محول شده از سوی کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیرمادر. ماده ۱۲ ـ معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی استان ، رییس کمیته ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی استان بوده و موظف است جلسات را به طور منظم تشکیل دهد. ماده ۱۳ ـ تصمیم های کمیته استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی ، پس از تصویب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی در استان مربوط قابل

اجرا است ماده ۱۴ ـ دانشگاههای علوم پزشکی و اعضای کمیته های موضوع قانون بر حسن اجرای قانون و این آیین نامه در موسسات تولید کننده و توزیع کننده نظارت کامل داشته و در صورت مشاهده تخلفات موضوع قانون ، مراتب را در کمیته های استانی مطرح و در صورت تایید ، موضوع را به مراجع ذی صلاح برای تعقیب متخلفان اعلام می کنند.

قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص صدور حکم موت فرضی غایبان مفقودالاثر انق

(شماره ۳۰۲۱۵۲۰۸۷۶ روزنامه رسمی) ماده واحده ـ درج آگهی مطابق مواد (۱۰۲۳) قانون مدنی و (۱۵۵) قانون امور حسبی در مورد صدور حکم موت فرضی کسانی که در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مفقودالاثر شده‌اند ضرورت ندارد و گواهی صادر شده توسط عالیترین مقام اجرایی بنیاد شهید انقلاب اسلامی برای مرجع رسیدگی کننده به تقاضای صدور حکم موت فرضی ، کافی می‌باشد.

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی درخصوص مهریه

ماده واحده ـ یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می گردد تبصره ـ چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری ووزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.(۱) رای وحدت رویه ۶۴۷ ـ ۲۸۱۰۱۳۷۸)... منظور مقنن از تصویب ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن‌حفظ ارزش ریالی مهریه زوجه است که معمولا به حسب وجه رایج (ریالی تعیین می‌شود اگرچه تاریخ وقوع عقد ازدواج مربوط به زمان قبل ازتصویب تبصره مزبور باشد با این وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی با ماده ۴ قانون مباینتی ندارد(رای وحدت رویه شماره ۶۳۳ ـ ۱۴۲۱۳۷۸ گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوجه تسلیم نشده ، در صورت حال بودن مهر ، زن می‌تواند از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر داردامتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود لکن مقررات این ماده صرفا به رابطه حقوقی زوجه و عدم سقوط حق مطالبه نفقه زن مربوط است واز نقطه نظر جزایی با لحاظ مدلول ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۲۳۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی که‌به موجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تادیه نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران‌مشعر بر برائت شوهر از اتهام ترک انفاق زن که با این نظر مطابق دارد با اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌شود. این رای وفق‌ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاههای در موارد مشابه لازم‌الاتباع است

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی – مصوب ۱۳۱۷۷

ماده ۱ ـ چنانچه مهریه وجه رایج باشد مرجع صالح بنا به درخواست هر یک از زوجین میزان آن را با توجه به تغییر شاخص قیمت سال زمان ادیه نسبت به سال وقوع عقد محاسبه و تعیین می‌نماید. تبصره ـ در صورتی که زوجین در حین اجرای عقد در خصوص

محاسبه و پرداخت مهریه وجه رایج به نحو دیگری تراضی کرده باشند مطابق تراضی ایشان عمل خواهد شد. ماده ۲ ـ نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است متوسط شاخص بها در سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضربدر مهریه مندرج در عقد نامه ماده ۳ ـ در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود. ماده ۴ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام موارد زیر می‌باشد الف ـ شاخص های بهای سالهای قبل از اجرای این قانون را تهیه و در اختیار قوه قضاییه قرار دهد. ب ـ شاخص بهای مربوط به هر سال را به طور سالیانه حداکثر تا پایان خرداد تهیه و به قوه قضاییه اعلام نماید. ماده ۵ ـ دادگاهها و ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند در محاسبه میزان مهریه وجه رایج مطابق ماده (۲) و در تعیین تغییر شاخص قیمت مهریه براساس شاخصهای مقرر در ماده (۴) این آیین نامه اقدام نمایند. ماده ۶ ـ در صورتی که زوجه برای وصول مهریه به دادگاه صالح دادخواست تقدیم نماید هزینه دادرسی به میزان بهای خواسته بر اساس مهرالمسمی بازوجه است و در صورت صدور حکم به نفع وی ، زوج علاوه بر پرداخت مهریه طبق ضوابط این آیین نامه مسوول پرداخت هزینه دادرسی به مقدار مهرالمسمی و ابطال تمبر به میزان مابه التفاوت خواهد بود. ماده ۷ ـ در صورتی که زوج تقاضای صدور اجازه طلاق نماید دادگاه مکلف به تعیین تکلیف مهریه بر اساس این آیین نامه و بر طبق ضوابط و مقررات جاری خواهد بود.

نحوه محاسبه ارزش مهریه وجه رایج کشور

بر اساس ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب مورخ ۱۳ ۲ ۱۳۷۷ هیات محترم وزیران ، نحوه محاسبه ارزش فعلی مهریه به ترتیب ذیل می‌باشد = ارزش مهریه در حال حاضرعدد شاخص در سال قبل مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه عدد شاخص در سال وقوع عقد بطور مثال اگر ازدواجی با مبلغ مهریه ۲۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۵۲ تحقق یافته و قرار باشد مبلغ مذکور در حال حاضر تادیه گردد، برای محاسبه مبلغ مهریه در حال حاضر (سال ۱۳۸۴) از رابطه ذیل استفاده می گردد = ارزش مهریه در حال حاضرعدد شاخص در سال ۱۳۸۳ مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه عدد شاخص در سال ۱۳۵۲ (سال ۱۳۸۴) بر اساس رابطه فوق و با توجه به اعداد شاخص که در جدول پیوست آمده است ۲۰۰ ریال ۲۸۴۶۱۲۷۴ = ارزش مهریه در حال حاضر (سال ۱۳۸۴) ریال ۴۲۸۸۴۳۷۵ = ۰۰۰ در نتیجه مهریه قابل پرداخت در سال ۱۳۸۴ (زمان تادیه معادل ۴۲۸۸۴۳۷۵ ریال می‌باشد. بدیهی است که تا سال ۱۳۸۴ به پایان نرسد ، صورت کسر فوق ، شاخص سال ۱۳۸۳ یعنی عدد ۴۶۲۷۴ خواهد بود و بعد از اتمام سال ۱۳۸۴ و ورودبه سال ۱۳۸۵ شاخص سال ۱۳۸۴ جایگزین شاخص ۱۳۸۳ خواهد گردید.

قانون واگذاری قیمومت محجورین تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور – مصوب سال ۲۹

ماده واحده ـ در کلیه مواردی که سازمان بهزیستی کشور متکفل امور فرد محجوری می گردد که محتاج نصب قیم باشد مکلف است جهت نصب قیم موضوع را به مراجع قضایی مربوطه اعلام نماید. تا زمانی که دادگاه فرد معینی را به عنوان قیم نصب نکرده در موارد ضروری رییس دادگستری محل می‌تواند رییس سازمان بهزیستی کشور و مدیران کل و روسای ادارات بهزیستی محل را با حق توکیل به غیر موقتا به عنوان نماینده قانونی محجورین با اختیارات و مسوولیت های قانونی قیم منصوب نماید. تشخیص ضرورت به عهده سازمان مذکور می‌باشد. تبصره ـ تهیه و تصویب آیین نامه اجرایی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به عهده وزارت دادگستری و وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

آیین نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره – مصوب ۲۱ ۱ ۱۳۸۲

ماده ۱ ـ به وزارت کشور (اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی اجازه داده می‌شود در صورت تقاضای ثبت ازدواج از سوی مرد تبعه ایران بـا زن تبعه خـارجه دارای کـارت هویت ویژه اتبـاع خـارجی بـا رعایت مقررات این آیین نامه مجوز ثبت ازدواج را صادر نماید. ماده ۲ ـ برای تشـکیل پرونده متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه وتسلیم نمایند ۱ ـ درخواست نـامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور مجوز ثبت ازدواج ، طبق نمونه وزارت کشور ۲ ـ ارایه اصل و رونوشت شناسنامه مرد و کارت هویت معتبر زن ۳ ـ گواهینامه از مراجع رسـمی کشور متبوع زن مبنی بر تصـدیق هویت وی تبصـره ـ در صورتی که تهیه گواهینـامه مـذکور برای متقاضـی امکـان پـذیر نباشـد وزارت کشور می‌توانـد بدون دریافت مدرک فوق اقدام به تشـکیل پرونده نماید. ماده ۳ ـ وزارت کشـور در خصوص هویت و صـلاحیت زن خـارجی مراتب را از وزارت اطلاعات ـ امور بیگانگان ـ اسـتعلام و مجوز ثبت ازدواج را صادرخواهـد نمود. تبصره ۱ ـ مراجع مذکور می‌توانند اختیارات خود را به ادارات تابعه در اسـتانها واگذار نمایند. تبصره ۲ ـ مراجع ذی ربط در صورت صـدور مجوز ثبت ازدواج واقعه را ثبت خواهنـد نمود و وفق مـاده (۹۷۶) قانون مـدنی جهت زوجه شناسـنامه صادر خواهد شد. این تصویب نامه در تاریخ ۲۱۱۱۳۸۱ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است

آیین نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیرایرانی – مصوب ۶ ۷ ۱۳۴۵ هیات وزیران

ماده ۱ ـ به وزارت کشور اجـازه داده می‌شود پروانه اجـازه زنـاشویی بـانوان ایرانی را بـا اتباع بیگانه با رعایت مقررات این آیین نامه صادر نماید. ماده ۲ ـ با رای صدور پروانه فوق متقاضـیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند ۱ ـ درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضـای صـدور پروانه اجازه زناشویی طبق نمونه وزارت کشور. ۲ ـ گواهینـامه از مرجع رسـمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج بـا زن ایرانی و به رسـمیت شـناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهینامه مـذکور برای متقاضـی امکان پـذیر نباشـد وزارت کشور می‌توانـد بدون دریافت مدرک فوق در صورت رضایت زن پروانه زناشویی را صادرنماید. ۳ ـ در صورتی که مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد تشرف مرد به دین مبین اسلام ماده ۳ ـ وزارت کشور در صورت تقاضای زن علاوه بر مدارک مذکور در ماده ۲ مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود ۱ ـ گواهینامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یـا متاهـل ، از مرجع رسـمی محلی یـا مأموران سیاسـی و کنسـولی کشـور متبوع مرد. ۲ ـ گواهی نداشـتن پیشـینه بـد و محکـومیت کیفری مرد از مراجع رسـمی محلی یـا مـأموران سیاسـی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین گواهی عـدم سو پیشـینه کیفری از مراجـع کشور در صورتی که مرد بیگـانه در ایران اقـامت داشـته باشـد. ۳ ـ گواهی از مراجع محلی یـا مـأموران سیاسـی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر وجود اسـتطاعت و مکنت زوج و همچنین تعهـدنامه ثبتی از طرف مرد بیگـانه مبنی بر اینکه متعهد شـود هزینـه و نفقـه زن و اولاـد و هرگـونه حق دیگری کـه زن نسـبت بـه او پیـدا کنـد در صـورت بـدرفتاری یـا ترک و طلاـق پرداخت‌نماید. تبصـره ـ در مواردی که وزارت کشور مصلحت بداند، برای حسن انجام وظایفی که طبق مقررات و قوانین ایران زوج در قبال زوجه دارد از قبیل حسن رفتار و انفاق در تمام مدت زناشویی و ادای واجبات مالی زوجه و اولاد تحت حضانت وی و امثال آن و همچنین در مـواردی که تفریـق پیش آیـد برای پرداخت هزینه مراجعت همسر مطلقه تـا محـل سـکونت زن در ایران می‌تواند تضـمین متنـاسب از شـوهر مطـالبه نمایـد. فرم تعهـدنامه و تضـمینی که در این قبیـل مـوارد بایـد اخـذ شـود و چگـونگی اسـتفاده از ضمانت‌نامه را، وزارت کشور تهیه خواهد نمود. ماده ۴ ـ وزارت کشور می‌تواند به استانداری ها و فرمانداری های کل و همچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضـی از نماینـدگان سیاسـی و کنسولی ایران در خارجه اختیار دهـد که طبق مقررات این آیین نامه پروانه زنـاشویی را مستقیما در محـل صـادر نمـوده و مراتب را به ثبت احـوال اعلاـم دارنـد. ص ۷۰۰ ازدواج مردان ایرانی بـا زنـان خارجی

اوقاف

آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه – مصوب ۱۰ ۲ ۱۳۶۵

ماده ۱ ـ منظور از کلمه سازمان در این آیین نامه سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است ماده ۲ ـ اداره حج و اوقاف و امور خیریه هر حوزه امور مربوط به همان حوزه را انجام خواهد داد و در صورتی که رقبات یک موقوفه در حوزه های مختلف واقع شده باشد اداره حج و اوقاف و امور خیریه به محل مصرف مسیول رسیدگی به بودجه و حساب موقوفه خواهد بود و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل وقوع رقبات دیگر این گونه موقوفات به سایر امور رقبات واقع در همان حوزه رسیدگی می‌نمایند. در صورتی که موقوفه دارای رقبات متعدد و در حوزه های مختلف واقع و مصرف هر رقبه در همان حوزه باشد، رسیدگی به بودجه و حساب و اداره موقوفه به عهده اداره حج و اوقاف و امور خیریه همان حوزه می‌باشد. تبصره ـ چنانچه در مورد این صلاحیت ابهام و اختلافی بین ادارات حج و اوقاف و امور خیریه پیش بیاید نظر سرپرست سازمان معتبر است ماده ۳ ـ اداره امور اماکن مذهبی اسلامی از قبیل بقاع متبرکه و غیره بجز آنچه که در تبصره ۲ ماده ۱ قانون استثنا شده و اماکنی که برای اداره آنها ترتیب خاصی داده نشده است به عهده ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بوده و می‌توانند برابر ماده ۵ قانون و تبصره های ذیل آن و آیین نامه مربوطه ، اشخاصی را به عنوان هیات امنا انتخاب نمایند. تبصره ـ عرصه و اعیان مساجد ، مدارس ، علوم دینی و تکایا رقبه موقوفه است ولی ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در شیون داخلی آنها از قبیل تعیین امام جماعت و انجام مراسم مذهبی دخالت نخواهند داشت ماده ۴ ـ ادارات اوقاف و امور خیریه در مورد موقوفات خاصه که فاقد متولی منصوص بوده و یا به تشخیص سازمان معتمد یا محل وثوق نباشند، به منظور رعایت مصلحت وقف و بطون لاحقه ، با تشخیص و اجازه نماینده ولی فقیه و تا زمان رفع مانع نسبت به اداره امور موقوفه اقدام خواهند کرد. ماده ۵ ـ در موقوفات (اعم از عام و خاص ، موضوع قسمت اخیر بند (۱) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه درصورت اختلاف موقوف علیهم و همچنین در موارد تعدی و تفریط متولی و ناظر یا به خطر افتادن مصالح بطون لاحقه طبق ماده (۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بنا به درخواست ادارات اوقاف و امور خیریه و تشخیص شعبه تحقیق و حکم دادگاه تعیین تکلیف و اقدام‌خواهد شد. ماده ۶ ـ اداره امور موسسات و انجمن‌های خیریه ای که از طرف دولت و یا سایر مراجع ذیصلاح به عهده سازمان یا واحدهای تابعه گذاشته شده یا می‌شود طبق اساسنامه های مصوبه هریک خواهد بود و درمورد سایر موسسات خیریه باتوجه به قانون مالیات‌های مستقیم چنانچه موسسات مذکور جهت مفاصا حساب مالیاتی یا به هر جهت دیگری که احتیاج به گواهی داشته باشند مراجعه نمایند ادارات حج و اوقاف و امورخیریه می‌توانند نحوه عملکرد اینگونه موسسات را بررسی نموده و در صورت تایید گواهی صادر نمایند. تبصره ـ گواهی فوق به موسسات خیریه ای داده خواهد شد که در اساسنامه آنها پیش بینی شده باشد در صورت انحلال موسسه اموال و دارایی آن با اجازه نماینده ولی فقیه صرف امور خیریه گردد. ماده ۷ ـ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه موظفند گورستانهای متروکه موقوفه واقع در حوزه عمل خود را مشخص ودر صورتیکه فاقد متولی باشد باتوجه به موقعیت آنها برنامه های متناسب وفق موازین شرعی در امور خیریه جهت بهره برداری از آنها تنظیم و به سازمان پیشنهاد نمایند تا با تصویب سرپرست سازمان به مرحله اجرا گذاشته شود. ماده ۸ ـ اداره کل تحقیق سازمان وظایفی را که طبق قانون برعهده دارد به وسیله شعب حقوقی و حسابرسی انجام خواهد داد طرز تشکیل و رسیدگی و وظایف شعب تحقیق بر طبق آیین نامه مربوطه خواهد بود . ماده ۹ ـ متولی امین موقوفه بوده و موظف است مطابق قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و سایر قوانین و مقررات مربوطه و در صورت ابهام و یا فقدان مقررات خاص طبق احکام شرع و با عنایت کامل به مندرجات وقفنامه موقوفه تحت تولیت خود را اداره کند و درحفظ عین ، منافع ،حقوق و حدود موقوفه اقدام و در اجرای نیات خیر واقف کوشش نماید. ماده ۱۰ ـ متولیان موظفند در اسرع وقت نسبت به

ثبت رقبات تحت تولیت خود مبادرت نمایند و همچنین در مواردی که از طرف اشخاص تقاضای ثبت موقوفه به عنوان ملک شود اعتراض و در مراجع صالحه اقامه دعوی بنمایند و در مواردی که موقوفه به نحوی از انحا بدون مجوز شرعی به ملکیتاشخاص در آمده با رعایت ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۲۸ ۱ ۱۳۶۳ و آیین نامه اجرایی آن نسبت به احیای موقوفه اقدام و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل را در جریان اقدامات خود قرار دهند تا همکاری لازم معمول گردد. تبصره ۱ ـ متولیان موظفند در اجرای ماده ۹ قانون تشکیلات واختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وتبصره ذیل آن به هنگام طرح هر گونه دعوی یا اعتراض بر ثبت نسخه‌ای از دادخواست یا اعتراض نامه تنظیمی را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم و رسید دریافت دارند تا ادارات مذکور در این قبیل موارد برای حفظ حقوق موقوفه جریان دعوی را مستمرا مراقبت و در صورت لزوم در دعوی مطروحه وارد و در جهت حفظ حقوق وقف اقدام نمایند. تبصره ۲ ـ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند در صورتی که متولیان نسبت به تقاضای ثبت اعتراض برثبت واقامه دعوی و پیگیری آن درمواعد قانونی به وظایف خود عمل ننمایند برای حفظ حقوق وقف در موعد قانونی رأسا نسبت به موارد مذکور اقدام نمایند. تبصره ۳ ـ سازمان و موقوفات عام واماکن مذهبی اسلامی ، مدارس علوم دینی و موسسات وبنیادهای خیریه به موجب تبصره ذیل ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از پرداخت مخارج و هزینه های دادرسی وهمچنین از پرداخت حق‌الثبت و بقایای ثبتی و هزینه های اجرایی معاف می‌باشند. ماده ۱۱ ـ به منظور رعایت مصلحت وقف وبهره برداری صحیح باید رقبات موقوفه را با توجه به مفاد وقفنامه و قوانین مربوطه وباجلب نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی و رعایت شرایط زیر از طریق مزایده به اجاره واگذار نمود الف ـ خسارات احتمالی حتی الامکان به عهده مستاجر باشد. ب ـ از مستاجر بایدضامن معتبر ویا وثیقه مناسب برای تادیه حقوق موقوفه و تخلیه وتحویل آن در پایان مدت اخذ شود. ج ـ حق انتقال مورد اجاره از طرف مستاجر به غیر حسب مورد موکول به موافقت کتبی متولی و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه باشد، بدیهی است رعایت آیین نامه نحوه وصول پذیره و اهدایی الزامی است د ـ مدت اجاره نباید بیش از ده سال باشد مگر با جلب موافقت سرپرست سازمان ه ـ از پیشنهاد دهندگان برابر ده درصد مبلغ پیشنهادی بعنوان سپرده اخذ شود. و ـ حداقل مال الاجاره براساس نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی وبه نرخ عادله روز وسایر شرایط لازم در آگهی مزایده قید گردد. ز ـ اجاره نامه باید رسمی باشد ودر مواردی که تنظیم اجاره نامه رسمی میسر نیست قرار داد تنظیم گردد. تبصره ۱ ـ در مورد رقباتی که در آمد سالیانه آنها تا دویست هزار ریال می‌باشد مزایده الزامی نیست مشروط براینکه میزان اجاره از طرف کارشناس رسمی یا خبره محلی با توجه به نرخ عادله روز تعیین شده باشد. تبصره ۲ ـ آگهی مزایده باید متضمن شرایط مذکور در ماده قبل و هر گونه اطلاعات باشد ودر یکی از روزنامه‌های کثیر الانتشار محلی نیز منتشر شود فاصله انتشار آگهی تا تاریخ قرایت پیشنهادها کمتر از ۱۵ روز وبیشتر از ۳۰ روز نخواهد بود. ماده ۱۲ ـ در مورد موقوفاتی که عرصتا و اعیانا وقف است اعطای حق تملک اعیان به مستاجر ممنوع می‌باشد در بعضی موارد استثنایی تملک اعیان مستحدثه به وسیله مستاجر با تصویب سرپرست سازمان مجاز است واین موضوع در مورد باغ های موقوفه وهمچنین در مورد موقوفات خاص نیزجاری است ماده ۱۳ ـ اجاره اراضی و رقبات بلاـ معارض موقوفه مورد نیاز وزارتخانه ها و موسسات وابسته ونهادهای انقلاب اسلامی با رعایت صلاح وغبطه وقف براساس نظر کار شناس رسمی یا خبره محلی برمبنای نرخ عادله روز بدون انجام مزایده و با رعایت آیین نامه نحوه وصول پذیره و اهدایی مجاز است ودرموارد دیگر با رعایت مصالح وقف و یا تصویب سرپرست سازمان و بر مبنای نظریه کارشناس رسمی یا خبره محلی و به نرخ عادله روز انجام مزایده الزامی نخواهد بود. ماده ۱۴ ـ کمیسیون مزایده از مسیول اداره حج و اوقاف و امور خیریه نماینده اداره امور اقتصادی و دارایی محل ومتولی موقوفه تشکیل می‌شود ،درصورتی که موقوفه بدون متولی باشد نماینده دادستان عمومی شهرستان در جلسه شرکت خواهد نمود. تبصره ۱ ـدر مواردی که پیشنهادی نرسیده و یا پیشنهادات واصله به نظر کمیسیون مزایده مخالف مصالح وقف تشخیص داده شود مزایده یکبار دیگر تجدید می‌شود و

در صورت تکرار وضعیت اولیه ، تکلیف به وسیله اکثریت اعضای کمیسیون مذکور تعیین خواهد شد. تبصره ۲ ـ درمورد آن قسمت از باغات موقوفه که فروش سر درختی آنها از طریق دید به حال موقوفه مفید باشد می‌توان فروش را منحصر به یک فصل و مزایده را بر طبق عرف و عادات محل و با نظر کارشناس ویاخبره محلی به طور حضوری انجام داد. تبصره ۳ ـ در صورت تساوی پیشنهادات واصله برنده مزایده با نظر اکثریت اعضای کمیسیون تعیین خواهد شد. تبصره ۴ ـ رقبات موقوفات مشمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه برابر آیین نامه اجرایی آن به اجاره واگذار می‌شود. ماده ۱۵ ـ اراضی موقوفه مشمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه که در محدوده خدمات شهری واقع شده ودر حال حاضر کاربری زراعی ندارد با تایید مقامات ذیصلاح و تامین وپرداخت حقوق مکتسبه زراعین صاحب نسق طبق مفاد این آیین نامه برای امور ساختمانی مجاز به اجاره واگذار خواهد شد. ماده ۱۶ ـ متولی موظف است نسبت به وصول مطالبات موقوفه ونیز برای روشن نمودن وضع موقوفه در اجرای قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه به موقع اقدام کند. ماده ۱۷ ـ متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند اقدامات خود را نسبت به اجرای مواد ۱ و ۴ لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار اماکن متبرکه مذهبی ومساجد مصوب ۴۲۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران همچنان به منظور احقاق حقوق موقوفات پیگیری نمایند. ماده ۱۸ ـ وجوه حاصل از ضبط سپرده‌های مزایده موقوفات و اماکن مذهبی به حساب همان موقوفه یا مکان مذهبی واریز خواهدشد. ماده ۱۹ ـ مخارج هر موقوفه به شرح زیر است الف ـ هزینه‌های مربوط به حفظ عین و بقا موقوفه و فراهم نمودن موجبات آبادانی رقبات آن . ب ـ تعمیرات جاری وهزینه‌های مربوط به بهره برداری از آن . ج ـ مالیات وعوارض وحق التولیه و حق النظاره و مخارج ثبتی و محاکماتی در صورت شمول د ـ مصارف مقرر در وقفنامه و یا سیره جاریه تبصره ۱ ـ اعتبارات بند ج به وسیله متولی به مصرف می‌رسد ولی در مورد مصرف اعتبارات بندهای الف ، ب د اطلاع اداره حج و اوقاف و امور خیریه لازم است مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد. تبصره ۲ ـ آن قسمت از مخارج بند (د) که تحصیل اسناد هزینه مقدور نباشد گواهی لازم با ذکر علت نوع و مشخصات هزینه با امضای مسیول اداره محل و متولی و متصدیان امور مالی حسب مورد تنظیم خواهدشد. ماده ۲۰ ـ در موقوفاتی که دارای متولی منصوص و قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی نمی‌باشند، متولی موظف است بودجه فردی موقوفات و اماکن مذهبی که حاوی مشخصات رقبات و ریز ارقام درآمد و هزینه ، موجودی ، بدهی و مطالبات می‌باشد را حداکثر در سه ماهه آخر هر سال برای سال آتی ، طبق مدلول وقف نامه و مطابق نمونه ای که سازمان معین می‌نماید ، در پنج نسخه به اختلاف مورد ، به شرح زیر تنظیم نماید الف ـ ادارات اوقاف و امور خیریه ، بودجه موقوفات متصرفی را ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مربوط ارسال می‌نمایند تا در صورتی که طبق مقررات و مدلول وقف نامه یا سیره جاریه تنظیم شده باشد، تایید و در غیر این صورت جهت رفع نقص اعاده نماید. ب ـ موقوفاتی که متولیان آنها در مظان تعدی و تفریط قرار دارند و با رعایت طرح توجیهی شماره ۵۹۳۱۱۲۰ مورخ ۲۳ ۷ ۱۳۶۹ و مجوز مورخ ۷۸۱۳۶۹ مقام معظم رهبری با نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه اداره می‌شوند متولی مربوط بودجه تنظیمی را ظرف یک ماه برای بررسی و تایید به اداره اوقاف و امور خیریه محل تسلیم می‌نماید. تبصره ۱ ـ یک نسخه از بودجه های تایید شده در موقوفات غیر متصرفی ـ موضوع بند (ب ـ به متولی و در موقوفات متصرفی به حسابداری و یک نسخه به اداره موقوفات و امور خیریه محل و یک نسخه به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مربوط و یک نسخه به اداره تحقیق مربوط و یک نسخه به سازمان ارسال خواهد شد و سازمان نیز به نوبه خود بودجه های واصله را مورد رسیدگی قرار داده و انطباق و یا عدم انطباق آن را با وقف نامه و مقررات و دستورالعمل های صادره به اداره اوقاف و امور خیریه محل اعلام می‌دارد. تبصره ۲ ـ موقوفاتی که دارای متولی منصوص و قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی هستند از تسلیم بودجه به ترتیب یاد شده مستثنی می‌باشند ، مگر آنکه طبق نظر شعب تحقیق و حکم دادگاه فاقد شرایط مذکور یا مشمول بند (ب این ماده شوند. این متولیان

در هر حال به منظور تنظيم امور مالياتى طبق قانون مالياتهاى مستقيم و آيين نامه و ضوابط مربوط جهت اخذ گواهى و مفاصا حساب عملكرد ساليانه موقوفه اقدام خواهند كرد. ماده ۲۱ ـ در مورد تعمير و عمران موقوفات و تامين و انجام هزينه هاى مورد نياز به ترتيب زير اقدام خواهد شد الف ـ در موقوفاتى كه واقف درصدى از درآمد را براى تعمير و امور عمرانى پيش بينى كرده باشد طبق نيات واقف عمل خواهد شد. ب ـ در ساير موارد براى انجام تعميرات و عمران موقوفات با رعايت ماده (۶) قانون تشكيلات و اختيارات سازمان حج و اوقاف و امور خيريه از درآمد موقوفه هزينه هاى لازم تامين و پرداخت خواهد شد. ج ـ ادارات اوقاف و متوليان مى‌توانند در صورتى كه مغاير وقف نامه نباشد از طرق ديگر نظير اخذ وام نيز براى اين منظور استفاده نمايند. ماده ۲۲ ـ در صورتى كه منابع مذكور در ماده (۲۱) و عوايد يك ساله موقوفه براى تعمير يا بازسازى آن تكافو ننمايد متوليان و ادارات اوقاف و امورخيريه و امنا مى‌توانند درآمد دو يا چند سال موقوفه را به اضافه عوايد موجود به مصرف برسانند. تبصره ـ حكم اين ماده همچنين حكم ماده (۲۱) اين آيين نامه در مورد اماكن مذهبى اسلامى با رعايت مقررات مربوط به اين اماكن نيز جارى است ماده ۲۳ ـ مطالبات و صرفه جويى هاى سال هاى قبل هر موقوفه به عنوان در آمد خالص در بودجه هر سال منظور خواهد شد و چنانچه قبلا حق التوليه و حق النظاره از اين مبلغ در يافت شده باشد مجددا احتساب نخواهد شد. ماده ۲۴ ـ با توجه به اينكه حفظ موقوفات از وظايف متوليان است و اموال وقف بايد از اموال شخص متولى جدا و متمايز باشد متوليان موقوفات و امناى اماكن متبركه مكلفند دفتر مخصوصى براى ثبت درآمد و هزينه موقوفه يا اماكن مزبور تنظيم نمايند و هر گاه درآمد سالانه آنها بيش از صد هزارريال باشد بايد با معرفى اداره حج و اوقاف و امور خيريه حساب جداگانه اى به نام موقوفه يا مكان متبركه در يكى از بانك ها افتتاح و عوايد حاصله را به‌آن حساب واريز و هر گونه پرداخت را از طريق آن انجام دهند. تبصره ـ در مورد موقوفات و اماكنى كه از طرف سازمان براى آنها امنايى منصوب شده است حساب مذكور با امضاى مشترك (امنا و اداره حج و اوقاف و امور خيريه افتتاح خواهد شد. ماده ۲۵ ـ ادارات تحقيق بموجب ماده ۱۴ قانون تشكيلات واختيارات سازمان حج و اوقاف و امور خيريه مكلفند همه ساله از متوليان و امناى وقف و اماكن مذهبى و مديران موسسات خيريه مشمول و نيز از ادارات حج و اوقاف و امور خيريه صورت حساب در آمد هزينه موقوفات واماكن مذهبى و موسسات خيريه را مطالبه نمايند. صورتحساب مزبور بايد طبق فصول بودجه فردى سالانه موقوفه يا مكان مذهبى ويا موسسه خيريه حد اكثر ظرف سه ماه بعد از ابلاغ در قبال اخذ رسيدبه اداره تحقيق ويا اداره حج و اوقاف و امور خيريه تسليم شود، در صورتى كه صورتحساب به اداره حج و اوقاف و امور خيريه تسليم شده باشد اداره مزبور موظف است حداكثر ظرف مدت ۱۰ روز صوت حساب مذكور را به اداره تحقيق مربوطه جهت رسيدگى و صدور مفاصا حساب ارسال دارند صورت حساب تسليمى بايد متضمن موارد زير باشد ۱ ـ هر رقم از درآمد و هزينه بايد حسب مورد داراى مدارك و اسناد هزينه معتبر باشد. ۲ ـ مانده حساب در آمد و هزينه سال قبل بايد در صورت حساب سالانه مزبور ملحوظ شود. تبصره ـ ادارات تحقيق از متوليان منصوصى كه در مظان تعدى و تفريط نباشند صورت حساب مطالبه نمى نمايند. ماده ۲۶ ـ متوليان موظفند در اجراى ماده ۶ قانون تشكيلات و اختيارات سازمان حج و اوقاف و امور خيريه و تبصره ذيل آن و با رعايت مواد ۲۱ و ۲۲اين آيين نامه استعداد محل در نگهدارى و جلوگيرى از خرابى وانهدام ودر آبادى موقوفه اهتمام نمايند. به طورى كه حداقل هر پنج سال افزايش محسوسى در عايدات موقوفه حاصل شود. ماده ۲۷ ـ ادارات تحقيق موظفند همه ساله مفاصا حساب عملكرد سال قبل موقوفه را با رعايت ماده ۲۵ اين آيين نامه صادر وحسب مورد به متولى يا امين و يا اداره حج و اوقاف و امور خيريه مربوطه تسليم نمايند. در صورتى كه عدم صدور مفاصا حساب ناشى از عمل متولى يا امين باشد شعب حسابرسى موارد تخلف را براى رسيدگى در جهت عزل يا ممنوعيت و يا ضم امين به شعب حقوقى تحقيق وبراى بركنارى امين به اداره حج و اوقاف و امور خيريه مربوطه اعلام خواهند داشت تبصره ـ شعب حسابرسى تحقيق اوقاف موظفند درآمد و هزينه كليه موقوفاتى كه اسناد آنها طبق ماده ۲۵ اين آيين نامه به آنها ارجاع مى‌شود پس از تكميل پرونده ها حداكثر ظرف مدت يك ماه رسيدگى و تكليف آنها را مطابق آيين نامه طرز

تحقيق و رسيدگی در شعب تحقيق اوقاف روشن نماينـد و بـا متخلفين برابر مقررات رفتـار خواهـد شـد. ماده ۲۸ ـ ادارات تحقيق موظفنـد همه سـاله بـا ملاحظه بودجه ها و صورت حسابهای ارسالی از طرف متوليان و هيات های امنا وادارات حـج و اوقاف و امور خيريه و موسـسات مشـمول چنـانچه به موارد تخلف برخورد نمودنـد مـدارك لازم را جمع آوری وبرابر مـاده ۷ قانون تشـكيلات و اختيـارات سازمان حـج و اوقاف و امور خيريه و تبصـره‌های مربوطه اقـدام نماينـد در خصوص تخلف امنا مراتب توسط اداره حـج و اوقاف و امر خيريه محل به سرپرست سازمان گزارش و كسب تكليف خواهد شد. ماده ۲۹ ـ متوليان مكلفند همه ساله ماليات قانونی موقوفه را در صورت شـمول پرداخت نماينـد و در صورتی كه براثر تعلل در پرداخت جريمه ای به آن تعلق گيرد بايد شـخصا آن را جبران كنند. ماده ۳۰ ـ در مواردی كه اداره امور موقوفه به حكم ولی فقيه يـا قـانون بـا سازمـان است كليه وظايف و مسـئوليت های متـولی به عهـده سازمـان خواهـد بود. تبصـره ـ هر نوع تخلفی كه در مورد موقوفـات غير متصـرفی موجب ممنوعيت ويـا عزل متولی می‌شود در خصوص موقوفه متصـرفی نيز تخلف محسوب و برابر مقررات اقدام خواهد شد. ماده ۳۱ ـ وجوه اهدايی به اماكن مذهبی اسـلامی كه جهت مشخصـی برای مصرف آن تعيين نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زايد بر احتياج اين قبيل اماكن با جلب نظر اداره حج و اوقاف و امور خيريه به وسـيله هيات امنا و در مواردی كه هيات امنا وجود نداشته باشد به وسيله ادارات حج و اوقـاف و امـور خيريه به ترتيبـی كه در مـاده ۵ قـانون تشـكيلات و اختيـارات سازمـان حـج و اوقـاف و امور خيريه و آيين نامه آن مشـخص است به مصرف خواهد رسيد. ماده ۳۲ ـ موارد زير از جمله اموری است كه انجـام آنها موكول به اجازه سـرپرست سازمان كه ماذون از طرف ولی فقيه است خواهـد بود ۱ ـ فروش رقبات موقوفه ونحوه تبـديل آن ۲ ـ اعطای حق تملك اعيان به مسـتاجر در موقوفاتی كه عرصـتا و اعيانا وقف است واين امر در مورد باغات موقوفه نيز جاری است . ۳ ـ اجاره بيش از ده سال ۴ ـ ترك مزايده در مورد اجاره موقوفه مشـمول مزايده ۵ ـ استرداد دعـاوی مطروحه در مراجع قضايی ۶ ـ ارجـاع اختلافات به داوری وانتخاب داور يا داوران ۷ ـ نصب وعزل امنا موقوفات و بقاع متبركه . تبصـره ـ جهت بررسـی واظهار نظر مشورتی در خصوص مشكلات و معضلات ومسايـل حقوقی و اوقـافی سـرپرست سازمـان می‌توانـد هيـاتی به نـام هيات فنی و حقوقی مركب از افراد صاحب نظر كه در سازمان اشـتغال داشـته باشـند را انتخاب و تعيين نمايد. ماده ۳۳ ـ حق التوليه متولی و يـا سازمـان در قبـال اعمـال توليت نسـبت به موقوفات و همچنين حق النظاره ناظر اعم از شخص و يا سازمان به ميزان مقرر در وقفنامه خواهد بود و در صورتی كه وقفنامه موجود نباشد و يا ميزان حق التوليه و حق النظاره در آن معين نشده باشد حق التوليه به مقدار اجرت المثل معادل ده درصد در آمد خالص ساليانه وحق النظاره به مقدار اجرت المثل معادل پنج درصد همان درآمد خواهد بود. تبصره ۱ ـ در موارد استثنايی كه درصدهای مندرج در اين ماده با توجه به وضـعيت موقوفه متناسب و متعارف نباشد با تاييد سرپرست سازمان كسر يا اضافه می‌شود . تبصره ۲ ـ در مواردی كه سرپرست سازمان اعمال نظارت اشـخاص يا ادارات حج و اوقاف و امور خيريه را در موقوفات غير متصـرفی ضـروری تشخيص‌دهند اجرت المثل حق النظاره را نيز متناسبا تعيين خواهند نمود. تبصـره ۳ ـ در آمد خالص موقوفه برابر هشـتاد در صد درآمد كل خواهد بود. ماده ۳۴ ـ ادارات حـج و اوقاف و امور خيريه در اماكن مذهبی اجرت المثل عمل خود بابت اداره امور اين اماكن را بر مبنای ده درصد از مجمع در آمد ساليانه اماكن مزبور دريافت می‌نمايند و حق الزحمه هيات امنا به موجب آيين نامه ماده ۵ قانون تشكيلات و اختيارات سازمان حج و اوقاف و امورخيريه تعيين خواهد شد . تبصـره ـ سازمان عوايد حاصـله از حق التوليه و حق النظاره و وجوهی كه بـابت اداره امور اماكن مـذهبی در يافت می‌دارد و همچنين هـدايای مسـتقل را مطابق بودجه‌ای كه همه ساله تنظيم و به تصويب هيات دولت می‌رساند رأسا مصـرف خواهد نمود. ماده ۳۵ ـ ادارات حـج و اوقاف و امور خيريه موظفنـد همه ماهه تراز عمليات دفتر روزنامه و كل رابه انضـمام مداركِ و گزارش لازم به اداره امور مالی موقوفات جهت بررسـی ارسال دارند . ماده ۳۶ ـ ثبت معاملات راجع به عين يـا منـافع موقوفـات و بنيادهـا و موسـسات خيريه وهمچنين ثبت معاملات رقبات مربوط به اماكن متبركه در دفاتر اسـناد رسـمی بدون موافقت سازمان ممنوع است و دفاتر اسناد رسمی مكلفند رونوشت اسناد راجع به وقف را ظرف ده روز پس از ثبت به

اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه ارسال دارند. ماده۳۷ ـ ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت موقوفات ، مساجد ، تکایا ، مدارس دینی و کلیه اماکن مذهبی ثبت شده و همچنین اساسنامه موسسات و بنیادهای خیریه واقع در حوزه عمل خود را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل تحویل نمایند. ماده ۳۸ ـ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و متولیان مکلفند اسناد و آگهی های ثبتی مربوط به حوزه عمل خود را بررسی و برای حفظ عین و منافع موقوفات هرگونه اقدام لازم را معمول دارند. ماده ۳۹ ـ سازمان مکلف است دفاتر مخصوصی برای ثبت خلاصه اسناد وقف نامه های هر شهرستان تهیه و تنظیم نماید. ماده ۴۰ ـ متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه موظفند نسبت به موقوفات مسلمی که بعنوان ملکیت تقاضای ثبت شده و در مدت قانونی اقدام به اعتراض نگردیده است برابر قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه و آیین نامه مربوطه اقدام نمایند. ماده ۴۱ ـ متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می‌توانند با عنایت به ماده ۶ قانون برای احیای حقوق وقف و دفاع از دعاوی مطروحه و مشاوره در امور حقوقی و ثبتی و موقوفات در صورت لزوم وکیل یا وکلای دعاوی واجد شرایط را انتخاب نمایند. تبصره ـ حق الوکاله و حق المشاوره با توجه به مصلحت و غبطه موقوفات از محل عواید وقف قابل پرداخت خواهد بود. ماده ۴۲ ـ در اجرای تبصره ماده ۱۰ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه متولیان موظفند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ اجرای قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و وقفنامه های موجودرا به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه تسلیم و رسید دریافت دارند و در صورت عدم اقدام ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند به طریق اطمینان بخشی تکلیف قانونی آنان را ابلاغ و ضرب الاجلی که بیش از ۲ ماه نباشد برای انجام آن تعیین و در صورت استنکاف به دلیل وجود مظنه تعدی و تفریط مراتب را به اداره تحقیق جهت رسیدگی و صدور حکم لازم اعلام دارند. ماده ۴۳ ـ ثمن بیع وقف در صورت جواز بیع باید در حساب مخصوصی در بانک تودیع و باجلب موافقت سرپرست سازمان وبر طبق ماده ۹۰ قانون‌مدنی رقبه دیگری به نام همان موقوفه خریداری که عواید آن بر نهج وقفنامه سابق به مصرف خواهد رسید. تبصره ـ بیع وتبدیل موقوفه طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی با کسب موافقت کتبی سرپرست سازمان امکان پذیر خواهد بود و در صورتی که متولیان بر طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی قصد بیع و تبدیل موقوفه را داشته باشند کسب موافقت سرپرست سازمان ضروری می‌باشد.(۳) ماده ۴۴ ـ سهام اوراق بهاداری که از محل ثمن موقوفات خریداری شده در حکم عین موقوفه است و قابل انتقال نیست مگر در موارد تبدیل تبصره ـ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه صورت مشخصات اوراق سهام موضوع این ماده و همچنین سایر سهام و اوراق موقوفه را در دفاتر مخصوص ثبت و نگهداری خواهند کرد . ماده ۴۵ ـ در مواردی که ثمن بیع وقف تکافوی خرید رقبه مستقلی را ننماید سازمان می‌تواند با مشارکت چند موقوفه و نظر متولیان آنها رقبه واحدی خریداری و سهم هر موقوفه را به تناسب سرمایه آن تعیین نماید. ماده ۴۶ ـ از تاریخ اجرای این آیین نامه احکام امنای موقوفات و اماکن مذهبی که بر مبنای مقررات سابق صادر شده است مورد بررسی و تجدید نظر قرارگرفته ودر صورت رضایت از نحوه خدمات آنان پیشنهاد وانتصاب مجدد بلا مانع است . ماده ۴۷ ـ اداره اثلاث باقیه ، محبوسات ، نذور ، صدقات و سایر اموال موضوع بند (۷) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه که فاقد متولی یا متصدی بوده یا مجهول التولیه باشد ، طبق مفاد بند (۷) و تبصره (۳) ماده (۱) قانون مذکور با اذن ولی فقیه و یا نماینده ایشان اداره امور آنها به ادارات اوقاف و امور خیریه محل وقوع رقبات مذکور محل می‌شود. تبصره ـ مقررات این آیین نامه (در خصوص موقوفات عامه در مورد محبوسات و اثلاث باقیه نیز تسری دارد . ماده ۴۸ ـ موسسات و بنیادهای خیریه در صورتیکه بخواهند از معافیت های مالیاتی مندرج در قانون مالیاتهای مستقیم استفاده نمایند باید قبلا نظارت سازمان را جلب نمایند . ماده ۴۹ ـ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می‌توانند در امور خیریه و موقوفات از اشخاص حقیقی و حقوقی قبول وصایت نیابت ، وکالت و تولیت نموده و صدقات جاریه و نذرهای آنان را برابر نیات مربوطه عمل نمایند. ماده ۵۰ ـ متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بمنظور بقای عین رقبات و فراهم آوردن موجبات آبادانی آنها می‌توانند با استفاده از وجوه بلامانعی که بدین امر اختصاص داده

می‌شود صندوق و یا شرکتی تاسیس نمایند. تبصره ـ صاحبان سهام این صندوق و یا شرکت اشخاص حقیقی و یا حقوقی خواهند بود که سرمایه آنرا تامین کرده‌اند. ماده ۵۱ ـ درآمد موقوفات مجهول المصرف و موقوفاتی که به صورت مبرات مطلقه وقف شده باشند در صورت نداشتن متولی یا مجهول التولیه بودنبا رعایت ماده (۸) قانون تشکیلات واختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه طبق بودجه ای که به تصویب سرپرست سازمان برسد توسط سازمانبه مصرف خواهد رسید. تبصره ۱ ـ رسیدگی به صورتحساب بودجه مزبور و صدور مفاصا حساب سالانه به عهده سازمان خواهد بود. تبصره ۲ درآمد موقوفات مجهول المصرف و مبرات مطلقه که دارای متولی منصوص باشد توسط متولی در مطلق خیرات و مبرات به مصرف خواهد رسید. ماده ۵۲ ـ اداره کلیه امور مربوط به حج و زیارت توسط سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی انجام می گردد و در اجرایان سازمان موظف است هماهنگ با سیاست کلی دولت جمهور ی اسلامی ایران اقدام و همه ساله برنامه های لازم را در زمینه برگزاری مراسم عبادی سیاسی حج و غیره و زیارت عتبات مقدسه و اماکن متبرکه خارج از کشور و اعزام زایران تهیه و به مورد اجرا درآورد. تبصره ـ وزارتخانه‌ها ، سازمانها و نهادهای ذیربط باید به منظور حسن انجام برنامه‌های حج و زیارت همکاری لازم را با سازمان معمول دارند . ماده ۵۳ ـ به منظور هماهنگی در انجام مراسم حج و زیارت اماکن متبرکه شورایی متشکل از افراد و نمایندگان ارگانهای زیر تشکیل می‌شود ۱ ـ نماینده مقام رهبری در امور حج و زیارت (در صورت معرفی ۲ ـ وزیر ارشاد اسلامی که ریاست شورا را بعهده خواهد داشت ۳ ـ سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه . ۴ ـ معاون سازمان در امور حج وزیارت . ۵ ـ معاون امور بین‌الملل وزارت ارشاد اسلامی ۶ ـ وزیر امور خارجه جمهور اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه . ۷ ـ وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۸ ـ دبیر کل هلال احمر جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۹ ـ رییس شهربانی جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۱۰ ـ رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۱۱ ـ مدیر عامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه . تبصره۱ ـ جلسات شورا به دعوت وزیر ارشاد اسلامی و یا سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه عنداللزوم تشکیل وتصمیمات متخذه با اکثریت آرا اتخاذ و در صورت تایید وزیر ارشاد اسلامی برای کلیه ارگان های ذیربط لازم الاجرا می‌باشد. تبصره ۲ ـ مذاکرات و تصمیمات شورا بوسیله دبیر شورا که توسط وزیر ارشاد اسلامی تعیین ومنصوب خواهد شد در صورت جلسه ای منعکس و در صورت تصویب ابلاغ خواهد شد . ماده۵۴ ـ اداره کلیه امور حج و زیارت تحت ریاست و هدایت و نظارت مستقیم سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بوده و می‌تواند تمام و یا قسمتی از اختیارات خود را در این مورد به معاون امور حج و زیارت سازمان تفویض نماید. تبصره ـ معاون امور حج و زیارت سازمان نیز در صورت لزوم با مسیولیت خود می‌تواند برای مدت غیبت خود تمام و در سایر موارد قسمتی از اختیارات اجرایی را به مسیولین ادارات و یا افراد مورد نظر که در سازمان شاغل می‌باشند با تایید سرپرست سازمان تفویض نماید. ماده ۵۵ ـ سازمان موظف است بمنظور پیش برد امور حج و زیارت و فراهم نمودن موجبات رفاه حجاج و زایران و ایجاد تسهیلات لازم در زمینهبرگزاری مراسم حج و زیارت تدابیری اتخاذ و با همکاری و همیاری سازمانها و نهادها و وزارتخانه های ذیربط برنامه هایی تنظیم نموده و به اجرا درآورد. ماده ۵۶ ـ انتخاب روحانیون و نظار و سرپرستان کاروانها براساس ضوابطی خواهد بود که توسط سازمان تهیه و به تصویب اعضای مندرج ردیف ۱الی ۴ موضوع ماه ۵۳ خواهد رسید. ماده ۵۷ ـ سازمان می‌تواند به منظور تامین پرسنل ضروری در امور حج و زیارت از خدمت کارکنان بازنشسته دولت که صلاحیت آنان مورد تایید بوده و دارای تجربه کافی باشند استفاده نموده و حسب مورد آنان رابه همکاری دعوت نموده و در قبال میزان کار و نوع خدمت و وظیفه ای که به آنان محول می‌شود پاداش مناسبی پرداخت نماید. ماده ۵۸ ـ بودجه اختصاصی سازمان در امور حج و زیارت که شامل ارقام درآمد وصولی از حجاج و زایران و هزینه های انجام شده در اجرای برنامه های‌حج و زیارت می‌باشند به موقع و همزمان با صدور

دستورالعمل تنظیم بودجه عمومی از طرف معاونت حج و زیارت سازمان تهیه و پس از تایید سرپرست سازمان و تصویب وزیر ارشاد اسلامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود. تبصره ـ در سال هایی که از اعزام حجاج ایرانی جهت انجام مراسم حج جلوگیری می‌شود ، بودجه اختصاصی سازمان از محل وجوه دریافتی متقاضیان حج و زیارت تامین و پس از تایید سرپرست سازمان و تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ، مورد اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۵۹ ـ سرپرست امور مالی سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (در قسمت بودجه اختصاصی حج و زیارت از طرف سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تعیین و پس از تایید وزیر ارشاد اسلامی منصوب خواهد شد. ماده ۶۰ ـ سال مالی سازمان حج و اوقاف و امور خیریه یک سال هجری شمسی است که از اول فروردین ماه هر سال آغاز و به پایان اسفند ماه ختم می‌شود. ماده ۶۱ ـ سازمان مکلف است پس از پایان مراسم حج منتهی ظرف ۴ ماه ترازنامه و گزارش جامعی از وضع مالی (در آمدهای وصولی و هزینه) و باقی مانده احتمالی وجوهی که از زایران دریافت گردیده و در حساب مخصوصی متمرکز شده تهیه و پس از تایید حسابرس یا حسابرسان امور حج و زیارت سازمان به وزیر ارشاد اسلامی تسلیم نماید. ماده ۶۲ ـ به منظور رسیدگی به حساب‌های گذشته و آینده امور حج و زیارت (در بودجه اختصاصی سازمان ۱ تا ۳ نفر حسابرس خواهد داشت که به موجب حکم وزیر ارشاد اسلامی تعیین و منصوب خواهند شد حسابرس یا حسابرسان موظفند تا به حسابهای حج و زیارت سازمان دقیقا رسیدگی ونظر خود را کتبا به وزیر ارشاد اسلامی اعلام دارند. در اجرای این منظور حسابرسان بدون اینکه حق دخالت مستقیم در امور حج و زیارت سازمان را داشته باشند می‌توانند به نحوی که به عملیات جاری حج و زیارت لطمه‌ای وارد نشود کلیه حسابها و دفاتر و اسناد و مدارک مربوطه را مورد رسیدگی قرار دهند و در صورتی که ضمن انجام وظایف خود به مواردی از سو جریانات و تخلفات برخورد نمودند بلافاصله وزیر ارشاد اسلامی را در جریان امر قرار دهند. وزیر ارشاد اسلامی می‌تواند در پایان هر دوره مالی مبلغی را که مناسب تشخیص دهد به عنوان پاداش به حسابرس یا حسابرسان پرداخت نماید. همچنین وزیر ارشاد اسلامی می‌تواند در صورت اقتضا امر حسابرسی امور حج و زیارت در گذشته و آینده را به شرکت سهامی حسابرسی محول نماید. ماده ۶۳ ـ کلیه معاملات مربوط به امور حج و زیارت اعم از خرید و فروش و اجاره و استیجار و پیمانکاری و اجرت کار و غیره بجز موارد مذکور در بندهای ماده ۶۸ قانون محاسبات عمومی که صریحا مستثنی گردیده باید حسب مورد از طریق مناقصه و مزایده انجام شود و مرجع تشخیص ضرورت و صرفه و صلاح دولت در بندهای یاد شده رییس سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد. علاوه بر آن موارد زیر نیز از شمول مقررات عمومی مستثنی بوده و با ترک مناقصه یا مزایده انجام خواهد شد. ۱ ـ در مواردی که انجام مناقصه یا مزایده به تشخیص هیاتی مرکب از نماینده وزیر ارشاد اسلامی ـ معاون امور حج و زیارت و سرپرست امور مالی حج و زیارت میسر و یا به مصلحت نباشد می‌توان معامله را به طریق دیگری با ترک مناقصه یا مزایده انجام داد. ۲ ـ سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و معاون امور حج و زیارت سازمان می‌توانند برای انجام دادن هر گونه خدمتی که در پیشبرد امور حج و زیارت موثر تشخیص دهند حداکثر به مدت ۳ ماه در سال (به نحوی که هیچگونه تعهد استخدامی برای سازمان و دولت ایجاد ننماید) از نیروی انسانی در داخل و خارج کشور و همچنین اتباع خارجی در خارج از کشور استفاده کنند و حق الزحمه آنان را به تشخیص خود و با توجه به اعتبار مصوب پرداخت نمایند. تمدید قراردادهایی که به این منظور منعقد می‌شود برای دفعات بعد در سال بعد بلامانع است ۳ ـ قراردادهای اجاره منازل و محل‌های استقرار ستادها و خوابگاه ها و نظایر آن در کشورهای خارج و مبالغی که بایست حق مطوف و دلیل و توقف ایران در منی و عرفات و اتوبوس و غیره در عربستان و یا سایر کشورها پرداخت می‌شود مشمول مقررات مناقصه و مزایده نبوده و طبق دستور سرپرست سازمان و یا مقام مجاز از طرف ایشان انجام خواهد گردید. ۴ ـ اعتباراتی که همه ساله تحت عنوان هزینه‌های پیش‌بینی نشده در بودجه اختصاصی امور حج و زیارت منظور و به تصویب خواهد رسید بنا به پیشنهاد معاون امور حج و زیارت و تصویب سرپرست سازمان قابل مصرف بوده با امضا گیرنده وجه به هزینه قطعی منظور خواهد شد. ۵ ـ ترتیب انجام مناقصه و مزایده از بودجه حج و

زیارت براساس قانون محاسبات عمومی خواهد بود مگر اینکه در هر مورد به پیشنهاد سرپرست سازمان و تصویب وزیر ارشاد اسلامی طریق دیگری انتخاب شود. ۶ ـ میزان و موارد تادیه پیش پرداخت و علی الحساب و نحوه واریز و اعمال حساب و احتساب آنها به هزینه قطعی و چگونگی وصول و ایصال مطالبات و روش نگاهداری حسابها و نمونه اسناد و مدارک و دفاتر و حساب اموال براساس دستورالعملی که توسط سازمان تهیه و به تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌رسد خواهد بود. تبصره ـ اعضای کمیسیون مناقصه و مزایده اعضای مذکور در بند ۱ این ماده خواهند بود. ماده ۶۴ ـ حدود و میزان تنخواه گردان مأمورین و مسئولین مالی برای پرداخت هزینه های مورد لزوم در داخل و خارج کشور حسب مورد با اخذ تضمین کافی به پیشنهاد معاون حج و زیارت و تصویب سرپرست سازمان خواهد بود. ماده ۶۵ ـ فوق العاده ایام ماموریت و هزینه سفر کارکنان دولت که در امور مربوط به حج و زیارت فعالیت می‌کنند اعم از داخل و یا خارج از کشور براساس آیین نامه سازمان متبوع مستخدم محاسبه و از محل اعتبار موضوع این آیین نامه قابل پرداخت است تبصره ـ در صورتی که بر حسب ضرورت هزینه مسکن و تغذیه مأمورین اعزامی به خارج از کشور از طرف سازمان تامین گردد فوق العاده ماموریت آنان براساس ضوابطی که (با احتساب و کسر هزینه‌های مورد اشاره از میزان مقرر) به تشخیص سازمان برقرار می‌شود قابل پرداخت خواهد بود. ماده ۶۶ ـ سرپرست امور مالی سازمان در امور حج و زیارت مکلف است همه ساله فهرست و مشخصات کامل اموال غیرمصرفی را که از بودجه حج و زیارت خریداری می‌شود تهیه و به معاون سازمان در امور حج و زیارت تسلیم نماید. ماده ۶۷ ـ نحوه انجام هزینه در خارج از کشور به شرح زیر است ۱ ـ همه ساله دستورالعملی که متضمن تفویض اختیار به روسای ستادها و نحوه انجام هزینه ها وسایر موارد باشد از طرف سرپرست سازمان و یا معاون امور حج و زیارت صادر و ابلاغ خواهد شد. ۲ ـ در مواردی که خرید یا پرداخت به دستور سرپرست سازمان یا معاون حج و زیارت انجام می‌شود و تهیه مدارک و فاکتور به تشخیص مقامات مذکور میسر نیست و مقامات یاد شده صحت پرداخت و لزوم هزینه‌ها را در هر مورد تامعادل پنجاه هزار ریال ایرانی گواهی نمایند اسناد مربوط به هزینه قطعی منظور خواهد شد. ۳ ـ صورت حسابهایی که از مراجع وادارات رسمی کشورهای خارج و یا هتل ها و مهمانسراهایی که دارای شماره و دفاتر رسمی هستند صادر و به وسیله مسیولین امور حج و زیارت ارایه می‌شود به هر مبلغ معتبر و قابل قبول است ماده ۶۸ ـ کلیه هزینه هایی که از محل بودجه عمومی کل کشور انجام خواهد شد و نیز سایر موضوعاتی که در زمینه امور حج و زیارت و خیریه در آیین نامه پیش بینی نشده تابع مقررات عمومی کشور خواهد بود. ماده ۶۹ ـ کارکنان سازمان مشمول مقررات قانون استخدام کشوری و آیین نامه ها و مقررات مربوط به آن می‌باشد. ماده ۷۰ ـ تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین نامه های قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه توسط سازمان تهیه و ابلاغ‌خواهد شد. ماده ۷۱ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مصوبات هیات دولت که مغایر با این آیین نامه باشد ملغی است

آیین نامه اجرایی تبصره ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و

هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران درجلسه مورخ ۱۷ ۲ ۱۳۵۸ بنابه پیشنهاد وزارت اطلاعات و تبلیغات به استناد تبصره ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد آیین نامه اجرایی آن رابه شرح زیر تصویب نمودند ماده ۱ ـ سازمان اوقاف مکلف است ضوابط و شرایط لازم و ضروری برای تنظیم اجاره نامه مستاجران و متصرفان املاک و اموال اوقافی را طی دستورالعملی به کلیه ادارات و مراکز اوقافی استان‌ها ابلاغ و سریعا نسبت به تجدید اجاره و انعقاد قرارداد جدید اقدام نماید. ماده ۲ ـ اجاره بهای عادله املاک مورد اجاره و متصرفی موقوفه به شرح زیر تعیین می‌شود ۱ ـ املاک و مستغلات مشمول قانون موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ بر اساس اجاره بهای قبلی و احتساب درصد شاخص کل بهای کالاها وخدمات مصرفی است که همه ساله از طرف بانک مرکزی ایران منتشر

می گردد. ۲ ـ در محل هایی که قانون موجر و مستاجر اجرا نشده و یا درصد شاخص از طرف بانک مرکزی تعیین و اعلام نگردیده اجاره عادله عبارت است از ۸ درصد ارزش معاملاتی عرصه و ده درصد ارزش معاملاتی اعیانی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و تصویب شده یا می‌شود. تبصره ۱ ـ تخفیف هایی که از نظر مشاع و یا در قید اجاره بودن در فهرست ارزش معاملاتی درنظر گرفته شده است در محاسبه ارزش عرصه یا اعیان مستغل منظور نخواهد شد. تبصره ۲ ـ درمورد آپارتمان ها اجاره بهای قسمت های اشتراکی نیز با توجه به مقررات قانون تملک آپارتمان نسبت به حصه آپارتمان مورد اجاره محاسبه و منظور خواهد شد. تبصره ۳ ـ نسبت به املاک مزروعی و باغات اعم از شهری و روستایی که فاقد ارزش معاملاتی است میزان اجاره عادله با جلب نظر کارشناس تعیین‌خواهد شد که اجاره برآوردی ۶ درصد ارزش ارزیابی شده خواهد بود. ماده ۳ ـ سازمان اوقاف درمورد اراضی مزروعی امکانات متقاضیان را از نظر قابلیت اراضی و میزان کشت و مقدار مساحتی که برای یک واحد زراعی سودآور است به هنگام تعیین اجاره بها و تنظیم سند اجاره جدید مورد نظر و رعایت قرار می‌دهد و نیز مکلف است درتنظیم سند اجاره درباره اراضی بایر شهری و آماده برای ساختمان زاید بر یکهزار متر مربع و بیش از یک واحد ساختمانی با هریک از متقاضیان خودداری نماید. تبصره ـ چنانچه اراضی شهری قبلا تفکیک شده باشد و قطعات تفکیکی درحدود ۲۵٪ زاید بریکهزار متر مربع باشد تنظیم اجاره نامه بلامانع است . ماده ۴ ـ کلیه ضوابط و شرایط مندرج دراسناد و قراردادهای اجاره که به شرح ماده یک این آیین نامه از طرف سازمان اوقاف تعیین و اعلام می‌شود از طرف مستاجران لازم الاجرا و غیر قابل اعتراض خواهد بود و مستاجران ملتزم و مکلف به اجرای کامل آن می‌باشند. ماده ۵ ـ این آیین نامه از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و کلیه مقررات مغایر با آن لغو می گردد و هر گونه تغییر یا تجدید نظر درآن به پیشنهاد وزیر اطلاعات و تبلیغات و سرپرست سازمان اوقاف و تصویب هیات وزیران امکان پذیر می‌باشد.

آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه – مصوب ۳ ۲ ۱۳۷۴

هیات وزیران درجلسه مورخ ۳ ۲ ۱۳۷۴ بنابه پیشنهاد مشترک وزارت کشاورزی و سازمان اوقاف و امور خیریه و به استناد تبصره (۶) ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه ـ مصوب ۲۵ ۱۱ ۱۳۷۱ ـ آیین نامه اجرایی قانون یاد شده رابه شرح زیر تصویب نمود ماده ۱ ـ تعاریف و اصطلاحات ۱ ـ مصلحت وقف تامین نظر واقف و منابع موقوف علیهم بارعایت غبطه موقوفه . ۲ ـ متصرف حسب مورد زارعان صاحب نسق یا قائم مقام قانونی آنان ، مالکان اعیان و اشخاصی که به گونه ای عرصه و یا عرصه و اعیان موقوفه تبدیل یا فروخته شده را در ید و اختیار دارند. ۳ ـ حقوق مکتسب متصرف هر نوع حقی که برای متصرف تحت شرایط قانونی معینی حاصل شده باشد ، از قبیل مالکیت اعیان ، تحجیر ، حقوق کسب و پیشه ، حق نسق زارعانه ، حفر چاه ، غرس اشجار و مانند آن . ۴ ـ مجوز شرعی مجوزی که بر اساس ضوابط شرع مقدس اسلام درمورد تبدیل یا فروش اموال موقوفه توسط مجتهد جامع الشرایط صادر شده باشد. ۵ ـ زارع صاحب نسق کسی است که مالک زمین نیست وبا دارا بودن یک یا چند عامل زراعتی شخصا یا با کمک خانواده خود دراراضی موقوفه زراعت می‌نماید و مقداری ازمحصول را به صورت نقدی یا جنسی به عنوان اجاره بها به موقوفه می‌دهد و نسق مورد زراعت وی مشمول قوانین اصلاحات ارضی بوده است . ۶ ـ زراعت تولیدمحصول به وسیله عملیات زراعتی یا باغداری . ۷ ـ مرتع زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمینی مسطح که در آن نباتات علوفه ای به طور طبیعی روییده و درهر هکتار آن حداقل تعلیف سه رأس گوسفند یا معادل آن از انواع دام‌های دیگر ، دریک فصل چرا امکان‌پذیر باشد. ۸ ـ بیشه یا قلمستان زمینی است که درآن درختان غیر مثمر به وسیله اشخاص غرس شده و تعداد درخت درهر هکتار آن از هزار اصله تجاوز نماید. ۹ ـ باغ زمینی است که درآن درختان مثمر یا مو به وسیله اشخاص غرس شده و عرفا باغ شناخته شود. ماده ۲ ـ ادارات اوقاف و امور خیریه و متولیان موقوفات مکلفند با توجه به سوابق ثبتی ، موقوفات عامه ای را که به فروش رسیده یا به

صـورتى به ملكيت اشـخاص درآمـده است ، صورت بردارى و همراه بـا مسـتندات و دلايـل به سازمـان اوقـاف و امور خيريه ارسـال نمايند. سازمان اوقاف ضـمن مطلع نمودن متصرف يا متصـرفين اين موقوفات و يا اشـخاص ذى نفع ديگر ، موضوع را به كميسيونى مركب ازسه نفر فقيه صـاحب نظر كه بـا انتخـاب و زير نظرنماينـده ولى فقيه در سازمـان يـاد شـده تشـكيل مى‌شود ارجاع مى كنـد ، كميسـيون مـذكور نظر خود را درمورد جواز شـرعى فروش يـا تبـديل رقبات ، با توجه به اسـناد و مـدارك ارايه شـده اداره اوقاف و متولى ذيربط و همچنين اشـخاص ذى نفع در موقوفه اعلام مى‌نمايـد. درصورتى كه تبـديل و فروش رقبه موقوفه به نظر كميسـيون با مجوز شـرعى انجـام شـده باشـد معـامله تاييـد مى‌شود و درغير اين صورت نظر نماينـده ولى فقيه و سـرپرست سازمان اوقاف و امور خيريه داير بر بطلان سـند فروش يا تبديل موقوفه همزمان به سازمان ثبت اسـناد و املاك كشور و متصـرف يامتصـرفين و يا اشخاص ذى نفع در موقوفه ابلاغ مى‌شود. ادارات ثبت بر اساس اين تصـميم نسبت به بطلان سند در سوابق ثبتى و دفاتر مربوط ثبت و صدور سنـد جديـد به نام موقوفه اقـدام خواهند نمود. ماده ۳ ـ پس از ابطـال انتقالاـت بعـد از وقف ، اداره اوقـاف و امور خيريه يـا متولى با رعايت تبصره (۴) ماده واحده قانون ابطال اسـناد و فروش رقبات ، آب و اراضـى موقوفه ، متصـرف را براى تنظيم سند اجاره دعوت مى‌نمايد و در صورتى كه متصـرف ظرف سـى (۳۰) روز از تاريـخ رويت نامه اوقاف براى تنظيم سـند اجاره مراجعه ننمايد به شـرح زير اقدام خواهند نمود ۱ ـ از متصـرف قبلى با رعايت حقوق مكتسب او خلع يد شده و موقوفه با در نظر گرفتن صرفه و صلاح وقف به داوطلبان ديگر اجاره داده خواهد شد. ۲ ـ درصورتى كه در مورد ميزان حقوق مكتسب قبلى بين او و اداره اوقاف و امور خيريه يا متولى اختلافى به وجود آيـد از طريق مراجع قضايى تعيين‌تكليف خواهد شد. دادگاه ها اين گونه موارد راخارج از نوبت رسيدگى و به صدور حكم مبادرت مى‌نمايند. تبصـره ـ درمواردى كه در اجراى اين قانون از زارعان صاحب نسق خلع يد مى گردد درصورت تقاضاى زارعان ، وزارت جهاد كشاورزى مكلف است ازاراضـى مستعد كشاورزى موجود در منطقه و درصورت نبودن اراضى قابل واگذارى در منطقه ، از اراضـى ساير مناطق ، با رعايت قوانين و مقررات جارى نسـبت به واگذارى اراضى به آنان با رعايت اولويت اقدام نمايند. ماده ۴ ـ موقوفـات مشـمول اين آيين نـامه كه به نحوى از انحـا دررهن يا وثيقه يا تامين و بازداشت اشـخاص ثالث قرار گرفته به تبع ابطال اسـناد مالكيت ، آزاد خواهد شد. ادارات اوقاف هنگام تنظيم سـند اجاره با استعلام از اداره ثبت محل ، مراتب را به اطلاع اشـخاص ذينفع خواهند رساند تا نسـبت به استيفاى حقوق خود از ساير اموال متعهد اقدام نمايند. ماده ۵ ـ درمورد موقوفات مزروعى مشـمول قـانون اجـازه تبـديل به احسن و واگـذارى دهـات و مزارع موقوفه عام ـ مصوب ۱۳۵۰ ـ و ساير مراحل اصـلاحات ارضى به ترتيب زير عمل خواهد شد. الف ـ درصورتى كه موقوفات ياد شده به دولت (وزارت كشاورزى واگذار شده ولى تا كنون اسـناد فروش آن به زارعان ، تنظيم نشـده نمايندگان اداره اوقاف و امور خيريه و اداره كشاورزى محل و متوليان مربوط دردفتر خانه اسـناد رسـمى حاضـر و بطلان سند را در دفاتر وهامش سند قيد و به وسيله دفترخانه ياد شده موضوع به اداره ثبت محل براى اصلاح اسـناد اعلام خواهد شد. ب ـ هر گاه موقوفه مزروعى پس از انتقال به دولت با تنظيم سند رسمى به زارعان مربوط واگذار شده باشد ، براى ابطال اسـناد يا تاييـد فروش آن به همان ترتيبى كه در اين آيين نامه آمده است عمل خواهد شد. ماده ۶ ـ پس از انجام موارد منـدرج دربنـدهاى (الف و (ب ماده (۵) ، ادارات اوقاف نسـبت به موقوفات تصـرف شـده و متوليان نسـبت به موقوفات تحت‌توليت خودمطابق مفـاد اين آيين نـامه بـا متصـرفان و زارعـان ، سـند اجـاره تنظيم خواهنـد نمود. مبلغ اجـاره بها متناسب با مورد اجاره و با رعـايت ارزش حقوق اكتسابى متصـرفان وزارعان طبق نظر كارشـناس رسـمى يا خبره محلى تعيين خواهـد شـد . تبصـره ۱ ـ چنانچه بعضـى اززارعان صاحب نسق به علت فوق يا انتقال يا بنا به علل ديگرى درحال حاضـر دراراضـى ياد شـده زراعت ننماينـد با وراث قانونى يا متصـرفان فعلى رقبه قرار داد اجاره تنظيم خواهد شد. درتنظيم اسناد اجاره با اين گونه متصرفان مفاد بند(۳) از ماده (۱) اين آيين نامه مجرى خواهـد بود. تبصـره ۲ ـ اگر زارعـان صـاحب نسـق دراين گونه اراضـى چـاه حفر نموده باشـند ، موقوفه درصورت امكان نسبت به خريد آن اقدام مى‌نمايد و دراين صورت اجاره بهاى زمين بر اساس اراضى آبى تعيين خواهد شد درغير اين صورت

کارشناس یا خبره محلی درموقع تعیین اجاره بها ، موضوع مالکیت چاه و عرف محل را ملحوظ خواهد داشت . تبصره ۳ ـ درصورتی که زارعان صاحب نسق بخشی از اراضی نسق زراعتی خود یا تمامی آن را به باغ یا قلمستان و بیشه تبدیل نموده باشند ، اداره اوقاف یا متولی بایستی با توجه به تعاریف ذکر شده در ماده (۱) این آیین نامه نسبت به عرصه با آنان سند اجاره تنظیم نمایند. تبصره ۴ ـ درصورتی که موقوفات مزروعی موضوع این آیین نامه در محدوده خدمات شهری قرار گرفته و کاربری زراعی آن تغییر یافته یا قابل تغییرباشد قبل از هر گونه اقدام درمورد تفکیک و واگذاری آن اراضی باید حقوق مکتسبه زارعان صاحب نسق با نظر کارشناس مرضی الطرفین و یا کارشناسان منتخب ادارات اوقاف و یا متولیان (حسب مورد) و زارع صاحب نسق به وسیله ادارات اوقاف و امور خیریه و یا متولیان شناسایی و به نحو مناسبی تامین و تادیه گردد در صورت عدم توافق و تراضی در شناسایی و تقویم حقوق مکتسبه ، به درخواست هر یک از طرفین ، موضوع توسط مراجع قضایی ذی صلاح مورد رسیدگی قرار گرفته و حقوق مکتسبه زارعان برابر نظر دادگاه پرداخت می‌شود. ادارات اوقاف و متولیان مکلفند در واگذاری اراضی تغییر کاربری داده شده ، درصورت تقاضای زارع صاحب به هر یک از افراد صاحب نسق برای اجاره یک قطعه از حداقل تفکیکی از همان اراضی اولویت قائل شوند. ماده ۷ ـ کلیه اعیانی و مستحدثاتی که زارعان صاحب نسق احداث نموده باشند ، متعلق به زارعان آنها خواهد بود و سند اجاره فقط نسبت به عرصه به شرط رعایت کاربری زمین با آنان تنظیم خواهد شد. تبصره ۱ ـ چنانچه دراجرای قوانین مختلف اراضی زارعان دراختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار گرفته و دراین گونه اراضی مستحدثاتی ایجاد کرده باشند مستحدثات یاد شده متعلق به اشخاص یاد شده بوده و نسبت به عرصه با آنان سند اجاره تنظیم خواهد شد. تبصره ۲ ـ درصورتی که مستحدثاتی متعلق به موقوفه بوده و دراجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفه عام به زارعین صاحب نسق یا سایر قوانین مربوط به مراحل مختلف اصلاحات ارضی به زارعان صاحب نسق واگذار شده باشد(نظیر منازل مسکونی زارعان و محوطه مربوط به آن و در حال حاضر نیز قابل بهره برداری باشد ، حفظ و حراست آن به عهده متصرفان بوده و وجهی به عنوان اجاره بهای این گونه رقبات (عرصه و اعیان با رعایت عرف محل دریافت نخواهد شد. تبصره ۳ ـ کلیه مستحدثاتی که در دهات و مزارع موقوفات توسط خوش نشین ها ویا اشخاص غیر احداث شده و با تایید معتمدان محل ، اعیان متعلق به آنان شناخته شده باشد سند اجاره بر اساس نظر کارشناس رسمی دادگستری یا خبره محلی فقط در مورد عرصه با صاحبان اعیان تنظیم خواهدشد. تبصره ۴ ـ به منظور ترویج فرهنگ احیا و بهره‌وری از موقوفات و تشویق زارعان به ادامه کشت و زرع بر روی اراضی موقوفه و تسهیل عملیات زراعی آنان ، بانک‌ها و سایر موسسات مالی ـ اعتباری ، با رعایت مقررات مربوط ترتیبی اتخاذ نمایند تا تسهیلات مالی لازم به زارعان صاحب نسق موقوفات اعطا گردد. به نحوی که اعطای تسهیلات بانکی به این زارعان بدون توثیق و ترهین عرصه و صرفا با استفاده از سند اعیانی ، اخذ سفته ،تضمین های زنجیره ای زارعان از یکدیگر و یا توثیق منافع واگذار شده از طریق اجاره و حقوق مکتسبه مترتب بر آن امکان‌پذیر باشد. در مواردی که بانک ها بابت تسهیلات اعطایی به زارعان با توثیق سند اعیانی و حقوق مکتسبه نظر به تامین مطالبات لاوصول خود از محل منفعت اعیانی وحقوق مکتسبه مرتبط با اراضی موقوفه داشته باشند ، ادارات اوقاف و متولیان ، بانک ها و موسسات اعتباری یا اشخاصی که توسط آنان معرفی می‌شوند را دراسناد اجاره جایگزین زارع بدهکار می‌نمایند. تبصره ۵ ـ به منظور رفاه زارعان صاحب نسق و فراهم نمودن زمینه فعالیت بیشتر در اراضی موقوفه ، ادارات اوقاف و امور خیریه و متولیان حسب مورد ، (در صورتی که واقف ترتیب دیگری برای اداره موقوفه معین نکرده باشد ، می‌توانند مدت اجاره زارعان را ده سال معین نمایند) و در ضمن عقد اجاره شرط نمایند که در پایان مدت مزبور عقد اجاره با زارع مزبور و یا قائم مقام قانونی وی بر اساس اجاره بهایی که با نظر کارشناس رسمی و یا خبره محلی با در نظر گرفتن حقوق مکتسبه زارع تعیین می گردد ، تجدید خواهد شد. درموارد خاص آنگاه که مصلحت وقف یا شرایط خاص دیگر اقتضا نکند افزایش مدت اجاره موقوفه برای بیش از ده سال با جلب نظر ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه امکان پذیر می‌باشد. ماده ۸ ـ احداث هر گونه اعیانی و باغ دراراضی

نسق زارعان موقوفه توسط این زارعان با اخذ مجوز از سایر مراجع قانونی ذیربط و بدون پرداخت پذیره مجاز می‌باشد. مستاجرین می‌توانند نسبت به ثبت اعیانی های مستحدث از طریق ادارات ثبت اسناد و املاک اقدام نمایند و سند مالکیت دریافت دارند. ایجاد ، توثیق و ترهین اینگونه اعیان ها مجاز بودهو نیاز به اعلام موافقت جداگانه ادارات اوقاف و امور خیریه و یا متولیان ندارد. ماده ۹ ـ هر گاه درتشخیص زارع صاحب نسق اختلافی به وجود آید ، فرمها و اسناد و صورت جلسات تنظیمی دراجرای قوانین اصلاحات ارضی ملاک عمل خواهد بود. ماده ۱۰ ـ چنانچه تمام یا بخشی از اراضی قابل واگذاری واقع درحریم روستاهای موقوفات عامه دراجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره برداری ازجنگل ها و مراتع ـ مصوب ۱۳۴۶ ـ به عنوان انفال ، منابع ملی اعلام شده باشد ، می‌باید حق بهره برداری آن توسط سازمان جنگل ها و مراتع کشور به سازمان اوقاف و امور خیریه و متولیان واگذار شود. تبصره ۱ ـ اراضی مذکور درحکم موقوفه بوده و درحدود محدوده و حریم روستای موقوفه و بنا به درخواست سازمان اوقاف و امور خیریه واگذار خواهد شد. تبصره ۲ ـ هر گونه تغییر کاربری دراین اراضی منوط به موافقت سازمان جنگل ها و مراتع کشور و نیز اخذ مجوز از سایر مراجع قانونی ذیربط خواهدبود. تبصره ۳ ـ سازمان‌های یاد شده مکلفند ظرف حداکثر دو سال نقل و انتقال زمین های موضوع این ماده را محقق نمایند. تبصره ۴ ـ چنانچه این گونه اراضی از طریق دولت به اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت اجاره یا فروش واگذار گردیده باشد اسناد تنظیمی با اطلاع دستگاه اجرایی مربوط اصلاح و با متصرف نسبت به عرصه سند اجاره تنظیم خواهد شد. کلیه مستحدثاتی که در این اراضی توسط متصرفین احداث شده باشد متعلق به آنان خواهد بود. ماده ۱۱ ـ در مورد زارعان و متصرفان و صاحبان اعیانی و انتقال گیرندگان موقوفات عام ـ موضوع مواد (۵) و (۹) این آیین نامه ـ درصورت خودداری از تنظیم سند اجاره طبق ماده (۳) عمل خواهد شد. ماده ۱۲ ـ وجوه حاصل از فروش موقوفات مزروعی که در حساب شماره (۵۵۵۷) بانک تعاون کشاورزی تودیع شده و اهدایی دولت به موقوفه تلقی‌شده به نسبت دستور پرداخت های وصولی مربوط به هر موقوفه به حساب همان موقوفه منظور و واریز خواهد شد تا درصورت لزوم صرف عمران وآبادی موقوفه شود. ماده ۱۳ ـ به منظور رسیدگی به حساب بدهی معوق زارعان ، از تاریخ فروش تا تاریخ تنظیم سند اجاره جدید با توجه به مفاد تبصره (۱) ماده (۶) این آیین نامه اجاره بها تعیین و تا میزان پرداخت‌های زارعان به حساب دولت با ارائه مدارک پرداخت اقساط آنان تهاتر و در صورتی که زارعان بدهکار شوند ما به التفاوت محاسبه و به صورت نقد یا اقساط از آنان وصول وبه حساب موقوفه واریز خواهد شد. ماده ۱۴ ـ کلیه مقررات این آیین نامه درمورد آبهای موقوفه که عواید آنها به مصارف عام می‌رسد نیز مجری است . ماده ۱۵ ـ درمواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد به صورت اصلی بازگردانده می‌شود ، مگر اینکه بازگرداندن آن به وضع اول موجب عسر وحرج و قلت درآمد و امثال آن باشد که دراین صورت ابقای آن به صورت فعلی با اجازه ولی فقیه یا نماینده ایشان درسازمان اوقاف و امور خیریه بلااشکال خواهد بود. ماده ۱۶ ـ در مورد ابلاغ نظرات کمیسیون موضوع ماده (۲) و اخطارها و دعوت نامه هایی که ادارات اوقاف و امور خیریه دراجرای این آیین نامه صادر وارسال می‌نمایند مقررات مربوط به ابلاغ تصمیمات شعب تحقیق اوقاف مواد (۱۰) و (۲۹) و(۳۱) آیین نامه کیفیت تحقیق درشعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ـ موضوع تصویب نامه شماره ۹۳۳۶۶ مورخ ۱۸ ۱۰ ۱۳۶۵ ـ رعایت خواهد شد. ماده ۱۷ ـ مقررات این آیین نامه شامل موقوفات آستان قدس رضوی و حضرت معصومه و حضرت احمد بن موسی علیهم السلام و سایر موقوفاتی که متولیان آنها منصوب از طرف ولی فقیه باشند نیز می‌شود. متولیان و امنای این موقوفات رأسا امور اجرایی را طبق ماده واحده قانون ابطال اسناد وفروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه و این آیین نامه به عهده خواهند داشت . تبصره ـ متولیان موقوفات یاد شده می‌توانند درتشکیل کمیسیون موضوع ماده (۲) این آیین نامه تنها برای موقوفات تحت تولیت خود اقدام نمایند. ماده ۱۸ ـ ازتاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مصوبات هیات دولت که مغایر با این آیین نامه است ملغی می‌باشد.

آیین نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه – مصوب ۳۰ ۹ ۱۳۶۵

ماده ۱ ـ شعب تحقیق شامل دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و هر شعبه مرکب از یک رییس و دو محقق می‌باشد. در هر حوزه تحقیق رییس شعبه حقوقی ریاست هیات تحقیق آن حوزه را به عهده خواهد داشت جز در تهران که ترکیب و اداره هیات های تحقیق به‌ترتیب مقرر در تشکیلات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود. تبصره ـ شرکت هر یک از محققین هر شعبه در رسیدگی با تصمیم رییس شعبه است ماده ۲ ـ شعبه صالحه برای رسیدگی به درآمد و هزینه موقوفات موسسات خیریه مشمول قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امورخیریه و آیین نامه اجرایی آن شعبه محل مصرف عواید موقوفه و محل ثبت موسسه است و چنانچه محل مصرف عواید یا منطقه فعالیت و عملیات موسسه در حوزه‌های مختلف باشد تعیین شعبه رسیدگی کننده با سرپرست سازمان خواهد بود بدیهی است در صورت لزوم شعبه مربوطه می‌تواند به سایر شعب حسابرسی نیابت دهد و شعب حقوقی به امور مربوط به حوزه هر یک از آنها رسیدگی خواهد نمود. ماده ۳ ـ روسای شعب حقوقی از بین مستخدمین لیسانسیه حقوق یا الهیات که سابقه خدمات اوقافی یا قضایی آنها کمتر از پنج سال نباشد انتخاب‌می‌شود مشروط بر اینکه سابقه محکومیت اداری یا انتظامی از درجه انفصال موقت به بالا نداشته باشند. محققین شعب حقوقی نیز باید واجد شرایط مذکور باشند مگر شرط مدت خدمات اوقافی یا قضایی که حداقل سه سال سابقه خدمات کافی خواهدبود. ماده ۴ ـ روسای شعب حسابرسی از بین مستخدمین لیسانسیه مطلع در امر حسابداری با داشتن حداقل ۵ سال سابقه خدمت اوقافی انتخاب خواهندشد مشروط بر اینکه محکومیت اداری از درجه انفصال موقت به بالا نداشته باشند محققین شعب حسابرسی باید دارای شرایط مذکور باشند ولی داشتن حداقل سه سال سابقه خدمت اوقافی کافی خواهد بود. تبصره ـ سرپرست سازمان حج و اوقاف وامور خیریه در صورت ضرورت می‌تواند از بین افراد مطلع که در امور حقوقی و حسابداری تجربیاتی دارند فردی را به عنوان محقق حقوقی یا حسابرس انتخاب و شاغلین فعلی ادارات و شعب تحقیق را نیز ابقا نماید. ماده ۵ ـ رییس دبیرخانه اداره کل تحقیق و مسئول دبیرخانه ادارات تحقیق استان‌ها از بین کارمندان دیپلمه و یا سایر مستخدمین واجد شرایط که حداقل سه سال سابقه خدمت در امور اوقافی داشته باشند انتخاب می گردند. تبصره ۱ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند به تعداد لازم شعب تحقیق در مراکز استان ها و شهرستان‌ها تشکیل دهد و محدوده فعالیت آنهارا به عنوان (حوزه تحقیق) معین نموده و عنداللزوم تغییر دهد. تبصره ۲ ـ شعب تحقیق در صورت ضرورت می‌تواند با کسب موافقت اداره کل تحقیق موقتا از وجود محققین یک شعبه در شعبه دیگر استفاده نماید. ماده ۶ ـ وظایف ادارات و شعب تحقیق به شرح ذیل است الف ـ وظایف شعب حقوقی ۱ ـ تحقیق و رسیدگی و اعلام نظر در مورد تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم موقوفات ۲ ـ تحقیق و رسیدگی و اعلام نظر در مورد وقفیت املاک و تشخیص موقوفات عام از خاص ۳ ـ تشخیص موقوفات مجهول التولیه یا بدون متولی ۴ ـ رسیدگی و اظهارنظر در مورد تطبیق مصارف درآمد موقوفات با مفاد وقفنامه یا سایر اسناد مربوطه در صورت ابهام یا بروز اختلاف ۵ ـ تحقیق و رسیدگی در مورد تعدی و تفریط یا مسامحه و اهمال متولیان وامنا و نظار و مدیران موسسات خیریه از انجام وظایف یا استنکاف از اجرای مقررات اوقافی درامور موقوفه و موسسات خیریه و تنظیم گزارش و ارسال به دادگاه و در صورت احراز تعدی و تفریط و تخلف اعلام جرم و انعکاس موضوع به دادسرا . ۶ ـ رسیدگی و اظهار نظر در مورد مصرف درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به علت قلت ولو با پس‌انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نیست یابه علت کثرت عواید زاید بر مصارف متعارف باشد بر طبق تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف وامور خیریه ۷ ـ رسیدگی و صدور گواهی مصرف نسبت به موقوفاتی که فاقد وقفنامه یا مدارک وقفیت معتبر بوده و در سنوات گذشته بر مبنای سیره جاریه عمل‌شده است . ب ـ وظایف شعب حسابرسی ۱ ـ رسیدگی به درآمد و هزینه موقوفات و بقاع و اماکن متبرکه اسلامی و موسسات و انجمن های خیریه ای که به موجب قانون وآیین

نامه های مربوطه اداره امور آنها به عهـده سازمان حـج و اوقاف و امور خیریه محول شده یا می‌شود. ۲ ـ تطبیق اسناد هزینه و درآمد موقوفات با مفاد وقفنامه یا سایر اسـناد مربوطه ۳ ـ صـدور مفاصا حساب برای اسـناد درآمد و هزینه‌هایی که به موجب بند ۱ وظایف شعب حسابرسـی از طریق ادارات اوقـاف به ادارات تحقیق ارسال می‌شود. ۴ ـ تطبیق درآمـد رقبات منـدرج در بودجه با وقفنامه و یا سایر مدارک معتبر. ۵ ـ تطبیق درآمد رقبات مندرج در بودجه با مدارک تعیین کننده درآمد. ماده ۷ ـ شعب تحقیق بنا به درخواست اشـخاص یا ادارات حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به موارد مذکور در ماده ششم رسیدگی و اظهارنظر می‌نماید. هر گاه در موارد مذکور اشخاص مستقیما به دادگاه مدنی خاص دادخواست تسلیم کرده باشند دادگاه می‌تواند مراتب را به اداره حج و اوقاف وامور خیریه و به نزدیـک ترین شـعبه تحقیق ارجاع نموده تا شـعبه مـذکور براساس این آیین نامه به موضوع رسـیدگی و نتیجه رابه دادگاه ارجـاع کننـده اعلاـم نمایـد. تبصـره ـ ادارات حـج و اوقـاف و امور خیریه بایـد ظرف سه روز از تاریـخ وصول درخواست و ضـمایم مـدارک رابه اداره تحقیق مربوطه بفرسـتند. مـاده ۸ ـ وظـایف دبیرخـانه ادارات تحقیق ۱ ـ ثبت درخواست واصـله و تسـلیم رسـید به متقاضی با ذکر شماره ثبت آن . ۲ ـ اگر درخواست از لحاظ طرز تنظیم و یا ضمایم آن ناقص باشد دبیرخانه مراتب را ظرف سه روز پس از وصول جهت رفع نقص به درخواست کننـده یا وکیل او اخطار خواهـد کرد تا ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه با رعـایت مسـافت رفع نقص کنـد والاـ تا رفع نقص رسـیدگی به درخواست متوقف خواهـد شـد. ۳ ـ پس از آنکه درخـواست کـامل تشـخیص داده شـد دبیرخانه نسـخه ای از آن را با ضـمایم در پرونـده مخصوص که ترتیب می‌دهد بایگانی و نسـخه های دیگر را با پیوست‌ها به طرف ابلاغ می‌نمایـد که ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ دریافت با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسـی مدنی پاسـخ کتبی خود را با مدارک مربوط به تعداد تقاضاکنندگان و با یک نسخه اضافی به اداره تحقیق ارسال دارند. ماده ۹ ـ شعب تحقیق در صورتی که رسیدگی به درخواست را خارج از وظایف خود بداننـد ضـمن تعیین مرجع صالح عدم صـلاحیت خود را اعلام‌خواهند نمود. تبصره ۱ ـ در صورتی که ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع در مهلت مقرر از پرونده های حقوقی رفع نقص ننمایند شـعب حقوقی می‌توانند پرونده مربوطه را از نوبت رسـیدگی خارج نمایند. رسیدگی مجدد منوط به تسلیم درخواست جدید و رفع نقص خواهد بود. تبصـره ۲ ـ چنانچه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشـخاص ذینفع نسبت به پرونده‌های حسابرسـی در مهلت مقرر رفع نقص ننمایـد شـعب حسابرسـی پرونـده مربوطه را از نوبت رسـیدگی خـارج نموده در خصوص موقوفـات متصـرفی مراتب را جهت کسب تکلیف به سازمان مرکزی گزارش می‌نمایـد و در مورد موقوفات غیرمتصـرفی برابر ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه عمل خواهندنمود. ماده ۱۰ ـ اگر محل اقامت کسی که شعب تحقیق برای او اخطاریه و دعوتنامه می‌فرسـتند معلوم نباشـد ویابه هر صورت ابلاغ مقـدور نشود در صورت لزوم شـعب تحقیق می‌تواننـد به تقاضـا وبـه هزینـه متقاضـی موضـوع و اوقـات رسـیدگی را یکبـار بـه وسـیله نشـر آگهی در روزنـامه رسـمی ویکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی به طرف ابلاغ نماینـد .هرگاه اخطار شونـده در مهلت مقرر پاسخ ندهد یا در جلسه رسـیدگی حاضـر نشود شعب تحقیق به موضوع رسیدگی و اعلام نظر می‌نمایند. تبصره ـ در صورت تجدید جلسه نیازی به تجدید آگهی نخواهد بود. ماده ۱۱ ـ در مواردی که نام اداره حـج و اوقاف و امور خیریه در درخواست قیـد نشده باشد شـعب تحقیق موظفند که در خواست و ضمایم آن و وقت‌رسیدگی و پاسخ را از طریق دبیرخانه تحقیق به اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه ابلاغ کنند تا نماینده خود رابه شـعبه تحقیق اعزام دارد و یـا نظر مشـروح و مستدل خود رابه صورت لاـیحه ارسـال نمایـد. ماده ۱۲ ـ شـعب تحقیق می‌تواند به تقاضای طرفین قرار اسـتماع شـهادت شـهود و تحقیقات محلی و ارجاع امر به کارشناس وهر نوع تحقیقات دیگری راکه برای روشن شـدن موضوع لاـزم بداننـد صـادر و اجرا نماینـد. مخارج اجرای قرار به عهـده متقاضـی است و در صورتی که شـعبه تحقیق اسـتماع شهادت شـهود و تحقیقات محلی و ارجاع به کارشناس و هر نوع تحقیقات دیگری را لازم بداند مخارج به عهده طرفین است تبصره ۱ ـ عـدم تودیع دسـتمزد کارشـناس و یا عـدم تهیه وسایل اجرای قرار موجب خروج این مورد از عـداد دلایل متقاضـی خواهـد شـد.

تبصره ۲ ـ تعیین مدت تودیع دستمزد کارشناس حسب مورد به عهده شعبه خواهد بود. ماده ۱۳ ـ شعب تحقیق می‌توانند تحقیق در هر امری را که لازم بدانند به شعب تحقیق حوزه دیگر نیابت داده و در صورت نبودن شعبه تحقیق به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل محول کنند. در این صورت شعب و ادارات مزبور مکلفند مورد نیابت را انجام و نتیجه را با مدارک و مستندات مربوطه به شعبه ارجاع کننده ارسال دارند. ماده ۱۴ ـ شعب تحقیق پس از آماده شدن پرونده برای اظهارنظر ظرف ده روز مبادرت به صدور نظریه می‌نمایند تصمیمات و نظرات شعب تحقیق درکلیه موارد باید موجه و مدلل باشد و ظرف پنج روز به طرفین ابلاغ شود. ماده ۱۵ ـ رسیدگی در شعب تحقیق به وسیله رییس و یکی از محققان انجام خواهد شد و نظریه آن دو در صورت توافق مناط اعتبار می‌باشد و در هر مورد که اختلاف نظر حاصل شود محقق دیگر همان شعبه برای مشاوره در موضوع اختلاف ضمیمه خواهد شد و تصمیمات و نظریه اکثریت ملاک عمل خواهد بود. در صورت غیبت رییس شعبه رسیدگی به موضوع به عهده محققین خواهد بود و عضو ارشد به جای رییس شعبه انجام وظیفه خواهدکرد. ماده ۱۶ ـ ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خودرا در دادگاه های دادگستری طرح نمایند. ماده ۱۷ ـ قرار تحقیق محلی و استماع شهادت شهود و تعیین خبره و اعطا نیابت به شعب تحقیق یا ادارات حوزه دیگر قابل اعتراض نیست ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع باید تسهیلات لازم برای اجرا قرار را فراهم کنند. ماده ۱۸ ـ رسیدگی به درآمد موقوفه قبل از ارسال صورت حساب طبق بودجه ارسالی خواهد بود. تبصره ـ بودجه‌ای که در سه ماهه آخر سال تنظیم شده و یا بودجه اصلاحی که احتمالا در طی سال تنظیم می‌گردد همراه با مدارک وقفیت مصرف و با سایر مدارک تایید کننده در آمد اعم از (اسناد اجاره ، قراردادها ، صورت جلسه ، استشهادیه و نظریه کارشناس یا خبره محلی در مورد پذیره و مال الاجاره) جهت رسیدگی و محاسبه در اختیار محققین حسابرسی شعبه ای که پرونده در آن مفتوح است قرار می‌گیرد. ماده ۱۹ ـ پرونده حسابرسی موقوفه در اول سال مفتوح و پس از وصول صورت‌حساب و رسیدگی و صدور مفاصاحساب مختومه می‌گردد. تبصره ـ رسیدگی به عواید و اسناد هزینه موقوفه بایستی در یک شعبه انجام پذیرد. ماده ۲۰ ـ شعب حسابرسی تحقیق مکلفند به صورت حسابهای واصله رسیدگی و در صورت داشتن نقص ظرف مدت ده روز به ادارات حج و اوقاف وامور خیریه و اشخاص ذینفع اخطار کنند که در مهلت مقرر رفع نقص نمایند. ماده ۲۱ ـ صورت حساب هر سال در سه ماه اول سال بعد ارسال و پس از رفع نقص حداکثر در مدت یک ماه رسیدگی و مفاصا حساب صادر خواهدشد. ماده ۲۲ ـ عواید موقوفه از محل (اجاره ، پذیره ، سرقفلی ، اهدایی ، نذور و فروش اموال .....و غیره در مفاصا حساب بایستی به تفکیک و براساس بودجه های تنظیمی به اضافه موجودی آخر سال اعم از وصولی (موجود نقدی و لا وصولی قید گردد. تبصره ـ موجودی اول سال ۱۳۶۳ موقوفات براساس مفاصا حساب‌های صادره برای سال ۱۳۶۲ ملاک عمل بوده و چنانچه مفاصاحساب صادر نشده و یا موجودی مفاصاحساب صادره متضمن لا وصولی ها نبوده و یا مورد اعتراض اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه قرار گرفته باشد شعبه رسیدگی‌کننده مکلف است به وضع مالی گذشته موقوفه رسیدگی و برای تسریع در امر حسابرسی با مفتوح نگهداشتن حساب های قبلی موجودی اول سال ۱۳۶۳ اعم از موجودی نقدی و لا وصولی‌ها را طی صورت جلسه‌ای با امضای متولی و ناظر (در صورت داشتن متولی و ناظر) و حسابدار و رییس اداره با استفاده از دفتر معین و تعیین لا ـ وصولی ها برابر اسناد و قراردادهای اجاره مشخص نماید. ماده ۲۳ ـ صدور مفاصاحسابی که به موجب آن موقوفه بدهکار شود ممنوع است مگر در مواردی که با توجه به تبصره ذیل ماده ۶ قانون تشکیلات واختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و طبق نظر کارشناس در امور عمرانی ثبتی و یا محاکماتی باشد بدیهی است در این صورت ضمن رسیدگی به کلیه هزینه های انجام شده مبلغ بدهی در توضیحات زیر مفاصاحساب منعکس و در سنوات بعد مبلغ بدهی یا قسمتی از آن تصفیه می‌گردد. ماده ۲۴ ـ ادارات تحقیق موظفند برنامه منظمی برای رسیدگی به امور حسابرسی شهرستانهای تابع حوزه مورد عمل خود تنظیم و به ادارات اوقاف شهرستانها ابلاغ نمایند .بر طبق این برنامه شعب حسابرسی در مدت معینی از سال متناسب با

حجم کـار هر یـک از شهرسـتانها در همان شهرسـتان تشـکیل خواهـد شـد و شـعبه مربوطه به حساب موقوفات آن شهرسـتان مطابق مقررات رسیدگی خواهد نمود. ماده ۲۵ ـ هرگـاه ادارات حـج و اوقـاف و امر خیریه و اشـخاص ذینفع در مهلت مقرر اقـدام به رفع نقص از اسناد هزینه ارسالی نکنند شعب حسابرسی‌تحقیق به آن قسمت از اسناد هزینه که متکی به مدارک قابل قبول باشد رسیدگی و به هزینه قطعی منظور نموده و مفاصاحسـاب صادر خواهنـد نمود و بقیه وجوه اسـناد رفع نقص نشـده و مردودی را باذکر دلیل جز موجودی موقوفه منظور می‌نماینـد. تبصـره ـ ادارات تحقیق موظفنـد کتبا استرداد وجوهی را که در مفاصاحساب صادره مردود اعلام شـده است به اداره حـج و اوقاف و امور خیریه محل و اشـخاص ذینفع ابلاغ نماینـد در صورتی که وجوه مـذکور تا یک ماه پس از قطعیت مفاصا حساب تحقیق مسترد نشود مراتب از طریق اداره کل تحقیق جهت تعقیب قانونی به سازمان اعلام خواهد شد. ماده ۲۶ ـ پس از رسیدگی به صورت حساب و صدور مفاصا حساب کلیه اسنادی که به حساب پذیرفته شده با مهر (رسیدگی و به حساب پـذیرفته شد) ممهور و توسط شـعبه مربوطه در پرونده ضـبط می‌شود و آن قسـمت از اسـناد هزینه که مردود می‌شود بایستی به مهر (رسیدگی و مردود گردید) ممهور ودر پرونده مربوطه نگهداری شود. تبصـره ـ در صورتی که صاحبان اسناد استرداد اصول اسناد را تقاضا کنند پس از مهر کردن آنها به شـرح ماده فوق فتوکپی اسـناد با هزینه متقاضـی تهیه و بایگانی گردیده و اصول اسـناد در قبال اخـذ رسـید مسترد می‌شود. ماده ۲۷ ـ صورت‌حسـاب موقوفـات متصـرفی که درآمـد آنها تا پانصـد هزار ریال است به وسـیله شـعب حسابرسـی تحقیق محل رسیدگی خواهد شد و بیشتر از مبلغ مذکور در شعب حسابرسی مرکز مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. ماده ۲۸ ـ ادارات تحقیق مکلفند دفاتر مخصوصی برای ثبت موقوفات حوزه مورد عمل خود تنظیم نمایند و بر مبنای آن صورت حساب هایی را که ظرف مهلت مقرر در این آیین نامه و قانون مربوط نرسیده باشد با صدور اخطار ده روز مطالبه کنند و در صورت عدم ارسال صورت حسـاب موقوفات متصـرفی به اداره تحقیق در ظرف مـدت سه ماه اول سال بعـد، اداره تحقیق موظف است موضوع را جهت اتخاذ تصـمیم به سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه اعلام نماید. ماده ۲۹ ـ اجرای نظریه های شعب تحقیق در موارد تعدی یا تفریط و مسامحه و اهمال متولی یا ناظر، موضوع ماده (۷) قانون تشکیلات و اختیارات‌سازمان حج و اوقاف و امور خیریه منوط به تاییـد و صـدور حکم قطعی دادگاه است تبصـره ۱ ـ سـایر نظرات و مفاصا حسابهای صادره و تصـمیمات شـعب تحقیق در محـدوده وظایف قانونی آنها، برای شـعب دیگر و ادارات اوقاف و امرخیریه و اشـخاص ذینفع قابل اجرا است مگر اینکه از مراجع ذی صـلاح قضـایی دسـتور توقف موقت اجرای حکم قطعی مبنی بر الغـا یا تصـحیح یاتغییر آنها صادر شود. تبصـره ۲ ـ تصـمیمات و نظریه های شعب تحقیق در سـایر امور و موضوعـات مـاده (۷) قـانون یـاد شـده ، مـذکور در این مـاده در مواردی که به نظر نماینـده‌ولی فقیه و سرپرست سازمـان اوقـاف و امـور خیریه از نظر مـوازین شـرعی مـواجه بـا اشـکال باشـد، به درخـواست وی به شـعبه تحقیـق دیگری جهت‌رسیدگی مجدد ارجاع می‌شود تا نسبت به اصلاح آن اقدام نمایند. ماده ۳۰ ـ هر گاه در تنظیم نظریه یا مفاصا حساب سهو قلم یـا اشـتباهات دیگری رخ دهـد شـعب صادرکننـده نظریـه یـا مفاصاحسـاب رأسـا و یـا بنـا به‌درخـواست طرفیـن می‌تواننـد نظریـه یا مفاصاحساب را تصـحیح و اصـلاحیه صادر کنند. اصلاحیه در زیر و یا پشت نسخه اصلی نظریه و یا در برگ دیگری که ضمیمه آن می‌شود نوشته و امضا خواهد شد به هر صورت صدور اصلاحیه در حواشی کلیه نسخ موجود در پرونده و دفتر نظریات و قرارها باید توسط مسیول دبیرخانه تحقیق قید و امضا و رونوشت نظریه اصـلاحی به طرفین ابلاغ شود و تابع مقررات اصل نظریه می‌باشد. دادن رونوشت نظریه بدون قید وجود اصـلاحیه و ضـمیمه بودن آن ممنوع است ماده ۳۱ ـ اوراق و اخطاریه هایی که در مورد تصـمیمات شعب ادارات تحقیق و از طرف آنـان صادر می‌شود به وسـیله مامورین اوقاف یا مامورین انتظامی ابلاغ خواهـد شـد. ماده ۳۲ ـ اداره کـل تحقیق به اموری که از طرف سازمان حـج و اوقاف و امور خیریه و ادارات تحقیق اسـتانها ارجاع شود در هیاتی مرکب از مـدیر کل تحقیق یا معاون وی و رییس شعبه حقوقی و یکی از روسای شعب حسابرسی مرکزی رسیدگی کرده نظریه مشورتی خواهد داد. ماده ۳۳ ـ مواردی که در این آیین نامه پیش‌بینی نشده در حدود صـلاحیت قانونی شعب تحقیق بر طبق مقررات قانون آیین دادرسی

مدنی و متون فقهی فقها عمل خواهد شد.

آیین نامه نحوه انتخاب و بر کناری ، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیات امنا اماکن

ماده ۱ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌توانـد به منظور حسن اداره اماکن مـذهبی اسـلامی از قبیل بقاع متبرکه و امثال آن و موسسات و انجمن های خیریه ای که اداره آنها به سازمان محول شـده یا بشود و همچنین برای موقوفاتی که متولی نـدارد با رعایت مفاد این آیین نـامه در هر مورد هیات امنایی انتخاب نمایـد. ماده ۲ ـ امین یـا امنـا با توجه به خصوصـیات و اقتضا مورد در موقوفات فاقد متولی از دو تا پنج نفر ودر اماکن متبرکه از سه تا پنج نفر می‌باشند که ازبین افراد معروف به امانت و متدین و متعهد محلی که حداقل دارای سواد خواندن و نوشتن بوده و توانایی انجام کار را داشته و حداقل ۲۵ سال سن‌ب اشند برای مدت سه سال انتخاب و با حکم سازمان حـج و اوقاف و امور خیریه منصوب و تجدید انتخاب آنها بلامانع می‌باشد. نحوه تایید صـلاحیت افراد مزبور وسیله سرپرست حج و اوقاف و امورخیریه تعیین خواهد شد. ماده ۳ ـ تصمیمات امنا موقوفات و اماکن مذهبی که با اکثریت آرا اتخاذ شده باشـد پس از تاییـد اداره مربوط قابل اجرا است ماده ۴ ـ امنـا درامور محوله دارای مسئولیت مشترك بوده و اعضـا هیات های امنای امـاکن مـذهبی دراولین جلسه ازبین خود یـك نفر به عنوان رییس ،یـك نفر مسـئول امور مالی و یك نفر منشـی انتخاب نموده و به اداره حج و اوقاف وامور خیریه محل معرفی خواهند نمود. ماده ۵ ـ غیبت بـدون عذر موجه هر عضو بیش از سه جلسه متوالی یا پنج جلسه متنـاوب دریـك سـال به عنوان کنـاره گیری از عضویت تلقی و درصورت ابراز عـدم علاقه و یا اقـداماتی که موافق با مصالح مورد امانت نباشد به حکم سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از این سـمت عزل خواهد گردید. تبصـره ـ سازمان به موجب پیشـنهاد اداره حـج و اوقاف وامور خیریه محل می‌تواند پس از فوت یا عزل و یا کناره گیری هریك از امنا ، امین دیگری راطبق مقررات این آیین نامه انتخاب نمایـد. ماده ۶ ـ هر گـاه امینی در وظـایف خود نسبت به امـاکن مـذهبی مرتکب تخلف شود بنا به تقاضای رییس اداره حج و اوقاف و امور خیریه یا قایم مقام او موضوع جهت رسیدگی درجلسه هیات امنا مطرح و گزارش آن برای اتخاذ تصـمیم به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه فرسـتاده خواهد شد. تبصره ـ درصورت تشخیص خیانت اکثریت اعضای هیات امنا ، اداره حج و اوقاف و امور خیریه موظف است علیه آنان در دادسـرای محل اعلام جرم نموده و مراتب را به سازمان حـج و اوقاف و امور خیریه گزارش دهـد. اعضـای مـذکور بلافاصـله بـا ابلاغ کتبی سازمان حـج و اوقاف و امور خیریه تا تعیین تکلیف آنها از دخالت درمورد امانت ممنوع بوده و مکلفند فورا حساب ها و دفاتر مربوطه را به اداره حج و اوقاف و امور خیریه تسـلیم دارند. ماده ۷ ـ وظایف امین و هیـات امنا به قرار زیر است الف ـ مراقبت کامل درحفظ مورد امانت . ب ـ نگهـداری اموال منقول و ثبت آنها با مشـخصات کامل در دفـاتر مربوطه . ج ـ انجام تعمیرات لازم اماکن مـذهبی و رسیدگی مرتب به وضع آنها. د ـ نوسازی و احـداث تاسیسات عمومی برای تـامین رفـاه زوار و مراجعه کننـدگان و ساکنـان نـاحیه ه ـ تهیه طرح و برنـامه هـای عمرانی و اتخاذ طرقی که موثر در پیشـرفت کارهـای امـاکن مـذهبی باشـد. و ـ طرح دعوی و دفـاع از حقوق اماکن مـذهبی و تعقیب دعاوی مطروح له و علیه آنها و درصورت لزوم انتخاب وکیل برای انجام امور مـذکوره . ز ـ به ثبت رسانیدن اعیان و اموال غیر منقول اماکن مذهبی و اخذ سـند مالکیت به نام اماکن مـذکوره . ح ـ جمع آوری درآمـد و نـذور نقـدی و جنسـی و نگهـداری وجوه اماکن مذکور درحساب مخصوص دریکی از بانـك هـا. ط ـ پرداخت مقرری هـای مصوب به خـدام و کسـانی که به نحوی از انحـا خـدمت آنان دراماکن مزبور لازم باشـد. ی ـ پرداخت هزینه مربـوط به بهـای برق و آب و مکالمـات تلفنی و سـایر هزینه هـای ضـروری و متعـارف . ك ـ اقـدام موثر برای جلب کمك های علاقمندان جهت عمران و آبادی و توسعه اماکن مذهبی . تبصره ۱ ـ صورت حساب و اسـناد خرج باید مرتبا تنظیم و به وسیله رییس هیات امنا نگهداری شود. تبصره ۲ ـ دراماکن مـذهبی که جز آثار باسـتانی است هر نوع تعمیر و مرمت با اطلاع قبلی و نظارت سازمان میراث فرهنگی کشور صورت خواهدگرفت . تبصره ۳ ـ امین یا هیات امنا موظفند پس از انجام هزینه های عمرانی و

ضروری مندرج درشرح وظایف خود مازاد درآمد اماکن مذهبی را که جهت مشخصی برای مصرف آن تعیین نشده است با رعایت ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و برابر بودجه مصوبه به‌مصرف برسانند. ماده ۸ ـ درصورتی که برای اماکن مذهبی امین یا هیات امنا انتخاب شده باشد می‌توان ازمحل وجوه موضوع ماده ۳۴ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به امین و هر یک از اعضا هیات امنا سالیانه حداکثر تا مبلغ سیصد هزار ریال به عنوان پاداش ، پرداخت نمود ، مشروط بر اینکه مجموع پرداختی از نصف مجموع دریافتی اداره حج و اوقاف و امور خیریه از همان مکان تجاوز ننماید. ماده ۹ ـ امین یا هیات امنا موظفند در سه ماهه آخر هر سال ، بودجه و برنامه اقدامات مربوط به مکان مذهبی را برای سال بعد تنظیم و پس از تایید به‌اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم تا برای تصویب به اداره کل استان مربوطه ارسال شود. هر گونه تغییرات بعدی درفصول و ارقام بودجه و یا برنامه ها و طرح های مصوب یا اصلاح آنها نیز باید به تایید اداره حج و اوقاف و امور خیریه و تصویب اداره کل استان مربوطه برسد. ماده ۱۰ ـ امین یا هیات امنا موظفند درفروردین ماه هر سال صورت هزینه و درآمد های سال قبل راهمراه اسناد مثبته و یک نسخه از بودجه مصوب برای رسیدگی و صدور مفاصا حساب به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم دارند. تبصره ـ چنانچه صورت هزینه و درآمدها ناقص باشد اداره حج و اوقاف و امور خیریه آن رابرای تکمیل عودت داده تا پس از رفع نقص جهت اخذ مفاصا حساب از اداره تحقیق اقدام کند. ماده ۱۱ ـ امین یا هیات امنا موظفند عواید و هزینه های مربوطه را دردفاتر ممهور و شماره گذاری شده‌ای که از طرف اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل دراختیار آنها گذاشته می‌شود به طور مرتب و روشن ثبت نمایند. ماده ۱۲ ـ ایجاد مستحدثات لازم برای سکونت و ایجاد تاسیسات عمومی از قبیل وضوخانه ، لوله کشی آب ، برق ، راه و مراقبت در امر بهداشت از اهم وظایف امین یا هیات امنا می‌باشد ، پس از آنکه تاسیسات مذکور به قدر کفاف به وجود آمد عایدات اماکن مذهبی صرف تعمیر و نگهداری آنها و ایجاد این قبیل تاسیسات برای ساکنان آبادی های مجاور مذکور خواهد شد. ماده ۱۳ ـ امین و هیات امنا و خدمه و کارکنان مجاز نیستند شخصا وجه و یا جنسی به عنوان نذور و یا اهدایی و غیره دریافت دارند ، لذا امین و هیات امنا موظفند صندوق و یا محفظه های فلزی قابل اطمینانی که ممهور به مهر مشخص باشد درمحل نصب و دراوقات معینی با حضور نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه آنها را باز و موجودی را با تنظیم صورت جلسه به حساب بانکی منتقل نمایند. برای نذور جنسی امین یا هیات امنا قبوضی در دو رنگ سفید و آبی با شماره متوالی چاپ و مشخصات کامل این قبیل هدایا را در آنها نوشته ، نسخه سفید را به اهدا کننده تسلیم و نسخه آبی را نگهداری خواهند نمود. تبصره ـ مسیولیت نگهداری کلید صندوق نذور و ضریح و مهر امین و هیات امنا و قبوض و اسناد و دفاتر به عهده هیات امنا و امین خواهد بود. ماده ۱۴ ـ برای آنکه حساب دریافت و پرداخت های اماکن مذهبی اسلامی بر مبنای روشنی استوار شود برای کلیه این قبیل اماکن متبرکه با معرفی اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل حسابی از طرف امنا نزدیکی از بانک ها افتتاح تا درآمدها کلا درآن حساب متمرکز و پرداخت‌ها نیز به وسیله چک صورت گیرد ، چک‌های صادره عموما با دو امضای امین یا رییس هیات امنا و حسب مورد نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود ودر صورتی که رییس هیات امنا به عللی در محل نباشد عضو دیگری از هیات امنا به جای او تعیین و معرفی خواهد شد. تبصره ـ امین و هیات امنا موظفند صورت درآمد و مخارج هر ساله را همراه با اقدامات انجام شده در آخر سال با امضا امین و کلیه اعضای هیات امنا حسب مورد و رییس اداره حج و اوقاف و امور خیریه برای اطلاع عامه منتشر سازند. ماده ۱۵ ـ درمواردی که فروش هدایای جنسی و اموال منقول زاید بر احتیاج یا غیر قابل استفاده اماکن مذهبی لازم باشد باید علت فروش با مشخصات کامل اشیا از طرف امین یا هیات امنا صورت جلسه شود و پس از تایید کتبی آن از طرف اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل به طریق مزایده حضوری در معرض فروش قرار گیرد. اشیایی که احتیاج به اظهار نظر کارشناس دارد باید قبلا نظر کارشناس یا خبره محلی نسبت به فروش و بهای آنها جلب شود. ولی فروش اشیا باستانی باید به تصویب سازمان میراث فرهنگی کشور برسد. تبصره ۱ ـ کمیسیون مزایده از امین یا رییس هیات امنا و صندوقدار

یـا یکی از اعضای هیات امنا به انتخاب خود هیات و نماینـده اداره حـج و اوقاف و امور خیریه تشـکیل می‌شود و اختیارات آن مانند اختیـارات کمیسیـون مزایـده موضوع آیین نامه اجرایی قانون تشـکیلات و اختیارات سازمان حـج واوقاف و امور خیریه خواهـد بود. تبصره ۲ ـ بهای فروش اشـیا مذکور و سپرده‌های ضبطی مربوط به آنها باید جز عواید به حساب مکان مذهبی دربانک منظور گردد. ماده ۱۶ ـ نوسازی اماکن مذهبی و تعمیرات و خرید اموال و اثاثیه آنها از طریق مناقصه و یا استعلام بها صورت خواهد گرفت ، مگر آنکه مقتضـیاتی موجب ترک مناقصه شود و اداره حـج و اوقاف و امور خیریه محل آن را تاییـد نمایـد. تبصـره ـ درصورتی که مبلغ هزینه های این ماده بیش از ده میلیون ریال باشد کسب نظر اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه اسـتان مربوطه ضروری است . ماده ۱۷ ـ درمواردی که اماکن مـذهبی دارای موقوفاتی باشـند که تمام یا قسـمتی از درآمـد آنها باید درمحل به مصـرف برسد ، می‌توان متولی موقوفه را به‌عنوان یکی از اعضا هیات امنا انتخاب و مصـرف قسـمت مـذکور از درآمد موقوفه که اختصاص به اماکن مذهبی مزبور دارد با نظارت هیات امنا صورت خواهد گرفت . ماده ۱۸ ـ امین یا هیات امنایی که برای موقوفات فاقد متولی انتخاب می‌شوند موظفنـد بر طبق مقرراتی که قانونـا برعهـده متولی و حسب مفـاد وقفنـامه و در صورت فقـدان وقفنامه طبق سیره جاریه انجام وظیفه نماینـد. حـدود اختیـارات و مسئولیت هـای آنهـا علاـوه بر مقررات این آیین نـامه به نحوی است که‌درقانون تشـکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آیین نامه های مربوطه برای متولی درنظر گرفته شده است . ماده ۱۹ ـ حق الزحمه امین یا هیات امنـا موقوفه با درنظر گرفتن عوایـد و میزان کار به وسـیله سازمان تعیین می‌شود و درهیـچ مورد مجموع پرداختی نبایـد از نصف حق التولیه مقرر در وقفنـامه تجـاوز نمایـد. ماده ۲۰ ـ سازمـان در کلیه اعمـال امین یـا هیـات هـای امنـا نظارت داشـته و موظف است که درحسن انجام وظایف آنان مراقبت کامل نماید.

آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی – مصوب ۱۰ ۲ ۱۳۶۵

ماده ۱ ـ درمواردی که زمین بلامعارض وقفی ابتـدائا با اعطای حق تملک اعیان جهت احـداث واحد مسـکونی و اداری ، خدماتی و صنعتی دارای موافقت اصولی به اجـاره واگـذار میشود ، مبلغی متنـاسب با قیمت عادله روز زمین که در هر حال نبایـد از ۳۰٪ قیمت آن کمتر باشد طبق نظر کارشـناس رسمی دادگستری ویا دو نفر خبره محلی به هنگام تنظیم سند اجاره به عنوان پذیره اهدایی علاوه بر مال الاجاره عادله روز از متقاضـی اعم از شـخص‌حقیقی یا حقوقی دریافت خواهد شد. تبصره ـ میزان پذیره رقباتی که بدون سند اجـاره دراختیـار اشـخاص است در صورت موافقت متولی و یا اداره حـج و اوقاف و امور خیریه با تنظیم سـنداجاره و پرداخت اجور معوقه ایام تصـرف مشـمول این ماده است مشـروط بر اینکه تصـرف متصرف قبل از سال ۱۳۶۱ باشد. ماده ۲ ـ مسـتاجر عرصه‌ای که حق تملک اعیان داشـته و احـداث اعیان نموده است چنانچه بخواهـد مورد اجاره را به غیر انتقال دهد ۱۵٪ مابه التفاوت ارزش فعلی عرصه موقوفه نسـبت به ارزش زمـان ایجـار را میبایـد به عنوان پـذیره انتقـال به هنگام تنظیم سـند اجاره به نفع موقوفه پرداخت نماید این‌ترتیب درنقـل و انتقالات بعـدی نیز رعایت خواهـد شـد بـدیهی است قیمت عرصه به نحو منـدرج درماده ۱ محاسـبه خواهد شد. تبصـره ـ چنانچه مستاجر دریک قطعه زمین موقوفه واحدهای متعددی احداث نماید در موقع انتقال قیمت عرصه هر واحد طبق قانون تملـک آپارتمان‌هـا تعیین و پـذیره انتقالی بر اساس آن محاسـبه و دریافت خواهـد شـد. ماده ۳ ـ درایجـاد رقبـات بلامعارض موقوفه جهت اسـتفاده به عنوان محل کسب صددرصد سـرقفلی درصورت تعلق برابر نظر کارشـناس یا خبره محلی از طریق مزایده به هنگام تنظیم سند اجاره به نفع موقوفه وصول خواهد شد. ماده ۴ ـ هرگاه مستاجر بخواهد واحد تجاری را که عرصه و اعیان آن وقف است به غیر انتقال دهـد بایـد با کسب موافقت متولی و اداره حـج و اوقاف و امورخیریه ۱۰٪ کل سـر قفلی محل را که کارشناس یا خبره محلی تعیین میکنـد به هنگـام تنظیم سـند اجـاره به موقوفه بپردازد و درصورتی که قبلاـ سـرقفلی به موقوفه پرداخت کرده باشـد ۱۰٪ مزبور نسـبت به مـابه التفـاوت سـرقفلی پرداختی قبلی به موقوفه و سـرقفلی فعلی محاسـبه و دریـافت میشود. مـاده ۵ ـ درصـورتی که

مستاجر درزمینی که برای سکونت اجاره نموده و خلاف شرط سند اقدام به احداث محل کسب نموده باشد ، در مواقع انتقال ملک و یا ایجاد محل کسب باید ۵۰٪ سرقفلی را برابر نظر کارشناس به موقوفه پرداخت نماید. ماده ۶ ـ انتقالات اختیاری بین مستاجر موقوفه و طبقه اول ارثی وی و همچنین درانتقالات قهری مستاجر از پرداخت‌پذیره معاف میباشند. ماده ۷ ـ در صورتی که مورد استفاده از زمین منطبق با نیات واقف نباشد کلیه وزارتخانه ها ، سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و موسسات عمومی غیر دولتی نظیر شهرداری ها و نیز نهادهای انقلابی مشمول پرداخت پذیره طبق این آیین نامه خواهند بود. ماده ۸ ـ اعطای حق تملک اعیانی درمورد اراضی موقوفه‌ای که بنا به تشخیص مراجع ذیصلاح کاربری زراعی دارد ممنوع بوده و در ایجاد آنها پذیره دریافت نخواهد شد. ماده ۹ ـ در مواردی که در میزان نحوه و ترتیب وصول پذیره و سرقفلی و یا تغییر نحوه استفاده از مورد اجاره ابهامی و یا اختلافی به وجود آید نظر سرپرست سازمان ملاک عمل خواهد بود. ماده ۱۰ ـ وجوهی که از محل پذیره و سرقفلی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه و یا به عنوان اهدایی دریافت میگردد جزو عواید همان موقوفه محسوب و علی ما قرره الواقف به مصرف میرسد و درصورتی که از عواید مذکور پس از وضع مخارج ضروری و اجرای نظر واقف مبلغ متنابهی باقی بماند که بتوان رقبه جدیدی خریداری و یا اقدام به احداث بنا در قسمتی از اراضی آن نمود ، به منظور استمرار و بقا موقوفه و تامین نظر واقف و تضمین بیشتر آن برای سال های آینده با رعایت صلاح و صرفه وقف و با تحصیل مجوز از سرپرست سازمان عمل خواهد شد. تبصره ـ پذیره‌های ماخوذه درموقع ایجار موقوفات خاص متعلق به کلیه بطون است و میباید جهت استفاده آنان سرمایه گذاری شود. ماده ۱۱ ـ ادارات اوقاف و متولیان باید حتی الامکان قبل از ایجار اراضی موقوفه بررسی لازم را معمول تا درصورتی که زمین وقفی جهت ایجاد مسکن ،کارگاه و یا واحدهای صنعتی مناسب و مفید باشد با هماهنگی ادارات ذیربط و با استفاده از منابع مالی ممکن و یا مشارکت بانک ها رأسا اقدام به احداث ساختمان نموده و با توجه به نحوه سرمایه گذاری مورد بهره برداری قرار گیرد. بدیهی است درصورت عدم امکانات لازم برای اجرای این ماده برابر مفاد آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امورخیریه و سایر مواد این آیین نامه اقدام شود. تبصره ـ اراضی موقوفه ای که برای ساختمان واحدهای تجاری اعم از پاساژ و غیره مناسب باشد میباید توسط متصدیان امر وقف نسبت به احداث آنها رأسا اقدام و سپس از طریق نشر آگهی مزایده به اجاره واگذار شود.

آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه – مصوب ۱۳۸۶۱

ماده ۱ ـ سازمان حج و زیارت موظف است در چهارچوب سیاستهای مصوب کشور ، برنامه‌های لازم را در زمینه برگزاری مراسم حج تمتع و غیره وزیارت عتبات مقدس و اماکن متبرک خارج از کشور اجرا نماید. ماده ۲ ـ به منظور هماهنگی بین دستگاههای مختلف و تسریع در انجام امور حج و زیارت شورای عالی حج و زیارت تشکیل می‌شود. ماده ۳ ـ شورای عالی حج و زیارت با ترکیب افراد و مسئولین دستگاههای زیر تشکیل می گردد ۱ – رئیس جمهور (رییس شورای عالی ۲ ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (نایب رییس شورای عالی ۳ ـ نماینده مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت (در صورت معرفی ۴ ـ وزیر امور خارجه ۵ ـ وزیر کشور ۶ ـ وزیر امور اقتصادی و دارایی ۷ ـ وزیر راه و ترابری ۸ ـ معاون وزیر و رییس سازمان حج و زیارت (دبیر شورا) ۹ ـ رییس کمیسیون مشترک ایران و عربستان ۱۰ ـ یک نفر کارشناس به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۱ ـ یک نفر کارشناس به انتخاب نماینده مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت تبصره ـ نحوه تشکیل جلسات شورا بر اساس آیین نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیر شورا تهیه و پس از تایید رییس شورای عالی به تصویب اعضا خواهد رسید. ماده ۴ ـ وظایف و اختیارات شورا به شرح زیر است ۱ ـ بررسی و تصویب خط مشیها و روشهای اجرایی سازمان در امور مربوط به حج و زیارت ۲ ـ بررسی و تصویب آیین نامه‌های مالی و معاملاتی مربوط به بودجه عملیات اجرایی سازمان موضوع ماده (۱) این آیین نامه ۳ ـ بررسی و تصویب میزان وجوه

قابل دریافت از زایران ۴ ـ تصمیم گیری نسبت به کلیه پیشنهادهای مربوط به حج و زیارت ارایه شده به شورا در چهارچوب قوانین و مقررات تبصره ـ مصوبات شورا پس از تایید رییس شورا و با امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ابلاغ می گردد. ماده ۵ ـ رییس سازمان بالاترین مقام اجرایی سازمان و در حدود قوانین و مقررات ، مسیول اداره و حسن جریان امور و حافظ حقوق و اموال سازمان است ماده ۶ ـ وظایف و اختیارات رییس سازمان به شرح زیر است ۱ ـ تهیه و تدوین برنامه‌های راهبردی و آیین نامه های مورد نیاز سازمان و پیشنهاد آن برای تصویب به مراجع ذی ربط ۲ ـ به کارگیری و عزل و نصب نیروی انسانی سازمان در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط ۳ ـ امضای مکاتبات و اسناد ، افتتاح حساب در بانکها و معرفی امضاهای مجاز و صدور اجازه پرداخت هزینه‌ها در حدود برنامه ها و اعتبارات مصوب ۴ ـ نمایندگی سازمان در مقابل اشخاص حقیقی و حقوقی طرف دعوی اعم از داخلی و خارجی با حق انتخاب وکیل و حق وکالت در توکیل تا یک درجهو ارایه پیشنهاد صلح و سازش به مراجع ذیربط با رعایت قوانین و مقررات ذی ربط ۵ ـ تهیه و تنظیم شرح وظایف و تشکیلات تفصیلی سازمان حج و زیارت و اجرای آن پس از تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر مراجع ذی ربط ۶ ـ تهیه و تنظیم بودجه سالانه سازمان و ارایه آن به مراجع ذی ربط جهت تصویب ماده ۷ ـ اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور سازمان با امضای رییس سازمان یا افراد مجاز از طرف وی و مدیر امور مالی سازمان معتبر خواهد بود. ماده ۸ ـ به منظور رسیدگی به حسابهای موضوع ماده (۱) این آیین نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سازمان حسابرسی یا موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران ، حسابرس سازمان را انتخاب می کند. ماده ۹ ـ حسابرس سازمان موظف است مطابق استانداردهای حسابرسی به حسابهای سازمان رسیدگی نماید و در اجرای این منظور بدون دخالت مستقیم در امور سازمان ، به نحوی که به عملیات جاری سازمان لطمه وارد نشود ، می‌تواند کلیه حسابها ، دفاتر ، اسناد و مدارک مربوط را مورد رسیدگی‌قرار دهد و در صورتی که ضمن انجام وظایف خود به موردی از جریانات سو و تخلفات برخورد نمود ، بلافاصله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را درجریان امور قرار دهد. ماده ۱۰ ـ بودجه عملیات اجرایی سازمان که شامل ارقام درآمد وصولی از حجاج و زایران و هزینه‌های انجام شده در اجرای برنامه های حج و زیارت می‌باشد همزمان با صدور دستورالعمل تنظیم بودجه عمومی دولت در سازمان تهیه و پس از تایید رییس سازمان و تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا خواهد شد. ماده ۱۱ ـ وجوه دریافت شده از زایران در حساب مخصوصی متمرکز می‌شود و پس از تامین هزینه های زایرا و سایر هزینه‌های جانبی و مازاد احتمالی که مبلغ آن توسط حسابرس سازمان مشخص می‌شود ، باقیمانده آن بنا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تایید رییس جمهور به مصرف امورهماهنگی و خیریه می‌رسد. ماده ۱۲ ـ مدیر امور مالی سازمان در چهارچوب مقررات مربوط با حکم رییس سازمان منصوب می‌شود. ماده ۱۳ ـ سازمان حج و زیارت موظف است برنامه‌ها و طرحهای اجرایی لازم را در زمینه بیمه زایران ، وصول و ایصال ماترک زایران متوفی ، اسکان ، امور بهداشت و سلامت جسمی ، تغذیه ، امنیت و رویداد ، حمل و نقل با همکاری وزارتخانه ها و سازمانهای ذی ربط تدوین و اجرا نماید. ماده ۱۴ ـ کلیه هزینه هایی که اعتبار آن از محل بودجه عمومی دولت تامین می‌شود ونیز سایر خدماتی که در زمینه امور حج و زیارت در این آیین نامه پیش بینی نشده ، تابع مقررات عمومی کشور خواهد بود. ماده ۱۵ ـ کارکنان سازمان مشمول مقررات قانون استخدام کشوری و آیین نامه‌ها و مقررات مربوط به آن هستند. ماده ۱۶ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه ، تصویب نامه های مغایر لغو می گردد.

قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه – مصوب ۲۵ ۱۱ ۱۳۷۱

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است تبصره ۱ ـ پس از ابطال سند مالکیت در مواردی که موقوفه قابل اجاره باشد و متصرف تقاضای اجاره کند با رعایت مصلحت وقف و حقوق مکتسبه متصرف قرار داد

اجاره با متصرف تنظيم خواهد شد. تبصره ۲ ـ كليه املاك مزروعی كه در اجرای قانون اجازه تبـديل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفـات عام مصوب ۲۹ ۱ ۱۳۵۰ و سايرمراحـل اصـلاحات ارضـی به زارعين صاحب نسق انتقال و بين آنان تقسـيم شـده با حفظ مصـلحت وقف با متصـرفين و زارعان صاحب نسق با رعايت حقوق اكتسابی آنان اجاره نامه تنظيم می‌شود وجوهی كه قبلا از طرف دولت بابت املاك مزبور مطابق ماده واحـده پرداخته شـده بابت اهـدايی دولت به موقوفه محسوب و از تاريخ تحويل زمين به متصـرف اجرت المثل زمين توسط كارشـناس رسـمی يا خبره محلی تعيين و با محاسـبه وجوه پرداختی قبلی متصـرف تهاتر و كسر يا اضافه آن محاسـبه خواهد گرديد. تبصـره ۳ ـ كسـانی كه زمين يـا خـانه موقوفه ای را بـدون اطلاع از وقفيت از اشـخاص حقيقی يا حقوقی خريـداری نموده و به موجب اين قـانون اسـناد مالكيت آن باطل می‌شود می‌تواننـد برای دريافت خسارت وارده به فروشـنده رجوع نمايند، درصورتی كه متصـرف طبق تبصـره ۱ اين قانون تقاضای اجاره نمايـد سازمان اوقاف می‌توانـد از تاريـخ تصويب اين قانون با متصرف تنظيم اجاره نمايد. تبصره ۴ ـ در مواردی كه جهت مورد نظر واقف تغيير يافته باشد بايستی به نظر واقف عمل شود. تبصره ۵ ـ اراضی و املاكی كه درتصرف ومالكيت كشاورزان و مالكين محلی بوده و دراثر اجرای سياست های غلط و يا زورمندانه سلاطين بدون مجوز شـرعی از مالكيت آنان خارج شده ولی اراضی كماكان درتصرف مالكين مذكور می‌باشد و سپس من غير حق درمالكيت موقوفات و آسـتان قدس رضوی درآمده و توسط مالكين هيچگونه سند وقفيت اعم از عادی و رسمی تنظيم نشده و يا هر دليـل معتبر شـرعی و قانونی وجود نداشـته باشـد و همچنين املاكی كه در تصـرف اشـخاص بوده و سـند رسـمی دارنـد ولی ادعای وقفيت نسبت به آنهـا شـده است درصورتی كه دلايل معتبری دال برصـحت وقف وجود نداشـته باشـد از شـمول حكم ماده واحـده خـارج و هرگونه تصـميم و اقـدامی كه درمورد اراضـی فوق الـذكر انجـام شـده از درجه اعتبار ساقط و كان لم يكن می گردد و در صورت بروز اختلاف ، درهر دو مورد دادگاه صالـح رسـيدگی خواهد نمود. تبصـره ۶ ـ آن دسـته از اراضـی و املاك و جنگل‌ها و مراتع و اراضـی منابع ملی كه مشـمول ماده (۱) قـانون حفـاظت و بهره برداری از جنگل‌هـا و مراتع مصوب ۲۵ ۵ ۱۳۴۶ و اصلاحات بعـدی آن و قـانون حفظ و حمايت از منابع طبيعی و ذخاير جنگلی مصوب ۵ ۷ ۱۳۷۱ قرار گيرد مشـمول ماده واحده‌مذكور نبوده و موقوفه تلقی نمی‌شود مگر درمورد حريم موقوفات و اراضی ای كه قبل از تاريخ ۱۶ ۱۲ ۱۳۶۵ احيا شده باشد. تبصره ۷ ـ كليه قوانين و مقررات مغـاير بـا اين مـاده و تبصـره‌های آن لغو و كـان لم يكن می‌باشـد. وزارت كشـاورزی و سازمان اوقاف موظفنـد آيين نامه اجرايی اين قانون را ظرف مدت سه ماه از تاريخ تصويب اين قانون تهيه و پس از تصويب هيأت دولت به اجرا درآورند.

قانون تشكيلات و اختيارات سازمان حج و اوقاف و امور خيريه – مصوب ۲ ۱۰ ۱۳۶۳

ماده ۱ ـ از تاريـخ تصويب اين قانون سازمان اوقاف به سازمان حـج و اوقاف و امور خيريه تغيير نام می‌يابـد و امور ذيل به عهده اين سازمان واگذار می گردد. ۱ ـ اداره امور موقوفـات عـام كه فاقـد متولی بوده يا مجهول التوليه است و موقوفات خاصه در صورتی كه مصلحت وقف و بطون لاحقه و يا رفع اختلاف موقوف عليهم متوقف بر دخالت ولی فقيه باشد. ۲ ـ اداره امور اماكن مذهبی اسلامی كه ترتيب خاصـی برای اداره آنها داده نشـده است به اسـتثنا مساجـد و مدارس دينی و تكايا. ۳ ـ اداره امور موسـسات و انجمن های خيريه ای كه از طرف دولت يا ساير مراجع ذيصلاح به سازمان محول شده يا بشود. ۴ ـ اداره موسسات و انجمن‌های خيريه ای كه به تشـخيص دادسـتان محل فاقـد مـدير باشـد (تا تعيين تكليف از طرف دادگاه ، ضم امين در موسـسات و انجمن های خيريه ای كه به تشـخيص دادسـتان محل مـدير آن فاقـد صـلاحيت باشد باشد (تا تعيين تكليف از طرف دادگاه همچنين است و در صورت نبودن يا عدم صلاحيت ناظر (در مواردی كه ناظر پيش بينی شده باشد) ۵ ـ انجام امور مربوط به گورستان های متروكه موقوفه ای كه متولی معين ندارد و اتخاذ تصـميم لازم در مورد آنها. ۶ ـ كمك مالی در زمينه تبليغ و نشـر معارف اسـلامی ۷ ـ اثلاث باقيه ، محبوسات ، نـذور ، صـدقات و هر مـال ديگری كه به غير از عنوان وقف برای امور عـام المنفعه و خيريه اختصـاص يافته در حكم موقوفات عامه

است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه ، تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه قرار خواهد گرفت رعایت مفاد اسناد تنظیمی مربوط به این اموال و رقبات اعم از وصیت نامه و حبس نامه و سیره جاریه در اداره امور و مصرف عواید آنها ضروری خواهد بود. تبصره ۱ ـ سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه است باشد. تبصره ۲ ـ بقاع متبرکه حضرت رضا علیه السلام و حضرت احمد بن موسی (شیراز) و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم (ع و موقوفات مربوط به آنها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آنها از طرف ولی فقیه نایب التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی است و در غیر این صورت اداره آنها با سازمان خواهد بود. تبصره ۳ ـ سازمان اوقاف و امور خیریه در صورت نیاز در مورد رقبات و اموال موضوع بند (۷) بالا با تایید نماینده ولی فقیه و سرپرست آن سازمان ، به منظور جلوگیری از تعدی و تفریط در اداره آنها نسبت به نصب امین یا هیات امنا اقدام خواهد کرد. ماده ۲ ـ از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف از نخست وزیری منتزع و اداره امور حج و زیارت اماکن متبرکه اسلامی خارج از کشور و امور اوقاف تحت عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی اداره می‌شود. ماده ۳ ـ هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد. ماده ۴ ـ متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون واجد این سمت باشد. در مورد اعتراض اشخاص بارعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ این قانون اقدام خواهد شد. تبصره ۱ ـ موقوفاتی که متولی آنها عزل یا فوت می‌شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آنها ممنوع المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت‌یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است تبصره ۲ ـ هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول التولیه است تبصره ۳ ـ در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفا وظایف محوله نباشد مراتب کتبا به متولی ابلاغ خواهد شد هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج کشور ، متولی ، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به‌دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود این حکم شامل وکلایی که قبلا نیز انتخاب شده‌اندخواهد بود. ماده ۵ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است شخص یا هیاتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیات امنا تعیین نماید. تبصره ۱ ـ نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیات امنا و میزان حق الزحمه آنان همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن و اموالی که اداره آن به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد به موجب آیین نامه هایی که بر اساس مقررات و سنن وخصوصیات اماکن مربوط که به تصویب هیات وزیران می‌رسد خواهد بود. تبصره ۲ ـ نذور نقدی که جهت مشخصی برای مصرف آن معین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زاید بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهدا می‌شود با جلب نظر اداره اوقاف به وسیله هیات امنا به ترتیب در امور ذیل مصرف می‌شود الف ـ عمران و آبادی اماکن مذکور. ب ـ تدارك وسایل رفاه و بهداشت زوار این اماکن و ساکنان ناحیه ج ـ نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعایر دینی در آن محل د ـ کمك به مدارس علوم دینی در آن محل ه ـ خیرات و مبرات مطلقه ماده ۶ ـ صرف درآمد موقوفات به منظور بقا عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیات واقف فراهم آورد. تبصره ـ در صورتی که درآمد یکساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد درآمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید. ماده ۷ ـ هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقفنامه و قانون و آیین نامه ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد ، با رسیدگی شعبه

تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع المداخله یا ضم امین خواهد شد. تبصره ۱ ـ به متولی و ناظر ممنوع المداخله در زمان ممنوعیت حق التولیه و حق النظاره تعلق نخواهد گرفت مگر آنکه برایت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می‌شود اوقاف حق امین را خواهد پرداخت تبصره ۲ ـ در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می‌شود دادگاه‌ها می توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند. تبصره ۳ ـ نسبت به تعدی و تفریط یا سایر تخلفات مدیران و امنا موسسات و بنیادهای خیریه طبق اساسنامه موسسه و بنیاد مربوط اقدام خواهدشد و در صورتی که اساسنامه آنها در این موارد ساکت یا ناقص باشد مشمول مقررات پیش بینی شده در این ماده و تبصره های آن خواهند بود. تبصره ۴ ـ کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و ناظر و امنا و مدیران و امنا موسسات و بنیادهای خیریه مذکور در این قانون درحکم امین می‌باشند در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تادیه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود هرگاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد. ماده ۸ ـ درآمد موقوفات مجهول المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد. تبصره ـ درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت گرچه با پس‌انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد با تشخیص تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید زاید بر مصرف متعارف باشد حتی الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید. مقصود از متعذرالمصرف آن است صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفا موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف مقدور نباشد. ماده ۹ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امنا یا موقوف علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد. همچنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاب نماید در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند. تبصره ـ در کلیه موارد مذکور در این ماده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ، موقوفات عام ، بقاع متبرکه ، اماکن مذهبی اسلامی ، مدارس علوم دینی و موسسات و بنیادهای خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند. ماده ۱۰ ـ ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و موسسات خیریه مذکور در ماده ۹ در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت مصدق وقفنامه‌ها و اسناد راجع به وقف را ظرف ۱۰ روز پس از ثبت به اداره اوقاف مربوطه ارسال دارند. تبصره ـ ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند. متولیان نیز موظفند ظرف دوماه از تاریخ اجرای این قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و رونوشت وقفنامه های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم دارند. ماده ۱۱ ـ حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی همچنین حق النظاره ناظر به میزان مقرر در وقفنامه است ودر صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد حق التولیه به مقدار اجرت المثل از عایدات خالص خواهد بود. ماده ۱۲ ـ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وجوهی را که از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه ای که هرسال تنظیم و به تصویب هیات دولت خواهد رساند رأسا به مصرف می‌رساند. ماده ۱۳ ـ وجوهی که از محل پذیره و اهدایی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه دریافت می گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرره خواهد رسید. تبصره ـ نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مطابق آیین نامه ای است که به تصویب هیات دولت خواهد رسید. ماده ۱۴ ـ تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاصاحساب و تطبیق مصارف با مفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم (با رعایت ماده ۷ این

قـانون و تبصـره‌های آن بـا شـعب تحقیق اوقـاف است مگر در موقوفـات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعـدی و تفریط متولی نباشد. ماده ۱۵ ـ هیات تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها تامین‌می گردد. تبصره ـ ادارات اوقاف و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگـاه هـای دادگستری طرح نماینـد. حکم این مـاده در مورد بنیادهـا و موسـسات خیریه و امـاکن مذهبی اسـلامی نیز جاری است ماده ۱۶ ـ در مورد اراضـی که برای احداث مراکز آموزشـی یا درمانی وقف می‌شود در صورتی که متولی بدون عذر موجه در مدت مناسب با تشـخیص سازمان اقدام موثری برای احداث آن مراکز نکند و الزام متولی هم به انجام آن ممکن نباشـد سازمان می‌توانـد حسب مورد آن اراضـی را در اختیار وزارت اموزش و پرورش ، وزارت بهداری ، سازمان بهزیستی ، هلال احمر محل یا سازمان دیگری که وظایف آن متناسب با اهـداف واقف باشـد قرار دهـد تا اقـدام لازم به عمل آورند. ماده ۱۷ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شـعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۸ ـ کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می گردد.

قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها – مصوب مجمع تشخیص مصلحت ۱۵ ۱۲ ۱۳۷۰

ماده واحده ـ در خصوص اراضـی مشمول اقدامات زیر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است چنانچه تاکنون مالکیت آنها به نام دولت صادرنشده نسبت به صدور اسناد مذکور با نمایندگی سازمان زمین شهری ، سریعا و بدون رعایت تشریفات ثبتی اقدام و در مواردی که علیرغم صدور سـند اراضی به نام دولت اقدامات دستگاه های ذیربط وسیله مراجع ذیصلاح ابطال شده یا بشود و یا نوع زمین به موجب رای دادگاه تغییر یافته یا بیابد، اسناد صادره را به نام دولت و یا خریداران اراضی از دولت حسب مورد ، با ذکر مراتب در سـتون ملاحظات دفتر املاک تنفیـذ و اخبار نمایـد. در مواردی که امکان صـدور سـند به نام خریـداران وجود دارد رأسـا بـایستی به نـام خریـداران اراضـی از دولت سـند صـادر شود. الف ـ زمینهـایی که به وسـیله بنیاد مسـکن انقلاب اسـلامی یا نهادهای انقلاب اسـلامی و عنوانهای مشابه و وزارت مسـکن و شـهرسازی (سازمانهای عمران اراضـی یا سازمان زمین شـهری واگذار شده و طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی در آن احداث بنا به عمل آمده وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است بهای منطقه ای زمان ابلاغ این مصوبه در خصوص اراضـی غیرموات را به صاحبان حق پرداخت نماید. همچنین است در مورد زمینهایی که طراحی آماده سازی انجام و به مردم تخصـیص داده شده است ب ـ زمینهایی که وزارت مسکن و شهرسازی عملیات آماده سازی را در آنها انجام داده لکن به مردم تخصیص داده نشده است در این صورت بهای کارشناسی روز این گونه اراضی به تاریخ این مصوبه بدون در نظر گرفتن ارزشهای ناشی از ورود زمین به محدوده براساس تصمیم مراجع ذیصلاح و اقدامات اجرایی دولت و عملیات آماده سازی که از زمـان شـروع به تملـک دولت صورت گفته به مالـک پرداخت و یـا معـادل آن به بهای تمام شـده زمین به مالک واگـذار گردد. موضوع (تعیین تکلیف اراضـی دولت و نهادهـا) در اجرای بنـد هشـتم اصـل یکصـد و دهم قـانون اساسـی در جلسه مورخ پانزدهم اسفندماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و طی ماده واحده فوق به تصویب رسیده است

قانون تفسیر قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها – مصوب ۳ ۹ ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت

موضوع اسـتفساریه نظر به اینکه متعـاقب ابلاـغ قـانون تعین تکلیف اراضـی واگـذاری دولت و نهادهـا مصوب ۱۵ ۱۲ ۱۳۷۰ مجمع تشـخیص مصـلحت نظـام برای بعضـی از واحـدهای سازمـان ملی زمین و مسـکن این ابهـام به وجـود آمـده ، که ضوابـط مـذکور به موقوفات نیز تسـری دارد. مسـتدعی است نظریه‌ی مجمع تشـخیص مصـلحت نظام در مورد شـمول یا عـدم شـمول قانون فوق الـذکر

نسبت به موقوفات اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده ـ موقوفات از شمول قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۵ ۱۲ ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مستثنی می‌باشد.

قانون راجع به اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانکها – مصوب ۸ ۶ ۱۳۳۵

ماده واحده ـ ۱ ـ هرگاه دولت یا شهرداری تشخیص دهد که در تهران و اطراف آن از میدان سپه تا شعاع صد کیلومتر از هر سمت از طرف افراد یا اشخاص حقوقی نسبت به اراضی متعلق به دولت که در دفتر رقبات ثبت است و اراضی شهرداری و نیز اراضی اوقاف و اراضی متعلق به بانک کشاورزی یا بانک ساختمانی و مسیل ها و تپه ها و اراضی موات و اراضی بایر بلامالک تجاوز شده و بدون داشتن حق آن اراضی و یا مسیل ها و یا تپه های موات و یا اراضی بایر بلامالک را ثبت کرده‌اند و بر اثر انقضا مدت اعتراض و یا به علت صدور سند مالکیت به نام متجاوز و یا ایادی متلقای آنها طرح دعوی در مراجع صلاحیتدار ممکن نیست به تقاضای دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف و یا بانکهای کشاورزی و ساختمانها و یا دادستان شهرستان موضوع در هیاتی مرکب از رییس دیوانعالی کشور و دادستان کل و یکی از روسای شعب دیوان کشور به انتخاب رییس دیوانعالی کشور و رییس کل دادگاه های استان مرکز و مدیرکل بازرسی کشور در ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون (در کمیسیون دادگستری مشترک مجلسین) طرح خواهد شد. هیات مزبور با مراجعه به سوابق و پرونده ها و تحقیقاتی که برای رسیدگی لازم بداند درصورتی که تجاوز به حق دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف یابانک های مذکور فوق و اراضی و مسیل ها و تپه های موات نامبرده را احراز کند به ترتیب ذیل عمل خواهد کرد الف ـ هرگاه متقاضی ثبت اراضی یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلها و تپه‌های مذکور را به دیگری منتقل نکرده باشد رای به پرداخت اعلی القیم بهای اراضی مذکور از تاریخ تجاوز تا تصویب این قانون خواهد داد. ب ـ هرگاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی در اراضی و تپه های مذکور مسیلها تا تاریخ تصویب این قانون احداث ساختمان نموده باشد در آن صورت هیات با در نظر گرفتن قوانین احیا اراضی موات رای به پرداخت قیمت فعلی زمین در تاریخ تصویب این قانون خواهد داد. ج ـ هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیل ها و تپه های مذکور را به دیگری منتقل کرده باشد هیات رای به پرداخت قیمت اراضی و مسیل ها وتپه های مذکور طبق قیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد که قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی بوده که در آن صورت رای به پرداخت قیمت واقعی به تشخیص یکی از روسای بانکهای کشاورزی یا رهنی یا ساختمانی در غیر مورد مربوط به ادعای خودشان خواهد داد. رای این هیات نسبت به موارد فوق قطعی و لازم الاجرا است حقوق دولت یا شهرداری یا بانک ها یا اداره اوقاف و حقوق عامه از انقد دارایی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم الاجرا استیفا خواهد شد و اگر اراضی مورد تجاوز تمام یا قسمتی از آن در تصرف متجاوز باقی مانده باشد و پیشنهاد تسلیم عین زمینی را در مقابل قیمتی که هیات تعیین کرده بنماید قبول می‌شود. د ـ اقدام به عملیات اجرایی به تقاضای دولت و یا شهرداری و بانکهای کشاورزی و ساختمانی و دادستان شهرستان تهران توسط اجرای دادگستری و زیر نظر رییس هیات رسیدگی انجام خواهدشد. ه ـ وجوه اراضی حاصل از اجرای بند اول ماده واحده به استثنای وجوه اراضی متعلق به شهرداری و بانک کشاورزی و موقوفات به عنوان سرمایه در اختیار بانک ساختمانی قرار خواهد گرفت و ـ وزیر دادگستری مکلف است هر سه ماه یکبار گزارش کامل اقدامات هیات رسیدگی مذکور را به کمیسیون مشترک قوانین دادگستری تسلیم نماید. ز ـ نقل و انتقالاتی که از تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس سنا تا خاتمه رسیدگی هیات مذکور توسط متجاوزین و ایادی متلقای آن به هر عنوان به عمل‌آمده باشد معتبر نخواهد بود. ح ـ اشخاصی که طبق مقررات بند اول ماده واحده محکوم به پرداخت مبلغی می‌شوند در صورتی که تا ده روز از تاریخ صدور رای حاضر به پرداخت محکوم به نشوند توقیف می‌شوند مدت توقیف این اشخاص مجموعا از پنجسال تجاوز نخواهد کرد و عرض حال اعسار از آنها پذیرفته نمی‌شود. ۲ ـ برای خاتمه دادن به اختلافات موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب این قانون تقاضای ثبت ملکی را

کرده‌اند و به تقاضای ثبت آنان اعتراضی درمدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراضی شده منجر به صدور حکم قطعی گردیده و یا دارندگان سند اراضی شهر تهران از یک طرف و اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند از طرف دیگر مقرر می گردد هیاتی مرکب از معاون اول دادستان کل و رییس دادگاه های شهرستان مرکز و مدیر کل ثبت به اختلافات مزبور با توجه به اوضاع و احوال و استطاعت هر یک از طرفین به طور کدخدامنشی رسیدگی نموده یا رای به پرداخت بهای عادله اراضی متصرفی حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رای هیات توسط متصرفین به مالکین می‌دهد و یا به تقاضای مالکین ضمن صدور رای به پرداخت بهای اعیانی در تاریخ تصویب این قانون از طرف مالک به متصرف رای به خلع ید از متصرف نیز خواهد داد. این حکم قطعی و غیرقابل اعتراض است الف ـ متصرفین اعیانی های فوق باید شخصا ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتی که بخواهند از مقررات این قانون استفاده نمایند منتهی ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون درخواست خود را باید در قبال اخذ رسید به دفتر دادگاه شهرستان تهران تسلیم دارند و الا به تقاضای مالک طبق قسمت اخیربند ۲ اقدام خواهد شد. ب ـ اراضی موضوع بند ۲ این قانون وقتی به ملکیت قطعی متصرفین فعلی در خواهد آمد که کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند. ج ـ اشخاصی که پس از تاریخ تسلیم لایحه اراضی موات از طرف دولت به مجلس سنا به تصرف و یا غصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات بند ۲ این قانون استفاده نمی کنند و اگر این اشخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک باز هم به تصرفات غاصبانه خود ادامه دهند مشمول بند ۴ ماده واحده خواهند بود. ۳ ـ در شهرستان هایی که وزارت دادگستری اجرای مقررات این قانون را لازم بداند می‌تواند طبق مقررات خاصی که از تصویب کمیسیون مشترک قوانین دادگستری مجلسین خواهد گذشت اقدام نماید. ۴ ـ اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب این قانون نسبت به اراضی دولت یا بانک های دولتی یا اوقاف یا شهرداری و یا اراضی موات بدون رعایت قوانین احیا اراضی موات یا مردم (با شکایت مدعی خصوصی) تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند رأسا از طرف دادستان مورد تعقیب واقع و علاوه بر خلع ید از آنها به مجازات از دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ۵ ـ در رسیدگی هیات های مذکور در این قانون رعایت تشریفات آیین دادرسی ضروری نیست و تصمیمات آنها با اکثریت آرا معتبر خواهد بود. ۶ ـ وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون است

قانون راجع به اصلاح قانون اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف وبانکها – مصوب ۲۰ ۹ ۱۳۳۹

ماده ۱ ـ به دادخواست هایی که طبق بند یک لایحه قانونی مصوب ۸ شهریور ماه ۱۳۳۵ و لایحه قانونی مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۳۵ و لایحه مصوب ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۵ و لایحه ۱۶۱۱۳۵ به هیات های مذکور در آن لوایح تسلیم گردیده و تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون منتهی به صدور حکم نگردیده با توجه به مفاد و مقررات آن لایحه آن قسمت که به هیات پنج نفری مرکز تسلیم شده در یک یا چند هیات که هر یک مرکب خواهد بود از یک نفر از روسا یا مستشاران دیوانعالی کشور که سمت ریاست هیات را خواهد داشت و دونفر از روسا یا مستشاران دادگاه استان و قسمتی که به هیات های شهرستانها تسلیم گردیده در مرکز استانهای مربوط در یک یا چند هیات که هر یک مرکب خواهد بود از یک نفر رییس شعبه دادگاه استان که سمت ریاست هیات را خواهد داشت و یکنفر مستشار دادگاه مزبور و یکنفر رییس شعبه دادگاه شهرستان رسیدگی و قطع و فصل خواهد شد. تبصره ـ مقامات مذکور در لوایح قانون فوق الذکر که دادخواست های فوق را داده‌اند مکلفند ظرف ۶ ماه از تاریخ اجرای این قانون با نظر مشاورین حقوقی به کلیه دادخواست‌ها مجددا رسیدگی نمایند و چنانچه تشخیص دهند دادخواست های مزبور مستند به دلایل و موجه نبوده و دعاوی آنان قابل پیشرفت نیست دادخواست های خود را استرداد نمایند. ماده ۲ ـ رییس شعبه اول هیات های فوق الذکر سمت ریاست کل هیات را داشته و دادخواست ها را به شعب ارجاع خواهدنمود. ماده ۳ ـ وزارت دادگستری به تعداد کافی عضو علی

البدل از بین قضات دادگاه استان مرکز برای هیاتهای مرکز و از بین قضات دادگاه شهرستان مرکزاستان برای هیات های شهرستانها تعیین خواهد کرد اعضا علی البدل وقتی شرکت در رسیدگی می‌نمایند که اعضا اصلی طبق آیین دادرسی مدنی مردودو یا به علت بیماری معذور از انجام وظیفه باشند. ماده ۴ ـ هیات‌های مزبور با مراجعه به سوابق و پرونده‌ها و با توجه به مدارک و مستندات طرفین و تحقیقاتی که لازم بدانند در صورتی که تجاوز به حق‌دولت یا شهرداری یا اوقاف عامه یا بانکها را در اراضی و مسیل ها و تپه های مذکور در لوایح قانونی ۸ شهریور و ۲۵ شهریور و ۲۱ آبان ۱۳۳۵ احراز کنند به ترتیب زیر عمل خواهند نمود. الف ـ هرگاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلها و تپه های مزبور را به دیگری منتقل نکرده باشد رای به رد اراضی و مسیلها و تپه ها و اصلاح سند مالکیت (در صورت صدور سند مالکیت خواهد داد. ب ـ هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی در اراضی و مسیلها و تپه های مزبور تا تاریخ تصویب لوایح مزبور (بر حسب مورد ۸۶۳۵ یا ۲۵۶۳۵ یا ۲۱۸۳۵) احداث ساختمان نموده باشد در آن صورت هیات رای به پرداخت قیمت اراضی در تاریخ تصویب لوایح مزبور خواهد داد مگر آنکه در مورداراضی موات یا بایر بلامالك متجاوز آن اراضی را طبق قانون مدنی قبل از تاریخ تصویب لوایح مزبور احیا کرده باشد که در این صورت آن مقدار از اراضی که احیا شده به ملکیت او شناخته خواهد شد. تبصره ـ حکم به پرداخت قیمت در صورتی صادر می‌شود که مساحت مورد ادعا بیش از ده برابر مساحت زمین زیر بنا نباشد اگر مساحت مورد ادعا بیش از ده برابر زمین زیربنا باشد نسبت به قسمت زاید هیات طبق قسمت (الف ماده ۴ رای به رد عین و یا اصلاح سند مالکیت صادر خواهد نمود و درصورت اخیر تفکیک آن قسمت از زمین که معادل ده برابر اراضی زیر بناست و برای استفاده از ساختمان ضرورت دارد به عهده خود هیات خواهد بود. ج ـ هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیل ها و تپه های مذکور را به دیگری منتقل کرده باشد هیات رای به قیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی در تاریخ انتقال بوده که در آن صورت رای به پرداخت قیمت واقعی به تشخیص یکی از بانکهای کشاورزی یا رهنی یا ساختمانی در غیر مورد مربوط به ادعای خودشان خواهد داد. د ـ در مورد بند (ج هرگاه اراضی مذکور در قانون اراضی دولت و شهرداریها مصوب سال ۱۳۳۵ و اصلاحی سال ۱۳۳۹ تا تاریخ تقدیم این لایحه به صورت موات یا بایر اعم از اینکه محصور شده یا نشده باقیمانده باشد و مورد حکم قطعی هیات های مربوط واقع نشده باشد دولت و سازمانهای مذکوردر قانون می‌توانند هر یک در مورد خاص خود از تاریخ تصویب این قانون تا حداکثر یکسال نسبت به استرداد عین زمین موضوع پرونده های طرح شده‌در هیات های رسیدگی از هیات تقاضای صدور حکم نمایند. هیات علاوه بر اصدار رای طبق بند مذکور علیه متجاوز اصلی یا وراث آنها و یا متقاضی ثبت حکم به رد عین اراضی علیه آخرین منتقل الیه صادرمی‌نماید. در این صورت آخرین منتقل‌الیه مستحق دریافت قیمتی است که طبق سند رسمی انتقال به فروشنده پرداخته است به اضافه (نه درصد بهره در سال ازتاریخ آخرین سند انتقال تا تاریخ پرداخت و ادارات ثبت اسناد و املاك مکلفند سند مالکیت این قبل اراضی را به نام سازمانهای مذکور صادر و یا اصلاح نمایند. منتقل الیه نیز می‌تواند برای مطالبه خسارات حاصل از معامله زمین علیه ناقل در دادگاه اقامه دعوی نماید. تبصره ۱ ـ در صورتی که انتقال به صورت صلح یا هبه غیر معوض یا موارد مشابه آن انجام گرفته باشد قیمت واقعی روز انتقال به تشخیص کارشناس به اضافه نه درصد بهره احتساب و به منتقل الیه پرداخت گردد. تبصره ۲ ـ منظور از آخرین سند انتقال رسمی در این بند سندی است که قبل از اول آذر ماه سال یکهزار و سیصد و چهل و هفت (۱۳۴۷) تنظیم گردیده باشد. هرگاه پس از تاریخ مذکور نقل و انتقالاتی واقع شده باشد هر یك از ایادی بعدی نسبت به مبلغی که به ید قبلی خود اضافه پرداخته است از طریق محاکم عمومی حق مطالبه خواهد داشت تبصره ۳ ـ آرایی که در فاصله تقدیم این لایحه به مجلس و تصویب نهایی آن از طرف هیاتها دایر به موات یا بایر بودن بنفع سازمانهای مذکور در قانون صادر می گردد مشمول مقررات این قانون بوده و دولت و سازمان های مذکور در قانون می‌توانند با معرفی منتقل الیه از هیات صادر کننده رای با رعایت بند (د) این قانون درخواست استرداد عین زمین را بنمایند و هیات های رسیدگی رای به استرداد عین زمین صادر خواهند

نمود. تبصره ۴ ـ نقل و انتقالاتی که نسبت به اراضی موضوع بند (ح قانون اصلاحی اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مصوب سال ۱۳۳۹ تاتاریخ تقدیم این لایحه به مجلس شورای ملی صورت گرفته است تا هزار مترمربع از شمول مقررات این قانون معاف خواهد بود ولی در این مورد با متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی یا وراث آنها طبق بند (ج ماده ۴ قانون مصوب سال ۱۳۳۹ رفتار خواهد شد. استحقاق استفاده از این تبصره برای هر شخص فقط نسبت به یک قطعه زمین می‌باشد در صورتی که مساحت زمین مورد انتقال بیش از هزارمتر باشد انتخاب هزار مترمربع مذکور در این تبصره با دولت و سازمان های مذکور در این قانون می‌باشد. تبصره ۵ ـ سازمان مسکن می‌تواند این قبیل اراضی و سایر اراضی موات یا بایر که به نام دولت به ثبت رسانیده یا بعدا به ثبت خواهد رساند و همچنین اراضی خالصه موضوع بند (ب ماده ۷ قانون انحلال خالصجات مصوب سال ۱۳۴۶ را طبق اساسنامه خود به فروش رسانده و وجوه حاصل را صرفا به مصرف تهیه مسکن و آپارتمان و خانه های سازمانی و مدرسه با رعایت فضای سبز و پارک متناسب و تاسیسات و لوازم آنها برساند. سازمان مسکن همچنین می‌تواند حداکثر تا ده درصد از وجوه حاصل را به مصرف تقسیم و حفاظت و نگهداری اراضی و مخارج مربوط در تهران و شهرستانها برساند. ماده ۵ ـ هرگاه در احکام هیات های مذکور در ماده یک اشتباهات مذکور در ماده ۱۸۹ آیین دادرسی مدنی ۱) رخ داده باشد ذینفع می‌تواند از هیات تقاضای تصحیح حکم را بنماید. ماده ۶ ـ الف ـ نقل و انتقالاتی که تا تاریخ اعلام ثبت کل به دفاتر اسناد رسمی راجع به تقدیم دادخواست از طرف موسسات مذکور در بند ۱ ماده واحده قانون اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانکها مصوب ۸ ۶ ۱۳۳۵ به عمل آمده باشد معتبر است ب ـ نقل و انتقالاتی که از تاریخ اعلام ثبت کل به دفاتر اسناد رسمی تا تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس شورای ملی به عمل آمده باشد تا یکهزار مترمربع معتبر است و مازاد بر آن تا خاتمه رسیدگی و صدور حکم از طرف هیاتهای مذکور به هر عنوان به عمل آمده باشد نافذ نخواهد بود و دفاتر اسناد رسمی‌از انجام این نوع معاملات ممنوع خواهند بود. استحقاق استفاده از این بند برای هر شخص فقط نسبت به یک قطعه زمین می‌باشد و شامل قطعات مختلف در پلاکهای متعدد نیست در صورتی که مساحت زمین مورد انتقال بیش از یکهزار مترمربع باشد انتخاب یکهزار مترمربع مذکور در این بند با تراضی منتقل الیه و حسب مورد با سازمانهای مذکور در این قانون است و در صورت عدم تراضی با رای هیات های سه نفری پیش‌بینی شده در این قانون خواهد بود. تبصره ۱ ـ در صورتی که زمین مورد انتقال بیش از یکهزار مترمربع باشد منتقل الیه تا پیش از اول بهمن ماه ۱۳۴۹ در آن احداث باغ کرده باشد آن قسمت از زمین که به صورت باغ درآمده نیز به ملکیت او شناخته خواهد شد. حل اختلاف در مورد احداث باغ با هیاتهای سه نفری است تبصره ۲ ـ هرگاه زمین مورد انتقال بیش از یکهزار مترمربع باشد و منتقل الیه تا پیش از اول بهمن ماه ۱۳۴۹ در آن احداث ساختمان کرده باشد تا ده‌برابر مساحت زمین زیربنا نیز به ملکیت او شناخته می‌شود. در صورت عدم تراضی با سازمانهای ذینفع تفکیک آن قسمت از زمین به عهده هیات های سه نفری است ج ـ نسبت به اراضی که از طرف سازمانهای مذکور در این قانون در مهلت مقرر اقدام به تقدیم دادخواست شده ولی در اعلام مراتب به دوایر ثبت و یا به دفاتر اسناد رسمی نسبت به مشخصات و موقعیت بعضی از آن اراضی اشتباهاتی رخ داده و معاملاتی انجام گردیده است نقل و انتقالات مذکور معتبر شناخته می‌شود. د ـ در کلیه موارد مذکور در بندهای الف و ب تبصره‌های آن و بند ج با متقاضیان ثبت یا متجاوزین اصلی طبق بند ج ذیل ماده ۴ رفتار خواهد شد. ه ـ اقداماتی از قبیل استرداد دعوی یا توافق یا منتقل الیهم یا صلح حقوق که از طرف سازمانهای مذکور در بند یک ماده واحده قانون اراضی دولت وشهرداری ها و اوقاف و بانکها مصوب ۸۶۳۵ تاکنون به عمل آمده معتبر شناخته می‌شود و نیز آنچه از اراضی موضوع این قانون که مورد حکم هیاتهای پنج نفری یا سه نفری قرار گرفته از شمول مقررات فوق مستثنی است و ـ سازمانهای مذکور در این قانون مکلفند ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه رفع نقص دفاتر هیاتهای سه نفری اقدام به رفع نقص از دادخواستهای خود بنمایند والا هیات های سه نفری اقدام به صدور رای یا قرار رد دادخواست خواهند نمود. ماده ۷ ـ حقوق دولت یا شهرداری یا بانک ها یا موقوفات عامه از نقد دارایی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم الاجرا به تقاضای محکوم له و توسط

اجراداگاه شهرستان استیفا خواهد شد. ماده ۸ ـ اشخاصی که به پرداخت وجوهی محکوم می‌شوند در صورتی که تا یک ماه از تاریخ ابلاغ اجراییه حاضر به پرداخت محکوم به نشوند در ازاهر هزار ریال از محکوم به یک روز توقیف می‌شوند مگر اینکه اعسار آنها ثابت شود و در هر صورت مدت توقیف از پنجسال تجاوز نخواهد کرد. ماده ۹ ـ هیات های مذکور جز در مورد ابلاغ اوراق ملزم به رعایت تشریفات آیین دادرسی نیستند. ماده ۱۰ ـ در صورتی که اشکالاتی راجع به مفاد احکام صادر به موجب این قانون و یا احکامی که طبق لوایح قانونی مذکور صادر گردیده برای هر یک از طرفین یا اداره اجرا پیش آید هر یک می‌توانند از هیات تقاضای رفع اشکال نمایند. ماده ۱۱ ـ در کلیه موارد فوق هرگاه هیات‌های مزبور ارجاع امر را به کارشناس لازم بدانند می‌توانند به یکی از بانکهای کشاورزی یا رهنی و یا ساختمانی در غیر مورد مربوط به ادعای خودشان و یا طبق آیین دادرسی مدنی به یکی از کارشناسان رسمی رجوع نمایند. تبصره ـ در صورتی که کارشناسی به یکی از بانک ها ارجاع گردد بانکها حق ندارند جز هزینه واقعی انجام شده برای انجام عمل هزینه دیگری دریافت دارند و تعرفه کارشناسی طبق آیین نامه وزارت دادگستری در این مورد رعایت نخواهد شد. ماده ۱۲ ـ برای خاتمه دادن به اختلاف موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب لایحه قانونی مصوب ۸ ۶ ۱۳۳۵ کمیسیون دادگستری مجلسین دراراضی شهر تهران تقاضای ثبت ملکی را کرده‌اند و نسبت به تقاضای ثبت آنان اعتراض در مدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراض شده منجر به صدور حکم قطعی گردیده و یا دارندگان سند اراضی شهر مزبور از یک طرف و اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند مقرر می گردد هیاتی مرکب از یک نفر از دادیاران دیوانعالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری و رییس کل دادگاه شهرستان مرکز و مدیرکل ثبت یا معاون ثبت کل به اختلافات مزبور باتوجه به اوضاع و احوال و استطاعت هر یک از طرفین به طور کدخدامنشی رسیدگی نموده یا رای به پرداخت بهای عادله اراضی متصرف حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رای هیات توسط متصرفین به مالکین بدهد و یا به تقاضای مالکین ضمن صدور رای به پرداخت بهای‌اعیانی در تاریخ تصویب لایحه قانونی مصوب ۸ ۶ ۱۳۳۵ از طرف مالک به متصرف رای به خلع ید از متصرف بدهد و این حکم قطعی و غیرقابل اعتراض است تبصره ـ متصرفین اعیانی های اراضی امامیه (مفت آباد) در صورتی که در مدت‌های مقرر در شق الف بند ۲ ماده واحده قانونی اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانک ها مصوب هشتم شهریورماه سال ۱۳۳۵ و تبصره الحاقی به ماده واحده مذکور مصوب ۱۶ بهمن سال ۱۳۳۵ به جهتی ازجهات موجه موفق به تقدیم دادخواست نشده باشند اگر قبل از تاریخ تصویب قانون مصوب هشتم شهریورماه ۱۳۳۵ شخصا در زمین های مورد بحث با احداث اعیانی تصرف داشته‌اند در صورتی که اراضی مورد تصرف و سکونت مجموعا از سیصد متر تجاوز ننماید می‌توانند منتهی ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون دادخواست خود را در قبال اخذ رسید به دفتر هیات سه نفری تسلیم نمایند والا به تقاضای مالک طبق قسمت اخیر ماده فوق اقدام خواهد شد. مفهوم جمله (اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمان هایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند) مذکور در بند ۲ ماده واحده نامبرده مصوب هشتم شهریور ماه سال ۱۳۳۵ اعم است از اشخاصی که بدون اجازه مالک تمام زمین یا بدون اجازه شریک یا شرکا خود در ملک مشاع ساختمان کرده‌اند و شق اخیر شامل دادخواست هایی می‌شود که در مدت قانونی به هیات سه نفری داده شده است ماده ۱۳ ـ متصرفین اعیانی های مذکور در ماده قبل باید شخصا ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتی از مقررات این قانون استفاده خواهند نمود که ظرف دو ماه از تاریخ اجرا لایحه قانونی مصوب ۸ ۶ ۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین دادخواست خود را در قبال اخذ رسید به دفتر دادگاه شهرستان تسلیم نموده باشند و الا به تقاضای مالک طبق قسمت اخیر ماده ۱۲ اقدام خواهد شد. ماده ۱۴ ـ اراضی موضوع ماده ۱۲ این قانون وقتی به ملکیت قطعی متصرفین درخواهد آمد که کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند. ماده ۱۵ ـ اشخاصی که پس از تاریخ تقدیم لایحه قانونی اراضی موات مصوب هشتم شهریور ماه ۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین از طرف دولت مجلس سنا به تصرف و یا غصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات ماده ۱۲ این قانون استفاده نمی کنند و اگر

این اشـخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالك باز هم به تصـرفات غاصـبانه خود ادامه دهند مشمول ماده ۱۶ این قانون خواهند بود. ماده ۱۶ ـ اشخاصـی که بعـد از تاریـخ تصویب لوایح قانونی مذکور فوق نسبت به اراضـی دولت یا بانکهای مذکور یا اداره اوقـاف یـا شـهرداری یـا اراضـی‌موات بلامالـك بـدون رعـایت قوانین احیا اراضـی موات یا مردم (در صورت شـکایت مـدعی خصوصی) تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند از طرف‌دادستان مورد تعقیب واقع و علاوه بر خلع ید از آنها به مجازات حبس از دو ماه الی شـش ماه محکوم خواهنـد شد.(۲) ماده ۱۷ ـ هیـات هـای مـذکور در این قـانون می‌تواننـد در غیر اوقات اداری نیز انجام وظیفه نماینـد و وزارت دادگستری برای انجام امور اداری به تعـداد لازم کارمنـدان دفتری در اختیار آنها خواهـد گذاشت ماده ۱۸ ـ رسیدگی به درخواست هـایی که به موجب لوایـح قـانونی مصوب ۸ ۶ ۳۵ و ۲۵ ۶ ۳۵ و ۲۱ ۸ ۳۵ و ۱۶ ۱۱ ۳۵ کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین و بـا توجه به مفاد و مقررات لوایـح مزبور تقـدیم شـده و تا تاریـخ اجرا این قانون خاتمه نیافته است بر طبق این قانون به عمل خواهـد آمد. ماده ۱۹ ـ وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون می‌باشـد. پاورقی ۱ ـ در حال حاضـر وفق مقررات ماده ۳۰۹ قانون آیین داردسی دادگاههای عمومی و ۲ ۱۱ ۱۳۷۹ عمل می‌شود ماده ۳۰۹ ـ هرگاه در تنظیم و نوشتن رای دادگاه سهو قلم رخ دهد مثل از قلم افتادن کلمه ای یا زیاد شدن آن و یا اشـتباهی در محاسـبه صورت گرفته باشد تا وقتی که از آن درخواسـت تجدیـدنظر نشده دادگاه رأسا یا به درخواست ذی نفع ، رای را تصـحیح می‌نماید. رای تصـحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد.تسـلیم رونوشت رای اصـلی بـدون رونوشت رای تصـحیحی ممنوع است حکم دادگاه در قسـمتی که مورد اشـتباه نبوده در صورت قطعیت اجرا خواهـد شد. ۲ـ این مـاده به اسـتناد ماده واحـده قانون اصـلاح ماده ۲۶۴ قـانون مجـازات عمومی مصوب ۹ تیر مـاه ۱۳۵۴ نسخ گردید.

قانون تفسیر مصوبه مورخه ۲۵ ۵ ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص حل مشکل اراضی بایر – مصوب

موضـوع اسـتفساریه نظر به این که بر اسـاس مصـوبه مـورخ ۲۵ ۵ ۱۳۶۷ مجمع تشـخیص مصـلحت نظـام در خصوص (حل مشـکل اراضـی بایر) به دولت اختیار داده شـده است که اراضـی بایر که بیش از پنـج سال ، بدون عذر موجه بلاکشت باقی مانده باشد، در اختیـار گرفته و طبق آیین نـامه اجرایی به اشـخاص ، واگـذار نمایـد. مسـتدعی است نظریه مجمع تشـخیص مصـلحت نظـام در مورد شمول یاعدم شـمول قانون فوق الذکر نسـبت به موقوفات ، اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده ـ موقوفات از شمول مصوبه مورخ ۲۵ ۵ ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ، مستثنی می‌باشد.

لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار

ماده ۱ ـ به منظور جلوگیری از هر گونه تضـییع حق در موقوفـات کشور و تنظیم اسـناد و قرار داد اجـاره و تعیین اجـاره بهای عادلانه املاك استیجاری و متصـرفی موقوفه از این تاریخ کلیه اسـناد و قراردادها (اعم از عادی و رسـمی منعقده بین اوقاف و مستاجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضـی و مسـتغلات و مستحدثات شهری و روستایی فسخ و به این قبیل مستاجرین و سایر اشـخاص اعم از حقیقی و حقوقی که به هر نحوی از انحا درحال حاضـر املاك موقوفه را متصرف می‌باشند اخطار می‌شود که در ظرف مدت ۳ مـاه از تاریـخ تصویب این لایحه جهت روشن نمودن وضع املاك استیجاری و متصـرفی خود و تادیه اجاره بهای گذشـته و تنظیم اسـناد جدیـد اجـاره به نرخ عـادله روز به اداره اوقـاف محـل وقوع ملك مراجعه نماینـد.در صورت عـدم مراجعه و انقضای مهلت مقرر اداره اوقاف از ادامه اسـتفاده و تصـرفات غیر قانونی آنها جلوگیری و با خلع ید از مسـتاجر یا متصرف با رعایت صرفه موقوفه آن را به اشـخاص متقاضـی واگذار خواهد نمود و کلیه مطالبات موقوفه را نیز از مسـتاجر یا متصـرف قبلی و یا از محل

فروش و واگذاری اعیانی متعلق به آنها دریافت می‌دارد. تبصره ـ ترتیب تنظیم اجاره نامه و میزان اجاره بهای عادله روز براساس آیین نامه ای خواهد بود که ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان اوقاف تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲ ـ به منظور حسن اداره اماکن متبرکه مذهبی اسلامی کشور و مساجد از طریق انتخاب هیات امنای جدید از اشخاص واجد صلاحیت که مراتب تقوی و امانت آنان مورد تایید و قبول باشد و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار که از طرف سازمان اوقاف منصوب خواهند شد از این تاریخ کلیه اعضا هیات امنا مذکور و متولیان و امنا و نظار مربوطه ازسمت خود معزول و از هر گونه دخل و تصرف در اموال اماکن مورد تصدی ممنوع می گردند و مکلفند تا انتخاب و تعیین متولیان و امنا و نظار جدید کلیه اموال و وجوه دریافتی و اسناد و مدارک موقوفه و اماکن مربوطه را به طور امانی حفظ و نگهداری نموده و به محض صدور ابلاغ و معرفی اعضای جدید عینا طبق صورت جلسه با نظر اوقاف محل تحویل نمایند. تبصره ـ تجدید انتخاب و انتصاب متولیان و امنا و نظار قبلی بلامانع است و اداره امور موقوفه تا انتخاب اعضای جدید به عهده اداره اوقاف محل‌خواهد بود. ماده ۳ ـ سازمان اوقاف می‌تواند با کسب نظر مشورتی شورای امنا و نظار هر حوزه اوقافی از بین اشخاص علاقمند و ذیصلاح مذکور درفوق نسبت به‌تشکیل و تعیین هیات امنا و انتخاب متولیان و نظار جهت کلیه اماکن متبرکه مذهبی اسلامی اقدام لازم را به عمل آورد. هیات امنا این قبیل اماکن حداقل سه نفر و حداکثر پنج نفر خواهند بود که پس از انتخاب و صدور ابلاغ انجام وظیفه خواهند نمود. صدور ابلاغ و احکام مزبور نیازی به تصویب شورای عالی اوقاف نخواهد داشت تبصره ۱ ـ درهرحوزه اوقافی که شورای مشورتی امنا و نظار تشکیل نشده باشد جلب نظر و تصویب شورای عالی اوقاف ضروری است . تبصره ۲ ـ درمورد تعیین هیات امنا وانتخاب متولیان و نظار جهت مساجد، سازمان اوقاف لایحه دیگری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به شورای انقلاب اسلامی تقدیم می‌نماید. ماده ۴ ـ تصمیمات متخذه از طرف سازمان اوقاف نسبت به اجرای مفاد این لایحه قانونی قطعی و لازم الاجرا است .

اراضی و املاک

آیین نامه اجرایی قانون زمین شهری – مصوب ۲۴ ۳ ۱۳۷۱

فصل اول ــ تعاریف و مقررات مربوط به عمران زمین ها (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ ـ منظور از عمران و احیای قابل قبول مذکور در قانون زمین شهری ـ که از این پس قانون نامیده می‌شود ـ عمومات یاد شده در ماده (۱۴۱) قانون مدنی و مقررات بعدی در باب احیا و عمران زمین هاست عملیاتی از قبیل شخم غیرمسبوق به احیا ، تحجیر ، ریختن مصالح در زمین ، حفر چاه و نظایر آن ، عمران و احیا محسوب نمی گردد. تبصره ـ تناسب میزان زمین عمران و احیا شده با در نظر گرفتن مساحت زیر بنا ، مساحت کل زمین و فضای عمومی آن با سطح زیر کشت ، آیش و سایر تصرفاتی که با در نظر گرفتن مفاد این ماده ، عمران و احیا محسوب می‌شود ، طبق دستورالعمل های صادر شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین خواهد شد. ماده ۲ ـ منظور از اراضی دایر موضوع قانون ، برای تملک و زمینهای کشاورزی مندرج در ماده (۵) قانون و این آیین نامه ، زمینهایی است که بهره برداری غالب از آنها ، زراعت باشد و شامل عرصه و اعیان باغها و تاسیساتی که عرصه آنها متناسب با اعیانی باشد ، نمی گردد. تبصره ـ اراضی دایر کشاورزی ایستگاه های تحقیقاتی متعلق به وزارت کشاورزی و همچنین اراضی دایر مزروعی دانشکده‌های کشاورزی و دامپروری و دامپزشکی و هنرستانهای کشاورزی که مورد تایید وزارت مسکن و شهرسازی باشد ، از شمول زمینهای دایر موضوع قانون مستثنا می‌باشند. وزارت کشاورزی مکلف است فهرست ایستگاه های فوق را با ذکر میزان زمینها ، نوع تاسیسات ، محل وقوع و سایر مشخصات لازم ، ظرف سه ماه جهت تایید به وزارت مسکن و شهرسازی ارایه نماید.

ماده ۳ ـ تعریف مسکن مناسب موضوع ماده (۷) قانون و ضوابط آن بـه عهـده وزارت مسکن و شـهرسازی است که به مـوجب دستورالعملی ضوابط آن راتهیه و جهت اجرا ابلاغ می‌نماید. ماده ۴ ـ منظور از استفاده از مزایای مواد (۶) و (۸) قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ عبارت است از الف ـ اخـذ پروانه ساختمـانی از شـهرداری ب ـ عمران و احیـا در زمین ، بـدون اخـذ پروانه به وسـیله مالك یا انتقال گیرنـده از او یا سـند عادی ماده ۵ ـ مهلت عمران زمینهای موات ، توسط افراد واجـد شـرایط از تاریخ تشـخیص نوع زمین ـ اعلاـن رای کمیسیون تشـخیص ـ به مـدت سه سـال می‌باشـد. تبصـره ـ در مـواردی که صـدور مجوز عمران ، از نظر قـانونی غیرمقـدور یـا ممنوع باشـد ، مهلت مـذکور از تاریـخ رفع ممنـوعیت محاسـبه می‌شود و درخصوص زمینهـای مواتی که جدیـدا در محـدوده اجرای قـانون قرار می گیرد ، احتساب مهلت از تاریـخ تشـخیص نوع زمین به وسـیله مراجع موضوع ماده (۶) این آیین نامه می‌باشد.

فصل دوم ــ مقررات تشخیص زمین ها (ماده ۶ تا ۹)

ماده ۶ ـ کلیه مراجعی که به نحوی از انحـا در ارتبـاط با زمینهای شـهری ، اقـداماتی از قبیل نقل و انتقال صـدور مجوزهای قانونی و پروانه های حفر چاه یا ساختمانی و غیره انجام می‌دهند ، ملزم و موظفند قبل از هرگونه اقدامی بدوا نظر وزارت مسـکن و شهرسازی را دربـاره نوع زمین استعلام نماینـد، مگراینکه بـا توجه به سـایر مواد آیین نـامه ، نوع زمین مشـخص و معین باشـد. چنـانچه وزارت مسـکن و شـهرسازی ظرف یک ماه ، پاسخ اسـتعلام مراجع یاد شده در این ماده را ندهد ، مراجع مزبور می‌توانند رأسا اقدام نمایند. تبصره ـ اشخاص ذی نفع در صورت موافقت مراجع یاد شده در این ماده و ماده (۷) می توانند رأسا نسبت به اخذ نظر وزارت مسکن و شهرسازی اقدام نمایند. ماده ۷ ـ مراجع درخواست‌کننده نظریه وزارت مسـکن و شـهرسازی باید مشخصات ثبتی زمین و دو نسخه رونوشت یا فتوکپی نقشه ثبتی و در صورت نداشـتن نقشه یاد شده ، دو نسـخه کروکی دقیق زمین را که منطبق با سوابق ثبتی و وضع محـل زمین باشـد ، بـا انعکـاس موقعیت ملـك روی نقشه هوایی با مقیاس مناسب ـ در صورت وجود نقشه هوایی ـ تهیه و به وزارت مسـکن و شـهرسازی ارسال نماینـد. در صورت عـدم دسترسـی به مـدارك مالکیت درمواردی که رأسا قصد تملك دارند ، آخرین اسـتعلام ثبتی یا صورت مجلس معاینه محل موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه را به وزارت مسـکن و شهرسازی تسلیم نمایند. وزارت مسـکن و شهرسازی پس از بررسی مدارك و رسیدگی به شرح دستورالعمل مربوط ، یك نسخه نقشه امضا شده را به انضمام نظریه خود حـداکثر ظرف یك ماه به مرجع درخواست کننـده ، ارسال می کنـد و نسـخه دیگر نقشه با یك نسـخه از نظریه یاد شده که در وزارت مسـکن و شـهرسازی بایگانی می‌شود. نظریه وزارت مسـکن و شـهرسازی که نسبت به یك زمین یا ملك صادر شده ، برای موارد مراجعه بعـدی معتبر بوده و اخـذ نظریه مجـدد ، ضـروری نمی‌باشـد. ماده ۸ ـ مـوارد زیر غیر مـوات تلقی می‌شـود ، مگر آنکه خلاف آن بنا به تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی ثابت شود الف ـ پلاکهایی که طبق مقررات برای آنها به عنوان نصاب مالکانه ، پروانه ساختمانی صادر شـده یا بشود. ب ـ پلاکهایی که مساحت زمین آنها تا ۳۰۰۰ متر مربع بوده و مربوط به واحدهای مسکونی ساخته شده یا هرگونه مستحدثات باشد ، مشروط بر دارابودن هریك از اسـناد مشـروح زیر که تاریخ صدور آنها قبل از تاریخ ۵ ۴ ۱۳۵۸ باشد ۱ ـ اسـناد مـالکیتی که به عنوان هرگونه مسـتحدثات ، صادر شـده یا تحت این عنوان مورد نقل و انتقال قرار گرفته و در ستون انتقالات قیـد مسـتحدثات شده باشد. ۲ ـ گواهی پایـان کـار یا مفاصا حساب نوسازی شـهرداری یا سـطح شـهر یا گواهی های مالیاتی از قبیل مفاصا حساب یا گواهی ارث ، مشـروط بر آنکه در اسـنادو گواهی های یاد شـده تصـریح شده باشد که پلاك مورد نظر ، واحد ساختمانی یا مسکونی یا مستحدثات است ۳ ـ سند رسمی اجاره به عنوان واحد مسکونی یا ساختمان ۴ ـ پلاك هایی که به تشـخیص شـهرداری محـل ، قبل از تاریـخ اجرای مقررات مربوط به صـدور پروانه ساختمان در شـهر محل وقوع ملك به صورت

ساختمان یا مستحدثات درآمده باشد. ج ـ در صورتی که اسناد انتقال مربوط به پلاکهایی باشد که به عنوان ساختمان مورد معامله وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به‌دولت و بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی یا شهرداری ها و موسسات اعتباری مجاز قرار گرفته باشد. د ـ پلاکهایی که قبل از تاریخ ۵ ۴ ۱۳۵۸ به صورت تاسیساتی از قبیل مستحدثات صنعتی ، ورزشی ، جایگاه های فروش مواد نفتی ، کارگاهها ، گاراژها ، توقفگاه ها و انبارهای مسقف ، اماکن درمانی ، بهداشتی ، آموزشی ، فرهنگی و خدمات عمومی و تاسیسات مشابه باشد، مشروط بر آنکه مساحت زمین آنها از سه هزار متر مربع بیشتر نبوده و دارای پروانه رسمی کسب یا ساختمان یا گواهی پایان کار باشند. ه ـ ذکر وجود ساختمان در مرحله صدور آخرین مفاصا حسابهای نوسازی و مالیاتی در کلیه موارد بالاـ، حسب مورد توسط سازمان مربوط ، ملاک عمل‌خواهد بود. ماده ۹ ـ به منظور تشویق مالکین جهت واگذاری زمینها به دولت از طریق توافق ، واگذاری قطعاتی از زمینهای تملک شده مالکین به اقربای نسبی طبقه اول آنان که فاقد واحد مسکونی و زمین باشند ، با اولویت بلامانع است

فصل سوم ــ نحوه خرید و تملک زمینها (ماده ۱۰ تا ۲۱)

ماده ۱۰ ـ در مورد زمینهای موات که در اختیار واجدین شرایط موضوع ماده (۷) قانون قرار گرفته و بعدا مورد نیاز طرحی باشد ، دستگاه مجری طرح مکلف است نسبت به واگذاری زمین عوض یا پرداخت قیمت عادله آن به انتخاب فردی که زمین را در اختیار داشته اقدام نماید. ماده ۱۱ ـ برای تملک زمینهای بایر و دایر از سوی دولت و شهرداریها و کلیه دستگاه هایی که طبق قانون ، حق خرید و تملک دارند ، رعایت ضوابط زیرضروری است الف ـ دستگاه تملک‌کننده دارای طرح مصوب بوده و اعتبار خرید زمین نیز تامین شده باشد. ب ـ بالاترین مقام اجرایی دستگاه تملک‌کننده نیاز به تملک زمین را تایید نماید. ج ـ وزارت مسکن و شهرسازی عدم امکان تامین زمین مناسب را از زمینهای موات و دولتی در آن شهر اعلام نموده باشد. د ـ در شهرهایی که دارای طرحهای مصوب شهری است ، کاربری زمین مورد نیاز ، منطبق با طرح باشد. ماده ۱۲ ـ تشخیص نیاز برای تملک زمین بایر یا دایر و میزان آن برای احداث واحدهای مسکونی یا واگذاری زمین جهت احداث مسکن و سایر نیازهای مربوط به آنها و همچنین تطبیق میزان زمینهای معوض مورد نیاز طرحهای سایر دستگاهها با طرح مربوط در شهرهای مشمول با وزارت مسکن وشهرسازی است که با در نظر گرفتن اراضی موات و دولتی ظرف یک ماه از تاریخ دریافت استعلام ، اعلام نظر خواهد کرد. تبصره ـ تشخیص زمینهای مورد نیاز طرحهای سایر دستگاهها در شهرهای یاد شده در قانون ، با دستگاه مربوط است ماده ۱۳ ـ در مواردی که شماره پلاک و مشخصات ثبتی زمین مورد تملک ، مشخص نباشد ، دستگاه تملک کننده محل زمین محدوده مورد نیاز خود را درمحل مشخص نموده و قبل از انتشار آگهی تملک ، نقشه محدوده را بر روی نقشه های هوایی ـ در شهرهایی که نقشه هوایی وجود دارد ـ به اداره ثبت محل ارسال می‌نماید. اداره ثبت مکلف است با در نظرگرفتن امکانات و حداکثر ظرف یک ماه ، مشخصات پلاک های ثبتی یا تفکیکی و نقشه پلاک بندی وجریان ثبتی و نام آخرین مالک را براساس سوابق موجود درخصوص محدوده مورد نظر ، طبق صورت مجلس تنظیمی بین نماینده اداره ثبت و نماینده‌دستگاه تملک کننده ، به مرجع تملک‌کننده ارسال نماید. در این صورت پس از انتشار آگهی و اعلان محدوده مورد نظر ، چنانچه مالکین در مهلت تعیین شده جهت انتقال ملک خود مراجعه ننمایند یا زمین مشاعی بوده و برخی از مالکین مشاع مراجعه نکنند و به طور کلی ، در تمام موارد مندرج در تبصره (۶) ماده (۹) قانون ، ضمن تودیع بهای زمین مورد تملک به صندوق ثبت سند انتقال ، حسب مورد از طرف وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری به قایم مقامی مالک یا مالکین امضا می گردد تا در موقع مراجعه مالکین با احتساب و کسر مالیات ها و هزینه های تعلق گرفته مبلغ مورد معامله به آنها پرداخت شود. تبصره ۱ ـ چنانچه مالک یا مالکین درخواست زمین عوض خارج از محدوده مورد عمل این

قانون بنمايند و امكان واگذارى وجود داشته باشد ، پس ازانتخاب زمين و رضايت مالك يا مالكين به اخذ آن ، اداره ثبت ، مبلغ توديع شده را به مرجع تملك كننده مسترد مى‌نمايد تا زمين عوض واگذار شود. تبصره ۲ ـ ادارات ثبت مكلفند حسب درخواست مرجع تملك‌كننده زمين و موافقت كتبى شهرداريها و سايرسازمانهاى ذى‌ربط ، سند تجميعى پلاك هاى محدوده مورد تملك را كه ضمنا دربرگيرنده معابر ، مسيل ها ، انهار متروك ، حريمها ، موارد مشابه داخل آن و املاك مجهول المالك ـ از نظر مقررات ثبتى ـ نيزباشد ، طبق مقررات مربوط صادر نمايند. در صورتى كه در محدوده مورد تجميع زمين موات يا ملى شده وجود داشته باشد ، سند مالكيت تجميعى با نظر وزارت مسكن و شهرسازى صادر مى‌شود. تبصره ۳ ـ در كليه مواردى كه زمينهايى در طرحهاى مصوب دولتى و شهردارى قرار مى گيرد و گواهى عدم امكان تامين زمينهاى مورد نياز طرح از زمينهاى دولتى و موات دريافت شده باشد ، بايد مراتب به وسيله دستگاه صاحب طرح به مالك يا مالكين و اداره ثبت اعلام گردد تا از هرگونه نقل وانتقال اين گونه زمين ها تا انجام مراحل تملك ، حداكثر ظرف مدت هجده ماه از تاريخ اعلام ، به اداره ثبت خوددارى گردد همچنين مراتب بايد به شهردارى محل نيز جهت رعايت مقررات قانونى ظرف مدت مزبور اعلام شود. تبصره ۴ ـ دستگاههاى مجرى طرح موظفند در كليه موارد ، يك نسخه از آگهى تملك خود را به اداره اوقاف محل و آستان قدس رضوى ارسال دارند عدم ارسال مدارك براى ساير متوليان و آستانه‌ها رافع مسووليت ادارات اوقاف و متوليان در اجراى اين امر نمى‌باشد. ماده ۱۴ ـ در صورتى كه در محدوده اعلان شده براى تملك ، زمين وقفى وجود داشته باشد ـ اعم از اينكه به اجاره واگذار شده يا نشده باشد ادارات اوقاف و متوليان موقوفه مكلفند ظرف پانزده روز از تاريخ انتشار آخرين آگهى ، نظريه خود را به دستگاه مجرى طرح اعلام كنند و حداكثر ظرف يك ماه نقشه زمين وقفى و مشخصات آن را ارايه دهند تا حسب مورد نسبت به اجراى آن قسمت از طرح كه در زمينهاى وقفى است از سوى اوقاف يا آستان قدس رضوى يا متولى اقدام يا سند اجاره به نام دولت تنظيم شود يا عوض آن زمين ، ضمن رعايت مقررات و غبطه موقوفه و با مصالحه واگذار و طرح اجرا گردد. تبصره ـ به منظور جلوگيرى از تضييع حقوق اوقاف ، سازمان حج و اوقاف و امور خيريه و آستان قدس رضوى موظفند فهرست كليه زمينهاى اوقافى‌خود را در هر شهر به وزارت مسكن و شهرسازى ارسال نمايند. ماده ۱۵ ـ مالكينى كه در اجراى تبصره (۱) ماده (۹) قانون براى تعيين تكليف زمينهاى خود در شهرهاى موضوع ماده ياد شده مراجعه مى‌نمايند ، بايد درخواست خود را با نقشه و مشخصات كامل زمين به وزارت مسكن و شهرسازى و شهرداريها تسليم نمايند تا آن وزارتخانه ، حسب تقاضاهاى رسيده ازدستگاههاى مختلف و طرحهاى خدمات عمومى شهرى و شهرداريها از لحاظ نيازهاى خود موضوع را بررسى و شهرداريها حداكثر ظرف دو ماه ووزارت مسكن و شهرسازى ظرف يك سال از تاريخ وصول تقاضاى مراجعه‌كننده پاسخ متقاضى را بدهند. كليه دستگاه هاى ذى ربط مكلف به همكارى با وزارت مسكن و شهرسازى مى‌باشند. در صورت اعلام نياز دستگاه مربوط طبق قوانين و مقررات نسبت به تملك يا واگذارى عوض آن اقدام مى‌نمايدو در صورت اعلام عدم نياز ، چنانچه براساس كاربرى زمين امكان عمران و واگذارى براى مالك وجود داشته باشد ، مالك مى‌تواند پس از آماده سازى واحداث بنا در زمينهاى خود طبق مواد اين آيين نامه نسبت به تفكيك و واگذارى واحدهاى احداثى به متقاضيان اقدام نمايد. تبصره ـ در صورتى كه على رغم تكميل مدارك لازم پس از انقضاى مهلت مزبور به متقاضى پاسخ داده نشود ، مالك طبق ضوابط قانونى و كاربرى هاى مربوط ، حق عمران و واگذارى زمين خود را دارد. ماده ۱۶ ـ مالكان زمينهاى باير و داير با كاربرى مسكونى در شهرهاى موضوع ماده (۹) قانون مى‌توانند جهت تفكيك و اخذ پروانه ساختمانى تا هزارمتر مربع براى يك يا چند قطعه از زمينهاى خود به شهردارى محل مراجعه نمايند. شهردارى ها مكلفند پس از تطبيق نقشه تفكيكى با درخواست تشكيل‌پرونده به منظور اطلاع از اينكه متقاضى از مزاياى مواد (۸) و (۶) قانون اراضى شهرى استفاده كرده است يا خير ، مراتب را با ذكر مشخصات كامل مالك و پلاك مورد نظر از اداره زمين شهرى مربوط ، استعلام و پس از وصول پاسخ در صورت عدم استفاده از مزاياى ياد شده ، با رعايت ساير مقررات و اخذ تعهد رسمى مطابق فرم تنظيمى وزارت مسكن و شهرسازى مبنى بر عدم

استفاده بیشتر از مزایای تبصره ۲) ماده (۹) قانون ، پروانه ساختمانی صادرنمایند. تبصره ۱ ـ در مورد زمینهایی که تملک می‌شود ، چنانچه مالک یا مالکین از مزایای تبصره (۲) ماده (۹) قانون استفاده نکرده باشند ، پس از تملک و تهیه طرح تفکیکی و کسر میزان زمینی که به نسبت سهم آنها در خیابانها و خدمات عمومی طرح قرار می گیرد تا هزار متر مربع از قطعات قابل واگذاری بهانتخاب مالک یا مالکین به آنها واگذار می گردد تا برابر مقررات عمران نمایند. تبصره ۲ ـ منظور از عدم امکان مندرج در تبصره (۲) ماده (۹) قانون ، مواردی است که سهم مالکانه در طرح دستگاه تملک‌کننده قرار گرفته و واگذاری آن به مالک باعث برهم خوردن طرح و عدم امکان اجرای آن گردد و جابجایی طرح نیز مقدور نباشد. در این صورت زمینی معادل قیمت زمین تملک شده و حتی المقدور به همان میزان و حداکثر تا حد نصاب مقرر در قانون ، از محل دیگری به مالك یا مالکین واگذار می گردد. تشخیص این امر با دستگاه تملک‌کننده است تبصره ۳ ـ وزارت مسکن و شهرسازی ضوابط چگونگی عمران اراضی مازاد بر حد نصاب مالکانه موضوع قسمت آخر تبصره (۲) ماده (۹) قانون را به نحوی که موجب تشویق در توسعه احداث مسکن باشد ، حداکثر ظرف سه ماه تهیه و جهت اجرا ابلاغ می‌نماید. ماده ۱۷ ـ در شهرهای غیر مشمول ضرورت ، نقل و انتقال زمینهای بایر و دایر شهری بین اشخاص با رعایت تبصره ماده (۱۴) قانون در خصوص‌زمینهای دایر کشاورزی ، بلامانع است ولی هر گونه تفکیک و احداث بنا مستلزم انجام عملیات آماده سازی ، طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی می‌باشد. ماده ۱۸ ـ وزارت کشاورزی و هیأتهای ۷ نفره واگذاری زمین ، حتی الامکان در اجرای تبصره (۴) ماده (۴) آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص زمین های موات و ابطال اسناد آن ـ مصوب ۸ ۷ ۶۶ به درخواست وزارت مسکن و شهرسازی یا سایر دستگاه های تملک‌کننده زمین که در اجرای تبصره ۱۰) ماده (۹) قانون درخواست واگذاری زمین می‌نمایند ، زمین عوض معادل بهای منطقه ای زمین تملک شده در خارج از محدوده مورد عمل قانون ،برای امر کشاورزی به مالکین معرفی شده ، واگذار نمایند. ماده ۱۹ ـ ادارات ثبت مکلفند در هر مورد که زمینهایی ـ اعم از موات و غیر موات ـ به صورت ششدانگ یا مشاع براساس قانون به مالکیت دولت درمی‌آید به موجب درخواست وزارت مسکن و شهرسازی یا درخواست سایر دستگاهها ـ در مواردی که رأسا زمینهای غیرمواتی را با رعایت مقررات قانون و این آیین نامه تملک می‌نماید نسبت به صدور سند مالکیت به شرح زیر اقدام نمایند ۱ ـ ابطال سند مالکیت قبلی ـ اعم از اینکه سند مالکیت در اختیار باشد یا نباشد ـ و صدور سند مالکیت جدید حسب مورد به نام دولت یا شهرداریها به نمایندگی مرجع قانونی درخواست‌کننده سند. ۲ ـ در مواردی که زمین سابقه ثبتی به نام اشخاص نداشته باشد و بر اساس نظریه وزارت مسکن و شهرسازی زمین ، موات تشخیص داده شود ، با توجه‌به تبصره الحاقی به ماده (۹) آیین نامه قانون ثبت و قبول تقاضای ثبت زمینهای موات و بایر بلامالک به نام دولت ـ مصوب ۱۳۵۴ و در انتشار آگهی های نوبتی آنها نیازی به تنظیم اظهارنامه ثبتی به نام دولت نبوده و حسب درخواست وزارت مسکن و شهرسازی بدون انتشار آگهی های نوبتی وتحدیدی بلافاصله با استفاده از پلاك بخش مربوط و ضمن تعیین شماره فرعی ، صورت مجلس تعیین حدود با رعایت حدود مجاورین ـ در صورت وجود سابقه تحدید حدود ـ با حضور نماینده اداره زمین شهری محل تنظیم و ملك در دفتر املاك ثبت و سند مالکیت به نام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی صادر می گردد. ۳ ـ در صورتی که زمین طبق نظر وزارت مسکن و شهرسازی موات بوده و سابقه درخواست ثبت داشته باشد ، ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده باشد اعم از اینکه آگهی های نوبتی آن منتشر شده یا نشده باشد بدون انتشار آگهی‌های نوبتی و تحدیدی نسبت به تنظیم صورت مجلس تعیین حدود لازم وصدور سند مالکیت آن با رعایت بند (۱) این ماده از طرف اداره ثبت اقدام می گردد. ۴ ـ در صورتی که وزارت مسکن و شهرسازی یا سایر دستگاههای دولتی یا شهرداری ها براساس ماده (۹) قانون قصد تملك زمین غیر مواتی را دارند یا قبلاتملك نموده‌اند ، ولی اساسا سابقه درخواست ثبت ندارد و زمین مزبور از نظر مقررات ثبتی مجهول المالك است ، ادارات ثبت مکلفند ضمن تنظیم‌صورت مجلس لازم در اجرای ماده (۱۳) این آیین نامه که به منزله صورت مجلس احراز تصرف خواهد بود ، مشخصات متصرف را با رعایت حدود مجاورین ـ اگر سابقه تحدید حدود دارد ـ تعیین

نماینـد. همین صورت مجلس ، مسـتند انجام معامله خواهد بود. پس از تنظیم سـند انتقال بر اساس ماده ۹) قانون ادارات ثبت باید به ترتیب زیر اقدام به صدور سـند مالکیت به نام دولت و شـهرداری ها نمایند الف ـ پس از ارایه یک نسخه سند انتقال (سند تملکی به اداره ثبت محل ، اداره ثبت بر اساس سـند رسـمی تنظیمی بلافاصـله سـند مالکیت زمین را به نام‌دولت با نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی یا سایر دسـتگاههای دولتی درخواست‌کننده ـ که سند به نام آنها تنظیم شده یا شهرداریها حسب موردصادر می‌نمایند. ب ـ برای روشن شـدن وضع پرداخت بهای زمین مورد تملک ، ادارات ثبت باید نسـبت به تنظیم اظهارنامه ثبتی اقدام نمایند و علاوه بر قید نام دولت به‌نمایندگی وزارت مسـکن و شـهرسازی یا دسـتگاه تملک کننده یا شـهرداریها نام شـخص یا اشخاصـی را که مدعی مالکیت ملک مورد تملک هسـتند براساس صورت مجلس تنظیمی بالا در اظهارنامه ثبتی قیـد نماینـد و در اجرای دسـتور ماده (۵۹) آیین نـامه قـانون ثبت ، مبـادرت به انتشـار آگهی هـای نوبتی کننـد. در صـورتی که در مهلت مقرر قـانونی ، اعتراضـی نرسـید پس از گواهی اداره ثبت محـل و اخـذ مفاصـا حسـاب هـای لازم بهای زمین به مالک یا مالکین پرداخت می‌شود ، ولی در صورت وصول اعتراض به ثبت تـا تعیین تکلیف نهایی از سوی دادگاههای صالـح ، بهای ملک پرداخت نخواهـد شـد. ج ـ چنانچه زمینی که موات اعلام شـده دارای اعتراضـی به تشـخیص وزارت مسکن و شـهرسازی در خصوص نوع زمین یـا اعتراض به ثبت یـا حـدود یـا سایر اعتراضات قانونی در مراجع ذی صـلاح یا تعارض ثبتی باشـد یا در رهن و وثیقه و بازداشت بوده یا حق اعیانی و حق ریشه و کشـت برای دیگران درآن قیـد شـده باشـد ، ادارات ثبت مکلف به صـدور سـند آزاد و بـدون قید بازداشت یا وثیقه و رهن و سایر قیود یاد شده ، به نام دولت به نمایندگی مرجع‌قانونی درخواست‌کننده سند می‌باشند. در خصوص اعتراض به ثبت و تعارض ثبتی و تشخیص نوع زمین پس از صـدور رای قطعی از طرف مراجع قضـایی ، ادارات ثبت ، مراجع تملک کننـده بـا رعـایت قـانون و این آیین نـامه حقوق محکوم له را ادا می‌نماینـد. در مورد رهن و وثیقه و بازداشت زمینهای بایر و دایر نیز سازمان تملک‌کننـده مجاز است پس از اخـذ گواهی از اداره ثبت محـل ، از محـل اعتبارات طرح تملک زمین ، مبلغ منـدرج در سـند وثیقه و رهن و مبلغ مورد بازداشت را پرداخت نماینـد و مراتب را به اداره ثبت محل اعلام کنـد. در صورتی که مبلغ یادشـده بیش از مبلغ مورد تملک باشد ، بسـتانکار و مرجع بـازداشت کننـده می‌توانـد برای وصول بقیه طلب خود تقاضای توقیف سایر اموال بـدهکار را براساس قوانین مربوط از مراجع ذی صـلاح بنمایـد. د ـ در صورتی که زمین مورد تملک براساس سـند انتقال رسـمی سابقه ثبت داشـته ولی آگهی نوبتی آن منتشـر نشـده باشـد ، اداره ثبت محـل مکلف است بـدون انتشـار آگهی تحدیـدی نسـبت به تنظیم صورت مجلس تحدیـد حـدود با رعایت حـدود مجـاورین ـ اگر سـابقه تحدیـد حـدود داشـته باشـد ـ اقـدام نمایـد و بلافاصـله سـند مـالکیت زمین را به نام وزارت مسـکن و شهرسازی یا دسـتگاه تملک‌کننـده صادر نمایـد. در صورتی که اشـتباهی در اسـناد تنظیمی پیش آیـد ، اصـلاح اسـناد با تنظیم سـند اصـلاحی به امضـای دسـتگاه تملک کننـده و به قایم مقامی مالک یا مالکین بلامانع است و برای اینکه پرداخت وجه موردتملک به مالـک مقـدور گردد ، اداره ثبت محـل نسبت به انتشـار آگهی هـای نوبتی ، براساس بنـد (ب این ردیف اقـدام می‌نمایـد. در مورد زمینهای مورد تملک که سابقه ثبت و انتشار آگهی نوبتی داشـته ، ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده ، تعیین حدود و صدور سند مالکیت به شـرح بنـد یاد شـده صورت می‌گیرد. در انجام عملیات تحدیـد و تفکیک زمینهای موات یا خریـداری شده دولت ، عدم اجرای ماده (۸۰) آیین نـامه قـانون ثبت و عـدم حضور مالک اولیه ، مانع انجام عملیات یاد شـده نخواهـد بود و ادارات ثبت مکلفند برابر نقشه ارایه شده نسبت به تحدید و تفکیک ، بدون حفر پی اقدام نمایند. ۵ ـ در مواردی که زمین براساس نظر وزارت مسکن و شهرسازی موات تشـخیص داده شود ، ادارات ثبت مکلفند به درخواست وزارت مسـکن وشهرسازی قبل از قطعیت نظریه مرقوم سند مالکیت آن را به نام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی صادر نمایند. در صورتی که براساس رای قطعی دادگاه ، زمین غیرموات تشخیص داده شود ، در شهرهای مشمول ضرورت بر اساس ماده (۹) قانون با مالک رفتار می‌شود و سایر شهرها و شهرک های کشور ، تبصره‌های (۷) و (۸) ماده (۹) قانون ، قابل اجراست ۶ ـ مقررات بند (۵) این ماده از جهت صدور سـند مالکیت به نام

دولت و شهرداریها در مورد زمینهایی که در اجرای قانون اراضی شهری مصوب ۲۷ ۱۲ ۶۰ ـ موات شناخته شده یا به تملك دولت درآمده ، ولی سند مالکیت آن صادر نگردیده ، قابل اجراست ۷ ـ زمینهایی که مالکیت آنها در اجرای قانون لغو مالکیت موات شهری و اصلاحیه آن لغو گردیده و مراتب به دفاتر املاك ثبت ، اخبار و به امضای مسوول مربوط رسیده باشد ، با توجه به ماده (۲۲) قانون ثبت در مالکیت دولت مستقر و سند مالکیت آن باید به نام دولت صادر شود. ۸ ـ اسناد زمینهای مواتی که قبلا در اختیار بنیادهای غیردولتی از جمله بنیاد مستضعفان بوده یا باشد ، باید به نام وزارت مسکن و شهرسازی صادر شود. ۹ ـ افراز زمینهای مشاعی وزارت مسکن و شهرسازی و دستگاه تملك‌کننده براساس لایحه قانونی راجع به افراز مورد تصرف سازمانهای عمران اراضی‌شهری ـ مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران ـ به عمل خواهد آمد و دعوت از سایر مالکین مشاعی جهت افراز ، ضرورت ندارد. ۱۰ ـ قبول تقاضای ثبت زمینهای موات از اشخاص مطلقا ممنوع است و ادارات ثبت مکلفند قبل از پذیرش ثبت زمینها به نام اشخاص و ادامه تشریفات ثبتی زمینهای ثبت شده و افراز و تقسیم و تفکیك زمینها ، موافقت کتبی وزارت مسکن و شهرسازی را اخذ نمایند. ۱۱ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از انجام هرگونه معامله نسبت به زمینهای موضوع قانون ، مراتب را از وزارت مسکن و شهرسازی استعلام و براساس نظر آن وزارتخانه و رعایت مقررات مربوط اقدام نمایند. ماده ۲۰ ـ کلیه دستگاههای یاد شده در ماده (۱۰) قانون موظفند زمینهای خود را در اجرای ماده (۱۰) قانون ، در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قراردهند. ادارات ثبت مکلفند پس از اعلام وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به ثبت انتقال ملك در دفاتر املاك و صدور سند مالکیت به نام دولت با نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاههایی که وزارت مزبور معرفی می‌کند ، اقدام نمایند. هریک از کارکنان دستگاههای یاد شده که در تحویل زمینهای مذکور و صدور اسناد مالکیت آنها به شرح این ماده ، مسامحه یا کارشکنی نمایند در اجرای ماده (۱۶) قانون متخلف محسوب شده و با اعلام وزارت مسکن و شهرسازی مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و از تاریخ درخواست وزارت مسکن و شهرسازی چنانچه ظرف دو ماه نسبت به‌تحویل زمین و اسناد و مدارك آن اقدام ننمایند ، ادارات ثبت مکلفند به درخواست وزارت مسکن و شهرسازی سند مالکیت جدید به نام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاههایی که وزارت مزبور معرفی می‌کند ، صادر نمایند. تبصره ۱ ـ صدور سند مالکیت زمینهای ملی شده یا سایر زمینهای دولتی واقع در محدوده مورد عمل قانون ، به نام وزارت مسکن و شهرسازی نیاز به تحویل و تنظیم صورت جلسه از طرف سرجنگلداریها ندارد. تبصره ۲ ـ در صورتی که در اراضی مذکور تجاوزات و تصرفاتی صورت گرفته باشد ، در موقع معاینه محل با حضور نماینده سرجنگلداری یا دستگاه دارنده زمین ، میزان تصرفات و تجاوزات ، صورت جلسه شده و سند مالکیت کل محدوده ملی شده یا زمین دولتی مذکور بدون توجه به تجاوزات انجام شده بنام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی صادر می‌گردد. ماده ۲۱ ـ در مورد زمینهای مشاعی چنانچه یک یا چند مالك مشاع در مهلت مقرر مراجعه کنند ، ولی به لحاظ عدم حضور بقیه مالکین انجام معامله کل ملك مقدور نباشد ، نسبت به آن تعداد از مالکین که تنظیم سند امکان ندارد ، طبق مفاد قانون و این آیین نامه سند انتقال به قایم مقامی مالك یا مالکین امضا می‌شود.

فصل چهارم ـ نحوه آماده سازی و عمران و واگذاری زمین ها (ماده ۲۲ تا ۳۶)

ماده ۲۲ ـ آماده سازی زمین عبارت از مجموعه عملیاتی است که مطابق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی زمین را برای احداث مسکن مهیا می‌سازد که شامل موارد زیر می‌باشد الف ـ عملیات زیربنایی از قبیل تعیین بر و کف ، تسطیح و آسفالت معابر ، تامین شبکه های تاسیساتی آب و برق ، جمع آوری و دفع آبهای سطحی و فاضلاب و غیره ب ـ عملیات روبنایی مانند احداث مدارس ، درمانگاه ، واحد انتظامی ، فضای سبز ، اداره آتش نشانی ، اماکن تجاری و نظایر آن ماده ۲۳ ـ دستگاهها ، بنیادها ، نهادها

و اشخاص حقیقی و حقوقی واگذارکننده زمین در صورتی مجاز به واگذاری خواهند بود که اجرای عملیات زیربنایی زمینهای آنها طبق ضوابط و تایید دستگاه های اجرایی مربوط ، قبل از واگذاری انجام شده باشد. تبصره ـ در صورتی که تعاونیهای مسکن قادر به انجام آماده سازی تمام زمین یا بخشی از آن باشند می‌توانند طبق ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی اقدام نمایند. بدیهی است هنگام تعیین قیمت قطعی زمین ، هزینه آماده سازی از قیمت قطعی کسر خواهد شد. ماده ۲۴ ـ مالکین زمینهای دایر و بایر اعم از حقیقی و حقوقی که طبق مواد (۱۴) و (۱۵) قانون ، مجوز تبدیل و تغییر کاربری زمین خود را از وزارت مسکن و شهرسازی اخذ کرده‌اند و قصد تفکیک یا افراز یا تقسیم اراضی خود را دارند ، موظفند نقشه تفکیکی زمینهای خود را به ضمیمه طرحهای اجرایی آماده سازی همراه با برآورد هزینه های مربوط به ادارات کل مسکن و شهرسازی محل ، ارایه نمایند. ماده ۲۵ ـ بهای تمام شده هر قطعه زمین برای امر مسکن عبارت است از قیمت منطقه‌ای زمین در زمان واگذاری به علاوه کلیه هزینه های تعلق گرفته ومتناسب با هر طرح طبق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی ماده ۲۶ ـ در کلیه طرحهای آماده سازی تاسیسات روبنایی مثل مدارس و درمانگاه ، فضای سبز و نظایر آن حتی الامکان از محل عواید اماکن تجاری ، زمینهای واگذاری همان شهر ، احداث شده و عرصه و اعیان آنها به صورت رایگان به دستگاه های بهره برداری کننده تحویل می‌شود. دستورالعمل تعیین سرانه تاسیسات روبنایی توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ می‌شود. ماده ۲۷ ـ بهای واگذاری قطعات زمین برای احداث واحدهای انتفاعی نظیر تجاری ، اداری و خدماتی صنفی برابر است با قیمت منطقه‌ای ، به علاوه هزینه های زیربنای و روبنایی قطعه که از متقاضی دریافت می گردد. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است در عقد قرارداد واگذاری این گونه قطعات ترتیبی اتخاذ نماید که بهای دریافتی بابت هزینه های تاسیسات روبنایی ، صرف احداث تاسیسات مزبور شود. تبصره ـ در احداث واحدهای انتفاعی ، مجموعه‌های مسکونی کارگری با وجود شرایط مساوی ، حق تقدم با تعاونی های کارگری است ماده ۲۸ ـ واگذاری هر نوع زمین در طرحهای مصوب شهری که به توسعه یا احداث معابر و میادین اختصاص داده شده است ، ممنوع می‌باشد. ماده ۲۹ ـ واگذاری زمین به افراد و اعضای شرکتهای تعاونی مسکن و کارکنان دولت بر اساس ضوابط و مقرراتی است که به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی ، با رعایت قوانین و لحاظ اولویت برای کارکنان و کارمندان دولت تعیین و ابلاغ خواهد گردید. تبصره ۱ ـ واگذاری زمین به سازندگان واحدهای مسکونی ، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز کسانی که آمادگی و شرایط لازم را برای سرمایه گذاری در امر تولید و احداث واحدهای مسکونی به منظور واگذاری قطعی یا اجاره دارند ، براساس ضوابطی است که از طریق وزارت مسکن وشهرسازی تعیین می‌شود. تبصره ۲ ـ انتقال قطعی اراضی واگذار شده ، پس از ارایه گواهی پایان کار ساختمانی خواهد بود و ممنوعیت انتقال مندرج در اسناد انتقال قطعی تنظیمی به تاریخ پیش از اجرای این آیین نامه کان لم یکن تلقی می گردد. تبصره ۳ ـ اوراق قرارداد واگذاری یاد شده و نیز اوراق واگذاری زمین در شهرهای جدید ، در مراحل مرتبط با اعطای تسهیلات بانکی و تسهیلاتی که سازمان تامین اجتماعی به مشمولان قانون تامین اجتماعی می‌دهد ، در حکم سند رسمی بوده و در مواردی که زمین مورد واگذاری فاقد صورت مجلس تفکیکی است ، نماینده دستگاه واگذار کننده زمین ، اسناد تنظیمی را منحصرا از جهت تجویز رهن ، امضا می‌نماید. ماده ۳۰ ـ واگذاری زمینهای شهرداریها ، شرکتها و سازمانهای وابسته به شهرداریها توسط آنها به منظوری غیر از رفع نیازمندیهای عمومی شهر و عوض املاک واقع در طرحهای مصوب شهری ، منوط به مجوز وزارت مسکن و شهرسازی می‌باشد. ماده ۳۱ ـ واگذاری زمین جهت ایجاد یا توسعه یا انتقال انواع موسسات یا کارگاه های تولیدی و خدماتی و محلهای کسب ، با شرایط زیر انجام می گیرد الف ـ متقاضی ، خدمت وظیفه عمومی را انجام داده یا دارای کارت معافیت بوده و توانایی مالی احداث ساختمان را داشته باشد. ب ـ مجوز قانونی لازم را جهت دایر نمودن واحد پیشنهادی داشته باشد. ج ـ زمینهای واگذاری برای هر پیشه یا کارگاه باید مطابق با کاربری زمین در طرحهای شهرسازی مصوب ، و در صورت فقدان طرحهای یاد شده ، طبق مقررات شهرداری برای آن منطقه شهر باشد. د ـ حداقل پنج سال پیش از تسلیم تقاضای زمین به طور متوالی در شهر محل

درخواست زمین سکونت داشته باشد. ه ـ در بعضی از شهرهای محروم ، طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی رعایت شرط مدت سکونت برای متقاضی ضروری نمی‌باشد ، مشروط بر آنکه متقاضی در شهرهای مزبور ، به سرمایه گذاری در امر ایجاد واحدهای تولیدی ، صنعتی و خدماتی به جز محلهای کسب اقدام نماید. تبصره ۱ ـ افرادی که حرفه دیگری جز آنچه برای آن تقاضای زمین می‌نمایند نداشته باشند ، اولویت خواهند داشت تبصره ۲ ـ به منظور جذب سرمایه‌گذاری در نقاط محروم و کمک به امر تولید و اشتغال افراد ، به شرط آنکه افراد مزبور از وزارتخانه های تولیدی مجوز قانونی داشته باشند ، ضمن اولویت اعطای زمین به این گونه افراد ، از تخفیف های مناسب با تصویب مجمع عمومی سازمان زمین شهری برخوردارمی‌شوند. ماده ۳۲ ـ واگذاری زمینهای داخل شهرکهای مشمول قانون (اجازه واگذاری اراضی داخل شهرکها برای تامین اعتبار مربوط به تکمیل ساختمانهای شهرکهای نیمه تمام دولتی) ـ مصوب ۶ ۷ ۱۳۶۰ ـ که در زمان طبق اخذ مجوز شهرک ، خارج از حریم استحفاظی شهرها بوده‌اند ، طبق قانون یاد شده و آیین نامه آن انجام می‌گیرد. ماده ۳۳ ـ منظور از زمینهای متعلق به دولت ، یاد شده در ماده (۱۳) قانون ، کلیه زمینهایی است که به نام دولت دارای سند بوده یا در جریان ثبت به نام دولت است و همچنین کلیه زمینهای ملی شده و مواتی که طبق قوانین مصوب و آرای کمیسیونهای مربوط ، متعلق به وزارت مسکن و شهرسازی است ـاعم از اینکه به نام دولت ثبت شده یا نشده باشد ـ نمایندگی دولت در مورد زمینهای مزبور با سازمان زمین شهری یا دستگاهی است که وزارت مسکن و شهرسازی به آن تفویض اختیار می‌کند. ماده ۳۴ ـ منظور از زمینهای متعلق به شهرداری ـ یاد شده در ماده (۱۳) قانون ـ کلیه زمینهایی است که طبق قوانین و مقررات به شهرداری ها تعلق دارد. اعم از آنکه به نام شهرداری دارای سند باشد یا نباشد. ماده ۳۵ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مجاز است نسبت به واگذاری زمینهای نزدیک کارخانه‌ها و کارگاههای تولیدی به کارکنان آنها در صورتیکه کارخانه یا کارگاه با هزینه خود ، واحدهای مسکونی و تاسیسات عمومی مربوط را احداث و فقط به کارکنانی که علاوه بر دارا بودن شرایط دریافت زمین به‌صورت انفرادی حداقل دو سال در آن واحد اشتغال به کار داشته‌اند ، به قیمت تمام شده مورد تایید آن وزارت اقدام نماید. در این صورت پس از اتمام واحدهای مسکونی امر انتقال ، زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی انجام می‌گیرد. در مورد کارخانه هایی که تازه تاسیس شده‌اند ، شرط دو سال اشتغال درآن واحد ، ضروری نمی‌باشد. ماده ۳۶ ـ شرایط واگذاری زمین جهت احداث خانه های سازمانی به موسسات و کارگاه ها و کارخانه هایی که دارای شخصیت حقوقی باشند ، به شرح زیرمی‌باشد الف ـ ضرورت احداث واحدهای مسکونی سازمان به تایید وزارت مسکن و شهرسازی برسد. ب ـ متقاضی ، دارای مجوز احداث کارخانه یا کارگاه و پروانه اشتغال از مراجع مربوط باشد. ج ـ تعداد شاغلانی که برای آنها خانه های سازمانی احداث می‌شود ، باید از نظر اینکه از کارکنان کارخانه یا کارگاه متقاضی می‌باشند ، به تایید وزارت کار و امور اجتماعی یا ادارات تابع در شهرستان مورد نظر برسد. د ـ حداقل سن شاغلان بند (۳) باید (۱۸) سال تمام و دارای کارت پایان خدمت یا معافیت از خدمت باشند. ه ـ تعداد شاغلان در طول سال از (۲۰) نفر کمتر نباشد و حق بیمه آنان نیز تا هنگام درخواست ، کلا پرداخت شده باشد. و ـ پروژه ساختمانی از نظر مساحت زیربنای هر واحد و کیفیت و مصالح ساختمانی ، مطابق با ضوابط تعیین شده وزارت مسکن و شهرسازی باشد. ز ـ خانه های سازمانی احداث شده به صورت واحدهای سازمانی تلقی می‌شود و تابع قوانین مربوط می‌باشد.

فصل پنجم ــ مقررات متفرقه (ماده ۳۷ تا ۴۰)

ماده ۳۷ ـ سهم وزارت مسکن و شهرسازی در شرکتهایی که در اجرای قسم اخیر تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون با مشارکت بیش از پنجاه درصد (۵۰٪)بخش غیردولتی ایجاد می‌شود ، به صورت آورده غیرنقدی از محل زمین ها به قیمت عادله روز کارشناسی رسمی تامین می‌شود. اساسنامه این گونه شرکتها نیز مطابق تبصره یاد شده ، به تصویب دولت خواهد رسید. تبصره ـ خدمت

کارکنان دولت در شرکتهای یاد شده با توجه به ماده (۱۱) قانون استخدام کشوری مجاز است ماده ۳۸ ـ قوای انتظامی و نهادهای انتظامی انقلاب اسلامی حسب مورد به تقاضای وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداریها مکلفند در رفع آثار تصرف و تجاوز از زمینهای مشمول قانون ، با وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری ها همکاری ، نظارت و دخالت مستقیم نمایند. ماده ۳۹ ـ با انقضای پنج سال مهلت مندرج در ماده (۹) قانون ، صرفا موادی از این آیین نامه که در ارتباط با کلیه شهرها و شهرک های کشور باشد ، همچنان قابل اجرا بوده و در کلیه شهرها و شهرک های کشور به صورت یکسان ، عمل می‌شود. ماده ۴۰ ـ این تصویبنامه جایگزین تصویب نامه شماره ۵۱۹۹۴ت ۳۱۵ مورخ ۲۹ ۴ ۱۳۶۷ می‌شود.

آیین نامه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن – مصوب ۲۲ ۵ ۱۳۵۸ هیات وزیران

فصل اول – نحوه اعلام به مالکین (ماده۱)

ماده ۱ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است به مالکین اراضی مشمول تبصره ذیل ماده یک قانون مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۵ ۴ ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی از طریق جراید کثیرالانتشار و سایر رسانه های گروهی اعلام نماید که ظرف مهلت های تعیین شده در ماده ۶ این آیین نامه نسبت به عمران و آبادی اراضی خود با رعایت ضوابط این آیین نامه اقدام نماید وگرنه پس از انقضای مهلت مقرر و عدم اقدام نسبت به‌عمران و آبادی زمین بلاعوض به تصرف دولت در خواهد آمد.

فصل دوم – مقررات تشخیص اراضی موات و عمران و آبادی (ماده ۲ تا ۴

ماده ۲ ـ زمین موات از نظر این قانون زمینی است که معطل مانده و عمران و آبادی در آن به عمل نیامده باشد، عمران و آبادی قابل قبول به شرح زیراست ۲ـ۱ـ زمین قبلا به صورت خانه بوده و در سند مالکیت قید شده باشد. ۲ـ۲ـ هرگاه در زمین قبلا ساختمانی بوده و بعدا خراب شده و فعلا بقایای آن مشهود باشد و در این صورت معادل ۴ برابر مساحت زیر بنای ساختمان مخروبه ، احیا شده محسوب می‌گردد. ۲ـ۳ـ اراضی زیر کشت محصولات زراعی و باغهای گل که لااقل سه چهارم مساحت زمین آن زیر کشت باشد. ۲ـ۴ـ باغ مشجر اعم از مثمر و غیرمثمر که در هر صد متر مربع ۶ اصله درخت سه ساله کاشته شده باشد مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن خیابان بندی و تاسیسات مورد نیاز باغ لااقل سه چهارم از مساحت زمین مشجر باشد. ۲ـ۵ـ نوع استفاده از اراضی و باغات مذکور در بندهای ۲ـ ۳ و ۲ـ ۴ تغییرناپذیر است ولی صاحبان این اراضی و باغات می‌توانند با رعایت مقررات‌شهرداری محل برای سکونت شخصی و یا رفع نیازمندیهای زراعی و باغداری یکدستگاه ساختمان که مساحت زیربنای آن از ۲۵۰ متر مربع تجاوز ننماید احداث نمایند. ۲ـ۶ـ در صورتی که در زمین ساختمان احداث شده باشد، لااقل یک طبقه آن کامل مسقف و قابل بهره برداری بود و مجموع مساحت زیر بنای آن از یک چهارم مساحت کل زمین کمتر نباشد. ۲ ـ۷ ـ در مورد پارکینگ‌ها ـ اتوشوییها ـ تعمیرگاه ها و تاسیسات مشابه عمران آن تابع ضوابط طرح جامع بوده و در شهرهایی که ضوابطی موجودنباشد شهرداری ها ضوابط آن را تعیین خواهند نمود و چنانچه تاسیساتی که در گذشته بوجود آمده است دارای پروانه کسب بوده و یا دایر باشند احیا شده محسوب می‌شود. ۲ ـ۸ ـ هرگاه اعیانی استخر شنا یا ورزشگاه باشد در این صورت مساحتی معادل حداکثر ۸ برابر سطح زیربنا احیا شده محسوب می‌شود. ۲ـ۹ـ اراضی مشمول بندهای ۲ـ۷ و ۲ـ۸ غیرقابل تفکیک بوده و نوع استفاده از آنها تغییرناپذیر است ولی مالکین آن می‌توانند طبق ضوابط شهرداری ها نسبت به تکمیل و مرمت آنها اقدام نمایند. ماده ۳ ـ کسانی که اراضی آنها مشمول تبصره

ذیل قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۲۸ ۴ ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی می‌باشند و در پروانه ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد مکلفند ظرف ۳ ماه از تاریخ انتشار این آیین نامه به دستگاه های ذیربط مراجعه و تاریخ متناسبی را که برای عمران اراضی آنها وسیله دستگاههای مذکور معین می‌شود رعایت نمایند. ماده ۴ ـ کسانی که تا قبل از تاریخ قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن برای عمران زمین خود پروانه دریافت نموده و کار را نیز شروع نموده باشند مکلفند نسبت به عمران زمین خود طبق ضوابط این آیین نامه درمدت قید شده در پروانه ساختمان اقدام نمایند و چنانچه‌در پروانه ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد باید به شهرداری ها مراجعه و تاریخ متناسبی را که برای عمران اراضی آنها معین می‌شود رعایت نمایند.

فصل سوم اراضی مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن

ماده ۵ ـ مساحت یک قطعه زمین کوچک در تبصره فوق الذکر برای شهرهایی که مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از دویست هزار نفر جمعیت دارند ۱۰۰۰ متر مربع و برای شهرهایی که کمتر از دویست هزار نفر جمعیت دارند ۱۵۰۰ متر مربع خواهد بود. تبصره ۱ ـ هرگاه قطعه کوچک بیش از مساحت پیش بینی شده در ماده ۵ بوده و مازاد به صورت یک قطعه مستقل قابل تفکیک استفاده نباشد در این صورت مساحت اضافی جزو قطعه محسوب است تبصره ۲ ـ مراد از مالکیت خانه مسکونی مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مالکیت ۶ دانگ اعیانی واحد مسکونی می‌باشد. ماده ۶ ـ مهلت مقرر برای عمران زمینهای کوچک موضوع تبصره ۱ قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن به شرح زیر تعیین می گردد ۶ـ۱ـ در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ کمتر از ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۶ سال‌می‌باشد. ۶ـ۲ـ در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۵۰ هزار نفر و کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۵ سال می‌باشد. ۶ـ۳ـ در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۴ سال می‌باشد. ماده ۷ ـ کسانیکه در تاریخ تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۵ ۴ ۵۸ شورای انقلاب اسلامی صاحب یک واحد مسکونی غیر آپارتمانی که مساحت عرصه آن از ۱۵۰ متر مربع تجاوز ننماید و یا یک واحد آپارتمانی با مساحت اختصاصی حداکثر ۱۰۰ مترمربع باشد (در شهرهای موضوع شق اول ماده ۵ این آیین نامه) و در سایر شهرها موضوع شق دوم ماده ۵ آیین نامه مذکور مساحت واحد مسکونی غیرآپارتمانی از دویست متر تجاوز نماید و یا واحد مسکونی او در رهن بانک یا موسسه وام دهنده رسمی (بخش دولتی یا خصوصی در مقابل وام مسکن باشد، می‌تواند از مزایای تبصره یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری استفاده نماید. ماده ۸ ـ اشخاص مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن در صورتیکه مشاعا مالک زمینی باشند هر یک از آنها می‌توانند در سهم خود از مزایای قانونی مندرج در این فصل استفاده کنند.

فصل چهارم – تعیین تکلیف اراضی موات (ماده ۹ تا ۱۵

ماده ۹ ـ مالکین اراضی موضوع ماده ۲ این آیین نامه که زمین خود را مشمول یک یا چند بند ماده مزبور می‌دانند مکلفند ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه به محلهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌کنند مراجعه نمایند و با تسلیم فتوکپی سند مالکیت زمین و کروکی مربوط تقاضای صدور گواهی مبنی بر موات نبودن زمین خود دریافت دارند. ماده ۱۰ ـ

افرادی که بر اساس این قانون خود را مشمول تبصره ذیل ماده یک قانون می‌دانند باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه درخواست خود را منضم به فتوکپی سند مالکیت زمین با کروکی مربوط به محلهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین نموده مراجعه و گواهی لازم دریافت نمایند. تفکیک این گونه اراضی ممنوع است در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر و عدم صدور گواهی ، زمین به تصرف دولت در میاید. تبصره ۱ ـ در صورتی که مالکیت اشخاص از طریق انحصار وراثت یا آرا دادگاهها و یا بنچاق نامه های رسمی احراز شده باشد لکن هنوز منجر به صدور سند مالکیت رسمی نشده باشد در صورتی که اشخاص مذکور واجد شرایط تشخیص داده شوند می‌توانند از مهلت عمران استفاده نمایند. تبصره ۲ ـ چنانچه صحت معامله و مالکیت اشخاصی که زمینی را به صورت قسطی خریداری نموده‌اند وهنوز فاقد سند مالکیت رسمی می‌باشند ویا بر طبق عرف محل با سند عادی معامله کرده‌اند و یا سایر موارد مشابه در کمیسیونی متشکل از نماینده دادگاه شهرستان نماینده اداره ثبت محل ونماینده وزارت مسکن و شهرسازی احراز گردد ، در صورت دارا بودن سایر شرایط می‌توان برای آنها گواهی عمران صادر نمود. از تاریخ صدور گواهی عمران باقیمانده اقساط با توجه به روشهای قیمت گذاری سازمانهای عمران اراضی شهری و به تشخیص کمیسیون مذکور به سازمانهای عمران اراضی شهری پرداخت خواهد شد. تبصره ۳ ـ شرایط احراز مالکیت مندرج در دو تبصره فوق برای احراز مالکیت اشخاص مندرج در ماده ۹ آیین نامه مربوط به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن نیز قابل تسری است اشخاصی که خود را مشمول یکی از تبصره های فوق می‌دانند از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه به مدت ۱۵ روز فرصت مراجعه به سازمان عمران اراضی شهری را دارند. ماده ۱۱ ـ اراضی موات متعلق به وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و موسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام آنهاست نیز در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهدگرفت تبصره ـ موقوفات عام که اسناد مالکیت وقفنامه های آنها حاکی از عمران و آبادی در آن باشد احیا شده محسوب می گردد، ولی در هر حال مشمول‌بند ۲ ـ۵ این آیین نامه خواهد بود و اگر ضروری باشد از اینگونه اراضی استفاده ای غیر از آنچه در وقفنامه ذکر شده است بشود موافقت هییت وزیران الزامی است ماده ۱۲ ـ مراد از محدوده قانونی (۲۵ ساله مذکور در ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن محدوده ای است که بر طبق ضوابطی که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می‌شود تعیین شده باشد. ماده ۱۳ ـ شهرداری ها در موقع صدور پروانه ساختمان برای کسانی که طبق تبصره ذیل ماده یک قانون می‌خواهند اقدام به عمران نمایند موظف‌می‌باشند تعهد لازم را از متقاضی اخذ نمایند تا چنانچه بعدا ثابت شود که واجد شرایط مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون نبوده تصرف او بر روی زمین تصرف غیرقانونی و تعرض به اموال عمومی تلقی می‌شود و طبق مقررات مربوطه با او رفتار خواهد شد. ماده ۱۴ ـ هرگاه شهرداریها به علت ضوابط و مقررات طرح جامع و تفصیلی و یا به علل دیگر نتوانند برای متقاضیان پروانه صادر نمایند، وزارت مسکن و شهرسازی باید به درخواست شهرداریها یک قطعه زمین در حد نصاب تفکیک مجاز شهرداریها از زمین هایی که به تصرف دولت در آمده به مالکین واجد شرایط به طور رایگان ضمن انتقال سند مالکیت زمینی که در طرح قرار می گیرد به نام وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نماید. ماده ۱۵ ـ در مورد زمینهایی که طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و قانون اصلاحی آن به تصرف دولت در آمده است اعلام وزارت مسکن و شهرسازی برای ابطال اسناد مالکیت و تفکیک آنها و صدور پروانه ساختمانی کافی است و سازمان ثبت اسناد و املاک و شهرداریها مکلف به انجام درخواست وزارت مسکن و شهرسازی خواهند بود.

فصل پنجم – نحوه واگذاری اراضی (ماده ۱۶ تا ۲۳)

ماده ۱۶ ـ زمین هایی که در داخل محدوده‌های خدماتی شهری به تصرف دولت در میاید باید مجانا برای نیازمندی های عمومی

شهر اختصاص یابد و درصورتی که زمین با تشخیص شهرداری محل و تصویب مقامات ذیصلاح شهر مازاد بر نیازمندیهای عمومی شهر باشد وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به واگذاری این گونه زمینها به متقاضیان اقدام خواهد نمود. ماده ۱۷ ـ اراضی خارج از محدوده خدماتی شهرها که در داخل محدوده قانونی است باید از طرف وزارت مسکن و شهرسازی آماده و بر اساس طرحهای تفصیلی تفکیک شده و زمینهایی که برای نیازمندیهای عمومی شهر اختصاص یافته مجانا در اختیار موسسات ذیصلاح دولتی قرار گیرد وزمینهایی که به بخش خدماتی خصوصی واگذار می‌شود باید با نظر شهرداری و تصویب مقامات ذیصلاح شهر برای عمران فروخته شود. ماده ۱۸ ـ زمینهایی که برای واحدهای مسکونی تک واحدی آماده سازی و تفکیک شده با رعایت اولویت های زیر در صورتی که تعداد متقاضی واجد شرایط بیش از قطعات مورد معامله باشد از طریق قرعه کشی به متقاضیان فروخته خواهد شد. ۱۸ـ۱ ـ متقاضی و افراد تحت تکفل او فاقد واحد مسکونی باشند. ۱۸ـ۲ ـ تاریخ سکونت و اشتغال در محل مورد تقاضا نباید بعد از فروردین سال ۱۳۵۳ باشد و کسانیکه مدت بیشتری در محل مورد تقاضا سکونت داشته باشند اولویت خواهند داشت تبصره ـ کارمندان دولت نظیر قضات ، پرسنل نیروهای مسلح ، مامورین شهربانی ، ژاندارمری و وزارت کشور که نوع شغل و خدمت آنها ایجاب می کندکه هر چند مدتی در یکی از شهرستانهای کشور انجام وظیفه نمایند از شمول بند ۲ ماده ۱۸ آیین نامه خارج می‌باشند و اینگونه کارمندان دولت برای یکبار با جلب نظر سازمان متبوع می‌توانند در هر یک از شهرستانهای ایران که در نظر دارند به طور دایم ساکن آن شهرستان شوند، سازمان عمران اراضی شهری محل مورد تقاضا مکلف به قبول تقاضای آنان می‌باشد، مشروط بر آنکه این تقاضا برای شهرستان تهران و حومه آن نباشد. ۱۸ـ ۳ ـ متقاضی باید امکانات مالی لازم برای ساختمان را تامین کرده باشد. ماده ۱۹ ـ وزارت مسکن و شهرسازی قیمت زمینهای آماده شده را بر اساس هزینه متوسط تاسیسات زیربنایی و درصدی بابت سایر هزینه های بالا سری آنها و با رعایت نحوه استفاده از زمین تعیین و به متقاضیان واجد شرایط واگذارخواهد کرد. جزییات ضوابط و شرایط واگذاری اراضی درهر منطقه را وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری شهرداری محل تعیین و به اطلاع عموم‌خواهد رسانید. ماده ۲۰ ـ در زمینهایی که ساختمان بیش از یک واحد مجاز می‌باشد (آپارتمان سازی متقاضیان احداث آپارتمان می‌توانند به صورت گروهی با وکالت رسمی یک نفر با رعایت طرح جامع و تفصیلی شهر و مفاد ماده ۱۸ این آیین نامه نسبت به احداث ساختمان اقدام نمایند. ماده ۲۱ ـ شرکتهای رسمی تامین مسکن که شرایط و صلاحیت آنها طبق ضوابطی باشد که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تعیین شده است می‌توانند درخواست زمین نموده و اقدام به احداث آپارتمان و یا خانه تک واحدی نموده و طبق قیمتی که بیش از قیمتی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می کند نباشد نسبت به فروش آنها اقدام نمایند. تبصره ـ شرکتهای تعاونی مسکن و کارخانجات و کارگاههای تولیدی که تعهد نمایند در زمین مورد واگذاری برای اعضا و کارکنان خود طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی خانه سازی نموده و به آنها واگذار نمایند مشمول مفاد ماده ۲۱ خواهند بود. ماده ۲۲ ـ واگذاری قطعی زمین موقعی انجام خواهد گرفت که گواهی پایان عملیات ساختمانی از طریق مراجع ذیصلاح صادر شده باشد. ماده ۲۳ ـ تاریخ اجرای این آیین نامه توسط وزارت مسکن و شهرسازی در هر شهر تعیین و اعلام خواهد شد.

آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن – مصوب سال ۸ ۷ ۱۳۶۶

ماده ۱ ـ تعریف اراضی موات از نظر اجرای این قانون اراضی موات زمین‌هایی است که سابقه احیا و بهره برداری ندارد و به صورت طبیعی مانده و افراد به صورت رسمی یا غیررسمی برای آن ها، سند تهیه کرده‌اند. ماده ۲ ـ تشخیص اراضی موات خارج از محدوده استحفاظی شهرها به عهده هیات هفت نفره واگذاری و احیا اراضی است که در این آیین نامه به‌راختصار با عنوان هیات به کار برده می‌شود. هیات با حضور حداقل چهار نفر تشکیل و نظریه خود را طی صورتجلسه ای اعلام خواهند نمود و رای اکثریت با حداقل سه نفر ملاک خواهد بود که یکی از آنها باید حاکم شرع باشد. تبصره ـ هیات ضمن بازدید از محل می‌تواند حسب مورد ، نظر

کارشناس ذیربط و خبره محلی را در تشخیص نوع زمین اخذ نماید. ماده ۳ ـ هیات‌ها مکلفند پس از اعلام نظر در خصوص موات بودن اراضی ، مراتب را با ذکر مشخصات کامل و محل وقوع و موقعیت دقیق آن ، به همراه یک نسخه کروکی ، به ادارات ثبت اسناد و املاک محل اعلام و جریان ثبتی آن را استعلام و ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند ظرف مدت حداکثر یک ماه ، سابقه ثبتی اراضی مورد استعلام را اعم از شماره پلاک و وضعیت مالکیت و اسامی مالک یا مالکین و سایر مشخصات مربوطه تعیین و به هیات اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتی که زمین ، موات اعلام گردد و دارای سابقه ثبتی و مالک باشد ، هیات ها بایستی بلافاصله مراتب را در صورت مشخص بودن آدرس مالکین به آنها، ابلاغ والا به فاصله ۱۵ روز در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه های محلی (در صورت وجود و یا سایر وسایل ممکن و معمول جهت اطلاع مالکان ذیربط در دو نوبت آگهی نمایند. رای هیات قابل اعتراض در دادگاه صالحه می‌باشد و مالکان اراضی می‌توانند اعتراض خود را به دادگاه صالحه تسلیم و یا برای هیات های هفت نفره ارسال دارند. چنانچه برای هیات هفت نفره ارسال نمایند، هیات بلافاصله پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه صالحه ارسال خواهد نمود. تبصره ۲ ـ پس از قطعیت رای ، اعم از این که اعتراض به آن نشده و یا پس از اعتراض دادگاه رسیدگی و رای قطعی مبنی بر موات بودن زمین صادر گردد ، به شرح زیر اقدام خواهد شد، الف ـ در صورتی که زمین سابقه ثبتی نداشته و بر اساس رای قطعی ، موات تشخیص داده شده اظهارنامه ثبتی به نام دولت تنظیم و بلافاصله صورتمجلس تعیین حدود بدون انتشار آگهی نوبتی و تحدیدی و با رعایت حدود مجاورین (اگر مجاورین سابقه تحدید حدود داشته باشند) از طرف اداره ثبت با حضور نماینده هیات هفت نفره تنظیم و بلافاصله ملک در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت به نام دولت صادر می‌گردد. ب ـ در صورتی که سابقه ثبت دارد ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده باشد، اعم از این که آگهی های نوبتی آن منتشر شده یا نشده باشد بدون انتشار آگهی تحدیدی نسبت به تنظیم صورتمجلس تحدید حدد لازم و صدور سند مالکیت آن با رعایت بند الف از طرف اداره ثبت محل اقدام لازم ، معمول‌خواهد شد. ج ـ در صورتی که زمین دارای سند مالکیت باشد، با ارسال رای قطعی ، مبنی بر موات بودن آن اعم از این که سند مالکیت قبلی در اختیار هیات هفت نفره باشد که ارایه دهد یا در اختیار هیات نباشد بلافاصله اداره ثبت محل مکلف است سند قبلی را ابطال و سند مالکیت جدید به نام دولت صادر نماید. ماده ۴ ـ در شهرهایی که طرح جامع یا هادی برای آن‌ها تهیه شده و به تصویب مراجع ذیربط رسیده و در طرحهای مذکور محدوده استحفاظی یا نفوذی مشخص گردیده است حریم شهر همان محدوده استحفاظی یا نفوذی است و در مورد شهرهایی که فاقد طرح جامع یا هادی بوده و یا محدوده استحفاظی یا نفوذی در طرحهای مذکور تعیین نشده باشد محدوده استحفاظی شهر توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام می‌گردد. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف سه ماه ضوابط تعیین محدوده استحفاظی اینگونه شهرها را تهیه و ارایه نماید. تبصره ۱ ـ ابتدای محدوده مورد عمل این آیین نامه پس از پایان محدوده مندرج در قانون زمین شهری مصوب ۲۲ ۶ ۶۶ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. تبصره ۲ ـ در مورد شهرهایی که محدوده استحفاظی مشخصی ندارد وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است حسب اعلام وزارت کشاورزی محدوده استحفاظی آنها را حداکثر ظرف سه ماه تعیین و به وزارت مذکور اعلام نماید. تبصره ۳ ـ چنانچه هنگام تعیین محدوده استحفاظی شهرها معلوم گردد که تمام یا قسمتی از اراضی موات داخل آن و یا داخل شهرکها در اختیار هیات های هفت نفره است اراضی مذکور فورا در اختیار سازمان زمین شهری قرار خواهد گرفت و برای این منظور ارسال مصوبه مربوط به حریم شهری و یا پروانه شهرک به ادارات ثبت کافی خواهد بود. تبصره ۴ ـ در اجرای تبصره ۱۰ ماده ۹ قانون زمین شهری مقادیری از اراضی موات موضوع این آیین نامه به صاحبان اراضی شهری که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تملک می‌گردد در اولویت واگذار خواهد شد. ضوابط واگذاری در آیین نامه قانون زمین شهری تعیین و ابلاغ خواهد شد. ماده ۵ ـ کسانی که بدون کسب مجوز از مراجع ذیصلاح ، اراضی موات را از تاریخ تصویب قانون مورد استفاده قرار داده یا دهند و یا به صورت رسمی و غیررسمی اقدام به هرگونه تصرف و معامله و نقل و انتقال مانند بیع ، رهن ،

اجاره و غیره و همچنین ثبت اراضـی موات به نام خود یا دیگران و یا تغییر وضـعیت اراضـی که موات تشـخیص داده شـده بنماینـد، متصـرف در امـوال عمومی محسوب و موضوع پس از شـکایت هیـات ، مطـابق قوانین موضوعه و ضـمن عنـایت به مـاده ۱۳۴ قانون تعزیرات با متخلفین رفتار خواهـد شد. ماده ۶ ـ از تاریخ تصویب قانون مرجع تشـخیص اراضـی موات و ابطال اسناد آن ، دفاتر اسناد رسـمی سراسـر کشور، موظفند در خصوص نقل و انتقالات اراضـی موضوع این قانون از هیات های واگذاری و احیا اراضی استعلام نماینـد. هیات ها موظفند حداکثر ظرف ۳ ماه در هر مورد اعلام نظر نماینـد. ماده ۷ ـ اراضـی موات مشمول قانون در صورتی که به نحوی از انحا در رهن یا وثیقه و یا تامین یا بازداشت اشـخاص ثالث یا دستگاه های دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی ایران یا بانک ها قرار گرفته یا از طرف مالکان آن‌ها به دیگری فروخته شده باشد، به تبع ابطال اسـناد مالکیت آن ها آزاد تلقی و مطالبات ناشی از موارد فوق منتفی بوده و مطالبـات طلبکاران از سایر اموال بـدهکار قابل استیفا می‌باشـد. ماده ۸ ـ در صورت طرح دعوا در دادگـاه ، سوابق و مسـتندات مربوط به تشـخیص موات بودن اراضی مورد استفاده دادگاه قرار گرفته و هیات ها موظفند دراین مورد همکاری لازم را با دادگاه به عمل آورنـد. ماده ۹ ـ تشـخیص داخل حریم روسـتا بودن اراضـی موات از نظر اجرای این قانون به عهـده هیات می‌باشـد. تبصـره ـ مقررات و ضوابط و نحوه تشـخیص حریم روسـتاها ظرف مـدت ۲ مـاه توسط هیات مرکزی واگـذاری زمین طی دستورالعملی مشخص و ابلاغ ، خواهد گردید. ماده ۱۰ ـ اراضـی مواتی که اسناد آن در اجرای این قانون ابطال می گردد، در اختیار دولت جمهوری اسـلامی قرار می گیرد تا مطابق قانون واگذاری و احیا اراضـی مصوب ۲۶ ۱ ۵۹ شورای انقلاب اسلامی و آیین نامه های آن به متقاضـیان واجد شـرایط مربوطه ، واگذار گردد تا برای انجام فعالیت های مصـرح دراین قانون ، مورد استفاده قرار گیرد. تبصـره ـ زمین‌های موات موضوع این آیین نامه که در داخل حریم روسـتاها می‌باشد، جهت کارهای عام المنفعه ، احداث واحدهای مسـکونی روستا ، تعلیف احشـام و سـایر خـدمات عمومی روسـتاها که مورد لزوم باشـد، بر حسب مورد و به مقـدار نیاز و بر اساس مقررات و ضوابط قانون واگـذاری و احیا اراضـی مصوب شورای انقلاب ، واگـذار خواهد گردید. ماده ۱۱ ـ کلیه نیروهای انتظامی اعم از ژاندارمری ، شهربانی ، کمیته‌های انقلاب اسلامی ، مکلفند ، همکاری های لازم را در اجرای این قانون با مأمورین اجرایی به عمل آورند. ماده ۱۲ ـ در صورتی که در اجرای قانون افرادی قصـد اخلال یا موجبات توقف آن را فراهم آورند، وزارت کشاورزی یا هیات های واگذاری و احیا اراضـی ، می‌توانند در صورت ضـرورت نسبت به معرفی افراد مذکور به دادگاه صالحه ، اقدام نمایند. ماده ۱۳ ـ ادارات کل کشاورزی و ثبت اسـناد و املاک ، مسـکن و شـهرسازی ، زمین شـهری ، شـهرداری ها و سایر مراجع ذیربط ، موظفنـد در اجرای قانون همکاری های لازم را با هیات های ۷ نفره واگذاری و احیا اراضـی به عمل آورند و به استعلامات آنان در اسرع وقت ، پاسخ دهند. ماده ۱۴ ـ چنانچه مأمورین ، در اجرای قانون مرتکب جرم یا تخلفی شوند ، مطابق قوانین مربوطه ، مجازات خواهنـد گردید. ماده ۱۵ ـ هزینه های قانونی مربوط به ابطال اسـناد اراضـی به عهـده هیات های واگـذاری و احیا اراضـی می‌باشد و اعتبـارات لازم برای اجرای قـانون ، دربـودجه سالانـه مربوطه ، منظور خواهـد گردیـد. مـاده ۱۶ ـ واگـذاری اراضـی موضوع قـانون تشـخیص اراضـی موات و ابطال اسـناد آن برای مصارف غیرکشاورزی ، بر اساس آیین نامه نحوه استفاده از اراضـی و احـداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۲۷ ۲ ۱۳۵۵ صورت خواهد گرفت

آیین نامه اجرایی قانون تملک آپارتمانها – با اصلاحات بعدی

بخش اول – قسمتهای مختلف ساختمان

فصل اول – قسمتهای اختصاصی (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱ ـ قسمتهایی از بنا ، اختصاصی تلقی می‌شود که عرفا برای استفاده انحصاری شریک ملک معین یا قائم مقام او تخصیص یافته باشد. ماده ۲ ـ علاوه بر ثبت اراضی زیربنا و محوطه باغ ها و پارک های متعلقه برای مالکیت قسمتهای اختصاصی نیز باید بطور مجزا سند مالکیت صادر شود ، مشخصات کامل قسمت اختصاصی از لحاظ حدود طبقه ، شماره ، مساحت قسمتهای وابسته ، ارزش و غیره باید در سند قید گردد.

فصل دوم – قسمتهای مشترک (ماده ۳ تا ۴)

ماده ۳ ـ قسمتهایی از ساختمان و اراضی و متعلقات آنها که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد استفاده تمام شرکا می‌باشد قسمتهای مشترک محسوب می گردد و نمی‌توان حق انحصاری بر آنها قایل شد. تبصره ـ گذاردن میز و صندلی و هر نوع اشیای دیگر و همچنین نگاهداری حیوانات در قسمتهای مشترک ممنوع است قسمتهای مشترک در ملکیت مشاع تمام شرکای ملک است ، هر چند که در قسمتهای اختصاصی واقع شده باشد و یا از آن قسمتها عبور نماید. ماده ۴ ـ قسمتهای مشترک مذکور در ماده ۲ قانون تملک آپارتمانها عبارت است از : الف ـ زمین زیربنا خواه متصل به بنا باشد یا بنا بوسیله پایه روی آن قرار گرفته باشد. ب ـ تاسیسات قسمتهای مشترک از قبیل چاه آب و پمپ ، منبع آب ، مرکز حرارت و تهویه ، رختشویخانه ، تابلوهای برق ، کنتورها ، تلفن مرکزی ، انبار عمومی ساختمان ، اتاق سرایدار در هر قسمت بنا که واقع باشد ، دستگاه آسانسور و محل آن ، چاه های فاضلاب ، لوله‌ها از قبیل (لوله های فاضلاب ، آب ،برق ، تلفن ، حرارت مرکزی ، تهویه مطبوع ، گاز ، نفت ، هواکش‌ها ، لوله‌های بخاری گذرگاه های زباله و محل جمع آوری آن و غیره پ ـ اسکلت ساختمان تبصره ـ جدارهای فاصل بین قسمتهای اختصاصی ،مشترک بین آن قسمتها است مشروط بر اینکه جز اسکلت ساختمان نباشد. ت ـ درها و پنجره‌ها ـ راهروها ـ پله‌ها ـ پاگردها ـ که خارج از قسمتهای اختصاصی قرار گرفته‌اند. ث ـ تاسیسات مربوط به راه پله از قبیل وسایل تامین کننده روشنایی ، تلفن و وسایل اخبار و همچنین تاسیسات مربوط به آنها به استثنای تلفن های اختصاصی ، شیرهای آتش نشانی ، آسانسور و محل آن ، محل اختتام پله و ورود به بام و پله‌های ایمنی ج ـ بام و کلیه تاسیساتی که برای استفاده عموم شرکا و یا حفظ بنا در آن احداث گردیده است ح ـ نمای خارجی ساختمان . خ ـ محوطه ساختمان ، باغها و پارکها که جنبه استفاده عمومی دارد و در سند اختصاصی نیز ثبت نشده باشد.

بخش – دوم اداره امور ساختمان

فصل اول – مجمع عمومی (ماده ۵ تا ۱۳)

طرز انتخاب و وظایف و تعهدات مدیر ماده ۵ ـ در صورتی که تعداد مالکین از سه نفر تجاوز کند ، مجمع عمومی مالکین تشکیل می‌شود. ماده ۶ ـ زمان تشکیل مجمع عمومی مالکین اعم از عادی یا فوق العاده ، در مواردی که توافقنامه ای بین مالکین تنظیم نشده است به موجب اکثریت مطلق آرای مالکینی خواهد بود که بیش از نصف مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را مالک باشند و در صورت عدم حصول اکثریت مزبور ، زمان تشکیل مجمع عمومی با تصمیم حداقل سه نفر از مالکین تعیین خواهد شد.(اصلاحی مصوب ۳۰ ۱ ۱۳۷۱ هیات وزیران ماده ۷ ـ در اولین جلسه مجمع عمومی ، ابتدا رییس مجمع عمومی تعیین خواهد شد و سپس در همان جلسه مدیر یا مدیرانی از بین مالکین و یااشخاصی خارج انتخاب می‌شود. مجمع عمومی مالکین باید لااقل هر سال یک بار تشکیل شود. ماده ۸ ـ برای رسمیت مجمع ، حضور مالکین بیش از نصف مساحت تمام قسمتهای اختصاصی یا نماینده آنان ضروری است تبصره ـ در صورت عدم حصول اکثریت مندرج در این ماده جلسه برای پانزده روز بعد تجدید خواهد شد ، هرگاه در

این جلسه هم اکثریت لازم حاصل‌نگردید جلسه برای پانزده روز بعد تجدید و تصمیمات جلسه اخیر با تصویب اکثریت عده حاضر معتبر است ماده ۹ ـ کسی که به عنوان نماینده یکی از شرکا تعیین شده باشد قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی وکالتنامه معتبر خود را به مدیر یا مدیران ارایه نماید. تبصره ـ در صورتی که مالک قسمت اختصاصی ، شخصیت حقوقی باشد نماینده آن طبق قوانین مربوط به شخصیتهای حقوقی معرفی خواهد شد. ماده ۱۰ ـ هرگاه چند نفر ، مالک یک قسمت اختصاصی باشند باید طبق ماده ۷ قانون تملک آپارتمان ها از طرف خود یک نفر را برای شرکت در مجمع عمومی انتخاب و معرفی نمایند. ماده ۱۱ ـ مجمع عمومی شرکا دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد الف ـ تعیین رییس مجمع عمومی ب ـ انتخاب مدیر یا مدیران و رسیدگی اعمال آنها. پ ـ اتخاذ تصمیم نسبت به اداره امور ساختمان ت ـ تصویب گزارش مربوط به درآمد و هزینه های سالانه ث ـ اتخاذ تصمیم در ایجاد اندوخته برای امور مربوط به حفظ و نگاهداری و تعمیر بنا. ج ـ تفویض اختیار به مدیر یا مدیران به منظور انعقاد قراردادهای لازم برای اداره ساختمان ماده ۱۲ ـ کلیه تصمیمات مجمع عمومی شرکا باید در صورتجلسه نوشته و به وسیله مدیر یا مدیران نگهداری شود. تبصره ـ تصمیمات متخذه مجمع باید ظرف ده روز به وسیله مدیر یا مدیران به شرکا غایب اطلاع داده شود.(اصلاحی مصوب ۳۰ ۱ ۱۳۷۱ هیات وزیران ماده ۱۳ ـ تصمیمات مجمع عمومی بر طبق ماده ۶ قانون برای کلیه شرکا الزام آور است

فصل دوم – اختیارت و وظایف مدیر یا مدیران (ماده ۱۴ تا ۲۲

ماده ۱۴ ـ مدیر یا مدیران مسؤول حفظ و اداره ساختمان و اجرای تصمیمات مجمع عمومی می‌باشند. ماده ۱۵ ـ اصلاحی مصوب ۲۸ ۱۰ ۱۳۵۳ ـ تعداد مدیران باید فرد باشد و مدت مأموریت مدیر یا مدیران دو سال است ولی مجمع عمومی می‌تواندان مدت را اضافه کند و انتخاب مجدد مدیر یا مدیران بلامانع خواهد بود. ماده ۱۶ ـ در صورت استعفا ، فوت ، عزل یا حجر مدیر یا مدیران قبل از انقضای مدت ، مجمع عمومی فوق‌العاده ، به منظور انتخاب جانشین تشکیل‌خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورتی که سه نفر یا بیشتر از اعضای هیات مدیره به جهات فوق از هیات مدیره خارج شوند ، مجمع عمومی فوق العاده باید به منظور تجدید انتخاب هیات مدیره تشکیل گردد.(الحاقی مصوب ۲۸ ۱۰ ۱۳۵۳) ماده ۱۷ ـ تصمیمات مدیران با اکثریت آرا معتبر است ماده ۱۸ ـ مجمع عمومی یک نفر از مدیران را به عنوان خزانه‌دار تعیین می‌نماید. خزانه دار دفتر ثبت درآمد و هزینه خواهد داشت که به پیوست قبوض و اسناد مربوطه برای تصویب ترازنامه به مجمع عمومی تسلیم و ارایه خواهد داد. ماده ۱۹ ـ مدیر یا مدیران ، امین شرکا بوده و نمی‌توانند فرد دیگر را بجای خود انتخاب نمایند. ماده ۲۰ ـ مدیر یا مدیران مکلفند تمام بنا را به عنوان یک واحد در مقابل آتش‌سوزی بیمه نمایند. سهم هر شریک از حق بیمه با توجه به ماده ۴ قانون بوسیله مدیر ، تعیین و از شرکا اخذ و به بیمه‌گر پرداخت خواهد شد. ماده ۲۱ ـ مدیر یا مدیران مکلفند میزان هزینه مستمر و مخارج متعلق به هر شریک و نحوه پرداخت آن را قبل یا بعد از پرداخت هزینه بوسیله نامه سفارشی به نشانی قسمت اختصاصی یا نشانی تعیین شده از طرف شریک به او اعلام نمایند. ماده ۲۲ ـ در کلیه ساختمانهای مشمول قانون تملک آپارتمانها که بیش از ده (۱۰) آپارتمان داشته باشد ، مدیر یا مدیران مکلفند برای حفظ و نگاهداری و همچنین تنظیف قسمتهای مشترک و انجام سایر امور مورد نیاز بنا ، دربانی استخدام نمایند.

فصل سوم – هزینه‌های مشترک (ماده ۲۳ تا ۲۵)

ماده ۲۳ ـ(اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) شرکای ساختمان موظفند در پرداخت هزینه های مستمر و هزینه‌هایی که برای حفظ و نگاهداری قسمتهای مشترک بنا مصرف می‌شود ، طبق مقررات زیر مشارکت نمایند در صورتی که مالکین ترتیب دیگری برای پرداخت هزینه‌های مشترک پیش‌بینی نکرده باشند ، سهم هریک از مالکین یا استفاده کنندگان از هزینه‌های مشترک آن قسمت که ارتباط با مساحت زیربنای قسمت اختصاصی دارد از قبیل آب ، گازوییل ، آسفالت پشت بام و غیره به ترتیب مقرر در ماده ۴ قانون

تملک آپارتمانها و سایر مخارج که ارتباطی به میزان مساحت زیربنا نـدارد از قبیل هزینه‌های مربوط به سـرایدار ، نگهبان ، متصـدی آسـانسور ، هزینه نگاهـداری تاسیسات ، باغبـان ، تزیینـات قسـمتهای مشترک و غیره بطور مساوی بین مالکین یا اسـتفاده کننـدگان تقسیم می گردد. تعیین سـهم هر یک ازمالکین یا اسـتفاده‌کنندگان با مدیر یا مدیران می‌باشد. تبصـره ـ(اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) چنانچه به موجب اجاره‌نامه یا قرارداد خصوصـی پرداخت هزینه‌های مشترک به عهده مالک باشد و مالک از پرداخت آن استنکاف نمایـد ،مسـتاجر می‌توانـد از محل مال الاجاره هزینه‌های مزبور را پرداخت کند و در صورتی که پرداخت هزینه های جاری مشترک به عهـده اسـتفاده کننـده باشـد و ازپرداخت اسـتنکاف کنـد ، مـدیر یا مدیران می‌توانند علاوه بر مراجعه به اسـتفاده‌کننده ، به مالک اصلی نیز مراجعه نمایند. ماده ۲۴ ـ هریک از شـرکا که در مورد سـهمیه یا میزان هزینه مربوط به سهم خود معترض باشد می‌تواند به مـدیر مراجعه و تقاضای رسیدگی نسبت به‌موضوع را بنمایـد در صورت عـدم رسـیدگی یا رد اعتراض شـریک می‌توانـد به مراجع صلاحیت دار قضایی مراجعه کنـد.(اصـلاحی مصوب ۳۰ ۱ ۱۳۷۱ هیـات وزیران ماده ۲۵ ـ هزینه‌هـای مشترک عبـارتست از الف ـ هزینه‌هـای لازم برای اسـتفاده ، حفـظ و نگاهـداری عـادی ساختمـان و تاسـیسات و تجهیزات مربـوطه ب ـ هزینه هـای اداری و حق الزحمه مدیر یا مدیران

فصل چهارم – حفظ و نگاهداری تعمیر بنا (ماده ۲۶ تا ۲۷)

ماده ۲۶ ـ در صورتی که بین شـرکا توافق شـده باشـد که هزینه‌های نگاهداری یک قسـمت از بنا یا هزینه نگاهداری و عملیات یک جز از تاسـیسات فقط به عهده بعضـی از شـرکا باشد ، فقط همین شرکا ملزم به انجام آن بوده و در تصمیمات مربوط به این هزینه ها تعیین تکلیف خواهند نمود. ماده ۲۷ ـ مدیر یا مدیران به ترتیبی که مجمع عمومی تصویب می کند به‌منظور تامین هزینه‌های ضروری و فوری ، وجوهی به عنوان تنخواه گردان از شرکا دریافت دارند.

اصلاحیه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن – مصوب ۵ ۶ ۱۳۵۸

مـاده واحـده ـ مهلت مقرر در ماده یک قانون لغو مالکیت اراضـی موات شـهری و کیفیت عمران آن مخصوص زمین هایی است که مشـمول تبصـره ذیل همان ماده است و برای مساحت های زاید بر آن نیازی به دادن مهلت از جانب دولت نیست بلافاصله به تملک دولت درخواهد آمد. تبصره ـ اراضی موات واقع در داخل محدوده شهرک ها مشمول ماده یک این قانون هستند و دارندگان پروانه احداث مجتمع های مسکونی و شـهرکها درصورتی که از تاریخ تصویب این قانون نسبت به احداث تاسیسات زیربنایی اقدام نموده باشـند ولی نتوانند در مهلت مقرر در پروانه ساختمانی خود واحدهای مسکونی مورد نظر را بسازند آن قسـمت از اراضی که ساخته نشده است به تملک دولت درخواهد آمد. در صورت تملک اینگونه اراضی بهای تاسیسات زیربنایی شهرک ها مشروط بر آنکه به تشـخیص دولت قابل بهره برداری و سـکونت باشد با نظر کارشـناس قابل پرداخت خواهد بود. بهای اعیانی و مستحدثات ایجاد شده در سایر زمینهایی که بموجب این قانون به تصرف دولت در می‌آید نیز به ترتیب فوق قابل پرداخت است

قانون اصلاح قانون زمین شهری – مصوب ۲۸ ۴ ۱۳۶۸

مـاده واحـده ـ شـهرهای آبادان ، خرمشـهر ، سوسـنگرد ، بسـتان ، هویزه ، اسـلام آباد ، ایلام ، مهران ، دهلران ، قصرشـیرین ، سـرپل ذهاب ، گیلان غرب ، نفت شهر ، سومار ، بانه ، مریوان ، سردشت ، پیرانشهر ، نقده ، اشنویه ، بوکان ، سقز ، دیوان دره ، کامیاران ، قروه ، مریوان ، ایوان غرب و شوش به جدول شهرهای پیوست ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۲۲ ۶ ۱۳۶۶ اضافه می گردد.

قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری ها – مصوب آبان ماه ۱۳۶۷

(شماره ۱۲۹۱۲۷۵۸۶۷ روزنامه رسمی) ماده واحده ـ کلیه وزارتخانه ها ، موسسات ، سازمان ها ، نهادها ، شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و شهرداریها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام باشد ، مکلف می‌باشند در طرحهای عمومی یا عمرانی که ضرورت اجرای آنها توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی با رعایت ضوابط مربوطه تصویب و اعلان شده باشد و در اراضی و املاک شرعی و قانونی اشخاص اعم از (حقیقی و حقوقی) قرار داشته و در داخل محدوده شهرها و شهرک ها و حریم استحفاظی آنها باشد ، پس از اعلام رسمی وجود طرح ، حداکثر ظرف مدت هجده ماه نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال اسناد رسمی و پرداخت بها یا عوض آن طبق قوانین مربوطه اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتی که اجرای طرح و تملک املاک واقع در آن به موجب برنامه زمان بندی مصوب به حداقل ده سال بعد موکول شده باشد ، مالکین املاک واقع در طرح از کلیه حقوق مالکانه مانند احداث یا تجدید بنا یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجاره و رهن و غیره برخوردارند و در صورتی که‌کمتر از ده سال باشد مالک هنگام اخذ پروانه تعهد می‌نماید هرگاه زمان اجرای طرح قبل از ده سال شروع شود حق مطالبه هزینه احداث و تجدیدبنا راندارد. تبصره ۲ ـ شهرداریها موظفند همزمان با صدور پروانه ساختمان مالکان مشمول قسمت اخیر تبصره ۱ مشخصات دقیق عرصه و اعیان و تاسیسات موجود را معین و در پرونده درج و ضبط نمایند تا ملاک ارزیابی به هنگام اجرای طرح قرار گیرد و در زمانی که به لحاظ تامین اعتبار آمادگی اجرای طرح مزبور باشد ، به هنگام اجرای طرح مصوب ملاک پرداخت خسارت قیمت عرصه و اعیان ملک در زمان اجرای طرح خواهد بود. تبصره ۳ ـ مالکین املاک و اراضی واقع در طرحهای آتی که قبل از تصویب طرح واجد شرایط جهت اخذ پروانه ساختمان بوده و قصد احداث یاتجدید یا افزایش بنا دارند ، جهت اخذ زمین عوض در اولویت قرار خواهند گرفت و در بین این گونه مالکین اشخاصی که ملک آنها در مسیر احداث یا توسعه معابر و میادین قرار دارند ، نسبت به سایرین حق تقدم دارند. تبصره ۴ ـ در مواردی که تهیه زمین عوض در داخل محدوده های مجاز برای قطعه بندی و تفکیک و ساختمان‌سازی میسر نباشد و احتیاج به توسعه محدوده مزبور طبق طرحهای مصوب توسعه شهری مورد تایید مراجع قانونی قرار بگیرد ، مراجع مزبور می‌توانند در مقابل موافقت با تقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه و عمران شهر ، علاوه بر انجام تعهدات مربوط به عمران و آماده سازی زمین و واگذاری سطوح لازم برای تاسیسات و تجهیزات و خدمات عمومی ، حداکثر تا بیست درصد از اراضی آنها را برای تامین عوض اراضی واقع در طرحهای موضوع این‌قانون و همچنین اراضی عوض طرحهای نوسازی و بهسازی شهری ، به طور رایگان دریافت نمایند.

قانون تملک آپارتمانها – مصوب ۱۶ ۱۲ ۱۳۴۳ با اصلاحات و الحاقات

ماده ۱ ـ مالکیت در آپارتمان های مختلف و محلهای پیشه و سکنای یک ساختمان شامل دو قسمت است مالکیت قسمتهای اختصاصی و مالکیت قسمتهای مشترک ماده ۲ ـ قسمتهای مشترک مذکور در این قانون عبارت از قسمتهایی از ساختمان است که حق استفاده از آن منحصر به یک یا چند آپارتمان یا محل پیشه مخصوص نبوده و به کلیه مالکین به نسبت قسمت اختصاصی آنها تعلق می‌گیرد بطور کلی قسمتهای که برای استفاده اختصاصی تشخیص داده نشده است یا در اسناد مالکیت ملک اختصاصی یک یا چند نفر از مالکین تلقی نشده از قسمتهای مشترک محسوب می‌شود مگر آنکه تعلق آن به قسمت معینی بر طبق عرف و عادت محل مورد تردید نباشد. ماده ۳ ـ حقوق هر مالک در قسمت اختصاصی و حصه او در قسمت‌های مشترک غیر قابل تفکیک بوده و در صورت انتقال قسمت اختصاصی به هرصورتی که باشد انتقال قسمت مشترک قهری خواهد بود. ماده ۴ ـ حقوق و تعهدات و همچنین سهم هر یک از مالکان قسمت‌های اختصاصی از مخارج قسمت‌های مشترک متناسب است با نسبت مساحت قسمت

اختصاصی به مجموع مساحت قسمت های اختصاصی تمام ساختمان به جز هزینه هایی که به دلیل عدم ارتباط با مساحت زیربنا به نحو مساوی تقسیم خواهد شد و یا اینکه مالکان ترتیب دیگری را برای تقسیم حقوق تعهدات و مخارج پیش بینی کرده باشند. پرداخت هزینه های مشترک اعم از اینکه ملک مورد استفاده قرار گیرد یا نگیرد الزامی است (الحاقی به موجب ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۷۶) تبصره ۱ ـ مدیران مجموعه با رعایت مفاد این قانون ، میزان سهم هریک از مالکان یا استفاده‌کنندگان را تعیین می‌کند. تبصره ۲ ـ در صورت موافقت مالکانی که دارای اکثریت مساحت زیربنای اختصاصی ساختمان می‌باشند هزینه های مشترک براساس نرخ معینی که به تصویب مجمع عمومی ساختمان می‌رسد ، حسب زیربنای اختصاصی هر واحد ، محاسبه می‌شود. تبصره ۳ ـ چنانچه چگونگی استقرار حیاط ساختمان یا بالکن یا تراس مجموعه به گونه‌ای باشد که تنها از یک یا چند واحد مسکونی ، امکان دسترسی‌به آن باشد ، هزینه حفظ و نگهداری آن قسمت به عهده استفاده کننده یا استفاده‌کنندگان است ماده ۵ ـ انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی ممنوعند. ماده ۶ ـ چنانچه قراردادی بین مالکین یک ساختمان وجود نداشته باشد کلیه تصمیمات مربوط به اداره امور مربوط به قسمت‌های مشترک به اکثریت آرا مالکینی است که بیش از نصف مساحت تمام قسمت های اختصاصی را مالک باشند. تبصره ـ نشانی مالکین برای ارسال کلیه دعوتنامه ها و اعلام تصمیمات مذکور در این قانون همان محل اختصاصی آنها در ساختمان است مگر اینکه مالک نشانی دیگری را در همان شهر برای این امر تعیین کرده باشد. ماده ۷ ـ هرگاه یک آپارتمان یا یک محل کسب دارای مالکین متعدد باشد مالکین یا قایم مقام قانونی آنها مکلفند یک نفر نماینده از طرف خود برای اجرای مقررات این قانون و پرداخت حصه مخارج مشترک تعیین و معرفی نمایند در صورتی که اشخاص مزبور به تکلیف فوق عمل نکنند رای اکثریت بقیه مالکین نسبت به تمام معتبر خواهد بود مگر اینکه عده حاضر کمتر از ثلث مالکین باشد که در این صورت برای یکدفعه تجدید دعوت خواهد شد. ماده ۸ ـ در هر ساختمان مشمول مقررات این قانون در صورتی که عده مالکین بیش از سه نفر باشد مجمع عمومی مالکین مکلفند مدیر یا مدیرانی ازبین خود یا از خارج انتخاب ننمایند طرز انتخاب مدیر از طرف مالکین و وظایف و تعهدات مدیر و امور مربوط به مدت مدیریت و سایر موضوعات مربوطه در آیین‌نامه این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۹ ـ هر یک از مالکین می‌تواند با رعایت مقررات این قانون و سایر مقررات ساختمانی عملیاتی را که برای استفاده بهتری از قسمت اختصاصی خود مفید می‌داند انجام دهد هیچیک از مالکین حق ندارند بدون موافقت اکثریت سایر مالکین تغییراتی در محل یا شکل در یا سردر یا نمای خارجی درقسمت اختصاصی خود که در مریی و منظر باشد بدهند. ماده ۱۰ ـ هر کس آپارتمانی را خریداری می‌نماید به نسبت مساحت قسمت اختصاصی خریداری خود در زمینی که ساختمان روی آن بنا شده یا اختصاص به ساختمان دارد مشاعا سهیم می‌گردد مگر آنکه مالکیت زمین مزبور به علت وقف یا خالصه بودن یا علل دیگر متعلق به غیر باشد که در این صورت باید اجور آن را به همان نسبت بپردازد مخارج مربوط به محافظت ملک و جلوگیری از انهدام و اداره و استفاده از اموال و قسمتهای مشترک و به‌طور کلی مخارجی که جنبه مشترک دارد ، و یا به علت طبع ساختمان یا تاسیسات آن اقتضا دارد یکجا انجام شود نیز باید به تناسب حصه هر مالک به ترتیبی که در آیین نامه ذکر خواهد شد پرداخت شود هر چند آن مالک از استفاده از آنچه که مخارج برای آنست صرفنظر نماید. ماده ۱۰ مکرر(الحاقی ۲۱ ۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) ـ در صورت امتناع مالک یا استفاده‌کننده از پرداخت‌سهم خوداز هزینه‌های مشترک از طرف مدیر یا هیات مدیران وسیله اظهارنامه با ذکر مبلغ بدهی و صورت ریز آن مطالبه می‌شود. هر مالک یا استفاده‌کننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه سهم بدهی خود را نپردازد مدیر یا هیات مدیران می‌توانند به تشخیص خود و با توجه به‌امکانات از دادن خدمات مشترک از قبیل شوفاژ ، تهویه مطبوع ، آب گرم ، برق ، گاز و غیره به او خودداری کنند و در صورتی که مالک و یا استفاده کننده همزمان اقدام به تصفیه حساب ننماید اداره ثبت

محل وقوع آپارتمان به تقاضای مدیر یا هیات مدیران برای وصول وجه مزبور بر طبق اظهارنامه ابلاغ شده اجراییه صادر خواهد کرد. عملیات اجرایی وفق مقررات اجرای اسناد رسمی صورت خواهد گرفت و در هر حال مدیر یا هیات مدیران موظف می‌باشند که به محض وصول وجوه مورد مطالبه یا ارایه دستور موقت دادگاه نسبت به برقراری مجدد خدمات مشترک فورا اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ(الحاقی ۲۱ ۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) در صورتی که عدم ارایه خدمات مشترک ممکن یا موثر نباشد ، مدیر یا مدیران مجموعه می‌توانند به مراجع قضایی شکایت کنند.دادگاهها موظف اند این گونه شکایات را خارج از نوبت رسیدگی و واحد بدهکار را از دریافت خدمات دولتی که به مجموع ارایه می‌شود محروم کنند و تا دو برابر مبلغ بدهی به نفع مجموعه جریمه نمایند. استفاده مجدد از خدمات ، موکول به پرداخت هزینه‌های معوق واحد مربوط بنا به گواهی مدیر یا مدیران و یا به حکم دادگاه و نیز هزینه مربوط به‌استفاده مجدد خواهد بود.(الحاقی به موجب ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۷۶) تبصره ۲ ـ (الحاقی ۲۱ ۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) رونوشت مدارک مثبت سمت مدیر یا هیات مدیران و صورت ریز سهم مالک یا استفاده کننده از هزینه های مشترک و رونوشت اظهارنامه ابلاغ شده به مالک یا استفاده کننده باید ضمیمه تقاضانامه صدور اجراییه گردد. تبصره ۳ ـ (الحاقی ۲۱ ۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) نظر مدیر یا هیات مدیران ظرف ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه به مالک در دادگاه نخستین محل وقوع آپارتمان قابل اعتراض است دادگاه خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین‌دادرسی مدنی به موضوع رسیدگی و رای می‌دهد این رای قطعی است در مواردی که طبق ماده فوق تصمیم به قطع خدمات مشترک اتخاذ شده ، رسیدگی سریع به اعتراض ممکن نباشد ، دادگاه به محض وصول اعتراض اگر دلایل را قوی تشخیص دهد دستور متوقف گذاردن تصمیم قطع خدمات مشترک را تا صدور رای خواهد داد. تبصره ۴ ـ (الحاقی ۱۷ ۳ ۱۳۵۹) در صورتی که مالک یا استفاده کننده مجددا و مکررا در دادگاه محکوم به پرداخت هزینه های مشترک گرددعلاوه برسایر پرداختی ها مکلف به پرداخت مبلغی معادل مبلغ محکوم بها به عنوان جریمه می‌باشد.(اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۹) ماده ۱۱ ـ دولت مکلف است ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون آیین نامه های اجرایی آن را تهیه و بعد از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا بگذارد. دولت مأمور اجرای این قانون است ماده ۱۲ ـ(الحاقی به موجب ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک و آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۷۶) دفاتر اسناد رسمی موظف می‌باشند در هنگام تنظیم هر نوع سند انتقال ، اجاره رهن ، صلح ، هبه و غیره گواهی مربوط به تسویه حساب هزینه‌های مشترک را که به تایید مدیر یا مدیران ساختمان رسیده باشد از مالک یا قایم مقام او مطالبه نمایند و یا با موافقت مدیر یا مدیران تعهد منتقل الیه را به پرداخت بدهی های معوق مالک نسبت به هزینه های موضوع این قانون در سند تنظیمی قید نمایند. ماده ۱۳ ـ(الحاقی به موجب ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۷۶) در صورتی که به تشخیص سه نفر از کارشناسان رسمی دادگستری عمر مفید ساختمان به پایان رسیده و یا به هر دلیل دیگری ساختمان دچار فرسودگی کلی شده باشد و بیم خطر یا ضرر مالی و جانی برود و اقلیت مالکان قسمت‌های اختصاصی در تجدید بنای آن موافق نباشند ، آن دسته از مالکان که قصد بازسازی مجموعه را دارند ، می‌توانند براساس حکم دادگاه ، با تامین مسکن استیجاری مناسب برای مالک یا مالکان که از همکاری خودداری می‌ورزند نسبت به تجدید بنای مجموعه اقدام نمایند و پس از اتمام عملیات بازسازی و تعیین سهم هریک از مالکان از بنا و هزینه های انجام شده ، سهم مالک یا مالکان یاد شده را به اضافه اجوری که برای مسکن اجاری ایشان پرداخت شده است از اموال آن ها ، از جمله همان واحد استیفا کنند.در صورت عدم توافق در انتخاب کارشناسان ، وزارت مسکن و شهرسازی با درخواست مدیر یا هییت مدیره اقدام به انتخاب کارشناسان یاد شده خواهدکرد. تبصره ۱ ـ مدیر یا مدیران مجموعه به نمایندگی از طرف مالکان می‌توانند اقدامات موضوع این ماده را انجام دهند. تبصره ۲ ـ چنانچه مالک خودداری‌کننده از همکاری ، اقدام به تخلیه واحد متعلق به خود به منظور تجدیدبنا نکند ، حسب درخواست مدیر یا مدیران مجموعه ، رییس دادگستری یا رییس مجتمع قضایی محل با احراز تامین مسکن مناسب برای وی توسط سایر مالکان ، دستور تخلیه

آپارتمان یاد شده را صادر خواهد کرد. ماده ۱۴ ـ(الحاقی به موجب ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۱۳۷۶) مدیر یا مدیران مکلف اند تمام بنا را به عنوان یک واحد در مقابل آتش سوزی بیمه نمایند. سهم هریک از مالکان به تناسب سطح زیربنای اختصاصی آن ها وسیله مدیر یا مدیران تعیین و از شرکا اخذ و به بیمه گر پرداخت خواهد شد. در صورت عدم اقدام و بروز آتش سوزی ، مدیر یا مدیران مسیول جبران خسارت وارده می‌باشند. ماده ۱۵ ـ ثبت اساسنامه موضوع این قانون الزامی نیست

قانون زمین شهری – مصوب ۲۲ ۶ ۱۳۶۶

ماده ۱ ـ به منظور تنظیم و تنسیق امور مربوط به زمین و ازدیاد عرضه و تعدیل و تثبیت قیمت آن به عنوان یکی از عوامل عمده تولید و تامین رفاه عمومی و اجتماعی و ایجاد موجبات حفظ و بهره برداری هر چه صحیح تر و وسیع تر از اراضی و همچنین فراهم نمودن زمینه لازم جهت اجرای اصل ۳۱ و نیل به اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۵ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تامین مسکن و تاسیسات عمومی مواد این قانون به تصویب می‌رسد و از تاریخ تصویب در سراسر کشور لازم الاجرا است ماده ۲ ـ اراضی شهری زمینهایی است که در محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرها و شهرکها قرار گرفته است ماده ۳ ـ اراضی موات شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا نداشته باشد. زمینهای مواتی که علیرغم مقررات قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری بدون مجوز قانونی از تاریخ ۵ ۴ ۱۳۵۸ به بعد احیا شده باشد همچنان در اختیار دولت می‌باشد. ماده ۴ ـ اراضی بایر شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا داشته و بتدریج به حالت موات برگشته اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد. ماده ۵ ـ اراضی دایر زمینهایی است که آن را احیا و آباد نموده‌اند و در حال حاضر دایر و مورد بهره‌برداری مالک است زمینهای دایر مشمول این قانون صرفا اراضی کشاورزی یا آیش اعم از محصور یا غیر محصور می‌باشد. ماده ۶ ـ کلیه زمینهای موات شهری اعم از آنکه در اختیار اشخاص یا بنیادها و نهادهای انقلابی دولتی یا غیردولتی باشد در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک مالکیت گذشته ارزش قانونی ندارد. ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند به درخواست وزارت مسکن و شهرسازی اسناد آنها را به نام دولت صادر نمایند مگر آنکه از تاریخ ۲۲ ۱۱ ۱۳۵۷ توسط دولت واگذار شده باشد. تبصره ـ اسناد مالکیت زمینهای مواتی که در وثیقه می‌باشد و به موجب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ و این قانون به اختیار دولت درآمده و یا در می‌آید آزاد تلقی می‌شوند و غیر از مطالبات اشخاص ناشی از فروش این گونه اراضی که منتفی می‌گردد مطالبات دیگر وسیله طلبکار از سایر اموال بدهکار وصول خواهد شد. ماده ۷ ـ کسانی که طبق مدارک مالکیت ، از زمینهای موات شهری در اختیار داشته‌اند مشروط بر آنکه از مزایای مواد ۶ و ۸ قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ استفاده نکرده و مسکن مناسبی نداشته باشند، طبق ضوابط مسکن و شهرسازی در سراسر کشور قطعه و یا قطعاتی جمعا معادل ۱۰۰۰ (هزار) متر مربع در اختیارشان گذاشته می‌شود تا در مهلت مناسبی که در آیین نامه تعیین خواهد شد عمران و احیا کنند در صورت عدم عمران و احیا بدون عذر موجه اجازه مذکور ساقط و زمین به دولت باز می‌گردد. تبصره ـ در مورد کسانی که به تاریخ قبل از قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری مصوب ۵ ۴ ۱۳۵۸ با اسناد عادی دارای زمین بوده و در مهلت های تعیین شده قبلی از طرف مراجع مربوطه تشکیل پرونده داده‌اند و یا در شهرهایی که تاکنون مهلتهای مذکور برای تشکیل پرونده اعلام نشده است درصورتی که تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله از طرف مراجع ذیصلاح قضایی تایید گردد برابر ضوابطی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود اجازه عمران داده خواهد شد.(۱) ماده ۸ ـ کلیه اراضی بایر شهری که صاحب مشخصی نداشته باشد در اختیار ولی فقیه می‌باشد. ماده ۹ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است زمین های مورد نیاز برای امر مسکن و خدمات عمومی را ضمن استفاده از کلیه اراضی موات و دولتی‌در شهرهایی که به پیوست این قانون به دلیل عدم تکافوی اراضی مذکور در این شهرها

ضرورت آن حتمی است به ترتیب از زمینهای بایر و دایر شهری تامین نماید. مالکان اراضی بایر و دایر شهری اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و بنیادها و نهادها و ارگانهای دولتی و غیردولتی موظفند زمینهای مورد نیاز دولت یاشهرداریها را که موضوع این قانون است به منظورهای ذیل و با تقویم دولت به آنها (دولت و شهرداری ها) بفروشند. الف ـ تفکیک و فروش توسط وزارت مسکن و شهرسازی به افراد واجد الشرایط دریافت زمین جهت مسکن و یا اجرای طرحهای ساختمان سازی مسکونی ب ـ ایجاد تاسیسات عمومی و عمرانی و اداری و اجرای طرحهای مصوب شهری و عوض طرحهای شهری حسب مورد به وسیله وزارتخانه ها و شهرداری ها و موسسات و شرکت های دولتی و نهادها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است ج ـ حفاظت از میراث فرهنگی کشور. تبصره ۱ ـ در صورت مراجعه مالک یا مالکین زمینهای بایر و دایر و اعلام یا اعلان عدم نیاز دولت و شهرداریها به زمین مالک می‌تواند پس از عمران وآماده سازی زمین نسبت به تفکیک و واگذاری زمین خود طبق ضوابط و مجوز وزارت مسکن و شهرسازی اقدام نماید. تبصره ۲ ـ مالکان اراضی بایر و دایر شهری اعم از مشاع و یا ششدانگ که زمین آنها مورد نیاز دولت و شهرداریها به شرح این ماده است مشروط به‌اینکه از مزایای مواد ۶ و ۸ قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ استفاده نکرده باشند حق دارند طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی قطعه یا قطعاتی‌از زمین مذکور به انتخاب خود و در صورت عدم امکان از سایر اراضی دولتی معادل (هزار) متر مربع عمران و تفکیک نمایند یا به دولت بفروشند زاید بر آن (نه عین و نه منفعت قابل واگذاری نیست مگر به دولت و با تقویم دولت و یا اینکه با اجازه و زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی عمران نموده و واگذار نماید. تبصره ۳ ـ صغار یتیم تا سن بلوغ شرعی و بازماندگان درجه اول شهدا و مفقودالاثر ها و همسران آنها تا زمانی که فرزندان آنها را تحت تکفل داشته‌باشند از شمول این ماده مستثنی هستند عمران و تفکیک و واگذاری زمینهای موضوع این تبصره مشمول مقررات این قانون بوده و چنانچه زمین مشمول این تبصره مورد نیاز برای طرح دولتی خاصی باشد که احداث آن در محل دیگری میسر نباشد معادل ارزش زمین مورد نظر از محل اراضی دولتی به صورت عوض واگذار می گردد. تبصره ۴ ـ واگذاری سهام مشاعی مالکین اراضی شهری به یکدیگر در یک یا چند قطعه زمین به نحوی که سهم هریک از مالکین پس از انتقال زاید برحد نصاب مقرر در این ماده نگردد با رعایت شرایط مندرج در این قانون بلامانع است تبصره ۵ ـ شرکتهای تعاونی مسکن که قبل از تصویب قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ مالک زمینهایی باشند با رعایت حداقل نصاب تفکیک محل وقوع زمین برای هریک از اعضا واجدالشرایط که از مزایای قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ و این قانون استفاده نکرده باشند در قالب ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی حق بهره‌برداری از زمین خود را دارا می‌باشند و زمینهای مازاد بر نیاز آنها و نیز زمینی که طبق ضوابط مذکور در مهلت مقرر بدون عذر موجه عمران نگردد تابع مقررات این قانون بوده و در اختیار دولت قرار می گیرد. تبصره ۶ ـ در صورت استنکاف یا عدم مراجعه و یا عدم دسترسی به مالک یا نامشخص بودن نشانی مالک پس از اعلان وزارت مسکن و شهرسازی ودر صورت وجود تعارض ثبتی و در وثیقه بودن ملک یا هر گونه اشکالات حقوقی یا ثبتی دیگر که مانع از انجام معامله دولت گردد دولت یا شهرداری ها با سپردن بهای زمین مورد تملک به صندوق ثبت محل زمین را تملک و حسب مورد وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری به قایم مقامی مالک سند انتقال را امضا می‌نمایند و در موقع مراجعه مالک پس از ارایه مفاصا حساب های لازم و رفع هرگونه اشکال بهای آن قابل پرداخت می‌باشد و یا درصورت امکان زمین معوض واگذار می گردد. تبصره ۷ ـ دولت و شهرداریها می‌توانند برای اجرای طرحهای دولتی و تاسیسات عمومی زیربنایی خود زمین مورد نیاز را در شهرها و شهرک های سراسر کشور با رعایت کلیه ضوابط و تبصره‌های این ماده تملک نمایند. تبصره ۸ ـ زمینهای دایری که دولت یا شهرداریها در کلیه شهرها و شهرکها نیاز به تملک آنها دارند پس از تصویب طرح و اعلام مراتب به ادارات ثبت قابل انتقال به غیر نبوده مگر به دولت یا شهرداری ها. تبصره ۹ ـ تقویم دولت براساس قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی زمین بوده و بهای اعیانی ها در اراضی و سایر حقوق قانونی طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری براساس بهای عادله روز تعیین می گردد. تبصره ۱۰ ـ در صورت درخواست و

توافق مالك دولت موظف است به جای اراضـی تملك شده از اراضی که در خارج از محدوده قانونی شهرها وشهرك ها در اختیار دارد معادل ارزش زمین تملك شده برای امر کشاورزی به مالکین این قبیل اراضـی واگذار نماید. تبصره ۱۱ ـ این ماده و تبصره‌های آن با اسـتفاده از اجازه مورخ ۱۹ ۷ ۱۳۶۰ حضـرت امام خمینی مدظله العالی که در آن مجلس شورای اسـلامی راصاحب صلاحیت برای تشـخیص موارد ضـرورت دانسـته‌اند صـرفا در شـهرهای مندرج در پیوست این قانون و تبصره‌های ۷ و ۸ آن در کلیه شـهرها و شهرکهای سراسـر کشور برای مدت ۵ سال از تاریخ تصویب قابل اجرا است و پس از مهلت مـذکور در شـهرهای یاد شده نیز مانند سـایر شـهرهای کشور سـایر مواد قانون قابل اجرا خواهـد بود. ماده ۱۰ ـ از تاریـخ تصویب قانون اراضـی شـهری مصوب ۱۳۶۰ کلیه زمینهـای متعلق به وزارتخـانه ها و نیروهای مسلـح و موسـسات دولتی و بانکها و سازمانهای وابسـته به دولت و موسـساتی که شـمول حکم مسـتلزم ذکر نام است و کلیه بنیادها و نهادهای انقلابی در اختیار وزارت مسـکن و شـهرسازی قرارمی گیرد. تبصره ۱ ـ اراضی غیرمـوات بنیادهـای غیردولـتی از شـمول این مـاده مسـتثنی بـوده ولی هر گونه واگـذاری طبق ضوابـط وزارت مسـکن و شـهرسازی بارعایت نظر ولی فقیه خواهـد بود. تبصـره ۲ ـ شـهرداریها و شـرکتها و سازمانهای وابسته به شـهرداری ها از شمول این ماده مستثنی هستند ولی حق واگذاری این گونه اراضی را بدون اجازه وزارت مسکن و شهرسازی ندارند مگر به عنوان رفع نیازمندیهای عمومی شهر و عوض املاك واقع در طرحهای مصوب شـهری تبصـره ۳ ـ اراضـی وقفی به وقفیت خـود بـاقی است ولی اگر زمینی به عنوان وقف ثبت شده و در مراجع ذیصـلاح ثابت شود که تمام یا قسـمتی از آن‌موات بوده سـند وقف زمین موات ابطال و در اختیار دولت قرار می گیرد لکـن هرگـونه واگـذاری اراضـی از طرف اوقـاف یـا آسـتان قـدس رضـوی و یـا سایرمتولیـان بـایستی بر طبـق ضـوابط شهرسازی و رعایت نظر واقف صورت گیرد. تبصره ۴ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است اراضی حاصل از موضوع این ماده را به ادارات و سازمانهای مـذکور در حد نیاز اداری و تاسیساتی مجانا واگذار نماید. ماده ۱۱ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است براساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمینهای خود مطابق طرحهای مصوب قانونی اقدام کند. تبصـره ۱ ـ تطبیق نقشه‌هـای تفکیکی و شـهرسازی اراضـی دولتی یـا طرحهای جامع و تفصیلی و هادی و تصویب آن (موضوع مـاده ۱۰۱ قانون شـهرداریها) به عهده وزارت مسکن و شهرسازی است تبصره ۲ ـ دولت از پرداخت هرگونه مالیات و حق تمبر و هزینه های ثبتی و معاملاتی بابت آماده سازی و تفکیك و فروش اراضی معاف است تبصره ۳ ـ بهای واگذاری زمین به اشـخاص نبایـد از قیمتهـای منطقه‌ای زمـان واگـذاری (ارزشـهای معاملاـتی) تجاوز نمایـد. ولی چنانچه برای دولت بیش از قیمت منطقه‌ای تمام شده باشد به بهای تمام شده واگذار می گردد نحوه وصول هزینه های ناشـی از آماده سازی و عمران و تفکیك و یا سایر خدمات براساس بهره وری قطعات از خدمات و تاسـیسات شـهری محاسبه و به صورتی اخذ می گردد که از مجموع هزینه ها تجاوز ننماید. تبصـره ۴ ـ به وزارت مسـکن و شـهرسازی اجـازه داده می‌شود امـاکن عمومی و خـدماتی مورد نیـاز مجموعه های مسکونی را احداث و واگذار نماید. تبصره ۵ ـ وزارت مسـکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرك ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به‌تشکیل شرکتهای عمرانی و ساختمانی راسا و یا با مشارکت بخش غیردولتی اقدام نماید اساسـنامه این قبیل شـرکتها به پیشـنهاد وزارت مذکور به تصویب‌هیات دولت خواهد رسید. ماده ۱۲ ـ تشخیص عمران و احیـا و تاسـیسات متناسب و تعیین نوع زمین دایر و تمیز بایر از موات به عهـده وزارت مسـکن و شـهرسازی است این تشـخیص قابل اعتراض در دادگاه صالحه می‌باشد.(مصوبه مجمع تشـخیص مصـلحت مصوب ۳ ۱۱ ۷۰) تبصره ۱ ـ دادگاه نسبت به اعتراض خارج از نوبت و بـدون رعایت تشـریفات آیین دادرسـی رسیدگی کرده و حکم لازم خواهـد داد، اعتراض به تشـخیص وزارت مسـکن و شهرسـازی در دادگـاه مانع از اجرای مواد این قانون نمی گردد. تبصـره ۲ ـ ملاـك تشـخیص مرجع مقرر در ماده ۱۲ در موقع معاینه محـل در مورد نوع زمینهـایی که از تاریـخ ۲۲ ۱۱ ۱۳۵۷ وسیله دولت یـا ارگـان هـا ونهادها و کمیته‌ها و دفاتر خانه سازی احـداث اعیانی یا واگذار شده بدون در نظر گرفتن اعیانیهای مذکور خواهد بود. ماده ۱۳ ـ هرگونه دخل و تصرف و تجاوز به اراضی شهری

متعلق یـا منتقـل شـده به دولت و شـهرداری هـا و یا احـداث هرگونه بنا بـدون پروانه مجاز و یاهرگونه نقل و انتقال به موجب اسـناد عادی و یا رسـمی و تفکیک و افراز اراضی مزبور و یا هرگونه عملی برخلاف این قانون جرم شناخته می‌شود و با متجاوزین براساس تبصره ۲ ماده ۱۴۸ اصـلاحی قانون (اصـلاح و حـذف موادی از قانون ثبت اسـناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و اصـلاحات بعدی آن) مصوب ۳۱ ۴ ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی رفتار می‌شود. ماده ۱۴ ـ تبدیل و تغییر کاربری افراز و تقسیم و تفکیک باغات و اراضی کشاورزی و یا آیش (اراضـی موضوع ماده ۲ این قـانون با رعایت ضوابط و مقررات وزارت مسـکن و شـهرسازی و مواد این قانون بلااشـکال است تبصـره ـ نقل و انتقال اینگونه اراضی برای امر کشاورزی با قید مفاد موضوع این ماده در سند بلامانع است ماده ۱۵ ـ هرگونه تفکیک و تقسـیم اراضـی بایر جهت عمران و احداث بنا با رعایت ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی و مواد این قانون بلااشکال است ماده ۱۶ ـ هریک از کارمنـدانی که در اجرای این قانون به تشـخیص دادگاه صالح رعایت دقیق مقررات آن را ننموده و تخطی کرده باشـند علاوه بر جبران خسـارت وارده به دولت یا اشـخاص و اعاده وضع ، بر حسب مورد به انفصال موقت یا دایم از خـدمات دولتی محکوم می‌گردنـد. ماده ۱۷ ـ وزارت مسـکن و شـهرسازی مأمور اجرای این قانون می‌باشـد و موظف اسـت حـداکثر ظرف مدت ۳ مـاه آیین نـامه اجرایی مواد این قـانون و نیز اساسـنامه سازمان زمین شـهری را تهیه و به تصویب هیات دولت برساند. شهرهای مشمول ضرورت ۱ ـ تهران ۱۷ ـ گرگان ۲ ـ اصفهان ۱۸ ـ نجف آباد ۳ ـ تبریز ۱۹ ـ آمل ۴ ـ شیراز ۲۰ ـ رجایی شهر ۵ ـ اهواز ۲۱ ـ بابل ۶ ـ باختران ۲۲ ـ خوی ۷ ـ رشت ۲۳ ـ قایمشهر ۸ ـ اردبیل ۲۴ ـ بوشهر ۹ ـ کرج ۲۵ ـ بهبهان ۱۰ ـ اراک ۲۶ ـ قرچک ۱۱ ـ قزوین ۲۷ ـ مهاباد ۱۲ ـ اسلامشهر ۲۸ ـ میاندوآب ۱۳ ـ خرم آباد ۲۹ – ورامین ۱۴ ـ بروجرد ۳۰ ـ مهرشهر ۱۵ ـ دزفول ۳۱ ـ الیگودرز ۱۶ ـ ساری ۳۲ ـ ملایر

قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن – مصوب ۵ ۴ ۱۳۵۸

ماده ۱ ـ دولت مکلف است در داخل محدوده قانونی (۲۵ ساله شهرها در نقاطی که محدوده قانونی وجود دارد و در سایر شهرها در محدوده ای که ازطرف وزارت مسـکن و شهرسازی تعیین و اعلام خواهد شد. به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق مالک اینگونه اراضـی شـناخته می‌شدنـد اعلام نمایـد تا ظرف مـدت معینی نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. چنانچه در مهلت مقرر اقدام لازم به عمل نیاورند هیچگونه اولویتی برای آنها منظور نخواهد شد و بلاعوض به تصرف دولت در خواهد آمد. تبصره ـ دولت برای کسانی که یک قطعه زمین کوچک برای سکونت شخصی خود تهیه کرده‌اند و فاقد خانه مسکونی می‌باشند حداقل سه سال مهلت خواهد داد تا بتوانند به عمران زمین خود بپردازند. ماده ۲ ـ دولت باید زمینهای تفکیک نشـده‌ای را که به ترتیب مقرر در این قانون به تصـرف خویش در می‌آورد تفکیک کند و بر اساس طرح تفصـیلی منطقه مربوطه در اختیار متقاضیان برای احداث ساختمان و مسکن قرار دهد. ماده ۳ – نحوه اعلام به کسانی که در رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شـناخته می‌شدنـد و تشـخیص موات بودن و عمران و آبـادی و شـرایط واگـذاری اراضـی مـذکور و تعیین مسـاحت زمینهای مذکور در تبصـره ماده یک در هر منطقه و سایر مسایل اجرائی این قانون مطابق آیین نامه‌ای خواهد بود که وزارت مسـکن و شهرسازی تهیه می‌کند و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مأمور اجرای این قانون است

قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن – مصوب سال ۳۰ ۹ ۱۳۶۵

ماده واحده ـ کلیه اسـناد و مدارک مربوط به غیر دولت اعم از رسـمی و غیررسمی مربوط به اراضی موات (یا سند مربوط به قسمتی از اراضـی که موات باشد) واقع در خارج از محدوده اسـتحفاظی شهرها به استثنا اراضی که توسط مراجع ذیصلاح دولت جمهوری

اسلامی ایران واگذار شده است ، باطل واین قبیل اراضی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرد تا در جهت تولید محصولات کشاورزی و صنعتی ایجاد اشتغال و مصارف عام المنفعه و برطرف ساختن نیاز دستگاه های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شهرداری ها وایجاد مسکن و واگذاری زمین برای کسانی که مسکن ندارند،حسب مورد بر اساس مقررات مربوطه اقدام نماید. ادارات ثبت اسناد مکلفند حسب اعلام هیات های واگذاری زمین نسبت به ابطال سند آن ها و صدور سند به نام دولت جمهوری اسلامی ایران ، اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ تشخیص موات بودن اراضی خارج از محدوده شهرها به عهده وزارت کشاورزی است که از طریق هیات ۷ نفره اقدام می‌نماید و در صورتی که متصرف فعلی ، منکر موات بودن زمین باشد از طریق دادگاه صالح اقدام به عمل میاید و چنانچه دادگاه رای به موات بودن زمین بدهد، سند ابطال و از متصرف خلع ید خواهد شد. تبصره ۲ ـ اسناد مالکیت زمین‌های مواتی که به موجب این قانون باطل می‌شود، آزاد تلقی و مطالبات ناشی از فروش این گونه اراضی منتفی می گرددو مطالبات دیگر طلبکاران از سایر اموال بدهکار ، قابل استیفا است تبصره ۳ ـ زمین‌هایی که اسناد آن‌ها باطل می‌شوند ، چنانچه حریم روستاها باشد ، جهت کارهای عام المنفعه و یا تعلیف احشام یا احداث واحدهای مسکونی روستا و سایر خدمات مورد لزوم برای روستا بر حسب مورد ، اختصاص داده خواهد شد. تبصره ۴ ـ آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت ۲ ماه توسط وزارت کشاورزی و ستاد مرکزی هیات های واگذاری زمین ، تهیه و جهت تصویب به هیات دولت تقدیم می گردد. تبصره ۵ ـ از تاریخ تصویب این قانون ، کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی می گردد.

قانون نحوه تقویم و ابنیه ، املاک واراضی مورد نیاز شهرداریها – مصوب آبانماه ۱۳۷۰

(شماره ۲۵۹۱۳۶۲۶۷۱ روزنامه رسمی) ماده واحده ـ در کلیه قوانین و مقرراتی که شهرداریها مجاز به تملك ابنیه ، املاك و اراضی قانونی مردم می‌باشند در صورت عدم توافق بین شهرداری و مالك ، قیمت ابنیه ، املاك و اراضی بایستی به قیمت روز ، تقویم و پرداخت شود. تبصره ۱ ـ قیمت روز توسط هیاتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری و مورد وثوق که یك نفر به انتخاب شهرداری یك نفر به انتخاب مالك یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین می‌باشد تعیین خواهد شد ، رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجراست تبصره ۲ ـ در صورت عدم توافق در انتخاب کارشناس سوم ، دادگاه صالح محل وقوع ملك ، اقدام به معرفی کارشناس خواهد نمود. تبصره ۳ ـ در صورتی که در محل ، کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل خواهدشد. تبصره ۴ ـ هرگاه مالك یا مالکین ، کارشناس خود را حداکثر ظرف مدت یك ماه از تاریخ اعلام دستگاه که به یکی از صور ابلاغ کتبی ، انتشار در یکی ازروزنامه های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عمومی می‌رسد ، تعیین ننماید و در مواردی که به علت مجهول بودن مالك ، عدم تکمیل تشریفات ثبتی ، عدم صدور سند مالکیت ، اختلاف در مالکیت ، فوت مالك و موانعی از این قبیل ، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملك حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ مراجعه (شهرداریها) به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید. تبصره ۵ ـ زمینهای تملیکی قانون زمین شهری که مورد نیاز شهرداری ها بوده و سهم هر مالك که دارای سند رسمی بوده و بیش از یك هزار متر مربع‌باشد نسبت به مازاد یك هزار متر مربع از شمول این قانون مستثنی است تبصره ۶ ـ جهت تامین معوض ابنیه ، املاك اراضی شرعی و قانونی مردم که در اختیار شهرداری ها قرار می گیرد دولت موظف است ده درصد از اراضی و واحدهای مسکونی قابل واگذاری را با قیمت تمام شده به شهرداری ها اختصاص دهد تا پس از توافق بین مالکین و شهرداریها به عنوان معوض تحویل گردد. تبصره ۷ ـ از تاریخ تصویب و لازم الاجرا شدن این قانون ماده ۴ و آن قسمت از ماده ۵ (لایحه قانونی نحوه خرید و تملك اراضی و املاك برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۷ ۱۱ ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی که مربوط به نحوه تعیین قیمت عادله الزامی می‌باشد درمورد شهرداری ها لغو می گردد.

لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی

(روزنامه رسمی ۱۰۲۰۴ ـ ۱۳ ۱۲ ۱۳۵۸) ماده ۱ ـ هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت ، همچنین شهرداری ها وبانک ها و دانشگاههای دولتی و سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس (دستگاه اجرایی) نامیده می‌شوند ، به اراضی ، ابنیه ، مستحدثات ، تاسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلا وسیله (دستگاه اجرایی) یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تامین شده باشد دستگاه اجرایی می‌تواند مورد نیاز را مستقیما یا به وسیله هر سازمان خاصی که مقتضی بداند بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید. ماده ۲ ـ برنامه‌های مذکور در ماده ۱ شامل برنامه‌هایی است که اجرای به موقع آن برای امور عمومی و امنیتی (دستگاه اجرایی) لازم و ضروری باشد ، ضرورت اجرای طرح باید به تایید و تصویب بالاترین مقام اجرایی (دستگاه اجرایی) برسد. تبصره ۱ ـ دستگاه اجرایی موظف است برای اجرای طرح حتی المقدور از اراضی ملی شده یا دولتی استفاده نماید. عدم وجود این قبیل اراضی حسب مورد باید به تایید وزارت کشاورزی و عمران روستایی یا سازمان عمران اراضی شهری در تهران و ادارات کل و شعب مربوط در استانها رسیده باشد. تبصره ۲ ـ اداره ثبت اسناد و املاک محل مکلف است محل وقوع و وضع ثبتی ملک را با توجه به نقشه ارایه شده حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ استعلام پاسخ دهد. ماده ۳ ـ بهای عادله اراضی ، ابنیه ، مستحدثات ، تاسیسات و سایر حقوق و خسارات وارده از طریق توافق بین (دستگاه اجرایی و مالک یا مالکین و صاحبان حقوق تعیین می گردد. تبصره ۱ ـ در صورت توافق در مورد بهای عادله هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هر یک از مالکین بیش از یک میلیون ریال نباشد (دستگاه اجرایی می‌تواند رأسا نسبت به خرید ملک و پرداخت خسارت اقدام نماید و هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هریک از مالکین بیش از یک میلیون ریال باشد بهای خرید ملک یا میزان خسارت و انجام معامله باید به تصویب هیات مقرر در ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی و در مورد شهرداری ها به تصویب انجمن شهر برسد. تبصره ۲ ـ در صورت حصول توافق (دستگاه اجرایی موظف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به خرید ملک و پرداخت حقوق یا خسارات اقدام و یا آنکه انصراف خود را از خرید و تملک کتبا به مالک یا مالکین اعلام نماید ، به‌هرحال عدم اقدام به خرید یا اعلام انصراف در مدت مذکور به منزله انصراف است ماده ۴ ـ هرگاه نسبت به تعیین بهای عادله اراضی و ابنیه و تاسیسات و حقوق و خسارات وارده بین (دستگاه اجرایی و مالک توافق حاصل نشود ، بهای عادله توسط هیاتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می گردد ، کارشناسان یک نفر از طرف (دستگاه اجرایی یک نفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند ، رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۱ ـ در صورتی که در محل کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل می‌شود. تبصره ۲ ـ هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود را حداکثر ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه اجرایی که به یکی از صور ابلاغ کتبی ، انتشار در یکیاز روزنامه های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عموم می‌رسد تعیین ننماید و یا به علت مجهول بودن مالک ، عدم تکمیل تشریفات ثبتی ، عدم صدور سند مالکیت ، اختلاف در مالکیت ، فوت مالک و موانعی از این قبیل ، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه (دستگاه اجرایی) به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید. ماده ۵ ـ ملاک تعیین قیمت عبارت است از بهای عادله روز تقویم اراضی و ابنیه و تاسیسات و حقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تاثیر طرح در قیمت آنها. تبصره ۱ ـ در مواردی که ملک محل سکونت یا ممر اعاشه مالک باشد علاوه بر بهای عادله صدی پانزده به قیمت ملک افزوده خواهد شد. تشخیص این که مالک در محل ساکن است یا ملک ممر اعاشه وی می‌باشد با

(دستگاه اجرایی است و در صورت بروز اختلاف تشخیص نهایی با دادگاه صالحه محل وقوع ملک می‌باشد که به تقاضای هریک از طرفین اظهارنظر خواهد کرد. تبصره ۲ ـ در صورتی که طبق نظر اداره کشاورزی و عمران روستایی محل ، زارعین حقوقی در ملک مورد بحث داشته باشند حقوق زارعین ذی نفع به تشخیص اداره مذکور از محل ارزش کل ملک به آنان پرداخت و بقیه در هنگام انجام معامله به مالک پرداخت خواهد شد. چنانچه در ملک مورد معامله ، ساختمانهای روستایی فاقد سند مالکیت و نیزهرگونه اعیانی و یا حقوقی نظیر حق ریشه ، بهای شخم ، بذر ، کود و سایر زحماتی که زارع برای آماده کردن زمین متحمل شده است وجود داشته باشد بهای اعیان و حقوق متعلق به آنان برابر قراردادهای موجود بین زارع و مالکو یا طبق مقررات یا عرف محل از طریق توافق یا از سوی کارشناسان تعیین و از محل ارزش کل ملک به ایشان و بقیه به مالک پرداخت می گردد. تبصره ۳ ـ چنانچه ملک مورد معامله محل کسب و پیشه اشخاص باشد در صورتی به آن حق کسب و پیشه تعلق خواهد گرفت که حداقل یکسال قبل از اعلام تصمیم (دستگاه اجرایی) محل کسب و پیشه بوده باشد. تبصره ۴ ـ نسبت به املاک موقوفه ای که طبق تشخیص سازمان اوقاف تبدیل به احسن آنها قانونا مجاز است به‌طریق مذکور در این قانون اقدام و آنها راکه شرعا مجاز نیست به طریق اجاره طویل المدت عمل خواهد شد در مورد املاک اخیر در صورت وجود اعیانی متعلق به اشخاص و یا حقوق مندرج در تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۵ این قانون حقوق فوق از سوی هیات کارشناسی مندرج در این قانون تعیین و از محل اعتبار طرح پرداخت و مال الاجاره ملک موقوفه با در نظر گرفتن پرداخت مزبور از سوی هیات کارشناسی تعیین خواهد شد. تبصره ۵ ـ در کلیه موارد مندرج در این قانون هیات کارشناسی مکلف است بر اساس مقررات و ضوابط مندرج در قانون کارشناسی مصوب سال ۱۳۱۷ و سایر مقررات مربوط حداکثر ظرف یکماه نظرات خود را دقیقا اعلام نماید. دستمزد کارشناسان طبق آیین‌نامه دستمزد کارشناسان رسمی و اصلاحات بعدی آن و در صورت اختلاف طبق نظر دادگاه محل مشخص و از محل اعتبار مربوط به طرح قابل پرداخت می‌باشد. نصف هزینه کارشناسی پرداخت‌شده که به عهده مالک می‌باشد در هنگام انجام معامله از ارزش ملک کسر می گردد. ماده ۶ ـ در مواردی که (دستگاه اجرایی مقتضی بداند و در صورت رضایت مالک عوض اراضی تملیک شده از اراضی مشابه ملی یا دولتی متعلق به‌خود تامین و با حفظ ضوابط مندرج در قوانین و مقررات مربوط ، به مالکین واگذار می‌نماید. در این صورت نیز تعیین بهای عوض و معوض به عهده هیات کارشناسی مندرج در این قانون می‌باشد. ماده ۷ ـ (دستگاه اجرایی مجاز است به جای پرداخت حق کسب و پیشه در صورت رضایت صاحب حق تعهد نماید که پس از انجام طرح ، محل کسبی در همان حدود به صاحب حق واگذار نماید. ماده ۸ ـ تصرف اراضی ، ابنیه و تاسیسات و خلع ید مالک قبل از انجام معامله و پرداخت قیمت ملک یا حقوق مالک مجاز نمی‌باشد مگر آنکه در اثرموانعی از قبیل استنکاف مالک از انجام معامله ، اختلاف مالکیت ، مجهول بودن مالک ، رهن یا بازداشت ملک ، فوت مالک و غیره انجام معامله قطعی ممکن نگردد ، در این صورت به‌منظور جلوگیری از وقفه یا تاخیر در اجرای طرح به‌شرح زیر اقدام می‌شود. چنانچه مالک ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه اجرایی به یکی از انحای مقرر در تبصره ۲ ماده ۴ برای انجام معامله مراجعه نکند یا از انجام معامله به نحوی استنکاف نماید مراتب برای بار دوم اعلام و پس از انقضا ۵ روز مهلت مجدد ، ارزش تقویمی ملک که طبق نظر هیات کارشناسی مندرج درماده ۴ یا تبصره ۲ آن تعیین شده است بمیزان و مساحت مورد تملک به صندوق ثبت محل تودیع و دادستان محل یا نماینده وی سند انتقال را امضا و ظرف یکماه به تخلیه و خلع ید اقدام خواهد نمود و بهای ملک یا حقوق یا خسارات بمیزان مالکیتی که در مراجع ذی ربط احراز می گردد از سوی اداره ثبت به ذی حق پرداخت و اسناد قبلی مالک حسب مورد اصلاح یا ابطال و مازاد سپرده طبق مقررات مربوط به صندوق دولت مسترد می‌شود ، اداره ثبت محل موظف است بر اساس سند انتقال امضا شده وسیله دادستان یا نماینده وی سند مالکیت جدیدی بمیزان و مساحت اراضی ، ابنیه و تاسیسات مورد تملک به نام (دستگاه اجرایی صادر و تسلیم نماید. ماده ۹ ـ در صورتی که فوریت اجرای طرح با ذکر دلایل موجه به تشخیص وزیر دستگاه اجرایی ضرورت داشته باشد به‌نحوی که عدم تسریع در انجام‌طرح موجب ضرر و زیان جبران

ناپذیری گردد ، (دستگاه اجرایی می‌تواند قبل از انجام معامله قطعی و با تنظیم صورتمجلس وضع موجود ملک با حضور مالک یا نماینده وی در غیاب او و نماینده دادستان و کارشناس رسمی نسبت به تصرف و اجرای طرح اقدام نماید لکن (دستگاه اجرایی) مکلف است حداکثر تا سه ماه از تاریخ تصرف نسبت به پرداخت یا تودیع قیمت عادله طبق مقررات این قانون اقدام نماید. تبصره ـ مالک یا صاحب حق می‌تواند در صورت عدم پرداخت بها در مدت مذکور با مراجعه به دادگاه صالحه درخواست توقیف عملیات اجرایی راتا زمان پرداخت بها بنماید و محاکم صالحه به موضوع خارج از نوبت رسیدگی و حکم لازم صادر می‌نمایند و در صورت پرداخت قیمت تعیین شده بلافاصله رفع توقیف عملیات اجرایی به عمل خواهد آمد. ماده ۱۰ ـ چنانچه قبل از تصویب این قانون ، اراضی ، ابنیه یا تاسیساتی بر اساس قوانین موضوعه قبلی بتصرف وزارتخانه‌ها ، موسسات و شرکتهای‌دولتی و یا وابسته به‌دولت و همچنین شهرداری ها ، بانک ها و دانشگاههای دولتی یا سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد درآمده‌و یا در محدوده مورد تصرف قرار گرفته باشد که بر اساس قوانین مذکور دولت مکلف به پرداخت بهای عادله و حقوق و خسارات متعلقه بوده ولی‌تعیین بهای آن و یا حقوق و خسارات متعلقه منجر بصدور نظر قطعی در مراجع ذی صلاح نشده باشد و یا به تصرف مجری طرح در نیامده باشد بها وحقوق و خسارات مربوط به‌شرح زیر پرداخت خواهد شد الف ـ ارزش کلیه اعیانی اعم از هرگونه ساختمان ، تاسیسات ، مستحدثات و سایر حقوق متعلقه طبق مقررات این قانون تقویم و نقدا پرداخت می‌شود. ب ـ بهای زمینهای دایر در بخش خصوصی بقیمت روز تقویم و پرداخت خواهد شد و بابت زمینهای موات ، جنگلها ، مراتع و هر قسمتی که طبق قانون اساسی جزو اموال عمومی درآمده وجه پرداخت نخواهد شد. زمینهای دایر را به آن قسمت که اضافه بر حداکثر مجاز زمینهای مذکور در قانون مصوب شورای انقلاب که توسط وزارت کشاورزی پیشنهاد شده هیچ گونه وجهی تعلق نمی گیرد. تبصره ۱ ـ ارزش تقویم شده زمین در صورت اختلاف نظر از طرف هیات کارشناسان موضوع ماده (۴) این قانون با در نظر گرفتن میانگین ارزش کل مساحت هر ملک تعیین خواهد شد. تبصره ۲ ـ هرگونه انتقال قهری و یا ملکیت مشاع به منزله یک واحد مالکیت خواهد بود. تبصره ۳ ـ (دستگاه اجرایی مکلف می‌باشند اعتبار مورد نیاز جهت اجرای مفاد ماده ۱۰ این قانون را پیش‌بینی و پس از تامین اعتبار لازم به ترتیب فراهم شدن مقدمات انجام معامله قطعی حداکثر ظرف پنج سال بهای کلیه اراضی و متصرفی را پرداخت و تملک نمایند. ادارات ثبت اسناد و املاک مکلف به‌صدور سند مالکیت می‌باشند. تبصره ۴ ـ طرحهای موضوع این قانون از تاریخ شروع به اجرا از پرداخت هر نوع عوارض مستقیم به شهرداریها مثل انواع عوارض متعلق به زمین وساختمان و سایر اموال منقول و غیرمنقول و حق تشرف و حق مرغوبیت و مشابه آن معاف هستند. ماده ۱۱ ـ هرگاه برای اجرای طرح (دستگاه اجرایی احتیاج به اراضی دایر یا بایر ، ابنیه یا تاسیسات متعلق به سایر وزارتخانه‌ها یا موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به‌دولت و همچنین شهرداری ها ، بانکها و دانشگاههای دولتی و سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است داشته‌باشد واگذاری حق استفاده به موجب موافقت وزیر یا رییس موسسه یا شرکت که ملک را در اختیار دارد ممکن خواهد بود. این واگذاری به صورت بلاعوض می‌باشد و در صورتی که مسوولین مربوط به‌توافق نرسند طبق نظر نخست وزیر عمل خواهد شد. تبصره ـ در صورتی که اراضی و ابنیه و تاسیسات یا حقوق آن متعلق به‌شرکت یا سازمان یا موسسه دولتی یا وابسته به‌دولت بوده و واگذاری بلاعوض آن برابر اساسنامه شرکت مقدور نباشد ، بهای آن بر اساس ارزش تعیین شده در ترازنامه شرکت قابل پرداخت است در این صورت ملک به‌صورت قطعی به (دستگاه اجرایی منتقل خواهد شد. ماده ۱۲ ـ کلیه قوانین و مقرراتی که تا این تاریخ در مورد لایحه نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی و عمرانی و نظامی دولت تصویب شده و با این قانون مغایرت دارد از تاریخ تصویب این قانون ملغی الاثر می‌باشد.

لایحه قانونی الحاق سه ماده و دو تبصره به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری وکیفیت عمران

ماده ۱ ـ سازمانهای عمران اراضی شهری برای تسهیل در امر واگذاری زمین به اشخاص جهت ایجاد مسکن و یا واگذاری زمین برای رفع نیازهای‌خدمات عمومی شهری در مواقع ضروری می‌توانند از آن قسمت از اراضی موضوع تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون مذکور نیز استفاده و نسبت به واگذاری زمین معوض با رعایت ضوابط شهرداری که ضمنا ارزش معاملاتی آن معادل زمین قبلی بوده و سطح آن به هر حال از حد نصاب مقرر در ماده ۵ آیین نامه اجرایی تجاوز ننماید به افراد دارنده گواهی مهلت عمران اقدام نماید. تبصره ـ مقررات فوق ناظر بر اراضی موضوع قانون تایید واگذاری های انجام شده توسط بنیاد مسکن انقلاب مصوب ۱۳ ۱۱ ۵۸ می‌باشد مشروط برآنکه تاریخ پرداخت وجه طبق فیش بانکی حداکثر پایان اردیبهشت ماه ۵۹ باشد. ضمنا در مورد اراضی واگذاری قبلی سازمانهای عمران اراضی شهری و همچنین تعیین معوض اراضی موضوع ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و قانون اصلاحی ماده یاد شده نیز به ترتیب مذکور در ماده فوق عمل خواهد شد. ماده ۲ ـ بهای زمینهایی که از طرف سازمانهای عمران اراضی شهری واگذار می‌شود به شرح زیر محاسبه و اخذ می گردد ۳۰٪ آخرین ارزش معاملاتی تعیین شده توسط کمیسیون تقویم املاك موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ واصلاحیه‌های بعدی با کسر ۴۰٪ آن به عنوان بهای پایه و در مناطقی که قیمت منطقه ای اعلام نشده معادل قیمتی که هیاتی متشکل از نماینده وزارت‌دارایی دو نفر معتمدین به انتخاب حاکم شرع محل نماینده وزارت مسکن و شهرسازی ، نماینده وزارت کشور، نماینده ثبت نماینده دادستانی و نماینده شهرداری تعیین خواهند نمود مبنای قیمت اراضی خواهد بود و در صورتی که زمین توسط آن سازمانها قطعه بندی و یا آماده سازی و واجدخدمات شهری گردد حسب مورد محاسبه و به قیمت پایه اضافه خواهد گردید و در صورتی که قسمتی و یا کل عملیات مذکور قبلا انجام پذیرفته باشدبه شرح زیر محاسبه و به قیمت پایه اضافه خواهد گردید ۱ ـ در صورتی که زمین داخل محدوده خدمات شهرداری باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۲ ـ در صورتی که زمین دارای طرح جامع تفصیلی شهر باشد ۱۰٪ قیمت منطقه ای اضافه خواهد شد. ۳ ـ در صورتی که زمین دارای نقشه تفکیکی باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۴ ـ در صورتی که زمین دارای خیابان بندی باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۵ ـ در صورتی که امکان اخذ انشعاب آب لوله کشی برای زمین موجود باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۶ ـ در صورتی که امکان اخذ انشعاب برق برای زمین موجود باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۷ ـ در صورتی که امکان اخذ انشعاب گاز و یا تلفن باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. تبصره ـ عواید حاصل از ردیفهای ۱ الی ۴ فوق به صندوق شهرداری های مربوطه واریز خواهد شد. ماده ۳ ـ کلیه واگذاری های زمین بدون رعایت تشریفات مربوط به مزایده و مناقصه و کمیسیون ماده هفتاد و یک و طبق قرارداد منعقده بین سازمانهای عمران و اراضی و متقاضیان به عمل خواهد آمد.

لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها – سال ۱۳۵۸

ماده ۱ ـ در مواردیکه وزارتخانه ها و سازمان های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری ها برای ایجاد یا توسعه مرافق عامه از قبیل توسعه یا احداث جاده ،راه آهن یا خیابان ، توسعه معابر ، لوله کشی آب و نفت و گاز ، حفر نهر و غیره برای مصارف عمومی احتیاج به خرید اراضی و املاك اشخاص داشته باشند و در انجام معامله یا تعیین قیمت با مالك توافق نشود یا ملك مجهول المالك باشد می‌توانند به ترتیب مقرر در این قانون با پرداخت قیمت عادله آن را تملك نمایند مشروط به اینکه اجرای طرح مورد نظر در محدوده یا مسیر معین ضروری باشد به نحویکه انجام آن در محل دیگر میسر نبوده یا موجب خسارت عمده‌ای گردد. ماده ۲ ـ به منظور حل اختلاف در انجام معامله یا تعیین قیمت و میزان خسارت و ارزیابی حقوقی که اشخاص در اراضی و املاك موضوع این قانون دارند در هر استان هیاتی مرکب از رییس دادگستری و مدیرکل ثبت ، و رییس شورای استان (در غیاب رییس شورای

استان استاندار) تشکیل می‌شود. دراستان تهران به جای رییس دادگستری یکی از مستشاران دیوانعالی کشور به انتخاب رییس دیوان مزبور شرکت خواهد کرد. ماده ۳ ـ سازمان یا موسسه خریدار باید مدارک زیر را به درخواستی که تسلیم هیات می‌نماید ضمیمه کند. الف ـ نام و مشخصات مالک یا صاحب حق ب ـ نقشه دقیق ملک مورد نیاز ج ـ مدارک تصویب طرح و بودجه آن و دلایل ضرورت اجرای طرح در محل مورد نظر. د – مدرک دعوت مالک یا صاحب حق برای توافق و عدم حصول توافق اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک مکلف است حداکثر ظرف یک هفته وضع ثبتی ملک را به دستگاه اجرایی استعلام کننده اعلام نماید. تبصره ـ در صورتی که ملک مورد نیاز طبق گواهی اداره ثبت محل مجهول المالک باشد گواهی مذکور کافیست و مقررات بند د این ماده اجرا نمی‌شود. در صورتی که اقامتگاه مالک معلوم نباشد مالک بوسیله نشر آگاهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل به فاصله ده روز از تاریخ انتشار آگهی دعوت خواهد شد. ماده ۴ ـ پس از وصول درخواست در صورتی که مقررات ماده ۳ این قانون رعایت شده باشد هیات ظرف پانزده روز اقدام به تعیین یک یا چند کارشناس خواهد کرد. کارشناس یا کارشناسان منتخب باید از کارشناسان رسمی وزارت دادگستری باشند چنانچه در موضوعی کارشناس رسمی صلاحیتدار نباشد هیات می‌تواند از کارشناسان و خبرگان غیر رسمی استفاده نماید. ماده ۵ ـ کارشناس مکلف است در مهلت مقرر نظر خود را به هیات تسلیم نماید و چنانچه اظهارنظر در مدت مذکور مقدور نباشد می‌تواند در خواست تمدید مهلت نماید. در صورتی که عذر کارشناس موجه باشد هیات مهلت را تجدید خواهد کرد. تبصره ـ هرگاه کارشناس رسمی بدون عذر موجه از قبول کارشناسی استنکاف کند و یا درظرف مهلت مقرر اظهارنظر ننماید تحت تعقیب انتظامی واقع و پروانه کارشناسی او لغو خواهد شد. ماده۶ ـ دستمزد کارشناس به نظر هیات تعیین می‌شود و پرداخت آن بر عهده سازمان یا موسسه خریدار است ماده ۷ ـ بهای اراضی و ابنیه و تاسیسات و ارزش حقوقی که اشخاص در ملک دارند بدون در نظر گرفتن تاثیر اجرای طرح مربوطه تعیین خواهد شد. در موردی که ملک محل سکنای مالک باشد ده درصد و هرگاه ملک ممر اعاشه منحصر او باشد پانزده درصد علاوه بر قیمت عادله پرداخت خواهد شد. ماده ۸ ـ در مورد املاک مزروعی با توجه به قانون نحوه انتقال اراضی واگذاری به زارعین مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مصوب ۲۱ ۹ ۱۳۵۱ اقدام و علاوه بر پرداخت بهای عادله معادل پانزده درصد قیمت مزبور بین زارعین و پانزده درصد بین خوش نشینان و برزگرانی که در اثراجرای طرح محل سکونت خود را ترک می‌نمایند به نسبت تعداد عایله تحت تکفل آنان تقسیم خواهد شد. ماده ۹ ـ در صورتی که طبق نظر اداره کشاورزی و امور روستاهای محل ، زارعین حقوقی در ملک مورد بحث داشته باشند معادل حقوق زارعین ذینفع به‌تشخیص آن اداره از قیمت عادله ملک کسر و به آنها پرداخت و بقیه به مالک تادیه خواهد شد. ماده ۱۰ ـ نسبت به املاک موقوفه حسب مورد از طریق اجاره طویل المدت یا تبدیل به احسن عمل خواهد شد در صورتی که زارعین ملک موقوفه حقوقی در آن ملک داشته باشند به ترتیب مقرر در ماده قبل عمل خواهد شد. ماده ۱۱ ـ هرگاه از طرف مالک یا متصرف ملک یا هر شخص دیگری از اجرا کارشناسی ممانعت به عمل آید ، به دستور هیات مأمورین انتظامی محل رفع ممانعت و مزاحمت خواهندنمود. ماد ۱۲ ـ پس از وصول نظریه کارشناس هیات باید ظرف یک هفته رای خود را در مورد بهای ملک و میزان خسارت وارده صادر و به ترتیب مقرر درقانون آیین دادرسی مدنی به طرفین ابلاغ نماید. ماده ۱۳ ـ هرگاه هیات رأسا یا در اثر اعتراض خریدار یا مالک تشخیص دهد که نظر کارشناس یا کارشناسان عادلانه نیست ، کارشناس یا کارشناسان دیگری انتخاب خواهد کرد. ماده ۱۴ ـ در مورد املاکی که قبل از تصویب این قانون از هیات های سابق تقاضای خرید آنها شده و هنوز سند انتقال تنظیم نگردیده (اعم از اینکه نسبت به آنها رای صادر شده یا نشده باشد) در صورتیکه از طرف دستگاههای اجرایی ابنیه و تاسیساتی در آن املاک ایجاد شده و یا اینکه تصرفی نشده ولی بارعایت ماده ۱ این قانون مورد احتیاج باشند هیات‌های رسیدگی با ارزیابی مجدد رای به انتقال آنها خواهد داد. ملاک قیمت بهای تاریخی است که مالک از تصرف در ملک خود ممنوع گردیده است تبصره – در تمام موارد مذکور در این قانون برای فاصله بین تاریخ ارزیابی و تاریخ تنظیم سند انتقال شش درصد بها در سال

بابت اجرت المثل منافع مورد معامله علاوه بر بهای تعیین شده پرداخت خواهد شد مشروط به اینکه در این مدت مالک از تصرف و بهره برداری در ملک منع شده باشد. ماده ۱۵ ـ پس از صدور رای از طرف هیات در صورتی که مالک به انتقال ملک و تحویل آن رضایت ندهد پس از سپردن تمام قیمت ملک و خسارات در صندوق دادگستری به دستور هیات ، دادستان شهرستان محل وقوع ملک سند انتقال ملک را از طرف مالک امضا و ظرف یک ماه دستور تخلیه وتحویل ملک را به سازمان یا موسسه خریدار خواهد داد. هزینه تنظیم سند برعهده خریدار است و مالک از پرداخت مالیات انتقال املاک غیرمنقول معاف خواهد بود ولی مالیات ارزش سرقفلی که جز قیمت کارشناسی منظور شده است وصول خواهد شد. تبصره ـ هرگاه ملک مورد نظر در تصرف مستاجر و محل سکنای او باشد دادستان شهرستان به تشخیص خود می‌تواند تا دو ماه برای تخلیه ملک مهلت دهد. ماده ۱۶ ـ در صورتی که ملک در رهن یا وثیقه نباشد وجه سپرده شده در صندوق دادگستری به دستور دادستان شهرستان محل وقوع ملک به مالک پرداخت می‌شود. در غیر این صورت به دستور دادستان تا حد بهای تعیین شده از دین مالک دروجه طلبکار تامین و رهن یا وثیقه ملک فک و سند انتقال تنظیم می‌گردد. هرگاه ملک مجهول المالک باشد یا مالکیت آن مورداختلاف باشد ، وجه سپرده شده بعد از مشخص شدن مالک قانونی به وی تادیه خواهد گردید. ماده ۱۷ ـ چنانچه سازمان یا موسسه خریدار ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رای هیات مبلغ بهای تعیین شده را در صندوق دادگستری تودیع نکند به تقاضای مالک رای صادره بی اعتبار و ملغی الاثر خواهد شد و مالک می‌تواند استرداد ملک را از هیات های مذکور تقاضا نماید. ماده ۱۸ ـ کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایر است در آن قسمت که مغایرت دارد نسخ می‌شود.

مصوبه مجمع مصلحت نظام در خصوص حق کسب یا پیشه یا تجارت – مصوب ۲۵ ۱۰ ۱۳۶۹

ماده واحده ـ در مورد (حق کسب یا پیشه یا تجارت) مطابق قانون روابط موجر و مستاجر ، مصوب دوم مرداد ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و شش عمل‌شود. ماده واحده الحاقیه به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب پانزدهم آبانماه یکهزار سیصد و شصت و پنج به قوت خود باقی است

کارشناسان، دلالان و مشاورین

آیین نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری – مصوب ۷ ۲ ۱۳۸۲ هیات وزیران

فصل اول ـ کلیات (ماده ۱ تا ۳

ماده ۱ ـ در آیین نامه ، واژه‌های اختصاری زیر در مفاهیم مشروح مربوط به کار می‌رود الف – قانون (قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری) ب – کانون (کانون کارشناسان رسمی دادگستری) ج – شورای عالی (شورای عالی کارشناسان رسمی) ماده ۲ ـ ملاک تعیین کارشناس رسمی مقیم در مورد تعیین نصاب تشکیل کانون در مراکز هر استان ، محل اقامتی می‌باشد که در پروانه کارشناسی آنان تعیین گردیده است ماده ۳ ـ معیار تشخیص نزدیکترین کانون ، فاصله نزدیکترین مرکز هر استان با مرکز استان دیگر ، براساس جداول تعیین فاصله شهرها که به وسیله وزارت راه و ترابری تهیه می‌شود بوده و در صورت بروز هرگونه ابهام و اختلاف در تشخیص نزدیکترین کانون ، نظر شورای عالی ملاک عمل می‌باشد.

فصل دوم ـ شورای عالی (ماده ۴ تا ۲۲)

ماده ۴ ـ تعداد نصاب هرکانون برای عضویت در شورای عالی ، متناسب با تعداد کارشناسان رسمی آن کانون ، حداقل سه ماه قبل از برگزاری انتخابات درهر دوره انتخاباتی به وسیله شورای عالی تعیین و اعلام می گردد. ماده ۵ ـ نصاب کانونها برای عضویت در شورای عالی با در نظر گرفتن نسبت کل کارشناسان رسمی به تعداد هجده نفر اعضا شورای عالی تعیین می گردد. چنانچه تعداد کارشناسان رسمی یک کانون (اعم از کارشناسان آن استان و کارشناسان استان دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو آن کانون محسوب می گردند) کمتر از نصاب لازم برای معرفی یک عضو باشند ، کارشناسان آن کانون به ترتیب با کارشناسان نزدیکترین کانون یا کانونهای دیگرتجمیع و تعداد نصاب اعضا برای شورای عالی تعیین خواهد شد. تبصره ـ پس از تعیین و اعلام تعداد نصاب اعضای هر کانون ، داوطلبان عضویت در شورای عالی یک ماه مهلت دارند تا در کانون مربوط داوطلبی خودرا ثبت نمایند. کانونها موظفند ظرف حداکثر پانزده روز از تاریخ پایان مهلت ثبت نام ، اسامی و آخرین وضعیت پروانه کارشناسی داوطلبان را به شورای عالی و در دوره اول به کانون استان تهران اعلام نمایند. ماده ۶ ـ شورای عالی بلافاصله پس از وصول تمامی اسامی داوطلبان که ثبت نام کرده‌اند فهرست اسامی و وضعیت پروانه آنان را در اختیار کمیسیون تشخیص صلاحیت موضوع ماده ۱۳ قانون قرار می‌دهد. تبصره ۱ ـ داوطلبان باید در زمان ثبت نام و اخذ رای دارای پروانه معتبر کارشناسی بوده و در حالت تعلیق نباشند. تبصره ۲ ـ شورای عالی پس از اخذ نظر کمیسیون ماده ۱۳ بلافاصله فهرست اسامی داوطلبان واجد شرایط را به کانونهای مربوط اعلام می‌نماید. داوطلبانی که صلاحیت آنها رد شده می‌توانند از تاریخ اعلام کانون مربوط به آنان ، ظرف مدت پنج روز اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند. کانون مزبور بلافاصله اعتراضات واصله را به کمیسیون ماده ۱۳ منعکس نموده و کمیسیون یاد شده ظرف یک هفته نظریه قطعی خود را به کانون مربوط اعلام خواهد کرد. ماده ۷ ـ به منظور انتخاب اعضا شورای عالی پس از تعیین نصاب هر استان در روز و ساعت معینی در کانون مربوط در سراسر کشور انتخابات برگزار می‌شود. کارشناسان رسمی دادگستری عضو کانون مربوط می‌توانند به تعداد دو برابر نصاب تعیین شده به کاندیداهای مورد نظر خود رای دهند. انتخاب شوندگان به ترتیب فوق در جلسه ای که در محل شورای عالی تشکیل می‌شود و تاریخ آن از قبل تعیین و به اطلاع منتخبین رسیده از بین خود ۱۸ نفر را به عنوان اعضا شورای عالی انتخاب می‌نمایند. در هر صورت تعداد انتخاب شدگان در استان باید دو برابر نصاب تعیین شده باشد. تبصره ۱ ـ کلیه هجده نفر باقیمانده از منتخبان مرحله اول ، به عنوان (افراد ذخیره) کانونهای مربوط در شورای عالی محسوب می گردند تا چنانچه اعضا اصلی کانون مربوط به هر دلیل از جمله فوت ، استعفا ، تعلیق ، ابطال پروانه کارشناسی یا غیبت غیر موجه عضویت خود را از دست دهند ، (افراد ذخیره) آن کانون که به ترتیب حایز اکثریت آرا بوده برای بقیه مدت به عضویت اصلی شورای عالی در آیند. تبصره ۲ ـ چنانچه (افراد ذخیره) نیز به دلایل فوق وجود نداشته باشند ، انتخابات میان دوره‌ای در کانون مربوط انجام شده و دو برابر نصاب تعیین شده مذکور انتخاب و معرفی می گردند تا در شورای عالی با حضور تمامی اعضای اصلی و نیز (افراد ذخیره) کانون ها که حداکثر سی و شش نفر خواهند بود ، اعضای اصلی مورد نیاز تا حد نصاب را انتخاب نمایند. در هر صورت رعایت نصاب تعیین شده برای کانونها اعم از اصلی و ذخیره باید مد نظر باشد.بقیه منتخبان مذکور ، (افراد ذخیره) کانون مربوط برای باقیمانده مدت محسوب می گردند. ماده ۸ ـ مسوولیت اجرای انتخابات به عهده شورای عالی خواهد بود. معرفی کارشناسان موضوع ماده ۱۳ قانون به رییس قوه قضاییه و اجرای انتخابات‌شورای عالی و کلیه وظایفی که در قانون و این آیین نامه به عهده شورای عالی است ، در دوره اول و قبل از تشکیل شورای عالی به عهده کانون استان تهران می‌باشد. ماده ۹ ـ محل برگزاری مرحله اول انتخابات شورای عالی ، کانون استانها و در مرحله دوم کانون استان تهران یا شورای عالی می‌باشد. در مواردی که طبق‌قسمت اخیر ماده ۵ این آیین نامه دو یا چند کانون و نمایندگی با یکدیگر تجمیع و رای می‌دهند ، محل برگزاری مرحله اول انتخابات در کانونهای مذکورخواهد بود که اعضای هر کانون برای اخذ رای به کانون استان خود

مراجعه می‌نمایند. حایزان اکثریت آرا در این محاسبه کارشناسی می‌باشد که بیشترین‌رای را در صندوق کانون های مذکور کسب نموده باشد ، اعم از آرا اعضای مقیم کانونها و آرا اعضای استانهای دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو نمایندگی آن کانون می‌باشند. ماده ۱۰ ـ به منظور همکاری وهماهنگی کانونها در امر انتخابات شورای عالی وانتخاب سی‌وشش نفر مربوط (هجده نفر اعضای اصلی و هجده نفر افراد ذخیره ، بدوا با تشکیل مجمع عمومی مرکب از اعضای هیات مدیره کلیه کانونهای کشور که به دعوت کانون استان تهران تشکیل می گردد از بین‌کارشناسان معتبر نسبت به تعیین (هیات نظارت بر انتخابات شورای عالی) برای هر استان به پیشنهاد هر یک از هیات مدیره‌های استانها اقدام می گردد. تعداد اعضای هیات نظارت مذکور باید به نحوی باشد که برای هر استان لااقل سه نفر به عنوان ناظر بر انتخابات ، به شرط آنکه ناظران خود داوطلب عضویت در شورای عالی نباشند ، انتخاب شوند. نحوه تشکیل حد نصاب ، اداره جلسه و سایر ضوابط مجمع عمومی هیات مدیره کانونها ، طبق نظامات و تشریفات مقرر در قانون و این آیین نامه می‌باشد که برای مجامع عمومی پیش بینی شده است ماده ۱۱ ـ انتخابات اعضای شورای عالی در یک روز و ساعت معین در کل کشور انجام و صندوق اخذ رای در محل کانونهای مربوط یا نمایندگی های کانون ذی‌ربط مستقر می گردد. کارشناسان واجد شرایط رای دادن در ساعات تعیین شده برای تکمیل تعرفه منضم به رای و اخذ برگ مخصوص رای گیری شخصا با در دست داشتن پروانه کارشناسی معتبر در محل صندوق کانون استان یا نمایندگی مربوط مراجعه و به طور مخفیانه رای خواهند داد. صندوق هابايد قبلا با نظارت ناظران منتخب مجمع عمومی هیات مدیره‌ها لاک و مهر شده و برگ های آرا نیز قبلا توسط ناظران مذکور امضا و مهر گردد. تبصره ـ مجمع عمومی هیات مدیره استانها می‌توانند در صورت داشتن امکانات اخذ رای در استانهایی که در آنها کانون تشکیل نشده و به صورت نمایندگی یکی از کانونها اداره می‌شوند ناظران را معرفی و در همان روز و ساعت و تاریخ اخذ رای ، در استانهای مذکور نیز صندوق اخذ رای مستقر نمایند. ماده ۱۲ ـ پس از خاتمه مهلت اخذ رای ، صندوقها در محل کانون یا محل نمایندگی مربوط ، با حضور ناظران منتخب مجمع عمومی هیات مدیره کانونها و دو نفر نمایندگان هیات مدیره کانون مربوط که خود داوطلب انتخاب در شورای عالی نمی‌باشند ، مفتوح گردیده ، شمارش و قرائت آرا انجام می گیرد. سپس اسامی منتخبان براساس آرا مأخوذه صندوق یا صندوق های اخذ رای آن استان به ترتیب آرا مکتسبه صورتمجلس و به امضا اعضا جلسه رسیده و برای شورای عالی ارسال می‌شود. ماده ۱۳ ـ اولین جلسه شورای عالی ، حداکثر پانزده روز پس از انتخابات مرحله دوم ، با حضور کلیه اعضا اصلی تشکیل می گردد. در این جلسه ، اعضا از بین خود رییس ، نایب رییس ، خزانه دار ، کارپرداز ، دو نفر منشی و دو نفر بازرس با اکثریت آرا انتخاب می‌نمایند. تبصره ۱ ـ دعوت اعضا برای تشکیل جلسه به وسیله رییس شورای عالی صورت می گیرد و در اولین دوره به دعوت رییس کانون استان تهران می‌باشد. تبصره ۲ ـ چنانچه در جلسه اول همه اعضا شرکت ننمایند ، ظرف یک هفته جلسه بعدی تشکیل و با حضور نصف به علاوه یک اعضا اصلی رسمیت خواهد یافت رای دو سوم حاضران در جلسه معتبر است تبصره ۳ ـ جلسات شورای عالی در هر ماه یک بار تشکیل می‌شود و در صورت ضرورت جلسات فوق العاده تشکیل خواهد شد. ماده ۱۴ ـ چگونگی ایجاد تشکیلات سازمانی و تقسیم وظایف اعضا شورای عالی طبق دستورالعمل داخلی شورای مزبور صورت خواهد گرفت ماده ۱۵ ـ عضویت در شورای عالی افتخاری است و بابت عضویت و شرکت در جلسات حق الزحمه ای پرداخت نمی‌شود. تبصره ـ چنانچه هر یک از اعضا به تشخیص و تصویب شورای عالی به صورت موظف در این شورا مشغول به کار گردند ، با تصویب شورای یاد شده حق الزحمه ای متناسب برای دوران اشتغال به آنان پرداخت می گردد. ماده ۱۶ ـ هزینه های جاری شورای عالی در بودجه ای که همه ساله توسط شورای مزبور تصویب می گردد ، از محل درآمد کانون استانها به نسبت بودجه سالانه هر کانون تامین می‌شود. کانونها مکلف به پرداخت این هزینه ها در ظرف سال می‌باشند. ماده ۱۷ ـ شورای عالی می‌تواند از طریق کانونهای مستقل مربوط ، محدوده مورد عمل کارشناسان رسمی را به حوزه معین منحصر نماید کارشناسان رسمی موظفند نظاماتی را که از طریق شورای عالی با رعایت قانون و این آیین نامه اعلام

می گردد رعایت نمایند. ماده ۱۸ ـ شورای عالی می‌تواند از میان کارشناسان رسمی کانون های کشور در هر رشته ، هیات یا هیات هایی مرکب از حداقل سه‌نفر کارشناس رسمی به عنوان کمیسیونهای مشورتی علمی و فنی کارشناسان آن رشته انتخاب نماید تا ضمن همکاری لازم در تهیه سوالات آزمون و نیز اعطا صلاحیت اولیه یا اضافی به کارشناسان رسمی یا متقاضیان کارشناسی ، نظر مشورتی خود را به شورای عالی و یا به کانونهایی که شورای عالی به آنها تفویض اختیار نموده اعلام نمایند. ماده ۱۹ ـ به منظور هماهنگی و امکان استفاده از کارشناسان رسمی کشور در دعاوی خارجی و محاکم و مراجع بین المللی ، شورای عالی موظف است کارت و پروانه کارشناسان رسمی کل کشور را علاوه بر زبان فارسی به زبان انگلیسی نیز تهیه و جهت استفاده آنها در اختیار کانون های کشور قرار دهد. ماده ۲۰ ـ اعضای شورای عالی برای مدت چهار سال با رای کارشناسان رسمی کل کشور انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است ماده ۲۱ ـ مکاتبات شورای عالی صرفا از طریق رییس شورا و در غیاب وی با نایب رییس خواهد بود. ماده ۲۲ ـ مقررات ، دستورالعمل ها و ضوابطی که در حدود مقررات قانون و این آیین نامه توسط شورای عالی تصویب و ابلاغ می گردد و همچنین در کلیه مواردی که در اجرای این آیین نامه ابهاماتی پیش آید ، نظر شورای عالی که با در نظر گرفتن مقررات قانون و این آیین نامه اعلام می گردد معتبر بوده و برای کلیه کارشناسان رسمی کانونها و مراجع مربوط لازم الرعایه می‌باشد.

فصل سوم ـ مجامع عمومی (ماده ۲۳ تا ۴۲)

ماده ۲۳ ـ اعضای مجامع عمومی هر کانون از کارشناسان رسمی آن کانون و همچنین کارشناسان رسمی نزدیکترین استان مجاور که به لحاظ فقدان کانون مستقل عضو آن کانون هستند و دارای پروانه کارشناسی معتبر بوده و در حال تعلیق نباشند تشکیل می گردد. ماده ۲۴ ـ چنانچه مجامع عمومی براساس بند (الف ماده (۶) قانون در دومین جلسه نیز نصاب لازم را نداشته باشند ، دعوت از اعضا تا تشکیل مجمع با نصاب لازم قانونی تجدید می‌شود. ماده ۲۵ ـ در هیچ یک از مجامع وکالت از اعضا دارای اعتبار نمی‌باشد. ماده ۲۶ ـ در مواردی که مهلت تشکیل مجمع عمومی عادی گذشته و به هر دلیل از جمله عدم حد نصاب قانونی در جلسات اول و دوم مجمع عمومی عادی رسمیت نیافته و منتج به نتیجه نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. ماده ۲۷ ـ در مواردی که نیاز به انتخابات میان دوره‌ای باشد و همچنین در سایر مواردی که ضرورت تشکیل مجمع فوق العاده را با رعایت دیگر مقررات قانون بنا به تشخیص هیات مدیره کانون مربوط ایجاب نماید و تصمیمات متخذه جزو وظایف مجمع عمومی عادی نباشد ، مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. ماده ۲۸ ـ نصاب رسمیت جلسات مجامع عمومی عادی در مورد جلسات مجامع عمومی فوق العاده نیز لازم الرعایه است ماده ۲۹ ـ مهلت ثبت نام داوطلبان برای عضویت در هیات مدیره کانون و بازرسان و دادستان انتظامی قبل از تشکیل مجامع عمومی ، از سوی شورای عالی از طریق درج در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان و توسط کانون مربوط اعلام می گردد. داوطلبان باید در مهلت تعیین شده به صورت کتبی تقاضای خود را در دفتر کانون مربوط ثبت نمایند. ماده ۳۰ ـ منظور از شهر محل کانون مندرج در تبصره ۱ ماده ۹ قانون ، حوزه فعالیت کارشناس می‌باشد که در پروانه کارشناسی وی مشخص شده است ماده ۳۱ ـ پس از پایان مهلت ثبت نام داوطلبان ، دفتر کانون مربوط موظف است تقاضاهای ثبت شده و وضع پروانه داوطلبان و مشخصات کامل آنان رادر اختیار کمیسیون ماده ۱۳ قانون قرار دهد. کمیسیون موظف است ظرف مدت هفت روز شرایط داوطلبان را با شرایط مندرج در ماده ۹ قانون تطبیق و نظر خود را به کانون مربوط اعلام نماید. ماده ۳۲ ـ نظر کمیسیون بلافاصله در محل کانون مربوط اعلان می گردد. کارشناسان داوطلب که به نظر کمیسیون اعتراض دارند می توانند ظرف سه روزاز تاریخ اعلان ، اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند. اعتراضات واصله توسط کانون مربوط بلافاصله به

شورای عـالی ارسـال می گردد و شورای مزبور حـداکثر ظرف یـک هفته رسـیدگی و نظر خود را اعلام می‌نمایـد. نظر شورای عالی قطعی است ماده ۳۳ ـ پس از اعلام اسامی داوطلبان واجد صـلاحیت ، مجمع عمومی در مهلت مقرر قانونی تشـکیل می گردد و برای انتخـاب رییس و منشـیان ، از بین اعضای حاضـر در مجمع یک نفر به عنوان رییس سـنی و یک نفر منشـی ، اداره جلسه را به عهـده می گیرند و سـپس رییس و دو نفر منشـی مجمع عمومی ازسوی حاضران در مجمع و از بین اعضا حاضر انتخاب می‌شوند. ماده ۳۴ ـ هیـات نظـارت از بین اعضـا حاضـر در جلسه مجمع عمومی انتخـاب می گردنـد. داوطلبـان برای هیـات مـدیره ، بازرسـان و دادسـتان انتظامی نمی‌تواننـد به عضویت هیات نظارت انتخاب شوند. ماده ۳۵ ـ اعضا شورای عالی و هیات مـدیره کانونها و سایر اعضا ارکان کانونها موظفنـد همانند سایر کارشـناسان رسـمی ضـمن اقدام برای تمدید بموقع پروانه کارشناسـی خود ، سایر نظامات مربوط را از طریق کانون ذی ربط رعایت نماینـد. ماده ۳۶ ـ وظـایف هیات رییسه و هیات نظارت مجامع عمومی عبارتنـد از الف ـ ایجاد نظم در برگزاری انتخابـات . ب ـ توزیع اوراق اخـذ رای پس از امضا و مهر نمودن . ج ـ مراقبت در جمع آوری ، شـمارش و قرایت آرا . د ـ تنظیم و امضا صورتجلسه برگزاری انتخابات و تهیه فهرست منتخبان به ترتیب تعداد آرا مکتسـبه . هـ اعلام نتیجه انتخابات به شورای عالی جهت صـدور احکام مربوط . تبصـره ـ هیات نظارت مکلف است قبل از اخـذ رای ، صـندوق خالی اخذ آرا را به رویت مجمع عمومی رسانیـده و سـپس آن را لاک و مهر نمایـد. ماده ۳۷ ـ انتخابـات به صورت جمعی و مخفی انجـام می گیرد و رای بایـد روی اوراق چـاپی دو قسـمتی تاییـد شـده به مهر و امضـای هیـات نظـارت به شـرحزیر نوشـته شود در قسـمتی از ورقه که نزد کانون باقی می‌مانـد مشـخصات کامـل رای دهنـده شامـل موارد ذیـل ثبت می گردد الف ـ نـام و نـام خـانوادگی و نام پـدر . ب ـ شـماره پروانه کارشناسـی . ج ـ نام کانون محل اخـذ رای . د ـ امضا رای دهنـده . پس از ثبت مشـخصات مـذکور ،قسـمت دوم ورقه که باید فاقد هرگونه امضا ، شماره و علامت مشخصه بوده و فقط دارای محل مناسب و کافی برای درج اسامی به تعداد اعضا اصلی و علی البدل ارکـان کـانون باشـد ، از ورقه جـدا و به رای دهنـده تسـلیم می گردد ، تا رای خود را در آن به صورت مخفی نوشـته و در صـندوق بیانـدازد. ماده ۳۸ ـ پس از پایـان مهلت اخـذ رای ، صـندوق آرا توسـط هیـات رییسه مجمـع عمـومی و هیـات نظـارت مفتـوح و آرا مأخوذه شـمارش و قرائت می‌شود و فهرست منتخبان به ترتیب آرا ماخوذه تهیه وامضا می گردد. تبصـره ـ آرا قرائت شـده مجـددا در صنـدوق ضـبط و توسط هیات نظارت لاک و مهر می گردد و تا پایان رسـیدگی به اعتراضات احتمالی و اعلام نتیجه قطعی انتخابات محفوظ می‌ماند تا در صورت نیاز به بازبینی و بازرسی مورد استفاده قرار گیرد و سپس معدوم می‌شود. ماده ۳۹ ـ مدت اعتراض ، از جریـان انتخابـات تـا سه روز پس از اعلامـ نتایـج اولیه انتخابات می‌باشـد و اعتراض از کسانی پـذیرفته می‌شود که در مجمع عمومی حضور داشته‌اند. ماده ۴۰ ـ اعـتراض به صورت کتبی به کـانون مربوط تسـلیم و در جلسه‌ای مرکب از هیـات رییسه مجمع عمومی و هیات نظارت و نماینده شورای عالی رسیدگی می‌شود. رای اکثریت حاضران معتبر می‌باشد. ماده ۴۱ ـ کانون مربوط ظرف سه روز از تاریخ قطعی شدن انتخابات ، اسامی منتخبان را به شورای عالی ارسال کرده و شورای مزبور احکام لازم را در اسرع وقت صادر و ابلاغ می‌نماید. ماده ۴۲ ـ چنانچه در جلسه رسیدگی به اعتراضات ، اعتراض وارد تشـخیص داده شود ، مراتب جهت اتخاذ تصـمیم لازم به شورای عالی اعلام می گردد.

فصل چهارم ــ هيات مديره (ماده ۴۳ تا ۴۸)

ماده ۴۳ ـ اعضـا اصـلی هیات مـدیره کانون به ترتیب تعـداد آرا مکتسـبه از بین منتخبان تعیین و بقیه نیز به ترتیب تعـداد آرا و تا حد نصاب مقرر در ماده ۱۰ قانون عضو علی البدل خواهند بود. ماده ۴۴ ـ اولین جلسه هیات مدیره منتخب ظرف حداکثر یک هفته پس از صـدور احکـام اعضـا توسـط شورای عـالی به ترتیب به دعوت رییس ، نـایب رییس هیـات مـدیره قبلی و یا ناظر شورای عالی در

مجمع عمومی بـا حضور تمـامی اعضـا تشـکیل و نسـبت به انتخاب رییس و نایب رییس و منشـی و مسوول امور مالی تصـمیم گیری خواهند نمود. تبصره ۱ ـ چنـانچه در جلسه اول تمامی اعضا حضور نیابنـد جلسه بعـدی ظرف یک هفته با رعایت نصاب منـدرج در ماده ۱۰ قانون تشـکیل یافته و مسوولان یاد شده ، انتخاب می گردند. تبصره ۲ ـ جلسات هیات مدیره باید حداقل هر پانزده روز یک بار تشکیل و خلاصه مذاکرات و نتیجه تصمیمات قرائت وتصویب و سپس صورتجلسه به امضا حاضران در جلسه برسد. ماده ۴۵ ـ از اعضای اصـلی و علی البـدل جهت شـرکت در جلسات هیات مـدیره دعوت به عمل میایـد و اعضای علی البدل در صورتی حق رای خواهنـد داشت که به علت عدم حضور اعضای اصـلی حد نصاب قانونی حاصل نشده باشد. در این صورت تا حصول نصاب قانونی اعضای علی البـدل به ترتیب آرا به عنوان اعضای اصـلی صـرفا در همان جلسه حق رای خواهند داشت ماده ۴۶ ـ در صورت فوت یا اسـتعفا و یا سلب صلاحیت و یا غیبت غیر موجه در شش جلسه متوالی و یا هر دلیل قانونی دیگر که باعث برکناری عضو اصلی شود ، عضو علی البـدلی که دارای بیشترین رای بوده به عنوان عضو اصـلی جایگزین می گردد و حکم وی با معرفی رییس کانون توسـط رییس شورای عالی صادرمی‌شود. ماده ۴۷ ـ هیات مدیره هر کانون مکلف است هزینه متناسبی را که شورای عالی برابر تبصـره ذیل ماده ۳۰ قـانون به عنوان سـهم آن کانون از هزینه های جاری شورای عالی تعیین و ابلاغ می‌نمایـد همه ساله در بودجه خود منظور و بتدریـج طی سـال مـالی مربوط حـداکثر تا پایان سال مالی به شورای عالی بپردازد. ماده ۴۸ ـ هیات مـدیره هرکانون موظف است به منظور اطمینـان از ارتقـای کیفیت خـدمات حرفه‌ای کارشـناسان کـانون مربوط ، همـاهنگی در روشـهای انجام کارشناسـی ، کیفیت گزارش های کارشناسـی ، پیشگیری از رفتار ناسازگار با شوون حرفه‌ای و ضرورت گذراندن دوره های بازآموزی کارشناسان عضو ، همچنین دقت در رعـایت مقررات قـانونی ، آیین نـامه ها و دسـتورالعمل های اجرایی و ضوابط و نظامنامه های تـدوینی و تصویبی شورای عالی ، بر کارحرفه‌ای کارشناسان رسمی آن کانون نظارت مستمر نماید. نظارت کانون بر فعالیت های حرفه‌ای اعضا با جلب نظر گروههـای تخصصـی ذی ربط انجـام می گیرد. کارشـناسان رسـمی موظفنـد پرونـده ها ، اطلاعات ، مـدارک مورد نیاز را برای رسیدگی در اختیـار کانون و گروه های مـذکور قرار دهنـد. گزارشـها و مـدارک مربوط جزو اسـناد طبقه بنـدی شـده محسوب وبه کارگیری و یا افشای آن در غیر مورد ممنوع می‌باشد.

فصل پنجم ـ بازرسان (ماده ۴۹ تا ۵۰)

ماده ۴۹ ـ وظایف واختیارات بازرسان در شورای عالی عبارتست از الف ـماننـد سایر اعضا شورای عالی در جلسات شورای مزبور با داشـتن حق رای شـرکت نموده و در تعیین خط مشـی و سایر تصـمیمات سهیم می‌باشند. ب ـ هر زمان که لازم بدانند می‌توانند امور مالی شورای عالی را مورد بررسـی و حسابرسـی قرار داده و اگر در زمینه نگهداری حسابها و مسایل مالی به مواردی از وجود نقص ویـا سو جریـان برخورد نمودنـد موضوع را به رییس شورای عـالی جهت طرح در جلسات آن شورا گزارش نماینـد و چنانچه رییس شـورای عـالی از طرح موضـوع خـودداری نمایـد ، بازرسـان می‌تواننـد موضوع نواقص احتمـالی را مسـتقیما در شورای عـالی مطرح نمایند. ماده ۵۰ ـ وظایف و اختیارات بازرسان در هیات مـدیره کانونها به شـرح زیر است الف ـ بازرسان می‌توانند در جلسات هیات مدیره بدون داشـتن حق رای شرکت نمایند. ب ـ بازرسان اختیار دارند بدون دخالت در امور اجرایی بر عملیات کانون نظارت داشته و دفـاتر و اسـناد و مـدارک و اطلاعـات مورد نیـاز را بـدون آنکه وقفه‌ای در فعـالیت هـای اجرایی کـانون ایجاد شود مطالبه و مورد بررسـی قرار دهنـد. ج ـ بازرسـان موظفنـد صورتهـای مالی مصوب هیات مـدیره کانون را که حـداقل دو هفته قبل از تشـکیل مجمع عمومی سالیـانه تهیه و در اختیارشـان قرارمی گیرد ، مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را ظرف حـداکثر پنـج روز قبـل از تشـکیل مجمع عمومی در اختیـار هیـات مـدیره جهت طرح در مجمع عمومی قرار دهنـد و گزارش سالیـانه خود را براساس ماده ۲۰ قانون به

مجمع عمومی ارائه نمایند.

فصل ششم ــ آزمون ، کارآموزی ، صدور پروانه کارشناسی (ماده ۵۱ تا ۵۶

ماده ۵۱ ـ شورای عالی همه ساله طی یک نوبت آگهی که حداقل در دو روزنامه کثیرالانتشار کشور منتشر می‌شود تعداد کارشناسان مورد نیاز در رشته های مختلف را به تفکیک نیاز استانها اعلان خواهد نمود. تبصره ۱ ـ شورای عالی قبل از انتشار آگهی نظرات ادارات کل دادگستری های استان ها و کانون ها را در مورد نیاز استان مربوط کسب و بر مبنای آن تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. تبصره ۲ ـ کانونها می‌توانند آگهی منتشره از سوی شورای عالی در بخش مربوط به حوزه فعالیت خود را در یک روزنامه محلی نیز منتشر نمایند. ماده ۵۲ ـ داوطلبان درخواست پروانه کارشناسی باید تقاضای خود را با مشخصات زیر به دفتر کانون مربوط یا دفتر نمایندگی استان هایی که کانون کارشناسان در آن استان تشکیل داده است تسلیم نمایند الف ـ مشخصات کامل داوطلب . ب ـ محل اقامت داوطلب برای ابلاغ اوراق . ج ـ تصریح به نداشتن سو پیشینه . د ـ تعهد به عدم اعتیاد به افیون و مواد مخدر . هـ مدرک تحصیلی مورد نیاز و چنانچه دانشنامه از دانشگاه های خارج از کشور اخذ شده باشد ارائه تاییدیه از مرجع ذی صلاح . و ـ رشته مورد درخواست پروانه کارشناسی . ز ـ محل مورد درخواست برای کارشناسی . ح ـ اعلام آدرس و مشخصات دو نفر معرف ط ـ گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر داشتن پنج سال سابقه کار تجربی در رشته مورد تقاضا بعد از اخذ مدرک تحصیلی لیسانس در رشته مورد تقاضا با توجه به بند و ماده ۱۵ قانون و در مورد رشته هایی که دانشنامه لیسانس مربوط نداشته باشد اخذ گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر پانزده سال سابقه کار تجربی در رشته مورد تقاضا با داشتن مدرک کارشناسی یا بالاتر در هر رشته و در خصوص متقاضیان مشمول تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون ارائه گواهی ده سال سابقه در امور ثبتی یا نقشه برداری ثبتی ماده ۵۳ ـ به منظور انتخاب کارشناسان مورد نیاز از لحاظ علمی و تجربی و صلاحیت اولویت های اخلاقی و سایر موارد مقرر در ماده ۱۵ قانون ، در هردوره آزمون ، شورای عالی کسانی را که در آزمون علمی و تجربی موفق و نصاب نمره قبولی کسب کرده‌اند به کمیسیون ماده ۱۳ قانون معرفی می‌نماید. ماده ۵۴ ـ برگزاری آزمون به صورت کتبی و شفاهی خواهد بود و منابع سوالات امتحانی عبارتست از منابع کتب دانشگاهی در رشته مربوط که با رعایت استانداردها و تجارب لازم مربوط به هر رشته انتخاب و معرفی می گردد. تبصره ـ موعد اعلام نتیجه قبولی داوطلبان حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ اخذ آزمون می‌باشد. ماده ۵۵ ـ داوطلبان کارشناسی که جهت اخذ پروانه کارشناسی انتخاب می گردند موظفند ، دوره کارآموزی خود را زیر نظر کارشناس راهنما که از سوی کانون مربوط معرفی می گردد با موفقیت بگذرانند. کارشناس راهنما هر سه ماه یکبار نظر خود را نسبت به کارآموز به کانون مربوط گزارش می‌نماید و در صورتی که نظر کارشناس راهنما نسبت به کارآموز منفی باشد دوره کارآموزی برای مدتی که لازم باشد اضافه می گردد. تبصره ـ وظایف کارآموز عبارتست از انجام امور کارشناسی آموزشی و مطالعه قوانین و مقررات مربوط و شناخت وظایف کارشناسی که از سوی کارشناس راهنما به وی محول می گردد و موفقیت در کلاسهای آموزشی که از طرف کانونها تشکیل می‌شود. ماده ۵۶ ـ دستورالعمل جزییات طرح سوالات آزمون ، نحوه برگزاری آزمون ، نصاب نمره قبولی ، مصاحبه علمی و تجربی ، کارآموزی و نظارت بر آن وهمچنین مقررات رشته ها و گروه های کارشناسی و تشکیل نمایندگی کانون استان ها و شهرستان ها ، به وسیله شورای عالی تدوین ، تصویب و جهت اجرا به کانون ها ابلاغ می گردد.

فصل هفتم ــ کمیسیون صلاحیت و اولویتهای اخلاقی (ماده ۵۷ تا ۵۸

ماده ۵۷ ـ به منظور تطبیق موارد مندرج در مواد ۹ و ۱۵ قانون و گزینش صلاحیت اولویت های اخلاقی متقاضیان کارشناسی و همچنین اظهارنظر درخصوص صلاحیت داوطلبان عضویت در ارکان کانون و عضویت در شورای عالی کمیسیونی به شرح مندرج در ماده ۱۳ قانون تشکیل می گردد که اهم وظایف آن به شرح ذیل می‌باشد الف ـ تطبیق شرایط داوطلبان کارشناسی (متقاضیان امر کارشناسی) با مواد مندرج در ماده ۱۵ قانون و گزینش صلاحیت اولویت های اخلاقی و اعلام نتیجه به شورای عالی ب ـ تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در ارکان کانون با شرایط مندرج در ماده ۹ قانون و اعلام نظریه خود ظرف مهلت هفت روز به کانونهای مربوط ج ـ تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در شورای عالی با شرایط مندرج در بندهای یاد شده در ماده ۲۷ قانون و اعلام نظر در مهلت هفت روز به شورای عالی ماده ۵۸ ـ واحد حراست کانون مکلف است هر گونه همکاری را با کمیسیون ماده ۱۳ قانون به عمل آورده و تحقیقات مورد نظر کمیسیون را در مهلتی که تعیین می‌شود انجام و نتیجه را اعلام دارد. همچنین کلیه مراجع قضایی و انتظامی ، وزارتخانه ها ، سازمانها ، موسسات ، شرکت ها ، بانک ها ، شهرداری ها ، بنیاد ها ، نهادهای انقلاب اسلامی و اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی و سایر مراجع عمومی و دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام است موظفند به استعلامات کمیسیون ماده ۱۳ و حراست کانون پاسخ داده و همکاری های لازم را معمول دارند. تبصره ـ در صورتی که وزارت اطلاعات در مهلت مقرر در تبصره ه ماده ۱۵ به استعلامات انجام شده پاسخ ندهد ، کمیسیون براساس اطلاعات کسب شده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

فصل هشتم ـ دادسرا و دادگاههای انتظامی (ماده ۵۹ تا ۷۰

ماده ۵۹ ـ شکایت از تخلفات کارشناس رسمی باید کتبی و با امضای شاکی بوده و حاوی مشخصات زیر باشد الف ـ نام و نشانی شاکی . ب ـ موضوع شکایت با تصویر گزارش کارشناس و ذکر مدارک مورد استناد. شکایت در دفتر کانون مربوط ثبت می‌شود و هیات مدیره کانون عندالاقتضا شکایت را جهت رسیدگی و اظهار نظر به دادسرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی ارسال می‌نماید. ماده ۶۰ ـ در صورتی که دادسرای انتظامی پس از اقدامات اولیه و بررسی و تفهیم اتهام به تعقیب کارشناس معتقد باشد ، کیفر خواست صادر و ضمن ارسال به دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی ، یک نسخه از آن را ظرف مهلت ده روز از طریق کانون مربوط به وسیله پست سفارشی پیشتاز به کارشناس ابلاغ می‌نماید. کارشناس می‌تواند ظرف مهلت یک ماه از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را کتبا از طریق دفتر کانون و یا مستقیما به دفتر دادگاه انتظامی تسلیم نماید. ماده ۶۱ ـ در صورتی که دادسرا یا دادگاه های انتظامی کانون حضور شاکی یا کارشناس را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بدانند حسب مورد احضاریه صادر می‌نمایند. عدم حضور در وقت مقرر بدون عذر موجه مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. ماده ۶۲ ـ عذر موجه برای کارشناس علاوه بر مقررات مندرج در ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی شامل دعوت دادگاهها و مراجع قانونی دیگرجهت قرار کارشناسی یا ادای توضیحات نزد مراجع مذکور نیز می‌باشد. ماده ۶۳ ـ دادگاههای انتظامی پس از وصول پاسخ کارشناس یا انقضای مهلت های مذکور در ماده ۵۹ وقت رسیدگی تعیین می کنند و از طریق دفتر دادگاه به اطلاع دادسرای انتظامی و کارشناس و ریاست کانون مربوط و در مورد دعاوی تجدید نظر به شورای عالی جهت معرفی دیگر اعضا دادگاه خواهند رساند. اعضای معرفی شده در هر پرونده تا پایان رسیدگی و صدور رای قابل تعویض نخواهند بود. عدم حضور کارشناس یا معاون دادسرای انتظامی مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود. ماده ۶۴ ـ چنانچه به نظر شورای عالی نیاز به شعبه یا شعب دیگر تجدید نظر انتظامی باشد ، با درخواست رییس شورای مزبور و تصویب رییس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد. ارجاع پرونده به شعبه یا شعب تجدید نظر به عهده رییس شعبه اول تجدید نظر است ماده ۶۵ ـ در صورتی که مراجع قضایی از کارشناسان تخلفی مشاهده نمایند

که قابل تعقیب در دادگاه انتظامی باشد مراتب را کتبا به کانون مربوط اطلاع می‌دهند. هرگاه کانون موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را جهت رسیدگی به دادسرای انتظامی کانون ارجاع می‌نماید و چناچه معتقد به تعقیب نباشد مراتب را به مرجع مذکور اطلاع می‌دهد. در صورتی که نظر کانون مورد پذیرش مرجع قضایی قرار نگیرد رأسا جهت رسیدگی به دادسرای انتظامی کانون ارجاع می‌نماید. ماده ۶۶ ـ مراجع قضایی رسیدگی کننده به شکایات علیه کارشناسان رسمی چنانچه عمل انتسابی را جرم ندانند لکن موضوع را منطبق با یکی ازتخلفات مندرج در ماده ۲۶ قانون تشخیص دهند پرونده را با صدور قرار مقتضی جهت رسیدگی به دادسرای انتظامی کانون مربوط ارسال خواهند نمود. ماده ۶۷ ـ کلیه شکایات واصله علیه اعضای هیات مدیره ، دادستان و بازرسان کانون ها به شورای عالی ارسال می گردد. شورای عالی موظف است موضوع را ضمن بررسیهای لازم عندالاقتضا با سوابق امر در اجرای بند ط ماده ۷ قانون جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادسرای انتظامی قضات ارسال نماید. ماده ۶۸ ـ دادستان انتظامی هر کانون مکلف است دو برابر دادیاران مورد نیاز را از بین کارشناسان رسمی آن کانون انتخاب و معرفی نماید. هیات مدیره کانون مربوط دادیاران مورد نیاز را تایید و جهت صدور حکم انتصاب به دادستان انتظامی معرفی می کند. تبصره ـ دادستان انتظامی کانون می‌تواند افرادی را از بین حقوقدانان پس از تامین بودجه آنان از طریق هیات مدیره و مجمع عمومی به عنوان معاون دادستان انتخاب و ابلاغ لازم صادر نماید. ماده ۶۹ ـ در صورتی که مراجع قضایی وانتظامی ، وزارتخانه‌ها ، ادارات ، سازمانها ، موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت ، بانک ها ، نهاد ها ،بنیاد ها ، شهرداری ها و اشخاص حقیقی و حقوقی ، کارشناس رسمی از کانونها خواسته باشند مکلفند دستمزد کارشناسی را در امور ارجاعی به حساب کانون یا نمایندگی کانون مربوط واریز نمایند تا پس از کسر پنج درصد (۵٪) سهم کانون و سایر کسورات قانونی مابقی به کارشناس پرداخت گردد. تبصره ۱ ـ در صورتی که به هر علت حق الزحمه کارشناسی در صندوق کانون تودیع نگردید مراجع مذکور در این ماده مکلفند پنج درصد (۵٪) سهم کانون را کسر و در وجه کانون واریز و به اطلاع کانون یا نمایندگی کانون مربوط برسانند. کارشناسان نیز موظفند فهرست پنج درصد (۵٪) وجوه مکسوره از حق الزحمه کارشناسی های خود را به اطلاع کانون برسانند. تبصره ۲ ـ کارشناسان متخلف از مفاد این ماده در حکم مرتکبان خلاف شئون شغلی مصرح در بند (ه) ماده ۲۶) قانون بوده و تحت تعقیب قانونی قرارخواهند گرفت ماده ۷۰ ـ در تخلفات انتظامی که دو سال از تاریخ وقوع آن منقضی گردیده و تعقیب نشده باشد و یا دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی آن گذشته و منتهی به صدور حکم نشده ، تعقیب موقوف خواهد شد.

تصویب نامه در خصوص تعرفه جرایم سردفتران و دفتریاران و تعرفه صدور یا تمدید پروانه اشتغال شغ

(روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۶۰ ـ۲۲ ۲ ۱۳۸۱) هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱ ۲ ۱۳۸۱ بنا به پیشنهاد شماره ۶۶۹ ۳۴ ۱ مورخ ۲۶ ۱ ۱۳۸۱ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و به استناد بندهای (ر) و (ت الحاقی به ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ـ مصوب ۱۳۸۰ ـ موضوع ماده (۵۱) قانونتنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸۰ ـ تصویب نمود تعرفه جرایم سردفتران و دفتریاران و تعرفه صدور یا تمدید پروانه اشتغال شغل مشاور املاک و خودرو تا تصویب تعرفه‌های جدید به میزان مقرر درجزهای (۳) و (۵) بند الف تبصره (۳۲) قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور وصول و به حساب درآمد عمومی منظور گردد.

دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصص اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو

فصل اول – کلیات و تعاریف (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱ ـ مشاور املاک و خودرو که در این دستورالعمل به اختصار مشاور خوانده می‌شود به شخصی اطلاق می گردد که با داشتن شرایط لازم به امرخرید و فروش املاک و خودرو یا دلالی و واسطه گری معاملات مذکور با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر آنها مبادرت می‌نماید. تبصره ـ مشاوران املاک موضوع این دستورالعمل به مشاوران درجه ۱ و مشاوران درجه ۲ تقسیم می شوند. ماده ۲ ـ اشتغال به شغل مشاور املاک و خودرو منوط به داشتن پروانه کسب از اتحادیه مربوطه و پروانه تخصصی از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد.

فصل دوم – شرایط و ضوابط دریافت پروانه تخصصی اشتغال (ماده ۳)

ماده ۳ ـ مشاور علاوه بر شرایط مندرج در آیین نامه اجرایی تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون نظام صنفی ، برای دریافت پروانه تخصصی اشتغال باید دارای شرایط ذیل باشد. ۱ ـ ۳ ـ داشتن تحصیلات ششم ابتدایی قدیم و یا سوم راهنمایی نظام جدید ۲ ـ ۳ ـ داشتن توانایی و صلاحیت فنی متناسب با شغل مورد درخواست به تشخیص سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۳ ـ ۳ ـ دادن تامین مناسب یا پرداخت وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی یا وثیقه مناسب یا معرفی ضامن معتبر به منظور جبران خسارت های احتمالی وارده به اشخاص به اتحادیه صنف ۴ ـ ۳ ـ پرداخت وجه موضوع بند ت ماده ۵۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰.

فصل سوم – وظایف و اختیارات مشاورین (ماده ۴ تا ۲۴)

ماده ۴ ـ مشاور باید مقررات ، بخشنامه ها و دستورالعمل های صادره از وزارت بازرگانی ، سازمان ثبت و سایر مراجع ذیصلاح را دقیقا به مورد اجراگذارد. ماده ۵ ـ مشاور مسوول حسن اداره امور ، حفظ و نگهداری دفاتر ، اوراق ، اسناد ، مدارک و مهر مربوطه می‌باشد. ماده ۶ ـ مشاور مکلف است در جهت ارتقا دانش فنی و حقوقی در دوره های آموزشی که با همکاری و نظارت سازمان ثبت در نظر گرفته شده است ،شرکت نماید. ماده ۷ ـ مشاور باید پروانه کسب و تعرفه حق الزحمه خدمات خود که در اجرای ماده ۵۱ قانون نظام صنفی توسط اتحادیه ابلاغ می‌شود را در محل کارخود به طوری که قابل دید باشد الصاق نماید. ماده ۸ ـ مشاور موظف است قراردادها را در اوراق مخصوصی که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تدوین و تایید گردیده ، تنظیم نماید. ماده ۹ ـ مشاور موظف است به هنگام تنظیم قرارداد ، هویت ، مالکیت و سمت متعاملین و یا طرفین قرارداد را احراز نماید. ماده ۱۰ ـ مشاور مکلف است یک نسخه از قرارداد تنظیمی را دربایگانی مربوطه نگهداری کند ، قرارداد به تعداد متعاملین با یک نسخه اضافه تنظیم می‌شود. متعاملین می‌توانند در صورت نیاز از اصل قرارداد رونوشت یا تصویر برابر اصل اخذ نمایند. ماده ۱۱ ـ مشاور باید مفاد قراردادهای تنظیمی را در دفتر ثبت قراردادها که به صورت پلمپ و برگ شماری شده و توسط اتحادیه صنف مزبور در اختیاروی قرار می گیرد ثبت و همزمان با عقد قرارداد به امضای کلیه اشخاصی که قرارداد را امضا نموده‌اند برساند. تبصره ـ نمونه اولیه دفتر ثبت قراردادها پس از تایید سازمان ثبت به وسیله اتحادیه چاپ و در اختیار اعضا قرار می گیرد. ماده ۱۲ ـ قراردادهاباید خوانا ، بدون قلم خوردگی ، با جوهر ثابت و در چارچوب طرح قرارداد تیپ اعلامی از سوی سازمان ثبت اسناد و ابلاغی از سوی هیات عالی نظارت تنظیم گردد. ماده ۱۳ ـ مشاور موظف است برای تنظیم قراردادها از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد استفاده نموده و قرارداد تنظیمی را به امضای آنان برساند. تبصره ۱ ـ در مورد تنظیم قرارداد اجاره حضور شهود و امضای قرارداد توسط آنها الزامی است تبصره ۲ ـ در مورد واحدهای تاسیس شده ، الزام به استفاده از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد

و امضـا قراردادهـا از سوی آنـان ، در طی‌برنـامه زمـان بنـدی روشن دیگری که توسط هیـات عـالی نظـارت ابلاغ می‌گردد به اجرا درخواهـد آمد. ماده ۱۴ ـ مشـاور بایـد طرفین قرارداد را از مفـاد آن به طور کامـل مطلع سـازد. ماده ۱۵ ـ مشاور نبایـد قراردادی که مخالف قوانین و نظامات دولتی باشـد تنظیم و ثبت نماید. ماده ۱۶ ـ در صورتی که مشاور در نفس قرارداد منتفع یا سـهیم باشـد و با طرفین قرارداد قرابت نسبی و یـا سببی طبقه اول و طبقه دوم و درجه اول تـا طبقه سـوم داشـته باشـد بایـد به طرفین اطلاع داده والا مسوول جبران خسارت وارده خواهد بود. ماده ۱۷ ـ هرگاه طرفین یا یکی از آنها زبان فارسی را ندانند و مشاور نیز زبان آنها را نداند اظهـارات آنها بایـد به وسیله فرد مورد اعتماد طرفین یا مترجم رسـمی ترجمه شـده و مراتب تفهیم و در دفتر قیـد و توسط فرد مورد اعتمـاد و مترجم و مشـاور گواهی شود. ماده ۱۸ ـ تراشـیدن و پـاک کردن و الحـاق به هر نحـوی از انحـا در قرارداد و در دفتر ثبت قراردادها ممنوع است هرگونه اصـلاح عبارتی یا توضـیحی لازم‌باشـد باید در قرارداد و ثبت دفتر یا هر دو حسب مورد منعکس و به امضای کلیه امضا کنندگان و مشاور برسد. ماده ۱۹ ـ در صورتی که طرفین قرارداد و یا یکی از آنها کور ، کر و یا گنگ و بی‌سواد باشد هر یک از اشـخاص مذکور باید یک نفر معتمد در موقع تنظیم قرارداد ، ثبت و امضای آن همراه داشـته باشد. معتمد مزبور در مورد اشـخاص کر و گنگ بایـد از جمله اشخاصـی باشـد که بتواند با اشاره ، مطلب را به آنها بفهماند. در مورد این ماده مراتب در قرارداد و دفتر ثبت قراردادها قیـد و به امضای معتمـد یا معتمدین نیز خواهد رسـید. ماده ۲۰ ـ در صورت اقـاله و یا فسـخ قرارداد ، یا عـدم اجرا یا موقوف ماندن آن ، مشاور مکلف است مراتب را در سـتون مربوطه با ذکر تاریخ درج و پس از امضای طرفین ، امضا و مهر نمایـد. ماده ۲۱ ـ مشـاور مکلـف است در زمـان تنظیم قرارداد در صـورتی که موضوع از جمله مواردی است که بایـد در دفـاتر اسـناد رسـمی به ثبت برسد طرفین راجهت تنظیم و ثبت آن به یکی از دفاتر اسناد رسمی هدایت نماید. در سایر قراردادهای تنظیمی نیز مشاور به منظور تثبیت حقوق طرفین و جلوگیری از اختلاف و طرح دعاوی در محاکم ، طرفین را به ثبت رسمی قرارداد توصیه و تشویق نماید. ماده ۲۲ ـ مهر و تابلوی مورد اسـتفاده مشاور بایـد طبق نمونه متحدالشـکل مورد تایید اتحادیه مربوطه باشد. ماده ۲۳ ـ مشاور و کارکنان وابسـته بایـد از مبالغه ، اغراق و ارایه اطلاعات نادرست و پنهان کردن حقایق مربوط به موضوع قرارداد خودداری نمایند. ماده ۲۴ ـ مشاور حق قیمت گذاری و یا ارزش گذاری نسبت به موضوع قرارداد را ندارد.

فصل چهارم – امور اداری و مالی (ماده ۲۵ تا ۳۱)

ماده ۲۵ – حق الزحمه مشـاور مطـابق تعرفه‌ای خواهـد بود که طبق ماده ۵۱ قانون نظام صـنفی توسط کمیسـیون نظارت شهرسـتان ها تعیین و توسـط اتحـادیه ابلاغ می‌شود. تبصـره ـ مشـاور غیر از حق الزحمه مقرر حق دریافت هیـچ گونه مالی اعم از وجه نقـدی و یا غیرنقـدی نـدارد ، تخلف از این امر پیگرد قـانونی دارد. مـاده ۲۶ ـ پرداخت حـق الزحمه مشـاور به میزان مقرر در تعرفه اعلام شـده بالمناصـفه به عهده طرفین قرارداداست مگر به نحوی دیگری توافق شده باشد. در هر صورت قید میزان حق الزحمه و نحوه پرداخت مورد توافق در متن قرارداد تنظیمی همراه با شـماره رسـید الزامی است ماده ۲۷ ـ مشاورین املاک با لحاظ معیارهایی از قبیل داشـتن صلاحیت‌هـای فنی ، میزان تحصـیلات دانشـگاهی ، شـرکت در دوره های آموزشـی ، اسـتفاده از کارشـناسان فنی و حقوقی و ایجاد چـارت تشـکیلاتی و محـل مناسب ، حوزه فعالیت و سابقه اشـتغال ، به مشاور درجه ۱ و مشـاور درجه ۲ تقسـیم می‌شوند. ماده ۲۸ ـ مشـاور املاک درجه ۱ می‌توانـد نسبت به واسـطه گری و خریـد و فروش املاـک به هر میزان اقـدام و قراردادهـای مربوط را تنظیم نماید. ماده ۲۹ ـ مشاور املاک درجه ۲ می‌تواند نسبت به واسطه گری و خرید و فروش املاک اقدام نماید که میزان آن را وزارت بازرگانی با جلب نظر سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور تعیین می‌کند. ماده ۳۰ ـ مشاورین خودرو می‌توانند نسبت به واسطه گری و خریـد و فروش انواع خودرو به هر میزان که باشـد اقـدام و قراردادهای مربوطه را تنظیم نمایند. ماده ۳۱ ـ مشاور املاک و خودرو

نمی‌توانـد در بیش از یـک دفتر محـل فعـالیت داشـته باشـد. تبصـره ـ محـل مشـاور بـا درخواست وی طبق ضوابط مربوطه و موافقت اتحادیه ذی ربط تعیین خواهد شد.

فصل پنجم – نظارت بر عملکرد و نحوه رسیدگی به تخلفات مشاورین (ماده ۳۲ تا ۳۴)

ماده ۳۲ ـ علاوه بر بازرسان و ناظران کمیسیون‌های نظارت و بازرسین اتحادیه‌های صـنفی ، سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور و ادارات تابعه سازمان نیزبه اسـتناد تبصره ماده ۹۱ قانون نظام صـنفی کشور در موقع مقتضـی می‌توانند از محل کار و اسناد و مدارک موجود مشاور ، بازرسـی و نظارت نماینـد.مشاور مکلف به همکاری و ارایه مدارک مورد نیاز می‌باشد. ماده ۳۳ ـ در صورت احراز وقوع تخلف توسط مشاور مراتب به مراجع ذیصـلاح حسب مورد جهت بررسی ارجاع خواهد شد. ماده ۳۴ ـ این دستورالعمل در ۳۴ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۱۵ ۴ ۱۳۸۴ به تایید و تصویب وزیر محترم بازرگانی و معاون قوه قضائیه و رییس محترم‌سازمان ثبت اسناد و املاک کشور رسـید و پس از تنفیـذ ریـاست محترم قوه قضـاییه حضـرت آیت ا.. هاشـمی شـاهرودی (دامت برکـاته قـابلیت اجرا درسطح کشور را خواهد داشت

قانون کانون کارشناسان رسمی – مصوب ۱۸ ۱ ۱۳۸۱

ماده ۱ ـ کانون های کارشـناسان رسـمی دادگستری در مراکز استانها که مطابق این قانون تشکیل میگردند به عنوان (کانون استان) شناخته میشونـد و دارای شخصـیت حقوقی مسـتقل غیر دولتی ، غیر انتفاعی و غیر سیاسـی میباشـند. ماده ۲ ـ کانون اسـتان در مراکز اسـتانها با وجود حداقل سی نفر کارشناس رسمی مقیم تشکیل میگردد و تا وقتی که در مرکز استانی کانون مستقل تشکیل نگردیده است ، کارشـناسان رسمی آن استان عضو نزدیک‌ترین کانون به آن استان خواهند بود. ماده ۳ ـ شورای عالی کارشناسان متشکل از هجـده نفر عضو به انتخـاب کارشـناسان کـل کشور به تناسب تعـداد کارشـناسان عضو هر کانون در تهران تشـکیل میگردد. اعضای شورای عالی کارشـناسان باید دارای شـرایط موضوع ماده (۱۵) این قـانون باشـند و نحوه انتخـاب آنـان براساس آیین نامه این قانون خواهدبود. تبصره ۱ ـ مـدت عضویت در شورای عالی کارشـناسان چهار سال میباشـد و انتخاب مجدد برای یک دوره دیگر بلامانع است تبصره ۲ ـ منتخبین موضوع این مـاده از بین خود یـک نفر به عنوان رییس ، یک نفر نایب رییس ، یک نفر خزانه‌دار ، یک نفر کارپرداز ، دو نفر منشـی و دونفر بازرس با اکثریت آرا انتخاب مینماینـد. شورای مذکور تا انتخاب اعضای جدید کماکان عهده دار وظایف مقرر میباشند. ماده ۴ ـ اهداف هر کانون به شـرح زیر است الف – ایجاد زمینه لازم برای تشکل و جذب نیروهای متخصص و متعهـد به منظور ارائه خـدمات کارشناسـی و تلاش در جهت تـامین و تعمیم عـدالت درامور مربوطه ب – فراهم آوردن موجبـات تعـالی علمی و تجربی کارشـناسان عضـو. ج – تنظیـم و اداره امـور کارشـناسان عضـو در کارهـای مربـوط به کارشناسـی در حـدود مقررات د – نظارت مستمر بر نحوه عمل و رفتار کارشناسان عضو جهت حصول اطمینان از حسن جریان امور کارشناسی. هـ – ایجاد ارتباط و مبادله اطلاعات تخصصی و فنی بین کارشناسان عضو از طریق شورای عالی کارشناسان با موسسات مشابه در سایر کشورها با رعایت مقررات موضوعه ماده ۵ ـ ارکان هر کانون به شـرح زیر است الف – مجمع عمومی ، ب – هیات مدیره ، ج – بازرسان ، د – دادسـرا و دادگـاه انتظامی. ماده ۶ ـ مجـامع عمومی – عـادی و فوق العـاده – هر کـانون از کارشـناسان رسـمی عضو آن کانون که پروانه کارشناسـی آنان دارای اعتبار بوده و در حال تعلیق نباشـند به شرح ذیل تشکیل میشوند الف – مجمع عمومی عادی سالانه در سه ماه اول هر سال به دعوت هیات مدیره تشـکیل و با حضور نصف به علاوه یک کارشـناسان رسـمی عضو کانون رسمیت خواهد یـافت در صورتی که در جلسه اول نصـاب مزبور حاصل نشود به دعوت هیات مـدیره ، جلسه تجدیـد و با حضور حـداقل یک سوم

اعضارسمیت خواهد یافت و تصمیمات مجمع با اکثریت آرای اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. ب – مجمع عمومی عادی یا فوق العاده دارای هیات رییسه ای مرکب از یک نفر رییس و دو نفر منشی خواهد بود که از بین اعضای حاضر در جلسه مجمع و توسط اعضای یاد شده تعیین میشوند. برای نظارت در اخذ رای و قرایت آرا پنج نفر به عنوان هیات نظارت از بین اعضای حاضر در مجمع توسط مجمع انتخاب خواهند شد. تبصره ۱ ـ در صورت عدم دعوت هیات مدیره برای تشکیل مجمع عمومی عادی در موعد مقرر ، جلسه مجمع عمومی فوق العاده به دعوت بازرسان هر کانون یا یک دهم کارشناسان رسمی عضو در کانون و یا یک پنجم کارشناسان رسمی عضو در کانونهای دیگر تشکیل خواهد شد. تبصره ۲ ـ نحوه تشکیل و اداره جلسات مجامع عمومی عادی و فوق العاده ، چگونگی نظارت بر انتخابات توسط هیات نظارت ، شیوه برگزاری انتخابات اعضای هیات مدیره و بازرسان و دادستان انتظامی در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. ماده ۷ ـ وظایف و اختیارات شورای عالی کارشناسان به قرار زیر است الف – اقدامات لازم برای ارتقا سطح خدمات کارشناسی در سراسر کشور از طریق سیاستگزاری ، برگزاری دوره های آموزشی ، بازآموزی ، گردهمایی ، هم‌اندیشی و همچنین برگزاری آزمون سالیانه براساس نیاز مناطق کشور و تدوین مقررات مربوط به رشته ها و گروه های مختلف کارشناسی. ب – تدوین مقررات و ضوابط صلاحیت علمی و فنی متقاضیان کارشناسی و نیز ضوابط ارتقا صلاحیت عملی ، جغرافیایی و نقل و انتقال کارشناسان‌رسمی برابر مقررات این قانون ج – تدوین نظامنامه‌های مربوط به تشکیل و شرح وظایف کمیسیون های مشورتی علمی و فنی و سایر کمیسیونهای خاص د – تعیین تعرفه عضویت و پیشنهاد حق الزحمه کارشناسی جهت ارئه به مراجع ذیربط هـ – بررسی و تصویب یا رد پیشنهادات کانونها در محدوده ضوابط و مقررات و – تدوین و تصویب نظامنامه های مالی ، معاملاتی و استخدامی کانونها. ز – تدوین و بازنگری در ضوابط و روش‌های کارشناسی و اظهارنظر در خصوص استعلامات و ارئه رویه واحد در امور کارشناسان ح – نظارت بر حسن انجام انتخابات کانونها در حوزه های انتخابات استانی با رعایت مقررات مربوطه ط – نظارت بر اجرای مقررات توسط ارکان هر کانون و اعلام تخلفات آنان به مراجع ذی ربط ی – تعیین نماینده جهت شرکت در مجامع بین المللی و مجامع داخلی از قبیل قانونگذاری ، اجرایی و قضایی . ک – صدور احکام انتصاب اعضای هیات مدیره ، روسا و دادستان های انتظامی هر کانون ل – انجام سایر وظایف مقرر در قوانین و مقررات تبصره ۱ ـ نحوه تشکیل جلسات و اتخاذ تصمیم طبق آیین نامه اجرایی این قانون میباشد. تبصره ۲ ـ تصمیمات شورای عالی کارشناسان در حدود مقررات این قانون برای کلیه کانون های کشور لازم الاجرا میباشد. تبصره ۳ ـ شورای عالی کارشناسان میتواند با توجه به شرایط ، قسمتی از اختیارات خود را به کمیسیون های وابسته و یا کانون های مستقل استان مربوط تفویض نماید. ماده ۸ – وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی به شرح زیر است الف – بررسی گزارش سالیانه عملکرد کانون و اتخاذ تصمیم درباره آن پس از استماع گزارش بازرسان ب – بررسی و تصویب صورتهای مالی سالیانه کانون پس از استماع گزارش بازرسان ج – بررسی و تصویب خط مشی و برنامه و بودجه سال آینده کانون به پیشنهاد هیات مدیره د – رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر موارد پیشنهادی که در محدوده وظایف کانون توسط هیات مدیره در دستور جلسه قرار گیرد. هـ – تصویب اخذ وام و اعتبار برای کانون به پیشنهاد هیات مدیره و – گزارش عملکرد و صورت های مالی سالانه پس از تصویب مجامع عمومی ، توسط هیات مدیره هر کانون برای شورای عالی کارشناسان ارسال خواهد شد. ز – انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسان و دادستان انتظامی کانون تبصره ـ در مواردی که به علت سلب شرایط یا فوت یا بیماری های صعب العلاج که ادامه فعالیت را به مدت معتنابهی غیر ممکن میسازد یا استعفای تعدادی از اعضای هیات مدیره یا دادستان و یا بازرسان ، حسب مورد تعداد اعضای هیات مدیره به حد نصاب لازم نرسد و یا انجام وظایف دادستان و یا بازرسان توسط مجمع عمومی فوق العاده انتخابات به عمل خواهد آمد که به ترتیب و حسب مورد با دعوت رییس هیات مدیره کانون مربوط و یا دو نفراز اعضای هیات مدیره و یا بازرسان تشکیل میگردد. سایر موارد تشکیل مجمع عمومی فوق العاده با رعایت دیگر مقررات این قانون بنا به تشخیص هیات مدیره کانون مربوط صورت خواهد گرفت ماده ۹ ـ

اعضای هیات مدیره ، بازرسان و دادستان انتظامی از بین کارشناسان رسمی عضو کانون مربوط که دارای پروانه کارشناسی رسمی معتبر بوده ودر حال تعلیق نباشند انتخاب میگردند. اشخاص یاد شده علاوه بر دارا بودن شرایط مذکور در ماده (۱۵) این قانون باید دارای شرایط زیر نیز باشند الف – حداقل سه سال سابقه کارشناسی رسمی. ب – مدرک تحصیلی لیسانس یا بالاتر. تبصره ۱ ـ اشخاص یاد شده در مدت عضویت باید در شهر محل کانون مربوط اقامت داشته باشند. تبصره ۲ ـ تشخیص واحراز شرایط انتخاب مقرر در این ماده بر عهده کمیسیون تشخیص صلاحیت اولویت های اخلاقی میباشد. ماده ۱۰ ـ هیات مدیره در کانون تهران دارای یازده نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی البدل و در سایر کانونها دارای پنج نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل خواهد بود که برای مدت چهار سال انتخاب میشوند. جلسات هیات مدیره در کانون تهران با حضور حداقل هفت نفر و در سایر کانونها باحضور حداقل سه نفر تشکیل و رسمیت خواهد یافت تصمیمات هیات مدیره کانون تهران با حداقل شش رای و هیات مدیره کانونهای دیگر با حداقل سه رای معتبر خواهند بود. تبصره ۱ ـ موارد شرکت اعضای علی البدل در جلسات هیات مدیره به جای اعضای اصلی در آیین نامه اجرایی این قانون مقرر میگردد. تبصره ۲ ـ پس از انقضای مدت مأموریت چهار ساله هیات مدیره ، در صورتی که انتخاب هیات مدیره جدید به هر علت انجام نشود و به تاخیر افتد ، هیات مدیره سابق تا تشکیل هیات مدیره جدید کماکان انجام وظیفه خواهد نمود. در هر صورت مدت زمان تاخیر در انتخاب هیات مدیره جدید نباید از شش ماه تجاوز نماید. در صورت بر طرف نشدن علل تاخیر ، مهلت مذکور با تایید مجمع عمومی فوق العاده امکان پذیر است ماده ۱۱ ـ هیات مدیره کانون تهران از بین خود یک نفر رییس ، دو نفر نایب رییس ، دو نفر منشی ، یک نفر مسوول امور مای با رای مخفی برای مدت دوسال به عنوان هیات رییسه انتخاب مینماید. هیات رییسه سایر کانونها مرکب ازیک نفر رییس ، یک نفر نایب رییس ، یک نفر منشی و یک نفر مسوول امور مالی میباشد که به ترتیب بالا انتخاب خواهند شد.تجدید انتخاب اعضای مذکور بلا مانع است تا زمانی که هیات رییسه جدید تعیین نشده است ، هیات رییسه قبلی کماکان انجام وظیفه خواهد نمود. تبصره ۱ ـ رییس هیات مدیره هر کانون ، رییس کانون مذکور نیز خواهد بود. تبصره ۲ ـ نحوه دعوت و زمان انتخاب هیات رییسه جدید در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. ماده ۱۲ ـ وظایف هیات مدیره هر کانون به قرار زیر است الف – اداره امور کانون جهت تحقق موارد مقرر در ماده (۴) این قانون ب – اتخاذ تصمیم در خصوص اجازه صدور و تمدید پروانه کارشناسی و نیز ابلاغ کارآموزی برای افراد واجد شرایط ج – دعوت برای تشکیل مجامع عمومی و اجرای تصمیمات آنها. د – قبول شکایت و عندالاقتضا ارجاع به دادسرای انتظامی کانون برای تعقیب کارشناس رسمی. تبصره ـ تصمیمات هیات مدیره در مورد رد شکایت ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ به شاکی قابل اعتراض و رسیدگی در دادسرای انتظامی کانون مربوط خواهد بود. هـ – اعلام تخلف به دادسرای انتظامی در صورت اطلاع از وقوع تخلف کارشناس رسمی. و – اظهار نظر مشورتی نسبت به مسایل و موضوعات ارجاعی از طرف کلیه دستگاهها اعم از وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی. ز – تصویب معاملات جاری ، استخدام و عزل و نصب کارکنان ح – اجرای سایر وظایفی که در این قانون برای هیات مدیره پیش بینی شده است ماده ۱۳ ـ کمیسیون تشخیص صلاحیت های مندرج در ماده (۱۵) این قانون متشکل از پنج عضو اصلی و دو عضو علی البدل خواهد بود که دو عضو اصلی و یک عضو علیالبدل از بین حقوقدانان توسط رییس قوه قضاییه انتخاب و بقیه اعضا از بین کارشناسان رسمی به پیشنهاد شورای عالی کارشناسان و تایید رییس قوه قضاییه منصوب خواهند شد. تشخیص صلاحیت اولویتهای اخلاقی مندرج در این قانون برعهده کمیسیون یاد شدهمیباشد. تبصره ـ مدت عضویت هر عضو در کمیسیون یاد شده چهارسال میباشد. ماده ۱۴ ـ رییس هر کانون بالاترین مقام اداری و اجرایی آن کانون بوده و دارای وظایف ذیل است الف – ابلاغ مصوبات هیات مدیره کانون و اجرای آنها بر حسب مورد. ب – نظارت بر حسن جریان کلیه امور اجرایی و اداری. ج – حفظ حقوق و منافع و اموال کانون د – امضای پروانه کارشناسان رسمی و صدور آن بعد از تصویب هیات مدیره کانون مربوطه ه – نمایندگی کانون در نزد مراجع قانونی و

اشخاص حقیقی. و - ارجاع به داوری و صلح و سازش پس از تصویب هیات مدیره کانون ز - تهیه و تنظیم بودجه سالانه و پیشنهاد به هیات مدیره ح - اخذ وام و اعتبار پس از پیشنهاد هیات مدیره کانون و تصویب مجمع عمومی. ط - انجام امور اداری و مالی و معاملاتی و استخدامی و عزل و نصب کارکنان کانون با رعایت مقررات مربوط ی - امضای قراردادها و اسناد تعهدآور کانون مربوط ، به اتفاق یک نفر از اعضای هیات مدیره با انتخاب هیات مدیره کانون مذکور. ماده ۱۵ ـ متقاضیان اخذ پروانه کارشناسی رسمی علاوه بر وثاقت باید واجد شرایط ذیل باشند الف - متدین به دین اسلام و یا یکی از اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ب - داشتن تابعیت ایرانی . ج - نداشتن پیشینه کیفری موثر . د - عدم اعتیاد به مواد مخدر . ه- نداشتن وابستگی و سابقه عضویت و هواداری در گروههای غیر قانونی یا مخالف اسلام تبصره ـ وزارت اطلاعات مکلف است ظرف مهلت دو ماه مراتب استعلام را اعلام نماید. و - داشتن دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در رشته مورد تقاضا و حداقل پنج سال سابقه تجربی در رشته مربوط بعد از اخذ مدرک تحصیلی مذکور. هر گاه در رشته مورد نیاز ، دوره تحصیلی کارشناسی یا بالاتر وجود نداشته باشد در این صورت افراد با دارا بودن مدرک دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در هر رشته‌و حداقل پانزده سال سابقه کار در آن رشته میتوانند متقاضی اخذ پروانه کارشناسی رسمی باشند. ز - دارا بودن حداقل بیست و پنج سال سن در پایان مهلت ثبت نام ح - موفقیت در آزمون علمی و تجربی و گزینش صلاحیت اولویت های اخلاقی. ط - گذرانیدن دوره کارآموزی به مدت یک سال تحت نظر کارشناس رسمی ای که بیش از ده سال سابقه کارشناسی رسمی داشته و به عنوان کارشناس راهنما با معرفی هیات مدیره کانون مربوط ی - داشتن معافیت یا کارت پایان خدمت وظیفه عمومی. تبصره ۱ ـ شرایط لازم برای ثبت نام ، نحوه انتخاب و نحوه برگزاری آزمون و منابع سوالات امتحانی و موعد اعلام نتیجه و نحوه نظارت بر کارآموزان در طول دوره کارآموزی و همچنین وظایف کارآموزان در این دوره در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. کارآموزان در طی دوره کارآموزی حق هیچگونه اظهار نظر کارشناسی رسمی را به طور مستقل ندارند. تبصره ۲ ـ پس از اعلام تعداد مورد نیاز در رشته کارشناسی امور ثبتی ، دارندگان دانشنامه کارشناسی و فارغ التحصیلان آموزشگاه های اختصاصی ثبت اعم از شاغل یا بازنشسته که حداقل ده سال سابقه در امور ثبتی و یا نقشه‌برداری ثبتی داشته باشند میتوانند در صورت داشتن شرایط مذکور در آزمون یادشده شرکت کنند. تبصره ۳ ـ در رشته‌هایی که سابقه کارشناسان رسمی آن کمتر از ده سال است ، شرط دارا بودن ده سال سابقه کارشناسی برای کارشناس راهنما لازم الرعایه نیست متقاضیان رشته‌های جدید کارشناسی رسمی به مدت سه ماه تحت نظارت کانون مربوط کارآموزی خواهند نمود. تبصره ۴ ـ عدم پذیرش درخواست صدورپروانه کارشناسی رسمی هر یک از متقاضیان مانع از تقاضای مجدد آنان برای دفعات بعدی نخواهد بود. ماده ۱۶ ـ کسانی که تا تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون دارای پروانه کارشناسی رسمی معتبر باشند ، تا زمانی که براساس قوانین جاری سلب صلاحیت از آنان نشده باشد ، پروانه کارشناسی آنان معتبر بوده و تابع مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۱۷ ـ کارشناسان رسمی جدید به هنگام اخذ پروانه باید با حضور در جلسه هیات مدیره کانون مربوط با حضور ریاست دادگستری استان یا نماینده وی به شرح زیر سوگند یاد نمایند (به خداوند متعال سوگند یاد میکنم در امور کارشناسی که به من ارجاع میگردد خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته ، به راستی و درستی نظر خود را اظهار نمایم و اغراض شخصی خود را در آن دخالت ندهم و تمام نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و برخلاف واقع چیزی نگویم و ننویسم و رازدار و امین باشم) ماده ۱۸ ـ در تمامی مواردی که رجوع به کارشناسی لازم باشد به استثنای مواردی که در قوانین و مقررات جاری کشور به گونه دیگری برای وزارتخانه ها ، موسسات دولتی ، شرکتهای دولتی ، نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکرصریح نام میباشد ، تعیین تکلیف شده است و یا مواردی که تابع قوانین و مقررات خاص میباشد - دستگاههای یادشده در این ماده باید از وجود کارشناسان رسمی استفاده نمایند. تبصره ۱ ـ ارجاع امر کارشناسی از ناحیه مراجع

قضایی به کارشناس ، تابع قانون آیین دادرسی میباشد. تبصره ۲ ـ کارشناسان رسمی مکلفند در امور ارجاعی در صورت وجود جهات رد ، موضوع را به طور کتبی اعلام و از مبادرت به کارشناسی امتناع نمایند ، در غیر این صورت متخلف محسوب و به مجازات انتظامی موضوع این قانون محکوم میشوند. جهات رد کارشناس رسمی همان جهات رددادرس مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی میباشد. ماده ۱۹ ـ اظهار نظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد و کارشناسان رسمی مکلفند نکات و توضیحاتی که برای تبیین نظریه ضروری است و یا توسط شورای عالی کارشناسان مشخص میگردد به طور کامل در آن منعکس نمایند. کارشناس رسمی موظف است در حدود صلاحیت خود نظرکارشناسی را به طور کتبی و در مهلت مقرر به مراجع ذیربط تسلیم و نسخه‌ای از آن را تا مدت حداقل پنج سال بعد از تاریخ تسلیم نگهداری نماید. تبصره ـ در مواردی که انجام معاملات مستلزم تعیین قیمت عادله روز از طرف کارشناس رسمی است ، نظریه اعلام شده حداکثر تا شش ماه از تاریخ صدور معتبر خواهد بود. ماده ۲۰ ـ دادسرای انتظامی هر یک از کانونها ، مرجع تعقیب تخلفات انتظامی کارشناسان رسمی متخلف حوزه آن کانون میباشد. دادستان دادسرای انتظامی هر کانون از بین کارشناسان رسمی به وسیله مجمع عمومی آن کانون برای مدت چهار سال انتخاب خواهد شد و دادیاران دادسرای انتظامی ازبین کارشناسان رسمی کانون مربوط به پیشنهاد دادستان و تایید هیات مدیره آن کانون به تعداد لازم تعیین میشوند. دادسرای انتظامی پس از رسیدگی به شکایات ارجاعی در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد ، کیفرخواست صادر و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ از طرف شاکی یا رییس هییت مدیره هر کانون قابل اعتراض در دادگاه انتظامی کانون مربوطه میباشد و چنانچه دادگاه انتظامی مزبور قرار منع تعقیب را صحیح ندانست ، به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر میکند. تبصره ـ مرجع تعقیب تخلفات انتظامی اعضای هیات مدیره و دادستان و بازرسان کانون استانها ، دادسرای انتظامی قضات میباشد. ماده ۲۲ ـ هر گاه تخلف کارشناس رسمی عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین را داشته باشد ، دادسرای انتظامی کانون مربوط مکلف است مراتب رابرای رسیدگی به جنبه جزایی آن در اسرع وقت به مراجع قضایی صالح اعلام دارد و چنانچه علاوه بر جرایم مزبور تخلف انتظامی داشته باشد ، مطابق این قانون و آیین نامه های آن به تخلف انتظامی رسیدگی و اقدام لازم معمول دارد. تصمیم مراجع قضایی مزبور مانع اجرای مجازات های انتظامی کارشناسان رسمی نخواهد بود. ماده ۲۳ ـ مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کلیه کارشناسان هر استان ، دادگاه انتظامی مربوطه میباشد. اعضای دادگاه به شرح زیر برای مدت چهارسال انتخاب میگردند ۱ – یک نفر حقوقدان که حداقل ده سال سابقه کار داشته باشد به انتخاب رییس قوه قضاییه ۲ – رییس هیات مدیره کانون مربوطه یا یکی از اعضای هیات مدیره به انتخاب رییس کانون ۳ – یک نفر کارشناس رسمی در رشته مربوط به انتخاب رییس کانون مربوطه تبصره ۱ ـ ریاست دادگاه با عضو حقوقدان خواهد بود. تبصره ۲ ـ چنانچه نیاز به شعبه یا شعب دیگر دادگاه باشد با درخواست کانون مربوطه و تصویب رییس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد. ارجاع پرونده به شعبه یا شعب به عهده رییس شعبه اول خواهد بود. تبصره ۳ ـ تصمیمات دادگاه انتظامی از جانب هیات مدیره کانون مربوطه و از طرف محکوم علیه ظرف یک ماه پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی است تبصره ۵ ـ تصمیمات دادگاه انتظامی و دادسراهای انتظامی در مورد کارشناسان رسمی به وسیله پست سفارشی به نشانی مندرج در پرونده عضویت کانون ابلاغ میشود و هرگاه کارشناس رسمی تغییر نشانی خود را کتبا اعلام ننموده باشد آخرین نشانی موجود در پرونده معتبر خواهد بود. تبصره ۶ ـ موارد اعضای دادگاه انتظامی همان موارد رد دادرسان میباشد ، در صورت وجود جهات رد فرد دیگری به ترتیب گفته شده در همین ماده تعیین خواهد شد. تبصره ۷ ـ هرگاه رسیدگی به شکایت انتظامی در امورکارشناسی مستلزم انجام کارشناسی مجدد توسط سایر اعضای کانون کارشناسان رسمی باشد ، پرداخت دستمزد کارشناسی طبق تعرفه قانونی به عهده شاکی میباشد. ماده ۲۴ ـ مرجع تجدید نظر نسبت به آرای قابل تجدید نظر ، دادگاه تجدید نظر کارشناسان رسمی میباشد که در تهران مستقر میگردد و اعضای آن به شرح ذیل انتخاب میگردند الف – یک نفر حقوقدان با ده سال سابقه کار به انتخاب رییس قوه قضاییه ب – رییس

شورای عـالی کارشـناسان یـا نماینـده وی. ج - یـک نفر کارشـناس در رشـته مربوطه به انتخاب شورای عالی کارشناسان ماده ۲۵ ـ هرگاه رییس قوه قضاییه یا وزیر دادگستری و یا سه نفر از اعضای هیات مدیره هر کانون استان (در مورد کارشناسان کانون مربوطه از سورفتار و یا اعمال منافی با شوون و حیثیت کارشناسی کارشناسان رسمی اطلاع حاصل کنند ، میتوانند با ارئه ادله خود از دادگاه انتظامی تعلیق موقت اورا تا صـدور حکم قطعی بخواهنـد در این صورت دادگاه مزبور خارج از نوبت این درخواست را رسـیدگی و مستند به دلایل ابرازی ، رای مقتضی صادرمیکند. دادسرای انتظامی کانون مربوطه مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ وصول حکم تعلیق موقت ، نسبت به اتهامات وارده به کارشـناسان مذکوررسیدگی و پرونده را جهت صدور رای به دادگاه انتظامی ارسال دارد. تبصره ـ مرجع رسیدگی به تجدید نظرخواهی همان مرجع معین شده در ماده (۲۴) این قانون برای تجدید نظر میباشد. ماده ۲۶ ـ تخلفات و مجازاتهای انتظامی به قرار ذیل است الف - تخلفات ۱ - عدم حضور در مراجع صالحه در وقت مقرر بدون عذرموجه ۲ - توسـل به معـاذیری که خلاف بودن آنها بعـدا ثابت شود. ۳ - مسامحه و سـهل انگاری در اظهارنظر ، هرچنـد موثر در تصـمیمات مراجع صلاحیتدار باشد یا نباشد. ۴ - تسلیم اسناد و مدارک به اشخاصی که قانونا حق دریافت آن را ندارند و یا امتناع از تسلیم آنها به اشخاصـی که حق دریـافت دارنـد. ۵ - سو رفتـار و اعمـال خلاـف شوونـات شـغلی. ۶ - نقض قـوانین و مقررات در اظهـار نظر کارشناسی. ۷ - انجـام کارشناسـی و اظهـارنظر بـا وجود جهاد رد قانونی. ۸ - انجـام کارشناسـی و اظهـارنظر دراموری که خارج از صلاحیت کارشناس است ۹ - انجـام کارشناسـی و اظهار نظر برخلاف واقع و تبانی. ۱۰ - انجام کارشناسـی و اظهارنظر با پروانه ای که اعتبار آن منقضـی شده باشد. ۱۱ - افشا اسـرار و اسناد محرمانه ۱۲ - اخـذ وجه یا مال یا قبول خـدمت مازاد بر تعرفه دسـتمزد و هزینه مقرر در قـوانین یـا دسـتورات مراجع صـلاحیتدار. ۱۳ - انجـام کارشناسـی و اظهـارنظر در زمـان تعلیـق ، محرومیت از حقـوق اجتماعی و یا اثبات فقد شـرایط موضوع ماده (۱۵) این قـانون ب - مجازاتها به ترتیب درجه ۱ - توبیخ با درج در پرونده کارشـناس در کانون ۲ - محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت یک سال ۳ - محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مـدت سه سـال ۴ - محرومیـت از اشـتغال به امر کارشناسـی رسـمی از سه مـاه تـا یـک سـال ۵ - محرومیـت از اشـتغال بـه امر کارشناسـی رسـمی از یک ماه تا سه سال ۶ - محرومیت دایم از اشـتغال به امر کارشناسـی رسـمی. تبصره ۱ - مرتکبین هر یـک از تخلفات ردیفهای (۱) ،(۲) و (۳) حسب مورد به مجـازات درجه یـک تا سه انتظامی محکوم میگردنـد. مرتکبین هر یک از تخلفات ردیف های (۴) ،(۵) و (۶) حسب مورد به مجازات درجه سه تا پنج انتظامی محکوم میگردند. مرتکبین هر یک از تخلفات ردیفهای (۷) ،(۸) ،(۹) ،(۱۰) ،(۱۱)و (۱۲) حسب مورد به مجازات درجه پنج تا شـش انتظامی محکوم میگردند. مرتکبین هر یک از تخلفات ردیف (۱۳) به مجـازات درجه شـش انتظـامی محکوم میگردنـد. تبصـره ۲ - اعمـال ارتکـابی کارشـناس ، چنـانچه علاـوه بر تخلف انتظـامی ، واجـد وصف کیفری باشـد ، دادگـاه انتظـامی مکلف است پرونـده امر را عینـا به مرجع قضایی صـلاحیتدار ارسال نمایـد. تبصره ۳ - هیـات مـدیره هر کانون مکلف است از تمدیـد پروانه کارشناسـی رسـمی کسانی که سه بار ظرف سه سال به مجازاتهای انتظـامی محکوم میشونـد خودداری کنـد. این گونه کارشـناسان رسـمی میتواننـد پس از مـدت دو سـال از تاریـخ لغو پروانه مجـددا تقاضای تمدید پروانه کارشناسـی رسمی نمایند ، مگر اینکه به مجازات انتظامی محرومیت دایم یا موقت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی محکوم شده باشند. ماده ۲۷ - هیات مدیره هر کانون در صورت احراز زوال وثاقت و شرایط مذکور در بندهای (الف ، ب ، ج ، د ، ه) مـاده (۱۵) این قانون در مورد کارشـناس رسـمی ، به طور موقت از تمدیـد پروانه خودداری میکند و سـریعا موضوع را به دادگـاه انتظامی کانون مربوطه اعلام مینمایـد. مرجع مـذکور مکلف است ظرف حـداکثر سه ماه از تاریـخ وصول نسبت به موضوع اتخاذ تصـمیم کنـد و نظر نهایی را به هیات مـدیره کانون مربوط ارجاع دهنده اعلام نماید. ماده ۲۸ - رییس هیات مـدیره هر کانون مسـوول اجرای احکـام قطعی دادگـاه انتظـامی و دادگـاه تجدیـد نظر کارشـناسان در مورد کارشـناسان متخلف میباشـد. مـاده ۲۹ - دسـتمزد کارشناسـی رسـمی طبق تعرفه ای است که با پیشنهاد شورای عالی کارشناسان به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید و

هر دوسال يک بار قابل تجديد نظر ميباشد. قضات دادگاهها در مورد دستمزد کارشناسی مطابق ماده (۲۶۴) قانون آيين دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲ ۱۱ ۱۳۷۹ اقدام خواهند کرد. تبصره – ضوابط تعيين هزينه‌های خدمات کارشناسی به پيشنهاد شورای عالی کارشناسان و تصويب رييس قوه قضاييه مشخص خواهد شد و پرداخت آن بر عهدهٔ متقاضی است ماده ۳۰ – هزينه های مربوط به هر کانون از محلهای زير تامين ميگردد الف – حق عضويت و حق صدور يا تمديد پروانه کارشناسی رسمی هر دو سال يک بار قابل تجديد نظر است ب – پنج درصد (۵٪) از حق الزحمه کارشناسان رسمی. ج – وجوهی که برای موارد خاص به تصويب مجمع عمومی از کارشناسان رسمی و يا متقاضيان کارشناسی رسمی اخذ خواهد شد. تبصره – پرداخت حق حضور اعضای غير کارشناس در هيات انتظامی و کميسيون ها و ساير مخارج مربوط برعهده شورای عالی کارشناسان است که به نسبت از کانون ها اخذ خواهد نمود. ماده ۳۱ – کليه مراجع قضايی و انتظامی ، وزارتخانه ها ، سازمان ها ، موسسات ، شرکت ها ، بانک ها ، شهرداری ها ، بنيادها ، نهادهای انقلاب اسلامی و اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غير دولتی و ساير مراجع عمومی و دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام يا ذکر صريح نام است موظف هستند مبلغ بند(ب ماده ۳۰ اين قانون را از دستمزد کارشناسان رسمی کسر و به حساب کانون مربوط واريز نمايند. همچنين مکلف ميباشند ماليات متعلقه را نيز با رعايت قوانين مالياتی کسر و به حساب خزانه داری کل واريز کنند. ماده ۳۲ – در مواردی که هيات مديره هر کانون استان ، تجديد نظر در صلاحيت فنی کارشناس رسمی را ضروری تشخيص دهد پيشنهاد خود را با دلايل مربوط به شورای عالی کارشناسان ارئه خواهد نمود. شورای عالی با کسب نظر مشورتی از کميسيون تشخيص صلاحيت علمی و فنی رشته مربوط تصميم نهايی را در خصوص موضوع اتخاذ مينمايد هيات مديره هر کانون پس از دريافت تصميم شورای عالی مبنی بر موافقت با محدود کردن‌صلاحيت فنی کارشناس رسمی ، تصميم ياد شده را به مورد اجرا ميگذارد. اعاده صلاحيت کارشناس رسمی منوط به شرکت و موفقيت در کلاسهای بازآموزی يا کلاسهای مشابه مورد تاييد کانون مربوط و با موافقت شورای عالی کارشناسان خواهد بود. ماده ۳۳ – کارشناسانی که مستخدم شاغل دولت يا موسسات دولتی يا شرکتهای دولتی و وابسته به دولت يا شهرداری ها يا ساير نهادهای عمومی غيردولتی و يا ساير شرکتهای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام يا ذکر صريح نام است ، ميباشند ، نميتوانند در دعاوی و ساير امور مستلزم امر کارشناسی رسمی که مربوط به دستگاه متبوع آنهاست به عنوان کارشناس رسمی مداخله و اظهار نظر کنند مگر اينکه در آن رشته کارشناس رسمی ديگری وجود نداشته و يا مرضی الطرفين باشند يا آنکه کارمند مذکور طبق مقررات مربوط به آن دستگاه قانونا ملزم به اظهار نظر باشد. هيچ کدام ازمراجع قضايی و ادارات دادگستری و ثبت اسناد و املاک نميتوانند امر کارشناسی رسمی را به کارشناسانی که کارمند شاغل قضايی يا اداری دادگستری يا ثبت اسناد و املاک ميباشند ارجاع کنند مگر اينکه در آن رشته جز قاضی و يا کارمند شاغل ، کارشناس ديگری وجود نداشته باشد. ماده ۳۴ – مقررات تبصره الحاقی به بند (۲۴) ماده (۵۵) قانون شهرداری ها مصوب ۵ ۴ ۱۳۵۲ – و اصلاحات بعدی در مورد کارشناسان رسمی و مترجمان رسمی دادگستری نيز جاری است ماده ۳۵ – در صورت فوت و يا حجر کارشناس رسمی و يا محروميت دايم از کارشناسی رسمی ، با اعلام ذينفع ، نماينده کانون مربوط به اتفاق نماينده مرجع قضايی محل ضمن تنظيم صورتجلسه لازم برگها و اسناد راجع به امور کارشناسی را جمع کرده در کانون ، بايگانی مينمايد و در صورتی که بين آنها اشيا يا اسنادی ، با ارئه دلايل کافی توسط مدعی ، متعلق به اشخاص باشد به صاحبان آنها رد ميکند. ماده ۳۶ – در هر يک از رشته‌های کارشناسی که اظهار نظر کارشناس رسمی نسبت به موضوع ارجاع شده لزوما محتاج به کسب اطلاعاتی است که تنها در اختيار وزارتخانه‌ها ، موسسات دولتی ، شرکتهای دولتی و وابسته به دولت ، نهادهای عمومی غير دولتی و ساير شرکتهای دولتی که شمول قانون برآنها مستلزم ذکر نام يا ذکر صريح نام است ، ميباشد ، کارشناس مذکور مکلف به مراجعه به دستگاه يا دستگاههای ذيربط بوده و دستگاه يا دستگاههاييادشده نيز موظف به در اختيار گذاشتن اطلاعات مورد نياز برای اظهار نظر کارشناسی رسمی ميباشند. تبصره – اطلاعات طبقه‌بندی شده و غير

قابل انتشار دستگاههای مورد اشاره در این ماده از حکم مذکور مستثنی میباشد و طبق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲ ۱۱ ۱۳۷۹ در اختیار کارشناس ذیربط قرار خواهد گرفت کارشناس مزبور تنها این اطلاعات را در حیطه وظایف و مسوولیتهای خود در رابطه با امر ارجاع شده اعمال خواهد کرد و به کارگیری و یا افشای آن درغیر مورد مذکور ممنوع است در غیر این صورت مشمول قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۲۹ ۱۱ ۱۳۵۳ - درقسمتهای ذیربط آن خواهد بود. ماده ۳۷ - هرگاه کارشناس رسمی با سو نیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی بر خلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع بهامر کیفری و یا حقوقی تمام ما وقع را ذکر نکند و یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب میگردد و همچنین هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سونیت تغییر بدهد به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم میشود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه موثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد. حکم یاد شده در مورد خبرگان محلی نیز لازم الرعایه میباشد. ماده ۳۸ - صدور پروانه برای کارشناسان رسمی فقط برای یک رشته کارشناسی مجاز است ماده ۳۹ - کلیه کانونهای موجود مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از زمان لازم الاجرا شدن این قانون وضعیت خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند. ماده ۴۰ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴۱ - قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۲۳ ۱۱ ۱۳۱۷ و قانون راجع به اصلاح قانون کارشناسان رسمی وزارت دادگستری مصوب ۱۴ ۲ ۱۳۳۹ و لایحه قانونی استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱ ۸ ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران لغو میشوند. قانون فوق مشتمل بر چهل و یک ماده و سی و نه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸ ۱ ۱۳۸۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است

دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو – مصوب ۱۳۸۴

ریاست محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران احتراماً به پیوست یک نسخه « دستورالعمل اجرائی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو» که به امضاء ریاست محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و امضاء وزیر محترم بازرگانی و تنفیذ ریاست معظم قوه قضائیه در تاریخ ۱۶/۴/۱۳۸۴ رسیده است جهت چاپ در آن روزنامه ارسال می گردد. مدیر کل حوزه ریاست و دبیرخانه ـ سیدعلی میرهادی دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو فصل اول: کلیات و تعاریف ماده۱ـ مشاور املاک و خودرو که در این دستورالعمل به اختصار مشاور خوانده می‌شود به شخصی اطلاق می گردد که با داشتن شرایط لازم به امر خرید و فروش املاک و خودرو یا دلالی و واسطه‌گری معاملات مذکور با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر آنها مبادرت می‌نماید. تبصره ـ مشاوران املاک موضوع این دستورالعمل به مشاوران درجه۱ و مشاوران درجه۲ تقسیم می‌شوند. ماده۲ـ اشتغال به شغل مشاور املاک و خودرو منوط به داشتن پروانه کسب از اتحادیه مربوطه و پروانه تخصصی از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. فصل دوم: شرایط و ضوابط دریافت پروانه تخصصی اشتغال ماده۳ـ مشاور علاوه بر شرایط مندرج در آیین‌نامه اجرایی تبصره۱ ماده۱۲ قانون نظام صنفی، برای دریافت پروانه تخصصی اشتغال باید دارای شرایط ذیل باشد. ۱ـ۳ـ داشتن تحصیلات ششم ابتدایی قدیم و یا سوم راهنمایی نظام جدید. ۲ـ۳ـ داشتن توانایی و صلاحیت فنی متناسب با شغل مورد درخواست به تشخیص سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۳ـ۳ـ دادن تأمین مناسب یا پرداخت وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی یا وثیقه مناسب یا معرفی ضامن معتبر به منظور جبران خسارتهای احتمالی وارده به اشخاص به‌اتحادیه صنف. ۴ـ۳ـ پرداخت وجه موضوع بند ت ماده ۵۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰. فصل سوم:

وظایف و اختیارات مشاورین ماده۴ـ مشاور باید مقررات، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صادره از وزارت بازرگانی، سازمان ثبت و سایر مراجع ذیصلاح را دقیقاً به مورد اجرا گذارد. ماده۵ ـ مشاور مسئول حُسن اداره امور، حفظ و نگهداری دفاتر، اوراق، اسناد، مدارک و مهر مربوطه می‌باشد. ماده۶ ـ مشاور مکلف است در جهت ارتقاء دانش فنی و حقوقی در دوره‌های آموزشی که با همکاری و نظارت سازمان ثبت در نظر گرفته شده است، شرکت نماید. ماده۷ـ مشاور باید پروانه کسب و تعرفه حق‌الزحمه خدمات خود که در اجرای ماده ۵۱ قانون نظام صنفی توسط اتحادیه ابلاغ می‌شود را در محل کار خود به طوری که قابل دید باشد الصاق نماید. ماده۸ ـ مشاور موظف است قراردادها را در اوراق مخصوصی که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تدوین و تایید گردیده، تنظیم نماید. ماده۹ـ مشاور موظف است به هنگام تنظیم قرارداد، هویت، مالکیت و سمت متعاملین و یا طرفین قرارداد را احراز نماید. ماده ۱۰ـ مشاور مکلف است یک نسخه از قرارداد تنظیمی را در بایگانی مربوطه نگهداری کند. قرارداد به تعداد متعاملین با یک نسخه اضافه تنظیم می‌شود. متعاملین می‌توانند در صورت نیاز از اصل قرارداد رونوشت یا تصویر برابر اصل اخذ نمایند. ماده۱۱ـ مشاور باید مفاد قراردادهای تنظیمی را در دفتر ثبت قراردادها که به‌صورت پلمپ و برگ شماری شده و توسط اتحادیه صنف مزبور در اختیار وی قرار می‌گیرد ثبت و همزمان با عقد قرارداد به امضای کلیه اشخاصی که قرارداد را امضاء نموده‌اند برساند. تبصره: نمونه اولیه دفتر ثبت قراردادها پس از تایید سازمان ثبت به وسیله اتحادیه چاپ و در اختیار اعضاء قرار می‌گیرد. ماده۱۲ـ قراردادها باید خوانا، بدون قلم خوردگی، با جوهر ثابت و در چارچوب طرح قرارداد تیپ اعلامی از سوی سازمان ثبت اسناد، و ابلاغی از سوی هیات عالی نظارت تنظیم گردد. ماده۱۳ـ مشاور موظف است برای تنظیم قراردادها از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد استفاده نموده و قرارداد تنظیمی را به امضای آنان برساند. تبصره۱: در مورد تنظیم قرارداد اجاره حضور شهود و امضای قرارداد توسط آنها الزامی است. تبصره۲: در مورد واحدهای تاسیس شده، الزام به استفاده از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد و امضاء قراردادها از سوی آنان، در طی برنامه زمانبندی روشن دیگری که توسط هیات عالی نظارت ابلاغ می‌گردد به اجرا در خواهد آمد. ماده۱۴ـ مشاور باید طرفین قرارداد را از مفاد آن به طور کامل مطلع سازد. ماده۱۵ـ مشاور نباید قراردادی که مخالف قوانین و نظامات دولتی باشد تنظیم و ثبت نماید. ماده۱۶ـ در صورتی که مشاور در نفس قرارداد منتفع یا سهیم باشد و با طرفین قرارداد قرابت نسبی و یا سببی طبقه اول و طبقه دوم و درجه اول تا طبقه سوم داشته باشد باید به طرفین اطلاع داده و الا مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. ماده۱۷ـ هرگاه طرفین یا یکی از آنها زبان فارسی را ندانند و مشاور نیز زبان آنها را نداند اظهارات آنها باید به وسیله فرد مورد اعتماد طرفین یا مترجم رسمی ترجمه شده و مراتب تفهیم و در دفتر قید و توسط فرد مورد اعتماد و مترجم و مشاور گواهی شود. ماده۱۸ـ تراشیدن و پاک کردن و الحاق به هر نحوی از انحاء در قرارداد و در دفتر ثبت قراردادها ممنوع است. هرگونه اصلاح عبارتی یا توضیحی لازم باشد باید در قرارداد و ثبت دفتر یا هر دو حسب مورد منعکس و به امضای کلیه امضاءکنندگان و مشاور برسد. ماده۱۹ـ در صورتی که طرفین قرارداد و یا یکی از آنها کور، کر و یا گنگ و بی‌سواد باشد هریک از اشخاص مذکور باید یک نفر معتمد در موقع تنظیم قرارداد، ثبت و امضای آن همراه داشته باشد. معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند با اشاره، مطلب را به آنها بفهماند. در مورد این ماده مراتب در قرارداد و دفتر ثبت قراردادها قید و به امضای معتمد یا معتمدین نیز خواهد رسید. ماده۲۰ـ در صورت اقاله و یا فسخ قرارداد یا عدم اجرا یا موقوف ماندن آن، مشاور مکلف است مراتب را در ستون مربوطه با ذکر تاریخ درج و پس از امضای طرفین، امضاء و مهر نماید. ماده۲۱ـ مشاور مکلف است در زمان تنظیم قرارداد در صورتی که موضوع از جمله مواردی است که باید در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد طرفین را جهت تنظیم و ثبت آن به یکی از دفاتر اسناد رسمی هدایت نماید. در سایر قراردادهای تنظیمی نیز مشاور به‌منظور تثبیت حقوق طرفین و جلوگیری از اختلاف و طرح دعاوی در محاکم، طرفین را به ثبت رسمی قرارداد توصیه و تشویق نماید. ماده۲۲ـ مهر و تابلوی مورد استفاده مشاور باید طبق نمونه متحدالشکل مورد تایید اتحادیه مربوطه باشد.

ماه۲۳ـ مشاور و کارکنان وابسته باید از مبالغه، اغراق و ارایه اطلاعات نادرست و پنهان کردن حقایق مربوط به موضوع قرارداد خودداری نمایند. ماده۲۴ـ مشاور حق قیمت گذاری و یا ارزش گذاری نسبت به موضوع قرارداد را ندارد. فصل چهارم: امور اداری و مالی ماده۲۵ـ حق‌الزحمه مشاور مطابق تعرفه‌ای خواهدبود که طبق ماده ۵۱ قانون نظام صنفی توسط کمیسیون نظارت شهرستانها تعیین و توسط اتحادیه ابلاغ می‌شود. تبصره: مشاور غیر از حق‌الزحمه مقرر حق دریافت هیچ‌گونه مالی اعم از وجه نقدی و یا غیرنقدی ندارد، تخلف از این امر پیگرد قانونی دارد. ماده۲۶ـ پرداخت حق‌الزحمه مشاور به میزان مقرر در تعرفه اعلام شده بالمناصفه به‌عهده طرفین قرارداد است مگر به نحو دیگری توافق شده باشد. در هر صورت قید میزان حق‌الزحمه و نحوه پرداخت مورد توافق در متن قرارداد تنظیمی همراه با شماره رسید الزامی است. ماده۲۷ـ مشاورین املاک با لحاظ معیارهایی از قبیل داشتن صلاحیتهای فنی، میزان تحصیلات دانشگاهی، شرکت در دوره‌های آموزشی، استفاده از کارشناسان فنی و حقوقی و ایجاد چارت تشکیلاتی و محل مناسب، حوزه فعالیت و سابقه اشتغال، به مشاور درجه۱ و مشاور درجه۲ تقسیم می‌شوند. ماده۲۸ـ مشاور املاک درجه ۱ می‌تواند نسبت به واسطه‌گری و خرید و فروش املاک به هر میزان اقدام و قراردادهای مربوط را تنظیم نماید. ماده۲۹ـ مشاور املاک درجه ۲ می‌تواند نسبت به واسطه‌گری و خرید و فروش املاک اقدام نماید که میزان آن را وزارت بازرگانی با جلب نظر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین می‌کند. ماده ۳۰ـ مشاورین خودرو می‌توانند نسبت به واسطه‌گری و خرید و فروش انواع خودرو به هر میزان که باشد اقدام و قراردادهای مربوطه را تنظیم نمایند. ماده۳۱ـ مشاور املاک و خودرو نمی‌تواند در بیش از یک دفتر محل فعالیت داشته‌باشد. تبصره: محل مشاور با درخواست وی طبق ضوابط مربوطه و موافقت اتحادیه ذیربط تعیین خواهد شد. فصل پنجم: نظارت بر عملکرد و نحوه رسیدگی به تخلفات مشاورین ماده۳۲ـ علاوه بر بازرسان و ناظران کمیسیون‌های نظارت و بازرسین اتحادیه‌های صنفی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات تابعه سازمان نیز به استناد تبصره ماده ۹۱ قانون نظام صنفی کشور در موقع مقتضی می‌توانند از محل کار و اسناد و مدارک موجود مشاور، بازرسی و نظارت نمایند. مشاور مکلف به همکاری و ارایه مدارک موردنیاز می‌باشد. ماده۳۳ـ در صورت احراز وقوع تخلف توسط مشاور مراتب به مراجع ذیصلاح حسب مورد جهت بررسی ارجاع خواهدشد. ماده۳۴ـ این دستورالعمل در ۳۴ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۱۵/۴/۱۳۸۴ به تایید و تصویب وزیر محترم بازرگانی و معاون قوه قضاییه و رییس محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور رسید و پس از تنفیذ ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی (دامت برکاته) قابلیت اجرا در سطح کشور را خواهد داشت.

راهنمایی و رانندگی

وزارت کشور

قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور – مصوب ۸/۱۲/۱۳۷۲

ماده ۱ ـ به منظور اعمال سیاستهای جامع و هماهنگ ترافیکی و تهیه خط مشی لازم وبهبود اداره کلیه امور مربوط به امر عبور و مرور همانند طراحی ، برنامه ریزی ، سازماندهی ، هماهنگی ، هدایت ، نظارت و انتظامات ترافیکی شهرها ، شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که از این پس شورای عالی نامیده می‌شود ، مرکب از اعضای زیر تاسیس می‌شود: ۱ ـ معاون وزیر کشور ، ریاست شورا. ۲ ـ معاون وزیر راه و ترابری ۳ ـ معاون وزیر مسکن و شهرسازی ۴ ـ معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن ۵ ـ معاون رییس سازمان برنامه و بودجه ۶ ـ رییس سازمان حفاظت محیط زیست یا معاون وی ۷ ـ فرمانده نیروی انتظامی یا معاون وی مصوبات این شورا پس از تصویب وزیر کشور قابل اجراست ماده ۲ ـ وزارت کشور عهده دار دبیرخانه شورای عالی خواهد بود. ماده ۳ ـ شورای هماهنگی ترافیک استان به ریاست استاندار یا معاون عمرانی وی و باحضور مدیران کل وزارتخانه‌ها و سازمانهای

عضو شورای عالی مستقر در استان و فرمانـده‌ناحیه انتظامی تشـکیل می‌شود. تبصـره ـ دبیرخانه شورای هماهنگی ترافیک اسـتان در اسـتانداریها خواهد بود. ماده ۴ ـ مصوبـات شورای عـالی هماهنگی ترافیک شـهرهای کشور که بایـد در چارچوب‌قوانین و مقررات کشور باشـد بـا رعـایت ماده یک این قانون برای کلیه وزارتخانه‌ها ، موسسه‌ها ، سازمانهای دولتی ، نهادها و موسسه‌های عمومی و خصوصـی لازم‌الاجراء است ماده ۵ ـ وظـایف شورای همـاهنگی ترافیـك اسـتان ، همچنین وظـایف دبیرخانه شورای عالیو شورای هماهنگی ترافیك استان بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور تهیه‌و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۶ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر از تاریخ تصویب این قانون لغو و بلااثر است تبصره ـ مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیك شهرهای کشور نباید مغایر با مصوبات قانونی شورای عالی شهرسازی و معماری و شورای عالی هماهنگی ترابری کشور باشد.

آیین نامه موضوع ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور – مصوب ۲/۷/۱۳۷۴ هیات وز

ماده ۱ ـ وظـایف شورای همـاهنگی ترافیـک اسـتان ـ که از این پس در این آیین نـامه به اختصـارشورای هماهنگی نامیـده می‌شود ـ عبارت است از: الف ـ برنامه ریزی برای اجرای مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک اسـتان ـ که از این پس در این آیین نامه به اختصار شورای عالی نامیـده می‌شود ـ در سـطح اسـتان ب ـ تدوین خط مشـی و سیاسـتهای جامع و هماهنگ اسـتانی ترافیك درون شهری بر اساس اهداف و سیاستهای ملی منطقه‌ای و مصوبات شورای عالی ج ـ بررسی و تایید طرحهای جامع حمل و نقل و ترافیک درون شـهری ـ که شـرح خدمات انها به تصویب شورای عالی می‌رسد ـ و سایر مطالعات حمل و نقل و ترافیك لازم برای شـهرهای اسـتان به منظور بررسـی و تصویب شورای عـالی د ـ همـاهنگی کلیه امور مربوط به عبور و مرور شـهرهای اسـتان بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط منطقه‌ای و محلی به منظور افزایش بهره وری فعالیتها. ه ـ هماهنگی کلیه اقدامات حمل و نقل و ترافیك درون شهری بـا اقـدامات مشابه برون‌شـهری اسـتان بر اساس مصوبات شورای عالی و شـرایط اسـتانی و منطقه‌ای ماده ۲ ـ وظـایف دبیرخانه شورای عـالی عبـارت است از: الف ـ وظـایف عمومی دبیرخـانه‌ای از قبیـل مکاتبـات و امور ارسـال و مراسـلات ب ـ امور مربوط به جلسـات شورای عـالی از قبیـل اعلامـ زمان تشـکیل و لغو جلسه به اعضا،تنظیم دسـتور جلسه تهیه گزارش موضوعات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ ـ ثبت نگهـداری و ابلاـغ مصوبـات شورای عـالی ت ـ تهیه‌وجمع آوری اطلاعـات لاـزم و انجـام تحقیقـات و پژوهش در زمینه حمـل و نقل ث ـ ایجاد بانك اطلاعات در زمینه حمل و نقل شـهری در سـطح ملی ج ـ ارایه شاخصـها و معیارها و اسـتانداردها و آمار و اطلاعات فنی و کارشناسی و مدیریتی‌به شورای عالی چ ـ پیگیری تهیه و اجرای طرحهای جامع حمل و نقل بر اسـاس اولویتهـای مصوب ح ـ شـناسایی و دسته‌بندی مهندسـین مشـاور و پیمانکاران داخلی و خارجی صاحب‌صـلاحیت خ ـ تهیه و تـدوین شـرح خـدمات در امر حمل‌ونقـل د ـ ارائـه خـدمات فنی و تشـکیلاتی و مشـورتی بـه شـورای همـاهنگی اسـتانها. ذ ـ ایجـاد هماهنگی لازم در کلیه امور مربوط به حمل‌ونقل و ترافیك درون شـهرهای اسـتان واقـدامات مشابه برون شـهری بر اساس مصوبات شورای عالی و شـرایط اسـتانی ر ـ برگزاری نشستها و نمایشگاههای تخصصی با همکاری سازمانهای ذی‌ربط به منظور نیل‌به اهداف مذکور در قانون ماده ۳ ـ دبیرخـانه شورای عـالی زیرنظر دبیر شورا که با حکم رییس شورا منصوب می‌شود،فعالیت می کنـد و محل آن معـاونت امور همـاهنگی عمرانی وزارت کشور است مـاده ۴ ـ دبیر شـورای عـالی ریـاست جلسـات فرعی را که به منظـور فراهم آوردن زمینه اجرای‌مصوبات شورای عالی تشکیل می‌شود، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای ویانجام می‌شود. ماده ۵ ـ وظـایف دبیرخانه شورای هماهنگی عبارت است از: الف ـ وظایف عمومی دبیرخانه ای از قبیل مکاتبات و امور ارسال و مراسـلات ب ـ امـور مربوط به جلسـات شورای همـاهنگی از قبیـل اعلامـ زمـان تشـکیل و لغو جلسه به‌اعضـا، تنظیم دسـتور جلسه تهیه گزارش موضوعـات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ ـ ثبت نگهـداری و ابلاغ مصوبات شورای هماهنگی ت ـ گردآوری آمار و ایجاد بانك اطلاعاتی مربوط به حمل و نقل و ترافیك شـهرهای اسـتان ث ـ نظارت بر تهیه طرحهای جامع حمل و نقل شهرها. ج ـ بررسی

و ارزیـابی طرحهـا و برنامه‌هـای مطرح شـده چ ـ ارایه گزارش به شورای همـاهنگی ح ـ انجام پژوهش و تحقیقات در امر حمل‌ونقل شهری خ ـ همکـاری بـا دبیرخـانه شورای عـالی در زمینه تـدوین و ارایه شاخصـها و معیارهای لازم د ـ انجام امور کارشناسـی جهت تدوین سیاسـتهای جامع و هماهنگ حمل و نقل درون‌شـهری برای شهرهای استان بر اساس اهداف مصوب ذ ـ برگزاری سمینارها و تشـکیل نمایشـگاههای لازم در زمینه حمـل و نقل و ترافیک شـهری درسـطح اسـتان با تصویب شورای هماهنگی ماده ۶ ـ دبیرخانه شـورای همـاهنگی زیرنظر دبیر شـورا که بـا حکم رییس شـورا منصوب می‌شود، فعـالیت می‌کنـد و محـل آن معـاونت امور عمرانی استانداری است ماده ۷ ـ دبیر شورای همـاهنگی ، ریاست جلسات فرعی را که به منظور فراهم آوردن زمینه اجرای مصوبات شورای هماهنگی تشکیل می‌شود ، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای وی انجام می‌شود.

تصویبنامه در خصوص اجرای طرح تعویض پلاک خودروها – مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۵/۵/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۶۱/۶/۱/۴۵۱۰۵ مورخ ۶/۵/۱۳۸۲ وزارت کشور و به استناد بند (ب) تبصره (۱۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کـل کشور تصویب نمود: ۱- به نیروی انتظـامی جمهوری اسـلامی ایران اجازه داده می شود با موافقت وزارت کشور در سـال ۱۳۸۲ برای اجرای طرح تعویض پلاـک خودروهـا به ازای هر دسـتگاه خودرو مبلغ پنجـاه هزار (۵۰،۰۰۰) ریـال (به اسـتثنای خودروهـایی که قبلاـ وجه پرداخت نموده انـد) دریافت و به حساب درامـد عمومی کشور (نزد خزانه داری کل) ردیف ۵۱۰۲۰۷ قسمت سوم این قانون واریز نماید. ۲- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است خدمات خودرویی خود را به طور مستقیم از طریق شرکت پست جمهوری اسلامی ایران انجام دهد. ۳- اجرای طرح تعویض پلاک خودروها منوط به موافقت وزارت کشور می باشـد. ۴- وزارت کشور بـا همکـاری دسـتگاه هـای ذی ربط طرح جامع تعویض پلاک خودرو را تهیه و حداکثر ظرف یک ماه ارائه نماید. معاون اول رئیس جمهور – محمدرضا عارف

تصمیم نمایندگان ویژه رییس‌جمهور در خصوص دریافت کارت هوشمند سوخت خودرو – مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۱

تصمیم نمایندگان ویژه رییس جمهور در مورد اجرای تبصره (۱۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور و ساماندهی و توسعه حمل و نقل عمومی، خارج کردن خودروهای فرسوده و مدیریت مصـرف سوخت و گازسوز کردن خودروها و کاهش تقاضای مصرف که در جلسه مـورخ ۱۷/۳/۱۳۸۶ به اسـتناد اصـل یکصـد و بیست و هفتم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۴۴۵۲۵/ت۳۷۲۱۳هـ مورخ ۲۶/۳/۱۳۸۶ اتخـاذ شـده است، به شـرح زیر برای اجرا ابلاغ می‌گردد: ۱ـ آن دسـته از افرادی که تـاکنون موفق به دریـافت کـارت هوشـمند سوخت خودرو خود نشده‌انـد، از طریق آگهی منتشـره در جرایـد و یا ادارات پست برای دریافت آن اقـدام نمایند. ادارات پست پس از بررسـی فرمهای تکمیل شده و تطبیق آنها با کارتهای معطله موجود در پست و نیروی انتظـامی و تسـجیل اطلاعات خودرو و مالک آن نسـبت به تحویل کارتها در آدرسـهای تعیین شـده اقـدام نمایـد. ۲ـ از آنجـایی که تمامی جایگاههای عرضه بنزین در کشور صـرفاً با کارت هوشـمند سوخت، نسبت به عرضه بنزین اقدام می‌کنند، به منظور رفاه حال مردم، وزارت نفت مکلـف به پیش‌بینی کـارت اضـطراری سـوخت در جایگاههـای بین‌راهی می‌باشـد. ۳ـ نیروی انتظـامی جمهوری اسلامی ایران موظف است اطلاعات آن دسته از خودروهای اسقاط شده در خارج از حرکت را برای ابطال کارتهای سوخت صادره مربوط به وزارت نفت اعلام نماید. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

شهرداری تهران

آیین نامه اجرایی قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۳) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱ ـ در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رونـد: الف ـ نیروی انتظامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ب ـ شهرداری شهرداری تهران پ ـ راهنمایی و رانندگی اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران ت ـ قانون قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی‌ایران ث ـ امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران کلیه وظایف مرتبط باامور حمل و نقل و ترافیک‌شهری شامل کنترل ، تنظیم و تسهیل عبور و مرور ، کنترل معاینه فنی وسایل نقلیه ، امور مربوط به تصادفات ، اجراییات و اخذ جرایم رانندگی ، آموزش همگانی و سایر مواردی که به موجب قوانین و مقررات به عهده نیروی انتظامی واگذار شده یا خواهد شد. ماده ۲ ـ ساختار تشکیلاتی راهنمایی و رانندگی جز لاینفک نیروی انتظامی بوده و همچنان به‌عنوان واحدی از تشکیلات یکپارچه آن نیرو تلقی می‌گردد. ماده ۳ ـ شهرداری مکلف است همه ساله سیاستها و برنامه‌های خود را در خصوص انجام امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران در چهارچوب قوانین و مقررات مصوب تهیه و به فرمانده نیروی انتظامی اعلام نماید و راهنمایی و رانندگی موظف به اجرای آن می‌باشد. تبصره ۱ ـ موارد ضروری که در طول سال و بر حسب نیاز از سوی شهرداری ، در چهارچوب قوانین و مقررات اعلام می‌شود و جزو سیاستها و برنامه‌های سالانه شهرداری منظور نگردیده‌اند ، توسط راهنمایی و رانندگی به اجرا در می‌آیند. تبصره ۲ ـ شهرداری تهران موظف است سیاستها و برنامه‌های آن دسته از امور راهنمایی و رانندگی که نیاز به یکنواختی در کل کشور دارد ، با سیاستهای کلی اتخاذ شده از سوی نیروی انتظامی هماهنگ نماید. تبصره ۳ ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم در امور اختلاف بین شهرداری و نیروی انتظامی در اجرای این آیین نامه برعهده وزارت کشور است ماده ۴ ـ تامین بودجه و کلیه امکانات اعم از تجهیزات ، تاسیسات ، اماکن مورد نیاز راهنمایی و رانندگی (به استثنای حقوق و مزایای پرسنل و تجهیزات مخابراتی و سلاح و مهمات برعهده شهرداری است شهرداری موظف است نیازهای راهنمایی و رانندگی را متناسب با مأموریت های محول شده در برنامه‌های خود پیش بینی و بموقع تامین نماید. تبصره ۱ ـ کلیه امکانات و تجهیزات موجود مورد استفاده راهنمایی و رانندگی شامل اماکن ، تاسیسات و تجهیزات متعلق به نیروی انتظامی یا شهرداری در راهنمایی و رانندگی باقی می‌ماند تا در راستای انجام وظایف قانونی مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۲ ـ به منظور نظارت بر اجرای بودجه‌های مصوب شهرداری که در اجرای قانون دراختیار نیروی انتظامی قرار می گیرد ، شهرداری می‌تواند ذیحسابان خود را در راهنمایی و رانندگی مستقر نماید. ماده ۵ ـ به منظور هماهنگی و تسریع در ارایه خدمات مربوط به امور راهنمایی و رانندگی به شهروندان ، نیروی انتظامی و شهرداری می‌توانند ضمن ایجاد هماهنگی و با موافقت وزارت‌کشور و رعایت حدود اختیارات ، مناطق راهنمایی و رانندگی را به تعداد مناطق شهرداری افزایش دهند. ماده ۶ ـ راهنمایی و رانندگی مکلف است همواره آمار و اطلاعات مورد نیاز را که به نحوی در امر برنامه ریزی و بهبود حمل و نقل و ترافیک موثر باشد در اختیار شهرداری قرار دهد. ماده ۷ ـ به شهرداری اجازه داده می‌شود به منظور تکمیل نیروهای مورد نیاز راهنمایی و رانندگی و در جهت انجام امور مربوط بنا به درخواست راهنمایی و رانندگی ، نیروهای غیرنظامی در بخش ستادی و خدماتی را در اختیار راهنمایی و رانندگی قرار دهد تا با بررسی و رعایت ضوابط مربوط به خدمات گمارده شوند. نیروهای یاد شده تابع مقررات استخدامی شهرداری‌خواهند بود. تبصره ـ مأموران غیر نظامی شهرداری موظف به رعایت ضوابط مربوط به امور جاری راهنمایی و رانندگی تهران بوده و در صورت اعلام تخلف از سوی راهنمایی و رانندگی ، شهرداری در اسرع وقت برابر مقررات اداری و استخدامی مربوط با متخلف رفتار می‌نماید. ماده ۸ ـ نیروی انتظامی موظف است همواره نیروهای مورد نیاز راهنمایی و رانندگی تهران رادر چهارچوب سقف سازمانی از افسران و درجه داران آموزش دیده برای اجرای سیاستها وبرنامه‌های شهرداری در امور راهنمایی و رانندگی تامین نماید. ماده ۹ ـ به منظور تعیین سیاستها و برنامه‌های شهرداری ، موضوع تبصره (۱) قانون یاد شده درمورد امور مربوط به راهنمایی و رانندگی ، شورای حمل و نقل و

ترافیک شهر تهران مرکب ازاعضای زیرتشکیل می‌شود: الف ـ شهردار تهران به عنوان رییس شورا ب ـ نماینده وزیر کشور پ ـ معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار تهران ت ـ رییس راهنمایی و رانندگی تهران ث ـ مدیر عامل سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران ماده ۱۰ ـ انتصاب یا عزل رییس راهنمایی و رانندگی توسط فرماندهی نیروی انتظامی باهماهنگی شهرداری صورت می گیرد و در صورت اختلاف نظر تصمیم جانشین فرماندهی کل قوا در نیروی انتظامی وزیر کشور ملاك عمل خواهد بود. ماده ۱۱ ـ راهنمایی و رانندگی در صورت لزوم در زمینه برقراری امنیت برابر ابلاغیه های نیروی انتظامی انجام وظیفه می‌نماید.

قانون الحاق یک تبصره به قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت

ماده واحده ـ تبصره زیر به عنوان تبصره ۶ به ماده واحده قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت مصوب سال ۱۳۵۳ اضافه می‌شود. تبصره ۶ ـ کلیه لوازم و تجهیزات از قبیل دستگاههای فرستنده و گیرنده و علایم و چراغ های راهنمایی و دستگاههای کنترل کننده مرکزی و وسایط نقلیه (به استثنای اتومبیل سواری شخصی و موتورسیکلت و ابزار و لوازم یدکی آنها که به تصویب هیات وزیران منحصرا برای مصارف اداره راهنمایی و رانندگی تهران خریداری و مستقیما به نام اداره مذکور ازخارج وارد می‌شود از پرداخت حقو ق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض معاف خواهد بود، ولی هزینه گمرکی باید پرداخت شود.

قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی – مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه های بعدی

ماده ۱ ـ در شهرهایی که از طرف شهربانی کل کشور با موافقت وزارت کشور تعیین و آگهی می‌شود به افسر شهربانی که آموزش لازم دیده و برای تشخیص تخلفات رانندگی تعیین شده باشند اجازه داده می‌شود که متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی را در محل و حین مشاهده تخلف متوقف کرده و جریمه نقدی را با تسلیم قبض رسید وصول نمایند. در صورتی که متخلف در محل از پرداخت جریمه خودداری کند مأمور مربوط برگه اخطاریه که زمان و محل وقوع تخلف و نوع آن و نام و شماره گواهینامه راننده و مشخصات وسیله ، نقلیه همچنین مشخصات مأمور مزبور در آن ذکر شده باشد به متخلف تسلیم می کند. در صورتی که متوقف ساختن وسیله نقلیه مقدور نباشد مأمور مربوط گزارش خود را که حاکی از مشخصات و شماره وسیله نقلیه و نوع تخلف و روز و ساعت و محل وقوع تخلف خواهد بود تنظیم و برای تعقیب متخلف به اداره مربوط تسلیم می کند. در مورد وسیله نقلیه ای که در محل غیرمجازمتوقف شده باشد در صورت عدم حضور متخلف مأموران مذکور می‌تواند اخطاریه مزبور را باذکر مشخصات وسیله نقلیه و زمان و مکان وقوع تخلف و نوع آن و مشخصات خود به وسیله نقلیه الصاق نمایند. در هر یك از موارد فوق متخلف می‌تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ مندرج دراخطاریه جریمه مقرر را به حسابی که از طرف خزانه داری کل تعیین و اعلام می‌شود پرداخت ورسید دریافت نماید تا نسبت به آن ظرف همان مدت با ذکر دلیل به دادگاه بخش اعتراض کند. به معترضینی که برای تسلیم اعتراض خود به دادگاه مراجعه می‌نمایند در صورتی که درهمان موقع امکان رسیدگی به اعتراض آنها نباشد ورقه‌ای حاوی شماره اخطاریه مورد اعتراض ، تاریخ وصول اعتراض و وقت رسیدگی دادگاه داده می‌شود اعتبار ورقه مزبور تا تاریخ رسیدگی مندرج در آن است دادگاه پس از رسیدگی هرگاه اعتراض را وارد تشخیص نداد متخلف را به دو تا سه برابر اصل‌جریمه محکوم می‌نماید. هرگاه متخلف در موعد ۱۵ روز مهلت جریمه را پرداخت ننماید و اعتراض هم به دادگاه نکرده باشد جریمه را باید به مأخذ دو برابر مبلغ مندرج در اخطاریه به‌حساب خزانه‌داری کل بپردازد. اگر هیچگونه اقدامی ظرف مدت یکماه از تاریخ اخطاریه به عمل نیاید متخلف در ساعتاداری به دادگاه اعزام می‌شود و پس از رسیدگی نسبت به علت عدم پرداخت جریمه در صورتی که

عذر او موجه تشخیص شود فقط به اصل جریمه والا به دو تا سه برابر آن محکوم می‌شود. تبصره ۱ ـ رسیدگی به تخلفات رانندگی وسایل نقلیه موتوری با دادگاه بخش است تبصره ۲ ـ چنانچه دادگاه ضمن رسیدگی گزارش مأمور مربوط را خلاف تشخیص دهد بایدمراتب را برای تعقیب مأمور به شهربانی کل یا ژاندارمری کل کشور اعلام نماید. تبصره ۳ ـ در شهر تهران متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی باید ظرف مدت پانزده‌روز از تاریخ تسلیم برگ اخطاریه به راننده یا الصاق آن به وسیله نقلیه جریمه مقرر را در یکی ازشعب بانک ملی به حسابی که از طرف شهرداری در بانک ملی مفتوح می‌شود پرداخت نمایند ، در صورت عدم پرداخت جریمه در موعد مقرر مبلغ آن به دو برابر افزایش می‌یابد و متخلف مکلف است که این مبلغ را به حساب مذکور در فوق پرداخت نماید ، چنانچه متخلف به نوع تخلف و جریمه تعیین شده در اخطاریه صادره اعتراض داشته باشد می‌تواند اعتراض خود راظرف مدت پانزده (۱۵) روز از تاریخ صدور اخطاریه با ذکر دلیل به دادگاه تسلیم کند ، دادگاه پس از رسیدگی در صورت احراز تخلف متخلف را به پرداخت جزای نقدی معادل دو یا سه برابراصل جریمه محکوم می‌نماید به تشخیص دادگاه مربوطه در مورد معترضینی که دارای عذرموجه باشند عدم رعایت پانزده (۱۵) روز مهلت اعتراض سلب حق اعتراض نمی‌نماید. تبصره ۴ ـ تطبیق میزان جریمه یا نوع تخلفات رانندگان توسط افسران یا مأمورین مجاز تعیین می گردد ، که در شهر تهران وسیله کامپیوتر تنظیم و کنترل می‌شود و دادگاه فقط در صورت ضرورت گزارش تخلف را مطالبه و بررسی خواهد کرد. ماده ۲ ـ مجازات تخلفات رانندگی طبق آیین نامه از یکصد الی یکهزار ریال است ماده ۳ ـ (وجوه حاصل از محل جرایم رانندگی در حوزه هر شهر در حساب مخصوصی که ازطرف خزانه افتتاح می‌شود نگهداری خواهد شد ، بیست درصد وجوه مزبور را برای ایجاد توقفگاه ها (پارکینگ و اصلاح معابر در اختیار شهرداری محل گذارده می‌شود و ۸۰ درصد بقیه‌به عنوان درآمد اختصاصی در اختیار شهربانی محل گذارده خواهد شد که برای تهیه وسایل خط کشی و نصب علایم و چراغهای راهنمایی و حسن انتظام عبور و مرور به مصرف برسد.نحوه مصرف وجوه مزبور به موجب آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد) خط‌کشی معابر درشهر تهران از وظایف شهرداری تهران خواهد بود. تبصره ۱ ـ در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۲ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی در حوزه شهر تهران به درآمد عمومی منتقل و مازاد آن به حساب موضوع این ماده منظور می‌شود. از سال ۱۳۵۱ به‌طریقی که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. تبصره ۲ ـ در شهر تهران شهرداری می‌تواند به درجه داران دیپلمه و مأمورین مورد تایید اداره راهنمایی و رانندگی تهران که آموزش لازم دیده باشند اختیارات و وظایف افسران مندرج در ماده یک این قانون را از لحاظ تشخیص تخلف و صدور اخطاریه تفویض نماید و درشهرستانهای دیگر به پیشنهاد راهنمایی آن شهر و تصویب شهربانی مربوطه تفویض اختیارمی‌شود. ماده ۴ ـ وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی در حوزه مسئولیت پلیس راه ژاندارمری کل کشور به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود و بر اساس بودجه ای که به پیشنهاد وزارت کشور و موافقت دفتر مرکزی بودجه و وزارت دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد به مصرف هزینه های مربوط به پیشگیری از تصادفات ، کمک به تهیه وسایل و لوازم مخابراتی و موتوری مورد نیاز پلیس راه ونیز ایجاد تاسیسات در جاده های خارج از محدوده شهرها خواهد رسید نحوه مصرف وجوه مزبور طبق آیین نامه این قانون تعیین خواهدشد. تبصره ـ در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۳ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی موضوع این ماده به درآمد عمومی منتقل و مازاد آن به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود از سال ۱۳۵۱ به طریقی که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. ماده ۵ ـ مأمورین مذکور در ماده ۱ این قانون می‌توانند حسب مورد و نوع تخلف گواهینامه‌رانندگی متخلف را با دادن رسید حداکثر تا یکماه ضبط نمایند ، نوع تخلفات و مدت ضبط گواهینامه و نحوه جلوگیری از ادامه رانندگی راننده متخلف و مهلتی را که باید در موارد ضروری‌برای ادامه رانندگی موقت به راننده متخلف داد ضمن آیین نامه این ماده تعیین خواهد شد ، رسیدمزبور در مهلت مندرج در آن در حکم پروانه رانندگی است و

ماده ۶ ـ محلهایی که توقف وسایل نقلیه در آن محل‌ها موجب بروز خطر و انسداد راه می‌شود باید با نصب علایم مخصوص رانندگی وسیله مسئولان مربوط مشخص شود ، درصورت توقف وسایل نقلیه در این قبیل محلها و پیاده روها مأموران مربوط مجازند با وسایل‌اطمینان بخشی که برای این کار معمول است وسیله نقلیه مزبور را به نزدیکترین توقفگاه یا منطقه مجاز انتقال داده جریمه مقرر را با حق توقف در توقفگاه از متخلف دریافت کنند. تبصره ۱ ـ علایم مخصوص در سواره روهای مذکور در این ماده باید از علایم معمولی‌توقف ممنوع متمایز باشد. تبصره ۲ ـ در شهر تهران در تصادفات وسایل نقلیه که فقط منجر به خسارت مالی شده باشد رانندگان مکلفند وسیله نقلیه خود را فورا به کنار معابر هدایت کنند تا توافق نموده یا جهت بررسی تقاضای اعزام افسر کارشناس نمایند و در صورت امتناع رانندگان از رفع سد معبر پلیس با وسایل مقتضی رفع سد معبر می‌نمایند و با مشاهده محل وقوع تصادف از طرف افسر راهنمایی در صورت لزوم کروکی تصادف ترسیم و با متخلف طبق ماده یک اقدام می‌نمایند. ماده ۷ ـ در شهرهایی که از طرف شهرداری در خیابانها و معابر پارکومتر نصب و یا توقفگاه ایجاد می‌شود حق توقف متناسبی با تصویب انجمن شهر محل دریافت خواهد شد. ماده ۸ ـ در صورتی که عابر پیاده در عبور از سواره رو و معابر و خیابانها جز از نقاطی که‌خط‌کشی شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز) از محل دیگری (محلهای‌غیرمجاز) عبور نماید متخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین نامه می‌باشد و در صورتی که در این قبیل نقاط غیرمجاز وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف نماید راننده وسیله نقلیه در صورتی که کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نموده باشدمسئول شناخته نمی‌شود عدم مسئولیت راننده مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه‌نخواهد بود. برای اجرای مقررات این ماده ادارات مسئول امر عبور و مرور بر حسب مورد (شهربانی ، شهرداری ، ژاندارمری) مکلفند قبلا خیابان یا مسیر یا معبر مورد نظر را از حیث پیاده رو و خط کشی و نصب چراغ و کلیه علایم لازم و ایمنی عابر پیاده و رانندگان وسیله نقلیه موتوری کاملا مهیا و تامین کرده و مراتب را ۱۵ روز قبل از تاریخ اجرا وسیله جراید و رادیو و تلویزیون به اطلاع عموم اهالی برسانند. تبصره ـ در شهر تهران در خیابانهایی که به وسایل ایمنی عبور عابر پیاده مجهز شده باشند و مقررات زیر به وسیله شهرداری برای اطلاع عموم آگهی شود ، عابر پیاده مکلف است فقط از محل های مخصوص عابر پیاده عبور کند و در غیر این صورت اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده در سواره رو واقع شود مشروط بر آنکه راننده مست نبوده و گواهینامه مجاز رانندگی داشته باشد و با سرعت مجاز حرکت کرده و وسیله نقلیه او نقص فنی موثر در حادثه نداشته‌باشد و سه نفر افسر ارشد کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی از این جهات عدم مسئولیت راننده را گواهی نمایند ، مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد وپرونده به مراجع قضایی جهت اقدام مقتضی ارسال می‌شود عدم مسئولیت جزایی راننده ، مانع استفاده شخص متضرر از حادثه از مقررات بیمه شخص ثالث نخواهد بود. ماده ۹ ـ رانندگانی که ظرف یکسال سه دفعه به اتهام جرایم خلاف مربوط به امور رانندگی در دادگاه محکوم شده باشند و یا مرتکب تخلفاتی کردند که طبق آیین نامه امور خلافی رانندگان مستلزم سه بار ثبت در پرونده و منگنه نمودن گواهینامه رانندگی باشد به مدت ۶ ماه محرومیت از حق رانندگی محکوم خواهند شد و در صورتی که تخلف راننده بار دیگر به شرح فوق ظرف یکسال تکرار شود مدت محرومیت از حق رانندگی یکسال خواهد بود. هرگاه رانندگانی که گواهینامه آنها از طرف افسران شهربانی یا پلیس راه طبق ماده ۵ این قانون و مقررات مندرج در آیین نامه آن ضبط شده باشد مبادرت به رانندگی نمایند در حکم اشخاصی خواهند بود که بدون پروانه رانندگی نموده‌اند. ماده ۱۰ ـ کلیه معاملات و نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری از لحاظ شناسایی مالک آن نیز باید در دفاتر شهربانی کل ثبت شود. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از تنظیم سند خلاصه آن را به شهربانی محل نصب پلاک اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ برای وسایل نقلیه موتوری که در تهران شماره گذاری شده یا بشود از طرف اداره راهنمایی و رانندگی شناسنامه تنظیم خواهد شد و وسایل نقلیه ای که پس از انقضا یکسال از تاریخ اعلام اداره راهنمایی و رانندگی تهران بدون اخذ شناسنامه مورد استفاده واقع شود توسط افسران و مأمورین تا صدور شناسنامه یا ارائه آن

متوقف می‌شونـد. در شـهر تهران نقـل و انتقالات وسایـل نقلیه موتوری زمینی بایـد در اداره راهنمـایی و راننـدگی ثبت گردد و در صورتی که وسیله نقلیه فاقد شناسـنامه باشد و سند انتقال در دفتر اسناد رسمی تنظیم شود سردفتر مکلف است سند انتقال را به اداره راهنمایی و راننـدگی ارسال دارد تا از طرف اداره مـذکور پس از ثبت انتقال شناسـنامه صادر و به صاحب آن تسلیم گردد ، صدور رونوشت سـند معـامله قبل از ارائه شناسـنامه جز به تقاضای مراجع رسـمی و همچنین نقل و انتقال وسایل نقلیه در دفتر اسـناد رسـمی پس ازانقضـا مهلت یکسـال مـذکور فوق بـدون ارائه شناسـنامه ممنوع است سـردفترانی که از اجرای مفـاد این مـاده تخلف کننـد به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا بیست هزار ریال در دادگاه انتظامی سردفتران محکوم خواهند شد. تبصره ۲ ـ در شهر تهران افسـران و مـأمورین اجرا فقـط گواهینـامه یـا کارت راننـدگی مخصوص وسایط نقلیه متخلفینی را اخـذ می‌نماینـد که دارای تخلفات پرداخت نشده در مهلت مقرر باشند ، در این مورد افسران و مأمورین اجرا مکلفند با ارائه رسید ، یکی از مدارک فوق الذکر را اخذ و متخلف را جهت پرداخت وجوه جرایم به یکی از محلهـای تعیین شـده در برگ رسـید راهنمایی نماینـد. متخلف می‌توانـد پس از پرداخت وجوه جرایم و ارائه رسـید ، مـدرک خود را از محل تعیین شـده تحویل گیرد. در صورت عـدم ارائه یکی از مـدارک فوق الذکر مأمورین اجرا می‌توانند وسـیله نقلیه را در یکی از پارکینگها متوقف و راننده را جهت پرداخت جریمه به یکی از مراجع تعیین شـده هدایت‌نماینـد تا پس از پرداخت جریمه بلافاصـله وسـیله نقلیه ترخیص گردد. صورت وضـعیت خلاف های پرداخت نشده که وسیله کامپیوتر تنظیم و جهت پرداخت مبلغ مذکور در آن به متخلف تسلیم می‌گردد ، در صورت پرداخت به بانک نیمه دوم آن نیز به منزله رسـید است ماده ۱۱ ـ شـهربانی و ژانـدارمری کل کشور در حوزه مأموریت خود مجازند موسـسات حمل ونقل و مسافربری زمینی را که خلاف مقررات و آیین نامه های حمل بار و مسافر رفتار نماینـد حداکثر تا یک ماه تعطیل کنند. تعطیل زاید بر یک ماه تا یکسال با جلب موافقت دادسـتان شهرسـتان محل موسـسات مذکور خواهد بود رسیدگی به اعتراض در مورد اول دادگاه بخش و درمورد تعطیل زاید بر یک ماه با دادگاه شهرسـتان است و در هر دو مورد خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و حکم دادگاهها قطعی است ، آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل از طرف وزارتخانه های کشور و دادگستری تهیه و به تصویب کمیسیونهای کشور و دادگستری مجلسـین خواهد رسید. تبصـره ـ در مواردی که طبق این ماده موسـسه حمل و نقل بار یا مسافر تعطیل می‌شود موسسـه مکلف است ترتیب حمل بار و مسافر را که قبلا تعهد کرده به وسـیله موسـسات دیگر بدهد والا مسـئول خسارات وارده به اشـخاص ثالث خواهـد بود. ماده ۱۲ ـ کسـانی که قبـل از تصویب این قانون مرتکب تخلفات راننـدگی شـده و جریمه مقرر را نپرداخته باشـند هرگاه ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به پرداخت اصل جریمه اقدام نمایند از جرایم اضافی معاف خواهند بود. ماده ۱۳ ـ کلیه اختیارات و وظایفی که به موجب این قانون به افسـران شـهربانی واگذار گردیده در خارج از حوزه استحفاظی شهربانی به پلیس راه ژاندارمری و افسران و درجه‌داران دیپلمه پلیس راه که برای این منظور آموزش لازم دیده باشند محول می‌گردد. ماده ۱۴ ـ موسـسات حمـل و نقـل و راننـدگان وسایـل نقلیه بارکشـی و باربری در راهها مکلفنـد مقررات حمل بار در راههای کشور را که از طرف وزارت راه و ترابری تعیین و اعلام می‌گردد دقیقا رعـایت نماینـد. در صـورت تخلف وسـیله نقلیه توسط مـأمورین پلیس راه متوقف و از متخلف توسط مأموران پلیس راه سه هزار ریال جریمه عـدول از مقررات حمل بار دریافت خواهـد شـد ، به وسـیله نقلیه موقعی اجـازه حرکت داده می‌شود که موسسه حمـل و نقـل و یا راننـده وسـیله بارگیری وسـیله نقلیه را با مقررات حمل بار مطابقت دهد. ماده ۱۵ ـ قانون اعطای اختیار به افسران شهربانی در وصول جرایم رانندگی مصوب سال۱۳۳۹ از تاریخ اجرای این قانون ملغی است ماده ۱۶ ـ آیین نامه‌هـای اجرایی مربوط به این قـانون به اسـتثنا آیین نامه ماده ۱۱ از طرف وزارتخـانه های کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیأت دولت به موقع اجرا گـذارده‌می‌شود. ماده ۱۷ ـ وزارتخـانه های کشور ، دادگستری ، دارایی و راه مأمور اجرای این قانون هستند. توضیـح ضـروری تبصـره‌ای که به عنوان تبصـره ۲ مـاده ۱۰ درج گردیـده از نظر موضـوع بامفـاد مـاده ۱۰ بی‌ارتباط بوده و به نظر می‌رسـد تبصـره مـذکور می‌بایست در ذیل ماده ۵ درج گرددو عنوان تبصـره ۲ ماده ۱۰ منـدرج در بند (ز)

لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۱۸ ، ۲۵/۴/۱۳۵۸) مبنی بر اشتباه باشد.

قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت – مصوب ۷/۱۲/۱۳۵۳

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه امور مربوط به راهنمایی و رانندگی و ترافیک اعم از صدور پروانه رانندگی ـ نصب علایم ـ صدور اجازه نصب شماره اتومبیل (پلاک) و وسایط نقلیه در محدوده قانونی شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می‌شود. تبصره ۱ ـ افسران و همچنین کارمندان و همردیفان و درجه‌داران و افراد با رعایت قوانین ومقررات استخدامی و کیفری مورد عمل نیروهای مسلح برای انجام امور محول به صورت مأمور در اختیار شهردار پایتخت گذارده می‌شوند لکن از نظر امور حفاظتی و امنیتی زیر نظر شهربانی کشور انجام وظیفه نموده و دستورات و خط مشی های صادره شهربانی کشور را اجرا خواهندکرد. تبصره ۲ ـ بودجه و اعتبارات مورد نیاز امور پرسنلی و تدارکات و تجهیزات پرسنلی مربوط به راهنمایی و رانندگی پایتخت همه ساله توسط شهرداری پایتخت تهیه و از طریق شهربانی کشور بررسی و یکجا به طور مشخص در بودجه سنواتی منظور می گردد. بودجه و اعتبارات و تجهیزات و تدارکات عمومی و سایر نیازمندیها به وسیله شهرداری تهیه و پس از تایید انجمن شهر به دولت پیشنهاد می گردد که یک قلم در بودجه کل کشور منظور و پس از تصویب به‌عنوان کمک هر ساله در اختیار شهرداری پایتخت قرار گیرد. تبصره ۳ ـ کلیه وسایط نقلیه موتوری و تجهیزات فنی و ارتباطی امور راهنمایی و رانندگی مربوط به محدوده شهر تهران که به هر نحو در اختیار اداره راهنمایی شهربانی کشور می‌باشد و همچنین کلیه تجهیزات و ساختمانهایی که در تهران از محل اخذ جریمه احداث یا خریداری گردیده است بلاعوض به شهرداری پایتخت واگذار می گردد. تبصره ۴ ـ اجرای کلیه قوانین و آیین نامه ها و مقررات موضوعه مربوط به امور راهنمایی و رانندگی پایتخت همچنین کلیه اختیارات و وظایف که به موجب مقررات موضوعه مربوط به امر راهنمایی و رانندگی به شهربانی کشور واگذار گردیده است عینا در شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می گردد. تبصره ۵ ـ وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی اعم از موجودی و وصولی که طبق قانون نحوه رسیدگی به تخلف و اخذ جرایم رانندگی در تهران وصول می‌شود کلا در حساب مخصوص که توسط شهرداری پایتخت در بانک مرکزی ایران افتتاح می‌شود واریز و منحصرا به‌منظور بهبود امور راهنمایی و رانندگی و پارکینگ طبق آیین نامه خاص که به تصویب انجمن شهر خواهد رسید مصرف خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر یک ماده و پنج تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روزدوشنبه ۷/۱۱/۱۳۵۳ ، در جلسه روز سه شنبه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و پنجاه وسه شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین – مصوب ۲۸/۱۲/۷۳

ماده ۳۲ ـ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰ خرداد ۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن و آیین نامه های اجرایی قانون مذکور به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ ـ در صورتی که متخلف ظرف یک ماه پس از تاریخ اخطاریه ، جریمه را پرداخت ننماید جریمه را باید به ماخذ دو برابر مبلغ مندرج در اخطاریه به حسابهایی که به همین منظور توسط خزانه افتتاح خواهد شد بپردازد. جرایم موضوع این ماده مشمول مرور زمان نخواهد بود. ۲ ـ مجازات تخلفات رانندگی از دو هزار (۲۰۰۰) ریال الی یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال به تناسب جداول موجود تعیین می‌شود. ۳ ـ کلیه وجوه حاصل از جرایم رانندگی در شهرها و جاده ها باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود. همه ساله مبالغی به ترتیب زیر از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه

هر سال منظور می‌شود، در اختیار دستگاههای مربوط قرار خواهد گرفت الف ـ معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه حاصل از جرایم رانندگی در هر یک از شهرها که به حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌شود، از محل اعتبار فوق الذکر به حساب شهرداری مربوط واریز می‌شود تا جهت ایجاد توقفگاه و ایجاد و اصلاح و تعمیر و مرمت معابر و پل های زیرگذر و روگذر هزینه نماید. ب ـ معادل پنجاه درصد (۵۰٪) باقی مانده از وجوه حاصل از جرایم رانندگی در هر یک از شهرها و همچنین معادل هفتاد درصد (۷۰٪) کلیه وجوه حاصل از جرایم رانندگی در جاد ه‌ها که به حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌شود، از محل اعتبار مذکور در اختیار نیروی انتظامی قرار خواهد گرفت تا سه درصد (۳٪) آن را جهت تشویق به مأمورانی که تخلف را تشخیص و اقدام به صدور اخطاریه می‌نمایند و نیز ایجاد انگیزه تلاش و ترغیب و تشویق سایر مأموران مربوطه به منظور اجرای هر چه بهتر وظایف محوله هزینه نماید مابقی وجوه مذکور جهت حسن انتظام عبور و مرور ، آموزش ، اقدامات پیشگیرانه و تهیه وسایل و قطعات مخابراتی و وسایل نقلیه موتوری و لوازم آن و همچنین هزینه سوخت و نگهداری آنها ، خرید اراضی واحداث و اجاره ابنیه مورد نیاز ، تجهیزات و علائم تهیه وسایل آموزش همگانی ، اعزام احتمالی پرسنل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به خارج از کشور جهت مطالعه و بازدید از موسسات آموزشی و ترافیکی و پرداخت حق التدریس برای آموزش راهنمایی و رانندگی به مصرف برسد، همچنین معادل سی درصد باقی مانده وجوه حاصل از جرایم رانندگی در جاده‌هادر اختیار وزارت راه و ترابری قرار خواهد گرفت تا جهت رفع نقایص و خسارات و تأمین علائم و تجهیزات ایمنی در راهها مصرف گردد.

قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ – مصوب

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون سه تبصره به ذیل بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۲۷/۴/۱۳۶۹ الحاق می گردد: تبصره ۱ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است کلیه امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران را برابر با سیاست ها و برنامه‌های شهرداری شهر تهران و در چهارچوب قانون به اجرا درآورد. تامین کلیه تجهیزات و تاسیسات و بودجه و امکانات مورد نیاز اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران (به استثنای حقوق و مزایای پرسنل و تجهیزات مخابراتی و سلاح و مهمات) بر عهده شهرداری شهر تهران می‌باشد. کلیه امکانات و تجهیزات موجود اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عینا در این اداره باقی خواهد ماند. تبصره ۲ ـ اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عنداللزوم در زمینه برقراری امنیت برابر با ابلاغیه های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) انجام وظیفه می‌نماید. تبصره ۳ ـ چگونگی اجرای این قانون از جمله نحوه عزل و نصب رییس اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران با رعایت اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی (به استثنای موارد مربوط به امور امنیتی و انتظامی که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد) مطابق با آیین نامه ای می‌باشد که حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت کشور با هماهنگی و همکاری ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون لغو موارد مصرف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین – مصوب ۲۳/۹/۷۶

ماده واحده ـ از اول فروردین ماه سال ۱۳۷۷ موارد مصرف کلیه وجوهی که از بابت درآمدهای موضوع مواد مختلف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه های بعدی آن به عنوان درآمد برای مصرف یا موارد خاص در بودجه کل کشور منظور می‌شود لغو می گردد. تبصره ـ دولت می‌تواند متناسب با فعالیتهای درآمدی دستگاههای ذینفع اعتبارات مناسبی را در لوایح بودجه سالانه منظور نماید.

سازمان حمل و نقل

آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف – مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۶

فصل اول ـ شهر تهران (ماده ۱ تا ۷)

ماده ۱ ـ مأمورین اداره راهنمایی و رانندگی تهران پس از مشاهده هر یک از تخلفات ذیل موتور سیکلت یا موتور گازی را به نحو مقتضی به پارکینگ منتقل می‌نمایند و وسایل مزبور مطابق قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف مصوب ۱۳۵۶ حسب مورد تخلف به شرح زیر توقیف می‌شوند: الف ـ ایجاد صدای ناهنجار لوله خروج دود ۳ ماه ب ـ رانندگی در پیاده رو ۳ ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد.۶ ماه ج ـ رانندگی در جهت مخالف مسیر مجاز ۳ ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد.۶ ماه تبصره ـ پس از توقیف وسیله به راننده آن توسط مسئولان مربوط رسید داده خواهد شد. ماده ۲ ـ شهرداری تهران موظف است محلهای مناسبی را به منظور نگهداری موتورسیکلت ها و موتورهای گازی توقیفی تعیین و یا پرسنل مورد نیاز در اختیار اداره راهنمایی و رانندگی قرار دهد. تبصره ـ هزینه نگهداری موتور سیکلت یا موتورگازی به ازای هر روز ۵۰ ریال خواهد بود. ماده ۳ ـ ترخیص موتور سیکلت یا موتورگازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت جریمه متعلقه و هزینه نگهداری می‌باشد. ماده ۴ ـ مسئولین پارکینگ پس از دریافت گواهی مبنی بر پرداخت جریمه و هزینه نگهداری که به تایید اداره راهنمایی و رانندگی رسیده باشد موتورسیکلت یا موتورگازی توقیفی را به مالک قانونی یا وکیل مسترد می‌دارد. تبصره ـ در صورتی که موتور سیکلت یا موتور گازی هنگام ترخیص دارای تخلفات دیگر مشمول آیین نامه و راهنمایی و رانندگی باشد وفق همان مقررات عمل خواهد شد. ماده ۵ ـ در صورت عدم مراجعه مالک موتورسیکلت یا موتورگازی جهت ترخیص وسیله پس از مدت توقیف مقرر در قانون به ازای هر روز نگهداری اضافی وسیله مذکور در پارکینگ ، مالک موظف است مبلغ ۸۰ ریال به عنوان هزینه نگهداری بپردازد. ماده ۶ ـ در صورت عدم مراجعه مالک پس از یکسال از زمان توقیف شهرداری تهران برای وصول جرایم و هزینه نگهداری از طریق مراجع قضایی ذیصلاح اقدام می‌نماید. ماده ۷ ـ وجوهی که به عنوان هزینه نگهداری مذکور در این آیین نامه وصول می‌شود دراختیار شهرداری تهران قرار می گیرد.

فصل دوم ـ شهرها ، شهرک ها ، روستاها و راههای کشور (ماده ۸ تا ۱۲)

ماده ۸ ـ در محدوده قانونی شهرها ، شهرکها ، روستاها و راههای کشور، در صورتی که رانندگان موتور سیکلت یا موتورگازی مرتکب هر یک از تخلفات مندرج در ماده ۱ و بندهای سه‌گانه آن شوند به مجازاتهای مقرر در همان ماده محکوم خواهند شد. ماده ۹ ـ مأمورین راهنمایی و رانندگی شهربانی و پلیس راه ژاندارمری موظفند پس ازمشاهده هر یک از تخلفات مندرجه در بند الف ، ب ، ج ماده ۱ موتور سیکلت یا موتورگازی را به نحو مقتضی جهت نگهداری ، به راهنمایی و رانندگی ، کلانتری ، پاسگاه ژاندارمری و یا درصورت لزوم به پارکینگ اختصاصی منتقل می‌نمایند و پس از تعیین میزان توقیف بر حسب مورد تخلف به راننده آن رسید دهند. تبصره ـ هزینه نگهداری موتورسیکلت یا موتورگازی ، چنانچه در پارکینگ های اختصاصی نگهداری شوند ، به ازا هر روز برابر نرخ مصوبه محلی خواهد بود. ماده ۱۰ ـ ترخیص موتور سیکلت یا موتورگازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت جریمه متعلقه و هزینه نگهداری در پارکینگ اختصاصی و ارایه برگ ترخیص از سوی مرجع توقیف کننده می‌باشد. ماده ۱۱ ـ در صورت عدم مراجعه مالک پس از یکسال از زمان توقیف ، شهربانی یا ژاندارمری به منظور وصول جرایم و هزینه نگهداری

در پارکینگ اختصاصی و تعیین تکلیف موظفند مراتب را به مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نمایند.

فصل سوم ــ مقررات عمومی (ماده ۱۲ تا ۱۳)

ماده ۱۲ ـ در رسیدی که به صاحب وسیله داده خواهد شد حسب مورد تبصره ماده ۲ و نیزمواد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و یا تبصره ماده ۹ و نیز مواد ۱۰ و ۱۱ و مفاد آن به صاحب وسیله تفهیم‌خواهد شد. ماده ۱۳ ـ جرایم موضوع قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف که در مواد ۴ و ۱۰ این آیین نامه به آنها اشاره شده است به حساب خزانه واریز خواهد شد. این آیین نامه مشتمل بر ۱۳ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۲۸/۴/۶۶ به تصویب شورای عالی قضایی و وزارت کشور رسید.

لایحه قانونی راجع به مجازات متخلفین از اجرای مقررات طرح جدید ترافیک (مرحله سوم) – مصوب ۱۷/۳/۱۳۵۹ ش

ماده ۱ ـ از تاریخ اجرای طرح جدید ترافیک (مرحله سوم تردد وسایط نقلیه در ساعات و محدوده ای از شهر که از سوی اداره راهنمایی و رانندگی تهران تعیین و به اطلاع عموم می‌رسد ممنوع بوده و متخلفین از اجرای این مقررات مبلغ یکهزار ریال جریمه خواهند شد. ماده ۲ ـ عبور و توقف وسایط نقلیه غیرمجاز در مسیر ویژه ممنوع بوده و متخلفین مبلغ یکهزار ریال جریمه خواهند شد. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا – مصوب ۱۴/۲/۱۳۷۶ هیات وزیران

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱ ـ در این آیین نامه عبارات و اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کارمی‌روند: محدوده ممنوعه تردد: محدوده جغرافیایی داخل شهری است که توسط مراجع صلاحیت دار مندرج در این آیین نامه تعیین می‌شود و عبور و مرور برای برخی از وسایل نقلیه درآن ممنوع است ساعات ممنوعه تردد: ساعاتی از شبانه روز است که توسط مقامات یاد شده در این آیین نامه معین می‌شود و عبور و مرور وسایل نقلیه در آن ساعت ممنوع است وسایل نقلیه عمومی وسایل نقلیه جمعی که در مالکیت یا در اختیار یا نظارت مراجع‌دولتی یا عمومی بوده و در شبکه حمل و نقل عمومی شهری به کار گرفته می‌شود. ماده ۲ ـ شهرهای مشمول محدودیت یا ممنوعیت تردد وسایل نقلیه موضوع این آیین نامه در نقاطی که بنا به اعلام سازمان حفاظت محیط زیست آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری بیش از حد مجاز بوده و سهم وسایل نقلیه موتوری و تردد شهری در آلودگی هوای آنها بیش از سایر منابع آلوده‌کننده باشد، به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست یا شهرداریهای کشور یا نیروی انتظامی و تصویب شورای هماهنگی ترافیک استان مربوط ، تعیین می‌شود. تبصره ۱ ـ محدوده و ساعات ممنوعه تردد در شهرهای مشمول و وسایل نقلیه عمومی و امثال آن که مجاز به ترددند، بنا به پیشنهاد شهرداری شهر یا اداره کل حفاظت محیط زیست یا نیروی انتظامی استان مربوط و تایید شورای هماهنگی ترافیک استان به تصویب وزیر کشور می‌رسد. تبصره ۲ ـ وزیر کشور با توجه به نظر رییس جمهور به عنوان نماینده ویژه برای تعیین‌ساعات و محدوده ممنوعه تردد و نیز وسایل نقلیه عمومی و امثال آن موضوع ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا تعیین می‌شود (اصلاحی ۲۵/۹/۱۳۷۷).

فصل دوم ـ نحوه صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیت ها (ماده ۳ تا ۶)

ماده ۳ ـ عبور و مرور وسایل نقلیه موتوری و امثال آن در محدوده و ساعات ترافیکی که‌مطابق تبصره‌های ماده (۲) تعیین می‌شود منوط به اخذ کارت تردد از شهرداری مربوط است تبصره تعیین مدت اعتبار کارت تردد به عهده نماینده ویژه موضوع تبصره ۲ ماده ۲ این آیین نامه است ماده ۴ ـ در مواقع اضطراری موضوع ماده (۷) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ـ مصوب ۱۳۷۴ ـ مجوزهای تردد صادر شده پس از اطلاع از طریق رسانه های همگانی به گونه‌ای که اعلام خواهد شد، به طور موقت از درجه اعتبار ساقط می‌شود. ماده ۵ ـ شهرداریهای کشور مکلف هستند از طریق انتشار آگهی در رسانه‌های همگانی ، مردم‌را از محدوده‌ها و ساعات ممنوعه تردد آگاه نمایند و با نصب تابلوهای ویژه با هماهنگی اداره راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در مبادی ورودی محدوده ممنوعه ، هشدارهای لازم را به عموم افراد بدهند. ماده ۶ ـ نیروی انتظامی موظف است با نصب تابلو ورود ممنوع در مبادی ورودی به محدوده ممنوعه ، از تردد وسایل نقلیه فاقد مجوز موضوع ماده (۳) این آیین نامه در محدوده مورد نظر در ساعات ممنوعه جلوگیری کند و با متخلفین برابر مقررات مربوط رفتار نماید ، همچنین موارد استثنا (موضوع تبصره ۲ ماده ۲ این آیین نامه را بر روی تابلوهای ویژه اعلام‌کند.

فصل سوم ـ ساماندهی حمل و نقل شهری (ماده ۷ تا ۱۴)

ماده ۷ ـ به منظور کاهش تعداد و طول سفرهای روزانه شهری در شهرهای بزرگ کشور ، سازمان امور اداری و استخدامی کشور موظف است راهکارهای مناسب را در جهت غیرمتمرکز کردن خدمات اداری و بانکی در امور غیرستادی ، توزیع ساعات شروع و اتمام کار (مدارس ، ادارات ، بانکها ، بازار و غیراینها) ، افزایش ساعات ارائه خدمات عمومی ، تفویض اختیار به ادارات تابعه ، هدایت دستگاهها به ساخت مجتمع‌های اداری مشترک و نظایر آن را تدوین و به‌ت صویب شورای عالی اداری برساند ، همچنین به منظور کاهش آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل‌نقلیه موتوری و تقلیل سفرهای غیرضروری شهری با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن‌ترتیبی اتخاذ کند تا تمامی دستگاههای دولتی و موسسات عمومی به ویژه ارائه دهندگان خدمات عمومی ، به طور سالانه درصدی از مراجعات حضوری ارباب رجوع خود را با استفاده از شبکه پست ، پست بانک ، مخابرات ، دیتا و جایگزین اطلاع رسانی و به کارگیری شیوه مکاتبه به جای مراجعه ، پاسخگویی کنند. تبصره ـ میزان کاهش مراجعات و فهرست انواع خدمات قابل ارائه از راههای یاد شده در هر سال توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن و دستگاه ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. عملکرد دستگاهها و موسسات موضوع این ماده هر شش ماه یک بار توسط سازمان یاد شده به دولت گزارش می‌شود. ماده ۸ ـ وزارتخانه‌های کشور و صنایع و سازمان برنامه و بودجه و شهرداریهای کشور مکلفند امکانات حمل‌ونقل عمومی سفرهای روزانه شهری را در شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ ، به گونه‌ای فراهم نمایند تا علاوه بر حصول اهداف تعیین شده در برنامه دوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ اهتمام کامل برای تحقق اهداف الگوی مصرف (الگوی حمل و نقل به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) نیز به عمل‌آید. ماده ۹ ـ به منظور افزایش ظرفیت ناوگان حمل و نقل داخل شهری ، دولت سالانه تسهیلات ویژه‌ای را در اختیار شرکتها و سازمانهای اتوبوسرانی شهری قرار می‌دهد تا با استفاده از آن تسهیلات به ظرفیت موجود ناوگان اضافه شود. شهرداری های کشور مکلف هستند سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به مجموع ظرفیت موجود اضافه نمایند. وزارت صنایع مکلف است به منظور پاسخگویی به نیاز ناوگان حمل و نقل شهری ، افزایش ظرفیت تولیدات خود را در زمینه وسایل نقلیه عمومی در اولویت قرار دهد.

ماده ۱۰ ـ برای کاهش حجم تصدی امور توسط دولت و تمرکز امور حمل و نقل جمعی کارکنان دولت و استفاده بهینه از امکانات موجود ، دستگاههای اجرایی و تحت پوشش مستقر درشهرهای بزرگ می‌توانند به دو صورت زیر اقدام کنند. الف ـ تا پایان برنامه دوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با رعایت ماده (۱۱) قانون محاسبات عمومی کشور ـ مصوب ۱۳۶۶ به مرور نسبت به واگذاری امانی وسایل نقلیه جمعی خود به شرکتهای اتوبوسرانی در ازای ارائه خدمات مربوط با اولویت کارکنان دستگاههای طرف قرارداد دولت اقدام نمایند. تبصره ـ دستورالعمل اجرایی این بند توسط وزرای امور اقتصادی و دارایی و کشور و دستگاههای ذی ربط تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ب ـ در قبال عقد قرارداد ، در ساعات غیراداری و یا غیر از ساعات انتقال کارکنان خویش ، وسایل نقلیه جمعی خود را در اختیار شرکتهای واحد اتوبوسرانی قرار دهند. مفاد این ماده با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح در مورد نیروهای مسلح اعمال خواهد شد. ماده ۱۱ ـ به منظور کاهش آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ ، دستگاههای اجرایی ، نیروهای نظامی و انتظامی موظفند نسبت به گازسوز یا دوگانه سوز کردن تدریجی وسایل نقلیه تحت اختیار خود ، همچنین استفاده از سایر سوختهای مناسب با حداقل ترکیبات آلاینده از جمله بنزین بدون سرب بر اساس زمانبندی مشخص اقدام نمایند. سازمان حفاظت محیط زیست کشور موظف است گزارش سالانه عملکرد دستگاهها را به دولت گزارش نماید. این اقدام در مورد نیروهای مسلح با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح انجام می‌شود. تبصره ۱ ـ جهت تشویق بخش خصوصی در مورد استفاده از سایر سوختها و گازسوز یا دوگانه سوزکردن وسایل نقلیه ، دولت با اعطای وام یا تسهیلات بانکی با سود متضمن نرخ ترجیحی اقدام خواهد کرد. تبصره ۲ ـ وزارت نفت مکلف است به منظور به حداقل رساندن آلودگی ناشی از سوخت های آلاینده و جایگزین کردن کامل بنزین بدون سرب با بنزین معمولی و سایر سوخت ها ، نسبت به تولید و عرضه بنزین بدون سرب در حد نیاز اقدام نماید. تبصره ۳ ـ وزارتخانه‌های نفت ، صنایع و شهرداری تهران برابر برنامه زمانبندی شده با به کارگیری تمامی امکانات و منابع موجود ، نسبت به گازسوز یا دوگانه سوزکردن وسایل نقلیه موتوری تمامی متقاضیان اقدام می‌نمایند. تبصره ۴ ـ سازمان برنامه و بودجه موظف است برای به اجرا درآمدن مفاد این ماده اعتبارات لازم را در بودجه سالانه کشور پیش بینی نماید. تبصره ۵ ـ سازمان صداوسیما مکلف است با همکاری دستگاههای ذی ربط ، برنامه‌هایی را در راستای نمایاندن مزایای گازسوزکردن وسایل نقلیه و استفاده از بنزین بدون سرب از نظر اقتصادی و زیست محیطی ، همچنین برنامه‌های آموزشی متضمن ملاحظات ایمنی مربوط به گازسوز شدن از طریق صداوسیما به عموم مردم ارائه نماید. تبصره ۶ ـ موسسه تحقیقات و استاندارد صنعتی ایران مکلف است بررسیهای لازم در مورد تدوین استانداردهای گازسوزکردن وسایل نقلیه را تهیه و جهت اجرا به مراجع ذی ربط ارائه نماید. مراجع ذی ربط در تولید و اصلاح سیستم سوخت وسایل نقلیه موظف به رعایت استاندارد مزبور می‌باشند. ماده ۱۲ ـ شهرداریهای کشور در شهرهای بزرگ مکلف هستند حتی الامکان وسایل نقلیه‌عمومی با سوخت با حداقل ترکیبات آلاینده از قبیل اتوبوس گازسوز ، مترو ، قطار شهری و غیر اینها یا با سوخت بنزین بدون سرب را در شبکه حمل و نقل شهری به کار گیرند و جهت تشویق مردم به استفاده بیشتر از وسایل نقلیه عمومی ، راهکارهای مناسبی را از جمله تنظیم برنامه زمانبندی حرکت وسایل نقلیه عمومی در خطوط و شبکه حمل و نقل شهری به مورد اجرا گذارند. ماده ۱۳ ـ وزارت صنایع موظف است تمامی تولیدکنندگان داخلی موتورسیکلت های دوزمانه را در یک برنامه زمانی پنج ساله از زمان لازم الاجرا شدن این آیین نامه مکلف نماید فروش سالانه خود در سطح کشور را کاهش و با نوع موتور چهار زمانه جایگزین نمایند. نیروی انتظامی موظف است در پایان این دوره از تردد موتور سیکلتهای با سیستم دوزمانه در شهرهای کشور که به تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست با مشکل آلودگی هوا روبرو هستند جلوگیری کند. ماده ۱۴ ـ در اجرای تبصره (۱) ماده (۲) قانون مقررات صادرات و واردات ، از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه ، ورود موتور سیکلتهای دو زمانه ممنوع است

قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف – مصوب ۲۴/۲/۱۳۵۶

ماده واحده ـ افسران و درجه داران دیپلمه مأمور راهنمایی و رانندگی شهرداری پایتخت مکلفند در محدوده قانونی شهر تهران رانندگان موتور سیکلت یا موتورگازی را که در پیاده رو مبادرت به رانندگی می کنند و یا در جهت مخالف مسیر مجاز حرکت می کنند و یا به وسیله لوله خروج دود عمدا صدای ناهنجار ایجاد می کنند علاوه بر اخذ جزای نقدی مقرر در آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۱۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب خردادماه سال ۱۳۵۰ ، موتور سیکلت یا موتورگازی آنان را از سه ماه تا شش ماه به ترتیب زیر توقیف نمایند. الف ـ ایجاد صدای ناهنجار لوله خروج دود سه ماه توقیف موتور سیکلت یا موتورگازی ب ـ رانندگی در پیاده رو سه ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد شش ماه ج ـ رانندگی در جهت مخالف مسیر مجاز سه ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد شش ماه تبصره ۱ ـ مقررات این قانون در سایر شهرها یا شهرک ها و یا روستاها و یا راههای کشور بنابه پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران از تاریخی که در آگهی تعیین شود به وسیله افسران شهربانی یا پلیس راه یا ژاندارمری بر حسب مورد اجرا خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورتی که عمل متهم با ماده جزایی دیگری قابل انطباق باشد اجرای این ماده مانع تعقیب کیفری او نخواهد بود. تبصره ۳ ـ آیین نامه اجرایی این قانون متضمن ترتیب توقیف موتورها و هزینه نگهداری و ترتیب استرداد آنها و سایر موارد مربوط در محدوده قانونی شهر تهران توسط شهرداری پایتخت و در سایر نقاط توسط شهربانی و ژاندارمری بر حسب مورد تهیه و پس از تایید وزارتخانه های کشور و دادگستری قابل اجرا خواهد بود.

الحاقیه آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف – مصوب ۲۱/

در ارتباط با آیین نامه اجرایی فوق الذکر مواردی به پیشنهاد شهردار محترم تهران مورد بررسی قرار گرفت که آیین نامه مذکور به شرح ذیل اصلاح می‌گردد و شهرداری تهران موظف به اجرای دقیق آن می‌باشد. تبصره ماده ۲ ـ هزینه نگهداری موتورسیکلت یا موتور گازی (متخلف به شرح زیراصلاح می گردد: ۱ ـ موتورگازی (بدون دنده روزانه ۱۵۰ ریال ۲ ـ موتوردنده‌ای تا CC۱۲۵روزانه ۳۰۰ ریال ۳ ـ موتور CC۱۲۵ و بالاترروزانه ۴۰۰ ریال ماده پنج ـ در صورت عدم مراجعه مالک موتورسیکلت یا موتورگازی جهت ترخیص وسیله پس از مدت توقیف مقرر در قانون به ازای هر روز نگهداری اضافی وسیله مذکور در پارکینگ ، مالک موظف است مبالغ تعیین شده در جدول ذیل را به عنوان هزینه نگهداری بپردازد. ۱ ـ موتورگازی‌روزانه ۲۵۰ ریال ۲ ـ موتوردنده‌ای تا CC۱۲۵روزانه ۴۰۰ ریال ۳ ـ موتور CC۱۲۵ و به بالاـروزانه ۵۰۰ ریال تبصره ماده ۷ ـ با توجه به روح قانون تعزیر که می‌تواند به جزای نقدی تبدیل گردد و برای راکد نماندن سرمایه های ملت برای مدتهای مدید ، راکبینی که تخلف خاصی داشته و منجر به توقیف موتورسیکلت ایشان شده است می‌توانند برای ترخیص سریعتر موتور سیکلت مبالغ تعیین شده در جدول ذیل را به حساب شهرداری تهران واریز و موتور سیکلت خود را ترخیص‌نمایند. ۱ ـ موتورگازی (بدون دنده ماهیانه ۳۰۰۰۰ ریال ۲ ـ موتوردنده‌ای تا CC۱۲۵ماهیانه ۵۰۰۰۰ ریال ۳ ـ موتور CC۱۲۵ و به بالاماهیانه ۷۰۰۰۰ ریال

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا – مصوب ۳/۱۱/۱۳۷۴

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور پاک سازی و حفاظت هوا از آلودگی ها کلیه دستگاهها و موسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات و سیاست های مقرر در این قانون را رعایت نمایند. ماده ۲ ـ اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است منظور از آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد ، مایع ، گاز ، تشعشع پرتوزا و غیرپرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوریکه زیان آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. ماده ۳ ـ منابع آلوده کننده هوا که تحت مقررات این قانون قرار دارند به سه دسته زیر طبقه بندی می‌شوند: الف ـ وسایل نقلیه موتوری ب ـ کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها. ج ـ منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه

فصل دوم ـ وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱)

ماده ۴ ـ استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده های دیگر وارد هوای آزاد نمایند ممنوع است حد مجاز خروجی وسایل نقلیه موتوری توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست می‌رسد. ماده ۵ ـ هر وسیله نقلیه موتوری که به کار گرفته می‌شود باید دارای گواهینامه مخصوص مبنی بر رعایت حد مجاز خروجی آلوده کننده های هوا باشد. دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط زیست که توسط شهرداری ها ایجاد می گردد تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهینامه مبنی بررعایت حد مجاز آلودگی را دریافت نمایند. در غیر این صورت از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهینامه مذکور به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود جلوگیری خواهدشد. تبصره ۱ ـ هزینه انجام آزمایش و معاینه وسایل نقلیه موتوری از دارندگان وسایل نقلیه مذکور طبق تعرفه ای که توسط وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد اخذ خواهد شد. تبصره ۲ ـ تاریخ شروع اجرای این ماده و تبصره‌های آن حداکثر یک سال پس از تصویب این قانون تعیین می‌شود و سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری و سایر دستگاههای ذی ربط موظفند ظرف مدت مذکور امکانات لازم جهت اجرای این ماده را فراهم کنند. ماده ۶ ـ شهرداری ها ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ، وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذی ربط موظفند نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سیستم حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و سامان دهند که ضمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد. تبصره ـ آیین نامه اجرایی این ماده که دربرگیرنده ساعات و محدوده مجاز تردد شهری ، پیش بینی استفاده مطلوب و بیشتر از وسایل نقلیه عمومی و امثال آن می‌باشد توسط وزارت کشور (شهرداری‌ها) و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان حفاظت محیط زیست و در صورت لزوم با همکاری سازمان‌های ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهدرسید. ماده ۷ ـ در مواقع اضطراری که به علت کیفیت خاص جوی ، آلودگی هوای شهرها به حدی‌برسد که به تشخیص وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی سلامت انسان و محیط زیست را شدیدا به مخاطره بیاندازد ، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور (شهرداری ها و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) ممنوعیت ها یا محدودیت های موقت زمانی ، مکانی و نوعی را برای منابع آلوده کننده برقرار نموده و بلافاصله مراتب را از طریق رسانه های همگانی به اطلاع عموم خواهد رسانید. با برطرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا ، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسانید. ماده ۸ ـ ساخت و تولید و ورود وسایل نقلیه موتوری و همچنین موتور و سایر قطعات مرتبط با احتراق وسایل نقلیه از قبیل کاربوراتور و فیلتر مستلزم رعایت استاندارد های حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۹ ـ وزارت صنایع موظف است سیاست ها و

برنامه های تولیدی واحدها و شرکت های تابعه تولید وسایل نقلیه موتوری خود را به نحوی تنظیم نماید که اولا تولید وسایل نقلیه با موتورها و قطعات غیراستاندارد صورت نپذیرد ثانیا در برنامه ریزی ساخت خودرو برنامه تولید وسایل نقلیه و حمل و نقل عمومی را در اولویت قرار دهد ثالثا طراحی و ساخت اتومبیل‌ها به نحوی صورت گیرد که حتی المقدور امکان استفاده از گاز هم وجود داشته باشد. ماده ۱۰ ـ شماره گذاری هر نوع وسیله نقلیه موتوری مستلزم رعایت استانداردهای موضوع ماده ۸ این قانون می‌باشد. ماده ۱۱ ـ استانداردهای موضوع مواد ۸ و ۹ این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع ، وزارت نفت و موسسات تحقیقاتی ذیصلاح تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل سوم ـ کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲ ـ احداث کارخانجات و کارگاههای جدید و توسعه و تغییر محل و یا خط تولید کارخانجات و کارگاههای موجود مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۱۳ ـ وزارتخانه های صنایع ، معادن و فلزات ، کشاورزی و جهاد سازندگی هنگام صدور جواز تاسیس رونوشتی از جواز تاسیس مربوط را به سازمان حفاظت محیط زیست ارسال خواهند نمود. دارندگان جواز تاسیس مذکور مکلفند محل استقرار واحدهای صنعتی و یا تولیدی خود را طبق ضوابط استقرار موضوع ماده ۱۲ این قانون تعیین نمایند. صدور پروانه بهره برداری موکول به تایید محل استقرار با رعایت ضوابط موضوع ماده ۱۲فوق بر اساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. تبصره ۱ ـ احداث نیروگاه ها ، پالایشگاه ها ، کارخانجات پتروشیمی ، کارخانجات صنایع نظامی ، فرودگاه ها و ترمینال های بارگیری موکول به رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست از لحاظ محل استقرار می‌باشد. تبصره ۲ ـ ضوابط و معیارهای موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ توسط سازمان با مشارکت وزارتخانه های مذکور در این ماده تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۳ ـ سازمان حفاظت محیط زیست موظف است ضوابط و معیارهای زیست محیطی لازم را از طریق وزارتخانه های ذی‌ربط به دارندگان جواز تاسیس اعلان نماید. ماده ۱۴ ـ فعالیت کارخانجات و کارگاههای جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت ننمایند و همچنین فعالیت و بهره برداری از کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند ممنوع است ماده ۱۵ ـ سازمان حفاظت محیط زیست کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههایی که آلودگی انها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به صاحبان و یا مسئولان کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها ابلاغ خواهدکرد تا در مهلت معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاههای ذی ربط تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتی که صاحب یا مسئول کارخانه و کارگاهی که موجبات آلودگی هوا را فراهم می‌نماید با دلایل قابل قبول سازمان اثبات نماید که ظرف مهلت تعیین شده رفع آلودگی عملی نمی‌باشد سازمان می‌تواند برای یک بار مهلت اضافی مناسب در مورد اینگونه کارخانجات و کارگاهها قایل شود. تبصره ۲ ـ سازمان حفاظت محیط زیست موظف است استانداردهای هوای پاک واستانداردهای آلوده کننده های حاصل از کارخانجات و کارگاه ها که به هر طریق وارد هوای آزاد می‌گردند را برای هر منطقه و با توجه به کیفیت هوا و مناسبات زیست محیطی آن مناطق تهیه نموده و در اختیار متقاضیان و صاحبان کارخانجات و کارگاهها قرار دهد. حد مجاز (استانداردهای محیط زیست این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۶ ـ در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاه های آلوده‌کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط ننمایند ، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذی‌ربط محل که بلافاصله توسط

مأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود از کار و فعالیت کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد. ادامه کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای مزبور منوط به صدور اجازه سازمان حفاظت محیط زیست و یا رای دادگاه صلاحیت دار خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای آلوده کننده پس از ابلاغ سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت و ادامه کار کارخانجات و کارگاههای مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانجات و کارگاههای مذکور رأسا و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رای دادگاه صالحه ، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها بنمایند بر حسب مورد به مجازات های مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوط به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد و چنانچه مدیران و مسئولان مذکور اداره و تصدی کارخانجات و کارگاههای دولتی یا وابسته به دولت را بر عهده داشته باشند موضوع در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری وزارتخانه یا دستگاه متبوع مدیر یا مسئول نیز مطرح و حکم مقتضی صادر خواهد گردید. ماده ۱۷ ـ در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب ، رییس سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند کارخانجات و کارگاههایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در بر داشته باشد با اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آنها گردد و در صورت استنکاف به حکم رییس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید. ماده ۱۸ ـ در موادی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و یاکارگاهها از طریق دیگر بجز انتقال یک یا برخی از آنها به نقاط مناسب امکان‌پذیر نبوده و یا فعالیت کارخانجات و کارگاههای مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیاندازد سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارتخانه ها و دیگر دستگاههای دولتی ذی ربط طرح انتقال کارخانجات و کارگاههای مذکور را به نقاط مناسب (ترجیحا شهرک ها و قطب های صنعتی تهیه و به هیات وزیران ارایه می‌نماید. دولت در صورت صلاحدید و موافقت حسب مورد اقدام خواهد نمود. ماده ۱۹ ـ قطب ها و شهرکها و مجتمع‌های صنعتی و نیروگاهها و واحدهای تولیدی مکلفندحداقل ۱۰ درصد از فضای شهرکها و یا مجموعه فضای تخصیص داده شده جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی را به ایجاد فضای سبز و مشجر و کشت درختان مناسب منطقه اختصاص دهند. بهره‌برداری از واحدهای صنعتی و تولیدی مذکور منوط به رعایت این ماده و ایجاد فضای سبز مناسب می‌باشد. وزارتخانه های صنعتی موظف به نظارت به حسن اجرای این ماده باشند. ماده ۲۰ ـ کارخانجات و کارگاهها و نیروگاهها و کوره‌های آجرپزی و آهک پزی موظف به استفاده از سوخت و سیستم های احتراقی مناسب قابل دسترسی به نحوی که موجبات کاهش آلودگی هوا را فراهم نماید هستند. تبصره ـ وزارت نفت موظف است در برنامه ریزی گازرسانی و سوخت رسانی خود تامین سوخت مناطق صنعتی و مراکز استقرار کارخانجات و کارگاه ها و کوره های آجرپزی مجاور شهرهای بزرگ را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۱ ـ آیین نامه اجرایی این فصل و همچنین ضوابط مربوط به محدودیت استقرار صنایع در مجاورت شهرها توسط سازمان حفاظت محیط زیست با مشارکت وزارتخانه های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل چهارم ــ منابع تجاری ، خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷

ماده ۲۲ ـ پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده‌کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری ، خانگی و متفرقه در هوای آزاد ممنوع است منابع تجاری ، خانگی و متفرقه از جهت نوع و میزان آلودگی توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشخص و طبقه بندی شده و حد مجاز موضوع این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ ـ کلیه منابع آلوده کننده از قبیل حمام ها ، نانوایی ها ، هتل ها و رستوران ها و غیره مکلفند ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از انتشار دود و دوده و سایر موارد آلوده کننده درهوای آزاد ، از سوخت مناسب ترجیحا گاز شهری که موجب کاهش آلودگی هوا

می‌شود استفاده نمایند. وزارت نفت موظف است در برنامه سوخت رسانی شهرهای بزرگ ، تامین سوخت مناسب و گازرسانی منابع تجاری و واحدهای خدمات عمومی را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۴ ـ سوزاندن و انباشتن زباله های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع می‌باشد. ماده ۲۵ ـ وزارتین مسکن و شهرسازی و کشور موظفند هنگام تهیه طرحهای هادی و جامع‌و بهسازی شهرها به نحوی برنامه ریزی نمایند که فصل جداگانه ای از مطالعات طرح را به بررسی مسایل زیست محیطی اختصاص دهند به گونه ای که طراحی شهرها و شهرک ها و مجتمع های مسکونی از نظر فضای سبز و باز ، همجواری کاربری ها ، شبکه معابر و حمل و نقل ، ضوابط تراکم ساختمانی و غیره با معیارهای زیست محیطی مورد تایید سازمان متناسب باشد. تبصره ـ نقشه‌های شهرها ، شهرك های مسکونی ، قطبها و شهرکها و مجتمع های صنعتی اداری ، کشاورزی و غیره موکول به رعایت ضوابط و مقررات حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۲۶ ـ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۵ این قانون مشترکا توسط وزارت مسکن و شهرسازی ، وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۷ ـ ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می‌باشد. آیین نامه جلوگیری از آلودگی صوتی توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل پنجم ــ مجازاتها (ماده ۲۸ تا ۳۲)

ماده ۲۸ ـ افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده‌کننده غیرمجاز تردد می‌نمایند و همچنین کسانی که محدودیت ها و ممنوعیت های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت ننمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنجهزار ریال تا یکصد هزار ریال بنابر تعداد سیلندر حجم موتور میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد ضمنا از تردد وسایل نقلیه آلوده‌کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۲۹ ـ صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴ و۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند. تبصره ۱ ـ صاحبان و مسئولان اینگونه کارخانجات و کارگاههای آلوده‌کننده علاوه برمحکومیت مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه می‌باشند. تبصره ۲ ـ در مورد جرایم مقرر در این قانون علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی در زمینه خسارات وارده به محیط زیست می‌باشد. ماده ۳۰ ـ کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و کارگاهها منابع تجاری بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به عمل آورده و یا اسناد و مدارك و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارك و اطلاعات خلاف واقع ارایه نمایند بر حسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا ۳ ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد. تبصره ـ در صورتی که مأموران سازمان حفاظت محیط زیست در جرایم موضوع این ماده همکاری یا مشارکت داشته یا گزارش خلاف واقع ارایه نمایند علاوه بر محکومیت در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ ـ صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۳۲ ـ مسئولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی و همچنین عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از

سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصدهزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

فصل ششم ـ مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶)

ماده ۳۳ ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ، برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی ، آموزش و قوانین و مقررات مسایل حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا بگذارد. ماده ۳۴ ـ درآمدهای حاصل از اجرای این قانون پس از وصول بلافاصله به حساب خزانه واریز گردیده و معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه واریزی در هر سال و حداکثر تا سقف یک میلیارد ریال جهت اجرای این قانون به صورت ردیف جداگانه در لایحه بودجه هر سال منظور و در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست و معادل بیست درصد (۲۰٪) تا سقف چهارصدمیلیون ریال در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرد. ماده ۳۵ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون علاوه بر مواردی که در هر یک از مواد قانون نسبت به آن تعیین تکلیف شده است حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست و بر حسب مورد با مشارکت یا همکاری دستگاههای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۶ ـ از تاریخ ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در زمینه جلوگیری از آلودگی هوا لغو می گردد.

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا – مصوب ۲۲/۳/۱۳۸۱

فصل اول ـ کلیات (ماده ۱)

ماده ۱ ـ در این آیین نامه عبارات و اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف ـ محدوده ممنوعه تردد: محدوده جغرافیایی داخل شهری است که عبور و مرور تمام یا برخی از وسایل نقلیه در آن ممنوع است ب ـ ساعات ممنوعه تردد: ساعاتی از شبانه روز است که عبور و مرور تمام یا برخی از وسایل نقلیه در آن ساعات ممنوع است ج ـ وسایل نقلیه عمومی وسایل نقلیه ای که در مالکیت یا در اختیار یا نظارت مراجع دولتی یاعمومی بوده و در شبکه حمل و نقل عمومی شهری به کار گرفته می‌شود. د ـ خودرو های آزاد ـ خودروهایی هستند که بدون نیاز به مجوز ، مجاز به حرکت در محدوده می‌باشند و شامل خودروهای امدادی (پلیس ، آتش نشانی ، آمبولانس و...) ، اتوبوس های شرکت واحد اتوبوسرانی ، تاکسی های پلاک نارنجی و تاکسی های خطی فقط در مسیر تعیین شده‌می‌باشند. ه ـ خودرو های مجاز: خودروهایی هستند که در صورت داشتن مجوز ، مجاز به حرکت درمحدوده می‌باشند.

فصل دوم ـ نحوه اعمال محدودیت و صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیت ها (ماده ۲ تا ۶)

ماده ۲ ـ شهرهای مشمول محدودیت یا ممنوعیت تردد وسایل نقلیه موضوع این آیین نامه درنقاطی که بنابه اعلام سازمان حفاظت محیط زیست ، آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری بیش از حد مجاز بوده و سهم وسایل نقلیه موتوری و تردد شهری در آلودگی هوای آنها بیش از سایر منابع آلوده کننده باشد ، به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست یا شهرداری های مربوط یا نیروی انتظامی و تصویب شورای هماهنگی ترافیک استان مربوط ، تعیین می‌شوند. تبصره ۱ ـ وزیر کشور به عنوان نماینده ویژه

رییس جمهور برای تعیین ساعات و محدوده ممنوعه تردد و نیز وسایل نقلیه مجاز موضوع تبصره ماده (۶) قانون جلوگیری از آلودگی هوا تعیین می‌شود. تبصره ۲ ـ هرگونه سیاستگذاری و اتخاذ تصمیم در خصوص تعیین محدوده ، ساعات ممنوعیت ، تعداد و نوع خودروهای آزاد و مجاز ، مدت اعتبار و نوع محور تردد و امثال آن در تهران بنا به پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور و تصویب وزیر کشور و در شهرهای دیگر به پیشنهاد شورای هماهنگی ترافیک استان و تصویب وزیر کشور ، تعیین می‌گردد. تبصره ۳ ـ اعمال هرگونه ممنوعیت و محدودیت تردد باید همزمان با پیش بینی تسهیلات حمل و نقل عمومی لازم برای مردم در آن محدوده باشد. ماده ۳ ـ عبور و مرور وسایل نقلیه مجاز در محدوده و ساعات ممنوعه که مطابق تبصره های ماده (۲) تعیین می‌شود منوط به اخذ مجوز تردد از شهرداری مربوط است تبصره ـ بهای مجوزهای صادره ، توسط سازمان حمل و نقل ترافیک تعیین می‌شود. ماده ۴ ـ در مواقع اضطراری موضوع ماده (۷) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ـ مصوب۱۳۷۲ ـ مجوزهای تردد صادر شده پس از اطلاع از طریق رسانه های هماهنگی ، به گونه‌ای که‌اعلام خواهد شد ، به طور موقت از درجه اعتبار ساقط می‌شوند. ماده ۵ ـ شهرداری‌های کشور مکلف هستند از طریق انتشار آگهی در رسانه های همگانی ، مردم رااز محدوده و ساعات ممنوعه تردد آگاه نمایند و با نصب تابلو های ویژه با هماهنگی اداره راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در مبادی ورودی محدوده ممنوعه ، هشدارهای لازم را به عموم افراد بدهند. ماده ۶ ـ نیروی انتظامی موظف است با نصب تابلو عبور ممنوع در مبادی ورودی به محدوده ممنوعه ، ازتردد وسایل نقلیه فاقد مجوز موضوع ماده (۳) این آیین نامه در ساعات و محدوده ممنوع مورد نظر جلوگیری کند و با متخلفین برابر مقررات مربوط رفتار نماید ، همچنین موارد استثنا را بر روی تابلو های نصب شده اعلام کند.

فصل سوم ـ ساماندهی حمل و نقل شهری (ماده ۷ تا ۱۵)

ماده ۷ ـ به منظور کاهش تعداد و طول سفرهای روزانه شهری ، کاهش مراجعات حضوری به دستگاه‌های اجرایی ، کاهش شلوغی و تراکم ترافیک و ترویج فرهنگ استفاده از وسایل حمل و نقل همگانی در شهرهای بزرگ کشور ، شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور موظف است با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سایر وزارتخانه ها و سازمان ها به تناسب موضوع ، راهکارهای مناسب را در جهت غیر متمرکز کردن خدمات اداری و بانکی در امور غیر ستادی ، توزیع ساعات شروع و اتمام کار (مدارس ، ادارات ، بانک ها ، بازار و غیره تفویض اختیار امور قابل واگذاری به ادارات تابعه ، هدایت شهرداری ها به ایجاد مجتمع های خدمات محله و مناطق شهری و افزایش تعداد شعب ادارات و ارگان های جاذب سفر به تناسب نیاز جمعیت شهرها و نظایر آن را تدوین و تصویب نماید. همچنین به منظور کاهش آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری و تقلیل سفرهای غیرضرور شهری با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن ترتیبی اتخاذ کند تا کلیه دستگاه های دولتی و موسسات عمومی به ویژه ارایه دهندگان خدمات عمومی ، به طور سالانه درصدی از مراجعات حضوری ارباب رجوع خود را با استفاده از شبکه پست ، پست بانک ، مخابرات ، شبکه اطلاع رسانی الکترونیکی و جایگزین اطلاع رسانی و به کارگیری شیوه مکاتبه به جای مراجعه ، پاسخگویی کنند. تبصره ـ میزان کاهش مراجعات و فهرست انواع خدمات قابل ارایه از راههای یاد شده ، در هرسال به پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک و با هماهنگی دستگاه های ذیربط تهیه و به تصویب شورای عالی اداری می‌رسد. ماده ۸ ـ به منظور افزایش ظرفیت ناوگان حمل و نقل داخل شهری ، دولت سالانه تسهیلات مناسب را در اختیار وزارت کشور (شرکت ها و سازمانهای اتوبوسرانی و حمل و نقل ریلی شهری) قرار می‌دهد تا با استفاده از تسهیلات ، به ظرفیت موجود ناوگان اضافه می‌شود. شهرداری های کشور مکلف هستند تا رسیدن به ظرفیت مطلوب سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به مجموع ظرفیت ناوگان موجود

اضافه نمایند. وزارت صنایع و معادن مکلف است به منظور پاسخگویی به نیاز ناوگان حمل و نقل شهری ، افزایش ظرفیت تولیدات خود را در زمینه وسایل نقلیه عمومی در اولویت قرار دهد. ماده ۹ ـ به منظور اعمال سیاست‌های هماهنگ ، تعیین خط مشی لازم ، هدایت و نظارت بر تغییر سوخت خودروها از فرآورده های نفتی آلاینده به گاز طبیعی و دیگر سوخت های نوین ،شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور با همکاری ارگان های مرتبط اقدام‌های لازم را معمول خواهند نمود. تبصره ـ در جلسات شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که موضوع هدایت ونظارت بر تغییر سوخت خودروها از فرآورده های نفتی و آلاینده به گاز طبیعی و دیگر سوخت های نوین مطرح است از نماینده وزارت نفت با حق رای دعوت به عمل آید. ماده ۱۰ ـ به منظور کاهش آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ ، دستگاه‌های اجرایی ،شهرداری ها ، نیروی نظامی و انتظامی موظفند نسبت به تبدیل به گازسوز نمودن (گاز طبیعی تدریجی وسایل نقلیه تحت اختیار خود ، بر اساس زمانبندی مشخص اقدام نمایند. سازمان حفاظت محیط زیست کشور موظف است گزارش سالانه عملکرد دستگاه ها را به دولت گزارش نماید. این اقدام در مورد نیروهای مسلح با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح انجام می‌شود. ماده ۱۱ ـ وزارت نفت مکلف است به منظور به حداقل رساندن آلودگی ناشی از سوخت های فسیلی نسبت به تولید و عرضه گازوییل با استاندارد بین المللی به کمتر از ۵۰۰ PPM (گوگرد) ،در حد نیاز اقدام نماید. تبصره ـ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است برای به اجرا در آمدن مفاد این ماده اعتبارات لازم را در بودجه سالانه کشور پیش بینی نماید. ماده ۱۲ ـ سازمان صدا و سیما مکلف است با همکاری دستگاه‌های ذیربط ، برنامه هایی را در راستای نمایاندن مزایای تغییر سوخت مصرفی وسایل نقلیه از نظر اقتصادی و زیست محیطی ،همچنین برنامه های آموزشی متضمن ملاحظات ایمنی مربوط به گاز سوز شدن را از طریق صدا و سیما به عموم مردم ارایه نماید. ماده ۱۳ ـ موسسه تحقیقات و استانداردهای صنعتی ایران مکلف است بررسی های لازم درمورد تدوین استانداردهای ایمنی گازسوز کردن وسایل نقلیه را انجام و نتیجه جهت اجرا به مراجع ذیربط ارایه نماید. مراجع ذیربط در تولید و اصلاح سیستم سوخت وسایل نقلیه موظف به رعایت استاندارد مزبور می‌باشند. ماده ۱۴ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این تصویب نامه ، صدور مجوز سرمایه گذاری جدید و یاتوسعه واحدهای تولیدی موتورهای دو زمانه ممنوع و وزارت صنایع و معادن موظف است تمامی تولید کنندگان داخلی موتور سیکلت های یاد شده را مکلف نماید حداکثر تا دو سال از زمان لازم الاجرا شدن این آیین نامه ، تولید خود را با استانداردهای زیست محیطی تطبیق و نوع موتور چهار زمانه را جایگزین نمایند. تبصره ـ تردد موتورهای دو زمانه پس از دو سال از لازم الاجرا شدن این تصویب نامه در هفت شهر بزرگ کشور ممنوع است ماده ۱۵ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه ، واردات موتورسیکلت های دو زمانه ممنوع است

اساسنامه سازمان حمل و نقل و ترافیک پایتخت – مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۳

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ ـ سازمان حمل و نقل و ترافیک پایتخت که اختصارا در این اساسنامه به نام (سازمان) خوانده می‌شود به استناد ماده ۸۴ قانون شهرداری ها تاسیس می گردد و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و به صورت یکی از موسسات وابسته به شهرداری پایتخت و با اصول بازرگانی اداره می‌شود. ماده ۲ ـ هدف سازمان عبارتست از اصلاح تنظیم امر عبور و مرور کلیه وسایط نقلیه و عابرین پیاده و نصب علایم مربوطه و نظارت بر حمل و نقل مسافر و بار و موافقت با تاسیس موسسات حمل و نقل جدید و نیز تجدید نظر در مقررات مورد عمل فعلی و پیشنهادات لازم به مراجع ذیصلاح به منظور افزایش یا نقصان جرایم و همچنین

تجدیدنظر در کلیه مقررات مربوط به راهنمایی و رانندگی و پیش بینی طرحهای لازم به منظور توسعه شبکه های ارتباطی و بهبود وضع عبور و مرور در آینده و انجام عملیات اجرایی مربوط در محدوده قانونی پایتخت و حریم ماده ۳ ـ مدت عملیات سازمان نامحدود و مرکز اصلی آن پایتخت می‌باشد و تغییر آن منوط به تصمیم شهردار پایتخت است ماده ۴ ـ کلیه اموال منقول و غیرمنقول شهرداری پایتخت که مورد استفاده و در اختیار سازمان قرار می گیرد و آنچه که بعدا تاسیس و خریداری نماید و همچنین کمکهای مالی که از طریق شهرداری به سازمان می‌شود با حفظ حق مالکیت شهرداری به عنوان سرمایه سازمان محسوب می گردد. تبصره ـ سازمان موظف است صورت کلیه اموال منقول و غیرمنقول موجود و همچنین اثاثیه و وسایلی را که بعدا از شهرداری می گیرد ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این اساسنامه تهیه و با ارزیابی که به وسیله نمایندگان شهرداری و سازمان انجام خواهد شد به عنوان سرمایه در دفاتر مربوطه ثبت و صورت آن را برای تایید نهایی شهردار و اطلاع انجمن شهر پایتخت ارسال دارد. ماده ۵ ـ تغییر مواد اساسنامه و یا انحلال سازمان منوط به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر پایتخت خواهد بود.

فصل دوم ــ ارکان سازمان (ماده ۶ تا ۱۶)

ماده ۶ ـ سازمان دارای ارکان ذیل می‌باشد: الف هیات مدیره ب مدیرعامل ج ناظر انجمن شهر ماده ۷ ـ هیات مدیره مرکب از پنج نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل خواهد بود که از بین معاونان و یا صاحب منصبان عالی رتبه شهرداری از طرفی شهردار پایتخت به مدت دوسال انتخاب می‌شوند و در پایان مدت انتخاب مجدد آنان بلامانع است تبصره ۱ ـ رییس و نایب رییس هیات مدیره از طرف شهردار پایتخت از بین اعضای اصلی انتخاب و به این سمت منصوب خواهد شد. تبصره ۲ ـ شهردار پایتخت می‌تواند تعدادی از اعضای اصلی و یا علی البدل را در صورت اقتضای از بین افراد متخصص و با تجربه در امر ترافیک که خارج از کادر شهرداری هستند. انتخاب و مراتب را جهت اطلاع انجمن شهر اعلام دارد. تبصره ۳ ـ اعضای هیات مدیره می‌تواند هر یک به لحاظ تجربه و تخصصی که دارند با تصویب هیات مدیره نسبت به امور خاصی از سازمان نظارت مستقیم اعمال نماید. ماده ۸ ـ جلسات هیات مدیره به ریاست رییس یا نایب رییس هیات مدیره و با حضور حداقل چهار نفر از اعضای اصلی و یا علی البدل رسمیت پیدا می کند. تبصره ۱ ـ در صورت غیبت و معذوریت اعضای اصلی علی البدل به دعوت رییس هیات مدیره در جلسه هیات مدیره شرکت خواهند کرد و در غیر این صورت حضور آنان در جلسات بدون داشتن حق رای خواهد بود. تبصره ۲ ـ جلسات هیات مدیره با حضور چهار نفر اعضای هیات مدیره به ریاست رییس هیات مدیره و در غیاب او نایب رییس رسمیت خواهد یافت تبصره ۳ ـ تصمیمات متخذه با اکثریت سه رای که حداقل دو رای آن از اعضای اصلی باشد ، نافذ و قابل اجرای است ماده ۹ ـ جلسات هیات مدیره بر حسب تشخیص رییس هیات مدیره و یا به تقاضای مدیرعامل در مرکز اصلی سازمان تشکیل خواهد شد ولی فاصله تشکیل دو جلسه متوالی نباید از ده (۱۰) روز تجاوز نماید. ماده ۱۰ ـ صورت جلسات هیات مدیره پس از تصویب به امضای رییس و یا نایب رییس و اعضای هیات مدیره حاضر در جلسه می‌رسد. ماده ۱۱ ـ هیات مدیره نماینده قانونی شهرداری برای اداره کلیه امور سازمان است و دارای وظایف ذیل می‌باشد: الف اتخاذ تصمیم و تعیین خط مشی و سیاست کلی و نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و درآمد و هزینه سازمان ب بررسی و تصویب بودجه سالانه سازمان و ارسال آن برای تایید نهایی به شهرداری پ بررسی ترازنامه و بیلان و رسیدگی به امور مالی سازمان و تصویب و ارسال آن برای‌تایید نهایی شهرداری و انجمن شهر پایتخت شهرداری و انجمن ت تصویب قراردادهای مربوط به اجرای عملیات موضوع این اساسنامه و تصویب معاملات غیرمنقول سازمان با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری ث بررسی پیشنهادات و راه حل های مفیدی که برای بهبود و پیشرفت هدفهای سازمان واصل می گردد. ج بررسی و تصویب آیین نامه های داخلی که به منظور پیشرفت امور سازمان تدوین گردیده با رعایت مقررات و ضوابط

قانونی ماده ۱۲ ـ هیات مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را در کلیه امور به مدیر عامل تفویض نماید. ماده ۱۳ ـ هیات مدیره مکلف است سه ماه قبل از انقضای مدت دوره مدیریت مراتب را به اطلاع شهرداری برساند. تبصره ـ مادامیکه اعضای هیات مدیره جدید تعیین نشده‌اند، هیات مدیره قبلی و صاحبان اعضای مجاز سازمان کماکان به وظایف خود ادامه خواهند داد ولیکن به هر حال این مدت از سه ماه تجاوز نخواهد کرد. ماده ۱۴ ـ هیات مدیره از بین مهندسین عالی رتبه راه و ساختمان ترافیک و یا معماری شهرداری که دارای تخصص و یا تجارب کافی در امر ترافیک باشند ، یک نفر را با تایید شهردار پایتخت به عنوان مدیرعامل سازمان انتخاب می‌نماید. تبصره ـ چنانچه اقتضای نماید و یا فرد واجد شرایط در شهرداری برای تصدی پست مذکور یافت نشود، هیات مدیره می‌تواند با تایید شهردار از فرد واجد صلاحیت خارج از کادر شهرداری به صورت قراردادی استفاده نماید و در این صورت تعیین حقوق و مزایای مدیرعامل بنا به پیشنهاد هیات مدیره و تایید شهردار و تصویب انجمن شهر خواهد بود. ماده ۱۵ ـ مدیر عامل بالاترین مقام اجرایی سازمان بوده و بر کلیه واحدهای تابعه سازمان ریاست دارد و مسئول حسن جریان اداره کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال سازمان و اجرای مصوبات هیات مدیره می‌باشد و در مقابل هیات مدیره مسئول است ماده ۱۶ ـ مدیرعامل در مقابل اشخاص حقوقی و حقیقی و در کلیه محاکم و مراجع قضایی نماینده سازمان بوده و دارای کلیه اختیارات مندرج در مواد ۶۱ و ۶۳ آیین نامه دادرسی مدنی می‌باشد و هرگونه ارجاع به داوری و صلح و سازش منوط به تصویب هیات مدیره و تایید شهردار و انجمن شهر خواهد بود. تبصره ـ مدیرعامل می‌تواند با تصویب و تایید شهردار پایتخت اختیارات مندرج در ماده‌فوق را به وکلا ذی صلاحیت یا مشاوران حقوقی شهرداری تفویض نماید.

فصل سوم ـ طرز انتخاب و وظایف ناظر انجمن شهر (ماده ۱۷ تا ۱۸)

ماده ۱۷ ـ به منظور نظارت در انجام وظایف هیات مدیره یکی از اعضای انجمن شهر پایتخت به عنوان ناظر معرفی خواهد شد. ماده ۱۸ ـ ناظر انجمن شهر در حدود بند ۱ ماده ۴۵ قانون اصلاحی شهرداری ها نظارت خود را در سازمان حمل و نقل و ترافیک پایتخت اعمال خواهد نمود.

فصل چهارم ـ امور مالی و استخدامی (ماده ۱۹ تا ۳۰)

ماده ۱۹ ـ حقوق و مزایای هیات مدیره و کارکنان سازمان براساس مقررات استخدامی و آیین نامه ها و ضوابط مورد عمل شهرداری در مشاغل مشابه تعیین و پرداخت خواهد شد. تبصره ـ در اجرای ماده فوق مفاد تبصره ۱ ذیل ماده ۷ بنحو تبصره ذیل ماده ۱۴ عمل‌خواهد شد. ماده ۲۰ ـ استخدام کارکنان سازمان بنا به پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیات مدیره ازطریق قسمت کارگزینی شهرداری دارد (در خصوص اعتبارات بودجه و سازمان مصوب) و با توجه به مقررات موضوعه شهرداری به عمل خواهد آمد. تبصره ـ در صورتیکه کارمندان و یا کارگر واجد شرایط و صلاحیت در شهرداری یافت شود ، انتقال آنان به سازمان به منظور تصدی پستهای سازمانی مقدم بر استخدام کارکنان جدید است ماده ۲۱ ـ تعیین فوق العاده اضافه کار و پاداش و هرگونه مزایای دیگر با در نظر گرفتن اعتبارات مصوب براساس ضوابط و مقررات استخدامی شهرداری به پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیات مدیره خواهد بود. ماده ۲۲ ـ سازمان تفصیلی کارمندی و کارگری سازمان با رعایت مقررات استخدامی شهرداری به پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیات مدیره و تایید شهرداری و با تصویب نهایی انجمن شهر پایتخت قابل اجرا است ماده ۲۳ ـ شهرداری پایتخت مکلف است تا زمانی که سازمان احتیاج دارد همه ساله رقمی برای انجام هزینه های سازمانی در بودجه عمومی شهرداری تهران

منظور و در اختیـار سازمـان قرار دهـد تا سازمان براساس آن و برآورد اعتباری بودجه سالانه خود را تنظیم نمایـد. ماده ۲۴ ـ سازمان برای انجام هزینه های جاری و نگهداری وجوه نقدی خود را در حساب مخصوص در یکی از شعب بانك ملی افتتاح می کند. ماده ۲۵ ـ کلیه اسناد مـالی و چـك هـا و بروات و سـفته هـا و هر نوشـته و سـندی که برای سازمان ایجاد تعهـد مالی می‌نمایـد با امضای مدیرعامل یکی از اعضای هیات مدیره و مسـئول امور مالی سازمان معتبر است تبصره ۱ ـ هیات مـدیره صاحب امضای دوم را از بین خود انتخاب و معرفی خواهد نمود. تبصره ۲ ـ در غیاب هریك از نامبردگان جانشین رسمی آنها از طرف هیات مدیره تعیین و اسناد را امضای خواهـد نمود. ماده ۲۶ ـ مـدیر عامل می‌توانـد با تصویب هیات مدیره قسـمتی از اختیارات خود را به مسـئولین و یا روسای واحد تفویض اختیار نماید. ماده ۲۷ ـ سال مالی سازمان در فروردین ماه هر سال شـروع و در پایان اسـفند ماه همان سال خاتمه پیـدا می کنـد. تبصـره ـ اولین سال مالی سازمان از تاریخ تصویب این اساسـنامه تا پایان سال تصویب آن می‌باشد و تعهدات باقیمانده قابل انتقال به سال بعـد خواهد بود. ماده ۲۸ ـ آیین نامه معاملات سازمان بر اساس آیین نامه مالی شـهرداری توسط هیات مـدیره تنظیم و پس از تایید شـهرداری پایتخت و تصویب انجمن شـهر قابل اجرا می‌باشد. تبصـره ۱ ـ مـادامی که آیین‌نامه مـذکور تنظیم و تصویب نگردیده است از مقررات مالی شهرداری استفاده می‌شود. تبصره ۲ ـ اعضای کمیسیون های معاملات و تحویل و مناقصه و مزایده از بین کارکنان سازمان به پیشـنهاد مـدیر عامل و تاییـد هیات مـدیره و تصویب شـهردار پایتخت انتخاب خواهدشـد. ماده ۲۹ ـ چنانچه مواردی در این اساسـنامه پیش‌بینی نشده باشد، بر طبق آیین نامه های مالی و اسـتخدامی شـهرداری و مقررات موضوعه عمل خواهد شد. ماده ۳۰ ـ این اساسـنامه در چهار فصل و ۳۰ ماده و تبصـره براساس ماده ۸۴ قانون شـهرداریها تنظیم و طی مصوبه شماره ۴۰۷۱ مورخ ۱۸/۱۰/۱۳۵۳ انجمن شهر به تصویب رسیده است

شرکت واحد

قانون تفسیر تبصره یک ماده واحده قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی – مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۱

ماده واحـده ـ با توجه به بنـد ۲ ماده ۱۹۹ قـانون اصـلاح قسـمتی از قانون تجارت مصوب ۲۹ اسـفند ماه ۱۳۴۷ و عبارت مصـرح در قسـمت اخیر آن (مگر اینکه مـدت قبل از انقضای تمدیـد شـده باشـد) و به لحاظ اینکه از تبصـره یك ماده واحـد مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۳۱ استنباط عدم امکان تمدید مدت نمی‌شود لذا تمدید مدت شرکت اتوبوسرانی عمومی قبل از انقضا بلامانع است

آیین نامه اجرای قانونی تاسیس شرکت اتوبوسرانی – مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ ـ در اجرای قانون تاسیس شـرکت اتوبوسـرانی عمومی مصوب مجلسـین : وزارت کشور و شـهرداری هایی که دارای انجمن قانونی باشـند موظفند پس از نشر آگهی در ظرف حداکثر دو ماه و نیم شرکت واحد سهامی اتوبوسرانی عمومی حوزه خود و حومه آن را بر اسـاس مقررات مربوط قانون تجارت به ثبت برساننـد. ماده ۲ ـ چنانچه در ظرف مدت دو ماه از تاریخ نشـر آگهی صاحبان وسایط موجوده در هرشهر از واگذاری وسایط و خرید سهام خودداری کنند وزارت کشور یا شهرداری بر اساس این آیین نامه راسا به تاسیس شـرکت اقدام خواهد نمود و در این صورت به موجب تبصره ۸ قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی کارکنان فعلی اتوبوسـها خدمتگزار شرکت واحد اتوبوسرانی خواهند بود. ماده ۳ ـ شـرکت‌نامه و اساسنامه شرکت باید پس از تصویب انجمن شهر یا وزارت کشور (درمحل هایی که انجمن شـهر وجود نـدارد) به ثبت برسـد. ماده ۴ ـ پس از انقضای مدت مقرر در تبصـره ۴ قانون مذکور که حق تقدم مالکین منتفی می‌شود به موجب متن ماده واحده که اتوبوسـرانی عمومی و نقل و انتقال مسافر داخل هر شـهر و حومه آن را مخصوص شهرداری قرار داده است شهرداری به تاسیس شرکت مبادرت می کند و در این صورت شهرداری مجاز است

از اتوبوسرانی خطوط سابق جلوگیری کند. ماده ۵ ـ اصلاحی مرداد ماه ۱۳۳۵ ـ برای مراقبت در حسن اجرای قانون تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی و تعهد ناشیه از عمل شرکت هیاتی بنام هیات عالی نظارت و مشاور اتوبوسرانی عمومی تهران از اشخاص زیر تشکیل می‌شود: الف ـ وزیر کشور. ب ـ مدیر کل بانک ملی ایران یا معاون بانک ملی ج ـ رییس شهربانی د ـ شهردار تهران ذ ـ معاون وزارت دادگستری ر ـ معاون وزارت دارایی ز ـ معاون وزارت کار. ح ـ معاون وزارت بازرگانی ط ـ معاون وزارت صنایع و معادن ظ ـ سه نفر نماینده از طرف صاحبان سهام ۴۹٪. مادام که سهام ۴۹ درصد کاملا پرداخت نشده وزارت کشور به قائم مقامی انجمن شهر می‌تواند افراد مزبور را از بین سهامداران انتخاب نماید ولی پس از تعیین تکلیف ۴۹٪ انتخاب سه نفر مزبور نیز طبق مقررات شرکتها باید توسط کلیه صاحبان سهام به عمل آید. وظایف و اختیارات هیات نظارت مذکور در ماده ۵ به شرح زیر خواهد بود. ماده ۱ ـ رسیدگی و اظهارنظر صریح نسبت به هر موضوعی که از طرف هیات مدیره یا مدیر عامل یا بازرسان یا انجمن مراجعه شود. ماده ۲ ـ جلسات هیات نظارت و مشاوره ماهی یک مرتبه تشکیل می‌شود مگر در موارد فوق العاده که طبق تقاضای یکی از مقامات نامبرده در ماده ۱ یا دعوت هیات مدیره جلسه به طور فوق العاده تشکیل می‌شود که در آن صورت هیات موظف است حداکثر در ظرف ۲۴ساعت پس از وصول درخواست یکی از مقامات مذکور در ماده بالا به موضوع مرجوعه رسیدگی نسبت به آن اظهارنظر صریح نماید. ماده ۳ ـ جلسه با حضور هفت نفر رسمیت خواهد داشت و در صورتی که کمتر از ۱۰ نفر درجلسه شرکت نمایند اتخاذ هر نوع تصمیم به اکثریت پنج نفر معتبر خواهد بود. تبصره ۱ ـ خلاصه مذاکرات و تصمیمات هیات نظارت عالی در دفتر مخصوص ثبت و رونوشت صورتجلسات برای اطلاع هیات مدیره و انجمن شهر فرستاده خواهد شد. تبصره ۲ ـ هیات مدیره موظف است امور مالی شرکت را با توجه به قانون تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و اساسنامه مربوط و رعایت قانون تجارت اداره نماید. ماده ۶ ـ وظایف و اختیارات هیات نظارت با توجه به رعایت مقررات عمومی و انتظامی ورانندگی به شرح زیر است الف ـ تصویب نقشه مسیر خطوط و محل توقفگاه ها و تاسیسات ب ـ مراقبت در اجرای برنامه حرکت و مدت کار رانندگان و کارکنان اتوبوس ها. ج ـ مراقبت در وجوه عده کافی پایگاه وسایط در هر یک از خطوط د ـ نظارت در موجود بودن وسایط محکم و پاکیزه مناسب برای هر یک از خطوط به عددکافی به طوریکه استفاده اهالی از اتوبوسرانی به بهترین وجه به حداکثر ممکن تامین شود. ه ـ تصویب مقررات فنی و انتظامی مربوط به وسایط و در صورت لزوم پیشنهاد آن به مقامات صالحه ماده ۷ ـ عضویت هیات نظارت جزو وظایف اداری و قانونی هر یک از اعضای آن خواهدبود و از این بابت حقوقی از شرکت دریافت نخواهند نمود. ماده ۸ ـ شرکت موظف است مصوبات هیات نظارت را در آنچه مربوط به انتظام امر اتوبوسرانی عمومی و نظافت اتوبوسها و کارکنان و لباس آنها و آنچه موجب تامین رفاه عامه می‌باشد به موقع اجرا گذارد. شرکت موظف است دستورات انتظامی شهربانی را مراعات و اجرانماید. ماده ۹ ـ استفاده از متخصصین فنی خارجی به عنوان مشاور یا مستخدم شرکت در حدود قوانین مربوطه بلامانع خواهد بود. ماده ۱۰ ـ چنانچه در آتیه احتیاج به اصلاح یا تکمیل هر یک از مواد این آیین نامه باشد با پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات دولت اقدام به عمل خواهد آمد ، آیین نامه مصوب ۳۱/۱/۱۳۳۲ ملغی می گردد.

قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی در شهرها – مصوب ۱۶/۱۱/۱۳۳۱ با اصلاحات بعدی

ماده واحده ـ امتیاز اتوبوسرانی و نقل و انتقال مسافر بطور دسته جمعی در داخل هر شهر و حومه آن با شهرداری محل می‌باشد. تبصره ۱ ـ برای استفاده از این امتیاز شهرداری ها می‌توانند هریک شرکت واحد سهامی تشکیل دهند مشروط بر این که حداقل پنجاه و یک درصد سهام آن متعلق به شهرداری و بقیه متعلق به اتباع ایران ساکن محل بوده و مدت هر شرکت از شرکتهای اتوبوسرانی بیش از هشت سال نباشد. تبصره ۲ ـ سهام شرکت اسمی است هرگاه یکی از سهامداران بخواهد سهم خود را به بفروش برساند. شهرداری حق اولویت دارد و در صورت انتشار سهام جدید شهرداری در خرید سهام حق تقدم خواهد داشت تبصره ۳ ـ حق

رأی نسبت به سهام شهرداری با انجمن قانونی شهر است و در غیاب انجمن وزارت کشور قایم مقام آن خواهد بود. تبصره ۴ ـ مالکین اتوبوسهای هر شهر و حومه آن که هنگام تقدیم لایحه ، دولت اجازه اتوبوسرانی داشته‌اند از تاریخ اعلام تاسیس شرکت تا دو ماه حق تقدم در خرید سهام قابل انتقال شرکت خواهند داشت تبصره ۵ ـ هیچیک از اعضای انجمن شهر یا شخص شهردار نمی‌توانند صاحب سهام شرکت اتوبوسرانی در شهر محل تاسیس شرکت باشند و همچنین اقوام بلافصل آنها مشمول همین تبصره خواهند بود. تبصره ۶ ـ ارزیابی اتوبوسها و احتساب بهای آن در مقابل سهام بر طبق آیین نامه ارزیابیانجام خواهد گرفت تبصره ۷ ـ چنانچه بعضی از صاحبان جزیی از اتوبوس مایل باشند و توانایی قبول سهام شرکت را نداشته باشند به شرط تقاضای خودشان شرکت واحد مکلف است قیمت تقویمی آن جز از اتوبوس را بپردازد. تبصره ۸ ـ کارکنان فعلی اتوبوسها در صورت واجد بودن شرایط مقرر در آیین نامه استخدامی شرکت بر دیگران حق تقدم دارند. تبصره ۹ ـ کارکنان اتوبوسهای شرکت مشمول مقررات قانون کار خواهند بود. تبصره ۱۰ ـ شهرداریها مجازند اراضی متعلق به شهرداری را که مورد نیاز شرکت باشد به قیمت عادله در مقابل قسمتی از سهام نقدی خود به شرکت واگذار نمایند. تبصره ۱۱ ـ وزارت کشور و شهرداریهایی که دارای انجمن قانونی باشند می‌توانند برای تهیه سرمایه نقدی شهرداری ها در شرکتها به تناسبی که آیین نامه استقراضی تعیین خواهد نمود مجموعا تا مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال از بانک ملی وام دریافت نموده و در مدت ده سال مستهلک نمایند. تبصره ۱۲ ـ وزارت کشور مکلف است منتهی تا یکماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه های مربوط را تدوین و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارد. تبصره ۱۳ ـ شهرداریها می‌توانند در صورت اقتضا برای بهبود وضع اتوبوسرانی و نقل و انتقال مسافر در داخل و حومه هر شهر بهره برداری تمام یا پاره‌ای از خطوط اتوبوسرانی را با شرایطی که به تصویب انجمن شهر خواهد رسید و با توجه به صرفه و صلاح ساکنین شهرها و رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به بخش خصوصی واگذار کنند در این مورد کسانی که در تاریخ تصویب این تبصره پروانه اتوبوسرانی داشته‌اند با شرایط مساوی حق تقدم دارند. (الحاقی به موجب ماده واحده مصوب ۲۱/۱۲/۱۳۵۱)

تاکسیرانی

اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیر

۱ـ عنوان تبصره ماده (۲) به تبصره (۱) تغییر می‌یابد و در تبصره یاد شده بعد از عبارت فرودگاه) عبارت (و موقت) اضافه می‌شود. ۲ ـ متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۲) اضافه می‌شود: تبصره ۲ ـ وزارت صنایع مکلف است به منظور تبدیل تاکسی های موقت ، به تعداد لازم خودرو در اختیار وزارت کشور ، به منظور توزیع بین متقاضیان واجد شرایط قرار دهد. ۳ ـ متنهای زیر به عنوان تبصره ۳ و۴ به ماده (۵) اضافه و شماره تبصره‌های (۳) و بعد از آن به ترتیب اصلاح می‌شود: تبصره ۳ ـ در صورت عدم وجود تاکسی به تعداد مورد نیاز بر اساس تبصره (۲) این ماده شهرداری می‌تواند پروانه اشتغال موقت برای خودروهای شخصی واجد شرایط با رعایت مفاد این آیین نامه تحت عنوان تاکسی موقت صادر نماید. تبصره ۴ ـ صدور پروانه اشتغال موقت تنها برای تنظیم امور صادر می‌شود. ۴ ـ عبارت (و موفقیت در امتحان شهرشناسی و گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت (توجیهی) مقررات تاکسیرانی) به انتهای بند (ب) ماده (۶) اضافه می‌شود. ۵ ـ عبارت (یا داشتن افراد تحت تکفل بر اساس قوانین و مقررات مربوط با گواهی مراجع ذی صلاح) به انتهای بند (ث) ماده (۶) اضافه می‌شود. ۶ ـ بند (۲) ماده (۱۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود: (۲ ـ شهرداری حداقل و حداکثر تعداد وسیله نقلیه را با توجه به نوع وسیله نقلیه اعم از ملکی یا قراردادی که شرکت می‌تواند به کار گیرد ، بر اساس ضوابط و دستورالعمل های صادر شده از سوی شورای عالی هماهنگی ترافیکی شهرهای کشور تعیین می‌کند.)

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیرنظر شهرداری تهران – مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی

فصل اول ـ کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ به منظور ایجاد تمرکز و هماهنگی در امور مربوط به تاکسیرانی و انواع سرویس های تاکسی شهری در شهرها ، وزارت کشور بر اساس مواد (۵۴) و (۸۴) قانون شهرداری ـ مصوب ۱۳۳۴ اقدامات لازم را معمول می‌کند. ماده ۲ ـ تاکسی عبارت از وسیله نقلیه ای ـ اعم از سواری ، استیشن یا هر خودروی مناسب دیگر ـ است که دارای مشخصات معین شده در این آیین نامه است و با امتیاز بهره برداری که توسط شهرداری صادر می‌شود ، به صورت یکی از سرویس های تاکسی شهری به جابجایی مسافر در درون شهر می‌پردازد. تبصره ـ انواع سرویسهای تاکسی شهری که با عناوین ، رنگ ها و فرم های گوناگون نظیر نارنجی و فرودگاه که با وسایل نقلیه سواری ، استیشن یا خودروی مناسب دیگر یا آژانس مشغول به کار هستند ، مشمول این آیین نامه هستند. ماده ۳ ـ تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی ، همچنین کلیه امور مربوط به حمل و نقل عمومی مسافر در درون شهر ، در حیطه نظارت و مسئولیت شهرداری است تبصره ـ شهرداری می‌تواند به منظور رعایت مفاد این آیین نامه ، برای اشخاص حقوقی واجد شرایط ، مجوز حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری صادر نماید. اشخاص یاد شده برطبق مفاد این آیین نامه و به نمایندگی از شهرداری به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری اقدام می‌نمایند.

فصل دوم ـ پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (ماده ۴ تا ۸

پروانه تاکسیرانی ماده ۴ ـ پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (پروانه تاکسیرانی) مجوزی است که پس از طی موفقیت آمیز مراحل مختلف مذکور در این آیین نامه ،برای مدت معین (حداکثر ۱۲ ساعت در روز) ، سرویس مشخص ، مسیر و زمان معین توسط شهرداری صادر می‌شود. مجوز مذکور فقط برای اشتغال فرد با وسیله نقلیه مشخص است ، اعم از اینکه وسیله نقلیه متعلق به دارنده مجوز باشد یا به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر تعلق داشته باشد. تبصره ـ شماره پروانه تاکسیرانی به عنوان کد شناسایی راننده نیز به کار خواهد رفت ماده ۵ ـ مراحل مختلف صدور پروانه تاکسیرانی به قرار زیر است الف ـ ثبت نام از متقاضی ب ـ امتحان ورودی مطابق با مفاد دستورالعمل امتحان که به تصویب شهرداری می‌رسد. پ ـ تحقیق در مورد صلاحیت اخلاقی و اجتماعی متقاضی ت ـ مصاحبه حضوری ث ـ صدور پروانه تاکسیرانی مطابق مقررات موضوعه توسط شهرداری و در قبال اخذ گواهینامه معتبر رانندگی تبصره ۱ ـ با توجه به درج نوع و شماره گواهینامه رانندگی در پروانه تاکسیرانی ، پروانه مزبور برای رانندگی با تاکسی به منزله کارت شهری موضوع آیین نامه راهنمایی و رانندگی و گواهینامه رانندگی است تبصره ۲ ـ تعداد پروانه تاکسیرانی و پروانه بهره برداری از امتیاز سرویس های تاکسی شهری در هر شهر ، با رعایت ضوابط مصوب شورای عالی ترافیک ، توسط شهرداری تعیین می‌شود. تبصره ۳ ـ هزینه خدمات و هزینه صدور پروانه‌ها و مجوزهای موضوع این آیین نامه و حق امتیاز پروانه بهره برداری و حق امتیاز واگذاری نمایندگی به اشخاص حقوقی با تصویب شورای شهر یا جانشین قانونی آن و تایید وزارت کشور توسط شهرداری از متقاضیان اخذ خواهد شد. تبصره ۴ ـ مدت اعتبار پروانه تاکسیرانی (۲) سال است و در صورت دارا بودن شرایط ، هربار تمدید آن برای (۲) سال دیگر توسط شهرداری مجاز است تبصره ۵ ـ شهرداری موظف است نسخه ای از پروانه تاکسیرانی را برای اطلاع راهنمایی و رانندگی یا هر مرجع ذی صلاح جانشین ارسال کند. ماده ۶ ـ شرایط لازم برای دریافت پروانه

تاکسیرانی به شرح زیر می‌باشد: الف ـ داشتن حداقل (۲۳) سال سن ب ـ داشتن حداقل گواهی پایان دوره ابتدایی یا گواهی نهضت سوادآموزی معادل آن برای افرادی که کمتر از (۵۰) سال سن دارند و سواد خواندن و نوشتن برای افرادی که دارای بیش از(۵۰) سال سن هستند. پ ـ داشتن برگ پایان خدمت یا معافیت از خدمت وظیفه عمومی ت ـ دارا بودن گواهینامه معتبر رانندگی اتومبیل که حداقل یک سال از تاریخ دریافت آن گذشته باشد. ث ـ داشتن تاهل ج ـ تابعیت جمهوری اسلامی ایران چ ـ نداشتن سو پیشینه ح ـ عدم اشتهار به فساد اخلاقی خ ـ ارائه گواهی صحت بدنی و فکری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی د ـ محروم نبودن از حقوق اجتماعی یا اشتغال به رانندگی از طرف مراجع ذی صلاح ذ ـ التزام به رعایت شئون اسلامی ر ـ نداشتن شغل دیگر. تبصره ـ در صورت فقدان هر یک از شرایط یاد شده اعتبار پروانه خاتمه می‌پذیرد. ماده ۷ ـ متقاضی صدور پروانه تاکسیرانی مکلف به سپردن تعهد رسمی مبنی بر عدم انجام تخلفات موضوع این آیین نامه و قبول تصمیم های هیاتهای انضباطی و رعایت دستورالعمل های صادر شده است ماده ۸ ـ امور زیر از تخلفات تاکسیرانی محسوب و مرتکبین تابع تصمیم های هیاتهای انضباطی خواهند بود: ۱ ـ امتناع از حمل مسافر یا حمل مسافر با شرایطی خارج از مقررات ۲ ـ عدم رعایت شئون اسلامی و اجتماعی ۳ ـ عدم انجام کشیک های محوله و رعایت مقررات آن ۴ ـ اقدام به تاکسیرانی برای غیر از ساعت ، مسیر و سرویسی که در پروانه قید شده است ۵ ـ ارتکاب به جرم در هنگام تاکسیرانی یا با استفاده از تاکسی ۶ ـ عدم رعایت نرخهای مصوب و عدم استفاده از تاکسی متر در صورت نصب و الزام استفاده از آن ۷ ـ عدم رعایت مقررات مربوط به حمل مسافر و تکرار تخلفات راهنمایی و رانندگی ۸ ـ استفاده از پلاک شناسایی راننده دیگر در هنگام ارائه سرویس ۹ ـ نصب و استفاده از وسایل غیرمجاز که مخالف دستورالعمل های صادر شده باشد ، درتاکسی

فصل سوم ـ پروانه بهره برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری (ماده ۹ تا ۱۲

ماده ۹ ـ ارائه انواع سرویسهای تاکسی شهری در هر شهر با مدیریت شهرداری صورت می گیرد و ارائه هر یک از انواع سرویسهای مذکور توسط اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط ، مستلزم اخذ موافقتنامه اصولی و ارائه پروانه سرویس تاکسی شهری برای هر تاکسی از شهرداری است پروانه مذکور در این آیین نامه به اختصار (پروانه بهره برداری) نامیده می‌شود. تبصره ۱ ـ شماره پروانه بهره برداری عنوان کد شناسایی وسیله نقلیه (تاکسی را نیز خواهدداشت تبصره ۲ ـ اعتبار پروانه بهره برداری (۲) سال است و در صورت عدم تغییر شرایط مندرج در قرارداد ، هر بار برای مدت (۲) سال دیگر قابل تمدید است ماده ۱۰ ـ شماره گذاری وسایط نقلیه به عنوان تاکسی توسط مرجع شماره‌گذاری با ارائه پروانه بهره برداری معتبر امکان پذیر است تبصره ـ فرم ، رنگ ، تعداد ارقام و حروف قابل درج در شماره تاکسی توسط شهرداری با هماهنگی سازمان شهرداری های کشور و نیروی انتظامی تعیین خواهد شد. ماده ۱۱ ـ پروانه بهره برداری که به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط قابل واگذاری است تبصره ـ برای شخص حقیقی واجد شرایط فقط یک پروانه بهره برداری صادر می‌شود. ماده ۱۲ ـ شرایط اشخاص حقیقی برای دریافت پروانه بهره برداری به شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ داشتن پروانه تاکسیرانی معتبر. ۲ ـ معرفی یک دستگاه وسیله نقلیه مناسب مطابق با ضوابط این آیین نامه به عنوان تاکسی ۳ ـ انعقاد قرارداد در قالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی به منظور قبول تعهدات و شرایط زیر ، همچنین تصمیمهای هیات انضباطی موضوع ماده (۱۵) این آیین نامه الف ـ تعهد ارائه فقط یکی از سرویسهای تاکسی برابر مفاد قرارداد و روزانه حداقل یک نوبت کاری (۸) ساعته حداکثر اضافه کار یک فرد که ارائه سرویس را در یک نوبت کاری (۸) ساعته قبول می کند ، (۴) ساعت است که میزان آن توسط شهرداری در پروانه تاکسیرانی قیدمی‌شود. دارنده پروانه بهره برداری با موافقت شهرداری ، اختیار ارائه همان سرویس در نوبت کاری دیگر را منوط به قید موضوع در قرارداد و معرفی فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگر دارد. دراین

صورت مسئولیتهای ارائه سرویس در نوبت کاری دیگر نیز کماکان به عهده دارنده پروانه بهره برداری است ب ـ اعلام زمان استفاده از مرخصی سالیانه به مدت یک ماه که ضمن آن ممکن است حداقل یک نوبت کاری ارائه سرویس تعطیل شود. دارنده پروانه بهره برداری فقط در مدت مرخصی سالیانه می‌تواند به جای خود فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگری را برای ارائه سرویس در نوبت کاری مورد تعهد معرفی نماید. پ ـ تعهد به انجام نوع سرویس و مسیر و زمانهای شروع و خاتمه هر نوبت کاری سرویس درج شده در پروانه تاکسیرانی ت ـ تقبل انجام برنامه‌های مربوط به کشیک ث ـ تعهد به انجام مرتب نظافت بیرون و داخل تاکسی و رعایت شئون اسلامی و اجتماعی و عدم نصب لوازم و اشیای غیرمجاز در تاکسی برابر دستورالعمل های ارائه شده ج ـ تعهد به تهیه و استفاده از لباس فرم نظیف توسط راننده هنگام ارائه سرویس و نصب پلاک کد شناسایی راننده بر روی شیشه عقب خودرو برای رویت از خارج ، همچنین نصب کدشناسایی راننده و وسیله نقلیه (تاکسی در داخل اتومبیل در محل قابت رؤیت مسافر برابر دستورالعملهای شهرداری چ ـ تعهد به عدم سپردن تاکسی برای ارائه سرویس به افراد فاقد پروانه تاکسیرانی معتبر و نیز بهره برداری از تاکسی در زمانی که پروانه بهره برداری توسط مراجع ذی ربط طبق مقررات اخذ یا به طور موقت تا صدور پروانه بهره برداری جدید باطل شده است ح ـ تعهد به اعلام علت عدم ارائه سرویس ظرف (۴۸) ساعت از تاریخ توقف تاکسی به شهرداری خ ـ تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نیز نصب و استفاده از تاکسی متر طبق دستورالعملهای صادر شده د ـ تعهد به عدم امتناع از حمل مسافر ، همچنین عدم اقدام به حمل مسافر با اعمال شرایط شخصی و خارج از مقررات ذ ـ تعهد به استفاده از تابلو (خارج از سرویس) در مواردی که بنا به دلایل نقص فنی اتومبیل یا پایان نوبت کاری یا بنا به اضطرار قابل توجیه ، پذیرش مسافر ممکن نباشد. ر ـ تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکرهای بازرسان شهرداری در امور تاکسیرانی ماده ۱۳ ـ اشخاص حقوقی با احراز شرایط زیر و دریافت پروانه بهره برداری می‌توانند به نمایندگی از شهرداری اقدام به حمل و نقل عمومی مسافر در شهر بنمایند: ۱ ـ تاسیس شرکت با موضوع حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری توسط انواع اتومبیلهای سواری ، استیشن یا خودرو مناسب مدل بالا ـ که حداکثر (۵) مدل پایین تر از مدل همان سال باشد ـ برای انجام سرویس هایی که در موافقت نامه اصولی به اطلاع متقاضی می‌رسد. تبصره ۱ ـ شرکتهای تعاونی ایجاد شده توسط اشخاص حقیقی که تا تاریخ تصویب این آیین نامه دارای تاکسی بوده و در اجرای این آیین نامه پروانه بهره برداری دریافت کرده باشند ، مشروط به استفاده از پروانه بهره برداری تاکسی خود در شرکت ، در اولویت هستند. تبصره ۲ ـ شرکتهای تعاونی تاکسیرانی در امور غیر حمل و نقل اعم از خدمات رفاهی و پشتیبانی اعضا تابع قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران خواهند بود. ۲ ـ حداقل و حداکثر تعداد وسیله نقلیه با توجه به نوع وسیله نقلیه اعم از ملکی یا قراردادی که شرکت می‌تواند به کارگیرد ، برابر ضوابطی است که از طرف شهرداری با هماهنگی شورای عالی ترافیک تعیین می‌شود. تبصره ۱ ـ چنانچه خودروی مناسب دیگری معرفی شود ، حداقل تعداد توسط شهرداری اعلام خواهد شد. حداکثر تعداد آن اتومبیلهای ملکی و قراردادی هر شرکت نباید از هفت برابر تعداد اتومبیلهای شرکتی که کمترین تعداد وسیله نقلیه را دارد بیشتر باشد. تبصره ۲ ـ شرکتهایی که با توجه به شرایط موضوع این ماده تاسیس و مشغول به کار می‌شوند ، می‌توانند در حدود معین شده در بند (۲) این ماده از اتومبیلهای واجد شرایط اشخاص حقیقی و حقوقی با تنظیم قرارداد در جهت ارائه سرویس هایی که در قرارداد مشخص می‌شود استفاده نمایند. در این صورت شرکت نسخه دوم قرارداد را به شهرداری ارائه و پس از اخذ پروانه بهره برداری به نام شرکت ، اتومبیل را تحت نظارت خود مورد استفاده قرار می‌دهد. چنانچه هرشخص حقیقی دارای پروانه بهره برداری معتبر ، مایل باشد تاکسی متعلق به وی توسط یکی از این شرکتها مورد استفاده قرار گیرد ، باید ضمن انعقاد قرارداد با شرکت موردنظر ، پروانه بهره برداری خود را به شرکت تسلیم کند. شرکت ، پروانه بهره برداری وسیله نقلیه مذکور را به‌همراه نسخه دوم قرارداد به شهرداری ارائه و پروانه بهره برداری بنام شرکت دریافت می‌کند. پروانه بهره برداری شخصی که به این ترتیب در اختیار شهرداری قرار می‌گیرد ، پس از خاتمه قرارداد و در صورتی که مالک اتومبیل همچنان واجد شرایط باشد ، از طرف شهرداری به

وی اعاده خواهد شد. حداقل زمان قراردادها طبق ضوابطی خواهد بود که توسط شـهرداری هر شهر تعیین می‌شود. ۳ـ معرفی دفتر و توقفگاه مناسب با حداقل یک شماره تلفن ۴ـ انعقـاد قرارداد در قـالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی برای ارائه سرویسـهای محوله به نماینـدگی از طرف شـهرداری بـا قبول کلیه تعهـدات و شـرایط ذیـل و تصـمیمهای هیاتهای انضـباطی الف ـ تعهـد به ارائه سـرویس تاکسی برابر مشخصات قرارداد حداقل یک نوبت کاری (۸)ساعته برای هر اتومبیل شرکت ، توسط افراد دارای پروانه تاکسیرانی ب ـ تعهد به اینکه در هیچ زمان سرویس ارائه شده توسط اتومبیلهای شرکت کمتر ازچهار پنجم تعداد اتومبیلهای معرفی شده نباشد. در غیر این صورت بایـد ظرف حـداکثر (۲۴) سـاعت شـهرداری را مطلع کنـد. پ ـ تعهـد به تقبـل انجام برنامه‌های کشـیک و مقررات مربوط ت ـ تعهد به انجام نظافت درون و بیرون تاکسـی و رعایت شـئون اسـلامی و اجتماعی برابر دسـتورالعملهای صادره شده ث ـ تعهد به تهیه و اسـتفاده از لباس هم شـکل توسط راننـدگان شـرکت هنگام ارائه سرویس ،همچنین نصب کد شناسایی راننده و وسیله نقلیه (تاکسی در داخل اتومبیل در محل قابل رویت مسافر و شیشه عقب اتومبیل به نحوی که از بیرون قابل رویت باشد. ج ـ تعهد به تجهیز شـرکت به سیسـتم ارتباطی با ارائه اشتراک در سیسـتم ارتباطی شرکتهای مشابه در صورت اعلام شهرداری مبنی بر استفاده از سیسـتم ارتباطی ، با رعایت قوانین و مقررات مربوط چ ـ تعهد مبنی بر عدم واگذاری سهام شرکت تحت هر عنوان به اشخاص دیگر ، مگر با اطلاع شـهرداری ح ـ تعهد به اسـتفاده از تابلو (خارج از سـرویس) در تاکسیهای شرکت در مواردی که بنا به دلایل فنی یا اضـطراری قابـل توجیه یا اتمام نوبت کاری پـذیرش مسافر ممکن نباشـد. خ ـ تعهـد به رعایت نرخهای مصوب و نصب و اسـتفاده از تاکسـی متر برابر دسـتورالعملهای صادر شـده د ـ تعهـد به عـدم امتناع از حمل مسافر ، همچنین عـدم اقـدام به حمل مسافر با شـرایط شخصـی و خارج از مقررات ذ ـ تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکرهای بازرسـین شـهرداری ر ـ تعهد به عدم استفاده از وسایط نقلیه ای که پروانه بهره برداری آن به نام شرکت نیست

فصل چهارم ــ نحوه نقل و انتقال حقوق پروانه بهره برداری (ماده ۱۴ تا ۱۹

ماده ۱۴ ـ انتقال حقوق متعارف اشخاص ناشی از داشتن پروانه بهره برداری معتبر فقط به اشخاصی که برابر مفاد این آیین نامه واجد شرایط واگذاری پروانه بهره برداری باشـند و با طی مراحل زیر از طریق شـهرداری صورت می‌گیرد: ۱ ـ متقاضی انتقال ، مشخصات کامل پروانه بهره برداری و مشـخصات انتقال گیرنده را طی فرمی تسـلیم دفتر مخصوص انتقالات پروانه بهره برداری تاکسـی مسـتقر در شـهرداری می‌نماید. ۲ ـ شـهرداری بلافاصله و در صـورت معتبر بودن پروانه بهره برداری ، همچنین واجـد شـرایط بودن انتقـال گیرنـده فرم موافقت نامه اصولی انتقال را به متقاضـی تسـلیم می‌کند. ۳ـ انتقـال حقوق پروانه بهره برداری صـرفا به طور رسـمی و با ثبت در دفـاتر اسـناد رسـمی معرفی شـده از طرف شـهرداری ممکن است دفاتر اسـناد رسـمی مـذکور مکلفنـد بر اساس مشـخصات موافقت نـامه اصولی معتبر صـادره از سوی شـهرداری نسبت به ثبت اسـناد معـامله اقـدام و پروانه بهره برداری مورد معامله را به مهر باطل شد که از سوی شـهرداری در اختیار آنها گذارده می‌شود ، ممهور کنند. تبصره ـ وسیله نقلیه (تاکسی در طول مدتی که پروانه بهره برداری مربوط به آن باطل یا مضبوط است ، حق تردد ندارد و متخلف تحت پیگرد قرار می‌گیرد. ۴ ـ شخصـی که حقوق پروانه بهره برداری به او منتقل شده است ، پروانه بهره برداری باطل شده و تصویری از سـند انتقال را به شهرداری تسلیم می‌کند. شهرداری موظف است پروانه بهره برداری جدید به نام متقاضـی صادر و آن را ظرف (۲۴) ساعت به وی تسلیم کند. تبصره ۱ ـ چنانچه حقوق متعارف ناشی از پروانه بهره برداری معتبر ، به صورت قهری اعم‌از ارث یا در اثر اجرای احکام مراجع قضایی به اشخاص منتقل شود ، پروانه بهره برداری از تاریخ انتقـال رسـمی حقـوق مـذکور از درجه اعتبـار ساقـط و باطـل می‌شود. اشـخاص صـاحب حق مکلفند حـداکثر ظرف سه مـاه با رعایت مفاد این ماده و بنـدهای آن و با ارائه گواهی انحصار وراثت و حکم قطعی مرجع قضایی نسـبت به

درخواست صدور پروانه بهره برداری جدید به نام اشخاص واجد شرایط اقدام نمایند. در غیر این صورت ، پس از انقضای مهلت یاد شده شهرداری می‌تواند بهای عادله روز متعلق به حقوق ناشی از داشتن پروانه بهره برداری را که توسط کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌شود ، به اشخاص صاحب حق پرداخت و در صورت عدم مراجعه با سپردن بهای مذکور به صندوق ثبت ، حقوق ناشی از داشتن پروانه بهره برداری را به خود منتقل کند. چنانچه صاحبان حقوق مذکور مایل باشند که شهرداری این حقوق را ابتیاع کند. شهرداری موظف است که بهای حقوق مذکور را طبق قیمت عادله روز و با تقویم کارشناس رسمی دادگستری بپردازد. هزینه کارشناسی به تساوی توسط شهرداری و فروشنده پرداخت می‌شود. تبصره ۲ ـ در صورتی که به استناد حکم انحصار وراثت یا حکم قطعی مراجع قضایی حقوق ناشی از پروانه بهره برداری معتبر به یک یا عده‌ای محجور (صغار ، اشخاص غیر رشید ، مجانین) تعلق یابد ، به درخواست ولی یا قیم اشخاص محجور و نیز رضایت سایر صاحبان احتمالی حقوق و در خصوص ورثه سایر وراث در صورتی که تاکسی به تشخیص هیات انضباطی وسیله امرار معاش اشخاص محجور باشد ، تا هنگام رفع محجوریت از تمامی آنها ،شهرداری با استفاده از حقوق پروانه بهره برداری توسط ولی یا قیم به نفع اشخاص محجور ، ازطریق معرفی اشخاص دارای پروانه تاکسیرانی برای هر نوبت کاری موافقت می‌کند. ماده ۱۵ ـ در هر شهر توسط شهرداری به تعداد مورد نیاز هیات های سه نفره انضباطی به منظور رسیدگی به تخلفات تاکسیرانان و تاکسی داران و نیز وظایفی که در این آیین نامه ذکر شده است ، مرکب از نماینده تاکسی داران دارای پروانه بهره برداری یا نماینده اشخاص حقوقی که به نمایندگی شهرداری اقدام به حمل و نقل عمومی مسافر می‌نمایند یا تاکسیرانان دارای پروانه تاکسیرانی (حسب مورد مطرح شده در هیات و نماینده شهرداری و نماینده شورای اسلامی شهر یا جانشین قانونی آن تشکیل خواهد شد. تصمیمات هیات قطعی و لازم الاجراست تبصره ۱ ـ جلسات هیات مذکور به ریاست نماینده شورای اسلامی شهر یا جانشین قانونی وی و بنا به دعوت شهرداری ، حداقل هر ماه یک بار ، در محل تعیین شده توسط شهرداری و با حضور کلیه اعضا تشکیل و تصمیم های هیات با اکثریت دو رای وقتی معتبر است‌که نماینده شهرداری یکی از آن دو نفر باشد. رای اقلیت نیز به صورت مستند و مستدل درج‌می‌شود. تبصره ۲ ـ هیات پس از وصول پرونده تخلفات از شهرداری ، به ذی نفع اعلام می‌نماید که ظرف ده روز توضیحات خود را کتبا برای هیات ارسال کند. پس از انقضای مدت مذکور هیات مکلف است ظرف یک ماه بر حسب مورد و بر اساس مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. تبصره ۳ ـ در صورتی که تخلف راننده و دارنده تاکسی از جرایم مندرج در سایر قوانین مملکتی از جمله قوانین جزایی باشد ، علاوه بر اعمال تصمیم های هیات انضباطی ، مراتب جهت اعمال مقررات کیفری مناسب به مراجع ذی صلاح قضایی نیز منعکس می‌شود. تبصره ۴ ـ افرادی که پروانه تاکسیرانی آنها به صورت دایم باطل می‌شود ، حق ثبت نام مجدد برای دریافت پروانه جدید نخواهند داشت ماده ۱۶ ـ شهرداری می‌تواند در تشکیل شرکتهای تعاونی مصرف ، مسکن ، خدمات فرهنگی ، ورزشی و رفاهی ، خدمات پزشکی و درمانی ، خدمات تعمیرگاهی و تامین لوازم یدکی ، حمایت اقتصادی و صندوق قرض الحسنه برای تاکسیرانان و تاکسیداران اهتمام ورزیده و در حد امکان در زمینه تحقق نیازهای فوق مشارکت نماید. ماده ۱۷ ـ شهرداری برای تنظیم و اداره امور تاکسیرانی در شهر می‌تواند در احداث ایستگاه تاکسی ، ترمینالهای درون شهری ، مرکز معاملات تاکسی و ایجاد جایگاههای توزیع موقت و ایجاد تسهیلات برای راه‌اندازی سیستمهای ارتباطی از جمله بی‌سیم ، اقدامات لازم را معمول نماید. تبصره ـ استفاده از دستگاههای بی‌سیم منوط به کسب مجوزهای قانونی لازم از دستگاههای ذی‌ربط است ماده ۱۸ ـ کلیه ضوابط ، آیین نامه ها و دستورالعمل های مغایر با مفاد این آیین نامه از تاریخ تصویب ملغی می‌شود. ماده ۱۹ ـ در اجرای ماده (۶۲) قانون شهرداری وزارت کشور می‌تواند در ارتباط با مسئولیت های شهرداری ها در امور تاکسیرانی هماهنگی های لازم را ایجاد نماید.

لایحه قانونی راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران‌زیر نظر شهرداری تهران – مصوب ۲۸ خرداد

ماده واحده به منظور ایجاد هماهنگی در سیستم حمل و نقل شهری از این تاریخ مسائل مربوط به‌تاکسیرانی در شهر تهران زیرنظر شهرداری تهران قرار می گیرد. آیین نامه های اجرایی در مورد چگونگی سازمان و نحوه مدیریت آن توسط شهرداری تهران تهیه و پس از تصویب شورای شهر و در غیاب آن قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران قابل‌انجام‌است

قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهر

ماده واحده ـ تبصره ذیل به لایحه قانونی راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران‌زیرنظر شهرداری تهران مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران الحاق می گردد. تبصره ـ امور تاکسیرانی سایر شهرهای کشور (ناظر بر انواع سرویسهای تاکسی شهری توسط شهرداریهای مربوط اداره خواهد شد و کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو می گردد. آیین نامه های اجرایی ماده واحده مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و این تبصره‌توسط سازمان شهرداریهای کشور با هماهنگی وزارت کشور تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به‌مورد اجرا گذارده خواهد شد.

آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده – مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۳/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۴۱۲۴۶/۱۰۱ مورخ ۱۲/۳/۱۳۸۲ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد اصل یکصدوسی وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده ماده ۱- خودروی تاکسی با حداکثر پانزده سال عمر، فرسوده محسوب می گردد. تردد خودروی تاکسی با عمر بیش از پانزده سال با تشخیص و تایید ستاد معاینه فنی خودروها پس از احراز شرایط فنی، در سطح معابر شهری مجاز می باشد. ماده ۲- وزارت نفت (شرکت ملی نفت ایران) براساس تفاهم با وزارت کشور سالانه معادل منابع بازیافتی به ازای فعال شدن هر دستگاه تاکسی نو گاز طبیعی سوز CNG را از محل صرفه جویی های حاصل از اجرای این طرح، پرداخت می نماید. ماده ۳- با توجه به مصوبه شماره ۲۳۳۲۵۱- ۳۴ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۱ شورای اقتصاد، شرکت ملی نفت ایران به منظور تبدیل سوخت خودروها به CNG حداکثر برای هر خودرو تاکسی معادل ۷۷۰ دلار، به علاوه هزینه تامین و نصب یک مخزن گاز اضافه به شرکتهای خودروساز پرداخت می نماید. ماده ۴- حداکثر تا هفتادوپنج درصد (۷۵٪) از بهای تاکسی به صورت تسهیلات بانکی در اختیار مالک خودرو قرار می گیرد. دوره بازپرداخت تسهیلات اعطایی طبق تبصره الحاقی به ماده (۵۴) آیین نامه تسهیلات اعطایی بانکی، موضوع بند (۲) تصویب نامه شماره ۳۱۷۸۷/ت۲۷۰۰۱ه- مورخ ۲۰/۷/۱۳۸۱ به مدت پنج سال تعیین شده است. به میزان اعتبارات سهم دولت موضوع قرارداد با سیستم بانکی، از سهم سود و کارمزد تسهیلات پرداختی به مالک تاکسی فرسوده کسر می گردد. ماده ۵ – وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها موظفند با همکاری وزارت نفت (شرکت ملی نفت ایران) نسبت به تامین و تحویل زمین مناسب در شهرها به شرکت ملی نفت ایران برای احداث ایستگاه های سوخت گیری CNG و تجهیز آن با اولویت استفاده از ظرفیتهای بخش غیردولتی، اقدام نماید. وزارت نفت موظف است نسبت به احداث و تجهیز احداث جایگاه سوختگیری CNG در پانزده شهر با اولویت هفت شهر آلوده کشور، موضوع بند «د» ماده (۱۰۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران – مصوب ۱۳۷۹- در طی برنامه سوم توسعه و متناسب با خودروهای تحویلی اقدام نماید. تبصره – کمیسیونهای ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی ومعماری موظفند در صورت درخواست وزارت نفت نسبت به تغییر کاربری محل های یادشده بدون قید و شرط اقدام نمایند. ماده ۶ – نحوه از رده خارج کردن تاکسی فرسوده با همکاری وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) و

شهرداری متقاضی اجرای طرح با تایید وزارت صنایع و معادن و نظارت سازمان حفاظت محیط زیست تعیین و اجرا می گردد. ماده ۷ – تهیه و خرید خودرو با کاربری تاکسی از خارج از کشور، پس از انجام مناقصه بین المللی، در چهارچوب بند (۲) تصویب نامه شماره ۲۲۹۸/۲۷۱۲۱ مورخ ۲۳/۱/۱۳۸۲ و قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات – مصوب ۱۳۷۵– امکان پذیر است. ماده ۸ – به منظور ساماندهی به ترافیک شهری و ناوگان تاکسیرانی شهرهای کشور، وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) موظف است تاکسی های جدید را با اولویت شرکتهای خصوصی و تعاونی تاکسیرانی شهری که زیر نظر شهرداری مربوط فعالیت می نمایند، توزیع و واگذار نماید. ماده ۹– ضوابط و مشخصات فنی، اقتصادی و زیست محیطی خودروهای دوگانه سوز و CNG سوز توسط کارگروه موضوع ماده (۱۰) این تصویب نامه تعیین می گردد. تجهیز تاکسی های جدید به تاکسی متر و چاپگر به منظور صدور رسید (قبض کرایه) برای مسافر و نصب شناسنامه (شامل مشخصات و تصویر راننده) الزامی است. ماده ۱۰– کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارتخانه های صنایع و معادن، نفت، بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با مسیولیت وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) به منظور تدوین برنامه اجرایی، پیگیری و نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه، تشکیل می گردد. ماده ۱۱– رعایت مفاد آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده، موضوع تصویب نامه شماره ۲۵۰۸/ت۲۲۱۷۵ه– مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ برای تاکسی های فرسوده مشمول این آیین نامه الزامی است. ماده ۱۲– اولویت اجرایی این آیین نامه در شهر تهران است. معاون اول رییس جمهور – محمدرضا عارف

اصلاح آیین‌نامه جایگزینی و امحای تاکسی‌های فرسوده – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱/۸/۱۳۸۴ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه شماره ۱۱۶۷۹۴/۸۳۸۰هـ/ب مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۴ تصویب نمود: آیین‌نامه جایگزینی و امحای تاکسی‌های فرسوده موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۲۴۰۰/ت۲۸۱۸۱هـ مورخ۳/۴/۱۳۸۲ به شرح ذیل اصلاح می‌شود: ۱ـ عبارت « و به صورت رایگان در اختیار شهرداریها قرار دهد» به انتهای ماده (۵) آیین‌نامه یادشده اضافه می‌شود. ۲ـ از تاریخ اعلام ایراد، تبصره ماده (۵) آیین‌نامه یادشده به شرح زیر اصلاح می‌شود: « تبصره۱ـ کمیسیون‌های ماده (۵) قانون تاسیس شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران در صورت درخواست وزارت نفت حتی الامکان نسبت به تغییر کاربری محلهای یادشده اقدام می‌نمایند.» معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

تصویب‌نامه درخصوص اتخاذ تدابیر در مورد ممنوعیت بکارگیری رانندگان بدون گواهینامه و...در شرکتهای تاکسی

وزارت آموزش و پرورش ـ وزارت اموراقتصادی و دارایی ـ وزارت دادگستری ـ وزارت راه و ترابری ـ وزارت کشور ـ بیمه مرکزی ایران ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ـ ستاد تبصره (۱۳) هیئت وزیران در جلسه مورخ ۷/۱۱/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۸۶۵۰۹ مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۶ بیمه مرکزی ایران و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد (۱۰) و (۱۳) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ـ مصوب سال ۱۳۴۷ ـ تصویب نمود: ۱ـ وزارتخانه‌های راه و ترابری و کشور موظفند ترتیبی اتخاذ نمایند تا سازمانها، اتحادیه‌ها، شرکتهای تاکسی‌رانی، آژانسهای مسافری و توریستی و شرکتهای خدمات پست و پیک و نظایر آن از به‌کارگیری رانندگان بدون گواهینامه و وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر ممنوع شوند. پلیس راهور نیروی انتظامی، شهرداریها و سایر سازمانهای مرتبط مکلفند نقل و انتقال خودرو، معاینه فنی خودرو و ارائه سایر خدمات به کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی (از جمله موتورسیکلت) را منوط به

ارائه بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر نمایند. ۲ـ بیمه مرکزی ایران موظف است با همکاری نیروی انتظامی و شرکتهای بیمه، بانک اطلاعات صنعت بیمه و به ویژه سیستم پرداخت خسارت بیمه شخص ثالث را براساس کد ملی اشخاص (بیمه گذار، مقصر حادثه، زیاندیده و ذینفع) ایجاد نماید و دستورالعملی را برای اجرا توسط شرکتهای بیمه تنظیم نماید تا سوابق حوادث رانندگی اشخاص در تعیین حق بیمه مربوط به آنها لحاظ گردد. ۳ـ با عنایت به ماده (۱) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری ـ مصوب ۱۳۵۰ـ و به‌منظور تعمیم امر بیمه و گسترش فرهنگ بیمه و ترغیب رانندگان فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث به تهیه آن، به بیمه مرکزی ایران اجازه داده می‌شود از محل درآمدهای صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده (۱) آیین‌نامه صندوق تأمین خسارتهای بدنی تا سقف بیست میلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال صرف تبلیغات از جمله چاپ بروشور، تبلیغات رادیو تلویزیونی، ارسال پیام کوتاه و موارد مشابه نماید. صندوق تأمین خسارتهای بدنی مجاز است به منظور ترغیب رانندگان وسایل نقلیه به اخذ بیمه‌نامه شخص ثالث، حداکثر یک درصد از درآمدهای موضوع ماده (۱) آیین‌نامه منابع درآمد صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده (۱۱) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ـ مصوب ۱۳۴۸ ـ در هر سال را از طریق بیمه مرکزی ایران صرف تبلیغات نماید. ۴ـ ستاد تبصره (۱۳) موظف است با دادن مهلت لازم و حداکثر دو ماه از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه، سهمیه سوخت آن دسته از وسایل نقلیه موتوری زمینی و موتورسیکلتها را که فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر یکساله می‌باشند، تا زمان خرید بیمه‌نامه مذکور قطع نماید. برای اجرای هرچه سریعتر این تصویب‌نامه، بیمه مرکزی ایران و ستاد تبصره (۱۳) موظفند اطلاعات وسایل نقلیه فاقد و دارای بیمه‌نامه شخص ثالث را به نحو مقتضی و مؤثر مبادله نمایند. ۵ ـ وزارت آموزش و پرورش مکلف است به منظور گسترش و تعمیم فرهنگ بیمه در جامعه و آشنایی دانش‌آموزشان با اهمیت بیمه در امنیت اقتصادی و اجتماعی کشور، به ویژه بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، آثار مثبت خرید بیمه‌نامه و تبعات‌سوء نداشتن بیمه‌نامه بر خانواده و جامعه را با همکاری بیمه مرکزی ایران تهیه و در کتب درسی مقاطع مختلف تحصیلی به نحو مقتضی درج نماید. ۶ ـ به بیمه مرکزی ایران اجازه داده می‌شود جریمه موضوع بند « ب» ماده (۱) آیین‌نامه منابع درآمد صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده (۱۱) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ـ مصوب ۱۳۴۸ ـ آن دسته از دارندگان وسایل نقلیه را که به تشخیص بیمه مرکزی ایران توان پرداخت نقدی آن را ندارند، به صورت اقساط دریافت نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است ترتیبی اتخاذ نماید تا بانکها به‌عنوان کارگزار صندوق تأمین خسارتهای بدنی، اقساط جرایم دیرکرد تمدید بیمه‌نامه را با اخذ ضمانت مناسب وصول نموده و در فواصل زمانی مورد توافق با بیمه مرکزی ایران به حساب صندوق مذکور واریز نمایند. ۷ ـ ماده (۱۲) آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ـ مصوب۱۳۴۷ـ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده۱۲ـ در صورتی که در مدت اعتبار بیمه‌نامه خسارتی از محل بیمه‌نامه پرداخت نشود، بیمه گر موظف است از سال دوم به بعد هنگام تجدید بیمه‌نامه، تخفیفهای زیر را در حق بیمه مربوط اعمال نماید: سال دوم : ۱۰ درصد سال سوم : ۱۵ درصد سال چهارم : ۲۰ درصد سال پنجم : ۳۰ درصد سال ششم : ۴۰ درصد سال هفتم به بعد : ۵۰ درصد ۸ ـ ماده (۴) آیین‌نامه صندوق تأمین خسارتهای بدنی ـ مصوب ۱۳۴۸ ـ به شرح ذیل اصلاح می‌شود: ماده۴ـ هزینه‌های متحمل شده از سوی بیمه مرکزی ایران برای اداره صندوق، حداکثر تا سه درصد از درآمدهای صندوق پرداخت خواهد شد. ۹ـ باتوجه به محدودیت منابع صندوق تأمین خسارتهای بدنی، مبلغ خسارت قابل پرداخت از سوی صندوق به قربانیان سوانح رانندگی و یا اولیای دم آنان که تاکنون به آنها خسارت کامل پرداخت نشده است، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن تصویب‌نامه شماره ۱۱۶۰۲۴/ت۳۶۳۵۸هـ مورخ ۱۸/۹/۱۳۸۵، مبلغ یکصد و شصت میلیون (۱۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تعیین می‌شود. بیمه مرکزی ایران موظف است حداکثر تا پایان بهمن ماه سال جاری پیشنهاد مبلغ قابل پرداخت را متناسب با توان مالی صندوق با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به هیئت وزیران جهت اتخاذ تصمیم ارائه نماید. ۱۰ـ

در مواردی که شـمول مرور زمـان دعـاوی موضوع مـاده (۱۲) قـانون بیمه اجبـاری مسؤولیت مـدنی دارنـدگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شـخص ثالث به علت عـدم اقـدام به موقع ذینفع و اجرای تعهـدات بیمه‌گر محل اختلاف بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار (یا ذینفع) باشـد، تشـخیص بیمه مرکزی ایران در موجه تلقی شـدن علت عـدم اقـدام به موقع بیمه‌گـذار (یا ذینفع) لازم‌الاجرا می‌باشد و بیمه‌گر موظف به ایفای تعهد خود بوده و از شمول ماده (۱۲) قانون مذکور خارج است. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

ترمینال مسافربری

قانون مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر – مصوب ۲۳/۱/۶۷

ماده ۱ ـ مجازات تجاوز از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر که توسط وزارت راه و ترابری اعلام می‌شود از ناحیه شرکت یا موسسه و یا پیمانکـاری حمل و نقل حتی با رضایت صاحب کالا و یا مسافر با توجه به دفعات و مراتب جرم و شـرایط و امکانات خاطی برای بار اول جزای نقدی از ۵ تا ۲۰ برابر وجهی که اضافه دریافت شده و تعطیل موقت به مدت ۱۵ تا ۴۵ روز و برای بار دوم جزای نقدی از ۱۰ تا ۳۰ برابر اضافه دریافتی و تعطیل موقت به مـدت شـش ماه و برای بار سوم جزای نقدی از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه وجه دریافتی و تعطیل دائم شـرکت یا موسـسه یا پیمانکاری خواهـد بود و صاحب امتیاز بعدا بهیچ عنوان اجازه فعالیت در امور حمل و نقل نخواهد داشت ماده ۲ ـ راننـدگان وسایـط نقلیه عمومی اعم از کـامیون ، اتوبوس ، مینی‌بوس و غیره که اقـدام به حمـل بـار و مسافر با مبلغی بیش از نرخ مصوب نماینـد ، بـا توجه به دفعـات و مراتب جرم و شـرایط و امکانـات خـاطی برای بـار اول محکوم به پرداخت جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضـافه وجه دریافتی و در صورت تکرار جرم مزبور از ۵ تا ۲۰ برابر اضافه وجه دریافت شـده محکوم خواهند شد. ماده ۳ ـ پرداخت هرگونه وجه اضـافه از تعرفه نرخ حمـل کالاـ و مسـافر از ناحیه شـرکت ها سازمانها و موسـسات دولتی تحت هرعنوان از قبیل پاداش نقدی یا جنسی ممنوع بوده و درصورت تخلف ، متخلف یا متخلفین در مورد پرداخت اضافه از نرخ مقرر در حکم متصـرف غیرقـانونی در اموال دولتی محسوب می‌شونـد و حسب مورد طبق قوانین و مقررات مربوطه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت ماده ۴ ـ در موارد خـاص و ضـروری در محورهـای معین بـا تشـخیص و اعلاـن وزارت راه و ترابری تعرفه نرخ حمـل کالا و مسـافر به صـورت مـوقت قابـل تغییر است مـاده ۵ ـ پرداخـت هرگـونه وجـه علاـوه بر نرخ مقرر بـابت حمـل کالاـ و مسـافر از نـاحیه کارخانجات ، شـرکت ها ، موسـسات خصوصـی ، تجار ، واحدهای صنعتی و هر سازمان اقتصادی دیگر اعم از بزرگ و کوچک با تـوجه به دفعـات و مراتب جرم و شـرایط و امکانـات خـاطی برای بـار اول موجب محکومیت به جزای نقـدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضافه پرداختی و برای بـار دوم از ۵ تا۲۰ برابر و بار سوم به بعـد از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه پرداختی خواهـد بود. ماده ۶ ـ چنانچه متهم برای اولین بـار مرتکب یکی از اعمال مـذکور در موارد فوق شـده باشـد و دادسـتان در موارد غیرمهم تشـخیص دهـد با وعظ یا توبیـخ یا تهدیـد یا اخـذ تعهـد تادیب خواهدشـد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را ضـمن انعکاس به وزارت راه و ترابری بایگانی می‌نمایـد. دادگـاه نیز در صورت طرح پرونـده در دادگـاه حق اعمـال مراتب بالاـ را به تشـخیص خود دارد. مـاده ۷ ـ کلیه قـوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد از تاریخ اجرای این قانون در آن قسمت که مغایر است بلااثر می‌باشد.

آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل موسسات مسافربری و حمل و نقل زمینی – مصوب ۶ و ۱۷/۴/۱۳۵۲

ماده ۱ ـ مدیران مسئول موسسات مسافربری و حمل و نقل باید از دادن مسافر و تحویل بار به وسایط نقلیه‌ای که به وسایل ایمنی زیر مجهز نباشند خودداری نمایند. الف ـ جعبه کمکهای اولیه درمانی ب ـ مثلث شبرنگ ج ـ چراغ چشمک زن د ـ کپسول آتش نشانی ه ـ دستگاه سنجش سرعت و زمان (تاخوگراف) بدون نقص فنی ماده ۲ ـ مدیران موسسات مسافربری و حمل و نقل باید رانندگان

وسایط نقلیه مربوط را ملزم به داشتن مدارک زیر نموده و از تحویل مسافر و بار به وسایط نقلیه‌ای که رانندگان آن فاقد مدارک مزبور باشند خودداری نمایند: الف ـ گواهی نامه بیمه اجباری شخص ثالث ب ـ گواهی بیمه انفرادی راننده و کمک راننده و مهماندار در صورتی که وسیله نقلیه دارای‌مهماندار باشد. ج ـ کارت شناسایی عکس‌دار راننده که از طرف شهربانی تهیه و تنظیم می‌شود. د ـ گواهی وابستگی وسیله نقلیه به یکی از موسسات مسافربری یا حمل و نقل مجاز. ه ـ دفترچه کار وسیله نقلیه که به وسیله پلیس راه تهیه و تنظیم می‌شود. و ـ دفترچه انفرادی راننده که به وسیله پلیس راه تهیه و تنظیم می‌شود. ماده ۳ ـ رانندگی اتوبوس و مینی بوس بیش از هشت ساعت در یک شبانه‌روز برای هر راننده ممنوع است مدیران مسئول موسسات مسافربری مکلفند برای مسافرت هایی که مستلزم بیش از هشت ساعت رانندگی با سرعت مجاز در یک شبانه‌روز است راننده کمکی پیش بینی نمایند. در صورت توافق موسسه و راننده ممکن است راننده دو ساعت نیز به عنوان اضافه کار انجام وظیفه نماید در هر حال در شبانه روز رانندگی بیش از ده ساعت ممنوع است ماده ۴ ـ موسسات باربری مکلفند در موقع بارگیری ظرفیت وسیله نقلیه را که از طرف شهربانی در کارت شناسایی قید شده و شرایط مربوط به طول و عرض و ارتفاع و وزن بار راطبق مقررات توزین وزارت راه در نظر گرفته و از حمل محمولاتی که شرایط مزبور در آن رعایت‌نشده خودداری نمایند برای حمل بارهای حجیم و سنگین وزن غیرقابل تفکیک که ابعاد و وزن آنها بیش از حدود مشخص شده در مقررات توزین باشد باید پروانه و یا اجازه حمل از مقامات مسئول وزارت راه دریافت نمایند. تبصره ـ موسسات باربری مکلفند برای توزین و قواره کردن بار ظرف مدت یکسال از تاریخ تصویب این آیین نامه یک دستگاه باسکول به ظرفیت حداقل ۴۰ تن و در موسساتی که بار به میزان کافی نباشد قپان دستی مناسب به تشخیص وزارت راه و ترابری و همچنین یک دستگاه سنجش عرض و ارتفاع بار (گاباری) به اندازه مجاز داشته باشند. ماده ۵ ـ هریک از موسسات مسافربری و حمل و نقل که مقررات این آیین نامه را رعایت نکند به استناد ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی و تبصره ذیل آن برای مدت حداکثر یکماه به تناسب اهمیت تخلف و تاثر آن در وقوع سوانح و تصادفات رانندگی از طرف شهربانی یا ژاندارمری کل کشور تعطیل خواهد شد. تعطیل مازاد بر مدت یکماه تا یکسال و رسیدگی به اعتراض طبق ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی به عمل خواهد آمد. ماده ۶ ـ تعطیل موسسه مسافربری و حمل و نقل زمینی شامل هر نوع فعالیت موسسه مرکزی یا نمایندگی متخلف با رعایت تبصره ذیل ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی خواهد بود. ماده ۷ ـ مفاد ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی راجع به اعتراض مدیران به تعطیل موسسه در مورد ماده شش این آیین نامه نیز لازم الاجرا است ماده ۸ ـ هرگاه ژاندارمری کل کشور تعطیل موسسه مسافربری و حمل و نقل واقع در حوزه استحفاظی شهربانی کل کشور را به علت وقوع تخلف در حوزه استحفاظی خود لازم تشخیص دهد طبق مقررات این آیین نامه اتخاذ تصمیم نموده مراتب را برای اجرا به شهربانی کل کشور اعلام می‌کند و در موردی که تخلف در حوزه استحفاظی شهربانی اتفاق افتاده و موسسه مسافربری و حمل و نقل در حوزه استحفاظی ژاندارمری کل کشور قرار داشته باشد تصمیم شهربانی برای اجرا به ژاندارمری کل کشور اعلام خواهد شد. ماده ۹ ـ تعطیل موسسات حمل و نقل در صورت قطعیت در دفتر مخصوصی که شهربانی و ژاندارمری تهیه خواهند کرد ثبت می‌شود. به علاوه مراتب باید در پشت پروانه کار موسسه به وسیله دادگاه و در صورت عدم اعتراض به وسیله اداره راهنمایی و رانندگی شهربانی ، پلیس راه منعکس شود.

آیین نامه اجرایی ماده (۶) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل

ماده ۱ ـ حداکثر یک ماه پس از تاریخ اعلام تجهیز و آماده بهره برداری شدن پایانه مسافربری هر شهر بر اساس نقشه مصوب و مقررات مربوطه توسط شهرداری هر شهر به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور، شرکت‌های حمل و نقل مسافربری در پایانه

مسافربری مستقر خواهند شد. تبصره ـ موسسات حمل و نقل مسافربری به منظور استقرار در پایانه مسافربری موظفند درظرف مهلت مقرر توسط سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور ، مطابق ضوابط و مقررات‌سازمان مذکور و قانون تجارت به صورت یکی از شرکت های مذکور در قانون تجارت تغییر وضعیت دهند، در غیر این صورت از ادامه فعالیت آنها جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۲ ـ پس از استقرار کلیه شرکت‌های حمل و نقل مسافر داخل پایانه های مسافربری شهر ، شهرداری هر شهر (سازمان پایانه های مسافربری شهرداری در مهلت مقرر با هماهنگی سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور و نیروی انتظامی نسبت به تعطیل نمودن موسسات و شرکت‌های حمل ونقل مسافربری برون شهری غیر مستقر در پایانه‌های یاد شده اقدام می‌نمایند. همچنین نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی حسب مورد از فعالیت و تردد وسایل نقلیه مسافربری عمومی برون شهری خارج از پایانه‌های مسافربری و تردد آنها در داخل شهر به جز از مسیرهای مجاز جلوگیری نموده و با متخلفان برابر مقررات برخورد خواهد نمود. تبصره ۱ ـ مسیرهای مجاز یا ممنوع تردد خودروهای بین شهری در تهران به تصویب شورای‌حمل و نقل و ترافیك تهران و در سایر شهرها به تصویب شورای هماهنگی ترافیك استان خواهد رسید. تبصره ۲ ـ تصدی به امر حمل و نقل مسافر در درون شهرها، مستلزم اخذ مجوز از شهرداری محل می‌باشد. تبصره ۳ ـ شرکت‌های حمل و نقل مسافربری برون شهری با رعایت ضوابط و مقررات شهرداری و سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور مکلفند دفاتر فروش بلیط و یا نمایندگی در موسسات مسافرتی مجاز در مناطق مختلف شهر علاوه بر ارائه بلیط در پایانه‌ها ایجاد نمایند. تبصره ۴ ـ تردد خودروهای مسافربری برون شهری دربستی تحت پوشش شرکت های حمل ونقل مسافربری در درون شهرها بر اساس ضوابطی که توسط وزارتخانه‌های کشور، راه و ترابری و فرهنگ و ارشاد اسلامی با رعایت قوانین و مقررات مربوط تدوین می گردد ، تعیین خواهد شد. ماده ۳ ـ سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور موظف است برنامه ها و نیازهای حمل و نقل مسافر هر شهر را جهت احداث ، تجهیز یا توسعه پایانه های مسافربری ، به شهرداری (سازمان پایانه مسافربری شهرداری محل اعلام نماید. تبصره ۱ ـ معیارهای فنی مربوط به احداث پایانه‌ها از سوی سازمان حمل و نقل و پایانه‌های‌کشور تهیه و به وزارت کشور برای ابلاغ به شهرداری ها اعلام می گردد تا با رعایت ضوابط مذکور ، نقشه های اجرایی پایانه‌های مسافربری توسط شهرداری هر شهر تهیه گردد. تبصره ۲ ـ مکان یابی احداث پایانه‌های مسافربری بر اساس مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری طرح و نقشه های تفصیلی مصوب شهر ، صورت می گیرد. تبصره ۳ ـ شهرداری ها موظف به احداث پایانه مسافربری بر اساس ماده (۵) قانون عنوان این آیین نامه می‌باشند. تعیین اولویت و موافقت با تاسیس پایانه های مسافربری عمومی توسط بخش خصوصی و یا تعاونی با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با هماهنگی شهرداری با سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور می‌باشد. شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری هر شهر ، تسهیلات لازم را در جهت احداث پایانه‌های مسافربری توسط بخش های خصوصی و یا تعاونی فراهم می‌نماید. سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور نسبت به تامین اعتبار و تسهیلات مورد نیاز احداث پایانه توسط شهرداری ، بخش خصوصی و تعاونی از طریق منابع مالی در اختیار سازمان اقدام می‌نماید. ماده ۴ ـ برنامه ریزی و سیاست گذاری در زمینه تعیین زمان حرکت سرویس های مسافربر ، ایجاد خطوط جدید، کیفیت ارائه خدمات مسافربری توسط شرکت های حمل و نقل مسافربری برعهده وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور) می‌باشد. تبصره ۱ ـ تشکیلات و سازمان های اداری مستقر در پایانه های مسافربری که حسب وظایف قانونی به نحوی عهده دار مسئولیتی در امور پایانه می‌باشند، حق مداخله در امور یکدیگر را ندارند و مدیریت داخلی پایانه‌ها با شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری می‌باشد. تبصره ۲ ـ وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور) در زمینه اصلاح ، تجهیز و نوسازی ناوگان موجود مسافربری از لحاظ کیفی وکمی و همچنین ارزیابی و اصلاح سیستم موجود در نحوه ارائه خدمات متناسب با نیازهای مناطق مختلف کشور توسط شرکت های مسافربری و به کارگیری اهرم های لازم و امکانات در جهت ارتقای سطح ایمنی و ارائه خدمات کیفی و کمی نیروهای شاغل در بخش حمل و نقل مسافر ، برنامه ریزی و سیاستگذاری می‌نماید. تبصره

۳ ـ هرگونه تبلیغات و نصب تابلو در فضای عمومی پایانه‌ها توسط شرکت‌های مسافربری ممنوع می‌باشد مگر با اخذ مجوز از مدیریت پایانه مسافربری تبصره ۴ ـ ساعات فعالیت پایانه‌های مسافربری با توجه به نیاز هر شهر ، با هماهنگی سازمان‌حمل و نقل و پایانه‌های استان ، توسط مدیریت پایانه‌های مسافربری شهرداری تعیین و اعلام‌خواهد شد. ماده ۵ ـ فقط آن دسته از وسایل نقلیه مسافربری اجازه ورود به محوطه پایانه مسافربری عمومی را خواهند داشت که تحت پوشش و یا نمایندگی یکی از شرکتهای مستقر در پایانه بوده و مطابق ضوابط سازمان حمل ونقل و پایانه‌های کشور مجاز به فعالیت در حمل و نقل عمومی مسافربری باشند، در غیر این صورت مدیریت پایانه با همکاری نیروی انتظامی از ورود این‌گونه وسایل نقلیه به داخل پایانه جلوگیری خواهد نمود و مراتب را جهت برخورد قانونی به سازمان حمل و نقل و پایانه استان اعلام می‌نماید. تبصره ـ در ایام ویژه با تشخیص سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور و واحدهای تابع آن ، ورود وسایل نقلیه مسافربری متفرقه اعم از وسایل نقلیه پلاک سفید ، پلاک دولتی و عمومی به داخل پایانه مسافربری در جهت تسهیل در جابجایی مسافران با اطلاع و هماهنگی شهرداری (سازمان پایانه مسافربری شهرداری مربوط بلامانع خواهد بود. شرکت های حمل و نقل مسافربری استفاده کننده از وسایل نقلیه مذکور در این تبصره نیز مکلفند مقررات مربوط به حمل و نقل مسافر ، اخذ عوارض ، سایر قوانین از جمله ایمنی و مقررات راهنمایی و رانندگی و دستورالعمل های شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری و سازمان حمل و نقل و پایانه را رعایت نمایند، در غیر این صورت از تردد آنها توسط راهنمایی و رانندگی و پلیس راه جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۶ ـ شرکتهای حمل و نقل مسافربری مکلفند فقط در محلهای تعیین شده توسط شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری در داخل پایانه نسبت به سوار و پیاده نمودن مسافران وسایل نقلیه مسافربری خود اقدام نمایند و در صورت تخلف ، مدیریت پایانه‌های شهرداری با همکاری نیروی انتظامی نسبت به جلوگیری از تخلف اقدام و موضوع را به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور اعلام خواهد نمود. تبصره ـ جلوگیری و برخورد قانونی با رانندگان متخلفی که در خارج از پایانه اقدام به سوار یا پیاده نمودن مسافر می‌نمایند، به عهده ادارات راهنمایی و رانندگی می‌باشد. ماده ۷ ـ هر شرکت مسافربری در چارچوب قرارداد منعقد شده با شهرداری موظف به حفظ و نگهداری ابنیه ، مستحدثات ، فضای سبز و تاسیسات و همچنین محوطه مجاور در محل مورد واگذاری می‌باشند و در صورت تخلف و ورود ضرر و زیان ، موظف به پرداخت خسارت به شهرداری و رفع نقص وارد شده می‌باشند. تبصره ۱ ـ شرکتهای مسافربری که رانندگان وسایل نقلیه آنها مبادرت به شستشو یا تعویض روغن و یا تعمیر و تعویض وسایل یدکی وسایط نقلیه خود در محلهای غیر مجاز پایانه‌های مسافربری نمایند، متخلف محسوب و برابر مقررات با آنها رفتار خواهد شد. تبصره ۲ ـ هیچ یک از شرکتهای مسافربری حق واگذاری تمام یا قسمتی از غرفه مربوط را به غیر ، بدون کسب مجوز از شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری ندارد. همچنین تغییرات جزیی وتغییر دکور غرفه شرکتها با نظارت و اجازه شهرداری و با هزینه شرکت مربوط امکان‌پذیر خواهد بود. ماده ۸ ـ نرخ گذاری در امر مسافربری برون شهری با اخذ نظر کارشناسی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان برعهده وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور) می‌باشد. تبصره ـ نظارت و کنترل بر حسن اجرای نرخهای مصوب برعهده سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور می‌باشد. ماده ۹ ـ مالکیت و مدیریت تاسیسات پایانه‌ها و مسئولیت خدمات و انتظامات داخلی پایانه و حفظ و نگهداری تاسیسات آن به عهده شهرداری (سازمان پایانه های مسافربری شهرداری است و کلیه واحدها و نمایندگیها و شرکتها و سازمانهایی که به هر شکل از خدمات مذکوراستفاده می‌نمایند، موظف به رعایت مقررات داخلی پایانه که بوسیله شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری تعیین می گردد، خواهند بود. تبصره ۱ ـ نیروی انتظامی در جهت تامین امنیت داخلی پایانه ها، با مدیریت پایانه‌ها همکاری‌خواهد نمود. تبصره ۲ ـ غرفه‌های تجاری پایانه‌ها از نظر رعایت اصول بهداشتی ، رعایت نرخهای مصوب وسایر مقررات صنفی تابع قوانین مربوط خواهند بود. شهرداری (سازمان پایانه های مسافربری شهرداری موظف است تسهیلات مورد نیاز را جهت نظارت سازمانهای مسئول فراهم نماید. نظارت سازمانهای

مسئول ، رافع مسئولیت شهرداری نخواهد بود. تبصره ۳ ـ مالکیت پایانه‌ها به تایید شهرداری ها قابل واگذاری به بخش غیردولتی (خصوصی خواهد بود. ماده ۱۰ ـ شهرداری ها (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری مکلفند به تناسب امکانات مالی نسبت به ایجاد مرکز شستشوی خودرو (کارواش)، جایگاههای سوخت ، مرکز معاینه خودرو ، خوابگاه رانندگان و سایر تاسیسات رفاهی و خدماتی مورد نیاز بر اساس نقشه مصوب در پایانه‌های مسافربری برون شهری اقدام نمایند. ماده ۱۱ ـ شرکتهای مسافربری موظفند پس از فروش بلیط به مسافران نسبت به تهیه و تنظیم صورت وضعیت مسافری به شرکتهای مسافربری در دستورالعمل و بخشنامه های صادر شده وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور) براساس مقررات مربوط مشخص و عمل خواهد شد و شرکتهای مذکور موظفند به هنگام صدور بلیط برای مسافران برابر تعرفه‌های عوارض مصوب ، عوارض مربوط را وصول و به حساب شهرداری شهر (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری واریز نمایند. شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری می‌تواند صورت وضعیتهای مسافربری را جهت کنترل اخذ عوارض مورد بررسی قرار دهد. سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور موظف است از تحویل صورت وضعیت به شرکتهای مسافربری که دارای بدهی به شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری هستند، خودداری نماید. ماده ۱۲ ـ شرکتهای مسافربری مجاز به تعطیل فعالیت شرکت یا شعبه آن و یا سرویسهای خود نمی‌باشند. در صورتی که شرکت مسافربری بیش از ۳ ماه فعالیت ننماید، فعالیت مجدد آن منوط به رعایت کلیه ضوابط و شرایط مقرر و کسب پروانه فعالیت جدید از سازمان حمل و نقل پایانه های استان و با رعایت مفاد آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری برونشهری در داخل شهرتهران ـ مصوب ۱۳۷۴ ـ امکان پذیر می‌باشد. شرکتهای مذکور موظفند اجاره بها و کلیه حقوق شهرداری را تا زمان تحویل غرفه پرداخت نمایند. ماده ۱۳ ـ کلیه شرکتهای مسافربری موظف به اجرای دقیق مفاد آیین نامه ها ، بخشنامه ها و دستورالعمل‌های صادر شده از وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور) و شهرداری های کشور (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری در چهارچوب وظایف قانونی وکلیه قوانین و مقررات حمل و نقل عمومی کشور می‌باشند. مدیریت شرکتها موظفند ترتیبی اتخاذ نمایند تا کلیه قوانین و مقررات و دستورالعملها و بخشنامه‌های صادر شده به اطلاع کارکنان و رانندگان شرکتها و شعب و نمایندگی های آنها برسد. ماده ۱۴ ـ هرگروه رانندگان ، کمک رانندگان ، مهمانداران ، مسئولان و کارکنان شرکتهای حمل و نقل مسافربری موظفند از لباسهای هم شکل مورد تایید سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور استفاده نمایند. ماده ۱۵ ـ رعایت مقررات و ضوابط ایمنی ، کیفیت خدمات و نحوه عملکرد شرکتها و موسسات مسافربری توسط سازمان حمل و نقل و پایانه های استان در طول سال مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و مراتب در پرونده‌های مربوط درج و طبق مقررات نسبت به آن اتخاذ تصمیم خواهد شد. ماده ۱۶ ـ سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور موظف است اطلاعات مربوط به برنامه زمان بندی حرکت ناوگان شرکت های مسافربری محل استقرار دفاتر شهری شرکتهای مسافربری ، غرفه های مستقر در پایانه ها، اطلاعات راهها و غیره را از شرکتها و ارگان های ذیربط دریافت و در اختیار سازمان پایانه های شهرداری (شهرداری ذیربط قرار دهد. سازمان پایانه های شهرداری نیز پیرو اطلاعات اخذ شده فوق ، مکلف است نسبت به راه اندازی مرکز اطلاع رسانی اقدام نماید. این مرکز اطلاعات شهری ، اطلاعات راهها، هتلها و استراحتگاه های مسیر و اطلاعات مربوط به زمان بندی حرکت ناوگان همراه با مبادی و مقاصد و مسیرهای ترکیبی شرکتهای حمل و نقل را به آگاهی عموم و به منظور کاهش مراجعات حضوری به شهروندان ارائه می‌نماید. ماده ۱۷ ـ تخطی از مقررات این آیین نامه تخلف محسوب شده و شهرداری با متخلفان برابر ضوابط ، دستورالعمل ها و قوانین و مقررات مربوط حسب مورد برخورد خواهد نمود. سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور نیز برابر آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل موسسات مسافربری و حمل و نقل زمینی موضوع قانون اصلاح ماده (۱۴) اصلاحی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی با شرکتها و موسسات حمل و نقل مسافربری متخلف برخورد می‌نماید.

قانون الزام شرکت ها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه – مصوب ۳۱/۲/

ماده ۱ ـ شرکت ها و موسساتی که در امر حمل و نقل جاده‌ای بین شهری مسافر یا کالا اعم از داخلی و بین المللی فعالیت می‌نمایند موظفند بر حسب نوع فعالیت برای هر جابجایی از صورت وضعیت مسافری و بارنامه‌های داخلی و بین المللی موضوع این قانون استفاده نمایند و بجای آن مجاز به استفاده از اوراق انحصاری ـ اختصاصی یا انواع دیگر نمی‌باشند. ماده ۲ ـ بارنامه داخلی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۱۰۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مجاز حمل و نقل جاده‌ای داخلی کالا جهت جابجایی محمولات بین شهرهای کشور قرار خواهد گرفت تبصره ـ صدور بارنامه جهت حمل محمولات بصورت خرده بار تابع ضوابطی خواهد بود که از سوی وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و اعلام خواهد شد و میزان حق تمبر بارنامه خرده بار ۴۰ ریال تعیین می گردد. ماده ۳ ـ بارنامه بین المللی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۲۵۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتهای مجاز حمل و نقل جاده‌ای بین المللی کالا قرار خواهد گرفت ماده ۴ ـ صورت وضعیت مسافری موضوع این قانون عبارتست از فرمی که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۱۰۰ ریال برای حمل مسافربری جاده‌ای داخلی و ۲۵۰ ریال برای مسافری جاده‌ای بین المللی به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مسافربری جاده‌ای داخلی و بین المللی مجاز قرار خواهد گرفت ماده ۵ ـ سازمانها و موسسات دولتی صاحب بار چنانچه در رابطه با حمل کالاهای مربوطه به خود تمایل به استفاده از اوراق مخصوص به عنوان بارنامه داشته باشند می‌توانند پس از کسب موافقت وزارت راه و ترابری نسبت به چاپ بارنامه مخصوص خود از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند ، اینگونه بارنامه‌ها مشمول حق تمبر بارنامه های داخلی موضوع این قانون می‌باشند. تبصره ـ سازمانها و موسسات موضوع این ماده موظفند این نوع بارنامه ها را صرفا در اختیار شرکتها و موسسات حمل و نقل مجاز طرف قرارداد خود قرار دهند. ماده ۶ ـ چنانچه شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای مسافر و کالا بر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون استفاده ننمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به عنوان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه بنمایند یا به طور غیرمجاز صورت وضعیت مسافری یا بارنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند یا مشخصات مسافر و محموله با اوراق مذکور مطابقت نداشته باشد و یا مندرجات آن را تکمیل ننمایند و یا اوراق مذکور در این قانون را به اشخاص دیگر و غیرمجاز واگذار نمایند متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب ، وعظ ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار دوم از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ریال جزای نقدی و برای بار سوم از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی و تعطیل از ۱ ماه تا ۳ ماه (دستمزد کارکنان موسسه یا شرکت در مدت تعطیل وسیله صاحب امتیاز پرداخت خواهد شد) و برای بار چهارم محور فعالیت مدیران و صاحبان امتیاز آنها لغو و مجوز فعالیت مجدد در امر حمل و نقل برای آنها صادر نخواهد شد ، میزان مجازات در هر مورد با نصب پلاکارد در محل اعلام می گردد و مراتب در هر نوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد. ماده ۷ ـ چنانچه رانندگان وسایط نقلیه مسافربری و باربری بدون اوراق مذکور در این قانون اقدام به جابجایی مسافر یا حمل بار بنمایند و یا محموله و مسافر همراه آنان با موارد قید شده‌در بارنامه و صورت وضعیت مسافری که در اختیار دارند مطابقت نداشته باشد متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب ، وعظ ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول به ۱۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و برای بار دوم به ۱۰۰۰۰ ریال تا

۳۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ کردن گواهینامه و در صورت تکرار برای بار سوم از ۲۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ کردن مجدد گواهینامه و در صورت تکرار به ۲۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال‌جریمه نقدی و ضبط گواهینامه برای مدت ۶ ماه تا یکسال محکوم می گردند و مراتب در هرنوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد. تبصره ۱ ـ در اجرای این ماده مأمورین پلیس راه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران موظفند اسناد و مدارک رانندگان وسایط نقلیه مسافربری و باربری را کنترل و در صورت مشاهده فقدان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه های موضوع این قانون و با احراز عدم انطباق تعداد مسافر و مشخصات محموله با صورت وضعیت مسافری و بارنامه ، رانندگان متخلف را به مراجع قضایی معرفی نمایند راننده متخلف می‌تواند به جای رفتن به دادگاه حداکثر جریمه‌تعیین شده را پرداخت نماید در غیر این صورت موظف است بلافاصله پس از رساندن بار یا مسافر به مقصد خود را به مرجع تعیین شده معرفی کند. تبصره ۲ ـ تخلفات راننده در دفترچه کار وی که توسط وزارت راه و ترابری صادر می گردد به وسیله پلیس راه یا مأموران راهنمایی و رانندگی ثبت خواهد شد تردد در جاده‌ها بدون همراه داشتن دفترچه کار ممنوع است و موسسات و شرکتهای حمل و نقل باید از تحویل مسافر یا کالا به راننده‌ای که فاقد دفترچه کار می‌باشد خودداری نموده و در غیر این صورت به مجازات‌های مقرر در ماده ۶ این قانون محکوم خواهند شد، المثنی برای دفترچه کار حداکثر به مدت شش ماه به تشخیص وزارت راه و ترابری صادر نمی گردد. ماده ۸ ـ وجوه حاصل از محل اخذ جرایم نقدی موضوع این قانون به حساب خزانه واریز خواهد شد. ماده ۹ ـ آیین‌نامه اجرایی در خصوص معافیت از اوراق مذکور در این قانون در مورد حداقل مسافت ، حداقل سرنشین و حداقل تناژ توسط وزارتخانه های راه و ترابری ـ امور اقتصادی ودارایی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۰ ـ رسیدگی به تخلفات مشروحه در این قانون در دادگاهها خارج از نوبت به عمل‌خواهد آمد. ماده ۱۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو می گردد. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۷/۳/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است

آیین نامه اجرایی موارد معافیت استفاده از اوراق صورت وضعیت مسافری و بارنامه – مصوب ۱۶/۳/۱۳۶۹ هیات

ماده ۱ ـ موارد مشروحه زیر مشمول صدور و استفاده از اوراق بارنامه داخلی موضوع قانون (الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه) مصوب ۱۳۶۸ نمی‌باشد. ۱ ـ حمل محصولات کشاورزی از مزارع به کارخانجات مربوط واقع در اطراف مزرعه ، مشروط بر آنکه در مسیر تردد این قبیل محمولات موسسه حمل و نقل مجاز وجود نداشته باشد. ۲ ـ حمل و نقل کالا از مبدأ یک روستا به مقصد روستای دیگر که در مسیر آن ، شهر یا بخش دارای موسسه حمل و نقل مجاز وجود نداشته باشد. ۳ ـ حمل و نقل کالا از روستا به محدوده نزدیکترین شهر (و بالعکس با حداکثر فاصله بیست ۲۰) کیلومتر. ۴ ـ حمل و نقل کالا از شهرها تا شعاع حداکثر پانزده (۱۵) کیلومتر خارج از محدوده آنها. ۵ ـ حمل و نقل کالا با وسایل نقلیه باربری که ظرفیت بارگیری آنها دو تن یا کمتر باشد. تبصره ۱ ـ برای وسایط نقلیه باربری با ظرفیت بالاتر از دو تن ، صدور و استفاده از بارنامه الزامی است تبصره ۲ ـ عدم استفاده و صدور اوراق بارنامه جهت موارد فوق ، مانع از اقدام ذینفع درزمینه صدور و استفاده از اوراق و اسناد دیگری که کاشف حقوق مالکیت و موارد نظیر آن باشد ، نخواهد بود. ماده ۲ ـ موارد مشروحه زیر مشمول صدور و استفاده از اوراق صورت وضعیت مسافری موضوع قانون الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸ نمی‌باشد. ۱ ـ وسایل نقلیه مسافربری در اطراف هر شهر مادامی که تحت پوشش حمل و نقل مسافربری عمومی شهری (نظیر شرکت واحد) فعالیت می‌نمایند. ۲ ـ وسایل نقلیه مسافربری که از شهر یا بخش تا شعاع بیست (۲۰) کیلومتری خارج ازمحدوده آن تردد می‌نمایند. ۳ ـ حمل و نقل مسافر به وسیله وسایل نقلیه مسافربری از مبدأ یک روستا به

مقصد روستای دیگر که در مسیر آن ، شهر یا بخش دارای موسسه مسافربری مجاز وجود نداشته باشد.

لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران

ماده ۱ ـ شهرداری تهران موظف است علاوه بر بهره برداری از ترمینال موجود به تدریج نسبت به احداث ترمینال های جدید متناسب با نیاز شهر در شر ق و غرب و شمال تهران اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه با توجه به امکانات دولت مکلف به تامین اعتبار لازم جهت احداث ترمینالهای جدید خواهد بود. ماده ۲ ـ شهرداری تهران غرفه های ترمینال های شهر را به شرکتهای مسافربری که طبق شرایط‌خاص تشکیل می‌شود در مقابل اخذ اجاره بهای مناسب به صورت نمایندگی واگذار می‌نماید. شرایط تشکیل این شرکتها بر طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران بر اساس قوانین مصوب وزارت راه و ترابری و همکاری آن وزارت تهیه و به تصویب شورای شهر و در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. شرکتهای تعاونی متشکل از دارندگان اتوبوس ها و کارکنان شرکتهای مسافربری موجود اولویت خواهند داشت تبصره ـ شرایط واگذاری غرفه‌ها طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران تهیه و به تصویب شورای شهر یا در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید.این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقو ق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند می‌تواند محل را با توجه به شرایط واگذاری نمایندگی و با اخطار قبلی لااقل یکماه تصرف کند. ماده ۳ ـ مالکیت و مدیریت تاسیسات ترمینال ها و مسئولیت خدمات با شهرداری تهران می‌باشد. شهرداری تهران موظف به نظارت بر برنامه ریزی مسافربری و کیفیت عرضه خدمات شرکتها خواهد بود. تبصره ـ حدود وظایف و اختیارات و نظارت شهرداری تهران و خدمات شرکتها بر طبق آیین نامه جداگانه ای خواهد بود که بر اساس ماده دوم و تبصره ذیل آن مشخص خواهد شد. ماده ۴ ـ شروع کار ترمینال و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری همزمان انجام خواهد شد. زمان و محدوده ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری حداقل یکماه قبل ازشروع توسط شهرداری تهران اعلام می‌شود. ماده ۵ ـ سایر شهرداریهای شهرهای بزرگ کشور که جمعیت آنها بیش از یکصد هزار نفرباشند موظفند نسبت به ایجاد ترمینال مسافربری بین شهری در محلهای مناسب بر اساس مفاداین قانون با توجه به امکانات اقدام نمایند. ماده ۶ ـ کلیه مقررات و قوانین مغایر و آیین نامه های موجود که مغایر با مفاد این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است

قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل های مسافربری برون شهری د

ماده واحده ـ عنوان لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران مصوب ۹/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به شرح فوق تغییر و مواد ۲ و ۳ و تبصره ذیل آنها و مواد ۵ و ۶ آن به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده ۲ ـ شهرداری ها غرفه های پایانه های شهر را به شرکت های مسافربری که طبق ضوابط وزارت راه و ترابری تشکیل می‌شوند در مقابل اخذ اجاره بهای مناسب به صورت نمایندگی واگذار می‌نمایند. شرکتهای تعاونی مسافربری اولویت خواهند داشت تبصره ـ شرایط واگذاری غرفه ها طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارتین کشور و راه و ترابری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند با موافقت وزارت راه و ترابری می‌تواند محل را با توجه به شرایط واگذاری و با اخطار قبلی لااقل دو ماهه تصرف نماید. ماده ۳ ـ مدیریت بهره برداری برنامه ریزی ، سیاست گذاری ، نرخ گذاری در امر مسافربری‌برون شهری و نظارت بر کیفیت عرضه خدمات مربوط به آن و مسیولیت های

مربوط به جابجایی مسافر بر عهده وزارت راه و ترابری می‌باشد مالکیت و مدیریت تاسیسات پایانه های شهرداری و مسئولیت خدمات مربوط به آنها بر عهده شهرداریها می‌باشد و شهرداری ها کلیه عوارض وحقوق قانونی خود را وصول خواهند نمود. تبصره ـ شهرداریهای سراسر کشور موظف به ارایه امکانات مناسب در محل پایانه ها به وزارت راه و ترابری می‌باشند. ماده ۵ ـ شهرداریهای شهرهای با بیش از پنجاه هزار نفر جمعیت سراسر کشور موظفند نسبت به ایجاد پایانه مسافربری برون شهری در محلهای مناسب بر اساس مفاد این قانون باتوجه به امکانات ، اقدام نمایند. تبصره ـ احداث پایانه مسافربری توسط شهرداری مانع از احداث پایانه توسط بخش تعاونی یا خصوصی با رعایت ضوابط و مقررات قانونی نخواهد بود. ماده ۶ ـ با تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو و آیین نامه اجرایی آن ظرف سه ماه از تاریخ تصویب توسط وزارتین راه و ترابری و کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد

ماده ۱ ـ شهرداری ها غرفه‌های موجود در پایانه های مسافربری شهر را به شرکت های مسافربری‌که طبق ضوابط وزارت راه و ترابری تشکیل می‌شوند جهت انجام خدمات مسافربری تحت شرایط زیر به صورت نمایندگی در مقابل اخذ اجاره بها و از طریق انعقاد قرارداد واگذاری ، واگذارم ی‌نمایند. تبصره ـ در واگذاری غرفه های پایانه های مسافربری شهر، شرکتهای تعاونی مسافربری و شرکتهای مسافربری که قبل از اصلاح قانون در ترمینال ها مستقر بوده‌اند اولویت خواهند داشت ماده ۲ ـ مبنای مال الاجاره ماهانه غرفه های قابل واگذاری به شرکتهای مسافربری به وسیله یک نفر از کارشناسان رسمی دادگستری که توسط شهرداری شهر انتخاب می گردد، تعیین‌می‌شود، تا با انجام تشریفات مزایده در حضور نمایندگان شهرداری شهر و سازمان حمل و نقل و پایانه های استان ، مبلغ قطعی مال الاجاره مشخص گردیده و از شرکت استفاده کننده غرفه اخذ شود. تبصره ۱ ـ کارشناس منتخب مذکور اجاره بهای ماهانه غرفه واگذار شده را با رعایت ارزش عرصه و اعیان و موقعیت غرفه متناسب با آن مقدار از سطح ترمینال که وسایط نقلیه شرکت‌مسافربری در آن توقف یا مورد سایر استفاده ها قرار می‌دهند همچنین با ملحوظ داشتن هزینه هایی که برای نگهداری و سایر خدمات از طرف شهرداری مصروف می گردد، به صورت یکجا به عنوان مال الاجاره غرفه اختصاصی شرکت مسافربری استفاده کننده به صورت قیمت پایه برآورد می‌نمایند. تبصره ۲ ـ شرکت مسافربری استفاده کننده از غرفه واگذار شده مکلف است مال الاجاره مندرج در قرارداد را بدون هیچگونه عذر و تعلل در سررسید معین در قرارداد واگذاری به شهرداری شهر تادیه نماید. تبصره ۳ ـ این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفان یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد. تبصره ۴ ـ واگذاری سایر غرفه های پایانه نیز مشمول مقررات این آیین نامه خواهد بود و نقش سازمان حمل و نقل و پایانه ها صرفا در خصوص غرفه‌های شرکتهای مسافربری می‌باشد. ماده ۳ ـ شرکتهای مسافربری در هنگام عقد قرارداد باید معادل ۶ ماه اجاره بهای ماهانه هرسال را به صورت ضمانتنامه بانکی یا سپرده نقدی به منظور حسن انجام خدمات و تعهدات برابر قرارداد منعقد شده در اختیار شهرداری شهر بگذارند تا در صورت تعلل در پرداخت اجاره بها یا حدوث هرگونه خسارت به تاسیسات ، ساختمان ، لوازم و تجهیزات ترمینال از جانب بهره بردار یا عوامل وی ، شهرداری بتواند خسارت خود را از آن محل برداشت نماید. تبصره ۱ ـ تشخیص میزان خسارت با کارشناس منتخب شهرداری شهر و سازمان حمل و نقل و پایانه های استان می‌باشد. تبصره ۲ ـ چنانچه قبل از خاتمه قرارداد از محل ضمانتنامه مذکور شهرداری مبلغی وفق مقررات برداشت نماید شرکت مکلف است ظرف مدت ده روز بعد از اعلام کتبی شهرداری شهر آن را تامین نماید، به طوری که همواره سپرده معادل ۶ ماه مال‌الاجاره باشد. بدیهی است درصورت عدم تامین سپرده شهرداری بلافاصله قرارداد واگذاری را لغو خواهد نمود. تبصره ۳ ـ دریافت هرگونه وجهی یا تضمین دیگری علاوه بر مال الاجاره و تضمین‌فوق الذکر تحت هر عنوان از قبیل سرقفلی ، پیش پرداخت

و غیره توسط شهرداری از شرکتهای مسافربری استفاده کننده از غرفه های پایانه‌های شهر ممنوع است ماده ۴ ـ قرارداد واگذاری غرفه های پایانه های شهر به مدت یکسال منعقد می‌شود و قابل تمدید می‌باشد. تبصره ۱ ـ شهرداری می‌تواند در صورت عدم انجام تعهدات مالی از سوی شرکتها یا عدم رعایت مقررات شهرداری و پس از کسب نظر سازمان حمل و نقل پایانه های استان که حداکثر ظرف ۱۵ روز اظهارنظر خواهند نمود و یا اعلام کتبی سازمان مذکور مبنی بر عدم تمدید قراردادبه لحاظ عدم رعایت مقررات مربوط از تمدید قرارداد خودداری نماید. تبصره ۲ ـ مفاد و شرایط قرارداد مذکور به صورت قرارداد نمونه توسط وزارت کشور و با کسب نظر از وزارت راه و ترابری تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۵ ـ مبلغ اجاره بها برای هر دو سال یکبار با توجه به روش مذکور در ماده ۲ این آیین نامه قابل تجدید نظر است ماده ۶ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه ، آیین نامه قبلی شرایط واگذاری غرفه های ترمینالها لغو می‌شود.

قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری – مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم(۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین‌شهری که با عنوان طرح دو فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ۷/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۱۸۸۲۵۱ ۲۴/۱۱/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین‌شهری که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۷۷۸۴۶/۷۹۴ مورخ ۱۳/۱۱/۱۳۸۶ واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیسجمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری موضوع استفساریه: ماده واحده ـ آیا رانندگانی که به موجب مقررات طرح بیمه روستاییان و عشایر و شهرهای زیر بیست هزار نفر جمعیت از مزایای بیمه درمان برخوردار و نزد صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر بیمه بوده و مشمول مزایای ازکارافتادگی کلی، بازنشستگی و بازماندگان می‌باشند همچنان ملزم به بیمه نمودن خود نزد سازمان تأمین اجتماعی مطابق قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین‌شهری مصوب ۱۸/۲/۱۳۷۹ می‌باشند؟ نظر مجلس: خیر، تا زمانی که رانندگان مشمول صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر در نزد صندوق بیمه مذکور بیمه باشند الزامی به بیمه شدن مجدد نزد سازمان تأمین اجتماعی ندارند. قانون استفساریه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۹/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

اداره راهنمایی رانندگی

آیین نامه راهنمایی و رانندگی – مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ با اصلاحات بعدی

فصل اول ــ تعاریف (ماده ۱)

ماده ۱ ـ اصطلاحات و کلماتی که در این آیین نامه بکار برده شده دارای معانی ذیل می‌باشند: ۱ ـ ابطال گواهینامه ـ سلب اعتبار

قانونی آن ۲ ـ اتوبوس ـ هر نوع وسیله نقلیه موتوری مسافربری که ظرفیت آن بـا راننـده و کمک راننـده ۲۲ نفر یا بیشتر باشـد. ۳ ـ اتوبـوس برقی ـ اتوبوسـی که به وسیله بـاطری یـا نیروی برقی که از سیمهای هـوایی دریـافت می‌دارد حرکت نمایـد ولی روی ریل نباشد. ۴ ـ اتومبیـل هر نوع وسیله نقلیه موتوری که لااقـل دارای دو چرخ در جلو و دو چرخ دیگر درعقب بوده و برای حمـل بـار یا انسان به کار رود. ۵ ـ اتومبیل آموزشی ـ اتومبیلی که برای تعلیم رانندگی اختصاص داده شده و باید دارای دوکلاج و دو ترمز و دو آیینه بوده و متعلق به یکی از آموزشـگاههای مجاز تعلیم راننـدگی باشد. ۶ ـ اتومبیـل سواری ـ اتومبیلی که برای حمـل انسان ساخته شـده و ظرفیت آن بـا راننـده حـداکثر شـش نفر است ۷ ـ اتومبیـل مـدارس ـ اتومـبیلی که برای رفت و آمـد شـاگردان آموزشـگاهها اختصاص داده شده ۸ ـ ارتفاع چراغ ـ فاصله مرکز چراغ یا وسیله نقلیه بدون بار یا مسافر تا کف راه ۹ ـ استیشن ـ اتومبیل سواری که ظرفیت آن با راننده حداقل هفت نفر و حداکثر نه نفر باشد. ۱۰ ـ بارکش ـ هر نوع وسیله نقلیه‌ای که برای حمل بار ساخته شده ۱۱ ـ پـارک متر ـ دسـتگاهی که بـا انـداختن سـکه تعیین شـده در آن اجازه توقف وسـیله نقلیه رادر زمان معینی می‌دهـد. ۱۲ ـ پارکینگ ممنوع ـ ایست وسـیله نقلیه جز برای سوار و پیاده کردن آنهم به شـرط وجود راننده در پشت فرمان ممنوع است ۱۳ ـ پیاده ـ شخصی که بدون اسـتفاده از هیچ نوع وسیله نقلیه موتوری یا غیرموتوری حرکـت می‌نماید. ۱۴ ـ پیاده‌رو ـ قسـمتی از خیابان که در امتداد آن واقع شـده و برای عبور و مرور پیادگان اختصاص یافته است ۱۵ ـ پیچ ـ انحراف مسیر مستقیم راه ۱۶ ـ ترافیک ـ عبور و مرور وسایل نقلیه و اشـخاص و حیوانـات در راههـا. ۱۷ ـ ترامـوای ـ وسـیله نقلیـه‌ای کـه در شـهر و حـومه برای حمـل مسـافر به کـار می‌رود و با نیروی‌برق روی ریل حرکت می‌نماید. ۱۸ ـ تراکتور بارکش ـ وسیله نقلیه موتوری که جهت کشیدن یدک های بارکش ساخته شده ۱۹ ـ تراکتور کشاورزی ـ وسـیله نقلیه موتوری که برای کارهای کشاورزی یا برای کشیدن ماشینها و آلات دیگر کشاورزی یا شخم زدن بکـار رود. ۲۰ ـ توقـف مطلقـا ممنـوع ـ ایست وسـیله نقلیه در هر مـدت ممنوع است ۲۱ ـ توقیف گواهینـامه (ضـبط) ـ اخـذ و نگهداری موقت گواهینامه ۲۲ ـ جـاده ـ راه خـارج شـهر برای عبور و مرور وسایل نقلیه ۲۳ ـ جـاده اصـلی ـ جاده ایکه در برخورد با جاده دیگر پهن تر است یا با نصب علایم راهنمایی اصلی تلقی شود. ۲۴ ـ جاده فرعی ـ جاده ای که از جاده اصلی منشعب شده و از آن تنـگ تر است یا با نصب علایم راهنمایی فرعی به شـمار می‌رود. ۲۵ ـ جاده خصوصـی ـ جاده‌ای که اشـخاص یا موسسات برای اسـتفاده شخصی ساخته‌اند و استفاده دیگران از آن منوط به اجازه مالک است ۲۶ ـ چرخ فلزی ـ چرخی است که محـل تماس آن با کف زمین فلزی باشد. ۲۷ ـ حق تقدم ـ حق عبور وسـیله نقلیه‌ای زودتر از وسایل نقلیه دیگر یا از پیاده‌ها و بالعکس ۲۸ ـ خیابان ـ راه عبور و مرور در مناطق مسکونی ۲۹ ـ خیابان اصـلی ـ خیابانی که در برخورد با خیابان دیگر پهن تر است یا با نصب علایم راهنمایی اصلی تلقی شود. ۳۰ ـ خیابـان فرعی ـ خیابـانی که از خیابان اصـلی تنگتر است یا با نصب علایم راهنمایی فرعی شـناخته شود. ۳۱ ـ دسـتگاه تهویه ـ دستگاهی که به وسیله گاز یا بخار متراکم هوای داخل اطاق وسیله نقلیه را خنک می‌نماید. ۳۲ ـ دوچرخه موتوردار (گازی ـ دوچرخه‌ای که به وسـیله موتوری که نیروی آن متجاوز از پنـج اسب نباشـد حرکت نماید. ۳۳ ـ راه ـ اعم است از خیابـان و جـاده و کوچه ۳۴ ـ راننـده ـ کسـی که هـدایت وسـیله نقلیه را توسـط فرمـان یا به وسایل دیگر به عهـده داشـته‌باشد. ۳۵ ـ راه‌آهـن ـ ریلهای آهنی موازی ثابتی که لکوموتیوها و قطارها بر روی آن حرکت می‌نماینـد. ۳۶ ـ روز ـ از طلوع تا غروب آفتاب ۳۷ ـ سازنده وسایل نقلیه ـ شخصـی یا موسـسه یا کارخانه ای که وسایل نقلیه‌ای را که مطابق این آیین نامه باید شـماره گذاری شوند می‌سازد، یا قطعـات ساخته آنها را سوار (مونتاژ) می‌نمایـد. ۳۸ ـ شب ـ از غروب تـا طلوع آفتـاب ۳۹ ـ شـماره غیرمجاز ـ الف ـ شـماره ایکه به موجب آگهی قبلی شهربانی باید تجدید گردد. ب ـ شماره‌ایکه در کشور خارجی روی وسیله نقلیه نصب شده و پس از ورود بایران بـا وجود انقضـای مـدت اعتبـار آن عوض نشـده باشـد. ج ـ شـماره ترانزیت که در کشور ایران برای مسـافرت به خارج داده شـده و اسـتفاده از آن در داخـل کشور ممنوع است د ـ شـماره‌های موضوع قـانون مجـازات اسـتفاده کننـدگان از پلاک های تقلبی مصوب سال۱۳۴۵. ۴۰ ـ شـماره وسـیله نقلیه ـ عـدد یـک یا چنـد رقمی که از طرف متصـدیان مربوط روی پلاکهای مخصوص منقوش و به

وسیله نقلیه منصوب می گردد. ۴۱ ـ ظرفیت اتومبیل ـ وزن بار یا تعداد مسافر که از طرف افسر کاردان فنی شماره گذاری شهربانی برای وسیله نقلیه تعیین می‌شود. ۴۲ ـ علایم ـ هر نوع علامت مانند تابلو ، نوشته ، خط کشی چراغ ـ سوت ، حرکت دست و غیره که وسیله مقامات صلاحیت دار یا رانندگان برای کنترل و تنظیم عبور و مرور بکار می‌رود. ۴۳ ـ قطعات اصلی ـ کلیه قسمتهای اساسی وسیله نقلیه که طبق این آیین نامه باید شماره گذاری شود مانند موتور و شاسی و اطاق که تعویض آنها باعث تغییر مشخصات اساسی وسیله نقلیه می گردد. ۴۴ ـ کارت مشخصات ـ کارتی که مشخصات مالک و وسیله نقلیه شماره گذاری شده در آن ثبت و به مالک وسیله نقلیه تسلیم می گردد. ۴۵ ـ کارت شهری ـ کارتی که مجوز رانندگی وسایل نقلیه عمومی در شهر و حومه می‌باشد. ۴۶ ـ کوچه ـ راهی در مناطق مسکونی که عرض آن حداکثر شش متر باشد. ۴۷ ـ گذرگاه پیاده ـ در تقاطع راهها امتداد پیاده روها در سواره رو یا هر محل دیگری از سواره‌رو که به وسیله خط کشی یا میخکوبی یا سایر علایم جهت عبور پیادگان اختصاص داده شده ۴۸ ـ گواهینامه رانندگی ـ اجازه نامه برای رانندگی وسایل نقلیه که از طرف مقامات صلاحیتدار به نام اشخاص صادر شود. ۴۹ ـ منطقه ممنوعه ـ منطقه و محلی که عبور و مرور وسایل نقلیه در آنها به وسیله علایم خاص ممنوع شده باشد. ۵۰ ـ مواد خطرناک ـ هر نوع مواد منفجره یا محترقه یا مایعات آتش زا و گازهای فشرده و امثال آنها. ۵۱ ـ موتور سیکلت ـ وسیله نقلیه موتوری که دارای دو یا سه چرخ است و نیروی آن متجاوز از پنج اسب می‌باشد. ۵۲ ـ مینی‌بوس ـ هر نوع وسیله نقلیه موتوری مسافربری که ظرفیت آن با راننده حداقل ده نفر و حداکثر بیست و یکنفر باشد. ۵۳ ـ وزن با بار ـ وزن وسیله نقلیه باضافه وزن بار آن ۵۴ ـ وسیله نقلیه امدادی ـ وسیله نقلیه مخصوص خدمات پلیسی ، بهداشتی ، آتش نشانی و امثال آنها که وسیله شهربانی تعیین و با علایم مخصوص مشخص می‌شود. ۵۵ ـ وسیله نقلیه موتوری ـ وسیله نقلیه‌ای که با نیروی موتور بر روی چرخهای خود حرکت کند. ۵۶ ـ وسیله نقلیه غیرموتوری ـ وسیله نقلیه ایکه نیروی محرک آن از موتور نباشد. ۵۷ ـ وسیله نقلیه کشاورزی ـ به وسیله نقلیه‌ای که جهت امور کشاورزی ساخته شده مادام که در مزارع کار کند اطلاق می‌شود. ۵۸ ـ وسیله نقلیه موتوری ویژه ـ وسیله نقلیه موتوری که مخصوص انجام کارهای فنی و ساختمانی و جاده‌سازی و امثال آن است ۵۹ ـ یدک ـ وسیله نقلیه چرخدار با موتور یا بی موتور که توسط وسیله نقلیه موتوری دیگری کشیده شود. ۶۰ ـ یدک کش ـ وسیله نقلیه موتوری که یدک یا یدک هایی را به دنبال خود می کشد. ۶۱ ـ یدک متصل (شبه یدک یدک بدون نیروی محرک (بی موتور)

فصل دوم ـ شماره‌گذاری و کارت مشخصات (ماده ۲ تا ۲۰

ماده ۲ ـ هر وسیله نقلیه موتوری و غیرموتوری و یدک متصل که در راههای عمومی حرکت می کنند باید دارای شماره باشد رانندگی با وسایل نقلیه ای که شماره گذاری نشده یا شماره آنها غیرمجاز است و همچنین گذاردن این قبیل وسایل نقلیه برای رانندگی در اختیار اشخاص دیگر ممنوع است مگر آنکه قبلا اجازه حرکت از شهربانی دریافت کرده و در دست‌داشته باشند. مأموران انتظامی از حرکت وسایل نقلیه مذکور جلوگیری خواهند کرد. ماده ۳ ـ مالک وسیله نقلیه موظف است جهت شماره گذاری و اخذ کارت مشخصات وسیله نقلیه خود به شهربانی محل مراجعه و فرم های مربوطه را تنظیم و امضا نماید و به ضمیمه مدارکی که از طرف شهربانی اعلام خواهد شد تسلیم کند. هرگاه اشخاص دیگری در مالکیت وسیله نقلیه شرکت یا نسبت به آن حق عینی داشته باشند نام و آدرس دقیق آنان نیز باید در درخواست قید شود. ماده ۴ ـ شهربانی پس از دریافت درخواست شماره گذاری و مدارک لازم با رعایت مقررات مذکور در ماده ۵ برای شماره گذاری وسیله نقلیه اقدام می‌نماید. ماده ۵ ـ در موارد زیر شهربانی می‌تواند از انجام عمل شماره‌گذاری خودداری نماید: ۱ ـ در صورتی که وسیله نقلیه معیوب بوده یا به جهات فنی به کار افتادن آن در راهها خطرناک باشد. ۲ ـ چنانچه مشخصات وسیله نقلیه با آنچه در اسناد مربوط ذکر شده مطابق نباشد. ۳ ـ

اگر شماره گذاری وسیله نقلیه قبلا به جهاتی ممنوع اعلام گردیده باشد. ۴ ـ هرگاه حقوق دولتی و عوارضی که به موجب مقررات به وسیله نقلیه تعلق گرفته پرداخت نشده باشد مگر با اجازه رییس کل شهربانی ۵ ـ چنانچه وسیله نقلیه دارای علایم و تجهیزات پیش‌بینی شده در این آیین نامه نباشد. ماده ۶ ـ شماره گذاری بر روی وسیله نقلیه از طریق نصب پلاکی که وسیله شهربانی تهیه می گردد انجام خواهد شد. انواع پلاکها و ابعاد و رنگهای آنها برای وسایل نقلیه مختلف از طرف شهربانی معین و اعلام می‌شود. دارندگان وسایل نقلیه مکلفند در مواقعی که شهربانی لزوم تجدید و تعویض شماره ها را آگهی می‌نماید برای تجدید و تعویض شماره وسیله نقلیه خود اقدام نمایند. ماده ۷ ـ نصب پلاک به طریق زیر به عمل می‌آید: اگر وسیله نقلیه دارای سه چرخ یا بیشتر باشد یک پلاک در جلو و پلاک دیگر در عقب آن‌نصب می گردد. در یدکها و وسایل نقلیه ای که دارای دو چرخ هستند فقط یک پلاک در عقب نصب می‌شود. پلاک عقب باید در محلی نصب گردد که با نور چراغ عقب وسیله نقلیه قابل خواندن باشد. پلاک های منصوب باید همیشه در جای خود قرار داشته باشد. ماده ۸ ـ شهربانی پس از شماره گذاری و ثبت مشخصات وسیله نقلیه کارتی که حاوی مشخصات و ظرفیت آن باشد صادر و به مالک تسلیم می‌نماید. این کارت باید همیشه همراه راننده وسیله نقلیه مربوطه باشد. به علاوه ظرفیت وسایل نقلیه مسافربری در داخل آنها طوری نوشته می‌شود که قابل خواندن باشد. ماده ۹ ـ وسیله نقلیه عمومی که در هر شهر شماره گذاری می‌شود باید فقط در همان شهر و منطقه‌ای که شهربانی تعیین می کنند به کار پردازد مگر اینکه موافقت شهربانی های مربوط با تغییر محل کار جلب شده باشد والا از کارکردن جلوگیری خواهد شد. ماده ۱۰ ـ هرگاه کارت مشخصات یا پلاک اتومبیل مفقود یا ضایع گردد مالک وسیله نقلیه موظف است ضمن اعلام مراتب به مقامات صلاحیت دار حداکثر ظرف ۴۸ ساعت شخصا یا وسیله نماینده خود جهت اخذ المثنای کارت یا پلاک جدید به شهربانی مراجعه نماید. ماده ۱۱ ـ سازندان و فروشندگان و حمل کنندگان وسایل نقلیه فقط جهت عرضه نمودن یا نقل آنها از محلی به محل دیگر بدون انجام تشریفات شماره گذاری از شهربانی پلاک ویژه یا موقت دریافت خواهند کرد. ماده ۱۲ ـ هر سازنده یا فروشنده وسیله نقلیه موظف است دفتری برای ثبت سابقه استفاده از شماره های ویژه و تعیین اینکه در چه مدت و چه تاریخی شماره ویژه بر روی چه وسیله‌ای نصب و به وسیله چه کسانی از آن استفاده شده داشته باشد، این دفتر در مواقع مراجعه مأموران شهربانی باید ارایه شود. ماده ۱۳ ـ در مواردی که مالک وسیله نقلیه آدرس خود را تغییر می‌دهد باید ظرف ۴۸ ساعت اداره شهربانی را کتبا از آدرس جدید خود مطلع سازد. ماده ۱۴ ـ مالک وسیله نقلیه در صورتی که بخواهد موتور یا هر یک از قطعات اصلی یارنگ آن را تغییر دهد موظف است قبلا مدرک مربوط را به شهربانی جهت کسب اجازه تسلیم نماید تا پس از تغییر آنها کارت مشخصات جدید صادر گردد. ماده ۱۵ ـ در صورت انتقال مالکیت وسیله نقلیه فروشنده موظف است فورا کارت مشخصات را به شهربانی محل تسلیم نماید. باضافه مالک جدید پس از انتقال باید برای دریافت کارت مشخصات بنام خود به شهربانی مراجعه نماید. شهربانی پس از وصول درخواست خریدار فتوکپی یا رونوشت مصدق سند انتقال ، کارت مشخصات جدیدی بنام او صادر و به وی تسلیم خواهد نمود. ماده ۱۶ ـ شخصی که وسیله نقلیه در اختیار و تصرف او است (اعم از اینکه مالک باشد یا نباشد) موظف است در صورتی که وسیله نقلیه مورد تصرف غیرمجاز واقع شود و همچنین پس‌از رفع تصرف غیرمجاز حداکثر ظرف ۴۸ ساعت مراتب را به مقامات انتظامی محل اعلام دارد. ماده ۱۷ ـ شهربانی در موارد زیر پلاک شماره را پس می گیرد: ۱ ـ هرگاه پلاک اشتباها به وسیله نقلیه ای نصب شده باشد. ۲ ـ در موارد مذکور در ماده ۴۳ اصلاحی این آیین نامه ۳ ـ وقتی که وسیله نقلیه اوراق شده باشد. ماده ۱۸ ـ پس از رفع اشتباه یا فراهم شدن موجبات استرداد پلاک مذکور در بند ۲ پلاک به صاحب وسیله نقلیه مسترد خواهد شد. ماده ۱۹ ـ شهربانی می‌تواند پلاک شماره ویژه یا موقت متعلق به سازندگان و فروشندگان یا حمل کنندگان وسایل نقلیه را به علت عدم لزوم استعمال یا استعمال برخلاف مقررات آن یا به علت تقلب در آنها پس بگیرد. ماده ۲۰ ـ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موظفند ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه نشانی دقیق خود و مشخصات کامل وسیله نقلیه خویش را به شهربانی محل شماره گذاری اعلام دارند.

فصل سوم ــ گواهینامه رانندگی و کارت شهری (ماده ۲۱ تا ۳۶

ماده ۲۱ ـ هرکس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری زمینی رانندگی کند باید دارای گواهینامه رانندگی مربوط به آن نوع وسیله نقلیه باشد. ماده ۲۲ ـ شرایط لازم برای صدور انواع گواهینامه های رانندگی به شرح زیر است الف ـ گواهینامه رانندگی موتورسیکلت ۱ ـ سن ۱۸ سال تمام ۲ ـ قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی و رانندگی با موتورسیکلت بند ب ـ گواهینامه رانندگی پایه ۲ برای رانندگی با وانت و کامیونت تا ظرفیت ۳۵۰۰ کیلوگرم و اتومبیلهای سواری و استیشن ۱ ـ سن ۱۸ سال تمام ۲ ـ قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی با اتومبیل سواری ج ـ گواهینامه رانندگی پایه ۱ برای رانندگی با کلیه وسایل نقلیه موتوری زمینی به استثنای موتور سیکلت ۱ ـ سن ۲۳ سال تمام ۲ ـ قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی و رانندگی با اتومبیلهای بزرگ اعم از کامیون به ظرفیت بیش از ۳۵۰۰ کیلوگرم و اتوبوس ۳ ـ داشتن اطلاعات فنی لازم ۴ ـ گذشتن ۲ سال تمام از تاریخ اخذ گواهینامه رانندگی پایه ۲. د ـ گواهینامه رانندگی ویژه برای رانندگی با وسایل نقلیه سنگین ـ جاده سازی و ساختمانی و مخصوص حمل اشیای سنگین و جراثقال اسکله ها. ۱ ـ سن ۲۳ سال تمام ۲ ـ قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی و روشن کردن موتور و راندن وسایل نقلیه موردنظر در جهات مختلف ـ ترمز کردن و دورزدن با آنها. در گواهینامه رانندگی ویژه نوع وسیله نقلیه‌ای که دارنده می‌تواند با آن رانندگی کند قید می‌شود. برای رانندگی با وسایل نقلیه ویژه ای که سرعت آنها از ۳۰ کیلومتر در ساعت تجاوز می‌کند در شهرها و راههای عمومی علاوه بر داشتن گواهینامه ویژه داشتن گواهینامه پایه ۱ نیزضروری است ه ـ گواهینامه رانندگی با تراکتور چرخ لاستیکی در مزارع ۱ ـ سن ۱۸ سال تمام ۲ ـ قبول شدن در آزمایش آیین نامه راهنمایی و رانندگی ۳ ـ قبول شدن در امتحان رانندگی با تراکتور. ۴ ـ گواهی صلاحیت استفاده از ماشینهای کشاورزی از طرف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی بند (و) ـ گواهینامه رانندگی دوچرخه موتوردار (گازی : ۱ ـ سن ۱۵ سال تمام ۲ ـ قبول شدن در آزمایش شفاهی آیین نامه راهنمایی و رانندگی ۳ ـ قبول شدن در امتحان رانندگی با دوچرخه موتوردار (گازی تبصره ۱ ـ کسانی که سن آنان از ۲۵ سال تمام کمتر نباشد برای اخذ هرگونه گواهینامه رانندگی از شرط سواد معاف می‌باشند. تبصره ۲ ـ دارندگان گواهینامه رانندگی پایه ۲ در صورتی می‌توانند با وسایل نقلیه عمومی باری که ظرفیت بارگیری آن مطابق مشخصات ساخت کارخانه سازنده بیش از ۳۵۰۰ کیلوگرم نباشد همچنین با اتومبیلهای سواری عمومی و استیشن عمومی و مینی بوس و آمبولانس رانندگی نمایند که سن آنان از ۲۳ سال تمام کمتر نباشد و یکسال تمام از تاریخ اخذ گواهینامه گذشته باشد. تبصره ۳ ـ دارندگان گواهینامه های رانندگی پایه ۲ به شرط داشتن ۲۳ سال تمام و قبول شدن در آزمایشهای رانندگی با اتوبوس یک طبقه با اجازه مخصوص شهربانی می‌توانند مادام که‌در خدمت شرکتهای واحد اتوبوسرانی هستند به رانندگی با اتومبیلهای یک طبقه شرکتهای مذکور مبادرت ورزند. تبصره ۴ ـ کلیه گواهینامه های رانندگی با تراکتورهای زراعتی که تا تاریخ ۲۴/۱۱/۱۳۵۱ از طرف شهربانی صادر شده است همچنان معتبر می‌باشد. ماده ۲۳ ـ در موارد زیر صدور گواهینامه رانندگی ممنوع است ۱ ـ هرگاه متقاضی به بیماری صرع یا جنون مبتلا باشد. ۲ ـ در صورتی که متقاضی کور باشد مگر برای متقاضیان گواهینامه های موتورسیکلت و تراکتور زراعی و پایه دوم اتومبیل (بدون آنکه اجازه رانندگی وسایل نقلیه عمومی و اتومبیلهای آموزشگاه های رانندگی را داشته باشد) که فاقد یک چشم بوده و میزان دید چشم سالم آنان نیزکمتر از ۹۱۰ نباشد و به علاوه دارندگان گواهینامه پایه دوم اتومبیل فاقد یک چشم باید نقص‌میدان دید خود را با نصب آینه مخصوص در اتومبیل جبران نمایند. ۳ ـ هرگاه میزان دید متقاضیان گواهینامه‌ها کمتر از حد مقرر بوده و با استفاده از عینک قابل‌جبران نباشد. حد مقرر میزان دید برحسب موارد به شرح زیر است الف ـ برای گواهینامه های پایه دوم اتومبیل و تراکتور و ویژه و موتورسیکلت با یک چشم

۱۲۰ و یا چشم دیگر ۹۱۰ با میدان دید طبیعی یا در صورتیکه میزان دید یک چشم کمتر از ۹۱۰ باشد مجموع دید دو چشم ۱۲۱۰ با میدان دید طبیعی ب ـ برای گواهینامه پایه یک و کارت مخصوص رانندگی با وسایل نقلیه عمومی و اتومبیلهای آموزشگاه های رانندگی با یک چشم ۲۱۰ و چشم دیگر ۱۰۱۰ با میدان دید طبیعی یا درصورتی که میدان دید یک چشم کمتر از ۱۰۱۰ باشد مجموع دید دو چشم ۱۴۱۰ با میدان دید طبیعی ۴ ـ برای کرمطلق و گوژپشت بجز گواهینامه پایه دوم رانندگی بدون آنکه اجازه رانندگی با وسایل نقلیه عمومی و اتومبیلهای آموزشگاههای رانندگی را داشته باشد. ۵ ـ هرگاه متقاضی فاقد انگشتان دست یا پا باشد بنحوی که فقدان انگشتان مانع انجام اعمال طبیعی و لازم برای رانندگی باشد. ۶ ـ اگر متقاضی به علت فقدان دست یا پا و یا ضعف بعضی از عضلات دست یا پا که به مناسبت ابتلا به فلج یا امراض دیگری حاصل شده نتواند مستقلا یا با استفاده از دست و پای مصنوعی و یا به کمک ماشین هایی که وسایل مخصوص برای تسهیل رانندگی در آنجا تعبیه شده براحتی از عهده رانندگی برآید. ماده ۲۴ ـ هرگاه پزشک و افسر کاردان فنی شهربانی تشخیص دهند که اشخاص مبتلا به ضعف بینایی یا شنوایی و همچنین اشخاص مذکور در بندهای ۵ و ۶ ماده قبل به کمک عینک یا سمعک یا سایر وسایل مصنوعی به طور طبیعی قادر به رانندگی می‌باشند صدور گواهینامه بنام آنان در صورت جمع شرایط لازم دیگر مانعی ندارد لیکن در متن گواهینامه باید تصریح شود که فقط با عینک یا سمعک یا چه نوع وسیله‌ای می‌توانند رانندگی نمایند. آزمایش از داوطلبان ذکر شده در بندهای ۵ و ۶ ماده قبل باید وسیله سه نفر افسر کاردان فنی شهربانی محل و یا نزدیکترین مرکز استان یا فرمانداری کل که دارای سه نفر کاردان فنی می‌باشد و با وسیله نقلیه مخصوص انجام گیرد. ماده ۲۵ ـ درخواست کننده هر نوع گواهینامه رانندگی باید مدارکی را که از طرف راهنمایی و رانندگی اعلام می‌شود به مراجع آگهی شده ارایه کند. ماده ۲۶ ـ از متقاضی اخذ گواهینامه رانندگی قبل از سایر آزمایشها باید آزمایش پزشکی به وسیله پزشکانی که شهربانی معرفی می‌نماید یا افسرانیکه با وسایل و تجهیزات فنی مخصوص آزمایش مزبور مجهز خواهند بود به عمل آید. ماده ۲۷ ـ هرگاه درخواست کننده گواهینامه رانندگی در آزمایشهای مربوط موفق گردد گواهینامه رانندگی پس از مشاهده مدارک لازم صادر و به او تسلیم خواهد شد. ماده ۲۸ ـ مدت اعتبار هر گواهینامه در متن آن درج می‌شود. دارنده آن ملزم است که ظرف یکماه پس از پایان مدت مقرر برای تمدید مدت اعتبار یا تعویض آن به گواهینامه هم عرض به شهربانی مراجعه نماید شهربانی می‌تواند هنگام تمدید یا تعویض گواهینامه از متقاضی آزمایش پزشکی مجددی به عمل آورد. هرگاه کسانی که مدت اعتبار گواهینامه آنان منقضی شده قبل از اخطار مأمورین برای تمدید یا تعویض آن به شهربانی مراجعه نمایند از پرداخت جریمه معاف خواهند بود. تبصره ـ گواهینامه های رانندگی سیاسی احتیاج به تمدید مدت اعتبار ندارند. ماده ۲۹ ـ رانندگی با هر نوع تاکسی علاوه بر گواهینامه رانندگی (اعم از پایه ۱ یا ۲) مستلزم داشتن کارت مخصوص رانندگی تاکسی است که از طرف راهنمایی و رانندگی صادر می‌شود. برای صدور این کارت راننده باید دارای شرایط زیر باشد: ۱ ـ داشتن حداقل ۲۳ سال تمام ۲ ـ انقضای ۱ سال تمام از تاریخ اخذ گواهینامه رانندگی (در مورد گواهینامه رانندگی پایه ۲) ۳ ـ داشتن سواد خواندن و نوشتن ۴ ـ قبول شدن در آزمایش شهرشناسی ۵ ـ نداشتن سابقه محکومیت از حیث ارتکاب جنایات عمدی ـ سرقت ـ خیانت در امانت ـ اخذ مال به عنف و جنحه های مربوط به منافیات عفت ماده ۳۰ ـ اگر گواهینامه رانندگی یا کارت شهری مفقود شود یا از بین برود دارنده آن می‌تواند تقاضای صدور المثنی کند. شهربانی پس از احراز صحت ادعای درخواست کننده با دریافت مدارک لازم المثنی صادر و به وی تسلیم خواهد نمود. ماه ۳۱ ـ دارندگان گواهینامه های معتبر خارجی (اعم از ایرانیان یا خارجیان) می‌توانند تاشش ماه پس از ورود در ایران رانندگی نمایند ولی در صورت تمایل به ادامه رانندگی در ایرانباید قبل از انقضای مدت مذکور گواهینامه خارجی خود را به گواهینامه ایرانی تبدیل نمایند. ماده ۳۲ ـ تبدیل گواهینامه رانندگی صادر شده از کشورهای خارج به گواهینامه رانندگی ایرانی منوط به مشاهده گواهینامه رانندگی خارجی و ترجمه رسمی آن و سایر مدارک لازم با توجه به کیفیت و نحوه صدور گواهینامه خارجی در کشور صادر کننده آن خواهد بود. ماده ۳۳ ـ مأموران سیاسی و

کنسولی و اعضای سازمان های بین‌المللی می‌توانند برای تبدیل گواهینامه های خود مدرک مندرج در ماده ۳۲/۱ از طریق وزارت امور خارجه به شهربانی کل ارسال دارند. ماده ۳۴ ـ برای کسانیکه گواهینامه رانندگی آنان توقیف شد نباید مجددا گواهینامه صادرشود و بفرض صدور از درجه اعتبار ساقط است و وسیله شهربانی اخذ و ابطال خواهد شد. ماده ۳۵ ـ شهربانی می‌تواند: ۱ ـ در صورتی که گواهینامه رانندگی اشتباها یا ناقص صادر شده باشد آن را مسترد دارد و پس از رفع اشتباه یا نقص گواهینامه صحیح صادر و تسلیم کند. ۲ ـ هرگاه گواهی نامه های متعددی جهت رانندگی یک نوع وسیله نقلیه به نام یکنفر صادرشود یکی از آنها را به انتخاب او به وی تسلیم و بقیه را اخذ و ابطال نماید. هرگاه صاحب گواهینامه مشمول تبصره ماده ۱۹۳ این آیین نامه باشد تمام محکومیت ها و تخلفات موردنظر که‌در گواهی ماخوذ ثبت بوده باید در گواهینامه ای که به وی تسلیم می‌شود درج گردد. ماده ۳۶ ـ هرگاه دارنده گواهینامه یکی از شرایط پزشکی مذکور در این آیین نامه را از دست بدهد شهربانی می‌تواند از او دعوت نماید که ظرف یک ماه برای انجام آزمایش های ضروری حاضر شود. در صورتی که فقدان شرط و صلاحیت رانندگی ضمن آزمایش جدید محرز گردد گواهینامه از وی اخذ و ابطال خواهد شد. اگر نقصی در شرایط مذکور وجود داشته باشد گواهینامه تا تکمیل شرایط توقیف و سپس به صاحب آن مسترد خواهد گردید.

فصل چهارم ـ معاینه وسایل نقلیه (ماده ۳۷ تا ۴۵)

ماده ۳۷ ـ راندن کلیه وسایل نقلیه عمومی بدون در دست داشتن برگ معاینه معتبر ممنوع است این برگ که مدت اعتبارش در متن آن قید می‌گردد باید همیشه بر سطح داخلی شیشه جلو وسیله نقلیه به نحوی که برای مأمورین انتظامی قابل رویت باشد نصب گردد. ماده ۳۸ ـ شهربانی می‌تواند از کلیه وسایل نقلیه هر سال یک یا چند نوبت معاینه به عمل آورده در این صورت مالکین و رانندگان مکلفند وسایل نقلیه خویش را جهت معاینه در تاریخ و محلی که شهربانی قبلا اعلام می‌نماید حاضر سازند. ماده ۳۹ ـ هیچکس مجاز به صدور برگ معاینه نیست مگر آنکه اجازه این کار کتبا از طرف شهربانی به او داده باشد. ماده ۴۰ ـ شهربانی می‌تواند به بنگاههای باربری یا مسافربری یا تعمیرگاه ها یا امثال آنها که مجهز به وسایل فنی کامل و مورد لزوم و مکانیسین ورزیده باشند اجازه معاینه وسایل نقلیه و همچنین صدور برگ معاینه آنها را بدهد. این قبیل بنگاه ها باید دفتری برای ثبت مشخصات وسایل نقلیه مورد معاینه و برگهای معاینه داشته باشند. ماده ۴۱ ـ شهربانی پس از معاینه وسیله نقلیه در صورت وجود تجهیزات مقرر در این آیین نامه و فقدان نقص فنی برگ معاینه صادر و به آورنده وسیله تسلیم می‌نماید. ماده ۴۲ ـ رانندگان یا مالکین وسایل نقلیه‌ایکه ضمن معاینه معیوب یا ناقص تشخیص داده‌شده فقط می‌توانند آن را در تاریخ و مسیری که در برگ اجازه‌نامه صادره از طرف مأمور معاینه‌کننده مشخص می‌شود تا تعمیرگاه یا گاراژ منتقل سازند. ماده ۴۳ ـ در مواردی که حرکت وسیله نقلیه در راههای عمومی طبق نظر کارشناس فنی شهربانی یا ژاندارمری به واسطه معایب و نواقص مکانیکی خطرناک باشد پلاک آن اخذ و پس از رفع معایب و نواقص و معاینه مجدد مسترد می‌شود. ماده ۴۴ ـ شهربانی موظف است در مواقع ضروری بنگاهها و تعمیرگاههای مذکور در ماده ۴۰ را بازرسی کند و چنانچه به هر جهتی از جهات صلاحیت معاینه کنندگان وسایط نقلیه را مورد تردید قرار دهد اجازه صادره را لغو نماید. ماده ۴۵ ـ در شهرهایی که شهربانی محل فاقد افسر کاردان فنی باشد رانندگان وسایل نقلیه عمومی باید اقلا ـ هر سه ماه یکبار برای معاینه وسیله نقلیه خود و دریافت برگ معاینه به نزدیکترین شهربانی که دارای کادر فنی است یا محلی که از طرف شهربانی تعیین و اعلام شده‌است مراجعه نمایند.

فصل پنجم ـ تجهیزات

قسمت اول ـ تجهیزات وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴۶ تا ۶۶)

ماده ۴۶ ـ اشخاص حق ندارند هیچ نوع وسیله نقلیه‌ای را که فاقد لوازم و تجهیزات مذکور دراین فصل یا دارای لوازم و تجهیزات مخالف مقررات باشد در راههای عمومی برانند و یا برای‌رانندگی در اختیار دیگری بگذارند. ماده ۴۷ ـ کلیه اتومبیلها و یدک کشها و تراکتورهای بارکش لااقل باید دارای چراغهایی به‌شرح زیر باشند: ۱ ـ دو چراغ بزرگ با دو استپ و نور سفید در طرفین جلو. ۲ ـ دو چراغ کوچک با نور زرد یا سفید برای تشخیص عرض اتومبیل در منتهی الیه هر یک ازدو سمت جلو. ۳ ـ دو چراغ کوچک با نور قرمز جهت تشخیص عرض اتومبیل در منتهی الیه هر یک از دوسمت عقب ۴ ـ دو چراغ کوچک با نور قرمز یا نارنجی برای ترمز (ایست در عقب که به محض گرفتن ترمز روشن شده و از فاصله ۳۵ متری دیده شود. ۵ ـ یک چراغ کوچک با نور سفید در عقب برای تشخیص شماره پلاک نور این چراغ باید برای قرایت شماره پلاک از فاصله ۲۵ متری کافی باشد. ۶ ـ یک چراغ کوچک به رنگ زرد یا سفید جهت نشان دادن حرکت با دنده عقب این چراغ باید طوری نصب گردد که فقط موقع راندن به عقب روشن شود. ۷ ـ دو چراغ راهنمای الکتریکی یا مکانیکی با نور سفید یا زرد در طرفین جلو و دو تای دیگر از آن با رنگ قرمز در طرفین عقب برای اعلام قصد گردش به چپ یا به راست نور این چراغها در روز باید از فاصله ۳۵ متری قابل رویت باشد. ۸ ـ یدک و شبه یدک متصل باید اقلا یک چراغ خطر قرمز در عقب داشته باشند. اگر وسیله نقلیه ای دارای چند یدک زنجیری باشد نصب چراغ مذکور باید در عقب آخرین یدک به عمل آید. ماده ۴۸ ـ نور چراغهای کوچک جلو و خطر عقب باید در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود نور چراغ های گردش و ایست نبایستی خیره کننده باشد. ماده ۴۹ ـ سیم‌کشی چراغ ها باید طوری به عمل آید که هر وقت راننده چراغهای جلو یا چراغ های کمکی را روشن می‌نماید چراغهای عقب نیز روشن شوند. ماده ۵۰ ـ ارتفاع چراغهای جلو نباید از ۱۳۵ سانتیمتر بیشتر و از ۷۰ سانتیمتر کمتر باشد. ارتفاع چراغهای عقب نیز نباید از یک متر بیشتر و از ۵۰ سانتیمتر کمتر باشد. ماده ۵۱ ـ چراغهای بزرگ جلو بایستی دارای تکمه تبدیل نور باشند که تابش نور را به بالا یاپایین به ترتیب زیر عوض کند: ۱ ـ نور بالا (استپ بالا) باید طوری میزان گردد که به وسیله آن وجود اشخاص یا اشیای از فاصله ۱۵۰ متری تشخیص داده شود. ۲ ـ نور پایین (استپ پایین باید به نحوی میزان گردد که به وسیله آن اشخاص یا اشیای از فاصله ۳۵ متری مشخص شوند. ماده ۵۲ ـ کلیه وسایل نقلیه امدادی بایستی در مرتفع ترین نقطه خود دارای یک چراغ خطرگردان یا رنگ یا بوقی که تولید صدای مشخص نماید باشند. نور قرمز چراغ خطر باید از فاصله ۱۵۰ متری قابل رویت باشد. ماده ۵۳ ـ وسایل نقلیه موتوری به داشتن تجهیزات زیر مجازند: ۱ ـ دو عدد نورافکن در طرفین با اجازه مخصوص شهربانی مشروط بر اینکه در شهرها و جاده‌های عمومی مورد استفاده قرار نگیرد. ۲ ـ دو عدد چراغ ویژه مه با نور زرد در طرفین قسمت جلو ارتفاع این چراغها نباید از یک متر بیشتر و از چهل سانتیمتر کمتر باشد. نور این چراغها باید طوری میزان گردد که در طول ده متر ازسطح افقی محل نصب چراغ بالاتر نیاید. هنگام استعمال چراغ های مه بایستی از نور پایین چراغهای بزرگ نیز استفاده شود. ۳ ـ دو چراغ رانندگی اضافی با نور سفید در جلو (چراغ کمکی که ارتفاع آن نباید از یک مترو نیم بیشتر و از چهل سانتیمتر کمتر باشد. این چراغ ممکن است توام با چراغ های بزرگ جلو مورد استفاده قرار گیرد. ۴ ـ دو چراغ کوچک با نور زرد یا سفید روی گلگیر طرفین که خیره کننده نباشد. ۵ ـ چراغهای کوچک اضافی در جلو با نور سفید یا زرد و در عقب با نور قرمز که هنگام استفاده باید مرتبا روشن و خاموش شده و از فاصله ۱۵۰ متری دیده شوند. ماده ۵۴ ـ تمام اتومبیلها و یدک کشها و تراکتورهای بارکش و انواع یدکها که در جاده‌های عمومی عبور می‌نمایند بایستی دو شیشه نورتاب (رفلکتور) برنگ قرمز یا شبرنگ در طرفین قسمت عقب خود باشند. هرگاه نور تابهایی در قسمت جلو نصب شوند باید به رنگ زرد باشند. ارتفاع نور تابها بیشتر از یک مترونیم و کمتر از شصت سانتیمتر نخواهد بود مگر آنکه بلندی خود وسیله نقلیه از کف زمین کمتر از شصت سانتیمتر باشد. نور تابهای عقب یدکهای مستقل ممکن است در

دو طرف آن یا در دو طرف بار نصب شود در تمام موارد مذکور باید نور تابها کاملا ـ قابل رویت بوده و شیشه های آنها دارای اندازه و خصوصیاتی باشد که موقع شب در مقابل نور چراغهای وسایل نقلیه دیگر از فاصله ۱۵۰ متری کاملا مشهود گردد. ماده ۵۵ ـ هر وسیله نقلیه موتوری باید مجهز به دو نوع ترمز پایی و دستی مجزا از هم با قدرت های مذکور در ماده ۵۷ باشد که هر یک به تنهایی بتواند آن را از حرکت باز دارد. ماده ۵۶ ـ یدک‌ها شبه یدکهایی که ظرفیت آنها از ۱۴۰۰ کیلوگرم زیادتر است بایستی دارای ترمزی باشند که راننده بتواند به وسیله آن یدک را متوقف سازد. طرز ساختمان این ترمز باید طوری باشد که در صورت قطع ناگهانی وسیله اتصال یدک ترمز خود به خود گرفته شود و یدک را متوقف نماید. ماده ۵۷ ـ قدرت ترمز پایی باید به قدری باشد که در راهها مختلف طبق جدولهای بین المللی که ملاک عمل کارشناسان تصادفات راهنمایی و رانندگی است بتواند با شتاب معین از ادامه حرکت وسیله نقلیه جلوگیری نماید. حداقل شتاب ترمز پایی نباید از سه و نیم کمتر باشد قدرت ترمزدستی باید به قدری باشد که بتواند به تنهایی در سرعت قدم انسانی (پنج کیلومتر درساعت بدون بار و مسافر در سطح آسفالته و مستقیم حداکثر پس از طی یک متر مسافت وسیله نقلیه را کاملا ـ از حرکت بازدارد. ماده ۵۸ ـ رانندگی با وسایل نقلیه‌ای که قدرت ترمز آنها طبق مشخصات مذکور نباشد ممنوع است ماده ۵۹ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری باید مجهز به بوق یا وسیله اخبار صوتی دیگری باشند که تولید صدای غیرعادی و ناهنجار ننماید و صدای آن از فاصله هفتاد متری شنیده شود. به علاوه نصب کیلومتر شمار (سرعت سنج و درجه بنزین و چراغ نشان دهنده نوربالا ـ که کاملاسالم و قابل استفاده باشد الزامی است الحا ق دو تبصره به ماده ۵۹ آیین نامه راهنمایی و رانندگی تبصره یک کلیه وسایل نقلیه شامل انواع خودروهای سواری وسایط نقلیه بارکش (وانت ، کامیونت ، کامیون ـ تریلی و اتوبوس و مینی بوس اعم از پلاک (شخصی ، عمومی ، دولتی) باید به کمربند ایمنی استاندارد مجهز باشند (به استثنای اتوبوس و مینی بوس های شرکت واحد) تبصره ۲ ـ راننده و سرنشین ردیف جلو کلیه وسایط نقلیه مندرج در تبصره یک (راننده و سرنشینهای اتوبوسها و مینی بوس ها (به استثنای اتوبوسهای شرکت واحد) موظفند هنگام حرکت در راهها (معابر درون شهری و برون شهری از کمربند ایمنی استفاده نمایند. تبصره ۳ ـ استفاده راننده در حین رانندگی از هرگونه وسایل و تجهیزات و یا اشتغال اعضای موثر وی که باعث انحراف ذهنی و توجه در حین رانندگی گردد ممنوع است ماده ۶۰ ـ هر وسیله نقلیه موتوری بایستی مجهز به لوله اگزوز باشد که مانع خروج صداهای ناهنجار گردد، برداشتن تمام یا قسمتی از این دستگاه ممنوع است به هر نوع وسیله نقلیه موتوری که توسط شهربانی اعلام خواهد شد باید تاخوگراف (ثبت‌کننده سرعت) نصب شود. این دستگاه باید کاملا قابل استفاده باشد و کاغذ ثبت کننده آن روزانه تجدید گردد. ماده ۶۱ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای آیینه هایی در داخل باشد به نحوی که راننده بتواند به وسیله آنها لااقل تا فاصله هفتاد متری پشت سر خویش را ببیند. نصب آیینه در دو طرف خارج وسیله نقلیه مجاز است ماده ۶۲ ـ هر وسیله نقلیه موتوری که دارای شیشه جلو است باید مجهز به دو برف پاک کن‌باشد. برف پاک‌کن‌ها باید همیشه سالم و حاضر به کار باشد. تا در مواقع لزوم برای پاک کردن شیشه جلو از آن استفاده گردد. ماده ۶۳ ـ دستگاه تهویه وسایل نقلیه باید طوری نصب گردد که به هیچوجه تولید خطر برای سرنشینان آن نکند و محتوی گازهای مسموم و آتش زا نباشد. ماده ۶۴ ـ روی چرخ های وسایل نقلیه یا کنار آنها نباید اجسام اضافی و زاید مانند میخ وپیچ های بلند یا هر شییی که از موازات لاستیکها تجاوز کند وجود داشته باشد مگر آنکه درتراکتور های زراعتی و انواع کمباین لازم باشد. ماده ۶۵ ـ اتوبوسها و کامیون ها شبها هنگام حرکت در جاده‌ها باید لوازم زیر را همیشه همراه داشته باشد تا در مواقع ضرورت بر حسب مورد از آنها استفاده نمایند: ۱ ـ سه چرخ با سه مشعل الکتریکی یا سه فانوس و یا سه شیشه نور تاب یا تابلوی شبرنگ با نور قرمز که در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری قابل رویت باشند. ۲ ـ در صورت فقدان لوازم مذکور لااقل سه چراغ الکتریکی با نور قرمز. ۳ ـ دو پرچم قرمز به ابعاد لااقل یک متر با چوب پرچم ماده ۶۶ ـ وسایل نقلیه ایکه مواد خطرناک حمل می‌کنند باید فقط سه چراغ قرمز الکتریکی همراه داشته باشند. حمل فانوس برای آنها ممنوع است باضافه وسایل نقلیه مزبور باید دارای دستگاه پمپ

آتش نشانی آماده به کار باشند. این پمپ ها بایستی در محلهایی نصب شوند که هنگام ضرورت بتوان فورا آنها را مورد استفاده قرار داد.

قسمت دوم ـ تجهیزات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه (ماده ۶۷ تا ۶۸

ماده ۶۷ ـ موتور سیکلت و دوچرخه های موتوردار باید دارای حداقل یک و حداکثر دوچراغ با نور سفید در جلو و یک چراغ خطر با شیشه نور تاب قرمز رنگ در عقب و یک آیینه روی فرمان باشند. نصب راهنمای الکتریکی برای موتورهای سه چرخ نیز ضروری است راکبین موتورسیکلت باید به کلاه کاسک مخصوص مجهز باشند. ماده ۶۸ ـ هر دوچرخه باید دارای تجهیزات زیر باشد: ۱ ـ یک چراغ با نور سفید در جلو که تا مسافت ۱۵۰ متری جلوی آن را به قدر کافی روشن سازد. ۲ ـ یک چراغ با نور قرمز در عقب که از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. ۳ ـ یک چراغ قرمز شب نما در عقب که نور وسایل نقلیه پشت سر را از فاصله بیست متری منعکس نماید. ۴ ـ یک زنگ یا بو ق که صدای آن از فاصله سی متری شنیده شود. نصب و استعمال زنگهای صوتی یا آژیر یا بو ق خطر برای دوچرخه ها ممنوع است ۵ ـ ترمز که به محض گرفتن آن دوچرخه متوقف گردد.

فصل ششم ـ مقررات حمل بار (ماده ۶۹ تا ۷۸)

ماده ۶۹ ـ طول و عرض وسایل نقلیه باربری همان است که بر طبق مشخصات (کاتالوک) سازنده معین گردیده ولی ظرفیت آن مطابق نظر افسر کاردان فنی شهربانی تعیین می‌شود. ارتفاع هیچ وسیله نقلیه ای به انضمام بار آن از سطح راه نباید از چهار متر تجاوز کند. ماده ۷۰ ـ وسایل نقلیه مسافربری حق ندارند بارهایی را که از داخل اطاق آنها یا گلگیرها به اطراف تجاوز کرده باشد حمل کنند. ماده ۷۱ ـ بارهای وسایل نقلیه بارکش نبایستی از قسمت جلوی اطاق بیش از یک متر و از قسمت عقب اطاق بیش از دو متر باشد. به هر حال باید علایم لازم و چراغ قرمز خطر در ابتدا و انتهای بار نصب شود. ماده ۷۲ ـ محدودیت طول بار وسایل نقلیه که در ماده فوق تصریح شده درباره بارهایی که بنا بر وضع و طبیعت یا ساختمان مخصوص قابل تفکیک و تجزیه نیستند رعایت نمی‌شود مشروط بر اینکه اینگونه بارها روی یدکهای طولانی گذارده شوند. در هر حال اگر طول بار از بیست متر تجاوز کند برای حمل آن باید پروانه مخصوص از مقامات صلاحیتدار اخذ گردد. ماده ۷۳ ـ مقامات صلاحیتدار می‌توانند جهت حمل محمولاتی که قابل تجزیه نبوده و بیش از ظرفیت یا بزرگتر از حجم معین است پروانه مخصوصی که حاوی مشخصات و ظرفیت‌وسیله نقلیه حمل‌کننده و وزن و حجم بار و مسیر و تعداد دفعات رفت و آمد یا مدت حمل مستمر است صادر کنند. این پروانه باید تا پایان مدت اعتبار آن نزد راننده موجود باشد و هنگام مراجعه مأموران انتظامی ارائه گردد. ماده ۷۴ ـ وسایل نقلیه‌ای که در حدود مواد ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ حمل بار می‌کنند باید: ۱ ـ شبها دو چراغ یا دو فانوس قرمز رنگ در آخرین نقطه طرفین عقب بار نصب نمایند به طوریکه از فاصله یکصد و پنجاه متری طرفین و عقب وسیله مزبور دیده شود. ۲ ـ روزها دو پرچم یا دو پارچه قرمز رنگی که سطح آن لااقل نیم متر مربع باشد در انتهای بار آویزان کنند به نحوی که رانندگان پشت سر بتوانند آن را از فاصله مذکور در بند یک این ماده بینند. ماده ۷۵ ـ حمل مواد خطرناک فقط با وسایل نقلیه مخصوص مجاز است و با وسایل مسافری یا باربری معمولی جز با اجازه شهربانی ممنوع است ماده ۷۶ ـ بنگاهها باید بارهای وسایل نقلیه را طوری بارگیری نمایند و محکم ببندند که هیچگونه خطر افتادن یا چکه کردن یا باز شدن و یا پخش شدن در هوا وجود نداشته باشد. ماده ۷۷ ـ یدک یا هر نوع وسیله نقلیه ای که توسط وسیله نقلیه دیگری کشیده می‌شود باید با سیمهای آهنی یا میله های محکم به وسیله کشنده متصل شود به طوریکه هیچگونه خطر گسیختن نداشته و تحمل کشش وسیله نقلیه را بنماید. طول وسیله اتصال نباید از پنج متر زیادتر باشد. هرگاه وزن یدک با بار آن از

دو هزار کیلوگرم زیادتر باشد باید با دو رشته اتصال محکم بسته شود. ماده ۷۸ ـ رانندگان موظفند به دستور مأموران صلاحیتدار وسیله نقلیه را جهت توزین به روی قپان ببرند. هرگاه ضمن توزین معلوم شود که بیش از ظرفیت مقرر بارگیری شده بار اضافی تخلیه می‌شود. در این صورت مسئولیت انبار کردن و حفظ آن به عهده مالک و راننده است

فصل هفتم ـ تصادفات (ماده ۷۹ تا ۸۵)

ماده ۷۹ ـ راننده هر وسیله نقلیه‌ای که مرتکب تصادف منجر به جرح یا فوت گردد موظف است بلافاصله وسیله نقلیه را در محل تصادف متوقف سازد و مادام که تشریفات مربوط به رسیدگی وسیله کارشناسان شهربانی یا ژاندارمری خاتمه نیافته مطلقا از تغییر وضع اتومبیل یاصحنه تصادف خودداری نماید. لیکن هرگاه تصادف فقط منجر به خسارت مالی شود به نحوی که امکان حرکت از وسیله نقلیه سلب نشده باشد راننده موظف است وسیله نقلیه را در نزدیکترین محلی که موجب سد معبر نگردد برای رسیدگی و معاینه متوقف سازد. مگر اینکه درمورد خسارت از طرف بیمه مقرراتی وضع و اعلام شده باشد که در این صورت توقف در محل به شرط انجام مقررات بیمه از طرف رانندگان اجباری نخواهد بود. تبصره ۵ ـ در نقاطی که کارشناس شهربانی یا ژاندارمری وجود ندارد یا حضور به موقع آنان مقدور نباشد در این صورت مسئولان امر از نظریات مستدل سه نفر از رانندگان پایه یکم استفاده خواهند کرد. ماده ۸۰ ـ رانندگان وسایل نقلیه‌ای که به هر ترتیب تصادف نموده‌اند در صورت وقوع جرح موظفند کمکهای لازم را به مجروحین نموده و در اعزام آنان به بیمارستان مساعدت نمایند. ماده ۸۱ ـ رانندگان مذکور مکلفند در موارد تصادف منجر به جرح یا فوت نام و نشان صحیح و مشخصات گواهینامه رانندگی و وسیله نقلیه خود را بلافاصله به مأمورین انتظامی اعلام دارند. ماده ۸۲ ـ رانندگانیکه با وسیله نقلیه متوقف فاقد سرنشین تصادف می‌نمایند باید در محل وقوع تصادف صاحب یا راننده وسیله متوقف و مأمورین انتظامی را از هویت و نشانی کامل خود آگاه سازند و در صورت عدم دسترسی به ایشان نام و نام خانوادگی و نشانی دقیق خویش و شماره و سایر مشخصات وسیله نقلیه خود را روی کاغذی بنویسند و در محل قابل رویتی دروسیله نقلیه متوقف الصاق نمایند. ماده ۸۳ ـ رانندگانیکه با اشیا یا حیوانات تصادف نموده و باعث خسارت یا اتلاف آنها می‌شوند مکلفند که در محل مالک یا حافظ اشیا یا حیوانات مورد تصادف را طبق دستور ماده فوق مطلع سازند. ماده ۸۴ ـ هرگاه راننده وسیله نقلیه‌ای در اثر تصادف توانایی اجرای مقررات مندرج در مواد ۸۲ و ۸۳ را نداشته باشد در این صورت مالک آن وسیله نقلیه موظف است در اولین فرصت پس از آگاهی از واقعه مراتب را به مأمورین مربوط اعلام دارد. ماده ۸۵ ـ اتوسرویس ها (تعمیرگاه ها) و توقفگاه ها (پارکینگها) موظفند ظرف ۲۴ ساعت پس از رویت وسیله نقلیه ای که آثار تصادف یا جای گلوله در آن وجود دارد مراتب را با ذکر مشخصات اتومبیل و در صورت امکان با ذکر نام و نشان راننده به شهربانی یا ژاندارمری محل اعلام دارند.

فصل هشتم ـ علایم راهنمایی و رانندگی

قسمت اول ـ علایمی که مقامات و مأموران انتظامی به کار می‌برند (ماده ۸۶ تا ۹۴)

ماده ۸۶ ـ علایم راهنمایی و رانندگی که برای کنترل و تنظیم عبور و مرور در راهها به کارمی‌رود وسیله شهربانی و تهیه و نصب آنها با شهرداری است در خارج شهرها انتخاب محل نصب با ژاندارمری و تهیه و نصب آنها با وزارت راه خواهد بود. ماده ۸۷ ـ رانندگان کلیه وسایل نقلیه و اشخاص اعم از پیاده یا سوار بر حیوانات موظفند از علایم راهنمایی و رانندگی تبعیت نمایند مگر اینکه مأموران انتظامی به جهاتی عدم رعایت آنها را در محل مجاز اعلام کنند. ماده ۸۸ ـ کنترل و تنظیم عبور و مرور ممکن است

به وسیله چراغها یا خطوط یا تابلو ها یا نوشته‌ها یا مأموران انتظامی و یا به هر وسیله دیگری که بر حسب مورد مقتضی باشد به عمل آید. در هر حال فرمان پلیس بر تمام علایم دیگر مقدم است ماده ۸۹ ـ در محلهایی که عبور و مرور به وسیله چراغ راهنمایی کنترل می‌شود رنگهای زیر برای مقاصدی که معین شده است به کار می‌رود: ۱ ـ چراغ سبز برای حرکت ـ وسایل نقلیه‌ایکه با چراغ سبز روبرو می‌شوند حق عبور یا گردش را دارند مگر آنکه گردش به وسیله علامت دیگری ممنوع شده باشد. در هر حال وسایل نقلیه در حال گردش باید حق تقدم وسایل نقلیه‌ای را که مستقیم می‌روند و حق تقدم پیادگانی راکه از گذرگاه پیاده در حرکتند رعایت نمایند. ۲ ـ چراغ زرد برای احتیاط ـ وسایل نقلیه‌ایکه با این چراغ روبرو می‌گردند نباید به تقاطع یاگذرگاه پیاده نزدیک شوند و در صورت ورود قبلی موظفند به حرکت خود ادامه دهند و از تقاطع یا گذرگاه عبور کنند. ۳ ـ چراغ قرمز برای ایست کامل ـ وسایل نقلیه‌ایکه با چراغ قرمز برخورد می‌کنند باید قبل از خط مخصوص ایست توقف کامل نمایند و در صورت فقدان خط ایست در فاصله پنج متری چراغ راهنمایی بایستند و تا روشن شدن چراغ سبز منتظر بمانند. ۴ ـ چراغ چشمک‌زن زرد برای عبور با احتیاط ـ وسایل نقلیه مکلفند با مشاهده این چراغ ازتقاطع و گذرگاه پیاده با احتیاط کامل و سرعت کم عبور نمایند. ۵ ـ چراغ چشمک زن قرمز برای ایست و عبور ـ وسایل نقلیه در صورت برخورد با این چراغ باید قبل از ورود به تقاطع یا گذرگاه پیاده توقف کامل کنند و پس از اطمینان از عدم وجود خطرتصادف حرکت نمایند. ماده ۹۰ ـ انواع خطوطی که روی راهها باید کشیده شود مطابق نمونه های منضم به این آیین نامه است ماده ۹۱ ـ تابلوها باید مطابق نمونه بین المللی که ضمیمه این آیین نامه است تهیه و نصب‌شود. ماده ۹۲ ـ در محلهایی که چراغ قرمز یا هر نوع علایم ایست دیگر وجود دارد ممکن است به وسیله پیکان سبزی که در کنار چراغ قرمز تعبیه می‌شود یا با نصب تابلو به وسایل نقلیه اجازه‌داده شود که در مسیر معینی حرکت نمایند. در این مورد رعایت حق تقدم پیادگان و وسایل نقلیه که با چراغ سبز جهت دیگر اجازه عبور داشته‌اند الزامی است ماده ۹۳ ـ نصب آگهی یا علامت یا تابلو یا وسایلی که دارای شباهت با علایم و یا تابلو های راهنمایی و رانندگی باشد یا از آنها تقلید شود و یا منظور از آن هدایت و کنترل وسایل نقلیه باشد و یا به طریقی باعث جلوگیری از رویت علایم و تابلو و وسایل راهنمایی و رانندگی گردد و همچنین نصب چراغهای رنگی تبلیغاتی در مجاورت چراغهای راهنمایی به طوریکه موجب‌اشتباه رانندگان گردد ممنوع است مقامات انتظامی می‌توانند در صورت مشاهده چنین اشیایی جهت برداشتن آنها اقدام کنند. با این وصف ممکن است از طرف موسسات یا اشخاص با اجازه مقامات صلاحیتدار علایمی جهت هدایت مراجعین به اماکن اطراف راه نصب گردد. ماده ۹۴ ـ هیچکس حق ندارد بدون اجازه مقامات شهربانی تغییراتی در علایم راهنمایی و رانندگی و دیگر وسایل تنظیم عبور و مرور وسایل نقلیه و راه‌آهن بدهد و یا در متن آن تصرفاتی نماید.

قسمت دوم ـ علایمی که رانندگان باید به کار برند (ماده ۹۵ تا ۹۶)

ماده ۹۵ ـ رانندگانیکه قصد گردش به راست یا به چپ یا توقف را دارند مکلفند از فاصله یکصد متری محل گردش یا توقف وسیله چراغ راهنما به ترتیب زیر علامت دهند: ۱ ـ برای گردش به راست چراغ راهنمای سمت راست وسیله نقلیه را روشن کنند. ۲ ـ برای گردش به چپ چراغ راهنمای سمت چپ را روشن نمایند. ۳ ـ برای توقف چراغ راهنمای سمت راست را روشن نمایند. ماده ۹۶ ـ رانندگان وسایل نقلیه موتوری فاقد چراغ راهنما و همچنین وسایل نقلیه غیرموتوری و موتور سیکلتها و دوچرخه‌ها باید با دست به شرح زیر علامت بدهند: ۱ ـ برای گردش به راست دست چپ را به طرف بالا نگاهدارند. ۲ ـ برای گردش به چپ دست چپ را به طور افقی نگاهدارند. ۳ ـ برای توقف دست چپ را به طرف پایین نگاهدارند. ۴ ـ برای کاستن سرعت دست چپ را به طور افقی از بالا به پایین متناوبا حرکت دهند. ماده ۹۷ ـ علایم اخبار و همچنین علایم سبقت گرفتن به شرح ذیل است ۱ ـ در روز بوق کوتاه ۲ ـ در شب چند بار خاموش و روشن کردن چراغ بزرگ جلوی وسیله نقلیه یا تعویض استپ هنگام سبقت گرفتن اعم از اینکه روز

باشد يا شب براى جلب توجه وسايل نقليه پشت سراستفاده از چراغ راهنما ضرورى است

قسمت سوم ــ علايم اختصاصى و استثنايى بعضى از وسايل نقليه (ماده ۹۸ تا ۱۰۴

ماده ۹۸ ـ اتومبيلهاى امدادى و مدارس بايد داراى دستگاه اخبار قابل رويت مندرج در ماده۵۲ اين آيين نامه باشند و روى بدنه اتومبيل هم مطابق دستور شهربانى عبارات و علايم مميزه به طور خوانا نقش گردد. ماده ۹۹ ـ رانندگان وسايل نقليه‌ايكه مواد خطرناك حمل مى‌كنند بايد در طرفين و عقب وسيله نقليه تابلويى كه روى آن كلمه (خطر) با حروف درشت به رنگ قرمز نوشته شده باشدنصب كنند. ماده ۱۰۰ ـ هرگاه وسيله نقليه‌اى شب در كنار راه توقف نمايد و نور كافى در آن محل براى تشخيص اشيا يا اشخاص از فاصله ۱۵۰ مترى وجود نداشته باشد راننده (اعم از اينكه داخل وسيله نقليه باشد يا خارج آن مكلف است چراغهاى كوچك جلو و خطر عقب وسيله نقليه را روشن نگهدارد چنانچه چراغ كوچك جلو خراب شده باشد لااقل چراغ هاى بزرگ را با نور پايين روشن سازد. ماده ۱۰۱ ـ هرگاه در راهها خرابى غيرقابل پيش بينى براى هر نوع وسيله نقليه موتورى ايجاد شود راننده مكلف است آن را از مسير عبور و مرور خارج و در محل مناسبى كه موجب سد راه و مزاحمت ساير وسايل نقليه و عابرين پياده نباشد متوقف سازد در اين مورد و در ساير مواردیكه وسيله مزبور قادر به حركت نباشد و انتقال آنها به محل مناسبى مقدور نگردد در صورت فقدان نور كافى در راه بايد به منظور اخبار به ساير رانندگان علايم ايمنى به ترتيب زير در محل قراردهد: ۱ ـ در وسط راه يك فانوس يا يك چراغ يا يك مشعل نورانى قرمز در فاصله هفتاد مترى جلو و يكى در فاصله هفتاد مترى عقب و يكى ديگر در پهلوى وسيله از كار افتاده بگذارد. ۲ ـ هرگاه وسيله نقليه سرپيچ يا تپه‌اى از كار بيفتد فانوسها يا چراغها يا مشعلها را بايد در فواصل مناسبى قرار دهد تا وسايل نقليه ديگر از فاصله دويست مترى متوجه خطر بشوند. ماده ۱۰۲ ـ هرگاه وسيله نقليه موتورى در راههاى خارج شهر از كار بيفتد و به علت كفايت روشنايى احتياجى به استفاده از چراغ يا مشعل نباشد راننده بايد در وسط جاده يك مثلث شبرنگ قرمز متساوى الاضلاع از نوع علامت احتياط به ابعاد ۳۰ سانتيمتر در فاصله هفتادمترى جلو و مثلث مشابه ديگرى در فاصله هفتاد مترى عقب آن به نحويكه كاملا قابل رويت باشد،قرار دهد. ماده ۱۰۳ ـ اگر وسيله نقليه‌اى كه مواد خطرناك حمل مى‌كند در ساعات و شرايط مندرج درماده ۱۰۰ در راههاى خارج شهر از كار بيفتد راننده موظف است كه در وسط جاده يك چراغ الكتريكى قرمز با باطرى در فاصله هفتاد مترى جلو و يكى در فاصله هفتاد مترى عقب و يكى‌ديگر در پهلوى وسيله از كار افتاده بگذارد. استفاده از فانوس يا چراغ يا مشعل براى اين قبيل وسايل نقليه ممنوع است ماده ۱۰۴ ـ روى يدك و هر نوع وسيله نقليه‌ايكه توسط وسيله نقليه ديگر كشيده شود بايد يك پرچم سفيد به طول و عرض لااقل نيم مترى طورى نصب شود تا ساير رانندگان از فاصله دور و از طرفين جاده آن را مشاهده نمايند.

فصل نهم ــ مقررات رانندگى

قسمت اول ــ مسير و جهت عبور (ماده ۱۰۵ تا ۱۱۲)

ماده ۱۰۵ ـ رانندگان كليه وسايل نقليه موظفند كه از منتهى اليه سمت راست راه حركت نمايند مگر در موارد زير: الف ـ در موقع سبقت گرفتن از وسيله نقليه جلو. ب ـ موقعى كه سمت راست جاده به هر علتى مسدود و غيرقابل عبور باشد. پ ـ هنگام گردش به چپ ماده ۱۰۶ ـ در راههايى كه خط‌كشى شده وسايل نقليه بايد در مسير بين خطوط حركت كنند و از آن خارج نشوند مگر اينكه احتياط كامل را رعايت نمايند و قبلا با دادن علامت ، وسايل نقليه ديگر را از قصد خودآگاه سازند. ماده ۱۰۷ ـ رانندگى در قسمت وسطى راههايى كه به وسيله خط كشى يا علايم ديگر به سه قسمت تقسيم شده ممنوع است مگر براى سبقت گرفتن يا گردش به

چپ ماده ۱۰۸ ـ در راههایی که به وسیله موانع مخصوص یا سکو به دو قسمت تقسیم شده رانندگان موظفند از قسمت راست حرکت کنند و حق ندارند از روی موانع بگذرند. ماده ۱۰۹ ـ در راهها یکطرفه راننده وسایل نقلیه باید در جهت مجاز عبور کند و حرکت خلاف جهت مزبور ممنوع است ماده ۱۱۰ ـ در میدانهای سکودار رانندگان وسایل نقلیه موظفند از طرف راست سکو گردش نمایند. ماده ۱۱۱ ـ در معابریکه عبور وسایل نقلیه کندرو مجاز اعلام گردیده رانندگان این قبیل وسایل در هر حال مکلفند که از منتهی‌الیه سمت راست یا محلهایی که برای عبور آنها تعیین شده حرکت نمایند. ماده ۱۱۲ ـ در مواقعی که وسیله نقلیه‌ای از روبروی وسیله نقلیه دیگری در جهت مخالف حرکت می‌کند راننده هر یک از آنها بایستی حتی المقدور در طرف راست خود حرکت نماید و مخصوصا در راههایی که از هر طرف فقط یک وسیله نقلیه می‌تواند عبور کند رانندگان باید سعی‌نمایند که در هنگام عبور فاصله کافی بین دو وسیله وجود داشته باشد.

قسمت دوم ـ سرعت (ماده ۱۱۳ تا ۱۱۷)

ماده ۱۱۳ ـ در راهها و مناطقی که میزان سرعت رانندگی به وسیله تابلو یا علایم دیگر راهنمایی معین نگردیده حداکثر سرعت مجاز برای رانندگان وسایل نقلیه به قرار ذیل می‌باشد: اول ـ در شهرها ۱ ـ در خیابانها پنجاه کیلومتر در ساعت ۲ ـ در کوچه‌ها و میدان ها و پیچ ها بیست کیلومتر در ساعت دوم ـ در راههای خارج شهر و مناطق غیرمسکونی روزها ۹۵ کیلومتر و شبها ۸۰ کیلومتر درساعت. ماده ۱۱۴ ـ اداره راهنمایی و رانندگی می‌تواند رد مواقع یا محلهای ضروری از طریق نصب تابلو یا علایم دیگر حداقل سرعت را نیز معین و اعلام نماید. در این صورت رانندگی با سرعت کمتر از حداقل مجاز نخواهد بود. ماده ۱۱۵ ـ رانندگان حق ندارند در راهها آن قدر با سرعت کم حرکت نمایند که باعث کندی عبور و مرور یا اختلال در آن بشوند مگر آنکه برای احتراز از خطر و تصادف ضروری باشد. ماده ۱۱۶ ـ رانندگان وسایل نقلیه موظفند در تقاطع هایی که فاقد چراغ راهنما یا مأمور انتظامی یا تابلوی ایست می‌باشد در سرپیچها، جاده های تنگ و تپه ها و به طور کلی در محلهایی که موانعی در مسیر حرکت آنان وجود داشته باشد و همچنین در مواقع بارندگی (برف ـ باران یامه یا کولاک و امثال آنها از سرعت وسیله نقلیه تا حدی که بر حسب مورد برای احتراز از خطر یا تصادف ضرورت دارد بکاهند. ماده ۱۱۷ ـ رانندگی با انواع دوچرخه های موتوردار در شب با سرعتی بیش از ۴۰ کیلومتر درساعت مجاز نیست مگر اینکه نور چراغ جلوی آنها برای تشخیص اشیا و انسان از فاصله یکصدمتری کافی باشد که در این صورت هم نمی‌توانند از حداکثر سرعت مقرر تجاوز نمایند.

قسمت سوم ـ سبقت (ماده ۱۱۸ تا ۱۲۰)

ماده ۱۱۸ ـ رانندگانیکه قصد سبقت گرفتن از وسایل نقلیه‌ای را که در جهت آنان حرکت‌می‌نمایند دارند پس از دادن علایم لازم فقط از سمت چپ آنها سبقت گیرند و پس از سبقت وطی مسافت کافی مجددا به طرف راست خود متوجه شوند به نحوی که راه وسیله نقلیه ای که ازآن سبقت گرفته شده مسدود نگردد یا موجب تصادف نشود معذالک سبقت گرفتن از طرف‌راست وسیله نقلیه‌ایکه در حال گردش به چپ می‌باشد مجاز است ماده ۱۱۹ ـ رانندگان وسایل نقلیه‌ایکه از آنها سبقت گرفته می‌شود بایستی راه را برای وسیله‌نقلیه‌ایکه در حال سبقت گرفتن است باز کنند و بر سرعت خود نیفزایند. ماده ۱۲۰ ـ سبقت گرفتن در موارد زیر ممنوع است ۱ ـ در سرپیچهای تند و سربالایی که میدان دید راننده کم است ۲ ـ از پنجاه متر مانده به پیچها تا پنجاه متر بعد از آن یا در تقاطع راهها یا در تقاطع راه آهن ۳ ـ در مواقعیکه روشنایی و میدان دید به هر علت کافی نباشد. ۴ ـ سبقت از وسیله نقلیه‌ایکه خود در حال سبقت گرفتن است مگر در راهی که به مناسبت وجود سه ردیف خط‌کشی بریده یا بیشتر از سه ردیف این عمل مجاز باشد. ۵ ـ برای اتوبوسها و کامیونها در معابر شهری ۶ ـ از یکصد متر مانده به مدخل تونلها و پلها تا انتهای آنها. ۷ ـ در نقاطی که با

نصب علایم مخصوص سبقت گرفتن ممنوع اعلام شده باشد.

قسمت چهارم ــ حق تقدم (ماده ۱۲۱ تا ۱۲۷)

ماده ۱۲۱ ـ رعایت مقررات مربوط به حق تقدم عبور برای همه اجباری است مگر درمواردیکه به موجب مقررات خاص یا علایم مخصوص راهنمایی خلاف این حکم اجازه داده‌شده باشد. ماده ۱۲۲ ـ حق تقدم عبور وسایل نقلیه در تقاطع و میدان هایی که هیچگونه علامت و چراغ راهنما وجود نداشته باشد به ترتیب زیر است ۱ ـ در تقاطع هم عرض اگر دو وسیله نقلیه‌ای که روبروی یکدیگر در حرکتند بخواهند با هم در داخل خیابان مجاور واحدی شوند حق تقدم عبور با وسیله‌ای است که به سمت راست گردش می‌کند. ۲ ـ هرگاه دو یا چند وسیله نقلیه از دو یا چند راه مختلف به مدخل تقاطع هم عرض یا میدانی برسند، حق تقدم عبور با وسیله‌ای است که در طرف راست وسیله دیگر قرار دارد. ۳ ـ در سه راهها حق تقدم عبور با وسیله نقلیه‌ای است که مستقیم حرکت می‌کند ولو آنکه عرض خیابانی که مسیر آنست از عرض خیابان تلاقی کننده کمتر باشد. ماده ۱۲۳ ـ در برخورد راه اصلی با راه فرعی حق تقدم با وسیله‌ای است که از راه اصلی عبورمی‌کند. رانندگانی که از راه فرعی وارد راه اصلی می‌شوند باید قبل از ورود به راه اصلی توقف کامل نمایند و پس از اطمینان از عدم برخورد با وسایل نقلیه‌ای که احتمالا در راه اصلی حرکت می‌کنند وارد این راه بشوند. ماده ۱۲۴ ـ مقررات ماده فوق برای وسیله نقلیه‌ای که از راه خصوصی یا گاراژ یا کوچه یا تعمیرگاه و امثال آنها به معابر عمومی وارد می‌شود نیز لازم الرعایه است ماده ۱۲۵ ـ وسیله نقلیه‌ای که در حرکت است بر وسایل نقلیه متوقفی که در حال حرکت کردن یا جلو و عقب زدن یا دور زدن هستند حق تقدم عبور دارد. ماده ۱۲۶ ـ در گذرگاه پیاده حق تقدم عبور با عابرین پیاده است ماده ۱۲۷ ـ در خیابان یا در تقاطعی که وسایل نقلیه روبروی یکدیگر حرکت می‌کنند، هرگاه وسیله ای بخواهد گردش به چپ کند حق تقدم با وسیله‌ای نقلیه‌ای است که مستقیم عبور می‌نماید. در محل پارک کنار خیابان حق تقدم برای پارک کردن با وسیله‌ای است که ضمن حرکت به عقب مشغول پارک کردن است

قسمت پنجم ــ استفاده از چراغها (ماده ۱۲۸ تا ۱۳۳)

ماده ۱۲۸ ـ راننده وسیله نقلیه ای که در حرکت است شب یا هر موقع دیگری که به علت کمی روشنایی نتواند اشیا و اشخاص را از فاصله ۱۵۰ متری به خوبی تشخیص دهد باید چراغهای آن را به ترتیب مقرر در مواد بعدی روشن نماید. ماده ۱۲۹ ـ در خیابانها و جاده‌هایی که نور کافی وجود دارد باید فقط از چراغهای کوچک و در صورت خرابی ناگهانی چراغهای کوچک جلو از نور پایین چراغهای بزرگ استفاده شود. ماده ۱۳۰ ـ در ساعاتی که چراغها باید روشن باشند، اگر چند وسیله نقلیه متصل به هم حرکت کنند، روشن کردن چراغهایی که به لحاظ محل نصبشان پوشیده می‌شوند ضرورت ندارد ولی در هر حال چراغهای جلوی وسیله اولی و چراغهای عقب وسیله آخری باید روشن باشند. ماده ۱۳۱ ـ وسایل نقلیه موتوری موظفند که در جاده‌ها از نور بالا استفاده کنند تا بتوانند کلیه اشیا و اشخاص را در فاصله دور به بینند مگر در موارد زیر که باید از نور پایین استفاده نمایند: ۱ ـ در موقع روبرو شدن با وسیله نقلیه‌ای که از جهت مخالف حرکت می‌کند، در این صورت راننده بایستی از فاصله ۱۵۰ متری از نور پایین استفاده نماید تا نور بالا چشمهای راننده مقابل را خیره نسازد. در عین حال برای جلوگیری از تابش خیره کننده نور به چشم رانندگان دیگر ممکن است برحسب مورد از چراغهای کوچک یا چراغهای مه استفاده نمود. ۲ ـ هنگامی که وسیله نقلیه از فاصله ۱۵۰ متری عقب وسیله نقلیه دیگری که در حال حرکت است عبور می‌کند مگر وقتی که در حال سبقت گرفتن باشد. ماده ۱۳۲ ـ چراغهای داخل وسایل نقلیه عمومی مسافربری شبها موقع حرکت باید روشن‌باشند. ماده ۱۳۳ ـ استعمال چراغهای چشمک زن در وسایل نقلیه ممنوع است مگر در مواردی که‌به موجب این آیین نامه مجاز باشد.

قسمت ششم ـ گردش (ماده ۱۳۴ تا ۱۳۷)

ماده ۱۳۴ ـ قواعد گردش در تقاطع راهها به شرح زیر است ۱ ـ برای گردش به راست باید وسیله نقلیه را به منتهی الیه سمت راست هدایت کرده و کاملا از کنار تقاطع گذشت ۲ ـ برای گردش به چپ بایستی از فاصله یکصدمتری تقاطع با دادن علامت وارد مسیر سمت چپ شد به طوری که پس از ورود به تقاطع وسیله در حدود مرکز تقاطع قرار گیرد سپس‌با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که مستقیم در حرکتند با حداقل سرعت به چپ گردش نماید به نحوی که پس از ورود به خیابان موردنظر در مجاورت محور وسط آن خیابان قرارگیرد. ماده ۱۳۵ ـ در راههای یکطرفه برای گردش به چپ رانندگان موظفند وسیله نقلیه را به منتهی الیه طرف چپ خیابان هدایت و سپس به چپ گردش کنند. ماده ۱۳۶ ـ دور زدن در فاصله یکصد و پنجاه متری پیچها و سربالاییهایی که میدان دیدکافی نیست و همچنین از روی خط پر ممنوع است ماده ۱۳۷ ـ عقب راندن وسیله نقلیه هنگام ضرورت باید با احتیاط کامل برای احتراز از وقوع هرگونه حادثه و انسداد راه عبور سایر وسایل نقلیه انجام گیرد.

قسمت هفتم ـ توقف (ماده ۱۳۸ تا ۱۴۴)

ماده ۱۳۸ ـ رانندگان وسایل نقلیه همگانی هنگامیکه مسافر ندارند باید در ایستگاه هایی که‌از طرف شهربانی علامت گذاری شده متوقف شوند مگر اینکه شهربانی مقررات دیگری اعلام نماید. ماده ۱۳۹ ـ کلیه رانندگان وسایل نقلیه برای سوار و پیاده کردن سرنشینان خود بایستی فقط در محلهای مجاز و در منتهی الیه سمت راست سواره رو توقف نمایند. ماده ۱۴۰ ـ در نقاط غیرمسکونی و خارج شهر توقف کوتاه یا طولانی وسایل نقلیه حتما بایستی در خارج از مسیر عبور وسایل نقلیه و عابرین پیاده انجام گیرد ، به نحوی که رانندگان وسایل نقلیه در حال حرکت از فاصله هفتادمتری وسیله نقلیه متوقف را به سهولت به بینند. ماده ۱۴۱ ـ هیچ راننده‌ای مجاز نیست وسیله نقلیه‌ای را که موتور آن روشن است ولو درمحل مجاز متوقف سازد و خود از آن پیاده و دور گردد، در سراشیبی پس از توقف چرخهای جلوی وسیله نقلیه باید به سمت راست کنار راه پیچانده شود. ماده ۱۴۲ ـ رانندگان وسایل نقلیه در موارد زیر موظفند به ترتیبی که ذیلا مقرر می‌شود توقف نمایند: ۱ ـ در موقع برخورد با وسایل نقلیه امدادی که دستگاه های اخبار صورتی یا بصری خود را به‌کار انداخته باشند باید وسیله نقلیه را به منتهی الیه سمت راست راه هدایت و عنداللزوم تا گذشتن وسایل نقلیه امدادی متوقف شوند. ۲ ـ قبل از ورود به تقاطعی که فاقد علایم یا مأمور راهنمایی است باید توقف بکنند سپس با احتیاط کامل از تقاطع بگذرند. ۳ ـ قبل از رسیدن به گذرگاه پیاده و در صورت عبور اشخاص باید وسیله نقلیه خود را متوقف سازند و ضمنا با حرکت دادن دست چپ رانندگان پشت سر را نیز به توقف دعوت نمایند. ۴ ـ هنگام برخورد با اتومبیلهای مدارس که برای سوار و پیاده کردن شاگردان در حال توقف می‌باشند. ۵ ـ در تقاطع راه آهن : هنگامی که علایم الکتریکی یا مکانیکی یا پرچم قرمز یا سوت قطارنزدیک شدن آن را اعلام می‌دارد یا دروازه عبور بسته شده یا در حال باز و بسته شدن است باید لااقل در پنج متری علامت یا دروازه توقف کامل کنند تا قطار بگذرد و تقاطع برای عبور آزادگردد. ماده ۱۴۳ ـ رانندگان وسایل نقلیه موتوری مخصوصا اتومبیل‌های مدارس و وسایل نقلیه ای که حامل مواد خطرناك می‌باشند در تقاطع راه‌آهن هرچند علامتی وجود نداشته باشد باید کاملا توقف کنند و پس از حصول اطمینان از بی خطر بودن معبر از تقاطع بگذرند. در هرحال هنگام عبور از روی ریل ها مجاز به تعویض دنده نمی‌باشند. ماده ۱۴۴ ـ توقف در محلهای زیر ممنوع است ۱ ـ پیاده‌رو و گذرگاه پیاده ۲ ـ مقابل مدخل خیابانها و جاده‌ها و کوچه ها یا مدخل اتومبیل روی ساختمانها. ۳ ـ داخل تقاطع ۴ ـ در فاصله پانزده متری میدان یا تقاطع یا سه راهها یا تقاطع راه‌آهن ۵ ـ پنج متری شیرهای آب منصوب در راهها. ۶ ـ پانزده متری اطراف چراغ راهنما یا تابلوهای راهنمایی که در کنار راهها نصب شده است ۷ ـ کوچه‌ها. ۸ ـ از ابتدا تا انتهای پیچ ها. ۹ ـ در فاصله پانزده‌متری مدخل گاراژ های آتش نشانی ـ

پلیس ـ بیمارستان ها. ۱۰ ـ کنار وسایل نقلیه‌ای که خود متوقف می‌باشند (توقف دوبله ۱۱ ـ روی پل‌ها و داخل تونلها و معابر هوایی (راههایی که بر روی پایه قرار دارند) ۱۲ ـ در خیابانهایی که پیاده روی آن قابل عبور نبوده و پیاده‌ها مجبورند از قسمتی از سواره رو عبور کنند. ۱۳ ـ در ایستگاه های وسایل نقلیه عمومی و حریم آنها که با علایم راهنمایی مشخص است ۱۴ ـ در محلهایی که تابلوهای توقف ممنوع یا توقف مطلقا ممنوع نصب شده به اقتضای مورد. ۱۵ ـ در هر نقطه از معابر به منظور تعمیر وسیله نقلیه جز در مورد ماده ۱۰۱ که باید به‌ترتیب مقرره در همان ماده عمل گردد. ۱۶ ـ در جاهایی که دستگاه پارکومتر نصب شده در کنار خیابان به علت نیانداختن سکه در داخل آن یا پایان یافتن زمان معین و یا از کار افتادن دستگاه که به وسیله نوشتار ، علامت و یا چراغ مفهوم ممنوعیت پارکینگ را می‌رساند.

قسمت هشتم ـ مقررات اختصاصی موتور سیکلت و دوچرخه (ماده ۱۴۵ تا ۱۵۰

ماده ۱۴۵ ـ رانندگان موتور سیکلت بایستی در موقع رانندگی فقط روی زین موتور سیکلت بنشینند و حق ندارند شخص دیگری را بر ترک سوار کنند مگر اینکه در ترک نیز یک زین کامل نصب شده یا موتورسیکلت دارای یدک پهلو (سایدکار) باشد. ماده ۱۴۶ ـ رانندگی با دوچرخه رکاب دار بدون داشتن زین محکم در محل مخصوص ممنوع است ماده ۱۴۷ ـ دوترکه سوار کردن اشخاص روی دوچرخه ممنوع است مگر آنکه زین اضافی برای این کار داشته باشد. ماده ۱۴۸ ـ دوچرخه‌سواران مکلفند: ۱ ـ هنگام حرکت کاملا از طرف راست راه عبور نمایند و برای گذشتن از وسایل نقلیه ای که‌در کنار راه توقف کرده‌اند منتهای احتیاط را به عمل آورند. ۲ ـ در صورت تعدد، دوچرخه سواران در یک ردیف حرکت کنند مگر آنکه معبر ویژه ای برای آنها اختصاص داده شده باشد در این صورت حق ندارند از خارج از معبر ویژه عبور و مرور نمایند. ماده ۱۴۹ ـ عبور دوچرخه سوار از پیاده‌رو و وسط دستجات بازار نقاط شلوغ و پرتردد ممنوع است ماده ۱۵۰ ـ دوچرخه سواران حق ندارند حین رانندگی بار و اشیا دیگری حمل کنند یا حرکت ورزشی نمایند یا اعمالی انجام دهند که مستلزم برداشتن دستهای آنان از روی فرمان باشد.

فصل دهم ـ مقررات مختلف (ماده ۱۵۱ تا ۱۹۲)

ماده ۱۵۱ ـ رانندگان وسایل نقلیه‌ای که در پشت‌سر وسیله نقلیه دیگر حرکت می‌کنند موظفند فاصله مناسبی را برای جلوگیری از تصادف حفظ کنند. ماده ۱۵۲ ـ کامیونهای بزرگ و وسایل نقلیه دیگری که دارای یدکهای طویل هستند موقع عبور در راههای غیر مسکونی باید فاصله بیشتری با وسایل نقلیه جلوی خود داشته باشند به طوری که وسیله نقلیه دیگری که از آنها سبقت می‌گیرد بتواند پس از سبقت مجددا در جلوی آنها وارد مسیر اولیه بشود. ماده ۱۵۳ ـ وسایل نقلیه‌ای که به صورت کاروان و دسته جمعی در راهها عبور می‌کنند نیز مشمول ماده فوق می‌باشند. فواصل آنها باید به قدری باشد که وسیله نقلیه سبقت گیرنده بتواندپس از سبقت برای ورود به مسیر اولیه به آسانی داخل این فواصل گردد. ماده ۱۵۴ ـ سوار کردن بیش از سه نفر (با راننده در قسمت جلوی وسیله نقلیه و همچنین گذاشتن بار یا اشیا دیگر در جلو یا عقب آن اعم از داخل یا خارج که مانع دید راننده گردد ممنوع است ماده ۱۵۵ ـ رانندگان وسایل نقلیه سنگین در موقع عبور از جاده‌های تنگ یا عقب راندن باید یک نفر کمک راننده برای احتراز از هرگونه خطری همراه داشته باشند. ماده ۱۵۶ ـ حرکت با دنده خلاص در سرازیری ها ممنوع است ماده ۱۵۷ ـ وسایل نقلیه نباید از روی لوله‌های آب آتش‌نشانی که جهت اطفا حریق درخیابان قرار گرفته عبور نمایند مگر با اجازه متصدیان آتش نشانی ماده ۱۵۸ ـ ۱ ـ رانندگان تاکسیها مطلقا حق سوار کردن مسافر را با داشتن مسافر قبلی ندارند. ۲ ـ رانندگان تاکسیها موظفند پس از سوار شدن مسافر و مقارن شروع به حرکت تاکسی متر رابه کار اندازند. در صورت فقدان یا خرابی تاکسی متر حق کار کردن ندارند مگر در

نقاطی که شهربانی نصب تاکسی متر را ضروری اعلام نکرده باشد. ۳ ـ رانندگان سایر وسایل نقلیه عمومی که دربست کرایه داده می‌شوند نباید بدون رضایت کرایه کننده شخص دیگری را سوار کنند. ۴ ـ امتناع از بردن مسافر برای وسایل نقلیه عمومی که در شهر و حومه کار می‌کنند همچنین نرساندن مسافر به مقصد ممنوع است ۵ ـ رانندگان وسایل نقلیه عمومی و کمک رانندگان آنها نباید با مسافران با خشونت و بی احترامی رفتار نمایند. ماده ۱۵۹ ـ رانندگان حق ندارند ضمن رانندگی با کسی صحبت یا استعمال دخانیات نمایند یا خوراکی یا آشامیدنی میل کنند و باید کاملا به جلو توجه داشته باشند. تبصره ـ استفاده راننده در حین رانندگی از هرگونه وسایل و تجهیزات و یا اشتغال اعضا موثر وی که باعث انحراف ذهن و توجه در حین رانندگی گردد. ماده ۱۶۰ ـ رانندگی برای کسی که نوشابه الکلی صرف کرده تا رفع کامل آثار آن ممنوع است تبصره ـ در مواردی که مأموران راهنمایی و رانندگی نسبت به وجود حالت مستی راننده ای ظنین شوند وسیله نقلیه را متوقف ساخته و بلافاصله میزان الکل خون راننده را به وسیله دستگاه الکل سنج از راه تنفس (الکل تست تعیین می‌نمایند. هرگاه میزان الکل بیشتر از پنجاه سانتی‌گرم در لیتر خون باشد از ادامه رانندگی او تا اعاده حالت عادی و رسیدن میزان الکل خون به کمتر از ۵۰ سانتی گرم در لیتر خون جلوگیری خواهندکرد. ماده ۱۶۱ ـ سوار کردن اشخاص آلوده به کثافات در وسایل نقلیه عمومی مسافربری مجاز نیست ماده ۱۶۲ ـ هر راننده موظف است حین رانندگی گواهینامه رانندگی خویش را همراه داشته باشد و در صورت تقاضای مأموران انتظامی آن را ارائه و تسلیم نماید. مأمور موظف است پس از ملاحظه گواهینامه آن را مسترد دارد مگر در مواردی که به موجب قانون یا آیین نامه اخذ گواهینامه به منظور درج تخلف در آنها ضرورت داشته باشد در این صورت در قبال دادن رسید اخذ می‌گردد. ماده ۱۶۳ ـ نصب بوق های شیپوری ، سوت بلبلی و به طور کلی هر نوع وسیله اخبار صوتی باصدای ناهنجار و غیرعادی و همچنین زدن بوق ممتد یا غیرضروری یا مکرر و یا در محلهایی که این عمل به وسیله علامتی منع شده ممنوع است ماده ۱۶۴ ـ وسایل نقلیه امدادی ، در مواقعی که جهت انجام مأموریت فوری در حرکتند درصورت به کار بردن چراغ گردان مخصوص اعلام خطر یا آژیر تا حدودی که موجب بروز تصادف نشود مجاز به انجام اعمال زیر می‌باشند: ۱ ـ توقف در محل ممنوعه ۲ ـ تجاوز از سرعت مجاز. ۳ ـ سبقت از سمت راست وسیله نقلیه دیگر. ۴ ـ عبور از طرف چپ راه ۵ ـ دور زدن در نقاط ممنوعه ۶ ـ گذشتن از چراغ قرمز یا عدم رعایت علایم دیگر ایست مشروط به اینکه از سرعت وسیله نقلیه در اینگونه محل‌ها تا حداقل امکان کاسته شود. ماده ۱۶۵ ـ وسایل نقلیه امدادی که مجاز به داشتن سوت خطر یا زنگ مخصوص می‌باشند فقط در مواقعی که برای انجام مأموریت های مهم و فوری در حرکتند باید از آنها استفاده نمایند. ماده ۱۶۶ ـ اتومبیل‌های مدارس فقط در مواقع سوار و پیاده کردن شاگردان حق استفاده از علایم بصری مذکور در ماده ۵۲ را دارند. ماده ۱۶۷ ـ در موقع برف و یخبندان و به طور کلی در صورت اعلام مقامات و مأموران انتظامی رانندگی با وسیله نقلیه‌ای که چرخهای آن با زنجیر مجهز نباشد ممنوع است ماده ۱۶۸ ـ راندن وسیله نقلیه‌ای که بیش از ظرفیت مندرج در کارت شماره گذاری بار یا مسافر گرفته ممنوع است ماده ۱۶۹ ـ عبور وسایل نقلیه در پیاده‌رو یا از وسط دستجات ارتش یا مأموران انتظامی یا دانش‌آموزان یا تشییع کنندگان جنازه ها یا سایر دستجات تشریفاتی و همچنین بوق زدن در این قبیل موارد مجاز نیست ماده ۱۷۰ ـ رانندگان بارکش های موتوری بزرگ باید یکنفر شاگرد راننده همراه داشته باشند وسوار کردن مسافر به استثنای یک نفر پهلوی راننده مجاز نیست ماده ۱۷۱ ـ سوار شدن و سوار کردن اشخاص روی گلگیر یا رکاب یا محل دیگری در قسمت خارجی وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۱۷۲ ـ درهای هر وسیله نقلیه در حال حرکت باید کاملا بسته باشد و بازکردن آنها قبل از توقف کامل مجاز نیست ماده ۱۷۳ ـ رانندگان وسایل نقلیه هنگام عبور از معابر و گذرگاه های تنگ یا پرجمعیت و یادر مواقعی که بیشتر از ۵۰ متر مقابل آنها مریی نیست مکلفند آهسته حرکت کنند و در صورت احتمال وقوع حادثه یا اخلال نظم و مزاحمت بر حسب مورد حرکت وسیله نقلیه را کند یا آن را متوقف سازند. ماده ۱۷۴ ـ عبور وسایل نقلیه سنگین که حداکثر سرعت آنها از پانزده کیلومتر در ساعت تجاوز نمی‌کند مانند تراکتورهای زنجیری و غلطک های جاده کوبی و غیره باید قبل از رسیدن آنها به

اولین پست راه آهن یا ایستگاه خبر داده شود تا تدارک احتیاطی لازم جهت عبور بی خطر آنها از تقاطع راه‌آهن فراهم گردد. ماده ۱۷۵ ـ رانندگان این قبیل وسایل نقلیه موظفند هنگامی که عبور آنها از تقاطع راه آهن مجاز است قبل از رسیدن به آن توقف کامل کنند و پس از مشاهده طرفین و اطمینان از عدم خطر احتمالی از آنجا بگذرند. در مواقعی که نزدیک شدن قطار به وسیله علایم یا صدای لکوموتیو اعلام می‌شود تا عبور قطار از تقاطع نباید عبور نماید. ماده ۱۷۶ ـ هرگاه مأمور راهنما در محل تقاطع راه‌آهن حضور داشته باشد عبور از تقاطع باید با فرمان او انجام گیرد. ماده ۱۷۷ ـ هیچکس حق ندارد وسیله نقلیه‌ای را که متعلق به او نیست یا راننده آن نمی‌باشد بدون اجازه کسی که آن را در اختیار دارد از محل خود حرکت دهد یا با آن رانندگی کند مگر مأموران انتظامی آن هم در حدود مقررات و وظایف قانونی ماده ۱۷۸ ـ هیچکس نمی‌تواند به شخص فاقد گواهینامه رانندگی لازم اجازه رانندگی با وسیله خود را بدهد. ماده ۱۷۹ ـ هیچکس حق ندارد هیچ نوع وسیله نقلیه‌ای را که طبق نظر کارشناس شهربانی یاژاندارمری دارای عیب و نقص فنی بوده یا فاقد وسایل ایمنی کامل مقرر در این آیین نامه باشد در راهها براند. ماده ۱۸۰ ـ مأموران مسئول راه مکلفند از عبور و مرور در بعضی راهها که به واسطه خرابی یا علل دیگر خطرناک می‌باشند تا تعمیر و رفع علل خطر جلوگیری به عمل آورند یا از حرکت برخی از وسایل نقلیه یا غیرمجهز به وسایل لازم ممانعت به عمل آورند. ماده ۱۸۱ ـ حمل مسافر با وسیله نقلیه ای که دارای پلاک شخصی است جز در موارد اضطراری و همچنین سوار کردن اشخاص روی بار بارکش های موتوری یا در محل مخصوص بار آنها ممنوع است مگر با اجازه شهربانی ماده ۱۸۲ ـ حمل جنازه باید با وسیله نقلیه مخصوص انجام گیرد مگر در مواردی که شهربانی اجازه حمل آن را با سایر وسایل نقلیه داده باشد. ماده ۱۸۳ ـ هیچکس حق ندارد در حالی که سوار دوچرخه یا کفشهای چرخدار یا سه چرخه های بدون رکاب یا اتومبیلهای اسباب بازی است به وسایل نقلیه در حال حرکت تکیه نماید و آنها را وسیله حرکت خود یا حرکت وسیله‌ای که بر آن سوار است قرار دهد. تکیه نمودن و آویزان شدن اشخاص نیز به وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۱۸۴ ـ ریختن شیشه ، بطری ، میخ ، سیم ، حلبی مایعات لزج و به طور کلی هر چیزی که باعث سد راه و ایجاد خطر و انحراف وسایل نقلیه از مسیر حرکت باشد بر روی راهها ممنوع است ماده ۱۸۵ ـ نصب هر نوع علایم (جز علامت کانون جهانگردی و آنچه در این آیین نامه پیش بینی شده و پلاکهای متفرقه و پرچم و همچنین الصاق هر نوع آگهی و نوشته و عکس و نوشتن عبارات و ترسیم نقوش روی شیشه یا بدنه داخل یا خارج وسایل نقلیه بدون اجازه شهربانی ممنوع است ماده ۱۸۶ ـ حرکت وسایل نقلیه چرخ فلزی در معابر شهری مجاز نیست ماده ۱۸۷ ـ اعمال ذیل در خیابان ها و معابر شهری ممنوع است مگر با اجازه شهربانی ۱ ـ بستن یا خوراک دادن دامها و پرندگان یا رها کردن آنها بدون نگهبان ۲ ـ مسابقه با اسب یا سایر حیوانات و وسایل نقلیه ۳ ـ ورزش و مسابقه‌های ورزشی ماده ۱۸۸ ـ هرکس که مسئول حرکت دادن و هدایت حیوانات است باید علایم راهنمایی و رانندگی و آن قسمت از مقررات این آیین نامه را که به وی مربوط می‌شود در راه های عمومی رعایت نماید. ماده ۱۸۹ ـ اشخاصی که بهر عنوان روی راههای عمومی کار می‌کنند موظفند قبل از شروع به کار علایم ایمنی عبور و مرور را در محل و به لباس های کارگران و وسایل نقلیه خود نصب نمایند در غیر اینصورت مأمورین انتظامی موظفند از کار آنان جلوگیری به عمل آورند. ماده ۱۹۰ ـ جز مأموران انتظامی هیچکس حق ندارد برای هدایت یا حفاظت وسایل نقلیه در سواره‌روی خیابان بایستد یا قدم بزند. ماده ۱۹۱ ـ عابرین پیاده موظفند که ۱ ـ در محلهایی که پیاده رو وجود دارد از داخل سواره رو عبور نکنند. ۲ ـ در محلهایی که پیاده‌رو وجود ندارد یا در صورت وجود به جهاتی قابل استفاده نباشد هنگام حرکت از سواره رو از منتهاالیه سمت چپ خود به طوری که حرکت وسایل نقلیه مقابل درخلاف جهت ایشان انجام گیرد عبور کنند. ۳ ـ برای گذشتن از عرض راه حتما از گذرگاه های پیاده عبور کنند. ۴ ـ هنگام عبور از گذرگاههای پیاده مراقب حرکت وسایل نقلیه باشند و ناگهان از پیاده رو به‌سواره رو داخل نشوند. ماده ۱۹۲ ـ توقف در سواره‌روی خیابان برای سوارشدن وسیله نقلیه و همچنین صحبت‌کردن یا خرید و فروش با راننده یا سرنشینان وسایل نقلیه در سواره‌رو ممنوع است

فصل یازدهم ـ مجازات ها (ماده ۱۹۳ تا ۱۹۶)

ماده ۱۹۳ ـ متخلفین از مواد ۲ (جز در مورد شماره‌های موضوع قانون مجازات استفاده کنندگان از پلاک های تقلبی مصوب ۱۳۴۵) و ۳ و ۷ تا ۹ و ۱۲ تا ۱۵ و ۱۶ (جز درمواردی که مشمول ماده ۴ قانون مجازات استفاده‌کنندگان از پلاک‌های تقلبی مصوب ۱۳۴۵می‌باشد) و ۲۰ و ۲۱ (جز در مواردی که مشمول قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۱۳۲۸ است و ۲۸ و ۲۹ و (ماده ۳۱ (اصلاحی ۲۷/۱/۱۳۵۱) در صورت رانندگی و ۳۷ تا ۴۰ و ۴۲ و۴۵ تا ۵۲ و ۵۴ تا ۸۵ و ۸۷ و ۸۹ و ۹۲ تا ۱۷۷ و ۱۷۸ (در مورد وسایل نقلیه غیرموتوری) و۱۷۹ و ۱۸۱ تا ۱۹۲ به پرداخت غرامت از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال یا حبس تکدیری از دو روزتا ده روز و یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد مگر در مواردی که تخلف آنان به موجب مقررات مخصوص مستوجب مجازات خاصی باشد که در آن صورت باید طبق همان مقررات رفتار شود. تبصره ـ دادگاه مکلف است پس از صدور حکم محکومیت رانندگانی که به علت ارتکاب تخلفات مستی حین رانندگی ـ انحراف به چپ ـ سرعت غیرمجاز ـ سبقت غیرمجاز ـ عبور از چراغ قرمز ـ عبور از منطقه ممنوعه ـ عدم رعایت حق تقدم ـ امتناع تاکسی ها از سوار کردن مسافر ـ سوار کردن مسافر با وجود مسافر قبلی ـ نرساندن مسافر به مقصد ـ عدم استفاده از تاکسی متر با داشتن مسافر و هر نوع تخلف دیگر منجر به تصادف محکوم شده‌اند مراتب محکومیت و نوع تخلف را در گواهینامه آنان درج نمایند تا نسبت به ایشان برابر تبصره ۳ ذیل ماده یک قانون راجع به اعطای اختیار به افسران شهربانی کل برای وصول جرایم رانندگی مصوب ۱۳۳۹ عمل گردد. مواد ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ ملغی شده‌است

قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی – مصوب ۱۳۷۲

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه موتور سیکلت سواران مکلفند ظرف مدت یکسال نسبت به شماره‌گذاری موتورسیکلت های خود اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ کلیه مأمورین انتظامی موظفند پس از پایان مهلت قانونی نسبت به توقیف و هدایت موتورسیکلت های بدون شماره به توقفگاه شهرداری و نیروی انتظامی اقدام جدی و مداوم به عمل آورند. تبصره ۲ ـ واحدهای راهنمایی و رانندگی مکلفند تسهیلات لازم جهت صدور شماره و احراز مالکیت دارندگان موتورسیکلت‌های فوق را فراهم و هزینه مربوطه را از متقاضیان دریافت دارند. نحوه احراز مالکیت صاحبان موتورسیکلت های بدون سند و تعیین و تکلیف آنها و میزان هزینه مربوطه طبق آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت دو ماه توسط نیروی انتظامی و وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث – مصوب آذر ۱۳۴۷

ماده ۱ ـ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتور زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه‌آهن اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محصولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود و مکلفند مسئولیت خود را از این جهت نزد شرکت سهامی بیمه ایران و یا یکی از موسسات بیمه داخلی که اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع ایرانی و صلاحیت آنها به پیشنهادوزارت دارایی و وزارت اقتصاد مورد تایید دولت باشد، بیمه نمایند. تبصره ۱ ـ منظور از حوادث مذکور در این قانون هرگونه تصادف یا سقوط یا آتش سوزی یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خساراتی که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود. تبصره ۲ ـ کلیه وزارتخانه ها ، ادارات مستقل ، بانک ها ، بنگاه ها و شرکتهایی که حداقل نصف سهام آنها متعلق به دولت است و سازمان برنامه و شرکتهای تابع آن و به

طور کلی عموم موسسات وابسته به دولت مکلفند عملیات موضوع این قانون را منحصرا نزد شرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند. ماده ۲ ـ کلیه اشخاصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می‌شوند از لحاظ این قانون ثالث تلقی می‌شود به استثنای اشخاص زیر: الف ـ بیمه‌گذار ، مالك یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه ب ـ کارکنان بیمه گذار مسئول حادثه حین کار و انجام وظیفه ج ـ همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسئول حادثه باشد. تبصره ـ در صورت تصادف دو وسیله نقلیه ، رانندگان وسایل مزبور نیز در برابر یکدیگر شخص ثالث محسوب می‌شوند اعم از آنکه مالك وسیله نقلیه باشند یا نباشند. ماده ۳ ـ از تاریخ انتقال وسیله نقلیه کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه به منتقل الیه وسیله نقلیه منتقل می‌شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه ، بیمه گذار محسوب خواهد شد و مکلف است ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ انتقال وسیله نقلیه به خود ، مراتب را به طریق اطمینان بخشی با ذکر مشخصات کامل خود، به بیمه گر اعلام کند. ماده ۴ ـ موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است ۱ ـ خسارات ناشی از فرس ماژور از قبیل جنگ سیل زلزله ۲ ـ خسارات وارده به محمولات وسایل نقلیه مورد بیمه ۳ ـ خسارات مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیو اکتیو. ۴ ـ خسارات وارد به متصرفین غیرقانونی وسایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی ۵ ـ خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم ۶ ـ خسارات ناشی از حوادثی که در خارج از کشور اتفاق میافتد مگر اینکه توافقی بین بیمه گر و بیمه گذار در این موضوع شده باشد. ماده ۵ ـ در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه یا در صورتی که راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان دیده می‌تواند برای استرداد وجوه پرداخته به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید. ماده ۶ ـ بیمه‌گر ملزم به جبران کلیه خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود. حداقل مبلغ بیمه با توجه به نوع و سایر خصوصیات نقلیه و همچنین تعرفه حق بیمه و شرایط عمومی آن با رعایت نرخها و شرایط بین المللی توسط شرکت سهامی بیمه ایران تعیین وبه تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷ ـ پس از گذشتن سه ماه از تاریخ اجرای این قانون از حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی که فاقد قرارداد بیمه موضوع این قانون می‌باشد از طرف مأمورین اداره راهنمایی و رانندگی و پلیس راه جلوگیری به عمل میاید. ماده ۸ ـ شرکتهای بیمه طبق مقررات این قانون و آیین نامه های مربوط به آن مکلف به انعقاد قرارداد بیمه با دارندگان وسایل نقلیه مشمول این قانون خواهند بود. ماده ۹ ـ دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می‌شوند در صورتی که خارج از کشور مسئولیت خود را نسبت به حوادث ناشی از وسیله نقلیه موضوع این قانون به موجب بیمه نامه ای که از طرف شرکت سهامی بیمه ایران معتبر شناخته می‌شود بیمه نکرده باشند مکلفند هنگام ورود به مرز ایران طبق ماده یك این قانون اقدام به بیمه نمایند. ماده ۱۰ ـ برای جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه ، بطلان قرارداد بیمه تعلیق قرارداد بیمه ، تعلیق تامین بیمه گر ، فرار کردن و شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارت های خارج از شرایط بیمه نامه (به استثنای موارد مصرح در ماده ۴) صندوق مستقلی بنام صندوق تامین خسارت های بدنی تاسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی ایران اداره خواهدشد. سازمان وظایف و صلاحیت صندوق تامین خسارت های بدنی به موجب آیین نامه ای خواهدبود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱ ـ درآمد صندوق تامین خسارتهای بدنی از منابعی است که به پیشنهاد دولت به‌تصویب کمیسیون های دارایی مجلسین برسد. ماده ۱۲ ـ مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال‌می‌باشد و هر نوع اقدام ذینفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگرام یا اظهارنامه قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یکسال است ماده ۱۳ ـ آیین نامه اجرایی این قانون از طرف شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۱۴ ـ این قانون از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

قانون استفاده از نظر افسران راهنمایی در تصادفات وسایط نقلیه – مصوب ۷/۹/۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی

ماده واحده ـ به جای استفاده از کارشناس رسمی دادگستری و همچنین جهت تسهیل امور مردم ، دادگستری هر محل می‌تواند از یک یا چند نفر افسر کاردان فنی شهربانی و ژاندارمری که وارد بر امور تصادفات وسایط نقلیه می‌باشند، مجانا استفاده نماید. تبصره ـ مراجع قضایی در زمینه رسیدگی به پرونده های خودرو های مسروقه و یا احراز اصالت وسایل نقلیه ای که به نحوی از انحا در ارکان اصلی خودرو (موتور شاسی و اطاق)تغییراتی صورت گرفته است می‌تواند از نظریه یک یا چند نفر افسر کاردان فنی شاغل در نیروی انتظامی بدون نیاز به پرداخت حق الزحمه استفاده نمایند.

جدول جرایم موضوع ماده ۲ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی در کلیه نقاط کشور به استثنای

جدول الف ـ جرایم دو هزار (۲۰۰۰) ریالی ۱ ـ عبور عابر پیاده از عرض خیابان خارج از گذرگاه مخصوص عابرین ۲ ـ عبور عابر پیاده از طول خیابانی که دارای پیاده رو باشد. ۳ ـ دست گرفتن به وسیله نقلیه با دوچرخه آویزان شدن یا سوار شدن پشت وسیله نقلیه یا روی کاپوت آن یا صندوق عقب ۴ ـ یدک‌کشی دوچرخه با دوچرخه یا موتورسیکلت ۵ ـ سوارکردن مسافر با داشتن مسافر قبلی ۶ ـ عبور وسایط نقلیه کندرو در محلهای ممنوعه ۷ ـ به کار انداختن چرخهای بلبرینگی ۸ ـ هرکس به هر وسیله عبور و مرور را مختل نماید. ۹ ـ حمل باری که موجب ناراحتی مسافرین گردد. ۱۰ ـ نداشتن شماره جلو. ۱۱ ـ دوترکه سواری با دوچرخه پایی ۱۲ ـ حرکت‌دادن و یا رهانمودن دامها به نحوی که موجب اختلال و عبور و مرور شود. ۱۳ ـ راندن موتورسیکلت و دوچرخه پایی در حالت رها کردن فرمان ۱۴ ـ نداشتن رنگ و ترمز و چراغ جلو و چراغ خطر عقب دوچرخه پایی ۱۵ ـ گردش به چپ بدون رعایت مقررات مربوطه ۱۶ ـ عدم رعایت سمت‌های تعیین شده از طرف راهنمایی ۱۷ ـ عدم رعایت حق تقدم در گذرگاه عابر پیاده از طرف راننده ۱۸ ـ سه ترکه سواری با موتورسیکلت ۱۹ ـ عدم توجه به اخطار و تذکر پلیس راهنما. ۲۰ ـ نشاندن مسافر بغل دست راننده در اتوبوس ۲۱ ـ عدم رعایت مقررات چراغهای چشمک زن ۲۲ ـ قصور از روشن‌کردن چراغ در موقع لزوم ۲۳ ـ بازکردن در وسیله نقلیه بدون رعایت احتیاط در حرکت و توقف ۲۴ ـ حرکت با دنده عقب در موقع غیرضروری ۲۵ ـ پیاده و سوارشدن از وسیله نقلیه ضمن حرکت (در اتوبوسها کمک راننده در سایر وسیله نقلیه شخص مرتکب مقصر است ۲۶ ـ حمل اشیای کثیف و آلود و حیوانات با وسایل نقلیه عمومی که اختصاص به این کارداده نشده باشد. ۲۷ ـ حمل بار و اشیای طویل به وسیله دوچرخه پایی و موتورسیکلت ۲۸ ـ هرگونه دخالتی که اجرای مقررات راهنمایی را تغییر داده و یا خنثی نماید و یا مختل سازد. ۲۹ ـ هر نوع توقف که منجر به سد معبر گردد. ۳۰ ـ حمل مسافر با وسیله نقلیه پلاک شخصی ۳۱ ـ راندن وسایط نقلیه غیرموتوری در پیاده رو. ۳۲ ـ همراه نداشتن گواهینامه رانندگی ۳۳ ـ حمل مسافر با وسیله نقلیه‌ای که برای حمل بار اختصاص داده شده است ۳۴ ـ استنکاف از قبول مسافر یا نرساندن مسافر به مقصد وسیله رانندگان وسایط نقلیه همگانی ۳۵ ـ نداشتن کارت راننده شهری در وسایط نقلیه عمومی ۳۶ ـ نشاندن مسافر در سمت چپ راننده در وسایط نقلیه ای که فرمان آنها در سمت چپ قرار دارد و یا بالعکس در وسایط نقلیه ای که فرمان آنها در سمت راست قراردارد. ۳۷ ـ همراه نداشتن پروانه شناسایی خودرو. ۳۸ ـ بازگذاردن در صندوق عقب وسیله نقلیه در حرکت یا نصب پرده و کرکره به طوری که مانع دید عقب وسیله نقلیه شود. ۳۹ ـ حمل اشیاء طویل به نحوی که قسمتی از آن از عرض وسیله نقلیه خارج شود. ۴۰ ـ شستشوی وسیله نقلیه در معابر و جاده ۴۱ ـ سوار کردن مسافر اضافه بر ظرفیت مجاز در وسایل نقلیه شخصی ۴۲ ـ سوار کردن مسافر اضافه بر ظرفیت مجاز در وسایل نقلیه عمومی به ازای هر نفر مسافر اضافی ۴۳ ـ راندن دوچرخه پایی در وسط خیابان و جاده ۴۴ ـ سوار کردن هر مسافر بدون بلیط در اتوبوس و مینی بوس جدول ب ـ جرایم پنج هزار (۵۰۰۰) ریالی ۱ ـ عدم رعایت فاصله قبل و بعد از سبقت ۲ ـ قصور از دادن علایم با دست یا چراغ راهنما در گردش به چپ و

راست یا هنگام دور زدن و توقف ۳ ـ یدک کشی وسیله نقلیه دیگر به طور غلط و بدون رعایت احتیاط ۴ ـ حمل مسافر روی بار. ۵ ـ سبقت اتوبوس و کامیون در داخل شهر. ۶ ـ عدم رعایت مقررات حمل بار مندرج در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی در شهرها. ۷ ـ توقف با موتور روشن بدون حضور راننده ۸ ـ راندن هر نوع وسیله نقلیه موتوری در پیاده روی خیابان ها. ۹ ـ استفاده از چراغهای اضافی و نورافکن و داشتن نور سفید در عقب وسیله نقلیه ۱۰ ـ استفاده از چراغهای گردان قرمز که مخصوص وسایط نقلیه امدادی است ۱۱ ـ حرکت دادن وسایط نقلیه در موازات هم (غیر از موارد سبقت مجاز در خیابانهایی که عرض آنها برای عبور دو وسیله نقلیه بیشتر نیست) ۱۲ ـ توقف اتوبوس خارج از ایستگاه ۱۳ ـ خروج تاکسی از حومه شهر بدون اجازه ۱۴ ـ تغییر خط حرکت بدون دادن علامت ۱۵ ـ حرکت به طور مارپیچ ۱۶ ـ قصور در تعویض استپ نور بالا. ۱۷ ـ نداشتن دفترچه ساعت کنترل و ساعت وسایل نقلیه مسافربری در جاده ها. ۱۸ ـ توقف در محل ممنوعه ۱۹ ـ حمل تیرآهن و امثال آن بدون رعایت شرایط مقرر. ۲۰ ـ قصور در دادن راه عبور به وسیله نقلیه پشت سر در سبقت مجاز. ۲۱ ـ عدم استفاده از عینک ، حین رانندگی برای کسانی که در گواهینامه آنان رانندگی با عینک درج شده است ۲۲ ـ ایجاد صدای ناهنجار لوله اگزوز و نداشتن چراغ های جلو و عقب و راهنما و ایجاد صدای ناهنجار لنت های ترمز. ۲۳ ـ نداشتن برگ معاینه برای وسایل نقلیه مسافربری و باربری ۲۴ ـ توقف در گذرگاه عابر پیاده ۲۵ ـ تجاوز به سطح گذرگاه عابر پیاده ۲۶ ـ دود کردن وسیله نقلیه به علت نقص فنی ۲۷ ـ نداشتن شماره عقب یا غیرخوانا بودن آن ۲۸ ـ بازگذاردن در وسیله نقلیه در سمت سواره‌رو. ۲۹ ـ خودداری از کنار بردن وسیله نقلیه ای که به علت نقص فنی یا تصادف در وسط سواره رو متوقف شده است ۳۰ ـ تعمیر وسیله نقلیه در معابر عمومی ۳۱ ـ عدم رعایت فاصله مناسب با وسیله نقلیه جلو یا عدم توجه به جلو در صورتی که منجر به تصادف شود. ۳۲ ـ عدم رعایت مقررات خط کشی ها. ۳۳ ـ توقف در جهت مخالف معابر دوطرفه ۳۴ ـ حمل مسافر در شهر به وسیله اتومبیلهای کرایه خارج از شهر در صورتی که به جای تاکسی کار نماید. ۳۵ ـ پارک کردن تاکسی بدون وجود راننده در ایستگاههای تاکسی که مخصوص پیاده و سوار شدن مسافر می‌باشد. ۳۶ ـ پارک کردن در ایستگاه بارگیری و تخلیه بار. ۳۷ ـ خروج اتوبوس و تاکسی سرویس از مسیر تعیین شده بدون اجازه نیروی انتظامی ۳۸ ـ عبور یا توقف در مناطق یا معابری که از طرف نیروی انتظامی در ساعات معین ممنوع اعلام می‌شود. ۳۹ ـ حمل کود و زباله و مصالح ساختمانی و امثال آنها بدون حفاظ لازم ۴۰ ـ گردش به چپ یا به راست در محل ممنوعه ۴۱ ـ حرکت کمتر از سرعت مقرر در صورت نبودن مانع به نحوی که موجب کندی عبور و مرور شود. جدول ج ـ جرایم ده هزار (۱۰۰۰۰) ریالی ۱ ـ عبور از چراغ قرمز راهنمایی ۲ ـ عدم توجه به فرمان پلیس راهنما. ۳ ـ تجاوز از سرعت مقرر. ۴ ـ سبقت غیرمجاز. ۵ ـ عدم رعایت حق تقدم ۶ ـ عبور از محل ممنوع ۷ ـ تجاوز به چپ از خط وسط معابر. ۸ ـ عدم رعایت مقررات توزین در راه ها (عرض ، طول ، ارتفاع ، وزن ۹ ـ حرکت تراکتورهای زراعتی در طول جاده ها و حمل بار، مسافر و یدک در طول جاده های اصلی ۱۰ ـ قصور در به کار بردن وسایط اخباری از قبیل (مثلث شبرنگ و چراغ چشمک زن باطری دار) در جلو و عقب وسیله نقلیه متوقف در شانه و روی جاده ۱۱ ـ حمل جنازه با وسایط نقلیه عمومی ۱۲ ـ حرکت در سرازیری با دنده خلاص ۱۳ ـ حمل مواد محترقه با وسایل نقلیه عمومی (مگر آنکه اختصاصا برای این کار در نظرگرفته باشند) ۱۴ ـ توقف وسایط نقلیه روی سطح آسفالت جاده جز در موارد اضطراری ۱۵ ـ هرگونه دخالت و دستکاری در دستگاه سرعت نگار (تاخوگراف در وسایط نقلیه عمومی ۱۶ ـ توقف در محل ایستادن ممنوع ۱۷ ـ تعویض پلاک وسیله نقلیه ۱۸ ـ عدم توجه به تابلو ایست و یا چراغ قرمز چشمک زن ۱۹ ـ استفاده از شماره‌های غیرمجاز. ۲۰ ـ توقف در ایستگاههای اتوبوس و تاکسی ۲۱ ـ دور زدن در محل ممنوعه ۲۲ ـ عدم توجه به فرمان و یا پرچم مراقبین عبور و مرور محصلین مدارس ۲۳ ـ توقف در داخل یا حریم تقاطع ها و راه آهن در فاصله (کمتر از ۱۵ متر) ۲۴ ـ توقف در پیچ ها ، روی پل‌ها و داخل تونل ها. ۲۵ ـ استفاده از انواع بوق شیپوری ۲۶ ـ توقف دوبله ۲۷ ـ بوق زدن غیرضروری مکرر. ۲۸ ـ همراه نبودن کارت شناسایی با راننده اتوبوس ۲۹ ـ نداشتن کارت بیمه سرنشین وسایل نقلیه عمومی حمل مسافر در خارج از شهر. ۳۰ ـ حمل بار

تجارتی توسط وسایل نقلیه عمومی حمل مسافر.

قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی – مصوب ۲۶/۱۱/۱۳۷۶

ماده واحده ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ، بستن کمربند ایمنی برای رانندگان و سرنشینان ردیف اول انواع خودرو های در حال حرکت در مسیر جاده‌های بین شهری و کمربندی ها و بزرگراه های درون شهری و همچنین استفاده از کلاه ایمنی برای رانندگان و سرنشینان هر نوع موتورسیکلت اجباری است دولت مکلف است کمربند ایمنی و کلاه ایمنی استاندارد را به تعداد نیاز کشور تهیه و عرضه نماید. تبصره ۱ ـ وزارت صنایع و کلیه شرکتهای خودروسازی مکلفند خودروهای تولیدی داخلی را همراه با کمربند ایمنی استاندارد عرضه نمایند همچنین انواع خودروهای وارداتی باید دارای کمربند ایمنی باشند. تبصره ۲ ـ میزان جریمه عدم استفاده از کمربند ایمنی و کلاه ایمنی به ترتیب ده هزار ریال و پنج هزار ریال تعیین می گردد توسعه محدوده ماده واحده با توجه به مقررات راهنمایی و رانندگی شهرسازی و زمانبندی اجرای این قانون بر اساس آیین نامه ای که ظرف مدت شش ماه توسط وزارتخانه‌های کشور ، دادگستری ، راه و ترابری و صنایع تهیه به تصویب هیات وزیران می‌رسد تعیین خواهد شد.

آیین نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی مصوب ۱۳۷۶ – مصوب ۲۷/۱۲/۱۳۷۹

ماده ۱ ـ در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف ـ کمربند ایمنی تسمه‌ای که نیم تنه بالای راننده و هر یک از سرنشینان را تحت کنترل و مهار ایمن خود قرار می‌دهد تا هنگام ضرورت ، همچون کاهش ناگهانی سرعت یا توقف آنی خودرو که ممکن است ناشی از ترمز یا برخورد با جسم دیگر یا حوادث دیگر رانندگی باشد ، مانع از جدا شدن سرنشینان و راننده از صندلی خود و اصابت به شیشه جلو یا سایر قسمت های داخل و یا پرتاب به خارج از خودرو شود. ب ـ کلاه ایمنی کلاهی است که راننده و سرنشین موتورسیکلت ها از آن برای محافظت سر خود در برابر ضربات احتمالی ناشی از بروز سوانح استفاده می کنند. پ ـ کمربندی جاده‌های پیرامون شهرها که به منظور گذر وسایل نقلیه عبوری از آن بدون آنکه وارد شهر شونداحداث می‌شود و ضوابط تردد از آنها مطابق جاده‌های برون شهری است ت ـ بزرگراه درون شهری مصادیق بزرگراه های درون شهری توسط شورای هماهنگی ترافیک هراستان تعیین می‌شود. ماده ۲ ـ کلیه دارندگان خودرو در سطح کشور مکلفند وسایل نقلیه خود را به کمربند ایمنی استاندارد جهت استفاده راننده و سرنشین ردیف اول مجهز نمایند. ماده ۳ ـ بستن کمربند ایمنی برای راننده و سرنشینان ردیف اول وسایط نقلیه در حال حرکت دربزرگراه های درون شهری ، کمربندی ها و جاده های بین شهری الزامی است تبصره ـ سرنشینان اتوبوس‌ها و مینی بوس های در اختیار شرکت واحد اتوبوس رانی ، معلولان ، بانوان باردار و کلیه افرادی که به تایید پزشک معالجشان دارای بیماریهای جسمی و توانایی های حرکتی هستند از مفاد این ماده مستثنی می‌باشند. ماده ۴ ـ تعداد سرنشینان ردیف جلو باید بر اساس ضوابط مندرج در آیین نامه راهنمایی ورانندگی و اصلاحیه های آن باشد و هر یک از سرنشینان ردیف جلو باید تنها از کمربند ایمنی مربوط به خود و به صورت انفرادی استفاده نمایند. ماده ۵ ـ استفاده از صندلی ردیف اول برای استقرار کودکان و نوجوانان تا سن ۱۲ سالگی به صورت منفرد یا همراه والدین ممنوع است تبصره ـ استفاده از صندلی مخصوص استقرار کودکان یا تکیه گاه ویژه با پشت سری مخصوص ، در ردیف اول خودروها بلامانع است ماده ۶ ـ صدور برگ معاینه فنی برای خودروهای فاقد کمربند ایمنی در ردیف اول ممنوع است ماده ۷ ـ سوار شدن به موتور سیکلت بدون استفاده از کلاه ایمنی ممنوع است و راکبین موتورسیکلت مکلفند در طول حرکت از کلاه ایمنی استفاده نمایند. مأموران راهنمایی و رانندگی موظفند از ادامه حرکت موتورسیکلت هایی که راکبین آنها فاقد کلاه ایمنی هستند جلوگیری نمایند. ماده ۸ ـ چنانچه عدم

استفاده از کمربند ایمنی طی حادثه رانندگی که بیمه گذار طبق مقررات راهنمایی و رانندگی در ایجاد آن مقصر شناخته می‌شود منجر به مصدومیت شخص ثالث گردد ،تعهد و مسئولیت بیمه گر در مورد جبران خسارت شخص ثالث محدود به میزان تاثیر تقصیر بیمه گذار در ایجاد مصدومیت و خسارات ناشی از آن است ماده ۹ ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلفند با همکاری و هماهنگی وزارتخانه های صنایع و معادن ، راه و ترابری وکشور نسبت به ترویج و ارتقای فرهنگ استفاده از کمربند و کلاه ایمنی و آموزش‌های مربوط اقدام نمایند. ماده ۱۰ ـ به منظور ارزیابی و پی‌گیری اقدامات انجام شده موضوع ماده ۷ این آیین نامه کمیته ای مرکب از نمایندگان دستگاههای موضوع ماده یاد شده و نماینده نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی در محل وزارت کشور تشکیل و نتیجه هر شش ماه یک بار به هیات وزیران اعلام می‌شود. ماده ۱۱ ـ وزارتخانه های صنایع و معادن و بازرگانی مکلفند نسبت به تولید و تامین کمربند و کلاه ایمنی استاندارد حسب نیاز کشور اقدام نمایند. ماده ۱۲ ـ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعتبار لازم را برای اجرای هر چه بهتر مفاد این آیین نامه در لایحه بودجه هر سال پیش بینی می کند. ماده ۱۳ ـ زمان‌بندی اجرای این آیین نامه با توجه به زمان لازم‌الاجرا شدن آن به شرح زیر تعیین‌می‌شود: الف ـ در مورد اتوبوس ها و مینی بوس ها دو سال ب ـ در مورد کامیون ها دو سال پ ـ در مورد انواع دیگر خودروهای در حال عبور از کمربندی ها و بزرگراه های درون شهری شش ماه ت ـ در مورد خودروهای شخصی در حال عبور از جاده های بین شهری سه ماه

آیین نامه اجرایی قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری – مصوب ۹/۳/۱۳۸۰

ماده ۱ ـ در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف ـ سازمان سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور ب ـ راننده رانندگان خودروهای حمل بار و مسافر بین شهری که دارای گواهینامه رانندگی معتبر و متناسب با نوع وسیله نقلیه عمومی بین شهری بوده و دفترچه کار رانندگی آنها توسط سازمان صادر شده باشد. پ ـ دفترچه کار رانندگان معتبر ، بارنامه و صورت وضعیت مسافر: تعاریف مذکور در قوانین و مقررات مربوط به حمل و نقل جاده‌ای ت ـ قانون قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ ث ـ دستمزد مقطوع درآمد ماهانه ای که طبق ماده ۳۵) قانون برای راننده تعیین می‌شود و مبنای دریافت حق بیمه و ارایه خدمات قانونی قرار می گیرد. ج ـ قانون بیمه اجتماعی رانندگان قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری مصوب ۱۳۷۹ ماده ۲ ـ نرخ حق بیمه راننده مطابق ماده (۲۸) قانون تعیین می‌شود. ماده ۳ ـ راننده به ترتیب زیر مشمول قانون بیمه اجتماعی رانندگان قرار می گیرد: الف ـ کلیه رانندگانی که تا تاریخ تصویب این آیین نامه از طریق بارنامه و صورت وضعیت ، حق بیمه پرداخت نموده‌اند و دارای دفترچه کار معتبر رانندگی از طرف سازمان می‌باشند مشمول قانون بیمه اجتماعی رانندگان بوده و مکلفند حق بیمه مربوط را رأسا پرداخت نمایند. تبصره ـ حق بیمه پرداخت شده بر اساس بارنامه و یا صورت وضعیت مسافری تا تاریخ تصویب این آیین نامه جزو سوابق بیمه ای راننده محسوب می‌شود. ب ـ رانندگانی که فاقد شرایط بند (الف این ماده هستند و از تاریخ تصویب این آیین نامه به بعد درخواست صدور دفترچه کار را دارند ، باید درخواست کتبی خود را همراه با گواهینامه معتبر رانندگی و سایر مدارک شناسایی به سازمان تامین اجتماعی ارایه نمایند. سازمان تامین اجتماعی پس از انجام معاینات پزشکی و با دریافت وجوهی معادل سه ماه حق بیمه زمان درخواست که جنبه علی الحساب خواهد داشت شماره شناسایی به راننده اختصاص داده و او راجهت دریافت دفترچه کار رانندگی به سازمان معرفی می‌نماید. راننده معرفی شده پس از دریافت دفترچه کار رانندگی معتبر از سازمان و از تاریخ صدور دفترچه مشمول قانون بیمه اجتماعی رانندگان قرار می گیرد. تبصره ـ وجه دریافتی از افراد معرفی شده به سازمان که دفترچه رانندگی از سازمان دریافت ننمایند پس از کسر هزینه‌های اداری قابل استرداد خواهد بود. ماده ۴ ـ رانندگانی که بر اساس این آیین نامه بیمه شده‌اند ، مکلفند شخصا حق بیمه سهم بیمه‌شده و کارفرما ، مربوط

به ماههای آتی را (حداقل حق بیمه سه ماه که بر مبنای دستمزد مقطوع تعیین می‌شود ، حداکثر تا پایان ماه بعد از آخرین ماهی که حق بیمه مربوط قبلاـ پرداخت شده‌است ، به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمایند ، چنانچه حق بیمه مربوط به فاصله زمانی که راننده دارای دفترچه کار معتبر بوده است ظرف مهلت مقرر در این ماده پرداخت نگردد ، اصل حق بیمه و خسارت تاخیر تادیه (متفرعات طبق ماده (۵۰) قانون از وی قابل وصول خواهد بود. ماده ۵ ـ سازمان با اخذ تاییدیه پرداخت حق بیمه از سازمان تامین اجتماعی و پس از احراز شرایط زیر نسبت به صدور تمدید یا تجدید دفترچه کار رانندگی اقدام می کند: الف ـ داشتن گواهینامه معتبر رانندگی متناسب با وسیله نقلیه ب ـ داشتن حداقل مدرک تحصیلی پایان دوره ابتدایی یا دوره نهضت سوادآموزی پ ـ داشتن کارت سلامت از مراجع ذی صلاح تبصره ـ سازمان مکلف است در صورتی که میزان تخلفات راننده از نظر نوع و تعداد از حدمجاز که میزان آن بر اساس دستورالعمل مشترک وزارتخانه های راه و ترابری و کشور (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود ، تجاوز نماید از تمدید دفترچه کار رانندگی وی برای مدت معین و یا نامحدود خودداری نماید. ماده ۶ ـ شرکتها و موسسات حمل بار و مسافر بین شهری مکلفند از تحویل کالا یا مسافر به راننده فاقد دفترچه کار معتبر خودداری نمایند و در صورت تخلف برای بار اول مکلف به پرداخت معادل ۳ ماه حق بیمه یک راننده به ازای هر بار نامه و یا صورت وضعیت مسافر و درصورت تکرار به پرداخت معادل یکسال حق بیمه یک راننده به سازمان تامین اجتماعی‌می‌باشند. سازمان تامین اجتماعی حق بیمه مذکور را طبق ماده (۵۰) قانون از شرکتها وموسسات متخلف وصول می‌نماید. ماده ۷ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و پلیس راه مکلفند به هنگام تردد وسایط نقلیه باربری و مسافربری ، دفترچه کار رانندگان را کنترل و در صورت عدم ارایه یا فقدان اعتبار آن طبق ماده (۷) قانون (الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه ـ مصوب ۱۳۶۸) برخورد نموده و مشخصات راننده ، بارنامه یا صورت وضعیت و همچنین مشخصات و آدرس شرکت و موسسه حمل ونقل صادر کننده بارنامه یا صورت وضعیت را به اداره تامین اجتماعی محل اعلام نمایند. ماده ۸ ـ رانندگان مشمول قانون به استثنای رانندگان موضوع ماده ۳ این آیین نامه و شاغلان و بازنشستگان وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نیروهای نظامی و انتظامی که مشمول قانون خاص حمایتی هستند از شمول این آیین نامه مستثنا خواهند بود.

آیین نامه اجرایی قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت‌های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی – مصوب ۱۳۷۵

فصل اول ـ نحوه احراز مالکیت و شماره گذاری (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ در مورد موتور سیکلت هایی که اسناد و مدارک مالکیت آنها (برگ فروش شرکت یاکارخانه سازنده برگ فروش سازمان یا ارگان دولتی و سند رسمی) به نام متصرف نیست ومتصرف دسترسی به‌مالک ندارد و قادر به‌معرفی وی نمی‌باشد همچنین موتورسیکلت های فاقد مالکیت رسمی ، ضمن بازدید کاردان فنی نظریه اداره آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، نظریه مرجع صادر کننده برگ فروش در مورد اصالت سند ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی که به تایید دفتر اسناد رسمی رسیده باشد اخذ و شماره‌گذاری با رعایت ضوابط قانونی انجام می‌شود. ماده ۲ ـ در مورد موتور سیکلت هایی که فاقد هرگونه اسناد و مدارک مالکیت می‌باشند، پس از بازدید کاردان فنی نظریه آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی و ضمانت معتبر که امضای ضامن توسط دفتر اسناد رسمی گواهی شده باشد ،شماره گذاری می‌شود. ماده ۳ ـ موتورسیکلت هایی که متصرفان آنها جهت شماره گذاری مراجعه می نمایند برابر فرم تنظیمی پیوست این آیین نامه در دو نسخه احراز مالکیت شده و شماره‌گذاری به نام متصرف برابر مقررات انجام می‌شود.

فصل دوم ـ نحوه نگهداری موتورسیکلت‌های توقیف شده و تعیین تکلیف آنها (ماده ۴ تا ۶)

ماده ۴ ـ روش اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون یاد شده شامل نحوه اقدام مأموران انتظامی ، روش انتقال موتورسیکلت ها به توقفگاه و چگونگی نگهداری مناسب موتورسیکلت های توقیف شده طی دستورالعملی خواهد بود که توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به واحدهای اجرایی ذی ربط ابلاغ خواهد شد ، نیروی انتظامی‌جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در صورتی که توقفگاه لازم و مناسب در اختیار نداشته باشد ، باهماهنگی لازم از توقفگاههای شهرداری استفاده نماید. ماده ۵ ـ متصرفان موتورسیکلت‌هایی که به موجب ماده (۴) این آیین نامه توقیف شده‌اند موظفند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ توقیف ، با در دست داشتن اسناد و مدارک مربوط به‌منظور تعیین تکلیف موتورسیکلت های خود به واحد شماره‌گذاری مراجعه نمایند. ماده ۶ ـ تکلیف موتورسیکلت‌هایی که در اجرای قانون یادشده در توقفگاه ها توقیف گردیده و مالکیت آنها به ترتیبی که در مواد (۱) ، (۲) و (۳) این آیین نامه درج گردیده به اثبات نمی‌رسد یا مدعی مالکیت مراجعه نمی کند ، پس از انقضای مهلت شش ماه از تاریخ توقیف ضمن هماهنگی با مقامات قضایی مشخص می‌شود.

فصل سوم ـ وجوه دریافتی از متقاضیان بابت ایجاد تسهیلات لازم و نحوه هزینه آن (ماده ۷ تا ۱۱

ماده ۷ ـ در اجرای تبصره (۲) قانون یاد شده جهت شماره‌گذاری هر دستگاه موتورسیکلت مبلغ پنجاه هزار ریال پس از احراز مالکیت و قبل از شماره‌گذاری از مالک اخذ و به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود. ماده ۸ ـ به ازای هر روز توقف موتورسیکلت در توقفگاه ، متناسب با عرف روز از مالک یا متصرف آن هزینه نگهداری دریافت و درآمد حاصل شده به مالک حقیقی یا حقوقی توقفگاه تعلق خواهد گرفت ماده ۹ ـ نقل و انتقال موتورسیکلت قبل از شماره گذاری ممنوع می‌باشد. در صورتی که دفاتر اسناد رسمی مبادرت به نقل و انتقال این قبیل موتورسیکلت ها نمایند با آنها برابر مقررات رفتار خواهد شد. ماده ۱۰ ـ پس از اقدام به شماره گذاری چنانچه شماره مفقود گردد صدورالمثنی تابع مقررات راجع به صدور شماره المثنی برای خودروها خواهد بود. ماده ۱۱ ـ هر نوع جعل و تزویر نسبت به اسناد فوق الذکر جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد.

اصلاح آیینامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی – مصوب ۱۳۸۴

نظر به اینکه در آییننامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی، موضوع تصویبنامه شماره ۶۵۸۰۶/ت۳۰۶۰۸هـ مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۸۳ که براساس طرح پیشنهادی تنظیم و ابلاغ گردیده است، بند (۱۰) ماده (۹) و واژه « ناحیه» در بند (ب) ماده (۱) به اشتباه تحریر شده است، لذا مراتب جهت اصلاح اعلام میگردد. دبیر هیأت دولت ـ عبداله رمضانزاده

آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی – مصوب ۱۳۸۴

هیئتوزیران در جلسه مورخ ۱۸/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانههای راه و ترابری و کشور و به استناد بند (۴) ماده (۱۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸۰ ـ، آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی فصل اول ـ تعریف‌ها ماده ۱ـ اصطلاحاتی که در این آیین‌نامه، دستورالعمل‌ها و پیوست‌های مربوط به‌کار

رفته‌اند، دارای معانی مشروح زیر می‌باشند: ۱ـ آزادراه: آزادراه به راهی گفته می‌شود که حداقل دارای دو خط اتومبیل‌رو و یک شانه حداقل به عرض سه متر برای هر طرف رفت و برگشت بوده و دو طرف آن به نحوی محصور بوده و در تمام طول آزادراه از هم کاملاًـ مجزا باشد و ارتباط آنها با هم تنها به‌وسیله راه‌های فرعی که از زیر یا بالای آزادراه عبور کند تأمین شود و هیچ راه دیگری آن را قطع نکند. ۲ـ ابطال گواهی‌نامه: سلب اعتبار قانونی گواهی‌نامه رانندگی. ۳ـ اتومبیل: هر نوع خودرو که لااقل دارای دو چرخ در جلو و دو چرخ دیگر در عقب بوده و برای حمل بار یا انسان به کار رود. ۴ـ اتومبیل آموزشی: خودرویی است که برای آموزش رانندگی اختصاص داده شده و باید دارای دو پدال کلاچ و دو پدال ترمز، دو آیینه، تابلوی ویژه روی سقف و علایم مشخص روی بدنه و متعلق و یا تحت پوشش یکی از آموزشگاه‌های مجاز آموزش رانندگی باشد. ۵ـ اتومبیل مدارس: خودرویی جمعی است که برای رفت و آمد دانش‌آموزان مدارس اختصاص داده شده است و دارای رنگ و علایم مشخص‌کننده می‌باشد. ۶ـ ارتفاع چراغ: فاصله مرکز چراغ خودرو بدون بار یا مسافر تا کف راه. ۷ـ اعتبار برگ معاینه فنی: زمان درج شده در متن برگ معاینه فنی وسیله‌نقلیه است. ۸ـ اوراق کردن وسیله‌نقلیه: عبارت است از جداکردن قطعات اصلی وسیله‌نقلیه، امحای شماره‌های شناسایی (در مورد شاسی به صورت برش) و بریدن سقف یا ستون‌های اتاق و یا پرس اتاق آن و فک و اخذ پلاک‌ها و ابطال اسناد مربوط. ۹ـ ایستادن: ایست وسیله‌نقلیه در زمان کوتاه. ۱۰ـ ایستادن ممنوع (توقف مطلقاً ممنوع): ایست وسیله‌نقلیه برای هر مدت ممنوع است. ۱۱ ـ بارکش: هر نوع خودرویی که برای حمل بار ساخته شده است و دارای انواع زیر است: الف ـ کامیون: وسیلهنقلیه موتوری باری که قسمت بارگیر آن به صورت پیوسته به‌کشنده متصل است. کامیون‌ها به طور کلی با وضعیت حداقل دو محور وجود داشته و ظرفیت حمل ۶ تن بار و بیشتر دارند. الف ـ ۱: کامیون اتاق‌دار: کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اتاق بار آن از کف اتاق ۵/۱ متر باشد. الف ـ ۲ـ کامیون لبه‌دار: کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اتاق بار آن از کف اتاق ۸۰ سانتیمتر باشد. الف ـ ۳ـ کامیون تیغه‌دار: کامیونی که قسمت بار آن به وسیله تیغه‌ای طولی به دو نیمه مساوی تقسیم شده باشد. الف ـ ۴ـ کامیون کفی: کامیونی که قسمت بار آن دیواره نداشته باشد. الف ـ ۵ ـ کامیون سقف‌دار (مسقف): کامیونی که قسمت بار آن به صورت محفظه سرپوشیده ساخته شده است. الف ـ ۶ ـ کامیون یخچال‌دار: کامیون سقف‌داری که قسمت بار آن دارای تجهیزات سردکننده باشد. الف ـ ۷ـ کامیون تانکر (باری مخزنی): کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع مایعات ساخته شده است. الف ـ ۸ ـ کامیون بونکر: کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع جامدات شکل‌پذیر (فله) ساخته شده است. الف ـ ۹ـ کامیون مخلوط‌کن (میکسر): کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و دارای دستگاه مخلوط‌کن باشد. الف ـ ۱۰ ـ کامیون کمپرسی: کامیون اتاق‌داری که تخلیه بار آن به وسیله دستگاه کمپرس انجام می‌شود. الف ـ ۱۱ ـ کامیونت: به دو صورت زیر وجود دارد: ۱۱ ـ ۱ـ خودروی ون باربری: وسیله‌نقلیه موتوری باری است که اتاق راننده و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه و بر روی یک شاسی باشد و مجموع وزن وسیله‌نقلیه و ظرفیت حمل بار آن از ۵/۳ تن تا کمتر از ۵ تن است. ۱۱ـ ۲ـ لوری: وسیله‌نقلیه موتوری باری است که اتاق راننده و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه و بر روی یک شاسی باشد و مجموع وزن وسیله‌نقلیه و ظرفیت حمل بار آن از ۵ تن تا کمتر از ۶ تن است. الف ـ ۱۲ـ کشنده: وسیله‌نقلیه‌ایست که یدک و یا نیمه‌یدک را به دنبال خود کشیده و به حرکت در می‌آورد. الف ـ ۱۳ ـ وانت دوکابین: وسیلهنقلیه موتوری دومنظوره که اتاق راننده و سرنشینان و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه باشد و برای حمل بار و اشخاص به کار می‌رود. الف ـ ۱۴ ـ وانت یک کابین: وسیلهنقلیه موتوری که اتاق راننده و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه و بر روی یک شاسی باشد و برای حمل بار ساخته شده و مجموع وزن خودرو و ظرفیت حمل بار آن کمتر از ۵/۳ تن است. ب ـ تریلر (یدک): عبارت از وسیلهنقلیه است که با یک وسیلهنقلیه موتوری کشیده می‌شود. پ ـ نیمه تریلر (نیمه یدک): عبارت از یدکی است که به یک وسیلهنقلیه دیگر بهطوری متصل می‌گردد که بخشی از وزن بار آن به وسیله کامیون یا کامیون‌های کشنده حمل می‌شود. ۱۲ ـ برگ یا برچسب معاینه فنی:

گواهی انجام معاینه فنی که از سوی ستادهای معاینه فنی خودرو یا مراکز فنی مجاز صادر و برگه به درخواست‌کننده تحویل و برچسب به سمت راست شیشه جلو الصاق می‌گردد. ۱۳ ـ بزرگراه: راهی است که حداقل دارای دو خط عبور در هر طرف بوده و ترافیک دو طرف آن به وسیله موانع فیزیکی از هم جدا شده باشد و به طور معمول دارای تقاطع‌های غیرهمسطح است. بزرگراه می‌تواند تعداد معدودی تقاطع همسطح کنترل شده داشته باشد. ۱۴ ـ پلاک: قطعه فلزی است با ابعاد، طرح و رنگ‌های زمینه مختلف که شماره روی آن حک می‌شود و انواع آن عبارتند از: شخصی، دولتی، عمومی، سیاسی، سرویس، کنسولی، نظامی ـ انتظامی، تعمیری، گذرموقت، بین‌المللی، ترانزیت، کشاورزی ـ عمرانی و ویژه. ۱۵ـ پلاک غیرمجاز: پلاک‌های غیرمجاز عبارتند از: الف ـ پلاکی که به موجب آگهی قبلی معاونت راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، که از این پس در این آیین‌نامه به اختصار راهنمایی و رانندگی گفته می‌شود، باید تجدید گردد. ب ـ پلاکی که در کشور خارجی روی وسیله‌نقلیه نصب شده و پس از ورود به ایران با وجود سپری شدن مدت اعتبار آن تعویض نشده باشد. پ ـ پلاک بین‌المللی که برای مسافرت با اتومبیل به خارج از کشور از سوی راهنمایی و رانندگی صادر و به اتومبیل‌های پلاک داخلی داده می‌شود و استفاده از آن در کشور ممنوع است. ت ـ پلاکی که اشخاص در ارقام و مشخصات اولیه آن تغییر ایجاد کنند و یا پلاک وسیلهنقلیه دیگری به یک وسیلهنقلیه الصاق گردد و یا برای آن پلاک تقلبی بـه‌کار برده شود. ث ـ پلاک دست ساز و دست نوشته‌ای که بدون مجوز راهنمایی و رانندگی به‌کار برده می‌شود. ج ـ پلاک خودرویی که با اعلام مراجع صلاحیت‌دار فرسوده اعلام می‌شود. ۱۶ـ پلیس راه: واحدهایی از راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که نظارت و کنترل بر اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در جاده‌های کشور دارند. ۱۷ـ پلیس مدرسه: دانش‌آموز آموزش دیده‌ای که با لباس ویژه و تجهیزات تعیین شده از طرف مسئولین مدرسه برای عبور ایمن دانش‌آموزان از عرض سواره‌رو راه‌ها مأمور می‌گردد. ۱۸ ـ پیاده: شخصی غیرسوار که بدون استفاده از هیچ نوع وسیله نقلیه موتوری یا غیرموتوری حرکت می‌نماید و یا مبادرت به جابه‌جایی کالسکه، چرخ دستی، جامه‌دان، سبدهای چرخدار و مانند آن می‌نماید. ۱۹ ـ پیاده‌رو: بخشی جداشده از خیابان که در امتداد آن واقع‌شده و برای عبور و مرور پیادگان اختصاص یافته است. ۲۰ـ پیچ (قوس افقی): انحراف مستقیم راه در سطح افق. ۲۱ ـ ترافیک (شدآمد): آمدوشد وسایل نقلیه و اشخاص و حیوانات در راه‌ها. ۲۲ـ تراموا (قطار خیابانی): قطاری شهری است که به طور معمول در خطوط ریلی واقع در سطح سواره‌رو وسایل نقلیه دیگر حرکت می‌نماید. ۲۳ ـ تقاطع: محدوده‌ای است که در آن دو یا چند مسیر به صورت همسطح یا غیرهمسطح با یکدیگر تلاقی می‌کنند. ۲۴ ـ توقف: ایست وسیلهنقلیه در زمان طولانی بدون حضور راننده. ۲۵ ـ توقف‌سنج (پارکومتر): دستگاهی است که با انداختن سکه یا پرداخت حق توقف، استفاده از کارت‌های اعتباری یا روش‌های دیگر، اجازه توقف را در زمان معین به‌خودرو می‌دهد. ۲۶ ـ توقف ممنوع (پارکینگ ممنوع): توقف وسیلهنقلیه ممنوع است، جز برای سوار و پیاده کردن، مشروط به استقرار راننده در پشت فرمان. ۲۷ ـ توقیف گواهی‌نامه رانندگی: اخذ و ضبط گواهی‌نامه رانندگی و محروم نمودن موقت دارنده از مزایای قانونی آن. ۲۸ ـ جاده: راه خارج از شهر برای عبور و مرور. ۲۹ ـ جاده اصلی: راهی است که در برخورد با راه دیگر به طور معمول عریض‌تر است و با نصب علایم راهنمایی و رانندگی، اصلی تلقی می‌گردد. ۳۰ـ جاده خصوصی: راهی که اشخاص یا مؤسسات برای کاربرد شخصی ساخته‌اند و استفاده دیگران از آن منوط به اجازه مالک است. ۳۱ ـ جاده فرعی: راهی که از راه اصلی منشعب شده و یا به آن میپیوندد و به‌طور معمول کم عرض‌تر است و با نصب علایم راهنمایی و رانندگی، فرعی تلقی می‌شود. ۳۲ ـ چراغ توقف (چراغ ترمز): عبارت از چراغ‌هایی است که هنگام به کاربردن ترمز پایی برای کاهش سرعت یا توقف به کار می‌رود تا توجه لازم را به استفاده‌کنندگان از راه در پشت سر وسیله‌نقلیه بدهد. ۳۳ ـ چراغ جانبی جلو (چراغ‌های کوچک جلو): عبارت از چراغ‌هایی است که حضور وسیلهنقلیه و عرض آن را از سمت جلو نشان می‌دهد. ۳۴ ـ چراغ جانبی عقب (چراغ‌های کوچک عقب): عبارت از چراغ‌هایی است که حضور وسیلهنقلیه و عرض آن را از سمت عقب نشان می‌دهد. ۳۵ ـ چراغ

جانبی وسایل نقلیه طویل: عبارت از چراغ‌هایی است که در امتداد طول وسایل نقلیه طویل به کار می‌رود تا رانندگان وسایل نقلیه دیگر قادر به تشخیص طول آن شوند. این چراغ‌ها برای هر دو طرف در نظر گرفته شده و در قسمت عقب قرمز رنگ و در قسمت جلو زرد رنگ می‌باشند و در حدود هر ۳ متر از طول وسیله نقلیه نصب می‌شوند. ۳۶ ـ چراغ دنده عقب: عبارت از چراغی است که راننده وسیلهنقلیه به کار می‌برد تا راه را به طرف عقب وسیلهنقلیه روشن کرده و به این ترتیب به دیگر استفاده‌کنندگان از راه اخطار نماید که وسیلهنقلیه در حال راندن به عقب بوده و یا می‌خواهد به عقب براند. ۳۷ـ چراغ رانندگی (نوربالا): عبارتست از چراغ‌هایی که جلوی وسیلهنقلیه را تا فاصله دور روشن می‌کند. ۳۸ ـ چراغ راهنما: عبارت از چراغی است که راننده وسیلهنقلیه به کار می‌برد تا به دیگر استفاده‌کنندگان از راه اخطار نماید که راننده قصد تغییر جهت به راست و یا چپ، گردش و یا توقف را دارد. ۳۹ـ چراغ عبور (نور پایین): عبارتست از چراغ‌هایی که جلو وسیلهنقلیه را در فاصله نزدیک روشن می‌کند و موجب خیره شدن چشم یا ناراحتی رانندگانی که از طرف مقابل می‌آیند و دیگر استفاده‌کنندگان از راه نخواهد شد. ۴۰ـ چراغ مه: عبارت از چراغی است که در اتومبیل نصب شده و برای بهتر دیدن راه در هنگام مه و برف و باران سیل‌آسا و گرد وغبار و مانند آن به کار می‌رود. ۴۱ ـ چرخ فلزی: چرخی است که محل تماس آن با سطح زمین فلزی باشد. ۴۲ ـ حریم تقاطع: محدوده‌ای است در تقاطع راه‌ها که به منظور سهولت حرکت و ایمنی تردد اختصاص می‌یابد. ۴۳ ـ حق تقدم عبور: اولویت حق عبور وسیله‌نقلیه‌ای نسبت به وسایل نقلیه دیگر یا نسبت به پیادگان و بالعکس. ۴۴ـ خط ایست: خط‌کشی عرضی است که در ورودی تقاطع و به منظور تعیین مرز توقف وسایل نقلیه پیش از گذرگاه پیاده بر سطح راه ترسیم می‌شود. ۴۵ ـ خط تغییر سرعت: نوعی خط عبور که خودروهای ورودی به مسیر اصلی یا خروجی از آن می‌توانند در طول آن، سرعت خود را برای همگرایی و یا واگرایی با جریان ترافیک افزایش یا کاهش دهند. ۴۶ ـ خط عبور: بخشی از سواره‌رو است که در طول مسیر، به عبور یک ستون وسیلهنقلیه اختصاص یافته و با خط‌کشی حدود آن مشخص می‌گردد. یک راه می‌تواند در هر جهت یک یا چند خط عبور داشته که این خط‌های عبور از سمت راست به چپ از شماره یک به بالا شماره‌گذاری می‌شوند. ۴۷ـ خط عبور دوچرخه: عبارتست از مسیر ویژه دوچرخه در سطح معابر که با تابلو، خط‌کشی و یا رنگ حدود آن مشخص می‌گردد. ۴۸ ـ خط کمکی: خط عبوری است که به منظور تغییر سرعت، انجام حرکات گردشی و یا افزایش ظرفیت راه، در کنار خط عبور ایجاد می‌شود. ۴۹ـ خط ویژه: مسیری است که به وسیله خط‌کشی با رنگ متفاوت از خطوط دیگر و یا علایم و یا موانعی از بقیه مسیرها مشخص گردیده و برای عبور و مرور یک یا چند نوع وسیلهنقلیه اختصاص دارد. ۵۰ ـ خم (قوس عمودی): انحراف مسیر مستقیم راه در سطح قائم. ۵۱ ـ خودرو: هر نوع وسیلهنقلیه قابل حرکت در راه‌ها که نیروی محرکه آن از موتور باشد، به استثنای وسایل نقلیه ریل‌رو و عبارتند از: الف ـ سواری: خودرویی است که برای حمل انسان ساخته شده و ظرفیت آن با راننده حداکثر ۶ نفر است. ب ـ سواری استیشن (سفری): نوعی خودروسواری است که فضای بار با فضای سرنشین یکسره باشد و ظرفیت آن با راننده حداقل ۷ و حداکثر ۹ نفر است. پ ـ سواری‌کار: اتومبیلی است دو دیفرانسیل کمک‌دار با اتاق جدا از شاسی یا اتومبیلی که ظرفیت آن با راننده بین ۱۰ تا ۱۵ نفر باشد. ت ـ اتوبوس: هر نوع وسیلهنقلیه موتوری مسافربری که ظرفیت آن با راننده و کمک‌راننده ۲۷ نفر یا بیشتر باشد. ث ـ اتوبوس برقی: اتوبوسی که نیروی محرکه آن به وسیله باتری یا نیروی برق تامین می‌شود. ج ـ اتوبوس دو طبقه: وسیلهنقلیه موتوری مسافربری که قسمت حمل مسافر آن در دو طبقه جداگانه روی هم و با یک سازه مشترک بوده و ظرفیت آن با راننده حداقل ۲۷ نفر است. چ ـ مینی‌بوس: خودروی مسافربری است که ظرفیت آن با راننده بین ۱۶ تا ۲۶ نفر می‌باشد. ح ـ تراکتور: نوعی خودرو است که برای کارهای کشاورزی، صنعتی و عمرانی مانند شخم‌زدن، حفاری، بارگیری و کشیدن دنباله‌بند و غیره به کار می‌رود. ۵۲ ـ خیابان: راه عبور و مرور در محل سکونت و فعالیت مردم که عرض آن بیش از ۶ متر باشد. ۵۳ ـ خیابان اصلی: راهی است که در برخورد با راه‌های دیگر عرض سواره روی آن بیشتر است و یا با نصب علایم راهنمایی و رانندگی، اصلی تلقی شده و در غیر این صورت در سمت راست راه

دیگر قرار دارد. ۵۴ ـ خیابان فرعی: راهی است که در برخورد با راه‌های دیگر، عرض سواره روی آن کمتر است و یا با نصب علایم راهنمایی و رانندگی، فرعی تلقی شده و در غیر این صورت در سمت چپ راه دیگر قرارگرفته باشد. ۵۵ ـ دستگاه تهویه: به دستگاه‌هایی اعم از پنکه، کولر و یا بخاری گفته می‌شود که هوای درون وسیلهنقلیه را جابه‌جا و یا دمای آن را کاهش یا افزایش دهد. ۵۶ ـ راننده: کسی که هدایت وسیلهنقلیه موتوری و غیرموتوری و همچنین حرکت دادن حیوانات را به صورت واحد یا گله و رمه برعهده داشته باشد. ۵۷ ـ راه: عبارتست از تمامی سطح خیابان، جاده، کوچه و کلیه معابری که برای عبور و مرور عموم اختصاص داده می‌شود. ۵۸ ـ راه‌آهن: ریل‌های آهنی موازی ثابتی که قطار و وسایل نقلیه ریلی دیگر بر روی آن حرکت می‌کنند. ۵۹ ـ راه عمومی: به راه‌هایی گفته می‌شود که برای عبور و مرور عموم مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۶۰ ـ روز: از طلوع تا غروب آفتاب. ۶۱ ـ سازنده وسایل نقلیه: شخص یا مؤسسه یا کارخانه‌ای که وسایل نقلیه‌ای را که مطابق آیین‌نامه باید شماره‌گذاری شود می‌سازد، یا قطعات ساخته شده آنها را سوار (مونتاژ) می‌نماید. ۶۲ ـ ستاد معاینه فنی: تشکیلات متمرکز برای برنامه ریزی، هدایت، نظارت و کنترل فعالیت مراکز فنی معاینه خودرو و مراکز معاینه فنی مجاز که از سوی شهرداری‌ها و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای ایجاد می‌گردد. ۶۳ ـ سطح روشن: در مورد چراغ‌ها عبارت از سطح قابل دیدی است که نور از آن منتشر می‌شود و در مورد منعکس‌کننده نور عبارت از سطح قابل دیدی است که نور را منعکس می‌کند. ۶۴ ـ شانه راه: بخشی از بدنه راه است که در دو طرف خط‌های عبور رفت و برگشت قرار داشته و برای توقف اضطراری وسایل نقلیه به کار می‌رود. ۶۵ ـ شب: از غروب تا طلوع آفتاب. ۶۶ ـ شماره وسیلهنقلیه: عدد یک یا چند رقمی و حروفی که از طرف راهنمایی و رانندگی روی پلاک‌های ویژه منقوش و در عقب و جلوی وسیلهنقلیه نصب می‌شود. ۶۷ ـ شناسنامه خودرو: سندی است که مشخصات خودرو، مالک و نشانی کامل محل سکونت وی و تاریخ انتقالات و تغییرات انجام شده از سوی راهنمایی و رانندگی در آن درج و به آخرین مالک تسلیم می‌گردد. ۶۸ ـ شیب (سربالایی ـ سرازیری): تغییر تدریجی ارتفاع سطح تمام شده راه در امتداد طولی مسیر. ۶۹ ـ ظرفیت وسیلهنقلیه: وزن بار یا تعداد مسافری که از طرف کارخانه سازنده با تأیید وزارت صنایع و معادن برای وسیلهنقلیه تعیین گردیده است. ۷۰ ـ علایم: هر نوع علامت عمودی و افقی مانند تابلو، چراغ راهنمایی و رانندگی، خط‌کشی، نوشته و ترسیم، و همچنین تجهیزات هدایت‌کننده، سوت و حرکت دست و غیره که به وسیله مقامات صلاحیت‌دار برای کنترل و تنظیم عبور و مرور تعیین و به کار برده می‌شود. ۷۱ ـ قطار شهری: نوعی وسیله حمل ونقل عمومی است که در شهرها و حومه به جابه‌جایی مسافر پرداخته و به طور معمول با چرخ‌های فلزی بر روی ریل حرکت می‌کند. ۷۲ ـ قطعات و قسمت‌های اصلی: کلیه قسمت‌های اساسی وسیله نقلیه شامل محور، موتور، شاسی، اتاق و رنگ که تعویض آنها باعث تغییر مشخصات اساسی وسیله نقلیه می‌گردد. ۷۳ ـ کارت پارک: کارت یا برگه‌ای است که با پرداخت پول تهیه می‌گردد و به‌وسیله آن اجازه توقف در مکان و زمان معین به خودرو داده می‌شود. ۷۴ ـ کارت شناسایی خودرو: کارتی که مشخصات مالک و وسیله نقلیه شماره‌گذاری شده در آن ثبت و از سوی راهنمایی و رانندگی صادر و به مالک وسیله نقلیه تسلیم می‌گردد. ۷۵ ـ کاروان: کاروان یا خانه سیار وسیلهنقلیه غیرموتوری است که برای سکونت و یا کار استفاده شده و عرض آن از ۶/۲ متر و طول آن از ۱۲ متر بیشتر نباشد. ۷۶ ـ کلاه ایمنی: کلاهی است که راننده و سرنشین موتورسیکلت‌ها آن را برای محافظت سر خود در برابر ضربات احتمالی ناشی از بروز سوانح به کار می‌برند. ۷۷ـ کمربند ایمنی: تسمه‌ای که نیم‌تنه بالای راننده و هر یک از سرنشینان را تحت کنترل و مهار ایمن خود قرار می‌دهد تا در هنگام ضرورت، همچون کاهش ناگهانی سرعت یا توقف آنی خودرو که ممکن است ناشی از ترمز یا برخورد با جسم دیگر یا حوادث دیگر باشد، مانع از جداشدن سرنشینان و راننده از صندلی خود و اصابت به شیشه جلو یا دیگر قسمت‌های درونی و یا پرتاب شدن به بیرون خودرو شود و حداقل دارای دو نقطه اتکا باشد. ۷۸ ـ کوچه: راهی در مناطق مسکونی که عرض آن حداکثر ۶ متر باشد. ۷۹ ـ گذرگاه پیاده: گذرگاهی در تقاطع راه‌ها، امتداد پیاده‌روها، سواره‌روها، روگذرها یا زیرگذرها یا هر محل دیگری از سواره‌رو که به وسیله خط‌کشی یا میخکوبی یا

علایم دیگر، برای عبور پیادگان اختصاص داده شده است. ۸۰ ـ گواهی‌نامه بین‌المللی رانندگی: گواهی‌نامه‌ای است که به اعتبار گواهی‌نامه داخلی طبق مفاد قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده‌ها و کنوانسیون مربوط به علایم راهها ـ مصوب ۱۳۵۴ ـ توسط راهنمایی و رانندگی صادر می‌گردد و مدت اعتبار آن یک سال می‌باشد. ۸۱ ـ گواهی‌نامه رانندگی (پروانه رانندگی): اجازه‌نامه برای رانندگی وسایل‌نقلیه که از طرف راهنمایی و رانندگی به نام افراد صادر می‌شود. ۸۲ ـ مجوز رانندگی با وسایل نقلیه عمومی: اعم است از پروانه تاکسیرانی، بهره‌برداری، کارت و یا دفترچه کار (برگ فعالیت) که از طرف مراجع صلاحیت‌دار به نام اشخاص صادر و اجازه رانندگی با وسایل نقلیه عمومی را به آنان می‌دهد. ۸۳ ـ مرجع صلاحیت‌دار: وزارتخانه، سازمان، نهاد و دیگر دستگاههای مسئول که به موجب قانون و یا تصویب هیئت وزیران در موردی خاص وظایف و مسئولیت‌هایی به‌عهده آنها گذاشته شده است. ۸۴ ـ مراکز فنی مجاز: مراکزی که به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی با رعایت ضوابط و مقررات ستاد معاینه فنی وابسته به شهرداری و یا سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، حسب مورد برای انجام معاینه فنی وسایل نقلیه درون شهری و برون‌شهری ایجاد می‌گردد. ۸۵ ـ راههای شریانی درجه یک: معابری هستند که در طراحی و بهره‌برداری از آنها به جابه‌جایی وسایل نقلیه موتوری برتری داده می‌شود. این معابر ارتباط با راه‌های برون شهری را تأمین می‌نمایند. راه‌های شریانی درجه یک براساس نحوه کنترل دسترسی تقاطع‌ها به دو گروه آزادراه و بزرگراه تقسیم می‌گردند که ضوابط اجرایی آنها را شورای‌عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور تعیین می‌نماید. ۸۶ ـ راههای شریانی درجه دو: معابری هستند که در طراحی و بهره‌برداری از آنها به جابه‌جایی و دسترسی وسایل نقلیه موتوری برتری داده می‌شود. برای رعایت این برتری حرکت پیادگان از عرض خیابان کنترل می‌شود. راههای شریانی درجه دو شبکه اصلی راه های شهری را تشکیل می‌دهند که ضوابط اجرایی آنها را شورای‌عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور تعیین می‌نماید و عبارتند از: الف ـ شریانی اصلی: راهی است که ارتباط بین خیابان‌های جمع و پخش‌کننده و بزرگراهها را برقرار می‌کند. در این معابر فاصله‌های بین تقاطع‌ها نسبت به بزرگراهها کمتر است. ب ـ شریانی فرعی (خیابان جمع و پخش کننده): راهی است که ارتباط بین خیابان‌های محلی و خیابان‌های شریانی اصلی را برقرار می‌کنند. در این خیابان‌ها محل عبور عابران پیاده از عرض خیابان باید مشخص باشد. ۸۷ ـ راههای محلی: راه‌هایی هستند که در طراحی و بهره‌برداری از آنها نیازهای وسایل نقلیه و عابران پیاده، با اهمیت یکسان در نظر گرفته می‌شود و ارتباط بین کوچه‌ها و خیابان‌های شریانی فرعی را برقرار می‌کنند. ۸۸ ـ معاینه فنی: بازدید ظاهری و آزمایش‌های فنی برای تشخیص اصالت خودرو و سنجش میزان سلامت فنی، ایمنی و زیست محیطی وسیله نقلیه. ۸۹ ـ منطقه ممنوعه: منطقه و محلی که آمد و شد وسایل نقلیه در آنها به وسیله علایم خاص و یا اعلام قبلی مراجع صلاحیت‌دار ممنوع شده باشد. ۹۰ ـ منعکس‌کننده نور: عبارت از بازتاب کننده‌ای است که حضور وسیله نقلیه را از طریق انعکاس نوری که از چراغ وسیله نقلیه دیگر به آن تابیده می‌شود و یا از طریق انعکاس نور محیط، اعلام می‌دارد. ۹۱ ـ مواد خطرناک: هر نوع مواد رادیو اکتیو، منفجره، محترقه، مایعات و جامدات آتش‌زا یا سمّی و یا اسیدی، گازهای فشرده، زباله ویژه و فاضلاب و مانند آن. ۹۲ ـ موتورسیکلت: وسیله نقلیه‌ای برای حمل انسان که دارای دو یا سه چرخ با اتاقک پهلو (سایدکار) یا بدون آن و مجهز به یک موتور محرکه باشد. ۹۳ ـ موتورسیکلت گازی (موتور گازی): موتورسیکلتی است که هم دارای موتور و هم دارای ادوات پایی برای راندن باشد. ۹۴ ـ نقص فنی: هر نوع نقصان یا تغییر در وضعیت ظاهری و فنی وسیله نقلیه که موجب کاهش ضریب ایمنی در رانندگی و یا افزایش بیش از حد مجاز گازهای آلاینده هوا و یا آلودگی بیش از حد مجاز صدا گردد. ۹۵ ـ واحد انتظامی: منظور واحدهای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به صورت پاسگاهها و کلانتری‌ها در نقاط مختلف کشور مستقر هستند. ۹۶ ـ وزن با بار: وزن وسیله نقلیه به اضافه وزن بار آن. ۹۷ ـ وزن بارگیری شده: عبارت است از مجموع وزن مسافران و کارکنان و محمولات. ۹۸ ـ وزن بدون بار: عبارت است از وزن وسیله نقلیه بدون راننده و مسافر و بار ولی با مخزن پر از سوخت و با ابزار و آلاتی که به طور معمول وسیله نقلیه همراه دارد. ۹۹ ـ وسیله

نقلیه: وسایل موتوری و غیرموتوری و موتورسیکلت که برای جابجایی انسان و کالا در راه به کار می‌رود. ۱۰۰ ـ وسیله نقلیه امدادی: وسیله ویژه خدمات انتظامی، ترافیکی، پزشکی، آتش‌نشانی و امداد اضطراری آب، برق و گاز که به وسیله راهنمایی و رانندگی تعیین و با علایم ویژه مشخص می‌شود. ۱۰۱ ـ وسیله نقلیه طویل (Long Vehicle): وسیله نقلیه‌ای است که طول آن بیش از ۵/۱۲ متر باشد. ۱۰۲ ـ وسیله نقلیه عمرانی: وسیله نقلیه موتوری است که ویژه انجام کارهای فنی، عمرانی و مانند آن می‌باشد و شامل بلدوزر، گریدر، غلطک، اسکریپر (زمین تراش) و غیره است. ۱۰۳ ـ وسیله نقلیه غیرموتوری: هر نوع وسیله نقلیه‌ای که نیروی محرکه آن از موتور نباشد. ۱۰۴ـ وسیله نقلیه فوق سنگین: انواع خودرو و ادوات مربوط است که توانایی حمل محمولات وزین با وزن ناخالص بالاتر از ۴۰ تن و حجیم با حجمی با ابعاد مازاد بر اندازه‌های زیر را داشته باشد: طول ۵/۱۶ متر، عرض ۶/۲ متر و ارتفاع ۵/۴ متر. ۱۰۵ ـ وسیله نقلیه کشاورزی: به وسایل نقلیه موتوری گفته می‌شود که علاوه بر حمل و نقل خود، ادوات دیگر و دنباله بندهای کشاورزی را نیز جابه‌جا نموده و یا از نیروی محرکه تولیدی آنها برای انجام عملیات مختلف کشاورزی استفاده می‌شود و شامل انواع تراکتور، کمباین، تیلر و ماشین‌های خودکششی دیگر در بخش کشاورزی است. ۱۰۶ ـ وسیله نقلیه مرکب: عبارت است از چند وسیله نقلیه متصل به هم که به عنوان واحد در راه حرکت کنند. ۱۰۷ـ وسیله نقلیه مفصل‌دار: وسیله نقلیه‌ای است که شامل یک کشنده و یا وسیله‌نقلیه موتوری و یک نیمه یدک متصل به آن باشد که با بار یا محفظه حمل مسافر دارای عرض حداکثر ۶/۲ متر، طول حداکثر ۳۵/۱۸ متر، ارتفاع حداکثر ۵/۴ متر و وزن حداکثر ۴۰ تن است. ۱۰۸ـ وسیله نقلیه موتوری: هر نوع وسیله نقلیه‌ای که دارای حداقل یک چرخ در جلو و دو چرخ در عقب بوده و دارای موتور و سامانه انتقال قدرت است و برای حمل بار یا انسان به کار می‌رود که به آن خودرو نیز گفته می‌شود. فصل دوم ـ شماره‌گذاری ماده ۲ ـ هر وسیله نقلیه موتوری و غیرموتوری و یدک متصل که در راه‌ها حرکت می‌کند و همچنین وسایل نقلیه موتوری ویژه کشاورزی، صنعتی و عمرانی باید دارای شماره باشند. رانندگی با وسایل نقلیه‌ای که شماره یا پلاک نداشته یا دارای شماره و یا پلاک غیرمجاز باشند، ممنوع است، مگر این که پیشتر مجوز حرکت از راهنمایی و رانندگی دریافت کرده و همراه داشته باشند. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه از تردد خودروهای متخلف از این ماده، تا انجام شماره‌گذاری جلوگیری به عمل خواهند آورد. تبصره ۱ ـ تا زمانی که انجام عملیات شماره‌گذاری وسایل نقلیه کشاورزی، صنعتی و عمرانی به طور کامل از سوی راهنمایی و رانندگی صورت نپذیرفته است و پس از آن، تردد این وسایل براساس دستورالعملی که به تأیید وزارتخانه‌های کشور و راه و ترابری می‌رسد، انجام خواهد شد. تبصره ۲ ـ خودروها و موتورسیکلت‌ها و دوچرخه‌های ساخت داخل و وارداتی از نظر ایمنی و کیفیت باید استانداردهای مصوب مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران را دارا باشند و به علاوه از نظر آلودگی‌های زیست محیطی، استانداردهای مصوب شورای‌عالی حفاظت محیط زیست را رعایت نموده باشند. تبصره ۳ ـ تشخیص انواع وسایل نقلیه غیرموتوری که باید شماره‌گذاری شوند با راهنمایی و رانندگی است، مگر در مواردی که قانون خاصی وجود داشته باشد. ماده ۳ ـ مالک وسیله نقلیه موضوع ماده قبل مکلف است خود و یا به وسیله نماینده قانونی خود، با مراجعه به نزدیکترین واحد شماره‌گذاری یا مرکزی که به همین منظور تعیین و اعلام می‌گردد، مدارک لازم را ارایه نماید. واحد شماره‌گذاری پس از بررسی آنها، اقدام به تخصیص پلاک به شخص و تحویل آن می‌نماید. نصب پلاک با نظارت نماینده راهنمایی و رانندگی صورت میپذیرد. چگونگی انجام شماره‌گذاری شامل مدارک مورد نیاز و خدمات پس از شماره‌گذاری و عوارض و مالیات مصوب و مانند آنها در دستورالعمل مربوط از سوی راهنمایی و رانندگی مشخص و اعلام خواهد شد. تبصره ۱ ـ انواع پلاک‌ها و ابعاد و رنگ‌های آنها برای وسایل نقلیه مختلف در دستورالعمل یاد شده مشخص می‌گردد. تبصره ۲ ـ هرگاه اشخاص دیگری در مالکیت وسیله نقلیه شریک بوده و یا نسبت به آن حق عینی داشته باشند، نام و نشانی دقیق آنان نیز باید در درخواست قید شود. ماده ۴ ـ در موارد زیر راهنمایی و رانندگی از انجام عمل شماره‌گذاری خودداری می‌نماید: الف ـ در صورتی که مفاد تبصره (۲) ماده (۲) رعایت نشده باشد و یا اصالت وسیله‌نقلیه هنگام

بازدید به وسیله مأموران مربوط تأیید نگردد. ب ـ چنانچه مشخصات وسیله نقلیه با آنچه در اسناد مربوط ذکر شده مطابقت نداشته باشد. پ ـ اگر تخصیص شماره به نام مالک به دلایل قانونی ممنوع باشد. ت ـ چنانچه وسیله نقلیه، علایم و تجهیزات پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه را نداشته باشد. ث ـ هرگاه حقوق دولتی و عوارضی که به طور قانونی به وسیله نقلیه تعلق گرفته پرداخت نشده باشد. ج ـ در صورت نداشتن برگ معاینه فنی به استثنای وسایل نقلیه‌ای که از تاریخ ساخت آنها دو سال سپری نشده است. ماده ۵ ـ به هنگام نقل و انتقال مالکیت، اوراق شدن و یا از بین رفتن وسیله نقلیه، پلاک‌ها در واحد شماره‌گذاری یا مراکز مجاز از روی وسیله نقلیه فک و نزد راهنمایی و رانندگی نگهداری می‌شود. تبصره ـ در صورت خرید خودرو، صاحب پلاک‌ها یا نماینده قانونی وی باید برای دریافت مجوز نصب پلاک بر روی وسیله نقلیه خریداری شده به واحد شماره‌گذاری یا مراکز مجاز مراجعه نماید. ماده ۶ ـ اشخاص حقیقی یا حقوقی دارنده پلاک، مکلفند پس از گذشت حداکثر ده روز از زمان تغییر محل اقامت یا فعالیت، نشانی و کدپستی خود را به طور کتبی به‌نزدیکترین واحد شماره‌گذاری اعلام نمایند. مسئولیت‌های قانونی مربوط به اطلاع ندادن تغییر محل اقامت یا مرکز فعالیت به عهده مالک یا نماینده قانونی وی خواهد بود. ماده ۷ ـ در صورتی که وسیله نقلیه از سوی مراجع صلاحیت‌دار توقیف، تملیک، ضبط یا مصادره شود، باید مراتب حداکثر ظرف پانزده روز از سوی مرجع مربوط و یا منتقل‌الیه یا نماینده قانونی وی به واحد شماره‌گذاری محل اعلام گردد. ماده ۸ ـ چنانچه پلاک به نام شخص حقوقی باشد، مدیر مربوط مکلف است حداکثر ظرف ۴۸ ساعت پس از تاریخ درج آگهی انحلال در روزنامه، مراتب را به نزدیکترین واحد شماره‌گذاری به طور کتبی اعلام نماید. ماده ۹ـ در صورت فوت یا محجورشدن مالک وسیله نقلیه، بر حسب مورد، نماینده قانونی وراث با ارائه گواهی تسلیم دادخواست حصر وراثت به دادگاه، و یا وصی و یا قیم مکلف است حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ فوت یا حجر به نزدیکترین واحد شماره‌گذاری برای اعلام استفاده کننده مجاز از وسیله نقلیه مراجعه نماید. ماده ۱۰ ـ اشخاص مندرج در مواد (۸ و ۹) فوق مکلفند حداکثر ظرف مدت شش ماه، برای معرفی مالک و یا متصرف قانونی جدید وسیله نقلیه، به منظور تغییر مالکیت و ثبت آن، به راهنمایی و رانندگی مراجعه نمایند. مراجعه نکردن در مهلت مقرر و سپری شدن مدت یادشده موجب خواهد شد پلاک‌های وسیله نقلیه از درجه اعتبار ساقط و غیرمجاز تلقی شود. ماده ۱۱ ـ سازمان ثبت احوال کشور موظف است از طریق شبکه رایانه‌ای، اطلاعات فوت‌شدگان را حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ فوت در اختیار راهنمایی و رانندگی محل قراردهد. ماده ۱۲ ـ نصب پلاک بر روی وسیله نقلیه به طریق زیر انجام می‌گیرد: الف ـ برای وسایل نقلیه سه چرخ یا بیشتر با وزن خالی بیش از ۴۰۰ کیلوگرم، یک پلاک در جلو و پلاک دیگر در عقب آن نصب می‌شود. ب ـ بر روی وسایل نقلیه دو چرخ تنها یک پلاک، آن هم در عقب وسیله نقلیه نصب می‌گردد. پ ـ بر روی یدک‌ها و نیمه‌یدک‌ها یک پلاک در عقب نصب می‌گردد. ت ـ پلاک یا پلاک‌ها باید در محل تعیین شده نصب شوند. ماده ۱۳ ـ به همراه یک زوج پلاک، پلاک سوم وسیله نقلیه نیز به صورت برچسب از سوی راهنمایی و رانندگی یا اشخاص مورد تأیید او صادر و بر روی شیشه جلو یا عقب وسیله نقلیه نصب مـی‌گردد. این برچسب دارای اطلاعات شماره پلاک، تاریخ سپری شدن اعتبار پلاک، کد واحد شماره‌گذاری و شماره شناسایی وسیله نقلیه (Vehicle Identification Number- Vin) می‌باشد. پلاک سوم با هر بار تمدید اعتبار پلاک، نقل و انتقال مالکیت و تعویض قطعات اصلی و رنگ وسیله نقلیه با اطلاعات جدید تولید و جایگزین پلاک سوم پیشین خواهد شد. زمان اجرای این ماده را راهنمایی و رانندگی تعیین می‌نماید. ماده ۱۴ ـ در صورت مفقودشدن و یا سرقت پلاک، شماره پلاک یادشده از فهرست پلاک‌های فعال خارج و در فهرست پلاک‌های سرقتی و مفقودشده قرار داده خواهد شد. تخصیص پلاک جدید به مالک وسیله نقلیه پس از سیر مراحل موضوع دستورالعمل ماده (۳) این آیین‌نامه صورت خواهد گرفت. تبصره ـ برای پلاکی که زایل می‌شود، بنا به درخواست مالک و با مراجعه به واحد شماره‌گذاری براساس دستورالعمل یادشده پلاک جدید صادر می‌شود. ماده ۱۵ ـ راهنمایی و رانندگی پس از تخصیص شماره پلاک به مالک وسیله نقلیه و ورود اطلاعات مالک (شماره ملی) و وسیله نقلیه به

سامانه، کارت مشخصات و شناسنامه مالکیت وسیله نقلیه را صادر و بر حسب مورد، به نشانی (کدپستی) مالک ارسال و یا به وی تسلیم می‌نماید. ماده ۱۶ـ هرگاه پلاک، کارت مشخصات یا شناسنامه مالکیت وسیله نقلیه مفقود و یا از بین برود مالک یا نماینده قانونی وی مکلف است مراتب را حداکثر ظرف (۴۸) ساعت به واحد شماره‌گذاری راهنمایی و رانندگی و یا مراکز مجاز اعلام کند و اقدام به دریافت پلاک جدید، کارت مشخصات یا شناسنامه مالکیت المثنی نماید. ماده ۱۷ـ سازندگان و فروشندگان وسایل نقلیه موتوری موظفند به منظور عرضه و انتقال وسایل نقلیه از محلی به محل دیگر یا برای انجام آزمایش فنی وسیله نقلیه بدون انجام تشریفات شماره‌گذاری از راهنمایی و رانندگی پلاک ویژه دریافت نمایند. دستورالعمل مربوط به مدت اعتبار و همچنین نحوه استفاده از پلاک ویژه و چگونگی ارائه اطلاعات مورد نیاز از سوی راهنمایی و رانندگی تعیین و اعلام می‌گردد. ماده ۱۸ـ راهنمایی و رانندگی می‌تواند پلاک ویژه تحویلی به سازندگان یا فروشندگان وسایل نقلیه را، به علت نداشتن نیاز به استفاده یا استفاده برخلاف مقررات پس بگیرد. ماده ۱۹ـ کلیه کارخانجات سازنده و مونتاژ خودرو و موتورسیکلت مکلفند تولیدات خود را پیش از عرضه به بازار و فروش به اشخاص، با نظارت و برابر دستورالعمل اعلامی راهنمایی و رانندگی شماره‌گذاری نمایند. ماده ۲۰ـ هنگام نقل و انتقال مالکیت وسایل نقلیه، متعاملین یا قائم مقام قانونی آنها ابتدا درخواست خود را به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین شده ارایه می‌نمایند تا پس از احراز اصالت خودرو و تطبیق مدارک آنها، نسبت به فک پلاک منصوبه بر روی خودروی مورد معامله و اختصاص پلاک جدید و صدور شناسنامه جدید و ثبت تغییرات مزبور در نظام رایانه‌ای راهنمایی و رانندگی اقدام گردد. سپس مراتب به طور کتبی توسط راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین شده به دفتر اسناد رسمی جهت تنظیم سند رسمی انتقال، منعکس می‌گردد. کارت خودرو از سوی راهنمایی و رانندگی بعد از تأیید مراتب تنظیم سند در دفترخانه اسناد رسمی که بوسیله پست سفارشی یا رایانه‌ای به سیستم راهنمایی و رانندگی منعکس می‌شود، به خریدار تحویل می‌گردد. گواهی راهنمایی و رانندگی و شناسنامه صادره تا دو ماه اعتبار دارد و در خلال مدت مذکور متعاملین یا قائم‌مقام قانونی آنها موظفند برای ثبت معامله و درج آن در ذیل شناسنامه (محل مخصوص) به دفتر اسناد رسمی مراجعه نمایند. تبصره ـ شرایط و نحوه احراز صلاحیت مراکز مجاز موضوع این فصل و نحوه نظارت بر آنها به موجب دستورالعملی خواهد بود که با پیشنهاد راهنمایی و رانندگی به تصویب وزیر کشور می‌رسد. ماده ۲۱ـ مالک وسیله نقلیه چنانچه قصد تغییر رنگ یا تعویض هر یک از قطعات اصلی وسیله نقلیه شامل موتور، شاسی و اتاق را داشته باشد باید پیشتر مجوز لازم را از واحد شماره گذاری راهنمایی و رانندگی دریافت نماید. تبصره ـ وسایل نقلیه عمومی باری و مسافری مشمول مقررات مربوط می‌باشند. ماده ۲۲ـ تعویض قطعات اصلی و همچنین تغییر رنگ وسایل نقلیه وارداتی پیش از شماره‌گذاری نیز منوط به دریافت مجوز کتبی از واحدهای شماره گذاری می‌باشد. ماده ۲۳ـ در صورت سرقت، مفقود شدن و یا اگر به هر علتی وسیله نقلیه‌ای مورد تصرف غیرقانونی قرار گیرد، مالک و یا نماینده قانونی وی مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین واحد انتظامی اعلام نماید. ماده ۲۴ـ هرگاه پلاک به اشتباه بر روی وسیله نقلیه نصب شده باشد، راهنمایی و رانندگی موظف است پلاک مالک وسیله نقلیه را اخذ و پس از رفع اشتباه پلاک را بازگرداند. ماده ۲۵ـ هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند به تعداد وسایل نقلیه ملکی خود مطابق ماده (۳) پلاک دریافت نماید. نقل و انتقال هر یک از وسایل نقلیه تابع مقررات این آیین‌نامه خواهدبود. فصل سوم ـ گواهی‌نامه رانندگی ماده ۲۶ـ هر کس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری زمینی رانندگی نماید باید گواهی نامه متناسب رانندگی با آن وسیله نقلیه را دارا باشد با متخلفان برابر قوانین و مقررات رفتار می‌شود. ماده ۲۷ـ انواع گواهی‌نامه‌های رانندگی به شرح جدول پیوست شماره (۱) و توضیحات آن است، که با شرایط زیر از سوی راهنمایی و رانندگی صادر می‌شود: الف ـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی‌نامه موتورسیکلت گازی یا موتور گازی (گواهی‌نامه الف ـ۱) ۱ـ حداقل سن ۱۵ سال تمام. ۲ـ ارائه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۳ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با موتور گازی. ب ـ شرایط

شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی‌نامه موتورسیکلت‌های با حجم موتور تا ۲۰۰ سی‌سی (گواهی‌نامه الف ـ۲) ۱ـ حداقل سن ۱۷ سال تمام. ۲ـ ارائه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۳ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با موتورسیکلت مربوط. پ ـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی نامه موتورسیکلت‌های با حجم موتور بالای ۲۰۰ سی‌سی و سه چرخ با وزن تا ۴۰۰ کیلوگرم (گواهی نامه الف ـ۳) ۱ـ حداقل سن ۱۸ سال تمام. ۲ـ ارائه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۳ـ دارا بودن گواهی‌نامه موتورسیکلت تا ۲۰۰ سی‌سی حجم موتور (الف ـ۲) که حداقل یک سال تمام از تاریخ صدور آن گذشته باشد. ۴ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با وسیله نقلیه مربوط. ت ـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی نامه (گواهی نامه ب ـ۱) ۱ـ حداقل سن ۱۸ سال تمام. ۲ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۳ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با وسیله نقلیه مربوط، این نوع گواهی نامه برای درخواست کنندگان در اولین مرحله با اعتبار موقت یک ساله صادر می‌شود و در مدت یاد شده دارنده آن مکلف به رعایت محدودیت‌ها و شرایط ویژه‌ای می‌باشد که در صورت رعایت آنها و رعایت مقررات این آیین نامه و مرتکب نشدن تخلف، به گواهی‌نامه رانندگی با اعتبار موضوع تبصره (۶) این ماده تبدیل خواهد شد. شرایط و ضوابط مربوط به رانندگی با گواهی نامه موقت و نحوه تبدیل آن، به موجب دستورالعملی است که به پیشنهاد راهنمایی و رانندگی و تصویب وزیر کشور، مشخص و اعلام می گردد. ث ـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی نامه (ب ـ ۲) ۱ـ حداقل سن ۲۱ سال تمام. ۲ـ سپری شدن حداقل دو سال تمام از تاریخ دریافت گواهی نامه رانندگی (ب ـ۱). ۳ ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۴ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با وسیله نقلیه مربوط. ج ـ شرایط شرکت درازمایش‌ها و صدور گواهی نامه (پ ـ۱) ۱ـ حداقل سن ۲۳ سال تمام. ۲ـ سپری شدن حداقل دو سال تمام از تاریخ دریافت گواهی نامه رانندگی (ب ـ۱). ۳ ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۴ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با وسیله نقلیه مربوط. چ ـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی نامه (پ ـ ۲) ۱ـ حداقل سن ۲۳ سال تمام. ۲ـ سپری شدن حداقل دو سال تمام از تاریخ دریافت گواهی‌نامه رانندگی (ب ـ۲). ۳ ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۴ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی با وسیله نقلیه مربوط. ح ـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی نامه (ت ـ ۱) ۱ـ حداقل سن ۲۵ سال تمام. ۲ـ سپری شدن حداقل دو سال تمام از تاریخ دریافت گواهی نامه رانندگی (پ ـ۱). ۳ ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۴ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی با وسیله نقلیه مربوط. خ ـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی‌نامه (ت ـ ۲) ۱ـ حداقل سن ۲۵ سال تمام. ۲ـ سپری شدن حداقل دو سال تمام از تاریخ دریافت گواهی نامه رانندگی (پ ـ۲). ۳ ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۴ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با وسیله نقلیه مربوط. دـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی نامه رانندگی ویژه وسایل نقلیه سبک عمرانی و کشاورزی ۱ـ حداقل سن ۱۸ سال تمام. ۲ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۳ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با وسیله نقلیه مربوط. ذـ شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی نامه رانندگی ویژه وسایل نقلیه سنگین عمرانی و کشاورزی و وسایل نقلیه فوق سنگین ۱ـ حداقل سن ۲۳ سال تمام. ۲ـ ارایه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۳ـ قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه رانندگی و مهارت عملی رانندگی با وسیله نقلیه مربوط. در گواهی نامه‌های رانندگی ویژه، نوع وسیله نقلیه‌ای که دارنده می‌تواند با آن رانندگی کند، قید می‌شود. برای رانندگی با وسایل نقلیه ویژه‌ای که سرعت آنها از ۳۰ کیلومتر در ساعت تجاوز می کند، در شهرها و راه‌های عمومی، علاوه بر داشتن گواهی نامه ویژه، داشتن گواهی نامه (پ ـ ۱) نیز ضروری است. تبصره ۱ـ در کلیه موارد بالا علاوه بر رعایت شرایط تعیین

شـده، ارائه گـواهی طی دوره آمـوزش آیین نـامه و مقررات راهنمـایی و راننـدگی و همچنین ارائه گواهی طی دوره کسب مهـارت عملی راننـدگی، از آموزشـگاههای رانندگی مجاز الزامی می باشد. درخواست‌کنندگان یا دارندگان گواهی‌نامه‌های (ب، پ و ت) که خواسـتار راننـدگی با وسـیله نقلیه دارای یدک هسـتند، باید آموزش‌های لازم را کسب نمایند. برای وسایل نقلیه ویژه با توجه به کـاربری مربـوط، ارائـه گـواهی کسـب مهـارت عملکرد ویژه از مراکز مجـاز یادشـده الزامی اسـت. تبصـره۲ـ راهنمـایی و راننـدگی می‌تواند در صورت لزوم آزمایش مجدد مقررات راهنمایی و رانندگی را پیش از انجام آزمون مهارت عملی از درخواست‌کنندگان به عمـل آورد. تبصـره ۳ـ مراجع انجـام معاینـات پزشـکی و همچنین ضوابط احراز سـلامت جسـمی و روانی درخواست کننـدگان و هرگونه تغییر در آن به پیشـنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشـکی توسط کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، راه و ترابری، بهـداشت، درمان و آموزش پزشـکی و راهنمایی و رانندگی تعیین می‌گردد. (پیوست شـماره ۲). تبصره ۴ـ در کلیه موارد بالا آزمون آیین نامه و مقـررات راهنـمایی و راننـدگی به صورت نوشـتاری و یا رایانه‌ای انجام می‌گیرد. تبصـره۵ ـ مدت اعتبـار انـواع گـواهی نـامه راننـدگی پنـج سـال است و پس از پایـان اعتبـار آن و در صـورت احراز سـلامت جسـمی و روانی، برای دوره‌های پنـج ساله تمدید می‌گردد. برای افرادی که سن آنها بیش از ۷۰ سال تمام باشد، لازم است سلامت جسمی و روانی هر دو سال بررسـی و احراز گردد. ماده ۲۸ـ وضـعیت ظاهری درخواست کننده (نقص عضو) با گواهی سـلامت جسمی و روانی صادره از مراکز پزشـکی مجـاز تعیین شـده به وسـیله افسـران کارشـناس تطبیق داده می‌شود و در صورت وجود مغایرت موضوع به کمیسـیون پزشـکی نیروی انتظـامی ارجـاع می‌گردد. مـاده ۲۹ـ درخـواست کننـده هرنـوع گواهی‌نـامه راننـدگی بایـد مـدارکی را که از طرف راهنمایی و راننـدگی اعلام می‌شود به مراجع آگهی شده ارائه کند. ماده ۳۰ ـ مندرجات گواهی نامه رانندگی شامل نوع و یا پایه و گروه گواهی‌نـامه راننـدگی، مـدت اعتبـار، مشـخصات راننـده (کـدملی)، نـام واحـد صادر کننـده، امضـای صادر کننده، شـماره مسـلسل، تاریـخ و شـماره صدور، عکس درخواست کننده، مهر واحد صدور و مشـخصات ضـروری دیگر می‌باشد. ماده ۳۱ـ هرگاه درخواست کننـده گواهی نامه راننـدگی درازمایش‌های مربوط موفق گردد، گواهی نامه رانندگی پس از رویت مدارک لازم صادر و به او تسـلیم خواهـد شـد. دارنـده گواهی‌نـامه موظف است ظرف یـک مـاه پیش از پایان مهلت مقرر، برای تمدیـد مـدت اعتبار یا تعویض آن به گواهی نامه معادل به راهنمایی و راننـدگی مراجعه نمایـد. راهنمایی و رانندگی هنگام تمدید یا تعویض گواهی نامه، ضمن دریـافت گواهی سـلامت جسـمی و روانی از درخواست کننـده، می‌توانـد آزمون‌هـای لازم را از وی به عمـل آورد. مأموران راهنمـایی و راننـدگی و پلیس راه هنگـام کنترل گواهی نـامه راننـدگان موظفنـد درصورتی که تاریـخ اعتبار آن سپری شـده باشـد، گواهی نامه راننـدگی را با ارائه رسـید اخـذ و پس از اعمال قانون، گواهی نامه یاد شـده را برای تمدیـد و یا تجدیـد به اداره مربوط ارسـال نماینـد. دارنـده گواهی نامه موظف است حـداکثر ظرف مـدت یک ماه با مراجعه به واحـد مربوط برای دریافت گواهی نامه رانندگی جدید اقدام نماید. تبصـره۱ـ دارنـدگان گواهی نـامه پـایه بالاتر در گروه مربوط، می‌تواننـد راننـدگی وسایل نقلیه موضوع گواهی‌نامه‌هـای پـایه پـایین‌تر، به جز پـایه (الف، را انجام دهنـد. تبصـره۲ـ دسـتورالعمل نحوه زمانبنـدی و ضوابط چگونگی انجـام آزمونهـا، تمدیـد اعتبـار، تجدیـد آزمون در صورت مردود شـدن درخواست کننـده و نحوه و میزان عوارض و مالیـات مصوب قابل دریافت و نظایر آن از سوی راهنمایی و راننـدگی تهیه و به اطلاع عموم رسانده می‌شود. ماده ۳۲ـ در صورتی که دارنده گواهی‌نامه بخواهـد برای دریافت گواهی نامه از انواع دیگر اقـدام نمایـد، موظف است در آزمون‌های مربوط شـرکت کنـد. پس از قبول شـدن چنانچه گواهی نامه قبلی پیش نیاز گواهی‌نامه مورد درخواست باشـد، از درخواست کننـده اخذ و گواهی نامه جدید صادر و به وی تحویـل می‌گردد. ماده ۳۳ـ راننـدگی بـا هر نوع تاکسـی و وسایـل نقلیه عمومی در شـهرها و وسایـل نقلیه عمومی جاده‌ای، علاوه بر گواهی‌نامه راننـدگی متناسب، حسب مورد، نیازمنـد داشـتن مجوز از شـهرداری و یا دفترچه کار یا برگ فعـالیت صـادره از سـوی وزارت راه و ترابری می‌باشـد. مـاده ۳۴ـ در صـورتی که گـواهی نـامه راننـدگی مفقـود شـود یـا از بین برود، دارنـده آن می‌تـواند

درخواست صدورالمثنی نماید. پس از احراز درستی ادعای درخواست کننده، با دریافت مدارک لازم و گواهی سلامت جسمی و روانی درخواست کننده و با رعایت ضوابطی که راهنمایی و رانندگی اعلام می‌نماید، گواهی نامه المثنی صادر و به وی تسلیم می‌گردد. ماده ۳۵ـ دارندگان گواهی نامه‌های معتبر خارجی (اعم از ایرانیان یا خارجیان) می‌توانند تا شش ماه پس از ورود در ایران رانندگی نمایند. ولی در صورت تمایل به ادامه رانندگی در ایران باید پیش از سپری شدن مدت یاد شده گواهی نامه خارجی خود را به گواهی نامه ایرانی تبدیل نمایند. تبصره ـ دارندگان گواهی نامه رانندگی کشورهای غیر از متعاهدین کنوانسیونهای ۱۹۶۸ وین (قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده‌ها و کنوانسیون مربوط به علایم راهها ـ مصوب ۱۳۵۴ـ)، باید ترجمه معتبر گواهی نامه را همراه داشته باشند. ماده ۳۶ـ تبدیل گواهی نامه‌های رانندگی معتبر صادر شده از کشورهای خارجی،که گواهی نامه صادره از ایران در قلمرو سرزمینی آنان برای رانندگی معتبر محسوب می‌شود و یا آن کشور از متعاهدین کنوانسیون‌های ۱۹۶۸ وین راجع به مقررات عبور و مرور در راه‌ها و علایم راه‌ها به شمار می‌آید، با رؤیت اصل گواهی‌نامه خارجی و با احراز سلامت جسمی و روانی درخواست کننده صوت پذیرد. در موارد دیگر تبدیل گواهی نامه‌های رانندگی با تایید وزارت کشور صورت می‌پذیرد. ماده ۳۷ـ مأموران سیاسی و کنسولی و اعضای سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند برای تبدیل گواهی نامه‌های خود مدرک مندرج در ماده (۳۵) را از طریق وزارت امور خارجه به راهنمایی و رانندگی ارسال دارند. ماده۳۸ـ صدور گواهی نامه مجدد برای کسانی که گواهی نامه رانندگی آنان اخذ و یا توقیف شده‌باشد ممنوع است و در صورت صادر شدن از درجه اعتبار ساقط می‌باشد و به وسیله راهنمایی و رانندگی اخذ و ابطال خواهدشد. ماده۳۹ـ راهنمایی و رانندگی موظف است در صورتی که گواهی‌نامه رانندگی اشتباه یا ناقص صادر شده باشد از دارنده آن اخذ و پس از رفع اشتباه و نقص، گواهی نامه صحیح را صادر و به وی بازگرداند. ماده۴۰ـ هرگاه دارنده گواهی‌نامه یکی از شرایط پزشکی موضوع تبصره(۳) ماده (۲۷) را از دست بدهد، موظف است حداکثر ظرف یک ماه به راهنمایی و رانندگی مراجعه نماید. راهنمایی و رانندگی دارنده گواهی نامه را برای انجام معاینات و آزمایش‌های ضروری پزشکی به مراکز پزشکی مجاز معرفی می‌نماید. در صورتی که نداشتن شرایط و صلاحیت رانندگی ضمن آزمایش جدید محرز گردد، گواهی نامه از وی اخذ و گواهی نامه متناسب با شرایط جسمانی وی تعیین و پس از صدور به وی تسلیم می‌شود و در صورت نداشتن صلاحیت رانندگی، گواهی نامه ابطال می‌گردد. تبصره ـ در صورت کشف نقص عضو مؤثر، از سوی مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه، گواهی نامه رانندگی اخذ و تا زمان بررسی‌های پزشکی و اعلام امکان صدور گواهی نامه مجدد، دارنده گواهی نامه حق رانندگی ندارد. ماده ۴۱ـ در صورتی که راننده به علت تکرار ارتکاب تخلفات مهم وحادثه ساز در یک سال، حدّ نصاب نمره منفی را دریافت نماید، گواهی‌نامه رانندگی وی به استناد قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی ـ مصوب ۱۳۵۰ ـ ، ضبط یا ابطال خواهدشد. ماده ۴۲ـ نحوه شرایط و مسئول صدور گواهی نامه راهبران انواع وسایل حمل و نقل ریلی شهری و حومه، برابر دستورالعملی خواهد بود که به تصویب شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور برسد. فصل چهارم ـ معاینه و آزمایش فنی وسایل نقلیه ماده ۴۳ـ رانندگی با وسیله نقلیه‌ای که برگ معاینه فنی معتبر نداشته باشد، ممنوع است. دارندگان وسایل نقلیه مکلفند وسایل نقلیه خویش را برای انجام معاینه فنی در مراکز فنی مجاز تعیین شده حاضر و پس از احراز شرایط لازم، برگ یا برچسب معاینه دریافت نمایند. این گواهی که مدت اعتبار آن و مشخصات وسیله نقلیه در آن درج می‌شود باید بر سطح درونی قسمت بالای سمت راست شیشه جلو و یا بر روی پلاک وسیله نقلیه، برحسب اعلام مراجع مربوط، نصب یا قرار داده شود، به نحوی که برای کنترل مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه قابل دیدن باشد. تبصره ـ در طول مدتی که برچسب یا برگ معاینه فنی اعتبار دارد، در صورت بروز نقص فنی، مالک موظف است برای رفع نقص اقدام نماید. ماده ۴۴ـ معاینه و آزمایش فنی وسایل نقلیه اعم است از تشخیص اصالت، سلامت زیست محیطی، فنی، تجهیزاتی و ایمنی وسایل نقلیه. ماده ۴۵ـ ضوابط ایجاد، تشخیص صلاحیت، اختیارات، نحوه صدور مجوز و نظارت بر مراکز فنی مجاز و قسمت‌هایی

که بایـد مورد معـاینه قرار گیرنـد، براساس دسـتورالعملی خواهـد بود که از سوی کارگروهی با مسـئولیت وزارت کشور و عضویت وزارتخانه‌هـای راه و ترابری، صـنایع و معـادن، سازمـان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی جمهوری اسـلامی ایران تهیه و ابلاغ می‌شود. تبصـره ـ معـاینه فنی می‌بایـد به وسـیله مهنـدسان یـا کاردان‌هـای فنی و یـا افراد بـا تجربه دارای گواهی انجام کار از مراجع صلاحیت دار صورت پـذیرد. ماده ۴۶ـ سـتادهای معـاینه فنی و مراکز معـاینه فنی مجاز به منظور تشـخیص اصالت خودرو در هنگام معاینه فنی ضمن هماهنگی با راهنمایی و رانندگی از کارشناسان واجد شرایط استفاده می‌نمایند. ماده ۴۷ـ دوره‌های معاینه فنی انواع خودروها به شرح زیر می‌باشد: الف ـ انواع وسایل نقلیه عمومی مسافربری و باربری در فاصله‌های سه ماهه یا بیشتر. ب ـ وسایل نقلیه متعلق به دولت، نهادهای عمومی غیردولتی مانند شـهرداری‌ها، نیروهای نظامی و انتظامی در فاصله‌های سه ماهه یا بیشتر. پ ـ وسایل نقلیه دیگر و موتورسیکلت‌ها در فاصـله‌های شـش مـاهه یـا بیشتر. تبصـره ـ خودروهـای نو تـا دو سال پس از تولیـد، نیاز به دریافت برچسب یـا برگ معاینه فنی ندارنـد. ماده ۴۸ـ در شـهرهایی که امکانـات معاینه و آزمایش فنی وجود نـدارد راننـدگان وسایل نقلیه عمومی باید براساس مفاد ماده (۴۷) این آیین نامه برای معاینه فنی وسیله نقلیه خود و دریافت گواهی معاینه به نزدیکترین محلی که امکانـات لازم برای معاینه وجود دارد و یا محلی که از طرف مراجع صاحیت دار تعیین و اعلام شـده است مراجعه نماینـد. ماده ۴۹ـ مراکز مجـاز معـاینه فنی برای وسایـل نقلیه‌ای که سـالم و بـدون نقص فنی تشـخیص داده‌شونـد، برگ معـاینه فنی صـادر می‌نماینـد. چنانچه ضـمن معاینه، وسیله نقلیه‌ای معیوب یا ناقص تشـخیص داده شود، راننده یا مالک تنها می‌تواند وسیله نقلیه را تا تاریـخی که در برگ اجـازه نامه صـادر شـده به وی تسـلیم می‌گردد، به تعمیرگاه یا توقفگاه منتقل سازد. تبصـره ـ چنانچه وسـیله نقلیه‌ای بـدون اصالت تشـخیص داده شود، ضمن صادر نکردن برگ معاینه فنی، مراتب به مراجع انتظامی اطلاع داده می‌شود. ماده ۵۰ ـ ستاد معاینه فنی خودرو، شـهرداری‌ها و سازمـان راهـداری و حمل و نقل جاده‌ای با همکاری نماینـدگان سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی موظفند بر نحوه عملکرد مراکز صدور برگ معاینه فنی براساس دستوالعمل موضوع ماده (۴۵) نظارت مستمر اعمال نمایند و در صورت مشاهـده رعـایت نکردن ضوابط و مقررات مربوط، برای جلوگیری از ادامه تخلف و رفع آنها اقـدام و در صورت تکرار، مجوز مرکز برای انجـام معـاینه و صـدور برگ معـاینه ابطال می‌گردد. ماده ۵۱ ـ تـا پایان برنامه چهارم توسـعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسـلامی ایران، در شـهرهایی که تجهیزات کامل انجام معاینه فنی وجود ندارد، مراکز مجاز معاینه فنی می‌توانند با تایید کارگروه موضوع ماده (۴۵) برای انجام معاینه فنی با رعایت حداقل شـرایط مورد قبول شورای هماهنگی ترافیک اسـتان، اقدام نمایند. ماده ۵۲ ـ برگ و برچسب‌هـای معـاینه فنی مورد اسـتفاده در مراکز مجاز معاینه فنی سراسـر کشور براساس طرح نمونه مورد تایید کارگروهی متشـکل از سازمان شـهرداری‌های کشور، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، راهنمایی و رانندگی و سازمان حفـاظت محیـط زیست می‌باشـد. تبصـره ـ برگ و برچسب معاینه فنی که از طریق سـتاد معاینه فنی و مراکز مجاز صادر می‌شود، در سراسر کشور معتبر است. ماده ۵۳ ـ در مواردی که حرکت وسـیله نقلیه در راه‌های عمومی طبق نظر کارشـناس راهنمایی و رانندگی یـا پلیس راه به علت معـایب و نواقص فنی، خطرنـاک تشـخیص داده شود ضـمن اعمـال قـانون، پلاـک آن اخـذ، و بـا نصب پلاک تعمیری به تعمیرگاه اعزام می‌شود. پس از رفع عیب و نقص فنی لازم است مالک و یا نماینـده قانونی وی برای پس گرفتن پلاک به راهنمایی و راننـدگی محل مراجعه نمایـد. فصل پنجم ـ تجهیزات بخش اول ـ تجهیزات وسایل نقلیه موتوری ماده ۵۴ ـ اشخاص حق ندارنـد وسـیله نقلیه‌ای را که لوازم و تجهیزات یاد شـده در مقررات و روش اجرایی تأیید نوع وسایل نقلیه موتوری و تریلرهای آنها، موضوع اسـتاندارد ملی ایران و این فصـل را نداشـته یا دارای لوازم و تجهیزات مخالف آن باشـد، در راه‌های عمومی برانـند و یا این گـونه وسایـل نقلیه را برای راننـدگی در اختیـار دیگری بگذارنـد. در صورت وجود مغـایرت بین مفـاد این فصـل و اسـتاندارد ملی، ملاک عمل اسـتاندارد ملی مربوط می‌باشـد. ماده۵۵ ـ کلیه وسایـل نقلیه و یـدک‌کش‌ها و تراکتورهای بارکش حـداقل بایـد دارای چراغ‌هایی به شرح زیر باشند: الف ـ دو چراغ بزرگ با نور سفید یا زرد با قابلیت تبدیل به نور بالا و پایین در دو طرف جلو. ب ـ دو

چراغ جانبی کوچک با نور زرد یا سفید برای تشخیص عرض جلو وسیله نقلیه در منتهی‌الیه هر یک از دو سمت جلو. پ ـ دو چراغ جانبی کوچک با نورقرمز برای تشخیص عرض عقب وسیله نقلیه در منتهی‌الیه هر یک از دو سمت عقب. ت ـ دو چراغ کوچک با نور قرمز برای توقف (چراغ ترمز) در عقب وسیله نقلیه که همزمان با گرفتن ترمز روشن شده و از فاصله ۳۵ متری دیده شود. ث ـ یک چراغ کوچک با نور سفید در عقب برای تشخیص شماره پلاک. نور این چراغ باید برای تشخیص شماره پلاک از فاصله۲۵ متری کافی باشد. ج ـ دو چراغ کوچک به رنگ سفید یا زرد برای نشان دادن حرکت با دنده عقب (چراغ دنده عقب). این چراغها باید به طوری نصب گردد که تنها هنگام راندن به عقب روشن شده و خیرگی و ناراحتی برای چشم دیگر استفاده کنندگان از راه فراهم ننماید. چ ـ دو چراغ راهنمای الکتریکی یا الکترونیکی با نور زرد در دو طرف جلو و دوتای دیگر از آن با رنگ قرمز یا زرد در دو طرف عقب برای اعلام قصد گردش به چپ یا به راست و یا تغییر خط حرکت. نور این چراغها در روز باید از فاصله ۳۵متری قابل دیدن باشد. ح ـ یدک و نیمه یدک‌های متصل باید دارای چراغ‌های مندرج در بندهای (ت) و (ث) و (ج) و دو راهنمای عقب موضوع بند (چ) این ماده باشند. اگر وسیله نقلیه‌ای دارای چند یدک زنجیری باشد چراغ‌های یادشده باید در عقب آخرین یدک نصب گردد. خ ـ دو چراغ چشمک زن درجلو و دو چراغ چشمک زن در عقب که به طور همزمان برای اعلام هشدار، احتیاط و یا خطر به رانندگان دیگر به کاربرده می‌شوند. تبصره ۱ـ به کار بردن چراغ‌های جانبی در وسایل نقلیه طویل، موضوع بند (۳۵) ماده (۱) الزامی است. تبصره ۲ـ وسایل نقلیه سواری که پس از ابلاغ این آیین نامه تولید می‌شوند باید دارای یک چراغ ترمز در پشت شیشه عقب (چراغ ترمز سوم) باشند. ماده ۵۶ ـ نور چراغ‌های کوچک جلو و خطر عقب باید در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. نور چراغ‌های راهنما و ایست نبایستی خیره کننده باشد. ماده ۵۷ ـ سامانه روشنایی چراغ‌های وسیله نقلیه باید طوری تعبیه و تنظیم گردد که هر وقت راننده چراغ‌های جلو و یا چراغ‌های کمکی را روشن نماید چراغ‌های عقب نیز همزمان روشن شود. ماده ۵۸ ـ ارتفاع چراغ‌های جلو نباید از ۱۳۵ سانتیمتر بیشتر و از ۷۰ سانتیمتر کمتر باشد. ارتفاع چراغ‌های عقب نیز نباید از یک متر بیشتر و از ۵۰ سانتیمتر کمتر باشد. ماده ۵۹ ـ چراغ‌های بزرگ جلو باید دارای وسیله تبدیل نور باشند که تابش نور را به بالا یا پایین به ترتیب زیر عوض کنند: الف ـ نور بالا (چراغ رانندگی) باید طوری تنظیم گردد که به وسیله آن وجود اشخاص یا اشیا از فاصله ۱۵۰متری تشخیص داده شود. ب ـ نور پایین (چراغ عبور) باید به نحوی تنظیم شود که به وسیله آن اشخاص یا اشیا از فاصله ۳۵ متری مشخص شوند. ماده ۶۰ ـ کلیه وسایل نقلیه انتظامی، بازرسی، امدادی و خدماتی ویژه باید در مرتفع‌ترین نقطه خود دارای چراغ خطر گردان همراه با آژیر که تولید صدای مشخص نماید، باشند. نور این چراغها باید هنگام روشن بودن از فاصله ۱۵۰ متری قابل دیدن باشد. دستورالعمل استفاده از چراغ گردان، شامل انواع، رنگ، ابعاد و ضوابط دیگر بنا به پیشنهاد راهنمایی و رانندگی به تصویب شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور می‌رسد. ماده ۶۱ ـ داشتن تجهیزات زیر برای وسایل نقلیه مجاز است: الف ـ دو عدد چراغ ویژه مه با نور زرد در دو طرف قسمت جلو که ارتفاع این چراغها نباید از یک متر بیشتر و از ۴۰ سانتیمتر کمتر باشد. نور این چراغها باید طوری تنظیم گردد که درطول ۱۰متر، از سطح افقی محل نصب چراغ بالاترنیاید. هنگام به کاربردن چراغهای مه باید از نور پایین چراغهای بزرگ نیز استفاده شود. ب ـ دو چراغ رانندگی اضافی با نور سفید در جلو (چراغ کمکی) که ارتفاع آن نباید از ۵/۱ متر بیشتر و از ۴۰ سانتیمتر کمتر باشد. این چراغها در صورت لزوم می‌توانند همراه با چراغهای بزرگ جلو به کار روند. پ ـ دو چراغ کوچک با نور زرد یا سفید روی گلگیر و یا دو طرف سپر که خیره کننده نباشد. ت ـ چراغهای کوچک اضافی در جلو با نور سفید یا زرد و در عقب با نور قرمز که هنگام استفاده باید به طور مرتب روشن و خاموش شده و از فاصله ۱۵۰ متری دیده شوند. ماده۶۲ ـ تمام وسایل نقلیه موتوری و انواع یدک‌ها و نیمه یدک‌ها که در جاده‌های عمومی عبور می‌نمایند باید دو نورتاب (رفلکتور) به رنگ قرمز یا شبرنگ قرمز در دو طرف قسمت عقب خود داشته‌باشند. هرگاه نور تاب‌هایی در سمت جلو نصب شوند باید رنگ آنها زرد باشد. ارتفاع نورتاب‌ها بیشتر از ۵/۱ متر و کمتر از ۶۰سانتیمتر نخواهد بود؛ مگر آنکه بلندی خود

وسیله نقلیه از کف زمین کمتر از ۶۰سانتیمتر باشد. نورتاب‌های عقب یدک‌های مستقل ممکن است در دو طرف آن یا در دو طرف بار نصب شود. در تمام موارد یاد شده باید نورتاب‌ها به طور کامل قابل دیدن بوده و صفحه‌های آنها دارای اندازه و ویژگی‌هایی باشد که هنگام شب در مقابل نور چراغ‌های وسایل نقلیه دیگر از فاصله ۱۵۰ متری به طور کامل دیده شود. ماده ۶۳ ـ هرگونه وسیله نقلیه موتوری غیر از موتورسیکلت باید دارای ترمزهایی باشد که به راحتی بتوان در حال راندن و در صورت لزوم آن را به کاربرد. این ترمزها باید قادر باشند وظایف سه‌گانه ترمز را به شرح زیر انجام دهند: الف ـ ترمز پایی باید بتواند سرعت وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده و یا مسافر را حمل می‌کند و در سربالایی و یا سرازیری که حرکت می‌نماید کاهش داده و آن را به طور سریع و مؤثر و با ایمنی متوقف نماید. شتاب منفی این گونه ترمزها نباید کمتر از استاندارد تعیین شده باشد. ب ـ ترمز دستی باید بتواند وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده و یا مسافر حمل می‌نماید، در شیب ۱۶ درصد سربالایی و یا سرازیری در حال توقف نگهدارد. در وسایل نقلیه‌ای که کمک ترمز و یا ترمز موتور پیش‌بینی شده است، این گونه ترمزها باید در فاصله مناسبی حتی در صورت پایی بودن بتواند سرعت وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری یا مسافرگیری شده باشد کاهش داده و در نهایت متوقف سازد. ماده ۶۴ ـ ترمز پایی باید روی تمام چرخ‌های وسیله نقلیه مؤثر بوده و عمل نماید. با وجود این اگر وسیله نقلیه دارای بیش از دو محور باشد می‌توان اجازه داد که روی چرخ‌های یکی از محورها عمل ننماید. کمک ترمز و یا ترمز موتور و همچنین ترمز دستی باید حداقل روی یکی از چرخ‌های هر طرف مقطع طولی وسیله نقلیه عمل نمایند. ماده ۶۵ ـ ترمزهای یدک‌ها به استثنای یدک سبک باید دارای شرایط زیر باشند: الف ـ ترمز پایی که قادر باشد سرعت وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده و در هر شیبی که باشد کاهش داده و آن را به طور سریع و مؤثر و با ایمنی متوقف سازد. ب ـ ترمز دستی که قادر باشد وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده باشد در شیب ۱۶ درصد سربالایی و یا سرازیری در حال توقف نگهدارد و سطوح ترمز کننده آن با وسیله‌ای که تنها مکانیکی بوده، مورد استفاده قرار گیرد. این مقررات در مورد یدک‌هایی که نمی‌توان بدون استفاده از ابزار و آلاتی، آن را از وسیله نقلیه کشنده جدا نمود، به کاربرده نمی‌شود، مشروط به این که آنچه از ترمز دستی انتظار می‌رود برای وسیله نقلیه مرکب مؤثر باشد. پ ـ تجهیزاتی که وظیفه ترمز پایی و ترمز دستی را انجام می‌دهند می‌توانند دارای اجزای مشترکی باشند. ت ـ ترمز پایی باید روی کلیه چرخ‌های یدک عمل نماید. ث ـ ترمز پایی یدک باید به وسیله ترمزپایی وسیله نقلیه کشنده مورد عمل قرار گیرد. در هر حال اگر حداکثر وزن مجاز یدک از ۳۵۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید، می‌توان ترمزها را طوری ترتیب داد که با کم شدن فاصله بین یدک در حال حرکت و وسیله نقلیه کشنده عمل نمایند. ج ـ ترمز پایی و ترمز دستی باید روی سطوح ترمز کننده‌ای، که به طور دایم با کمک اجزایی با نیروی کافی به چرخ‌ها متصل بوده، عمل نمایند. چ ـ ترمزها باید به نحوی باشند که در صورت شکستن یا پاره شدن وسایل اتصال با یدک در حال حرکت، یدک به طور خودکار توقف نماید. ماده ۶۶ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری تولیدی و یا وارداتی باید مجهز به کمربند ایمنی استاندارد برای سرنشینان باشند. ماده۶۷ ـ رانندگی با وسایل نقلیه‌ای که دارای ترمزهای استاندارد ملی و یا با مشخصات و شرایط یاد شده در این آیین نامه نباشد، ممنوع است. ماده ۶۸ ـ هر وسیله نقلیه موتوری باید حداقل به یک وسیله اخطار شنیداری (بوق) با صدای استاندارد مجهز باشد. این گونه تجهیزات باید تولید صدای مداوم و یکنواخت نموده و ایجاد صدای خشن و ناهنجار ننماید. ولی وسایل نقلیه‌ای که دارای حق تقدم عبور می‌باشند (وسایل نقلیه امدادی و خدماتی و پلیس و مانند آن) می‌توانند علاوه بر دارا بودن بوق، وسایل اخطار شنیداری دیگری که مقید به این ویژگی‌ها نباشد برای استفاده هنگام لزوم داشته باشند. همچنین وسایل نقلیه مسافربری و باربری عمومی برون شهری نیز می‌توانند وسایل اخطار شنیداری استاندارد دیگری داشته باشند تا در زمان لازم در بیرون شهرها و مناطق غیر مسکونی استفاده نمایند. ماده ۶۹ ـ هر وسیله نقلیه موتوری باید مجهز به لوله خروجی گاز و صدای موتور باشد به نحوی که مانع خروج صدای ناهنجار در بیرون وسیله نقلیه و انتشار گاز ناشی از سوخت موتور در درون وسیله نقلیه گردد. ماده ۷۰ـ روی چرخ‌های وسایل نقلیه یا کنار آنها نباید

اجسام اضافی و زائد مانند میخ و پیچ بلند یا هر شیئی که از سطح بیرونی چرخ‌ها تجاوز کند وجود داشته باشد، مگر آنکه درتراکتورهای زراعتی و انواع کمباین لازم باشد. ماده ۷۱ـ کلیه وسایل نقلیه، شب‌ها هنگام حرکت در جاده‌ها باید سه چراغ یا سه مشعل الکتریکی با نور قرمز یا دو مثلث شبرنگ ایمنی که در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری قابل دیدن باشند همراه داشته باشند تا هنگام ضرورت، برحسب مورد، از آنها استفاده نمایند. ماده ۷۲ـ وسایل نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کنند ضمن رعایت مفاد آیین‌نامه حمل مواد خطرناک، باید سه چراغ قرمز الکتریکی و دو مثلث شبرنگ را همراه داشته باشند. حمل فانوس برای این‌گونه وسایل نقلیه ممنوع است. به علاوه باید دارای دستگاه پمپ آتش‌نشانی آماده به کار باشند. این پمپ‌ها باید در محل‌هایی نصب شوند که هنگام ضرورت بتوان به سرعت آنها را مورد استفاده قرارداد. ماده ۷۳ـ به منظور جلوگیری از انتشار گل و لای، سنگ ریزه و مانند آن نصب تجهیزات مناسب لاستیکی، فلزی و مانند آن در قسمت بیرونی آخرین محور انواع وسایل نقلیه به ویژه کامیون، تریلر و اتوبوس الزامی است. بخش دوم ـ تجهیزات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه ماده ۷۴ـ تجهیزات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه باید براساس استاندارد مورد تایید مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران بوده و از نظر عدم آلودگی‌های زیست محیطی، استانداردهای مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست را رعایت نموده باشند. ماده ۷۵ـ موتورسیکلت باید دارای دو نوع ترمز باشد که یکی از آنها حداقل روی چرخ عقب و یا همه چرخ‌ها و دیگری روی چرخ جلو و یا همه چرخ‌ها عمل نماید. اگر موتورسیکلت دارای اتاقک پهلو (ساید کار) باشد ترمز چرخ اتاقک پهلو ضروری نمی‌باشد. این ترمزها باید قادر باشند سرعت موتورسیکلت را به صورتی که دارای سرنشین می‌باشد، در هر شیبی کاهش داده و آن را سریعاً و به طور مؤثر و با ایمنی متوقف سازد. موتورسیکلت‌های سه چرخ که چرخ‌های آنها در ارتباط با محور طولی وسط موتورسیکلت به طور قرینه قرار گرفته باشد باید مجهز به یک ترمزدستی همانند وسایل نقلیه موتوری دیگر باشند. ماده ۷۶ـ موتورسیکلت‌ها باید حداقل دارای یک چراغ با نور سفید در جلو، یک چراغ قرمز عقب همراه با چراغ قرمز ترمز، دو چراغ راهنما درجلو و دو چراغ راهنما در عقب و یک نور تاب قرمز در عقب باشند. ماده ۷۷ـ دوچرخه باید دارای تجهیزات زیر باشد: الف ـ یک چراغ سفید یا زرد در جلو که هنگام شب تا مسافت ۱۵ متری جلوی آن را به قدر کافی روشن سازد. ب ـ یک چراغ با نور قرمز در عقب که در هنگام شب از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. پ ـ یک نورتاب به رنگ قرمز در عقب و همچنین یک نورتاب به رنگ زرد در جلو که نور وسایل نقلیه پشت سر و جلو را از فاصله ۲۰متری منعکس نماید. ت ـ یک زنگ یا بوق که صدای آن از فاصله ۳۰ متری شنیده شود. نصب و استفاده از زنگ‌های صوتی یا آژیر یا بوق خطر برای دوچرخه‌ها ممنوع است. ث ـ ترمزی که به هنگام گرفتن آن دوچرخه در فاصله مناسبی متوقف گردد. فصل ششم ـ مقررات حمل بار ماده۷۸ـ طول، عرض، ارتفاع و ظرفیت وسیله نقلیه بر طبق مشخصات (کاتالوگ) به وسیله کارخانه سازنده که به تایید وزارت صنایع و معادن می‌رسد تعیین می‌گردد. در هر حال حداکثر ظرفیت تعیین شده نباید از مشخصات مندرج در کاتالوگ تجاوز نماید. تطبیق این مشخصات با افسر کارشناس راهنمایی و رانندگی می‌باشد. ماده۷۹ـ ظرفیت، ابعاد و وزن‌های مجاز وسایل نقلیه باری و مسافری در جاده‌ها تابع ضوابط وزارت راه و ترابری و در شهرها تابع مقررات وزارت کشور می‌باشد. این مقررات در پیوست شماره۳ این آیین‌نامه ذکر گردیده‌است. ماده۸۰ ـ وسایل نقلیه مسافربری حق ندارند حیوانات و بارهایی را که برای مسافران ایجاد مزاحمت یا تولید بوی نامطبوع و آلودگی می‌نمایند و همچنین بارهایی که از گلگیرها و یا از درون اتاق به اطراف تجاوز نماید، حمل نمایند. ماده۸۱ ـ مقامات صلاحیت‌دار می‌توانند برای حمل محمولاتی که قابل تجزیه نبوده و بیش از ظرفیت یا بزرگتر از حجم معین است پروانه ویژه‌ای که حاوی مشخصات و ظرفیت وسیله نقلیه حمل کننده و وزن و حجم بار و مسیر و تعداد دفعات و شرایط رفت و آمد یا مدت حمل و یا مستمر بودن آن است صادر کنند. این پروانه باید تا پایان مدت اعتبار آن نزد راننده موجود باشد و هنگام مراجعه به مأموران ارائه گردد. ماده۸۲ـ وسایل نقلیه‌ای که در حدود ضوابط مندرج در پیوست شماره۳ این آیین‌نامه حمل بار می‌کنند باید دارای شرایط زیر باشند: الف ـ

شب‌ها دو چراغ قرمز در آخرین نقطه دو طرف عقب بار نصب نمایند به طوری که از فاصله ۱۵۰متری دو طرف و عقب وسیله نقلیه دیده شود. ب ـ روزها دو پارچه قرمز رنگی که سطح هریک حداقل نیم متر مربع باشد در انتهای بار آویزان کنند به نحوی که رانندگان پشت سر بتوانند آن را از فاصله ۱۵۰متری ببینند. پ ـ دارای حفاظ و پوشش لازم و مناسب برای بار بوده و حفاظ نباید مانع دید راننده و یا پوشانیدن چراغ‌ها و یا موجب خطر برای دیگران باشد. ماده۸۳ ـ نصب مخزن (باک) اضافی و یا غیر استاندارد برای مصرف سوخت وسایل نقلیه عمومی باربری و مسافربری ممنوع است و همچنین حمل مواد خطرناک در جاده‌ها تنها با وسایل نقلیه ویژه و با رعایت مقررات مربوط مجاز است. اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند پیشتر اجازه این کار را از وزارت راه و ترابری دریافت نمایند. تبصره ـ حمل مواد سوختی خارج از مخزن (باک) و استفاده از وسایل آتش‌زا مانند اجاق‌گاز سفری (پیک‌نیکی)، بخاری و مانند آن در وسایل نقلیه ممنوع است. ماده۸۴ ـ موسسات باید بارهای وسایل نقلیه را طوری بارگیری نمایند و محکم ببندند که هیچگونه خطر جابه‌جایی یا افتادن یا ریزش کردن یا باز شدن و یا پخش شدن در هوا وجود نداشته باشد و به طور کامل ثابت باشد. در هر حال راننده نیز مکلف است پس از اطمینان از درستی بارگیری و استحکام آن، وسیله نقلیه را به حرکت دراورد. ماده۸۵ ـ یدک یا هر نوع وسیله نقلیه‌ای که با وسیله نقلیه دیگری کشیده می‌شود باید با وسایل اطمینان بخشی که خطر باز شدن یا گسیختن یا شکستن نداشته باشد طوری متصل گردند که هنگام یدک‌کشی با کاهش سرعت وسیله نقلیه کشنده فاصله اولیه حفظ گردد. در هر حال هر نوع وسیله نقلیه‌ای که کشیده می‌شود باید یک نفر راننده دارای پروانه مجاز رانندگی هدایت آن را به عهده گیرد تا در صورت وقوع خطر بتواند آن را بدون وقوع حادثه کنترل نماید. وسایل نقلیه‌ای که به وسیله جرثقیل با جداکردن محور یا محورهایی از زمین کشیده می‌شود، از شرط داشتن راننده مستثنی هستند. ماده۸۶ ـ وسایل نقلیه باربری پس از بارگیری باید توزین شوند و راننده برگه توزین را تا مقصد همراه داشته‌باشد. رانندگان موظفند به دستور مأموران صلاحیت‌دار، وسیله نقلیه را برای توزین به روی باسکول ببرند. هرگاه ضمن توزین معلوم شود که بیش از ظرفیت مقرر بارگیری شده‌است بار اضافی تخلیه می‌شود. در این صورت مسئولیت انبار کردن و حفظ آن به عهده مالک و راننده است. ادامه مسیر وسیله نقلیه متخلف، مشروط به پرداخت خسارت به وزارت راه و ترابری و یا شهرداری است. فصل هفتم ـ تصادفات ماده۸۷ ـ راننده هر وسیله نقلیه که مرتکب تصادف منجر به جرح یا فوت گردد، موظف است بلافاصله وسیله نقلیه را در محل تصادف متوقف ساخته و با نصب علایم ایمنی هشدار دهنده برابر ماده (۷۱) این آیین‌نامه، رانندگان وسایل نقلیه دیگر را از وقوع حادثه آگاه سازد و تا هنگامی که تشریفات مربوط به رسیدگی از سوی راهنمایی و رانندگی و پلیس راه پایان نیافته از تغییر وضع وسیله نقلیه یا صحنه تصادف خودداری نموده و بلافاصله اقدام به انتقال مجروحان به مراکز درمانی نماید. تبصره ـ در تصادفات منجر به جرح در صورتی که وسیله نقلیه دیگری برای انتقال فوری مجروحان به مراکز درمانی موجود نباشد، راننده وسیله نقلیه در تصادف می‌تواند با علامت‌گذاری محل قرار گرفتن چرخ‌ها در سطح راه، اقدام به حمل مجروحان با وسیله نقلیه خود نماید. ماده۸۸ ـ واحدهای راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند پس از اطلاع از وقوع تصادف، در اسرع وقت اقدام به اعزام کارشناس تصادف به همراه تجهیزات و امکانات نظیر کمک‌های اولیه، دوربین عکاسی و فیلمبرداری، آمبولانس، جک بادی و یا جرثقیل و مانند آنها، بر حسب نیاز نمایند. کارشناس رسیدگی کننده به تصادف موضوع را به نزدیکترین واحد انتظامی اعلام و در صورت ضرورت و برحسب مورد، برای درخواست کمک از نزدیکترین واحد فوریت‌های پزشکی (اورژانس)، امداد و نجات، آتش‌نشانی، مرکز راهداری، شهرداری و یا دهیاری اقدام نموده و تا پایان رسیدگی به‌تصادف و برقراری ایمنی تردد در محل وقوع، سانحه را مدیریت می‌نماید. تبصره ـ نحوه همکاری و وظیفه دستگاه‌های یاد شده و همچنین اعمال مدیریت از سوی کارشناس تصادف، برابر دستورالعملی خواهدبود که به تصویب کمیسیون ایمنی راه‌های کشور می‌رسد. ماده۸۹ ـ هرگاه تصادف تنها منجر به خسارت مالی شود به نحوی که امکان حرکت از وسیله نقلیه سلب نشده باشد، رانندگان موظفند بلافاصله وسیله نقلیه را برای رسیدگی و بازدید کارشناسان تصادفات در محل

حادثه، به کنار راه منتقل کنند تا موجب سد معبر نگردد. ماده ۹۰ـ در نقاطی که کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه وجود ندارد و یا حضور به هنگام آنان مقدور نباشد مسئولان امر می‌توانند از نظرات مستدل حداقل سه نفر از رانندگان پایه یکم و یا پایه (ت) استفاده نمایند. ماده۹۱ـ رانندگان وسایل نقلیه هنگام تصادف منجر به جرح یا فوت مکلفند بلافاصله نام و نشانی صحیح و مشخصات گواهی‌نامه رانندگی وسیله نقلیه خود را به‌مأموران انتظامی اعلام دارند و در صورت درخواست مدارک قانونی اعم از گواهی‌نامه، کارت شناسایی خودرو و بیمه نامه از سوی مأموران مربوط، این مدارک را به آنان تسلیم نمایند. ماده۹۲ـ رانندگانی که با وسیله نقلیه متوقفی که سرنشین ندارد تصادف می‌نمایند نباید محل وقوع تصادف را ترک کنند و در صورت مراجعه نکردن راننده و یا مالک آن، باید صاحب یا راننده وسیله نقلیه و یا مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه را از هویت و نشانی کامل خود آگاه سازند و در صورت دسترسی نداشتن به ایشان، نام و نام‌خانوادگی و نشانی دقیق خویش و شماره و مشخصات دیگر وسیله نقلیه خود را بر روی کاغذی نوشته و در محلی قابل دیدن بر روی وسیله نقلیه متوقف، الصاق نمایند. ماده۹۳ـ رانندگانی که با حیوانات، اشیاء، تاسیسات و مانند آنها تصادف و ایجاد خسارت می‌نمایند، باید به منظور جلوگیری از بسته شدن راه و پیشگیری از بروز حوادث احتمالی دیگر، در صورت اماکن حیوان مرده یا مصدوم و همچنین اشیا باقی مانده در محل تصادف را از سطح سواره‌رو بیرون برده و موظفند صاحبان و مالکان آنها یا مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه را از وقوع تصادف آگاه نمایند. ماده۹۴ـ هرگاه راننده وسیله نقلیه در اثر تصادف توانایی اجرای مقررات مندرج در مواد (۹۲) و (۹۳) این آیین‌نامه را نداشته باشد موظف است در اولین فرصت مراتب را به‌مأموران مربوط اعلام دارد. اگر مالک وسیله نقلیه فردی غیر از راننده باشد پس از آگاهی از واقعه و در صورتی که راننده مراتب را به مأموران مربوط اطلاع نداده باشد، مالک موظف است در اسرع وقت مأموران مربوط را از واقعه آگاه سازد. ماده۹۵ـ تعمیرگاه‌ها و توقفگاه‌ها موظفند ظرف ۲۴ ساعت پس از دیدن وسیله نقلیه‌ای که آثار تصادف یا جای گلوله در آن وجود دارد مراتب را با ذکر مشخصات وسیله نقلیه و در صورت امکان با ذکر نام و نشانی راننده به واحد انتظامی محل اعلام دارند. فصل هشتم ـ علایم راهنمایی و رانندگی ماده۹۶ـ علایم راهنمایی و رانندگی مانند انواع چراغ‌ها، تابلوها، خط‌کشی‌ها، نوشته‌ها، ترسیم‌ها و نیز علایم تعیین سمت عبور که باید روی راه‌ها کشیده شود، براساس قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده‌ها و کنوانسیون مربوط به علایم راهها ـ مصوب ۱۳۵۴ ـ تهیه شده‌اند، و همچنین رنگ زمینه و شکل علایم و تابلوها، مطابق نمونه‌های (پیوست شماره۴) این آیین‌نامه است. ماده۹۷ـ تشخیص، انتخاب، تهیه، جانمایی، نصب، ترسیم و نگهداری علایم عمودی و افقی راهنمایی و رانندگی در شهرها براساس دستورالعملی خواهدبود که به‌پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور به تصویب وزیر کشور می‌رسد و در جاده‌ها به عهده وزارت راه و ترابری می‌باشد. در مواقع اضطراری راهنمایی و رانندگی و پلیس راه می‌توانند خود اقدام به انتخاب نوع علایم و محل استفاده و در صورت لزوم تهیه و نصب آنها به طور موقت نموده و مراتب را بر حسب مورد، به شهرداری و یا وزارت راه و ترابری اعلام نمایند. تبصره ـ مفاهیم رنگ و شکل علایم و تابلوها و چگونگی رفتار رانندگان پس از دیدن آنها، که در کتاب‌های آموزشی باید ارایه شود، از سوی کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت کشور، وزارت راه و ترابری و راهنمایی و رانندگی تهیه و به همراه این آیین‌نامه برای اطلاع عمومی در اختیار مراجع صلاحیت‌دار و با همکاری شوراهای اسلامی شهرها در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد. ماده۹۸ـ رانندگان کلیه وسایل نقلیه و اشخاص اعم از پیاده یا سوار بر حیوانات و یا اشخاصی که مسئول هدایت انفرادی و یا دسته جمعی پیادگان و یا حیوانات در راه‌ها می‌باشند موظفند از علایم و مقررات مربوط تبعیت نمایند، مگر این که مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه به دلایلی رعایت نکردن آنها را در محل، مجاز اعلام کنند. ماده۹۹ـ کنترل و تنظیم عبور و مرور ممکن است به وسیله چراغ‌ها یا خط‌کشی یا تابلوها، نوشته‌ها و ترسیم‌ها، یا مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه و یا به هر وسیله دیگری که بر حسب مورد لازم باشد، به عمل آید. در هر حال فرمان پلیس راهنما که ممکن است مغایر با پیام علایم یا

مقررات در محل باشد مقدم خواهدبود. ماده۱۰۰ـ در دوطرف عقب وسایل نقلیه طویل باید دو عدد علامت نشان دهنده وسیله نقلیه طویـل (مسـتطیل زرد یا سـفید رنگ که دارای حاشیه قرمز است) الصاق گردد تا راننـدگان وسایل نقلیه پشت سـر را از طویل بودن آنها آگاه گرداند. ماده۱۰۱ـ در محل‌هایی که عبور و مرور به وسـیله چراغ راهنمایی و رانندگی کنترل می‌شود، رنگ‌های زیر برای مقاصدی که معین شده‌است به کار می‌رود: الف ـ چراغ سبز برای حرکت ـ رانندگان وسایل نقلیه‌ای که با چراغ سبز روبرو می‌شوند حق عبور یا گردش دارند؛ مگر آنکه گردش به وسیله علامت دیگری ممنوع شده‌باشد. در هر حال وسایل نقلیه در حال گردش باید حق تقـدم عبور وسایل نقلیه‌ای را که در مسیر مجاز خود مسـتقیم می‌رونـد و حق تقدم پیادگانی را که از گذرگاه پیاده در حرکتند رعـایت نماینـد. با وجود این اگر جریان ترافیک در جهتی که آنها در حال پیش رفتن هسـتند آنچنان متراکم باشـد که چنانچه وارد تقاطع گردنـد با تغییر و تبـدیل بعـدی رنگ چراغ نتوانند از آن خـارج شونـد، چراغ سبز در تقاطع، راننـدگان را برای ادامه حرکت مجاز نخواهـد ساخت. ب ـ چراغ زرد برای احتیاط ـ راننـدگان وسایل نقلیه‌ای که با این چراغ روبرو می‌گردند نباید از خط ایست یا از تراز چراغ راهنمایی و راننـدگی عبور کننـد؛ مگر آنکه آنچنان به خط ایست تقاطع و یا چراغ راهنمایی و راننـدگی نزدیک شـده باشـند که پیش از عبور از خـط ایست یـا از تراز چراغ راهنمایی و رانندگی نتواننـد به آسانی توقف نماینـد. در هر حال در صورت ورود قبلی به تقـاطع موظفنـد به حرکت خود ادامه داده و بـا رعـایت مقررات دیگر از تقاطع یا گـذرگاه عبور کننـد. پ ـ چراغ قرمز برای ایست ـ راننـدگان وسایـل نقلیه‌ای که بـا چراغ قرمز برخورد می‌کننـد بایـد پیش از خـط ویژه ایست، توقف کامـل نماینـد و در صورت نبودن خط ایست در فاصله پنج متری چراغ راهنمایی و رانندگی بایستند و تا روشن شدن چراغ سبز و تخلیه تقاطع از وسایل نقلیه منتظر بماننـد. ت ـ چراغ چشـمک‌زن زرد برای عبور بـا احتیـاط ـ راننـدگان وسایل نقلیه مکلفنـد با دیـدن این چراغ از تقاطع و گـذرگاه پیـاده بـا احتیـاط و سرعت کم عبـور نماینـد. ث ـ چراغ چشـمک‌زن قرمز برای ایست و عبور ـ راننـدگان وسایـل نقلیه در صورت برخورد بـا این چراغ نبایـد از خـط ایست و یا در صورت نبودن خط ایست از تراز چراغ راهنمایی و رانندگی فراتر رونـد و بایـد توقف نموده و پس از اطمینـان از نبودن خطر تصادف، حرکت و عبور نماینـد. همین اقـدامات هنگام دیـدن تابلوی ایست باید انجام شود. ماده۱۰۲ـ در تقاطعهایی که مسیر جداگانه گردش به راست به وسیله جدول یا خط‌کشی تعبیه نشده‌است، در هنگامی که چراغ راهنمایی و رانندگی قرمز است، رانندگانی که قصد گردش به راست داشته باشند در صورت نصب تابلوی ویژه‌ای که گردش به راست را مجـاز اعلام می‌نمایـد، می‌تواننـد از منتهی‌الیه سـمت راست راه و بـا رعـایت احتیـاط و حـق تقـدم عبـور وسایـل نقلیه و پیادگـانی که با چراغ سبز در حال عبور می‌باشـند، وارد راه مجاور سـمت راست شونـد. ماده۱۰۳ـ در چراغ‌هـایی که به عنوان چراغ راهنمـای عـابر پیـاده مورد اسـتفاده قرار می‌گیرنـد، رنگ‌هـا دارای معـانی زیر است: چراغ سبز ـ پیادگـان مجاز به عبور از عرض راه می‌باشند. چراغ قرمز ـ عبور پیادگان از عرض راه ممنوع است. ماده۱۰۴ ـ هدایت و کنترل ترافیک از سوی مأموران صلاحیت دار با فرمان‌هـای زیر انجـام می‌گیرد: الـف ـ بلنـد کردن دست به طـور عمـودی ـ مفهـوم این حرکت برای کلیه اسـتفاده‌کنندگان از راه به معنای توجه توقف خواهدبود. اما رانندگانی که توقف وسایل نقلیه آنها ایمنی کافی ندارد مستثنی هستند. این علامت، رانندگانی را که پیشتر وارد محوطه تقـاطع شده‌انـد ملزم به توقف نمی‌سـازد. ب ـ بلنـد کردن دست یا دست‌های مأمور به دو طرف و بطور افقی ـ مفهوم این حرکت برای کلیه اسـتفاده کننـدگان از راه که جهت حرکت آنها در امتـداد جهت نشان داده شـده با دست یا دست‌های مـأمور صـلاحیت‌دار می‌باشـد، به معنـای ایست خواهـدبود. ممکن است مـأمور پس از دادن این علامـت دست یا دست‌های خود را پایین بیاورد. این حرکت نیز برای رانندگانی که در سمت جلو و عقب مأمور قراردارند به منزله علامت ایست می‌باشد. ماده۱۰۵ـ در خیابان‌ها و یا تقاطع‌هایی که سطح آنها به شکل شطرنجی و به رنگ زرد و سیاه نقاشی شده، هنگامی که تراکم خودروها زیاد است و امکـان تخلیه به هنگـام تقـاطع وجـود نـدارد، راننـدگان موظفنـد پیش از محـل نقاشـی شـده متوقـف شونـد و مسیـر حرکت دیگر خودروها را باز نگه دارند. ماده۱۰۶ـ نصب آگهی یا علامت یا تابلو یا وسایلی که دارای شـباهت با علایم و یا تابلوهای راهنمایی و

رانندگی باشد یا از آنها تقلید شود و یا منظور از آن هدایت و کنترل وسایل نقلیه باشد و یا به طریقی باعث جلوگیری از دیدن علایم و تابلوهای راهنمایی و رانندگی گردد و همچنین نصب چراغ‌های رنگی تبلیغاتی در کنار چراغ‌های راهنمایی و رانندگی به طوری که موجب اشتباه رانندگان گردد ممنوع است. مقامات صلاحیت‌دار می‌توانند در صورت دیدن چنین اشیایی برای رفع آنها اقدام نمایند. تبصره۱ ـ ممکن است از طرف موسسات یا اشخاص با اجازه مراجع صلاحیت‌دار علایمی برای هدایت مراجعه‌کنندگان به مکان‌های اطراف راه نصب گردد، مشروط به این که این تابلوها مانع دیدن تابلوهای راهنمایی و رانندگی نشوند و ایمنی راه را به خطر نیندازند. تبصره۲ـ ضوابط و چگونگی تهیه، نصب و یا الصاق آگهی‌های تبلیغاتی و تابلوهای هدایت به مکان‌ها در شهرها و جاده‌ها، برحسب مورد، به وسیله شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور در شهرها و وزارت راه و ترابری در جاده‌ها تعیین خواهدشد. ماده۱۰۷ـ هیچکس حق ندارد بدون اجازه راهنمایی و رانندگی و پلیس راه در علایم راهنمایی و رانندگی و دیگر وسایل تنظیم عبور و مرور وسایل نقلیه تغییراتی بدهد و یا در متن آن تصرفاتی نماید، مگر اشخاصی که در دستورالعمل‌های موضوع ماده (۹۷) این آیین‌نامه مشخص شده‌اند. ماده۱۰۸ـ رانندگانی که قصد گردش به راست یا به چپ یا توقف یا تغییر مسیر را دارند مکلفند از فاصله حدودی ۱۰۰متر به محل گردش یا توقف به وسیله چراغ راهنما به‌ترتیب زیر علامت دهند: الف ـ برای گردش به راست، چراغ راهنمای سمت راست وسیله نقلیه را روشن کنند. ب ـ برای گردش به چپ، چراغ راهنمای سمت چپ را روشن نمایند. پ ـ برای توقف، چراغ راهنمای سمت راست را روشن نمایند. ت ـ برای تغییر مسیر و یا تغییر خط حرکت، در فاصله مناسب، چراغ راهنمای سمت راست یا چپ را بر حسب مورد، روشن کنند. ماده۱۰۹ـ رانندگان وسایل نقلیه موتوری که چراغ راهنما نداشته و همچنین وسایل نقلیه غیر موتوری و موتورسیکلت‌ها و دوچرخه‌ها باید با دست به شرح زیر علامت بدهند: الف ـ برای گردش یا تغییر مسیر به راست، دست چپ را به طرف بالا نگهدارند. ب ـ برای گردش یا تغییر مسیر به چپ، دست چپ را به طور افقی نگهدارند. پ ـ برای توقف، دست چپ را به طرف پایین نگهدارند. ت ـ برای کاستن سرعت، دست چپ را به طور افقی از بالاـ به پایین به طور متناوب حرکت دهند. ماده۱۱۰ـ علایم آگاه سازی (اخبار) و همچنین علایم لازم برای سبقت به شرح زیر می‌باشد: الف ـ در روز بوق کوتاه. ب ـ در شب چند بار تبدیل و تعویض نور چراغ بالا و پایین. پ ـ هنگام سبقت گرفتن اعم از این که روز باشد یا شب، برای جلب توجه وسایل نقلیه پشت سر، استفاده از چراغ راهنما ضروری است. ماده۱۱۱ ـ وسایل نقلیه امدادی، بازرسی، انتظامی، سازمان‌های خدمات رسانی و مدارس باید دارای دستگاه آگاه‌سازی شنیداری و دیداری مندرج در ماده (۶۰) این آیین‌نامه و تجهیزات ایمنی باشند و روی بدنه وسیله نقلیه هم عبارات و علایم مشخص‌کننده نقش و یا نصب نمایند. ماده۱۱۲ـ رانندگان وسایل نقلیه که مواد خطرناک حمل می‌کنند باید در دو طرف و عقب وسیله نقلیه تابلویی که روی آن کلمه (خطر) با حروف درشت و به دو زبان فارسی و انگلیسی و به رنگ قرمز نوشته شده باشد نصب کنند. مسئولان شرکت‌ها و موسسات حمل بار و رانندگان وسایل نقلیه مکلفند مقررات خاص حمل مواد خطرناک را رعایت نمایند. ماده۱۱۳ـ هرگاه وسیله نقلیه‌ای شب در کنار و بیرون سطح راه توقف نماید به‌طوری که کناره وسیله نقلیه متوقف مماس بر حاشیه سواره‌رو باشد و نور کافی در آن محل برای تشخیص اشیا یا اشخاص از فاصله ۱۵۰متری وجود نداشته‌باشد، راننده یا متصدی وسیله نقلیه (اعم از این که درون وسیله نقلیه باشد یا بیرون آن) مکلف است چراغ‌های کوچک جلو و خطر عقب وسیله نقلیه را روشن نگهدارد. چنانچه چراغ کوچک خراب شده‌باشد چراغ‌های بزرگ را با نور پایین روشن سازد. ماده۱۱۴ـ هرگاه در راه‌ها خرابی و نقص پیش‌بینی نشده برای وسیله نقلیه موتوری ایجاد شود، راننده مکلف است آن را از مسیر عبور و مرور بیرون برده و در محل مناسبی که موجب سد راه و مزاحمت برای وسایل نقلیه دیگر و پیادگان نباشد متوقف سازد. در این مورد و در موارد دیگری که وسیله یاد شده قادر به حرکت نباشد و انتقال آن به محل مناسبی مقدور نگردد، در صورت نبودن نور کافی در راه باید به منظور آگاه ساختن رانندگان دیگر، علایم ایمنی به ترتیب زیر در محل قرار دهد: الف ـ در وسط راه چراغ الکتریکی و یا مشعل نورانی قرمز در فاصله‌های ۷۰متری جلو و

عقب و یکی دیگر در پهلوی وسیله نقلیه از کار افتاده بگذارد. در راه‌هایی که به‌وسیله موانع فیزیکی مسیر رفت و برگشت وسایل نقلیه از هم جدا شده است قراردادن علایم مندرج در فوق در عقب و پهلوی وسایل متوقف کافی خواهدبود. ب ـ هرگاه وسیله نقلیه سر پیچ یا تپه‌ای از کار بیفتد علایم باید در فاصله‌های مناسبی قرار داده شود تا رانندگان وسایل نقلیه دیگر، از فاصله ۲۰۰متری متوجه خطر شوند. ماده۱۱۵ـ هرگاه وسیله نقلیه موتوری در راه‌ها از کار بیفتد و به علت کافی بودن روشنایی محل احتیاجی به استفاده از چراغ یا مشعل نباشد، راننده باید در وسط جاده مثلث‌های شبرنگ متساوی‌الاضلاع دارای زمینه سفید یا زرد با حاشیه قرمز از نوع علامت احتیاط به ابعاد حداقل ۳۰ سانتیمتر در فاصله ۷۰متری جلو و عقب آن به نحوی که قابل دیدن باشد قراردهد. ماده۱۱۶ـ اگر وسیله نقلیه حامل مواد خطرناک در ساعات و شرایط مندرج در مواد (۱۱۳) و (۱۱۴) در راه‌ها از کار بیفتد، راننده یا متصدی وسیله نقلیه موظف است که در وسط جاده چراغ‌های الکتریکی به رنگ قرمز با باتری در فاصله‌های ۷۰متری جلو و عقب و دیگری در پهلوی وسیله از کار افتاده بگذارد. استفاده از فانوس یا چراغ یا مشعل و هرگونه علامت آتش‌زا برای این گونه وسایل نقلیه ممنوع است. ماده۱۱۷ـ روی یدک و هرنوع وسیله نقلیه‌ای که وسیله نقلیه دیگری آن را می‌کشد باید یک پرچم سفید به ابعاد حداقل ۵۰ سانتیمتری طوری نصب شود تا رانندگان دیگر از فاصله دور و از دو طرف جاده آن را ببینند. فصل نهم ـ مقررات رانندگی بخش اول ـ مسیر و جهت عبور ماده۱۱۸ـ رانندگان کلیه وسایل نقلیه موظفند از خط عبور یا مسیر عبوری سمت راست راه حرکت نمایند، مگر در موارد زیر: الف ـ هنگام سبقت گرفتن از وسیله نقلیه جلو. ب ـ هنگامی که سمت راست راه به هر علتی بسته شده و امکان عبور نباشد. پ ـ هنگام گردش به چپ. ماده۱۱۹ـ در راه‌هایی که خط‌کشی شده، وسایل نقلیه باید در مسیر بین خطوط حرکت کنند و از آن خارج نشوند و در صورت نیاز به خروج و تغییر خط حرکت، احتیاط کامل را نموده و ابتدا با استفاده از چراغ راهنما و یا با دادن علامت، رانندگان وسایل نقلیه دیگر را از قصد خود آگاه سازند و سپس با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که در خطوط کناری در حرکت هستند وارد خط‌های عبور دیگر شوند. در راه‌هایی که خط‌کشی ندارند هرگونه تغییر مسیر حرکت به چپ و راست ممنوع است، مگر با رعایت احتیاط و دادن علامت و رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه هم مسیر و مجاور. همچنین انحراف و تجاوز وسایل نقلیه به مسیر مقابل (مخالف) ممنوع است؛ مگر در موارد سبقت مجاز و با رعایت ضوابط سبقت. ماده۱۲۰ـ رانندگی در بخش وسط راه‌هایی که به وسیله خط‌کشی یا علایم دیگر به سه بخش تقسیم شده‌اند، به جز برای سبقت گرفتن یا گردش به چپ، بر حسب مورد با رعایت علایم و مقررات مربوط، ممنوع است. ماده۱۲۱ـ در راه‌هایی که به وسیله علایم، مانند خط‌کشی‌های یک خط ممتد و یا دو خط ممتد و یا موانع فیزیکی به دو بخش تقسیم شده‌اند، رانندگان موظفند از بخش راست راه حرکت کنند و حق ندارند از روی آنها بگذرند. در برخی از بخش‌های راه که یک خط از دوخط ممتد به خط بریده تبدیل شده‌است، رانندگانی که در سمت خط بریده در حرکتند مجاز به سبقت گرفتن و یا گردش به چپ، برحسب مورد و با توجه به طول خط بریده و با رعایت مقررات بخشهای سبقت و گردش، می‌باشند. ماده۱۲۲ـ در راه‌های یک طرفه رانندگان وسیله نقلیه باید در جهت و مسیر مجاز عبور کنند و حرکت برخلاف مسیر تعیین شده به هر شکل ممنوع است. ماده۱۲۳ـ در میدان‌هایی که به وسیله علایم، مانند خط‌کشی و یا موانع فیزیکی مشخص شده‌اند رانندگان وسایل نقلیه موظفند از سمت راست آنها گردش نمایند و حرکت در خلاف جهت تعیین شده ممنوع است؛ مگر آنکه به وسیله علایم دیگر، عبور از سمت چپ مجاز اعلام شود. ماده۱۲۴ـ در راههایی که عبور وسایل نقلیه کندرو مجاز اعلام گردیده‌اند، رانندگان این‌گونه وسایل نقلیه در هر حال مکلفند از اولین خط عبور سمت راست یا محل‌هایی که برای عبور آنها تعیین شده حرکت نمایند. ماده۱۲۵ـ هنگامی که وسیله نقلیه‌ای از روبروی وسیله نقلیه دیگری در جهت مخالف حرکت می‌کند، راننده هریک از آنها بایستی تا حد امکان در طرف راست خود حرکت نماید و در صورت لزوم به حاشیه بخش سواره‌رو در جهت حرکت خود نزدیک شود. اگر در انجام این عمل مانع وجود داشته باشد و یا وسیله نقلیه دیگری مانع حرکت او شود، باید از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نماید تا به وسایل نقلیه

جهت مقابل اجازه عبور دهد. بخش دوم ـ سرعت ماده۱۲۶ـ در راهها و مناطقی که میزان سرعت رانندگی به وسیله تابلو یا علایم دیگر راهنمایی و رانندگی معین نگردیده‌است، سرعت مجاز برای رانندگان وسایل نقلیه به‌قرار زیر می‌باشد: اول ـ در شهرها و مناطق مسکونی الف ـ معابر شریانی درجه یک ۱ـ آزادراه‌ها حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۲۵ کیلومتر در ساعت. ۲ـ بزرگراه‌ها حداکثر ۱۰۰کیلومتر در ساعت. ب ـ معابر شریانی درجه دو ۱ـ خیابان‌های شریانی اصلی حداکثر ۶۰کیلومتر در ساعت. ۲ـ خیابان‌های شریانی فرعی حداکثر ۵۰ کیلومتر در ساعت. پ ـ معابر محلی ـ در این معابر و میدان‌ها حداکثر ۳۰ کیلومتر در ساعت. دوم ـ در راه‌های بیرون شهر و مناطق غیرمسکونی الف ـ آزادراه‌ها ـ حداقل ۷۰و حداکثر ۱۲۵ کیلومتر در ساعت. ب ـ بزرگراه‌ها ـ حداکثر ۱۱۵ کیلومتر در ساعت. پ ـ جاده‌ها ـ روزها حداکثر ۱۰۰ و شب‌ها حداکثر ۹۰کیلومتر در ساعت. تبصره۱ـ تردد اتوبوس، مینی‌بوس، و انواع بارکش‌ها به استثنای وانت‌ها در خط سوم (سرعت) آزادراه‌های شهری و بین‌شهری ممنوع است. تبصره۲ـ حداکثر سرعت مجاز برای وسایل نقلیه موتوری در هریک از خط‌های عبوری آزادراه‌ها با توجه به شرایط محل به وسیله علایم تعیین می‌گردد. تبصره۳ـ تغییرات بعدی در میزان سرعت‌های قید شده در راه‌های بیرون شهر و مناطق غیرمسکونی از سوی وزارت راه و ترابری تعیین و اعلام می‌گردد. ماده۱۲۷ـ علاوه بر آزادراه‌ها در محل‌هایی که بر حسب ضرورت با نصب تابلو یا علایم دیگر حداقل سرعت نیز معین گردیده‌است، رانندگی با سرعت کمتر از حداقل، مجاز نخواهدبود. ماده۱۲۸ـ رانندگان حق ندارند در راه‌ها آن قدر با سرعت کم حرکت نمایند که باعث کندی عبور و مرور یا نابسامانی آن بشوند، مگر آنکه برای پرهیز از خطر و تصادف ضروری باشد. ماده۱۲۹ ـ رانندگان وسایل نقلیه موظفند در تقاطع‌هایی که چراغ راهنمایی و رانندگی یا مأمور راهنمایی و رانندگی یا تابلوی ایست وجود ندارد، در سر پیچ‌ها جاده‌های تنگ و تپه‌ها و به طور کلی در محل‌هایی که موانعی در مسیر حرکت آنان وجود داشته باشد و همچنین هنگام بارندگی یا مه یا کولاک و مانند آنها از سرعت وسیله نقلیه تاحدی که برحسب مورد برای پرهیز از خطر یا تصادف ضرورت دارد، بکاهند و با سرعت مطمئن حرکت نمایند. ماده۱۳۰ـ رانندگان وسایل نقلیه هنگام عبور از معابر و گذرگاه‌های تنگ یا پر جمعیت و یا هنگامی که بیشتر از ۵۰ متر مقابل آنها دیده نمی‌شود، مکلفند آهسته و با سرعت مطمئن حرکت کنند و در صورت احتمال وقوع حادثه یا اخلال در نظم و مزاحمت برای پیادگان، برحسب مورد، حرکت وسیله نقلیه را کند یا آن را متوقف سازند. ماده۱۳۱ـ رانندگی با انواع دوچرخه‌های موتوردار در شب با سرعتی بیش از ۴۰ کیلومتر در ساعت مجاز نیست، مگر این که نور چراغ جلوی آنها برای تشخیص اشیاء و انسان از فاصله ۱۰۰متری کافی باشد که در این صورت هم نمی‌توانند از حداکثر سرعت مقرر تجاوز نمایند. بخش سوم ـ سبقت ماده۱۳۲ـ رانندگانی که قصد سبقت گرفتن از وسایل نقلیه‌ای را که در جهت آنان حرکت می‌نمایند دارند، در محل‌های مجاز و در صورت لزوم پس از روشن کردن چراغ راهنما و یا با دادن علامت لازم تنها از سمت چپ آنها سبقت گیرند و پس از سبقت و طی مسافت کافی، بار دیگر با روشن کردن چراغ راهنما و یا با دادن علامت به طرف راست راه متوجه و در مسیر قبلی خود قرار گیرند به نحوی که راه وسیله نقلیه‌ای که از آن سبقت گرفته شده بسته نشود یا موجب تصادف نشود. با وجود این سبقت گرفتن از طرف راست وسیله نقلیه‌ای که در حال گردش به چپ می‌باشد مجاز خواهدبود. ماده۱۳۳ـ مسیری که راننده می‌خواهد برای سبقت گرفتن وارد آن شود باید تا فاصله دور و مطمئنی از طرف مقابل خالی از هرگونه وسیله نقلیه بوده و تفاوت سرعت بین وسیله نقلیه او و وسیله نقلیه جلویی برای سبقت کافی باشد تا به این ترتیب موجب به خطر انداختن خود و ترافیک سمت مقابل نشده باشد. ماده ۱۳۴ـ رانندگان وسایل نقلیه‌ای که از آنها سبقت گرفته می‌شود باید راه را برای وسیله نقلیه‌ای که در حال سبقت گرفتن است باز کنند و بر سرعت خود نیفزایند. ماده۱۳۵ـ سبقت گرفتن در موارد زیر ممنوع است: الف ـ در سر پیچ‌های تند و سربالایی که میدان دید راننده کم است. ب ـ از ۵۰ متر مانده به پیچ‌ها تا ۵۰ متر پس از آن یا در تقاطع راه‌ها یا در تقاطع راه‌آهن، مگر آنکه به وسیله علایم، سبقت مجاز شناخته شده باشد. پ ـ هنگامی که روشنایی و میدان دید به هر علت کافی نباشد. ت ـ سبقت از وسیله نقلیه‌ای که خود در حال سبقت گرفتن است، مگر در راهی

که به دلیل وجود سه خط عبور یا بیشتر، این عمل مجاز باشد. ث ـ برای اتوبوس‌ها و کامیون‌ها در معابر شهری. ج ـ از ۱۰۰متر مانده به ورودی تونل‌ها و پل‌ها تا انتهای آنها، مگر آنکه به وسیله علایم، سبقت مجاز شناخته شده‌باشد. چ ـ در نقاطی که با نصب علایم ویژه سبقت گرفتن ممنوع اعلام شده باشد. ح ـ هنگامی که وسیله نقلیه‌ای در فاصله‌ای نزدیک و غیر ایمن از روبرو در حال حرکت می‌باشد. بخش چهارم ـ حق تقدم عبور ماده۱۳۶ـ رعایت مقررات مربوط به حق تقدم عبور برای همه اجباری است، مگر در مواردی که موجب مقررات خاص یا علایم ویژه راهنمایی و رانندگی خلاف این حکم داده شده باشد. ماده۱۳۷ـ حق تقدم عبور وسایل نقلیه در تقاطع‌ها و میدان‌هایی که هیچگونه علامت و چراغ راهنمایی و رانندگی وجود نداشته‌باشد، به ترتیب زیر است: الف ـ در تقاطع هم‌عرض اگر دو وسیله نقلیه‌ای که روبروی یکدیگر در حرکتند بخواهند با هم وارد خیابان مجاور واحدی شوند، حق تقدم عبور با وسیله‌ای است که به‌سمت راست گردش می کند. ب ـ هرگاه دو یا چند وسیله نقلیه از دو یا چند راه مختلف به تقاطع هم عرض برسند، حق تقدم عبور با وسیله نقلیه‌ای است که در طرف راست وسیله نقلیه دیگر قرار دارد. پ ـ هنگام ورود به میدان‌ها حق تقدم عبور با وسایل نقلیه‌ای است که در درون میدان در حال حرکت هستند. ت ـ در سه راه‌ها حق تقدم عبور با وسیله نقلیه‌ای است که به طور مستقیم و در سمت و مسیر مجاز حرکت می‌کند حتی اگر عرض خیابانی که مسیر آن است از عرض راه تلاقی کننده کمتر باشد. ماده۱۳۸ـ در برخورد راه اصلی با راه فرعی حق تقدم با وسیله‌ای است که از راه اصلی عبور می کند. رانندگانی که از راه فرعی وارد راه اصلی می‌شوند، باید پیش از ورود به راه اصلی، در صورت لزوم توقف نموده و پس از رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که در مسیر مجاز خود در راه اصلی و با سرعت مجاز عبور می‌کنند، وارد این راه بشوند. ماده۱۳۹ـ رعایت مقررات ماده (۱۳۸) برای وسیله نقلیه‌ای که از راه خصوصی یا شانه راه یا گاراژ یا کوچه یا تعمیرگاه و مانند آنها به معابر عمومی وارد می‌شود نیز لازم است. ماده۱۴۰ـ وسیله نقلیه ای که در مسیر مجاز در حال حرکت است بر وسایل نقلیه متوقفی که در حال شروع حرکت به جلو یا عقب، گردش و یا دور زدن هستند حق تقدم عبور دارد. ماده۱۴۱ـ در گذرگاه پیاده که چراغ راهنمایی و رانندگی نداشته‌باشد، حق تقدم عبور با پیادگان است. ماده۱۴۲ـ در خیابان یا در تقاطعی که وسایل نقلیه روبروی یکدیگر حرکت می‌کنند، هرگاه وسیله‌ای بخواهد گردش به چپ کند حق تقدم با وسیله نقلیه‌ای است که مستقیم و در مسیر مجاز عبور می‌نماید. در محل توقف (پارک) کنار خیابان حق تقدم با وسیله‌ای است که ضمن حرکت به عقب مشغول توقف یا پارک کردن است. ماده۱۴۳ـ در راه‌هایی که مسیر حرکت وسایل نقلیه به علت وجود موانع ثابت اعم از وسایل نقلیه پارک شده، مصالح ساختمانی، اشیاء، عملیات عمرانی، حفاری و خرابی راه بسته و یا برای عبور از مسیر مجاز کافی نباشد، حق تقدم عبور با وسایل نقلیه‌ای است که مسیر عبور آنها باز یا سهم عبور بیشتری را دارا می‌باشد. ماده۱۴۴ـ در راه‌های کوهستانی و یا راه‌های شیب‌دار با ویژگی‌های مشابه راه‌های کوهستانی که در آنها عبور از کنار وسایل نقلیه طرف مقابل غیرممکن و یا مشکل می‌باشد، راننده‌ای که در جهت سرازیری در حرکت است باید به کنار راه رفته و به راننده‌ای که در جهت سربالایی در حرکت است تقدم عبور بدهد. تبصره ـ در راه‌های مسطح که دو طرف راه منتهی به کوه و پرتگاه می‌باشد حق تقدم عبور با وسایل نقلیه‌ای است که در طرف پرتگاه قرار دارند. ماده۱۴۵ـ در راه‌های مندرج در ماده (۱۴۴) که در کنار آن جای توقف (پارک) یا شانه کافی وجود دارد به نحوی که راننده می‌تواند با استفاده از آن به کنار برود و با استفاده از آن از عقب رفتن یکی از وسایل نقلیه جلوگیری کند، راننده واقع در جهت سربالایی باید با استفاده از آن به راننده واقع در جهت سرازیری اجاره عبور دهد. چنانچه یکی از دو وسیله‌ای که می‌خواهند از کنار یکدیگر عبور کنند به منظور امکان عبور، مجبور به عقب رفتن بشود، این عمل را باید وسیله‌ای که در جهت سرازیری قرار دارد انجام دهد، مگر آنکه به طور آشکار انجام آن از سوی راننده واقع در جهت سربالایی آسانتر باشد. بخش پنجم ـ استفاده از چراغ‌ها ماده۱۴۶ـ راننده وسیله نقلیه‌ای که شب در حرکت است و همچنین در هر محل یا زمان دیگری که به علت نبودن نور کافی ناشی از ابری بودن هوا، وجود مه، باران، برف، عبور از تونل و مانند آنها دید کافی وجود ندارد، باید چراغ‌های وسایل نقلیه را به ترتیب مقرر در مواد بعدی

روشن نماید. ماده۱۴۷ـ در خیابان‌ها و جاده‌هایی که نور کافی وجود دارد باید تنها از چراغ‌های جانبی جلو و عقب در صورت خرابی ناگهانی چراغ‌های جانبی جلو از چراغ عبور (نورپایین) استفاده شود. ماده۱۴۸ـ هنگامی که چراغ‌ها باید روشن باشند، اگر چند وسیله نقلیه متصل به‌هم حرکت کنند، روشن کردن چراغ‌هایی که با توجه به محل نصبشان پوشیده می‌شوند ضرورت ندارد ولی در هر حال چراغ‌های جلوی وسیله اولی و چراغ‌های عقب وسیله آخری باید روشن باشند. ماده۱۴۹ـ رانندگان وسایل نقلیه موتوری موظفند که در جاده‌ها از چراغ رانندگی (نوربالا) استفاده کنند تا بتوانند کلیه اشیا و اشخاص را در فاصله دور ببینند، مگر در موارد زیر که باید از چراغ عبور (نور پایین) استفاده نمایند: الف ـ هنگام روبرو شدن با وسیله نقلیه‌ای که از جهت مخالف حرکت می‌کند. در این صورت راننده باید از فاصله حداقل ۱۵۰ متری از چراغ عبور (نورپایین) استفاده نماید تا راننده طرف مقابل بتواند به راحتی و بدون خطر به راه خود ادامه دهد. در عین حال برای جلوگیری از تابش خیره کننده نور به چشم رانندگان دیگر، می‌توان بر حسب مورد از چراغ‌های کوچک یا چراغ‌های مه شکن استفاده نمود. ب ـ هنگامی که وسیله نقلیه از فاصله نزدیک عقب وسیله نقلیه دیگری که درحال حرکت است عبور می‌کند، مگر وقتی که درحال سبقت گرفتن باشد. ماده ۱۵۰ـ چراغ‌های جلو وسایل نقلیه‌ای که در شانه راه‌ها (به استثنای آزاد راه‌ها و بزرگراه‌ها) توقف می‌نمایند با دیدن حرکت وسایل نقلیه ای که از مقابل در حرکتند باید خاموش شود و برای تشخیص وجود و ابعاد وسیله نقلیه، چراغ‌های کوچک و جانبی را روشن نمایند. ماده۱۵۱ـ استفاده از چراغ‌های چشمک‌زن و رنگارنگ در وسایل نقلیه ممنوع است، مگر در مواردی که به موجب این آیین‌نامه مجاز باشد. بخش ششم ـ گردش ماده۱۵۲ـ قواعد گردش در تقاطع‌ها به شرح زیر است: الف ـ برای گردش به راست باید با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل نقلیه‌ای که در جلو و عقب حرکت می‌کنند با فاصله کافی و مناسب و با استفاده از چراغ راهنما و یا با دادن علامت، وارد خط عبور سمت راست شده و به طور کامل از کنار تقاطع بگذرند. ب ـ برای گردش به چپ باید با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل‌نقلیه‌ای که در جلو و عقب حرکت می‌کنند از فاصله کافی و مناسب چراغ راهنما استفاده نموده و یا با دادن علامت وارد مسیر مجاز سمت چپ شده به‌طوری که پس از ورود به تقاطع، وسیله نقلیه در حدود مرکز تقاطع قرار گیرد و سپس با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که مستقیم و در مسیر و محل مجاز در حرکتند با حداقل سرعت به چپ گردش نماید به نحوی که پس از ورود به خیابان موردنظر در مجاورت محور وسط آن خیابان قرار گیرد. پ ـ برای گردش به چپ در راه‌های بیرون شهر که منحصر به دو خط عبور رفت و برگشت بوده و مانع فیزیکی وسط جاده وجود نداشته باشد، رانندگان وسایل نقلیه موظفند وسیله‌نقلیه را در شانه راه و در صورت نبودن آن، در منتهی‌الیه سمت راست راه متوقف نموده و سپس با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل نقلیه‌ای که به طور مستقیم در حال حرکت می‌باشند و با استفاده از چراغ راهنما و یا با دادن علامت اقدام به گردش نمایند. ماده۱۵۳ـ در راه‌های یک طرفه برای گردش به چپ، رانندگان موظفند وسیله‌نقلیه را به منتهی‌الیه طرف چپ خیابان هدایت و سپس به چپ گردش کنند. ماده۱۵۴ـ دور زدن در فاصله ۱۵۰متری پیچ‌ها و سربالایی‌ها و تونل‌ها که میدان دید کافی نیست و همچنین از روی خط پر یا ممتد (یک خطه ممتد یا دو خطه ممتد) ممنوع است. ماده۱۵۵ـ به عقب راندن وسیله نقلیه در آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها و ورودی و خروجی آنها ممنوع می‌باشد. در راه‌های دیگر به هنگام ضرورت، با احتیاط کامل برای پرهیز از وقوع هرگونه حادثه و بسته شدن راه عبور وسایل دیگر، مجاز است. ماده۱۵۶ـ در تقاطع‌هایی که با ترسیم جهت‌نما بر سطح آنها مسیر حرکت مشخص شده، رانندگان موظفند تنها در همان جهت ترسیم شده بر سطح تقاطع به‌حرکت خود ادامه دهند. در معابری که با ترسیم جهت‌نما بر سطح آن مسیر حرکت مشخص شده، رانندگان تا حد امکان مسیر مشخص شده بر سطح معبر را دنبال می‌کنند، مگر اینکه قصد تغییر خط یا توقف یا گردش داشته باشند که در این صورت با رعایت کامل مقررات، از مسیر مشخص شده خارج می‌شوند. بخش هفتم ـ توقف ماده۱۵۷ـ رانندگان تاکسی‌های خطی و بیسیم‌دار هنگامی که مسافر ندارند باید در ایستگاه‌های تعیین شده توقف کنند. ماده۱۵۸ـ کلیه رانندگان وسایل نقلیه برای سوار و پیاده‌کردن مسافران و یا سرنشینان خود باید

تنها در محل‌های مجاز و یا در منتهی‌الیه سمت راست سواره رو توقف نمایند. تبصره ـ سوار و یا پیاده کردن مسافران وسایل‌نقلیه عمومی بین شهری در صورت وجود پایانه مسافربری در شهر، تنها در پایانه یاد شده مجاز است. ماده۱۵۹ـ هرگونه توقف کوتاه یا طولانی وسایل‌نقلیه در خط‌های عبور یا مسیر وسایل نقلیه و پیادگان و همچنین توقف وسایل‌نقلیه در حاشیه راه‌ها برای عرضه و خرید و فروش کالا که موجب تجمع اشخاص و یا وسایل نقلیه در محل یا انحراف دید و یا کاهش توجه رانندگان از رانندگی و احتمال وقوع تصادف گردد ممنوع است. رانندگان وسایل‌نقلیه در صورت توقف اضطراری که امکان انتقال وسیله‌نقلیه به بیرون خط و یا مسیر عبوری وجود نداشته باشد، موظفند با نصب علایم، از فاصله ۷۰متری رانندگان وسایل‌نقلیه دیگر و پیادگان را آگاه نمایند. ماده ۱۶۰ـ هیچ راننده‌ای مجاز نیست وسیله نقلیه‌ای را که موتور آن روشن است حتی در محل مجاز متوقف سازد و خود از آن پیاده و دور گردد. در معابر شیب‌دار پس از توقف، رانندگان باید چرخ‌های جلو وسیله نقلیه را به سمت کناره راه بپیچانند و سپس با رعایت دیگر نکات ایمنی، موتور را خاموش و پیاده شوند، مگر در راه‌هایی که کناره آنها منتهی به پرتگاه باشد. ماده۱۶۱ـ رانندگان وسایل‌نقلیه در موارد زیر موظفند به ترتیبی که مقرر می‌شود توقف نمایند: الف ـ هنگام برخورد با وسایل نقلیه امدادی که دستگاه‌های آگاه‌سازی شنیداری یا دیداری خودرا به کار انداخته باشند تا حد امکان وسیله‌نقلیه را در مسیر مجاز خود به سمت راست راه‌هدایت و راه را برای آنها باز کنند و در صورت لزوم تا گذشتن وسایل نقلیه امدادی متوقف شوند. ب ـ پیش از ورود به تقاطعی که علایم یا مأمور راهنمایی و رانندگی ندارند، باید بایستند و سپس با احتیاط کامل از تقاطع بگذرند. پ ـ پیش از رسیدن به گذرگاه پیاده و در صورت حضور یا عبور اشخاص باید وسیله‌نقلیه خود را متوقف سازند و همچنین با دادن علامت رانندگان پشت سر را نیز به توقف دعوت نمایند تا پیادگان با آرامش عبور کنند. ت ـ هنگام برخورد با اتومبیل‌های مدارس که برای سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان در حال توقف می‌باشند، توقف نمایند تا دانش‌آموزان با ایمنی کامل از عرض راه عبور کنند. ث ـ در تقاطع‌های همسطح راه‌آهن و یا راه‌آهن شهری، هنگامی که علایم الکتریکی یا مکانیکی یا پرچم قرمز یا سوت قطار نزدیک شدن آن را اعلام می‌دارد یا دروازه عبور بسته شده یا در حال باز و بسته شدن است و یا مسیر عبوری از روی ریل متراکم باشد، باید لااقل در پنج متری علامت یا دروازه توقف کامل کنند تا قطار بگذرد و تقاطع برای عبور آزاد گردد. تبصره۱ـ حرکت در پوشش وسایل‌نقلیه امدادی برای وسایل نقلیه دیگر ممنوع است. تبصره۲ـ در معابر متقاطع با راه‌آهن، حسب مورد، شهرداری‌ها یا وزارت راه و ترابری موظف به ایجاد گذرگاه غیرهمسطح می‌باشند. ماده۱۶۲ـ رانندگان وسایل نقلیه موتوری به ویژه اتومبیل‌های مدارس و وسایل‌نقلیه که حامل مواد خطرناك می‌باشند، در محل تقاطع راه‌آهن هرچند علامتی وجود نداشته باشد باید به طور کامل توقف کنند و پس از اطمینان از بی‌خطر بودن معبر، از تقاطع بگذرند. در هر حال هنگام عبور از روی ریل‌ها، مجاز به تعویض دنده نمی‌باشند. ماده۱۶۳ـ ایستادن یا توقف وسایل‌نقلیه در محل‌های زیر ممنوع است: الف ـ پیاده‌رو و گذرگاه پیاده. ب ـ مقابل ورودی خیابان‌ها و جاده‌ها و کوچه‌ها یا ورودی و خروجی اتومبیل روی ساختمان‌ها. پ ـ داخل تقاطع. ت ـ در فاصله ۱۵متری میدان یا تقاطع یا سه‌راه‌ها یا تقاطع راه‌آهن. ث ـ در فاصله ۱۵متری شیرهای آب آتش‌نشانی و شیرهای آب نصب شده در راه‌ها. ج ـ در فاصله ۱۵ متری اطراف چراغ‌های راهنمایی و رانندگی و یا محل‌هایی که توقف وسایل‌نقلیه مانع دید علایم راهنمایی و رانندگی بشود. چ ـ از ابتدا تا انتهای پیچ‌ها. ح ـ در فاصله ۱۵ متری ورودی و یا خروجی مراکز آتش‌نشانی، پلیس و بیمارستانها و فوریت‌های پزشکی. خ ـ کنار وسایل نقلیه‌ای که خود متوقف می‌باشند (توقف دوبله). د ـ روی پل‌ها و درون تونل‌ها و معابر در ارتفاع. ذـ در خیابان‌هایی که پیاده‌رو آن قابل عبور نبوده و پیادگان مجبورند از بخشی از سواره‌رو عبور کنند. رـ در ایستگاه‌های وسایل نقلیه همگانی و حریم آنها که با علایم راهنمایی و رانندگی مشخص است. ز ـ در محل‌هایی که علایم راهنمایی و رانندگی مانند تابلوهای توقف ممنوع و یا ایستادن ممنوع و یا خط‌کشی‌های شطرنجی در سطح تقاطع و یا معابر نیز دلالت بر ممنوعیت توقف نماید. ژـ در هر نقطه از معابر در حال تعمیر، شستشو و تعویض روغن و نیز در طول مسیرهای ویژه اتوبوس و دوچرخه و همچنین در

طول مسیر و خط‌های عبور آزادراه‌ها. س ـ در جاهایی که دستگاه توقف‌سنج (پارکومتر) نصب شده و یا توقف با کارت پارک یا انواع دیگر تجهیزات توقف‌سنج با علایم مشخص‌کننده، مجاز می‌باشد، به‌علت پرداخت نکردن هزینه توقف و یا نداشتن کارت پارک مجاز و یا پایان زمان توقف. تبصره ـ مراجع مسئول موظفند هنگام استفاده از پارکومتر، کارت پارک و مشابه آنها و همچنین در محل‌هایی که تابلوهای ایستادن ممنوع، توقف ممنوع و حمل با جرثقیل و مانند آن نصب می‌نمایند، به وسیله تابلو مستطیل شکلی در زیر تابلوهای یاد شده زمان‌های ممنوعیت توقف و حمل با جرثقیل را اعلان کنند. بخش هشتم ـ مقررات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه ماده۱۶۴ـ رانندگان و سرنشینان هرنوع موتورسیکلت و دوچرخه موتوردار باید به کلاه ایمنی مجهز باشند و در طول حرکت از آن استفاده نمایند. ماده۱۶۵ـ رانندگان موتورسیکلت نباید در یک خط عبور به موازات و در کنار خودروها حرکت کنند. ماده۱۶۶ـ رانندگان موتورسیکلت باید هنگام رانندگی تنها روی زین موتورسیکلت بنشینند و حق ندارند شخص دیگری را بر ترک سوار کنند، مگر آنکه در ترک نیز یک زین کامل برابر استاندارد ساخت موتورسیکلت نصب شده یا موتورسیکلت دارای یدک پهلو (سایدکار) باشد. ماده۱۶۷ـ عبور موتورسیکلت و موتورگازی و دوچرخه‌سوار از پیاده‌رو و وسط دستجات، بازار و نقاط شلوغ ممنوع است. ماده۱۶۸ـ موتورسیکلت‌سواران و دوچرخه‌سواران حق ندارند هنگام رانندگی بار نامتعارف و اشیای دیگری حمل کنند یا حرکت نمایشی یا اعمالی انجام دهند که نیازمند برداشتن دست‌های آنان از روی فرمان باشد. ماده۱۶۹ـ راندن موتورسیکلت، موتورگازی و دوچرخه هنگام لغزنده بودن راه‌ها ممنوع است. ماده ۱۷۰ـ رانندگی با دوچرخه فاقد زین ممنوع است. ماده۱۷۱ـ دوترکه سوار کردن اشخاص روی دوچرخه ممنوع است، مگر آنکه زین اضافی استاندارد برای این کار داشته باشد. ماده۱۷۲ـ دوچرخه‌سواران مکلفند: الف ـ هنگام حرکت به‌طور کامل از طرف راست راه عبور نمایند و برای گذشتن از وسایل‌نقلیه‌ای که در کنار راه توقف کرده‌اند منتهای احتیاط را به عمل آورند. ب ـ در صورت زیاد بودن تعداد دوچرخه‌سواران، باید در یک ردیف حرکت کنند، مگرانکه معبر ویژه‌ای برای آنها اختصاص داده شده باشد. در این صورت حق ندارند بیرون معبر ویژه عبور و مرور نمایند. فصل دهم ـ مقررات مختلف ماده۱۷۳ـ رانندگان وسایل‌نقلیه‌ای که در پشت سر وسیله‌نقلیه دیگر حرکت می‌کنند، موظفند فاصله مناسبی را برای جلوگیری از تصادف حفظ کنند. چگونگی رعایت فاصله مناسب به‌وسیله متن‌های آموزشی تهیه شده و با روش قاعده دوثانیه از طریق کتاب‌های آموزشی موضوع تبصره ماده (۹۷) این آیین‌نامه، به‌درخواست‌کنندگان گواهی‌نامه آموزش داده می‌شود. ماده۱۷۴ـ کامیون‌های بزرگ و وسایل‌نقلیه دیگری که دارای یدک‌های طویل هستند و همچنین وسایل‌نقلیه‌ای که به صورت کاروان و دسته‌جمعی در یک ستون در جاده‌ها حرکت می‌کنند، هنگام عبور باید فاصله بیشتری با وسایل‌نقلیه جلوی خود داشته باشند به طوری که وسیله‌نقلیه دیگری که از آنها سبقت می‌گیرد، بتواند پس از سبقت بار دیگر در جلو آنها وارد مسیر مجاز عبور خود شوند. ماده۱۷۵ـ سوار کردن بیش از ظرفیت مجاز تعیین شده در وسیله‌نقلیه و همچنین گذاشتن بار یا اشیا دیگر در قسمت جلو یا عقب آن اعم از درون یا بیرون که مانع دید راننده گردد ممنوع است. ماده۱۷۶ـ رانندگان وسایل‌نقلیه سنگین هنگام عبور از جاده‌های کم‌عرض و باریک یا عقب راندن، باید یک نفر کمک‌راننده برای پرهیز از هرگونه خطری همراه داشته باشند. ماده۱۷۷ـ حرکت با دنده خلاص در سرازیری‌ها ممنوع است. ماده۱۷۸ـ وسایل‌نقلیه نباید از روی لوله‌های آب آتش‌نشانی که برای خاموش کردن آتش در خیابان قرار گرفته‌اند، عبور نمایند، مگر با اجازه متصدیان آتش‌نشانی. ماده۱۷۹ـ رانندگان تاکسی‌ها و وسایل‌نقلیه مسافربری موظفند موارد زیر را رعایت نمایند: الف ـ سوار کردن مسافر با داشتن مسافر قبلی در تاکسی‌های تلفنی، بی‌سیم و یا موسسات و یا شرکت‌های تاکسیرانی دربست، ممنوع است. ب ـ رانندگان تاکسی‌ها موظفند پس از سوار شدن مسافر و هنگام شروع به‌حرکت، تاکسیمتر را به کار اندازند. در صورت نداشتن یا خرابی تاکسیمتر حق کار کردن ندارند، مگر در نقاطی که شهرداری نصب تاکسیمتر را ضروری اعلام نکرده باشد. پ ـ رانندگان وسایل‌نقلیه عمومی دیگر که دربست کرایه داده می‌شوند نباید بدون رضایت کرایه‌کننده شخص دیگری را سوار کنند. ت ـ

خودداری از بردن مسافر برای وسایل نقلیه عمومی و همچنین نرساندن مسافر به مقصد ممنوع است، مگر اینکه بر اساس ضوابط مربوط خارج از خدمت (سرویس) باشند. ث ـ رانندگان وسایل نقلیه عمومی و کمک‌رانندگان آنها نباید با مسافران با خشونت و بی‌احترامی رفتار نمایند. ماده ۱۸۰ـ رانندگان حق ندارند ضمن رانندگی، دخانیات استعمال نمایند یا خوراکی یا آشامیدنی میل کنند و استفاده از هرگونه وسایل و تجهیزات مانند تلفن همراه که باعث انحراف ذهنی و رفتاری راننده گردد ممنوع است. رانندگان موظفند در هرحال به طور کامل به جلو توجه داشته باشند. ماده ۱۸۱ـ رانندگی برای کسی که نوشابه الکلی یا موادمخدر و داروهای خواب‌آور مصرف کرده تا رفع کامل آثار آن ممنوع است. تبصره ـ در مواردی که مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس‌راه به وجود حالت مستی و یا حالت غیرعادی ناشی از مصرف مواد یاد شده به راننده‌ای ظنین شوند، موظفند وسیله‌نقلیه را متوقف ساخته و بلافاصله میزان الکل خون راننده و مانند آن را از طریق آزمایش‌های لازم تعیین و از رانندگی وی جلوگیری نموده و متخلف را برای تعیین تکلیف به مراجع مربوط معرفی نمایند. ماده۱۸۲ـ سوار کردن اشخاص آلوده به کثافات در وسایل‌نقلیه عمومی مسافربری مجاز نیست. ماده۱۸۳ـ راننده موظف است هنگام رانندگی، گواهی‌نامه رانندگی خویش، بیمه‌نامه شخص ثالث خودرو و کارت شناسایی خودرو را همراه داشته باشد و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه، آنها را تسلیم نماید. مأمور موظف است پس از ملاحظه و بررسی مدارک آنها را بازگرداند، مگر در مواردی که به موجب قانون یا آیین‌نامه، اخذ گواهی‌نامه به منظور درج تخلف در آن ضرورت داشته باشد. در این صورت در برابر دادن رسید، گواهی‌نامه اخذ می‌گردد. ماده۱۸۴ـ استفاده از بوق‌های شیپوری، سوت بلبلی و به‌طور کلی هرنوع وسیله آگاه‌سازی صوتی با صدای ناهنجار و غیرعادی در مناطق مسکونی و همچنین زدن بوق ممتد یا غیرضروری یا مکرر و یا زدن بوق در محل‌هایی که این عمل به وسیله علایم منع شده است، ممنوع است. استفاده از بوق برای مقاصدی مانند صدا زدن افراد، جلب توجه مسافر، اعلام حضور و باز کردن درب منزل، خداحافظی و مانند آنها ممنوع است. ماده۱۸۵ـ وسایل نقلیه امدادی که مجاز به داشتن چراغ‌گردان یا آژیر خطر ویژه می‌باشند تنها هنگامی که برای انجام مأموریت‌های مهم و فوری در حرکتند، باید از آنها استفاده نمایند. ماده۱۸۶ـ وسایل نقلیه انتظامی و امدادی، هنگامی که برای انجام مأموریت فوری درحرکتند در صورت به کار بردن چراغ‌گردان ویژه اعلام خطر یا آژیر، تا حدودی که موجب بروز تصادف نشود، مجاز به انجام اعمال زیر می‌باشند: الف ـ توقف در محل ممنوعه. ب ـ تجاوز از سرعت مجاز و سبقت از سمت راست وسیله‌نقلیه دیگر. پ ـ عبور از طرف چپ راه و همچنین دور زدن در نقاط ممنوعه. ت ـ گذشتن از چراغ قرمز یا رعایت نکردن علایم دیگر ایست، مشروط به این که از سرعت وسیله‌نقلیه در این گونه محل‌ها تا حداقل امکان کاسته شود. ماده۱۸۷ـ درهای وسایل نقلیه در حال حرکت باید به طور کامل بسته باشد و باز کردن آنها پیش از توقف کامل مجاز نیست. ماده۱۸۸ـ اتومبیل‌های مدارس تنها هنگام سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان حق استفاده از علایم دیداری یاد شده در ماده (۶۰) را دارند. ماده۱۸۹ـ استفاده از لاستیک‌های فرسوده و غیراستاندارد در وسایل‌نقلیه ممنوع است. هنگام برف و یخبندان و به‌طور کلی در صورت اعلام مقامات مرتبط و یا مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه، رانندگی با وسیله‌نقلیه‌ای که چرخ‌های آن به زنجیر و یا لاستیک یخ‌شکن مجهز نباشد، ممنوع است. ماده ۱۹۰ـ راندن وسیله‌نقلیه‌ای که بیش از ظرفیت مندرج در کارت مشخصات، بار یا مسافر گرفته ممنوع است. ماده۱۹۱ـ عبور وسایل نقلیه از میان دستجات ارتش یا مأموران انتظامی یا دانش‌آموزان یا تشییع‌کنندگان جنازه‌ها یا دیگر دستجات تشریفاتی و بوق زدن در این‌گونه موارد مجاز نیست. ماده۱۹۲ـ عبور وسایل نقلیه از پیاده‌روها و توقف آنها روی پیاده‌رو ممنوع است. ماده۱۹۳ـ سوار شدن و سوار کردن اشخاص روی گلگیر یا رکاب یا سایر قسمتهای بیرونی وسایل‌نقلیه ممنوع است. ماده۱۹۴ـ راندن و یا حرکت با اسکیت و اسکوتر و مانند آنها در معابر عمومی ممنوع است، مگر در مسیرهایی که از سوی راهنمایی و رانندگی با نصب تابلو ویژه، مجاز اعلام شده باشد. ماده۱۹۵ـ عبور وسایل نقلیه سنگین که حداکثر سرعت آنها از ۱۵ کیلومتر در ساعت تجاوز نمی‌کند مانند تراکتورهای زنجیری و غلطک‌های جاده‌کوبی و غیره باید پیش

از رسیدن آنها به اولین پست راه‌آهن یا ایستگاه، خبر داده شود تا تدارک احتیاطی لازم برای عبور بی‌خطر آنها از تقاطع راه‌آهن فراهم گردد. ماده۱۹۶ـ رانندگان این‌گونه وسایل نقلیه موظفند هنگامی که عبور آنها از تقاطع راه‌آهن مجاز است پیش از رسیدن به آن توقف کامل کنند و پس از دیدن دوطرف و اطمینان از نبودن خطر احتمالی از آنجا بگذرند. هنگامی که نزدیک شدن قطار به وسیله علایم یا صدای لکوموتیو اعلام می‌شود، تا عبور قطار نباید از تقاطع عبور نمایند. ماده۱۹۷ـ هرگاه مأمور راهنما در محل تقاطع راه‌آهن حضور داشته باشد، عبور از تقاطع باید با فرمان او انجام گیرد. ماده۱۹۸ـ هیچکس حق ندارد وسیله‌نقلیه‌ای را که متعلق به او نیست یا راننده آن نمی‌باشد، بدون اجازه کسی که آن را در اختیار دارد از محل خود حرکت دهد یا با آن رانندگی کند، مگر مأموران انتظامی با رعایت قوانین و مقررات و در چارچوب وظایف قانونی. ماده۱۹۹ـ هیچکس حق ندارد به شخصی که گواهی‌نامه رانندگی ندارد اجازه رانندگی با وسیله‌نقلیه خود را بدهد. با متخلف برابر مقررات کیفری رفتار خواهد شد. ماده۲۰۰ـ هیچکس حق ندارد وسیله‌نقلیه‌ای را که طبق نظر کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه دارای عیب و نقص فنی بوده یا وسایل ایمنی کامل مقرر در این آیین‌نامه را نداشته باشد، در راه‌ها براند. ماده۲۰۱ـ مأموران راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، حسب مورد، پس از اعلام مراجع صلاحیت‌دار به منظور پیشگیری از حوادث مکلفند از عبور و مرور در راههایی که به علت خرابی، جاری شدن سیل، ریزش کوه و بهمن و یا علت‌های دیگر خطرناک می‌باشند تا تعمیر و رفع علتهای خطر، جلوگیری به‌عمل آورده و یا از حرکت وسایل‌نقلیه غیرمجهز به تجهیزات لازم ممانعت به‌عمل آورند. ماده۲۰۲ـ صدور مجوز جابه‌جایی مسافر در شهرها و حومه آنها با شهرداری محل می‌باشد. ماده۲۰۳ـ حمل مسافر با وسایل نقلیه باربری ممنوع است. همچنین حمل مسافر با وسایل‌نقلیه‌ای که دارای پلاک شخصی بوده و پیشتر مجوز لازم برای جابه‌جایی مسافر از وزارت راه و ترابری و یا شهرداری دریافت ننموده باشند، ممنوع می‌باشد؛ مگر در شرایط اضطراری و با اجازه پلیس راه و یا راهنمایی و رانندگی. ماده۲۰۴ـ در صورت نبود امکانات لازم برای رساندن مجروحان به مراکز درمانی، کلیه رانندگان مکلفند همکاری لازم را برای رساندن مصدومان تصادفات رانندگی به اولین مرکز درمانی انجام دهند. ماده۲۰۵ـ هیچکس حق ندارد در حالی که سوار دوچرخه یا کفش‌های چرخ‌دار یا سه چرخه‌های بدون رکاب مانند اسکیت و اسکوتر یا اتومبیل‌های اسباب‌بازی است به وسایل نقلیه در حال حرکت تکیه نماید و آنها را وسیله حرکت خود یا حرکت وسیله‌ای که بر آن سوار است قرار دهد. تکیه نمودن و آویزان شدن اشخاص نیز به وسایل نقلیه ممنوع است. ماده۲۰۶ـ ریختن شیشه، بطری، میخ، سیم، حلبی، مایعات لزج و چرب، نخاله‌های ساختمانی و زباله، مصالح ساختمانی، شستشوی وسایل نقلیه، ایجاد موانع و به‌طور کلی هر عملی که باعث سد راه و ایجاد خطر و انحراف وسایل‌نقلیه از مسیر حرکت باشد بر روی راه‌ها، شانه جاده‌ها و حریم قانونی آنها ممنوع است. همچنین ریختن هرگونه زباله، ضایعات و اشیا، آب دهان و مانند آن از درون خودرو به‌وسیله راننده و یا سرنشینان ممنوع است. ماده۲۰۷ـ نصب هرنوع علایم و پلاک‌های متفرقه و همچنین الصاق یا نصب یا نقش هرنوع آگهی، نوشته، عکس و نوشتن عبارات و ترسیم نقوش روی شیشه‌ها یا بدنه درونی یا بیرونی وسایل‌نقلیه به‌منظور تجارت، تبلیغ، نمایش و مانند آن ممنوع است؛ مگر بر اساس ضوابطی که به پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور به تصویب وزیر کشور خواهد رسید. در مورد جاده‌ها با تصویب وزارت راه و ترابری اقدام می‌شود. ماده۲۰۸ـ حرکت وسایل‌نقلیه دارای چرخ فلزی در معابر شهری مجاز نیست. ماده۲۰۹ـ اعمال زیر در خیابان‌ها و معابر شهری ممنوع است: الف ـ ورزش و مسابقه‌های ورزشی، مسابقه با اسب یا حیوانات دیگر و وسایل نقلیه، بدون کسب مجوز از مقامات صلاحیت‌دار. ب ـ بستن، خوراک دادن و رها کردن دام‌ها و پرندگان. پ ـ انجام هرگونه حرکات پرشی، نمایشی، تک‌چرخ، دور زدن درجا، رانندگی همراه با صدای ناهنجار و ممتد بوق یا صدای اگزوز و اصطکاک چرخ‌ها و مانند آنها. ماده۲۱۰ـ هرکس که مسئول حرکت و هدایت حیوانات است، هنگام عبور از عرض یا طول معابر در شب باید از علایم سیار مانند (فانوس، چراغ‌های الکتریکی، دستانه یا راکت شبرنگ‌دار) استفاده نماید. رانندگان موظفند با دیدن حرکت گله و رمه از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم تا

عبور احشام توقف نمایند. به هرحال عبور دادن حیوانات از نقاط مشخص شده و تا حد امکان دارای روشنایی ضرورت دارد. ماده۲۱۱ـ دستگاه‌های مسئول موظفند پیش از بسته شدن تمام یا بخشی از راه برای انجام هرنوع عملیات اجرایی اعم از تعریض، تعمیر، نگهداری، حفاری و مانند آنها، هماهنگی‌های لازم را انجام داده و با اطلاع ادارات راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه اقدام و مراتب را به آگاهی مردم برسانند. ماده۲۱۲ـ اشخاصی که به هر عنوان روی راه های عمومی کار می‌کنند، موظفند پیش از شروع به کار، علایم ایمنی عبور و مرور را بر اساس ضوابط و استانداردهای ایمنی در عملیات اجرایی راه ها که به‌تایید مسئولین مرتبط می‌رسد در محل نصب و همچنین لوازم کار، لباس‌های کارگران و وسایل‌نقلیه خود را به علایم هشداردهنده مجهز نمایند. در غیراین صورت مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس‌راه موظفند از کار آنان جلوگیری به عمل آورند. ماده۲۱۳ـ شهرداری‌ها و مأموران متصدی ایجاد فضای سبز، نصب‌کننده اتاقک (کیوسک) تلفن و مانند آنها موظفند مثلث دید رانندگان را در تقاطع‌ها باز نگهدارند. ماده۲۱۴ـ جز مأموران صلاحیت‌دار هیچکس حق ندارد برای هدایت، حفاظت و کنترل وسایل‌نقلیه در سواره‌رو خیابان بایستد یا قدم بزند. ماده۲۱۵ـ پیادگان موظفند که: الف ـ در محل‌هایی که پیاده‌رو وجود دارد از سطح سواره‌رو استفاده نکنند. ب ـ در محل‌هایی که پیاده‌رو وجود ندارد یا در صورت وجود به دلایلی غیرقابل تردد باشد باید از منتهی‌الیه سمت چپ سواره‌رو و عکس جهت حرکت وسایل نقلیه عبور نمایند. پ ـ برای گذشتن از عرض راه، تنها از گذرگاه‌های پیاده، پل‌های هوایی و گذرگاه‌های زیرزمینی مجاز عبور نمایند. ت ـ از دویدن، پریدن و ورود ناگهانی به سطح سواره‌رو خودداری کرده و مراقب حرکت وسایل‌نقلیه باشند. ث ـ از حصار آزادراه‌ها نگذرند و در بزرگراه‌ها و خیابان‌ها از لابلای درختان و گل‌بوته‌های حاشیه و میانه راه عبور نکنند. ج ـ در تقاطع‌ها با روشن شدن چراغ سبز مقابل خود (چراغ عابر) حرکت نمایند و هنگامی که چراغ عابر قرمز بود عبور نکنند. چ ـ از موانع و خط‌کشی خطوط ویژه، سواره‌رو خیابان‌ها و میدان‌ها عبور نکنند. ح ـ در بزرگراه‌ها و خیابان‌های اصلی، از خارج از گذرگاه‌های تعیین شده عبور نکنند. خ ـ در سواره‌رو خیابان برای سوار شدن به‌وسیله نقلیه و همچنین صحبت کردن یا خرید و فروش با راننده یا سرنشینان وسایل‌نقلیه، توقف نکنند. ماده۲۱۶ـ رانندگی با وسایل‌نقلیه دارای پلاک دولتی که علامت مشخص‌کننده روی شیشه یا دیگر قسمتهای تعیین شده آن الصاق یا نصب نشده باشد، ممنوع است. ماده۲۱۷ـ رانندگانی که دچار معلولیت و یا ناشنوایی هستند باید با علامت ویژه‌ای که روی شیشه عقب وسیله‌نقلیه الصاق می‌شود، دیگر رانندگان را از وضعیت خود آگاه سازند تا رانندگان با دیدن آن علامت، علاوه بر رعایت مقررات این آیین‌نامه، احتیاط لازم را بنمایند. ماده۲۱۸ـ شهرداری‌ها موظفند پیاده‌روهای استاندارد، هموار و ایمن با در نظر گرفتن عبور سالخوردگان و معلولان با صندلی چرخ‌دار و یا بدون آن، در حاشیه معابر شهری ایجاد کنند و با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر، در محل‌های مناسب نیز مسیر عبور دوچرخه‌سواران را تا حدامکان و به صورت جداگانه ایجاد نمایند. ماده۲۱۹ـ شهرداری‌ها موظفند به منظور افزایش ایمنی عبور و مرور، با همکاری زیرمجموعه‌های وزارت‌نیرو، برای تامین روشنایی معابر شهرها اقدام نمایند. ماده ۲۲۰ـ رانندگان و سرنشینان وسایل‌نقلیه موظفند هنگام حرکت وسیله‌نقلیه کمربندهای ایمنی خود را بسته نگاه دارند. تبصره ـ سوار کردن کودکان کمتر از ۱۲ سال در صندلی جلو وسیله‌نقلیه و همچنین در آغوش داشتن کودک هنگام رانندگی ممنوع است. ماده۲۲۱ـ باز گذاشتن در صندوق عقب وسیله‌نقلیه در حال حرکت، یا نصب پرده یا کرکره یا هرچیز دیگری که مانع دید عقب وسیله‌نقلیه شود ممنوع است. ماده۲۲۲ـ ریزش روغن، نفت گاز، بنزین و مایعات آلوده و تخریب‌کننده دیگر در راه‌ها ممنوع است. ماده۲۲۳ـ زمان لازم الاجرا شدن آن دسته از احکام این آیین‌نامه که اجرای آنها مستلزم آموزش، اطلاع‌رسانی عمومی یا کسب مهارتهای خاص باشد، اول مهرماه سال ۱۳۸۴ تعیین می‌شود. معاون اول رئیس جمهور ـ محمدرضا عارف پیوست ۱ جدول طبقه‌بندی انواع گواهی‌نامه پیوست شماره ۲ ضوابط احراز سلامت جسمانی و روانی (صلاحیت پزشکی) درخواست‌کنندگان انواع گواهی‌نامه رانندگی ماده۱ـ بینایی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه‌های ۱ و ۲) و پایه ب (گروه ۱) و ویژه: ۱ـ حداقل قدرت بینایی برای مجموع دوچشم با

اصلاح یا بدون اصلاح ۱۰/۱۲ ۲ـ حداقل میدان بینایی برای هر چشم ۷۰ درجه. ۳ـ برای افراد تک‌چشمی حداقل قدرت بینایی ۱۰/۹ و میدان بینایی ۱۰۰ درجه، ضمن رعایت شرایط ویژه در وسیله نقلیه. ماده ۲ـ بینایی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲) و پایه « پ» (گروه ۱) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه: ۱ـ حداقل قدرت بینایی برای مجموع دوچشم با اصلاح یا بدون اصلاح ۱۰/۱۴ ۲ـ حداقل میدان بینایی برای هرچشم ۷۰ درجه ماده ۳ـ بینایی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه پ (گروه۲) و پایه ت (گروه ۱ و ۲): ۱ـ حداقل قدرت بینایی برای مجموع دو چشم با اصلاح یا بدون اصلاح حداقل ۱۰/۱۵. ۲ـ حداقل میدان بینایی برای هرچشم ۷۰ درجه. ماده ۴ـ آن دسته از بیماریهایی که نیاز به دریافت نظریه و تأیید پزشک متخصص معتمد چشم را دارد: ۱ـ افراد دارای میدان بینایی دوچشمی بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ درجه. ۲ـ افراد مبتلاـ به کوررنگی چشم. ۳ـ افراد مبتلا به کاتاراکت (آب مروارید). ۴ـ افراد مبتلا به گلوکوم (آب سیاه). ۵ ـ مبتلایان به بیماری شبکیه چشم. تبصره ۱ـ ملاک ارزیابی میدان بینایی تست Confrontaion می‌باشد. تبصره ۲ـ در معاینه چشم و سنجش بینایی، رعایت موارد زیر به وسیله پزشک الزامی است: الف ـ سنجش دید (قدرت بینایی) باید طبق استانداردهای بین‌المللی و با نمودارهای سنجش بینایی استاندارد انجام پذیرد. ب ـ حداکثر میزان دید برای هر چشم ۱۰/۱۰. پ ـ در صورتی که متقاضی در هر خط دید بیش از ۲ حرف را خطا نماید، آن خط در محدوده دید محاسبه نگردیده و خط درشت‌تر ملاک ارزیابی قرار می گیرد. ماده۵ ـ شنوایی: ۱ـ حداکثر افت شنوایی قابل قبول بدون اصلاح در هر گوش تا ۴۰ دسی‌بل، برای گواهی‌نامه رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲)، پایه پ (گروه ۱و۲)، پایه ت (گروه ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. ۲ـ در صورت کر بودن کامل یک گوش، حداکثر افت شنوایی قابل قبول با یا بدون اصلاح در گوش بهتر تا ۴۰ دسی‌بل، برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه ۱ و ۲) و پایه «ب» (گروه ۱) و ویژه. ماده ۶ ـ موارد ممنوعیت مطلق صدور و تمدید گواهی‌نامه رانندگی: اول: بینایی: ۱ـ میدان بینایی دوچشمی کمتر از ۱۲۰ درجه برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. ۲ـ افراد مبتلاـ به بیماریهای Hmianopia bitemporal, Homonymous hemianopia برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. ۳ـ افراد تک‌چشمی دارای قدرت بینایی کمتر از ۱۰/۹ برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. ۴ـ افراد تک‌چشمی دارای میدان بینایی کمتر از ۱۰۰ درجه برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. تبصره۱ـ افرادی که به تازگی یک چشم خود را از دست داده‌اند تا طی زمان لازم برای عادت به دید تک‌چشمی، حداقل به مدت یک سال ممنوعیت مطلق رانندگی دارند. ۵ ـ افراد تک‌چشمی با هر قدرت بینایی برای دریافت گواهی‌نامه رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲)، پایه پ (گروه ۱ و ۲)، پایه ت (گروههای ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. ۶ـ افراد مبتلاـ به کوررنگی شدید، دیپلوپیا (دوبینی) و فوریای عمودی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه۳)، پایه ب (گروه۲) پایه پ (گروه ۱ و ۲)، پایه ت (گروه ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. دوّم: شنوایی: ۷ـ در صورت کر بودن کامل یک گوش و افت شنوایی بیش از ۷۵ دسی‌بل در گوش دیگر، برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه‌های ۱ و ۲)، پایه ب (گروه۱) و ویژه ۸ ـ افت شنوایی بیش از ۷۵ دسی بل در هر دو گوش، برای گواهینامه‌های رانندگی پایه الف (گروه۳)، پایه ب (گروه۲)، پایه پ (گروه ۱ و ۲)، پایه ت (گروههای ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. سوّم: اندامهای حرکتی فوقانی و تحتانی نوع۱ـ برای انواع گواهی‌نامه‌های رانندگی: ۹ـ فقدان مادرزادی یا قطع عضو یا فلج (در صورتی که هیچگونه اصلاح در فرد و وسیله نقلیه عملاً امکان‌پذیر نباشد) شامل موارد زیر: الف ـ هر دو اندام فوقانی (از ناحیه مچ). ب ـ انگشت شصت در هر دو دست. ج ـ یک اندام فوقانی و یک اندام تحتانی (از ناحیه مچ). د ـ اندامی که برای عمل کردن یک کنترل دستی یا پایی وجود آن الزامی است. ۱۰ ـ ابتلاـ به ۱۱ . Quardriplegia ابتلا به دفرمیتی شدید. ۱۲ـ چرخش مهره‌های سرویکال به طرف راست و چپ کمتر از ۴۵ درجه. تبصره۲ـ بدیهی است مفاد ماده (۸) باید در این موارد مدنظر قرار گیرد. نوع۲ـ برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه۳)، پایه ب (گروه۲)، پایه پ (گروه ۱ و ۲) و پایه ت (گروه ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در

ماده (۳۳) آیین‌نامه: الف ـ قطع عضو زیر زانو منجر به پروتز اندام تحتانی. ب ـ قطع در قسمت قدامی پا، مفصل Metatarsophalangeal و پنجه بزرگ پا. پ ـ قطع، فلج یا ناتوانی کامل از یک شصت و دو انگشت در هر دست. ت ـ دارا بودن تنها یک بازو. ث ـ ابتلا به پاراپلژی. تبصره۳ـ بدیهی است مفاد ماده (۸) باید در موارد یادشده مدنظر قرار گیرد. چهارم: سایر موارد به شرح زیر برای انواع گواهی‌نامه‌های رانندگی: ۱۴ ـ افراد مبتلا به اختلالات تنفسی شدید (سطح۴) و کلیه افرادی که برای رفع اختلالات تنفسی خود نیازمند استفاده از تجهیزات تأمین اکسیژن در زمان رانندگی هستند. ۱۵ـ افراد مبتلاـ به اختلال شدید عملکرد قلب (طبقه۴ از طبقه‌بندی عملکرد قلب). ۱۶ـ اعتیاد به انواع موادمخدر، مواد و نوشابه‌های الکلی، استفاده از داروهای تخدیرکننده و یا محرک سیستم اعصاب و روان (CNS). ۱۷ـ افراد مبتلاـ به سایکوز حاد از هرنوع، بیماران (خلقی) Bipolar در فاز حاد. ۱۸ـ افراد مبتلا به صرع مسلم. ماده۷ ـ موارد ممنوعیت مطلق برای صدور گواهی‌نامه رانندگی باید به تأیید سه نفر پزشک متخصص مربوط رسیده باشد. ماده۸ ـ هرگاه پزشک و افسر کارشناس عالی تصادفات و امور فنی راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشخیص دهند که اشخاص مبتلا به ضعف بینایی یا شنوایی به کمک عینک یا لنز و یا سمعک و همچنین اشخاص دارای نقص عضو به کمک وسایل مصنوعی و یا با نصب تجهیزات مخصوص در وسیله نقلیه، به طور طبیعی قادر به رانندگی می‌باشند، صدور گواهی‌نامه به نام آنان در صورت جمع شرایط لازم دیگر، مانعی ندارد. اما در متن گواهی‌نامه باید تصریح شود که فقط با عینک، لنز یا سمعک و یا چه نوع وسیله نقلیه‌ای می‌توانند رانندگی نمایند. آزمایش عملی رانندگی از درخواست‌کنندگان دارای نقص عضو باید به وسیله سه نفر افسر کارشناس مذکور انجام پذیرد. ماده۹ـ ارزیابی انواع: ۱ـ اختلالات بینایی. ۲ـ اختلالات شنوایی. ۳ـ اختلالات غدد آندوکرین (اعم از انواع دیابت نیازمند به درمان انسولینی و غیر انسولینی، هیپوگلیسمی غیردیابتی، تیروئید، پاراتیروئید، هیپوفیز، اکرومگالی، آدرنال، چاقی، آنسفالوپاتی هپاتیکی). ۴ـ اختلالات کلیوی. ۵ ـ اختلالات تنفسی. ۶ ـ اختلالات نورولوژیکی (مغز و اعصاب). ۷ـ اختلالات حرکتی اندامهای فوقانی و تحتانی. ۸ ـ اختلالات عصبی ـ عضلانی. ۹ـ اختلالات قلبی و عروقی. ۱۰ـ اختلالات فشار خون. ۱۱ـ اختلالات ناشی از مصرف دارو. ۱۲ـ اختلالات روحی و روانی (اعصاب و روان). ۱۳ـ اختلالات خواب (اعم از Sleep apnea و نارکولپسی). ۱۴ـ عفونت‌ها. احراز سلامت جسمانی و روانی رانندگان براساس دستورالعمل اجرایی است که پس از تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با هماهنگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای اجرا به تمامی پزشکان انجام‌دهنده معاینات پزشکی درخواست‌کنندگان انواع گواهی‌نامه، ابلاغ می‌شود. ماده۱۰ـ پزشکان انجام دهنده معاینات درخواست‌کنندگان گواهی‌نامه رانندگی، ملزم به شرکت و کسب موفقیت در دوره آموزشی « معاینات رانندگان» که به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار می‌گردد، هستند. پیوست (۳) مقررات وضوابط حمل بار در جاده‌های کشور پیوست ۳ ضوابط و مقررات حمل بار در جاده‌های کشور که توسط وزارت راه و ترابری با استناد به ماده (۱۴) قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی ـ مصوب۳۰/۳/۱۳۵۰ـ با اصلاحات بعدی آن و بندهای ۷ و ۱۲ ماده (۷) قانون تغییر نام وزارت راه و ترابری و تجدید تشکیلات و تعیین وظایف آن ـ مصوب ۱۶/۴/۱۳۵۳ ـ تعیین گردیده است، به شرح زیر می‌باشد: ضوابط حمل بار ۱ـ وزارت راه و ترابری می‌تواند درازادراه‌های کشور وسایل لازمه برای توزین و اندازه‌گیری ابعاد و وزن محور وسایط نقلیه سنگین را تهیه و مورد استفاده قرار دهد. ۲ـ وزارت راه و ترابری می‌تواند با جلب مساعدت نیروی انتظامی از عبور و مرور وسایط نقلیه‌ای که وزن و طرز بارگیری و ظرفیت محموله آن اضافه بر میزان مجاز باشد جلوگیری نماید. ۳ـ مالکین وسایط نقلیه سنگین مکلف به رعایت مقررات یادشده و سایر مقررات بین‌المللی و مصوب از طرف وزارت راه و ترابری بوده و وزارت راه و ترابری برای اجرای این تصویب‌نامه با استفاده از نظر سندیکای مالکین کامیونها حدود و نظامات مربوط را تعیین و آگهی خواهدنمود. ۴ـ وزارت راه و ترابری در اجرای مقررات این تصویب‌نامه عده لازم از مهندسین آن وزارت را انتخاب خواهدنمود که با تشریک مساعی نیروی انتظامی اقدام لازم را معمول دارند. مقررات حمل و نقل بار در راهها

الف ـ بار محورى تعريف ـ فشار يا نيروى وزن وارده از سوى هريك از محورهاى وسايل نقليه بر سطح راه را بار محورى مى‌نامند. حداكثر فشار وارد از محورهاى راهنما، منفرد و زوج بر سطح راه نبايد از حدود ذيل تجاوز نمايد. ۱ـ محور راهنما (دوچرخ) شش تن ۲ـ محور منفرد (چهار چرخ) سيزده تن ۳ـ محور زوج (هشت چرخ) بيست تن تبصره۱ـ براى استفاده از حداكثر فشار تعيين شده در فوق اندازه لاستيك چرخها نبايد از ۲۰ × ۷۵۰ كمتر باشد. تبصره۲ـ چنانچه فاصله دو محور مجاور از يكديگر كمتر از دو متر باشد، آن دو محور را روى هم محور زوج نامند و اگر فاصله از دو متر بيشتر باشد هركدام محور منفرد محسوب مى‌شود. ب ـ وزن مجاز كاميونها حداكثر وزن كاميون با بار آن نبايد از حدود ذيل تجاوز نمايد: ـ كاميون دو محور ۱۹ تن ـ كاميون سه محور ۲۶ تن ج ـ وزن مجاز وسايل نقليه مفصل‌دار اوّل ـ كاميون نيمه يدك (بارگير مستقيماً به وسيله چرخ پنجم به كاميون اتصال دارد) شامل: ۱ـ تريلى سه محور ده چرخ بيست و شش تن ۲ـ چهار محور چهارده چرخ سى و دو تن (چنانچه فاصله بين دو محور عقب تريلى از دو متر تجاوز نمايد. حداكثر وزن مجاز (تريلى با محموله)، ۳۶ تن مى‌باشد.) ۳ـ تريلى پنج محور دوازده چرخ سى و چهار تن تبصره ـ در صورتى كه مشخصات چرخهاى تريلى بيش از اندازه معمول باشد، ميزان ظرفيت حمل اضافى مشخص و با مجوز واحدهاى ذى‌ربط سازمان راهدارى و حمل و نقل جاده‌اى حداكثر وزن (تريلى با محموله) تا ۳۸ تن اجازه عبور داده مى‌شود. ۴ـ تريلى پنج محور هيجده چرخ چهل تن دوّم ـ كاميون با يدك (بارگير به طور غيرمستقيم به وسيله صفحه‌گردان و مالبند و قفل و پين به كاميون متصل مى‌شوند.) شامل: ۱ـ كاميون دو محور شش چرخ با يدك دو محور شش چرخ سى تن (كاميون شانزده تن ـ يدك چهارده تن). ۲ـ كاميون دو محور شش چرخ با يدك سه محور ده چرخ سى و دو تن (كاميون شانزده تن ـ يدك پانزده تن). ۳ـ كاميون سه محور ده چرخ با يدك دو محور شش چرخ سى و هشت تن (كاميون بيست و دو تن ـ يدك شانزده تن). ۴ ـ كاميون سه محور ده چرخ با يدك سه محور ده چرخ چهل تن (كاميون بيست و دو تن ـ يدك هيجده تن). تبصره۱ـ حداكثر وزن كاميون و يا وسايط نقليه مفصلدار با بار نبايد از ميزان معين شده در كارت مشخصات آن تجاوز نمايد. تبصره۲ـ در بعضى از راههاى كشور كه داراى شرايط فنى ويژه‌اى مى‌باشد، سازمان راهدارى و حمل و نقل جاده‌اى محدوديت به وجود آمده درخصوص ابعاد و وزن وسايل نقليه را اعلام مى‌نمايد. د ـ ابعاد ابعاد وسايط نقليه با بار آن نبايد از حدود زير تجاوز نمايد. ۱ـ حداكثر عرض: دو متر و شصت سانتى‌متر. ۲ـ حداكثر ارتفاع: چهار متر و نيم (در راههاى چالوس و هراز ۸/۳ متر). ۳ـ حداكثر طول: ـ كاميون دو محور با بار آن ده متر ـ كاميون سه محور با بار آن دوازده متر ـ تريلى با بار آن شانزده متر ـ كاميون با يدك هيجده متر و سى و پنج سانتيمتر تبصره۱ـ محموله پس از بارگيرى وسايط نقليه باربرى نبايد از جلو كاميون بيش از پنجاه سانتيمتر و از عقب آن بيش از سه متر بيرون باشد. قسمتى از بار كه از كاميون و يا يدك و يا تريلى خارج مى‌شود، بايد به طور خيلى واضح در شب به وسيله چراغ قرمز و در روز به وسيله پرچم قرمز مشخص گردد. تبصره۲ـ وسايط نقليه‌اى كه ابعاد و وزن آنها از حدود فوق‌الذكر تجاوز نمايد، به هيچ وجه اجازه حركت در راهها را ندارد. مگر آنكه بار اضافى را تخليه نمايند. تبصره۳ـ متخلفين از اين مقررات ضمن الزام به اجراى تبصره۲ ملزم به پرداخت حداكثر جريمه قانونى تخلف عدول از مقررات و پرداخت خسارت وارده به راه مى‌باشند كه توسط سازمان راهدارى و حمل و نقل جاده‌اى براورد خواهدشد. لذا لازم است متخلفين به واحدهاى سازمان مزبور هدايت شوند. تبصره۴ـ چنانچه حمل محموله‌هايى كه غيرقابل تقسيم بوده، و وزن و ابعادشان نيز از حدود يادشده تجاوز نمايد و از محلى به محل ديگر از طريق جاده ضرورت يابد، لازم است با مجوز (كامپيوترى) سازمان راهدارى و حمل و نقل جاده‌اى و واحدهاى تابعه آن در استانها ترتيب حمل و نقل اين قبيل اشياء داده‌شود. در اين قبيل موارد پس از بررسى براساس ضوابط تعيين شده شرايط حمل و نقل اعلام خواهدشد. اين شرايط شامل سرعت، ساعت حركت، مسير، پيش‌بينى‌هاى لازم به منظور جلوگيرى از تصادم و ايجاد خسارت به راه و ابنيه فنى و غيره بوده و واحدهاى انتظامى و سازمانهاى مسئول مراقبت و نظارت خواهند نمود تا شرايط و ضوابط تعيين شده دقيقاً اجرا گردد. تردد تريلى‌هاى ۵ محور ۱۲ چرخ با وزن كل حداكثر ۴۰ (چهل) تن با لاستيك‌هاى نوع راديال با عرض حداكثر

۵/۳۶ (سی و شش و نیم) سانتی‌متر برای چرخ‌های بارگیر در مسیرهای ترانزیتی کشور بلامانع می‌باشد. درخصوص الحاقیه مقررات حمل و نقل بار در راههای کشور موضوع کنترل ظرفیت کل وسایل نقلیه با ظرفیت کمتر از ۱۹ تن نظیر کامیون بنز ۹۱۱ و خاور ۸۰۸ و ۶۰۸ با عنایت به اینکه در تعدادی از وسایل نقلیه مغایرتهایی بین ظرفیت مندرج در کارت مشخصات وسایل نقلیه با ظرفیت ناخالص مشاهده می گردد. به‌منظور رفع مشکل و تطبیق وسایل نقلیه فوق با استاندارد، ظرفیت کل وسایل نقلیه (وزن ناخالص) به شرح زیر اعلام می گردد. ـ کامیون بنز ۹۱۱ ۱۱تن ـ خاور ۸۰۸ ۵/۸ تن ـ بادسان ۱۴ ۷ ۶ B تن ـ بادسان ۱۴ ۵/۸ ۸ B تن ـ دیگر انواع کامیون و کامیونت با ظرفیت کمتر از ۱۹ تن متعاقباً اعلام می گردد.

آیین‌نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۲/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانههای کشور، دادگستری، صنایع و معادن و راه و ترابری و به استناد تبصره (۲) ماده واحده قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی ـ مصوب ۱۳۷۶ ـ آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی ماده۱ـ در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار میروند: الف ـ کمربند ایمنی: تسمهای که نیم تنه بالای راننده و هر یک از سرنشینان را تحت کنترل و مهار ایمن خود قرار می‌دهد تا هنگام ضرورت، همچون کاهش ناگهانی سرعت یا توقف آنی خودرو که ممکن است ناشی از ترمز یا برخورد با جسم دیگری یا حوادث دیگر رانندگی باشد، مانع از جداشدن سرنشینان و راننده از صندلی خود و اصابت به شیشه جلو یا سایر قسمتهای داخل و یا پرتاب به خارج از خودرو شود. ب ـ کلاه ایمنی: کلاهی است که راننده و سرنشین موتورسیکلتها از آن برای محافظت سرخود در برابر ضربات احتمالی ناشی از بروز سوانح استفاده میکنند. ج ـ راه: عبارت است از تمامی سطح خیابان، جاده، کوچه و کلیه معابری که برای عبور و مرور عموم اختصاص داده شود. ماده۲ـ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری در سطح کشور که سال ساخت خودرو آنان ۱۳۷۵ خورشیدی به بالا یا معادل سال میلادی آن می‌باشد، مکلفند ظرف دو سال وسایل نقلیه خود را به کمربند ایمنی استاندارد برای راننده و هر یک از سرنشینان (بر اساس ظرفیت مجاز خودرو) و تجهیزات ایمنی استاندارد مجهز سازند. وزارت صنایع و معادن و کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان و توزیع کنندگان انواع خودروها موظفند وسایل نقلیه موتوری تولیدی و وارداتی را همراه با کمربند ایمنی استاندارد منصوب در کلیه صندلیها به صورت انفرادی و بر اساس ظرفیت مجاز عرضه نمایند. شماره گذاری و ارایه خدمات خودرویی، اجازه حرکت و تردد وسایل نقلیه یاد شده منوط به رعایت مفاد این آیین‌نامه و نصب کمربند ایمنی استاندارد می‌باشد. ماده۳ـ تعداد سرنشینان ردیف جلو باید بر اساس ضوابط مندرج در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی و اصلاحیههای آن باشد و هر یک از سرنشینان ردیف جلو باید تنها از کمربند ایمنی مربوط به خود و به صورت انفرادی استفاده نمایند. ماده۴ـ پس از مدت دو سال از تصویب این آیین‌نامه صندلیهای خودروهای تولیدی و وارداتی میباید مجهز به پشت سری ویژه باشند. ماده۵ ـ سوار شدن به موتورسیکلت بدون استفاده از کلاه ایمنی ممنوع است و راکبین موتورسیکلت مکلفند در طول حرکت از کلاه ایمنی استفاده نمایند. ماده۶ ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفند با همکاری و هماهنگی وزارتخانه‌های کشور، راه و ترابری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بیمه مرکزی ایران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترویج و ارتقاء سطح فرهنگ و آموزشهای عمومی موضوع این آیین‌نامه اقدام نمایند. چگونگی همکاری و تعامل بین دستگاههای یاد شده بهموجب دستورالعملی که توسط شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور تهیه و به تصویب وزیر کشور می‌رسد مشخص می‌شود. ماده۷ ـ وزارتخانههای صنایع و معادن و بازرگانی مکلفند نسبت به تولید و تأمین کمربند و کلاه ایمنی استاندارد حسب نیاز کشور اقدام نمایند. ماده۸ ـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعتبار لازم را برای اجرای هر چه بهتر مفاد این آیین‌نامه و ارتقاء سطح

آگاهی عمومی از رفتارهای صحیح در رانندگی و عبور و مرور عابران در لایحه بودجه هر سال پیشبینی و در اختیار وزارت کشور قرار می‌دهد. تبصره ـ بیمه مرکزی ایران موظف است بر اساس تصمیم شورای عالی بیمه همه ساله درصدی از سود شرکتهای بیمه را برای اجرای سیاستهای آموزشی مصوب موضوع ماده (۶) قرار دهد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح بند «۸۰» ماده (۱) آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۳۰/۶/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۳۱۸/۱ مورخ ۲۳/۵/۱۳۸۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد بند «۴» ماده (۱۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸۰ ـ تصویب نمود: متن زیر به عنوان تبصره به بند «۸۰» ماده (۱) آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت۲۹۱۶۹هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ اضافه می‌شود: تبصره ـ کانون جهانگردی و اتومبیلرانی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مفاد کنوانسیونهای بین‌المللی ۱۹۴۹ و ۱۹۶۸ حمل و نقل جاده‌ای و حسب عرف بین‌المللی و مقررات حاکم بر تمامی کشورهای عضو سازمان بین‌المللی جهانگردی (AIT) و فدراسیون بین‌المللی اتومبیلرانی (FIA) وظیفه ترجمه و تبدیل گواهینامه‌های رانندگی معتبر صادر شده توسط نیروی انتظامی و سایر اسناد و مدارک مربوط را بر عهده دارد. معاون اول رئیسجمهور ـ پرویز داوودی

مصوبه راجع به میزان سرعت مجاز انواع وسایل نقلیه در راههای برون شهری – مصوب ۱۳۸۴

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران احتراما ضمن ارسال ابلاغیه شماره ۱۹۸۹۹/۱۱ مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ مقام محترم وزارت راه و ترابری در خصوص تعیین میزان حداکثر سرعت مجاز انواع وسیله نقلیه در راههای برون‌شهری به آگاهی می‌رساند: با توجه به اینکه مقررات مذکور جدیدالتصویب بوده و عدول از اجرای آنها در حین رانندگی و وقوع تصادفات منجر به جرح و فوت برای رانندگان انواع وسایل نقلیه دارای تبعات کیفری در اجرای قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی و قانون مجازات اسلامی می‌باشد، لذا خواهشمند است براساس نظریه مشورتی شماره ۵۷۵۶/۱۶۷/۱۰/۱۳۷۶ اداره کل حقوقی قوه محترم قضائیه نسبت به درج آن در روزنامه رسمی کشور اقدام نمائید. مدیرکل دفتر حقوقی و تدوین مقررات ـ عباسعلی بنی اسدی مصوبه راجع به میزان سرعت مجاز انواع وسایل نقلیه در راههای برون شهری به منظور تأمین ایمنی تردد و حمل و نقل عمومی جاده‌ای و با استناد به مواد ۳ و ۱۹ قانون ایمنی راهها و راه‌آهن و اصلاحیه‌های بعدی آن و نیز تبصره ۳ ماده ۱۲۶ آئین‌نامه راهنمائی و رانندگی مصوب سال ۱۳۸۴ هیأت وزیران، حداکثر سرعت مجاز وسایل نقلیه در راههای برون شهری کشور به شرح زیر تعیین می گردد: الف ـ آزاد راهها ۱ـ حداکثر میزان سرعت مجاز انواع سواری و وانت بارها: ۱۲۰کیلومتر در ساعت ۲ـ حداکثر میزان سرعت مجاز انواع اتوبوس و مینی‌بوس و تریلر و کامیون و کامیونت: ۱۱۰ کیلومتر در ساعت ۳ـ حداقل میزان سرعت مجاز کلیه وسایل نقلیه فوق: ۷۰ کیلومتر در ساعت تبصره۱ـ تردد وسایل نقلیه مندرج در ردیف ۲ فوق در خط سوم (سرعت) آزاد راهها ممنوع است. تبصره۲ـ استفاده از حداقل سرعت مجاز برای کلیه وسایل نقلیه صرفا در خط عبوری سمت راست جنب شانه آزاد راه مجاز می‌باشد. ب ـ بزرگراه‌های دارای خطوط رفت و برگشت جدا از هم ۱ـ حداکثر میزان سرعت مجاز انواع سواری و وانت بارها: ۱۱۰کیلومتر در ساعت ۲ـ حداکثر میزان سرعت مجاز انواع اتوبوس و مینی‌بوس و تریلر و کامیون و کامیونت: ۱۰۰ کیلومتر در ساعت ج ـ جاده‌های اصلی حداکثر میزان سرعت مجاز برای انواع وسایل نقلیه: روز ۹۵ کیلومتر در ساعت ـ شب ۸۵ کیلومتر در ساعت د ـ جاده‌های فرعی حداکثر میزان سرعت مجاز برای انواع وسایل نقلیه: روز ۸۵ کیلومتر در ساعت ـ شب ۷۵ کیلومتر در ساعت حداکثر میزان سرعت مجاز انواع وسایل نقلیه در جاده‌های دارای خطوط عبوری کندرو مشمول مقررات بند ج می‌باشد. در انواع راههای فوق و نقاطی

که به علت شرایط فنی و فیزیکی راه استفاده از حداکثر میزان سرعتهای فوق میسر نمی‌شود تابلوهای تعیین کننده میزان سرعت، متناسب با شرایط مذکور تهیه و نصب گردد. شایسته است هماهنگی لازم با نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نظارت بر اجرای ضوابط تعیین شده و نیز لحاظ نمودن مقررات صدرالذکر در متون آموزشی و آزمونهای متقاضیان دریافت گواهینامه رانندگی و سایر امور اداری ذی‌ربط معمول و همچنین در مورد تهیه و جایگزینی تابلوها و سایر علائم عمودی و افقی در راههای برون‌شهری کشور اقدامات لازم صورت پذیرد.

مجوز اخذ عوارض صدور گواهینامه رانندگی و تجدید آزمایش در شهر تهران – ۱۳۸۵

جناب آقای دکتر محمدباقر قالیباف شهردار محترم تهران بازگشت به نامه به شماره ۸۵۱۱۰۴۶۹/۸۵۱۰ به تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۵ جنابعالی مبنی بر بررسی لایحه « مجوز اخذ عوارض صدور گواهینامه رانندگی و تجدید آزمایش در شهر تهران » که با قید یک فوریت ارائه و به شماره ۲۱۹۹۳ به تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۵ در دبیرخانه شورای اسلامی شهر تهران ثبت و در دویست و نود و دومین جلسه رسمی ـ علنی ـ فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران منعقده به تاریخ سه‌شنبه بیست و ششم دی‌ماه سال ۱۳۸۵ اعلام وصول شده و بررسی یک فوریت آن در ردیف هشتم دستور دویست و نود و چهارمین جلسه علنی ـ فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران به شماره ۲۲۴۲۳/۱۶۰ به تاریخ ۲۷/۱۰/۱۳۸۵ قرار گرفته و در جلسه مزبور که با حضور نمایندگان محترم شهرداری تهران و سیزده نفر از اعضای شورای اسلامی شهر تهران در روز یکشنبه اول بهمن‌ماه سال ۱۳۸۵ در محل تالار شورا و به صورت رسمی منعقد شد مطرح و به اتفاق آرای موافق (سیزده رأی) اعضای محترم شورای اسلامی شهر تهران حاضر در جلسه در زمان رأی‌گیری (سیزده نفر) تصویب شده است فلذا طی نامه به شماره ۲۱۹۹۳/۱۶۰ به تاریخ ۴/۱۱/۱۳۸۵جهت بررسی به کمیسیون اقتصادی، برنامه و بودجه و امور حقوقی شورا به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع و پس از وصول گزارش نهایی آن کمیسیون به شماره ۲۳۴۰۹/۱۶۰ به تاریخ۷/۱۱/۱۳۸۵ بررسی آن در ردیف هشتم دستور دویست و نود و ششمین جلسه علنی ـ فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران به شماره ۲۳۱۷۶/۱۶۰ به تاریخ ۴/۱۱/۱۳۸۵ قرار گرفته و در جلسه مزبور که با حضور جنابعالی و نمایندگان محترم شهرداری تهران و پانزده نفر از اعضای شورای اسلامی شهر تهران در روز یکشنبه هشتم بهمن‌ماه سال ۱۳۸۵ در محل تالار شورا و به صورت رسمی منعقد شد مفاد آن مطرح و پس از قرائت و استماع گزارش کمیسیون اقتصادی، برنامه و بودجه و امور حقوقی شورا و مذاکرات انجام شده، کفایت مذاکرات اعلام و با لحاظ موارد اصلاحی و پیشنهادی در متن آن مشتمل بر ماده واحده و تبصره‌ی ذیل آن اخذ رأی انجام شد که به اتفاق آرای موافق (پانزده رأی) اعضای محترم شورای اسلامی شهر تهران حاضر در جلسه در زمان رأی‌گیری (پانزده نفر) به تصویب رسید. به پیوست متن مصوبه مزبور را جهت آگاهی و اقدام، ایفاد و ابلاغ می‌نماید. رئیس شورای اسلامی شهر تهران ـ مهدی چمران مجوز اخذ عوارض صدور گواهینامه رانندگی و تجدید آزمایش در شهر تهران (مصوب جلسه ۸/۱۱/۱۳۸۵ شورای اسلامی شهر تهران) ماده واحده : به استناد تبصره یکم (۱) ذیل ماده پنجم (۵) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۲۲/۱۰/۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی، از ابتدای سال ۱۳۸۶ در شهر تهران متقاضیان دریافت گواهی‌نامه رانندگی پایه یک و دو و همچنین کسانی که آزمایش رانندگی آنان تجدید می‌شود، حسب مورد مکلفند در قبال صدور گواهی‌نامه رانندگی پایه یک و دو مبلغ یکصد هزار (۰۰۰/۱۰۰) ریال و به ازای هر بار تجدید آزمایش رانندگی پایه‌های مذکور مبلغ پنجاه هزار (۰۰۰/۵۰) ریال به عنوان عوارض به حساب درآمدی شهرداری تهران واریز نمایند تا جهت توسعه و عمران معابر شهر تهران هزینه شود. تبصره ـ به شهرداری تهران اجازه داده می‌شود در ازای وصول وجوه مذکور توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران معادل پنج درصد (۵٪) از وجوه مأخوذه را به آن نیرو پرداخت نماید.

تصمیم نمایندگان ویژه رییس‌جمهور در خصوص تخصیص سهمیه بنزین خودروهای دوگانه سوز شخصی تا پایان مهرماه س

وزارت نفت تصـمیم نمایندگان ویژه رییس جمهور در مورد اجرای تبصـره (۱۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور و ساماندهی و توسعه حمـل و نقـل عمومی، خـارج کردن خودروهـای فرسوده و مـدیریت مصـرف سوخت و گـازسوز کردن خودروهـا و کاهش تقاضـای مصـرف که در جلسه مورخ ۷/۴/۱۳۸۶ به اسـتناد اصـل یکصـد و بیست و هفتم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شـماره ۴۴۵۲۵/ت۳۷۲۱۳هـ مورخ ۲۶/۳/۱۳۸۶ اتخـاذ شـده است، به شـرح زیر برای اجرا ابلاـغ می گردد: ۱ـ به علت نقص مخزن گـاز طبیعی برخی خودروهـا و کمبود جایگاههـای گاز طبیعی، سـهمیه بنزین خودروهای دوگانه سوز شخصـی تا پایـان مهرماه سال ۱۳۸۶ معادل خودروهای بنزین سوز شخصـی، تخصـیص یابـد. ۲ـ سـهمیه بنزین خودروهـای عمومی دوگانه سوز شامـل تاکسـی، مسافربر شخصـی، آژانسـهای مسافربری و انواع وانتها تا پایان مردادماه معادل سـهمیه بنزین تاکسـی‌ها و مسافربرهای شخصی ساماندهی شده و آژانسهای مسافربری و وانتهای بنزین سوز باشد. ۳ـ وزارت نفت حداکثر تا پایان مهر ماه سال ۱۳۸۶ تعداد جایگاههای عرضه گاز طبیعی راه‌انـدازی شـده و فعال خود را حداقل به پانصد و پنجاه (۵۵۰) جایگاه افزایش داده و همچنین تعداد جایگاهها را تـا پایان سال ۱۳۸۶ حـداقل به میزان یـک هزار (۱۰۰۰) جایگاه فعال افزایش دهـد. ۴ـ سـهمیه سوخت خودروهای ون بنزین سوز با پلاک تاکسـی، معادل سـهمیه تاکسی‌های بنزین سوز تعیین و کلیه کارتهای هوشمند سوخت این خودروها بین مالکان این خودروها توزیع شود. ۵ ـ به منظور تأمین زمان لازم برای تولید و شخصی‌سازی و توزیع کارت هوشمند سوخت خودروهایی که شماره‌گـذاری می‌شونـد، وزارت نفت نسبت به صدور کارت هوشـمند سوخت موقت یک ماهه اقدام نموده و همچنین این سـهمیه مـوقت را از سـهمیه کـارت هوشـمند سـوخت دائم اینگـونه خودروهـا کسـر نمایـد. ۶ ـ وزارت نفـت برای خودروهــای ترانزیـت و جهـانگردی کـارت موقت سوخت صادر نمایـد تا در مبادی ورودی کشور به دارنـدگان این نوع خودروها تحویل شود. بهای بنزین برای اینگونه خودروها معادل بهای بنزین خودروهای دولتی و سیاسـی می‌باشد، لیکن نحوه دریافت وجه بنزین باید به گونه‌ای باشد که به ازاء هر لیتر معـادل یـک هزار (۱۰۰۰) ریـال باقیمانـده، در جایگاههـای عرضه بنزین دریافت شود. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

اصلاح ماده (۱۸) آیین‌نامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۸۳ – مصوب ۲۸ ۸ ۱۳۸۶

هیئـت وزیران در جلسه مـورخ ۲۰/۸/۱۳۸۶ بنا به پیشـنهاد شـماره ۱۵۷۰۲/۱ مـورخ ۱۳/۶/۱۳۸۶ وزارت بازرگـانی و به اسـتناد اصـل یکصـد و سـی و هشـتم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران تصویب نمود: ماده (۱۸) آیین‌نامه اجرایی آموزشـگاههای رانندگی، موضوع تصویب‌نـامه شـماره ۶۵۸۰۶/ت۳۰۶۰۸هـ مـورخ ۱۵/۱۲/۱۳۸۳ بـه شــرح زیر اصـلاح می‌گردد: « مـاده۱۸ـ نرخ آموزشـهای موضـوع ایـن آیین‌نـامه درصـورت لزوم بـه صـورت سالاـنه توسـط کمیسـیونهای نظـارت مراکز اسـتانها و شهرسـتانها تعیین و ابلاـغ می‌گردد.» معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

اصلاحیه مواد ۵ و ۸ پیوست شماره ۲ آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی کشور – مصوب ۱۳۸۶

اصـلاحیه مواد ۵ و ۸ پیوست شـماره ۲ آئین‌نـامه راهنمایی و راننـدگی کشور موضوع تصویبنامه شـماره ۲۰۸۷۳/ت۲۹۱۶۹هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ هیـأت وزیران، به شـماره ۳۷/۳/۱/۱۳۰۳۷۱ مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۸۶ که در اجرای تبصـره۳ ماده ۲۷ مصوبه هیـأت وزیران به تصویب وزرای کشور، راه و ترابری و بهـداشت، درمـان و آموزش پزشـکی رسـیده است برای اجرا به فرمانـده نیروی انتظـامی ابلاغ

گردید. صورتجلسه مورخ ۲۵/۹/۱۳۸۶ کارگروه متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، راه و ترابری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درخصوص بازنگری مواد ۵ و ۸ پیوست ۲ آئین‌نامه راهنمائی و رانندگی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت۲۹۱۶۹هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ هیأت محترم وزیران) ۱ـ متن زیر به عنوان بند ۳ به ماده ۵ پیوست شماره ۲ آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت۲۹۱۶۹هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ هیأت محترم وزیران اضافه می گردد: « در صورتیکه متقاضی، حداقل شرایط پزشکی مندرج در بندهای ۱ و ۲ را دارا نباشد، منحصراً، می‌تواند جهت دریافت گواهینامه رانندگی پایه ب گروه۱ اقدام نماید.» ۲ـ متن زیر به عنوان تبصره ماده۸ پیوست ۲ آئین‌نامه راهنمائی و رانندگی، موضوع تصویب‌نامه شماره۲۰۸۷۳/ت۲۹۱۶۹هـ مورخ۸/۴/۱۳۸۴ هیأت‌محترم وزیران اضافه می گردد: « نصب علائم مخصوص ناشنوایان بر روی وسیله نقلیه، برای دارندگان گواهینامه موضوع بند۳ ماده ۵ برای آگاهی سایر رانندگان، الزامی است.» مصطفی پورمحمدی وزیر کشور محمد رحمتی وزیر راه و ترابری کامران باقری‌لنکرانی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

قطار شهری تهران

قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه – مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴

ماده واحده ـ به شهرداری تهران اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره برداری از آن شرکتی بنام شرکت راه آهن شهری تهران و حومه تاسیس‌نماید. سرمایه شرکت مزبور از طرف دولت تامین و در اختیار شهرداری گذارده می‌شود. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این‌قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. اساسنامه شرکت ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف شهرداری تهران پیشنهاد و پس از موافقت وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تایید هیات وزیران برای تصویب کمیسیون های مربوط مجلسین تقدیم خواهد شد. تبصره ۱ ـ آیین نامه مربوط به مقررات مالی و معاملاتی شرکت به تصویب مجمع عمومی خواهد رسید و آیین نامه استخدامی پس از تایید شورای حقوق و دستمزد تصویب مجمع عمومی شرکت می‌رسد. تبصره ۲ ـ شرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه تامین نیازمندیهای خود از زیر اراضی و املاک محدوده قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای نقشه برداری و گمانه زدن ورود به منازل و اماکن عمومی ضروری تشخیص شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام می‌نماید. شرکت مکلف است پیش بینی های لازم را برای جلوگیری و جبران هرگونه صدمه و خسارت به جان و مال اشخاص بنماید. در صورت وقوع خسارت به مستحدثات میزان خسارت وارده طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ پرداخت می گردد. در صورت احتیاج به تملک زمین یا مستحدثات برای اجرای این قانون از مقررات مذکور استفاده خواهد شد. تبصره ۳ ـ مقررات مواد ۹، ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راه ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹ و همچنین قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه‌آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد. وظایف و اختیارات راه و راه‌آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن در این مورد به عهده شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه خواهدبود.

لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه مصوب ۱۵ تیر ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی

ماده یکم ـ به دولت اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره‌برداری از آن شرکتی بنام راه

آهن شـهری تهران و حومه (مترو) تاسیس نماید. شـرکت دارای شخصـیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. تبصره ۱ ـ شـرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه و تـامین نیازمنـدی هـای خود از زیر اراضـی و املاـک محـدوده قانونی شـهر و حومه بـدون هیچگونه پرداختی اسـتفاده نمایـد و در مواردی که برای انجـام امور فنی و اجرایی ورود به منـازل و محلهـای کسب واماـکن عمومی ضـروری تشـخیص داده شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و درصورت ممانعت با حضور نماینـده دادسـتان شهرسـتان نسـبت به اجرای موارد فوق اقـدام نمایـد. در صورتی که بر اثر عملیـات اجرایی مترو خسـارتی به مسـتحدثات اشـخاص وارد شود میزان خسـارت وارده (طبق مـاده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱) قابل پرداخت می‌باشد. تبصره ۲ ـ مقررات مواد ۹ و ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب تیرمـاه ۱۳۴۹ و همچنین قـانون کیفر بزه هـای مربوط به راه آهن مصوب سـال ۱۳۲۰ و ملحقـات آن در مورد راه آهن‌شـهری تهران و حومه اجرا خواهـد شـد. وظایف و اختیارات وزارت راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن در این مورد به عهـده راه آهن شـهری تهران و حومه (مترو) خواهد بود. تبصـره ۳ ـ آن قسـمت از تصمیمات مجمع عمومی گذشـته که بـدون حضـور عضـو سـوم بـا دو رای موافق تصـویب و به مرحله اجرا درآمـده است مشـروط بر آنکه به تصویب مجمع عمومی منـدرج در اساسـنامه مربوط برسـد معتبر است ماده دوم ـ به منظور تامین هماهنگی در امور اجرایی احـداث راه آهن شـهری (مترو) شورایی به نام شورای هماهنگی مرکب از هفت نفر به شـرح زیر تشکیل می گردد: ۱ ـ شهردار تهران یا قائم مقام شهردار. ۲ ـ معـاون سازمان برنامه و بودجه ۳ ـ مـدیرعامل سازمـان آب تهران ۴ ـ مـدیرعامل شـرکت برق منطقه‌ای تهران ۵ ـ مدیرعامل شرکت مخابرات ۶ ـ مدیرعامل شـرکت گاز. ۷ ـ رییس هیات مـدیره و مـدیرعامل شـرکت راه آهن شـهری (مترو) همچنین مسـئولان سایر سازمان هایی که به تشخیص شهردار تهران حضور آنها در جلسات شورای هماهنگی لازم است وظایف شورای هماهنگی عبارتست از ایجاد هماهنگی در کارهای اجرایی راه آهن شـهری که با تاسـیسات یا طرحهای سازمانهای مختلف ارتباط حاصل می کنـد و رفع مشـکلاتی که از عـدم رعـایت همـاهنگی ممکن است پیش آیـد و همچنین اتخاذ تصـمیم نسـبت به کلیه مسایلی که از طرف هیات مدیره شـرکت راه آهن شـهری تهران و حومه (مترو) و یا سایر اعضا شورا در این زمینه مطرح می‌شود. تصمیمات شورا در این گونه موارد برای کلیه سازمانهـای ذیربـط لازم الاجرا خواهـد بود. تبصـره ۱ ـ تشـکیل جلسـات شورای همـاهنگی با پیشـنهاد رییس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت راه آهن شهری (مترو) و دعوت شهردار تهران به عمل خواهد آمد. تبصره ۲ ـ ریاست شورای هماهنگی بـا شـهردار تهران است ماده سوم ـ بررسـی و تصویب اساسـنامه و همچنین اتخاذ تصـمیم نسـبت به وابسـتگی شـرکت به کمیسـیونی مرکب از نماینـدگان وزارت کشور ـ شـهرداری تهران ـ سازمـان امور اداری و اسـتخدامی کشور و سازمـان برنـامه و بودجه تفویض می گردد.

جرائم تخلفات رانندگی

قانون مجازات عاملین متخلف در امر حمل و نقل کالا – مصوب ۲۳/۱/۶۷

ماده ۱ ـ متصدی شـرکتها ، موسسات ، بنگاه های حمل و نقل و رانندگانی که مسئول حمل‌کالا به مقصد می‌باشند چنانچه عمدا آن را به مقصـد نرسانند علاوه بر جبران خسارت وارده به صاحب کالا (در مثلی مثل و در قیمتی قیمت به حبس از ۲ تا ۵ سال یا جریمه نقدی معادل ۱۰تا ۲۰ برابر قیمت کالا محکوم می‌شونـد و در صورت تکرار جرم مـذکور به حـداکثر مجازات فوق محکوم خواهند شد. ماده ۲ ـ هرکس اموال و کالاهـای مـذکور در ماده فوق را با علم و اطلاع تحصـیل یا مخفی یا قبول نموده و یا مورد معامله و یا مورد اسـتفاده دیگری قرار دهـد و یا با آن موسـسه یا شـرکت یابنگاه و راننده به هر نحو همکاری نماید به حبس از شـش ماه تا سـه

سال و جبران خسارات وارده به صاحب کالاـ محکوم می‌شود در صورتی که متهم معامله اموال مزبور را حرفه خود قرار داده و یا مرتکب تکرار جرم مزبور شده باشد به حداکثر مجازات مقرر در این ماده ضمن جبران خسارات وارده به صاحب مال محکوم می‌شود. ماده ۳ ـ هرکس تمام یا قسمتی از کالاهای یاد شده در ماده یک را در حین حمل و نقل سرقت نماید هرگاه سرقت جامع شرایط حد محارب یا سرقت نباشد به حبس از ۲ تا ۵ سال و جبران خسارات وارده به صاحب کالا محکوم می‌شود. تبصره ـ رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب در موارد فوق الزامی است ماده ۴ ـ در صورت وجود عین کالا در مورد فوق ، کالای مزبور باید به صاحبش مسترد گردد. ماده ۵ ـ چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهدشد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را ضمن انعکاس به وزارت راه بایگانی می‌نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی – مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۴

ماده واحده ۱ ـ هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و یا وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید ، به حبس جنحه ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک موثری بنماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصدهزار ریال محکوم خواهد شد. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمکهای اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکرشده محکوم می‌شوند. نحوه تامین هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل مربوط به موجب آیین نامه ایست که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ۲ ـ هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که درمعرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد. ۳ ـ دولت مکلف است در شهرها و راهها به تناسب احتیاج مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم نماید. ۴ ـ مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می‌رسانند ، بشوند.

آیین نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی – مصوب ۵/۳/۱۳۵۴

ماده ۱ ـ فوریتهای پزشکی به مواردی از اعمال پزشکی اطلاق می‌شود که بایستی بیماران را سریعا مورد رسیدگی و درمان قرارداد و چنانچه اقدام فوری به عمل نیاید باعث خطرات جانی ،نقص عضو ، یا عوارض صعب العلاج و یا غیرقابل جبران خواهد شد. ماده ۲ ـ از نظر این آیین نامه فوریت های پزشکی (اورژانس شامل موارد زیر می‌شود: ۱ ـ مسمومیت ها. ۲ ـ سوختگی ها. ۳ ـ زایمان ها. ۴ ـ صدمات ناشی از حوادث و سوانح و وسایط نقلیه ۵ ـ سکته های قلبی و مغزی ۶ ـ خونریزی ها و شوك ها. ۷ ـ اغما. ۸ ـ اختلالات تنفسی شدید و خفگی ها. ۹ ـ تشنجات ۱۰ ـ بیماریهای عفونی خطرناك مانند منژیت ها. ۱۱ ـ بیماریهای نوزادانی که نیاز به تعویض خون دارند. ۱۲ ـ سایر مواردی که در شمول تعریف ماده ۱ قرار می‌گیرد. ماده ۳ ـ بیمار مشمول این آیین نامه شخصی است که طبق

تعریف فوریت هـای پزشـکی (اورژانس) احتیـاج به کمک فوری دارد. ماده ۴ ـ کلیه بیمارسـتان هـا ، اعم از دولتی و غیردولتی در تمام اوقاف شـبانه روز و نیز درمانگاه ها و سایر موسسات درمانی در ساعات فعالیت طبق پروانه تاسیسی که از وزارت بهداری سابق دریافت داشـته‌اند مکلف به پذیرش بیمارانی که مشـمول فوریتهای پزشکی هستند می‌باشند. ماده ۵ ـ در منـاطقی که مرکز اورژانس وجـود دارد و به نحوی از موارد فوریتهـای پزشـکی اطلاـع پیـدا می‌کنـد مسـئولیت مسـتقیم انتقـال بیمـار به مراکز درمـانی بـا مراکز اورژانس می‌باشـد. تبصـره ـ همه افراد مکلفنـد به محض مشاهـده هرگونه موارد اورژانس در صورت دسترسـی به مرکز اورژانس از طریق تلفن و سـایر وسایل ارتباطی فورا مورد را به آگاهی نزدیکترین مرکز اورژانس برساننـد و در صورت عـدم دسترسـی به واحد اورژانس نسـبت به انتقـال بیمـار اورژانسـی به نزدیکترین مراکز درمـانی اقـدام نماینـد. ماده ۶ ـ در صـورتی کـه بیمـار اورژانس در واحـدهای بخش دولـتی تحت مـداوا قرار گیرد حق العلاـج پزشـکی که جهت مـداوای بیمـار فراخوانـده می‌شود در صورتی که در ساعات غیراداری باشد برابر ۵۰٪ تعرفه خدمات درمانی مورد عمل در آن مورد خاص خواهد بود. تبصره ـ پزشکانی که منحصرا در بخش خصوصـی به کـار اشتغال دارنـد در صورتی که به دلیـل نیـاز از آنان کمک خواسـته شود در تمام اوقات از مزایای این ماده اسـتفاده خواهند نمود. ماده ۷ ـ در صورتی که بیمـار اورژانس در واحـدهای درمـانی غیردولتی تحت مـداوا قرار گیرد هزینه درمان توسط بیمار طبق تعرفه خـدمات درمانی پرداخت خواهـد شـد. تبصـره ـ در موارد اسـتثنایی که بیمار اسـتطاعت پرداخت کامل هزینه درمان خود را نداشـته باشـد طبق نظر کارشناسـی مـددکاری وزارت بهـداشت ، درمان و آموزش پزشـکی حداکثر تا ۸۰٪کل هزینه توسط آن وزارتخانه پرداخت خواهـد شـد. بـدیهی است ما به التفات پرداختی وزارتخانه مـذکور را خود بیمار باید به واحد درمانی مربوطه بپردازد.

از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین – مصوب ۱۳۷۳

ماده ۳ ـ قوه قضـاییه موظف است کلیه درآمـدهای خـدمات قضـایی از جمله خـدمات مشـروحه زیر را دریـافت و به حسـاب درآمد عمومی کشور واریز نمایـد. ۱ ـ در هر مـورد که در قوانین حـداکثر مجـازات کمـتر از ۹۱ روز حبس و یـا مجـازات تعزیری موضوع تخلفـات راننـدگی باشـد از این پس به جـای حبس یـا آن مجـازات تعزیری حکم به جزای نقـدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهـد شد. ۲ ـ هرگاه حـداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حـداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر اسـت که حکم به بیش از سه مـاه حبس یـا جزای نقـدی از هفتـاد هزار و یـک ریال تا سه میلیون ریال‌بدهـد. ۳ ـ در صورتی که مجـازات حبس بـا جزای نقـدی توام باشـد و به جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقـدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقـدی جمع خواهد شد.

قانون مجازات استفاده از پلاکهای تقلبی وسایط نقلیه موتوری – مصوب آبان ۱۳۴۷

ماده ۱ ـ هرکس در ارقـام و مشـخصات پلاـک وسایط نقلیه موتوری ـ زمینی ـ آبی و یا کشاورزی تغییر بدهـد یا پلاک وسـیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصـاق کنـد یـا برای آن پلاـک تقلبی به کـار برد یـا چنین وسـایلی را بـا علم به تغییر یـا تعویض پلاک یا داشـتن پلاک تقلبی مورد اسـتفاده قرار دهد به حبس تادیبی از دو ماه تا یکسال محکوم می‌شود. ماده ۲ ـ هرکس به نحوی از انحاء در شـماره شاسـی یا پلاک وسـیله نقلیه موتوری که از طرف کارخانه سازنـده حک یا نصب شـده تغییری بدهـد و آن را از صورت کارخـانه ای (فابریکی) خارج کنـد به حبس تادیبی از دو ماه تا یکسال محکوم خواهـد شـد. ماده ۳ ـ هرکس بخواهد وسـیله نقلیه موتوری را اوراق نمایـد مکلف است مراتب را بـا تسـلیم مـدارک مـالکیت و تعیین محـل توقف وسـیله نقلیه در قبـال اخـذ رسـید به

شهربانی محل اطلاع دهـد ، شـهربانی محل بايـد ظرف دو هفته و در صورت لزوم پس از کسب نظر شـهربانی محل شـماره گذاری اجازه اوراق کردن وسيله نقليه را ضـمن اخذ شـماره های شـهربانی وسيله نقليه بدهد و اگر به دلايلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصـميم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دليل به متقاضـی ابلاغ نمايد، متقاضـی حق دارد از اين تصميم به دادستان شهرستان شکايت کند و نظردادستان قطعی است هرگاه شهربانی در مدت مذکور تعيين تکليف نکند اوراق کردن وسيله نقليه پس از انقضای مـدت مزبـور مجاز است تخلف از اين مـاده برای اوراق کننـده موجب محکوميت به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا شـش ماه خواهد بود. ماده ۴ ـ اگر وسيله نقليه موتوری يا پلاک آن سرقت يا مفقود شود شخصی که وسيله در اختيار و تصرف اوست (اعم از آنکه مالک باشد يا نباشد) پس از اطلاع مکلف است بلافاصـله مراتب را کتبا به نزديکترين مرکز پليس يا پاسگاه ژاندارمری اعلام نمايد و در صورت تخلف به تاديه پانصد تا يکهزار و دويست ريال جريمه محکوم خواهد شد.

قانون اصلاح ماده (۱۴) اصلاحی قانون رسيدگی به تخلفات و اخذ جرايم رانندگی – مصوب ۲۱/۵/۱۳۷۶

ماده واحده ـ ماده ۱۴ قانون رسـيدگی به تخلفات و اخذ جرايم رانندگی مصوب ۸/۶/۱۳۵۸ بهشـرح ذيل اصلاح و پنج تبصره به آن الحاق می گردد. ماده ۱۴ ـ شـرکتها و موسـسات حمل و نقل و راننـدگان وسايل نقليه باربری مکلفند در راهها مقررات حمل بار در راههـای کشـور را که از طرف وزارت راه و ترابری تعيين و اعلام میشود دقيقـا رعـايت نماينـد ، در صورت تخلف ناشـی از عـدم رعـايت مقررات مـذکور ، وسـيله نقليه توسـط مـأمورين راهنمـايی و راننـدگی متوقف و متخلف توسط مأمورين مزبور برای بارهای معمولی سی هزار (۳۰/۰۰۰) ريال و بارهای ترافيکی يکصـد هزار (۱۰۰۰۰۰) ريـال جريمه عـدول ازمقررات حمل و نقل بار جريمه گرديـده و نيز جهت تعيين پرداخت خسـارات وارده به راه و ابنيه فنی به وزارت راه و ترابری معرفی خواهـد شـد. در اين صـورت به وسـيله نقليه زمانی اجازه حرکت داده میشود که شرکت يا موسسه حمل و نقلو يا راننده وسيله ، بارگيری وسيله نقليه را با مقررات حمل و نقل بار در راهها مطابقت داده و خسارات وارده را نيز پرداخت نموده باشد. همچنين سازمان حمل و نقل و پايانه های کشور مجـازاست پروانه فعـاليت شـرکتها و موسـسات حمـل و نقل کالا و مسافر را که خلاف مقررات و آيين نامه های حمل کالا و مسافر رفتـار میىنماينـد از يـک مـاه تـا يک سال و در صورت تکرار تخلف به طور دايم لغو و نيروی انتظامی موظف است با اعلام سازمان مـذکور نسـبت به تعطيلی موسسه يا شـرکت حمل و نقل متخلف اقدام نموده و در صورت اعتراض مراجع قضايی خارج از نوبت به موضوع رسـيدگی نماينـد. مقررات و آيين نامه های حمل بار و مسافر و مـدت لغو پروانه فعاليت و تعطيلی موسـسات مذکور توسـط وزارت راه و ترابری و در آن قسـمت که مربوط به مقررات ايمنی عبور و مرور میباشد با همکاری وزارت کشور تهيه و به تصويب هيات وزيران خواهد رسيد. تبصره ۱ ـ در مواردی که طبق اين ماده پروانه فعاليت شـرکت يا موسسه حمل و نقل کالا يا مسافر لغو و فعاليت آن تعطيل میشود ، موسـسه مکلف است پس از تاييد صاحب کالا ، ترتيب حمل کالا و مسافر را که قبلا تعهد کرده بوسـيله شرکتهـا و موسـسات ديگر بدهـد والا مسئول خسارات وارده به اشـخاص ثالث خواهـد بود. تبصـره ۲ ـ تردد وسايـل نقليـه در کليه آزادراه هـا بـدون پرداخت عوارض عبور و ورود غيرمجـاز به آنها تخلف محسوب و متخلف علاوه بر پرداخت عوارض عبور در هر مورد به ميزان ده برابر مبلغ عوارض عبور محور مورد تردد از طريق صدور برگ جريمه توسط مامورين راهنمايی و رانندگی جريمه خواهد شد. تبصره ۳ ـ وزارت راه و ترابری مکلـف است در صـورت تکرار تخلـف در هر سـال از متخلفين خسـارات وارده به راه و ابنيه فنی را بر مبنای جريمه تخلف ضـربدر تعداد تکرار تخلف در همان سال محاسـبه و دريافت نمايد. تبصره ۴ ـ مأمورين راهنمايی و راننـدگی مکلفنـد نسـخه ای از کروکی و يا گزارش تصادفات و تخلفات را جهت درج در پرونده متخلف به وزارت راه و ترابری ارسال نمايند. تبصره ۵ ـ با تصويب اين قانون کليه قوانين مغاير ، ملغی است

طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف – مصوب ۵/۱۰/۱۳۳۵

ماده واحده ـ هر راننده‌ای اعم از آنکه شغل او رانندگی باشد یا نباشد شخصا و یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت اموال و یا هتک ناموس مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که درآن وسیله نقلیه است بشود در صورت وقوع قتل محکوم به اعدام است و دادرسان حق ندارند مجازات را حتی یک درجه نیز تخفیف دهند و در صورت وقوع سرقت و یا هتک ناموس به عنف به حبس ابد و در صورت شروع به قتل یا شروع به سرقت و یا شروع به هتک ناموس به عنف به حبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال مجازات خواهد شد. تبصره ـ وزارتین کشور و دادگستری موظف هستند برای حسن انتظام امور رانندگی درظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه ای که متضمن مجازات های شدید برای تصادفات ناشی از غفلت راننده و یا عابرین خواه سوار خواه پیاده و سایر تخلفات دیگر رانندگی باشد با رعایت قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۲۸ تدوین و پس ازتصویب کمیسیون های دادگستری مجلسین به موقع اجرا بگذارد. تبصره ۲ ـ برای بهبود عبور و مرور و تکمیل لوازم فنی خطوط تهران دولت مکلف است مطالعات کافی نموده و لایحه ای برای تامین اعتبار آن در ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای ملی نماید. طرح قانونی فوق در جلسه روز چهارشنبه پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و سی و پنج شمسی به تصویب مجلس سنا رسیده است

قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشیه از تصادفات رانندگی به‌وسیله نقلیه موتوری – مصوب ۲۳/۸/ و ۱۳/۹/۱۳۴

ماده ۱ ـ دعاوی راجع به عیب و نقص ناشیه از تصادفات رانندگی که به وسایط نقلیه وارد وموجب خسارت برای صاحب آن می‌گردد در دادگاه های صلاحیت دار خارج از نوبت رسیدگی می‌شود. ماده ۲ ـ کاردان های فنی راهنمایی و رانندگی و پلیس راه که برای رسیدگی به امور تصادفات‌رانندگی تعیین می‌شوند مکلفند علت وقوع تصادف و چگونگی آن را صریحا با تشریح وضع محل تصادف و چگونگی آن را صریحا با تشریح وضع محل تصادف در صورت مجلس قید و میزان خسارات وارده به وسیله نقلیه را اعم از هزینه تعمیر و کسر قیمتی که در نتیجه تصادف حاصل می‌شود معلوم نمایند در صورتی که تعیین میزان خسارت در محل ممکن نباشد می‌توان آن را موکول به بازدید بعدی در تعمیرگاه نمود مندرجات صورت مجلسی که به طریق فوق تنظیم می‌گردد معتبر است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. ماده ۳ ـ در نقاط خارج از حوزه ماموریت مأموران مذکور، رسیدگی تابع قواعد و مقررات عمومی است

قانون ممنوعیت بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی منتقل می‌نمایند. – مصوب ۳/۲/۱۳۸۰

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون نگاهداری و بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی یا نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و غیره منتقل می‌نمایند توسط مراجع مذکور ممنوع است مگر این که خود فرد یا مصدوم یا افراد دیگری او را مقصر قلمداد نمایند و یا دلایل و قراین دیگری دلالت بر انتساب اتهام به وی نماید.

از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت – مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۰

ماده ۱۸ ـ بندهای ۲ و۳ ماده ۳۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ به شرح ذیل صلاح و دو بند به عنوان بندهای ۴ و۵ به ماده مذکور اضافه می‌شود: ۲ ـ مجازات تخلفات رانندگی از ده هزار (۱۰/۰۰۰) ریال

الی سیصد و پنجاه هزار (۳۵۰۰۰۰)ریال تعیین می‌شود. جداول مربوط به تخلفات رانندگی و تغییرات بعدی با پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ۳ـ وجوه حاصل از جرایم رانندگی در خارج و داخل شهرها به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه داری کل واریز می‌شود. معادل وجوه واریزی همه ساله در قوانین بودجه سالانه پیش بینی تا صرفا به مصرف بهبود عبور و مرور برسد. ۴ـ وزارتخانه های کشور و راه و ترابری مکلفند نسبت به تهیه آیین نامه راهنمایی و رانندگی وامور حمل و نقل و عبور و مرور اقدام نمایند تا پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارده شود. ۵ـ انجام معاینه فنی خودروها با رعایت مفاد این بند و متناسب با امکانات کشور اجباری است ستادهای معاینه فنی خودرو وابسته به شهرداریها یا مراکز فنی مجاز، وظیفه انجام معاینه وصدور برگه معاینه فنی را برعهده خواهند داشت چگونگی اجرای این بند و زمان بندی و نظارت بر انجام آن و تعیین دوره های معاینه فنی انواع خودرو ها و هزینه مربوطه متناسب با امکانات هر منطقه به پیشنهاد وزارتخانه های کشور و راه و ترابری با تصویب هیات وزیران‌خواهد بود. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است بر اساس تصویب نامه مذکور از تردد خودروهای فاقد برگ معاینه فنی جلوگیری نماید. برای صدور هر برگ معاینه فنی مبلغ دوهزار (۲۰۰۰) ریال اخذ و به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه داری‌کل واریزخواهدشد.

موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ در ارتباط با جرایم ناشی از تخلفات رانندگی

ماده ۳۳۳ـ در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئنه در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست باب ششم ـ اشتراك در جنایت ماده ۳۳۴ـ هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطاء محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است ماده ۳۳۵ـ هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود درصورت شبه عمد نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطای محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است تبصره ـ هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخوردکند و موجب آسیب او شود خطای محض می‌باشد. ماده ۳۳۶ـ هرگاه در اثر برخورد دوسوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند و یا هیچکدام مقصر نباشند هرکدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است تبصره ـ تقصیر اعم است از بی احتیاطی ، بی مبالاتی ، عدم مهارت ، عدم رعایت نظامات دولتی ماده ۳۳۷ـ هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند درصورت شبه عمد راننده هر یك از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطای محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطای محض باشد ضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد. تبصره ـ در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه دراثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانی در بین نیست ماده ۶۸۷ـ هر کس در وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب برق ، نفت ، گاز ، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله کشی و نیروگاه های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل های هوایی یا زمینی یا نوری و دستگاههای تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترك دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علایم راهنمایی و

رانندگی و سایر علایمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تاسیسات فوق یا شوارع وجاده‌ها نصب شده است مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کارانداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت تبصره ۲ ـ مجازات شروع به جرایم فوق یک تا سه سال حبس است فصل بیست و نهم ـ جرایم ناشی از تخلفات رانندگی ماده ۷۱۴ ـ هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه ازناحیه اولیای دم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۵ ـ هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیرقابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی‌از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دایمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنینی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۶ ـ هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دایم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد. ماده ۷۱۷ ـ هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۸ ـ در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته یا در محل هایی که‌برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است مراعات لازم ننماید و یا از محل‌هایی‌که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک‌تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید. تبصره ـ اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) ماده ۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳مجلس شورای اسلامی مستثنی می‌باشد. ماده ۷۱۹ ـ هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورداین ماده اعمال کیفیت مخففه نماید. تبصره ۱ ـ راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد. تبصره ۲ ـ در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود. ماده ۷۲۰ ـ هرکس در ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه موتوری زمینی ، آبی یاکشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی به کار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هرکس به نحوی از انحا در شماره شاسی ، موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاکهای موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون‌تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به‌حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۱ ـ هرکس بخواهد نقلیه

موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود. ماده ۷۲۲ ـ چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود ، شخصی که وسیله دراختیار و تصرف او بوده است اعم از آنکه مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید ، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۳ ـ هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که‌مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است ، بنماید و همچنین هرکس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت‌ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۴ ـ هر راننده وسیله نقلیه‌ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمدا تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصدهزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۵ ـ هر یک از مامورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال و به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می گردد.

تصویب‌نامه درخصوص تعیین تاریخ اجرای جدول میزان جرایم تخلفات رانندگی در شهرها و جاده‌های کل کشور مربو

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۵/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۱/۶/۱/۲۱۶۰۱ مورخ ۸/۳/۱۳۸۴ وزارت کشور و به استناد بند (۲) اصلاحی ماده (۳۲) قانون وصول برخی از درامدهای دولت و مصرف آن در موارد معین موضوع ماده (۱۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸۰ـ تصویب نمود: تاریخ اجرای جدول میزان جرایم تخلفات رانندگی در شهرها و جاده‌های کل کشور مربوط به سال ۱۳۸۴ موضوع تصویب‌نامه شماره ۶۵۳۲۳/ت۳۲۱۱۶هـ مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۸۳ از، تاریخ۱/۷/۱۳۸۴ تعیین می گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی – مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور به پیوست یک نسخه دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه راهنمایی و رانندگی که در ۱۴ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱۲/۹/۱۳۸۴ به تصویب ریاست محترم قوه‌قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ عبدالرضا ایزدپناه دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی در راستای حُسن اجرای آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (موضوع تنفیذ ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم) و بندهای ۲و۳ از قسمت ب ماده ۷ آیین‌نامه مذکور و ماده ۳۲ قانون وصول برخی از درامدهای دولت ناظر بر قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن، «دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی» به شرح ذیل تصویب و ابلاغ

می گردد: ماده۱ـ بـه منظور ارتقـای جایگـاه صـلح و سـازش و انجـام داوری و تسـهیل و تسـریع در حـل و فصـل دعـاوی و ایجـاد وحـدت‌رویه در رسـیدگی به پرونـده‌های مربـوط به امـور راهنمـایی و راننـدگی، « شوراهـای حـل اختلاـف ویژه امـور راهنمـایی و راننـدگی» مطابق مقررات پیش‌بینی شده در آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه که در این دستورالعمل اختصارا « شوراهـای ویژه» گفته می‌شود، تشکیل می گردد. مـاده۲ـ حـدود صـلاحیت شوراهای ویژه « رسـیدگی به اعتراض صورت وضـعیت اصـلاحی برگه‌های جریمه موضوع تخلفات رانندگی» و « رسیدگی به تخلفات درخصوص تغییر وضـعیت خـودرو» ، « رسـیدگی بـه اتهـام راننـدگی بـدون پروانه» و « تصادفات راننـدگی» می‌باشـد. ماده۳ـ اعـتراض به قبوض جرایم راهنمـایی و راننـدگی ابتـدا به اجرائیات و یا واحـدهای مشابه راهنمایی و راننـدگی تقـدیم می گردد. مراجع یاد شـده حداکثر ظرف مدت یک هفته برابر قوانین به اعتراضات رسـیدگی و صورت وضـعیت اصلاحی صادر خواهند نمود. اعتراض به صورت وضعیت اصلاحی قبوض جرایم راهنمایی و راننـدگی در شوراهای ویژه رسیدگی خواهـد شـد. در صورتی که ظرف یک هفته قبض اصـلاحی صادر نگردید و یا راهور نظر خود را اعلام ننمایـد، با مراجعه دادخواه به شورای ویژه، موضوع مورد رسیدگی قرار خواهـد گرفت. ماده۴ـ صلاحیت شورای ویژه برای رسیدگی به اعتراض صورت وضـعیت اصـلاحی مربوط به قبوض جرایم راهنمایی و رانندگی: با عنایت به بند دوم قسـمت ب ماده ۷ آئین‌نـامه اجرایی ماده ۱۳۴ قـانون برنامه چهارم توسـعه رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها حـداکثر تا پنـج میلیون ریـال جزای نقـدی است و یـا جمع مجـازات قـانونی حبس و جزای نقـدی پس از تبـدیل حبس به جزای نقـدی تـا پنـج میلیون ریال می گردد، همچنیـن رسیدگی بـه جرائمی کـه مجـازات تعزیری موضـوع تخلفـات راننـدگی باشـد، در حـدود صـلاحیت رسیدگی شوراهـاست. بـا توجه به موارد مـذکور و عنایت به ماده ۱۸ قـانون تنظیم بخشـی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰، که محدوده جرایم تخلفـات راننـدگی را از ده‌هزار ریـال الی سیصدوپنجاه هزار ریـال اعلاـم نموده‌است، رسیدگی به اعتراض نسـبت به تمـامی جریمه‌های راهنمایی و رانندگی، حتی در مواردی که به علت عدم پرداخت دو برابر می‌شود، در صـلاحیت شوراهای ویژه است. در تعیین حـدود صـلاحیت شـورا، جمع جریمه‌هـای مورد اعـتراض، ملاـک تعیین صـلاحیت نیست، بلکه هر مورد تخلف بـا عنـایت به جریمه متعلقه، لحـاظ می گردد. اگر جریمه‌هـای متعـدد به موجب یک صورت وضـعیت، اعلام شود و معترض بخواهـد به همه آنها یک جا اعتراض نماید، علیرغم این که ممکن است جمع جریمه‌ها بالاتر از پنج میلیون ریال باشد، رسیدگی در صلاحیت شوراهای ویژه خواهدبود. ماده۵ ـ صـلاحیت شورای ویژه در رسـیدگی به تخلفات درخصوص تغییر وضـعیت خودرو: صلاحیت شورای ویژه در این خصوص نیز، براساس آیین‌نـامه راهنمایی و راننـدگی مصوب سال ۱۳۸۴ و آن دسـته از مواردی که نـاظر بر جرایم ناشـی از تخلفـات راننـدگی موضوع فصل ۲۹ قـانون مجازات اسـلامی می‌باشـد، است. ماده۶ ـ حضور مـأمور مربوطه یـا نماینـده راهنمـایی و راننـدگی در جلسات رسـیدگی شوراهای ویژه ضـروری است لکن عـدم حضور، مانع از رسـیدگی و صـدور رای نمی‌باشـد. ماده۷ـ رعایت مفاد قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های بعدی ـ به ویژه مفاد ماده ۱ آن ـ در خصوص افسـران خاطی و معترضان بلاوجه به صورت وضـعیت‌های اصلاحی، در تمامی مراحل صدور رای و اتخاذ تصمیم در شورای ویژه، ملاک عمل خواهد بود. ماده۸ ـ لازم است حوزه‌های قضایی و ضابطین دادگستری، کلیه دعاوی مربوط به‌تخلفات و جرایم راننـدگی منجر به دیه را بـدواً به منظور ایجـاد صـلح و سـازش به شورای ویژه ارجـاع نماینـد، در این خصوص رعـایت حد نصاب الزامی نمی‌باشـد. ماده۹ـ تعـداد اعضـای شوراهـای ویژه و انتخـاب آنها به ترتیبی است که در آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف پیش‌بینی شده است. تبصـره۱ـ لاـزم است حتی‌المقـدور یک نفر از اعضای شورای ویژه از میان افسـران بازنشسته ناجا (در امور مربوط به راهنمـایی و راننـدگی) که دارای پروانه کارشناسـی رسـمی دادگستری (طبق مفـاد آئین‌نامه اجرایی) نباشـند، انتخاب گردد. تبصره۲ـ قضـاوت مشـاور شوراهـای ویژه، متنـاسب با نیازها، با پیشـنهاد دادگستری کل اسـتان و تأییـد دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌هـا و همـاهنگی امور اسـتانها و سازمانهـای وابسـته قوه قضـاییه با امضای رییس قوه قضاییه تعیین می گردنـد. تبصـره۳ـ ساعات

حضور و فعالیت اعضای شوراهای ویژه، مطابق ساعات اداری اجراییات راهنمایی و رانندگی خواهد بود. ماده۱۰ـ تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه و تعداد آنها، با پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تأیید « دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته» متناسب با تعداد مراکز اجراییات راهنمایی و رانندگی صورت می گیرد. تبصره ـ شهر تهران به عنوان « ویژه» حداکثر ۲۵ حوزه، کلانشهرهای مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز حداکثر ۱۰ حوزه و سایر شهرستانها متناسب با نیازها به تشخیص رئیس کل دادگستری استان با توجه به نیاز اعلامی از سوی راهور ناجا حداکثر تا ۴ حوزه شوراهای حل اختلاف ویژه خواهند داشت. ماده۱۱ـ تامین و تجهیز لوازم و امکانات شوراهای ویژه طبق موارد ذیل می‌باشد: تبصره۱ـ محل استقرار شوراهای ویژه، حتی‌المقدور در نزدیک‌ترین مکان به اجراییات راهنمایی و رانندگی ـ طبق آئین‌نامه اجرایی ـ تأمین خواهدشد. تبصره۲ـ تجهیزات اداری و نیازمندیهای رایانه‌ای شوراهای ویژه (اعم از نرم‌افزار، سخت‌افزار و شبکه و سایر ملزومات) با تعامل ناجا و با هماهنگی «دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته» تامین می گردد. تبصره۳ـ تهیه ملزومات و اقلام مصرفی شوراهای ویژه، توسط دادگستری کل استانها انجام خواهد شد. تبصره۴ـ پاداش اعضای شوراهای ویژه و قضات مشاور و کارکنان دبیرخانه از محل اعتبارات شوراهای حل اختلاف پرداخت می گردد. ماده۱۲ـ برنامه زمانی و منابع آموزشی شوراهای ویژه، علاوه بر مباحث مصوب آموزش اعضای شوراهای حل اختلاف، بر اساس مواد آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، جدول اخذ جرائم مصوب، فصل ۲۹ قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری در نظر گرفته خواهد شد. تبصره۱ـ معاونت آموزش قوه قضائیه مسؤلیت برنامه‌ریزی، تدوین متون آموزشی و نظارت بر اجرای برنامه آموزشی شوراهای ویژه را به عهده داشته و با هماهنگی «دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته» اقدام لازم را به‌عمل خواهد آورد. تبصره۲ـ هزینه‌های آموزش اعضای شوراهای ویژه، از محل اعتبارات اختصاص یافته به آموزش شوراهای حل اختلاف توسط معاونت آموزش قوه قضاییه تأمین و پرداخت خواهد شد. ماده۱۳ـ اجراییات راهنمایی و رانندگی و واحدهای اجرای احکام حوزه‌های قضایی، حسب مورد موظف به اجرای آراء و تصمیمات شوراهای ویژه می‌باشند. ماده۱۴ـ این دستورالعمل در ۱۴ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱۲/۹/۱۳۸۴ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا خواهد بود. رئیس قوه قضاییه ـ سید محمود هاشمی شاهرودی

قوانین متفرقه

قانون مسئولیت مدنی – مصوب ۷/۲/۱۳۳۹

ماده ۱ ـ هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. ماده ۲ ـ در موردی که عمل وارد کننده زیان به موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده‌شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود. ماده ۳ ـ دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تامین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه تجویز نماید. ماده ۴ ـ دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد. ۱ ـ هرگاه پس از وقوع خسارت وارد کننده زیان به نحو موثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد. ۲ ـ هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفا قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و

تنگدستی واردکننده زیان شود. ۳ ـ وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد. ماده ۵ ـ اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتا واحده تعیین می‌نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تامین گرفت با دادگاه است اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی بطور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت ماده ۶ ـ در صورت مرگ آسیب‌دیده زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصا هزینه کفن و دفن می‌باشد، اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزو زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانونا مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتا ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تامین که باید گرفته شود با دادگاه است در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت ماده ۷ ـ کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یاصغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت‌گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد. ماده ۸ ـ کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسئول جبران آن است شخصی که در اثر انتشارات مزبور با سایر وسائل مخالف یا حسن نیت مشتریانش کم و یا درمعرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید. ماده ۹ ـ دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سو استفاده از زیر دست بودن حاضر برای هم خوابگی نامشروع شده می‌تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید. ماده ۱۰ ـ کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید. ماده ۱۱ ـ کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصا مسئول جبران‌خسارات وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. ماده ۱۲ ـ کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خسارتی می‌باشند که ازطرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگراینکه محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید. ماده ۱۳ ـ کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه

نمایند. ماده ۱۴ ـ در مورد ماده ۱۲ ـ هرگاه چند نفر مجتمعا زیانی وارد آورند متضامنا مسئول جبران خسارات وارد هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. ماده ۱۵ ـ کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد. ماده ۱۶ ـ وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است

قانون ایمنی راهها و راه آهن – مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ ـ شاهراه به راهی اطلاق می‌شود که حداقل دارای دو خط اتومبیل رو و یک شانه حداقل به عرض ۳ متر برای هر طرف رفت و برگشت بوده و دو طرف آن به نحوی محصور و درتمام طول شاهراه از هم کاملا ـ مجزاباشد و ارتباط آنها با هم فقط به وسیله راههای فرعی که از زیر یا بالای شاهراه عبور کند تامین شود و هیچ راه دیگری آنرا قطع نکند ماده ۲ ـ هر شاهراه که با خصوصیات فوق ساخته شده یا بشود از تاریخی که وزارت راه اعلام کند مشمول مقررات این قانون می‌باشد. ماده ۳ ـ وزارت راه مکلف است در هر شاهراه حداقل و حداکثر سرعت همچنین انواع وسایط نقلیه‌ای که عبور آنها مجاز نیست با نصب علایم مشخص کند و نیز کلیه علایم مربوط به مقررات رانندگی و محلهای توقف مجاز و سایر علایم لازم را که برای پیشگیری از خطرات احتمالی تصادف لازم است در طول راه برای اطلاع رانندگان نصب کند. ماده ۴ ـ ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام درشاهراه ها و همچنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است هر گاه به جهات مذکور حادثا ی واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده مجاز که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در شاهراه باشد نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه وسیله نقلیه را درشانه سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله نقلیه خود یا وسیله دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به ماموربن انتظامی اطلاع دهد. عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. تبصره ۱ ـ وزارت راه مکلف است محل‌های توقف ضروری مجاز وسایط نقلیه در طول شاهراهها را ایجاد کند. تبصره ۲ ـ وسایل نقلیه غیرمجازی که به طور موقت و به سبب ضرورت و مأموریتهای ضروری می‌بایست در بزرگراه تردد نمایند. فقط با اجازه وزیر راه و ترابری و یا معاونین راهداری و حمل و نقل وی و یا بالاترین مقام اجرایی ادارات کل راه و ترابری استانها در حوزه استحفاظی خود و با نصب تابلو (عبور آزاد بزرگراه) در پشت وسیله نقلیه که به وسیله پلیس راه به راننده تحویل و اخذ خواهد شد، می‌توانند وارد بزرگراه شوند تابلو فوق الذکر به تعداد لازم توسط وزارت راه و ترابری تهیه و تحویل پلیس راه می‌گردد. تعیین حداقل و حداکثر سرعت اینگونه وسایل طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارت راه و ترابری می‌رسد. تبصره ۳ ـ مأمورین سازمانهای دولتی و انتظامی و یا افرادی که به سبب ضرورت جهت انجام مأموریت و ارایه خدمات در سطح یا حاشیه بزرگراهها به صورت پیاده تردد یا توقف می‌نمایند با رعایت ضوابط ایمنی در صورت بروز حادثه از شمول حکم ماده ۴ مستثنی می‌باشند و مسوولیت راننده مقصر وسیله نقلیه مجاز که منجر به تصادف شده است به قوت خود باقی است تبصره ۴ ـ وسایل نقلیه غیرمجاز به عبور از آزادراهها که طبق این ماده واحده مجوز عبور می‌گیرند، موظف هستند از خطوط مجاز در آزادراه ها عبور و مرور نمایند. ماده ۵ ـ دولت می‌تواند با تصویب کمیسیونهای راه و دارایی مجلسین برای شاهراه ها عوارض مناسبی تعیین و وصول کند. ماده ۶ ـ اقدام به هرگونه عملیاتی که موجب خرابی جاده گردد همچنین ایجاد هرگونه متسحدثات یا درختکاری یا زراعت یا اقدام به حفاری در حریم قانونی شاهراهها و راههای اصلی و فرعی و راه‌آهن که میزان هر یک به طریق و وسایل متناسب مشخص و از طرف وزارت راه آگهی می‌شود بدون اجازه وزارت راه ممنوع است تبصره ۱ ـ وزارت راه مکلف است با حضور نماینده دادسرا و در نقاطی که دادسرا نباشد با حضور نماینده دادگاه بخش این قبیل مستحدثات یا درختکاری و یا زراعت و حفریات را ضمن تنظیم صورت مجلس رأسا

قلع و آثار تجاوز را محو کند. تبصره ۲ ـ اشخاص ذینفع می‌توانند به مراجع دادگستری مراجعه کنند. دادگاه خارج از نوبت به این‌گونه پرونده‌ها رسیدگی نموده و حکم لازم را صادر می‌کند. ماده ۷ ـ هرگاه در طول خطوط راه آهن از طرف وسایل نقلیه راه‌آهن بر اثر رانندگی وسایل مزبور قتل یا جرح یا ضرب واقع شود باید وسیله نقلیه متوقف گردد و ضمن مبادرت به کمکهای نخستین در مورد مجروحین و مصدومین صورت مجلس در محل حادثه به وسیله مأمورین انتظامی راه آهن و مأمورین مربوط راه‌آهن تنظیم و پس از تحقیقات اولیه از راننده و مطلعین در صورتی که به سبب حادثه جسد یا اجسام دیگری روی خط راه‌آهن قرار گرفته و مانع عبور قطار و وسایل نقلیه راه‌آهن باشد مأمورین پلیس انتظامی راه‌آهن آن را به مجازات محل به خارج خط در نقطه مناسبی انتقال داده بلافاصله قطار و وسیله نقلیه را حرکت دهند. مأمورین پلیس انتظامی راه‌آهن موظفند آثار و علایم موجود را در محل حادثه حفظ کرده و مراتب را در صورت وقوع قتل فورا به مقامات قضایی برای حضور و انجام تشریفات قانونی گزارش دهند. ماده ۸ ـ راه‌آهن دولتی ایران مکلف است در طول راه‌آهن معابر و گذرگاه های مجاز برای افراد و وسایل نقلیه را با نصب علامات مشخص کند. ماده ۹ ـ عبور از روی خطوط راه‌آهن ، ورود در محوطه ایستگاهها و کارخانه‌ها و تاسیسات‌فنی راه آهن به استثنای سکوهای مسافری و امکنه و گذرگاهها و معابر مجاز واقع در ایستگاهها و در طول خطوط ممنوع است جز برای آن عده از مأمورین راه‌آهن که بر حسب وظیفه مجاز به‌ورود و عبور می‌باشند و در صورت تخلف و بروز حادثه راه‌آهن دولتی ایران مسئول نخواهدبود. ماده ۱۰ ـ عبور هرگونه وسیله نقلیه اعم از موتوری و غیرموتوری از یک طرف خط آهن به‌طرف دیگر در غیر محلهای مجاز ممنوع است و متخلف از این امر مسئول هرگونه پیش‌آمد و خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱ ـ تخلف از مقررات این ماده مستوجب پانصد ریال جزای نقدی است ترتیب‌رسیدگی به تخلف مزبور به نحوی است که در قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب سال ۱۳۵۰ مقرر گردیده و تا تشکیل گارد ترابری موضوع ماده ۱۶ قانون تغییر نام وزارت راه و ترابری افسران یا درجه‌داران دیپلمه پلیس انتظامی راه‌آهن و در نقاطی که پلیس انتظامی راه‌آهن نباشد افسران یا درجه داران دیپلمه پلیس‌راه ژاندارمری کشور وظایف مذکور درآن قانون را انجام خواهند داد و پس از تشکیل گارد ترابری حق رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم با افراد دیپلمه گارد مذکور خواهد بود. تبصره ۲ ـ هرگاه عبور وسایط نقلیه موجب خرابی یا انحراف قسمتی از ریل و همچنین خاکریز و سایر تأسیسات مربوط به راه‌آهن گردد، راننده وسیله نقلیه به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال و جبران خسارات وارده محکوم می‌شود. تبصره ۳ ـ وجوه حاصل از اجرای تبصره یک به حساب خزانه داری کل منظور خواهدگردید. ماده ۱۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون غرامت موضوع ماده ۱۳ قانون کیفر بزه های راه‌آهن مصوب فروردین ماه ۱۳۲۰ از پانصد ریال تا پنجهزار ریال خواهد بود و تجاوز به محدوده ایستگاه ها در حکم تجاوز به حریم خط‌آهن می‌باشد. تبصره ـ حدود ایستگاه راه‌آهن عبارتست از محوطه‌ای که مورد نیاز راه‌آهن بوده و بر اساس نقشه های مصوب راه‌آهن قانونا به تصرف و تملک راه‌آهن درآمده باشد و به وسیله علایم مخصوص از طرف راه‌آهن مشخص می‌شود. ماده ۱۲ ـ تبصره ذیل به ماده ۲۱ قانون بزه های راه آهن اضافه می‌شود: تبصره ـ تعقیب متهم در دادگستری موکول به شکایت راه‌آهن خواهد بود. ماده ۱۳ ـ هرگاه بر اثر عبور انسان یا دام یا وسیله نقلیه‌ای که حرکت آن بستگی به راه‌آهن ندارد و برخورد آن با وسایل نقلیه مجاز راه‌آهن در روی خط آهن حادثه ای منجر به قتل یا جرح ضرب یا خسارت مالی شود راننده مجاز که بر حسب وظیفه رانندگی وسایل نقلیه راه‌آهن راروی خط آهن به عهده دارد در صورتی که نظامات و مقررات مربوط را رعایت نموده باشدمسوولیتی نخواهد داشت عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. ماده ۱۴ ـ وزارت راه مکلف است هنگام ایجاد راههای جدید و راه‌آهن گذرگاه های ضروری و مجاری لازم را در نظر گرفته موجبات ارتباط طرفین راه احداثی را به نحو مقتضی فراهم کند ودر مورد شاهراه ها وسیله ارتباط تلفنی در طول راه به مسافتهای معین ایجاد نماید. ماده ۱۵ ـ خارج از محدوده شهرها در مناطقی که هیأت وزیران تصویب و وزارت راه اعلام می‌نماید احداث دیوار به ارتفاع بیش از یک متر در اراضی و مستحدثاتی

که تا فاصله هفتاد متر از انتهای حریم راه آهن و شاهراهها و راههای اصلی واقع شده ممنوع است مگر برای اراضی واقع در مسیر طوفان شن که به منظور جلوگیری از ورود توده های شنی مالکین حسب مورد با اخذ پروانه از ادارات راه یا راه‌آهن می‌توانند به احداث آن اقدام نمایند. با متخلفین حسب مقررات تبصره های یک و دو ماده ۶ این قانون رفتار خواهد شد. تبصره ـ نرده کشی و سیم کشی به هر ارتفاع و احداث هر نوع ساختمان و ترمیم دیوارهای موجود در اراضی مستحدثات فوق الذکر بلامانع است

تصویب نامه راجع به اصلاح ماده ۴ اساسنامه شرکت سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۹/۱۳۶۹ با توجه به نظریه شورای نگهبان (موضوع نامه های شماره ۵/۸۸۴ مورخ ۱۲/۷/۱۳۶۹ و شماره ۱۰۱۰ مورخ ۱۴/۸/۱۳۶۹ آن شورای و به استناد تبصره (۳) ماده واحده قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل‌نقلیه باربری مصوب ۱۳۶۸ تصویب نمود: ماده (۴) اساسنامه شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری به شرح زیراصلاح و تبصره ذیل آن حذف می گردد: ماده ۴ ـ مرکز شرکت تهران است و شرکت می‌تواند با تصویب مجمع عمومی برای انجام موضوع فعالیت خود در استانهایی که تاسیس و بهره‌برداری از پایانه به تأیید وزارت راه و ترابری رسیده باشد نسبت به ایجاد دفتر و یا نمایندگی اقدام نماید. این تصویب نامه به موجب نامه شماره ۱۲۳۴ مورخ ۲۴/۹/۱۳۶۹ به تایید شورای نگهبان‌رسیده است

قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده ها و کنوانسیون مربوط به علایم راهها – مصوب ۲۶/۱۱

ماده واحده ـ کنوانسیون عبور و مرور در جاده‌ها مورخ ۸ نوامبر ۱۹۶۸ (۱۷ آبان ۱۳۴۷) مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و شش ماده و هفت ضمیمه و کنوانسیون مربوط به علایم راهها مورخ ۸ نوامبر ۱۹۶۸ (۱۷ آبان ۱۳۴۷) مشتمل بر یک مقدمه و چهل و هشت ماده و نه ضمیمه تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود.

کنوانسیون راجع به ترافیک راهها – مصوب ۸ نوامبر ۱۹۶۸ مطابق با ۱۷/۸/۱۳۴۷ شمسی

فصل اول ـ مقررات عمومی (ماده ۱ تا ۴)

کنوانسیون راجع به ترافیک راهها – مصوب ۸ نوامبر ۱۹۶۸ مطابق با ۱۷/۸/۱۳۴۷ شمسی کشورهای عضو کنوانسیون به منظور ایجاد تسهیلات در ترافیک بین المللی و افزایش ایمنی راهها مقررات واحدی به شرح زیر قبول نموده‌اند: فصل اول ـ مقررات عمومی ماده اول ـ تعاریف از لحاظ این کنوانسیون اصطلاحات زیر دارای معانی خاصی هستند که در مقابل هر یک تعریف شده است الف ـ (قوانین داخلی) هر طرف متعاهد عبارتست از کلیه قوانین و مقررات ملی و محلی قابل‌اجرا در قلمرو طرف متعاهد مذکور. ب ـ هنگامی یک وسیله نقلیه در قلمرو یک دولت در ترافیک بین المللی قرار دارد که دارای شرایط زیر باشد: ۱ ـ متعلق به یک شخص حقیقی و یا حقوقی بوده که در خارج از سرزمین آن دولت اقامت داشته باشد. ۲ ـ در سرزمین آن دولت ثبت نرسیده باشد. ۳ ـ به صورت واردات موقت داخل سرزمین آن دولت شده باشد. به هر حال یک دولت عضو می‌تواند وسیله نقلیه ای که بیش از یک سال بدون انقطاع قابل توجه در سرزمینش باقی مانده باشد (در ترافیک بین المللی) نداند مدت انقطاع توسط دولت مورد بحث تعیین خواهد شد. وسایل نقلیه مرکب هنگامی (در ترافیک بین المللی) خواهد بود که حداقل یکی از وسایل متشکله آن واجد شرایط بالا باشد. پ ـ (منطقه مسکونی) عبارت از منطقه ایست که دارای تابلوهای ورود و خروج بوده و یا درغیر این صورت طبق

قوانین محلی تعریف شده‌اند. ت ـ (راه) عبارتست از تمامی سطح خیابان ـ جاده ـ کوچه و کلیه معابری که برای عبور و مرور عموم باز است ث ـ (سواره‌رو) عبارت از قسمتی از راه است که معمولا برای ترافیک وسایط نقلیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک راه ممکن است شامل چندین سواره رو باشد که به وسیله باند جداکننده و یا اختلاف سطح کاملا از هم مجزا باشند. ج ـ در (سواره‌رو) که یک یا چند گذرگاه برای استفاده وسائط نقلیه معینی تعبیه شده (حاشیه‌سواره‌رو) برای سایر استفاده کنندگان از راه عبارت از باقیمانده اضافی سواره رو. چ ـ (گذرگاه) عبارت است از تقسیمات طولی که سواره‌رو بدان تقسیم گردیده و عرض آن برای عبور یک ردیف وسایط نقلیه موتوری غیر از موتور سیکلت کافی باشد اعم از اینکه به وسیله خط کشی طولی راه مشخص شده یا نشده باشد. ح ـ (تقاطع) عبارت است از چهار راه و انشعاب راههای هم سطح مشتمل بر فضای بازی که از تشکیل این چهار راه یا انشعاب راهها به وجود آمده خ ـ (تقاطع هم سطح) عبارت است برخورد بین یک راه و یک راه‌آهن یا خط تراموای د ـ (شاهراه) عبارت از راهی است که اختصاصا برای ترافیک وسایط نقلیه موتوری ساخته شده و به املاک مجاور خود راه پیدا نمی‌کند و دارای خصوصیات زیر است ۱ ـ جز در مناطق خاص و یا موارد موقتی دارای قسمتهای (سواره‌رو) دو طرفه باشد که توسط باند مجزاکننده و یا استثنائا با وسایل دیگری از یکدیگر جدا شده‌اند. ۲ ـ با هیچ راه یا راه‌آهن و یا خط تراموای و یا راه پیاده‌رو در یک سطح تقاطع نکند. ۳ ـ مخصوصا به عنوان شاهراه علامت گذاری شده باشد. ذ ـ ایستادن و توقف وسیله نقلیه ۱ ـ (ایستادن) عبارتست از توقف وسیله نقلیه به مدت کوتاه برای پیاده و سوار کردن مسافر یا بارگیری و تخلیه بار. ۲ ـ (توقف) عبارتست از ایستادن وسیله نقلیه به مدت نسبتا طولانی یا به جز در مواردی که به منظور اجتناب از تصادم یا برخورد با مانع با رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی که مدت ایستادن از نظر پیاده یا سوار کردن مسافر و یا بار محدود نباشد. معذالک طرف‌های متعاهد مجازند وسیله نقلیه‌ای را که مشمول بند ۲ فوق الذکر می‌باشد از نظر مدت ایستادن یا توقف برطبق قوانین داخلی تعیین و رفتار نمایند. ر ـ (دوچرخه) عبارت از وسیله نقلیه‌ایست که لااقل دارای دو چرخ بوده و منحصرا با نیروی عضلانی شخصی که سوار آنست مخصوصا توسط پدال و یا اهرم های دستی حرکت نماید. ز ـ (دوچرخه گازی) عبارتست از وسیله نقلیه ای که دارای دو یا سه چرخ بوده و مجهز به یک موتور احتراق داخلی باشد با سیلندری به ظرفیت کمتر از ۵۰ سانتیمتر مکعب و حداکثر سرعت از ۵۰ کیلومتر در ساعت تجاوز ننماید. به هر حال طرفهای متعاهد می‌توانند طبق قوانین داخلی خود وسایط نقلیه ای را که دارای خصوصیات دوچرخه نبوده (از نظر طرز استفاده مخصوصا فاقد کیفیت راندن توسط پدال باشد و یا حداکثر سرعت و وزن و یا بعضی از خصوصیات موتور آنها از حدود معینی تجاوز نماید(دوچرخه گازی) تلقی ننماید. این توضیحات مانع از آن نمی‌شود که طرفهای متعاهد در اجرای مقررات دوچرخه گازی را از نظر عبور و مرور عینا مانند دوچرخه تلقی نمایند. ژ ـ (موتور سیکلت) عبارت است از وسیله نقلیه‌ای که دارای دو چرخ یا بدون ساید کار(اطاقک پهلو) و مجهز به یک موتور محرکه باشد. طرفهای متعاهد می‌توانند سه چرخه هایی راکه وزن خالی آن از ۴۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید در قوانین داخلی خود مانند موتور سیکلت تلقی کنند کلمه (موتور سیکلت) شامل (دوچرخه گازی) نخواهد بود. س ـ (وسیله نقلیه خودرو) عبارتست ازهرگونه وسیله نقلیه موتوری قابل حرکت در معابر به استثنای دوچرخه گازی که در سرزمین طرفهای متعاهد به عنوان موتور سیکلت تلقی نمی‌شود و همچنین وسایل نقلیه‌ای که بر روی ریل حرکت می‌کنند. ش ـ (وسیله نقلیه موتوری) عبارتست از هرگونه وسیله خودرو که معمولا برای حمل مسافریا بار و یا کشیدن وسایل نقلیه دیگری که مسافر و بار حمل می‌کنند در راه مورد استفاده قرارگیرد. این مورد شامل اتوبوس های برقی نیز بوده ولی شامل وسایط نقلیه‌ای که بر روی ریل‌حرکت می‌نمایند و تراکتورهای کشاورزی که به طور اتفاقی برای حمل مسافر و بار در راه و یا کشیدن وسیله نقلیه دیگری که مسافر و بار حمل می‌کنند نخواهد بود. ص ـ (یدک) عبارت از وسیله نقلیه‌ایست که توسط یک وسیله نقلیه خودرو کشیده می‌شود و شامل شبه یدک نیز خواهد بود. ض ـ (شبه یدک) عبارت از یدکی است که به یک وسیله نقلیه دیگر به طوری متصل می‌گردد که قسمتی از وزن بار آن توسط نقلیه موتوری حمل می‌شود. ط ـ (یدک سبک) عبارت از

یدکی ازست که حداکثر وزن مجاز آن از ۷۵۰ کیلوگرم تجاوز ننمایند. ظ ـ (وسیله نقلیه مرکب) عبارتست از چند وسیله نقلیه متصل به هم که به عنوان یک واحد در راه حرکت می‌کند. ع ـ (وسیله نقلیه مفصلی) عبارت از وسیله نقلیه ایست که شامل یک وسیله نقلیه موتوری و یک شبه یدک متصل به آن باشد. غ ـ (راننده) کسی است که وسیله نقلیه موتوری یا سایر وسایط نقلیه (مشتمل بر دوچرخه را می‌راند و یا گاو را به صورت واحد یا گله گوسفند و یا حیوانات بارکش یا زین شده را در جاده هدایت می‌کند. ف ـ (حداکثر وزن مجاز) عبارت است از مجموع وزن وسیله نقلیه و حداکثر بار مجاز آن که ازطرف مقام صلاحیتدار کشوری که وسیله نقلیه در آن شماره گذاری شده اعلام گردیده باشد. ق ـ (وزن بدون بار) عبارتست از وزن وسیله نقلیه بدون راننده و مسافر و بار ولی با مخزن پراز سوخت و همچنین با ابزار و آلاتی که معمولاً وسیله نقلیه همراه دارد. ک ـ (وزن بارگیری شده) عبارت از مجموع وزن واقعی وسیله نقلیه به اضافه وزن مسافرین وکارکنان و محمولات آن گ ـ (سمت حرکت) عبارت است از سمت راست که طبق قوانین داخلی راننده وسیله نقلیه بایستی به وسیله نقلیه مقابل اجازه دهد از سمت چپ او عبور کند در غیر این صورت این عبارات به معنی حرکت از سمت چپ خواهد بود. ل ـ (ضرورت رعایت حق تقدم عبور) به این معنی است که رانندگان ضمن هدایت وسیله نقلیه خود و یا شروع به حرکت بایستی طوری حرکت نمایند که موجب تغییر ناگهانی جهت یا سرعت سایر وسایط نقلیه نگردند. ماده دوم ـ ضمایم کنوانسیون ضمایم کنوانسیون عبارتند از: ضمیمه شماره ۱ ـ استثنایات وارده به قبول وسایط نقلیه و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۲ ـ شماره ثبت وسایط نقلیه موتوری و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۳ ـ علامت ممیزه وسایط نقلیه موتوری و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۴ ـ علایم شناسایی وسایط نقلیه موتوری و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۵ ـ شرایط فنی وسایط نقلیه موتوری و تریلرها. ضمیمه شماره ۶ ـ گواهینامه رانندگی داخلی ضمیمه شماره ۷ ـ گواهینامه رانندگی بین المللی ضمایم فوق الذکر جز لایتجزای این کنوانسیون به شمار می‌روند. ماده سوم ـ تعهدات طرفهای متعاهد ۱ ـ الف ـ طرفهای متعاهد بایستی مقررات عبور و مرور لازم الاجرا در قلمرو خود را با مقررات فصل ۲ این کنوانسیون تطبیق دهند. اگر قوانین مذکور با مقررات فصل ۲ به هیچوجه مغایرت نداشته باشد نکات زیر بلامانع است ۱ ـ ذکر آن قسمت از مقررات این کنوانسیون که در طرف متعاهد قابل اجرا نخواهد بود در مقررات داخلی ضرورتی ندارد. ۲ ـ مقررات داخلی ممکن است شامل موادی باشند که در فصل ۲ این کنوانسیون پیش بینی نشده باشد. ب ـ مقررات این بند طرفهای متعاهد را ملزم به تعیین جریمه برای هر گونه تخلفی از مقررات مذکور در فصل ۲ که در مقررات عبور و مرور داخلی ذکر شده نمی‌نماید. ۲ ـ الف ـ طرفهای متعاهد بایستی در مورد نیازمندی های فنی وسایل نقلیه موتوری و یدک ها قوانین لازم‌الاجرا در کشور خود را با مفاد مقررات مزبور در ضمیمه شماره ۵ ذکر نشده اضافه نمود مشروط بر اینکه با وصول ایمنی مورد نظر ضمیمه مذکور مغایرتی نداشته باشد. همچنین طرفهای متعاهد بایستی اطمینان حاصل کنند که وسایل نقلیه موتوری و یدک هایی که در کشورشان به ثبت رسیده هنگامیکه در ترافیک بین المللی قرار دارند مقررات ضمیمه شماره ۵ رارعایت کرده باشند. ب ـ مفاد این بند با توجه به مقررات داخلی مربوط به شرایط فنی وسایل نقلیه خودرو که در این کنوانسیون وسایل نقلیه موتوری تفاوت دارد هیچ نوع تعهدی برای طرفهای متعاهد ایجاد نمی‌نماید. ۳ ـ طرفهای متعاهد با توجه به استثنایاتی که در ضمیمه شماره ۱ این کنوانسیون ذکر شده موظفند وسایل نقلیه موتوری و یدک‌هایی که واجد شرایط مذکور در فصل ۳ این کنوانسیون بوده و رانندگان شرایط فصل ۴ را رعایت کرده باشند در کشور خود (در ترافیک بین المللی) بپذیرند همچنین موظفند پروانه شناسایی خودرو را که بر طبق فصل ۳ صادر شده مقدمتا به عنوان دلیلی که وسیله نقلیه شرایط فصل ۳ را رعایت کرده است قبول نمایند. ۴ ـ چنانچه طرفهای متعاهد به طور یک جانبه یا بر اساس توافق دو یا چند جانبه وسایل نقلیه موتوری و یدک‌هایی که شرایط فصل ۳ این مقاوله نامه را رعایت نکرده‌اند در کشور خود(در ترافیک بین المللی) بپذیرند و همچنین گواهینامه رانندگی صادره از سایر کشورها را در غیر ازمواردی که در فصل ۴ توضیح داده شده در کشور خود معتبر بدانند اقدامات معموله آنها منطبق با مفاد

این کنوانسیون تلقی خواهد شد. ۵ـ طرفهای متعاهد موظفند دوچرخه و دوچرخه های گازی که شرایط فنی مذکور در فصل ۴این کنوانسیون را رعایت کرده و معمولاً محل اقامت رانندگان آنها در کشور دیگر عضو کنوانسیون بوده در ترافیک بین المللی در کشور خود بپذیرند. هیچ طرف متعاهد نباید برای‌رانندگان دوچرخه یا دوچرخه گازی در ترافیک بین المللی گواهینامه رانندگی را الزامی بداند ولی کشورهایی که بر طبق بند ۲ ماده ۵۴ این کنوانسیون دوچرخه گازی را در عداد موتور سیکلت اعلام داشته‌اند می‌توانند برای رانندگان دوچرخه گازی در ترافیک بین المللی گواهینامه رانندگی را لازم بدانند. ۶ـ طرفهای متعاهد ملزم می‌باشند اطلاعات لازم در مورد اعلام هویت شخصی که یک وسیله نقلیه موتوری و یا یدک متصل به آن به نام او شماره گذاری شده در اختیار دولت عضوی که تقاضا نموده باشند بگذارند مشروط بر اینکه این تقاضا حاکی از وقوع سانحه‌ای برای وسیله نقلیه مورد نظر در کشور متقاضی باشد. ۷ـ اقدامات یک جانبه طرفهای متعاهد یا اقدامات آنها بر اساس توافق دو جانبه مبنی برایجاد تسهیلاتی در ترافیک بین المللی از طریق ساده کردن امور گمرکی و پلیس و بهداشت وسایر تشریفات مشابه و یا تعیین اینکه ادارات گمرکی و پستهای یک منطقه معین مرزی همان صلاحیت گمرکات دیگر را داشته و در همان ساعات برای انجام امور مفتوح می‌باشند با هدف‌این کنوانسیون مطابقت دارد. ۸ـ حقوق طرفهای متعاهد در مورد دادن اجازه ورود به وسایط نقلیه موتوری و یدک ودوچرخه گازی و دوچرخه و رانندگان و سایر سرنشینان وسایل مذکور در ترافیک بین المللی برطبق مقررات حمل‌ونقل تجارتی مسافر و بار و مقررات بیمه رانندگان در مقابل خطرات شخص ثالث و مقررات گمرکی و به طور کلی سایر مقررات کشور غیر از مقررات عبور و مرور محفوظ بوده و مفاد بندهای ۳ و ۵ و ۷ این ماده هیچگونه اثری در آن حقوق ندارد. ماده چهارم ـ علایم راهها طرفهای متعاهد این کنوانسیون که عضویت کنوانسیون علایم راهها را که در وین با کنوانسیون حاضر در یک روز برای امضا آماده بوده قبول ننموده‌اند ملزم می‌باشند که الف ـ کلیه علایم و چراغهای راهنمایی راه که در قلمرو کشورشان نصب گردیده از یک سیستم یکنواخت تشکیل گردد. ب ـ تعداد علایم همنوع بایستی محدود بوده و در محلی نصب گردد که مفید باشد. ج ـ علایم خطر بایستی در فواصل کافی از موانع و به نحوی نصب گردند تا رانندگان فرصت کافی برای اجتناب از خطر داشته باشند. د ـ مراتب زیر ممنوع می‌باشد. ۱ ـ نصب و الحاق هرگونه علامت غیر از علامت راهنمایی به کلیه وسایل هدایت و کنترل‌عبور و مرور ـ معذالک چنانچه طرفهای متعاهد یا واحدهای تابعه آن نصب تابلوی اطلاعاتی مخصوصی را از طرف یک سازمان غیرانتظامی مجاز بدانند می‌توانند اجازه دهند که علامت مختصه سازمان مذکور روی پایه آن نصب شود مشروط بر آنکه این عمل درک مفهوم آن علامت را مشکل نسازد. ۲ ـ نصب هرگونه تابلو ـ آگهی ـ علامت که با کلمه وسایل هدایت و کنترل عبور و مرورموجب اشتباه یا تقلیل رویت آنها شده و یا سبب گمراهی رانندگان شود و ایمنی عبور و مرور رامختل سازد.

فصل دوم ـ مقررات راه (ماده ۵ تا ۳۴)

ماده پنجم ـ وضع علایم ۱ ـ استفاده کنندگان از راه بایستی فرامین علایم و چراغهای راهنمایی و خط کشی راه را حتی اگر فرامین مذکور با سایر مقررات عبور و مرور مغایر باشد اجرا نمایند. ۲ ـ رعایت فرامین که توسط چراغهای راهنمایی داده می‌شود بایستی بر علایم حق تقدم‌عبور مقدم باشد. ماده ششم ـ فرامین صادره توسط مأمورین صلاحیتدار ۱ ـ مأمورین صلاحیتدار هنگام هدایت ترافیک در شب نیز مانند روز بایستی از فاصله دورقابل رویت باشند. ۲ ـ استفاده کنندگان از راه بایستی فرامین مأمورین صلاحیتداری را که عهده‌دار هدایت ترافیک می‌باشند دقیقا اطاعت نمایند. ۳ ـ توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که فرامین صادره توسط مأمورین صلاحیتداری که عهده‌دار هدایت ترافیک می‌باشند بایستی شامل نکات زیر باشد: الف ـ بلند کردن دست به طور عمودی مفهوم این حرکت برای کلیه استفاده‌کنندگان از راه به معنای (توجه توقف) خواهد بود ولی رانندگانی که

توقفشان ایمنی کافی ندارد مستثنی هستند بدیهی است این علامت رانندگانی را که قبلا داخل محوطه تقاطع شده‌اند ملزم به توقف نمی‌سازد. ب ـ بلند کردن دست یا دستها به طرفین و به طور افقی مفهوم این حرکت برای کلیه استفاده کنندگان از راه که جهت حرکت آنها در امتداد جهت نشان داده شده توسط دست یادستهای مامور صلاحیتدار نباشد به معنای ایست خواهد بود. مأمور صلاحیتداری که عهده دار هدایت ترافیک می‌باشد ممکن است پس از دادن این علامت دست یا دستهای خود را پایین بیاورد این حرکت نیز برای رانندگانی که در سمت جلو یا عقب مأمور قرار دارند به منزله علامت ایست می‌باشد. ج ـ حرکت دادن چراغ قرمز دستی این حرکت به طرف هر راننده‌ای که نشان داده شود به منزله علامت ایست می‌باشد. ۴ ـ فرامین صادره توسط مأمورین صلاحیتدار هدایت کننده ترافیک بر فرامین علایم و چراغهای راهنمایی و خط‌کشی های راه و مقررات عبور و مرور مقدم می‌باشد. ماده هفتم ـ مقررات عمومی ۱ـ استفاده‌کنندگان از راه بایستی از هرگونه اعمالی که احتمالاـ موجب ایجاد خطر برای ترافیک یا اشخاص بشود و یا خساراتی به اموال خصوصی و دولتی وارد آورند خودداری نمایند. ۲ ـ توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که استفاده‌کنندگان از راه نبایستی با انداختن ویا قرار دادن شیی و یا ماده‌ای در راه و یا با ایجاد هرگونه مانع ترافیک راه را دچار مخاطره سازند.چنانچه استفاده‌کنندگان از راه قادر نباشند که از ایجاد مانع یا خطر جلوگیری نمایند بایستی هرچه زودتر در برطرف کردن آن اقدام لازم معمول دارند و اگر فورا نتوانند مانع یا خطر را برطرف نمایند بایستی سایر استفاده کنندگان از راه را از وجود مانع مطلع سازند. ماده هشتم ـ رانندگان ۱ ـ هر وسیله نقلیه مرکب بایستی در حرکت یک راننده داشته باشد. ۲ ـ توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که کلیه حیوانات اهلی که به صورت گروه ویا انفرادی زین دار یا بارکش در حرکت هستند (به استثنای مناطق خاصی که در محل ورود آن علامت گذاری شده بایستی دارای نگهبان باشند. ۳ ـ هر راننده بایستی دارای توانایی جسمانی و عقلانی لازم بوده و در شرایط عقلانی وجسمانی مناسب رانندگی نماید. ۴ ـ هر راننده وسیله نقلیه خودرو بایستی برای رانندگی دارای اطلاعات و مهارت لازم باشد به هر حال این مطلب نبایستی مانع تمرین رانندگی نوآموزان بر طبق مقررات داخلی باشد. ۵ ـ هر راننده‌ای بایستی همیشه قادر به کنترل وسیله نقلیه و یا هدایت حیوانات خود باشد. ماده نهم ـ گله و رمه توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که به استثنای مناطقی که برای سهولت امرحرکت دسته جمعی حیوانات اجازه داده شده گله گاو و رمه گوسفندان بایستی به گروههایی باطول معتدل تقسیم و با فاصله کافی به نحوی که برای ترافیک ایجاد اختلال ننماید حرکت داده‌شوند. ماده دهم ـ موقعیت در قسمت سواره‌رو و راه ۱ ـ جهت ترافیک در کلیه راههای یک کشور بایستی یکنواخت باشد مگر در صورت لزوم در راههایی که منحصرا یا اساسا برای ترافیک بین دو کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۲ ـ حیواناتی که در امتداد قسمت سواره‌رو در حرکت هستند بایستی حتی الامکان در حاشیه قسمت سواره‌رو در جهت ترافیک حرکت داده شوند. ۳ ـ هر راننده بایستی مقررات بند ۱ ماده ۷ و بند ۶ ماده ۱۱ و سایر مقررات این کنوانسیون رارعایت نموده و تا آنجا که مقتضیات اجازه دهد وسیله نقلیه خود را نزدیک به حاشیه سواره رو راه و در جهت ترافیک براند معذالک طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها ممکن است مقررات شدیدتری درباره وسایل نقلیه بارکشی در سواره‌رو راه وضع نمایند. ۴ ـ چنانچه راه اداری دو یا سه قسمت سواره‌رو باشد هیچ راننده‌ای نباید در قسمتی که درسمت مخالف جهت ترافیک واقع شده وارد شود. ۵ ـ الف ـ در قسمت سواره‌رو در دو طرفه که دارای ۴ گذرگاه یا بیشتر باشد هیچ راننده‌ای نباید در گذرگاههایی که کاملا در نیمه قسمت سواره‌رو جهت مخالف ترافیک واقع شده داخل‌شود. ب ـ در قسمت سواره‌رو دو طرفه که دارای ۳ گذرگاه باشد هیچ راننده‌ای نباید در گذرگاهی که‌در حاشیه قسمت سواره‌رو جهت مخالف ترافیک واقع شده داخل شود. ماده یازدهم ـ سبقت و حرکت وسایل نقلیه در خطوط راه ۱ ـ الف ـ رانندگان بایستی از سمتی که مخالف جهت ترافیک است از وسیله نقلیه جلویی سبقت بگیرند. ب ـ معذالک اینگونه رانندگان چنانچه مشاهده نمایند راننده جلویی با دادن علامت مصمم است به قسمت سواره‌رو مخالف جهت ترافیک حرکت نماید و یا وسیله نقلیه و یا حیوانات خود را به آن طرف حرکت دهد و یا در آن قسمت توقف نماید بایستی در جهت ترافیک از سمت

راست وسیله نقلیه جلویی سبقت بگیرد. ۲ ـ هر راننده بایستی قبل از سبقت با رعایت بند ۱ ماده ۷ و مقررات ماده ۱۴ این کنوانسیون مطمئن باشد که الف ـ هیچ یک از رانندگانی که در پشت سر او هستند در حال سبقت گرفتن از او نباشند. ب ـ راننده جلویی در همان گذرگاه برای سبقت گرفتن از وسیله نقلیه جلویی علامت نداده‌باشد. باشد. ج ـ گذرگاهی که راننده می‌خواهد برای سبقت گرفتن داخل آن شود تا فاصله دوری از طرف مقابل خالی از هرگونه وسایل نقلیه بوده و تفاوت سرعت بین وسیله نقلیه او و وسیله نقلیه جلویی برای سبقت کافی باشد تا به این ترتیب موجب به خطر انداختن خود و ترافیک سمت مقابل نشده باشد. د ـ به استثنای وقتی که راننده می‌تواند از سمتی که برای ترافیک سمت مقابل بسته است بدون ایجاد مزاحمت برای سایر استفاده کنندگان از راه با توجه به بند ۳ ماده ۱۰ این مقاوله نامه استفاده نماید. ۳ ـ پیرو بند ۳ همین ماده سبقت در قسمت‌های سواره‌رو دو طرفه بخصوص هنگام نزدیک شدن به بالای تپه و در پیچ‌هایی که دید مناسب وجود ندارد ممنوع است مگر اینکه در آن نقاط گذرگاهها با خط کشی طولی متمایز شده باشد و سبقت بایستی به نحوی انجام گیرد که از گذرگاهی که برای ترافیک طرف مقابل بسته است تجاوز ننماید. ۴ ـ هنگام سبقت گرفتن راننده بایستی از وسیله یا وسایل نقلیه‌ای که سبقت می‌گیرد فاصله کافی داشته باشد. ۵ ـ الف ـ در قسمت‌های سواره رویی که حداقل دو گذرگاه در یک جهت داشته باشد چنانچه راننده‌ای بلافاصله یا در فاصله کوتاهی پس از برگشت به موقعیت مذکور در بند ۳ ماده ۱۰ این کنوانسیون مجبور باشد مجددا سبقت گیرد می‌تواند به منظور اقدام به سبقت مجدد در گذرگاهی که قبلا اشغال کرده باقی مانده و به موقعیت مذکور در بند ۳ ماده ۱۰ برگشت ننماید مشروط براینکه برای وسایل نقلیه سریعتری که از عقب به او نزدیک می‌شوند ایجاد مزاحمت ننماید. ب ـ معذالک طرفهای متعاهد یا واحدهای تابعه آن مجازند که مقررات این بند را در مورد رانندگان دوچرخه و چرخ موتوری و موتور سیکلت و وسایل نقلیه‌ای که به موجب این کنوانسیون جز وسایل نقلیه موتوری نبوده و یا وسایل نقلیه‌ای که حداکثر وزن مجاز آن از ۳۵۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید و یا حداکثر سرعت تعیین شده آن از ۴۰ کیلومتر در ساعت متجاوز نباشد به کار نبرند. ۶ ـ هنگامی که مقررات بند ۵ الف این ماده قابل اجرا بوده و تراکم ترافیک به نحوی است که نه تنها وسایل نقلیه عرض کامل قسمت سواره رو را در جهتی که در حرکتند اشغال کرده‌اند بلکه سرعت آنها نیز تابع سرعت وسایل نقلیه جلویی می‌باشد نکات زیر قابل توجه است الف ـ با رعایت مقررات بند ۹ این ماده حرکت وسایل نقلیه در یک گذرگاه با سرعت بیشتری از وسایل نقلیه گذرگاه دیگر طبق مفهوم این ماده سبقت تلقی نمی‌شود. ب ـ راننده‌ای که در گذرگاه مجاور حاشیه قسمت سواره رو نباشد می‌تواند فقط به منظور گردش به چپ یا راست و یا پارک کردن گذرگاه خود را تغییر دهد. معذالک این ضرورت در مورد گذرگاهی که بر طبق مقررات داخلی بر اساس بند ۵ ب این ماده انجام می‌شود نبایستی به کار رود. ۷ ـ هنگام حرکت در گذرگاههای مشروحه در بند ۵و۶ این ماده چنانچه گذرگاههای قسمت سواره رو با خط کشی طولی مشخص شده باشد رانندگان مجاز نمی‌باشند از خط‌کشی تجاوز نمایند. ۸ ـ با توجه به مقررات بند ۲ این ماده و سایر ممنوعیت هایی که طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آن ممکن است در مورد سبقت در تقاطع ها و تقاطع های هم سطح وضع کرده باشند هیچ راننده وسیله نقلیه‌ای نبایستی در شرایط زیر از وسیله نقلیه دیگر غیر از دوچرخه و چرخ موتوری و موتور سیکلت بدون اطاقک پهلو سبقت بگیرد: الف ـ بلافاصله قبل یا در داخل یک تقاطع مگر در میدان و به استثنای موارد زیر: ۱ ـ موردی که در بند ۱ ب این ماده ذکر شده ۲ ـ راهی که در آن سبقت انجام می‌گیرد در تقاطع دارای حق تقدم باشد. ۳ ـ وقتی که ترافیک در تقاطع به وسیله مأمور و یا چراغ راهنمایی هدایت می‌شود. ب ـ بلافاصله قبل از یک تقاطع هم سطح بدون راه‌بند و یا نیمه راه بند مشروط بر اینکه طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آن حق داشته باشند که اجازه دهند چنین سبقتی در تقاطع هم سطحی که ترافیک به وسیله چراغ راهنمایی هدایت می‌شود و چراغ مذکور علامت آزادی عبور را نشان می‌دهد انجام گیرد. ۹ ـ یک وسیله نقلیه نبایستی از وسایل نقلیه دیگری که در حال نزدیک شدن به محل عبور عابر پیاده بوده و یا بلافاصله قبل از محل مزبور توقف نموده سبقت گیرد، مگر با چنان سرعت کمی که بتواند به محض مشاهده عابر پیاده توقف نماید. مفاد این بند مانع از

آن نیست که طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آن سبقت در یک فاصله معینی از محل عبور عابر پیاده را ممنوع سازند، و یا محدودیت های بیشتری به راننده وسیله نقلیه‌ای که بخواهد از وسیله نقلیه دیگری که بلافاصله قبل از محل مزبور توقف نموده سبقت گیرد تحمیل نماید. ۱۰ ـ چنانچه راننده‌ای ملاحظه کند که وسیله نقلیه دیگری قصد دارد از او سبقت گیرد ، بەاستثنای موردی که در بند ۱ ب ماده ۱۶ این مقاوله نامه ذکر شده بایستی به حاشیه سواره رو و درجهت عبور خود نزدیک شده و از افزایش سرعت خودداری نماید. حال اگر به علت کم عرض بودن راه و یا شرایط سواره رو از لحاظ تراکم ترافیک وسایل نقلیه‌ای که از جهت مقابل می‌آیند وسیله نقلیه‌ای آهسته براند و یا وسیله نقلیه بزرگی بوده و یا وسیله نقلیه‌ای باشد که باید یک سرعت معینی را رعایت نماید و به علل مذکور نمی‌توان به راحتی و یا با ایمنی از آن سبقت گرفت راننده چنین وسیله نقلیه‌ای بایستی از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم هر چه زودتربه کنار برود تا به این ترتیب به وسایط نقلیه دیگر اجازه دهد از او سبقت گیرند. ۱۱ ـ الف ـ در قسمت سواره‌رو یک طرفه و یا دو طرفه که در مناطق مسکونی حداقل دارای دو گذرگاه و خارج از آن سه گذرگاه برای ترافیک هر جهت باشد طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند: ۱ ـ اجازه دهند که وسایل نقلیه داخل یک گذرگاه در جهت عبور خود از وسایل نقلیه داخل گذرگاه دیگر سبقت گیرند. ۲ ـ بند ۳ ماده ۱۰ این مقاوله نامه را غیر قابل اجرا بدانند، مشروط بر اینکه محدودیت های مناسبی در امکان تغییر گذرگاهها وجود داشته باشد. ب ـ در مورد اشاره شده در بند الف فوق ضمن رعایت مقررات بند ۹ این ماده روشی را که راننده اتخاذ می‌کند نبایستی به معنای سبقت گرفتن مذکور در این کنوانسیون تلقی نمود. ماده دوازدهم ـ عبور از وسایل نقلیه طرف مقابل ۱ ـ راننده هنگام عبور از وسایل نقلیه‌ای که از طرف مقابل می‌آیند بایستی فاصله کافی درکنار خود باقی گذاشته و در صورت لزوم به حاشیه قسمت سواره رو در جهت حرکت خود نزدیک شود. اگر در انجام این عمل مانع وجود داشته باشد و یا وسیله نقلیه دیگری مانع پیشرفت او شود بایستی از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نماید تا به وسایل نقلیه جهت مقابل اجازه عبور دهد. ۲ ـ در راههای کوهستانی و یا راههای شیب‌دار با خصوصیاتی مشابه راههای کوهستانی که‌در آن عبور از وسایل نقلیه طرف مقابل غیرممکن و یا مشکل می‌باشد راننده‌ای که در جهت سرازیری در حرکت است بایستی به کنار راه رفته و به راننده‌ای که در جهت سربالایی در حرکت‌است اجازه عبور دهد. استثنائا در راههایی که در کنار آن جایگاههای (Lay Bys) ترتیب داده شده که راننده می‌تواند با استفاده از آن به کنار راه برود با توجه به سرعت و موقعیت وسایل نقلیه چنانچه چنین جایگاهی برای وسیله نقلیه‌ای که در جهت سربالایی حرکت می‌کند در پیش باشدو استفاده از آن از عقب زدن یکی از وسایل نقلیه جلوگیری کند راننده واقع در جهت سربالایی بایستی با استفاده از آن به راننده واقع در جهت سرازیری اجازه عبور دهد. چنانچه یکی از دووسیله‌ای که می‌خواهند از یکدیگر عبور کنند به منظور امکان عبور مجبور به عقب‌زدن بشود این عمل بایستی توسط وسیله‌ای که در جهت سرازیری قرار دارد انجام گیرد مگر آنکه به طورآشکار انجام آن توسط راننده واقع در جهت سر بالایی آسانتر باشد. معذالک طرفهای متعاهد یاواحدهای تابعه آنها می‌توانند برای وسیله نقلیه و یا راههای معینی و یا قسمتهایی از راه قوانین خاصی که با این بند تفاوت داشته باشد وضع نمایند. ماده سیزدهم ـ سرعت و فاصله وسایل نقلیه ۱ ـ هر راننده وسیله نقلیه بایستی همواره وسیله نقلیه خود را تحت کنترل داشته و بتواند به‌موقع مراقبت لازم نموده و همیشه قادر به انجام مانورهای لازم باشد و نیز هنگام تعدیل سرعت‌بایستی به جمیع مقتضیات مخصوصا وضع زمین و موقعیت و مشخصات راه و شرایط وسیله‌نقلیه و محموله آن و همچنین شرایط جوی و تراکم ترافیک توجه دایمی داشته باشد تا در موقع‌لزوم بتواند وسیله نقلیه خود را در میدان دید جلوی خود بدون ایجاد هیچ اشکالی متوقف سازد. در صورتی که مقتضیات ایجاب نماید راننده بایستی از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نماید به خصوص در مواقعی که دید کافی وجود نداشته باشد. ۲ ـ هیچ راننده‌ای نبایستی بدون دلیل با آهسته راندن غیرعادی خود مانع پیشروی سایروسایل نقلیه بشود. ۳ ـ راننده وسیله نقلیه‌ای که در عقب وسیله نقلیه دیگر حرکت می‌کند بایستی وسیله نقلیه‌خود را در فاصله کافی از وسیله نقلیه جلویی براند تا در

صورتی که وسیله نقلیه خود را در فاصله‌کافی از وسیله نقلیه جلویی براند تا در صورتی که وسیله نقلیه جلویی ناگهان سرعت خود را کم ویا توقف نماید از تصادم جلوگیری شود. ۴ ـ برای تسهیل در سبقت در خارج از مناطق مسکونی وسایل نقلیه با وسایل نقلیه مرکبی که حداکثر وزن مجاز آنها بیش از ۳۵۰۰ کیلوگرم بوده و یا طول کلی آنها بیش از ۱۰ متر باشد بایستی چنان فاصله ای با وسایل نقلیه جلویی داشته باشند که اگر وسایل نقلیه دیگر از آنها سبقت بگیرند بتوانند بدون هیچگونه خطری داخل آن فاصله بشوند. به استثنای مواقعی که خود در حین و یا آماده برای سبقت گرفتن می‌باشند. بدیهی است این مقررات در موارد تراکم ترافیک و یا مواردی که سبقت گرفتن ممنوع است قابل اجرا نیست به علاوه الف ـ مقامات صلاحیتدار می‌توانند کاروان‌های معینی از وسایل نقلیه جلویی داشته باشندکه اگر وسایل نقلیه دیگر از آنها سبقت بگیرند بتوانند آن را از این مقررات معاف دارند و یا درراههایی که دو گذرگاه برای ترافیک در یک جهت اختصاص داده شده غیرقابل اجرا بدانند. ب ـ طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آنها می‌توانند ارقام دیگری غیر از آنچه در این بند درمورد خصوصیات وسیله نقلیه مورد نظر قید شده تعیین نماید. ۵ ـ این کنوانسیون مانع از آن نیست که طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آنها سرعت را به‌طور کلی و یا محلی برای تمام و یا دسته معینی از وسایل نقلیه محدود نمایند و یا اینکه حداکثرو اکثر سرعت و یا به تنهایی حداکثر و یا حداقل سرعت را در راه و یا در نوع معینی از راهها تعیین‌نمایند و یا اینکه حداقل فواصل را به علت وجود طبقه معینی از وسایل نقلیه که به خصوص به‌علت وزن و یا محموله آنها خطرات خاصی را به وجود می‌آورند تعیین نمایند. ماده چهاردهم ـ مقررات کلی گردش وسایط نقلیه ۱ ـ هر راننده بخواهد در خطی که وسایل نقلیه پارک کرده‌اند داخل و یا از آن خارج شود و یااینکه بخواهد در قسمت سواره‌رو به طرف چپ و یا راست برود و یا اینکه به منظور ورود به‌یک راه و یا محل دیگری که در کنار راه واقع شده به چپ و یا به راست گردش کند بایستی عملیات مذکور را با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل نقلیه‌ای که در جلو و عقب او حرکت می‌کنند و یا از جهت مقابل در حال عبور از او می‌باشند بدون ایجاد هیچ گونه خطری‌انجام دهد. ۲ ـ هر راننده‌ای بخواهد با دور زدن مسیر خود را عوض نماید و یا اینکه بخواهد به عقب‌براند بایستی ابتدا اطمینان حاصل کند که با انجام عملیات مذکور خطر و یا مانعی برای استفاده‌کنندگان از راه به وجود نخواهد آورد. ۳ ـ قبل از دور زدن و یا گردش به سمت چپ یا راست راننده بایستی با اهرم جهت‌نما و یاچراغهای راهنمای وسیله‌نقلیه تصمیم خود را به طور وضوح و کافی اعلام دارد و با نبودن این‌وسایل برای علامت دادن از دست خود استفاده نماید. اخطاری که توسط اهرم جهت‌نما و یاچراغهای راهنمایی وسیله نقلیه داده می‌شود بایستی تا خاتمه عملیات ادامه داشته باشد. ماده پانزدهم ـ مقررات اختصاصی برای وسایل نقلیه عمومی توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که در مناطق مسکونی به منظور ایجاد تسهیلات‌در عبور و مرور وسایل نقلیه عمومی رانندگان سایر وسایل نقلیه بایستی با توجه به مقررات‌بند ۱ ماده ۱۷ این کنوانسیون از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نمایند تا وسایل‌نقلیه عمومی از ایستگاه خارج و یا دور شوند. وضع چنین مقرراتی توسط طرفهای متعاهد وواحدهای تابعه آنها به هیچ وجه مانع از آن نخواهد بود که رانندگان وسایل نقلیه عمومی وظایف‌خود را در مورد استفاده از اهرم جهت‌نما و یا احتیاطات لازم برای احتراز از خطر و تصادف‌رعایت ننمایند. ماده شانزدهم ـ تغییر جهت ۱ ـ راننده بایستی قبل از گردش به راست و یا چپ برای ورود به راه یا محل دیگری که درکنار راه قرار دارد با رعایت بند ۱ ماده ۷ و ماده ۱۴ این مقاوله‌نامه به نکات زیر توجه نماید: (الف اگر بخواهد به سمتی که در جهت عبور خود می‌باشد گردش نماید بایستی خود راهرچه بیشتر به حاشیه قسمت سواره‌رو جهت عبور نزدیک کرده و تا آنجا که ممکن است دایره گردش خود را تنگ تر نماید. (ب اگر بخواهد به طرف دیگر که مخالف جهت عبور است گردش کند به شرط رعایت سایرمقرراتی که طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آنها به آنها برای دوچرخه و چرخ موتوری وضع کرده‌اند اگر قسمت سواره‌رو دوطرفه باشد بایستی حتی الامکان خود را به خط وسط نزدیک کند و اگر یک طرفه باشد بایستی خود را به حاشیه قسمت سواره رو جهت مخالف عبور نزدیک نماید و اگر بخواهد وارد یک راه دوطرفه دیگری بشد باید طوری عمل نماید که در سواره‌رو جهت موافق عبور آن راه

قرار گیرد. ۲ ـ راننده بایستی هنگام تغییر جهت با رعایت مقررات ماده ۲۱ این مقاوله نامه در موردعابرین پیاده به وسایل نقلیه جهت مخالف اجازه دهد در قسمت سواره رویی که می‌خواهد ترک‌کند عبور نماید و نیز به دوچرخه و چرخ موتوری که در محل مخصوص خود در حرکت بوده و سواره‌روی راهی را که می‌خواهد داخل شود قطع می‌نمایند اجازه عبور دهد. ماده هفدهم ـ تقلیل سرعت ۱ ـ هیچ راننده‌ای نبایستی به طور ناگهانی ترمز کند مگر آنکه چنین عملی بنا به دلایل ایمنی ضروری باشد. ۲ ـ هر راننده‌ای که تصمیم بگیرد سرعت خود را تا حد قابل توجهی کاهش دهد، به استثنای‌هنگامی که کم کردن سرعت در برابر یک خطر قریب الوقوع بوده و یا در مواردی که اطمینان‌حاصل کند وسیله دیگری در عقب سر او نیست و یا اگر باشد در فاصله دوری قرار دارد بایستی‌ابتدا مطمین شود که تقلیل سرعت او خطر و یا ناراحتی بی‌جهت برای سایر رانندگان به وجود نیاورده و ضمنا تصمیم خود را به طور وضوح و به موقع با دادن علامت مخصوص به وسیله‌دست اعلام دارد. معذالک این مقررات در مواردی که تقلیل سرعت به وسیله چراغهای ترمز مذکور در بند ۳۱متمم شماره ۵ این مقاوله نامه اعلام گردیده ضرورتی ندارد. ماده هجدهم ـ تقاطع ها و ضوابط رعایت حق تقدم عبور ۱ ـ هر راننده ای که به محل تقاطع نزدیک شود بایستی احتیاطات لازم متناسب با شرایط‌محل به عمل آورد. مخصوصا سرعت او بایستی به میزانی باشد که در صورت لزوم بتواند توقف نموده و به وسایل نقلیه‌ای که حق تقدم دارند اجازه عبور دهد. ۲ ـ راننده‌ای که بخواهد از یک راه کم تردد یا خاکی (راه فرعی وارد راه دیگری غیر از این دونوع بشود بایستی به وسیله نقلیه‌ای که در راه اصلی و یا غیر خاکی حرکت می‌کند تقدم عبوربدهد. اصطلاحات (کم تردد) و (راه خاکی (راه فرعی) بایستی از نظر این ماده در مقررات داخلی‌تعریف شود. ۳ ـ راننده‌ای که از محل واقع در کنار راه وارد به راه می‌شود بایستی به رانندگانی که در آن راه‌در حال حرکت هستند تقدم عبور دهد. ۴ ـ با رعایت مقررات بند ۷ این ماده (الف در کشورهایی که در سمت راست رانندگی می‌کنند رانندگان در تقاطع هایی غیر از آنچه‌در بند ۲ این ماده و بندهای ۲ و ۴ ماده ۲۵ این کنوانسیون ذکر شده بایستی به وسایل نقلیه‌ای که‌از سمت آنها نزدیک می‌شوند تقدم عبور بدهند. (ب در سرزمین طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آنها که در قلمرو آنها رانندگی در سمت چپ انجام می‌شود مجازند در تقاطع‌ها بنا به تشخیص خود به هر طرفی که مایل باشند تقدم عبور بدهند. ۵ ـ راننده نبایستی وارد تقاطعی شود که احتمالا تراکم ترافیک در داخل تقاطع او را مجبور به توقف نماید که به این وسیله مانع عبور ترافیک متقاطع شود. حتی اگر چراغ راهنمایی هم اجازه عبور داده باشد. ۶ ـ در تقاطع‌هایی که ترافیک توسط چراغهای راهنمایی هدایت می‌شود راننده‌ای که واردتقاطع شده می‌تواند بدون آنکه منتظر آزاد شدن راه شود به راه خود ادامه داده و از تقاطع عبورنماید. مشروط بر اینکه این عمل او مانع عبور وسایل نقلیه دیگری که در جهت راه آزاد حرکت می‌کنند نشود. ۷ ـ در تقاطع‌های راه با راه‌آهن تقدم عبور با وسایل نقلیه ریلی می‌باشند. ماده نوزدهم ـ گذرگاههای هم سطح استفاده کنندگان از راه بایستی هنگام نزدیک شدن عبور از گذرگاههای هم سطح دقت بیشتری‌به عمل آورند. مخصوصا: (الف رانندگان بایستی با سرعت مناسب برانند. (ب رانندگان ضمن اطاعت از فرمان ایست چراغ راهنمایی و یا آژیر نبایستی به گذرگاههای هم سطح راهی که توسط راه‌بند و یا نیمه راه‌بند بسته شده و یا در حال بسته شدن می‌باشد واردشوند. (ج اگر یک گذرگاهی دارای راه‌بند و یا نیمه راه‌بند و یا چراغ راهنمایی نباشد هیچ وسیله نقلیه‌ای نباید از آن عبور کند مگر آنکه اطمینان حاصل کند هیچ نوع وسیله ریلی در حال نزدیک شدن نمی‌باشد. (د) هیچ وسیله نقلیه‌ای نبایستی هنگام عبور از گذرگاههای هم سطح درنگ کند و چنانچه وسیله نقلیه‌ای مجبور به توقف شود راننده آن بایستی کوشش نماید وسیله نقلیه را از روی خط خارج سازد در غیر این صورت لازم است فورا به هر وسیله‌ای که ممکن باشد وسایل نقلیه ریلی‌را قبل از وقوع هر سانحه‌ای از خطر آگاه سازد. ماده بیستم ـ مقررات مربوط به عابرین پیاده ۱ ـ طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند مقررات این ماده را اجرا نمایند مگردر مواردی که عبور عابرین پیاده در قسمت سواره‌رو راه ایجاد خطر نموده و یا مانع عبور وسایل نقلیه باشد. ۲ ـ اگر در کنار راه پیاده‌رو یا حاشیه‌ای برای عابرین پیاده وجود داشته باشد عابرین ملزم به‌استفاده از آن خواهند بود مگر در موارد زیر و با قید احتیاط لازم (الف عابرین پیاده‌ای که

اشیا حجیمی را با خود می‌کشند و یا حمل می‌نمایند چنانچه درپیاده‌رو موجب ناراحتی شدید سایر عابرین بشوند می‌توانند از قسمت سواره‌رو استفاده نمایند. (ب عابرین پیاده‌ای که به صورت گروه توسط یک شخص راهنمایی می‌شوند و یا به‌صورت دسته جمعی حرکت می‌کنند می‌توانند از قسمت سواره‌رو استفاده نمایند. ۳ ـ اگر استفاده از پیاده‌رو یا کنار راه امکان نداشته و یا پیاده‌رویی وجود نداشته باشد عابرین‌پیاده می‌توانند در قسمت سواره‌رو عبور نمایند و اگر راه دوچرخه رو وجود داشته و تراکم‌ترافیک نیز اجازه دهد عابرین پیاده می‌توانند بدون آنکه مانعی برای ترافیک دوچرخه و یا چرخ موتوری ایجاد نمایند از راه مذکور استفاده نمایند. ۴ ـ عابرین پیاده که طبق بند ۲ و ۳ این ماده از قسمت سواره‌رو راه استفاده می‌کنند بایستی‌حتی‌المقدور در نزدیکی حاشیه سواره‌رو عبور نمایند. ۵ ـ توصیه می‌شود که در مقررات داخلی توضیحات زیر ذکر گردد: عابرینی که از قسمت سواره‌رو راه استفاده می‌کنند بایستی در جهت مخالف ترافیک عبورکنند مگر در مواردی که چنین عملی برای آنها ایجاد خطر نماید. معذالک اشخاصی که یک دوچرخه و یا چرخ موتوری و یا موتور سیکلتی را بدون استفاده‌از آن به صورت یدک با خود حمل می‌نمایند و نیز عابرین پیاده‌ای که به صورت گروه با هدایت یک نفر عبور و یا حرکت دسته‌جمعی تشکیل می‌دهند در تمام موارد بایستی در جهت موافق ترافیک حرکت نمایند. عابرین پیاده به استثنای موقعی که به صورت دسته‌جمعی از قسمت سواره‌رو راه استفاده می‌کنند بایستی در هنگام شب یا وقتی که رویت آنها به خوبی میسر نیست و همچنین هنگام روز با توجه به تراکم ترافیک هر جا که ممکن باشد در ردیفهای یک نفری عبورنمایند. ۶ ـ (الف عابرین پیاده که می‌خواهند از عرض راه عبور نمایند نبایستی بدون احتیاط واردقسمت سواره‌رو شوند بلکه بایستی از نزدیکترین محل عبور عابرین پیاده استفاده نمایند. (ب به منظور عبور از عرض راه محلی که دارای تابلوهای عبور عابر پیاده بوده و یا به وسیله‌خط کشی مشخص شده (۱) اگر محل عبور دارای چراغ راهنمایی برای عابرین پیاده باشد بایستی از فرامین چراغ‌راهنمایی اطاعت کنند. (۲) اگر محل عبور عابر پیاده دارای چراغ راهنمایی نباشد ولی ترافیک وسایل نقلیه توسط‌چراغ راهنمایی و یا مأمورین راهنمایی هدایت شود و چراغ و مأمور راهنمایی به وسایط نقلیه علامت عبور بدهند عابرین پیاده در صورتی که ورودشان به قسمت سواره‌رو موجب تغییر سرعت و یا جهت وسایط نقلیه شود نبایستی به قسمت سواره‌رو وارد شوند. (۳) عابرین پیاده نبایستی در سایر محلهای عبور عابر پیاده بدون در نظرگرفتن فاصله وسرعت وسایل نقلیه‌ای در حال نزدیک شدن هستند وارد قسمت سواره‌رو شوند. (ج عابرین پیاده نبایستی برای عبور از عرض راه در محل‌هایی غیر از محل‌های عبور عابرپیاده که دارای تابلو بوده و یا به وسیله خط کشی مشخص شده وارد قسمت سواره‌رو شوند مگراینکه اطمینان حاصل نمایند که با این عمل مانع ترافیک وسایط نقلیه نخواهند شد. (د) عابرین پیاده که به منظور عبور از عرض راه وارد قسمت سواره‌رو می‌شوند نبایستی راه طولانی غیر لازمی را طی نموده و بدون ضرورت درنگ و یا در قسمت سواره‌رو توقف نمایند. (۷) معذالک طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند مقررات سخت تری برای عبور عابرین پیاده از عرض قسمت سواره‌رو وضع نمایند. ماده بیست و یکم ـ طرز رفتار رانندگان نسبت به عابرین پیاده ۱ ـ با رعایت بند ۱ ماده ۷ و بند ۹ ماده ۱۱ و بند ۱ ماده ۱۳ این کنوانسیون چنانچه درقسمت سواره‌رو راه برای عبور عابرین پیاده از عرض راه محلی وجود داشته باشد که دارای تابلوبوده و یا به وسیله خط‌کشی مشخص شده باشد: (الف اگر ترافیک وسایل نقلیه در آن محل با چراغ راهنما و یا توسط مأمورین راهنمایی‌هدایت شود رانندگانی که فرمان حرکت دریافت می‌دارند بایستی نزدیک محل عبور عابر پیاده‌توقف نمایند و وقتی که فرمان ایست دریافت می‌دارند نبایستی مانع عبور عابرینی که طبق ماده ۲۰ این مقاوله نامه وارد محل عبور عابر پیاده شده و یا در حال عبور هستند بشوند. رانندگانی که با گردش به چپ و یا راست وارد راه دیگری می‌شوند و در مدخل آن راه محل عبور عابر پیاده وجود دارد بایستی با کم کردن سرعت و در صورت لزوم با توقف به عابرینی که طبق بند ۶ ماده ۲۰ این مقاوله نامه قبلا وارد محل مزبور شده و یا در حال ورود به آن می‌باشند تقدم عبوربدهند. (ب اگر ترافیک وسایط نقلیه در آن محل با چراغ راهنما و یا توسط مأمورین راهنمایی هدایت نشود رانندگان بایستی با چنان سرعت کمی برانند که برای عابرین پیاده که در حال ورودبه محل

عبور عابر پیاده و یا در حال عبور از آن می‌باشند خطری به وجود نیاورند و در صورت لزوم با توقف خود به عابرین پیاده اجازه عبور دهند. ۲ ـ رانندگانی که تصمیم دارند در جهت موافق حرکت ترافیک از وسایط نقلیه عمومی که درایستگاه توقف نموده سبقت بگیرند بایستی از سرعت خود کاسته و یا در صورت لزوم توقف نمایند تا عابرین پیاده بتوانند به وسیله نقلیه عمومی سوار شده و یا از آن پیاده شوند. ۳ ـ مقررات این ماده مانع از آن نیست که کشورهای متعهد و یا واحدهای تابعه آنها لازم‌بدانند که رانندگان وسایط نقلیه در تمام مواردی که عابرین پیاده طبق ماده ۲۰ این کنوانسیون درحال ورود به محل عبور عابر پیاده (محلی که دارای تابلو بوده و یا وسیله خط‌کشی مشخص‌شده باشد) و یا حال استفاده از آن می‌باشند توقف نمایند. رانندگان مانع عبور عابرینی که درمحل تقاطع یا نزدیک به آن وارد قسمت سواره‌رو شده‌اند نشوند حتی اگر محل عبور دارای تابلوی عبور نبوده و یا به وسیله خط کشی هم مشخص نشده باشد. ماده بیست و دوم ـ جان پناه‌های وسط خیابان با رعایت ماده ۱۰ این کنوانسیون هر راننده‌ای می‌تواند از سمت چپ و یا راست جان پناه وتیر برق و یا وسایلی که در وسط قسمت سواره‌رو قرار دارد عبور نماید مگر در موارد زیر: (الف وقتی که جهت عبور از کنار جان پناه و یا تیر برق و یا سایر وسایل به وسیله علامتی مشخص شده باشد. (ب وقتی که جان پناه و یا تیر برق و یا سایر وسایل در وسط یک راه دوطرفه واقع شده که راننده بایستی از سمتی که در جهت موافق حرکت ترافیک باشد عبور نماید. ماده بیست و سوم ـ ایستادن و توقف ۱ ـ در خارج از مناطق مسکونی وسایط نقلیه و حیوانات بایستی تا آنجا که ممکن است خارج از قسمت سواره‌رو راه ایستاده یا توقف نمایند و نیز به استثنای مواردی که مقررات داخلی اجازه داده نبایستی در محل عبور دوچرخه و پیاده‌رو و محلهای مخصوص عبور عابر پیاده‌توقف نمایند. ۲ ـ (الف حیوانات و وسایط نقلیه‌ای که در قسمت سواره‌رو راه ایستاده یا توقف می‌نمایندبایستی حتی الامکان در نزدیکی حاشیه قسمت سواره‌رو توقف نمایند. یک راننده نبایستی وسیله نقلیه خود را در قسمت سواره‌رو راه متوقف سازد مگر در سمتی که موافق جهت حرکت ترافیک باشد.معذالک چنانچه وجود راه‌آهن مانع ایستادن یا توقف در جهت موافق حرکت‌ترافیک باشد می‌توان اجازه داد که وسیله نقلیه خود را در سمت دیگر متوقف سازد. به علاوه طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند: (۱) در شرایط معینی از ممنوع نمودن ایستادن یا توقف در یک طرف و یا طرف دیگر راه‌خودداری نمایند مثلا در مواردی که ایستادن در جهت موافق حرکت ترافیک به وسیله تابلوهای راهنمایی ممنوع می‌شود. (۲) در راههای یک طرفه ایستادن و توقف را به جای سمتی که در جهت موافق حرکت‌ترافیک است در طرف دیگر و یا در هر دو طرف مجاز سازند. (۳) ایستادن و یا توقف در وسط قسمت سواره‌رویی که علامت گذاری شده اجازه دهند. (ب وسایط نقلیه غیر از دوچرخه و یا دوچرخه گازی و یا موتور سیکلت بدون اطاقک پهلو نبایستی به طور دوبله در قسمت سواره‌رو راه ایست و یا توقف نمایند مگر در مواردی که مقررات داخلی آن را مستثنی کرده باشد. ایستادن و یا توقف وسایط نقلیه بایستی به موازات حاشیه قسمت سواره‌رو باشد مگر آنکه وضع خیابان بندی آن منطقه نحوه دیگری را اجازه دهد. ۳ ـ (الف ایستادن یا توقف وسایط نقلیه در موارد زیر ممنوع است (۱) محل عبور عابر پیاده محل عبور دوچرخه‌ها و تقاطع‌های هم سطح (۲) روی ریل خط راه‌آهن و یا خط تراموای و یا نزدیک به این قبیل خطوط که مانع حرکت تراموای و یا قطارها شود و همچنین با توجه به امکانات طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آنهاکه می‌توانند نحوه دیگری برای پیاده‌روها و محل عبور دوچرخه اتخاذ نمایند. (ب ایستادن یا توقف وسایط نقلیه در نقاطی که ایجاد خطر می‌نمایند به خصوص در مواردزیر ممنوع است (۱) زیر پل‌ها و داخل تونل‌ها مگر آنکه مخصوصا علامت گذاری شده باشد. (۲) نزدیک به انتهای سربالایی راه و در پیچ‌هایی که وسایط نقلیه می‌خواهند با سرعت تعیین‌شده و با ایمنی کامل سبقت بگیرند دید کافی وجود نداشته باشد. (۳) در قسمت سواره‌رو راهی کنار خط‌کشی طولی در مواردی غیر از سربالایی و پیچ که فاصله بین وسیله نقلیه و خط‌کشی کمتر از ۳ متر بوده و خط‌کشی طولی به نحوی است که عبور وسایط نقلیه از آن مجاز نمی‌باشد. (ج توقف وسایط نقلیه در قسمت سواره‌رو راه بایستی در موارد زیر ممنوع شود: (۱) در نزدیکی تقاطع هم سطح و تقاطع‌ها و ایستگاههای اتوبوس و اتوبوس برقی و وسایل ریلی

در فاصله‌ای که در مقررات داخلی ذکر شده (۲) در جلوی مدخل گاراژها. (۳) در نقاطی که توقف وسیله نقلیه مانع دسترسی به وسیله نقلیه دیگری که صحیحا توقف نموده شده و یا این که مانع خروج وسیله نقلیه دیگری از محل توقف بشود. (۴) در سواره‌رو وسطی راههایی که دارای سه قسمت سواره‌رو می‌باشند و همچنین خارج مناطق مسکونی در قسمت سواره‌رو راه هایی که حق تقدم دارند و این حق تقدم با علایم راهنمایی نشان داده شده است (۵) در نقاطی که توقف وسایل نقلیه مانع دید علایم و چراغهای راهنمایی بشود. ۴ ـ یک راننده نبایستی وسیله نقلیه و یا حیوانات خود را ترک کند مگر اینکه احتیاطات لازم برای جلوگیری از سوانح به عمل آورده و در مورد وسایل نقلیه موتوری بایستی از استفاده غیرمجاز آن جلوگیری نماید. ۵ ـ توصیه می‌شود که در مقررات داخلی توضیحات زیر ذکر گردد: هرگونه وسیله نقلیه موتوری به استثنای دوچرخه گازی و موتور سیکلت بدون اطلاقک پهلوو نیز هرگونه یدک متصل و یا منفصل که خارج از یک منطقه مسکونی در قسمت سواره‌رو راه‌متوقف می‌باشد بایستی در مورد زیر به رانندگانی که در حال نزدیک شدن به او هستند با نصب‌یک علامت مناسب در فاصله کافی و در بهترین نقطه راه پیش از وقت اخطار نماید: (الف چنانچه وسیله نقلیه هنگام شب در قسمت سواره رو راه در اوضاع و احوالی ایستاده باشد که سایر رانندگان نتوانند از چنین مانعی آگاه شوند. (ب اگر راننده در محلی که ایستادن ممنوع است ناچار به متوقف نمودن وسیله نقلیه خودشده باشد. ۶ ـ این ماده مانع از آن نیست که کشورهای متعهد و واحدهای تابعه آنها ممنوعیت های دیگری را در مورد ایستادن و توقف وضع نمایند. ماده بیست و چهارم ـ باز کردن در باز کردن و باز گذاردن در و یا پیاده شدن از وسایل نقلیه بدون اطمینان از اینکه خطری برای سایر استفاده کنندگان از راه به وجود نخواهد آورد بایستی ممنوع شود. ماده بیست و پنجم ـ شاهراه ها و راه‌های مشابه آن ۱ ـ در شاهراهها و چنانچه در مقررات داخلی ذکر شده باشد در راههای خاصی که به یک‌شاهراه وارد و یا از آن منشعب می‌شود بایستی نکات زیر مراعات گردد: (الف استفاده از راه برای عابرین پیاده حیوانات دوچرخه و چرخ گازی چنانچه جز موتورسیکلت به حساب آمده باشد و کلیه وسایل نقلیه غیر موتوری و یدک های آن و وسایل نقلیه موتوری و یا یدک‌هایی که سرعت آنها (سرعتی که کارخانه سازنده تعیین کرده در راه مسطح کمتر از حد تعیین شده در مقررات داخلی برای شاهراهها باشد بایستی ممنوع گردد. (ب موارد زیر بایستی برای رانندگان ممنوع گردد: (۱) ایستادن و توقف وسایل نقلییه خارج از محلهایی که برای این منظور علامت گذاری شده‌اگر به وسیله نقلیه‌ای مجبور به توقف شود راننده بایستی کوشش کند وسیله نقلیه را از قسمت سواره‌رو خارج نماید و اگر نتواند چنین عملی انجام دهد بایستی فورا و در فاصله کافی سایر رانندگان را به وسیله علامت از وجود وسیله نقلیه در آن محل مطلع نماید. (۲) دور زدن و به عقب راندن و عبور از روی باند جداکننده مرکزی شامل گذرگاههای عرضی‌که دو قسمت سواره‌رو را به هم متصل می‌سازد. ۲ ـ رانندگان باید نکات زیر را در شاهراهها رعایت نمایند: (الف اگر از راهی که دارای خط سرعت نبوده وارد شاهراه می‌شوند به وسایل نقلیه داخل شاهراه تقدم عبور بدهند. (ب اگر دارای خط سرعت باشد از آن استفاده نموده و هنگام ورود به شاهراه بند ۱ و ۳ ماده۱۴ این مقاوله نامه را رعایت نمایند. ۳ ـ راننده‌ای که در حال خروج از شاهراه می‌باشد بایستی به موقع داخل گذرگاه مناسب برای خروج از شاهراه شده و چنانچه خط سرعت وجود داشته باشد هر چه زودتر به آن وارد شود. ۴ ـ به منظور رعایت بند ۱ و ۲ و ۳ این ماده سایر راه‌هایی که برای ترافیک وسایل نقلیه موتوری در نظر گرفته شده و دارای چنین علامتی بوده و از دسترس مستغلات و املاک اطراف راه خارج می‌باشند بایستی شاهراه تلقی شوند. ماده بیست و ششم ـ مقررات خاص برای حرکت دسته جمعی افراد علیل ۱ ـ عبور وسایط نقلیه از وسط صفوف افراد نظامی و ردیف های محصلین مدارس که توسط یک نفر راهنمایی می‌شوند و سایر دستجاتی که به طور دسته جمعی حرکت می کنند ممنوع‌است ۲ ـ اشخاص علیل که در صندلی های مخصوص توسط خود و یا وسیله دیگران حرکت می کنند می‌توانند از پیاده‌روها و یا حاشیه مناسب راه استفاده نمایند. ماده بیست و هفتم ـ مقررات مخصوص برای دوچرخه سواران و رانندگان چرخهای گازی و موتور سیکلت ۱ ـ علیرغم بند ۳ ماده ۱۰ این کنوانسیون طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند اجازه دهند دوچرخه سواران به

تعداد ۲ و یـا بیشتر پهلو به پهلو حرکت کننـد. ۲ ـ دوچرخه‌سواران نبـایستی بـدون در دست گرفتن فرمان دوچرخه و یا حـداقل یک طرف آن دوچرخه را برانند و یا اجازه دهنـد که توسط وسیله نقلیه دیگری کشیده شونـد و نیز بایستی اشـیایی که مانع رانـدن آنها بشود و یا خطری برای سایر رانندگان به وجود آورد با خود حمل یا به دنبال کشیده و یا به جلو فشار دهند. همین مقررات در مورد رانندگان چرخ گازی و موتور سیکلت لازم الاجرا است مضافا آنکه رانندگان چرخ گازی و موتور سیکلت بایستی فرمان را نیز با هر دو دست نگهدارند به استثنای هنگامی که به منظور مانور مذکور در بند ۳ ماده ۱۴ این کنوانسیون با دست علامت می‌دهند. ۳ ـ حمل مسافر توسط دوچرخه سوار و رانندگان چرخ گازی ممنوع است معذالک طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند نسبت به این مقررات استثنائاتی قایل شوند. مثلا حمل مسافر در مواردی که وسایل نقلیه دارای زین و یا زینهای اضافی باشند. موتور سیکلت سواران اجازه ندارند مسافر حمل کنند مگر آنکه اطاقک پهلو داشته و یا زین اضافی در عقب راننده وجود داشته باشد. ۴ ـ در نقاطی که محل عبور دوچرخه وجود داشته باشد طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند دوچرخه سواران را از استفاده از بقیه قسمت سواره رو ممنوع سازند. در همین شرایط و چنانچه صلاح بدانند می‌توانند به رانندگان چرخ گازی نیز اجازه دهند که از راه دوچرخه رو استفاده نموده و استفاده از بقیه سواره‌رو راه را برای آنها ممنوع سازند. ماده بیست و هشتم ـ اخطار سمعی و بصری (چراغ زدن ۱ ـ وسایل اخطار سمعی (بوق) می‌توان در موارد زیر استفاده نمود: (الف اخطار به منظور اجتناب از یک سانحه (ب در خارج مناطق مسکونی به منزله اخطار به راننده‌ای که در نظر است از او سبقت گرفته‌شود. صدایی که از وسایل اخطار سمعی (بوق) به وجود می‌آید نبایستی بیش از حد لازم و به طور ممتد ادامه داشته باشد. ۲ ـ رانندگان وسایل نقلیه موتوری می‌توانند طبق بند ۵ ماده ۳۳ این کنوانسیون در ساعات شب به جای اخطار سمعی به وسیله چراغ زدن اخطار بصری دهند. در ساعات روز نیز ممکن است برای منظوری که در بند ۱ (ب این ماده ذکر شده از اخطار بصری در صورتی که مناسب‌تر باشد استفاده نمایند. ۳ ـ طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند در مناطق مسکونی نیز استفاده ازاخطار بصری را برای منظوری که در بند ۱ (ب این ماده ذکر شده اجازه دهند. ماده بیست و نهم ـ وسایل نقلیه ریلی ۱ ـ در نقاطی که راه‌آهن از قسمت سواره‌رو راه می‌گذرد وسایل نقلیه بایستی هنگام نزدیک‌شدن تراموای و یا وسیله نقلیه ریلی هر چه زودتر از خط آهن فاصله گرفته و اجازه دهند که وسیله نقلیه ریلی عبور نمایند. ۲ ـ طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند برای وسایل نقلیه ریلی در راه و برای عبور یا سبقت گرفتن این قبیل وسایل نقلیه مقررات خاص دیگری را علاوه بر آنچه در این فصل ذکر شده در نظر بگیرند. و نیز می‌توانند از قبول مقرراتی که با مقررات بند ۷ ماده ۱۸ این کنوانسیون مغایرت دارد خودداری نمایند. ماده سی‌ام ـ بارگیری وسایط نقلیه ۱ ـ چنانچه برای یک وسیله نقلیه حداکثر وزن مجاز تعیین شده باشد وزن بارگیری شده وسیله نقلیه هرگز نبایستی از حداکثر وزن مجاز تجاوز نماید. ۲ ـ بارگیری وسایط نقلیه بایستی به ترتیبی باشد که از خطرات زیر جلوگیری به عمل آید: (الف ایجاد خطر برای اشخاص و یا وارد آوردن خسارت به اموال خصوصی و دولتی به‌خصوص از طریق کشیده شدن بار روی راه و یا افتادن بار از روی وسیله نقلیه (ب مانع دید راننده شده و باعث عدم ثبات وسیله نقلیه و راندن آن شود. (ج تولید سر و صدا و گرد و خاک و یا ایجاد هرگونه مزاحمت دیگری که می‌توان از آن اجتناب نمود. (د) پوشاندن چراغها و چراغهای ترمز و چراغهای راهنمایی و آلات منعکس کننده نور وپلاک نمره وسیله نقلیه و علامت ممیزه کشوری که طبق این کنوانسیون و یا مقررات داخلی وسیله نقلیه در آن کشور به ثبت رسیده و یا جلوگیری از دید علایمی که راننده بر طبق بند ۳ ماده۱۴ و بند ۲ ماده ۱۷ این مقاوله نامه با دست می‌دهد. ۳ ـ تمام لوازم حفاظتی بار مانند کابل و زنجیر و برزنت بایستی در اطراف بار محکم کشیده و بسته شده و با توجه به خواسته‌های بند ۲ این ماده مورد استفاده قرار گیرد. ۴ ـ بارهایی که از جلو و عقب و اطراف وسیله نقلیه تجاوز نماید و مورد توجه رانندگان سایر وسایط نقلیه قرار نگیرد بایستی برای جلب توجه دیگران به طور وضوح علامت گذاری شود.هنگام شب بایستی یک نوع چراغ سفید با یک آلت منعکس کننده نور سفید در جلو و یک چراغ قرمز با یک آلت منعکس کننده نور قرمز رنگ در عقب برای

علامت گذاری مورد استفاده قرارگیرد. در مورد وسایل نقلیه موتوری به خصوص بایستی (الف بارهایی که بیش از یک متر از جلو و عقب وسیله نقلیه تجاوز نماید علامت گذاری شود. (ب بارهایی که از اطراف وسیله نقلیه تجاوز نموده به نحوی که در قسمت جلوی وسیله نقلیه بیش از ۴۰ سانتیمتر از محل چراغهای جانبی بیرون باشد و یا در قسمت عقب بیش از ۴۰سانتیمتر از چراغهای خطر تجاوز نموده باشد بایستی در هنگام شب اگر جلو باشد قسمت جلواگر عقب باشد قسمت عقب علامت گذاری شود. ۵ ـ بند ۴ این ماده مانع از آن نیست که طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها تجاوز بارمذکور در بند ۴ را ممنوع و یا محدود و یا مشروط به اجازه خاصی نمایند. ماده سی‌ویکم ـ طرز رفتار هنگام سانحه ۱ ـ با رعایت مقررات داخلی در مورد الزام کمک به مصدومین ، هر راننده و یا استفاده کننده دیگر از راه که با سانحه ترافیک ارتباط داشته باشد بایستی (الف هر چه زودتر بدون آنکه باعث خطر بیشتری برای ترافیک بشود توقف نماید. (ب در برقراری ایمنی ترافیک در محل سانحه کوشش نماید و اگر در سانحه کسی کشته شده و یا به سختی صدمه دیده باشد تا آنجا که به ایمنی ترافیک لطمه‌ای وارد نشود از هرگونه تغییر شرایط محل و محو اثراتی که برای تعیین مسئولیت مورد استفاده قرار می‌گیرد خودداری نماید. (ج اگر هویت او توسط سایر افراد وارد در سانحه سئوال شود خود را معرفی نماید. (د) اگر در سانحه کسی کشته شده و یا صدمه دیده باشد موضوع را به پلیس اطلاع داده و درمحل سانحه باقی بماند و یا به محل سانحه مراجعت نموده و تا ورود پلیس منتظر بماند مگراین که پلیس اجازه دهد که محل سانحه را ترک و یا به مصدوم کمک نماید و یا به خود اوجراحتی وارد شده باشد که بایستی تحت معالجه قرار گیرد. ۲ ـ طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آنها می‌توانند طبق مقررات داخلی از تحمیل مقررات بند ۱ (ج این ماده در مواردی که جراحت قابل توجهی وارد نیامده و هیچ یک از طرفین سانحه تقاضای اطلاع به پلیس را ننموده باشند خودداری نمایند. ماده سی و دوم ـ کلیات در مورد روشنایی و چراغ ۱ ـ از لحاظ این ماده شب یعنی مدت بین غروب و طلوع و همچنین سایر مواقعی که مثلا به علت مه یا برف و باران شدید و یا عبور از تونل دید نامناسبی وجود داشته باشد. ۲ ـ در شب (الف هر وسیله نقلیه موتوری به استثنای چرخ گازی و موتور سیکلت بدون اطاقک پهلو نبایستی در راه کمتر از دو چراغ سفید و یا زرد در جلو و تعدادی چراغ قرمز طبق مقررات بندهای ۲۳ و ۲۴ ضمیمه شماره ۵ که در مورد وسایل نقلیه موتوری ذکر شده در عقب داشته باشد. معذالک مقررات داخلی می‌توانند چراغهای زرد جانبی جلو را نیز مجاز بدانند این مقررات درمورد وسایل نقلیه مرکبی که دارای یک و یا دو یدک باشند نیز لازم الاجرا می‌باشد یدک هایی که‌در مورد آنها مقررات بند ۳۰ ضمیمه شماره ۵ این کنوانسیون اجرا می‌شود بایستی در قسمت جلو و چراغ سفیدی که در همان بند گفته شده داشته باشند. (ب هر وسیله نقلیه و یا وسیله نقلیه مرکبی که در مودر آنها مقررات (الف این بند قابل اجرا نباشد بایستی در راه حداقل یک چراغ سفید یا زرد در جلو و یک چراغ قرمز در عقب داشته باشد. هرگاه فقط یک چراغ در جلو و یک چراغ در عقب وجود داشته باشد بایستی در خط مرکزی وسیله نقلیه و در سمتی که مخالف جهت حرکت ترافیک است نصب شود. در مورد گاری های دستی و یا وسایل نقلیه‌ای که توسط حیوانات کشیده می‌شود چراغ بایستی به وسیله‌راننده یا اسکورت که در سمت مخالف جهت حرکت ترافیک است حمل گردد. ۳ ـ چراغهای مشروحه در بند دو این ماده بایستی به نحوی باشد که وجود وسیله نقلیه را به وضوح به سایر استفاده کنندگان از راه اعلام دارد. چراغ جلو و عقب نبایستی با یک لامپ و یا دریک محفظه نشان داده شود مگر وقتی که مشخصات وسیله نقلیه و بخصوص طول کم آن به نحوی باشد که احتیاج وسیله نقلیه را از لحاظ چراغ جلو و عقب در این شرایط برآورد نماید. ۴ ـ (الف علی‌رغم مقررات بند ۲ این ماده (۱) مقررات اشاره شده در بند مذکور در مورد وسایل نقلیه‌ای که در یک راه روشن در حال‌ایستادن و یا توقف بوده و از فاصله کافی به وضوح دیه می‌شوند اجرا نخواهد شد. (۲) وسایل نقلیه خودرویی که طول آنها از ۶ متر و عرض آنها از ۲ متر تجاوز نکرده و وسیله‌دیگری به آن متصل نباشد می‌توانند هنگام ایستادن یا توقف در راه داخل منطقه مسکونی درطرفی که داخل قسمت سواره‌رو قرار گرفته چراغ نصب نمایند که از جلو سفید و یا زرد و از عقب‌قرمز یا زرد باشد. (۳) مقررات بند ۲ (ب این ماده در مورد دوچرخه چرخ گازی و موتور سیکلت

بدون اطاقک پهلو که فاید باطری بوده و در آخرین حد حاشیه راه واقع در یک منطقه مسکونی ایستاده و یا توقف نموده باشند اجرا نخواهد شد. (ب به علاوه ممکن است مقررات داخلی برای مقررات این ماده معافیت هایی در موارد زیرقایل شوند: (۱) وسایل نقلیه‌ای که در محوطه خاصی دور از قسمت سواره‌رو ایستاده یا توقف نموده‌باشند. (۲) وسیله نقلیه‌ای که در خیابانهای کم تردد مناطق مسکونی ایستاده یا توقف نموده باشند. ۵ ـ یک وسیله نقلیه در هیچ موردی نباید چراغها و منعکس کننده‌های نور قرمز یا اشیایی که‌رنگ قرمز منعکس می‌کنند در جلو و یا چراغها و نیز منعکس کننده‌های نور زرد و سفید و یااشیایی که رنگ سفید یا زرد را منعکس می‌کنند در عقب نصب نمایند. این مقررات در مورداستفاده از چراغهای سفید و یا زرد هنگام به عقب راندن و انعکاس رنگ اعداد و حروف نمره عقب وسیله نقلیه و علایم دیگری که بر طبق مقررات داخلی شرح داده شده و همچنین در موردزمینه پلاک نمره و یا زمینه علایم مذکور و نیز در مورد چراغهای قرمز گردان و یا چشمک‌زن‌وسایل نقلیه معینی که حق تقدم دارند لازم الاجرا نمی‌باشد. ۶ ـ طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند تا حدی که خللی به ایمنی ترافیک‌وارد نیاید در مقررات داخلی خودشان برای مقررات این ماده معافیت‌هایی در موارد زیر قایل‌شوند: (الف گاریهای دستی و وسایط نقلیه‌ای که با حیوانات کشیده می‌شوند. (ب وسایل نقلیه از نوع و یا شکل خاص و یا وسیله نقلیه‌ای که برای منظورهای خاص و درشرایط خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ۷ ـ این کنوانسیون به هیچ وجه مانع از آن نیست که طرفهای متعاهد و واحدهای تابعه آنها لازم بدانند که گروههای عابر پیاده که دارای یک نفر راهنما می‌باشند و یا حرکت های دسته جمعی و نیز برای رانندگان گاو، گله گاو، رمه گوسفندان و یا حیوانات بارکش و یا زین شده‌هنگام حرکت در طول راه در مقتضیاتی که در بند ۲ (ب این ماده ذکر گردیده یک چراغ یامنعکس کننده نور با خود داشته باشند. چراغ یا منعکس کننده مذکور در چنین مواردی بایستی‌در قسمت جلو سفید و یا زرد و در قسمت عقب قرمز و یا هر دو طرف به رنگ زرد کهربایی باشد. ماده سی و سوم ـ روشنایی مقررات استفاده از نور چراغهای وسایط نقلیه مذکور در ضمیمه شماره۵ ۱ ـ وسیله نقلیه‌ای که دارای چراغهای رانندگی (نور بالا) ـ چراغهای عبور (نورپایین و یاچراغهای جانبی (چراغهای کوچک جلو و عقب به ترتیبی که در ضمیمه شماره ۵ این‌کنوانسیون اشاره شد هستند طبق ماده ۳۲ این کنوانسیون زمانی که احتیاج به استفاده از حداقل‌یک یا دو نور سفید یا زرد در سمت جلو دارند راننده بایستی با توجه به نکات ذیل از چراغهای فوق الذکر استفاده نماید: (الف در مناطق مسکونی که روشنایی کافی داشته و یا در راههایی که در خارج مناطق مسکونی به طور مداوم روشن بوده و روشنایی به حدی است که راننده می‌تواند از فاصله دور به‌طور واضح راه را ببیند و نیز هنگام ایستادن وسایل نقلیه راننده بایستی از روشن کردن چراغهای رانندگی (نوربالا) خودداری نماید. (ب با توجه به مقررات داخلی در مورد استفاده از چراغهای رانندگی (نوربالا) چنانچه درساعات روز به علت وجود مه و برف و باران شدید و یا عبور از تونل دید مناسبی وجود نداشته باشد چراغهای رانندگی را در موارد زیر نبایستی روشن نمود مگر این که استفاده از آنها طوری باشد که باعث خیره شدن چشم رانندگان طرف مقابل نگردد: (۱) هرگاه راننده‌ای در حال عبور از وسایل نقلیه دیگری باشد در این مورد چنانچه چراغهای رانندگی (نوربالا) روشن باشند بایستی آنها را خاموش نمود و یا از نور آنها در فاصله کافی دوراز محل تلاقی ، به طوری استفاده نمایند که راننده طرف مقابل بتواند به راحتی و بدون خطر به‌راه خود ادامه دهد. (۲) هرگاه وسیله نقلیه‌ای که در فاصله نزدیک در عقب وسیله نقلیه دیگری باشد می‌تواند طبق مقررات بند ۴ این ماده به منظور اخطار و جلب توجه برای سبقت گرفتن همانطوری که درماده ۲۸ این کنوانسیون ذکر شده است از چراغهای رانندگی (نوربالا) استفاده نماید. (۳) در هر وضع دیگری که اجتناب از خیره‌کردن چشم سایر استفاده کنندگان از راه ، راه آبی و یا راه آهن که در امتداد راه می‌باشند ضروری باشد. (ج با توجه به مقررات بند (د) زیر هرگاه استفاده از چراغهای رانندگی (نوربالا) طبق مقررات بند (الف و (ب فوق ممنوع باشد بایستی از چراغهای عبور (نورپایین استفاده نمود و چنانچه نور چراغهای عبور به حدی باشد که راننده بتواند فاصله مناسبی را در جلوی خود به بیند و ضمنا رانندگان طرف مقابل بتوانند وسیله نقلیه را از فاصله کافی به بینند می‌توان به جای چراغهای رانندگی

از آن استفاده نمود. (د) چراغهای جانبی بایستی با چراغهای رانندگی چراغهای عبور یا چراغهای مه توأما روشن باشند. هرگاه وسیله نقلیه‌ای در حال ایستادن و یا توقف باشد و یا در راههایی غیر از شاهراه‌ها و راههای مذکور در بند ۴ ماده ۳۵ حرکت کند و شرایط روشنایی راه طوری باشد که تا فاصله دور به‌خوبی دیده شود و سایر رانندگان نیز بتوانند وسیله نقلیه را از فاصله کافی به بینند می‌توان از چراغهای جانبی به تنهایی استفاده نمود. ۲ ـ وسیله نقلیه‌ای که دارای چراغهای مه مذکور در متمم شماره ۵ این کنوانسیون باشدبایستی از آن فقط در مواقع مه یا برف و یا باران شدید استفاده نماید. علی‌رغم مقررات بند ۱(ج این ماده بایستی در چنین مواقع به جای چراغهای عبور از چراغهای مه استفاده نمود. در این‌قبیل موارد ممکن است مقررات داخلی استفاده از چراغهای مه و چراغهای عبور را توأما اجازه‌دهند. ۳ ـ علی‌رغم مقررات بند ۲ این ماده مقررات داخلی می‌توانند استفاده از چراغهای مه را در راههای پیچها پیچ و کم عرض حتی در مواقعی که مه و یا برف و باران شدید هم وجود ندارداجازه دهند. ۴ ـ در این کنوانسیون هیچ چیز مانع از آن نیست که مقررات داخلی استفاده از چراغهای عبور را در مناطق مسکونی اجباری نماید. ۵ ـ اخطار نوری (بصری اشاره شد در بند ۲ ماده ۲۸ عبارتست از روشن کردن چراغهای عبور و یا چراغهای رانندگی به طور متناوب و در فاصله‌های کوتاه و یا روشن کردن چراغهای عبور و چراغهای رانندگی به طور متناوب یکی پس از دیگری در فاصله‌های کوتاه ماده سی و چهارم ـ استثنایات ۱ ـ هرگاه یک وسیله امدادی (آمبولانس آتش‌نشانی و غیره با وسایل سمعی (آژیر) و یابصری (چراغ قرمز گردان و یا فلاش نزدیک شدن خود را اخطار نماید سایر رانندگان در راه‌بایستی برای عبور آن فضای کافی باقی گذارده و در صورت لزوم توقف نمایند. ۲ ـ مقررات داخلی می‌توانند رانندگان وسایط نقلیه امدادی را هنگام حرکت و استفاده از وسایل اخطار مخصوص به خود و مشروط بر این که خطری برای سایر استفاده‌کنندگان از راه به‌وجود نیاورند از اجرای تمام و یا قسمتی از مقررات فصل ۲ به استثنای مقررات بند ۲ ماده ۶معاف دارند. ۳ ـ مقررات داخلی می‌توانند تعیین کنند افرادی که در ساختن تعمیر و یا نگهداری راه کار می‌کنند و رانندگان وسایل نقلیه مربوطه هنگام کار مشروط به اینکه احتیاطات لازم به عمل آورند تا چه حد از اجرای مقررات فصل ۲ این کنوانسیون آزاد باشد. ۴ ـ به منظور سبقت یا عبور از وسایل نقلیه مذکور در بند ۳ این ماده که در راه مشغول به کار هستند رانندگان سایر وسایل نقلیه می‌توانند به شرط آن که احتیاطات لازم به عمل آورده باشند مواد ۱۱ و ۱۲ این کنوانسیون را رعایت ننمایند.

فصل سوم ــ شرایط پذیرفتن وسایل نقلیه موتوری و یدک در عبور و مرور بین المللی (ماده ۳۵ تا ۴۰

ماده سی و پنجم ـ ثبت وسایل نقلیه ۱ ـ (الف به منظور داشتن حق استفاده از مزایای این کنوانسیون وسایل نقلیه موتوری و یدک های متصل به آنها به استثنای یدک سبک بایستی توسط یکی از طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها به ثبت رسیده و راننده وسیله نقلیه موتوری گواهی ثبت آن را با توجه به این‌که مدت اعتبار آن منقض نشده باشد همراه داشته باشد. این گواهی توسط یکی از مقامات صلاحیتدار طرف متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها یا توسط انجمنی که از طرف جانب طرف متعاهد و یا واحدهای تابعه آن دارای اختیار بوده صادر می‌گردد و بایستی حداقل دارای‌خصوصیات زیر باشد: ـ شماره ردیف که به آن شماره ثبت هم گفته می‌شود و ارقام ترکیبی آن بایستی طبق متمم‌شماره ۲ این کنوانسیون باشد. ـ تاریخ اولین ثبت وسیله نقلیه ـ نام کامل و آدرس دارنده گواهینامه در کشور ثبت کننده وسیله نقلیه ـ نام و مارک تجارتی سازنده وسیله نقلیه ـ شماره ردیف شاسی (شماره ساخت کارخانه و یا شماره ردیف ـ حداکثر وزن مجاز بارگیری در مورد وسایل نقلیه باری ـ مدت اعتبار گواهینامه چنانچه غیرمحدود نباشد. خصوصیاتی که در گواهینامه ثبت می‌شود بایستی یا به حروف لاتین و یا انگلیسی خطی‌بوده و یا به آن فرم تکرار شده باشد. (ب به هر حال طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند تصمیم بگیرند که به‌عوض اولین تاریخ ثبت سال ساخت وسیله

نقلیه در گواهینامه صادره در قلمرو آنها وارد گردد. ۲ ـ علیرغم مقررات بند ۱ این ماده وسایل نقلیه مفصلی که از هم جدا نشده باشند در ترافیک بین المللی حق استفاده از مزایای این کنوانسیون را خواهند داشت حتی اگر وسیله نقلیه موتوری و نیم تریلر متصل به آن توأما دارای یک ثبت و یک گواهی ثبت باشند. ۳ ـ این کنوانسیون به هیچ وجه مانع از آن نیست که طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها در ترافیک بین المللی از کسی که وسیله نقلیه‌ای در اختیار داشته و به نام او به ثبت نرسیده باشد مدرکی بخواهند حاکی از این که اجازه دارد وسیله نقلیه را در اختیار داشته باشد. ۴ ـ توصیه می‌شود که طرف‌های متعاهد، چنانچه قبلا اقدامی نکرده باشند سازمانی تأسیس نمایند تا در سطح کشور یا ناحیه مسئول نگاهداری سوابق وسایل نقلیه‌ای که به سرویس گذارده می‌شوند بوده و نیز خصوصیات ثبت شده در گواهی ثبت کلیه وسایل نقلیه را به طور متمرکز نگهداری نمایند. ماده سی و ششم ـ شماره ثبت ۱ ـ هر وسیله نقلیه موتوری بایستی در ترافیک بین المللی شماره ثبت خود را در جلو و عقب نصب نماید در هر حال موتور سیکلت ها بایستی شماره را فقط در عقب نصب نمایند. ۲ ـ هر یدکی که ثبت شده بایستی در ترافیک بین المللی شماره ثبت خود را در عقب نصب نماید هرگاه یک وسیله نقلیه موتوری دارای یک و یا چند یدک باشد یدک واحد و یا آخرین یدک در صورتی که به ثبت نرسیده باشد بایستی شماره ثبت وسیله نقلیه‌ای را که یدک را به دنبال دارد داشته باشد. ۳ ـ ترکیبات شماره ثبت اشاره شده در این ماده و نحوه نصب آن بایستی بر طبق مقررات‌متمم شماره ۲ این کنوانسیون باشد. ماده سی و هفتم ـ علامت ممیزه کشور ثبت کننده وسیله نقلیه ۱ ـ هر وسیله نقلیه موتوری بایستی در ترافیک بین المللی علاوه بر شماره ثبت علامت ممیزه کشور ثبت کننده را نیز در عقب وسیله نقلیه نصب نماید. ۲ ـ هر یدک که به یک وسیله نقلیه موتوری متصل بوده و طبق ماده ۳۶ این کنوانسیون احتیاج به نصب شماره ثبت در عقب داشته باشد بایستی علاوه بر شماره ثبت علامت ممیزه کشور ثبت کننده را نیز نصب نماید حتی چنانچه یدک در کشوری غیر از کشور ثبت‌کننده وسیله نقلیه موتوری به ثبت رسیده باشد بایستی مقررات این بند را اجرا نماید. اگر یدک به ثبت نرسیده باشد بایستی علامت ممیزه کشوری که وسیله نقلیه موتوری را به ثبت رسانیده در عقب نصب‌نماید مگر وقتی که یدک در کشور مذکور مسافرت کند. ۳ ـ جزییات علامت ممیزه مذکور در این ماده و نحوه نصب آن بایستی بر طبق مفاد متمم‌شماره ۳ این کنوانسیون باشد. ماده سی و هشتم ـ علامت شناسایی کلیه وسایل نقلیه موتوری و یدک‌ها بایستی در ترافیک بین المللی دارای علامت شناسایی مشروحه در ضمیمه شماره ۴ این کنوانسیون باشد. ماده سی‌ونهم ـ احتیاجات فنی کلیه وسایل نقلیه موتوری و یدک‌ها و وسایل نقلیه مرکب بایستی در ترافیک بین المللی مفاد متمم شماره ۵ این کنوانسیون را رعایت کرده و از لحاظ کار در شرایط مناسبی باشند. ماده چهلم ـ مقررات ترانزیت از تاریخ اجرای این کنوانسیون بر طبق بند ۱ ماده ۴۷ کلیه یدک‌ها با هر ظرفیتی که داشته باشند حق استفاده از مزایای این کنوانسیون در ترافیک بین المللی تا ده سال خواهند داشت حتی اگر به ثبت هم نرسیده باشند.

فصل چهارم ـ رانندگان وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴۱ تا ۴۳

ماده چهل و یکم ـ مدت اعتبار گواهینامه‌های رانندگی ۱ ـ گواهینامه‌های رانندگی به شرح زیر مورد قبول طرفهای متعاهد خواهد بود: (الف هر گواهینامه داخلی که به زبان ملی و یا یکی از زبانهای ملی طرفهای متعاهد صادرشده باشد و اگر به چنین زبانی تنظیم نشده ترجمه گواهی شده آن را ضمیمه داشته باشد. (ب هر گواهینامه داخلی که بر طبق مفاد متمم شماره ۶ این کنوانسیون صادر شده باشد. (ج هر گواهینامه بین المللی که بر طبق مفاد متمم شماره ۷ این کنوانسیون صادر شده و درقلمرو دولت صادر کننده برای راندن وسیله نقلیه مذکور در گواهینامه معتبر باشد، مشروط بر این‌که مدت اعتبار گواهینامه منقضی نشده و نیز توسط یکی از طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آن و یا سازمانی که از طرف چنین طرف متعاهدی دارای اختیار بوده صادر گردیده باشد.

مقررات‌این بند در مورد گواهینامه های آموزشی رانندگی به کار نخواهد رفت ۲ ـ علیرغم مفاد بند قبلی این ماده (الف هرگاه اعتبار گواهینامه رانندگی به موجب ظهرنویسی آن موکول به این باشد که دارنده‌آن بایستی وسایل مخصوصی (مثلا عینک داشته و یا وسیله نقلیه به علت عدم توانایی راننده‌بایستی مجهز به تجهیزات خاصی باشد، گواهینامه بدون رعایت شرایط مذکور معتبر نخواهدبود. (ب طرفهای متعاهد می‌توانند گواهینامه رانندگی اشخاصی را که کمتر از ۱۸ سال داشته‌باشند در قلمرو کشورشان معتبر ندانند. (ج طرفهای متعاهد می‌توانند گواهینامه‌های رانندگی افراد کمتر از ۲۱ سال را برای رانندگی‌وسایل نقلیه موتوری و یا وسایل نقلیه مرکب و یا وسایل نقلیه طبقات C و D و E مذکور درمتمم‌های شماره ۶ و ۷ این کنوانسیون را، در قلمرو کشورشان معتبر ندانند. ۳ ـ طرفهای متعاهد تعهد می‌نمایند که گواهینامه‌های رانندگی داخلی و بین المللی مذکور دربند ۱ (الف و (ب و (ج این ماده را بدون اطمینان از توانایی و سلامتی جسمانی راننده صادرنخواهند نمود. ۴ ـ به منظور اجرای بند ۱ و قسمت ج بند ۲ این ماده (الف یک وسیله نقلیه موتوری طبقه (B) مذکور در متمم‌های شماره ۶ و ۷ این کنوانسیون‌را می‌توان به یک یدک سبک متصل نمود. همچنین ممکن است وسیله نقلیه مذکور را به یک‌یدکی که حداکثر وزن مجاز آن از ۷۵۰ کیلوگرم بیشتر بوده ولی از وزن بدون بار وسیله نقلیه موتوری تجاوز ننماید متصل نموده و این فقط در موردی است که حداکثر وزن مجاز وسیله نقلیه مرکب در حال اتصال از ۳۵۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید. (ب یک وسیله نقلیه موتوری طبقه (C) و (D) مذکور در متمم های شماره ۶ و ۷ این کنوانسیون را می‌توان به یک یدک سبک متصل نموده بدون اینکه وسیله نقلیه مرکبی که درنتیجه اتصال این دو حاصل شده از طبقات (C) و (D) خارج شده باشد. ۵ ـ گواهینامه بین المللی بایستی برای کسانی که دارای گواهینامه داخلی بوده و صادر و برای صدور آن حداقل شرایط مذکور در این کنوانسیون رعایت گردد. شماره گواهینامه داخلی بایستی در گواهینامه بین المللی ذکر گردیده و گواهینامه بین المللی پس از انقضای مدت گواهینامه داخلی مربوطه معتبر نخواهد بود. ۶ ـ مقررات این ماده طرفهای متعاهد را ملزم نمی‌سازد که (الف اعتبار گواهینامه‌های بین المللی و یا داخلی صادره در سرزمین طرف متعاهد دیگر رابرای افرادی که مسکن عادی آنها در تاریخ صدور گواهینامه در قلمرو کشورشان بوده و یا پس ازصدور گواهینامه به آن کشور منتقل شده بپذیرند. (ب و یا گواهینامه صادره برای افرادی که مسکن عادی آنها در تاریخ صدور در کشورصادرکننده نبوده و یا پس از صدور مسکن عادی آنها به کشور دیگری منتقل شده باشد، بپذیرند. ماده چهل و دوم ـ تعلیق اعتبار گواهینامه رانندگی ۱ ـ طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند از راننده‌ای که مقررات راهنمایی را در قلمرو کشورشان نقض نموده و مسئول شناخته شده به موجب مقررات داخلی بایستی گواهینامه او ضبط گردد حق استفاده از گواهینامه رانندگی بین المللی و یا داخلی را از او سلب نمایند در چنین موردی مقامات صلاحیتدار طرف متعاهد، و یا واحدهای تابعه آنها که حق‌استفاده از گواهینامه را سلب می کنند می‌توانند: (الف گواهینامه را ضبط و تا انقضای مدتی که حق استفاده از آن سلب شده و یا تا مادامی که‌دارنده گواهینامه قلمرو آن کشور را ترک کند (هر کدام زودتر باشد) نگهداری نمایند. (ب این مراتب را به مقام صادرکننده گواهینامه و یا مقامی که از طرف آن گواهینامه صادرشده ابلاغ نمایند. (ج و در مورد گواهینامه‌های بین المللی در محل مخصوصی که برای این منظور درگواهینامه پیش‌بینی شده ثبت نمایند که گواهینامه مزبور بیش از این در قلمرو کشورشان معتبرنخواهد بود. (د) هرگاه اقدامات مذکور در بند (الف فوق را معمول ندارند ابلاغ اشاره شده در بند (ب فوق را تکمیل و از مقام صادر کننده و یا مقامی که گواهینامه از طرف او صادر شده تقاضا نمایند که تصمیم متخذه در مورد راننده را به او ابلاغ نمایند. ۲ ـ طرفهای متعاهد باید کوشش کنند بر طبق اقدام مذکور در قسمت د بند ۱ این ماده تصمیمات متخذه را به شخص ذی ربط ابلاغ نمایند. ۳ ـ این کنوانسیون به هیچ وجه مانع از این نیست که طرفهای متعاهد و یا واحدهای تابعه آنها از رانندگی کسی که دارای گواهینامه بین المللی و یا داخلی بوده ممانعت به عمل آورند مشروط بر اینکه ثابت شده باشد که راننده قادر به رانندگی بدون خطر نمی‌باشد و یا حق رانندگی در کشوری که مسکن عادی اوست از او سلب شده باشد. ماده چهل و سوم ـ مقررات انتقالی از تاریخ اجرای این

کنوانسیون بر طبق بند ۱ ماده ۴۷ تـا پنجسال چنـانچه گواهینـامه بین المللی مطابق کنوانسـیون عبور و مرور جاده مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۹ ژنو صـادر شـده باشـد از نقطه نظرمواد ۴۱ و ۴۲ این کنوانسـیون ماننـد گواهینامه های بین المللی مـذکور در این کنوانسـیون می‌باشد.

فصل پنجم ـ شرایط پذیرفتن دوچرخه و چرخ موتوری در عبور و مرور بین المللی (ماده ۴۴

مـاده چهل و چهارم ۱ ـ دوچرخه‌هـای بـدون موتور در عبور و مرور بین المللی (الف مجهز به ترمز منـاسبی باشـد. (ب دارای زنگی باشد که از فاصـله کافی شـنیده شود و وسـیله اخباری دیگری نداشته باشد. (ج یک رفلکتور قرمز و یک چراغ قرمز در عقب و یک چراغ سـفید و یا زرد به طرف جلوداشته باشد. ۲ ـ در قلمرو طرفهای متعاهدی که طبق بند ۲ ماده ۵۴ این کنوانسیون دوچرخه گازی را ماننـد موتور سـیکلت اعلاـم نداشته‌اند دوچرخه گـازی بـایستی (الف دارای دو ترمز مسـتقل باشـد. (ب به یک زنگ و یا وسـیله اخباری دیگری مجهز باشد که از فاصـله دور شـنیده شود. (ج به خفه کن مناسب برای اگزوست مجهز باشد. (د) یک چراغ سفید و یا زرد به طرف جلو و یک چراغ قرمز و یک رفلکتور قرمز به طرف‌عقب داشته باشد. (ه علامت شـناسایی مذکور در متمم شماره ۴ این کنوانسـیون را داشـته باشـد. ۳ ـ سـرزمین طرفهـای متعاهـدی که طبـق بنـد ۲ مـاده ۵۴ این کنوانسـیون دوچرخه گـازی را ماننـد موتورسـیکلت اعلاـم داشته‌اند شـرایط پـذیرفتن دوچرخه گـازی در ترافیـک بین المللی همـانست که برای موتور سـیکلت در متمم شماره ۵ این کنوانسیون ذکر شده

فصل ششم ـ مقررات نهایی (ماده ۴۵ تا ۵۵)

ماده چهل و پنجم ۱ ـ کنوانسیون حاضر تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۹ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضای تمام اعضای سازمان ملل و یا اعضای سازمانهای تخصیصـی وابسـته به آن و آژانس بین المللی انرژی اتمی و طرفهای اساسـنامه دیوان بین المللی دادگستری و یـا هر دولت دیگری که توسط مجمع عمـومی سازمـان ملـل برای عضـویت در این کنوانسـیون دعـوت شـده مفتـوح خواهدبود. ۲ ـ کنوانسـیون حاضـر به تصویب خواهـد رسـید و اسـناد تصویب نزد دبیر کل سازمان سپرده‌خواهد شد. ۳ ـ کنوانسیون حاضـر برای الحاق دولی که در بند ۱ این ماده اشاره شـده مفتوح خواهد ماند،و اسـناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل تسـلیم خواهد شد. ۴ ـ هنگام تسلیم اسناد تصویب کنوانسیون حاضر و یا الحاق به آن هر دولتی باید علامت ممیزه خود را که طبق ضمیمه شماره ۳ این کنوانسـیون وسایط نقلیه ثبت شده توسط آن دولت بایستی در ترافیک بین المللی نصب نماید دبیر کل سازمان ملل ابلاغ نمایند. بـا ابلاـغ ثـانوی به دبیر کل سازمان ملل هر دولتی می‌توانـد علامت ممیزه قبلی خود را تغییر دهـد. ماده چهل و شـشم ۱ ـ هر دولتی می‌توانـد هنگـام امضاء و یا تصویب این کنوانسـیون و یا الحاق به آن و یامتعاقبا از طریق ابلاغ به دبیرکل سازمان ملل اعلام دارد که ایـن کنوانسـیون در تمـام سـرزمین‌ها و یاسـرزمینی کـه آن دولـت مسئول روابط بین المللی آن می‌باشـد لاـزم الاـجرا خواهـد بـود. این‌کنوانسیون در سرزمین و یا سرزمینهای مذکور در ابلاغ ۳۰ روز پس از وصول ابلاـغ توسط دبیرکل سازمان ملل و یا در تاریخی که این کنوانسـیون به تصویب می‌رسـد، هرکـدام موخر باشـد برای دولتی که ابلاغ را ارسال داشته لازم الاجرا خواهـد شـد. ۲ ـ هر دولتی که طبق بنـد ۱ این مـاده اعلاـمیه‌ای صـادر نموده باشـد می‌توانـد متعاقبا با ارسال ابلاغ به دبیر کل سازمان ملل اعلام دارد که اجرای این کنوانسـیون بایستی در سـرزمین مذکور در ابلاغ متوقف شود. در مورد چنین کشوری اجرای کنوانسیون یک سال پس از تاریـخ وصول ابلاغ توسط دبیر کل سازمان ملل متوقف خواهـد شد. ۳ ـ هر دولتی که طبق بنـد ۱ این ماده رفتار کرده باشـد بایستی

علامت و یا علایم ممیزه خودرا برای نصب (طبق شماره ۳ این کنوانسیون روی وسایل نقلیه ثبت شده در کشورش به دبیر کل سازمان ملل ابلاغ نماید. با ابلاغ مجدد به دبیر کل سازمان ملل می‌توان علامت و یا علایم ممیزه قبلی را تغییر داد. ماده چهل و هفتم ۱ ـ کنوانسیون حاضر ۱۲ ماه پس از تاریخ تودیع پانزدهمین سند تصویب و یا الحاق لازم الاجرا خواهد بود. ۲ ـ این کنوانسیون برای هر دولتی که آن را تصویب نموده و یا به آن ملحق شود ۱۲ ماه پس‌از تاریخ تودیع پانزدهمین سند تصویب و یا الحاق لازم الاجرا خواهد بود. ماده چهل و هشتم کنوانسیون حاضر به محض لازم الاجرا شدن در روابط بین طرفهای متعاهد کنوانسیون‌بین المللی (ترافیک موتوری و ترافیک راه را که در ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ در پاریس به امضا رسیده وکنوانسیون مقررات ترافیک وسایل نقلیه بین کشورهای آمریکایی را که پانزدهم دسامبر ۱۹۴۳برای امضا در واشنگتن مفتوح بوده و همچنین کنوانسیون ترافیک راه را که در ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۹در ژنو برای امضا مفتوح است لغو کرده و جایگزین آنها می‌شود). ماده چهل و نهم ۱ ـ ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون حاضر طرفهای متعاهد می‌توانداصلاح یا اصلاحاتی را پیشنهاد نمایند. متن اصلاحات پیشنهادی بایستی همراه‌نامه مشروحی‌برای دبیرکل سازمان ملل که وظیفه دارد آن را به تمام طرفهای متعاهد ابلاغ نماید ارسال گردد. طرفهای متعاهد ظرف دوازده ماه از تاریخ ابلاغ بایستی به دبیر کل سازمان اطلاع دهند که (الف یا اصلاحیه را قبول نموده (ب یا اصلاحیه را رد کرده (ج و یا تقاضای تشکیل کنفرانس برای رسیدگی به اصلاحیه را دارند. دبیر کل سازمان ملل متن اصلاحات پیشنهادی را نیز برای سایر دولتهای موضوع بند ۱ ماده ۴۵ این کنوانسیون ارسال خواهد داشت ۲ ـ (الف چنانچه نسبت به هر یک از اصلاحات پیشنهادی که بر طبق بند فوق الذکر ابلاغ می‌شود ظرف دوازده ماه مهلت مقرر کمتر از یک سوم از طرفهای متعاهد آن را رد کرده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس نموده باشند آن اصلاحیه قبول شده تلقی می‌شود. دبیرکل سازمان ملل بایستی رد و قبول و یا تشکیل کنفرانس در مورد هر یک از اصلاحات پیشنهادی را به طرفهای متعاهد اطلاع دهد اگر مجموع تقاضاهای تشکیل کنفرانس و یا رد اصلاحات پیشنهادی که ظرف دوازده ماه مقرر واصل می‌گردد کمتر از یک سوم تعداد طرفهای متعاهد باشد دبیر کل سازمان‌ملل به تمام کشورهای عضو اعلام خواهد نمود که آن اصلاحیه شش ماه پس از انقضای دوازده‌ماه اشاره شده در بند ۱ این ماده برای تمام طرفهای متعاهد به استثنای آنهایی که ظرف مدت مقرر آن را رد کرده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس نموده‌اند لازم الاجرا خواهد بود. (ب هر یک از طرفهای متعاهد که ظرف ۱۲ ماه مقرر اصلاحیه پیشنهادی را رد کرده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس برای رسیدگی به آن نموده باشد می‌تواند پس از انقضای مدت ۱۲ ماه مورد بحث در هر زمانی که بخواهد اصلاحیه را قبول نموده و قبولی خود را به دبیرکل سازمان ملل اطلاع دهد و دبیر کل سازمان ملل این قبولی را به سایر طرفهای متعاهد ابلاغ خواهد نمود اصلاحیه در مورد طرفهایی که قبولی خود را به ترتیب مذکور اطلاع داده‌اند شش ماه پس ازوصول اطلاع توسط دبیر کل سازمان ملل لازم الاجرا خواهد بود. ۳ ـ اگر هر یک از اصلاحات پیشنهادی به ترتیبی که در بند ۲ این ماده گفته شده مورد قبول واقع نگردد و اگر ظرف مدت دوازده ماه مذکور در بند ۱ این ماده کمتر از نصف تعداد طرفهای متعاهد آن را رد کرده باشند و حداقل یک سوم از طرفهای متعاهد مشروط بر اینکه تعداد آنها ازده کمتر نباشد اصلاحیه را قبول نموده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس کرده باشند دبیرکل سازمان بایستی به منظور رسیدگی به اصلاحیه پیشنهادی یا هر پیشنهاد دیگری که ممکن است بر طبق‌بند ۴ این ماده به او تسلیم شده باشد کنفرانس را تشکیل دهد. ۴ ـ اگر کنفرانسی طبق بند ۳ این ماده تشکیل شود دبیر کل سازمان ملل کلیه دولت های مذکور در بند ۱ ماده ۴۵ این کنوانسیون را برای شرکت در کنفرانس دعوت کرده و از آنها تقاضا خواهد کرد چنانچه علاوه بر اصلاحیه پیشنهادی پیشنهاد دیگری داشته و مایل باشند درکنفرانس مطرح گردد ظرف حداقل شش ماه قبل از تاریخ گشایش کنفرانس به او تسلیم دارند تابتوانند این قبیل پیشنهادات را حداقل سه ماه قبل از گشایش کنفرانس برای دولت‌های دعوت‌شده ارسال دارد. ۵ ـ (الف هر یک از اصلاحات پیشنهادی چنانچه مورد قبول اکثریتی برابر دو سوم دولت های شرکت کننده در کنفرانس باشد قبول شده تلقی می‌شود مشروط بر اینکه اکثریت‌مذکور حداقل شامل دو سوم طرفهای متعاهد که در کنفرانس

شرکت نموده‌اند باشد. دبیرکل‌سازمان ملل اصلاحیه قبول شده را به کلیه طرفهای متعاهد ابلاغ می‌نماید و ۱۲ ماه پس از ابلاغ‌برای کلیه طرفهای متعاهد لازم الاجرا خواهد بود مگر آنهایی که ظرف این مدت نظر خود را مبنی‌بر رد اصلاحیه به دبیر کل سازمان ابلاغ نموده باشند. (ب هر یک از طرفهای متعاهد که اصلاحیه را ظرف ۱۲ ماه مقرر رد کرده باشد می‌تواند درهر زمانی که مایل باشد آن را قبول نموده و قبولی خود را به دبیر کل سازمان ملل اطلاع دهد و دبیر کل بایستی مراتب را به کلیه طرفهای متعاهد ابلاغ نماید. اصلاحیه پیشنهادی در مورد طرف متعاهدی که قبولی خود را به ترتیب مذکور اطلاع داده شش ماه پس از وصول اطلاع توسط دبیرکل سازمان و یا در انقضای مدت ۱۲ ماه اشاره شده هر کدام موخر باشد لازم الاجرا خواهد بود. ۶ ـ اگر اصلاحیه پیشنهادی به ترتیب مذکور در بند ۲ این ماده قبول نشود و اگر شرایط مذکوردر بند ۳ این ماده برای تشکیل کنفرانس تحقق نیابد اصلاحیه پیشنهادی مردود شناخته خواهدشد. ماده پنجاهم هریک از طرفهای متعاهد می‌تواند این کنوانسیون را با ابلاغ کتبی به عنوان دبیر کل سازمان ملل لغو نماید و این لغو یک سال پس از تاریخ وصول ابلاغ توسط دبیر کل سازمان ملل نافذخواهد بود. ماده پنجاه و یکم هرگاه تعداد طرفهای متعاهد در دوازده ماه متوالی کمتر از پنج کشور باشد اجرای این کنوانسیون متوقف خواهد شد. ماده پنجاه و دوم هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر، اجرای مفاد این کنوانسیون بین دو و یا چند طرف متعاهد راکه با مذاکره و یا از طرف دیگری فیصله نیافته باشد می‌توان به تقاضای یکی از طرفین برای اخذ تصمیم به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع نمود. ماده پنجاه و سوم مفاد این کنوانسیون مانع از آن نخواهد بود که طرفهای متعاهد برای امنیت داخلی و یا خارجی خود چنانچه لازم بدانند اقداماتی تا حدود ضرورت و برابر با مقررات منشور ملل متحد معمول دارند. ماده پنجاه و چهارم ۱ ـ هر دولتی هنگام امضا یا تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون و یا الحاق به آن می‌تواند اعلام دارد که مقید به قبول ماده ۵۲ آن نمی‌باشد. سایر طرفهای متعاهد در مورد طرف متعاهدی که چنین اعلامی نموده مقید به قبول ماه ۵۲ نخواهند بود. ۲ ـ هر دولتی هنگام تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون و یا الحاق به آن می‌تواند با ارسال‌ابلاغی به عنوان دبیرکل سازمان ملل اعلام دارد که از نظر این کنوانسیون دوچرخه گازی را مانندموتور سیکلت به حساب می‌آورد با ارسال ابلاغ مجدد به عنوان دبیر کل سازمان ملل هر دولتی‌می‌تواند در هر زمانی که بخواهد اعلام خود را پس بگیرد. (ماده ۱ سند ژ) ۳ ـ اعلامیه مذکور در بند ۲ این ماده شش ماه پس از وصول توسط دبیر کل سازمان ملل و یادر تاریخی که این کنوانسیون برای کشور صادرکننده اعلامیه لازم الاجرا می‌شود (هرکدام موخر باشد) قابل اجرا خواهد بود. ۴ ـ اگر در علامت ممیزه‌ای که طبق بند ۴ ماده ۴۵ و بند ۳ ماده ۴۶ این کنوانسیون تغییراتی داده شود تغییرات مزبور پس از سه‌ماه از تاریخ وصول ابلاغ توسط دبیرکل سازمان ملل معتبرخواهد شد. ۵ ـ علاوه بر استثنایی که در بند ۱ این ماده ذکر شده استثنائات دیگری نسبت به این کنوانسیون و متمم های آن اجازه داده خواهد شد. مشروط بر اینکه کتبا اعلام گردیده باشد و اگر قبل از تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون یا الحاق به آن در نظر گرفته شده بایستی در مدارک‌اشاره شده تایید گردد. دبیرکل سازمان ملل بایستی این استثنایات را به تمام دولتهای ذکر شده دربند ۱ ماده ۴۵ این کنوانسیون اطلاع دهد. ۶ ـ هر طرف متعاهدی که استثنایی را کتبا تنظیم کرده و یا اعلامیه مذکور در بندهای ۱ و ۴این ماده را تهیه و ارسال داشته باشد می‌تواند هر زمانی که بخواهد با ارسال ابلاغ مجدد به عنوان دبیر کل سازمان ملل آن را پس بگیرد. ۷ ـ استثنایی که طبق بند ۵ این ماده ابلاغ شده باشد: (الف مقررات این کنوانسیون را تا آنجا که به استثناء ارتباط دارد برای طرف متعاهدی که‌استثنا قایل شده اصلاح می‌نماید. (ب مقررات این کنوانسیون را تا آنجا که به استثنا ارتباط دارد برای سایر طرفهای متعاهددر روابطشان با طرف متعاهدی که استثناء را قایل شده اصلاح می‌نماید. ماده پنجاه و پنجم علاوه بر اعلامیه‌ها و ابلاغیه‌ها و مکاتبات مذکور در مواد ۴۹ و ۵۴ این کنوانسیون دبیرکل سازمان ملل بایستی موارد زیر را نیز به تمام دولتهای اشاره شده در بند ۱ ماده ۴۵ ابلاغ نماید. (الف امضا و تصویب و الحاق های مذکور در ماده ۴۵ (ب ابلاغیه‌ها و اعلامیه‌های مذکور در بند ۴ ماده ۴۵ و ماده ۴۶ (ج تاریخ لازم الاجرا شدن این کنوانسیون طبق ماده ۴۷ (د) تاریخ لازم الاجرا شدن اصلاحات انجام یافته طبق بند ۲ و ۵ ماده ۴۹ (ه اعلامیه‌های الغاء

مذکور در ماده ۵۰ (و) فسخ این کنوانسیون طبق ماده ۵۱ ماده پنجاه و ششم اصل این کنوانسیون که به زبانهای چینی انگلیسی فرانسه روسی و اسپانیایی در یک نسخه تهیه شده و متساویا معتبر می‌باشند نزد دبیرکل سازمان ملل تودیع شده و دبیر کل نسخ گواهی شده را برای تمام دولتهایی که در بند ۱ ماده ۴۵ ذکر شده ارسال خواهد داشت بنابراین نمایندگان مختاری که از دولت متبوع خود دارای اختیار تام بودند این کنوانسیون را امضا نمودند. وین هشتم نوامبر هزار و نهصد و شصت و هشت

قانون کیفر بزه های مربوط راه آهن – مصوب ۳۱/۱/۱۳۲۰ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ ـ هرکس خاک ریز ، خاک بر ، پل ، تونل ، دیوار ، سد ، امنیه ، بالاست ، تراورس ، ریل ، پیچ ومهره ریل ، اتصالی ریل ، علایم خطر ، تیرهای تلفن و تلگراف و سیم های آن و وسایل نقلیه راه آهن را خراب کند و به طور کلی عملی نماید که موجب خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به حبس جنایی درجه یک از پنج تا پانزده سال محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفر کشته شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد. هرگاه عمل منتهی به یکی از حادثه های مذکور نگردد در غیر مورد خرابی پل ، تونل و سد مرتکب به دو تا هفت سال حبس جنایی درجه دو و در مورد پل و تونل و سد از ۴ سال تا ده سال حبس جنایی درجه یک محکوم می‌شود. ماده ۲ ـ هرکس در غیر مورد مذکور در ماده یک در متعلقات راه آهن عملی نماید که بیم خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگر برود مرتکب به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و هرگاه عمل مذکور برای حرکت قطار فقط ایجاد مانعی نماید و به‌طور کلی اسباب اختلال حرکت قطار را فراهم کند مرتکب به حبس جنحه ای تا دو سال محکوم می‌شود. ماده ۳ ـ هرگاه بزه های مذکور در ماده یک و دو در اثر توطئه و تبانی دو نفر یا بیشتر انجام یابد یک ثلث از کیفری که قطع نظر از تبانی برای مرتکب افزوده خواهد شد جز در مورد اعدام که مرتکب به همان کیفر محکوم می‌شود. ماده ۴ ـ هرگاه برای ارتکاب بز های مذکوره در ماده یک جمعیتی از سه تن به بالاـ تشکیل شود تشکیل دهندگان و محرکین فقط برای همین عمل به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند. کسی که عضو این جمعیت شده باشد فقط برای همین عمل به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. هرگاه از جمعیت مزبور دست کم سه تن مسلح باشند محرکین و تشکیل دهندگان هر یک به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا پنج سال محکوم می‌شوند و کسی که عضو این جمعیت شده باشد به دو سال تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می گردد. ماده ۵ ـ هر یک از شرکت کنندگان که جمعیت مذکور در مواد فوق را منحل یا موجبات انحلال آن را فراهم سازد یا از جز توطئه کنندگان یا عضو جمعیت خارج شوند یا از وقوع بزه یا توطئه یا تشکیل جمعیت برای ارتکاب بزه مانع شوند یا وجود جمعیت و تصمیمات آن را به‌مأ مورین دولت افشا کنند از کیفر معاف خواهد بود مشروط بر اینکه پیش از تعقیب و پیش از وقوع بزه که جمعیت برای ارتکاب آن تشکیل شده اقدامات مزبور به عمل آمده باشد. ماده ۶ ـ هرکس اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را از روی بی‌مبالاتی یا غفلت انجام دهد درمواردی که کیفر بزه عمدی اعدام یا حبس جنایی درجه یک است به حبس جنحه ای از یک سال تا سه سال و به تادیه غرامت از دویست تا ده هزار ریال محکوم می‌شود در مواردی که برای بزه‌عمدی حبس جنایی درجه دو مقرر شده کیفر مرتکب حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال و تادیه غرامت از صد تا هزار ریال می‌باشد. ماده ۷ ـ هرکس وسایل نقلیه راه آهن را ضایع یا خراب کند به طوری که از خاصیت بهره برداری بیاندازد در صورتی که وسایط نقلیه از قبیل لکوموتیو یا اتوموتوریس باشد به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و در مورد سایر وسایط نقلیه راه آهن کیفرمرتکب حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال خواهد بود مگر اینکه عمل مشمول عنوان شدیدتری باشد که در آن صورت مرتکب به کیفر همان بزه محکوم می گردد. ماده ۸ ـ مسافری که بدون جهت علامات موجود در واگون ها را از قبیل ترمز خطر و غیره بکار برد و قطار بایستند به تادیه غرامت دویست تا پانصد ریال ملزم خواهد شد. ماده ۹ ـ مسافری که به تجهیزات واگون از قبیل چراغ ـ توری های پنجره ـ شیشه ـ پرده ـ

جایگاه ـ جامه دان زیانی وارد آورد به پرداخت خسارت طبق تعرفه راه آهن مصوب وزارت راه ملزم خواهد شد برای خسارتی که قابل پیش‌بینی در تعرفه نبوده با رعایت اینکه مقدار خسارتاز یکصد ریال تجاوز نکند طبق تشخیص اداره راه آهن ملزم خواهد شد در صورتی که عمل مشمول عناوین کیفری باشد به کیفر مقرر برای عمل نیز در مراجع صالحه محکوم می‌شود. ماده ۱۰ ـ وجوه مذکور در ماده ۸ به تشخیص رییس قطار وجوه مذکور در ماده ۹ مطابق تعرفه یا تشخیص راه آهن به حسب مورد در مقابل قبض رسمی اداری دریافت می گردد. در صورتی که واردکننده خسارت اعتراضی داشته باشد می‌تواند پس از پرداخت وجه تا مدت شش‌ماه به یکی از دادگاه های شهرستان خط سیر مراجعه نماید. هرگاه واردکننده خسارت از پرداخت این وجوه امتناع نماید چنانچه مالی همراه داشته باشد رییس قطار حق دارد به میزان خسارت مورد مطالبه از مال او بازداشت نموده و طبق آیین نامه مصوب وزارت راه ـ وزارت دادگستری خسارت راه آهن را از آن استیفا نماید نسبت به بازداشت مال نیز واردکننده خسارات از تاریخ بازداشت آن به شرح بالا حق شکایت خواهد داشت هرگاه دارایی ممتنع کفایت خسارت وارده را ندهد یا دارایی نداشته باشد و نتواند تضمین کافی بدهد چنانچه راه آهن مقتضی بداند می‌تواند صورت مجلس تنظیم و با خود او تحت مراقبت مأمورین به نزدیک ترین دادگاه مقصد ممتنع بفرستد ـ دادگاه به این قبیل موارد خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱ ـ حمل مواد زود اشتعال و قابل احتراق و انفجار بدون اطلاع اداره راه آهن ممنوع است و مسافری که بدون اطلاع راه آهن مواد مزبور را در جامه دان ها و اثاثیه خود در واگنها حمل‌کند یا آنها را به قسمت حمل و نقل اثاثیه (توشه بسپارد و همچنین هرکس بدون استحضار راه آهن مواد مزبور را برای حمل به وسیله واگنهای باری تحویل نماید محکوم به تادیه غرامت از دویست تا هزار ریال خواهد گردید در صورتی که عمل مزبور منجر به حریق یا حادثه دیگری گردد که جرم شدیدتری شناخته شده باشد مرتکب به کیفر آن بزه محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ ـ هرگاه کسی باعث تضییع یا تلف مالی بشود که برای حمل به راه آهن سپرده شده‌است در قبال بنگاه راه آهن مسئول خساراتی است که از این جهت به راه آهن وارد شده باشد. ماده ۱۳ ـ هرکس در حریم راه آهن بدون اجازه کتبی بنگاه راه آهن ساختمان یا حفریات و به طور کلی هر دخل و تصرفی نماید علاوه بر اجبار به اعاده محل به صورت اولیه محکوم به تادیه غرامت از ۵۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. آنچه پیش از اجرای این قانون داخل درحریم بوده در صورتی که راه آهن اجازه ابقا آن را ندهد مالک آن ملزم است که آن را از حریم راه آهن بردارد و اگر امتناع نماید راه آهن آن را برخواهد داشت و یا در صورت موافقت راه آهن به بهای عادلانه به راه آهن واگذار می‌شود حریم راه آهن عبارت از ۱۷ متر فاصله به هر یک از دوطرف محور خط می‌باشد. ماده ۱۴ ـ نگاهداری و چراندن دام در حریم راه آهن ممنوع است و راه آهن مسئول خسارت وارده که از تلف آنها حاصل می‌شود نخواهد بود. اگر از این راه خساراتی به راه آهن وارد شود مالکین دامها در قبال راه آهن مسئول خواهند بود. ماده ۱۵ ـ تا مسافت کمتر از پنجاه متر از خط آهن ساختن بناهایی که دارای سقف پوشالی باشد و خرمن نمودن کاه و علف و انبار نمودن مواد زود احتراق و زود اشتعال ممنوع است و متخلفین به تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۶ ـ هر یک از کارمندان راه آهن که متصدی راندن یا وظیفه دار تشکیل یا حرکت قطار می‌باشند لکوموتیو ـ واگن ـ در زین یا هرگونه وسایط نقلیه را که می‌داند معیوب است و درصورت سیر موجب مخاطره خواهند شد به راه اندازد و یا به مناسبت وظیفه مانع تشکیل قطار و حرکت آن نشود به حبس جنحه ای از شش‌ماه تا دو سال محکوم می‌شود همین کیفر درباره‌کارمندانی که از معیوب بودن وسایل نقلیه مطلع و بر حسب وظیفه مکلف به آگاه ساختن‌مقامات مربوطه بوده و آن مقامات را مسبوق نساخته‌اند اعمال می گردد. ماده ۱۷ ـ رییس قطار ـ راننده ـ ترمزبانان ـ سوزن بانان که بر خلاف مقررات در موقع حرکت قطار تا رسیدن آن به مقصد یا در موقع حرکت و ورود قطار به ایستگاه محل خدمت خود را ترک و یا وظیفه خود را انجام ندهند به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۸ ـ متصدیان حفظ ساختمان و بناهای مربوطه به راه آهن با آلات فنی آن که مسئول نگاهداری خط و نظارت ساختمانها و به طور کلی مأمور حفظ اموال راه آهن اعم از فنی وغیرفنی می‌باشند اگر

وظیفه خود را ترک کنند محکوم به حبس جنحه ای از یک ماه تا شش ماه خواهند شد. هرگاه بزه‌های مذکور در این ماده و دو ماده پیش منتهی به تصادم یا خروج قطار از خط و یا حادثه مهم دیگری بشود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ده سال محکوم می گردد. در مورد این ماده و ماده ۱۷ در قسمتی که کیفر مرتکب حبس جنحه‌ای مقرر شده است تعقیب بزه منوط بدر خواست بنگاه راه آهن می‌باشد. ماده ۱۹ ـ اگر مأمورین راه آهن از امر مافوق خود که برای احتراز از خطر و حادثه راه آهن صادر شده تخلف کنند به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد و چنانچه این تخلف منجر به حادثه راه آهن شود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود کیفر مرتکب حبس جنایی درجه یک است از سه تا ده سال ماده ۲۰ ـ هرگاه کارمند راه آهن از ساختمانها ـ تجهیزات ـ کارخانجات تاسیسات ثابت و وسایط نقلیه و غیر آن نقشه ـ عکس یا اطلاعاتی که جنجه سری دارند و افشا آن بر خلاف مصالح راه آهن و یا مصالح عمومی کشور باشد به کسی بدهد یا کسی را برای بدست آوردن چنین اسناد و مدارک کمک نماید در صورتی که عمل بزه شدیدتری نباشد به حبس جنایی درجه‌دو، دو تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۲۱ ـ چنانچه کارکنان لکوموتیو اعم از راننده یا آتشکار و همچنین سایر کارمندان راه آهن که مسئول تامین آمد و شد قطار هستند در غیر مورد مذکور در ماده ۶ مرتکب بی مبالاتی یا غلفت بشنوند که منجر به زیان دولت بشود علاوه بر جبران خسارت به حبس جنحه ای از یک ماه تا یک سال محکوم می‌شوند. تبصره ـ تعقیب متهم در دادگستری موکول به شکایت راه آهن خواهد بود. ماده ۲۲ ـ کدخدایان و دهبانانی که به امر مقامات مربوطه مواظبت قسمتی از راه آهن به عهده آنها واگذار شده هرگاه در انجام مأموریت خود بی مبالاتی و یا غفلتی بنمایند که موجب شود کسی به راه آهن خرابی وارد نماید به سه ماه تا سه سال حبس جنحه ای محکوم می‌شوند. ماده ۲۳ ـ هرگاه اعمال مذکور در این قانون منتهی به نتایج قابل کیفری گردد که در این قانون پیش بینی نشده است مقررات سایر قوانین کیفری مجری خواهد بود. ماده ۲۴ ـ وزارت راه می‌تواند ضمن آیین نامه که به موجب ماده ۴ قانون سازمان بنگاه راه آهن دولتی ایران مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۱۴ اختیار تنظیم آن داده شده از نظر انتظام و انضباط کارهای راه آهن برای تخلف کارمندان راه آهن از مقررات یا دستورهای روسای مافوق در مواردلزوم از یک روز تا بیست روز حبس انضباطی پیش بینی نموده و آن آیین نامه را پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارد طرز رسیدگی و مرجع شایسته نیز در آیین نامه مذکور معین‌خواهد شد.

آئین نامه راهنمایی و رانندگی مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران – مصوب ۹/۷/۷۳

فصل اول ـ تعاریف (ماده۱)

ماده ۱ ـ اصطلاحات و کلماتی که در این آیین نامه به کار برده شده ،دارای معانی زیر است ۱ ـ وسیله نقلیه غیرموتوری وسیله نقلیه زمینی که نیروی محرکه آن از موتور نباشد. ۲ ـ وسیله نقلیه موتوری وسیله نقلیه زمینی که نیروی محرکه آن به وسیله موتور تامین می‌شود. ۳ ـ وسیله نقلیه برقی وسیله نقلیه زمینی که نیروی محرکه آن به وسیله موتور برقی تامین می‌شود. ۴ ـ وسیله نقلیه ریلی وسیله نقلیه زمینی که بر روی ریل حرکت کند. ۵ ـ یدک وسیله نقلیه‌ای که توسط وسیله نقلیه دیگر که دارای نیروی محرکه و سیستم فرمان و هدایت است ،کشیده می‌شود. ۶ ـ شبه یدک یدکی که قسمتی از وزن آن روی کشنده قرار دارد. ۷ ـ راننده شخصی که وسیله نقلیه را هدایت می کند. ۸ ـ عابر پیاده شخصی که بدون استفاده از وسیله نقلیه در راه حرکت کند. ۹ ـ مسافر: شخصی که به منظور جابجایی از نقطه‌ای به نقطه دیگر از انواع وسایل نقلیه استفاده می کند. ۱۰ ـ سواری وسیله نقلیه موتوری زمینی دارای چهار

چرخ که برای جابجایی حداکثر شش‌مسافر (با راننده ساخته شده باشد. ۱۱ ـ استیشن نوعی سواری که ظرفیت آن با راننده حداقل ۷ نفر و حداکثر ۹ نفر باشد. ۱۲ ـ مینی‌بوس وسیله نقلیه موتوری زمینی مسافربری که ظرفیت آن با راننده حداقل ۱۰نفر و حداکثر ۲۱ نفر باشد. ۱۳ ـ اتوبوس وسیله نقلیه موتوری زمینی مسافربری که ظرفیت آن با راننده حداقل ۲۲ نفرباشد. ۱۴ ـ اتوبوس چند کابینه اتوبوسی که چند کابین را به صورت شبه یدک می کشد. ۱۵ ـ سرویس مدارس وسیله نقلیه موتوری زمینی که با دارا بودن علائم مشخصه برای رفت و آمد دانش‌آموزان مدارس اختصاص می‌یابد. ۱۶ ـ وسیله نقلیه آموزشی وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای تعلیم رانندگی اختصاص داده شود و دارای دو کلاچ و دو ترمز و دو آینه باشد. ۱۷ ـ وسیله نقلیه امدادی وسیله نقلیه موتوری زمینی مخصوص خدمات انتظامی ، آتش‌نشانی ،بهداشتی ،درمانی و تعمیرات اضطراری برق ،گاز و آب و سایر موارد با کسب مجوز قبلی ۱۸ ـ موتور سیکلت وسیله نقلیه زمینی که دارای دو یا سه چرخ با اطاقک پهلو (سایدکار) یابدون آن و مجهز به یک موتور محرکه باشد. ۱۹ ـ دوچرخه وسیله نقلیه زمینی که لااقل دارای دو چرخ باشد و منحصرا با نیروی عضلانی شخصی که سوار آن است ،به وسیله پدال یا اهرمهای دستی حرکت نماید. ۲۰ ـ خانه سیار (کاروان : وسیله نقلیه غیرموتوری که برای سکونت و یا استفاده به عنوان محل کار استفاده شده و عرض آن از ۵/۲ متر و طول آن از ۱۱ متر بیشتر نباشد. ۲۱ ـ آمبولانس وسیله نقلیه موتوری با تجهیزات امدادی درمانی که برای جابجایی بیمار و یا مصدوم ساخته شده است ۲۲ ـ ماشین آتش‌نشانی وسیله نقلیه موتوری زمینی با علائم و تجهیزات و رنگ ویژه که برای امداد و نجات و اطفای حریق ساخته شده است ۲۳ ـ وزن مجاز: مجموع وزن وسیله نقلیه و بار آن ۲۴ ـ وسیله نقلیه باربری وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای حمل بار ساخته شده و کابین راننده از قسمت بار به وسیله دیواره‌ای مقاوم مجزا باشد. ۲۵ ـ وانت وسیله نقلیه باربری با حداکثر ظرفیت بارگیری ۲ تن ۲۶ ـ کامیونت وسیله نقلیه باربری با ظرفیت بارگیری بین ۲ تن الی ۵/۳ تن ۲۷ ـ کامیون وسیله نقلیه باربری با ظرفیت بارگیری بین ۵/۳ تن الی ۱۶ تن ۲۸ ـ کامیون اطاقدار: کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اطاق بار آن از کف اطاق ۵/۱متر باشد. ۲۹ ـ کامیون لبه‌دار:کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اطاق بار آن از کف اطاق ۸۰سانتی‌متر باشد. ۳۰ ـ کامیون تیغه‌دار: کامیونی که قسمت بار آن به وسیله تیغه‌ای طولی به دو نیمه مساوی مجزا شده باشد. ۳۱ ـ کامیون کفی کامیونی که قسمت بار آن فاقد دیواره باشد. ۳۲ ـ کامیون مسقف کامیونی که قسمت بار آن به صورت محفظه فلزی سرپوشیده ساخته شده است ۳۳ ـ کامیون یخچالدار: کامیون مسقف که قسمت بار آن دارای تجهیزات برودتی باشد. ۳۴ ـ کامیون تانکر: کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع‌مایعات ساخته شده است ۳۵ ـ کامیون بونکر: کامیونی است که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع مایعات ساخته شده است ۳۶ ـ کامیون میکسر: کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و دارای دستگاه مخلوط کن باشد. ۳۷ ـ کامیون کمپرسی کامیون اطاقداری که تخلیه بار آن به وسیله دستگاه کمپرس انجام‌می‌شود. ۳۸ ـ وسیله نقلیه جرثقیل‌دار: وسیله نقلیه باربری که قسمت بار آن مجهز به دستگاه جرثقیل باشد. ۳۹ ـ تراکتور بارکش وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای کشیدن یدک بارکش ساخته شده‌است ۴۰ ـ تراکتور کشاورزی وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای کارهای کشاورزی ساخته شده‌است ۴۱ ـ کشنده وسیله نقلیه موتوری زمینی که انواع یدک و شبه یدک بارگیر به آن متصل و با نیروی آن کشیده می‌شود. ۴۲ ـ تریلر: وسیله نقلیه باربری با ظرفیت بارگیری ۲۴ تن که از مجمع کشنده و شبه یدک تشکیل شده باشد. ۴۳ ـ راه کلیه معابری که برای عبور و مرور اختصاص یابد. ۴۴ ـ سواره‌رو: قسمتی از سطح راه که برای تردد یا توقف وسایل نقلیه اختصاص یابد. ۴۵ ـ پیاده‌رو: قسمتی از سطح راه در امتداد سواره‌رو که برای عبور عابرین پیاده مجزا شده‌باشد. ۴۶ ـ گذرگاه عبور عابر پیاده قسمتی از عرض سواره‌رو که به وسیله علایم مخصوص برای عبور عابر پیاده مشخص شده باشد. ۴۷ ـ کوچه راهی در مناطق مسکونی که حداکثر عرض آن ۶ متر باشد. ۴۸ ـ خیابان راهی در مناطق مسکونی که عرض آن بیش از ۶ متر باشد. ۴۹ ـ جاده راهی است در خارج از محدود شهرها. ۵۰ ـ خیابان اصلی خیابانی که در برخورد با خیابان دیگر عریض‌تر باشد یا با نصب علایم راهنمایی ،اصلی تلقی شود. ۵۱ ـ خیابان

فرعی خیابانی که در برخورد با خیابان دیگر کم‌عرض‌تر باشد یا با نصب علایم راهنمایی ،فرعی تلقی شود. ۵۲ ـ جاده اصلی جاده‌ای که در برخورد با جاده دیگر عریض‌تر باشد یا با نصب علایم راهنمایی ،اصلی تلقی شود. ۵۳ ـ جاده فرعی جاده‌ای که در برخورد با جاده دیگر کم عرض‌تر باشد یا با نصب علایم راهنمایی ،فرعی تلقی شود. ۵۴ ـ بزرگراه راهی که مسیر رفت و برگشت آن از یکدیگر مجزا و در هر سمت حرکت حداقل دارای دو خط عبور باشد. ۵۵ ـ اتوبان (شاهراه : راهی بدون تقاطع هم سطح که اطراف آن محصور و مسیر رفت و برگشت آن از یکدیگر مجزا و در هر سمت حرکت حداقل دارای دو خط عبور و شانه با عرض سه متر یا بیشتر باشد. ۵۶ ـ پارکومتر: دستگاهی که به کارگیری آن در زمان معین به وسایل نقلیه اجازه توقف می‌دهد.

فصل دوم ــ شماره‌گذاری و نقل انتقال مالکیت (ماده ۲ تا ۱۶

ماده ۲ ـ هر وسیله نقلیه موتوری زمینی و یدک و شبه یدک متصل که بر اساس مقررات مناطق آزاد وارده شده و در منطقه به کار گرفته می‌شود ،باید دارای پلاک مخصوصی باشد که درمنطقه مربوط ارائه می‌شود. راندن و یا به کارگیری وسیله نقلیه‌ای که شماره‌گذاری نشده و یا شماره آن غیرمجاز است همچنین گذاردن این قبیل وسایل نقلیه در اختیار اشخاص دیگر ممنوع است ،مگر آنکه قبلا از راهنمایی و رانندگی منطقه مربوط مجوز دریافت شده باشد. ماده ۳ ـ مالکین وسایل نقلیه مذکور در ماده ۲ یا نماینده قانونی آنان موظفند جهت شماره گذاری و اخذ پلاک و برگ تایید مالکیت وسیله نقلیه خود به راهنمایی و رانندگی مربوط مراجعه و فرمهای مخصوص را تنظیم و امضا نمایند و به ضمیمه مدارک مورد نیاز تسلیم کنند. مأمورین راهنمایی و رانندگی منطقه از حرکت اتومبیلهایی که در موعد مقرر شماره‌گذاری نشده‌اند جلوگیری به عمل خواهند آورد. ماده ۴ ـ پلاک صرفا به اشخاص حقیقی و یا حقوقی مالک وسایل نقلیه تعلق می‌گیرد و کلیه‌مسئولیتهای ناشی از استفاده غیرمجاز از آن نیز به عهده آنان می‌باشد. ماده ۵ ـ نقل و انتقال مالکیت وسیله نقلیه و اطلاعات مورد نیاز به وسیله متصدی شماره‌گذاری در برگ تایید مالکیت اتومبیل ثبت می‌شود. ماده ۶ ـ فروشنده مکلف است در هنگام فروش وسیله نقلیه خود ،پلاک و فرم مخصوص‌تنظیم شده را جهت استفاده مجدد خود به واحد شماره‌گذاری تحویل دهد. ماده ۷ ـ در صورت نقل و انتقال مالکیت وسیله نقلیه خریدار موظف است بلافاصله پس ازخریداری برابر مفاد ماده ۲ نسبت به شماره‌گذاری وسیله نقلیه و اخذ پلاک جدید و برگ تایید مالکیت به نام خود اقدام نماید. ماده ۸ ـ اشخاصی که وسایل نقلیه آنان در خارج از محدوده مناطق آزاد شماره‌گذاری شده ، می‌توانند برابر دستورالعملی که از طرف سازمان اعلام می‌شود ،برای وسیله نقلیه خود مطابق مفاد این آیین نامه پلاک اخذ نمایند ،پلاک قبلی این قبیل وسایل نقلیه مادام که در منطقه به کارگرفته می‌شوند در سازمان منطقه نگهداری می‌شود و اطلاعات آنها به نیروی انتظامی منتقل‌می‌گردد. ماده ۹ ـ سازمان منطقه در موارد زیر می‌تواند از انجام شماره‌گذاری خودداری نماید: ۱ ـ در صورتی که وسیله نقلیه معیوب بوده ،یا به جهات فنی به کارگیری آن در منطقه‌خطرناک باشد. ۲ ـ چنانچه اصالت وسیله نقلیه احراز نشود. ۳ ـ هرگاه حقوق و عوارضی که به موجب مقررات سازمان منطقه به وسیله نقلیه تعلق می‌گیرد ،پرداخت نشده باشد. ۴ ـ چنانچه وسیله نقلیه دارای علایم و تجهیزات پیش‌بینی شده در این آیین نامه نباشد. ۵ ـ هرگاه بیش از پنج سال از زمان ساخت وسیله نقلیه گذشته باشد ،مگر با اجازه سازمان منطقه ۶ ـ موتورسیکلت‌هایی که موتور آنها دو زمانه باشد. ماده ۱۰ ـ شماره‌گذاری وسیله نقلیه از طریق تحویل پلاک و برگ تایید مالکیت به مالک وسیله نقلیه و یا نماینده قانونی وی انجام خواهد شد. انواع پلاکها و ابعاد و رنگهای آنها برای وسایل نقلیه مختلف همچنین مدارک مورد نیاز برای شماره‌گذاری و چگونگی ارائه سرویسهای مربوط به شماره‌گذاری به وسیله دستورالعملی که با هماهنگی سازمان مربوط و راهنمایی و رانندگی تهیه خواهد شد تعیین می‌شود. ماده ۱۱ ـ راهنمایی و رانندگی پس از شماره‌گذاری وسیله نقلیه سندی که حاوی اطلاعات مربوط به مشخصات وسیله نقلیه و نقل و انتقالات مالکیت آن و مشخصات

خریـدار و فروشـنده باشد ،صادر و در اختیار مالک یا نماینده قانونی وی می گذارد. ماده ۱۲ ـ هر گاه بر گ مالکیت یا پلاک وسـیله نقلیه مفقود یـا ضایع شود ،مالک وسـیله نقلیه موظف است حـداکثر ظرف ۴۸ ساعت شـخصا یا به وسـیله نماینده قانونی خود جهت اخـذالمثنی بر گ تاییـد مالکیت و یا پلاک جدیـد به واحـد شـماره گذاری مراجعه و برابر دسـتورالعمل مربوط اقدام کند. ماده ۱۳ ـ راهنمـایی و راننـدگی می‌توانـد به سازنـدگان و فروشـندگان و حمل کننـدگان و واردکننـدگان و صادر کننـدگان وسایل نقلیه فقط جهت عرضه نمودن و یـا حمل و نقل آنها از محلی به محل دیگر بـدون انجام تشـریفات شـماره گذاری پلاک موقت با مـدت اعتبار تعیین شده تحویل‌دهد. ماده ۱۴ ـ اشخاصی که به عنوان وسیله نقلیه تحت مالکیت خود پلاک اخذ نموده‌اند ، صرفا مجاز به استفاده از آن روی همـان وسـیله نقلیه خواهنـد بود. ماده ۱۵ ـ وسـیله نقلیه بـا پلاـک ترانزیت که از طریق مبـادی ورودی ، وارد منـاطق آزاد می‌شود ، چنانچه راننده یا مالک آن تمایل به اسـتفاده از وسـیله را داشـته باشد ، پس از انجام تشـریفات لازم از طریق سازمان ،برای مـدت زمان معین پلاک موقت دریافت می‌نمایـد. ماده ۱۶ ـ وسـیله نقلیه‌ای که در مناطق آزاد شـماره گذاری شده پس از تشـریفات گمرگی به‌مـدت مربوط به ورود اتومبیل‌های خارجی مجوز تردد موقت سایر نقاط کشور دریافت خواهـدکرد. تبصـره ـ وسایل نقلیه شماره گذاری شده در منطقه آزاد چابهار می‌توانند تا شـعاع ۳۰کیلومتری از مرز منطقه آزاد تردد نمایند (محور چابهار ـ ایرانشـهر تا پلیس راه سازمان منطقه با هماهنگی گمرک و نیروی انتظامی نحوه اجرای صحیح این تبصره را تدوین خواهند نمود.

فصل سوم ــ گواهینامه رانندگی (ماده ۱۷ تا ۱۸)

ماده ۱۷ ـ هرکس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری در محدوده مناطق آزاد رانندگی نماید باید دارای گواهینامه معتبر رانندگی مربوط به آن وسـیله باشـد. ماده ۱۸ ـ گواهینامه‌های راننـدگی معتبر عبارتنـد از: ۱ ـ گواهینامه‌هـای صادر شـده در داخل کشور. ۲ ـ گواهینامه‌های خارجی معتبر مورد تایید مناطق آزاد.

فصل چهارم ــ معاینه وسایل نقلیه (ماده ۱۹ تا ۳۲)

ماده ۱۹ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای برگ معتبر معاینه فنی (تایید صـحت فنی که به وسیله راهنمایی و رانندگی هر منطقه آزاد صـادر می‌شود باشـند. رانـدن وسایـل نقلیه موتوری فاقـد برگ معتبر معـاینه فنی ممنوع است برگ معـاینه فنی بایـد همواره در دسترس و قابل ارائه باشد. مدت اعتبار برگ معاینه فنی را راهنمایی و رانندگی معین می‌نماید. ماده ۲۰ ـ هرگاه در وسیله نقلیه عیب و نقص فنی بروز نمایـد و یـا از وضـعیت اسـتاندارد خـارج شود و یا تردد و به کارگیری آن خطرناک وناامن تشـخیص داده شود ، راهنمایی و راننـدگی هر منطقه ضـمن اخـذ برگ معاینه فنی ،وسـیله نقلیه را به تعمیرگاه هـدایت می‌کند و تا زمانی که صـحت فنی وسـیله نقلیه تاییـد نشـده باشـد تردد و به کارگیری آن مجاز نخواهـد بود. ماده ۲۱ ـ راهنمایی و راننـدگی هر منطقه می‌توانـد موارد معاینه فنی و اسـتانداردهای هرقسمت را مشخص و اعلام نماید. ماده ۲۲ ـ چنـانچه سازمان هر یک از مناطق آزاد برای ایمنی تردد و یـا جلوگیری از آلودگی محیط زیست نصب تجهیزاتی را بر روی وسایـل نقلیه ضـروری اعلاـم نمایـد همگان موظف به رعایت آن می‌باشند. ماده ۲۳ ـ راهنمـایی و راننـدگی هر منطقه بر حسب ضـرورت می‌توانـد صـدور برگ معـاینه فنی را برای مـدت یکسال به اشخاص حقیقی و یا حقوقی واگذار نماید و تمدید آن برای دوره‌های یکساله بلامانع است ماده ۲۴ ـ برگ و برچسب معاینه فنی در مرکز مجاز معاینه فنی وسایل نقلیه که برای بازدیدصـحت قسمتهای مختلف وسیله نقلیه و رعایت مقررات و استانداردهای مربوط به آن آماده شـده به وسـیله بازدیدکننـده فنی صادر می‌شود. بازدید کننده فنی شخصـی است که تمام مقررات و اسـتانداردهای معاینه

فنی را می‌داند. ماده ۲۵ ـ در موارد زیر راهنمایی و رانندگی هر منطقه می‌تواند از صدور مجوز انجام معاینه‌فنی برای تعمیرگاهها و یا اشخاص خودداری کرده و یا مجوز صادره را باطل نماید: ۱ ـ در صورتی که مسئول مرکز معاینه و یا بازدیدکننده فنی دارای سابقه محکومیت کیفری موثر باشد. ۲ ـ در صورتی که مرکز معاینه فنی در وضعیت و شرایط استاندارد نباشد. ۳ ـ در صورتی که مرکز معاینه فنی بدون رعایت ضوابط ،برگ معاینه صادر نموده باشد. ۴ ـ در صورتی که بازدیدکننده فنی بدون بازدید از وسیله نقلیه برگ معاینه فنی صادر کرده‌باشد. ماده ۲۶ ـ مجوز صدور برگ معاینه فنی وسایل نقلیه قابل انتقال به دیگران نیست ماده ۲۷ ـ برای هر مرکز مجاز معاینه فنی و بازدیدکننده فنی از طرف راهنمایی و رانندگی هرمنطقه معرفی‌نامه صادر خواهد شد. ماده ۲۸ ـ مراکز مجاز معاینه فنی به وسیله یک تابلو مخصوص مشخص می‌شوند که درهنگام ابطال مجوز باید آن را دعوت دهند. ماده ۲۹ ـ بازرسان راهنمایی و رانندگی هر منطقه در هر زمان می‌توانند از نحوه عمل مراکزمعاینه فنی و دفاتر و مدارک مربوط بازید به عمل آورند و مسئولین مراکز ملزم به همکاری می‌باشند. ماده ۳۰ ـ به وسیله مناطق آزاد برای بازدید فنی (بازدید به وسیله نیروی انتظامی انجام‌می‌شود) و صدور برگ معاینه فنی و برچسب ،مبلغی (طبق آیین نامه اجرایی اخذ عوارض درمناطق تجاری ـ صنعتی به عنوان تعرفه تعیین می‌شود که هنگام مراجعه باید پرداخت شود. ماده ۳۱ ـ مشخصات دستگاههای لازم برای بازدید فنی از سوی راهنمایی و رانندگی هرمنطقه تعیین و اعلام می‌شود و مراکز معاینه فنی باید دستگاههای مذکور را در مدت زمان تعیین شده تهیه و مورد استفاده قرار دهند. ماده ۳۲ ـ هر مرکز مجاز معاینه فنی باید دفتری را به منظور ثبت مشخصات وسایل نقلیه مورد بازدید اختصاص دهد.

فصل پنجم ـ تصادفات (ماده ۳۳ تا ۴۲)

ماده ۳۳ ـ راننده هر وسیله نقلیه که مرتکب تصادف منجر به جرح یا فوت شود ،موظف است صحنه تصادف را حفظ کرده و مراتب را در اسرع وقت به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهد و مادام که تشریفات مربوط به رسیدگی به تصادف وسیله کارشناسان خاتمه نیافته از تغییر وضعیت صحنه تصادف خودداری کند ،لیکن در تصادفات منجر به خسارت چنانچه وسیله نقلیه قابل حرکت باشد راننده ملزم است آن را در نزدیکترین محلی که موجب سد معبر نشودبرای رسیدگی و بازدید متوقف سازد. تبصره ـ چنانچه راننده وسیله نقلیه مراتب وقوع تصادف را اطلاع ندهد ،مالك وسیله نقلیهو سایر سرنشینان موظف به دادن اطلاع می‌باشند. ماده ۳۴ ـ رسیدگی به کلیه تصادفات رانندگی در مناطق آزاد به وسیله کارشناسان راهنمایی و رانندگی هر منطقه که برای این منظور آموزش دیده‌اند ،با تنظیم فرمهای مربوط انجام پذیرفته و به مراجع صلاحیتدار ارسال می‌شود. ماده ۳۵ ـ رانندگان و سرنشینان وسیله نقلیه‌ای که تصادف نموده‌اند در صورت وقوع جرح موظفند کمکهای مورد نیاز را به مجروحین نموده نسبت به اعزام آنان به مراکز درمانی اقدام نمایند. ماده ۳۶ ـ چنانچه رانندگان و سرنشینان وسیله نقلیه‌ای که تصادف نموده قادر به رساندن مصدومین به مراکز درمانی نباشند سایر افراد حاضر به شرط داشتن توانایی موظفند ضمن انجام کمکهای لازم در صورت نیاز ،مصدومین را به مراکز درمانی منتقل کنند. در این گونه موارد مأمورین فقط اجازه دارند مشخصات کمک دهنده را ثبت نمایند. ماده ۳۷ ـ مراکز درمانی در هر صورت ملزم به پذیرش مصدومین ناشی از تصادفات و انجام اقدامات لازم در این زمینه می‌باشند. ماده ۳۸ ـ مراکز درمانی و پزشکان ملزم به تکمیل فرم گزارش رجوع مصدومین تصادفات وشرح اقدامات انجام شده برای هر یک از آنان و ارسال به راهنمایی و رانندگی منطقه می‌باشند. ماده ۳۹ ـ چنانچه در هنگام معالجه مصدومین یا سایر بیماران مشخص شود رانندگی آنان در آینده سبب خطر برای خود و سایرین خواهد شد پزشك معالج باید مراتب را به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهد. ماده ۴۰ ـ راننده هر وسیله نقلیه‌ای که با وسایل نقلیه در حال توقف ،حیوانات ،علایم راهنمایی ،چراغ برق ،درخت و سایر اجسام تصادف

نمایـد ،باید مراتب را به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهد. ماده ۴۱ ـ تعمیرگاهها و توقف‌گاهها موظفنـد ظرف ۲۴ ساعت پس از رویت وسـیله نقلیه‌ای که آثار تصادف و برخورد در آن وجود دارد مراتب را به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهند. ماده ۴۲ ـ راهنمایی و رانندگی هر منطقه می‌تواند به منظور کاهش میزان تصادفات ، رانندگان مقصر را تحت آموزش مجدد قرار دهند.

فصل ششم ــ تجهیزات (ماده ۴۳ تا ۶۹)

ماده ۴۳ ـ اشـخاص حق ندارنـد هیچ نوع وسـیله نقلیه‌ای را که فاقد لوازم و تجهیزات مذکور دراین فصل ،یا دارای لوازم و تجهیزات مخالف مقررات باشـد ،در راهها برانند یا برای رانندگی دراختیار دیگری بگذارند. ماده ۴۴ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری دارای چهار چرخ یا بیشتر ،حداقل باید دارای چراغ هایی به شـرح زیر باشند: ۱ ـ دو چراغ با نور سـفید در طرفین جلو که نور آنها قابل تبدیل به سمت بالا و پایین باشد ،به‌نحوی که به وسـیله نور بالا اشـخاص و یا اشیا از فاصله ۱۵۰ متری و به وسـیله نور پایین ازفاصله ۳۵ متری تشخیص داده شوند. ۲ ـ دو چراغ کوچـک با نور زرد یا سـفید برای تشـخیص عرض وسـیله نقلیه در منتهی الیه طرفین جلو ،نور این چراغها باید از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. ۳ ـ دو چراغ با نور قرمز جهت تشـخیص عرض وسیله نقلیه در منتی‌الیه طرفین عقب ،نور این چراغها باید از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. ۴ ـ دو چراغ کوچک با نور قرمز برای ترمز در طرفین عقب که به محض گرفتن ترمز روشن‌شود ،نور این چراغها باید از فاصـله ۱۵۰ متری دیده شود. ۵ ـ یـک چراغ به رنگ سـفید برای روشن نمودن پلاک عقب ۶ ـ یک چراغ کوچک به رنگ زرد یا سـفید در عقب که فقط هنگام اسـتفاده از دنده عقب روشن‌شود. ۷ ـ دو نور تاب قرمز در طرفین عقب ماده ۴۵ ـ موتورسیکلت باید حداقل یک چراغ و حداکثر دو چراغ با نور سفید در جلو که تافاصله ۱۵۰ متری را روشن نماید و یک چراغ قرمز با شـیشه نور تاب قابل رویت از فاصله ۱۵۰متری در عقب و دو آیینه روی فرمان داشـته باشد. ماده ۴۶ ـ هر دوچرخه بایـد یک چراغ با نور سـفید در جلو که تا مسافت ۱۵۰ متری را روشن نمایـد و یـک چراغ قرمز و نور تاب قابل رویت از فاصـله ۲۰ متری در عقب و یـک زنگ یا بوق که صـدای آن از فاصـله ۳۰ متری شـنیده شود ،داشته باشد. ماده ۴۷ ـ هیچ وسـیله نقلیه موتوری نباید بیش از چهار چراغ نور سفید و زرد در جلو داشته‌باشد که نوری بیش از ۳۰۰ شمع تولید کنند و نور هر چراغ عقب نیز نباید از ۳ شمع کمتر باشد. ماده ۴۸ ـ وسایل نقلیه موتوری سنگین که حداقل ۲۰۵ سانتی‌متر عرض و حداقل ۹ مترطول داشته باشند می‌توانند علاـوه بر چراغ‌های مـذکور در ماده ۴۵ دو چراغ بـا نـور زرد در جلـو وسه چراغ بـا نور قرمز در عقب داشـته باشـند. اسـتفاده از این چراغها تنها در راههای فاقد روشـنایی مجاز است ماده ۴۹ ـ وسایل نقلیه موتوری با طول ۶ متر یا بیشتر باید در هر پهلو حداقل چهار چراغ کوچک با نور زرد یا قرمز یا به همین تعداد نورتاب داشته باشند. ماده ۵۰ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای حداقل چهار چراغ چشـمک زن بـا نور زرد باشـند که دو چراغ در طرفین جلو و دو چراغ در طرفین عقب به عنوان راهنمـا کـار کننـد. مـاده ۵۱ ـ وسایـل نقلیه راهنمـایی و راننـدگی ، آمبولـانس ، نیروی انتظـامی و آتش‌نشـانی بایـددو چراغ قرمز گردان در مرتفع‌ترین نقطه خود داشـته و مجهز به آژیر و بلندگو باشـند. سایر وسایل نقلیه امدادی فقط از یک چراغ زرد و آژیر اسـتفاده می‌نمایند. سرویس مدارس باید یک چراغ گردان زرد و آژیر در مرتفع ترین نقطه خود داشـته باشد. ماده ۵۲ ـ در مواردی که به کارگیری چراغهای الکتریکی ،بـا ایمنی محموله وسایـل نقلیه ، مغـایرت داشـته باشـد ،بایـد از چراغهـای ایمنی و نورتـاب اسـتفاده شود. ماده ۵۳ ـ هر وسـیله نقلیه موتوری دارای چهارچرخ یا بیشتر باید ،حداقل دارای دو سیستم جداگانه ترمز باشد که یک سیستم برای متوقف ساختن وسیله نقلیه و سیستم دیگر برای نگهداشتن وسیله نقلیه در حالت توقف به کار گرفته شود. ماده ۵۴ ـ هر دوچرخه موتوردار و موتورسیکلت باید دارای دو سیسـتم ترمز باشـد که یکی‌بر روی چرخ جلو و دیگری بر روی چرخ عقب اثر نمایـد. مـاده ۵۵ ـ هر دوچرخه بایـد حداقل دارای یک سیسـتم ترمز باشـد که بر روی چرخ عقب یا هردو چرخ اثر نماید. ماده ۵۶ ـ یدک‌ها و شـبه یدکهایی که ظرفیت آنها از

۱۴۰۰ کیلوگرم بیشتر است باید دارای سیستم ترمز باشند. نحوه ساختمان این سیستم ترمز باید به صورتی باشد که در صورت قطع ناگهانی اتصال ترمز خودبخود گرفته شود و یدک یا شبه یدک را متوقف سازد. ماده ۵۷ ـ هر وسیله نقلیه موتوری چهارچرخ یا بیشتر باید حداقل دارای یک آینه مخصوص در داخل اطاق و یک آینه مخصوص در بیرون اطاق سمت راننده باشد. به نحوی که عبور وسایل نقلیه از پشت سر و پهلو برای راننده قابل رویت باشد. ماده ۵۸ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری دارای شش چرخ یا بیشتر باید در پشت تمام چرخهادارای گل‌پخش کن باشند. ماده ۵۹ ـ هر وسیله نقلیه موتوری دارای شیشه جلو باید مجهز به دستگاهی برای پاک کردنباران ،برف و رطوبت شیشه باشد که به طور خودکار یا به دلخواه راننده کار کند. ماده ۶۰ ـ تمام شیشه‌های وسایل نقلیه موتوری باید از نوع ایمنی باشد. ماده ۶۱ ـ نصب شیشه‌های رنگی که دید راننده را بسیار محدود کند یا استفاده از اسپری هایی که این محدودیت را ایجاد نماید ممنوع است ماده ۶۲ ـ نصب شیشه‌هایی که نور را کاملاـ منعکس نماید (با استفاده از اسپری یا عامل‌دیگر) روی وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۶۳ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای منبع اگزوز باشند که مانع از ایجاد صدای ناهنجار شود. مستقیم کردن خروجی اگزوز ممنوع است ماده ۶۴ ـ تمام صندلی‌های وسایل نقلیه موتوری باید مجهز به کمربند ایمنی باشند. ماده ۶۵ ـ راننده و ترک‌نشین موتورسیکلت باید از کلاه ایمنی استفاده نمایند. ماده ۶۶ ـ کلیه وسایل نقلیه موتوری باید یک مثلث نورتاب قابل رویت از فاصله ۱۵۰متری همراه داشته باشد. اتوبوسها ،کامیونها و تریلی‌ها باید حداقل دارای دو مثلث نورتاب باشند. ماده ۶۷ ـ کلیه وسایل نقلیه مسافربری باید دارای جعبه کمکهای اولیه و کپسول آتش نشانی مناسب باشند. ماده ۶۸ ـوسایل نقلیه موتوری که راهنمایی و رانندگی اعلام نماید باید مجهز به دستگاه سرعت نگار باشند. ماده ۶۹ ـ عاج لاستیک چرخهای وسایل نقلیه در ساییده ترین قسمت نباید کمتر از ۲میلی‌متر باشد.

فصل هفتم ـ مقررات حمل و نقل بار و مسافر (ماده ۷۰ تا ۸۴)

ماده ۷۰ ـ حمل مسافر و بار بیش از ظرفیت مجاز وسیله نقلیه ممنوع است ماده ۷۱ ـ نصب باربند و حمل بار روی سقف اتوبوس و مینی بوس ممنوع است ماده ۷۲ ـ حمل هرگونه مواد محترقه و آتش‌زا و سریع‌الاشتعال توسط وسایل نقلیه مسافربری ممنوع است ماده ۷۳ ـ وسایل نقلیه مسافری به تناسب فصل باید دارای تجهیزات گرم‌کننده و سردکننده باشند. ماده ۷۴ ـ رانندگان وسایل نقلیه مسافربری مکلفند در ساعات شب و با تاریک شدن هوا چراغ داخل وسیله نقلیه را روشن نگهدارند. ماده ۷۵ ـ اتوبوسها و سرویس‌های مدارس ملزم به داشتن یک نفر خدمه می‌باشند. ماده ۷۶ ـ رانندگان وسایل نقلیه باربری موظفند در هنگام بارگیری با استفاده از وسایل مناسب بار وسیله نقلیه خود را کاملا مهار نمایند و در صورت لزوم به وسیله پوشش آن را محفوظ نمایند هرگاه محموله یا قسمتی از آن سقوط کند راننده مسئول است ماده ۷۷ ـ طول و عرض بار وسایل نقلیه باربری نباید از اطاق بار آن بیرون باشد. ماده ۷۸ ـ راننده یا مالک وسیله نقلیه باربری مسئول خسارت وارده به راه در اثر حمل بار غیرمجاز می‌باشد. ماده ۷۹ ـ توزین وسایل نقلیه باربری در مکانهایی که باسکول نصب گردیده انجام می‌شود رانندگان وسایل نقلیه باربری موظفند وسایل نقلیه خود را در جهت توزین به روی باسکول هدایت کنند. ماده ۸۰ ـ هرگاه در موقع توزین معلوم شود که بیش از وزن مجاز بارگیری شده ،بار اضافی تخلیه می‌شود. مسئولیت انبار کردن و حفظ بار اضافی به عهده راننده یا مالک وسیله نقلیه می‌باشد. ماده ۸۱ ـ مناطق آزاد می‌توانند جهت حمل محمولاتی که قابل تجزیه و تفکیک نبوده بیش از ظرفیت یا بزرگتر از حجم معین است ، پروانه مخصوص که حاوی مشخصات و ظرفیت وسیله نقلیه حمل‌کننده و وزن و ابعاد بار و مسیر و تعداد دفعات رفت و برگشت یا مدت حمل مستمراست صادر کنند. این پروانه باید تا پایان مدت اعتبار آن نزد راننده موجود باشد و هنگام مراجعه مأمورین راهنمایی و رانندگی ارائه شود. ماده ۸۲ ـ حمل مایعات باید به وسیله تانکر انجام شود و حمل مایعات در مخازن نیمه‌خالی ممنوع است ماده ۸۳

ـ حمل مواد محترقه و آتش‌زا فقط با وسایل نقلیه مخصوص مجاز است ماده ۸۴ ـ طول و عرض وسایل نقلیه باربری همان است که برطبق مشخصات کاتالوگ کارخانه سازنده تعیین شده ولی ظرفیت آن به وسیله شماره گذاری تعیین می‌شود.

فصل هشتم ــ مقررات مختلف (ماده ۸۵ تا ۱۳۱)

ماده ۸۵ ـ عابرین پیاده هنگام حرکت در طول راههایی که پیاده‌رو دارد حق ندارند از سواره‌رو عبور کنند. ماده ۸۶ ـ در راههایی که پیاده‌رو وجود ندارد و یا در صورت وجود به جهاتی قابل استفاده نباشد عابرین پیاده موظفند هنگام حرکت در طول سواره‌رو از منتهی‌الیه سمت چپ خود به نحوی عبور نمایند که حرکت وسایل نقلیه مقابل در خلاف جهت ایشان انجام گیرد. ماده ۸۷ ـ عابرین پیاده موظفند برای گذشتن از عرض راه حتما از گذرگاه عابرپیاده عبورنمایند. ماده ۸۸ ـ در تقاطع‌های فاقد گذرگاه عابر پیاده هم سطح ،عابرین پیاده موظفند هنگام عبوراز گذرگاه عابر پیاده از چراغ راهنمایی نیز متابعت نمایند. ماده ۸۹ ـ عابرین پیاده برای عبور از عرض راه مکلفند به طور ناگهانی از پیاده‌رو داخل سواره‌رو نشده ضمن توجه به مسیر عبور وسایل نقلیه با احتیاط از کوتاهترین مسیر از عرض راه عبور نمایند. ماده ۹۰ ـ اشخاصی که به هر عنوان بر روی راهها کار می‌کنند قبل از شروع به کار باید علایم ایمنی عبور و مرور را در محل و به لباسهای کارگران و وسایل نقلیه خود نصب نمایند. در غیراین صورت مأمورین موظف به جلوگیری از فعالیت آنان می‌باشند. ماده ۹۱ ـ به غیر از مأموران راهنمایی و رانندگی هیچ کس حق ندارد برای هدایت و حفاظت وسایل نقلیه در سواره‌رو و خیابان بایستد یا قدم بزند. ماده ۹۲ ـ اشخاصی که به وسیله چرخ معلولین (ویلچر) حرکت می‌کنند و یا کودکانی که به‌وسیله کالسکه حمل می‌شوند در حکم عابر پیاده می‌باشند. ماده ۹۳ ـ رانندگان وسایل نقلیه در حال حرکت موظفند برای جلوگیری از تصادف فاصله‌مناسبی را نسبت به وسیله نقلیه جلویی خود حفظ نمایند. در راههایی که سرعت مجاز بیش از ۶۰ کیلومتر در ساعت است فاصله مجاز بین وسایل نقلیه یک متر به ازای هر کیلومتر سرعت‌می‌باشد. ماده ۹۴ ـ وسایل نقلیه موتوری با طول بیش از ۱۲ متر موقع عبور در راههای غیرمسکونی باید فاصله بیشتری با وسایل نقلیه جلویی خود داشته باشند به نحوی که وسیله نقلیه دیگری که‌از آنها سبقت می‌گیرد بتواند پس از سبقت مجددا در جلوی آنها وارد مسیر اولیه شود. ماده ۹۵ ـ وسایل نقلیه‌ای که به صورت کاروان و دسته جمعی در راهی عبور می‌کنند نیزمشمول ماده ۹۲ می‌باشند. ماده ۹۶ ـ حرکت با دنده خلاصی در سرازیری ها ممنوع است ماده ۹۷ ـ امتناع از قبول مسافر و همچنین نرساندن مسافر به مقصد برای وسایل نقلیه مسافربری عمومی در حال سرویس ممنوع است ماده ۹۸ ـ رانندگان هنگام رانندگی حق صحبت یا استعمال دخانیات و یا خوردن و آشامیدن را نداشته و باید صرفا به هدایت وسیله توجه داشته باشند. ماده ۹۹ ـ اشخاصی که مواد مخدر یا مشروبات الکلی و یا داروهای آرام‌بخش و خواب آور مصرف نمایند تا رفع کامل آثار آن حق رانندگی ندارند. ماده ۱۰۰ ـ وسایل نقلیه امدادی جهت انجام ماموریت فوری در صورت به کار بردن چراغ گردان مخصوص یا آژیر تا حدودی که موجب تصادف نشوند مجاز به انجام اعمال زیرمی‌باشند: ۱ ـ توقف در محل ممنوعه ۲ ـ تجاوز از سرعت مجاز. ۳ ـ سبقت از سمت راست وسیله نقلیه دیگر. ۴ ـ عبور از طرف چپ راه ۵ ـ دور زدن در نقاط ممنوعه ۶ ـ گذشتن از چراغ قرمز یا عدم رعایت علائم دیگر ایست ،مشروط به اینکه از سرعت وسیله نقلیه در این گونه محل‌ها تا حد امکان کاسته شود. ماده ۱۰۱ ـ وسایل نقلیه امدادی که مجاز به داشتن آژیر می‌باشند فقط در مواقعی که برای انجام ماموریت فوریتی در حرکتند باید از آنها استفاده نمایند. ماده ۱۰۲ ـ اتومبیل‌های مدارس فقط در مواقع سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان حق استفاده از علایم مخصوص را دارند. ماده ۱۰۳ ـ راندن‌وسیله‌نقلیه‌ای‌که بیش‌از ظرفیت مجاز بار یا مسافر گرفته باشد ممنوع است ماده ۱۰۴ ـ راندن وسایل نقلیه در پیاده‌رو یا از وسط دستجات ممنوع است ماده ۱۰۵ ـ سوار شدن یا سوارکردن اشخاص در قسمت خارجی وسیله نقلیه ممنوع است ماده ۱۰۶ ـ سوار شدن یا سوارکردن اشخاص در قسمت بار و یا روی بار وسایل

نقلیه بـاربری ممنوع است ماده ۱۰۷ ـ درب‌های هر وسیله نقلیه در حال حرکت بایـد کاملا بسته باشـد و بازکردن آنها قبل از توقف کامل مجاز نیست ماده ۱۰۸ ـ چنانچه درب وسیله نقلیه به گونه‌ای باز شود که برای عابرین یا وسایل نقلیه دیگر خطر به وجود آورد سرنشین یا راننده مسئول خواهد بود. ماده ۱۰۹ ـ رانندگان وسایل نقلیه هنگام عبور از معابر و گذرگاه‌های تنگ یا پرجمعیت و یادر مواردی که بیشتر از ۵۰ متر مقابل آنها مرئی نیست مکلفند آهسته حرکت کنند و در صورت احتمال حادثه یا اخلال نظم و مزاحمت بر حسب مورد وسیله نقلیه را کنـد و یا آن را متوقف‌سازنـد. ماده ۱۱۰ ـ هیـچ‌کس حق ندارد وسیله نقلیه‌ای که متعلق به او نیست یا برای رانندگی دراختیار او گذاشته نشده را بدون اجازه کسی که آن را در اختیار دارد از محل خود حرکت دهد یا باآن رانندگی کنـد مگر مأموران انتظـامی آن هم در حـدود مقررات و وظـایف قانونی ماده ۱۱۱ ـ هیـچ کس نمی‌تواند به شـخص فاقد گواهینامه رانندگی لازم اجازه رانندگی باوسیله نقلیه خود را بدهد. ماده ۱۱۲ ـ هنگامی که وسیله نقلیه بخواهد از تقاطع بدون راه بند راه آهن بگـذرد ،راننـده بایددر پنج متری تقاطع توقف کند درب وسیله نقلیه را باز کرده و به صدای احتمالی عبور قطارگوش کند ،چنانچه از عـدم عبور قطار مطمئن شـد وسیله نقلیه را در دنـده قرار داده ،بـدون عوض کردن دنـده از تقاطع عبور کنـد. ماده ۱۱۳ ـ چنانچه مـأموران راهنمـا در محـل تقاطع راه‌آهن حضور داشـته باشـند عبور وسایل نقلیه از تقاطع بایـد با فرمان آنان انجام گیرد. ماده ۱۱۴ ـ مأموران مسئول راه مکلفند از عبور و مرور در راههایی که به واسطه خرابی یاعلل دیگر خطرناک می‌باشند تا تعمیر و دفع علل خطر جلوگیری به عمـل آورنـد یـا از حرکت برخی از انواع وسایـل نقلیه و یـا از وسایـل نقلیه‌ای که مجهز به وسایل لازم نیسـتند ممانعت به‌عمل آورنـد. ماده ۱۱۵ ـ حمـل جنـازه بایـد بـا وسایـل نقلیه مخصوص انجـام گیرد مگر با اجازه راهنمایی و راننـدگی ماده ۱۱۶ ـ هیچ‌کس حق ندارد در حالی که سوار بر دوچرخه باشد به وسایل نقلیه در حال‌حرکت تکیه نماید و آنها را وسیله حرکت خود قرار دهد. ماده ۱۱۷ ـ تکیه نمودن و آویزان شدن اشخاص به وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۱۱۸ ـ هیچ کس حق ندارد در حالی که سوار بر کفش‌های چرخـدار یا اتومبیل‌های اسباب‌بازی یا چرخ‌های بلبرینگی باشـد در سواره‌رو حرکت کنـد. ماده ۱۱۹ ـ هیـچ کس حق ندارد بر روی سواره‌رو زباله یا شیشه یا قطعات فلزی و مایعات لزج بریزد و به طور کلی هر چیزی که باعث سد راه و یا ایجاد خطر و انحراف وسایل نقلیه ازمسیر حرکت باشد ممنوع است ماده ۱۲۰ ـ هر راننـده بایـد از علایم راهنمایی و رانندگی اطاعت نماید. ماده ۱۲۱ ـ راهنمایی و رانندگی می‌تواند استـفاده از لوازم یا تجهیزات مشخصـی را برای رانندگان یا وسیله نقلیه ممنوع سازد. ماده ۱۲۲ ـ راهنمایی و راننـدگی می‌تواند با هماهنگی سازمان منطقه آزاد شـکل ظاهری ورنگ و نوار رنگی و تجهیزات هر نوع وسـیله نقلیه را بسته به نوع استـفاده از آن تعیین و اعلام نماید. ماده ۱۲۳ ـ در وسایـل نقلیه باربری اطاق خواب جزو اطاق راننـده محسوب می‌شود. ماده ۱۲۴ ـ موتور سیکلت‌ها نباید از نیم ساعت قبل از غروب تا نیم ساعت پس از طلوع‌آفتاب در راههایی که حداکثر سرعت مجاز در آنهـا بیش از ۸۰ کیلومتر در سـاعت است حرکت‌نماینـد. مـاده ۱۲۵ ـ راهنمـایی و راننـدگی می‌توانـد در صورتی که به سلامت جسـمی یـا روحی دارنـده گواهینامه برای کنترل وی بر وسـیله نقلیه ،تردیـد کنـد وی را به مراجع پزشـکی ذی صـلاح معتمـد جهت آزمـایش و ارسـال نتیجه ،معرفی نمایـد. ماده ۱۲۶ ـ هیـچ کس حق نـدارد به علاـیم راهنمایی و راننـدگی صـدمه بزنـد. ماده ۱۲۷ ـ راهنمایی و رانندگی می‌تواند استفاده از خط عبوری در منتهی الیه سمت چپ‌راه را برای پاره‌ای وسایل نقلیه ممنوع سازد مشروط بر اینکه هر مسیر راه حـداقل دارای سه خط‌عبور باشـد. ماده ۱۲۸ ـ حمل سرنشـین در داخل خانه سیار هنگام یدک کشـی آن ممنوع است ماده ۱۲۹ ـ راهنمایی و رانندگی هرگونه اطلاعیه یا اخطاریه را به آخرین آدرس مالکین وسیله نقلیه خواهد فرستاد ،پانزده‌روز پس از ارسـال آنها تلقی بر اطلاع مالک خواهـد بود. ماده ۱۳۰ ـ در صورتی که پـارک وسـیله نقلیه موجب سـد معبر شود و یا برای تردد سـایر وسایل نقلیه ایجاد خطر نمایـد به وسـیله عوامل راهنمایی و راننـدگی و با امکانات لازم به محل‌مناسب انتقال می‌یابـد. در این صورت هزینه جابجایی و نگهـداری وسـیله نقلیه علاوه بر پرداخت جریمه تخلف به‌عهـده مالک خواهـد بود. ماده ۱۳۱ ـ مسابقه گذاردن بین دو یا چند وسیله نقلیه یا حرکت در موازات یکدیگر وراه‌ندادن به وسایل نقلیه دیگر برای سبقت مجاز ممنوع است

فصل نهم ــ علائم راهنمایی و رانندگی (ماده ۱۳۲ تا ۱۹۱

ماده ۱۳۲ ـ علایم راهنمایی و رانندگی که برای کنترل و تنظیم عبور و مرور در راههای مناطق آزاد به کار می‌رود به وسیله راهنمایی و رانندگی تعیین و در محل‌های مناسب نصب می‌گردد. کلیه رانندگان وسایل نقلیه و عابرین پیاده موظفند از علایم مذکور تبعیت نمایند. ماده ۱۳۳ ـ کنترل و تنظیم عبور و مرور به وسیله چراغها ، تابلوها ، خطوط ،نوشته‌ها ، مأموران انتظامی و یا هر وسیله دیگری که برحسب مورد مقتضی باشد به عمل می‌آید. در هرحال فرمان مأموران راهنمایی و رانندگی بر تمام علایم دیگر مقدم است ماده ۱۳۴ ـ در محل‌هایی که عبور و مرور به وسیله چراغ راهنمایی کنترل می‌شود رنگ های زیر برای مقاصدی که معین شده به کار می‌رود: ۱ ـ چراغ سبز برای حرکت وسایل نقلیه‌ای که با چراغ سبز روبرو می‌شوند حق عبور یا گردش را دارند مگر آن که گردش به وسیله علامت دیگری ممنوع شده باشد در هر حال وسایل نقلیه در حال گردش باید حق تقدم وسایل نقلیه‌ای که مستقیما می‌روند و حق تقدم عابرین پیاده‌ای که از گذرگاه پیاده‌رو در حرکتند رعایت نمایند. ۲ ـ چراغ زرد برای احتیاط وسایل نقلیه‌ای که با چراغ زرد روبرو می‌شوند بایستی قبل ازخط ایست گذرگاه عابر پیاده توقف نمایند و اگر قبلا وارد تقاطع شده‌اند موظفند به حرکت خودادامه دهند و از تقاطع و گذرگاه عابر ،عبور نمایند. ۳ ـ چراغ قرمز برای ایست کامل وسایل نقلیه‌ای که با چراغ قرمز روبرو می‌شوند باید قبل ازخط ایست گذرگاه عابر پیاده توقف کامل نمایند و در صورت نبودن خط ایست در فاصله پنج‌متری چراغ راهنمایی بایستند و تا روشن شدن چراغ سبز منتظر بمانند. ۴ ـ چراغ چشمک‌زن زرد برای عبور با احتیاط وسایل نقلیه مکلفند با مشاهده این چراغ از تقاطع و گذرگاه پیاده با احتیاط کامل و سرعت کم عبور نمایند. ۵ ـ چراغ چشمک‌زن قرمز برای ایست و عبور: وسایل نقلیه در صورت برخورد با این چراغ باید قبل از ورود به تقاطع یا گذرگاه پیاده توقف کامل کنند و پس از اطمینان از عدم وجود خطر تصادف عبور نمایند. ماده ۱۳۵ ـ انواع خطوطی که روی راهها باید کشیده شود مطابق نمونه های منضم به آیین نامه راهنمایی و رانندگی است ماده ۱۳۶ ـ تابلوها باید مطابق نمونه بین‌المللی که ضمیمه آیین نامه راهنمایی و رانندگی است تهیه و نصب شود. ماده ۱۳۷ ـ در محل‌هایی که چراغ قرمز یا هر نوع علایم ایست دیگر وجود دارد ممکن است به وسیله پیکان سبزی که در کنار چراغ قرمز تعبیه می‌شود یا با نصب تابلو به وسایل نقلیه اجازه داده شود که در مسیر معینی حرکت نمایند در این مورد رعایت حق تقدم پیادگان و وسایل نقلیه‌که با چراغ سبز جهت دیگر اجازه عبور داشته‌اند الزامی است ماده ۱۳۸ ـ نصب آگهی یا علامت یا تابلو یا وسایلی که دارای شباهت با علایم راهنمایی و رانندگی باشد یا از آنها تقلید شود و یا منظور از آن ،هدایت و کنترل وسایل نقلیه باشد و یا به‌طریقی باعث جلوگیری از رویت علایم راهنمایی و رانندگی گردد همچنین نصب چراغ های‌رنگی تبلیغاتی در مجاورت چراغ‌های راهنمایی به طوری که موجب اشتباه رانندگان گردد ممنوع است مقامات انتظامی می‌توانند در صورت مشاهده چنین اشیایی جهت برداشتن آنها اقدام و هزینه‌های متعلقه را دریافت نمایند. ماده ۱۳۹ ـ هیچ کس حق ندارد در علایم راهنمایی و رانندگی و دیگر وسایل تنظیم عبور ومرور وسایل نقلیه تغییراتی بدهد و یا در متن آن تصرفاتی نماید. ماده ۱۴۰ ـ علایم راهنمایی و رانندگی که به صورت نوشته به کار می‌رود و نوشته‌های متن تابلوهای راهنمایی و رانندگی باید به دو زبان فارسی و لاتین باشد. ماده ۱۴۱ ـ رانندگانی که قصد گردش به راست یا چپ یا توقف را دارند مکلفند از فاصله یکصد متری محل گردش یا توقف به وسیله چراغ راهنما به ترتیب زیر علامت بدهند: ۱ ـ برای گردش به راست چراغ راهنمای سمت راست را روشن کنند. ۲ ـ برای گردش به چپ چراغ راهنمای سمت چپ را روشن کنند. ۳ ـ برای توقف چراغ راهنمای سمت راست را روشن کنند. ماده ۱۴۲ ـ رانندگان وسایل نقلیه غیرموتوری فاقد چراغ راهنما باید با دست به ترتیب زیرعلامت بدهند: ۱ ـ برای گردش به راست دست چپ را به طرف بالاـ نگاهدارند. ۲ ـ برای گردش به چپ دست چپ را به طور افقی نگاهدارند. ۳ ـ

برای توقف دست چپ را به طرف پایین نگاهدارند. ۴ ـ برای کاستن سرعت دست چپ را به طور افقی از بالا ـ به پایین و متناوبا حرکت دهند. ماده ۱۴۳ ـ علایم اخباری همچنین علایم سبقت گرفتن به شرح زیر است ۱ ـ در روز بوق کوتاه ۲ ـ در شب چند بار خاموش و روشن کردن چراغ بزرگ جلوی وسیله نقلیه یا تعویض استپ هنگام سبقت گرفتن ،همچنین در روز و شب برای جلب توجه وسایل نقلیه پشت‌سر ، استفاده ازچراغ راهنما ضروری است ماده ۱۴۴ ـ رانندگان وسایل نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کنند باید در طرفین و عقب وسیله نقلیه تابلوهایی که روی آن کلمه خطر با حروف درشت به رنگ قرمز نوشته شده باشد نصب کنند. ماده ۱۴۵ ـ هرگاه وسیله نقلیه‌ای شب در کنار راه توقف کند و نور کافی در محل برای‌تشخیص اشیا از فاصله ۱۵۰ متری وجود نداشته باشد راننده (اعم از اینکه داخل وسیله نقلیه‌باشد یا خارج آن مکلف است چراغ‌های کوچک جلو و خطر عقب وسیله را روشن نگهدارد. ماده ۱۴۶ ـ هرگاه در راهها ،نقصی برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری ایجاد شود راننده مکلف است آن را از مسیر عبور و مرور خارج و در محل مناسبی که موجب سد راه و مزاحمت سایر وسایل نقلیه و عابرین پیاده نباشد متوقف سازد ،در این موارد و در سایر مواردی که وسیله نقلیه قادر به حرکت نباشد و انتقال آن به محل مناسب مقدور نشود به منظور اخبار به سایررانندگان علایم ایمنی به ترتیب زیر در محل قرار دهد: یک مثلث نورتاب قرمز به ابعاد ۳۰ سانتی‌متر در فاصله هفتادمتری عقب و در مسیر موافق عبور کامیون ها و تریلی ها و اتوبوس ها ، مثلث مشابه دیگری در فاصله هفتاد متری جلو وسیله نقلیه به نحوی که کاملا قابل رویت باشد. ماده ۱۴۷ ـ اگر وسیله نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کند در ساعات و شرایط مندرج درماده ۱۴۵ در راههای خارج شهر از کار بیفتد راننده موظف است که علاوه بر استفاده از مثلث نورتاب یک چراغ الکتریکی قرمز با باطری در فاصله هفتاد متری جلو و یکی در فاصله هفتادمتری عقب و یکی در پهلوی وسیله از کار افتاده بگذارد. ماده ۱۴۸ ـ رانندگان کلیه وسایل نقلیه موظفند که از منتهی الیه سمت راست راه ،حرکت‌نمایند مگر در موارد زیر: الف ـ در موقع سبقت گرفتن از وسیله نقلیه جلو. ب ـ موقعی که سمت راست راه به هر علتی مسدود و غیرقابل عبور باشد. ج ـ هنگام گردش به چپ ماده ۱۴۹ ـ در بزرگراه‌ها و اتوبان‌هایی که در هر مسیر حرکت سه خط عبور یا بیشتر داشته باشند حرکت به صورت مستمر در مسیر حرکت سمت چپ ممنوع است مگر برای سبقت یا گردش به چپ ماده ۱۵۰ ـ در راههایی که به وسیله موانع مخصوص یا سکو به دو قسمت تقسیم شده رانندگان موظفند از قسمت راست حرکت کنند و حق ندارند از قسمت چپ استفاده نمایند و یا ازروی موانع بگذرند. ماده ۱۵۱ ـ در راههای یک طرفه راننده وسایل نقلیه باید در جهت مجاز عبور کند و حرکت خلاف جهت مزبور ممنوع است ماده ۱۵۲ ـ در میادین و تقاطع‌های سکودار رانندگان وسایل نقلیه موظفند از طرف راست میدان و یا سکو گردش نمایند. ماده ۱۵۳ ـ وسایل نقلیه چرخ لاستیکی کندرو (یا سرعت کمتر از ۳۰ کیلومتر) در هنگام تردد در راههایی که مجاز اعلام شده مکلفند از منتهی‌الیه سمت راست و یا محل هایی که برای‌عبور آنها تعیین شده حرکت نمایند. ماده ۱۵۴ ـ در مواقعی که وسیله نقلیه‌ای از روبروی وسیله نقلیه دیگری در جهت مخالف‌حرکت می‌کند راننده هر یک از آنها بایستی حتی المقدور در طرف راست خود حرکت نماید و مخصوصا در راههایی که از هر طرف فقط یک وسیله نقلیه می‌تواند عبور کند رانندگان باید سعی‌نمایند که در هنگام عبور فاصله کافی بین دو وسیله وجود داشته باشد. ماده ۱۵۵ ـ در راهها و مناطقی که میزان سرعت رانندگی به وسیله تابلو و یا علایم دیگر راهنمایی معین نگردیده حداکثر سرعت مجاز برای رانندگان وسایل نقلیه به قرار زیر می‌باشد: الف ـ در شهرها ۱ ـ در خیابان‌ها پنجاه کیلومتر در ساعت ۲ ـ در کوچه‌ها و میدان‌ها و پیچ‌ها بیست کیلومتر در ساعت ب ـ در راههای خارج شهر و مناطق غیرمسکونی روزها ۹۵ کیلومتر و شب‌ها ۸۰ کیلومتر درساعت ماده ۱۵۶ ـ راهنمایی و رانندگی می‌تواند در مواقع یا محل‌های ضروری از طریق نصب‌تابلو یا علایم دیگر حداقل سرعت را نیز معین و اعلام نماید. در این صورت رانندگی با سرعت‌کمتر از حداقل مجاز نخواهد بود. ماده ۱۵۷ ـ رانندگان حق ندارند در راهها آن قدر با سرعت کم حرکت نمایند که باعث کندی‌عبور و مرور یا اختلال در آن بشوند مگر آنکه برای احتراز از خطر و تصادف ضروری باشد. ماده ۱۵۸ ـ رانندگان وسایل نقلیه موظفند در

تقـاطع هـایی که فاقـد چراغ راهنمـا یـا مأمور انتظـامی یـا تابلوی ایست می‌باشـد ،در سـرپیچ‌ها ،جاده‌های تنگ و تپه‌ها به طور کلی درمحل هایی که موانعی در مسیر حرکت آنان وجود داشته باشد همچنین در مواقع بارندگی یا مه یا کولاک و امثال آنها از سرعت وسیله نقلیه تا حدی که بر حسب مورد برای احتراز از خطر یاتصادف ضـرورت دارد بکاهند. ماده ۱۵۹ ـ رانندگانی که قصد سبقت گرفتن از وسایـل نقلیه‌ای را که در جهت آنان حرکت‌می‌کننـد دارنـد بایـد پس از دادن علایم لازم فقط از سـمت چپ آنها سـبقت گرفته و پس از سـبقت وطی مسافت کافی مجددا به طرف راست خود متوجه شوند به نحوی که راه وسـیله نقلیه ای که ازآن سبقت گرفته شده مسدود نگردد یا موجب تصادف نشود ،سبقت گرفتن از طرف راست وسیله نقلیه‌ای که در حال گردش به چپ می‌باشد مجـاز است ماده ۱۶۰ ـ راننـدگان وسایـل نقلیه‌ای که از آنهـا سـبقت گرفته می‌شود ،بـایستی راه را برای وسـیله نقلیه‌ای که در حـال سبقت گرفتن است باز کنند و بر سـرعت خود نیفزایند. ماده ۱۶۱ ـ سبقت گرفتن در موارد زیر ممنوع است ۱ ـ در سرپیچ‌های تند و سربالایی‌هایی که میدان دید کم است ۲ ـ از پنجاه متر مانده به پیچ‌ها تا پنجاه متر بعد از آن یا در تقاطع راهها یا در تقاطع راه‌آهن ۳ ـ در مواقعی که میدان دید به هر علتی کافی نباشد. ۴ ـ سبقت از وسیله نقلیه‌ای که خود در حال سبقت گرفتن است مگر در راههایی که سه خط عبور و یا بیشتر داشـته باشد. ۵ ـ برای اتوبوس‌ها و کامیون‌ها و تریلی‌ها در معابر شـهری ۶ ـ از یکصد متر مانده به مدخل تونل‌ها و پل‌ها تا انتهای آنها. ۷ ـ در تقاطعی که با نصب علایم مخصوص سـبقت گرفتن ممنوع اعلام شده باشد. ماده ۱۶۲ ـ رعایت مقررات مربوط به حق تقدم عبور برای همه اجباری است مگر درمواردی که به موجب مقررات خاص یا علایم مخصوص راهنمایی خلاف این حکم اجازه داده‌شـده باشـد. ماده ۱۶۳ ـ حق تقـدم عبـور وسایـل نقلیه در تقـاطع و میـدان‌هایی که هیچگونه علامـت و چراغ‌راهنمـا وجـود نداشـته باشـد به ترتیب زیر است ۱ ـ در تقاطع‌هـای هـم عرض اگر دو وسیله نقلیـه‌ای کـه روبروی یکـدیگر در حرکتنـد بخواهنـد باهم داخل خیابان مجاور واحـدی شوند حق تقدم عبور با وسیله‌ای است که به سـمت راست‌گردش می‌کند. ۲ ـ هرگاه دو یا چند وسیله نقلیه از دو یا چند راه مختلف به مدخل تقاطع هم عرض یامیدانی برسند. حق تقدم عبور با وسیله‌ای است که در طرف راسـت وسـیله دیگر قرار دارد. ۳ ـ در سه راههـا حـق تقـدم عبور بـا وسیله نقلیه‌ای است که مسـتقیم حرکت می‌کنـد ولو اینکه‌عرض خیابانی که مسیر آن است از عرض خیابان تلاقی کننـده کمتر باشـد. ماده ۱۶۴ ـ در برخورد راه اصـلی با راه فرعی حق تقـدم با وسـیله‌ای است که از راه اصـلی عبور می‌کنـد. راننـدگانی که از راه فرعی وارد راه اصـلی می‌شونـد باید قبل از ورود به راه اصلی توقف کامل نمایند و پس از اطمینان از عدم برخورد با وسایل نقلیه‌ای که احتمالا در راه اصـلی حرکت می‌کنند وارد این راه بشونـد. ماده ۱۶۵ ـ رعـایت حق تقـدم برای وسـیله نقلیه‌ای که از راه خصوصـی یـا گـاراژ یـا کوچه یاتعمیرگـاه و امثال آنها به معابر عمومی وارد می‌شود لازم است ماده ۱۶۶ ـ وسـیله نقلیه‌ای که در حرکت است به وسایـل نقلیه متوقفی که در حـال حرکت‌کردن یا جلو و عقب یا دورزدن هستند حق تقدم دارد. ماده ۱۶۷ ـ در گذرگاه عابر پیاده حق تقدم عبور با عابرین پیاده است ماده ۱۶۸ – در راههای دو طرفه هرگاه وسـیله نقلیه‌ای بخواهـد گردش به چپ کنـد حق تقـدم باوسـیله نقلیه‌ای است که مسـتقیم عبور می‌کند. ماده ۱۶۹ ـ در محل پارک کنار خیابان حق تقدم برای پارک کردن با وسیله نقلیه‌ای است که‌ضمن حرکت به عقب مشغول پارک کردن است ماده ۱۷۰ ـ راننـده وسـیله نقلیه‌ای که در حرکت است هنگام شب یا هر موقع دیگری که به علت کمی روشـنایی نتواند اشیا و اشخاص را از فاصله ۱۵۰ متری به خوبی تشـخیص دهد باید چراغ‌های آن را به ترتیب مقرر در مواد بعدی روشن نماید. ماده ۱۷۱ ـ در خیابان‌ها و جاده‌هایی که نور کافی وجود دارد ،باید فقط از چراغ های کوچک و در صورت خرابی ناگهانی چراغ‌های کوچک جدول از نور پایین چراغ‌های بزرگ استفاده شود. ماده ۱۷۲ ـ در ساعاتی که چراغها روشن باشند اگر چند وسیله نقلیه متصل به هم حرکت‌کننـد روشن کردن چراغ‌هـایی که به لحاظ محل نصـبشان پوشـیده می‌شونـد ضـرورت نـدارد ولی درهر حال چراغ‌های جلو وسیله اول و چراغ های عقب وسیله آخر باید روشن باشند. ماده ۱۷۳ ـ راننـدگان وسایل نقلیه موتوری موظفند که در جاده‌ها از نور بالاـ استفاده نماینـدمگر در موارد زیر: ۱ ـ در موقع روبرو شـدن بـا وسـیله نقلیـه‌ای کـه در جهـت مخـالف حرکت می‌کنـد ،در این

صوت‌راننده بایستی از فاصله ۱۵۰ متری از نور پایین استفاده کند. ۲ ـ هنگامی که وسیله نقلیه از فاصله ۱۵۰ متری عقب وسیله نقلیه دیگری که در حال حرکت‌عبور می کند مگر وقتی که در حال سبقت گرفتن باشد. ماده ۱۷۴ ـ قواعد گردش در تقاطع راهها به شرح زیر است ۱ ـ برای گردش به راست باید وسیله نقلیه را به منتهی‌الیه سمت راست هدایت کرده و کاملااز کنار تقاطع گذشت ۲ ـ برای گردش به چپ بایستی از فاصله یکصد متری تقاطع با دادن علامت وارد مسیر سمت چپ شد به طوری که پس از ورود به تقاطع وسیله در حدود مرکز تقاطع قرار گیرد و سپس‌با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که مستقیم در حرکتند با حداقل سرعت به چپ گردش‌نماید به نحوی که پس از ورود به خیابان مورد نظر در مجاورت محور وسط آن خیابان قرار گیرد. ماده ۱۷۵ ـ در راههای یک طرفه برای گردش به چپ رانندگان موظفند وسیله نقلیه را به منتهی الیه طرف چپ راه هدایت و سپس به چپ گردش کنند. ماده ۱۷۶ ـ دور زدن در فاصله یکصد و پنجاه متری پیچ‌ها و سربالایی‌ها که میدان دید کافی نیست همچنین از روی خط ممتد ممنوع است ماده ۱۷۷ ـ عقب راندن وسیله نقلیه هنگام ضرورت باید با احتیاط کامل برای احتراز از وقوع هرگونه حادثه و انسداد راه عبور وسایل نقلیه صورت گیرد. ماده ۱۷۸ ـ رانندگان وسایل نقلیه همگانی که مسافر ندارند باید در ایستگاههایی که از طرف راهنمایی و رانندگی علامت‌گذاری شده متوقف شوند مگر اینکه واحد مذکور مقررات دیگری اعلام کند. ماده ۱۷۹ ـ کلیه رانندگان وسایل نقلیه برای سوار و پیاده کردن سرنشینان خود بایستی فقط در محل‌های مجاز و در منتهی‌الیه سمت راست سواره‌رو توقف نمایند. ماده ۱۸۰ ـ در نقاط غیرمسکونی و خارج از شهر توقف کوتاه یا طولانی حتما باید در پارکینگ هایی که در حاشیه راه احداث شده انجام شود. ماده ۱۸۱ ـ هیچ راننده‌ای مجاز نیست وسیله نقلیه‌ای را که موتور آن روشن است ولو در محل مجاز متوقف سازد و خود از آن پیاده و دور شود. در سراشیبی باید پس از توقف چرخهای جلوی وسیله نقلیه به سمت راست کنار راه استقرار یابد. ماده ۱۸۲ ـ رانندگان وسایل نقلیه در موارد زیر موظفند به ترتیبی که در زیر مقرر می‌شودتوقف نمایند: ۱ ـ در موقع برخورد با وسیله نقلیه امدادی که دستگاههای اخبار صوتی یا بصری خود را به‌کار انداخته باشند باید وسیله نقلیه را منتهی الیه سمت راست راه هدایت و عنداللزوم تا گذشتن وسایل نقلیه امدادی متوقف شوند. ۲ ـ قبل از ورود به تقاطعی که فاقد علایم یا مأمور راهنمایی است باید توقف کنند و سپس با احتیاط کامل از تقاطع بگذرند. ۳ ـ قبل از رسیدن به گذرگاه عابر پیاده و در صورت عبور اشخاص باید وسیله نقلیه خود را متوقف سازند و با حرکت دادن دست چپ رانندگان پشت سر را نیز به توقف دعوت نمایند. ۴ ـ هنگام برخورد با اتومبیل‌های مدارس که برای سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان در حال‌توقف می‌باشند. ماده ۱۸۳ ـ توقف در محل‌های زیر ممنوع است ۱ ـ پیاده و گذرگاه عابر پیاده ۲ ـ مقابل مدخل خیابان‌ها و جاده‌ها و کوچه‌ها یا مدخل اتومبیل رو ساختمان‌ها. ۳ ـ داخل تقاطع ۴ ـ در فاصله پانزده متری میدان یا تقاطع یا سه راهها یا تقاطع راه آهن ۵ ـ پنج متری شیرهای آب منصوب در راهها. ۶ ـ پانزده متری اطراف چراغ راهنما یا تابلوی راهنمایی که در کنار جاده‌ها نصب شده است ۷ ـ کوچه‌ها. ۸ ـ از ابتدا تا انتهای پیچ‌ها. ۹ ـ در فاصله پانزده متری مدخل گاراژهای آتش‌نشانی ،پلیس و بیمارستانها. ۱۰ ـ کنار وسایل نقلیه‌ای که خود متوقف می‌باشند. (توقف دوبله ۱۱ ـ روی پل‌ها و داخل تونل‌ها و معابر هوایی (راههایی که بر روی پایه قرار دارند) ۱۲ ـ در خیابان‌هایی که پیاده‌رو آنها قابل عبور نبوده و پیاده‌ها اجبارا از قسمتی از سواره‌روعبور می کنند. ۱۳ ـ در ایستگاههای وسایل نقلیه عمومی و حریم آنها که با علایم راهنمایی مشخص است ۱۴ ـ در محل‌هایی که تابلوهای توقف مطلقا ممنوع نصب شده است ۱۵ ـ در هر نقطه از معابر به منظور تعمیر وسیله نقلیه جز در مورد ماده ۱۴۶ که باید به ترتیب‌مقرر در همان ماده عمل شود. ۱۶ ـ در محل‌هایی که دستگاه پارکومتر نصب شده در کنار راه به علت نینداختن سکه درداخل آن با پایان یافتن زمان معین و یا از کار افتادن دستگاه که علامت پارکینگ ممنوع را نشان‌دهد. ۱۷ ـ در سطح آسفالت جاده‌های دوبانده ۱۸ ـ در خطوط عبور بزرگراه‌ها و اتوبان ها. ماده ۱۸۴ ـ رانندگان موتور سیکلت بایستی در موقع رانندگی فقط روی زین موتور بنشینندو حق ندارند شخص دیگری را بر ترک سوار کنند مگر این که در ترک نیز یک زین کامل نصب‌شده یا موتور سیکلت دارای ساید کار باشد. ماده ۱۸۵ ـ رانندگی

با دوچرخه‌رکابدار بدون‌داشتن‌زین‌محکم در محل مخصوص ممنوع‌است ماده ۱۸۶ ـ دوترکه سوار کردن اشخاص روی دوچرخه ممنوع است ماده ۱۸۷ ـ دوچرخه‌سواران مکلفند: ۱ ـ هنگام حرکت کاملا ـ از طرف راست راه عبور نمایند. ۲ ـ در صورت تعدد دوچرخه سواران در یک ردیف حرکت کنند مگر آن که معبری ویژه برای آنها اختصاص داده شده باشد در این صورت حق ندارند از خارج معبر ویژه و مخصوص عبورنمایند. ماده ۱۸۸ ـ عبور دوچرخه‌سوار از پیاده‌رو و وسط دسته جات ،بازار و نقاط شلوغ و پرتردد ممنوع است ماده ۱۸۹ ـ رانندگان موتورسیکلت و دوچرخه حق ندارند در راهها حین رانندگی بار و اشیای دیگری حمل کنند یا حرکت ورزشی نمایند یا اعمالی انجام دهند که مستلزم برداشتن دست های آنان از روی فرمان باشد. ماده ۱۹۰ ـ در سایر موارد پیش‌بینی نشده در این آیین نامه ،ملاک عمل آیین نامه راهنمایی و رانندگی جاری در کشور است ماده ۱۹۱ ـ جداول جرایم رانندگی در مناطق آزاد بر اساس ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ـ مصوب ۱۳۶۹ ـ بنا به پیشنهاد دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و تصویب وزارت کشور خواهد بود. این تصویبنامه در تاریخ ۱۷/۸/۱۳۷۳ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است

قانون اصلاح قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری – مصوب ۲۵/۴/۷۴

ماده واحده ـ قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری مصوب ۲۸/۱۰/۱۳۶۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ ـ ماده واحده در ماده واحده قانون بعد از پایانه‌های عمومی (و مجتمع‌های خدمات‌رفاهی بین راهی) اضافه می‌شود. ۲ ـ تبصره ۴ به شرح زیر تغییر می‌یابد: تبصره ۴ ـ شرکت مجاز است بهره‌برداری از فروشگاهها و غرفه های احداثی در پایانه‌ها و مجتمع های خدمات رفاهی بین راهی را با اخذ سرقفلی یا بدون آن طبق آیین نامه ای که توسط وزارت راه و ترابری تهیه و به تصویب مجمع عمومی شرکت خواهد رسید به متقاضیان واجد شرایط اعم از بخش دولتی و یا غیردولتی با انعقاد قرارداد اجاره واگذار نماید. واگذاری بدون سرقفلی مشمول قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲/۵/۱۳۵۶ نبوده و هیچگونه حقی اعم از کسب و پیشه و تجارت و سرقفلی برای طرف قرارداد ایجاد نمی‌نماید ودر صورت تخطی متصرف از مفاد قرارداد در هر زمان به تشخیص شرکت و یا انقضای مدتاجاره شرکت می‌تواند با اخطار قبلی یک ماهه از طریق دفتر اسناد رسمی و صدور اجراییه ازطریق دوایر اجرای ثبت محل را تخلیه و تصرف نموده و به متقاضیان واجد شرایط دیگر واگذار نماید. لیکن در مورد اشخاصی که در هنگام انعقاد قرارداد به عنوان سرقفلی وجهی به شرکت‌پرداخت نموده باشند، شرکت موظف است در صورت تخلیه ارزش روز سر قفلی را به آنهامسترد نماید. کلیه فروشگاه ها و غرفه های پایانه هر محل که قبل از تصویب این قانون به‌اشخاص واگذار شده نیز از هر حیث مشمول مقررات این تبصره می‌باشند. مگر اینکه قرارداد به‌نحو دیگری تنظیم شده باشد وجوه حاصل از فروش سرقفلی غرفه‌ها و همچنین یک درصد(۱٪) ارزش بارنامه‌های صادره در سراسر کشور که توسط شرکت وصول خواهد شد به حساب خزانه واریز می گردد. صددرصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی به عنوان منابع تامین اعتبار بر اساس بودجه سالانه جهت توسعه و احداث پایانه‌های جدید و تیر پارکها (یا مجتمع های خدمات رفاهی بین راهی در اختیار شرکت مزبور قرار می گیرد. ۳ ـ تبصره ۷ به شرح زیر اصلاحی می گردد: تبصره ۷ ـ شرکت می تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد پایانه ها و تیرپارک ها و مجتمع های رفاهی بین راهی در نقاط مختلف کشور که بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند، اقدام نماید. ۴ ـ تبصره زیر به عنوان تبصره ۸ به شرح زیر اضافه می گردد: تبصره ۸ ـ درج کرایه غیرواقعی حمل و نقل در بارنامه و هر فعل دیگری که موجب عدم پرداخت تمام یا قسمتی از وجوه موضوع تبصره ۴ و ۵ این قانون به شرکت شود، تخلف محسوب و مرتکب برای بار اول علاوه بر جبران خسارات وارده به شرکت به سه برابر مبلغ کسری ، جریمه خواهد شد این مبلغ در هر صورت از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال کمتر نخواهد بود. در صورت تکرار نیز ، پروانه متخلف به صورت موقت یا دایم لغو می‌شود. ۵ ـ تبصره ۹ به شرح زیر به تبصره‌ها اضافه گردد: تبصره ۹ ـ وظایف

معاونت حمل و نقل وزارت راه و ترابری به شرکت پایانه منتقل می‌شود و نام شرکت به سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور تغییر می‌یابد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۵/۱۳۷۴ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی – مصوب ۱۲/۴/۷۳

ماده واحده ـ به منظور ایمن سازی نگهداری و بهسازی جاده‌ها و احداث مجتمع های‌خدماتی رفاهی رانندگان (تیرپارکها) به وزارت راه و ترابری اجازه داده می‌شود با ایجاد دفاتر و استقرار نمایندگان خود در مرزهای جاده ای بین المللی کشور نسبت به صدور پروانه‌های تردد وسایل نقلیه خارجی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران که تعیین کننده مشخصات عملیات حمل و نقل از جمله زمان سفر و مسیر تردد وسایل مزبور می‌باشد اقدام کند و بر حسب طول مسیر تردد و میزان مصرف سوخت هر یک از وسایل نقلیه خارجی و مابه‌التفات قیمت داخلی‌سوخت با قیمتهای متعارف خارجی را با توجه به عملکرد و رفتار متقابل کشورهای اعزام کننده وسیله نقلیه از وسایل نقلیه مزبور در سال ۱۳۷۳ حداکثر به میزان صد میلیارد ریال اخذ و به‌خزانه واریز و صددرصد آن تخصیص یافته هزینه می گردد و برای سالهای آینده در حدوداعتبارات مصوب و به موجب قانون درآمد و هزینه می گردد. تبصره ۱ ـ تردد وسایل نقلیه خارجی خارج از چارچوب پروانه های صادر شده ممنوع بوده و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و گمرگ موظف به اعمال کنترلهای لازم می‌باشد. تبصره ۲ ـ کالاهای ایرانی که در صورت وجود ناوگان ایرانی با ناوگان غیر ایرانی وارد کشور می‌شوند مشمول پرداخت عوارضی به میزان ۱۰٪ کل کرایه حمل کالای مورد حمل از سوی صاحب کالا خواهد بود که در زمان صدور مجوزهای حمل کالاـ توسط وزارت راه و ترابری‌اخذ و به حساب خزانه واریز می‌شود. آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت راه و ترابری تهیه و حداکثر ظرف مدت ۲ ماه به تصویب هیات وزیران می‌رسد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ داوزدهم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۷۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی ـ علی‌اکبر ناطق‌نوری

آیین نامه اجرایی قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی

فصل اول ــ تعاریف و کلیات (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ ـ ورود و تردد وسایل نقلیه جاده‌ای خارجی اعم از مسافربری و باری در قلمروجمهوری اسلامی ایران ، مستلزم اخذ پروانه تردد از سازمان حمل و نقل و پایانه و پرداخت‌مابه‌التفاوت سوخت است تبصره ۱ ـ منظور از قانون در این آیین نامه قانون (مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی) است تبصره ۲ ـ منظور از وسیله نقلیه خارجی ، وسیله نقلیه‌ای است که در یکی از کشورهای خارجی ثبت و شماره گذاری شده و بر اساس قوانین و مقررات مربوط مجاز به حمل و نقل بار یامسافر بین المللی باشد. تبصره ۳ ـ منظور از مابه‌التفاوت سوخت مصرفی مابه التفاوت قیمت داخلی سوخت وسایل حمل و نقل با قیمت های متعارف خارجی است که بر اساس طول مسیر تردد و متوسط مصرف سوخت هریک از وسایل نقلیه خارجی و در چهارچوب عملکرد و رفتار متقابل‌کشورهای اعزام کننده وسایل نقلیه توسط سازمان حمل و نقل و پایانه تعیین شده و توسط رانندگان وسایل نقلیه خارجی به حساب خزانه واریز می‌شود. ماده ۲ ـ پروانه تردد برگه ای است که توسط سازمان حمل و نقل و پایانه صادر می‌شود ومشخصات عملیات حمل و نقل وسایل نقلیه خارجی ، از جمله نام مرز ورودی و خروجی ، طول و مسیر تردد، زمان سفر، و مدت زمان مجاز رانندگی برای هر

رانـنده وسیله نقلیه خـارجی را تعیین می‌کنـد. این پروانه توسط دفاتر نماینـدگی وزارت راه و ترابری مستقر در محوطه گمرکی در مرزهای‌جاده‌ای بین المللی کشور صادر و در بـدو ورود، به رانندگان وسایل نقلیه خارجی داده می‌شود. تبصـره ـ مسیر تردد در این آیین نـامه به جاده‌هـایی اطلاـ ق می‌شود که توسط سازمان حمل ونقل و پایانه و با همکاری نیروهای انتظامی به عنوان جاده‌های تیر (t. i. r) برای تردد وسایـل‌نقلیه خـارجی و در قلمروی جمهوری اسـلامی تعیین و در پروانه تردد قیـد می‌شود. مـاده ۳ ـ کلیه وسایل نقلیه جـاده‌ای خـارجی که به قلمروی کشور وارد می‌شونـد اعم از آن که مقصـد آنهـا داخـل کشور باشـد یا از قلمروی کشور عبور کنند، مشمول مفاد این آیین نامه هستند. ماده ۴ ـ منظور از ایمن‌سازی جاده‌ها، هر نوع فعالیتی است که موجب افزایش ضریب ایمنی و کاهش تصادفات جاده‌ای می‌شود، از قبیل توسعه و تجهیز پاسـگاه‌های انتظامی ارائه آموزش‌های ایمنی و ترافیکی به راننـدگان و عموم مردم و ارتقای فرهنگی رانندگی به منظور رعایت اصول و ضوابط ایمنی در جاده‌ها با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ماده ۵ ـ منظور از مجتمع‌هـای خـدماتی ـ رفـاهی (تیرپارکها)، مجموعه‌هایی است که به منظور ارائه خـدمات مورد نیاز به راننـدگان وسایل نقلیه ایرانی و خـارجی و سرنشـینان آنهـا در کنـار شـهرها ، همچنین در طـول جاده‌هـای ترانزیـتی کشـور ایجـاد می‌گردنـد و در آن سرویس های تعمیراتی ، بهـداشتی درمانی و رسـتوران مسـجد، استراحت‌گاه جایگاههای عرضه سوخت پارکینگ‌ها و سایر خدمات رفاهی و اداری مورد نیاز مستقر می‌شوند.

فصل دوم ـ چگونگی ورود، تردد و توقف وسایل نقلیه خارجی در قلمروی جمهوری اسلامی ایران (ماده ۶ تا ۱۹

ماده ۶ ـ وسایل نقلیه خارجی در بـدو ورود به خاک کشور بایـد از دفاتر نمایندگی وزارت راه و ترابری مسـتقر در مرزهای جاده‌ای بین المللی پروانه تردد بگیرنـد. تبصـره ـ تردد وسایل نقلیه خارجی بـدون اخذ پروانه مذکور ممنوع است گمرک جمهوری اسـلامی ایران موظـف است از ورود وسایـل نقلیه خـارجی فاقـد پروانه ترددبه داخـل کشـور جلـوگیری کنـد مگر اینکه این پروانه در مرز از نماینـدگان سازمان حمل و نقل وپایانه اخذ شود، نیروی انتظامی جمهوری اسـلامی ایران موظف است در صورت برخورد باکامیون خارجی فاقـد پروانه تردد، فوری آن را به نزدیک‌ترین گمرک هـدایت کنـد. ماده ۷ ـ سازمـان حمـل و نقل و پایانه موظف است با توجه به قیمت رایـج سوخت وسایل‌حمـل و نقـل در داخـل کشور و قیمت‌هـای متعارف بین المللی آن ، و در چهارچوب عملکرد و رفتار متقابل کشورهای اعزام‌کننـده وسایل نقلیه قیمت سوخت مصـرفی هر یک از وسایل حمل و نقل خارجی در قلمروی جمهوری اسلامی ایران را تعیین کند. تبصره ۱ ـ سازمـان حمـل و نقل و پایانه موظف است به تناسب تغییر در هر یک از عوامل موثر در تعیین سوخت مصرفی وسایل نقلیه خارجی نسبت به تجدیدنظر و به روز نمودن قیمت تعیین شده اقدام کند. بدیهی است قیمت تعیین شده تا زمان تجدیدنظر بعدی معتبر و ملاک عمل خواهد بود. تبصـره ۲ ـ وزیر راه و ترابری مجـاز است مسوولیت دریافت وجوه موضوع قانون را به هریک از سازمان ها و شـرکت‌های وابسته و تابع وزارت راه و ترابری تفویض کند. ماده ۸ ـ دفاتر نمایندگی حمل و نقل و پایـانه در مرزهـای بین المللی کشور موظف هسـتندقبل از صـدور پروانه تردد وسایـل نقلیه خـارجی قبض مربوط به پرداخت مـابه التفـاوت سوخت وسایل نقلیه خارجی را به حساب‌های اعلام شـده خزانه از راننـدگان خارجی دریافت کننـد. ماده ۹ ـ وزارت نفت موظف است اقـدامات لازم را جهت احداث جایگاه فروش فرآورده های نفتی در کلیه مرزهای جاده‌ای بر اساس اعلام وزارت راه و ترابری به عمل آورده نسبت به کنترل میزان سوخت خروجی وسایل نقلیه خارجی اقدام نماید. تبصره ـ تعیین میزان سوخت خروجی به عهـده سازمـان حمـل و نقـل و پایـانه بـا همکاری وزارت نفت است ماده ۱۰ ـ راننـدگان وسایـل نقلیه خـارجی به منظور تردد در جاده‌هـای کشـور جمهوری‌اسـلامی ایران بایـد اسـناد و مـدارک زیر را همیشه همراه داشتـه به هنگـام درخواست به مأموران نیروی انتظـامی و سـایر مسوولان ذی ربط ارائه نماینـد: الف ـ پروانه تردد. ب ـ گـواهینامه معتبر بین المللی ج ـ کـارت بیمه معتبر د ـ دفترچه

مالکیت بین المللی وسیله نقلیه تبصره ـ نیروی انتظامی موظف است ضمن بازرسی وسایل نقلیه خارجی در کلیه پاسگاه‌های محل عبور آنها از تردد و عبور و مرور وسایل نقلیه خارجی فاقد مدارک فو ق جلوگیری و طبق مقررات مربوط اقدام نماید. ماده ۱۱ ـ رانندگی وسایل نقلیه خارجی در جاده‌های جمهوری اسلامی ایران بیش از ده‌ساعت در یک شبانه‌روز برای هر راننده ممنوع است ماده ۱۲ ـ توقف وسایل نقلیه خارجی فقط در تیرپارکها یا نقاط تعیین شده توسط سازمان حمل و نقل و پایانه مجاز است تبصره ۱ ـ سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است اولویت ها و محل استقرار و مشخصات لازم را برای احداث تیرپارکها تعیین و اعلام کند. تبصره ۲ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است حسب درخواست وزارت راه و ترابری نیروهای خود را در مکانهای درنظر گرفته شده و تیرپارکها مستقر کرده همچنین ساعت ورود و خروج وسایل نقلیه خارجی در تیرپارکها را ثبت کند. تبصره ۳ ـ در صورت تصادف یا خرابی وسیله نقلیه خارجی توقف آن در خارج ازتیرپارکها و نقاط تعیین شده ـ مشروط به تأیید نیروی انتظامی و ثبت آن در پروانه تردد وسیله نقلیه ـ بلامانع است ماده ۱۳ ـ اقدام به حمل بار و مسافر خارج از موارد مذکور در اسناد حمل کالا و مسافر وپروانه تردد، توسط وسیله نقلیه خارجی ممنوع است مگر با مجوز کتبی وزارت راه و ترابری ماده ۱۴ ـ رانندگان وسایل نقلیه خارجی مکلف به رعایت کلیه قوانین و مقررات حمل و نقل و راهنمایی و رانندگی در قلمروی جمهوری اسلامی هستند و در صورت تخلف از قوانین و مقررات مذکور و مفاد این آیین نامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با آنان برخورد قانونی نموده نسبت به صدور برگه‌های جریمه اقدام می‌نماید. ماده ۱۵ ـ محل استقرار دفاتر نمایندگان سازمان حمل و نقل پایانه در مرزهای جاده‌ای بین المللی کشور، محوطه گمرکی است بدیهی است گمرک ایران نسبت به تخصیص فضای کاری مناسب به نمایندگان وزارت راه و ترابری در ساختمان های گمرکی اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد. تبصره ـ سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است ظرف سه سال نسبت به احداث ساختمان های مورد نیاز نمایندگان خود در محوطه‌های گمرکی با هماهنگی گمرک ایران اقدام کند. هزینه احداث ساختمان های مذکور از محل مابه التفاوت قیمت سوخت وسایل نقلیه خارجی تأمین می‌شود. ماده ۱۶ ـ به سازمان حمل و نقل و پایانه اجازه داده می‌شود سالیانه حداکثر معادل یک‌درصد کل مبلغ وصولی از محل مابه‌التفاوت قیمت سوخت وسایل نقلیه خارجی را به منظور حسن اجرای این قانون هزینه کند. ماده ۱۷ ـ به سازمان حمل و نقل اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات مربوط سالیانه حداکثر معادل پنج درصد (۵٪) کل درآمد وصولی از محل مابه التفاوت قیمت سوخت وسایل نقلیه خارجی را به منظور تجهیز و تدارکات لازم و ایفای وظایف و مسئولیت‌های ناشی‌از قانون در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. ماده ۱۸ ـ سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی طرح‌ها و پروژه های ایمن‌سازی ، نگهداری ، بهسازی جاده‌ها و احداث مجتمع‌های خدماتی ـ رفاهی رانندگان از محل مابه التفاوت قیمت سوخت مصرفی وسایل نقلیه خارجی موضوع قانون به عهده وزارت راه و ترابری است ماده ۱۹ ـ مسوولیت احداث مجتمع‌های خدماتی و رفاهی رانندگان برعهده شرکت حمل ونقل و پایانه‌های وسایط نقلیه باربری است و اعتبارات مربوط در این خصوص به عنوان منابع ، در اختیار شرکت یاد شده قرار می گیرد.

فصل سوم ـ مقررات حمل کالاهای وارداتی کشور (ماده ۲۰ تا ۲۷)

ماده ۲۰ ـ در اجرای تبصره ۲ قانون کلیه صاحبان کالاهای ایرانی که از ناوگان خارجی (زمینی دریایی هوایی نسبت به حمل و ورود کالاهای خود به داخل کشور استفاده می کنند موظف به اخذ مجوز حمل کالا قبل از مراحل گشایش اعتبار از سازمان حمل و نقل و پایانه‌هستند. تبصره ـ موارد استثنا در رابطه با صدور مجوز کلی برای کالاهایی که دارای شرایط خاص حجمی یا وزنی هستند بنا به پیشنهاد بالاترین مقام اجرایی دستگاه های ذی ربط به تصویب شورای عالی ترابری می‌رسد. ماده ۲۱ ـ بانک مرکزی و

بانک‌های عامل گشایش اعتبار و گمرک ایران باید در انجام وظایف مربوط مجوز حمل کالا را به عنوان یکی از اسناد مورد نیاز منظور و مطالبه کنند. درصورت عدم ارایه مجوز حمل توسط صاحب کالا، سازمان‌های مذکور از گشایش اعتبار یا ترخیص کالا، خودداری خواهند کرد. ماده ۲۲ ـ در زمان صدور مجوز، سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است در صورت وجود ناوگان ایرانی میزان عوارض ده درصد (۱۰٪) کل کرایه حمل را که باید توسط صاحب کالابه حساب خزانه واریز شود، در مجوز حمل قید نماید و در صورت تشخیص وجود نداشتن ناوگان ایرانی مراتب باید در مجوز حمل صادر شده قید و تأیید شود. تبصره ـ کرایه واقعی حمل کالای تحویلی در مقصد (سی اند اف)، براساس نرخ متعارف‌حمل کالا و به قیمت (ارز خرید کالا)، توسط سازمان حمل و نقل و پایانه تعیین می‌شود. ماده ۲۳ ـ در موارد مشمول پرداخت عوارض کرایه حمل بانک‌های عامل گشایش اعتبار موظف هستند فیش بانکی پرداخت عوارض ده درصد (۱۰٪) را براساس مجوز حمل صادرشده در زمان معامله اسناد از صاحبان کالا دریافت و در مدارک خرید کالا منظور کنند. ماده ۲۴ ـ ماده ۲۵ ـ سازمان حمل و نقل و پایانه مکلف است پس از دریافت مدارک بررسی های لازم‌را در خصوص تشخیص موضوع مذکور در ماده (۲۳) انجام دهد و حداکثر ظرف هفتاد و دو(۷۲) ساعت نسبت به ارایه مجوز حمل به صاحبان کالا اقدام نماید. ماده ۲۶ ـ گمرک ایران موظف است از ترخیص کالاهایی که فاقد مجوز حمل یا فیش پرداخت عوارض حمل کالا (در موارد پیش‌بینی شده در مجوز حمل هستند خودداری کند. ماده ۲۷ ـ سازمان حمل و نقل و پایانه نیروی انتظامی و گمرک ایران مجری این آیین نامه خواهند بود و سایر وزارتخانه ها و سازمانها و موسسات دولتی ذی ربط موظف به همکاری و مساعدت در جهت اجرای این آیین نامه هستند. معاون اول رییس‌جمهور ـ حسن حبیبی

مصوبات شورای عالی محیط زیست – مصوبه شماره ۱۳۴ شورای عالی

شورای عالی حفاظت محیط زیست در تاریخ ۷/۱۲/۶۹ بر اساس تصمیم مورخ ۲۱/۹/۶۹ هیات وزیران و با توجه به آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا و در جهت کنترل آلودگی هوای تهران موارد زیر را تصویب نمود: ۱ ـ تعداد حداقل ۲۰۰۰۰ وسیله نقلیه عمومی بنزین سوز در تهران موظفند ظرف مدت معینی که توسط کمیسیونی مرکب از سازمان حفاظت محیط زیست ، وزارت نفت و وزارت صنایع تعیین می گردد نسبت به تبدیل سوخت از بنزین به گاز مایع و بنزین (به صورت دوگانه اقدام نمایند. جهت اجرای مصوبه فو ق وزارتخانه های مربوطه به شرح زیر اقدامات لازم را به‌عمل خواهند آورد: الف ـ وزارت مسکن و شهرسازی شهرداری تهران و وزارت دفاع موظفند تا خرداد ماه۱۳۷۰ تعداد ۲۵ قطعه زمین مناسب جهت احداث ایستگاه‌های گازرسانی به وسایل نقلیه موتوری را در اختیار وزارت نفت قرار دهند. ب ـ وزارت نفت موظف است ظرف مدت ۲ سال پس از دریافت زمین ایستگاه های تحویل گاز مایع به وسایل نقلیه مذکور را راه‌اندازی نماید. ج ـ وزارت صنایع موظف است ظرف مدت ۲ سال کیت‌های مربوط به تبدیل سوخت وسایل نقلیه مزبور از بنزین به گاز مایع و همچنین قطعات مناسب موتور را طبق استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست نصب و خدمات پس از فروش را با هماهنگی شرکت ملی گازایران به عهده داشته باشد. د ـ وزارت بازرگانی موظف است با رعایت اولویت و بدون بررسی مراکز تهیه و توزیع تسهیلات لازم را در اجرای بند ج به عمل آورد. هـ ـ وزارت صنایع موظف است تاکسی‌های جدید نمره تهران ساخت داخل را فقط باسوخت دوگانه گاز مایع و بنزین بدون سرب تولید نماید. ۲ ـ از تاریخ اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰ کلیه خودروهای وارداتی و نیز خودروهای ساخت داخل به استثنای مزاد ۱۶۰۰ B و خودروی نیسان پاترول سواری با موتور ۴۰ P و نیزپیکان باید توانایی استفاده از بنزین بدون سرب را داشته باشد در مورد خودروهای مستثنی شده‌فو ق زمان استفاده از بنزین بدون سرب توسط وزارت نفت و وزارت صنایع حداکثر تا یک سال دیگر تعیین می‌شود. ۳ ـ وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری تهران برنامه کوتاه مدت جهت دستیابی به خط‌مشی حمل و نقل شهری را ظرف دو هفته و مطالعات جامع حمل و نقل عمومی در تهران را ظرف ۶ ماه به شورای‌عالی ارایه نمایند. ۴ ـ به منظور

کـاهش آلودگی ناشـی از موتور سـیکلت‌ها در تهران و شـهرهای بزرگ وزارت صـنایع ، سازمـان پژوهش هـای علمی و صـنعتی و سازمـان حفاظت محیط‌زیست زیرنظر مشاور تحقیقاتی رییس‌جمهور طرحی تهیه و به شورای‌عالی ارایه نماینـد. ۵ ـ سازمان حفاظت محیط‌زیست با همکاری شـهرداری تهران ایستگاه های کنترل و اندازه‌گیری گازهای خروجی وسایل نقلیه موتوری را علاوه بر کرج (موضوع ردیف سوم بند ۲مصوبه شماره ۱۰۴ ـ شورای‌عالی در نقاط مناسب تهران برقرار نموده و بکار انـدازد. ۶ ـ سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت صـنایع مکلفنـد تاریـخ لازم الاجرا شـدن اسـتاندارد های خروجی از وسایط نقلیه موضوع مصوبه شـماره ۱۰۴ شورای‌عـالی حفـاظت محیـط زیست را حـداکثر ظرف مـدت ۲ مـاه تعیین نماینـد. ۷ ـ سازمان‌هـای مـذکور در مـاده ۲۰ آیین نـامه جلوگیری از آلودگی هوا موظفنـد اسـتانداردهای‌جدید گازهـای خروجی از اگزوز وسایـل نقلیه موتوری را ظرف مـدت یـک سال تعیین نماینـد. مصوبه شـماره ۱۳۵ شورای‌عـالی شورای‌عـالی حفـاظت محیـط‌زیست در تاریـخ ۱۲/۱۰/۷۰ براساس تصـمیم مورخ ۲۱/۹/۶۹ هیـات وزیرات و بـا تـوجه به آیین نـامه جلوگیری از آلـودگی هـوا و در جهت کنـترل آلودگی هوای تهران موارد زیر را تصویب نمود. ۱ ـ ۲۵ قطعه زمین مناسب در تهران زیرنظر ریاست محترم جمهور به شرکت ملی گاز ایران تحویل گردد. ۲ ـ وزارت نفت موظف است ظرف مـدت تعیین شـده نسبت به احـداث ایسـتگاه های تحویل گاز مایع به وسایل نقلیه موتوری اقدام نماید. ۳ ـ وزارت صـنایع برنامه زمان‌بندی نصب کیت جهت تبدیل سوخت وسایل نقلیه عمومی‌به تعداد ۲۰۰۰۰ دستگاه را به دبیرخانه شورای عالی ارایه نمایـد. ۴ ـ وزارتین نفت و صـنایع تاریـخ اسـتفاده از بنزین بـدون سـرب را برای مزدا B ۱۶۰۰،خودروی نیسـان پاترول با موتـور ۴۰ P و پیکـان را سـریعا بـه دبیرخـانه شورای‌عـالی اعلام نماینـد. مصوبه شـماره ۱۳۶ شورای‌عـالی شورای‌عـالی حفاظت محیط‌زیست در تاریخ ۵/۳/۷۱ بر اساس تصمیم مورخ ۲۱/۹/۶۹هیـات وزیران و با توجه به آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا و در جهت کنـترل آلـودگی هـوای تهران مـوارد زیر را تصـویب نمود: ۱ ـ در ارتبـاط بـا گـازسوز کردن وسایـل نقلیه موتوری مقرر شـد وزارت صـنایع ترتیبی اتخاذ نمایـد که وسایل نقلیه عمومی تولیـدی در داخل کشور تا یک زمان مشـخص دو سوخته شود و وزارت مـذکور بررسـی و اعلام نماد (ظرف سه هفته که به چه میزان ارز و امکانات جهت تامین تجهیزات و وسایل اجرای تصـمیم مـذکور نیاز دارد. ۲ ـ مقرر شد وزارت صـنایع مسیله دوسوخته کردن وسایط نقلیه و صنعت کیت سازی رابررسی و گزارش امر را به ریاست جمهور تسلیم نماید. ۳ ـ مقرر شـده ۲۰ هزارکیت گازسوزکردن‌وسایـط نقلیه توسط وزارت صـنایع تامین و به قیمت‌تمام شـده با ارز شناور بـدوا جهت نصب بر روی تاکسـی ها از وزارت مـذکور خریداری شود. (مصوبه شـماره ۱۶۱ مورخ ۲۵/۷/۷۷ شورای‌عالی به استناد مفاد ماده ۴ قـانون نحـوه جلـوگیری از آلودگی هوا مصوب ۳/۳/۱۳۷۴ مجلس‌شورای اسـلامی حـد مجـاز خروجی از اگزوز وسایل نقلیه موتوری (خودروهای بنزینی در حال‌تردد) به شرح جدول زیر تصویب و اعلام می‌گردد: نوع آلاینده سال تصویب یک سـال دو سـال سـه سـال بعـدازتصویب بعـدازتصویب بعدازتصویب‌وبه‌بعـد منواکسیدکربن ۵/۶ (CO درصدحجمی ۶درصدحجمی ۵ درصدحجمی ۴درصـدحجمی هیدروکربنهای‌نسوخته HC) ۴۰۰ PPm ۵۰۰PPm ۶۰۰PPm ۷۰۰PP (مصـوبه شـماره ۱۶۲ شورایعالی حفاظت محیط‌زیست مورخ ۲۷/۵/۷۷) در اجرای بند ب تبصره ۸۲ قانون برنامه پنجساله دوم و به منظور کاهش آلودگی هوای تهران موارد زیر تصویب و اعلام می‌گردد: ۱ ـ سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری نیروهای انتظامی جمهوری اسـلامی ایران وشـهرداری تهران برنامه زمان بنـدی جلوگیری از تردد وسایط نقلیه موتوری فاقد برگ معاینه فنی (موضوع ماده ۵ قانون نحوه جلـوگیری از آلـودگی هـوا) و وسایـط نقلیه دودزا را ظرف سه مـاه تهیه نمـوده و نیروی انتظـامی طبق برنـامه فو ق از تردد این‌گونه خودروها جلوگیری به عمل آرود. ۲ ـ سازمان حفاظت محیط‌زیست ـ وزارت صنایع و وزارت نفت مکلف هستند بررسی های تعیین کیتهـای (بسته‌های گاز اسـتاندارد معمول نموده و سـپس کلیه وانت بارها ، تاکسـی های نارنجی ، فرودگاه راه‌آهن کرایه آژانس و مشابه آن از تاریخی که طبق برنامه زمان بندی شده توسط نهادهای مذکور تعیین می‌شود ملزم به نصب کیت های (بسته‌های مذکور می‌باشـند. نیروی انتظامی بر اساس برنامه تعیین شده از تردد خودروهای فوق الذکر فاقد کیت (بسـته گاز جلوگیری به عمل خواهند

آورد. ۳ ـ کلیه مینی‌بوسها و اتوبوسهای دیزلی ساخته شده در کشور یا وارداتی ملزم به رعایت استاندارد گازهای خروجی اگزوز Eurol می‌باشند. همچنین مینی‌بوسهای گازسوز (LPG) و اتوبوسهای گازسوز (CNG) نیز ملزم به رعایت استاندارد ECE۱۵,۰۴ می‌باشند. تبصره ـ اجرای استانداردهای گاز خروجی Euro۲ منوط‌به تدوین و تصویب برنامه زمان‌بندی شده توسط وزارت صنایع و سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. ۴ ـ وزارت صنایع با همکاری وزارت نفت و سازمان حفاظت محیط‌زیست برنامه تبدیل مینی بوس های دیزلی در حال تردد به گازسوز (LPG) را ظرف سه ماه تدوین و به مورد اجرامی‌گذارد. ۵ ـ وزارت نفت با همکاری وزارت صنایع مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی و سازمان حفاظت محیط‌زیست برنامه زمان‌بندی اجرای استانداردهای لازم برای سوخت ها اعم از گاز و گازوییل را سریعا تدوین و به مورد اجرا بگذارد. د ـ ۱۳۰۳ سازمان حفاظت محیط‌زیست محرومیت راننده از ((حق تصدی وسایل موتوری) بجای محرومیت از ((حق رانندگی)) از موجبات نقض نیست

قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری – مصوب ۲۸ دی ماه ۱۳۶۷

ماده واحده ـ به منظور بهره‌برداری توسعه و نگاهداری پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه سنگین‌باربری مستحدثه موجود و نیز احداث ، بهره‌برداری ، توسعه و نگهداری پایانه‌های عمومی مورد نیاز در کلیه نقاط کشور که به تشخیص وزارت راه و ترابری ایجاد آنها جهت ارایه خدمات به رانندگان وسایل نقلیه باربری ضرورت خواهد یافت شرکت سهامی پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری تاسیس می گردد. احداث پایانه وسایل نقلیه باربری توسط شرکت موضوع این قانون مانع احداث و تاسیس پایانه باربری توسط بخش غیردولتی مطابق ضوابط وزارت راه و ترابری نمی‌باشد. تبصره ۱ ـ مجمع عمومی این شرکت مرکب از وزرای راه و ترابری برنامه و بودجه امور اقتصادی و دارایی خواهد بود. ریاست مجمع بر عهده وزیر راه و ترابری است تبصره ۲ ـ سهام پایانه هر محل تا ۴۹٪ قابل واگذاری به بخش غیردولتی می‌باشد نحوه‌واگذاری در اساسنامه شرکت مشخص می گردد. تبصره ۳ ـ اساسنامه شرکت در چارچوب این قانون و ماده ۳۰۰ قانون تجارت ظرف مدت۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تصویب مجمع‌عمومی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۴ ـ شرکت موظف است بهره برداری از فروشگاهها و غرفه‌های پایانه از قبیل تعمیرگاه ها، کارگاههای فنی ، فروشگاههای قطعات یدکی ، سالنهای تعویض روغن ، رستوران را طبق آیین نامه ای که توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تایید مجمع عمومی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید به بخش غیردولتی واگذار نماید. تبصره ۵ ـ شرکت به صورت خودکفا اداره می گردد و در قبال خدماتی که ارایه می‌نماید وجوهی دریافت می‌دارد، نوع خدمات و میزان وجوه دریافتی بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت راه و ترابری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۶ ـ شرکتها و موسسات باربری موظفند در پایانه‌هایی که احداث می‌شود مستقرگردند مگر آنکه از خود دارای تاسیسات و تجهیزات متناسب با نوع فعالیت مطابق با ضوابط وزارت راه و ترابری باشند، در غیر این صورت از فعالیت آنان جلوگیری خواهد شد. تبصره ۷ ـ شرکت می‌تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد تاسیسات رفاهی بین‌راهی در نقاط محروم کشور که بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند اقدام نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه بیست و هشتم دی‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۵/۱۱/۱۳۶۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است

آیین نامه تشکیل کمیسیون ایمنی راههای کشور – مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۳۱/۲/۱۳۸۲بنا به پیشنهاد شماره ۱۱/۹۴۳۰ مورخ ۲۵/۷/۱۳۸۰ وزارت راه و ترابری و به استناد اصل

یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه تشکیل کمیسیون ایمنی راههای کشور را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه تشکیل کمیسیون ایمنی راههای کشور ماده ۱- به منظور ارتقای سطح ایمنی حمل و نقل و کاهش سوانح رانندگی، کمیسیون ایمنی راههای کشور که در این آیین نامه به اختصار کمیسیون نامیده می شود، زیر نظر شورای عالی هماهنگی ترابری کشور با ترکیب زیر تشکیل می گردد: ۱- وزیر راه و ترابری که ریاست کمیسیون را نیز به عهده خواهدداشت. ۲- یکی از معاونان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به انتخاب رییس سازمان یادشده. ۳- معاون راهنمایی و رانندگی و امور حمل و نقل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. ۴- یکی از معاونان وزیر کشور به انتخاب وزیر. ۵- یکی از معاونان سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به انتخاب رییس سازمان یادشده. ۶- یکی از معاونان وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به انتخاب وزیر. ۷- یکی از معاونان وزیر صنایع و معادن به انتخاب وزیر. ۸- یکی از معاونان وزیر آموزش و پرورش به انتخاب وزیر. ۹- معاون راهداری و هماهنگی امور استانهای وزارت راه و ترابری. ۱۰- معاون وزیر راه و ترابری و رییس سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور که دبیری کمیسیون را به عهده خواهدداشت. تبصره - کمیسیون می تواند از سایر دستگاههای دولتی و کارشناسان بخش غیردولتی در جلسات بدون حق رای دعوت به عمل آورد. ماده ۲- کمیسیون موظف است موارد زیر را انجام و پیشنهادهای اصلاحی خود را به شورای عالی هماهنگی ترابری کشور ارایه نماید: الف - تعیین اهداف، راهبردها و شاخصهای مناسب برای کاهش سوانح رانندگی. ب- بررسی برنامه های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران درخصوص بهبود وضعیت آموزش رانندگی، صدور و تجدید گواهینامه، معاینه فنی خودروها، اصلاح و نحوه اعمال مقررات مربوط. ج- بررسی برنامه های وزارتخانه های آموزش و پرورش، کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و ترابری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران درخصوص آموزشهای عمومی و تخصصی ترافیکی. د- بررسی برنامه های وزارت صنایع و معادن در خصوص الزام تولیدکنندگان به رعایت استانداردهای ایمنی وسایل نقلیه ساخت داخل و تولید و عرضه خودروهای قابل رقابت با انواع خارجی. ه- بررسی برنامه های وزارت راه و ترابری در خصوص شرایط احراز صلاحیت رانندگان وسایل نقلیه عمومی برون شهری، اطلاع رسانی مناسب، توسعه، بهسازی و نگهداری راهها، ایمن سازی و حذف نقاط حادثه خیز در جاده ها. و- تدوین برنامه و گردشکار راه اندازی و عرضه خدمات امدادرسانی در شبکه جاده ای کشور با هماهنگی وزارتخانه های کشور، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران. ز- ارایه طرحهای لازم برای تامین اعتبار و تحصیل منابعی که در اثر اجرای آنها، منابع جدید کسب و یا در مصرف منابع موجود صرفه جویی می شود در جهت ایمن سازی حمل و نقل. ح- بررسی نظام بیمه ای کشور و چگونگی ارایه خدمات بیمه ای توسط شرکتهای بیمه در زمینه حمل و نقل. تبصره ۱- دستگاههای یادشده موظفند در شهریور ماه هرسال برنامه سال آینده خود را در خصوص موارد مشخص شده به دبیرخانه کمیسیون ارایه نمایند. تبصره ۲- دستگاه های یادشده موظفند مصوبات شورای عالی هماهنگی ترابری کشور را در خصوص موارد تعیین شده مورد توجه قرارداده و گزارش عملکرد خود را در مقاطع سه ماهه، به دبیرخانه کمیسیون ارایه نمایند. تبصره ۳- کمیسیون مسئولیت نظارت بر اجرای مصوبات شورای عالی هماهنگی ترابری کشور را درخصوص موارد تعیین شده، برعهده دارد. ماده ۳- کمیسیون هرماه یک بار تشکیل جلسه خواهدداد. تبصره- جلسات کمیسیون با حضور حداقل هفت نفر از اعضای جلسه تشکیل و تصمیمات آن با رای اکثریت و حداقل پنج رای از اعضای حاضر معتبر خواهدبود. ماده ۴- دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترابری کشور، وظایف دبیرخانه کمیسیون را برعهده خواهدداشت. ماده ۵- دستگاه های اجرایی عضو کمیسیون هرسال میزان اعتبارات لازم را برای انجام اقدامات ایمنی با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در قانون بودجه پیش بینی خواهندکرد. ماده ۶- کمیسیون موظف است نتیجه فعالیتهای انجام شده، طرحهای تصویب شده و نحوه همکاری دستگاههای دیگر را در پایان هر شش ماه به شورای عالی هماهنگی

ترابری کشور گزارش نماید. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی قانون ایمنی راهها و راه‌آهن ـ مصوب ۱۳۷۹ – مصوب ۱۳۸

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۲۳۳۲۶/۱۱ مورخ ۲۴/۱۲/۱۳۸۳ وزارت راه و ترابری و به استناد تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی قانون ایمنی راهها و راه‌آهن ـ مصوب ۱۳۷۹ ـ تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی قانون ایمنی راهها و راه‌آهن ـ مصوب ۱۳۷۹ ـ موضوع تصویب نامه شماره ۳۶۱۶۴/ت۲۵۰۸۸هـ مورخ ۲۶/۱۱/۱۳۸۱ به‌شرح زیر اصلاح می شود: ۱ـ متن زیر جایگزین بند (ج) ماده ۲) آیین نامه یادشده می شود: « ج ـ هرگونه ساخت و ساز به استثنای تأسیسات زیربنایی در اراضی واقع در نوار به‌عرض سی متر برای راهها و راه آهن‌های کشور و به عرض پانزده متر برای راههای استانهای گیلان، مازندران و گلستان به استثنای آزاد راهها و محورهای موجود رشت ـ قزوین، تهران ـ رود هن ـ آمل، رودهن ـ قائمشهر و کرج ـ چالوس از ابتدای محدوده یکصد متری ممنوع خواهد بود.» ۲ـ متن زیر جایگزین بند (ج) ماده (۴) آیین‌نامه یادشده می‌شود: «ج ـ مبلغ پایه به ازای هر متر مربع اعیان به استثنای مجتمع‌های خدمات رفاهی بین راهی، منازل مسکونی روستائیان و تأسیسات کشاورزی نظیر خانه باغی و تلمبه خانه مبلغ ۳۰۰۰ ریال.» معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

معاینه فنی

آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۷/۱/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۵۹۷۳/۱۰۱ مورخ ۱۴/۷/۱۳۸۱ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده ماده ۱– در این آیین نامه خودروی فرسوده به خودرویی اطلاق می شود که نتواند در آزمایش معاینه فنی خودرو، شرایط لازم را احراز نماید یا بر اساس ماده (۲) این آیین نامه، فرسوده اعلام گردد. ماده ۲– کارگروه موضوع ماده (۷) این آیین نامه موظف است حداکثر ظرف یک ماه از ابلاغ این آیین نامه، فهرست، اولویت و ضوابط شناسایی خودروهای فرسوده را بر اساس شاخصهای میزان سوخت، عمر مفید و نوع بهره برداری به تفکیک خودروهای عمومی و شخصی اعلام نماید. کارگروه یاد شده موظف است هر سال فهرست، اولویت، ضوابط شناسایی خودروهای فرسوده و میزان معافیت موضوع ماده (۴) این آیین نامه را با توجه به منابع مالی مورد نیاز، برای سال بعد تعیین و اعلام نماید. ماده ۳– این آیین نامه تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مورد خودروهای با پلاک شهرهای موضوع بند (د) ماده (۱۰۴) قانون برنامه یاد شده که در این شهرها تردد می نمایند، اعمال می شود و پس از آن عمومیت خواهد یافت. ماده ۴– سیاستهای تشویق و اعمال نظام تعرفه ترجیحی در چارچوب ماده (۱۱۵) قانون برنامه سوم برای خارج نمودن خودروهای فرسوده، حداکثر ظرف یک ماه توسط کمیسیون موضوع ماده (۱) آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات با حضور نمایندگان وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و ارایه شود. ماده ۵ – سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است حداکثر ظرف یک ماه با همکاری اعضای کارگروه موضوع ماده (۷) این آیین نامه و با هماهنگی سیستم بانکی، آیین نامه نحوه اعطای تسهیلات به مالکین خودروهای فرسوده و همچنین تکالیف مالکین یاد شده را تهیه و ارایه نماید. ماده ۶ – شهرداری شهرهای موضوع بند (د) ماده (۱۰۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماده (۵) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا – مصوب ۱۳۷۴ – موظفند راسا یا از طریق

سامانـدهی بخش خصوصـی نسـبت به احـداث و بهره برداری مراکز معـاینه فنی خـودرو اقـدام نماینـد. تبصـره ۱- در شـهرهایی که امکانـات معاینه فنی خودرو فراهم می گردد، انجام معاینه فنی خودرو برای کلیه وسایل نقلیه الزامی است. تبصـره ۲- وزارت کش- ور (سازمـان شـهرداریهای کشور) موظف است همـاهنگی های لازم را به منظور احـداث و بهره برداری از مراکز یاد شـده، در کلیه شهرهای کشور بعمل آورد. ماده ۷- همـاهنگی و نظارت بر نحوه اجرای مفاد این آیین نامه و همچنین تعیین روشـهای از رده خارج کردن خودروهای فرسوده، تنظیم و تصویب دسـتورالعملهای مربوط به محدودیت تردد، محدودیت نقل و انتقال، اصـلاح تعرفه های بیمه و عوارض سالانـه و نظایر آن متناسب با عمر خودروهای فرسوده و نیز تنظیم و پیشـنهاد لوایـح مورد نیاز و روشـهای تامین منابع جدیـد توسط کارگروهی متشـکل از وزارت کشور (سازمان شـهرداریهای کشور)، نیروی انتظامی جمهوری اسـلامی ایران، سازمان مـدیریت و برنـامه ریزی کشور، وزارت صـنایع و معادن، وزارت نفت، وزارت بازرگانی با مسؤولیت سازمان حفاظت محیط زیسـت انجام می پذیرد. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت – مصوب ۱/۱۰/۱۳۸۶

جنـاب آقـای دکـتر محمـود احمـدی‌نژاد ریـاست محـترم جمهـوری اسـلامی ایران عطف به نامه‌هـای شـماره ۲۵۳۳۷/۳۷۲۴۴ مورخ ۲۲/۲/۱۳۸۶ و شـماره ۱۳۵۸۵۰/۳۶۴۱۱ مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۵ در اجراء اصـل یکصـد و بیست و سـوم (۱۲۳) قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت سوخت که با عنوان لایحه مدیریت مصرف سوخت در بخش حمل و نقل عمومی برون شـهری و لایحه توسـعه حمل و نقل عمومی درون‌شـهری و مدیریت مصـرف سوخت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیـده بود، بـا تصویب در جلسه علنی روز یکشـنبه مورخ ۱۸/۹/۱۳۸۶ و تأییـد شورای محترم نگهبـان، به پیوست ابلاـغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره ۱۶۰۹۹۹ ۲۳/۱۰/۱۳۸۶ ریاست جمهوری (نماینده ویژه رئیس جمهور در توسـعه حمل و نقل عمومی و مدیریت سوخت) قانون توسـعه حمل و نقل عمومی و مدیریت سوخت که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجـدهم آذرماه یکهزار و سـیصد و هشـتاد و شـش مجلس شورای اسـلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسـیده و طی نامه شـماره ۱۵۳۳۶۲/۶۸۵ مورخ ۱/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسـلامی واصـل گردیـده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس‌جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون توسـعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصـرف سوخت ماده۱ـ دولت مکلف است در جهت توسعه حمل و نقل درون‌شهری و برون‌شهری کشور و مدیریت بر مصرف سوخت نسبت به بهینه‌سازی عرضه خدمات حمل و نقل (از طریق اصـلاح و توسـعه شبکه حمل و نقل ریلی، برقی کردن خطوط و اجراء علائم و تأسیسات و ارتباطات، افزایش سرعت در شبکه ریلی، یکپارچه‌سازی و ساماندهی مدیریت حمل و نقل، اصلاح قیمتها، ایمن‌سازی و بهبود تردد، بهسازی و از رده خـارج نمـودن خودروهـای فرسوده سـبک و سـنگین مسـافری و بـاری درون و برون‌شـهری، تبـدیل خودروهـای بنزین‌سوز و گازوئیل‌سوز به دوگانه‌سوز، الزام معاینه فنی، توسـعه ناوگان حمل و نقل همگانی ون و مینی‌بوس و مدی‌بوس و اتوبوس، استفاده از سامانه هوشمند حمل و نقل، ساخت و توسعه شبکه آزادراهها و بزرگراههای بین‌شهری، حمل ترکیبی کالا از مبدأ تا مقصد نهائی با شبکه ریلی و شـبکه مکمـل جـاده‌ای، الزام به داشـتن توقفگـاه در انواع کاربریهـا، احـداث توقفگاههای عمومی، سامانـدهی و ایجاد توقفگاهها و پایانه‌های بار و مسافر شـهری و برون‌شهری اعم از ریلی و جاده‌ای در نقاط مناسب از شهرها و حومه آن، افزایش امنیت و قـابلیت اطمینـان و دسترسـی)، بهینه‌سـازی تقاضـای حمـل و نقـل (از طریق اصـلاح فرآینـدهای اداری، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطـات، اصـلاح کـاربری زمین و آمایش سـرزمین، اعمال محـدودیتهای ترافیکی، آموزش و فرهنگ‌سازی)، بهینه‌سازی مصـرف انرژی (از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخشـهای حمل و نقل و صـنعت و کشاورزی با اولویت کارت هوشمند سوخت، احداث جایگاههای عرضه گاز، حمایت از ابداعات و اختراعات مؤثر در کاهش مصرف سوخت)، بهینه‌سازی تولید خودرو [از طریق تولید

خودروهـای گـازسوز، تأمین تجهیزات اسـتفاده از گاز توسط خودروها، حمایت از تولیـد خودروهای برقی، دونیرویی (هیبریـدی) و کم‌مصرف، استانداردسازی تولید خودروی سبک و سنگین و موتورسیکلت در مصرف سوخت و کاهش آلایندگی] و خروج بنزین و گازوئیل از سبد حمایتی، حداکثر از ابتداء سال ۱۳۹۱ هجری شمسی اقدام نماید. ماده۲ـ به دولت اجازه داده می‌شود برای اجراء احکام ماده (۱) این قانون اقدامات زیر را به عمل آورد: ۱ـ اعطاء کمکهای بلاعوض یارانه‌ای به بخشهای غیردولتی مرتبط با اهداف ایـن قـانون؛ ۲ـ تخفیـف در حقـوق ورودی و سـود بازرگـانی واردات ناوگـان حمـل و نقـل همگـانی، خودروهـای کم‌مصـرف، خودروهـای گـازسوز، نفت‌گـاز، برقی و دونیرویی (هیبریـدی) و قطعـات و تجهیزات مربوطه؛ ۳ـ تخفیـف در حقـوق ورودی و سود بازرگـانی واردات تجهیزات، تأسیسات، ماشین‌آلات و قطعـات مورد نیـاز شـبکه و ناوگـان ریلی (شـهری و برون‌شـهری) و توسـعه آزادراهها و بزرگراهها؛ ۴ـ اعطاء تسـهیلات بانکی و پرداخت بخشی از سود تسهیلات بانکی به بخشهای مرتبط با اهداف این قانون؛ ۵ ـ تغییر کاربری اراضـی و واگـذاری زمینهای مورد نیاز احداث جایگاههای عرضه گاز طبیعی تا پایان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی به قیمت منطقه‌ای پس از تملـک و پرداخت بهـای عـادله آنهـا به صاحبان اراضـی؛ ۶ ـ تعیین و اخـذ جریمه، متنـاسب با مازاد مصـرف سوخت و آلایندگی از خودروهای سـبک و سنگین به صورت پلکانی؛ ۷ ـ تعیین و اخذ عوارض، بر مبنای میزان مصـرف سوخت و آلاینـدگی و نوع سوخت از خودروهای تولید داخل و وارداتی از تولیدکنندگان داخلی و واردکنندگان. ماده۳ـ دولت مکلف است نظارت بر اجراء زمانبندی شده طرحها و پروژه‌های مرتبط با اهداف این قانون را با راهکارهایی که در آئین‌نامه‌های اجرائی مشخص خواهد کرد، اعمال نماید و هر شـش ماه یکبار گزارش پیشرفت کار را به کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی ارائه کند. ماده۴ـ توزیع کمکهـا، یارانه‌هـا، تسـهیلات و اعتبـارات موضوع این قانون و تعیین دسـتگاه مجری با توجه به شـرح وظایف قانونی به عهـده دولت است. دولت موظف است به نحوی اقـدام کنـد که ضـمن صـرفه‌جویی، سـرعت و کیفیت نیز لحـاظ گردد. ماده۵ ـ شرکتهای بیمه‌گر موظفنـد متنـاسب بـا ارزیـابی دولت از عملکرد دستگاه‌های مؤثر در کـاهش حوادث و تلفـات حمـل و نقـل درون‌شـهری و برون‌شـهری، معادل پنجاه‌درصد (۵۰٪) صـرفه‌جویی حاصـل از عـدم پرداخت خسارات بیمه بـدنه و شـخص ثالث را برای آموزش و فرهنگسازی ایمنی تردد، تأمین تجهیزات، اصلاح فیزیکی نقاط و مقاطع حادثه‌خیز و کمک به پرداخت هزینه‌های جاری (با تصویب طرحها و اعتبارات پیشـنهادی از سوی شـهرداریها در شورای هماهنگی ترافیک استان و از سوی وزارت راه و ترابری و پلیس راهور، در کمیسیون ایمنی راههـای وزارت راه و ترابری) به دسـتگاههای مـذکور اختصاص دهنـد. ماده۶ ـ دولت موظـف است بـا اولویت حمـل و نقـل ریلی به گونه‌ای اقـدام نمایـد که سـهم حمـل و نقل ریلی در جابه‌جایی بار و مسافر و مصـرف سوخت در حمل و نقل برون‌شـهری بر مقادیر جدول شـماره (۱) این قـانون منطبق شود. ماده۷ـ دولت موظف است سیاسـتهای بخش حمـل و نقـل همگانی شهری را به گونه‌ای تنظیم نمایـد که از ابتداء سال ۱۳۹۱ هجری شمسی در مجموع هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) سفرهای درون‌شهری پوشـش داده شده و سـهم هر یک از بخشـهای حمل و نقل همگانی و مصـرف سرانه بنزین در روز براساس جدول شماره (۲) باشد. تبصـره ـ در شـهر تهران نسـبت تسـهیم حمل و نقل عمومی از کل سـفرهای درون‌شـهری برای اتوبوسرانی، تاکسیرانی و حمل و نقل ریلی به ترتیب تا حـداکثر بیست و پنـج درصـد (۲۵٪)، بیست درصـد (۲۰٪) و سـی‌درصد (۳۰٪) می‌باشد. ماده۸ ـ در صـورتی که شهرداری شهرهای دارای شهرک اقماری، شرکتهای شهرک‌های جدید، شرکتها و کارخانه‌ها، هزینه تأمین زیرساخت و ابنیه خطوط ریلی به شـهرکهای اقماری، شـهرهای جدیـد یا محل شـرکت یا کارخانه را تأمین نمایند، دولت هزینه روسازی، علائم، تأسیسات و ناوگـان اجراء پروژه‌های مربوطه را تأمین خواهـد کرد. تبصـره ـ اعتبارات موردنیاز این بنـد از محل اعتبارات پیش‌بینی شـده در ماده (۱۰) این قانون تأمین خواهـد شد. ماده۹ـ مـدیریت حمل و نقل بار و مسافر در محـدوده شـهر و حومه آن به عهده شـهرداری است. ماده۱۰ـ اعتبـارات موردنیـاز موضوع این قـانون به میزان چهـل هزار میلیارد (۴۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریـال در بخش درون‌شـهری و شصت هزار میلیارد (۶۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در بخش برون‌شـهری در هر سال تعیین می گردد. دولت مجاز است این اعتبارات

را در دو ردیف متمرکز درون‌شهری و برون‌شهری از محل درآمد عمومی، صرفه‌جویی حاصل از اجراء این قانون و حساب ذخیره ارزی تأمین و در بودجه سنواتی منظور نماید. این اعتبارات در حساب مخصوص نزد خزانه‌داری کل کشور به صورت صددرصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی می‌گردد. ماده۱۱ـ وصولی‌های موضوع بندهای (۶) و (۷) ماده (۲) و ماده (۵) بین شهرداریها و وزارت راه و ترابری جهت انجام تکالیف این قانون به نسبت شصت‌درصد (۶۰٪) و چهل‌درصد (۴۰٪) در قالب بودجه‌های سنواتی توزیع می‌گردد. کمک به شهرهای فاقد سامانه ریلی شهری مصوب برای ساماندهی حمل و نقل همگانی و بهبود عبور و مرور دارای اولویت است. ماده۱۲ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون با پیشنهاد مشترک نماینده ویژه ریاست جمهوری، وزارت راه و ترابری، وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده۱۳ـ اجراء کلیه قوانین مغایر با این قانون به جز قانون برنامه توسعه ملغی‌الاثر می‌گردد. جدول ۱ـ برون‌شهری جدول ۲ـ درون‌شهری قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجدهم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

شهرداری

شهرداری و شورا

قانون شهرداری – مصوب ۱۱/۴/۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات

فصل اول ــ در تاسیس شهرداری (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ در هر محل که جمعیت آن حداقل به پنج هزار نفر بالغ باشد شهرداری تاسیس می‌گردد. تبصره ۱ ـ در هر نقطه که از نظر موقعیت و اهمیت تشکیل شهرداری ضرورت داشته باشد ولو جمعیت آن به پنج‌هزار نفر بالغ نشود وزارت کشور می‌تواند در آن محل دستور تشکیل انجمن و شهرداری بدهد و چنانچه پس از تشکیل شهرداری در نقاط مزبور ضمن عمل معلوم شود عوارض وصولی تکافوی هزینه شهرداری را نمی‌نماید و با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و مالی محل برای اداره امور شهرداری درآمد جدیدی نمی‌توان تهیه نمود وزارت کشور مجاز است شهرداری این قبیل نقاط را منحل نماید. تبصره ۲ ـ در نقاطی که فقط در بعضی از فصول برقراری شهرداری لازم باشد برای فصل مزبور و همچنین برای چند محل که به یکدیگر نزدیک و جمعا اقتضای تشکیل شهرداری داشته باشند می‌توان یک شهرداری تاسیس کرد. ماده ۲ ـ حدود حوزه هر شهرداری بوسیله با تصویب انجمن شهر تعیین می‌شود و پس ازموافقت شورای شهرستان و تصویب وزارت کشور قابل اجرا است ماده ۳ ـ شهرداری دارای شخصیت حقوقی است

فصل دوم ــ انتخابات انجمن شهر (ماده ۴ ت۳۲)

الف ـ تقسیم‌بندی شهر، حوزه‌های انتخابیه و تعداد انجمن ماده ۴ ـ هر حوزه شهرداری انجمنی خواهد داشت بنام انجمن شهر که اعضا آن از طرف اهالی مستقیما و با رای مخفی به اکثریت نسبی برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. مواد ۵ و ۶ ـ طبق ماده

۱۱۳ لغو شده است ماده ۷ ـ تعداد اعضای انجمن شهرها بدین ترتیب تعیین می‌شود. تهران ۳۰ نفر شهرهای از ۲۵۰ هزار نفر جمعیت بالا۱۵ نفر شهرهای از ۱۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت۱۲ نفر شهرهای از ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت۹ نفر شهرهای از ۱۰ هزار تا ۵۰ هزار نفر جمعیت۷ نفر شهرهای کمتر از ۱۰هزار نفر۵ نفر تبصره ـ جمعیتی که ملاک تعیین عده نمایندگان هر حوزه است آخرین سرشماری عمومی کشور است که نتیجه آن قبل از صدور دستور شروع انتخابات انجمن شهر رسما اعلام شده باشد. ب ـ شرایط انتخاب کردن و انتخاب شدن ماده ۸ ـ انتخاب‌کننده باید واجد شرایط زیر باشد: ۱ ـ تابعیت ایران ۲ ـ داشتن ۱۸ سال تمام ۳ ـ توطن در محل انتخاب و یا لااقل سکونت در آنجا از ششماه قبل از انتخابات و یا آنکه شخصا در آن حوزه به کسب یا حرفه معینی اشتغال داشته باشد و در صورتی که محل سکنی و محل کسب یا حرفه مختلف باشد فقط محل سکنی معتبر است ۴ ـ عدم محکومیت بجنایت یا جنحه‌ای که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی است ۵ ـ محجور نبودن و عدم محکومیت به ورشکستگی به تقصیر. تبصره ـ رای دهندگان موظفند قبل از دادن رای برگ انتخاباتی تحصیل کنند. نحوه تنظیم دفاتر ثبت نام و صدور برگ انتخاباتی و تشخیص صلاحیت رای دهندگان بر اساس‌مقررات این قانون بموجب آیین نامه‌ای خواهد بود که ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون ازطرف وزارت کشور تهیه و بتصویب هیات وزیران برسد. ماده ۹ ـ انتخاب‌شونده باید دارای شرایط زیر باشد: ۱ ـ تابعیت ایران ۲ ـ داشتن ۲۵ سال تمام سن ۳ ـ توانایی خواندن و نوشتن فارسی باندازه کافی ۴ ـ لااقل سه سال ساکن محل انتخاب باشد. ۵ ـ عدم محرومیت از حقوق اجتماعی ۶ ـ محجور نبودن و عدم محکومیت به ورشکستگی به تقصیر. ماده ۱۰ ـ اشخاص زیر از انتخاب شدن محرومند. ۱ ـ نخست‌وزیر ـ وزیران و معاونان آنان و نمایندگان مجلسین در تمام کشور و استانداران و فرمانداران و قضات دادگستری و شهرداران و بخشداران و کلیه روسای ادارات و سازمانها و شرکتهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها همچنین مدیرعامل جمعیت هلال احمر ایران ـ رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ـ رییس اتاق اصناف ـ رییس شورای داوری ـ رییس انجمن بهداری ـ رییس شورای آموزش و پرورش منطقه‌ای و قایم‌مقام و معاونان مقامات مذکور در حوزه‌مأموریت و کار خود به استثنای استادان و دانشیاران و استادیاران و سایر افرادی که در موسسات اموزش عالی تدریس می کنند مشروط بر آنکه دارای شغل دولتی نباشند و همچنین کارکنان‌آموزشی وزارت آموزش و پرورش که منحصرا به امر تدریس اشتغال ورزند. ۲ ـ افسران و نفرات شهربانی و ژاندارمری و ارتش و همردیفان آنها از هر دسته تا موقعی که درخدمت هستند از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند. ۳ ـ اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اعضا انجمن نظارت انتخابات انجمن شهر در دوره‌ای که دارای این سمت هستند. ۴ ـ هیچیک از کارمندان و کارگران ادارات و بنگاههای دولتی و سازمانهای وابسته به دولت وکسانیکه بنحوی از انحا از شهرداری مستمرا حقوق و یا کمک مالی دریافت می‌دارند در حوزه‌مأموریت خود نمی‌توانند انتخاب شوند مگر اینکه قبل از نشر اعلان انتخابات بازنشسته شده یا استعفا داده یا از خدمت خارج شده باشند که در اینصورت انتخاب آنان مانعی ندارد. تبصره ـ در نقاطی که دولت مقتضی بداند و اعلام نماید شرکت کارمندان و کارگران سازمانهایی که با سرمایه دولت تشکیل شده ولی بصورت بازرگانی اداره می‌شوند در انتخابات انجمن شهر بلامانع است ۵ ـ روسا و اعضا هیات مدیره و مدیران عامل شرکتها و کسانی که تامین تمام یا قسمت اعظم یکی از حوایج عمومی حوزه شهرداری از قبیل خواربار ـ وسایل نقلیه ـ برق ـ آب ـ دارو و امثال اینها را بعهده دارند نمی‌توانند بعضویت انجمن شهرداری محلی که مرکز فعالیت آنهاست انتخاب شوند. تبصره ـ چنانچه یکی از کارمندان پایه‌دار دولت یا شهرداری بعضویت انجمن انتخاب شود مدت نمایندگی جزو سابقه خدمت او محسوب می‌شود. ماده ۱۱ ـ از اشخاصی که با یکدیگر قرابت نسبی یا سببی بشرح زیر داشته باشند: پدر ـ مادر ـ فرزند ـ نوه ـ برادر ـ خواهر ـ برادرزاده ـ خواهرزاده ـ همسر خواهر و برادر همسر ـفرزند همسر، فقط آنکسی که رای او بیشتر است می‌تواند عضویت یک انجمن را دارا باشد و درصورت تساوی آرا یکی از آنها بحکم قرعه معین خواهد شد و اگر قرابت پس از اتمام انتخابات و صدور اعتبارنامه یا هر زمانی از دوره قانونی انجمن حاصل و یا معلوم گردد بلافاصله در اولین باری‌که انجمن تشکیل جلسه می‌دهد بحکم

قرعه یکنفر ابقا می‌شود و بجای شخص یا اشخاصی که‌خارج شده‌اند از شخص یا اشخاصی که بعد از آنها رایشان بیشتر است دعوت خواهد شد. ماده ۱۲ ـ هر عضو انجمن شهرداری که فاقد یکی از شرایط انتخاب شونده (مذکور در ماده ۹ این‌قانون گردد و یا یکی از مشاغلی را که موجب محرومیت از عضویت انجمن شهرداری است قبول‌کند از همان موقع منعزل شناخته می‌شود و فرماندار یا بخشدار موظف است بمحض اطلاع مراتب‌را بعضو منعزل و انجمن شهر اعلام نماید. ماده ۱۳ ـ یکنفر نمی‌تواند در بیش از یک انجمن شهر عضویت داشته باشد. تبصره ـ در شهرهایی که به حوزه‌های انتخابیه تقسیم می‌شود هرگاه یکنفر در بیش از یک حوزه‌انتخاب گردد فقط می‌تواند نمایندگی یکی ازحوزه‌ها را داشته باشد و از سایر حوزه‌ها کسانی که بعداز او حایز اکثریت هستند نمایندگی آن حوزه‌ها را خواهند داشت مشروط بر اینکه نفر بعدی حداقل‌دارای نصف آرا آخرین نماینده منتخب حوزه باشد والا انتخابات در آن حوزه تجدید خواهد شد. ج ـ در تعیین داوطلبان و تشکیل انجمن نظارت ماده ۱۴ ـ فرمانداران یا بخشداران حداکثر ظرف مدت سه روز پس از وصول دستور وزارت‌کشور تاریخ و محل تشکیل کمیسیون موضوع ماده ۱۵ و شرایط انتخاب‌شوندگان و مدت اعلام‌داوطلبی عضویت در انجمن را بموجب آگهی به اطلاع عموم اهالی بخش یا مرکز فرمانداری‌می‌رسانند. داوطلبان عضویت در انجمن باید برگ داوطلبی خود را ظرف ده روز از تاریخ انتشار آگهی‌شخصا به فرمانداری یا بخشداری تسلیم نمایند. ماده ۱۵ ـ پس از انتشار آگهی مزبور در ماده ۱۴ بمنظور احراز شرایط قانونی در مورد داوطلبان‌عضویت در انجمن حداقل دو ماه قبل از روز اخذ رای بدستور وزارت کشور در مرکز هر فرمانداری یابخشداری کمیسیونی بریاست فرماندار یا بخشدار و بعضویت رییس دادگاه شهرستان در شهرستان ورییس دادگاه بخش در بخش و رییس اداره آموزش و پرورش و رییس اداره ثبت احوال و یکنفر معتمد محل بانتخاب فرماندار یا بخشدار تشکیل می‌گردد. در بخشها رییس آموزش و پرورش بخش ، نماینده ثبت احوال عضویت کمیسیون را دارا خواهند بود. در غیاب هریک از افراد مذکور دربالا از جانشین آنان دعوت بعمل خواهد آمد. در صورتی که تکمیل تعداد اعضای کمیسیون با افراد مذکور میسر نباشد، فرماندار یا بخشدارمی‌تواند از دبیران یا آموزگاران یا سردفتران یاروسای انجمن ده برای تشکیل و تکمیل عده اعضای‌کمیسیون دعوت نماید. داوطلبان عضویت در انجمن‌ها نمی‌توانند عضو کمیسیون مذکور باشند وهرگاه اعضا این کمیسیون داوطلب عضویت در انجمن شهر گردد مستعفی تلقی شده و طبق مقرراتاین ماده بجای آنان از افراد دیگر دعوت بعمل خواهد آمد. کمیسیون پس از رسیدگی اسامی افرادواجد شرایط قانونی را بمرجع حزبی مربوط در محل اعلان می‌کند تا طبق ضوابط حزبی و با توجه‌به تعداد داوطلبان و جمعیت هر حوزه انتخابیه حداکثر تا چهار برابر تعداد اعضای انجمن نامزدهای انتخاباتی از طرف حزب اعلام شود و رای دهندگان می‌توانند فقط به افراد اعلام شده رای دهند. بعد از انتشار اعلام اسامی داوطلبان واجد شرایط کمیسیون نسبت به تعیین اسامی ۲۴ نفر از معتمدین محلی با سواد از بین گروههای مختلف که دارای شرایط رای دهنده باشند اقدام می‌نماید و فرماندار یا بخشدار از ۲۴ نفر مذکور برای تشکیل انجمن نظارت در محل بخشداری یا فرمانداری دعوت خواهد نمود. دعوت‌شدگان در همان جلسه با رای مخفی و اکثریت نسبی از بین خود هفت نفر را بعنوان عضواصلی و هفت نفر را بعنوان عضو علی البدل انتخاب می‌کنند. برای تشکیل جلسه مذکور حضور حداقل دو سوم دعوت شدگان ضروری است در بخشهایی که چند انتخابات برای تشکیل چندانجمن شهر در جریان باشد نماینده بخشدار در تشکیل انجمن وظایف مطابق بخشدار را بعهده‌خواهد داشت تبصره ۱ ـ در بخشهایی که انتخابات برای تشکیل چند انجمن شهر در جریان است تکالیف مربوط به احراز شرایط قانونی داوطلبان و تعیین ۲۴ نفر معتمدان و رسیدگی بشکایات موضوع ماده۳۰ و سایر وظایف مربوط توسط کمیسیون مذکور در این ماده انجام خواهد شد. تبصره ۲ ـ انجمنهای نظارت بر انتخابات با نظارت فرماندار و بخشدار محل مسئول صحتانتخابات خواهند بود. تبصره ۳ ـ هرگاه قبل از تشکیل انجمن نظارت یک یا چند نفر از داوطلبان نمایندگی استعفا دهند مراتب از طرف فرماندار یا بخشدار برای اطلاع رای دهندگان اعلام می‌شود و داوطلب مستعفی حق استرداد استعفای خود را ندارند. تبصره ۴ ـ وزارت کشور مکلف است نسبت به تشکیل انجمن شهر در کلیه نقاطی که شهرداری تاسیس

شده یا بشود اقدام نماید. ماده ۱۶ ـ از داوطلبان عضویت در انجمن شهر نباید برای عضویت انجمن نظارت و شعب اخذ رای و شعب ثبت‌نام دعوت بعمل آید ولی هر داوطلب می‌تواند برای نظارت در اخذ و قرایت آرا نماینده‌ای به انجمن نظارت و شعب اخذ رای معرف کند. ماده ۱۷ ـ کسانی که برای عضویت انجمن نظارت انتخاب می‌شوند بلافاصله تحت ریاست مسن ترین اعضا تشکیل جلسه داده یک رییس و یک نایب رییس و لااقل سه منشی از بین خود با رای مخفی و به اکثریت انتخاب می‌نمایند نظم جلسات انجمن با رییس و در غیاب رییس با نایب رییس خواهد بود و نوشتن صورت جلسات بعهده منشی هاست ماده ۱۸ ـ انتخاب رییس و نایب رییس فردی است و به اکثریت تام خواهد بود و در صورت‌عدم حصول اکثریت تام دفعه دوم انتخاب به اکثریت نسبی صورت می گیرد. انتخاب سه نفر منشی جمعی و به اکثریت نسبی است ماده ۱۹ ـ بمنظور اخذ رای و استخراج آرا ، انجمن‌های نظارت مکلفند با تصویب کمیسیون موضوع ماده ۱۵ بتعداد لازم شعب اخذ رای مرکب از ۵ نفر از اهالی محل تشکیل دهند. اعضای شعبه باید واجد شرایط انتخاب‌کننده باشند. محل شعب اخذ رای حتی الامکان با توجه‌به جمعیت و امکانات ارتباطی محل تعیین می‌شود. ماده ۲۰ ـ ورود در محوطه انتخابات با هر نوع اسلحه سرد و گرم جز برای مأمورین انتظامی ممنوع است کسانی که برخلاف نظم و مقررات رفتار نمایند به امر رییس بوسیله مأمورین انتظامی ازانجمن خارج و در صورت لزوم بمراجع قانونی تسلیم خواهند شد. ماده ۲۱ ـ انجمن نظارت و شعب آن غیرقابل انحلال است مگر آنکه اسباب تعطیل و تعویق‌انتخابات را فراهم کنند و یا برخلاف وظایفی که طبق این قانون بعهده انجمن گذاشته شده عمل‌نمایند در این صورت اگر موجبات تعطیل و تعویق و اخلال از طرف شعبه باشد بنا بنظر اکثریت انجمن نظارت با موافقت فرماندار یا بخشدار شعبه مزبور منحل می‌شود و اگر از طرف انجمن نظارت باشد فرماندار یا بخشدار با موافقت کمیسیون پنج‌نفری (با اکثریت آرا) با ذکر دلایل اعضا علی البدل را برای ادامه امر انتخابات دعوت می‌نماید و ضمنا مراتب و دلایل تعطیل و تعویق واخلال را ضمن صورتجلسه ای برای تعقیب متخلفین از طریق وزارت کشور به شورای دایمی انتخابات اعلام می‌دارد. در صورتیکه از این اقدامات نیز نتیجه‌ای حاصل نشود از طرف فرماندار یا بخشدار درخواست انحلال انجمن نظارت با نظر کمیسیون پنج نفری از طریق وزارت کشور به شورای دایمی انتخابات موضوع ماده ۱۱۴ این قانون برای اتخاذ تصمیم فوری احاله خواهد شد. ماده ۲۲ ـ هرگاه در اثنا جریان انتخابات یک یا چند نفر از اعضا انجمن در آمدن به جلسات‌تعلل و یا از حضور استنکاف نمایند تا زمانی که اکثریت باقی است جریان امر تعقیب و به عضو یااعضا مذکور اخطار می‌شود که حضور یابند چنانچه عضوی تا دو جلسه پس از اخطار در استنکاف و تعلل خود باقی باشد فرماندار یا بخشدار یک یا چند نفر از اعضا علی البدل را بحکم قرعه برای عضویت انجمن دعوت می‌نماید و اگر اکثریت اعضا انجمن نظارت از حضور در انجمن استنکاف نمایند و یا پس از ختم انتخابات از دادن اعتبارنامه خودداری کنند فرماندار یا بخشدار علل وموجبات آنرا تحقیق و در رفع محظور اهتمام می‌نمایند و در صورتیکه اهتمام فرماندار یا بخشدار موثر نشود و اکثریت اعضا انجمن یا تمام اعضا انجمن اعم از اصلی و علی البدل همچنان استنکاف و یا استعفا نمایند یا بواسطه فقدان اکثریت انجمن نتواند بوظایف قانونی خود عمل کندکمیسیون مقرر در ماده ۱۵ در تجدید اعضا انجمن نظارت بتعداد کسری اقدام می‌نماید و انتخابات‌را خاتمه می‌دهد و اشخاصی که موجبات تعطیل و تعویق و انحلال انجمن را فراهم کرده باشند طبق‌ماده ۸۷ این قانون مورد تعقیب قرار خواهند گرفت د ـ کیفیت اخذ آرا و تشخیص منتخبین ماده ۲۳ ـ همین که انجمن‌های نظارت انتخاب و تشکیل‌شد و در صورت لزوم شعب خود راتعیین نمودند، هریک از انجمن‌ها اعلانی تنظیم نموده و به نسبت اهمیت محل از سه تا پنج روز قبل‌از شروع به اخذ رای در تمام حوزه مربوط به خود منتشر می‌سازند. اعلان مزبور حاوی مطالب ذیل خواهد بود: ۱ ـ محل انعقاد انجمن و شعب آن و ساعات اخذ رای که باید در تمام شعب در یکروز جمعه بعمل آید و کمتر از ۶ ساعت و بیش از ۸ ساعت نباشد، ساعات اخذ آرا از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ واز ساعت ۱۴ تا خاتمه مدت خواهد بود. ۲ ـ شرایط انتخاب‌کنندگان ۳ ـ عده نمایندگانی که باید در آن حوزه انتخاب شوند. ۴ ـ اسامی داوطلبان آن حوزه که طبق ماده ۱۵ از طرف حزب اعلام شده است ماده ۲۴ ـ رای باید مخفی باشد و همینکه رای

دهنده به اطاق انجمن یا شعبه وارد و وجودشرایط رای دادن در او تشخیص داده شد باید رای خود را شخصا در حضور انجمن در صندوق انداخته خارج شود برگ انتخاباتی رای دهنده پس از ثبت در دفتر انجمن طبق آیین نامه مربوط ابطال‌خواهد شد. ماده ۲۵ ـ در پایان آخرین ساعاتی که برای اخذ رای معین گردیده است در ورودی انجمن یاشعبه بسته می‌شود و اگر عده‌ای از آنان که حق رای دادن دارند در داخل محل حاضر باشند رای خود را بترتیب مذکور در صندوق انداخته و انجمن یا شعبه به رای گرفتن خاتمه می‌دهد و بعد از آن دیگراز کسی رای قبول نمی‌شود. ماده ۲۶ ـ اگر از انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان کسی در حین جریان انتخابات شکایت‌داشته باشد این امر مانع انجام انتخابات نخواهد شد ولی شرح آن باید در صورتمجلس نوشته شود. ماده ۲۷ ـ انجمن مکلف است پس از ختم آرا بلافاصله آرا را شماره و قرایت کند و مادام که نتیجه استخراج آرا معلوم نشود حق تعطیل ندارد منشی مکلف است صورت مجلسی از نتیجه آرا قرایت شده تنظیم کند و پس از آنکه صورتمجلس به امضا رییس و اعضا انجمن رسید نتیجه بلافاصله باید بوسیله فرماندار یا بخشدار اعلام گردد. ماده ۲۸ ـ اوراق رای را باید یکی از اعضا یک یک بصورت بلند خوانده به یکنفر دیگر از اعضا بدهد که علامت قرایت گذاشته شود و سه نفر دیگر از اعضا اسامی را بترتیبی که خوانده می‌شود در دفتری که برای اینکار تخصیص داده شده ثبت می‌نمایند از اوراق رای آنچه سفید و یادارای اسامی غیرخوانا باشد یا اینکه انتخاب شده در آن درست معرفی نشده باشد یا اسم کسی که‌معرفی نشده در آن نوشته شده باشد و یا نام انتخاب‌کننده را داشته باشد باطل و عینا ضمیمه صورتمجلس می‌شود. هرگاه در اوراق رای علاوه بر عده‌ای که باید انتخاب شوند اسامی اضافه نوشته شده باشد عده‌زاید از آخر ورقه خوانده نمی‌شود. ماده ۲۹ ـ در حوزه‌هایی که بر طبق ماده ۱۹ برای تسریع اخذ رای شعب انجمن در آن حوزه ها تشکیل می‌گردد صورتمجلس استخراج آرا هر شعبه در ورقه مخصوص با ذکر اسامی و عده آرا هریک از اشخاصی که رای دارند نوشته شده و اعضا شعبه آنرا امضا می‌کنند و به انضمام اوراق لازم در پاکتی که لاک شده و به مهر شعبه رسیده باشد بانجمن نظارت فرستاده می‌شود، اسامی مندرج در صورتمجلس شعب با آرایی که انجمن نظارت استخراج کرده در ورقه جداگانه جمع و کسی‌که از مجموع آرا حایز اکثریت باشد معلوم می‌گردد. اوراق رای هر حوزه تا گذشتن مدت اعتراض و خاتمه رسیدگی در صندوق انجمن که لاـک‌می‌شود و بمهر اعضا می‌رسد باقی می‌ماند و پس از گذشتن مدت اعتراض با حضور عده‌ای از رای دهندگان اوراق مزبور را معدوم می‌سازند (به استثنا آنچه در مواد قبل ذکر شده و باید ضمیمه صورتمجلس باشد) انجمن نظارت حق معدوم کردن آرا را قبل از گذشتن مدت اعتراض و تا پایان‌رسیدگی ندارد. ماده ۳۰ ـ ضمن انتشار اسامی دارندگان رای انجمن نظارت تاریخ قبول شکایات را که باید ازفردای همانروز شروع شود، تعیین می‌کند و اگر از انتخاب‌کنندگان یا انتخاب‌شوندگان کسی از جریان‌انتخابات شکایت داشته باشد ظرف یکهفته به اطلاع انجمن نظارت می‌رساند و انجمن نظارت بعداز انقضا یکهفته شکایتی نمی‌پذیرد و منتهی ظرف یکهفته به شکایات واصله با حضور کمیسیون ۵نفری رسیدگی می‌کند. در صورتیکه شکایت بنظر انجمن وارد باشد و ثابت شود که منتخب دارای شرایط مقرر در ماده ۹ و ۱۰ این قانون نیست مراتب را در صورتمجلس ذکر می‌کند و اعتبارنامه رابرای نفر بعدی که دارای رای بیشتری می‌باشد، صادر می‌نماید، و هرگاه تشخیص دهد که درانتخابات اعمالی برخلاف قانون صورت گرفته موضوع را با تنظیم صورتمجلس برای اتخاذ تصمیم‌از طریق وزارت کشور به شورای موضوع ماده ۱۱۴ این قانون احاله می‌نماید و طبق نظر شورا عمل‌می‌کند. ماده ۳۱ ـ کسانی که بعضویت انجمن شهر انتخاب می‌شوند باید اعتبارنامه به امضا انجمن‌نظارت و اعضا کمیسیون پنج‌نفری در دست داشته باشند و آنرا بدفتر شهرداری و در صورت نبودن شهرداری بدفتر فرمانداری یا بخشداری بدهند و رونوشت آن را بگیرند کمیسیون مزبور و همچنین اعضا انجمن نظارت نباید بدون عذر موجه در صدور اعتبار نامه تاخیر کنند والاـ با آنها بر طبق ماده ۲۲ رفتار خواهد شد. ماده ۳۲ ـ منشی انجمن نظارت صورتمجلس انتخابات را در سه نسخه حاضر کرده و به امضا فرماندار یا بخشدار و اعضا انجمن نظارت می‌رساند. یک نسخه در فرمانداری یا بخشداری ضبط و یک نسخه بوسیله فرماندار یا بخشدار به وزارت کشور ارسال می‌شود نسخه سوم با کتابچه ثبت

اسامی در انجمن ولایتی و در صورت نبودن انجمن ولایتی در انجمن شهر ضبط می گردد.

فصل سوم ـ در تشکیل انجمن شهر (ماده ۳۳ تا ۴۴)

الف ـ انتخابات هیات رییسه ماده ۳۳ ـ بمحض اینکه انتخابات خاتمه یافت و اعتبارنامه دو ثلث از نمایندگان صادر و به آنها داده شد فرماندار یا بخشدار مکلف است ظرف یک هفته وسایل تشکیل انجمن را فراهم سازد.انجمن بلافاصله تحت ریاست مسن‌ترین اعضا و به منشیگری دو نفر از جوان‌ترین اعضا تشکیل‌جلسه داده بشرح ماده ۳۵ سوگند یاد می‌کنند و سپس به انتخاب هیات رییسه مرکب از یک رییس و یک یا دو نایب رییس و دو منشی به رای مخفی و اکثریت نسبی برای مدت یکسال اقدام می‌نماید و هرگاه در انتخاب هیات رییسه تساوی آرا حاصل شود با قرعه از بین انتخاب شدگان تعیین خواهدشد. انتخاب مجدد همان اشخاص بعد از انقضا مدت یکسال بلامانع است ماده ۳۴ ـ نظم جلسات با رییس و در غیاب او با نایب رییس است و کسانی که مخل نظم باشند به امر رییس اخراج می‌شوند و در صورت وقوع جرم مرتکب با صورت مجلس بمراجع قانونی تسلیم می گردد. ماده ۳۵ ـ اعضا انجمن در اولین جلسه که بریاست مسن‌ترین اعضا تشکیل‌می‌شود سوگند یادخواهند کرد همچنین در هر موقع که عضو جدیدی وارد انجمن شود آن عضو در اولین جلسه انجمن سوگند یاد خواهد کرد. متن سوگندنامه (امضا کننده یا امضا کنندگان زیر خداوند را بشهادت طلبیده و به قرآن مجید سوگند یاد می کنیم که در انجام وظایف قانونی خود ساعی بوده مادام که در انجمن شهر عضویت داریم با نهایت جد و جهد و رعایت صرفه و صلاح در پیشرفت امور شهر و شهرداری اهتمام نماییم) تبصره ـ پیروان اقلیت های مذهبی به کتاب دینی خود سوگند یاد می کنند. ب ـ رسمیت جلسات انجمن و طرز تشکیل آن ماده ۳۶ ـ برای رسمیت جلسات لااقل حضور دو ثلث از کلیه اعضا لازم است و تصمیماتشان‌به اکثریت بیش از نصف حاضرین معتبر است و در صورت تساوی آرا رای طرفی که رییس با آن موافقت دارد مناط اعتبار است هرگاه برای مذاکره و اخذ رای در مطلبی عده لازم در جلسه حاضر نشدند در جلسه بعد برای طرح همان مطلب حضور نصف بعلاوه یک کلیه اعضا کافی خواهد بود. ولی در امور مهم از قبیل تصویب بودجه و تغییر نقشه شهر و احداث خیابان و لوله کشی آب وساختمان زیر آبها و وضع عوارض و امور متشابه به آن لااقل حضور دو ثلث لازم است عده دو ثلث‌و نصف بعلاوه یک از عده‌ای است که بموجب ماده ۷ این قانون بایستی انتخاب شده باشند. تبصره ـ هرگاه یک یا چند تن از اعضا پس از حضور در انجمن و رسمیت یافتن آن برای جلوگیری از انجام تکالیف و وظایف مقرره که بر طبق این قانون برای انجمن‌ها تعیین‌گردیده جلسه را بقصد از اکثریت انداختن ترک کنند در حکم غایب در آن جلسه محسوب خواهند شد. ماده ۳۷ ـ هریک از اعضا انجمن که بدون عذر موجه دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب درسه ماه غیبت کرد مستعفی محسوب می‌شود و از اولین شخصی که در فهرست منتخبین رای بیشتری داشته و واجد شرایط هم باشد دعوت بعمل میاید و در صورت تساوی آرا عضو به قیدقرعه تعیین خواهد شد و در صورت فوت یا استعفا تعیین جانشین به طریق فوق به عمل میاید. اعضا انجمن برای شرکت در جلسات انجمن حق حضور دریافت خواهند داشت و میزان حق‌جلسه طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که از طرف وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات دولت خواهدرسید. تبصره ـ چنانچه یکی از نمایندگان از عضویت انجمن شهر استعفا بدهد استعفانامه در دومین جلسه انجمن قرایت شده و قطعی تلقی می گردد. ماده ۳۸ ـ انجمن شهر ماهی دوبار در محل مخصوصی در عمارت شهرداری تشکیل می‌شود مگر اینکه تشکیل جلسه بیش از ماهی دو دفعه ضرورت داشته باشد، تشکیل جلسه فوق العاده موکول بنظر رییس انجمن یا تقاضای کتبی سه نفر از اعضا انجمن یا تقاضای کتبی شهردار یا فرماندار یا بخشدار خواهد بود. جلسات انجمن در غیر محل و موعد مقرر رسمیت نداشته و تصمیماتش معتبر نخواهد بود. ماده ۳۹ ـ جلسات انجمن علنی و حضور مستمع مجاز خواهد بود ولی بتقاضای شهردار یافرماندار یا بخشدار و موافقت ثلث اعضا حاضر ممکن است جلسه سری

تشکیل شود. رای در جلسات انجمن علنی است و با بلند کردن دست یا با ورقه اخذ می‌شود ولی بتقاضای ثلث اعضا حاضـر ممکن است رای مخفی گرفته شود مگر در امور مـالی لیکن در انتخابـات حتمابایـد رای مخفی گرفته شود. تبصـره ـ روز و ساعت تشـکیل جلسات با دستور کار انجمن حداقل ۲۴ ساعت قبل در تابلو کنار در ورودی شـهرداری آگهی می‌شود. ماده ۴۰ ـ صورت مذاکرات و تصـمیمات هر جلسه انجمن بوسیله منشی انجمن قرایت و پس از تصویب در دفتر مخصوصی که صفحات آن دارای شماره ترتیب باشد ثبت می‌شود. و به امضا کلیه اعضا می‌رسد و هریک از اعضا حاضـر در انجمن که دفتر مزبور را امضا نکرده باشد در آن جلسه غایب محسوب و طبق ماده ۳۷ با او رفتار خواهد شد. صورت حاضرین و غایبین هر جلسه در دفتر قید می‌شود. ماده ۴۱ ـ انجمن شهر غیر قابـل انحلاـل است مگر اینکه اقـداماتی برخلاف وظایف مقرر و یا مخالف مصالـح عمومی محل انجام دهـد که در این صورت پس از وصـول گزارش اسـتاندار یـا فرمانـدارکل وزارت کشـور موضوع را برای رسیدگی به هیـات سه نفری مرکب از یـک نفر از شخصـیتهای مورد اعتمـاد به انتخـاب نخست‌وزیر و یکی از معاونـان وزارت کشور به انتخـاب وزیر کشور و یکی ازمعاونـان وزارت دادگستری به انتخـاب وزیر دادگستری ارجـاع خواهـد کرد و در صورتیکه انحلاـل انجمن شـهر مورد تاییـد هیات مزبور واقع گردد گزارش از طرف وزارت کشور برای اخذ تصـمیم نهایی و صدور تصویبنامه به هیات دولت فرستاده خواهد شد و در صورت انحلال انجمن شـهر وزارت‌کشور مکلف است ظرف سه ماه ترتیب تجدید انتخاب انجمن شـهر را بدهد. ماده ۴۲ ـ مادام که انجمن تشکیل نشده و یا عده اعضا انجمن به حد نصاب قانونی نرسـیده‌باشد وزارت کشور جانشین انجمن شهر خواهد بود. ماده ۴۳ ـ در نقاطی که انجمن قـانونی وجود نـدارد و یـا تشـکیل آن بعللی متوقف مانـده وزارت‌کشور مکلف است بـدون تـاخیر وسایل شـروع انتخابات را فراهم و تاریـخ شـروع آنرا اعلام کنـد. ماده ۴۴ ـ فرمانـداران و بخشـداران موظفنـد دو مـاه قبل از انقضا دوره چهارساله انجمن شـهر وسایل انتخابات دوره بعد را از هر جهت فراهم نمایند بنحوی که قبل از پایان دوره انجمن انتخابات دوره بعد در محل خاتمه پذیرد.

فصل چهارم ـ در وظایف انجمن (ماده ۴۵ تا ۴۹)

ماده ۴۵ ـ وظـایف انجمـن بقرار ذیـل است ۱ ـ نظـارت در حسن اداره و حفـظ سـرمایه و دارایی نقـدی و جنسـی و امـوال منقـول و غیرمنقول متعلق به شـهر و همچنین نظـارت در حسـاب درآمـد و هزینه آنهـا. (اگر انجمن تفتیش دقیقی را در مخـارج یـا اقلاـم مهم شهرداری لازم بداند کارشـناس یا محاسبین متخصصـی را موقتا برای رسیدگی به آن کار استخدام می‌کند و حق الزحمه متناسبی به آنها پرداخت خواهد کرد) ۲ ـ تصویب بودجه سالیانه و اصـلاح بودجه و متمم بودجه و تفریغ بودجه شـهرداری و بنگاه های وابسته بشهرداری و تصویب برنامه ساختمانی که از طرف شهرداری پیشنهاد می‌شود. ۳ ـ تصویب معاملات و نظارت در آنها اعم از خرید و فروش و مقـاطعه و اجـاره و استیجـاره بنام‌شـهر بـا در نظر گرفتن صـرفه و صـلاح و بـا رعـایت مقررات آیین نـامه مـالی شـهرداریها، پیش‌بینی شده دراین قانون تبصـره ـ بمنظور تسریع در پیشرفت امور شهرداری انجمن شهر می‌تواند اختیار تصویب و انجام معاملات را تا میزان معینی با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری بشهردار واگذار کند. ۴ ـ مراقبت در اقامه کلیه دعاوی مربوطه بشهرداری و نظـارت در حسن جریان امر. ۵ ـ رفع اختلافـات صـنفی در صورت مراجعه از طرف شـهرداری یا اصـناف جز در مواردی که‌موضوع جنبه حقوقی نداشـته باشـد. ۶ ـ مراقبت در اجرا وظـایف شـهرداری در امـور بهـداشت حـوزه شـهر و نظـارت در امـور بیمارسـتانهاو پرورشـگاهها و سایر موسـساتی که از طرف شـهرداری اداره می‌شود. ۷ ـ اظهـارنظر در مورد تشـریک مساعی شـهرداری با ادارات و بنگاههـای مربوط برای دایر کردن‌نمایشـگاههای کشـاورزی و هنری و بازرگـانی و غیره ۸ ـ تصویب لوایـح برقراری یـا الغا عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن تبصـره ـ وضع عوارض هر شـهر نبایـد تاثیر سویی در اقتصاد عمومی کشور و رواج صادرات یا نشـو و نمـای صـنایع داخلی داشـته باشـد، تشخیص اینگـونه عـوارض بـا وزارت کشور است ۹ ـ تصـویب آیین نامه‌های پیشـنهادی

شهرداری پس از رسیدگی به آنها. ۱۰ ـ مراقبت برای ایجاد رختشویخانه های عمومی و آبریزها و گورستان و مرده‌شوی‌خانه و تهیه وسایل حمل اموات مطابق اصول بهداشت ۱۱ ـ نظارت در امور تماشاخانه ها و سینما و امثال آن و همچنین تدوین مقررات مخصوص برای حسن ترتیب و نظافت و بهداشت این قبیل موسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیراحتیاطی برای جلوگیری از مخاطرات حریق و امثال آن ۱۲ ـ وضع مقررات و نظارت در حفر مجرا برای فاضلاب شهر یا لوله آب یا برق و تصویب قراردادهای مربوط به آنها. ۱۳ ـ بررسی و موافقت با تهیه وسایل اتوبوسرانی و برق و سایر نیازمندیهای عمومی از طریق تاسیس شرکتها و موسسات با رعایت قوانین کشور. ۱۴ ـ بررسی و موافقت با پیشنهادات شهرداری در مورد فراوانی و ارزانی خواروبار و اقدام درتامین و توزیع مواد غذایی در مواقع لازم مخصوصا به هنگام قحطی و پیش‌بینی و جلوگیری ازکمیابی خواروبار و تهیه میدان‌های عمومی برای خرید و فروش خواروبار و همچنین نظارت درصحت اوزان و مقادیر و مقیاس‌ها و ملزم ساختن اصناف به الصاق برگه قیمت بر روی اجناس ۱۵ ـ تصویب نرخ کرایه وسایط نقلیه در شهر. ۱۶ ـ تصویب مقررات برای تنظیم آبهای شهر و اجاره و استیجار آبهایی که برای مصرف شهرضروریست و جلوگیری از تجاوز به قنوات شهری ۱۷ ـ موافقت با ایجاد و توسعه معابر و خیابانها و میدانها و باغهای عمومی بر طبق مقرراتقانون توسعه معابر. ۱۸ ـ تصویب مقررات لازم برای اراضی غیرمحصور شهر از نظر بهداشت و آسایش عمومی وعمران و زیبایی شهر. ۱۹ ـ تصویب وام‌های پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت بمبلغ و مدت و میزان‌بهره و ترتیب استهلاک و مصرف وام ماده ۴۶ ـ انجمن شهر یا هریک از اعضا آن حق ندارند در نصب و عزل اعضا شهرداری مداخله‌کنند یا به کارمندان شهرداری مستقیما دستور بدهند. هرگاه رسیدگی به امری ضرورت حاصل کند انجمن شهر یا اعضا آن بوسیله شهردار اقدام‌خواهند کرد. ماده ۴۷ ـ شهردار مکلف است مصوبات انجمن را در موضوعات مهمه و آنچه جنبه عمومی دارد بلافاصله در تهران به وزارت کشور و در مراکز استان به استاندار و در مراکز شهرستان به فرماندارو در بخش‌ها به بخشدار اطلاع دهد و همچنین آنچه از مصوبات انجمن را که جنبه عمومی دارد به‌وسایل ممکنه برای اطلاع عموم آگهی نماید. ماده ۴۸ ـ چنانچه استاندار یا فرماندار یا بخشدار نسبت به مصوبات انجمن که جنبه سیاسی یااقتصاد عمومی دارد اعتراض داشته باشد می‌تواند در ظرف یک هفته از تاریخ اطلاع نظر خود را به‌انجمن اظهار و تقاضای تجدیدنظر نماید و در صورتیکه انجمن در رای خود باقی بماند معترض می‌تواند به انجمن ایالتی یا ولایتی و در صورت نبودن انجمن‌های مزبور به وزارت کشور مراجعه‌کند و رفع اختلاف را بخواهد انجمن ایالتی یا ولایتی یا وزارت کشور منتها در ظرف پانزده روز نظرخود را اعلام می‌نماید. و این نظر قطعی و لازم الاجرا است اجرای مصوبات انجمن که مورداعتراض واقع شده تا صدور رای نهایی متوقف می‌ماند. ماده ۴۹ ـ در صورتیکه تصمیم انجمن با قوانین موضوعه تناقض پیدا کند و یا خارج از حدود وظایف انجمن باشد و یا آنکه بعضی از اعضا انجمن شخصا یا به نمایندگی در آن تصمیم ذینفع بوده و در رای شرکت کرده باشند و یا آنکه انجمن در غیرموعد و یا در غیر محل رسمی تشکیل شده باشد در تهران وزارت کشور و در خارج از مرکز فرماندار یا بخشدار مراتب را با ذکر علل به انجمن تذکر خواهد داد که در تصمیم متخذه تجدیدنظر شود، چنانچه در نتیجه رسیدگی رفع اعتراض نشد برطبق ماده ۴۸ این عمل خواهد شد. تبصره ـ اجرای مقررات شهرداری که بتصویب انجمن رسیده در صورتیکه بر طبق ماده ۴۸مورد اعتراض واقع نشده باشد پس از انقضا یک هفته از تاریخ نشر آگهی یا اعلام بوسایل ممکنه دیگر قابل اجرا است

فصل پنجم ــ در انتخاب شهردار و معاون شهرداری (ماده ۵۰ تا ۵۴

ماده ۵۵ ـ وظایف شهرداری بشرح ذیل است ۱ ـ ایجاد خیابانها و کوچه‌ها و میدانها و باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدودقوانین موضوعه ۲ ـ تنظیف و نگاهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آبها و فاضلاب و تنقیه قنوات‌مربوط به

شهر و تامین آب و روشنایی بوسایل ممکنه تبصره ۱ ـ سدّ معابر عمومی و اشغال پیاده‌روها و استفاده غیرمجاز آنها و میدانها و پارکها وباغهای عمومی برای کسب و یا سکنی و یا هر عنوان دیگری ممنوع است و شهرداری مکلف استاز آن جلوگیری و در رفع موانع موجود و آزاد نمودن معابر و اماکن مذکور فوق بوسیله مأمورین خود رأسا اقدام کند. در مورد دکه‌های منصوب قبل از تصویب این قانون شهرداری مکلف است نسبت به‌برداشتن آنها اقدام و چنانچه صاحبان این قبیل دکه‌ها ادعای خسارتی داشته باشند با نظر کمیسیون‌مقرر در ماده ۷۷ نسبت به جبران خسارات آنها اقدام کند ولی کسانی که بعد از تصویب این قانون‌اقدام به نصب دکه‌هایی در معابر عمومی کنند شهرداری موظف است رأسا و بوسیله مأمورین خوددر برداشتن این قبیل دکه‌ها و رفع سد معبر اقدام کند و اشخاص مزبور حق ادعای هیچگونه خسارتی‌نخواهند داشت تبصره ۲ ـ احداث تاسیسات تولید و توزیع برق و تعیین نرخ آن در شهرها تا موقعی که وزارتاب و برق نیروی آن را تامین نکرده است با موافقت قبلی وزارت آب و برق بعهده شهرداری است تهیه آب مشروب شهرها و تامین وسایل توزیع و وضع مقررات مربوط به آن و همچنین تعیین‌نرخ آب در شهرها به استثنای مواردی که سازمانهای تابعه وزارت آب و برق عهده‌دار آن هستند باتصویب انجمن شهر بعهده شهرداری خواهد بود. این قبیل شهرداریها می‌توانند با تصویب انجمن‌شهر و تایید وزارت کشور تهیه آب مشروب و توزیع آن را به موسساتی که طبق اصول بهداشتی‌عمل نمایند واگذار کنند. تبصره ۳ ـ موسسات خیریه که تامین آب شهرها را قبل از تصویب این قانون بعهده داشته‌اند وعملیات آنها مورد تایید شهرداری محل و وزارت کشور باشد می‌توانند کماکان بکار خود ادامه دهند. تبصره ۴ ـ شهرداری مکلف است محل‌های مخصوصی برای تخلیه زباله و نخاله و فضولات‌ساختمانی و مواد رسوبی فاضلابها و نظایر آنها تعیین و ضمن انتشار آگهی باطلاع عموم برساند. محلهای تخلیه زباله باید خارج از محدوده شهر تعیین شود و محل تاسیس کارخانجات تبدیل‌زباله به کود به تشخیص شهرداری خواهد بود. رانندگان وسایل نقلیه اعم از کندرو و یا موتوری مکلفند آنها را فقط در محل‌های تعیین شده ازطرف شهرداری خالی نمایند. مجازات متخلفین طبق ماده ۲۷۶ قانون کیفر عمومی تعیین می‌شود. در صورت تخلف مراتب‌هربار در گواهینامه رانندگی متخلف قید و اگر ظرف یکسال سه بار مرتکب همان تخلف شود بارسوم به حداکثر مجازات خلافی محکوم و گواهینامه او برای یکسال ضبط می‌شود و در همان مدتاز رانندگی ممنوع خواهد بود. به تخلفات مزبور در دادگاه بخش رسیدگی خواهد شد. ۳ ـ مراقبت و اهتمام کامل در نصب برگه قیمت بر روی اجناس و اجرای تصمیمات انجمن‌نسبت به ارزانی و فراوانی خواروبار و مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسدو معدوم نمودن آنها. ۴ ـ مراقبت در امور بهداشت ساکنین شهر و تشریک مساعی با موسسات وزارت بهداری درآبله‌کوبی و تلقیح واکسن و غیره برای جلوگیری از امراض ساریه ۵ ـ جلوگیری از گدایی واداشتن گدایان بکار و توسعه آموزش عمومی و غیره ۶ ـ اجرای تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری و تاسیس موسسات فرهنگی و بهداشتی وتعاونی مانند بنگاه حمایت مادران و نوانخانه و پرورشگاه و درمانگاه و بیمارستان و شیرخوارگاه وتیمارستان و کتابخانه و کلاسهای مبارزه با بیسوادی و کودکستان و باغ کودکان و امثال آن در حدوداعتبارات مصوب و همچنین کمک به‌این قبیل موسسات و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی وپیشاهنگی و کمک به انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوی کار. شهرداری در این قبیل موارد و همچنین در مورد موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی و زندان با تصویب‌انجمن شهر از اراضی و ابنیه متعلق بخود با حفظ مالکیت برایگان و یا با شرایط معین بمنظورساختمان و استفاده باختیار موسسات مربوط خواهد گذاشت تبصره ۱ ـ تبصره ماده ۵ قانون نظارت در مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداریها مصوب۲۸/۳/۳۴ بقوّت خود باقی است تبصره ۲ ـ تبصره ۵۹ قانون بودجه سال ۱۳۳۹ کل کشور بقوّت خود باقی است ۷ ـ حفظ و اداره کردن دارایی منقول و غیرمنقول شهرداری و اقامه دعوی بر اشخاص و دفاع ازدعاوی اشخاص علیه شهرداری ۸ ـ برآورد و تنظیم بودجه و متمم بودجه و اصلاح بودجه و تفریغ بودجه شهرداری و تنظیم‌پیشنهاد برنامه ساختمانی و اجرای آن پس از تصویب انجمن شهر یک نسخه از بودجه مصوب وبرنامه ساختمانی بوسیله فرماندار یا بخشدار بوزارت کشور ارسال می‌شود. ۹ ـ انجام معاملات شهرداری اعم از

خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول و مقاطعه و اجاره‌و استیجاره پس از تصویب انجمن شهر با رعایت صلاح و صرفه و مقررات آیین‌نامه مالی شـهرداریهاپیش‌بینی شده در این قانون ۱۰ ـ اهـدا و قبول اعانات و هدایا به‌نام شـهر با تصویب انجمن اعانات پرداختی بشـهرداری یا موسسات خیریه از طرف وزارت دارایی جز هزینه قابل قبول‌اعانه‌دهندگان پذیرفته می‌شود و اعانه‌دهنده نسبت به مبلغ اعانه‌ای که داده است از مالیات بر درآمدمعاف می‌باشد. ۱۱ ـ نظارت و مراقبت در صحت اوزان و مقیاسها. ۱۲ ـ تهیه آمار مربوط به امور شـهر و موالید و متوفیات ۱۳ ـ ایجـاد غسالخانه و گورسـتان و تهیه وسایل حمل اموات و مراقبت در انتظام امور آنها. ۱۴ ـ اتخاذ تـدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شـهر از خطر سـیل و حریق و همچنین رفع خطر ازبناها و دیوارهای شکسـته و خطرناک واقع در معـابر عمومی و کوچه‌هـا و امـاکن عمومی و دالانهای‌عمومی و خصوصـی و پرکردن و پوشانـدن چاهها و چاله‌های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشـتن‌هر نوع اشیا در بالکن‌هـا و ایوانهـای مشـرف و مجـاور به معـابر عمومی و دودکش‌هـای ساختمانهـا که‌بـاعث زحمت و خسـارت سـاکنین شـهرها باشـد. تبصـره ـ در کلیه موارد مربوط به رفع خطر از بناها و غیره و رفع مزاحمت‌های منـدرج در مـاده‌فوق شـهرداری پس از کسب نظر مـأمور فنی خود به مـالکین یـا صاحبـان امـاکن یـا صاحبـان ادوات‌منصوب ابلاـغ مهلت‌دار و متنـاسبی صـادر می‌نمایـد و اگر دسـتور شـهرداری در مهلت معین بموقع‌اجرا گذاشـته نشود شـهرداری رأسا با مراقبت مأمورین خود اقـدام برفع خطر یـا مزاحمت خواهـد نمودو هزینه مصـروف را باضافه صـدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهـد کرد. مقررات فوق شامل کلیه اماکن عمومی مانند سـینماها ـ گرمابه‌ها ـ مهمانخانه‌ها ـ دکاکین ـقهوه‌خانه‌ها ـ کافه رسـتورانها ـ پاساژها و امثال آن که محل‌رفت‌وآمدمراجعه‌عمومیاست‌نیزمی‌باشد. ۱۵ ـ جلوگیری از شـیوع امراض سـاریه انسانی و حیوانی و اعلام اینگونه بیماریها به وزارت‌بهداری و دامپزشـکی و شـهرداریهای مجاور هنگام بروز آنها و دور نگاهداشتن بیماران مبتلا به‌امراض ساریه و معالجه و دفع حیواناتی که مبتلا به امراض ساریه بوده و یا در شـهر بلاصاحب ومضر هستند. ۱۶ ـ تهیه مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صحّی اصناف وپیشه‌وران ۱۷ ـ پیشنهاد اصلاح نقشه شهر در صورت لزوم و تعیین قیمت عادله اراضی و ابنیه متعلق به‌اشـخاص که مورد احتیاج شهر باشد بر طبق قانون توسعه معابر و تامین محل پرداخت آن و ایجاد وتوسعه معابر و خیابانها و میدانها و باغهای عمومی و تهیه اراضـی مورد احتیاج برای لوله‌کشی وفاضلاب اعم از داخل یا خارج شهر و همچنین تهیه اراضی لازم برای ساختمان مخزن و نصب‌دستگاه تصفیه و آبگیری و متعلقات آنها بر طبق قانون توسعه معابر. ۱۸ ـ تهیه و تعیین میدانهای عمومی برای خرید و فروش ارزاق و توقف وسایط نقلیه و غیره ۱۹ ـ تهیه و تدوین آیین نامه برای فراوانی و مرغوبیت و حسن اداره فروش گوشت و نان شـهر واجرای آن پس از تصویب انجمن شـهر. ۲۰ ـ جلوگیری از ایجـاد و تاسیس کلیه امـاکن که بنحوی از انحا موجب بروز مزاحمت برای‌ساکنین یا مخالف اصول بهداشت در شـهرهاست شهرداری مکلف است از تاسیس کارخانه‌ها ـکارگاهها ـ گاراژهای عمومی و تعمیرگاه‌ها و دکانها و همچنین مراکزی که مواد محترقه می‌سازنـد واصـطبل چارپایان و مراکز دامداری و بطور کلی تمام مشاغل و کسب‌هایی که ایجاد مزاحمت و سـروصدا کنند یا تولید دود یا عفونت و یا تجمع حشرات و جانوران نماید جلوگیری کند و در تخریب‌کوره‌هـای آجر و گـچ و آهکپزی و خزینه گرمابه‌هـای عمومی که مخـالف بهـداشت است اقدام نمایـد وبـا نظـارت و مراقبت در وضـع دودکشهای امـاکن و کارخانه‌هـا و وسایـط نقلیه که کـارکردن آنهـا دودایجادمی‌کنـد از آلوده شـدن هوای شـهر جلوگیری نمایـد و هرگاه تاسیسات مذکور فوق قبل از تصویب این‌قانون بوجود آمده باشد آنها را تعطیل کند و اگر لازم شود آنها را بخارج از شـهر انتقال دهد. تبصره ـ شهرداری در مورد تعطیل و تخریب و انتقال بخارج از شهر مکلف است مراتب راضمن مهلت مناسبی بصاحبان آنها ابلاغ نماید و اگر صاحب ملک بنظر شـهرداری معترض باشد بایدظرف ده روز اعتراض خود را به کمیسیونی مرکـب از سـه نفر که از طرف انجمن شـهر انتخـاب خواهندشـد تسلیم کنـد ـ رای کمیسـیون قطعی و لازم‌الاـجرا است هرگـاه رای کمیسـیون مبنی بر تاییـد نظر شـهرداری باشـد و یـا صـاحب ملـک در موقع اعـتراض نکردهو یـا در مهلـت مقرر شـخصا اقـدام نکند شهرداری بوسـیله مأمورین خود رأسا اقـدام خواهـد نمود. ۲۱ ـ احـداث بناهـا و ساختمانهـای مورد نیـاز محل از قبیل رختشویخانه و

مستراح و حمام‌عمومی و کشتارگاه و میدانها و باغ کودکان و ورزشگاه مطابق اصول صحی و فنی و اتخاذ تدابیر لازم‌برای ساختمان خانه‌های ارزان قیمت برای اشخاص بی‌بضاعت ساکن شهر. ۲۲ ـ تشریک مساعی با فرهنگ در حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر و ساختمانهای عمومی ومساجد و غیره ۲۳ ـ اهتمام در مراعات شرایط بهداشت در کارخانه‌ها و مراقبت در پاکیزگی گرمابه‌ها ونگاهداری اطفال بی‌بضاعت و سرراهی ۲۴ ـ صدور پروانه برای کلیه ساختمانهایی که در شهر می‌شود. تبصره ـ شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده مکلف است طبق ضوابط نقشه‌مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند. در صورتیکه برخلاف‌مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه و یا تجارت دایر شودشهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می‌نماید و کمیسیون درصورت احراز تخلف مالک یا مستاجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز نماید در موردتعطیل محل کسب یا پیشه و یا تجارت ظرف مدت یکماه اتخاذ تصمیم می‌کند. این تصمیم وسیله مأمورین شهرداری اجرا می‌شود و کسی که عالما از محل مزبور پس ازتعطیل برای کسب و پیشه و یا تجارت استفاده کند به حبس جنحه‌ای از ششماه تا دو سال و جزای‌نقدی از پنجهزار و یکریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد و محل کسب نیز مجددا تعطیل‌می‌شود. دایر کردن دفتر وکالت و مطب و دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر روزنامه و مجله ودفتر مهندسی وسیله مالک از نظر این قانون استفاده تجاری محسوب نمی‌شود. ۲۵ ـ ساختن خیابانها و آسفالت کردن سواره روها و پیاده روهای معابر و کوچه‌های عمومی وانهار و جدولهای طرفین از سنگ آسفالت و امثال آن به هزینه شهرداری هر محل تبصره ـ بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ۲۶ ـ پیشنهاد برقراری یا الغا عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای‌وارداتی و صادراتی کشور و محصولات داخلی و غیره و ارسال یک نسخه از تصویبنامه برای اطلاع‌وزارت کشور. تبصره ۱ ـ بمنظور تشویق صادرات کشور نسبت به کالاهای صادراتی بیشتر از یک درصدقیمت کالا نباید وضع عوارض شود. تبصره ۲ ـ کالاهای عبوری از شهرها که برای مقصد معینی حمل می‌شود از پرداخت هرگونه‌عوارض بشهرداری‌های عرض راه معاف می‌باشد. تبصره ۳ ـ ماده ۱ قانون مصوبه بهمن ماه ۳۳ راجع به تشویق صادرات و تولید از تاریخ‌تصویب این قانون طبق تبصره ۱ این بند تصحیح می‌شود. تبصره ۴ ـ آیین نامه‌های گریز از پرداخت عوارض شهرداری و استنکاف از آن با موافقت‌وزارتین کشور و دادگستری تنظیم و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذاشته می‌شود. ۲۷ ـ وضع مقررات خاصی برای نامگذاری معابر و نصب لوحه نام آنها و شماره‌گذاری اماکن ونصب تابلوی الصاق اعلانات و برداشتن و محو کردن آگهی‌ها از محل‌های غیرمجاز و هرگونه‌اقداماتی که در حفظ نظافت و زیبایی شهر موثر باشند. ۲۸ ـ صدور پروانه کسب برای اصناف و پیشه‌وران کلیه اصناف و پیشه‌وران مکلفند برای محل‌کسب خود از شهرداری محل پروانه کسب دریافت دارند. تبصره ـ شهرداری می‌تواند نسبت به تعطیل محل کسب فاقد پروانه رأسا و بوسیله مأمورین‌خود اقدام نماید. ماده ۵۶ ـ شهرداری خارج از حدود مصوب شهر حق تعهد تهیه و توزیع آب و برق و سایرتاسیسات شهرداری را ندارد. ماده ۵۷ ـ اجرای مقررات شهرداری که جنبه عمومی دارد و بتصویب انجمن رسیده پس از اعلام‌برای کلیه ساکنین شهر لازم‌الرعایه است و اگر تصمیمی در حدود قوانین و وظایف مربوط به انجمن‌شهر راجع به شخص یا اشخاص یا موسسات معینی اتخاذ شده باشد پس از ابلاغ در صورتیکه آنهابه تصمیم متخذه تسلیم نباشند می‌توانند ابتدا به انجمن شهر و در ثانی به انجمن ولایتی و درصورت نبودن انجمن ولایتی به وزارت کشور شکایت نمایند و نظر انجمن ولایتی یا وزارت کشورابلاغ می‌شود و چنانچه قبل از انجام تشریفات فوق ، اقدامی از طرف شهرداری شده باشد و پس ازرسیدگی محقق شود که ضرورت نداشته و متضمن خسارتی باشد شهرداری باید خسارت ناشیه ازآن اقدام را جبران کند. چنانچه تصمیم وزارت کشور بضرر معترض یا معترضین اتخاذ شود متضرر می‌تواند بدادگاه‌های‌عمومی مراجعه نماید.

فصل ششم ـ در وظایف شهرداری (ماده ۵۵ تا ۵۷)

ماده ۵۵ ـ وظایف شـهرداری بشرح ذیل است ۱ ـ ایجاد خیابانها و کوچه‌ها و میـدانها و باغهای عمومی و مجاری آب و توسـعه معابر در حدودقوانین موضوعه ۲ ـ تنظیف و نگاهـداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آبها و فاضـلاب و تنقیه قنوات‌مربوط به شهر و تـامین آب و روشـنایی بوسایل ممکنه تبصـره ۱ ـ سدّ معـابر عمومی و اشـغال پیاده‌روها و اسـتفاده غیرمجاز آنها و میـدانها و پارکها وباغهای عمومی برای کسب و یا سـکنی و یا هر عنوان دیگری ممنوع است و شهرداری مکلف استاز آن جلوگیری و در رفع موانع موجود و آزاد نمودن معـابر و امـاکن مـذکور فوق بوسـیله مـأمورین خود رأسـا اقـدام کنـد. در مورد دکه‌های منصوب قبل از تصویب این قانون شهرداری مکلف است نسبت به‌برداشتن آنها اقدام و چنانچه صاحبان این قبیل دکه‌ها ادعای خسارتی داشته باشند با نظر کمیسیون‌مقرر در ماده ۷۷ نسـبت به جبران خسارات آنها اقـدام کنـد ولی کسانی که بعد از تصویب این قانون‌اقدام به نصـب دکه‌هایی در معابر عمومی کنند شهرداری موظف است رأسا و بوسیله مأمورین خوددر برداشتن این قبیل دکه‌ها و رفع سد معبر اقدام کند و اشـخاص مزبور حق ادعای هیچگونه خسارتی‌نخواهند داشت تبصره ۲ ـ احداث تاسیسات تولید و توزیع برق و تعیین نرخ آن در شهرها تا موقعی که وزارتاب و برق نیروی آن را تامین نکرده است با موافقت قبلی وزارت آب و برق بعهده شهرداری است تهیه آب مشـروب شـهرها و تامین وسایل توزیع و وضع مقررات مربوط به آن و همچنین تعیین‌نرخ آب در شـهرها به استثنای مواردی که سازمانهـای تـابعه وزارت آب و برق عهـده‌دار آن هسـتند باتصویب انجمن شـهر بعهـده شـهرداری خواهـد بود. این قبیل شـهرداریها می‌تواننـد با تصویب انجمن‌شـهر و تاییـد وزارت کشور تهیه آب مشـروب و توزیع آن را به موسـساتی که طبق اصول بهـداشتی‌عمل نمایند واگذار کنند. تبصره ۳ ـ موسسات خیریه که تامین آب شهرها را قبل از تصویب این قانون بعهده داشته‌اند وعملیات آنها مورد تاییـد شـهرداری محل و وزارت کشور باشـد می‌تواننـد کماکان بکار خود ادامه دهند. تبصـره ۴ ـ شـهرداری مکلف است محل‌های مخصوصـی برای تخلیه زبـاله و نخاله و فضولات‌ساختمانی و مواد رسوبی فاضـلابها و نظایر آنها تعیین و ضـمن انتشار آگهی باطلاع عموم برساند. محلهای تخلیه زباله باید خارج از محدوده شهر تعیین شود و محل تاسیس کارخانجات تبدیل‌زباله به کود به تشخیص شهرداری خواهـد بـود. راننـدگان وسایـل نقلیه اعم از کنـدرو و یـا موتوری مکلفنـد آنهـا را فقـط در محل‌هـای تعیین شـده ازطرف شهرداری خـالی نماینـد. مجازات متخلفین طبق مـاده ۲۷۶ قـانون کیفر عمـومی تعیین می‌شـود. در صـورت تخلـف مراتب‌هربـار در گواهینامه راننـدگی متخلف قیـد و اگر ظرف یکسال سه بار مرتکب همان تخلف شود بارسوم به حداکثر مجازات خلافی محکوم و گواهینامه او برای یکسال ضـبط می‌شود و در همان مدتاز رانندگی ممنوع خواهد بود. به تخلفات مزبور در دادگاه بخش رسـیدگی خواهد شد. ۳ ـ مراقبت و اهتمـام کامـل در نصب برگه قیمت بر روی اجنـاس و اجرای تصـمیمات انجمن‌نسبت به ارزانی و فراوانی خواروبار و مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسـدو معدوم نمودن آنها. ۴ ـ مراقبت در امور بهداشت ساکنین شهر و تشـریک مساعی بـا موسـسات وزارت بهـداری درآبله‌کوبی و تلقیـح واکسـن و غیره برای جلوگیری از امراض سـاریه ۵ ـ جلوگیری از گـدایی واداشـتن گـدایان بکار و توسـعه آموزش عمومی و غیره ۶ ـ اجرای تبصـره ۱ ماده ۸ قـانون تعلیمات اجباری و تاسـیس موسـسات فرهنگی و بهـداشتی وتعـاونی ماننـد بنگـاه حمـایت مـادران و نوانخـانه و پرورشـگاه و درمانگـاه و بیمارسـتان و شیرخوارگـاه وتیمارسـتان و کتابخـانه و کلاسـهای مبـارزه بـا بیسوادی و کودکسـتان و بـاغ کودکـان و امثال آن در حـدوداعتبارات مصوب و همچنین کمـک به‌این قبیـل موسـسات و مساعـدت مالی به انجمن تربیت بـدنی وپیشاهنگی و کمک به انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوی کار. شـهرداری در این قبیل موارد و همچنین در مورد موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی و زندان با تصویب‌انجمن شهر از اراضـی و ابنیه متعلق بخود بـا حفظ مالکیت برایگان و یا با شـرایط معین بمنظورساختمان و اسـتفاده باختیار موسـسات مربوط خواهد گذاشت تبصره ۱ ـ تبصـره ماده ۵ قانون نظارت در مصـرف سـهمیه فرهنگ از درآمد شـهرداریها مصوب۲۸/۳/۳۴ بقوّت خود باقی است تبصـره ۲ ـ تبصـره ۵۹ قـانون بودجه سـال ۱۳۳۹ کـل کشـور بقوّت خود بـاقی است ۷ ـ حفـظ و اداره کردن دارایی منقـول و

غیرمنقول شهرداری و اقامه دعوی بر اشخاص و دفاع ازدعاوی اشخاص علیه شهرداری ۸ ـ برآورد و تنظیم بودجه و متمم بودجه و اصلاح بودجه و تفریغ بودجه شهرداری و تنظیم‌پیشنهاد برنامه ساختمانی و اجرای آن پس از تصویب انجمن شهر یک نسخه از بودجه مصوب وبرنامه ساختمانی بوسیله فرماندار یا بخشدار بوزارت کشور ارسال می‌شود. ۹ ـ انجام معاملات شهرداری اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول و مقاطعه و اجاره‌و استیجاره پس از تصویب انجمن شهر با رعایت صلاح و صرفه و مقررات آیین‌نامه مالی شهرداریهاپیش‌بینی شده در این قانون ۱۰ ـ اهدا و قبول اعانات و هدایا به‌نام شهر با تصویب انجمن اعانات پرداختی بشهرداری یا موسسات خیریه از طرف وزارت دارایی جز هزینه قابل قبول‌اعانه‌دهندگان پذیرفته می‌شود و اعانه‌دهنده نسبت به مبلغ اعانه‌ای که داده است از مالیات بر درآمدمعاف می‌باشد. ۱۱ ـ نظارت و مراقبت در صحت اوزان و مقیاسها. ۱۲ ـ تهیه آمار مربوط به امور شهر و موالید و متوفیات ۱۳ ـ ایجاد غسالخانه و گورستان و تهیه وسایل حمل اموات و مراقبت در انتظام امور آنها. ۱۴ ـ اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و همچنین رفع خطر ازبناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و کوچه‌ها و اماکن عمومی و دالانهای‌عمومی و خصوصی و پرکردن و پوشاندن چاهها و چاله‌های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن‌هر نوع اشیا در بالکن‌ها و ایوانهای مشرف و مجاور به معابر عمومی و دودکش‌های ساختمانها که‌باعث زحمت و خسارت ساکنین شهرها باشد. تبصره ـ در کلیه موارد مربوط به رفع خطر از بناها و غیره و رفع مزاحمت‌های مندرج در ماده‌فوق شهرداری پس از کسب نظر مأمور فنی خود به مالکین یا صاحبان اماکن یا صاحبان ادوات‌منصوب ابلاغ مهلت‌دار و متناسبی صادر می‌نماید و اگر دستور شهرداری در مهلت معین بموقع‌اجرا گذاشته نشود شهرداری رأسا با مراقبت مأمورین خود اقدام برفع خطر یا مزاحمت خواهد نمودو هزینه مصروف را باضافه صدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهد کرد. مقررات فوق شامل کلیه اماکن عمومی مانند سینماها ـ گرمابه‌ها ـ مهمانخانه‌ها ـ دکاکین ـقهوه‌خانه‌ها ـ کافه رستورانها ـ پاساژها و امثال آن که محل‌رفت‌وآمدمراجعه‌عمومیاست‌نیزمی‌باشد. ۱۵ ـ جلوگیری از شیوع امراض ساریه انسانی و حیوانی و اعلام اینگونه بیماریها به وزارت‌بهداری و دامپزشکی و شهرداریهای مجاور هنگام بروز آنها و دور نگاهداشتن بیماران مبتلا به‌امراض ساریه و معالجه و دفع حیواناتی که مبتلا به امراض ساریه بوده و یا در شهر بلاصاحب ومضر هستند. ۱۶ ـ تهیه مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صحّی اصناف وپیشه‌وران ۱۷ ـ پیشنهاد اصلاح نقشه شهر در صورت لزوم و تعیین قیمت عادله اراضی و ابنیه متعلق به‌اشخاص که مورد احتیاج شهر باشد بر طبق قانون توسعه معابر و تامین محل پرداخت آن و ایجاد وتوسعه معابر و خیابانها و میدانها و باغهای عمومی و تهیه اراضی مورد احتیاج برای لوله‌کشی وفاضلاب اعم از داخل یا خارج شهر و همچنین تهیه اراضی لازم برای ساختمان مخزن و نصب‌دستگاه تصفیه و آبگیری و متعلقات آنها بر طبق قانون توسعه معابر. ۱۸ ـ تهیه و تعیین میدانهای عمومی برای خرید و فروش ارزاق و توقف وسایط نقلیه و غیره ۱۹ ـ تهیه و تدوین آیین نامه برای فراوانی و مرغوبیت و حسن اداره فروش گوشت و نان شهر واجرای آن پس از تصویب انجمن شهر. ۲۰ ـ جلوگیری از ایجاد و تاسیس کلیه اماکن که بنحوی از انحا موجب بروز مزاحمت برای‌ساکنین یا مخالف اصول بهداشت در شهرهاست شهرداری مکلف است از تاسیس کارخانه‌ها ـکارگاهها ـ گاراژهای عمومی و تعمیرگاه‌ها و دکانها و همچنین مراکزی که مواد محترقه می‌سازند واصطبل چارپایان و مراکز دامداری و بطور کلی تمام مشاغل و کسب‌هایی که ایجاد مزاحمت و سروصدا کنند یا تولید دود یا عفونت و یا تجمع حشرات و جانوران نماید جلوگیری کند و در تخریب کوره‌های آجر و گچ و آهکپزی و خزینه گرمابه‌های عمومی که مخالف بهداشت است اقدام نماید وبا نظارت و مراقبت در وضع دودکشهای اماکن و کارخانه‌ها و وسایط نقلیه که کارکردن آنها دودایجادمی‌کند از آلوده شدن هوای شهر جلوگیری نماید و هرگاه تاسیسات مذکور فوق قبل از تصویب این‌قانون بوجود آمده باشد آنها را تعطیل کند و اگر لازم شود آنها را بخارج از شهر انتقال دهد. تبصره ـ شهرداری در مورد تعطیل و تخریب و انتقال بخارج از شهر مکلف است مراتب راضمن مهلت مناسبی بصاحبان آنها ابلاغ نماید و اگر صاحب ملک بنظر شهرداری معترض باشد بایدظرف ده روز اعتراض خود را به کمیسیونی

مرکب از سه نفر که از طرف انجمن شهر انتخاب خواهندشد تسلیم کند ـ رای کمیسیون قطعی و لازم‌الاـجرا است هرگاه رای کمیسیون مبنی بر تایید نظر شهرداری باشد و یا صاحب ملک در موقع اعتراض نکردهو یا در مهلت مقرر شخصا اقدام نکند شهرداری بوسیله مأمورین خود رأسا اقدام خواهد نمود. ۲۱ ـ احداث بناها و ساختمانهای مورد نیاز محل از قبیل رختشویخانه و مستراح و حمام‌عمومی و کشتارگاه و میدانها و باغ کودکان و ورزشگاه مطابق اصول صحی و فنی و اتخاذ تدابیر لازم‌برای ساختمان خانه‌های ارزان قیمت برای اشخاص بی‌بضاعت ساکن شهر. ۲۲ ـ تشریک مساعی با فرهنگ در حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر و ساختمانهای عمومی ومساجد و غیره ۲۳ ـ اهتمام در مراعات شرایط بهداشت در کارخانه‌ها و مراقبت در پاکیزگی گرمابه‌ها ونگاهداری اطفال بی‌بضاعت و سرراهی ۲۴ ـ صدور پروانه برای کلیه ساختمانهایی که در شهر می‌شود. تبصره ـ شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده مکلف است طبق ضوابط نقشه‌مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند. در صورتیکه برخلاف‌مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه و یا تجارت دایر شودشهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می‌نماید و کمیسیون درصورت احراز تخلف مالک یا مستاجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز نماید در موردتعطیل محل کسب یا پیشه و یا تجارت ظرف مدت یکماه اتخاذ تصمیم می‌کند. این تصمیم وسیله مأمورین شهرداری اجرا می‌شود و کسی که عالما از محل مزبور پس ازتعطیل برای کسب و پیشه و یا تجارت استفاده کند به حبس جنحه‌ای از ششماه تا دو سال و جزای‌نقدی از پنجهزار و یکریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد و محل کسب نیز مجددا تعطیل‌می‌شود. دایر کردن دفتر وکالت و مطب و دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر روزنامه و مجله ودفتر مهندسی وسیله مالک از نظر این قانون استفاده تجاری محسوب نمی‌شود. ۲۵ ـ ساختن خیابانها و آسفالت کردن سواره روها و پیاده روهای معابر و کوچه‌های عمومی وانهار و جدولهای طرفین از سنگ آسفالت و امثال آن به هزینه شهرداری هر محل تبصره ـ بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ۲۶ ـ پیشنهاد برقراری یا الغا عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای‌وارداتی و صادراتی کشور و محصولات داخلی و غیره و ارسال یک نسخه از تصویبنامه برای اطلاع‌وزارت کشور. تبصره ۱ ـ بمنظور تشویق صادرات کشور نسبت به کالاهای صادراتی بیشتر از یک درصدقیمت کالا نباید وضع عوارض شود. تبصره ۲ ـ کالاهای عبوری از شهرها که برای مقصد معینی حمل می‌شود از پرداخت هرگونه‌عوارض بشهرداری‌های عرض راه معاف می‌باشد. تبصره ۳ ـ ماده ۱ قانون مصوبه بهمن ماه ۳۳ راجع به تشویق صادرات و تولید از تاریخ‌تصویب این قانون طبق تبصره ۱ این بند تصحیح می‌شود. تبصره ۴ ـ آیین نامه‌های گریز از پرداخت عوارض شهرداری و استنکاف از آن با موافقت‌وزارتین کشور و دادگستری تنظیم و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذاشته می‌شود. ۲۷ ـ وضع مقررات خاصی برای نامگذاری معابر و نصب لوحه نام آنها و شماره‌گذاری اماکن ونصب تابلوی الصاق اعلانات و برداشتن و محو کردن آگهی‌ها از محل‌های غیرمجاز و هرگونه‌اقداماتی که در حفظ نظافت و زیبایی شهر موثر باشند. ۲۸ ـ صدور پروانه کسب برای اصناف و پیشه‌وران کلیه اصناف و پیشه‌وران مکلفند برای محل‌کسب خود از شهرداری محل پروانه کسب دریافت دارند. تبصره ـ شهرداری می‌تواند نسبت به تعطیل محل کسب فاقد پروانه رأسا و بوسیله مأمورین‌خود اقدام نماید. ماده ۵۶ ـ شهرداری خارج از حدود مصوب شهر حق تعهد تهیه و توزیع آب و برق و سایرتاسیسات شهرداری را ندارد. ماده ۵۷ ـ اجرای مقررات شهرداری که جنبه عمومی دارد و بتصویب انجمن رسیده پس از اعلام‌برای کلیه ساکنین شهر لازم‌الرعایه است و اگر تصمیمی در حدود قوانین و وظایف مربوط به انجمن‌شهر راجع به شخص یا اشخاص یا موسسات معینی اتخاذ شده باشد پس از ابلاغ در صورتیکه آنهابه تصمیم متخذه تسلیم نباشند می‌توانند ابتدا به انجمن شهر و در ثانی به انجمن ولایتی و درصورت نبودن انجمن ولایتی به وزارت کشور شکایت نمایند و نظر انجمن ولایتی یا وزارت کشورابلاغ می‌شود و چنانچه قبل از انجام تشریفات فوق ، اقدامی از طرف شهرداری شده باشد و پس ازرسیدگی محقق شود که ضرورت نداشته و متضمن خسارتی باشد شهرداری باید خسارت ناشیه ازآن اقدام را جبران کند. چنانچه تصمیم وزارت

کشور بضرر معترض یا معترضین اتخاذ شود متضرر می‌تواند بدادگاه‌های‌عمومی مراجعه نماید.

فصل هفتم ـ مقررات استخدامی و مالی (ماده ۵۸ تا ۸۵

الف ـ مقررات استخدامی ماده ۵۸ ـ مقررات استخدامی کلیه کارکنان شهرداریها و موسسات وابسته به آن بر طبق‌آیین نامه‌ای خواهد بود که وزارت کشور به استناد تبصره ۳۸ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۴۳ کل‌کشور تدوین و به تصویب هیات وزیران می‌رساند. تبصره ـ بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است مواد ۵۹ ـ ۶۰ ـ ۶۱ ـ بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۶۲ ـ بمنظور راهنمایی و ایجاد هماهنگی در امور شهرداریها و آموزش کارکنان شهرداریهاو همچنین نظارت در حسن اجرای وظایفی که طبق این قانون بعهده وزارت کشور گذاشته شده است‌سازمان متناسبی در وزارت کشور پیش‌بینی و تاسیس می‌شود. این سازمان موظف است تشکیلات خود را از هر نظر تکمیل و همواره مهندسین و کارشناسان‌تحصیلکرده در رشته‌های مختلف مورد نیاز شهرداریها را که دارای مدارک علمی و تخصصی باشنددر اختیار داشته باشد تا بمنظور بازرسی شهرداریها و تهیه برنامه‌های مهم اصلاحات شهری وساختمانی شهرها و بهبود مدیریت سازمان شهرداریها مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۱ ـ سازمان مذکور در این ماده مکلف است بمنظور رفع احتیاجات فنی و اداری‌شهرداریهای کشور در مرکز هر استان دفاتر فنی شهرداری متشکل از مهندسین و کارشناسان مورداحتیاج تشکیل دهد. تبصره ۲ ـ وزارت کشور می‌تواند با انعقاد قراردادهای خاصی از خدمات افراد متخصص و یادستگاههای مهندسی مشاور اعم از داخلی یا خارجی استفاده نموده و حق‌الزحمه مناسبی معادل‌آنچه که در برنامه‌های عمرانی دولت به این قبیل افراد یا موسسات برای کارهای مشابه پرداخت‌می‌شود، بپردازد. مواد ۶۳ و ۶۴ ـ بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ب ـ مقررات مالی ماده ۶۵ ـ هر شهرداری دارای بودجه‌ایست که پس از تصویب انجمن شهر قابل اجرا می‌باشد. ماده ۶۶ ـ سال مالی شهرداری یکسال شمسی است که از اول فروردین ماه شروع و در آخراسفند ماه خاتمه می‌یابد. ماده ۶۷ ـ شهرداری مکلف است منتهی تا روز آخر دی ماه بودجه سالیانه خود را به انجمن‌پیشنهاد نماید و انجمن نیز باید قبل از اسفندماه هرسال آن را رسیدگی و تصویب کند و همچنین‌شهرداری موظف است تفریغ بودجه هر سال را تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد به انجمن تسلیم وانجمن نیز باید تا آخر خردادماه آنرا رسیدگی و تصویب نماید. تبصره ـ شهرداری مکلف است نسخه‌ای از بودجه و تفریغ بودجه را حداکثر تا ۱۵ روز بعد ازتصویب بوسیله فرماندار بوزارت کشور ارسال دارد. ماده ۶۸ ـ بودجه و تخصیص اعتبارات شهرداری باستثنای موارد زیر که از محل درآمدهای‌مستمر شهرداری پرداخت خواهد شد. ۱ ـ ۱۰٪ سهم بهداری ۲ ـ ۳٪ سهم آموزش و پرورش ۳ ـ ۴٪ برای مبارزه با بیسوادی که از طریق کمیته ملی پیکار با بیسوادی بمصرف خواهد رسید. ۴ ـ ۳٪ برای امور تربیت بدنی و پیشاهنگی ۵ ـ ۱/۵٪ سهم کتابخانه عمومی موضوع قانون تاسیس کتابخانه عمومی در تمام شهرها مصوب‌دیماه ۱۳۴۴. برای تامین هزینه‌های سازمانی و اداری شهرداری و امور دفاع غیرنظامی امور خیریه و سایرتکالیفی که بموجب قانون بعهده شهرداریها محول است بر اساس تقسیماتی خواهد بود که با توجه‌به احتیاجات و مقتضیات محل به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر رسیده باشد و در هرصورت میزان اعتبارات عمرانی نباید از ۴۰٪ بودجه سالانه کمتر باشد. تبصره ۱ ـ مصرف اعتباراتی که بتصویب انجمن شهر می‌رسد باید منحصرا در حوزه همان‌شهرداری و با نظارت انجمن شهر باشد. تبصره ۲ ـ در شهرهایی که موسسات خیریه دارای تاسیسات درمانی می‌باشند انجمن بهداری‌و در صورت نبودن آن انجمن شهر با موافقت بهداری می‌تواند از محل هزینه‌های درمانی ۱۰٪ سهم‌بهداری مذکور در بند ۱ این ماده مبلغ متناسبی در اختیار موسسات مزبور بگذارد. تبصره ۳ ـ از تاریخ تصویب این قانون انجمن شهرهایی که درآمد شهرداری هریك از آنها از یك‌میلیون ریال به بالاست موظفند برای ساختمان دبستان عوارض خاصی وضع کنند و طبق قانون‌نظارت در مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداریها، مصوب خرداد ۱۳۳۴ توسط کمیسیون ناظربر

سهم فرهنگ بمصرف برسانند. مواد ۶۹ ـ ۷۰ ـ و تبصره‌های ذیل آن بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۷۱ ـ شهرداری مکلف است هر ششماه یکبار منتهی تا پانزدهم ماه بعد صورت جامعی ازدرآمد و هزینه شهرداری را که بتصویب انجمن شهر رسیده برای اطلاع عموم منتشر و سه نسخه از آن‌را به وزارت کشور ارسال نمایند و همچنین شهردار مکلف است هر ۶ ماه یکدفعه آمار کلیه عملیاتانجام شده از قبیل خیابان‌سازی و ساختمان عمارات و سایر اموراجتماعی و بهداشتی و امثال آن رابرای اطلاع عموم منتشر نموده نسخه‌ای از آن را به وزارت کشور بفرستد. ماده ۷۲ ـ بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۷۳ ـ کلیه عوارض و درآمد هر شهرداری منحصرا بمصرف همان شهر خواهد رسید و درنقاطی که بموجب تبصره ۲ ماده ۱ این قانون جمعا یک شهرداری تشکیل می‌شود تقسیم هزینه به‌نسبت درآمد هریک از محل‌ها می‌باشد. ماده ۷۴ ـ شهرداری با تصویب انجمن شهر آیین نامه اجرایی وصول عوارض شهرداری و آب‌بهاو امثال آن را تدوین و تنظیم می‌نماید. تبصره ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از انجام معامله از شهرداری کتبا مفاصا حساب نسبت‌به عوارض ملک مورد معامله خواستار شوند و شهرداری موظف است ظرف مدت ۱۰ روز پس ازوصول نامه دفترخانه اسناد رسمی مفاصا حساب را ارسال یا میزان بدهی ملك را به دفترخانه اعلام‌دارد. مالك ملزم است عوارض تعیین شده از طرف شهرداری را برای امکان انجام معامله به بانك‌پرداخت نماید و اگر مالك به تشخیص شهرداری اعتراض داشته باشد مبلغ تعیین شده از طرف‌شهرداری را در صندوق ثبت بودیعه خواهد گذاشت و رسید ثبت بمنزله مفاصا حساب تلقی ومعامله انجام خواهد شد. صندوق ثبت مکلف است صورتی با قید مشخصات کامل تودیع‌کنندگان عوارض و ملك موردمعامله را بلافاصله بعد از تودیع بشهرداری ارسال دارد و بمحض اعلام شهرداری مستند به رای‌کمیسیون رفع اختلاف یا مراجع توافق و یا انصراف کتبی مالك از اعتراض مبلغ تودیع شده را به‌نام‌هرمودی تفکیکا بحساب بانکی شهرداری پرداخت کند و هرگاه کمیسیون رفع اختلاف یا مراجع‌توافق اعتراض مالك را کلا یا بعضا وارد تشخیص بدهد صندوق ثبت تمام یا قسمتی از وجه تودیع‌شده را برحسب مورد بمالك مسترد می‌دارد. ماده ۷۵ ـ عوارض و درآمد شهرداری بوسیله مأمورین مخصوصی که از طرف شهرداری بنام‌مأمور وصول تعیین می‌شوند دریافت خواهد شد و مأمورین وصول باید بر طبق مقررات امور مالی‌تضمین کافی بسپارند. ماده ۷۶ ـ و تبصره آن بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۷۷ ـ رفع هرگونه اختلاف بین مودی و شهرداری در مورد عوارض به کمیسیونی مرکب ازنمایندگان وزارت کشور و دادگستری و انجمن شهر ارجاع می‌شود و تصمیم کمیسیون مزبور قطعیاست بدهی‌هایی که طبق تصمیم این کمیسیون تشخیص شود طبق مقررات اسناد لازم‌الاجرا بوسیله‌اداره ثبت قابل وصول می‌باشد اجرای ثبت مکلف است بر طبق تصمیم کمیسیون مزبور به صدوراجراییه و وصول طلب‌شهرداری مبادرت نماید، در نقاطی که سازمان قضایی نباشد رییس دادگستری‌شهرستان یکنفر را بنمایندگی دادگستری تعیین می‌نماید و در غیاب انجمن شهر انتخاب نماینده‌انجمن از طرف شورای شهرستان بعمل خواهد آمد. ماده ۷۸ ـ عوارضی که توأم با مالیات‌های دولتی اخذ می‌شود بوسیله دارایی وصول و همچنین‌عوارض کالاهایی که بایدشرکتها و موسسات بپردازند بترتیبی که شهرداری مقرر می‌دارد بوسیله‌همان موسسات دریافت می‌گردد. و کلیه وجوهی که جمع‌آوری می‌شود باید در صورت وجود بانک‌در بانک متمرکز و در صورت نبودن بانك در شهر یا در محل نزدیك به آن شهرداری با نظارت انجمن‌در شهرداری متمرکز شود. تبصره ۱ ـ اداره دارایی موظف است هر ۱۵ روز یکبار صورت درآمد شهرداری را که به بانك یاصندوق شهرداری تودیع کرده به شهرداری ارسال دارد. تبصره ۲ ـ وجوهی که بنام سپرده یا امانت بشهرداری داده می‌شود باید در حساب مخصوصی‌نگهداری شود و شهرداری به هیچ عنوان حق ندارد در وجوه سپرده و یا امانات دخل و تصرفی‌نماید. ولی پس از دهسال از تاریخ استحقاق مطالبه در صورت عدم مطالبه ذینفع شهرداری می‌تواندوجوه مطالبه نشده را به درآمد عمومی خود منظور نماید. شهرداری باید هر سال اعتبار متناسبی در بودجه خود برای پرداخت این قبیل سپرده‌ها منظورنماید تا در صورت مراجعه ذینفع یا قایم‌مقام قانونی او احراز استحقاق از اعتبار مزبور پرداخت شود.هرگاه این اعتبار کافی نباشد شهرداری مکلف است این قبیل وجوه را از درآمد جاری خود بپردازد. ماده

۷۹ ـ کلیه پرداخت‌های شهرداری در حدود بودجه مصوب با اسناد مثبت و با رعایت‌مقررات آیین نامه مالی بعمل خواهد آمد این اسناد باید به امضای رییس حسابداری و شهردار که‌ذیحساب خواهند بود یا قایم‌مقام آنان که مورد قبول انجمن باشد برسد. شهردار موظف است منتهی تا پانزدهم هر ماه حساب درآمد و هزینه ماه قبل شهرداری را به‌انجمن شهر تسلیم کند. در نقاطی که تاکنون شهرداری تشکیل‌نشده و طبق مقررات این قانون باید تشکیل شود هزینه‌انتخابات انجمن شهر از وجوه موضوع ماده ۸۲ این قانون بطور وام پرداخت و پس از تشکیل‌شهرداری وام مزبور جز دیون در بودجه شهرداری منظور و مسترد خواهد شد. تبصره ـ اعتبارات مصوب برای بنگاه‌های خیریه زیر نظر هیات مدیره هر بنگاه بمصرف‌خواهدرسید و هیات مدیره طبق مقررات بازرگانی با نظارت انجمن وظایف مَحَوَّله را انجام خواهد داد. ماده ۸۰ ـ شهرداریها مکلفند ۱۰٪ از کلیه درآمد مستمر وصولی سالیانه خود را برای کمک به‌امور بهداری و ۵٪ از کلیه درآمد مستمر وصولی سالیانه خود را برای کمک به امور فرهنگی شهر(موضوع تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری اختصاص داده و برنامه عمل را طبق تشخیص وتصویب انجمن شهر و با استفاده از راهنمایی‌های فنی ادارات بهداری و فرهنگ محل بموقع اجرا بگذارند. تبصره ۱ ـ انجمن شهر می‌تواند تمام عواید مذکور و یا قسمتی از آن را طبق برنامه مخصوص‌بوسیله ادارات بهداری و فرهنگ محل بمصرف برساند. تبصره ۲ ـ انجمن هر شهر با رعایت قوانین و مقررات نسبت به امور آموزش و پرورش وبهداری محل نظارت خواهد داشت و هرگاه نقایصی مشاهده کرد در رفع آنها کوشش خواهد نمود ونظریات خود را درباره جریان این امور به وزارتخانه‌های بهداری و آموزش و پرورش ارسال خواهدداشت و وزارتخانه‌های مذکور مکلفند که آن پیشنهادها را مورد توجه قرار داده و نسبت به آن اقدام‌نمایند. ماده ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ ـ طبق ماده ۱۱۳ لغو گردیده است ماده ۸۴ ـ موسسات وابسته بشهرداری از قبیل لوله‌کشی آب برق ، اتوبوسرانی که دارای‌شخصیت حقوقی بشوند می‌توانند با اصول بازرگانی اداره شوند، اساسنامه این قبیل موسسات بایدبتصویب انجمن شهر و موافقت وزارت کشور برسد. ماده ۸۵ ـ شهرداری می‌تواند برای تخریب یا اصلاح سقف بازارها و دالان‌های عمومی وخصوصی و ساختمانهایی که محل صحت عمومی تشخیص می‌دهد پس از موافقت انجمن شهر وجلب نظر اداره بهداری هر محل بر وفق تبصره دوم از ماده یازدهم قانون توسعه معابر اقدام کند.

فصل هشتم ـ در مقررات جزایی (ماده ۸۶ تا ۹۲)

ماده ۸۶ ـ هریک از اعضا انجمن نظارت انتخابات انجمن شهر اعم از مرکزی و شعب ومتصدیان صندوق بهر نحوی از انحا در امر انتخابات مرتکب جعل و تزویر و یا تقلب شوند بر طبق‌مقررات قانون مجازات عمومی مورد تعقیب قرار خواهند گرفت شرکا و معاونین جرم نیز مشمول‌مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۸۷ ـ هریک از اعضا انجمن نظارت اعم از مرکزی و شعب که بدون علت موجه باعث‌تعطیل یا تعویق جریان انتخابات بشوند و یا صورتمجلس نتیجه انتخابات را در مدت مقرر قانونی‌به انجمن مرکزی نفرستند و یا معلوم شود که موجبات انجام نشدن انتخابات را در قلمرو خودبهرنحو که بوده باشد فراهم کرده باشند در مراجع قضایی مورد تعقیب واقع و به ششماه تا سه سال‌حبس جنحه‌ای و به پنجهزار ریال تا پنجاه‌هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. ماده ۸۸ ـ انتخاباتی که مبنی بر تطمیع یا تهدید (جانی ـ مالی ـ شرفی باشد از درجه اعتبارساقط است تهدید یا تطمیع‌کننده اگر از مأمورین دولتی یا از اعضا انجمن اعم از مرکزی یا شعب یااز داوطلبان نمایندگی باشد به ششماه تا سه سال حبس جنحه‌ای و به تادیه یکهزار تا پنجاه هزارریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد هرگاه تهدید یا تطمیع‌کننده غیر از اشخاص مذکور باشد به‌حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یکسال و جزای نقدی از پانصدریال تا ده‌هزار ریال محکوم می‌شودکسانی که آرا انتخابیه را خرید و فروش نمایند اگر از مأمورین دولتی یا از اعضای انجمن اعم ازمرکزی یا شعب از داوطلبان نمایندگی باشند طبق قسمت اول این ماده و اگر

غیر از اشـخاص مذکورباشـند بمجازات قسـمت اخیر این مـاده محکـوم می‌شونـد و در هر صورت تطمیع‌شونـدگان نیز شـریک‌جرم محسوبند. ماده ۸۹ ـ هرکس با شناسامه‌ای که متعلق به او نباشد و یا با شناسنامه مجعول رای بدهد و یا ازشناسنامه خود بیش از یک نسخه داشته باشـد و بـه استناد آن بیش از یـک دفعـه رای بدهـد بـه حبس‌جنحه‌ای از یـک مـاه تـا شـش مـاه و به جزای نقـدی از پانصـدریال تا پنجهزارریال محکوم خواهـد شـدمجازات فوق درباره هر کس که به نحوی از انحا در یک دوره انتخابیه بیش از یک مرتبه رای بدهداجرا می‌شود. تبصره ـ در موارد مذکوره در فوق انجمن نظارت مرکزی و شـعب باید صورتمجلس تهیه نموده‌و فورا نزد مقامات صالحه بفرستند. ماده ۹۰ ـ کسانی که بموجب مقررات این قانون محکومیت قطعی پیدا کنند از حق انتخاب کردن‌و انتخاب شدن در دو دوره محروم خواهند شد. ماده ۹۱ ـ هرگاه اعضا انجمن یا شهرداران غیرکارمند دولت مرتکب جرایم مذکور در قانون‌اصلاح ماده ۱۹ اصلاحی قانون کیفر عمومی شونـد ماننـد کارمنـدان دولت درباره آنها عمل خواهدشـد. در صورتیکه عضـو انجمن به ارتکاب اعمال زیر متهم گردد و مورد تعقیب دادسرا قرار گیرد وپس از صـدور کیفرخواست دادستان از عضویت انجمن معلق و در صورت ثبوت جرم علاـوه برمجازاتی که در قوانین برای اینگونه اعمال مقرر است مرتکب برای دو دوره از حق عضویت انجمن‌نیز محروم می‌گردد. ۱ ـ در مورد تبانی با مقاطعه‌کاران و اشـخاص طرف معامله با شهرداری اعم از اینکه تبانی مستقیم‌باشد یا غیر مستقیم ۲ ـ در مورد اعمال اغراض شخصـی در کارهای شهرداری که بالنتیجه باعث اختلال امور وموجب زیان شهر و شهرداری شود. تبصـره ـ رسیدگی در دو مورد اخیر دادگاهها خـارج از نوبت و فوری بعمل خواهـد آمـد. ماده ۹۲ ـ نوشـتن هرنوع مطلبی یا الصاق هر نوشـته‌ای بر روی دیوارهای شـهر که مخالف‌مقررات انجمن شـهر باشد ممنوع است مگر در محل‌هایی که شهرداری برای نصب و الصاق اعلانات‌معین می‌کند و در این محل‌ها فقط باید به نصب و الصاق آگهی اکتفا کرد و نوشتن روی آن نیز ممنوع‌است متخلف علاوه بر تادیه خسارت مالکین به پرداخت پانصد تا یک هزار ریال جریمه محکوم‌خواهد شد.

فصل نهم ــ خاتمه (ماده ۹۳ تا ۱۱۹)

ماده ۹۳ ـ از تاریخ تصویب این قانون لایحه شـهرداری مصوب یازدهم آبانماه ۱۳۳۱ و لوایح‌متمم آن و همچنین کلیه قوانینی که با این قـانون مغـایرت دارد، ملغی است مـاده ۹۴ ـ از تاریـخ ابلاـغ این قـانون انجمن‌های شـهر که بموجب مقررات قبلی تشـکیل شـده است‌منحل شناخته می‌شود و وزارت کشور مکلف است نسبت به تشکیل مجدد آنها بر طبق این قانون‌اقدام نماید. ماده ۹۵ ـ وزارتین کشور و دادگستری مـأمور اجرای این قـانون می‌باشـند. ماده ۹۶ ـ شـهرداری می‌توانـد برای تـامین احتیاجات شـهری از قبیل باغهای عمومی ایجادتاسیسات برق و آب و نظـایر آن که به منظور اصـلاحات شـهری و رفع نیازمنـدیهای عمومی لازم‌باشـد و بایـد تمام یا قسـمتی از اراضی یا املاک یا ابنیه واقع در محدوده شهر به تصرف شهرداری‌درایدد از مقررات قانون توسعه معابر مصوب سال ۱۳۲۰ استفاده نماید. تبصره ۱ ـ هرگاه قسـمتی از تامین نیازمندیهای شـهری طبق قانون بعهده سازمانها و موسسات‌دولتی گذاشته شده باشد سازمانها و موسـسات مزبور برای انجام وظایف محوله با تصویب انجمن‌شـهر به وسیله شهرداری از مقررات این ماده استفاده خواهند نمود. تبصره ۲ ـ سازمانها و موسـسات دولتی که اراضـی و املاک و ابنیه‌ای داشـته باشـند که مشمول‌حکم این ماده باشد مکلفند در صورت تصویب شورای شـهر و تایید استاندار، آن اراضی و ابنیه رابلاعوض در اختیار شهرداری قرار دهند. تبصره ۳ ـ در موارد فوق پس از انجام تشریفات مقرر در این قانون و رعایت تبصره ۲ ماده ۴قانون توسعه معابر مصوب ۱۳۲۰ خودداری مالک از انجام معامله مانع اجرای نقشه شـهرداری‌نخواهد بود و شـهرداری مجاز است اراضـی یا املاک را به منظور عملیات عمرانی بتصرف خوددرآورد. تبصره ۴ ـ بموجب قانون نوسازی و عمران شهری نسخ شده است تبصره ۵ ـ در صورتیکه در مسیر احداث یا توسعه خیابان و گذر و باغ عمومی و میدان ملکی‌باشد که مالک یا مالکین آن مشـخص نباشد و یا به ثبت نرسیده باشد اقدامات و عملیات شهرداری‌متوقف

نخواهد شد و شهرداری باید قبل از شروع اقدام مشخصات کامل ملک مزبور را با حضورنمایندگان دادستان و ثبت و انجمن شهر صورتمجلس نماید، صورتمجلس مزبور مبنای اجرای‌پرداخت غرامت طبق مقررات خواهد بود و در موردی که مالک یا مالکین ملک مشخص باشدامتناع آنان از انتخاب و معرفی کارشناس خود یا کارشناس مشترک مانع از اجرای نقشه مصوب‌شهرداری نخواهد بود. نسبت به املاکی که به ثبت نرسیده باشد و طبق مفاد این قانون به تصرف شهرداری درایدصورتمجلس تنظیم می گردد و در صورتمجلس مزبور آثار تصرف و حدود و مساحت و مشخصات‌کامل قید می گردد. مدعی مالکیت می‌تواند با ارایه صورتمجلس مذکور در این قانون نسبت به تقاضای ثبت ملک‌خود اقدام و پس از احراز مالکیت بهای تعیین شده را دریافت نماید. تبصره ۶ ـ اراضی کوچه‌های عمومی و میدانها و پیاده‌روها و خیابانها و بطور کلی معابر وبستر رودخانه‌ها و نهرها و مجاری فاضلاب شهرها و باغهای عمومی و گورستانهای عمومی ودرختهای معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است ملک عمومی‌محسوب و در مالکیت شهرداری است ایجاد تاسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق در بستر رودخانه‌ها واقع در محدوده شهرهابلامانع است شهرداریها نیز مکلفند برای اجرای عملیات عمرانی در بستر رودخانه‌ها قبلا نظر وزارتاب و برق را جلب نمایند. مواد ۹۷ و ۹۸ ـ بموجب قانون تاسیس شورایعالی شهرسازی و معماری ایران منسوخ است تبصره ماده ۹۸ ـ تا زمانی که نقشه جامع شهرها تهیه و بتصویب شورایعالی شهرسازی‌نرسیده باشد نقشه‌های عمرانی و شهرسازی باید بتصویب وزارت کشور برسد. ماده ۹۹ ـ شهرداریها مکلفند در مورد حریم شهر اقدامات زیر را بنمایند: ۱ ـ تعیین حدود حریم و تهیه نقشه جامع شهرسازی با توجه به توسعه احتمالی شهر. ۲ ـ تهیه مقررات برای کلیه اقدامات عمرانی از قبیل قطعه‌بندی و تفکیک اراضی خیابان‌کشی ایجاد باغ و ساختمان ایجاد کارگاه و کارخانه و همچنین تهیه مقررات مربوط به حفظ بهداشت‌عمومی مخصوص به حریم شهر با توجه به نقشه عمرانی شهر. حریم و نقشه جامع شهرسازی و مقررات مذکور پس از تصویب انجمن شهر و تایید وزارت‌کشور برای اطلاع عمومی آگهی و بموقع اجرا گذاشته خواهد شد. تبصره ۱ ـ تغییر حدود فعلی شهرها از لحاظ اجرای مقررات قانون اصلاحات اراضی تاثیرنخواهد داشت تبصره ۲ ـ عوارضی که از عقد قراردادها عاید می گردد بایستی تماما به شهرداری‌های محل‌اجرای قرارداد پرداخت گردد. تبصره ۳ ـ بموجب قانون نوسازی و عمران شهری نسخ شده است ۳ ـ بمنظور حفظ بافت فرهنگی ـ سیاسی و اجتماعی تهران و شهرستانهای کرج ورامین شهریار و بخشهای تابعه ری و شمیرانات دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت ۳ ماه نسبت به‌اصلاح حریم شهر تهران کرج ورامین شهریار و بخشهای تابعه ری و شمیرانات بر اساس قانون‌تقسیمات کشوری و منطبق بر محدوده قانونی شهرستانهای مذکور اقدام نماید. هزینه‌های حاصل از اجرای این بند از محل درآمد موضوع تبصره ۲ این قانون تامین خواهد شد. نقاطی که در اجرای این قانون از حریم شهرداریهای مذکور جدا می‌شوند در صورتیکه درمحدوده قانونی و استحفاظی شهر دیگری قرار گیرند عوارض متعلقه کماکان توسط شهرداری مربوط‌دریافت خواهد شد. و در غیر اینصورت توسط بخشداری مربوط اخذ و به حساب خزانه واریزمی گردد. همه ساله لااقل معادل ۸۰٪ وجوه واریزی مذکور در بودجه سالانه کل کشور برای فعالیتهای‌عمرانی موضوع تبصره ۳ این قانون منظور خواهد شد. تبصره ۱ ـ بمنظور حفاظت از حریم مصوب شهرهای استان تهران شهرداریهای مربوطه‌مکلفند از مقررات تبصره ذیل ماده ۲ قانون نظارت بر گسترش شهر تهران مصوب ۱۷/۵/۱۳۵۲استفاده نمایند. تبصره ۲ ـ بمنظور جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز در خارج از حریم مصوب شهرها ونحوه رسیدگی به موارد تخلف کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور، قوه قضاییه و وزارت‌مسکن و شهرسازی در استانداریها تشکیل خواهد شد. کمیسیون حسب مورد و با توجه به طرح‌جامع (چنانچه طرح جامع به تصویب نرسیده باشد با رعایت ماده ۴ آیین نامه احداث بنا در خارج ازمحدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۱۳۵۵) نسبت به صدور رای قلع بنا یا جریمه معادل پنجاه‌درصد تا هفتاد درصد قیمت روز اعیانی تکمیل شده اقدام خواهد نمود. مراجع ذی‌ربط موظفند برای ساختمانهایی که طبق مقررات این قانون و نظر کمیسیون برای آنهاجریمه تعیین و پرداخت گردیده در صورت درخواست صاحبان آنها برابر مقررات گواهی پایان کارصادر

نمایند. تبصره ۳ ـ شهرداریهای سراسر کشور مکلفند علاوه بر اعتبارات دولتی حداقل هشتاددرصد ازعوارض و درآمدهایی را که از حریم استحفاظی شهرها کسب می‌نمایند با نظارت فرمانداری وبخشداری ذی‌ربط در جهت عمران و آبادانی روستاها و شهرکهای واقع در حریم خصوصا در جهت‌راه‌سازی آموزش و پرورش بهداشت تامین آب آشامیدنی و کشاورزی هزینه نمایند. ماده ۱۰۰ ـ مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام‌عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه‌بوسیله مأمورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع باشد جلوگیری‌نماید. تبصره ۱ ـ در موارد مذکور فوق که از لحاظ شهرسازی یا فنی یا بهداشتی قلع تاسیسات وبناهای خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد یا بدون پروانه ساختمان احداث یاشروع به احداث شده باشد به تقاضای شهرداری موضوع در کمیسیونهایی مرکب از نماینده وزارت‌کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یکی از اعضایانجمن شهر به انتخاب انجمن مطرح می‌شود. کمیسیون پس از وصول پرونده به ذینفع اعلام‌می‌نماید که ظرف ده روز توضیحات خود را کتبا ارسال دارد، پس از انقضا مدت مذکور کمیسیون‌مکلف است موضوع را با حضور نماینده شهرداری که بدون حق رای برای ادای توضیح شرکت‌می‌کند ظرف مدت یکماه تصمیم مقتضی بر حسب مورد اتخاذ کند در مواردی که شهرداری از ادامه‌ساختمان بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه جلوگیری می‌کند مکلف است حداکثر ظرف یک هفته‌از تاریخ جلوگیری موضوع را در کمیسیون مذکور مطرح نماید در غیر این صورت کمیسیون‌بتقاضای ذینفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد. در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد مهلت مناسبی که نباید از دوماه تجاوز کند تعیین می‌نماید. شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را به مالک ابلاغ کند. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به‌قلع بنا ننماید شهرداری رأسا اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آیین نامه اجرای وصول عوارض‌از مالک دریافت خواهد نمود. تبصره ۲ ـ در مورد اضافه بنا زاید بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه ساختمانی واقع درحوزه استفاده از اراضی مسکونی کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا با توجه‌بموقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن‌باز یا بن‌بست رای به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح‌مصرفی باشد تعیین و شهرداری مکلف است بر اساس آن نسبت به وصول جریمه اقدام نماید.(جریمه نباید از حداقل یک دوم کمتر و از سه برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر متر مربع‌بنای اضافی بیشتر باشد) در صورتی که ذینفع از پرداخت جریمه خودداری نمود شهرداری مکلف‌است مجددا پرونده را بهمان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رای تخریب را بنماید. کمیسیون دراین مورد نسبت به صدور رای بتخریب اقدام خواهد نمود. تبصره ۳ ـ در مورد اضافه بنا زاید بر مساحت مندرج در پروانه ساختمانی واقع در حوزه‌استفاده از اراضی تجارتی و صنعتی و اداری کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه‌بنا با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه‌بن‌باز یا بن‌بست رای به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع‌ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد تعیین و شهرداری مکلف است بر اساس آن نسبت به وصول‌جریمه اقدام نماید (جریمه نباید از حداقل ۲ برابر کمتر و از ۴ برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای‌هر متر مربع بنای اضافی ایجاد شده بیشتر باشد) در صورتی که ذینفع از پرداخت جریمه خودداری‌نمود شهرداری مکلف است مجددا پرونده را بهمان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رای تخریب‌را بنماید. کمیسیون در این مورد نسبت بصدور رای تخریب اقدام خواهد نمود. تبصره ۴ ـ در مورد احداث بنای بدون پروانه در حوزه استفاده از اراضی مربوطه در صورتیکه‌اصول فنی و بهداشتی و شهرسازی رعایت شده باشد کمیسیون می‌تواند با صدور رای بر اخذ‌جریمه بازا هر متر مربع بنای بدون مجوز یک دهم ارزش معاملات ساختمان یا یک پنجم ارزش‌سرقفلی ساختمان در صورتی که ساختمان ارزش دریافت سرقفلی داشته باشد، هرکدام که مبلغ آن‌بیشتر است از ذینفع بلامانع بودن صدور برگ پایان ساختمان را بشهرداری اعلام نماید. اضافه بنازاید بر تراکم مجاز بر

اساس مفاد تبصره‌های ۲ و ۳ عمل خواهد شد. تبصره ۵ ـ در مورد عدم احداث پارکینگ و یا غیر قابل استفاده بودن آن و عدم امکان اصلاح آن کمیسیون می‌تواند با توجه به موقعیت محلی و نوع استفاده از فضای پارکینگ رای باخذ جریمه‌ای که حداقل یک برابر و حداکثر دو برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر متر مربع فضای از بین رفته‌پارکینگ باشد صادر نماید (مساحت هر پارکینگ با احتساب گردش ۲۵ متر مربع می‌باشد)شهرداری مکلف باخذ جریمه تعیین شده و صدور برگ پایان ساختمان می‌باشد. تبصره ۶ ـ در مورد تجاوز به معابر شهر، مالکین موظف هستند در هنگام نوسازی بر اساس‌پروانه ساختمان و طرحهای مصوب رعایت برهای اصلاحی را بنمایند. در صورتی که برخلاف‌پروانه و یا بدون پروانه تجاوزی در این مورد انجام گیرد شهرداری مکلف است از ادامه عملیات‌جلوگیری و پرونده امر را به کمیسیون ارسال نماید. در سایر موارد تخلف مانند عدم استحکام بنا ،عدم رعایت اصول فنی و بهداشتی و شهرسازی در ساختمان رسیدگی بموضوع در صلاحیت‌کمیسیونهای ماده ۱۰۰ است تبصره ۷ ـ مهندسان ناظر ساختمانی مکلفند نسبت به عملیات اجرایی ساختمانی که به‌مسئولیت آنها احداث می‌گردد از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها ومحاسبات فنی ضمیمه آن مستمرا نظارت کرده و در پایان کار مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه ومحاسبات فنی را گواهی نمایند. هرگاه مهندس ناظر برخلاف واقع گواهی نماید و یا تخلف را بموقع‌به شهرداری اعلام نکند و موضوع منتهی به طرح در کمیسیون مندرج در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون‌شهرداری و صدور رای بر جریمه یا تخریب ساختمان گردد شهرداری مکلف است مراتب را به نظام‌معماری و ساختمانی منعکس نماید. شورای انتظامی نظام مذکور موظف است با توجه به اهمیت‌موضوع به ۶ ماه تا سه سال محرومیت از کار و در صورتی که مجددا مرتکب تخلف شود که منجر به‌صدور رای تخریب به وسیله کمیسیون ماده ۱۰۰ گردد به حداکثر مجازات محکوم کند. مراتب‌محکومیت از طرف شورای انتظامی نظام معماری و ساختمانی در پروانه اشتغال درج و در یکی ازجراید کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. شهرداری مکلف است تا صدور رای محکومیت بمحض وقوف ازتخلف مهندس ناظر و ارسال پرونده کمیسیون ماده ۱۰۰ بمدت حداکثر ۶ ماه از اخذ گواهی امضا مهندس ناظر مربوطه برای ساختمان جهت پروانه ساختمان شهرداری خودداری نماید. مأموران‌شهرداری نیز مکلفند در مورد ساختمانها نظارت نمایند و هرگاه از موارد تخلف در پروانه به موقع‌جلوگیری نکنند و یا در مورد صدور گواهی انطباق ساختمان با پروانه مرتکب تقصیری شوند طبق‌مقررات قانونی به تخلف آنان رسیدگی می‌شود و در صورتی که عمل ارتکابی مهندس ناظر ومأموران شهرداری واجد جنبه جزایی هم باشد از این جهت نیز قابل تعقیب خواهند بود. در مواردی که شهرداری مکلف به جلوگیری از عملیات ساختمانی است و دستور شهرداری اجرانشود، شهرداری می‌تواند با استفاده از مأموران اجراییات خود و در صورت لزوم مأموران انتظامی‌برای متوقف ساختن عملیات ساختمانی اقدام نماید. تبصره ۸ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از انجام معامله قطعی در موردساختمانها گواهی‌پایان ساختمان و در مورد ساختمانهای ناتمام گواهی عدم خلاف تا تاریخ انجام معامله را که توسط‌شهرداری صادر شده باشد ملاحظه و مراتب را در سند قید نمایند. در مورد ساختمانهایی که قبل از تصویب قانون ۶ تبصره الحاقی به ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها(۲۴/۱۱/۱۳۵۵) معامله انجام گرفته و از ید مالك اولیه خارج شده باشد در صورتی که مورد معامله‌کل پلاك را شامل نگردد گواهی عدم خلاف یا برگ پایان ساختمان الزامی نبوده و با ثبت و تصریح‌آن در سند انجام معامله بلامانع می‌باشد. در مورد ساختمانهایی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده در صورتی که اضافه‌بنا جدیدی حادث نگردیده باشد و مدارك و اسناد نشان‌دهنده ایجاد بنا قبل از سال تصویب طرح‌جامع شهر باشد با ثبت و تصریح مراتب فوق در سند مالکیت انجام معامله بلامانع می‌باشد. تبصره ۹ ـ ساختمانهایی که پروانه ساختمان آنها قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر صادرشده است از شمول تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری معاف می‌باشند. تبصره ۱۰ ـ در مورد آرا صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری هرگاه شهرداری یامالك یا قایم‌مقام او از تاریخ ابلاغ رای ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به آن رای اعتراض نماید، مرجع‌رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اگر اعضای آن غیر از افرادی باشندکه در صدور رای قبلی

شرکت داشته‌اند، رای این کمیسیون قطعی است تبصره ۱۱ ـ آیین نامه ارزش معاملاتی ساختمان پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب انجمن‌در مورد اخذ جرایم قابل اجراست و این ارزش معاملاتی سالی یک بار قابل تجدیدنظر خواهد بود. ماده ۱۰۱ ـ اداره ثبت اسناد و دادگاهها مکلفند در موقع تقاضای تفکیک اراضی محدوده شهر وحریم آن عمل تفکیک را طبق نقشه‌ای انجام دهند که قبلا به تصویب شهرداری رسیده باشد نقشه‌ای که مالک برای تفکیک زمین خود تهیه می‌نماید و برای تصویب به شهرداری در قبال رسید تسلیم‌می کند باید حداکثر ظرف دوماه‌ازطرف‌شهرداری‌تکلیف‌قطعیان‌معلوم‌وکتبا بمالک ابلاغ شود. در صورتی که در موعد مذکور شهرداری تصمیم خود را به مالک اعلام ننماید مراجع مذکور درفوق مکلفند پس از استعلام از شهرداری طبق نقشه‌ای که مالک ارایه می‌نماید عمل تفکیک را انجام‌دهند. معابر و شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی احداث می‌شود متعلق به شهرداری است وشهرداری در قبال آن به‌هیچ عنوان وجهی بصاحب آن پرداخت نخواهد کرد. ماده ۱۰۲ ـ اگر در موقع طرح و اجرای برنامه‌های مربوط به توسعه معابر تامین سایر احتیاجات‌شهری مندرج در ماده ۹۶ الحاقی این قانون به آثار باستانی برخورد شود شهرداری مکلف است‌موافقت وزارت فرهنگ و هنر را قبلا ـ جلب نماید و نیز شهرداری‌ها مکلفند نظرات و طرح‌های‌وزارت فرهنگ و هنر را راجع به نحوه حفظ آثار باستانی و میزان حریم و مناظر ساختمان‌ها ومیدان‌های مجاور آنها را رعایت نمایند. تبصره ـ وزارت فرهنگ و هنر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ مراجعه وزارت کشور نظرقطعی خود را به شهرداری اعلام دارد. ماده ۱۰۳ ـ کلیه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و خصوصی موظفند قبل از هرگونه اقدامی‌نسبت به کارهای عمرانی واقع در مناطق مندرج در ماده ۹۷ و ۹۸ از قبیل احداث شبکه تلفن و برق وآب و سایر تاسیسات و همچنین اتصال راههای عمومی و فرعی‌رعایت‌نقشه‌جامع شهرسازی رانمایند این قبیل اقدام باید با موافقت کتبی شهرداری انجام گیرد و موسسه اقدام‌کننده مکلف است‌هرگونه خرابی و زیانی را که در اثر اقدامات مزبور به اسفالت یا ساختمان معابر عمومی وارد آید درمدت متناسبی که با جلب نظر شهرداری تعیین خواهد شد ترمیم نموده و به وضع اول درآورد والاشهرداری خرابی و زیان وارده را ترمیم و بحال اول درآورده هزینه تمام شده رابا ۱۰٪ (ده درصد)اضافه از طریق اجرای ثبت اسناد وصول خواهد کرد. ماده ۱۰۴ ـ نحوه انجام معاملات و مقررات مالی شهرداری‌ها طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که‌ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون از طرف وزارت کشور تهیه و به تصویب کمیسیون مشترک‌کشور مجلسین برسد مادام که آیین‌نامه مزبور بتصویب نرسیده مقررات مالی فعلی به قوت خودباقی است ماده ۱۰۵ ـ مواد معدنی طبقه اول مذکور در ماده ۱ قانون معادن مصوب ۲۱/۲/۱۳۳۶ واقع درداخل حوزه خدمات و نظارت شهرداری جز اموال شهرداری محسوب می‌شود مگر اینکه داخل‌ملک اشخاص حقیقی و یا حقوقی باشد. ماده ۱۰۶ ـ وزارت کشور مکلف است کلیه عوارض نفت و گاز و مواد نفتی که در خارج ازمحدوده شهرها وصول می‌شود (به استثنای موضوع قانون مربوط به وصول عوارض از بنزین‌بمنظور کمک به مستمندان مصوب ۱۵ اسفند ۱۳۳۴ که بقوت خود باقی است و همچنین عوارض‌قراردادهای پیمانکاری که در خارج از محدوده شهرها اجرا می‌شود به تناسب جمعیت بین‌شهرداری‌هایی که از پنجاه هزار نفر جمعیت کمتر دارند تقسیم نماید. ماده ۱۰۷ ـ توهین به‌شهردار و معاون و روسای ادارات شهرداری در حین انجام وظیفه یا بسبب‌آن در حکم توهین به مستخدمین رسمی دولت بوده و مرتکب به مجازاتهای مقرر در قانون کیفرعمومی محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۸ ـ بموجب قانون مصوب ۲۴/۴/۱۳۵۹ منسوخ است ماده ۱۰۹ ـ شهرداریها از پرداخت حق ثبت املاک و مالیات معاف خواهند بود. تبصره ـ موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق بشهرداری است ولو بصورت‌بازرگانی اداره شود نسبت به سهم شهرداری از پرداخت مالیات معاف است ماده ۱۱۰ ـ نسبت به زمین یا بناهای مخروبه و غیر مناسب با وضع محل و یا نیمه تمام واقع درمحدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرار گرفته و منافی با پاکی و پاکیزگی و زیبایی شهر یاموازین شهرسازی باشد شهرداری با تصویب انجمن شهر می‌تواند بمالک اخطار کند منتها ظرف دوماه به ایجاد نرده یا دیوار و یا مرمت آن که منطبق با نقشه مصوب انجمن شهر باشد اقدام کند اگرمالک مسامحه و یا امتناع کرد شهرداری می‌تواند بمنظور تامین نظر و اجرای طرح

مصوب انجمن درزمینه زیبایی و پاکیزگی و شهرسازی هرگونه اقدامی را که لازم بداند معمول و هزینه آن را باضافه‌صدی ۱۰ از مالک یا متولّی و یا متصدی موقوفه دریافت نماید در این مورد صورتحساب شهرداری‌بدوا بمالک ابلاغ می‌شود در صورتی که مالک ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ به صورت حساب‌شهرداری اعتراض نکرد صورتحساب قطعی تلقی می‌شود و هرگاه مالک ظرف مهلت مقرره اعتراض‌کرد موضوع به کمیسیون مذکور در ماده ۷۷ ارجاع خواهد شد. صورتحسابهایی که مورد اعتراض واقع نشده و همچنین آرا کمیسیون رفع اختلاف‌مذکوردرماده ۷۷ در حکم سند قطعی و لازم‌الاجرا بوده و اجرا ثبت مکلف است بر طبق مقررات اجرای‌اسناد رسمی لازم‌الاجرا نسبت بوصول طلب شهرداری اجراییه صادر و بمورد اجرا بگذارد. ماده ۱۱۱ ـ بمنظور نوسازی شهرها شهرداری‌ها می‌توانند از طریق تاسیس موسساتی با سرمایه‌خود خانه‌ها و مستغلات و اراضی و محلات قدیمی و کهنه شهر را با استفاده از مقررات قانون‌تملك زمین‌ها مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۳۹ خریداری نمایند و در صورت اقتضا برای تجدیدساختمان طبق طرحهای مصوب شهرداری بفروشند و یا اینکه رأسا اقدام به اجرای طرح‌های‌ساختمانی بنمایند اساسنامه اینگونه موسسات را که بر طبق اصول بازرگانی اداره خواهد شدشهرداری هر محل تهیه و با تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور قابل اجرا خواهد بود درهرجا که در قانون تملك زمینها و آیین نامه‌ها مصوب ۱۴/۸/۱۳۳۹ هیات وزیران اعم از سازمان‌مسکن و وزارت کشاورزی و هیات وزیران برده شده وظایف مزبور را بترتیب شهرداری ـ انجمن‌شهر و وزارت کشور انجام خواهند داد. ماده ۱۱۲ ـ ادارات و موسسات دولتی و وابسته بدولت به نسبت سهامی که متعلق بدولتاست و همچنین باشگاههای ورزشی غیرانتفاعی که وابسته به سازمان تربیت بدنی بوده و ترازنامه‌آنها مورد رسیدگی و تصویب سازمان مزبور قرار گیرد از پرداخت عوارض مستغلات و سطح شهرمعافند ولی مکلف به‌پرداخت سایر عوارض شهرداری‌ها خواهند بود. ماده ۱۱۳ ـ مواد ۵ و ۶ و تبصره ۴ ماده ۱۵ و تبصره ذیل بند ۲۵ ماده ۵۵ و تبصره ذیل ماده ۵۸و مواد ۵۹ ـ ۶۰ ـ ۶۱ ـ ۶۳ و ۶۴ و تبصره ذیل آن و مواد ۶۹ و ۷۰ و تبصره‌های ذیل آن ومواد ۷۲ و۷۶ و تبصره مربوطه (اصلاحی تصویبنامه شماره ۸۲۰۶ مورخ ۱۵/۷/۴۲) و مواد ۸۱ ـ ۸۳ قانون‌مصوب سال ۱۳۳۴ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است لغو می‌شود. ماده ۱۱۴ ـ بمنظور ایجاد رویه واحد در انجام انتخابات و همچنین رسیدگی باختلاف نظر درچگونگی اجرای قوانین و مقررات مربوط به انتخابات انجمن‌ها شورای دایمی انتخابات به ریاست‌وزیر کشور و به عضویت افراد زیر تشکیل می‌گردد: ۱ ـ معاون وزارت کشور. ۲ ـ رییس کانون وکلای دادگستری ۳ ـ مدیرکل قضایی وزارت دادگستری ۴ ـ ... ۵ ـ دو نفر که در امر انتخابات بصیر و صاحب نظر باشند به انتخاب وزیر کشور. ۶ ـ مدیر کل دفتر انتخابات وزارت کشور که سمت دبیری شورا را نیز بعهده خواهد داشت ماده ۱۱۵ ـ شورای دایمی انتخابات با رعایت مقررات مربوط نسبت به موارد زیر رسیدگی واتخاذ تصمیم می‌نماید و تصمیمات شورا قطعی و لازم‌الاجرا است ۱ ـ انحلال انجمن نظارت ۲ ـ ابطال انتخابات انجمنها و تعیین تکلیف آنها. ۳ ـ رسیدگی بشکایات از انجمنهای نظارت در جریان انتخابات ۴ ـ رسیدگی و اظهارنظر در مورد اختلاف بین انجمنهای نظارت و فرماندار یا بخشدار در مواردانحلال شعب اخذ رای ۵ ـ رسیدگی و تعیین تکلیف نسبت به سایر مسایل مربوط به انتخابات که از طرف رییس شورامطرح می‌شود. تبصره ۱ ـ هرگاه شورا ضمن رسیدگیهای خود به تخلف اعضا انجمنهای نظارت برخوردنماید مراتب را برای تعقیب بمراجع صالح اعلام خواهد نمود. تبصره ۲ ـ جلسات شورا بدعوت رییس شورا تشکیل می‌شود. دستور جلسه از طرف رییس‌شورا تعیین می‌گردد. برای تشکیل شورا حضور لااقل هفت نفر از اعضا لازم است و مصوبات شورابا اکثریت نسبی معتبر خواهد بود. تبصره ۳ ـ در مواردی که شورا ضروری بداند می‌تواند از نظر مشورتی افراد مجرب و بصیراستفاده نماید. تبصره ۴ ـ شورا می‌تواند رسیدگی و تحقیق نسبت به مواردی را که لازم بداند بکمیسیونی درمراکزاستان و فرمانداری کل مرکب از استاندار یا فرماندار کل و رییس عالیترین دادگاه محل دادستاناستان یا شهرستان حسب مورد ـ رییس شورای حزب در استان واگذار نماید. کمیسیون مزبور مکلف است نسبت به موارد ارجاع شده اقدام و نتیجه رسیدگیها و تحقیقات رابه شورا اعلام نماید. ماده ۱۱۶ و تبصره‌های آن ـ منتفی شده ماده ۱۱۷ ـ وزارت کشور می‌تواند بمنظور

تامین کمبود نیروی انسانی مورد لزوم در زمان‌انتخابات از خدمات افراد مجرب و بصیر دولتی و غیر دولتی و بازنشستگان از طریق خرید خدمت‌و در حدود اعتبارات مصوب استفاده نماید. ماده ۱۱۸ ـ در هر زمان که وزارت کشور آمادگی لازم را برای استفاده از کـار ماشـینهای کـامپیوتر درهر حوزه انتخابیه داشـته باشـد چگـونگی اجرای انتخابـات آن حـوزه طبـق دسـتورالعملهای وزارت کشورخواهد بود. ماده ۱۱۹ ـ باستثنای تبصره‌های ۱ اصلاحی و ۴ الحاقی به ماده ۱۵ و ماده ۱۱۶ الحاقی وتبصره‌های آن بقیه مقررات این اصلاحیه شامل انتخابات انجمنهای شهرستان نیز خواهد بود.

قانون نوسازی و عمران شهری – مصوب ۷/۹/۱۳۴۷ با اصلاحات

ماده ۱ ـ نوسـازی و عمران و اصـلاحات اساسـی و تـامین نیازمنـدیهای شـهری و احـداث و اصـلاح‌و توسـعه معـابر و ایجاد پارکها و پارکینگهـا (توقفگـاه) و میـدانها و حفـظ و نگهـداری پارکها و باغهای عمومی موجود و تامین سایر تاسـیسات مورد نیاز عمومی و نوسـازی محلات و مراقبت در رشـدمتناسب و موزون شـهرها از وظـایف اساسـی شـهرداریها است و شـهرداریها در اجرای وظـایف مـذکور مکلف به تهیه برنامه های اساسـی و نقشه‌های جامع هسـتند. ماده ۲ ـ در شـهر تهران از تاریـخ اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سـایر شـهرها از تـاریخی که وزارت‌کشور تعیین و اعلام کنـد بر کلیه اراضـی و ساختمانهـا و مسـتحدثات واقع در محـدوده قـانونی شهرعوارض خـاص سالانه بماخـذ پنج‌در هزار بهـای آنهـا که طبق مقررات این قانون تعیین خواهـد شـدبرقرار می‌شود. شـهرداریها مکلفنـد بر اساس مقررات این قانون عوارض مـذکور را وصول کرده و منحصرابمصـرف نوسازی و عمران شـهری برسانند. مصـرف وجوه حاصل از اجرای این قانون در غیر موارد مصرح در این قانون در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولت خواهد بود. تبصره ۱ ـ ترتیب ممیزی و تشـخیص و طرز وصول عوارض مـذکور و ترتیب تعیین نسبی ازقیمت ملـك که در هر شـهر با توجه بمقتضـیات و شرایـط خاص اقتصادی ماخـذ دریافت عوارض قرارمی‌گیرد بموجب آیین نامه‌ای که از طرف وزارت کشور تنظیم و بتصویب هیات وزیران می‌رسد تعیین و اجرا خواهد شد. تبصـره ۲ ـ در شـهر تهران عوارض املاك مودیانی که مجموع عوارض هریک از آنان در سال تا مبلغ یکهزار و پانصـدریال باشـد ، بخشوده می‌شود و در سایر شـهرها انجمنهای شـهر می‌تواننـد با تایید وزارت کشور تمام یا قسـمتی از عوارض املاك کلیه مودیـانی را که مجموع عوارض هریـک از آنـان طبق مقررات این قـانون در سـال تا مبلغ یکهزار و پانصد ریال باشد با توجه به مقتضـیات خاص اقتصادی شـهر با انتشار آگهی مشمول بخشودگی قرار دهند. تبصره ۳ ـ در شهر تهران از اول فروردین مـاه ۱۳۴۸ و در سـایر شـهرها از تـاریخی که وزارت‌کشور اجرای مقررات این ماده را اعلام می‌کنـد عوارض سـطح شهر و سـایر عوارض دریـافتی از اراضـی‌و ساختمانهای شـهری ملغی می‌شود. تبصـره ۴ ـ علاـوه بر عوارض مـذکور در مـاده ۲ حق مرغوبیت و هر نوع درآمد دیگری که در اثر اجرای این قانون تحصیل شود منحصرا بمصرف نوسازی و عمران شهری خواهد رسید. تبصره ۵ ـ برای تـامین هزینه‌هـای اداری و وصـول عـوارض موضـوع ایـن مـاده و تجهیز کـادر فنی واداری جهـت اجرای ایـن قـانون شهرداریها می‌تواننـد حداکثر تا میزان ده درصد درآمد وصولی موضوع این قانون را طبق بودجه‌ای که بتصویب انجمن شـهر و تایید وزارت کشور خواهد رسید ، بمصرف‌برسانند و مصرف بیش از این میزان از درآمد حاصل ازاجرای این قانون بهیچوجه مجاز نیست تبصره ۶ ـ شهرداریها می‌توانند در عملیات نوسازی از محل درآمد ماده ۲ این قانون رقمی‌بساختمان دبستان اختصاص دهند. ماده ۳ ـ در مورد عوارض سـطح شـهر و اراضـی و ساختمان‌هایی که در اجرای این قانون درهریک از شهرها ملغی می‌گردد بقایای مطالبات شهرداری غیرقابل توافق و بخشودگی است و درصورت بروز اختلاف در اصل عوارض طبق ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها عمل خواهد شد ولی هرگاه‌مودیان مذکور ظرف یکسال از تاریخ اجرای این قانون بشهرداری مراجعه و نسبت به پرداخت اصل‌بدهی خود در هر مرحله که باشـد نقـدا اقـدام کننـد و یا قرار تقسیـط حداکثر سه ساله با منظور نمودن‌سود صدی شـش از تاریخ تقسیـط با شـهرداری بگذارنـد از پرداخت زیـان دیرکرد و جرایم متعلقه معـاف خواهنـد بـود. تبصـره ۱ ـ در مورد مودیـانی که بقایـای بـدهی آنـان بابت

عوارض سطح شهر و اراضی وساختمانها و مستحدثات بیش از پانزده هزار ریال باشد قرار تقسیط با اخذ وثیقه و تنظیم سندرسمی بعمل میاید. تبصره ۲ ـ شهرداری مکلف است حداکثر ظرف پانزده روز بعد از مراجعه مودی میزان بدهی اورا روشن و با دریافت مطالبات خود نقدا یا با قرار تقسیط بترتیب فوق مفاصا حساب صادر کند. ماده ۴ ـ بهای اراضی و ساختمانها و مستحدثات مذکور در ماده ۲ این قانون بر مبنای ممیزی‌شهرداری تعیین و اعلام خواهد شد و شهرداریهای مشمول ماده ۲ مکلفند حداکثر ظرف دو سال ازتاریخ شمول ممیزی‌های مذکور را با رعایت ضوابط ذیل بعمل آورند و مادام که ممیزی بعمل نیامده بهایی که از طرف مالک یا مالکین یا قایم‌مقام یا نمایندگان قانونی آنها بر اساس این ضوابط‌تعیین و اعلام می گردد ملاک عمل محسوب خواهد شد. بهای اراضی طبق قیمت منطقه‌ای خواهد بود که وسیله وزارت کشور و وزارت دارایی با کسب‌اطلاع از مراجع محلی تعیین و بتصویب هیات وزیران رسیده باشد و بهای ساختمانها و مستحدثات بر اساس ضوابطی خواهد بود که وزارتخانه‌های کشور و آبادانی و مسکن تعیین نموده و بتصویب هیات وزیران رسیده باشد. تبصره ۱ ـ در مورد کارخانه‌ها و کارگاهها و موسسات صنعتی و اقتصادی و علمی فقط قیمت‌زمین و ساختمان ملاک پرداخت عوارض قرار خواهد گرفت تبصره ۲ ـ در مناطقی از محدوده شهر که آب مشروب لوله‌کشی و برق یا یکی از آنها دردسترس ساکنین آن منطقه‌گذارده نشده باشد بابت هریک از آنها که تامین نشده ۲۵٪ از عوارض مقررکسر می گردد ولی زمین‌های بایر واقع در آن مناطق مشمول این بخشودگی نخواهند شد. تبصره ۳ ـ مالکین و متصرفین املاک مکلفند در ممیزی اراضی و ساختمانها و مستحدثات بامأمورین ممیزی همکاری کنند و هرگاه از انجام این تکلیف خودداری کنند مأمورین ممیزی در مورداراضی بایر یا بدون حصار با تشخیص علی الراس و در مورد ساختمانها و باغات و اراضی محصور با اعلام کتبی قبلی و با حضور نماینده دادستان وارد ملك شده اوراق ممیزی را تنظیم خواهند نمود. تبصره ۴ ـ ضوابط مذکور در این ماده برای تقویم زمین و یا ساختمان باید ساده و مشخص وروشن باشد. ماده ۵ ـ محدوده قانونی هر شهر و همچنین ضوابط مذکور در ماده ۴ توسط شهرداری بطرق مقتضی جهت اطلاع عموم اعلام خواهد شد و در شهرهای مشمول ماده ۲ این قانون مالکین زمینها و ساختمانها و مستحدثات واقع در محدوده شهر یا قایم‌مقام یا نمایندگان قانونی آنان مکلفند ظرف ششماه از تاریخ اعلام شهرداری مشخصات کامل ملك را با تعیین بها بتفکیك هر قطعه ملك بترتیب مقرر در ماده ۴ کتبا بشهرداری اعلام دارند و هرگاه در مهلت مقرر نسبت به اعلام بها اقدام نکنند عوارض متعلقه برای مدت تاخیر بدو برابر افزایش خواهد یافت ماده ۶ ـ هرگاه پس از اعلام ضوابط طبق ماده ۵ و قطعیت ممیزی معلوم شود که بهای اعلام شده‌از طرف مالك یا قایم‌مقام یا نماینده قانونی او کمتر از هفتاد درصد (۷۰٪) قیمت ملك بر طبق ماده۴ این قانون است مابه التفاوت عوارض از تاریخ برقراری تا تاریخ قطعیت ممیزی بدو برابر افزایش‌خواهد یافت ماده ۷ ـ شهرداری باید پایان ممیزی هر منطقه را بوسیله نشر آگهی در جراید کثیرالانتشار و الصاق آن در معابر عمومی و وسایل مقتضی دیگر به اطلاع مالکین آن منطقه برساند و بعلاوه نتیجه ممیزی هر ملك را بوسیله پست به مالك اطلاع دهد مودیان عوارض نیز می‌توانند به مراجع مربوط‌که در آگهی مذکور تعیین خواهد شد مراجعه و از نتیجه ممیزی اطلاع حاصل نمایند در صورتی که‌نسبت به ممیزی ملك خود اعتراض داشته باشند می‌توانند ظرف چهار ماه از تاریخ نشر آگهی درجراید دلایل و مدارك اعتراض خود را به کمیسیون رسیدگی مذکور در ماده ۸ این قانون تسلیم دارندو در صورت عدم اعتراض ممیزی قطعی خواهد بود. ماده ۸ ـ اعتراضات راجع به ممیزی در مورد اختلاف مساحت اراضی و مستحدثات و محل‌وقوع ملك و تطبیق مشخصات ملك با ضوابط موضوع ماده ۴ اعلام شده از طرف شهرداری درشهرهای مشمول ماده ۲ این قانون و همچنین رسیدگی به اعتراضات راجع به ارزیابی املاك وحقوق کسب و پیشه و میزان آن مربوط به اجرای طرحهای نوسازی و اصلاح و توسعه معابر در کلیه شهرداریهای کشور در کمیسیونی مرکب از سه نفر افراد محلی بصیر و مطلع در تقویم املاك که یکنفرآن از طرف انجمن شهر و یکنفر از طرف رییس دادگاه شهرستان و یکنفر از طرف وزارت کشور تعیین‌می‌شود ، بعمل خواهد آمد. تصمیم اکثریت اعضا کمیسیون در این مورد قطعی و لازم الاجرا استو رسیدگی بسایر اختلافات ناشی از اجرای این قانون منحصرا

در صلاحیت کمیسیون رفع اختلاف موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری می‌باشد. تبصره ۱ ـ تشریفات رسیدگی و پرداخت حق‌الزحمه اعضا کمیسیون طبق آیین نامه‌ای که بتصویب وزارت کشور خواهد رسید مشخص می‌شود. وزارت کشور تعداد کمیسیونهای رسیدگی و کمیسیونهای رفع اختلاف را در هر شهرداری با توجه به وسعت شهر و میزان اعتراضات تعیین‌می‌کند. تبصره ۲ ـ قبول اعتراض مودی راجع به ممیزی در کمیسیون ماده ۸ موکول به آن است که عوارض ملک خود را بر اساس اعلام بهایی که خود مالک طبق ماده ۴ نموده است بپردازد و رونوشت یا فتوکپی قبض پرداخت را به ضمیمه برگ اعتراض به دفتر شهرداری برای ارسال به‌کمیسیون تسلیم کند مگر اینکه بهای اعلام شده از طرف مالک مشمول حد نصاب بخشودگی باشد. ماده ۹ ـ ممیزی‌هایی که طبق مقررات این قانون از طرف شهرداری بعمل آید تا پنجسال ملاک‌وصول عوارض خواهد بود مگر اینکه ظرف این مدت تغییرات کلی در اعیان ملک داده شود بنحوی‌که قیمت آن را بیش از پنجاه درصد افزایش یا کاهش دهد که در اینصورت مودی مکلف است مراتب‌را به شهردار اعلام نماید و میزان افزایش یا کاهش قیمت بر اساس مقررات این قانون تعیین و از سال‌بعد ملاک وصول خواهد شد. شهرداریهای مشمول این قانون مکلفند هر پنجسال یکبار ممیزی عمومی را تجدید کنند و هرگاه‌در پایان مدت پنجسال تجدید ممیزی بعمل نیامده باشد ممیزی قبلی تا اعلام نتیجه ممیزی جدیدمعتبر خواهد بود. ماده ۱۰ ـ عوارض هر سال در اول فروردین ماه آن سال تحقق می‌یابد و باید حداکثر تا پایان‌همان سال بشهرداری پرداخت گردد. تبصره ۱ ـ از عوارض مودیانی که ظرف مدت مذکور عوارض متعلق به هر ملک را بپردازند ده‌درصد عوارض آن سال بعنوان جایزه منظور و کسر خواهد شد. تبصره ۲ ـ ساختمانهای اساسی که بجای ساختمانهای کهنه و قدیمی نوسازی و تجدید بناشود بمدت سه سال از تاریخ اتمام بنا مشخص شده در پروانه ساختمان از پرداخت عوارض‌موضوع این قانون معاف خواهند بود. تبصره ۳ ـ بهای اعیانی پارکینگهای اختصاصی در هر ساختمان در احتساب عوارض منظورنخواهد شد. ماده ۱۱ ـ نسبت به اراضی واقع در محدوده شهر که فاقد ساختمان اساسی بوده و یا باغ شهری‌به آن اطلاق نشود در صورتی که تا یکسال بعد از پایان مهلت مقرر در ماده ۵ مالکین یا قایم‌مقام یانمایندگان قانونی آنان مشخصات و بهای ملک خود را بشهرداری اعلام نکنند شهرداریهای مشمول‌ماده ۲ این قانون مکلفند اینگونه املاک را بتصرف درآورده و به قایم‌مقامی مالک از طریق مزایده و بارعایت آیین نامه معاملات شهرداری و بر اساس قیمت منطقه‌ای بفروش برسانند و مطالبات خود رابه انضمام جرایم و هزینه‌های متعلقه باضافه ۵٪ قیمت ملک بسود برنامه نوسازی از محل بهای‌ملک برداشت نموده مابقی را در حساب سپرده ثابت شهرداری در بانک نگهداری کنند تا در صورت مراجعه مالکین یا نمایندگان قانونی آنان در مقابل اخذ رسید به آنها پرداخت شود و هرگاه ظرف‌دهسال مالک ملک یا نمایندگان قانونی آنان مراجعه ننمایند وجوه مذکور بحساب درآمد نوسازی منظور خواهد شد. تبصره ۱ ـ هرگاه مالکیت ملک محل اختلاف باشد مدت ۱۰ سال مذکور در این ماده از تاریخ‌صدور حکم نهایی مبنی بر رفع اختلاف شروع می‌شود. تبصره ۲ ـ ساختمان اساسی مذکور در این قانون بساختمانی اطلاق می‌گردد که ارزش آن براساس ضوابط مندرج در ماده ۴ این قانون برابر حداقل بیست درصد بهای کل زمین باشد مرجع‌رسیدگی به اختلاف حاصله در این مورد کمیسیون مذکور در ماده ۸ این قانون است تبصره ۳ ـ شهرداری مکلف است وضع املاک مشمول این ماده را قبل از انتشار آگهی مزایده باحضور نماینده دادستان شهرستان صورتمجلس کند. تبصره ۴ ـ در صورتی که مالکین اینگونه اراضی قبل از انتقال قطعی ملک مشخصات بهای‌ملک خود را بشهرداری اعلام دارند و عوارض و جرایم مربوط را نقدا بپردازند عملیات شهرداری درهر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد. ماده ۱۲ ـ شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ انقضا مهلت‌مقرر در ماده ۱۰ مشخصات مودیانی را که نسبت به پرداخت عوارض املاک خود اقدام نکرده‌اند به‌موسسات برق و گاز تسلیم کنند و موسسات مذکور مکلفند با اعلام مهلت دو ماهه به مودی هرگاه مطالبات شهرداری تا انقضا مهلت وصول نشود نسبت به قطع برق و گاز محل سکونت ملکی اواقدام کنند. تبصره ـ آیین نامه اجرایی این ماده وسیله وزارت کشور و وزارت آب و برق تنظیم و پس ازتصویب هیات دولت بمورد اجرا گذارده می‌شود. ماده ۱۳ ـ در هر مورد که

عوارض يـا حق مرغوبيت موضوع اين قـانون بهيـك ملـك تعلق گيرد وقطعي گردد علاـوه بر مالـك كه مسئول پرداخت است عين ملك وسيله تامين مطالبات شهرداري بوده و شهرداري مكلف است در صورتي كه مالك عوارض يا حق مرغوبيت را ظرف مهلت هاي مقرر با رعايت آيين نامه مذكور در تبصره ۱ ماده ۲ نپردازد با صدور اجراييه نسبت بوصول طلب خود ازمالك يا استيفا آن از عين ملك اقدام كند. تبصره ۱ ـ ادارات و دواير اجراي ثبت بنـا بتقاضاي شـهرداري مكلف بصـدور اجراييه و تعقيب‌عمليات اجرايي طبق مقررات مربوط به اجراي اسـناد رسمي لازم الاجرا مي‌باشد. تبصره ۲ ـ در قبال اجراييه هاي صادره مربوط به اين ماده بازداشـت شخص مودي مجـاز نيست ماده ۱۴ ـ موديـاني كه تـا پايـان هر سال عوارض مقرر در اين قانون را نپردازنـد از آغاز سال بعـدملزم به پرداخت صدي ۹ زيان ديركرد در سال به نسبت مدت تاخير خواهند بود و شهرداري مكلف است پس از پايان ششماه اول سال بعد طبق مقررات ماده ۱۳ اين قانون نسبت به استيفاي مطالبات خود اقدام كند. ماده ۱۵ ـ شهرداريهاي مشمول ماده ۲ اين قانون مكلفند بـا راهنمـايي وزارت كشور برنامه‌عمليـات نوسـازي و عمران و اصـلاحات شـهر را براي مـدت پنجسـال بر اسـاس نقشه جامع شـهر و درصورتيكه فاقد نقشه جامع باشـند بر اساس احتياجات ضروري شهر و با رعايت اولويت آنها درحدود منابع مالي مقرر دراين قانون و ساير امكانات مالي شهرداري تنظيم كرده و پس از تصويب‌انجمن شهر و تاييد وزارت كشور طرحهاي مربوط را بر اساس آن اجرا كنند. ماده ۱۶ ـ شـهرداريها مكلفند براي هر يك از طرحهاي نوسازي و عمران و ايجاد تاسيسات‌شـهري و توسعه و احداث و اصلاح معابر بدوا نقشه كاملي تهيه و سپس توسط هياتهاي ارزيابي فهرست جامعي حاوي مقدار مساحت و تعداد اشـجار و ميزان حق ريشه هر ملـك كه در معرض عمليات قرار مي‌گيرد و تصـرف مي‌شود با تعيين بهاي هريك از آنها بر اساس ماده ۱۸ اين قانون و همچنين ميزان مرغوبيتي كه مالك مكلف به پرداخت آن مي‌باشـد و در صورت امكان نام مالك وشـماره پلاك ملك تنظيم نموده و ضـمن تامين اعتبار كافي براي تصويب انجمن شـهر فرسـتاده و پس‌از تصويب انجمن براي تاييـد به وزارت كشور ارسال دارنـد. تبصـره ۱ ـ شهرداري مكلـف است بمحض شـروع عمليـات نقشه‌كشـي و ارزيـابي مراتب را درجرايـد كثيرالانتشـار و بـا الصـاق آگهي در محل باطلاع عموم برساند. تبصره ۲ ـ نحوه تشكيل هيات‌هاي ارزيابي و طرز اعلام طرحهاي مصوب و تعيين مدت قبول‌اعتراضات و ترتيب رسيدگي به آنها طبق آيين نامه‌اي كه بوسيله وزارت كشور تهيه و به تصويب‌هيات وزيران خواهد رسيد معين مي‌گردد. تبصره ۳ ـ هيات‌هاي ارزيابي و همچنين كميسيون رسيدگي موضوع ماده ۸ اين قانون مكلفنددر ارزيابي و اعلام نظر نسبت به بهاي املاكي كه مشـمول پرداخت حق كسب و پيشه مي‌باشـندمقررات تبصـره ماده ۲۷ اين قـانون را رعايت كننـد. ماده ۱۷ ـ همين كه طرح مصـوب انجمن شـهر از طرف وزارت كشـور تاييـد و براي اجرا به‌شـهرداري ابلاـغ شـد شـهرداري مكلـف است ظرف يكمـاه جزييـات طرح مصوب و تاريـخ شـروع ومـدت تقريبي اجرايي آن را جهت اطلاع عموم اعلام و ظرف سه ماه پس از اعلام مزبور نسبت به‌پرداخت قيمت اراضـي و امـاكن و مسـتحدثات مشـمول طرح مصوب با رعايت ماده ۲۰ اين قـانون به‌صاحبـان املاك يا متوليان يا متصـديان موقوفه يا قايم‌مقام يا نمايندگان قانوني آنان اقدام و سپس بادو ماه مهلت براي تخليه ملك نسبت بتصرف و تخريب آن عمل كنند و عـدم مراجعه مالك يا مالكين براي دريافت بها مانع از اجراي طرح نخواهد بود لكن در مواردي كه مالكين به ارزيابي انجام‌شده در مهلت مقرر اعتراض نموده باشـند شـهرداري مكلف است قبل از تخريب بنا وضع اعياني را باحضور مالك يا متولي موقوفه و نماينده دادسـتان شهرسـتان و يكي از مأمورين فني خود صورتمجلس كنـد هرگـاه بـا وجود دعوت كتبي شـهرداري مالك يا متولي موقوفه براي تنظيم صـورتمجلس حاضـر نشـود حضـور نماينـده دادستان براي تنظيم صـورتمجلس كـافي است و اين صـورتمجلس ملاـك رسيدگي و اظهارنظر خواهد بود. تبصـره ـ اعتراض به ارزيابي مربوط به طرحهاي توسعه و اصلاح و احداث معابر و نوسازي‌محلات و تـامين نيازمنـديهاي عمومي شـهر در هيـچ مورد مانع عمليات شـهرداري در اجراي طرحهاي‌مزبور نخواهـد بود. ماده ۱۸ ـ ارزيابي املاك و تعيين غرامت و پرداخت آن به مالكيني كه تمام يا قسـمتي از ملك‌آنها در اجراي طرحهاي نوسازي و احـداث و اصـلاح و توسـعه معـابر و تامين نيازمنـدي‌هاي عمومي‌شـهر مورد تصـرف قرار مي‌گيرد و دريافت حق مرغوبيت از كساني كه ملك آنها بر اثر

اجرا طرحهای‌مذکور مرغوب می‌شود بشرح زیر خواهد بود. الف ـ در مورد اعیانی به نسبت خسارت وارده بملک ارزیابی و پرداخت می‌شود و در موردعرصه ارزش آن بمأخذ بهای یکسال قبل از تاریخ ارزیابی به اضافه ۶ درصد تعیین می گردد و درصورتی که این قیمت بیش از بهای ملک در تاریخ انجام ارزیابی باشد بهای زمان ارزیابی ملاک عمل خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که صدور پروانه ساختمانی اعم از مسکونی و تجاری و غیره بر اثر اجرای‌طرح در باقیمانده ملک از نظر مقررات شهرسازی برای شهرداری مقدور نباشد و مالک پیشنهاد فروش آنرا به شهرداری کند ، شهرداری مکلف است باقیمانده ملک را هم به بهای قطعی شده خریداری و تصرف کند که در این صورت دیگر مطالبه و دریافت حق مرغوبیت موضوعا منتفی است ماده ۱۹ ـ هرگاه در نتیجه اجرای طرحهای شهرداری تمام یا قسمتی از معابر بصورت متروک درآید آن قسمت متعلق بشهرداری بوده و هرگاه شهرداری قصد فروش آنرا داشته باشد ، مالک مجاوردر خرید آن حق تقدم خواهد داشت ماده ۲۰ ـ شهرداری مکلف است بهای عرصه و اعیان ابنیه و اماکن و مستحدثات مشمول‌طرحهای عمرانی و نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر و همچنین حق کسب و پیشه وتجارت موضوع ماده ۲۷ این قانون را نقدا پرداخت کند. در مورد بهای اراضی فاقد ساختمان درتهران تا دو میلیون ریال و در سایر شهرها تا پانصد هزار ریال نقد و بقیه اقساط مساوی پنجساله بابهره صدی ۹ در سال از طرف شهرداری پرداخت می‌شود. تبصره ۱ ـ پرداخت اقساط مذکور در این ماده بموجب قبوض مخصوص قابل انتقال خواهدبود که اصل و بهره آن در سر رسید از طرف شهرداری به دارنده قبض پرداخت می‌شود و بهره این‌قبوض از پرداخت هرگونه مالیات معاف است ترتیب اجرای این تبصره بموجب آیین نامه‌ای خواهدبود که بوسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲ ـ شهرداری مکلف است قبوض اقساطی مذکور در این ماده را بطورکلی بابت بهایاراضی و املاکی که بفروش می‌رساند و قبوض اقساطی هر سال را بابت عوارض همانسال قبول کند. تبصره ۳ ـ در مورد املاکی که طبق این قانون به شهرداریها منتقل می‌شود آن قسمت ازهزینه‌های ثبتی و مالیاتی و تنظیم سند که بعهده مالک است وسیله شهرداری پرداخت از مانده طلب انتقال دهنده کسر خواهد شد لکن مطالبات قطعی شده شهرداری بابت عوارض ملک مورد معامله ازوجوه نقدی که بمالک پرداخت می‌شود کسر می گردد. ماده ۲۱ ـ در مورد اراضی و املاکی که قبل از تصرف شهرداری بموجب اسناد رسمی موردمعاملات شرطی و رهنی واقع گردیده در صورتی که تمامی مساحت ملک بتصرف شهرداری درآمده و موعد پرداخت طلب داین نرسیده باشد موعد آن حال می‌شود و پس از اجرای مقررات این قانون در موقع تنظیم سند انتقال اگر مالک دین خود را نپرداخته و ملک آزاد نشده باشد شهرداری طلب‌داین را حداکثر تا میزان بهای ملک مورد تصرف (با رعایت مقررات ماده ۲۰ این قانون) به داین می‌پردازد و با این ترتیب معامله رهنی یا شرطی قانونا فک شده محسوب می‌شود و در صورتیکه بهای املاک و اراضی مورد تصرف زاید بر اصل طلب داین باشد مازاد بمالک پرداخت و ملک‌به شهرداری منتقل می‌شود. هرگاه شهرداری قسمتی از ملک را تصرف نماید پرداخت غرامت بمالک موکول بتوافق مالک و داین خواهد بود در صورت عدم توافق غرامت در صندوق ثبت تودیع و اداره ثبت مکلف است به درخواست شهرداری نسبت به قسمتی که بتصرف شهرداری درآمده است سند تفکیکی بنام شهرداری صادر کند و بقیه ملک در رهن داین باقی خواهد ماند. تبصره ـ در موردی که تمامی ملک بتصرف شهرداری در میاید شهرداری به بستانکار اخطارمی‌کند که در روز مقرر جهت دریافت طلب خود و انجام تشریفات فک رهن ملک مشمول تصرف در دفترخانه اسناد رسمی حاضر شود و هرگاه بستانکار به این اخطار عمل نکند شهرداری حداکثر تامیزان بهای ملک (وجه نقد یا قبوض اقساطی) بابت طلب بستانکار در اداره ثبت تودیع می‌کند ودفترخانه اسناد رسمی مربوط مکلف است معامله رهنی یا شرطی را فک کند. ماده ۲۲ ـ شهرداری‌ها مجازند اراضی و املاکی را که طبق این قانون به ملکیت خود در میاورند(به استثنا اراضی و املاک موضع ماده ۲۴ این قانون) بمنظور نوسازی بموجب قرارداد و در قبال‌اخذ تضمینات کافی به شرکتها و موسساتی که با سرمایه کافی و صلاحیت فنی تشکیل یافته‌اند واگذار کنند. صلاحیت فنی و مالی اینگونه شرکتها بطور کلی و برتری طرحهای عمرانی آنها بر اساس نقشه‌جامع شهر در

هر مورد باید از طرف شـهرداری پیشنهاد شده و انجمن شهر آنرا تصویب و وزارت‌کشور تایید کند. شهرداریها بهای اینگونه اراضی و املاـك و هزینه هـای پرداختی را بترتیبی که پرداخت و تعهدنموده‌انـد بعلاـوه ده درصـد از شـرکتها و موسـسات مـذکور دریافت خواهنـد داشت شـرکتها و موسـسات مـذکور در این ماده مادام که طرح مصوب را طبق قرارداد منعقـده اجرانموده‌اند حق واگذاری تمـام یا قسـمتی از اراضـی و املاك مورد قرارداد را بغیر ندارنـد. تبصـره ـ آیین نامه اجرایی این ماده و شـرایط فسـخ قرارداد وسـیله وزارت کشور تهیه و بتصویب‌هیات وزیران خواهد رسـید. ماده ۲۳ ـ شـهرداریها دارای اختیار نظارت بر طرز استفاده از اراضی داخل محدوده و حریم شهراز جمله تعیین تعداد طبقات و ارتفاع و نماسازی و کیفیت ساختمانها بر اساس نقشه جامع شهر ومنطقه‌بندی آن با رعایت ضوابط و معیارهایی که از طرف شورایعالی شـهرسازی تعیین و وسیله‌وزارت کشور ابلاغ خواهد شد هستند و با استفاده از اختیارات فوق مکلف بمراقبت در رشد متناسب‌و موزون شـهرها و تامین تسهیلات لازم برای زندگی اجتماعی خواهند بود. تبصره ۱ ـ شـهرداریها مجازنـد مـادام که نقشه جـامع شـهر تهیه و تصویب نشـده است ایجادساختمان و احـداث هرگونه بنا و تاسیساتی را در قسـمتی از محدوده شهر فقط برای یکبار و با ذکرعلت از تاریخ اجرای قانون نوسازی حداکثر برای مدت سه سال ممنوع اعلام کنند و پس از تهیه و تصویب نقشه جامع شـهر مکلفند حداکثر ظرف دو سال نقشه‌های تفصـیلی را تهیه و اراضی و باغها و املاکی را که بر اسـاس نقشه مـذکور در معرض طرحهـای احـداث و توسـعه معـابر و میـادین واقع می‌شود مشـخص نموده و احـداث هرگونه بنا و تاسـیسات را در این گونه اراضـی ممنوع کننـد. اینگونه‌اراضـی و همچنین اراضـی بایر و مزروعی و باغها واقع بین محـدوده خدمات شهری مصـوب انجمن‌شـهر و محـدوده قـانونی شـهر مـادام که اجـازه ساختمـان داده نمی‌شـود از پرداخت عوارض نوسـازی معـاف می‌باشند. تبصره ۲ ـ شـهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفنـد از تاریـخ اعلام وزارت کشور ظرف‌سه سال نقشه جامع شـهر را تهیه و تنظیم و برای تصویب پیشـنهاد کننـد. مـاده ۲۴ ـ شـهرداریها می‌تواننـد در موقع تنظیم و اجرای طرحهـای نوسـازی و همچنین توسـعه یا احداث معابری که عرض آنها حداقل بیست متر باشد با رعایت نقشه جامع یا نقشه هادی شـهر طرحهای مربوط را بتناسـب مـوقعیت محـل و ضـوابطی که وزارت کشـور تعیین و اعلاـم خواهـد کرد وسیعتر از میزان مـورد احتیـاج طرح تنظیم و اجرا نموده و اراضـی مازاد را در صورت عـدم احتیاج ازطریق مزایـده و با رعایت آیین نامه معاملات شـهرداری بفروش رسانیده وجوه حاصـله را بحساب‌درآمد نوسازی و عمران شـهری موضوع این قانون منظور کنند. تبصره ـ در اجرای مقررات ماده فوق شهرداری‌ها مکلفند راه عبور متعارفی برای باقی مانـده‌ملك تامین کننـد. ماده ۲۵ ـ در هر مورد که بموجب این قـانون ملکی بایـد به شـهرداری منتقـل شود هرگـاه مالـك از امضـا سـند انتقـال ملك استنکاف کنـد یا مالکیت زمین و اعیانی بنحوی از انحا متنازع فیه بوده و مالك مشـخص نباشـد و همچنین در اجرای مفاد ماده ۱۱ این قانون دادسـتان شهرسـتان یا نماینده او اسناد انتقال و دفاتر مربوط را امضا خواهد کرد. در صورتی که تملك یا خرید شـهرداری برای اجرای طرحهای نوسازی و عمران و اصلاح و احداث و توسعه معابر باشد بهای ملك با رعایت تبصره ۳ماده ۲۰ این قانون بصندوق ثبت سپرده خواهد شد. ماده ۲۶ ـ مساجد و اماکن مقدسه اسـلامی و معابد اقلیت های مـذهبی (مسـیحی ـ زردشـتی ـ کلیمی) و مـدارس قـدیمه طلاـب علـوم دینی بگـواهی سازمـان اوقـاف از پرداخـت عـوارض و حق مرغوبیت و اراضـی و ساختمان‌هـای متعلق به وزارتخانه ها و موسـسات دولتی و تاسـیسات سازمان تربیت بـدنی و پیشاهنگی ایران و کتابخانه‌های عمومی شـهر و همچنین آن قسـمت از اراضـی و املاك‌شـرکتها و موسسات آب و برق و گاز و تلفن متعلق بدولت که برای فعالیت‌هـای مربوط به آب و برق و گـاز و تلفن مورد اسـتفاده می‌باشـد از پرداخت عوارض موضوع این قـانون معـاف خواهند بود. تبصره ۱ ـ شـرکتها و موسـسات دولتی و وابسـته بـدولت که با اصول بازرگانی اداره می‌شود یامشـمول پرداخت مالیات هسـتند مشـمول پرداخت عوارض و حق مرغوبیت موضوع این قانون نیزمی‌باشـند. تبصره ۲ ـ اراضـی و املاك و مستحدثات ملکی متعلق به موقوفات خانـدان شاه معدوم وسازمان خدمات اجتماعی و هلال احمر ایران از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف می‌باشـند. معـافیت سـایر موسـسات خیریه منـوط به پیشـنهاد شـهرداری و تصـویب انجمن شـهر و تاییـد وزارت کشور خواهـد بود. تبصـره ۳ ـ

موقوفـاتی که تولیت آنهـا بـا نـایب ولیعصـر است بطور کلی و همچنین اراضـی و املاک‌و مسـتحدثات موقوفات عام بشـرط گواهی سازمان اوقاف از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف می‌باشند ولی عوارض موقوفات خاص از موقوف علیهم و یا متولی (به اختیـار شـهرداری) دریـافت می‌شود در صورتیکه اراضـی موقوفـات موضوع این تبصـره یا اراضـی غیر موقوفه به اشـخاص‌حقیقی یا حقوقی واگـذار و یا اجاره داده شده یا بشود و در سـند اجاره و یا واگذاری حق ایجاد بنا و مسـتحدثات و اخذ سـند مالکیت اعیانی برای اشـخاص منظور شده باشد اشـخاص مذکور از نظرپرداخت عوارض موضوع این قانون در حکم مالک محسوب و مکلفند طبق مقررات این قانون‌نسبت به پرداخت عوارض عمل و اقدام کنند. تبصره ۴ ـ وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی وابسته بدولت و موسسات خیریـه برای ایجادساختمـان موسـسات خـود مکلـف بـدریافت پروانـه ساختمـان از شـهرداری و رعـایت مـاده ۱۰۰ قانون اصـلاحی شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و سایر مقررات مذکور در قانون شـهرداری‌ها و این قانون راجع به ایجاد بنا می‌باشد. تبصره ۵ ـ خانه‌ها و اماکنی که در تصـرف یا مالکیت اشخاص حقیقی یا حقوقی است و طبق‌قانون حفظ آثار ملی مصوب آبانماه ۱۳۰۹ شمسی یا ماده واحده قانون مصوب آذرماه ۱۳۵۲شمسـی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسـیده یا می‌رسـند در صورتی که محل کسب و پیشه وتجـارت نباشـد از پرداخت عوارض و حق مرغوبیت موضوع این قـانون معـاف می‌باشـند. ماده ۲۷ ـ پرداخـت حـق کسب و پیشه یا تجـارت اشـخاص (اعم از مسـتاجر یـا متصـرف یا خود مالک) که محل کار آنان در اثر اجرای طرحهای احـداث و توسـعه معابر و نوسـازی و عمران شـهری از بین می‌رود بعهـده شـهرداری می‌باشـد مشـروط بر اینکه قبل از اعلام مقرر در ماده ۱۶ این قـانون ملک محـل کسب و پیشه و یـا تجارت باشـد ترتیب اجرای این ماده و نحوه تعیین و تشـخیص و پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت طبق آیین نـامه‌ای خواهـد بود که وسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیات وزیران خواهـد رسـید. تبصـره ـ غرامت زمین زیربنای محل کسب و پیشه بـا تـوجه به اینکه حق کسب و پیشه آن‌پرداخت گردیـده تعیین و به مالـک پرداخت می‌شود. مـاده ۲۸ ـ سایر عوارض شهرداری که بر اسـاس آیین نامه‌های اجرایی وصول عوارض شـهرداری موضوع ماده ۷۴ قانون اصـلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدیـد به‌قانون شـهرداری مصوب سال۱۳۴۵ بمرحله قطعیت برسـد در صـورت عـدم پرداخت طبق تبصـره‌های مـاده ۱۳ این قـانون با صـدوراجراییه وصول خواهـد شـد. ماده ۲۹ ـ عـوارض اراضـی واقع در محـدوده شـهر کـه آب لوله‌کشـی و برق آن تـامین شـده و فاقدساختمان اساسی باشد دوبرابر میزان مقرر در ماده ۲ این قانون خواهد بود. تبصره ۱ ـ در صورتی که مالکین اینگونه اراضی طبق نقشه شـهرداری به نرده‌کشـی و ایجادفضای سبز در اراضـی مزبور اقدام کنند مشـمول مقررات این ماده نبوده و عوارض بماخذ مقرر درماده ۲ این قانون وصول خواهد شد. تبصره ۲ ـ در پروانه‌های ساختمانی که از طرف شهرداریها صادر می‌شود باید حداکثر مدتی که‌برای پایان یافتن ساختمان ضـروریست قید گردد و کسانی که در میدانها و معابر اصـلی شهر اقدام به‌ساختمان می‌کنند باید ظرف مـدت مقرر در پروانه‌هـا ساختمان خود را به اتمام برساننـد و در صورتی که تا دو سال بعـد از مـدتی که برای اتمام بنا در پروانه قید شـده بـاز هم ناتمـام بگذارنـد عوارض مقرر دراین قـانون بـدو برابر افزایش یافته و از آن ببعـد نیز اگر ساختمان همچنان ناتمام باقی بماند برای هر دوسالی که بگذرد عوارض بدو برابر ماخذ دو سال قبل افزایش خواهد یافت تا به ۴ درصد بالغ گردد. ابنیه ناتمام که از طرف مقامـات قضـایی توقیـف شـده باشـد مشـمول ایـن مـاده نخواهـد بـود. مـاده ۳۰ ـ شـهرداریها مکلفنـد مفاصـا حساب پرداخت‌کننـدگان عوارض را حـداکثر ظرف پانزده روز(از تاریـخ پرداخت) تسـلیم مودی کننـد یا با پست سفارشـی ارسال دارند. تبصـره ـ هرگاه مودی عوارض قطعی شـده موضوع این قانون را بشـهرداری پرداخت کنـد وشـهرداری ظرف مدت مقرر در این ماده نسبت بصـدور برگ مفاصـا حسـاب اقـدام نکنـد قبض پرداخت عوارض در حکم مفاصـا حسـاب عوارض نوسـازی آن سـال ملک می‌باشد. ماده ۳۱ ـ شـهرداریها می‌توانند برای تامین نیازمندیهای شـهری و عمومی و عمران و نوسازی باتصویب انجمن شـهر و تایید وزارت کشور اراضی واملاک واقع بین حد مصوب فعلی هر شهر تا حدنهایی مشخص در نقشه جامع آن شهر را ظرف پنجسال پس ازتصویب نقشه جامع با پرداخت بها تملک و تصـرف کنند. تبصره ۱ ـ هرگاه تمام یا قسـمتی از اراضی و املاکی که در اجرای این

ماده خریـداری می‌شود درمناطق صـنعتی که در نقشه جامع شـهر منظور شده است واقع شده باشد شـهرداری‌ها می‌توانند برای انتقال کارگاهها و کارخانجات و امثال آن از داخل شـهر بمناطق صـنعتی از اراضـی مزبور بمیزانی که‌برای اسـتقرار آنها ضروری تشخیص داده می‌شود به صاحبان موسسات مذکور منتقل نموده و بهایانرا بماخذ تمام شده به اضافه ده درصد از آنان دریافت دارند. تبصره ۲ ـ مرجع رسـیدگی به اختلافات ناشـی از اجرای این ماده کمیسیون مذکور در ماده ۸ این‌قانون می‌باشد و طرح اختلاف در کمیسـیون مزبور مـانع تصـرفات شـهرداری نمی‌باشـد. تبصـره ۳ ـ ملاـک و نحوه ارزیـابی اینگـونه اراضـی و املاـك و مسـتحدثات و تعیین مقـدارمساحتی از اراضـی مزبور که مشـمول مقررات این ماده می‌باشـد و مدت و ترتیب و طرز پرداخت قیمت املاك مزبور و بطور کلی طرز اجرای ایـن مـاده و تبصـره ۱ آن طبـق آییـن نـامه‌ای اسـت که وزارت‌کشـور تهیه نمـوده و بتصـویب کمیسـیون کشـور و دادگستری مجلسین برسد. ماده ۳۲ ـ هرگاه ممیزین در اجرای مقررات این قانون در تنظیم اوراق ممیزی تمام واقع را ذکرنکنند یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کنند بطوریکه قیمت تعیین شده املاك و مستحدثات در اوراق مذکور با قیمت واقعی آنها بر اساس ضوابط مندرج در این قانون و آیین نامه مربوط بیش از ۲۰ درصد(اعم از اضافه یا نقصان) اختلاف داشته باشد به حبس جنحه ای از سه تا ششماه محکوم خواهند شد. تبصره ـ ارزیابانی که در اجرای این قانون قیمت ملك را بیش از ۲۰ درصد بیشتر یا کمتر از بهای عادله منظور کننـد به کیفر مقرر در این مـاده محکوم خواهنـد شـد. اعضـا کمیسـیون مـاده ۸ از لحـاظ حـدود وظایف و تخلفات مشـمول مقررات قانون راجع به‌کارشناسان رسمی می‌باشند. ماده ۳۳ ـ سازمانهای مذکور در ماده ۱۱۱ الحاقی به‌قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ درتصـرف ابنیه و اراضـی جهت اجرای طرحهـای مربوط از مقررات این قانون اسـتفاده خواهنـد کرد. ماده ۳۴ ـ قانون اصلاح قـانون توسعه معـابر مصوب تیرماه ۱۳۲۰ از تاریـخ اجرای ایـن قـانون‌ملغی است لیکن طرح‌هـای مصـوب توسـعه معـابر که از طرف شهرداری قبل از اجرای این قانون آگهی‌شده باشد تا پایان اجرای آن تابع مقررات قانون اصلاح قانون توسعه معابر خواهد بود. ماده ۳۵ ـ مقررات مربوط به نوسازی و عمران و توسـعه و احداث و اصلاح معابر مندرج در این‌قانون جایگزین قانون اصلاح قانون توسعه معـابر اشـاره شـده در مواد قـانون اصـلاح پـاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدیـد به قانون شـهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و سـایر قوانین خواهـد بود. ماده ۳۶ ـ تبصـره ۴ ماده ۹۶ و تبصـره ۳ ماده ۹۹ قـانون اصـلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدیـدبه قانون شـهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ ازتاریخ تصویب این قانون ملغی است

آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱/۴/۴۸ با اصلاحات

نحوه تشکیل هیات‌های ارزیابی ماده ۱ ـ در هر مورد که دراجرای تکالیف و وظایف مقرر در ماده۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری تشـکیل هیـات یـا هیـات هـای ارزیـابی ضـرورت پیـدا کنـد شـهرداری مکلف است هیاتی مرکب از یکنفر مهنـدس ، معمار ، یکنفر مهنـدس ساختمان و یک نفر ارزیاب از بین کارمنـدان خود تشـکیل دهـد. ماده ۲ ـ انتخـاب اعضـا هیات با شـهردار است ، هیات بر حسب ضـرورت ممکن است بطور موقت یادایم تشـکیل شود. ماده ۳ ـ در شـهرداری هایی که مهندسان واجد شرایط برای عضویت هیـات ارزیـابی وجود نداشـته باشـند شـهردار می‌توانـد از مهنـدسان ساختمـان و معمار دفتر مهندسـی اسـتان یا فرمانـداری کل برای هرمورد اسـتفاده نمایـد و مقـدمات مـذکور مکلفنـد در معرفی مهندسان واجد شـرایط اقدام کنند همچنین در صورتی که شـهرداری دارای ارزیاب واجد شـرایط نباشد شهردار از بین ارزیابان واجد صلاحیت را انتخاب خواهد کرد. تبصره ۱ ـ هرگاه در دفتر مهندسی استان یا فرمانداری کل مهندسان واجد شرایط وجود نداشته‌باشند استاندار یا فرماندار کل مراتب را به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور مهنـدسان واجـد شـرایط انتخـاب و اعزام می‌نماینـد. تبصـره ۲ ـ پرداخـت هزینه سـفر و فـوق العـاده مهنـدسان مـذکور بعهـده شهرداری است و دسـتمزد ارزیابـان و خبرگـان محلی در هر مورد بنـا به پیشـنهاد شـهرداری و تصویب انجمن شـهر تعیین وپرداخت می‌شود. ماده ۴ ـ برای انجام عمل ارزیابی حضور کلیه اعضا هیات ضـروری است ولی نظر اکثریت ملاك عمل می‌باشـد و فهرسـت

جامع ارزیابی باید به امضا کلیه اعضا هیات ارزیابی برسد و هرگاه یک نفر از اعضا در اقلیت باشد باید نظر خود را با ذکر دلیل توضیح دهید. طرز اعلام طرحهای مصوب ماده ۵ ـ همینکه طرح مصوبی به شهرداری ابلاغ شد شهرداری مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ طرح مفاد فهرست جامع را در یکی از جراید کثیرالانتشار تهران و همچنین در یکی از جراید کثیرالانتشار محل (در صورتیکه وجود داشته باشد) در سه نوبت هر نوبت به فاصله یک هفته آگهی نماید و علاوه بر آن باید نتیجه ارزیابی هر ملک را وسیله پست به مالک آن اعلام و ضمنا مفاد فهرست را از طریق الصاق آگهی در ساختمان شهرداری و معابر همان محل منتشر کند. تبصره ـ شهرداری باید در موقع نشر آگهی نقشه دقیق و جامع حوزه عملیات خود را که موجب تخریب تغییر وضع املاک خواهد بود به سازمانها یا شرکت های آب و برق منطقه وتلفن و گاز ارسال دارد تا موسسات مزبور در مورد ترمیم یا تغییر لوله‌های انشعاب آب و تلفن و گاز و پایه های خطوط برق اقدام لازم بعمل آورند. ماده ۶ ـ در آگهی‌های اعلام شده علاوه بر مفاد و مندرجات فهرست جامع باید نکات و مواردزیر مشخص شود. ۱ ـ تاریخ شروع و مدت تقریبی اجرای طرح ۲ ـ شروع مهلت اعتراض که از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی تا دو ماه خواهد بود. ۳ ـ نشانی محل قبول اعتراض ۴ ـ ذکر اینکه مفاد فهرست جامع در محل شهرداری برای ملاحظه الصاق شده است ۵ ـ قید اینکه معترض مکلف است ذیل برگ اعتراض دارند می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در جراید اعتراض خود را به دفتر شهرداری یا محل تعیین شده در آگهی تسلیم و رسیددریافت دارند. ماده ۷ ـ کسانیکه نسبت به ارزیابی املاک اعتراض دارند می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در جراید اعتراض خود را به دفتر شهرداری ای محل تعیین شده در آگهی تسلیم و رسید دریافت دارند. ترتیب رسیدگی ماده ۸ ـ شهرداری مکلف است از تاریخ وصول اولین اعتراض ظرف یک هفته فتوکپی یا رونوشت سوابق طرح مصوب و مخصوصا فهرست جامع را به ضمیمه اولین اعتراض به دفترکمیسیون مذکور در ماده ۸ قانون نوسازی و عمران شهر ارسال دارد. تبصره ـ برای ارسال بقیه اعتراضات راجع به همان طرح فرستادن سوابق ضرورت ندارد وشهرداری باید به فاصله ۲۴ ساعت اعتراض واصله را به کمیسیون بفرستد. ماده ۱۰ ـ کمیسیون رسیدگی مکلف است به ترتیب وصول اعتراضات برای هر پرونده وقت بازدید محل تعیین و مراتب را به منظور رسیدگی استحضار وسیله پست سفارشی به معترض اعلام نماید. فاصله تسلیم دعوتنامه به پست و بازدید محل نباید کمتر از ۱۰ روز باشد. ماده ۱۱ ـ کمیسیون مکلف است در وقت مقرر ضمن بازدید محل به موارد اعتراض دقیقارسیدگی و ظرف یک هفته نظر قطعی خود را در مورد ارزش ملک و تعیین میزان غرامت به شهرداری اعلام نماید. ماده ۱۲ ـ در صورتیکه کمیسیون در وقت مقرر در محل بازدید محل حاضر شود ولی به جهتی از جهات از قبیل ممانعت برای ورود به ملک و نظایر آن بازدید محل و در نتیجه اظهارنظر قطعی میسر نشود کمیسیون صورتجلس با ذکر علت تنظیم و برای بازدید محل وقت فوق العاده تعیین می‌کند و اگر حضور نماینده دادستان لازم بداند با حضور نماینده دادستان از محل بازدید خواهد کرد. تبصره ـ در مورد که شهرداری طبق قسمت اخیر ماده ۱۷ قانون نوسازی اقدام می‌کند باید صورتجلس اشاره شده در ماده مذکور را به کمیسیون رسیدگی ارسال دارد و این صورتجلس ملاک رسیدگی و اظهارنظر کمیسیون خواهد بود.

آیین نامه اجرایی ماده ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری – مصوب ۶/۸/۱۳۴۸

ماده ۱ ـ پس از تصویب نقشه جامعه هر شهر، شهرداری باید در زمینه اولویت نیازمندیهای شهری و عمومی و نوسازی در آن قسمت از اراضی موضوع ماده ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری که در نقشه جامع برای نیازمندیهای مذکور تعیین و مشخص شده است اقدام به مطالعه نموده و بهایان را بر آورد و امکان پرداخت آن را با توجه به بینه مالی شهرداری بررسی و تصمیم لازم اتخاذ کند. ماده ۲ ـ شهرداری باید نقشه کاملی از اراضی و املاک مورد نیاز (موضوع ماده ۱) تهیه و سپس توسط هیات یا هیاتهای ارزیابی به شرح مذکور در آیین نامه اجرای تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری فهرست جامعی حاوی مساحت عرصه اعیان و نوع

و مشخصات اعیان و تعداد اشجار و حق ریشه هر ملک با تعیین بهای هر یک از آنها تنظیم نماید و همچنین نوع استفاده‌ای که از اراضی و املاک مورد نیاز به عمل خواهد آمد و در صورت امکان نام مالک و شماره پلاک ملک را ضمن تامین اعتبار کافی برای تصویب به انجمن شهر بفرستد و پس از تصویب انجمن شهر برای تایید به وزارت کشور ارسال دارد. تبصره ـ شهرداری مکلف است مقارن شروع عملیات نقشه‌برداری و ارزیابی مراتب را با تعیین حدود مناطق مربوط در جراید کثیرالانتشار آگهی کند و همچنین با الصاق آگهی در محل به اطلاع عموم برساند و یک نسخه از آگهی را به انضمام کروکی منطقه به اداره ثبت اسناد و املاک محل ارسال دارد. اداره ثبت مکلف است مراتب را به دوایر ثبتی خود و همچنین دفاتر اسناد رسمی اعلام دارد تا به‌اطلاع مراجعینی که قصد انجام معامله دارند برسد و متعاملین با علم به مراتب فوق معامله را انجام‌دهد و مراتب در اسناد تنظیمی قید گردد. ماده ۳ ـ پس از تصویب پیشنهاد شهرداری در انجام شهر و تایید آن وسیله وزارت کشورشهرداری مکلف است عمل خرید اراضی و املاک مذکور را با رعایت ضرورت و اولویت طوری ترتیب دهد که ظرف پنج سال مقرر در قانون نوسازی و عمران شهری املاک مزبور به شهرداری انتقال قطعی یابد وزارت کشور مکلف است نظر نهایی خود را در مورد هر یک از پیشنهادها و طرحهای ارسالی شهرداری ها ظرف شش ماه از تاریخ وصول اعلام دارد و هرگاه ظرف مدت مذکور وزارت کشور نظر مخالفی اعلام ندارد پیشنهاد و یا طرح ارسالی که به تصویب انجمن شهر رسیده‌است تایید شده تلقی می‌گردد. ماده ۴ ـ ملاک و ماخذ ارزیابی اراضی در تهران قیمت دو سال قبل از اعلام نقشه جامع شهر و درسایر شهرها قیمت یکسال قبل از اعلام نقشه جامع شهر است به اضافه صدی ۶ سود از تاریخهای مذکور تا تاریخ انجام معامله برای هر سال و چنانچه بهای مذکور از بهای روز بیشتر باشد قیمت عادله روز ملاک عمل قرار خواهد گرفت و اعیان و اشجار و حق ریشه بر اساس قیمت عادله روز ارزیابی خواهد شد. ماده ۵ ـ ترتیب ارزیابی و طرز اعلام نتیجه آن به مالکین و رسیدگی به اعتراضات مربوط به‌اجرای ماده ۳۱ قانون نوسازی وعمران شهری طبق مقررات آیین نامه تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب هیات وزیران می‌باشد. ماده ۶ ـ بهای عرصه املاک مذکور تا یکهزار متر مربع نقد و مازاد آن به اقساط مساوی ده ساله بامنظور نمودن سود صدی ۶ برای هر سال و بهای اعیان نقدا از طرف شهرداری پرداخت می‌شود پرداختهای اقساطی شهرداری به موجب قبوض قبل انتقال مذکور در تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون‌نوسازی و با رعایت تشریفات مقرر در آیین نامه مربوط به آن به عمل خواهد آمد. ماده ۷ ـ در هر مورد که شهرداری بخواهد در اجرای مقررات تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون نوسازی وعمران شهری اراضی واقع در مناطق صنعتی نقشه جامع را به صاحبان کارگاهها و کارخانه ها و امثال آن انتقال دهد برای تشخیص میزان مورد احتیاج موسسات مذکور موضوع را بر حسب مورد به کمیسیون سه نفری مرکب از افراد زیر ارجاع می‌نماید و نظریه کمیسیون که در هر حال با توجه به نیازمندیهای صنوف مربوط یاد باشد ملاک عمل خواهد بود. الف ـ در مورد کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی با عضویت نمایندگان شهرداری و وزارت اقتصاد و اطلاق صنایع و معادن ایران ب ـ در مورد مراکز و موسسات دامداری و پرورش طیور با عضویت نمایندگان شهرداری و وزارت کشاورزی و وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی در مورد سایر مشاغلی که به موجب‌بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها تعیین شده است با عضویت نمایندگان وزارت کشور و شهرداری وشهربانی تبصره ـ نمایندگی وزارتخانه‌های مذکور در فوق و شهربانی در شهرستانها با ادارات تابعه آنهاست و در صورتی که در شهری ادارات تابعه نداشته باشند ادارات مرکز استان مکلف به تعیین واعزام نماینده برحسب درخواست شهرداری محل برای شرکت در کمیسیون مربوط خواهند بود. ماده ۸ ـ بهای املاکی که در اجرای مقررات ماده فوق به اشخاص حقیقی یا حقوقی انتقال داده‌می‌شود نقدا و یا حداکثر به اقساط پنجساله با سود صدی ۶ برای هر سال از انتقال گیرنده بایددریافت شود و در صورتی که بهای معامله به اقساط دریافت شود ملک تا پرداخت تمام اقساط وبهره در وثیقه شهرداری باقی خواهد ماند.

آیین نامه اجرایی ماده ۱۲ قانون نوسازی و عمران شهری – مصوب ۳۰/۳/۱۳۴۹

ماده ۱ ـ شـهرداريها بر اساس ماده ۱۲ قـانون نوسازی و عمران شـهری و ماده ۱۳ آيين نـامه ترتيب مميزی و تشـخيص و طرز وصول عوارض صورتی مشـتمل بر نـام موديانی كه تا تاريـخ مقرر عوارض قطعی شـده خود را نپرداخته‌انـد و شـماره پلاك محل سـكونت ملكی مودی و همچنين شـماره اشتراك برق بتدريج ظرف دو ماه به موسسات برق ارسال خواهند داشت ماده ۲ ـ موسسات برق پس از وصول درخواست شـهرداری با توجه به تكليف مقرر در ماده ۱۲ قانون نوسازی بتدريج نسبت به موارد اعلام شده بررسی نموده پس از انطباق آنها با پرونده‌های مشتركين و احراز سـكونت مالك در محل اخطار دو ماه‌ای برای مودی خواهند فرسـتاد. تبصـره ۱ ـ در صورتی كه موارد اعلام شده از طرف شـهرداری با سوابق و وضع موجود مغايرت‌داشـته باشد موسسات برق مراتب را ظرف يك هفتـه از تاريـخ تشـخيص اين امر به شـهرداری اعلام‌خواهنـد نمـود. تبصـره ۲ ـ در اخطاريه‌هـای صـادره كـه بـه ضـميمه اولين برگ تشـخيص مصـرف برق برای مشترك‌ارسال می‌شود تاريـخ قطع انشـعاب برق با رعايت مهلت دوماه مقرر در قانون تعيين خواهد شد. تبصره ۳ ـ هرگـاه از طرف مودی برق مفاصـا حسـاب شـهردار تا تاريـخ پايان مهلت ارايه نشود.موسـسات برق نسـبت به قطع آن در موعـد مقرر در اخطاريه اقدام خواهند نمود. ماده ۳ ـ برای تـامين هزينه‌های مربوط به اقـدامات موضوع ماده ۲ و تبصره‌های ذيل آن شهرداری‌همراه با ارسال صورت موديان چكی معادل تعداد مشتركين مندرج درصورت ارسالی به ازا هرمشترك ۷۵ ريال مقطوعا از محل اعتبار تبصره ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شـهری صادر و به موسسات برق ارسال خواهد داشت ماده ۴ ـ در صورتيكه مودی ظرف يك ماه از تاريخ قطع برق بدهی خود را نپردازد نسبت به قطع گاز اقدام خواهد شد. ماده ۵ ـ نحوه قطع گاز و هزينه وصل آن در سراسـر كشور پس از تكميل شبكه گاز رسانی درتهران مورد بررسی وزارت كشور و شركت ملی گاز ايران واقع و نتيجه بررسی برای تصويب به هيات‌وزيران پيشـنهاد خواهـد شد. ماده ۶ ـ موسـسات برق و گـاز در صورت مشتركين جديـد برق و گاز داخل در محدوده قانونی شـهر را با ذكر نام مالك و شـماره پلاك و محل وقوع ملك و شـماره اشتراك به شـهرداری خواهدفرستاد. ماده ۷ ـ حسابـداری هر شـهرداری مكلف است دفتر مخصوصـی برای ثبت قبوض اقساطی تنظيم و نگاهـداری نمايـد در دفتر مذكور بايد نام صاحب قبض ـ شـماره ـ تاريـخ صـدور ـ تاريـخ سررسـيد ـ مبلغ (اصل و بهره ثبت شود. ماده ۸ ـ بمنظـور يكنواخت بودن فرم قبوض اقسـاطی و دفاتر مـذكور در ماده ۷ در تمـام شـهرداريهای كشور وزارت كشور مكلف است قبوض و دفـاتر لازم به مقـدار كـافی با شمـاره مسلسل چـاپ نمـوده و در هر مـورد بر حسـب تقاضـای شـهرداری تعـداد مـورد نيـاز را ارسـال دارد و در دفتـر مخصوصـی شماره‌های قبوضـی ارسالی را ثبت كند. ماده ۹ ـ شهرداری بايد ترتيبی اتخاذ كند كه وجوه قبوض اقساطی شهرداری قبل از سررسيد درحساب شـهرداری نزد بانك ملی ايران موجود باشد و فهرست و مشـخصات كامل قبوض را تهيه و بهامضا شهردار يا قايم‌مقام او و همچنين رييس حسابدار يا مسوول امور مالی شـهرداری برساند و آنرا به ضـميمه دسـتور پرداخت لااقل يكروز از سررسيد به بانك تسليم نمايد. بستانكار به بانك مراجعه و با تسليم قبض وجه آن را از بانك دريافت می‌كند.

قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قوانين مربوط به شهرداری و نوسازی و عمران شهری – مصوب ۳۱/۳/۱۳۵۱

ماده واحده ـ موارد ذيل از قانون شـهرداری و قانون نوسازی و عمران شـهری بشـرح زير اصلاح‌می‌شود: ۱ ـ در تبصـره يك ماده ۲۳ قـانون اصـلاح قانون نوسازی و عمران شـهری سال ۱۳۵۰ بعـد ازعبـارت (نقشه هـای تفصـيلی را تهيه و اراضـی) و همچنين بعـد از عبارت (اراضـی باير و مزروعی عبارت (و باغها) اضافه می‌شود. ۲ ـ شـهرداری تهران مجاز است موارد مذكور در بند ۸ ماده ۵۵ و مـاده ۸۴ قـانون شـهرداری مصوب‌سـال ۱۳۳۴ و مـواد ۵۴ و ۱۱۱ قـانون اصــلاح پـاره‌ای از مـواد و الحـاق مـواد جديـد بـه قـانون شهرداری‌مصوب سال ۱۳۴۵ و همچنين تبصره ۵ ماده ۲ و مواد ۱۵ ـ ۱۶ ـ ۲۲ و ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ را پس از تصويب انجمن شـهر بموقع اجرا بگذارد. تبصـره ـ وزارت كشور می‌تواند بهر يك از شهرداری ها كه مقتضی بداند اجازه دهد تمام يا برخی از مواد و تبصره‌های مندرج در اين بند را پس از تصويب انجمن شهر مربوط بموقع اجرا بگذارد.

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مقررات قانون نوسازی و عمران شهری – مصوب ۱۲/۶/۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری ا

ماده واحده ـ ارزیابی و تملک املاک و اراضی واقع در طرح بهسازی و عمران جنوب تهران ازشمول مقررات قوانین نوسازی و عمران شهری و آیین‌نامه های مربوط شهرداری ، خارج و طبق ضوابط زیر نسبت به ارزیابی و تملک عرصه و اعیان و حقوق متصوره از جمله حق کسب و پیشه واقع در طرح مذکور اقدام خواهد شد. تبصره ۱ ـ تعیین بهای اراضی و ابنیه و مستحدثات و سایر حقوق متصوره اشخاص که ملکشان در طرح قرار می‌گیرد ضمن دعوت از مالک یا متصرف از طریق توافق بین سازمان بهسازی و عمران جنوب با مالکین و یا متصرفینی که تصرفاتشان مستند بدلایل کافی بوده باشد بعمل‌میاید و در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر در دعوتنامه و یا عدم حصول توافق نسبت به بهای ملک و سایر حقوق متصوره موضوع ظرف ۵ روز در هیاتی مرکب از شهردار تهران ـ مدیر عامل‌سازمان بهسازی و عمران جنوب ـ دادستان تهران ـ مدیرکل ثبت تهران و یا نمایندگان آنان مطرح و باجلب نظر کارشناس و یا هیاتی از کارشناسان رسمی دادگستری اقدام به ارزیابی خواهد شد و رای‌هیات مذکور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۲ ـ ملاک تعیین قیمت اراضی و ابنیه و مستحدثات و تاسیسات و سایر حقوق اعم ازحق کسب و پیشه و غیره بهای عادله زمان ارزیابی خواهد بود. تبصره ۳ ـ کارشناسان رسمی منتخب هیات مکلفند ظرف مدت یک هفته از تاریخ ارجاع امر نظریه قاطع خود را به هیات اعلام نمایند و هیات در اولین جلسه نسبت بصدور رای اقدام می‌نماید. تبصره ۴ ـ مدلول رای هیات در صورتیکه حضورا بمالکین یا صاحبان حقوق ابلاغ نشده باشدبا ذکر محدوده مورد رای باقامتگاه مالک یا ذویالحقوق ابلاغ و یا در دو روزنامه کثیرالانتشار آگهی و با اعطا مهلت مناسبی که حداکثر از ۱۰ روز تجاوز ننماید بمالکین و صاحبان حقوق اعلام می‌شود تا نسبت به تخلیه ملک و تنظیم سند انتقال اقدام نمایند و چنانچه با انقضا مهلت مقرر اراضی و ابنیه و مستحدثات واقعه در محدوده طرح تخلیه نگردد سازمان با حضور نماینده دادستان اقدام به تنظیم صورتمجلس لازم و تخلیه و تصرف املاک و اراضی با مستحدثات موضوع طرح می‌نماید. تبصره ۵ ـ اراضی فاقد مستحدثات و اعیانی اعم از حق ریشه و اشجار و غیره پس از تصویب پروژه توسط شهردار تهران بلافاصله با تنظیم صورتجلسه لازم با حضور نماینده دادستان شهرستان تهران بوسیله سازمان تصرف خواهد شد و سپس طبق مقررات فوق اقدام و تصمیم هیات ابلاغ می‌گردد. تبصره ۶ ـ سازمان مکلف است بها عرصه یا اعیانی یا حقوق کسب و پیشه و یا سایر حقوق متصوره املاک و اراضی و مستحدثات واقع در طرح را پس از صدور رای از طرف هیات مذکور درتبصره یک حداکثر ظرف مدت ۵ روز در قبال انتقال املاک و یا حقوق مرقوم پرداخت و در صورت عدم مراجعه صاحبان حقوق با ایداع آن در صندوق ثبت اسناد و املاک اقدام به تملک و تصرف مورد طرح بنماید اسناد انتقال اینگونه املاک و اراضی و سایر حقوق متصوره بوسیله نماینده دادستان بنمایندگی از طرف اشخاص ذینفع تنظیم می‌گردد. تبصره ۷ ـ املاک مشمول طرح بهسازی و عمران جنوب تهران از پرداخت عوارض و مالیات و حق الثبت معاف بوده و حق التحریر دفاتر اسناد رسمی و هزینه کارشناسی بعهده سازمان عمران جنوب است

آیین نامه ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض (موضوع تبصره ۱ ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری –

ماده ۱ ـ برای ممیزی هر شهر محدوده قانونی شهر به یک یا چند منطقه تقسیم می‌شود. ماده ۲ ـ مامور ممیزی مکلف است هنگام ممیزی املاک موقعیت و مساحت عرصه و اعیان مستحدثات هر ملک و نوع سازمان و تعداد طبقات و سایر مشخصات مندرج در برگ ممیزی و حتی المقدور نام و نشانی مالک و شماره ملک (پلاک ثبتی را به مسئولیت خود تعیین و در اوراق ممیزی قید نموده و اوراق مزبور را به واحد ممیزی قید نموده و اوراق مزبو ربه واحد ممیزی تسلیم کند. ماده ۳ ـ شهرداری مکلف است بر اساس

اوراق ممیزی شناسنامه‌ای حاوی مشخصات کامل هرملک برای املاک واقع در حوزه شهرداری تهیه نماید و در شهرهایی که برای املاک و اراضی و مستحدثات واقع در محدوده شهر قبلا شناسنامه شهری تهیه شده باشد شهرداری می‌تواند با استفاده از اطلاعات مندرج در آن شناسنامه ها بر طبق ضوابط مندرج درماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری اوراق ممیزی را تکمیل و ملاک عمل قرار دهد. ماده ۴ ـ شهرداری مکلف است بر اساس شناسنامه مذکور در ماده ۳ این آیین نامه و بر طبق ضوابط مندرج درماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری بهای هر ملک را تعیین نموده و بر اساس آن عوارض متعلقه را طبق مصرحات قانون تشخیص نماید. ماده ۵ ـ آگهی پایان ممیزی هر منطقه باید در یکی از جراید کثیرالانتشار تهران و همچنین دریکی از جراید کثیرالانتشار محل (در صورتیکه وجود داشته باشد) در سه نوبت هر نوبت بفاصله ۵روز منتشر شود و علاوه بر آن باید ممیزی از طرق الصاق آگهی در معابر عمومی و وسایل مقتضی دیگر به اطلاع مالکین منطقه برسد. ماده ۶ ـ در آگهی پایان ممیزی هر منطقه باید نکات و موارد زیر مشخص شود. الف ـ اعلام پایان ممیزی منطقه ب ـ حدود دقیق منطقه‌ای که ممیزی در آن خاتمه یافته است ج ـ نشانی محل مراجعه صاحبان املاک برای استحضار از نتیجه ممیزی املاک خود که این محل‌باید در درجه اول در شهرداریهای نواحی یا برزن‌های تابعه باشد. د ـ تاریخ شروع چهار ماه مهلت اعتراض که از روز انتشار نوبت اول آگهی خواهد بود. ه ـ ذکر شرط مذکور در تبصره ۲ ماده ۸ قانون راجع به قبول اعتراض با قید اینکه معترض مکلف‌است نشانی کامل و صریح خود را ذیل برگ اعتراض بنویسد. و ـ نشانی کامل محل پذیرفتن اعتراضات ماده ۷ ـ شهرداری مکلف است نتیجه ممیزی املاک واقع در هر منطقه را در محلی که در آگهی معین شده است بترتیب شماره ملک (پلاک ثبتی در تابلوهایی که برای این کار اختصاص داده می‌شود اعلام نماید بطوریکه مالکین رد صورت مراجعه براحتی بتوانند از نتیجه ممیزی ملک خود اطلاع حاصل نمایند. ماده ۸ ـ شهرداری مکلف است کلیه تغییرات و انتقالات املاک را در شناسنامه املاک عمل نموده و عملیات را طوری اداره و انجام دهد که همیشه در جریان آخرین تغییرات و انتقالات ملک باشد. تبصره ـ در نقاطی که ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری اجرا می‌شود ادارات ثبت موظفنددر آخر هرماه یک نسخه از فهرست انتقالات قطعی املاک را به شهرداری ارسال دارند. ماده ۹ ـ هرگاه نتیجه ممیزی قبل از انقضا مهلت ۶ ماه مذکور در ماده ۵ قانون که برای اعلام بها تعیین گردیده است طبق مقررات ماده ۷ قانون اعلام شود مالکینی که بر مبنای ممیزی اعلام شده عوارض ملک خود را بپردازند و یا نسبت به نتیجه ممیزی اعتراض نکنند عدم اعتراض و یا پرداخت عوارض از ناحیه آنان در حکم اعلام بهای ملک می‌باشد. ماده ۱۰ ـ برای تهیه طرحهای ممیزی و استفاده از روشها و وسایل نوین علمی و تعلیم افراد فنی ممیزی و وصول و هماهنگ کردن آن در شهرداری‌های مشمول ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری تعلیمات لازم از طرف وزارت کشور صادر و وسیله شهرداری ها به موقع اجراگذارده خواهدشد. فصل دوم ـ وصول ماده ۱۱ ـ شهرداری مکلف است بمنظور تسهیل در امر وصول عوارض موضوع قانون نوسازیو عمران شهری در شعب و نمایندگیهای بانک ملی ایران حساب خاصی به نام حساب درآمد قانون‌نوسازی و عمران شهری باز کند و فرمهای مخصوص با نظر وزارت کشور تهیه و در شعبه ونمایندگیهای مذکور در دسترس مودیان قرار دهد. مودیان مشمول پرداخت عوارض قانون نوسازی و عمران شهری مکلفند با مراجعه به بانک فرمهای مربوط را تکمیل و عوارض مقرر را پرداخت ورسید دریافت دارند. ماده ۱۲ ـ شهرداری مکلف است مندرجات رسید را رسیدهای پرداخت عوارض را با شناسنامه‌املاک تطبیق و ظرف ۱۵ روز از تاریخ پرداخت نسبت به صدور برگ مفاصا حساب اقدام کنند و درصورتی که مودی برای دریافت آن مراجعه ننماید وسیله پست سفارشی برای او ارسال دارد. دراوراق مفاصا حساب باید صریحا قید شود. (این مفاصا مربوط به عوارض قانون نوسازی و عمران شهری است ماده ۱۳ ـ شهرداری مکلف است در هر مورد و در هر موقعی که نتیجه ممیزی طبق مقررات مواد۷و ۸ قانون قطعیت پیدا می‌کند طبق مقررات زیر نسبت به وصول عوارض اقدام نماید. الف ـ در مورد املاکی که نتیجه ممیزی آنها در مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون قطعی شده است قطعیت و مبلغ عوارض و تاریخ انقضا مهلت پرداخت و عواقب عدم پرداخت با ارسال نامه وسیله پست به مودیان اعلام می‌شود

هرگاه پس از پایان مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون عوارض متعلقه پرداخت نشود ظرف دو ماه مشخصات مودیان ضمن فهرست و یا فهرست هایی برای قطع برق و گازبه موسسات مربوطه فرستاده می‌شود و پس از انقضای مدت ششماه مذکور در ماده ۱۴ قانون علیه مودیانی که عوارض متعلقه را پرداخت نکرده‌اند اجراییه صادر خواهد شد. ب ـ در مورد املاکی که نتیجه ممیزی آنها پس از پایان مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون قطعی‌می‌گردد. ۱ ـ در صورتی که تاریخ قطعی شدن ظرف شش ماه پس از پایان مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون باشد قطعیت و عواقب عدم پرداخت بر طبق بند الف به مودیان اعلام می گردد و تا پایان شش ماه مذکور مهلت داده می‌شود که عوارض مربوط را بپردازند و هر گاه تاریخ اعلام تا پایان شش ماه کمتراز ۱۵ روز باشد مهلت ۱۵ روز خواهد بود. ۲ ـ در صورتی که تاریخ قطعی شدن پس از انقضای شش ماه مذکور در ماده ۱۴ قانون باشدقطعیت طبق بند الف به مودیان اعلام می‌گردد و فقط ۱۵ روز به آنان مهلت داده می‌شود که عوارض مربوطه را پرداخت نمایند. شهرداری همراه با اقدامات مذکور مشخصات مودیانی را که عوارض املاک خود را نپرداخته‌اند در اجرای ماده ۱۲ قانون به موسسات برق و گاز تسلیم و بر طبق ماده ۱۴قانون به صدور اجراییه مبادرت خواهد کرد. ماده ۱۴ ـ نسبتی از قیمت هر ملک که در هر شهر با توجه به مقتضیات و شرایط خاص اقتصادی ماخذ دریافت عوارض قرار می گیرد با کسب نظر شهردار و استاندار یا فرماندار کل بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب کمیسیونی مرکب از وزیر کشور و وزیر اقتصاد و مدیرعامل سازمان برنامه تعیین می‌شود و ملاک عمل قرار می گیرد. ماده ۱۵ ـ اجرای مدلول این آیین نامه موکول به تعیین نسبی از قیمت ملک که ماخذ دریافت عوارض خواهد بود از طرف کمیسیون مذکور درماده ۱۴ و انتشار آگهی از طرف شهرداری می‌باشد.

تصویبنامه در خصوص تعیین بهای اراضی در شهرها

هیات وزیران در جلسه مورخ ۹/۵۶/۱۳۷۳ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و موافقت وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و مسکن و شهرسازی و به استناد ماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ تصویب نمود: ۱ ـ بهای اراضی موضوع ماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری در همه شهرهای مشمول ماده۲قانون یاد شده به ماخذ ارزش معاملاتی سال ۱۳۷۲ که توسط کمیسیون مقرر درماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماده ۱۳۶۶ تعیین شده است برای سال ۱۳۷۳ با کسر ۵۰٪ و سال۱۳۷۲ با کسر ۴۰٪، سال ۱۳۷۵ با کسر ۳۰٪، سال ۱۳۷۶ با کسر ۲۰٪ سال ۱۳۷۷ با کسر ۱۰٪ وسال ۱۳۷۸ (موضوع تصویبنامه شماره ۵۴۸۶۶/ ت ۵۴۴ ه مورخ ۲۳/۱۲/۷۱ به اضافه ۱۰٪ کمترنشود تعیین می‌شود. ۲ ـ بهای ساختمانها و مستحدثات از ابتدای سال ۱۳۷۳ لغایت سال ۱۳۷۸ به ترتیب ۱۰٪،۲۰٪، ۳۰٪، ۴۰٪، ۵۰٪ ۶۰٪ نسبت به بهای تعیین شده سال ۱۳۷۳ افزایش می‌یابد و در کلیه شهرهای مشمول ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری ملاک عمل قرار گیرد. ۳ ـ بهای اراضی و ساختمانها و مستحدثات در سال ۱۳۷۲ به میزان ملاک عمل در سال ۱۳۷۱ (موضوع تصویبنامه شماره ۵۴۸۶۶ت / ۵۴۴ ه مورخ ۲۳/۱۲/۱۳۷۱) محاسبه خواهد شد .

قانون استفساریه ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری

ماده واحده ـ آیا مفاد ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ که مساجد ، اماکن مقدسه و معابد اقلیت‌های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی را از پرداخت عوارض موضوع آن قانون معاف می‌دارد شامل مجتمع آموزشی ، علمی ، تحقیقاتی ، مسکونی ، خدمات مهدیه حوزه علمیه قم ، نیز که بطور رایگان در اختیار طلاب می‌باشد یا خیر؟ نظر مجلس مفاد ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ که مساجد، اماکن مقدسه و معابد اقلیت های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی را از پرداخت عوارض موضوع آن قانون معاف می‌دارد شامل مجتمع‌های آموزشی ، علمی و تحقیقاتی ، مسکونی ، خدماتی مهدیه حوزه

علمیه قم نیز، که به طور رایگان در اختیار طلاب می‌باشد هم می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده درجلسه علنی روز سه شنبه مورخ شانزدهم فروردین ماه۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۱/۱۳۷۹ به تایید شورای نگهبان رسیده‌است

قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران – مصوب ۱/۳/۱۳۷۵

فصل اول ــ تشکیلات (ماده ۱ تا ۱۶)

ماده ۱ ـ به منظور پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی ، پرورشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم و نظارت بر امور روستا ، بخش ، شهر ، شوراهایی به نام شورای اسلامی روستا ، بخش ، شهر براساس مقررات این قانون تشکیل می‌شود. ماده ۱ مکرر ـ در کلیه مواد و تبصره‌ها و بندهای قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵ ، کلمه (شهرک) و موضوعات مربوط به آن حذف می گردد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۲ ـ مقصود از (شورا) در این قانون شوراهای اسلامی روستا ، بخش ، شهر می‌باشد. ماده ۳ ـ دوره فعالیت شوراهای اسلامی و شهر از تاریخ تشکیل چهار سال می‌باشد که از نهم اردیبهشت ماه سالروز تاریخی فرمان حضرت امام خمینی (ره مبنی بر تشکیل شوراها شروع و در هشتم اردیبهشت ماه چهار سال بعد خاتمه می‌یابد. اصلاحی ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ـ انتخابات شوراهای روستا و شهر باید به صورتی برگزار شود که حداقل پانزده روز قبل‌از نهم اردیبهشت ماه اعضای شوراها مشخص شده باشند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۴ ـ تعداد اعضای شورای اسلامی روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت سه نفر و روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت و بخش پنج نفر خواهد بود. ماده ۵ ـ در هر بخش شورای بخش با اکثریت نسبی از بین نمایندگان منتخب شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش تشکیل می‌شود و در صورتی که عضو معرفی شده از شورای روستا به عضویت اصلی و علیالبدل شورای بخش انتخاب شود از عضویت شورای روستا خارج نخواهد شد. ماده ۶ ـ شورای بخش پس از تشکیل حداقل سه چهارم شوراهای روستاهای تابع بخش تشکیل‌می گردد. تبصره ـ از یک روستا بیش از یک نفر نباید در شورای بخش حضور داشته باشد و در صورتیکه تعداد روستاهای بخش کمتر از پنج روستا باشد اعضا شورای بخش از میان مجموع اعضای شوراهای روستاها انتخاب خواهند شد و نهایت حداقل باید از هر روستا یک نفر انتخاب گردد. ماده ۷ ـ تعداد اعضای شورای اسلامی شهر به شرح زیر تعیین می‌شود: الف ـ شهرهای تا ۵۰هزارنفر ، ۵ نفر. ب ـ شهرهای بیش‌از ۵۰ هزار تا دویست هزار نفر جمعیت ، ۷ نفر. ج ـ شهرهای بیش از ۲۰۰ هزار تا یک میلیون نفر جمعیت ، ۹ نفر. د ـ شهرهای بیش از یک میلیون نفر جمعیت ، ۱۱ نفر. ه ـ شهر تهران ، ۱۵ نفر. تبصره ـ ملاک تشخیص جمعیت هر شهر و روستا آخرین سرشماری جمعیتی خواهد بود. ماده ۸ ـ در صورت استعفا ، فوت یا سلب عضویت هر یک از اعضا شورای روستا ، بخش وشهر ، عضو علی البدل به ترتیب آرا جایگزین می‌شود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۹ ـ چنانچه یک یا چند روستا به شهر تبدیل شود ، شورای شهر از میان اعضای شوراهای ان روستا به ترتیب آرا در انتخابات و به نسبت جمعیت روستاها تشکیل می‌شود .اصلاحی‌مورخ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ـ در شهرهای جدیدالتاسیس (به تشخیص وزارت کشور) انتخابات شورای شهر برای بقیه دوره چهارساله برگزار می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۰ ـ نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، استانداران ، فرمانداران ، بخشداران ، دهیاران و مدیران کل و روسای ادارات می‌توانند در جلسات شورای اسلامی حوزه مسوولیت خود بدون حق رای شرکت کنند. تبصره ـ شوراها در صورت ضرورت و بنا به دعوت دهیار ، بخشدار و فرماندار ذی‌ربط موظف به تشکیل جلسه فوق العاده می‌باشند. این دعوت باید کتبی و با تعیین وقت قبلی و ذکر دستور جلسه باشد. ماده ۱۰ مکرر ـ شورای شهرستان از نمایندگان شوراهای شهر و بخشهای واقع در محدوده آن شهرستان که درمرحله اول با رای

اکثریت مطلق و در صورت عدم احراز در مرحله دوم با رای اکثریت نسبی هر یک از شوراهای مزبور انتخاب و معرفی شده‌اند ، تشکیل می گردد.الحاقی‌مورخ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ در شورای شهرستان ، از شورای هر بخش یک نفر و از شورای هر یک از شهرها تا پانصد هزار نفر جمعیت یک نفر و بیش از پانصد هزار نفر جمعیت دو نفر و شهر تهران سه نفر عضویت خواهند داشت الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ تعدد اعضای شورای شهرستان حداکقل پنج نفر می‌باشد. چنانچه تعداد شهرها و بخشهای یک شهرستان کمتر از پنج باشد ، کسری تعداد اعضای شورای شهرستان تا پنج نفر به نسبت‌جمعیت هر بخش یا شهر ، از شورای بخش یا شهر مربوط تامین می‌شود. در هر صورت هر بخش یاشهر نباید بیش از دو نفر نماینده در شورای شهرستان داشته باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۳ ـ شورای شهرستان حداکثر ظرف یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهرها وبخشهای واقع در محدوده آن شهرستان به دعوت فرماندار تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۱ ـ شورای استان از نمایندگان منتخب شوراهای شهرستانها تابعه که در مرحله اول با رای اکثریت مطلق و در صورت عدم احراز ، در مرحله دوم با اکثریت نسبی از بین اعضای شورای شهرستان انتخاب و معرفی شده‌اند تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۸۲ تبصره ۱ ـ تعداد اعضای شورای استان حداقل پنج نفر است چنانچه یک استان کمتر از پنج شهرستان داشته باشد کسری تعداد اعضای شورای استان تا پنج نفر به نسبت جمعیت از شوراهای شهرستانهای ذی‌ربط تامین می‌شود. در هر صورت هر شهرستان نباید بیش از دو نماینده در شورای استان داشته باشد و در صورتی که استان فقط یک شهرستان داشته باشد اعضای شورای استان همان اعضای شورای شهرستان خواهند بود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ شورای استان حداکثر یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهرستانهای واقع در محدوده آن استان به دعوت استاندار تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۲ ـ شورای روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان و استان در واحدهایی از تقسیمات کشوری تشکیل می‌شود که طبق قوانین و مقررات مربوط ، به نام ده (روستا) ، بخش ، شهر ، شهرستان و استان شناخته شده باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۳ ـ در صورت دعوت شورای بخش از بخشدار ، شورای شهر مرکز شهرستان یا شورای شهرستان از بخشدار یا فرماندار ، شورای استان از استاندار یا سایر مسوولین اجرایی سطوح فوق الذکر ، مقامات مذکور در جلسات شورا شرکت خواهند نمود. این دعوت باید کتبی و با تعیین وقت‌و ذکر دستور جلسه باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۴ ـ شورای عالی استانها ، از نمایندگان منتخب شوراهای استانها که در مرحله اول با رایاکثریت مطلق و در صورت عدم احراز ، در مرحله دوم با اکثریت نسبی انتخاب و معرفی می‌شوند ، تشکیل می گردد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ـ از استانهای تا دو میلیون نفر جمعیت ، دو نماینده و از استانهای دارای بیش از دو میلیون جمعیت ، سه نماینده و از استان تهران چهار نماینده در شورای عالی استانها عضویت دارند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ حداکثر یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای استانها ، شورای عالی استانی به‌دعوت وزیر کشور تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۳ ـ شورای عالی استانها با درخواست وزیر کشور موظف به تشکیل جلسه فوق العاده‌می‌باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۴ ـ وزیران ، روسای موسسات و سازمانهای دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی بادرخواست شورای عالی استانها که باید به صورت کتبی و با تعیین وقت قبلی و ذکر دستور جلسه‌باشد ، در جلسات آن شرکت می‌نمایند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۴ مکرر ـ عضویت در کلیه شوراهای موضوع این قانون افتخاری است و شغل محسوب‌نمی‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ هر فرد می‌تواند فقط عضو یک شورای روستا یا شهر باشد. الحاقی مورخ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ پذیرش استعفای هر یک از اعضای شورا منوط به تصویب شورا است الحاقی‌مورخ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۳ ـ نامزد شدن اعضای شوراهای اسلامی روستا و شهر در انتخابات مجلس شورااسلامی منوط به پذیرش استعفای آنها از سوی شورا در مهلت قانونی می‌باشد. الحاقی مورخ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۵ ـ جلسات شوراها علنی و با حضور دو سوم اعضای اصلی رسمیت می‌یابد وتصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضرین معتبر است و تشکیل جلسات غیرعلنی منوط به تصویب‌دو سوم اعضای حاضر در جلسه می‌باشد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۶ ـ اولین جلسه شوراهای موضوع این قانون به

دعوت مسوولين واحدهاى تقسيمات‌كشورى مربوط و با هيات رييسه سنى تشكيل مى‌شود تا هيات رييسه شورا شامل يك رييس و يك‌نايب رييس و حداقل يك منشى انتخاب شوند. اصلاحى مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۶ مكرر ـ در صورت استعفا ، فوت يا سلب عضويت هر يك از اعضاى شوراهاى‌شهرستان ، استان و عالى استانها عضو جديد حداكثر ظرف مدت يك ماه بايد جايگزين شود.الحاقى مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

فصل دوم ـ انتخابات (ماده ۱۷ تا ۶۷)

الف ـ كيفيت انتخابات ماده ۱۷ ـ انتخاب اعضاى شوراى روستا و شهر و شهرك به صورت مستقيم ، عمومى ، با راى‌مخفى و اكثريت نسبى آرا خواهد بود. تبصره ـ در صورتى كه آراى دو يا چند نفر از داوطلبان مساوى باشد اولويت با ايثارگران‌مى‌باشد و در صورت نبودن افراد مذكور اولويت با فرد يا افرادى است كه داراى مدرك تحصيلى‌بالاتر هستند و در صورت يكسان بودن مدرك‌تحصيلى ملاك انتخاب قرعه است ماده ۱۷ مكرر ـ وزارت كشور مى‌تواند با هماهنگى هيات مركزى نظارت بر انتخابات قرايت وشمارش آرا را در تمام يا تعدادى از حوزه‌هاى انتخابيه با استفاده از رايانه انجام دهد. الحاقى مورخ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۸ ـ در هر نوبت انتخابات هر شخص واجد شرايط حق دارد فقط يك بار در يك شعبه اخذراى با ارايه شناسنامه راى دهد. تبصره ـ در انتخابات ميان دوره‌اى ، در هر حوزه كسانى حق راى دارند كه در انتخابات قبلى آن‌دوره در همان حوزه راى داده باشند يا در انتخابات شركت نكرده باشند. الحاقى مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۹ ـ در موارد زير برگهاى راى باطل مى‌شود ولى جزو آراى مأخوذه محسوب مى‌گردد ومراتب در صورتجلسه قيد و برگهاى راى مذكور ضميمه صورتجلسه خواهد شد: الف ـ آرا ناخوانا باشد. ب ـ آرايى كه از طريق خريد و فروش به دست آمده باشد. د ـ آرايى كه فاقد مهر انتخابى باشد. ه ـ آرايى كه روى ورقه‌اى غير از برگ راى انتخاباتى نوشته شده باشد. و ـ آراى كسانى كه به سن قانونى راى دادن نرسيده باشند. ز ـ آرايى كه با شناسنامه افراد فوت شده يا غيرايرانى اخذ شده باشد. ح ـ آرايى كه با شناسنامه غير يا جعلى اخذ شده باشد. ط ـ آرايى كه از طريق تهديد به دست آمده باشد. ى ـ آرايى كه با تقلب و تزوير (در تعرفه‌ها ، آرا ، صورتجلسه‌ها و شمارش) به دست آمده باشد. تبصره ۱ ـ آراى زايد مذكور در بند ج به قيد قرعه از كل برگهاى راى كسر مى‌شود. تبصره ۲ ـ چنانچه احراز شود كه راى دهنده بيش از يك برگ راى به صندوق ريخته باشد ، همه‌اوراق وى باطل است و جزو آراى مأخوذه محسوب نخواهد شد. ماده ۲۱ ـ در صورتى كه در برگ راى علاوه بر اسامى نامزدهاى تاييد شده اسامى ديگر نوشته‌شده باشد ، برگ راى باطل نيست و فقط اسامى اضافه خوانده نمى‌شود. ماده ۲۲ ـ در صورتى كه اسامى نوشته شده در برگ راى بيش از تعداد لازم باشد ، اسامى اضافه ازآخر خوانده نمى‌شود. ماده ۲۳ ـ در صورتى كه در برگ راى نام يك داوطلب چند بار نوشته شده باشد فقط يك راى‌براى او محسوب مى‌شود. ماده ۲۴ ـ در حوزه‌هاى انتخابيه‌اى كه تا ده نفر نامزد انتخاباتى داشته باشد نامزدها مى‌توانند به‌تنهايى يا اشتراك براى هريك از شعبه‌هاى ثبت نام و اخذ راى و در حوزه‌هاى انتخابيه‌اى كه بيش ازده نفر نامزد داشته باشد براى هر پنج شعبه ثبت نام و اخذ راى يك نفر نماينده جهت حضور در محل‌شعب اخذ راى به هيات اجرايى معرفى نمايند. تبصره ـ چنانچه نمايندگان كانديداها تخلفى در شعب اخذ راى مشاهده نمايند بدون دخالت‌مراتب را به هيات اجرايى و نظارت كتبا اعلام خواهند نمود. ب ـ شرايط انتخاب‌كنندگان و انتخاب شوندگان ماده ۲۵ ـ انتخاب كنندگان بايد داراى شرايط زير باشند: ۱ ـ تابعيت كشور جمهورى اسلامى ايران ۲ ـ حداقل سن ۱۵ سال تمام در روز اخذ راى ۳ ـ سكونت حداقل يك سال در محل اخذ راى به استثناى شهرهاى بالاى يكصد هزار نفرجمعيت تبصره ـ كسانى كه محل كار آنان خارج از محدوده حوزه انتخابيه باشد ولى افراد تحت تكفل‌آنان مانند همسر و فرزندان حداقل يكسال قبل از انتخابات در حوزه انتخابيه سكونت داشته باشندمى‌توانند در همان حوزه راى دهند. ماده ۲۶ ـ انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت

نام باید دارای شرایط زیر باشند: الف ـ تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران ب ـ حداقل سن ۲۵ سال تمام ج ـ اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه د ـ ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ه ـ دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستا و داشتن حداقل مدرک دیپلم یا معادل‌آن برای شورای شهرهای دارای تا یک میلیون نفر جمعیت و مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای‌شورای شهرهای دارای بیش از یک میلیون نفر جمعیت اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خوداعتقاد و التزام عملی داشته باشند. تبصره ۲ ـ اعضا شوراها باید در محدوده حوزه انتخابیه خود ، سکونت اختیار نمایند. تغییرمحل سکونت هر یک از اعضای شورا از محدوده حوزه انتخابیه به خارج از آن موجب سلب‌عضویت خواهد شد. ماده ۲۷ ـ اعضای هیات‌های اجرایی و نظارت انتخابات شوراها از داوطلب شدن در حوزه‌هایانتخابیه تحت مسوولیت خود محرومند. ماده ۲۸ ـ اشخاص زیر به واسطه مقام و شغل خود از داوطلب شدن برای شوراهای اسلامی به‌ترتیب ذیل محرومند: ۱ ـ رییس جمهور و مشاورین و معاونین وی ، وزرا معاونین و مشاورین آنان ، نمایندگان مجلس‌شورای اسلامی ، اعضای شورای نگهبان ، رییس قوه قضاییه و معاونین و مشاورین وی ، رییس‌دیوان‌عالی کشور ، دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین آنان ، رییس دیوان‌عدالت اداری ، رییس‌سازمان بازرسان کل کشور ، شاغلین نیروهای مسلح ، روسای سازمانها و ادارات عقیدتی سیاسی‌نیروهای مسلح ، رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی ، روسا وسرپرستان سازمانهای دولتی ، رییس دانشگاه آزاد اسلامی ، روسای کل و مدیران عامل بانکها ، رییس‌جمعیت هلال احمر و معاونین وی ، رییس بنیاد مستضعفان و جانبازان ، سرپرست بنیاد شهید ، سرپرست بنیاد مسکن ، سرپرست کمیته امداد امام ، روسای سازمانها ، مدیران عامل شرکتهای دولتی مانند شرکت مخابرات ، دخانیات ..). سرپرست نهضت سواد آموزی ، رییس سازمان نظام پزشکیایران ، مدیران کل تشکیلات ستادی وزارتخانه‌ها و سازمانها و ادارات دولتی و سایر روسا ، مدیران وسرپرستانی که حوزه مسوولیت آنان به کل کشور تسری دارد ، از عضویت در شوراهای اسلامی‌سراسر کشور محرومند مگر آنکه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن‌پست شاغل نباشند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۲ ـ استانداران و معاونین و مشاورین آنان ، فرمانداران و معاونین آنان ، بخشداران ، مدیران کل‌ادارات استانداری ، مدیران کل ، سرپرستان ادارات کل ، معاونین ادارات کل ، دادستانها ، دادیارها ، بازپرسها ، قضات ، روسای دانشگاهها ، روسای بانکها ، روسا ، سرپرستان و معاونین سازمانها وشرکتهای دولتی و نهادها و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت که از بودجه عمومی به هر مقداراستفاده می‌نمایند و سایر روسا ، مدیران و سرپرستان استان ، شهرستان و بخش به ترتیب از عضویت‌در شوراهای اسلامی واقع در محدوده استان ، شهرستان و بخش محرومند ، مگر آنکه قبل از ثبت نام‌از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳ ـ شهرداران و مدیران مناطق و موسسات و شرکتهای وابسته و شاغلین در شهرداری وموسسات و شرکتهای وابسته به آن از عضویت در شورای اسلامی شهر محل خدمت محرومند ، مگر آنکه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند.اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۲۹ ـ اشخاص زیر از داوطلب شدن برای عضویت در شوراها محرومند: الف ـ کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش موثر و فعال داشته‌اند به تشخیص‌مراجع ذیصلاح ب ـ کسانی که به جرم غصب اموال عمومی محکوم شده‌اند. ج ـ وابستگان تشکیلاتی به احزاب ، سازمانها و گروهکهایی که غیرقانونی بودن آنها از طرف‌مراجع صالحه اعلام شده باشد. د ـ کسانی که به جرم اقدام بر ضد جمهوری اسلامی ایران محکوم شده‌اند. ه ـ محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالح قضایی و ـ محکومین به حدود شرعی ز ـ محکومین به خیانت و کلاهبرداری و غصب اموال دیگران به حکم محاکم صالح قضایی ح ـ مشهوران به فساد و متجاهران به فسق ط ـ قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به این مواد. ی ـ محجوران و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل (۴۹) قانون اساسی باشند. ک ـ وابستگان به رژیم گذشته از قبیل (اعضای انجمنهای ده ، شهر ، شهرستان و استان و خانه‌هایانصاف ، روسای کانونهای حزب رستاخیز و حزب ایران نوین و نمایندگان مجلسهای سنا و شورای‌ملی

سابق ، کدخدایان و خوانین وابسته به رژیم گذشته . ماده ۳۰ ـ هیچ‌یک از داوطلبان عضویت در شوراها نمی‌توانند همزمان در بیش از یک حوزه‌انتخابیه به عنوان داوطلب عضویت در شورا ثبت نام نمایند ، در غیر این صورت اسم آنان از فهرست‌داوطلبان حذف و از آن تاریخ به مدت چهار سال از داوطلب شدن در انتخابات شوراها محروم‌می گردند. ماده ۳۱ ـ در صورتی که هریک از شوراها به علت فوت ، استعفا یا سلب عضویت اعضای‌اصلی و علی‌البدل ، فاقد حد نصاب لازم برای تشکیل جلسه گردد و بیش از هیجده ماه به پایان دوره‌مانده باشد وزارت کشور موظف است حداکثر ظرف دو ماه انتخابات میان دوره‌ای جهت تکمیل‌تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل و ادامه فعالیت آن را برگزار نماید. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ج ـ هیات اجرایی و وظایف آنها ماده ۳۲ ـ به‌منظور برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر ، هیات اجرایی شهرستان ، به‌ریاست فرماندار و عضویت رییس اداره ثبت احوال ، رییس آموزش و پرورش و هشت نفر ازمعتمدان محدوده شهرستان تشکیل می‌شود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ برای تعیین هشت نفر معتمدان هیات اجرایی ، فرمانداران سی و پنج نفر از معتمدان‌اقشار مختلف مردم از کلیه شهرهای محدوده شهرستان را انتخاب و از آنان دعوت به عمل میاورد.اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ اعضای هیات اجرایی شهرستان و متعمدان دعوت شده از سوی فرماندار نبایدداوطلب عضویت در شورای شهر باشند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۳ ـ برای برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی روستا ، هیات اجرایی بخش به ریاست‌بخشدار و عضویت نمایندگان دستگاههای مذکور در ماده (۳۲) و مسوول جهاد کشاورزی بخش یامعاون و هفت نفر از معتمدان محدوده بخش تشکیل می‌شود. تبصره اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ـ برای تعیین هفت نفر معتمدان هیات اجرایی ، بخشدار ۳۵نفر از معتمدان اقشار مختلف مردم از روستاهای محدوده بخش را انتخاب و از آنها دعوت به عمل‌میاورد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ اعضا هیات اجرایی بخش و معتمدان دعوت شده از سوی بخشدار نباید داوطلب‌عضویت در شورای روستا باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۴ ـ معتمدان منتخب موضوع مواد (۳۲) و (۳۳) به دعوت فرماندار و بخشدار (یا نماینده‌وی طرف دو روز پس از انتخاب تشکیل جلسه داده ، پس از حضور دو سوم مدعوین (حداقل‌بیست نفر) از بین خود به‌ترتیب هشت و هفت نفر را به عنوان معتمدان اصلی و پنج نفر را به عنوان‌معتمدان علی‌البدل هیات اجرایی شهرستان و بخش با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب‌می‌نمایند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۵ ـ فرماندار و بخشدار (یا نماینده وی مکلف است به ترتیب هشت و هفت نفر ازمعتمدان اصلی را برای شرکت در جلسات هیات اجرایی انتخابات دعوت نماید. اصلاحی مورخ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۶ ـ جلسات هیات اجرایی با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و در صورت استعفا یاغیبت غیرموجه هریک از معتمدین هیات اجرایی در سه جلسه که به منزله استعفا تلقی می گردد ، فرماندار یا بخشدار (یا نماینده وی از اعضای علی‌البدل به ترتیب آرا به جای آنان دعوت خواهدنمود. تبصره ۱ ـ غیرموجه بودن غیبت با تصویب دو سوم اعضای هیات اجرایی خواهد بود. تبصره ۲ ـ تصمیمات هیات اجرایی با اکثریت آرای اعضای حاضر معتبر خواهد بود. تبصره ۳ ـ در صورتی که با دعوت از اعضای اصلی و علی‌البدل ، اکثریت حاصل نگردید ، اعضای اداری هیات اجرایی بقیه معتمدان (تا سی نفر) را دعوت نموده تا کسری اعضا را از میان‌خود انتخاب نمایند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۷ ـ عضویت هر فرد در بیش از یک هیات اجرایی بطور همزمان ممنوع است ماده ۳۸ ـ اعضای اداری هیات اجرایی تا زمانی که از سمت اداری خود مستعفی یا برکنارنشده‌اند ، شخصا مکلف به شرکت در جلسات هیات اجرایی می‌باشند و غیبت غیرموجه آنان درجلسات هیات اجرایی تمرد از وظایف قانونی محسوب می گردد و فرماندار یا بخشدار (یا نماینده‌وی موظف است بلافاصله پس از غیبت اعضای اداری هیات اجرایی مراتب را با ذکر علت غیبت به‌مقام مافوق وی اعلام دارد. تبصره ـ در صورتیکه فرماندار و بخشدار بدون عذر موجه در جلسات شرکت ننماید بقیه‌اعضا هیات اجرایی موظفند ، موضوع را صورتجلسه کرده و مراتب را به مقام مافوق گزارش نمایند.اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۹ ـ هیات‌های اجرایی در اسرع وقت تشکیل جلسه داده و پس از تعیین محل استقرارشعب ثبت نام و اخذ رای ، تعداد و محل شعب ثبت نام و اخذ رای را صورتجلسه نموده و یک هفته‌قبل از روز اخذ رای مبادرت به انتشار آگهی

انتخابات حاوی تاریخ برگزاری انتخابات و اوقات اخذرای و شرایط انتخاب‌کنندگان و مقررات جزایی و محل شعب ثبت نام و اخذ رای در حوزه انتخابیه‌می‌نمایند. ماده ۴۰ ـ هیات‌های اجرایی برای هر شعبه ثبت نام و اخذ رای ۵ نفر از معتمدین محل را که‌دارای سواد خواندن و نوشتن باشند انتخاب و جهت صدور حکم به فرماندار و بخشدار حوزه‌انتخابیه معرفی می‌نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتی که در محل استقرار شعبه ثبت نام و اخذ رای به تعداد کافی معتمدباسواد نباشد هیات اجرایی می‌تواند افرادی را از خارج (حتیالامکان از محدوده همان بخش برایان شعبه انتخاب و به حکم فرماندار یا بخشدار اعزام نماید. تبصره ۲ ـ اعضای شعب ثبت نام و اخذ رای از بین خود یک رییس و یک نایب رییس و سه‌نفر منشی انتخاب می‌نمایند. ماده ۴۱ ـ مأموران انتظامی در حدود قانون موظف به ایجاد نظم و جلوگیری از هرگونه بی‌نظمی‌در جریان انتخابات و حفاظت صندوقهای رای می‌باشند نیروهای نظامی و انتظامی حق دخالت درامور اجرایی و نظارت در انتخابات را ندارند. ماده ۴۲ ـ هیات‌های اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی مسوول صحت برگزاری انتخابات‌حوزه انتخابیه خود می‌باشند. ماده ۴۳ ـ هیات‌های اجرایی می‌توانند برای بعضی از مناطق که لازم باشد شعب سیار ثبت نام واخذ رای با ذکر مسیر حرکت و محل توقف تعیین نمایند. ماده ۴۴ ـ هیات‌های اجرایی باید ترتیبی اتخاذ نمایند که یک روز قبل از اخذ رای ، محل ثبت نامو اخذ رای آماده باشد. ماده ۴۵ ـ فرماندار و بخشدار هر حوزه انتخابیه مکلف است پس از وصول دستور وزارت کشورمبنی بر شروع انتخابات و همزمان با تشکیل هیات اجرایی تاریخ مراجعه داوطلبان عضویت درشوراهای اسلامی را ضمن انتشار آگهی به اطلاع کلیه اهالی حوزه انتخابیه برساند. تبصره ۱ ـ مهلت مراجعه داوطلبان به فرمانداری ، بخشداری جهت اعلام داوطلبی هفت روز ازتاریخ مقرر در آگهی ثبت نام می‌باشد. تبصره ۲ ـ شرایط انتخاب شوندگان و تاریخ شروع و خاتمه قبول برگ اعلام داوطلبی از طرف‌فرماندار ، بخشدار در آگهی اعلام داوطلبی قید خواهد شد. ماده ۴۶ ـ هیات اجرایی موظف است به منظور احراز شرایط مذکور در مواد ۲۶ و ۲۹ درباره‌هریک از داوطلبان عضویت در شورای اسلامی شهر حسب مورد از مراجع ذی‌ربط از قبیل اداره‌اطلاعات ، نیروهای انتظامی ، دادگستری ، ثبت احوال استعلام نماید. تبصره ۱ ـ چنانچه داوطلبان شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی روستا مظنون به داشتن‌یکی از موارد مذکور در ماده ۲۹ باشند هیات اجرایی مربوط موظف است حسب مورد از مراجع‌ذی‌ربط مذکور در ماده فوق استعلام نماید. تبصره ۲ ـ مراجع مذکور در ماده فوق موظف هستند ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وصول‌استعلام نسبت به موارد استعلام کتبا پاسخ دهند. ماده ۴۷ ـ هیات‌های اجرایی پس از دریافت نتیجه رسیدگی به سوابق داوطلبان موظف‌اند ظرف‌مدت هفت روز به صلاحیت داوطلبان رسیدگی و نتیجه را اعلام نمایند. ماده ۴۸ ـ نظر هیات‌هایاجرایی بخش شهر و شهرستان مبنی‌برتایید صلاحیت داوطلبان قطعیاست و نظر هیات‌های مذکور در خصوص رد صلاحیت داوطلبان حسب مورد با تایید هیاتهای‌نظارت معتبر است اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۴۹ ـ بررسی سوابق داوطلبان باید محرمانه انجام گیرد بطوری که موجب هتک حیثیت وآبروی افراد نشود و بررسیها از محدوده موارد مذکور در مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ این قانون‌خارج نگردد و افشای هرگونه اطلاعات دریافت شده توسط اعضای هیات‌های اجرایی و یا هرشخص دیگر ممنوع است ماده ۵۰ ـ هیات‌های اجرایی مکلف‌اند در انجام وظایف خود بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند ودر صورت تخلف ، فرماندار یا بخشدار موظف است با رای اکثریت اعضای هیات اجرایی نسبت به‌تعویض هریک از معتمدین هیات اجرایی و در مواردی که انحلال هیات اجرایی ضروری باشد باتایید استاندار و هیات نظارت استان اقدام نماید. تشکیل مجدد هیات اجرایی با رعایت مقررات‌مندرج در این قانون انجام می‌گیرد و تصمیمات متخذه هیات اجرایی منحله عنداللزوم وسیله هیاتاجرایی جدید قبل از انقضای مهلت قانونی رسیدگی به صلاحیت داوطلبان قابل تجدیدنظر خواهدبود. تبصره ۱ ـ داوطلبان شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی روستا و شهر که صلاحیت آنان درهیات اجرایی رد شده است می‌توانند ظرف مدت ۴ روز از تاریخ اعلام اسامی نامزدهای انتخاباتی‌شکایت خود را به ترتیب داوطلبان شورای اسلامی روستا به هیات نظارت شهرستان و داوطلبان‌شورای اسلامی شهر به هیات نظارت استان تسلیم نمایند. تبصره ۲ ـ شاکیان می‌توانند شکایت خود را ظرف مهلت مقرر به

هیات اجرایی مربوط نیزتسلیم نمایند. هیات اجرایی موظف است بلافاصله شکایات دریافتی را به هیات نظارت ذی‌ربطارسال نماید. تبصره ۳ ـ هیات نظارت موظف است ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ دریافت شکایات به آنهارسیدگی و نتیجه را به هیات اجرایی مربوط اعلام نماید. نظر هیات نظارت در این خصوص قطعی ولازم‌الاجرا است تبصره ۴ ـ هیات اجرایی موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت ، اسامی آن تعداد ازداوطلبانی را نیز که صلاحیت آنان مورد تایید هیات نظارت قرار گرفته است از طریق انتشار آگهی به‌اطلاع اهالی برساند. ماده ۵۱ ـ فرماندار یا بخشدار یا نمایندگان آنان مکلف‌اند فهرست اسامی نامزدهای تایید شده‌انتخابات را ظرف ۳ روز از طریق انتشار آگهی به اطلاع اهالی حوزه انتخابیه برسانند. ماده ۵۲ ـ هیات‌های اجرایی موظف‌اند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس‌از اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات شکایت واصله را بپذیرند و از تاریخ دریافت شکایات ظرف مدت‌پنج روز در جلسه مشترك هیات اجرایی و هیات نظارت به آنها رسیدگی و اخذ تصمیم نمایند. د ـ هیات‌های نظارت و وظایف آنها ماده ۵۳ ـ کیفیت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور طبق مواد ۷۳ و ۷۴ قانون اصلاح‌قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵خواهد بود. ماده ۵۴ ـ اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش به عهده بخشدار ودر انتخابات شورهای اسلامی شهر به عهده فرماندار خواهد بود. ماده ۵۵ ـ تایید صحت انتخابات شوراهای روستا و بخش با هیات نظارت بخش و اعلام آن‌توسط بخشدار انجام می‌گیرد. در این خصوص چنانچه کسی شکایت داشته باشد ظرف مدت دوروز به هیات نظارت شهرستان ارسال و هیات مذکور ظرف مدت ۱۵ روز نظر نهایی خود را اعلام‌خواهد نمود. ماده ۵۶ ـ تایید صحت انتخابات شوراهای شهر با هیات نظارت شهرستان است و اعلام آن‌توسط فرماندار انجام می‌گیرد. در این خصوص چنانچه کسی شکایتی داشته باشد ظرف مدت دوروز به هیات نظارت استان ارسال و هیات مذکور ظرف مدت ۱۵ روز نظر نهایی خود را اعلام‌خواهد نمود. ماده ۵۷ ـ توقف یا ابطال انتخابات یك یا چند شعبه اخذ رای در روستاها به پیشنهاد هیات‌نظارت شهرستان و تایید هیات نظارت استان خواهد بود. ماده ۵۸ ـ در انتخابات شوراهای اسلامی شهر توقف یا ابطال انتخابات یك یا چند شعبه اخذرای که در سرنوشت انتخابات موثر باشد به پیشنهاد هیات نظارت استان تایید هیات مرکزی نظارت‌خواهد بود. تبصره ـ ابطال ارا باید مستند به قانون و همراه با اسناد و مدارك معتبر باشد. در غیر این‌صورت ابطال آرا جرم تلقی شده و مرتکب یا مرتکبین و نیز کسانی که گزارش یا شهادت کذب داده‌باشند طبق قانون مجازات می‌شوند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۵۹ ـ اقدامات هیات نظارت شهرستان و هیات نظارت استان جز در مورد تایید صلاحیت‌کاندیدها و تایید صحت انتخابات نافی اختیارات هیات مرکزی نظارت نبوده و تصمیم هیات‌مرکزی نظارت قطعی و لازم‌الاـجرا است اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۶۰ ـ جلسات هیات مرکزی نظارت و هیات نظارت شهرستانها با حضور ۴ نفر از اعضا وجلسات هیات‌های نظارت استان و بخش با حضور کلیه اعضا تشکیل و مصوبات آنان با رایاکثریت اعضا معتبر خواهد بود. تبصره ۱ ـ در صورت تساوی آرا در تصمیم‌گیریها ، تصمیمی را که رییس جلسه با آن موافقت‌دارد معتبر است تبصره ۲ ـ اعضای هیات‌های نظارت بخش و شهرستان و استان و ناظرین در شعب ثبت نام واخذ رای باید در انجام وظایف خود بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند. در صورت تخلف ، فرد متخلف‌توسط هیات نظارت مافوق برکنار می‌شود و چنانچه اکثر اعضای هیات نظارت بی‌طرفی کامل رارعایت نکنند هیات متخلف توسط هیات مرکزی نظارت منحل خواهد شد. ماده ۶۱ ـ هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی ، به طرق زیر نظارت خود رااعمال می‌نمایند: الف ـ گزارشهای وزارت کشور و بازرسیهای آن ب ـ اعزام بازرسان مستقل در صورت لزوم برای رسیدگی به شکایات مربوط به هیات‌هایاجرایی و مباشرین وزارت کشور. ج ـ رسیدگی نهایی شکایات و پرونده‌ها و مدارك انتخابات د ـ تعیین نظار در تمام هیات‌های مربوط به انتخاب تبصره ـ هیات‌های نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی می‌توانند از کارمندان دولت درجهت نظارت بر انتخابات کمك بگیرند. ماده ۶۲ ـ هیات‌های اجرایی موظف‌اند هیات‌های نظارت مربوط را در جریان کلیه مراحل وامور انتخابات قرار دهند. ماده ۶۳ ـ در تمام مدتی که انتخابات برگزار می‌شود هیات مرکزی نظارت در سراسر کشور

وهیات نظارت استان و شهرستان و هیات‌های بخش در حوزه‌های انتخابیه خود بر کیفیت انتخابات‌نظارت کامل خواهند داشت و در هر مورد که سو جریان یا تخلفی مشاهده کنند آنرا به بخشداران وفرمانداران اعلام و آنان موظفاند بنا به نظر هیات‌های مذکور طبق قانون انتخابات در رفع نواقص‌اقدام کنند و هیات‌های نظارت استانها مکلف‌اند مسایل مورد اختلاف را در همان استان حل نمایندو در صورتی که مقامات وزارت کشور نظرات آنان را لحاظ ننمایند مراتب را جهت رسیدگی نهایی‌به هیات مرکزی نظارت گزارش خواهند کرد. ماده ۶۴ ـ وزارت کشور موظف است حداقل یک ماه قبل از صدور دستور شروع انتخابات درهریک از حوزه‌های انتخابیه مراتب را به اطلاع و تایید هیات مرکزی نظارت برساند. ماده ۶۵ ـ هیات‌های اجرایی موظف‌اند یک نسخه از صورتجلسه اقدامات خود را به ناظرین‌تسلیم نمایند. در هر مورد که وجود امضای هیات‌های اجرایی در قانون انتخابات پیش‌بینی شده‌است امضای ناظرین نیز لازم است ماده ۶۶ ـ وزارت کشور به منظور حسن انجام انتخابات می‌تواند مأمورینی جهت بازرسی وکنترل جریان انتخابات بطور ثابت یا سیار به حوزه‌های انتخابیه اعزام نماید. ه ـ تخلفات ماده ۶۷ ـ ارتکاب هرگونه تقلب و تزویر در انتخابات و اعمال خلاف این قانون وآیین نامه اجرایی آن از قبیل امور ذیل جرم محسوب می‌شود: الف ـ خرید و فروش رای ب ـ تقلب و تزویر در اوراق تعرفه یا برگ رای یا صورت جلسات ج ـ تهدید یا تطمیع در امر انتخابات د ـ رای دادن با شناسنامه جعلی ه ـ رای دادن با شناسنامه دیگری و ـ رای دادن بیش از یک بار. ز ـ اخلال در امر انتخابات ح ـ کم و زیاد کردن آرا و یا تعرفه‌ها. ط ـ تقلب در رای‌گیری یا شمارش آرا. ی ـ رای گرفتن با شناسنامه کسی که حضور ندارد. ک ـ توصیه به نوشتن اسم نامزد معین در ورقه از طرف اعضای شعبه اخذ رای یا هر فرد دیگر درمحل صندوق رای ل ـ تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه وبرگ رای ، صورت جلسات ، تلکسها ، تلفنگرامها و تلگرافها. م ـ باز کردن و یا شکستن قفل محل نگهداری و لاک و مهر صندوقهای رای بدون مجوز. ن ـ جابجایی ، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی س ـ دخالت در امر انتخابات با سند مجعول ع ـ ایجاد رعب و وحشت برای رای‌دهندگان یا اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای با سلاح یا بدون‌سلاح در امر انتخابات ف ـ دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول یا به هر نحو غیرقانونی ص ـ ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در شعب ثبت نام و اخذ رای ق ـ عدم رعایت بی‌طرفی و جانبداری از نامزد انتخاباتی توسط مجریان انتخابات و اعضای‌هیات‌های نظارت استان ، شهرستان و بخش و ناظران شعب ثبت نام و اخذ رای تبصره ـ چنانچه وقوع جرایم مندرج در ماده فوق موجب گردد تا جریان انتخابات در یک یاچند شعبه ثبت نام و اخذ رای از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه انتخابات موثر باشدمراتب جهت اخذ تصمیم به هیات نظارت استان اعلام می‌گردد.

فصل سوم ـ وظایف و اختیارات شوراها (ماده ۶۸ تا ۷۸)

ماده ۶۸ ـ وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا عبارتست از: الف ـ نظارت بر حسن اجرای تصمیم‌های شورای اسلامی روستا: ب ـ ارایه پیشنهاد جهت رفع کمبودها ، نارسایی‌ها و نیازها به مقامات ذی‌ربط مقامات مذکورموظف به بررسی پیشنهادها و ارایه پاسخ ، حداکثر ظرف مدت دو ماه ، به شورا هستند. در صورت‌عدم ارایه پاسخ در موعد مقرر ، مراتب برای پیگیری قانونی به اطلاع مقامات مافوق می‌رسد. الحاقی‌مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ج ـ تشکیل گردهمایی عمومی جهت ارایه گزارش کار و دریافت پیشنهادها و پاسخ به سوالات وجلب مشارکت و خودیاری مردم برای پیشبرد امور روستا حداقل دو بار در سال و با پانزده روز اعلام‌قبلی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ د ـ تبیین و توجیه سیاستهای دولت و تشویق و ترغیب روستاییان جهت اجرای سیاستهای‌مذکور. ه ـ نظارت و پیگیری اجرای طرحها و پروژه‌های عمرانی اختصاص یافته به روستا. و ـ همکاری با مسوولان ذی‌ربط برای احداث ، اداره ، نگهداری و بهره‌برداری از تاسیسات‌عمومی ، اقتصادی ، اجتماعی و رفاهی مورد نیاز روستا در حدود امکانات ز ـ کمک‌رسانی و

امـداد در موقع بحرانی و اضـطراری ماننـد جنگ و وقوع حوادث غیرمترقبه ونیز کمک به مسـتمندان و خانواده‌های بی‌سـرپرست ، با استفاده از خودیاریهای محلی ح ـ تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها. ط ـ پیگیری شکایات اهالی روستا از ادارات حوزه مربوط از طریق مقامـات مسـئول الحاقی‌مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ی ـ همکـاری بـا نیروهای انتظامی جهت برقراری امنیت و نظم عمومی ک ـ ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در جهت اجرای فعالیتهای تولیدی‌وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ل ـ فراهم نمودن زمینه مشارکت و جلب همکاری مردم در جهت ایجاد و توسـعه نهادهای مـدنی ، کتابخانه و مراکز فرهنگی ، بهبود و ارتقـای فرهنگی اقشـار مختلف به ویژه جوانـان و بـانوان و برنامه‌ریزی در انجام خـدمات اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهـداشتی ، فرهنگی ، آموزشـی ، سواد آموزی وسـایر امور بـا موافقت و همـاهنگی مراجع ذی‌ربـط الحـاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ م ـ انتخـاب فردی ذیصـلاح به سـمت دهیـار برای مـدت چهـار سال براساس آیین نامه مربوط ومعرفی به بخشـدار جهت صـدور حکم ن ـ ایجاد زمینه منـاسب برای توسـعه اشـتغال و جلـب مشارکت‌هـای عمـومی در جهـت گسترش‌فعالیتهـای تولیـدی الحـاقی مـورخ ۶/۷/۱۳۸۲ س ـ مشـارکت در تهیه طرحهـای هادی روسـتا و بهسازی بافتهای فرسوده و ضوابط و مقررات‌ساخت و ساز. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ع ـ نظـارت بر حسـن اجرای مقررات مربـوط به حفـاظت و بهسـازی محیـط زیست روسـتا وبهره‌برداری از منـابع طـبیعی و جلـوگیری از فرسـایش خـاک و حفـظ عمران ، مزارع ، باغهـا ، مراتع ، جنگلهـا و محـدوده‌های زیست محیطی ، احیـا ولا یـروبی قنوات و نهرهای متروکه و ارایه طرح وپیشـنهاد در این زمینه‌هـا به شورای بخش الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ف ـ بررسی برنامه‌های پیشنهادی ارگانهای اجرایی در زمینه‌هـای اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهـداشتی ، فرهنگی ، آموزشـی و سایر امور رفاهی از نظر تطبیق با ضـرورتهای موجود در حوزه‌انتخابیه شورا و ارایه گزارش نارسایی‌ها به شورای بخش محل اسـتقرار خود هماننـد شورای روسـتامشارکت خواهد داشت الحـاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ص ـ نظـارت بر حفظ و نگهـداری تاسـیسات عمومی و عمرانی و اموال و دارایی‌های روسـتاالحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصـره ـ عزل دهیـار بـا رای اکثریت اعضـای شورای اسـلامی روسـتا براسـاس آیین نـامه مربوطانجام می‌شود و به بخشـدار جهت صدور حکم عزل اعلام می گردد. ماده ۶۸ مکرر ـ هر تیره از عشایر کوچ رو کشور با حـداقل بیست خانوار در حکم روسـتا (ده بوده‌و شورای عشایری با وظایف و اختیارات شورای روستا در آن تیره تشکیل می گردد. شورای عشایری‌مذکور در زمان تشـکیل شورای بخش محل اسـتقرار خود همانند شورای روسـتا مشارکت خواهدداشت الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۶۹ ـ دهیار به مـدت چهـار سـال انتخاب و وظایف زیر را به عهـده دارد: ۱ ـ اجرای مصوبـات شورای روسـتا. ۲ ـ همکـاری بـا نیروهای انتظامی در خصوص اعلام وقوع جرایم ، اجرای مقررات خـدمت وظیفه‌عمومی ، حفـظ نظم عمومی و سـعی در حل اختلافات محلی ۳ ـ اعلام فرامین و قـوانین و مقررات عمومی ۴ ـ همکـاری در حفظ و نگهـداری تاسـیسات عمومی و عمرانی و اموال و داراییهای روستا. ۵ ـ همکاری با سازمانها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم در جهت ایفای وظایف آنان ۶ ـ مراقبت در اجرای مقررات بهداشتی و حفـظ نظـافت و ایجـاد زمینه منـاسب برای تامین‌بهـداشت محیط ۷ ـ همکـاری بـا سازمـان ثبت احـوال و اسـناد در جهت ثبت وقـایع چهارگانه سجلی و اسناد واملاک ۸ ـ همکـاری با مسوولین ذی‌ربط در جهت حفظ و نگهـداری و بهره برداری منابع طبیعی ومیراث فرهنگی واقع در روسـتا. ۹ ـ اجرای طرحهای عمرانی و خـدماتی در محـدوده روسـتا در صورت آمادگی با تاییـد کمیته‌برنامه ریزی شهرسـتان الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۱۰ ـ تشـکیل پرونـده برای ایجاد بناها ، تاسـیسات و تفکیک اراضـی در محـدوده قانونی روستا وارجاع به بخشـداری جهت صـدور مجوز. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصـره ـ درآمـد حاصل از وصول عوارض مربوط به اجرای این بنـد در امور عمومی روستا وزیر نظر شورای روسـتا هزینه می‌شود. الحـاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۰ ـ وظـایف و اختیارات شورای اسـلامی بخش عبارت است از: ۱ ـ ارایه طرحهـا و پیشـنهادهای اصـلاحی به مسوولین اجرایی منطقه جهت رفع کمبودهایاجتماعی ، فرهنگی ، آموزشـی ، اقتصـادی ، عمرانی ، بهـداشتی و سـایر امور رفـاهی بخش تبصـره ـ مقامات اجرایی ذی‌ربط موظف به بررسـی طرحها و پیشـنهادهای مـذکور و ارایه پاسخ‌حـداکثر ظرف مـدت دو ماه به شورا هسـتند. در صورت عـدم ارایه پاسخ در موعد مقرر

مراتب جهتانجام اقـدامات قانونی به اطلاع مقامات مافوق خواهد رسـید. ۲ ـ ایجـاد هماهنگی لازم بین شوراهای روسـتاهای واقع در محدوده بخش ۳ ـ نظارت بر شوراهای روستاها به منظور رعایت وظایف قانونی ۴ ـ حل وفصل مشکلات و اختلافات میان دو یا چند روسـتا یا شوراهای روسـتایی واقع درمحدوده بخش ، در مواردی که قابل پیگیری قضایی نیست ۵ ـ رسیدگی به امور عمرانی بخش که خارج از حیطه اختیارات و وظایف شورای روستا است ۶ ـ ایفای وظایف شورای روسـتا در مزارع مستقل ، مکان‌ها و آبادی‌ها و روسـتاهایی که به هردلیل فاقد شورای روستا می‌باشند. ۷ ـ تشویق مردم به همکاری و سـرمایه گـذاری در امور و برنامه‌های عمرانی بخش از قبیل توسعه‌کشاورزی ، حمل ونقل ، بهداشت ، صنایع روستایی و دستی ، امور فرهنگی و مذهبی بخش ۸ ـ بررسی و تایید طرحهای هادی روسـتایی واقع در محدوده بخش و ارسال به مراجع ذی‌ربط‌جهت تصویب نهایی اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۱ ـ وظایف شورای اسلامی شهر بشرح زیر است ۱ ـ انتخاب شهردار برای مدت چهار سال تبصره ۱ ـ شورای اسلامی شهر موظف است بلافاصـله پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب‌شهردار واجد شرایط اقدام نماید. تبصره ۲ ـ شهردار نمی‌تواند همزمان عضو شورای شهر باشد. تبصـره ۳ ـ نصب شـهرداران در شـهرهای با جمعیت بیشتر از دویست‌هزار نفر و مراکز اسـتان بنابه پیشـنهاد شورای شـهر و حکم وزیر کشور و در سایر شـهرها به پیشـنهاد شورای شـهر و حکم اسـتاندارصورت می گیرد. تبصـره ۴ ـ دوره خدمت شـهردار در موارد زیر خـاتمه می‌پـذیرد: الف ـ اسـتعفای کتبی بـا تصویب شورا. ب ـ برکناری توسط شورای شـهر با رعایت مقررات قانونی ج ـ تعلیق طبق مقررات قانونی د ـ فقدان هریک از شرایط احراز سمت شهردار به تشخیص شورای شهر. ۲ ـ بررسی و شناخت کمبودها ، نیازهـا و نارساییهـای اجتمـاعی ، فرهنگی ، آموزشـی ، بهـداشتی ، اقتصـادی و رفـاهی حـوزه انتخـابیه و تهیه طرحهـا و پیشـنهادهای اصـلاحی و راه‌حلهـای کـاربردی در این‌زمینه‌ها جهت برنامه‌ریزی و ارایه آن به مقامات مسوول ذی‌ربط ۳ ـ نظـارت بر حسن اجرای مصوبـات شورا و طرحهـای مصوب در امور شـهرداری و سایرسازمانهای خـدماتی در صورتی که این نظارت محل جریان عادی این امور نگردد. ۴ ـ همکـاری با مسوولین اجرایی و نهادها و سازمان‌های مملکتی در زمینه‌های مختلف‌اجتماعی ، فرهنگی ، آموزشـی ، اقتصادی و عمرانی بنا به درخواست آنان ۵ ـ برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی ، اقتصادی ، عمران ، فرهنگی ، آموزشـی و سـایر امور رفـاهی با موافقت دسـتگاههای ذی‌ربط ۶ ـ تشویـط و ترغیب مردم در خصـوص گسـترش مراکز تفریحی ، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی‌دستگاههای ذی‌ربط ۷ ـ اقدام در خصوص تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی ، امدادی ، ارشـادی و تاسـیس‌تعاونیهای تولیـد و توزیـع و مصـرف ، نیز انجـام آمـارگیری ، تحقیقـات محلی و توزیـع ارزاق عمـومی بـاتوافق دستگاههای ذی‌ربط ۸ ـ نظـارت بر حسن اداره و حفـظ سـرمایه و داراییهای نقـدی ، جنسـی و اموال منقول و غیرمنقول‌شـهرداری و همچنین نظـارت بر حساب درآمـد و هزینه آنها به‌گونه‌ای که مخل جریان عادی امورشـهرداری نباشـد. ۹ ـ تصویب آیین نـامه های پیشـنهادی شـهرداری پس از رسیدگی به آنهـا بـا رعایت دسـتورالعملهای‌وزارت کشور. ۱۰ ـ تاییـد صـورت جـامع درآمـد و هزینه شهرداری که هر شـش مـاه یکبـار توسط شـهرداری تهیه‌می‌شود و انتشـار آن برای اطلاـع عموم و ارسـال نسـخه‌ای از آن به وزارت کشور. ۱۱ ـ همکـاری بـا شـهرداری جهت تصویب طرح حـدود شـهر بـا رعـایت طرحهای هادی و جامع‌شـهرسازی پس از تهیه آن توسط شـهرداری با تایید وزارت کشور و وزارت مسـکن و شهرسازی ۱۲ ـ تصـویب بودجه ، اصـلاح و متمم بودجه و تفریغ بودجه سالاـنه شـهرداری و موسسـات وشـرکتهای وابسته بـه شـهرداری بـا رعـایت آیین نـامه مـالی شـهرداریها و همچنین تصـویب بـودجه شورای‌شـهر. تبصره ـ کلیه درآمدهای شهرداری به حساب‌هایی که با تایید شورای شهر در بانک‌ها افتتاح‌می‌شود واریز و طبق قوانین مربوطه هزینه خواهد شد. ۱۳ ـ تصویب وامهای پیشـنهادی شـهرداری پس از بررسی دقیق نسبت به مبلغ ، مدت و میزان‌کارمزد. ۱۴ ـ تصویب معاملات و نظارت بر آنها اعم از خرید ، فروش ، مقاطعه ، اجاره و استیجاره که بنام‌شهر و شهرداری صورت می‌پذیرد با در نظر گرفتن صـرفه و صـلاح و بـا رعـایت مقررات آیین نـامه مـالی‌و معاملاـت شـهرداری تبصـره ـ به منظور تسـریع در پیشـرفت امور شهرداری ، شورا می‌توانـد اختیـار تصویب و انجام‌معاملاـت را تـا میزان معینی بـا رعـایت آیین نـامه معاملات شـهرداری به شـهردار

واگذار نماید. ۱۵ ـ تصویب اساسنامه موسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری با تایید و موافقت وزارت‌کشور. ۱۶ ـ تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن‌سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود. ۱۷ ـ نظارت بر حسن جریان دعوی مربوط به شهرداری ۱۸ ـ نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر. ۱۹ ـ نظارت بر امور تماشاخانه‌ها ، سینماها ، و دیگر اماکن عمومی ، که توسط بخش خصوصی ، تعاونی و یا دولتی اداره می‌شود با وضع و تدوین مقررات خاص برای حسن ترتیب ، نظافت وبهداشت این قبیل موسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیر احتیاطی جهت جلوگیری ازخطر آتش‌سوزی و مانند آن ۲۰ ـ تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیرمحصور شهری از نظر بهداشت و آسایش عمومی‌و عمران و زیبایی شهر. ۲۱ ـ نظارت بر ایجاد گورستان ، غسالخانه و تهیه وسایل حمل اموات مطابق با اصول بهداشت‌و توسعه شهر. ۲۲ ـ وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تاسیسات شهری ۲۳ ـ نظارت بر اجرای طرحهای مربوط به ایجاد و توسعه معابر ، خیابانها ، میادین و فضاهای‌سبز و تاسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات موضوعه ۲۴ ـ تصویب نامگذاری معابر ، میادین ، خیابانها ، کوچه و کوی در حوزه شهری و همچنین تغییرنام آنها. ۲۵ ـ تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شهرداری جهت نوشتن هر نوع مطلب و یا الصاق هر نوع‌نوشته و آگهی و تابلو بر روی دیوارهای شهر با رعایت مقررات موضوعه و انتشار آن برای اطلاع‌عموم ۲۶ ـ تصویب نرخ خدمات ارایه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت‌آیین نامه مالی و معاملات شهرداریها. ۲۷ ـ تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری ۲۸ ـ وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدانهای عمومی توسط شهرداری برای خرید وفروش مایحتاج عمومی با رعایت مقررات موضوعه ۲۹ ـ وضع مقررات لازم در مورد تشریک مساعی شهرداری با ادارات و بنگاههای ذی‌ربط برای‌دایر کردن نمایشگاههای کشاورزی ، هنری ، بازرگانی و غیره ۳۰ ـ نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری و کلیه سازمانها ، موسسات ، شرکتهای وابسته وتابعه شهرداری و حفظ سرمایه ، دارایی‌ها ، اموال عمومی و اختصاصی شهرداری ، همچنین نظارت برحساب درآمد و هزینه آنها با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به شهرداریپگیریهای لازم بر اساس مقررات قانونی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ـ کلیه پرداختهای شهرداری در حدود بودجه مصوب با اسناد مثبته و با رعایت مقررات‌مالی و معاملاتی شهرداری به عمل میاید که این اسناد باید به امضای شهردار و ذی حساب یاقایم‌مقام آنان که مورد تایید شورای شهر باشند برسد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۱ ـ شورا موظف است در پایان هر سال مالی صورت بودجه و هزینه خود را جهت اطلاع‌عموم منتشر نماید و نسخه‌ای از آن را جهت بررسی به شورای شهرستان و استان ارسال کند. الحاقی‌مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۲ ـ واحدهای شهرستانی کلیه سازمانها و موسسات دولتی و موسسات عمومی غیردولتی که‌در زمینه ارایه خدمات شهری وظایفی را به عهده دارند ، موظفند برنامه سالانه خود در خصوص‌خدمات شهری را که در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارایه نمایند.الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۳ ـ همکاری با شورای تامین شهرستان در حدود قوانین و مقررات الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۴ ـ بررسی و تایید طرح‌های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی‌شهرها پس از ارایه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذی‌ربط قانونی جهت تصویب نهایی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ در کلیه قوانین و مقرراتی که انجمن شهر عهده‌دار وظایفی بوده است شورای‌اسلامی شهر با رعایت مقررات این قانون بعد از یک سال از تاریخ تصویب جانشین انجمن شهرخواهد بود. تبصره ۲ ـ وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و سازمانهایی که شمول قانون‌بر آنها مستلزم ذکر نام است موظف‌اند در طول مدت یک سال مذکور در تبصره فوق با بررسی قوانین‌و مقررات مربوط به خود هر کجا نامی از انجمن شهر سابق آمده و وظایفی را به آن محول نموده‌است جهت اصلاح این‌گونه موارد لایحه اصلاح به مجلس شورای اسلامی ارایه نمایند. ماده ۷۲ ـ شرایط احراز تصدی سمت شهردار طبق آیین نامه ای خواهد بود که بنا به پیشنهادوزارت کشور به تصویب هیات دولت خواهد رسید. ماده ۷۳ ـ چنانچه یک یا چند نفر از اعضای شورای شهر به عملکرد شهردار یا عملیات‌شهرداری اعتراض یا ایرادی داشته باشند ابتدا توسط رییس شورا مورد را به صورت روشن به‌شهردار

تذکر خواهند داد. در صورت عدم رعایت مفاد مورد تذکر ، موضوع به صورت سوال مطرح‌می‌شود که در این صورت رییس شورا سوال را کتبا به شهردار اطلاع خواهد داد و حداکثر ظرف ده‌روز پس از ابلاغ ، شهردار موظف به حضور در جلسه عادی یا فوق العاده شورا و پاسخ به سوال‌می‌باشد. چنانچه شهردار از حضور استنکاف ورزیده یا پاسخ وی قانع کننده تشخیص داده نشود طی‌جلسه دیگری موضوع مجددا به صورت استیضاح که حداقل به امضای یک سوم اعضای شورارسیده باشد ، ارایه می‌شود. فاصله بین ابلاغ تا تشکیل جلسه که از طرف رییس شورا تعیین خواهدشد حداکثر ده روز خواهد بود. شورا پس از طرح سوال یا سوالات و جواب شهردار رای موافق یامخالف خواهد داد. در صورتی که شورا با اکثریت دو سوم کل اعضا رای مخالف دهد شهردار از کاربرکنار و فرد جدیدی از سوی شورا انتخاب خواهد شد. تبصره ـ در فاصله بین صدور رای عدم اعتماد و برکناری شهردار و یا خاتمه خدمت شهردار تاانتخاب فرد جدید که نباید بیش از سه ماه به‌طول انجامد یکی از کارکنان شهرداری با انتخاب شورای‌شهر عهده‌دار و مسوول اداره امور شهرداری خواهد بود. ماده ۷۴ ـ شوراهای موضوع این قانون یا هر یک از اعضا آن حق ندارند در نصب و عزل کارکنان‌دهیاری‌ها ، شهرداری‌ها و یا شرکتها و موسسات وابسته به آنها دخالت نمایند یا به آنها دستور دهندو واگذاری مسئولیت اجرایی ، عضویت هیات مدیره و مدیریت عامل به اعضا شوراهای مذکور دردهیاریها ، شهرداریها ، شرکتها و سازمانهای تابعه ممنوع می‌باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ اعضا شوراهای مذکور و بستگان درجه یک آنها به هیچ وجه حق انجام معامله بادهیاری ، شهرداری ، سازمانها و شرکتهای وابسته به آن را نخواهند داشت و انعقاد هر نوع قرارداد باآنها ممنوع می‌باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ هرگونه استفاده شخصی از اموال ، دارایی‌ها و امکانات شوراها ، دهیاری ، شهرداری ، موسسات و شرکتهای وابسته توسط اعضا شوراها ممنوع می‌باشد. الصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۵ ـ آیین نامه سازمانی ، تشکیلاتی و تعداد و نحوه تشکیل جلسات شوراها و امور مالی‌دبیرخانه کلیه شوراها و تعداد کارکنان آنها و هزینه‌های مربوط و هرگونه پرداختی به اعضای شوراهاتوسط شورای عالی استانها تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. به کارگیری کارکنان و هرگونه‌پرداختی خارج از این آیین نامه ممنوع می‌باشد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۶ ـ شورای شهر و شهرداری و شرکتها و سازمانهای وابسته موظفند به نحو مقتضی و درصورت امکان با راه اندازی پایگاه رایانه‌ای ، زمینه اطلاع عموم مردم را به طور مستمر از مصوبات ، تصمیمات ، عملکرد ، بودجه ، هزینه و درآمد خود فراهم نمایند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۷ ـ شورای اسلامی شهر و دهستان می‌توانند نسبت به وضع عوارض متناسب باتولیدات و درآمدهای اهالی به‌منظور تامین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر وروستا طبق آیین نامه مصوب هیات وزیران اقدام نمایند. تبصره ـ عوارض یک ماه پس از ارسال هر مصوبه به وزارت کشور قابل وصول است وزیرکشور می‌تواند در هر مقطعی که وصل هر نوع عوارض را منطبق بر آیین نامه مصوب نداند نسبت به‌اصلاح یا لغو آن اقدام نماید. ماده ۷۸ ـ وظایف و اختیارات شورای شهرستان عبارت است از: ۱ ـ ارایه پیشنهادات لازم در زمینه توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و عمرانی شهرستان به‌دستگاههای اجرایی ذی‌ربط و کمیته برنامه ریزی شهرستان و شورای استان ۲ ـ نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای شهرستان ۳ ـ تصویب (اصلاح) تتمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای شهرستان ۴ ـ هماهنگی و رسیدگی به مسایل و حل و فصل مشکلات فی مابین شوراهای شهر و بخش ، درمواردی که قابل پیگیری قضایی نیست ۵ ـ نظارت برعملکرد و فعالیتهای شوراهای بخش و شهر. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۱ ـ وظایف واختیارات شورای استان عبارت است از: ۱ ـ بررسی مسایل و مشکلات استان و ارایه پیشنهادهای لازم به منظور رفع تبعیض و توزیع‌عادلانه امکانات و منابع و جلب همکاری درتهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان به شورای عالیاستانها تبصره ـ سه نفر از اعضای شورای استان به انتخاب آن شورا در جلسات شورای برنامه ریزی وتوسعه استان شرکت می‌نمایند. ۲ ـ نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای عالی استانها در محدوده استان ۳ ـ ایجاد ارتباط و هماهنگی لازم میان شوراهای شهرستان و در محدوده استان جهت حسن‌انجام وظایف و حل و فصل اختلافات شوراهای سطح استان ، در مورادی که قابل پیگیری قضایی‌نیست ۴ ـ

همکاری با شورای برنامه ریزی و توسعه استان در نظارت بر حسن اجرای طرحهای عمرانیاستانی و ملی در محدوده استان و ارایه گزارش و پیشنهاد در جهت بهبود امور به رییس شورای‌برنامه ریزی و شورای عالی استانها ، دستگاههای ذی‌ربط ۵ ـ تصویب اصلاح ، تتمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای استان ۶ ـ نظارت بر عملکرد شوراهای شهرستانها در محدوده استان و نظارت بر حسن اجرای‌مصوبات شورای استان الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۲ ـ وظایف واختیارات شورای عالی استانها عبارت است از: ۱ ـ بررسی پیشنهادهای واصله از طرف شوراهای استانها و تعیین اولویت هر یک و ارجاع به‌مقامات اجرایی ذی‌ربط ۲ ـ اعلام نارسایی‌ها و اشکالات و نهادها و سازمانهای اجرایی در حدود اختیارات وظایف‌شوراها به مسولین مربوطه و پیگری آنها ۳ ـ بررسی پیشنهادها و ارایه آنها در قالب طرح به مجلس شورای اسلامی یا دولت ۴ ـ تصویب ، اصلاح ، تتمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای عالی استانها ۵ ـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است یک نسخه از پیش‌نویس لوایح‌برنامه‌های توسعه و بودجه عمومی کشور و استانها را پس از تهیه در اختیار شورای عالی استانهاقرار دهد. شورای عالی استانها پیشنهادهای اصلاحی خود را در مورد برنامه و بودجه مذکور به‌سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعلام خواهد کرد. ۶ ـ تهیه آیین نامه نحوه هزینه بودجه شوراها و ابلاغ آن پس از تصویب هیات وزیران به شوراها. ۷ ـ برنامه ریزی به منظور آموزش و آشنایی اعضا شوراها با وظایف خویش از طریق برگزاری‌دوره‌های کوتاه مدت کاربردی در قالب امکانات موجود کشور ۸ ـ حلسات عادی شورای عالی استانها هر دو ماه یک بار و حداکثر به مدت سه روز تشکیل‌می گردد. در موارد ضروری شورا می‌تواند جلسات فوق العاده تشکیل دهد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۳ ـ شورای عالی استانها موظف است حداکثر یک سال پس از تشکیل ، ضمن‌مشخص نمودن آن دسته از امور شهری که توسط وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی انجام می‌شود وانجام آن در حد توانایی شهرداری‌ها می‌باشد طرح لازم جهت واگذاری آن امور به شهرداری‌ها را تهیه‌و به دولت یا مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۴ ـ کلیه شوراهای موضوع این قانون مکلفند حداکثر ظرف مدت ده روزمصوبات خود را به نمایندگان حوزه انتخابیه و شورای مافوق ، مسوولین اجرایی ذی‌ربط و عالیترین‌مقام اجرایی مربوط و در مورد شورای عالی استانها به مجلس شورای اسلامی و وزارت کشورارسال نمایند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۵ ـ استانداران ، فرمانداران و بخشداران موظفند در کلیه شوراها و کمیته‌های‌تخصصی مرتبط با وظایف شوراها (به جز کمیته برنامه ریزی شهرستان که در سطح منطقه تشکیل‌می‌دهند از نماینده شوراهای بخش ، شهر ، شهرستان و استان به عنوان ناظر جهت شرکت در جلسات‌دعوت به عمل آورند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۶ ـ استانداران ، فرمانداران ، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت‌تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند. موارد تخلف به‌مقامات مافوق اعلام و درمراجع ذی صلاح رسیدگی می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

فصل چهارم ـ ترتیب رسیدگی به تخلفات (ماده ۷۹ تا ۸۲

ماده ۷۹ ـ به منظور رسیدگی به شکایات مبنی بر انحراف شوراها از وظایف قانونی ، هیات‌هایی‌به نام هیات حل اختلاف و رسیدگی به شکایات به ترتیب زیر تشکیل می‌شود: ۱ ـ هیات مرکزی حل اختلاف و رسیدگی به شکایات با عضویت یکی از معاونین رییس جمهوربه انتخاب و معرفی رییس جمهور ، معاون ذی‌ربط وزارت کشور ، رییس یا یکی از معاونین دیوان‌عدالت اداری به انتخاب رییس این دیوان ، یکی از معاونین دادستان کل کشور به انتخاب دادستان کل‌کشور ، دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون امنیت ملی و سیاست‌خارجی و تصویب مجلس شورای اسلامی ، سه نفر از اعضای شورای عالی استانها به انتخاب آن‌شورا جهت رسیدگی به شکایات از شورای استان و شورای عالی استانها و شورای شهر تهران‌تشکیل می‌شود. هیات در

اولین جلسه یک رییس و یک نایب رییس از بین خود انتخاب خواهدنمود. ۲ ـ هیات حل اختلاف و رسیدگی به شکایات استان به عضویت و ریاست استاندار و عضویت‌رییس کل دادگستری استان ، دو نفر از اعضای شورای استان به انتخاب شورا و یک نفر از نمایندگان‌استان مربوطه در مجلس شورای اسلامی جهت رسیدگی به شکایات از شورای شهر و شورای‌شهرستان تشکیل می‌شود. ۳ ـ هیات حل اختلاف و رسیدگی به شکایات شهرستان به عضویت و ریاست فرماندار وعضویت رییس دادگستری شهرستان و دو نفر از اعضای شورای شهرستان به انتخاب آن شورا و یک‌نفر به انتخاب هیات حل اختلاف استان جهت رسیدگی به شکایات از شورای روستا و بخش‌تشکیل می‌شود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۲ تبصره ـ دبیرخانه هیات‌های حل اختلاف مرکزی ، استان و شهرستان به ترتیب در وزارت‌کشور ، استانداری و فرمانداری مستقر می‌شود. معاون ذی‌ربط وزارت کشور دبیر هیات مرکزی‌خواهد بود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۸۰ ـ مصوبات کلیه شوراهای موضوع این قانون در صورتی که پس از دو هفته از تاریخ‌ابلاغ مورد اعتراض قرار نگیرد لازم‌الاجرا می‌باشد و در صورتی که مسوولین ذی‌ربط آن را مغایر باقوانین و مقررات کشور و یا خارج از حدود وظایف و اختیارات شوراها تشخیص دهند می‌توانند باذکر مورد و به طور مستدل حداکثر ظرف دو هفته از تاریخ ابلاغ مصوبه اعتراض خود را به اطلاع‌شورا رسانده و در خواست تجدیدنظر نمایند. شورا موظف است ظرف ده روز از تاریخ وصول‌اعتراض تشکیل جلسه داده و به موضوع رسدیگی و اعلام نظر نماید. در صورتی که شورا در بررسی‌مجدید از مصوبه مورد اختلاف عدول ننماید موضوع برای تصمیم گیری نهایی به هیات حل‌اختلاف ذی‌ربط ارجاع میشود. هیات مزبور مکلف است ظرف پانزده روز به موضوع رسیدگی‌واعلام نظر نماید. تبصره ـ اعتراض به موصبات شوراهای روستا و بخش توسط بخشدار یا شورای شهرستان ، درمورد مصوبات شوراهای شهر و شهرستان توسط فرماندار یا شورای استان و در مورد مصوبات‌شورای استان توسط استاندار ، مسوولین دستگاههای اجرایی ذی‌ربط یا شورای عالی استانها و درمورد مصوبات شورای عالی استانها توسط وزیر کشور یا عالیترین مقامات دستگاههای ذی‌ربط‌صورت می گیرد. رسیدگی به اعتراض موضوع این قانون مانع از رسیدگی به شکایات سایر اشخاص‌درمحاکم صلاحیتدار نخواهد بود. ماده ۸۱ ـ هرگاه شورا اقداماتی برخلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یاحیف و میل و تصرف غیرمجاز در اموالی که وصول و نگهداری آنرا به نحوی به عهده دارد انجام‌دهد به پیشنهاد کتبی فرماندار موضوع جهت انحلال شورا به هیات حل اختلاف استان ارجاع‌می گردد و هیات مذکور به شکایات و گزارشها رسیدگی و در صورت احراز انحراف هریک ازشوراهای روستاها ، آنرا منحل می‌نماید و در مورد سایر شوراها در صورت انحراف از وظایف‌قانونی ، بنا به پیشنهاد هیات استان و تصویب هیات حل اختلاف مرکزی منحل می گردند. تبصره ـ هریک از شوراهای منحل شده در صورت اعتراض به انحلال می‌توانند به دادگاه صالح‌شکایت نمایند و دادگاه مکلف است خارج از نوبت به‌موضوع رسیدگی و رای قطعی صادر نماید. ماده ۸۲ ـ چنانچه هر یک از اعضا شوراهای موضوع این قانون شرایط عضویت را از دست داده‌و یا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب قصور یا تقصیر شود یا اقدامی که موجب توقف یا اخلال‌در انجام وظایف شوراها گردد یا عملی خلاف شوون اعضا شورا انجام دهد به شرح زیر به صورت‌موقت یا برای مدت باقیمانده دوره شورا سلب عضویت می گردد: ۱ ـ در مورد اعضا شوراهای روستا و بخش به پیشنهاد شورای شهرستان و یا فرماندار و در موردشورای شهر و شهرستان به پیشنهاد شورای استان و یا استاندار و تصویب شورای حل اختلاف‌استان ۲ ـ در مورد اعضا شورای استان به پیشنهاد شورای عالی استانها و یا استاندار و در مورد شورای‌عالی استانها به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیات حل اختلاف مرکزی اصلاحی‌مورخ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ سلب عضویت اعضا شورای مافوق موجب سلب عضویت از شورای مادون‌نمی گردد مگر به تشخیص هیات حل اختلاف ذی‌ربط اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ فرد یا افرادی که سلب عضویت می گردند می‌توانند به دادگاه صالح شکایت نمایند.دادگاه مذکور خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و رای آن قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. اصلاحی‌مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۸۲ مکرر ۱ ـ غیبت غیرموجه اعضا شورا در طول یک سال با تشخیص و تصویب شورابه شرح زیر

منجر به سلب عضویت می‌شود: ۱ ـ شورای روستا و شهر: دوازده جلسه غیرمتوالی و یا شش جلسه متوالی ۲ ـ شورای بخش: هشت جلسه غیرمتوالی و یا چهار جلسه متوالی ۳ ـ شورای شهرستان: شش جلسه غیرمتوالی و یا سه جلسه متوالی ۴ ـ شورای استان چهار: جلسه غیرمتوالی و یا دو جلسه متوالی ۵ ـ شورای عالی استانها سه جلسه غیرمتوالی و یا دو جلسه متوالی الحاقی‌مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۸۲ مکرر ۲ ـ رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان و دبیرخانه شوراها طبق قانون رسیدگی به‌تخلفات اداری مصوب ۷/۹/۱۳۷۲ و آیین نامه اجرایی آن صورت می گیرد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ ـ هیات بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان شوراها در مرکز هراستان تشکیل و اعضا با حکم رییس شورای استان منصوب می‌شوند. رسیدگی به تخلفات کارکنان‌شورای عالی استانها در هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری شورای استان تهران صورت می گیرد.الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ ـ رسیدگی به تخلفات اداری شهرداران ، طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷/۹/۱۳۷۲ در هیات رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان وزارت کشور انجام می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

فصل پنجم ـ سایر مقررات (ماده ۸۳ تا ۹۵)

ماده ۸۳ ـ در حوزه‌هایی که انتخابات آنها براساس ماده ۸۴ متوقف یا طبق مواد ۵۷ و ۵۸ باطل‌یا براساس ماده ۸۱ این قانون ، شورای آن منحل شده است ، انتخابات برای تشکیل شورا باید حداکثرظرف دو ماه برگزار شود. ماده ۸۴ ـ در حوزه‌های انتخابیه‌ای که به علت بروز حوادث غیرمترقبه و مسایل سیاسی وامنیتی برگزاری انتخابات امکان‌پذیر نباشد انتخابات آن حوزه‌ها تا رفع موانع متوقف می‌شود.تشخیص این موانع با وزیر کشور می‌باشد. ماده ۸۵ ـ هرگاه انتخابات هریک از شوراهای شهر و بخش بنا به دلایل ذکر شده متوقف و یاپس از تشکیل طبق مقررات قانونی منحل شود تا برگزاری انتخابات مجدد و تشکیل شورای جدید ، استاندار جانشین آن شورا خواهد بود. تبصره ۱ ـ جانشین شورای شهر تهران ، وزیر کشور خواهد بود. تبصره ۲ ـ جانشین شورای روستا ، شورای بخش می‌باشد. ماده ۸۶ ـ کلیه وزارتخانه‌ها ، سازمانها ، ادارات دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها وکلیه سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظفند حسب درخواست وزارت‌کشور ، استانداران ، فرمانداران و بخشداران ، کارکنان و سایر امکانات خود را تا خاتمه انتخابات دراختیار آنان قرار دهند. مدت همکاری کارکنان مذکور جزو مأموریت نامبردگان محسوب خواهد شد. ماده ۸۷ ـ هزینه برگزاری انتخابات شوراها از شمول قانون محاسبات عمومی‌مستثنیاست ماده ۸۸ ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف است برنامه‌های آموزشیانتخاباتی را که وزارت کشور و شوراهای نظارت انتخابات ضروری تشخیص می‌دهد ، همچنین کلیه‌اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به انتخابات را از شبکه سراسری یا محلی صدا و سیمای جمهوریاسلامی ایران پخش نماید. تبصره ـ کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادها و موسسات دولتی موظفند به‌منظور توجیه وآگاه نمودن مردم از چگونگی انتخابات شوراها ، با وزارت کشور همکاری نمایند. ماده ۸۹ ـ رسیدگی به تخلفات مأمورین نظامی و انتظامی از مفاد این قانون حسب مورد بر عهده‌هیات‌های رسیدگی به تخلفات مأمورین مزبور مندرج در قوانین مربوط خواهد بود. ماده ۹۰ ـ نحوه فعالیتهای تبلیغاتی انتخابات ، مدت زمان تبلیغات ، محدودیتها و ممنوعیتها وسایر شرایط و مقررات مربوط را آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد نمود. ماده ۹۱ ـ حداکثر ظرف یک سال پس از تصویب این قانون ، کلیه شوراها در سراسر کشور بایدتشکیل شده باشد. ماده ۹۲ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می گردد. ماده ۹۳ ـ کلیه وجوه و سپرده‌های انجمنهای منحله ده و شهرستان نزد بانکها و نیز اموال منقول‌و غیرمنقول آنها حسب مورد در اختیار شوراهای اسلامی روستا و شهر قرار می گیرد تا در جهت‌عمران و آبادی و مصالح مردم همان محل صرف گردد. ماده ۹۴ ـ وزارت کشور مسوول اجرای این قانون است و موظف است ظرف دو ماه‌آیین نامه های اجرایی مورد نیاز را تهیه و هیات وزیران موظف است ظرف مدت سه ماه پس ازتصویب این قانون

خارج از نوبت آیین نامه های مذکور را تصویب نماید. قانون فوق مشتمل بر نود و چهار و یک تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ اول خرداد ماه‌یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۳/۱۳۷۵ به تاییدشورای نگهبان رسیده است ماده ۹۵ ـ هرگونه اصلاح در آیین نامه اجرایی قانون شوراهای اسلامی کشور توسط وزارت‌کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان ، استان و شورای عالی استانها – مصوب ۳۰/۴/۱۳۸۱ هی

هیات وزیران در جلسه مورخ ۳۰/۴/۱۳۸۱ بنا به پیشنهاد شماره ۴۴/۴/۱/۱۱۸۰۶۸ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۰ وزارت کشور و به استناد ماده ۷۲ قانون اصلاح تشکیلات شورای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور ـ مصوب ۱۳۶۵ ـ آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان ، استان و شورای عالی استانها به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱ ـ شوراهای اسلامی بخشها و شهرهای واقع در محدوده هر شهرستان پس از دعوت فرماندار تشکیل جلسه داده و یک نفر را از میان اعضای خود با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا برای عضویت در شورای اسلامی شهرستان انتخاب و با تنظیم صورت جلسه حداکثر ظرف ۱۰ روز به فرماندار معرفی می‌نمایند. تبصره ۱ ـ تعداد اعضای شورای اسلامی شهرستان حداقل پنج نفر می‌باشد و در صورتی که شهرستان کمتر از پنج بخش و شهر داشته باشد ، بقیه اعضا از بین دیگر نمایندگان شورای شهرها و بخشها به تناسب جمعیت انتخاب خواهند شد. تبصره ۲ ـ فرماندار موظف است پس از وصول معرفی نامه کلیه نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی بخشها و شهرها حداکثر ظرف یک هفته برای تشکیل اولین جلسه شورای اسلامی شهرستان از نمایندگان معرفی شده دعوت به عمل آورد. اعضای شورای اسلامی شهرستان در اولین جلسه خود که با حضور حداقل ۲۳ ایشان و فرماندار شهرستان تشکیل می‌شود ، از بین خود یک نفر رییس ، یک نفر نایب رییس وحداقل یک منشی با اکثریت نسبی و رای مخفی انتخاب می‌نمایند. تبصره ۳ ـ فرمانداران موظفند بلافاصله پس از تشکیل شورای اسلامی شهرستان اسامی اعضای آن را از طریق رسانه‌های گروهی برای آگاهی عموم منتشر نمایند. ماده ۲ ـ شورای اسلامی در شهرستان در اولین جلسه خود علاوه بر تعیین اعضای هیات رییسه ، یک نفر را از بین خود و با رای مخفی و اکثریت نسبی به عنوان نماینده برای عضویت در شورای اسلامی استان انتخاب و حداکثر ظرف ۱۰ روز کتبا به استاندار معرفی می‌نماید. تبصره ۱ ـ حداقل تعداد اعضای شورای اسلامی استان پنج نفر می‌باشد. در استانهایی که به دلیل کمی تعداد شهرستانهای تابع حد نصاب مقرر حاصل نگردد ، بقیه اعضای شورای اسلامی استان از بین دیگر نمایندگان شوراهای اسلامی شهرستانها به تناسب جمعیت انتخاب خواهند شد. تبصره ۲ ـ استاندار موظف است پس از وصول معرفینامه کلیه نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی شهرستانهای تابع استان حداکثر ظرف یک هفته برای تشکیل اولین جلسه شورای اسلامی استان از نمایندگان معرفی شده دعوت به عمل آورد. اعضای شورای اسلامی استان در اولین جلسه خود که با حضور حداقل ۲۳ ایشان و استاندار تشکیل می‌شود ، از بین خود یک نفر رییس ، یک نفر نایب رییس و دو نفر منشی با اکثریت نسبی و رای مخفی انتخاب می‌نمایند. تبصره ۳ ـ برای اعضای شورای اسلامی استان با معرفی استاندار ، کارت عضویت به امضای وزیر کشور و مهر وزارت کشور صادر خواهد شد و استانداران موظفند بلافاصله پس از تشکیل شورای اسلامی استان اسامی اعضای آن را از طریق رسانه‌های گروهی برای آگاهی عموم منتشرنمایند. ماده ۳ ـ شورای اسلامی هر استان در اولین جلسه ، علاوه بر تعیین اعضای هیات رییسه موضوع تبصره (۲) ماده (۲) یک نفر را از بین خود و با رای مخفی و اکثریت نسبی به عنوان نماینده برای عضویت در شورای عالی اسلامی استانها انتخاب و برای اعلام به وزیر کشور حداکثر ظرف ۱۰ روزبه استاندار معرفی نماید. تبصره ۱ ـ شورای عالی اسلامی استانها از نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی تشکیل می گرددو شورای اسلامی هر استان یک نفر نماینده درآن خواهد داشت تبصره ۲ ـ اولین جلسه شورای عالی اسلامی استانها حداکثر ظرف یک هفته پس از پایان انتخاب شورای اسلامی استانها به دعوت وزیر کشور و با حضور ۲۳ نمایندگان تشکیل و یک

نفر رییس ، دو نفر نایب رییس ، دو منشی و یک خزانه دار با رای مخفی و اکثریت نسبی انتخاب‌می‌شوند. ماده ۴ ـ نمایندگان شوراهای اسلامی مذکور در این آیین نامه که به عضویت شوراهای فرادست در میایند از عضویت شوراهای پایین‌تر خارج نمی‌گردند. ماده ۵ ـ در صورت خروج هر یک از اعضای شورای اسلامی شهرستان ، استان و شورای عالی اسلامی استانها به دلایلی نظیر استعفا ، فوت و سلب عضویت ، شورای اسلامی مربوط موظف است مراتب را برای انتخاب جانشین وی حسب مورد به وزیر کشور ، استاندار و فرماندار اعلام‌نماید. تبصره ۱ ـ وزیر کشور ، استاندار و فرماندار موظفند ظرف یک هفته مراتب را به شورای اسلامی ذی‌ربط اعلام نمایند و آن شورا موظف است حداکثر ظرف دو هفته فرد جانشین را انتخاب و معرفی نماید. تبصره ۲ ـ خروج عضو شورای روستا ، بخش و شهر به هر دلیل از شورا باعث خروج وی ازشورای شهرستان ، استان و عالی استانها نیز خواهد شد. ماده ۶ ـ جلسات شورای اسلامی شهرستان هر ماه حداقل یک بار و جلسات شورای اسلامی استان هر ۴۵ روز حداقل یک بار و جلسات شورای عالی استانها هر دو ماه حداقل یک بار تشکیل می‌شود. ماده ۷ ـ شوراهای شهرستان ، استان و عالی استانها موظفند یک نسخه از مصوبات خود را به ترتیب به فرمانداری ، استانداری ، وزارت کشور و نیز حسب مورد به دستگاههای اجرایی ذی ربط ارسال نمایند. ماده ۸ ـ مسئولین شهرستان و استان موظفند برحسب موضوع و بنا به دعوت شورای شهرستان و استان در جلسه شورای ذی ربط شرکت کنند. ماده ۹ ـ شوراهای برنامه ریزی و توسعه استانها موظفند یک نسخه از مصوبات خود را به‌شورای شهرستان و استان و شورای عالی استانها ارسال کنند. ماده ۱۰ ـ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است یک نسخه از برنامه و بودجه عمرانی پیشنهادی کشور واستانها را پس از تهیه حداکثر ظرف یک ماه جهت اعلام نظر در اختیار شورای عالی استانها بگذارد. ماده ۱۱ ـ دبیرخانه شوراهای شهرستان ، استان و عالی استانها به ترتیب در مرکز شهرستان ، مرکزاستان و کشور به طور مستقل تشکیل می‌شود. ماده ۱۲ ـ اعتراض به مصوبات شورای شهرستان ، استان و شورای عالی استانها فقط توسط فرماندار ، استاندار و وزیر کشور انجام خواهد گرفت تبصره ۱ ـ دستگاههای اجرایی موظفند اعتراض به مصوبات شورای شهرستان ، استان و شورای عالی استانها را از طریق فرماندار ، استاندار و وزیر کشور اعلام نمایند. تبصره ۲ ـ رسیدگی به اعتراض پیرامون مصوبات شورای شهرستان و استان بر عهده هیات حل اختلاف استان و رسیدگی به اعتراض پیرامون مصوبات شورای عالی استانها برعهده هیات حل اختلاف مرکزی است ماده ۱۴ ـ استعفا یا سلب عضویت اعضای شوراهای ماقبل باعث خروج از عضویت شوراهای مابعد نیز خواهد شد و چنانچه فردی از شورای مابعد استعفا داده یا سلب عضویت شود تشخیص عضویت یا سلب عضویت او از شوراهای ماقبل برعهده هیات حل اختلاف مرکزی خواهد بود.

آیین نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرک – مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات و

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱/۱/۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۹۴ قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ آیین نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرها را به شرح زیرتصویب نمود: ماده ۱ ـ در این آیین نامه برای رعایت اختصار به جای عبارت (قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵) عبارت (قانون شوراهای اسلامی کشور) و بجای عناوین (شوراهای اسلامی شهرک) و (حوزه انتخابیه شورای اسلامی شهرک) به ترتیب کلمه‌های (شورا) و (شهرک) استفاده می‌شود. ماده ۲ ـ سمت اعضا در شوراهای با پنج عضو عبارت از رییس ، نایب رییس و حداقل یک منشی و در شوراهای دارای سه عضو ، رییس ، نایب رییس و منشی می‌باشد که برای مدت دو سال بارای اعضا انتخاب می‌شوند. ماده ۳ ـ فرد یا افرادی که از عضویت شورا خارج می‌شوند ، موظفند حداکثر ظرف مدت دو روزپس از قطعیت خروج ، کارت عضویت خود را تحویل بخشداری ذی‌ربط نمایند و رسید دریافت دارند. ماده ۴ ـ مهر شورا حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از شروع به کار رسمی شورا

، توسط فرمانـدار تحویل رییس شورا می‌شود. ماده ۵ ـ اعضا شورا ، حق تفویض اختیارات خود به سایرین ، اعم از عضو و غیرعضـو را ندارند. ماده ۶ ـ اعضای شورا موظفنـد حـداکثر ظرف مدت یک هفته پس از قطعی شدن انتخابات در روزی که فرماندار به طور کتبی اعلام می‌نمایـد اولین جلسه خود را در حضور نماینـده فرمانـدار (عـدم‌حضور نماینـده مانع از تشـکیل جلسه نخواهد بود) و به ریاست مسن‌ترین عضو حاضـر تشکیل دهند و به شرح زیر سوگند یاد کنند و آن را امضا نمایند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ (من در برابر کلام ا... مجیـد به خداونـد متعال سوگنـد یاد می‌کنم و با تکیه بر شـرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که در حفظ امانت و انجـام هر چه بهتر وظـایفم و خـدمت به مردم کوشا باشم و قانون اساسـی و سایر قوانین و مقررات کشور را در چهارچوب وظایف و اختیـارات خود مراعات نمایم و در همه زمینه‌ها عـدالت و انصاف را در نظر داشـته و مادام که در شورای اسـلامی شـهرک عضویت دارم در رعایت صـرفه و صـلاح و پیشـرفت امور شـهرک اهتمام نمایم) تبصره ۱ ـ پیروان اقلیت‌هـای دینی رسـمی به جای کلام ا... مجید به کتاب مقدس خود سوگندیاد می‌کنند. تبصـره ۲ ـ هرگاه فرد جدیـدی به عضویت اصـلی شورا داخل شود موظف است در ابتدای اولین جلسه حضور در شورا ، به ترتیب مذکور سوگند یاد نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۷ ـ در اولین جلسه شورا پس از انجام مراسم تحلیف اعضای حاضـر بایـد اقـدام به برگزاری انتخابات داخلی نموده و از بین خود هیات رییسه شورا ، موضوع ماده ۳ این آیین نـامه را انتخاب نماینـد. اصـلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۸ ـ رییس شورا ماننـد سـایر اعضـا دارای یک حق رای می‌باشـد و وظایف او عبارت است از تنظیم پیشـنهاد بودجه شورا ، تعیین زمان و اداره جلسات عادی ، فوق العاده شورا و در صورت لزوم دعوت از اعضا جهت شـرکت در جلسات ، تقسیم کار بین اعضا برای پیگیری مصوبات ، دفاع از حقوق و منافع شورا در مقابل مقـام قضـایی و اقـامه دعوی ، درخواست گزارش کار از اعضا ، امضا و مهر کردن کلیه مکاتبات شورا ، ایجاد هماهنگی و ارتباط با بخشـداری و فرمانـداری و سایر دسـتگاه‌های اجرایی اصـلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصـره ـ در صـورت عـدم حضـور رییس شورا ، مسئولیت اداره جلسات شورا و سایر وظایف به عهـده نایب رییس آن می‌باشـد. ماده ۹ ـ وظایف منشـی و یا منشـیان شورا عبارت از تهیه و تـدوین صورت جلسـات ، تهیه متن نامه ها ، ثبت و شـماره گـذاری آنها ، تهیه گزارش از عملکرد شورا و حفظ و نگهـداری دفاتر و صورت جلسات در محل شورا ، انجام امور خزانه داری شورا از قبیل مسـئولیت حسابداری شورا ، همکاری بارییس شورا در تنظیـم بـودجه پیشـنهادی و اصـلاح یـا متمم آن ، تنظیم صـورت هـای مـالی شـورا ، ثبت و ضـبط فهرست کلیه امـوال و دارایی‌هـا و حسابرسـی اولیه از فعالیت‌هـای مـالی شورا از قبیـل درآمـدها ، هزینه‌هـا و موجودی در پایـان هر سـال مـالی بر طبق فرم‌های دریافتی می‌باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصـره ـ در صورت غیبت منشـی یـا منشـیان شورا ، وظـایف آنـان از سوی نایب رییس شورا انجام می‌شود. ماده ۱۰ ـ جلسات شورا با حضور حداقل (۲) نفر در شوراهای دارای (۳) عضو و (۴) نفر درشوراهای داری ۵ عضو و تصـمیمات آنان با رای اکثریت مطلق حاضـرین معتبر می‌باشد. تبصره ـ حداقل آرای لازم برای تصویب تصمیمات در جلساتی که با (۵) و یـا (۴) نفر تشـکیل‌می‌شود ، سه رای و در جلسـاتی که بـا ۳ و یـا ۲ نفر تشـکیل می‌یابـد ، دو رای می‌باشـد. ماده ۱۱ ـ تشکیل جلسات و همچنین حفظ و نگهـداری دفاتر ، اسـناد و مـدارک شورا بایـد در مکان ثابت و مناسب باشـد. ماده ۱۲ ـ جلسـات شورا به طور مستمر ماهی دوبار تشکیل می‌شود و در صورت نیاز جلسات فوق العاده و اضطراری شورا با پیشنهاد بخشدار ، فرماندار ، رییس شورا و یا سه نفر از اعضا ، درشوراهای دارای پنج عضو و دو نفر از اعضا در شوراهای دارای سه عضو تشـکیل خواهد شد. ماده ۱۳ ـ شورا با رعایت مصالـح نظام واطلاع فرمانـداری ذی ربط می‌توانـد مصوبات و فعالیت‌های سالانه و همچنین برنامه‌های آینـده شورا که جنبه عمومی دارد را بـا وسایل ممکن به اطلاع اهالی شـهرک برسانـد. اصـلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۴ ـ هرگاه شورا نظر خواهی از اهالی حوزه انتخابیه خود در زمینه موضوع یا موضوعاتی را ضـروری تشـخیص دهـد با اطلاع بخشدار ذی ربط ، می‌تواند اقدام به تشـکیل جلسه عمومی از اهالی نماید. اصـلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۵ ـ موضوع یـا موضوعات مختلف قابل طرح در شورا بـا تشـخیص رییس یـا درخواست هریک از اعضا و یا تقاضای کتبی بخشـدار و یا فرمانـدار ذی ربط در دسـتور کار شورا قرار

می گیرد.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ـ تقدم و تاخر طرح موضوعات جلسه با شورا می‌باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۶ ـ صورتجلسات شورا باید به گونه‌ای تنظیم شود که در آن تاریخ و دستور کار هر جلسه ، اسامی اعضای حاضر و غایب ، آرای مثبت و منفی اعضا به هر یک از موضوعات مورد بحث ، اسامی مدعوین و حاضرین به همراه ریوس مطالب مطروحه در جلسه و تمامی مصوبات بر طبق فرم های ارسالی از وزارت کشور آمده باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱ ـ کلیه اعضای حاضر شورا باید ذیل صورتجلسات شورا را امضا و یا مهر نمایند.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۲ ـ مدعوین و حاضرین در صورت تشخیص شورا می‌توانند ذیل صورتجلسات را امضا ، انگشت و یا مهر نمایند. ماده ۱۷ ـ شورا موظف است در پایان هر جلسه نسخه‌ای از کلیه مصوبات خود در آن جلسه و درصورت نیاز به پیوست سوابق و مطالب مفید دیگر را برای اطلاع فرماندار و همچنین سازمان ها و ادارات ذی ربط دیگر که آن مصوبه به آنها مربوط می‌شود ، ارسال دارد. ماده ۱۸ ـ شورا موظف است در پایان نیمه دوم فروردین هر سال گزارش کار سالانه خود را طبق فرم های ارسالی از وزارت کشور در دو نسخه تنظیم و نسخه اصلی را جهت اطلاع فرماندار محل ارسال کند و نسخه دوم را به عنوان سابقه در بایگانی شورا ثبت و نگهداری نماید.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۹ ـ تمامی مکاتبات شوراها باید طبق فرم‌های ارسالی از وزارت کشور دارای تاریخ ، شماره ثبت در دفتر شورا ، نام کامل گیرنده و موضوع نامه باشد و حداقل در سه نسخه تنظیم شود ونسخه اول برای اداره یا سازمان مورد نظر و نسخه دوم جهت فرمانداری محل ارسال و نسخه سوم به‌عنوان سابقه در بایگانی شورا نگهداری شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۰ ـ تمامی مکاتبات شورا باید ممهور به مهر شورا و امضای رییس و در صورت غیبت او نایب رییس شورا باشد. ماده ۲۱ ـ به موجب مصوبه مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است ماده ۲۲ ـ شورا باید دارای دفاتر مجزایی جهت ثبت صورت جلسات ، حضور وغیاب اعضا در جلسات و نامه‌های دریافتی و ارسالی باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۳ ـ مصوبات شورا به استثنای عوارض موضوع ماده (۷۷) قانون ازتاریخ ابلاغ به مراجع ذی‌ربط لازم‌الاجرا است اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۴ ـ در صورت نیاز به حضور بخشدار و یا فرماندار در جلسات ، شورا می‌تواند طی دعوتنامه کتبی و یا تعیین زمان و دستور کار جلسه از او جهت شرکت در جلسه ، دعوت به عمل آورد و بخشدار و یا فرماندار موظف به شرکت در جلسه مورخه می‌باشند. تبصره ـ در صورت خودداری بخشدار و یا فرماندار از شرکت در جلسه ، بدون عذر موجه ، شورا می‌تواند طی درخواست کتبی از مقام بالاتر تقاضای تذکر به بخشدار و یا فرماندار را بنماید و در صورت تکرار مجدد درخواست توبیخ وی را از مقام ذی‌ربط بنماید. ماده ۲۵ ـ در صورت درخواست کتبی فرماندار و یا بخشدار ذی‌ربط از شورا برای تشکیل جلسه ، شامل زمان ، دستور کار و ضرورت تشکیل جلسه ، شورا موظف به برگزاری جلسه فوق العاده می‌باشد. ماده ۲۶ ـ شورا در صورت نیاز و با مسئولیت خود می‌تواند به منظور مشورت در زمینه موضوع یا موضوعاتی که در دستور کار خود قرار داده است از شخص یا اشخاص غیر عضو دعوت به همکاری نماید. ماده ۲۷ ـ شورا می‌تواند در ارتباط با وظایف خود اطلاعات مورد نیاز را از دستگاهها ، ادارات وسازمان‌های دولتی ، درخواست نماید و آن ادارات و سازمان‌ها موظف به همکاری می‌باشند. ماده ۲۸ ـ در صورتی که هر یک از اعضا بنا به دلایلی از عضویت شورا خارج شود ، شورا موظف است در اولین جلسه پس از قطعیت یافتن خروج آن عضو ، مراتب را کتبا به فرمانداری محل گزارش دهد تا فرمانداری از اعضای علی البدل با احتساب آرا آنان دعوت به شرکت در جلسات وطی مراحل مورد نیاز مانند صدور کارت شناسایی و اطلاع از سمت عضو جدید در شورا بنماید. تبصره ـ در صورتی که عضو خارج شده از شورا رییس و یا نایب رییس آن باشد شورا باید درجلسه‌ای رییس یا نایب رییس را برای دوره باقی مانده هیات رییسه انتخاب نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۹ ـ هرگاه عضوی بیش از ۶ جلسه متوالی و دوازده جلسه غیرمتوالی در طول یک سال بدون داشتن عذر موجه (به تشخیص شورا) در جلسات شورا شرکت نکند مستعفی شناخته‌می‌شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۰ ـ هرگاه شورا در اثر فوت ، استعفا و یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی البدل وموارد دیگر حد نصاب لازم ، مندرج در ماده (۱۰) این

آیین نامه را برای تشکیل جلسات از دست دهدطبق ماده ۳۱ قانون عمل خواهد شد. ماده ۳۱ ـ به استناد مواد (۷۱) و (۷۶) قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران وظایف شورای اسلامی شهرک عبارت است از: اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ۱ ـ بررسی و شناخت از کمبودها ، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی ، فرهنگی ، آموزشی ، بهداشتی ، اقتصادی و سایر امور رفاهی شهرک و در صورت نیاز با راهنمایی و مشاوره افراد مطلع وصاحب نظر طرح‌های اجرایی تهیه و به همراه پیشنهادهای اصلاحی و راه حل‌های کاربردی در زمینه‌طرح‌های مزبور جهت برنامه‌ریزی اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ـ طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی شورا باید به گونه‌ای باشد که حتی المقدور و با استفاده از منابع و امکانات موجود در شهرک قابل اجرا باشد. ۲ ـ طرح‌های پیشنهادی شورا باید به گونه‌ای باشد که بیشترین همکاری و مشارکت مردم در آن‌زمینه را جلب نماید. ۳ ـ شورا حق نظارت بر حسن اجرای مصوبات خود و طرح‌های در دست اجرای سایرسازمان‌های خدماتی در سطح شهرک ، بدون دخالت در امور جاری آنها را دارد. ۴ ـ شورا موظف است جهت پیشبرد اهداف ، برنامه‌های اجتماعی ، فرهنگی ، آموزشی ، اقتصادیو عمرانی شهرک ، در صورت درخواست مسئولین اجرایی و یا نهادها و سازمان‌های دولتی در این‌زمینه‌ها همکاری لازم را مبذول دارد. ۵ ـ در صورت درخواست مسئولین اجرایی ، شورا موظف به همکاری با آنان در انجام اموری‌همچون آمارگیری ، انجام تحقیقات محلی ویا توزیع ارزاق عمومی و مانند آن در حد توان می‌باشد. ۶ ـ شورا می‌تواند با موافقت سازمان‌های ذی‌ربط جهت مشارکت هر چه بیشتر اهالی در زمینه‌خدمات اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی شهرک ، مردم را به‌تشکیل نهادها و سازمان‌های داوطلبانه در این زمینه هدایت و حمایت نماید. ۷ ـ شورا می‌تواند در صورت احساس کمبود مراکز تفریحی ، ورزشی ، فرهنگی ، مردم را جهتایجاد ، تکمیل و یا رفع کسری این گونه مراکز تشویق و ترغیب نماید ، طرح‌هایی با هماهنگی‌دستگاه‌های ذی‌ربط به این منظور تهیه نماید. ۸ ـ در صورت وجود نیاز شهرک به تاسیس تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف ، شورا می‌تواندبا هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط واهالی اقدام به تاسیس آن بر طبق ضوابط و مقررات بنماید. ۹ ـ در صورت نیاز ، شورا می‌تواند با تشویق مردم اقدام به تشکیل انجمن‌ها و نهادهایاجتماعی ، امدادی و ارشادی با توافق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرایی بنماید. تبصره ـ اداره این گونه مراکز و انجمنها پس از تشکیل از سوی افرادی که مقررات مربوط اجازه‌خواهد داد ، صورت می‌گیرد. ۱۰ ـ شورا موظف است به چگونگی رعایت بهداشت در شهرک نظارت داشته باشد و درصورت نیاز و با مشاوره افراد مطلع ، نسبت به رفع و پیشگیری از مشکلات احتمالی ، در زمینه‌بهداشت محیط اقدام لازم را به عمل آورد. ۱۱ ـ شورا موظف به نظارت کامل بر نحوه فعالیت اماکن عمومی که از سوی بخش خصوصی ، تعاونی و یا دولتی اداره می‌شود ، می‌باشد و در صورت نیاز می‌تواند با وضع مقررات خاصی برای‌حسن فعالیت ، نظافت و بهداشت این قبیل اماکن و یا اتخاذ تدابیر پیش گیرنده از خطرات احتمالی‌همچون آتش سوزی ، و باهمکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام نماید. ۱۲ ـ شورا موظف است با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به سامان دهی اراضی غیرمحصور داخل محدوده شهرک به لحاظ بهداشت ، آسایش عمومی و عمران و زیباسازی ، در حدودوظایف خود از طرق ممکن اقدام به تصویب مقررات خاصی برآن بنماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ۱۳ ـ در صورت نیاز شهرک به گورستان ، شورا موظف است نسبت به تامین اصول بهداشتی درمکان یابی جهت ایجاد گورستان ، غسالخانه و وسایل حمل اموات ، مطابق با استانداردهای ارایه‌شده از سوی مسئولین در زمینه توسعه شهری و بهداشت اقدام لازم را معمول دارد. ۱۴ ـ شورا موظف است با لحاظ کردن ضوابط و قوانین در زمینه حفر مجاری و مسیر تاسیسات‌عمومی شهرک مقررات لازم را وضع نماید و بر اجرای آن نظارت کامل داشته باشد. ۱۵ ـ شورا موظف است نظارت کامل براجرای طرح‌های مربوط به توسعه معابر ، خیابان‌ها ، میادین ، فضای سبز و تاسیسات عمومی شهرک ، برطبق مقررات در این زمینه‌ها را داشته باشد. ۱۶ ـ هرگونه نامگذاری و یا تغییر نام معابر ، خیابان‌ها و مکان‌های عمومی شهرک باید با رعایت‌مقررات و تصویب شورا انجام پذیرد. ۱۷ ـ شورا موظف به وضع مقررات برای هرگونه الصاق نوشته ، آگهی و تابلو بر روی دیوارها ومعابر

عمومی شـهرک بـا رعـایت مقررات در این زمینه می‌باشـد. تبصـره ـ شورا موظف است مقررات مصوب خود در این زمینه را به نحو مقتضـی به اطلاع‌عموم اهالی برساند. ۱۸ ـ تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه عمومی درون شـهری اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ۱۹ ـ در صورت نیاز اهالی به ایجاد میدان‌های عمومی خرید و فروش مایحتاج و نمایشـگاه‌های کشاورزی ، هنری ، بازرگانی و مانند آن ، شورا مکلف به وضع مقررات در زمینه ایجـاد و اداره آن باهمکـاری دسـتگاه‌های ذی‌ربـط و بـا رعـایت مقررات موضوعه می‌باشـد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ۲۰ ـ شورا مکلف است یـک مـاه قبـل از انقضـای مـدت دوره قانونی خود ، صورتی ازکلیه‌فعالیت‌ها ، طرح‌ها و برنامه‌هایی که در طول دوره فعالیت قانونی به اجرا گذارده است و یا در دسـتاجرا دارد در دو نسـخه تهیه و نسـخه اصل را برای فرمانـداری محل ارسال و نسـخه دوم را جهت ثبت‌در سوابق شورا نگهـداری نمایـد. ماده ۳۲ ـ به مـوجب مصوبه ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ حـذف شده است ماده ۳۳ ـ شورا می‌تواند به استناد بند (۱۶) ماده (۷۱) قانون و ماده (۷۷) قـانون و رعایت‌آیین نامه های اجرایی این قـانون و رعـایت سـایر قوانین متنـاسب بـا امکانـات اقتصـادی و تولیـدات ودرآمـدهای اهـالی و طبق آیین نامه مصوب هیات وزیران عوارض وضع نماید. اصـلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۴ ـ شورا می‌بـایست ترتیبی اتخـاذ نمایـد تا ضـمن ارسال قبوض ، از اهالی درخواست نمایـدعوارض پیش‌بینی شـده را در حساب‌هـایی که از قبل به این منظور در نظر گرفته شـده است واریزنماینـد و قسـمت مخصوص از برگ عوارض را برای شورا ارسال دارند. ماده ۳۵ ـ شورا می‌تواند در صورت تمایل اهالی به پرداخت کمک بلاعوض ، جهت اجرای‌برنامه‌ها و طرح‌های شورا ، این کمک را از طریق واریز به حساب‌های افتتاح یافته دریافت نمایـد. تبصـره ـ کمک‌های غیرنقـدی در زمره اموال دراختیار شورا و یا سایر مصارف منظور و در بـدودریافت ثبت می‌شود. اصـلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۶ ـ تمام درآمدهای شورا اعم از کمک‌های بلاعوض مردمی و کمک‌های دولتی درصورت تخصیص و عوارض دریافتی از اهالی باید بر طبق برنامه‌هایی که قبلا به صورت بودجه‌سالانه در قالب طرح‌های عمرانی و یا مصارف جاری به تصویب شورا رسـیده است ، با رعایت‌قوانین و مقررات مربوط به مصرف برسد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ـ در صورت نیاز به اجرای برنامه جدید در طی ایام سال و پس از تصویب بودجه‌سالانه ، شورا می‌تواند به صورت الحاق به بودجه سالانه ، آن برنامه را تنظیم و پس از آن اجرا نماید. ماده ۳۷ ـ در مواردی که طرح‌های مشترک به وسـیله شورای شهرک به اتفاق شورای روستاها وشهرهای مجاور شهرک اجرا می‌شود ، بایددر قالب برنامه‌های مصوب شورا به نحوی که حقوق شـهرک در آن ملحوظ شده باشد صورت پذیرد. ماده ۳۸ ـ شورا موظف است به منظور حفظ و نگهداری کلیه وجوه دریافتی و درآمدهایی که درطول دوره فعالیت قانونی تحصـیل می‌نماید حسابی را در نزد یکی از شعب بانک‌های کشور به نام‌شورا افتتاح نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۹ ـ هرگونه برداشت از حساب موجودی و اعتبـارات شورا ، بایـد در قـالب بودجه سالانـه وطرح‌ها و مخارجی که قبلا به تصویب شورا رسـیده است و با دو امضای رییس و منشـی و مهر شوراصورت گیرد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۰ ـ به مـوجب مصوبه ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است ماده ۴۱ ـ شورا بایـد در پایـان هر سال مالی ، ترازنامه مالی خود را طبق فرم‌های ارسالی از وزارت‌کشور جهت اطلاع عموم اهالی به طریق ممکن انتشار دهد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۲ ـ شورا موظف است در پایان هر سال شمسی و با توجه به برنامه‌های چهار ساله دوره‌خود و برآورد عوایـد و درآمـدهای سال آتی بودجه عمرانی شورا و شـهرک برای سال آینـده را در دونسـخه تنظیم نماید و حداکثر تا پایان اسـفندماه سال نسـخه اصـلی را برای فرمانداری محل و نسخه‌دوم را به عنوان سابقه در دفاتر شورا نگهداری نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱ ـ در صورت نیاز شورا می‌تواند نسبت به اصلاح یا تهیه متمم بودجه اقدام نماید.الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ تبصره ۲ ـ فرمانـداری ذی‌ربـط می‌توانـد نظرات اصـلاحی و تکمیلی خود را به شورا اعلاـم نمایـد.الحـاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ مـاده ۴۰ ـ تمـامی امـوال شـورا اعم از منقول و غیرمنقول تحویـل شورا می‌باشـد ، شورا در مقابل‌حفـظ و نگهـداری آن مسئول است اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ ماده ۴۱ ـ خریـد یـا فروش اموال منقول و نیز اجـاره مکان‌هـای لازم برای شورا و یا کرایه دادن‌اماکن متعلق به شورا ، با توجه به صـرفه و صلاح و رعایت ضوابط قانونی با تصویب شورا مجازاست الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱

تبصره ـ عواید حاصل از فروش و اجاره دارایی‌های شورا باید مستقیما به حساب بانکی شوراواریز شود. الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ ماده ۴۵ ـ آن دسته از کارکنان دولت یا موسسات عمومی غیردولتی که به عضویت شورا درآمده‌و به خدمت‌تمام وقت یا پاره وقت آنان نیاز باشد ، می‌توانند به عنوان مامور به خدمت در شوراها انجام وظیفه نمایند. مدت عضویت جزو سنوات خدمتی آنان محسوب می‌شود و حقوق مزایایانان برابر آخرین حکم استخدامی (یا برابر آنچه که شورا در بودجه مصوب خود مقرر می‌نماید) ازبودجه شورا پرداخت می‌شود. دستگاه‌های اجرایی موظفند حسب درخواست استاندار ذی‌ربط نسبت به صدور حکم مأموریت‌تمام وقت یا پاره وقت اعضای شورا اقدام نمایند. دستورالعمل نحوه صدور حکم مأموریت پاره‌وقت اعضای شوراها توسط دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور ابلاغ خواهد شد.الحاقی‌مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ تبصره ـ حق الزحمه شرکت اعضا در جلسات و حق مأموریت اعضا از محل بودجه شورا وطبق ضوابطی که به تصویب شورا میرسد قابل پرداخت است اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ ماده ۴۶ ـ شورا موظف است در پایان دوره انتخابیه خود ، صورت کاملی از اموال و دارایی‌های‌شورا تنظیم نماید و در اولین روز شروع به کار رسمی دوره جدید شورا ، آن را به اعضای جدید ، طبق‌صورت مذکور تحویل نماید و نسخه‌ای از آن را به شورای جدید و نسخه‌ای دیگر را برای فرماندارمحل ارسال دارد. ماده ۴۷ ـ شورا می‌تواند اطلاعات مورد درخواست فرمانداری را تهیه و به فرمانداری ارسال‌نماید. اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ ماده ۴۸ ـ شورا باید تابلویی از ساعات حضور و کار خود در محل شورا ، جهت اطلاع اهالی درمکانی مناسب نصب نماید. ماده ۴۹ ـ به منظور اجرای مطلوب وهماهنگ قانون شوراهای اسلامی در شهرک‌ها ، وزارت‌کشور در صورت درخواست شوراهای اسلامی شهرک می‌تواند آموزش‌های لازم را به اعضای‌شوراها و نیز مجریان قانون مذکور ارایه دهد. و نیز موظف است آیین نامه های اجرایی موردنیاز راتهیه و پس از تصویب هیات وزیران برای اجرا ابلاغ نماید. اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک – مصوب ۱۶/۴/۱۳۸۱ هیات وزیران

فصل اول :کلیات (ماده ۱ تا ۲۰)

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۶/۴/۱۳۸۱ بنا به پیشنهاد شماره ۵۷۱۵۰ مورخ ۴/۴/۱۳۸۱ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد ماده ۹۴ قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران ـ مصوب ۱۳۷۵ ـ آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱ ـ در این آیین نامه عنوان (قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشورو انتخابات شهرداران) به اختصار (قانون) نامیده می‌شود. ماده ۲ ـ مقصود از عبارت (شورا) در این آیین نامه ، شوراهای اسلامی (شهر و شهرک) می‌باشد. ماده ۳ ـ تاریخ شروع دوره هر شورا ، موضوع ماده (۳) قانون ، تاریخ تشکیل اولین جلسه رسمی‌همان شورا موضوع ماده (۱۶) قانون خواهد بود. تبصره ـ چنانچه به استناد ماده (۳۱) قانون ، انتخابات میان دوره‌ای برگزار شود ، فعالیت شورای‌تشکیل شده برای باقیمانده همان دوره خواهد بود. ماده ۴ ـ تعداد اعضای علی البدل شوراها ، موضوع ماده (۸) قانون ، به‌شرح زیر تعیین می‌شود: ۱ ـ شوراهای دارای ۳ نفر عضو اصلی ، ۲ نفر. ۲ ـ شوراهای دارای ۵ نفر عضو اصلی ، ۳ نفر. ۳ ـ شوراهای دارای ۷ نفر عضو اصلی ، ۴ نفر. ۴ ـ شوراهای دارای ۹ و ۱۱ نفر عضو اصلی ، ۵ نفر. ۵ ـ شورای شهر تهران ، ۶ نفر. ماده ۵ ـ هریک از مکانهای جمعیتی که طبق تصویبنامه هیات وزیران شهر شناخته شود و شهرکهای موضوع ماده (۱۳) قانون و تبصره ذیل آن به‌عنوان یک حوزه انتخابیه محسوب می‌شود. ماده ۶ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است فهرست اسامی و مشخصات شهرکهای موضوع ماده (۱۳) قانون را در اختیار وزارت کشور قرار دهد. تبصره

ـ فهرست اسامی و مشخصات مکانهای جمعیتی موضوع تبصره ذیل ماده (۱۳) قانون توسط فرماندار تهیه و به وزارت کشور ارسال می‌شود تا بنا به تشخیص وزارت کشور ، انتخابات به منظور تشکیل شوراهای اسلامی شهرک در آنها برگزار شود. ماده ۷ ـ در صورتی که انتخابات چند حوزه انتخابیه موضوع ماده (۵) این آیین نامه به طور همزمان برگزار شود ، به‌منظور حفظ استقلال انتخابات هر حوزه ، کلیه اقدامات از قبیل صدور آگهی ها و تنظیم صورتجلسه ها برای هریک از حوزه‌ها به صورت مستقل انجام و سوابق انتخاباتی هر حوزه جداگانه نگهداری می‌شود. ماده ۸ ـ اخذ رای در یکی از روزهای تعطیل رسمی انجام خواهد شد و مدت زمان آن حداقل هشت ساعت خواهد بود. تبصره ـ مدت زمان اخذ رای با تصویب و موافقت مشترک هیات‌های اجرایی و نظارت شهرستان قابل تمدید می‌باشد. ماده ۹ ـ فرماندار موظف است در اجرای ماده (۱۶) قانون ، ظرف یک هفته پس از تایید نهایی صحت انتخابات و قطعی شدن نتیجه آن ، از اعضای اصلی شورا دعوت نماید تا در اولین جلسه رسمی شورا که به ریاست مسن‌ترین عضو تشکیل می‌شود ، نسبت به انتخاب هیات رییسه شورا اقدام نمایند. ماده ۱۰ ـ در صورت اجرای ماده (۹) قانون مبنی بر خروج عضو یا اعضایی از شورا ، رییس یا نایب رییس شورا موظف است بلافاصله مراتب را به‌طور کتبی به اطلاع فرماندار برساند. ماده ۱۱ ـ فرماندار موظف است بلافاصله پس از وصول نامه شورا مبنی بر خروج اعضا ازشورا ، از اعضای علی البدل به ترتیب بیشترین رای برای جایگزینی اعضای خارج شده دعوت به‌عمل آورد و مراتب را به شورای مربوط اعلام نماید. ماده ۱۲ ـ در اجرای ماده (۱۴) و (۳۰) قانون و با رعایت تبصره ذیل آن ، چنانچه فردی درانتخابات بیش از یک شورا ثبت نام نموده و یا احتمالاً عضویت یافت به دستور وزارت کشور نام وی از لیست داوطلبی و یا عضویت شورا حذف می‌شود. این قبیل افراد از عضویت در کلیه شوراهابه مدت چهار سال محروم خواهند بود. ماده ۱۳ ـ برای انتخاب اعضای علی البدل شوراها نیازی به برگ رای یا اخذ رای مجزا و یا مشخص نمودن اعضای علی البدل در برگ رای نیست ، بلکه در پایان رای گیری و قرائت و شمارش آرا ، دارندگان رای به ترتیب بیشترین رای به دست آمده و به تعداد مورد نیاز به عضویت اصلی و یا علی البدل شوراها در میایند. بنابراین رای دهنده اسامی نامزدهای مورد نظر خود را حداکثر به همان تعداد اعضای اصلی شورا در برگ رای درج می‌نماید. ماده ۱۴ ـ هیات اجرایی مسئولاجرای تبصره ذیل ماده (۱۷) قانون می‌باشد. تبصره ـ نامزدهای انتخاباتی ذی نفع در صورت تمایل می‌توانند در جلسه قرعه‌کشی شرکت نمایند. تاریخ و محل قرعه‌کشی باید حداقل (۲۴) ساعت قبل توسط فرماندار به منتخبین ذی ربط ابلاغ شود. ماده ۱۵ ـ انتخابات شورای اسلامی در شهرکهای موضوع ماده (۱۳) قانون و تبصره ذیل آن به‌روش انتخابات شورای اسلامی شهر برگزار می‌شود. ماده ۱۶ ـ سرپرست فرمانداری به جای فرماندار خواهد بود. ماده ۱۷ ـ در اجرای ماده (۴۱) قانون ، نیروی انتظامی در کلیه مراحل مکلف به همکاری بامجریان انتخابات است و حسب درخواست استاندار و فرماندار موظف است مأمورین و امکانات‌خود را در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۸ ـ در صورت توقف ، ابطال و یا انحلال شورا توسط مراجع قانونی مذکور در مواد (۵۸) ، (۸۱) و (۸۴) قانون ، مراجع مذکور موظفند بلافاصله مراتب توقف ، ابطال و یا انحلال شورا را به فرماندار مربوط اعلام نمایند. شروع مهلت ۲ ماهه برای تجدید انتخابات ، از زمان وصول اعلام‌توقف ، ابطال و یا انحلال خواهد بود. ماده ۱۹ ـ فرماندار موظف است به محض اطلاع از توقف ، ابطال و یا انحلال شورا ، مراتب را به‌وزارت کشور اعلام نماید. ماده ۲۰ ـ مجلس شورای اسلامی پیش از شروع انتخابات به استناد ماده (۵۳)قانون ، اعضای هیات مرکزی نظارت بر انتخابات را با ذکر سمت ایشان در هیات به وزارت‌کشور معرفی می‌نماید.

فصل دوم: هیات اجرایی (ماده ۲۱ تا ۳۷)

ماده ۲۱ ـ فرماندار موظف است پس از وصول دستور شروع انتخابات ، براساس ماده (۳۲)قانون به منظور تشکیل هیات اجرایی شهرستان از سایر اعضای اداری هیات دعوت به‌عمل آورد. ماده ۲۲ ـ فرماندار موظف است در اجرای تبصره ذیل ماده (۳۲) قانون ،

به منظور تعیین معتمدین اصلی و علی البدل عضو هیات اجرایی شهرستان (۲۵) نفر از معتمدان اقشار مردم را انتخاب و به‌منظور تایید صلاحیت ، به‌طور کتبی به هیات نظارت شهرستان معرفی نمایـد. ماده ۲۳ ـ هیات نظارت شهرسـتان موظف است حداکثر ظرف (۲) روز پس از وصـول اسـامی ۲۵) نفر معتمـدان از فرمانـدار ، اظهـارنظر کتبی خـود را همراه بـا دلایـل یـا مـدارک لازم به فرمانـدار اعلام‌نمایـد. تبصـره ـ چنانچه هیات نظارت شهرسـتان ، معتمـدان پیشـنهادی فرمانـدار را تایید ننماید ، فرماندار موظف است به همان تعـداد معتمـدان دیگری را به هیات نظارت معرفی نماید. ماده ۲۴ ـ فرمانـدار موظف است پس از وصول نظریه کتبی هیـات نظارت شهرستان ، بلافاصله ۲۵) نفر معتمـدان به‌طور کتبی دعوت به عمل آورد. مـدعوین حـداکثر ظرف (۲) روز از تاریخ دعوت تشـکیل جلسه می‌دهند و پس از حضور حداقل دو سوم آنان (۱۷ نفر از ۲۵ نفر) در حضور هیات نظارت و اعضای اداری هیات اجرایی ، از بین خود (۷)نفر را به عنوان معتمدان اصـلی و (۷) نفر رابه عنوان معتمـدان علی البـدل هیـات اجرایی با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخـاب و مراتب راصـورت جلسه می‌نماینـد. مـاده ۲۵ ـ فرمانـدار موظـف است مراتب انتخـاب معتمـدین اصـلی و علی البـدل و تشـکیل هیات اجرایی را از طریق سلسله مراتب اداری به ستاد انتخابات کشور اعلام نماید. ماده ۲۶ ـ مهلت تشکیل هیات اجرایی از زمان وصول دستور شروع انتخاب حداکثر پنج روزمی‌باشد. ماده ۲۷ ـ دو سوم اعضای هیات اجرایی برای رسمیت جلسات ، موضوع ماده (۳۶) قانون وتبصره (۱) ذیـل آن ، (۷) نفر می‌باشد. ماده ۲۸ ـ روسـای هیات‌های اجرایی و نظارت موظفنـد با هماهنگی لازم ، فردی را که به طور همزمـان در بیش از یـک هیـات اعم از اجرایی یـا نظـارت عضویت دارد ، در یـک هیات ابقا و از سایر هیات ها حـذف نماینـد. ماده ۲۹ ـ هیـات اجرایی موظـف است در اجرای مـواد (۶۲) و (۶۵) قـانون ، یـک نسـخه از کلیه‌صورتجلسه‌هـا و آگهی‌های خود را به هیات نظارت شهرسـتان تحویل نمایـد. ماده ۳۰ ـ هیـات اجرایی در مهلت مقرر و در اجرای مـاده (۳۹) قانون ، تشـکیل جلسه می‌دهد وتعداد و محل شـعب ثبت نام و اخذ رای حوزه انتخابیه را تعیین و پس از تنظیم صورت‌جلسه ، یک‌نسخه آن را به فرمانـدار تسـلیم می‌نماید. ماده ۳۱ ـ فرمانـدار موظف است براسـاس صورت جلسه دریـافتی از هیـات اجرایی ، آگهی انتخابات حاوی تاریـخ اخـذ رای ، ساعات اخـذ رای ، شـرایط انتخاب‌کننـدگان ، جرایم و تخلفات و مقررات جزایی و محل شـعب ثبت نام و اخـذ رای را تنظیم و در موعد مقرر برای اطلاع عموم درحوزه انتخابیه منتشـر نماید. ماده ۳۲ ـ فرمانـدار موظف است در اجرای ماده (۴۰) قانون ، پس از وصول اسامی اعضای شـعبه‌ثبت نام و اخـذ رای نسـبت به صـدور احکام آنان اقدام نماید و برای تحویل گرفتن صنـدوق و تعرفه وبرگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی و شـرکت در جلسه توجیهی ، از ایشان دعوت به عمل آورد. ماده ۳۳ ـ فرمانـدار موظف است اتخاذ نماید که یک روز قبل از روز اخذ رای ، محل شـعب‌ثبت‌نام و اخذ رای آماده شود. ماده ۳۴ ـ فرماندار موظف است برای هریک از شـعب ثبت نام و اخـذ رای یک نفر نماینـده که‌بایـد حتی الامکان از کارمنـدان دولت باشـد ، از طرف خود تعیین و نسبت به صـدور حکم آنـان اقـدام نمایـد و از ایشـان برای شـرکت در جلسه توجیهی دعوت به عمـل آورد. ماده ۳۵ ـ فرماندار موظف است در حضور اعضای هیات اجرایی و پس از حضور اعضای شعب ثبت نام و اخذ رای و نمایندگان فرماندار ، در جلسه توجیهی ، نسـبت به توجیه برنامه ثبت نام و اخذ رای و قرائت و شـمارش آرا و ارایه سایر آموزشهای لازم اقدام نماید و سپس صندوق و تعرفه و برگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی مورد نیاز را توسط هیات اجرایی به اعضای شعب تحویل دهد و ترتیبی اتخاذ نماید تا قبل از شروع اخذ رای در محل شعبه حاضر باشند. تبصره ـ مسئولیت حفظ و حراست از تعرفه و برگهای رای به منظور جلوگیری از خروج آنها ازمحل شـعبه اخذ رای به عهده اعضای شعبه می‌باشد. ماده ۳۶ ـ در صورت تعیین و معرفی کتبی ناظر برای هریک از شـعب ثبت نام و اخـذ رای ازطرف هیات نظارت شهرسـتان ، فرماندار موظف است نسبت به اعزام وی به‌نحوی که قبل از شروع اخذ رای در محل شـعبه حضور داشته باشد ، اقدام نماید. ماده ۳۷ ـ فرماندار موظف است برای حفاظت شـعب ثبت نام و اخذ رای بـا همکـاری و همـاهنگی نیروی انتظامی به تعـداد لازم و حـداکثر تا (۳) نفر از مأموران مـذکور انتخاب و ضـمن صـدور ابلاغ نامبردگان ، آنان را به همراه نماینده خود و ناظر و اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای به محل اعزام نماید.

فصل سوم هیات‌های نظارت (ماده ۳۸ تا ۴۴)

ماده ۳۸ ـ در اجرای مـاده (۵۳) قـانون و به اسـتناد ماده (۷۳) قانون اصـلاح قانون تشـکیلات‌شوراهای اسـلامی کشوری و انتخابات شوراهـای مزبور ـ مصوب ـ ۲۹/۴/۱۳۶۹ به منظور نظـارت برامر انتخابـات شوراهـا ، هیـات مرکزی نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسـلامی کشـوری متشکل از(۳) نفر از اعضـای کمیسـیون شوراهـا و امـور داخلی (۲) نفر از اعضـای کمیسـیون اصـل (۹۰) به انتخاب‌مجلس شورای اسـلامی تشـکیل می‌شود. تبصره ـ در صورتی که به تعداد لازم از کمیسیونهای مذکور داوطلب نباشد مجلس از میان سایرنمایندگان داوطلب (۵) نفر را انتخاب می‌نماید. ماده ۳۹ ـ در اجرای ماده (۵۳) قانون و به استناد ماده (۷۴) قانون اصلاح قـانون تشـکیلات شوراهـای اسـلامی کشـوری و انتخابـات شوراهـای مزبور ـ مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵ به منظـور نظـارت برامر انتخابـات شوراهای اسـلامی کشور در هر اسـتان هیات نظارت استان مرکب از سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن استان به تعیین هیـات مرکزی نظـارت تشـکیل می‌شود. هیـات مرکزی نظـارت پس از تعیین اعضـای هیـات نظارت اسـتان ، اسامی آنان را به سـتاد انتخابات اسـتان مربوط به‌ستاد انتخابات کشور اعلام می‌نماید. تبصره ـ در هر استانی که تعداد نمایندگان آن از سه نفر کمتر باشد و یا به حـد نصاب از آن اسـتان داوطلب نباشـد ، تعیین بقیه اعضا از بین نماینـدگان اسـتانهای مجاور با هیات مرکزی نظارت‌می‌باشـد. ماده ۴۰ ـ سـتاد انتخابـات اسـتان پس از وصول اسـامی اعضای هیات نظارت اسـتان ، اسامی‌نامبردگان را به فرمانـداریهای تابع اعلام می‌نماید. ماده ۴۱ ـ هیات نظارت اسـتان در هر شهرسـتان ، هیات نظارت شهرسـتان بر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری را مرکب از (۵) نفر از معتمدان محل تشـکیل می‌دهد و اسامی آنان را به فرمانداری‌ذی‌ربط و سـتاد انتخابات اسـتان اعلام می‌نماید. ماده ۴۲ ـ هیات نظارت شهرسـتان می‌تواند برای هر شـعبه ثبت نام و اخذ رای یک نفر ناظرتعیین و نامبرده را حداکثر تا یک روز مانده به روز اخـذ رای به فرمانـدار معرفی نمایـد. ماده ۴۳ ـ شـرکت اعضـای هیـات نظـارت شهرسـتان در جلسات هیات اجرایی به منظور نظارت برصـحت برگزاری انتخابـات می‌باشـد و عـدم حضور آنـان در جلسـات و یا خودداری از امضای صورت جلسه ها مانع از ادامه کار انتخابـات نخواهـد بود. ماده ۴۴ ـ هیات‌هـای نظـارت در چهـارچوب قـانون و آییـن نـامه اجرایی تنهـا نـاظر بر اجرای صـحیح قـانون می‌باشند و حق دخالت در امور اجرایی انتخابات را ندارند.

فصل چهارم اعلام داوطلبی ، بررسی سوابق و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان (ماده ۴۵ تا ۶۰

ماده ۴۵ ـ فرماندار موظف است بلافاصـله پس از وصول دسـتور شـروع انتخابات ، آگهی ثبت نام‌از داوطلبان ، حاوی تاریخ شروع و خاتمه ثبت نام ، محل ثبت نام ، شـرایط انتخاب شونـدگان و مـدارک مورد نیاز شامل اصل شناسـنامه عکس دار ، دو نسـخه تصویر کلیه صفحه های شناسنامه و چهار قطعه عکس جدید ۴ * ۳ را منتشر نماید و ظرف مهلت مقرر از داوطلبان عضویت در شوراها ثبت نام به‌عمل آورد. ماده ۴۶ ـ فرماندار می‌تواند با صدور حکم کتبی ، مسئولیا مسوولانی از بین کارمندان‌فرمانداری را برای ثبت نام از داوطلبـان عضویت در شوراها تعیین نمایـد. ماده ۴۷ ـ داوطلبـان عضویت در شوراهـا در مهلت مقرر بـا مراجعه به فرمانـداری و ارایه مدارک‌مورد نیاز شـخصا پرسشـنامه اعلام داوطلبی را در دو نسـخه در حضور مسـئول‌ثبت نام تکمیل می‌نمایند. مسئول‌ثبت نام پس از دریافت و تطبیق مشـخصات سـجلی با اصل شناسـنامه ، رسـید مدارک و پرسشـنامه را به وی تسلیم می‌دارد. ماده ۴۸ ـ هیات اجرایی بلافاصله پس از تشکیل ، مقدمات رسیدگی به صلاحیت داوطلبان رافراهم می‌نماید. ماده ۴۹ ـ فرماندار موظف است در اجرای ماده (۴۶) قـانون ، در پایان هر روز اسامی ومشـخصات کلیه داوطلبان را به منظور بررسـی سوابق ، حسب مورد به مراجع ذی‌ربط محل از

قبیل‌اداره اطلاعات ، نیروی انتظامی ، دادگستری و ثبت احوال ارسال نماید. تبصره ـ فرماندار موظف است به منظور پر هیز از هرگونه اشتباه و از قلم افتادگی ، در پایان مهلت قانونی ثبت نام نیز بلافاصله اسامی کلیه داوطلبان حوزه انتخابیه را که سوابق آنها از قبل استعلام شده است براساس حروف الفبا به مراجع یاد شده ارسال نماید. ماده ۵۰ ـ مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند در اجرای تبصره (۲) ذیل همان ماده‌حداکثر ظرف مدت ده روز پس از وصول اسامی و مشخصات هریک از داوطلبان ، نتیجه بررسی‌هایانجام شده در خصوص سوابق آنان را به‌طور کتبی به فرماندار اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ اظهارنظر و تصمیم‌گیری در خصوص تایید یا عدم تایید صلاحیت داوطلبان براساس قانون تنها از وظایف و اختیارات هیات‌های اجرایی با تایید هیات نظارت می‌باشد و دستگاههای یادشده در ماده (۴۶) قانون حق اظهارنظر در این مورد را ندارند و موظفند فقط سوابق داوطلبان را منعکس نمایند. تبصره ۲ ـ مراجع مذکور در ماده ۴۶ قانون موظفند کلیه اطلاعات و سوابق ذی ربط داوطلبان استعلام شده را طبق فرمی که در چارچوب قانون تنظیم و توسط رییس هیات اجرایی در اختیار آنها قرار خواهد گرفت ، به هیات اجرایی اعلام نمایند. ماده ۵۱ ـ فرماندار موظف است به محض وصول اطلاعات لازم درباره سوابق هریک ازداوطلبان ، جلسات هیات اجرایی را تشکیل دهد و حداکثر ظرف مدت هفت روز پس از وصول سوابق هریک از داوطلبان با رعایت کامل متن ماده (۴۹) قانون ، به صلاحیت آنان رسیدگی و نتیجه‌را صورتجلسه نماید و بلافاصله یک نسخه از هریک از صورت‌جلسه تنظیمی را به هیات نظارت شهرستان ارسال نماید. ماده ۵۲ ـ هیات نظارت شهرستان پس‌از وصول ، جلسات رسیدگی به صلاحیت داوطلبان ، به‌استناد ماده (۴۸) قانون موظف است حداکثر ظرف مدت (۷) روز از وصول هریک از صورتجلسات ، نظریه خود مبنی بر تایید یا رد صلاحیت داوطلبان را به‌طور کتبی و با ذکر دلایل قانونی و مدارک‌لازم به فرماندار اعلام نماید. ماده ۵۳ ـ فرماندار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت شهرستان مبنی بر تایید یارد تصمیمات هیات اجرایی شهرستان در خصوص بررسی صلاحیت داوطلبان و همچنین با رعایت قسمت اخیر ماده (۴۸) قانون مبنی بر ملاک عمل بودن نظر هیات اجرایی پس از پایان مهلت تعیین‌شده برای هیات نظارت ، بلافاصله مراتب تایید یا رد صلاحیت هریک از داوطلبان را به طور کتبی به داوطلب تایید شده یا رد شده ذی‌ربط ابلاغ نماید. ماده ۵۴ ـ هیات نظارت استان موظف است ظرف مهلت مقرر در تبصره (۳) ماده (۵۰) قانون ، نظر خود در خصوص تایید یا رد صلاحیت آن دسته از داوطلبانی که صلاحیتشان در هیات اجرایی‌رد شده و شاکی بوده‌اند را با تنظیم صورتجلسه به ضمیمه نامه رسمی به منظور ارسال به فرمانداری‌مربوط به ستاد انتخابات استانداری تسلیم نماید. تبصره ـ چنانچه در مهلت مقرر هیچ‌گونه شکایتی از حوزه انتخابیه واصل نشد ، مراتب‌صورتجلسه و به همان نحو عمل خواهد شد. ماده ۵۵ ـ ستاد انتخابات استانداری موظف است پس از وصول صورتجلسه رسیدگی به‌شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده از هیات نظارت استان ، بلافاصله مراتب را به فرمانداری‌مربوط اعلام نماید. ماده ۵۶ ـ فرماندار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت استان ، آگهی اسامی نامزدهای انتخاباتی را حداکثر ظرف سه روز تهیه و هشت روز قبل از روز اخذ رای به منظور اطلاع اهالی حوزه انتخابیه ، در حوزه مذکور منتشر نماید. ماده ۵۷ ـ در اجرای ماده (۲۴) قانون ، نامزدهای انتخاباتی در صورت تمایل به داشتن نماینده درمحل شعبه ثبت‌نام و اخذ رای موظفند حداکثر تا سه روز قبل از روز اخذ رای اسامی و مشخصات ویک قطعه عکس نمایندگان خود را به هیات اجرایی تسلیم نمایند. ماده ۵۸ ـ هیات اجرایی موظف است برای نمایندگان نامزدهای انتخاباتی ، معرفی‌نامه و یاکارت شناسایی صادر و به نامزد ذی‌ربط تحویل نماید. ماده ۵۹ ـ شکایات و اعتراضات نمایندگان نامزدهای انتخاباتی از طریق نامزدهای مربوط جمع آوری و با امضای وی به هیات‌های اجرایی و نظارت شهرستان تسلیم خواهد شد. ماده ۶۰ ـ تدارکات و تامین احتیاجات مورد تقاضای هریک از نمایندگان نامزدها به عهده نامزدمعرفی‌کننده خواهد بود.

فصل پنجم تبلیغات (ماده ۶۱ تا ۶۶)

ماده ۶۱ ـ مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی برای کلیه نامزدها یکسان است و (۸) روز قبل از روزاخذ رای آغاز و تا (۲۴) ساعت قبل از روز اخذ رای ادامه خواهد داشت ماده ۶۲ ـ در فعالیتهای تبلیغات انتخاباتی ، انجام امور ذیل ممنوع است و مرتکبین تحت پیگردقانونی قرار می گیرند. ۱ ـ نوشتن و یا ارایه مطالب خلاف واقع ۲ ـ استفاده از هرگونه دیوارنویسی ، کاروانهای تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج ازمحیط سخنرانی و امثال اینها. ۳ ـ استفاده از عکس با لباس فرم نیروهای نظامی و انتظامی ۴ ـ الصاق هرگونه عکس ، آگهی و آثار تبلیغاتی بر روی علایم راهنمایی و رانندگی ، تابلوی‌بیمارستانها ، مکانها و موسسات آموزشی و تابلوهای نصب شده در معابر عمومی توسط بخش‌دولتی و وابسته به دولت ، تابلوها و املاک بخش خصوصی ، رضایت مالکین یا متصرفین ، صندوقهای پست ، باجه‌های تلفن ، پستهای برق و تلفن و هرگونه تابلوی راهنما. ۵ ـ تبلیغ علیه نامزدها و هرگونه هتک حرمت و حیثیت آنان ۶ ـ پاره یا معدوم نمودن عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی در مدت و زمان قانونی‌تبلیغات ۷ ـ انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی له یا علیه نامزدها از صدا و سیما ، میز خطابه نماز جمعه وتریبون مجلس شورای اسلامی و یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی یا دولتی دارد و فعالیت‌کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات وشرکتهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها و موسساتی که از بودجه عمومی (به مقدار)استفاده می‌نمایند و موسسات و نهادهایی که دارایی آنان از اموال عمومی است و همچنین در اختیارگذاشتن وسایل و امکانات مذکور. ۸ ـ فعالیت تبلیغاتی انتخابات تبصره ۱ ـ درجات تحصیلی و سوابق خدمات و فعالیت های مورد ادعا در آثار تبلیغاتی باید مستند به مدارکی باشد که در صورت نیاز هیات اجرایی ، ارایه آنها امکان پذیر باشد. تبصره ۲ ـ می‌توانند با استفاده از امکانات محلی ، محلهای مناسبی را برای الصاق و یا ارایه آثار تبلیغاتی نامزدها تعیین نمایند. تبصره ۳ ـ استفاده از امکانات تبلیغی موسساتی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می کنندولی با رعایت ضوابط برای آنها کارهای تبلیغاتی انجام می‌دهند. ماده ۶۳ ـ در صورتی که مطبوعات و نشریات آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج‌کنند و یا مطالبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد ، نامزدها حق‌دارند پاسخ خود را به نشریه مزبور بدهند و آن نشریه طبق قانون مطبوعات مکلف به چاپ فوری آن‌در اولین شماره می‌باشد. ماده ۶۴ ـ انتشار اعلام نظر شخصیتها (بدون ذکر عنوان و مسئولیت آنان ، مجامع ، احزاب وگروههای مجاز ، در تایید نامزد انتخاباتی باید مستند به مدرک کتبی و امضا شده مربوط به تایید و حمایت باشد و در صورت درخواست هیات اجرایی ، نامزد انتخاباتی مکلف به ارایه این مستندات‌و مدارک می‌باشد. ماده ۶۵ ـ نشانی و محل ستاد و نام مسئولآن باید کتبا و با امضای نامزد انتخاباتی مربوط ، به آگاهی هیات اجرایی حوزه انتخابیه برسد. ماده ۶۶ ـ هرگونه عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی که در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای وجود دارد باید قبل از شروع اخذ رای ، توسط اعضای شعبه امحا شود. فصل پنجم تبلیغات (ماده ۶۱ تا ۶۶) فصل پنجم تبلیغات ماده ۶۱ ـ مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی برای کلیه نامزدها یکسان است و (۸) روز قبل از روزاخذ رای آغاز و تا (۲۴) ساعت قبل از روز اخذ رای ادامه خواهد داشت ماده ۶۲ ـ در فعالیتهای تبلیغات انتخاباتی ، انجام امور ذیل ممنوع است و مرتکبین تحت پیگردقانونی قرار می گیرند. ۱ ـ نوشتن و یا ارایه مطالب خلاف واقع ۲ ـ استفاده از هرگونه دیوارنویسی ، کاروانهای تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج ازمحیط سخنرانی و امثال اینها. ۳ ـ استفاده از عکس با لباس فرم نیروهای نظامی و انتظامی ۴ ـ الصاق هرگونه عکس ، آگهی و آثار تبلیغاتی بر روی علایم راهنمایی و رانندگی ، تابلوی‌بیمارستانها ، مکانها و موسسات آموزشی و تابلوهای نصب شده در معابر عمومی توسط بخش‌دولتی و وابسته به دولت ، تابلوها و املاک بخش خصوصی ، رضایت مالکین یا متصرفین ، صندوقهای پست ، باجه‌های تلفن ، پستهای برق و تلفن و هرگونه تابلوی راهنما. ۵ ـ تبلیغ علیه نامزدها و هرگونه هتک حرمت و حیثیت آنان ۶ ـ پاره یا معدوم نمودن عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی در مدت و زمان قانونی‌تبلیغات ۷ ـ انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی له یا علیه نامزدها از صدا و سیما ، میز خطابه نماز جمعه

وتريبون مجلس شوراى اسلامى و يا هر وسيله ديگرى كه جنبه رسمى يا دولتى دارد و فعاليت‌كارمندان در ساعات ادارى و همچنين استفاده از وسايل و ساير امكانات وزارتخانه‌ها و ادارات وشركتهاى دولتى و موسسات وابسته به دولت و نهادها و موسساتى كه از بودجه عمومى (به مقدار)استفاده مى‌نمايند و موسسات و نهادهايى كه دارايى آنان از اموال عمومى است و همچنين در اختيارگذاشتن وسايل و امكانات مذكور. ۸ ـ فعاليت تبليغاتى انتخابات تبصره ۱ ـ درجات تحصيلى و سوابق خدمات و فعاليت هاى مورد ادعا در آثار تبليغاتى بايد مستند به مداركى باشد كه در صورت نياز هيات اجرايى ، ارايه آنها امكان پذير باشد. تبصره ۲ ـ مى‌توانند با استفاده از امكانات محلى ، محلهاى مناسبى را براى الصاق و يا ارايه آثار تبليغاتى نامزدها تعيين نمايند. تبصره ۳ ـ استفاده از امكانات تبليغى موسساتى كه به نحوى از بودجه عمومى استفاده مى‌كنندولى با رعايت ضوابط براى آنها كارهاى تبليغاتى انجام مى‌دهند. ماده ۶۳ ـ در صورتى كه مطبوعات و نشريات آگهى يا مطالبى عليه نامزدهاى انتخاباتى درج‌كنند و يا مطالبى بنويسند كه دال بر انصراف گروه يا اشخاصى از نامزدهاى معين باشد ، نامزدها حق‌دارند پاسخ خود را به نشريه مزبور بدهند و آن نشريه طبق قانون مطبوعات مكلف به چاپ فورى آن‌در اولين شماره مى‌باشد. ماده ۶۴ ـ انتشار اعلام نظر شخصيتها (بدون ذكر عنوان و مسئوليت آنان ، مجامع ، احزاب وگروههاى مجاز ، در تاييد نامزد انتخاباتى بايد مستند به مدرك كتبى و امضا شده مربوط به تاييد و حمايت باشد و در صورت درخواست هيات اجرايى ، نامزد انتخاباتى مكلف به ارايه اين مستندات‌و مدارك مى‌باشد. ماده ۶۵ ـ نشانى و محل ستاد و نام مسئولآن بايد كتبا و با امضاى نامزد انتخاباتى مربوط ، به آگاهى هيات اجرايى حوزه انتخابيه برسد. ماده ۶۶ ـ هرگونه عكس و آثار تبليغاتى نامزدهاى انتخاباتى كه در محل شعبه ثبت نام و اخذ راى وجود دارد بايد قبل از شروع اخذ راى ، توسط اعضاى شعبه امحا شود.

فصل ششم برنامه روز اخذ راى و قرائت آرا و اعلام نتيجه اخذ راى (ماده ۶۷ تا ۶۹

ماده ۶۷ ـ اعضاى شعبه ثبت نام و اخذ راى حداقل يك ساعت قبل از وقت مقرر در محل شعبه‌حاضر مى‌شوند. ابتدا به استناد تبصره (۲) ذيل ماده (۴۰) قانون ، نسبت به انتخاب هيات رييسه و منشى‌ها اقدام و مراتب را در صورت جلسه درج مى‌نمايند ، سپس صندوق اخذ راى را در حضور نماينده فرماندار و ناظر بر انتخابات (در صورت حضور) باز مى‌كنند و پس از حصول اطمينان از خالى بودن صندوق ، آن را لفاف ، با لاك و مهر شعبه ثبت نام و اخذ راى لاك و مهر مى‌نمايند و پس‌از امضا و تاييد مراتب فوق در صورتجلسه ، برنامه اخذ راى و قرائت آرا را در (۶) مرحله به شرح‌زير انجام مى‌دهند: الف ـ مرحله مراجعه راى‌دهندگان ب ـ مرحله كنترل ج ـ مرحله ثبت‌نام د ـ مرحله اخذ راى ه ـ مرحله قرائت و شمارش آرا . و ـ مرحله تنظيم و تكميل صورتجلسه الف ـ مرحله مراجعه راى دهندگان ۱ ـ اعضاى شعبه بايد ترتيبى اتخاذ نمايند كه راى دهندگان از يك سمت وارد محل شعبه شوند وپس از دادن راى از سمت ديگر خارج گردند. ۲ ـ مأمورين انتظامى موظفند طبق دستور نماينده فرماندار يا رييس شعبه ثبت نام و اخذ راى ازازدحام در داخل محوطه اخذ راى ممانعت نمايند تا اخذ راى در كمال آرامش انجام پذيرد. ۳ ـ راى دهندگان با در دست داشتن عين شناسنامه خود در محل شعبه ثبت نام و اخذ راى‌حضور مى‌يابند و به ترتيب به منظور ثبت نام و دادن راى وارد محوطه اخذ راى مى‌شوند. ب ـ مرحله كنترل كنترل در سه مرحله انجام مى‌شود: ۱ ـ كنترل شناسنامه رييس شعبه يا هريك از سه منشى شعبه ثبت نام و اخذ راى با ملاحظه شناسنامه راى دهنده موارد زير را مورد توجه قرار مى‌دهند: الف ـ شناسنامه به مهر شعب ديگر ممهور نشده باشد. ب ـ شناسنامه متعلق به شخص مراجعه‌كننده بوده و صاحب آن در روز اخذ راى حداقل (۱۵) سال تمام سن داشته باشد. ۲ ـ رييس شعبه و يا هريك از سه منشى ، انگشت سبابه دست راست راى‌دهنده را كنترل مى‌نمايد تا آلوده به رنگ جوهر استامپ ، كه نشانه‌دهنده راى در شعبه ديگر است ، نباشد. در صورتى كه مراجعه‌كننده داراى شناسنامه‌اى باشد كه ممهور به مهر انتخابات در

روز اخذ رای است و دلالت بر دادن رای در شعبه دیگری نماید و یا در انگشت سبابه او اثر جوهر استامپ شعبه اخذ رای دیگری مشاهده شود ، از وی رای گیری نخواهد شد. ۳ ـ کنترل شرط احراز توطن به استناد بند (۳) ماده (۲۵) و تبصره ذیل آن ، اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای به روشهای مقتضی کنترل می‌نمایند که شخص رای دهنده و یا افراد تحت تکفل وی (همسر و فرزندان حداقل یک سال متوالی متصل به زمان اخذ رای در محل سکونت داشته باشد. به استناد قسمت اخیر بند (۳) ماده (۲۵) قانون ، در شهرها و شهرکهای بالای یکصدهزار نفرجمعیت نیازی به احراز سکونت نمی‌باشد. ج ـ مرحله ثبت نام ۱ ـ پس از انجام مرحله کنترل و حصول اطمینان از اینکه شناسنامه متعلق به مراجعه‌کننده استو واجد شرایط رای دادن می‌باشد ، یک نفر از منشی‌ها نسبت به ثبت مشخصات وی بر اساس مندرجات شناسنامه بر روی برگ تعرفه اقدام و پس از اخذ اثر انگشت رای دهنده روی برگ تعرفه ، آن را با قید تاریخ با مهر انتخابات ممهور و امضا می‌نماید. ۲ ـ متصدی ثبت نام ، شناسنامه رای دهنده را نیز به مهر انتخابات ممهور و به وی تحویل‌می‌نماید. د ـ مرحله اخذ رای ۱ ـ پس از ثبت نام از رای دهنده ، متصدی ثبت نام برگ رای را بعد از ممهور نمودن به مهر انتخابات از محل نقطه چین از تعرفه انتخاباتی جدا می کند و به رای دهنده تسلیم می‌نماید تا رای دهنده اسم نامزد یا نامزدهای موردنظر خود را حداکثر به تعداد اعضای اصلی شورا بر روی آن بنویسید ، تا کند ، داخل صندوق بیاندازد و از درب خروجی شعبه خارج شود. بدیهی است تعرفه‌های انتخاباتی در محل شعبه باقی می‌ماند و باید در نگهداری و حفاظت آنها دقت و مراقبت کامل به عمل آید. ۲ ـ نماینده فرماندار و اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رای نویسی مخفی باشد و به صورت کاملاـ آزاد و بدون اعمال نفوذ شخص دیگری انجام پذیرد و هیچ یک ازاعضای شعبه و نماینده فرماندار و مأمورین انتظامی و نماینده هیات نظارت و اصولا کلیه افرادی که‌به هرگونه در شعبه وظیفه‌ای برعهده دارند حق نوشتن رای برای اشخاص را ندارند. در صورتی که برای نوشتن رای نیاز به فرد دیگری باشد ، رای دهنده بایستی از وجود افراد خارج از شعبه که مورد اعتماد وی هستند ، استفاده نماید و اعضای شعبه نیز کنترل نمایند تا عمل خلاف قانون انجام نگیرد. ۳ ـ نماینده هیات نظارت حق دخالت در امور اجرای ی انتخابات را ندارد و در صورت مشاهده ارتکاب به تخلفات مندرج در ماده (۶۷) قانون موظف است مراتب را به اعضای شعبه و نماینده فرماندار تذکر دهد و آنان ضمن بررسی موضوع باید فرد یا افراد خاطی را توسط مأمورین انتظامی‌حاضر در شعبه جلب و مراتب را صورتجلسه نمایند و همراه خاطی تحویل مقامهای قضایی دهند. ه ـ مرحله قرای ت و شمارش آرا یکم ـ شیوه دستی اعضای شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای در صورت حصول اطمینان از اینکه کلیه مراجعه‌کنندگان رای خود را در صندوقهای رای انداخته‌اند و دیگر کسی برای دادن رای در محل شعبه حضور ندارد ، بلافاصله پس از شمارش تعرفه ها و ثبت تعداد آن در صورت جلسه ، با حضور نماینده فرماندار و نماینده هیات نظارت ، شمارش و قرای ت آرا را به ترتیب ذیل آغاز می‌نمایند: ۱ ـ ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرائت شود شمارش می کنند و پس ازتطبیق تعداد آنها با تعداد برگهای تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می‌نماید: الف ـ چنانچه تعداد اوراق رای داخل صندوق بیشتر از تعداد تعرفه‌ها باشد براساس بند (ج) ماده ۲۰) قانون ، به تعداد اضافی ابتدا از اوراق غیرچاپی و متفرقه و سپس از مجموع برگهای رای ، بدون اینکه خوانده شود برمی‌دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن قید و تعداد آن را در صورت جلسه اخذ رای نیز درج و در پایان ضمیمه صورتجلسه می‌نمایند. ب ـ در صورتیکه تعداد اوراق رای داخل صندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه‌ها باشد ، اقدام‌خاصی صورت نمی گیرد و فقط مراتب در صورتجلسه درج می‌شود. ۲ ـ پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یادشده انجام شد ، قرائت آرا با رعایت مواد (۱۹) ، (۲۰) ، (۲۱) و (۲۲) و (۲۳) قانون و بندها و تبصره‌های ذیل آنها انجام خواهد شد. دوم ـ با استفاده از سیستم رای انه‌ای در شعبه چنانچه با توافق وزارت کشور و هیات‌مرکزی نظارت مقرر شده باشد که کار قرائت و شمارش آرا با سیستم رایانه ای انجام شود اعضای‌شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای و حصول اطمینان از اینکه کلیه مراجعه کنندگان رای خود

را در صندوقهای رای انداخته‌اند دیگر کسی برای رای دادن در محل شعبه حضور ندارد با حضور نماینده فرماندار و ناظر هیات نظارت کار شمارش آرا را به شرح زیر انجام می‌دهند: ۱ ـ ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرائت شود شمارش می کنند و پس ازتطبیق تعداد آنها با تعداد برگهای تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می‌نمایند: ۱/۱ ـ چنانچه تعداد اوراق رای داخل صندوق بیشتر از تعداد تعرفه‌ها باشد بر اساس بند (ج) ماده ۲۰) قانون ، به تعداد اضافی ابتدا از اوراق غیرچاپی و متفرقه و سپس از مجموع برگهای رای ، بدون اینکه خوانده شود بر می‌دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن قید و تعداد آن را در صورت جلسه اخذ رای نیز درج و در پایان ضمیمه صورت جلسه می‌نمایند. ۲ /۱ ـ در صورتی که تعداد اوراق رای داخل صندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه‌ها باشد ، اقدام خاصی صورت نمی گیرد و فقط مراتب در صورت جلسه درج می‌شود. ۲ ـ پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یاد شده انجام شد ، قرائت آرا بارعایت مواد (۱۹) ، (۲۰) ، (۲۱) ، (۲۲) و (۲۳) قانون و بندها و تبصره‌های ذیل آن‌ها انجام خواهد شد. ۳ ـ چنانچه امکانات رایانه ای در محل شعبه فراهم شده باشد علاوه بر ورود اطلاعات حاصل از شمارش آرا توسط کاربر نتایج قرائت آرای هر یک از نامزدها نیز وارد سیستم رایانه ای می گردد. درپایان نتایج کلی شمارش و قرائت آرای شعبه توسط رای انه ارای ه و طی صورتجلسه به امضای کاربر ، اعضای شعبه ، نماینده ، فرماندار و ناظر شعبه می‌رسد. الحاقی مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۱ سوم ـ با استفاده از سیستم رای انه در محل استقرار دستگاهها: ۱ ـ چنانچه با توافق وزارت کشور و هیات مرکزی نظارت مقرر شده باشد که کار قرائت و شمارش آرا با سیستم رایانه ای انجام شود اعضای شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای و حصول اطمینان از اینکه کلیه مراجعه کنندگان رای خود را در صندوقهای رای انداخته‌اند و دیگر کسی برای رای دادن در محل شعبه حضور ندارند با حضور نماینده فرماندار و ناظر ، هیات نظارت کار شمارش آرا را به شرح زیر انجام می‌دهند: ۲ ـ ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی‌ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرائت شود شمارش می کنند و پس ازتطبیق تعداد آنها با تعداد برگهای تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می‌نمایند: ۱/۲ ـ چنانچه تعداد اوراق رای داخل صندوق بیشتر از تعداد تعرفه‌ها باشد بر اساس بند (ج) ماده ۲۰ قانون ، به تعداد اضافتی ابتدا از اوراق غیرچاپی و متفرقه و سپس از مجموع برگهای رای ، بدون‌اینکه خوانده شود بر می‌دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن قید و تعداد آن را در پایان ضمیمه‌صورتجلسه می‌نمایند. ۲/۲ـ در صورتی که تعداد اوراق رای صندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه‌ها باشد اقدام‌خاصی صورت نمی گیرد و مراتب در صورت جلسه درج می‌شود. ۳ ـ پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یاد شده انجام شد ، قرائت آرا با رعایت مواد (۱۹) ، (۲۰) ، (۲۱) ، (۲۲) و (۲۳) قانون و بندها و تبصره‌های ذیل آنها انجام خواهد شد. ۴ ـ چنانچه امکانات رایانه ای در محل شعبه فراهم نباشد ، اعضای شعبه ثبت نام واخذ رای موظفند همراه با نماینده فرماندار ، بخشدار ، ناظر شعبه و مأمورین محافظ صندوق ، صندوق یاصندوقهای محتوی تعرفه و آرا را برای قرائت و شمارش آرا به محل استقرار سیستم رایانه ای که ازقبل مشخص شده است حمل نمایند. در صورت عدم امکان حضور تمامی اعضای شعبه ، حضوررییس یا نایب رییس آن الزامی است ۵ ـ پس از رسیدن مسولان شعبه و صندوق اخذ رای به محل استقرار سیستم رایانه ای ، صندوق اخذ رای باز و از آرای ریخته شده در آن که قبلا آرای باطله مأخوذه و باطله غیرمأخوذه از آنها جداشده است علاوه بر ورود اطلاعات حاصل از شمارش آرا توسط کاربر نتایج قرائت آرای هر یک ازنامزدها نیز وارد سیستم رایانه ای می گردد و در پایان نتایج کلی شمارش و قرائت آرای شعبه توسطرای انه ارای ه و طی صورت جلسه‌ای به امضای کاربر ، اعضای شعبه ، نماینده فرماندار و ناظر شعبه‌می‌رسد.) و ـ مرحله تنظیم صورتجلسه پس از خاتمه شمارش و قرائت آرا ، صورتجلسه اخذ رای شعبه در پنج نسخه تنظیم و سپس‌تعداد رای هریک از نامزدها در صورتجلسه قید می‌شود. پس از انجام این کار ، صورتجلسه به امضای‌نماینده فرماندار و اعضای شعبه اخذ رای و نماینده هیات نظارت می‌رسد و بلافاصله کلیه اوراق ومدارک انتخاباتی و یک نسخه از صورتجلسه تنظیمی داخل صندوق رای قرار داده می‌شوند

و پس ازلاک و مهر شدن صندوق یا صندوقها ، اعضای شعبه اخذ رای به اتفاق نماینده فرماندار و به همراه‌نماینده هیات نظارت و مأموران محافظ صندوق ، صندوق یا صندوقهای رای را همراه با یک نسخه‌از صورتجلسه نتایج آرای شعبه و سایر مدارک رسما تحویل هیات اجرای ی می‌دهند. از سه نسخه‌باقی مانده صورتجلسه نتایج آرا ، یک نسخه تحویل نماینده هیات نظارت ، یک نسخه تحویل‌نماینده فرماندار و یک نسخه نیز تحویل رییس شعبه می‌شود. اگر در روز اخذ رای مسایل و مشکلاتی پدید آید باید در قسمت انتهای صورتجلسه نوشته شودو به امضای اعضای شعبه ، نماینده فرماندار و نماینده هیات نظارت شهرستان برسد. ماده ۶۷ مکرر ـ هرگاه بعضی از شعب ثبت نام واخذ رای به علل مختلف از عهده قرائت آرا وتکمیل صورت جلسه برنیایند هیات های اجرای ی می‌توانند مستقیما یا با تعیین افراد جدید نسبت به‌شمارش و قرائت آرا و تکمیل صورت جلسه شعبه مذکور اقدام نمایند. الحاقی مورخ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ ماده ۶۸ ـ هیات اجرای ی پس از دریافت صندوق یا صندوقهای محتوی آرا و مدارک وصورتجلسات شعب ثبت نام و اخذ رای حوزه انتخابیه ، در حضور اعضای هیات نظارت شهرستان‌نسبت به تنظیم صورتجلسه نتیجه اخذ رای در حوزه انتخابیه اقدام می‌نماید و یک نسخه ازصورتجلسه را برای انتشار آگهی نتیجه انتخابات به فرماندار تحویل می‌دهد. ماده ۶۹ ـ فرماندار موظف است بلافاصله پس از دریافت صورتجلسه نتیجه اخذ رای از هیات اجرای ی شهرستان نسبت به تنظیم آگهی نتیجه انتخابات و انتشار آن در حوزه انتخابیه اقدام نماید.

فصل هفتم بررسی شکایات (ماده ۷۰ تا ۷۶)

ماده ۷۰ ـ به استناد ماده (۵۲) قانون ، هیات‌های اجرای ی موظفند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت‌داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات ، شکایات واصله را بپذیرند و ظرف پنج‌روز به آنها رسیدگی نمایند. بنابرای ن چنانچه در مهلت یاد شده شکایتی از حوزه انتخابیه به هیات اجرای ی شهرستان واصل شود ، هیات مذکور موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول هرشکایت در جلسه مشترک با هیات نظارت شهرستان به آن رسیدگی و مراتب را صورتجلسه نمایند. تبصره ۱ ـ شکایاتی قابل طرح و بررسی می‌باشد که نام و خانوادگی ، نام پدر ، آدرس محل کاریا سکونت شاکی که هویت وی را آشکار می‌نماید ، دارا باشند. تبصره ۲ ـ هیات اجرای ی پس از پایان مهلت دریافت و رسیدگی به شکایات ، چنانچه هیچ گونه‌شکایتی از انتخابات دریافت ننموده باشد ، مراتب عدم وصول شکایت را نیز صورتجلسه می‌نماید. ماده ۷۱ ـ هیات اجرای ی موظف است پس از اتمام مهلت رسیدگی به شکایت ، بلافاصله باتوجه به شکایات دریافتی و بررسی کلی چگونگی برگزاری انتخابات ، نظریه خود را در موردچگونگی برگزاری و پیشنهاد تایید یا ابطال انتخابات حوزه انتخابیه را طی صورت‌جلسه‌ای به هیات‌نظارت شهرستان اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ چنانچه بررسی شکایات منجر به ابطال آرای شعبه یا شعبی از حوزه انتخابیه شودکه در سرنوشت انتخابات موثر باشد ، هیات اجرای ی شهرستان موظف است آرای باطل شده را درنتایج قبلی دخالت داده و نتیجه جدید به دست آمده از آن را در صورتجلسه مذکور منظور نماید. تبصره ۲ ـ پیشنهاد ابطال کل انتخابات یا آرای شعبه یا تعدادی از شعب می‌یابد مستدل وبراساس مواد قانون باشد. ماده ۷۲ ـ هیات نظارت شهرستان موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول نظریه وپیشنهاد هیات اجرای ی شهرستان ، در خصوص برگزاری انتخابات ، به شرح زیر اقدام نمایند: الف ـ چنانچه نظر بر تایید صحت برگزاری انتخابات داشته باشد مراتب را صورت جلسه و یک‌نسخه آن را برای اقدام بعدی به فرمانداری و یک نسخه را برای اطلاع ، به هیات نظارت استان ارسال‌می‌نماید. ب ـ چنانچه نظر بر ابطال کل انتخابات حوزه انتخابیه و یا ابطال یک یا چند شعبه که درسرنوشت انتخابات موثر است ، داشته باشد ، پیشنهاد ابطال را طی صورت جلسه‌ای همراه با دلایل ومدارک مستند برای اخذ تصمیم و اقدام بعدی به هیات نظارت استان و یک نسخه را برای اطلاع ، به‌فرمانداری ارسال می‌نماید. تبصره ـ از این مرحله به بعد با توجه به دو وضعیت (الف و (ب ، اقدامات در دو

مسیرجداگانه ولی به صورت موازی و هم زمان ادامه خواهـد یافت ماده ۷۳ ـ اقدامات مربوط به وضـعیت (الف ۱ ـ فرماندار موظف است پس از وصول صورت جلسه هیات نظارت شهرستان مبنی بر تاییدصحت برگزاری انتخابات ، مراتب را از طریق انتشار آگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند ویک نسخه از آگهی منتشر شده را برای هیات نظارت استان ارسال نماید. ۲ ـ به استناد ماده (۵۶) قـانون چنـانچه کسـی به تاییـد صـحت برگزاری انتخابـات معترض باشدحـداکثر ظرف مـدت دو روز از انتشار آگهی می‌تواند شکایت خود را به هیات نظارت اسـتان اعلام‌نماید. ۳ ـ هیات نظارت استان موظف است حداکثر ظرف (۱۵) روز از وصول شکایت معترضـان ، براساس ماده (۵۶) و بـا رعایت ماده (۵۸) قـانون نتیجه قطعی و نهایی انتخابات حوزه انتخابیه را به‌فرمانـدار مربوط اعلام نمایـد. چنـانچه در پایـان مهلت دریـافت شـکایات ، هیات نظارت اسـتان شـکایتی‌دریافت نکرد موظف است بلافاصله مراتب عـدم وصول شـکایت را هم برای اقدام بعدی به فرمانداراعلام نماید. ۴ ـ فرماندار موظف است نظر قطعی و نهایی هیات نظارت اسـتان در خصوص تاییـد یـا عدم‌تاییـد صـحت برگزاری انتخابات را از طریق انتشار آگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برسانـد. ماده ۷۴ ـ اقدامات مربوط به وضـعیت (ب ۱ ـ هیات نظارت اسـتان موظف است حـداکثر ظرف پنـج روز از وصول صورت جلسه هیات‌نظارت شهرسـتان مبنی بر پیشـنهاد ابطال کل انتخابات و یا ابطال یک یا چند شـعبه موثر در سرنوشـتانتخابات ، موضوع را بررسی و نتیجه را صورت جلسه نماید. چنانچه نتیجه بررسیها حاکی از تاییدصـحت برگزاری انتخابات با همان نتیجه اعلام شده قبلی باشد ، مراتب را بلافاصـله از طریق هیات‌نظـارت شهرسـتان به فرمانـدار اعلاـم می‌نمایـد. در غیر این‌صورت چنـانچه نظر بر ابطـال و یا تغییرسرنوشـت انتخابات باشد ، صورت جلسه تنظیمی را به منظور اظهارنظر نهایی به هیات مرکزی‌نظارت ارسال می‌دارد. ۲ ـ فرماندار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت استان مبنی بر تایید صحت‌برگزاری انتخابات که نتیجه قطعی و نهایی انتخابات محسوب می‌شود ، مراتب را از طریق انتشـارآگهی به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برسانـد. ۳ ـ هیات مرکزی نظارت حـداکثر ظرف پنـج روز از وصول نظریه هیـات نظـارت اسـتان درخصوص ابطـال انتخابات و یا تغییر سـرنوشت آن ، نظر قطعی و نهایی خود را طی صورت جلسه‌ای‌به هیات نظارت استان اعلام می‌نماید. ۴ ـ هیات نظارت اسـتان موظف است بلافاصله پس از وصول صورت جلسه نظریه هیات‌مرکزی نظارت ، مراتب را از طریق هیات نظارت شهرسـتان به فرمانـدار اعلام نماید. ۵ ـ فرماندار موظف است پس از وصول صورت جلسـه نظریه هیات مرکزی نظارت ، نتیجه‌قطعی و نهایی انتخابات را از طریق انتشار آگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ماده ۷۵ ـ هیـات نظارت شهرسـتان و اسـتان موظفنـد در کلیه اقـدامات خود همواره ماده (۵۹)قـانون را در نظر داشـته باشـند و آن را رعـایت نمایند. ماده ۷۶ ـ فرماندار موظف است پس از انتشار آگهی نتیجه قطعی و نهایی انتخابات حوزه‌هایانتخابیه ، یک نسخه از هریک از این آگهی‌ها را به ستاد انتخابات استانداری و یک نسخه را نیز به ستادانتخابات کشور ارسال نماید.

فصل هشتم صدور کارت عضویت اعضا و امحای اوراق انتخاباتی (ماده ۷۷ تا ۷۹

ماده ۷۷ ـ کـارت عضویت اعضـای شوراهـا با امضای فرمانـدار و مهر فرمانـداری صادر می‌شود. تبصـره ـ کارت عضویت فقط برای اعضای اصلی شورا صادر می‌شود. ماده ۷۸ ـ فرماندار موظف است پس از وصول دستور امحای آرا و اوراق انتخابات شوراها ازستاد انتخابات کشور ، حتی الامکان با حضور اعضای هیات‌های اجرای ی و نظارت ، نسبت به امحایاوراق تعرفه و برگهای رای مصـرف شده حوزه انتخابیه و نظارت ، نسبت به امحای اوراق تعرفه وبرگهای رای مصرف شده حوزه انتخابیه در صورتی که کارت عضویت اعضای آن صادر شده باشدبه‌نحو مقتضـی اقدام و مراتب را صورتجلسه و نتیجه را به سـتاد انتخابات کشور و ستاد انتخاباتاستانداری اعلام نماید. ماده ۷۹ ـ دسـتورالعمل اجرای ی و فرمهـای مربوط به این آیین نامه پس از تصویب وزیر کشورقابل اجرا می‌باشـد. این متن جانشـین تصویبنامه شماره ۱۲۱۱۴۴/ ت ۱۷۱۷۹ ه مـورخ ۱۲/۱۰/۱۳۷۵ می‌شود و ازتاریـخ تصویب لازم‌الاـجرا است معاون اول

رییس جمهور ـ محمدرضا عارف

آیین‌نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی بخش – مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات وزی

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱/۱/۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۹۴قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب۱/۳/۱۳۷۵ آیین نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی بخش را به‌شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱ ـ در این آیین نامه برای رعایت اختصار به جای عبارت (قانون تشکیلات ، وظایف وانتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵) عبارت (قانون شوراهای اسلامی کشور) و بجای عناوین (شوراهای اسلامی بخش) و (حوزه انتخابیه شورای اسلامی بخش) به ترتیب کلمه‌های (شورا) و (بخش) استفاده می‌شود. ماده ۲ ـ اعضای شورا موظفند ظرف مدت یک هفته پس از انتخابات از سوی اعضای شورای اسلامی روستای متبوع خود در تاریخی که بخشدار به طور کتبی اعلام می‌نماید به ریاست مسن‌ترین عضو و باحضور حداقل دو سوم نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی روستایی و بخشدار تشکیل جلسه دهند و از بین خود هیات رییسه شورا را انتخاب نمایند. ماده ۳ ـ سمت اعضا در شورا عبارت از رییس ، نایب رییس و حداقل یک منشی می‌باشد که‌برای مدت دو سال از سوی اعضا انتخاب می‌شوند. ماده ۴ ـ سلب عضویت هر عضو شورای اسلامی بخش از شورای اسلامی روستای ذی ربط ، باعث سلب عضویت او از شورای اسلامی بخش نیز خواهد شد. ماده ۵ ـ فرد یا افرادی که از عضویت شورا خارج می‌شوند ، موظفند حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از قطعیت خروج از شورا ، کارت عضویت خودرا تحویل بخشداری ذی ربط نمایند و رسید دریافت دارند. ماده ۶ ـ مهر شورا حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از شروع به کار رسمی شورا ، توسط‌بخشدار تحویل رییس شورا می‌شود. ماده ۷ ـ اعضای شورا ، حق تفویض اختیارات خود به سایرین ، اعم از عضو و غیرعضو راندارند. ماده ۸ ـ رییس شورا مانند سایر اعضا دارای یک حق رای می‌باشد و وظایف او عبارت استاز مسئولیت امور اداری و مالی شورا ، تنظیم بودجه ، تعیین زمان و اداره جلسات عادی ، فوق العاده‌شورا و در صورت لزوم دعوت از اعضا جهت شرکت در جلسات ، تقسیم کار بین اعضا برای پیگیری‌مصوبات ، دفاع از حقوق و منافع شورا در مقابل غیر و اقامه دعوی ، درخواست گزارش کار از اعضا ، امضا و مهر کردن اسناد و مکاتبات شورا ، ایجادهماهنگی با شوراهای اسلامی روستایی حوزه بخش‌و ارتباط بین شورا با دهداری ، بخشداری و سایر دستگاههای اجرایی می‌باشد. تبصره ـ در صورت عدم حضور رییس شورا ، وظایف او را نایب رییس انجام می‌دهد. ماده ۹ ـ وظایف منشی و یا منشیان شورا عبارت ازتهیه و تدوین صورت جلسات ، تهیه متن‌نامه‌ها ، ثبت و شماره گذاری آنها ، تهیه گزارش از عملکرد شورا و حفظ و نگهداری دفاتر و صورت‌جلسات در محل شورا ، انجام امور خزانه داری شورا از قبیل مسئولیت حسابداری شورا ، همکاری با رییس شورا در تنظیم بودجه و اصلاح یا متمم آن ، تنظیم صورت‌های مالی شورا ، ثبت و ضبط فهرست کلیه اموال و دارایی‌های شورا ، حسابرسی اولیه ازفعالیت‌های مالی شورا از قبیل درآمدها ، هزینه‌ها و موجودی در پایان هر سال مالی بر طبق فرم‌های دریافتی می‌باشد. تبصره ـ در صورت غیبت منشی یا منشیان شورا ، وظایف آنان از سوی نایب رییس شوراانجام می‌شود. ماده ۱۰ ـ جلسات شورا با حضور حداقل ۴ عضو تشکیل می‌شود و تصمیمات آن حداقل با ۳رای موافق ، معتبر می‌باشد. ماده ۱۱ ـ تشکیل جلسات و همچنین حفظ و نگهداری دفاتر ، اسناد و مدارک و اموال شورا باید در مکان ثابت و مناسب و با هماهنگی شورای بخش تعیین شود. ماده ۱۲ ـ جلسات شورا به طور مستمر ماهی دوبار تشکیل می‌شود و در صورت نیاز ، جلسات فوق العاده و اضطراری شورا با پیشنهاد فرماندار ، بخشدار ، رییس شورا و یا سه نفر از اعضا ، تشکیل‌می گردد. ماده ۱۳ ـ هرگاه شورا اطلاع ویا نظر خواهی از شوراهای اسلامی روستایی را در زمینه موضوع یا موضوعاتی ضروری تشخیص دهد می‌تواند تواند اقدام به تشکیل جلسه عمومی نماید. ماده ۱۴ ـ شورا با رعایت مصالح نظام و تایید بخشداری ذی‌ربط می‌تواند فعالیت‌های سالانه و همچنین برنامه‌های آتی شورا

که جنبه عمومی دارد با وسایل ممکن به اطلاع اهالی روستاها برساند. ماده ۱۵ ـ موضوع یا موضوعات مختلف قابل طرح در شورا با تشخیص رییس ، درخواست هریک از اعضا و یا تقاضای کتبی فرمانـدار و یا بخشـدار ذی‌ربط و یا سایر دسـتگاههای دولتی وظیفه مند در بخش و روستا در دستور کار شورا قرار می گیرد. ماده ۱۶ ـ صورتجلسات شورا باید به گونه‌ای تنظیم شود که در آن تاریخ و دسـتور کـار هر جلسه ، اسـامی اعضـای حاضـر و غـایب ، آرای مثبت و منفی اعضـا به هر یـک از موضوعـات مـورد بحث ، اسـامی مدعوین و حاضرین به همراه ریوس مطالب مطروحه در جلسه و تمامی مصوبات امده باشد. تبصره ۱ ـ کلیه اعضای حاضر شورا باید ذیل صورتجلسات شورا را امضا و یا مهر نمایند. تبصـره ۲ ـ مدعوین حاضـر ، در صورت تشخیص شورا می‌توانند ذیل صورتجلسات را امضـا ، انگشت و یا مهر نماینـد. ماده ۱۷ ـ شـورا موظف است در پایـان هر جلسه نسـخه‌ای از کلیه مصوبـات خود در آن جلسه و درصورت نیاز به پیوست سوابق و مطالب مفید دیگر را ، جهت اطلاع بخشداری ذیربط ارسال دارد.نسـخه‌ای از مصوبات که مربوط به دسـتگاه‌های دیگر است را به آن دستگاه ارسال نماید. ماده ۱۸ ـ شورا موظف است در پایـان نیمه دوم فروردین هر سال گزارش کار سالانه خود را طبق‌فرم‌های دریافتی در دو نسـخه تنظیم و نسـخه اصـلی را جهت اطلاع بخشـداری محل و نسـخه دوم را به‌عنوان سابقه در بایگانی شورا ثبت و نگهـداری نمایـد. ماده ۱۹ ـ تمامی مکاتبات شوراها بایـد طبق فرم‌های دریافتی دارای تاریخ ، شـماره ثبت در دفترشورا ، نام کل گیرنده و موضوع نامه باشد و حداقل در سه نسـخه تنظیم شود و نسخه اول برای اداره یاسازمان مورد نظر و نسـخه دوم جهت بخشـداری محل ارسال و نسـخه سوم به عنوان سابقه دربایگانی شورانگهـداری شود. ماده ۲۰ ـ تمامی مکاتبات شورا باید در سـربرگ رسـمی و ممهور به مهر شورا و امضای رییس ودر صورت غیبت او نایب رییس شورا باشد. ماده ۲۱ ـ شورای می‌تواند با مسـئولین اجرایی تا سـطح شهرستان مستقیما مکاتبه نماید و درصورت نیاز به مکاتبه با مسئولین بالاتر از طریق فرمانداری محل اقدام نماید. ماده ۲۲ ـ شورا باید دارای دفاتر مجزایی جهت ثبت صورت جلسات و حضور و غیاب اعضا در جلسات و نامه‌های دریافتی و ارسالی ، طبق دسـتورالعمل‌های مربوطه باشد. ماده ۲۳ ـ مصوبات شورا پس از ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اجرا است مگر آنکه در ظرف مـدت‌مزبور مسـئولان اجرایی مربوط به مصوبات اعتراض نمایند که در این صورت با رعایت ماده ۸۰قانون شوراهای اسـلامی کشور عمل خواهـد شـد. نظر هیات حل اختلاف اسـتان مبنی بر تایید یا ردمصوبه قطعی لازم‌الاجرا است چنانچه هیات حل اختلاف استان ظرف ۱۵ روز نظر خود را اعلام‌ننماید ، مصوبه لازم‌الاجرا می گردد. ماده ۲۴ ـ در صورت نیاز به حضور بخشدار و یا دهـداران مربوطه در جلسات ، شورا می‌توانـدطی دعوتنامه کتبی و یا تعیین زمان و دسـتور کار جلسه از او جهت شـرکت در جلسه ، دعوت به عمل آورد و بخشـدارو یا هر یک از دهـداران موظف به شـرکت در جلسه مزبور می‌باشـند. تبصـره ـ در صورت خودداری بخشـدار و هر یک از دهـداران از شـرکت در جلسه ، بـدون عـذرموجه ، شورا می‌تواند طی درخواست کتبی از مقام بالاتر تقاضای تـذکر به بخشـدار و یـا دهـدار رابنمایـد و در صورت تکرار مجـدد درخواست توبیـخ وی را از مقـام ذی‌ربـط بنمایـد. ماده ۲۵ ـ در صورت درخواست کتبی فرمانـدار و یا بخشدار ذی‌ربط از شورا ، مبنی بر برای‌تشـکیل جلسه ، شامل زمان ، دسـتور کار و ضـرورت تشـکیل جلسه ، شورا موظف به برگزاری جلسه‌فوق العاده می‌باشـد. ماده ۲۶ ـ شورا در صورت نیاز و با مسـئولیت خود می‌توانـد به منظور مشورت در زمینه‌موضوع یـا موضوعـاتی که در دسـتور کـار خود قرار داده است ، از نماینـده دسـتگاههای دولتی ذی‌ربط ویا شخص و یا اشـخاص غیر عضو دعوت به همکاری نماید. ماده ۲۷ ـ شورا می‌تواند در ارتباط با وظایف خود ، اطلاعات مورد نیاز را از دسـتگاهها ، ادارات وسازمان‌هـای دولتی ، درخواست نمایـد و آن ادارات و سازمان‌هـا موظف به همکـاری می‌باشـند. مـاده ۲۸ ـ شورا موظف است یـک مـاه قبـل از انقضـای مـدت قـانونی خود ، صورتی از کلیه‌فعالیت‌هـا ، طرحها و برنامه‌هایی که در طول دوره فعالیت قانونی به اجرا گذارده است و یا در دسـتاجرا دارد در دو نسـخه تهیه و نسـخه اول را برای بخشداری ذی‌ربط ارسال و نسـخه آخر را برای ثبت درسوابق شورا نگهـداری نماید. ماده ۲۹ ـ در صورتی که هر یـک از اعضـا ، بنا به دلایلی از عضویت شورا خارج شـود ، شوراموظـف است در اولین جلسه پس از قطعیت یـافتن خروج آن عضو ، مراتب را کتبـا به بخشـداری محـل گزارش دهـد تا

بخشداری از اعضای علی البدل با احتساب آرا آنان دعوت به شرکت در جلسات و طی‌مراحل مورد نیاز مانند صدور کارت شناسایی و اطلاع از سمت عضو جدید در شورا بنماید. تبصره ـ در صورتی که عضو خارج شده از شورا رییس و یا نایب رییس آن باشد ، شورا باید درجلسه‌ای با هماهنگی بخشدار و با حضور وی ، رییس یا نایب رییس را برای مدت باقی مانده هیات‌رییس انتخاب نماید. ماده ۳۰ ـ هرگاه عضوی بیش از ۶ جلسه متوالی و دوازده جلسه غیرمتوالی در طول یک سال‌بدون داشتن عذر موجه (به تشخیص شورا) در جلسات شورا شرکت نکند موضوع برای سلب‌عضویت وی به هیات حل اختلاف استان ، موضوع ماده ۸۲ قانون ارجاع می‌شود. ماده ۳۱ ـ هرگونه فعالیت مالی توسط شورا و برداشت از حساب‌های آن باید قبلا به تصویب‌شورا رسیده باشد. ماده ۳۲ ـ شورا می‌تواند در صورت تمایل اهالی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی وموسسات دولتی و غیردولتی به پرداخت کمک بلاعوض ، برای اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شورا ، این کمک را از طریق واریز به حساب‌های افتتاح یافته ، دریافت نماید. تبصره ـ کمک‌های غیرنقدی می‌باید از سوی اهالی به حساب‌های تعیین شده واریز وکمک‌های غیرنقدی در زمره اموال دراختیار شورا و یا سایر مصارف منظور شده در بدو دریافت ثبت‌شود. ماده ۳۳ ـ تمامی درآمدهای شورا ، اعم از کمک‌های بلاعوض مردم ، عوارض دریافتی از اهالی ، در صورت تخصیص کمک‌های دولتی برای اجرای برنامه‌های عمرانی و سایر ردیف‌های دریافتی ، باید بر طبق برنامه‌هایی که قبلا ـ به صورت بودجه سالانه و در قالب طرح‌های عمرانی و یا مصارف‌جاری به تصویب شورا رسیده است و با با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مصرف عمران وآبادانی روستاهای بخش برسد. تبصره ـ در صورت نیاز به اجرای برنامه جدید در طی ایام سال و پس از تصویب بودجه‌سالانه ، شورا می‌تواند به صورت الحاق به بودجه سالانه ، آن برنامه را تنظیم و اجرا نماید. ماده ۳۴ ـ شورا موظف است به منظور حفظ و نگهداری کلیه وجوه دریافتی و درآمدهایی که درطول هر دوره فعالیت قانونی تحصیل می‌نماید ، حسابی را در نزد یکی از شعب بانک‌های کشور درمرکز بخش به نام شورا افتتاح نماید و تمامی وجوه نقد را به محض وصول به آن حساب واریزنماید. ماده ۳۵ ـ هرگونه برداشت از حساب موجودی و اعتبارات شورا ، باید در قالب بودجه سالانه وطرح‌ها و مخارجی که قبلا به تصویب شورا رسیده است و با امضای رییس و منشی شورا و مهرشورا صورت گیرد. ماده ۳۶ ـ شورا مکلف است کلیه فعالیت‌های مالی خود اعم از درآمد ، مخارج و مانده حساب‌هارا به طور نوبه‌ای و بر طبق فرم‌های دریافتی به اطلاع بخشداری و شوراهای اسلامی روستاهای‌مربوطه برساند. ماده ۳۷ ـ شورا باید در پایان هر سال مالی ، ترازنامه مالی خود را طبق فرم‌های ارسالی از وزارت‌کشور جهت اطلاع عموم اهالی به طریق ممکن انتشار دهد. ماده ۳۸ ـ شورا موظف است در پایان هر سال شمسی و با توجه به برنامه‌های چهارده ساله‌دوره خود و برآورد عواید و درآمدهای سال آتی ، بودجه جاری وعمرانی شورا برای سال آینده را دردو نسخه تنظیم نماید و پانزدهم اسفند همان سال نسخه اصلی را برای بخشداری و رونوشت آن رابرای شوراهای اسلامی و روستاهای مربوطه ارسال و نسخه دوم را به عنوان سابقه در دفاتر شورابایگانی نماید. تبصره ـ بخشدار مربوطه می‌تواند نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را حداکثر تا یک هفته پس‌از دریافت به شورا اعلام نماید ، تا در صورت تجدیدنظر ، آن را در شورا مطرح و پس از تصویب به‌صورت متمم بودجه در متن آن بگنجاند. ماده ۳۹ ـ تمامی اموال شورا ، اعم از منقول و غیرمنقول ، تحویل شورا می‌باشد و اعضای شورادر مقابل حفظ و نگهداری آن مسئول می‌باشند. ماده ۴۰ ـ خرید یا فروش کلیه اموال منقول ، غیرمنقول ، اجاره مکان‌های لازم برای شورا و یاکرایه دادن اماکن متعلق به شورا ، با تصویب دو سوم کل اعضا و رعایت ضوابط قانونی قابل اجرامی‌باشد. تبصره ـ عواید حاصل از فروش و اجاره دارایی‌های شورا باید از طریق حساب بانکی شوراصورت گیرد. ماده ۴۱ ـ آن دسته از کارکنان دولت یا موسسات عمومی غیردولتی که به عضویت شورا درآمده‌و به خدمت‌تمام وقت یا پاره وقت آنان نیاز باشد ، می‌توانند به عنوان مامور به خدمت در شوراهاانجام وظیفه نمایند. مدت عضویت جزو سنوات خدمتی آنان محسوب می‌شود و حقوق مزایایانان برابر آخرین حکم استخدامی (یا برابر آنچه که شورا در بودجه مصوب خود مقرر می‌نماید) ازبودجه شورا پرداخت می‌شود. دستگاه‌های اجرایی موظفند حسب درخواست استاندار ذی‌ربط نسبت به

صـدور حکم مأموريت‌تمام وقت يا پاره وقت اعضای شورا اقـدام نمايند. دسـتورالعمل نحوه صدور حکم مأموريت پاره‌وقت اعضای شوراها توسط دبيرکل سازمان امور اداری و اسـتخدامی کشور ابلاغ خواهـد شـد. ماده ۴۲ ـ شورا بايـد در پايان دوره انتخابيه خود ، صورت کاملی از کليه اموال و دارايی‌های شوراتنظيم و در اولين روز شروع به کار رسمی دوره جديد ، آن را به اعضای جديد طبق صورت مذکورتحويل نمايد و نسخه‌ای از آن را برای بخشدار محل ارسال کند. ماده ۴۳ ـ به منظور اجرای مطلوب وهماهنگ قانون شوراهـای اسـلامی در بخش‌هـا ، وزارت‌کشور ، مسـئول آموزش‌هـای لازم برای اعضـای شوراها و نيز مجريان اين قانون بوده و نيز موظف‌است آيين نامه های اجرايی مورد نياز را تهيه و پس از تصويب هيات وزيران برای اجرا ابلاغ نمايد. معاون اول رييس جمهور ـ حسن حبيبی

آيين نامه اجرايی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش – مصوب ۱۶ ۴ ۸۱

فصل اول کليات (ماده ۱ تا ۱۹)

ماده ۱ ـ در اين آيين نـامه عنوان (قـانون تشـکيلات ، وظـايف و انتخابـات شوراهای اسـلامی کشورو انتخابات شـهرداران ـ مصوب ۱۳۷۵ ـ) به اختصـار (قانون) ناميـده می‌شود. ماده ۲ ـ مقصود از عبـارت (شورا) در اين آيين نامه ، شوراهای اسـلامی (روسـتا و بخش) می‌باشـد. مـاده ۳ ـ تاريـخ شـروع دوره هر شـورا ، موضـوع مـاده (۳) قـانون ، تاريـخ تشـکيل اولين جلسه رسـمی‌همان شورا موضوع مـاده (۱۶) قـانون خواهـد بود. تبصـره ـ چنـانچه به اسـتناد مـاده (۳۱) قـانون ، انتخابـات ميـان دوره‌ای برگزار شـود فعـاليت شورای‌تشکيل شورای باقيمانده همان دوره خواهد بود. ماده ۴ ـ تعداد اعضای علی البدل شوراها ، موضوع ماده (۸) قانون ، به شرح زير تعيين می‌شود: ۱ ـ شوراهای دارای ۳ نفر عضو اصلی ، ۲ نفر. ۲ ـ شوراهای دارای ۵ نفر عضو اصلی ، ۳ نفر. ماده ۵ ـ هريک از روسـتاها و بخشهای موضوع ماده (۱۲) قـانون به عنوان يـک حوزه انتخابيه‌محسوب می‌شود. ماده ۶ ـ در صورتی که انتخابـات چند حوزه انتخـابيه موضوع مـاده (۵) اين آيين نـامه به طـور همزمـان برگزار شـود ، به منظـور حفـظ اسـتقلال انتخابـات هر حـوزه ، کليه اقدامات از قبيل صدور آگهی‌ها و تنظيم صورتجلسه ها برای هريک از حوزه‌ها به صورت مسـتقل انجام و سوابق انتخاباتی هر حوزه جـداگانه نگهداری می‌شود. ماده ۷ ـ اخـذ رای در يکی از روزهای تعطيل رسـمی انجام خواهـد شد و مدت زمان آن حداقل‌هشـت سـاعت خواهـد بود. تبصـره ـ مـدت زمـان اخـذ رای بـا تصويب و موافقت مشترک هيات‌هـای اجرايی و نظارت‌بخش ، قابل تمـديد می‌باشد. ماده ۸ ـ بخشـدار موظف است در اجرای مـاده (۱۶) قـانون ، ظرف يک هفته پس از تاييـد نهايی‌صـحت انتخابات و قطعی شدن نتيجه آن ، از اعضای شورا دعوت نمايد تا در اولين جلسه رسـمی شورا که به رياست مسن‌ترين عضو تشـکيل می‌شود ، نسبت به انتخـاب هيـات رييسه شورا اقدام‌نماينـد. ماده ۹ ـ دهـدار در تمـام مراحـل برگزاری انتخابـات زير نظر بخشـدار ممنـوع و به عنوان نماينده‌رسمی وی مجری برنامه‌های انتخابات در حوزه مأموريت خود می‌باشد. ماده ۱۰ ـ در صورت اجرای ماده (۶۹) قانون مبنی بر خروج عضو يا اعضايی از شورا ، رييس يانايب رييس شورا موظف است بلافاصـله مراتب را به طور کتبی به اطلاع بخشـدار برساند. ماده ۱۱ ـ بخشـدار موظـف است بلافاصـله پس از وصـول نـامه شورا مبنی بر خروج اعضـا ازشورا ، از اعضـای علی البـدل به ترتيب بيشترين رای برای جايگزينی اعضای خارج شـده دعوت به‌عمل آورد و مراتب را به شورای مربوط اعلام نمايد. ماده ۱۲ ـ در اجرای ماده (۱۴) و (۳۰) قانون و با رعايت تبصـره ذيل آن ، چنانچه فردی درانتخابات بيش از يک شورا ثبت‌نام نمود و يا احتمالا عضويت يافت به دسـتور وزارت کشور نام وياز ليست داوطلبی و يا عضويت شورا حـذف می‌شود. اين قبيل افراد از عضويت در کليه شوراها به‌مـدت چهار سال محروم خواهنـد بود. ماده ۱۳ ـ برای انتخـاب اعضـای علی البـدل شوراها نيازی به برگ رای يا اخـذ رای مجزا و

یامشخص نمودن اعضای علی البدل در برگ رای نیست ، بلکه در پایان رای گیری و قرایت و شمارش آرا ، دارندگان رای به ترتیب بیشترین رای به دست آمده و به تعداد موردنیاز به عضویت اصلی و یا علی البدل شوراها درمیایند. بنابراین رای‌دهنده ، اسامی نامزدهای موردنظر خود را حداکثر به همان تعداد اعضای اصلی شورا در برگ رای درج می‌نماید. ماده ۱۴ ـ هیات اجرایی مسئول اجرای تبصره ذیل ماده (۱۷) قانون می‌باشد. تبصره ـ نامزدهای انتخاباتی ذینفع در صورت تمایل می‌توانند در جلسه قرعه‌کشی شرکت‌نمایند. تاریخ و محل قرعه‌کشی باید حداقل (۲۴) ساعت قبل توسط بخشدار به منتخبین ذیربط ابلاغ شود. ماده ۱۵ ـ سرپرست بخشدار به جای بخشداری خواهد بود. ماده ۱۶ ـ در اجرای ماده (۴۱) قانون ، نیروی انتظامی در کلیه مراحل مکلف به همکاری بامجریان انتخابات است و حسب درخواست استاندار ، فرماندار و بخشدار موظف است مأمورین وامکانات خود را در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۷ ـ در صورت توقف ، ابطال و یا انحلال شورا توسط مراجع قانونی مذکور در مواد (۵۷) ، (۸۱) و (۸۴) قانون ، مراجع مذکور موظفند بلافاصله مراتب توقف ، ابطال و یا انحلال شورا را به‌بخشدار مربوط اعلام نمایند. شروع مهلت (۲) ماهه برای تجدید انتخابات ، از زمان وصول اعلام‌توقف ، ابطال و یا انحلال خواهد بود. ماده ۱۸ ـ بخشدار موظف است به محض اطلاع از توقف ، ابطال و یا انحلال شورا ، مراتب را به‌وزارت کشور اعلام نماید. ماده ۱۹ ـ مجلس شورای اسلامی پیش از شروع انتخابات به استناد ماده (۵۳) قانون ، اعضای‌هیات مرکزی نظارت بر انتخابات را با ذکر سمت ایشان در هیات ، به وزارت کشور معرفی می‌نماید.

فصل دوم هیات اجرایی (ماده ۲۰ تا ۳۶)

ماده ۲۰ ـ بخشدار موظف است پس از وصول دستور شروع انتخابات ، براساس ماده (۳۳)قانون به منظور تشکیل هیات اجرایی بخش از سایر اعضای اداری هیات دعوت به عمل آورد. ماده ۲۱ ـ بخشدار موظف است در اجرای تبصره ذیل ماده (۳۳) قانون ، به منظور تعیین معتمدین اصلی و علی البدل عضو هیات اجرایی بخش ، (۲۵) نفر از معتمدان اقشار مردم را انتخاب‌و به منظور تایید ، به‌طور کتبی به هیات نظارت بخش معرفی نماید. ماده ۲۲ ـ هیات نظارت بخش موظف است حداکثر ظرف (۲) روز پس از وصول اسامی (۲۵)نفر معتمدان از بخشدار ، اظهارنظر کتبی خود را همراه با دلایل یا مدارک لازم به‌بخشدار اعلام نماید. تبصره ـ چنانچه هیات نظارت بخش ، معتمدان پیشنهادی بخشدار را تایید ننماید ، بخشدارموظف است به همان تعداد متعمدان دیگری را به هیات نظارت معرفی نماید. ماده ۲۳ ـ بخشدار موظف است پس از وصول نظریه کتبی هیات نظارت بخش ، بلافاصله از(۲۵) نفر معتمدان به‌طور کتبی دعوت به عمل آورد. مدعوین حداکثر ظرف (۲) روز از تاریخ دعوت تشکیل جلسه می‌دهند و پس از حضور حداقل دو سوم آنان (۱۷ نفر از ۲۵ نفر) در حضور هیات نظارت و اعضای اداری هیات اجرایی ، از بین خود (۶) نفر را به عنوان معتمدان اصلی و (۶) نفر را به عنوان معتمدان علی البدل هیات اجرایی بخش با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب و مراتب را صورت‌جلسه می‌نمایند. ماده ۲۴ ـ بخشدار موظف است مراتب انتخاب معتمدین اصلی و علی البدل و تشکیل هیاتاجرایی را از طریق سلسله مراتب اداری به ستاد انتخابات کشور اعلام نماید. ماده ۲۵ ـ مهلت تشکیل هیات اجرایی از زمان وصول دستور موضوع ماده حداکثر پنج روزمی‌باشد. ماده ۲۶ ـ دو سوم اعضای هیات اجرایی برای رسمیت جلسات موضوع ماده (۳۶) قانون وتبصره (۱) ذیل آن ، (۷) نفر می‌باشد. ماده ۲۷ ـ روسای هیات‌های اجرایی و نظارت موظفند با هماهنگی لازم ، فردی را که به‌طور همزمان در بیش از یک هیات ، اعم از اجرایی یا نظارت عضویت دارد ، در یک هیات ابقا و از سایر هیات ها حذف نمایند. ماده ۲۸ ـ هیات اجرایی موظف است در اجرای مواد (۶۲) و (۶۵) قانون ، یک نسخه از کلیه‌صورت‌جلسه‌ها و آگهی‌های خود را به هیات نظارت بخش تحویل نماید. ماده ۲۹ ـ هیات اجرایی موظف است در اجرای ماده (۳۹) قانون ، تشکیل جلسه می‌دهد وتعداد و محل شعب ثبت‌نام و اخذ رای

حوزه انتخابیه را تعیین و پس از تنظیم صورت‌جلسه ، یک‌نسخه آن را به بخشدار تسلیم می‌نماید. ماده ۳۰ ـ بخشدار موظف است براساس صورت‌جلسه دریافتی از هیات اجرایی ، آگهی انتخابات و مقررات جزایی و محل شعبه یا شعب ثبت‌نام و اخذ رای را تنظیم و در موعد مقرر برای اطلاع عموم در حوزه انتخابیه منتشر نماید. ماده ۳۱ ـ بخشدار موظف است در اجرای ماده (۴۰) قانون ، پس از وصول اسامی اعضای شعبه‌ثبت‌نام و اخذ رای نسبت به صدور احکام آنان اقدام نماید. ماده ۳۲ ـ بخشدار موظف است ترتیبی اتخاذ نمایـد که یک روز قبل از روز اخذ رای ، محل شعبه یا شعب ثبت‌نام و اخذ رای آماده شود. ماده ۳۳ ـ بخشدار موظف است برای هریک از شعب ثبت‌نام و اخذ رای ، یک نفر نماینده که‌باید حتی الامکان از کارمندان دولت باشد ، از طرف خود تعیین و نسبت به صدور حکم آنان اقدام نماید و برای تحویل گرفتن صندوق و تعرفه و برگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی با تعیین تاریخ و محل مراجعه ، از ایشان برای شرکت در جلسه توجیهی دعوت به عمل آورد. ماده ۳۴ ـ بخشدار موظف است پس از حضور نمایندگان خود در جلسه توجیهی ، توسط هیات اجرایی ، صندوق و تعرفه و برگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی موردنیاز را به آنان تحویل‌دهد و پس از توجیه برنامه ثبت‌نام و اخذ رای و قرایت آرا و سایر آموزشهای لازم ، ترتیبی اتخاذنماید تا قبل از شروع اخذ رای در محل شعبه حاضر باشند. تبصره ـ نمایندگان بخشدار موظفند بلافاصله پس از حضور در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای ، صندوق و تعرفه و برگهای رای و سایر وسایل و لوازم موردنیاز را در اختیار اعضای شعبه قرارداده وآنان را نسبت به وظایف خود توجیه نمایند. مسئولیت حفظ و حراست از برگهای رای به منظورجلوگیری از خروج آنها از محل شعبه اخذ رای به عهده نماینده بخشدار می‌باشد. ماده ۳۵ ـ در صورت تعیین و معرفی کتبی ناظر برای هریک از شعب ثبت‌نام و اخذ رای از طرف هیات نظارت بخش ، بخشدار موظف است نسبت به اعزام وی به نحوی که قبل از شروع اخذ رای درمحل شعبه حضور داشته باشد ، اقدام نماید. ماده ۳۶ ـ بخشدار موظف است برای حفاظت شعب ثبت‌نام و اخذ رای با همکاری و هماهنگی نیروی انتظامی به تعداد لازم و حداکثر تا (۳) نفر از مأموران مذکور انتخاب و ضمن صدور ابلاغ نامبردگان ، آنان را به همراه نماینده خود و ناظر و اعضای شعبه ثبت‌نام و اخذ رای به محل اعزام‌نماید.

فصل سوم هیات‌های نظارت (ماده ۳۷ تا ۴۵)

ماده ۳۷ ـ در اجرای مـاده (۵۳) قانون و به استناد ماده (۷۳) قانون اصلاح قانون تشکیلات‌شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور ـ مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵ ـ به منظور نظارت برامر انتخابات شوراها ، هیات مرکزی نظارت بر امر انتخابات شورهای اسلامی کشوری متشکل از (۳)نفر از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی و (۲) نفر از اعضای کمیسیون اصل (۹۰) به انتخاب مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌شود. تبصره ـ در صورتی که به تعداد لازم از کمیسیونهای مذکور داوطلب نباشد ، مجلس از میان‌سایر نمایندگان داوطلب (۵) نفر را انتخاب می‌نماید. ماده ۳۸ ـ در اجرای ماده (۵۳) قانون و به استناد ماده (۷۴) قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور ـ مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵ ـ به منظور نظارت برامر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری در هر استان ، هیات نظارت استان مرکب از سه نفر ازنمایندگان مجلس شورای اسلامی آن استان به تعیین هیات مرکزی نظارت تشکیل می‌شود. هیات مرکزی نظارت پس از تعیین اعضای هیات نظارت استان ، اسامی آنان را به ستاد انتخابات استان‌مربوط و ستاد انتخابات کشور اعلام می‌نماید. تبصره ـ در هر استانی که تعداد نمایندگان آن از سه نفر کمتر باشد و یا به حد نصاب از آن استان داوطلب نباشد ، تعیین بقیه اعضا از بین نمایندگان استانهای مجاور با هیات مرکزی نظارت‌می‌باشد. ماده ۳۹ ـ ستاد انتخابات استان پس از وصول اسامی اعضای هیات نظارت استان ، اسامی نامبردگان را به فرمانداریهای تابع اعلام می‌نماید. ماده ۴۰ ـ هیات نظارت استان در هر شهرستان ، هیات نظارت شهرستان بر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری را مرکب

از (۵) نفر از معتمـدان محل تشـکیل می‌دهد و اسامی آنان را به فرمانداری ذیربط و سـتاد انتخابات اسـتان اعلام می‌نماید. ماده ۴۱ ـ فرمانداری مکلف است پس از وصول اسامی اعضای هیات نظارت شهرستان ، اسامی نامبردگان را به بخشداریهای تابع اعلام نماید. ماده ۴۲ ـ هیات نظارت شهرستان برای هر بخش ، هیات نظارت بخش مرکب از سه نفر معتمد محلی برای نظارت بر انتخابات بخش تشکیل می‌دهـد و اسامی آنان را به بخشدار مربوط و فرمانداری محل اعلام می‌نماید. ماده ۴۳ ـ هیات نظارت بخش می توانـد برای شعبه ثبت‌نام و اخـذ رای یک نفر ناظر تعیین ونامبرده را حداکثر تا یک روز مانده به روز اخذ رای به بخشدار معرفی نماید. ماده ۴۴ ـ شـرکت اعضای هیات نظارت بخش در جلسات هیات اجرایی به منظور نظارت برصحت برگزاری انتخابات می‌باشد و عدم حضور آنـان در جلسـات و یـا خودداری از امضای صورت‌جلسات مانع از ادامه کار انتخابات نخواهـد بود. ماده ۴۵ ـ هیات‌هـای نظارت در چهارچوب قانون و آیین نامه اجرایی تنها ناظر بر اجرای صحیح‌قانون می‌باشند و حق دخالت در امور اجرایی انتخابات را ندارند.

فصل چهارم اعلام داوطلبی ، بررسی سوابق و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان (ماده ۴۶ تا ۶۱)

ماده ۴۶ ـ بخشدار موظف است بلافاصـله پس از وصول دسـتور شـروع انتخابات ، آگهی ثبت‌نام‌از داوطلبان ، حاوی تاریخ شـروع و خاتمه ثبت‌نام ، محل ثبت‌نام ، شـرایط انتخاب‌شوندگان و مدارک مورد نیاز شامل اصل شناسـنامه عکس‌دار ، دو نسخه تصویر کلیه صفحه‌های شناسـنامه و چهار قطعه عکس جدیـد ۴*۳ را منتشـر نمایـد و ظرف مهلت مقرر از داوطلبـان عضویت در شوراهـا ثبت‌نام به‌عمـل آورد. ماده ۴۷ ـ بخشـدار می‌توانـد با صـدور حکم کتبی مسـئول یا مسئولانی از بین کارمنـدان بخشداری‌را برای ثبت‌نام از داوطلبان عضویت در شوراها تعیین نمایـد. تبصـره ـ بخشـدار می‌توانـد با صـدور حکم کتبی ، دهـدار را نیز به عنوان مسـئول ثبت‌نام تعیین‌نمایـد. ماده ۴۸ ـ داوطلبـان عضـویت در شوراهـا در مهلـت مقرر بـا مراجعـه بـه بخشـداری و ارایه مـدارک مـورد نیـاز شخصـا پرسشـنامه اعلام داوطلبی را در حضور مسـئول ثبت‌نام تکمیل می‌نماینـد. مسـئول ثبت‌نام پس از دریافت و تطبیق مشـخصات سـجلی داوطلب با اصل شناسـنامه ، رسـید مدارک وپرسشـنامه را به وی تسـلیم می‌دارد. ماده ۴۹ ـ هیات اجرایی بلافاصـله پس از تشـکیل ، مقـدمات رسـیدگی به صـلاحیت داوطلبان رافراهم می‌نماید. ماده ۵۰ ـ بخشـدار موظـف است در اجرای تبصـره (۱) ذیـل ماده (۴۶) قانون ، در پایان هر روز اسامی و مشخصات کلیه داوطلبانی را که توسط هیات اجرایی مظنون تشخیص داده شده‌اند به‌منظور بررسی سوابق حسب مورد به مراجع ذیربـط در شهرسـتان از قبیـل اداره اطلاعـات ، نیروی انتظـامی ، دادگستری و ثبت احوال ارسال نمایـد. ماده ۵۱ ـ مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند در اجرای تبصره (۲) ذیل همان ماده‌حداکثر ظرف مدت ده روز پس از وصول اسامی و مشخصات هریک از داوطلبان ، نتیجه بررسیهای انجام شده درخصوص سوابق آنان را به‌طور کتبی به بخشدار اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ اظهـارنظر و تصـمیم‌گیری درخصوص تاییـد یـا عـدم تاییـد صـلاحیت داوطلبان‌براسـاس قانون تنها از وظایف و اختیارات هیات‌های اجرایی با تاییـد هیات نظارت می‌باشد و دسـتگاههای یادشده در ماده (۴۶) قانون حق اظهارنظر در این مورد را ندارنـد و موظفند فقط سوابق داوطلبان را منعکس نمایند. تبصره ۲ ـ مراجع مذکور در ماده ۴۶ قانون موظفند کلیه اطلاعات و سوابق ذی ربط داوطلبان اسـتعلام شـده را طبق فرمی که در چارچوب قانون تنظیم و توسط رییس هیات اجرایی در اختیار آنها قرار خواهـد گرفت ، به هیـات اجرایی اعلام نماینـد. ماده ۵۲ ـ بخشـدار موظف است به محض وصول اطلاعـات لازم دربـاره سوابق هریک ازداوطلبان ، جلسات هیات اجرایی را تشکیل دهد و حداکثر ظرف مدت هفت روز پس از وصول سوابق هریک از داوطلبان با رعایت کامل متن ماده (۴۹) قـانون ، به صـلاحیت آنـان رسیدگی و نتیجه را صورت‌جلسه نمایـد و بلافاصـله یـک نسـخه از هریـک از صورت‌جلسه تنظیمی را به هیـات نظـارت‌بخش ارسـال نمایـد. تبصـره ـ مهلت رسـیدگی به صـلاحیت آن دسـته از داوطلبـان عضـویت در شورای اسـلامی روسـتاکه در مظان اتهام قرار نداشـته‌اند و سوابق آنان از مراجع مـذکور در ماده (۴۶) قانون اسـتعلام نشده‌است نیز حداکثر

هفت روز پس از پایان مهلت (۱۰) روزه مراجع یادشده می‌باشد. ماده ۵۳ ـ هیات نظارت بخش پس از وصول جلسات رسیدگی به صلاحیت داوطلبان ، به استنادماده (۴۸) قانون موظف است حداکثر ظرف مدت (۷) روز از وصول هریک از صورت‌جلسات ، نظریه خود مبنی بر تایید یا رد صلاحیت داوطلبان ، به‌طور کتبی و با ذکر دلایل قانونی و مدارک لازم‌به بخشدار اعلام نماید. ماده ۵۴ ـ بخشدار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت بخش مبنی بر تایید یا ردتصمیمات هیات اجرایی بخش درخصوص بررسی صلاحیت داوطلبان و همچنین با رعایت‌قسمت اخیر ماده (۴۸) قانون ، مبنی بر ملاک عمل بودن نظر هیات اجرایی پس از پایان مهلت تعیین‌شده برای هیات نظارت ، بلافاصله مراتب تایید یا رد صلاحیت هریک از داوطلبان را به‌طور کتبی به‌داوطلب تایید شده یا رد شده ذیربط ابلاغ نماید. ماده ۵۵ ـ هیات نظارت شهرستان موظف است ظرف مهلت مقرر در تبصره (۳) ماده (۵۰)قانون ، نظر خود درخصوص تایید یا رد صلاحیت آن دسته از داوطلبانی که صلاحیتشان در هیاتاجرایی رد شده و شاکی بوده‌اند را با تنظیم صورت‌جلسه به ضمیمه نامه رسمی به منظور ارسال به‌بخشداری مربوط ، به ستاد انتخابات فرمانداری تسلیم نماید. تبصره ـ چنانچه در مهلت مقرر هیچ‌گونه شکایتی از حوزه انتخابیه واصل نشد ، مراتب‌صورت‌جلسه و به همان نحو عمل خواهد شد. ماده ۵۶ ـ ستاد انتخابات فرمانداری موظف است پس از وصول صورت‌جلسه رسیدگی به‌شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده ، از هیات نظارت شهرستان ، بلافاصله مراتب را به بخشداری‌مربوط اعلام نماید. ماده ۵۷ ـ بخشدار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت شهرستان ، آگهی اسامی‌نامزدهای انتخاباتی را حداکثر ظرف سه روز تهیه و هشت روز قبل از روز اخذ رای به منظور اطلاع‌اهالی حوزه انتخابیه ، در حوزه مذکور منتشر نماید. ماده ۵۸ ـ در اجرای ماده (۲۴) قانون ، نامزدهای انتخاباتی در صورت تمایل به داشتن نماینده درمحل شعبه ثبت‌نام و اخذ رای موظفند حداکثر تا سه روز قبل از روز اخذ رای اسامی و مشخصات ویک قطعه عکس نمایندگان خود را به هیات اجرایی تسلیم نمایند. ماده ۵۹ ـ هیات اجرایی موظف است برای نمایندگان نامزدهای انتخاباتی معرفی‌نامه و یا کارت شناسایی صادر و به نامزد ذیربط تحویل نماید. ماده ۶۰ ـ شکایات و اعتراضات نمایندگان نامزدهای انتخاباتی از طریق نامزدهای مربوط جمع‌آوری و با امضای وی به هیات‌های اجرایی و نظارت بخش تسلیم خواهد شد. ماده ۶۱ ـ تدارکات و تامین احتیاجات مورد تقاضای هریک از نمایندگان نامزدها به عهده‌معرفی کننده خواهد بود.

فصل پنجم تبلیغات (ماده ۶۲ تا ۶۷)

ماده ۶۲ ـ مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی برای کلیه نامزدها یکسان است و (۸) روز قبل از روزاخذ رای آغاز می‌گردد و تا (۲۴) ساعت قبل از روز اخذ رای ادامه خواهد داشت ماده ۶۳ ـ در فعالیتهای تبلیغات انتخاباتی ، انجام امور ذیل ممنوع است و مرتکبین تحت پیگردقانونی قرار می‌گیرند. ۱ ـ نوشتن و یا ارایه مطالب خلاف واقع ۲ ـ استفاده از هرگونه پلاکارد (جز در محل ستاد انتخاباتی) ، دیوارنویسی ، کاروانهای تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها به استثنای عکس در دو فرم وجزوه و تراکت با عکس و سخنرانی و پرسش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنها. ۳ ـ استفاده از عکس با لباس فرم نیروهای نظامی و انتظامی ۴ ـ الصاق هرگونه عکس ، آگهی و آثار تبلیغاتی بر روی علایم راهنمایی و رانندگی ، تابلوی بیمارستانها ، مکانها و موسسات آموزشی و تابلوهای نصب شده در معابر عمومی توسط بخش دولتی و وابسته به دولت ، تابلوها و املاک بخش خصوصی ، مگر با رضایت مالکین یا متصرفین ، صندوقهای پست ، باجه‌های تلفن ، پستهای برق و تلفن و هرگونه تابلوی راهنما. ۵ ـ تبلیغ علیه نامزدها و هرگونه هتک حرمت و حیثیت آنان ۶ ـ پاره یا معدوم نمودن عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی در مدت و زمان قانونی‌تبلیغات ، که در محلهای مجاز الصاق شده و یا قرار گرفته است ۷ ـ انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی له یا علیه نامزدها از صدا و سیما ، میز خطابه نماز جمعه وتریبون مجلس شورای اسلامی و یا هر وسیله

دیگری که جنبه رسمی یا دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات و شرکتهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها و موسساتی که از بودجه عمومی (به مقدار) استفاده می‌نمایند و موسسات و نهادهایی که دارایی آنان از اموال عمومی است و همچنین در اختیارگذاشتن وسایل و امکانات مذکور. ۸ ـ فعالیت تبلیغاتی مجریان و ناظران انتخابات برای نامزدهای انتخاباتی قلمرو مسوولیت‌خود. تبصره ۱ ـ درجات تحصیلی و سوابق خدمات و فعالیتهای مورد ادعا در آثار تبلیغاتی بایدمستند به مدارکی باشد که در صورت نیاز هیات اجرایی ، ارایه آنها امکان‌پذیر باشد. تبصره ۲ ـ استفاده از امکانات تبلیغی موسساتی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنندولی با رعایت ضوابط و انعقاد قرارداد و اخذ وجه از اشخاص حقیقی و حقوقی برای آنها کارهای‌تبلیغاتی انجام می‌دهند (مثل نشریات وابسته به دولت ، در تبلیغات انتخاباتی بلامانع است ماده ۶۴ ـ در صورتی که مطبوعات و نشریات آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج‌کنند و یا مطالبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد ، نامزدها حق‌دارند پاسخ خود را به نشریه مزبور بدهند و آن نشریه طبق قانون مطبوعات مکلف به چاپ فوری آن‌در اولین شماره می‌باشد. ماده ۶۵ ـ انتشار اعلام نظر شخصیتها (بدون ذکر عنوان و مسئولیت آنان ، مجامع ، احزاب وگروههای مجاز ، در تایید نامزد انتخاباتی باید مستند به مدرک کتبی و امضا شده مربوط به تایید وحمایت باشد و در صورت درخواست هیات اجرایی ، نامزد انتخاباتی مکلف به ارایه این مستندات‌و مدارک می‌باشد. ماده ۶۶ ـ همزمان با آغاز کار ستاد تبلیغات انتخاباتی نامزدها ، نشانی و محل ستاد و نام مسوول‌آن باید کتبا و با امضای نامزد انتخاباتی مربوط ، به آگاهی هیات اجرایی حوزه انتخابیه برسد. ماده ۶۷ ـ هرگونه عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی که در محل شعبه ثبت نام و اخذرای وجود دارد باید قبل از شروع اخذ رای ، توسط اعضای شعبه امحا شود.

فصل ششم برنامه‌ریزی رای و قرایت آرا و اعلام نتیجه اخذ رای (ماده ۶۸ تا ۷۰

ماده ۶۸ ـ اعضای شعبه ثبت‌نام و اخذ رای حداقل یک ساعت قبل از وقت مقرر در محل شعبه‌حاضر می‌شوند. ابتدا به استناد تبصره (۲) ذیل ماده (۴۰) قانون ، نسبت به انتخاب هیات رییسه ومنشی‌ها اقدام و مراتب را در صورت‌جلسه درج می‌نمایند ، سپس صندوق اخذ رای را در حضورنماینده بخشدار و ناظر بر انتخابات (درصورت حضور) باز می‌کنند و پس از حصول اطمینان ازخالی بودن صندوق ، آن را لفاف ، با لاک و مهر شعبه ثبت‌نام و اخذ رای لاک و مهر می‌نمایند و پس‌از امضا و تایید مراتب فوق در صورت‌جلسه ، برنامه اخذ رای و قرایت آرا را در (۶) مرحله به شرح‌زیر انجام می‌دهند: الف ـ مرحله مراجعه رای‌دهندگان ب ـ مرحله کنترل ج ـ مرحله ثبت‌نام د ـ مرحله اخذ رای ه ـ مرحله قرایت و شمارش آرا و ـ مرحله تنظیم و تکمیل صورتجلسه الف ـ مرحله مراجعه رای‌دهندگان ۱ ـ اعضای شعبه باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رای‌دهندگان از یک سمت وارد محل شعبه شوند وپس از دادن رای از سمت دیگر خارج شوند. ۲ ـ مأمورین انتظامی موظفند طبق دستور نماینده بخشدار یا رییس شعبه ثبت‌نام و اخذ رای ازازدحام در داخل محوطه اخذ رای ممانعت نمایند تا اخذ رای در کمال آرامش انجام پذیرد. ۳ ـ رای‌دهندگان با در دست داشتن عین شناسنامه خود در محل شعبه ثبت‌نام و اخذ رای حضورمی‌یابند و به‌ترتیب به منظور ثبت‌نام و دادن رای وارد محوطه اخذ رای می‌شوند. ب ـ مرحله کنترل کنترل در سه مرحله انجام می‌شود: ۱ ـ کنترل شناسنامه رییس شعبه یا هریک از سه منشی شعبه ثبت‌نام و اخذ رای با ملاحظه‌شناسنامه رای‌دهنده موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهند: الف ـ شناسنامه به مهر شعب دیگر ممهور نشده باشد. ب ـ شناسنامه متعلق به شخص مراجعه‌کننده بوده و صاحب آن در روز اخذ رای حداقل (۱۵)سال تمام سن داشته باشد. ۲ ـ رییس شعبه و یا هریک از سه منشی انگشت سبابه دست راست رای‌دهنده را کنترل می‌نمایدتا آلوده به رنگ جوهر استامپ ، که نشانه دادن رای در شعبه دیگر است ، نباشد. در صورتی که مراجعه‌کننده دارای شناسنامه‌ای باشد که ممهور به مهر انتخابات در

روز اخـذ رایـاست و دلالت بر دادن رای در شـعبه دیگری نمایـد و یا در انگشت سبابه او اثر جوهر اسـتامپ شـعبه‌اخذ رای دیگری مشاهـده شود ، از وی رای‌گیری نخواهـد شـد. ۳ ـ کنترل شـرط احراز توطن به اسـتناد بنـد (۳) ماده (۲۵) قـانون و تبصـره ذیل آن ، اعضـای شـعبه‌ثبت‌نام و اخـذ رای به روشـهای مقتضـی کنترل می‌نماینـد که شـخص رای‌دهنـده و یـا افراد تحت‌تکفـل‌وی (همسـر و فرزنـدان حداقل یک سال متوالی متصل به زمان اخذ رای در محل سـکونت داشـته‌باشد. ث ـ مرحله ثبت‌نام ۱ ـ پس از انجام مرحله کنترل و حصول اطمینان از اینکه شناسـنامه متعلق به مراجعه‌کننده است‌و واجد شرایط رای دادن می‌باشد ، یک نفر از منشی‌ها نسبت به ثبت مشـخصات وی براساس‌مندرجات شناسنامه بر روی برگ تعرفه اقدام و پس از اخذ اثر انگشت رای‌دهنده روی برگ تعرفه ، آن را با قید تاریخ با مهر انتخابات ممهور و امضا می‌نماید. ۲ ـ متصدی ثبت‌نام ، شناسنامه رای‌دهنده را نیز به مهر انتخابات ممهور و به وی تحویل‌می‌نمایـد. د ـ مرحله اخذ رای ۱ ـ پس از ثبت‌نام از رای‌دهنـده ، متصـدی ثبت‌نام برگ رای را بعد از ممهور نمودن به مهرانتخابـات از محل نقطه‌چین از تعرفه انتخاباتی جـدا می‌کنـد و به رای‌دهنـده تسلیم می‌نمایـد تارای‌دهنـده اسم نامزد یا نامزدهای موردنظر خود را حداکثر به تعداد اعضای اصـلی شورا بر روی آن‌بنویسد ، تا کند ، داخل صـندوق بیاندازد و از درب خروجی شعبه خـارج شود. بـدیهی است تعرفه‌هایانتخابـاتی در محل شـعبه باقی می‌مانـد و بایـد در نگهـداری و حفاظت آنها دقت و مراقبت کامل به‌عمل آید. ۲ ـ نماینده بخشدار و اعضای شـعبه ثبت‌نام و اخذ رای باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رای‌نویسـی‌مخفی باشد و به صورت کاملاـ آزاد و بـدون اعمـال نفوذ شـخص دیگری انجـام پـذیرد و هیـچ‌یک ازاعضای شـعبه و نماینـده بخشـدار و مأمورین انتظامی و نماینده هیات نظارت و اصولا کلیه افرادی که‌به هر شـکل در شـعبه وظیفه‌ای برعهده دارند حق نوشتن رای برای اشخاص را ندارند. در صورتی که‌برای نوشـتن رای نیاز به فرد دیگری باشد ، رای‌دهنده بایستی از وجود افراد خارج از شعبه که مورداعتماد وی هستند ، اسـتفاده نمایـد و اعضای شـعبه نیز کنترل نماینـد تا عمل خلاف قانون انجام نگیرد. ۳ ـ نماینـده هیـات نظارت حق دخالت در امور اجرایی انتخابـات را نـدارد و در صورت مشاهـده‌ارتکاب به تخلفات منـدرج در ماده (۶۷) قـانون موظف است مراتب را به اعضـای شعبه و نماینده‌بخشـدار تـذکر دهد و آنان ضـمن بررسـی موضوع باید فرد یا افراد خاطی را توسط مأمورین انتظامی‌حاضـر در شـعبه جلب و مراتب را صورت‌جلسه نمایند و همراه خاطی تحویل مقامهای قضایی‌دهند. پنجم ـ مرحله قرایت و شـمارش آرا اعضای شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای درصورت حصول اطمینان از اینکه کلیه‌مراجعه‌کنندگان رای خود را در صندوق های رای انداخته‌اند و دیگر کسـی برای دادن رای در محل‌شـعبه حضور نـدارد ، بلافاصـله پس از شـمارش تعرفه‌ها و ثبت تعـداد آن در صورت‌جلسه با حضورنماینده بخشدار و نماینده هیات نظارت ، شـمارش و قرایت آرا را به ترتیب زیر آغاز می‌نمایند: ۱ ـ ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی‌ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرایت شود شـمارش می‌کننـد و پس ازتطبیق تعـداد آنهـا بـا تعـداد برگه‌های تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می‌نماینـد: الف ـ چنانچه تعـداد اوراق رای داخـل صـندوق بیشتر از تعـداد تعرفه‌ها باشـد براساس بنـد (ج) ماده ۳۰) قـانون ، به تعـداد اضافی ابتـدا از اوراق غیرچاپی و متفرقه و سـپس از مجموع برگهای رای ، بدون‌اینکه خوانده شود ، برمی‌دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن را در صـورت‌جلسه اخـذ رای نیزدرج و در پایـان ضـمیمه صورت‌جلسه می‌نماینـد. ب ـ در صورتی که تعـداد اوراق رای داخـل صـندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه‌ها باشد ، اقدام‌خاصی صورت نمی‌گیرد و فقط مراتب در صورت‌جلسه درج می‌شود. ۲ ـ پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یاد شـده انجام شـد ، قرایت آرا با رعایت مواد (۱۹) ، (۲۰) ، (۲۱) ، (۲۲) و (۲۳) قانون و بندها و تبصره‌های ذیل آنها انجام خواهد شد. شـشم ـ مرحله تنظیم صورت‌جلسه پس از خاتمه شـمارش و قرایت آرا ، صورت‌جلسه اخذ رای شـعبه در پنـج نسخه تنظیم و سـپس‌تعداد رای هریک از نامزدها در صورت‌جلسه قیـد می‌شود. پس از انجام این کار ، صورت‌جلسه به‌امضای نماینده بخشدار و اعضای شـعبه اخذ رای و نماینده هیات نظارت می‌رسد و بلافاصـله کلیه‌اوراق و مدارک انتخاباتی و یک نسخه از صورت‌جلسه تنظیمی داخل صـندوق رای قرار داده‌می‌شوند و پس از لاک و مهر شدن صندوق یا صندوقها ، اعضای شعبه اخذ رای

به اتفاق نماینده‌بخشدار و به همراه نماینده هیات نظارت و مأمورین محافظ صندوق ، صندوق یا صندوقهای رای راهمراه با یک نسخه از صورت‌جلسه نتایج آرای شعبه و سایر مدارک رسما تحویل هیات اجرایی‌می‌دهند. از سه نسخه باقی‌مانده صورت جلسه نتایج آرا ، یک نسخه تحویل نماینده هیات نظارت ، یک نسخه تحویل نماینده رییس شعبه می‌شود. اگر در روز اخذ رای مسایل و مشکلاتی پدید آید باید در قسمت انتهای صورت‌جلسه نوشته‌شود و به امضای اعضای شعبه ، نماینده بخشداری و نماینده هیات نظارت بخش برسد. ماده ۶۹ ـ هیات اجرایی پس از دریافت صندوق یا صندوقهای محتوی آرا و مدارک وصورت‌جلسات شعب ثبت‌نام و اخذ رای حوزه انتخابیه ، در حضور اعضای هیات نظارت بخش‌نسبت به تنظیم صورت‌جلسه نتیجه اخذ رای در حوزه انتخابیه اقدام می‌نماید و یک نسخه ازصورت‌جلسه را برای انتشار آگهی نتیجه انتخابات به بخشدار تحویل می‌دهد. ماده ۷۰ ـ بخشدار موظف است بلافاصله پس از دریافت صورت‌جلسه نتیجه اخذ رای ازهیاتاجرایی بخش نسبت به تنظیم آگهی نتیجه انتخابات و انتشار آن در حوزه انتخابیه اقدام نماید.

فصل هفتم بررسی شکایات (ماده ۷۱ تا ۷۷)

ماده ۷۱ ـ به استناد ماده (۵۲) قانون ، هیات‌های اجرایی موظفند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت‌داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات ، شکایات واصله را بپذیرند و ظرف پنج‌روز به آنها رسیدگی نمایند. بنابراین چنانچه در مهلت یادشده شکایتی از حوزه انتخابیه به هیاتاجرایی بخش واصل شود ، هیات مذکور موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول هرشکایت در جلسه مشترک با هیات نظارت بخش به آن رسیدگی و مراتب را صورت‌جلسه نمایند. تبصره ۱ ـ شکایاتی قابل طرح و بررسی می‌باشند که نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، آدرس محل‌کار یا سکونت شاکی که هویت وی را آشکار می‌نماید ، دارا باشند. تبصره ۲ ـ هیات اجرایی پس از پایان مهلت دریافت و رسیدگی به شکایات چنانچه هیچ‌گونه‌شکایتی از انتخابات دریافت ننموده باشد ، مراتب عدم وصول شکایت را نیز صورت‌جلسه‌می‌نماید. ماده ۷۲ ـ هیات اجرایی موظف است پس از اتمام مهلت رسیدگی به شکایات ، بلافاصله‌باتوجه به شکایات دریافتی و بررسی چگونگی برگزاری انتخابات ، نظر خود را در مورد چگونگی‌برگزاری و پیشنهاد تایید یا ابطال انتخابات حوزه انتخابیه را طی صورت‌جلسه‌ای به هیات نظارت‌بخش اعلام نماید. تبصره ۱ ـ چنانچه بررسی شکایات منجر به ابطال آرای شعبه یا شعبی از حوزه انتخابیه شود(اعم از آن که در سرنوشت انتخابات موثر باشد و یا نباشد) هیات اجرایی بخش موظف است آرای‌باطل شده را در نتایج قبلی دخالت داده و نتیجه جدید به دست آمده از آن را در صورت‌جلسه مذکورمنظور نماید. تبصره ۲ ـ پیشنهاد ابطال کل انتخابات یا آرای شعبه یا تعدادی از شعب می‌باید مستدل وبراساس مواد قانون باشد. ماده ۷۳ ـ هیات نظارت بخش موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول نظریه هیاتاجرایی بخش درخصوص برگزاری انتخابات به شرح زیر اقدام نماید: الف ـ چنانچه نظر بر تایید صحت برگزاری انتخابات داشته باشد مراتب را صورت‌جلسه و یک‌نسخه آن را به بخشداری و یک نسخه را برای اطلاع ، به هیات نظارت شهرستان ارسال می‌نماید. ب ـ چنانچه نظر بر ابطال انتخابات یک یا چند شعبه اخذ رای داشته باشد ، مراتب را صورت‌جلسه و یک نسخه آن را همراه با دلایل و مدارک مستند به منظور اخذ تصمیم و اقدام بعدی به‌هیات نظارت شهرستان و یک نسخه را برای اطلاع ، به بخشداری ارسال می‌نماید. تبصره ـ از این مرحله به بعد با توجه به دو وضعیت (الف و (ب ، اقدامات در دو مسیرجداگانه ولی به صورت موازی و هم زمان ادامه خواهد یافت ماده ۷۴ ـ اقدامات مربوط به وضعیت (الف ۱ ـ بخشدار موظف است پس از وصول صورت جلسه هیات نظارت بخش مبنی بر تاییدصحت برگزاری انتخابات ، مراتب را از طریق انتشار آگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند ویک نسخه از آگهی منتشر شده را برای هیات نظارت شهرستان ارسال نماید. ۲ ـ به استناد ماده (۵۵) قانون ، چنانچه کسی به تایید صحت

برگزاری انتخابـــــــــــات معـــــــــــترض باشـــــــــــد ، حـــــــــــداکثر ظرف مـــــــــــدت دو روز ازانتشارآگهی‌می‌تواندشکایت‌خودرابه‌هیات‌نظارت‌شهرستان‌اعلام‌نماید. ۳ ـ هیات نظارت شهرستان موظف است حداکثر ظرف (۱۵) روز پس از وصول شکایت‌معترضان ، براساس مواد (۵۵) و (۵۹) و با رعایت مواد (۵۷) و (۵۹) قانون نتیجه قطعی و نهاییانتخابات حوزه انتخابیه را به بخشدار مربوط اعلام نماید. چنانچه در پایان مهلت دریافت شکایات ، هیات نظارت شهرستان شکایتی دریافت نکرد موظف است بلافاصله مراتب عدم وصول شکایت راهم برای اقدام بعدی به بخشدار اعلام نماید. ۴ ـ بخشدار موظف است نظر نهایی هیات نظارت شهرستان درخصوص تایید یا عدم تاییدصحت برگزاری انتخابات را از طریق انتشار آگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ماده ۷۵ ـ اقدامات مربوط به وضعیت (ب ۱ ـ هیات نظارت شهرستان موظف است حداکثر ظرف پنج روز از وصول صورت جلسه هیات‌نظارت بخش مبنی بر پیشنهاد ابطال انتخابات ، موضوع را بررسی و نتیجه را صورت جلسه نماید.چنانچه نتیجه بررسیها حاکی از تایید صحت برگزاری انتخابات با همان نتیجه قبلی باشد ، مراتب رابلافاصله از طریق هیات نظارت بخش به بخشدار اعلام می‌نماید. در غیر این‌صورت چنانچه نظر برابطال و یا تغییر سرنوشت انتخابات باشد ، صورت جلسه تنظیم را به منظور اظهار نظر نهایی به‌هیات نظارت استان ارسال می‌دارد. ۲ ـ بخشدار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت شهرستان مبنی بر تایید صحت‌برگزاری انتخابات که نتیجه قطعی و نهایی انتخابات محسوب می‌شود ، مراتب را از طریق انتشارآگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ۳ ـ هیات نظارت استان موظف است حداکثر ظرف پنج روز از وصول نظریه هیات نظارت‌شهرستان در خصوص ابطال انتخابات و یا تغییر سرنوشت آن ، نظر نهایی خود مبنی بر تایید یا عدم‌تایید صحت برگزاری انتخابات و یا تغییر نتیجه اعلام شده قبلی را طی صورت‌جلسه‌ای به هیات‌نظارت شهرستان اعلام نماید. ۴ ـ هیات نظارت شهرستان موظف است بلافاصله پس از وصول صورت جلسه نظریه هیات‌نظارت استان ، مراتب را از طریق هیات نظارت بخش به بخشدار اعلام نماید. ۵ ـ بخشدار موظف است پس از وصول صورت جلسه نظریه هیات نظارت استان ، نتیجه قطعی‌و نهایی انتخابات را از طریق انتشار آگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ماده ۷۶ ـ هیاتهای نظارت شهرستان و استان موظفند در کلیه اقدامات خود همواره ماده (۵۹)قانون را در نظر داشته باشند و آن را رعایت نمایند. ماده ۷۷ ـ بخشدار موظف است پس از انتشار آگهی نتیجه قطعی و نهایی انتخابات حوزه‌هایانتخابیه ، سه نسخه از هریک از این آگهی‌ها را به ستاد انتخابات فرمانداری ارسال نماید. یک نسخه ازآنها به ستاد انتخابات کشور ، نسخه دیگر به ستاد انتخابات استان ارسال می‌گردد و نسخه باقی مانده ، در بایگانی فرمانداری نگهداری خواهد شد.

فصل هشتم انتخابات شورای اسلامی بخش (ماده ۷۸ تا ۸۳

ماده ۷۸ ـ در اجرای ماده (۵) و با رعایت ماده (۶) قانون ، هیات اجرایی بخش موظف است‌برای یک یا چند روستا یک نفر را به عنوان نماینده خود به منظور شرکت در جلسه شورای اسلامی‌روستا ، جهت انتخاب نماینده برای عضویت در شورای اسلامی بخش ، به بخشدار معرفی نماید. ماده ۷۹ ـ بخشدار موظف است نسبت به صدور حکم نمایندگان هیات اجرایی اقدام و درصورت معرفی ناظر از طرف هیات نظارت بخش ، نامبردگان را به محل مأموریت اعزام نماید. ماده ۸۰ ـ بخشدار موظف است قبل از اعزام نماینده هیات اجرایی به روستاها ، تاریخ و ساعت‌تشکیل جلسه شورای اسلامی روستا و موضوع عزیمت نماینده هیات اجرایی را به شورای ذیربط‌اعلام نماید. ماده ۸۱ ـ نمایندگان هیات‌های اجرایی و نظارت موظفند در موعد مقرر در روستای محل‌مأموریت حضور یابند. پس از حضور حداقل سه نفر از اعضای شورا ، جلسه رسمیت می‌یابد وسپس مدعوین یک نفر از اعضای اصلی شورا را برای شرکت در جلسه انتخاب اعضای اصلی وعلی البدل شورای بخش انتخاب و مراتب را صورت‌جلسه و به امضای حاضرین در

جلسه‌می‌رسانند. یک نسخه از صورت‌جلسه توسط نماینده هیات اجرایی به هیات مذکور تسلیم می‌شود. ماده ۸۲ ـ هیات اجرایی موظف است پس از وصول صورت‌جلسات مبنی بر معرفی نماینده ازکلیه شوراهای واقع در محدوده بخش ، اسامی نمایندگان معرفی شده را به منظور دعوت از آنان به‌بخشدار اعلام نماید. ماده ۸۳ ـ بخشدار موظف است از نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی روستاهای واقع درمحدوده بخش ، با تعیین تاریخ و محل تشکیل جلسه ، دعوت به عمل آورد. پس از حضور حداقل ۲۳مدعوین جلسه رسمیت می‌یابد و سپس در حضور اعضای هیات‌های اجرایی و نظارت بخش‌نمایندگان منتخب حاضر در جلسه پنج نفر را به عنوان عضو اصلی و (۳) نفر را به عنوان عضوعلی البدل شورای اسلامی بخش با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب می‌نمایند و مراتب‌صورت‌جلسه می‌شود و یک نسخه از آن به منظور صدور آگهی به بخشدار تسلیم می‌شود. تبصره ۱ ـ در صورتی که بخش بیش از پنج روستا نداشته باشد ، انتخابات شورای اسلامی‌بخش برگزار نمی‌شود و کلیه نمایندگان معرفی شده از شوراهای اسلامی روستاها به عضویت‌شورای بخش درمیایند. در این خصوص صورت‌جلسه‌ای با حضور اعضای هیات نظارت ، توسط‌هیات اجرایی بخش تنظیم می‌شود و بخشدار موظف است پس از وصول آن ، مراتب را با صدورآگهی به اطلاع اهالی بخش برساند. تبصره ۲ ـ در صورتی که بخش کمتر از پنج روستا داشته باشد ، کلیه نمایندگان معرفی شده ازشوراهای اسلامی روستاها به عضویت شورای اسلامی بخش در میایند و سپس به منظور تامین‌کسری اعضا تا پنج نفر ، از کلیه اعضای اصلی شوراهای اسلامی روستاها توسط بخشدار دعوت به‌عمل میاید تا با حضور هیات‌های اجرایی و نظارت بخش از بین خود بقیه اعضای موردنیاز راانتخاب و مراتب را صورت‌جلسه نمایند. بخشدار موظف است پس از وصول صورت‌جلسه مذکور ، اسامی اعضای شورای اسلامی بخش را با صدور آگهی به اطلاع اهالی بخش برساند. تبصره ۳ ـ چنانچه به دلیل کمبود تعداد روستاهای یک بخش تامین (۳) نفر عضو علیالبدل‌شورای بخش از میان نمایندگان معرفی شده از سوی شوراهای اسلامی روستاها میسر نباشد ، بخشدار موظف است از کلیه اعضای اصلی شوراهای اسلامی روستاها دعوت به عمل آورد تا باحضور هیات‌های اجرایی و نظارت بخش از بین خود کسری اعضای علی البدل شورای بخش را بااکثریت نسبی آرا انتخاب و مراتب را صورت‌جلسه نمایند. تبصره ۴ ـ بخشدار می‌تواند تبصره‌های (۲) و (۳) این ماده را به طور همزمان اجرا نماید. به‌این ترتیب افرادی که دارای بیشترین رای هستند کسری اعضای اصلی و افرادی که به‌ترتیب رای بعداز آنها قرار می‌گیرند کسری اعضای علی البدل را تامین خواهند نمود.

فصل نهم صدور کارت عضویت اعضای شوراها و امحای اوراق انتخاباتی (ماده ۸۴ تا ۸۶

ماده ۸۴ ـ کارت عضویت اعضای شوراهای اسلامی روستاها و بخش با امضای بخشدار و مهربخشداری صادر می‌شود. تبصره ۱ ـ کارت عضویت فقط برای اعضای اصلی شورا صادر می‌شود. تبصره ۲ ـ برای آن عده از اعضای شوراهای اسلامی روستا که به عضویت شورای اسلامی‌بخش نیز درآمده‌اند علاوه بر کارت عضویت شورای اسلامی روستا ، کارت عضویت شورای اسلامی‌بخش نیز صادر می‌شود. ماده ۸۵ ـ بخشدار موظف است پس از وصول دستور امحای آرا و اوراق انتخابات شوراهای اسلامی کشوری از ستاد انتخابات کشور ، حتی الامکان با حضور اعضای هیات‌های اجرایی ونظارت ، نسبت به امحای اوراق تعرفه و برگهای رای مصرف شده حوزه انتخابیه در صورتی که کارت‌عضویت اعضای آن صادر شده باشد به نحو مقتضی اقدام و مراتب را صورت‌جلسه و نتیجه را به‌ستاد انتخابات کشور ، استانداری و فرمانداری متبوع اعلام نماید. ماده ۸۶ ـ دستورالعمل اجرایی و فرمهای مربوط به این آیین نامه پس از تصویب وزیر کشورقابل اجرا می‌باشد. این متن جانشین تصویبنامه شماره ۱۲۰۸۵۴/ ت ۱۷۱۷۹ ه مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۷۵ می‌شود و ازتاریخ تصویب لازم‌الاجرا است

قانون راجع به منع توقيف اموال منقول و غيرمنقول متعلق به شهرداری ها – مصوب ۱۴/۲/۶۱

ماده واحده ـ وجوه و اموال منقول و غيرمنقول متعلق به شهرداريها اعم از اينكه در بانكها و يا درتصرف شهرداری و يا در نزد اشخاص ثالث و بصورت ضمانتنامه به‌نام شهرداری باشد قبل از صدورحكم قطعی قابل تامين و توقيف و برداشت نمی‌باشد. شهرداريها مكلفند وجوه مربوط به محكوم به احكام قطعی صادره از دادگاهها و يا اوراق اجرايی ثبتی يا اجرای دادگاهها و مراجع قانونی ديگر را در حدود مقررات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و يا در صورت عدم امكان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تاخير تاديه بمحكوم لهم پرداخت نمايند. در غير اينصورت ذينفع می‌تواند برابر مقررات نسبت به استيفای طلب خود از اموال شهرداری تامين و يا توقيف يا برداشت نمايد. تبصره ـ چنانچه ثابت شود كه شهرداری با داشتن امكانات لازم از پرداخت دين خود استنكاف نموده است شهردار بمدت يكسال از خدمت منفصل خواهد شد.

آيين نامه اجرايی تشكيلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستا و نحوه انتخاب دهيار – م

هيات وزيران در جلسه مورخ ۱۱/۱/۱۳۷۸ بنا به پيشنهاد وزارت كشور و به استناد ماده ۹۴قانون تشكيلات ، وظايف و انتخابات شوراهای اسلامی كشور و انتخاب شهرداران مصوب۱/۳/۱۳۷۵ آيين نامه اجرايی تشكيلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستاونحوه انتخاب دهيار را به شرح زير تصويب نمود: ماده ۱ ـ در اين آيين نامه برای رعايت اختصار به جای عبارت (قانون تشكيلات ، وظايف و انتخابات شوراهای اسلامی كشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵) عبارت (قانون شوراهای اسلامی كشور) و بجای عناوين (شوراهای اسلامی روستا) و (حوزه انتخابيه شورای اسلامی روستا) به ترتيب كلمه‌های (شورا) و (روستا) استفاده می‌شود. ماده ۲ ـ اعضای شورا موظفند حداكثر ظرف مدت يك هفته پس از قطعی شدن انتخابات درروزی كه بخشداری به طور كتبی اعلام می‌نمايد ، اولين جلسه خود را در حضور بخشدار يا نماينده وی (عدم حضور دعوت كننده يا نماينده وی مانع از تشكيل جلسه نخواهد بود) و به رياست مسن ترين عضو حاضر تشكيل دهند و به شرح زير سوگند ياد كنند و آن را امضا نمايند: (من در برابر كلام ا... مجيد ، به خداوند متعال سوگند ياد می‌كنم و با تكيه بر شرف انسانی خويش تعهد می‌نمايم كه در حفظ امانت وانجام هر چه بهتر وظايفم وخدمت به مردم كوشا باشم و قانون اساسی و ساير قوانين و مقررات كشور را در چارچوب وظايف و اختيارات خود مراعات‌نمايم و در همه زمينه‌ها عدالت و انصاف را در نظر داشته و مادام كه در شورای اسلامی شهر عضويت دارم در رعايت صرفه و صلاح و پيشرفت امور شهر و شهرداری اهتمام نمايم) اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱ ـ پيروان اقليت‌های دينی رسمی ، اين سوگند را با ذكر كتاب آسمانی خود ياد خواهندكرد. تبصره ۲ ـ هرگاه فرد جديدی به عضويت شورا وارد شود ، موظف است در ابتدای اولين جلسه‌حضور در شورا به ترتيب مذكور ، سوگند ياد نمايد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳ ـ سمت اعضا در شوراها با پنج عضو عبارت از رييس ، نايب رييس و حداقل يك منشی‌در شوراهای دارای سه عضو رييس ، نايب رييس ومنشی می‌باشد كه برای مدت دو سال از سوی‌اعضا انتخاب می‌شوند. ماده ۴ ـ در اولين جلسه شورا ، پس از انجام مراسم تحليف ، اعضای حاضر اقدام به برگزاری انتخابات داخلی نموده و از بين خود هيات رييسه شورای مذكور ، در ماده ۳ اين آيين نامه را برای‌مدت دو سال انتخاب نمايند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۵ ـ در صورتی كه هر يك از اعضا بنا به دلا‌يلی از عضويت شورا خارج شود ، شورا موظف‌است در اولين جلسه پس از قطعيت يافتن خروج آن عضو ، مراتب را كتبا به فرمانداری محل گزارش‌دهد تا بخشداری از اعضای علی البدل با احتساب آرا آنان دعوت به شركت در جلسات و طی‌مراحل مورد نياز مانند صدور كارت شناسايی و اطلاع از سمت عضو جديد در شورا بنمايد. تبصره ـ در صورتی كه عضو خارج شده از شورا رييس و يا نايب رييس يا منشی باشد شورابايد در جلسه‌ای رييس يا نايب رييس يا منشی را حسب مورد برای مدت باقی ماند هيات

رییس‌انتخاب نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۶ ـ فرد یا افرادی که از عضویت شورا خارج می‌شوند ، موظفند حداکثر ظرف مدت دور وزپس از قطعیت خروج ، کارت عضویت خودرا تحویل بخشداری ذی بط نمایند و رسید دریافت‌دارند. ماده ۷ ـ مهر شورا حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از شروع به کار رسمی شورا ، توسط بخشدار تحویل رییس شورا می‌شود. ماده ۸ ـ اعضا شورا ، حق تفویض اختیارات خود به سایرین ، اعم از عضو و غیرعضو را ندارند.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۹ ـ شورای روستاهای واقع در حریم شهرها ، موظف به رعایت مقررات مربوط به حریم شهرها می‌باشند. ماده ۱۰ ـ رییس شورا مانند سایر اعضا دارای یک حق رای می‌باشد و وظایف او عبارت است تنظیم پیشنهاد بودجه ، تعیین زمان و اداره جلسات عادی ، فوق العاده شورا و در صورت لزوم دعوت از اعضا جهت شرکت در جلسات ، تقسیم کار بین اعضا برای پیگیری مصوبات ، دفاع از حقوق و منافع شورا در مقابل غیر و اقامه دعوی ، درخواست گزارش کار از اعضا ، امضا و مهر کردن اسناد و مکاتبات شورا ، ایجاد هماهنگی با شوراهای اسلامی ، بخش ، دهداری و سایر دستگاههای اجرایی ، پیگیری امور مربوط به دهیاری درخواست گزارش کتبی عملکرد ماهانه از دهیار. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ـ در صورت عدم حضور رییس شورا ، مسئولیت اداره جلسات شورا و سایر وظایف اورا نایب رییس آن می‌باشد. ماده ۱۱ ـ وظایف منشی و یا منشیان شورا عبارت ازتهیه و تدوین صورت جلسات ، تهیه متن نامه ها ، ثبت و شماره گذاری آنها ، تهیه گزارش از عملکرد شورا و حفظ و نگهداری دفاتر و صورت‌جلسات در محل شورا ، انجام امور خزانه داری شورا از قبیل مسئولیت حسابداری شورا ، همکاری بارییس شورا در تنظیم بودجه پیشنهادی و اصلاح یا متمم آن ، تنظیم صورت‌های مالی شورا ، ثبت وضبط صورت کلیه اموال و دارایی‌های شورا ، حسابرسی اولیه ازفعالیت‌های مالی شورا و دهیار از قبیل درآمدها ، هزینه‌ها و موجودی در پایان هر سال مالی بر طبق فرم‌های دریافتی می‌باشد.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ـ در صورت غیبت منشی یا منشیان شورا ، وظایف آنان از سوی نایب رییس شورا انجام می‌شود. ماده ۱۲ ـ جلسات شورا با حضور حداقل ۲ نفر در شوراهای دارای ۳عضوو۴نفردرشوراهای‌دارای ۵ عضو ، تشکیل می‌شود و تصمیمات آن با رای اکثریت مطلق حاضرین معتبر می‌باشد. تبصره ـ حداقل آرای لازم برای تصویب تصمیمات در جلساتی که با ۵ و یا ۴ نفر تشکیل‌می‌شود ، سه رای و در جلساتی که با ۳ و یا ۲ نفر تشکیل می‌یابد ، دو رای می‌باشد. ماده ۱۳ ـ محل دهیاری و محل تشکیل جلسات شورا ، همچنین مکان نگهداری دفاتر ، اسناد ومدارک و اموال شورا باید در مکان ثابت و مناسب و با هماهنگی شورای بخش تعیین شود. ماده ۱۴ ـ جلسات شورا به طور مستمر ماهی دوبار تشکیل می‌شود و در صورت نیاز ، جلسات فوق العاده و اضطراری شورا با پیشنهاد دهیار ، رییس شورا و یا سه نفر از اعضا ، در شوراهای دارای پنج عضو ، و دو نفر از اعضا در شوراهای دارای سه عضو تشکیل می‌شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۵ ـ شورا با تایید شورای بخش می‌تواند فعالیت‌های سالانه همچنین برنامه‌های آینده شورا را که جنبه عمومی دارد پس از تصویب در جلسات شورا با وسایل ممکن به اطلاع اهالی روستا برساند. ماده ۱۶ ـ هر گاه شورا نظر خواهی از اهالی حوزه انتخابیه خود در زمینه موضوع یا موضوعاتی را که ضروری تشخیص دهد با اطلاع بخشدار ذی‌ربط می‌تواند اقدام به تشکیل جلسه عمومی نماید.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۷ ـ موضوع یا موضوعات مختلف قابل طرح در شورا با تشخیص رییس ، درخواست هریک از اعضا و یا تقاضای کتبی شورای اسلامی بخش ، بخشدار یا دهیار ذی ربط در دستور کار شوراقرار می گیرد. ماده ۱۸ ـ صورتجلسات شورا باید به گونه‌ای تنظیم شود که در آن تاریخ و دستور کار هر جلسه ، اسامی اعضای حاضر و غایب ، آرای مثبت و منفی اعضا به هر یک از موضوعات مورد بحث ، اسامی مدعوین و حاضرین به همراه ریوس مطالب مطروحه در جلسه و تمامی مصوبات آمده‌باشد. تبصره ۱ ـ کلیه اعضای حاضر شورا باید ذیل صورتجلسات شورا را امضا و یا مهر نمایند. تبصره ۲ ـ مدعوین حاضرین ، در صورت تشخیص شورا می‌توانند ذیل صورتجلسات را امضا ، انگشت و یا مهر نمایند. ماده ۱۹ ـ شورا موظف است در پایان هر جلسه نسخه‌ای از کلیه مصوبات خود در آن جلسه و درصورت نیاز به پیوست سوابق و مطالب مفید دیگر را ، جهت اطلاع بخشدار و شورای اسلامی بخش‌ذیربط ارسال دارد. همچنین نسخه‌ای ازمصوباتی را که مربوط

به دستگاه های دیگر است را به آن‌دستگاه ارسال دارد. ماده ۲۰ ـ شورا موظف است در پایان نیمه دوم فروردین هر سال گزارش کار سالانه خود را طبق فرم های دریافتی در سه نسخه تنظیم و نسخه اصلی را جهت اطلاع شورای اسلامی بخش ، نسخه دوم را به منظور اطلاع بخشدار محل ارسال کند و نسخه سوم را به عنوان سابقه در بایگانی شورا ثبت ونگهداری نماید. ماده ۲۱ ـ تمامی مکاتبات شوراها باید طبق فرم‌های ارسالی از وزارت کشور دارای تاریخ ، شماره ثبت در دفتر شورا ، نام کل گیرنده و موضوع نامه باشد و حداقل در چهار نسخه تنظیم شود ونسخه اول برای اداره یا سازمان مورد نظر و نسخه دوم برای بخشدار و نسخه سوم برای شورای اسلامی بخش ارسال و نسخه چهارم به عنوان سابقه در بایگانی شورانگهداری شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۲ ـ تمامی مکاتبات شورا باید ممهور به مهر شورا و امضای رییس و در صورت غیبت اونایب رییس شورا باشد. ماده ۲۳ ـ شورا باید دارای دفاتر مجزایی جهت ثبت صورت جلسات و حضور و غیاب اعضا در جلسات و نامه‌های دریافتی و ارسالی ، مربوطه باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۴ ـ مصوبات شورا به استثنای عوارض موضوع ماده ۷۷ قانون از تاریخ ابلاغ به مراجع ذیربط لازم الاجرا است اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۵ ـ در صورت نیاز به حضور دهیار در جلسات ، شورا می‌تواند طی دعوتنامه کتبی و یاتعیین زمان و دستور کار جلسه از او جهت شرکت ، دعوت به عمل آورد و دهیار موظف به شرکت درجلسه مزبور می‌باشند. ماده ۲۶ ـ در صورت خودداری دهیار از شرکت در جلسه ، شورا می‌توان به دهیار تذکر کتبی دهدو در صورت تکرار مجدد توبیخ و یا بر طبق ضوابط و مقررات مربوطه وی را عزل نماید. ماده ۲۷ ـ در صورت درخواست کتبی دهیار و بخشدار و فرماندار ذی‌ربط برای تشکیل جلسه ، مشتمل بر زمان ، دستور کار و ضرورت تشکیل جلسه ، شورا موظف به برگزاری جلسه فوق العاده‌می‌باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۸ ـ شورا در صورت نیاز و با مسئولیت خود می‌تواند به منظور مشورت در زمینه‌موضوع یا موضوعاتی که در دستور کار خود قرار داده است ، از نماینده دستگاههای دولتی ذی‌ربط ویا شخص و یا اشخاص غیر عضو دعوت به همکاری نماید. ماده ۲۹ ـ شورا می‌تواند در ارتباط با وظایف خود ، اطلاعات مورد نیاز را از دستگاهها ، ادارات وسازمان‌های دولتی ، درخواست نماید و آن ادارات و سازمان‌ها موظف به دادن اطلاعات می‌باشند.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۰ ـ شورا مکلف است یک ماه قبل از انقضای مدت قانونی خود ، صورتی از کلیه‌فعالیت‌ها ، طرحها و برنامه‌هایی که در طول دوره فعالیت قانونی به اجرا گذارده است و یا در دستاجرا دارد در دو نسخه تهیه و نسخه اول را برای بخشداری ذی‌ربط ارسال و نسخه آخر را برای ثبت درسوابق شورا نگهداری نماید. ماده ۳۱ ـ هرگاه عضوی بیش از شش جلسه متوالی و دوازده جلسه غیرمتوالی در طول یک سال‌بدون داشتن عذر موجه به تشخیص شورا در جلسات شورا شرکت نکند ، مستعفی شناخته می‌شود.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۲ ـ در صورت درخواست بخشداری ذی‌ربط مبنی بر معرفی عضو منتخب شورا برای‌تکمیل اعضای شورای اسلامی بخش ، شورا موظف است فردی را از بین اعضای خود انتخاب و درموعد مقرر به بخشداری معرفی نماید. ماده ۳۳ ـ هرگاه شورا در اثر فوت ، استعفا و یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی البدل وموارد دیگر حد نصاب لازم ، مندرج در ماده ۱۳ این آیین نامه را برای تشکیل جلسات از دست دهدطبق ماده ۳۱ قانون شوراهای اسلامی کشور عمل می‌شود. ماده ۳۴ ـ شورا موظف به همکاری با شوراهای اسلامی بخش جهت گردآوری اطلاعات‌صحیح به منظور وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی روستا بر طبق آیین نامه های‌مصوب هیات وزیران برای تامین بخشی از بودجه‌های عمرانی حوزه روستاهای بخش می‌باشد.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۵ ـ شورا موظف است بر حسن وصول عوارض وضع شده از سوی شورای اسلامی‌بخش و واریز آن به حساب‌های مربوط نظارت کامل داشته باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۶ ـ تمامی درآمدها اعم از کمک‌های بلاعوض مردم ، عوارض دریافتی از اهالی ، کمک‌های دولت برای اجرای برنامه‌های عمرانی در صورت تخصیص و سایر ردیف‌های دریافتی ، باید بر طبق برنامه‌هایی که قبلا به صورت بودجه سالانه و در قالب طرح‌های عمرانی و یا مصارف‌جاری به تصویب شورا و تایید شورای اسلامی بخش رسیده است و با رعایت قوانین و مقررات‌مربوطه به مصرف

عمران و آبادانی روستا برسد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱ ـ در صورت نیاز به اجرای برنامه جدید در طی ایام سال و پس از تصویب بودجه‌سالانه ، شورا می‌تواند به صورت الحاق به بودجه سالانه ، آن برنامه را تنظیم و اجرا نماید. تبصره ۲ ـ در مواردی که طرح‌های مشترک به وسیله چند روستا به مورد اجرا گذارده می‌شود ، انجام آن علاوه بر تصویب شورا ، باید با هماهنگی شورای اسلامی بخش باشد. ماده ۳۷ ـ شورا و دهیار موظفند به منظور حفظ و نگهداری کلیه وجوه دریافتی و درآمدهایی که‌در طول دوره فعالیت قانونی تحصیل می‌نماید حسابی را در نزد یکی از شعب بانک‌های کشور به نام‌شورا افتتاح نماید تمامی وجوه نقد را به محض وصول به آن حساب واریز کنند. ماده ۳۸ ـ هرگونه برداشت از حساب موجودی و اعتبارات شورا ، باید در قالب بودجه سالانه وطرح‌ها و مخارجی که قبلا به تصویب شورا رسیده است و با امضای رییس و امضای منشی و مهرشورا صورت گیرد. ماده ۳۹ ـ شورا باید در پایان هر سال مالی ، ترازنامه مالی خود و دهیاری را طبق فرم‌هایارسالی از وزارت کشور جهت اطلاع عموم اهالی به طریق ممکن انتشار دهد. اصلاحی مورخ۱۴/۱۱/۱۳۸۱ ماده ۴۰ ـ شورا موظف است در پایان هر سال شمسی و با توجه به برنامه‌های چهارده ساله‌دوره خود و برآورد عواید و درآمدهای سال آتی ، بودجه جاری وعمرانی شورا برای سال آینده را درسه نسخه تنظیم نماید در اولین روز اسفند همان سال ، نسخه اصل را برای بخشدار مربوطه و نسخه‌دوم را به شورای اسلامی بخش ارسال و نسخه سوم را به عنوان سابقه در دفاتر شورا بایگانی نماید. تبصره ـ شورای اسلامی بخش و بخشدار مربوطه می‌تواند نظرات اصلاحی و تکمیلی خود راحداکثر تا دو قبل از پایان سال به شورا اعلام نمایند ، تا در صورت تجدیدنظر ، آن را در شورا مطرح وپس از تصویب به صورت متمم بودجه به مراجع مذکور ارسال دارند. ماده ۴۱ ـ تمامی اموال شورا و دهیاری اعم از منقول و غیرمنقول به ترتیب ، تحویل اعضای‌شورا و دهیار می‌باشد و اعضای شورا و دهیار در مقابل حفظ و نگهداری آن مسئول می‌باشند.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۲ ـ خرید یا فروش کلیه اموال منقول و غیرمنقول و اجاره مکان‌های لازم برای شورا ودهیاری علاوه بر تصویب دو سوم اعضا و طی مراحل فوق باتوافق‌شورایاسلامی‌بخش‌صورت‌گیرد. تبصره ـ عواید حاصل از فروش و اجاره دارایی‌های شورا باید از طریق حساب بانکی شوراصورت گیرد. ماده ۴۳ ـ آن دسته از کارکنان دولت یا موسسات عمومی غیردولتی که به عضویت شورا درآمده‌و به خدمت‌تمام وقت یا پاره وقت آنان نیاز باشد ، می‌توانند به عنوان مامور به خدمت در شوراها انجام وظیفه نمایند. مدت عضویت جزو سنوات خدمتی آنان محسوب می‌شود و حقوق مزایایانان برابر آخرین حکم استخدامی (یا برابر آنچه که شورا در بودجه مصوب خود مقرر می‌نماید) ازبودجه شورا پرداخت می‌شود. دستگاه‌های اجرایی موظفند حسب درخواست استاندار ذی‌ربط نسبت به صدور حکم مأموریت‌تمام وقت یا پاره وقت اعضای شورا اقدام نمایند. دستورالعمل نحوه صدور حکم مأموریت پاره‌وقت اعضای شوراها توسط دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور ابلاغ خواهد شد.اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۴ ـ دهیار موظف است در پایان دوره فعالیت قانونی خود ، صورت کاملی از کلیه اموال ودارایی‌های شورا و دهیاری را تنظیم و در اولین روز شروع به کار رسمی دهیار جدید ، آن را به وی‌طبق صورت جلسه جدید تحویل نماید و نسخه‌هایی از آن را به شورای اسلامی روستا ، بخش وبخشداری ذی‌ربط ارسال کند. ماده ۴۵ ـ فعالیت دهیار در سمت دهیاری تمام وقت می‌باشد و حقوق ماهیانه وی از محل‌بودجه ماده (۳۶) این آیین نامه با تصویب شورا تامین می‌شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۱ ماده ۴۶ ـ چنانچه شورا به وجود فردی شاغل در دستگاههای دولتی و یا وابسته به دولت برای‌تصدی سمت دهیار نیاز داشته باشد ، می‌تواند به عنوان مأمور به خدمت از طریق بخشداری ازسازمان متبوع درخواست نماید. ماده ۴۷ ـ شورا موظف است ظرف مدت ۱۵ روز پس از آغاز دوره فعالیت قانونی با توجه به‌مفاد ماده ۵۵ این آیین نامه ، فردی را به عنوان دهیار انتخاب و به منظور صدور حکم و کارت دهیاری‌به بخشداری محل معرفی نماید. ماده ۴۸ ـ شورا حق نظارت بر حسن اداره دهیاری ، اجرای مصوبات شورا و حفظ و نگهداری‌سرمایه‌ها و دارایی‌های نقدی ، جنسی ، منقول و غیرمنقول که در اختیار دهیاری می‌باشد ، همچنین‌حساب درآمد و هزینه آن را دارد. ماده ۴۹ ـ شرایط احراز سمت دهیار: الف ـ تابعیت کشور جمهوری اسلامی

ایران ب ـ اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی ج ـ داشتن حداقل ۲۵ سال و حداکثر ۶۵ سال سن و حتی المقدور تاهل د ـ سکونت در زمان تصدی سمت دهیار در روستا ه ـ برخورداری از توانایی جسمی و روحی برای انجام کار و ـ دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم تبصره ـ در صورت عدم وجود فرد با تحصیلات مناسب ، شورا می‌تواند با توافق شورای‌بخش نسبت به تعیین فردی با تحصیلات کمتر برای تصدی سمت دهیار اقدام نماید. ز ـ داشتن حسن شهرت و عدم اعتیاد مواد مخدر. ح ـ نداشتن سابقه محکومیت کیفری که موجب محرومیت از تمام یا بعضی حقوق اجتماعی‌باشد. ط ـ داشتن کارت پایان خدمت وظیفه عمومی و یا معافیت دایم از خدمت ی ـ عدم اشتغال به کار دولتی در زمان تصدی سمت دهیاری ک ـ اشتغال تمام وقت در سمت دهیاری ل ـ دهیار نمی‌تواند همزمان عضو شورای روستا باشد. تبصره ـ در حوزه‌های انتخابیه کمتر از ۱۵۰۰ نفر جمعیت که دهیار به طور نیمه وقت فعالیت‌می‌نماید رعایت بند ی و ک الزامی نمی‌باشد. ماده ۵۰ ـ مدت خدمت دهیار از زمان صدور حکم شروع به کار رسمی چهار سال می‌باشد وانتخاب مجدد وی بلامانع است تبصره ـ دهیار موظف است حداکثر یک هفته پس از پایان خدمت از سمت دهیاری ، کارت وحکم خود را تسلیم شورا نماید. ماده ۵۱ ـ دهیار موظف است در بدو خدمت و پس از آن در مواقعی که از قبل توسط بخشداراعلام می گردد ، بر اساس برنامه‌های پیش‌بینی شده از سوی وزارت کشور ، آموزش‌های مورد نیاز راطی نماید. ماده ۵۲ ـ خدمت دهیار در موارد زیر به پایان می‌رسد: ۱ ـ فوت و جنون ۲ ـ از دست دادن هر یک از شرایط احراز سمت دهیار به تشخیص شورای روستا. ۳ ـ قبول استعفا از سمت دهیاری توسط شورا ۴ ـ عزل دهیار با رای اکثریت اعضای شورا (با رعایت مقررات مربوطه . ۵ ـ عدم حضور در محل خدمت بیشتر از ۱۵ روز بدون کسب مجوز از شورا و یا نداشتن عذرموجه ، به تشخیص شورا. ۶ ـ صدور حکم محکومیت از طرف مراجع صالح قانونی مبنی بر انفصال از خدمت اصلاحی‌مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۱ ماده ۵۳ ـ چنانچه یک یا چند نفراز اعضای شورا نسبت به عملکرد دهیار یا عملیات دهیاریاعتراض و یا ایرادی داشته باشند ، ابتدا توسط رییس شورا ، موارد را به صورت واضح به دهیار تذکرکتبی خواهند داد ، در صورت عدم رعایت مفاد مورد تذکر ، موضوع به صورت سوال مطرح خواهدشد که در این صورت رییس شورا سیوال را کتبا به دهیار ابلاغ خواهد کرد و حداکثر ظرف ده روز پس‌از ابلاغ ، دهیار موظف به حضور در جلسه عادی یا فوق العاده شورا و پاسخ به سوال می‌باشد.چنانچه دهیار از حضور استنکاف ورزیده و یا پاسخ قانع کننده تشخیص داده نشود ، طی جلسه‌دیگری موضوع مورد بررسی قرار می گیرد و شورا می‌تواند با رای اکثریت مطلق اعضا ، دهیار را برکنار کند و فرد جدیدی را انتخاب نماید. ماده ۵۴ ـ دهیار موظف است گزارش‌های مورد درخواست شورا را تهیه و در موعد مقرر برای آن‌ارسال نماید و در صورت تقاضای شورا مبنی بر حضور دهیار و پاسخگویی به سوالات در رأس‌موعد و محل مقرر اقدام نماید. ماده ۵۵ ـ دهیار موظف است گزارش ماهانه فعالیت‌های دهیاری را برای شورا و رونوشت آن رابرای بخشداری به طور مکتوب ارسال نماید. ماده ۵۶ ـ دهیار باید تابلویی از ساعات حضور و کار خود در محل دهیاری را برای اطلاع اهالی‌در مکانی مناسب نصب نماید. ماده ۵۷ ـ به منظور اجرای مطلوب و هماهنگ قانون شوراهای اسلامی کشور در روستاها ، وزارت کشور مسئول آموزش‌های لازم اعضای شوراها و نیز مجریان این قانون می‌باشد و نیزموظف است آیین نامه های اجرایی مورد نیاز را تهیه و پس از تصویب هیات وزیران برای اجرا ابلاغ‌نماید.معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین نامه اجرای قانون تغییرعنوان اعضای شوراهای اسلامی روستاهایی که به شهر تبدیل شده‌اند – مصوب ۱۳۷

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۶/۱۰/۱۳۸۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۴۳۰/۸ مورخ ۲۵/۸/۱۳۷۹ وزارت کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: ماده ۱ ـ در این آیین نامه ، واژه های به کار رفته زیر دارای معانی مشروح مربوط می‌باشند: الف ـ روستا: منطبق با تعریفی است که در ماده (۲) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری‌مصوب ۱۳۶۲ ارایه گردیده است ب ـ شهر: همان ویژگیهای مندرج در ماده (۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ـ مصوب ۱۳۶۲

ـ و اصـلاحیه آن ـ مصـوب ۱۳۷۱ ـ می‌باشـد. پ ـ قانون قانون تغییر عنوان اعضای شوراهای اسلامی روسـتاهایی که به شـهر تبـدیل شده‌اند ـمصوب ۱۳۷۸ ـ ت ـ شورا: شورای اسلامی شهر جدید (موضوع (قانون) ماده ۲ ـ روستاهایی که بعد از انتخابات شوراهای اسـلامی منفردا یا تجمیعا به شـهر تبدیل می‌شوند نام اعضای شورای اسـلامی روسـتا با هر تعداد اعضا به شـهر تغییر می‌یابد. ماده ۳ ـ اولین جلسه (شـورا) ظرف یـک هفته پس از تغییر عنـوان به دعـوت مسوول واحـد تقسـیمات کشوری حوزه انتخـابیه و بـا ریاسـت مسن‌ترین اعضا ، تشـکیل گردیده ، از بین اعضای خود یک رییس ، یک نایب رییس و حداقل یک منشی انتخاب می‌نماید. ماده ۴ ـ جلسات شورا با حضور دو سوم اعضای اصـلی رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر می‌باشد. ماده ۵ ـ اعضای علی البـدل شوراهای اسـلامی روسـتایی موضوع قانون به موازات تغییرات حاصل شـده با لحاظ ترتیبات آرای مکتسـبه و تعیین اولویت ها، به اعضای علی البدل شورای اسـلامی شـهر تبدیل عنوان می‌یابند. ماده ۶ ـ با تغییر عنوان شورای اسـلامی روستا به شهر، کلیه کارتهـای عضویت شورای اسـلامی روسـتا باطـل می گردد. بخشـداری حوزه انتخـابیه مربوط موظف است بـا جمع آوری کارتهای باطل شده ، برای کلیه اعضای اصـلی و علی البدل کارت عضویت جدید صادر نماید. ماده ۷ ـ حدود وظایف واختیارات (شورا) ، همان موارد مقرر در قانون تشـکیلات ، وظایف وانتخابات شوراهای اسـلامی کشور و انتخاب شـهرداران مصوب ۱۳۷۵ ـ و آیین نامه های اجرایی آن‌می‌باشد. ماده ۸ ـ (شورا) تا انقضای دوره قانونی مربوط مشمول مفاد این آیین نامه می‌باشد و با برگزاری انتخابـات بعـدی ، تعـداد اعضـای اصـلی و علی البـدل شورای اسـلامی شـهر به نحوی خواهـد بود که درقـانون تشـکیلات ، وظایف وانتخابـات شوراهای اسـلامی کشور و انتخاب شـهرداران مصوب ۱۳۷۵مقرر گردیـده است معـاون اول رییس جمهور ـ محمدرضـا عارف

اصلاح آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک – مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۳/۱۳۸۲ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه های شماره ۴۷۳۱ ه–/ب مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۸۱ و شـماره ۸۷۱۱/۴۹۷۲ه–/ب مورخ ۱۴/۲/۱۳۸۲ تصویب نمود: آیین نـامه اجرایی انتخابـات شوراهای اسـلامی شـهر و شهرک، موضوع تصویب نامه شـماره ۱۸۴۶۷/ت۲۶۷۳۵ه– مورخ ۲۴/۴/۱۳۸۱، به شـرح زیر اصـلاح می شود: ۱– ماده(۱۲) به شرح زیر تغییر می یابـد: «مـاده ۱۲ – چنـانچه فردی به طور همزمـان در بیش از یـک حوزه انتخـابیه در انتخابـات شورا ثبت نـام نمایـد، به دسـتور وزارت کشور و فرمانـداران و بخشـداران، نام وی از فهرست داوطلبان حـذف می شود و از آن تاریـخ به مـدت چهارسال از داوطلب شـدن در انتخابات شوراها محروم می گردد.» ۲ – در ماده (۲۷) عبارت «(۸) نفر» به «(۷) نفر» اصلاح می شود. معاون اول رییس جمهور – محمدرضا عارف

تصویبنامه در خصوص آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستاو بخش – مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۵/۵/۱۳۸۲ با توجه به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه های شماره ۴۹۰۶/۳۴۴۰ه–/ب مورخ ۲۶/۱/۱۳۸۲ و شـماره ۲۵۴۳۶/۵۱۸۱ه–/ب مـورخ ۱۰/۴/۱۳۸۲ تصویب نمود: آیین نـامه اجرایی انتخابـات شوراهـای اسـلامی روستا و بخش، موضوع تصویب نامه شماره ۱۸۴۶۸/ت۲۶۷۳۵ه– مورخ ۲۴/۴/۱۳۸۱ به شرح ذیل اصلاح می گردد: ۱– ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح می شود: «ماده ۱۲– چنانچه فردی به طور همزمان در بیش از یک حوزه انتخابیه در انتخابات شوراها ثبت نام نماید به دسـتور وزارت کشور و فرمانـداران و بخشداران نام وی از فهرست داوطلبان حذف می شود و از آن تاریخ به مدت چهار سال از داوطلب شـدن در انتخابـات شوراها محروم می گردد.» ۲– ماده (۵۱) و تبصـره های آن به شـرح زیر اصـلاح می گردد: «ماده ۵۱ –

مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند در اجرای تبصره (۲) ماده یاد شده حداکثر ظرف مدت ده روز پس از وصول اسامی و مشخصات هر یک از داوطلبان نتیجه بررسیهای انجام شده در خصوص سوابق آنان را به طور کتبی به بخشدار اعلام نمایند. تبصره ۱– اظهارنظر و تصمیم گیری در خصوص تایید یا عدم تایید صلاحیت داوطلبان بر اساس قانون تنها از وظایف و اختیارات هیاتهای اجرایی با تایید هیات نظارت می باشد. تبصره ۲– مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند کلیه اطلاعات و سوابق ذی ربط داوطلبان استعلام شده را کتبا به هیات اجرایی اعلام نمایند.» معاون اول رئیس جمهور – محمدرضا عارف

قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۷) قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرد

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه شماره ۴۳۹۰/۲۸۵۳۵ مورخ ۲۱/۲/۱۳۸۲ دولت در مورد اصلاح مواد (۱) و (۲) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ که یک فوریت آن در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۲۳/۲/۱۳۸۲ تصویب شده بود، در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۵/۵/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان ومتن تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است، دراجرای اصل یکصدوبیست وسوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی – مهدی کروبی شماره۲۹۷۹۵ ۲۹/۵/۱۳۸۲ وزارت کشور قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۷) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب۱۳۷۵ که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ پنجم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۵/۵/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۵۲۴۲ مورخ ۲۰/۵/۱۳۸۲ واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور – سیدمحمد خاتمی قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۷) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب۱۳۷۵ ماده ۱ – ماده (۱) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور وانتخاب شهرداران مصوب۱/۳/۱۳۷۵ به شرح ذیل اصلاح می شود: ماده ۱ ـ برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورائی به نام شورای ده (روستا)، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد و به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استان تشکیل می شود. ماده ۲ ـ مقصود از شورا در این قانون و سایر قوانین معتبر در خصوص شوراهای اسلامی کشوری شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و عالی استانها می باشد. ماده ۷ ـ تعداد اعضای اصلی و علی البدل شورای شهر به شرح زیر می باشد: الف ـ شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت، پنج نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل. ب ـ شهرهای از بیست هزار نفر تا پنجاه هزار نفر جمعیت، هفت نفر عضو اصلی و سه نفر عضوعلی البدل. ج ـ شهرهای ازپنجاه هزار نفر تا یکصد هزار نفر جمعیت، نه نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی البدل. د ـ شهرهای از یکصد هزار نفر تا دویست هزار نفر جمعیت، یازده نفر عضو اصلی و پنج نفر عضو علی البدل. هـ ـ شهرهای از دویست هزار نفر تا پانصد هزار نفرجمعیت، سیزده نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی البدل. و ـ شهرهای از پانصد هزار نفر تا یک میلیون نفرجمعیت، پانزده نفر عضو اصلی و هفت نفر عضو علی البدل. ز ـ شهرهای بیشتر از یک میلیون نفر تا دو میلیون نفر جمعیت، بیست و یک نفر عضو اصلی و هشت نفر عضو علی البدل. ح ـ شهرهای بیش از دو میلیون نفر جمعیت، بیست و پنج نفر عضو اصلی و ده نفر عضو علی البدل. ط ـ شهر تهران سی و یک نفرعضو اصلی و دوازده نفر عضو علی البدل. تبصره ـ ملاک تشخیص جمعیت هر شهر و روستا، آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن با اعلام رسمی مرکز آمار ایران خواهد بود.

قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که با عنوان طرح استفساریه بند (۲) ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ۲۵/۱۰/۱۳۸۴ مجلس مطرح و نظر تفسیری مجلس به شرح پیوست تصویب و در تاریخ۱۲/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید شورای‌نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصدوبیست وسوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۷۵۳۳۱ ۱۴/۱۲/۱۳۸۴ وزارت کشور قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۲۱۵۳۴۶/۴۷۵ مورخ ۱۶/۱۱/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیس‌جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن موضوع استفساریه: ماده واحده ـ آیا ممنوعیت تصدی مناصب اداری مذکور در بندهای (۱) و (۲) ماده (۲۸) قانون پس از عضویت در شوراهای یادشده نیز تسری دارد یا خیر؟ نظر مجلس: بلی، عضویت همزمان در شوراهای اسلامی با تصدی مناصب اداری مذکور در ماده (۲۸) منافات دارد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۱۸۶۰۲/۳۴۹۳۹ مورخ ۲۶/۲/۱۳۸۵ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که با عنوان لایحه یک فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده‌بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۷/۸/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۱۵۵۸۸۷ ۵/۱۰/۱۳۸۶ وزارت کشور قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۴۸۸۳۲/۵۴۲ مورخ ۲۴/۹/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده‌است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن ماده ۱ ـ واژه « ده» از ماده (۱) حذف می گردد. ماده۲ـ در ماده (۵) بعد از عبارت « در هر بخش شورای بخش» عبارت « که اعضاء آن پنج نفر می‌باشد» اضافه و یک تبصره به شرح زیر به آن الحاق می گردد: تبصره ـ از یک روستا بیش از یک نفر نباید در شورای بخش حضور داشته‌باشد و در

صورتی که تعداد روستاهای بخش کمتر از پنج روستا باشد اعضاء شورای بخش از میان مجموع اعضاء شوراهای روستاها انتخاب خواهندشد و در نهایت حداقل باید از هر روستا یک نفر انتخاب گردد. ماده۳ـ ماده (۶) حذف می گردد. ماده۴ـ در ماده (۸): الف ـ واژه « بخش» حذف می‌شود. ب ـ تبصره‌ای به شرح زیر به این ماده الحاق می‌شود: تبصره ـ هرگاه عضوی به هر دلیلی تا دو ماه در جلسه شورا شرکت ننماید، تا تعیین تکلیف نهایی که نباید بیش از شش ماه به طول بیانجامد از عضو علی‌البدل به عنوان جانشین در جلسات دعوت به عمل می‌آید. ماده۵ ـ ماده (۹) و تبصره آن به شرح ذیل اصلاح می‌شود: ماده۹ـ در صورت تبدیل روستا به شهر، شورای شهر همان شورای روستا خواهدبود. چنانچه دو یا چند روستا به شهر تبدیل شود، شورای شهر از میان اعضاء شوراهای آن روستاها به ترتیب آراء در انتخابات و به نسبت جمعیت روستاها تشکیل می‌شود. تبصره ـ چنانچه دو یا چند روستا ادغام و به یک روستا تبدیل شوند، شورای روستای جدید از میان اعضاء شوراهای روستاها به ترتیب آراء در انتخابات و به نسبت جمعیت روستاها تشکیل می‌شود. ماده۶ ـ در ماده (۱۰): الف ـ واژه « شهرداران» بعد از واژه « فرمانداران» اضافه می‌شود. ب ـ واژه « دهیار» از تبصره این ماده حذف می‌شود. ماده۷ـ در ماده (۱۰) مکرر: الف ـ جمله « شهرستانهایی که فقط یک بخش و یک شهر داشته‌باشند از محدودیت داشتن دو نفر نماینده در شورا، مستثنی می‌باشند» به انتهاء تبصره (۲) این ماده الحاق می‌شود. ب ـ تبصره (۳) این ماده حذف می‌شود. ماده۸ ـ تبصره (۲) ماده (۱۱) حذف می‌شود. ماده۹ـ در ماده (۱۳): عبارت « و شهر» بعد از واژه « بخش» به این ماده اضافه می‌شود. ماده۱۰ـ در ماده (۱۴): الف ـ تبصره (۲) حذف می‌شود. ب ـ شماره تبصره‌های (۳) و (۴) به (۲) و (۳) تغییر می‌یابد. ماده۱۱ـ در ماده (۱۴) مکرر: الف ـ تبصره (۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره۱ـ هر فرد می‌تواند فقط عضو شورای یک روستا یا یک شهر باشد. ب ـ تبصره (۳) این ماده به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره۳ـ « نامزد شدن اعضاء شوراهای اسلامی روستا و شهر در انتخابات مجلس شورای اسلامی منوط به پذیرش استعفاء آنها از سوی شورا، قبل از پایان مهلت قانونی می‌باشد.» ماده۱۲ـ یک ماده به عنوان ماده (۱۵) مکرر به شرح زیر به قانون الحاق می‌شود: ماده۱۵مکررـ اولین جلسه شوراهای روستا به دعوت بخشدار و شورای شهر به دعوت فرماندار در تاریخ مقرر در ماده (۳) قانون تشکیل می‌شود. همچنین شوراهای فرادست به ترتیب، شورای بخش به فاصله یک ماه پس از تشکیل سه چهارم شوراهای روستاهای تابع بخش به دعوت بخشدار، شورای شهرستان به فاصله یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهر و بخش در محدوده آن شهرستان به دعوت فرماندار، شورای استان به فاصله یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهرستانهای واقع در محدوده آن استان به دعوت استاندار و شورای عالی استانها به فاصله یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای استانها به دعوت وزیر کشور تشکیل می‌شود. ماده۱۳ـ در ماده (۱۶): الف ـ عبارت « وفق ماده (۱۵ مکرر)» بعد از عبارت « شوراهای موضوع این قانون» اضافه می‌شود. ب ـ عبارت « برای مدت یکسال» در این ماده بعد از واژه « منشی» اضافه می‌شود. ماده۱۴ـ در ماده (۱۶) مکرر واژه « بخش» پس از عبارت « اعضای شوراهای» اضافه می‌شود. ماده۱۵ـ در تبصره ماده (۱۸) عبارت « در انتخابات شرکت نکرده باشند» به عبارت « در هیچ حوزه‌ای رأی نداده‌باشند» اصلاح می‌شود. ماده۱۶ـ در بند (الف) ماده (۲۰) عبارت « یا پلمب» بعد از واژه « مُهر» اضافه می‌شود. ماده۱۷ـ در بند (۲) ماده (۲۵) سن انتخاب‌کنندگان از ۱۵سال تمام به ۱۸سال تمام اصلاح می‌شود. ماده۱۸ـ در ماده (۲۶): الف ـ بندهای (د)، و (هـ) به بندهای (ج) و (د) تبدیل می‌شوند. ب ـ عنوان بند (و) اصلاحی ۶/۷/۱۳۸۲ به عنوان بند (هـ) تبدیل و به شرح ذیل اصلاح می‌شود: « هـ ـ دارابودن سوادخواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا دویست خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شورای روستاهای بالای دویست خانوار، داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای شورای شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت، داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن برای شورای شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت.» ج ـ یک بند به عنوان بند (و) ذیل این ماده الحاق می‌شود: « و ـ دارابودن کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا کارت معافیت دائم از خدمت برای مردان.» ماده۱۹ـ در ماده (۲۸): الف ـ در بند (۱) پس از عبارت «رئیس جمهور و مشاورین و معاونین وی» عبارت « نمایندگان خبرگان رهبری» پس از « رئیس دیوان عدالت اداری»، « رئیس دیوان

محاسبات کشور و معاونین وی، دادستان دیوان محاسبات» پس از « رئیس سازمان بازرسی کل کشور»، « و معاونین وی» پس از « رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی»، « دبیر هیأت دولت، رؤسای دفاتر سران سه قوه» و پس از «سرپرستان سازمانهای دولتی»، « رؤسای دانشگاهها (دولتی و غیردولتی)» اضافه می‌شود. ب ـ در بند (۲) پس از عبارت « فرمانداران و معاونین آنان»، « شهرداران و معاونین آنان» اضافه می‌شود. ج ـ در بند (۳) ماده (۲۸) واژه « شهرداری» بعد از عبارت « مدیران مناطق» و عبارت « و همچنین دهیاران و شاغلین در دهیاری» بعد از واژه « وابسته به آن» اضافه می‌شود. د ـ بعد از واژه « شهرداران» حرف « و» به علامت ویرگول « ،» تغییر می‌یابد. هـ ـ بند (۴) به شرح زیر به این ماده الحاق می‌شود: « ۴ـ اعضاء شوراهای اسلامی موضوع این قانون در طول مدت عضویت نمی‌توانند در سمتهای مذکور در این ماده مشغول به کار شوند.» ماده۲۰ـ در سطر آخر ماده (۳۰)، عبارت « به مدت چهارسال» به عبارت « تا پایان همان دوره» اصلاح می‌شود. ماده۲۱ـ ماده (۳۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود: « ماده ۳۱ـ در صورتی که هر یک از شوراها به علت فوت، استعفاء یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی‌البدل فاقد حدنصاب لازم برای تشکیل جلسه گردد، انتخابات میان دوره‌ای همزمان با اولین انتخابات سراسری درموعد مقرر برگزار می‌شود.» ماده۲۲ـ در تبصره (۱) ماده (۳۲) عبارت « پس از تأیید هیأت نظارت» بعد از واژه « انتخاب و» اضافه می گردد. ماده۲۳ـ در تبصره (۱) ماده (۳۳) عبارت « پس از تأیید هیأت نظارت» بعد از واژه « انتخاب و» اضافه می‌شود. ماده۲۴ـ در ماده (۴۵) بعد از عبارت « تشکیل هیأت اجرائی» علامت ویرگول « ،» اضافه می‌شود. ماده۲۵ـ در تبصره (۲) ماده (۴۶) بعد از عبارت « از تاریخ وصول استعلام» علامت ویرگول « ،» اضافه می‌شود. ماده۲۶ـ ماده (۴۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود: « ماده۴۸ـ نظر هیأتهای اجرائی بخش و شهرستان مبنی بر تأیید صلاحیت داوطلبان با تأیید هیأتهای نظارت شهرستان و بخش معتبر است و چنانچه ظرف هفت روز از تاریخ دریافت نتیجه رسیدگی صلاحیت داوطلبان، هیأت نظارت مربوط درباره داوطلب یا داوطلبان نظر خود را اعلام نکند، نظر هیأت اجرائی ملاک عمل خواهدبود.» ماده۲۷ـ در ابتداء تبصره (۴) ماده (۵۰) عبارت « فرماندار یا بخشدار به عنوان رئیس» اضافه می‌شود. ماده۲۸ـ ماده (۵۹) قانون، به بعد از ماده (۶۳) منتقل می‌شود. ماده۲۹ـ در قسمت اخیر ماده (۶۳) عبارت « رؤسای هیأتهای اجرائی» جایگزین عبارت « مقامات وزارت کشور» می‌شود. ماده۳۰ـ در بند (م) ماده (۶۷) عبارت «یا پلمب» بعد از واژه « مُهر» اضافه می‌شود. ماده۳۱ـ به فصل انتخابات یک بخش با عنوان زیر الحاق می گردد: و ـ سایر مقررات انتخابات. ماده۳۲ـ مواد(۸۶) و (۸۷) از فصل پنجم سایر مقررات به قسمت فوق‌الذکر منتقل می‌شود. ماده۳۳ـ در ماده (۸۸): الف ـ واژه « محلی» به « محلی استانی» تغییر می‌یابد. ب ـ در تبصره این ماده عبارت « آگاه نمودن» به « آگاه‌سازی» تغییر می‌یابد. ج ـ این ماده از فصل پنجم به قسمت سایر مقررات انتخابات منتقل می‌شود. ماده۳۴ـ مواد (۸۹) و (۹۰) از فصل پنجم به قسمت سایر مقررات انتخابات منتقل می‌شود. ماده۳۵ـ در ماده (۶۸): الف ـ بعد از واژه « نظارت» عبارت « و پیگیری» اضافه و واژه « تصمیمهای» به مصوبات» تغییر می‌یابد. ب ـ عبارت «حسب درخواست بخشدار» به قسمت انتهائی بند(ی) این ماده اضافه می گردد. ماده۳۶ـ بند ذیل به عنوان بند (۱۱) به ماده (۶۹) الحاق می‌شود: ۱۱ـ تشکیل پرونده و صدور پروانه ساختمان برای ایجاد بناها و تأسیسات واقع در محدوده قانونی روستا پس از هماهنگی با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و اخذ نظرات فنی نهاد مذکور در چهارچوب ضوابط و مقررات طرحهای هادی مصوب روستا. ماده۳۷ـ در ماده (۷۰): الف ـ دو بند به عنوان بندهای (۱۰) و (۱۱) به شرح زیر به این ماده الحاق می گردد: ۱۰ـ نظارت بر حُسن اجراء مصوبات شورای اسلامی بخش. ۱۱ـ نظارت و پیگیری اجراء طرحها و پروژه‌های عمرانی بخش. ب ـ شماره بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷) و (۸) به شماره (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷) و (۸)، (۹) تغییر می‌یابد. ج ـ عبارت « بخش از قبیل توسعه» از بند (۷) حذف می گردد. ماده۳۸ـ در ماده (۷۱): الف ـ در بند (۶) واژه «گردشگری و» بعد از « مراکز» اضافه می‌شود. ب ـ عبارت « با رعایت مقررات مربوط» به انتهای بند (۲۴) اضافه می گردد. ج ـ عبارت « با رعایت مقررات مربوط» به انتهای بند (۲۶) اضافه می گردد. د ـ در بند (۲۷) واژه « وسائل» به « وسائط» تغییر می‌یابد. هـ عبارت « با رعایت مقررات قانونی مربوط» به انتهای بند (۲۹)

اضافه می گردد. و ـ تبصره بند (۳۰) به تبصره (۱) اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۲) به ذیل این ماده الحاق می گردد. تبصره۲ ـ شورای شهر موظف است یک نسخه از نتیجه گزارش حسابرس رسمی را جهت بررسی و هرگونه اقدام قانونی به وزارت کشور ارسال نماید. زـ تبصره‌های (۱) و (۲) بند (۳۴) این ماده حذف می گردد. ماده۳۹ـ در ماده (۷۷): الف ـ عبارت « و دهستان» پس از عبارت « شورای اسلامی شهر» و عبارت « و روستا» پس از عبارت « مورد نیاز شهر» حذف می گردد و واژه « می‌توانند» به « می تواند» و واژه « نمایند» به « نماید» تغییر می‌یابد. ب ـ در سطر اول تبصره این ماده بعد از واژه « عوارض» علامت ویرگول « ،» اضافه می گردد. ماده۴۰ـ در ماده (۷۸): عبارت « و شوراهای شهر در شهرستان به استثناء شورای شهر مرکز استان» به ادامه بند (۳) اضافه می گردد. ماده۴۱ـ در ماده (۷۸ مکرر۱): الف ـ تبصره بند (۱) حذف می گردد. ب ـ سه بند به شرح زیر به عنوان بندهای «۸،۷ و ۹» به انضمام یک تبصره به ذیل ماده فوق الحاق می‌شود. ۷ـ عضویت رئیس شورای استان در جلسات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بدون حق رأی. ۸ ـ نظارت بر حساب درآمد و هزینه‌های مشترک شهرداریهای استان با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به مرجع ذی‌ربط و انجام پیگیریهای لازم براساس مقررات قانونی، یک نسخه از حسابرسی مذکور جهت هرگونه اقدام قانونی به وزارت کشور ارسال می گردد. ۹ـ نظارت بر حساب درآمد و هزینه سازمان همیاری شهرداریها با انتخاب حسابرس رسمی که هزینه آن توسط سازمان همیاری شهرداریها تأمین می‌شود. تبصره ـ شورای استان موظف است یک نسخه از گزارش حسابرس رسمی را جهت بررسی و هرگونه اقدام قانونی به وزارت کشور ارسال نماید. ماده۴۲ـ در ماده (۸۷ مکرر۲): الف ـ بند (۷) این ماده به شرح زیر اصلاح می گردد: ۷ـ برنامه‌ریزی به منظور آموزش و آشنایی اعضاء شوراها با وظایف خویش از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه مدت کاربردی در قالب امکانات موجود کشور با همکاری وزارت کشور و سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای اجرائی ذی‌ربط. ب ـ ماده (۷۵) قانون به عنوان بند (۹) ذیل این ماده الحاق می گردد: ۹ـ آئین‌نامه سازمانی، تشکیلاتی و تعداد و نحوه تشکیل جلسات شوراها و امور مالی دبیرخانه کلیه شوراها و تعداد کارکنان آنها و هزینه‌های مربوط و هرگونه پرداختی به اعضاء شوراها توسط شورای عالی استانها تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. به کارگیری کارکنان و هرگونه پرداختی خارج از این آئین‌نامه ممنوع می‌باشد. ج ـ در ماده (۷۸ مکرر۳) عبارت «حداکثر یک سال پس از تشکیل» حذف و این ماده به عنوان بند (۱۰) ذیل این ماده الحاق می گردد. ماده۴۳ـ در ماده (۷۴): الف ـ این ماده و تبصره‌های آن به عنوان ماده (۸۲ مکرر۳) به فصل چهارم، ترتیب رسیدگی به تخلفات، منتقل و عنوان (ماده۸۲ مکرر۳) به (ماده۸۲ مکرر۴) اصلاح می‌شود. ب ـ عبارت « در غیر این صورت ضمن لغو قرارداد و سلب عضویت دائم از شورا، پرونده به مراجع ذی‌صلاح ارسال می گردد» به ادامه تبصره (۱) اضافه می گردد. ج ـ عبارت « در صورت ارتکاب نسبت به بررسی آن در هیأت حل اختلاف استان اقدام خواهد شد» به ادامه تبصره (۲) اضافه می‌شود. ماده۴۴ـ در ماده (۷۹): الف ـ در بند (۲) تعداد اعضای شورای استان از دو نفر به یک نفر تقلیل و تعداد نمایندگان مجلس از یک نفر به دو نفر افزایش یافت. ب ـ در بند (۳) عبارت « از اعضاء شورای استان» بعد از « یک نفر» اضافه می گردد. ج ـ تبصره ذیل این ماده به عنوان تبصره (۱) اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۲) ذیل آن الحاق می گردد. تبصره۲ـ وزارت کشور براساس مسئوولیت نظارتی و اجرائی قانون شوراها می‌تواند موارد تخلف از قانون را به هیأت حل اختلاف ارجاع نماید. ماده۴۵ـ در ماده (۸۰): الف ـ ظرف زمانی «پانزده روز» مندرج در سطر آخر این ماده به «بیست روز» تغییر می‌یابد. ب ـ تبصره این ماده به عنوان تبصره (۱) تغییر می‌یابد. ج ـ دو تبصره به شرح زیر به ذیل این ماده الحاق می گردد. تبصره۲ـ قطعی شدن مصوبات شورا، مانع از طرح رسیدگی آن دسته از مصوبات مغایر قانون در هیأت مرکزی حل اختلاف توسط اشخاص نمی‌باشد. تبصره۳ـ کلیه شوراها موظفند هرگونه تصمیمی را که مربوط به دستگاههای اجرائی مختلف اتخاذ کرده‌اند، بلافاصله به دستگاه مربوطه ابلاغ نمایند. ماده۴۶ـ در تبصره ماده (۸۱) عبارت « ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی» بعد از واژه « می‌توانند» اضافه می گردد. ماده۴۷ـ الف ـ ماده (۸۲) به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده۸۲ ـ چنانچه هریک از اعضاء شوراهای موضوع این قانون

شرایط عضویت را از دست داده و یا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب قصور یا تقصیر شود یا اقدامی که موجب توقف یا اخلال در انجام وظایف شوراها گردد یا عملی خلاف شؤون اعضاء شورا انجام دهد به موارد زیر محکوم می‌گردد: ۱ـ اخطار کتبی با درج در پرونده شورایی بدون اعلان عمومی. ۲ـ اخطار کتبی با درج در پرونده شورایی و اعلان عمومی. ۳ـ کسر از مبالغ دریافتی بابت عضویت در شورا (حقوق، حق‌الجلسه و عناوین مشابه) حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال. ۴ـ محرومیت از عضویت در هیأت رئیسه و نمایندگی در شوراهای فرادست و عناوین مشابه حداقل به مدت یک سال. ۵ ـ سلب عضویت موقت از یک ماه تا یک سال. ۶ ـ سلب عضویت برای باقیمانده دوره شورا. ۷ـ ممنوعیت ثبت نام در انتخابات شوراها برای مدت حداقل یک دوره. تبصره۱ـ هیأتهای حل اختلاف پس از رسیدگی به اتهام یا اتهامات منتسب به عضو شورا در صورت احراز تخلف یا تخلفات، در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازاتهای این قانون را اعمال خواهند نمود و تنها بند (۸) قابل جمع با بندهای (۴) تا (۶) این ماده می‌باشد. تبصره۲ـ چنانچه عضوی به یکی از مجازاتهای بندهای (۴) تا (۸) این ماده محکوم شود می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی به هیأت حل اختلاف مرکزی شکایت نماید. هیأت مذکور خارج از نوبت به موضوع رسیدگی خواهدکرد. تبصره۳ـ فرد یا افرادی که سلب عضویت می‌گردند، می‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت نمایند. دادگاه مذکور خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌کند و رأی آن قطعی و لازم‌الاجراء خواهد بود. ۸ ـ سلب عضویت دائم از عضویت در شورا و ممنوعیت ثبت نام در انتخابات شوراها. ب ـ بندهای (۱) و (۲) و تبصره‌های آن با اصلاحات انجام شده به شرح زیر به عنوان ماده (۸۲ مکرر۱) تغییر و عنوان (ماده۸۲ مکرر۱) به ماده (۸۲ مکرر۲) اصلاح می‌شود. ماده۸۲ مکرر۱ـ هیأتهای حل اختلاف ضمن رسیدگی به شکایات از اعضاء شوراها در مورد اتهامات موضوع ماده (۸۲) به ترتیب زیر اقدام می‌نمایند: ۱ـ در مورد اعضاء شوراهای روستا و بخش به پیشنهاد شورای شهرستان و یا فرماندار و در مورد شورای شهر و شهرستان به پیشنهاد شورای استان و یا استاندار و تصویب هیأت حل اختلاف استان. ۲ـ در مورد اعضاء شورای استان به پیشنهاد شورای عالی استانها و استاندار و در مورد شورای عالی استانها به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی. ۳ـ در مورد شورای عالی استانها به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی. تبصره ـ سلب عضویت اعضاء شورای مافوق، موجب سلب عضویت از شورای مادون نمی‌گردد مگر به تشخیص هیأت حل اختلاف ذی‌ربط. ماده۴۸ـ یک ماده به عنوان ماده (۹۲) به شرح زیر به قانون، الحاق و عنوان ماده (۹۲) به ماده (۹۶) اصلاح می‌گردد: ماده۹۲ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با همکاری وزارت کشور و شورای عالی استانها در راستای ارتقاء سطح فرهنگ شوراها و مشارکت، برنامه‌های مختلف فرهنگی و آموزشی را تهیه و پخش نماید. ماده۴۹ـ در ماده (۸۵) عبارت « و بخش» حذف و عبارت «روستا و» بعد از واژه «شوراهای» اضافه می‌گردد. ماده ۵۰ ـ ماده(۷۸ مکرر۴) به عنوان ماده(۹۳) به فصل پنجم سایر مقررات منتقل می‌شود. ماده۵۱ ـ در ماده (۷۸ مکرر۵): الف ـ این ماده به عنوان ماده (۹۴) به فصل پنجم سایر مقررات منتقل و عنوان ماده (۹۴) به ماده (۹۷) اصلاح می‌گردد. ب ـ واژه « عضو» بعد از عبارت « به عنوان» اضافه می‌گردد. ماده۵۲ ـ ماده (۷۸ مکرر ۶) به عنوان ماده (۹۵) به فصل پنجم، سایر مقررات منتقل و عنوان ماده (۹۵) به ماده (۹۸) اصلاح می‌گردد. ماده۵۳ ـ ماده (۹۳) حذف می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر پنجاه و سه ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید.
رئیسمجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

اصلاح ماده (۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش – مصوب ۱۳۸۶/۷/۱

وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۶/۱۳۸۶ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی موضوع نامه شماره ۱۰۱۲۷/۴۴۴۸۰هـ/ب مورخ ۲۶/۳/۱۳۸۶ تصویب نمود: در ماده (۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و

بخش موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۰۱۸۱/ت۳۵۰۱۳هـ مورخ ۸/۷/۱۳۸۵ واژه « فرماندار» به « بخشدار» تغییر می‌یابد. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

قوانین شهرسازی

قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران – مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۵۱ با اصلاحات

ماده ۱ ـ برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی بمنظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم همچنین بمنظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبکهای مختلف معماری سنتی و ملی و ارایه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روشهای نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی ، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تاسیس می‌شود. ماده ۲ ـ وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بشرح زیر است ۱ ـ بررسی پیشنهادهای لازم در مورد سیاست کلی شهرسازی برای طرح در هیات وزیران ۲ ـ اظهارنظر نسبت به پیشنهادها و لوایح شهرسازی و مقررات مربوط به طرحهای جامع شهری که شامل منطقه‌بندی ـ نحوه استفاده از زمین ـ تعیین مناطق صنعتی بازرگانی ـ اداری ـ مسکونی ـ تاسیسات عمومی ـ فضای سبز و سایر نیازمندیهای عمومی شهر می باشد. ۳ ـ بررسی و تصویب نهایی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها خارج از نقشه‌های تفصیلی ۴ ـ تصویب معیارها و ضوابط و آیین نامه های شهرسازی ماده ۳ ـ اعضای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران‌عبارتند از: ۱ ـ وزیر مسکن و شهرسازی ۲ ـ وزیر کشور ۳ ـ وزیر صنایع ۴ ـ وزیر فرهنگ آموزش عالی ۵ ـ وزیر ارشاد اسلامی ۶ ـ وزیر نیرو ۷ ـ وزیر کشاورزی ۸ ـ وزیر دفاع و پشتیبانی ۹ ـ وزیر جهاد سازندگی ۱۰ ـ رییس سازمان برنامه و بودجه ۱۱ ـ رییس سازمان حفاظت محیط زیست ۱۲ ـ وزیر راه و ترابری یک نفر از اعضای کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی به‌پیشنهاد کمیسیون و تصویب مجلس به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری‌شرکت خواهد کرد. تبصره ۱ ـ در مورد بررسی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها نظرات استاندار و شورای شهرستان و شورای شهر و شهردار و کارشناسان ذیصلاحیت کسب و مورد استفاده قرار خواهدگرفت تبصره ۲ ـ جلسات شورا با حضور اکثریت اعضای رسمیت خواهد داشت و تصمیمات شورا با حداقل ۶ رای معتبر خواهد بود. تبصره ۳ ـ در صورتی‌که هریک از اعضای شورا نتواند شخصا در هر یک از جلسات شورا شرکت کند یکی از معاونان خود را به شورا اعزام خواهد داشت ماده ۴ ـ وزارت مسکن و شهرسازی بجای دبیرخانه شورای عالی شهرسازی در تشکیلات خودواحدی ایجاد می‌کند که تحت نظر معاون شهرسازی و معماری آن وزارت وظایف زیر را انجام دهد: ۱ ـ بررسی و اظهارنظر در مورد طرحهای جامع شهری از طریق کمیته‌های فنی که اعضای آن به‌انتخاب اعضای شورای عالی شهرسازی و موسسات ذیربط تعیین می‌شوند. ۲ ـ تهیه معیارها و ضوابط و آیین نامه های شهرسازی ۳ ـ نظارت در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط درحین تهیه طرحهای تفصیلی ۴ ـ نظارت در اجرای مراحل مختلف طرحهای تفصیلی شهری ۵ ـ ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه و سازمانهای مسئول وارشاد و راهنمایی دستگاههای مربوط در مورد مسایل ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری ۶ ـ ایجاد یک مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری ۷ ـ جمع‌آوری اطلاعات و آمار اقتصادی و اجتماعی و شهرسازی و معماری ۸ ـ تشکیل نمایشگاهها از کارهای مختلف معماری و شهرسازی با همکاری سازمانهای مربوطو انجام مسابقات شهرسازی و معماری و تشکیل کنفرانسهای لازم بمنظور نیل به‌هدفهای مذکور دراین قانون ماده ۵ ـ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان بوسیله کمیسیونی به ریاست استاندار و به عضویت رییس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسکن و شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه‌کننده طرح و

عضویت نماینده وزارت کشاورزی انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که بتصویب شورای شهر برسد برای شهرداری لازم الاجرا خواهدبود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری موثر باشد باید بتایید شورای عالی شهرسازی برسد. تبصره ـ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده‌کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی ، کشور ، نیرو(در حد معاونت مربوطه سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران یا نماینده تام الاختیار او و رییس شورای‌شهر تهران می‌باشد. محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او خواهدبود و جلسات آن با حضور اکثریت اعضای رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رای موافق معتبر است ضمنا تا تشکیل شوراهای شهر نماینده وزیر کشور به عنوان قایم‌مقامی رییس‌شورای شهر تهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد. ماده ۶ ـ در شهرهایی که دارای نقشه جامع می‌باشند ثبت کل مکلف است در مورد هر تفکیک‌طبق نقشه‌ای که شهرداری بر اساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی تایید کرده باشد اقدام به‌تفکیک نماید و در مورد افراز دادگاهها مکلفند طبق نقشه تفکیکی شهرداری اقدام نمایند. هرگاه ظرف مدت چهار ماه نقشه تفکیکی از طرف شهرداری حسب مورد به ثبت یا دادگاه ارسال نشود ثبت یا دادگاه نسبت به تفکیک یا افراز رأسا اقدام خواهند نمود. ماده ۷ ـ شهرداریها مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق‌مفاد ماده ۲ می‌باشند. تبصره ـ در موارد ابهام و اشکال و اختلاف نظر در نحوه اجرای طرحهای جامع و تفصیلی شهری موضوع ماده ۵ مراتب در شورای عالی شهرسازی مطرح و نظر شورای عالی قطعی و لازم‌الاجراخواهد بود. ماده ۸ ـ کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت مکلفند در صورت درخواست وزارت مسکن‌و شهرسازی هر نوع اطلاع مربوط به شهرسازی و معماری را در اختیار وزارت مذکور بگذارند. ماده ۹ ـ عقد قراردادهای مربوط به نقشه‌های جامع شهری با مهندسین مشاور همچنین تهیه‌شرح وظیفه فنی برای تهیه طرحهای‌مذکورموکول‌به‌کسب‌نظرازوزارت‌مسکن‌وشهرسازی‌خواهدبود. ماده ۱۰ ـ آیین نامه اجرایی این قانون از طرف وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور تهیه‌و پس از تایید شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱ ـ مواد ۹۷ و ۹۸ اصلاح پاره‌ای از مواد قانون شهرداری و قوانین و مقررات مغایر با مفاداین قانون از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

قانون نظام مهندسی

فصل اول ــ کلیات ، اهداف و خط مشی (ماده ۱ تا ۴

ماده ۱ ـ تعریف نظام مهندسی و کنترل ساختمان عبارت است از مجموعه قانون ، مقررات ، آیین نامه ها ، استانداردها و تشکلهای مهندسی ، حرفه‌ای و صنفی که در جهت رسیدن به اهداف‌منظور در این قانون تدوین و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲ ـ اهداف و خط مشی این قانون عبارتند از: ۱ ـ تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی ۲ ـ تنسیق امور مربوط به مشاغل و حرفه‌های فنی و مهندسی در بخشهای ساختمان وشهرسازی ۳ ـ تامین موجبات رشد و اعتلای مهندسی در کشور. ۴ ـ ترویج اصول معماری و شهرسازی و رشد آگاهی عمومی نسبت به آن و مقررات ملی‌ساختمان و افزایش بهره‌وری ۵ ـ بالا بردن کیفیت خدمات مهندسی و نظارت بر حسن اجرای خدمات ۶ ـ ارتقای دانش فنی صاحبان حرفه‌ها در این بخش ۷ ـ وضع مقررات ملی ساختمان به منظور اطمینان از ایمنی ، بهداشت ، بهره‌دهی مناسب ، آسایش و صرفه اقتصادی و اجرا و کنترل آن در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران ازساختمانها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحدثات عمومی و حفظ و افزایش بهره‌وری

منابع مـواد وانرژی و سـرمایه‌های ملی ۸ ـ تهیـه و تنظیم مبـانی قیمت گـذاری خـدمات مهندسـی ۹ ـ الزام بـه رعـایت مقررات ملی ساختمـان ، ضوابط و مقررات شـهرسازی و مفـاد طرحهای جامعو تفصـیلی وهادی از سوی تمام دسـتگاههای دولتی ، شـهرداریها ، سازنـدگان ، مهندسـین ، بهره‌برداران وتمـام اشـخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بخش ساختمان به عنوان اصل حاکم بر کلیه روابط وفعالیتهای آنها و فراهم ساختن زمینه همکاری کامل میان وزارت مسکن و شهرسازی ، شهرداریها وتشکلهای مهندسی و حرفه‌ای و صنوف ساختمان ۱۰ ـ جلب مشارکت حرفه‌ای مهندسان و صاحبان حرفه‌ها و صـنوف ساختمانی در تهیه و اجرای‌طرحهای توسـعه و آبادانی کشور. ماده ۳ ـ برای تامین مشارکت هر چه وسیعتر مهندسان در انتظام امور حرفه‌ای خود و تحقق‌اهداف این قانون در سطح کشور (سازمـان نظـام مهندسـی ساختمـان) که از این پس در این قانون به‌اختصار (سازمان) خوانـده می‌شود و در هر اسـتان یک سازمان به نام (سازمان نظام مهندسی‌ساختمان استان) که از این پس به اختصار (سازمان استان) نامیده می‌شود ، طبق شرایط یاد شده دراین قانون و آیین نامه اجرایی آن تاسیس می‌شود. سازمانهای یاد شده غیر انتفاعی بوده و تابع قوانین‌و مقررات عمومی حاکم بر موسسات غیر انتفـاعی می‌باشـند. مـاده ۴ ـ از تـاریخی کـه وزارت مسـکن و شـهرسازی بـا کسـب نظر از وزارت کشـور در هر محل‌حسب مورد اعلام نمایـد ، اشـتغال اشـخاص حقیقی و حقوقی به آن دسـته از امور فنی در بخشـهای‌ساختمان و شـهرسازی که توسط وزارت یاد شده تعیین می‌شود ، مسـتلزم داشـتن صلاحیت حرفه‌ایاست این صلاحیت در مورد مهندسان از طریق پروانه اشتغال به کار مهندسی و در مورد کاردانهای‌فنی و معماران تجربی از طریق پروانه مهارت فنی احراز می‌شود. مرجع صدور پروانه اشتغال به کارمهندسـی و پروانه اشـتغال به کاردانی و تجربی وزارت مسـکن و شهرسازی و مرجع صدور پروانه‌مهارت فنی وزارت کار و امور اجتماعی تعیین می گردد. شـرایط و ترتیب صـدور ، تمدیـد ، ابطال و تغییر مـدارک صـلاحیت حرفه‌ای موضوع این ماده وچگونگی تعیین ، حدود صـلاحیت و ظرفیت اشـتغال دارندگان آنها ، در آیین نامه اجرایی این قانون‌معین می‌شود. تبصره ۱ ـ وزارت مسکن و شهرسـازی و وزارت کـار و امـور اجتمـاعی حسب مـورد موظفنـدظرف ۱۰ سـال از تاریـخ ابلاـغ این قـانون بـا اسـتفاده از همکاری شهرداریهـا ، مهنـدسان و سازمانها وتشـکلهای حرفه‌ای و صـنفی شاغل در این بخش‌ها دامنه اجرای این ماده را به کل کشور توسـعه دهند.اهداف مرحله‌ای این امر و بودجه مورد نیاز برای آموزش و آزمون اشخاص و سامان بخشیدن به‌صنوف و حرف فنی شاغل در این بخشـها همه ساله در بودجه سالیانه دستگاه اجرایی مربوط‌پیش‌بینی خواهد شد. تبصـره ۲ ـ کلیه اشـخاص حقیقی و حقوقی غیر ایرانی جهت انجام خدمات موضوع این قانون‌باید مدارک صلاحیت حرفه‌ای موقت دریافت دارند.

فصل دوم ـ تشکیلات ، ارکان ، وظایف و اختیارات سازمان (ماده ۵ تا ۲۷

ماده ۵ ـ ارکان سازمان عبارت است از هر یک از سازمان استان‌ها ، هیات عمومی سازمان ، شورای مرکزی سازمان ، رییس سازمان و شورای انتظامی نظام مهندسی ماده ۶ ـ برای تشکیل سازمان استان وجود حداقل ۵۰ نفر داوطلب عضویت از بین مهندسان‌حوزه آن اسـتان که دارای مـدرک مهندسـی در رشـته‌های اصـلی مهندسـی شامـل معمـاری ، عمران ، تاسیسات مکانیکی ، تاسیسات برقی ، شهرسازی ، نقشه برداری و ترافیک باشـند ضروری است تبصره ۱ ـ مهندس حوزه هر اسـتان در این قانون به شخصی اطلاق می‌شود که حداقل متولد آن‌استان یا ۶ ماه ممتد پیش از تاریخ تسلیم درخواست عضویت ، در آن اسـتان مقیم باشد. تبصـره ۲ ـ هر یک از مهنـدسان در بیش از یک سازمان نمی‌توانند عضویت یابند. ماده ۷ ـ عضویت اشـخاص حقوقی شاغل به کار مهندسی در رشته‌های اصـلی و اشـخاص‌حقیقی در رشـته‌های مرتبـط بـا مهندسـی ساختمان در سازمان اسـتان بلامانع است تبصـره ۱ ـ رشـته‌های مرتبـط با مهندسی ساختمان به کلیه رشته‌هایی اطلاق می‌شود که عنوان‌آنها با رشته‌های اصلی یاد شده در ماده (۶) متفاوت بوده ولی محتوای علمی و آموزشـی آنها بارشـته‌های اصـلی بیش از ۷۰٪ در ارتباط باشـد و فارغ‌التحصـیلان اینگونه رشـته‌ها خـدمات فنی معینی‌را در

زمینه‌های طراحی ، محاسبه ، اجرا ، نگهداری ، کنترل ، آموزش ، تحقیق و نظایر آن به بخشهای‌ساختمان و شهرسازی عرضه می کنند اما این خدمات از حیث حجم ، اهمیت و میزان تاثیر عرفاهمطراز خدمات رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان نباشد. تبصره ۲ ـ حدود صلاحیت حرفه‌ای دارندگان مدارک تحصیلی دانشگاهی مرتبط با مهندسی‌ساختمان و عناوین این رشته‌ها توسط کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزیر مسکن و شهرسازی ، وزیر فرهنگ و آموزش عالی و رییس سازمان تعیین و به تصویب وزیر مسکن و شهرسازی‌می‌رسد. مرجع تطبیق عناوین مدارک تحصیلی کمتر از معادل لیسانس و تعیین حدود صلاحیت‌حرفه‌ای دارندگان آن‌ها وزارت مسکن و شهرسازی است ماده ۸ ـ هر سازمان استان دارای مجمع عمومی ، هیات مدیره ، شورای انتظامی و بازرسان استو محل استقرار دایم دفتر مرکزی آن در مرکز استان می‌باشد. سازمانهای استان می‌توانند در سایرشهرهای استان و همچنین در مناطق مختلف شهرهای بزرگ مرکز استان در صورت پیشنهاد شورای‌مرکزی و تصویب وزیر مسکن و شهرسازی ، در مرکز استانهای مجاوری که در آنها سازمان استان‌تاسیس نشده باشد ، دفاتر نمایندگی دایر نموده و انجام تمام یا بخشی از وظایف مستمر سازمان درحوزه مربوط را به آن دفاتر محول کنند. ماده ۹ ـ مجمع عمومی سازمان استان از اجتماع تمامی اشخاص حقیقی عضو دارای حق رای‌سازمان که منحصر به دارندگان مدرک تحصیلی در رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان و رشته‌های‌مرتبط است تشکیل می‌شود و وظایف و اختیارات آن به شرح زیر است الف ـ انتخاب اعضای هیات مدیره ب ـ استماع گزارش عملکرد سالیانه هیات مدیره و اعلام نظر نسبت به آن ج ـ بررسی و تصویب ترازنامه سالانه (سازمان استان) و بودجه پیشنهادی (هیات مدیره) . د ـ تعیین و تصویب حق ورودیه و حق عضویت سالانه اعضا و سایر منابع در آمد برای سازمان‌بر اساس پیشنهاد (هیات مدیره) . ه ـ بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر اموری که طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به عهده‌سازمان استان و در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد. تبصره ۱ـ جلسات مجمع عمومی بطور عادی سالی یکبار و بطور فوق العاده به تعداد دفعاتی‌که توسط مجمع عمومی در اجلاس عادی تعیین می‌شود ، به دعوت هیات مدیره تشکیل می‌شود. هیات مدیره ملزم به دعوت از نمایندگان وزیر مسکن و شهرسازی جهت شرکت در جلسات‌مجمع عمومی می‌باشد و جلسات یاد شده با رعایت سایر شرایط ، مشروط به انجام دعوت یاد شده‌رسمیت خواهد یافت تبصره ۲ ـ در صورت تصویب هیات مدیره سازمان استان ، نمایندگان اشخاص حقوقی عضوسازمان می‌توانند به عنوان ناظر به جلسات مجمع عمومی دعوت شوند و در آن حضور یابند. تبصره ۳ ـ بازرسان در اولین جلسه فوق العاده مجمع عمومی و به پیشنهاد هیات مدیره تعیین‌می‌شوند. ماده ۱۰ ـ هر یک از سازمانهای استان دارای هیات مدیره‌ای خواهند بود که از بین اعضای‌داوطلب واجد شرایط در رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان برای یک دوره سه ساله انتخاب‌خواهد شد و انتخاب مجدد اعضای هیات مدیره بلا مانع است ماده ۱۱ ـ شرایط انتخاب شوندگان هیاتهای مدیره سازمانهای نظام مهندسی به شرح زیرمی‌باشد: ۱ ـ تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ نداشتن فساد اخلاقی و مالی و عدم اعتیاد به مواد مخدر. ۳ ـ داشتن حسن شهرت اجتماعی و شغلی عملی به مهندسی و رعایت اخلاق و شیون‌مهندسی ۴ ـ نداشتن پیشینه کیفری و عدم وابستگی به گروههای غیر قانونی ۵ ـ داشتن حسن شهرت در تعهد عملی به احکام دین مبین اسلام و وفاداری به قانون اساسی‌جمهوری اسلامی ایران تبصره ـ اقلیتهای دینی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تابع‌احکام دین اعتقادی خود می‌باشند. ۶ ـ دارا بودن صلاحیت علمی و حرفه‌ای به میزان مندرج در آیین نامه . ماده ۱۲ ـ تعداد اعضای اصلی هیات مدیره سازمان استان‌ها بین (۵) و (۲۵) نفر متناسب باتعداد اعضا و به تفکیک رشته‌های اصلی خواهد بود. تبصره ـ در هر یک از رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان که نماینده یا نمایندگانی در هیات‌مدیره سازمان استان‌ها دارند ، یک نفر به عنوان عضو علیالبدل هیات مدیره انتخاب خواهد شد. نحوه شرکت اعضا علیالبدل در جلسات هیات مدیره در آیین نامه اجرایی این قانون معین‌خواهد شد. ماده ۱۳ ـ هیات اجرایی انتخابات که حسب مورد در هر استان متشکل از ۳ تا ۷ نفر از اعضای‌سازمان است با نظارت وزارت مسکن و شهرسازی وظیفه برگزاری انتخابات را بر عهده دارد.چگونگی انتخاب و تشکیل هیات اجرایی و اختیارات و وظایف هیات یاد شده

به شرح مندرج دراین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. تبصره ۱ ـ هیات اجرایی انتخابات موظف است صلاحیت داوطلبان عضویت در هیات مدیره‌را از مراجع صلاحیت دار استعلام و بررسی نماید. تبصره ۲ ـ اولین دوره انتخابات هیات مدیره بوسیله وزارت مسکن و شهرسازی برگزارمی‌شود. ماده ۱۴ ـ هیات مدیره سازمان استان نماینده آن سازمان بوده و دارای هیات رییسه‌ای متشکل ازیک رییس ، دو نایب رییس و یک دبیر برای انجام وظایف خود به ترتیب مندرج در آیین نامه اجرایی‌خواهد بود و می‌تواند به تعداد لازم کمیسیونهای تخصصی و دفاتر نمایندگی تاسیس نماید. تفویض‌اختیار هیات مدیره به این کمیسیونها و نمایندگیها از مسئولیت آن هیات نمی‌کاهد. رییس هیات‌مدیره ، رییس سازمان استان نیز محسوب می‌شود. ماده ۱۵ ـ اهم وظایف و اختیارات هیات مدیره به شرح زیر است ۱ ـ برنامه ریزی در جهت تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی ۲ ـ برنامه ریزی به منظور رشد و اعتلای حرفه‌های مهندسی ساختمان و مشاغل مرتبط با آن ۳ ـ ارتقای دانش فنی و کیفیت کار شاغلان در بخشهای ساختمان و شهرسازی از طریق ایجادپایگاههای علمی ، فنی ، آموزش و انتشارات ۴ ـ همکاری با مراجع مسئول در امر کنترل ساختمان از قبیل اجرای دقیق صحیح مقررات ملی‌ساختمان و ضوابط طرحهای جامع و تفصیلی وهادی شهرها توسط اعضای سازمان حسب‌درخواست ۵ ـ نظارت بر حسن انجام خدمات مهندسی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در طرحها وفعالیت‌های غیر دولتی در حوزه استان و تعقیب متخلفان از طریق مراجع قانونی ذیصلاح ۶ ـ مشارکت در امر ارزشیابی و تعیین صلاحیت و ظرفیت اشتغال به کار شاغلان در امور فنی‌مربوط به فعالیتهای حوزه‌های مشمول این قانون ۷ ـ دفاع از حقوق اجتماعی و حیثیت حرفه‌ای اعضا و تشویق و حمایت از فعالیتهای با ارزش وبرگزاری مسابقات حرفه‌ای و تخصصی و معرفی طرحهای ارزشمند. ۸ ـ تنظیم روابط بین صاحبان حرفه‌های مهندسی ساختمان و کار فرمایان و کمک به مراجع‌مسئول در بخش ساختمان و شهرسازی در زمینه ارجاع مناسب کارها به صاحبان صلاحیت وجلوگیری از مداخله اشخاص فاقد صلاحیت در امور فنی ۹ ـ کمک به ترویج اصول صحیح مهندسی و معماری و همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی‌در زمینه تدوین ، اجرا و کنترل مقررات ملی ساختمان و استانداردها و معیارها. ۱۰ ـ کمک به ارتقای کیفیت طرحهای ساختمانی ، عمرانی و شهرسازی در محدوده استان و ارایه‌گزارش بر حسب در خواست ، شرکت در کمیسیون‌ها و شوراهای تصمیم‌گیری در مورد اینگونه‌طرحها و همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها در زمینه کنترل ساختمان و اجرای‌طرحهای یاد شده با استفاده از خدمات اعضای سازمان استان ۱۱ ـ ارایه خدمات کارشناسی فنی به مراجع قضایی و قبول داوری در اختلافاتی که دارای‌ماهیت فنی است ۱۲ ـ همکاری با مراجع استان در هنگام بروز سوانح و بلایای طبیعی ۱۳ ـ تایید ترازنامه سازمان و ارایه آن به مجمع عمومی ۱۴ ـ معرفی نماینده هیات مدیره سازمان استان جهت عضویت در کمیسیونهای حل اختلافات‌مالیاتی در رسیدگی و تشخیص مالیات فنی و مهندسی اعضای سازمان ۱۵ ـ تهیه و تنظیم مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی در استان و پیشنهاد به وزارت مسکن وشهرسازی ، مرجع تصویب مبانی و قیمت خدمات مهندسی در آیین نامه اجرایی تعیین می گردد. ۱۶ ـ سایر مواردی که برای تحقق اهداف این قانون در آیین نامه اجرایی معین می‌شود. تبصره ۱ ـ برای رسیدگی و تشخیص صحیح مالیات مشاغل فنی و مهندسی اعضای سازمان‌استان ، نماینده هیات مدیره سازمان در جلسات کمیسیونهای حل اختلافات مالیاتی آن استان‌شرکت خواهد داشت تبصره ۲ ـ مفاد این ماده شامل چگونگی فعالیت وزارتخانه‌ها و سایر دستگاههای دولتی وکارکنان آنها در انجام وظایف محوله نمی‌شود. ماده ۱۶ ـ به منظور گسترش همکاری‌های حرفه‌ای و جلب مشارکت اعضا و کارشناسی دقیق‌ترمسایل ویژه هر یک از رشته‌های تخصصی موجود در سازمان اجازه داده می‌شود گروههای‌تخصصی مهندسان هر رشته ، متشکل از اعضای سازمان در همان رشته تشکیل شود. چگونگی‌فعالیت و مدیریت گروهها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۱۷ ـ هر سازمان استان دارای یک شورای انتظامی متشکل از یک نفر حقوقدان به معرفی‌رییس دادگستری استان و دو تا چهار نفر مهندس خوشنام که به معرفی هیات مدیره و با حکم‌شورای مرکزی سازمان نظام مهندسان ساختمان برای مدت (۳) سال منصوب می‌شوند ، خواهد بودو انتخاب مجدد

آنـان بلامـانع اسـت رسـیدگی بـدوی به شـکایات اشـخاص حقیقی و حقـوقی در خصـوص تخلفـات حرفه‌ای وانضـباطی و انتظـامی مهندسان و کاردانهای فنی به عهده شورای یاد شده است چگونگی رسیدگی به‌تخلفات و طرز تعقیب و تعیین مجازاتهای انضـباطی و موارد قابل تجدیدنظر در شورای انتظامی‌نظام مهندسـی در آیین نامه اجرایی تعیین می‌شود. تبصـره ـ مراجع قضایی برای رسیدگی به شـکایات و دعاوی مطروح علیه اعضای سازمان‌اسـتان که منشأ آنها امور حرفه‌ای باشـد ، بنا به درخواست مشـتکی عنه یا خوانـده می‌توانند ، نظر کارشناسـی سازمان اسـتان محل را نیز خواستار شوند. هیات مدیره مکلف است حداکثر ظرف مدت‌یک ماه از تاریخ وصول اسـتعلام ، نظر خود را به طور کتبی اعلام نماید و در صورت عدم اعلام نظر ، مراجع مربوط می‌توانند رأسا به کار رسیدگی ادامه دهنـد. همچنین در سایر دعاوی که موضوع آنهامرتبط با مفاد این قانون باشد محاکم قضایی می‌توانند جهت انجام کارشناسـی نیز از سازمان اسـتان‌محل خواسـتار معرفی یک کارشـناس یا هیات کارشناسی خبره و واجد شرایط شوند. هیات مدیره‌سازمان استان مکلف است حداکثر ظرف مدت پانزده روز نسـبت به معرفی کارشـناس یا کارشناسان‌صـلاحیتدار در رشـته مربوط به ماهیت دعوی اقـدام نمایـد. در مواردی که به لحاظ ماهیت کار ، نیاز به‌وقت بیشتر باشـد هیات مدیره می‌تواند با ذکر دلیل از مراجع قضایی ذیربط استمهال نماید. ماده ۱۸ ـ هر سازمان اسـتان حسب مورد دارای یک یا چنـد بازرس می‌باشـد که موظفنـد درچارچوب قانون و آیین نـامه اجرایی آن و آیین نـامه مـالی سازمـان به حسابهـا و ترازنامه سازمان استان‌رسیدگی و گزارشـهای لازم را جهت ارایه به مجمع عمومی تهیه نماینـد و نیز تمـامی وظـایف واختیـاراتی را که به موجب قوانین و مقررات عمومی به عهـده بـازرس محول است انجـام دهند.بازرسان مکلفند نسخه‌ای از گزارش خود را پانزده روز پیش از تشـکیل مجمع عمومی به هیات مدیره‌تسلیم کنند. بازرسان با اطلاع هیات مـدیره حق مراجعه به کلیه اسـناد و مـدارک سازمان را دارنـد بـدون‌اینکه در عملیات اجرایی دخالت کننـد و یا موجب وقفه در عملیات سازمان شوند. ماده ۱۹ ـ به منظور هماهنگی در امور سازمانهای استان هیات عمومی سازمان نظام مهندسی‌ساختمان که از این پس به اختصـار (هیـات عمومی) خوانـده می‌شود از کلیه اعضـای اصـلی هیات‌مـدیره سازمانهای اسـتان در سـطح کشور تشـکیل می‌شود. هیات عمومی هر سال یک بار یک جلسه‌عادی با حضور نماینـده وزیر مسـکن و شـهرسازی خواهد داشت و اولین جلسه عادی آن پس ازانتخاب و آغاز به کار هیات مـدیره سازمانهای اسـتان در دو سوم اسـتانهای کشور (که باید در بر گیرنده‌تمام سازمانهـایی که دارای ۷۰۰ نفر عضو یا بیشتر هسـتند ، باشـد) به دعوت وزارت مسـکن وشـهرسازی و جلسات بعد با دعوت شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان که از این پس به اختصارشورای مرکزی خوانده می‌شود ، تشکیل می‌شود. جلسات فوق العاده هیات عمـومی بنـا به تصـمیم‌آخرین جلسه عـادی آن هیـات و یـا به تقاضـای دو سـوم اعضـای شـورای مرکزی و یـا دعوت وزیرمسـکن و شهرسازی تشـکیل خواهـد شـد. وظایف و اختیارات هیات عمومی به شـرح زیر است الف ـ انتخاب افراد واجـد شـرایط عضویت در شـورای مرکزی بـه میزان حـداقل دو برابر تعـداد موردنیـاز در هر رشـته (بـا قیـد اصـلی و علیالبـدل جهـت معرفی بـه وزیر مسـکن و شهرسـازی ، برای انتخاب‌اعضـای اصـلی و علیالبـدل شورای یـاد شـده از میان آنها. ب ـ اسـتماع گزارش سالیانه شورای مرکزی ج ـ تصویب خط مشـی‌های عمومی پیشـنهادهای شورای مرکزی د ـ حصول اطلاع از فعالیتها ، وضـعیت و مشـکلات سازمانهای استان و ارایه طریق به آن‌هـا. ماده ۲۰ ـ شورای مرکزی متشکل از ۲۵ نفر عضو اصلی و ۷ نفر عضو علیالبدل با ترکیب‌رشـته‌های یاد شده در آیین نامه است که از بین اعضای هیات مدیره سازمانهای اسـتان معرفی شده ازسوی هیات عمومی و توسط وزیر مسکن و شهرسازی برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند. اعضای‌شورای مرکزی باید علاوه بر عضویت در هیات مدیره سازمان اسـتان ، خوشـنام و دارای سابقه انجام‌کارهای طراحی یا اجرایی یا علمی و تحقیقی و آموزشـی برجسـته و ارزنـده باشـند. ماده ۲۱ ـ اهم وظـایف و اختیارات (شـورای مرکزی) بـه ایـن شـرح اسـت الـف ـ برنــامه ریزی و فراهـم آوردن زمینـه اجرای اهـداف و خـط مشــی‌های ایـن قـانون با جلب‌مشارکت سازمان استان‌ها و هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی ب ـ بررسی مسایل مشترک سازمانهای استان و سازمان نظام مهندسـی و تعیین خط مشـی‌های کوتاه مدت ، میان مدت و دراز مدت و ابلاغ آن‌ها. ج ـ ایجاد زمینه‌های مناسب برای انجام وظایف

ارکان سازمان از طریق مذاکره و مشاوره بامراجع ملی و محلی ، در امور برنامه ریزی ، مدیریت ، اجرا و کنترل طرحهای ساختمانی و شهرسازی‌و با مراجع قضایی در مورد اجرای مواد این قانون که به امور قضایی و انتظامی مربوط می‌باشد. د ـ حل و فصل اختلافات بین ارکان داخلی سازمانهای استان یا بین سازمانهای استان با یکدیگریا بین اعضای سازمانهای استان با سازمان خود از طریق داوری ه ـ همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی در امر نظارت بر عملکرد سازمانهای استان و اصلاح‌خط مشی آن سازمان‌ها از طریق مذاکره و ابلاغ دستورالعملها. و ـ همکاری با مراکز تحقیقاتی و علمی و آموزشی و ارایه مشورتهای لازم در زمینه تهیه مواددرسی و محتوای آموزش علوم و فنون مهندسی در سطوح مختلف به وزارت خانه‌های آموزش وپرورش و فرهنگ و آموزش عالی ز ـ همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و سایر دستگاههای اجرایی در زمینه تدوین مقررات‌ملی ساختمان و ترویج و کنترل اجرای آن و تهیه شناسنامه فنی و ملکی ساختمانها و برگزاری‌مسابقات حرفه‌ای و تخصصی ح ـ همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه ارتقا سطح مهارت کارگران ماهر شاغل دربخش‌های ساختمانی و شهرسازی و تعیین استاندارد مهارت و کنترل آن ط ـ تلاش در جهت جلب مشارکت و تشویق به سرمایه گذاری اشخاص و موسسات درطرحهای مسکن و تاسیسات و مستحدثات عمرانی عام‌المنفعه و همکاری با دستگاههای اجرایی‌در ارتقای کیفیت این گونه طرحها. ی ـ جمع آوری کمکهای داخلی و بین‌المللی جهت کمک به دستگاههای مسئول در امر امداد ونجات در زمان وقوع حوادث غیر مترقبه ک ـ همکاری در برگزاری آزمونهای تخصصی مهندسین ، کاردانان فنی و کارگران ماهر وآموزشهای تکمیلی برای به هنگام نگاهداشتن دانش فنی و همچنین شناسایی و تدارک فرصت‌های کارآموزی و معرفی به دانشگاهها. ل ـ حمایت اجتماعی از اعضای سازمانهای استان و دفاع از حیثیت و حقوق حقه آنها و همچنین‌دفاع از حقوق متقابل جامعه به عنوان مصرف کنندگان محصولات ، تولیدات و خدمات مهندسی دربخشهای ساختمان ، عمران و شهرسازی م ـ مشارکت در برگزاری کنفرانسها و گردهمایی‌های تخصصی در داخل کشور و در سطح‌بین‌المللی ن ـ ارایه گزارش عملکرد به هیات عمومی و وزیر مسکن و شهرسازی س ـ ارایه نظرات مشورتی سازمان نظام مهندسی به دولت و دستگاههای اجرایی در زمینه‌برنامه‌های توسعه و طرحهای بزرگ ساختمانی ، عمرانی و شهرسازی حسب در خواست‌دستگاههای مربوط انجام وظایف شورای مرکزی در سطح کشور ، مانع از اقدام هیات مدیره سازمانهای استان درزمینه برخی از وظایف فوق که در مقیاس استانی قابل انجام باشد ، نخواهد بود. ماده ۲۲ ـ (شورای مرکزی) دارای هیات رییسه‌ای است متشکل از یک رییس و دو دبیر اجرایی‌و دو منشی که دبیران و منشی‌ها با اکثریت آرا از بین اعضا انتخاب می‌شوند. (شورای مرکزی) برای‌تعیین رییس شورا ، سه نفر را به وزیر مسکن و شهرسازی پیشنهاد می‌کند و وزیر یاد شده یک نفر رابه عنوان رییس شورای مرکزی که رییس سازمان نیز محسوب می‌شود ، جهت صدور حکم به رییس‌جمهور معرفی می‌نماید. دوره تصدی رییس سازمان سه سال و دوره مسئولیت سایر اعضای هیات‌رییسه یک سال است و انتخاب مجدد آنان بلا مانع می‌باشد. ماده ۲۳ ـ مسئولیت اجرای تصمیمات (شورای مرکزی) و مسئولیت اجرایی و نمایندگی‌سازمان در مراجع ملی و بین‌المللی با رییس سازمان است ماده ۲۴ ـ (شورای انتظامی نظام مهندسی) از چهار نفر عضو سازمان که دو نفر با معرفی وزیرمسکن و شهرسازی و دو نفر دیگر با معرفی شورای مرکزی سازمان و یک حقوقدان با معرفی‌ریاست قوه قضاییه تشکیل می‌شود. نظرات (شورای انتظامی نظام مهندسی) با اکثریت سه رای‌موافق قطعی و لازم‌الاجرا است ماده ۲۵ ـ مهندسان متقاضی پروانه اشتغال به کار مهندسی در رشته‌های اصلی مهندسی‌ساختمان و رشته‌های مرتبط ضمن داشتن کارت عضویت نظام مهندسی استان مربوط و احرازشرایط یاد شده در آیین نامه موظفند پس از فراغت از تحصیل به مدت معینی که در آیین نامه برای هررشته و پایه تحصیلی تعیین می‌شود ، در زمینه‌های تخصصی مربوط به رشته خود ، کارآموزی‌نمایند. ماده ۲۶ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مجاز است ضمن بررسی عملکرد سازمانهای استان وگزارش هیات عمومی سازمان ، در خصوص چگونگی ادامه کار آن سازمانها توصیه‌های لازم رابنماید و در صورتی که به دلیل انحراف از اهداف سازمان ، انحلال هر یک از آنها را لازم بداند ، موضوع را در هیاتی مرکب از وزیر مسکن و

شهرسازی ، وزیر دادگستری و رییس سازمان مطرح‌نماید. تصمیم هیات با دو رای موافق لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره ـ انجام وظایف قانونی سازمان و سازمانهای استان تا زمانی که تشکیل نشده است وهمچنین در زمان تعطیل یا انحلال با وزارت مسکن و شهرسازی است که حد اکثر به مدت شش ماه‌به عنوان قایم‌مقامی عمل می‌نماید و ظرف این مدت موظف به برگزاری انتخابات برای تشکیل‌مجدد سازمانهای یاد شده خواهد بود. ماده ۲۷ ـ وزارتخانه‌ها ، موسسات دولتی ، نهادها ، نیروهای نظامی و انتظامی ، شرکتهای دولتی‌و شهرداری‌ها می‌توانند در ارجاع امور کارشناسی با رعایت آیین نامه خاصی که به پیشنهاد مشترک‌وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت دادگستری به تصویب هیات وزیران می‌رسد به جای کارشناسان رسمی دادگستری از مهندسان دارای پروانه اشتغال که به وسیله سازمان استان معرفی‌می‌شوند استفاده نمایند.

فصل سوم ـ امور کاردانها و صنوف ساختمانی (ماده ۲۸ تا ۲۹)

ماده ۲۸ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف ۶ ماه از زمان ابلاغ این قانون ضوابط ، مقررات و تشکیلات حرفه‌ای مناسب برای کاردانهای فنی شاغل در رشته‌ها و حرفه‌های موضوع این‌قانون را در قالب آیین نامه ای تدوین و برای تصویب به هیات وزیران پیشنهاد نماید. ماده ۲۹ ـ وزیر مسکن و شهرسازی از تاریخ ابلاغ این قانون به عضویت هیات عالی نظارت‌موضوع ماده (۵۲) قانون نظام صنفی در خواهد آمد. وزارت مسکن و شهرسازی با هماهنگی دبیرخانه هیات عالی نظارت حداکثر ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه نظام صنفی کارهای‌ساختمانی را برابر قانون نظام صنفی تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران پیشنهاد می‌نماید

فصل چهارم ـ مقررات فنی و کنترل ساختمان (ماده ۳۰ تا ۳۵

ماده ۳۰ ـ شهرداری‌ها و مراجع صدور پروانه ساختمان ، پروانه شهرک سازی و شهرسازی وسایر مجوزهای شروع عملیات ساختمان و کنترل و نظارت بر این گونه طرحها در مناطق و شهرهای‌مشمول ماده (۴) این قانون برای صدور پروانه و سایر مجوزها تنها نقشه‌هایی را خواهند پذیرفت که‌توسط اشخاص حقیقی و حقوقی دارنده پروانه اشتغال به کار و در حدود صلاحیت مربوط امضاشده باشد و برای انجام فعالیتهای کنترل و نظارت از خدمات این اشخاص در حدود صلاحیت‌مربوط استفاده نمایند. ماده ۳۱ ـ در مواردی که نقشه‌های تسلیمی به شهرداریها و سایر مراجع صدور پروانه ساختمانی‌و تفکیک اراضی توسط اشخاص حقوقی امضا و یا تعهد نظارت می‌شود مسئولیت صحت‌طراحی و محاسبه و نظارت به عهده مدیر عامل یا رییس موسسه تهیه کننده نقشه است و امضای‌وی رافع مسئولیت طراح ، محاسب و ناظر نخواهد بود ، مگر اینکه نقشه‌ها توسط اشخاص حقیقی‌دیگر در رشته مربوطه امضا و یا تعهد نظارت شده باشد. ماده ۳۲ ـ اخذ پروانه کسب و پیشه در محل‌ها و امور موضوع ماده (۴) این قانون موکول به‌داشتن مدارک صلاحیت حرفه‌ای خواهد بود ، در محلهای یاد شده اقدام به امور زیر تخلف از قانون‌محسوب می‌شود: الف ـ مداخله اشخاص حقیقی و حقوقی فاقد مدرک صلاحیت در امور فنی که اشتغال به آن‌مستلزم داشتن مدرک صلاحیت است ب ـ اشتغال به امور فنی خارج از حدود صلاحیت مندرج در مدرک صلاحیت ج ـ تاسیس هرگونه موسسه ، دفتر یا محل کسب و پیشه برای انجام خدمات فنی بدون داشتن‌مدرک صلاحیت مربوط د ـ ارایه خدمات مهندسی طراحی ، اجرا و نظارت توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که‌مسئولیت بررسی یا تایید نقشه و یا امور مربوط به کنترل ساختمان آن پروژه را نیز بر عهده دارند. ماده ۳۳ ـ اصول و قواعد فنی که رعایت آن‌ها در طراحی ، محاسبه ، اجرا ، بهره‌برداری و نگهداری‌ساختمانها به منظور اطمینان از ایمنی ، بهداشت ،

بهره دهی مناسب ، آسایش و صرفه اقتصادی‌ضروری است به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی تدوین خواهد شد. حوزه شمول این اصول وقواعد و ترتیب کنترل اجرای آنها و حدود اختیارات و وظایف سازمانهای عهده دار کنترل و ترویج‌این اصول و قواعد در هر مبحث به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله وزارتخانه‌های‌مسکن و شهرسازی و کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. مجموعه اصول و قواعد فنی و آیین نامه کنترل و اجرای آنها مقررات ملی ساختمان را تشکیل‌می‌دهند. سازمانهای استان می‌توانند متناسب با شرایط ویژه هر استان پیشنهاد تغییرات خاصی را درمقررات ملی ساختمان قابل اجرا در آن استان بدهند. این پیشنهادات پس از تایید شورای فنی استان‌ذیربط با تصویب وزارت مسکن و شهرسازی قابل اجرا خواهد بود. تبصره ـ مقررات ملی ساختمان متناسب با تغییر شرایط ، هر سه سال یکبار مورد بازنگری قرارمی‌گیرد و عنداللزوم با رعایت ترتیبات مندرج در این ماده قابل تجدید نظر است ماده ۳۴ ـ شهرداریها و سایر مراجع صدور پروانه و کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان و امورشهرسازی ، مجریان ساختمانها و تاسیسات دولتی و عمومی ، صاحبان حرفه‌های مهندسی‌ساختمان و شهرسازی و مالکان و کار فرمایان در شهرها ، شهرکها و شهرستانها و سایر نقاط واقع درحوزه شمول مقررات ملی ساختمان و ضوابط و مقررات شهرسازی مکلفند مقررات ملی ساختمان‌را رعایت نمایند. عدم رعایت مقررات یاد شده و ضوابط و مقررات شهرسازی تخلف از این قانون‌محسوب می‌شود. تبصره ۱ ـ وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی ، کشور و صنایع مکلفند با توجه به امکانات وموقعیت هر محل ، آن دسته از مصالح و اجزا ساختمانی که باید به تایید موسسه استاندارد وتحقیقات صنعتی ایران برسد را طی فهرست‌هایی احصا و آگهی نمایند. از تاریخ اعلام ، کلیه تولیدکنندگان و وارد کنندگان و توزیع کنندگان مصالح و اجزای ساختمانی موظف به تولید و توزیع واستفاده از مصالح استاندارد شده خواهند بود. تبصره ۲ ـ از تاریخ تصویب این قانون وزیر مسکن و شهرسازی به عضویت شورای عالیاستاندارد منصوب می‌گردد. ماده ۳۵ ـ مسئولیت نظارت عالیه بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی‌ساختمان در طراحی و اجرای تمامی ساختمانها و طرحهای شهرسازی و عمرانی شهری که اجرای‌ضوابط و و مقررات مزبور در مورد آنهاالزامی است ، بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی خواهدبود. به منظور اعمال این نظارت مراجع و اشخاص یاد شده در ماده ۳۴ موظفند در صورت‌درخواست حسب مورد اطلاعات و نقشه‌های فنی لازم را در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قراردهند و در صورتی که وزارت یاد شده به تخلفی برخورد نماید با ذکر دلایل و مستندات دستوراصلاح یا جلوگیری از ادامه کار را به مهندس مسئول نظارت و مرجع صدور پروانه ساختمانی‌ذیربط ابلاغ نماید و تا رفع تخلف ، موضوع قابل پیگیری است در اجرای این وظیفه کلیه مراجع‌ذیربط موظف به همکاری می‌باشند. تبصره ـ این ماده شامل طرحهای وزارتخانه‌ها و سایر دستگاههای دولتی که دارای مقررات‌خاص می‌باشند ، نمی‌شود.

فصل پنجم ــ آموزش و ترویج (مادده ۳۶)

ماده ۳۶ ـ وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری سازمانهای استان و شهرداریها ترتیبی خواهدداد که در شهرهایی که برای انجام خدمات فنی و مهندسی اشخاص واجد صلاحیت به تعداد کافی‌وجود ندارد ، خدمات مشورتی و راهنمایی در زمینه طراحی و اجرای ساختمانها از طریق تهیه‌طرحهای همسان (تیپ و انتشار جزوات آموزشی به زبان ساده و یا نوارهای آموزشی و سایرروشهای مناسب با بهای اندک در اختیار اشخاص قرار گیرد. هزینه‌های خدمات موضوع این ماده ازمحل کمکهای دولت و عواید حاصل از اجرای تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون کار آموزی مصوب ۱۳۴۹ به‌ترتیبی که در آیین نامه معین می‌شود ، تامین خواهد شد. آیین نامه یاد شده بوسیله وزارتخانه‌های‌مسکن و شهرسازی و کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل ششم ـ متفرقه (ماده ۳۷ تا ۴۲)

ماده ۳۷ ـ هزينه‌های (سازمان) و اركان آن از محل حق عضويتهای پرداختی اعضا ، صندوق مشترك سازمانهای استان ، كمكهای اعطايی دولت ، نهادها ، اشخاص حقيقی و حقوقی ، دريافت‌بهای ارايه خدمات پژوهشی ، فنی و آموزشی ، فروش نشريات و ساير مواد كمك آموزشی ومهندسی و در حدی از حق الزحمه دريافتی اعضا بابت ارايه خدمات مهندسی ارجاع شده از طرف‌سازمان تامين خواهد شد. ماده ۳۸ ـ وزارت مسكن و شهرسازی تسهيلات لازم برای تاسيس و شروع به كار سازمان وسازمان‌های استان را فراهم آورده و در تنظيم روابط آنان با دستگاههای اجرايی و مراجع قضايی درسطوح ملی و محلی تا آنجا كه به اهداف اين قانون كمك كند ، اقدام می‌نمايد. ماده ۳۹ ـ ذيحسابان و مسئولين امور مالی موظفند در هنگام پرداخت به مشاوران و پيمانكاران‌طرحهای عمرانی كشور معادل ۰۰۰۲/۰ (دو در ده هزار) از دريافتی آنها را كسر و شهرداريها معادل ۰۰۱/۰ (يك در هزار) از هزينه ساخت واحدهای مسكونی با زير بنای بيش ازالگوی مصرف مسكن‌و واحدهای غير انتفاعی را كه هر ساله به وسيله وزارتخانه‌های مسكن و شهرسازی و كشور تعيين‌می‌شود از سازندگان وصول و به حساب در آمد عمومی كشور واريز نمايند. معادل ۱۰۰٪ (صد درصد) وجوه واريزی بر اساس رديفی كه به همين منظور در بودجه سنواتی پيش‌بينی می گردد دراختيار وزارت مسكن و شهرسازی قرار خواهد گرفت تا صرف انجام مطالعات و تدوين مقررات ملی‌ساختمان ، امور كنترل ساختمان ، ترويج و توسعه و اعتلای نظام مهندسی ، كمك به سازمانهای نظام‌مهندسی ساختمان برای انجام وظايف قانونی خود ، برقراری دوره‌های آموزشی در سطوح مختلف ، برگزاری مسابقات حرفه‌ای و تخصصی و ترويج روشهای صرفه جويی در مصرف انرژی نمايد. ماده ۴۰ ـ متخلفان از مواد ۳۲ و ۳۴ و تبصره آن توسط مراجع قضايی حسب مورد به پرداخت‌جزای نقدی از يكصد هزار (۱۰۰/۰۰۰) ريال تا ده ميليون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ريال محكوم می‌شوند.پرداخت جزای نقدی مانع از پيگيری انتظامی نخواهد بود. ماده ۴۱ ـ در مورد تهيه ، اجرا و نظارت بر طرحهای عمرانی (منظور در بودجه عمومی كشور)قانون برنامه و بودجه و ضوابط منبعث از آن جايگزين اين قانون خواهد بود. ماده ۴۲ ـ وزارت مسكن و شهرسازی مكلف است حداكثر ظرف شش ماه نسبت به تهيه‌آيين نامه های اجرايی اين قانون اقدام نمايد. تا زمانی كه آيين نامه های اجرای اين قانون تصويب نشده‌است آيين نامه های قانون آزمايشی مصوب ۱۳۷۱ تا آنجا كه با مفاد اين قانون مغايرت ندارد مورداجرا خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر چهل و دو ماده و بيست و يك تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ‌بيست و دوم اسفند ماه يكهزار و سيصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصويب و در تاريخ۲۷/۱۲/۱۳۷۴ به تاييد شورای نگهبان رسيده است

قانون تاسيس شورای عالی شهرسازی و معماری ايران

ماده ۱ ـ برای هماهنگ كردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ايجاد محيط زيست بهتر برای‌مردم ، همچنين به منظور اعتلای هنر معماری ايران و رعايت سبكهای مختلف معماری سنتی و ملی و ارايه ضوابط و جنبه‌های اصيل آن با در نظر گرفتن روشهای نوين علمی و فنی و در نتيجه يافتن شيوه های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف كشور با توجه به شرايط اقليمی و طرز زندگی و مقتضيات محلی ، شورای عالی شهرسازی و معماری ايران تاسيس می‌شود. ماده ۲ ـ وظايف شورای عالی شهرسازی و معماری ايران به شرح زير است ۱ ـ بررسی پيشنهادهای لازم در مورد سياست كلی شهرسازی برای طرح در هيات وزيران ۲ ـ اظهارنظر نسبت به پيشنهادها و لوايح شهرسازی و مقررات مربوط به طرح‌های جامع شهری كه شامل منطقه‌بندی ـ نحوه استفاده از زمين ـ تعيين مناطق صنعتی بازرگانی اداری ـ مسكونی ـ تاسيسات عمومی ـ فضای سبز و ساير نيازمنديهای عمومی شهر می‌باشد. ۳ ـ بررسی و تصويب نهايی طرحهای جامع شهری و تغييرات آنها خارج از نقشه‌های تفصيلی ۴ ـ تصويب معيارها و ضوابط و آيين نامه

های شهرسازی ماده ۳ ـ اعضای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عبارتند از: ۱ ـ وزیر مسکن و شهرسازی ۲ ـ وزیر کشور ۳ ـ وزیر صنایع ۴ ـ وزیر فرهنگ و آموزش عالی ۵ ـ وزیر ارشاد اسلامی ۶ ـ وزیر نیرو ۷ ـ وزیر کشاورزی ۸ ـ وزیر دفاع و پشتیبانی ۹ ـ وزیر جهاد سازندگی ۱۰ ـ رییس سازمان برنامه و بودجه ۱۱ ـ رییس سازمان حفاظت محیط زیست ۱۲ ـ وزیر راه و ترابری ۱۳ ـ یک نفر از کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون و انتخاب مجلس به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری شرکت‌خواهد کرد. تبصره ۱ ـ در مورد طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها نظرات استاندار و شورای شهرستان و شورای شهر و شهردار و کارشناسان ذی صلاحیت کسب و مورد استفاده قرار خواهد گرفت تبصره ۲ ـ جلسات شورا با حضور اکثریت اعضا رسمیت خواهد داشت و تصمیمات شورا با حداقل ۶ رای معتبر خواهد بود. تبصره ۳ ـ در صورتی که هریک از اعضا شورا نتوانند شخصا در هریک از جلسات شوراشرکت کند یکی از معاونان خود را به شورا اعزام خواهد داشت ماده ۴ ـ وزارت آبادانی و مسکن به جای دبیرخانه شورای عالی شهرسازی در تشکیلات خودواحدی ایجاد می کند که تحت نظر معاون شهرسازی و معماری آن وارت وظایف زیر را انجام دهد. ۱ ـ بررسی و اظهارنظر در مورد طرحهای جامع شهری از طریق کمیته‌های فنی که اعضای آن به‌انتخاب اعضای شورای عالی شهرسازی و موسسات ذیربط تعیین می‌شوند. ۲ ـ تهیه معیارها و ضوابط آیین نامه های شهرسازی ۳ ـ نظارت در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط درحین تهیه طرحهای تفصیلی ۴ ـ نظارت در اجرای مراحل مختلف طرحهای تفصیلی شهری ۵ ـ ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه‌ها و سازمانهای‌مسوول و ارشاد و راهنمایی دستگاه‌های مربوط در مورد مسایل ناشی از اجرای طرحهای جامع‌شهری ۶ ـ ایجاد یک مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ۷ ـ جمع‌آوری اطلاعات و آمار اقتصادی و اجتماعی و شهرسازی و معماری ۸ ـ تشکیل نمایشگاهها از کارهای مختلف معماری و شهرسازی با همکاری سازمانهای مربوط و انجام مسابقات شهرسازی و معماری و تشکیل کنفرانسهای لازم مربوط به منظور نیل به هدفهای مذکور در این قانون ماده ۵ ـ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله‌کمیسیونی به ریاست استاندار به عضویت رییس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسکن و شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه‌کننده طرح و عضویت نماینده وزارت کشاورزی انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که به تصویب شورای شهر برسد برای شهردار لازم‌الاجرا خواهدبود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری موثر باشد باید به تایید شورای‌عالی شهرسازی برسد (تبصره اصلاحی مصوب ۲۵/۹/۶۵ مجلس شورای اسلامی تبصره ـ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده‌کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزرا مسکن و شهرسازی ، کشور ، نیرو (در حد معاونت مربوطه سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران با نماینده تام‌الاختیار او و رییس شورای شهر تهران می‌باشد. محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او خواهدبود و جلسات آن با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رای‌موافق معتبر است ضمنا تا تشکیل شورای شهر نماینده وزیر کشور به عنوان قایم‌مقامی رییس‌شورای شهر تهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد. ماده ۶ ـ در شهرهایی که دارای نقشه جامع شهر می‌باشند ثبت کل مکلف است در مورد هرتفکیک طبق نقشه‌ای که شهرداری براساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی تایید کرده باشداقدام به تفکیک نماید و در مورد افراز دادگاهها مکلفند طبق نقشه تفکیکی شهرداری اقدام نمایند.هرگاه ظرف مدت چهارماه نقشه تفکیکی از طرف شهرداری حسب مورد به ثبت یا دادگاه ارسال‌نشود ثبت یا دادگاه نسبت به تفکیک یا افراز رأسا اقدام خواهند کرد. ماده ۷ ـ شهرداریها مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق‌مفاد ماده ۲ می‌باشند. در مورد ابهام و اشکال و اختلاف نظر در نحوه اجرای طرحهای جامع و تفصیلی و شهری‌موضوع ماده ۵ مراتب در شورای عالی شهرسازی مطرح و نظر شورای عالی قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۸ ـ کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت مکلفند در صورت درخواست

وزارت مسکن‌و شهرسازی هر نوع اطلاع مربوط به شهرسازی و معماری را در اختیار وزارت مذکور بگذارند. ماده ۹ ـ عقد قراردادهای مربوط به نقشه‌های جامع شهری با مهندسین مشاور همچنین تهیه‌شرح وظیفه فنی برای تهیه طرحهای مذکور موکول به کسب نظر از وزارت مسکن و شهرسازی‌خواهد بود. ماده ۱۰ ـ آیین نامه اجرایی این قانون از طرف وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور تهیه وپس از تایید شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱ ـ مواد ۹۷ و ۹۸ اصلاح پاره‌ای از مواد قانون شهرداری و قوانین و مقررات مغایر با مفاداین قانون ملغی است قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و پنج تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز شنبه ۱۲/۱۲/۱۳۵۱ در جلسه روز سه شنبه بیست و دوم اسفندماه یکهزار و سیصد و پنجاه و یک‌شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. شماره و تاریخ ابلاغ ۴۹۲۰ ـ ۱۸/۲/۱۳۵۷

آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان – مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۷۵ هیات وزیران

فصل اول کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ در این آیین نامه عبارتهای زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: (قانون) : قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان ـ مصوب ۱۳۷۴ (مهندسی ساختمان) : امور فنی و مهندسی ، معماری و شهرسازی ، بخش‌های ساختمان وشهرسازی (سازمان) : سازمان نظام مهندسی ساختمان (نظام مهندسی استان) : سازمان نظام مهندسی ساختمان استان (پروانه اشتغال) : پروانه اشتغال به کار مهندسی ، کاردانی ، تجربی (رشته‌های اصلی) : رشته‌های اصلی مهندسی شامل معماری ، عمران ، تاسیسات مکانیکی ، تاسیسات برقی ، شهرسازی ، نقشه برداری و ترافیک (رشته‌های مرتبط) : رشته‌های مرتبط با رشته‌های اصلی ماده ۲ ـ اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی برای امور طراحی ، محاسبه ، نظارت ، اجرا و سایرخدمات فنی در بخشهای (مهندسی ساختمان) ، در محل‌هایی که تا کنون در اجرای قوانین قبلی به‌وسیله وزارت خانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور تعیین و اعلام شده و همچنین در شهرها وشهرستانها و محل‌هایی که به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی با کسب نظر از وزارت کشور مشخص و آگهی خواهد شد ، داشتن مدرک صلاحیت حرفه‌ای ضروری است تبصره ۱ ـ صلاحیت موضوع این ماده در موارد اشخاص حقیقی و حقوقی به ترتیب زیر احرازمی‌شود: الف ـ در مورد مهندسان از طریق پروانه اشتغال به کار مهندسی ب ـ در مورد کاردانهای فنی از طریق پروانه اشتغال به کار کاردانی پ ـ در مورد معماران تجربی از طریق پروانه اشتغال به کار تجربی ت ـ در مورد استادکاران و کارگران ماهر از طریق پروانه اشتغال به کار تجربی ث ـ در مورد اشخاص حقوقی از طریق پروانه اشتغال به کار مهندسی (حقوقی ج ـ در مورد اشخاص حقوقی از طریق پروانه اشتغال به کار کاردانی فنی (حقوقی تبصره ۲ ـ پروانه مهارت فنی به وسیله وزارت کار و امور اجتماعی و سایر پروانه‌های اشتغال به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی صادر می‌شود. ماده ۳ ـ شهرداریها و مراجع صدور پروانه ساختمان ، پروانه شهرک سازی و شهرسازی وهمچنین مراجع صدور مجوزهای مربوط به تفکیک اراضی و سایر مراجع صدور مجوزهای مربوطبه کنترل ، نظارت و نظایر آن در محل‌های مندرج در ماده (۲) برای صدور پروانه یا مجوزهای مذکور ، تنها نقشه‌هایی را خواهند پذیرفت که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی دارنده (پروانه اشتغال) و درحدود صلاحیت و ظرفیت مربوط امضا شده باشد و برای انجام فعالیتهای کنترل و نظارت نیز فقط ازخدمات این اشخاص در حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال آنها می‌توان استفاده نمود. تبصره ـ نقشه تفکیک اراضی که توسط شهرداری‌ها تهیه می‌شود از مفاد این ماده مستثنی است

فصل‌دوم پروانه اشتغال به‌کارمهندسی حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال (ماده ۴ تا ۲۵)

الف ـ پروانه اشتغال به کار مهندسی ماده ۴ ـ دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر ، در هر یک از رشته‌های اصلی یا رشته‌های‌مرتبط می توانند از طریق تقاضای صدور پروانه اشتغال به کار مهندسی با توجه به مدارک تحصیلی‌و سوابق کار و تجربه در یک یا چند زمینه خدمات مهندسی از قبیل طراحی ، محاسبه ، نظارت ، اجرا ، بهره‌برداری ، نگهداری ، کنترل و بازرسی امور آزمایشگاهی ، مدیریت ساخت و تولید ، نصب ، آموزش و تحقیق در خواست تشخیص صلاحیت نمایند. ماده ۵ ـ برای صدور پروانه اشتغال علاوه بر دارا بودن مدرک تحصیلی ، گواهی اشتغال به‌کارآموزی و گواهی قبولی در آزمونهای مربوط و سابقه کار حرفه‌ای در رشته‌های تخصصی و فنی مربوط ، بعد از تاریخ اخذ مدرک به شرح زیر ضروری است الف ـ دارندگان مدرک علمی دکتری با حداقل (۱) سال کار آموزی یا سابقه کار. ب ـ دارندگان مدرک کارشناسی با حداقل (۲) سال کار آموزی یا سابقه کار. پ ـ دارندگان مدرک کارشناسی با حداقل (۳) سال کار آموزی یا سابقه کار. ماده ۶ ـ گواهی اشتغال به کار و تجربه عملی و سابقه کار متقاضی در صورتی معتبر شناخته‌خواهد شد که توسط واحدهای فنی وزارتخانه‌ها ، سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت ، شهرداریها ، شخصیت‌های حقوقی شاغل در رشته‌های موضوع (قانون) ، شرکت‌های ساختمانی یا مهندسان مشاور که دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی (شخص حقوقی) می‌باشند و یا توسط دو نفر ازمهندسان با بیش از ده سال سابقه کار و دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی و یا توسط (نظام مهندسی استان) تایید و صادر شده باشد. در گواهی اشتغال مذکور موارد زیر باید درج شود: الف ـ نام ، محل و مشخصات پروژه‌ای که متقاضی در آن اشتغال داشته است ب ـ مدت اشتغال متقاضی با ذکر تاریخ شروع و خاتمه کار. پ ـ نام و مشخصات تحصیلی متقاضی ت ـ نام ، مشخصات ، سمت و شماره (پروانه اشتغال) شخصی حقیقی یا حقوقی صادر کننده‌گواهی ماده ۷ ـ متقاضی (پروانه اشتغال) باید تقاضای کتبی خود را طبق فرم مخصوصی که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و حاوی نکات ضروری که متقاضی باید تعهد و رعایت نمایدنیز می‌باشد ، تکمیل نموده ، همراه با مدارک زیر تسلیم نماید. الف ـ فتوکپی مصدق مدرک تحصیلی که ارزش دانشگاهی و رشته و درجه علمی آن صریحاتوسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی مورد تصویب و تایید قرار گرفته باشد ، به کیفیتی که اطمینان‌به صحت آن برای مرجع صادر کننده (پروانه اشتغال محرز شود. ب ـ گواهی اشتغال به کار به ترتیبی که در ماده ۶ این آیین نامه مقرر شده است پ ـ گواهی قبولی در آزمون ت ـ فتوکپی کارت کد اقتصادی متقاضی ث ـ فیش بانکی مربوط به پرداخت عوارض صدور (پروانه اشتغال ج ـ مدارک عضویت (نظام مهندسی استان) مربوط چ ـ مدارک هویت به ترتیبی که در فرم تقاضای (پروانه اشتغال) تعیین و مقرر شده است ح ـ سایر مدارکی که ارایه آن‌ها به موجب مقررات این آیین نامه و یا قوانین حاکم بر صدور این‌گونه مدارک‌الزامی باشد. ماده ۸ ـ وزارت مسکن و شهرسازی پس از بررسی تقاضای (پروانه اشتغال) و مدارک ضمیمه‌آن در صورت کامل بودن ، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول (پروانه اشتغال) مورد درخواست راصادر خواهد نمود و در صورت کافی نبودن مدارک ، مراتب را ظرف (۱۵) روز با ذکر نواقص به طورکتبی به متقاضی اعلام خواهد نمود. تبصره ـ وزارت مسکن و شهرسازی در استان‌هایی که شرایط را مقتضی تشخیص دهد ، وصول‌تقاضای (پروانه اشتغال) و مدارک مربوط را به عهده (نظام مهندسی استان) محول خواهد کرد. (نظام‌مهندسی استان) در این حالت پس از بررسی و تایید و تنظیم پرونده ، آن را برای صدور (پروانه‌اشتغال) به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال خواهد کرد. ماده ۹ ـ اشخاص حقیقی دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی در رشته و تخصصی که تشخیص صلاحیت شده‌اند به طور فردی یا به طور مشترک با مسوولیت مشترک می‌توانند اقدام به تاسیس دفتر مهندسی بنمایند. دفاتر مهندسی قایم‌به شخص یا اشخاص حقیقی دارای (پروانه اشتغال) می‌باشد و امتیاز آن قابل واگذاری نیست اشخاص مذکور موظف به نگهداری دفاتر قانونی بر اساس‌ماده (۹۶) قانون مالیاتهای مستقیم می‌باشند. دفاتر مهندسی مذکور می‌توانند با توجه به حدود صلاحیت افراد دارنده (پروانه اشتغال) که عضودفتر می‌باشند از وزارت مسکن و شهرسازی درخواست صلاحیت بنمایند. ماده ۱۰ ـ اشخاص حقوقی با دارا بودن شرایط و ارایه مدارک به شرح زیر ، می‌توانند در یک یاچند رشته مشروط بر اینکه حداقل دو نفر از

مدیران آن دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی یا کاردانی باشند تقاضای صدور (پروانه اشتغال) شخص حقوقی بنمایند. الف ـ فتوکپی پروانه اشتغال به کار مهندسی یا کاردانی اشخاص حقیقی فوق الذکر. ب ـ یک‌نسخه فتوکپی اساسنامه و روزنامه رسمی حاوی آگهی تاسیس و آخرین تغییرات و یک‌نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی و مدارک مربوط به ثبت آن در مورد انتخاب مدیر یا مدیران و کسانی که دارای حق امضا می‌باشند. پ ـ مدارک مربوط به احراز صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه و سایر مراجع ذیربط درصورت وجود. ت ـ فتوکپی کارت کد اقتصادی متقاضی ث ـ فیش بانکی مربوط به پرداخت عوارض صدور پروانه اشتغال ج ـ ارایه مدارک عضویت در (نظام مهندسی استان) . چ ـ هر نوع مدارک دیگری که در فرم تقاضای (پروانه اشتغال) اشخاص حقوقی تعیین و مقررشده باشد. تبصره ـ تغییرات اساسنامه یا ترکیب مدیران باید ظرف حداکثر یک ماه به مرجع صادر کننده (پروانه اشتغال) اطلاع داده شود و در صورتی که تغییرات مذکور به موقع اطلاع داده نشود و یا مدیرانی که دارای (پروانه اشتغال) شخص حقیقی می‌باشند از مدیریت شخص حقوقی خارج شوند ، وزارت مسکن و شهرسازی می‌تواند حسب مورد (پروانه اشتغال) مدیران یا شخصیت حقوقی یا هردو را لغو کند. ب ـ حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال ماده ۱۱ ـ پروانه اشتغال به کار مهندسی در (۴) درجه ، (پایه (۳)) ، (پایه (۲)) ، (پایه (۱)) ، (ارشد) صادر می‌شود. برای متقاضیان (پروانه اشتغال) ، با داشتن سوابق تجربی یا کار آموزی به‌میزان مندرج در ماده (۵) (پروانه اشتغال) (پایه (۳)) صادر می گردد. جهت ارتقا از (پایه (۳)) به (پایه ۲)) داشتن (۴) سال و از (پایه (۲)) به (پایه (۱)) (۵) سال و از (پایه (۱)) به (ارشد) (۶) سال سابقه‌کار حرفه‌ای در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است تبصره ۱ ـ اشخاصی که در حال حاضر دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی در (رشته‌هایاصلی) می‌باشند و یا با داشتن سوابق کار بیشتر از میزان مندرج در ماده (۵) این آیین نامه ، متقاضی‌دریافت (پروانه اشتغال) هستند ، چنانچه ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ این آیین نامه جهت تعویض یادریافت (پروانه اشتغال) مراجعه نمایند ، با احتساب سنوات تجربه حرفه‌ای طبقه بندی و بدون‌آزمون در یک درجه پایین‌تر قرار خواهند گرفت و در صورتیکه بعد از ضرب‌الاجل مذکور مراجعه‌نمایند درجه (پروانه اشتغال) با توجه به سنوات تجربه حرفه‌ای و موفقیت در آزمون هر یک ازدرجات مذکور تعیین خواهد شد. تبصره ۲ ـ در ظرف یک سال موضوع تبصره (۱) این ماده جهت انطباق اشخاص به درجه‌مهندسی ارشد ، (شورای مرکزی) ، سوابق و شرایط متقاضیان را بررسی و پس از تایید صلاحیت‌حرفه‌ای ، آنها را جهت اخذ درجه مهندسی ارشد به وزارت مسکن و شهرسازی معرفی می کند.اشخاص مذکور می‌توانند تا سیر تشریفات مذکور ، با اخذ (پروانه اشتغال) ، (پایه ۱) به کار خود ادامه‌دهند. پس از پایان مهلت مذکور ، انطباق درجه متقاضیان مهندسی ارشد یا احراز درجه مذکور نیز تابع‌شرایط عمومی مندرج در این آیین نامه خواهد بود. تبصره ۳ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است با توجه به تعداد متقاضیان هر درجه ورعایت تناسب مورد نیاز جامعه به آن طور مستمر در فواصل زمانی معین نسبت به برگزاریازمونهای مربوط اقدام کند. تبصره ۴ ـ تعیین حدود صلاحیت و ظرفیت اشخاص حقوقی که بوسیله سازمان برنامه وبودجه تشخیص صلاحیت و تعیین ظرفیت شده یا می‌شوند مطابق دستورالعملی خواهد بود که به‌طور مشترک توسط وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان برنامه و بودجه تهیه و ابلاغ می‌شود. ماده ۱۲ ـ به منظور تعیین حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال دارندگان (پروانه اشتغال) ، در (مهندسی ساختمان) ، فعالیتهای مهندسی بر اساس پیچیدگی عوامل و حجم کار به چهار گروه ، (الف) ، (ب) ، (ج) و (د) تقسیم می‌شود. تبصره ۱ ـ برای تعیین فعالیتهای مهندسی در بخش ساختمان ، ساختمانها به چهار گروه به‌ترتیب زیر تقسیم می‌شوند. گروه (الف) با مقیاس کاربری محله (۱) تا (۲) طبقه ارتفاع از روی زمین یا حداکثر زیر بنای ۶۰۰متر مربع گروه (ب) با مقیاس کاربری ناحیه (۳) تا (۵) طبقه ارتفاع از روی زمین یا حد اکثر زیر بنای ۲۰۰۰متر مربع گروه (ج) با مقیاس کاربری منطقه (۶) تا (۱۰) طبقه ارتفاع از روی زمین یا حداکثر زیر بنای۵۰۰۰ متر مربع گروه (د) با مقیاس کاربری شهر بیش از ۱۰ طبقه ارتفاع از روی زمین یا بیش از ۵۰۰۰ متر مربع تبصره ۲ ـ تهیه طرح معماری و انجام محاسبات سازه و همچنین نظارت معماری و نظارت‌سازه برای تمام گروههای ساختمانی

مندرج در تبصره ۱ این ماده‌الزامی و به شرح جدول موضوع‌این ماده می‌باشد: طبقه بندی صلاحیت برای هر یک از گروههای ساختمان صلاحیت گروه‌ساختمانها ـ ـ تهیه طرح معماری‌توسط ـ ـ انجام‌محاسبات‌سازه توسط ـ ـ نظارت بر طرح‌معماری‌توسط ـ ـ نظارت‌براجرای‌سازه‌توسط گروه (الف ـ ـ مهندس معمارپایه ۳ یا بالاتر ـ ـ مهندس عمران‌پایه ۳ یا بالاتر ـ ـ مهندس معماریا عمران پایه ۳یا بالاتر ـ ـ مهندس عمران‌یا معمار پایه ۳یا بالاتر گروه (ب) ـ ـ مهندس معمارپایه ۲ یا بالاتر ـ ـ مهندس عمران‌پایه ۲ یا بالاتر ـ ـ مهندس معمارپایه ۳ یا بالاتر ـ ـ مهندس عمران‌پایه ۳ یا بالاتر گروه (ج) ـ ـ مهندس معمارپایه ۱ یا بالاتر ـ ـ مهندس عمران‌پایه ۱ یا بالاتر ـ ـ مهندس معمارپایه ۲ یا بالاتر ـ ـ مهندس عمران‌پایه ۲ یا بالاتر گروه (د) ـ ـ مهندس معمارارشد ـ ـ مهندس عمران‌ارشد ـ ـ مهندس معمارپایه ۱ یا بالاتر ـ ـ مهندس عمران‌پایه ۱ یا بالاتر در محل‌هایی که مهندس معمار یا عمران به تعداد کافی نباشد طبق نظر وزارت مسکن وشهرسازی حسب مورد از خدمات مهندسی (رشته‌های مرتبط) یا رشته‌های دیگر یا کاردانهای دارای‌صلاحیت استفاده می‌شود. تبصره ۳ ـ گروه بندی سایر فعالیتهای مهندسی موضوع (قانون) وهمچنین تعیین حدودصلاحیت سایر دارندگان (پروانه اشتغال) به موجب دستورالعملی که به وسیله وزارت مسکن وشهرسازی تهیه و ابلاغ می‌شود تعیین می گردد. ماده ۱۳ ـ ظرفیت اشتغال دارندگان (پروانه اشتغال) در رشته‌های مختلف و در هر استان به‌پیشنهاد (نظام مهندسی استان) و تصویب وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌شود. تبصره ـ دارندگان (پروانه اشتغال) و کلیه مراجع صادر کننده پروانه ساختمان ، و سایرمجوزهای مربوط موظفند حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال مندرج در (پروانه اشتغال) را رعایت‌نمایند. ماده ۱۴ ـ حدود صلاحیت دارندگان (پروانه اشتغال) شخص حقوقی در رشته و تخصص موردتقاضا از طریق بررسی و ارزیابی سوابق شخص حقوقی طبق دستورالعمل صادر شده توسط وزارت‌مسکن و شهرسازی صورت خواهد گرفت و در مواردی که نقشه‌های تسلیمی به شهرداریها و سایرمراجع صدور پروانه ساختمان و تفکیک اراضی توسط اشخاص حقوقی امضا و یا تعهد نظارت‌می‌شود باید بر حسب‌الزامی بودن هر یک از موارد ، تهیه طرح معماری و نظارت بر اجرای آن ، انجام‌محاسبات سازه و نظارت بر اجرای آن ، تهیه طرحهای تاسیسات مکانیکی و برقی و نظارت براجرای آنها و نظایر آن و نقشه‌ها و محاسبات فنی توسط مهندسان دارای (پروانه اشتغال) تهیه ، امضا و یا تعهد نظارت شود. ماده ۱۵ ـ در مورد شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت ، موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به استثنای شهرداری‌ها که به طور قانونی وظیفه تهیه و یا تایید نقشه و انجام کارهای اجرایی‌ساختمانی به عهده آنها می‌باشد و اقدام به تاسیس واحدهای سازمانی فنی خاص ، چه در مرکز و چه‌در هر یک از نقاط مختلف کشور برای انجام این قبیل امور نموده باشند ، مشروط بر اینکه تشکیلات‌سازمانی آنها به تصویب مراجع صلاحیت دار رسیده و مسوول واحد فنی آنها دارای (پروانه اشتغال) شخص حقیقی باشد ، با ارایه مدارک و مجوزها و مصوبات مراجع صلاحیت دار ، برای هر یک ازواحدهای سازمانی فنی تابع آنها به ترتیب مقرر در این آیین نامه (پروانه اشتغال) شخص حقوقی‌صادر خواهد شد. ماده ۱۶ ـ مسوولیت صحت طراحی و محاسبه ، اجرا ، نظارت و نظایر آن به عهده مدیر عامل یارییس موسسه و در مورد اشخاص موضوع ماده (۱۵) این آیین نامه به عهده مسوولان واحدهای فنی‌مربوط ، که دارای (پروانه اشتغال) شخص حقیقی بوده و به امضای آنها رسیده است خواهد بود و این‌مسوولیت قایم‌به شخص امضا کننده بوده و با تغییر سمت وی ، ساقط نخواهد شد. همچنین امضای‌وی رافع مسوولیت مهندس طراح ، محاسب و ناظر که در رشته مربوط امضا یا تعهد نظارت کرده‌اند ، نخواهد بود. ماده ۱۷ ـ با توجه به اصلاحیه تبصره (۱) ماده (۱) قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۶۸ پاسخ به‌استعلامات مراجع ذیصلاح در خصوص اشخاص حقوقی شامل شرکتهای ساختمانی ، شرکتهای‌تاسیساتی و تجهیزاتی و شرکتهای مهندسان مشاور و شرکت‌های خدمات مهندسی و سایرموسساتی که ارایه خدمات و فعالیت آنها مستلزم داشتن (پروانه اشتغال) می‌باشد ، همچنین‌پاسخگویی به مسایل صنفی آنها با (نظام مهندسی استان) است که وفق دستورالعمل وزارت مسکن‌و شهرسازی عمل خواهد نمود. ماده ۱۸ ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیر ایرانی جهت انجام خدمات موضوع (قانون) ضمن رعایت سایر قوانین و مقررات مربوط و احراز کلیه شرایط مقرر در مورد اشخاص حقیقی وحقوقی

ایرانی باید (پروانه اشتغال) موقت از وزارت مسکن و شهرسازی دریافت دارند. در (پروانه‌اشتغال) موقت مدت اعتبار ، صلاحیت متقاضی و سایر شرایط حسب مورد باید درج شود. ماده ۱۹ ـ امضای مجاز اشخاص حقیقی و حقوقی ذیل نقشه‌ها و اسناد تعهد آور همراه با مهری‌خواهد بود که در آن نام کامل و شماره پروانه اشتغال و شماره عضویت نظام مهندسی ، رشته و کداقتصادی درج شده باشد. ماده ۲۰ ـ برای متقاضیانی که در بیش از یک رشته دارای شرایط اخذ (پروانه اشتغال) می‌باشندیا بعدا صلاحیت جدید کسب نمایند فقط یک (پروانه اشتغال) صادر می‌شود و در (پروانه اشتغال) مذکور رشته‌ها و تخصص‌هایی که دارنده (پروانه اشتغال) در آن تعیین صلاحیت شده است با قیدتاریخ احراز و ظرفیت اشتغال آنها درج خواهد شد. ماده ۲۱ ـ وزارت مسکن و شهرسازی می‌تواند ، در مورد تمام یا بعضی از رشته‌ها و تخصص‌ها ، صدور یا تجدید یا تمدید پروانه وهم چنین ارتقا پایه مهندسی را موکول به گذراندن آزمون‌های‌عمومی و تخصصی نماید. ماده ۲۲ ـ (پروانه اشتغال) برای مدت سه سال در سراسر کشور ، در رشته و تخصص تعیین شده‌معتبر است وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است در صورت درخواست متقاضی و دارا بودن‌شرایط لازم ظرف یک ماه نسبت به تجدید یا تمدید (پروانه اشتغال) اقدام ، و در صورت رد تقاضا یاوجود نواقص مراتب را به طور کتبی با ذکر دلایل به متقاضی اعلام نماید. تاریخ تجدید یا تمدید (پروانه اشتغال) باید در محل مخصوصی از متن (پروانه اشتغال) درج شود. تبصره ۱ ـ در صورتیکه اعتبار یک یا بعضی از مدارک لازم جهت صدور یا تجدید یا تمدید (پروانه اشتغال) محدود به مدت معینی کمتر از (۳) سال باشد ، در این صورت مدت اعتبار (پروانه‌اشتغال) با توجه به محدودیتهای زمانی مدارک مذکور تعیین و درج خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورتیکه دارنده (پروانه اشتغال) بخواهد در خارج از محدوده استانی که در (نظام‌مهندسی استان) آن عضو است ، از (پروانه اشتغال) خود استفاده نماید ، مکلف است مراتب را به طورکتبی به اطلاع (نظام مهندسی استان) هر دو استان برساند. ماده ۲۳ ـ در موارد زیر (پروانه اشتغال) حسب مورد فاقد اعتبار شناخته شده و یا اعتبار آن معلق‌یا اساسا ابطال خواهد شد: الف ـ فوت دارنده (پروانه اشتغال) . ب ـ حجر دارنده (پروانه اشتغال) تا زمانی که رفع حجر نشده باشد. پ ـ عدم تمدید یا تجدید یا عدم پرداخت وجوه و عوارض مقرر ظرف مدت یک ماه از تاریخ‌انقضای مهلت ت ـ محکومیت قطعی دارنده (پروانه اشتغال) به مجازاتی که کیفر تبعی آن محرومیت از حقوق اجتماعی باشد ، تا انقضای مدت محرومیت از حقوق اجتماعی ث ـ در صورتی که دارنده (پروانه اشتغال) به موجب رای قطعی شورای انتظامی استان یا (شورای انتظامی نظام مهندسی) محکوم به محرومیت از کار شود ، در مدت محرومیت از کار. ج ـ تصمیم وزیر مسکن و شهرسازی در صورت عدم توجه به ابلاغیه‌ها و اطلاعیه‌های قانونی‌وزارت مسکن و شهرسازی چ ـ قطع عضویت از (نظام مهندسی استان) یا اخراج از آن ح ـ انحلال یا فقدان شرایط لازم در خصوص اشخاص حقوقی تبصره ـ دارنده (پروانه اشتغال) در مدتی که (پروانه اشتغال) او فاقد اعتبار شده یا اعتبار آن‌معلق شده است ، حق استفاده از (پروانه اشتغال) را جز برای ادامه کارها و مسوولیتهایی که قبل از آن‌به عهده گرفته است (آنهم مشروط به رعایت مقررات و رفع تخلفات موجود) نخواهد داشت ماده ۲۴ ـ چنانچه (پروانه اشتغال) مفقود شود ، صاحب (پروانه اشتغال) می‌تواند تقاضای‌صدورالمثنی بنماید ، و مرجع صادر کننده موظف خواهد بود پس از انقضای مدت سه ماه از تاریخ‌تقاضا ، در صورتیکه یابنده آن را به مرجع مذکور ارسال ننموده باشد نسبت به صدورالمثنی اقدام‌نماید. ماده ۲۵ ـ با توجه به ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی (پروانه اشتغال) یک سند رسمی دولتی است وکلیه آثار و تبعات اسناد رسمی را داراست

فصل سوم پروانه اشتغال به کار کاردانی و تجربی (ماده ۲۶ تا ۳۲

ماده ۲۶ ـ برای دارندگان مدرک تحصیلی کاردانی فنی ، دیپلم فنی و همچنین معماران تجربی درصورت قبول شدن در آزمون علمی و عملی مربوط ، در یکی از رشته‌های موضوع (قانون) حسب‌مورد (پروانه اشتغال) در سه درجه پایه (۳) ، پایه (۲) و پایه

(۱) به شرح زیر صادر می‌شود: الف ـ برای دارندگان مدرک کاردانی فنی مورد تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی در یکی ازرشته‌های موضوع (قانون) با: ـ داشتن (۵) سال سابقه کار و تجربه مفید پس از دریافت مدرک کاردانی در رشته مربوط ، پروانه‌اشتغال به کار کاردانی پایه (۳) ـ جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۴) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن (۶) سال‌سابقه کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است ب ـ برای دارندگان مدرک کاردانی فنی سایر وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی در یکی از رشته‌های‌موضوع (قانون) با: ـ داشتن (۶) سال سابقه کار و تجربه مفید پس از دریافت مدرک کاردانی در رشته مربوط ، پروانه‌اشتغال به کار کاردانی پایه (۳) ـ جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۴) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن ۶ سال سابقه‌کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است پ ـ برای دارندگان مدرک دیپلم فنی در یکی از رشته‌های موضوع (قانون) با: ـ داشتن (۷) سال سابقه کار و تجربه مفید پس از دریافت دیپلم در رشته مربوط ، پروانه اشتغال به‌کار تجربی پایه (۳) ـ جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۵) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن (۶) سال‌سابقه کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است ت ـ برای دارندگان سایر مدارک تحصیلی و معماران تجربی در یکی از رشته‌های موضوع قانون‌با: ـ داشتن (۸) سال سابقه کار و تجربه مفید بر اساس مدارک تحصیلی و تجربی در رشته مربوط ، پروانه اشتغال به کار تجربی پایه (۳) ـ جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۵) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن (۶) سال‌سابقه کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است تبصره ـ سابقه و تجربه مفید حسب گواهی‌ها و مدارک مندرج در ماده (۶) این آیین نامه و سایرمستندات مورد قبول وزارت مسکن و شهرسازی احراز می‌شود. ماده ۲۷ ـ متقاضیان موضوع این فصل از آیین نامه باید تقاضای کتبی خود را همراه با مدارک زیردر تهران به وزارت مسکن و شهرسازی و در استانها به سازمان مسکن و شهرسازی استان تسلیم‌نمایند. الف ـ تصویر مصدق مدرک تحصیلی که به تایید مراجع ذیصلاح رسیده است و در مورد کاردانهابا تعیین و تصریح رشته و گرایش آن ب ـ گواهی سابقه و تجربه مفید به شرح مذکور در ماده ۶ این آیین نامه . پ ـ ارایه مدرک قبولی در آزمون علمی و عملی ت ـ فتوکپی کارت کد اقتصادی متقاضی ث ـ فیش بانکی مربوط به پرداخت عوارض صدور (پروانه اشتغال) . ج ـ مدارک عضویت در تشکل حرفه‌ای مربوط ، در صورت تاسیس تشکیلات مذکور. چ ـ ارایه مدرک هویت به ترتیبی که در فرم تقاضا قید شده است ح ـ سایر مدارکی که ارایه آنها به موجب قوانین و مقررات مصوب ضروری است ماده ۲۸ ـ نحوه برگزاری آزمون و سوالات علمی و تجربی و عنداللزوم مصاحبه حضوری درسراسر کشور یکسان و متحدالشکل می‌باشد. سوالات به صورت کتبی و به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و در اختیار سازمانهای‌مسکن و شهرسازی استان قرار می گیرد ، تا با نظارت مستقیم و همکاری (نظام مهندسی استان) آزمون برگزار شود. تصحیح اوراق و اعلام اسامی پذیرفته شدگان و عنداللزوم انجام مصاحبه‌حضوری در تهران با وزارت مسکن و شهرسازی و در استانها با سازمان مسکن و شهرسازی استان‌است پس از تاسیس تشکیلات حرفه‌ای ، در برگزاری آزمونها از همکاری تشکیلات مذکور استفاده‌خواهد شد. ماده ۲۹ ـ به منظور تعیین حدود صلاحیت حرفه‌ای و ظرفیت اشتغال کاردانها و معماران‌تجربی فعالیتهای فنی مهندسی در بخش اجرای ساختمان بر اساس پیچیدگی عوامل و حجم کار وموقعیت جغرافیایی به سه گروه (الف) و (ب) و (ج) تقسیم می‌شود. سپس با توجه به پایه (پروانه‌اشتغال) و مدرک تحصیلی و سوابق کار حرفه‌ای و توانایی متقاضی و سایر عوامل موثر ، حدودصلاحیت و ظرفیت اشتغال دارنده (پروانه اشتغال) طبق دستورالعملی که به وسیله وزارت مسکن وشهرسازی تهیه و ابلاغ می‌شود تعیین و در (پروانه اشتغال) درج می‌شود. ماده ۳۰ ـ مدت اعتبار پروانه اشتغال به کار کاردانی یا کار تجربی ۳ سال است و در انقضای‌مدت ، در صورت وجود شرایط لازم قابل تمدید است ماده ۳۱ ـ کلیه امور مربوط به (پروانه اشتغال) اعم از فقدان اعتبار ، یا معلق شدن اعتبار و سایرموارد از جمله تفویض اختیار در مورد صدور و غیر اینها تابع مقررات مصوب مربوط به دارندگان‌پروانه اشتغال به کار مهندسی است ماده ۳۲ ـ مرجع و نحوه رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای و انضباطی دارندگان پروانه اشتغال به کارکاردانی و تجربی نیز ، مانند دارندگان پروانه

اشتغال به کار مهندسی است لکن پس از تاسیس تشکیلات حرفه‌ای مربوط ، شورای انتظامی استان و مرجع تجدیدنظر با همکاری و هماهنگی تشکیلات مذکور اقدام خواهند کرد و موارد خاصی که در مورد این گروه باید مورد توجه مراجع رسیدگی کننده قرار گیرد و یا باید از آن استثنا شود با توجه به پیشنهادات تشکیلات حرفه‌ای مربوط طی دستورالعملی به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی به شورای انتظامی استان و مرجع تجدیدنظر ابلاغ خواهد شد.

فصل چهارم نظارت و کنترل ساختمان (ماده ۳۳ تا ۴۰

ماده ۳۳ ـ مسوولیت نظارت عالیه بر اجرای ضوابط و مقررات ملی ساختمان در طراحی واجرای تمامی ساختمانها و طرحهای شهرسازی و شهرک سازی و عمران شهری که اجرای ضوابط ومقررات مزبور در مورد آنهاالزامی است ، بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی است و وزارت مذکوربا انتشار اعلامیه و اطلاعیه‌ها ، آگاهی‌های لازم را به افراد جامعه خواهد داد. ماده ۳۴ ـ شهرداریها موظفند در متن تاییدیه نقشه‌های تفکیک زمین و متن پروانه‌های‌ساختمانی و متن پاسخ به هر گونه استعلام درباره کاربری و تراکم اراضی ، مشخصات مصوبات‌طرحهای جامع ، تفصیلی و هادی را که شامل نام مرجع تصویب کننده ، تاریخ تصویب و شماره وتاریخ ابلاغیه قانونی است ذکر نمایند. ماده ۳۵ ـ مالکان و کارفرمایانی که اقدام به احداث ساختمان می کنند موظفند از نخستین روزشروع عملیات اجرایی ، یک نسخه از نقشه ساختمان مهمور شده به مهر شهرداری و یک نسخه ازپروانه ساختمان را ، در تمام مدت اجرای ساختمان ، در محل کارگاه نگهداری نمایند تا در صورت‌مراجعه ماموران کنترل ساختمان در اختیار آنها گذاشته شود. ماده ۳۶ ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمانها و دستگاههای دولتی و غیر دولتی‌می‌توانند در هر موردی که با تخلف مواجه شده یا احتمال تخلف از ضوابط و مقررات شهرسازی ومقررات ملی ساختمان می‌دهند ، شکایت با اطلاعات خود را به وزارت مسکن و شهرسازی درتهران و سازمان مسکن و شهرسازی در استان ارسال یا تسلیم نمایند. ماده ۳۷ ـ وزارت مسکن و شهرسازی یا سازمان مسکن و شهرسازی استان ، ساختمانها را رأسابه صورت کنترل نمونه‌ای ، سرزده و موردی یا پس از دریافت شکایت مورد رسیدگی و بازرسی قرارمی‌دهد ، در صورت احراز تخلف از مقررات مذکور در مواد (۳۴) و (۳۵) (قانون) و مواد مندرج دراین فصل ، با ذکر دلایل و مستندات دستور اصلاح یا جلوگیری از ادامه کار را به شهرداریها و مراجع‌صدور پروانه ساختمانی و مهندس مسوول نظارت ذیربط ابلاغ می‌نماید. ماده ۳۸ ـ به منظور اعمال نظارت موضوع ماده (۳۵) قانون ، مراجع و اشخاص یاد شده در ماده ۳۴) موظفند در صورت درخواست ، حسب مورد اطلاعات و نقشه‌های فنی لازم را در اختیاروزارت مسکن و شهرسازی قرار دهند و در صورتی که وزارت یاد شده به تخلفی برخورد نماید با ذکردلایل و ومستندات دستور اصلاح یا جلوگیری از ادامه کار را به مهندس مسوول نظارت و مرجع‌صدور پروانه ساختمانی دی ربط ابلاغ نماید و تا رفع تخلف ، موضوع قابل پیگیری است در اجرااین وظیفه کلیه مراجع ذی‌ربط موظف به همکاری می‌باشند. ماده ۳۹ ـ سازمان مسکن و شهرسازی استان موظف است با همکاریهای نظام مهندسی استان وشهرداریها در محل‌هایی که مشمول ماده (۴) قانون نمی‌باشند ، در اجرای ماده (۳۶) قانون نسبت به‌تهیه طرحهای همسان (تیپ در زمینه طراحی و اجرای ساختمان اقدام نماید. شهرداریها نقشه‌های مذکور را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و چنانچه متقاضی بر اساس‌نقشه همسان ، درخواست پروانه ساختمان بنماید ، شهرداریها موظفند با رعایت سایر مقررات ، پروانه ساختمانی را صادر و رأسا اعمال نظارت نمایند. ماده ۴۰ ـ به منظور مطالعات و تحقیقات مورد نیاز برای توسعه نظام مهندسی و اصلاح سیستم‌کنترل در (مهندسی ساختمان) و گسترش آن در سطح کشور ، متناسب با امکانات و مقتضیات محلی‌و ارتقا کیفی (مهندسی ساختمان) از طریق پیشنهاد اصلاح قوانین ، تدوین آیین نامه های قانونی ، اصلاح و روشها و ساختار اداری و اجرایی و تدوین برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف ، شورایی‌مرکب از ۷ عضو تحت عنوان (شورای توسعه

نظام مهندسی و کنترل ساختمان) در وزارت مسکن وشهرسازی تشکیل می‌شود. اعضا و رییس شورای مذکور توسط وزیر مسکن و شهرسازی انتخاب ودبیرخانه شورای مذکور در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود.

فصل پنجم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان (ماده ۴۱ تا ۹۴

ماده ۴۱ ـ به منظور تامین مشارکت هر چه وسیعتر مهندسان در انتظام امور حرفه‌ای خود وتحقق اهداف (قانون) در سطح کشور سازمانی تحت عنوان (سازمان نظام مهندسی ساختمان) تشکیل می‌شود. ارکان (سازمان) متشکل است از (نظام مهندسی استان) ، (هیات عمومی) ، (شورای مرکزی) ، (رییس سازمان) و (شورای انتظامی نظام مهندسی) ماده ۴۲ ـ (سازمان) و (نظام مهندسی استان) ها دارای شخصیت حقوقی مستقل و غیر انتفاعی‌بوده و تابع قوانین و مقررات عمومی حاکم بر موسسات غیر انتفاعی می‌باشند. ماده ۴۳ ـ برای تشکیل (نظام مهندسی استان) وجود حداقل (۵۰) داوطلب عضویت از بین‌مهندسان مقیم حوزه آن استان که واجد شرایط مقرر در ماده (۶) (قانون) و تبصره‌های آن باشند ، ضروری است تبصره ـ عضویت اشخاص حقوقی شاغل به کار مهندسی در رشته‌های اصلی و اشخاص‌حقیقی در (رشته‌های مرتبط) در (نظام مهندسی استان) بلامانع است ولی در مجامع عمومی فقطاشخاص حقیقی عضو ، حق رای دارند. ماده ۴۴ ـ عضویت در (نظام مهندسی استان) مستلزم احراز شرایط و انجام ترتیبات زیر است الف ـ دارا بودن مدرک کارشناسی یا بالاتر در یکی از (رشته‌های اصلی) یا (رشته‌های مرتبط) ب ـ متولد آن استان بوده و یا حداقل شش ماه ممتد قبل از تسلیم درخواست عضویت ، در حوزه‌استان مقیم باشد ، بطوریکه فعالیت حرفه‌ای وی در آن استان متمرکز بوده و اقامت غالب وی در آن‌استان باشد. پ ـ نداشتن محکومیت قطعی به محرومیت از اشتغال به کار در هنگام تقاضای عضویت ت ـ دادن تعهد نسبت به انجام وظایفی که از طریق (نظام مهندسی استان) یا (شورای مرکزی) تصویب و ابلاغ شده یا می‌شود ، در چهارچوب اهداف (قانون) و آیین نامه اجرایی آن ث ـ پرداخت ورودیه و حق عضویت سالانه طبق تعرفه‌های مصوب مربوط ج ـ تنظیم و تسلیم تقاضای عضویت ، طبق فرم مخصوصی که در اختیار متقاضیان عضویت قرارخواهد گرفت همراه با مدارک مقرر در فرم مذکور. ماده ۴۵ ـ متقاضی عضویت در (نظام مهندسی استان) تقاضای خود را به دبیر خانه (نظام‌مهندسی استان) تسلیم خواهد نمود. مرجع مذکور مکلف است حداکثر ظرف (۱۵) روز به تقاضای‌واصل شده رسیدگی نماید و در صورتیکه متقاضی را واجد کلیه شرایط تشخیص دهد ، نسبت به‌صدور و تسلیم کارت عضویت او اقدام و چنانچه تقاضا را ناقص و یا متقاضی را فاقد شرایط کافی‌تشخیص دهد نظر خود را در مورد نقص یا رد تقاضا به طور صریح و کتبی به متقاضی ابلاغ نماید. ماده ۴۶ ـ کسانی که به عضویت (نظام مهندسی استان) پذیرفته می‌شوند در موارد زیر عضویتانها قطع می‌شود و در هر زمان ، عللی که موجب قطع عضویت شده است برطرف شود. بنا به‌تقاضای متقاضی عضویت تجدید و ادامه خواهد یافت الف ـ نقل مکان به استان دیگر. ب ـ استعفا از عضویت (نظام مهندسی استان) . پ ـ سلب هر یک از شرایط عضویت موضوع ماده (۴۴) این آیین نامه . ت ـ اخراج از (سازمان) به دلیل تکرار تخلف تبصره ـ قطع عضویت در (نظام مهندسی استان) موجب قطع عضویت در کلیه نهادهای‌وابسته به آن نیز خواهد بود ، ولی برقراری مجدد عضویت لزوما موجب برقراری مجدد عضویت درنهادهای مذکور نخواهد شد و مستلزم تجدیدانتخاب یا صدور حکم مجدد خواهد بود. ماده ۴۷ ـ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند در آن واحد عضویت بیش از یک (نظام مهندسیاستان) را دارا باشد و در مواقعی که اقامتگاه شخص از یک استان به استان دیگر تغییر می‌کند ، کارت‌عضویت (سازمان نظام مهندسی) جدید پس از موافقت (نظام مهندسی استان) و تحقق شش ماه‌اقامت در استان جدید صادر و کارت عضویت قبلی باطل شده و همراه با مدارک مربوط به (نظام‌مهندسی استان) محل صدور آن فرستاده می‌شود. در فاصله شش ماه مذکور کارت عضویت (نظام‌مهندسی استان) قبلی به اعتبار خود باقی است همچنین (نظام مهندسی استان) قبلی

موظف است‌حسب درخواست (نظام مهندسی استان) جدید رونوشتی از پرونده و سوابق عضو انتقالی برای (نظام مهندسی استان) جدید ارسال دارد. ماده ۴۸ ـ در استانهایی که به واسطه کافی نبودن تعداد مهندسان واجد شرایط ، (نظام مهندسیاستان) تشکیل نشده است ، مهندسان حوزه آن استان می‌توانند به عضویت (نظام مهندسی استان) مجاور که توسط وزیر مسکن و شهرسازی تعیین می‌شود ، پذیرفته شوند. در این قبیل موارد ، وظایف مربوط به استان مذکور نیز توسط (نظام مهندسی استان) مجاور که به شرح فوق تعیین شده‌انجام خواهد شد. هرگاه تعداد این افراد به حد نصاب رسید سازمان مسکن و شهرسازی مربوط اقدام‌به برگزاری اولین دوره انتخابات و تشکیل (نظام مهندسی استان خواهد کرد. ماده ۴۹ ـ به منظور تشکیل (سازمان) در استان‌های وفق (قانون) ، اولین دوره برگزاری انتخابات‌در استانها به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری سازمانهای موجود نظام مهندسی‌ساختمان در استان انجام می‌گیرد و پس از تشکیل (نظام مهندسی استان) طبق (قانون) ، کلیه‌امکانات ، اموال ، دارایی و تعهدات سازمان موجود به (نظام مهندسی استان) با نمایندگی هیات‌مدیره قانونی آن و با حضور نماینده وزارت مذکور منتقل و تحویل می‌شود. ماده ۵۰ ـ عضویت در نظام مهندسی استان دارای امتیازاتی به شرح زیر می‌باشد: الف ـ دریافت پروانه اشتغال به کار مهندسی با رعایت سایر شرایط ب ـ شرکت در انتخابات هیات مدیره ، اعم از انتخاب نمودن یا انتخاب شدن پ ـ امکان انتخاب شدن به عضویت هیات عمومی و (شورای مرکزی) و سایر مجامع وکمیسیونها و هیات‌های وابسته به (نظام مهندسی استان) . ت ـ استفاده از تسهیلات و خدماتی که نظام مهندسی استان بنا به وظایف و هدفهای خود دراختیار اعضا قرار می‌دهد. از جمله حفظ حقوق و شیون و حیثیت حرفه‌ای اعضا (نظام مهندسیاستان) و دفاع در مقابل تعرض به آنها از طریق ارایه خدمات مشاوره حقوقی ، مالی ، فنی و غیره ث ـ استفاده از پایگاههای علمی ، فنی ، آموزشی و انتشاراتی به منظور بالا بردن دانش فنی اعضا. ج ـ استفاده از تسهیلات قانونی ، که برای دارندگان (پروانه اشتغال) فراهم می‌شود. چ ـ استفاده از ارجاع خدمات کارشناسی موضوع ماده (۲۷) (قانون) . ح ـ استفاده از خدمات مالیاتی ماده ۵۱ ـ ارکان (نظام مهندسی استان) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف ـ (مجمع عمومی) ب ـ (هیات مدیره) ج ـ (بازرسان) د ـ (شورای انتظامی استان) محل استقرار دایم آن در مرکز استان است و می‌تواند در سایر شهرها و همچنین مناطق مختلف‌شهرهای بزرگ استان دفاتر نمایندگی دایر و انجام تمام یا بخشی از وظایف مستمر خود را در حوزه‌مربوط به آن دفاتر محول نماید. الف ـ (مجمع عمومی) ماده ۵۲ ـ مجمع عمومی نظام مهندسی استان از اجتماع تمامی اشخاص حقیقی عضو (نظام‌مهندسی استان) دارای مدارک تحصیلی در (رشته‌های اصلی) یا (رشته‌های مرتبط) و کارت عضویت‌معتبر ، که اصالتا یا وکالتا حق رای دارند تشکیل می‌شود. تبصره ۱ ـ اعضایی که حق رای خود را تفویض می‌کنند ، باید کارت عضویت خود را نیزضمیمه برگه اعطای نمایندگی نمایند و نمی‌توانند جداگانه در رای‌گیری شرکت کنند. تبصره ۲ ـ در استانهایی که هنوز سازمان نظام مهندسی ساختمان به موجب قانون آزمایشی‌تشکیل نشده باشد ، به منظور برگزاری اولین دوره انتخابات ، سازمان مسکن و شهرسازی استان ، کارت عضویت موقت با حداکثر مدت اعتبار یک سال صادر خواهد کرد. ماده ۵۳ ـ جلسات مجمع عمومی به دعوت هیات مدیره در موارد زیر تشکیل می‌شوند: الف ـجلسات مجمع عمومی به طور عادی سالی یک بار ب ـ جلسات مجمع عمومی به طور فوق العاده به تعداد دفعات و در زمان‌هایی که در جلسه‌عادی تعیین می‌شود و یا در مواردی که وزارت مسکن و شهرسازی و یا بازرس (بازرسان و یا باتصویب شورای مرکزی و یا دو سوم اعضای هیات مدیره و یا حداقل بیست درصد اعضای نظام‌مهندسی استان تشکیل آن را از هیات مدیره خواستار می‌شوند. (اصلاحی ۳۰/۴/۱۳۸۱) تبصره ۱ ـ در مواردی که اشخاص و مراجع مذکور در بند (ب درخواست تشکیل مجمع‌عمومی به طور فوق العاده را نمایند ، هیات مدیره مکلف است به فاصله حد اکثر ۴۵ روز نسبت به‌تشکیل جلسه مجمع عمومی اقدام نماید. در صورت استنکاف هیات مدیره از تشکیل جلسه مجمع‌عمومی در مدت مذکور بازرس (بازرسان مکلفند با اطلاع وزارت مسکن و شهرسازی اقدام لازم به‌منظور تشکیل جلسه مجمع عمومی به عمل آورند. (اصلاحی ۳۰/۴/۱۳۸۱) تبصره ۲ ـ هیات مدیره ملزم به دعوت از نماینده وزیر مسکن و شهرسازی

جهت شرکت درجلسات مجمع عمومی است و جلسات یاد شده با رعایت سایر شرایط ، مشروط به انجام دعوت‌مذکور رسمیت خواهد یافت تبصره ۳ ـ نمایندگان اشخاص حقوقی عضو (نظام مهندسی استان) می‌توانند به عنوان ناظر درجلسات مجمع عمومی حضور یابند. ماده ۵۴ ـ دعوت به تشکیل جلسات مجمع عمومی باید حداقل (۲۰) روز قبل از تشکیل جلسه‌از طریق دو نوبت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار و در صورت لزوم از طریق دعوتنامه و یا به وسیله‌رسانه‌های گروهی و جمعی دیگر به اطلاع اعضا برسد. در آگهی و یا دعوتنامه و یا اطلاعیه‌های‌مزبور باید روز و ساعت و محل تشکیل و دستور جلسه قید شود. ماده ۵۵ ـ جلسات مجمع عمومی با حضور حداقل نصف به اضافه یک نفر کلیه اعضا رسمیت‌می‌یابد و تصمیمات آن با رای موافق نصف به اضافه یک عده حاضر در جلسه معتبر می‌باشد ، درصورت عدم حصول اکثریت لازم برای رسمیت یافتن جلسه در نوبت اول ، جلسه دوم به فاصله‌حداکثر ۲۰ روز پس از آن مجددا تشکیل و با حضور هر تعداد شرکت کننده رسمیت خواهد یافت وتصمیمات آن با رای مثبت نصف به اضافه یک عده حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره ـ در مجامع عمومی که دستور کار جلسه ، انتخاب اعضای هیات مدیره می‌باشد ، اجتماع در محل واحد و احراز حد نصاب فوق الذکر ضروری نیست و انتخابات از طریق مراجعه‌مستقیم اعضای مجمع عمومی به صندوقهای رای‌گیری با رای مخفی و رعایت مواد آتی انجام‌می‌شود ، و در این مورد هر عضو فقط حق یک رای داشته و مجاز به دادن رای به نمایندگی غیرنمی‌باشد. ماده ۵۶ ـ مجمع عمومی توسط هیات رییسه موقت مرکب از مسن‌ترین عضو به عنوان رییس‌سنی و جوان‌ترین عضو به عنوان منشی و دو ناظر که با رای اعضای حاضر انتخاب می‌شوند ، تشکیل می‌گردد. هیات رییسه اصلی مجمع عمومی استان از بین اعضای داوطلب و با رای اعضای‌حاضر در مجمع عمومی ، با اکثریت نسبی انتخاب خواهند شد. هیات رییسه اصلی مجمع عمومی‌مرکب از رییس و یک منشی و دو ناظر خواهد بود. از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورتجلسه‌ای در سه نسخه توسط منشی تدوین و پس‌از امضای هیات رییسه مجمع عمومی ، به رویت و امضای بازرس (بازرسان سازمان استان می‌رسدو نسخ آن به ترتیب به دبیر خانه نظام مهندسی استان ، سازمان مسکن و شهرسازی استان و دفترشورای مرکزی ارسال می‌شود. ماده ۵۷ ـ وظایف و اختیارات مجمع عمومی اعم از اینکه به طور عادی یا فوق العاده تشکیل‌شده باشد به شرح زیر است الف ـ انتخاب اعضای هیات مدیره ب ـ انتخاب بازرس یا بازرسان اصلی و علیالبدل پ ـ شنیدن گزارش عملکرد سالانه هیات مدیره و اعلام نظر نسبت به آن ت ـ بررسی و تصویب ترازنامه سالانه (نظام مهندسی استان) و بودجه پیشنهادی هیات مدیره ث ـ تعیین و تصویب ورودیه و حق عضویت سالانه اعضا و سایر منابع در آمد برای (نظام‌مهندسی استان) بر اساس پیشنهاد هیات مدیره ج ـ اتخاذ تصمیم در مورد پرداخت حق‌الزحمه اعضای هیات مدیره ، بازرسان و اعضای شورایانتظامی استان چ ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای اطلاعیه‌های (نظام مهندسی استان) . ح ـ شنیدن گزارش فعالیت‌های حرفه‌ای ، علمی و فرهنگی و تصویب پیشنهادات مربوط به آن خ ـ تقدیر و تشویق و اعطای جوایز به فعالیتهای ارزنده انجام شده در سطح استان توسط اعضا وموسسات و نظایر آن د ـ بررسی و نظر خواهی در مورد موضوعات حرفه‌ای و مهندسی ذ ـ تعیین حداکثر دفعاتی که نیاز به تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در طول هرسال خواهد بود در اولین جلسه مجمع عمومی سالانه ر ـ بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر اموری که طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به عهده (نظام مهندسی استان) و در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد. ب هیات مدیره ماده ۵۸ ـ هر یک از (نظام مهندسی استان) ها دارای هیات مدیره‌ای خواهد بود که از بین اعضای‌داوطلب در (رشته‌های اصلی) برای یک دوره سه ساله انتخاب خواهد شد و انتخاب مجدد اعضای‌هیات مدیره بلامانع است ماده ۵۹ ـ داوطلبان عضویت در هیات مدیره ، (نظام مهندسی استان) ها علاوه بر دارا بودن‌شرایط مندرج در ماده (۱۱) (قانون) باید دارای (پروانه اشتغال) پایه (۲) مهندسی یا بالاتر باشند و از(۵) سال قبل از تاریخ اعلام داوطلبی فاقد محکومیت انتظامی از درجه (۳) یا بالاتر باشند. ماده ۶۰ ـ تعداد اعضای اصلی هیات مدیره متناسب با تعداد اعضای (نظام مهندسی استان) می‌باشد که به شرح زیر تعیین می‌شود: از (۵۰) تا (۳۰۰) عضو تعداد اعضای اصلی هیات مدیره (۵) تا(۷) نفر از (۳۰۱) تا (۱۰۰۰) عضو تعداد اعضای اصلی

هیات مدیره (۹) نفر از (۱۰۰۱) تا (۲۵۰۰) عضو تعداد اعضای اصلی هیات مدیره (۱۳) نفر از (۲۵۰۱) تا (۵۰۰۰) عضو تعداد اعضای اصلی هیات مدیره (۱۷) نفر از (۵۰۰۱) تا (۱۰۰۰۰) عضو تعداد اعضای اصلی هیات مدیره (۲۱) نفر از (۱۰۰۰۱) و بیشتر تعداد اعضای اصلی هیات مدیره (۲۵) نفر هیات مدیره در هر یک از رشته‌های اصلی یک عضو علیالبدل خواهد داشت ماده ۶۱ ـ تعداد اعضای اصلی هیات مدیره متناسب با تعداد اعضای (نظام مهندسی استان) به‌تفکیک (رشته‌های اصلی) به شرح جدول موضوع این ماده خواهد بود: تبصره ۱ ـ در تمامی موارد اعضای هر یک از رشته‌های اصلی یا مجموع اعضای هر گروه بایدحداقل مشتمل بر (۷) نفر باشد تا حسب مورد ، نماینده آن رشته یا گروه بتواند یک عضو اصلی درهیات مدیره داشته باشد. تبصره ۲ ـ در صورتی که در ستون اول از هر یک از (رشته‌های اصلی) داوطلب واجدالشرایط‌وجود نداشته باشد ، حداقل اعضای هیات مدیره (۵) عضو خواهد بود. تبصره ۳ ـ چنانچه در گروهی به تعداد کافی از رشته‌ای داوطلب واجد شرایط وجود نداشته‌باشد از سایر رشته‌های آن گروه به تعداد مورد نیاز از حایزین بالاترین آرا انتخاب خواهند شد و اگر درهیچ یک از رشته‌های یک گروه داوطلب واجد شرایط و حد نصاب لازم وجود نداشته باشد ، جهت‌تامین باقیمانده اعضای هیات مدیره از رشته‌ها و گروههای دیگر بدون توجه به رشته و به ترتیب‌حایزین اکثریت آرا انتخاب خواهند شد. جدول تعداد اعضای هیات مدیره در هر یک از (رشته‌های اصلی) تعداداعضای ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ نظام‌مهندسیاستان ۵۰تا ۳۰۰نفر ۳۰۱تا ۱۰۰۰ نفر ۱۰۰۱ تا ۲۵۰۰ نفر ۲۵۰۱ تا ۵۰۰۰ نفر ۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ نفر ۱۰۰۰۱ به بالا تعداداعضای هیات‌مدیره ۵تا۷عضو ۹ عضو ۱۳ عضو ۱۷ عضو ۲۱ عضو ۲۵ عضو رشته‌ها حداقل‌عضو اعضای گروه حداقل عضو اعضای گروه حداقل عضو اعضای گروه حداقل عضو اعضای گروه حداقل عضو اعضای گروه حداقل عضو اعضای گروه۱ گروه‌عمران۱۱۱۱۱۱ عمران‌نقشه برداری۱۲۱۰۱۱۸۱۶۱۴۱۳ ترافیک۱۱۱۱۱۱ ۲ گروه‌برق ۱۱۱۱۱۱ تاسیسات‌مکانیک۱۲۱۲۱۳۱۴۱۵۱۶ ۳ گروه معماری‌معماری۱۱۱۱۱۱ وشهر سازی‌شهرسازی۱۲۱۳۱۴۱۵۱۶۱۷ ماده ۶۲ ـ برای انجام انتخابات هیات مدیره ، هیات اجرایی انتخابات مرکب از (۳) تا (۷) عضو (نظام مهندسی استان) ، با حداقل ده سال سابقه کار انتخاب خواهند شد. تعداد اعضای هیات اجراییانتخابات‌برای استانهایی که تا (۳۰۰) عضو دارند (۳) نفر و تا (۲۵۰۰) عضو (۵) تا (۷) نفر و بیش ازآن (۷) نفر خواهد بود. هیات مذکور با نظارت وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان (دستگاه‌نظارت) وظیفه برگزاری انتخابات را بر عهده خواهد داشت به منظور تعیین اعضای هیات اجرایی انتخابات ، سازمان مسکن و شهرسازی استان ، به تعداد دوبرابر مورد نیاز از اعضای (نظام مهندسی استان) را انتخاب می‌نماید و آنها از بین خود نصف اعضا رابا اکثریت آرا به عنوان هیات اجرایی انتخابات تعیین و به سازمان مسکن و شهرسازی استان اعلام‌می‌نمایند. هیات اجرایی انتخابات باید چهار ماه قبل از اتمام هر دوره هیات مدیره انتخاب وتشکیل شود. تبصره ـ وزارت مسکن و شهرسازی می‌تواند در اولین دوره انتخابات ، هیات اجرایی انتخابات‌را راسا از بین اعضای (نظام مهندسی استان) انتخاب نماید. ماده ۶۳ ـ اعضای هیات اجرایی انتخابات در اولین جلسه ، از بین خود یک رییس ، یک نایب‌رییس و یک منشی انتخاب خواهند کرد و جلسات آن با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته وتصمیمات آن با اکثریت آرای موافق معتبر خواهد بود. نماینده (دستگاه نظارت) نیز مجاز به شرکت‌در جلسات هیات اجرایی انتخابات است تبصره ـ اعضای هیات اجرایی انتخابات نمی‌توانند نامزد عضویت در هیات مدیره باشند. ماده ۶۴ ـ هیات اجرایی انتخابات پس از تشکیل ، موظف است ظرف یک هفته اقدامات زیر راانجام و به روشهای مقتضی آگهی و اعلام نماید: الف ـ اعلام شرایط عضویت در هیات مدیره ب ـ تعیین مهلت قبول تقاضای نامزدی عضویت در هیات مدیره که مدت آن نباید کمتر از (۱۵)روز از تاریخ انتشار آگهی مربوط باشد. پ ـ اعلام نشانی و شماره تلفن تماس محل استقرار هیات اجرایی انتخابات و همچنین نشانی‌محلهای ثبت نام داوطلبین ت ـ درج مدارکی که داوطلبان همراه تقاضای خود باید ارسال نمایند. ث ـ تعیین روز و ساعت و محل یا محل‌های برگزاری انتخابات که باید در یک روز انجام شود ، پس از تایید (دستگاه نظارت) . ج ـ اعلام تعداد اعضای هیات مدیره در هر رشته و گروه بر اساس جدول ماده (۶۱) این آیین نامه . چ ـ اعلام سایر مواردی که برای داوطلبان و

شرکت کنندگان در انتخابات ضروری بنظر می‌رسد. ح ـ ارسال آگهی‌های منتشر شده به آدرس کلیه اعضای (نظام مهندسی استان) در صورت لزوم ماده ۶۵ ـ داوطلبان عضویت در هیات مدیره می‌توانند ظرف مهلتی که توسط هیات اجراییانتخابات تعیین شده است ، داوطلبی خود را به طور کتبی همراه با فتوکپی (پروانه اشتغال) و سایرمدارک لازم به هیات اجرایی انتخابات یا یکی از محلهای ثبت نام تسلیم و رسید دریافت دارند. ماده ۶۶ ـ هیات اجرایی انتخابات موظف است حداکثر ظرف یک هفته از پایان مهلت ثبت نام‌جهت احراز شرایط داوطلبان ، از مراجع ذیربط استعلام و رو نوشت آن را برای (دستگاه نظارت) ارسال و ظرف یکماه از تاریخ مذکور اعم از اینکه پاسخ استعلامها واصل شده یا نشده باشد بااکثریت آرا نسبت به صلاحیت نامزدها اتخاذ تصمیم و نتیجه را به به (دستگاه نظارت) و متقاضیاعلام نماید. افرادی که صلاحیت آنها رد شده است می‌توانند ظرف (۳) روز از تاریخ وصول نظریه شکایت‌خود را به طور کتبی به (دستگاه نظارت) تسلیم و رسید دریافت دارند. (دستگاه نظارت) موظف‌است ظرف یک هفته به شکایت واصل شده رسیدگی و نظر قطعی خود را در مورد صلاحیت شاکیان‌و سایر داوطلبان به هیات اجرایی انتخابات اعلام دارد. پس از تایید فهرست نهایی نامزدها به وسیله (دستگاه نظارت) ، هیات اجرایی انتخابات فهرست‌مذکور را به تعداد کافی تکثیر و توزیع نموده ، حداقل دو هفته قبل از روز اخذ رای آن را در روزنامه‌محلی یا روزنامه کثیرالانتشار آگهی یا در صورت لزوم به وسایل مقتضی به اطلاع اعضا می‌رساند. تبصره ـ فهرست اسامی داوطلبان شامل ، نام و نام خانوادگی ، با ذکر رشته تحصیلی ، نام‌دانشکده ، سال دریافت مدرک ، نوع مدرک ، رشته تحصیلی به صورتالفبایی و به تفکیک رشته بایدتنظیم شود و در روز رای گیری در محل‌های مناسب در معرض دید رای دهندگان قرار داده شود. ماده ۶۷ ـ در صورتیکه هیات اجرایی انتخابات با توجه به امکانات ، وسعت استان ، تعداد اعضا ، پراکندگی شهرهای استان و سایر عوامل ، محلهای متعددی جهت برگزاری انتخابات تعیین نماید ، باید برای هر یک از محل‌های مذکور هیات اجرایی انتخابات فرعی مرکب از سه عضو (نظام‌مهندسی استان) که واجد شرایط انتخاب شدن در هیات اجرایی انتخابات باشند تعیین کند ، ولی به‌هر حال مسوولیت حسن انجام انتخابات با هیات اجرایی انتخابات می‌باشد. (دستگاه نظارت) نیزبرای هر محل یک ناظر خواهد داشت ماده ۶۸ ـ هر یک از اعضای (نظام مهندسی استان) می‌تواند با ارایه کارت عضویت همان استان‌به تشخیص خود به تمام یا بعضی از داوطلبان در هر یک از رشته‌های اصلی و حداکثر به تعداداعضای اصلی هیات مدیره (نظام مهندسی استان) رای دهد و در صورتی که بیش از آن در ورقه رای‌خود نوشته باشد ، اسامی اضافی از آخر حذف خواهد شد. تبصره ـ در صورتی که رای دهنده اسامی افرادی غیر از داوطلبان اعلام شده را بنویسد فقط آن‌اسامی حذف می‌شود. ماده ۶۹ ـ پس از خاتمه رای گیری ، هیات اجرایی انتخابات موظف است زیر نظر (دستگاه‌نظارت) اقدام به شمارش آرا نماید. در هر یک از (رشته‌های اصلی) از بین کسانی که دارای رای بیشترباشد به ترتیب اولویت ، اعضای اصلی و علیالبدل در آن رشته تعیین می‌شود و نتایج رای گیری‌صورتجلسه شده و توسط اعضای هیات اجرایی انتخابات و نمایندگان (دستگاه نظارت) امضا واعلام می‌شود. ماده ۷۰ ـ مدت قبول شکایات مربوط به انتخابات تا (۵) روز بعد از روز اخذ رای خواهد بود ومدت رسیدگی به آنها یک هفته پس از انقضای مدت مذکور می‌باشد. مرجع رسیدگی به این‌شکایات ، هیات اجرایی انتخابات به اتفاق نماینده (دستگاه نظارت) است به شکایات بدون نام و مشخصات و نشانی شاکی ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انجام‌رسیدگی ، در صورت تایید انتخابات ، نتایج قطعی اعلام و کلیه اوراق و دفاتر و مدارک مربوط به دبیرخانه (نظام مهندسی استان) تحویل می‌شود و در صورت ابطال انتخابات ، هیات اجرایی انتخابات‌حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به شروع تشریفات انتخابات مجدد ، اقدام خواهد نمود. تایید یا ابطال انتخابات منحصرا از اختیارات (دستگاه نظارت) است پس از خاتمه انتخابات وتایید آن ، اعتبارنامه‌های اعضای هیات مدیره ، به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی امضا و صادرمی‌شود. ماده ۷۱ ـ هیات مدیره‌ای که از اعضای اصلی تشکیل می‌شود دراولین جلسه خود هیات‌رییسه‌ای مرکب از یک رییس و دو نایب رییس و یک دبیر با تعداد آرای نصف به علاوه یک نفراعضای اصلی هیات مدیره برای مدت یک سال انتخاب می کند و تجدید

انتخاب آنان در سالهای‌بعد بلامانع است هیات رییسه از بین خود و یا از میان هیات مدیره یک نفر را با تایید هیات مدیره‌به عنوان خزانه دار انتخاب می کند. رییس هیات مدیره (رییس سازمان نظام مهندسی استان) می‌باشد. تبصره ـ چنانچه آرای مأخوذه در مورد هر یک از اعضای هیات رییسه مساوی باشد و هیات‌مدیره نتواند حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز نسبت به انتخاب عضوی که در مورد آن توافق حاصل‌نگردیده اقدام نمایندو نیز اگر هیات مدیره نتواند پس از انقضای مدت یکساله عضویت و یا درصورت فوت یا حجر یا تعلیق یا لغو عضویت هر یک از اعضای هیات رییسه نسبت به انتخاب‌جایگزین ، ظرف مدت مذکور اقدام کند هیات مدیره مکلف است موضوع را بلافاصله به شورای‌مرکزی منعکس نماید و شورای مزبور مکلف است عضو یا اعضای جایگزین را از بین اعضای هیات‌مدیره به طور موقت تا زمان حصول توافق برای انتخاب اعضای مزبور توسط هیات مدیره تعیین ومعرفی نماید. ماده ۷۲ ـ جلسات هیات مدیره حداقل ماهی دو بار تشکیل و با حضور دو سوم اعضای اصلی‌رسمیت می‌یابد. اعضای علیالبدل می توانند بدون داشتن حق رای در کلیه جلسات هیات مدیره‌شرکت نمایند. تصمیمات و مصوبات هیات مدیره با رعایت نصاب اکثریت نصف به اضافه یک به‌نسبت تعداد کل اعضای اصلی معتبر بوده و توسط دبیر در دفتر مخصوصی ثبت و به امضای اعضای‌حاضر در جلسه می‌رسد. اسامی غایبین ذیل آن ذکر می‌شود. تبصره ۱ ـ چنانچه هر یک از اعضای اصلی هیات مدیره چهار جلسه پیاپی یا هشت جلسه‌متناوب در مدت شش ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نمایند مستعفی شناخته شده و عضوعلیالبدل به جای او در جلسات هیات مدیره به عنوان عضو اصلی شرکت خواهد کرد و مراتب رانیز به عضو مستعفی به طور کتبی اعلام می‌شود. تبصره ۲ ـ در صورت فوت ، استعفا ، حجر یا سلب صلاحیت قانونی هر یک از اعضای هیات‌مدیره ، از عضو علیالبدل به عنوان عضو اصلی جهت شرکت در جلسات هیات مدیره دعوت‌خواهد شد. ماده ۷۳ ـ اختیارات و وظایف هیات مدیره به شرح زیر تعیین می‌شود: ۱ ـ برنامه ریزی در جهت تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی ۲ ـ برنامه ریزی به منظور رشد و اعتلای حرفه‌های (مهندسی ساختمان) و مشاغل مرتبط با آنو جلب مشارکت اعضا در جهت توسعه فعالیتهای حرفه‌ای و مهندسی ۳ ـ ارتقای دانش فنی و کیفیت کار شاغلان در بخشهای (مهندسی ساختمان) از طریق ایجادپایگاههای علمی ، فنی ، آموزشی و نظایر آن ۴ ـ همکاری با مراجع مسوول در امر کنترل ساختمان از قبیل اجرای دقیق و صحیح مقررات‌ملی ساختمان و ضوابط طرحهای جامع و تفصیلی وهادی شهرها توسط اعضای (نظام مهندسیاستان) حسب درخواست ۵ ـ نظارت بر حسن اجرای انجام خدمات مهندسی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در طرحهاو فعالیتهای غیر دولتی در حوزه استان و تعقیب متخلفان از طریق مراجع قانونی ذیصلاح ۶ ـ مشارکت در امر ارزشیابی و تعیین صلاحیت و ظرفیت اشتغال به کار شاغلان در امور فنی‌مربوط به فعالیتهای حوزه‌های مشمول (قانون) . ۷ ـ دفاع از حقوق اجتماعی و حیثیت حرفه‌ای اعضا و تشویق و حمایت از فعالیتهای با ارزش وبرگزاری مسابقات حرفه‌ای و تخصصی و معرفی طرحهای ارزشمند. ۸ ـ تنظیم روابط بین صاحبان حرفه‌های (مهندسی ساختمان) و کارفرمایان و کمک به مراجع‌مسوول در بخش (مهندسی ساختمان) در زمینه ارجاع مناسب کارها به صاحبان صلاحیت وجلوگیری از مداخله اشخاص فاقد صلاحیت در امور فنی ۹ ـ کمک به ترویج اصول صحیح (مهندسی ساختمان) و همکاری با وزارت مسکن وشهرسازی در زمینه تدوین ، اجرا و کنترل مقررات ملی ساختمان و استانداردها و معیارها. ۱۰ ـ کمک به ارتقای کیفیت طرحهای ساختمان ، عمرانی و شهرسازی در محدوده استان و ارایه‌گزارش بر حسب در خواست ، شرکت در کمیسیونها و شوراهای تصمیم‌گیری در مورد اینگونه طرحهاو همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها در زمینه کنترل ساختمان و اجرای طرحهای‌یاد شده با استفاده از خدمات اعضای (نظام مهندسی استان) . ۱۱ ـ ارایه خدمات کارشناسی فنی به مراجع قضایی و قبول داوری در اختلافاتی که دارای‌ماهیت فنی است ۱۲ ـ همکاری با مراجع استان در هنگام بروز سوانح و بلایای طبیعی ۱۳ ـ تهیه و تنظیم و تصویب برنامه‌ها و بودجه و ترازنامه سالانه (نظام مهندسی استان) و ارایه‌آن به مجمع عمومی جهت تصویب ۱۴ ـ معرفی نماینده هیات مدیره جهت عضویت در کمیسیونهای حل اختلافات مالیاتی به‌منظور رسیدگی و تشخیص مالیات فنی و مهندسی

اعضا (نظام مهندسی استان) . ۱۵ ـ تهیه و تنظیم مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی در استان و پیشنهاد آن به وزارت‌مسکن و شهرسازی جهت تصویب و ابلاغ ۱۶ ـ پیشنهاد اسامی بازرسان به میزان دو برابر تعداد آن‌ها از بین اعضای (نظام مهندسی استان) به مجمع عمومی برای انتخاب بازرسان اصلی و علیالبدل ۱۷ ـ انتخاب و معرفی حسب مورد دو تا چهار عضو شورای انتظامی استان به (شورای مرکزی) جهت صدور حکم عضویت در شورای انتظامی استان موضوع ماده (۱۷) (قانون) و فراهم کردن‌موجبات و وسایل تشکیل شورای انتظامی استان ۱۸ ـ تهیه و تصویب نظام نامه اداری ، تشکیلاتی ، مالی و داخلی (نظام مهندسی استان) . ۱۹ ـ تنظیم امور اداری و مالی (نظام مهندسی استان) طبق مقررات و نظام نامه‌های مربوط ۲۰ ـ تعیین میزان ورودیه و حق عضویت سالانه اعضا و ارایه آن به مجمع عمومی جهت‌تصویب ۲۱ ـ ارسال شکایات واصل شده به شورای انتظامی استان ۲۲ ـ استخدام و عزل و نصب کارکنان (نظام مهندسی استان) و تعیین شغل و حقوق و دستمزد وپاداش آنها. ۲۳ ـ افتتاح حساب بانکی ، بنام (نظام مهندسی استان) نزد بانکها و برداشت از این حسابها جهتانجام امور (نظام مهندسی استان) و پرداخت هزینه‌ها. ۲۴ ـ تعیین امضا یا امضاهای مجاز به منظور برداشت از حسابهای بانکی ، امضای قراردادها ، اسناد و اوراق تعهد آور ، اقامه دعوی و صلح و سازش ۲۵ ـ تعیین فهرست کارشناسان خبره و واجد شرایط به تفکیك (رشته‌های اصلی) از بین اعضای (نظام مهندسی استان) با رعایت ضوابط و دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی جهت معرفی به‌مراجع قضایی یا شوراهای انتظامی یا سایر مراجع متقاضی ۲۶ ـ اعلام نظر کتبی به مراجع قضایی یا معرفی کارشناس یا هیات کارشناسی خبره واجدشرایط به محاکم قضایی ظرف مهلت‌های تعیین شده ، موضوع ماده ۱۷ (قانون) . ۲۷ ـ همکاری در برگزاری آزمونهای موضوع (قانون) و آیین نامه اجرایی آن ۲۸ ـ تشکیل کمیته نظام پیشنهادات در (نظام مهندسی استان) و تعیین وظایف و نحوه‌هماهنگی با سایر استانها موضوع ماده (۸۶) این آیین نامه . ۲۹ ـ تشکیل هیات مشورتی نظام مهندسی استان و تعیین وظایف و نحوه همکاری ۳۰ ـ تاسیس دفاتر نمایندگی و تهیه و تصویب نظام نامه مربوط شامل نحوه تشکیل ، چگونگی‌فعالیت و تعیین حدود وظایف و اختیارات آنها. ۳۱ ـ تهیه نظام نامه مربوط به کمیسیونهای تخصصی شامل نحوه تشکیل ، شرح وظایف وحدود اختیارات و نحوه ترکیب آنها. ۳۲ ـ ایجاد تسهیلات لازم جهت انجام کار آموزی فارغ‌التحصیلان (رشته‌های اصلی) و (رشته‌های مرتبط) در (مهندسی ساختمان) . ۳۳ ـ تشکیل دفاتر مشاوره و راهنمایی به منظور کسب اطلاعات لازم و ارایه آن به عموم به‌منظور اطلاع رسانی به مراجعین و اعضای سازمان و ارجاع امور به اعضای حقیقی و حقوقی (نظام‌مهندسی استان) و مراجع ذیربط در موارد نیاز نظر حل و فصل موضوعات ، رفع اختلاف ، خدمات‌مشاوره فنی و مهندسی ۳۴ ـ انتشار خبرنامه و نشریات تخصصی و تهیه و توزیع نشریات حرفه‌ای ، نرم افزارهای غیره . ۳۵ ـ تشکیل نمایشگاههای تخصصی ، فنی ، تولیدی ، و ایجاد تسهیلات لازم برای شرکت اعضادر نمایشگاههای داخلی و خارجی ۳۶ ـ پیشنهاد تغییرات خاص متناسب با شرایط ویژه استان در مقررات ملی ساختمان بر اساس‌ماده (۳۳) (قانون) . ۳۷ ـ مشورت با گروههای تخصصی و کسب نظر از آنها در امور مرتبط با رشته مربوط ۳۸ ـ هر نوع وظیفه دیگری که به موجب (قانون) و آیین نامه اجرایی و سایر مقررات مربوط و یاعرفا ضروری است وبه عهده هیات مدیره می‌باشد. تبصره ـ در مواردی که مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس (بازرسان عملکرد یاترازنامه سالیانه هیات مدیره را تایید و تصویب نکند ، موارد اشکال و ابهام را دقیقا مشخص و به‌انضمام ترازنامه جهت انجام اصلاحات لازم به هیات مدیره اعاده می‌نماید. هیات مدیره مکلف‌است ظرف یکماه مراتب را مورد رسیدگی قرار داده و پس از انجام اصلاحات لازم و تایید بازرس یابازرسان ترازنامه را جهت تصویب به مجمع عمومی تسلیم نماید. چنانچه مجددا ترازنامه به‌تصویب مجمع عمومی نرسد هیات مدیره بلافاصله مراتب را به شورای مرکزی منعکس می‌نماید ، و نظر نهایی شورای مرکزی برای هیات مدیره لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۷۴ ـ کلیه مکاتبات (نظام مهندسی استان) با امضا رییس هیات مدیره و در غیاب او به‌ترتیب با امضای نایب رییس اول یا دوم انجام می‌شود ، مگر آنکه در موارد معینی ، هیات مدیره نحوه‌خاصی تعیین کرده باشد. ماده ۷۵ ـ نمایندگی (نظام مهندسی استان) با هیات مدیره است ، که به طور

كلي يا موردي‌نماينده يا نمايندگان خود را با حق انتخاب وكيل با حق توكيل غير يا بدون آن و با تعيين حدوداختيارات و صلاحيت تعيين خواهد كرد. ماده ۷۶ ـ هيات مديره مي‌تواند در جهت اجراي تصميمات و وظايف محوله تمام يا قسمتي ازاختيارات خود را در موارد معين و يا براي مدت محدود و معين به هر يك يا چند نفر از اعضاي‌هيات مديره تفويض نمايد. همچنين هيات مديره مي‌تواند قسمتي از اختيارات و وظايف خود را به‌موجب نظام نامه‌هاي مربوط به دفاتر نمايندگي و كميسيونهاي تخصصي مهندسان هر رشته درشهرستانهاي تابعه استان واگذار كند. اين نظام نامه‌ها ممكن است در صورت قبول و تاييد شوراياانتظامي استان نيز شامل دريافت شكايات انتظامي و رسيدگي مقدماتي نسبت به آنها بر اساس مفادتوافق نامه‌هاي منعقد شده و ارسال پرونده به شوراي انتظامي استان جهت رسيدگي و صدور راي‌باشد. ماده ۷۷ ـ گروههاي تخصصي در هر يك از استانها و در هر يك از (رشته‌هاي اصلي) كه تعدادآنها حداقل به (۷) نفر بالغ شود ، تشكيل مي‌شود. گروههاي مذكور ، امور تخصصي مرتبط با رشته‌خود را در جلسات گروه ، طرح و مورد بررسي و حل و فصل قرار مي‌دهند و نظرات و پيشنهادات‌خود را براي (نظام مهندسي استان) ارسال مي‌دارند. هيات مديره نيز قبل از تصميم‌گيري در اموري‌كه اختصاصا مرتبط با يكي از (رشته‌هاي اصلي) است نظر گروه تخصصي مربوط را استعلام نموده ، آن را در تصميم‌گيري‌هاي خود مورد توجه قرار مي‌دهد. ماده ۷۸ ـ هيات مديره (نظام مهندسي استان) موظف است ظرف سه ماه از تاريخ تشكيل (نظام‌مهندسي استان) نسبت به تشكيل گروههاي تخصصي موجود در استان اقدام كنند. ماده ۷۹ ـ هر يك از گروههاي تخصصي داراي يك هيات رييسه متشكل از ۳ تا ۷ عضو خواهدبود كه از بين اعضاي هيات مديره (نظام مهندسي استان) در رشته مربوط و ساير اعضاي همان رشته‌در نظام مهندسي استان براي مدت سه سال به شرح زير تعيين و انتخاب مي‌شود و نمايندگي گروه‌تخصصي آن رشته را در امور مربوط به عهده خواهند داشت نحوه انتخاب و تعداد اعضاي هيات رييسه گروههاي تخصصي تعداد اعضاي (نظام مهندسي‌ساختمان ۵۰۰۰۱ به بالاـ تعداد اعضاي منتخب از بين‌هيات مديره (نظام مهندسياستان ۳ نفر تعداد اعضاي منتخب از بين‌اعضاي همان رشته در (نظام‌مهندسي استان ۴ نفر تعداد اعضاي هيات رييسه هرگروه تخصصي ۷ نفر تبصره ۱ ـ انتخاب ساير اعضاي هيات مديره (نظام مهندسي استان) در رشته مربوط به وسيله‌اعضاي همان رشته در (نظام مهندسي استان) به عنوان عضو هيات رييسه گروه تخصصي نيز بلامانع‌است تبصره ۲ ـ اگر در بين اعضاي هيات مديره به تعداد كافي از متخصصين رشته‌اي موجود نباشد ، به تعداد مورد نياز ، از بين ساير اعضاي همان رشته در (نظام مهندسي استان) انتخاب خواهند داشت تبصره ۳ ـ در برگزاري انتخابات هيات رييسه گروههاي تخصصي ، نماينده سازمان مسكن وشهرسازي استان به عنوان ناظر حضور خواهد شد. ماده ۸۰ ـ به منظور دسترسي و مورد استفاده قرار دادن تجربه‌ها ، روش‌هاي اسلامي و آداب‌سنتي ، ملي و فرهنگي در طراحي ، محاسبه ، اجرا ، بهره‌برداري ، نگهداري و ساير فعاليتهاي‌مهندسي ، كميته‌اي تحت عنوان (كميته نظام پيشنهادات) در وزارت مسكن و شهرسازي و همچنين‌در هر يك از نهادهاي (قانون) ، نظير (شوراي مركزي نظام مهندسي استان) و گروههاي تخصصي‌موضوع ماده (۱۶) (قانون) تشكيل مي‌گردد. نحوه گردش اطلاعات و چگونگي استفاده از آن به‌ترتيب زير خواهد بود: الف ـ گروههاي تخصصي استان نظريات و پيشنهادات واصل شده را ضمن اعلام وصول كتبي‌به پيشنهاد دهندگان دسته بندي نموده در پايان هر ماه گزارش آن را همراه اظهار نظر يا هر گونه‌پيشنهادي به (نظام مهندسي استان) ارسال مي‌دارند. ب ـ (نظام مهندسي استان) گزارش‌هاي واصل شده گروههاي تخصصي استان و نظرات وپيشنهادات واصل شده از ساير اعضا را ضمن اعلام‌ وصول به گروههاي تخصصي و اعضا وهمچنين درج در خبرنامه (نظام مهندسي استان) دسته بندي و طبقه بندي موضوعي نموده ومواردي را كه در حدود اختيارات و صلاحيت (نظام مهندسي استان) است رأسا اقدام مي‌نمايد و درپايان هر فصل گزارش آن را همراه اظهار نظر يا هرگونه پيشنهادي به (شوراي مركزي) ارسال خواهدداشت پ ـ (شوراي مركزي) گزارشهاي واصل شده (نظام مهندسي استان) ها را ضمن اعلام وصول وهمچنين درج در خبرنامه شوراي مركزي همراه گزارشي شامل ـ اظهار نظر و پيشنهادات (شوراي مركزي) ، ـ دسته بندي و طبقه بندي موضوعي

مطالب ، ـ تعیین‌الویت‌های پیشنهاداتی که باید مورد عمل قرار گیرد ، ـ ضرورت تحقق و شرایط و ملزومات مورد نیاز ، هر شش ماه یک بار به کمیته نظام پیشنهادات وزارت مسکن و شهرسازی ارسال خواهد داشت ت ـ کمیته نظام پیشنهادات وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به پیشنهادات (شورای مرکزی) از محل بودجه موضوع ماده (۳۹) (قانون) که به این منظور تخصیص یافته ، به پیشنهاداتی که موردعمل قرار گرفته بر اساس دستورالعمل مصوب وزیر مسکن و شهرسازی در هر سال جایزه‌ای تحت‌عنوان (جایزه پیشنهاد) به پیشنهاد دهندگان اعطا می‌نماید. ج ـ بازرس و بازرسان ماده ۸۱ ـ هر (نظام مهندسی استان) که تا (۱۰۰۰) عضو داشته باشد یک بازرس اصلی و یک‌بازرس علی‌البدل و از (۱۰۰۱) عضو تا (۵۰۰۰) عضو دو بازرس اصلی و یک بازرس علی‌البدل و از(۵۰۰۱) عضو و بیشتر سه بازرس اصلی و یک بازرس علی‌البدل خواهد داشت بازرسان نباید عضوهیات مدیره یا شورای انتظامی استان باشند و حداقل باید ده سال سابقه کار داشته متعهد و خوشنام‌باشند. به منظور انتخاب بازرسان ، هیات مدیره اسامی دو برابر تعداد بازرسان اصلی و علی‌البدل‌واجد شرایط را از بین اعضای (نظام مهندسی استان) انتخاب و به اولین جلسه مجمع عمومی که بعداز انتخاب هیات مدیره تشکیل می‌شود پیشنهاد می‌نماید. حایزین اکثریت آرا به ترتیب نفرات اول‌به عنوان بازرس یا بازرسان اصلی و نفر بعدی به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت دو سال انتخاب‌می‌شوند. ماده ۸۲ ـ وظایف و اختیارات بازرس (بازرسان به شرح زیر تعیین می‌شود: الف ـ اظهار نظر درباره صحت و درستی صورت دارایی‌ها و صورت حساب دوره عملکرد وترازنامه‌ای که هیات مدیره برای ارایه به مجمع عمومی تهیه نموده است و تهیه گزارش و تسلیم آن به‌هیات مدیره حداقل (۱۵) روز قبل از تشکیل مجمع عمومی ب ـ اظهار نظر درباره صحت مطالب و گزارشها و اطلاعاتی که هیات مدیره برای ارایه به مجمع‌عمومی تنظیم نموده است پ ـ بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند اقدامات و عملکرد هیات مدیره در حدود (قانون) وآیین نامه های اجرایی آن بوده و حقوق اعضا در حدودی که (قانون) وآیین نامه های آن تعیین کرده به‌طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که هیات مدیره تخلف یا تخطی از (قانون) و آیین نامه داشته و یا اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار مجمع عمومی قرار دهند بازرس یا بازرسان مکلفندکه مجمع عمومی را از آن آگاه نمایند. ت ـ بازرس یا بازرسان با اطلاع هیات مدیره حق دارند ، در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی‌لازم را انجام داده و اسناد و مدارک اطلاعات مربوط به (نظام مهندسی استان) را از هیات مدیره‌مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. این رسیدگی نباید به گونه‌ای باشد که موجب وقفه درعملیات جاری شود. ث ـ بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسوولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظرکارشناسان استفاده کنند ، مشروط بر اینکه آنها را از قبل به طور رسمی و کتبی به (نظام مهندسیاستان) معرفی کرده باشند. این کارشناسان در موارد و حدودی که بازرس یا بازرسان تهیه می‌کنندمانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت د ـ شورای انتظامی استان ماده ۸۳ ـ هر یک از (نظام مهندسی استان) ها دارای یک شورای انتظامی استان خواهد بود.تعداد اعضای شورای انتظامی استان در استان‌هایی که تعداد اعضای (نظام مهندسی استان) تا(۱۰۰۰) نفر باشد سه عضو و بیش از (۱۰۰۰) نفر از پنج عضو تشکیل می‌شود. یک عضو شورای انتظامی استان توسط رییس دادگستری استان و بقیه از بین اعضای خوشنام (نظام مهندسی استان) توسط هیات مدیره برای مدت سه سال انتخاب و به (شورای مرکزی) جهت‌صدور حکم عضویت در شورای انتظامی استان معرفی می‌شوند. ماده ۸۴ ـ شورای انتظامی استان در اولین جلسه از بین خود یک رییس و یک نایب رییس برای‌مدت یک سال انتخاب خواهد کرد و تجدید انتخاب آنها پس از انقضای هر دوره یک ساله بلامانع‌خواهد بود. جلسات شورای انتظامی استان با حضور دو سوم از اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن بااکثریت آرای حاضر در جلسه معتبر است ماده ۸۵ ـ شورای انتظامی استان مرجع رسیدگی به شکایات و دعاوی اشخاص حقیقی وحقوقی در خصوص تخلفات حرفه‌ای انضباطی و انتظامی مهندسان و کاردانهای فنی عضو (نظام‌مهندسی استان) و یا دارندگان (پروانه اشتغال (می‌باشد. کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از صاحب کار ، زیان دیده از تخلف ، دستگاهها و سازمانهای‌دولتی و وابسته به دولت یا غیر دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی شهرداریها و موسسات عمومی وبه طور کلی هر شخصی

که در مورد هر یک از اعضای (نظام مهندسی استان) یا دارنده (پروانه‌اشتغال) شکایتی در مورد تخلفات انضباطی ، انتظامی و یا حرفه‌ای وی داشته باشد می‌تواندشکایت خود را به طور کتبی و با درج مشخصات و شرح تخلف مورد ادعا به انضمام اسناد و مدارک‌مربوط به دبیر خانه (نظام مهندسی استان) ارسال یا تحویل نماید. تبصره ۱ ـ رسیدگی به تخلفات اشخاصی که بر اساس قوانین قبلی دارای (پروانه اشتغال) هستند ولی هنوز عضویت (نظام مهندسی استان) را دارا نمی‌باشند ، در صلاحیت شورای انتظامیاستان است تبصره ۲ ـ در صورتی که مشتکی عنه عضو (نظام مهندسی استان) دیگری غیر از (نظام‌مهندسی استان) واصل کننده شکایت باشد ، (نظام مهندسی استان) محل وقوع تخلف صالح برای‌رسیدگی به شکایت است تبصره ۳ ـ به شکایات واصل شده که بدون امضا و نام و نشانی کامل شاکی باشد ترتیب اثرداده نخواهد شد. تبصره ۴ ـ هیات مدیره می‌تواند در صورت اطلاع از وقوع تخلف ، بدون دریافت شکایت ، رأسا نیز به شورای انتظامی استان اعلام شکایت کند. ماده ۸۶ ـ دبیرخانه (نظام مهندسی استان) که دبیر خانه شورای انتظامی نیز محسوب می‌شود ، کلیه شکایات واصل شده را در دفتر مخصوصی ثبت و پس از تشکیل پرونده و ضمیمه نمودن‌سوابق عضویت مشتکی عنه با رعایت نوبت ، تعیین وقت نموده و به شورای انتظامی استان تسلیم‌می‌نماید. موارد خارج از نوبت به تشخیص رییس شورای انتظامی استان تعیین خواهد شد. تبصره ـ کلیه مکاتبات و تصمیمات و آرا شورای انتظامی استان با امضای رییس یا نایب‌رییس شورای انتظامی استان از طریق همین دبیرخانه انجام و ابلاغ خواهد شد. ماده ۸۷ ـ شورای انتظامی استان ملزم است به شکایات واصل شده رسیدگی و در صورتیکه‌شکایت را وارد نداند و یا رسیدگی به موضوع را در صلاحیت خود تشخیص ندهد نظر به رد شکایت‌یا عدم صلاحیت داده و در غیر اینصورت حسب مورد از محل بازدید و یا از شاکی و مشتکی عنه ویا هر شخص دیگر که در ارتباط با موضوع شکایت است دعوت بعمل آورده و ضرورتا پس ازشنیدن اظهارات و دفاعیات آنها اتخاذ تصمیم کند. عدم حضور شاکی یا وکیل یا نماینده او در اولین‌جلسه رسیدگی در حکم انصراف از شکایت است لکن عدم حضور مشتکی عنه مانع رسیدگی و اخذتصمیم نخواهد بود. تبصره ۱ ـ مشتکی عنه می‌تواند در صورت عدم امکان حضور ، لایحه دفاعیه خود را قبل ازجلسه رسیدگی به دبیرخانه شورای انتظامی استان تسلیم و یا یک نفر را به عنوان وکیل معرفی‌نماید. تبصره ۲ ـ شورای انتظامی استان در هر مورد که به مصلحت تشخیص دهد می‌تواند از نظرات‌مشورتی کارشناسان خبره (نظام مهندسی استان) موضوع بند (۲۵) ماده (۷۳) این آیین نامه و یامتخصصان واجد شرایط یا نظرات کمیسیونهای تخصصی تشکیل شده در (نظام مهندسی استان) نیزاستفاده کند و می‌تواند دریافت و ثبت شکایات و انجام امور مقدماتی از قبیل بازدید از محل ، کسب‌نظر کارشناسی ، تهیه گزارش و همچنین ارسال و ابلاغ اوراق و دعوتنامه‌ها و آرای صادر شده را به‌دفاتر نمایندگی در استان تفویض اختیار نماید. ماده ۸۸ ـ طرح و رسیدگی به شکایت در مراجع قضایی مانع از رسیدگی در شورای انتظامیاستان و اعمال مجازاتهای انضباطی و حرفه‌ای مندرج در این آیین نامه نخواهد بود. ماده ۸۹ ـ شورای انتظامی استان مکلف است به شکایات و اعلانات وزارت مسکن وشهرسازی در مورد تخلفاتی که از اجرای مواد (۳۴) و (۳۵) و سایر مواد (قانون) و آیین نامه اجراییان روی داده ، خارج از نوبت و حد اکثر ظرف مدت یکماه رسیدگی و اعلام رای نماید. ماده ۹۰ ـ مجازاتهای انتظامی به قرار زیر است درجه ۱ ـ اخطار کتبی با درج در پرونده عضویت در (نظام مهندسی استان) . درجه ۲ ـ توبیخ کتبی با درج در پرونده عضویت در (نظام مهندسی استان) . درجه ۳ ـ محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) به مدت سه ماه تا یک سال و ضبط (پروانه اشتغال) به مدت محرومیت درجه ۴ ـ محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) به مدت یک سال تا سه سال و ضبط (پروانه اشتغال) به مدت محرومیت درجه ۵ ـ محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) به مدت سه سال تا پنج سال و ضبط (پروانه اشتغال) به مدت محرومیت درجه ۶ ـ محرومیت دایم از عضویت (نظام مهندسی استان) ها و ابطال (پروانه اشتغال) . تبصره ـ در صورت تکرار تخلف ، اشخاصی که به سه مرتبه محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) محکوم شده باشند در صورتی که برای دفعات بعدی مرتکب تخلفی شوند که بازهم مستلزم اعمال مجازات محرومیت موقت از

درجه (۴) یا (۵) باشد به مجازات مربوط به اضافه‌یک برابر مجموعه مدت محرومیت‌های قبلی از استفاده از (پروانه اشتغال) و ضبط آن و یا مجازاتاز نوع درجه (۶) محکوم خواهند شد. ماده ۹۱ ـ تخلفات انضباطی و حرفه‌ای عبارت از تخلف در اموری است که انجام آن ناشی از (پروانه اشتغال) موضوع (قانون) یا عضویت در (نظام مهندسی استان) باشد. تخلف انضباطی و حرفه‌ای و انطباق آنها با مجازاتهای انتظامی به شرح زیر است الف ـ عدم رعایت ضوابط شهرسازی و مقررات ملی ساختمان و همچنین ضوابط و معیارهای‌فنی مربوط به آن یا هر اقدام یا عملی که مخالف یا متناقض با مقررات مذکور یا سایر مقررات‌مربوط جاری کشور باشد ، مجازات انتظامی از درجه یک تا درجه پنج ب ـ مسامحه و یا عدم توجه در انجام امور حرفه‌ای بنحوی که موجب اضرار یا تضییع حقوق صاحب کار شود ، از درجه یک تا درجه چهار. پ ـ مسامحه و یا عدم توجه در انجام امور حرفه‌ای به نحوی که موجب اضرار غیر و یا تضییع‌حقوق یا اموال عمومی شود ، از درجه یک تا درجه پنج ت ـ خودداری از انجام اقدامات بازدارنده یا اصلاحی در مورد تخلفات هر یک از عوامل اجرایی‌کار از نظر مشخصات لوازم و مصالح و کیفیت انجام کار با توجه به مفاد قراردادهای مربوط و ضوابطو مقررات ساختمانی ، از درجه یک تا درجه سه ث ـ صدور گواهی‌های خلاف واقع ، از درجه یک تا درجه پنج ج ـ تایید غیر واقعی میزان عملیات انجام شده جهت تنظیم صورت وضعیت یا مدرک مشابه‌دیگر ، از درجه سه تا درجه پنج چ ـ امتناع از اظهار نظر کارشناسی پس از قبول انجام آن در مواردی که از طریق مراجع ذیصلاح‌قانونی نظر خواهی شده است ، از درجه یک تا درجه سه ح ـ تعلل در تنظیم و تسلیم گزارش‌هایی که به موجب ضوابط و مقررات یا دستورات مراجع‌ذیصلاح قانونی موظف به تهیه و تسلیم آنها به مراجع ذیربط بوده است ، از درجه یک تا درجه سه خ ـ عدم توجه به مفاد اطلاعیه‌ها و اخطاریه‌های ابلاغ شده از سوی مراجع ذیصلاح و ذیربط ، ازدرجه یک تا درجه پنج د ـ جعل در اوراق و اسناد و مدارک حرفه‌ای به شرط اثبات وقوع جعل در مراجع قضایی ، ازدرجه سه تا درجه پنج ذ ـ اشتغال در حرف مهندسی موضوع (قانون) خارج از صلاحیت یا ظرفیت تعیین شده در (پروانه اشتغال) ، از درجه یک تا درجه پنج ر ـ دریافت هرگونه وجهی خارج از ضوابط ، از درجه دو تا درجه پنج ز ـ سو استفاده از عضویت و یا موقعیت‌های شغلی و اداری (نظام مهندسی استان) به نفع خودیا غیره ، از درجه دو تا درجه پنج ژ ـ عدم رعایت مقررات و ضوابط مصوب (نظام مهندسی استان) ، از درجه یک تا درجه سه س ـ عدم رسیدگی به تخلفات در شورای انتظامی استان یا عدم اجرای رای به وسیله (نظام‌مهندسی استان) بدون عذر و علت موجه بیش از سه ماه ، به تشخیص (شورای مرکزی) در مورداعضای شورای انتظامی استان یا اعضای (هیات مدیره نظام مهندسی استان) از درجه دو تا درجه‌پنج ش ـ ارایه خدمات مهندسی طراحی ، محاسبه ، اجرا و نظارت توسط اشخاص حقیقی و حقوقی‌که مسوولیت بررسی و تایید نقشه و یا امور مربوط به کنترل آن پروژه را در شهرداری‌ها و سازمانهای‌دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی بر عهده دارند از درجه یک تا درجه پنج ص ـ تاسیس هر گونه موسسه ، دفتر یا محل کسب و پیشه برای انجام خدمات فنی بدون داشتن‌مدرک صلاحیت مربوط از درجه دو تا درجه پنج ض ـ استفاده از (پروانه اشتغال) در دوره محرومیت موقت از درجه دو تا درجه پنج ع ـ انجام هر عملی که به موجب آیین نامه های داخلی (نظام مهندسی استان) مربوط مخالف‌شیون حرفه‌ای بوده و موجب خدشه دار شدن حیثیت (نظام مهندسی استان) شود ، از درجه یک تادرجه چهار. ماده ۹۲ ـ تشخیص اهمیت تخلف و انطباق آن با هر یک از مجازاتهای مقرر در بندهای ماده ۹۰) این آیین نامه به عهده شورای انتظامی استان است و تکرار تخلف از هر نوع که باشد مستوجب‌مجازات شدیدتر خواهد بود. تبصره ۱ ـ در صورتی که متخلف در یک پرونده مرتکب دو یا چند تخلف شده باشد برای هرتخلف مجازات جداگانه تعیین می‌شود ، لیکن فقط مجازاتی که شدیدتر است اعمال خواهد شد وچنانچه مجازات‌های مذکور همگی از یک درجه باشد در این صورت مجازات مناسب با توجه به‌تعدد تخلفات تعیین می‌شود. تبصره ۲ ـ در صورت تکرار تخلف ، مجازات مناسب با رعایت تبصره ماده (۹۰) این آیین نامه تعیین می‌شود. ماده ۹۳ ـ آرای شورای انتظامی استان باید مستند و مستدل و صریح بوده و در ذیل برگ رای ، نحوه اعتراض و مهلت آن به طور دقیق قید شود. آرای شورای انتظامی استان اعم از اینکه مبنی بر عدم وقوع تخلف و یا

تعيين مجازات باشدظرف مدت يك ماه از تاريخ ابلاغ قابل تجديد نظر است ماده ۹۴ ـ مرجع تجديد نظر از تصميمات و آرای شورای انتظامی استانها ، (شورای انتظامی‌نظام مهندسی) است تبصره ـ آرای بدوی که توسط شورای انتظامی استان در اجرای قانون آزمایشی (نظام مهندسی‌ساختمان) مصوب ۱۳۷۱ صادر شده به قوت خود باقی و ظرف يك ماه از تاريخ ابلاغ و در صورتی که قبلا ابلاغ شده ولی قبل از پایان مهلت تجديد نظر خواهی و يا رسيدگی مجدد و صدور رای‌قطعی ، اجرای قانون آزمایشی متوقف شده است ، ظرف يك ماه از تاريخ ابلاغ اين آيين نامه ، قابل‌تجديد نظر خواهی در (شورای انتظامی نظام مهندسی) است

فصل ششم شورای انتظامی نظام مهندسی (ماده ۹۵ تا ۱۰۱

ماده ۹۵ ـ (شورای انتظامی نظام مهندسی) مرجع تجديد نظر آرا صادر شده از شورای انتظامياستانهاست و دارای پنج عضو می‌باشد و اعضای آن برای مدت سه سال به شرح زير منصوب‌می‌شوند و انتخاب مجدد آنهابلامانع است الف ـ يك عضو حقوق دان به معرفی رياست قوه قضاييه ب ـ دو عضو به معرفی وزير مسكن و شهرسازی ج ـ دو عضو به معرفی (شورای مركزی) جلسات (شورای انتظامی نظام مهندسی) با حضور حد اقل دو سوم اعضا رسميت يافته و آرای‌صادر شده با (۳) رای موافق معتبر خواهد بود. ماده ۹۶ ـ (شورای انتظامی نظام مهندسی) در اولين جلسه از بين خود يك رييس ، يك نايب‌رييس و يك دبير برای مدت يك سال انتخاب می‌نمايد و انتخاب مجدد آنها بلامانع است ماده ۹۷ ـ تقاضای تجديد نظر در دبير خانه (نظام مهندسی استان) ثبت و دبير خانه مذكورتقاضا را به انضمام پرونده مربوط ، حاوی تمامی اوراق و مدارك و مستندات ، رای صادر شده وپروانه عضويت مشتكی عنه ، مهر و موم كرده و از طريق پست سفارشی به دبيرخانه (شورايانتظامی نظام مهندسی) ارسال می‌دارد. در صورتی كه تجديد نظر خواه در خواست خود را مستقيمابه دبير خانه (شورای انتظامی نظام مهندسی) تسليم يا ارسال دارد ، دبير خانه مذكور كليه سوابق ومدارك لازم را از دبيرخانه شورای انتظامی استان دريافت می‌دارد. ماده ۹۸ ـ در صورتی كه درخواست تجديد نظر در مهلت مقرر تسليم و به ثبت رسيده باشد (شورای انتظامی نظام مهندسی) با رعايت نوبت به موضوع رسيدگی كرده و كليه اختيارات لازم ازقبيل دعوت طرفين و يا هر شخص ديگری كه در ارتباط با موضوع است و كسب نظر كارشناسان ومتخصصين و كميسيونهای تخصصی و غيره را دارد. مرجع تجديد نظر پس از ختم رسيدگی نسبت‌به صدور رای مبنی بر تاييد يا تعديل يا تغيير رای تجديد نظر خواسته شده اقدام می‌نمايد. آرا صادر شده از مرجع تجديد نظر بايد مستند ، مستدل و صريح بوده و در آن قيد شود كه رای‌قطعی است و در مواردی كه رای مبنی بر محروميت است بايد تاريخ شروع محروميت با رعايت‌فرجه لازم جهت ابلاغ رای در متن رای درج شود. تبصره ـ در صورتی كه پرونده در شورای انتظامی استان در اجرای مواد (۸۶) و (۸۹) اين‌آيين نامه خارج از نوبت رسيدگی شده باشد يا رييس (شورای انتظامی نظام مهندسی) رسيدگی خارج‌از نوبت را ضروری تشخيص دهد در (شورای انتظامی نظام مهندسی) نيز خارج از نوبت رسيدگی‌خواهد شد. ماده ۹۹ ـ دبير خانه (شورای انتظامی نظام مهندسی) پس از ثبت آرا قطعی شده در دفترمخصوص و حفظ سوابق ، آرا مذكور را ظرف يك هفته حضوری يا بوسيله پست سفارشی به‌طرفين شكايت ابلاغ و نسخه‌ای از آنها را جهت اجرا به (نظام مهندسی استان) ارسال می‌دارد. (نظام‌مهندسی استان) ضمن اينكه يك نسخه از رای مذكور را در پرونده عضويت ضبط و يك نسخه ديگررا جهت ثبت در سوابق امر به سازمان مسكن و شهرسازی استان ارسال می‌كند ، مفاد رای را به مورداجرا می‌گذارد. ماده ۱۰۰ ـ در كليه مواردی كه آرای قطعی شده داير بر محروميت موقت استفاده از (پروانه‌اشتغال) باشد (نظام مهندسی استان) مربوط موظف است (پروانه اشتغال) عضو محكوم را اخذ و به‌سازمان مسكن و شهرسازی استان ارسال نمايد و تصوير (پروانه اشتغال) ضبط شده را به دبيرخانه (شورای انتظامی نظام مهندسی) ارسال

دارد. (پروانه اشتغال) تا پایان مدت محرومیت در سازمان‌مسکن و شهرسازی استان نگاهداری می‌شود. تبصره ـ در صورتی که عضو مختلف ، ظرف سه ماه از تاریخ مندرج در رای قطعی مبنی برمحرومیت موقت استفاده از (پروانه اشتغال) از تحویل (پروانه اشتغال) خود به (نظام مهندسیاستان) یا مرجع صدور (پروانه اشتغال) امتناع ورزد ، مرجع صادر کننده (پروانه اشتغال) ، محکومیت‌وی را در پرونده او درج و (پروانه اشتغال) بعدی وی را با تاخیری معادل دو برابر مدت محرومیت‌مذکور تمدید و تجدید خواهد کرد و مراتب را به کلیه شهرداریها و مراجع ذیربط نیز ابلاغ خواهدنمود. مفاد این تبصره باید به صورت فرم در کلیه آرای صادر شده درج شود. ماده ۱۰۱ ـ مراجع رسیدگی به شکایات از اعضای هیات مدیره و شورای انتظامی استان وتخلفات آنان به اعتبار وظایف آنها در هیات مدیره با شورای انتظامی استان (شورای انتظامی نظام‌مهندسی) خواهد بود.

فصل هفتم هیات عمومی (ماده ۱۰۲ تا ۱۰۷)

ماده ۱۰۲ ـ در اجرای ماده (۱۹) (قانون) به منظور ایجاد هماهنگی در امور (نظام مهندسیاستان) ها ، (هیات عمومی) متشکل از اعضای هیات مدیره‌ها در سطح کشور ، تشکیل می‌شود. جلسات عادی (هیات عمومی) با دعوت (رییس سازمان) از اعضای هیات مدیره‌ها سالی یکباربا حضور نماینده وزیر مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود. در دعوت نامه تاریخ ، محل و دستورجلسه باید قید شود. تبصره ـ اولین جلسه عادی (هیات عمومی) پس از انتخاب و آغاز به کار هیات مدیره‌ها در دوسوم استان‌های کشور مشروط بر اینکه در برگیرنده تمام (نظام مهندسی استان) هایی که دارای ۷۰۰نفر عضو یا بیشتر هستند باشد ، به دعوت وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل خواهد شد. ماده ۱۰۳ ـ جلسات فوق العاده (هیات عمومی) بنا به تصمیم آخرین جلسه عادی (هیات‌عمومی) و یا به تقاضای دو سوم اعضای (شورای مرکزی) و یا دعوت وزیر مسکن وشهرسازی‌تشکیل می‌شود. ماده ۱۰۴ ـ جلسات (هیات عمومی) با حضور دو سوم از تعداد کل اعضای هیات مدیره (نظام‌مهندسی استان) ها که تا آن تاریخ تشکیل شده است رسمیت خواهد یافت افتتاح و اداره جلسات (هیات عمومی) تا تعیین هیات رییسه بر عهده دستگاه دعوت کننده خواهد بود. هیات رییسه هراجلاس شامل ، یک رییس ، یک نایب رییس ، یک دبیر و دو نفر ناظر می‌باشد که از بین عده حاضر درجلسه با رای اکثریت انتخاب خواهند شد. دبیرخانه (هیات عمومی) همان دبیرخانه (شورای‌مرکزی) می‌باشد. ماده ۱۰۵ ـ اداره جلسات (هیات عمومی) به عهده رییس جلسه و در غیاب او به عهده نایب‌رییس است طرح دستور جلسه و تنظیم صورت مذاکرات و تصمیمات به عهده دبیر و نظارت درحصول اکثریت در رای‌گیری مصوبات به عهده نظار خواهد بود. تصمیمات جلسه با آرای اکثریت‌نصف به علاوه یک عده حاضر در جلسه معتبر می‌باشد. ماده ۱۰۶ ـ جلسات عادی (هیات عمومی) سالی یکبار در تیر ماه به مدت دو تا چهار روز دریکی از استانها تشکیل می‌شود و در پایان هر جلسه ، تاریخ و مکان و دستور جلسه بعد و در صورت‌لزوم تاریخ و مکان جلسات فوق العاده ای که در حد فاصل جلسه عادی بعد باید در همان استان‌تشکیل شود ، با رای اکثریت اعضا تعیین می‌شود. هیات عمومی می‌تواند جلسات غیر رسمی نیز داشته باشد. ماده ۱۰۷ ـ وظایف و اختیارات (هیات عمومی) ، به شرح زیر تعیین می‌شود: الف ـ انتخاب افراد واجد شرایط عضویت در (شورای مرکزی) به میزان حداقل دو برابر تعدادمورد نیاز در هر رشته (با قید اصلی و علیالبدل) و معرفی به وزیر مسکن و شهرسازی به منظورانتخاب نمودن اعضای اصلی و علیالبدل (شورای مرکزی) از بین آنها. ب ـ شنیدن گزارش سالانه (شورای مرکزی) . پ ـ بررسی و تصویب ترازنامه (شورای مرکزی) . ت ـ بررسی و تصویب خط مشی عمومی و پیشنهادی (شورای مرکزی) . ث ـ شنیدن گزارش عملکرد (نظام مهندسی استان) های مختلف که به وسیله دبیرخانه (هیات‌عمومی) ارایه می‌شود و حصول اطلاع از فعالیتها ، وضعیت و مشکلات (نظام مهندسی استان) هاارایه طریق به آنها. ج ـ شنیدن سایر گزارش‌ها و پیشنهادات مختلف که به وسیله دبیرخانه (هیات عمومی) یا هریک از (نظام مهندسی استان)

ها ارایه می‌شود و اتخاذ تصمیم یا ارایه طریق مناسب چ ـ اتخاذ تصمیم در مورد تنظیم روابط بین (نظام مهندسی استان) ها با یکدیگر از لحاظ تبادل‌تجارب و اطلاعات و نیز همکاری با شهرداریها و مراجع دولتی و عمومی بنا به پیشنهاد دبیرخانه (هیات عمومی) . ح ـ بررسی و تصویب ضوابط و مقررات نظام نامه‌های پیشنهادی اداری ، استخدامی و غیره‌مربوط به شورای مرکزی خ ـ بررسی و تصویب نظام نامه‌های داخلی نحوه اداره (هیات عمومی) . د ـ تصویب میزان ورودیه و حق عضویت سالانه اعضای (نظام مهندسی استان) ها با توجه به‌موقعیت و امکانات هر استان ذ ـ بررسی و تصویب نظام نامه پیشنهادی (شورای مرکزی) در خصوص نحوه تشکیل و اداره‌امور صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها. ر ـ بررسی و تصویب سایر وضوابط و مقررات و نظام نامه‌ها و پیشنهادات ارایه شده از سوی (شورای مرکزی) یا دبیرخانه (هیات عمومی) .

فصل هشتم شورای مرکزی (ماده ۱۰۸ تا ۱۱۴)

ماده ۱۰۸ ـ (شورای مرکزی) متشکل از (۲۵) عضو اصلی و (۷) عضو علی البدل با ترکیب (رشته‌های اصلی) طبق جدول زیر می‌باشد ، که از بین دو برابر افراد معرفی شده به وسیله (هیات‌عمومی) در هر رشته با قید اصلی و علی البدل توسط وزیر مسکن و شهرسازی انتخاب می‌شوند.اعضای (شورای مرکزی) باید علاوه بر داشتن عضویت در هیات مدیره خوشنام و دارای سابقه انجام‌کارهای طراحی ، اجرایی ، علمی ، تحقیقی یا آموزشی برجسته و ارزنده و فاقد محکومیت انتظامی ازدرجه سه به بالا در پنج سال گذشته باشند. تبصره ـ اعضای هیات مدیره که به عضویت (شورای مرکزی) انتخاب می‌شوند ، می‌توانندهمچنان در عضویت (نظام مهندسی استان) خود نیز باقی بمانند. جدول تعداد اعضای اصلی و علی البدل (شورای مرکزی) گروه رشته تعداد حداقل عضودر هر رشته تعداد اعضای اصلی‌هرگروه تعداد اعضای‌علی البدل عمران ۱ ۱ عمران نقشه‌برداری ۱ ۱۲ ۱ ترافیک ۱ ۱ تاسیسات تاسیسات‌برق ۱ ۱ تاسیسات‌مکانیک ۱ ۶ ۱ معماری‌وشهرسازی معماری ۱ ۱ شهرسازی ۱ ۷ ۱ تعداد اعضای اصلی و علی البدل شورای مرکزی ۲۵ ۷ ماده ۱۰۹ ـ مدت عضویت اعضای (شورای مرکزی) سه سال است تجدید انتخاب اعضای (شورای مرکزی در صورت بقای شرایط لازم در دوره‌های بعد بلامانع است ماده ۱۱۰ ـ (شورای مرکزی) دارای هیات رییسه‌ای متشکل از یک رییس و دو دبیر اجرایی و دومنشی می‌باشد که دبیران و منشی‌ها با اکثریت آرا از بین اعضای (شورای مرکزی) انتخاب می‌شوند ودوره مسوولیت آنها یک ساله و انتخاب مجدد ایشان بلامانع است رییس (شورای مرکزی) نیز به‌شرح مندرج در ماده (۱۱۵) این آیین نامه منصوب می‌شود. ماده ۱۱۱ ـ جلسات (شورای مرکزی) در مواقع لزوم به دعوت رییس (شورای مرکزی) و درغیاب وی به دعوت یکی از دبیران اجرایی در محل (شورای مرکزی) تشکیل و با حضور دو سوم‌اعضا رسمیت خواهد یافت و تصمیمات و مصوبات آن با حداقل (۱۳) رای موافق معتبر است اعضای علی البدل بدون داشتن حق رای می‌توانند در جلسات (شورای مرکزی) شرکت کنند.تصمیمات (شورای مرکزی) ، پس از ثبت در دفتر مخصوص از طریق دبیر خانه (شورای مرکزی) به‌اشخاص و مراجع ذیصلاح ابلاغ می‌شود و پیگیری لازم به عمل خواهد آمد ماده ۱۱۲ ـ انجام هزینه‌های اداری و استخدامی و جاری (شورای مرکزی) و دبیر خانه آن وهمچنین پرداخت هزینه سفر اعضای (شورای مرکزی) که از استانها در جلسات (شورای مرکزی) شرکت می‌کنند به موجب نظام نامه مالی و اداری (سازمان) است که به پیشنهاد (شورای مرکزی) به‌تصویب (هیات عمومی) می‌رسد. ماده ۱۱۳ ـ هزینه‌های سازمان و ارکان آن از محل حق عضویت اعضا ، صندوق مشترک (نظام‌مهندسی استان) ها ، کمکهای اعطایی دولت ، نهادها ، اشخاص حقیقی و حقوقی ، دریافت بهای ارایه‌خدمات پژوهشی ، فنی وآموزشی ، فروش نشریات و سایر مواد کمک آموزشی و مهندسی تامین‌خواهد شد. نحوه و چگونگی و میزان دریافت از هر یک از منابع مذکور و همچنین تشکیل صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها و تامین بودجه آن و نحوه هزینه و اداره امور آن به موجب نظام نامه‌ای که

به‌پیشنهاد (شورای مرکزی) به تصویب هیات عمومی می‌رسد خواهد بود. صندوق مشترک مذکورزیرنظر رییس (شورای مرکزی) اداره می‌شود. ماده ۱۱۴ ـ وظایف و اختیارات (شورای مرکزی) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف ـ برنامه ریزی و فراهم آوردن زمینه اجرای اهداف و خط مشی‌های (قانون) با جلب‌مشارکت (نظام مهندسی استان) ها و هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی ب ـ بررسی مسایل مشترک (نظام مهندسی استان) ها و (سازمان) و تعیین خط مشی‌های کوتاه‌مدت ، میان مدت و دراز مدت در چهار چوب (قانون) و مقررات و مصوبات هیات عمومی و ابلاغ‌آنها. پ ـ ایجاد زمینه‌های مناسب برای انجام وظایف ارکان (سازمان) از طریق مذاکره و مشاوره بامراجع ملی و محلی ، در امور برنامه‌ریزی ، مدیریت ، اجرا و کنترل طرحهای ساختمانی و شهرسازی‌و با مراجع قضایی در مورد اجرای مواد (قانون) که به امور قضایی و انتظامی مربوط می‌باشد. ت ـ حل و فصل اختلافات بین ارکان داخلی (نظام مهندسی استان) ها یا بین (نظام مهندسیاستان) ها با یکدیگر یا بین اعضای (نظام مهندسی استان) ها با (نظام مهندسی استان) خود از طریق‌داوری ث ـ همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی در امر نظارت بر عملکرد (نظام مهندسی استان) ها واصلاح خط مشی (نظام مهندسی استان) ها از طریق مذاکره و ابلاغ دستورالعملها. ج ـ همکاری با مراکز تحقیقاتی و علمی و آموزشی و ارایه مشورتهای لازم در زمینه تهیه مواددرسی و محتوای آموزش علوم و فنون مهندسی در سطوح مختلف به وزارت خانه‌های آموزش وپرورش و فرهنگ و آموزش عالی چ ـ همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و سایر دستگاههای اجرایی در زمینه تدوین مقررات‌ملی ساختمان و ترویج و کنترل اجرای آن و تهیه (شناسنامه فنی و ملکی ساختمانها) و برگزاری‌مسابقات حرفه‌ای و تخصصی ح ـ همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه ارتقای سطح مهارت کارگران ماهر شاغل در (مهندسی ساختمان) و تعیین استاندارد مهارت و کنترل آن خ ـ تلاش در جهت جلب مشارکت و تشویق به سرمایه گذاری اشخاص و موسسات درطرحهای مسکن و تاسیسات و مستحدثات عمرانی عام‌المنفعه و همکاری با دستگاههای اجرایی‌در ارتقای کیفیت اینگونه طرحها. د ـ جمع آوری کمکهای داخلی و بین‌المللی جهت کمک به دستگاههای مسوول در امر امداد ونجات در زمان وقوع حوادث غیر مترقبه ذ ـ همکاری در برگزاری آزمونهای تخصصی مهندسان ، کاردانان فنی و کارگران ماهر و آموزشهای‌تکمیلی برای بهنگام نگاه داشتن دانش فنی و همچنین شناسایی و تدارک فرصتهای کار آموزی ومعرفی به دانشگاهها. ر ـ حمایت اجتماعی از اعضا (نظام مهندسی استان) ها و دفاع از حیثیت و حقوق حقه آنها وهمچنین دفاع از حقوق متقابل جامعه به عنوان مصرف کنندگان محصولات ، تولیدات و خدمات‌مهندسی در مشاغل مهندسی و حرف بخشهای ساختمان ، عمران و شهرسازی ز ـ مشارکت در برگزاری کنفرانسها و گردهمایی‌های تخصصی و تبادل اطلاعات در داخل کشورو در سطح بین‌المللی ژ ـ ارایه گزارش عملکرد به (هیات عمومی) و وزیر مسکن و شهرسازی س ـ تهیه مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی با توجه به پیشنهادات (نظام مهندسی استان) هاو پیشنهاد آن به وزارت مسکن و شهرسازی جهت تصویب و همچنین بررسی مستمر پیشنهادات (نظام مهندسی استان) ها در این زمینه و انعکاس نظرات مناسب به وزارت مذکور. ش ـ تشکیل کمیته نظام پیشنهادات و هیات مشورتی (سازمان) . ص ـ تهیه و تصویب نظام به داخلی نحوه اداره (هیات عمومی) و پیشنهاد آن به (هیات عمومی) جهت تصویب ض ـ تهیه و پیشنهاد نظام نامه نحوه تشکیل صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها وچگونگی اداره آن ، به هیات عمومی جهت تصویب ط ـ تصویب برنامه و بودجه سالانه (سازمان) به پیشنهاد رییس سازمان ظ ـ تعیین امضاهای مجاز برای امضای اوراق و اسناد مالی و تعهد آور و قرار دادها. ع ـ انتشار نشریه (سازمان) و سایر نشریات تخصصی غ ـ ارایه نظرات مشورتی به دولت و دستگاههای اجرایی در زمینه برنامه‌های توسعه و طرحهای‌بزرگ ساختمانی ، عمرانی و شهرسازی حسب درخواست دستگاههای مربوط ف ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص ترازنامه و عملکرد مالی هیات مدیره که به تصویب‌مجمع عمومی سازمان استان نرسیده باشد. ق ـ انجام هر نوع وظیفه دیگری که به موجب (قانون) و آیین نامه اجرایی و سایر مقررات و یاعرفا ضروری باشد.

فصل نهم رییس سازمان (ماده ۱۱۵ تا ۱۱۶)

ماده ۱۱۵ ـ (شورای مرکزی) در اولین جلسه خود که به دعوت وزیر مسکن و شهرسازی و به‌ریاست وی در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود ، از میان خود سه نفر را به منظور تعیین‌رییس (شورای مرکزی) به وزیر مسکن و شهرسازی پیشنهاد می‌نماید و وزیر مسکن و شهرسازی ازبین آنها یک نفر را به عنوان رییس (شورای مرکزی) که (رییس سازمان) نیز محسوب می‌شود جهت‌صدور حکم به رییس جمهور معرفی خواهد نمود. دوره تصدی رییس (شورای مرکزی) مدت (۳) سال است و انتخاب مجدد او مشروط به تحقق‌شرایط فوق بلامانع می‌باشد. ماده ۱۱۶ ـ وظایف و اختیارات (رییس سازمان) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف ـ (رییس سازمان) بالاترین مقام اجرایی و اداری (سازمان) بوده و نمایندگی سازمان را درمراجع ملی و بین‌المللی بر عهده دارد. ب ـ مسوولیت اجرای مصوبات (شورای مرکزی) . پ ـ نظارت بر عملکرد (سازمان) و تهیه پیشنهادات و توصیه‌های لازم به منظور تحقق اهداف‌مندرج در (قانون) و اصلاح خط مشی (سازمان) و ارایه آن به (شورای مرکزی) . ت ـ نظارت بر عملکرد (نظام مهندسی استان) ها با هماهنگی (شورای مرکزی) به منظور حسن‌جریان امور و حفظ حقوق ، منابع ، حیثیت ، شیونات حرفه‌ای و اموال (سازمان) و ارایه نظرات ، پیشنهادات و توصیه‌های لازم به (نظام مهندسی استان) ها و ارایه گزارش آن به (شورای مرکزی) . ث ـ انتخاب و پیشنهاد مدیر برای اداره صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها به (شورای‌مرکزی) جهت تصویب ج ـ کنترل و نظارت بر عملکرد مدیر صندوق مشترک چ ـ پیشنهاد برنامه و بودجه سالانه به (شورای مرکزی) . ح ـ امضای کلیه مکاتبات عادی و جاری (سازمان) و احکام مدیر صندوق مشترک و کارکنان (سازمان) و سایر مواردی که به تفویض اختیار می‌شود. خ ـ افتتاح جلسات (هیات عمومی) در مواقعی که دعوت کننده (شورای مرکزی) است د ـ ارایه گزارشهای لازم به وزیر مسکن و شهرسازی درباره مسایلی که مورد استعلام قرارمی‌گیرد. ذ ـ ابلاغ دستورالعمل‌ها و مصوبات و بخشنامه‌های وزارت مسکن و شهرسازی به (نظام‌مهندسی استان) ها. ر ـ انتقال نظرات ، پیشنهادات و توصیه‌های وزارت مسکن و شهرسازی به اعضای (شورای‌مرکزی) و سایر اعضای (نظام مهندسی استان) ها و نظارت بر رعایت آنها. ز ـ انجام سایر وظایفی که از طرف (هیات عمومی) یا (شورای مرکزی) به (رییس سازمان) محول می‌شود و همچنین وظایفی که به منظور اداره (سازمان) ضروری است .

فصل دهم مقررات متفرقه (ماده ۱۱۷ تا ۱۲۴)

ماده ۱۱۷ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است به منظور یکسان نمودن روشها و ایجادوحدت رویه و جلوگیری از تعارضات در تهیه و تنظیم مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی ، ظرف‌شش ماه مبانی مذکور را با توجه به پیشنهادات واصل شده از (نظام مهندسی استان) ها و شورای فنیاستان‌ها و یا با جلب مشورت آنها تهیه نماید. تبصره ۱ ـ به منظور بررسی و تایید مبانی قیمت گذاری و قیمت خدمات مهندسی ، در وزارت‌مسکن و شهرسازی شورایی تحت عنوان (شورای بررسی و تایید مبانی قیمت گذاری خدمات‌مهندسی) مرکب از (۵) نفر کارشناس خبره به انتخاب وزیر مسکن و شهرسازی و (۲) نفر کارشناس‌به معرفی رییس سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شود که (۴) عضو آن از جمله دو عضو سازمان‌برنامه و بودجه ثابت و (۳) عضو آن بر حسب موضوعات مطروحه متغیر خواهد بود. شورای یادشده می‌تواند کمیته‌های تخصصی نیز داشته باشد. تبصره ۲ ـ فهرستهای قیمت خدمات مهندسی پس از تصویب وزیر مسکن و شهرسازی جهت‌اطلاع عموم آگهی خواهد شد. ماده ۱۱۸ ـ عوارض مربوط به صدور و

تمدید (پروانه اشتغال) یا المثنی بر اساس ماده (۳۸)قانون وصول برخی از در آمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ وصول می‌شودو به حسابی که به همین منظور توسط خزانه افتتاح می‌شود واریز می گردد. معادل صد درصد(۱۰۰٪) وجوه واریزی فوق از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر ساله منظورمی‌شود ، در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهد گرفت تا جهت تدوین مقررات ملی‌ساختمان ، نظام کنترل ساختمان ، توسعه نظام مهندسی ، کمك به (نظام مهندسی استان) ها و برقراری‌دوره‌های آموزشی در سطوح مختلف مذکور به مصرف برسد. ماده ۱۱۹ ـ ذیحسابان و مسوولان امور مالی موظفند نسخه‌ای از اسناد مالی مربوط به وجوهی‌را که در اجرای ماده (۳۹) (قانون) کسر یا وصول نموده و به حساب در آمد عمومی کشور واریزنموده‌اند در تهران برای وزارت مسکن و شهرسازی و در استانها به سازمان مسکن و شهرسازیاستان ارسال دارند تا وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به وجوه دریافتی هر ساله برنامه‌های لازم‌را جهت انجام وظایف و تحقق اهداف مندرج در (قانون) تهیه و به مورد اجرا گذارد شهرداریهاموظفند در هنگام صدور پروانه ساختمانی فیش واریز مبلغ تعیین شده موضوع ماده (۳۹) (قانون) به حساب خزانه که توسط وزارت مسکن و شهرسازی اعلام می‌شود را ، به عنوان یکی از مدارك‌صدور پروانه از متقاضی دریافت نماید. ماده ۱۲۰ ـ وزارت مسکن و شهرسازی و سازمانهای مسکن و شهرسازی استان ، تسهیلات‌لازم‌برای تاسیس و شروع به کار (سازمان) و (نظام مهندسی استان) ها را فراهم آورده و در تنظیم‌روابط آنان با دستگاههای اجرایی و مراجع قضایی در سطوح ملی و محلی با توجه به اهداف (قانون) اقدام می‌نماید. ماده ۱۲۱ ـ در اجرای ماده (۳۸) (قانون) به منظور تامین محل و مکان استقرار نهادهای (سازمان) نظیر (شورای مرکزی) ، (نظام مهندسی استان) ها و تشکل‌های تخصصی و مهندسی درشهرهای کشور وزارت مسکن و شهرسازی در مراکز استان‌ها جهت تامین زمین یا ساختمان ، متناسب با نیازهای (نظام مهندسی استان) مساعدت لازم را معمول می‌دارد تا بر اساس طرح‌مصوب ، نیازهای اداری و تاسیساتی تشکل مربوط در آن تامین شود. ماده ۱۲۲ ـ وزارت مسکن و شهرسازی ضمن بررسی عملکرد (نظام مهندسی استان) ها وگزارشهای (هیات عمومی) توصیه‌های لازم را ارایه خواهد داد. در صورتی که به توصیه‌های مذکورتوجه نشود و انحراف از اهداف (سازمان) حاصل شود ، وزارت مذکور پیشنهاد انحلال سازمان‌منتخب را به هیات مندرج در ماده (۲۶) (قانون) ارایه و بر اساس تصمیمات هیات مذکور عمل‌خواهد شد. تبصره ـ انجام وظایف قانونی (سازمان) و (نظام مهندسی استان) تا زمانی که تشکیل نشده وهمچنین در زمان تعطیل یا انحلال با وزارت مسکن و شهرسازی است و در هر حال وزارت مذکورموظف است ظرف مدت شش ماه نسبت به برگزاری انتخابات برای تشکیل سازمان‌های مذکوراقدام نماید. ماده ۱۲۳ ـ دستورالعمل‌های موضوع مواد این آیین نامه ظرف شش ماه به وسیله وزارت مسکن‌و شهرسازی تهیه و ابلاغ می‌شود و در موارد سکوت یا ابهام در نحوه اجرا یا اعمال مواد آیین نامه یادستورالعمل‌های مربوط طبق نظر وزیر مسکن و شهرسازی عمل خواهد شد. ماده ۱۲۴ ـ در اجرای مفاد ماده (۴۱) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان ـ مصوب ۱۳۷۴ ـدر مورد اجرا و نظارت بر طرحهای عمرانی (منظور در بودجه عمومی کشور) قانون برنامه و بودجه‌و ضوابط منبعث از آن جایگزین ضوابط مندرج در این آیین نامه خواهد بود.

مصوبه شورای عالی در خصوص هماهنگ نمودن صدور پروانه ، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان در سطح ش

شورای عالی اداری درسی و چهارمین جلسه مورخ ۱۳/۸/۱۳۷۱ ، بنا به پیشنهاد سازمان اموراداری و استخدامی کشور جهت بهبود سیستمها و روشها و گردش کار در ادارات با جهت‌گیری بالابردن کارایی دستگاههای اجرایی در خصوص هماهنگ نمودن صدور پروانه ، گواهی عدم خلاف وگواهی پایان ساختمان در سطح شهرداریهای کشور موارد ذیل را تصویب نمود: ۱ ـ صدور پروانه ، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان توسط شهرداریهای کشور طبق‌شناسنامه ساختمان که پیوست می‌باشد انجام می گردد. ۲ ـ شهرداریها مکلفند براساس مراحل ذیل نسبت به صدور شناسنامه ساختمان که حاوی‌پروانه ، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان

ساختمـان می‌باشـد اقـدام و به متقاضـی تسـلیم نماینـد: الف ـ حـداکثر ظرف مـدت هفت روز پس از دریـافت مـدارک لازم شامل درخواست پروانه ، نقشه‌محل وقوع ملک ، فتوکپی مدارک مالکیت رسـمی ، فتوکپی شناسـنامه ذینفع (مالک یا مالکین و درصورت مراجعه وکیل مالک ، فتوکپی وکالتنامه ، از محل بازدیـد و گزارش وضـعیت موجود ملک راجهت درج در پرونده تنظیم و با تعیین ضوابـط شـهرسازی حـاکم بر ملـک (شامـل نوع کـاربری ، میزان‌تراکم مجـاز ، تعـداد طبقـات ، حـدود تعریض و غیره آماده تحویل نقشه‌های معماری و محاسـباتی را به‌متقاضی ابلاغ نمایند در غیراینصورت لازم است علت عدم آماده تحویل نقشه‌ها را کتبا به ذینفع اعلام نمایند. تبصـره ـ بمنظور جلوگیری از اسـتعلامهای متعدد شهرداریها از دستگاههای اجرایی کلیه دستگاهها مکلفند در پایان هر سال طرحها و پروژه‌های ساختمانی و عمرانی مصوب خود را به منظور انعکاس در نقشه شهر به شهرداریها گزارش نمایند. نقشه‌های شهر بایـد به گونه‌ای به روز نگاه داشـته شونـد که در ابتـدای هر سال نشان دهنده وضع کالبدی شـهر در آن مقطع زمانی باشد. ب ـ حـداکثر ظرف مـدت پنـج روز پس از دریـافت نقشه‌هـای مربوطه بـا رعایت ضوابط اعلام شـده‌در بنـد الف و نیز مفاد ماده ۱۷ نظام مهندسـی ساختمان نسبت به ارایه کلیه برگهای پرداخت عوارض‌و سایر حقوق قانونی متعلقه به ملک مورد تقاضا اقـدام نمایند. ج ـ حداکثر ظرف مدت دو روز پس از پرداخت و تسـلیم قبوض عوارض فوق الذکر نسبت به‌صدور شناسنامه ساختمان که حاوی پروانه ساختمان می‌باشـد اقـدام نماینـد. تبصـره ـ شـهرداریها موظفنـد بتدریـج زمان مصـروفه مراحل صدور پروانه ساختمان را از ۱۴ روزبه حداکثر ۷ روز تقلیل دهنـد. ۳ ـ شـهرداریها موظفنـد حـداکثر ظرف مـدت دو روز پس از درخواست مالک یا مالکین جهت‌صـدور گواهی عـدم خلاف و انطباق ساختمان احداث شده با ضوابط فنی و شـهرسازی حاکم بر ملک‌نسبت به صدور گواهی عدم خلاف اقـدام و در غیر اینصورت لازم است علت عـدم صدور گواهی‌عدم خلاف کتبا به ذینفع اعلام گردد. ۴ ـ شهرداریها موظفند حداکثر ظرف مـدت دو روز پس از درخواست مالـک یـا مـالکین جهت‌صـدور گواهی پایـان ساختمـان و انطباق ساختمان احـداث شـده با ضوابط فنی و شـهرسازی حاکم برملک نسبت به صدور گواهی ساختمان ، به ذینفع اعلام شود. ۵ ـ وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن موظفنـد ظرف مـدت یکمـاه پس از تصـویب‌این مصوبه نسـبت به احصـا آن دسـته از خـدمات پسـتی مربوط به این مصوبه که توسط شرکت پست‌جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر می‌باشند اقدام نمایند. ۶ ـ از تاریخ ۱/۱۱/۱۳۷۱ شناسنامه ساختمان بعنوان یک سـند رسمی تلقی گردیده و در رابطه بااستعلامهای دستگاهها و ارگانهایی از قبیل وزارت مسکن و شهرسازی ، بانکها ، شرکت گاز ، برق وآب ، سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور ، وزارت امور اقتصادی و دارایی و... مورد اسـتناد می‌باشد. تبصـره ۲ ـ شهرداریهـا موظفنـد بتدریـج برای متقاضـیانی که قبلا پروانه ساختمان دریافت کرده‌انـدحسب درخواست متقاضـی نسبت به صـدور شناسنامه ساختمان اقدام نمایند. ۷ ـ شهرداریها مکلفند تمهیدات لازم جهت واگذاری فعالیتهای اجرایی و فنی مربوط به صدورپروانه ، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان را با هماهنگی وزارت کشور به اشخاص حقیقی‌و حقوقی که اعتبار و صلاحیت آنان به تایید مراجع ذیصـلاح رسیـده‌اند فراهم نمایند. تبصـره ۱ ـ این روش بمنظور سـهولت در امر مراحـل صـدور پروانه ، گواهی عـدم خلاف و گواهی‌پایان ساختمان می‌باشـد لیکن متقاضـی در صورت تمایل می‌توانـد از طریق شـهرداریها نسبت به‌موارد فوق الـذکر اقدام نماید. تبصـره ۲ ـ نظـارت بر حسن جریـان امور و کنترلهـای لازم در چهـارچوب مقررات به‌عهده‌شـهرداریها خواهـد بود. ۸ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف مدت ۲ ماه پس از تصویب طرحهای‌شهرسازی زمینهای موات شهری را در طرحهای مصوب مشـخص نمایـد. تبصـره ـ وزارت مسـکن و شـهرسازی (سازمـان زمین شـهری موظف است تا تحقق بنـد فوق پس از وصول استعلام از شهرداریها در خصوص نوع زمین حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز اقدام نماید. ۹ ـ شهرداریها موظفند به منظور حسن اجرای ماده ۷ قانون زمین شـهری مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۶ ، با اخـذ تعهـد از مالک مبنی بر عدم اسـتفاده از مزایای فوق نسـبت به صدور پروانه ساختمـانی اقـدام وهمزمـان از وزارت مسـکن و شـهرسازی (سازمـان زمین شـهری اسـتعلام بعمل آورده و در صورت‌خلاف ادعای مالک نسـبت به ابطال پروانه اقـدام نمایند. ۱۰ ـ وزارت کشـور و شـهرداریها مسول اجرای این مصوبه بوده و دبیرخـانه شورای‌عـالی

اداری گزارش پیشرفت این مصوبه را هر سه ماه یک بار به شورای عالی اداری ارایه خواهد نمود. معاون رییس جمهوری و دبیر شورای عالی اداری ـ سید منصور رضوی

آیین نامه طرح ساختمان در برابر زلزله – مصوب ۲۴ مهر ۱۳۶۷ هیات وزیران

۱ ـ کلیه مقررات فنی آیین نامه مذکور ، به استثنا آن دسته از ضوابط موجود در آن که تحت عنوان توصیه پیشنهاد شده است بعنوان مقررات الزامی برای تامین ساختمانها در برابر زلزله به ترتیبی که‌در بندهای آتی تعیین گردیده به موقع اجرا گذارده خواهد شد و وزارت مسکن و شهرسازی مکلف به ارسال آن به کلیه مراجع ذیربط خواهد بود. ۲ ـ مفاد آیین نامه مزبور از تاریخ تصویب جایگزین مبحث زلزله در نشریه استاندارد شماره ۵۱۹موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی جمهوری اسلامی گردیده و کلیه مهندسین و طراحان ودستگاههای اجرایی و اجرا کنندگان ساختمان موظف به رعایت آن می‌باشند. در مورد ساختمانهای بسیار با اهمیت نظیر مراکز امدادی که بالضروره بایستی در مواقع بروز زلزله‌های شدید از ورودآسیب مصون بمانند ، دستگاههای اجرایی مسئول مجاز خواهند بود در طراحی و محاسبه و اجرایانها با جلب نظر مراجع مذکور در ماده ۱۳ قانون نظام معماری ، ایمنی اینگونه ساختمانها را از آنچه‌در آیین نامه پیش‌بینی گردیده بالاتر ببرند. ۳ ـ استفاده کنندگان از این آیین نامه مجازند در اجرای موادی که طی آنها استفاده کننده به منابع معتبر دیگر ارجاع داده شده مادام که برای اینگونه موارد آیین نامه کلی و مرجع فنی داخلی تصویب‌نشده به تشخیص خود به سایر منابع فنی معتبر مراجعه کنند اما مسئولیت صحت تشخیص وایمنی کامل ساختمان به‌عهده ایشان خواهد بود. ۴ ـ رعایت آیین نامه فوق در طراحی ، محاسبه و اجرای ساختمانهای واقع در شهرهاییکه مشمول‌تبصره ۲ ماده ۶ قانون اصلاحی نظام معماری و ساختمانی مصوب ۱۳۵۶ می‌باشند الزامی است ودر شهرهاییکه از این پس نیز مشمول تبصره فوق الذکر می گردند از زمان شمول الزامی خواهد گردید. ۵ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است با جلب نظر وزارت کشور ظرف مدت یکسال‌آیین نامه های تکمیلی و در مرحله نخست آیین نامه ساختمانهای ساخته شده با مصالح بنایی مسلح‌را تدوین و ابلاغ نماید. ۶ ـ تجدیدنظر در مواد فنی آیین نامه فوق عنداللزوم و هر ۵ سال یکبار به‌عهده وزارت مسکن وشهرسازی و با رعایت تشریفات ماده ۱۳ قانون نظام مهندسی معماری و ساختمان خواهد بود.

آیین نامه اجرایی ماده (۲۷) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان – مصوب ۳/۸/۱۳۷۹ هیات وزیران

ماده ۱ ـ تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات مندرج در آیین نامه با توجه به قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و آیین نامه های آن به شرح زیر تعریف می‌شود: الف ـ سازمان استان سازمان نظام مهندسی ساختمان استان ب ـ شورای مرکزی شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان ج ـ مهندس واجد شرایط مهندس دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی معتبر که بر اساس‌آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۷۵ هیات وزیران ودستورالعمل مصوب وزارت مسکن و شهرسازی ، در یک یا چند رشته تخصصی مهندسی ، صلاحیت ارایه خدمات مهندسی کارشناسی را دارا باشد. د ـ خدمات مهندسی کارشناسی کلیه خدمات مهندسی از قبیل طراحی ، محاسبه ، نظارت ، اجرا ، بهره‌برداری ، کنترل و بازرسی ، آزمایش ، متره ، برآورد ، ارزیابی و تقویم ، تشخیص علل خرابی که درچهار چوب معیارهای پذیرفته شده تخصصی قابل عرضه بوده و در زمره امور حرفه‌ای ناشی ازپروانه اشتغال موضوع قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان یا عضویت در سازمان استان‌می‌باشد. ه ـ مراجع درخواست کننده وزارتخانه‌ها ، موسسات دولتی ، نهادهای عمومی غیر دولتی ، نیروهای نظامی و انتظامی ، شرکتهای دولتی و شهرداریها که متقاضی خدمات مهندسی کارشناسی‌باشند. ماده ۲ ـ مرجع درخواست کننده می‌تواند به موجب ضوابط این آیین نامه برای خدمات‌مهندسی

کارشناسی از سازمان استان درخواست معرفی مهندس یا مهندسان واجد شرایط نماید. دراین صورت سازمان استان فرد یا افرادی را بر اساس دستورالعمل خاصی که از سوی شورای مرکزی‌سازمان نظام مهندسی پیشنهاد و به تصویب وزارت مسکن و شهرسازی می‌رسد ، انتخاب و به‌مرجع درخواست کننده معرفی می‌کند. ماده ۳ ـ مرجع درخواست کننده (مهندس) یا (مهندسان) واجد شرایط ، باید در برگ درخواست‌خود موارد زیر را درج کند: الف ـ موضوع خدمات مهندسی کارشناسی درخواستی اعم از امور تخصصی یا ارزیابی با ذکرجزییات لازم . ب ـ تعداد (مهندسان) واجد شرایط مورد درخواست و تخصصهای هر یک از آنان ج ـ محل انجام خدمات مهندسی کارشناسی د ـ مهلت زمانی معرفی (مهندس) یا (مهندسان) واجد شرایط ه ـ مهلت زمانی برای اعلام نظریه خدمات مهندسی کارشناسی و ـ تعهد پرداخت حق‌الزحمه خدمات مهندسی کارشناسی بر اساس تعرفه مندرج در ماده (۶)این آیین نامه . ماده ۴ ـ معرفی مهندس یا مهندسان واجد شرایط به مرجع درخواست کننده ، تنها توسط‌سازمان استان با رعایت ماده (۷۴) آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان صورت‌می گیرد و مراجع درخواست کننده برای خدمات مهندسی کارشناسی ، مجاز به مراجعه مستقیم به‌مهندسان دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی موضوع این آیین نامه نیستند. ماده ۵ ـ نظریه مهندس یا مهندسان معرفی شده از طرف سازمان استان ، پس از ثبت در دفترسازمان استان ، توسط هیات مدیره سازمان استان به مرجع درخواست کننده ارسال یا تسلیم خواهدشد. ماده ۶ ـ تعرفه حق‌الزحمه خدمات مهندسی کارشناسی موضوع این آیین نامه ، عینا معادل تعرفه‌مربوط به دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری است و در مواردی که تعرفه خاصی وجود ندارد ، درچهارچوب بند (۱۵) ماده (۱۵) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان به پیشنهاد هیات مدیره‌سازمان استان و تصویب وزیر مسکن و شهرسازی تعیین خواهد شد. ماده ۷ ـ مرجع درخواست کننده مهندس یا مهندسان واجد شرایط مجاز به پرداخت مستقیم حق‌الزحمه خدمات مهندسی کارشناسی به فرد یا افراد معرفی شده نیستند و باید حق الزحمه مربوطرا به حساب سازمان استان واریز و یک نسخه از فیش بانکی را به سازمان استان مذکور تسلیم کنند.سازمان استان پس از وصول اصل نظریه مهندس یا مهندسان معرفی شده ، حق‌الزحمه را بعد از کسر کسورات زیر به مهندس یا مهندسان معرفی شده پرداخت می کند: الف ـ پنج درصد (۵٪) بابت مالیات علیالحساب موضوع ماده (۱۰۴) قانون مالیاتهای مستقیم‌به حساب وزارت امور اقتصادی و دارایی ب ـ پنج درصد (۵٪) به حساب سازمان استان بابت ارجاع کار در چهار چوب ماده (۳۷) قانون‌نظام مهندسی و کنترل ساختمان ماده ۸ ـ هرگاه مرجع درخواست کننده تخلفی از مهندس یا مهندسان معرفی شده توسط سازمان‌استان مشاهده کند ، باید موضوع را به هیات مدیره سازمان استان و شورای انتظامی نظام مهندسی‌ساختمان استان مربوط گزارش کند. ماده ۹ ـ مرجع درخواست کننده و سازمان استان مکلفند جهات رد مهندس یا مهندسان معرفی‌شده را که همان جهات رد مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری است ، بررسی و از عدم شمول آن‌اطمینان حاصل کنند ، این تکلیف متوجه مهندس یا مهندسان معرفی شده ، نیز می‌باشد. عدم رعایت‌این ماده از ناحیه مرجع درخواست کننده ، تخلف اداری و از ناحیه سازمان استان و مهندس ومهندسان معرفی شده ، تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

مصوبات شورایعالی شهرسازی و معماری

دستورالعمل تشخیص اساس طرح جامع شهر – مصوب ۲۳/۱۲/۶۳ (بند ۱)

از آنجا که در تشخیص اساس طرح جامع موضوع ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی ومعماری ایران تا کنون ابهامات و اشکالاتی وجود داشته است (دستورالعمل تشخیص اساس طرح‌جامع شهر) که مبتنی بر تعاریف مندرج در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن‌و شهرسازی و تعیین وظایف آن ، مصوب بیست و دوم اسفند ۱۳۵۱ می‌باشد ، به شرح ذیل تصویب‌می گردد: الف کلیات محتوای نظری طرح جامع سرزمین که در تهیه طرحهای جامع شهرها به عنوان‌مبانی به کار می‌رود به

قرار زیر است ۱ ـ ضرورتها و برنامه‌های افزایش جمعیت و توسعه ۲ ـ اولویتهای ملی و اقتصادی و زیست محیطی بهره‌وری سرزمین و محدودیتهای توسعه ناشی از آنها مثل کمبود آب به عنوان مهمترین عامل تعیین نوع بهره‌وری ۳ ـ نقش و عملکرد اصلی شهر (در حال و آینده ، صنعتی کشاورزی ، خدماتی ، جهانگردی ، مختلط و غیره و اهمیت آن در منطقه و کشور. ۴ ـ برنامه‌های هماهنگ عمرانی بخشهای عمومی و خصوصی ۵ ـ ضرورتها و مبانی دیگر. ب محتوای اصلی یا اساس طرح جامع شهر: ۱ ـ ساخت شهر و توسعه ۱ ـ ۱ ـ مشخصات ساختی و کالبدی (مثل متمرکز ، شعاعی ، خطی ، پیوسته ، ناپیوسته وغیره ۱ ـ ۲ ـ تعیین حوزه عملکردهای اصلی (کاربریهای عمده و موثر شهر) ۱ ـ ۳ ـ خطوط کلی و نظام شبکه ارتباطی (و تسهیلات شهری عمده مثل خط آهن شهری ، فرودگاه و غیره ۱ ـ ۴ ـ نظام تقسیمات واحدهای شهری (مثل مناطق و محلات و غیره ۱ ـ ۵ ـ تعیین عناصر و بافتهای خاص (تاریخی ، صنعتی و اقلیمی و مناطق نوسازی و بهسازی ۲ ـ جهات و حدود کلی توسعه و ظرفیت شهر ۲ ـ ۱ ـ احتمالات جمعیتی و ظرفیت جمعیت پذیری ۲ ـ ۲ ـ منابع و محاسبات ظرفیت زیربناهای شهری ۲ ـ ۳ ـ حدود کلی تراکم جمعیت شهر. ۲ ـ ۴ ـ محدوده استحفاظی یا حریم شهر. ۳ ـ معیارها و ضوابط و مقررات در مورد: ۳ ـ ۱ ـ سرانه مصارف مختلف و کاربری زمین ۳ ـ ۲ ـ استقرار عملکردهای مختلف در داخل واحدهای تقسیمات شهری مثل مناطق و محلاتو غیره ۳ ـ ۳ ـ چگونگی توزیع تراکم جمعیت ۳ ـ ۴ ـ عناصر و بافتهای خاص و مناطق نوسازی و بهسازی ۳ ـ ۵ ـ حفظ بنا و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی ۴ ـ ۶ ـ کلیات معماری سیمای شهری ، بافت و ساختمان با توجه به سنن فرهنگی و ویژگیهای اقلیمی ۳ ـ ۷ ـ حفاظت محیط زیست تبصره ۱ ـ علاوه بر اینکه در صورتی که نیاز به توضیحات کلی و موردی بیشتر باشد و به‌منظور راهنمایی کمیسیون ماده ۵ و رفع ابهام و اشکال و اختلاف نظر ، موضوع تبصره ماده ۷ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در صورتی که خارج از چارچوب این دستورالعمل نباشد وزارت مسکن و شهرسازی می‌تواند راسا اقدام نماید. تبصره ۲ ـ همانطور که نقشه‌های تفصیلی توسط مهندسین مشاور تهیه می‌شود ، مطالعات‌لازم برای بررسی تغییرات نیز بایستی بوسیله مهندسین مشاور با وزارت مسکن و شهرسازی انجام‌شود. با تصویب این دستورالعمل ، دستورالعمل مربوط به تشخیص نوع مغایرتهای اساسی و طرحهای تفصیلی با طرحهای جامع که در تاریخ ۱۵/۱۲/۱۳۶۲ به تصویب رسیده و کلیه دستورالعملهای مغایر دیگر لغو می گردد.

منع احداث و توسعه و ضرورت خروج تدریجی تاسیسات نظامی از محدوده و حریم استحفاظی شهر – مصوب ۲۳/۱۲/۶۳ (

احداث و توسعه تاسیسات نظامی از قبیل پادگانها و میادین آموزشی و تمام یا هر قسمت از هرگونه تاسیسات دیگر متعلق به واحدهای نظامی و انتظامی ه عملکرد شهری ندارند در داخل‌محدوده و حریم استحفاظی شهرها ممنوع است و تاسیسات مشابه موجود لازم است طی برنامه‌تدریجی از محدوده و حریم شهرها خارج شده و اراضی و ساختمانهای باقیمانده با رعایت اولویتهای شهری به مصارف عمومی تبدیل شود. تبصره ـ (اضافه شده بر اساس مصوبه مورخ ۱۱/۳/۶۶) در صورتی که در برخی از شهرها استثنائا بنا به مصالحی که شورایعالی دفاع تشخیص دهد که‌خروج تدریجی تاسیسات مذکور در بند ۵ مستلزم زمان بیشتری باشد، مراتب از طریق شورای عالی‌شهرسازی و معماری ایران به دستگاههای ذیربط ابلاغ خواهد شد.

تصویب طرحهای ملی موثر در توسعه شهرها توسط شورایعالی شهرسازی و معماری ایران – مصوبه مورخ ۲۳/۱۲/۶۳ (ب

با توجه به لزوم تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران نسبت به طرح جامع سرزمین طبق تبصره ذیل بند (ز) از ردیف ۱ ماده ۳ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن و طرح جامع شهر طبق ردیف ۳ از ماده ۲ قانون تاسیس شورایعالی شهرسازی و معماری ایران موارد زیر بایستی به تصویب شورایعالی شهرسازی ومعماری ایران‌برسد:

۶ ـ ۱ ـ هر طرح ملی که در شـهر یـا حریـم استحفاظی آن اجراء شود، در صـورت مغـایرت یـا عـدم‌پیش‌بینی طرح جـامع ۶ ـ ۲ ـ دستورالعمل‌ها و تغییر سیاستهای هریـک از دستگاههای اجرایی که در چگونگی رشد وتوسعه و اساس طرح جامع هر شـهر تاثیر خواهد گذاشت ۶ ـ ۳ ـ هرگونه طرح یا سیاستگذاری یا مقرراتی که عملکرد و تاثیر منطقه‌ای و ملی داشته و در واقع جزیی از طرح جامع سرزمین محسوب می‌شود.

متن اصلاح شده مصوبه ۱۹/۱۱/۶۴ شورای عالی شهرسازی ومعماری ایران – مصوب ۷/۲/۶۶

۱ ـ شـهرداریهایی که دارای طرح جامع می‌باشـند می‌تواننـد در قبـال اضـافه ارزشـی که برای هر یك از قطعات اراضـی شـهر بر اثر ضوابط منطقه بنـدی و تعیین تراکم هـای ساختمانی و کاربری اراضـی بیش از قیمت اراضـی در مناطق مسکونی با تراکم کم ایجاد می‌شود ، با تعیین شورای شهر (مستند به‌بند ۱ماده ۳۵ قانون تشکیل شوراهای اسلامی و تایید وزارت کشور ، مستند به تبصره بند ۸ ماده۴۵ قـانون شـهرداریها و تبصـره آن عوارض اختصاصـی به تنـاسب میزان اضـافه ارزش حاصـله وضع ووصول نموده و در حسابی جـداگانه به نام (درآمد حاصـله از فعالیتهای اقتصادی در ساختمانهای شـهری) نگهداری کرده و صـرفاً در تهیه طرحهای توسـعه و عمران شـهری و اجرای آن با نظر شورای شهر و عاملیت دستگاههای مربوطه به مصرف برسانند. ۲ ـ در مورد ساختمانها و تاسیسات ناهماهنگ با کاربریهای مصوب که بعد از تصویب طرح‌جامع و ضوابط منطقه بندی مقرر در طرحهای جامع و تفصـیلی بدون پروانه احداث گردیده و همچنین در مواردی که علیرغم تعیین نوع استفاده از ساختمان در پروانه صادره در مناطق غیرتجاری ، محل کسب و پیشه و یا تجارت احـداث گردیده و یا به هر حال شـرایط کاربری مقرر در پروانه‌ساختمان رعایت نشده باشد ، شـهرداری می‌تواند در صورتی که ضوابـط مربوط به وصول عوارض اختصاصـی از اضافه ارزش حاصـله بر اثر امتیازات کاربری و تراکمهای ساختمانی را به تصویب شورای شهر و تایید وزارت کشور رسانیده باشد ، بنابر تقاضای صاحب ملك و یا صاحب محل‌کسب و پیشه ، و تعهد قبول پرداخت عوارض اختصاصـی مربوط بر طبق تعرفه مصوب توسط آنها ، قبل از طرح موضوع در کمیسـیون ماده ۱۰۰ و قلع بنا یا تعطیل محل کسب و پیشه مورد را درکمیسـیون طرح تفصیلی موضوع ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مطرح سازد. هرگاه کمیسیون مذکور با استفاده از تعدیل ضوابط منطقه بندی تشخیص دهد که ساختمانها وتاسیسات احداث شده و بهره برداری از آنها لطمه اساسـی به توازن و تناسب شـهر وارد نمی‌سازد ودر اساس طرح جامع شـهر موثر نیست و لهذا با اصـلاح و تعدیل کاربری آن موافقت نماید شـهرداری‌بابت ساختمانها و تاسـیسات مذکور عوارض اختصاصی مقرر را بر اساس ضابطه مندرج در بند (۱)فوق وصول و با صـدور گواهی پایان کار یا عـدم خلاف و یا ادامه کار محل کسب و پیشه موافقت خواهد نمود. ولی در صورتی که کمیسـیون مذکور با اصلاح و تعدیل ضوابط کاربری موافقت ننمایدو یا آن را مغایر با توازن و تناسب آن منطقه از شهر و یا مغایر با اساس طرح جامع تشـخیص دهدبرابر مفاد تبصـره ۱ ماده ۱۰۰ و تبصره بند ۲۴ الحاقی به ماده ۵۵ قانون شهرداری رفتار خواهد شد. تبصـره ـ منظور از رعایت اساس طرح جامع و توازن و تناسب شهر ، رعایت حدود و سقفهای‌کلی است که در طرحهای جامع هم برای مقادیر کاربریهای مختلف و هم در ضوابط مکانیابی آنهاتعیین شـده است الویتهای مصارف درآمد حاصل ازعوارض اختصاصـی موضوع بند ۱ بـه شـرح زیر از طرف شـورای عـالی شـهرسازی و معمـاری به وزارت کشـور پیشـنهاد می‌شـود. ۱ ـ تهیه طرحهای جامع و تفصـیلی و هادی و توسـعه و عمران شـهری ۲ ـ اصـلاح و احداث شـبکه ارتباطی ۳ ـ بهسـازی و نوسازی و بافتهای کهنه و قـدیمی ۴ ـ بهبود و توسـعه منـابع و شـبکه آبرسانی (اگر انجام آن بعهـده شـهرداری باشـد) ۵ ـ کمـک به تملك و احـداث ساختمانهای آموزشی

مقررات ایمن سازی و احداث پناهگاه در ساختمانهای مسکونی و عمومی شهری مصوب شورایعالی شهرسازی و معماری

به منظور حفاظت جان ساکنین و استفاده کنندگان از کلیه ساختمانهای مسکونی و عمومی‌شهری در مقابل اثرات بمبهای انفجاری معمولی از تاریخ اعلام ضوابط توسط وزارت مسکن وشهرسازی طبق اصول کلی زیر ایمن سازی ساختمان و یا احداث پناهگاه در کلیه ساختمانهای‌مسکونی و عمومی شهری الزامی خواهد بود و شهرداریها و سایر مراجع مسوول صدور پروانه ساختمان و نظارت بر اجرای آن موظفند فقط برای نقشه‌های ساختمانی که اصول و ضوابط ایمن‌سازی و یا احداث پناهگاه در آنها رعایت شده باشد پروانه ساختمان صادر و در اجرای صحیح آن‌نظارت نمایند. ۱ ـ ضوابط اجرای مربوط به موقعیت ، ابعاد و مشخصات فنی ، تاسیسات هوارسانی ، تاسیسات الکتریکی ، تاسیسات وتجهیزات آب و فاضلاب و همچنین تدابیر و تجهیزات مربوط به مقابله با اثرات بمبهای شیمیایی و سایر مقررات لازم در زمینه ایمن سازی و یا احداث پناهگاه متناسب با وضع و اهمیت هر یک از انواع ساختمانها حداکثر ظرف ۳ ماه توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ خواهد شد. وزارت مسکن و شهرسازی نحوه استفاده از انواع مصالح و روشهای ساختمانی به صورت تمام بتونی یا ترکیب بتون و مصالح بنایی و یا تماما از مصالح بنایی را متناسب با ظرفیت ، ابعاد و سایر مشخصات فنی به منظور ایجاد حداکثر تسهیلات جهت نیل به اهداف این مصوبه برای مردم تنظیم و تدوین خواهد نمود. ۲ ـ وزارت مسکن و شهرسازی تدریجا متناسب با پیشرفت امکانات و مقدورات مردم و دولت ، برای بالا بردن درجه ایمنی ، ضوابط ایمن سازی و یا احداث پناهگاه را تکمیل خواهد نمود. ۳ ـ در ساختمانهای مسکونی استفاده از مقدار معینی از ساختمان که ایمن سازی شده و یا پناهگاه که طبق نقشه‌های ساختمانی و پروانه‌های صادره و ضوابط این مصوبه به هر واحد مسکونی تعلق دارد منحصرا حق ساکنین و استفاده کنندگان از آن واحد مسکونی است ۴ ـ بکاربردن تجهیزات مربوط به مقابله با اثرات بمبهای شیمیایی در ایمن سازی ساختمانهای مسکونی و کمتر الزامی نیست مگر آنچه که تامین آن پس از اجرای ساختمان مقدور نباشد. ۵ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است طرح مقررات حمایتی و تشویق ایمنی سازی و یا احداث پناهگاه از جمله استفاده از تسهیلات بانکی را برای تصویب مراجع قضایی حداکثر ظرف‌مدت ۳ ماه تهیه نماید

ضوابط حفظ حریم و اراضی مجاور راهها در محدوده استحفاظی و حریم شهرها – مصوب مورخ ۱/۳/۶۸

به منظور کنترل ساخت و سازهای اطراف جاده‌های بین شهری و کمربندیها که عموما منجر به توسعه بی رویه به سمت جاده‌های مذکور می‌گردد ، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۱/۳/۶۸ ضوابط زیر را تصویب نمود: ۱ ـ اراضی واقع در حد فاصل جاده‌های کمربندی و محدوده قانونی شهرها و همچنین تا عمق ۱۵۰ متر از حد حریم قانونی راه در بر خارجی جاده‌های مذکور چنانچه در خارج از محدوده استحفاظی طرحهای مصوب جامع یا هادی واقع شده‌اند به محدوده‌های مذکور اضافه می‌گردندمگر اینکه فاصله کمربندی از محدوده و وسعت اراضی فیمابین به حدی باشد که در طول عمر طرح تاثیری در میزان و جهت گسترش شهر نداشته و اجرای مقررات نظارت بر حریم استحفاظی را عملاغیر ممکن بسازد که تشخیص آن با کمیسیون ماده ۵ شورایعالی شهرسازی و معماری ایران درشهرهای دارای طرح جامع و مراجع و مقامات مسوول بررسی و تصویب طرحهای هادی حسب‌مورد خواهد بود. ۲ ـ ایجاد هرگونه ساختمان و تاسیسات تا عمق ۱۵۰ متر ، از بر حریم راه در طرفین جاده‌های‌واقع در حریمهای استحفاظی و همچنین ایجاد هر نوع راه دسترسی هم سطح به جاده‌های مذکورممنوع است ۳ ـ احداث هرگونه ساختمان و تاسیسات در طرفین کلیه راههای بین شهری واقع در محدوده‌استحفاظی و حریم شهرها به عمق ۱۵۰ متر مربع از بر حریم قانونی راه و همچنین ایجاد راههای‌دسترسی هم سطح به جاده‌های اصلی ممنوع است مگر در مورد کاربریهای خاص که هم محل کاربری و هم راههای دسترسی لازم عینا در قالب طرحهای مصوب جامع و تفصیلی و هادی ترسیم‌شده یا ضوابط مربوط به آنها تعیین شده باشد. تبصره ـ تاسیسات لازم برای بهره‌برداری (کاشت ، داشت و برداشت از زمینهای کشاورزی وباغات و همچنین خطوط پایه‌های

انتقال نيروی برق و شبکه‌های مخابراتی ، پلها و تونلهای واقع درمسير راهها ، لوله‌های انتقال نفت و گاز ، کانالها و شبکه‌های آبياری خطوط و لوله‌های آبرسانی ، سيل‌بندها و سيل گيرها ، از شمول بندهای فوق مستثنی و تابع قوانين و مقررات مربوط به خود هستند. کميسيونهای ماده ۵ يا مراجع تصويب طرحهای هادی برحسب مورد و در صورت لزوم‌می‌توانند جاده‌های ارتباطی ديگری را نيز که از شهرها به روستاها و يا نقاط ديگری در اطراف شهرمنتهی می‌شوند مشمول اين مقررات بنمايند که در اين صورت حريم حفاظتی آنها تا ۵۰ متر قابل‌تقليل است همچنين در قالب طرحهای به سازی يا هادی روستايی مورد طراحی قرار گيرد تا ۵۰ مترقابل تقليل است (بند ۳ مصوبه به موجب مصوبه مورخ ۳/۲/۶۹ شورايعالی شهرسازی و معماری ايران به شرح‌فوق اصلاح شده است) ۴ ـ کليه کارگاهها و واحدهای صنعتی و صنفی و تجاری و خدماتی و نظاير آن موجود در دوطرف راههای موضوع اين مصوبه می‌بايست به مجموعه‌های متمرکز جديد منتقل شوند. شهرداريها در مورد حريم موضوع ماده ۹۹ و مراجع مسوول صدور پروانه و نظارت در حدفاصل حريم شهرداری تا محدوده نهايی طرحهای جامع و هادی موظفند محلهای مناسب برایانتقال اين گونه واحدها را با همکاری ادارات کل مسکن و شهرسازی استانها بر اساس طرحهای‌مصوب توسعه شهری تعيين و تسهيلات لازم را برای انتقال فراهم نمايند و وزارت مسکن وشهرسازی با استفاده از امکانات سازمان زمين شهری و خصوصا با استفاده از اراضی دولتی تحقق‌امر فوق را تسهيل خواهد کرد. محلهای قبلی بر اساس تصويب مراجع قانونی مقرر حسب مورد به فضاهای سبز و يا سايرکاربريهای عمومی تبديل و اعمال هرگونه کاربری خصوصی مغاير با آن ممنوع است .

ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای عبور و مرور معلولين – مصوب مورخ ۸/۳/۶۸

شورايعالی شهرسازی و معماری ايران در جلسه مورخ ۸/۳/۶۸ پيشنهاد وزارت مسکن وشهرسازی در ارتباط با رفع موانع شهرسازی و معماری در عبور و مرور ، دسترسی به اماکن و فضاهاو تجهيزات عمومی شهری به منظور تامين امکانات شرکت افراد دارای معلوليتهای گوناگون جسمی‌در زندگی روزمره جامعه را به شرح زير تصويب نمود: ۱ ـ از اين تاريخ در کليه طرحهای آتی و در دست تهيه شهرکسازی و مجتمع‌های مسکونی وساختمانی سراسر کشور اعم از اينکه توسط دستگاههای دولتی و وابسته به دولت و شهرداريها و يابخش خصوصی تهيه گردند ، رعايت ضوابط موضوع فصل اول مجموعه پيوست که شامل ضوابط برنامه ريزی و طراحی برای تسهيل حرکت معلولين سطح شهر می‌باشد الزامی بوده و کليه مراجع مسوول تهيه ، بررسی و تصويب و اجرای طرحهای توسعه شهری ، شهرك سازی و مجتمع های ساختمانی و مسکونی موظفند در مراحل مختلف تصويب و صدور پروانه و نظارت ضوابط مذکوررا رعايت نمايند. ۲ ـ به منظور رفع موانع شهری موجود لازم است که اصلاحات موضوع فصل دوم فورا و تا قبل‌از تهيه و يا تجديدنظر توسعه شهری به منظور نزديکتر کردن شرايط موجود به استاندارد توسط‌مراجع مسوول عمران شهری با توجه به اولويت هر يك به اجرا در آيد. ۳ ـ رعايت ضوابط فصل سوم در طراحی کليه ساختمانهای موضوع فصل مذکور برای تهيه‌کنندگان طرحهای فوق الذکر الزامی است و مراجع مسئول صدور پروانه و نظارت ساختمانی‌موظف به اجرای صحيح و دقيق آن هستند. کليه ساختمانهای عمومی موضوع اين آيين نامه به خصوص ادارات دولتی موجود بايد تدريجابا شرايط اين آيين نامه تطبيق داده شوند. تشخيص ميزان طبق اين ضوابط و زمان لازم برای اعمال آن‌به عهده کميسيونی مرکب از نمايندگان سازمان بهزيستی بنياد جانبازان و وزارت مسکن وشهرسازی خواهد بود. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است تضمين قانونی اعمال اين ضوابطرا از مراجع ذيربط کسب نمايد. ۴ ـ اعمال ضوابط و مقررات فصل چهارم فعلا اختياری بوده ولی بر حسب تشخيص کميسيون‌موضوع بند ۳ و با استفاده از تضمين قانونی که کسب خواهد شد الزام آور خواهد گرديد. ۵ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است حداکثر هر ۵ سال يك بار با جلب نظر سازمان‌بهزيستی و بنياد جانبازان ضوابط و مقررات موضوع اين مصوبه را مورد بازنگری و تطبيق با شرايطو امکانات جديد قرار داده و برای تصويب به شورايعالی شهرسازی و معماری پيشنهاد نمايد.

لزوم مطابقت کلیه طرحهای آماده‌سازی با طرحهای جامع تفصیلی و هادی – مصوب مورخ ۱۸/۱۰/۶۸ (بند ۴)

مصوب مورخ ۱۸/۱۰/۶۸ (بند ۴) ب با توجه به لزوم حفظ حریم تصفیه خانه‌های فاضلاب به لحاظ مشکل بو و سایر عوامل زیست محیطی اولاـ در انتخاب موقعیت مکانی تصفیه خانه‌ها کلیه مسایل فنی و زیست محیطی رعایت گردد و ثانیا: کلیه دستگاههای ذیربط موظفند از هرگونه ساخت و ساز تا حریم ۶ کیلومتری تصفیه خانه جلوگیری نمایند، ضمنا لازم است توسط مسئولین مربوطه کمربند درختکاری دراطراف تصفیه‌خانه‌ها ایجاد شود.

اصلاحیه بند ۳ ضوابط حفظ حریم و اراضی مجاور راهها در محدوده استحفاظی مصوب ۱/۳/۶۸ – از مصوبه ۳/۲/۶۹

بند ۳: احداث هرگونه ساختمان و تاسیسات در طرفین کلیه راههای بین شهری واقع در محدوده‌استحفاظی و حریم شهرها به عمق ۱۵۰ متر از بر حریم قانونی راه و همچنین ایجاد راههای دسترسی‌هم سطح به جاده اصلی ممنوع است مگر در مورد کاربری های خاص که هم محل کاربری و هم راههای دسترسی لازم عینا طرحهای مصوب جامع و تفصیلی و هادی ترسیم شده یا ضوابط مربوط به آنها تعیین شده باشد. تبصره ۱: تاسیسات لازم برای بهره برداری (کشت ، داشت و برداشت از زمینهای کشاورزی و باغات وهمچنین خطوط پایه‌های انتقال نیروی برق و شبکه‌های مخابراتی ، پلها ، و تونلهای واقع درمسیر راهها ، لوله‌های انتقال نفت و گاز ، کانالها و شبکه‌های آبیاری خطوط لوله‌های آبرسانی ، سیل‌بندهای و سیل گیرها ، از شمول بندهای فوق مستثنی و تابع قوانین و مقررات مربوط به خودهستند. کمیسیونهای ماده ۵ مراجع تصویب طرحهای هادی حسب مورد و در صورت لزوم می‌توانندجاده‌های ارتباطی دیگری را نیز که از شهر به روستاها و یا نقاط دیگری در اطراف شهر منتهی‌می‌شوند مشمول این مقررات بنمایند که در این صورت حریم حفاظتی آنها تا ۵۰ متر قابل تقلیل‌است همچنین حریم حفاظتی جاده‌های بین شهری در مواردی که از روستا عبور می‌نمایند نیزچنانچه در قالب طرحهای بهسازی یا هادی روستایی مورد طراحی قرار گیرد تا ۵۰ متر قابل تقلیل‌است

بررسی مصوبات قبلی کمیسیونهای ماده ۵ – مصوب مورخ ۱۷/۱۰/۶۹

شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه ۱۷/۱۰/۶۹ مقرر نمود که واحد شهرسازی ومعماری مصوبات قبلی کمیسیونهای ماده ۵ را از لحاظ عدم مغایرت با مصوبات شورای عالی و تطبیق با حدود اختیارات قانونی کمیسیونهای ماده ۵ بررسی نموده و نتایج را برای اتخاذ تصمیم درباره لغو مغایرتها تا ابتدای سال ۱۳۷۰ در شورای عالی مطرح نمایند و منبعد نیز هر سه ماه یکبار گزارشی از کلیه کمیسیونهای ماده ۵ در این راستا جهت بررسی مغایرتها در شورای عالی مطرح نماید.

ضوابط و مقررات افزایش تراکم و بلند مرتبه سازی – از مصوبه مورخ ۲۴/۱۰/۶۹

شورایعالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۲۴/۱۰/۶۹ به منظور نیل به اهداف ـ استفاده بیشتر و بهتر از سطح زمین در شهرها برای اسکان جمعیت تامین فضای باز و محیط زیست بهتر. و در هماهنگی با مصوبه مورخ ۱/۷/۶۹ شورای اقتصاد در خصوص تقلیل سطح زیربنای واحدهای مسکونی با تاکید برخط مشی‌های کلی ـ تشویق بلندمرتبه سازی ـ تطبیق الگوی تفکیک با مقتضیات بلندمرتبه سازی ـ تشویق به تجمیع قطعات در مناطق نوسازی ـ استفاده از ظرفیتهای افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی ـ انبوه سازی و بکارگیری روشهای صنعتی در ساختمان سازی تصویب نمود که کمیسیونهای ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری موظفندطرحهای تفصیلی و ضوابط و مقررات اجرایی آنها را در کلیه شهرهایی که طبق سرشماری ۱۳۶۵بیش

از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشته‌اند با رعایت موارد زیر اصلاح نمایند: ۱ ـ نظام شبکه ارتباطی و اساس طرح جامع حفظ گردد و چنانچه تغییرات اساسی باشد تصویب‌آن بعهده شورایعالی شهرسازی و معماری ایران خواهد بود. ۲ ـ تعیین مناطقی مسکونی و مختلط مسکونی با تراکم بالا برای مرتبه سازی و حداقل ۴ طبقه‌غیر از زیرزمین در اراضی ساخته نشده ۳ ـ تعیین مناطق مسکونی و مختلط مسکونی برای بلندمرتبه سازی تشویقی (حداقل ۴ طبقه‌غیراز زیرزمین در مناطق نوسازی و محلات فرسوده و قدیمی و قطعات کوچک ساخته نشده برای استفاده از افزایش تراکم تشویقی لازم است قطعات کوچک در حد مساحت لازم برای بلندمرتبه سازی تجمیع شوند. ۴ ـ تعیین مناطق مسکونی ۱ یا ۲ خانواری با حداکثر ارتفاع ۲ طبقه غیراز زیرزمین ۵ ـ تعیین حداکثر سطح اشغال در مناطق بلند مرتبه سازی ۶ ـ تعیین ضوابط تفکیک و تراکم ساختمانی در مناطق بلند مرتبه سازی با رعایت حداقل ۱۰۰۰متر مربع مساحت و مقررات تشویقی افزایش تراکم در مقابل افزایش سطح قطعات و کاهش سطح‌اشغال ۷ ـ تعیین ضوابط تفکیک و تراکم ساختمانی در مناطق ۲ و۱ خانواری ۸ ـ تعیین ضوابط مربوط به فاصله ساختمانها از معبر مجاور اضلاع زمین به منظور تامین تهویه نور و آفتاب کافی بر حسب شرایط اقلیمی و جلوگیری از اشراف ۹ ـ تعیین ضوابط حداقل عرض زمین و تناسب لازم بین عرض و عمق ۱۰ ـ تعیین ضوابط مربوط به پارکینگ ۱۱ ـ اجرای این ضوابط و مقررات در شهرهایی که طبق سرشماری ۱۳۶۵ کمتر از ۲۰۰ هزارنفرجمعیت داشته‌اند اجباری نمی‌باشد. پیشنهادات مربوط به اجرای این مصوبه در شهرهای مزبورپس از بررسی و پیشنهاد کمیسیون ماده ۵ که لازم است تا آخر خرداد ۱۳۷۰ به وزارت مسکن وشهرسازی ارسال گردد در شورایعالی مورد تصمیم گیری قرار خواهد گرفت و تا آن زمان هرگونه تغییری در ضوابط تفکیک و تراکم ساختمانی طرحهای مصوب ممنوع است مگر با تصویب‌شورای عالی شهرسازی و معماری ۱۲ ـ افزایش تراکم متوسط جمعیتی شهرناشی از افزایش تراکم ساختمانی حداکثر تا میزان ۲۵٪نسبت به طرح جامع تصویب شده بیشتر نباشد. ۱۳ ـ گزارش توجیهی افزایش تراکم موضوع بند ۱۲ و مشتمل بر اثرات آن بر روی سرانه‌ها،توزیع فضاهای خدماتی و شبکه عبور و مرور و تاسیسات آب و برق که قبلا در کمیسیون ماده ۵ بادعوت از نماینده وزارت نیرو و سازمانهای برنامه بودجه و محیط زیست مورد بررسی قرار گرفته‌است برای تصویب به شورایعالی شهرسازی و معماری ارسال گردد. ۱۴ ـ هرگونه تغییرات دیگری در ضوابط و مقررات تفکیک و تراکم ساختمانی که منجر به‌افزایش تراکم جمعیتی شهر شود بدون تصویب شورای عالی شهرسازی ممنوع است

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری در مورد غیرقابل تفویض بودن اختیارات کمیسیون ماده ۵ – مصوب ۲/۲/۷۰

شورایعالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۲/۲/۷۰ تشکیل شد. در ارتباط با صورتحساب شماره ۹۰ و شماره ۱۰۰ مورخ ۲۳/۷/۶۸ کمیسیون ماده ۵ تهران که پاره‌ای از اختیارات کمیسیون ماده ۵ را به شهردار تهران تفویض نموده است نظر شورای عالی به شرح زیر تصویب شد: ۱ ـ اختیارات کمیسیون ماده ۵ به هیچ وجه قابل تفویض نبوده و مصوبات شماره ۹۰ و شماره۱۰۰ مورخ ۲۳/۷/۶۸ کمیسیون ماده ۵ تهران ملغی اعلام می‌گردد و هرگونه تغییر در طرح تفصیلی باید به تصویب اعضای کمیسیون ماده ۵ برسد. ضمنا کمیسیونهای ماده ۵ نمی‌توانند مواردی را که مغایرت اساسی در طرحهای جامع ایجادمی‌کند تصویب نمایند. ۲ ـ کلیه مواردی که قبلا با استفاده از صورتجلسات ۹۰ و۱۰۰ مذکور انجام شده ظرف یک ماه ازاین تاریخ در کمیسیون ماده ۵ تهران مورد بررسی قرار گرفته مغایرتها به شورای عالی گزارش شود.

مشخصات پهنه‌بندی اقلیمی ایران و روشهای کلی طراحی مسکن ساختمان و شهرسازی – مصوب ۱۳/۳/۷۰

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درتاریخ ۱۳/۳/۱۳۷۰ مطالعات پهنه بندی اقلیمی ایران‌راکه توسط مراکز تحقیقات ساختمان

و مسکن وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و نتایج آن در قالب پهنه بندی اقلیمی و جدولهای مربوط به حدود تقریبی درصد سالانه نیازهای حرارتی ساختمان و روشهای کلی برای نیل به اهداف عمده طراحی اقلیمی در مسکن ساختمان و شهرسازی تنظیم گردیده مورد بررسی قرار داده ضمن تایید ارزش و اعتبار این مطالعات کاربرد نتایج آن را به شرح زیر اعلام نمود: ۱ ـ در کلیه مطالعات شهرسازی و معماری و ساختمان درصد سالانه نیازهای حرارتی ساختمان و روشهای پیشنهادی برای دستیابی به اهداف عمده طراحی اقلیمی موضوعت این مصوبه موردتوجه کامل تهیه کنندگان و تصویب کنندگان طرحها قرار گیرد. ۲ ـ در کلیه طرحهای جامع وتفصیلی و هادی و آماده سازی که منبعد تهیه می‌شود، پهنه بندی ومشخصات اقلیمی و روشهای کلی طراحی موضوع این مصوبه می‌تواند جایگزین مطالعات عمومی مربوط به اقلیم و آب و هوا گردد. تهیه کنندگان طرحها برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از گزارش پایه این مطالعات شامل آمار و اطلاعات آب و هوایی و بررسی وضعیت حرارتی استفاده نمایند بدیهی است در صورتیکه مطالعات محلی و تفصیلی اقلیمی مورد نیاز باشد طبق شرح خدمات خاص انجام خواهد شد.

ضوابط نحوه استفاده از زمینهای واقع در معرض خطر بالا آمدن آب دریای خزر (اصلاحی ۷۱)

(اصلاح شده بر اساس مصوب ۹/۱۰/۷۰ و مصوبه ۲۳/۹/۷۱ شورای عالی شهرسازی و معماری شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۷/۵/۱۳۷۰ با توجه به نتایج مطالعات انجام شده توسط وزارت نیرو درمورد تغییرات آب دریای خزر ضمن تاکید بر اهمیت و ارزش اراضی ساحلی و لزوم استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژی پیشرفته برای حداکثر بهره وری از زمینهای ساحلی و جلوگیری از خطر و خسارات بالا آمد آب دریا، موارد زیر را تصویب نمود: کمیته‌ای به ریاست معاون وزارت نیرو و عضویت معاونین (نمایندگان اعضای شورای عالی وزارتخانه های مسکن و شهرسازی ، کشور ، کشاورزی جهاد سازندگی و سازمان محیط زیست ، مطالعات همه جانبه در زمینه بالا آمدن آب دریا و اثرات آن بر اراضی و مستحدثات ساحلی و روشهای مقابله با آن و همچنین برنامه ادامه مستمر این مطالعات را تا آخر سال ۱۳۷۰ انجام داده و نتایج آن را به شورای عالی گزارش نماید. ب وزارت مسکن و شهرسازی طرح جامع اسکان جمعیت در مناطق ساحلی دریای خزر را برپایه مطالعات طرح منطقه‌ای به منظور تامین اراضی کافی همراه با ضوابط خاص احداث ساختمان در آنها تا آخر سال ۱۳۷۱ تهیه و به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری برساند. ج وزارت مسکن و شهرسازی ضمن تهیه طرح جامع اسکان جمعیت در مناطق ساحلی دریای خزر با استفاده از آخرین مطالعات ضوابط و مقررات دایمی استفاده از زمینهای واقع در معرض خطر بالا آمدن آب دریای خزر را قبل از پایان سال ۱۳۷۱ برای بررسی شورای عالی تهیه نماید و تا آن تاریخ ضوابط و مقررات ذیل لازم الاجرا است ۱ ـ از تاریخ این اصلاحی احداث هر نوع ساختمان غیر از سازه‌های سبك و موقت برای استفاده‌فصلی از دریا و نظایر آن در تمام اراضی ساحلی دریای خزر بدون رعایت تراز از حداقل ۲۴ برای‌معیار و محوطه‌ها و احداث کلیه ساختمانهای امدادی درمانی ادارات اصلی شهر و منطقه ، تاسیسات آب و برق و مخابرات و همچنین هرگونه تاسیسات و تجهیزات و ساختمانهای خدماتی که توقف و تعطیل کار و خدمات آنها برای شهر قابل تحمل نبوده و امکان جایگزینی سریع آنها درصورت محاصره شدن در آب نباشد در زیر تراز (۲۲ـ) ممنوع است فهرست کامل ساختمانهای ممنوع در زیر تراز (۲۲ـ) مشترکا توسط وزارتین مسکن و شهرسازی و کشور ظرف مدت یکماه تهیه و اعلام خواهد گردید. تبصره ـ احداث پروژه‌های خاص مثل هتل و تاسیسات توریستی و مجموعه‌سازیها با استفاده از سازه‌های مقاوم در برابر آب با رعایت تراز ۲۴ـ برای دسترسی‌ها در اراضی زیر تراز ۲۴ـ مجاز است مشروط بر اینکه طرح شهرسازی آنها حسب مورد به تصویب کمیسیون ماده ۵ یا مرجع تصویب طرح هادی و یا مراجع مسئول صدور پروانه و نظارت در خارج از محدوده حریم شهرهابرسد. ۲ ـ لازم است شهرداریها و مراجع مسئول خارج از محدوده و حریم شهرها با همکاری سازمان نقشه برداری کشور ترازهای (۲۴ـ) و (۲۲ـ) را در روی زمین به تعداد کافی علامت گذاری کرده و برای تعیین رقوم دسترسی به ساختمانها در صدور

پروانه‌های ساختمانی مفاد این مصوبه را رعایت کننـد وزارت مسـکن و شـهرسازی هزینه علامت گـذاری داخل شـهرها را پرداخت خواهد نمود. ۳ ـ رعایت مفاد مصوبه در تهیه طرحهای جامع و تفصـیلی و هادی شـهری و روستایی الزامی است و در مورد طرحهای جامع و تفصیلی و هادی شـهری و روستایی قبلی با توجه به قرار گرفتن بخشی از شبکه ارتباطی و محوطه ها در خارج از تراز (۲۴ـ) و ضرورت جایگزینی آنها در بالای تراز(۲۴ـ) و همچنین انتقال کاربری های که نباید زیر تراز (۲۲ـ) اصلاحات لازم بایستی به عمل آمـده و بـه تصـویب مراجع ذیربط برسـد. تبصـره ـ دسـتگاههای مسؤول تهیـه طرحهـای هـادی روسـتایی تـا آخر ۷۰ طرحهـای هادی‌روستاهای مشمول این مصوبه را تهیه خواهند نمود. د ـ از آنجا که در کنار اجرای این مصوبه هرچه سریعتر طرح ساحل سازی توسط وزارت نیرو نیزضرورت دارد از هیات محترم دولت درخواست می‌شود در تامین اعتبارات مطابق برنامه زمانبندی پیشنهاد شده توسط وزارت نیرو اقـدام گردد. (فهرست ساختمانهایی ممنوع در زیر تراز ۲۲ـ اراضی ساحلی دریای خزر که به موجب بند ۱قسمت ج این ضوابط تهیه شده پیوست این مجموعه است .

ضوابط و نحوه تعیین عرض بستر و حریم رودخانه ، انبار و مسیلها واقع در شهرها و حریم استحفاظی آنها – م

شورایعالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۷/۵/۷۰ موارد زیر را تصویب نمود. ۱ ـ وزارت نیرو حجم سیلاب رودخانه‌ها ، انهار و مسـیلهای واقع در شهرها و محدوده استحفاظی آنها را در دوره‌های تناوب ۲۰ ، ۲۵ ، ۵۰ ، ۱۰۰ ساله ، در نقاط ورود به شهر تعیین و برای اسـتفاده در مطالعات طرحهای جامع و تفصـیلی و هادی حسب درخواست در اختیار وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور قرار خواهد داد. تبصره ۱ ـ در مواردی که به دلیل اهمیت مسئله بررسی دوره‌های تناوب دیگری نیز مورد نیازباشد وزارت نیرو حجم سـیلات مربوطه را نیز اعلام خواهـد نمود. تبصـره ۲ ـ در صـورتی که در طرحهـای هـادی وزارت کشـور علاوه بر نقطه ورودی متقاضـی تعیین دبی سـیلاب و بستر طبیعی در نقاط مهم دیگری از رودخانه باشـد وزارت نیرو اعلام خواهدنمود. ۲ ـ عرض بستر طبیعی و حریم و در موارد لازم روشـهای تقلیـل عرض بستر طبیعی با اسـتفاده ازسازه‌های مناسب روباز یا سرپوشـیده برحسـب دوره هـای تنـاوب مختلف در طرحهـای جامع و تفصـیلی و هادی با تاییـد وزارت نیرو مشـخص می گردد و ضوابط نحوه اسـتفاده از زمین و احداث‌ساختمان طبق شرح خدمات و روش انجام مطالعات که ظرف ۴ ماه از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ خواهدگردید پیشنهاد خواهد شد. ۳ ـ مراجع تصویب طرحهای جامع و تفصـیلی و هادی بر اساس مطالعات انجام شـده موضوع‌بند ۲ عرض بستر و حریم و ضوابط استفاده از زمین و احداث ساختمان را تصویب خواهد نمود. ۴ ـ اعمال ضوابط این مصوبه در طرحهای جامع و تفصـیلی و هادی که بعـد از این تاریـخ تصویب شود لازم بوده و در سایر شـهرها به ترتیب اولویتی که وزارت نیرو پیشـنهاد نماید صورت خواهد گرفت و تا قبل از آن تاریخ ضوابطی که قبلا از طرف وزارت نیرو اعلام شده به قوت خود باقی است

نحوه بررسی و تصویب طرحهای جامع شهری – مصوب ۱/۴/۷۱

شورایعالی شـهرسازی و معماری ایران درجلسه مورخ ۱/۴/۷۱ مراحل مختلف بررسـی و تصویب طرحهای جامع شهر را به استناد بند ۱ مـاده ۴ قـانون تاسـیس شـورای عـالی شـهرسازی ومعمـاری ایران به شـرح زیر تصـویب نمود. (۱ـ الـف بررسـی طرح در شـورای شهرسازی اسـتان حداکثر ظرف یکماه و ارسال گزارش بررسی‌به دبیرخانه شورایعالی تبصره ـ در صورتیکه شورای شهرسازی استان انجـام تغییرات و اصـلاحاتی را پیشـنهاد نمایـد.زمـان انجام آن را نیز تعیین خواهـد نمود. بـدیهی است در این صورت مهلت شورای شهرسازی استان‌برای بررسی مجدد طرح و رسیدگی به تغییرات و اصلاحات یک ماه از تاریخ تحویل مجدد طرح‌خواهد بود ولی به هرحال بررسـی طرح در شورای شـهرسازی اسـتان جمعا نباید از دو ماه تجاوزنماید. (۱ـ ب ـ بررسـی طرح در کمیته‌هـای فنی زیر و

گزارش نتایج بررسیها توسط دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری ایران (۱ـ ب ـ ۱) کمیته فنی کالبدی متشکل از نمایندگان وزارت کشور وزارت مسکن و شهرسازی ، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (میراث فرهنگی سازمان حفاظت محیط زیست ، وزارت نیرو ، وزارت کشاورزی ، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان برنامه و بودجه (حداکثر ۳جلسه (۱ ـ ب ـ ۲) کمیته فنی اجتماعی ـ اقتصادی متشکل از نمایندگان سازمان برنامه و بودجه ، وزارت مسکن و شهرسازی ، وزارت کشاورزی ، وزارت جهاد سازندگی ، وزارت کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱ـ ب ـ ۳) کمیته فنی ضوابط و مقررات متشکل از نمایندگان وزارت کشور ، وزارت مسکن وشهرسازی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی (میراث فرهنگی حداکثر ۳ جلسه (۱ ـ ج استماع گزارش دبیرخانه از تلفیق نظرات کمیته‌ها ، مذاکره نهایی و رای گیری برای‌تصویب توسط شورایعالی شهرسازی و معماری ایران ۲ ـ مراحل بررسی و تصویب طرح جامع شهرها با جمعیت کمتر از ۲۰۰ هزار نفر طبق مصوبه‌مورخ ۱۲/۶/۶۹ شورایعالی (۲ ـ الف بررسی طرح در کمیته‌های فنی متشکل از نمایندگان اعضا شورای شهرسازی استان ، با ترکیب و مدت پیش‌بینی شده در بند ۱ ـ ب این مصوبه و گزارش نتایج بررسیها توسط اداره کل مسکن و شهرسازی به شورای شهرسازی استان (۲ ـ ب استماع گزارش اداره کل مسکن و شهرسازی ، مذاکره نهایی و رای‌گیری برای اتخاذ تصمیم توسط شورای شهرسازی استان (۲ـ ج ارائه گزارش شورای شهرسازی استان به شورایعالی شهرسازی و معماری توسط دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری حداکثر ظرف یک ماه برای تصویب شورایعالی ۴ ـ مصوبه مورخ ۲/۲/۶۹ مربوط به شهرهای واقع در استانهای جنگزده از این تاریخ لغو می‌گردد و در این تاریخ لغو می‌گردد و دراین راستا نیز حسب مورد به یکی از دو روش مربوط به شهرهای کمتر یا بیشتر از ۲۰۰ هزار نفر عمل خواهد شد.

ضوابط شهرسازی و معماری در ارتباط با قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها – مصوب

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۱۶/۶/۷۱ ضوابط شهرسازی و معماری در ارتباط با قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۲۹/۹/۶۷ مجلس شورای اسلامی را به طرح زیرتصویب نمود: شهرداریها موظفند در تمام کاربری های طرحهای جامع و تفصیلی و هادی اعم از مسکونی ، تجاری و خدماتی طبق ضوابط و مقررات طرحهای مزبور برای مالکینی که متقاضی احداث ساختمان مطابق با کاربریهای مصوب هستند پروانه ساختمان صادر نمایند مگر اینکه اجرای طرحهای دولتی یا طرحهای شهرداریها توسط دستگاههای ذیربط در املاک مالکین مزبور اعلام شده باشد که دراین صورت با توجه به قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری ها به ترتیب زیر عمل خواهد شد: ۱ ـ در صورت اعلام نظر دستگاه اجرایی مبنی بر تصمیم به اجرای طرح ظرف ۱۸ ماه مقرر درقانون تعیین وضعیت املاک اجازه احداث و تجدید بنا یا افزایش ساختمان به مالک داده نخواهد شد. ۲ ـ در صورت اعلام نظر دستگاه اجرایی مبنی بر عدم تصمیم به اجرای طرح ظرف ۱۸ ماه مقرر در قانون و موکول کردن آن به آینده خواه قبل و خواه بعد از ده سال یا انقضای مهلت ۱۸ ماه مقرر درقانون ، در مناطق مسکونی و تجاری اجازه احداث یا تجدید بنا و افزایش ساختمان مسکونی با رعایت ضوابط مربوط به تعداد طبقات و سطح اشغال و تراکم مجاز ، حداکثر ۱۵۰ متر مربع در کل زیربنا داده شود. تبصره ۱ ـ در صورتی که اجرای طرح به قبل از ده سال موکول شده باشد، تعهد لازم مبنی‌بر عدم مطالبه هزینه احداث و تجدید بنا مطابق تبصره ۱ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها از مالک اخذ خواهد گردید. تبصره ۲ ـ در صورت تعدد مالکین مشاع بر اساس اسناد مالکیت مربوط به قبل از تصویب قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها (۲۹/۹/۶۷) به هر یک از مالکین احداث یک واحد مسکونی به مساحت حداکثر ۱۵۰ متر مربع اجازه داده می‌شود مشروط بر اینکه در مجموع از تراکم ساختمان مجاز منطقه بیشتر نباشد و ضوابط مربوط به تعداد طبقات و سطح‌اشغال رعایت شود.

ضوابط مربوط به تعيين مقدار زمين مورد نياز موسسات آموزش عالی – مصوب ۲۳/۶/۷۱

شورايعالی شهرسازی و معماری ايران درتاريخ ۲۳/۶/۷۱ ضوابط مربوط به تعيين مقدار زمين‌مورد نياز موسسات آموزش عالی را به شرح زير تصويب نمود: ۱ ـ زمين مورد نياز موسسات آموزش عالی شامل فضاهای آموزشی ، كمك آموزشی ، فضاهای خدماتی و فوق برنامه ، خدمات پشتوانه ای ، فضاهای باز و سبز و درختكار و ورزشی ، با توجه به امكانات موجود در شهرهای مختلف كشور به شرح زير تعيين می گردد. ۱ـ۱ـ در داخل محدوده ساخته شده كليه شهرها و محدوده توسعه آتی شهرهای مشهد ـ اصفهان تبريز و شيراز ۷۰ متر مربع به ازا هر دانشجو. ۲ـ۱ـ داخل محدوده توسعه آتی شهرها (به جز شهرهای مشهد ـ اصفهان ـ تبريز و شيراز) ۱۰۰متر مربع به ازا هر دانشجو. تبصره ۱ ـ در مواردی كه خوابگاههای دانشجوی و منازل سازمانی بنا به تشخيص شورای گسترش آموزش عالی در داخل محوطه دانشگاه پيش‌بينی شود در مورد بند ۲ـ۱ ، ۵۰ مترمربع به سرانه های اين بند اضافه خواهد شد. تبصره ۲ ـ اين ارقام سرانه موضوع اين بند شامل زمينهای موردنياز برای مزارع نمونه و تحقيقاتی دانشكده‌های كشاورزی و منابع طبيعی و دامپزشكی نمی‌باشد. ۲ ـ تعيين كاربری آموزش عالی در طرحهای جامع و هادی متناسب با تعداد دانشجويان در۱۰سال بعد بر اساس درخواست وزارت فرهنگ و آموزش عالی و متناسب با مصوبات شورای گسترش آموزش عالی خواهد بود. ۳ ـ سطوحی كه طبق سرانه‌های اين مصوب تخصيص يابد تا زمانی كه تحت اشغال ساختمان درنيامده بايد متناسب با برنامه اجرايی پروژه تحت پوشش فضای سبز در آيد. ۴ ـ طرح موسسات آموزش عالی به صورت شهرها يا شهركهای مستقل دانشگاهی در خارج ازمحدوده استحفاظی شهرها بايد به تصويب شورايعالی شهرسازی و معماری ايران برسد. ۵ ـ چنانچه در دانشگاههای علوم پزشكی ، ايجاد بيمارستان در دخل محوطه دانشگاه پيش بينی‌شود ۲۰ هكتار برای احداث يك بيمارستان ۵۴۰ تختخوابی قابل توسعه تا ۷۲۰ تخت و يك كلينيك دندانپزشكی به سطح مورد نياز اضافه خواهد شد. ۶ ـ در كليه زمينهای واگذاری قبلی ، سطوح مازاد بر سرانه های اين مصوبه بايد با تصويب كميسيون ماده ۵ يا شورايعالی به كاربری‌های لازم شهر اختصاص يابد. ۷ ـ ضوابط مربوط به تعيين سطوح مورد نياز دانشگاه پيام نور و مراكز تحقيقاتی و پژوهشی‌تكميلی توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی پيشنهاد و به تصويب شورای عالی شهرسازی خواهدرسيد.

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ايران در خصوص نحوه بررسی طرحهای جامع شهرهای مركز استان با جمعيت ک

شورايعالی شهرسازی و معماری ايران در جلسه مورخ ۵/۴/۷۴ مقرر نمود كه طرحهای جامع شهرهای مركز استان كه جمعيت آن ها كمتر از ۲۰۰۰۰۰ نفر است از شمول نحوه بررسی و تصويب موضوع مصوبه مورخ ۴۲/۶/۶۹ شورای عالی مستثنی و تابع نحوه بررسی و تصويب شهرهای باجمعيت بيش از ۲۰۰۰۰۰ نفر شود

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ايران در خصوص نحوه بررسی و تصويب طرحهای جامع شهرستان – مصوب ۱/۸/

سازمان مسكن وشهرسازی استانها..... (كليه استانها) شورای عالی شهرسازی و معماری ايران در جلسه مورخ ۱/۸/۷۴ نحوه بررسی و تصويب طرحهای جامع شهرستان را به شرح زير تعيين نمود: الف ـ كليه طرحهای جامع شهرستانهايی كه ۱ ـ شهرهای مراكز استانها در آنها واقعند، ۲ ـ شهر مركز آنها بر اساس آخرين سرشماری عمومی بيش از ۲۰۰ هزار نفر جمعيت دارد. ۳ ـ جمعيت آنها بر اساس آخرين سرشماری عمومی بيش از ۴۰۰ هزار نفر است جهت بررسی و تصويب در شورايعالی شهرسازی و معماری ايران مطرح شود. بررسی اين طرحها در كميته فنی شورای عالی حداكثر طی ۵ جلسه انجام و نتيجه آن به شورايعالی گزارش خواهد شد.

ب ـ نتیجه بررسی سایر طرحهای جامع شهرستان ، پس از طرح در کمیته فنی شورای شهرسازی استانها و اعلام نظر شوراهای مذکور ، جهت تصویب نهایی به شورایعالی شهرسازی و معماری ایران گزارش شود. مدت بررسی این طرحها در کمیته فنی شورای شهرسازی استان نیز حداکثر ۵ جلسه است اعضا شورایعالی اسامی شهرستان هایی را که مایلند نماینده آنها نیز درجلسه شورای شهرسازی استان شرکت نمایند به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال خواهند نمود تا از آن جا جهت شرکت درجلسه دعوت به عمل آید.

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ضوابط جلوگیری از افزایش محدوده شهرها – مصوب ۱۰/۸/۱۳

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران علاوه بر وظیفه اظهارنظر درباره لوایح و آیین نامه های‌شهرسازی عهده دار تصویب طرحهای توسعه و عمران در مقیاسهای ملی ، منطقه‌ای ، ناحیه‌ای و محل و بررسی و تصویب ضوابط و مقررات شهرسازی است که به خصوص در بند ۴ ماده۲ قانون تاسیس شورایعالی مذکور تصریح شده است اینگونه ضوابط که با هدف فراهم شدن موازین اجرایی و قانونی توسعه موزون و هماهنگ کالبدی کشور تهیه می‌شوند با توجه به دامنه شمول (شهر ، ناحیه ، منطقه ، کشور) و تاثیرگذاری وسیع آنها بر توسعه وعمران کشور ، یکی از پایه‌های اصلی نظام طرح ریزی و کنترل توسعه کالبدی کشور می‌باشند. در سالهای اخیر گسترش تدریجی محدوده مصوب شهرها در شرایطی روی داده که جمعیت‌واقعی شهرها در افق طرحهای جامع یا هادی و یا در مقاطع زمانی معین ، از رقم جمعیت پیش بینی‌شده برای آنها در طرحهای مذکور در همان مقاطع با اختلاف قابل ملاحظه‌ای کمتر بود. مقایسه جمعیت چند شهر بزرگ و کوچک که به صورت اتفاقی هم انتخاب شدنشان داد که این امر قابل تعمیم به وضعیت قریب به اتفاق شهرهای کشور است و قطع نظر از عوامل به وجود آورنده ، نشان‌دهنده عدم تحقق تراکمهای پیش‌بینی شد در طرح و توان جمعیت پذیری شهر حتی تا سالهایی‌دورتر از افق طرحهاست در چنین مواردی گسترش محدوده شهرها حتی پس از پایان یافتن دوره اجرایی ده ساله آنها نیز منطقی نبوده و حاصلی جز تشدید تخریب اراضی کشاورزی و باغات پیرامون شهرها ، تحمیل هزینه های گزاف به دستگاههای مسیول تامین خدمات شهری و در نتیجه‌دشوارتر شدن مدیریت شهری و عدم ارایه خدمات مطلوب و مناسب به شهروندان و بالاخره‌پراکنده سازی و زشت شدن سیما و منظر شهرها ندارد. با توجه به موارد فوق و بررسیهای انجام شده مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایراندر جلسه ۱۰/۸/۱۳۷۸ به شرح زیر جهت اجرا ابلاغ می‌شود: ۱ ـ از تاریخ تصویب این مصوبه ، هرگونه افزایش در محدوده مصوب طرحهای هادی و جامع‌شهری تا زمانی که تراکم ناخالص جمعیتی (یعنی نسبت جمعیت به سطح مصوب در محدوده فعلی طرح (یعنی محدوده طرح مصوب به اضافه کلیه تغییرات احتمالی قانونی و مصوب بعدی تا این تاریخ بر اساس طرحهای مصوب تحقق پیدا نکرده باشد. تبصره ـ آن دسته از پیشنهادات مربوطه به افزایش محدوده شهرها که تا این تاریخ به دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری ایران و اصل و درنوبت دستور کار شورای عالی قرار گرفته است مشمول مفاداین مصوبه نبوده و بررسی های کارشناسی لازم جهت طرح در شورایعالی در مورد آنها به‌عمل خواهد آمد. ۲ ـ دستگاههای ذیربط موظفند برای ارتقا و شرایط زندگی در محله‌های مرکزی و قدیمی‌شهرها و به وجود آمدن امکان عرضه بیشتر و به موقع زمین در بخشهای مذکور ، پس از تعیین حدود مناطق مشمول بهسازی ، بازسازی ، و نوسازی در طرحهای جامع شهری ، بلافاصله طرحهای تفصیلی موضعی و طراحی شهری لازم برای این مناطق را با حفظ هویت و رعایت اصول معماری وشهرسازی بومی شهر تهیه و به تصویب کمیسیون ماده ۵ استان مربوطه برسانند ، در مورد بافتهای با ارزش تاریخی لازم است پیش از طرح در کمیسیون ماده ۵ طرحهای مذکور به تایید سازمان میراث‌فرهنگی برسد. ۳ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است در جهت هدایت اصولی افزایش تراکم ناخالص شهری بعنوان یکی از ابزارهای مورد نیاز این مصوبه ضوابط بلند مرتبه سازی و مکانیابی آن برحسب اولویت و ضرورت در شهرها با همکاری شهرداریها ، مطالعه و تهیه نماید و برای طی مراحل‌تصویب

و اجرا ارایه نمایـد. ۴ ـ هرگـونه تفکیـك زمیـن و واگـذاری آن برای امر مسـکن به افراد ، شـرکتهای تعـاونی یـا ارگانهـای‌دولتی و غیردولتی و نهادهـا در داخل حریم و محـدوده اسـتحفاظی شـهرها ممنوع می‌باشـد. ۵ ـ قبـول تقاضاهـای مربوط به افزایش محـدوده طرحهای مصوب اعم از اینکه از طریق سازمانها ، اشخاص یا شرکتهای تعاونی و غیره درخواست شده باشد توسط شهرداریها و سایر اعضا کمیسیون ماده ۵ و طرح این تقاضاها در کمیسیـونهای مذکور و شوراهای شهرسازی استانها تا حصول به شرایط تعیین شده در این مصوبه ممنوع می‌باشـد. ۶ ـ تغییر کـاربری اراضـی زراعی و باغـات دارای کـاربری کشـاورزی و باغـداری در طرحهای مصوب شهری و تبدیل جنگلها به کاربریهای شهری ممنوع است ۷ ـ صدور هرگونه مجوز تفکیك و پروانه احداث بنا برای اراضی زراعی و باغات واقع در حاشیه شهرها که در طرحهای مصوب شهری دارای کاربری مسکونی هستند ، تا قبل از اینکه تراکم ناخالص جمعیتی در بقیـه اراضـی شـهری به تراکم ناخـالص پیش بینی شـده در طرح مصـوب نرسـیده باشـد ممنـوع است ۸ ـ به منظـور جلـوگیری از گسـترش بی رویه شـهرها و حفـظ باغـات و اراضـی زراعی و زمینهای‌باقـابلیت کشـاورزی و جنگلهـا در پیرامـون شـهرهای کشور و رعـایت دقیـق موضـوع ایـن مصـوبه ، ازتاریـخ تصـویب ایـن مقررات دسـتگاههای تهیـه کننـده طرحهـای توسـعه شـهری مـوظفند درتجدیدنظر ویا تهیه طرحهای جامع و هادی شهرها ، نقشه منطقه بندی و استفاده از زمین در محدوده استحفاظی‌و حریم تعیین شده در طرحهـای مـذکور را با حفظ اراضـی کشاورزی و باغات و جنگلهای موجود وهمچنین حفظ و حراست از حرایم راههای عبوری بین شـهری و رعـایت محـدوده‌های مناطق‌چهارگـانه محیـط زیسـت و تعیین کاربریهـای عمـده و تاسـیسات و تجهیزات مورد نیاز در مقیاس‌شـهری و ناحیه‌ای که می‌توانند در حریم شـهر مسـتقر شوند و کمر بند سبز ، تهیه و برای تصویب به‌شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و سایر مراجع ذیربط ارایه نماینـد. ۹ ـ دبیرخانه شورایعالی شـهرسازی و معماری ایران موظف است مفاد این مصوبه را برای اطلاع‌عمومی در دو روزنـامه کثیرالانتشـار درج نمایـد. در خـاتمه از جنابعـالی بـه عنـوان رییس شـورای شــهرسازی اسـتان و کمیسـیون موضوع مـاده ۵ قانون‌تاسـیس شورایعـالی شـهرسازی و معمـاری ایران بـا تـوجه بـه نقش مـوثر و خطیری کـه در نظـارت عالیه‌برتوسـعه موزون و هماهنـگ اسـتان بعهـده داریـد درخواست می‌شود تـا ضـمن ابلاغ مراتب به کلیه مراجع ذیربط ترتیبی اتخاذ فرماییـد که مردم ، مسئولین و شـهرداری هـای اسـتان بـا مفـاد این مصوبه آشـناشوند و بر رعـایت کامل آن که ضامن تحقق حقوق شهروندی در جهت تامین آسایش ، نظم و زیبایی‌شهرهاست نظارت دقیق به عمل آید.

اراضی و املاک

آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها – مصوب ۲۷/۲/۱۳۵۵ هیات وزیران با اصلاحیه‌های بعدی

فصل اول ــ کلیات و تعاریف (ماده ۱ تا ۳)

آیین نـامه مربوط به استفاده از اراضـی احـداث بنـا و تاسـیسات در خارج از محـدوده قانونی و حریم شـهرها – مصوب ۲۷/۲/۱۳۵۵ هیات وزیران با اصـلاحیه‌های بعـدی ماده ۱ ـ از لحـاظ اجرای مقررات منـدرج در این آیین نـامه کلمـات و عبارت محـدوده قانونی حریم‌شـهر (محـدوده اسـتحفاظی یـا نفوذی در مفاهیم زیر بکار رفته است ۱ ـ محـدوده قـانونی در شـهرهایی که طرح جامع یا طرح هادی برای آنها تهیه و بتصویب مراجع‌ذیربط رسـیده باشـد شامل محـدوده خـدماتی باضافه محدوده توسعه آینده شـهر که در طرح جامع یاهادی منظور گردیده است خواهد بود مگر اینکه حدود حوزه شهرداری تعیین شده طبق ماده ۲ قانون‌شهرداری وسیعتر از آن باشـد که در این صورت محـدوده اخیرالـذکر محـدوده قانونی شـناخته می‌شودو در مورد سایر شـهرها محـدوده قانونی همان حدود

حوزه شهرداری است که طبق ماده ۲ قانون‌شهرداری تعیین می گردد. ۲ ـ در شهرهاییکه طرح جامع یا هادی برای آنها تهیه و بتصویب مراجع ذیربط رسیده و درطرحهای مذکور محدوده استحفاظی یا نفوذی مشخص گردیده است حریم شهر همان محدوده‌استحفاظی یا نفوذی است و در مورد شهرهایی که فاقد طرح جامع یا هادی بوده و یا محدوده استحفاظی یا نفوذی در طرحهای مذکور تعیین نشده باشد حریم شهر بر اساس ماده ۹۹ الحاقی به‌قانون شهرداری تعیین می گردد. ماده ۲ ـ ساختمانها و تاسیساتی که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها ایجاد می گرددبه‌یکی از دو صورت زیر خواهد بود: الف ـ شهرک به محلی اطلاق می‌شود که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها با حداقل ۵۰۰ قطعه زمین برای احداث واحدهای مسکونی بصورت مستقل یا آپارتمانی قابل تملک شخصی باضافه ساختمانها و تاسیسات مورد نیاز عمومی و اجتماعی سکنه بصورت مجتمع برای سکونت‌و تامین نیازهای عمومی و اجتماعی و رفاهی شاغلین بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی یک‌منطقه یا به منظور رفع کمبود مسکن و جلوگیری از توسعه بی‌تناسب شهرهای مجاور و یا بصورت‌مراکز تفریحی جهت استفاده مردم یک منطقه یا مردم سراسر کشور بوجود آمده امور آن بوسیله‌هیاتی که توسط ساکنان و مالکان انتخاب می‌شوند و با خودیاری ساکنان و مالکان اداره می‌شود. ب ـ غیر شهرک به ساختمانها و تاسیساتی اطلاق می‌شود که برای تامین نیازمندیهای عمومی ، اقتصادی ، تجاری ، اجتماعی ، بهداشتی ، تفریحی ، آموزشی و نظایر آن در خارج از محدوده قانونی وحریم شهرها ایجاد گردد. در صورتی که ساختمانهای دیگری نیز باقتضای نوع فعالیت در مجاورت‌تاسیسات مذکور ایجاد شود واحد علیحده محسوب نمی‌شود و از نظر ثبتی قابل تجزیه و تفکیک‌نیست ماده ۳ ـ تفکیک و تقسیم اراضی واقع در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها به قطعات‌کمتر از بیست هکتار تابع ضوابط و ترتیبات زیر می‌باشد: الف ـ در مورد اراضی شهرک‌ها تشریفات و ضوابط مقرر در فصل سوم این آیین نامه باید انجام‌گردد. ب ـ در مورد اراضی غیر شهرک تفکیک تحت شرایط و ترتیبات زیر مجاز خواهد بود: ۱ ـ هدف از تفکیک ، اجرای طرح مشخصی باشد که طبق مقررات مربوط مورد موافقت مراجع‌ذیربط قرار گرفته باشد. ۲ ـ مساحت قطعات تفکیکی معادل و متناسب با اجرای طرح مورد نظر باشد. ۳ ـ انجام عملیات ساختمانی یا تاسیساتی طرح در زمین مورد نظر امکان‌پذیر باشد و مغایرتی باضوابط مقرر در ماده ۴ این آیین نامه نداشته باشد. ۴ ـ اعلام نظر وزارت کشاورزی و منابع طبیعی یا واحدهای تابع آن وزارت که اختیارات لازم‌بآنها تفویض شده باشد مبنی بر عدم قابلیت تولید زراعی اراضی و اقتصادی نبودن بهره‌وری‌کشاورزی از زمین مورد نظر و مناسب بودن آن برای اجرای طرح نسبت به اراضی دیگر همان حوزه‌کشاورزی ۵ ـ تقاضا و نقشه تفکیکی ضمن رعایت کلیه شرایط بالاـ مورد تصویب مراجعی که در حوزه هراستان اختیار صدور پروانه‌های ساختمانی را در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها دارند قرارگرفته باشد. تبصره ۱ ـ ادارات ثبت مجاز نخواهند بود هیچ نوع تقاضای تفکیکی را به قطعات کوچکتر ازبیست هکتار قبل از اینکه مورد تصویب مراجع فوق قرار گرفته و ابلاغ شود بپذیرند و نسبت به‌آن‌اقدام کنند. تبصره ۲ ـ در محدوده مسکونی روستاها صدور اجازه تفکیک با رعایت قوانین جاری کشور ودر حدود نیازهای سکونتی و اجتماعی روستا بعهده وزارت تعاون و امور روستاها یا واحدهای‌تابعه آن وزارت که اختیارات لازم بآنها تفویض شده باشد خواهد بود.

فصل دوم ـ ایجاد ساختمانها و تاسیسات غیرشهرک (ماده ۴ تا ۱۰

ماده ۴ ـ ایجاد هرگونه ساختمان و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مستلزم‌رعایت ضوابط عمومی زیر است ۱ ـ رعایت حریم نسبت به راهها ، دریا ، رودخانه ، جنگلها ، دریاچه‌ها ، تالابها ، نهرهای عمومی ، قنوات و چاهها ، مسیل‌ها ، خطوط و پایه‌های انتقال نیروی برق ، خطوط و پایه‌ها و تاسیسات‌مخابراتی ، پل‌ها و تونلهای واقع در مسیر راهها یا تاسیسات عمرانی ، لوله‌های انتقال نفت و گاز ، سدها و کانالها و شبکه‌های آبیاری ، خطوط و لوله‌های آبرسانی ، تاسیسات نظامی و انتظامی وامنیتی و

مرزی ، تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب ، سیل‌بندها و سیل گیرها و سایر تاسیسات عمومی‌و عمرانی و ابنیه و آثار تاریخی و همچنین رعایت ضوابط مقرر توسط مراجع ذیربط در موردبهداشت عمومی و بهسازی و حفاظت محیط زیست ۲ ـ مدخل هر ساختمان باید در گذرگاهی باشد که لا اقل ۸ متر عرض داشته و این گذرگاه در هرحال باید با شبکه معابر عمومی ارتباط داشته باشد. ۳ ـ رعایت قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت در مورد اراضی‌مشجر و باغات و ضوابط مربوط به قانون مذکور و آیین نامه های مربوط به آن ۴ ـ منظور داشتن حداقل ۷۵ درصد از مساحت زمین بصورت فضای باز و در صورتیکه‌ساختمان بیش از یک طبقه باشد عدم تجاوز مساحت کل زیربنای ساختمان از ۵۰ درصد مساحت‌زمین ۵ ـ ارایه طرحی که بتصویب مراجع ذیربط دولتی رسیده باشد و در مواردیکه مرجع مشخصی‌برای تصویب طرح وجود ندارد تایید مراجع مقرر در ماده ۶ این آیین نامه . ۶ ـ اخذ پروانه ساختمان با رعایت ماده ۶ این آیین نامه و رعایت مشخصات مندرج در پروانه‌مذکور. تبصره ۱ ـ ضوابط مذکور در بند ۱ این ماده در صورتی لازم‌الرعایه خواهد بود که آن ضوابط‌بموجب مقررات قانونی وضع و اعلام شده باشد و یا از طرف سازمانهای ذیربط در حدود قانون به‌مراجع صادرکننده پروانه ابلاغ گردیده باشد. تبصره ۲ ـ دستورالعمل طرز اجرای بند ۶ این ماده توسط وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت‌کشور تهیه و ابلاغ خواهد شد. تبصره ۳ ـ در محلهایی که طرح جامع منطقه‌ای یا ناحیه‌ای برای آنها تهیه گردیده و بتصویب‌مراجع مقرر در قوانین مربوط برسد و یا بعنوان قطب کشاورزی یا صنعتی تعیین شود هرگاه ضوابط‌مشخصی در طرح‌های فوق الذکر از لحاظ تفکیک اراضی و ساختمان و ایجاد تاسیسات عمومی‌مقرر شده باشد ضوابط مذکور در صدور پروانه ساختمان و ایجاد شهرک و صدور اجازه تفکیک‌ملحوظ خواهد گردید. «الحاقی ۵/۱۱/۱۳۷۳: وزارت مسکن و شهرسازی موظف است طرحهای منطقه‌ای یاناحیه‌ای‌را در محدوده یک ناحیه شامل یک یا چند شهرستان ، تحت عنوان طرحهای توسعه و عمران جامع ناحیه‌ای ، به همراه طرح جامع شهرهای مراکز شهرستانهای مشمول ناحیه را برای یک دوره‌بیست ساله تهیه و کاربریهای اراضی و ضوابط و مقررات تفکیک زمین و احداث بنا را در محدوده‌شهرستان یا شهرستانهای مذکور تعیین و برای تصویب به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران‌پیشنهاد نماید. رعایت کلیه ضوابط مقرر در طرحهای توسعه و عمران (جامع ناحیه‌ای مصوب و ضوابط‌زیست محیطی در تهیه و اجرای طرحهای جامع و هادی کلیه شهرهای واقع در ناحیه مشمول‌طرحهای توسعه و عمران مذکور یا احداث شهر و شهرکهای جدید همچنین استفاده از اراضی واحداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرهای واقع در ناحیه یاد شده ضروریاست تغییرات طرح‌های منطقه‌ای پس از بررسی کارشناسی در وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب‌شورای عالی شهرسازی و معماری رسیده و تغییرات طرحهای ناحیه‌ای پس از بررسی کارشناسی‌توسط سازمان مسکن و شهرسازی استان در صورتی که مغایر با اساس طرح نباشد به تصویب‌کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری با حضور نماینده وزارت نیرومی‌رسد و در صورت وجود مغایرت اساسی باید به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری‌برسد. یک نسخه از مدارک فنی طرح‌ها شامل مطالعات و نقشه‌ها و تغییرات آنها در دبیرخانه شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران در وزارت مسکن و شهرسازی و یک نسخه دیگر از آنها در دبیرخانه‌کمیسیون ماده (۵) در سازمان مسکن و شهرسازی استانها نگهداری خواهد شد. سازمانهای مسکن و شهرسازی وظیفه دارند عملکردها را با طرحهای مصوب تطبیق و مواردتخلف را به استانداری‌ها و وزارت مسکن و شهرسازی گزارش نمایند. رعایت بند ۳ تبصره ۷۲ قانون برنامه دوم در طرحهای فوق الذکر ضروری است همچنین احداث‌شهرها و شهرکهای جدید در مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست ممنوع است تبصره ۴ ـ حریم مذکور در بند (۱) این ماده نسبت به راهها ، به عنوان نوار حفاظتی که احداث‌هرگونه ساختمان و تاسیسات در آن ممنوع می‌باشد عبارتست از: تا عمق (۱۵۰) متر از منتهیالیه‌حریم قانونی راه در طرفین ورودی کلیه راههای بین شهری به طول (۵) تا (۲۰) کیلومتر از انتهای‌محدوده استحفاظی هر شهر ، مناطق حساسی که در بقیه طول راه ممکن است در معرض ساخت وساز قرار گیرند به تشخیص کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه و تا عمق (۱۵۰) متر در طرفین‌تمام طول

جاده‌های کمربندی که خارج از محدوده استحفاظی شهرها واقع می‌گردند. رعایت مقررات مربوط به حریم قانونی راهها در تمام موارد الزامی است تعیین طول مناسب نوار حفاظتی هریک از راههای بین شهری بر حسب اهمیت و قابلیت توسعه‌شهر و همچنین تعیین حدود نوار حفاظتی در بقیه طول راهها که مشمول ممنوعیت احداث هرگونه‌ساختمان و تاسیسات قرار می‌گیرند ، بر عهده کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه می‌باشد. درمواردی که ساختمانها و تاسیساتی طبق ضوابط مقرر در این آیین نامه و پس از اخذ پروانه در خارج‌از حدود نوار حفاظتی مزبور یا در منتهیالیه حریم قانونی در بقیه طول راهها ساخته می‌شوند ، لازم‌است نقشه چگونگی دسترسی آنها به خطوط مواصلاتی به تایید وزارت راه و ترابری برسد. ایجاد خطوط و پایه‌های انتقال نیروی برق و شبکه‌های مخابراتی ، پلها و تونلهای واقع در مسیرراهها ، لوله‌های انتقال نفت و گاز و کانالها و شبکه‌های آبیاری ، خطوط و لوله‌های آبرسانی ، سیل‌بندها و سیل‌گیرها بعد از حریم راهها از شمول این آیین نامه مستثنی و تابع قوانین و مقررات‌مربوط ، می‌باشد. ماده ۵ ـ در اراضی خارج از محدوده قطبهای کشاورزی که مساحت آن پنجهزار متر مربع یابیشتر باشد ایجاد ساختمان در حدود احتیاجات کشاورزی و سکونت شخص مالك یا کشاورزان یاکارگران کشاورزی تا میزان حداکثر ۴ درصد مساحت زمین مشروط بر اینکه مساحت زیربنای‌ساختمان از ۶۰۰ متر مربع تجاوز نکند مجاز است و بدون نیاز به اجرای بند ۵ ماده ۴ این آیین نامه پروانه ساختمان صادر می‌گردد. ماده ۶ ـ صدور پروانه ساختمان و اعمال نظارت‌های لازم برای اینکه ساختمان طبق‌مشخصات و شرایط و ضوابط مندرج در پروانه ، بنا گردد و ضوابط مقرر در ماده (۴) این آیین نامه درمورد آنها رعایت شود ، در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها بعهده مرجعی خواهد بود که درهر ناحیه توسط استانداری تعیین می‌گردد. مناطقی که صدور پروانه ساختمان و اعمال نظارت در آنها الزامی است به شرح زیر می‌باشند: الف ـ مناطق مجاور شهرهای بزرگ یا حدفاصل شهرهای نزدیك بهم که امکان توسعه و اتصال‌آنها به یکدیگر وجود دارد و همچنین اراضی مجاور و نزدیك به راههای مواصلاتی کشور که حدودآنها توسط کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه تعیین و قبلا‌ـ از طریق انتشار آگهی درروزنامه‌های کثیرالانتشار محلی و مرکز ، اعلام می‌گردد. ب ـ مناطق حساسی که در طول راهها بعد از منتهیالیه نوار حفاظتی یا حریم قانونی راه ممکن‌است مورد ساخت و ساز قرار گیرند و به تشخیص کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه احداث‌بعضی از ساختمانهای مجاز در آنها مشمول صدور پروانه و نظارت ساختمانی می‌گردد. ج ـ مناطقی که بنا به مقتضیات محل به پیشنهاد استاندار و تصویب کمیسیون موضوع ماده ۱۳) این آیین نامه با اعلام قبلی و انتشار آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی و مرکز احداث‌تمام یا بعضی از انواع ساختمانها در آنها مشمول دریافت پروانه می‌گردد. د ـ رعایت ضوابط مقرر در بندهای (۱) تا (۳) از ماده (۴) این آیین نامه در مورد کلیه مناطق الزامی است ماده ۷ ـ مراقبت و اعمال نظارت در رعایت ضوابط مقرر در این آیین نامه و تامین تسهیلات لازم‌برای انجام فعالیتهای سالم و هماهنگ ساختمانی در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها وراهنمایی و ارشاد کسانیکه قصد ایجاد ساختمان و تاسیسات در این قبیل نقاط دارند و جلوگیری ازتخلفات ساختمانی در حوزه هر استان یا فرمانداری کل بعهده استاندار یا فرماندار کل می‌باشد که با استفاده از سازمانهای دولتی واقع در حوزه استان این وظیفه را انجام دهد. ماده ۸ ـ هرگاه در ایجاد ساختمانها و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و درخارج از قطبهای کشاورزی رعایت ضوابط مقرر در این آیین نامه نشده باشد بطریق زیر عمل خواهدشد: ۱ ـ بنا به تشخیص مهندسین و تکنیسین‌های ساختمانی و تاسیساتی که از طرف استاندار مأمورنظارت شده‌اند یا تقاضای کتبی سازمانهای ذیربط دولتی و یا بنا به اعلام فرمانداران و بخشداران که‌مورد تایید مرجع صادرکننده پروانه باشد از طرف استاندار یا فرماندار کل قرار گیرد دستور توقف‌عملیات ساختمانی صادر و از ادامه کار آن جلوگیری خواهد شد تا تکلیف آن طبق مقررات بند ۲ این‌ماده تعیین شود. ۲ ـ اعم از اینکه عملیات ساختمانی خاتمه یافته و مورد بهره‌برداری قرار گرفته یا نگرفته و یاساختمان و تاسیسات قبل از اتمام متوقف و از ادامه آن جلوگیری شده باشد اتخاذ تصمیم در موردکیفیت رفتار با متخلف با توجه بقوانین و مقررات جاری کشور و تعیین نحوه بهره‌برداری یا ادامه کارساختمان بعهده یک

هیات پنج‌نفری مرکب از نمایندگان استانداری ، انجمن استان ، اداره کل مسکن وشهرسازی ، اداره کل کشاورزی و منابع طبیعی و اداره کل صنایع و معادن خواهد بود. در اتخاذتصمیم هیات مذکور اکثریت سه رای موافق مناط اعتبار است تبصره ـ کمیسیون مکلف است حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ توقف عملیات ساختمانیو یا اعلام تخلف بموضوع رسیدگی و تصمیم خود را اعلام نماید. ماده ۹ ـ هرگونه ساختمان اعم از ساختمانهای مسکونی و عمومی و اجتماعی در محدوده‌مسکونی روستاها که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها قرار داشته باشد تا زمانیکه از طرف‌وزارت تعاون و امور روستاها ضوابط و مقررات خاصی ایجاد و بموقع اجرا گذاشته نشده است‌تابع عرف محلی خواهد بود و تعیین محدوده مسکونی هر روستا بعهده وزارت تعاون و اموروروستاها می‌باشد. ماده ۱۰ ـ ایجاد ساختمانها و تاسیسات نظامی ، انتظامی ، امنیتی ، مرزی و همچنین ساختمانهاو تاسیسات مربوط به طرحهای آب و فاضلاب و برق ، لوله‌کشی‌های نفت و گاز ، تاسیسات فنی‌مربوط به اکتشاف و استخراج نفت و گاز ، خطوط ارتباطی و مخابراتی و واحدها و مجتمع‌های‌مسکونی و سایر تاسیسات متعلق به سازمانهای دولتی یا وابسته بدولت و شهرداریها در خارج ازمحدوده قانونی شهرها تابع پروژه‌ها و طرح‌های مصوب توسط مراجع و مقامات صلاحیتدارمربوط می‌باشد و مقامات تهیه‌کننده و تصویب‌کننده این قبیل پروژه‌ها و طرحها باید رعایت ضوابط‌عمومی ایجاد ساختمان و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها را به ترتیبی که در این‌آیین نامه مقرر شده است بر حسب مورد بنمایند.

فصل سوم ــ احداث شهرک (ماده ۱۱ تا ۱۶)

ماده ۱۱ ـ در مورد ایجاد شهرک رعایت ضوابط زیر الزامی است ۱ ـ دریافت گواهی از ادارات کشاورزی و منابع طبیعی ، تعاون و امور روستاهای محل مبنی بربلامانع بودن استفاده از زمین و نیز گواهی شرکتهای آب و برق منطقه‌ای از نظر وجود و یا امکان‌ایجاد منابع آب و برق کافی برای تامین احتیاجات شهرک ۲ ـ ارایه سند مالکیت بنام متقاضی ۳ ـ تعیین و معرفی مهندس مشاور شهرسازی و معماری مجاز مسئول ، تهیه طرح و نظارت‌ساختمان شهرک ۴ ـ منظور داشتن حداقل سی درصد کل مساحت زمین موضوع طرح برای معابر عمومی وفضای سبز و میادین و تاسیسات عمومی و اجتماعی و تجهیزات شهری که غیرقابل تملک‌خصوصی باشد. ۵ ـ رعایت ضوابط مقرر در ماده ۴ این آیین نامه در هر مورد که به تشخیص وزارت مسکن وشهرسازی قابل انطباق با ضوابط شهرک‌سازی باشد. ماده ۱۲ ـ احداث شهرک مستلزم دریافت پروانه می‌باشد و دارنده پروانه شهرک‌سازی حق‌واگذاری یا انتقال پروانه را بدیگری ندارد مگر با موافقت وزارت مسکن و شهرسازی تبصره ـ ترتیب صدور پروانه تاسیس شهرک و پروانه بهره‌برداری از شهرک طبق دستورالعملی‌خواهد بود که به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب شورایعالی شهرسازی و معماریایران خواهد رسید. ماده ۱۳ ـ بمنظور بررسی و اتخاذ تصمیم مقدماتی در مورد پیشنهادهای مربوط به احداث‌شهرک‌های جدید بر اساس مقتضیات و نیازهای منطقه و اجرای وظایف مقرر در این آیین نامه و یادستورالعمل موضوع تبصره ماده ۱۲ در مرکز هر استان کمیسیونی بریاست استاندار و شرکت‌مقامات زیر تشکیل می‌گردد و تصمیمات آن با رای اکثریت مجموع اعضا مناط اعتبار خواهد بود: ۱ ـ معاون استاندار در امور عمرانی که ضمنا قایم‌مقام استاندار در غیبت او خواهد بود. ۲ ـ مدیر کل مسکن و شهرسازی استان که ضمنا دبیری کمیسیون را نیز بعهده خواهد داشت ۳ ـ مدیر کل کشاورزی و منابع طبیعی استان ۴ ـ رییس دفتر مهندسی استان ۵ ـ رییس دفتر برنامه و بودجه استان ۶ ـ مدیر کل راه و ترابری استان ۷ ـ مسئول جهاد سازندگی استان تبصره ۱ ـ در استان مرکزی بجای مدیر کل مسکن و شهرسازی استان نماینده واحد شهرسازیو معماری وزارت مسکن و شهرسازی و بجای رییس دفتر مهندسی استان نماینده حوزه معاونت‌عمرانی وزارت کشور عضویت کمیسیون را خواهند داشت و در مواقع لزوم از دبیر شورای نظارت برگسترش شهر تهران نیز برای شرکت در کمیسیون دعوت بعمل خواهد آمد. تبصره ۲ ـ در استانهایی که شوراهای

هماهنگی و نظارت بر توسعه وجود داشته یا بعدا ایجادشود دبیران شوراهای مذکور نیز عضویت کمیسیون را خواهند داشت تبصره ۳ ـ در هر مورد که حضور نمایندگان سازمان حفاظت محیط زیست یا وزارت اطلاعات‌و جهانگردی یا هریک از سازمانهای دیگر دولتی در کمیسیون لازم و میسر تشخیص داده شود از آنهانیز دعوت بعمل خواهد آمد. ماده ۱۴ ـ انجام عملیات مربوط به تفکیک ثبتی اراضی شهرکها منوط به اتمام عملیات‌زیربنایی و صدور پروانه بهره‌برداری و اجازه تفکیک می‌باشد و بر حسب مورد ممکن است عملیاتاجرایی زیربنایی و صدور پروانه بهره‌برداری و اجازه تفکیک بمراحل مختلف تقسیم گردیده پس ازخاتمه عملیات هر قسمت پروانه بهره‌برداری و اجازه تفکیک نسبت به‌آن قسمت صادر و به‌احداث‌کننده شهرک تسلیم شود ـ همچنین در مواردی که به تشخیص کمیسیون مقرر در ماده ۱۳ این‌آیین نامه ایجاب کند می‌توان پروانه بهره‌برداری را از لحاظ امکان تفکیک و فروش قطعات‌ساختمانها و اراضی قبل از اتمام عملیات اجرایی زیربنایی نسبت به‌هر قسمت از شهرک صادر نمود.مشروط بر اینکه از متقاضی تضمین کافی که ترتیب آن در دستورالعمل موضوع تبصره ماده ۱۲ این‌آیین نامه مقرر خواهد گردید برای اتمام عملیات زیربنایی قسمتهای مذکور اخذ شود. ماده ۱۵ ـ در مورد شهرکهایی که قبل از تصویب این آیین نامه شروع به احداث شده است اجازه‌انجام عملیات شهرسازی و ساختمانی پس از رسیدگی و تصویب پروژه شهرک توسط کمیسیون‌مقرر در ماده ۱۳ این آیین نامه و اخذ تضمین کافی برای تکمیل عملیات زیربنایی توسط اداره کل‌مسکن و شهرسازی استان مربوط صادر خواهد شد. تبصره ۱ ـ دستورالعمل طرز اجرای این ماده و تعیین آن مقدار از ضوابط مقرر در موردشهرکهای جدیدالاحداث که رعایت آنها در این قبیل شهرکها لازم و امکان‌پذیر باشد و کیفیت اخذتضمین برای تکمیل عملیات زیربنایی با توجه به شرایط خاص هریک از انواع این قبیل شهرکهاتوسط وزارت مسکن و شهرسازی تصویب و بر طبق شهرکها لازم و امکان‌پذیر باشد و کیفیت اخذتضمین برای تکمیل عملیات زیربنایی با توجه به شرایط خاص هر یک از انواع این قبیل شهرکهاتوسط وزارت مسکن و شهرسازی تصویب و برطبق آن رفتار خواهد شد. تبصره ۲ ـ درصورتیکه نحوه تفکیک اراضی این قبیل شهرکها با ضوابط مقرر برای هریک‌هماهنگ نباشد با صدور اجازه اصلاح نقشه تفکیکی توسط کمیسیون موضوع ماده ۱۳ این آیین نامه اصلاحات لازم در نقشه تفکیکی بعمل خواهد آمد. ماده ۱۶ ـ وظایف و اختیاراتی که در این آیین نامه برای استاندار یا سایر مقامات در استان تعیین‌شده است بعهده فرماندار کل و سایر مقامات مربوط در فرمانداری کل خواهد بود.

لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت – مص

ماده ۱ ـ هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا موسسات وشرکتهای دولتی یا وابسته بدولت ، همچنین شهرداریها و بانکها و دانشگاههای دولتی و سازمانهایی‌که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس (دستگاه اجرایی) نامیده می‌شوند ، به‌اراضی ، ابنیه ، مستحدثات ، تاسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص‌حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلا وسیله (دستگاه اجرایی) یا از طرف سازمان برنامه‌و بودجه تامین شده باشد دستگاه اجرایی می‌تواند مورد نیاز را مستقیما یا بوسیله هر سازمان‌خاصی که مقتضی بداند بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید. ماده ۲ ـ برنامه‌های مذکور در ماده ۱ شامل برنامه‌هایی است که اجرای بموقع آن برای امورعمومی و امنیتی (دستگاه اجرایی) لازم و ضروری باشد ، ضرورت اجرای طرح باید به تایید وتصویب بالاترین مقام اجرایی (دستگاه اجرایی) برسد. تبصره ۱ ـ دستگاه اجرایی موظف است برای اجرای طرح حتیالمقدور از اراضی ملی شده یادولتی استفاده نماید. عدم وجود این قبیل اراضی حسب مورد باید به تایید وزارت کشاورزی وعمران روستایی یا سازمان عمران اراضی شهری در تهران و ادارات کل و شعب مربوط در استانهارسیده باشد. تبصره ۲ ـ اداره ثبت اسناد و املاک محل مکلف است محل وقوع و وضع ثبتی ملک را باتوجه به نقشه ارایه شده حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ استعلام پاسخ دهد. ماده ۳ ـ بهای عادله اراضی ، ابنیه ،

مستحدثات ، تاسیسات و سایر حقوق و خسارات وارده ازطریق توافق بین (دستگاه اجرایی) و مالک یا مالکین و صاحبان حقوق تعیین می گردد. تبصره ۱ ـ در صورت توافق در مورد بهای عادله هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هر یک ازمالکین بیش از یک میلیون ریال نباشد (دستگاه اجرایی) می‌تواند راسا نسبت به‌خرید ملک وپرداخت خسارت اقدام نماید و هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هریک از مالکین بیش از یک‌میلیون ریال باشد بهای خرید ملک یا میزان خسارت و انجام معامله باید بتصویب هیات مقرر درماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی و در مورد شهرداریها بتصویب انجمن شهر برسد. تبصره ۲ ـ در صورت حصول توافق (دستگاه اجرایی) موظف است حداکثر ظرف سه ماه‌نسبت بخرید ملک و پرداخت حقوق یا خسارات اقدام و یا آنکه انصراف خود را از خرید و تملک‌کتبا بمالک یا مالکین اعلام نماید ، بهرحال عدم اقدام به خرید یا اعلام انصراف در مدت مذکوربمنزله انصراف است ماده ۴ ـ هرگاه نسبت به تعیین بهای عادله اراضی و ابنیه و تاسیسات و حقوق و خسارات وارده‌بین (دستگاه اجرایی) و مالک توافق حاصل نشود ، بهای عادله توسط هیاتی مرکب از سه نفرکارشناس رسمی دادگستری تعیین می گردد ، کارشناسان یکنفر از طرف (دستگاه اجرایی) یکنفر ازطرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف‌بمعرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند ، رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۱ ـ در صورتیکه در محل کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل می‌شود. تبصره ۲ ـ هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود را حداکثر ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه‌اجرایی) که به یکی از صور ابلاغ کتبی ، انتشار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به‌اطلاع عموم می‌رسد تعیین ننماید و یا بعلت مجهول بودن مالک ، عدم تکمیل تشریفات ثبتی ، عدم‌صدور سند مالکیت ، اختلاف در مالکیت ، فوت مالک و موانعی از این قبیل ، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه (دستگاه اجرایی) به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید. ماده ۵ ـ ملاک تعیین قیمت عبارتست از بهای عادله روز تقویم اراضی و ابنیه و تاسیسات وحقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تاثیر طرح در قیمت آنها. تبصره ۱ ـ در مواردی که ملک محل سکونت یا ممرّ اعاشه مالک باشد علاوه بر بهای عادله‌صدی پانزده به قیمت ملک افزوده خواهد شد. تشخیص اینکه مالک در محل ساکن است یا ملک ممرّ اعاشه وی می‌باشد با (دستگاه اجرایی) است و در صورت بروز اختلاف تشخیص نهایی با دادگاه صالحه محل وقوع ملک می‌باشد که به‌تقاضای هریک از طرفین اظهارنظر خواهد کرد. تبصره ۲ ـ در صورتیکه طبق نظر اداره کشاورزی و عمران روستایی محل ، زارعین حقوقی درملک مورد بحث داشته باشند حقوق زارعین ذینفع به تشخیص اداره مذکور از محل ارزش کل ملک‌به آنان پرداخت و بقیه در هنگام انجام معامله به مالک پرداخت خواهد شد. چنانچه در ملک مورد معامله ، ساختمانهای روستایی فاقد سند مالکیت و نیزهرگونه اعیانی و یاحقوقی نظیر حق ریشه ، بهای شخم ، بذر ، کود و سایر زحماتی که زارع برای آماده کردن زمین متحمّ لشده است وجود داشته باشد بهای اعیان و حقوق متعلق به آنان برابر قراردادهای موجود بین زارع ومالک و یا طبق مقررات یا عرف محل از طریق توافق یا از سوی کارشناسان تعیین و از محل ارزش کل ملک به ایشان و بقیه به مالک پرداخت می گردد. تبصره ۳ ـ چنانچه ملک مورد معامله محل کسب و پیشه اشخاص باشد در صورتی به آن حق کسب و پیشه تعلق خواهد گرفت که حداقل یکسال قبل از اعلام تصمیم (دستگاه اجرایی) محل کسب و پیشه بوده باشد. تبصره ۴ ـ نسبت به املاک موقوفه‌ای که طبق تشخیص سازمان اوقاف تبدیل به احسن آنهاقانونا مجاز است بطریق مذکور در این قانون اقدام و آنها را که شرعا مجاز نیست بطریق اجاره‌طویل‌المدت عمل خواهد شد در مورد املاک اخیر در صورت وجود اعیانی متعلق به اشخاص و یاحقوق مندرج در تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۵ این قانون حقوق فوق از سوی هیات کارشناسی مندرج دراین قانون تعیین و از محل اعتبار طرح پرداخت و مال‌الاجاره ملک موقوفه با در نظر گرفتن پرداخت‌مزبور از سوی هیات کارشناسی تعیین خواهد شد. تبصره ۵ ـ در کلیه موارد مندرج در این قانون هیات کارشناسی مکلف است بر اساس مقررات وضوابط مندرج در قانون

کارشناسی مصوب سال ۱۳۱۷ و سایر مقررات مربوط حداکثر ظرف یکماه‌نظرات خود را دقیقا اعلام نماید. دستمزد کارشناسان طبق آیین‌نامه دستمزد کارشناسان رسمی واصلاحات بعدی آن و در صورت اختلاف طبق نظر دادگاه محل مشخص و از محل اعتبار مربوط به‌طرح قابل پرداخت می‌باشد. نصف هزینه کارشناسی پرداخت شده که بعهده مالک می‌باشد درهنگام انجام معامله از ارزش ملک کسر می گردد. ماده ۶ ـ در مواردی که (دستگاه اجرایی) مقتضی بداند و در صورت رضایت مالک عوض‌اراضی تملیک شده از اراضی مشابه ملی یا دولتی متعلق به خود تامین و با حفظ ضوابط مندرج درقوانین و مقررات مربوط ، به مالکین واگذار می‌نماید. در این صورت نیز تعیین بهای عوض ومعوض بعهده هیات کارشناسی مندرج در این قانون می‌باشد. ماده ۷ ـ (دستگاه اجرایی) مجاز است بجای پرداخت حق کسب و پیشه در صورت رضایت‌صاحب حق تعهد نماید که پس از انجام طرح ، محل کسبی در همان حدود به صاحب حق واگذارنماید. ماده ۸ ـ تصرف اراضی ، ابنیه و تاسیسات و خلع ید مالک قبل از انجام معامله و پرداخت قیمت‌ملک یا حقوق مالک مجاز نمی‌باشد مگر آنکه در اثر موانعی از قبیل استنکاف مالک از انجام‌معامله ، اختلاف مالکیت ، مجهول بودن مالک ، رهن یا بازداشت ملک ، فوت مالک و غیره انجام‌معامله قطعی ممکن نگردد ، در این صورت بمنظور جلوگیری از وقفه یا تاخیر در اجرای طرح بشرح‌زیر اقدام می‌شود. چنانچه مالک ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه اجرایی) به‌یکی از انحا مقرر در تبصره ۲ و ۴برای انجام معامله مراجعه نکند یا از انجام معامله بنحوی استنکاف نماید مراتب برای بار دوم اعلام‌و پس از انقضا ۱۵ روز مهلت مجدد ، ارزش تقویمی ملک که طبق نظر هیات کارشناسی مندرج درماده ۴ یا تبصره ۲ آن تعیین شده است بمیزان و مساحت مورد تملک به صندوق ثبت محل تودیع ودادستان محل یا نماینده وی سند انتقال را امضا و ظرف یکماه به تخلیه و خلع ید اقدام خواهدنمود و بهای ملک یا حقوق یا خسارات بمیزان مالکیتی که در مراجع ذیربط احراز می گردد از سویاداره ثبت به ذیحق پرداخت و اسناد قبلی مالک حسب مورد اصلاح یا ابطال و مازاد سپرده طبق‌مقررات مربوط به صندوق دولت مسترد می‌شود ، اداره ثبت محل موظف است بر اساس سند انتقال امضا شده وسیله دادستان یا نماینده وی سند مالکیت جدیدی بمیزان و مساحت اراضی ، ابنیه وتاسیسات مورد تملک بنام (دستگاه اجرایی) صادر و تسلیم نماید. ماده ۹ ـ در صورتیکه فوریت اجرای طرح با ذکر دلایل موجه به تشخیص وزیر دستگاه اجرایی‌ضرورت داشته باشد بنحوی که عدم تسریع در انجام طرح موجب ضرر و زیان جبران‌ناپذیری گردد ، (دستگاه اجرایی) می‌تواند قبل از انجام معامله قطعی و با تنظیم صورتمجلس وضع موجود ملک باحضور مالک یا نماینده وی در غیاب او و نماینده دادستان و کارشناس رسمی نسبت به تصرف واجرای طرح اقدام نماید لکن (دستگاه اجرایی) مکلف است حداکثر تا سه ماه از تاریخ تصرف نسبت‌به پرداخت یا تودیع قیمت عادله طبق مقررات این قانون اقدام نماید. تبصره ـ مالک یا صاحب حق می‌تواند در صورت عدم پرداخت بها در مدت مذکور با مراجعه‌به دادگاه صالحه درخواست توقیف عملیات اجرایی را تا زمان پرداخت بها بنماید و محاکم صالحه‌به موضوع خارج از نوبت رسیدگی و حکم لازم صادر می‌نمایند و در صورت پرداخت قیمت تعیین‌شده بلافاصله رفع توقیف عملیات اجرایی بعمل خواهد آمد. ماده ۱۰ ـ چنانچه قبل از تصویب این قانون ، اراضی ، ابنیه یا تاسیساتی بر اساس قوانین‌موضوعه قبلی بتصرف وزارتخانه‌ها ، موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته بدولت و همچنین‌شهرداریها ، بانکها و دانشگاههای دولتی یا سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام‌باشد درامده و یا در محدوده مورد تصرف قرار گرفته باشد که بر اساس قوانین مذکور دولت مکلف‌به پرداخت بهای عادله و حقوق و خسارات متعلقه بوده ولی تعیین بهای آن و یا حقوق و خسارات‌متعلقه منجر بصدور نظر قطعی در مراجع ذیصلاح نشده باشد و یا به تصرف مجری طرح در نیامده‌باشد بها و حقوق و خسارات مربوط بشرح‌زیرپرداخت‌خواهدشد: الف ـ ارزش کلیه اعیانی اعم از هرگونه ساختمان ، تاسیسات ، مستحدثات و سایر حقوق متعلقه‌طبق مقررات این قانون تقویم و نقدا پرداخت می‌شود. ب ـ بهای زمینهای دایر در بخش خصوصی بقیمت روز تقویم و پرداخت خواهد شد و بابت‌زمینهای موات ، جنگلها ، مراتع و هر قسمتی که طبق قانون اساسی جزو اموال عمومی درامده وجه‌پرداخت نخواهد شد. زمینهای دایر را به آن قسمت

که اضافه بر حداکثر مجاز زمينهای مذکور درقانون مصوب شورای انقلاب که توسط وزارت کشاورزی پيشنهاد شده هيچگونه وجهی تعلق‌نمی گيرد. تبصره ۱ ـ ارزش تقويم شده زمين در صورت اختلاف نظر از طرف هيات کارشناسان موضوع۴ اين قانون با در نظر گرفتن ميانگين ارزش کل مساحت هر ملك تعيين خواهد شد. تبصره ۲ ـ هرگونه انتقال قهری و يا ملکيت مشاع بمنزله يك واحد مالکيت خواهد بود. تبصره ۳ ـ (دستگاه اجرايی) مکلف می‌باشند اعتبار مورد نياز جهت اجرای مفاد ماده ۱۰ اين‌قانون را پيش‌بينی و پس از تامين اعتبار لازم به ترتيب فراهم شدن مقدمات انجام معامله قطعی‌حداکثر ظرف ۵ سال بهای کليه اراضی و متصرفی را پرداخت و تملك نمايند. ادارات ثبت اسناد واملاك مکلف به‌صدور سند مالکيت می‌باشند. تبصره ۴ ـ طرحهای موضوع اين قانون از تاريخ شروع به اجرا از پرداخت هر نوع عوارض‌مستقيم به شهرداريها مثل انواع عوارض متعلق به زمين و ساختمان و ساير اموال منقول و غيرمنقول‌و حق تشرف و حق مرغوبيت و مشابه آن معاف هستند. ماده ۱۱ ـ هرگاه برای اجرای طرح (دستگاه اجرايی) احتياج به اراضی داير يا باير ، ابنيه ياتاسيسات متعلق به ساير وزارتخانه‌ها يا موسسات و شرکتهای دولتی يا وابسته بدولت و همچنين‌شهرداريها ، بانکها و دانشگاههای دولتی و سازمانهايی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام‌است داشته باشد واگذاری حق استفاده بموجب موافقت وزير يا رييس موسسه يا شرکت که ملك رادر اختيار دارد ممکن خواهد بود. اين واگذاری بصورت بلاعوض می‌باشد و در صورتی که مسئولين‌مربوط بتوافق نرسند طبق نظر نخست‌وزير عمل خواهد شد. تبصره ـ در صورتيکه اراضی و ابنيه و تاسيسات يا حقوق آن متعلق به‌شرکت يا سازمان ياموسسه دولتی يا وابسته بدولت بوده و واگذاری بلاعوض آن برابر اساسنامه شرکت مقدور نباشد ، بهای آن بر اساس ارزش تعيين شده در ترازنامه شرکت قابل پرداخت است در اين صورت ملك بصورت قطعی به (دستگاه اجرايی) منتقل خواهد شد. ماده ۱۲ ـ کليه قوانين و مقرراتی که تا اين تاريخ در مورد لايحه نحوه خريد و تملك اراضی واملاك برای اجرای برنامه‌های عمومی و عمرانی و نظامی دولت تصويب شده و با اين قانون‌مغايرت دارد از تاريخ تصويب اين قانون ملغيالاثر می‌باشد.

قانون نحوه تقويم ابنيه ، املاک و اراضی مورد نياز شهرداريها – مصوب ۲۸/۷/۱۳۷۰

ماده واحده ـ در کليه قوانين و مقرراتی که شهرداريها مجاز به تملك ابنيه ، املاك و اراضی‌قانونی مردم می‌باشند در صورت عدم توافق بين شهرداری و مالك ، قيمت ابنيه ، املاك و اراضی بايستی به قيمت روز تقويم و پرداخت شود. تبصره ۱ ـ قيمت روز توسط هياتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری و مورد وثوق که يکنفر به انتخاب شهرداری و يکنفر به انتخاب مالك يا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفين می‌باشد تعيين خواهد شد ، رای اکثريت هيات مزبور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۲ ـ در صورت عدم توافق در انتخاب کارشناس سوم ، دادگاه صالح محل وقوع ملك ، اقدام به معرفی کارشناس خواهد نمود. تبصره ۳ ـ در صورتيکه در محل ، کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل خواهد شد. تبصره ۴ ـ هرگاه مالك يا مالکين ، کارشناس خود را حداکثر ظرف مدت يکماه از تاريخ اعلام دستگاه که به يکی از صور ابلاغ کتبی ، انتشار در يکی از روزنامه‌های کثيرالانتشار يا آگهی در محل به اطلاع عمومی می‌رسد ، تعيين ننمايد و در مواردی که بعلت مجهول بودن مالك ، عدم تکميل تشريفات ثبتی ، عدم صدور سند مالکيت ، اختلاف در مالکيت ، فوت مالك و موانعی از اين قبيل ، امکان انتخاب کارشناس ميسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملك حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاريخ مراجعه (شهرداريها) به دادگاه نسبت به تعيين کارشناس اقدام می‌نمايد. تبصره ۵ ـ زمينهای تمليکی قانون زمين شهری که مورد نياز شهرداريها بوده و سهم هر مالك‌که دارای سند رسمی بوده و بيش از يکهزار متر مربع باشد نسبت به مازاد يکهزار متر مربع از شمول اين قانون مستثنی است تبصره ۶ ـ جهت تامين معوض ابنيه ، املاك ، اراضی شرعی و قانونی مردم که در اختيارشهرداريها قرار می گيرد دولت موظف است ۱۰٪ از اراضی و واحدهای مسکونی قابل واگذاری را باقيمت تمام شده به شهرداريها اختصاص

دهد تا پس از توافق بین مالکین و شهرداریها بعنوان معوض‌تحویل گردد. تبصره ۷ ـ از تاریخ تصویب و لازم‌الاجرا شدن این قانون ماده ۴ و آن قسمت از ماده ۵ ازلایحه تا نظامی دولت باید در گیومه قرار گیرد (لایحه قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک‌برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت) مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۵۸ شورای انقلاب‌اسلامی که مربوط به نحوه تعیین قیمت عادله الزامی می‌باشد در مورد شهرداریها لغو می گردد.

قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها – مصوب ۲۹/۸/۱۳۶۷

ماده واحده ـ کلیه وزارتخانه‌ها ، موسسات ، سازمانها ، نهادها ، شرکتهای دولتی یا وابسته به‌دولت و شهرداریها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام باشد ، مکلف می‌باشند درطرحهای عمومی یا عمرانی که ضرورت اجرا آنها توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی بارعایت ضوابط مربوطه تصویب و اعلان شده باشد و در اراضی و املاک شرعی و قانونی اشخاص‌اعم از (حقیقی و حقوقی قرار داشته و در داخل محدوده شهرها و شهرکها و حریم استحفاظی آنهاباشد ، پس از اعلام رسمی وجود طرح ، حداکثر ظرف مدت هجده‌ماه نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال اسناد رسمی و پرداخت بها یا عوض آن طبق قوانین مربوطه اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتیکه اجرای طرح و تملک املاک واقع در آن بموجب برنامه زمان بندی مصوب به حداقل ۵ سال بعد موکول شده باشد ، مالکین املاک واقع در طرح از کلیه حقوق مالکانه مانند احداث یا تجدید بنا یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجاره و رهن و غیره برخوردارند و درصورتیکه کمتر از ۵ سال باشد مالک هنگام اخذ پروانه تعهد می‌نماید هرگاه زمان اجرای طرح قبل از ده سال شروع شود حق مطالبه هزینه احداث و تجدیدبنا را ندارد. تبصره ۲ ـ شهرداریها موظفند همزمان با صدور پروانه ساختمان مالکان مشمول قسمت اخیر تبصره ۱ مشخصات دقیق عرصه و اعیان و تاسیسات موجود را معین و در پرونده درج و ضبط نمایند تا ملاک ارزیابی به هنگام اجرای طرح قرار گیرد و در زمانی که به لحاظ تامین اعتبار آمادگی و اجرای طرح مزبور باشد. به هنگام اجرای طرح مصوب ملاک پرداخت خسارت قیمت عرصه واعیان ملک در زمان اجرای طرح خواهد بود. تبصره ۳ ـ مالکین املاک و اراضی واقع در طرحهای آتی که قبل از تصویب طرح واجد شرایط جهت اخذ پروانه ساختمان بوده و قصد احداث یا تجدید یا افزایش بنا دارند ، جهت اخذ زمین عوض در اولویت قرار خواهند گرفت و در بین اینگونه مالکین اشخاصی که ملک آنها در مسیراحداث یا توسعه معابر و میادین قرار دارند ، نسبت به سایرین حق تقدم دارند. تبصره ۴ ـ در مواردی که تهیه زمین عوض در داخل محدوده‌های مجاز برای قطعه بندی و تفکیک و ساختمان‌سازی میسر نباشد و احتیاج به توسعه محدوده مزبور طبق طرحهای مصوب‌توسعه شهری مورد تایید مراجع قانونی قرار بگیرد ، مراجع مزبور می‌توانند در مقابل موافقت باتقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه و عمران شهر ، علاوه برانجام تعهدات مربوط به عمران و آماده‌سازی زمین و واگذاری سطوح لازم برای تاسیسات وتجهیزات و خدمات عمومی ، حداکثر تا ۲۰٪ از اراضی آنها را برای تامین عوض اراضی واقع درطرحهای موضوع این قانون و همچنین اراضی عوض طرحهای نوسازی و بهسازی شهری ، بطور رایگان دریافت نمایند.

لایحه قانونی راجع به لغو مالکیت اراضی موات واقع بین محدوده بیست و پنج ساله قانونی شهر تهران و حریم ا

ماده واحده ـ کلیه اراضی واقع بین محدوده بیست و پنج ساله قانونی شهر تهران و حریم استحفاظی طبق نقشه ضمیمه که به صورت موات معطل مانده و در آن عمران و آبادانی به عمل نیامده است مالکیت اشخاص نسبت به آنها طبق مفاد قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و ازتاریخ ابلاغ آن لغو می گردد. تبصره ۱ ـ آن قسمت از اراضی که طبق تشخیص کمیسیون منتخب از نمایندگان

وزارت‌کشاورزی و عمران روستایی و وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران به صورت مزروعی و یا باغ بوده و در مهرماه سال ۵۸ در آنها کشت و درختکاری شده زمین کشاورزی تشخیص و صاحب یا صاحبان آنها می‌توانند بکار کشاورزی با پروانه صادره از وزارت کشاورزی و عمران روستایی ادامه‌دهند. تبصره ۲ ـ ترتیب عمران و استفاده و تبدیل اراضی موات مندرج در این قانون بصورت منطقه سبز طبق برنامه ایست که توسط شهرداری تهران با مشارکت وزارت کشاورزی و عمران روستایی انجام خواهد شد. تبصره ۳ ـ اشخاصی که مبادرت به فروش یا تصرف اراضی موات موضوع این قانون را بنمایند یا در آن ایجاد بنا یا سایر تصرفات بنمایند یا اشخاص دیگر را متصرف این اراضی نمایند علاوه بر محکومیت به پرداخت دو برابر مبالغی که بابت فروش یا به تصرف دادن این اراضی عایدشان شده است به صندوق دولت ، به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی نیز محکوم خواهند شد. شکایت هر یک از وزارتخانه‌های کشاورزی و عمران روستایی و مسکن و شهرسازی یا شهرداری تهران برای تعقیب این قبیل اشخاص کافی می‌باشد.

قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن – سال ۱۳۵۸

ماده ۱ ـ دولت مکلف است در داخل محدوده قانونی (۲۵ ساله شهرها در نقاطی که محدوده قانونی وجود دارد و در سایر شهرها در محدوده‌ای که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام خواهد شد. به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق مالك اینگونه اراضی شناخته می‌شدند اعلام نماید تا ظرف مدت معینی نسبت به‌عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. چنانچه در مهلت مقرر اقدام لازم به عمل نیاورند هیچگونه اولویتی برای آنها منظور نخواهد شد و بلاعوض به تصرف دولت در خواهد آمد. تبصره ـ دولت برای کسانی که یك قطعه زمین کوچك برای سکونت شخصی خود تهیه کرده‌اند و فاقد خانه مسکونی می‌باشند حداقل سه سال مهلت خواهد داد تا بتوانند به عمران زمین‌خود بپردازند. ماده ۲ ـ دولت باید زمینهای تفکیك نشده‌ای را که به ترتیب مقرر در این قانون به تصرف خویش در می‌آورد تفکیك کند و بر اساس طرح تفصیلی منطقه مربوطه در اختیار متقاضیان برای احداث ساختمان و مسکن قرار دهد. ماده ۳ ـ نحوه اعلام به کسانی که در رژیم سابق مالك اینگونه اراضی شناخته می‌شدند و تشخیص موات بودن و عمران و آبادی و شرایط واگذاری اراضی مذکور و تعیین مساحت زمینهای مذکور در تبصره ماده یك در هر منطقه و سایر مسائل اجرایی این قانون مطابق آیین نامه ای خواهدبود که وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می کند و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مأمور اجرای این قانون است

اصلاحیه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن – سال ۱۳۵۸

ماده واحده ـ مهلت مقرر در ماده یك قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مخصوص زمینهایی است که مشمول تبصره ذیل همان ماده است و برای مساحتهای زاید بر آن نیازی به دادن مهلت از جانب دولت نیست بلافاصله به تملك دولت درخواهد آمد. تبصره ـ اراضی موات واقع در داخل محدوده شهرکها مشمول ماده یك این قانون هستند و دارندگان پروانه احداث مجتمع های مسکونی و شهرکها در صورتی که از تاریخ تصویب این قانون نسبت به احداث تاسیسات زیربنایی اقدام نموده باشند ولی نتوانند در مهلت مقرر در پروانه ساختمانی خود واحدهای مسکونی مورد نظر را بسازند آن قسمت از اراضی که ساخته نشده است به تملك دولت درخواهد آمد. در صورت تملك اینگونه اراضی بهای تاسیسات زیربنایی شهرك ها مشروط بر آنکه به تشخیص دولت قابل بهره برداری و سکونت باشد با نظر کارشناس قابل پرداخت خواهد بود. بهای اعیانی و مستحدثات ایجاد شده در سایر زمینهایی که بموجب این قانون به تصرف دولت در می‌آید نیز به ترتیب فوق قابل پرداخت است

آیین نامه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن – مصوب ۲۶/۵/۱۳۵۸ هیات وزیران

فصل اول نحوه اعلام به مالکین (ماده ۱)

ماده ۱ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است به مالکین اراضی مشمول تبصره ذیل ماده‌یک قانون مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۵/۴/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی از طریق جراید کثیرالانتشار و سایر رسانه‌های گروهی اعلام نماید که ظرف مهلت‌های تعیین‌شده در ماده ۶ این آیین نامه نسبت به عمران و آبادی اراضی خود با رعایت ضوابط این آیین نامه اقدام نماید و گرنه پس از انقضای مهلت مقرر وعدم اقدام نسبت به عمران و آبادی ، زمین بلاعوض به‌تصرف دولت در خواهد آمد.

فصل دوم مقررات تشخیص اراضی موات وعمران و آبادی (ماده ۲ تا ۴

ماده ۲ ـ زمین موات از نظر این قانون زمینی است که معطل مانده وعمران و آبادی در آن به‌عمل نیامده باشد ، عمران و آبادی قابل قبول به شرح زیر است ۲ـ ۱ـ زمین قبلا به صورت خانه بوده و در سند مالکیت قید شده باشد. ۲ـ ۲ـ هرگاه در زمین قبلا ساختمانی بوده و بعدا خراب شده و فعلا بقایای آن مشهود باشد و دراین صورت معادل ۴ برابر مساحت زیر بنای ساختمان مخروبه ، احیا شده محسوب می‌گردد. ۲ـ ۳ـ اراضی زیر کشت محصولات زراعی و باغهای گل که لا اقل سه چهارم مساحت زمین آن‌زیر کشت باشد. ۲ـ ۴ـ باغ مشجر اعم از مثمر و غیرمثمر که در هر صد متر مربع ۶ اصله درخت سه ساله‌کاشته‌شده باشد مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن خیابان بندی و تاسیسات مورد نیاز باغ لا اقل سه‌چهارم از مساحت زمین مشجر باشد. ۲ـ ۵ـ نوع استفاده از اراضی و باغات مذکور در بندهای ۲ـ ۳ و ۲ـ ۴ تغییرناپذیر است ولی صاحبان این اراضی و باغات می‌توانند با رعایت مقررات شهرداری محل برای سکونت شخصی ویا رفع نیازمندیهای زراعی و باغداری یکدستگاه ساختمان که مساحت زیربنای آن از ۲۵۰ متر مربع تجاوز ننماید احداث نمایند. ۲ـ ۶ـ در صورتی که در زمین ساختمان احداث شده باشد ، لااقل یک طبقه آن کامل مسقف وقابل بهره‌برداری بود و مجموع مساحت زیر بنای آن از یک چهارم مساحت کل زمین کمتر نباشد. ۲ ـ ۷ ـ در مورد پارکینگ‌ها ـ اتوشویی‌ها ـ تعمیرگاهها و تاسیسات مشابه عمران آن تابع ضوابط‌طرح جامع بوده و در شهرهایی که ضوابطی موجود نباشد شهرداریها ضوابط آن را تعیین خواهندنمود و چنانچه تاسیساتی که در گذشته بوجود آمده است دارای پروانه کسب بوده و یا دایر باشنداحیا شده محسوب می‌شود. ۲ـ ۸ ـ هرگاه اعیانی استخر شنا یا ورزشگاه باشد در این صورت مساحتی معادل حداکثر ۸ برابرسطح زیربنا احیا شده محسوب می‌شود. ۲ـ ۹ـ اراضی مشمول بندهای ۲ـ۷ و ۲ـ۸ غیرقابل تفکیک بوده و نوع استفاده از آنها تغییرناپذیراست ، ولی مالکین آن می‌توانند طبق ضوابط شهرداریها نسبت به تکمیل و مرمت آنها اقدام نمایند. ماده ۳ ـ کسانی که اراضی آنها مشمول تبصره ذیل قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی‌موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۲۸/۴/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی می‌باشند و در پروانه‌ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد مکلفند ظرف ۳ ماه از تاریخ انتشار این آیین نامه به‌دستگاههای ذیربط مراجعه و تاریخ متناسبی را که برای عمران اراضی آنها وسیله دستگاههای مذکورمعین می‌شود رعایت نمایند. ماده ۴ ـ کسانی که تا قبل از تاریخ قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت‌عمران آن برای عمران زمین خود پروانه دریافت نموده و کار را نیز شروع نموده باشند مکلفند نسبت‌به عمران زمین خود طبق ضوابط این آیین نامه درمدت قید شده در پروانه ساختمان اقدام نمایند وچنانچه در پروانه ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد باید به شهرداریها مراجعه و تاریخ متناسبی‌را که برای عمران اراضی آنهامعین می‌شود رعایت نمایند.

فصل سوم اراضی مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن(ماده ۵ تا ۸

ماده ۵ ـ مساحت یک قطعه زمین کوچک در تبصره فوق الذکر برای شهرهایی که مطابق‌سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از دویست هزار نفر جمعیت دارند ۱۰۰۰ متر مربع و برای شهرهایی که‌کمتر از ۲۰۰۰ هزار نفر جمعیت دارند ۱۵۰۰ متر مربع خواهد بود. تبصره ۱ ـ هر گاه قطعه کوچک بیش از مساحت پیش‌بینی شده در ماده ۵ بوده و مازاد به‌صورت یک قطعه مستقل قابل تفکیک استفاده نباشد در این صورت مساحت اضافی جزو قطعه‌محسوب است تبصره ۲ ـ مراد از مالکیت خانه مسکونی مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون لغو مالکیتاراضی موات شهری و کیفیت عمران آن ، مالکیت ۶ دانگ اعیانی واحد مسکونی می‌باشد. ماده ۶ ـ مهلت مقرر برای عمران زمینهای کوچک موضوع تبصره ۱ قانون لغو مالکیت اراضی‌موات شهری و کیفیت عمران آن به شرح زیر تعیین می گردد: ۶ـ۱ـ در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ کمتر از ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ‌اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۶ سال می‌باشد. ۶ـ۲ـ در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۵۰ هزار نفر و کمتر از ۲۰۰ هزار نفرجمعیت دارند ازتاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۵ سال می‌باشد. ۶ـ۳ـ در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ‌اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۴ سال می‌باشد. ماده ۷ ـ کسانیکه در تاریخ تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن‌مصوب ۵/۴/۵۸ شورای انقلاب اسلامی صاحب یک واحد مسکونی غیر آپارتمانی که مساحت‌عرصه آن از ۱۵۰ متر مربع تجاوز ننماید و یا یک واحد آپارتمانی با مساحت اختصاصی حداکثر ۱۰۰ متر مربع باشد (در شهرهای موضوع شق اول ماده ۵ این آیین نامه) و در سایر شهرها موضوع‌شق دوم ماده ۵ آیین نامه مذکور مساحت واحد مسکونی غیر آپارتمانی از دویست متر تجاوز نمایدو یا واحد مسکونی او در رهن بانک یا موسسه وام دهنده رسمی (بخش دولتی یا خصوصی درمقابل وام مسکن باشد ، می‌توانند از مزایای تبصره یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهریاستفاده نماید. ماده ۸ ـ اشخاص مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت‌عمران آن در صورتیکه مشاعا مالک زمینی باشند هر یک از آنها می‌توانند در سهم خود از مزایای‌قانونی مندرج در این فصل استفاده کنند.

فصل چهارم تعیین تکلیف اراضی موات (ماده ۹ تا ۱۵

ماده ۹ ـ مالکین اراضی موضوع ماده ۲ این آیین نامه که زمین خود را مشمول یک یا چند بندماده مزبور می‌دانند مکلفند ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه به محلهایی که وزارت‌مسکن و شهرسازی تعیین می کنند مراجعه نمایند و با تسلیم فتوکپی سندمالکیت زمین و کروکی‌مربوط تقاضای صدور گواهی مبنی بر موات نبودن زمین خود دریافت دارند. ماده ۱۰ ـ افرادی که بر اساس این قانون خود را مشمول تبصره ذیل ماده یک قانون می‌دانند بایدظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه درخواست خود را منضم به فتوکپی سند مالکیت‌زمین با کروکی مربوط به محلهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین نموده مراجعه و گواهی لازم‌دریافت نمایند. تفکیک این گونه اراضی ممنوع است در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر وعدم صدورگواهی ، زمین به تصرف دولت در میاید. تبصره ۱ ـ در صورتی که مالکیت اشخاص از طریق انحصار وراثت با آرا دادگاهها و یا بنچاق نامه‌های رسمی احراز شده باشد لکن هنوز منجر به صدور سند مالکیت رسمی نشده باشد درصورتی که اشخاص مذکور واجد شرایط تشخیص داده شوند می‌توانند از مهلت عمران استفاده‌نمایند. تبصره ۲ ـ چنانچه صحت معامله و مالکیت اشخاصی که زمینی را به صورت قسطی‌خریداری نموده‌اند وهنوز فاقد سند مالکیت رسمی می‌باشند و یا بر طبق عرف محل با سند عادی‌معامله کرده‌اند و یا سایر موارد مشابه در کمیسیونی متشکل از نماینده دادگاه شهرستان ، نماینده اداره‌ثبت محل و نماینده

وزارت مسکن وشهرسازی احراز گردد ، در صورت دارا بودن سایر شرایطمی‌توان برای آنها گواهی عمران صادر نمود. از تاریخ صدور گواهی عمران باقیمانده اقساط با توجه‌به روشهای قیمت گذاری سازمانهای عمران اراضی شهری و به تشخیص کمیسیون مذکور به‌سازمانهای عمران اراضی شهری پرداخت خواهد شد. تبصره ۳ ـ شرایط احراز مالکیت مندرج در دو تبصره فوق برای احراز مالکیت اشخاص مندرج‌در ماده ۹ آیین نامه مربوط به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن نیز قابل‌تسری است اشخاصی که خود را مشمول یکی از تبصره‌های فوق می‌دانند از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه به‌مدت ۱۰ روز فرصت مراجعه به سازمان عمران اراضی شهری را دارند. ماده ۱۱ ـ اراضی موات متعلق به وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی‌وموسساتی که‌شمول حکم مستلزم ذکر نام آنهاست نیز در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهدگرفت تبصره ـ موقوفات عام که اسناد مالکیت وقفنامه‌های آنها حاکی از عمران و آبادی در آن باشداحیا شده محسوب می گردد ، ولی در هر حال مشمول بند ۲ ـ۵ این آیین نامه خواهد بود و اگرضروری باشد از اینگونه اراضی استفاده‌ای غیر از آنچه در وقفنامه ذکر شده است بشود موافقت‌هیات وزیران الزامی است ماده ۱۲ ـ مراد از محدوده قانونی (۲۵ ساله مذکور در ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی‌موات شهری و کیفیت عمران آن محدوده‌ای است که بر طبق ضوابطی که از طرف وزارت مسکن وشهرسازی تهیه می‌شود تعیین شده باشد. ماده ۱۳ ـ شهرداریها در موقع صدور پروانه ساختمان برای کسانی که طبق تبصره ذیل ماده یک‌قانون می‌خواهند اقدام به عمران نمایند موظف می‌باشند تعهد لازم را از متقاضی اخذ نمایند تاچنانچه بعدا ثابت شود که واجد شرایط مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون نبوده تصرف او برروی زمین تصرف غیرقانونی و تعرض به اموال عمومی تلقی می‌شود و طبق مقررات مربوطه با اورفتار خواهد شد. ماده ۱۴ ـ هرگاه شهرداریها به علت ضوابط و مقررات طرح جامع و تفصیلی و یا به علل دیگرنتوانند برای متقاضیان پروانه صادر نمایند ، وزارت مسکن و شهرسازی باید به درخواست شهرداریهایک قطعه زمین در حد نصاب تفکیک مجاز شهرداریها از زمینهایی که به تصرف دولت در آمده به‌مالکین واجد شرایط به طور رایگان ضمن انتقال سند مالکیت زمینی که در طرح قرار می گیرد به نام‌وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نماید. ماده ۱۵ ـ در مورد زمینهایی که طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آنو قانون اصلاحی آن به تصرف دولت در آمده است ، اعلام وزارت مسکن و شهرسازی برای ابطال‌اسناد مالکیت و تفکیک آنها و صدور پروانه ساختمانی کافی است و سازمان ثبت اسناد و املاک وشهرداریها مکلف به انجام درخواست وزارت مسکن و شهرسازی خواهند بود.

فصل پنجم نحوه واگذاری اراضی (ماده ۱۶ تا ۲۳)

ماده ۱۶ ـ زمینهایی که در داخل محدوده‌های خدماتی شهری به تصرف دولت در میاید بایدمجانا برای نیازمندیهای عمومی شهر اختصاص یابد و در صورتی که زمین با تشخیص شهرداری محل و تصویب مقامات ذیصلاح شهر مازاد بر نیازمندیهای عمومی شهر باشد وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به واگذاری این گونه زمینها به متقاضیان اقدام خواهد نمود. ماده ۱۷ ـ اراضی خارج از محدوده خدماتی شهرها که در داخل محدوده قانونی است باید ازطرف وزارت مسکن و شهرسازی آماده و بر اساس طرحهای تفصیلی تفکیک شده و زمینهایی که برای نیازمندیهای عمومی شهر اختصاص یافته مجانا در اختیار موسسات ذیصلاح دولتی قرار گیرد و زمینهایی که به بخش خدماتی خصوصی واگذار می‌شود باید با نظر شهرداری و تصویب مقامات ذیصلاح شهر برای عمران فروخته شود. ماده ۱۸ ـ زمینهایی که برای واحدهای مسکونی تک واحدی آماده سازی و تفکیک شده با رعایت اولویتهای زیر در صورتی که تعداد متقاضی واجد شرایط بیش از قطعات مورد معامله باشداز طریق قرعه کشی به متقاضیان فروخته خواهد شد. ۱۸ـ۱ ـ متقاضی و افراد تحت تکفل او فاقد واحد مسکونی باشند. ۱۸ـ۲ ـ تاریخ سکونت و اشتغال در محل مورد تقاضا نباید بعد از

فروردین سال ۱۳۵۳ باشد وکسانیکه مدت بیشتری در محل مورد تقاضا سکونت داشته باشند اولویت خواهند داشت تبصره ـ کارمندان دولت نظیر قضات ، پرسنل نیروهای مسلح ، مامورین شهربانی ، ژاندارمری و وزارت کشور که نوع شغل و خدمت آنها ایجاب می‌کند که هر چند مدتی در یکی از شهرستانهای کشور انجام وظیفه نمایند از شمول بند ۲ ماده ۱۸ آیین نامه خارج می‌باشند و اینگونه کارمندان دولت برای یکبار با جلب نظر سازمان متبوع می‌توانند در هر یک از شهرستانهای ایران که در نظردارند به طور دایم ساکن آن شهرستان شوند ، سازمان عمران اراضی شهری محل مورد تقاضا مکلف‌به قبول تقاضای آنان می‌باشد ، مشروط بر آنکه این تقاضا برای شهرستان تهران و حومه آن نباشد. ۱۸ـ ۳ ـ متقاضی باید امکانات مالی لازم برای ساختمان را تامین کرده باشد. ماده ۱۹ ـ وزارت مسکن و شهرسازی قیمت زمینهای آماده شده را بر اساس هزینه متوسط تاسیسات زیربنایی و درصدی بابت سایر هزینه های بالاسری آنها و با رعایت نحوه استفاده از زمین تعیین و به متقاضیان واجد شرایط واگذار خواهدکرد. جزییات ضوابط و شرایط واگذاری اراضی در هر منطقه را وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری شهرداری محل تعیین و به اطلاع عموم خواهد رسانید. ماده ۲۰ ـ در زمینهایی که ساختمان بیش از یک واحد مجاز می‌باشد (آپارتمان سازی متقاضیان احداث آپارتمان می‌توانند به صورت گروهی با وکالت رسمی یک نفر با رعایت طرح جامع و تفصیلی شهر و مفاد ماده ۱۸ این آیین نامه نسبت به احداث اقدام نمایند. ماده ۲۱ ـ شرکتهای رسمی تامین مسکن که شرایط و صلاحیت آنها طبق ضوابطی باشد که ازطرف وزارت مسکن و شهرسازی تعیین شده است می‌توانند درخواست زمین نموده و اقدام به احداث آپارتمان و یا خانه تک واحدی نموده و طبق قیمتی که بیش از قیمتی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌کند نباشد نسبت به فروش آنها اقدام نمایند. تبصره ـ شرکتهای تعاونی مسکن و کارخانجات و کارگاههای تولیدی که تعهد نمایند در زمین مورد واگذاری برای اعضا و کارکنان خود طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی خانه سازی نموده و به آنها واگذار نمایند مشمول مفاد ماده ۲۱ خواهند بود. ماده ۲۲ ـ واگذاری قطعی زمین موقعی انجام خواهد گرفت که گواهی پایان عملیات ساختمانی از طریق مراجع ذیصلاح صادر شده باشد. ماده ۲۳ ـ تاریخ اجرای این آیین نامه توسط وزارت مسکن و شهرسازی در هر شهر تعیین و اعلام خواهد شد.

قانون اراضی شهری – سال ۲۷/۱۲/۱۳۶۰

ماده ۱ ـ برای نیل به اهداف مذکور در اصول ۳۱ ـ ۴۳ ـ ۴۵ ـ ۴۷ قانون اساسی جمهوریاسلامی که تامین نیازهای عموم به مسکن و تاسیسات عمومی شهری را وظیفه دولت قرار داده وبمنظور جلوگیری از بورس بازی روی زمین بصورت کالاـ و حرکت در جهت مصالح کلی اقتصادکشور که سوق سرمایه‌ها به بخشهای تولیدی زیر بنایی (کشاورزی و صنعتی می‌باشد با استفاده ازاجازه مورخ ۱۹/۷/۱۳۶۰ حضرت امام خمینی مدظله العالی که در آن مجلس شورای اسلامی راصاحب صلاحیت برای تشخیص موارد ضرورت فساد و اختلال نظام اجتماعی و قانونگذاری لازم‌در این موارد دانسته‌اند ، اجرای مواد این قانون موقتا برای مدت پنج سال در سراسر کشور ضروری تشخیص داده می‌شود. ماده ۲ ـ اراضی شهری زمینهایی است که در محدوده قانونی شهرها و شهرکها قرار گرفته باشد. ماده ۳ ـ اراضی موات شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا نداشته باشد. ماده ۴ ـ اراضی بایر شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا داشته و بتدریج به حالت‌موات برگشته است اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد. ماده ۵ ـ کلیه زمینهای موات شهری در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک‌مالکیت گذشته ارزش قانونی ندارد مگر آنکه از تاریخ ۲۲/۱۱/۱۳۵۷ توسط دولت واگذار شده‌باشد. تبصره ـ اسناد مالکیت زمینهای مواتی که به موجب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری واین قانون به اختیار دولت در آمده یا در میاید و در وثیقه می‌باشند آزاد تلقی و غیر از مطالبات اشخاص ناشی از فروش اینگونه اراضی که منتفی می گردد مطالبات دیگر وسیله طلبکار از سایر اموال بدهکار وصول خواهد شد. ماده ۶ ـ کسانی که طبق مدارک مالکیت رسمی از زمینهای موات شهری داشته‌اند مشروط برانکه مسکن مناسبی نداشته باشند طبق ضوابط مسکن و

شهرسازی در سراسر کشور زمینی در حدنصاب ماده ۸ در اختیارشان گذاشته می‌شود تا عمران و احیا کنند و در صورت عدم عمران و احیا حق مذکور ساقط و زمین به دولت باز می گردد. تبصره ـ در مورد کسانی که به تاریخ قبل از قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری با اسنادعادی دارای زمین بوده و در مهلتهای تعیین شده قبلی از طرف مراجع مربوط تشکیل پرونده داده‌اندو نیز در شهرهایی که تا کنون مهلتهای مذکور برای تشکیل پرونده اعلام نشده در صورتی که تاریخ‌تنظیم سند عادی و صحت معامله از طرف مراجع ذیصلاح قضایی تایید گردد برابر ضوابطی که دراین نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود اجازه عمران داده خواهد شد. ماده ۷ ـ کلیه اراضی بایر شهری بلاصاحب معلوم در اختیار دولت می‌باشد. ماده ۸ ـ مالکان اراضی بایر شهری می‌توانند طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی در سراسرکشور فقط زمینی را به مساحت کمتر از دو برابر بالاتر حداقل نصاب تفکیکی مناطق مسکونی درشهر محل وقوع زمین حداکثر تا۱۰۰۰ متر مربع طبق ضوابط شهرسازی مصوب عمران و احیا کنندیا به دولت بفروشند و در شهرهایی که نصاب تفکیک مشخص نگردیده برطبق آیین نامه اجرایی‌خواهد بود که وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و تصویب می‌نماید و زاید بر آن (نه عین و نه‌منفعت قابل واگذاری نیست مگر به دولت و با تقویم دولت تبصره ۱ ـ مالکین اراضی مشاعی هر یک می‌توانند تا حد نصاب مذکور از مزایای این ماده‌استفاده کنند مشروط بر آنکه تحت تکفل دیگری نباشند (باستثنای همسر) که در این صورت فقط‌یک اجازه عمران و احیا برای زمین در حد نصاب یاد شده به افراد مذکور داده می‌شود. طریقه افرازو اختصاص سهام مالکین مشاعی برطبق آیین نامه اجرایی خواهد بود. تبصره ۲ ـ کسانی که به حکم مواد شش و هشت این قانون مالک قطعه زمینی موات و قطعه‌زمینی بایر می‌شوند در صورتی که مجموع هر دو زمین بیشتر از مقدار تعیین شده در ماده ۸ باشدفقط می‌توانند یکی از آنها را به دلخواه خود نگهدارند و در هر مورد برای افرادی که تحت تکفل‌دیگری باشند (به استثنای همسر) یک اجازه عمران صادر می گردد و از نظر حد نصاب تابع ضوابط‌این قانون است تبصره ۳ ـ واگذاری سهام مشاعی مالکین اراضی موات و بایر شهری به یکدیگر در یک یا چندقطعه زمین به نحوی که سهم هر یک از مالکین پس از انتقال زاید بر حد نصاب مقرر در این ماده‌نگردد با رعایت سایر شرایط مندرج در این قانون بلامانع است تبصره ۴ ـ شرکتهای تعاونی مسکن که قبل از تصویب این قانون بموجب اسناد رسمی مالک‌زمینهایی باشند با رعایت حداقل نصاب تفکیک محل وقوع زمین برای هر یک از اعضا در قالب‌ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی حق بهره برداری از زمین خود را دارا می‌باشند و زمینهای مازاد برنیاز آنها و نیز زمینی که طبق ضوابط مذکور در مهلت مقرر عمران نگردد تابع مقررات این قانون بودهو در اختیار دولت قرار می گیرد. تبصره ۵ ـ تقویم دولت بر اساس قیمت منطقه‌ای (ارزشهای معاملاتی زمین می‌باشد. ماده ۹ ـ مالکین زمینهای بایر ودایر شهری موظفند زمینهای مورد نیاز دولت یا شهرداری‌ها را باتقویم دولت به آنها بفروشند و دولت می‌تواند به جای زمینهایی که مساحت آنها بیش از سه هزارمتر مربع می‌باشد با رعایت ضوابط عوض آن را از سایر اراضی دولتی که ارزش معاملاتی آن معادل‌بهای زمین واگذاری به دولت باشد بفروشنده واگذار کند. تبصره ۱ ـ مقررات این قانون نسبت به زمینهای تملکی قبلی دولت و بانکها که تمام یا قسمتیاز بهای آن را پرداخت نکرده‌اند نیز قابل اجرا است تبصره ۲ ـ در صورت استنکاف یا عدم مراجعه یا عدم دسترسی به مالک پس از اعلام وزارت‌مسکن و شهرسازی و با وجود تعارض ثبتی و در وثیقه بودن ملک و هرگونه اشکالات حقوقی دیگرکه مانع از انجام معامله دولت گردد دولت زمین را تملک و حسب مورد وزارت مسکن و شهرسازی‌یا شهرداری به قایم‌مقامی مالک سند انتقال را امضا می‌نماید و در موقع مراجعه مالک پس از ارایه‌مفاصا حسابهای لازم و رفع هرگونه اشکال بهای آن پرداخت یا زمین معوض واگذار می گردد. ماده ۱۰ ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه زمینهای متعلق به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی وبانکها و سازمانهای وابسته به دولت و موسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام آنها است و کلیه‌بنیادها و نهادهای انقلابی در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار می گیرد. تبصره ۱ ـ شهرداریها و شرکتها و سازمانهای وابسته به شهرداریها از شمول این ماده مستثنی‌هستند ولی حق واگذاری اینگونه اراضی را بدون اجازه وزارت مسکن و شهرسازی ندارند مگربعنوان رفع نیازمندیهای عمومی شهر و معوض املاک واقع در

طرحهای مصوب شهری تبصره ۲ ـ اراضی غیرموات وقفی به وقفیت خود باقی و عمل به وقف می‌شود ، لکن هرگونه‌واگذاری اراضی از طرف اوقاف یا آستان قدس رضوی یا سایر متولیان بایستی برطبق ضوابط‌شهرسازی با نظر وزارت مسکن و شهرسازی صورت گیرد. تبصره ۳ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است اراضی حاصل از موضوع این ماده را به‌ادارات و سازمانهای مذکور در حد نیاز اداری و تاسیساتی مجانا واگذار نماید. ماده ۱۱ ـ وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور بر طبق‌آیین نامه اجرایی نسبت به واگذاری و عمران زمینهای موات و بایر شهری خود برطبق طرحهای‌مصوب شهرسازی اقدام کند و در محدوده مصوب شهر تهران با نظر شهرداری تهران می‌باشد. تبصره ۱ ـ دولت از پرداخت هرگونه مالیات و حق تمبر و هزینه‌های ثبتی و معاملاتی بابت‌تفکیک و فروش اراضی معاف است تبصره ۲ ـ بهای واگذاری زمین به اشخاص نباید از قیمتهای منطقه‌ای (ارزشهای معاملاتی تجاوز نماید ، ولی چنانچه هزینه تمام شده زمینی برای دولت بیش از قیمتهای منطقه‌ای (ارزشهای‌معاملاتی باشد با بهای هزینه تمام شده واگذار می گردد. ماده ۱۲ ـ تشخیص عمران و احیا و تاسیسات متناسب و تمیز بایر و موات اراضی باکمیسیون مرکب از نمایندگان وزرا دادگستری و مسکن و شهرسازی و شهردار محل بر طبق‌آیین نامه اجرایی خواهد بود. تشخیص کمیسیون ظرف ده روز از تاریخ اعلام وزارت مسکن وشهرسازی قابل اعتراض در دادگاه محل است دادگاه نسبت به اعتراض مدعی خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم صادره قطعی است ماده ۱۳ ـ تغییر اساسنامه و یا ادغام و تعیین شیوه کار سازمانهای عمران اراضی و هیاتهای پنج‌نفری بطریقی است که در آیین نامه اجرایی مشخص خواهد شد. ماده ۱۴ ـ از تاریخ تصویب این قانون هرگونه تصرف و تجاوز به اراضی شهری متعلق یا منتقل‌شده به دولت و شهرداریها یا احداث هرگونه بنا و یا هرگونه نقل وانتقالات به موجب اسناد عادی یارسمی و تفکیک و افراز آن اراضی و یا هرگونه عملی برخلاف این قانون جرم شناخته می‌شود ، اززمین مزبور خلع ید شده و آثار تجاوز رفع می گردد و مرتکبین و واسطه‌ها و اشخاصی که در این‌اعمال دخالت داشته باشند هر یک علاوه بر پرداخت ضرر و زیان وارده طبق نظر کارشناس رسمی‌دادگستری به مدت پنج سال از انجام هرگونه معاملات اموال غیرمنقول در سراسر ایران محروم‌می‌شوند. ماده ۱۵ ـ وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها باید این متجاوزین را به دادسرا ودادگاههای صالحه معرفی و از اراضی مورد تصرف و تجاوز با دخالت مستقیم قوای انتظامی رفع‌تصرف و تجاوز نموده و برحسب مورد در اختیار دولت یا شهرداریها قرار دهد. ماده ۱۶ ـ هر یک از کارمندانی که در اجرای این قانون به تشخیص دادگاه صالحه رعایت دقیق‌مقررات آن را ننموده و تخطی نمایند علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت یا اشخاص و اعاده‌وضع ، بر حسب مورد به انفصال موقت یا دایم از خدمات دولتی محکوم می گردند. ماده ۱۷ ـ وزارت مسکن و شهرسازی مأمور اجرای این قانون می‌باشد و موظف است حداکثرظرف سه ماه آیین نامه اجرایی مواد این قانون را که به تصویب هیات دولت خواهد رسید ، تهیه و به‌اجرا بگذارد. قانون فوق مشتمل بر هفده ماده و چهارده تبصره در جلسه روز پنجشنبه بیست و هفتم اسفند ماه‌یکهزار و سیصد و شصت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی ـ اکبر هاشمی

اصلاحیه قانون اراضی شهری – سال ۱۳۶۷

۱ ـ اقدامات دولت در مورد کلیه زمینهایی که در اجرای ماده ۹ قانون اراضی شهری مصوب ۲۷/۱۲/۶۰ مجلس شورای اسلامی اعم از موات و بایر و دایر در محدوده قانون تملک و واگذار یا تعهد شده از زمان اجرای قانون مذکور تا پایان مهلت آن قانون معتبر و هرگونه حکمی که خلاف این نظریه داده شده فاقد اعتبار است ۲ ـ اقدامات مذکور در مورد زمینهایی که به نحو فوق در همان مهلت تملک شده و در اختیار دولت است لکن تا کنون واگذار نشده نیز معتبر بوده و هرگونه حکمی که خلاف این نظریه داده شده ، فاقد اعتبار است

تفسیر قانونی تبصره ۲ ماده ۱۰ و مواد ۱۴ و ۱۵ قانون اراضی شهری – مصوب ۵/۱۰/۱۳۶۰

۱ ـ در تبصره ۲ ماده ۱۰، از جمله (با نظر وزارت مسکن و شهرسازی) این منظور مستفاد است‌که واگذاری زمین از طرف متولیان به افرادی که صلاح می‌دانند با کسب مجوز از وزارت مسکن و براساس ضوابط مسکن و شهرسازی باید باشد. ۲ ـ در مواد ۱۴ و ۱۵ منظور این است که تصرف و تجاوز و هرگونه عملی برخلاف این قانون شامل تصرف و بنا و احداث ساختمان در زمین خود شخص بدون رعایت ضوابط مسکن و شهرسازی هم می‌شود و منظور از دخالت مستقیم قوای انتظامی در ماده ۱۵ دخالت آن قوا بوسیله وزارت مسکن و شهرسازی است نه دادگاه مگر در مواردی که طرف مدعی حق قانونی باشد که دراین صورت بایست بوسیله دادگاه رفع تصرف و تجاوز عدوانی بشود. تفسیر قانونی فوق در جلسه روز دوشنبه پنجم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۶۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی ـ اکبر هاشمی

آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری – مصوب ۲۰/۳/۱۳۶۱

فصل اول ــ مقررات محدوده شهرها و شهرکها (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱ ـ محدوده مورد عمل قانون برای شهرها محدوده‌ای است که مقررات آن بر اساس مصوبه‌شماره ۶۸۰۰ مورخ ۲۵/۴/۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ایران موضوع تعیین محدوده شهرها تعیین گردیده است تبصره ـ استانداریها مکلفند ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه محدوده شهرهای هراستان را بر اساس مصوبه مذکور روی نقشه با مقیاس مناسب مشخص و به وزارت مسکن وشهرسازی اعلام نمایند. ماده ۲ ـ محدوده موردعمل قانون برای شهرکها اعم از اینکه با پروانه یا بدون پروانه شهرک‌سازی ایجادگردیده باشند محدوده ایست که کمیسیون ماده ۱۳ آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی‌و احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۲۷/۲/۵۵ بررسی وتصویب خواهند نمود. استانداریها مکلفند نقشه محدوده شهرکها را با مقیاس مناسب مشخص وجهت تعیین و تصویب محدوده مورد عمل قانون به کمیسیون ماده ۱۳ آیین نامه یاد شده فوق از نظرزمانی به نحوی ارجاع نمایند که کمیسیون مذکور قادر باشد نتیجه را ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه از طریق استانداری به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام نماید. نظارت بر حفظ محدوده‌های فوق و همچنین اقدامات قانونی لازم جهت جلوگیری از توسعه غیرقانونی محدوده‌های مشخص شده مذکور به عهده استانداریها می‌باشد.

فصل دوم ــ نحوه تشکیل کمیسیون‌ها و مقررات تشخیص اراضی (ماده ۳ تا ۴۲

ماده۳ ـ اعضای کمیسیون موضوع ماده ۱۲ قانون اراضی شهری که در این آیین نامه کمیسیون‌تشخیص نامیده می‌شود با حکم وزرای دادگستری ، مسکن وشهرسازی و شهردار محل تعیین‌می‌گردند و جلسات کمیسیون با حضور کلیه اعضا رسمیت یافته و نظریه صادره با اکثریت ارا معتبر خواهد بود و در صورت ضرورت می‌توان در هر یک از شهرها کمیسیونهای متعدد تشخیص رابه ترتیب فوق تشکیل داد. در شهرکهایی که فاقد شهرداری می‌باشند نماینده شهرداری نزدیکترین شهر به آن شهرک درکمیسیون شرکت خواهد کرد. ماده ۴ ـ محل کار کمیسیون‌های تشخیص و دبیرخانه‌های مربوطه را سازمان زمین شهری موضوع ماده ۸۱ این آیین نامه تعیین و این دبیرخانه زیر نظر سازمان مذکور انجام وظیفه می‌نماید ، ارجاع کلیه پرونده‌ها به کمیسیونهای مزبور و ابلاغ

نظریه کمیسیون‌ها به مراجع ذیربط نیز از طریق‌این دبیرخانه توسط سازمان زمین شهری و واحدهای تابعه انجام می گیرد. ماده ۵ ـ ابطال شد. ماده ۶ ـ ابطال شد. ماده ۷ ـ زمینهای مربوط به تاسیسات صنعتی ، کشاورزی و مراکز کسب و تجارت باید حسب‌مورد متناسب با مستحدثات و یا احتیاجات باشد و چنانچه طبق نظر کمیسیون تشخیص مقادیرزمین مازاد بر احتیاج به صورت بایر یا موات تشخیص داده شود برحسب مورد طبق قانون و این آیین نامه عمل خواهد شد. ماده ۸ ـ کمیسیونهای تشخیص برای اظهارنظر پس از معاینه محل و ملاحظه نقشه‌ها وعکسهای هوایی در سنوات مختلف (در صورت وجود) و پرونده‌های ثبتی و در صورت لزوم بارعایت عرف مسلم محل اتخاذ تصمیم می‌نمایند ، صورتجلسات مضبوط در پرونده‌های ثبتی ومندرجات اسناد مالکیت به تنهایی ملاک تشخیص نخواهند بود و نظریه کمیسیونها بایستی مستدل‌بوده و متضمن مساحت و موقعیت و مشخصات ثبتی ملک همراه با مستندات کافی باشد. ماده ۹ ـ کمیسیونهای تشخیص می‌توانند برای تشخیص میزان عمران و احیا و همچنین‌تناسب تاسیسات از نظرات مشورتی سازمانهای ذیربط استفاده نمایند. سازمانهای مربوطه مکلفندنظرات مشورتی خود را بر اساس ضوابط مورد عمل اعلام نماید. ماده ۱۰ ـ نظریه کمیسیون تشخیص باید حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ارجاع به شرح زیر اعلام‌گردد. الف ـ در مواردی که نظریه کمیسیون بر اساس ارجاع سازمان زمین شهری صادر می گرددبیرخانه کمیسیون مکلف است سه نسخه از نظریه را به سازمان مذکور ارسال نماید و سازمان‌مذکور باید دو نسخه از نظریه را به صاحبان اسناد پلاکهای مربوطه اعلام نماید ، و در صورتی که‌نظریه یاد شده از طرف مالك رویت شده باشد در نسخه ثانی رسید اخذ و به دبیرخانه کمیسیون‌اعاده دهد. ب ـ در مواردی که نظریه کمیسیون بر اساس درخواست سازمانهای دیگر صادر می‌شود دبیرخانه‌کمیسیون مکلف است سه نسخه از نظریه کمیسیون را به آن سازمان ارسال دارد و سازمان مذکورموظف است دو نسخه از نظریه را حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز به نمایندگی وزارت مسکن وشهرسازی به صاحبان اسناد اعلام و در صورتی که نظریه یاد شده از طرف مالك رویت شده باشد درنسخه ثانی رسید اخذ و جهت ضبط در پرونده امر به دبیرخانه کمیسیون‌تشخیص اعاده دهد و در غیراین صورت جهت اقدامات مقتضی به واحد زمین شهری منعکس می‌نماید. تبصره ـ شروع مهلت اعتراض از جانب سازمان زمین شهری و سازمانهای ذینفع دیگر به‌نظریه کمیسیون تشخیص از تاریخ ثبت در دفاتر آنها و در مورد صاحبان اسناد از تاریخ اعلام خواهدبود. ماده ۱۱ ـ ابطال شد. ماده ۱۲ ـ مراجع درخواست کننده نظریه کمیسیونهای تشخیص بایستی در صورت وجود نقشه‌ثبتی دو نسخه رونوشت یا فتوکپی آن را و در صورت نبودن نقشه مذکور دو نسخه کروکی دقیق زمین‌را که منطبق با سوابق ثبتی و وضع محل آن باشد با انعکاس موقعیت ملك روی نقشه هوایی بامقیاس مناسب (در موارد وجود نقشه هوایی را از متقاضی اخذ و به ضمیمه فتوکپی مصدق مدارك‌مالکیت مربوطه پس از تطبیق با اصل وگواهی ذیل آن به دبیرخانه کمیسیون ارسال نمایند. نقشه‌هایارسالی در موقع اظهارنظر به امضای اعضا کمیسیون تشخیص رسیده و یک نسخه از آن ضمیمه‌نظریه کمیسیون به مرجع درخواست کننده ارسال و نسخه دیگر به انضمام نظریه مذکور در دبیرخانه‌بایگانی می‌شود. تبصره ـ در مواردی که سازمانهای مذکور راسا و بدون در اختیار داشتن مدارک مالکیت ، نظریه‌کمیسیون تشخیص را درخواست می‌نمایند بایستی هرگونه مدارك موجود و وضعیت ثبتی که دراختیار دارند به انضمام نقشه مربوطه به کمیسیون ارسال نمایند. ماده ۱۳ ـ ابطال شد. ماده ۱۴ ـ کمیسیونهای تشخیص مکلفند نظریات خود را در دفتر مخصوصی ثبت و امضا نمایند. ماده ۱۵ ـ موارد زیر نیاز به طرح در کمیسیون تشخیص ندارد. ۱ ـ پلاکهایی که مساحت آنها کمتر از حد نصاب مقرر در ماده ۸ قانون زمین شهری بوده و یاپروانه ساختمانی در آن احداث بنا شده و به صورت ساختمان باقی باشند و همچنین پلاکهای‌مذکور که مشاعی بوده و مساحت سهم هر یک از مالکین مشاعی از حد نصاب یاد شده تجاوزنماید. ۲ ـ پلاکهایی که به استناد گواهی‌های مهلت عمران نسبت به آنها پروانه ساختمانی صادر و در آن‌احداث بنا شده باشد و یا در مهلت اعتبار پروانه مذکور احداث بنا شروع شود. ۳ ـ پلاکهای تا ۳۰۰۰ متر مربع مساحت (عرصه و اعیان مربوط به واحدهای مسکونی ومحلهای کسب و پیشه و مستحدثات متفرقه در صورت وجود هر یک از اسناد رسمی زیر که تاریخ‌صدور آنها قبل از تصویب

قانون لغو مالکیت اراضـی موات شهری ۵/۴/۵۸ باشد: الف ـ اسـناد مالکیتی که به عنوان واحدهای مسـکونی و یا با قید مسـتحدثات صادر شده باشد. ب ـ در ستون انتقالات قید ساختمان به عنوان واحد مسکونی و مستحدثات شده باشد. ج ـ هرگونه ملک مورد نظر قبلاـ به عنـوان واحـد مسـکونی یـا ساختمـان مورد معـامله یـا رهن باوزارتخانه‌هـا ، شـرکتها و موسـسات دولـتی و وابسـته به دولت ، شهرداریهـا و موسـسات اعتبـاری مجـازقرار گرفته باشـد. د ـ گواهیهـای مالیـاتی اعم از مفاصـا حسابهای مالیاتی و یا گواهی ارث به شرطی که در آن تصـریح‌شده باشد که پلاک مورد نظر واحد مسـکونی یا ساختمان است ه ـ در صورتی که به موجب سـند رسـمی سـابقه اجاره به عنوان واحـد مسـکونی یـا ساختمـان داشـته‌باشد. و ـ مفاصـا حسـاب نوسازی شـهرداری به عنوان واحـد مسـکونی و یاساختمان‌صادرشده‌باشد. ز ـ گواهی پایان کار به عنوان واحد مسـکونی یا ساختمان صادر شده باشد. ح ـ پلاکهایی که به تشخیص شهرداری محـل قبـل از تاریـخ اجرای مقررات مربوط به صـدور پروانه‌ساختمـانی در شـهر محـل وقوع پلاک به صورت ساختمان و مسـتحدثات درامده باشد. ۴ ـ پلاکهـایی که قبـل از تصویب قانون لغو مالکیت اراضـی موات شـهری ۵/۴/۵۸ به صورت‌تاسـیسات و مسـتحدثات صـنعتی ، ورزشـی ، جایگاههـای فروش مواد نفتی و همچنین کارگاههـا ، گاراژهـا ، توقفگاههـا ، و انبارهای مسـقف ، اماکن درمانی ، بهداشتی ، آموزشـی ، فرهنگی و خدمات‌عمومی و تاسـیسات مشابه بوده مشروط بر اینکه مساحت آنها از ۳۰۰۰ متر مربع تجاوز ننماید ودارای پروانه رسـمی کسب و پروانه ساختمانی باشـند. ۵ ـ ذکر وجود ساختمان در مرحله صـدور آخرین مفاصـا حسابهـای نوسازی و مالیاتی در کلیه‌بنـدهای فوق حسب مورد توسط سازمان مربوطه ملاک عمل خواهـد بود. ۶ ـ در صورت اعلام کتبی و رسـمی مالـک یـا مـالکین شـشدانگ زمین مبنی بر موات بودن آن که‌در صورت ادارات ثبت با اعلام سازمان زمین شـهری مکلف به ابطـال ثبت و سـند قبلی طبق اقرارمـذکور و صـدور سـند به نـام دولت جمهوری اسـلامی ایران با نماینـدگی سازمان زمین شهری‌می‌باشند. ماده ۱۶ ـ از تاریـخ تصویب این آیین نامه نیازی به صـدور گواهی عمران برای زمینهای دایرنمی‌باشـد و سازمانهای قانونی مورد مراجعه مالکین بایستی با قبول مسئولیت نسبت به انجام امراقـدام نمایند. مالکین پلاکهای خارج از شـمول ماده ۱۵ این آیین نامه بر حسب نیاز خود با در دست‌داشـتن مـدارک مندرج در ماده ۱۲ آیین نامه به ارگانهای ذیربط مراجعه می‌نماینـد تا سابقه جهت اخـذنظریه کمیسیون تشـخیص به سازمـان زمین شـهری ارسال گردد. تبصـره ۱ ـ گواهی‌هـای عمرانی صـادره قبلی نسـبت به اراضـی عمران شـده پس از تایید صـحت آن‌وسیله سازمان زمین شـهری فقط از لحاظ احیا و عمران به اعتبار خودباقی خواهند بود. تبصره ۲ ـ سازمانهـای قـانونی مـذکور در این مـاده مکلفنـد نـتیجه آخرین اقـدام خود و همچنین‌کمیسـیونهای تشـخیص نسـخه‌ای از آخرین نظریه خود نسـبت به کیفیت پلاک مورد بررسـی و نام‌صاحب سـند و فتوکپی مدرک مالکیت را به اداره ثبت مربوطه جهت انعکـاس در سوابق ثبـتی و نیز به‌سازمـان زمین شـهری ارسـال نماینـد. مـاده ۱۷ ـ چنـانچه نسبت به مـواد ۱۵ و ۱۶ ایـن آیین نـامه و تبصـره‌های مربـوطه درخواست‌متقاضـی منجر بـه تعییـن تکلیـف قطعی نگردد سازمـان مـورد مراجعـه مکلـف اسـت پرونـده امر را جهت‌رسیدگی و اتخاذ تصمیم به کمیسیون تشخیص ارجاع نماید. ماده ۱۸ ـ کسانی که طبق اسناد و مدارک مالکیت رسمی و یا بر اسـاس قـوانین و مقررات جـاری‌دارای زمینی مـوات در حـد نصـاب مقرر در قـانون بـوده و در گذشـته طبـق قـانون لغـو مـالکیت اراضـی‌موات شـهری گواهی مهلت عمران تاحـد نصـاب مقرر در قانون اراضـی شـهری اخـذ ننموده‌انـد ، اعم ازاینکه در سازمانهای عمران اراضـی شهری قبلا تشکیل پرونده داده یا نداده باشند و از تاریخ ۵/۴/۵۸به بعد از هیچ نهاد یا سازمانی در سـطح کشور زمین برای واحـد مسـکونی بـه آنهـا منتقـل نشـده باشدمی‌تواننـد از تـاریخی که سازمـان زمین شـهری اعلاـم نمایـد از شـهرداری مربـوطه درخواست صدورپروانه ساختمانی نمایند وشهرداریها مکلفند قبل از صدور پروانه ساختمانی با استعلام از سازمان‌مذکور از وی طبق فرم ارسـال از سازمـان یاد شـده با رعایت ضوابط مربوطه پروانه ساختمانی صادر ورونوشت آن را به سازمان مـذکور ارسال نماینـد. تفکیک پلاکهای مزبور با در نظر گرفتن ضوابط‌تفکیکی شـهرداری بلامانع است لکن شـهرداری‌ها فقط به مقـدار نصاب مندرج در ماده ۸ قـانون در یک‌یا چنـد قطعه تفکیکی پروانه صادر خواهنـد نمود. تبصـره ۱ ـ سازمان زمین شـهری می‌توانـد بنا به درخواسـت

شهرداری‌ها فهرست اسامی مربوط‌به دارنـدگان گواهی مهلت عمران و دریافت کنندگان زمین و سایر اطلاعات ضـروری و تکمیلی همراه‌با دستورالعمل نحوه استفاده از آن را در اختیار شـهرداری‌ها قرار دهد و در این صورت شـهرداری نیازی‌به استعلام از سازمان نخواهد داشت و با مسئولیت خود طبق قانون اراضی شهری و این آیین نامه با استفاده از اطلاعات ارسالی در هر مورد اقدام نموده و مکلف است در مرحله صـدور پروانه‌ساختمانی و همچنین در مرحله صدور گواهی پایان کار حداکثر ظرف یک هفته رونوشت آنها راجهت تکمیل فهرست اطلاعات به محلی که در دسـتورالعمل مـذکور مشـخص شده است ارسال‌نماید. تبصـره ۲ ـ تـا زمان تکمیل اطلاعـات مربوط به گواهی‌هـای مهلت عمران و واگـذاری‌های انجام‌شـده در سـطح کشور در سازمـان زمین شـهری و اعلام آن به مراجع ذیربط شـهرداری‌ها و فرمانداریهامکلفنـد برای متقاضـیان پروانه ساختمانی در شـهرها و شـهرکها تا حد نصاب مقرر در قانون اراضی‌شـهری با اخذ تعهد رسمی از متقاضیان در دو نسخه (طبق نمونه‌ای که سازمان زمین شهری تهیه و به‌شهرداری‌ها وفرمانداریها ارسـال می‌نمایـد) پروانه صـادر و حـداکثر ظرف یـک هفته رونوشت آن را به‌ضـمیمه یـک نسـخه از تعهـد نامه و همچنین در موقع صدور گواهی پایان کار بلافاصـله یک نسـخه‌رونوشت آن را به سازمان زمین شهری و شعب مربوطه بر حسب مورد ارسال نمایند و سازمان زمین‌شـهری مشخصات دارنده پروانه را در فهرست اطلاعات مربوطه ثبت می‌نماید و در هر موقع که‌خلاف تعهدات مذکور احراز شود پروانه صادره فاقـد اعتبار بوده و برابر مقررات با متخلف رفتارمی‌شود. ماده ۱۹ ـ چنانچه مساحت زمین فرد واجد شرایطی که برای آن پروانه ساختمان صادر می‌گرددمازاد بر حد نصاب مقرر در قانون باشد و قبلا برای آن گواهی مهلت عمران صادر نشده باشدشهرداری‌ها ضمن رعایت مفاد ماده ۱۸ قبل از صدور پروانه ساختمانی نسبت به جدا نمودن مازادآن تا حد نصاب مقرر اقدام و برای این منظور می‌توانند بدون توجه به مقررات تفکیکی منطقه وقوع‌ملک و فقط با رعایت حداقل نصاب تفکیکی مسکونی در آن شهر و طرحهای اصـلاحی به نحوی‌نقشه تفکیکی را تصویب نماینـد که نزدیکترین مساحت به حد نصاب مقرر قانون برای متقاضـی باقی‌بماند مشروط بر اینکه هیچگاه از حد نصاب مذکور تجاوز ننماید. تبصره ۱ ـ تهیه نقشه تفکیکی به عهده متقاضی صدور پروانه است تبصره ۲ ـ در صورتی که عمـل تفکیک به لحاظ ضوابط مربوطه و طول و ابعاد ملک انجام‌پذیرنباشـد پرونـده به سازمان زمین شهری ارجـاع و پس از قطعیت نظریه کمیسـیون تشـخیص در صورت‌بـایر بـودن مـازاد زمین جزو قطعه محسوب و در صورت موات بودن بهای مازاد توسط سازمان زمین‌شـهری دریافت و سـپس اجازه نامه جهت ادامه ید به صاحب سند تسلیم خواهد شد. تبصره ۳ ـ در صورتی که تفکیـک مـازاد زمین از کل قطعه امکان‌پـذیر باشـد شـهرداری نقشه‌تفکیکی مصوب خود را به سازمان زمین شـهری ارسال و پس از قطعیت نظریه کمیسیون تشخیص‌سازمان مذکور نقشه تفکیکی را با ذکر نوع زمین از لحاظ موات یا بایر بودن مبتنی بر نظر کمیسـیون‌به اداره ثبت مربوطه ارسال می‌نمایند تا در صورت موات بودن زمین ، ثبت و سـند قطعه مازاد ابطال‌و سـند مالکیت آن به نـام دولت بـا نماینـدگی سازمـان زمین شـهری صادر گردد و در صورت بایر بودن‌اداره ثبت با توضـیح لازم در سوابق ثبتی و صفحه ملاحظـات سـند مالکیت قیـد نمایـد ، باقیمانـده زمین‌در مهلت اعتبار قانون اراضـی شـهری (نه عین نه منفعت قابل واگـذاری نیسـت مگر به دولت و بـاتقویم دولت سازمـان پس از وصـول صـورت جلسه تفکیکی از اداره ثبت سوابـق ارسـالی را جهت‌صـدور پروانـه ساختمـانی در حـد نصـاب مقرر به شـهرداری اعـاده می‌نمایـد. تبصـره ۴ ـ گواهی‌هــای مهلـت عمران صــادره قبلی از طرف سازمانهـای عمران اراضـی شـهری به‌اعتبـار خود بـاقی است و شـهرداریها می‌تواننـد بر مبنـای گواهی‌هـای مـذکور پروانه ساختمانی صادرنماینـد لکن فقط تا هزار متر مربع گواهیهای مـذکور قابل صـدور پروانه ساختمانی خواهنـد بود ونسـبت به مازاد هزار متر مربع طبق این ماده عمل خواهـد شد. ماده ۲۰ ـ واحـد مسـکونی مناسب در هر شـهر ظرف مـدت یک ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه توسط وزارت مسـکن و شـهرسازی تعیین و اعلام خواهـد شـد. ماده ۲۱ ـ زمینی که طبق مـواد ۶ و ۸ قانون اراضـی شهری برای آن پروانه صـادر می گردد زمینیاست که در حـد نصاب مقرر در قانون اعم از اینکه به صورت یک یا چنـد قطعه متصل یا منفصل بوده‌یا دارای پلاکهای متعـدد باشـد که در این صورت مالک می‌تواند نسبت به کلیه آنها پروانه ساختمانیاخذ نماید و یا برای یک قطعه از

آن پروانه ساختمانی اخذ و بقیه را در صورت نیاز دولتی ازشهرداریها به آنها بفروشد و چنانچه هیچ یک از قطعات پراکنده و منفصل مذکور به گواهی شهرداری‌قابل احداث واحد مسکونی نباشد سازمان زمین شهری یا شهرداری در قبال تملک آن قطعات یک‌قطعه زمین حتی المقدور معادل قیمتی آن واگذار می‌نماید. همچنین سازمان زمین شهری درمواردی که یک قطعه زمین در زیر حد نصاب غیر از قطعه مورد عمران مالکی را اعم از موات یا بایرتملک می‌نماید می‌تواند همان زمین را به یکی از اقربای طبقه اول وی در صورتی که فاقد زمین وساختمان مسکونی از تاریخ ۲۷/۱۲/۶۰ باشند واگذار نماید. ماده ۲۲ ـ کسانی که به ترتیب مقرر در این آیین نامه واجد شرایط بوده و در اجرای قانون لغومالکیت اراضی موات شهری در مهلتهای مقرر برای گرفتن گواهی مهلت عمران مراجعه نکرده‌اند و با اعلام سازمانهای عمران اراضی شهری زمین آنها ابطال ثبت گردیده ولی به غیر واگذار نشده باشد ، حتی المقدور زمین مزبور با رعایت ضوابط قانون اراضی شهری و این آیین نامه به مشارالیهم واگذاروالا زمین دیگری معادل بها آن تا حد نصاب مقرر توسط سازمان زمین شهری واگذار می گردد. ماده ۲۳ ـ مهلت عمران دارندگان اسناد مالکیت اراضی موات که مساحت آنها کمتر از دو برابربالا-ترین حداقل نصاب تفکیکی مناطق مسکونی در شهر محل وقوع زمین باشند اعم از آنکه گواهی‌مهلت عمران داشته یا نداشته باشند تا آخر سال ۱۳۶۵ تمدید می گردد. تبصره ـ در مواردی که به عللی از سوی مراجع ذیصلاح صدور پروانه موقتا ممنوع و یاغیرمقدور باشد مهلت مذکور از تاریخ رفع ممنوعیت شروع می گردد. ماده ۲۴ ـ کسانی که طبق ضوابط قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن‌برای یک قطعه زمین به مساحتی کمتر از حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهر گواهی مهلت عمران‌اخذ نموده‌اند چنانچه زمین مذکور هنوز ساختمان نگردیده و یا در صورت ساختمان با توجه به حدنصاب واحد مسکونی مناسب مندرج در ماده ۶ قانون کافی نباشد و متقاضی زمین دیگری درمجاورت قطعه مذکور داشته باشد که به مالکیت دولت در نیامده و توسط سازمانهای عمران اراضی‌به غیرواگذار نشده باشد می‌تواند تا حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری قطعات مذکور را تجمیع‌نماید و در صورتی که متقاضی فوق دارای قطعات منفصل باشد طبق ماده ۲۱ اصلاحی عمل‌خواهد شد. ماده ۲۵ ـ در شهرهایی که حد نصاب تفکیک زمین در مناطق مسکونی تعیین نگردیده‌استانداریها مکلفند حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه نسبت به تهیه وتصویب آن طبق مقررات مربوطه اقدام و نتیجه را به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام نمایند ، حدنصاب‌های مذکور نیز حد نصاب مربوط به شهرهایی که دارای ضوابط تفکیکی مصوب می‌باشندپس از اعلام از طرف وزارت مسکن و شهرسازی ملاک اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه بوده و در صورت تغییر نیز همان حد نصاب تعیین شده قبلی برای اجرای قانون اراضی شهری ملاک‌عمل خواهد بود. تبصره ـ در شهرها و شهرکهایی که ضوابط تفکیک بیشتر از حد نصاب مقرر در قانون اراضی‌شهری (۱۰۰۰ متر مربع باشد بایستی ضوابط مزبور حداکثر تا حد نصاب یاد شده تقلیل یابد. ماده ۲۶ ـ کسانی که در یک یا چند قطعه زمین بایر موات مشاعا شریک بوده و تحت تکفل‌دیگری نباشند (به استثنای همسر) هر یک می‌توانند پس از تجمیع یا انتقال یا افراز با رعایت سایرضوابط و شرایط منفردا یا مجتمعا برای عمران زمین خود پروانه اخذ نمایند ، هرگونه تجمیع و افرازو انتقال سهام مشاعی بین مالکین تا حد نصاب مقرر بارعایت ضوابط شهرداری بلامانع است ومراجع قانونی ذیربط باید پس از اقدام نتیجه را جهت ثبت در فهرست مربوطه به سازمان زمین‌شهری ارسال نمایند. ماده ۲۷ ـ مالکین اراضی مشاعی که طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری برای تمام یاقسمتی از سهام خود گواهی مهلت عمران اخذ نموده‌اند در صورتی که بقیه زمین آنها واگذار نشده یاثبت و سند مربوطه ابطال نشده باشد می‌توانند در حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری از مزایای‌ماده فوق استفاده نمایند. ماده ۲۸ ـ مالکین واجد شرایط اراضی مشاعی که زمین آنها قابل صدور پروانه ساختمانی برای‌واحد مسکونی باشد ولکن قابل افراز به قطعه مستقل نبوده و در کل پلاک نتوان به تعداد مالکین‌واحد مسکونی احداث نمود به تعدادی که فاقد واحد مسکونی باقی می‌مانند پس از انتقال سهام به‌شریک مشاعی واجد شرایط می‌توانندمتقاضی خرید زمین از سازمان زمین شهری باشند. ماده ۲۹ ـ برای پدر و اولاد صغیر تحت تکفل او

فقط تا حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری‌یک پروانه ساختمان به انتخاب پدر صادر می گردد (اعم از اینکه زمین به صورت مشاعی یا مفروز ومتعلق به پدر باشد یا اولاد صغیر تحت تکفل او) و نسبت به زمینهای دیگر طبق مقررات قانون و این‌آیین نامه عمل می‌شود. تبصره ـ صغار خانواده‌ای که به علل قانونی تحت سرپرستی غیر از پدر باشند و نیز محجورین‌حسب مورد به انتخاب ولی یا قیم هر یک می‌توانند زمینی را تا حد نصاب مقرر طبق این آیین نامه عمل نمایند. ماده ۳۰ ـ انتقال زمین در حد نصاب مقرر در قانون بین اقربای درجه اول خانواده شهدا با معرفی‌بنیاد شهید در صورتی که طرفین خانه و زمین دیگری نداشته و هر دو واجد شرایط لازم برای اخذپروانه ساختمانی باشند با اجازه سازمان زمین شهری فقط برای یک بار بلامانع است ماده ۳۱ ـ چنانچه زمینی در عقدنامه رسمی قبلی از ۲۷/۱۲/۶۰ در صداق زن قرار گرفته باشدتنظیم سند انتقال به زوجه در صورتی که مساحت آن کمتر از حد نصاب مقرر باشد بلامانع است درمواردی که مساحت زمین مازاد بر حد نصاب باشد پس از قطعیت نظریه کمیسیون تشخیص درصورت بایر بودن انتقال آن به زوجه بلامانع و چنانچه موات تشخیص گردد و زوجه واجد شرایطبرای عمران یک قطعه زمین موات باشد مازاد در اختیار دولت قرار می گیرد. ماده ۳۲ ـ انتقال زمین متعلق به زوج یا زوجه به یکدیگر در حد نصاب مقرر مشروط بر آنکه‌طرفین واجد شرایط برای عمران آن باشند منحصرا در مواردی که یکی از آنها دارای مجوز اخذ وام‌بوده و برای دریافت وام لازم است زمین در ملکیت او باشد با موافقت طرفین و با نظر سازمان زمین‌شهری فقط برای یک بار بلامانع است در این صورت متعاملین نمی‌توانند متقاضی خرید یا صدورپروانه برای زمین دیگر باشند. ماده ۳۳ ـ چنانچه کسی واجد شرایط برای عمران زمین خود در حد نصاب مقرر باشد و بخواهدآن را صداق زوجه خود یا زوجه یکی از اقربای طبقه اول خود که فاقد مسکن و زمین است قرار دهدبلامانع می‌باشد. ماده ۳۴ ـ در شهرهایی که شهرداریها برای واگذاری اراضی معوض طرحها فاقد زمین باشندچنانچه زمین کسی که واجد شرایط برای اخذ پروانه است در طرحهای مختلف شهرداری قرار گیرد وشهرداریها برابر ضوابط قانون و این آیین نامه زمین مزبور را خریداری یا تملک نموده باشندمتقاضیان را جهت خرید یک قطعه زمین به سازمان زمین شهری معرفی می‌نمایند و سازمان مذکورموظف است این گونه متقاضیان را در اولویت قرار دهد. تبصره ۱ ـ در مورد زمینهایی که مطابق طرحهای مصوب شهری تکلیف قطعی آنها مشخص‌شده و با توجه به طرحهای مذکور امکان عمران توسط متقاضی وجود نداشته باشد طبق این ماده‌عمل خواهد شد. (بدون رعایت اولویت تبصره ۲ ـ در مورد پرونده‌هایی که قبل از تصویب قانون اراضی شهری به سازمانهای عمراناراضی ارسال گردیده تا در ارتباط با ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری‌زمین معوض واگذار شود و زمین معوض واگذار نشده باشد ، بر اساس مقررات قانون و این آیین نامه اقدام می گردد. تبصره ۳ ـ سازمان زمین شهری مکلف است قطعاتی از اراضی خود را که بر اساس ضوابط ومقررات شهرداریها و سایر مقررات تفکیک شده است به شهرداریها یا سایر سازمانهای دولتی‌بفروشد تا جهت رفع نیازمندیهای عمومی شهر و معوض املاک واقع در طرحهای اجرایی مصوب‌شورای اقتصاد در تهران یا شورای برنامه ریزی در استانها مورد استفاده قرار دهند. تبصره ۴ ـ چنانچه اراضی شهری کسانی که واجد شرایط برای اخذ پروانه ساختمانی می‌باشندبرابر ضوابط مصوب شهرسازی در طرحهای دولت قرار گرفته یا بگیرد دستگاههای دولتی اراضی‌مور نیاز را خریداری یا تملک می‌نمایند و فروشندگان اراضی را جهت خرید یک قطعه زمین به‌سازمان زمین شهری معرفی خواهند نمود و سازمان مذکور موظف است این گونه متقاضیان را نیز دراولویت قرار دهد. تبصره ۵ ـ سازمان زمین شهری مکلف است در قبال زمین‌های موات واقع در طرحهای اجرایی‌مصوب پنج ساله شهرداریها که در شهر تهران به تصویب شورای اقتصاد و در استانها به تصویب‌شورای برنامه ریزی استان رسیده باشد زمینی به صورت معوض حتی المقدور معادل قیمتی زمین‌واقع در طرح به مالکین واجد شرایط از محل زمینهای موات خود واگذار نماید و فقط نسبت به مازادبها ، سازمان می‌تواند مابه التفاوت مربوطه را اخذ نماید. ماده ۳۵ ـ اگر قسمتی از زمین افراد واجد شرایطی که درخواست پروانه نموده‌اند در طرح‌مصوب دولت یا شهرداری قرار گرفته باشد مالک می‌تواند از باقیمانده زمین تا حد نصاب مقرراستفاده نمایدو چنانچه برای باقی مانده برابر

ضوابط شهرداری بتوان پروانه ساختمانی صادر نموددر صورت تمایل مالك نسبت به صدور پروانه اقدام یا برابر ضوابط قانون و این آیین نامه عمل‌خواهـد شد. ماده ۳۶ ـ در مورد مالکیت اراضـی شـهری که فاقد واحد مسـکونی مناسب بوده و زمین دیگری‌که قابل صـدور پروانه ساختمانی باشـد ندارنـد و زمین آنها در طرحهای مصوب شـهری یا دولت واقع‌گردیده لکن شـهرداریها به لحاظ سایر علل مربوط به ضوابط شهری نمی‌توانند برای زمین پروانه‌ساختمانی صادر نمایند سازمان زمین شهری می‌تواند با درخواست متقاضی طبق ضوابط یك قطعه‌زمین جهت امر مسـکن به او بفروشـد در این صورت پس از قطعیت نظریه کمیسیون تشـخیص درصورتی که زمین متقاضـی موات باشـد در اختیـار دولت قرار می‌گیرد و در صورتی که بـایر باشـد درسـند آن قیـد می‌گردد که در مهلت اعتبار قانون اراضـی شهری قابل واگذاری نیست (نه عین نه منفعت مگر به دولت و با تقویم دولت ماده ۳۷ ـ در اجرای تبصره ماده ۶ قانون اراضـی شـهری متقاضـیانی که پرونـده‌های آنـان بر اساس‌مصوبه الحاق سه تبصـره به ماده ۱۰ آیین نـامه اجرایی قـانون لغو مـالکیت اراضـی موات شـهری درسازمانهای عمران اراضـی شـهری سابق تشـکیل و منتهی به صدور رای کمیسیون مربوطه نگردیده‌می‌توانند پس از دو ماه از تاریخ این آیین نامه به دادگاه صالحه مراجعه نمایند و سازمان زمین شهری‌نیز مکلف به ارسال پرونده‌های مطروحه مـذکور ظرف دو ماه به مراجع یاد شـده می‌باشد. ماده ۳۸ ـ در شـهرهایی که مهلت مـذکور در مصوبه سه تبصـره الحاقی به ماده ۱۰ آیین نـامه اجرایی قـانون لغو مـالکیت اراضـی موات شـهری اعلام نگردیـده دارنـدگان زمین با اسناد عادی مربوط‌به تاریـخ قبل از ۵/۴/۵۸ مکلفنـد در اجرای قسـمت اخیر تبصـره ماده ۶ قـانون اراضـی شـهری ظرف یك‌ماه از تاریـخ اعلام سازمان زمین شـهری به مراجع صـالحه قضـایی مراجعه نماینـد. ماده ۳۹ ـ در مورد زمینهـایی که تـا تاریـخ ۵/۴/۵۸ بـا اسـناد عادی معامله شـده و حکم لازم طبق‌قانون و این آیین نامه مبنی بر صـحت معامله صادر می‌گردد چنانچه زمین بایر باشد با توجه به حکم‌صادره حسب مورد از طرف سازمان زمین شـهری اجازه افراز یا انتقال از فروشـنده به خریدار داده‌خواهد شد و بهره برداری از آن در حد نصاب مقرر مجاز است و چنـانچه زمیـن بر اسـاس نظریـه قطعی‌کمیسـیون تشـخیص ، مـوات باشـد ثبـت قبلی زمیـن ابطـال و سـند مـالکیت بـه نـام دولـت یا نماینـدگی‌سازمان زمین شـهری صـادر و سـپس به میزان مسـاحت مورد معـامله تـا حـد نصـاب برابر مقررات‌مربوط از همان زمین به خریـدار واجـد شـرایط واگـذار می‌گردد مهلت عمران برای زمینهای موات‌مـذکور از تاریخ واگذاری سه سال می‌باشد. تبصـره ـ در مورد اراضـی موات موضوع این ماده در صورتی که به موجب احکام دادگاههای‌قسمتی از بها زمین به فروشنده پرداخت نشده باشد آن قسـمت از مبـالغ پرداختـی کـه بـه قطعه زمین‌مـورد واگـذاری تعلـق می‌گیرد از قیمت زمین که بر اسـاس مقررات این آیین نـامه ارزیابی می‌گردد کسر وباقیمانده توسط سازمان زمین شهری وصول خواهد شد. ماده ۴۰ ـ شرکت‌های تعاونی مسکن که طبق تبصره ۴ مـاده ۸ قـانون دارای زمینی باشـند مکلفنـدظرف شـش مـاه از تاریـخ تصویب این آیین نـامه مـدارك خود را به وزارت مسـکن و شهرسازی ارسال‌نمایند و وزارت مذکور پس از رسیدگی به مدارك با رعایت ضوابط قانون اراضی شهری و این‌آیین نامه مساحت زمین متنـاسب برای اجرای طرح را حـداکثر تـا میزان کـل زمین شـرکت تعاونی ، تعیین‌و مهلت لازم را برای اجرای طرح به شـرکت تعاونی می‌دهد. در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر ویا عدم اجرای طرح در مدت تعیین شده چنانچه زمین موات باشد در اختیار سازمـان زمین شـهری‌قرار می‌گیرد. ماده ۴۱ ـ کلیه مقررات یـاد شـده برای صـدور پروانه جهت کسـانی که واجـد شـرایط می‌باشـند درزمین موات یا بایر اشـخاص حقیقی است و اشـخاص حقوقی که دارای مجوز قانونی عمران نباشـندنمی‌توانند از این مزایا اسـتفاده نمایند و زمین مواتی که به نام اشـخاص حقوقی باشد در اختیارسازمان زمین شـهری قرار می‌گیرد و فقط بهای زمین بایر در صورت نیـاز دولت و شـهرداریها به آن ، طبق ضوابط پرداخت می‌گردد. ماده ۴۲ ـ زمینهـای بایری که طبق گواهی شـهرداری فقط برای رفع نیـاز خاصـی ، غیر از سـکونت وتجارت بتواننـد مـورد بهره برداری قرار گیرد و نیـاز اشـخاص حقیقی یـا حقـوقی مالـك این گـونه اراضی‌پس از استعلام سازمان زمین شهری طبق گواهی مراجع ذیربط مورد تایید قرار گیرد مالکین آن‌می‌توانند در مهلت مناسبی که از طرف مراجع مزبور تعیین خواهـد شـد متنـاسب بـا نحوه اسـتفاده اززمین مـذکور و طرح مورد نظر بر اسـاس طرحهـای شـهرسازی

مصوب نسبت به عمران آن اقدام کنند.مهلت مذکور از تاریخ موافقت سازمان زمین شهری شروع می‌شود. تبصره ـ اشخاص حقیقی موضوع این ماده چنانچه خود یا اولاد صغیر تحت تکفل آنان فاقدواحد مسکونی باشند برای سکونت خود نیز می‌توانند یک قطعه زمین متعلق به خود را در حدنصاب مقرر عمران کنند.

فصل سوم ــ نحوه اعلام برای خرید و تملک اراضی (ماده ۴۳ تا ۶۳

ماده ۴۳ ـ خرید و تملک زمین توسط سازمان زمین شهری و شهرداریها در قالب انجام وظایف‌قانونی آنها بر اساس قانون اراضی شهری و این آیین نامه انجام می‌گیرد و سایر ارگانهای دولتی یاوابسته به دولت اراضی مورد نیاز طرحهای خود را راسا بر اساس قوانین و مقررات مربوطه و بارعایت قانون اراضی شهری و این آیین نامه خریداری یا تملک می‌نمایند. ماده ۴۴ ـ سازمان زمین شهری در اجرای سیاست‌های وزارت مسکن و شهرسازی محدوده ومشخصات زمینهای مورد نیاز در اجرای قانون اراضی شهری را با توجه به طرحهای جامع و تفصیلیو در صورت عدم وجود طرحهای مذکور بر اساس سایر طرحهای شهرسازی مصوب یا مقررات‌شهرداری تعیین و از طریق درج آگهی در روزنامه محل یا کثیرالانتشار (عنداللزوم اعلام به نحومقتضی در دو نوبت به فاصله ده روز به اطلاع عموم می‌رساند. مالکین اراضی و همچنین صاحبان‌سایر حقوق قانونی در محدوده مذکور مکلفند ظرف مهلت ۱۵ روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی باهمراه داشتن مدارک مربوط جهت واگذاری زمین خود به سازمانهای ذیربط که در آگهی مشخص‌می‌گردد مراجعه نمایند. تبصره ۱ ـ کسانی که درمحدوده اعلام شده دارای گواهی مهلت عمران یا پروانه ساختمان‌معتبر باشند نیز بایستی ظرف مدت مذکور جهت تعیین تکلیف خود به سازمانهای یاد شده مراجعه‌نمایند. تبصره ۲ ـ در محدوده اعلام شده مذکور شهرداریها و فرمانداریها حسب مورد حق صدورپروانه ساختمانی نداشته و پروانه‌های صادره‌ای که مالکین آنها اقدام به احداث بنا ننموده‌اند باطل‌تلقی و ارگانهای مزبور حسب مورد با رعایت مقررات مکلفند از احداث بنا جلوگیری نمایند. تبصره ۳ ـ بهای اراضی بایر وعرصه اراضی دایر بر اساس مقررات قانون اراضی شهری و این‌آیین نامه ارزیابی و به نحو مقتضی پرداخت و یا زمین معوض واگذار می‌شود. تبصره ۴ ـ ابطال شد. ماده ۴۵ ـ چنانچه پس از اعلام سازمان زمین شهری مالکین اراضی بایر و دایر و املاک مستثنی‌نشده واقع در محدوده مورداعلام در مهلت مقرر و یا قبل از صدور سند انتقال به نام دولت مراجعه‌نمایند در صورتی که انجام معامله هیچگونه اشکال ثبتی و حقوقی نداشته باشد مدارک مالکیت‌مالک یا مالکین جهت تنظیم سند انتقال به دفتر اسناد رسمی ارسال می‌گردد و بهای ملک طبق‌ضوابط قانون و این آیین نامه محاسبه و حسب مورد پرداخت یا زمین معوض واگذار می‌شود. ماده ۴۶ ـ در مورد ماده قبل و همچنین در مورد اراضی مشاعی چنانچه یک یا چند مالک مشاع‌در مهلت مقرر مراجعه لکن به لحاظ عدم حضور بقیه مالکین انجام معامله کل ملک مقدور نباشدنسبت به آن تعداد از مالکین که تنظیم سند امکان ندارد طبق مفاد قانون اراضی شهری و این آیین نامه سند انتقال به قایم‌مقامی مالک یا مالکین امضا می‌گردد. ماده ۴۷ ـ سازمان زمین شهری محدوده مورد نیاز خود یا شهرداری را در محل مشخص نموده وقبل از انتشار آگهی ، نقشه محدوده را به اداره ثبت محل ارسال می‌نماید. اداره ثبت مکلف است با درنظر گرفتن امکانات ، حداکثر ظرف یک ماه مشخصات پلاکهای ثبتی یا تفکیکی و نقشه پلاک بندیو جریان ثبتی و نام آخرین مالک قانونی را در خصوص محدوده مورد نظر که طبق صورتمجلس‌تنظیمی بین نمایندگان سازمان زمین شهری یا شهرداری برحسب مورد واداره ثبت ارایه گردیده به‌سازمان مذکور یا شهرداری اعلام و ارسال نماید. در این صورت پس از انتشار آگهی و اعلام محدوده‌نهایی مورد نظر چنانچه مالکین در مهلت تعیین شده جهت انتقال ملک خود مراجعه ننمایند و درسایر موارد مندرج درتبصره ۲ ماده ۹ قانون اراضی شهری ، نماینده سازمان زمین شهری یا شهرداری‌حسب مورد به قایم‌مقامی آنان سند انتقال را امضا می‌نمایند تا پس از مراجعه مالک یا مالکین وکسر مالیاتها و

هزینه‌های متعلقه مطابق ضوابط قانون و این آیین نامه بهای ملک توسط سازمان‌تملک کننده یا شهرداری حسب مورد به آنها پرداخت گردد. نقشه محدوده مورد نظر سازمان زمین‌شهری یا شهرداری برای تملک همزمان با آگهی مربوطه در اجرای ماده ۴۴ این آیین نامه به اداره ثبت‌و شهرداری مربوطه ارسال می گردد. ماده ۴۸ ـ در مورد ماده ۴۷ ادارات ثبت مکلفند حسب درخواست سازمان زمین شهری سندتجمیعی پلاکهای محدوده مورد تملک را که ضمنا دربرگیرنده معابر و مسیل‌ها و انهار متروکه وحریم‌ها و موارد مشابه داخل آن و املاک مجهول المالك نيز باشد طبق مقررات مربوطه صادرنمایند. اعلام موافقت کتبی شهرداریها و سایر سازمانهای ذیربط در این زمینه برای ادارات ثبت کافیاست تبصره ـ تغییر و جابجایی محل معابر و طرح اماکن عمومی در محدوده مورد نظر سازمانزمین شهری با توجه به اینکه در طرح مجدد معابر و محل اماکن مذکور در نظر گرفته می‌شود بلامانع‌است ماده ۴۹ ـ در مواردی که محدوده‌ای به شرح موارد بالا از طرف سازمان زمین شهری خریداری ویا تملک می‌شود سند مالکیت به نام دولت با نمایندگی سازمان مذکور صادر می گردد و ادارات ثبت‌و مراجع ذیصلاح مربوطه پس از صدور سند ، طبق ضوابط مورد عمل خود با توجه به پرونده‌های‌ثبتی به هرگونه تعارضات یا اختلافات ثبتی موجود رسیدگی و نتیجه را به سازمان زمین شهریاعلام خواهند نمود. ماده ۵۰ ـ در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه هرگونه واگذاری اراضی بایر شهری عینا و منفعتا) تحت هر عنوان در مدت اعتبار قانون مذکور توسط مالکین اینگونه اراضی ممنوع‌بوده لکن دولت یا شهرداریها فقط در صورت نیاز مبادرت به خرید یا تملک اراضی مذکورمی‌نمایند. ماده ۵۱ ـ ابطال شد. تبصره ـ در صورتی که مالك زمین مورد خریداری یا تملک قبلا گواهی مهلت عمران اخذنموده و یا دارای پروانه ساختمانی معتبر بوده یا واجد شرایط برای عمران باشد اعم از اینکه زمین‌مشاعی باشد یا مفروز در صورت امکان از همان زمین و درغیر این صورت با رضایت مالك یامالکین از محل دیگر زمینی حتی المقدور معادل قیمتی زمین مذکور حداکثر تا نصاب مقرر در قانون‌واگذار و مابه التفاوت بر حسب مورد پرداخت یا دریافت می گردد. ماده ۵۲ ـ در صورتی که در محدوده اعلام شده زمین وقفی وجود داشته باشد ، اعم از اینکه به‌اجاره واگذار شده یا نشده باشد ادارات اوقاف و متولیان موقوفه مکلفند ظرف ۱۵ روز از تاریخ‌انتشار آخرین آگهی موضوع ماده ۴۴ مراتب را به سازمان زمین شهری اعلام و حداکثر ظرف یک ماه‌نقشه زمین وقفی و مشخصات آن را ارایه دهند. در این صورت اراضی مذکور از محدوده مورد تملک‌مستثنی خواهد شد. تبصره ۱ ـ سازمان زمین شهری در موقع اعلام و ارسال آگهی برای انتشار یک نسخه از آن را به‌نحو مطمین یا با پست سفارشی به سازمان اوقاف و در سایر شهرستانها به ادارات اوقاف مربوطه ونیز به آستان قدس رضوی و آستان حضرت معصومه (ع ارسال می‌دارد. عدم ارسال این مدارک برای‌سایر متولیان رافع مسئولیت ادارات اوقاف و متولیان موقوفه در اجرای این ماده نمی‌باشد. تبصره ۲ ـ پس از اعلام وانتشار آگهی محدوده مورد درخواست از طرف سازمان زمین شهری واحراز اینکه تمام یا قسمتی از محدوده وقفی است ، با نظر ادارات اوقاف و متولیان موقوفه برابرمقررات اوقاف و قانون اراضی شهری عمل خواهد شد. ماده ۵۳ ـ ابطال شد. ماده ۵۴ ـ واگذاری زمین شهری از طرف اوقاف یا متولیان موقوفه برای امر مسکن و یاتاسیسات عمومی فقط طبق نقش شهرسازی مورد تایید وزارت مسکن و شهرسازی که به تصویب‌مراجع ذیصلاح برسد ، طبق مقررات اوقاف صورت خواهد گرفت ، مگر اینکه در وقفنامه به مورد یا افراد خاصی اشاره شده باشد. ماده ۵۵ ـ ابطال شد. ماده ۵۶ ـ ابطال شد. ماده ۵۷ ـ ابطال شد. تبصره ـ شهرداریها می‌توانند بدون توجه به موقعیت شهری ملك و با استفاده از ضوابط‌تفکیکی هر یک از مناطق شهری که مناسب باشد عمل تفکیک را به نحوی انجام دهند که مساحت‌قطعه مربوط به مستاجر حتی المقدور نزدیک به معادل حد نصاب مقرر در این ماده برای واحدمسکونی گردد. ماده ۵۸ ـ سازمان اوقاف مکلف است فهرست تولیت آستانه‌های کشور را ظرف یک ماه به‌سازمان زمین شهری ارسال نماید و در مواردی که در این آیین نامه اشاره به متولیان موقوفه شده اعم‌از اینکه به آستانی خاص اشاره شده یا نشده باشد بر هر گونه تولیت و آستانی شمول دارد. ماده ۵۹ ـ چنانچه افراد خیر بخواهند زمینی را خریداری و برای امور خیریه عام المنفعه وقف‌عام نمایند سازمان زمین شهری می‌تواند زمینی متناسب با طرح مورد نظر با رعایت

طرحهای‌مصوب شهری و مقررات شهرداری‌ها تعیین و واگذار نماید که در این صورت همزمان با فروش به‌صورت وقف عام در اختیار سازمان اوقاف قرار می گیرد. ماده ۶۰ ـ وقف عام زمین بایر مالکی که طبق ضوابط این آیین نامه در حد نصاب مقرر اجازه‌عمران آن را دارد مشروط بر آنکه در طرح تملک سازمان زمین شهری نباشد بلامانع است نحوه‌استفاده سازمان اوقاف از زمین مذکور به شرح ماده ۵۴ این آیین نامه می‌باشد. ماده ۶۱ ـ سازمان زمین شهری می‌تواند با رعایت مقررات شهرداریها برای احداث مساجد ازاراضی خود زمین مناسب تعیین و با تخفیف به سازمان اوقاف واگذار نماید. ماده ۶۲ ـ ادارات ثبت مکلفند در هر مورد که زمینهایی به صورت مفروز یا مشاع بر اساس قانون‌اراضی شهری به ملکیت دولت در آمده یا در میاید اعم از موات و یا بایر و دایر بر اساس درخواست‌سازمان زمین شهری به شرح زیراقدام به صدور سند مالکیت نمایند. ۱ ـ ابطال سند مالکیت قبلی اعم از اینکه سند مالکیت در اختیار سازمان زمین شهری باشدیانباشد و صدور سند مالکیت جدید به نام دولت بانمایندگی سازمان زمین شهری ۲ ـ در صورتیکه زمین سابقه ثبتی نداشته و بر اساس رای کمیسیون موات تشخیص داده شده ویا بشود اظهارنامه ثبتی به نام دولت یا نمایندگی سازمان زمین شهری تنظیم و بلافاصله‌صورتمجلس تعیین حدود بدون انتشار آگهی نوبتی و تحدیدی و با رعایت حدود مجاورین (اگرمجاورین سابقه تحدید حدود داشته باشند) از طرف اداره ثبت با حضور نماینده اداره زمین شهری‌محل تنظیم و بلافاصله ملک در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت به نام دولت صادر می گردد. ۳ ـ در صورتی که زمین طبق نظریه کمیسیون تشخیص موات است و سابقه درخواست ثبت داردولی تحدید حدود آن به عمل نیامده باشد اعم از اینکه آگهی‌های نوبتی آن منتشر شده یا نشده باشدبدون انتشار آگهی تحدیدی نسبت به تنظیم صورتمجلس تعیین حدود لازم و صدور سند مالکیتان با رعایت بند ۲ از طرف اداره ثبت محل اقدام لازم معمول خواهد شد. ۴ ـ در صورتی که سازمان زمین شهری یا سایر دستگاههای دولتی و یا شهرداریها بر اساس ماده۹ قانون قصد تملک زمین بایر و دایر را دارند و یاقبلا تملک نموده‌اند ولی اساسا سابقه درخواست‌ثبت ندارد و به اصطلاح مجهول المالک است ، ادارات ثبت مکلفند ضمن تنظیم صورتمجلس لازم‌در اجرای ماده ۴۷ این آیین نامه که به منزله صورتمجلس احراز تصرف خواهد بود ، مشخصات زمین‌اعم از شماره پلاک و مساحت و حدود و نام و مشخصات متصرف را با رعایت حدود مجاورین (اگرسابقه تحدید حدود دارند) تعیین نمایند و همین صورتمجلس مستند انجام معامله خواهد بود وپس از تنظیم سند انتقال بر اساس ماده ۹ قانون به نام دولت یا شهرداری به ترتیب ذیل اقدام به‌صدور سند مالکیت نمایند: الف ـ پس از ارایه یک نسخه سند انتقال (سند تملکی به اداره ثبت محل اداره اخیرالذکر براساس سند رسمی تنظیمی بلافاصله سند مالکیت زمین را به نام دولت با نمایندگی سازمان زمین‌شهری یا سایر دستگاههای دولتی یا شهرداری حسب مورد صادر نمایند. ب ـ برای روشن شدن وضع پرداخت بهای زمین مورد تملک ادارات ثبت بایستی نسبت به‌تنظیم اظهارنامه ثبتی اقدام و علاوه بر قید نام دولت به نمایندگی سازمان زمین شهری یا دستگاه‌دولتی تملک کننده یا شهرداریها نام شخص و یا اشخاصی که مدعی مالکیت ملک مورد تملک‌هستند بر اساس صورتمجلس تنظیمی بالا در اظهارنامه ثبتی قید نمایند و در اجرای دستور ماده ۵۹آیین نامه قانون ثبت مبادرت به انتشار آگهی‌های نوبتی نمایند تا در صورتیکه با انقضای مدت نودروز اعتراض قانونی ثبت ، اعتراض نرسید پس از گواهی اداره ثبت محل در این زمینه مبادرت به‌پرداخت بهای زمین به مالک یا مالکین آن گردد ، در صورت وصول اعتراض به ثبت تا تعیین تکلیف‌نهایی اعتراض در دادگاه بهای ملک پرداخت نخواهد گردید. ج ـ چنانچه زمینی که موات اعلام شده و یا ملکی که تملک گردیده دارای اعتراض به ثبت یاحدود و یا سایر اعتراضات قانونی و یا تعارض ثبتی داشته باشد و یا در رهن و وثیقه و بازداشت‌باشد ادارات ثبت مکلف به صدور سند مالکیت آزاد وبدون قید بازداشت و یا وثیقه و رهن به نام‌دولت می‌باشند. در خصوص اعتراض به ثبت و تعارض ثبتی پس از صدور رای قطعی از طرف مراجع قضایی‌سازمان زمین شهری مکلف است بر اساس قانون اراضی شهری و آیین نامه آن با محکوم له رفتارنماید. در مورد رهن وثیقه و بازداشت اراضی بایر و دایر سازمان تملک کننده مجاز است از محل‌اعتبارات تملک زمین مبلغ مندرج در سند وثیقه و رهن و

مبلغ مورد بازداشت را پرداخت نماید. درصورتی که مبلغ مورد وثیقه بیش از مبلغ مورد ملک باشد بستانکار و مرجع بازداشت کننده می‌تواندبرای وصول بقیه طلب خود تقاضای توقیف سایر اموال بدهکار را بر اساس قوانین مربوطه از مراجع‌قضایی بنماید. د ـ در صورتی که زمین مورد تملک بر اساس سند انتقال رسمی سابقه ثبت داشته ولی آگهی‌نوبتی آن منتشر نشده باشد اداره ثبت محل مکلف است بدون انتشار آگهی تحدیدی نسبت به تنظیم‌صورتمجلس تعیین حدود با رعایت حدود مجاورین (اگر مجاورین سابقه تحدید داشته باشند)اقدام و بلافاصله سند مالکیت زمین را به نام سازمان شهری یا دستگاه تملک کننده صادر نمایند وبرای اینکه پرداخت وجه مورد تملک به مالک ملک مقدور باشد اداره ثبت محل نسبت به انتشارآگهی‌های نوبتی بر اساس بند (ب این فراز اقدام می‌نماید در مورد زمینهای مورد تملک که سابقه‌ثبت و انتشار آگهی نوبتی داشته ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده تعیین حدود و صدور سندمالکیت آن به شرح این بند صورت می گیرد. ۵ ـ در مواردی که زمین بر اساس رای کمیسیون موات تشخیص شده یا بشود ادارات ثبت‌مکلفند به درخواست سازمان زمین شهری قبل از قطعیت رای کمیسیون تشخیص سندمالکیت آن رابه نام دولت به نمایندگی سازمان زمین شهری صادر نمایند در صورتی که بر اساس رای قطعی دادگاه‌زمین مزبور غیرموات تشخیص و نوع آن به بایر یا دایر تغییر یابد سازمان زمین شهری مکلف است‌بهای زمین را حسب مورد بر اساس ماده ۹ قانون اراضی شهری پس از ارایه مفاصا حسابهای لازم باتنظیم اقرار نامه رسمی به مالک آن پرداخت نماید. ماده ۶۳ ـ وزارتخانه‌ها و موسسات و بانکها و سازمانهای وابسته به دولت و کلیه موسسات‌موضوع ماده ۱۰ قانون مکلفند ظرف مدت یک ماه از تاریخ درخواست اداره زمین شهری محل‌اسناد مالکیت اراضی خود را به اداره زمین شهری محل ارسال نمایند ، در غیر این صورت حسب‌درخواست سازمان زمین شهری ادارات ثبت اسناد واملاک مکلفند با رعایت مقررات مربوط نسبت‌به صدور سند مالکیت المثنی اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ هرگونه تصرفات و یا تجاوزاتی که در اراضی مذکور به عمل آمده باشد بایستی درنقشه‌های ارسالی منعکس و سوابق مربوط به تعقیب متجاوزین و اقدامات انجام شده نیز به سازمان‌زمین شهری ارسال گردد. تبصره ۲ ـ نگهداری و بهره برداری اراضی دایری که اسناد و مدارک و نقشه آنها به سازمان زمین‌شهری ارسال گردیده تا اطلاع سازمان مذکور و تحویل گرفتن آنها به عهده ارگانهای دارنده زمین‌می‌باشد. تبصره ۳ ـ به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت و سایر موسسات و نهادهای‌مذکور در ماده ۱۰ قانون مذکور زمین به طور بلاعوض و مجانی با رعایت طرحهای مصوب‌شهرسازی واگذار می‌شود مشروط بر اینکه حداکثر ظرف شش ماه اجرای آنها شروع و در مهلتی که‌وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌نماید به اتمام برسانند در صورتی که نسبت به تایید نیاز توافق‌حاصل نشود اتخاذ تصمیم با نخست وزیر خواهد بود. تبصره ۴ ـ اراضی واقع در شهرکهای موضوع قانون اجازه واگذاری اراضی داخل شهرکها برای‌تامین اعتبار مربوط به تکمیل ساختمانهای شهرکهای نیمه تمام دولتی مصوب ۶/۷/۱۳۶۰ طبق‌قانون مذکور و آیین نامه مربوطه واگذار خواهد شد و نیازی به ارسال اسناد و مدارک یاد شده به‌سازمان زمین شهری نمی‌باشد.

فصل چهارم نحوه واگذاری اراضی (ماده ۶۴ تا ۷۷)

ماده ۶۴ ـ سازمان زمین شهری اراضی ملکی خود را طبق ضوابط و مقررات شهرداریها حسب‌مورد تفکیک یا قطعه بندی و در صورت نیاز طبق اختیارات مندرج در اساسنامه آماده سازی یا به‌همان وضع موجود به ارگانهای قانونی ، شهرداریها ، نهادهای انقلاب اسلامی وبانکها جهت تامین‌نیازهای تاسیساتی و اداری وخدماتی (غیر مسکونی و به افراد شرکتهای تعاونی مسکن اشخاص‌سازنده مسکن ، کارخانجات و کارگاهها و نهادهای انقلاب اسلامی و بانکهای مسئول تامین مسکن‌برای امر مسکن و به اشخاص جهت محل کسب و خدمات عمومی به شرح مواد زیر واگذارمی‌نماید. ماده ۶۵ ـ واگذاری زمین به صورت انفرادی برای تامین مسکن با رعایت شرایط و ضوابط زیرصورت می گیرد: ۱ ـ متقاضی و همسر و اولاد تحت تکفل او از تاریخ ۲۷/۱۲/۶۰ فاقد

واحد مسکونی یا زمین‌شهری در سطح کشور باشد. ۲ ـ متقاضـی متاهل و یا حداقل دارای ۲۵ سال تمام سن باشد. ۳ ـ حداقل از ۵ سال قبل تاریخ تصویب قانون اراضی شهری یا تاریخ تسلیم تقاضا به طورمتوالی در شهر محل درخواست زمین سکونت داشته باشند مدت لازم در شهرهای استان تهران‌حداقل ۱۰ سال قبل ازتاریخ تصویب قانون اراضـی شـهری خواهـد بود. بـدیهی است سابقه سکونت‌بیشتر برای متقاضیان زمین ایجاد اولویت می‌نماید. ۴ ـ متقاضی توانایی مالی احداث واحد مسکونی را در زمان عقد قرارداد اعلام نماید. ۵ ـ حـذف شد. ۶ ـ شـرط مدت سـکونت مذکور در بند ۳ برای کسانی که بخواهند به شـهرهایی که وزارت مسـکن‌و شهرسـازی تعیین واعلام می‌نمایـد بـا رعـایت ضوابط مهاجرت نماینـد رعایت نمی‌شود و در موردکارمنـدان دولت که به شـهرهای مختلف منتقل شده یا می‌شوند شـرط مدت سـکونت مندرج در بند ۳با نظر مجمع عمومی سازمان زمین شـهری قابل کاهش خواهد بـود. ضوابـط مربـوط بـه مهـاجرت ومتقاضـیانی کـه قصـد مهـاجرت دارنـد و همچنین شـهرهایی که امکانـات مهاجرپـذیری را دارا باشندتوسط وزارت کشور ، سازمان برنامه و بودجه و وزارت مسکن و شهرسازی ظرف دو ماه از تاریخ‌تصویب این آیین نامه تهیه و به اجرا گذاشته می‌شود. ۷ ـ جانبازان انقلاب اسلامی (معلولین و خانواده شهدا به معرفی بنیاد شهید در صورت داشتن‌سایر شرایط در اولویت قرار می گیرند. ۸ ـ در شـرایط مساوی اولویت متقاضـیان با توجه به تعداد اولاد و افراد تحت تکفل و سابقه‌سکونت در محل تعیین و در صورت کثرت تقاضـا از روشـهای قرعه کشـی یـا نظـام یافته دیگری که‌موجود باشـد با نظر وزارت مسـکن و شـهرسازی استفاده می‌شود. ۹ ـ واگذاری زمین به کسانی که تنها زمین تهیه شده آنها برای امر مسکن ، در محدوده شهرها وشهرکها در اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور ملی اعلام گردیده وسایر شـرایط را برای اخذ زمین دارند در شـهری که وزارت مسـکن و شـهرسازی تعیین می‌نمایـد دراولویت قرار می گیرد و در مورد مشـمولین ماده ۳۶ قانون اصـلاح پاره‌ای از مواد قانون مذکور یک‌قطعه تفکیکی زمین به افراد واجد شرایط بعنوان معوض واگذار می گردد ، وزارت کشاورزی در موردهر متقاضی مکلف است زمین او را در صورتی که داخل محـدوده مورد عمل سازمان زمین شـهری‌بوده و ملی شـده مشـخص و مراتب را جهت اقـدام لازم به سازمان یاد شده اعلام نماید. ۱۰ ـ کسانی که اراضـی آنها توسط دولت و یا بانکها تملک گردیـده در صورتی که امر تملک بعـد از۵/۴/۱۳۵۸ خـاتمه یـافته و یـا بعـدا خـاتمه پـذیرد بـا دارا بودن سـایر شـرایط و قطعیت امر تملک برای‌دریافت زمین در اولویت قرار خواهند گرفت ۱۱ ـ واگذاری زمین در مناطق مختلف شـهری باید متناسب با کاربری زمین از نظر تراکم‌ساختمان باشد و می‌تـوان قطعه زمینی را مشاعـا به چنـد نفر متقاضـی واگـذار نمود. تبصـره ـ در مورد نماینـدگان مجلس شورای اسـلامی و وزرا و معاونین وزرا و قضات واسـتانداران تحقیق شـرایط احراز سکونت به شکل تعهد محضری صورت خواهد گرفت ماده ۶۶ ـ واگذاری زمین برای امر مسـکن به شـرکتهای تعاونی مسکن با شرایط و ضوابط زیرانجام می گیرد: ۱ ـ شـرکت تعاونی مسکن به ثبت رسیده و رسـما تعهـد نماید که فاقد زمین متناسب با مسـکن‌تعداد اعضای واجد شـرایط و قابل صدور پروانه می‌باشد. ۲ ـ هر یـک از اعضای شرکت تعاونی دارای شرایط بندهای ۱ و ۲و۳ مربوط به واگذاری زمین به‌افراد باشد. ۳ ـ شرکت تعاونی مسکن علاوه بر بهای زمین هنگام عقـد قرارداد واگـذاری بایـد بین ۲۵ تـا ۵۰درصـد هزینه ساختمـان را طبق تشـخیص و اعلام وزارت مسـکن و شـهرسازی در حساب خود موجودداشته باشـند. ۴ ـ مسـاحت زمین مورد واگـذاری ، بر اسـاس تعـداد اعضای واجـد شـرایط و سـطح مناسب برای هرخانواده با توجه به تراکم ساختمانی منطقه محاسـبه خواهد شد. ۵ ـ حذف شد. ماده ۶۷ ـ واگذاری زمین به سازندگان واحدهای مسکونی اعم از اشـخاص حقیقی یا حقوقی وهمچنین کسانیکه آمادگی و شـرایط لازم را به منظور سـرمایه گـذاری در امر تولیـد و احداث واحدهای‌مسکونی ارزان قیمت به منظور ارایه جهت فروش و اجاره با نظر وزارت مسـکن و شـهرسازی داراباشـند با شـرایط زیر به عمل خواهـد آمد: ۱ ـ شـخص سازنـده اعم از حقیقی و حقوقی بایـد تعهـد معتبر تامین اعتبار جهت احـداث بنا راطبق طرح و گزارش توجیهی که ارایه می‌دهد ، بسپارد. ۲ ـ زمین واگذاری به اشخاص حقیقی در هر بار متناسب با طرح و تعهد مربوطه بیش از ده‌دستگاه واحد مسکونی نخواهد بود. ۳ ـ میزان زمین واگـذاری به اشـخاص حقوقی در هر بار متناسب با طرح و تعهد لازم بیش از

۵۰واحد مسکونی و تاسیسات مربوطه نخواهد بود. ۴ ـ پروژه ساختمانی باید از نظر مساحت زیر بنای هر واحد و کیفیت و مصالح ساختمانی طبق‌ضوابط تعیین شده وزارت مسکن و شهرسازی اجرا گردیده و بر اساس قیمت تعیین شده توسطوزارت مسکن و شهرسازی اجرا گردیده و بر اساس قیمت تعیین شده توسط وزارت مذکور تحت‌نظر سازمان زمین شهری به افراد واجد شرایط بفروش برسد. افراد واجد شرایط در هر محل مطابق‌ضوابط و یا طبق نظر مرجعی که وزارت مسکن و شهرسازی اعلام می‌نماید تعیین خواهند شد. تبصره ۱ ـ واگذاری مجدد زمین جهت اجرای پروژه واحدهای مسکونی به اشخاص حقوقی که ۸۰٪ پروژه قبلی آنها با تمام رسیده است بلامانع می‌باشد. تبصره ۲ ـ در مورد بانکها و موسسات دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی مسئول تامین مسکن‌و در موارد استثنایی با معرفی وزارت مسکن و شهرسازی شرط ردیف ۳ از لحاظ تعداد واحدمسکونی و تبصره ۱ از لحاظ اتمام ۸۰٪ پروژه رعایت نمی‌شود. تبصره ۳ ـ مالکین اراضی بایر شهری مازاد بر حد نصاب که زمین آنها کاربری مسکونی داشته وتاکنون در طرح تملک سازمان زمین قرار نگرفته و آمادگی خود را جهت احداث واحدهای مسکونیاجاره‌ای طبق ضوابطی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌نماید اعلان دارند سازمان زمین‌شهری می‌تواند در قالب ماده فوق الذکر زمین مازاد مذکور را پس از تملک در اختیار آنها قرار دهد تانسبت به احداث واحدهای مسکونی اجاره‌ای موقت و سپس انتقال قطعی بنا به تشخیص وزارت‌مسکن و شهرسازی اقدام نماید. تبصره ۴ ـ در شهرهایی که زمین موات و بایر به اندازه کافی و مناسب وجود نداشته باشدچنانچه مالکین اراضی دایر شهری که زمین‌های آنان دارای کاربری مسکونی و در طرح تملک دولت‌نباشد ومایل به واگذاری قطعی زمین خود به سازمان زمین شهری جهت اجرای این ماده بوده باشد ، سازمان زمین شهری می‌تواند با در نظر گرفتن مفاد این ماده و با رعایت حداکثر تراکم مجازساختمانی برای احداث ساختمان توسط نامبردگان بارعایت مفاد بند ۴ و تبصره‌های این ماده اقدام‌لازم را معمول دارد. ضوابط مربوطه توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و مورد عمل قرارخواهد گرفت ماده ۶۸ ـ واگذاری زمین برای احداث خانه‌های سازمانی به موسسات دولتی پس از تاییدوزارت مسکن و شهرسازی با رعایت مقررات مربوطه بلامانع است ماده ۶۹ ـ واگذاری زمین جهت کارکنان کارخانجات و کارگاههای تولیدی مورد تایید وزارت‌مسکن و شهرسازی و در نزدیکی آن موسسه‌ها در صورتی که کارخانه یا کارگاه با هزینه خودواحدهای مسکونی و تاسیسات عمومی مربوطه را احداث و فقط به کارکنانی که علاوه بر دارا بودن‌شرایط دریافت زمین به صورت انفرادی ، حداقل دو سال در آن واحد اشتغال به کار داشته‌اند وبه‌قیمت تمام شده مورد تایید وزارت مسکن وشهرسازی مجاز خواهد بود در این صورت پس از اتمام‌واحدهای مسکونی امر انتقال زیر نظر وزارت مسکن وشهرسازی انجام می‌گیرد. در موردکارخانجات جدید التاسیس شرط دو سال اشتغال در آن واحد ضروری نمی‌باشد. ماده ۷۰ ـ شرایط واگذاری زمین به موسسات و کارگاهها و کارخانجاتی که دارای شخصیت‌حقوقی باشند برای احداث خانه‌های سازمانی ۱ ـ ضرورت احداث واحدهای مسکونی سازمانی به تایید وزارت مسکن و شهرسازی برسد. ۲ ـ متقاضی دارای مجوز احداث کارخانه یا کارگاه و پروانه اشتغال از مراجع مربوط باشد. ۳ ـ لیست شاغلینی که برای آنها خانه‌های سازمانی احداث می‌شود باید از نظر اینکه شاغلین‌مذکور کارگر کارخانه یا کارگاه متقاضی می‌باشند به تایید وزارت کار وامور اجتماعی یا ادارات تابعه‌در شهرستان مورد نظر برسد. ۴ ـ حداقل سن شاغلین لیست ردیف ۳ بایستی ۱۸ سال تمام باشد. ۵ ـ تعداد شاغلین هیچگاه در طول سال از ۲۰ نفر کمتر نباشد و حق بیمه آنان نیز تا هنگام‌درخواست کلا پرداخت شده باشد. ۶ ـ پروژه ساختمانی از نظر مساحت زیربنای هر واحد و کیفیت مصالح ساختمانی منطبق باضوابط تعیین شده وزارت مسکن و شهرسازی باشد. ۷ ـ رعایت بندهای ۱ و۳ و تبصره ۱ ماده ۶۷ ضروری می‌باشد. ۸ ـ خانه‌های سازمانی احداث شده به صورت واحدهای سازمانی تلقی و تابع قوانین مربوطه‌می‌باشد. ماده ۷۱ ـ حذف شد. ماده ۷۲ ـ شرایط واگذاری زمین جهت ایجاد یا توسعه انواع موسسات یا کارگاههای تولیدی وخدماتی و محلهای کسب به شرح زیر انجام می‌گیرد: ۱ ـ سن متقاضی از ۱۸ سال کمتر نبوده و توانایی مالی احداث ساختمان مورد نظر را طبق‌گزارش توجیهی که ارایه می‌دهد اعلام نماید. ۲ ـ متقاضی حرفه دیگری جز آنچه برای آن تقاضای زمین

می‌نماید نداشته باشد. ۳ ـ مجوز لازم جهت دایر نمودن واحد پشتیبانی از سازمان مربوطه وسیله متقاضی ارایه گردد. ۴ ـ زمینهای مورد واگذاری برای هر پیشه باید مطابق با کاربری زمین در طرحهای شهرسازی‌مصوب و در صورت عدم وجود طرحهای مذکور طبق مقررات شهرداری برای آن منطقه شهر باشد. ۵ ـ حداقل از پنج سال پیش از تسلیم تقاضای زمین به طور متوالی در محل درخواست زمین‌سکونت داشته باشد. مدت لازم در شهر تهران ۱۰سال می‌باشد. ۶ ـ افراد مذکور در بندهای ۶ و ۷ ماده ۶۵ در صورت دارا بودن شرایط فوق در اولویت خواهندبود. ۷ ـ شرط مدت سکونت برای کسانی که از پاره‌ای از شهرها به شهرهای دیگر طبق اعلام وزارت‌مسکن و شهرسازی عزیمت نموده و در شهرهای مزبور اقدام به سرمایه گذاری در امر ایجادواحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی به جز محلهای کسب نمایند رعایت نمی‌شود. نحوه واگذاری اراضی موضوع این بند به جز در مواردی که به صورت قطعی به شهرداریهافروخته می‌شود به صورت اجاره خواهد بود. ماده ۷۳ ـ شرکتهای تعاونی مسکن کارگران و کارکنان دولت و سازمانها و شرکتهای وابسته به‌دولت در صورتی که واجد شرایط مندرج در این آیین نامه باشند برای خرید زمین در اولویت خواهندبود. ماده ۷۴ ـ در کلیه مواردی که زمین برای امر مسکن یا سایر نیازهای عمومی و خصوصی به افرادیا موسسات دولتی و خصوصی و نهادهای انقلاب اسلامی طبق قرارداد واگذار می گردد انتقال قطعی‌زمین موکول به اجرای طرح و ارایه گواهی پایان کار ساختمانی از شهرداری یا سایر مراجع ذیصلاح‌خواهد بود. شهرداری‌ها مکلف به صدور پروانه ساختمانی بر اساس اوراق قرارداد واگذاری سازمان‌زمین شهری بوده و اوراق مراجع ذیصلاح مربوطه معتبر است بانکها و مراجع وام دهنده دولتی‌دیگر در مواردی که طبق ضوابط مورد عمل وام پرداخت می‌نمایند مکلفند در اینگونه اراضی به‌جای اسناد رسمی و اوراق ثبتی منحصرا قراردادهای واگذاری سازمان مذکور را برای دادن وام وانجام مشارکت قبول نمایند و با توافق سازمان زمین شهری در خصوص رهن زمین و هرگونه‌مشارکت نسبت به زمین واگذاری اقدام نمایند. واحدهای مسکونی که در اراضی واگذاری سازمان زمین شهری ایجاد شده باشد تا ۵ سال ازتاریخ پایان کار توسط انتقال گیرنده زمین قابل فروش نبوده و این امر بایستی در سند انتقال‌تصریح گردد و شهرداریها مکلفند نسبت به صدور یک فقره پروانه ساختمانی نیز گواهی پایان کاروا‌حد اقدام نمایند. ضمنا در مورد بانکها و سایر مراجع وام دهنده که در اجرای ماده ۶۷ این آیین نامه از این تاریخ اقدام به احداث و اجرای طرح طبق ضوابط وزارت مسکن تا ۳۰٪ نموده باشند انتقال‌قطعی بلا اشکال خواهد بود. تبصره ۱ ـ اوراق قرارداد واگذاری سازمان زمین شهری برای اخذ وام از بانکها ارزش سند را داردو حضور نماینده سازمان مذکور برای امضا اوراق مربوط به پرداخت وام در دفتر اسناد رسمی‌ضروری نیست تبصره ۲ ـ چنانچه قرارداد واگذاری زمین به هر علتی فسخ یا ابطال گردد بانک پرداخت کننده‌وام یا اعتبار جانشین طرف قرارداد با سازمان زمین شهری می‌شود در این صورت بانک ساختمان راتکمیل و زیرنظر و طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی به متقاضی واجد شرایط واگذارمی‌نماید و در این صورت تسویه حساب با طرف قرارداد اولیه بعهده بانک خواهد بود چنانچه بانک‌ظرف مدت قرارداد اقدام به اتمام واحد مسکونی ننماید قرارداد واگذاری بانک نیز فسخ و زمین طبق‌ضوابط مربوطه به اشخاص واجد شرایط واگذار می‌شود. ماده ۷۵ ـ فروش اضافه مساحت‌ها و زمین‌های کوچکی که در ملکیت دولت است و مورد نیازشهرداری نبوده و برای هیچگونه طرحی مناسب نباشد به مالک یا مالکین پلاکهای مجاور بلامانع‌است ، و در صورت نیاز شهرداری در قبال دریافت بهای آن به شهرداری واگذار می‌شود. ماده ۷۶ ـ هرگونه واگذاری زمین توسط سازمان زمین شهری بر اساس قانون اراضی شهری و این‌آیین نامه با دریافت بهای زمین صورت می گیرد و در موارد بسیار استثنایی که افراد از نظر مالی به‌هیچ وجه قادر به تامین بهای زمین نمی‌باشند با تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی و در صورت‌موافقت بنیادها و نهادهایی که وظایف آنها در ارتباط با تامین مسکن می‌باشد برای احداث واحدمسکونی برای افراد مذکور پس از تصویب مجمع عمومی واگذاری زمین به بنیادها و نهادهای یادشده با تخفیف بلامانع است متقاضی باید واجد سایر شرایط مندرج در بند (الف) ماده ۶۵ این‌آیین نامه باشد. تبصره ـ حذف شد. ماده ۷۷ ـ سازمان زمین شهری مجاز است زمینهای مورد تملک خود را بر اساس

ماده ۹ قانوناراضی شهری پس از تنظیم سند انتقال و در صورت نیاز به تقسیم پس از تصویب نقشه تفکیکی ازطرف شهرداری واگذار نماید ولی واگذاری رسمی آن در دفترخانه اسناد رسمی به خریدار بایستی براساس سند مالکیت صادره به نام دولت و صورتمجلس تفکیکی تنظیمی از طرف ثبت اسناد محل واحداث بنا صورتپذیرد و واگذاری اراضی موات در هر مرحله موکول به صدور سند مالکیت به نامدولت می‌باشد. در خصوص سایر زمینهایی که با توجه به قانون اراضی شهری و آیین نامه آن و اساسنامه سازمانزمین شهری در مالکیت دولت و در اختیار سازمان زمین شهری است تنظیم قرارداد واگذاری بهاستناد نقشه مصوب شهرداری بلامانع است ولی واگذاری قطعی و نهایی آن به شرح مراتب بالاصورت می‌پذیرد.

فصل پنجم نحوه تقویم دولت برای خرید و فروش و معاوضه اراضی (ماده ۷۸ تا ۸۰

ماده ۷۸ ـ قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی زمین آخرین قیمت تعیین شده‌در اجرای تبصره ۲ماده ۲۳ قانون مالیاتهای مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی آن خواهد بود. در مورد اراضی که فاقد ارزش‌معاملاتی باشند وزارت امور اقتصادی و دارایی با اعلام وزارت مسکن و شهرسازی مکلف استنسبت به تعیین ارزش معاملاتی آن بر اساس تبصره فوق الذکر در اسرع وقت اقدام نماید. تبصره ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی در تهران و ادارات کل امور اقتصادی و دارایی درشهرستانها مکلفند همزمان با اعلام ارزش معاملاتی تعیین شده به شرح این ماده نسخه‌ای از آن را نیزبه سازمان زمین شهری یا واحدهای تابعه آن بر حسب مورد ارسال نماید. ماده ۷۹ ـ ملاک تقویم برای خرید و تملک ملک در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه قیمت زمان تنظیم سند انتقال خواهد بود. ماده ۸۰ ـ بهای فروش ، قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی زمان تنظیم قرارداد واگذاری زمین‌خواهد بود مشروط بر آنکه مجموع قیمت خرید زمینهایی که در اجرای قانون اراضی شهری و این‌آیین نامه خریداری و یا تملک شده است و یا ارزش معاملاتی اراضی موات حسب مورد به اضافه‌هزینه‌های انجام شده برای آنها از جمع ارزش قطعات تفکیکی قابل فروش در زمان تنظیم قراردادواگذاری اولین قطعه در هر طرح بیشتر نباشد و در صورت تجاوز مازاد به نسبت مساحت قطعات‌تفکیکی محاسبه و به قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی قطعه مورد واگذاری اضافه می‌شود. تبصره ۱ ـ در مورد اراضی متعلق به دولت که در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه تملک و خریداری نشده است ملاک فروش قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی قطعه مورد واگذاری‌به اضافه هزینه‌های مربوطه خواهدبود. تبصره ۲ ـ هزینه‌های انجام شده مذکور در این ماده شامل هزینه‌های تهیه طرح عمرانی آماده‌سازی پرداخت عوارض تفکیک به شهرداری و همچنین هزینه‌های اختصاصی از قبیل نشر آگهی کارشناسی و نظایر آن که منحصرا برای زمین مربوطه صرف گردید می‌باشد. تبصره ۳ ـ بهای قطعات مربوط به تاسیسات عمومی و رفاهی واقع در طرحهای تفکیکی‌ملکی سازمان زمین شهری که مورد نیاز پروژه و منطبق با ضوابط طرحهای جامع و تفصیلی‌وتاسیسات زیربنایی یا ضوابط شهرداریها باشد محاسبه و متناسبا به قیمت قطعات قابل فروش‌همان طرح افزوده و از خریداران زمین دریافت می گردد و زمین جهت اجرای طرحهای یاد شده به‌صورت رایگان در اختیار شهرداری یا دستگاه دولتی ذیربط قرار داده خواهد شد.

فصل ششم ـ شیوه ادغام سازمانهای عمران اراضی شهری (ماده ۸۱ تا ۸۲

ماده ۸۱ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه سازمانهای عمران اراضی استانها با سرمایه وبودجه و اعتبارات و دیون و مطالبات واموال و کارکنان در یک سازمان ادغام و سازمان مذکور به‌عنوان سازمان مرکزی با اساسنامه‌ای که به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی جداگانه به تجویزماده ۱۳ قانون اراضی شهری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید اداره می‌شود. ماده ۸۲ ـ مجامع

عمومی سازمانهـای عمران اراضـی قبلی و هیات‌هـای پنـج نفری مربوطه با ادغام سازمانهای عمران اراضـی در یک سازمان موضوعا منتفی می‌باشند.

فصل هفتم ـ مقررات مربوط به رفع تصرف و تجاوز (ماده ۸۳ تا ۸۷)

ماده ۸۳ ـ ابطال شد. ماده ۸۴ ـ ابطال شد. ماده ۸۵ ـ در صورتیکه تخلف اشخاص از تعهدات داده شده احراز گردد مجوزهای قانونی که به‌استناد تعهدات مذکور صادر شده فاقد اعتبار محسوب و با اعلام سازمان مذکور از هرگونه تصرف وادامه عملیات ساختمانی جلوگیری و با متخلف طبق قوانین مربوطه و این آیین نامه رفتار می‌شود. ماده ۸۶ ـ قوای انتظامی و نهادهای انتظامی انقلاب اسلامی برحسب مورد در صورت ملاحظه‌هر گونه تصرف در اراضی شهری مکلفند مدارک قانونی معتبر تصرف را از متصرف مطالبه و درصورت ملاحظه تخلف مراتب را به سازمان شهری و شهرداری اعلام نمایند. ماده ۸۷ ـ قوای انتظامی و نهادهای انتظامی انقلاب اسلامی حسب مورد به تقاضای سازمان‌زمین شهری یا شهرداریها مکلفند در رفع آثار تصرف و تجاوز به اراضی مشمول قانون اراضی شهری‌و این آیین نامه با سازمان زمین شهری و شهرداری همکاری و نظارت و دخالت مستقیم نمایند.

فصل هشتم ـ مقررات متفرقه (ماده ۸۸ تا ۱۰۰)

ماده ۸۸ ـ سازمان زمین شهری از پرداخت مالیات نقل و انتقال ، حق تمبر ، هزینه‌های ثبتی ومعاملات بابت تفکیک و تجمیع و فروش اراضی به مراجع ذیربط و همچنین از پرداخت عوارض‌مختلف شهری و تفکیکی و هرگونه پرداختی دیگر بابت فروش اراضی به شهرداریها نیز معاف است ماده ۸۹ ـ ابطال شد. ماده ۹۰ ـ و بندهای ۱ و ۲و ۳ و تبصره آن ابطال شد. ماده ۹۱ ـ ابطال شد. ماده ۹۲ ـ ابطال شد. ماده ۹۳ ـ در مواردی که در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه برای شهرداریها مقررات‌خاصی وضع شده است این مقررات منحصر به همان موارد می‌باشد و در مورد شهر تهران با توجه‌به قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون اراضی شهری هرگونه واگذاری و عمران زمین در محدوده مورد نظرسازمان زمین شهری بایستی با رعایت طرح جامع و یا آخرین طرح تفصیلی با استعلام از شهرداری‌تهران انجام گیرد و شهرداری مزبور ملزم است نظریه خود را با رعایت نکات فوق حداکثر ظرف‌مدت یک ماه اعلام نماید. ماده ۹۴ ـ ابطال شد. ماده ۹۵ ـ در مواردی که سازمان زمین شهری ، اراضی خود را به اجاره واگذار می‌نماید مال‌الاجاره با نظر کارشناس رسمی وزارت دادگستری تعیین و هر سه سال یکبار تجدید قرارداد می‌گردد. ماده ۹۶ ـ اقاله اسناد انتقال اراضی بایر و موات شهری پس از احراز واجد شرایط بودن متعاملین‌با رعایت ضوابط قانون اراضی شهری در این آیین نامه و با نظر سازمان زمین شهری صورت می‌گیرد. ماده ۹۷ ـ شورایعالی انفورماتیک موظف است با توجه به قانون اراضی شهری و این آیین نامه ولزوم تهیه و تنظیم سند اطلاعاتی مناسب درباره اراضی شهری طرح اطلاعاتی لازم را تهیه وتصویب نموده و نسبت به تعیین و تخصیص مرکز خدمات ماشینی و گروه طراح سیستم و سایرموارد ضروری اقدام نماید و مرکز تعیین شده نیز مکلف است از کلیه امکانات خود در اسرع وقتاستفاده و نتیجه راجهت بهره برداری لازم در اختیار سازمان زمین شهری قرار دهد. ماده ۹۸ ـ وزارتخانه‌ها و شهرداریها و کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و نهادهایانقلاب اسلامی مکلفند در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه با وزارت مسکن و شهرسازی‌و سازمان زمین شهری همکاری نمایند. ماده ۹۹ ـ ابطال شد. ماده ۱۰۰ ـ این آیین نامه در صد ماده و چهل و پنج تبصره در تاریخ ۳۰/۳/۱۳۶۱ به تصویب‌رسیده است

آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن – مصوب سال ۱۳۶۶

ماده ۴ ـ در شهرهایی که طرح جامع یا هادی برای آن‌ها تهیه شده و به تصویب مراجع ذیربطرسیده و در طرحهای مذکور محدوده استحفاظی یا نفوذی مشخص گردیده است حریم شهر همان‌محدوده استحفاظی یا نفوذی است و در مورد شهرهایی که فاقد طرح جامع یا هادی بوده و یا محدوده استحفاظی یا نفوذی در طرحهای مذکور تعیین نشده باشد محدوده استحفاظی شهر توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام می گردد. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف سه ماه ضوابط تعیین محدوده استحفاظی اینگونه شهرها را تهیه و ارایه نماید. تبصره ۱ ـ ابتدای محدوده مورد عمل این آیین نامه پس از پایان محدوده مندرج در قانون زمین‌شهری مصوب ۲۲/۶/۶۶ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. تبصره ۲ ـ در مورد شهرهایی که محدوده استحفاظی مشخصی ندارد وزارت مسکن وشهرسازی مکلف است جهت اعلام وزارت کشاورزی محدوده استحفاظی آنها را حداکثر ظرف سه‌ماه تعیین و به وزارت مذکور اعلام نماید. تبصره ۳ ـ چنانچه هنگام تعیین محدوده استحفاظی شهرها معلوم گردد که تمام یا قسمتی ازاراضی موات داخل آن و یا داخل شهرکها در اختیار هیات‌های هفت نفره است اراضی مذکور فورا دراختیار سازمان زمین شهری قرار خواهد گرفت و برای این منظور ارسال مصوبه مربوط به حریم‌شهری و یا پروانه شهرك به ادارات ثبت کافی خواهد بود. تبصره ۴ ـ در اجرای تبصره ۱۰ ماده ۹ قانون زمین شهری مقادیری از اراضی موات موضوع‌این آیین نامه به صاحبان اراضی شهری که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تملك می گردد دراولویت واگذار خواهد شد. ضوابط واگذاری در آیین نامه قانون زمین شهری تعیین و ابلاغ خواهدشد.

قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها – مصوب مجمع تشخیص مصلحت ۱۵/۱۲/۱۳۷۰

ماده واحده ـ در خصوص اراضی مشمول اقدامات زیر سازمان ثبت اسناد و املاك کشور موظف است چنانچه تاکنون مالکیت آنها به نام دولت صادر نشده نسبت به صدور اسناد مذکور با نمایندگی سازمان زمین شهری سریعا و بدون رعایت تشریفات ثبتی اقدام و در مواردی که علیرغم‌صدور سند اراضی به نام دولت اقدامات دستگاههای ذیربط وسیله مراجع ذیصلاح ابطال شده یابشود و یا نوع زمین به موجب رأی دادگاه تغییر یافته یا بیابد، اسناد صادره را به نام دولت و یاخریداران اراضی از دولت حسب مورد، با ذکر مراتب در ستون ملاحظات دفتر املاك تنفیذ و اخبار نماید. در مواردی که امکان صدور سند به نام خریداران وجود دارد رأسا بایستی به نام خریداران اراضی از دولت سند صادر شود. الف ـ زمینهایی که به وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یا نهادهای انقلاب اسلامی و عنوانهای مشابه و وزارت مسکن و شهرسازی (سازمانهای عمران اراضی یا سازمان زمین شهری واگذار شده و طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی در آن احداث بنا به عمل آمده وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است بهای منطقه ای زمان ابلاغ این مصوبه در خصوص اراضی غیر موات را به صاحبان حق پرداخت نماید. همچنین است در مورد زمینهایی که طراحی آماده سازی انجام و به مردم تخصیص داده شده است ب ـ زمینهایی که وزارت مسکن و شهرسازی عملیات آماده سازی را در آنها انجام داده لکن به‌مردم تخصیص داده نشده است در این صورت بهای کارشناسی روز این گونه اراضی به تاریخ این مصوبه بدون در نظر گرفتن ارزشهای ناشی از ورود زمین به محدوده براساس تصمیم مراجع ذیصلاح و اقدامات اجرایی دولت و عملیات آماده‌سازی که از زمان شروع به تملك دولت صورت گفته به مالك پرداخت و یا معادل آن به بهای تمام شده زمین به مالك واگذار گردد. موضوع (تعیین تکلیف اراضی دولت و نهادها) در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه مورخ پانزدهم اسفندماه یك هزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و طی ماده واحده فوق به تصویب رسیده است

قانون تفسیر قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها – مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام

موضوع استفساریه نظر به اینکه متعاقب ابلاغ قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام برای بعضی از واحدهای سازمان ملی زمین و مسکن این ابهام به وجود آمده که ضوابط مذکور به موقوفات نیز تسری دارد. مستدعی است نظریه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد شمول یا عدم شمول قانون فوق الذکر نسبت به موقوفات اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده ـ موقوفات از شمول قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مستثنی می‌باشد. تفسیر فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز پنجشنبه سوم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد وسه مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ اکبر هاشمی رفسنجانی

لایحه قانونی راجع به جلوگیری از تصرف و تملک اراضی متعلق به دولت موضوع قانون لغو مالکیت اراضی

بمنظور جلوگیری از تصرف و تملك اراضی متعلق به دولت ، موضوع قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و احداث هرگونه بنا در آن و ممانعت از نقل و انتقال اراضی و املاك بموجب اسناد عادی و همچنین جهت جلوگیری از تفکیك و افراز اراضی مزبور مقررات زیر تصویب و مقرر می‌گردد شهرداری و مقامات قضائی و انتظامی و پاسداران انقلاب کمیته‌ها و رسانه‌های گروهی دولتی در اجرای مفاد آن اقدام نمایند. ماد ۱ ـ هرگونه تفکیك و افراز و نقل وانتقال اراضی که با تصویب قانون لغو مالکیت اراضی‌موات شهری مصوب ۵/۴/۱۳۵۸ و اصلاحی آن مورخ ۲۹/۴/۵۸ و آیین نامه اجرائی مربوطه درمالکیت دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته و جزو اموال عمومی و بیت المال است در حکم‌تعرض و تجاوز به اموال و حقوق عمومی بوده و مرتکبین و واسطه‌ها و کسانیکه به نحوی از انحا در این گونه عملیات دخالت داشته باشند بحکم دادگاه انقلاب اسلامی و یا دادگاه صالح دیگر که درشهرداری مستقر خواهد بود حسب مورد به مجازاتهای مقرر در قانون مربوط به متجاوزین به اموال عمومی و مردم مصوب ۲۲/۹/۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران محکوم خواهد شد. ماده ۲ ـ شهرداری مکلف است ضمن معرفی متجاوزین و متصرفین عدوانی اراضی مورد بحث‌به دادگاه انقلاب یا سایر دادگاههای صالحه مورد تصرف را با مشارکت و دخالت مستقیم مقامات‌انتظامی و پاسداران کمیته‌ها تخلیه و خلع ید نماید. ماده ۳ ـ کلیه نقل و انتقالات اراضی و املاك موضوع این قانون بموجب اسناد عادی (مانند قولنامه و مشابه آن فاقد اعتبار قانونی است تبصره ـ نظر به اینکه اشخاصی بعد از اعلام قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری زمینهای تصرفی خود را با تنظیم اسناد عادی به تاریخهای ماقبل قانون به فروش رسانده‌اند، این قبیل اسناد عادی نیز که به تاریخ قبل از تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری تنظیم شده باشد ازدرجه اعتبار ساقط بوده و مشمول مفاد این قانون می‌باشد. مگر اینکه مشمول تبصره ۲ الحاقی به‌ماده ۱۰۰ لایحه قانونی شماره ۲۴۴۱ مورخ ۲۷/۱۱/۵۸ باشد. ماده ۴ ـ انتقال دهندگان اراضی موات شهری و املاك احداث شده روی آنها که بموجب اسنادعادی عمل شده باشد توسط شهرداری و مقامات انتظامی به دادگاه انقلاب یا دادگاه صالح دیگر مستقر در شهرداری معرفی می‌گردد و دادگاه علاوه بر الزام فروشنده به استرداد وجه دریافتی به ذینفع وی را به پرداخت جزای نقدی به میزان ۵۰٪ (پنجاه درصد) مبلغ مزبور در حق شهرداری محکوم خواهد کرد. ماده ۵ ـ کلیه اعیان و مستحدثات در این قبیل اراضی ملك شهری محسوب و متعلق به شهرداری خواهد بود که در اختیار خدمات عمومی شهری یا طبق نظر دادگاه صالح مذکور در بند ۱به طبقات محروم واگذار خواهد شد. تبصره ـ شهرداری می‌تواند بر اساس نظر دادگاه رسیدگی کننده قسمتی از خسارت وارده به‌خریدار بابت احداث اعیانی در مورد معامله را از محل جریمه مذکور در بند ۴ پرداخت نماید.

مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تعیین مهلت اعتراض به‌نظریه وزارت مسکن و شهرسازی و موضوع ماده ۱۲

ماده واحده ـ وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است نظریه خود را در تشخیص نوع زمین ، اعم از آنچه تاکنون صادر نموده و به آن اعتراض نشده یا آنچه بعدا صادر می‌نماید به مالکین اعلام نماید. مهلت حق اعتراض از تاریخ اعلام سه ماه تعیین می گردد. در صورت عدم دسترسی یا استنکاف مالک از دریافت نظریه بایستی طی دو نوبت به فاصله ده روز نظریه مذکور در روزنامه کثیرالانتشار آگهی ، تا سه ماه از تاریخ آخرین آگهی مدعیان می‌توانند اعتراض خود را به دادگاه تسلیم نمایند، در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مذکور تشخیص قطعی و لازم الاجرا است موضوع (تعیین مهلت اعتراض به نظریه وزارت مسکن و شهرسازی موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۶) در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه‌ی روز پنجشنبه مورخ سوم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و طی ماده واحده فوق به تصویب رسید.

قانون راجع به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها – مصوب ۸/۶/۱۳۳۵

ماده واحده ـ هرگاه دولت یا شهرداری تشخیص دهد که در تهران و اطراف آن از میدان سپه تا شعاع صدکیلومتر از هر سمت از طرف افراد یا اشخاص حقوقی نسبت به اراضی متعلق به دولت که‌در دفتر رقبات ثبت است و اراضی شهرداری و نیز اراضی اوقاف و اراضی متعلق به بانک کشاورزی‌یا بانک ساختمانی و مسیلها و تپه ها و اراضی موات و اراضی بایر بلامالک تجاوز شده و بدون داشتن حق آن اراضی و یا مسیلها و یا تپه‌های موات و یا اراضی بایر بلامالک را ثبت کرده‌اند و بر اثر انقضا مدت اعتراض و یا به علت صدور سند مالکیت به نام متجاوز و یا ایادی متلقای آنها طرح دعوی در مراجع صلاحیتدار ممکن نیست به تقاضای دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف و یا بانکهای کشاورزی و ساختمانها و یا دادستان شهرستان موضوع در هیاتی مرکب از: رییس دیوانعالی کشور و دادستان کل و یکی از روسای شعب دیوان کشور به انتخاب رییس دیوان عالی کشور و رییس کل دادگاههای استان مرکز و مدیرکل بازرسی کشور در ظرف یکسال ازتاریخ تصویب این قانون (در کمیسیون دادگستری مشترک مجلسین طرح خواهد شد. هیات مزبور با مراجعه به سوابق و پرونده‌ها و تحقیقاتی که برای رسیدگی لازم بداند درصورتی‌که تجاوز به حق دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف یا بانکهای مذکور فوق و اراضی و مسیلها وتپه‌های موات نامبرده را احراز کند به ترتیب ذیل عمل خواهد کرد: الف ـ هرگاه متقاضی ثبت اراضی یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلها و تپه های مذکور را به‌دیگری منتقل نکرده باشد رای به پرداخت اعلی القیم بهای اراضی مذکور از تاریخ تجاوز تا تصویب‌این قانون خواهد داد. ب ـ هرگاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی در اراضی و تپه‌های مذکور مسیلها تا تاریخ تصویب‌این قانون احداث ساختمان نموده باشد در آن صورت هیات با در نظر گرفتن قوانین احیا اراضی موات رای به پرداخت قیمت فعلی زمین در تاریخ تصویب این قانون خواهد داد. ج ـ هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلها و تپه‌های مذکور را به دیگری منتقل‌کرده باشد هیات رای به پرداخت قیمت اراضی و مسیلها و تپه‌های مذکور طبق قیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد که قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی بوده که در آن صورت رای به پرداخت قیمت واقعی به تشخیص یکی از روسای بانکهای کشاورزی یا رهنی یا ساختمانی‌در مورد مربوط به ادعای خودشان خواهد داد. رای این هیات نسبت به موارد فوق قطعی و لازم الاجرا است حقوق دولت یا شهرداری یا بانکها یا اداره اوقاف و حقوق عامه از انقد دارایی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم الاجرا استیفا خواهد شد و اگر اراضی مورد تجاوز تمام یا قسمتی ازآن در تصرف متجاوز باقی مانده باشد و پیشنهاد تسلیم عین زمینی را در مقابل قیمتی که هیات تعیین کرده بنماید قبول می‌شود. د ـ اقدام به عملیات اجرایی به تقاضای دولت و یا شهرداری و بانکهای کشاورزی و ساختمانی ودادستان شهرستان تهران توسط اجرای

دادگستری و زیر نظر رییس هیات رسیدگی انجام خواهدشد. ه ـ وجوه اراضی حاصل از اجرای بند اول ماده واحده به استثنای وجوه و اراضی متعلق به‌شهرداری و بانک کشاورزی و موقوفات به عنوان سرمایه در اختیار بانک ساختمانی قرار خواهدگرفت و ـ وزیر دادگستری مکلف است هر سه ماه یکبار گزارش کامل اقدامات هیات رسیدگی مذکور رابه کمیسیون مشترك قوانین دادگستری تسلیم نماید. ز ـ نقل و انتقالاتی که از تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس سنا تا خاتمه رسیدگی هیات مذکورتوسط متجاوزین و ایادی متلقای آن به هر عنوان به عمل آمده باشد معتبر نخواهد بود. ح ـ اشخاصی که طبق مقررات بند اول ماده واحده محکوم به پرداخت مبلغی می‌شوند درصورتی که تا ده روز از تاریخ صدور رای حاضر به پرداخت محکوم به نشوند توقیف می‌شوند مدت توقیف این اشخاص مجموعا از پنجسال تجاوز نخواهد کرد و عرض حال اعسار از آنها پذیرفته‌نمی‌شود. ۲ ـ برای خاتمه دادن به اختلافات موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب این قانون تقاضای ثبت ملك را کرده‌اند و به تقاضای ثبت آنان اعتراضی در مدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراضی‌شده منجر به صدور حکم قطعی گردیده و یادارندگان سند اراضی شهر تهران از یک طرف واشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند از طرف‌دیگر مقرر می گردد هیاتی مرکب از: معاون اول دادستان کل و رییس دادگاههای شهرستان مرکز و مدیر کل ثبت به اختلافات مزبور باتوجه به اوضاع و احوال و استطاعت هر یک از طرفین به طور کدخدامنشی رسیدگی نموده یا رای به‌پرداخت بهای عادله اراضی متصرفی حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رای هیات توسط متصرفین به مالکین می‌دهد و یا به تقاضای مالکین ضمن صدور رای به پرداخت بهای اعیانی در تاریخ تصویب این قانون از طرف مالك به متصرف رای به خلع ید از متصرف نیزخواهد داد. این حکم قطعی و غیرقابل اعتراض است الف ـ متصرفین اعیانی‌های فوق باید شخصا ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتی که بخواهند از مقررات این قانون استفاده نمایند منتهی ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون درخواست خود رابایید در قبال اخذ رسید به دفتر دادگاه شهرستان تهران تسلیم دارند و الا به تقاضای مالك طبق قسمت‌اخیر بند ۲ اقدام خواهد شد. ب ـ اراضی موضوع بند ۲ این قانون وقتی به ملکیت قطعی متصرفین فعلی در خواهد آمد که‌کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند. ج ـ اشخاصی که پس از تاریخ تسلیم لایحه اراضی موات از طرف دولت به مجلس سنا به‌تصرف و یا غصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات بند ۲ این قانون‌استفاده نمی‌کنند و اگر این اشخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالك باز هم به تصرفات‌غاصبانه خود ادامه دهند مشمول بند ۴ ماده واحده خواهند بود. ۳ ـ در شهرستان‌هایی که وزارت دادگستری اجرای مقررات این قانون را لازم بداند می‌تواند طبق‌مقررات خاصی که از تصویب کمیسیون مشترك قوانین دادگستری مجلسین خواهد گذشت اقدام‌نماید. ۴ ـ اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب این قانون نسبت به اراضی دولت یا بانک‌های دولتی یااوقاف یا شهرداری و یا اراضی موات بدون رعایت قوانین احیا اراضی موات با مردم (با شکایت‌مدعی خصوصی تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند راسا از طرف دادستان مورد تعقیب واقع وعلاوه بر خلع ید از آنها به مجازات از دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ۵ ـ در رسیدگی هیات‌های مذکور در این قانون رعایت تشریفات آیین‌دادرسی ضروری نیست‌تصمیمات آنها با اکثریت آرا معتبر خواهد بود. ۶ ـ وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون است به موجب قانون اجازه اجرای لوایح پیشنهادی وزارت دادگستری پس از تصویب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین لایحه قانونی مربوط به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مشتمل بر ماده واحده که در جلسه پنجشنبه مورخ هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و سی و پنج‌به تصویب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین رسیده است موقتا قابل اجرا می‌باشد.

قانون مربوط به تملک زمینها برای اجرای برنامه‌های شهرسازی – مصوب ۱۷/۳/۱۳۳۹

ماده ۱ ـ به دولت اجازه داده می‌شود در هر مورد زمینهایی را که برای اجرای برنامه‌های شهرسازی و خانه سازی لازم و ضروری

تشخیص می‌دهد و همچنین محلاتی را که به علل شهرسازی و بهداشتی باید تخریب و تجدید بنا گردد پس از پرداخت بهای عادله به شرح زیر تملک و تصرف نماید. تبصره ۱ ـ بهای عادله عبارت است از قیمت اراضی یک سال قبل از تاریخ اعلام تصمیم دولت چنانچه این بها از بهای روز بیشتر باشد قیمت عادله روز ملاک عمل قرار خواهد گرفت بهای عادله بدون در نظر گرفتن منظور از خرید و تاثیر اجرای برنامه‌های شهرسازی و خانه‌سازی در قیمتها خواهد بود. تبصره ۲ ـ بهای عادله توسط کمیسیون کارشناسی مرکب از سه نفر تعیین می‌شود که یک نفر ازطرف دولت نفر دوم از طرف مالک یا مالکین و نفر سوم به رضایت طرفین و در صورت عدم توافق و یا استنکاف در تهران از طرف دادستان کل و در سایر نقاط از طرف دادستان شهرستان هر محل‌انتخاب می‌شوند. رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجرا است هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود راحداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ اعلام دولت تعیین نکند دادستان کل یا دادستان شهرستان به شرح فوق این وظیفه را انجام خواهند داد. تبصره ۳ ـ چنانچه اراضی مورد نظر دارای اعیانی از هر قبیل باشد و همچنین در مورد تجدیدبنای محلات قدیمی یا غیر بهداشتی شهرها بهای عادله مجموع عرصه و اعیانی نیز به ترتیب فوق تعیین و پرداخت می‌شود. ماده ۲ ـ چنانچه اعیانی موجود در اراضی محل کسب و پیشه باشد و حق کسب و پیشه به آن‌تعلق گیرد میزان آن طبق تبصره ۲ ماده ۱تعیین خواهد شد مشروط بر اینکه محل مزبور حداقل‌یکسال قبل از اعلام تصمیم دولت محل کسب و پیشه بوده باشد. در این مورد نفر دوم کمیسیون‌کارشناسی از طرف صاحب کسب و پیشه تعیین خواهد شد. دولت می‌تواند به جای پرداخت حق کسب و پیشه تعهد نماید که پس از انجام برنامه ساختمانی‌محل کسبی در همان حدود به وی واگذار کند. ماده ۳ ـ در مواردی که دولت مقتضی بداند برای تعیین بهای عرصه و اعیانی و حق کسب وپیشه محلاتی که باید تجدید بنا گردد به توسط کمیسیون کارشناسی به ترتیب زیر قیمت منطقه‌ای تعیین می‌شود. الف ـ بهای عرصه محله‌ای که باید تجدید بنا گردد به صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود. ب ـ بهای اعیانی مشابه برحسب نوع مصالح و تاریخ احداث و تناسب آن با بهای عرصه و سایرمشخصات معین می‌شود. ت ـ نفر دوم کمیسیون کارشناسی مذکور در تبصره ۲ ماده ۱ توسط سه نفر نماینده مالکین هرمنطقه به اکثریت آرا و در غیر این صورت به قید قرعه از بین کارشناسان منتخب آنها تعیین می‌شود. اگر مالکین منطقه در انتخاب نمایندگان خود توافق نکردند سه نفر نماینده مزبور با قید قرعه ازبین مالکین تعیین می گردند. در صورتی که نمایندگان مالکین منطقه ظرف مدت پانزده روز پس از تاریخ اعلام دولت حاضربه تعیین کارشناس نشدند دادستان به نمایندگی آنها تعیین کارشناس خواهد کرد. ماده ۴ ـ در مواردی که مالکیت زمین و اعیانی به نحوی از انحا متنازع فیه باشد و مدعیان‌مالکیت نتوانند در انتخاب کارشناس و یا نماینده توافق کنند دادستان این تکلیف را انجام خواهد دادبهای تعیین شده پس از آنکه مالک مشخص شد به وی تسلیم خواهد شد در صورتی که مالک فوت‌شده باشد و ورثه قانونا هنوز معین نشده باشد دادستان به نمایندگی قانونی از طرف مالک عمل‌خواهد کرد همچنین در مواردی که پس از تعیین و پرداخت بها مالک از امضا اسناد معامله‌خودداری نماید دادستان به نمایندگی او اسناد مربوط را امضا خواهد کرد. ماده ۵ ـ اگر بین تاریخ تعیین بها و تاریخ تصرف دولت مدتی فاصله شود دولت سالیانه ۶ درصداضافه بها به مالک خواهد پرداخت تبصره ـ در صورتی که دولت طبق ماده دوم به جای پرداخت حق کسب و پیشه تعهد نماید که‌محل جدیدی واگذار کند سالانه صدی شش حق کسب و پیشه تعیین شده را از تاریخ تخلیه تا زمان‌تحویل محل کسب جدید به صاحب حق خواهد پرداخت ماده ۶ ـ از تاریخ تصویب این قانون در نقاطی که از طرف شهرداری نقشه و بر اصلاحی تعیین وبه تصویب مراجع قانونی رسیده و برای اصلاح عمومی آگهی شده باشد در صورتی که مالکین بدون‌اخذ پروانه از شهرداری اقدام به ساختمان و هر نوع تجدید بنا و دیوار بنمایند و در اثر توسعه معبرطبق نقشه و بر اصلاحی مزبور آن ساختمان یا دیوار خراب شود مالکین حق مطالبه خسارت بابت‌بنای جدید یا دیوار را نخواهد داشت ماده ۷ ـ اگر اضافه ارزشی که در نتیجه اجرا برنامه‌های شهرسازی و خانه سازی در املاک‌خصوصی مجاور نسبت به ارزش آن املاک در تاریخ یک سال قبل از آغاز برنامه‌های مزبور حاصل گردد بیش از بیست درصد باشد نصف مازاد به دولت تعلق خواهد گرفت این اضافه

ارزش بر حسب‌منطقه از طرف كميسيون كارشناسی مندرج در اين قانون تعيين می گردد مالك می‌تواند اضافه ارزش‌تعيين شده را در مدت پنجسال به اقساط مساوی پرداخت كند و يا مقداری از اراضی خود را كه‌قيمت آن معادل اضافه ارزش تعيين شده باشد به دولت تحويل دهد. درصورت استنكاف مالك از پرداخت اضافه ارزش يا انتقال اراضی طلب دولت بابت اضافه‌ارزش به وسيله اجرا ثبت وصول خواهد شد. ماده ۸ ـ نقل و انتقالات مشمول اين قانون از پرداخت هر گونه ماليات و عوارض و سايرهزينه‌های مربوطه به استثنا حق الثبت معاف خواهد بود حقی كه به سر دفتران دفاتر رسمی تعلق‌می گيرد بالمناصفه توسط طرفين پرداخت خواهد شد. ماده ۹ ـ به دولت اجازه داده می‌شود در اجرای برنامه‌های خانه سازی و شهرسازی باسرمايه‌های داخلی يا خارجی مشاركت نموده و طبق اصول بازرگانی عمل نمايد. وزارت دارايی مجاز است با تصويب هيات وزيران ضمانت پرداخت اقساط قراردادهای منعقده‌مربوطه به برنامه‌های خانه سازی و شهرسازی را بنمايد. دولت در اجرای برنامه‌های خانه سازی و شهرسازی رعايت اصول اقتصادی و ايجاد هماهنگی‌بين برنامه‌های توليدی و عمرانی را خواهد نمود. تبصره ـ بانك ملی ايران در مقابل ضمانت متقابل وزارت دارايی ضمانت مندرجه در اين ماده‌را به جای وزارت دارايی می‌نمايد. ماده ۱۰ ـ دولت مأمور اجرای اين قانون است و آيين نامه اجرايی اين قانون به تصويب هيات‌وزيران خواهد رسيد. قانون فوق مشتمل بر دو ماده و پنج تبصره است پس از تصويب مجلس سنا در جلسه روز سه‌شنبه هفدهم خرداد ماه يكهزار و سيصد و سی و نه به تصويب مجلس شورای ملی رسيد.

لايحه قانونی خريد اراضی و املاک مورد احتياج دولت و شهرداريها – سال ۱۳۵۸

لايحه قانونی خريد اراضی و املاك مورد احتياج دولت و شهرداريها – سال ۱۳۵۸ لايحه قانونی خريد اراضی و املاك مورد احتياج دولت و شهرداريها – سال ۱۳۵۸ لايحه قانونی خريد اراضی و املاك مورد احتياج دولت و شهرداريها – سال ۱۳۵۸ ماده ۱ ـ در مواردیكه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی يا وابسته به دولت يا شهرداريها برای ايجاد يا توسعه مرافق عامه از قبيل توسعه يا احداث جاده ، راه آهن يا خيابان ، توسعه معابر ، لوله‌كشی آب و نفت و گاز ، حفر نهر و غيره برای مصارف عمومی احتياج به خريد اراضی و املاك اشخاص داشته باشند و در انجام معامله يا تعيين قيمت با مالك توافق نشود يا ملك مجهول المالك باشد می‌توانند به ترتيب مقرر در اين قانون با پرداخت قيمت عادله آن را تملك نمايند مشروط به‌اينكه اجرای طرح مورد نظر در محدوده يا مسير معين ضروری باشد به نحويكه انجام آن در محل‌ديگر ميسر نبوده يا موجب خسارت عمده‌ای گردد. ماده ۲ ـ به منظور حل اختلاف در انجام معامله با تعيين قيمت و ميزان خسارت و ارزيابی‌حقوقی كه اشخاص در اراضی و املاك موضوع اين قانون دارند در هر استان هياتی مركب از رييس‌دادگستری و مديركل ثبت ، و رييس شورای استان (در غياب رييس شورای استان استاندار) تشكيل‌می‌شود. در استان تهران به جای رييس دادگستری يكی از مستشاران ديوانعالی كشور به انتخاب رييس ديوان مزبور شركت خواهد كرد. ماده ۳ ـ سازمان يا موسسه خريدار بايد مدارك زير را به درخواستی كه تسليم هيات می‌نمايد ضميمه كند. الف ـ نام و مشخصات مالك يا صاحب حق ب ـ نقشه دقيق ملك مورد نياز ج ـ مدارك تصويب طرح و بودجه آن و دلايل ضرورت اجرای طرح در محل مورد نظر. د ـ مدرك دعوت مالك يا صاحب حق برای توافق و عدم حصول توافق اداره ثبت اسناد و املاك محل وقوع ملك مكلف است حداكثر ظرف يك هفته وضع ثبتی ملك را به دستگاه اجرايی استعلام‌كننده اعلام نمايد. تبصره ـ در صورتی كه ملك مورد نياز طبق گواهی اداره ثبت محل مجهول المالك باشد گواهی مذكور كافيست و مقررات بند د اين ماده اجرا نمی‌شود. در صورتی كه اقامتگاه مالك معلوم نباشد مالك بوسيله نشر آگاهی در يكی از روزنامه‌های كثيرالانتشار محل به فاصله ده روز از تاريخ انتشار آگهی دعوت خواهد شد. ماده ۴ ـ پس از وصول درخواست در صورتی كه مقررات ماده ۳ اين قانون رعايت شده باشد هيات ظرف پانزده روز اقدام به تعيين يك يا چند كارشناس خواهد كرد. كارشناس يا كارشناسان منتخب بايد از كارشناسان رسمی وزارت دادگستری باشند چنانچه درموضوعی كارشناس رسمی صلاحيتدار نباشد هيات می‌تواند از كارشناسان و

خبرگان غیر رسمی استفاده نماید. ماده ۵ ـ کارشناس مکلف است در مهلت مقرر نظر خود را به هیات تسلیم نماید و چنانچه‌اظهارنظر در مدت مذکور مقدور نباشد می‌تواند در خواست تمدید مهلت نماید. در صورتی که عذرکارشناس موجه باشد هیات مهلت را تجدید خواهد کرد. تبصره ـ هرگاه کارشناس رسمی بدون عذر موجه از قبول کارشناسی استنکاف کند و یا درظرف مهلت مقرر اظهارنظر ننماید تحت تعقیب انتظامی واقع و پروانه کارشناسی او لغو خواهدشد. ماده۶ ـ دستمزد کارشناس به نظر هیات تعیین می‌شود و پرداخت آن بر عهده سازمان یا موسسه‌خریدار است ماده ۷ ـ بهای اراضی و ابنیه و تاسیسات و ارزش حقوقی که اشخاص در ملک دارند بدون درنظر گرفتن تاثیر اجرای طرح مربوطه تعیین خواهد شد. در موردی که ملک محل سکنای مالک باشد ده درصد و هرگاه ملک ممر اعاشه منحصر او باشدپانزده درصد علاوه بر قیمت عادله پرداخت خواهد شد. ماده ۸ ـ در مورد املاک مزروعی با توجه به قانون نحوه انتقال اراضی واگذاری به زارعین‌مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مصوب ۲۱/۹/۱۳۵۱ اقدام و علاوه بر پرداخت بهای‌عادله معادل پانزده درصد قیمت مزبور بین زارعین و پانزده درصد بین خوش نشینان و برزگرانی که‌در اثر اجرای طرح محل سکونت خود را ترک می‌نمایند به نسبت تعداد عایله تحت تکفل آنان تقسیم‌خواهد شد. ماده ۹ ـ در صورتی که طبق نظر اداره کشاورزی و امور روستاهای محل ، زارعین حقوقی درملک مورد بحث داشته باشند معادل حقوق زارعین ذینفع به تشخیص آن اداره از قیمت عادله ملک‌کسر و به آنها پرداخت و بقیه به مالک تادیه خواهد شد. ماده ۱۰ ـ نسبت به املاک موقوفه حسب مورد از طریق اجاره طویل المدت یا تبدیل به احسن‌عمل خواهد شد در صورتی که زارعین ملک موقوفه حقوقی در آن ملک داشته باشند به ترتیب مقرردر ماده قبل عمل خواهد شد. ماده ۱۱ ـ هرگاه از طرف مالک یا متصرف ملک یا هر شخص دیگری از اجرا کارشناسی‌ممانعت به عمل آید ، به دستور هیات‌مأمورین‌انتظامی‌محل‌رفع‌ممانعت‌ومزاحمت‌خواهندنمود. ماد ۱۲ ـ پس از وصول نظریه کارشناس هیات باید ظرف یک هفته رای خود را در مورد بهای‌ملک و میزان خسارت وارده صادر و به ترتیب مقرر در قانون آیین‌دادرسی مدنی به طرفین ابلاغ نماید. ماده ۱۳ ـ هرگاه هیات راسا یا در اثر اعتراض خریدار یا مالک تشخیص دهد که نظر کارشناس یاکارشناسان عادلانه نیست ، کارشناس یا کارشناسان دیگری انتخاب خواهد کرد. ماده ۱۴ ـ در مورد املاکی که قبل از تصویب این قانون از هیات‌های سابق تقاضای خرید آنهاشده و هنوز سند انتقال تنظیم نگردیده (اعم از اینکه نسبت به آنها رای صادر شده یا نشده باشد) درصورتیکه از طرف دستگاههای اجرایی ابنیه و تاسیساتی در آن املاک ایجاد شده و یا اینکه تصرفی‌نشده ولی با رعایت ماده ۱ این قانون مورد احتیاج باشند هیات‌های رسیدگی با ارزیابی مجدد رای به‌انتقال آنها خواهد داد. ملاک قیمت بهای تاریخی است که مالک از تصرف در ملک خود ممنوع گردیده است تبصره ـ در تمام موارد مذکور در این قانون برای فاصله بین تاریخ ارزیابی و تاریخ تنظیم سندانتقال شش درصد بها در سال بابت اجرت المثل منافع مورد معامله علاوه بر بهای تعیین شده‌پرداخت خواهد شد مشروط به اینکه در این مدت بانک از تصرف و بهره برداری در ملک منع شده‌باشد. ماده ۱۵ ـ پس از صدور رای از طرف هیات در صورتی که مالک به انتقال ملک و تحویل آن‌رضایت ندهد پس از سپردن تمام قیمت ملک و خسارات در صندوق دادگستری به دستور هیات ، دادستان شهرستان محل وقوع ملک سند انتقال ملک را از طرف مالک امضا و ظرف یک ماه دستورتخلیه و تحویل ملک را به سازمان یا موسسه خریدار خواهد داد. هزینه تنظیم سند برعهده خریداراست و مالک از پرداخت مالیات انتقال املاک غیرمنقول معاف خواهد بود ولی مالیات ارزش‌سرقفلی که جز قیمت کارشناسی منظور شده است وصول خواهد شد. تبصره ـ هرگاه ملک مورد نظر در تصرف مستاجر و محل سکنای او باشد دادستان شهرستان به‌تشخیص خود می‌تواند تا دو ماه برای تخلیه ملک مهلت دهد. ماده ۱۶ ـ در صورتی که ملک در رهن یا وثیقه نباشد وجه سپرده شده در صندوق دادگستری به‌دستور دادستان شهرستان محل وقوع ملک به مالک پرداخت می‌شود. در غیر این صورت به دستوردادستان تا حد بهای تعیین شده از دین مالک دروجه طلبکار تامین و رهن یا وثیقه ملک فک و سندانتقال تنظیم می گردد. هرگاه ملک مجهول المالک باشد یا مالکیت آن مورداختلاف

باشد ، وجه سپرده شده بعد ازمشخص شدن مالك قانونی به وی تادیه خواهد گردید. ماده ۱۷ ـ چنانچه سازمان یا موسسه خریدار ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رای هیات مبلغ بهای‌تعیین شده را در صندوق دادگستری توديع نكند به تقاضای مالك رای صادره بی اعتبار و ملغی الاثرخواهد شد و مالك می‌تواند استرداد ملك را از هیات‌های مذكور تقاضا نماید. ماده ۱۸ ـ كليه قوانين و مقرراتی كه با اين قانون مغاير است در آن قسمت كه مغايرت دارد نسخ‌می‌شود.

آیین نامه اجرایی قانون مربوط به تملک زمین‌ها برای اجرای برنامه‌های شهرسازی – مصوب ۱۳۳۹

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۴/۸/۱۳۳۹ بنا به پیشنهاد۱۲۰۳۸ـ۷/۸/۱۳۳۹ وزارت كشاورزیو موافقت شماره ۶۳۱۴/ ح ۲۱/۷/۳۹ وزارت دادگستری طرح آیین نامه اجرایی قانون مربوط به تملك زمین‌ها برای اجرای برنامه‌های شهرسازی را در هشت ماده به شرح زیر تصویب نمودند: ماده ۱ ـ در هر مورد كه تملك زمینی از جهت برنامه‌های خانه سازی مورد نیاز باشد و همچنین در مواردی كه نوسازی محلاتی ضروری تشخیص شود موضوع از طریق سازمان تهیه مسكن بوسیله‌وزارت كشاورزی به هیات وزیران پیشنهاد خواهد شد. ماده ۲ ـ در تصویبنامه هیات وزیران حدود زمین و یا محله‌ای كه تملك خواهد شد صریحا تعیین می گردد. ماده ۳ ـ سازمان تهیه مسكن مكلف است بلافاصله پس از صدور تصویبنامه هیات وزیران‌مراتب را یكبار در روزنامه رسمی و یكی از جراید كثیرالانتشار آگهی نموده و صاحبان حق را دعوت‌نماید كه ظرف پانزده روز ضمن اعلام مالكیت خود به موجب اسناد مثبته كارشناس اختصاصی‌خویش رامعرفی نمایند. ماده ۴ ـ صاحبان حق مكلفند كه نشانی كامل و همچنین قبولی كارشناس اختصاصی خود را به‌سازمان تهیه مسكن تسلیم نمایند. ماده ۵ ـ چنانچه مالكین از اعلام مالكیت خود استنكاف نمایند سازمان تهیه مسكن اسامی مالكین محدوده مورد تملك را از ثبت كل استعلام خواهد نمود و در این صورت تشریفات تملك به‌نام كسانی جریان خواهد یافت كه از طرف ثبت كل به عنوان مالك معرفی شده باشند. ماده ۶ ـ در مورد استنكاف مالك یا مالكین از تعیین كارشناس اختصاصی خود از طرف سازمان‌تهیه مسكن طی نامه مراتب به دادستان كل و یا دادستان شهرستان اعلام خواهد گردید. ماده ۷ ـ در مواردی كه به صورت منطقه‌ای تعیین قیمت می‌شود تقسیم محدوده مورد تملك به‌مناطق توسط سازمان تهیه مسكن انجام خواهد گردید. ماده ۸ ـ سازمان تهیه مسكن با درج آگهی در جراید مالكین هر منطقه را برای روز و ساعت معین‌جهت انتخاب نمایندگان خود دعوت خواهد كرد و این نمایندگان بلافاصله بعد از انتخاب نسبت به‌تعیین كارشناس پیش‌بینی شده در قانون اقدام نمایند. تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است

آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار و مسیل‌ها مرداب ها ، برکه های طبیعی و شبکه‌های آ

ماده ۱ ـ اصطلاحات مندرج در این آیین نامه از نظر اجرای مقررات آن در معانی ذیل به كار رفته‌است الف ـ رودخانه مجرایی است طبیعی كه آب بطور دایم یا فصلی در آن جریان داشته باشد. ب ـ نهر طبیعی مجرایی است كه آب به طور دایم یا فصلی در آن جریان داشته و دارای حوضه‌آبریز مشخصی نباشد. پ ـ نهر سنتی مجرای آبی است كه به وسیله اشخاص به صورت غیر مدرن احداث شده باشد. ت ـ مرداب زمین باتلاقی ، مسطح و پستی است كه دارای یك یا تعدادی آبراهه باشد و معمولادر مد بزرگ دریا زیر آب رود ، همچنین اراضی پستی كه در مناطق غیرساحلی در فصول بارندگی و سیلاب غرقاب شده و معمولا در تمام سال حالت باتلاقی داشته باشد. ث ـ بركه اراضی پستی است كه در اثر جریان سطحی و زیرزمینی آب در آنها جمع شده و باقی‌می‌ماند. ج ـ مسیل متروك مجرایی طبیعی است كه تحت تاثیر عوامل طبیعی یا غیرطبیعی ، امكان‌حدوث سیلاب در آن وجود نداشته باشد. چ ـ شبكه‌های آبیاری و زهكشی و كانالها: مجاری مستحدثه‌ای هستند كه به منظور آبرسانی ، سالم سازی اراضی و یا انتقال آب

ایجاد شده یا می‌شوند. ح ـ بستر: آن قسمت از رودخانه ، نهر یا مسیل است که در هر محل با توجه به آمار هیدرولوژیک‌و داغاب و حداکثر طغیان با دوره برگشت ۲۵ ساله به وسیله وزارت نیرو یا شرکتهای آب منطقه‌ای‌تعیین می‌شود. در مناطقی که ضرورت ایجاب می‌نماید سیلاب با دوره برگشت کمتر یا بیشتر از ۲۵ ساله ملاک‌محاسبه قرار گیرد ، سازمانهای آب منطقه‌ای حسب مورد با ارایه نقشه‌های مربوط و توجیهات فنی ازحوزه ستادی وزارت نیرو مجوز لازم را اخذ خواهند نمود. تغییرات طبیعی بستر رودخانه‌ها ، مسیلها یا انهار طبیعی در بستر سابق تاثیری نداشته و بسترسابق کماکان در اختیار حکومت اسلامی است ، لیکن حریم برای آن منظور نخواهد شد. خ ـ حریم آن قسمت از اراضی اطراف رودخانه ، مسیل ، نهر طبیعی یا سنتی ، مرداب و برکه‌طبیعی است که بلافاصله پس از بستر قرار دارد و به عنوان حق ارتفاق برای کمال انتفاع و حفاظتانها لازم است و طبق مقررات این آیین نامه توسط وزارت نیرو یا شرکتهای آب منطقه‌ای تعیین‌می‌گردد. حریم انهار طبیعی یا رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دایم یا فصلی داشته باشند ، از یک تا بیست مترخواهد بود که حسب مورد با توجه به وضع رودخانه یا نهر طبیعی یا مسیل از هر طرف بستر به‌وسیله وزارت نیرو تعیین می‌گردد. ماده ۲ ـ شرکتهای آب منطقه‌ای مکلفند با توجه به امکانات ، حد بستر و حریم رودخانه‌ها ، انهار ، مسیلها ، مردابها و برکه‌های طبیعی موجود در حوزه فعالیت خود را با برنامه ریزی مشخصی وبا اعزام کارشناس یا کارشناسان ذی صلاح طبق مقررات این آیین نامه تعیین نمایند. ماده ۳ ـ شرکت آب منطقه‌ای در هر مورد که بستر و حریم رودخانه ، نهر طبیعی ، مسیل ، مرداب‌و برکه طبیعی را تعیین می‌نماید ، مراتب را به طرق مقتضی به طور کتبی به متقاضی اعلام ودر موردتعیین بستر و حریم سرتاسری ، موضوع از طریق پخش اطلاعیه‌های محلی (برای یک نوبت به‌اطلاع اشخاص ذی نفع می‌رسد که بستر و حریم رودخانه ، نهر (طبیعی ـ سنتی مسیل ، مرداب وبرکه طبیعی مورد نظر تعیین گردیده و اشخاص می‌توانند برای کسب اطلاع از حدود بستر و حریم‌تعیین شده به شرکت آب مربوط مراجعه و چنانچه اعتراضی داشته باشند ظرف یک ماه از تاریخ‌انتشار اطلاعیه ، اعتراض خود را به شرکت مربوط تسلیم و رسید دریافت دارند. چنانچه اعتراضی‌نسبت به بستر و حریم تعیین شده در مهلت مذکور در فوق واصل شود ، شرکت آب منطقه‌ای مربوط‌اعتراض را به کمیسیونی مرکب از دو نفر ، کارشناس فنی ذی صلاح و یک نفر کارشناس حقوقی که ازبین مجربترین کارشناسان شرکت با ابلاغ مدیر عامل منصوب می‌شوند ، ارجاع می‌نماید. ماده ۴ ـ کمیسیون مذکور در ماده (۳) پس از وصول پرونده مورد اعتراض ، گزارش کارشناس یاکارشناسان را بررسی می‌کند و در صورتی که با بستر و حریم تعیین شده موافق باشد ، آن را تاییدمی‌کند و الا بعد از اخذ توضیحات از کارشناس یا کارشناسان ذی‌ربط ، نظر خود را به شرکت اعلام‌خواهد نمود. چنانچه توضیحات مذکور برای کمیسیون قانع کننده نباشد ، کمیسیون می‌تواند راسا یابه وسیله کارشناسان دیگری محل را بازدید کند و سپس نظر خود را در مورد بستر وحریم به شرکتاعلام دارد. نظر این کمیسیون قطعی و به منزله نظر وزارت نیرو است ماده ۵ ـ پس از اعلام نظر کمیسیون موضوع ماده (۳) این آیین نامه ، شرکت آب منطقه‌ای نسبت‌به علامت گذاری نهایی حد بستر و حریم تعیین شده به نحو مقتضی اقدام خواهد نمود و نسخه‌ای ازنقشه مربوط به بستر و حریم را برای اطلاع به اداره ثبت اسناد و املاک ، بخشداری و شهرداری حوزه‌عمل ارسال و نیز مراتب را به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام خواهد داشت و از تجاوزاشخاص به بستر و حریم با همکاری مأموران انتظامی جلوگیری خواهد کرد. ماده ۶ ـ پس از تعیین و تشخیص میزان بسترو حریم رودخانه ، نهر ، مسیل ، مرداب و برکه‌طبیعی در صورتی که شرکت آب منطقه‌ای قلع و قمع اعیانی اعم از اشجار و غیر آن واقع در بستر وحریم را برای استفاده از امور مربوط به آب و برق لازم بداند ، بر اساس مقررات مربوط اقدام‌خواهدنمود. تبصره ـ هرگاه اعیانی موجود در بستر و حریم به صورت کشت موقت باشد ، پس از برداشت‌محصول مقررات ماده فوق اعمال خواهد شد. ماده ۷ ـ کشت موقت در آن قسمت از بستر رودخانه ، نهر و مسیل که برای بهره برداری از آب‌مزاحمتی ایجاد ننماید ، با موافقت کتبی و قبلی شرکت آب منطقه‌ای ذی‌ربط به صورت اجاره ورعایت اولویت برای مجاوران بلامانع است ، ولی مستاجر به هیچ وجه حق ایجاداعیانی و غرس‌نهال و درخت (به جز زراعت سطحی را ندارد. در صورت تخلف

اراضـی مسترد و از فعـالیت وی‌جلوگیری خواهـد شـد. شـرکت آب منطقه‌ای ذی‌ربط بایـد در اجـاره نـامه قیـد کنـد که در صورت بروزهرگونه خسـارت ناشـی از سـیل و نظـایر آن هیچگونه مسوولیتی نخواهـد داشت تبصـره ـ اسـتفاده از مقررات این ماده در مورد اراضـی بستر بالادست سـدها شـمول نـدارد. ماده ۸ ـ چنـانچه بسـتر رودخـانه ، نهر طـبیعی و مسـیل به صـورت طـبیعی تغییر نمایـد و باقیمانده‌بستر که بستر مرده نامیده می‌شود و کماکان در اختیار دولت است ، برای اجرای طرحهای آب و برق قابل اسـتفاده باشد ، با حدود مشخصـی از طریق وزارت نیرو به دسـتگاه متقاضـی به صورت اجاره‌واگذار و نحوه آماده سازی ، کناره بندی و سایر شـرایط مربوط در سـند واگـذاری قید خواهد گردید. ماده ۹ ـ چنـانچه افراد یا شـهرداریها یا ادارات ثبت اسـناد و املاک به صورت موردی تقاضـای‌تعیین حـد بستر و حریم رودخـانه ، انهـار یـا مسـیل یـامرداب و یـا برکه طبیعی را که در مجـاورت ملکی‌واقع است ، بنمایند شرکت آب منطقه‌ای مکلف است با اخذ هزینه کارشناسـی که تعرفه آن از طرف‌وزارت نیرو تعیین خواهد شد ، نسـبت به تعیین حد بستر و حریم هر یک از موارد یاد شده به ترتیب‌مقرر در این آیین نامه اقدام نماید ، مشروط بر اینکه تصرفات قانونی اشخاص نسبت به املاک موردنظر احراز و توسط مراجع ذی صـلاح تاییـد شـده باشـد. ماده ۱۰ ـ چنـانچه امکان دیواره سازی و اسـتفاده از اراضـی مازاد بستر برای مجاوران وجودداشته‌باشد ، شرکت آب منطقه‌ای ضمن مشخص کردن مجاوران رودخانه یا نهر یا مسیل یا مرداب یا برکه‌طبیعی ، مشخصات دیواره و مقدار زمینهایی را که در اثر دیواره سازی حاصل می‌شود ، معلوم و به‌مجاوران اعلام خواهند نمود تا در صورت تمایل به شـرکت مراجعه و با قبول شـرایط و مشخصات‌دیواره سازی برای اخذ اجازه مربوط اقدام نمایند. بستر واقع در پشت دیواره احـداثی در اختیار دولت‌جمهوری اسـلامی ایران است شـرکت می‌توانـد پس از تامین میزان حریم که بلافاصـله بعـد از دیواره‌احـداثی شـروع می‌شود ، باقیمانـده بستر را به سازنـده دیوار یا در صورت عـدم تمایل سازنده به دیگران‌اجاره دهد. ماده ۱۱ ـ شرکتهای آب منطقه‌ای با همکاری شـهرداریها و ادارات ثبت اسـناد و املاک ، مسیلهای‌متروک را شناسایی خواهند نمود. تشخیص متروک بودن مسـیلها درخارج محدوده قانونی شـهرها باشـرکت آب منطقه‌ای است ، ولی در داخل محدوده قانونی شهرها ، شرکت مزبور با همکاری‌شـهرداریها تصـمیم لازم را اتخاذ خواهد نمود. در صورت بروز اختلاف نظر ، تشـخیص وزارت نیرومعتبر می‌باشد. ماده ۱۲ ـ عبور لوله نفت و گـاز و غیره از بسـتر و حریم رودخانه‌هـا ، انهـار طـبیعی ، مسـیلها ، مردابهـاو برکه‌هـای طبیعی بـا موافقت وزارت نیرو بلامـانع است ، ولی مسوولیت حفـاظت آنهـا بادسـتگاههای ذی‌ربـط خواهـد بود. ماده ۱۳ ـ وزارتخانه‌هـا ، موسـسات و شرکتهای دولتی ، شـهرداریها و همچنین سازمان و نهادهای‌وابسـته به دولت مکلفنـد قبل از اجرای طرحهای مربوط به خود و صدور پروانه لازم بستر و حریم‌رودخانه‌هـا ، انهار ، مسیلها ، مردابها و برکه‌های طبیعی را اسـتعلام نماینـد. هر نوع تصـرف در بستر وحریم منوط به موافقت کتبی و قبلی وزارت نیرو است متخلفان از این ماده طبق مقررات موضوعه‌تعقیب و مجازات خواهنـد شـد. ماده ۱۴ ـ هرگـاه حریم رودخانه‌ها ، انهار ، مسـیلها ، مردابها ، برکه‌های طبیعی و راههای اصـلی وفرعی موجود تـداخل نماینـد ، قسـمت مورد تـداخل برای تاسـیسات طرفین به طور مشترک مورداسـتفاده قرار خواهنـد گرفت ماده ۱۵ ـ حریم کانالهـا ، انهار احـداثی و سـنتی و شبکه‌هـای آبیـاری و زهکشـی بـا توجه به ظرفیتانها طبق جـدول زیر از طرف وزارت نیرو یا شـرکتهای تابع آن برای هر طرف تعیین می‌گردد و این‌حریم از منتهی الیه دیواره آنها می‌باشد: ظرفیت کانالها و انهار مستحدثه و شبکه‌های آبیاری و زهکشی الف ـ آبدهی (دبی بیش از ۱۵ متر مکعب در ثـانیه میزان حریم از هر طرف ۱۲ متر تا ۱۵ متر ب ـ آبـدهی (دبی بیش از ۱۰ تا ۱۵ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۸ تا ۱۲ متر. پ ـ آبدهی (دبی بیش از ۵ تا ۱۰ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۶ تا ۸ متر. ت ـ آبـدهی (دبی بیش از ۲ تا ۵ متر مکعب در ثـانیه میزان حریم از هر طرف ۴ تا ۶ متر. ث ـ آبـدهی (دبی بیش از یکصد و پنجاه لیتر تا ۲ متر مکعب در ثـانیه میزان حریم از هر طرف ۱ تا ۲ متر. ج ـ آبـدهی (دبی کمتر از یکصد و پنجاه لیتر در ثانیه ـ میزان حریم از هر طرف ۱ متر. الف ـ حریم لوله آبرسانی تا قطر پانصـد میلیمتر کلا ۶ متر (۳ متر از هر طرف نسبت به محورلوله) ب ـ حریم لوله از پانصـد تـا قطر یکهزار و دویست ۱۲۰۰ میلیمتر کلا ۱۰ متر (۵ متر از هر طرف‌نسبت به محـور لـول) پ ـ حریم لوله از یکهزار و

دویست میلیمتر به بالا ـ کلا ۱۲ متر (۶ متر از هر طرف نسبت به‌محورلول) در صورتی که لوله‌های آبرسانی به موازات و در حریم یکدیگر نصب گردند ، حد خارجی حریم‌به اعتبار قطر آخرین لوله منظور می‌شود. تبصره ۱ـ کانال ، انهار و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و انهار طبیعی و احداثی واقع در داخل‌مزارع و باغها تا مساحت یکصد هکتار که برای آبیاری همان مزارع و باغات مورد استفاده است ، دارای حریم نیستند. تبصره ۲ ـ در مواردی که در طراحی کانال ، تاسیسات تبعی (راه سرویس ، گل انداز ، زهکش وغیره در یک طرف یا طرفین آن منظور شده باشد حریم مرتبط به فاصله ۲ متر از منتهی الیه‌تاسیسات مذکور برای حفاظت آنها در نظر گرفته می‌شود ولی در هر حال فاصله‌ای که تاسیسات‌تبعی مذکور به انضمام دو متر حریم مقرر در فوق در آن قرار دارد نباید از میزان حریم مقرر در این‌ماده کمتر باشد.

لایحه قانونی مربوط به الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها –

تبصره ـ مهلت مقرر در شق الف از بند ۲ ماده واحده فوق تا آخر فروردین ماده ۳۶ تمدید و حدود صلاحیت هیات ۳ نفری از میدان سپاه تا شعاع ده کیلومتر تعیین می‌شود و نسبت به اختلافاتی که تا قبل از وضع این قانون در دادگاههای تهران مطرح بوده اعم از اینکه حکم صادر نشده باشد یا صادر شده ولی تا این تاریخ به هر جهتی از جهات اجرا آن متعذر بوده در هیات ۳ نفری‌رسیدگی خواهد گردید. به موجب قانون فوق اجازه اجرای لوایح پیشنهادی وزارت دادگستری مصوب ششم مرداد ماه۳۵ لایحه فوق در تاریخ شانزدهم بهمن ماه ۳۵ به تصویب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین‌رسیده و موقتا قابل اجرا می‌باشد.

آیین نامه مربوط به تعیین بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار و مسیل‌ها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی – مصوب

ماده ۱ ـ تعریف اصطلاحات مندرج در این آیین نامه از نظر اجرای مقررات آن به شرح زیر است الف ـ رودخانه مجرایی است طبیعی که آب بطور دایم یا فصلی در آن جریان داشته باشد. ب ـ نهر طبیعی مجرای آبی است که بدون دخالت دست اشخاص ایجاد شده باشد. ج ـ مسیل مجرایی است طبیعی که سیل حاصله از باران و برف و رگبارها موقتا در آن جریان پیدامی‌کنند. د ـ انهارو شبکه‌های آبیاری و زهکشی و کانالهای مجاری مستحدثه‌ای هستند که به منظورابیاری اراضی زراعی یا سالم سازی اراضی یا آبرسانی شهری و صنعتی ایجاد شده یا می‌شوند. ه ـ بستر آن قسمت از رودخانه نهر طبیعی یا مسیل است که در حداکثر طغیان معمولی زیر آب‌قرار می‌گیرد. و ـ حداکثر طغیان معمولی میزان آبی است که با تناوب ۲۵ ساله از طریق محاسبات آمار واحتمالات هیدرولوژیك از طرف وزارت آب و برق محاسبه و تعیین می‌گردد. ز ـ حریم آن قسمت از اراضی اطراف رودخانه مسیل یا نهر طبیعی و احداثی یا شبکه‌هایابیاری و زهکشی است که بعنوان حق ارتفاق برای کمال انتفاع و حفاظت آنها لازم است و بلافاصله‌پس از بستر قرار دارد. ماده ۲ ـ در صورتی که در اثر دیواره سازی یك طرف یا طرفین رودخانه یا مسیل یا نهر طبیعی‌قسمتی از بستر در پشت دیوار احداثی باقی بماند باقیمانده بستر کماکان ملك دولت است دیواره سازی باید به نحوی انجام شود که حداکثر طغیان معمولی در رودخانه یا نهر طبیعی یامسیل قادر به عبور باشد. طرح و نقشه‌های مربوط به دیواره سازی باید قبلا ـ به تصویب وزارت آب وبرق رسیده باشد. تبصره ـ در رودخانه‌ها و انهار طبیعی ومسیلها که دیواره سازی می‌شود حریم بلافاصله پس ازدیوار مستحدثه واقع است در صورتی که از باقیمانده بستر بتوان حریم لازم را تامین نمود دیگراحتیاجی به حریم اضافی خارج از بستر قبلی نخواهد بود و اگر باقیمانده بستر جزیی از حریم راتامین کند بقیه حریم باید از اراضی خارج از بستر قبلی تامین شود. ماده ۳ ـ در صورتی که دستگاههای دولتی یا شهرداریها به اراضی باقیمانده از بستر نیاز داشته‌باشند بر طبق مقررات مربوطه عمل خواهد شد. تبصره ـ تغییرات طبیعی بستر رودخانه‌ها یا مسیلها یا انهار طبیعی در مالکیت دولت نسبت به‌بستر سابق خللی

وارد نخواهـد کرد لیکن حریم برای آن منظور نخواهد شد. ماده ۴ ـ حریم انهار طبیعی یا رودخانه‌ها و مسیلها اعم از اینکه آب دایم یا فصلی داشته باشند ازیک تا بیست متر خواهد بود که حسب مورد با توجه به وضع رودخانه یا نهر طبیعی یا مسیل از یک‌طرف یا طرفین بستر وسیله وزارت آب و برق تعیین می گردد. ماده ۵ ـ حریم کانالها و انهار احداثی و شبکه‌های آبیاری و زهکشی با توجه بـه ظرفیـت آنهـا طبق‌جـدول زیر از طرف وزارت آب و برق برای هر یـک طرف یـا طرفیـن تعیین می گردد و این حریم ازمنتهی الیه دیوار آنهـا تعیین می‌شود. طرفیت کانالها و انهار مستحدثه و شبکه‌های آبیاری و زهکشـی آبـدهی (دبی بیش از ۱۵ متر مکعب در ثـانیه میزان حریم از هر طرف ۱۲ متر تا ۱۵ متر آبـدهی (دبی بیش از ۱۰ تا ۱۵ متر مکعب در ثـانیه میزان حریم از هر طرف ۸ تا ۱۲ متر. آبدهی (دبی بیش از ۵ تا ۱۰ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۶ تا ۸ متر. آبدهی (دبی بیش از ۲ تا ۵ متر مکعب در ثـانیه میزان حریم از هر طرف ۴ تا ۶ متر. آبدهی (دبی بیش از ۱۵۰ لیتر تا ۲ متر مکعب در ثـانیه میزان حریم از هر طرف ۱ تا ۲ متر. حریم لوله آبرسـانی تا قطر پانصـد میلیمتر کلا ۶ متر (۳ مـتر از هر طرف نسـبت به محـور لوله حریم لوله از پانصـد تـا قطر یکهزار و دویست ۱۲۰۰ میلیمتر کلا ۱۰ متر (۵ متر از هر طرف‌نسبت بـه محـور لـوله حریـم لـوله از یکهزار و دویسـت میلیمـتر به بالاـ کلا ۱۲متر(۶مترازهرطرف‌نسبت‌به‌محورلوله در صورتی که لوله‌های آبرسانی به موازات و در حریم یکـدیگر نصب گردید حریم واقع ما بین‌لوله‌هـا و حریم لوله بزرگتر خواهـد بود و حـد خـارجی حریم به اعتبـار قطر آخرین لوله منظورمی‌شود. تبصـره ـ کانـال و انهار و شبکه‌های آبیاری و زهکشـی و انهار طبیعی و احـداثی واقع در داخل‌مزارع و باغات تا مساحت یکصـد هکتار که برای آبیاری همان مزارع و باغات مورد اسـتفاده است‌دارای حریم نیستند. تبصره ۲ ـ در مواردی که در طراحی کانال تاسیسات تبعی (راه سرویس گل انـداز، زهکش وغیره در یکطرف یـا طرفین آن منظور شـده باشـد حریم مرتبـط به فاصـله ۲ مـتر از منتهی الیه تاسیسات‌مذکور برای حفاظت آنها در نظر گرفته می‌شود ولی در هر حال فاصـله‌ای که تاسیسات تبعی مذکوربه انضمام دو متر حریم مقرر در فوق در آن قراردارد نبایـد از میزان حریم مقرر در مـاده ۵ کمتر باشد. تبصـره ۳ ـ حریمهای مـذکور در محـدوده قانونی شـهرها با توجه به طرح جامع یا هادی شـهر باتوافق وزارت آب و برق و شـهرداری محل تعیین خواهد شد. ماده ۶ ـ وزارت آب و برق جز در مورد انهـار و شبکه‌هـای آبیاری مکلف است در هر مورد که‌بستر یا حریم مـذکور در این آیین نامه را تعیین و مشـخص می‌نمایـد مراتب را جهت اطلاـع عموم آگهی‌نمایـد. مـدعیان حق می‌تواننـد ظرف یـک مـاه از تاریـخ انتشـار آگهی مزبور اعتراض خود را به وزارت آب ویا سازمـان آب منطقه‌ای مربوط تسلیم نماینـد در این صورت موضوع در هیاتی مرکب از سه نفرکارشـناسان (دو نفر کارشـناس فنی و یکنفر کارشـناس حقوقی که از طرف وزیر آب و برق انتخاب‌خواهنـد شـد مطرح و نظر هیات مـذکور قطعی است به هر حال قبل از قلع و قمع مسـتحدثات واقع دربستر رودخانه وضـعیت و ارزش آنها باید قبلا با حضور نماینده وزارت آب و برق و نماینده دادستان‌و شهرسـتان و یـک نفر کارشـناس رسـمی دادگستری تعیین و صورت مجلس شود تنهـا در صورت قلع‌و قمع آنها اگر اعیانی به اعتبار سند مالکیت احداث و یا موضوع مشـمول قسـمت اخیر تبصره ۲ ماده۲ قـانون آب و نحوه ملی شـدن آن باشـد میزان خسارت وارده مشـخص و معلوم گردد. تبصـره ـ در صورتی که قبل از تعیین بستر یا حریم به شرح ماده فوق شهرداریها یا ادارات ثبتاسناد و املاک در مورد بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسـیل‌ها و یا حریم مقرر در این آیین نامه استعلام نمایند وزارت آب و برق می‌تواند بنا به مورد نسبت به تعیین بستر یا حریم اقدام و مراتب رابه ذینفع و اداره استعلام کننده اعلام نماید اگر ذینفع معترض به آن باشد به شرح ماده فوق رسیدگی واقـدام خواهد شد. ماده ۷ ـ جلوگیری از تجـاوز اشـخاص به بستر و حریم رودخانه‌هـا و انهـار طبیعی و مسـیلها وهمچنین شـبکه‌های آبیـاری و زهکشـی و لوله‌های آبرسانی که وسـیله وزارت آب و برق یا شـرکتهای‌تابع آن ایجاد شـده و اجرای تصـمیمات متخـذه در این مورد به عهـده پلیس مسلح تر است و درمناطقی که پلیس مسـلح آب تشـکیل نشده مأمورین شـهربانی و ژانـدارمری موظف به اجرای‌دسـتورات صادره از مراجع مذکور می‌باشـند. تبصـره ـ عبور لوله نفت و گاز در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسـیلها بـا نظر وزارت آب وبرق بلامـانع است مـاده ۸ ـ هرگـاه ساختمـان شـبکه آبیاری و لوله‌های آبرسانی مقـدم بر ایجاد

راههای اصلی و فرعی‌باشد حریم آنها از طرف وزارت راه باید مراعات گردد و اگر ساختمان راه مقدم بر ایجاد و شبکه‌آبیاری و لوله آبرسانی باشد حریم آن از طرف وزارت آب و برق رعایت خواهد شد. تبصره ـ در صورتی که حریم انهار و شبکه‌های آبیاری و لوله‌های آبرسانی و راههای اصلی وفرعی موجود تداخل نمایند قسمت مورد تداخل برای تاسیسات طرفین بالمناصفه خواهد بود. ماده ۹ ـ تصویبنامه شماره ۳۷۵۷۸ مورخ ۱۳/۹/۱۳۵۰ هیات وزیران و کلیه تصویب‌نامه‌هایی که در مورد تعیین حریم رودخانه‌ها، مسیلها و انهار طبیعی و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و کانالها به‌تصویب رسیده از تاریخ تصویب این آیین نامه ملغی است

تصویبنامه راجع به انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهرتهران (تهران بزرگ و دامداریها و م

صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران (تهران بزرگ و دامداریها و مرغداریهای‌داخل محدوده شهر تهران (تهران بزرگ بر اساس طرحهای تفصیلی و اجرایی که طبق ضوابط زیرتهیه می گردند ، به خارج از محدوده شهر انتقال یابند. ۱ ـ طرحهای تفصیلی و اجرایی انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست داخل محدوده‌شهر تهران توسط کمیته‌ای با مسوولیت استاندار تهران و با حضور نمایندگان دستگاههای اجرایی‌ذیربط و شهرداری تهران تهیه و پس از تصویب کمیسیونی متشکل از وزرای کشور ، صنایع سنگین ، صنایع ، کشاورزی ، بازرگانی و مسکن وشهرسازی ، سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست وشهردار تهران ، به مورد اجرا گذاشته شود. ۲ ـ شرکت شهرکهای صنعتی ایران مجری طرح ایجاد شهرکهای صنعتی برای استقرار صنایع‌آلوده کننده و مزاحم شهر تهران خواهد بود و کلیه دستگاههای ذیربط مکلف به همکاری و تامین‌نیازهای زیربنایی و خدماتی شهرکهای مزبور می‌باشند. ۳ـ هفده (۱۷) قطعه زمین به پلاکهای مشروحه زیر جهت ایجاد شهرکهای صنعتی برای استقرارصنایع انتقال از محدوده شهر تهران ، در اختیار شرکت شهرکهای صنعتی ایران قرار گیرد. الف ـ در محور کرج ـ اشتهارد: پلاکهای صحت آباد ، مراد تپه ، قلیچ آباد و در پلاکهای شماره۱۱۵۹ ، ۱۱۶۰ و ۱۱۶۱ دو قطعه ب ـ در محور تهران ـ قم پلاکهای شمس آباد ، محمدآباد و قنبراباد. ج ـ در محور تهران ـ ورامین پلاکهای دولت اباد و اسد آباد (تپه سیاه د ـ در محور تهران ـ ساوه پلاکهای نصیراباد ، ده حسن و سفیدار ه ـ در محور کرج ـ قزوین ، پلاک نجم آباد. ۴ ـ فعالیتها و کارگاههای صنعتی و تولیدی و صنفی که بر اساس ضوابط مندرج در طرحهای‌تفصیلی و اجرایی انتقال ، آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران تشخیص داده می‌شوندظرف مهلت زمانی که بنا به پیشنهاد شرکت شهرکهای صنعتی ایران و تصویب کمیسیون موضوع بند(۱) تعیین می‌شود ، به محلهای انتخاب شده در پلاکهای مذکور در بند (۳) انتقال می‌یابند. شهرداری‌تهران ، سازمان حفاظت محیط زیست و سایر سازمانهای ذیربط پس از مهلت مزبور بر اساس‌مقررات از ادامه فعالیت آنها در مکانهای فعلی جلوگیری خواهند کرد. واحدهای تولیدی و صنعتی و صنفی مشمول این بند که بدون پروانه فعالیت داشته‌اند درصورت موافقت وزارتخانه صنعتی ذیربط با ادامه فعالیت آنها ، پس از انتقال به پلاکهای موضوع بند(۳) با تایید وزارتخانه صنعتی ذیربط کارت شناسایی دریافت خواهند داشت ۵ ـ طرحهای اجرایی و ضوابط انتقال دامداریها و مرغداریها داخل محدوده شهر تهران اعم ازسنتی یا صنعتی و دارای پروانه یا فاقد پروانه توسط وزارت کشاورزی تهیه و به مورد اجرا گذاشته‌می‌شود. ۶ ـ کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تشکیل شورای عالی شهرسازی نسبت به تغییرکاربریاماکنی که بر اثر اجرای طرح‌های انتقال تخلیه می گردندبا توجه به وسعت و موقعیت آنها و نیازهای‌محلی و منطقه‌ای ، اقدام خواهد نمود. ۷ ـ شهرداری تهران ، سازمان حفاظت محیط زیست وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی‌موظفند در انتقال و تعطیل صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران و دامداریها ومرغداریهای داخل محدوده شهر تهران بامجریان طرح‌های انتقال همکاری نمایند. ۸ ـ از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه مفاد ابلاغیه شماره ۴۷۶۲ ـ ۱۲/ م ن مورخ ۲/۲/۱۳۶۸ کان لم‌یکن می گردد.

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مواد یک و دو و سه قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت (با اصلاحات بعد

ماده ۱ ـ قانون اصلاح مواد یک و دو و سه قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد واملاک مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن مصوب ۲۱/۶/۷۰ مجلس شورای اسلامی که درتاریخ ۱۴/۸/۷۰ لازم‌الاجرا شده است در این آیین نامه اختصارا قانون نامیده می‌شود. ماده ۲ ـ ادارات ثبت مکلفند حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تمهیدات اجرای آن را فراهم نموده و از طریق رادیوی استان و نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشارمحلی یا نزدیک به محل که آگهی‌های ثبتی در آنها منتشر می‌شود و همچنین الصاق آگهی در اماکن ومعابر عمومی مراتب را به اطلاع عموم برسانند که ظرف یکسال تقاضای خود را به ضمیمه رونوشت مصدق مدارک در قبال اخذ رسید تسلیم ثبت محل وقوع ملک نمایند. تبصره ـ به منظور هماهنگی ادارات ثبت مکلفند تاریخی را که از طرف سازمان ثبت اسناد واملاک کشور برای قبول تقاضانامه تعیین شده است در آگهی فوق قید نمایند. ماده ۳ ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور دفاتر (ثبت تقاضانامه اوقات ثبت آراء و ثبت‌توافق و همچنین تقاضانامه و قبض رسید آن را به تعداد کافی تهیه نموده از طریق ادارات کل ثبت‌استانها در اختیار واحدهای ثبت قرار می‌دهد. ماده ۴ ـ قبض رسید تقاضانامه سه نسخه‌ای است که شماره مسلسل دارد و شماره قبوض وتعداد آنها و نام واحد ثبتی گیرنده در موقع تحویل در دفتر مخصوص ثبت می‌شود. ماده ۵ ـ متقاضی یا قایم‌مقام قانونی وی تقاضانامه را تکمیل نموده و همراه با سایر مدارک ومستندات در فرجه قانونی به اداره ثبت محل تسلیم می‌نماید (متقاضی موظف است نشانی دقیق خود را جهت ابلاغ اوراق دعوتنامه و سایر مکاتبات در تقاضانامه قید و صورت تغییر نیز نشانی جدید خود را کتبا به ثبت محل اطلاع دهد)

اصلاحیه آیین نامه قانون اصلاح مواد ۱ و ۲و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۹/۱/۷۱ – مصو

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان چون ضرورت انجام اصلاحاتی در آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مواد ۱ و ۲و ۳ قانون اصلاح وحذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۹/۱/۷۱ و اصلاحیه های بعدی آن لازم به نظر می‌رسید لذا مراتب به محضر آیت ا... هاشمی شاهرودی دامت برکاته رییس محترم قوه قضاییه اعلام واصلاحات زیر در آیین نامه در تاریخ ۱۰/۸/۷۸ به تصویب معظم له رسید. ۱ ـ عبارت زیر به ماده ۲۱ آیین نامه اضافه می گردد: چنانچه اشخاص مذکور با وجود ابلاغ دعوتنامه مطابق مقررات فوق در هیات حضور نیابندیکبار دیگر از آنان دعوت به عمل می‌آید و در صور عدم حضور هیات قرار بایگانی شدن پرونده را تامراجعه مجدد آنان صادر می‌نمایند. تبصره ۱ ـ به جریان افتادن مجدد پرونده منوط به پرداخت مبلغ پنجاه هزار ریال علاوه بر مبلغ‌مقرر در ماده ۳۷ آیین نامه توسط متقاضی است تبصره ۲ ـ موارد مذکور در قسمت اخیر ماده و تبصره یک باید در دعوتنامه اشخاص مزبور قیدشود. ۲ ـ ماده ۳۷ آیین نامه به شرح زیر اصلاح می گردد: مبلغ مندرج در ماده مذکور بعد از عبارت (بابت هر پرونده به شرح زیر اصلاح می گردد: الف ـ عبارت یکصد و بیست هزار ریال مقرر در ماده ۳۷ به مبلغ دویست هزار ریال تبدیل‌می گردد. ب ـ از متقاضیان مقرر در ماده ۱۰ قانون و متقاضیانی که برابر گواهی صادره زیر پوشش کمیته‌امداد امام خمینی (ره می‌باشند به جای مبلغ مقرر در ماده ۳۷ به میزان هزینه‌های مندرج در ماده ۳۹آیین نامه اخذ می گردد. ۳ ـ ماده ۳۹ آیین نامه به شرح زیر اصلاح می گردد: از محل وجوه دریافتی موضوع ماده ۳۷ آیین نامه پرداخت‌های زیر انجام می‌شود. الف ـ حق حضور و حق الزحمه هر یک از اعضاء هیات حل اختلاف برای هر پرونده ۷۵۰۰ریال تعیین می‌شود. ب ـ حق حضور و حق الزحمه هر یک از اعضاء هیات حل اختلاف برای پرونده موضوع قسمت‌اخیر ماده ۲۱ آیین نامه یکهزار ریال تعیین می‌شود. ج ـ حق الزحمه دبیر هیات حل اختلاف برای هر پرونده مبلغ چهار هزار ریال و برای هر پرونده‌موضوع قسمت اخیر ماده ۲۱ آیین نامه مبلغ پانصد ریال تعیین می‌شود.

آیین نامه اجرایی تبصره (۳) ماده (۲) قانون اصلاح مواد (۱۴۷) و (۱۴۸)اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کش

ماده ۱ ـ در کلیه مواردی که مستحدثات و بنای تصرفی در اراضی دولت یا شهرداریها ایجاد شده‌باشد هیات‌های موضوع ماده (۲) قانون اصلاح مواد (۱) و (۲) و (۳) قانون اصلاح و حذف موادی‌از قانون ثبت اسناد و املاک ـ مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ ـ با انتخاب کارشناسان ثبتی و همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به تهیه و ترسیم ، کروکی محل مورد تصرف دلایل تصرف تعیین موقعیت حدود، مساحت و شماره پلاک اصلی و فرعی و نحوه تصرفات اقدام و هرماه با مشخصات کامل شناسنامه (اعم از نام نام خانوادگی نام پدر، شماره شناسنامه و محل صدور آن به صورت مستند از طریق ادارات به دستگاه صاحب زمین اعلام می‌نمایند تا در خصوص موارد قید نشده در بند (و) تبصره (۳) ماده (۲) اعلام نظر نمایند. ماده ۲ ـ مدت زمان اعلام نظر مراجع موضوع بند (و) تبصره (۳) ماده (۲) قانون یاد شده حداکثرسی روز تعیین می‌شود در صورت عدم وصول پاسخ توسط مراجع مربوط هیات اعلام نظر خواهدکرد. ماده ۳ ـ در کلیه موارد مقرر که جهت تعیین بهای ملک مورد تصرف به اعلام نظر کارشناس‌رسمی دادگستری نیاز می‌باشد، نظریه کارشناس توسط دبیرخانه هیات ، به متقاضی و دستگاه‌صاحب زمین اعلام می‌شود و در صورتی که طرفین نسبت به نظریه کارشناسی اعتراض داشته باشندحداکثر ظرف یک هفته کتبا به دبیرخانه هیات اعلام می‌نمایند. در صورت عدم اعلام نظر در مهلت‌مقرر، دبیرخانه هیات طبق مقررات اقدام خواهد نمود. ماده ۴ ـ در کلیه مواردی که هیات پس از اخذ موافقت دستگاه صاحب زمین رای به انتقال ملک‌به متقاضی را صادر می‌نماید بهای تعیین شده اعم از بهای تمام شده زمین یا قیمت عادله روز به‌شماره حسابی که از سوی دستگاه صاحب زمین اعلام می گردد واریز خواهد شد و رای هیات وقبض پرداختی جهت تنظیم سند به سازمان مسکن و شهرسازی ارسال می گردد و چنانچه ظرف‌بیست روز پس از ثبت در دبیرخانه سازمان مزبور سند انتقال تنظیم نگردد نماینده اداره ثبت‌می‌تواند به قایم‌مقامی سند انتقال را به نام متقاضی امضاء نماید. ماده ۵ ـ در مواردی که دستگاه صاحب زمین با انتقال زمین موافقت نمی‌نماید مکلف است‌علت را مستدل به هیات رسیدگی کننده اعلام نماید. ماده ۶ ـ پرداخت هزینه‌های کارشناسی موضوع بند (ز) قانون اصلاح مواد (۱۴۷) و (۱۴۸)اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کشور ـ مصوب ۱۳۷۶ برعهده متقاضی خواهد بود. ماده ۷ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه آن قسمت از آیین نامه اجرایی مواد (۱۴۷) و (۱۴۸)قانون ثبت که مغایر با این آیین نامه است لغو می‌شود.

لایحه قانونی ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران – مصوب ۲۵/۴/۱۳۳۱

ماده ۱ ـ از این تاریخ قبول تقاضای ثبت نسبت به اراضی بایر و موات اطراف شهر تهران واقع درحدود ذیل از احدی پذیرفته نخواهد شد. شرقا و جنوبا و غربا از اضلاع خارجی خیابانهای شهباز و شوش و سی متری نظامی تا شعاع اقدام به درخواست ثبت نماید و به مصرف امور عام المنفعه رسانیده و یا به قطعات کوچک تقسیم و به معرض فروش بگذارد. ماده ۳ ـ اشخاصی که نسبت به این قبیل اراضی ادعایی داشته باشند پس از ثبوت در محاکم وجهی را که دولت از خریدار دریافت نموده به آنان خواهد پرداخت ماده ۴ ـ وزارتین دادگستری و دارایی مامور اجرای این قانون هستند. بر طبق قانون اعطا اختیارات مصوبه ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ لایحه قانونی مشتمل بر چهار ماده راجع‌به ثبت اراضی بایر و موات اطراف شهر تهران تصویب می‌شود. نخست وزیر ـ دکتر محمد مصدق

مقررات مالی

آیین نامه مالی شهرداریها – مصوب ۱۲/۴/۱۳۴۶

قسمت اول ــ امور معاملات (ماده ۱ تا ۴)

ماده ۱ ـ معاملات شهرداریها از نظر میزان مبلغ به سه نوع تقسیم می‌شود: نوع اول ـ معاملات جزیی که میزان آن از پنجاه‌هزار ریال تجاوز نخواهد کرد. نوع دوم ـ معاملات متوسط که میزان آن بیشتر از پنجاه هزار ریال و کمتر از پانصد هزار ریال‌باشد. نوع سوم ـ معاملات عمده که میزان آن پانصد هزار ریال و بیشتر خواهد بود. ماده ۲ ـ در مورد معاملات جزیی متصدی خرید یا کسی که وظیفه مذکور کتبا از طرف شهرداربه او ارجاع گردیده مکلف است بهای جنس یا اجرت کار مورد معامله را بنحو ممکنه و به مسئولیت‌خود بدست آورده با جلب موافقت کتبی مقامات زیر اقدام نماید: الف ـ در شهرداریهایی که درامد سالانه آنها تا ۱۰ میلیون ریال است موافقت شهردار. ب ـ در شهرداری‌هایی که درامد سالانه آنها از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال است موافقت‌متصدی امور مالی ج ـ در شهرداریهایی که درامد سالانه آنها از ۵۰ میلیون ریال بیشتر است موافقت رییس کارپردازی تبصره ۱ ـ ذکر نام و نام خانوادگی و امضا و سمت متصدی خرید و همچنین آدرس ومشخصات کامل فروشنده جنس یا انجام دهنده کار در ذیل سند ضروری است تبصره ۲ ـ شهردار می‌تواند بموجب ابلاغ کتبی انجام بعضی از انواع معاملات جزیی را که دراین ماده اختیار تصویب آنها به متصدی امور مالی یا رییس کارپردازی داده شده است موکول به‌موافقت کتبی خود نماید و یا اختیار رییس کارپردازی را به متصدی امور مالی یا رییس حسابداری‌شهرداری واگذار کند. ماده ۳ ـ در مورد معاملات متوسط متصدی خرید باید حداقل از سه نفر فروشندگان کالا یا انجام دهندگان کار از هریک جداگانه استعلام کتبی که مشعر بر تعیین و تصریح نوع و مشخصات‌کامل جنس یا موضوع کار مورد معامله و مقدار و شرایط معامله و مدت تحویل باشد اخذ وفروشنده کالا یا انجام دهنده کار باید حداقل بها ممکنه را ضمن تعیین مدت ونشانی دقیق خود دربرگ استعلام بها ذکر و با قید تاریخ امضا نموده و متصدی خرید صحت مندرجات آن را گواهی‌نماید. انجام معامله پس از موافقت کمیسیون معاملات مرکب از شهردار یا معاون شهرداری ـمتصدی امور مالی و یکنفر از روسای واحدها یا اعضا ارشد شهرداری بنا به تناسب کار و به‌انتخاب شهردار مجاز خواهد بود و تصمیمات کمیسیون باتفاق آرا و یا با اکثریت دو رای موافق درصورتی مناط اعتبار خواهد بود که شهردار یا معاون او یکی از آن دو نفر باشد. تبصره ـ در شهرداریهایی که درامد سالانه آنها از ۵۰ میلیون ریال بیشتر است در صورتی که‌شهرداری فاقد معاون باشد شهردار می‌تواند رییس کارپردازی یا یکی از اعضای دیگر شهرداری را به‌عضویت کمیسیون معاملات انتخاب ولی تصمیمات کمیسیون را موکول بتایید خود نماید. ماده ۴ ـ معاملات عمده باید بطور کلی با تشریفات مناقصه یا مزایده عمومی و یا مناقصه‌محدود انجام شود اگر ترک مناقصه ضروری تشخیص گردد بطریق زیر انجام خواهد شد: الف ـ در صورتیکه میزان معامله کمتر از دو میلیون ریال باشد بنا به پیشنهاد مستدل و موجه‌شهردار و تصویب انجمن شهر. ب ـ در صورتیکه میزان معامله از دو تا پنجاه میلیون ریال باشد بنا به پیشنهاد مستدل و موجه‌شهردار و تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور. ج ـ در صورتیکه میزان معامله از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد بنا به پیشنهاد مستدل و موجه‌شهردار و تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور و تصویب هیات دولت تبصره ۱ ـ در مورد مناقصه محدود شهرداری از بین فهرست مقاطعه‌کاران واجد شرایط منتخبه‌توسط سازمان برنامه یا وزارت راه حداقل شش شرکت یا موسسه واجد شرایط را دعوت خواهدنمود. تبصره ۲ ـ موارد استفاده از مناقصه محدود با تصویب انجمن شهر تعیین می‌شود و طرز عمل‌بر طبق صوابدید انجمن شهر به ترتیبی خواهد بود که در آیین نامه مناقصه امور ساختمانی وزارت‌راه مصوب اسفند ماه ۱۳۳۸ و یا آیین نامه مربوط در سازمان برنامه مقرّر است در مواردی که در آیین نامه های فوق وزیر و مدیر عامل نوشته شده شهردار و در مواردی که هیات‌عامل نوشته شده انجمن شهر جایگزین آن خواهد بود. تبصره ۳ ـ در مورد کالای انحصاری دولت و کالاها یا خدمات منحصر بفرد انجام معامله بانمایندگی‌های رسمی و انحصاری فروش کالا پس از گواهی کمیسیون معاملات مبنی بر انحصاری‌بودن کالاـ یا خدمات با ترک مناقصه بلامانع خواهد بود و در مورد کالاهای انحصاری غیر

دولتی‌بهای کالا با گواهی اداره کل نظارت بر قیمتها یا اطاق بازرگانی استان تعیین و پرداخت خواهد گردید.

قسمت دوم ـ مناقصه (ماده ۵ تا ۸)

الف ـ آگهی مناقصه ماده ۵ ـ در معاملات عمده آگهی مناقصه یامزایده در دو نوبت بفاصله حداقل یک هفته به‌تشخیص شهردار در روزنامه رسمی کشور و حداقل یکی از جراید کثیرالانتشار تهران و در صورت‌وجود روزنامه محلی در یکی از روزنامه‌های محلی بشرح و شرایط زیر منتشر می گردد: ۱ ـ نوع و میزان کالا ـ یا کار (مدت انجام کار) محل تحویل (مهلت قبول پیشنهادات محل اخذاسناد مناقصه یا مزایده و تسلیم پیشنهادها. ۲ ـ دادن سپرده‌ای که از پنج درصد مبلغ کل براورد کمتر نباشد بصورت نقد یا اسناد خزانه یاضمانت‌نامه بانکی ۳ ـ ذکر اینکه برندگان اول و دوم و سوم مناقصه یا مزایده هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوندسپرده آنان بترتیب ضبط خواهد شد. ۴ ـ ذکر اینکه سایر اطلاعات و جزییات مربوط به‌معامله در اسناد مناقصه یا مزایده مندرج است ۵ ـ ذکر اینکه شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادها مختار است تبصره ـ مدت قبول پیشنهادها از تاریخ نشر آخرین آگهی در داخله ۱۰ روز و در خارجه از ۶۰روز نباید کمتر باشد. ب ـ تشکیل کمیسیون مناقصه یا مزایده و رسیدگی به پیشنهادات و تشخیص برنده مناقصه یامزایده ماده ۶ ـ رسیدگی به پیشنهادهای مربوط به مناقصه یا مزایده بعهده هیات عالی معاملات‌شهرداری مرکب از شهردار ، رییس امور مالی یا حسابداری شهرداری ، یکنفر از افراد بصیر و مطلع درمعامله مورد نظر به پیشنهاد شهردار و تایید انجمن شهر خواهد بود. تبصره ـ تصمیمات‌هیات‌به‌اتفاق آرا ویابه‌اکثریت‌دورای‌مشروط بر اینکه شهردار یکی از آن دونفر باشد مناط اعتبار خواهد بود. ماده ۷ ـ کمیسیون باید در وقت مقرر که در آگهی مناقصه یا مزایده یا دعوتنامه مناقصه محدودقید گردیده تشکیل شود و پیشنهادهای رسیده را در صورتی که تعداد آنها سه یا بیشتر باشد مفتوح ومورد رسیدگی قرار دهد و اگر تعداد پیشنهادهای رسیده از سه فقره کمتر بود مناقصه یا مزایده راتجدید و مراتب را در صورتمجلس تنظیمی قید نماید. در مناقصه یا مزایده مجدد ولو آنکه تعداد پیشنهادها کمتر از سه فقره باشد کمیسیون پیشنهادهارا باز و مورد رسیدگی و ترتیب اثر قرار خواهد داد. کمیسیون مکلف است از روز قرایت پیشنهادها حداکثر ظرف‌یکهفته نظر خود را اعلام کند و درموارد استثنایی این مهلت با تصویب شهردار تا بیست روز دیگر قابل تمدید خواهد بود. ماده ۸ ـ هرگاه برنده مناقصه یا مزایده از انجام معامله خودداری کند یا پس از ابلاغ قانونی‌حداکثر تا هفت روز حاضر به انعقاد قرارداد نشود سپرده او بنفع شهرداری ضبط و قرارداد با نفر بعدی‌منعقد خواهد گردید و در صورتیکه برندگان دوم و سوم نیز ظرف مهلت هفت روز پس از ابلاغ‌قانونی حاضر بعقد قرارداد نشوند سپرده آنان بنفع شهرداری ضبط خواهد شد.

قسمت سوم ـ انعقاد پیمان (ماده ۹ تا ۱۰)

قسمت سوم ـ انعقاد پیمان (ماده ۹ تا ۱۰) قسمت سوم ـ انعقاد پیمان ماده ۹ ـ شهرداری مکلف است هنگام تنظیم و عقد پیمان معادل ۱۰ درصد کل مبلغ مورد پیمان‌را بمنظور تضمین حسن انجام کار از پیمانکار تضمین‌نامه بانکی یا اسناد خزانه بعنوان سپرده‌دریافت دارد. ماده ۱۰ ـ حق ارجاع داوری در هیچیک از پیمان‌ها نباید قید گردد مگر اینکه در موارد استثنایی وبنا به پیشنهاد مستدل و موجه شهردار قبلا بتصویب انجمن رسیده باشد.

قسمت چهارم ـ ترتیب تحویل (ماده ۱۱ تا ۱۲)

ماده ۱۱ ـ جنس یا کار انجام شـده هرگاه مربوط به معاملات جزیی باشـد تحویل آن بوسیله‌انباردار یا اداره درخواست کننـده انجام خواهـد شـد و در مورد معاملات متوسط بایـد تحویـل بـا نظارت‌کمیسیونی مرکب از سه نفر بانتخـاب شـهردار انجـام پـذیرد و در معاملات عمـده کمیسیون تحویـل‌مرکب خواهـد بـود از دو نفر نماینـده منتخـب شـهردار و یکنفر نماینـده ذیصلاحیت به انتخـاب انجمن‌شهر. ماده ۱۲ ـ در معاملات متوسط و عمده برای تحویل هر فقره جنس یا کار باید کمیسیون تحویل‌صورتمجلس تنظیم و در آن بطور صریح قید گردد که جنس مورد معامله یا کار انجام شده طبق نمونه‌و با مشخصات مندرج در پیمان با استعلام بها می‌باشد و ذیـل آن را تمـام اعضـا کمیسیون تحویـل وفروشـنده یا پیمانکار امضا نماینـد و در مورد اجناسـی که تحویل انبار می‌شود انباردار نیزصورتمجلس را امضا و قبض انبار صادر خواهـد نمود. تبصـره ـ هرگاه بین اعضا کمیسیون در نوع و مشـخصات کالا یا کار مورد تحویل اتفاق آرانباشد نظر شهردار قاطع خواهد بود.

قسمت پنجم ــ مزایده (ماده ۱۳ تا ۱۴)

ماده ۱۳ ـ فروش اموال منقول و غیر منقول و اجاره اموال غیر منقول شـهرداری از طریق مزایـده‌کتبی صورت خواهـد گرفت لکن در مورد فروش اموال منقول و اجاره دادن فراورده‌های واحدها وموسسات تابعه شهرداری با جلب موافقت انجمن شهر می‌توان از طریق مزایـده حضوری (حراج اقـدام نمود. تبصـره ۱ ـ در مـورد مزایـده حضـوری (حراج بایـد روز و محـل حراج قبلاـ آگهی شـود و در آگهی‌اطلاعات لازم راجع به نوع اشیا قید گردد و تصریح شود که در مقابل فروش اشیا وجه نقد دریافت‌می‌گردد و پرداخت هر نوع مالیـات و عـوارض بعهـده خریـدار است مـاده ۱۴ ـ مقرراتی کـه در ایـن آییـن نـامه برای انتشـار آگهی و سـایر تشـریفات مناقصـه پیش‌بینی‌شده‌است در مورد مزایده نیز باید رعایت گردد.

قسمت ششم ــ سایر معاملات شهرداری (ماده ۱۵ تا ۱۶

ماده ۱۵ ـ شـهرداری تهران راسا و سایر شـهرداریها با موافقت انجمن شـهر می‌تواند در صورت‌ضـرورت و با در نظر گرفتن صـرفه و صلاح هر نوع کاری را بطور امانی بر اساس و ترتیب مندرج درماده ۴ این آیین نامه انجام دهند مشروط بر اینکه از لحاظ کادر فنی و وسایل برای انجام آن کار مجهزباشـند. ماده ۱۶ ـ هرگاه شـهرداری به اجاره نمودن ساختمان یا زمین یا وسـیله نقلیه یا ماشین‌آلات فنی یاهر نوع اشـیا و اموال دیگری که عرفا در معرض اجاره و استیجاره قرار می‌گیرد احتیاج پیـدا کنـد بشـرح‌زیر اقـدام خواهد شد: الف ـ در صورتیکه مورد اجاره نظایر متعدد و بی‌تفاوت داشـته باشد پس از تحقیق و تجسـس‌کافی بوسیله متصدی خرید حداقل سه فقره از با صـرفه‌ترین آنها بوسیله اسـتعلام بها تعیین و معرفی‌خواهـد گردید. ب ـ اگر مورد اجاره نظایر متعدد نداشـته باشد یا اجاره ملـک یـا زمین معینی مورد لزوم شـهرداری‌باشد مـذاکره و توافق مقـدماتی با مالک بعمل خواهـد آمـد. انجام معامله و عقـد قرارداد اجاره در هر مورد در صورتی که مال‌الاجاره سالانه از شـصت هزارریال تجاوز نکند با تصویب هیات عالی معاملات شهرداری و در صورتیکه مال‌الاجاره سالانه بیش‌از پنجاه هزار ریال باشد با تصویب انجمن شهر صورت خواهد گرفت

قسمت هفتم ــ مقررات عمومی (ماده ۱۷ تا ۲۲)

ماده ۱۷ ـ هرگاه ضمن اجرای قراردادهای ساختمانی یا عمرانی تغییرات جدیدی در مشخصات‌و نقشه و یا نوع کار پیش آید که جداگانه انجام‌پذیر نباشد و بهای واحد آن کار در فهرست واحد بهاپیش‌بینی نشده باشد بهای عادله واحد کار مورد نظر از طرف قسمت فنی شهرداری یا دفتر فنی‌شهرداری استان یا فرمانداری کل و با موافقت پیمانکار و تصویب هیات عالی معاملات شهرداری وتایید شهردار تعیین خواهد شد ولی میزان کارهای جدید نباید از صدی ۱۰ کل مبلغ پیمان تجاوزکند. ماده ۱۸ ـ در قراردادها باید قید شود شهرداری می‌تواند تا حداکثر بیست و پنج درصد مبلغ‌پیمان از میزان کار یا جنس موضوع پیمان را کسر یا اضافه نماید و در هر حال باید قبل از انقضا مدت پیمان به پیمانکار ابلاغ کند. ماده ۱۹ ـ در مورد معامله با وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به‌دولت وشهرداری و معامله بین دو شهرداری فقط توافق طرفین که بتایید انجمن شهر برسد کافی است ماده ۲۰ ـ در موارد استثنایی که بصلاح و صرفه شهرداری باشد انجمن شهر می‌تواند بنا به‌پیشنهاد شهردار اختلافاتی را که با پیمانکاران شهرداری پیدا می‌شود و مبلغ مورد اختلاف از پانصدهزار ریال بیشتر نباشد از طریق سازش و یا ارجاع به داوری حل و فصل نمایند لکن در مواردی که‌مبلغ مورد اختلاف بیش از پانصد هزار ریال باشد رفع اختلاف از طریق سازش یا ارجاع بداوری باپیشنهاد شهردار و تایید انجمن شهر و تصویب وزارت کشور امکان‌پذیر خواهد بود. در اینگونه موارد داور اختصاصی و داور مشترک باید به‌تایید وزارت کشور برسند. ماده ۲۰ مکرر ـ حد نصابهای تعیین شده در بندهای (الف ، (ب و (ج ماده (۴) و قسمت اخیرماده (۲۰) این آیین نامه متناسب با شرایط اقتصاد کشور و هماهنگ با نصابهای معاملات دولتی بنابه پیشنهاد وزارت کشور و با تصویب هیات وزیران قابل تجدیدنظر خواهد بود. تبصره ـ در مورد شهرهای با بیش از یک میلیون نفر جمعیت حد نصابهای موضوع این قانون باپیشنهاد شهردار و تصویب شورای اسلامی شهر ذی‌ربط تا سقف پنج در هزار بودجه مصوب سالانه‌همان شهر برای هر معامله قابل افزایش است و در هر صورت اختیار شهرداران در این مصوبات ، بالاتر از اختیار وزیران در معاملات مشابه نخواهد بود. ماده ۲۱ ـ معاملات شهرداری تهران تابع مقررات آیین نامه مربوطه مصوب آذرماه ۱۳۴۴کمیسیون کشور مجلسین و مقررات فصل ششم این آیین نامه می‌باشد و اختیارات و وظایف هیات‌عالی معاملات در شهرداری تهران بعهده کمیسیون مناقصه مقرر در ماده ۶ آیین‌نامه مذکور خواهدبود. تبصره ـ در مورد معاملات جزیی شهرداری تهران می‌تواند اختیارات مربوط به رییس کارپردازی‌را به روسای نواحی و یا روسا و مسئولین هریک از واحدهای تابعه شهرداری واگذار نماید. ماده ۲۲ ـ دستورالعمل مربوط به‌طرز اجرا این آیین نامه از طرف وزارت کشور تهیه و به‌شهرداریها ابلاغ خواهد شد و در هر مورد که ابهامی در طرز اجرا هر یک از مواد این آیین نامه حاصل‌شود رفع ابهام بعهده وزارت کشور خواهد بود.

قسمت هشتم ـ امور مالی

فصل اول ـ بودجه (ماده ۲۳ تا ۲۸)

ماده ۲۳ ـ بودجه سالانه شهرداری عبارت است از یک برنامه جامع مالی که در آن کلیه خدمات‌و فعالیت‌ها و اقداماتی که باید در طی سال مالی انجام شود همراه با براورد مبلغ و میزان مخارج ودرامدهای لازم برای تامین هزینه انجام آنها پیش‌بینی می‌شود و پس از تصویب انجمن شهر قابل‌اجراست ماده ۲۴ ـ دوره عمل بودجه هر سال تا ۱۵ اردیبهشت سال بعد خواهد بود و تعهداتی که تا آخراسفند ماه هر سال تحقق یافته باشد تا خاتمه دوره عمل بودجه از محل اعتبار مربوط قابل پرداخت‌است ماده ۲۵ ـ بودجه شهرداری‌هاباید بر اساس برنامه‌ها و وظایف و فعالیت‌های مختلف و هزینه‌هریک از آنها تنظیم گردد طرز تنظیم برنامه و بودجه و تفریغ بودجه و نحوه تفکیک وظایف وفعالیت‌ها و انطباق بودجه با برنامه و همچنین طرز براورد درامد و هزینه بموجب دستورالعملی‌خواهد بود که بوسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ خواهد شد. ماده ۲۶ ـ مسئولیت تنظیم بودجه شهرداری و مراقبت

در حسن اجرای آن و همچنین تنظیم‌تفریغ بودجه بعهده شهردار و مسئول امور مالی است (مدیر امور مالی یا رییس حسابداری بسته‌بوضع تشکیلات شهرداری و واگذاری این وظیفه از طرف شهردار به‌هریک از مأمورین دیگرشهرداری رفع مسئولیت نخواهد کرد. شهردار موظف است بمحض پیشنهاد بودجه یا تفریغ بودجه به انجمن شهر با استفاده ازاختیاری که بر طبق ماده ۳۸ قانون شهرداری به او تفویض شده حداقل هفته‌ای سه روز تقاضای‌تشکیل جلسه انجمن را بنماید و خود نیز در جلسات حضور یافته توضیحات لازم را درباره اقلام‌مندرج در آن بدهد. ماده ۲۷ ـ موعد تصویب نهایی بودجه سالیانه بوسیله انجمن شهر و ابلاغ آن بشهرداری طبق‌ماده ۶۷ قانون حداکثر تا اول اسفند ماه سال قبل می‌باشد و در صورتیکه انجمن در راس موعدمذکور بوظیفه قانونی خود در این مورد عمل نکند شهردار موظف است مراتب را به استاندار یافرماندار کل و در شهرداری تهران به‌وزارت کشور اطلاع دهد تا بر طبق ماده ۴۱ اصلاحی قانون‌شهرداری اقدامات لازم معمول گردد. ماده ۲۸ ـ شهردار می‌تواند اعتبارات مصوب در بودجه برای هر یک از مواد هزینه یا فعالیتهای‌داخل در یک وظیفه را تا ۱۰٪ تقلیل یا افزایش دهد بنحوی که از اعتبار کلی مصوب برای آن وظیفه‌تجاوز نشود.

فصل دوم ــ درآمدها (ماده ۲۹ تا ۳۲)

ماده ۲۹ ـ درآمد شهرداری‌ها به شش طبقه بشرح زیرتقسیم می‌شود: ۱ ـ درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر) ۲ ـ درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی ۳ ـ بها خدمات و درآمدهای موسسات انتفاعی شهرداری ۴ ـ درآمدهای حاصله از وجوه و اموال شهرداری ۵ ـ کمک‌های اعطایی دولت و سازمانهای دولتی ۶ ـ اعانات و کمک‌های اهدایی اشخاص و سازمانهای خصوصی و اموال و دارایی‌هایی که بطور اتفاقی یا بموجب قانون بشهرداری تعلق می گیرد. تبصره ـ از انواع درآمدهای مذکور در ماده فوق فقط درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر) مشمول پرداخت سهمیه‌ها و حد نصاب‌های مقرر در ماده ۸۶ قانون شهرداری می‌باشد. ماده ۳۰ ـ هر شهرداری دارای تعرفه‌ای خواهد بود که در آن کلیه انواع عوارض و بهای خدمات وسایر درآمدهایی که بوسیله شهرداری و موسسات تابعه و وابسته به آن وصول یا تحصیل می‌شود درج و هر نوع عوارض یا بهای خدمات جدیدی که وضع و تصویب می گردد یا هر تغییری که در نوع‌و میزان نرخ آنها صورت می گیرد در تعرفه مذکور منعکس می‌شود. وزارت کشور برای طرز تنظیم تعرفه و درج تغییرات بعدی و همچنین چگونگی وضع و تشخیص و وصول انواع عوارض و درآمدها دستورالعملی جامع تهیه و برای راهنمایی به شهرداریها ابلاغ خواهد کرد. ماده ۳۱ ـ تطبیق وضع هر مودی یا هر مورد با تعرفه عوارض درآمدها و تعیین و تشخیص بدهی مودی بعهده مأمورین تشخیص یا کسانی است که از طرف شهرداری یا سازمان‌های تابعه و وابسته اختیار تشخیص بآنها داده شده است مأمورین مذکور مکلفند کمال دقت بی‌نظری را درتشخیص های خود بکار برند در صورت تخلف بوضع آنها در دادگاه اداری شهرداری رسیدگی وتنبیهات مقرر درباره آنها اتخاذ و بموقع اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۳۲ ـ به شهرداری‌های کل کشور اجازه داده می‌شود تا مطالبات خود را با اقساط حداکثر سی و شش ماهه مطابق دستورالعملی که به پیشنهاد شهردار به تصویب شورای اسلامی شهر مربوط می‌رسد ، دریافت نماید. در هرحال صدور مفاصا حساب موکول به تادیه کلیه بدهی مودی خواهدبود.

فصل سوم ــ هزینه‌ها (ماده ۳۳ تا ۳۶)

ماده ۳۳ ـ پرداخت هزینه‌ها در شهرداری مستلزم طی مراحل سه گانه زیر است الف ـ ایجاد تعهد در حدود اعتبارات مصوب و مقررات جاری و تحقق یافتن تعهد به این طریق که کار و خدمتی انجام یا اموالی به تصرف شهرداری درآمده بدینوسیله دینی برای شهرداری ایجادشده باشد. ب ـ تشخیص مستند مبلغی که باید به هر یک از داینین پرداخت شود. ج ـ صدور حواله در وجه داین یا

داینین در قبال اسناد مثبته تبصره ـ ایجاد تعهد و تشخیص و صدور حواله بشرح فوق در صلاحیت شهردار یا کسانی است که از طرف شهردار کتبا و بطور منجز اختیارات لازم به آنها تفویض می‌شود. ماده ۳۴ ـ کلیه پرداخت‌های شهرداری باید با توجه به ماده ۷۹ قانون شهرداری با اسناد مثبتانجام گردد و در مورد هزینه‌هایی که تنظیم اسناد مثبته آن قبل از پرداخت میسر نباشد ممکن استبطور علی الحساب پرداخت و اسناد هزینه آن در اسرع وقت تکمیل و بحساب قطعی منظور گرددنوع هزینه هایی که بطور علی الحساب قابل پرداخت است و طرز استفاده از تنخواه گردان بموجب دستورالعملی که وزارت کشور ابلاغ خواهد نمود تعیین خواهد شد. ماده ۳۵ ـ انجمن شهر با توجه به تبصره بند ۳ اصلاحی ماده ۴۵ قانون شهرداری می‌تواند اختیار تصویب و نظارت در معاملات را تا میزان معینی بشهردار واگذار کند و در مورد تصویب و نظارت کلی نسبت به‌سایر معاملات هر ترتیبی را که مقتضی بداند بنحوی که موجب کندی پیشرفت کارهای‌شهرداری نگردد برقرار و طبق آن عمل خواهد شد. ماده ۳۶ ـ طرز تهیه اسناد هزینه و مدارک ضمیمه آن و طرز طبقه‌بندی هزینه‌های شهرداری وهمچنین اصول و قواعد مربوط به انبارداری و رابطه آن با کارپردازی بموجب دستورالعملی که‌بوسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ خواهد شد مقرر خواهد گردید.

فصل چهارم ـ صندوق و عملیات استقراضی شهرداری (ماده ۳۷ تا ۴۱

ماده ۳۷ ـ استفاده از وجوه حاصله از درآمدها قبل ازمنظور داشتن آنها بحساب قطعی درآمد بهرعنوان حتی بطور علی الحساب و یا برای پرداخت هزینه‌های ضروری و فوری ممنوع است ماده ۳۸ ـ صندوقدار یا کسی که پرداخت هزینه‌ها بعهده او محول می‌شود مکلف است در موقع‌پرداخت نسبت به هویت و اهلیت دریافت‌کننده وجه و صحت و اصالت امضا حواله دقت‌های لازمرا بعمل‌آورده و اسناد و امضایی که ذمه شهرداری را از دین بری سازد ازگیرنده وجه دریافت کند. ماده ۳۹ ـ در مواردی که شهرداری برای فعالیت‌های مختلف عمومی و اختصاصی حساب‌های‌مجزا داشته باشد استقراض از یک حساب برای استفاده در حساب دیگر منوط بموافقت انجمن شهراست و در موافقت‌نامه مذکور مدت استقراض باید معلوم گردد و بمحض پیدایش موجودی درحساب بدهکار بمیزانی که پرداخت مبلغ استقراضی را تکافو کند فرضا که مدت مقرر نیز منقضی‌نگردیده باشد باید بحساب بستانکار برگشت داده شود. ماده ۴۰ ـ استقراض شهرداری با توجه به بند ۱۹ از ماده ۴۵ قانون شهرداری باید با اجازه وتصویب انجمن شهر صورت گیرد و در موقع استقراض مورد مصرف وجوه استقراضی تعیین وکیفیت استرداد آن که از محل درآمدهای عمومی یا اختصاصی خواهد بود و بهره و مدت وام و طرزاستهلاک مشخص و بر طبق آن عمل شود. ماده ۴۱ ـ وظایف شهرداری از لحاظ وصول و نگهداری درآمدها و پرداخت هزینه‌ها ونگاهداری حساب موجودی و تنظیم گزارش‌های مستمر وضع مالی شهرداری و همچنین ترتیباتمربوط به عملیات استقراضی شهرداریها بموجب دستورالعملی که وسیله وزارت کشور تصویب وابلاغ خواهد شد ، تعیین خواهد گردید.

فصل پنجم ـ حسابداری (ماده ۴۲ تا ۴۳)

ماده ۴۲ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه ظرف مدت سه سال کلیه شهرداریهای کشور مکلفند دفاتر و اوراق و فرم‌های حسابداری خود را بطریق دو طرفه (دوبل و از لحاظ نقدی یا تعهدی بودن روش حسابداری بترتیبی که دستورالعمل صادره از طرف وزارت کشور مقرر خواهد شد تغییر داده منطبق نمایند. ماده ۴۳ ـ وزارت کشور مکلف است بمنظور ایجاد روش مناسب و متحدالشکل حسابداری درکلیه شهرداری‌های کشور تامین وسایل اجرا آن نسبت ایجاد دوره های آموزشی امور مالی و حسابداری و تربیت تعداد کافی حسابدار از بین کارکنان شاغل شهرداری‌ها یا افراد جدید اقدام و دستورالعمل جامعی در مورد روش متحدالشکل حسابداری و طبقه بندی حسابها و نمونه اوراق و دفاتر حساب و گزارش مالی و ممیزی قبل از پرداخت هزینه‌ها در شهرداری های

کشور تنظیم و برای اجرا ابلاغ کند.

فصل ششم ــ ممیزی و حسابرسی (ماده ۴۴)

ماده ۴۴ ـ رسیدگی و ممیزی حساب شهرداری‌ها در سه مرحله بشرح زیر انجام خواهد گردید: الف ـ حسابرسی بوسیله شهرداری قبل و بعد از خرج بوسیله کارکنان ثابت شهرداری که‌اطلاعات کافی در امور مالی و حسابداری داشته باشند. ب ـ حسابرسی بوسیله حسابرسان وزارت کشور انجام و در صورت نداشتن حسابرس شورای‌شهر می‌تواند از وجود حسابرسان قسم خورده یا کارشناسان رسمی دادگستری استفاده نمایند که دراینصورت شورای شهر و شهرداری مکلفند نتیجه گزارش حسابرسان مذکور را به وزارت کشورارسال دارند. ج ـ رسیدگی نهایی بوسیله انجمن شهر از طریق بررسی گزارش‌های مالی و گزارش حسابرسان‌مذکور در بند ب ماده فوق . تبصره ـ طرز انجام حسابرسی شهرداری طبق دستورالعملی است که وزارت کشور تنظیم وبشهرداریها ابلاغ خواهد کرد.

فصل هفتم ــ اموال (ماده ۴۵ تا ۴۸)

ماده ۴۵ ـ اموال شهرداریها اعم از منقول و غیرمنقول بر دو نوع تقسیم می‌شود: اموال اختصاصی و اموال عمومی ، اموال اختصاصی شهرداری اموالی است که شهرداری حق‌تصرف مالکانه نسبت بآنها را دارد از قبیل اراضی و ابنیه و اثاثه و نظایر آن اموال عمومی شهرداری اموالی که متعلق بشهر بوده و برای استفاده عموم اختصاص یافته است‌مانند معابر عمومی ، خیابانها ، میادین ، پلها ، گورستانها ، سیل برگردان ، مجاری آب و فاضلاب ومتعلقات آنها ، انهار عمومی ، اشجار اعم از اشجاری که شهرداری یا اشخاص در معابر و میادین‌عمومی غرس نموده باشند ، چمن‌کاری ، گلکاری و امثال آن ماده ۴۶ ـ حفاظت از اموال عمومی شهرداری و آماده و مهیا ساختن آن برای استفاده عموم وجلوگیری از تجاوز و تصرف اشخاص نسبت به آنها بعهده شهرداری است و در صورتی که بعضی ازاموال عمومی شهر بنحوی تغییر حالت و موقعیت دهد که قابلیت استفاده عمومی از آن سلب گرددبه تشخیص انجمن شهر جز اموال اختصاصی شهرداری منظور و محسوب می‌شود. ماده ۴۷ ـ شهرداری مکلف است کلیه اموال غیرمنقول اختصاصی شهرداری را طبق مقررات‌ثبت املاک به ثبت برساند. ماده ۴۸ ـ طرز نگاهداری و حفظ و حراست اموال شهرداری اعم از اختصاصی و عمومی و ثبتانها در دفاتر و کارتهای اموال و بازدید مستمر و استفاده صحیح از آنها و نحوه محاسبه استهلاک ونگاهداری حساب موجودی اموال بموجب دستورالعملی که بوسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ‌خواهد شد مقرر خواهد گردید.

آیین نامه معاملات شهرداری تهران – مصوب ۲۵/۱/۱۳۵۵ با اصلاحات

فصل اول ــ نصاب معاملات (ماده ۱ تا ۴)

ماده ۱ ـ معاملات از نظر مبلغ در این آیین نامه به سه نوع تقسیم می‌شود: نوع اول ـ معاملات جزیی که مبلغ آن از دویست‌هزارریال تجاوز نکند. نوع دوم ـ معاملات متوسط که مبلغ آن از دویست‌هزار ریال بیشتر و از دو میلیون ریال تجاوزنکند. نوع سوم ـ معاملات عمده که مبلغ آن از دو میلیون ریال بیشتر باشد. تبصره ۱ ـ مبنای نصاب در خرید برای معاملات جزیی و متوسط مبلغ معامله و در موردمعاملات عمده مبلغ براورد است تبصره ۲ ـ مبنای نصاب در فروش مبلغ تعیین شده از طرف کارشناس منتخب شهرداری تهران‌است ماده ۲ ـ در مورد معاملات جزیی مامور خرید باید به فروشندگان کالا یا انجام‌دهندگان کار مورداحتیاج مراجعه و پس از تحقیق کامل از بهای کالا یا کار یا خدمات مورد نیاز در صورتیکه بهای موردمعامله تا ده‌هزار ریال باشد به مسئولیت خود و از

مبلغ مزبور ببالا تا یکصدهزار ریال را با مسئولیت‌خود و با جلب موافقت کتبی رییس کارپردازی با رعایت صرفه شهرداری معامله را انجام دهد مأمورخرید باید ذیل سند هزینه را با قید نام و نام خانوادگی و سمت و تاریخ و همچنین نشانی ومشخصات کامل طرف معامله و گواهی اینکه معامله به کمترین‌بهای‌ممکن‌انجام‌شده‌استامضا کند. تبصره ـ در مناطق و سازمانهای وابسته و تابع شهرداری معاملات زاید بر ده‌هزار ریال تایکصدهزار ریال با موافقت مسئول منطقه یا سازمان حسب مورد انجام خواهد شد. ماده ۳ ـ در مورد معاملات متوسط مأمور خرید باید از فروشندگان کالا یا انجام‌دهندگان کار یاخدمت مورد احتیاج که عده آنها کمتر از سه نفر نباشد (مگر در مواردی که عده فروشندگان یا انجام‌دهندگان کارد یا خدمت‌کمتر باشند) از هر کدام روی برگ جداگانه استعلام بهای کتبی بعمل‌آورد به این ترتیب که مأمور خرید نوع کالا یا کار یا خدمت مورد معامله و مقدار و مشخصات آن رابطور کامل در برگ استعلام بها تعیین و فروشنده کالا یا انجام‌دهنده کار یا خدمت و حداقل بهای آن‌را با قید مدت اعتبار بهای اعلام شده در آن تصریح و با ذکر کامل نشانی خود و تاریخ امضا نمایدمأمور خرید باید ذیل برگهای استعلام بها را با ذکر اینکه استعلام بها وسیله او بعمل آمده است با قیدتاریخ و نام و نام خانوادگی و سمت خود امضا کند. تبصره ۱ ـ در مواردی که فروشنده یا انجام‌دهنده کار یا خدمت کمتر از ۳ نفر باشد مأمور خریدمراتب را باید در متن سند هزینه بنویسد و امضا کند. تبصره ۲ ـ مأمور خرید با توجه به مدتی که فروشندگان کالا یا انجام‌دهندگان کار یا خدمت دربرگ استعلام بها برای اعتبار بهای پیشنهاد شده ذکر کرده‌اند طوری باید اقدام کند که بعلت انقضا مدت خسارتی متوجه شهرداری نشود. ماده ۴ ـ مأمور خرید در صورتیکه حداقل بهای بدست آمده در استعلام بها را عادله تشخیص‌دهد پس از جلب موافقت کمیسیونی مرکب از مسئولین ادارات حسابداری ، بازرسی و تدارکات یامعاونان آنها که بنام کمیسیون معاملات نامیده می‌شود با پیشنهاد دهنده حداقل بها معامله را انجام‌خواهد داد کمیسیون مزبور می‌تواند در صورت احتیاج از نظر متخصصین و مطلعین شهرداریاستفاده نماید. تبصره ـ در کلیه مناطق شهرداری و سازمانهای وابسته و تابع شهرداری تهران اعضا کمیسیون‌معاملات با پیشنهاد مسئول منطقه یا سازمان و تصویب شهردار تهران ، تعیین می‌گردند.

فصل دوم ـ مناقصه (ماده ۵ تا ۲۳)

ماده ۵ ـ در مورد معاملات عمده معامله باید با انتشار آگهی مناقصه (مناقصه عمومی یا ارسال‌دعوتنامه (مناقصه محدود) به تشخیص شهردار تهران انجام شود. آگهی مناقصه (مناقصه عمومی ماده ۶ ـ آگهی مناقصه یک نوبت در روزنامه رسمی کشور و از یک تا سه نوبت باقتضای اهمیت‌معامله در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران باید منتشر گردد. تبصره ۱ ـ در مواردی که شهرداری تهران تشخیص دهد که انتشار آگهی در خارج از تهران‌ضرورت دارد می‌تواند علاوه بر نشر آگهی در تهران در شهرهایی که لازم بداند به نشر آگهی اقدام کند. تبصره ۲ ـ در مواردی که شهرداری لازم تشخیص دهد می‌تواند از سایر وسایل و طرق انتشاراتی از قبیل پخش آگهی در رادیو و یا تلویزیون و یا ارسال آگهی برای اشخاص مربوط یا الصاق آگهی در معابر عمومی استفاده نماید. تبصره ۳ ـ اگر به تشخیص شهرداری پایتخت موضوع معامله ایجاب کند که علاوه بر نشر آگهی‌در داخل کشور موضوع به اطلاع فروشندگان کالا یا انجام‌دهندگان کار یا خدمت در خارج کشور هم‌برسد یک نسخه از آگهی باید بوسیله وزارت امور خارجه به هر یک از سفارتخانه‌های ممالک‌مربوط در تهران و یک نسخه هم به سفارتخانه‌های کشور جمهوری اسلامی ایران در ممالک مربوطاز طریق وزارت مذکور فرستاده شود. ماده ۷ ـ در آگهی مناقصه باید نکات زیر ذکر شود. ۱ ـ نوع و مقدار کالا و یا کار یا خدمت با ذکر مشخصات ۲ ـ مدت و محل و نحوه تحویل کار یا انجام کار یا خدمت و ترتیب عمل و میزان خسارت درمواردی که طرف معامله در تحویل کالا یا انجام کار یا خدمت کلا یا بعضا تاخیر نماید. ۳ ـ تصریح اینکه بهای پیشنهادی باید از حیث مبلغ

مشخص و معین و بدون ابهام بوده و درپاکت لاک و مهر شده تسلیم شود. ۴ ـ مدت قبول پیشنهادها. ۵ ـ محل تسلیم پیشنهادها. ۶ ـ میزان سپرده شرکت در مناقصه بطور مقطوع که باید بصورت نقد بحساب سپرده شهرداری‌پایتخت در بانک تحویل و رسید آن بضمیمه پیشنهاد تسلیم شود. ۷ ـ میزان تضمین حسن انجام معامله و ترتیب دریافت و استرداد آن ۸ ـ حداکثر مدتی که برای بررسی پیشنهادها و تشخیص برنده مناقصه و ابلاغ به برنده ضرورت‌دارد. ۹ ـ روز و ساعت و محل قرائت پیشنهادها و همچنین مجاز بودن حضور پیشنهاد دهندگان یانمایندگان آنها در کمیسیون مناقصه ۱۰ ـ میزان پیش پرداخت در صورتیکه به تشخیص شهرداری پایتخت پرداخت آن به برنده‌مناقصه لازم باشد و ترتیب پرداخت و واریز آن ۱۱ ـ محل توزیع یا فروش نقشه‌ها و برگ شرایط و مشخصات در صورت لزوم ۱۲ ـ محل توزیع نمونه‌های ضمانتنامه و قرارداد اگر تهیه آن لازم باشد که در این صورت‌ضمانتنامه عینا مطابق نمونه باید تنظیم و نمونه قرارداد نیز با قید اینکه مورد قبول است باید امضا و ضمیمه پیشنهاد شود. ۱۳ ـ تصریح این نکته که شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد بمنزله قبول شروط و تکالیف‌شهرداری تهران موضوع ماده ۱۱۰ این آیین نامه می‌باشد. ماده ۸ ـ شهرداری تهران در صورتیکه ذکر شروط خاصی را علاوه بر آنچه در ماده ۷ ذکر شده‌است لازم تشخیص دهد مشروط بر اینکه با قوانین و مفاد این آیین نامه مغایر نباشد می‌تواند در متن‌آگهی یا در نقشه‌ها و برگ شرایط و مشخصات درج نماید بطوریکه داوطلبان قبل از تسلیم پیشنهاد ازمفاد آن اطلاع حاصل کنند ولی منظور داشتن امتیازات جدید برای برنده مناقصه هنگام انعقاد قراردادیا اجرای قرارداد بهر عنوان ممنوع است ماده ۹ ـ در صورتیکه شروط مناقصه که طبق مواد ۷ و ۸ باید در آگهی ذکر شود مفصل باشد ودرج آن در روزنامه مستلزم هزینه زیاد گردد ممکن است نوع کالا یا کار یا خدمت مورد معامله ومقدار و مدت و محل تحویل و میزان پیش پرداخت و مدت و محل قبول پیشنهادها در آگهی درج‌شود و تصریح محل معینی که نقشه‌ها و شرح شروط و مشخصات معامله در آن موجود است و ذکراینکه پیشنهاددهندگان باید یک نسخه از آنرا دریافت و با قید قبولی امضا کرده و به پیشنهاد خودضمیمه و تسلیم نماید. ماده ۱۰ ـ شهرداری در خصوص اتخاذ تصمیم در مورد پیشنهادها و انعقاد قراردادها دارای‌تکالیف و اختیارات زیر می‌باشد. ۱ ـ شهرداری مکلف است سپرده شرکت در مناقصه برنده مناقصه را در صورتی که بر اساس‌تبصره ماده ۲۲ برای انجام معامله به او رجوع شود و از انجام معامله امتناع نماید ضبط کند. ۲ ـ شهرداری اختیار دارد مقدار کالا ـ یا کار مورد معامله را تا بیست و پنج درصد کل مورد معامله‌افزایش یا کاهش دهد. ۳ ـ شهرداری مجازنیست به پیشنهادهای مبهم و مشروط و بدون سپرده و پیشنهادهایی که بعد ازانقضای مدت مقرر در آگهی برسد ترتیب اثر دهد. ۴ ـ شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار است در اینصورت سپرده‌ها مسترد خواهد شد. ۵ ـ هزینه ثبت قرارداد در دفترخانه اسناد رسمی بعهده برنده مناقصه خواهد بود. ۶ ـ شهرداری مکلف است هرگونه مالیات یا عوارض یا وجوهی را که قانونا بابت معامله بطرف‌قرارداد تعلق می‌گیرد از بهای کارکرد یا کالای تحویلی در موقع پرداخت مطالبات او کسر کند. ماده ۱۱ ـ شهرداری مکلف برعایت نکات زیر می‌باشد: ۱ ـ مدت قبول پیشنهادها در مورد آگهی‌هایی که در داخل کشور منتشر می‌شود از تاریخ انتشار درروزنامه رسمی کشور از ۱۰ روز نباید کمتر باشد و در مورد آگهی‌هایی که در خارج از کشور طبق‌تبصره ۳ ماده ۶ منتشر می‌شود از ۶۰ روز (شصت روز) نباید کمتر تعیین شود. ۲ ـ در صورتیکه به تشخیص شهرداری نوع معامله ایجاب کند که نقشه یا برگ شروط ومشخصات و نمونه‌های ضمانت‌نامه و قرارداد و مدارک دیگری تهیه شود قبل از نشر آگهی باید آنهارا آماده نماید. ۳ ـ میزان پیش‌پرداخت نباید از بیست و پنج درصد مبلغ معامله تجاوز کند و پرداخت آن در قبال‌ضمانتنامه بانکی انجام خواهد شد. ۴ ـ میزان سپرده شرکت در مناقصه با توجه به موضوع و خصوصیات معامله نباید از پنج درصدمبلغ براورد معامله کمتر باشد ولی در صورتیکه میزان سپرده بماخذ فوق از پانصد هزار ریال بیشترشود شهرداری می‌تواند میزان سپرده را به مبلغ مناسب که از پانصدهزار ریال کمتر نباشد تقلیل دهد. ۵ ـ حداقل میزان تضمین حسن انجام معامله که باید قبل از انعقاد قرارداد اخذ شود در موردمعاملاتی که موضوع آن انجام امور ساختمانی یا باربری یا خرید ماشین‌آلات باشد پنج درصد و درمورد سایر معاملات ده درصد مبلغ معامله می‌باشد و

باید بصورت نقد بحساب سپرده بانکی‌شهرداری تحویل شود در مورد معاملات ساختمانی و باربری علاوه بر پنج ٪ مذکور شهرداری بایداز هر پرداخت معادل ده درصد کسر و بحساب سپرده بابت تضمین حسن انجام معامله منظور کند. دعوتنامه (مناقصه محدود) ماده ۱۲ ـ در هر مورد که شهردار تهران از لحاظ فوریت امر و یا نوع و میزان کار یا خدمت ونحوه تخصص انتشار آگهی مناقصه را ضروری تشخیص ندهد می‌تواند با رعایت آیین نامه های‌موضوع ماده ۲۲ قانون برنامه و بودجه کشور از مناقصه محدود استفاده کند. کمیسیون مناقصه ماده ۱۳ ـ کمیسیون مناقصه از پنج نفر بشرح زیر تشکیل می‌شود: ۱ ـ یکی از معاونان شهرداری به انتخاب شهردار تهران ۲ ـ مسئول امور مالی شهرداری تهران و در غیاب جانشین او. ۳ ـ مسئول واحد تقاضاکننده مورد معامله و در غیاب جانشین او. ۴ ـ مسئول امور حقوقی شهرداری تهران و در غیاب جانشین او. ۵ ـ یکنفر مأمور فنی به انتخاب شهردار تهران ماده ۱۴ ـ در صورتیکه در مدت مقرر پیشنهادی نرسیده باشد شهرداری می‌تواند مناقصه راتجدید یا موضوع را برای اتخاذ تصمیم به کمیسیونی مرکب از معاون مالی و اداری شهرداری و دونفر عضو عالیمقام شهرداری که به پیشنهاد شهردار تهران و تصویب انجمن شهر تعیین می‌شونداحاله کند هرگاه کمیسیون انجام معامله را از طریق ترک مناقصه تجویز کند با توجه به مبلغ معامله بارعایت مفاد ماده ۳۱ این آیین نامه عمل خواهد شد. ماده ۱۵ ـ در صورتیکه در مدت مقرر پیشنهاد رسیده باشد کمیسیون مناقصه تشکیل می‌شود وپیشنهادهای رسیده را اعم از اینکه یک یا بیشتر باشد رسیدگی و بشرح زیر اتخاذ تصمیم خواهدنمود: در صورتیکه بنظر کمیسیون مناقصه کمترین بهای پیشنهاد شده یا بهای پیشنهاد شده در موردی‌که فقط یک پیشنهاد رسیده باشد عادله باشد کمیسیون پیشنهاددهنده را بعنوان برنده مناقصه اعلام‌خواهند نمود و در غیر اینصورت می‌تواند اظهارنظر کند که مناقصه تجدید یا حداقل از سه نفراستعلام بها شود و نتیجه در کمیسیون مطرح گردد. در صورتیکه حداقل بهای بدست آمده در استعلام بها کمتر از حداقل بهای پیشنهاد شده در مناقصه باشد کمیسیون پیشنهاددهنده حداقل بها در استعلام را حایز حداقل می‌کند مگر اینکه تفاوت این دو بها کمتر از پنج درصد باشد که در اینصورت اگر پیشنهاددهنده حداقل در مناقصه حاضر باشد به حداقل بهای بدست آمده در استعلام معامله را انجام‌دهد بعنوان برنده مناقصه اعلام خواهد شد و در صورتیکه حداقل بهای بدست آمده در استعلام برابر یا بیشتر از حداقل بهای پیشنهاد شده در مناقصه باشد یا در استعلام بها کسی داوطلب معامله نباشد.کمیسیون می‌تواند پیشنهاددهنده حداقل در مناقصه را بعنوان برنده مناقصه اعلام کند یا رای به‌تجدید مناقصه دهد. تبصره ۱ ـ شهرداری در مواردی که میسر تشخیص دهد باید قبل از قرائت پیشنهادها بهای‌عادله مورد مناقصه را به وسایل مقتضی و مطمین و بطور محرمانه تهیه نموده در پاکت لاک و مهرشده در اختیار کمیسیون مناقصه قرار دهد تا روزی که پیشنهادات و اصل قرائت می‌شود مورد استفاده در اتخاذ تصمیم کمیسیون مناقصه قرار گیرد. تبصره ۲ ـ در مواردی که کمیسیون مناقصه رای به تجدید مناقصه دهد احاله موضوع برای اتخاذ تصمیم دیگر به کمیسیون مقرر در ماده ۱۴ بلامانع است تبصره ۳ ـ شهرداری تهران در مورد انتخاب مهندس مشاور و پیمانکار عملیات عمرانی مکلف‌به رعایت آیین نامه موضوع ماده ۲۲ قانون برنامه و بودجه کشور می‌باشد. ماده ۱۶ ـ در مواردی که موضوع مناقصه چند نوع کالا ـ یا کار یا خدمت باشد هرگاه در شرایط‌مناقصه اختیار تفکیک مورد معامله برای شهرداری پیش‌بینی نشده باشد کمیسیون مناقصه می‌تواندشخصی را که بهای پیشنهادی او در مجموع کمتر است برنده مناقصه اعلام کند. ماده ۱۷ ـ تصمیم کمیسیون مناقصه به اکثریت آرا معتبر است و در صورتیکه عضو فنی‌کمیسیون مناقصه در امور فنی در اقلیت باشد موضوع برای اظهار نظر به کمیسیون مقرر در ماده ۱۴احاله خواهد شد. تبصره ـ کمیسیون مناقصه مکلف است از روز قرائت پیشنهادها حداکثر ظرف هفت روز بهاستثنای ایام تعطیل نظر خود را اعلام کند و در موارد استثنایی ممکن است این مهلت با جلب نظرشهردار تهران تا ده روز دیگر تمدید شود. ماده ۱۸ ـ تصمیم کمیسیون مناقصه پس از موافقت شهردار تهران و تصویب انجمن شهر باید به‌مناقصه‌گزار ابلاغ شود و مناقصه‌گزار نیز باید حداکثر ظرف پنج روز به استثنای ایام تعطیل نتیجه‌مناقصه را به برنده ابلاغ و سپس به انعقاد قرارداد و انجام معامله ، اقدام نماید. تبصره ـ در مواردی که انجمن شهر مستند به تبصره الحاقی به بند ۳ اصلاحی ماده ۴۵ قانون‌شهرداری و سایر

مقررات موضوعه به شهردار تهران تفويض اختيار نموده باشد تحصيل موافقت انجمن شهر ضرورت ندارد. ماده ۱۹ ـ در مواردی که کميسيون مناقصه برنده مناقصه را اعلام کرده باشد سپرده او و شخصی که بهای پيشنهادی او در مرتبه دوم قراردارد (مگر اينکه رجوع باو طبق تبصره ۱ ماده ۲۰ ميسرنباشد) نگاهداری و سپرده ساير پيشنهاددهندگان مسترد خواهد شد. ماده ۲۰ ـ در صورتيکه برنده مناقصه از تاريخ ابلاغ نتيجه مناقصه ظرف مدت هفت روز بهاستثنای ايام تعطيل نسبت به سپردن تضمين حسن انجام معامله اقدام نکند و يا برای انجام معامله‌حاضر نشود سپرده شرکت در مناقصه او ضبط می‌شود و مراتب به شخصی که پيشنهاد او در مرتبه‌دوم قرار دارد با رعايت مفاد تبصره ۱ اين ماده ابلاغ می گردد ، اگر او هم از تاريخ ابلاغ ظرف مدت ۷روز به استثنای ايام تعطيل نسبت به سپردن تضمين حسن انجام معامله اقدام نکند و يا برای انجام‌معامله حاضر نشود سپرده او هم ضبط می‌شود و در اين صورت به تشخيص شهرداری مناقصه‌تجديد و يا موضوع برای اتخاذ تصميم ديگر به کميسيون مقرر در ماده ۱۴ اين آيين نامه ارجاع‌خواهد شد. تبصره ۱ ـ رجوع به پيشنهاد دهنده که بهای پيشنهادی او در مرتبه دوم قرار دارد بشرطی ميسراست که تفاوت بهای پيشنهادی او با برنده مناقصه از مبلغ سپرده بيشتر نباشد در غير اينصورت‌رجوع به او ممنوع است تبصره ۲ ـ مدت ۷ روز مقرر در اين ماده در مورد معاملاتی که طرف معامله در خارج از کشوراقامت دارد حداکثر تا يکماه تعيين می‌شود مشروط بر اينکه مدت مذکور در آگهی مناقصه يا برگ‌شرايط آن ذکر شده باشد. ماده ۲۱ ـ در صورتيکه حايز حداقل بها بيش از يکنفر باشد برنده مناقصه به قيد قرعه انتخاب‌خواهد شد. ماده ۲۲ ـ در معاملاتی که تحويل مورد معامله در مهلت‌های مقرر در ماده ۲۰ ميسر نباشد بايدقرارداد منعقد شود. ماده ۲۳ ـ در قرارداد نکات زير بايد قيد گردد: ۱ ـ نام متعاملين ۲ ـ نوع و مقدار مورد معامله با مشخصات کامل آنها. ۳ ـ مدت انجام تعهد و محل و شرايط تحويل مورد معامله ۴ ـ ترتيب عمل و ميزان خسارت در مواردی که برنده مناقصه در انجام تعهدات جزيا يا کلاتاخير نمايد. ۵ ـ الزام تحويل کالا طبق نمونه ممهور در صورتيکه تهيه نمونه لازم باشد. در اين صورت بايدنمونه کالا با مهر طرفين معامله ممهور و نزد شهرداری نگاهداری شود. ۶ ـ اقرار برنده مناقصه به اينکه از مشخصات کالا يا کار يا خدمت مورد معامله و مقتضيات محل‌تحويل کالا يا انجام کار اطلاع کامل دارد. ۷ ـ اختيار شهرداری نسبت به افزايش يا کاهش مورد معامله در مدت قرارداد تا ميزان بيست وپنج درصد مقدار مندرج در قرارداد. ۸ ـ بهای مورد معامله و ترتيب پرداخت آن در مواردی که انجام کار بر اساس واحد بها باشد بهای‌مورد معامله براورد و در قرارداد ذکر می‌شود ولی بهای کارهای انجام يافته بر اساس واحد بها احتساب و پرداخت خواهد شد. ۹ ـ مبلغ پيش پرداخت و ترتيب واريز آن در صورتيکه در شرايط مناقصه ذکر شده باشد. ۱۰ ـ ميزان تضمين حسن انجام معامله و نحوه وصول آن اقساط در مورد امور ساختمانی وباربری و ترتيب استرداد آن بر اساس شرايط مناقصه ۱۱ ـ مدت فاصله زمانی بين تحويل موقت و تحويل قطعی در قراردادهای مربوط به ساختمانو راهسازی و نظاير آن بر اساس شرايط مناقصه ۱۲ ـ اقرار به عدم شمول ممنوعيت موضوع قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمايندگان‌مجلسين و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ديماه ۱۳۳۷. ۱۳ ـ ساير تعهداتی که در شرايط مناقصه ذکر شده است ۱۴ ـ ساير شرايط که مورد توافق طرفين معامله قرار گيرد مشروط بر آنکه متضمن امتيازاتی‌علاوه بر آنچه در شرايط مناقصه ذکر شده برای طرف قرارداد نباشد.

فصل چهارم ــ ترتيب تحويل کالا يا خدمت (ماده ۲۴ تا ۲۷

ماده ۲۴ ـ تحويل مورد معامله بشرح زير بايد انجام شود. الف ـ در مورد معاملاتی که بهای آن تا ده‌هزار ريال است توسط انباردار يا تحويل گيرنده کالاـ ياخدمت حسب مورد. ب ـ در مورد معاملاتی که بهای آن از ده‌هزار ريال بيشتر است و از يکصد هزار ريال تجاوزنمی کند بوسيله و مسئوليت انباردار يا تحويل گيرنده کار و نماينده قسمت تقاضاکننده ج ـ در مورد معاملات متوسط و عمده

بوسیله و مسئولیت انباردار یا تحویل‌گیرنده کار یاخدمت و نماینده قسمت تقاضاکننده با نظارت کمیسیونی که لا اقل از سه نفر افراد واجد شرایط به‌انتخاب شهردار تهران تشکیل خواهد شد. تبصره ۱ ـ برای تحویل هر فقره جنس یا کار یا خدمت مورد معامله موضوع بند (ج) این ماده‌باید کمیسیون تحویل ، صورتمجلس تنظیم کند و در آن بطور صریح قید گردد که جنس مورد معامله‌یا کار یا خدمت انجام شده طبق نمونه یا مشخصات مندرج در پیمان می‌باشد و ذیل آن را تمام‌اعضای کمیسیون و فروشنده یا پیمانکار امضا نمایند. گواهی تطبیق مشخصات و مقدار کالا یا کاریا خدمت در مورد بند (الف) بعهده انباردار یا تحویل‌گیرنده کار یا خدمت و در مورد بند (ب) بعهده‌انباردار یا تحویل‌گیرنده کار یا خدمت و نماینده قسمت تقاضاکننده می‌باشد. تبصره ۲ ـ در مواردی که تشخیص مشخصات مورد معامله محتاج به بصیرت و تخصص باشدنماینده قسمت تقاضاکننده از بین کسانی باید انتخاب شود که دارای اطلاعات کافی در این خصوص‌باشد و این مسئولیت را عهده‌دار خواهد بود. ماده ۲۵ ـ برای کالاهای تحویل شده در تمام موارد باید قبض انبار که دارای شماره مسلسل باشدصادر گردد و به امضای انباردار برسد و در واردات دفتر انبار ثبت و شماره ثبت دفتر انبار روی قبض‌ذکر گردد. تبصره ۱ ـ در مواردی که کالا ـ در خارج از انبار تحویل می‌گردد و به انبار وارد نمی‌شود با در نظرگرفتن ماده ۲۴ و تبصره‌های آن حسب مورد اقدام خواهد شد و تحویل‌گیرنده کالا بجای انباردارتکالیف مربوط را انجام خواهد داد و رسید یا صورتمجلس حسب مورد مبنای صدور قبض انبار وحواله انبار قرار خواهد گرفت تبصره ۲ ـ کالاهای غیرمصرفی علاوه بر ثبت در دفتر انبار باید ثبت دفتر اموال شهرداری نیزبشود. ماده ۲۶ ـ در صورتیکه در شرایط معامله برای تحویل مورد معامله علاوه بر آنچه در مواد ۲۴ و۲۵ تعیین شده تکالیف دیگری نیز پیش‌بینی شده باشد باید اجرا شود. ماده ۲۷ ـ در مواردی که بین مسئولان تحویل مورد معامله مذکور در بند (ج) ماده ۲۴ از لحاظ‌مشخصات و سایر مسایل مربوط بکار یا خدمت یا کالایی که باید تحویل گرفته شود اختلاف نظرباشد نحوه تحویل طبق نظر شهردار پایتخت یا رییس منطقه شهرداری و رییس سازمان باقتضای‌مورد با کسب نظر افراد بصیر تعیین خواهد شد.

فصل پنجم ـ مزایده (ماده ۲۸ تا ۳۰)

ماده ۲۸ ـ در مورد معاملات جزیی مأمور فروش مکلف است به داوطلبان معامله مراجعه وپس از تحقیق کامل از بها با رعایت صرفه شهرداری معامله را تا میزان ده‌هزار ریال به مسئولیت‌خود انجام دهد و سند مربوط را با تعهد اینکه معامله با بیشترین بهای ممکن انجام شده است و باذکر نام و نام خانوادگی و سمت و تاریخ امضا کند و در مورد معاملات جزیی زاید بر ده‌هزار ریال تایکصدهزار ریال مأمور فروش پس از جلب نظر ارزیاب شهرداری با در نظر گرفتن مراتب فوق اقدام‌بفروش خواهد کرد. ماده ۲۹ ـ معاملات متوسط بطریق حراج و بشرح زیر انجام خواهد شد: ۱ ـ اطلاعات کلی در مورد نوع و مشخصات و مقدار مورد معامله و روز و ساعت و محل حراجو سایر شرایطی که لازم باشد باید با یک نوبت آگهی در روزنامه رسمی و حداقل یک نوبت آگهی درروزنامه کثیرالانتشار و در صورت ضرورت به وسایل و طرق انتشاراتی دیگر از قبیل رادیو یاتلویزیون یا الصاق آگهی در معابر باطلاع عموم برسد و در آگهی باید قید گردد که در مقابل فروش‌اشیا وجه نقد دریافت خواهد شد و پرداخت هر گونه مالیات و عوارض بعهده خریدار است ۲ ـ مورد معامله باید قبلا ارزیابی شود و فهرست قیمت قبل از انجام حراج در پاکت لاک و مهرشده در اختیار کمیسیون حراج که بشرح مذکور در بند ۳ این ماده تشکیل خواهد شد قرار گیرد حراجاز بهای ارزیابی شروع شده و با خریداری که بالاترین بها را پیشنهاد کند معامله انجام خواهد شد واگر بقیمت ارزیابی شده داوطلب پیدا نشود باید ارزیابی تجدید شود. ۳ ـ کمیسیون حراج حداقل از پنج نفر بشرح زیر تشکیل خواهد شد: ۱ ـ مسئول امور مالی یا نماینده او. ۲ ـ مسئول تدارکات یا نماینده او. ۳ ـ مسئول بازرسی یا نماینده او. ۴ ـ مسئول امور حقوقی یا نماینده او. ۵ ـ مسئول واحد تقاضاکننده یا نماینده او. ماده ۳۰

ـ معاملات عمـده بطریق مزایـده و با انتشار آگهی بشـرح زیر بعمل میاید. ۱ ـ در آگهی مزایـده شـرایطی که طبق این آیین نامه برای آگهی مناقصه پیش‌بینی شـده در صورتیکه‌با عمل مزایـده منطبق باشد باید رعایت شود. ۲ ـ مقرراتی که در این آیین نـامه در مورد ترتیب تشکیل کمیسیون مناقصه و کمیسیون مقرر درماده ۱۴ و اتخاذ تصمیم در کمیسیون‌های مذکور و اجرای تصمیم کمیسیونها و انعقاد قرارداد وتحویل مورد معامله معین شده در صورتیکه با عمل مزایده منطبق باشد باید اجرا شود.

فصل ششم ـ ترک مناقصه یا مزایده و حراج (ماده ۳۱ تا ۳۴

ماده ۳۱ ـ در موارد زیر معاملات بدون تشـریفات مناقصه یا مزایده و حراج انجام خواهد شد: ۱ ـ در مورد معاملاتی که طرف معامله وزارتخانه و یا موسـسه یا شـرکت دولتی یا شهرداریها یاموسسات وابسته به آنها باشند. ۲ ـ در مورد خریـد اموال و خدمات و حقوق مالی که به تشـخیص شهردار پایتخت منحصر بفردباشد. ۳ ـ در مورد خریـد یا اجاره کردن اموال غیر منقول که طبق نظر کارشـناس منتخب شـهرداری‌پایتخت انجام خواهد شد. ۴ ـ در مورد خرید خدمات هنری و صـنایع مستظرفه و کارشـناسان ۵ ـ در مـورد خرید کالاهای انحصاری دولتی و کالاهایی که از طرف مراجع صالـح دولتی برای آنهاتعیین نرخ شـده باشد. ۶ ـ در مورد خرید کالاهای مورد مصـرف روزانه که در محل نرخ ثابتی از طرف دولت یاشـهرداریها یا مراجع ذیصـلاح برای آنها تعیین شده باشد. ۷ ـ در مورد کرایه حمـل و نقـل هـوایی ـ دریـایی ـ هزینه مسـافرت و نظـایر آن در صورت وجود نرخ‌ثـابت و مقطوع ۸ ـ در مورد خریـد قطعات یـدکی برای تعـویض یـا تکمیـل لوازم و تجهیزات ماشـین‌آلات موجودو همچنین ادوات و ابزار و وسایـل انـدازه‌گیری دقیق و لوازم آزمایشـگاهی علمی و فنی و حق اختراع‌و نظـایر آن به تشـخیص شـهردار پـایتخت تبصـره ـ در مواردی که نماینـده انحصاری فروش کالاهای ساخت کارخانه‌های خارجی یاکارخانه‌های داخلی کالا را موجود نداشته باشند یا به نرخ اعلام شده از طرف مراجع رسمی نفروشندشـهرداری پایتخت می‌توانـد کالا را با رعایت مقررات این آیین نامه خریداری کند و در صورتیکه کالابیش از نرخی که از طرف مراجع فوق الـذکر تعیین شـده از نماینده انحصاری فروش یا کارخانه داخلی‌خریداری شود باید مراتب را بمراجع تعیین کننده نرخ اعلام کنـد. ماده ۳۲ ـ در مورد چـاپ و صـحافی معامله طبق آیین نامه مربوط که برای امور چاپ و صحافی‌دسـتگاههای دولتی بتصویب هیات وزیران رسـیده است انجام خواهـد شد. ماده ۳۳ ـ در مواردی که انجـام مناقصه یا مزایـده و حراج به تشـخیص و طبق گزارش توجیهی‌واحـد مربوط و تایید کمیسـیون مقرر در ماده ۱۴ میسـر یا به مصـلحت نباشد در این صورت معامله بارعایت مراتب زیر و به ترتیبی که کمیسـیون مـذکور معین خواهـد کرد انجـام می‌شود. الف ـ در مورد معاملاـت تـا مبلغ ده میلیون ریال با تصویب شهردار تهران در حدود اختیارات‌تفویض شده به شـهردار موضوع تبصره الحاقی به بند ۳ اصلاحی ماده ۴۵ قانون شهرداری ب ـ در مورد معاملات از ده میلیون ریال تا یکصـد میلیون ریال با موافقت شـهردار تهران و تاییدشورای شـهر و وزارت کشور. ج ـ در مورد معاملات یکصدمیلیون ریال و بیشتر به پیشـنهاد شـهردار تهران با تایید شورای شـهرو وزارت کشور و تصویب هیات وزیران تبصره ـ شهردار تهران می‌تواند در موارد مذکور در ماده ۳۳ اختیار خود را تا مبلغ دو میلیون‌ریال به روسای مناطق شهرداری و مدیران کل یا مدیران عامل سازمانهای تابعه و وابسـته تفویض‌نماید. ماده ۳۴ ـ بهای اجناس و خـدمات و حقوق موضوع بندهای ۲ و ۴ و ۸ و ماده ۳۱ در صورتی که‌طبق تعرفه‌های مبتنی بر قانون یا از طرف مراجع صلاحیتدار تعیین نشـده باشـد قیمت مورد معامله‌وسیله ارزیاب یا کارشناس منتخب شهرداری تعیین و پس از تایید شهردار تهران معامله انجام خواهدشد.

فصل هفتم ـ مقررات عمومی (ماده ۳۵ تا ۴۰)

ماده ۳۵ ـ دریافت ضمانتنامه بانکی یا اسناد خزانه یا اوراق قرضه دولتی بعنوان سپرده شرکت‌در مناقصه یا مزایده و یا تضمین حسن انجام معامله بلامانع می‌باشد و در هر صورت با موافقت‌شهردار تهران در هر موقع قابل تبدیل بیکدیگر می‌باشند. ماده ۳۶ ـ هرگاه ضمن اجرای قراردادهای ساختمانی و عمرانی تغییرات جدیدی در مشخصات‌و نقشه یا نوع کار یا خدمت پیش آید که جداگانه انجام‌پذیر نباشد و میزان بهای آن کار یا خدمت درفهرست واحد بها پیش‌بینی و تعیین نشده باشد بهای عادله واحد کار یا خدمت مورد نظر از طرف‌قسمت فنی با موافقت پیمانکار و تصویب شهردار تهران تعیین خواهد شد ولی میزان کارها یاخدمات جدید نباید از صدی ده مبلغ پیمان تجاوز نماید. ماده ۳۷ ـ در صورتیکه شهرداری بخواهد موافق بند ۲ ماده ۱۰ این آیین نامه میزان کار یا خدمت‌یا جنس موضوع پیمان را کسر یا اضافه نماید باید قبل از انقضا مدت به پیمانکار ابلاغ نماید. ماده ۳۸ ـ اختلافات ناشی از معاملات موضوع این آیین نامه که بین طرفین ایجاد می‌شود درهیاتی مرکب از نماینده شهرداری به انتخاب شهردار تهران و نماینده انجمن شهر مطرح می‌شود وهیات مذکور می‌تواند با طرف قرارداد توافق کند این توافق برای طرفین قابل اجرا و غیر قابل‌اعتراض خواهد بود و در صورتیکه اختلاف رفع نشود هریک از طرفین می‌توانند به دادگاه‌صلاحیتدار مراجعه نماید. ماده ۳۹ ـ موسسات تابعه و وابسته شهرداری تهران ، که دارای شخصیت حقوقی بوده و بطریق‌بازرگانی اداره می‌شوند در صورتیکه دارای آیین نامه معاملات مخصوص خود نباشند معاملات خودرا طبق مقررات این آیین نامه انجام خواهند داد. ماده ۴۰ ـ آیین نامه معاملات شهرداری تهران مصوب سال ۱۳۴۴ از تاریخ اجرای این آیین نامه لغو می‌شود.

تصویبنامه در خصوص تغییر سقف ترک تشریفات مناقصه یا مزایده در معاملات عمده شهرداریها

شماره ۱۴۱۸۲ ـ ۲۳/۸/۱۳۷۲ روزنامه رسمی وزارت کشور هیات وزیران در جلسه مورخ ۲/۸/۱۳۷۲ بنا به پیشنهاد شماره ۴۳/۳/۱/۱/۲۵۵۸ مورخ۲۷/۱۱/۱۳۷۱ وزارت کشور و به استناد بند (ج ماده (۴) آیین نامه مالی شهرداری‌ها ـ مصوب۱۳۴۶ ـ تصویب نمود: تصویب‌نامه شماره ۱۰۰۴۵/ ت ۲۰۸ ه مورخ ۵/۷/۱۳۷۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود: عبارت (تا دویست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰۰)ریال در مصوبه شماره ۱۰۰۴۵/ت ه مورخ۵/۷/۱۳۷۲ هیات وزیران به عبارت (تا یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰)ریال تغییر داده می‌شود. معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

قانون تطبیق سقف معاملات شهرداریهای کشور و شهرداری تهران با نصابهای مذکور در قانون اصلاح بندهای الف

شماره ۱۵۲۴۲ ـ ۱۱/۴/۱۳۷۶ روزنامه رسمی ماده واحده سقف معاملات جزیی متوسط و عمده موضوع ماده (۱) آیین‌نامه مالی شهرداریها مصوب ۱۳۴۶ و ماده (۱) اصلاحی آیین نامه معاملات شهرداری تهران مصوب ۱۳۶۲ ومطابق نصابهای مندرج دربندهای (الف ، (ب ، (ج جز (۱) ماده واحده قانون اصلاح بندهای الف ، (ب و (ج ماده (۸۰) و ماده (۸۶) قانون محاسبات عمومی کشور ، مصوب ۱۳۷۳، و تغییرات بعدی آن تعیین می‌شود.

تصویبنامه در خصوص ماده (۶۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران –

شماره ۲۵۵۹۸/ت ۲۳۰۷۸ ه ـ ۱۹/۶/۱۳۷۹ روزنامه رسمی هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۶/۱۳۷۹ بنا به پیشنهاد شماره ۵۹۲۱/۱۴۳۷۵/۵۶ مورخ۱۷/۳/۱۳۷۹ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۶۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۹ ـ و با توجه به شاخص اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سال ۱۳۷۸ تصویب نمود: ماده ۱ ـ نصابهای مندرج در بندهای (الف ، (ب و (ج ماده (۸۰) و ماده (۸۶) قانون

محاسبات‌عمومی کشور و اصلاحیه مربوط ، موضوع قانون اصلاح بندهای (الف ، (ب و (ج ماده (۸۰) ماده ۸۶) قانون محاسبات عمومی کشور ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ در سال ۱۳۷۹ به شرح زیر تغییر می‌یابد: الف ـ معاملات جزیی معاملاتی که مبلغ آن از یک میلیون و دویست هزار ریال تجاوز نکند. ب ـ معاملات متوسط معاملاتی که مبلغ آن از یک میلیون و دویست هزار ریال بیشتر باشد و از هیجده میلیون ریال تجاوز نکند. ج ـ معاملات عمده معاملاتی که مبلغ آن از هیجده میلیون ریال بیشتر باشد. و ـ مبلغ موضوع ماده (۸۶) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحیه آن به مبلغ یکصد وهشتاد میلیون ریال افزایش می‌یابد. ماده ۲ ـ نصاب معاملات موضوع ماده (۸۷) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحیه آن موضوع قانون تغییر نصاب معاملات موضوع ماده (۸۷) قانون محاسبات عمومی کشور ـمصوب۱۳۷۲ ـ در سال ۱۳۷۹ به مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون ریال تغییر می‌یابد. ماده ۳ ـ نصابهای تعیین شده از ابتدای سال ۱۳۷۹ و تا زمانی که اصلاح نشده باشد قابل اجراخواهد بود.

آیین نامه اجرایی بند (۳) از ماده (۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم – مصوب ۱۳۶۶

روزنامه رسمی شماره ۱۴۳۰۰ مورخ ۲۳/۱/۱۳۷۳ شماره ۲۲۴/ ت ۴۱۷ ماده ۱ ـ استفاده از معافیت مالیاتی نسبت به اموالی که برای سازمانهای مذکور در بندهای (۱)،(۲) و (۴) ماده (۲) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ که از این پس به اختصار قانون نامیده می‌شود، یا امور مندرج در بند (۳) ماده مزبور مورد وقف یا حبس یا نذر واقع گردد یا به موجب وصیت نامه قطعی شده مورد وصیت واقع شده است موکول به رعایت مقررات زیر خواهد بود: الف ـ در صورتی که وقف یا حبس یا نذر یا وصیت برای سازمانها و موسسات مندرج دربندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۲) قانون باشد گواهی لازم مبنی بر اینکه مال در اختیار آنها قرار گرفته‌است حسب مورد باید به امضای بالاترین مقام اجرایی از سازمانها موسسات مذکور اخذو به ضمیمه یک نسخه از تصویر یا رونوشت مصدق وقف نامه یا حبس نامه یا نذرنامه یا وصیت نامه به‌اداره امور اقتصادی و دارایی محل تسلیم شود. ب ـ در صورتی که وقف یا حبس یا نذر یا وصیت برای انجام امور مندرج در بند (۳) ماده (۲)قانون باشد باید گواهی لازم از مراجع صلاحیتدار دولتی یا شهرداری مربوط یا مرجع مورد قبول‌دولت مبنی بر اعمال نظارت اخذ و به انضمام نسخه‌ای از تصویر یا رونوشت مصدق وقف نامه یاحبس نامه یا نذر نامه یا وصیت نامه معتبر به اداره امور اقتصادی و دارایی محل تسلیم شود. ماده ۲ ـ حق نظارت دولت یا شهرداری یا مراجعی که مورد قبول دولت واقع می‌شوند به یکی‌از جهات زیر حاصل خواهد شد: الف ـ به موجب قانون ایجاد شده یا بشود. ب ـ مستند به وقف نامه یا حبس نامه یا نذرنامه یا وصیت نامه معتبر باشد. ج ـ از طرف متصدی امور وقف حبس نذر و یا وصی داده شود. د ـ انجام امور مندرج در بند (۳) ماده (۲) قانون به یکی از سازمانها و موسسات مذکور دربندهای (۱) و (۲) ماده مزبور محول شده باشد. ماده ۳ ـ اداره امور اقتصادی و دارایی محل مکلف است ظرف سی روز پس از دریافت گواهینامه موضوع بندهای الف و ب ماده (۱) این آیین نامه گواهی معافیت مالیاتی مقرر در ماده (۲۴) قانون‌مالیاتهای مستقیم را صادر و به متقاضی تسلیم کند. تبصره ـ معافیت مزبور مانع از اجرای تبصره (۳) ماده (۳۲) قانون مالیاتهای مستقیم و مطالبه مالیات متعلقه نخواهد بود. معاون اول رئیس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین نامه اجرای بندهای (الف و ب) ماده ۱۲۷ ق .م م – مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶

شماره و تاریخ ۱۹۰۲۴/۴۲۴۰/۴/۳۰ ـ ۲۵/۰۴/۶۸ ماده ۱ ـ سازمانهای خیریه یا عام المنفعه یا وزارتخانه‌ها یا موسسات دولتی یا شرکتهای دولتی‌یا شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی موضوع بند (الف) باید بموجب قانون یا اساسنامه تاسیس یا وقف نامه یا مصوبات دولت حسب مورد مجاز به پرداخت کمکهای نقدی و غیرنقدی بلاعوض باشند. ماده ۲ ـ وجوه یا کمکهای مالی اهدایی

موضوع بند (ب) با احراز شرایط ذیل مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود. اولا ـ وقوع خسارت ناشی از حوادث مذکور در بند (ب) بوده و به تایید فرماندار یا بخشدارمحل وقوع خسارت رسیده باشد. ثانیا ـ میزان خسارت وارده توسط ممیز مالیاتی و نماینده دادگستری محل وقوع خسارت و عندالاقتضا با استفاده از اظهارنظر اشخاص بصیر و مطلع که از طرف فرماندار یا بخشدار محل معرفی خواهد شد تعیین شده باشد میزان خسارتی که به ترتیب مذکور تعیین می‌شود برای استفاده‌از معافیت مالیاتی قطعی است ثالثا ـ وجه یا کمک مالی ظرف یکسال از تاریخ وقوع خسارت اهدا شده باشد. رابعا ـ مجموع وجوه یا کمکهای مالی از طرف اشخاص به هر خسارت دیده بیش از خسارت‌وارده نباشد اهدایی مازاد بر خسارت وارده مشمول مالیات اتفاقی خواهد بود. ماده ۳ ـ اشخاص مذکور در ماده یک و پرداخت‌کنندگان وجوه یا کمکهای مالی موضوع بند (ب) مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ پرداخت فهرست مبلغ پرداختی و در صورتیکه پرداخت غیرنقدی باشد نوع و قیمت تمام شده آن و هویت و نشانی دریافت‌کننده را در تهران به اداره کل خدمات مالیاتی و در مراکز استانها به ادارات کل امور اقتصادی و دارایی و در شهرستانها به ادارات امور اقتصادی و دارایی محل ارسال نمایند. در مواردی که پرداخت به علت خسارت ناشی از حوادث مذکور در بند (ب) باشد فهرست ارسالی باید از جهت وقوع خسارت به تایید فرماندار یا بخشدارمحل‌برسد. ماده ۴ ـ در صورتیکه پرداخت کنندگان موضوع بندهای (الف) و (ب) ترتیبات و شرایط وتکالیف مقرر در این آیین نامه را حسب مورد رعایت ننموده و یا در موعد مقرر انجام ندهند بادریافت‌کنندگان متضامنا مسیول پرداخت مالیات متعلقه خواهند بود. احراز و رعایت بندهای ثانیا ورابعا ماده (۲) بعهده پرداخت کنندگان نبوده و مشمول حکم این ماده نخواهد بود. ماده ۵ ـ ادارات مذکور در ماده (۳) این آیین نامه واصله را برای رسیدگی و نگهداری سوابق و درصورت لزوم تشخیص درآمد و مطالبه مالیات متعلقه به حوزه مالیاتی ذیربط ارسال خواهد نمود.

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت – مصوب ۳۰/۶/۷۶

ماده ۱ ـ به منظور مشارکت عموم در اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کل کشور و طرحهای سودآور تولیدی و ساختمانی و خدماتی ، به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداریها و موسسات و نهادهای عمومی و غیردولتی و موسسات عام المنفعه و شرکتهای وابسته به دستگاههای مذکور و همچنین شرکتهای سهامی عام و خاص و شرکتهای تعاونی تولیدی اجازه داده می‌شود طبق مقررات این قانون قسمتی از منابع مالی مورد نیاز برایاجرای طرحهای مذکور شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی را ازطریق انتشار و عرضه اوراق مشارکت تامین نمایند. تبصره ـ تشخیص انتفاعی بودن طرحهای عمرانی دولت موضوع این ماده با رعایت تعریف قانونی (طرح انتفاعی) به عهده هیاتی مرکب از نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان برنامه بودجه و بانک مرکزی جمهوری سلامی ایران می‌باشد. این قبیل طرحها در پیوست طرحهای عمرانی لوایح بودجه سالانه کل کشور با علامت مشخص درج خواهد شد. ماده ۲ ـ اوراق مشارکت اوراق بهادار با نام یابی نامی است که به موجب این قانونی به قیمت‌اسمی مشخص برای مدت معین منتشر می‌شود و به سرمایه گذارانی که قصد مشارکت در اجرای‌طرحهای موضوع ماده (۱) را دارند واگذار می گردد. دارندگان این اوراق به نسبت قیمت اسمی ومدت زمان مشارکت در سود حاصل از اجرای طرح مربوط شریک خواهند بود. خرید و فروش این اوراق مستقیما و یا از طریق بورس اوراق بهادار مجاز می‌باشد. ماده ۳ ـ انتشار اوراق مشارکت از طرف دولت برای تامین منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی دولت موضوع ماده (۱) به میزانی که در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی می‌شود مجاز خواهد بود. تضمین بازپرداخت اصل و سود علی الحساب و سود تحقق یافته این قبیل اوراق توسط وزارت‌امور اقتصادی و دارایی از محل اعتبارات ردیف های خاصی که توسط سازمان برنامه و بودجه و به‌همین منظور در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی می‌شود به عمل خواهد آمد. تبصره ـ انتشار اوراق مشارکت به منظور تامین منابع مالی لازم برای اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه

سالانه کل کشور که مجری آنها شرکتهای دولتی و یا شهرداریها می‌باشند نیز مشمول حکم این ماده می‌باشد. ماده ۴ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طرحهای مشمول این قانون به استثنا طرح‌عمرانی انتفاعی دولت موضوع ماده (۳) را که توسط شرکتهای دولتی شهرداری‌ها و موسسات وشرکتهای غیردولتی موضوع ماده (۱) ارایه می‌شود بررسی نموده و در صورتی که دارای توجیهات‌کامل اقتصادی فنی و مالی باشد، پس از ارایه تضمین کافی توسط موسسه و یا شرکت متقاضی به‌بانک عامل مجوز انتشار اوراق مشارکت به میزان لازم صادر خواهد کرد. تبصره ۱ ـ درخواست انتشار اوراق مشارکت توسط شرکتهای دولتی قبل از ارایه به بانک‌مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید به تصویب مجمع عمومی و یا شورای عالی شرکتهای مربوط رسیده باشد. تبصره ۲ ـ حداکثر میزان (سقف اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرحهای موضوع این ماده‌در هر سال با توجه به سیاستهای پولی و مالی کشور توسط شورای پول واعتبار تعیین و اعلام‌می گردد. تبصره ۳ ـ میزان (سقف اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرحهای موضوع این ماده در موردهر یک از متقاضیان می‌بایستی متناسب با خالص دارایی‌های وی (مجموع دارایی ها منهای مجموع بدهی‌ها) باشد. ماده ۵ ـ شرکتهای دولتی شهرداریها و موسسات و شرکتهای غیردولتی ، موضوع ماده (۱) درصورت انتشار اوراق مشارکت مکلف اند بازپرداخت اصل و سود متعلق را در سررسیدهای مقرر دراوراق مذکور، تعهد و تضمین نمایند. در صورت عدم ایفای تعهدات مزبور در سررسیدهای مقرر ،بانک عامل مکلف است از محل تضمین مذکور در ماده (۴) رأسا اقدام نماید. تبصره ـ پرداخت سود علی الحساب به ترتیبی که در اوراق مشارکت قید می‌شود مجازمی‌باشد. ماده ۶ ـ شرکتهای سهامی عام می‌توانند طبق این قانون اوراق مشارکت قابل تبدیل یا تعویض باسهام منتشر کنند. شرایط و نحوه تبدیل و تعویض این قبیل اوراق طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون‌خواهد بود. ماده ۷ ـ مبالغ پرداختی و یا تخصیصی بابت سود متعلق به اوراق مشارکت مشمول مالیات مقطوع به نرخ پنج درصد (۵٪) می‌باشد و به سود اوراق مشارکت و معاملات اوراق مذکور هیچگونه مالیات دیگری تعلق نمی گیرد. پرداخت کنندگان سود اوراق مشارکت اعم از علی الحساب‌و قطعی مکلفند در هر پرداخت یا تخصیص به حسابی که توسط خزانه داری کل تعیین می‌شود واریز و رسید آن را ظرف سی روز از تاریخ واریز همراه با فهرستی متضمن میزان سود پرداختی به حوزه مالیاتی مربوط تسلیم نمایند. پرداخت کنندگان سود این اوراق مشارکت و در صورت تخلف از انجام تکالیف مذکور مشمول‌مقررات متن ماده ۱۹۹ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ خواهند بود. تبصره ـ پرداخت مالیات سود پرداختی و یا تخصیصی به اوراق مشارکتی که قبل از تاریخ‌اجرای این قانون منتشر شده است با نرخ مقرر در این ماده برعهده دستگاههای منتشر کننده اوراق مذکور می‌باشد. ماده ۸ ـ در صورتی که شرکتهای سهامی خاص وابسته به دستگاههای مذکور درماده (۱) این‌قانون به سهامی عام تبدیل شوند، دارندگان اوراق مشارکت شرکتهای مزبور در خرید سهام از اولویت برخوردار می‌باشند. ماده ۹ ـ سود پرداختی به دارندگان اوراق مشارکت جزو هزینه‌های قابل قبول در حساب مالیاتی موضوع ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم محسوب می گردد. ماده ۱۰ ـ مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر اجرای طرحهای مربوط ، درحکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب خواهد شد. ماده ۱۱ ـ مقررات مواد ۲ و ۵ و ۷و ۸و ۹و ۱۰و ۱۲ این قانون و تبصره‌های ذیل مواد مذکورشامل اوراق مشارکتی که تا قبل از اجرای آن منتشر شده‌اند نیز می گردد. ماده ۱۲ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون متضمن مشخصات طرحهای سودآوری تولیدی ساختمانی و خدماتی شرایط و میزان و نحوه انتشار و عرضه اوراق مشارکت و چگونگی تبدیل وتعویض اوراق مذکور با سهام شرکتهای سهامی عام و همچنین نحوه اعمال نظارت بر اجرای صحیح‌این قانون با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی‌جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار ظرف مدت شش ماه به تصویب هیات وزیران‌خواهد رسید. ماده ۱۳ ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفندگزارشی متضمن میزان و انواع اوراق مشارکت منتشره طی هر سال را همراه با اظهارنظر در خصوص‌آثار اقتصادی انتشار اوراق مذکور برای اطلاع کمیسیونهای برنامه و بودجه امور اقتصادی و دارایی وتعاون و دیوان

محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی ارسال نمایند. قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام‌شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۲/۷/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی ـ علی اکبر ناطق نوری

آیین نامه اجرایی قانون نحوه اوراق مشارکت – مصوب ۱۸/۵/۱۳۷۷ هیات وزیران

ماده ۱ ـ در این آیین نـامه اصـطلاحات زیر در معانی مشـروح به کار رفته است ـ قانون قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت ـ طرحهای عمرانی انتفـاعی دولـت منظـور طرحی اسـت کـه در مـدت معقـولی پس از شـروع بهره‌برداری علاـوه بر تـامین هزینه‌هـای جـاری و استهلاک سرمایه سود متناسبی به تبعیت از سیاست‌دولت را نیز عاید نماید. منظور از انتفاع ، انتفاع مالی است به نحوی که فایده‌های ناشـی از بهره برداری‌طرح قابـل فروش و قابـل تقویم به پول باشـد. اوراق مشارکت اوراق بهادار با نام یا بی‌نامی است که به موجب قانون یا مجوز بانک مرکزی‌جمهوری اسلامی ایران به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین و برای تامین بخشی از منابع‌مالی مورد نیـاز طرحهای عمرانی ـ انتفاعی دولت منـدرج در قوانین بودجه سالانه کشور یا برای تامین‌منابع مالی مورد نیاز جهت ایجاد ، تکمیل و توسـعه طرحهـای سودآور تولیـدی ، ساختمانی وخـدماتی شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحـدهای تولیـدی توسط دولت ، شـرکتهای دولتی ، شهرداری‌ها و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و موسسات عام المنفعه وشرکتهای وابسته به دسـتگاههای مذکور ، شرکتهای سهامی عام و خاص و شرکتهای تعاونی تولیدمنتشر می‌شود و به سرمایه‌گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرحهای یاد شده را دارند از طریق‌عرضه عمومی واگذار می‌گردد. اوراق مشارکت قابل تعویض با سهام اوراقی است که توسط شـرکتهای سـهامی عام منتشر و درسررسید نهایی با سهام سایر شرکتهای پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تعویض می‌شود. اوراق مشارکت قابل تبدیل به سـهام اوراقی است که توسط شـرکتهای سهامی عام منتشر و درسررسید نهایی یا زمان تحقق افزایش سـرمایه به سـهام شـرکتهای موضوع طرح اوراق مشـارکت ، تبـدیل می‌گردد. ناشـر:دسـتگاه دولتی یـا غیردولتی است که به موجب ماده (۱) قانون ، اجازه انتشار اوراق مشارکت‌را دارد. عامل بانکی است که از طرف ناشـر نسبت به عرضه اوراق برای فروش ، پرداخت سودعلیالحساب و قطعی ، بازپرداخت اصل مبلغ اوراق مشارکت در سررسـید مربوط یا بازخرید آن قبل‌از سررسید ، کسر و پرداخت مالیـات موضوع ماده (۷) قـانون وانجـام سـایر امور مرتبط ، طبق قراردادعاملیت مبادرت می‌ورزد. امین شـخص حقیقی یا حقـوقی است که از طرف بانـک مرکزی انتخـاب می‌شـود و به منظـور حفظ‌منـافع دارنـدگان اوراق مشـارکت و حصول اطمینـان از صحت عملیات ناشـر در طرح ، نسـبت به مصرف‌وجوه ، نحوه نگهداری حسابها و صورتهای مالی و عملکرد اجرایی ناشر به موجب قرارداد منعقدشـده ، مسـتمرا رسیدگی و اظهـارنظر می‌نمایـد. وظـایف امین در مورد طرحهـای عمرانی ـ انتفاعی‌دولت به مسئولیت سازمان برنامه و بودجه انجام خواهدشد. بانک مرکزی بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران هیات تشـخیص هیاتی است مرکب از نماینـدگان وزارت امور اقتصـاد و دارایی ، سازمان برنامه وبودجه و بانک مرکزی که انتفاعی بودن طرحهای عمرانی دولت را مورد تایید قرار می‌دهد. ماده ۲ ـ دارندگان اوراق مشارکت به نسبت قیمت اسـمی و مدت زمان مشارکت در نتیجه مالی‌حاصل از اجرای طرحهـای مربوط سـهیم خواهنـد بود. ماده ۳ ـ هر ورقـه مشـارکت نشـان دهنـده میزان قـدر السـهم دارنـده آن در مشـارکت است با فروش‌اوراق مشارکت رابطه وکیل و موکل بین مباشر و خریـدار اوراق محقق می‌شود. (ناشـر) به وکالت ازطرف خریـداران اوراق می‌توانـد نسبت به مصـرف وجوه حاصل از فروش اوراق جهت اجرای طرح وخرید و فروش هرگونه کالا ، خدمت و دارایی مربوط به طرح اقدام نماید. انتقال اوراق به اختیارتفویضـی تحت عنوان وکالت خدشه وارد نمی‌نماید و این رابطه تا سررسید اوراق مباشر و دارندگان‌اوراق نافذو معتبر است ماده ۴ ـ مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر اجرای طرحهای مربوط درحکم تصـرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب خواهـد شـد. ماده ۵ ـ بانـک مرکزی در صورت تاییـد فنی ـ اقتصـادی و مالی

طرحهای مشمول قانون که ازطرف متقاضیان آن با تایید عامل ارایه می‌شود با در نظر داشتن شرایط انتشار اوراق مشارکت ، مجوزلازم را ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت گزارش در چهارچوب این آیین نامه صادر می‌نماید. تبصره ۱ ـ گزارش توجیهی فنی ـ اقتصادی و مالی طرحهای غیردولتی مذکور باید قبل ازارسال به بانک مرکزی مورد بررسی و تایید عامل قرار گیرد. مدت رسیدگی بانک عامل حداکثر یک‌ماه خواهد بود. تبصره ۲ ـ در مورد طرحهای عمرانی ـ انتفاعی دولت ، مطابق ماده ۷ این آیین نامه عمل خواهدشد. ماده ۶ ـ حداکثر میزان (سقف اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرحهای موضوع ماده (۴)قانون در هر سال با توجه به سیاستهای پولی و مالی کشور توسط شورای پول و اعتبار تعیین و اعلام‌می گردد. ماده ۷ ـ گزارش توجیه فنی ـ اقتصادی و مالی طرحهای عمرانی ـ انتفاعی دولت باید به سازمان‌برنامه و بودجه ارایه شود. سازمان برنامه و بودجه گزارش مزبور را همراه با نظرات کارشناسی خودظرف یک ماه در هیات تشخیص انتفاعی بودن طرح‌های عمرانی ـ انتفاعی دولت ، مذکور در ماده ۱) آیین نامه مطرح و هیات تشخیص حداکثر ظرف یک ماه نظر قطعی خود را در مورد انتفاعی بودناز طریق سازمان برنامه و بودجه به دستگاه‌های اجرایی اعلام می‌نماید. طرح‌های عمرانی ـ انتفاعی دولتی که به تایید هیات تشخیص رسیده باشد توسط سازمان برنامه‌و بودجه در لایحه بودجه سال آینده با علامت مشخص درج خواهد شد. تضمین بازپرداخت اصل و سود علی الحساب و سود تخصیص یافته اوراق مشارکت عمرانی‌دولت طبق ماده (۳) قانون خواهد بود. ماده ۸ ـ حداقل سهم الشرکه ناشر در هر طرح (اعم از آورده نقدی و غیرنقدی و میزان (سقف‌فردی اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرحهای موضوع اوراق مشارکت (به استثنای طرحهای‌عمرانی ـ انتفاعی دولت با رعایت وضعیت مالی و اعتباری ناشر توسط بانک مرکزی تعیین‌می‌شود. ماده ۹ ـ تاریخ ، شرایط و مراحل انتشار و عرضه اوراق به پیشنهاد ناشر و با موافقت بانک‌مرکزی ، با توجه به شرایط بازار سرمایه تعیین می‌شود. تمدید مهلت عرضه با تایید بانک مرکزیامکان‌پذیر است ماده ۱۰ ـ ناشر پس از اخذ مجوز انتشار اوراق مشارکت باید مراتب را از طریق رسانه‌های‌جمعی به اطلاع عموم برساند. متن اطلاعیه انتشار باید قبلا به تایید عامل برسد. ماده ۱۱ ـ در صورت فروش صددرصد اوراق مشارکت منتشر شده در مدت مقرر ، بانک مرکزیاجازه برداشت از وجوه جمع آوری شده را به ناشر خواهد داد. در صورت عدم فروش صد درصداوراق مشارکت منتشر شده در مدت مذکور بانک مرکزی باید از طریق تمدید مهلت فروش یا طرق دیگر چگونگی تامین کسری منابع مورد نیاز طرح را توسط ناشر تعیین نماید. در صورت عدم تامین‌کسری منابع توسط ناشر طی مهلت مقرر ، بانک مرکزی دستور انتشار اطلاعیه مربوط به استردادوجوه دارندگان اوراق مشارکت را حداکثر ظرف یک هفته به عامل خواهد داد. هزینه‌های مالی ناشیاز این امر برعهده ناشر خواهد بود. ماده ۱۲ ـ بانک مرکزی به منظور حصول اطمینان از بازپرداخت اصل اوراق مشارکت درسررسید ، به تشخیص خود ، ناشر را ملزم به تامین تضمینهای لازم نزد عامل می‌نماید. ماده ۱۳ ـ میزان سود قطعی قابل پرداخت به دارندگان اوراق ، پس از خاتمه اجرای طرح توسطامین طرح ظرف پنج ماه پس از سررسید نهایی محاسبه و به تایید بانک مرکزی خواهد رسید. ماده ۱۴ ـ بانک مرکزی وظایف و اختیارات امین و میزان حق الزحمه خدمات مربوط و ترتیب‌پرداخت آن را طی قرارداد منعقد شده با وی تعیین می‌نماید. ماده ۱۵ ـ ناشر موظف است بازپرداخت اصل و سود متعلق را در سررسیدهای مقرر در اوراق ، تعهد کند و وثایق لازم را برای تضمین بازپرداخت اصل و سود متعلق به اوراق توسط عامل ، دراختیار عامل قرار دهد. در صورت عدم ایفای تعهدات در سررسیدهای مقرر ، عامل مکلف است ازمحل تضمین مذکور راسا اقدام نماید. مهلت پرداخت مابه التفاوت سودهای قطعی و سودهای‌علیالحساب پرداخت شده برحسب انواع اوراق حداکثر شش ماه پس از سررسید نهایی اوراق ، خواهد بود. ماده ۱۶ ـ ناشر موظف است طبق اعلام عامل وجوه لازم را جهت پرداخت سود و اصل اوراق مشارکت ، در سررسیدهای مربوط تامین ودر اختیار عامل قرار دهد. هرگونه تاخیر در تامین منابع‌فوق ، مشمول پرداخت وجه التزام تاخیر تامین منابع به میزان مقرر در قرارداد عاملیت خواهد شد. ماده ۱۷ ـ ناشر موظف به انجام سایر تعهداتی است که به هنگام فروش اوراق ، پذیرفته و آن‌تعهدات ، مورد تایید بانک مرکزی نیز قرار گرفته است ماده ۱۸ ـ

اعطای هرگونه امتیازی به دارندگان اوراق مشارکت از جمله اختیار تعویض یا تبدیل‌اوراق مشارکت و تخفیفات فروش منوط به موافقت بانک مرکزی و اخذ تضمینات لازم توسط‌عامل است تبصره ـ اعطای این گونه امتیازات از جمله تعهداتی به حساب میاید که باید به موقع ایفا گرددو تاخیر در اعطای آن مشمول خسارت ناشی از تاخیر زمانی و افزایش قیمت خواهد بود. ماده ۱۹ ـ ناشر موظف است چنانچه اوراق علاوه بر سازمان بورس اوراق بهادار (که با مجوزسازمان بورس صورت می‌گیرد) توسط عامل نیز قابل معامله و قابل بازخرید قبل از سررسید باشد ، وجوه لازم راجهت بازخرید اوراق ، طبق قرارداد عاملیت در اختیار عامل قرار دهد. ماده ۲۰ ـ ناشر موظف است حق الزحمه انجام خدمات امین را به ترتیب مقرر در قرارداد منعقدشده بین بانک مرکزی و امین پرداخت نماید و بلافاصله پس از فروش اوراق ، سیستم حسابداری‌مطابق با استانداردهای موردقبول سازمان حسابرسی در مورد طرح مورد نظر به طور جداگانه وخارج از سایر عملیات و فعالیتهای خود ، مستقر و به مورد اجرا گذارد. تبصره ـ امین طرحهای عمرانی ـ انتفاعی دولت از مفاد این ماده مستثنی است ماده ۲۱ ـ ناشر موظف است اطلاعیه حاوی گزارش وضعیت مالی و عملکرد اجرایی طرح راهمراه اظهارنظر امین ، پس از کسب مجوز انتشار اطلاعیه از بانک مرکزی ، حداقل هر شش ماه یا درمقاطعی که توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد از طریق یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشرنماید. ماده ۲۲ ـ امین موظف است نسبت به مصرف وجوه ، نگهداری حسابها و صورت‌های مالی‌طرح رسیدگی و اظهارنظر نماید و گزارشهای مربوط را حداکثر هر شش ماه یک بار به بانک مرکزیارایه دهد. ماده ۲۳ ـ امین مکلف است نسبت به مقررات و ضوابط حاکم بر معاملات ناشر در طرح‌همچنین انطباق معاملات انجام شده با ضوابط و مقررات مربوط رسیدگی و اظهارنظر نماید.همچنین امین مکلف است ظرف مدتی که به موجب قرارداد منعقد شده با بانک مرکزی تعیین‌می‌شود ، نسبت به کفایت روشهای حسابداری ناشر در طرح رسیدگی و اظهارنظر نماید. ماده ۲۴ ـ عامل ، اوراق مشارکت را برای فروش عرضه و سود علی الحساب اوراق را پس از کسرمالیات در مقاطع تعیین شده پرداخت می‌نماید. ماده ۲۵ ـ عامل ، اصل مبلغ اوراق رادر سررسید با رعایت ماده (۱۵) این آیین نامه بازپرداخت‌می‌نماید. ماده ۲۶ ـ عامل ، سود قطعی اوراق مشارکت را پس از کسر مالیات و تایید بانک مرکزی پرداخت‌می‌نماید. ماده ۲۷ ـ چگونگی پرداخت مالیات موضوع تبصره ماده (۷) قانون ، حداکثر سه ماه پس از ابلاغ‌این آیین نامه توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی تعیین می‌شود. ماده ۲۸ ـ شرکتهای سهامی عام پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار با تایید قبلی‌سازمان مذکور و رعایت ضوابط مربوط می‌توانند اوراق مشارکت قابل تبدیل و تعویض با سهام‌منتشر نمایند. ماده ۲۹ ـ اوراق مشارکت ممکن است قابل تعویض با سهام سایر شرکتهای پذیرفته شده درسازمان بورس اوراق بهادار باشد. در این صورت ناشر موظف است حداقل به میزان اوراق مشارکت‌قابل تعویض ، موجودی سهام شرکتهای مذکور را تا سررسید نهایی اوراق مشارکت نگهداری نماید. ماده ۳۰ ـ اوراق مشارکت ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت (سهامی عام باشد در این‌صورت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرس یا بازرسان‌شرکت اجازه انتشار اوراق مشارکت را می‌دهد و شرایط و مهلتی را که طی آن دارندگان این گونه‌اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به‌هیات مدیره خواهد داد. تبصره ـ مابه التفاوت سود قطعی و سود علی الحساب می‌تواند قابل تعویض یا تبدیل به‌سهام باشد. ماده ۳۱ ـ حق تقدم سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تبدیل با اوراق مشارکت با تصویب‌مجمع عمومی فوق العاده شرکت منتفی خواهد بود. ماده ۳۲ ـ شرایط مشارکت و ترتیب تعویض و تبدیل ورقه مشارکت به سهام باید در ورقه‌مشارکت قید شود. تبدیل و تعویض ورقه مشارکت به سهم منوط به درخواست دارنده ورقه‌مشارکت است ماده ۳۳ ـ در مورد ماده (۳۰) هیات مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکور درهمان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق مشارکتی که جهت تبدیل به‌سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت‌شرکتها سهام جدید صادر خواهد کرد و به دارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده‌اوراقی که به شرکت تسلیم کرده‌اند سهم خواهد داد. ماده ۳۴ ـ از

تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده (۳۰) تا سررسید نهایی اوراق یا زمان تحققافزایش سرمایه موضوع اوراق مشارکت ، شرکت نمی‌تواند اوراق مشارکت جدید قابل تعویض یاقابل تبدیل به سهام منتشر کند یانسبت به کاهش یا افزایش سرمایه اقدام نماید یا سرمایه خود رامستهلک سازد یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا درنحوه‌تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارد شده که منتهی به تقلیل‌مبلغ اسمی سهام یا تقلیل تعداد سهام بشود شامل سهامی که دارندگان اوراق مشارکت در نتیجه‌تبدیل اوراق خود دریافت می‌دارند نیز می گردد این گونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشاراوراق مذکور ، سهامدار شرکت محسوب می‌شوند. ماده ۳۵ ـ از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده (۳۰) تا سررسید نهایی اوراق مشارکت یا زمان‌تحقق افزایش سرمایه موضوع اوراق مشارکت ، صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته سرمایه‌و به طور کلی دادن سهم یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه‌یامنافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آن که حقوق دارندگان اوراق مشارکت که متعاقبا اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل می کنند به نسبت سهامی که در نتیجه تبدیل مالک می‌شوند حفظ‌شود به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق که متعاقبا اوراق خود را به‌سهام شرکت تبدیل می کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفانمایند. ماده ۳۶ ـ در قراردادهای مشارکت در صورت توافق طرفین می‌توان داور تعیین نمود. ماده ۳۷ ـ وزارتخانه‌ها ، موسسات و شرکتهای دولتی ، شهرداریها و سایر دستگاههای اجرایی‌موظفند اوراق مشارکت موضوع این آیین نامه را به عنوان وثیقه طرفهای معامله در قراردادهای‌مربوط بپذیرند. ماده ۳۸ ـ دریافت مجوز انتشار اوراق از سوی ناشر ، قبولی عاملیت توسط عامل و انعقادقرارداد حسابرسی به عنوان امین طرح به منزله قبول کلیه آثار و تعهدات ناشی از مقررات این‌آیین نامه و دستورالعمل اجرایی آن است معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین نامه مربوط به شرایط و طرز انتخاب و حدود وظایف و مسولیتهای امین اموال – مصوب ۵ بهمن ۱۳۷۶ هیات

شماره ۱۵۴۳۶ ـ ۲۹/۱۱/۷۶ روزنامه رسمی ماده ۱ ـ امین اموال ماموری است که از بین مستخدمین رسمی با موافقت ذیحساب ذیربط به‌موجب حکم وزارتخانه یا موسسه دولتی به این سمت منصوب و مسوولیت حفظ و حراست وتحویل و تحول و تنظیم حساب اموال و اوراقی که در حکم وجه نقد است و همچنین کالاهای تحت ابوابجمعی خود را بر اساس مقررات این آیین نامه و آیین نامه اموال دولتی و سایر مقررات مربوط به‌عهده خواهد داشت تبصره ۱ ـ مقررات مربوط به صاحب جمعان در قوانین عمومی مورد عمل وزارتخانه‌ها وموسسات دولتی در صورت عدم مغایرت با مفاد قانون محاسبات عمومی کشور برای امنای اموال نیز قابل اجرا می‌باشد. تبصره ۲ ـ مأمورینی که تحت سایر عناوین شغلی در آزمایشگاهها ، کتابخانه‌ها ، موزه‌ها ، انبارهاو سایر موارد عهده دار مسولیت حفظ و حراست اموال دولتی و نگهداری حساب آنها می‌باشند ، ازلحاظ مسوولیتهای موضوع این آیین نامه در حکم امین اموال خواهند بود. تبصره ۳ ـ مسوولیت تحویل و حفظ و حراست اموالی که توسط وزارتخانه‌ها و موسسات‌دولتی به طور امانی به شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی ، تحویل می گرددباید به عهده یک یا حسب ضرورت چند نفر از کارکنان ثابت و غیر موقت دستگاههای مذکور که درحکم امین اموال خواهند بود محول گردد. مسوولیت موضوع این تبصره رافع مسوولیت دستگاه‌تحویل گیرنده در مورد حفظ و حراست و اعاده اموال مذکور نخواهد بود. ماده ۲ ـ وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی‌غیر دولتی مجری طرحهای عمرانی مکلفند به منظور حفظ و حراست و تحویل و تنظیم حساب‌اموال طرحهای مزبور برابر مقررات امین اموال تعیین و منصوب نمایند. تبصره ـ امین اموال در شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در ارتباط باطرحهای عمرانی باید از بین کارکنان ثابت و غیرموقت آنها منصوب گردد. ماده ۳ ـ امین اموال باید دارای شرایط زیر باشد: الف ـ داشتن حداقل مدرک تحصیلی پایان دوره دبیرستان ب ـ داشتن صلاحیت و

توانایی لازم برای انجام وظایف مربوط ج ـ سپردن تضمین مناسب در موارد و به میزانی که در مقررات مربوط پیش‌بینی شده است تبصره ۱ ـ در صورت نبودن فرد واجد شرایط موضوع بند (الف) این ماده استفاده موقت ازافرادی که ضمن داشتن سایر شرایط دارای مدرک تحصیلی سوم متوسطه نظام آموزشی سابق یاپایان دوره راهنمایی نظام آموزشی فعلی باشند به شرط دارا بودن حداقل دو سال سابقه کار تجربی مربوط بلامانع است تبصره ۲ ـ امنای اموال کتب کتابخانه‌ها ، اشیای موزه‌ای ، لوازم آزمایشگاهی ، لوازم فنی و نظایر انها باید از بین کسانی انتخاب شوند که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در این ماده یا تبصره یک آن‌حسب مورد دارای اطلاعات فنی لازم نیز باشند. ماده ۴ ـ امین اموال از لحاظ وظایف مربوط به نگهداری حساب اموال دولتی و تنظیم حساب‌آنها و تحویل و تحول اموال تحت ابوابجمعی و سایر مقررات مربوط زیر نظر ذیحساب انجام وظیفه می‌نماید. تبصره ـ ذیحساب مکلف است در فواصل زمانی مناسب حسب مورد به تشخیص خود وحداقل سالی یک بار به طریق مقتضی به موجودی حساب امین اموال رسیدگی و در صورت مشاهده کسری در ابواب جمعی امین اموال مراتب را جهت اقدام به وزارتخانه یا موسسه دولتی ذیربط و وزارت امور اقتصادی و دارایی گزارش و تا حصول نتیجه موضوع را پیگیری نماید. ماده ۵ ـ امین اموال مکلف است برای هر یک از اموال منقول غیرمصرفی تحت ابوابجمعی خودبا رعایت طبقه‌بندی مربوط یک شماره اختصاص دهد و شماره مذکور را در مورد اموالی که الصاق برچسب به آنها میسر می‌باشد روی برچسب درج و به مال الصاق نماید و در مورد اموالی که به‌تشخیص و پیشنهاد دستگاه اجرایی ذیربط و تایید وزارت امور اقتصادی و دارایی الصاق برچسب به‌آنها میسر نباشد ، ثبت مشخصات مال در دفاتر و صورتحساب‌ها کافی خواهد بود. تبصره ۱ ـ شماره برچسب هر طبقه از اموال موضوع این ماده در مورد واحدهایی که بدواحساب اموال خود را بر اساس این آیین نامه تنظیم می‌نمایند از شماره یک شروع و بارعایت تسلسل‌ادامه خواهد یافت و در مورد واحدهایی که دارای حساب اموال بر اساس آیین نامه اموال دولتی‌هستند ، شماره برچسب هر طبقه به دنبال شماره برچسب‌های سابق ادامه پیدا می‌کند. تبصره ۲ ـ نوع برچسب باید متناسب با وضعیت مال به صورتی که دوام لازم را داشته باشدتهیه و به نحوی الصاق گردد که صدمه و خسارتی به مال وارد نیاید. در صورتی که در مورد برخی ازاموال منقول غیرمصرفی بر حسب ضرورت از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی برچسب‌خاصی تعیین و اعلام گردد امین اموال مکلف است در مورد اینگونه اموال از همان نوع برچسب‌استفاده نماید. ماده ۶ ـ امین اموال مکلف است مشخصات کامل اموال منقول غیرمصرفی رسیده و فرستادەواحد ابوابجمعی خود را به ترتیب شماره تخصیصی و برحسب نوع و طبقه اموال در دفاتر مربوط‌ثبت نماید. تبصره ـ ثبت دفاتر موضوع این ماده باید با رعایت دستورالعمل طبقه بندی اموال به عمل آید. ماده ۷ ـ امین اموال مکلف است در مواقعی که باید مالی با رعایت مقررات به طور موقت یادایم از واحد اداری ذیربط خارج شود با توجه به مجوز صادر شده از طرف مقامات مجاز دستگاه‌مربوط پروانه خروج که دارای شماره ترتیب و حاوی مشخصات کامل مال باشد در سه نسخه صادرو نسخه اول را به خارج کننده مال و نسخه دوم را به واحد انتظامات تحویل و نسخه سوم را نزد خودنگهداری نماید ، پروانه مذکور باید به امضای امین اموال و مقام مجاز ذیربط رسیده باشد. تبصره ۱ ـ خروج خودروهای دولتی به منظور ارایه خدمت یا ماموریت اداری و از شمول این‌ماده خارج و تابع ضوابط مربوط به خود می‌باشد. تبصره ۲ ـ خروج دوچرخه ، موبیلت و موتور سیکلت و سایر وسایل نقلیه که به منظورخدمات یا انجام وظایف اداری تحویل کارکنان شده یا می‌شود و مسوولیت حفظ و نگهداری آنها به‌عهده شخص تحویل گیرنده می‌باشد ، از شمول این ماده خارج است تبصره ۳ ـ خروج موقت کتاب و نظایر آن از کتابخانه‌ها تابع ضوابط خاص خود است تبصره ۴ ـ در صورتی که مالی بدون پروانه خروج موضوع این ماده از واحد اداری ذیربط‌خارج شود ، مسولیت آن به عهده واحد انتظامات مربوط خواهد بود. ماده ۸ ـ امین اموال مکلف است صورتحساب اموال منقول غیرمصرفی رسیده و فرستاده نیمه‌هر سال را تا آخر مهرماه همان سال و صورتحساب نیمه دوم را تا آخر فروردین ماه سال بعد از روی‌دفاتر اموال در سه نسخه تنظیم و پس از امضای خود و رییس واحد ذیربط به ذیحسابی تحویل‌نماید. ذیحساب مربوط پس از بررسی صورتحساب و امضای آن یک

نسخه از آن را حسب مورد درمركز بـه وزارت امـور اقتصـادى و دارايى و در اسـتانها به اداره كـل امـور اقتصـادى ودارايى اسـتان مربوطارسال و نسخه ديگر آن را به واحـد متبوع ارسال و نسخه سوم را نزد خود نگهدارى نمايد. ماده ۹ ـ امين اموال مكلف است امـوال منقـول رسـيده و فرسـتاده مصـرفى و در حكم مصـرفيابوابجمعى خـود را در دفـترى مطـابق نمونه‌اى كه از طرف وزارت امور اقتصـادى و دارايى ابلاـغ شـده‌است ، ثبت نمـوده و صـورت موجـودى آخر سـال خود را در سه نسـخه تنظيم و پس از امضـاى خود ورييس واحد ذيربط به ذيحسابى ارسال نمايد. ذيحساب مربوط پس از بررسى صورتحساب و امضاى آن منتهى تا آخر فروردين ماه سـال بعـديك نسـخه آن را حسب مورد در مركز به وزارت امور اقتصادى و دارايى و در اسـتانها به اداره كل اموراقتصادى و دارايى اسـتان مربوط و يك نسخه آن را به واحد متبوع ارسال و نسخه آخر را نزد خودنگهدارى مى‌نمايد. ماده ۱۰ ـ دفاتر اموال بايد بدون خـدشه و قلم خوردگى ثبت و نگهـدارى شود و هرگـاه اشتباهى‌در ثبت اقلاـم رخ دهـد امين اموال مكلف است توضـيح لازم را به امضاى خود در سـتون ملاحظات درمقابل نام مال قيـد نمايد. ماده ۱۱ ـ در پايان سال مالى امين اموال ذيل آخرين رديف ثبت شـده دفاتر اموال را بسـته و امضامى‌نمايدو از صفحه بعدى همان دفتر جهت ثبت مشخصات اموال‌سال‌مالى‌بعداستفاده‌خواهدنمود. تبصره ـ ثبت مراتب حـذف هر قلم از اموال فرسـتاده در دفاتر بايستى در مقابل مشخصات‌رسـيده همان مال انجام شود. ماده ۱۲ ـ آن دسته از دسـتگاههاى دولتى مشـمول آيين نـامه كه بـا توجه به طبع و مـاهيت برخى ازاموال دولتى از قبيـل اموال موزه‌ها ، كتب كتابخانه‌ها و انواع كالاهاى انبارها ، براى حفظ و حراست وتنظيم و نگهدارى حساب و تحويل و تحول آنها از روشهاى خاصى استفاده مى‌نمايند ، با موافقت‌وزارت امور اقتصادى و دارايى در مورد اين قبيل اموال بجاى اسـتفاده از روشـهاى مقرر در اين‌آيين نامه روشهاى مربوط را اعمال خواهنـد نمود. ماده ۱۳ ـ امين اموال مكلف است اموال منقول امانى رسـيده را بلافاصـله بدون تخصـيص‌برچسب در دفترى كه نمونه آن توسـط وزارت امور اقتصـادى و دارايى تعيين مى‌شود ثبت و فهرسـتانها را در فرم مربوط كه به تاييـد ذيحسـاب يا اداره مجـاز از طرف او نيز رسـيده است در سه نسـخه‌تنظيم و يـك نسـخه را توسـط ذيحسـاب و حسب مـورد به وزارت امـور اقتصـادى و دارايى و يا اداره كل‌امور اقتصادى و دارايى اسـتان و نسخه دوم را به واحـد متبوع ارسال و نسخه سوم را نزد خودنگهـدارى نمايد. ماده ۱۴ ـ پس از انقضاى زمان تعيين شـده براى اسـتفاده از مال امانى ، امناى اموال واحدهاى‌گيرنـده و دهنـده مال امانى مكلفنـد به منظور استرداد مال مـذكور ، مراتب را بموقع به واحـدهاى متبوع‌خود گزارش نماينـد. در صورت استرداد مال بايـد صورتجلسه لازم مطابق نمونه مربوط در چهارنسخه تنظيم و پس از تاييد ذيحساب و يا افراد مجاز از طرف او نسخه‌اى به هر يك از واحدهاى‌متبوع و دو نسخه ديگر آن به تحويل دهنده و تحويل گيرنده تسليم شود. ماده ۱۵ ـ امين اموال (انباردار) موظف است در آخر هر سال نسبت به شمارش موجودى اموال‌تحت ابوابجمعى خود با حضور نماينده رييس دستگاه اجرايى ذيربط مطابق فرمى كه از طرف‌وزارت امور اقتصادى و دارايى تعيين مى‌گردد در سه نسـخه اقـدام و پس از تاييد رييس اداره وذيحساب مربوط حداكثر تا فروردين ماه سال بعد نسـخه اول را حسب مورد در مركز به اداره كل اموال‌دولتى و در اسـتانها به اداره كل امور اقتصادى و دارايى استان مربوط تحويل و نسـخه دوم را به واحـدمتبوع خـود ارسـال و نسـخه سـوم را نزد خود نگهـدارى نمايـد. مـاده ۱۶ ـ امين امـوال مكلـف است فهرسـت مشخصات اموال غير منقول ابوابجمعى خود راحداكثر ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ آيين نامه تهيه و به ذيحسابى مربوط ارسال و تغييرات‌بعـدى را بلافاصـله گزارش نماينـد. مـاده ۱۷ ـ چنـانچه اميـن امـوال منصـوب شـده بر اسـاس مـاده (۳۴) قانون محاسـبات عمومى‌كشـور ، همـان جمعـدار قبلى اموال باشـد امين اموال بايـد در دفـاتر مورد عمـل شـروع فعـاليت خود را باسـمت امين اموال و براساس اين آيين نامه مشـخص و تفكيك نمايـد و در مواردى كه واحـد مربوطقبلا داراى جمعـدار اموال بوده و امين اموالى غير از جمعـدار قبلى براى آن در نظر گرفته شود جمعدارسابق مكلف به تحويل اموال ابوابجمعى خود به امين اموال با تنظيم صورتجلسه‌اى كه به امضـاى‌رييس واحـد و ذيحسـاب مربوط يـا نماينـدگان آنهـا رسـيده باشـد خواهـد بود ، يك نسـخه از صورتجلسه‌مزبور براى ذيحساب ذيربط ارسال و نسـخه ديگر نزد امين اموال نگهـدارى مى‌شود. ماده ۱۸ ـ در صورتى كه امين اموال تغيير سـمت يـافته يا به

نحوی از انحا سمت امین اموالی ازوی سلب شود مکلف است بترتیب مقرر در ماده (۱۷) این آیین نامه نسبت به تحویل اموال‌ابوابجمعی خود به امین اموال جدید اقدام نماید. تبصره ـ در مواردی که امین اموال یا جمعدار سابق موضوع ماده (۱۷) این آیین نامه از تحویل‌ابوابجمعی خودبه امین اموال جدید استنکاف نماید یا به هر علت حضور وی برای تحویل اموال‌تحت ابوابجمعی میسر نباشد تحویل اموال و دفاتر و سوابق مربوط با حضور رییس واحد وذیحساب مربوط یا نمایندگان آنها و نماینده دیوان محاسبات کشور انجام خواهد شد. تحویل وتحول موضوع این تبصره مانع از رسیدگی واحد ذیربط در مورد علت استنکاف یا عدم حضور امین‌اموال یا جمعدار سابق و اقدامات قانونی لازم در این زمینه نخواهد بود. ماده ۱۹ ـ امین اموال مکلف است صورت اموال منقول غیرمصرفی موجود در هر الحاق یامحل را با ذکر مشخصات کامل در سه نسخه تنظیم و پس از امضای خود و یک نفر از کارکنان واحدذیربط که از طرف رییس اداره مربوط معرفی شده است ، تنظیم و یک نسخه آن را نزد خود نگهداری‌و نسخه دوم را به کارمند مذکور تحویل و نسخه سوم را در اطاق یا محل مربوط الصاق نماید. هرنوع نقل و انتقال و جابجایی در اموال موضوع این ماده با رعایت مقررات مربوط و با اطلاع قبلیامین اموال ذیربط مجاز می‌باشد و کارکنان فوق الذکر که صورت اموال به امضای آنها می‌رسدمکلفند قبل از هر نوع نقل و انتقال و جابجایی و همچنین در صورت بروز کسری و نقصان در اموال‌مزبور مراتب را از طریق رییس یا کارمند ارشد واحد ذیربط برای اقدامات لازم کتبا به امین اموال‌مربوط اعلام نمایند. تبصره ـ امین اموال می‌تواند به تشخیص و موافقت رییس هر واحد اموال منقول غیر مصرفی‌را که بر اساس وظایف و ماموریتهای محوله مورد استفاده یک یا چند نفر از کارمندان می‌باشد وحفظ و حراست این قبیل اموال با توجه به حجم یا سایر خصوصیات آنها توسط یکنفر از کارمندان‌مذکور مقدور باشد (مانند دوربین و ماشین حساب و نظایر آن با اخذ رسید ذیل صورت‌مشخصات اموال مزبور به کارمند مربوط بسپارد. صورت مشخصات مورد اشاره در سه نسخه تنظیم‌و نسخه اول آن نزد امین اموال نگهداری و نسخه دوم به تحویل گیرنده تسلیم و نسخه سوم در اطاق یا محل مربوط الصاق خواهد شد. کارمندانی که اموال موضوع این تبصره به آنها سپرده می‌شود تا زمانی که بر طبق وظایف وماموریتهای محوله اموال مذکور را در اختیار دارند در مورد حفظ و حراست آنها مسوول هستند ومکلفند این قبیل اموال را بلافاصله پس از رفع نیاز اداری یا تغییر سمت یا بازنشستگی با اخذ رسیدبه امین اموال مربوط تحویل نمایند. ماده ۲۰ ـ دستگاههای دولتی مکلفند با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی نسبت به تنظیم‌و اجرای برنامه‌های آموزشی لازم برای امنای اموال و سایر ماموران مربوط به منظور فراهم آوردن‌موجبات حسن اجرای وظایف و مسوولیتهایی که در رابطه با اموال دولتی تحت اختیار به عهده آنهامحول می‌باشد اقدام نمایند. ماده ۲۱ ـ امین اموال مکلف است در صورت مفقود شدن یا از بین رفتن یا وارد شدن خسارت‌به مال ناشی از سیل ، زلزله ، سرقت یا آتش سوزی یا هر علت دیگر مراتب را کتبا به واحد ذیربط‌اطلاع دهد تا پس از گواهی رییس واحد مزبور ، مراتب به وزارتخانه یا موسسه دولتی مربوط برای‌رسیدگی و اقدام لازم گزارش گردد. ماده ۲۲ ـ امین اموال اوراق بهادار که مسئولیت حراست و تحویل و تحول و تنظیم حساب‌اوراق در حکم وجه نقد را بر عهده دارد وظایف خود را با رعایت این آیین نامه و بر اساس‌دستورالعملی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و ابلاغ می گردد زیر نظر ذیحساب انجام‌خواهد داد. ماده ۲۳ ـ با توجه به اهمیت وظایف و مسوولیتهای امنای اموال و ضرورت حفظ و حراست‌اموال دولتی که قسمتی از بیت المال را تشکیل می‌دهد سازمان امور اداری و استخدامی کشورموظف است فوق العاده شغل امین اموال و شغل موزه دار را که از لحاظ رعایت مسوولیتهای‌موضوع این آیین نامه در حکم امین اموال می‌باشد و همچنین موارد نظیر را به نحوی پیش‌بینی نمایدکه انگیزه جذب افراد واجد صلاحیت برای مشاغل مذکور فراهم گردد.

قانون انحلال صندوق مشترک شهرداریها – مصوب ۱۲/۸/۱۳۶۲

ماده واحده ـ به موجب این قانون صندوق مشترک شهرداریها منحل و به مجمع عمومی‌صندوق فوق اختیار داده می‌شود که نسبت به

تعیین اعضا هیات تصـفیه اقدام نماید. هیات تصـفیه بر طبق مقررات قانون تجارت و این قانون نست به امر تصـفیه اقدام خواهد نمود. تبصره ۱ ـ وزارت کشور مکلف است درآمدهای مشـروع این صـندوق و درآمدهای حاصل ازاجرای قانون لغو عوارض دروازه‌ای و سـایر درآمـدهای مرکزی شـهرداریها و وجوه حاصـل ازبـازپرداخت وامهـای صـندوق مشترک شـهرداریها را طبق آیین نـامه ای که حـداکثر ظرف سه ماه از تاریخ‌تصویب این قانون توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسـید به منظور نیل‌به خودکفایی بین شهرداریهای کشور توزیع نماید. تبصره ۲ ـ باقیمانده وامهای تصویبی و پرداخت نشده صندوق مشترک شهرداریها از تاریخ انحلال غیرقابل پرداخت می‌باشد و اقساط کلیه وامهای پرداختی صندوق مشترک بر طبق قراردادهای منعقده بین شهرداریها و صندوق توسط وزارت کشور وصول خواهد شد تا بر اساس آیین نامه موضوع تبصـره (۱) این قانون مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۳ ـ کلیه اموال و دارایی‌هـای صـندوق مشترک در تاریـخ انحلالـی به حوزه معاونت امورمحلی و عمران شـهری وزارت کشور انتقال خواهد یافت تبصـره ۴ ـ هیـات تصـفیه موظف است نسـبت به انتقـال کارکنان صـندوق مشترک به وزارت‌کشور و حتی الامکان در سازمانهـای گسترش وزارت کشور و سایر سازمانهای دولتی شـهرداریها وشـرکتهای دولتی اقـدام نمایـد. تبصـره ۵ ـ هیات تصـفیه تا پایان کار تصفیه می‌تواند از مانده وجوه مربوط به اعتبارات بودجه‌جاری سال ۱۳۶۱ صندوق نسبت به انجام هزینه‌های جاری مربوط به امر تصفیه اقدام نماید.

تصویبنامه راجع به تعیین مبنای پیمانها و شاخص‌های تعدیل توسط شورای عالی فنی سازمان برنامه و بودجه

روزنامه رسـمی شماره ۱۳۳۴۳ ـ ۲۹/۹/۱۳۶۹ هیـات وزیران در جلسه مـورخ ۹/۸/۱۳۶۹ بنـا به پیشـنهاد سازمـان برنامه و بودجه و به استناد ماده ۲۳) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ تصویب نمود: شورای عالی فنی در بررسـی و تصویب قیمتهای پایه و ضوابط و دسـتورالعملهای مربوط به آن موارد زیر را ملحوظ نمایـد. ۱ ـ تاریـخ انتشـار فهرست بهـای مورد عمل به عنوان شاخص مبنای پیمان تعیین گردد. ۲ ـ شـاخص هـای تعـدیل به صورت واقعی و با تناوب‌های حـداکثر (۶) مـاهه تعیین و منتشـر گردد. معـاون اول رئیس جمهور ـ حسن حبیبی

موافقتنامه ، شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان (بخشنامه به دستگاههای اجرایی ، مهندسان مشاور و پیما

شماره ۸۴۲/۵۴ ـ ۱۰۸۸/۱۰۲ تاریخ ۳/۳/۱۳۷۸ موضوع ابلاغ موافقتنامه شـرایط عمومی و شـرایط خصوصی پیمانها و مقررات آنها به استناد ماده ۲۳ قـانون برنامه و بودجه آیین نامه اجرایی آن ونظام فنی و اجرایی طرحهای‌عمرانی کشور (مصوبه ۴/۴/۲۴۵۲۵۱۳۷۵/ت ۱۴۸۹۸ ه هیـات وزیران به پیوست ، موافقتنـامه ، شـرایط‌عمومی و شـرایط خصوصـی پیمـان کارهای پیمانکاری و مقررات مربوط به آنها که از نوع گروه اول لازم‌الاجرا) به شمار می‌رود ، ارسال می‌شود تا از تاریخ ابلاغ ، برای انعقاد پیمانها مورد عمل قرارگیرد. در مواردی که این مجموعه ، به طور کامـل پاسـخگوی نیازکـار نیست ، دسـتگاه اجرایی ، تغییرات‌مورد نظر خود را به سازمان برنامه و بودجه پیشـنهاد می‌نمایـد تا پس از تاییـد سازمان برنامه وبودجه ، به مورد اجرا گذاشـته شود. پیمانهای حمل و نقل ، پیمانهای خرید مصالح ، تجهیزات و ماشـین آلات و پیمانهای تهیه ونصب تجهیزات صـنعتی که بیشتر از ۷۵ درصد براورد هزینه آنها مربوط به تهیه تجهیزات و ماشـین‌آلات است ، مشـمول این بخشـنامه نیست محمـدعلی نجفی معاون رییس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه فصـل اول تعاریف و مفاهیم ماده ۱ ـ پیمـان پیمان ، مجموعه اسـناد و مـدارکی است که در ماده ۲ موافقتنامه پیمان درج شده اسـت ماده ۲ ـ موافقتنامه موافقتنامه ، سندی است که مشخصات اصلی پیمان ، مانند مشخصات دو طرف ، موضوع ، مبلغ ومدت پیمان ، در آن بیان شده است ماده ۳ ـ شرایط عمومی شرایط عمومی ، مفاد همین متن است که شرایط عمومی حاکم بر پیمان را تعیین می‌کند.

ماده ۴ ـ شرایط خصوصی شرایط خصوصی ، شرایط خاصی است که به منظور تکمیل شرایط عمومی ، برای این پیمان ، باتوجه به وضعیت و ماهیت آن ، تنظیم شده است موارد درج شده در شرایط خصوصی ، هیچ گاه‌نمی‌تواند مواد شرایط عمومی را نقض کند. ماده ۵ ـ برنامه زمانی اجرای کار الف برنامه زمانی کلی برنامه‌ای است که در آن ، زمانبندی کلی کارهای مورد پیمان برحسب ماه ، منعکس گشته و در اسناد و مدارك پیمان درج شده است ب برنامه زمانی تفصیلی برنامه‌ای است که زمانبندی فعالیتهای مختلف کارهای موضوع پیمان ، به‌تفصیل و در چارچوب برنامه زمانی کلی ، در آن آمده است ماده ۶ ـ کارفرما کارفرما ، شخص حقوقی است که یك سوی امضا کننده پیمان است و عملیات موضوع پیمان را براساس اسناد و مدارك پیمان ، به پیمانکار واگذار کرده است نمایندگان و جانشینهای قانونی کارفرما ، در حکم کارفرما می‌باشند. ماده ۷ ـ پیمانکار پیمانکار ، شخص حقوقی یا حقیقی است که سوی دیگر امضا کننده پیمان است واجرای موضوع‌پیمان را بر اساس اسناد و مدارك پیمان ، به عهده گرفته است نمایندگان و جانشینهای قانونی‌پیمانکار ، در حکم پیمانکار می‌باشند. ماده ۸ ـ مدیر طرح مدیر طرح ، شخص حقوقی است که به منظور مدیریت اجرای کار ، در چارچوب اختیارات تعین شده‌در اسناد و مدارك پیمان ، از سوی کارفرما به پیمانکار معرفی می‌شود. ماده ۹ ـ مهندس مشاور ، مهندس ناظر الف مهندس مشاور ، شخص حقوقی یا حقیقی است که برای نظارت بر اجرای کار ، در چارچوب‌اختیارات تعیین شده در اسناد و مدارك پیمان ، از سوی کارفرما به پیمانکار معرفی می‌شود. ب مهندس ناظر ، نماینده مقیم مهندس مشاور در کارگاه است و در چارچوب اختیارات تعیین شده‌در اسناد و مدارك پیمان به پیمانکار معرفی می‌شود. ماده ۱۰ ـ رییس کارگاه رییس کارگاه ، شخصی حقیقی دارای تخصص و تجربه لازم است که پیمانکار ، او را به مهندس مشاورمعرفی می‌کند تا اجرای موضوع پیمان در کارگاه را سرپرستی کند. ماده ۱۱ ـ پیمانکار جز پیمانکار جز ، شخصی حقیقی یا حقوقی است که تخصص در انجام کارهای اجرایی رادارد وپیمانکار برای اجرای بخشی از عملیات موضوع پیمان ، با او قرارداد می‌بندد. ماده ۱۲ ـ کار ، کارگاه ، تجهیز و برچیدن کارگاه الف کار ، عبارت از مجموعه عملیات ، خدمات یا اقدامات مورد نیاز ، برای آغاز کردن ، انجام و پایان‌دادن عملیات موضوع پیمان است و شامل کارهای دایمی است که باقی خواهد ماند و به عنوان‌موضوع پیمان تحویل کارفرما می‌گردد ، و کارهای موقتی است که به منظور اجرا و نگهداری موضوع‌پیمان انجام می‌شود. ب کارگاه ، محل یا محلهایی است که عملیات موضوع پیمان در آن اجرا می‌شود یا به منظور اجرای‌پیمان ، با اجازه کارفرما از آن استفاده می‌کنند. کارگاهها با کارخانه‌های تولیدی خارج از محلها وزمینهای تحویلی کارفرما ، که به منظور ساخت تجهیزات یا قطعاتی که در کار نصب خواهد شد مورداستفاده قرار می‌گیرد ، جزو کارگاه به شمار نمیاید. ج تجهیز کارگاه ، عبارت از عملیات ، اقدامها و تدارکاتی است که بایـد به صورت موقت برای دوره‌اجرا انجام شود ، تا آغاز کردن و انجام دادن عملیات موضوع پیمان ، طبق اسناد و مدارك پیمان ، میسرشود. د) برچیدن کارگاه ، عبارت از جمع آوری مصالح ، تجهیزات ، تاسیسات و ساختمانهای موقت ، خارج‌کرد مواد زاید ، مصالح ، تجهیزات ، ماشین آلات و دیگر تدارکات پیمانکار از کارگاه و تسطیح و تمیزکردن محلهای تحویلی کارفرما می‌باشد. ماده ۱۳ ـ مصالح ، تجهیزات ، مصالح و تجهیزات پای کار ، ماشین آلات و ابزار ، تاسیسات‌و ساختمانهای موقت ، وسایل الف مصالح ، عبارت از مواد ، اجناس و کالاهایی است که در عملیات موضوع پیمان مصرف یانصب شده و در کار باقی می‌ماند. ب تجهیزات ، عبارت از دستگاه‌ها و ماشین آلاتی است که در عملیات موضوع پیمان نصب شده ودر کار باقی می‌ماند. ج مصالح و تجهیزات پای کار ، عبارت از مصالح و تجهیزاتی است که پیمانکار ، با توجه به اسناد ومدارك پیمان برای اجرای موضوع پیمان ، تهیه کرده و در محل یا محلهایی از کارگاه که در طرح‌جانمایی تجهیز کارگاه به عنوان انبار کارگاه یا محل انباشت مصالح تعیین گردیده است ، نگهداری ومحافظت می‌کند. مصالح و تجهیزات موجود در محل مصرف یا نصب نیز مصالح و تجهیزات پای‌کار نامیده می‌شود. تبصره ـ قطعات پیش ساخته و تجهیزاتی که در اجرای موضوع پیمان ، با اجازه کارفرما و زیرنظرمهندس مشاور ، در کارگاهها یا کارخانه‌های تولیدی خارج از کارگاه ساخته شده است نیز در حکم‌مصالح و تجهیزات پای کار به شمار می‌رود. د)

ماشین آلات و ابزار ، عبارت از دستگاهها ، تجهیزات ، ماشین آلات ، و به طور کلی ، ابزارهای اجرای‌کار است که به منظور اجرای موضوع پیمـان به صورت موقت به کـار گرفته می‌شود. ماشـین آلاـت وابزار را ممکن است ماشـین آلات نیز بنامنـد. ه) تاسیسات و ساختمانهای موقت ، عبارت از انواع ساختمانها ، محوطه سازیها ، انبارها ، تاسیساتاب ، برق ، سوخت و مخابرات ، شالوده دستگاهها ، و به طور کلی ، تمام تاسیسات و بناهایی که به‌صورت موقت ، برای دوره اجرا تامین شـده و جزو کارهای تجهیز کارگاه به شـمار می‌رود. و) وسایـل ، عبـارت از اثـاثیه اداری ، مسـکونی ، آشپزخانه و دیگر لوازم مورد نیازی است که برای دوره‌اجرا تامین شـده و جزو تجهیز کارگـاه منظور می‌شود. ماده ۱۴ ـ براورد هزینه اجرای کـار ، مبلغ پیمـان ، مبلغ اولیه پیمـان ، مبلغ نهایی پیمان ، ضـریب پیمان ، نرخ پیمان ، مدت پیمان ، مدت اولیه پیمان ، متوسط کارکرد فرضی ماهانه الف براورد هزینه اجرای کار ، مبلغی است که به عنوان هزینه اجرای موضوع پیمان ، به وسیله‌کارفرما محاسبه و اعلام شده است ب مبلغ پیمان ، مبلغ درج شده در ماده ۳ موافقتنامه با احتساب مبلغ ناشی از تغییر مقادیر کار وقیمت جدید است مبلغ پیمان هنگام مبادله پیمان ، همان مبلغ درج شده در ماده ۳ موافقتنامه است‌که مبلغ اولیه پیمـان نامیـده می‌شود. ج مبلغ نهـایی پیمان ، مبلغ درج شـده در ماده ۳ موافقتنـامه و تغییرات احتمالی است که بر اساس‌اسناد و مدارک پیمان ، در آن ایجاد می‌شود. د) ضریب پیمان ، حاصل تقسیم مبلغ اولیه پیمان به مبلغ براورد هزینه اجرای کار است ه) نرخ پیمـان ، در مورد هر یـک از اقلاـم کـار ، عبـارت از بهـای واحـد آن‌قلم کـار در فهرست بهـای منضم به‌پیمان با اعمال ضریب پیمـان و ضـریبهای پیش‌بینی شـده در فهرست بهـا و مقادیر کار است درپیمانهایی که مشـمول تعـدیل آحادبها هستند ، نرخ پیمـان ، نرخ محاسـبه شـده به روش پیشـگفته ، پس ازاعمال تعـدیل آحادبها می‌باشـد. و) متوسط کارکرد فرضـی ماهانه ، عبارت از حاصـل تقسیم مبلغ اولیه پیمـان به مـدت اولیه پیمان‌است ز) مـدت پیمان یا مـدت اجرای کار ، مـدت درج شـده در بنـد ب ماده ۴ موافقتنامه و تغییرات احتمالیاست که بر اساس ماده ۳۰ در آن ایجاد می‌شود. مـدت پیمان هنگام مبادله پیمان ، همان مدت درج‌شده در ماده ۴ موافقتنامه است که مدت اولیه پیمان نامیده می‌شود. ماده ۱۵ ـ روز ، ماه ، تاریخها ، مفرد و جمع ، عنوانها الف روز و ماه ، روز و مـاه تقویمی و شمسـی است ب تاریخها طبق تقویم رسـمی کشور است ج هرجا که معنای عبارت ایجاب کنـد ، کلمات مفرد معنای جمع و کلمات جمع معنای مفرد دارند د) عنوانهای به کار رفته در متون موافقتنامه یا شرایط عمومی و دیگر قسمتهای اسناد و مدارک‌پیمان ، صـرفا به منظور راهنمایی و آگاهی از مفاداسـناد و مدارک است و نمی‌توان در تفسیر اسـناد ومدارک پیمان از آنها استفاده کرد. فصل دوم تاییدات و تعهدات پیمانکار ماده ۱۶ ـ تاییدات پیمانکار مواد زیر را پیمانکار تایید می‌نماید: الف تمام اسناد و مدارک موضوع ماده ۲ موافقتنامه را مطالعه نموده و از مفاد آن کاملا آگاه شده‌است ب نسبت به تامین نیروی انسانی مورد نیاز و تـدارک مصالـح ، تجهیزات ، ماشـین آلات و ابزار اجرای‌کار طبق مشـخصات در محل یا از نقاط دیگر ، اطمینان یافته است ج محل اجرای کار را دیده و بررسـی کرده است و از وضـعیت آب و هوا ، بارندگی و امکان اجرای کاردر فصـلهای مختلف سال ، با توجه به آمـار ۲۰ سـال پیش از تاریـخ ارایـه پیشـنهاد قیمت و در نظر گرفتن‌مـدت اجرای کـار ، اطلاـع یـافته است د) از قـوانین و مقررات مربوط به کار ، بیمه‌های اجتماعی ، مالیاتها ، عوارض و دیگر قوانین ومقررات ، که تا تاریخ تسلیم پیشنهاد معمول و مجرا بوده است ، کاملاـ مطلع بوده و متعهـد است که‌همه آنهـا را رعـایت کنـد. در هر حـال ، مسـئولیت عـدم رعـایت قوانین و مقررات یـاد شـده ، برعهـده‌پیمانکار است ه) در تهیه پیشـنهاد قیمت ، سود مورد نظر خود و تمام هزینه‌های ناشـی از مفاد بنـدهای بالا را در نظرگرفته و بعـدا از هیـچ بابت ، حق درخواست اضافه پرداختی ندارد. به هر حال ، پیمانکار تایید می‌نماید که هنگام تسـلیم پیشـنهاد ، مطالعات کافی انجام داده و هیـچ‌موردی باقی نمانـده است که بعدا در مورد آن اسـتناد به جهل خود نماید. ماده ۱۷ ـ کارکنان الف پیمانکار متعهد است که عملیات موضوع پیمان را به وسیله افرادی که در کار خود تخصـص وتجربه کافی دارند ، انجام دهد. کسانی که در اجرای این پیمـان ، خـدماتی برای پیمانکـار انجـام می‌دهنـد ، کارکنان پیمانکار شـناخته می‌شونـد. اگر در اسـناد و مـدارک پیمان ، استفاده از متخصـصان خـارجی‌پیش‌بینی شـده باشـد ، پیمانکـار متعهـد است قبلاـ وضـعیت اسـتخدام ، ماننـد میزان حقوق و مزایـا ،

مدتاستخدام و محل اقامت و مشخصات آنها را به وسیله مهندس مشاور به اطلاع کارفرما برساند و بارعایت مقررات ذی‌ربط و تامین هزینه‌های مربوط ، برای استخدام آنها اقدام کند. کارفرما تسهیلات‌لازم را برای استخدام متخصصان یاد شده فراهم می‌نماید. تشخیص لزوم و حدود تسهیلات مزبوربا کارفرماست و این مساعدت از مسئولیت پیمانکار نمی‌کاهد. ب تامین نیروی انسانی مورد نیاز و محل سکونت مناسب ، آب آشامیدنی و روشنایی کافی برایانها به عهده پیمانکار است پیمانکار باید برای تدارک دایمی آذوقه کارگران ، اقدامات لازم به عمل آورد ، بدون آنکه این اقدام‌برای وی حق انحصاری ایجاد کند و به آزادی کارگران در تامین مواد مورد نیاز آنها ، از هر منبعی که‌مایل به تحصیل آن باشند ، محدودیتی وارد سازد. بهای آذوقه که بدین ترتیب از طرف پیمانکار تهیه‌می‌شود ، نباید از بهای جنس مشابه در نزدیکترین شهر یا محل گرانتر باشد و پیمانکار نمی‌تواندهزینه‌های دیگری ، مانند هزینه حمل را به قیمتهای خرید اضافه کند. ج کارکنان ایرانی کارگاه باید دارای شناسنامه و کارکنان بیگانه کارگاه باید دارای پروانه اقامت و اجازه‌کار باشند. د) پیمانکار نباید کارکنان شاغل کارفرما وزارتخانه‌ها ، سازمانها و شرکتهای دولتی و شهرداریها رابدون اجازه مسئولان ذی‌ربط استخدام نماید. همچنین پیمانکار باید از به کار گماشتن اشخاصی که‌استخدام آنها از نظر اداره وظیفه عمومی مجاز نیست خودداری کند. ه) پیمانکار موظف است که برای کارگران کارنامه کارکرد روزانه صادر کند و در اختیار آنان قرار دهد.مهندس ناظر می‌تواند از ادامه کارگران بدون کارنامه جلوگیری نماید. و) پیمانکار متعهد است که دستمزد کارگران خود را طبق قانون کار مرتبا پرداخت کند. در صورتی که‌در پرداخت دستمزد کارگردان تاخیری پیش آید ، مهندس مشاور به پیمانکار اخطار می‌کند که طلب‌کارگران را پرداخت نماید. در صورت استنکاف پیمانکار ، کارفرما می‌تواند دستمزد کارگران را برای‌ماه یا ماههایی که صورت وضعیت آن به پیمانکار پرداخت شده است ، طبق کارنامه‌های کارگری که‌در دست کارگران و دارای امضای رییس کارگاه است ، با توجه به پرداختهای علی الحساب که به آنهاشده است ، با حضور نماینده مهندس مشاور و پیمانکار ، از محل مطالبات پیمانکار پرداخت کند ومبلغ پرداختی را به اضافه ۱۵ درصد ، به حساب بدهی پیمانکار منظور نماید و اگر مطالبات پیمانکارکافی نباشد ، از محل تضمینهای پیمانکار تامین کند. در صورتی که نماینده پیمانکار ، با وجود اخطارمهندس مشاور ، از حضور برای پرداختها خودداری کند ، کارفرما پرداخت مزبور را انجام می‌دهد ، بدون اینکه پیمانکار حق اعتراضی بر این عمل و مبلغ پرداختی و تعداد کارگران و میزان استحقاقیانان داشته باشد. در صورت تکرار تاخیر در پرداخت دستمزد کارگران به مدت بیش از یک ماه ، برای‌ماهی که صورت وضعیت آن پرداخت شده است ، کارفرما می‌تواند پیمان را فسخ نماید. ز) پیمانکار می‌کوشد تا حد ممکن ، کارگران مورد نیاز خود را از بین ساکنان منطقه اجرای کار ، که‌صلاحیت انجام کارهای موضوع پیمان را داشته باشند ، انتخاب کند و به کار گمارد. ح پیمانکار موظف به اجرای مقررات بیمه‌های درمانی و اجتماعی ، مقررات و دستورالعملهای‌حفاظت فنی و بهداشت کار است ط در اجرای این پیمان ، پیمانکار در مقابل کارفرما ، مسئول اعمال کارکنان خود است ، هرگاه کارکنانو کارگران پیمانکار و پیمانکاران در صلاحیت لازم را برای انجام کار مربوط را نداشته باشند نظم‌کارگاه شوند ، مهندس مشاور یا مهندس ناظر ، مراتب را برای بار اول به رییس کارگاه تذکر می‌دهد ، ودر صورت تکرار ، می‌تواند از پیمانکار بخواهد که متخلفان را از کار برکنارکند. در این صورت ، پیمانکار مکلف به اجرای این دستور است و حق ندارد برکنار شدگان را بار دیگر در همان کارگاه به‌کار گمارد. اجرای این دستور از مسئولیتهای پیمانکار نمی‌کاهد و ایجاد حقی برای او نمی‌کند. ماده ۱۸ ـ مسئولیت حسن اجرای کار ، برنامه کار ، گزارش پیشرفت کار ، هماهنگی باپیمانکاران دیگر ، رییس کارگاه الف پیمانکار مسئولیت کامل حسن اجرای کارهای موضوع پیمان را طبق اسناد و مدارک پیمان به‌عهده دارد. ب پیمانکار متعهد است که سازمان ، روش اجرا و برنامه زمانی تفصیلی اجرای کار را طبق نظرمهندس مشاور بر اساس نقشه‌های موجود و برنامه زمانی کلی تهیه کند و ظرف یک ماه از تاریخ‌مبادله پیمان ، یا مدت دیگری که در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده است ، تسلیم مهندس مشاورنماید تا پس از اصلاح و تصویب کارفرما برای اجرا به پیمانکار ابلاغ شود. اگر در اسناد و

مدارک‌پیمان ، جزییاتی برای چگونگی تهیه برنامه زمانی تفصیلی و به هنگام کردن آن تعیین شده باشد ، پیمانکار ملزم به رعایت آن می‌باشد. ج در صورتی که حین اجرای کار ، پیمانکار تشخیص دهد که تغییراتی در برنامه زمانی تفصیلی‌ضروری است ، موظف است که پیش از رسیدن موعد انجام کارهایی که به نظر او باید در برنامه آن‌تغییر داده شود ، مراتب را با ذکر دلیل ، به مهندس مشاور اطلاع دهد. مهندس مشاور ، تغییرات موردتقاضای پیمانکار را در قالب برنامه زمانی کلی رسیدگی می کند و آنچه را که قبول است ، پس ازتصویب کارفرما ، به پیمانکار ابلاغ می کند. بدیهی است که این تغییرات در حدود مندرجات پیمان ، از میزان تعهدات و مسئولیتهای پیمانکار نمی کاهد. اگر تغییر برنامه زمانی تفصیلی از سوی مهندس مشاور مطرح شود ، پیمانکار با توجه به نظر مهندس‌مشاور ، تغییرات برنامه زمانی تفصیلی را تهیه می کند و به شرح پیشگفته ، برای طی مراتب بررسی وتصویب ، تسلیم مهندس مشاور می‌نماید. د) پیمانکار متعهد است که هماهنگی لازم را با دیگر پیمانکاران یا گروههای اجرایی متعلق به‌کارفرما ، که به نحوی با موضوع قرارداد مرتبط هستند ، به عمل آورند. برنامه ریزی چگونگی این‌هماهنگی توسط مهندس مشاور به پیمانکار ابلاغ می‌شود. ه) پیمانکار مکلف است که در پایان هر ماه گزارش کامل کارهای انجام شده در آن ماه را تهیه نماید.شکل و چگونگی تهیه گزارش را مهندس مشاور تعیین می کند. این گزارش ، شامل مقدار و درصدفعالیتهای انجام شده ، میزان پیشرفت یا تاخیر نسبت به برنامه زمانی تفصیلی ، مشکلات و موانع‌اجرایی ، نوع و مقدار مصالح و تجهیزات وارد شده ، به کارگاه تعداد و نوع ماشین آلات موجود وآماده به کار ، تعداد و تخصص نیروی انسانی موجود و دیگر اطلاعات لازم می‌باشد. در صورتی که‌جزییات دیگری برای چگونگی تهیه گزارش پیشرفت کار در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده باشد ، پیمانکار موظف به رعایت آن است و) پیمانکار متعهد است که یک نسخه از برنامه ، نمودارها و جدولهای پیشرفت کار را در کارگاه آماده‌داشته باشد تا در صورت لزوم ، مهندس مشاور و کسانی که اجازه بازدید از کارگاه را دارند ، از آن‌استفاده کنند. ز) پیمانکار باید پیش از آغاز عملیات ، شخص واجد صلاحیتی را که مورد قبول مهندس مشاورباشد ، به عنوان رییس کارگاه معرفی نماید. رییس کارگاه باید در اوقات کار در کارگاه حاضر باشد وعملیات اجرای ، با مسئولیت و نظارت او انجام شود. اگر ضمن کار معلوم شود که رییس کارگاه قادربه انجام وظایف خود نیست ، مهندس مشاور ، با ذکر دلیل ، درخواست تعویض او را از پیمانکارخواهد کرد و پیمانکار مکلف است ظرف یک ماه ، شخص واجد صلاحیت دیگری را که مورد قبول‌مهندس مشاور باشد ، معرفی کند. پیمانکار باید به منظور اجرای کار و دریافت دستور کارها و نقشه‌ها از مهندس مشاور و همچنین‌برای تنظیم صورت وضعیتهای موقت ، اختیارات کافی به رییس کارگاه بدهد. هر نوع اخطار و اعلام‌که مربوط به اجرای کار باشد و از طرف مهندس مشاور یا نماینده او به رییس کارگاه ابلاغ شود ، درحکم ابلاغ به پیمانکار است پیمانکار می‌تواند در صورت لزوم رییس کارگاه را عوض کند ، مشروط به اینکه پیش از تعویض ، مراتب را به اطلاع مهندس مشاور برساند و صلاحیت جانشین او مورد قبول نامبرده باشد. ماده ۱۹ ـ کنترل نقاط نشانه پیاده کردن نقشه‌ها ، اندازه گیریها الف پیمانکار ، پیش از آغاز عملیات موضوع پیمان ، باید نقاط نشانه و مبدأ را از لحاظ تطبیق بانقشه‌ها کنترل نماید و در صورتی که اختلافی موجود نباشد ، درستی آنها را تایید و اعلام دارد و درصورتی که اختلافی وجود داشته باشد ، مراتب را به اطلاع مهندس مشاور برساند تا وضع موجود بامهندس مشاور و کارفرما صورتمجلس شود و ملاک شروع عملیات قرار گیرد. بدیهی است که پس ازآغاز عملیات ، هیچگونه اعتراضی از جانب پیمانکار در این زمینه پذیرفته نیست پس از تحویل هر قسمت از کارگاه ، پیمانکار باید بی درنگ ، نقاط نشانه و مبدأ و همچنین علایم‌مربوط به آنها را با بتن یا مصالح بنایی تثبیت نماید ودر طول مدت اجرای کار تا تحویل موقت به‌هزینه خود حفظ و نگهداری کند. ب پیمانکار متعهد است که نقشه‌ها ، امتدادها و محورها را با نظارت مهندس مشاور پیاده کند ودرستی آنها را با مهندس مشاور صورتمجلس کند. در صورتی که هنگام پیاده کردن نقشه‌ها ، امتدادهاو محورها ، اختلافی در مورد تراز زمین طبیعی با تراز آنها در مدارک فنی مشاهده شود ، وضع موجودرا پیمانکار و مهندس مشاور و کارفرما صورتمجلس می کنند. تراز کف پی بناها و

زیرسازی راهها و تمام عملیاتی که پس از انجام کار پوشیده می‌شوند وبعدا مرییی‌نیستند ، یا به هر صورت ، کنترل و اندازه گیری کامل آنها میسر نباشد ، باید پیش از پوشیدن شدن یا ازبین رفتن آثار آنها ، صورتمجلس شود و به امضای مهندس ناظرو رییس کارگاه برسد. این‌صورتمجلسها ، ملاک اندازه گیری‌ها در تنظیم صورت وضعیتهاست اگر پیمانکار عملیاتی را که بایدمورد آزمایش یا بازدید قرار گیرد و تایید شود ، پیش از آنکه اقدامات پیشگفته انجام شود بپوشاند ، موظف است پوششهای انجام شده را به هزینه خود بردارد و پس از انجام آزمایشها و بازدیدهای لازمو تایید انجام کار از سوی مهندس ناظر ، به هزینه خود ، نسبت به پوشش مجدد و اصلاح کار اقدام‌کند. ج اندازه گیریها بر اساس نقشه‌های اجرایی ، دستور کارهای اجرا شده و صورتمجلسها ، که شامل‌کروکیهای لازم و روشن است ، انجام می‌شود. ماده ۲۰ ـ تجهیز کارگاه ، تدارک مصالح ، تجهیزات و ماشین آلات الف پیمانکار موظف است که پس از تحویل گرفتن کارگاه ، با توجه به مدت تعیین شده برای تجهیز ، طرح جانمایی تجهیز کارگاه را تهیه کرده و پس از تایید مهندس مشاور ، آن را مبنای تجهیز کارگاه قراردهد. تامین آب ، برق ، سوخت و مخابرات ، و به طور کلی تجهیز کامل کارگاه ، به نحوی که برایاجرای کار طبق اسناد و مدارك پیمان لازم است ، به عهده پیمانکار می‌باشد ، مگر آنکه در اسناد ومدارك پیمان ، ترتیب دیگری پیش‌بینی شده باشد. ب تامین نیروی انسانی ، مصالح و تجهیزات ، ماشین آلات و ابزار به عهده پیمانکار است ، مگر آنکه‌در اسناد و مدارك پیمان ، ترتیب دیگری پیش‌بینی شده باشد. مصالح و تجهیزاتی که پیمانکار برای انجام عملیات موضوع پیمان تهیه و در کارگاه نگهداری می‌کندباید به قرار زیر باشد: ۱) اگر منابع تهیه مصالح و تجهیزات در اسناد و مدارك پیمان تعیین شده یا بعدا معین شود ، باید ازهمان منابع تهیه گردید. نمونه یا کاتالوگ فنی مصالح و تجهیزات از نظر تطبیق با مشخصات فنی ، پیش از سفارش ، به تایید مهندس مشاور برسد. در هر حال ، از نظر مرغوبیت باید کاملا طبق‌مشخصات فنی باشد و مورد تایید مهندس مشاور قرار گیرد. ۲) ذکر منابع تهیه مصالح و تجهیزات در اسناد و مدارك پیمان یا تعیین آنها ضمن اجرا ، از تعهدات‌پیمانکار در قبال مصالح و تجهیزات و کافی نمی‌کاهد. بدین روی ، پیمانکار موظف است با مطالعه‌کافی نسبت به امکانات محلی و کیفیت منابع تهیه مصالح و تجهیزات ، نظر و پیشنهاد خود را تسلیم‌مهندس مشاور کند. در صورتی که استفاده از این قبیل منابع مورد موافقت مهندس مشاور و کارفرماقرار گیرد. اقدام به تهیه و حمل آنها نماید. بدیهی است که کارفرما این حق را دارد که منابع تهیه‌مصالح را تغییر دهد و پیمانکار موظف به رعایت آن می‌باشد. اگر به مناسبت این تغییر محل ، اضافه‌یا کسر هزینه‌ای بابت تغییر مسافت حمل یا عوامل دیگر ایجاد شود ، تفاوت بها ، به اقتضای مورد ، ازپیمانکار کسر یا به او پرداخت می‌شود. پیمانکار ملزم به رعایت مقررات مربوط به استخراج و بهره‌برداری شن و ماسه و دیگر مصالح معدنی است ۳) نوع مقدار و تاریخ ورود مصالح و تجهیزات به کارگاه باید با مهندس ناظر صورتمجلس شود.مصالح باید به طور مرتب به نحوی انبار شود که تمام آن به سهولت قابل بازرسی ، شمارش یا اندازه گیری باشد. انبار مصالح باید از هر لحاظ قابل حفاظت بوده تا مصالح در مقابل عوامل جوی وعوامل دیگر مصون باشد. ج هرگاه تهیه یا توزیع مصالح و لوازمی در داخل کشور در انحصار دولت باشد ، کارفرما تسهیلات‌لازم برای تهیه آن مصالح و لوازم را فراهم می‌کند. اگر تهیه بعضی از مصالح یا لوازم ، طبق مشخصات‌ذی‌ربط در داخل کشور میسر نباشد و ورود آنها هم از طرف دولت ممنوع شده یا بشود ، کارفرما یاخودش اجازه ورود مصالح و لوازم مزبور را برای پیمانکار تحصیل می‌کند یا مشخصات را تغییرمی‌دهد. د) در مواردی که مصالح و تجهیزاتی باید به وسیله پیمانکار از خارج کشور تهیه شود ، کارفرما اجازه‌ورود آنها را از سازمانهای ذی‌ربط به هزینه پیمانکار تحصیل می‌نماید. همراه ضمن اجرای کار ، محدودیتهای جدید پیش آید که به علت آن ، پیمانکار نتواند مصالح و تجهیزات مورد نیاز اجرای کاررا ، در مدتی که برنامه پیشرفت کار ایجاد می‌کند ، از خارج از کشور تهیه و وارد کند ، مراتب را با ذکردلیل و ارایه انسان از طریق مهندس مشاور به اطلاع کارفرما می‌رساند تا با توجه به برنامه زمانیاجرای کار ، کارفرما در مورد چگونگی تامین این قبیل مصالح و تجهیزات ، تصمیم گیری نماید. ه) در صورتی که در اسناد و مدارك پیمان ، مشخصاتی برای ماشین آلات و ابزار اجرای کار

تعیین‌شـده باشـد ، پیمانکار بایـد آن را طبق مشـخصات تعیین شده ، تامین کند. هر گاه ضـمن اجرای کار ، مهندس مشاور تشـخیص دهـد که ماشـین آلاـت و ابزار موجود پیمانکـار ، برای اتمـام کـار در مـدت پیمان‌کافی نیست یا مشـخصات آنها برای اجرای کار ، مناسب نیست ، مراتب را به پیمانکار ابلاغ می کنـد.پیمانکار مکلف است که ماشـین آلات و ابزار خود را طبق نظر مهنـدس مشاور و در مـدتی که نـامبرده‌تعیین می‌نمایـد ، تکمیل و تقویت کنـد ، بـدون اینکه برای این کار ، ادعای خسارت یا هزینه اضافی ازکارفرما داشـته باشد. و) پیمانکار نمی‌تواند ماشین آلات و ابزاری را که برای عملیات لازم است ، از کارگاه خارج کند. درمورد بیرون بردن ماشـین آلاتی که در کارگاه مورد نیاز نیست ، پیمانکار ، تقاضای بیرون بردن ماشین‌آلات مزبور را به مهندس مشاور تسلیم می کند. مهندس مشاور ، به تقاضای او رسیدگی می کند ، و درصورتی که موجه باشد اجازه خروج می‌دهد. ز) در صورتی که طبق اسناد و مـدارک پیمـان ، تـامین اقلاـمی از تجهیزات که پیمانکار بایـد نصف کنـد وبه صورت دایم کار باقی بمانـد در تعهـد کارفرما باشـد پیمانکـار مسئول عملکرد نـاقص احتمـالی این‌تجهیزات نیست ، مگر آنکه ثـابت شود که نقص آنها مربوط به کار پیمانکار است ح اگر در اسـناد و مدارک پیمان ، تکلیفی برای تهیه غذا ، مسـکن و دفتر کارکنان کارفرما ، مهندس‌مشاور و آزمایشـگاه در محل کار به عهـده پیمانکـار گذاشـته شود ، پیمانکار موظف به تامین آنها ، طبق‌شـرایط پیش‌بینی شـده می‌باشـد. ماده ۲۱ ـ حفـاظت از کار و شخص ثـالث ، بیمه کـار ، مراقبتهای لازم الف پیمانکار از روز تحویل کارگاه تا روز تحویل موقت عملیات موضوع پیمان ، مسئول حفظ ونگهـداری کارهای انجام شـده ، مصالـح ، تجهیزات ، ماشـین آلات و ابزار ، زمینها ، راهها ، تاسـیسات وبناهایی می‌باشـد که زیرنظر و مراقبت او قرار دارد ، و به همین منظور اقـدامات لاـزم را برای نگهـداری‌و حفـاظت آنها در داخل کارگاه در مقابل عوامل جوی و طغیـان آب رودخـانه و سرقت و حریق ومانننـد اینها به عمل میاورد. در چارچوب مقررات و دسـتورالعملهای حفاظت فنی و بهداشت کار ، مسئول خسارتهای وارد شده‌به شخص ثالث در محوطه کارگاه است ، و در هر حال ، کارفرما در این مورد هیچ نوع مسئولیتی به‌عهده ندارد. کارفرما و مهندس مشاور می‌توانند رد صورت مشاهده عدم رعایت دستورالعملهای‌حفاظت فنی و بهداشت کار ، دسـتور توقف بخشـی از کار را که دارای ایمنی لازم نیست تا برقراریایمنی طبق دسـتورالعملهای یاد شـده صادر نماید. در این حـالت ، پیمانکـار حق مطالبه خسارت در اثردسـتور توقف کار را نـدارد. پیمانکار متعهـد است که تـدابیر لازم را برای جلوگیری از وارد شـدن خسارت و آسـیب به املاک مجاوراتخاذ نمایـد ، و اگر در اثر سـهل انگاری او خسارتی به املاک و تاسـیسات مجاور یا محصول آنها واردآید ، پیمانکار مسئول جبران آن می‌باشد. ج پیمانکار مکلف است که پیش از شـروع کار ، تمام یا آن قسـمت از کارهای موضوع پیمان را که دراسـناد و مـدارک پیمان تعیین شده است ، در مقابل مواردی از حوادث مذکور در اسـناد یاد شده به نفع کارفرمـا نزد موسسه‌ای که مورد قبول کارفرما باشـد بیمه نموده و بیمه نامه‌ها را به کارفرما تسلیم کنـد.بیمه نامه‌ها بایـد تا تاریخ تحویل موقت اعتبار داشـته باشـد ، تا زمانی که تحویل موقت انجام نشـده‌است ، پیمانکار مکلف است که بیمه نامه‌ها را تا مدتی که لازم است تمدید کند. کارفرما هزینه‌های‌مربوط به بیمه به شـرح پیشـگفته را در مقابل ارایه اسـناد صادر شده از سوی بیمه گر ، عینا به بیمه گرپرداخت می کنـد. آن قسـمت از هزینه بیمه که مربوط به مـدت تـاخیر غیرمجاز پیمانکار باشـد ، به‌حساب بـدهی پیمانکار منظور می‌شود. در صورت بروز حـادثه‌ای که باعث از بین رفتن تمام یا قسـمتی از کارهای انجام یافته و مصالـح وتجهیزات پای کار شود ، پیمانکار موظف است که اولا مراتب را فورا به کارفرما و مهندس مشاور وطبق مقررات بیمه به بیمه گر اطلاع دهد ، ثانیا طبق دسـتور کارفرمـا یـا مهنـدس مشـاور کارهـا را به‌حـالت اولیه بـاز گردانـد. برنامه زمانی انجام کارهای پیشـگفته توسط پیمانکار تهیه می گردد و پس ازتاییـد مهنـدس مشـاور و کارفرما به اجرا در میایـد. کارفرما خسارتهای وارد شـده بر آنچه را که بیمه‌شـده است از بیمه گر وصول می‌نمایـد و مبلغ وصول شده از بیمه گر را برای تجدید عملیات به‌تناسب پیشـرفت کار و طبق هزینه تمام شده اعم از هزینه مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم (بالاـ سـری با تاییدمهنـدس مشاور به تدریـج تا اعاده کار به حالت حادثه ، خسارت دریافتی از بیمه‌گر برای اعاده کارها به‌حالت اولیه کافی باشـد ، در صورتی که تکلیف بیمه کار در اسـناد و مـدارک پیمان تعیین نشـده باشد ، پیش از

شروع کار ، پیمانکار چگونگی بیمه کار را از کارفرما استعلام می‌نماید و کارفرما در مدت ۱۰روز کارها و حوادث مشمول بیمه را تعیین و به پیمانکار ابلاغ می کند تا پیمانکار طبق مفاد این‌بند ، در مورد بیمه کار اقدام کند. اگر کارفرما عملیات موضوع پیمان را بیمه نکند ، در صورت وقوع حادثه جبران خسارتهای وارد شده‌به عهده او می‌باشد. د) پیمانکار موظف است که تمام ساختمانها و تاسیسات موقت ، ماشین آلات و ابزار وسایل کارگاه‌را ، که متعلق به او یا در اختیار اوست و برای انجام عملیات موضوع پیمان به کار می گیرد ، به هزینه‌خود بیمه کند و رونوشت بیمه نامه‌ها را به کارفرما تسلیم نماید. ماشین آلات و ابزاری را که کارفرمادر اختیار پیمانکار قرار می‌دهد ، کارفرما بیمه می کند. ه) پیمانکار موظف است که روشنایی قسمتهایی از داخل کارگاه را که باید روشن باشد تامین کند ، وهمچنین تمام علایم راهنمایی و خطر و وسایل حفاظتی ، و در صورت لزوم ، حصار کشی را فراهم‌نماید و تعداد کافی نگهبان و مراقب در هر جا که لازم باشد بگمارد. و) پیمانکار متعهد است که عملیات اجرایی خود را طوری انجام دهد که راه عبور مناسبی در پیاده روو سواره رو برای عبور و مرور رهگذران و وسایط نقلیه همواره باز بماند و مصالح خود را درمحلهایی انبار کند که موجب ناراحتی یا زحمت ساکنان اطراف ، یا رهگذران نشود. استفاده از ماشین‌آلات و ابزار در ساعات عادی کار ، و در نتیجه ، صدای آن‌ها و همچنین استفاده از راههای معین به‌منظور انجام عملیات ، مزاحمت تلقی نمی‌شود. در مواردی که اجرای کار ایجاب کند که قسمتی از سواره رو یا پیاده رو برای مدتی موقت و با اطلاع‌مهندس مشاور یا مهندس ناظر به کلی مسدود شود ، پیمانکار باید با کسب مجوز لازم از مقامات‌محلی عبور و مرور را با راههای انحرافی که مسیر آنها باید به تایید مهندس مشاور برسد ، تامین کند.کارفرما نیز مساعدت لازم را برای تحصیل مجوزهای مورد نیاز به عمل میاورد. اگر ترتیب احتساب و پرداخت هزینه ایجاد و نگهداری راههای انحرافی در اسناد و مدارك پیمان‌معین نشده باشد ، این هزینه‌ها به عهده پیمانکار است همچنین پیمانکار متعهد است که در حمل‌مصالح و ماشین آلات و عبور آنها از راهها ، پلها و تونلها ، رعایت قوانین ، مقررات و استانداردها رابکند و اگر عبور ماشین یا مصالحی ترتیب خاصی را ایجاب کند ، با نظر کارفرما یا مهندس مشاوراقدام نماید. هرگاه پیمانکار برخلاف مفاد این بند رفتار کند ، مسئول جبران خسارتهای وارد شده‌می‌باشد. ز) پیمانکار متعهد است که انتظامات کارگاه را تامین کندو از ورود اشخاص غیر مجاز و کسانی که‌باعث اختلال نظم کارگاه می‌شوند خود یا توسط مقامات انتظامی جلوگیری کند. ح هرگاه پیمانکار در اجرای تمام یا قسمتی از موارد درج شده در این ماده سهل انگاری یا کوتاهی کند و از انجام تعهداتی که طبق آن به عهده گرفته است خودداری نماید ، کارفرما حق دارد آن تعهدات‌را به جای پیمانکار انجام دهد و هزینه‌های انجام شده و خسارت وارد شده را به اضافه ۱۵ درصد به‌حساب بدهی پیمانکار منظور کرده و از مطالبات وی کسر نماید. در این صورت هرگونه ادعای‌پیمانکار نسبت به این قبیل پرداختها و همچنین نسبت به تشخیص کارفرما ، خواه از نظر اساس‌تخلف و خواه از نظر مبلغ پرداختی ، بی اثر می‌باشد. ماده ۲۲ ـ ترتیب گردش مدارك ، نقشه‌ها و ابلاغ دستور کارها الف تمام نقشه‌ها ، مشخصات ، دستورالعملها و استانداردهای فنی که داری مهر و امضای مهندس‌مشاور است ، به تعداد نسخه‌های درج شده در اسناد و مدارك پیمان و در صورتی که در اسناد ومدارك پیمان تعداد نسخه معین نشده باشد ، در دو نسخه بدون دریافت هزینه ، در اختیار پیمانکارقرار می گیرد. در صورت نیاز پیمانکار ، نسخه‌های اضافی به هزینه او تکثیر می‌شود. پیمانکار باید یك نسخه از نقشه‌ها و مشخصات ، با آخرین تغییرات آنها را همیشه در کارگاه نگهداری کند ، تا در صورت لزوم ، به منظور بازرسی کارها در اختیار مهندس مشاور ، کارفرما یا نمایندگان آنهاقرار گیرد. نسخه اصل نقشه‌ها و مدارك تا پایان کار نزد مهندس مشاور باقی می‌ماند. ب پیمانکار موظف است که پیش از آغاز هر قسمت از کار ، تمام نقشه‌ها ، دستورالعملها و دیگراسناد و مدارك فنی مربوط به آن قسمت را با دقت مطالعه کند و اندازه درج شده در نقشه‌ها را کنترل‌نماید ، به نحوی که هیچگونه ابهامی از نظر چگونگی اجرای کار برای خود و کارکنانش باقی نماند. به‌طور کلی ، کمبود نقشه برای هر قسمت از کار هرگز از تعهدات پیمانکار مبنی بر اجرای کامل کارنمی کاهد. در صورت مشاهده اشتباه در اندازه‌ها یا هرگونه ابهام یا کسری در مدارك ، نقشه‌ها

ودستورالعملها ، پیمانکار باید به موقع رفع نقص آنها را از مهندس مشاور درخواست کند. مهندس‌مشاور موظف است که با توجه به برنـامه زمـانی اجرای کـار ، برای تکمیل نقشه‌ها و ابلاغ به پیمانکاراقـدام کنـد. ج هرگاه پیمانکار در مورد درستی بعضـی نقشه‌ها و محاسبات یا دسـتور کارها یا مشـخصات مصالـحو تجهیزاتی که بنا به دسـتور کارفرما از منابع معینی تحصیل می‌شود ایرادی داشـته باشـد ، بایـد با توجه‌به برنامه زمانی تفصـیلی ، مراتب را با ذکر دلیل به اطلاع مهنـدس مشاور برساند. در صوری که مهندس‌مشاور ، درستی مـدارک پیشـگفته را تایید کند ، ولی پیمانکار همچنان نسبت به آنها ایراد داشـته باشد ، پیمانکار باید موضوع را به کارفرما منعکس نماید و پس از دریافت نظر کارفرما ، طبق نظرو انجام دهد. در چنین حالتی ، پیمانکار فقط مسئول اجرای درست کار است و در مـورد صـحت‌نقشه‌ها ، مشـخصات ، محاسـبات و دسـتور کارهـای مربـوط ، مسـئولیتی نـدارد. هزینه رفع عیب و نقص‌در چنین مواردی به عهـده پیمانکـار نمی‌باشـد. د) پیمانکـار ، نقشه‌های کارگاهی را که نقشه‌های جزییات ساخت قطعات و قسـمتهای از کار است ، درصورت نیاز ضـمن اجرای کار ، بر اساس نقشه‌های اجرایی ، مشـخصات فنی و دستورالعمل سازندگان ، تهیه می‌کند و در سه نسـخه ، که یک نسخه آن قابل تکثیر باشد ، تسلیم مهندس مشاور می‌نماید.مهندس مشاور ، نقشه‌های یاد شده را پس از بررسی و اصـلاح لازم ، تایید و در یک نسخه به پیمانکارابلاغ می‌کند. نسخه قابل تکثیر این مدارک نزد مهندس مشاور نگهداری می‌شود. ه) نقشه‌های چون ساخت ، نقشه‌های کارهای انجام شـده به نحوی که اجرا شده‌انـد ، می‌باشد و شامل‌تمام نقشه‌های اجرایی ، اعم از تغییر یـافته یـا بـدون تغییر است پیمانکـار بایـد نقشه‌های چون ساخت‌و به تدریـج و طبق نظر مهنـدس مشاور ، در سه نسـخه که یک نسـخه آن قابل تکثیر باشـد تهیه کنـد وبرای بررسـی و تاییـد به مهندس مشاور بدهد. مهندس مشاور ، یک نسـخه از نقشه‌های چون ساخت‌تایید شده را در اختیار پیمانکار قرار می‌دهد. و) پیمانکار باید مشخصات فنی ، نقشه‌ها و دستورالعملهای نصب ، راه اندازی و بهره‌برداری‌تجهیزاتی را که تامین آن به عهده اوست ، از سازنده آنها بگیرد و در دو نسخه به مهندس مشاور بدهد.مهندس مشاور بر اساس مـدارک سازنـده ، نقشه‌های اجرایی محل اسـتقرار تجهیزات یاد شده را تهیه وبرای اجرا به پیمانکار ابلاغ می‌کند. ز) مهندس مشاور ، تمام موافقتها ، معرفیها ، تصویبها ، اخطارها و دستور کارها را به صورت کتبی ، به‌پیمانکار ابلاغ می‌کند و در موارد لزوم به نحو پیش‌بینی شـده در اسـناد و مـدارک پیمـان به تاییـدکارفرما نیز می‌رسانـد و سـپس به پیمانکـار ابلاغ می‌کنـد. پیمانکار ، پس از وصول دسـتور کارهـا ، می‌توانـد برای اصـلاح آنها اظهارنظر کنـد. اما در هر حال موظف به اجرای چنین دسـتور کارهایی است در موارد صدور دسـتور کار شـفاهی از سوی مهندس مشاور ، پیمانکار می‌تواند درخواست ابلاغ کتبیانها را بنماید و مهندس مشاور نیز موظف است که دسـتور کارهـا را کتبی به پیمانکـار ابلاـغ کنـد ، در غیراین صورت ، این دسـتور کارها برای پیمانکار معتبر نیسـت مهنـدس مشـاور یـک نسـخه رونوشت از تمـام نامه‌هـای ابلاغی ، همراه با نقشه‌ها ، دسـتور کارها وصورت جلسه ها را برای کارفرما ارسـال می‌کنـد. ح پیش از تحویـل موقت کـار طبق ماده ۳۹ ، پیمانکـار دسـتورالعملهای راه انـدازی ، راهبری ، تعمیر ونگهـداری را همراه با نقشه‌های چون ساخت در سه نسـخه ، که یک نسـخه آن قابل تکثیر باشـد ، به‌مهندس مشاور می‌دهد. مدارک یاد شده باید به نحوی باشد که راهبری ، تعمیر و نگهداری تمام‌قسمتهای موضوع پیمان به سهولت انجام شود. در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان ، تعـداد نسـخه‌یا مشـخصات ویژه‌ای برای مدارک موضوع این بند تعیین شده باشد ، طبق آن عمل می‌شود. ماده ۲۳ ـ حفاظت تاسـیسات زیربنـایی و تغییر وضع آنهـا پیمانکـار بایـد عملیات موضوع پیمان را به نحوی اجرا کنـد که به تاسـیسات زیربنایی موجود درکارگاه ، مانند خطوط آب ، برق ، گاز ، مخابرات و مانند اینها ، آسیبی وارد نشود. هرگاه در اثر عمل‌پیمانکار ، به تاسیسات یاد شـده صـدماتی وارد شود ، پیمانکـار متعهـد است که هزینه ترمیم و برقراری‌مجـدد آنهـا را بپردازد. هرگاه پیمانکار نسبت به جبران خسارت وارد شده اقدام لازم و فوری به عمل‌نیاورد ، کارفرما می‌تواند به هر طریق که مصلحت بپندارند ، برای رفع نقص و خسارت اقدام کند وهزینه آن را به اضافه ۱۵ درصد به حساب بدهی پیمانکار منظور کند و پیمانکار ، از این بابت ، حق‌هیچ گونه اعتراضـی نـدارد. در صورتی که موقعیت تاسـیسات زیرزمینی در اسـناد و مـدارک پیمان مشـخص نشـده باشـد ، پیمانکارباید باتوجه به برنامه

زمانی اجرای کار ، تعیین وضعیت آنها را از مهندس مشاور استعلام کند و پس ازاعلام نظر مهندس مشاور ، برای عملیات حفاری اقدام نماید. بدین ترتیب ، مسئولیت پیمانکار درمورد بروز هر نوع حادثه و پرداخت خسارت و هزینه‌های پیشگفته در مورد تاسیسات زیرزمینی ، منوط به آن است که نوع محل یا مسیر تاسیسات مزبور به اطلاع پیمانکار رسیده یا در اسناد ومدارک پیمان مشخص ده باشد. هرگاه انجام عملیات موضوع پیمان ، تغییر وضع تاسیسات یاد شده را ایجاب کند ، پیمانکار به‌کارفرما اطلاع می‌دهد تا سازمانهای ذیربط ، برای تغییر وضع آنها اقدام کنند. هزینه‌های مربوط به‌عملیات یاد شده به عهده کارفرماست ماده ۲۴ ـ واگذاری پیمانکاران جز الف پیمانکار حق واگذاری پیمان به دیگران را ندارد. ب پیمانکار می‌تواند به منظور تسهیل و تسریع در اجرای قسمت یا قسمتهایی از عملیات موضوع‌پیمان ، پیمانهایی یا پیمانکاران جز ببندد ، مشروط به آنکه آنان را از واگذاری کار به دیگران ممنوع‌کند در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان ، کارفرما ، لزوم تایید صلاحیت پیمانکاران جز راپیش‌بینی کرده باشد ، پیمانکار موظف است که تایید کارفرما را در این مورد تحصیل نماید. این‌واگذاری نباید از پیشرفت کار طبق برنامه زمانی اجرای کار بکاهد ، و به هر حال ، به هیچ روی ، ازمسئولیت و تعهدات پیمانکار نمی‌کاهد. پیمانکار مسئول تمام عملیاتی است که توسط پیمانکاران‌جز یا کارکنان آنها انجام می‌شود. در پیمانهای بین پیمانکار و پیمانکاران جز باید نوشته شود که درصورت بروز اختلاف بین آنها ، کارفرما حق دارد ، در صورتی که مقتضی بداند ، به مورد اختلاف‌رسیدگی کند. پیمانکار و پیمانکار جز نیز می‌پذیرند که نظر کارفرما در این مورد قطعی است و تعهدمی‌کنند که الزاما آن را اجرا کنند. هرگاه در پرداخت مطالبات پیمانکاران جز ، با توجه به شرایط درج شده در پیمان آنها ، تاخیری روی‌دهد ، در صورتی که پیمانکار جز ، تعهدات خود را بر اساس پیمان تنظیمی خود با پیمانکار کاملا انجام داده و کار او مورد قبول و تایید مهندس مشاور باشد ، کارفرما می‌تواند بنا بر تقاضای پیمانکارجز ، با حضور نماینده پیمانکار ، به کار او رسیدگی کند. اگر در اثر این رسیدگی ، پیمانکار جز طلبکار شود و پیمانکار از پرداخت آن خودداری کند ، کارفرما حق دارد طلب پیمانکار جز را برای‌کارهایی که صورت وضعیت آن به پیمانکار پرداخت شده است ، از محل مطالعات پیمانکار بپردازد.در صورتی که با اخطار کارفرما ، پیمانکار یا نماینده او برای رسیدگی حاضر نشوند ، کارفرما رسیدگی‌می‌نماید و به شرح پیشگفته عمل می‌کند و این عمل قطعی و غیرقابل اعتراض است هرگاه پس از فسخ یا خاتمه پیمان ، پیمانکاران جز ، مطالباتی از پیمانکار داشته باشند مهندس‌مشاور کارفرما ، به شرح پیشگفته موضوع را رسیدگی می‌نمایند. اگر پس از رسیدگی و تهیه‌صورتحساب نهایی ، پیمانکار مطالباتی داشته باشد ، کارفرما می‌تواند طلب پیمانکاران جز را ازمحل مطالبات پیمانکار بپردازد. ماده ۲۵ ـ اجرای کار در شب اجرای کار در شب ، در موارد زیر مجاز است الف در برنامه زمانی تفصیلی پیش‌بینی شده باشد. ب هرگاه به سبب بروز تاخیرهایی از سوی پیمانکار ، انجام کار طبق تشخیص پیمانکار در مدت‌پیمان امکانپذیر نباشد ، پیمانکار می‌تواند بدون آنکه حق دریافت اضافه هزینه کار را داشته باشد باتایید مهندس مشاور و موافقت کارفرما ، قسمتی از کار را در شب اجرا کند. ج هرگاه مهندس مشاور تشخیص دهد که پیشرفت کار پیمانکار به نحوی نیست که همه عملیات درمدت پیمان پایان یابد ، می‌تواند پس از موافقت کارفرما ، به پیمانکار دستور دهد که قسمتی از کار رادر شب اجرا کند. در این حالت ، پیمانکار مکلف به اجرای این دستور است و حق ادعا یا مطالبه هیچ‌گونه خسارت و اضافه بها ندارد. د) اگر به تشخیص مهندس مشاور و تایید کارفرما برای جبران تاخیرهایی که ناشی از قصور پیمانکارنیست ، کار در شب نیز انجام شود ، اضافه هزینه‌های مربوط به کار در شب ، با تایید مهندس مشاور وتصویب کارفرما ، پرداخت می‌شود. در محاسبه این هزینه‌ها ، به منظور تعیین هزینه‌های اضافی‌دستمزد نیروی انسانی برای کار در شب ، باید مقررات قانون کار و امور اجتماعی ملاک عمل قرارگیرد. پیمانکار متعهد است که ترتیب کار را طوری دهد که تا حد امکان ، اجرای کار در شب برای ساکنان‌مجاور مزاحمتی ایجاد نکند. ماده ۲۶ ـ آثار تاریخی و اشیای عتیقه هرگاه ضمن اجرای کار ، اشیای عتیقه یا آثار تاریخی و مسکوکات قدیمی و مانند آن در محل کار پیداشود ، پیمانکار متعهد است که بی درنگ مراتب را از طریق مهندس مشاور به اطلاع کارفرما و طبق‌قوانین

به اطلاع دستگاه‌های انتظامی برساند. کارفرما برای حفظ و نگهداری با انتقال اشیای عتیقه ، اقدام فوری به عمل میاورد. پیمانکار بایـد تا زمان اقدام به حفاظت از سوی کارفرما یا مقامات ذی‌ربط ، برای حفظ و نگهداریاشیا و آثار مزبور ، مراقبت لازم را به عمل آورد. هرگاه اجرای این ماده ، موجب توقف یا تعطیل عملیات موضوع پیمان گردد ، طبق ماده ۴۹رفتار می‌شود. ماده ۲۷ ـ اقامتگاه قانونی اقامتگاه قانونی کارفرما و پیمانکار همان است که در موافقتنامه پیمان نوشته شده است در صورتی که یکی از طرفین ، محل قانونی خود را تغییر دهد ، باید نشانی جدید خود را دست کم ۱۵ روز پیش ازتاریخ تغییر ، به طرف دیگر اطلاع دهد ، تا وقتی که نشانی جدید به طرف دیگر اعلام نشده است ، مکاتبات به نشانی قبلی ارسال میشود و دریافت شده تلقی می گردد. فصل سوم تعهدات و اختیارات کارفرما ماده ۲۸ ـ تحویل کارگاه الف کارفرما متعهد است که کارگاه را بی عوض و بدون معارض تحویل پیمانکار دهد. اگر اجرای کار در زمینها و محلهای تحویلی ، مستلزم اخذ پروانه یا پرداخت حقوقی از قبیل‌عوارض شهرداری ، حق ریشه و مستحدثات و مانند اینها باشد کارفرما تحصیل پروانه ساختمان پرداخت وجوه مزبوراست تبصره ۱ ـ اگر در اسناد و مدارک پیمان ، تامین تمام یا قسمتی از زمین مورد نیاز برای تجهیز کارگاه‌به عهده پیمانکار گذاشته شده باشد ، طبق شرایط پیش‌بینی شده در پیمان عمل می‌شود. تبصره ۲ ـ در صورتی که محل تحویل شده به پیمانکار معیار پیدا کند و موجب توقف اجرای تمام‌یا قسمتی از کار شود ، آن قسمت از کار که متوقف شده است ، مشمول تعلیق می گردد و طبق ماده ۴۹رفتار می‌شود. ب کارفرما پس از مبادله پیمان ، تاریخ تحویل کارگاه را که نباید بیشتر از ۳۰ روز از تاریخ مبادله‌پیمان باشد ، به پیمانکار اعلام می کند. پیمانکار باید در تاریخ تعیین شده در محل کار حاضر شود وطی صورتمجلسهایی ، اقدام به تحویل گرفتن کارگاه نماید. در صورتی که حداکثر ۳۰ روز از تاریخ‌تعیین شده برای تحویل گرفتن کارگاه حاضر نشود ، کارفرما حق دارد که طبق ماده ۴۶ پیمان را فسخ‌کند. در صورت مجلسهای تحویل کارگاه باید حدود موقعیت زمینها و محلهایی که در آنها موضوع پیمان‌اجرا می‌شود و نقاط نشانه با مشخصات آنها ، محور عملیات و محل منابع تهیه مصالحی که باید درکارگاه تولید گردد ، درج شود. اگر تحویل کارگاه به طور یکجا میسر نباشد ، کارفرما باید کارگاه را به ترتیبی تحویل دهد که پیمانکاربتواند عملیات موضوع پیمان را طبق برنامه زمانی تفصیلی انجام دهد. در این حالت نیز مهلت‌کارفرما برای تحویل دست کم اولین قسمت از کارگاه برای تجهیز کارگاه و شروع عملیات موضوع‌پیمان لازم است ، حداکثر ۳۰ روز است ج هرگاه کارفرما نتواند کارگاه را به ترتیبی تحویل دهد که پیمانکار بتواند کار را طبق برنامه زمانی‌تفصیلی انجام دهد ، و مدت تاخیر در تحویل کارگاه بیش از یک ماه شود ، کارفرما به منظور جبران‌خسارت تاخیر در تحویل کارگاه هزینه‌های اضافی ایجاد شده برای پیمانکار را که طبق رابطه زیرمحاسبه می‌شود ، پرداخت می کند ، مشروط به اینکه با تایید مهندس مشاور ، پیمانکار در محلهای‌تحویل شده تاخیر غیرمجاز نداشته باشد. مبلغ اولیه پیمان‌تاخیرتحویل‌کارگاه مبلغ‌کارهایی‌که‌درتحویل‌محل‌اجرایان‌تاخیرشده‌است (متوسط کارکردفرضی ماهانه ۵۱۰۰/۷ = مبلغ خسارت پس از کسر یک ماه مدت‌تاخیربه‌ماه اگر مدت تاخیر از ۳۰ درصد مدت پیمان یا ۶ ماه ، هر کدام که کمتر است بیشتر شود ، حقوقی به‌پیمانکار تعلق می گیرد ، بدین ترتیب که اگر مبلغ کارهای پیش‌بینی شده درمحلهای تحویل شده تا ۲۵درصد مبلغ اولیه پیمان باشد ، پیمانکار می‌تواند با اطلاع قبلی ۱۵ روزه آن قسمت از کار را ازتعهدات خود حذف کند ولی اگر این مبلغ بیشتر از ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان باشد ، در صورتاعلام خاتمه پیمان از سوی پیمانکار ، پیمان خاتمه یافته و طبق ماده ۴۸ عمل می‌شود. هرگاه‌پیمانکار در محلهایی که در تحویل آنها بیش ازمدت پیشگفته تاخیر شده است ، کار اجرایی را شروع‌نماید ، حق حذف تعهدات در آن قسمت از کار را از خود سلب می‌نماید. تبصره ـ اگر کارفرما نتواند هیچ قسمت از کارگاه را به پیمانکار تحویل دهد ، برای تاخیر بیش از یک‌ماه تا ۳۰ درصد مدت پیمان یا ۶ ماه هرکدام که کمتر است ، نسبت به تاریخ مبادله پیمان ، ماهانه‌معادل مبلغ ۵/۲ درصد متوسط کارکرد فرضی ماهانه را به پیمانکار پرداخت می کند اگر پیمانکار پس‌از انقضای ۳۰ درصد مدت پیمان یا ۶ ماه ، هر کدام که کمتر است ، مایل به ادامه یا اجرای کار نباشد ، با اعلام او ، قرارداد طبق ماده ۴۸ خاتمه می‌یابد و

پیمانکـار هیـچ گونه دعوی دیگری نمی‌توانـد مطرح‌نمایـد. خسارت تاخیر در تحویل تمام یا قسـمتی از کارگاه برای مـدت مازاد بر یک ماه حـداکثر تا ۳۰ درصدمـدت پیمان یا ۶ مـاه ، هر کـدام که کمتر است ، قابـل پرداخت است د) در مواردی که به اسـتناد این مـاده ، قسـمتی از تعهـدات پیمانکـار حـذف شود ، تضـمین انجـام تعهـداتپیمانکار نیز به تنـاسب کـاهش داده می‌شود. ه) پیمانکار نمی‌توانـد جز آنچه طبق نقشه‌هـا و دسـتور کارهـاست ، در زمینهـا و محلهـای متعلق به‌کارفرمـا یـا ملـک غیر که از طرف کارفرما به پیمانکـار تحویـل شـده است ، اقـدام به احـداث بنا یاساختمان کنـد. اگر در اثر اجرای کار در ملک غیر که از سوی کارفرما تحویل شـده است ، صاحب ملک‌اقامه دعوا و درخواست خسارت و جلوگیری و توقف کار نمایـد ، طرف ادعا کارفرماست و پیمانکارهیچ گونه مسـئولیت و تعهدی در این مورد را ندارد. و) در صورتی که طبق اسـناد و مدارک پیمان ، تامین تمام یا قسـمتی از زمین مورد نیاز تجهیز کارگاه به‌عهده پیمانکار باشد یا پیمانکار بخواهد طبق صلاحدید خود از محلهایی خارج از محلهای تحویلی‌کارفرما برای تجهیز کارگاه اسـتفاده کنـد بایـد موقعیت آنها را به تاییـد کارفرما برساند. در این حالت ، مسـئولیت هر نوع ادعا و طلب خسارت از سوی صاحب ملک به عهده پیمانکار است و کارفرما دراین موارد مسئولیتی ندارد. هرگاه پیمانکار محلهای مورد نیاز تجهیز کارگاه را به صورت اجـاره‌ای در اختیـار بگیرد ، بایـد در اجاره‌نـامه آنهـا ، امکان انتقال مورد اجاره را به کارفرما پیش‌بینی کنـد. ماده ۲۹ ـ تغییر مقـادیر کـار ، قیمتهای جدیـد ، تعـدیل نرخ پیمان الف در ضـمن اجرای کار ، ممکن است مقادیر درج شـده در فهرست بها و مقـادیر منضم به پیمـان‌تغییر کنـد. تغییر مقادیر به وسـیله مهنـدس مشاور محاسـبه می‌شود و پس از تصویب کارفرما به‌پیمانکار ابلاغ می‌گردد. پیمانکـار بـا دریـافت ابلاـغ تغییر مقادیر کار ، موظف به انجام کار با نرخ پیمان‌است ، به شـرط آن که مبلغ ناشـی از تغییر مقادیر کار ، از حدود تعیین شده در زیر بیشتر نشود. ۱) افزایش مقادیر باید در چارچوب موضوع پیمان به پیمانکار ابلاغ شود. جمع مبلغ مربوط به‌افزایش مقادیر و مبلغ کارهای با قیمت جدیـد (موضوع بنـد ج نبایـد از ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان‌بیشتر شود. تبصـره ـ اگر نرخ پیمان مشمول تعدیل آحاد بها باشد ، برای محاسبه افزایش مبلغ پیمان به سبب‌قیمتهای جدید ، ابتدا قیمتهای جدید به مبنای نرخ پیمـان تبـدیل می‌شود و سـپس ملاک محاسبه قرارمی‌گیرد. ۲) جمع مبلغ مربوط به کـاهش مقـادیر و حـذف آنهـا نبایـد از ۲۵ درصـد مبلغ اولیه پیمـان بیشتر شود.اگر این مبلغ از حـد تعیین شـده بیشتر شود و پیمانکـار بـا اتمـام کـار بـا نرخ پیمان موافق باشـد ، عملیـات‌موضوع پیمـان در چـارچوب پیمان انجام می‌شود. ولی درصورتی که پیمانکار مایل به اتمام کارنباشـد ، پیمان طبق ماده ۴۸ خاتمه داده می‌شود. تبصره ۱ ـ در صورت حذف قسمتهایی از کارد به استناد بند ج ماده ۲۸ برای تعیین حد افزایش یاکاهش مقادیر طبق بندهای ۱ و۲ ، به جای مبلغ اولیه پیمان ، پس از کسـر مبلغ کارهای حذف شده به‌وسیله پیمانکار ملاک قرار می‌گیرد. تبصره ۲ ـ اضافه یا کاهش مقادیر کار طبق مفاد بنـدهای (الف ـ ۱) و (الف ـ ۲) این ماده تا ۱۰درصد با دستور مهندس مشاور عمل می‌شود ، ولی اضافه بر آن با تصویب کارفرما قابل اجرا است ب در صورتی که پس از تکمیل کار و تصویب صورت وضعیت قطعی مشخص شود ، مقادیر کاربدون آنکه از سوی کارفرما کم شده باشد ، نسبت به مقادیر منضم به پیمان کاهشـی بیش از حد تعیین‌شده در بند (الف ـ ۲) داشـته باشـد ، در این حـالت نیز نرخ پیمـان ملاـک عمل است ج اگر در چارچوب موضوع پیمان ، کارهایی به پیمانکار ابلاغ شود که برای آنها قیمت و مقدار درفهرست بها و مقادیر منضم به پیمان پیش‌بینی نشده است ، پیمانکار باید بی درنگ پس از دریافتابلاغ مهندس مشاور ، قیمت پیشـنهادی خود را برای اجرای کارهای یاد شده ، همراه با تجزیه قیمت ، به مهندس مشاور تسـلیم کند. قیمتی که با توافق پیمانکار و مهندس مشاور تعیین شود و به تصویب‌کارفرما برسد ، ملاک پرداخت است قیمتهای جدیدی که به این صورت تعینی می‌شود بایـد برحسب‌هزینه اجرای کـار در محـل اجرا محاسـبه گردد. از این رو ، تنهـا ضـریب هزینه بالا سـری پیمان به‌قیمتهای جدیـد اعمال می‌شود. تبصـره ـ در صورتی که پیمان با اسـتفاده از فهرسـتهای بهای واحـد پایه منعقـد شـده باشـد ، چگونگی‌تعینی قیمت جدید ، علاوه بر مفاد این بند ، تابع دسـتورالعمل نحوه استفاده از قیمتهای پایه در تعیین‌قیمت جدید با اولویت دستورالعمل یاد شده است د) جمع بهای قیمتهای جدید ، علاوه بر آنکه تابع سقف تعیین شده در بند الف است ، نباید از ۱۰درصد

مبلغ اولیه پیمان بیشتر شود. ه) تعدیل نرخ پیمان طبق شرایط پیش‌بینی شده در شرایط خصوصی است ماده ۳۰ ـ تغییر مدت پیمان الف در صورت وقوع هر یک از موارد زیر که موجب افزایش مدت اجرای کار شود ، پیمانکارمی‌تواند درخواست تمدید مدت پیمان را بنماید. پیمانکار درخواست تمدید مدت پیمان را با ارایه‌محاسبات و دلایل توجیهی ، به مهندس مشاور تسلیم می‌کند و مهندس مشاور پس از بررسی وتایید مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرما گزارش می‌کند و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را به‌پیمانکار ابلاغ می‌نماید. ۱) در صورتیکه طبق بندهای الف و ج ماده ۲۹ ، مبلغ پیمان تغییر کند. ۲) هرگاه به دستور کارفرما یا مهندس مشاور ، نقشه‌های اجرایی یا مشخصات فنی تغییر اساسی کند. ۳) هرگاه کارفرما در تحویل کارگاه ، ابلاغ دستور کارها یا نقشه‌ها و تحویل مصالحی که تهیه آن به‌عهده اوست ، تاخیر کند. تاخیر در ابلاغ دستور کارها و نقشه‌ها به شرطی مشمول این بند است که‌پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی ، آنها را از مهندس مشاور درخواست کرده باشد. ۴) اگردر تحویل مصالحی که فروش آنها لزوما باید با حواله کارفرما صورت گیرد تاخیر ایجاد شود ، به شرطی که پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی برای تهیه آنها به موقع اقدام کرده باشد. ۵) در موارد حوادث قهری و همچنین در موارد مربوط به کشف اشیای عتیقه و آثار تاریخی که درمواد ۲۶ و ۴۳ پیش‌بینی شده است ۶) هرگاه محدودیت برای ورود مصالح و تجهیزات طبق بند د ماده ۲۰ پیش آید. ۷) در صورتی که کار طبق ماده ۴۹ به حالت تعلیق در آید. ۸) در صورتی که قوانین و مقررات جدیدی وضع شود که در تغییر مدت اجرای کار موثر باشد. ۹) هرگاه کارفرما نتواند تعهدات مالی خود را در موعدهای درج شده در اسناد و مدارک پیمان انجام‌دهد. ۱۰) موارد دیگری که به تشخیص کارفرما خارج از قصور پیمانکار باشد. ب اگر وقوع برخی از موارد درج شده در بند الف موجب کاهش مدت پیمان شود ، مهندس مشاور باکسب نظر پیمانکار ، کاهش مدت پیمان را تعیین می‌کند و مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرماگزارش می‌نماید ، و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می‌کند. ج در پایان مدت اولیه پیمان یا هر تمدید مدت پیمان ، اگر کار به اتمام نرسیده باشد ، مهندس‌مشاور باکسب نظر پیمانکار و با توجه به موارد تعیین شده در بند الف علل تاخیر کار را بررسی‌می‌کند و میزان مدت مجاز و غیر مجاز آن را با توافق پیمانکار تعیین می‌نماید و نتیجه را به کارفرماگزارش می‌کند ، و سپس نظر کارفرما را در مورد میزان مجاز یا غیرمجاز تاخیر کار به پیمانکار اعلام‌می‌کند و معادل مدت تاخیر مجاز ، مدت پیمان را تمدید می‌نماید. د) در اجرای مفاد این ماده برای تمدید مدت پیمان ، تاخیرهای همزمان ناشی از عوامل مختلف درج‌شده دربند الف ، فقط یک بار محاسبه می‌شود. ه) در اجرای مفاد این ماده ، اگر پیمانکار با مهندس مشاور توافق نداشته باشد یا نسبت به تصمیم‌کارفرما معترض باشد ، طبق نظر کارفرما عمل می‌شود و پیمانکار می‌تواند بر اساس ماده ۵۳ برای‌حل مسأله اقدام نماید. ماده ۳۱ ـ مدیریت اجرا کارفرما می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را به شخص حقوقی ، که مدیر طرح نامیده می‌شود ، واگذار کند. کارفرما مدیر طرح را با تعیین حدود اختیارات واگذار شده به پیمانکار معرفی می‌نماید.تمام تصمیم‌گیریهای مدیر طرح در چارچوب اختیارات واگذار شده ، درحکم‌تصمیم‌کارفرمامی‌باشد. ماده ۳۲ ـ نظارت بر اجرای کار الف عملیات اجرای پیمانکار ، همیشه باید زیرنظر و با اطلاع مهندس مشاور انجام شود. نظارتی که‌از طرف کارفرما و مهندس مشاور در اجرای کارها به عمل میاید به هیچ روی از میزان مسئولیت‌پیمانکار نمی‌کاهد. نظارت مستقیم بر کار پیمانکار درمحدوده کارگاه و در موارد خاص (برای ساخت قطعات وتجهیزات در خارج از کارگاه انجام می‌شود. در هر حال پیمانکار باید گزارش پیشرفت اقدامهایی راکه در خارج از کارگاه به منظور انجام تعهدات پیمان انجام می‌دهد ، به مهندس مشاور تسلیم کند. ب مهندس مشاور ، تنها مرجع فنی پیمانکار برای اجرای موضوع پیمان از سوی کارفرماست هرگونه تغییرات ، اظهارنظرهای فنی و اصلاحات مورد نظر پیمانکاران ، سازندگان و بازرسان فنی ، پس از هماهنگی با مهندس مشاور انجام می‌گیرد و توسط وی به پیمانکار ابلاغ می‌شود. مواردی که‌مهندس مشاور ، موظف به کسب مجوز از کارفرما ، برای انجام وظایف نظارت است در اسناد ومدارک پیمان تعیین شده است ج مهندس مشاور به منظور اطمینان از صحت اجرای کار ، اقدام به آزمایش مصالح یا کارهای انجام‌یافته می‌کند. هزینه انجام

آزمایشها برعهده کارفرماست ، مگر آنکه در اسناد و مدارک پیمان ترتیب‌دیگری هم پیش‌بینی شده باشد. هرگاه نتایج این آزمایشها با آنچه که در مدارک فنی تعیین شده است‌تطبیق نکند ، پیمانکار متعهد است که مصالح و کارها را طبق دستور مهندس مشاور اصلاح کند.هزینه انجام این اصلاحات به عهده پیمانکار است ، مگر آنکه نقض موجود مربوط به مدارک فنی‌باشد. پیمانکار موظف است که برای نمونه برداری از مصالح یا انجام هرنوع آزمایش ، تعداد لازم کارگر به‌صورت موردی و موقت به طور رایگان در اختیار مهندس مشاور بگذارد. د) در صورتی که مهندس مشاور مواردی از عدم رعایت مشخصات فنی ، نقشه‌ها و دیگر مدارک فنی‌پیمان را در اجرای کارها مشاهده کند ، با ارسال اخطاریه‌ای ، اصلاح کارهای معیوب را در مدت‌مناسبی که با توجه به حجم و نوع کار تعیین می‌نماید از پیمانکار می‌خواهد. اگر پس از پایان مهلت‌تعیین شده ، پیمانکار نسبت به اصلاح کارها اقدام نکند کارفرما می‌تواند خودش کارهای معیوب را اصلاح کند و هزینه‌های مربوط را به اضافه ۱۵ درصد از مطالبات پیمانکار کسر کند. در صورتی که‌عدم توجه به اخطار مهندس مشاور برای اصلاح هرکار معیوب از سوی پیمانکار تکرار شود ، کارفرمامی‌تواند پیمان را طبق ماده ۴۶ فسخ نماید. ه) کارفرما در مدت اجرای پیمان ، هر موقع که لازم بداند ، توسط نمایندگان خود ، عملیات پیمانکاررا بازرسی می‌کند. پیمانکار موظف است که هر نوع اطلاعات و مدارکی را که مورد نیاز باشد ، دراختیار نمایندگان کارفرما بگذارد و تسهیلات لازم را برای انجام این بازرسیها فراهم سازد. و) اگر کارفرما در طول مدت پیمان ، تصمیم به تغییر مهندس مشاور بگیرد ، این تصمیم باید دست‌کم یک ماه بیشتر به اطلاع پیمانکار برسد. پیمانکار و مهندس مشاور ، موظف هستند که تکلیف‌آزمایشهای ناتمام ، صورتجلسه‌های در دست اقدام و صورت کارکردهای در حال رسیدگی را روشن‌کنند. در صورتی که مهندس مشاور به شرح پیشگفته عمل نکند ، کارفرما مستقیما به جای مهندس‌مشاور تکلیف کارهای ناتمام را روشن کند وهزینه‌های مربوط به این اقدام را به حساب بدهی‌مهندس مشاور منظور می‌نماید. اگر در زمان اعلام کارفرما مبنی بر تغییر مهندس مشاور ، بخشهایی از کار توسط پیمانکار در حال اجراباشد که اتمام آن بخش منجر به صدور تاییدیه‌های مهندس مشاور شده و این امر موکول به زمان‌پس از تغییر مهندس مشاور شود ، این گونه موارد ، باید در طول یک هفته از تاریخ اعلام کارفرما ، ازسوی پیمانکار به کارفرما منعکس شود ، تا کارفرما ترتیب لازم را برای عدم‌انقطاع آن بخش از کار پیمانکار و صدور به موقع تاییدیه بدهد. کارفرما مهندس مشاور جدید را به پیمانکار معرفی می‌کند و اختیارات او را طبق آنچه که برای‌مهندس مشاور قبلی تعیین شده بود ، تنفیذ یا تغییرات مربوط را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید و از آن‌پس ، تصمیمها و دستورهای مهندس مشاور جدید در چارچوب پیمان ، برای پیمانکار لازم‌الاجرا است ماده ۳۳ ـ مهندس ناظر الف مهندس ناظر که نماینده مهندس مشاور در کارگاه است وظیفه دارد که با توجه به اسناد ومدارک پیمان ، در اجرای کار ، نظارت و مراقبت دقیق به عمل آورد و مصالح و تجهیزاتی را که باید به‌مصرف برسد بر اساس نقشه‌ها و مشخصات فنی مورد رسیدگی و آزمایش قرار دهد و هرگاه عیب ونقصی در آنها یا در نحوه مهارت کارکنان یا چگونگی کار مشاهده کند ، دستور رفع آنها را به پیمانکاربدهد. همچنین هرگاه بعضی از ماشین آلات معیوب باشد به طوری که نتوان با آنها کار را طبق‌مشخصات فنی انجام داد ، مهندس ناظر تعمیر یا تعویض و تغییر آنها را از پیمانکار می‌خواهد. بارعایت مفاد بند (ب) هرگونه دستوری که از طرف مهندس ناظر به پیمانکار داده شود ، به مثابه‌دستورهای داده شده توسط مهندس مشاور است و پیمانکار ملزم به اجرای آنهاست ب مهندس ناظر ، به هیچ روی ، حق ندارد که از تعهدات پیمانکار بکاهد یا موجب تمدید مدت‌پیمان یا پرداخت اضافی به پیمانکار شود یا هر نوع دستور تغییر کاری را صادرکند. ج پیمانکار مکلف است که دستورهای مهندس ناظر را در حدود مفاد این ماده اجرا نماید ، مگر درمواردی که آنها را بر خلاف اسناد و مدارک پیمان تشخیص دهد ، که در این صورت ، موظف است که‌موضوع را به مهندس مشاور بنویسد و کسب تکلیف کند. هرگاه مهندس مشاور موضوع را فیصله‌ندهد ، نظر کارفرما در آن مورد قاطع می‌باشد. د) با وجود نظارتی که از طرف مهندس ناظر در اجرای کارها به عمل میاید ، کارفرما و مهندس‌مشاور حق دارند مصالح مصرفی و

کارهای انجام یافته را مورد رسیدگی قرار دهند و اگر مشخصاتانها را مغایر با نقشه‌ها و مشخصات فنی تشخیص دهند ، پیمانکار متعهد است مصالح و کارهای‌معیوب را به هزینه خود تعویض نماید. به هر حال ، نظارت مهندس ناظر بر مسئولیت پیمانکارنمی‌کاهد و سلب حق از کارفرما مهندس مشاور نمی‌کند. فصل چهار: تضمین ، پرداخت ، تحویل کار ماده ۳۴ ـ تضمین انجام تعهدات موقع امضای پیمان ، برای تضمین انجام تعهدات ناشی از آن ، پیمانکار باید ضمانتنامه‌ای معادل ۵درصد مبلغ اولیه پیمان ، صادر شده از طرف بانک مورد قبول کارفرما و طبق نمونه‌ای که ضمیمه‌اسناد مناقصه بوده است ، تسلیم کارفرما کند. ضمانتنامه یاد شده باید تا یک ماه پس از تاریخ تحویل‌موقت موضوع پیمان ، معتبر باشد. تا هنگامی که تحویل موقت انجام نشده است ، پیمانکار مکلف‌است برای تمدید ضمانتنامه یا شده اقدام کند و اگر تا ۱۵ روز پیش از انقضای مدت اعتبارضمانتنامه ، پیمانکار موجبات تمدید آن را فراهم نکرده و ضمانتنامه تمدید نشود ، کارفرما حق داردکه مبلغ ضمانتنامه را از بانک ضامن دریافت کند و وجه آن را به جای ضمانتنامه ، به رسم وثیقه نزدخود نگه دارد. کارفرما تضمین انجام تعهدات را پس از تصویب صورتمجلس تحویل موقت ، باتوجه به تبصره یک این ماده آزاد می‌کند. تبصره ۱ ـ حداکثر تا یک ماه پس از تحویل موقت ، آخرین صورت وضعیت موقت طبق ماده ۳۷ ، بدون منظور داشتن مصالح پای کار تنظیم می‌شود. هرگاه بر اساس این صورت وضعیت ، پیمانکاربدهکار نباشد و یا جمع بدهی او از نصف کسور تضمین حس انجام کار کمتر باشد ، ضمانتنامه انجام‌تعهدات بی درنگ آزاد می‌شود. ولی هرگاه میزان بدهی پیمانکار ، از نصف کسور تضمین حسن انجام‌کار بیشترباشد ، ضمانتنامه انجام تعهدات ، برحسب مورد طبق شرایط تعیین شده درماده ۴۰ یا ۵۲آزاد می‌شود. تبصره ۲ ـ در صوری که تمام یا قسمتی از تضمین انجام تعهدات ، به صورت نقد نزد کارفرما باشدیا با رعایت مقررات ، به جای ضمانتنامه بانکی از انواع دیگر اوراق بهادار استفاده شود ، چگونگی گرفتن تضمین و استرداد آن در هر مورد ، طبق شرایطی است که در این پیمان برای ضمانتنامه بانکی‌تعیین شده است ماده ۳۵ ـ تضمین حسن انجام کار از مبلغ هر پرداخت به پیمانکار ، معادل ۱۰ درصد به عنوان تضمین حسن انجام کار کسر و در حساب‌سپرده نزد کارفرما نگاهداری می‌شود. نصف این مبلغ پس از تصویب صورت وضعیت قطعی طبق‌ماده ۴۰ و نصف دیگر آن پس از تحویل قطعی با رعایت مواد ۴۲ و ۵۲ مسترد می‌گردد. تبصره ـ پیمانکار می‌تواند ، وجوه سپرده تضمین حسن انجام کار را طبق دستورالعمل نافذ در زمان‌ارجاع کار که شماره و تاریخ آن در اسناد و مدارک پیمان درج شده است ، دریافت کند. ماده ۶ ـ پیش پرداخت کارفرما موافقت دارد که به منظور تقویت بنیه مالی پیمانکار ، مبلغی به عنوان پیش پرداخت به‌پیمانکار پرداخت کند. میزان ، روش پرداخت و چگونگی واریز پیش پرداخت و دیگر ضوابط آن ، براساس دستورالعمل مربوط است که در زمان ارجاع کارفرما نافذ بوده و شماره و تاریخ آن در اسناد ومدارک پیمان درج شده است پیمانکار در موعدهای مقرر در دستورالعمل پیشگفته ، برای دریافت هر یک از اقساط پیش پرداخت‌درخواست خود را به مهندس مشاور می‌نویسد. کارفرما پس از تایید مهندس مشاور ، هر قسط پیش‌پرداخت را در مقابل تضمین تعیین شده در دستورالعمل ، بدون اینکه وجوهی از آن کسر شود ، پرداخت می‌نماید. مهلت پرداخت هر قسط پیش پرداخت ۲۰ روز از تاریخ درخواست پیمانکار که‌به تایید مهندس مشاور رسیده است ، یا ۱۰ روز از تاریخ ارایه تضمین از سوی پیمانکار ، هر کدام که‌بیشتر است ، می‌باشد. ماده ۳۷ ـ پرداختها الف در آخر هر ماه ، پیمانکار ، وضعیت کارهای انجام شده از شروع کار تا آن تاریخ را که طبق‌نقشه‌های اجرایی ، دستور کارها و صورت جلسه است اندازه‌گیری می‌نماید و مقدار مصالح وتجهیزات پای کار را تعیین می‌کند ، سپس بر اساس فهرست بهای منضم به پیمان ، مبلغ صورت‌وضعیت را محاسبه کرده و آن را در آخر آن ماه تسلیم مهندس ناظر می‌نماید. مهندس مشاوره ، صورت وضعیت پیمانکار را از نظر تطبیق با اسناد و مدارک پیمان کنترل کرده و در صورت لزوم باتعیین دلیل اصلاح می‌نماید و آن را در مدت حداکثر ۱۰ روز از تاریخ دریافت از سوی مهندس ناظر ، برای کارفرما ارسال می‌نماید و مراتب را نیز به اطلاع پیمانکار می‌رساند. کارفرما صورت وضعیت‌کنترل شده از سوی مهندس مشاور را رسیدگی کرده و پس از کسر وجوهی که بابت صورت‌وضعیتهای موقت قبلی

پرداخت شـده است و همچنین اعمـال کسور قـانونی و کسور متعلقه طبق‌پیمان ، باقیمانـده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را حـداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول صورت‌وضـعیت ، با صدور چک به نام پیمانکار پرداخت می‌کند. با پرداخت صورت وضعیت موقت ، تمام‌کارها و مصالـح و تجهیزاتی که در صورت وضـعیت مزبور درج گردیده است متعلق به کارفرماست‌لیکن به منظور اجرای بقیه کارهـای موضـوع پیمـان ، به رسم امـانت ، تـا موقع تحویـل موقت ، در اختیارپیمانکـار قرار می‌گیرد. مقـادیر درج شـده در صورت وضعیتهای موقت و پرداختهایی که بابت آنها به عمل میاید جنبه‌موقت و علی الحساب دارد و هر نوع اشتباه اندازه‌گیری و محاسباتی و جز اینهـا ، در صورت‌وضـعیتهای بعـدی یـا در صورت وضـعیت قطعی ، اصـلاح و رفع می‌شود. به منظور ایجـاد امکـان برای‌تهیه ، رسیدگی و تصویب صورت وضعیت قطعی در مهلتهای تعیین شده در ماده ۴۰ ، پیمانکار باید ، ضمن اجرای کار و پس از اتمام هر یـک از اجزای آن ، نسبت به تهیه متره‌هـای قطعی و ارایه آنهـا به‌مهنـدس مشاور برای رسـیدگی همراه با صورتمجلسـها و مـدارک مربوط اقدام نماید ، این اسـناد باید درتهیه صورت وضـعیتهای موقت نیز مورد اسـتفاده قرار گیرد. تبصره ۱ ـ هرگاه به عللی صورت وضـعیتهای ارسالی از طرف مهنـدس مشاور مورد تاییـد کارفرماقرار نگیرد ، کارفرما پس از وضع کسور تعیین شـده در این ماده ، تا ۷۰ درصـد مبلغ صورت وضـعیتی راکه مهنـدس مشـاور ارسال نموده است ، به عنوان علی الحساب و در مـدت مقرر در این ماده در وجه‌پیمانکار پرداخت می‌کنـدو صورت وضـعیت را همراه با دلایل رد آن ، برای تصـحیح به مهندس مشاوربر می‌گرداند ، تا پس از اعمال اصلاحات لازم در مدت حداکثر ۵ روز ، دوباره به شـرح یاد شده ، برای‌کارفرما ارسال شود و بقیه مبلغ به ترتیب پیشگفته به پیمانکار پرداخت گردد. در این صورت مهلت‌پرداخت مبلغ صورت وضـعی از تاریخی شـروع می‌شود که صورت وضـعیت تصحیح شده تسلیم‌کارفرما شود. تبصره ۲ ـ هرگاه پیمانکار نسبت به صورت وضـعیتی که به شرح پیشگفته اصلاح شده است‌معترض باشد ، اعتراض خود را با ذکر دلیل ، حداکثر ظرف یک ماه ، به کارفرما اعلام می‌کند تا موردرسیدگی قرار گیرد. تبصره ۳ ـ اگر پیمانکار در موعد مقرر صورت وضـعیت موقت را تهیه و تسـلیم مهندس ناظر نکند ، مهندس مشاور با تایید کارفرما و به هزینه پیمانکار اقدام به تهیه آن می‌کنـد و اقـدامات بعـدی برای‌رسـیدگی و پرداخت آن را به ترتیب این مـاده به عمـل میـاورد. در این حالت ، هیچگونه مسئولیتی ازنظر تاخیر در پرداخت صورت وضعیت مربوط متوجه کارفرما نیست ب در پیمانهایی که مشمول تعدیل آحادبها هستند ، پس از تایید هر صورت وضعیت موقت ازسوی کارفرما پیمانکار صورت وضعیت تعدیل آحادبهای آن صورت وضعیت را بر اساس آخرین‌شاخصـهای اعلام شـده محاسبه می‌نمایـد و به منظـور بررسـی و پرداخت به نحوی که در بنـد الـف‌تعیین شـده است ، برای مهنـدس مشـاور ارسال می‌کنـد. تبصـره ـ اگر به هر دلیل و غیر از قصور پیمانکار ، تعـدیل کارکردهای هر نیمه ازسال (سه ماهه اول ودوم یـا سوم و چهـارم پس از سپری شـدن سه ماه از آن نیمه سال ، با شاخصـهای قطعی ، پرداخت‌نشود ، طبق بنـد ۹ ماده ۳۰ عمل خواهـد شـد. ج برای پرداخت وجوه دیگری که به موجب اسـناد و مدارک پیمان به پیمانکار تعلق می‌گیرد ، مهندس مشاور ، ظرف مدت ۱۰ روز از تاریـخ دریافت صورتحساب پیمانکار ، آن را رسـیدگی می‌کنـدو به کارفرما تسـلیم می‌نمایـد تا طبق بند الف برای رسـیدگی و پرداخت آن اقـدام شـود. مـاده ۳۸ ـ پرداختهـای ارزی هرگـاه طبـق اسـناد و مـدارک پیمـان ، پیمانکـار برای بعضـی از هزینه‌های اجرایی موضوع پیمان ، احتیاج‌به ارز داشـته باشد ، بدین ترتیب رفتار می‌شود. الف اگر در اجرای بند الف ماده ۱۷ ، برای اسـتخدام متخصـصان خارجی در اسـناد و مـدارک پیمان‌پرداخت ارز از سوی کارفرما تعهد شده باشد ، کارفرما ارز مورد نیاز را در مقابل پرداخت معادل ریالیان از سوی پیمانکار به نرخ رسـمی فروش بانک مرکزی ایران در تاریخ پرداخت ، در اختیار پیمانکارقرار می‌دهد ، به شرط آنکه در قرارداد آنها ، قسمتی از حقوق که هیچ گاه نباید از ۵۰ درصد بیشترباشد ، به ارز پیش‌بینی شده باشد. ب برای تهیه مصالح و تجهیزاتی که در اسناد و مدارک پیمان پرداخت ارز از سوی کارفرما تعهد شده‌است و باید از خارج کشور وارد شود و درعملیات موضوع پیمان مصـرف گردیده و در کار باقی‌بماند ، پیمانکار باید طبق مشـخصات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمـان و بـا تـوجه به برنـامه زمانی‌تفصـیلی ، برای تهیه پروفرمهـای خریـد مصالـح و تجهیزات مـورد بحث ، به طـوری که دست کم

دارای ۹۰ روز اعتبار باشد ، اقدام نماید. پیمانکار باید با مسئولیت خود ، اسناد فروشنده را از لحاظ انطباق مقادیر و مشخصات آنها با اسناد و مدارک پیمان ، کنترل نماید و پس از تایید ، به مهندس مشاورتسلیم کند. مهندس مشاور ، اسناد دریافتی را بررسی می کند و پس از تایید ظرف مدت ۲۰ روز ازتاریخ وصول آنها ، نظر کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید. اسناد مربوط به خرید مصالح وتجهیزات پیشگفته باید به نام کارفرما صادر شود. کارفرما بر اساس اسناد تایید شده به حساب‌پیمانکار اقدام به گشایش اعتبار می کند. پیمانکار با نظارت کارفرما ، نسبت به ترخیص مصالح‌وتجهیزات سفارش شده از گمرک ، به هزینه خود ، اقدام می‌نماید. پس از آنکه مصالح و تجهیزات یادشده وارد کارگاه شد و بهای آن به صورت کار یا مصالح و تجهیزات پای کار در صورت وضعیتهامنظور گردید ، پرداختهای قبلی که به صورت اعتبار از طرف کارفرما انجام شده است ، از طلب‌پیمانکار کسر می‌شود. ج اگر در اجرای بندهای الف و ب نرخ تسعیر ارز نسبت به نرخ آن در تاریخ تسلیم پیشنهاد قیمت‌پیمانکار تغییر کند ، در صورت افزایش نرخ ارز ، تفاوت نرخ تسعیر ارز به حساب بستانکاری پیمانکارمنظور می‌شود و در صورت کاهش نرخ ارز به حساب بدهی پیمانکار منظور می گردد. د) تعدیل نرخ کارهای موضوع بند (ب) ، در صورت شمول تعدیل به این پیمان ، تابع مقررات تعدیل‌خاص طبق دستورالعمل نحوه تعدیل آحادبها که در مورد این پیمان نافذ است ، می‌باشد. ه) اگر برای خرید ماشین آلات و ابزار خاصی که برای اجرای کار مورد نیاز است و امکان تهیه آنها درداخل نیست و باید از خارج کشور وارد شود ، از سوی کارفرما تسهیلات ارزی دراسناد و مدارک‌پیمان پیش‌بینی شده باشد ، در این مورد ، به ترتیب پیش‌بینی شده عمل می‌شود. پرداخت هزینه‌تامین ماشین آلات و ابزار موضوع این بند ، به عهده پیمانکار ، و مالکیت آنها ، متعلق به پیمانکاراست ماده ۳۹ ـ تحویل موقت الف پس از آنکه عملیات موضوع پیمان تکمیل گردید و کار آماده بهره برداری شد ، پیمانکار ازمهندس مشاور تقاضای تحویل موقت می کند و نماینده خود را برای عضویت در هیات تحویل‌معرفی می‌نماید. مهندس مشاور ، به درخواست پیمانکار رسیدگی می کند و در صورت تایید ، ضمن‌تعیین تاریخ آمادگی کار برای تحویل موقت ، تقاضای تشکیل هیات تحویل موقت را از کارفرمامی‌نماید. کارفرما به گونه‌ای ترتیب کار را فراهم می‌کند که هیات تحویل ، حداکثر در مدت ۲۰ روز ازتاریخ آمادگی کار که به تایید مهندس مشاور رسیده است ، درمحل کار حاضر شود و برای تحویل‌موقت اقدام نماید. اگر به نظر مهندس مشاور ، عملیات موضوع پیمان آماده بهره برداری نباشد ظرف‌مدت هفت روز از دریافت تقاضای پیمانکار ، نواقص و کارهایی را که باید پیش ازتحویل موقت‌تکمیل شود ، به اطلاع پیمانکار می‌رساند. هیات تحویل موقت ، متشکل است از: نماینده کارفرما نماینده مهندس مشاور نماینده پیمانکار کارفرما تاریخ و محل تشکیل هیات را به اطلاع مهندس مشاور وپیمانکار می‌رساند و تا تشکیل‌هیات مهندس مشاور ، برنامه انجام آزمایشهایی را که برای تحویل کار لازم است تهیه و به پیمانکارابلاغ می کند تا آن قسمت از وسایل را که تدارک آنها طبق اسناد و مدارک پیمان به عهده اوست ، برای‌روز تشکیل هیات در محل کار آماده کند. پیمانکار موظف است که تسهیلات لازم را برای هیات‌تحویل فراهم آورد. آزمایشهای لازم به تشخیص و با نظر اعضای هیات در محل انجام می‌شود ، و نتایج آن درصورتمجلس تحویل موقت درج می گردد. بجز آزمایشهایی که طبق اسناد و مدارک پیمان هزینه آنهابه عهده پیمانکار است ، هزینه آزمایشها را کارفرما پرداخت می کند. هرگاه هیات تحویل ، عیب و نقصی در کارها مشاهده نکند ، اقدام به تنظیم صورتمجلس تحویل‌موقت می‌نماید. صورتمجلس تحویل موقت را به همراه نتیجه آزمایشهای انجام شده ، برای کارفرما ارسال می‌کنند و نسخه‌ای از آن را نیز تا ابلاغ از سوی کارفرما ، در اختیار پیمانکار قرار می‌دهند.کارفرما پس از تایید ، تحویل موقت عملیات موضوع پیمان را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید. هرگاه هیات تحویل موقت ، عیب و نقصی در کارها مشاهده نماید ، اقدام به تنظیم صورت مجلس‌تحویل موقت با تعیین مهلتی برای رفع نقص می کند و فهرستی از نقایص و معایب کارها و عملیات‌ناتمام و آزمایشهایی که نتیجه آن بعدا معلوم می‌شود را تنظیم و ضمیمه صورتمجلس تحویل‌موقت می‌نماید و نسخه‌ای از آنها را به پیمانکار می‌دهد. پس از اعلام رفع نقص از جانب پیمانکار ، مهندس مشاور ، به اتفاق نماینده کارفرما ، دوباره عملیات را

بازدیـد می‌کنـد و اگر بر اساس فهرست‌نقـایص تعییـن شـده ، هیچگـونه عیـب و نقصـی بـاقی نمانـده باشـد ، مهنـدس مشـاور ، صورتمجلس‌تحویل موقت و گواهی رفع نقایص و معایب را که به امضای نماینده کارفرما ، مهندس مشاور وپیمانکار رسیده است ، همراه نتایج آزمایشهای خواسته شده برای کارفرما ارسال می‌کند تا پس ازتایید کارفرما ، به پیمانکار ابلاغ می‌شود. اگر به تشخیص کارفرما ، حضور نماینـده او در بازدیـد از کاروگواهی رفع نقص ضـروری نباشـد ، به مهنـدس مشاور نماینـدگی می‌دهد تا به جای نماینـده کارفرمـا اقـدام کنـد. تاریـخ تحویـل مـوقت ، تاریـخ تشـکیل هیـات در محـل و تحویـل کـار بـه کارفرمـاست کـه در صورتمجلس‌تحویـل موقت درج می‌شود. تاریـخ دوره تضـمین تاریـخ تحویـل موقت است ، به شـرط آنکه هیات‌تحویـل ، هیچگونه نقصـی درکار مشاهـده نکنـد یا نقایص در مهلتی که از طرف هیات تعیین شده است ، رفع شود. اگر زمانی که پیمانکار صـرف رفع نقایص می‌کنـد ، بیش از مهلت تعیین شـده باشـد ، تاریخ‌تحویل موقت ، همان تاریـخ تشـکیل هیات و تحویل کار به کارفرماست ، ولی تاریـخ شـروع دوره‌تضـمین ، تاریخ رفع نقص است که به تایید مهندس مشاور رسـیده باشد. اگر هیات تحویل موقت ، دیرتر از موعد مقرر (۲۰ روز از تاریـخ اعلاـم آمادگی کار ازسوی پیمانکار که‌به تاییـد مهنـدس مشاور رسـیده است در محل حاضـر شود و برای تحویل موقت اقدام نماید ، تاریخ‌تحویل موقت ، تاریخ تشکیل هیات در محل و تحویل کار به کارفرماست در این حالت ، اگر هیات‌نقصـی در کار مشاهـده نکنـد یا نقایص در مهلتی که از سوی هیات تعیین شده است رفع شود ، تاریخ‌شـروع دوره تضـمین ۲۰ روز پس از تاریـخ اعلاـم آمـادگی کـار از سوی پیمانکـار که به تاییـد مهنـدس‌مشاور رسـیده است می‌باشـد ، مگر آنکه زمـانی که پیمانکار صـرف رفع نقص می‌کند ، بیش از مهلت‌تعیین شده باشد که در این صورت ، تاریخ شـروع دوره تضمین ، برابر تاریخ رفع نقص که به تاییدمهنـدس مشـاور رسـیده است ، منهـای مـدت تـاخیر تشـکیل هیـات در محل (نسبت به مهلت ۲۰ روز) ، می‌باشـد. کارفرما باید هزینه‌های حفظ و نگهداری از کار را برای مدت تاخیر در تحویل موقت نسبت به مهلت ۲۰ روز) به پیمانکار پرداخت کنـد. ب در صـورتی که در اسـناد و مـدارک پیمـان ، برای تکمیـل و تحویـل مـوقت قسـمتهای مسـتقلی از کـار ، زمانهـای مجزایی پیش‌بینی شـده باشـد ، یابه نظر کارفرما ، بهره برداری از قسـمتهای مسـتقل از کار پیش‌از تکمیل کل کارمورد نیاز باشد ، کارفرما با رعایت این ماده ، قسمتهای پیشگفته را تحویل موقت‌گرفته و اقدامهای پس از تحویل موقت مانند آزاد نمودن تضمین انجام تعهدات ، شـروع دوره تضـمین ، تحویـل قطعی ، استرداد کسور تضـمین حسن انجـام کـار ، را به تنـاسب آن قسـمت از کار که تحویل‌موقت گردیده است ، طبق اسـناد و مدارک پیمان ، به صورت مستقل انجام می‌دهد. ج اگر با توجه به بند الف ماده ۲۹ ، عملیات موضوع پیمان تا حـد ۱۲۵ درصـد مبلغ اولیه پیمان‌انجـام شود ، ولی کارهـای اجرا شـده قابـل بهره برداری نباشـد و پیمانکـار برای ادامه کار موافقت نکنـد ، کارفرما طبق ماده ۴۸ به پیمـان خاتمه می‌دهـد. د) در صورتی که عملیات موضوع پیمان طبق این ماده آماده تحویل مـوقت شـود ، ولی پیمانکارتقاضـای تحویـل کـار را نکنـد ، مهنـدس مشـاور آمـاده بـودن کـار برای تحویـل مـوقت را بـه کـارفرما اعلام‌می‌نماید تا کارفرما طبق این ماده برای تشکیل هیات و تحویل موقت کار اقدام کند. اگر پس از ۱۰روز از تاریخ ابلاغ کارفرما ، پیمانکـار نماینـده خود را برای موقت معرفی نکنـد ، کارفرما با تامین دلیل‌به وسـیله دادگاه محل ، نسبت به تحویل موقت موضوع پیمـان ، طبـق این مـاده اقـدام می‌نمایـد. در این‌حـالت ، پیمانکـار حق هیـچ گونه اعتراضـی در این مورد نـدارد. ه) پس از تقاضـای پیمانکار برای تحویل موقت ، در صورتی که آماده بودن کار برای تحویل موقت‌مورد تایید مهندس مشاور باشد ولی تدارکات لازم برای راه اندازی وانجام آزمایشـهای مورد نیازمانند آب و برق که باید از سوی کارفرما تامین شود فراهم نباشد ، نحوه تحویل موقت و تحویـل‌قطعی و آزاد کردن تضـمینهای پیمانکـار بـا رعایت حقوق طرفین پیمان طبق نظر هیاتی متشـکل ازنماینـده سازمان برنامه و بودجه ، نماینـده کارفرمـا و نماینـده پیمانکـار می‌باشـد. نظر این هیـات قطعی ولازم‌الاجرا است و) پیمانکار موظف است که پس از تحویـل موقت ، تمـام وسایـل ، ماشـین آلاـت و ابزار و مصالـح‌اضافی متعلق به خود در محلهای تحویلی کارفرما راظرف مناسبی که مورد قبول مهنـدس مشاورباشد ، از محلهای یاد شد خارج کند. به علاوه ، پیمانکار باید ظرف مدت معینی که توسط مهندس‌مشاور

تعیین می‌شود ، ساختمانها و تاسیسات موقتی را که برای اجرای کار در محلهای تحویلی کارفرما ساخته است تخریب یا پیاده کند و مواد زاید آن را از محل کار خارج و کارگاه را به هزینه خودتمیز کند. در غیر این صورت ، کارفرما می‌تواند برای خارج نمودن آنها به هر نحو که مقتضی بداندعمل نماید و هزینه‌های آن را به حساب بدهکاری پیمانکار منظور دارد. در این صورت ، پیمانکارحق اعتراض نسبت به اقدام کارفرما و ادعای ضرر و زیان به اموال و داراییهای خود را ندارد. با توجه به اینکه مالکیت ساختمانهای پیش ساخته و مصالح بازیافتی و قطعات پیش ساخته‌ساختمانها و تاسیسات تجهیز کارگاه که به وسیله پیمانکار در محلهای تحویلی کارفرما نصب با احداث شده است ، متعلق به پیمانکار است ، هرگاه تمام یا قسمتی از این ساختمانها و تاسیسات‌موقت پیمانکار مورد احتیاج کارفرما باشد ، با توجه به اینکه رد این حالت نباید وجهی بابت برچیدن‌ساختمانها و تاسیسات یاد شده به پیمانکار پرداخت شود ، قیمت آن با تراضی طرفین تعیین و به کارفرما فروخته و تحویل می‌شود. ماده ۴۰ ـ صورت وضعیت قطعی پیمانکار باید حداکثر تا یکماه از تاریخ تحویل موقت ، صورت وضعیت قطعی کارهای انجام شده رابر اساس اسناد و مدارک پیمان ، بدون منظور نمودن مصالح و تجهیزات پای کار تهیه کند و برای‌رسیدگی به مهندس مشاور تسلیم نماید مهندس مشاور صورت وضعیت دریافت شده را رسیدگی‌نموده و ظرف مدت سه ماه برای تصویب کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرما صورت وضعیت دریافت شده را ظرف مدت دو ماه از تاریخ وصول رسیدگی می‌کند و نظرنهایی خود را ضمن ارسال یک نسخه از آن به پیمانکار ، اعلام می‌دارد. در صورتی که پیمانکار ، ظرف مهلت تعیین شده ، برای تهیه صورت وضعیت قطعی اقدام نکند ، باتایید کارفرما ، مهندس مشاور به هزینه پیمانکار ، اقدام به تهیه آن می‌کند و پس از امضای پیمانکاربرای تصویب کارفرما ارسال می‌دارد. در صورتی که پیمانکار از امضای صورت وضعیت خودداری‌کند ، مهندس مشاور بدون امضای پیمانکار ، صورت وضعیت را برای کارفرما می‌فرستد. در حالتی که پیمانکار ، صورت وضعیت را قبلا امضا نموده است اگر اعتراض نسبت به نظر کارفرماداشته باشد یا در حالتی که صورت وضعیت را قبلا امضا نکرده است و نسبت به نظر کارفرما اعتراض دارد ، اعتراض خود را حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول صورت وضعیت ، با ارایه دلیل‌و مدرک ، یکجا به اطلاع کارفرما می‌رساند. کارفرما حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول نظرپیمانکار ، به موارد اعتراض رسیدگی می‌کند و قبول یا رد آنها را اعلام می‌نماید. پیمانکار می‌تواند برای تعیین تکلیف آن قسمت از اعتراض خود که مورد قبول کارفرما واقع‌نمی‌شود ، طبق ماده ۵۳ اقدام نماید. در صورتی که پیمانکار ظرف مدت تعیین شده به صورت وضعیت اعتراض نکند ، صورت وضعیت‌قطعی از طرف پیمانکار قبول شده تلقی می‌شود. مقادیر کارها که به ترتیب بالا در صورت وضعیت قطعی منظور می‌شود به تنهایی قاطع است ومأخذ تسویه حساب قرار می‌گیرد ، هر چند که بین آنها و مقادیری که در صورت وضعیتهای موقت‌منظور گردیده است ، اختلاف باشد. هرگاه باتوجه به صورت وضعیت قطعی تصویب شده و سایر حسابهای پیمانکار ، پیمانکار بدهکارنباشد ، نصف تضمین حسن انجام کار آزاد می‌شود. تبصره ـ در مواردی که طبق مواد ۴۷ و ۴۸ پس از فسخ یا خاتمه پیمان ، اقدام به تهیه صورت‌وضعیت قطعی می‌شود ، مهلت تهیه صورت وضعیت قطعی ، به ترتیب از تاریخ صورت برداری یاتاریخ تحویل کارهای انجام شده می‌باشد. ماده ۴۱ ـ تحویل قطعی در پایان دوره تضمین تعینی شده در ماده ۵ موافقتنامه ، کارفرما بنا به تقاضای پیمانکار و تاییدمهندس مشاور ، اعضای هیات تحویل قطعی و تاریخ تشکیل هیات را ، به همان گونه که در ماده ۳۹برای تحویل موقت پیش‌بینی شده است ، معین و به پیمانکار ابلاغ می‌کند. هیات تحویل قطعی ، پس از بازدید کارها ، هر گاه عیب و نقصی که ناشی از کار پیمانکار باشد مشاهده ننماید ، موضوع‌پیمان را تحویل قطعی می‌گیرد و بی درنگ صورتمجلس آن را تنظیم و برای کارفرما ارسال می‌کند ونسخه‌ای از آن را تا ابلاغ از سوی کارفرما به پیمانکار می‌دهد و سپس کارفرما تصویب تحویل قطعی‌کار را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید. تبصره ۱ ـ هرگاه هیات تحویل قطعی ، عیب و نقصی ناشی از کار پیمانکار مشاهده کند ، برای رفع‌آنها طبق ماده ۴۲ رفتار می‌شود. تبصره ۲ ـ اگر پیمانکار ، در پایان دوره تضمین تعیین شده در ماده ۵ موافقتنامه ، تقاضای تحویل‌قطعی کار را ننماید ، مکلف به رفع نواقص ناشی از کار خود

که تا تاریخ تقاضای تحویل قطعی بروزکرده است می‌باشد وتاریخ تقاضای پیمانکار ، ملاک اقدامات مربوط به تحویل قطعی است تبصره ۳ ـ اگر کارفرما باوجود تقاضای پیمانکار ، اقدام به اعزام هیات تحویل نکند و این تاخیربیش از دو ماه به طور انجامد و پس از درخواست مجدد پیمانکار و انقضای یک ماده از تاریخ‌تقاضای مجدد ، کارفرما در این زمینه اقدامی نکند ، عملیات موضوع پیمان تحویل قطعی شده تلقی‌می‌گرددو باید اقدامات پس ازتحویل قطعی در مورد آن انجام شود. ماده ۴۲ ـ مسئولیتهای دوره تضمین اگر در دوره تضمین ، معایب و نقایصی درکار ببینند که ناشی از کار پیمانکار باشد ، پیمانکار مکلف‌است که آن معایب و نقایص را به هزینه خود رفع کند. برای این منظور ، کارفرما مراتب را با ذکرمعایب و نقایص و محل آنها را به پیمانکار ابلاغ می‌کند و پیمانکار باید حداکثر ۱۵ روز پس از ابلاغ‌کارفرما ، شروع به رفع معایب و نقایص کند و آنها را طی مدتی که مورد قبول کارفرماست ، رفع‌نماید. هرگاه پیمانکار در انجام این تعهد قصور ورزد یا مسامحه کند ، کارفرما حق دارد آن معایب و نقایص راخودش یا به ترتیبی که مقتضی بداند رفع نماید و هزینه آن را به اضافه ۱۵ درصد: از محل تضمین‌پیمانکار یا هر نوع مطالبات و سپرده‌ای که پیمانکار نزد او دارد ، برداشت نماید. هزینه‌های حفاظت ، نگهداری و بهره برداری کارهای تحویل موقت شده در دوره تضمین به عهده‌کارفرماست فصل پنجم حوادث قهری ، فسخ ، ختم ، تعلیق ، هزینه تسریع ، خسارت تاخیر ، تسویه حساب ، حل اختلاف ماده ۴۳ ـ بروز حوادث قهری جنگ ، اعم از اعلام شده یا نشده ، انقلابها واعتصابهای عمومی ، شیوع بیماریهای واگیردار ، زلزله ، سیل و طغیانهای غیرعادی ، آتش سوزیهای دامنه دارو مهار نشدنی ، طوفان و حوادث مشابه خارج ازکنترل دو طرف پیمان که در منطقه اجرای کار وقوع یابد و ادامه کار را برای پیمانکار ناممکن سازد ، جزو حوادث قهری به شمار می‌رود و در صورت بروز آنها ، به ترتیب زیرعمل می‌شود. در بروزحوادث قهری ، هیچ یک از دو طرف ، مسئول خسارتهای وارد شده به طرف دیگر در اثر این حوادث‌نیست الف پیمانکار موظف است که حداکثر کوشش خود را برای حفاظت از کارهای اجرا شده که دروضعیت قهری رها کردن آنها منجر به زیان جدی می‌شود وانتقال مصالح و تجهیزات پای کار به‌محلهای مطمین و ایمن ، به کار برد. کارفرما نیز باید تمام امکانات موجود خود را در محل ، در حدامکان ، برای تسریع در این امر ، در اختیار پیمانکار قرار دهد. ب در مورد خسارتهای وارد شده به کارهای موضوع پیمان ، تاسیسات و ساختمانهای موقت ، ماشین آلات و ابزار و وسایل پیمانکار ، به شرح زیر عمل می‌شود. ۱) هرگاه خسارتهای وارد شده به کارهای موضوع پیمان ، مشمول بیمه موضوع بند ج ماده ۲۱ باشدبرای جبران آن طبق همان ماده اقدام می‌شود. ۲) اگر خسارتهای وارد شده به کارهای موضوع پیمان ، مشمول بیمه موضوع بند ج ماده ۲۱ میزان آن‌جبران خسارتهای کافی نباشد ، جبران خسارت به عهده کارفرماست ۳) جبران خسارتهای وارد شده به ساختمانها و تاسیسات موقت ، ماشین آلات و ابزار و وسایل‌پیمانکار ، با توجه به بند د ماده ۲۱ به عهده پیمانکار است منظور از جبران خسارتهای یاد شده در بندهای ب ـ ۱ و ب ـ ۲ اعاده کارها به صورت پیش از وقوع‌حادثه است پس از رفع وضعیت قهری ، اگر کارفرما اعاده کارها را به حالت پیش از وقوع حادثه لازم‌و میسر بداند ، پیمانکار مکلف است که اجرای کارها را بی درنگ آغاز کند. در این صورت ، تمدیدمدت مناسبی برای اعاده کارها به وضع اولیه ، از سوی پیمانکار پیشنهاد می‌شود که پس از رسیدگی‌و تایید مهندس مشاور و تصویب کارفرما به پیمانکار ابلاغ می‌گردد. ج اگر کارفرما ادامه یا اعاده‌کارها به وضع اولیه را ضروری تشخیص ندهد ، یا اگر وضعیت قهری‌بیش از شش ماه ادامه یابد ، بدون رعایت بند د ماده ۴۸ ، طبق ماده ۴۸ ، به پیمان خاتمه می‌دهد. کارفرما هزینه‌های توقف کار پیمانکار را برای مدت مازاد بر یک ماه اول ، طبق بندهای ب و ج ماده۴۹ پرداخت می‌کند. ماده ۴۴ ـ ممنوعیت قانونی پیمانکار اعلام می‌کند که در موقع عقد پیمان ، مشمول قانون منع مداخله ، مصوب بیست و دوم دی‌ماه یک هزار و سیصد و سی و هفت نیست و در صورتی که خلاف آن برای کارفرما محرز شود پیمان‌فسخ و طبق ماده ۴۷ رفتار می‌شود. هرگاه ضمن انجام کار تا تحویل موقت ، پیمانکار ، به علل زیر ، مشمول قانون پیشگفته شود: الف تغییراتی که در صاحبان سهام ، میزان سهام ، مدیران یا بازرسان شرکت پیمانکار پیش آید. ب تغییراتی که در دستگاههای دولت یا کارفرما پیش آید. در

حالت (الف پیمان فسخ و طبق ماده ۴۷ رفتار میشود. در حالت (ب به محض وقوع منع قانونی ، پیمانکار مکلف است که مراتب را به کارفرما اعلام کند و در صورتی که مانع قانونی رفع نشود ، کارفرما به پیمان خاتمه می‌دهد و طبق ماده ۴۸ باپیمانکار عمل می‌کند. اگر پیمانکار مراتب را به‌موقع به کارفرما اعلام نکند ، پیمان فسخ و طبق ماده ۴۷ رفتار می‌شود. ماده ۴۵ ـ حقوق انحصاری ثبت شده الف پیمانکار کارفرما را در مقابل تمام دعاوی ، خسارتها و مطالبات مربوط به نقض احتمالی‌حقوق ثبت شده ، تالیفات ، علایم یا نامهای تجاری و دیگر حقوق حمایت شده که در اجرای‌موضوع پیمان ایجاد شود ، مصون می‌دارد. ب کارفرما تایید می‌نماید که مفاد اسناد و مدارک پیمان به گونه‌ای نیست که موجب نقض حقوق حمایت شده شود. در صورتی که برای پیمانکار معلوم شود که رعایت اسناد و مدارک پیمان ناگزیردر مواردی موجب نقض حقوق حمایت شده می‌گردد ، باید پیش از هر نوع اقدام در مورد آنها ، مراتب‌را به مهندس مشاور اعلام کند تاکارفرما نسبت به انجام تغییرات لازم ، به گونه‌ای که نقض حقوق حمایت شده بر طرف شود ، اقدام نماید و نتیجه را به پیمانکار ابلاغ کند. ماده ۴۶ ـ موارد فسخ پیمان الف کارفرما می‌تواند در صورت تحقق هر یک از موارد زیر ، پیمان را طبق ماده ۴۷ فسخ کند. ۱) تاخیر در تحویل گرفتن کارگاه از جانب پیمانکار بیش ازمهلت تعیین شده در بند (ب) ماده ۲۸ ۲) تاخیر در ارایه برنامه زمانی تفصیلی به مدت بیش ازنصف مهلت تعیین شده برای تسلیم آن ۳) تاخیر درتجهیز کارگاه برای شروع عملیات موضوع پیمان ، بیش از نصف مدت تعیین شده در بند(ج ماده ۴ موافقتنامه فسخ پیمان در این حالت ، در صورتی مجاز است که کارفرما قسمتی از پیش‌پرداخت را که باید بعد از تحویل کارگاه پرداخت کند ، پرداخت کرده باشد. ۴) تاخیر در شروع عملیات موضوع پیمان ، بیش از یک دهم مدت اولیه پیمان یا دو ماه ، هر کدام که‌کمتر است ۵) تاخیر در اتمام هر یک از کارهای پیش‌بینی شده در برنامه زمانی تفصیلی ، بیش از نصف مدت‌تعیین شده برای آن کار با توجه به ماده ۳۰. ۶) تاخیر در اتمام کار به مدت بیش از یک چهارم مدت پیمان با توجه به ماده ۳۰. ۷) عدم شروع کار پس از رفع وضعیت قهری موضوع ماده ۴۳ و بلاغ شروع کار از سوی کارفرما. ۸) بدون سرپرست گذاشتن کارگاه یاتعطیل کردن کار ، بدون اجازه کارفرما ، بیش از ۱۵ روز. ۹) عدم انجام دستور مهندس مشاور برای اصلاح کارهای انجام شده معیوب ، طبق بند (د) ماده ۳۲. ۱۰) انحلال شرکت پیمانکار. ۱۱) ورشکستگی پیمانکار یا توقیف ماشین آلات و اموال پیمانکار از سوی محاکم قضایی ، به‌گونه‌ای که موجب توقف یاکندی پیشرفت کار شود. ۱۲) تاخیر بیش از یک ماه در پرداخت دستمزد کارگران ، طبق بند و ماده ۱۷. ۱۳) هرگاه ثابت شود که پیمانکار برای تحصیل پیمان یا اجرای آن به عوامل کارفرما حق‌العمل ، پاداش یا هدایایی داده است ، یا آنها یا واسطه‌های آنها را در منافع خود سهیم کرده است ب در صورت احراز موارد زیر ، کارفرما پیمان را فسخ می‌کند. ۱) واگذاری پیمان به شخص ثالث ۲) پیمانکار مشمول ممنوعیت قانونی ماده ۴۴ گردد ، به استثنای حالت پیش‌بینی شده و در بند ب‌آن ، برای شمول ماده ۴۸. ماده ۴۷ ـ اقدامات فسخ پیمان الف در صورتی که به علت بروز یک یا چند مورد از حالتهای درج شده در ماده ۴۶ ، کارفرما پیمان رامشمول فسخ تشخیص دهد ، نظر خود را با ذکر مواردی که به استناد آنها پیمانکار را مشمول فسخ‌می‌داند به پیمانکار ابلاغ می‌کند. پیمانکار مکلف است که در مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ کارفرما ، در صورتی که دلایلی حاکی از عدم‌انطباق نظرکارفرما با علام شده داشته باشد ، مراتب را به اطلاع کارفرما برساند. اگر ظرف مهلت تعیین‌شده ، پاسخی از سوی پیمانکار نرسد یا کارفرما دلایل اقامه شده او را مردود بداند ، کارفرما فسخ‌پیمان را به پیمانکار ابلاغ می‌کند و بدون احتیاج به انجام دادن تشریفات قضایی ، به ترتیب مفاد این‌ماده ، عمل می‌نماید. در صورتی که تصمیم کارفرما برای فسخ پیمان به استناد موارد درج شده در بند الف ماده ۴۶ باشد ، موضوع فسخ پیمان باید بدوا به وسیله هیاتی متشکل از سه نفر به انتخاب وزیر یا بالاترین مقام‌سازمان کارفرما (در مورد سازمانهایی که تابع هیچ یک از وزارتخانه‌ها نیستند) بررسی و تایید شود ومورد موافقت وزیر یا بالاترین مقام سازمان کارفرما قرار گیرد و سپس به پیمانکار ابلاغ شود. ب کارفرما تضمین انجام تعهدات و تضمین حسن انجام کار کسر شده ، را ضبط و به حساب خزانه‌واریز می‌کندو بی درنگ کارگاه ، تاسیسات و ساختمانهای موقت ، مصالح و

تجهیزات ، ماشین آلات‌و ابزار و تمام تدارکات موجود در آن را در اختیار می گیرد و برای حفاظت آن اقدام لازم معمول‌می‌دارد. سپس بی درنگ از پیمانکار دعوت می کند که ظرف یک هفته نماینده‌ای برای صورت‌برداری و تهیه صورتمجلس کارهای انجام شده و تمام مصالح ، تجهیزات ، ماشین آلات و ابزاروتدارکات دیگر در کارگاه موجود است ، معرفی نماید. هرگاه پیمانکار از معرفی نماینده ظرف مدت‌تعیین شده خودداری کند یا نماینده معرفی شده از جانب او در موعد مقرر برای صورت برداری‌حاضر نشود ، کارفرما به منظور تامین دلیل ، با حضور نماینده دادگاه محل ، برای صورت برداری اقدام‌می‌نماید و پیمانکار حق هیچ گونه اعتراضی در این مورد را ندارد. پس از صورت برداری ، پیمانکاربی درنگ ، طبق ماده ۴۰ ، اقدام به تهیه صورت وضعیت قطعی از کارهای انجام شده می کند. ج کارفرما تاسیسات و ساختمانهای موقت را که در کارگاه احداث شده و برای ادامه کار مورد نیازاست ، در اختیار می گیرد و بهای آنها را در برابر ارزش مصالح و تجهیزات بازیافتی که با توافق دوطرف تعیین می‌شود با توجه به اینکه در این موارد نباید وجهی بابت برچیدن کارگاه به پیمانکارپرداخت شود ، به حساب طلب پیمانکار منظور می کند. اگر تاسیسات و ساختمانهای پیشگفته درخارج از محلهای تحویلی کارفرما ایجاد شده باشد ، کارفرما بهای اجاره آنها را که با توافق دو طرف‌تعیین می‌شود ، برای مدتی که به منظور تکمیل کار در اختیار خواهد داشت به پیمانکار پرداخت‌می کند. د) کارفرما می‌تواند ماشین آلات و ابزار و وسایل متعلق به پیمانکار را که در کارگاه موجود است و به‌تشخیص خود برای اتمام کار مورد نیاز بداند ، برای مدت مناسبی که برای جایگزین کردن آنها باماشین آلات دیگر لازم است در اختیار بگیرد و هزینه اجاره آنها را که با توافق دو طرف تعیین می‌شود به‌حساب طلب پیمان کار منظور نماید. کارفرما نمی‌تواند بدون موافقت پیمانکار ماشین آلات او رابیش از مدتهای تعیین شده در زیر در اجاره خود بگیرد. ۱) در مورد ماشین آلات ثابت مانند دستگاه مرکزی بتن ، کارخانه آسفالت وماشین آلات خاصی که‌نام آنها در شرایط خصوصی پیمان پیش‌بینی شده است ، برابر مدتی که از رابطه زیر به دست میاید. مدتاولیه پیمان * (مبلغ پیمان‌مبلغ صورت وضعیت قطعی ـ ۱) + ۳ ماه = مدت اختیار کارفرما برای اجاره ۲) در مورد سایر ماشین آلات ، برابر ده ماه اگر پیمانکار به کارفرما بدهکار باشد ، کارفرما به میزان طلب خود ، اقلامی از ماشین‌آلات و ابزار ووسایل پیمانکار را که توسط کارشناس یا کارشناسان منتخب طرفین ارزیابی می‌شود در اختیارمی گیرد و با رعایت قوانین جاری کشور ، به تملک قطعی خود در میاورد. ه) کارفرما از مصالح و تجهیزات پای کار آنچه طبق مشخصات بوده و برای اجرای پیمان تهیه شده‌است قبول می کند و بهای آن را بر اساس نرخ متعارف در تاریخ خرید که مورد توافق دو طرف باشد ، به حساب طلب پیمانکار منظور می‌نماید. و) پیمانکار با دریافت بلاغ فسخ پیمان ، بی درنگ فهرست مصالح و تجهیزات سفارش شده برایاجرای کار را همراه با شرایط خرید آنها برای کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرماتا ده روز از دریافت‌فهرست پیشگفته ، اقلامی از مصالح و تجهیزات سفارش شده را که مورد نیاز تشخیص می‌دهد به‌پیمانکار اعلام می‌نماید تاپیمانکار قرارداد خرید آنها را به کارفرما منتقل نماید. مبالغی که بابت‌خرید این مصالح و تجهیزات از سوی پیمانکار تادیه شده است ، در مقابل تسلیم اسناد و مدارک آن‌به حساب طلب پیمانکار منظور می گردد. و تادیه بقیه بهای خرید و هر نوع تعهد مربوط به آنها به‌عهده کارفرما خواهد بود. ز) هرگاه پیمانکار ظرف دو هفته از تاریخ ابلاغ کارفرما ، به منظور توافق در اجرای بندهای ج ، د و ه‌حاضر نشود یا توافق بین طرفین حاصل نگردد ، کارفرما یک یا چند کارشناس رسمی دادگستریانتخاب می‌نماید. نظر این کارشناس یا کارشناسان برای قوانین قطعی است و حق الزحمه آنان راکارفرما می‌پردازد و به حساب بدهی پیمانکار منظور می کند. ح پیمانکار مکلف است که مازاد مصالح و تجهیزات ودیگر تدارکات خود را که در محلهای تحویل کارفرماباقی مانده است ، حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ کارفرما ، از محلهای یاد شده خارج کند.درغیر این صورت ، کارفرما می‌تواند برای خارج کردن آنها به هر نحو که مقتضی بداند عمل نماید وهزینه‌های آن را به حساب بدهکار پیمانکار منظور دارد. در این حالت ، پیمانکار نمی‌تواند نسبت به‌ضرر و زیان وارد شده به اموال و داراییهای خود دعوایی مطرح نماید. ط از تاریخ ابلاغ فسخ پیمان تا تاریخی که صورت برداریها و ارزیابی طبق این ماده پایان

می‌یابـد ، نصب هزینه‌های مربوط به نگهـداری و حفاظت کارگاه به عهـده کارفرما و نصف دیگر به عهـده‌پیمانکار است این مـدت نبایـد از سه ماه بیشتر شود ، درغیر این صورت ، هزینه‌های مربوط به‌نگهـداری و حفاظت کارگاه برای ایام بیش از سه ماه ، به عهده کارفرماست ماده ۴۸ ـ خاتمه پیمان هرگاه پیش از اتمام کرهای موضوع پیمان ، کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد ، بنـا به‌مصلـحت خود یـا علـل دیگر ، تصـمیم به خـاتمه دادن پیمـان بگیرد ، خـاتمه پیمان را با تعیین تاریـخ آماده‌کردن کارگاه برای تحویل ، که نبایـد بیشتر از ۱۵ روز باشـد ، به پیمانکار ابلاغ می‌کنـد. کارفرما کارهایی‌را که ناتمام مانـدن آنها موجب بروز خطر یا زیان مسلـم است در این ابلاغ تعیین می‌کنـدو مهلت‌بیشتری به پیمانکار می‌دهـد تا پیمانکار بتواند در آن مهلت ، این گونه کارها را تکمیـل کنـدو کارگـاه را امـاده تحویل نمایـد. اقـدامات پس از خاتمه دادن پیمان ، به شـرح زیر ، است الف کارفرما آن قسـمت از کارها را که ناتمام است ، طبق مقررات درج شـده در ماده ۴۱ تحویل قطعی‌و آن قسـمت را که پایان یافته است طبق مقررات تعینی شده درماده ۳۹ تحویـل موقت می‌گیرد. اگرمعـایبی در موردکارهـای ناتمام مشاهـد شود ، پیمانکار مکلف است به هزینه خود ، در مدت مناسبی‌که با توافق کارفرما تعیین می‌شود ، رفع عیب نماید و سپس تحویل قطعی دهد. در صورتی که‌پیمانکار در مهلت مقرر رفع نقص نکنـد ، کارفرمـا طبق بنـد د مـاده ۳۲ اقـدام به رفع نقص می‌نمایـد. تـا حـدی که مـورد لزوم و درخواست کارفرمـاست ، پیمانکار بایـد نقشه‌ها ، کاتالوگها ، قراردادهای باپیمانکاران جز و سایر مـدارک اجرای کار را تحویل کارفرما دهـد. ب در صورت وضعیت کارهای انجام شده ، طبق ماده ۴۰ تهیه میشود. ج در مورد مصالح و تجهیزات موجود و سـفارش شده ، به شرح زیر ، اقدام می‌شود: ۱) مصالـح و تجهیزات موجـود در کارگـاه کـه طبـق مشـخصات فنی بـوده و برای اجرای موضـوع پیمـان‌تهیه شـده است ، انـدازه‌گیری و بهـای آنهـا بر اساس نرخ متعارف روز در تاریـخ خریـد ، که مورد توافق دوطرف باشـد ، در صورت وضـعیت قطعی منظور می‌شود. ۲) پیمانکـار بـا دریافت ابلاغ خاتمه پیمان ، بی درنگ فهرست مصالـح و تجهیزات سـفارش شـده برایاجرای کار را همراه بـا شـرایط خریـد آنها برای کارفرمـا ارسال می‌نمایـد. کارفرمـا تـا ده روز از دریـافت‌فهرست پیشـگفته ، اقلامی از مصالـح و تجهیزات سـفارش شـده را که مورد نیـاز تشـخیص می‌دهـد به‌پیمانکـار اعلام می‌نمایـد تا پیمانکار قرارداد خریـد آنها را به کارفرما منتقل نماید. مبالغی که بابت‌خرید این مصالح و تجهیزات از سوی پیمانکار تادیه شده است ، در مقابل تسـلیم اسناد و مدارک آن‌به حسـاب طلب پیمانکـار منظـور می‌گردد و تـادیه بقیه بهـای خریـد و هر نـوع تعهـد مربوط به آنهـا به‌عهـده کارفرمـا خواهـد بود. ۳) پیمانکار بایـد بی درنگ پس از دریافت ابلاغ خاتمه پیمان ، تمام قراردادهای خود با پیمانکاران‌جز و اشـخاص ثالث را خاتمه دهد. خاتمه قراردادهای خریـد مصالـح و تجهیزاتی که مورد نیازکارفرما نیست پس از اعلام نظر کارفرما طبق بنـد ۲ انجام می‌شود. د) در صورتی که پیمانکار به منظور اجرای موضوع پیمان ، در مقابل اشخاص ثالث تعهداتی کرده‌است و در اثر خاتمه دادن به پیمان ملزم بـه پرداخـت هزینـه و خسارتهـایی بـه آن اشــخاص گردد ، این‌هزینـه و خسارتهـا ، پس از رسـیدگی و تاییـد کارفرمـا ، بـه حسـاب بسـتانکاری پیمانکـار منظور می‌شود. ه) کارفرمـا تاسـیسات و ساختمانهـای موقتی را که در کارگـاه احـداث شـده است ، در اختیـار می‌گیرد.بهـای ایـن تاسـیسات و ساختمانهـا بـا در نظر گرفتن پرداختهـایی که قبلا ـ به پیمانکـار شـده است ، بـا توافق‌دو طرف تعیین می‌شود و به حساب طلب پیمانکار منظور می‌گردد و بابت آنها وجهی به عنوان‌برچیـدن کارگاه پرداخت نمی‌شود. اگر تاسـیسات و ساختمانهای پیشـگفته در خارج از محلهای‌تحویلی کارفرما ایجاد شده باشد ، کارفرما بهای اجاره آنها را که با توافق دو طرف تعیین می‌شود ، برای مـدتی که به منظور تکمیـل کـار در اختیار خواهـد داشت به پیمانکار پرداخت می‌کنـد. و) پیمانکار مکلف است که مازاد مصالـح و تجهیزات و دیگر تدارکات خود را که در محلهای‌تحویلی کارفرما باقی مانده است ، حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ کارفرما ، از محلهای یاد شـده‌خارج کنـد. در غیر این صورت ، کارفرما می‌تواند برای خارج کردن آنها به هر نحو که مقتضـی بداندعمل نماید و هزینه‌های آن را به حساب بدهی پیمانکار منظور دارد. در این صورت ، پیمانکارنمی‌تواند نسبت به ضـرر و زیان وارد شـده به امـوال و داراییهـای خـود ، دعـوایی مطرح نمایـد. ز) در مورد تضـمینهای پیمانکـار ، به ترتیب ، زیر عمـل می‌شود. ۱)

تضـمین انجام تعهدات پیمان ، طبق روش تعیینی شده در تبصـره ۱ ماده ۳۴ آزاد می‌شود ، با این‌تفاوت که آخرین صورت وضـعیت موقت موضوع تبصـره پیشگفته ، حـداکثر تا یک ماه پس از تحویل‌کار ، اعم از قسـمت تحویل موقت شـده و تحویل قطعی شـده با احتساب مصالح پای کار تهیه‌می‌شود. ۲) تضـمین حسن انجام کار قسـمت تحویل موقت شده و قسمت تحویل قطعی شده ، هر یک جداگانه‌طبق ماده ۳۵ آزاد می‌شود. ماده ۴۹ ـ تعلیق الف کارفرما می‌توانـد در مـدت پیمان ، اجرای کار را برای یک بار و حـداکثر سه ماه معلق کند ، در این‌صورت باید مراتب را با تعیین تاریخ شـروع تعلیق به پیمانکار اطلاع دهد. در مدت تعلیق ، پیمانکارمکلف است که تمام کارهای انجام شـده ، مصالح و تجهیزات پای کار ، تاسیسات و ساختمانهای‌موقت را بر اساس پیمان به طور شایسـته ، حفاظت و حراست کند. ب کارفرما هزینه‌های بالاسـری پیمانکار را در دوران تعلیق ، به میزان تعیین شده در اسناد و مدارك‌پیمان ، به پیمانکار می‌پردازد. اگر در اسـناد و مـدارک پیمان ، تعیین هزینه‌های یاد شـده ، به توافق طرفین‌در زمان ابلاغ تعلیق موکول شـده باشـد ، کارفرمـا در مورد میزان آن بـا پیمانکار توافق می‌نمایـد. درصورتی که در اسـناد و مـدارك پیمان ، هیـچ نوع پیش‌بینی برای پرداخت هزینه‌هـای بالاسری پیمانکـاردر دوره تعلیق نشـده باشـد ، کارفرمـا ماهانه مبلغی معادل ۱۰ درصد متوسط کارکرد فرضـی ماهانه را به‌پیمانکار می‌پردازد. اگر به دسـتور کارفرما ، قسمتی از کار متوقف شود ، بابت هزینه‌های پیشگفته درمدت تعلیق ، ماهانه مبلغی معادل ۱۰ درصـد متوسـط کارکرد فرضـی ماهانه ، به تناسب مبلغ کارمتوقف شـده ، به پیمانکار پرداخت می‌شود. برای تعیین هزینه تعلیق ، کسـر ماه به تناسب محاسبه‌می‌شود. تبصره ـ در صورتی که پیش از آغاز عملیات موضوع پیمان ، تعلیق پیمان از سوی کارفرما ابلاغ‌شود ۸۰ درصـد هزینه تعلیق محاسبه شـده طبق این بنـد ، به پیمانکار پرداخت می‌شود. ج کارفرما و پیمانکار در مورد ماشین آلاتی که پیمانکار مایل است در مدت تعلیق از کارگاه خارج‌نماید ، بدون پرداخت هیچ نوع هزینه‌ای ، توافق می‌کنند. اجاره مربوط به دوران توقف آن تعـداد ازماشـین آلات که در کارگاه باقی می‌مانند ، بر اساس توافق طرفین به پیمانکار پرداخت می‌شود. د) در صورتی که تعلیق بیش از سه ماه ضـروری باشـد ، کارفرما می‌تواند با موافقت پیمانکار ، مدت‌تعلیق را برای یک بارو حداکثر سه ماه ، با شـرایط پیشگفته افزایش دهد. در صورت عدم موافقت‌پیمانکار با تعلیق بیش از سه ماه ، پیمان خاتمه یافته و طبق ماده ۴۸ عمـل می‌شود. ه) هرگاه عوامل موجب تعلیق کار برطرف شود ، کارفرما با تعیین مهلتی برای پیمانکار به منظور آماده‌نمودن کارگاه ، تاریخ شروع مجدد کار را به پیمانکار ابلاغ می‌کند. ماده ۵۰ ـ هزینه تسریع کار ، خسارت تاخیر کار الف اگر در مقابل اتمام پیش از موعد کار ، در اسناد و مدارک پیمان ، پرداخت هزینه تسریع کار به‌پیمانکار ، پیش‌بینی شده باشد و پیمانکار پیش از سپری شدن مـدت پیمـان ، عملیـات موضوع پیمـان‌را تکمیـل کنـد و آمـاده تحویـل نمایـد ، پیمانکار محق به دریافت هزینه تسـریع طبق شـرایط پیش‌بینی‌شـده می‌باشـد. ب در پایان کار ، در صورتی که مـدت انجام کار ، بیش از مـدت اولیه پیمان به علاوه مـدتهای تمدیدشده پیمان باشد ، مهندس مشاور با رعایت ماده ۳۰ و رسیدگی به دلایل پیمانکار ، مدت تاخیرغیرمجاز پیمانکار را تعیین می‌کند تا پس از تصویب کارفرما به شـرح زیر ، ملاک محاسـبه خسارت‌تاخیر قرار گیرد. ۱) هرگاه جمع مـدت تاخیر غیر مجاز از یک دهـم مدت پیمـان بیشتر نشود ، برای هر روز تـاخیر ، یـک‌دو هزارم مبلغ باقیمانـده کار که در اجرای آن تاخیر شـده است ۲) هرگاه جمع مدت تـاخیر غیرمجـاز از یک دهـم مـدت پیمان بیشتر شود ، تا یک دهم مـدت پیمان‌طبق بنـد ۱ و برای مـازاد بر آن تا یک چهارم مـدت پیمـان ، برای هر روز تاخیر یک هزارم مبلغ‌باقیمانـده کار که در اجرای آن تاخیر شـده است ۳) هرگاه جمع مـدت تاخیر غیرمجاز از یـک چهـارم مـدت پیمـان بیشتر شود ولی پیمـان ادامه یابـد.مجموع خسارتهـای تـاخیر قابـل دریـافت از پیمانکار نمی‌توانـد از جمع خسـارت محاسبه شـده بر پایه‌بنـد (۲) بیشـتر شـود و مـدت اضـافه بر یـک چهـارم مـدت پیمـان ، برای ادامـه و انجـام کـار بـدون دریافت‌خسـارت منظور می‌شود. ۴) مبلغ باقیمانـده کـار کـه در اجرای آن تـاخیر شـده اسـت عبـارت است از مبلـغ پیمـان ، منهـای مبلغ‌صورت وضـعیت مربوط به کارهای انجام یافته تا آخرین روز مدت پیمان ۵) در صورتی که پیمان ، طبق ماده ۴۶ فسخ گردد یا طبق ماده ۴۸ ، به پیمـان خـاتمه داده شود ، تاخیرکار نسبت به برنامه زمانی تفصـیلی با رعایت ماده ۳۰ بررسـی شده ، میزان مجاز و

غیرمجاز آن تعیین‌می‌شود بـابت تـاخیر غیرمجاز پیمانکار ، طبق مفاد این بنـد ، پرداخت خسارت تاخیر به پیمانکار تعلق‌می گیرد. در این حـالت ، مبلغ باقیمانـده کار که در اجرای آن تاخیر شـده است ، عبارت است از مبلغ‌کارهایی که طبق برنامه زمانی تفصـیلی و با در نظر گرفتن تاخیر مجاز پیمانکار بایـد تا تاریـخ فسـخ یاخاتمه پیمان انجام می‌شـد ، منهای مبلغ کار انجام شده ۶ ـ در مواردی که اخذ خسارت تاخیر بیش از ارقام درج شده در این ماده ضـروری باشد و در اسناد دومدارک پیمان ، میزان آن پیش‌بینی شده باشد ، خسارت تاخیر را بر اساس آن محاسـبه می کننـد. ماده ۵۱ ـ صورتحسـاب نهایی صورتحساب نهایی پیمان که ظرف مـدت سه ماه از تاریخ تصویب صورت وضعیت قطعی توسط‌کارفرما تهیه می‌شود ، عبارت است از مبلغ صورت وضعیت قطعی که طبق ماده ۴۰ تهیه و تصویب‌می‌شود و مبلغی که بر اساس اسـناد و مـدارك پیمان به مبلغ بالاضافه یا از آن کسـر می گردد ، مانندوجوه ناشـی از تعدیل آحـاد بهـا ، بهـای مصالـح ، تجهیزات و ماشـین آلاـت تحویلی کارفرمـا به پیمانکار ، مبلغ جبران خسارت یا جریمه‌های رسـیدگی و قطعی شـده صورتحساب نهایی تهیه شـده توسط کارفرما در صورتی که مورد قبول پیمانکار باشـد ، توسط کارفرماو پیمانکار امضـا می‌شود. اگر پیمانکار به صورتحساب نهایی تهیه شـده ، توسط کارفرما معترض‌باشـد و آن را امضا نکنـد ، باید ظرف یک ماه ، نظر خود را بـا مـدارک کـافی به کارفرمـا بنویسـد ، وگرنه‌صورتحساب نهایی از طرف پیمانکار پـذیرفته شـده تلقی می‌شود. کارفرما در صورت تاییـد اعتراض پیمانکـار ، صورتحسـاب نهایی را اصـلاح می کنـد و دو طرف پیمان‌آن را امضا می کنـد. صورتحساب نهایی تاییـد شـده به شـرح بالاـ که ملاک تسویه حساب پیمانکار طبق ماده ۵۲ قرارمی گیرد ، برای دو طرف پیمـان قطعی است و هرگـونه اعتراض و ادعـایی در مورد آن بی تـاثیر می‌باشـد. در صورتی که پیمانکـار نسبت به صورتحسـاب نهـایی تهیه شـده توسط کارفرما معترض باشـد واعتراض خود را در مهلت تعیین شـده اعلاـم کنـد و اعتراض او مورد پـذیرش کارفرما قرار نگیرد ، پیمانکار می‌تواند برای حـل مسأله ، طبق ماده ۵۳ اقدام نماید. تبصره ۱ ـ در صورتی که به علت تاخیر در رسـیدگی آخرین صورت وضـعیت موقت یا صورت‌وضـعیت قطعی یـا تـاخیر در تهیه صورتحسـاب نهـایی ، هزینه‌هـای اضـافی بابت تمدیـد ضـمانتنامه‌های‌پیمانکار ایجاد شود ، کارفرما این هزینه‌های اضافی را که از سوی پیمانکار تامین شـده است ، به اوپرداخت می کنـد و اگر مـدت تاخیر در آزاد کردن هر یک از تضـمینها از سه ماه بیشتر شود ، کارفرماتضـمین مربوط را آزاد می‌نماید. تبصره ۲ ـ هرگاه بر اساس صورت وضـعیت قطعی ، معلوم شود که در آخرین صورت وضـعیت‌موقت ، پیمانکار بدهکار نبوده یا بدهی او کمتر از نصف کسور تضـمین حسن انجام کار بوده است یـاطبق صورت حسـاب نهایی ، مشـخص شود که در زمان تصویب صورت وضـعیت قطعی پیمانکاربـدهکار نبوده است ، کارفرما بایـد بی درنگ تضـمین آزاد نشـده مربوط به هر یک از مـدارك یاد شـده را ازاد کرده و هزینه تمدیـد آنها را که از سوی پیمانکـار تـامین شـده است ، برای مـدتی که در آزاد نمودن‌آنهـا تاخیر ایجاد گردیـده پرداخت کنـد. ماده ۵۲ ـ تسویه حسـاب الف هرگاه بر اساس صورتحساب نهایی که به شـرح ماده ۵۱ تهیه شده است پیمانکار بسـتانکار شود ، طلب او حداکثر در مدت یک ماه از تاریـخ امضـای صورتحسـاب نهـایی یـا اعلام کارفرما پرداخت‌می گردد و به غیر از نصف تضـمین حسن انجام کار ، که تا تحویل قطعی بایـد نزد کارفرمـا بـاقی بمانـد ، دیر تضـمینهای پیمانکـار ، از هر نوع که باشـد ، بی درنـگ آزاد می‌شود. ب هرگاه بر اساس صورتحساب نهایی ، پیمانکار بدهکار شود ، مکلف است که در مدت یک ماه ازتاریخ امضای صورتحساب نهایی یا اعلام کارفرما ، به شـرح بالا طلب کارفرما را بپردازد و اگر از این‌پرداخت اسـتنکاف ورزد یا تاخیر نماید ، کارفرما حق دارد بدون انجام تشـریفات قضـایی ، طلب خودرا از محـل سپرده‌ها و تضـمینهای پیمانکار (در صورتی که طبق ماده ۴۷ ضـبط نشده باشد) ، وصول‌نماید و اگر مبالغ این تضـمینها تکافو ننمایـد ، با رعایت قوانین جاری کشور از دیگر داراییهای اووصول کند. هرگاه پیمانکار در مهلت مقرر در بالا ، طلب کارفرما را پرداخت کنـد ، به غیر از نصف کشور تضـمین‌حسن انجام کار که تا تحویل قطعی نزد کارفرما باقی می‌مانـد ، بقیه ضـمانتنامه‌ها و سپرده‌هـای او ، به‌هر عنوان که باشـد ، بی درنـگ آزاد می‌شود. مـاده ۵۳ ـ حـل اختلاـف الف هرگاه در اجرای تفسـیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید ، دو طرف می‌توانند برای‌حل سـریع آن ، قبل از درخواست ارجاع موضوع یا

موضوعات مورد اختلاف به داوری طبق بند ج‌برحسب مورد ، به روش تعیین شده در بندهای ۱ و۲ عمل نماید. ۱) در مورد مسایل ناشی از برداشت متفاوت دو طرف از متون بخشنامه‌هایی که به استناد ماده ۲۳قانون برنامه و بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شده است ، هر یک از دو طرف از سازمان‌برنامه و بودجه چگونگی اجرای بخشنامه مربوط را استعلام نماید و دو طرف طبق نظری که ازسوی سازمان برنامه بودجه اعلام می‌شود ، عمل کنند. ۲) در مورد اختلاف نظرهایی که خارج از شمول بند ۱ ، است ، رسیدگی و اعلام نظر درباره آنها به‌کارشناس یا هیات کارشناسی منتخب دو طرف واگذار شود و دو طرف طبق نظری که از سوی‌کارشناس یا هیات کارشناسی ، در چارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط اعلام می گردد ، عمل‌کنند. ب در صورتی که دو طرف در انتخاب کارشناس یا هیات کارشناسی موضوع بند ۲ ، به توافق نرسندیا نظر اعلام شده طبق بندهای ۱ و۲ ، مورد قبول هر یک از دو طرف نباشد ، برای حل اختلاف ، طبق‌بند ج اقدام می گردد. ج هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید ، هر یک از طرفها می‌توانددرخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به رییس سازمان برنامه بودجه‌ارایه نماید. تبصره ۱ ـ چنانچه رییس سازمان یاد شده با تقاضای مورد اشاره موافقت نمود ، مرجع حل‌اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود. تبصره ۲ ـ رسیدگی و اعلام نظر شورای عالی فنی ، درچارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط‌انجام می‌شود. پس از اعلام نظر شورای یاد شده ، طرفها بر طبق آن عمل می‌نمایند. د) ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به شورای عالی فنی ، تغییری در تعهدات قراردادی دوطرف نمی‌دهد و موجب آن نمی‌شود که یکی از دو طرف به تعهدات قراردادی خویش عمل نکنند. ماده ۵۴ ـ قوانین و مقررات حاکم بر پیمان قوانین و مقررات حاکم بر این پیمان منحصرا قوانین و مقررات کشور جمهوری اسلامی ایران است نماینده کارفرما نماینده پیمانکار نام و نام خانوادگی‌نام و نام خانوادگی امضا امضا شرایط خصوصی این شرایط خصوصی ، در توضیح و تکمیل موادی از شرایط عمومی پیمان است که تعیین تکلیف‌برخی از موارد در آنها ، به شرایط خصوصی پیمان موکول شده است و هیچ گاه نمی‌تواند مواد شرایط‌عمومی پیمان را نقض کند. از این رو ، هرگونه نتیجه‌گیری و تفسیر مواد مختلف این شرایط‌خصوصی ، نه تنها و بدون توجه به مفاد ماده مربوط به آن در شرایط عمومی پیمان ، بی اعتبار است شماره و حروف به کار رفته در مواد این شرایط خصوصی ، همان شماره و حروف مربوط به آن درشرایط عمومی پیمان است اگر شرایط عمومی مصوب سازمان برنامه بودجه همراه اسناد و مدارک پیمان نباشد ، شرایط عمومیابلاغ شده از سوی سازمان برنامه و بودجه به شماره ....مورخ .... بر این پیمان حاکم است ماده ۱۷ ـ الف پیمانکار متعهد است که برای اجرای موضوع پیمان ، تعداد.........نفر/ ماه کارشناس‌خارجی با تخصصهای تعیین شده در زیر ، به کار گمارد. ماده ۱۸ ـ ب آخرین مهلت پیمانکار ، برای ارایه برنامه زمانی تفصیلی اجرای کار........ روز از تاریخ‌مبادله پیمان است جزییات روش تهیه برنامه زمانی تفصیلی و به هنگام کردن آن ، به شرح زیر است ماده ۱۹ ـ ه) گزارش پیشرفت کار پیمانکار باید دارای جزییات زیر باشد. ماده ۲۰ ـ الف کارفرما امکانات و تسهیلات تجهیز کارگاه ، از قبیل ساختمان ، راه ، آب ، برق ، مخابرات و سوخت را که در زیر تعیین شده است ، در اختیار پیمانکار قرار می‌دهد. ماده ۲۰ ـ ب و ۲۰ ـ ز) کارفرما ، به شرح زیر ، مصالح ، تجهیزات و ماشین آلات را تامین می کند. ماده ۲۰ ـ ه) پیمانکار باید مشخصات تعیین شده در زیر را در تامین ماشین آلات رعایت کند. ماده ۲۰ ـ ح پیمانکار متعهد است که برای کارکنان کارفرما ، مهندس مشاور و آزمایشگاه به شمارافراد زیر ، دفتر کارگاهی ، مسکن کارگاهی و غذا ، به تفکیک و به شرح مشخصات زیر ، تامین کند: ماده ۲۰ ـ ج قسمتهایی ازموضوع پیمان که پیمانکار باید بیمه کند و همچنین موارد یا حوادثی که‌باید مشمول بیمه گردد ، به شرح زیر است ماده ۲۱ ـ و) چگونگی پرداخت هزینه احداث و نگهداری راههای انحرافی به پیمانکار ، به شرح زیراست ماده ۲۲ ـ الف شمار نسخه‌های نقشه‌ها و مشخصات فنی که بدون دریافت هزینه در اختیارپیمانکار قرار می گیرد ، به شرح زیر است ماده ۲۲ ـ ح شمار نسخه‌ها و مشخصات دستورالعملهای راه اندازی ، تعمیر ، نگهداری و راهبری ونقشه‌های چون ساخت که پیمانکار تهیه می کند ، به شرح زیر است ماده ۲۴ ـ ب پیمانکار موظف است که در انتخاب پیمانکاران

جز ، موارد زیر را رعایت کند. ماده ۲۸ ـ الف پیمانکار زمین مورد نیاز برای تجهیز کارگاه را به شرح زیر ، تامین می کند. ماده ۲۹ ـ ه) تعدیل نرخ پیمان ، به شرح زیر است ماده ۳۲ ـ ج هزینه انجام آزمایشهای زیر ، به عهده پیمانکار است ماده ۳۵ ـ دریافت وجوه سپرده تضمین حسن انجام کار پیمان ، طبق مصوبه‌شماره ....مورخ ....هیات وزیران ، است ماده ۳۶ ـ میزان ، روش پرداخت و نحوه واریز پیش پرداخت پیمان ، طبق مصوبه‌شماره ....مورخ ....هیات وزیران است ماده ۳۸ ـ الف میزان و ترتیب پرداختهای ارزی به پیمانکار ، برای متخصصان خارجی ، به شرح زیراست ماده ۳۸ ـ ب کارفرما ارز مورد نیاز برای تامین مصالح و تجهیزات زیر را از خارج کشور تامین می کند. ماده ۳۸ ـ ه) کارفرما ارز مورد نیاز برای خرید ماشین آلات و ابزار خاصی که در زیر نام برده شده‌است را طبق شرایط زیر ، تامین می کند. ماده ۳۹ ـ ب پیمانکار موظف است که پیش از تکمیل کل کار ، قسمتهای زیر را در زمانهایی که برای‌هر یک از آنها به شرح زیر تعیین شده است ، تکمیل کند و به کارفرما تحویل دهد. ماده ۴۷ ـ د) ماشین آلات اختصاصی این پیمان که در صورت فسخ پیمان باید برای اتمام کار به‌صورت اجاره در اختیار کارفرما قرار گیرد ، به شرح زیر است ماده ۴۹ ـ ب هزینه بالا سری پیمانکار در دوره تعلیق ، به میزان و ترتیب تعیین شده در زیر ، پرداخت‌می‌شود. ماده ۵۰ ـ الف در صورت اتمام پیش از موعد کار ، کارفرما هزینه تسریع کار را به نحو تعیین شده درزیر به پیمانکار پرداخت می کند. ماده ۵۰ ـ ب ـ ۶) خسارت تاخیر غیرمجاز پیمان (ناشی از کار پیمانکار) ، به میزان و ترتیب زیر ، ازپیمانکار وصول می‌شود. نماینده کارفرما نماینده پیمانکار نام و نام خانوادگی‌نام و نام خانوادگی امضا امضا

تصویب نامه راجع به ماده (۲۰) مکررالحاقی به قانون آیین نامه مالی شهرداری ها – مصوب۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱/۴/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۳۴/۳/۱/۱۳۴۷ مورخ ۲۰/۳/۱۳۸۲ وزارت کشور و به استناد ماده (۲۰) مکرر الحاقی به قانون آیین نامه مالی شهرداری ها – مصوب ۱۳۸۰– تصویب نمود: حدنصاب های مقرر در بندهای «الف» ، «ب» و «ج» ماده (۴) و قسمت اخیر ماده (۱۶) و ماده (۲۰) آیین نامه مذکور به شرح ذیل افزایش می یابد: ۱– در بند «الف» ماده (۴): از دومیلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال به دویست وبیست وسه میلیون (۲۲۳،۰۰۰،۰۰۰) ریال. ۲– در بند «ب» ماده (۴): به ترتیب از دومیلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال به دویست وبیست وسه میلیون (۲۲۳،۰۰۰،۰۰۰) ریال و از پنجاه میلیون (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال به یک میلیاردوپانصدوچهارمیلیون (۱،۵۰۴،۰۰۰،۰۰۰) ریال. ۳– در بند «ج» ماده (۴): از پنجاه میلیون (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال به یک میلیاردوپانصدوچهارمیلیون (۱،۵۰۴،۰۰۰،۰۰۰) ریال. ۴– در ماده (۱۶): به ترتیب از ششصدهزار (۶۰۰،۰۰۰) ریال به بیست وچهارمیلیون (۲۴،۰۰۰،۰۰۰) ریال سالانه و از پنجاه هزار (۵۰،۰۰۰) ریال به دومیلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال ماهانه. ۵ – در ماده (۲۰): از پانصدهزار (۵۰۰،۰۰۰) ریال به بیست میلیون (۲۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال. معاون اول رییس جمهور – محمدرضا عارف

مقررات استخدامی

آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور – مصوب ۱۵/۸/۱۳۸۱ هیات وزیران

فصل اول – کلیات (ماده ۱ تا ۱۰)

ماده ۱ ـ کلیه شهرداریهای کشور و واحدهای تابعه آنها را لحاظ استخدامی مشمول مقررات این‌آیین نامه خواهند بود. تبصره ـ سازمانهای وابسته به شهرداری که باستناد مواد (۸۴) و (۱۱۱) قانون شهرداری ـ مصوب۱۳۳۴ـ تشکیل شده یا می‌شوند و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و بیش از پنجاه‌درصد (۵۰٪) سرمایه آن توسط شهرداری تامین شده باشد ، درصورتیکه در

اساسنامه آنها آیین نامه استخدامی خاص پیش‌بینی نشده باشد مشمول مقررات این آیین نامه هستند. ماده ۲ ـ مستخدمان شهرداریها از نظر استخدامی به چهار دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند: الف ـ مستخدم ثابت که به موجب حکم رسمی در یکی از گروه‌های جدول حقوق موضوع ماده (۱)قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۷۰ ـ و اصلاحات بعدی آن برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی بر اساس آیین نامه استخدامی شهرداری استخدام شده باشد. ب ـ مستخدم رسمی که بر اساس قانون استخدام کشوری ـ مصوب ۱۳۴۵ ـ و اصلاحات بعدی آن‌در شهرداری استخدام شده است پ ـ مستخدم موقت که به موجب قرارداد برای مدت معین و کار مشخص به استخدام شهرداری‌درمیاید. مقررات استخدامی این قبیل مستخدمان و تغییرات بعدی آن توسط وزارت کشور تهیه وبا موافقت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اجرا خواهد شد. ت ـ کارگران شهرداری که مشمول قانون کار ـمصوب ۱۳۶۹ ـ و اصلاحات بعدی آن هستند. تبصره ـ مشاغل کارگری در شهرداری بنا به پیشنهاد هر یک از شهرداریها و تایید وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مشخص می‌شوند. ماده ۳ ـ مستخدمان رسمی در صورت درخواست و مستخدمان ثابت شهرداری موضوع بندهای الف و (ب ماده (۲) این آیین نامه مشمول مقررات این آیین نامه هستند. ماده ۴ ـ سازمان تفصیلی و ایجاد یا حذف پستهای سازمانی در کلیه شهرداریها با رعایت تبصره ماده ۱۱۲) قانون استخدام کشوری مشمول ماده (۵۴) قانون شهرداری و اصلاحیه آن است ماده ۵ ـ در مورد استخدام اتباع بیگانه در شهرداری بر اساس قوانین و مقررات مربوط به‌وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی عمل خواهد شد. ماده ۶ ـ بمنظور نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه شورای اداری و استخدامی شهرداری ـ که دراین آیین نامه شورا نامیده می‌شود ـ در هر یک از استانهای کشور و همچنین در شهرهای با جمعیت‌بیش از پانصد هزار نفر تشکیل می گردد. ماده ۷ ـ اعضای شورای شهرهای با جمعیت بیش از پانصدهزار نفر به شرح زیر تعیین می‌شوند. الف ـ شهردار و در غیاب او معاون مالی و اداری شهرداری (رییس شورا) ب ـ نماینده وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) پ ـ دو نفر از مدیران یا کارشناسان خبره و مطلع به انتخاب شهردار. ت ـ مدیر کل امور شهرداریهای وزارت کشور ماده ۸ ـ شورای هر استان که بر حسن اجرای این آیین نامه در شهرهای زیر پانصد هزار نفر آن استان‌نظارت می کند از افراد زیر تشکیل می‌شود: الف ـ معاون عمرانی استانداری (رییس شورا) ب ـ شهردار شهر مرکز استان پ ـ مدیرکل دفتر امور شهری و روستایی استانداری ت ـ یک نفر از کارشناسان خبره و ذی صلاح در امور استخدامی شهرداریها به پیشنهاد رییس شورا وتایید استاندار. ث ـ شهردار شهری که مسایل مربوط به شهرداری مورد تصدی وی در شورا مطرح می‌شود. تبصره ـ دبیرخانه شورا در دفتر امور شهری و روستایی استانداری مستقر می‌شود. ماده ۹ ـ شوراها علاوه بر وظایف مقرر در این آیین نامه به عنوان کار گروه اجرایی طرح طبقه‌بندی‌مشاغل موضوع ماده (۲۱) آیین نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت ـ موضوع‌تصویب نامه شماره ۵۷۳۵۰/ت ۴۳۷ ه مورخ ۸/۱۱/۱۳۷۰ در شهرداریها وظیفه نظارت بر حسن‌اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و رسیدگی به اعتراضات استخدامی مستخدمان ثابت شهرداری رانیز برعهده دارد. تبصره ـ جلسات شورا با حضور حداقل سه چهارم اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات با حداقل‌سه رای مثبت دارای اعتبار است ماده ۱۰ ـ حق الجلسه اعضای شورا به ازای هر جلسه یک چهلم حقوق و مزایای مستخدمان‌شهرداری مرکز استان تعیین می‌شود که از محل اعتبارات شهرداری ذی‌ربط قابل پرداخت است

فصل دوم ـ ورود به خدمت (ماده ۱۱ تا ۲۱)

ماده ۱۱ ـ داوطلبان استخدام در شهرداری باید دارای شرایط زیر باشند: الف ـ تابعیت جمهوری اسلامی ایران ب ـ حداقل هیجده و حداکثر سی و پنج سال تمام سن در ورود. پ ـ انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دایم ت ـ اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن ث ـ تدین و عاملیت به احکام اسلام یا پیروی یکی از ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون‌اساسی

جمهوری اسلامی ایران ج ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر چ ـ داشتن دیپلم کامل متوسطه ح ـ عدم محکومیت به محرومیت از حقوق اجتماعی خ ـ داشتن توانایی جسمی برای انجام کاری که داوطلب استخدام آن است د ـ عدم تجاهر به فسق و داشتن شایستگی اخلاقی لازم و حسن سابقه تبصره ۱ ـ شهرداری می‌تواند برای پست‌های بلاتصدی سازمانی در مشاغل تخصصی با تصویب‌شورا داوطلبان را تا سن چهل سالگی استخدام نماید. تبصره ۲ ـ فهرست مشاغل تخصصی توسط وزارت کشور تهیه و پس از تایید سازمان مدیریت وبرنامه‌ریزی کشور در شهرداریها اجرا خواهد شد. تبصره ۳ ـ برای تصدی بعضی از پستهای سازمانی ، شهرداری می‌تواند با تصویب شورا داوطلبان‌استخدام را با داشتن گواهینامه پایان دوره راهنمایی تحصیلی استخدام نماید. تبصره ۴ ـ کسانی که مجددا به استخدام شهرداری در میایند مشمول محدودیت حداکثر سن‌موضوع بند ب این ماده نخواهند بود مشروط بر اینکه سن آنها پس از کسر مدت خدمت درشهرداری از حداکثر سن مقرر تجاوز ننماید. تبصره ۵ ـ شهرداری می‌تواند با انعقاد قراردادهای خاص از خدمات مشاوره‌ای افراد متخصص یامهندسان مشاور با پیشنهاد شهردار و موافقت شورا استفاده نموده و حق الزحمه مناسبی به این افرادپرداخت نماید ولی در خصوص انعقاد قرارداد با مهندسان مشاور خارجی علاوه بر موافقت شورامراتب باید به تایید وزیر کشور نیز برسد. ماده ۱۲ ـ استخدام برای تصدی پست‌های سازمانی از طریق امتحان یا مسابقه به عمل میاید. تبصره ـ برگزاری امتحان و مسابقه در شهرداریها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت‌کشور تهیه و به تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور خواهد رسید. ماده ۱۳ ـ شهرداریها مکلفند در صورت داشتن اعتبار لازم در بودجه مصوب ، نیروی انسانی‌موردنیاز خود را برای تصدی پستهای سازمانی از بین داوطلبان واجد شرایط پس از اخذ مجوزاستخدام از مراجع ذی صلاح و موافقت وزارت کشور تامین نمایند. ماده ۱۴ ـ افرادی که در تاریخ ابلاغ این آیین نامه به صورت غیرثابت در استخدام شهرداریها و سازمانهای وابسته هستند و در مشاغل کارمندی انجام وظیفه می‌نمایند ، در صورت وجود پست بلاتصدی و داشتن شرایط احراز شغل مورد نظر و حداقل سه سال سابقه خدمت متوالی ، در صورتی‌که خدمت آنها ادامه داشته باشد با تصویب شورا از شرط مسابقه موضوع این ماده معاف هستند. ماده ۱۵ ـ شهردارانی که بعد از تاریخ ۲۲/۱۱/۱۳۵۷ به سمت شهردار منصوب شده باشند وخدمت آن‌ها خاتمه یافته باشد با رعایت ماده (۱۱) این آیین نامه و دارا بودن شرایط زیر از شرط‌امتحان و مسابقه معاف هستند و می‌توانند در یکی از شهرداریهای کشور استخدام شوند. الف – خدمت آنها به علت استعفا یا اتمام دوره قانونی خدمت (چهار سال خاتمه یافته باشد. ب ـ حداقل دو سال سابقه خدمت متوالی یا چهار سال خدمت متناوب در سمت شهردار داشته‌باشد. پ ـ در صورت تعلیق از خدمت طبق مقررات قانونی ، دارای حکم قطعی برایت از مراجع ذی صلاح‌باشند. ت ـ حداکثر تا مدت یک سال از تاریخ خاتمه خدمت درخواست استخدام خود را با رعایت سایربندهای این ماده به یکی از شهرداریهای کشور یا سازمانهای وابسته تسلیم نمایند. تبصره ۱ ـ این گونه افراد در صورت رعایت بندهای (الف ، (ب و (پ این ماده و موافقت هسته‌گزینش از خدمت دوره آزمایشی موضوع ماده (۱۸) این آیین نامه معاف هستند. تبصره ۲ ـ شهردارانی که بر اساس ماده (۷۳) قانون تشکیلات و انتخابات شوراهای اسلامی کشورو انتخاب شهرداران ـمصوب ۱۳۷۵ ـ از کار برکنار شده‌اند می‌توانند ، طی مدت یک سال با تاییدشورا برای یکی از پستهای بلاتصدی به استخدام شهرداری مربوط یاسایر شهرداری‌های کشوردرایند. تبصره ۳ ـ شهردارانی که قبلا خاتمه خدمت یافته‌اند و از خاتمه خدمت آنها بیش از یک سال‌می گذرد می‌توانند با رعایت سایر بندهای این ماده تا مدت یک سال از تاریخ تصویب این آیین نامه درخواست استخدام خود را به آخرین شهرداری مربوط یا شهرداریهای کشور تسلیم نمایند. تبصره ۴ ـ در صورت عدم وجود پست سازمانی مناسب در شهرداریها ، وزارت کشور می‌تواند به‌پیشنهاد شهرداری متقاضی استخدام ، با موافقت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نسبت به‌ایجاد پست با نام مطابق با مدرک تحصیلی متقاضی تحت یکی از عناوین کارشناس ، کاردان و کمک‌کارشناس اقدام نماید. ماده ۱۶ ـ شهرداریها مکلفند کارگران مورد نیاز خود را که در تشکیلات مصوب به عنوان کارگر ثابت‌شناخته شده‌اند در صورت داشتن اعتبار لازم در بودجه مصوب برای تصدی پست‌های سازمانی ، پس از اخذ مجوز استخدام و

موافقت از وزارت کشور و تایید کمیته طبقه بندی مشاغل کارگریاستان با رعایت مقررات قانون کار از بین داوطلبان واجد شرایط استخدام نمایند. ماده ۱۷ ـ جانبازانی که در تاریخ ابلاغ این آیین نامه به صورت غیرثابت برای مشاغل کارمندی دراستخدام شهرداری یا سازمانهای وابسته باشند با رعایت قانون تسهیلات استخدامی ، اجتماعی‌جانبازان ـ مصوب ۱۳۷۴ ـ و با تصویب شورا از شرط امتحان و مسابقه معاف هستند. ماده ۱۸ ـ داوطلبان استخدام که در امتحان یا مسابقه ورودی پذیرفته شده‌اند یک دوره آزمایشی راطی می‌نمایند که مدت آن حداقل شش ماه و حداکثر دو سال است ، هرگاه وضع خدمت و رفتار آنهادر دوره خدمت آزمایشی رضایت بخش باشد حکم قطعی استخدام آنها پس از تایید هسته گزینش‌ذی‌ربط به عنوان مستخدم ثابت صادر می‌شود و مدت خدمت آزمایشی جز سابقه خدمت آنهامحسوب می‌شود. تبصره ۱ ـ در صورت عدم اعلام نظر هسته گزینش ظرف مدت تعیین شده حکم استخدام قطعی‌مستخدمان آزمایشی صادر می‌شود. تبصره ۲ ـ افراد مشمول این ماده در طی دوره خدمت آزمایشی در حکم مستخدم ثابت محسوب‌و از حقوق ، فوق العاده شغل و سایر مزایای پست مورد تصدی در گروه ورودی برخوردار می‌شوند. تبصره ۳ ـ به خدمت افرادی که حداکثر تا پایان دوره آزمایشی صالح برای ابقا در پست مورد نظرتشخیص داده نشوند خاتمه داده می‌شود. به این قبیل افراد حقوق و مزایای ایام مرخصی استحقاقی‌استفاده نشده و کسور بازنشستگی کسر شده پرداخت می‌شود. ماده ۱۹ ـ هرگاه مستخدمان رسمی و ثابت شهرداری و سازمانهای وابسته از خدمت در شهرداری یاسازمانهای وابسته استعفا نمایند ، استخدام مجدد آنها با موافقت شورا و رعایت سایر مقررات این‌آیین نامه پس از اعلام نظر هسته گزینش امکان‌پذیر است و این گونه مستخدمان از طی دوره‌آزمایشی معاف هستند. ماده ۲۰ ـ صدور احکام استخدامی مستخدمان ثابت شهرداریها (به جز شهرداری تهران در بدوورود به خدمت از لحاظ انطباق با مقررات این آیین نامه موکول به تایید وزارت کشور است ماده ۲۱ ـ شهرداری موظف است سالانه شایستگی و استعداد مستخدمان رسمی ثابت خود را براساس ضوابط ارزشیابی کارکنان دولت مورد بررسی قرار داده و نتیجه را در پرونده استخدامی آنهامنعکس نماید. این سنجش طوری صورت می‌گیرد که موجب ارشاد و معرف استحقاق مستخدم‌برای احراز گروه و پستهای بالاتر یا لزوم گذراندن دوره کاراموزی جدید باشد.

فصل سوم ـ حقوق و مزایا (ماده ۲۲ تا ۳۸)

ماده ۲۲ ـ حقوق مبنای مستخدمان ثابت و رسمی شهرداریهای سراسر کشور و سازمانهای وابسته‌برابر عدد مبنای حقوق مستخدمان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت واصلاحات بعدی آن با اعمال ضرایب ریالی مصوب سالانه تعیین می‌شود. ماده ۲۳ ـ تخصیص مشاغل مستخدمان مشمول این آیین نامه به گروههای ورودی بر مبنای جدول‌تخصیص مشاغل مستخدمان مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگی پرداخت‌کارکنان دولت و اصلاحات بعدی آن است تبصره ۱ ـ تغییرات و اصلاحات در گروههای موضوع این ماده و تخصیص گروه ورودی به‌مستخدمانی که مشاغل آنها از پیچیدگی و حساسیت برخوردار و مستلزم دارا بودن مهارتهای خاص‌و فوق العاده است به پیشنهاد وزارت کشور و تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به اجرا درمیاید. تبصره ۲ ـ انتصاب مستخدمان شهرداری و سازمانهای وابسته در غیررسته مربوط مستخدم ممنوع‌است ولی در صورت نیاز و داشتن شرایط احراز شغل پیشنهادی می‌توان با رضایت مستخدم وموافقت شورا او را در رسته دیگر منصوب نمود. ماده ۲۴ ـ حقوق مستخدمان در هر سال با در نظر گرفتن خدمت قابل قبول آنها در سال قبل به شرح‌زیر تعیین می‌شود: (ضریب افزایش سنواتی + ۱) حقوق سال قبل = حقوق هر سال ماده ۲۵ ـ سوابق خدمت کارگران شهرداری به لحاظ تجربی برای تصدی مشاغل کارمندی قابل‌احتساب نیست ولی در صورت ارایه مدرک مستند موضوع ماده (۱۴) طرح طبقه بندی مشاغل واصلاحات بعدی آن سوابق خدمت آنها پس از تایید شورا از لحاظ تجربه و احراز مشاغل کارمندی‌قابل احتساب است تبصره ـ کارگرانی که

موفق به اخذ مدرک تحصیلی بالاتر شوند هنگام استخدام کارمندی سوابق‌خدمت مشابه یا مرتبط آنها در شهرداری از لحاظ تعیین گروه بر اساس آخرین مدرک تحصیلی و باتایید شورا قابل احتساب است ماده ۲۶ ـ شهرداری می‌تواند به مستخدمان مشمول این آیین نامه که خدمت آنها رضایت‌بخش باشدو مستخدمانی که خدمات برجسته انجام داده باشند به شرط دارا بودن شایستگی بر اساس ماده ۳۱) این آیین نامه ، علاوه بر فوق العاده شغل گروه مربوط ، افزایش فوق العاده شغل به میزان حداکثربیست درصد عدد مبنای گروه مربوط را بپردازد ولی به هر حال فوق العاده شغل یاد شده نباید ازیکصد و پنجاه درصد (۱۵۰٪) حقوق مبنای مستخدم تجاوز نماید. تبصره ـ میزان افزایش فوق العاده شغل موضوع این ماده و مصادیق خدمات برجسته به پیشنهادشهردار و تایید شورا تعیین می‌شود. ماده ۲۷ ـ کسانی که به خدمت ثابت شهرداری پذیرفته می‌شوند در اولین طبقه گروه مربوط قرارمی‌گیرند و چنان چه دارای سابقه خدمت دولتی یا خدمت در شهرداری یا سازمانهای وابسته باشندبه ازای هر سال خدمت ، از ضریب افزایش سنواتی به میزان سه درصد (۳٪) برخوردار می‌شوند ومدت خدمت وظیفه عمومی آنها نیز جز سابقه خدمت‌شان محسوب می‌شود. ماده ۲۸ ـ جدول و نحوه ارتقای گروه مستخدمان با در نظر گرفتن ارزش کار ، میزان مسوولیتها ، اهمیت وظایف ، سوابق تجربی ، تحصیلات و ارزشیابی شاغلان تعیین می‌شود. تبصره ۱ ـ حقوق مستخدمانی که ارتقای گروه می‌یابند بر اساس عدد مبنا در گروه جدید به اضافه‌مجموع افزایشهای سنواتی در گروه قبل تعیین می‌شود. تبصره ۲ ـ ارتقای گروه مستخدمانی که سقف رشته شغلی مورد تصدی آنها اجازه استفاده از گروه‌تعیین شده جهت مدرک تحصیلی آنها را نمی‌دهد منوط به انتصاب آنها به مشاغل دیگر است ماده ۲۹ ـ شهرداری می‌تواند در صورت وجود شرایط زیر مستخدم را به گروههای بالا‌تر ارتقا دهد: الف ـ در گروه جدید پست سازمانی بلاتصدی وجود داشته باشد یا بر اساس طرح طبقه‌بندی‌مشاغل به سبب احراز شرایط تحصیلی یا تجربی مقرر در طرح ، در طبقه شغلی که در گروه بالاتراست قرار گیرد. ب ـ مستخدم در خدمات گذشته خود ابراز لیاقت و کاردانی نموده باشد. تبصره ـ حقوق و امتیازات مربوط به ایثارگران مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام‌هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در مورد مستخدمان ایثارگر شهرداری نیز اعمال می‌شود. ماده ۳۰ ـ شهرداری می‌تواند با تصویب شورا به مستخدمان خود یک الی دو گروه تشویقی‌موضوع مفاد تبصره (۴) ماده (۳) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و اصلاحات بعدی آن‌علاوه بر گروه استحقاقی آنها اعطا نماید. ماده ۳۱ ـ مستخدمانی که به لحاظ تغییر شغل در گروه پایین‌تر از گروه استحقاقی خود قرار می گیرندمابه التفاوت حقوق مبنای گروه قبلی با گروه جدید به اضافه مجموع افزایشهای سنواتی قبلی رادریافت می‌نمایند و هرگونه افزایشهای بعدی در حقوق مبنای این مستخدمان در گروه جدید وافزایش ناشی از ارتقای گروه بعدی تا استهلاک کامل از مابه التفاوت یاد شده کسر می‌شود. ماده ۳۲ ـ وزارت کشور موظف است بر اساس اهمیت وظایف ، مسئولیتها ، شرایط احراز ، مدرک‌تحصیلی ، تجربه و سایر شرایط موثر ، کلیه مشاغل شهرداریها و سازمانهای وابسته را طبقه‌بندی وارزیابی نماید و پس از تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به یکی از گروه‌های جدول‌حقوقی و ضوابط پرداخت فوق العاده شغل تخصیص دهد. هر نوع اصلاح در طرح طبقه بندی‌مشاغل بنا به پیشنهاد وزارت کشور و پس از موافقت سازمان یاد شده قابل اجرا است تبصره ـ تعیین حقوق فعلی مستخدمان شهرداری مشمول این آیین نامه بر اساس آیین نامه ای که ازطرف وزارت کشور تنظیم و به تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور می‌رسد به عمل میایدولی در هیچ مورد با اجرای این تبصره از حقوق مستخدم در حین تطبیق ، رقمی کسر نمی‌شود. ماده ۳۳ ـ مادام که طرح طبقه بندی مشاغل و ضوابط تغییر گروه و جدول فوق العاده شغل‌مستخدمان ثابت و رسمی شهرداریها توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب مراجع مربوط نرسیده‌است ، طرح طبقه بندی مشاغل و جداول فوق العاده شغل و تغییر گروه مستخدمان رسمی مشمول‌قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت و اصلاحات بعدی آن در مورد مستخدمان‌رسمی و ثابت شهرداریها قابل اجرا است ماده ۳۴ ـ انتصاب مستخدمان به پستهای سازمانی که شرایط احراز آن را طبق شرح شغل مربوط‌ندارند ممنوع است تبصره ۱ ـ چنانچه برای تصدی یکی از پستهای سازمانی یا معاونت در شهرداریهایی که دارای

یک‌معاون هستند مستخدم واجد شرایط در شهرداریها نباشد ، شهرداری می‌تواند از وجود مستخدمان‌واجد شرایط احراز طرح طبقه بندی مشاغل از سایر وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی وسایر شهرداریها و سازمانهای وابسته به عنوان مامور استفاده نماید. تبصره ۲ ـ شهرداری می‌تواند با رعایت مقررات این آیین نامه در شهرداریهایی که دارای یک معاون‌است فردی را که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی عمران و شهرسازی است از طریق امتحان یامسابقه پس از طرح موضوع در شورا و طی مراحل گزینش در پست معاون شهردار به استخدام ثابت‌شهرداری در آورد. تبصره ۳ ـ در صورت استفاده شهرداری از مستخدمان وزارتخانه‌ها ، موسسات و شرکتهای دولتی‌مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و سایر شهرداریها وسازمانهای وابسته به عنوان مأمور و انتصاب آنها به یکی از پستهای ثابت سازمانی (با تصویب‌شورا) بر اساس آیین نامه مأموریت مستخدمان مشمول قانون استخدام کشوری و اصلاحات بعدیان و سایر مقررات مربوط عمل می‌شود. تبصره ۴ ـ در اجرای مفاد ماده ۷۹ قانون شهرداری ذی حساب دوم شهرداری یا قایم‌مقام او از بین‌مستخدمان ثابت و رسمی واجد شرایط شهرداری انتخاب و بنا به پیشنهاد شهردار و تایید شورامنصوب می‌شود. ماده ۳۵ ـ مستخدمان ثابت و رسمی شهرداری وسازمانهای وابسته بر اساس پست مورد تصدی ازفوق العاده شغل مربوط بر مبنای طرح طبقه بندی مشاغل و جدول فوق العاده شغل برخوردارمی‌شوند. تبصره ۱ ـ فوق العاده شغل مستخدمانی که تصدی مشاغل مدیریت و سرپرستی موضوع تبصره ۱ ماده ۴ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت را برعهده دارند علاوه بر فوق العاده شغل موضوع‌این ماده و اصلاحات بعدی آن بر اساس پیشنهاد وزارت کشور و تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قابل افزایش است تبصره ۲ ـ فوق العاده شغل مستخدمانی که تصدی مشاغل تحقیقی و تخصصی شهرداریها موضوع‌تبصره (۲) ماده (۴) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت را برعهده دارند علاوه بر فوق العاده‌شغل گروه مربوط و اصلاحات بعدی آن بر اساس پیشنهاد وزارت کشور و تایید سازمان مدیریت وبرنامه‌ریزی کشور قابل افزایش است تبصره ۳ ـ عناوین مشاغل مدیریت و سرپرستی با توجه به تشکیلات مصوب به پیشنهادشهرداری مربوطه توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از طریق همترازی تعیین می‌شود. تبصره ۴ ـ شهرداری می‌تواند سالانه به کارکنانی که در افزایش درامدهای کوششی و وصول آنهامازاد بر بودجه مصوب سعی و تلاش نموده‌اند با تشخیص شهردار فوق العاده‌ای تحت عنوان حق‌وصول برای یک بار در سال به میزان یک درصد مازاد درامد کوششی که وصول شده برای کارکنان‌ذی‌ربط پرداخت نماید مشروط براینکه حداکثر از دو برابر حقوق و فوق العاده شغل ماهانه مستخدم‌در یک سال تجاوز ننماید. ماده ۳۶ ـ هرگونه مصوبه ، دستورالعمل ، بخشنامه ، آیین نامه ، مقررات و سایر تسهیلات که برای‌کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت تصویب یادر نظر گرفته شده یا می‌شود در مورد کارکنان شهرداریهای سراسر کشور و سازمانهای وابسته که‌مشمول تبصره ماده (۱) این آیین نامه هستند با تامین اعتبار لازم در بودجه شهرداریها به اجرا درمیاید. ماده ۳۷ ـ شهرداری می‌تواند علاوه بر عیدی و پاداش سالانه در صورت وجود اعتبار به هر یک ازمستخدمان معادل یک ماه حقوق و فوق العاده شغل در پایان هر سال به عنوان حق تلاش به تناسب‌مدتی که مستخدم در آن سال تصدی پستی را برعهده داشته است پرداخت نماید. ماده ۳۸ ـ جدول یا ضوابط پرداخت فوق العاده جذب و کارانه کارکنان شهرداری بر اساس مقررات ومصوبات مورد عمل مستخدمان رسمی مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت واصلاحات بعدی آن به علاوه بیست تعیین و برقرار می‌شود. تبصره ـ فوق العاده جذب مدیران و سرپرستان و کارشناسان شهرداری بر مبنای ارقام‌فوق العاده‌های مستخدمان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت بر اساس همترازی که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انجام پذیرفته به مرحله اجرا در میاید.

فصل چهارم ــ آموزش (ماده ۳۹)

ماده ۳۹ ـ وزارت کشور مکلف است در اجرای ماده (۶۲) قانون شهرداری و به منظور بالا بردن‌سطح معلومات فنی و تخصصی کارکنان مورد نیاز شهرداریها زمینه‌های آموزش پیش از خدمت وضمن خدمت داوطلبان استخدام و شاغلان را به طرق مقتضی و عنداللزوم با ایجاد مراکز آموزشی‌فراهم آورد. تبصره ۱ ـ مادام که وزارت کشور در اجرای این ماده زمینه آموزش مستخدمان شهرداریها را به طرق مقتضی فراهم ننموده است استانداریها و شهرداری‌های سراسر کشور می‌توانند باهماهنگی وزارت‌کشور زمینه آموزشهای لازم را در محل فراهم نمایند. تبصره ۲ ـ ضوابط اعطای امتیاز شرکت در دوره‌های آموزشی اعم از کوتاه مدت و بلند مدت‌همانند ضوابط آموزشی کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری تعیین می‌شود.

فصل پنجم ـ رفاه (ماده ۴۰ تا ۴۵)

ماده ۴۰ ـ مستخدمان شهرداری سالی یک ماه به تناسب مدت خدمت حق استفاده از مرخصی باحقوق و فوق العاده‌های مربوط را دارند. ماده ۴۱ ـ مستخدمان شهرداری در صورت ابتلا به بیماریهایی که مانع از انجام خدمت باشند ازمرخصی استعلاجی استفاده می‌نمایند. تبصره ـ جز در مورد بیماریهای صعب العلاج حداکثر استفاده از مرخصی استعلاجی چهارماه درسال است ماده ۴۲ ـ مستخدم می‌تواند با موافقت شهرداری از مرخصی بدون حقوق استفاده کند ، محفوظ‌ماندن پست سازمانی مستخدم رسمی وثابت در مدتی که از مرخصی بدون حقوق بیش از سه ماه درهر سال استفاده می‌نماید الزامی نیست ، در صورتی که پس از پایان دوران مرخصی پست سازمانی‌مناسب برای ارجاع به مستخدم یاد شده موجود نباشد وی به حال آماده به خدمت در میاید. تبصره ۱ ـ حداکثر مدتی که مستخدم شهرداری در طول خدمت خود می‌تواند از مرخصی بدون‌حقوق استفاده کند سه سال است ولی برای ادامه تحصیلات عالی تخصصی در رشته مورد نیازشهرداری این مرخصی با تصویب شورا حداکثر تا دو سال دیگر قابل تمدید است تبصره ۲ ـ مستخدمانی که در حال مرخصی بدون حقوق هستند می‌توانند کماکان از مزایای بیمه‌عمر طبق ضوابط استفاده نماید. تبصره ۳ ـ مدت مرخصی بدون حقوق جز سابقه خدمت مستخدم محسوب نمی‌شود. ماده ۴۳ ـ استفاده از مرخصی‌های موضوع مواد (۲۷) و (۲۸) و (۲۹) و تبصره‌های مربوط بر اساس‌آیین نامه مورد عمل درباره مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری انجام می‌شود. ماده ۴۴ ـ شهرداری موظف است به طرق مقتضی در تامین بهداشت و درمان مستخدمان خود وایجاد تسهیلات رفاهی برای کارکنان و ایجاد محیط مناسب کار و کمک به امور تعاونی در زمینه‌های‌مصرف ، مسکن ، قرض الحسنه و نظایر آن که بر اساس مقررات رفاهی سازمانهای دولتی و وابسته به‌دولت نظیر قانون نحوه ایجاد تسهیلات رفاهی برای کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۶۷ ـ تهیه و به‌تصویب می‌رسد اقدام و مساعی لازم را به عمل آورد. ماده ۴۵ ـ چنانچه مستخدم فوت شود و مرخصی استحقاقی ذخیره شده داشته باشد حقوق وفوق العاده شغل و فوق العاده‌های مستمر او بابت مرخصیهای ذخیره شده به وراث قانونی وی‌پرداخت می‌شود.

فصل ششم ـ بازنشستگی (ماده ۴۶ تا ۸۲)

ماده ۴۶ ـ مستخدمان ثابت شهرداری تهران از نظر بازنشستگی تابع صندوق بازنشستگی و وظیفه‌مستخدمان شهرداری موضوع ماده (۵۸) اصلاحی قانون شهرداری ـ مصوب ۱۳۴۵ ـ هستند. ماده ۴۷ ـ مستخدمان ثابت و رسمی شهرداریها ـ به جز شهرداری تهران ـ از نظر بازنشستگی تابع‌صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمان شهرداریها در سازمان بازنشستگی کشوری هستند و از نظربازنشستگی

و کسور پرداخت شده تابع مقررات بازنشستگی و وظیفه مشمولان قانون استخدام‌کشوری و اصلاحات بعدی آن هستند. ماده ۴۸ ـ شهرداری مکلف است از تاریخ تطبیق وضع مستخدمان خود با این آیین نامه هر ماه‌مطابق مقررات قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت کسورات‌قانونی بازنشستگی مستخدم را کسر نموده و پس از افزودن سهم شهرداری با توجه به قوانین یاد شده‌مجموع آن را به صندوق بازنشستگی و وظیفه مربوط پرداخت نماید. تبصره ۱ ـ وجود حاصل اعم از سهم مستخدم و شهرداری به حساب مخصوص در یکی ازبانکهای دولتی که از طرف سازمان بازنشستگی معرفی می‌شود واریز می گردد. تبصره ۲ ـ کسور بازنشستگی مستخدمان آماده به خدمت بر مبنای تمام حقوق گروه و افزایشهای‌سنواتی احتساب و از حقوق ماهانه آنان کسر می‌شود. ماده ۴۹ ـ شهرداری مکلف است اولین حقوق ماهانه کسانی که دوره آزمایشی را گذرانده و بهاستخدام قطعی شهرداری پذیرفته می‌شوند و هرنوع تفاوت یک ماهه حقوق حاصل از افزایش‌سنواتی و ارتقای گروه مستخدمان را به حساب صندوق بازنشستگی واریز نماید. ماده ۵۰ ـ مستخدمان شهرداری می‌توانند باداشتن شرایط زیر تقاضای بازنشستگی نمایند وشهرداری مخیر به قبول آن است الف ـ داشتن شصت (۶۰) سال سن ب ـ داشتن بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت و پنجاه (۵۰) سال سن تبصره ۱ ـ هرگاه مستخدمان مشمول این آیین نامه قبل از رسیدن به سن بازنشستگی یا بعد از آن‌فوت شوند از تاریخ فوت بازنشسته محسوب و تمامی حقوق بازنشستگی و اصلاحات بعدی آن به‌وراث قانونی آنها پرداخت می‌شود. تبصره ۲ـ مستخدمان شهرداری در هر حال مشمول قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی دردستگاه‌های دولتی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن و قوانین مربوط به اصلاح مقررات‌بازنشستگی و وظیفه هستند. ماده ۵۱ ـ شهرداری موظف است قبل از تاریخ بازنشستگی در صورت استحقاق مستخدم و بنا به‌درخواست او حداکثر چهارماه مرخصی با استفاده ازحقوق و فوق العاده شغل و سایر مزایای مربوط‌به وی اعطا نماید و در هر حال تاریخ پایان این مرخصی باید طوری تعیین شود که سن مستخدم ازشصت و پنج (۶۵) سال تمام تجاوز ننماید. ماده ۵۲ ـ حقوق بازنشستگی و وظیفه ازکارافتادگی و وظیفه وراث مستخدمان شهرداری عبارتاست از معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی آنها که ملاک کسور بازنشستگی است در دو سال آخرخدمت مشروط بر آنکه حقوق بازنشستگی آنها از بالاترین حقوق بازنشستگی مقرر در قوانین ومقررات مربوط تجاوز ننماید. ماده ۵۳ ـ شهرداری می‌تواند مستخدمان رسمی و ثابت خود را که دارای سی سال سابقه خدمت باهر قدر سن باشند بازنشسته نماید. ماده ۵۴ ـ شهرداری مکلف است کلیه مستخدمانی که شصت و پنج سال تمام سن دارند را بازنشسته‌نماید. ماده ۵۵ ـ سوابق خدمت تمام وقت مستخدمان ثابت در شهرداریها و سازمانهای وابسته ، وزارتخانه‌ها ، موسسات و شرکتهای دولتی و موسسات عمومی غیردولتی و سمت شهردار درصورت انتقال کسور یا حق بیمه برابر مقررات قانونی یا تقبل پرداخت آن به صندوق بازنشستگی‌ذی‌ربط بر اساس مقررات مربوط از نظر افزایش سنواتی و بازنشستگی جز سنوات خدمت آنهامحسوب می‌شود. تبصره ۱ ـ مأخذ پرداخت کسور برای سوابق خدمت در شهرداریها و سازمانهای وابسته که کسور یاحق بیمه آن منتقل یا پرداخت نشده است مطابق مقررات قانون استخدام کشوری و قانون نظام‌هماهنگ پرداخت کارکنان دولت تعیین و سهم شهرداری با توجه به ماده (۴۸) این آیین نامه پرداخت‌می‌شود. تبصره ۲ ـ مأخذ پرداخت کسور برای سوابق خدمت خارج از شهرداریهاو سازمانهای وابسته که‌کسور یا حق بیمه آن انتقال نیافته است بر مبنای بیست و یک درصد (۲۱٪) اولین حقوق وفوق العاده شغل و سایر مزایای مشمول کسور بازنشستگی مستخدم ثابت در شهرداری و اصلاحات‌بعدی آن تعیین می‌شود که توسط مستخدم پرداخت خواهد شد. تبصره ۳ ـ چنانچه مستخدمان سازمانهای وابسته به شهرداریها که به استناد اساسنامه آن سازمان‌مشمول این آیین نامه نیستند بر اساس مقررات مربوط به استخدام شهرداریها دارایند سوابق خدمت‌تمام وقت آنها مشمول این ماده است ماده ۵۶ ـ کسور متعلق در اجرای تبصره‌های (۱) و (۲) و (۳) ماده (۵۵) این آیین نامه از طرف‌شهرداری به طور یکجا و از طرف مستخدم در یکصد و بیست قسط ماهانه به صندوق بازنشستگی‌پرداخت می‌شودمشروط بر اینکه در مورد مستخدمان شاغل مجموع پرداختی مستخدم بابت بدهی‌کسور بازنشستگی سنوات خدمت گذشته و کسور بازنشستگی جاری از یک چهارم مجموع

حقوق وفوق العاده شغل و در مورد بازنشستگان و وظیفه بگیران از یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه‌تجاوز نکند ، در صورتی که از این مقدار تجاوز کند به همین میزان به تعداد اقساط ماهانه او اضافه‌می‌شود. ماده ۵۷ ـ سابقه خدمت مستخدمان مشمول ماده (۵۵) این آیین نامه از نظر بازنشستگی و وظیفه درصورتی جز خدمت رسمی آنها محسوب می‌شود که به موجب احکام صادر شده به صورت تمام‌وقت یا با دریافت حقوق از شهرداریها و سازمانهای وابسته یا یکی از وزارتخانه‌ها و موسسات‌دولتی بوده باشد. تبصره ـ سوابق خدمت کسانی که در تاریخ تصویب این آیین نامه به عنوان کارمند ثابت با مقرراتاستخدامی تطبیق شده‌اند از لحاظ افزایش سنواتی و بازنشستگی قابل احتساب است مشروط براینکه سوابق یاد شده منطبق با لیستهای حقوق و مدارکی که مبین انجام خدمت آنهادر مشاغل اداری‌شهرداری است به تایید شورا رسیده باشد. ماده ۵۸ ـ مدت خدمت وظیفه مستخدمان ثابت جز سابقه آنان محسوب می‌شود مشروط براینکه مستخدم کسور بازنشستگی سهم خود را طبق تبصره‌های (۱) و (۲) و (۳) ماده (۵۵) حسب‌مورد و ماده (۵۶) این آیین نامه پرداخت نمایند که در این صورت شهرداری نیز موظف به پرداخت‌سهم خود حسب مورد در مدت مقرر است ماده ۵۹ ـ مستخدمان رسمی مشمول ماده (۱۴۴) قانون استخدام کشوری در صورت تمایل‌می‌توانند به استناد تبصره (۳) ماده یاد شده مشمول این آیین نامه شوند و شهرداری موظف است‌درخواست آنها را به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارسال نماید تا سازمان بازنشستگی‌کشوری نسبت به واریز کسور مربوط به صندوق بازنشستگی شهرداری اقدام نماید. ماده ۶۰ ـ در صورتی که مستخدمان شهرداری به علل غیرناشی از کار ، از کار افتاده شناخته شوندبراساس مقررات قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و اصلاحات‌بعدی آن حقوق وظیفه از کارافتادگی دریافت می‌نمایند و در صورتی که سنوات پرداخت کسوربازنشستگی مستخدم از پانزده (۱۵) سال کمتر باشد پانزده سال تمام محسوب می‌شود. ماده ۶۱ ـ در صورتی که مستخدم ثابت در حین انجام وظیفه به علت حادثه ناشی از کار ، از کار افتاده‌شود بدون رعایت سنوات پرداخت کسور بازنشستگی ، تمام حقوق ، فوق العاده شغل ، تفاوت تطبیق‌و سایر مزایای مشمول کسورات بازنشستگی مستخدم در زمان از کارافتادگی در مورد او برقرارمی‌شود مشروط بر آن که از حداکثر حقوق بازنشستگی مقرر در این آیین نامه تجاوز ننماید. تبصره ۱ ـ هرگاه مستخدم موضوع این ماده به علت همان حادثه فوت شود حقوق وظیفه ازکارافتادگی او به عنوان حقوق وظیفه به وراث قانونی وی پرداخت می‌شود. تبصره ۲ ـ اعاده به خدمت مستخدمان از کار افتاده در صورتی که بهبودی حاصل نمایند و توانایی‌اشتغال یافته باشند قبل از رسیدن به سن شصت سالگی بلامانع است و تشخیص آن برعهده شورا است ماده ۶۲ ـ در صورتی که مستخدم بازنشسته یا از کار افتاده ، فوت شود حقوق وظیفه وراث قانونی اوبرقرار می‌شود. ماده ۶۳ ـ وراث قانونی در این آیین نامه عبارتند از: الف ـ زوجه دایمی تبصره ـ در صورتی که متوفی دارای چند زوجه باشد این سهم به تساوی بین آنها تقسیم می‌شود. ب ـ زوج ، در صورتی که علیل ، از کار افتاده و تحت تکفل زوجه متوفی خود بوده باشد. پ ـ فرزندان ذکور متوفی تا پایان بیست سالگی و در صورت ادامه تحصیل در یکی از دانشگاهها یاموسسات آموزش عالی رسمی کشور تا پایان بیست و پنج سالگی ت ـ فرزندان اناث تا زمان اختیار شوهر. ث ـ فرزندان علیل یاناقص العضو مستخدم متوفی که از کار افتاده باشند مادام العمر. ج ـ والدین مستخدم متوفی مشروط بر اینکه تحت تکفل متوفی بوده و پدر حداقل شصت سال ومادر حداقل پنجاه و پنج سال داشته یا از کار افتاده باشند. چ ـ نوادگانی که پدرشان فوت شده و در کفالت مستخدم متوفی بوده‌اند با دارا بودن شرایط بندهای پ و (ث این ماده ح ـ دختران متوفی که مطلقه شده‌اند. ماده ۶۴ ـ مجموع حقوق وظیفه بازماندگان معادل تمام حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه ازکارافتادگی مستخدم متوفی است که به تساوی بین بازماندگان واجد شرایط تقسیم می‌شود ، درصورت قطع سهم هر یک از بازماندگان سهم قطع شده به تساوی به سهم سایر بازماندگان افزوده‌خواهد شد ، هرگاه بازمانده واجد شرایط مستخدم متوفی منحصر به فرد باشد کل حقوق وظیفه به‌وی پرداخت می‌شود. ماده ۶۵ ـ در صورتی که مستخدم قبل از برقراری حقوق بازنشستگی یا وظیفه از کار افتادگی‌موضوع ماده (۵۲) این آیین نامه فوت شود ، حقوق وظیفه بازماندگان او بر مبنای تمام‌حقوق

بازنشستگی استحقاقی مستخدم متوفی به ترتيب مقرر در ماده (۶۴) اين آيين نامه برقرارمی‌شود ، در اين مورد سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم در صورتی که از پانزده سال کمترباشد پانزده سال تمام منظور می‌شود. ماده ۶۶ ـ حقوق وظيفه وراث شهدا و ساير ايثارگران عبارت است از حقوق وظيفه مقرر در قوانين ومقررات مربوط به اصلاحات بعدی ماده ۶۷ ـ هرگاه سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم متوفی يا از کار افتاده کمتر از دو سال‌باشد متوسط حقوق مدتی که کسور بازنشستگی را پرداخت کرده است ملاک محاسبه قرار می گيرد. ماده ۶۸ ـ از کار افتادگی در اين آيين نامه عبارت است از عدم توانايی کامل و دايمی مستخدم به‌انجام کار. ماده ۶۹ ـ تشخيص از کارافتادگی و سبب آن و تشخيص اين که فوت مستخدم به علت حادثه ناشياز کار يا در حين انجام وظيفه بوده است و نيز تشخيص موارد مندرج در مواد (۴۹) و (۵۰) حسب‌مورد برعهده هيات مديره صندوق بازنشستگی شهرداری تهران ياسازمان بازنشستگی کشور است ، در صورت اختلاف نظر ، در مورد شهرداری تهران نظر شورای تهران و در مورد ساير شهرداريها نظرسازمان مديريت و برنامه ريزی کشور لازم‌الاجرا است ماده ۷۰ ـ در صورتی که مستخدم متوفی از بابت پرداخت کسور بازنشستگی سنوات خدمتاحتساب شده قبلی يا خدمت وظيفه عمومی بدهکار باشد ، شهرداری و بازماندگان او از پرداخت‌بقيه اقساط مربوط معاف هستند. ماده ۷۱ ـ در صورت دريافت هرگونه وجهی ازوجوه عمومی کشور در قبال خدمت مستمر ، اخذحقوق وظيفه ممنوع است ماده ۷۲ ـ دريافت بيش از يک حقوق بازنشستگی برای ايام واحد خدمت همچنين دريافت بيش ازيک حقوق وظيفه يا يک حقوق وظيفه توأم با يک حقوق بازنشستگی از صندوق بازنشستگی‌کشوری و صندوق موسسات دولتی ، شهرداريها و سازمانهای وابسته ، انجمنهای بهداری‌وسازمانهايی که جنبه محلی دارند و هزينه‌های آنها از درامدهای خاص محلی تامين می‌شود ممنوع‌است ، مستخدمانی که مستحق دريافت بيش از يک حقوق وظيفه يا يک حقوق وظيفه و حقوق بازنشستگی باشند در استفاده از هر يک از آنها مخير هستند. تبصره ـ استفاده از حقوق وظيفه پدر و مادر توأما با رعايت مقررات مربوط مجاز است ماده ۷۳ ـ شهرداری می‌تواند در صورت رضايت مستخدم اعم از ثابت يا رسمی تابع قانون استخدام‌کشوری درصدی از حقوق ماهانه او را به ميزان مقرر در قانون تشکيل حساب پس‌انداز کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۶ ـ و اصلاحات بعدی آن کسر و پس از افزودن معادل آن بابت سهم شهرداری مجموع‌آن را در حساب خاصی به نام سپرده مستخدم شهرداری نزد يکی از بانکهای کشور نگهداری نمايد وپس از بازنشسته شدن ، از کارافتادگی يا فوت ، مجموع سپرده مستخدم و سهم شهرداری را به علاوه‌سود حاصل شده به طور يکجا به مستخدم يا وراث قانونی او بپردازد. ماده ۷۴ ـ هرگاه مستخدمی که طبق اين آيين نامه از حقوق بازنشستگی استفاده می کند به موجب‌حکم دادگاه صالح اصالتا يا تبعا به محروميت از حقوق اجتماعی محکوم شود تا زمانی که از حقوق اجتماعی محروم است شخصا از دريافت حقوق بازنشستگی محروم خواهد بود ولی در صورتی که‌محکوميت مربوط به دوره خدمت وی باشد با عايله او مانند وراث قانونی بازنشستگان متوفی رفتارمی‌شود و اگر جرم و محکوميت مربوط به دوره بازنشستگی باشد در مدت حيات مستخدم تمام‌حقوق بازنشستگی به عايله او به ترتيب مقرر در ماده (۶۴) اين آيين نامه پرداخت می‌شود. ماده ۷۵ ـ هرگاه مستخدمی که طبق اين آيين نامه مستحق دريافت حقوق بازنشستگی شناخته شده‌است به موجب حکم قطعی دادگاه صالح از حقوق اجتماعی و به تبع آن از دريافت حقوق بازنشستگی محروم شود و بعدا در اثر اعاده دادرسی از اتهام منتسبه برايت حاصل نمايد مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی استحقاقی خود و وجوهی که طبق ماده (۷۴) اين آيين نامه در مدت‌محروميت دريافت شده است به او پرداخت می‌شود. ماده ۷۶ ـ هرگاه مستخدمی که طبق اين آيين نامه از حقوق بازنشستگی يا وظيفه استفاده می کند درمدت يک سال حقوق بازنشستگی يا وظيفه خود را مطالبه نکند عايله او در صورتی که طبق شرايط‌ماده (۶۴) اين آيين نامه مشمول دريافت حقوق وظيفه باشند حق دارند موقتا حقوق وظيفه مقررخود را تقاضا و دريافت کنند ، اگر بعدا معلوم شود مستخدم ياد شده فوت شده ، حقوق وظيفه موقتاز تاريخ فوت به طور دايم برقرار می‌شود و در صورتی که معلوم شود در حال حيات است وضع‌حقوق او به حالت اول بر می گردد. تبصره ـ منظور ازعايله در اين آيين نامه افرادی

هستند که با رعایت شرایط مقرر در ماده (۶۳) این آیین نامه از حقوق وظیفه استفاده نمایند. ماده ۷۷ ـ توقیف حقوق بازنشستگی یا وظیفه در قابل مطالبات دولت یا اشخاص حقیقی وحقوقی با حکم قطعی دادگاه صالح فقط تا میزان یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه جایز است ماده ۷۸ ـ ترک تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران موجب قطع حقوق بازنشستگی و وظیفه‌خواهد شد. ماده ۷۹ ـ در صورتی که خدمت مستخدم در شهرداری قطع شود و مقررات محل خدمت جدیدمستخدم به او اجازه دهد بنا به درخواست او ، صندوق بازنشستگی مکلف است کسور بازنشستگی‌مربوط به او را اعم از سهم شهرداری وسهم مستخدم به صندوق مربوط به محل خدمت جدید انتقال‌دهد. ماده ۸۰ ـ هرگاه خدمت مستخدم در شهرداری قطع و از شمول این مقررات خارج شود وجوهی که‌بابت کسور بازنشستگی پرداخت کرده است به او مسترد شود. ماده ۸۱ ـ صندوق بازنشستگی موضوع ماده (۴۶) این آیین نامه موظف است هر سه سال یکباروضع مالی صندوق را از نظر تطبیق کسور بازنشستگی با توجه به تعهدات صندوق در مورد حقوق بازنشستگی و وظیفه بر اساس محاسبات فنی مورد بررسی دهد و نتیجه را به شهرداری تهران اعلام‌نماید تا در صورتی که صندوق با کمبود اعتبار مواجه باشد شهرداری نسبت به تامین آن اقدام نماید. ماده ۸۲ ـ در صورتی که ضریب ریالی حقوق موضوع ماده (۲۲) این آیین نامه تغییر نماید به نسبتاین تغییر حقوق مستخدمان بازنشسته و وظیفه بگیر همانند مستخدمان بازنشسته و وظیفه بگیرمشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت افزایش می‌یابد.

فصل هفتم ـ سایر مقررات (ماده ۸۳ تا ۹۹)

ماده ۸۳ ـ انواع مجازاتها و ترتیب رسیدگی به تخلفات و تقصیرات اداری مستخدمان شهرداری‌همان است که در مورد مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ‌پرداخت کارکنان دولت اعمال می‌شود و در این مورد شهردار تهران دارای همان اختیاراتی است که‌در مقررات یاد شده به رییس موسسه مستقل دولتی تفویض شده است واین اختیارات در سایرشهرداریها با پیشنهاد شهرداری و تایید شورای اعمال می‌شود. تبصره ۱ ـ رسیدگی به تخلفات کارگران شهرداری و سازمانهای وابسته بر اساس آیین نامه ای خواهدبود که توسط وزارت کشور تهیه و پس از تایید وزارت کار و اموراجتماعی اعمال خواهد شد. تبصره ۲ ـ حداکثر مدت ارایه اعتراضات در خصوص مسایل استخدامی موضوع ماده (۹) این‌آیین نامه به دبیرخانه شورا یک ماه است و شورای یاد شده موظف است حداکثر مدت دو ماه نسبت‌به موضوع رسیدگی و پاسخ لازم را از طریق دبیرخانه شورا به ذی نفع ابلاغ نماید. ماده ۸۴ ـ مستخدمان شهرداری می‌توانند از خدمت شهرداری استعفا کنند مشروط بر این که تصمیم‌خود را دو ماه قبل از استعفا از طریق واحد متبوع به اطلاع شهرداری برسانند مادام که موافقت‌شهرداری با استعفای مستخدم به او ابلاغ نشده است او در قبال وظایفی که عهده دار است مسوول‌شناخته می‌شود. تبصره ۱ ـ وجوهی که مستخدم مستعفی بابت کسور بازنشستگی به صندوق بازنشستگی پرداخت‌کرده است به او مسترد می‌شود. تبصره ۲ ـ مستخدمی که به منظور شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی از سمت خود درشهرداری استعفا می‌دهد می‌تواند در صورت عدم انتخاب پس از اعلام رسمی نتایج انتخابات‌حداکثر طی مدت دو ماه به شهرداری یا سازمان وابسته ذی‌ربط مراجعه نماید و اشتغال مجدد اومنعی ندارد ، در صورتی که پست سازمانی برای ارجاع به افراد یاد شده موجود نباشد به حال آماده به‌خدمت در میایند. ماده ۸۵ ـ در صورتی که مستخدم دو ماه بدون اطلاع و عذر موجه در محل خدمت خود حاضرنشود از تاریخ ترک خدمت به خدمت وی خاتمه داده می‌شود. تبصره ۱ ـ اگر مستخدم موضوع این ماده شرایط بازنشسته شدن را طبق مقررات مربوط دارا باشدبازنشسته خواهد شد. تبصره ۲ ـ هر مستخدم مشمول این ماده مدعی شود به عللی که خارج از حدود قدرت و اختیاراتاو بوده نتوانسته است در محل خدمت حاضر شود یا عدم حضورش را اطلاع دهد و ادعای او موردقبول شهرداری قرار نگیرد می‌تواند شکایت خود را به ضمیمه مدارک مورد استناد به هیات رسیدگی‌به تخلفات

اداری کارمندان مربوط تسلیم نماید در صورتی که رای صادر شده حاکی از موجه بودن‌عذر مشارالیه باشد به خدمت اعاده ومدت غیبت او موجه محسوب خواهد شد. تبصره ۳ ـ ایام غیبت غیرموجه مستخدم از لحاظ تجربه ، ارتقای گروه ، بازنشستگی و حقوق وظیفه قابل احتساب نیست ماده ۸۶ ـ در صورتی که پست سازمانی مستخدم حذف شود و پست دیگری متناسب با شرایط اوبرای ارجاع به وی موجود نباشد مطابق قانون استخدام کشوری مستخدم آماده به خدمت می‌شود. ماده ۸۷ ـ حقوق دوران آمادگی به خدمت به ترتیب زیر تعیین می‌شود: الف ـ از ماه اول تا آخر ماه ششم برابر آخرین حقوق . ب ـ از ماه هفتم تا پایان ماه دوازدهم نصف آخرین حقوق . تبصره ـ دوران آمادگی به خدمت با پرداخت کسور بازنشستگی به مأخذ تمام حقوق جز سابقه‌خدمت مستخدم محسوب می‌شود. ماده ۸۸ ـ در صورتی که در طول دوران آمادگی به خدمت پست مناسبی برای ارجاع به مستخدم‌موجود نباشد یا انتقال وی به سایر شهرداریها میسر نشود با او مطابق ماده (۷۴) قانون استخدام‌کشوری و تبصره‌های اصلاحی آن رفتار می‌شود. تبصره ـ شهرداریها مکلفند یک نسخه حکم آمادگی به خدمت مستخدمان ثابت و رسمی خود رابه وزارت کشور ارسال نمایند. وزارت کشور نیز مکلف است هر شش ماه یک بار فهرستی ازمستخدمان یاد شده را به کلیه شهرداریها و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارسال کند. ماده ۸۹ ـ شهرداری مکلف است مستخدمی را که طبق قانون معلق شده است در صورت برایت ازتاریخ قطعی شدن رای دادگاه به خدمت ابقا و کلیه حقوق دوران تعلیق را به مأخذ آخرین حقوق زمان اشتغال به او بپردازد و در صورتی که پست سازمانی برای او خالی نباشد مستخدم آماده به‌خدمت محسوب می‌شود. ماده ۹۰ ـ مستخدمان ثابت شهرداری که برای نمایندگی مجلس یا احراز سمت شهردار انتخاب یا به‌مقامات موضوع ماده (۳) قانون استخدام کشوری منصوب می‌شوند تا پایان تصدی مقامات یادشده از شهرداری هیچ گونه حقوق یا مزایایی دریافت نخواهند کرد ولی این مدت جز سابقه خدمتانها محسوب می‌شود مشروط براینکه کسور بازنشستگی سهم خود را به مأخذ آخرین حقوق ومزایای دریافتی به صندوق بازنشستگی مربوط بپردازد. تبصره ـ شهرداری مکلف است مستخدمان یاد شده را پس از بازگشت به خدمت در پستی که واجدشرایط احراز آن باشند منصوب کند ولی در صورتی که پست سازمان بلاتصدی برای ارجاع موجودنباشد آماده به خدمت محسوب می‌شوند. ماده ۹۱ ـ مستخدمان موضوع ماده (۱۴۳) و (۱۴۴) قانون استخدام کشوری شاغل در شهرداری ازلحاظ پرداخت حقوق و مزایا تابع مقررات این آیین نامه هستند. ماده ۹۲ ـ انتقال و ماموریت مستخدمان ثابت و رسمی شهرداری و سازمانهای وابسته به سایردستگاه‌ها و بالعکس با درخواست کتبی مستخدم و موافقت دستگاههای یاد شده مجاز است تبصره ۱ ـ کسرو بازنشستگی یا حق بیمه سهم مستخدمان موضوع این ماده در مورد مستخدمان‌شهرداری تهران به صندوق بازنشستگی شهرداری تهران و در مورد کارکنان سایر شهرداریهای کشوربه صندوق بازنشستگی کشوری منتقل می‌شود و کلیه سوابق خدمت آنها که بابت آن کشوربازنشستگی یا حق بیمه پرداخت شده است از هر لحاظ جز خدمت این کارکنان محسوب و با آن‌دسته ازکارکنان که بابت سنوات خدمت آنها کسور بازنشستگی یا حق بیمه پرداخت نشده باشد طبق‌مقررات پیش‌بینی شده در قانون استخدام کشوری قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت وآیین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی مربوط رفتار می‌شود. تبصره ۲ ـ انتقال کارگران شهرداریها و سازمانهای وابسته به سایر شهرداریها و سازمانهای وابسته باتوافق طرفین (مبدأ و مقصد) بلامانع است و حق سنوات این کارگران باید توسط شهرداری یاسازمان وابسته مبدأ به حساب شهرداری یا سازمان وابسته مقصد واریز شود که در این صورت‌سوابق خدمت قبلی کارگر در محل اشتغال جدید قابل احتساب است ماده ۹۳ ـ انتقال وماموریت مستخدمان شهرداری بر اساس مقررات و آیین نامه های مورد عمل‌مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت انجام می‌شود. ماده ۹۴ ـ مستخدم مکلف است در حدود قوانین و مقررات ، احکام و دستورات روسای مافوق خود را در حدود وظایف و اختیارات خود اجرا نماید ، اگر مستخدم دستور مقام بالاتر خود رابرخلاف قوانین و مقررات تشخیص دهد مکلف است به صورت کتبی مغایرت دستور را به مافوق اطلاع دهد ، در صورتی که بعد از این اطلاع مقام بالاتر به صورت کتبی بر اجرای دستور خود

تاکیدکرد مستخدم مکلف به اجرای دستور صادر شده خواهد بد. ماده ۹۵ ـ شهرداری نمی‌تواند مشمولان این آیین نامه را جز در موارد مصرح از پست سازمانی خودبرکنار کند ، مگراین که با تایید شورای بلافاصله او را به پست سازمانی دیگر منصوب نماید. ماده ۹۶ ـ وزارت کشور مکلف است دستورالعملهای لازم برای اجرای این آیین نامه را که چگونگی‌تهیه و تصویب آن پیش‌بینی نشده است تنظیم نماید و پس از تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی‌کشور به اجرا در آورده مادام که این آیین نامه ها ودستورالعملها تهیه نشده آیین نامه ها ودستورالعملهای فعلی مورد عمل شهرداریها و سازمانهای وابسته نافذ هستند. ماده ۹۷ ـ وزارت کشور مسوول نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه است ماده ۹۸ ـ در مواردی که این آیین نامه مسکوت است بر اساس قانون استخدام کشوری و قانون نظام‌هماهنگ پرداخت کارکنان دولت عمل می‌شود. ماده ۹۹ ـ تصویب نامه شماره ۱۷۵۷۰/ ت ۱۵۷ مورخ ۲/۳/۱۳۶۸ و سایر مقررات مغایر با این‌آییننامه لغو می‌شوند.

مقررات بازنشستگی و وظیفه مستخدمین ثابت شهرداری تهران و موسسات وابسته – مصوب ۶/۴/۱۳۵۳

ماده ۱ ـ در اجرای ماده ۴۷ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران و باستناد ماده ۵۸ اصلاحی قانون‌شهرداریها صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین ثابت شهرداری پایتخت که دارای شخصیت حقوق و استقلال مالی خواهد بود ایجاد می‌شود. وجوه حاصل اعم از سهم مستخدم و سهم شهرداری در حساب مخصوص در یکی از بانکهای دولتی که بصرفه و صلاح صندوق تشخیص داده شود نگهداری خواهد شد. تبصره۱ ـ مستخدمین قرار دادی شهرداری تهران تابع مقررات قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری مو از کارافتادگی و فوت می‌باشد واز این لحاظ طبق قانون مذکور درباره آنها عمل خواهد شد. تبصره۲ ـ کلیه موسسات تابعه و وابسته به شهرداری تهران که از لحاظ استخدامی از مقررات مورد عمل شهرداری مذکور تبعیت می‌کنند مشمول این مقررات خواهند بود. ماده ۲ ـ اساسنامه صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین شهرداری تهران حداکثر ظرف یکماه پس از تصویب این مقررات از طرف شهرداری تهیه و پس از تصویب انجمن شهر با رعایت تبصره ماده ۱۱۲ قانون استخدام کشوری بمورد اجرا گذارده می‌شود. ماده ۳ ـ شهرداری مکلف است از تاریخ تطبیق وضع استخدامی مستخدمین خود با آیین نامه استخدامی شهرداری تهران مصوب نوزدهم آذر ماه ۱۳۴۵ هرماه هفت درصد از حقوق و مزایای شغل مستخدمین ، ثابت خود را کسر نموده و پس از افزودن چهارده درصد به آن بابت سهم شهرداری مجموع آنرا بصندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین شهرداری پایتخت که در این مقررات‌صندوق بازنشستگی نامیده می‌شود پرداخت نماید. تبصره ـ کسور بازنشستگی مستخدمین آماده بخدمت برمبنای تمام حقوق مرتبه و پایه آنان‌احتساب پرداخت خواهد شد. ماده ۴ ـ شهرداری مکلف است حقوق اولین ماه کسانی را که دوره آزمایشی را طی نموده و به‌استخدام ثابت شهرداری پذیرفته می‌شوند و همچنین هرنوع اضافه حقوق ماه اول که به مستخدم پرداخت می‌شود برداشت و بصندوق بازنشستگی واریز نماید. ماده ۵ ـ حقوق بازنشستگی مستخدمین شهرداری با رعایت شرایط زیر تعیین و برقرار می‌گردد: الف ـ مستخدم حداقل دهسال تمام کسور بازنشستگی مقرر را پرداخت نموده باشد و یا پرداخت آنراطبق مفاد این مقررات تعهد کرده باشد. ب ـ سن مستخدم مرد به شصت سال تمام وسن مستخدم زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد. ماده ۶ ـ ملاک تشخیص سن مستخدمینی که در تاریخ تصویب آیین نامه استخدامی شهرداری تهران‌در خدمت شهرداری بوده‌اند شناسنامه ایست که در تاریخ ۱۹/۹/۱۳۴۵ در دست داشته‌اند و در موردمستخدمینی که بعدا به استخدام شهرداری پذیرفته شده و یا می‌شوند شناسنامه‌ای است که در بدو ورود بخدمت ارایه نموده و یا نمایند. تبصره ـ در صورتیکه ماه تولد و یا ماه تاریخ ورود بخدمت از روی مدارک رسمی مشخص نباشداول مهرماه ملاک محاسبه قرار خواهد گرفت ماده ۷ ـ شهرداری موظف است قبل از تاریخ بازنشستگی در صورت استحقاق مستخدم و بنابدرخواست او حداکثر چهارماه مرخصی با استفاده از حقوق و مزایای شغل بوی اعطا نماید و تاریخ انقضا این مرخصی در هر حال باید طوری تعیین گردد که سن مستخدم زن از ۶۰ سال وسن مستخدم مرد از ۶۵ سال

تجاوز نکند. ماده ۸ ـ حقوق بازنشستگی عبارتست از یک چهلم متوسط حقوق ضرب در سنوات خدمتی که‌مستخدم کسور بازنشستگی مقررا پرداخت نموده و یا پرداخت آنرا طبق مفاد این مقررات تعهد کرده باشد مشروط براینکه اولاـ از چهار پنجم متوسط حقوق زمان اشتغال مستخدم تجاوز ننماید و ثانیا از آخرین پایه گروه ۱۲ جدول حقوق موضوع ماده ۳۲ قانون استخدام کشوری بیشتر نشود. ماده ۹ ـ متوسط حقوق موضوع ماده ۸ عبارت از معدل حقوق و مزایای شغل سه سال آخر خدمت‌میباشد و در صورتیکه مجموع خدمت مستخدم از سه سال کمتر باشد متوسط حقوق معدل ومزایای شغل سنوات خدمت او خواهد بود. ماده ۱۰ ـ در صورتیکه مستخدمین ثابت شهرداری تهران با داشتن شرایط زیر: الف ـ مستخدم زن با بیست و پنجسال سابقه خدمت و حداقل پنجاه سال تمام سن ب ـ مستخدم مرد با سی سال سابقه خدمت و حداقل پنجاه و پنجسال تمام سن تقاضای‌بازنشستگی کنند ، شهرداری مکلف به قبول آنست ولی برقراری و پرداخت حقوق بازنشستگی ووظیفه آنان و بازماندگان و عایله آنهادر هر مورد از تاریخ تحقق یافتن شرایط مذکور در این مقرراتاست ماده ۱۱ ـ شهرداری می‌تواند آن عده از مستخدمین خود را که واجد شرایط مذکور در ماده ۵ این‌آیین نامه می‌باشند بازنشسته کند. ماده ۱۲ ـ شهرداری موظف است کلیه مستخدمین ثابت خود را که در شرایطی سنی زیر: الف ـ مستخدم مرد ۶۵ سال تمام ب ـ مستخدم زن ۶۰ سال تمام میباشند درصورتیکه واجد شرایط مذکور در بند الف ماده ۵ باشند بازنشسته نماید ، و هرگاه واجد شرایط مذکور نبوده و تحقق یافتن آن نیز با احتساب سنوات خدمت گذشته و پرداخت کسور بازنشستگی میسر نگردد خدمت آنان با پرداخت یکماه آخرین حقوق زمان اشتغال در ازا هرسال خدمت و کسور بازنشستگی پرداختی سهم مستخدم و شهرداری و بهره آن همچنین پرداخت حقوق مرخصی استحقاقی ذخیره شده که در هرحال از چهار ماه تجاوز نخواهد کرد از طرف شهرداری‌بازخرید می گردد. تبصره ـ خدمت اینگونه مستخدمین در صورتیکه کمتر از ده سال باشد ده سال احتساب خواهد گردید و در هر صورت مبلغ کل پرداختی از طرف شهرداری بابت باز خرید خدمت از یکصد هزارریال کمتر نخواهد بود. ماده ۱۳ ـ سوابق خدمت مستخدمین ثابت شهرداری که باستناد آیین نامه استخدامی شهرداری مصوب ۱۹/۹/۱۳۴۵ تبدیل وضع یافته‌اند بنا بتقاضای آنان از لحاظ بازنشستگی و وظیفه جزو سابقه خدمت آنها محسوب و منظور خواهد شد مشروط بر اینکه کسور بازنشستگی سوابق مذکور را بصندوق بازنشستگی پرداخت نمایند. ماده ۱۴ ـ مأخذ پرداخت کسور بازنشستگی به منظور احتساب سوابق خدمت موضوع ماده ۱۳هفت درصد نصف مجموع اولین حقوق ورود به خدمت آنان در شهرداری تهران بعلاوه اولین حقوق بعد از تطبیق به مستخدم ثابت براساس آیین نامه استخدامی شهرداری مصوب ۱۹/۹/۱۳۴۵ خواهدبود و سهم شهرداری نیز با توجه بمفاد ماده ۲ این آیین نامه بهمان نسبت پرداخت می‌شود. تبصره ۱ ـ کسور متعلق در اجرای این ماده از طرف مستخدم و شهرداری در یکصد و بیست قسط‌ماهانه بصندوق بازنشستگی پرداخت خواهد گردید ، مشروط بر اینکه در مورد مستخدمین شاغل مجموع پرداختی مستخدم بابت بدهی کسور بازنشستگی سنوات خدمت گذشته وکسور بازنشستگی جاری از یک چهارم مجموع حقوق و مزایای شغل وی و در مورد بازنشستگان و وظیفه بگیران از حقوق بازنشستگی یا وظیفه آنان تجاوز نکند و در صورتی که از این مقدار تجاوزکند بهمان نسبت به تعداد اقساط ماهانه علاوه خواهد شد. تبصره۲ ـ کیله وجوهی که بعنوان پس انداز از حقوق مستخدمین ثابت اعم از سهم مستخدم وشهرداری تا تاریخ تصویب این مقررات دریافت شده است بابت کسور بازنشستگی همان سنوات خدمت (اعم از سهم مستخدم و شهرداری محسوب و منظور خواهد شد و بابت این سنوات کسور دیگری تادیه نمی گردد. ماده ۱۵ ـ سابقه خدمت مستخدمین مشمول ماده ۱۳ از لحاظ بازنشستگی و وظیفه در صورتی جز خدمت ثابت آنان محسوب خواهد شد که بموجب احکام صادره قبلی در شهرداریها و موسسات دولتی بوده باشد. ماده ۱۶ ـ مدت خدمت وظیفه مستخدمین ثابت جز سابقه خدمت آنان محسوب میگردد ، مشروط براینکه مستخدم کسور بازنشستگی سهم خود را طبق تبصره ۱ ماده ۱۴ پرداخت نماید که‌در این صورت شهرداری نیز موظف به پرداخت سهم خود در مدت مقرر می‌باشد. ماده ۱۷ ـ مستخدمینی که دارای ۳۲ سال تمام سابقه پرداخت کسور بازنشستگی باشند می‌توانند درصورت تمایل بنا

بدرخواست خود از پرداخت کسور بازنشستگی معاف شوند و شهرداری نیزسهمی بابت آنان نخواهد پرداخت ولی مبنای برقراری حقوق بازنشستگی و وظیفه اینگونه مستخدمین و بازماندگان آنان متوسط حقوق سه سال آخری میباشد که بر مبنای آن کسور بازنشستگی پرداخت نموده‌اند. ماده ۱۸ ـ کشوری نسبت به واریز کسور مربوط به صندوق بازنشستگی موضوع این مقررات اقدام‌کند. کسور بازنشستگی اینگونه مستخدمین همچنین حقوق بازنشستگی یا وظیفه پرداختی به آنان یا بازماندگان آنها باید در حساب جداگانه نگهداری شود تا درصورتیکه صندوق بازنشستگی از این‌بابت با کسری مواجه شود ـ دولت کمبود آنرا تامین و پرداخت کند. ماده ۱۹ ـ در صورتیکه مستخدم ثابت بعلل غیرناشی از کار ، از کار افتاده شناخته شود ماهانه‌متوسط حقوق ضربدر سنوات پرداخت کسور را بعنوان حقوق وظیفه از کارافتادگی دریافت خواهدداشت و این حقوق از حداکثر حقوق بازنشستگی مقرر در ماده ۸ تجاوز نخواهد کرد و در صورتیکه سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم کمتر از پانزده سال باشد ۱۵ سال تمام محسوب خواهد شد. ماده ۲۰ ـ در صورتیکه مستخدم بعلت حادثه ناشی از کار یا بسبب انجام وظیفه از کار افتاده شناخته شود بدون رعایت سنوات پرداخت کسور بازنشستگی حداکثر حقوق بازنشستگی مقرر در ماده ۸بعنوان حقوق وظیفه از کار افتادگی درباره وی برقرار میگردد. ماده ۲۱ ـ در صورتیکه مستخدم بازنشسته یا ازکار افتاده فوت شود حقوق وظیفه بازماندگان او برمبنای حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه از کارافتادگی مستخدم متوفی بترتیب زیر برقرار می‌شود: ۱ ـ عیال دایمی متوفی تا زمانی که شوهر اختیار نکرده است از پنجاه درصد و درصورتیکه متوفی‌داری چند عیال باشد این سهم به تساوی بین آنان تقسیم خواهد شد. ۲ ـ شوهر در صورتیکه علیل و از کار افتاده وتحت تکفل عیال متوفای خود بوده باشد از پنجاه‌درصد. ۳ ـ فرزندان متوفی تا پایان بیست سالگی و در صورت ادامه تحصیل در موسسات رسمی عالیاموزشی تا پایان بیست و پنجسالگی (در مورد دختران مشروط بر اینکه شوهر نداشته باشند) هریک از ۲۵ درصد و هرگاه هیچیک از والدین در قید حیات نباشند هریک از پنجاه درصد. ۴ ـ فرزندان علیل یا ناقص العضو مستخدم متوفی که از کار افتاده باشند مادام العمر طبق درصدهای‌مقرر در بند پ این ماده ۵ ـ والدین متوفی مشروط براینکه تحت تکفل مستخدم متوفی بوده و سن پدر ۶۰ سال تمام و سن‌مادر ۵۵ سال تمام یابیشتر باشدو یا از کار افتاده باشند از بیست درصد وهرگاه بازمانده واجد شرایطدیگری وجود نداشته باشد از ۵۰ درصد. ۶ ـ نوادگانی که پدرشان فوت شده و در کفایت مستخدم متوفی بوده‌اند بادارابودن شرایط بندهای پ‌و طبق در صدهای مقرر در بند پ این ماده تبصره ـ مجموع سهام بازماندگان نمی‌تواند از صد در صد حقوق وظیفه موضوع این ماده تجاوزنماید و در صورتیکه از این میزان تجاوز کند سهم هر یک از بازماندگان بتناسب درصدهای مذکور دراین ماده کاهش خواهد یافت در این حال هرگاه هریک از بازماندگان مستخدم متوفی فوت شود یافاقد شرایط استحقاق دریافت حقوق وظیفه گردد سهم او با در نظر گرفتن در صدهای مذکور در این‌ماده بسهم باقی بازماندگان اضافه خواهد شد. ماده ۲۲ ـ در صورتیکه مستخدم قبل از برقراری حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه از کارافتادگی‌فوت شود حقوق وظیفه بازماندگان وی بر مبنای ۴۵ حقوق بازنشستگی استحقاقی مستخدم متوفی‌بترتیب مقرر در ماده ۲۱ برقرار میشود. دراین مورد سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم‌درصورتیکه از ۱۵ سال تمام منظور خواهد شد. ماده ۲۳ ـ هرگاه مستخدم بعلت حادثه ناشی از کار یا بسبب انجام وظیفه فوت شود حقوق وظیفه‌بازماندگان او بر مبنای ۴۵ حقوق وظیفه‌ای که طبق ماده ۲۰ بمستخدم متوفی تعلق میگرفته است‌بترتیب مقرر در ماده ۲۱ برقرار میشود. ماده ۲۴ ـ در موارد از کارافتادگی وفوت هرگاه سنوات پرداخت کسور ، بازنشستگی مستخدم کمتر ازسه سال باشد متوسط حقوق مدتی که مستخدم کسور بازنشستگی را پرداخت کرده است ملاک‌محاسبه قرار خواهد گرفت ماده ۲۵ ـ از کارافتادگی موضوع این مقررات عبارت از عام توانایی کامل و دایمی شخص به انجام‌دادن اموری که به آن اشتغال داشته است میباشد. تشخیص از کارافتادگی و سبب آن و همچنین‌تشخیص اینکه فوت مستخدم بعلت حادثه ناشی از کار یا بسبب انجام وظیفه بوده است با هیات‌مدیره صندوق بازنشستگی خواهد بود و در صورت اختلاف نظر رای شورای اداری شهرداری‌پایتخت قطعی و لازم‌الاجرا است ماده ۲۶ ـ در صورتیکه مستخدم متوفی از بابت

پرداخت کسور بازنشستگی سنوات خدمتاحتساب شده قبلی یا خدمت وظیفه عمومی بدهکار باشد اقساط مذکور هرماهه از سهمیه هریک ازبازماندگان با رعایت تبصره ۱ ماه ۱۴ باین مقررات بتناسب کسر خواهد شد. ماده ۲۷ ـ اخذ حقوق وظیفه در صورت دریافت هرگونه وجهی از وجوه عمومی کشور در قبال‌خدمت مستمر ممنوع است ماده ۲۸ ـ دریافت بیش از یک حقوق بازنشستگی برای ایام واحد خدمت و همچنین دریافت بیش‌از یک حقوق وظیفه یا یک حقوق و بازنشستگی توأما"از صندوق بازنشستگی کشور و صندوق موسسات دولتی و شهرداریها و موسسات تابعه و وابسته بآنها وانجمنهای بهداری و سازمانهایی که‌جنبه محلی داشته و هزینه‌های آنها از در آمدهای خاص محلی تامین می‌شود ممنوع است مستخدمی که مستحق دریافت بیش از یک حقوق وظیفه و یا یک حقوق وظیفه و حقوق بازنشستگی باشد در استفاده از هر یک از آن‌ها مخیر است ماده ۲۹ ـ اشتغال بازنشستگان مشمول مقررات در شهرداری‌ها و موسسات تابعه و وابسته بآنهاممنوع است ماده ۳۰ ـ هرگاه مستخدمی که طبق این مقررات از حقوق بازنشستگی استفاده می‌کند بموجب حکم‌دادگاه صلاحیتدار اصالتا یا تبعا بمحرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شود تا زمانی که از حقوق اجتماعی محروم است شخصا از دریافت حقوق بازنشستگی محروم خواهد بود ولی در صورتیکه‌محکومیت مربوط بدوره خدمت وی باشد با عایله او همان رفتار می‌شود که در مورد بازماندگان‌بازنشستگان متوفی می‌شود و اگر جرم و محکومیت مربوط بدوره بازنشستگی باشد در مدت‌حیات مستخدم تمام حقوق بازنشستگی به عایله او بترتیب مقرر در ماده ۲۱ پرداخت خواهد شد. ماده ۳۱ ـ هرگاه مستخدمی که طبق این مقررات مستحق دریافت حقوق بازنشستگی شناخته شده‌است بموجب حکم قطعی دادگاه صلاحیتدار از حقوق اجتماعی و به تبع آن از دریافت حقوق بازنشستگی محروم شود و بعدا در اثر اعاده دادرسی از اتهام منتسبه برایت حاصل نماید مستحق‌دریافت مابه التفاوت حقوق بازنشستگی استحقاقی خود و وجوهی که طبق ماده ۳۰ در مدت‌محرومیت پرداخت شده است خواهد بود. ماده ۳۲ ـ هرگاه مستخدمی که طبق این مقررات از حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه استفاده‌می‌کند در مدت یکسال حقوق بازنشستگی یا وظیفه خود را مطالبه نکند عایله او در صورتیکه طبق‌شرایط ماده ۲۱ مشمول دریافت حقوق وظیفه باشند حق دارند موقتا حقوق وظیفه مقرر خود راتقاضا و دریافت کنند. اگر بعدا معلوم شود مستخدم مذکور فوت شده حقوق وظیفه موقت از تاریخ‌فوت بطور دایم برقرار می‌شود و در صورتی که معلوم گردد درحال حیات است وضع حقوق اوبحالت اول اعاده میگردد. تبصره ـ منظور از عایله مذکور در این مقررات افرادی که طبق ماده ۲۱ و با رعایت شرایط مقرر دران از حقوق وظیفه استفاده خواهند کرد. ماده ۳۳ ـ توقیف حقوق بازنشستگی یا وظیفه در قبال مطالبات دولت یا محکومیت حقوقی یاعناوین دیگر از این قبیل فقط تا میزان ۱۴ حقوق بازنشستگی یا وظیفه جایز است ماده ۳۴ ـ ترک تابعیت موجب قطع حقوق بازنشستگی و حقوق وظیفه خواهد شد و در موردمستخدم بازنشسته یا از کار افتاده‌ای که ترک تابعیت کند با عایله او در صورت بقا تابعیت ایران طبق‌ماده ۳۲ رفتار می‌شود. ماده ۳۵ ـ در صورتیکه خدمت مستخدم در شهرداری قطع شود و مقررات موسسه جدید محل‌خدمت او اجازه دهد بنا بدرخواست مستخدم صندوق بازنشستگی مکلف است کسور بازنشستگی‌مربوط به او را اعم از سهم شهرداری و سهم مستخدم با احتساب ۶٪ بهره مرکب سالانه بصندوق مربوط به موسسه جدید انتقال دهد. ماده ۳۶ ـ هرگاه خدمت مستخدم در شهرداری قطع شود و از شمول این مقررات خارج گردد اگرسابقه پرداخت کسور بازنشستگی او پنج سال یا کمتر باشد کسور بازنشستگی پرداختی سهم اوباضافه ۶٪ بهره مرکب سالانه و اگر بیش از پنجسال و کمتر از دهسال تمام سابقه پرداخت کسوربازنشستگی داشته باشد کسور بازنشستگی پرداختی سهم او و نصف کسور بازنشستگی پرداختی‌سهم شهرداری باضافه ۶٪ بهره مرکب سالانه پس از رسیدن به سن شصت سالگی در مورد مرد وپنجاه و پنج سالگی درمورد زن پرداخت می‌شود و در صورتی که قبل از رسیدن به سنین مذکور ازکار افتاده یا فوت شود وجوه مزبور بلافاصله به او یا بازماندگان او برحسب مورد پرداخت خواهدشد. ماده ۳۷ ـ صندوق بازنشستگی موظف است هرسه سال یکبار وضع مالی صندوق را از نظر تطبیق‌کسور بازنشستگی با توجه به تعهدات صندوق در مورد حقوق بازنشستگی و وظیفه براساس‌محاسبات فنی مورد

بررسی قرار داده و نتیجه رابرای اتخاذ تصمیم و اقدام مقتضی بشهرداری تهران گزارش دهد. ماده ۳۸ ـ میزان حقوق بازنشستگی و وظیفه موضوع این مقررات هر سه سال یکبار با توجه به‌تغییرات شاخص هزینه زندگی از طرف شورای اداری شهرداری تهران مورد بررسی قرار خواهدگرفت ودر صورتیکه شاخص هزینه زندگی طی مدت مذکور پنج درصد و یا بیشتر افزایش یافته‌باشد و یا ضریب ریالی جدول حقوق اضافه شود و یا حقوق مستخدمین بازنشسته و موظفین‌مشمول قانون استخدام کشوری تغییر کند شورا در مورد افزایش میزان حقوق بازنشستگی و وظیفه‌طرح لازم را تهیه و پس از تایید شهردار تهران و موافقت انجمن شهر و تصویب هیات وزیران بمورداجرا گذارده خواهد شد. ماده ۳۹ ـ وراث قانونی آندسته از مستخدمین ثابت شهرداری که پس از تاریخ تطبیق وضع‌استخدامی (۱/۴/۱۳۴۷) موضوع ماده ۶۶ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران مصوب۱۹/۹/۱۳۴۵ فوت شده‌اند می‌توانند با دارابودن شرایط مقرر در این مقررات از حقوق وظیفه‌استفاده کنند مشروط براینکه در صورت دریافت وجوه پس انداز و پایان خدمت و امثال آن وجوه‌دریافتی را مسترد دارند ، در اینصورت کسور بازنشستگی مدت خدمت گذشته سهم مستخدم متوفی‌طبق این مقررات از حقوق وظیفه آنان کسر می‌شود و شهرداری نیز موظف است سهم خود رابصندوق بازنشستگی پرداخت کند.

لایحه قانونی راجع به تبدیل وضع استخدامی پیمانی (موقت شهرداری تهران به (ثابت –مصوب ۲۸/۹/۱۳۵۸

ماده واحده ـ شهرداری تهران مکلف است مستخدمین پیمانی (موقت و همچنین کارکنانی که برای انجام خدمت تمام وقت در مقابل دریافت دستمزد بکارگمارده شده‌اند ودر تاریخ تصویب این ماده واحده در خدمت دارد، بنا به در خواست آنان با حفظ سابقه خدمت در شهرداری و همچنین سابقه‌خدمت دولتی به (ثابت تبدیل کند، رتبه و پایه آنان براساس طرح طبقه بندی مشاغل مورد عمل شهرداری تهران تعیین میگردد. تبصره۱ ـ نحوه اجرای مفاد این ماده واحده بموجب دستورالعمل اجرایی است که توسط شهرداری تهران تهیه و پس از تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور بمرحله اجرا گذارده‌میشود. تبصره۲ ـ کارگران شهرداری کماکان تابع مقررات قانون کار می‌باشند. تبصره۳ ـ کلیه حق بیمه مستخدمین و کارکنان موضوع این ماده واحده از صندوق سازمان تامین اجتماعی به صندوق بازنشستگی و وظیفه شهرداری تهران منتقل میشود.

لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشوری درباره کارکنان شهرداریهای سراسر کشور (غیر از شهرداری پایتخت

ماده واحده اول شهریور ماه ۱۳۵۸ شمسی کلیه مستخدمین شهرداریها و موسسات تابعه و وابسته و اتحادیه شهرداریهای کشور که مشمول آیین نامه استخدامی شهرداری ها، مصوب۲۹/۱۰/۱۳۵۴ بوده‌اند مشمول قانون استخدام کشور می‌شوند نحوه اجرای قانون مذکور درباره مستخدمین فوق الذکر و همچنین نحوه انتقال وجوه صندوق بازنشستگی شهرداریها بصندوق بازنشستگی کشوری بموجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذارده خواهد شد. تبصره مستخدمین بازنشسته و از کار افتاده فعلی و وارث وظیفه بگیر آنان که مشمول مقررات بازنشستگی و وظیفه شهرداریها بوده‌اند. مشمول ضوابط مقرر در آیین‌نامه موضوع این قانون خواهند بود.

آیین نامه امتحانات یا مسابقات استخدامی شهرداریها موضوع ماده هفت آیین نامه استخدامی شهرداریها

ماده ۱ ـ برای رعایت اختصار در این آیین نامه کلیه شهرداریهای کشور و واحدهای تابعه وسازمانهای وابسته به آنها که از لحاظ استخدامی تابع آیین نامه استخدام شهرداریها می‌باشد"شهرداری نامیده می‌شود. ماده ۲ ـ منظور از امتحان و مسابقه در این آیین نامه

بشرح زیراست الف ـ امتحان عبارت از مجموعه اقداماتی است که بمنظور سنجش شایستگی و توانایی‌های افراد وتشخیص صلاحیت آنان در زمینه‌های مورد نظر انجام می گیرد. کسانی درامتحان پذیرفته می‌شوند که نمره امتحان آنان به حدنصاب لازم رسیده باشد. ب ـ مسابقه عبارت است از انتخاب بهترین داوطلبانی که حد نصاب لازم به ترتیب امتیاز کسب کرده‌باشند. ماده ۳ ـ ورود بخدمت شهرداری برای تصدی پستهای ثابت سازمانی از طریق مسابقه انجام خواهدشد مگر در موارد زیرکه از طریق امتحان صورت می‌پذیرد: الف ـ مواردی که استخدام مشمولین قانون استخدام" ایثارگران مصوب ۷/۱۰/۶۷ و قانون حمایتاز آزادگان مصوب ۱۳/۹/۱۳۶۸ منظور نظر باشد. ب ـ مواردی که استخدام برای تعدادی از مشاغل تخصصی صورت می گیرد. فهرست مشاغل تخصصی بنا به پیشنهاد سازمان به تایید سازمان امورادراری و استخدامی کشور خواهد شد. این‌فهرست برای مدت معین شده دارای اعتبار است ماده ۴ـ اجرای امتحان یا مسابقه استخدامی حسب مورد شامل تمام یا قسمتی از مراحل زیر است ۱ـ تهیه و ارسال لیست افراد مورد نیاز سالانه شهرداری به تفکیک تعداد مورد نیاز: عنوان پست ، رشته شغلی ، شرایط احراز و حداقل حقوق و مزایای هر یک از مشاغل در بدو استخدام به وزارت‌کشور. ۲ـ تهیه و تنظیم آگهی استخدامی توسط وزارت کشور و انتشار آن در دو نوبت به فاصله هفت روز دردو روزنامه کثیرالانتشار و یک روزنامه محلی درمنطقه محل استقرار شهرداری (در صورت انتشار). ۳ـ ثبت نام از داوطلبان و صدور پروانه و رود به جلسه امتحان یا مسابقه ۴ـ برگزاری امتحان یا مسابقه ۵ـ تصحیح اوراق و نتیجه‌گیری از امتحان یا مسابقه ۶ـ اعلام اسامی پذیرفته شدگان مرحله امتحان یا مسابقه ۷ـ اجرای مصاحبه یا امتحان عملی ۸ـ تهیه فهرست انتخاب شدگان نهایی ۹ـ اعلام نتیجه امتحان یا مسابقه به پذیرفته شدگان در مسیر مراحل گزینش ۱۰ـ معرفی پذیرفته شدگان به شهرداریهای متقاضی تبصره ۱ ـ نمونه آگهی استخدامی وفرم ثبت نام و پروانه ورود به جلسه امتحان یا مسابقه و فرم‌مصاحبه و سایر فرمهای مورد نیاز در این ماده توسط وزارت کشور تهیه و به تایید سازمان امورادراری و استخدامی کشور می‌رسد. تبصره ۲ـ آگهی استخدام ر علاوه بر روزنامه‌های کثیر الانتشار تهران می‌توان در سایر وسایل‌ارتباط جمعی از قبیل رادیو ، تلویزیون ، نصب و اعلان در جماعات و سایر اماکن عمومی و اداری نیزمنتشر نمود. ماده ۵ ـ امتحان یا مسابقه بوسیله وزارت کشور انجام می‌شود. تبصره ـ وزارت کشور می‌تواند در مواردی که مقتضی بداند اجرای امتحان یا مسابقه را با حفظ حق‌نظارت به شهرداری و یا هر سازمان و دستگاه حقوقی که صلاح بداند واگذار نماید تا در چارچوب‌این آیین نامه به انجام آن مبادرت شود. ماده ۶ ـ امتحان یا مسابقه ممکن است بصورت کتبی ، شفاهی ، عملی ، مصاحبه یا ترکیبی از آنهابرگزار شود. ماده ۷ ـ در مواردی که ضرورت داشته باشد امتحان یا مسابقه استخدامی بیش از یک نوع برگزارشود پس از اجرای نوع اول فهرست اسامی و مشخصات پذیرفته شدگان حتی الامکان و حداکثر تاسه برابر تعداد مورد نیاز در هر شغل به ترتیب تقدم برای شرکت آنان در مراحل بعدی امتحان یامسابقه اعلام می‌شود. تبصره ـ چنانچه امتحان یا مسابقه توسط شهرداری و یا دستگاه دیگری غیر از وزارت کشور انجام‌می‌شود یک نسخه از فهرست قبول شدگان هر مرحله به وزارت کشور ارسال می گردد. ماده ۸ ـ هرگاه تعدادی از پذیرفته شدگان مرحله نهایی امتحان یا مسابقه از قبول خدمت خودداری‌ورزند افراد مورد نیاز را می‌توان بهمان تعداد از نفرات قبول شده بعدی به ترتیب نمرات انتخاب‌نمود. تبصره ـ مدت اعتبار فهرست قبول شدگان در امتحانات یا مسابقات استخدامی از زمان اعلام‌اسامی قبول شدگان نهایی تا یکسال خواهد بود. ماده ۹ ـ اوراق امتحانی از تاریخ اعلام نتایج پذیرفته شدگان نهایی حداکثر به مدت یکسال نگهداری‌می‌شود واز آن تاریخ به بعد امحا آنها بلامانع است ماده ۱۰ـ شرکت کنندگان در امتحان یا مسابقه استخدامی باید کلیه مقرراتی را که قبل از برگزاریامتحان یا مسابقه به اطلاع آنان می‌رسد رعایت کنند. افرادی که از این مقررات تخلف ورزند مدت ۲سال از شرکت در آزمونهای استخدامی شهرداریهای کشور محروم خواهند شد. فهرست اسامی این‌قبیل افراد توسط وزارت کشور مضبوط و نگهداری می گردد. ماده ۱۱ ـ هر یک از مسوولان و متصدیان اجرای امتحان یا مسابقه که از مقررات جلسه امتحان یامسابقه ، یا تصحیح اوراق امتحانی و یا هر یک از مراحل پیش‌بینی شده در ماده چهار این آیین نامه تخلف ورزند بنحوی که این تخلف منجر به سود و

زیـان داوطلب یـا اخلال و اغتشـاش در جلسه‌امتحـان یا مسابقه گردد ، چنانچه در زمره کارکنان دولت و شـهرداریها باشـد براساس قانون رسیدگی به‌تخلفات اداری و در غیر این صورت از طریق مراجع ذیصلاح قانونی توسط وزارت کشور تحت‌پیگرد قرار خواهد گرفت ماده ۱۲ـ هرگـاه برای وزارت کشور مسـلم گردد امتحان یا مسابقه اسـتخدامی برابر مقررات این‌آیین نامه انجام نگرفته اسـت می‌توانـد نسبت به لغو آن اقـدام ومرحله یـا مراحـل لغو شـده را تجدیدنمایـد. ماده ۱۳ ـ ایـن آیین نـامه مستند به مـاده ۷ آیین نـامه استخدامی شهرداریها مصوب ۱۳/۱۲/۶۸ هیات‌وزیران در سیزده ماده و ۵ تبصـره تهیه و با شماره ۵۸۵۰/۴۵ مورخ ۱۹/۹/۶۹ به تایید سازمان امورداری و استخدامی کشور رسیده است و هرگونه تغییر در آن بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تاییدسازمان مذکور خواهد بود.

مقررات استخدامی مستخدمین موقت شهرداریها موضوع بند (پ ماده ۲ آیین نامه استخدامی شهرداریها – مصوب ۱

ماده ۱ ـ شهرداریها می‌توانند در صورت وجود اعتبار ، پس از تحصیل مجوز استخدامی ، اشخاص‌مورد نیاز را بعنوان مستخدم موقت ، بمـوجب قرار دادی کـه طبـق مقررات زیر بیـن شـهرداری ازیکطرف و داوطلب خـدمت مـوقت از طرف دیگر منعقـد می گردد ، استخدام نمایند. تبصره ـ فرم انعقاد قرار داد توسط وزارت کشور تهیه و ابلاغ می گردد. ماده ۲ ـ حداکثر مدت قرار داد یکسال است و در صورت لزوم تمدید آن مستند به مجوز اخذ شده‌حداکثر تا ۵ سال دیگر بلامانع است ماده ۳ ـ افرادی که در مشاغل کارگری موضوع بند" ت ماده ۲ آیین نامه استخدامی شـهرداریهابخدمت شهرداری پذیرفته می‌شوند از شمول این آیین نامه مستثنی خواهند بود. ماده ۴ ـ فسخ قرار داد استخدام موقت توسط هریک از طرفین قرار داد تا یکماه اعلام قبلیامکان‌پـذیر خواهد بود مگر آنکه در قرار داد مـدت دیگری تعیین شـده باشـد. ماده ۵ ـ داوطلبان اسـتخدام موقت بایـد علاوه برشـرایط اختصاصـی شـغل مورد نظر دارای شرایط‌مندرج در ماده ۶ آیین نامه استخدامی شهرداریها باستثنای محدودیت مربوط به حداکثر سن حداقل‌تحصیلات باشند. ماده ۶ ـ داوطلبـان ورود بخـدمت موقت از طریق امتحان و گزینش انتخاب می‌شونـد. ماده ۷ ـ حقوق مسـتخدمین موقت مشمول این مقررات براساس مدرک تحصـیلی آنان بشـرح جدول‌زیر تعیین می‌شود: طبقه ـ حداکثر حقوق ـ شـرایط تصدی از نظر مدارک تحصـیلی ۱ ـ ۵۵۰ ـ دارابودن‌گواهینامه‌پایان‌دوره‌تحصیلاتاول‌متوسطه‌یاراهنمایی‌تحصـیلی ۲ ـ ۶۵۰ ـ دارا بودن گواهینـامه دیپلم کامل متوسـطه ۳ ـ ۸۵۰ ـ دارا بودن گواهینامه کاردانی (فوق دیپلم ۴ ـ ۱۰۵۰ ـ دارا بودن گواهینامه کارشناس (لیسانس ۵ ـ ۱۳۰۰ ـ دارا بودن گواهینامه کارشناسـی ارشـد (فوق لیسانس ۶ – ۱۷۰۰ ـ دارا بـودن گواهینـامه دکـترا ۷ ـ ۱۹۰۰ ـ دارا بـودن گواهینـامه دکـترا و تخصـص در رشـته‌های پزشکی و پیراپزشکی تبصره ۱ ـ ضـریب ریالی جدول حقوق مسـتخدمین موقت عدد ۱۰۰ می‌باشـد و تغییرات بعدی آن‌با تایید نامه سازمان امور اداری و اسـتخدامی کشور و تصویب وزیر کشور بمرحله اجرا در خواهدآمد. تبصـره ۲ ـ مستخدمین موقت با توجه به مـدارک تحصـیلی در یکی از طبقات منـدرج در جـدول فوق قرار می گیرنـد و از حقوق طبقه مربوط برخوردار می گردنـد. تبصره ۳ ـ اشخاصـی که دارای تحصـیلات حوزه‌ای هستند بـا توجه به ارزش مـدرک تحصـیلی آنـان که‌براساس مصوبات جلسات مورخ ۸/۹/۱۳۶۳ و ۳۰/۱۰/۱۳۶۳ و ۵۰۸/۱۳۶۵ شـورای امـور اداری واسـتخدامی کشـور و اصـلاحات بعـدی آن تعیین می گردد از حقوق طبقات ۲ لغایت ۵ جدول حقوق فوق اسـتفاده می کنند. تبصره ۴ ـ چنانچه اسـتخدام موقت جهت مشاغل فنی و تخصصـی در طبقـات یک ، دو و سه جـدول‌موضوع این ماده صورت گرفته باشـد تا ۲۰٪ حقوق مبنای طبقه به دریافتی اینگونه مسـتخدمین‌افزوده می گردد. تبصره ۵ ـ هرگاه مسـتخدمین موقت براساس دستورالعملهای ارزشیابی جزو ۲۰٪ کارکنان برجسته دارندگان بالاترین نمره ارزشـیابی باشـند ، در صورت تمدید قرار داد دریافتی شان تا ۱۰٪ حقوق مبنای طبقه مربوط صـرفا برای سال بعد قابل افزایش اسـت تبصره ۶ ـ شـهرداریها می‌توانند علاوه برحقوق ماهانه بازا هرسال تجربه یا آموزش قابل قبول و یاسابقه خدمت موقت (پیمانی مربوط به شـغل مورد تصدی حداکثر معادل ۵٪ حقوق مبنـای طبقه‌مربوط را بـا توجه به میزان کارایی به مسـتخدمین موقت پرداخت نمایند

مشروط برانکه این افزایش‌از حداکثر حقوق طبقه مربوط تجاوز نکند ، تشخیص و احتساب سوابق تجربی و آموزشی براساس‌دستورالعملی است که توسط وزارت کشور تهیه خواهد شد. تبصره ۷ ـ اعطا امتیازات استخدامی مقرر در قوانین و مقررات عمومی درباره آزادگان و ایثارگران‌به مستخدمین موقت مشمول این مقررات بموجب دستورالعملی خواهد بود که بنا به پیشنهادوزارت کشور و تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور بمرحله در خواهد آمد. ماده ۸ ـ در صورتیکه شرایط بازار کار و سایر عوامل موثر اقتضا نماید که برای استخدام برخی‌متخصصین بعنوان موقت منحصرا برای مشاغل فنی در طبقات ۴ و ۵ و ۶ و۷ حقوق مبنای طبقه‌مربوط براساس ضوابطی که توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب شورای حقوق و دستمزدمی‌رسد ، پرداخت خواهد شد. ماده ۹ ـ شهرداریها می‌توانند علاوه برحقوق و فوق العاده مخصوص مبالغی بشرح زیر در صورت‌وجود اعتبار به مستخدمین موقت پرداخت نمایند. ۱ ـ هر سه ماه تا میزان ۲/۱(یک دوم حقوق بعنوان پاداش بشرط رضایت از خدمت مستخدم ۲ ـ در پایان خدمت مستخدم در صورت حصول رضایت به ازا هر سال خدمت موقت با ۱۵ روزحقوق و فوق العاده مخصوص به تشخیص شهردار. ۳ ـ مواردی از فوق العاده و هزینه‌های موضوع ماده ۲۵ آیین نامه استخدامی شهرداریها که طبق‌مقررات مربوط هماهنگ با میزان پرداختی به مستخدمین ثابت پرداخت می‌باشد. در تعیین‌فوق العاده‌ای بدی آب و هوا ، محرومیت از تسهیلات زندگی ، سختی شرایط محیط کار و نوبت‌کاری ۲/۱ (یک دوم حقوق مستخدمین موقت مبنای محاسبه قرارخواهد گرفت ماده ۱۰ ـ پرداخت هرگونه وجهی غیر از موارد ذکر شده در این آیین نامه ، به هرعنوان به مستخدمین موقت ممنوع است ماده ۱۱ ـ مستخدمین موقت مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی می‌باشند و شهرداریها مکلفندحق بیمه مقرر را از دریافتی آنان کسر و با اضافه نمودن سهم کار فرما طبق مقررات مربوط به سازمان‌تامین اجتماعی پرداخت نمایند. ماده ۱۲ ـ مستخدمین موقت سالی یکماه حق استفاده از مرخصی استحقاقی به نسبت مدت‌خدمت با استفاده از حقوق و فوق العاده‌های مربوط را خواهد داشت تبصره۱ ـ استفاده از مرخصی استحقاقی باتقاضای مستخدم و موافقت رییس مربوط می‌باشد.تعطیلات واقع در بین دو مرخصی استحقاقی جز مرخصی استحقاقی منظور خواهد شد. تبصره۲ ـ حق استفاده از مرخصی مربوط به هرماه برای ماههای بعد محفوظ است ولی هیچ‌مستخدمی نمی‌تواند در هرسال بیش ازپانزده‌روزمرخصیاستحقاقی‌خودراذخیره‌نماید و هرگاه ازبقیه مرخصی مذکور استفاده نماید مدت زاید بر پانزده روز ذخیره نخواهد شد. تبصره۳ ـ حقوق و فوق العاده‌های مربوط به ایام مرخصی استحقاقی ذخیره شده درهنگام خاتمه‌قرار داد (درصورت عدم تمدید) به مستخدم موقت پرداخت خواهد شد. ماده ۱۳ ـ مستخدم موقت می‌تواند در صورت نیاز با موافقت شهرداری در طول هر قرار داد یکساله‌حداکثر یکماه از مرخصی بدون حقوق استفاده نماید. مدت مرخصی بدون حقوق جز سوابق‌خدمت و تجربه منظور نمی‌گردد. ماده ۱۴ ـ مستخدم موقت در صورت ابتلا به بیماریهایی که مانع از انجام کار آنان باشد و نیز زنان‌باردار از حمایتهای مقرر در قانون تامین اجتماعی استفاده خواهند کرد. تبصره۱ ـ این قبیل مستخدمین موظفند ضمن آگاه نمودن مسئولین متبوع خود از علت عدم‌حضور خویش در محل خدمت ، مدارک مربوط به بیماری خود را که به تایید مراجع ذیصلاح مذکوردر قانون تامین اجتماعی رسیده باشد در پایان ایام بیماری ارایه نماید. تبصره۲ ـ حقوق و فوق العاده‌های مستخدم موقت که عدم اشتغال آنان به سبب بیماری باشد و دربیمارستان بستری شوند تا سه روز توسط شهرداری پرداخت خواهد شد و در صورتی که مدت‌بیماری آنان مازاد بر سه روز باشد از ابتدای بیماری تا خاتمه آن و حداکثر تا پایان قرار داد مشمول‌مقررات قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۱۵ ـ در صورتیکه مستخدم موقت هفت روز بدون عذر موجه در محل خدمت حاضر نشودشهرداری می‌تواند قرار دارد استخدام او را بدون رعایت یکماه مهلت مقرر در ماده ۴ از تاریخ ترک‌خدمت فسخ نماید. وجوه مربوط به بندهای" الف و" ب ماده ۹ و مرخصی ذخیره شده موضوع‌تبصره ۳ ماده ۱۲ به وی تعلق نخواهد گرفت تبصره ـ در صورتیکه پذیرفته شدن عذر مستخدم موضوع این ماده (موجه بودن عذر) توسط‌شهرداری از بابت ایام عدم حضور در محل خدمت حقوق و فوق العاده‌های مربوط به این مدت به اوپرداخت نخواهد شد. ماده ۱۶ ـ اوقات کار مستخدمین موقت شهرداری و

سازمانهای تابعه بهمان ترتیبی است که در ماده۸۶ آیین نامه استخدامی شهرداریها مشخص گردیده و ساعات کار مستخدمین مزبور بر در هیچ مورداز حداقل ساعات کار قانونی کمتر نخواهد بود. ماده ۱۷ ـ اشتغال مستخدم موقت در موسسات و شرکتهای طرف معامله با شهرداری یا سازمانهای‌تابعه و وابسته ممنوع است تبصره هرگاه مستخدم موقت بخواهد در غیر ساعات کار در موسسات دیگری غیر از موسسات‌موضوع این ماده مشغول بکار شود باید مراتب را با اطلاع شهرداری برساند. ماده ۱۸ ـ تغییر شغل مستخدم موقت تا اصلاح قرار داده منعقده با رعایت این مقررات بلامانع‌است ماده ۱۹ ـ مفاد قرار داد استخدامی مستخدمین موقت که بموجب مقررات قبلی به خدمت اشتغال‌دارند تا خاتمه قرار داد یا فسخ آن از لحاظ پرداخت وجوه تعیین شده در قرار داد بقوت خود باقیاست ولی تمدید یا انعقاد قرار داد جدید از هرلحاظ تابع مفاد این مقررات خواهد بود. ماده ۲۰ ـ رسیدگی به تخلفات اداری مستخدمین موقت و تعیین مجازات آنان مشمول قانون‌رسیدگی به تخلفات اداری و آیین نامه اجرایی آن می‌باشد. ماده ۲۱ ـ هرگونه تغییری در این مقررات منوط به پیشنهاد وزارت کشور و موافقت سازمان امورادارى واستخدامی کشور خواهد بود. ماده ۲۲ ـ از تاریخ اجرای این مقررات شهرداریها و سازمانهای مکلفند در استخدام مستخدمین‌موقت منحصرا طبق این مقررات عمل نمایند. ماده ۲۳ ـ این مقررات مستند به بند" ب ماده ۲ آیین نامه استخدامی شهرداریها مصوب۱۳/۲/۱۳۶۸ هیات وزیران در ۱۳ ماده و ۱۵ تبصره تهیه وتصویب و با توجه به موافقت شماره۲۶۷/د- ۲۴/۱/۷۰ سازمان امور اداری و استخدامی کشور از تاریخ ۱/۱/۷۰ قابل اجرا است

آیین نامه حقوق و مزایای شهرداران – مصوب ۱۹/۳/۱۳۷۰

ماده ۱ ـ حقوق شهرداران در سراسر کشور به استثنای شهردار تهران که حقوق و مزایای ماهیانه او بنابه پیشنهاد وزیر کشور و تایید رییس جمهور تعیین خواهد شد ، بر مبنای درجه بندی شهرداری‌ها به‌شرح زیر محاسبه می گردد: ضریب ریالی * عددمبنای حقوق = حقوق شهردار تبصره ۱ ـ اعداد مبنای حقوق شهرداران بر اساس درجه بندی شهرداری‌ها به شرح زیر می‌باشد وتغییر آنها موکول به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران می‌باشد. ۱ ـ اعداد مبنای حقوق شهرداران ، مندرج در جدول تبصره (۱) ماده (۱) این آیین نامه به از تاریخ۱/۱/۱۳۷۸ به میزان هفتاد درصد (۷۰٪) افزایش می‌یابد. تبصره ۲ ـ ضریب ریالی موضوع این ماده معادل ضریب حقوقی مشمولین قانون استخدام کشوری‌می‌باشد. تبصره ۳ ـ تشخیص درجه شهرداری‌های جدیدالتاسیس و تغییر درجه بندی شهرداری‌ها با تاییدسازمان امور اداری و استخدامی کشور و تصویب وزیر کشور خواهد بود. تبصره ۴ ـ وزارت کشور می‌تواند به ازای هر سال سابقه خدمت در سمت شهردار که بعد ازتاریخ ۲۲/۱۱/۱۳۵۷) انجام شده باشد ، عدد مبنای حقوق شهردار را تا (۵٪) افزایش دهد. تبصره ۵ ـ برای جذب نیروهای کارامدو متخصص جهت انتصاب به سمت شهردار ، وزارت کشورمی‌تواند در این موارد عدد مبنای حقوق شهردار را تا (۵۰٪) تحت عنوان فوق العاده جذب افزایش‌دهد. تبصره ۶ ـ تطبیق شهرداری‌های موجود با درجات (۱۲) گانه موضوع تبصره (۱) بر عهده وزارت‌کشور می‌باشد. تبصره ۷ ـ افرادی که از وزارتخانه‌ها ، سازمان‌ها و ارگانهای دولتی تابع قانون نظام هماهنگ‌پرداخت ، به صورت مأمور ، سمت شهردار را در شهرداری‌ها تصدی می کنند می توانند مبنای حقوق خود را بر اساس آخرین حقوق تعیین شده در وزارتخانه ، سازمان یا ارگان مربوط (بدون محاسبه‌فوق العاده شغل و سایر مزایا) انتخاب کنند در غیر این صورت مبنای حقوق آنان طبق مفاد این‌آیین نامه تعیین می‌شود. تبصره ۸ ـ به شهردارانی که خارج از ساعات اداری ـ موضوع ماده (۸۶) آیین نامه استخدامی‌شهرداری‌های سراسر کشور حضور فعال‌تری در امور شهر و شهرداری داشته باشند ، به تشخیص‌وزارت کشور ، ماهانه حداکثر تا میزان شصت درصد حقوق شهردار ـ موضوع این ماده به عنوان‌فوق العاده جذب پرداخت می‌شود. ماده ۲ ـ چنانچه عملیات عمرانی طی هر سال در دوره خدمت شهردار در شهر ، طبق برنامه‌های‌مصوب و در قالب موارد تایید شده باشد فوق العاده‌ای تحت عنوان فوق العاده عمران که به شرح زیرمحاسبه می گردد ،

ماهیانه و در حدود اعتبارات بودجه مصوب و مقررات موضوع ماده (۶۸) قانون‌شهرداری ، حداکثر تا دو برابر حقوق موضوع ماده (۱) این آیین نامه به هنگام تفریغ بودجه شهرداری‌با تایید وزارت کشور ، به شهردار قابل پرداخت می‌باشد. (اعتبارات هزینه شده جهت اجرای‌عملیات عمرانی در هر سال * درصد فوق العاده عمران = فوق العاده عمران تبصره ـ درصد فوق العاده عمران موضوع این ماده در مورد شهرداری‌های (۱۲) گانه به شرح زیرمی‌باشد: ماده ۳ ـ در صورتی که شهرداری فاقد محل مسکونی برای سکونت شهردار باشد تا میزان (۲۰٪)عدد مبنای حقوق موضوع تبصره (۱) ماده ۱) این آیین نامه با اعمال ضریب ریالی موضوع تبصره ۲) ماده (۱) به عنوان حق مسکن به شهردار قابل پرداخت است تبصره ـ در صورتی که شهرداری دارای محل مسکونی برای شهردار باشد به شرط استفاده شهرداراز محل مسکونی هر ماه به میزان حداکثر ده درصد (۱۰٪) عدد مبنای حقوق موضوع تبصره ۱) ماده ۱) این آیینامه با اعمال ضریب ریالی موضوع تبصره (۲) ماده (۱) بر اساس جداول هزینه استفاده‌از خانه‌های سازمانی موضوع تصویب نامه شماره ۲۲۳۵۳/ت ۲۴۶ ه مورخ ۸/۶/۱۳۷۱ به عنوان‌حق استفاده از مسکن سازمانی از وی کسر خواهد شد. ماده ۴ ـ در صورتی که شهردار از مقررات بازنشستگی خاصی استفاده نماید کسور مربوط به سهم اوهر ماه از حقوق وی کسر و پس از افزودن سهم کارفرما (شهرداری مجموع آن به صندوق بازنشستگی مربوط واریز می گردد. تبصره ـ هر گاه شهردار از صندوق خاصی تبعیت ننماید مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی‌شده و هرماه حق بیمه مقرر از حقوق وی کسر و با افزودن سهم کارفرما (شهرداری مجموع آن را به‌صندوق تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد. ماده ۵ ـ شهرداری مکلف است همه ماهه معادل (۳٪) حقوق موضوع ماده یک این آیین نامه را ازحقوق شهردار کسر و با افزودن عادل آن از بودجه شهرداری مجموع آن را در حساب سپرده خاصی به‌نام شهرداری نزد بانکی که شهرداری در آن دارای حساب است واریز نماید تا پس از پایان تصدی‌سمت شهردار در آن شهرداری ، اصل و سود متعلقه به وی پرداخت گردد. ماده ۶ ـ فوق العاده‌های بدی آب و هوا و محرومیت از تسهیلات زندگی تا میزانی که برای‌مستخدمین ثابت شهرداری مقرر است بر اساس عدد مبنای حقوق موضوع تبصره ۱ ماده (۱) این‌آیین نامه با اعمال ضریب ریالی موضوع تبصره (۲) ماده (۱) تعیین و به شهردار قابل پرداخت‌می‌باشد. تبصره ـ کمک هزینه عایله‌مندی و اولاد به شهرداران بر اساس ماده (۹) قانون نظام هماهنگ‌پرداخت کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۷۰ ـ پرداخت می‌شود. ماده ۷ ـ با پیشنهاد شورای شهر و تایید وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور۹ به ازای هرسال خدمت شهردار معادل یک ماه حقوق موضوع ماده (۱) این آیین نامه به عنوان پاداش از محل‌اعتبارات بودجه شهرداری ، به شهردار قابل پرداخت است و اگر خدمت شهردار کمتر از یک سال‌باشد به تناسب مدت خدمت پاداش دریافت خواهد نمود. ماده ۸ ـ هزینه سفر و فوق العاده روزانه شهرداران در مأموریت مطابق مستخدمین ثابت شهرداری‌پرداخت خواهد شد. حداکثر مدت مأموریت‌های داخل و خارج از کشور برای شهردار در طول یک‌سال تقویمی نباید از یک ماه تجاوز نماید. ماده ۹ ـ شهردار برای یک سال خدمت حق استفاده از یک ماه مرخصی با استفاده از حقوق وفوق العاده‌های مربوط را خواهد داشت تبصره ۱ ـ تاریخ استفاده از مرخصی بنا به تقاضای شهردار توسط شورای اسلامی شهر تعیین‌خواهد شد ولی با تصمیم شورای مزبور ممکن است استفاده از مرخصی شهردار نتواند از مرخصی‌تقاضا شده استفاده نماید تمام مرخصی مزبور ذخیره خواهد شد. تبصره ۲ ـ چنانچه شهردار به اختیار از مرخصی استحقاقی خود استفاده ننماید در هر سال فقط ۱۵) روز آن ذخیره خواهد شد و در صورتی که شهردار مایل به انتقال مرخصی ذخیره شده به‌موسسه متبوع خود نباشد می‌تواند در پایان سمت شهرداری حقوق و فوق العاده‌های مربوط به ایام‌مرخصی ذخیره شده را از اعتبارات همان شهرداری دریافت نماید. تبصره ۳ ـ در صورتی که خدمت شهردار کمتر از یک سال باشد به تناسب مدت خدمت استحقاق دریافت مرخصی را خواهد داشت ماده ۱۰ ـ شهردار به ازای هر یک سال خدمت ، حق استفاده از یک ماه مرخصی استعلاجی بادریافت حقوق و فوق العاده مربوط را خواهد داشت پرداخت حقوق و فوق العاده مربوط به ایام‌مرخصی استعلاجی شهردار موکول به تایید بیماری وی از طرف پزشک معتمد شهرداری و موافقت‌شورای شهر می‌باشد. تبصره ـ هزینه معالجه شهردار که از طریق سازمان تامین اجتماعی

پرداخت نمی‌شود ، در صورت‌وجود اعتبار به شرط اینکه از میزان یک ماه‌حقوق وی تجاوز ننماید براساس گواهی پزشک معتمدشهرداری و با تصویب شورای شهر پرداخت می‌شود. ماده ۱۱ ـ پرداخت حقوق و مزایای شهردار بر اساس این آیین نامه در صورت وجود اعتبار دربودجه مصوب شهرداری موکول به صدور حکم از طرف وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) می‌باشد و پرداخت هرگونه وجه دیگری به هر عنوان غیر از موارد ذکر شده در این آیین نامه به‌شهردار ، ممنوع است ماده ۱۲ ـ این تصویبنامه از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا می‌باشد و تصویب نامه‌های مورخ۱۸/۱۲/۱۳۵۳ و ۲۱/۶/۱۳۵۶ و ۱۹/۴/۱۳۵۷ و کلیه مقررات مغایر ملغی است

آیین نامه اجرایی شرایط احراز تصدی سمت شهردار – مصوب ۱۱/۶/۱۳۷۷ هیات وزیران

ماده ۱ ـ کسانی را می‌توان به سمت شهردار انتخاب نمود که دارای شرایط زیر باشند: ۱ ـ تابعیت جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ حتی المقدور متاهل و دارای حداقل (۲۵) سال سن و (۵) سال سابقه اجرایی در موقع انتخاب‌شدن ۳ ـ انجام خدمت وظیفه عمومی (دوره ضرورت یا داشتن معافیت دایم در زمان صلح ۴ ـ اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی ۵ ـ دارا بودن حسن شهرت ۶ ـ داشتن توانایی جسمی و روحی برای انجام کار. ۷ ـ نداشتن محکومیت کیفری که مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی باشد. ۸ ـ دارا بودن تحصیلات و تجربه به شرح زیر: ۹ ـ حداقل تحصیلات کارشناسی (لیسانس برای شهرداریهای درجه (۱و۶). ۱۰ ـ حداقل تحصیلات کارشناسی (لیسانس با گرایشهای مشخص شده توسط وزارت کشور برای‌شهرداریهای درجه (۷ تا ۱۰). ۱۱ ـ برای شهرداریهای درجه (۱۱ و ۱۲) حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد (فوق لیسانس باگرایشهای مشخص شده توسط وزارت کشور. تبصره ۱ ـ کسانی که درای تحصیلات فوق دیپلم و پنج سال سابقه اجرایی ـ که حداقل (۲) سال آنرا در سمت شهردار و یا مدیریت (سرپرستی و بالاتر) در وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته‌به دولت و شهرداریها خدمت کرده باشند ـ یا دارای (۴) سال تجربه در امور مربوط به شهرداری‌باشند نیز می‌توانند عهده دار تصدی شهرداریهای از درجه (۱ تا ۶) می‌شوند. تبصره ۲ ـ کسانی که دارای تحصیلات فوق دیپلم و پنج سال سابقه اجرایی و حداقل چهار سال‌سابقه کار و تجربه در سمت شهردار در شهرداری درجه (۱تا۶). و یا معاون شهردار در شهرداری‌درجه (۷) به بالا ـ یا مدیریت (مدیریت میانی به بالا) در وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به‌دولت و شهرداریها باشند نیز می‌توانند تصدی شهرداریهای درجه (۷) تا (۱۰) را عهده دار شوند. تبصره ۳ ـ کسانی که دارای تحصیلات کارشناسی (لیسانس مندرج در ردیف (۲) بند (ح) ماده (۱)این آیین نامه با حداقل پنج سال پیشینه کار در سمت شهردار شهر درجه (۷تا۱۰) و بالاتر و یا معاون‌شهردار شهر درجه (۱۱و۱۲) و یا مدیریت میانی به بالا وهمتراز آنها در وزارتخانه‌ها و موسسات‌دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها باشند نیز می‌توانند برای احراز سمت شهردار در شهرداریهای‌درجه (۱۱ و۱۲) و تهران انتخاب شوند. تبصره ۴ ـ انتخاب مقامات موضوع تبصره (۲) ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان‌دولت و همترازان آنها و همچنین معاونان استانداران و مدیران کل ستادی حوزه عمرانی وزارت‌کشور با داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی با رشته‌های مندرج در ردیف (۲)بند (ح) ماده (۱) این‌آیین نامه و حداقل (۲) سال سابقه خدمت در سمتهای مذکور به سمت شهردار بلامانع است تبصره ۵ ـ در صورتی که اشخاص موضوع تبصره‌های بالا یکی از دوره‌های مکاتبه‌ای یا حضوری‌میانی شهرداری ، منطبق با دستورالعملهای وزارت کشور را با موفقیت گذرانده باشند ، دوره مذکورمعادل یک سال تجربه در امور شهرداری و چنانچه دوره عالی مدیریت شهرداری و مطابق بادستورالعمل‌های وزارت کشور را گذرانده باشند ، دوره مذکور معادل ۵/۱ سال تجربه در امورشهرداری برای آنان محسوب خواهد شد. تبصره ۶ ـ منظور از درجه شهرداری در این آیین نامه درجه بندی شهرداریها موضوع تبصره (۱)ماده (۱) آیین نامه حقوق ومزایای شهرداران (موضوع تصویبنامه شماره ۲۵۱/ت۱۱۱ه مورخ ۱/۴/۱۳۷۰ هیات وزیران می‌باشد و در صورت اصلاح درجه شهرداریها در آیین نامه اجرایی یادشده مفاد این آیین نامه

متناسب با آن اصلاح خواهد شد. تبصره ۷ ـ کلیه کسانی که در زمان تصویب این آیین نامه در سمت شهردار مشغول انجام وظیفه بوده‌و از نظر تحصیلات و سوابق تجربی واجد شرایط لازم برای تصدی سمت شهردار در شهر مربوط‌نمی‌باشند تا زمان تصدی در سمت مذکور در آن شهر از شرایط تحصیلات و سوابق مذکور در این‌آیین نامه معاف می‌باشند وانتخاب آنان برای تصدی سمت شهردار در شهرداریهای با همان درجه‌بلامانع است تبصره ۸ ـ تشخیص همترازی مدیریت و سرپرستی و نیز تجربه مدیریت در بخش خصوصی به‌عهده وزارت کشور است تبصره ۹ ـ شهردار باید علاوه بر شرایط فوق به امور مالی و ذی حسابی با تشخیص وزارت کشوراشنا باشد و در غیر این صورت باید در دوره توجیهی که توسط وزارت یاد شده تشکیل می‌شودشرکت نماید. تبصره ۱۰ـ در موارد استثنا ، انتخاب شهردار از میان افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم با تایید وزیرکشور بلامانع است ماده ۲ ـ کسی که به سمت شهردار انتخاب می‌شود نباید صاحب موسساتی باشد که تمام یا بخشیاز حوایج عمومی حوزه عمل شهرداری را تامین می‌نماید و همچنین نباید در زمان تصدی این‌سمت ، رییس یا عضو هیات مدیره یا مدیر عامل شرکتها و موسسات مذکور باشد. شهردار حق ندارددر معاملات و قرار دادهایی که یک طرف آن شهرداری یا یکی از موسسات تابعه و یا وابسته به آن‌است بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذی نفع باشد. تبصره ـ عضویت شهردار در هیات مدیره و مجمع عمومی و یا شورای شرکتها و سازمانهای وموسساتی که وابسته و یا تابع شهرداریها و نیز موسسات عمومی ، اعم از دولتی و غیر دولتی که‌شهرداری در آنها صاحب سهم باشد و یا حضور شهردار در سمتهای مذکور در این گونه موسسان که‌بنابه تصویب شورای اسلامی شهر ضروری تشخیص داده شود از شمول معاد این ماده مستثنی است ماده ۳ ـ شهردار باید از تاریخ اشتغال به کار تا زمانی که در این سمت انجام وظیفه می‌نماید در داخل‌محدوده قانونی شهر ساکن باشد. شهرداری مکلف است برابر دستورالعمل وزارت کشور شرایط‌مناسب جهت تحقق مفاد این ماده را برای شهردار فراهم سازد. ماده ۴ ـ شورای اسلامی شهر به محض آن که از فقدان یکی از شرایط مندرج در بندهای وتبصره‌های ذیل ماده (۱) و مواد (۲)و(۳) این آیین نامه در شهردار منتخب خود مطلع شود باید دراولین جلسه عادی یا فوق العاده که با حضور شهردار تشکیل می‌شود به موضوع رسیدگی و تشخیص‌خود را اعم از صحت یا سقم مطلب به مرجع صدور حکم انتصاب اعلام نماید ، مرجع صدور حکم‌انتصاب پس ازبررسی‌موضوع ، درصورت‌صحت‌فقدان‌هریک‌ازشرایط ، حکم‌انتصاب‌راملغی‌می‌نماید. ماده ۵ ـ در صورتی که شهردار از بین کارگزاران شهرداریها و موسسات و سازمانهای تابعه و وابسته‌آنها و یا وزارتخانه‌ها و یا موسسات و شرکتهای دولتی تابع و وابسته به دولت انتخاب شود ، پس ازخاتمه دوره خدمت با رعایت مقررات استخدامی مربوط ، به سازمان محل خدمت اولیه خودبرگشت داده می‌شود و چنانچه از بین کارگزاران انتخاب نشده باشد ، وزارت کشور و شهرداریها درقبال او هیچگونه تعهد استخدامی ندارند. تبصره ۱ ـ شهردار خاتمه خدمت یافته ، می‌تواند ضمن داشتن شرایط استخدام موضوع ماده (۶)اصلاحی آیین نامه استخدامی شهرداری تهران (موضوع تصویبنامه شماره ۱۷۵۷۰/ت مورخ۲/۳/۱۳۶۸) در صورت دار بودن شرایط زیر ، ظرف یکسال از تاریخ خاتمه خدمت و یا صدور حکم‌قطعی برایت درخواست استخدام به شهرداری تسلیم نماید که در این صورت از شروط امتحان ومسابقه موضوع ماده (۷) اصلاحی آیین نامه یاد شده معاف خواهد بود. ۱ ـ فاقد هرگونه ارتباط و تعهد استخدامی با موسسات مذکور در ماده (۵) این آیین نامه باشد. ۲ ـ خدمت وی به علت استعفا یا اتمام دوره قانونی خدمت (۴) سال خاتمه یافته باشد. ۳ ـ حداقل دوسال متوالی یا چهار سال متناوب دارای سابقه خدمت مورد پذیرش وزارت کشور درسمت شهردار باشد. ۴ ـ در صورت تعلیق از خدمت طبق مقررات قانونی درای حکم قطعی برایت از مراجع صالح قضایی‌باشد. وزارت کشور می‌تواند پس از تامین اعتبار در اولین بودجه ، اصلاح بودجه یا متمم بودجه ، مطابق‌مدرک تحصیلی وی ، تحت عناوین (کارشناس ، کمک کارشناس و کاردان با موافقت سازمان‌امور اداری و استخدامی کشور نسبت به ایجاد پست سازمانی مناسب برای وی در یکی ازشهرداریهای سراسر کشور اقدام نماید. پس از ترک پست مذکور توسط شاغل به هر عنوان ، پست یادشده حذف می‌شود. تبصره ۲ ـ اجرای مفاد تبصره یک در مورد شهردارانی که مطابق مفاد ماده (۷۳) قانون موضوع این‌آیین نامه از کار

برکنار شده‌اند ، ظرف مهلت مذکور منوط به تصویب شورای اسلامی شهر است ماده ۶ ـ نظارت برحسن اجرای این آیین نامه برعهده وزارت کشور است معاون او رییس جمهور ـ حسن حبیبی

اصلاحیه تصویب نامه موضوع تبصره الحاقی به ماده (۲۷) آیین نامه استخدامی شهرداریهای کشور – ۱۳۸۰

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۶/۱۳۸۰ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی ، موضوع نامه شماره ۳۴۱۳ه /ب مورخ ۸/۵/۱۳۸۰ تصویب نمود: ۱ ـ در تصویبنامه شماره ۱۹۰۳۶/ت ۱۸۸۶۳ ه مورخ ۹/۲/۱۳۷۸، موضوع تبصره الحاقی به ماده ۲۷) آیین نامه استخدامی شهرداریهای کشور ، عبارت (تا حدی که مغایر قانون نظام هماهنگ پرداخت نباشد) بعد از عبارت (و بر اساس آیین نامه حقوق و مزایای شهرداران و تغییرات بعدی آن) اضافه می گردد. ۲ ـ این تصویب نامه جانشین تصویب نامه شماره ۵۶۶۸۶/ت ۲۳۹۹۶ ه مورخ ۱۰/۱۲/۱۳۷۹می گردد. معاون اول رییس جمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاحیه آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور – مصوب ۱۳۸۲

نظر به اینکه در ماده (۱۰) آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور، موضوع تصویب نامه شماره ۶۴۰۱۸/ت۲۵۳۴۲ه- مورخ ۱۴/۱۲/۱۳۸۱ که براساس طرح تصویب نامه پیشنهادی تنظیم و ابلاغ شده است، عبارت «یک چهلم حقوق و مزایای شهردار مربوط» به اشتباه «یک چهلم حقوق و مزایای مستخدمان شهرداری مرکز استان» تحریر شده است، مراتب جهت اصلاح اعلام می شود. دبیر هیات دولت – عبدا... رمضان زاده

صنوف و اماکن عمومی

لایحه قانونی راجع به نحوه واگذاری اماکن و میادین و غرفه‌ها بمنظور ایجاد تسهیل در تهیه و توزیع میوه و

ماده واحده ـ شهرداری تهران می‌تواند بمنظور تسهیل در تهیه و توزیع میوه و تره‌بار و فرآورده های‌کشاورزی مورد مصرف مردم و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از طریق ایجاد ارتباط مستقیم بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کلیه اماکن و میادین و غرفه‌ها که توسط شهرداری ایجاد شده یا بشود را بصورت نمایندگی منحصرا به اشخاص حقیقی یا حقوقی تولیدکننده واگذار نماید. این قبیل اماکن و میادین و غرفه‌ها مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند می‌تواند با توجه بشرایط واگذاری نمایندگی محل را تصرف کند و هرگاه اشیا متعلق به متصرف در آن باشد شهرداری آن را به محل دیگری منتقل خواهد کرد. مقررات این ماده واحده شامل اماکنی که قبلا بمنظور فوق به اشخاص حقیقی یا حقوقی که بدون تنظیم قرارداد واگذار گردیده است نیز خواهد بود. تبصره ۱ ـ شهرداریهای سایر شهرها نیز مشمول مفاد این قانون می‌باشند. تبصره ۲ ـ در واگذاری غرفه‌ها با شرایط یکسان رزمندگان و خانواده‌های شهدا و آزادگان وجانبازان و اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی تولیدی محصولات و فرآورده‌های کشاورزی ـ دامی ـطیور و آبزیان اولویت دارند. تبصره ۳ ـ آیین‌نامه اجرائی و شرایط واگذاری نمایندگی و مدت و نحوه استفاده از محلهای مزبورتوسط وزارت کشور با هماهنگی وزارتخانه‌های کشاورزی ، جهاد سازندگی و بازرگانی تهیه و به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون نظام صنفی کشور – مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲

فصل اول ـ تعاریف (ماده ۱ تا ۱۱)

ماده ۱ ـ نظام صنفی قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان ، وظایف ، اختیارات ، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قانون تعیین می کند. ماده ۲ ـ فرد صنفی : هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل خرید، فروش توزیع خدمات و خدمات فنی سرمایه گذاری کند و به عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزیی به مصرف‌کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته‌می‌شود. تبصره ـ صنوفی که قانون خاص دارند، از شمول این قانون مستثنی هستند. ماده ۳ ـ واحد صنفی : هر واحد اقتصادی که فعالیت آن در محل ثابت یا وسیله سیار باشد و توسط فرد یا افراد صنفی با اخذ پروانه کسب دایر شده باشد، واحد صنفی شناخته می‌شود. تبصره ۱ ـ فعالیت واحدهای صنفی سیار در محل ثابت با اخذ پروانه کسب برای همان محل بلامانع است تبصره ۲ ـ اماکنی که طبق ضوابط مصوب کمیسیونهای نظارت واجد شروط لازم جهت استقرار چند واحد صنفی باشند، می‌توانند به عنوان محل ثابت کسب به وسیله یک یا چند فرد صنفی ، پس از اخذ پروانه کسب از اتحادیه یا اتحادیه‌های ذی‌ربط ، مورداستفاده قرار گیرند. تبصره ۳ ـ دفاتری که خدماتی به واحدهای صنفی سیار می‌دهند، واحد صنفی محسوب می‌شوند. ماده ۴ ـ صنف : آن گروه از افراد صنفی که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، تشکیل یک صنف را می‌دهند. صنوف مشمول این قانون با توجه به نوع فعالیت آنها به چهار گروه تولیدی ، خدمات فنی ، توزیعی یا خدماتی تقسیم می‌شوند. ماده ۵ ـ پروانه کسب : مجوزی است که طبق مقررات این قانون به منظور شروع و ادامه کسب و کار یا حرفه به فرد یا افراد صنفی برای محل مشخص یا وسیله کسب معین داده می‌شود. ماده ۶ ـ پروانه تخصصی و فنی گواهینامه‌ای است که بر داشتن مهارت انجام دادن کارهای تخصصی یا فنی دلالت دارد و به وسیله مراجع ذی‌صلاح صادر می‌شود. ماده ۷ ـ اتحادیه : شخصیتی حقوقی است که از افراد یک یا چند صنف که دارای فعالیت یکسان یا مشابه‌اند، برای انجام دادن وظایف و مسوولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می گردد. ماده ۸ ـ مجمع امور صنفی : مجمعی است که از نمایندگان منتخب اعضای هیات مدیره اتحادیه‌های صنفی هر شهرستان برای انجام دادن وظایف و مسوولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌شود. ماده ۹ ـ شورای اصناف کشور : شورایی است که از نمایندگان هیات رییسه مجامع امورصنفی شهرستانهای کشور با هدف تقویت مبانی نظام صنفی در تهران تشکیل می گردد. ماده ۱۰ ـ کمیسیون نظارت : کمیسیونی است که به‌منظور برقراری ارتباط و ایجاد هماهنگی بین اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی با سازمانها و دستگاههای دولتی در راستای وظایف و اختیارات آنها و همچنین نظارت بر اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی هر شهرستان تشکیل می‌شود. ماده ۱۱ ـ هیات عالی نظارت : هیاتی است که به منظور تعیین برنامه‌ریزی هدایت ایجاد هماهنگی و نظارت بر کلیه اتحادیه‌ها، مجامع امور صنفی شورای اصناف کشور و کمیسیونهای نظارت تشکیل می گردد و بالاترین مرجع نظارت بر امور اصناف کشور است

فصل دوم ـ فرد صنفی (ماده ۱۲ تا ۲۰)

ماده ۱۲ ـ افراد صنفی موظفند قبل از تاسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند. تبصره ۱ ـ آیین‌نامه صدور پروانه کسب طبق مفاد این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با کسب نظر وزارتخانه‌های کشور، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و اداره کل نظارت بر اماکن عمومی ناجا و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ ـ کلیه دستگاههایی که اتحادیه‌ها برای صدور

پروانه کسب از آنها استعلام میکنند، موظفند ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت استعلام نظر قطعی و نهایی خود را اعلام دارند. عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله نظر مثبت است تبصره ۳ ـ صدور بیش از یک پروانه کسب برای هر فرد صنفی واجد شروط قانونی برای یک یا چند محل کسب بلامانع است تبصره ۴ ـ درصورتیکه چندنفر، یک واحدصنفی را به صورت مشترک اداره کنند، به‌طور مشترک مسوولیت امور واحد را عهده‌دار خواهند بود. تبصره ۵ ـ تمدید اعتبار پروانه کسب هر ده سال یکبار الزامی است ماده ۱۳ ـ صدور پروانه کسب برای مشاغل تخصصی و فنی مستلزم اخذ پروانه تخصصی و فنی از مراجع ذیربط به وسیله متقاضی است اگر متقاضی واجد شروط لازم برای اخذ پروانه تخصصی و فنی نباشد، حضور یک نفر شاغل دارنده پروانه تخصصی و فنی در واحد صنفی برای صدور پروانه کسب مشروط ، به‌نام متقاضی کافی است تبصره ـ انواع مشاغل تخصصی و فنی به شرح آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با هماهنگی وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط و نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهدرسید. ماده ۱۴ ـ افراد صنفی مکلفند در هر سال عوارض کسب و پیشه حق عضویت اتحادیه (درصورت عضویت و مالیات خود را بپردازند. ماده ۱۵ ـ افراد صنفی عرضه کننده کالاها و خدمات مکلفند با الصاق برچسب روی کالا، یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به‌طور روشن و مکتوب و به‌گونه‌ای که برای همگان قابل رویت باشد، اعلام کنند. تبصره ۱ ـ هر فرد صنفی در مقابل دریافت بها، اجرت یا دستمزد باید صورتحسابی شامل نام و نشانی واحد صنفی ، تاریخ ، مبلغ دریافتی و نوع و مشخصات کالاهای فروخته شده یا خدمات انجام شده را به مشتری تسلیم دارد. تبصره ۲ ـ مجمع امور صنفی میتواند با تصویب کمیسیون نظارت مرکز استان بعضی از صنوف یا مشاغل را تا مبلغی معین یا برخی دیگر را که دادن صورتحساب برای آنها مشکل است از دادن صورتحساب معاف کند. تبصره ۳ ـ افراد صنفی که کالاهای خود را به صورت کلی عرضه میدارند باید از صورتحسابهای چاپ شده استفاده کنند و مشخصات خریدار را نیز در آن بنویسند. تبصره ۴ ـ فرد صنفی ، مسوول انطباق کیفیت و کمیت هر نوع کالای عرضه‌شده یا خدمت ارایه گردیده با وجه یا اجرت دریافتی مندرج در صورتحساب است ماده ۱۶ ـ صاحبان اماکن عمومی به تشخیص مجمع امور صنفی و تصویب کمیسیون نظارت مکلفند : الف ـ فهرست قیمت غذا و مواد غذایی را که برای مصرف مشتریان ارایه میشود در برگه‌های مخصوص تهیه و در دسترس مشتریان قراردهند و برمبنای آن صورتحساب به‌مشتری تسلیم دارند. ب ـ نرخ اغذیه و مواد غذایی خود را در تابلو مخصوص در محل کسب به قسمی که در معرض دید همگان باشد نصب کنند. ماده ۱۷ ـ افراد صنفی مکلفند قوانین و مقررات جاری کشور، از جمله قوانین و مقررات صنفی ، انتظامی ، بهداشتی ، ایمنی ، حفاظت فنی و زیباسازی محیط کار و دستورالعمل‌های مربوط به نرخ‌گذاری کالاها و خدمات را که از سوی مراجع قانونی ذیربط ابلاغ میگردد، رعایت و اجرا کنند. تبصره ۱ ـ افراد صنفی مکلفند پیش از به‌کارگیری کسانی که برای انجام دادن خدمات به منازل و اماکن مراجعه میکنند، مراتب را به اتحادیه اطلاع دهند تا اتحادیه پس از اخذ نظر نیروی انتظامی ، نسبت به صدور کارت شناسایی عکس‌دار با درج تخصص اقدام لازم را به عمل آورد. تبصره ۲ ـ افراد صنفی مجاز نیستند برای جلب مشتری درباره محصولات کالاها یا خدمات برخلاف واقع تبلیغ کنند. درغیر این صورت طبق ماده ۶۸) این قانون با آنها رفتار خواهدشد. ماده ۱۸ ـ درصورتیکه دارنده پروانه کسب بخواهد پروانه خود را به دیگری واگذارکند، باید درخواست کتبی خود را به اتحادیه تسلیم دارد. اتحادیه درصورت واجد شروط قانونی بودن فرد معرفی شده و با رعایت سایر مقررات پروانه کسب متقاضی را باطل و پروانه جدیدی به نام فرد معرفی شده صادر میکند. ماده ۱۹ ـ درصورتیکه دارنده پروانه کسب محجور شود، قیم میتواند با رعایت غبطه محجور و طبق مقررات این قانون نسبت به اداره یا انتقال واحد صنفی اقدام‌کند. ماده ۲۰ ـ درصورت فوت صاحب پروانه کسب حقوق متعارف ناشی از واحد صنفی متعلق به ورثه است چنانچه ورثه یا نماینده قانونی آنها مایل باشند، درصورت دارا بودن شروط فردی، میتوانند ظرف مدت دو سال نسبت به اخذ پروانه کسب با رعایت مقررات اقدام کنند. پس از انقضای مهلت مقرر پروانه متوفی از درجه اعتبار ساقط است

فصل سوم ــ اتحادیه ها (ماده ۲۱ تا ۳۱)

ماده ۲۱ ـ در هر شهرستان که واحدهای صنفی با فعالیت‌های شغلی مشابه یا همگن وجود داشته باشد، افراد صنفی با رعایت این قانون مبادرت به تشکیل اتحادیه می‌کنند. تبصره ۱ ـ اتحادیه دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ ـ حدنصاب تعداد واحدهای صنفی برای تشکیل یک اتحادیه در کشور به‌شرح زیر است الف ـ در تهران ۳۰۰ واحد ب ـ در شهرستانهای با بیش از دو میلیون نفر جمعیت ۲۰۰ واحد ج ـ در شهرستانهای دارای بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر جمعیت ۱۵۰ واحد د ـ در شهرستانهای دارای بیش از پانصد هزار نفر و کمتر از یک میلیون نفر جمعیت ۱۰۰ واحد هـ ـ در شهرستانهای با کمتر از پانصد هزار نفر جمعیت ۵۰ واحد تبصره ۳ ـ کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به ادغام اتحادیه‌هایی که تعداد واحدهای صنفی تحت پوشش آنها کمتر از نصابهای تعیین شده است اقدام کند. تبصره ۴ ـ اگر تشکیل اتحادیه واحد برای تمامی شهرها یا بخشهای هر شهرستان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان ممکن نباشد، شیوه اداره امور واحدهای صنفی آن شهرها یا بخشها تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۵ ـ اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی یک شهرستان که تعدادشان به نصاب مقرر جهت تشکیل اتحادیه نرسیده است به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، درصورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای با همان تعداد واحدهای موجود تشکیل خواهد شد. تبصره ۶ ـ اگر تشکیل اتحادیه‌ای در مرکز استان از واحدهای صنفی موجود در شهرستانهای همان استان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، درصورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای در مرکز استان تشکیل خواهد شد. این اتحادیه مانند سایر اتحادیه‌های موضوع این ماده تلقی خواهد شد. تبصره ۷ ـ اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی سراسر کشور لازم باشد، با تایید وزیربازرگانی اتحادیه کشوری تشکیل خواهد شد. این اتحادیه نیز مانند دیگر اتحادیه‌های موضوع این ماده خواهد بود. ماده ۲۲ ـ اتحادیه‌ها توسط هیات مدیره منتخب اعضای اتحادیه اداره می‌شوند. تعداد اعضای این هیات پنج نفر اصلی و دو نفر علی البدل برای اتحادیه‌های دارای کمتر از هزار واحد صنفی عضو و هفت نفر اصلی و سه نفر علی البدل برای اتحادیه‌های دارای بیش از هزار واحد صنفی عضو خواهد بود. تبصره ۱ ـ مدت خدمت و مسوولیت اعضای هیات مدیره اتحادیه‌ها از تاریخ انتخاب چهار سال تمام خواهد بود. اعضای هیات مدیره با رای مخفی و مستقیم اعضای اتحادیه انتخاب می‌شوند. انتخاب مجدد افراد عضو هیات مدیره در ادوار بعد بلامانع است تبصره ۲ ـ کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است شش ماه قبل از پایان هر دوره هیات مدیره مقدمات برگزاری انتخابات را فراهم آورد. تبصره ۳ ـ انتخابات اتحادیه‌ها در دور اول با حضور حداقل یک سوم اعضا و در دور دوم با حضور حداقل یک چهارم اعضا رسمیت می‌یابد. درصورت برگزار نشدن انتخابات در دور دوم تا انتخاب هیات مدیره جدید، کمیسیون نظارت مکلف است با تشکیل هیات سرپرستی از بین اعضای همان صنف که توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند، افراد واجد شروط قانونی را برای اداره امور اتحادیه به طور موقت منصوب کند. آیین‌نامه انتخابات اتحادیه‌ها توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۴ ـ درصورتی که بر اثر استعفا، عزل فوت بیماری حجر یا محرومیت از حقوق اجتماعی عضو یا اعضایی از هیات مدیره با وجود جایگزینی اعضای علی البدل آن هیات از نصاب این ماده خارج شود، کمیسیون نظارت مکلف است ظرف شش ماه نسبت به برگزاری انتخابات برای تعیین اعضای جایگزین اقدام کند. تا انجام انتخابات افرادی از اعضای همان صنف که واجد شروط قانونی برای اداره امور اتحادیه باشند، توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند تا پس از تصویب کمیسیون

نظارت به‌عنوان اعضای جایگزین به عضویت اصلی یا علی البدل هیات مدیره منصوب شوند. اگر کمتر از دو سال از مدت ماموریت هیات مدیره مانده باشد، مدت ماموریت اعضای جایگزین تا پایان مدت ماموریت هیات مدیره ادامه خواهد یافت تبصره ۵ ـ افراد منصوب شده موضوع تبصره‌های ۳) و (۴) این ماده دارای کلیه اختیارات حقوق و تکالیف هیات مدیره به استثنای عضویت در هیات رییسه مجمع امور صنفی خواهند بود. ماده ۲۳ ـ هیات مدیره اتحادیه‌ها از میان خود یک نفر را به عنوان رییس یک نفر را به عنوان نایب رییس یک نفر را به عنوان بازرس یک نفر را به عنوان خزانه‌دار و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد این افراد بلامانع خواهد بود. رییس هیات‌مدیره علاوه بر دعوت از اعضا، اداره جلسات و ابلاغ مصوبات به‌عنوان نماینده اتحادیه در مجمع امور صنفی شهرستان نیز شناخته می‌شود. رییس هیات مدیره بالاترین مقام اجرایی اتحادیه محسوب می‌گردد. در غیاب رییس نایب رییس وظایف و اختیارات وی را برعهده می‌گیرد. تبصره ـ در اتحادیه‌هایی که تعداد اعضای هیات مدیره آن هفت نفر است دو نفر نایب رییس و دو نفر بازرس خواهند بود. ماده ۲۴ ـ هیات مدیره هر اتحادیه مکلف است از خدمات یک نفر، که دارای حداقل مدرک کارشناسی باشد، به صورت تمام وقت به عنوان مدیر اجرایی استفاده کند. در شهرستانهای دارای کمتر از یک میلیون نفر جمعیت به کارگیری افراد دیپلمه به‌عنوان مدیر اجرایی بلامانع است مدیر اجرایی مجری مصوبات هیات مدیره و منتخب آن است و با جایگزین شدن هیات مدیره جدید مستعفی تلقی می‌گردد. استفاده از خدمات همان مدیر در ادوار بعد بلامانع است ماده ۲۵ ـ درصورت نیاز، کمیسیون نظارت مرکز استان بنا به درخواست اکثریت نسبی اتحادیه‌های صنفی شهرستانهای همان استان با نظرخواهی از مجمع امور صنفی مرکز استان نسبت به تشکیل مجمع استانی برای اتحادیه‌های آن استان اقدام خواهد کرد. این مجمع متشکل از نمایندگان هیات مدیره اتحادیه‌های شهرستانها خواهدبود و به‌منظور تبادل نظر درخصوص مشکلات و امور صنفی ارایه پیشنهاد و برقراری ارتباط و هماهنگی‌های لازم با مراجع و مراکز ذی‌ربط تشکیل می‌شود. تبصره ـ تعداد نمایندگان هر شهرستان به ازای هر پنج اتحادیه یک نفر خواهد بود که با رای روسای اتحادیه‌ها انتخاب خواهند شد. مدت ماموریت اعضای هیات مدیره مجمع استانی دو سال است ماده ۲۶ ـ هرگاه شخصی بخواهد فعالیتی صنفی را آغاز کند، ابتدا باید به اتحادیه ذی‌ربط مراجعه و تقاضای کتبی خود را تسلیم و رسید دریافت دارد. اتحادیه مکلف است در چارچوب مقررات نظر خود را مبنی بر رد یا قبول تقاضا حداکثر ظرف پانزده روز با احتساب ایام غیرتعطیل رسمی به صورت کتبی به متقاضی اعلام کند. عدم اعلام نظر درمدت یاد شده به منزله پذیرش تقاضا محسوب می‌گردد. درصورت قبول تقاضا توسط اتحادیه متقاضی باید از آن تاریخ ظرف حداکثر سه ماه مدارک مورد نیاز اتحادیه را تکمیل کند و به اتحادیه تسلیم دارد. در غیر این صورت متقاضی جدید محسوب خواهد گردید. اتحادیه موظف است پس از دریافت تمام مدارک لازم و با رعایت ضوابط ظرف پانزده روز نسبت به صدور پروانه کسب و تسلیم آن به متقاضی اقدام کند. همچنین متقاضی پروانه کسب موظف است از تاریخ دریافت پروانه کسب ظرف شش ماه نسبت به افتتاح محل کسب اقدام کند. تبصره ۱ ـ چنانچه اتحادیه درخواست متقاضی پروانه کسب را رد کند یا از صدور پروانه کسب استنکاف ورزد، باید مراتب را با ذکر دلایل مستند به‌طور کتبی به متقاضی اعلام کند. درصورتی‌که متقاضی به آن معترض باشد، می‌تواند اعتراض کتبی خود را ظرف بیست روز از تاریخ دریافت پاسخ به مجمع امور صنفی ذی‌ربط تسلیم دارد. مجمع امور صنفی مکلف است طی پانزده روز به اعتراض متقاضی رسیدگی و نظرنهایی خود را برای اجرا به اتحادیه مربوط اعلام کند. تبصره ۲ ـ درصورتی‌که اتحادیه یا متقاضی به نظر مجمع امور صنفی معترض باشند می‌توانند ظرف بیست روز از زمان ابلاغ نظر مجمع امور صنفی اعتراض خود را نسبت به نظر مجمع مذکور به کمیسیون نظارت منعکس کنند. کمیسیون نظارت مکلف است ظرف یک ماه نظر خود را اعلام دارد. نظر کمیسیون نظارت در این مورد معتبر و قابل اجرا است مگر آن که هیات عالی نظارت نظر کمیسیون نظارت را ظرف یک ماه پس از دریافت اعتراض نقض کند. دراین صورت نظر هیات عالی نظارت قطعی و لازم‌الاجرا است درصورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کنند. تبصره ۳ ـ برای صنوفی که تعداد آنها

به حد نصاب نرسیده است یا فاقد اتحادیه هستند، پروانه کسب ازطریق اتحادیه همگن بنا به تشخیص کمیسیون نظارت صادر خواهد شد. تبصره ۴ ـ واحدهای صنفی که به‌عنوان آلاینده یا مزاحم نقل مکان داده می‌شوند، همچنان عضو اتحادیه‌ای که بوده‌اند خواهندماند، حتی اگر در محدوده جغرافیایی جدیدی قرار گیرند. ماده ۲۷ ـ محل دایر شده به‌وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب دایم یا موقت برای آن صادر نشده باشد، با اعلام اتحادیه راسا ازطریق نیروی انتظامی پلمب می‌گردد. تبصره ۱ ـ قبل از پلمب محل دایر شده از ده تا بیست روز به دایرکننده مهلت داده می‌شود تا کالاهای موجود در محل را تخلیه کند. تبصره ۲ ـ کسانی که پلمب یا لاک و مهر محل‌های تعطیل شده در اجرای این قانون را بشکنند و محل‌های مزبور را به نحوی از انحا برای کسب مورد استفاده قرار دهند، به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. تبصره ۳ ـ پرداخت عوارض توسط اشخاص موضوع این ماده موجب احراز هیچ یک از حقوق صنفی نخواهد شد. ماده ۲۸ ـ واحد صنفی تنها درموارد زیر پس از گذرانیدن مراحل مندرج در آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، به‌طور موقت از یک هفته تا شش‌ماه تعطیل می‌گردد: الف ـ اشتغال به شغل یا مشاغل دیگر در محل کسب غیر از آنچه در پروانه کسب قید گردیده یا کمیسیون نظارت مجاز شمرده است ب ـ تعطیل محل کسب بدون دلیل موجه حداقل به مدت پانزده روز برای آن دسته از صنوفی که به تشخیص هیات عالی نظارت موجب عسر و حرج برای مصرف‌کننده می‌شود. تبصره ـ تشخیص موجه بودن دلیل با مجمع امور صنفی است ج ـ عدم پرداخت حق عضویت به اتحادیه براساس ضوابطی که در آیین‌نامه مصوب کمیسیون نظارت تعیین شده است د ـ عدم اجرای مصوبات و دستورات قانونی هیات عالی و کمیسیون نظارت که به‌وسیله اتحادیه‌ها به واحدهای صنفی ابلاغ شده است تبصره ـ تشخیص عدم اجرا بر عهده مجمع امور صنفی است هـ ـ عدم اجرای تکالیف واحدهای صنفی به موجب این قانون تبصره ۱ ـ تعطیل موقت واحد صنفی با اعلام اتحادیه راسا از طریق نیروی انتظامی به عمل میاید. تبصره ۲ ـ هر فرد صنفی که واحد کسب وی تعطیل می‌شود می‌تواند به کمیسیون نظارت شکایت کند. نظر کمیسیون نظارت که حداکثر ظرف دو هفته اعلام خواهد شد، لازم‌الاجرا است درصورت اعتراض فرد صنفی می‌تواند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کند. تبصره ۳ ـ جبران خسارات وارد شده به واحد صنفی دراثر تعطیل غیرموجه با مجوز اتحادیه یا مراجع دیگر، به‌استناد نظر کمیسیون نظارت برعهده دستوردهنده است ماده ۲۹ ـ اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات ، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها ، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری عهده‌دار شوند و مبالغ وصول شده بابت مالیات عوارض یا هزینه خدمات را ظرف یک هفته به حساب قانونی دستگاه مربوطه واریز کنند. مبلغ کارمزد توافق شده ازسوی طرف توافق به حساب اتحادیه‌ها واریز می‌گردد. ماده ۳۰ ـ وظایف و اختیارات اتحادیه‌ها عبارت است از: الف ـ ارایه پیشنهاد برای تهیه تنظیم یا تغییر ضوابط صدور پروانه کسب و انواع پروانه‌های لازم برای مشاغل به مجمع امور صنفی ب ـ اجرای مصوبات و بخشنامه‌های هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت که درچارچوب این قانون به اتحادیه‌ها ابلاغ می‌گردد. تبصره ـ مجمع امور صنفی موظف است مصوبات و بخشنامه‌های هیات‌عالی نظارت و کمیسیون نظارت را ظرف پنج روز از تاریخ دریافت به اتحادیه‌ها ابلاغ کند. پس از انقضای این مهلت دبیرخانه هیات‌عالی نظارت و کمیسیون نظارت می‌توانند بی‌واسطه مصوبات و بخشنامه‌های خود را به اتحادیه‌ها برای اجرا ابلاغ کنند. ج ـ ارایه پیشنهاد درباره امور اصناف به مجمع امور صنفی د ـ صدور پروانه کسب با دریافت تقاضا و مدارک متقاضیان با رعایت قوانین و مقررات مربوط هـ ـ ابطال پروانه کسب و تعطیل محل کسب طبق مقررات این قانون و اعلام آن به کمیسیون نظارت و جلوگیری از ادامه فعالیت واحدهای صنفی که بدون پروانه کسب دایر می‌شوند یا پروانه آنها به عللی باطل می‌گردد. و ـ تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا آخر دی‌ماه هر سال به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب ز ـ تنظیم ترازنامه سالانه و تسلیم آن تا پایان خردادماه هر سال به مجمع امور صنفی برای رسیدگی و تصویب ح ـ ایجاد تسهیلات لازم برای آموزشهای مورد نیاز افراد صنفی به طور مستقل یا با کمک سازمانهای دولتی یا غیردولتی ط ـ تشکیل کمیسیونهای رسیدگی به شکایات ، حل اختلاف ، بازرسی واحدهای صنفی ،

فنی و آموزشی و کمیسیونهای دیگر مصوب هیات عالی نظارت تبصره ۱ ـ اعضای کمیسیونهای مذکور بین سه تا پنج نفرند که از میان اعضای دارای پروانه کسب به پیشنهاد اتحادیه و تصویب مجمع امورصنفی ذی‌ربط تعیین می‌شوند. تبصره ۲ ـ آیین‌نامه اجرایی این بند توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۳ ـ درصورت بروز اختلاف صنفی بین افراد صنفی و اتحادیه مراتب به مجمع امورصنفی جهت رسیدگی و صدور رای ارجاع می‌شود. طرف معترض نسبت به رای صادرشده می‌تواند ظرف بیست روز اعتراض خود را به کمیسیون نظارت تسلیم دارد. نظر کمیسیون نظارت قطعی و لازمالاجرا خواهد بود. درصورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی‌صلاح قضایی مراجعه کنند. ی ـ وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات به نمایندگی از طرف وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت ک ـ هماهنگی با شهرداری و شورای شهر به‌منظور ایجاد شهرکهای صنفی و تمرکز تدریجی کالاها و معاملات عمده‌فروشی در میادین و مراکز معین شهری متناسب با احتیاجات شهر طبق مقررات و ضوابطی که به‌تصویب کمیسیون نظارت برسد. ل ـ ارایه پیشنهاد به‌منظور تعیین نرخ کالا و خدمات حدود صنفی تعداد واحدهای صنفی موردنیاز در هر سال جهت صدور پروانه‌کسب به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب کمیسیون نظارت م ـ سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره ـ در بخشها و شهرهای تابعه مرکز شهرستان که بنا به اعلام اتحادیه‌ها و تصویب هیات‌عالی نظارت انجام خدمات صنفی ازطریق اتحادیه مقدور نمی‌باشد. ادارات دولتی شهرداریها، سازمانهای وابسته حسب مورد مجاز به انجام خدمات مذکور می‌باشند. ماده ۳۱ ـ منابع مالی هر اتحادیه عبارتند از: الف ـ حق عضویت افراد صنفی در اتحادیه ب ـ وجوه دریافتی در ازای ارایه خدمات اعم از فنی و آموزشی به اعضای صنف ج ـ کمکهای دریافتی از اشخاص حقیقی یا حقوقی د ـ کارمزد وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت تبصره ۱ ـ میزان و نحوه وصول وجوه موضوع این ماده متناسب با وضعیت اتحادیه نوع شغل و شهر، صرفا و انحصارا در چارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها به تصویب وزیر بازرگانی خواهدرسید. تبصره ۲ ـ اتحادیه‌ها موظفند بیست درصد (۲۰٪) مبالغ دریافتی به‌موجب این ماده را به حساب مجمع امور صنفی واریز کنند.

فصل چهارم ـ مجمع امور صنفی (ماده ۳۲ تا ۴۰)

ماده ۳۲ ـ مجامع امورصنفی از نمایندگان اتحادیه‌ها با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد: الف ـ مجمع امور صنفی صنوف تولیدی ـ خدمات فنی ب ـ مجمع امور صنفی صنوف توزیعی ـ خدماتی ج ـ مجمع امورصنفی مشترک صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و توزیعی ـ خدماتی تبصره ۱ ـ مجمع امور صنفی دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ ـ حداقل تعداد واحدهای صنفی دارای پروانه کسب در هر شهرستان برای تشکیل دو مجمع جداگانه بیست هزار واحد صنفی است هیات عالی نظارت می‌تواند بنابه پیشنهاد کمیسیون نظارت مراکز استانها نصاب مذکور را جهت شهرستان های تابعه آن استان تغییر دهد و نسبت به تشکیل ادغام یا تفکیک مجمع یا مجامع امور صنفی اتخاذ تصمیم کند. تبصره ۳ ـ درصورت ادغام مجامع امور صنفی کلیه اموال دارایی‌ها، حقوق و تعهدات مجامع قبلی بانظارت کمیسیون نظارت به مجمع امور صنفی مشترک منتقل می‌گردد. تبصره ۴ ـ درصورت تفکیک مجمع امور صنفی مشترک کلیه اموال دارایی ها، حقوق و تعهدات آن به‌نسبت تعداد اعضا با نظارت کمیسیون نظارت به مجامع جدید منتقل می‌گردد. ماده ۳۳ ـ تعداد اعضای هیات رییسه مجمع امور صنفی مشترک پنج نفر به‌شرح زیر است : الف ـ یک نفر رییس ب ـ دو نفر نایب رییس ج ـ یک نفر دبیر. د ـ یک نفر خزانه‌دار. تعداد اعضای هیات رییسه به نسبت تعداد اتحادیه‌های مربوط به صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و توزیعی ـ خدماتی تعیین خواهد

شـد. تبصره ـ تعـداد اعضای هیات رییسه مجامع امور صـنفی تولیدی ـ خدمات فنی یا توزیعی ـ خدماتی هر کدام سه نفر مشـتمل بر رییس نـایب رییس و دبیر اسـت مـاده ۳۴ ـ جلسـات مجـامع امور صـنفی با حضور حـداقل دو سوم اعضا تشـکیل می‌شود و رسـمیت می‌یابد و تصـمیمات متخذه با اکثریت نصف به علاوه یک آرا حاضـران در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره ـ مدت ماموریت نماینده هر اتحادیه در مجمع امورصـنفی ذی‌ربط تا پایان مـدت ماموریت او در هیات‌مدیره اتحادیه است درصورت فوت بیماری محرومیت از حقوق اجتماعی ، اسـتعفا ، حجر یا عزل هر نماینده اتحادیه وفق مواد (۲۲) و (۲۳) این قانون نسبت به معرفی نماینده دیگری برای مـدت باقیمانده به مجمع امورصـنفی اقدام می کند. ماده ۳۵ ـ مجمـع امورصـنفی در اولین جلسه هر دوره هیـات رییسه مجمع را برای مـدت دو سـال انتخاب می کنـد. انتخاب مجـدد اعضای مـذکور در ادوار بعـدی بلامانع است ماده ۳۶ ـ ترتیب انتخـاب هیات رییسـه مجامع امور صـنفی وظایف هیات رییسه ، طرز تشـکیل جلسات و تعـداد کمیسیون های آن و سایر مقررات مربوط به اداره مجامع و حق‌الزحمه خـدمات آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات‌عالی نظارت با کسب نظر از مجامع امورصـنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهـد رسـید. ماده ۳۷ ـ وظـایف و اختیارات مجامع امور صـنفی به شـرح زیر است الف ـ ایجاد هماهنگی بین اتحادیه‌ها، نظارت بر عملکرد آنها و راهنمایی صنوف ب ـ تنظیم و تصویب آیین‌نامه‌های مالی استخدامی اداری آموزشـی و تشـکیلاتی اتحادیه‌ها و تغییرات آنها. ج ـ اظهارنظر درمورد ضوابط خاص داخلی اتحادیه‌های تحت پوشش برای صدور پروانه کسب جهت بررسـی و تصویب کمیسـیون نظـارت د ـ نظـارت بر حسن اجرای اقـدامات اتحادیه‌هـا درخصوص صـدور پروانه کسب از جهت تطبیق بـا مقررات این قـانون و آیین‌نامه‌هـای آن هـ ـ تاییـد، انتخـاب و معرفی نماینـدگان اتحادیه‌ها به اداره‌های امور مالیـاتی هیاتهـای حـل اختلاـف مالیاتی و سایر مراجعی که به‌موجب قانون معرفی نماینـده ازطرف صـنوف به‌عمل میایـد. و ـ اجرای مصوبـات هیـات عـالی نظـارت و کمیسـیون نظـارت ز ـ نظارت بر اجرای مقررات فنی بهـداشتی ایمنی انتظامی حفاظتی بیمه گزاری زیباسازی و سایر مقررات مربوط به واحدهای صنفی که ازطرف مراجع ذی‌ربط وضع می‌شود. همچنین همکاری با ماموران انتظامی در اجرای مقررات تبصره ـ چنانچه افراد صنفی در انجام دادن ضوابط انتظامی که در موارد خاص تعیین و ازطریق مجمع امور صنفی ابلاـغ می گردد ، و نیز دراجرای مقررات بهـداشتی ، ایمنی یـا زیباسـازی بـا مخـالفت مالـک ملـک مواجه شونـد، می تواننـد با جلب موافقت مجمع امور صـنفی و با هزینه خود اقدام مقتضی را به عمل آورند. ح ـ رسیدگی به اعتراض افراد صنفی نسبت به تصمیمات اتحـادیه هـا. ط ـ انتخـاب و معرفی یـک نفر نماینـده از بیـن اعضـا هیـات رییسـه به کمیسیون نظـارت برای نظـارت بر حسن اجرای انتخابات هیات مـدیره اتحادیه‌ها. ی ـ پیشـنهاد تشـکیل اتحادیه جدید یا ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیـم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه برای اتخاذ تصـمیم به کمیسـیون نظارت ک ـ تعیین نوع و نرخ کالاها و خـدماتی که افراد هر صـنف می‌توانند برای فروش عرضه یا ارایه کنند و پیشـنهاد آن برای اتخاذ تصـمیم به کمیسـیون نظارت و اعلام مصوبه کمیسـیون به اتحادیه‌ها برای ابلاغ به افراد صنفی با هـدف جلوگیری از تـداخل صـنفی ل ـ جمع آوری اطلاعـات و آمـار لازم با وسایل مقتضـی برای تعیین حـدود و تعـداد واحـدهای صنفی متناسب با جمعیت و نیازها و ارایه آن به کمیسـیون نظارت جهت تصمیم گیری م ـ تنظیم ساعات کار و ایام تعطیل واحدهای صنفی بـا توجه به طبیعت و نوع کـار آنان و ارایه برنامه برای اتخاذ تصـمیم به وسـیله کمیسـیون نظارت ن ـ همکاری و معاضـدت با سـایر مجـامع امور صـنفی و اتـاق بازرگـانی و صـنایع و معـادن ایران و اتـاق تعـاون س ـ تصویب بودجه ترازنـامه و صورتهـای مالی اتحادیه‌ها پس از رسیدگی به آنها و نظارت بر عملیات مالی اتحادیه‌ها. ع ـ درجه‌بندی واحدهای صنفی در موارد لزوم طبق ضوابط و مقرراتی که توسط وزارت بازرگـانی و بـا کسب نظر نیروی انتظـامی و اتحادیه‌های ذی ربط تهیه می‌شود و به تصویب کمیسـیون نظارت می‌رسد. ف ـ اجرای برنامه‌های علمی آموزشـی و پژوهشـی مورد نیاز برای ارتقا سطح آگاهی های هیات مدیره اتحادیه‌ها با همکـاری دسـتگاههای دولتی ذی‌ربـط درچـارچوب مقررات ص ـ تنظیم ترازنامه و صورتهای مالی سالانه و تسـلیم آن ظرف دو ماه بعد از پایان هر سال مالی به کمیسـیون نظارت برای رسیدگی و تصویب تبصره ـ کمیسیون نظارت مکلف است ترازنامه و صورتهای

مالی را ظرف یک ماه رسیدگی کند و نتیجه را به مجمع امور صنفی اعلام دارد. تایید ترازنامه به منزله مفاصا حساب دوره عملکرد مجمع امور صنفی خواهد بود. ق ـ تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا اول بهمن ماه هر سال به کمیسیون نظارت برای تصویب و نظارت بر اجرای آن ر ـ سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره ۱ ـ اداره امور مجامع امور صنفی و همچنین پیگیری و اجرای مصوبات اجلاس مجامع امور صنفی و نیز مسوولیت پیگیری و اجرای بندهای (الف ، (د)، (هـ)، (ز)، (ح ، (ط ، (ل ، (ن ، (ع و (ف این ماده به هیات رییسه مجامع امور صنفی و سایر وظایف و اختیارات محوله به اجلاس عمومی اعضای مجامع امور صنفی واگذار می گردد. تبصره ۲ ـ مجامع امورصنفی با وزارت آموزش و پرورش درمورد آموزش مهارت های شاخه کار دانش همکاری لازم را به عمل خواهند آورد. تبصره ۳ ـ مجامع امورصنفی مجازند برای تشکیل بانک اصناف موسسه اعتباری ، صندوق قرض الحسنه ، شرکت تعاونی اعتبار و دیگر موسسات پولی ، بانکی ، مالی و اعتباری ، طبق قوانین و مقررات جاری کشور اقدام کنند. ماده ۳۸ ـ در شهرستانهایی که برخی از اتحادیه‌ها به‌علت نداشتن امکانات و توانایی های لازم نتوانند صدور پروانه کسب را عهده‌دار شوند، به پیشنهاد آن اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب به طور موقت به مجمع امورصنفی واگذار می گردد. درصورت رفع مشکل بنابه پیشنهاد همان اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب برعهده اتحادیه قرار خواهدگرفت ماده ۳۹ ـ وظایف کمیسیون بازرسی مجامع امور صنفی به قرار زیر است الف ـ بازرسی امور مربوط به اتحادیه‌ها به منظور حصول اطمینان از رعایت ضوابط و مقررات صنفی و تنظیم گزارش های لازم تبصره ـ کمیسیون موظف است نتیجه بررسی و گزارشهای خود را ازطریق هیات رییسه مجمع امور صنفی جهت بررسی کمیسیون نظارت تسلیم دارد. ب ـ بازرسی و رسیدگی به شکایات و اعتراضاتی که به مجمع امورصنفی می‌رسد و ارایه گزارش لازم به مجمع ماده ۴۰ ـ مسوولان مجامع امور صنفی و اتحادیه‌ها مکلفند تسهیلات لازم را برای انجام دادن وظایفی که طبق این قانون به کمیسیون بازرسی محول شده است فراهم کنند.

فصل پنجم ـ شورای اصناف کشور (ماده ۴۱ تا ۴۷)

ماده ۴۱ ـ به منظور تقویت مبانی نظام صنفی ، شورایی به نام شورای اصناف کشور با هماهنگی دبیرخانه هیات عالی نظارت در تهران تشکیل می گردد. ماده ۴۲ ـ شورای اصناف کشور متشکل از نمایندگان هیات رییسه مجامع امور صنفی شهرستانهای کشور است نمایندگان به ترتیب زیر، با نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان و رای مخفی اعضای هیات رییسه مجامع امور صنفی آن استان انتخاب و به دبیرخانه هیات عالی نظارت معرفی می گردند : الف ـ استانهایی که جمعیت آنها تا یک میلیون نفر باشد، تعداد دو نفر. ب ـ استانهایی که جمعیت آنها بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر باشد، تعداد چهار نفر. ج ـ استانهایی که جمعیت آنها بیش از دو میلیون نفر و کمتر از سه میلیون نفر باشد، تعداد شش نفر. د ـ استانهایی که جمعیت آنها بیش از سه میلیون نفر باشد، تعداد هشت نفر. هـ ـ استان تهران دوازده نفر. تبصره ۱ ـ نیمی از نمایندگان در هر مورد همواره از صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و نیم دیگر از صنوف توزیعی ـ خدماتی خواهند بود. تبصره ۲ ـ اعضای شورای اصناف کشور به غیر از مبالغ دریافتی به‌شرح مندرج در آیین‌نامه موضوع ماده (۴۶) این قانون ، دریافتی دیگری نخواهند داشت ماده ۴۳ ـ هیات رییسه شورای اصناف کشور مرکب از هفت نفر است که سه نفر از صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و سه نفر از صنوف توزیعی ـ خدماتی هستند و با رای مخفی اعضای شورای اصناف کشور انتخاب می‌شوند. یک نفر دیگر به پیشنهاد وزارت بازرگانی و با تصویب هیات عالی نظارت از بین افراد صنفی متعهد و آگاه به مسایل صنفی حداکثر برای مدت دو سال تعیین می گردد. تبصره ۱ ـ مدت مسوولیت هیات رییسه شورای اصناف کشور نمی‌تواند بیش از مدت باقیمانده از عضویت آنها در هیات رییسه مجامع امور صنفی باشد. با پایان

یافتن مـدت مسوولیت هر عضو، عضو دیگری با رعایت مفاد همین ماده جایگزین خواهـد شد. تبصـره ۲ ـ نحوه بررسـی صلاحیت و برگزاری انتخابـات هیـات رییسه شورای اصـناف کشور به موجب آیین‌نـامه‌ای خواهـد بود که به پیشـنهاد مجامع امور صـنفی مراکز اسـتانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسـید. ماده ۴۴ ـ پس از تعیین هیـات رییسه شورای اصـناف کشور، دبیرخانه هیات عـالی نظـارت موظف است ظرف پـانزده روز از هیـات رییسه منتخب دعوت به‌عمـل آورد تا در جلسه‌ای نسـبت به انتخاب یک نفر رییس ، دو نفر نـایب رییس ، یـک نفر دبیر و یک نفر خزانه‌دار از بین خود اقـدام کننـد. تشـکیل جلسه‌های ادواری شورای اصـناف کشور در محل دبیرخانه هیات‌عالی نظارت یا هر مکان دیگری خواهد بود که به وسیله دبیرخانه تعیین می‌شود. ماده ۴۵ ـ وظایف و اختیارات شورای اصـناف کشور، در محدوده این قانون ، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف شش‌ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیر بازرگانی خواهـد رسـید. ماده ۴۶ ـ شـیوه اداره مصارف وجوه شورای اصـناف کشور و بازپرداخت هزینه‌های قابل قبول ناشی از عضویت اعضا در شورا، به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهدبود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امور صـنفی مراکز اسـتانها تهیه و به‌تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسـید. ماده ۴۷ ـ منابع مالی شورای اصـناف کشور شامل حق عضویت و کمکهای دریافتی از مجامع امور صنفی کشور و حق ارایه خدمات فنی و آموزشی حسب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسـط دبیرخـانه هیـات عـالی نظـارت و بـا نظرخواهی از مجـامع امورصـنفی مراکز اسـتانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.

فصل ششم ــ کمیسیون نظارت (ماده ۴۸ تا ۵۲)

ماده ۴۸ ـ کمیسیون نظارت در شهرسـتانهای مراکز استانها و در سایر شهرستانهای هر استان با ترتیب زیر تشکیل میگردد : الف ـ در شهرسـتانهای مراکز اسـتانها ـ مـدیران کل یا روسای سازمانهای زیر : بازرگانی (رییس کمیسـیون امور اقتصادی و دارایی. بهداشـت درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی. ـ رییس شورای شهر. ـ شهردار. ـ روسای مجامع امور صنفی. ـ نماینده مطلع و تام الاختیار اسـتانداری. ب ـ در سایر شهرستان های هر استان ـ روسای ادارات : بازرگانی (رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی. بهـداشت درمـان و آموزش پزشـکی. دادگستری. نیروی انتظـامی. ـ رییس شورای شـهر. ـ شـهردار. ـ روسـای مجـامع امور صـنفی. ـ نماینـده مطلع و تام الاختیار فرمانداری یا بخشداری. تبصـره ۱ ـ جلسات کمیسـیون های یادشـده با حضور حداقل هفت نفر از اعضـا رسـمیت میابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر خواهد بود. تبصره ۲ ـ کمیسیون نظارت میتواند از افراد ذیصلاح و صـاحب‌نظر و نیز نماینـده دسـتگاههای دولتی یـا عمومی ذی مـدخل بـدون داشـتن حق رای برای حضور در جلسـات دعوت به‌عمل آورد. تبصره ۳ ـ در تهران ، هیـات عالی نظارت وظایف کمیسـیون نظارت را انجام خواهـد داد و میتوانـد تمام یا قسـمتی از وظایف مزبور را به کمیسـیون یا کمیسیون هایی مرکب از نمایندگان خود اعم از اعضا هیات یا افراد دیگر واگذار کند. ماده ۴۹ ـ وظایف و اختیـارات کمیسـیون نظـارت به شـرح زیر است : الف ـ ادغـام اتحادیه‌هـا یـا تقسـیم یـک اتحادیه به دو یا چنـد اتحادیه و موافقت با تشـکیل اتحادیه جدیـد. تبصـره ـ وضـعیت اموال دارایی ها، حقوق و تعهدات اتحادیه ای که به دو یا چند اتحادیه تقسیم میگردد به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین میشود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهـد رسـید. ب ـ نظارت بر انتخابات اتحادیه‌ها و مجامع امور صـنفی. ج ـ رسـیدگی و بازرسی عملکرد اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی و تطبیق دادن اقدامات انجـام شـده آنهـا بـا قوانین و مقررات د ـ رسـیدگی به بودجه ترازنامه و صورتهای مالی مجامع امورصـنفی و تصویب آنها. هـ ـ سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصـره ۱ ـ کمیسـیون نظارت موظف به اجرای تصمیمات هیات عالی نظارت درحدود وظایف و اختیارات قانونی است تبصـره ۲ ـ کمیسـیون نظارت هر شهرسـتان موظف است براساس امکانات و به‌منظور رعایت مصالح

عمومی و حفظ حقوق دیگران در ابتدای هر سال براساس دستورالعمل تعیین شده از سوی هیات عالی نظارت تعداد واحدهای مورد نیاز هر صنف را در هر شهرستان مشخص و جهت صدور پروانه کسب به اتحادیه‌های صنفی مربوط ابلاغ کند. ماده ۵۰ ـ مسوولیت ایجاد هماهنگی و همکاریهای لازم بین کمیسیونهای نظارت اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی استان برعهده رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان است رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان موظف است با تشکیل جلسات و گردهمایی ها و اتخاذ تدابیر لازم ، زمینه انجام دادن امور را فراهم آورد. ماده ۵۱ ـ کمیسیون نظارت مکلف است انواع کالاها و خدمات واحدهای صنفی را که تعیین نرخ برای آنها از نظر کمیسیون ضرورت دارد ، مشخص و نرخ آنها را برای مدت معین تعیین کند و به مجمع امور صنفی ذیربط اعلام دارد. نرخ کالاها و خدماتی که از طرف مجلس شورای اسلامی ، دولت یا شورای اقتصاد تعیین میشود، برای کمیسیون لازم الرعایه است مجمع امور صنفی مکلف است مراتب را ازطریق رسانه های گروهی برای اطلاع عموم آگهی و ازطریق اتحادیه‌ها به افراد و واحدهای صنفی اعلام کند. کلیه افراد و واحدهای صنفی ملزم به رعایت نرخهای تعیین شده ازطرف کمیسیون نظارت هستند. ماده ۵۲ ـ کمیسیون نظارت برای نظارت بر نرخ‌گذاری کالاها و خدمات موظف است ناظرانی از بین معتمدان خود و مصرف کنندگان انتخاب و معرفی کند. گزارش ناظران برای مراجع قانونی ذیصلاح موضوع ماده ۷۲) قابل پیگیری است برای ناظران از سوی کمیسیون نظارت کارت شناسایی صادر میگردد. تبصره ـ کلیه امور ناظران اعم از عزل و نصب آنها برعهده وزارت بازرگانی است

فصل هفتم ـ هیات عالی نظارت (ماده ۵۳ تا ۵۶)

ماده ۵۳ ـ هیات عالی نظارت با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: الف ـ وزیر بازرگانی (رییس هیات ب ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ج ـ وزیر کشور د ـ وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی هـ ـ وزیر دادگستری و ـ وزیر امور اقتصادی و دارایی ز ـ وزیر صنایع و معادن ح ـ فرماندهی نیروی انتظامی کشور. ط ـ شهردار تهران ی ـ رییس شورای اصناف کشور ک ـ رؤسای مجامع امور صنفی شهرستان تهران تبصره ۱ ـ جلسات هیات عالی نظارت با حضور اکثریت نسبی اعضا رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ ـ وزیران دیگر ، براساس دستور جلسه ، با داشتن حق رای در جلسات حضور خواهند یافت تبصره ۳ ـ هیات عالی نظارت می‌تواند از افراد ذی صلاح و صاحب نظر برای حضور بدون داشتن حق رای در جلسات خود دعوت به عمل آورد. ماده ۵۴ ـ هیات عالی نظارت دارای دبیرخانه ای است که در وزارت بازرگانی مستقر است دبیرخانه بازوی اجرایی هیات عالی نظارت به شمار میاید و علاوه بر هماهنگ کردن امور ، وظایف تهیه و تدوین مکتوبات مورد نیاز جهت تصویب هیات و ارایه پیشنهاد را برعهده دارد. تشکیلات اداری و امور مالی و نحوه اداره دبیرخانه به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۵۵ ـ وظایف و اختیارات هیات عالی نظارت به شرح زیر است الف ـ تشخیص ضرورت برقراری حدود صنفی و تعیین سقف تعدادی برای صنوف و صدور دستورالعمل در این زمینه‌ها. ب ـ ابطال انتخابات یا عزل هیات‌رییسه اتحادیه‌ها یا مجامع امور صنفی شهرستانها به پیشنهاد کمیسیون نظارت ج ـ ابطال انتخابات یا عزل هیات رییسه شورای اصناف کشور. د ـ رسیدگی به اختلاف بین کمیسیون نظارت و مجامع امور صنفی یا شورای اصناف کشور. هـ ـ تعیین دستورالعمل نظارت بر چگونگی صدور پروانه کسب در سطح کشور. و ـ تعیین دستورالعمل نظارت بر حسن انجام وظایف قانونی و ایجاد هماهنگی بین کمیسیون های نظارت اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی کشور و شورای اصناف کشور و نظارت بر فعالیت آنها درحدود مفاد این قانون ز ـ ارایه راهکارهای اجرایی مناسب برای صدور کالاها و خدمات واحدهای‌صنفی با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور. ح ـ سایر مواردی که به موجب این قانون به هیات عالی نظارت محول گردیده است ماده ۵۶ ـ هیات عالی نظارت می‌تواند قسمتی از وظایف خود را به کمیسیون یا

کمیسیونهایی مرکب از نمایندگان خود تفویض کند.

فصل هشتم ــ تخلفات و جریمه ها (ماده ۵۷ تا ۷۴)

ماده ۵۷ ـ گران فروشی : عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت به بهایی بیش از نرخ های تعیین‌شده به وسیله مراجع قانونی ذی ربط ، عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام دادن هر نوع عملی که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمت به زیان خریدار گردد. جریمه گران فروشی ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به‌شرح زیر است الف ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل مبلغ گران فروشی ، درصورتی که جریمه نقدی کمتر از پنجاه هزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) ریال خواهد بود. ب ـ چنانچه کل مبلغ جریمه های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دومیلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج ـ درصورتی که کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت سه ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۸ ـ کم فروشی عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت کمتر از میزان یا معیار مقرر شده جریمه کم فروشی با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل دو برابر مبلغ کم فروشی درصورتی که جریمه نقدی کمتر از مبلغ یکصدهزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ب ـ چنانچه کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دومیلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج ـ درصورتی که کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو برسردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت چهار ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۹ ـ تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالاـ یا ارایه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد. جریمه تقلب با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف ـ مرتبه اول ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل چهار برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده ، درصورتی که جریمه نقدی از مبلغ یکصدهزار ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یکصدهزار ریال خواهدبود. ب ـ مرتبه دوم ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی به میزان هشت برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده ، در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ دویست‌هزار ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل دویست‌هزار ریال خواهدبود. ج ـ مرتبه سوم ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار، جریمه نقدی معادل دوازده برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه درصورتی که جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یک میلیون ریال خواهد بود. تبصره ۱ ـ درصورت تقاضای خریدار مبنی بر استرداد کالای مورد تقلب فروشنده علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر، مکلف به قبول کالا و استرداد وجه دریافتی به خریدار خواهد بود. تبصره ۲ ـ درصورتی که در قوانین دیگر برای عمل متقلبانه مجازات شدیدتری پیش‌بینی شده باشد، فرد متقلب به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۰ ـ احتکار : عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه ازطرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذی ربط . جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار درطول هر سال به شرح زیر

است الف ـ مرتبه اول ـ الزام محتکر به عرضه و فروش کـل کالاهـای احتکارشـده و جریمه نقـدی معادل پنجاه درصـد (۵۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شـده ب ـ مرتبه دوم ـ الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشـده و جریمه نقـدی معادل دو برابر قیمت روز کالاهای احتکارشده و نصب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج ـ مرتبه سوم ـ الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشـده و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصـب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صـنفی و تعطیل محل کسب به مـدت یک ماه ماده ۶۱ ـ عرضه خارج از شبکه عبارت است از عرضه کالا یا ارایه خدمت برخلاف ضوابط و شـبکه‌های تعیین‌شده از طرف وزارت بازرگانی یا دستگاه اجرایی ذی ربط جریمه عرضه خارج از شـبکه با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به‌شـرح زیر است الف ـ مرتبه اول ـ الزام به عرضه کالا یا ارایه خـدمت ، در شـبکه و جریمه نقدی معادل دو برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شـبکه در زمان تخلف ب ـ مرتبه دوم ـ الزام به عرضه کالا یا ارایه خـدمت در شـبکه و جریمه نقدی معادل چهار برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شـبکه در زمـان تخلف ج ـ مرتبه سوم ـ الزام به عرضه کالاـ یا ارایه خـدمت در شـبکه و جریمه نقـدی معادل شـش برابر ارزش روز کالا یا خـدمت خارج شده از شـبکه در زمان تخلف و نصب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صـنفی به مدت یک ماه ماده ۶۲ ـ عرضه و فروش کالای قاچاق حمل و نقل نگهـداری عرضه و فروش کالای قاچاق توسط واحـدهای صـنفی ممنوع است و متخلف باعنایت به دفعات تکرار درطول هر سال به شـرح زیر جریمه می‌گردد: الف ـ مرتبه اول ـ جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالای قاچاق و ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت ب ـ مرتبه دوم ـ جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضبـط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج ـ مرتبه سوم ـ جریمه نقدی معادل ده‌برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضبـط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محـل کسب به‌عنوان متخلف صـنفی و تعطیل محل کسب به مـدت شـش ماه د ـ چنانچه در قوانین دیگر برای عرضه و فروش کالای قاچاق مجازات شدیـدتری پیش بینی شـده باشد متخلف به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۳ ـ عدم اجرای ضوابط قیمت‌گـذاری و توزیع عبـارت است از عـدم ارایه مـدارک لازم جهت اجرای ضوابط قیمت‌گـذاری و توزیع به مراجع قانونی بـدون عـذر موجه ظرف سه مـاه از تاریـخ ترخیص کالاـ یـا خـدمت وارداتی یـا دراختیـار گرفتن تولیـد داخلی برای آن دسته از کالاهـا و خـدماتی که توسط مراجع قانونی ذی ربط مشـمول قیمت‌گذاری می‌گردند. تبصـره ـ تشـخیص موجه بودن عذر با وزارت بازرگانی است جریمه عـدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع ، با عنایت به دفعات تکرار درطول هر سال تخلف ، به شـرح زیر است الف ـ مرتبه اول ـ جریمه نقدی معادل نصف قیمت رسـمی کالا یا خدمت ب ـ مرتبه دوم ـ جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت رسـمی کالا یا خدمت ج ـ مرتبه سوم ـ جریمه نقدی معادل چهار برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت و نصب پارچه یا تابلو برسر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه ماده ۶۴ ـ فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری یک یا چند نوع کالا یا خدمت به همراه کالا یا خدمت دیگر. جریمه فروش اجباری به شرح زیر است الف ـ برای فروش اجباری کالا، الزام فروشنده به پس‌گرفتن کالا و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت فروش کالای تحمیلی ب ـ برای فروش اجباری خدمت جبران خسارت وارد شـده به خریـدار و جریمه نقـدی معـادل پنـج برابر مبلغ خـدمت اجبـاری ماده ۶۵ ـ عـدم درج قیمـت عبـارت اسـت از نصب نکردن برچسب قیمت بر کالا، اسـتفاده نکردن از تابلو نرخ دسـتمزد خدمت در محل کسب یا حرفه یا درج قیمت به نحوی که برای مراجعه کننـدگان قابل رویت نباشـد. جریمه عـدم درج قیمت در هر بار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۶ ـ عدم صدور صورتحساب عبارت است از خودداری از صـدور صورتحسابی که با ویژگی های منـدرج در ماده ۱۵) این قانون منطبق باشد. جریمه عدم صدور صورتحسـاب در هر بـار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۷ ـ چنـانچه براثر وقوع تخلف‌های منـدرج در این قانون ، خسارتی به اشخاص ثالث واردشود ، به‌درخواست شخص خسارت دیده ، فرد صنفی متخلف علاوه بر جریمه‌های مقرر در این قانون ، به جبران

زیانهای واردشـده به خسارت دیـده نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۸ ـ عـدم رعایت مفاد ماده (۱۶)، تبصره (۴) ماده (۱۷) و بندهای (ک و (م ماده (۳۷) و همچنین دستورالعمل های بهداشتی موضوع ماده (۱۷) این قانون ازسوی فرد صـنفی تخلف محسوب می‌شود و متخلف بایـد جریمه نقـدی از دویست هزار ریـال تـا پانصـد هزار ریـال را در هر بار تخلف بپردازد. ماده ۶۹ ـ فروش کالاـ ازطریق قرعه‌کشـی ممنوع است مرتکبین علاوه‌بر جبران خسارت وارده به جریمه‌ای معادل سه برابر مبالغ دریافتی محکوم خواهنـد شـد. ماده ۷۰ ـ اگر اشـخاص حقیقی یا حقوقی با فروش فوق العاده یا فروش اقساطی به‌اشـخاص خسارت وارد آورند، علاوه بر جبران خسارت واردشـده به خریدار، به پرداخت جریمه نقدی معادل مبلغ دریافتی یا قیمت روز کالا یا خدمت عرضه‌شده ملزم خواهندشد. تبصـره ـ آیین‌نـامه اجرایی موضوع این مـاده ظرف شـش مـاه از تاریـخ تصویب این قـانون به وسـیله دبیرخـانه هیـات عـالی نظـارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۱ ـ به منظور تسـهیل داد و سـتد و ثبت و مستندسازی فعالیت های اقتصادی افراد صنفی عرضه کننـده کالاـ و یا ارایه دهنـده خـدمت مکلفنـد حـداکثر ظرف مـدت سه سال از تصویب این قانون در شهرسـتان های بیش از سیصـد هزار نفر جمعیت و ظرف مـدت پنج سـال در سایر شهرسـتانها به تناسب از صـندوق مکانیزه فروش (Posse) و یا دسـتگاه توزین دیجیتالی و یا هر دو برای فروش کالا یا ارایه خـدمت خود با رعایت شـرایط مندرج در تبصـره (۱) ماده (۱۵) استفاده نمایند. تبصره ۱ ـ تعیین صـنوف مشمول این ماده و ضوابط نحوه استفاده و پلمب دستگاه توسط مراجع ذی ربط تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت ظرف مـدت شـش ماه تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهـد رسـید. تبصـره ۲ ـ از تـاریخ اتمام مهلت مقرر، در صورت عـدم استفاده از صـندوق مکانیزه فروش و یا دسـتگاه توزین دیجیتالی واحد صـنفی مشـمول این ماده برای هرمـاه تـاخیر معادل یک میلیون ریال جریمه خواهـد شـد. ماده ۷۲ ـ خریـداران و مصـرف کنندگان می‌توانند شـکایت خود را درمورد تخلف هـای موضوع این قـانون به اتحادیه‌هـای ذی ربط و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده (۵۲) این قانون تسلیم ارسال یا اعلاـم دارنـد. همچنین بازرسـان و نـاظران موضوع این قـانون نیز گزارش تخلفات موضوع این قانون یا شـکایت دریافتی را حـداکثر ظرف ده روز به هیات رسـیدگی بـدوی و یا اتحادیه‌های ذی ربط ، تسلیم می‌دارنـد. اتحادیه‌ها موظفند حداکثر ظرف مدت ده روز شکـایت یـا گزارش تخلف دریـافتی را مورد بررسـی قرار دهنـد و درصورت احراز عـدم تخلف فرد صـنفی ، یا انصـراف شاکی ، با اعلام مراتب ، پرونـده را مختومه نماینـد. در غیر این صورت و یا اعتراض شاکی ، بازرس یا ناظر ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام مختومه شـدن ، پرونـده برای بررسـی به هیـات رسـیدگی بـدوی ارسـال خواهـد گردیـد. هیـات یـا هیاتهای رسـیدگی بـدوی در هر شهرسـتان مرکب از سه نفر نمایندگان اداره یا سازمان بازرگانی ، دادگستری با حکم رییس قوه قضاییه و مجمع امورصنفی ذی‌ربط است که ظرف دو هفته در جلسه‌ای بـا دعوت از طرفین یـا نماینـدگان آنهـا به پرونـده رسـیدگی و طبق مفـاد این قـانون رای صـادر می‌کنند. عدم‌حضور هر یک از طرفین مانع از رسـیدگی و اتخاذ تصـمیم نخواهد بود. هر یک از طرفین می‌تواند درصورت معترض بودن به رای صـادره اعتراض کتبی خود را ظرف ده روز از تاریـخ ابلاـغ رای به هیـات تجدیـد نظر تسـلیم دارد. هیـات یـا هیاتهـای تجدیـدنظر در هر شهرسـتان مرکب از سه نفر، رییس اداره یـا سازمـان بازرگانی یا یکی از معاونان وی رییس دادگستری یا نماینـده معرفی شـده وی و رییس یـا یکی از اعضـا هیـات رییسه مجمع امـور صـنفی ذی‌ربـط است که ظرف یـک مـاه به درخواست طرف معترض می‌تواند با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها رسـیدگی و رای صادر کند. این رای قطعی و لازم‌الاجرا است عدم‌حضور هر یک از طرفین مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. جلسه‌های هیاتهای رسیدگی بدوی و تجدیدنظر با حضور هر سه نفر اعضا رسـمی است و آرا صادره با دو رای موافق معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. تبصـره ۱ ـ درصورت عدم امکان تشکیل هیات رسیدگی در هر شهرسـتان ، یکی از هیاتهای رسـیدگی شهرسـتان همجوار اسـتان یا مرکز اسـتان وظایف مقرر شـده را عهـده‌دار خواهـد شـد. تبصره ۲ ـ اداره امور مراجع رسیدگی بدوی و تجدیدنظر و مسوولیت تشکیل جلسه های رسیدگی بر عهده اداره یا سازمان بازرگانی شهرسـتان یا اسـتان است همچنین مسوولیت هماهنگی و رسـیدگی به تخلفات هیاتها ، صـدور رای و ابلاغ آن و آموزش بازرسان و

ناظران به عهده وزارت بازرگانی می‌باشد نحوه نظارت و بازرسـی ، تهیه گزارش واجرای رای تجدیدنظر و رسیدگی به شـکایات و تخلفـات موضـوع این قـانون و دسـتورالعمل اجرایی و مـالی آن به مـوجب این قـانون خواهـد بـود. تبصـره ۳ ـ درآمـدهای ناشـی از جریمه‌های دریافتی به حساب خزانه واریز خواهـد گردید. معادل این مبلغ در بودجه های سـنواتی منظور خواهدشد تا توسط وزارت بازرگانی برای اجرای این قانون به مصـرف برسد. تبصره ۴ ـ دادگستری و نیروی انتظامی کلیه وزارتخانه‌ها و دسـتگاههای اجرایی ، موسـسات ، سازمانها ، شـرکتهای دولتی ، سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است موسسات عمومی غیردولتی و سازمان‌هـای تـابعه سازمـان ثبت اسـناد و املاک کشور و بانکهـا موظفنـد نسبت به امور مربوط به رسـیدگی و اجرای احکام تخلفات موضوع این قانون همکاری نماینـد. ماده ۷۳ ـ از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون ، رسیدگی به تخلفات افراد صنفی و تعیین جریمه‌هـای آنهـا تنها به موجب احکام این قانون صورت خواهـد پـذیرفت قوانین ومقررات مغایر با این قانون ازجمله مصوبات مجمع تشـخیص مصـلحت نظام درخصوص تعزیرات حکومتی مربوط به اصـناف و واحدهای صنفی موضوع این قانون لغو می‌گردد. ماده ۷۴ ـ میزان جریمه‌هـای نقـدی تعیین شـده در این فصل هر سه سال یک بار و براساس نرخ تورم سالانه بنا به پیشـنهاد وزارت بازرگانی و تایید هیات وزیران قابل تعدیل است

فصل نهم ـ سایر مقررات (ماده ۷۵ تا ۹۶)

ماده ۷۵ ـ اتحادیه ها و مجامع امور صنفی می‌توانند برای خدمات اعضای هیات مدیره یا هیات رییسه خود، برحسب آیین نامه‌ای که توسـط دبیرخـانه هیـات عـالی نظـارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهدرسـید، مبالغی را از محل درآمـدهای خود در بودجه سالانـه خود پیش بینی و پرداخت کننـد. تبصـره ـ اعضـای موضوع این ماده با توجه به ماهیت کار خود، بابت دریافتی های یاد شـده مشـمول قوانین و مقررات کـار و تامین اجتماعی نخواهنـد بود. ماده ۷۶ ـ هر یـک از اعضای هیات مـدیره اتحادیه‌ها و هیات رییسـه مجامع امور صـنفی و شورای اصـناف کشور نسبت به وجوه و اموال اتحادیه ، مجمع امور صنفی و شورای اصناف کشور و وجوهی که دراجرای این قانون و سایر قوانین و مقررات در اختیار آنان قرار می‌گیرد ، امین محسوب می‌شوند. ماده ۷۷ ـ به منظور حمایت از بافندگان فرش دستباف به کمیسـیونهای نظارت مراکز اسـتانها اجازه داده می‌شود، به تشـخیص خود، در هر اسـتان نسبت به تشکیل اتحادیه اسـتانی بـدون رعایت مفاد ماده (۲۱) این قـانون جهت بافنـدگان مزبور اقـدام کننـد. این اتحادیه ها تحت نظارت کمیسـیون نظـارت مرکز اسـتان خود خواهنـد بود. ماده ۷۸ ـ به منظور تقویت صـنوف تولیـدی و توسـعه صـادرات غیرنفـتی کشور، به پیشـنهاد کمیسیون نظارت و تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌های صادراتی در شهرهای مرکز استان یا تهران به صورت استانی یا کشوری تشـکیل خواهـد شد. فعالیت این اتحادیه‌ها تابع آیین‌نامه‌ای خواهدبود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۹ ـ وزارت بازرگانی مکلف است بارعایت بند (هـ) ماده (۵۵) این قانون نسبت به صدور پروانه کسب برای افرادی که نام برده می‌شوند، درصورتی که دارای محل کسب ملکی یا اجاره‌ای باشند، اقدام کند: الف ـ جانباز، همسر جانباز، یکی از فرزنـدان جانباز متوفی و یکی از فرزندان جانباز از کارافتاده ب ـ آزاده همسـر آزاده یکی از فرزندان آزاده متوفی و یکی از فرزندان آزاده از کار افتاده ج ـ کلیه اعضای خانواده شهدا اعم از همسر، فرزند، والدین خواهر و برادر. آیین نامه اجرایی این ماده به وسـیله دبیرخـانه هیـات عالی نظارت با همکاری بنیاد شـهید، بنیاد جانبازان انقلاب اسـلامی و سـتاد آزادگان تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۱ ـ صـدور پروانه کسب پس از دریـافت معرفی نـامه از نهاد ذی ربط و احراز شـروط لازم تنها برای یک بار خواهد بود. تبصره ۲ ـ اتحادیه ها موظفنـد دارنده پروانه کسب را به‌عنوان فرد صـنفی بپذیرند. همچنین کلیه سازمانهای ذی ربط موظفند نسبت به اعطای تسهیلات و امکانات همسان با سایر افراد صنفی عضو آن اتحادیه برای دارنده پروانه کسب اقدام کنند.

تبصره ۳ ـ افراد صنفی موضوع این ماده نمی‌توانند شغل دیگری داشته باشند، یا از وزارتخانه های دیگر موافقت اصولی یا پروانه تاسیس دریافت کرده باشند، مگر آن که موضوع موافقت اصولی یا پروانه تاسیس مرتبط با موضوع فعالیتی باشد که برای آن درخواست پروانه کسب کرده‌اند. تبصره ۴ ـ افراد صنفی موضوع این ماده می‌توانند درصورت منتقل شدن به شهرستان یا استان دیگر، به شرط ابطال پروانه کسب قبلی در محل جدید با رعایت مفاد این ماده پروانه کسب معوض دریافت دارند. ماده ۸۰ ـ صدور پروانه کسب برای اماکن با کاربری اداری یا کارگاهی بلامانع است ماده ۸۱ ـ نیروی انتظامی کشور موظف است دراجرای این قانون همکاری لازم را با اتحادیه ها، مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور معمول دارد. نحوه همکاری به موجب آیین نامه‌ای خواهدبود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با همکاری وزارت کشور و نیروی انتظامی تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۲ ـ اگر یک فرد صنفی به‌سبب تغییر الگوی مصرف یا نیازها، یا رویدادهای پیش‌بینی نشده تحمیلی امکان ادامه فعالیت صنفی خود را از دست بدهد، می‌تواند باکسب نظر مالك و تایید کمیسیون نظارت و با حفظ کاربری محل‌کسب به فعالیت صنفی دیگری در همان محل بپردازد. ماده ۸۳ ـ شهرداریها موظفند درصورت تخریب محلهای کسب دراجرای طرحهای مصوب ، از دریافت هزینه‌های مترتب بر صدور پروانه ساخت محل جدید خودداری ورزند. اگر معوضی از طرف شهرداریها پیشنهاد شود، ارزش روز آن نباید از ارزش روز محل کسب تخریب شده کمتر باشد. ماده ۸۴ ـ حراج‌های فردی یا جمعی فصلی یا غیرفصلی واحدها یا افراد صنفی طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی می‌رسد. برگزاری حراج بدون رعایت ضوابط مندرج در آن آیین‌نامه ، واحد صنفی را مشمول مجازات مندرج در ماده (۶۸) این قانون خواهد کرد. ماده ۸۵ ـ برگزاری روز بازارهای جمعی واحدها یا افراد صنفی براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۶ ـ فعالیت فروشگاههای بزرگ چندمنظوره یا زنجیره‌ای و نحوه نظارت برآنها، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ـ مرجع صدور مجوز فعالیت فروشگاههای موضوع این ماده وزارت بازرگانی است ماده ۸۷ ـ افراد صنفی که در بازارهای مجازی فعالیت می‌کنند، ملزم به ارایه مدارک مورد استفاده در آن بازارها هستند. ماده ۸۸ ـ دبیرخانه هیات عالی نظارت مکلف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی نسبت به تهیه آیین‌نامه اجرایی حاکم بر تشکیل و فعالیت تشکلهای صنفی در مناطق آزاد کشور اقدام کند تا پس از تصویب وزیر بازرگانی به‌اجرا درآید. ماده ۸۹ ـ کلیه واردکنندگان کالا که به صورت تجاری به واردات کالا اقدام می‌کنند و قصد توزیع یا فروش کالاهای وارداتی خود را دارند، درصورتی که به عرضه مستقیم کالا به مصرف کننده مبادرت ورزند، ملزم به اخذ پروانه کسب طبق مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۹۰ ـ وزارتخانه‌ها، موسسات سازمانها یا شرکتهای دولتی سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و نهادهای عمومی غیردولتی ، که طبق قوانین جاری ملزم یا مجاز به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف کنندگان هستند، اعم از این که ازطریق اماکن و تاسیسات متعلق به خود یا دیگر اشخاص به این کار مبادرت ورزند، از شمول این قانون مستثنی هستند. اما رعایت سایر قوانین و مقررات جاری و نرخهای تعیین شده برای کالاها و خدمات توسط مراجع قانونی ذی‌ربط ، الزامی است دستگاه دولتی یا نهاد عمومی غیردولتی متبوع در حیطه وظایف و اختیارات قانونی خود، مسوولیت نظارت و کنترل و سایر امور مربوط به اداره اماکن را برعهده دارد. درصورتی که این قبیل فعالیت ها به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار گردد یاانجام دادن آنها با مشارکت بخش خصوصی صورت پذیرد، مشمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهد بود. ماده ۹۱ ـ اشخاص حقیقی یا حقوقی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت یا پروانه تاسیس بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه ها ، موسسات ، سازمان ها یا شرکتهای دولتی ، سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است یا نهادهای عمومی غیردولتی هستند، چنانچه به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا

پروانه ، نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط اقدام کنند. اشخاص مذکور مشمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهند بود. تبصره ـ اخذ پروانه کسب از اتحادیه مانع اعمال نظارت مقرر در قوانین جاری ازسوی هر یک از دستگاههای دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی یاد شده بر آنها نخواهد بود. ماده ۹۲ ـ سازمان تامین اجتماعی فقط درصورت شکایت هر یک از کارکنان واحدهای صنفی مبنی بر عدم پرداخت حق بیمه در مدت همکاری توسط افراد صنفی می‌تواند به نظر بازرس یا مندرجات دفاتر قانونی فرد صنفی استناد و حق بیمه را دریافت کند. این مبلغ درصورت احراز تخلف فرد صنفی ، معادل حق بیمه پرداخت نشده شاکی شاغل و جریمه ای به مبلغ دو برابر آن خواهد بود. چنانچه مبلغ جریمه کمتر از یکصدهزار ریال باشد جریمه نقدی معادل یکصدهزار ریال خواهد بود. ماده ۹۳ ـ مجمع امورصنفی منحل نمی‌شود مگر در مواردی که در انجام وظایف محوله تسامح ورزد، یا برخلاف مصالح عمومی و وظایف مقرر رفتار کند. در این صورت کمیسیون نظارت مراتب را با ذکر دلایل کافی به هیات عالی نظارت اعلام می‌دارد. اگر هیات عالی نظارت پس از رسیدگی به دلایل طرفین ، انحلال را لازم بداند مراتب را جهت تصویب به وزیر بازرگانی اعلام می‌دارد. اتحادیه‌ها موظفند ظرف یک‌ماه از تاریخ انحلال مجمع ، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد مجمع امور صنفی معرفی کنند. انحلال شورای اصناف کشور نیز به پیشنهاد هیات‌عالی نظارت و تصویب وزیربازرگانی خواهد بود. مجامع امور صنفی موظفند ظرف یک‌ماه از تاریخ انحلال شورای اصناف ، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد شورای اصناف کشور معرفی کنند. درصورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی‌صلاح قضایی مراجعه کنند. ماده ۹۴ ـ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۹)، بند(ی ماده ۳۰) و تبصره ۳) ماده ۳۷) این قانون به‌پیشنهاد وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹۵ ـ وزارت بازرگانی موظف است گزارش عملکرد این قانون را سالیانه به کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. ماده ۹۶ ـ از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون قانون نظام صنفی مصوب ۱۳/۴/۱۳۵۹ شورای انقلاب و کلیه اصلاحات و الحاقات بعدی آن و قانون ایجاد تسهیلات لازم جهت صدور پروانه کسب برای جانبازان ، اسرای آزاد شده و خانواده محترم شهدا مصوب ۱۳/۱۲/۱۳۶۸ و نیز سایر قوانین مغایر لغو و بلااثر می گردد. قانون فوق مشتمل بر نود و شش ماده و نود و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسید .

آیین نامه آسیابانی – مصوب ۲۵/۷/۱۳۱۸

ماده ۱ ـ دایر کردن آسیا اعم از آبی یا بخاری و غیره برای آرد کردن غلات منوط به تحصیل پروانه از شهرداری است مقصود از آسیای نامبرده آسیایی است که مورد احتیاج و مراجعه شهرداریها یا اهالی‌شهر باشد. ماده ۲ ـ از تاریخ ابلاغ این آیین نامه کلیه شهرداریها و بخشداریهایی که عهده دار وظایف شهرداری‌هستند باید یک نسخه از این آیین نامه را به هر یک از متصدیان آسیاهای مندرج در ماده۱ تسلیم‌نموده رسیده دریافت دارند. ماده ۳ ـ متصدی هر آسیا موظف است از تاریخ وصول این آیین نامه تا یک ماه برای گرفتن پروانه به‌شهرداری محل رجوع و طبق دستور اداره مزبور درخواستی مبنی بر تقاضای پروانه دایر کردن آسیا تهیه نموده به ضمیمه دو قطعه عکس خود تسلیم نماید و نیز کسانی که پس از تصویب این آیین نامه می‌خواهند آسیا دایر کنند باید قبلا مقررات فوق را انجام و پروانه تحصیل نمایند. ماده ۴ ـ مسئول آسیا کسی است که تقاضای صدور پروانه نموده و پروانه به نام او صادر شده است‌صدور پروانه مجانی است ماده ۵ ـ آسیابان باید در اسفندماه هر سال پروانه خود را به شهرداری محل برده و درخواست تجدیدآن را برای سال بعد بنماید شهرداری نیز مکلف است در صورت رعایت مقررات این آیین نامه ازطرف درخواست کننده پروانه او را منتهی تا آخر فروردین سال مزبور تجدید نماید. فصل دوم ماده ۶ ـ محل آسیا با مصالح محکم ساخته شده باشد که رطوبت یا موش و غیره نفوذ و رخنه‌ننماید. ماده ۷ ـ محوطه داخل آسیا باید با گچ یا مواد مشابه آن سفیدکاری شود.

ماده ۸ ـ محل نصب سنگ آسیا باید از سطح زمین آنجا به قدر لزوم بلندتر بوده و اطراف آن با تخته یا آهن سفید محصور باشد. ماده ۹ ـ محل آرد (طشتک باید از آهن سفید یا چوب یا هرگونه مصالح دیگر ساخته شود که محکم بوده و ریزش نداشته باشد. ماده ۱۰ ـ داخل آسیا باید همیشه تمیز باشد. ماده ۱۱ ـ استعمال چراغ نفتی بدون لوله در داخل آسیا ممنوع است ماده ۱۲ ـ طویله و محل باراندار از آسیا مجزا بوده و از ورود دامها (حیوانات و پرونده‌های اهلی درمحوطه آسیا جلوگیری شود. ماده ۱۳ ـ شهرداری باید ماهی یکمرتبه آسیاها را مورد معاینه قرار داده و در صورتی که نقص و بی‌ترتیبی در حدود آیین نامه مشاهده شود کتباً به آسیابان اخطار نماید که در مدت متناسب برفع آن‌اقدام‌کند. فصل سوم ماده ۱۴ ـ شهرداری هر محل به تناسب احتیاج حوزه خود می‌تواند یک یا چند آسیا را برای آردکردن گندم جهت مصرف نان عمومی تخصیص دهد و در این مورد آسیابان حق ندارد مادام که جنس‌شهرداری آزاد نشده جنس اشخاص متفرقه را آرد نماید. ماده ۱۵ ـ آسیابان باید گندم و جو و سایر حبوباتی که برای آرد کردن به او داده می‌شود بدون آنکه‌چیز دیگری به آن مخلوطه نماید عیناً آرد نموده تسلیم کند. ماده ۱۶ ـ آرد باید از هر حیث خبره کارشناس پسندیده بوده و بیش از اندازه متعارف نباید زیر وپادارای سبوس باشد. تبصره ـ جنس اشخاص متفرقه را آسیابان باید به هر نحو که صاحب آن می‌خواهد آرد نموده‌تحویل دهد. ماده ۱۷ ـ شهرداری هر محل می‌تواند با موافقت انجمن شهرداری دستمزد آسیابانی را با رعایت‌موقعیت محل و اقتضای فصل در هر سال تعیین نماید و در این صورت آسیابانها حق تجاوز از نرخ‌نخواهند داشت ماده ۱۸ ـ آسیابان مکلف است جنس‌هایی را که برای آرد کردن تحویل می‌گیرد به نوبت آرد نموده ومراقبت نماید که جنس‌ها با هم مخلوط و یا عوض نشود. ماده ۱۹ ـ آسیابانهایی که طرف قرارداد با شهرداری برای آرد کردن گندم شهر هستند باید معادل‌پانصد ریال بعنوان سپرده (ودیعه به صندوق شهرداری بسپارند تا چنانچه گندمی که تحویل آنهامی‌شود تفریط نمایند از وجه سپرده جبران شود. ماده ۲۰ ـ آسیابانی که بخواهد از شغل خود کناره‌گیری کند باید مراتب را به شهرداری اطلاع داده وپروانه خود را مسترد دارد. ماده ۲۱ ـ یک نفر آسیابان می‌تواند عهده دار گرداندن از یک تا سه آسیا باشد ولی باید برای هر آسیاپروانه جداگانه تحصیل نماید. ماده ۲۲ ـ متخلفین از مواد ۱ـ ۵ـ ۷ ـ ۸ ـ ۹ ـ ۱۰ ـ ۱۱ ـ ۱۲ـ ۱۵ ـ ۱۶ قسمت اخیر ماده ۱۷ ـ ماده ۱۸ـ ۲۰ و ماده ۲۱ این آیین نامه غیر از مواردی که تخلف آنان طبق قوانین جزایی مستلزم مجازات‌شدیدتری است به حبس تکدیری از ۲۴ ساعت تا هفت روز و پرداخت غرامت از سه تا پنجاه هزارریال محکوم خواهد شد.

آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی – مصوب ۷/۸/۱۳۷۶ هیات وزیرا

ماده ۱ ـ به منظور حفظ حقوق افراد جامعه و تامین سلامت آنها در برابر زیانها و بیماریهای ناشی ازاستعمال دخانیات ، استعمال هرنوع سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی مسقف به هر نحو ممنوع است تبصره ۱ ـ اماکن عمومی مسقف به محلهایی اطلاع می‌شود که محل استفاده و مراجعه عموم مردم‌می‌باشد از قبیل اماکن متبرکه و مقدسه مساجد، مصلی‌ها، کارخانجات بیمارستانها در مانگاهها،مطبها، سالنهای نمایش سینماها، سالن مهمانخانه‌ها (هتل‌ها) و مهمانسراها و میهمان پذیرها،خوراک سراها (رستورانها، گنجینه‌ها (موزه‌ها) پایانه‌ها (ترمینالها)، فروشگاههای بزرگ اماکن‌فرهنگی و فرهنگسراها کتابخانه‌های عمومی ورزشگاهها، مدارس دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی وسایل نقلیه عمومی موسسات و سازمانهای دولتی و عمومی نهادهای انقلاب اسلامی‌بانکها، شرکتهای دولتی و شهرداریها. تبصره ۲ ـ مسئولان اماکن عمومی موظفند تابلوی ممنوعیت مصرف دخانیات را به تعداد مناسب‌در محلهایی که قابل رویت باشد نصب نمایند و ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی رایادآور شوند. ماده ۲ ـ وزارتخانه‌های بهداشت درمان و آموزش پزشکی فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداو سیما و سایر دستگاههای فرهنگی و شهرداریها موظفند به منظور جلوگیری از دخانیات از هرگونه‌اقدامی که موجب تبلیغ تشویق یا تحریک افراد به استعمال یا مصرف بیشتر دخانیات شودجلوگیری نموده و نسبت به تهیه برنامه‌های منظور و منسجم فرهنگی و تبلیغی مناسب در زمینه‌تبیین

مضرات و تقبیح مصرف مواد دخانی برای همگان به ویژه جوانان اقدام نمایند و همچنین برای‌حسن اجرای این قانون اقدامات لازم را به عمل آورند. هیات وزیران هر شش ماه یک بار گزارش‌چگونگی اجرای این قانون را از سامانهای مربوط دریافت خواهد کرد. تبصره ۱ ـ شرکت دخانیات ایران موظف است هشدارهای لازم مربوط به مضرات سیگار را درروی بسته‌های سیگار اعلام نماید. تبصره ۲ ـ تبلیغ هرگونه اقدامی که به ترتیب مقرر در آیین نامه اجرایی این قانون منجر به تشویق‌عموم به مصرف دخانیات شود، ممنوع است ماده ۳ ـ سازمان صدا و سیما و وزارت ـ فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرداریها و مطبوعات بایدترتیبی اتخاذ نمایند که در کارها و انتشارات خود، فیلمها و سریالهای تولیدی تبلیغ دخانیات به طورمستقیم یا غیر مستقیم صورت نگیرد و شخصیتهای مثبت فیلمهای استعمال دخانیات ننمایند

آیین نامه اماکن عمومی – مصوب ۲۳/۳/۱۳۶۳ هیات وزیران با اصلاحات ۹/۱۱/۱۳۶۴

ماده ۱ ـ شهربانی جمهوری اسلامی ایران در اجرای وظایف انتظامی و کنترل ترافیک و سایرمسئولیت‌های محوله به امور اماکن عمومی طبق مقررات این آیین نامه نظارت و مطابق مقرراتاقدام می‌نماید. ماده ۲ ـ اماکن و موسسات موضوع این آیین نامه به شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ هتل‌ها ۲ ـ مسافرخانه‌ها ۳ ـ رستوران‌ها ۴ ـ پانسیون‌ها و مهدکودک‌ها ۵ ـ سلف سرویس‌ها ۶ ـقهوه خانه ۷ ـ اغذیه فروشی‌ها ۸ ـ چلوکبابی و چلوخورشتی و طباخی‌ها ۹ ـ بوفه سینما و تیاتر ۱۰ـ کافه ترپاها ۱۱ ـ کافه قنادی‌ها ۱۲ ـ آرایشگاهها ۱۳ ـ آموزشگاههای رانندگی ۱۴ ـ فورشگاههای‌جراید و نشریات داخلی ۱۵ ـ موسسات بارکش شهری ۱۶ ـ تعمیرگاه‌های دوچرخه و موتورسیکلت۱۷ ـ عکاسی‌ها ۱۸ ـ فروشگاه‌های جراید و نشریات خارجی ۱۹ ـ سینماها و تماشاخانه‌ها ۲۰ ـفروشگاه‌های اتومبیل ۲۱ ـ موسسات تبلیغاتی و تولید کننده فیلم‌های تبلیغاتی ۲۲ ـ تعمیرگاه‌ها ، اتوسرویس‌ها و پارکینگ‌ها ۲۳ ـ موسسات توریستی و کرایه دهی اتومبیل ۲۴ ـ بنگاه‌های‌مسافربری ۲۵ ـ کتابفروشی‌ها ۲۶ ـ بنگاه‌های معاملاتی ۲۷ ـ کارگاه‌های وراق اتومبیل ۲۸ ـکارگاه‌های تعویض روغن ، پنچرگیری و لاستیک فروشی اتومبیل ۲۹ ـ موسسات تاکسی بار ۳۰ ـکلیشه و گراور سازی‌ها ۳۱ ـ فروشگاه‌های لوازم یدکی اتومبیل ۳۲ ـ کارگاه‌های ناقشی اتومبیل ۳۳ ـچاپخانه‌ها ۳۴ ـ سمساری وامانت فروشی‌ها ۳۵ ـ موسسات باربری ۳۶ ـ استودیوها ۳۷ ـ طلا وجواهر فروشی‌ها ۳۸ – موسسات نشر و طبع ۳۹ ـ آموزشگاه‌های خیاطی ، ماشین نویسی وآرایشگری تبصره ـ افتتاح هر نوع امکنه و موسسه مشابه دیگری در آینده ، بنا به تشخیص و اعلام نیرویانتظامی جمهوری اسلامی ایران مشمول مقررات این آیین نامه خواهد بود. ماده ۳ ـ مراجع صدور پروانه واحدهای صنفی مذکور در ماده ۲ باید قبل از صدور و انتقال پروانه وهمچنین انتقال محل واحد صنفی نسبت به موارد مذکور در ماده ۱ از نیروی انتظامی جمهوریاسلامی ایران استعلام نظر به عمل آورند سپس صدور پروانه با رعایت ضوابط نیروی انتظامی‌جمهوری اسلامی ایران ماده ۲۳ قانون نظام صنفی صورت خواهد گرفت تبصره ـ ضوابط مربوط به صلاحیت دایره کننده واحد صنفی از نقطه نظر وظایف نیروی انتظامی‌و نیز امور انتظامی و ترافیک و محل کسب با توجه به بند ۴ ماده ۳۹ قانون نظام صنفی ، وسیله‌ادارات ذیربط نیروی انتظامی تهیه و پس از تصویب ریاست نیروی انتظامی به مورد اجرا گذارده‌خواهد شد. ماده ۴ ـ در خارج از حوزه استحفاظی شهربانی ، ژاندارمری عهده دار انجام وظایف مذکور در این‌آیین نامه می‌باشد. ماده ۵ ـ متقاضیان صدور پروانه اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ قبل از اخذ پروانه حق افتتاح امکان‌خود را ندارند و در صورت تخلف مادامی که پروانه تحصیل نکرده باشند از افتتاح آن مکان تا صدورپروانه به وسیله نیروی انتظامی جلوگیری خواهد شد. ماده ۶ ـ در صورتی که هر یک از صاحبان یا مدیران اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ آیین نامه درمدت اعتبار پروانه از ضوابط مقرر نیروی انتظامی عدول کنند مراتب به مراجع صدور پروانه اعلام‌خواهد شد تا مطابق مقررات اقدام نمایند. ماده ۷ ـ چنانچه صاحبان اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ بخواهند اداره امور داخلی خود را به‌دیگری واگذار نمایند بایستی مدیر داخلی از طریق مراجع صدور پروانه به نیروی انتظامی معرفی تاپس از بررسیهای لازم و تایید صلاحیت مدیر معرفی شده در

پروانه صادره منظور گردد. ماده ۸ ـ صاحبان اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ از ردیف ۱ الی ۱۱ شامل ۱ ـ هتل‌ها ۲ ـ مسافرخانه‌ها ۳ ـ رستوران‌ها ۴ ـ پانسیون‌ها و مهدکودک‌ها ۵ ـ سلف سرویس‌ها ۶ ـقهوه خانه ۷ ـ اغذیه فروشی‌ها ۸ ـ چلوکبابی و چلوخورشتی و طباخی‌ها ۹ ـ بوفه سینما و تیاتر ۱۰ـ کافه تریاها ۱۱ ـ کافه قنادی‌ها مکلفند کلیه کارکنان خود را (اعم از ایرانی و خارجی به نیرویانتظامی معرفی تا نسبت به تعیین صلاحیت و صدور پروانه خدمتگزاری جهت آنان اقدام گردد و درصورت تغییر هر یک از آنان مراتب را ظرف مدت ۴۸ ساعت اعلام نمایند. تبصره ـ مدت اعتبار پروانه خدمتگزاری یک سال می‌باشد و کارکنان اماکن عمومی مندرج در ماده۸ موظفند همهس اله نسبت به تمدیدی پروانه خود اقدام نمایند. ماده ۹ ـ کلیه مستخدمین و کارکنان اماکن عمومی مندرج در ماده ۸ بایستی دارای کارت بهداشت ازمرجع مربوطه و پروانه کار از شهربانی باشند. ماده ۱۰ ـ صاحبان کلیه اماکن عمومی مکلفند آن دستهاز مواد آیین نامه و اعلامیه‌های نیرویانتظامی را که ارتباط با نوع کار آن مکان دارد در محل مناسبی که برای واردین قابل رویت باشد نصب‌نمایند. ماده ۱۱ ـ صاحبان اماکن مسافربری (هتل ـ مسافرخانه ـ پانسیون و سایر اماکن مشابه موظفند درقبال اموالی که ز طرف مسافرین یا واردین به مکان‌های مزبور به آنان سپرده می‌شود رسید کتبی‌بدهند. ماده ۱۲ ـ در صورتی که یکی از مسافرین در اماکن مسافری فوت نماید صاحب یا مدیر موسسه‌باید بلافاصله مراتب را کتبا با ذکر مشخصات شخص متوفی و شماره اتاق به نیروی انتظامی محل‌اطلاع داده تا ورود نمایندگان نیروی انتظامی و دادسرا و پزشکی قانونی ، اتاق متوفی باید بسته شده‌واحدی داخل آن نشود. ماده ۱۳ ـ صاحبان و مدیران کلیه اماکن عمومی موظفند هر موقع هرگونه توضیحاتی که مامورین‌نیروی انتظامی بخواهند (نسبت به وضعیت امکنه و مسافرین و مستخدمین بلا تامل در حدوداطلاعاتی که دارند با نهایت صحت به آنها بدهند. ماده ۱۴ ـ در تمام ایامی که اماکن عمومی‌دایرهستندحضورمتصدی‌یامدیرامکنه‌درمحل‌الزامیاست ماده ۱۵ ـ در موقعی که یکی از مسافرین یا خدمه مظنون یا مبتلاـ به دارا بودن امراض واگیردار وعفونی از قبیل وبا ، طاعون ، و امثالهم باشد ، صاحبان اماکن عمومی مکلفند مراتب را بلافاصله باذکر مشخصات بیمار به بهداری و نیروی انتظامی اطلاـع دهند. ماده ۱۶ ـ صاحبان اماکن مسافری و پانسیون‌ها مکلفند تابلوی شماره اتاق ها را در محل مناسبی درمدخل امکنه خود نصب نمایند. ماده ۱۷ ـ صاحبان اماکن مسافری و پانسیون‌ها باید دفتری مطابق نمونه نیروی انتظامی برای ورودو خروج مسافرین تهیه و نام و نشان کامل آنها را در آن دفتر قید نمایند. ماده ۱۸ ـ صاحبان اماکن مسافری (هتل ـ مسافرخانه ـ پانسیون و امثال آنها) موظفند ضمن رویت‌شناسنامه یا هرگونه برگ شناسایی مشخصات و تاریخ و ساعت ورود و خروج و مسافرین و واردین‌به اماکن مزبور را مطابق نمونه اعلامیه‌ای که از طرف نیروی انتظامی داده می‌شود تنظیم و اول وقت‌روز بعد به نیروی انتظامی محل تسلیم نمایند. ماده ۱۹ ـ صاحبان هتل‌ها و مسافرخانه‌ها و پانسیون‌ها موظفند در صورت مراجعه اطفال واشخاصی که به سن قانونی نرسیده و بدون سرپرست هستند و قصد اقامت در امکنه مزبور را دارندبلافاصله مراتب را به نیروی انتظامی محل اعلام دارند. ماده ۲۰ ـ برگزاری هر نوع مجلس جشن و عروسی ، مهمانی ، شب نشینی و امثال آن و یا اجرا هرگونه برنامه هنری و نمایشی در اماکن عمومی مستلزم تایید محتوای برنامه هنری و نمایشی ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تحصیل اجازه مخصوص نیروی انتظامی محل (حداقل ۴۸ساعت قبل می‌باشد. بدیهی است مسئولین اماکن عمومی مزبور می‌بایست ساعت وروز تشکیل‌مراسم و صرفامشخصات پیشنهاد کننده مراسم را با ارایه دو عدد کارت ورود به سالن به مسئولین‌ذیربط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام نمایند. ماده ۲۱ ـ پروانه متخلفین در موارد ذیل اخذ و به مراجع صدور پروانه ارسال که برابر با ماده ۳۹قانون نظام صنفی نسبت به ابطال آن اقدام گردد: ۱ ـ تسهیل یا فراهم نمودن وسیله عمل منافی عفت و شهوترانی در امکنه مربوطه و یا استخدام و یا اجیر نمودن اشخاص برای منظور فوق . ۲ ـ تشکیل جلسات در محل امکنه عمومی برای مقاصد سو وخلاف‌قانون‌علیه‌دولت‌وامنیت‌کشور. ۳ ـ تهیه موجبات تسهیل خرید و فروش مواد افیونی و چرس و بنگ و استعمال آن‌ها و همچنین‌فروش و عرضه هر نوع مشروبات الکلی ۴ ـ طرح ریزی و توطیه برای انجام مقاصد سو و خلاف قانون نظیر سرقت ، خرید و فروش ونگهداری اموال مسروقه و غیره ۵ ـ هرگونه عمل شرط

بندی و برد و باخت و قمار. تبصره ـ ابطال پروانه مرتکبین تخلف از ماده ۲۱ مانع ازاجرای سایر مجازات‌های شرعی و قانونی‌نخواهد شد. ماده ۲۲ ـ سخنرانی و هر عمل دیگری که خلاف منظور از تشکیل مکان عمومی و مفاد پروانه‌صادره مربوط به آن باشد و بدون اجازه مخصوص نیروی انتظامی ممنوع است ماده ۲۳ ـ قبول و اسکان اشخاص شرور و بدسابقه در محل امکنه عمومی ممنوع می‌باشد. ماده ۲۴ ـ در اماکن عمومی ایجاد صداهای ناهنجار ، ادای الفاظ رکیک و انجام حرکات زشت واعمالی که موجب سلب آسایش دیگران یا ضرر به اموال عمومی می‌شود ممنوع است و صاحبان‌اماکن عمومی مکلفند متخلف را به مامورین انتظامی معرفی نمایند. ماده ۲۵ ـ یک نفر نمی‌تواند بیش از یک مکان عمومی را اداره و پروانه آن را تحصیل نماید مگراینکه برای اماکن دیگری که می‌خواهد تاسیس کند از طرف مرجع صدور پروانه مدیر یا مباری که‌نیروی انتظامی صلاحیت او را گواهی نماید استخدام کند که در این صورت مدیر مزبور مسئول اداره‌مکان مربوطه خواهد بود. ماده ۲۶ ـ درجه بندی و تعریف هر یک از اماکن عمومی به وسیله کمیسیونی مرکب از نمایندگان‌نیروی انتظامی ، شهرداری ، بهداری و سایر سازمان‌های ذیربط تعیین می گردد. مسئولیت تشکیل کمیسیون مزبور و اجرای تصمیمات متخذه به عهده نیروی انتظامی می‌باشد در مواردی که درجه‌بندی و تعریف برخی ازاماکن عمومی به موجب قانون از وظایف ارگان‌های دیگر باشد ، همان ملاک‌عمل خواهد بود. ماده ۲۷ ـ تخلف از مقررات این آیین نامه برای بار اول به موجب اخطار کتبی و در صورت تکرارطبق ماده ۳۹ قانون نظام صنفی حسب مورد لغو موقت یا دایم پروانه کسب می گردد و این امر درصورت لزوم مانع از اجرای سایر مجازات‌های شرعی و قانونی نخواهد شد. ماده ۲۸ ـ برای اماکن عمومی باید نام فارسی با مضامین موافق عفت عمومی انتخاب و فقط به زبان‌فارسی هم روی تابلو نوشته شود. ماده ۲۹ ـ در کلیه اماکن عمومی وسایل مقدماتی آتش نشانی طبق استاندارد سازمان آتش نشانی‌باید مهیا باشد تا به موقع مورد بهره برداری قرار گیرد. ماده ۳۰ ـ کلیه دعاوی مربوط به امور صنفی صاحبان اماکن عمومی نزد مقالات صالحه رسیدگی‌خواهد شد. لیکن چنانچه اختلافی بین آنها و نیز با مراجعین در رابطه با مقررات این آیین نامه پیش‌آید در صورتی که موضوع در نیروی انتظامی مطرح و منجر به تحصیل رضایت‌نامه کتبی از طرفین‌نگردد نیروی انتظامی آنها را به مراجع قانونی ذیربط هدایت خواهد کرد. ماده ۳۱ ـ ازتاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مقررات و ضوابطی که مغایر با مفاد این آیین نامه باشدملغی است

آیین نامه چگونگی صدور پروانه کسب موقت و تبدیل آن به پروانه کسب دایم – مصوب ۶/۹/۱۳۷۹

فصل اول ــ شرایط صدور پروانه کسب موقت (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ ـ اتحادیه‌های صنفی موظفند با رعایت این آیین نامه نسبت به صدور پروانه کسب موقت‌برای واحدهای صنفی فاقد پروانه کسب که قبل از سال ۱۳۷۸ در کشور دایر شده‌اند ، اقدام نمایند. ماده ۲ ـ صاحبان واحدهای فاقد پروانه کسب مشمول ماده ۱ این آیین نامه موظفند جهت ادامه‌فعالیت کسبی خود به اتحادیه‌های صنفی ذی ربط مراجعه و با تسلیم تقاضای کتبی و ارایه مدارک‌زیر نسبت به اخذ پروانه کسب موقت اقدام نمایند: ۱ ـ سند مالکیت یا اجاره نامه یا مبایعه نامه یاقرارداد واگذاری عین یا منافع ملک با اشخاص حقیقی‌یا حقوقی ، سازمان‌ها نهادها و ارگان‌ها. ۲ ـ هرگونه مدرک مبنی بر تشخیص ، قطعیت یا پرداخت مفاصا حساب مالیاتی متقاضی و پرداخت‌عوارض سالانه متعلقه شهرداری ۳ ـ گواهی پایان خدمت نظام وظیفه یا معافیت دایم یا گواهی مبنی بر رسیدگی به وضع مشمولیت‌متقاضی از اداره وظیفه عمومی مطابق ماده (۱۰) قانون خدمت وظیفه عمومی ـ مصوب ۱۳۶۳ ۴ ـ پروانه کار معتبر از وزارت کار و امور اجتماعی وپروانه اقامت معتبر از وزارت کشور برای اتباع‌بیگانه ۵ ـ برگ سلامت و بهداشت شخصی و محل کسب از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی‌برای صنوفی که مشمول قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و

بهداشتی ـ مصوب ۱۳۴۶ ـ واصلاحات بعدی هستند. ۶ ـ گواهی صلاحیت فنی طبق تبصره (۲) ماده (۳۵) قانون نظام صنفی ـ مصوب ۱۳۵۹ ـ و آیین نامه آن برای مشاغل فنی یا تاییدیه لازم از اتحادیه ذی‌ربط ۷ ـ کسب نظر اداره نظارت بر اماکن عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) برای‌مشاغل خاص مطابق آیین‌نامه اماکن عمومی ۸ ـ گواهی پرداخت حق عضویت سالانه و حق خدمات به اتحادیه ذی‌ربط بر اساس مواد (۲) و (۴)آیین نامه اجرایی ماده (۲۹) قانون نظام صنفی ماده ۳ ـ پروانه کسب موقت برای واحدهای صنفی که صاحبان آنها فوت نموده‌اند به نام یکی ازوراث یا نماینده قانونی آنها با ارایه گواهی انحصار وراثت و رضایت وراث با گواهی امضا صادرمی‌شود. ماده ۴ ـ برای شرکت‌های موضوع تبصره (۱) الحاقی به بند (۲) ماده (۱۴) نظام صنفی ومشارکت‌های مدنی یک پروانه کسب موقت با ذکر نام مدیر عامل شرکت درخواست کننده یا یکی ازشرکا در مشارکت‌های مدنی که توسط سایر شرکا به صورت کتبی معرفی و امضای آنان توسطدفترخانه اسناد رسمی گواهی شده باشد ، در صورت احراز سایر شرایط صادر می‌گردد. ماده ۵ ـ اتحادیه صنفی مربوط پس از دریافت تقاضای متقاضی به همراه مدارک لازم ، پروانه کسب‌موقت را در یک نسخه اصلی و سه نسخه رونوشت صادر می‌کند که نسخه اصلی به متقاضی تحویل‌می‌شود و از نسخه‌های رونوشت یک نسخه در پرونده صنفی متقاضی در اتحادیه نگهداری و یک‌نسخه برای دبیرخانه هیات عالی نظارت و یک نسخه برای اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا ارسال‌می‌شود.

فصل دوم ـ چگونگی تبدیل پروانه کسب موقت به دائم (ماده ۶ تا ۷

ماده ۶ ـ اتحادیه‌های صنفی موظفند حداکثر ظرف سه سال پس از صدور پروانه کسب موقت با اخذمدارک زیر از متقاضیان نسبت به تبدیل پروانه‌های کسب موقت به دایم (الگوی هیات عالی نظارت اقدام نمایند. ۱ ـ اصل پروانه کسب موقت جهت ابطال توسط اتحادیه ۲ ـ گواهی صلاحیت فنی طبق تبصره (۲) ماده (۳۵) قانون نظام صنفی و آیین نامه مربوط برای‌مشاغل فنی ۳ ـ برگ عدم اعتیاد به مواد مخدر. ۴ ـ گواهی عدم سو پیشینه کیفری ۵ ـ هرگونه مدرک مبنی بر مشخص بودن وضعیت مالیاتی متقاضی و پرداخت عوارض متعلقه وقانون شهرداری ۶ ـ گواهی پرداخت حق عضویت سالانه و وجوهی که بر اساس ماده (۲) و بند (ب ماده (۷)آیین نامه اجرایی ماده (۲۹) قانون نظام صنفی جهت مجامع امور صنفی تعیین شده است ۷ ـ گواهی واریز مبلغ مقرر در بند (ج ماده (۸۰) قانون وصول برخی از درامدهای دولت و مصرف‌آن درموارد معین ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ به حساب خزانه تبصره ـ اتحادیه‌های صنفی و مراجع قانونی صدور پروانه کسب موقت مکلفند حداقل چهارماه‌قبل از انقضای دوره سه ساله اعتبار پروانه‌های یاد شده از متقاضی برای ارایه مدارک لازم جهت‌صدور پروانه کسب دایم دعوت و رونوشت دعوتنامه را در پرونده صنفی متقاضی نگهداری نمایند.در صورت عدم مراجعه متقاضی به اتحادیه در مدت یاد شده ، اتحادیه بار دیگر از متقاضی دعوت‌می‌کند تا ظرف یک ماه نسبت به تکمیل پرونده و دریافت پروانه کسب دایم اقدام نماید. در صورتی‌که متقاضی ظرف مدت‌های فوق پرونده صنفی خود را تکمیل ننماید مطابق مقررات نسبت به‌تعطیل واحد اقدام می‌شود. ماده ۷ ـ صدور پروانه کسب موقت یا دایم بر اساس مفاد این آیین نامه در مورد واحدهای صنفی‌واقع در طرح‌های جامع ، تفصیلی و هادی شهرسازی مانع اجرای مقررات قانون شهرداری در موردواحدهای یاد شده نیست تبصره ـ با واحدهای مزاحم مطابق بند (۲۰) اصلاحی ماده (۵۵) قانون شهرداری عمل می‌شود.

فصل سوم ـ سایر موارد (ماده ۸ تا ۲۰)

ماده ۸ ـ به منظور نظارت بر اجرای صدور پروانه کسب موقت و دایم توسط اتحادیه‌های صنفی درتهران بزرگ کمیسیونی تحت

نظارت دبیرخانه هیات عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور به‌ریاست دبیر هیات عالی نظارت و عضویت نمایندگان وزارت کشور ، مجامع امور صنفی ، اداره‌نظارت بر اماکن عمومی ناجا و اداره کل بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات استان‌تهران و در مراکز استان‌ها با مسئولیت اداره کل بازرگانی و عضویت نمایندگان استانداری ، اداره‌نظارت براماکن عمومی ناجا ، مجامع امور صنفی واداره کل بازرسی و نظارت بر قیمت کالا وخدمات استان و در شهرستان‌ها با مسئولیت اداره بازرگانی و عضویت نمایندگان فرمانداری ، اداره‌نظارت براماکن عمومی ناجا ، مجامع امور صنفی و اداره بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا وخدمات شهرستان تشکیل می‌شود. تبصره ۱ ـ مسئولیت نظارت بر عملکرد کمیسیون‌های موضوع این ماده ـ که از این پس کمیسیون‌نامیده می‌شود ـ در شهرهای استان تهران به استثنای تهران بزرگ برعهده مدیر کل بازرگانی استان‌تهران و در شهرهای سایر استان‌های کشور برعهده مدیرکل بازرگانی استان ودر سطح کشور برعهده‌معاون وزیر بازرگانی یا نماینده تام الاختیار ایشان است تبصره ۲ ـ چگونگی تشکیل جلسات و انجام اقدامات و امور جاری کمیسیون به موجب‌دستورالعملی است که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تنظیم و به تصویب هیات عالی نظارت‌می‌رسد. ماده ۹ ـ مرجع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی در مورد اختلافات مربوط به نحوه یا عدم صدورپروانه‌های کسب موقت ودایم برعهده کمیسیون می‌باشد و رای کمیسیون یاد شده لازم‌الاجرا است ماده ۱۰ ـ در صورت خودداری اتحادیه از صدور پروانه کسب موقت یا دایم برای متقضایان ، مجمع‌امور صنفی مربوط بنا بر اعلام کمیسیون با رعایت این آیین نامه نسبت به صدور پروانه کسب اقدام‌می‌نماید ، سپس به پیشنهاد کمیسیون نظارت شهر مراتب جهت رسیدگی و عزل هیات مدیره‌اتحادیه موافق ماده (۵۴) قانون نظام صنفی به دبیرخانه هیات عالی نظارت اعلام می‌شود. ماده ۱۱ ـ در صورتی که دارندگان پروانه کسب موقت قبل از انقضای دوره سه ساله طبق مقررات این‌آیین نامه دارای شرایط دریافت پروانه کسب دایم شوند ، اتحادیه‌ها مطابق این آیین نامه موظف به‌صدور پروانه کسب دایم به نام متقاضی هستند. ماده ۱۲ ـ چنانچه متقاضیان پروانه کسب موقت بر اساس مقررات این آیین نامه تمام شرایط لازم‌جهت دریافت پروانه کسب دایم را دارا باشند ، اتحادیه‌های صنفی ضمن رعایت مفاد بند (۷) ماده ۲) این آیین نامه موظف به صدور پروانه کسب دایم برای آنها بوده و صدور پروانه کسب موقت‌برای آنها ضرورت ندارد. ماده ۱۳ ـ پروانه کسب‌های موقت در سطح کشور ، با شکل و الگوی یکنواخت به صورت یک‌نسخه اصلی به رنگ آبی آسمانی با حاشیه زرد و سرمه‌ای و سه نسخه رونوشت به رنگ سفید جهت‌بایگانی در اتحادیه و دبیرخانه هیات عالی نظارت و اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا صادرمی‌شوند. ماده ۱۴ ـ خرید و فروش پروانه کسب موقت و دایم ممنوع است در صورتی که دارنده پروانه کسب‌موقت یا دایم بخواهد حقوق ناشی از پروانه خود را به دیگری منتقل کند ، اتحادیه مربوط مکلف‌است ، با رعایت مقررات این آیین نامه پروانه منتقل کننده را باطل و پروانه جدید به نام انتقال گیرنده‌در صورت دارا بودن شرایط لازم صادر کند. ماده ۱۵ ـ چنانچه سازمان‌های استعلام شونده در این آیین نامه حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ‌دریافت نامه استعلام ، نظرخود را به صورت قطعی اعلام ننمایند ، اتحادیه حسب مورد مجاز به‌صدور پروانه کسب موقت یا دایم است تبصره ـ اتحادیه‌های صنفی مکلفند حداکثر ظرف یک هفته پس از تکمیل پرونده متقاضی نسبت‌به صدور پروانه کسب اقدام نمایند. ماده ۱۶ ـ کمیسیون مکلف است زمان متعارف برای مراجعه صاحبان واحدهای فاقد پروانه کسب‌به اتحادیه‌های صنفی یا مراجع قانونی ذی‌ربط را تعیین نماید. در صورت عدم مراجعه صاحبان‌واحدهای یاد شده برابر مقررات نسبت به تعطیل و پلمپ واحد اقدام می‌شود. ماده ۱۷ ـ اتحادیه‌های صنفی به منظور جلوگیری از فعالیت واحدهای صنفی فاقد پروانه کسب‌مکلفند با هماهنگی نیروی انتظامی از فعالیت واحدهای صنفی فاقد پروانه کسب طبق ماده (۷۲)قانون نظام صنفی جلوگیری نمایند. ماده ۱۸ ـ کمیسیون مجاز است به منظور همکاری با اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی در جهت‌شناسایی ، اخطار و ابلاغ به واحدهای فاقد پروانه کسب وهدایت آنها به اتحادیه‌های صنفی مربوط ودریافت پروانه کسب موقت یا دایم ، همچنین شناسایی و تعطیل واحدهای فاقد پروانه کسب که‌تاکنون نسبت به دریافت جواز کسب اقدام ننموده‌اند و واحدهای غیرمجازی که

دایر می گردنـد ، باسازمـان بازرسـی و نظـارت بر قیمت و توزیع کالاـ و خـدمات و اداره نظـارت بر امـاکن عمومی ناجا انعقاد توافق نامه‌هـایی اقـدام لازم به عمل آورد. ماده ۱۹ ـ در شـهرهایی که فاقد سازمان‌های صـنفی هسـتند همچنین در محدوده حفاظتی خارج ازشـهرها ، اجرای این آیین نـامه حسب مورد برعهـده شـهرداری‌ها و شوراهـای بخش است مـاده ۲۰ ـ هزینه‌هـای کمیسـیون از محل درامـدهای حاصـل ازاجرای ماده (۴) آیین نـامه اجرایی‌درامـدهای اتحادیه‌هـای صـنفی موضوع ماده (۲۹) قـانون نظام صـنفی تامین می گردد که میزان ان‌توسـط وزیر بازرگـان (رییس هیـات عالی نظارت تعیین و توسط اتحادیه‌های صـنفی اخـذ و به‌حساب مشترک مجامع امور صنفی واریز می گردد.

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده واحده قانون نحوه واگذاری اماکن و میادین و غرفه توزیع میوه مصوب ۱

ماده ۱ ـ اصـلاحات به کـار رفته در این آیین نـامه به شـرح زیر تعریف می‌شونـد: الف ـ میوه و تره بار و فراورده‌های کشاورزی ، به کلیه محصولاـت و تولیـداتی گفته می‌شود که ازمنابع خاک ، آب ودام اسـتحصال می‌شونـد. ب ـ غرفه ، مکان مستقلی است که به وسیله مصالح ساختمانی از قبیل آهن ، آجر ، سیمان ، سنگ ، آهک ، خشت ، گل و چوب بنا شده دارای محل عبور مجزا و آب و برق باشد. ب ـ چادر ، مکانی است که به وسیله داربست فلزی یا چوبی بنا شده و با پارچه یا برزنت محصورشده باشد و در صورت امکان دارای آب و برق باشد. ت ـ کیوسک ، کانکس و کانتینر ، اتاقک‌های منقولی هستند که از اجناسـی مانند فایبرگلاس ، فلز ، چوب و نظـایر آن ساخته شـده و بنا به ضـرورت در مقاطع زمانی مشـخص مورد اسـتفاده واقع شونـد. ث ـ محوطه ، به هر نوع مکان سرپوشـیدن یا سـربازی گفته می‌شود که توسط شـهرداری برای عرضه‌انواع محصولات و تولیدات موضوع این آییننامه در نظر گرفته شده باشد. ج ـ میدان ، مکانی است معین که برای تسهیل در امر تهیه و توزیع میوه و تره بار و فراورده‌های‌کشاورزی اختصاص یابد. چ ـ عمـده فروشـی ، عبارت از عرضه محصولات و تولیـدات موضوع این آیین نامه به صورت کلی به‌توزیع کننـدگان می‌باشـد. ح ـ خرده فروشـی ، عبـارت از عرضه محصولاـت و تولیـدات موضـوع این آیین نـامه به صـورت جزیی‌در انـدازه و میزان قابـل عرضه به مصـرف کنندگان می‌باشد. ماده ۲ ـ در واگـذاری غرفه‌ها با شـرایط یکسان ، اولویت با رزمنـدگان ، خانواده‌های شـهدا ، آزادگان ، جانبـازان ، اتحادیه‌هـا و شـرکتهای تعـاونی تولیـدی محصولاـت و فراورده‌هـای کشـاورزی ، دامی ، طیـور وآبزیـان اسـت مـاده ۳ ـ شهرداری مکلف است برای هر یک از اماکن با توجه به موقعیت محل وقوع و وسـعت وتسهیلات ایجاد شده و نیز متناسب با شرایط اقتصادی موثر در معاملات و عرضه محصولات وتولیـدات موضوع این آیین نامه مبلغی را بابت حق بهره برداری ، همچنین ضـمانت حسن انجام کار ورعایت مقررات این آیین نامه تعیین و پس از تصویب شورای اسـلامی شـهر و در صورت عـدم تشـکیل‌شورای یاد شـده پس از تصویب وزیر کشور از غرفه داران دریـافت کنـد. مبلغ مـذکور قابـل تغییر است مـاده ۴ ـ متقاضـیان اماکن بایـد پس از انتشـار آگهی در جرایـد کثیرالانتشـار و جرایـد محلی توسط‌شـهرداری ، در وقت مقرر تاییـدیه توان تولیـد ، همچنین گواهی امکان ارسـال تولیـدات به امکـان مزبـوردر هر شـهر را حسب مورد از ادارات کشـاورزی یـا جهـاد سازنـدگی منطقه محـل تولیـد یـا سـایر مراجع‌قانونی ذی‌ربط اخذ و به همراه مدارک مثبت و کروکی و آدرس دقیق محل تولید به شـهرداری شهرمورد نظر ارایه کنند. ماده ۵ ـ شـرایط اداره و نگاهـداری اماکن و حـدود اختیارات و مسئولیت‌ها در قرارداد واگـذاری که به‌امضای نماینـده شـهرداری و بهره بردار می‌رسد ، تعیین می‌شود. ماده ۶ ـ شـهرداری خدمات ضروری و مورد نیاز زیر را برای میادین فراهم می‌سازد: الف ـ تامین آب مصـرفی میـدان با نصب شـیرهای عمومی و سیسـتم اطفای حریق ب ـ تامین برق و روشـنایی معابر و محوطه‌های عمومی میـدان پ ـ تـامین کـادر نگهبانی ، انتظامات و تنظیف دسـتشویی و قسـمت‌های خارجی اماکن فروش ث ـ احـداث نمازخانه ج ـ پارکینگ برای اتومبیل‌هـای سواری ماده ۷ ـ شـهرداری‌ها موظفنـد نرخ‌هـای مصوب را که بر اسـاس مقررات مربوط تعیین می‌شود اعلام‌نموده و بر قیمت‌های اعلام شـده ، همچنین کیفیت محصولات و تولیـدات ارایه شـده نظارت کننـد. ماده ۸ ـ بهره بردار مکلـف است نسـبت به

نظافت و پاکیزگی محیط داخلی محل فروش ، رعایتاصول بهـداشتی در عرضه کالا ، حسن برخورد با خریداران ، توزین محصولات و عـدم عرضه‌محصولات بد و فاسد دقت و اهتمام کافی معمول دارد. ماده ۹ ـ اماکنی که بر اساس این آیین نامه به متقاضیان واجد شرایط واگـذار می‌شود ، مشـمول لایحه‌قـانونی راجع به نحوه واگـذاری اماکن و میادین و غرفه‌ها به منظور ایجاد تسـهیل در تهیه و توزیع میوه‌و تره بـار و فراورده‌های کشاورزی ـ مصوب ۵/۱۰/۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسـلامی ایران‌بوده و هیچ گونه حقوق استیجـاری و کسب و پیشه برای بهره برداران آنهـا ایجاد نمی‌شود. ماده ۱۰ ـ بهره بردار جز با اجازه شـهردار حق واگـذاری جزیی یا کلی مورد قرارداد را به غیر نـدارد وموظف است فقـط محصولات تولیـدی خود و تولیـد کننـدگانی که نماینـدگی فروش آنها را به طوررسمی برعهده دارد به فروش برساند. ماده ۱۱ ـ بهره بردار مکلف است کلیه شوون و مقررات انضباطی میادین را رعایت و اجرا نماید. تبصـره ـ مقررات انضباطی حسب دستورالعملی که با ملحوظ داشتن این آیین نامه توسط شهرداری‌تهیه می گردد و به تصویب شورای اسـلامی شـهر و در صورت عدم تشـکیل شورای یاد شده به‌تصویب وزیر کشور می‌رسد ، تعیین می‌شود. ماده ۱۲ ـ از تاریخ تصویب این آییننامه ، کلیه مقررات مغایر لغو می‌شود.

آیین نامه مرده شویخانه و گورستان – مصوب ۱۳۱۹

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ ساختمان و انتظام مرده شویخانه و گورستان از لحاظ بهداشت تحت نظر شهرداری بوده وهمچنین احداث بنگاه‌های نامبرده منوط به موافقت قبلی و دریـافت پروانه از شـهرداری است ماده ۲ ـ کسانی که می‌خواهند احداث مرده شویخانه یا گورسـتان نمایند باید اعتبار کافی داشته‌مقررات این آیین نامه را کاملا رعایت نمایند. ماده ۳ ـ مرده شویخانه باید بنا به مقتضیـات محلی و به تناسب نیازمنـدی دارای اطـاق هـای کـافی‌جهت گذرانـدن جنـازه قبـل از غسـل ـ اطـاق هـای مخصـوص غسـل ـ اطـاق برای معـاینه درگذشتگان‌مشـکوک ـ اطاق پـذیرایی با لوازم ـ اطاق برای انجام آیین‌مـذهبی ـ انبار البسه درگذشـتگان باشد.اطاق های مخصوص غسل باید برای جریان آب گرم وسرد لوله کشی شده باشد و مجرای فاضلاب‌مطابق اصول بهداشت داشته باشد.

فصل دوم ــ شرایط حمل در گذشتگان (ماده ۴ تا ۹)

ماده ۴ ـ حمل درگذشـتگان قبل از تحصـیل پروانه دفن ممنوع است مگر در موارد ضـروری تبصره ۱ ـ پروانه دفن را پزشـک معالج مکلف است بدهد و در صورت نداشـتن پزشک معالج بایدبه وسیله کلانتری مربوطه از پزشک بهداری شهرداری بخش پروانه دفن تحصـیل نمایند و در مواردجنحه یا جنایت باید به شـهربانی و یا پزشك قانونی دادگستری مراجعه شود (پروانه روی اوراق چاپی که از طرف اداره بهداری به طور رایگان به اختیار پزشـکان گذارده می‌شود نوشـته میشود.) تبصره ۲ ـ بینوایان و اشخاص غریب که در اماکن عمومی و گـذرها فوت می‌نماینـد و همچنین‌جسد خردسال‌ها را که در این قبیل اماکن و یا گذرها می گذارند پس از مراجعه به کلانتری از طرف‌پزشک بهداری بخش مربوطه معاینه خواهند شد و در صورتی که مظنون به جنحه و جنایت نباشندپروانه دفن از طرف پزشـک نـامبرده صـادر و به مـامور کلانتری تسـلیم می‌شود تا از طرف کلانتری‌مامورین مرده شویخانه برای حمل در گذشـته احضار شوند. ماده ۵ ـ حمل جنازه به وسیله وسایط نقلیه و کرایه و شخصی اکیدا ممنوع است ماده ۶ ـ اتومبیل یا کالسکه مخصوص نعش کش بایـد دارای تـابوت روبسـته از چوب جلاـ شـده بوده‌و داخـل آن نیز آهن سـفید باشـد که مرده را داخـل آن قرار دهنـد ـ

اتومبیل و کالسکه نامبرده بایدمنحصرا برای حمل درگذشتگان به کار برده شده هرگونه استفاده دیگری از آن ممنوع است ماده ۷ ـ پس از حمل درگذشته باید داخل تابوت را با آهک شستشو دهند. ماده ۸ ـ وسایل جهت حمل درگذشته می‌بایستی به محض اطلاع منتهی تا یک ساعت در محل‌حاضر شود. ماده ۹ ـ مامورین حمل باید لباس مشکی نظیف در برداشته باشند.

فصل سوم ــ شرایط غسل و کفن در گذشتگان (ماده ۱۰ تا ۲۰

ماده ۱۰ ـ محل غسل باید کف آن تا یک متر از دیوار از سمت صیقلی شده و صاف پوشیده شده وهمیشه پاکیزه نگاهداری و لا اقل روزی دو مرتبه به وسیله آب آهک شسته شود. ماده ۱۱ ـ غسل درگذشتگان در غیر مرده شویخانه‌های عمومی ممنوع است و در موارد ضرورتی‌موکول به موافقت شهرداری است ماده ۱۲ ـ غسل درگذشتگان قبل از ارایه پروانه دفن ممنوع است ماده ۱۳ ـ نگاهداری درگذشتگان مگر در موارد ضروری بیش از دو ساعت در مرده شویخانه ممنوع‌است ماده ۱۴ ـ متصدیان غسل و کفن و دفن باید از دستورات مذهبی مطلع و دارای پروانه مخصوص‌بوده از شرایط بهداشت کاملا آگاه باشند. ماده ۱۵ ـ متصدیان غسل و کفن پس از انجام کار بایـد هر دفعه دست‌های خود را تا آرنج با آب گرم وصابون شسته سپس در یکی از محلول‌های گندزدایی فرو برند. ماده ۱۶ ـ اشخاص نامبرده باید معروف به فساد اخلال نبوده دارای پروانه تندرستی از پزشک‌رسمی بوده همیشه نظیف و در موقع کار لباس مخصوص در بر داشته باشند. ماده ۱۷ ـ متصدیان غسل و کفن حق ندارند با لباس کار از مغسل خارج شوند و پس از انجام کار بایدخود را شستشو داده با لباس شخصی بیرون روند. ماده ۱۸ ـ اشخاص نامبرده و همچنین گورکنان حق اشتغال به پیشه دیگری ندارند. ماده ۱۹ ـ کفن درگذشتگان بایـد در همان اطاق مخصوص غسل روی سکوی جداگانه که از سمنت ویا سنگ یک پارچه صاف باشد انجام گیرد. ماده ۲۰ ـ ورود اشخاص متفرقه به محل غسل ممنوع است

فصل چهارم ــ شرایط دفن و امانت گذاردن در گذشتگان (ماده ۲۱ تا ۲۵

ماده ۲۱ ـ دفن و امانت گذاردن در گذشتگان در غیر از گورستان‌های رسمی ممنوع است ماده ۲۲ ـ گودی گور باید حداقل دومتر ، طول دو متر و عرض هشتاد سانتی متر باشد. در اطفال‌خردسال عرض و طول به تناسب سن کمتر از این مقیاس منظور می‌شود. ماده ۲۳ ـ هر گور از اطراف با گور دیگر باید سی سانتیمتر فاصله داشته باشد. ماده ۲۴ ـ برای هر در گذشته گور جداگانه لازم است ـ دفن دو درگذشته یا بیشتر در یک گورممنوع‌است ماده ۲۵ ـ در گور درگذشتگانی که به بیماری‌های واگیری مثل اسهال خونی ـ حصبه ـ سل و غیره‌فوت کرده‌اند بایـد مقدار ۳ کیلو آهک را در آب مخلوط نموده در توی گودی بریزند و سپس روی آن‌را بپوشانند

فصل پنجم ــ گورستان (ماده ۲۶ تا ۲۸)

فصل پنجم ـ گورستان (ماده ۲۶ تا ۲۸) فصل پنجم ـ گورستان ماده ۲۶ ـ گورستان باید دارای شرایط زیر باشد: الف ـ محصور از دیوار یـا نرده آهن بوده مطابق نقشه مصوب شهرداری خیابان بند و درختکاری و گل کاری داشته باشد. ب ـ ساختمان مقبره‌های خصوصی در گورستان مطابق نقشه اداره بهداری خواهد بود. ج ـ در گورستان بایـد محل مخصوص مطابق اصول بهداشت برای درگذشتگانی که به امانت گذارده‌می‌شوند ساخته شود و نیز بایـد اطاق های متعدد جهت مشایعین ـ گورکنان و گذاردن در

گذشتگان‌داشته و لوازم دفن از قبیل آهک آجر و غیره همیشه موجود داشته باشد. ماده ۲۷ ـ گورستان باید به قدر کافی و به اقتضای موقع گورکن و کارگر داشته باشد. ماده ۲۸ ـ برای هر گورستان و مرده شویخانه یک دستگاه تلفن ضروری است

فصل ششم ــ راجع به حمل درگذشتگان به اماکن متبرکه و یا سایر نقاط دیگر (ماده ۲۹)

ماده ۲۹ ـ جنایزی که به اماکن متبرکه حمل می‌شوند باید با پروانه اداره بهداری شهرداری و یاپزشکی که به نمایندگی آن اداره تعیین می گردد بر طبق مقررات زیر انجام شود؟ الف ـ اولیا درگذشته کتبا شرحی منضم به پروانه پزشک معالج تهیه و تسلیم اداره بهداری خواهندنمود تا چنانچه از لحاظ بهداشت حمل جنازه مانعی نداشته باشد پروانه داده شود. ب ـ طرز حمل جنازه به اماکن متبرکه و دور دست بر حسب محل و اقتضای فصل بر طبق دستوراداره بهداری و یا پزشک نماینده آن اداره خواهد بود. ج ـ برای حمل جنایز به خارج از کشور طبق مقررات اداره کل بهداری باید رفتار شود.

فصل هفتم ــ مواد متفرقه (ماده ۳۰ تا ۳۷)

ماده ۳۰ ـ مرده شویخانه و گورستان باید جداگانه دفاتر چاپی مخصوص زیر را مطابق دستور اداره‌بهداری برای ثبت عملیات مربوطه به خود داشته و نگاهداری نماید. دفتر ثبت درگذشتگان به‌ترتیب ورود به غسال خانه ـ دفتر ثبت البسه درگذشتگان ـ دفتر ثبت گزارش یومیه ـ دفتر درامد وهزینه روزانه ـ دفتر ثبت هزینه متعلق به درگذشتگان تبصره ـ متصدی مرده شویخانه و گورستان مکلف است در مقابل دریافت هرگونه وجهی که به‌عنوان هزینه دریافت می کند قبض رسمی داده آن را به دفتر مربوطه ضبط نماید. ماده ۳۱ ـ متصدی مرده شویخانه موظف است روی اوراق چاپی که به دستور اداره بهداری طبع‌شود همه روزه از کلیه درگذشتگان وارده گزارشی تهیه و حاضر نموده صبح روز بعد به اداره بهداری‌شهرداری تسلیم نماید کلیه پروانه‌های دفن صادره از طرف پزشکان باید ضمیمه گزارش نامبرده به‌اداره بهداری تسلیم شود این گزارش باید در دفتر مخصوص گزارش یومیه ثبت و وارد شود. ماده ۳۲ ـ البسه درگذشتگان همه ماهه جمع آوری و در آخر هر ماه با نظارت پزشک اداره بهداری‌شهرداری باید سوزانده شود. ماده ۳۳ ـ نرخ حمل ـ کفن و دفن اموات مطابق صورتی خواهد بود که از طرف شهرداری تعیین وابلاغ شود. کارکنان کن و دفن نمی‌توانند به هیچ وجه اضافه از نرخ نامبرده وجهی از کسان درگذشته مطالبه ودریافت دارند. ماده ۳۴ ـ متصدی غسال خانه موظف است یک نسخه از تمام مقررات این آیین نامه را در محل‌مقتضی که قابل استفاده عموم باشد به دیوار نصب نماید و همچنین نرخ مصوب باید به خط درشت‌اعلام و به شرح بالا در معرض استفاده واردین قرار گیرد. ماده ۳۵ ـ هر یک از متصدیان غسال خانه و گورستان وهمچنین کارکنان در مواردی که وظیفه‌مخصوصی به عهده آنها است مسئول اجرای کلیه مقررات این آیین نامه می‌باشند. ماده ۳۶ ـ آیین‌غسل و کفن و دفن درگذشتگان ملل متنوعه از لحاظ تشریفات مذهبی تابع مقررات‌مخصوص به خود آنها بوده ولی از لحاظ بهداشت و انتظامات تابع این آیین نامه خواهد بود. ماده ۳۷ ـ متخلفین از مقررات این آیین نامه طبق ماده ۲۷۶ قانون کیفر عمومی و به شرح زیر به کیفرخواهند رسید: الف ـ چنانچه متخلف از متصدیان و مسئولین نگاهداری واداره مرده شویخانه و گورستان باشد ازمواد ۳ و ۶و ۱۱ و ۱۳ و ۲۶ (شق الف و ج و ۲۷ و ۲۸ و ۳۰و ۳۱ و ۳۲و ۳۴) تخلف کنند به‌حبس تکدیری از یک تا هفت روز و جزای نقدی از ۵ تا ۵۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر خواهندرسید و مراتب در پشت پروانه آنها قید می‌شود چنانچه در ظرف سال اشخاص نامبرده سه‌محکومیت به شرح فوق پیدا کنند پروانه آنها پس گرفته می‌شود. ب ـ هرگاه کارکنان بنگاه‌های نامبرده از مواد ۴ و ۵و ۷و ۸و ۹و ۱۲و ۱۳و ۱۵و ۱۷و ۱۸و ۲۱ و ۲۳ و۲۴ و ۲۵ تخلف کنند به حبس تکدیری از

یک تا سه روز و غرامت از ۳ تا ۳۰ ریال و یا به یکی از این‌دو کیفر محکوم می‌شوند. همچنین اگر ثابت شود مسئولین و متصدیان بنگاه در نظارت و اجرای تکالیف کارکنان به شرح بند(ب غفلت ورزیده‌اند به کیفر مقرر در بند (الف این ماده خواهند رسید.

آیین نامه نامگذاری شهرها ، خیابان‌ها ، اماکن و موسسات عمومی – مصوب ۶/۹/۱۳۷۵

شهرهای جمهوری اسلامی ایران در ظاهر و باطن باید نمایانگر تاریخ و جغرافیای تمدن و فرهنگ‌اسلامی و ایرانی باشد. یکی از مصادیق مهم این امر ، اسامی خیابان‌ها ، اماکن و موسسات عمومی در شهرهاست و این‌اسامی درحکم شناسنامه شهرها و بیانگر ارزش‌های اعتقادی ، تاریخی ، فرهنگی و ملی جامعه است ماده ۱ ـ ضوابط و معیارهای نامگذاری ۱ ـ نام شخصیت‌های مهم تاریخ صدر اسلام وانقلاب اسلامی و شهرداری گرانقدر آن و حوادث مهم‌تاریخ مبارزات اسلامی مردم ایران در درجه اول و نام شخصیت‌های فرهنگی ، ادبی ، علمی ، سیاسی‌و تاریخی ایران و اسامی راجع به اندیشه ، فکر و هنر و نیز مظاهر طبیعت زیبای ایران در مرتبه بعدبرگزیده شود. ۲ ـ در نامگذاری تناسب اسم و مسمی رعایت شود. ۳ ـ اسامی باید رسا ، کوتاه ، سلیس و روان باشد. ۴ ـ از اسامی مناسبی که باعث ایجاد روحیه افتخار ملی و حماسی ، و انبساط خاطر و تلطیف‌اخلاقی و عاطفی مردم و بیانگر غنای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی باشد استفاده شود. ۵ ـ به منظور حفظ و تحکیم یکپارچگی سیاسی و فرهنگی کشور و حفظ هویت ملی ، نامها بایدفقط به زبان فارسی باشند. ۶ ـ در نقاط مختلف کشور ضمن توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای از اسامی شهرهای دیگر هم استفاده‌شود. ۷ ـ به منظور ایجاد پیوندهای سیاسی و فرهنگی با کشورهای دیگر می‌توان در نامگذاری اماکن باپیشنهاد وزارت امور خارجه و تایید شورای فرهنگ عمومی کشور از نام شخصیت‌های سیاسی ومردمی خارجی یا اسامی اماکن خارجی استفاده کرد. در این زمینه اولویت با کشورهایاسلامیاست ۸ ـ در نامگذاری علاوه بر توجه به شخصیت‌های ملی و قهرمانان ، به شخصیت‌های محلی هر منطقه‌نیز توجه شود. ۹ ـ از نام اشخاص خیری که تاسیسات مهم عام المنفعه (اعم از دینی ، آموزشی ، علمی و فرهنگی ، هنری و تربیتی احداث کرده‌اند می‌توان برای نام گذاری اماکن یاد شده استفاده کرد. ۱۰ ـ فروشگاه‌ها ، شرکت‌ها و مراکز کار و پیشه باید از گذاشتن اسامی خارجی جدا خودداری کنند.نام‌ها باید فقط به زبان فارسی باشد. مگر در مواردی که به تشخیص شورای فرهنگ عمومی این‌اسامی به منظور ایجاد پیوندهای فرهنگی ، علمی و سیاسی انتخاب شده باشند. شیوه نامه آن راشورای فرهنگ عمومی تهیه و ابلاغ خواهدکرد. ماده ۲ ـ موارد مشمول نامگذاری ۱ ـ آیین نامه نامگذاری شامل این موارد می‌شود: شهرها ، شهرک‌ها ، بندرها ، رودها ، جزیره‌ها ، بزرگراه‌ها ، خیابان‌ها ، بازارها و کوچه‌ها ، مدارس و مهدکودک‌ها ، موسسات تحقیقاتی و مجامع علمی و فرهنگی ، تالارهای عمومی ، بیمارستان‌ها و مراکزبهداشتی و درمانی ، سینماها و مراکز تفریحی و باغ‌ها و بوستان‌ها ، میدان‌ها و پایانه‌ها ، فرودگاه‌ها وایستگاه‌های راه آهن و پالایشگاه‌ها ، کارخانه‌ها ، بانک‌ها و مراکز ورزشی و باشگاه‌ها ، فروشگاه‌ها ، شرکت‌ها و مراکز کار و پیشه ..... ۲ ـ این آیین نامه درباره اماکن جدید الاحداث است ولی در مورد تغییر اسامی نامناسب موجود لازم‌است بر طبق شیوه نامه‌ای که شورای فرهنگ عمومی بر اساس این آیین نامه تنظیم و ابلاغ می‌کندعمل شود. ماده ۳ ـ مرجع نظارت ۱ ـ نظارت بر حسن اجرای ضوابط و معیارهای شورایعالی انقلاب فرهنگی در امر نامگذاری اماکن‌به عهده شورای فرهنگ عمومی است ۲ ـ این شورا همه ساله گزارشی بررسی و نظارت و عملکرد خود رابه شورای عالی انقلاب فرهنگیارایه می‌دهد. ماده ۴ ـ این آیین نامه در ۴ ماده و ۱۴ بند در جلسه مورخ ۶/۹/۷۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌تصویب رسید و آیین نامه های قبلی لغو می‌شود.

حمل و نقل و ترافیک

قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی در شهرها – مصوب ۱۶/۱۱/۱۳۳۱ با اصلاحات

ماده واحده ـ امتیاز اتوبوسرانی و نقل و انتقال مسافر بطور دسته جمعی در داخل هر شهر و حومه‌آن با شهرداری محل می‌باشد. تبصره ۱ ـ برای استفاده از این امتیاز شهرداریها می‌توانند هریک شرکت واحد سهامی تشکیل دهندمشروط بر اینکه حداقل پنجاه و یک درصد سهام آن متعلق بشهرداری و بقیه متعلق به اتباع ایران‌ساکن محل بوده و مدت هر شرکت از شرکتهای اتوبوسرانی بیش از هشت سال نباشد. تبصره ۲ ـ سهام شرکت اسمی است هرگاه یکی از سهامداران بخواهد سهم خود را بفروش برساند. شهرداری حق اولویت دارد و درصورت انتشار سهام جدید شهرداری در خرید سهام حق تقدم خواهد داشت تبصره ۳ ـ حق رای نسبت به سهام شهرداری با انجمن قانونی شهر است و در غیاب انجمن وزارت‌کشور قایم‌مقام آن خواهد بود. تبصره ۴ ـ مالکین اتوبوسهای هر شهر و حومه آن که هنگام تقدیم لایحه دولت اجازه اتوبوسرانی‌داشته‌اند از تاریخ اعلام تاسیس شرکت تا دو ماه حق تقدم در خرید سهام قابل انتقال شرکت خواهندداشت تبصره ۵ ـ هیچیک از اعضا انجمن شهر یا شخص شهردار نمی‌توانند صاحب سهام شرکتاتوبوسرانی در شهر محل تاسیس شرکت باشند و همچنین اقوام بلافصل آنها مشمول همین تبصره‌خواهند بود. تبصره ۶ ـ ارزیابی اتوبوسها و احتساب بهای آن در مقابل سهام بر طبق آیین نامه ارزیابی انجام‌خواهد گرفت تبصره ۷ ـ چنانچه بعضی از صاحبان جزیی از اتوبوس مایل باشند و توانایی قبول سهام شرکت رانداشته باشند بشرط تقاضای خودشان شرکت واحد مکلف است قیمت تقویمی آن جز از اتوبوس‌را بپردازد. تبصره ۸ ـ کارشناسان فعلی اتوبوسها در صورت واجد بودن شرایط مقرر در آیین نامه استخدامی‌شرکت بر دیگران حق تقدم دارند. تبصره ۹ ـ کارکنان اتوبوسهای شرکت مشمول مقررات قانون کار خواهند بود. تبصره ۱۰ ـ شهرداریها مجازند اراضی متعلق به شهرداری را که مورد نیاز شرکت باشد به قیمت‌عادله در مقابل قسمتی از سهام نقدی خود بشرکت واگذار نمایند. تبصره ۱۱ ـ وزارت کشور و شهرداری‌هایی که دارای انجمن قانونی باشند می‌توانند برای تهیه‌سرمایه نقدی شهرداریها در شرکتها بتناسبی که آیین نامه استقراضی تعیین خواهد نمود مجموعا تامبلغ یکصدو پنجاه میلیون ریال از بانک ملی وام دریافت نموده و در مدت دهسال مستهلک نمایند. تبصره ۱۲ ـ وزارت کشور مکلف است منتهی تا یکماه از تاریخ تصویب این قانون ، آیین نامه های‌مربوط را تدوین و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذارد. تبصره ۱۳ ـ شهرداریها می‌توانند در صورت اقتضا برای بهبود وضع اتوبوسرانی و نقل و انتقال‌مسافر در داخل و حومه هر شهر بهره‌برداری تمام یا پاره‌ای از خطوط اتوبوسرانی را با شرایطی که‌بتصویب انجمن شهر خواهد رسید و با توجه به صرفه و صلاح ساکنین شهرها و رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به بخش خصوصی واگذار کنند در این مورد کسانی که در تاریخ تصویب این‌تبصره پروانه اتوبوسرانی داشته‌اند با شرایط مساوی حق تقدم دارند.

آیین نامه اجرای قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی – مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۴ با اصلاحات

ماده ۱ ـ در اجرای قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی مصوب مجلسین ، وزارت کشور وشهرداری‌هایی که دارای انجمن قانونی باشند موظفند پس از نشر آگهی در ظرف حداکثر دو ماه و نیم‌شرکت واحد سهامی اتوبوسرانی عمومی حوزه خود و حومه آن را بر اساس مقررات مربوط قانون‌تجارت به ثبت برسانند. ماده ۲ ـ چنانچه در ظرف مدت دو ماه از تاریخ نشر آگهی صاحبان وسایط موجوده در هر شهر ازواگذاری وسایط و خرید سهام خودداری کنند وزارت کشور یا شهرداری بر اساس این آیین نامه راسابتاسیس شرکت اقدام خواهد نمود و در اینصورت بموجب تبصره ۸ قانون تاسیس شرکتاتوبوسرانی عمومی کارکنان فعلی اتوبوسها خدمتگزار شرکت واحد اتوبوسرانی خواهند بود. ماده ۳ ـ شرکتنامه و اساسنامه شرکت باید پس از تصویب انجمن شهر با وزارت کشور (درمحل‌هایی که انجمن شهر وجود ندارد) بثبت برسد. ماده ۴ ـ پس از انقضا مدت مقرر در تبصره ۴ قانون مذکور که حق تقدم مالکین منتفی می‌شودبموجب متن ماده واحده که اتوبوسرانی عمومی و نقل و انتقال مسافر داخل هر شهر و حومه

آن‌رامخصـوص شـهرداری قرار داده است شـهرداری بتاسـیس شـرکت مبادرت می‌کند و در اینصورت‌شهرداری مجازاست از اتوبوسرانی خطوط سابق جلوگیری کند. ماده ۵ ـ برای مراقبت در حسن اجرای قانون تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی و تعهد ناشیه از عمل‌شرکت هیاتی بنام هیات‌عالی نظارت و مشاور اتوبوسرانی عمومی تهران از اشخاص زیر تشکیل‌می‌شود: الف ـ وزیر کشور. ب ـ مدیر کل بانـک ملی ایران یـا معاون بانک ملی ج ـ رییس شـهربانی د ـ شـهردار تهران ه ـ معاون وزارت دادگستری و ـ معاون وزارت دارایی ز ـ معاون وزارت کـار. ح ـ معاون وزارت بازرگانی ط ـ معاون وزارت صنایع و معادن ی ـ سه نفر نماینـده از طرف صاحبان سهام ۴۹٪ مادام که سهام ۴۹ درصد کاملا پرداخت نشده وزارت کشور به قایم‌مقامی انجمن شـهر می‌تواند افرادمزبور را از بین سـهامداران انتخاب نماید ولی پس از تعیین تکلیف ۴۹٪ انتخاب سه نفر مزبور نیزطبق مقررات شـرکتها باید توسط کلیه صاحبان سهام بعمل آید. وظایف و اختیارات هیات نظارت‌مذکور در ماده ۵ بشرح زیر خواهد بود. تبصره ۲ ـ هیات مدیره موظف است امور مـالی شـرکت را بـا توجه به قانون تاسیس شـرکت واحداتوبوسـرانی تهران و حومه و اساسـنامه مربوط و رعایت قانون تجارت اداره نمایـد.) ماده ۶ ـ وظـایف و اختیـارات هیـات نظـارت بـا توجه برعایت مقررات عمومی و انتظامی و رانندگی‌بشـرح زیر است الف ـ تصویب نقشه مسیر خطوط و محـل توقفگاهها و تاسیسات ب ـ مراقبت در اجرای برنامه حرکت و مـدت کار راننـدگان و کارکنان اتوبوسـها. ج ـ مراقبت در وجود عـده کـافی پایگـاه وسایط در هریک از خطوط د ـ نظارت در موجود بودن وسایط محکم و پاکیزه منـاسب برای هریـک از خطوط بعهـده کافی‌بطوریکه اسـتفاده اهالی از اتوبوسـرانی به بهترین وجه به حـداکثر ممکن تامین شود. ه ـ تصویب مقررات فنی و انتظامی مربوط به وسایط و در صورت لزوم پیشنهاد آن بمقامات‌صالحه ماده ۷ ـ عضویت هیات نظارت جزو وظـایف اداری و قـانونی هریـک از اعضـا آن خواهـد بود و ازاین بابت حقوقی از شـرکت دریافت نخواهنـد نمود. ماده ۸ ـ شرکت موظف است مصوبات هیات نظارت را در آنچه مربوط به انتظام امر اتوبوسـرانی‌عمومی و نظافت اتوبوسها و کارکنان و لباس آنها و آنچه موجب تامین رفاه عامه می‌باشـد بموقع‌اجرا گذارد. شـرکت موظف است دسـتورات انتظامی شـهربانی را مراعات و اجرا نماید. ماده ۹ ـ اسـتفاده از متخصصـین فنی خارجی بعنوان مشاور یا مسـتخدم شرکت در حدود قوانین‌مربوطه بلامانع خواهد بود. ماده ۱۰ ـ چنانچه در آتیه احتیاج به اصـلاح یا تکمیل هریک از مواد این آیین نامه باشد با پیشـنهادوزارت کشور و تصویب هیات دولت اقدام بعمل خواهد آمد ، آیین‌نامه مصوب ۳۱/۱/۱۳۳۲ ملغی‌می‌گردد.

قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور – مصوب ۸/۱۲/۱۳۷۲

ماده ۱ ـ به منظور اعمال سیاسـتهای جامع و هماهنگ ترافیکی و تهیه خط مشی لازم و هماهنگی هدایت نظارت و انتظامات ترافیکی شهرهـا، شورای عـالی هماهنگی ترافیک شـهرهای کشور که ازاین پس شورای عالی نامیـده می‌شود، مرکب از اعضای زیر تاسـیس می‌شود: ۱ ـ معاون وزیر کشور، ریاست شورا. ۲ ـ معاون وزیر راه و ترابری ۳ ـ معاون وزیر مسکن و شهرسازی ۴ ـ معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن ۵ ـ معـاون رئیس سازمان برنامه و بودجه ۶ ـ رئیس سازمـان حفاظت محیط زیست یا معاون وی ۷ ـ فرمانده نیروی انتظـامی یا معاون وی مصوبات این شورا پس از تصویب وزیر کشور قابل اجراست ماده ۲ ـ وزارت کشور عهده‌دار دبیرخانه شورای عـالی خواهـد بود. مـاده ۳ ـ شـورای همـاهنگی ترافیـک اسـتان بـه ریـاست اسـتاندار یـا معـاون عمرانی وی و بـا حضورمـدیران کل وزارتخانه‌هـا و سازمانهـای عضو شورای عـالی مسـتقر در اسـتان و فرمانـده نـاحیه انتظامی‌تشـکیل می‌شود. تبصـره ـ دبیرخانه شورای هماهنگی ترافیک اسـتان در اسـتانداریها خواهد بود. ماده ۴ ـ مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک شـهرهای کشور که بایـد در چـارچوب قوانین ومقررات کشور باشـد با رعایت ماده یک این قانون برای کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسـسه‌ها، سازمانهای دولتی نهادها و مؤسسه‌های عمومی و خصوصی لازم‌الاجرا است ماده ۵ ـ وظایف شورای هماهنگی ترافیک استان همچنین وظایف دبیرخانه شورای عـالی وشورای همـاهنگی ترافیـک اسـتان بر اسـاس آیین‌نامه‌ای خواهـد بود که توسط وزارت کشور تهیه و به‌تصویب هیات وزیران

می‌رسد. ماده ۶ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر از تاریخ تصویب این قانون لغو و بلااثر است تبصره ـ مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور نباید مغایر با مصوبات قانونی‌شورای عالی شهرسازی و معماری و شورای عالی هماهنگی ترابری کشور باشد.

آیین نامه موضوع ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور – مصوب ۲/۷/۱۳۷۴ هیات وز

ماده ۱ ـ وظایف شورای هماهنگی ترافیک استان ـ که از این پس در این آیین نامه به اختصار شورای هماهنگی نامیده می‌شود ـ عبارت است از: الف ـ برنامه‌ریزی برای اجرای مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیك استان ـ که از این پس در این‌آیین نامه به اختصار شورای عالی نامیده می‌شود ـ در سطح استان ب ـ تدوین خط مشی و سیاستهای جامع و هماهنگ استانی ترافیك درون شهری بر اساس اهداف‌و سیاستهای ملی منطقه‌ای و مصوبات شورای عالی ج ـ بررسی و تایید طرحهای جامع حمل و نقل و ترافیک درون شهری ـ که شرح خدمات آنها به‌تصویب شورای عالی می‌رسد ـ و سایر مطالعات حمل و نقل و ترافیك لازم برای شهرهای استان به‌منظور بررسی و تصویب شورای عالی د ـ هماهنگی کلیه امور مربوط به عبور و مرور شهرهای استان بر اساس مصوبات شورای عالی وشرایط منطقه‌ای و محلی به منظور افزایش بهره‌وری فعالیتها. ه ـ هماهنگی کلیه اقدامات حمل و نقل و ترافیك درون شهری با اقدامات مشابه برون شهری استان‌بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط استانی و منطقه‌ای ماده ۲ ـ وظایف دبیرخانه شورای عالی عبارت است از: الف ـ وظایف عمومی دبیرخانه‌ای از قبیل مکاتبات و امور ارسال و مراسلات ب ـ امور مربوط به جلسات شورای عالی از قبیل اعلام زمان تشکیل و لغو جلسه به اعضا، تنظیم‌دستور جلسه تهیه گزارش موضوعات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ ـ ثبت نگهداری و ابلاغ مصوبات شورای عالی ت ـ تهیه‌وجمع آوری اطلاعات لازم و انجام تحقیقات و پژوهش در زمینه حمل و نقل ث ـ ایجاد بانک اطلاعات در زمینه حمل و نقل شهری در سطح ملی ج ـ ارایه شاخصها و معیارها و استانداردها و آمار و اطلاعات فنی و کارشناسی و مدیریتی به‌شورای عالی چ ـ پیگیری تهیه و اجرای طرحهای جامع حمل و نقل بر اساس اولویتهای مصوب ح ـ شناسایی و دسته‌بندی مهندسین مشاور و پیمانکاران داخلی و خارجی صاحب صلاحیت خ ـ تهیه و تدوین شرح خدمات در امر حمل‌ونقل د ـ ارایه خدمات فنی و تشکیلاتی و مشورتی به شورای هماهنگی استانها. ذ ـ ایجاد هماهنگی لازم در کلیه امور مربوط به حمل‌ونقل و ترافیك درون شهرهای استان واقدامات مشابه برون شهری بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط استانی ر ـ برگزاری نشستها و نمایشگاههای تخصصی با همکاری سازمانهای ذی ربط به منظور نیل به‌اهداف مذکور در قانون ماده ۳ ـ دبیرخانه شورای عالی زیرنظر دبیر شورا که با حکم رییس شورا منصوب می‌شود، فعالیت‌می کند و محل آن معاونت امور هماهنگی عمرانی وزارت کشور است ماده ۴ ـ دبیر شورای عالی ریاست جلسات فرعی را که به منظور فراهم آوردن زمینه اجرای‌مصوبات شورای عالی تشکیل می‌شود، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای ویانجام‌می‌شود. ماده ۵ ـ وظایف دبیرخانه شورای هماهنگی عبارت است از: الف ـ وظایف عمومی دبیرخانه‌ای از قبیل مکاتبات و امور ارسال و مراسلات ب ـ امور مربوط به جلسات شورای هماهنگی از قبیل اعلام زمان تشکیل و لغو جلسه به اعضا،تنظیم دستور جلسه تهیه گزارش موضوعات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ ـ ثبت نگهداری و ابلاغ مصوبات شورای هماهنگی ت ـ گردآوریاماروایجادبانک‌اطلاعاتی‌مربوط به‌حمل‌ونقل‌وترافیک‌شهرهای استان ث ـ نظارت بر تهیه طرحهای جامع حمل و نقل شهرها. ج ـ بررسی و ارزیابی طرحها و برنامه‌های مطرح شده چ ـ ارایه گزارش به شورای هماهنگی ح ـ انجام پژوهش و تحقیقات در امر حمل‌ونقل شهری خ ـ همکاری با دبیرخانه شورای عالی در زمینه تدوین و ارایه شاخصها و معیارهای لازم د ـ انجام امور کارشناسی جهت تدوین سیاستهای جامع و هماهنگ حمل و نقل درون شهری برای‌شهرهای استان بر اساس اهداف مصوب ذ ـ برگزاری سمینارها و تشکیل نمایشگاههای لازم در زمینه حمل‌ونقل و ترافیک شهری در سطح‌استان با تصویب شورای هماهنگی

ماده ۶ ـ دبیرخانه شورای هماهنگی زیرنظر دبیر شورا که با حکم رییس شورا منصوب می‌شود،فعالیت می‌کند و محل آن معاونت امور عمرانی استانداری است ماده ۷ ـ دبیر شورای هماهنگی ریاست جلسات فرعی را که به منظور فراهم‌آوردن زمینه اجرای‌مصوبات شورای هماهنگی تشکیل می‌شود، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای ویانجام می‌شود.

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به‌تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیرنظرشهرداری‌تهران – مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ به منظور ایجاد تمرکز و هماهنگی در امور مربوط به تاکسیرانی و انواع سرویسهای تاکسی شهری در شهرها ، وزارت کشور بر اساس مواد (۵۴) و (۸۴) قانون شهرداری ـ مصوب ۱۳۳۴ اقدامات لازم را معمول می‌کند. ماده ۲ ـ تاکسی عبارت از وسیله نقلیه‌ای ـ اعم از سواری ، استیشن یا هر خودروی مناسب دیگر ـاست که دارای مشخصات معین شده در این آیین نامه است و با امتیاز بهره‌برداری که توسط شهرداری صادر می‌شود ، به صورت یکی از سرویسهای تاکسی شهری به جابجایی مسافر در درون شهرمی‌پردازد. تبصره ـ انواع سرویسهای تاکسی شهری که با عناوین ، رنگها و فرمهای گوناگون نظیر نارنجی وفرودگاه که با وسایل نقلیه سواری ، استیشن یا خودروی مناسب دیگر یا آژانس مشغول به کارهستند ، مشمول این آیین نامه هستند. ماده ۳ ـ تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی ، همچنین کلیه امور مربوط به حمل‌ونقل عمومی مسافر دردرون شهر ، در حیطه نظارت و مسئولیت شهرداری است تبصره ـ شهرداری می‌تواند به منظور رعایت مفاد این آیین نامه ، برای اشخاص حقوقی واجدشرایط ، مجوز حمل‌ونقل عمومی مسافر درون شهری صادر نماید. اشخاص یادشده بر طبق مفاد این‌آیین نامه و به نمایندگی از شهرداری به حمل‌ونقل عمومی مسافر درون شهری اقدام می‌نمایند.

فصل دوم ــ پروانه اشتغال به حمل‌ونقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (پروانه تاکسیرانی (ماده ۴ تا ۸

ماده ۴ ـ پروانه اشتغال به حمل‌ونقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (پروانه تاکسیرانی مجوزی است که پس از طی موفقیت امیز مراحل مختلف مذکور در این آیین نامه ، برای مدت معین حداکثر ۱۲ ساعت در روز) ، سرویس مشخص ، مسیر و زمان معین توسط شهرداری صادر می‌شود.مجوز مذکور فقط برای اشتغال فرد با وسیله نقلیه مشخص است ، اعم از اینکه وسیله نقلیه متعلق به‌دارنده مجوز باشد یا به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر تعلق داشته باشد. تبصره ـ شماره پروانه تاکسیرانی به عنوان کد شناسایی راننده نیز به کار خواهد رفت ماده ۵ ـ مراحل مختلف صدور پروانه تاکسیرانی به قرار زیر است الف ـ ثبت نام از متقاضی ب ـ امتحان ورودی مطابق با مفاد دستورالعمل امتحان که به تصویب شهرداری می‌رسد. پ ـ تحقیق در مورد صلاحیت اخلاقی و اجتماعی متقاضی ت ـ مصاحبه حضوری ث ـ صدور پروانه تاکسیرانی مطابق مقررات موضوعه توسط شهرداری و در قبال اخذ گواهینامه‌معتبر رانندگی تبصره ۱ ـ با توجه به درج نوع و شماره گواهینامه رانندگی در پروانه تاکسیرانی ، پروانه مزبور برای‌رانندگی با تاکسی به منزله کارت شهری موضوع آیین نامه راهنمایی و رانندگی و گواهینامه رانندگی است تبصره ۲ ـ تعداد پروانه تاکسیرانی و پروانه بهره‌برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری در هرشهر ، با رعایت ضوابط مصوب شورای عالی ترافیک ، توسط شهرداری تعیین می‌شود. تبصره ۳ ـ هزینه خدمات و هزینه صدور پروانه‌ها و مجوزهای موضوع این آیین نامه و حق امتیازپروانه بهره‌برداری و حق امتیاز واگذاری نمایندگی به اشخاص حقوقی با تصویب شورای شهر یاجانشین قانونی آن و تایید

وزارت کشور توسط شهرداری از متقاضیان اخذ خواهد شد. تبصره ۴ ـ مدت اعتبار پروانه تاکسیرانی (۲) سال است و در صورت دارا بودن شرایط ، هربارتمدید آن برای (۲) سال دیگر توسط شهرداری مجاز است تبصره ۵ ـ شهرداری موظف است نسخه‌ای از پروانه تاکسیرانی را برای اطلاع راهنمایی و رانندگی‌یا هر مرجع ذی صلاح جانشین ارسال کند. ماده ۶ ـ شرایط لازم برای دریافت پروانه تاکسیرانی به شرح زیر می‌باشد: الف ـ داشتن حداقل (۲۳) سال سن ب ـ داشتن حداقل گواهی پایان دوره ابتدایی یا گواهی نهضت سوادآموزی معادل آن برای افرادی که‌کمتر از (۵۰) سال سن دارند و سواد خواندن و نوشتن برای افرادی که دارای بیش از (۵۰) سال سن‌هستند. پ ـ داشتن برگ پایان خدمت یا معافیت از خدمت وظیفه عمومی ت ـ دارا بودن گواهینامه معتبر رانندگی اتومبیل که حداقل یک سال از تاریخ دریافت آن گذشته باشد. ث ـ داشتن تاهل ج ـ تابعیت جمهوری اسلامی ایران چ ـ نداشتن سو پیشینه ح ـ عدم اشتهار به فساد اخلاقی خ ـ ارایه گواهی صحت بدنی و فکری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی د ـ محروم نبودن از حقوق اجتماعی یا اشتغال به رانندگی از طرف مراجع ذی‌صلاح ذ ـ التزام به رعایت شوون اسلامی ر ـ نداشتن شغل دیگر. تبصره ـ در صورت فقدان هر یک از شرایط یاد شده اعتبار پروانه خاتمه می‌پذیرد. ماده ۷ ـ متقاضی صدور پروانه تاکسیرانی مکلف به سپردن تعهد رسمی مبنی بر عدم انجام تخلفات‌موضوع این آیین نامه و قبول تصمیمهای هیاتهای انضباطی و رعایت دستورالعملهای صادر شده‌است ماده ۸ ـ امور زیر از تخلفات تاکسیرانی محسوب و مرتکبین تابع تصمیمهای هیاتهای انضباطی‌خواهند بود: ۱ ـ امتناع از حمل مسافر یا حمل مسافر با شرایطی خارج از مقررات ۲ ـ عدم رعایت شوون اسلامی و اجتماعی ۳ ـ عدم انجام کشیکهای محوله و رعایت مقررات آن ۴ ـ اقدام به تاکسیرانی برای غیر از ساعت ، مسیر و سرویسی که در پروانه قید شده است ۵ ـ ارتکاب به جرم در هنگام تاکسیرانی یا با استفاده از تاکسی ۶ ـ عدم رعایت نرخهای مصوب و عدم استفاده از تاکسی متر در صورت‌نصب والزام‌استفاده‌از‌آن ۷ ـ عدم رعایت مقررات مربوط به حمل مسافر و تکرار تخلفات راهنمایی و رانندگی ۸ ـ استفاده از پلاک شناسایی راننده دیگر در هنگام ارایه سرویس ۹ ـ نصب و استفاده از وسایل غیرمجاز که مخالف دستورالعملهای صادر شده باشد ، در تاکسی

فصل سوم ـ پروانه بهره‌برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری (ماده ۹ تا ۱۳

ماده ۹ ـ ارایه انواع سرویسهای تاکسی شهری در هر شهر با مدیریت شهرداری صورت می‌گیرد وارایه هر یک از انواع سرویسهای مذکور توسط اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط ، مستلزم اخذموافقتنامه اصولی و ارایه پروانه سرویس تاکسی شهری برای هر تاکسی از شهرداری است پروانه‌مذکور در این آیین نامه به اختصار (پروانه بهره‌برداری) نامیده می‌شود. تبصره ۱ ـ شماره پروانه بهره‌برداری عنوان کد شناسایی وسیله نقلیه (تاکسی را نیز خواهد داشت تبصره ۲ ـ اعتبار پروانه بهره‌برداری (۲) سال است و در صورت عدم تغییر شرایط مندرج درقرارداد ، هر بار برای مدت (۲) سال دیگر قابل تمدید است ماده ۱۰ ـ شماره‌گذاری وسایط نقلیه به عنوان تاکسی توسط مرجع شماره‌گذاری با ارایه پروانه‌بهره‌برداری معتبر امکان‌پذیر است تبصره ـ فرم ، رنگ ، تعداد ارقام و حروف قابل درج در شماره تاکسی توسط شهرداری با هماهنگی‌سازمان شهرداریهای کشور و نیروی انتظامی تعیین خواهد شد. ماده ۱۱ ـ پروانه بهره‌برداری که به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط قابل واگذاری است تبصره ـ برای شخص حقیقی واجد شرایط فقط یک پروانه بهره‌برداری صادر می‌شود. ماده ۱۲ ـ شرایط اشخاص حقیقی برای دریافت پروانه بهره‌برداری به شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ داشتن پروانه تاکسیرانی معتبر. ۲ ـ معرفی یک دستگاه وسیله نقلیه مناسب مطابق با ضوابط این آیین نامه به عنوان تاکسی ۳ ـ انعقاد قرارداد در قالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی به منظور قبول تعهدات و شرایط زیر ، همچنین‌تصمیمهای هیات انضباطی موضوع ماده (۱۵) این آیین نامه : الف ـ تعهد ارایه فقط یکی از سرویسهای تاکسی برابر مفاد قرارداد و روزانه حداقل یک

نوبت کاری ۸) ساعته حداکثر اضافه کار یک فرد که ارایه سرویس را در یک نوبت کاری (۸) ساعته قبول‌می‌کند ، (۴) ساعت است که میزان آن توسط شهرداری در پروانه تاکسیرانی قید می‌شود. دارنده‌پروانه بهره‌برداری با موافقت شهرداری ، اختیار ارایه همان سرویس در نوبت کاری دیگر را منوط به‌قید موضوع در قرارداد و معرفی فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگر دارد. در این صورت مسئولیتهایارایه سرویس در نوبت کاری دیگر نیز کماکان به عهده دارنده پروانه بهره‌برداری است ب ـ اعلام زمان استفاده از مرخصی سالیانه به مدت یک ماه که ضمن آن ممکن است حداقل یک‌نوبت کاری ارایه سرویس تعطیل شود. دارنده پروانه بهره‌برداری فقط در مدت مرخصی سالیانه‌می‌تواند به جای خود فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگری را برای ارایه سرویس در نوبت کاری موردتعهد معرفی نماید. پ ـ تعهد به انجام نوع سرویس و مسیر و زمانهای شروع و خاتمه هر نوبت کاری سرویس درج شده‌در پروانه تاکسیرانی ت ـ تقبل انجام برنامه‌های مربوط به کشیک ث ـ تعهد به انجام مرتب نظافت بیرون و داخل تاکسی و رعایت شوون اسلامی و اجتماعی و عدم‌نصب لوازم و اشیای غیرمجاز در تاکسی برابر دستورالعملهای ارایه شده ج ـ تعهد به تهیه و استفاده از لباس فرم نظیف توسط راننده هنگام ارایه سرویس و نصب پلاک کدشناسایی راننده بر روی شیشه عقب خودرو برای رویت از خارج ، همچنین نصب کد شناسایی راننده‌و وسیله نقلیه (تاکسی در داخل اتومبیل در محل قابت رویت مسافر برابر دستورالعملهای‌شهرداری چ ـ تعهد به عدم سپردن تاکسی برای ارایه سرویس به افراد فاقد پروانه تاکسیرانی معتبر و نیزبهره‌برداری از تاکسی در زمانی که پروانه بهره‌برداری توسط مراجع ذی‌ربط طبق مقررات اخذ یا به‌طور موقت تا صدور پروانه بهره‌برداری جدید باطل شده است ح ـ تعهد به اعلام علت عدم ارایه سرویس ظرف (۴۸) ساعت از تاریخ توقف تاکسی به شهرداری خ ـ تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نیز نصب و استفاده از تاکسی متر طبق دستورالعملهای صادرشده د ـ تعهد به عدم امتناع از حمل مسافر ، همچنین عدم اقدام به حمل مسافر با اعمال شرایط شخصی وخارج از مقررات ذ ـ تعهد به استفاده از تابلو (خارج از سرویس) در مواردی که بنا به دلایل نقص فنی اتومبیل یا پایان‌نوبت کاری یا بنا به اضطرار قابل توجیه ، پذیرش مسافر ممکن نباشد. ر ـ تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکرهای بازرسان شهرداری در امور تاکسیرانی ماده ۱۳ ـ اشخاص حقوقی با احراز شرایط زیر و دریافت پروانه بهره‌برداری می‌توانند به نمایندگیاز شهرداری اقدام به حمل‌ونقل عمومی مسافر در شهر بنمایند: ۱ ـ تاسیس شرکت با موضوع حمل‌ونقل عمومی مسافر درون شهری توسط انواع اتومبیلهای‌سواری ، استیشن یا خودرو مناسب مدل بالا ـ که حداکثر (۵) مدل پایین‌تر از مدل همان سال باشد ـ برای انجام سرویسهایی که در موافقت‌نامه اصولی به اطلاع متقاضی می‌رسد. تبصره ۱ ـ شرکتهای تعاونی ایجاد شده توسط اشخاص حقیقی که تا تاریخ تصویب این آیین نامه دارای تاکسی بوده و در اجرای این آیین نامه پروانه بهره‌برداری دریافت کرده باشند ، مشروط به‌استفاده از پروانه بهره‌برداری تاکسی خود در شرکت ، در اولویت هستند. تبصره ۲ ـ شرکتهای تعاونی تاکسیرانی در امور غیر حمل‌ونقل اعم از خدمات رفاهی و پشتیبانیاعضا تابع قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران خواهند بود. ۲ ـ حداقل و حداکثر تعداد وسیله نقلیه با توجه به نوع وسیله نقلیه اعم از ملکی یا قراردادی که‌شرکت می‌تواند به کارگیرد ، برابر ضوابطی است که از طرف شهرداری با هماهنگی شورای عالی‌ترافیک تعیین می‌شود. تبصره ۱ ـ چنانچه خودروی مناسب دیگری معرفی شود ، حداقل تعداد توسط شهرداری اعلام‌خواهد شد. حداکثر تعداد آن اتومبیلهای ملکی و قراردادی هر شرکت نباید از هفت برابر تعداداتومبیلهای شرکتی که کمترین تعداد وسیله نقلیه را دارد بیشتر باشد. تبصره ۲ ـ شرکتهایی که با توجه به شرایط موضوع این ماده تاسیس و مشغول به کار می‌شوند ، می‌توانند در حدود معین شده در بند (۲) این ماده از اتومبیلهای واجد شرایط اشخاص حقیقی وحقوقی با تنظیم قرارداد در جهت ارایه سرویسهایی که در قرارداد مشخص می‌شود استفاده نمایند. دراین صورت شرکت نسخه دوم قرارداد را به شهرداری ارایه و پس از اخذ پروانه بهره‌برداری به نام‌شرکت ، اتومبیل را تحت نظارت خود مورد استفاده قرار می‌دهد. چنانچه هر شخص حقیقی دارای‌پروانه بهره‌برداری معتبر ، مایل باشد تاکسی متعلق به وی توسط یکی از این شرکتها مورد استفاده‌قرار گیرد ، باید ضمن انعقاد قرارداد با شرکت موردنظر ، پروانه بهره‌برداری خود را

به شرکت تسلیم‌کند. شرکت ، پروانه بهره‌برداری وسیله نقلیه مذکور را به همراه نسخه دوم قرارداد به شهرداری ارایه وپروانه بهره‌برداری بنام شرکت دریافت می‌کند. پروانه بهره‌برداری شخصی که به این ترتیب در اختیارشهرداری قرار می‌گیرد ، پس از خاتمه قرارداد و در صورتی که مالك اتومبیل همچنان واجد شرایط‌باشد ، از طرف شهرداری به وی اعاده خواهد شد. حداقل زمان قراردادها طبق ضوابطی خواهد بود که توسط شهرداری هر شهر تعیین می‌شود. ۳ ـ معرفی دفتر و توقفگاه مناسب با حداقل یك شماره تلفن ۴ ـ انعقاد قرارداد در قالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی برای ارایه سرویسهای محوله به نمایندگی ازطرف شهرداری با قبول کلیه تعهدات و شرایط ذیل و تصمیمهای هیاتهای انضباطی الف ـ تعهد به ارایه سرویس تاکسی برابر مشخصات قرارداد حداقل یك نوبت کاری (۸) ساعته برای‌هر اتومبیل شرکت ، توسط افراد دارای پروانه تاکسیرانی ب ـ تعهد به اینکه در هیچ زمان سرویس ارایه شده توسط اتومبیلهای شرکت کمتر از چهارپنجم‌تعداد اتومبیلهای معرفی شده نباشد. در غیر این صورت باید ظرف حداکثر (۲۴) ساعت شهرداری رامطلع کند. پ ـ تعهد به تقبل انجام برنامه‌های کشیك و مقررات مربوط ت ـ تعهد به انجام نظافت درون و بیرون تاکسی و رعایت شوون اسلامی و اجتماعی برابردستورالعملهای صادره شده ث ـ تعهد به تهیه و استفاده از لباس هم شکل توسط رانندگان شرکت هنگام ارایه سرویس ، همچنین‌نصب کد شناسایی راننده و وسیله نقلیه (تاکسی در داخل اتومبیل در محل قابل رویت مسافر وشیشه عقب اتومبیل به نحوی که از بیرون قابل رویت باشد. ج ـ تعهد به تجهیز شرکت به سیستم ارتباطی با ارایه اشتراك در سیستم ارتباطی شرکتهای مشابه درصورت اعلام شهرداری مبنی بر استفاده از سیستم ارتباطی ، با رعایت قوانین و مقررات مربوط چ ـ تعهد مبنی بر عدم واگذاری سهام شرکت تحت هر عنوان به اشخاص دیگر ، مگر با اطلاع‌شهرداری ح ـ تعهد به استفاده از تابلو (خارج از سرویس) در تاکسیهای شرکت در مواردی که بنا به دلایل فنی یا اضطراری قابل توجیه یا اتمام نوبت کاری پذیرش مسافر ممکن نباشد. خ ـ تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نصب و استفاده از تاکسی متر برابر دستورالعملهای صادرشده د ـ تعهد به عدم امتناع از حمل مسافر ، همچنین عدم اقدام به حمل مسافر با شرایط شخصی و خارج‌از مقررات ذ ـ تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکرهای بازرسین شهرداری ر ـ تعهد به عدم استفاده از وسایط نقلیه‌ای که پروانه بهره‌برداری آن به نام شرکت نیست

فصل چهارم ـ نحوه نقل و انتقال حقوق پروانه بهره‌برداری (ماده ۱۴ تا ۱۹

ماده ۱۴ ـ انتقال حقوق متعارف اشخاص ناشی از داشتن پروانه بهره‌برداری معتبر فقط به اشخاصی‌که برابر مفاد این آیین نامه واجد شرایط واگذاری پروانه بهره‌برداری باشند و با طی مراحل زیر ازطریق شهرداری صورت می‌گیرد: ۱ ـ متقاضی انتقال ، مشخصات کامل پروانه بهره‌برداری و مشخصات انتقال گیرنده را طی فرمی‌تسلیم دفتر مخصوص انتقالات پروانه بهره‌برداری تاکسی مستقر در شهرداری می‌نماید. ۲ ـ شهرداری بلافاصله و در صورت معتبر بودن پروانه بهره‌برداری ، همچنین واجد شرایط بودن‌انتقال گیرنده فرم موافقت‌نامه اصولی انتقال را به متقاضی تسلیم می‌کند. ۳ ـ انتقال حقوق پروانه بهره‌برداری صرفا به طور رسمی و با ثبت در دفاتر اسناد رسمی معرفی شده‌از طرف شهرداری ممکن است دفاتر اسناد رسمی مذکور مکلفند بر اساس مشخصات موافقت‌نامه‌اصولی معتبر صادره از سوی شهرداری نسبت به ثبت اسناد معامله اقدام و پروانه بهره‌برداری موردمعامله را به مهر باطل شد که از سوی شهرداری در اختیار آنها گذارده می‌شود ، ممهور کنند. تبصره ـ وسیله نقلیه (تاکسی در طول مدتی که پروانه بهره‌برداری مربوط به آن باطل یا مضبوط‌است ، حق تردد ندارد و متخلف تحت پیگرد قرار می‌گیرد. ۴ ـ شخصی که حقوق پروانه بهره‌برداری به او منتقل شده است ، پروانه بهره‌برداری باطل شده وتصویری از سند انتقال را به شهرداری تسلیم می‌کند. شهرداری موظف است پروانه بهره‌برداری‌جدید به نام متقاضی صادر و آن را ظرف (۲۴) ساعت به وی تسلیم کند. تبصره ۱ ـ چنانچه حقوق

متعارف ناشـی از پروانه بهره‌برداری معتبر ، به صورت قهری اعم از ارث یادر اثر اجرای احکام مراجع قضایی به اشخاص منتقل شود ، پروانه بهره‌برداری از تاریخ انتقال رسمی‌حقوق مذکور از درجه اعتبار ساقط و باطل می‌شود. اشخاص صاحب حق مکلفند حداکثر ظرف سه‌ماه با رعایت مفاد این ماده و بندهای آن و با ارایه گواهی انحصار وراثت و حکم قطعی مرجع قضایی‌نسبت به درخواست صـدور پروانـه بهره‌برداری جدیـد بـه ن ۱۰d۴ ستناد حکـم انحصـار وراثـت یـا حکـم قطعی مراجع قضـایی حقـوق ناشیاز پروانه بهره‌برداری معتبر به یـک یـا عـده‌ای محجور (صـغار ، اشـخاص غیر رشـید ، مجـانین تعلق یابـد ، به درخواست ولی یا قیم اشـخاص محجـور و نیز رضـایت سـایر صاحبـان احتمـالی حقـوق و درخصـوص ورثه سـایر وراث در صورتی که تاکسـی به تشـخیص هیـات انضـباطی وسیله امرار معاش‌اشـخاص محجـور باشـد ، تـا هنگـام رفع محجـوریت از تمـامی آنهـا ، شـهرداری بـا اسـتفاده از حقوق پروانه‌بهره‌برداری توسط ولی یا قیم به نفع اشـخاص محجور ، از طریق معرفی اشـخاص دارای پروانه‌تاکسیرانی برای هر نوبت کاری موافقت می‌کند. ماده ۱۵ ـ در هر شـهر توسط شـهرداری به تعداد مورد نیاز هیاتهای سه نفره انضـباطی به منظوررسیدگی به تخلفات تاکسـیرانان و تاکسـی داران و نیز وظـایفی کـه در ایـن آییـن نـامه ذکر شـده اسـت ، مرکـب از نماینـده تاکسـی داران دارای پروانه بهره‌برداری یا نماینده اشـخاص حقوقی که به نمایندگی‌شـهرداری اقدام به حمل و نقل عمومی مسافر می‌نمایند یا تاکسـیرانان دارای پروانه تاکسـیرانی حسب مورد مطرح شده در هیات و نماینده شـهرداری و نماینده شورای اسـلامی شهر یا جانشین‌قانونی آن تشکیل خواهـد شد. تصـمیمات هیات قطعی و لازم‌الاجراست تبصـره ۱ ـ جلسات هیات مـذکور به ریاست نماینـده شورای اسـلامی شـهر یا جانشـین قانونی وی وبنا به دعوت شـهرداری ، حـداقل هر ماه یک بار ، در محل تعیین شده توسط شـهرداری و با حضور کلیه‌اعضـا تشـکیل و تصـمیمهای هیـات بـا اکـثریت دو رای وقـتی معتبر است که نماینـده شـهرداری یکی ازآن دو نفر باشـد. رای اقلیت نیز به صورت مسـتند و مستدل درج می‌شود. تبصره ۲ ـ هیات پس از وصول پرونـده تخلفات از شـهرداری ، به ذی نفع اعلام می‌نماید که ظرف ده‌روز توضـیحات خود را کتبـا برای هیـات ارسـال کنـد. پس از انقضـای مـدت مـذکور هیـات مکلف استظرف یک ماه بر حسب مورد و بر اساس مقررات تصـمیم مقتضـی اتخاذ نمایـد. تبصـره ۳ ـ در صـورتی که تخلف راننـده و دارنـده تاکسـی از جرایم منـدرج در سایر قوانین مملکتی ازجمله ق �۵۹C� انین جزایی باشد ، علاوه بر اعمال تصـمیمهای هیات انضباطی ، مراتب جهت اعمـال‌مقررات کیفری منـاسب به مراجع ذی صـلاح قضـایی نیز منعکس می‌شـود. تبصـره ۴ ـ افرادی کـه پروانه تاکسـیرانی آنهـا به صورت دایم باطل می‌شود ، حق ثبت نام مجدد برای‌دریافت پروانه جدیـد نخواهنـد داشت ماده ۱۶ ـ شـهرداری می‌تواند در تشکیل شرکتهای تعاونی مصـرف ، مسکن ، خدمات فرهنگی ، ورزشی و رفاهی ، خدمات پزشکی و درمانی ، خدمات تعمیرگاهی و تامین لوازم یـدکی ، حمایتاقتصـاد �۵۹C � و صـندوق قرض‌الحسـنه برای تاکسـیرانان و تاکسـیداران اهتمـام ورزیـده و در حـد امکان درزمینه تحقق نیازهـای فوق مشارکت نمایـد. ماده ۱۷ ـ شـهرداری برای تنظیم و اداره امور تاکسـیرانی در شـهر می‌توانـد در احداث ایسـتگاه تاکسـی ، ترمینالهـای درون شـهری ، مرکز معاملات تاکسـی و ایجـاد جایگاههـای توزیـع مـوقت و ایجـاد تسـهیلات‌برای راه‌اندازی سیستمهای ارتباطی از جمله بی‌سیم ، اقدامات لازم را معمول نماید. تبصره ـ استفاده از دستگاههای بی‌سیم منوط به کسب مجوزهای قان ۱۶۷۰ ونی لازم از دستگاههای‌ذی‌ربط است ماده ۱۸ ـ کلیه ضوابط ، آیین نامه ها و دسـتورالعملهای مغایر با مفاد این آیین نـامه از تاریـخ تصـویب‌ملغی می‌شود. مـاده ۱۹ ـ در اجرای مـاده (۶۲) قـانون شـهرداری وزارت کشور می‌توانـد در ارتبـاط با مسئولیتهای‌شهرداریها در امور تاکسیرانی هماهنگیهای لازم را ایجاد نماید.

قانون تفسیر تبصره یک ماده واحده قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی – مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۱

ماده واحده ـ با توجه به بند ۲ ماده ۱۹۹ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۹ اسفندماه ۱۳۴۷ و عبارت مصرح در قسمت اخیر آن (مگر اینکه مدت قبل از انقضا تمدید شده باشد) و به لحاظ اینکه از تبصره یک ماده واحد مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۳۱ استنباط

عدم امکان تمدید مدت نمی‌شود لذا تمدید مدت شرکت اتوبوسرانی عمومی قبل از انقضا بلامانع است

قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت – مصوب ۷/۱۲/۱۳۵۳

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه امور مربوط به راهنمایی و رانندگی و ترافیك اعم ازصدور پروانه رانندگی ـ نصب علایم ـ صدور اجازه نصب شماره اتومبیل (پلاك) و وسایط نقلیه درمحدوده قانونی شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می‌شود. تبصره ۱ ـ افسران و همچنین کارمندان و همردیفان و درجه‌داران و افراد با رعایت قوانین و مقررات استخدامی و کیفری مورد عمل نیروهای مسلح برای انجام امور محول به‌صورت مأمور در اختیار شهردار پایتخت گذارده می‌شوند لکن از نظر امور حفاظتی و امنیتی زیر نظر شهربانی کشور انجام وظیفه نموده و دستورات و خط مشی های صادره شهربانی کشور را اجرا خواهند کرد. تبصره ۲ ـ بودجه و اعتبارات مورد نیاز امور پرسنلی و تدارکات و تجهیزات پرسنلی مربوط به‌راهنمایی و رانندگی پایتخت همه ساله توسط شهرداری پایتخت تهیه و از طریق شهربانی کشوربررسی و یکجا به طور مشخص در بودجه سنواتی منظور می گردد. بودجه و اعتبارات و تجهیزات وتدارکات عمومی و سایر نیازمندیها به وسیله شهرداری تهیه و پس از تایید انجمن شهر به دولت پیشنهاد می گردد که یک قلم در بودجه کل کشور منظور و پس از تصویب به عنوان کمك هر ساله دراختیار شهرداری پایتخت قرار گیرد. تبصره ۳ ـ کلیه وسایط نقلیه موتوری و تجهیزات فنی و ارتباطی امور راهنمایی و رانندگی مربوط‌به محدوده شهر تهران که به هر نحو در اختیار اداره راهنمایی شهربانی کشور می‌باشد و همچنین کلیه تجهیزات و ساختمانهایی که در تهران از محل اخذ جریمه احداث یا خریداری گردیده است بلاعوض به شهرداری پایتخت واگذار می گردد. تبصره ۴ ـ اجرای کلیه قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقررات موضوعه مربوط به امور راهنمایی و رانندگی‌پایتخت همچنین کلیه اختیارات و وظایف که به موجب مقررات موضوعه مربوط به امر راهنمایی‌و رانندگی به شهربانی کشور واگذار گردیده است عینا در شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می گردد. تبصره ۵ ـ وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی اعم از موجودی و وصولی که طبق قانون نحوه رسیدگی به تخلف و اخذ جرایم رانندگی در تهران وصول می‌شود کلا در حساب مخصوص که توسط شهرداری پایتخت در بانك مرکزی ایران افتتاح می‌شود واریز و منحصرا به منظور بهبود امور راهنمایی و رانندگی و پارکینگ طبق آیین نامه خاص که به تصویب انجمن شهر خواهد رسید مصرف خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر یک ماده و پنج تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۷/۱۱/۱۳۵۳، در جلسه روز سه‌شنبه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و سه شمسی به‌تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون الحاق یک تبصره به قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت

ماده واحده ـ تبصره زیر به عنوان تبصره ۶ به ماده واحده قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی ورانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت مصوب سال ۱۳۵۳ اضافه می‌شود. تبصره ۶ ـ کلیه لوازم و تجهیزات از قبیل دستگاههای فرستنده و گیرنده و علایم و چراغهای راهنمایی و دستگاههای کنترل‌کننده مرکزی و وسایط نقلیه (به استثنای اتومبیل سواری شخصی و موتورسیکلت و ابزار و لوازم یدکی آنها که به تصویب هیات وزیران منحصرا برای مصارف اداره راهنمایی و رانندگی تهران خریداری و مستقیما به نام اداره مذکور از خارج وارد می‌شود از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض معاف خواهد بود، ولی هزینه گمرکی باید پرداخت شود.

قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ –مصوب ۱

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون سه تبصره به ذیل بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی‌جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۲۷/۴/۱۳۶۹ الحاق می‌گردد: تبصره ۱ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است کلیه امور راهنمایی و رانندگی شهرتهران را برابر با سیاستها و برنامه‌های شهرداری شهر تهران و در چهارچوب قانون به اجرا درآورد.تامین کلیه تجهیزات و تاسیسات و بودجه و امکانات مورد نیاز اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران به استثنای حقوق و مزایای پرسنل و تجهیزات مخابراتی و سلاح و مهمات بر عهده شهرداری شهر تهران می‌باشد. کلیه امکانات و تجهیزات موجود اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عینا دراین اداره باقی خواهد ماند. تبصره ۲ ـ اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عنداللزوم در زمینه برقراری امنیت برابر با ابلاغیه های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) انجام وظیفه می‌نماید. تبصره ۳ ـ چگونگی اجرای این قانون از جمله نحوه عزل و نصب رییس اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران با رعایت اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی (به استثنای موارد مربوط به امور امنیتی و انتظامی که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد) مطابق با آیین نامه ای می‌باشد که حداکثرظرف مدت شش ماه توسط وزارت کشور با هماهنگی و همکاری ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی – مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های بعدی

ماده ۱ ـ در شهرهایی که از طرف شهربانی کل کشور با موافقت وزارت کشور تعیین و آگهی می‌شودبه افسر شهربانی که آموزش لازم دیده و برای تشخیص تخلفات رانندگی تعیین شده باشند اجازه داده‌می‌شود که متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی را در محل و حین مشاهده تخلف متوقف کرده‌و جریمه نقدی را با تسلیم قبض رسید وصول نمایند. در صورتی که متخلف در محل از پرداخت جریمه خودداری کند مأمور مربوط برگه اخطاریه که زمان‌و محل وقوع تخلف و نوع آن و نام و شماره گواهینامه راننده و مشخصات وسیله نقلیه همچنین مشخصات مأمور مزبور در آن ذکر شده باشد به متخلف تسلیم می‌کند. در صورتی که متوقف ساختن وسیله نقلیه مقدور نباشد مأمور مربوط گزارش خود را که حاکی از مشخصات و شماره وسیله نقلیه و نوع تخلف و روز و ساعت و محل وقوع تخلف خواهد بود تنظیم و برای تعقیب متخلف به اداره مربوط تسلیم می‌کند. در مورد وسیله نقلیه‌ای که در محل غیرمجاز متوقف شده‌باشد در صورت عدم حضور متخلف مأموران مذکور می‌تواند اخطاریه مزبور را با ذکر مشخصات‌وسیله نقلیه و زمان و مکان وقوع تخلف و نوع آن و مشخصات خود به وسیله نقلیه الصاق نمایند.در هر یک از موارد فوق متخلف می‌تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ مندرج در اخطاریه جریمه مقرر رابه حسابی که از طرف خزانه داری کل تعیین و اعلام می‌شود پرداخت و رسید دریافت نماید تا نسبت‌به آن ظرف همان مدت با ذکر دلیل به دادگاه بخش اعتراض کند. به معترضینی که برای تسلیم اعتراض خود به دادگاه مراجعه می‌نمایند در صورتی که در همان موقع‌امکان رسیدگی به اعتراض آنها نباشد ورقه‌ای حاوی شماره اخطاریه مورد اعتراض تاریخ وصول اعتراض و وقت رسیدگی دادگاه داده می‌شود اعتبار ورقه مزبور تا تاریخ رسیدگی مندرج در آن است دادگاه پس از رسیدگی هرگاه اعتراض را وارد تشخیص نداد متخلف را به دو تا سه برابر اصل جریمه محکوم می‌نماید. هرگاه متخلف در موعد ۱۵ روز مهلت جریمه را پرداخت ننماید و اعتراض هم به دادگاه نکرده باشد جریمه را باید به مأخذ دو برابر مبلغ مندرج در اخطاریه به حساب خزانه‌داری کل‌بپردازد. اگر هیچگونه اقدامی ظرف مدت یکماه از تاریخ اخطاریه به عمل نیاید متخلف در ساعت اداری به‌دادگاه اعزام می‌شود و پس از رسیدگی نسبت به علت عدم پرداخت جریمه در صورتی که عذر او موجه تشخیص شود فقط به اصل جریمه والا به دو تا سه برابر آن محکوم می‌شود. تبصره ۱ ـ رسیدگی به تخلفات رانندگی وسایل نقلیه موتوری با دادگاه بخش است تبصره ۲ ـ چنانچه دادگاه ضمن رسیدگی گزارش مأمور مربوط را خلاف تشخیص دهد باید

مراتب‌را برای تعقیب مأمور به شهربانی کل یا ژاندارمری کل کشور اعلام نماید. تبصره ۳ ـ در شهر تهران متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی باید ظرف مدت پانزده روز ازتاریخ تسلیم برگ اخطاریه به راننده یا الصاق آن به وسیله نقلیه جریمه مقرر را در یکی از شعب بانک‌ملی به حسابی که از طرف شهرداری در بانک ملی مفتوح می‌شود پرداخت نمایند، در صورت‌عدم پرداخت جریمه در موعد مقرر مبلغ آن به دو برابر افزایش می‌یابد و متخلف مکلف است که‌این مبلغ را به حساب مذکور در فوق پرداخت نماید، چنانچه متخلف به نوع تخلف و جریمه تعیین‌شده در اخطاریه صادره اعتراض داشته باشد می‌تواند اعتراض خود را ظرف مدت پانزده (۱۵) روز ازتاریخ صدور اخطاریه با ذکر دلیل به دادگاه تسلیم کند، دادگاه پس از رسیدگی در صورت احراز تخلف‌متخلف را به پرداخت جزای نقدی معادل دو یا سه برابر اصل جریمه محکوم می‌نماید به تشخیص‌دادگاه مربوطه در مورد معترضینی که دارای عذر موجه باشند عدم رعایت پانزده (۱۵) روز مهلت‌اعتراض سلب حق اعتراض نمی‌نماید. تبصره ۴ ـ تطبیق میزان جریمه یا نوع تخلفات رانندگان توسط افسران یا مأمورین مجاز تعیین‌می گردد، که در شهر تهران وسیله کامپیوتر تنظیم و کنترل می‌شود و دادگاه فقط در صورت ضرورت‌گزارش تخلف را مطالبه و بررسی خواهد کرد. ماده ۲ ـ مجازات تخلفات رانندگی طبق آیین نامه از یکصد الی یکهزار ریال است ماده ۳ ـ (وجوه حاصل از محل جرایم رانندگی در حوزه هر شهر در حساب مخصوصی که از طرف‌خزانه افتتاح می‌شود نگهداری خواهد شد، بیست درصد وجوه مزبور را برای ایجاد توقفگاه ها(پارکینگ و اصلاح معابر در اختیار شهرداری محل گذارده می‌شود و ۸۰ درصد بقیه به عنوان درآمداختصاصی در اختیار شهربانی محل گذارده خواهد شد که برای تهیه وسایل خط‌کشی و نصب علایم و چراغ های راهنمایی و حسن انتظام عبور و مرور به مصرف برسد. نحوه مصرف وجوه مزبور به موجب آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد) خط‌کشی معابر در شهر تهران از وظایف شهرداری‌تهران خواهد بود. تبصره ۱ ـ در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۲ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰کل کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی در حوزه شهر تهران به درآمد عمومی منتقل و مازاد آن به حساب موضوع این ماده منظور می‌شود. از سال ۱۳۵۱ به طریقی‌که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. تبصره ۲ ـ در شهر تهران شهرداری می‌تواند به درجه‌داران دیپلمه و مأمورین مورد تایید اداره‌راهنمایی و رانندگی تهران که آموزش لازم دیده باشند اختیارات و وظایف افسران مندرج در ماده‌یک این قانون را از لحاظ تشخیص تخلف و صدور اخطاریه تفویض نماید و در شهرستانهای دیگربه پیشنهاد راهنمایی آن شهر و تصویب شهربانی مربوطه تفویض اختیار می‌شود. ماده ۴ ـ وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی در حوزه مسئولیت پلیس راه ژاندارمری کل‌کشور به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود و بر اساس بودجه‌ای که به‌پیشنهاد وزارت کشور و موافقت دفتر مرکزی بودجه و وزارت دارایی به تصویب هیأت وزیران‌می‌رسد به مصرف هزینه‌های مربوط به پیشگیری از تصادفات کمک به تهیه وسایل و لوازم‌مخابراتی و موتوری مورد نیاز پلیس راه ونیز ایجاد تأسیسات در جاده‌های خارج از محدوده شهرهاخواهد رسید نحوه مصرف وجوه مزبور طبق آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد. تبصره ـ در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۳ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰ کل‌کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی موضوع این ماده به درآمد عمومی منتقل‌و مازاد آن به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود از سال ۱۳۵۱ به طریقی‌که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. ماده ۵ ـ مأمورین مذکور در ماده ۱ این قانون می‌توانند حسب مورد و نوع تخلف گواهینامه رانندگی‌متخلف را با دادن رسید حداکثر تا یکماه ضبط نمایند، نوع تخلفات و مدت ضبط گواهینامه و نحوه‌جلوگیری از ادامه رانندگی راننده متخلف و مهلتی را که باید در موارد ضروری برای ادامه رانندگی‌موقت به راننده متخلف داد ضمن آیین نامه این ماده تعیین خواهد شد، رسید مزبور در مهلت مندرج‌در آن در حکم پروانه رانندگی است و ماده ۶ ـ محلهایی که توقف وسایل نقلیه در آن محل‌ها موجب بروز خطر و انسداد راه می‌شود بایدبا نصب علایم مخصوص رانندگی وسیله مسئولان مربوط مشخص شود، در صورت توقف وسایل‌نقلیه در این قبیل محلها و پیاده‌روها مأموران مربوط مجازند

بـا وسایل اطمینان بخشـی که برای این‌کار معمول است وسـیله نقلیه مزبور را به نزدیکترین توقفگاه یا منطقه مجاز انتقال داده جریمه مقررا با حق توقف در توقفگاه از متخلف دریافت کننـد. تبصـره ۱ ـ علایم مخصوص در سواره‌روهای مـذکور در این ماده بایـد از علایم معمولی توقف‌ممنوع متمایز باشـد. تبصـره ۲ ـ در شـهر تهران در تصادفـات وسایـل نقلیه که فقـط منجر به خسارت مالی شـده باشدراننـدگان مکلفنـد وسـیله نقلیه خـود را فـورا به کنـار معـابر هـدایت کننـد تـا توافق نموده یـا جهت بررسـی‌تقاضای اعزام افسر کارشناس نمایند و در صورت امتناع رانندگان از رفع سد معبر پلیس با وسایل‌مقتضی رفع سد معبر می‌نمایند و با مشاهده محل وقوع تصـادف از طرف افسـر راهنمـایی در صورت‌لزوم کروکی تصادف ترسـیم و با متخلف طبق ماده یک اقـدام می‌نماینـد. ماده ۷ ـ در شهرهایی که از طرف شـهرداری در خیابانها و معابر پارکومتر نصب و یا توقفگاه ایجادمی‌شود حق توقف متناسبی با تصویب انجمن شهر محـل دریـافت خواهـد شـد. ماده ۸ ـ در صـورتی کـه عـابر پیـاده در عبـور از سـواره‌رو و معـابر و خیابانهـا جز از نقـاطی که خط‌کشی‌شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز) از محل دیگری (محلهای غیرمجاز) عبور نمایدمتخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین نامه می‌باشد و در صورتی که دراین قبیل نقاط غیرمجاز وسـیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف نمایـد راننـده وسـیله نقلیه درصورتی که کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نموده باشد مسئول شـناخته نمی‌شود عدم‌مسئولیت راننده مانع اسـتفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. برای اجرای مقررات این‌ماده ادارات مسئول امر عبور و مرور بر حسب مورد (شـهربانی شـهرداری ژاندارمری مکلفند قبلا خیابان یا مسیر یا معبر مورد نظر را از حیث پیاده‌رو و خط‌کشـی و نصب چراغ و کلیه علایـم لازم وایمنی عابر پیاده و راننـدگان وسـیله نقلیه موتوری کاملا مهیا و تأمین کرده و مراتب را ۱۵ روز قبل ازتاریـخ اجرا وسـیله جرایـد و رادیو و تلویزیون به اطلاع عموم اهـالی برساننـد. تبصـره ـ در شـهر تهران در خیابانهایی که به وسایل ایمنی عبور عابر پیاده مجهز شده باشـند ومقررات زیر به وسیله شهرداری برای اطلاع عموم آگهی شود، عابر پیاده مکلف است فقط ازمحل‌هـای مخصـوص عـابر پیـاده عبور کنـد و در غیر این صورت اگر تصـادفی بین وسـیله نقلیه و عابرپیـاده در سواره‌رو واقع شود مشـروط بر آنکه راننده مست نبوده و گواهینامه مجاز رانندگی داشته باشدو با سرعت مجاز حرکت کرده و وسیله نقلیه او نقص فنی موثر در حادثه نداشـته باشـد و سه نفر افسـرارشد کارشـناس تصادفات راهنمایی و راننـدگی از این جهات عـدم مسـئولیت راننـده را گواهی نماینـد،مسـئولیت جزایی متوجه راننـده نخواهـد بود و راننـده آزاد خواهد شد و پرونده به مراجع قضایی‌جهت اقدام مقتضـی ارسال می‌شود عدم مسئولیت جزایی راننده مانع اسـتفاده شـخص متضرر ازحادثه از مقررات بیمه شخص ثالث نخواهد بود. ماده ۹ ـ راننـدگانی که ظرف یکسـال سه دفعه به اتهـام جرایم خلاـف مربوط به امور راننـدگی در دادگـاه‌محکوم شـده باشـند و یـا مرتکب تخلفاتی کردنـد که طبق آیین نامه امور خلافی راننـدگان مسـتلزم سه‌بار ثبت در پرونـده و منگنه نمودن گواهینامه رانندگی باشد به مدت ۶ ماه محرومیت از حق رانندگی‌محکوم خواهند شد و در صورتی که تخلف راننده بار دیگر به شرح فوق ظرف یکسال تکرار شودمدت محرومیت از حق رانندگی یکسال خواهد بود. هرگاه رانندگانی که گواهینامه آنها از طرف افسـران شـهربانی یا پلیس راه طبق ماده ۵ این قانون ومقررات مندرج در آیین نامه آن ضـبط شده باشد مبادرت به رانندگی نمایند در حکم اشخاصـی‌خواهند بود که بـدون پروانه رانندگی نموده‌اند. ماده ۱۰ ـ کلیه معاملات و نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری از لحاظ شـناسایی مالک آن نیز بایددر دفاتر شـهربانی کل ثبت شود. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از تنظیم سند خلاصه آن را به‌شهربانی محل نصب پلاک اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ برای وسایل نقلیه موتوری که در تهران شـماره‌گذاری شـده یا بشود از طرف اداره‌راهنمایی و راننـدگی شناسـنامه تنظیم خواهـد شـد و وسایل نقلیه‌ای که پس از انقضا یکسال از تاریـخ‌اعلام اداره راهنمایی و راننـدگی تهران بـدون اخـذ شناسـنامه مورد اسـتفاده واقع شود توسط افسـران ومأمورین تـا صـدور شناسـنامه یا ارایه آن متوقف می‌شونـد. در شـهر تهران نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری زمینی بایـد در اداره راهنمایی و راننـدگی ثبت گردد و در صورتی که وسـیله نقلیه فاقد شناسـنامه باشد و سـند انتقال در دفتر اسـناد رسـمی تنظیم شود سـردفتر مکلف است سند انتقال را به‌اداره راهنمایی و رانندگی ارسال دارد تا از طرف اداره

مـذکور پس از ثبت انتقـال شناسـنامه صادر و به‌صاحب آن تسـلیم گردد، صـدور رونوشت سـند معامله قبل از ارایه شناسـنامه جز به تقاضای مراجع‌رسـمی و همچنین نقل و انتقال وسایل نقلیه در دفتر اسـناد رسـمی پس از انقضا مهلت یکسال مذکور فوق بدون ارایه شناسـنامه ممنوع است سردفترانی که از اجرای مفاد این ماده تخلف کنند به پرداخت‌جزای نقدی از ده هزار ریال تا بیست هزار ریال در دادگاه انتظامی سردفتران محکوم خواهند شد. تبصره ۲ ـ در شهر تهران افسران و مأمورین اجرا فقط گواهینامه یا کارت رانندگی مخصوص‌وسایـط نقلیه متخلفینی را اخـذ می‌نماینـد که دارای تخلفـات پرداخت نشـده در مهلت مقرر باشـند، دراین مورد افسـران و مأمورین اجرا مکلفنـد با ارایه رسـید، یکی از مدارک فوق الذکر را اخذ و متخلف راجهت پرداخت وجوه جرایم به یکی از محلهای تعیین شـده در برگ رسـید راهنمایی نماینـد. متخلف می‌توانـد پس از پرداخت وجوه جرایم و ارایه رسـید، مـدرک خود را از محل تعییـن شـده‌تحویل گیرد. در صـورت عـدم ارایـه یکی از مـدارک فـوق الـذکر مـأمورین اجرا می‌تواننـد وسـیله نقلیـه را در یکی از پارکینگ ها متوقف و راننده را جهت پرداخت جریمه به یکی از مراجع تعیین شده هدایت نمایند تاپس از پرداخت جریمه بلافاصله وسیله نقلیه ترخیص گردد. صورت وضـعیت خلافهای پرداخت نشده که وسیله کامپیوتر تنظیم و جهت پرداخت مبلغ مذکور درآن به متخلف تسـلیم می‌گردد، در صورت پرداخت به بانـک نیمه دوم آن نیز به منزله رسـید است ماده ۱۱ ـ شهربانی و ژاندارمری کل کشور در حوزه مـأموریت خود مجازنـد موسـسات حمل‌ونقـل ومسـافربری زمینی را که خلاف مقررات و آیین نامه های حمل بار و مسـافر رفتـار نماینـد حـداکثر تـا یک‌مـاه تعطیـل کننـد. تعطیـل زایـد بر یک ماه تا یکسال با جلب موافقت دادسـتان شهرسـتان محل موسـسات مذکور خواهد بود رسـیدگی به اعتراض در مورد اول دادگاه بخش و در مورد تعطیل زاید بریک ماه با دادگاه شهرسـتان است و در هر دو مورد خارج از نوبت رسـیدگی می‌شود و حکم دادگاههاقطعی است آیین نامه حمل بار و مسافر و مـدت تعطیل از طرف وزارتخانه‌هـای کشور و دادگسـتری‌تهیه و به تصویب کمیسـیونهای کشور و دادگسـتری مجلسـین خواهـد رسـید. تبصـره ـ در مواردی که طبق این ماده مؤسسه حمل‌ونقل بار یا مسافر تعطیل می‌شود مؤسسه‌مکلف است ترتیب حمل بار و مسافر را که قبلا تعهد کرده به وسـیله موسـسات دیگر بدهد والا مسئول خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود. ماده ۱۲ ـ کسـانی که قبل از تصویب این قانون مرتکب تخلفات راننـدگی شده و جریمه مقرر رانپرداخته باشـند هرگاه ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به پرداخت اصل جریمه اقدام‌نماینـد از جرایم اضافی معاف خواهند بود. ماده ۱۳ ـ کلیه اختیـارات و وظایفی که به موجب این قانون به افسـران شـهربانی واگذار گردیده درخارج از حوزه استحفاظی شهربانی به پلیس راه ژاندارمری و افسران و درجه‌داران دیپلمه پلیس راه که‌برای این منظور آموزش لازم دیده باشـند محول می‌گردد. ماده ۱۴ ـ موسـسات حمل‌ونقل و رانندگان وسایل نقلیه بارکشی و بـاربری در راههـا مکلفنـد مقررات‌حمـل بـار در راههـای کشـور را کـه از طرف وزارت راه و ترابری تعییـن و اعلامـ می‌گردد دقیقا رعایت‌نماینـد. در صورت تخلف وسـیله نقلیه توسـط مأمورین پلیس راه متوقف و از متخلف توسط مأموران پلیس راه سه هزار ریال جریمه عـدول از مقررات حمل بار دریافت خواهـد شد، به وسـیله نقلیه‌موقعی اجازه حرکت داده می‌شود که مؤسـسه حمل‌ونقل و یا راننده وسـیله بارگیری وسـیله نقلیه را بامقررات حمل بار مطابقت دهد. ماده ۱۵ ـ قانون اعطای اختیار به افسـران شهربانی در وصول جرایم راننـدگی مصوب سال ۱۳۳۹ ازتاریـخ اجرای این قـانون ملغی است ماده ۱۶ ـ آیین نـامه هـای اجرایی مربوط به این قـانون به اسـتثنا آیین نـامه ماده ۱۱ از طرف‌وزارتخانه‌هـای کشـور و دادگسـتری تهیـه و پس از تصـویب هیـأت دولـت به موقع اجرا گـذارده می‌شود. ماده ۱۷ ـ وزارتخانه‌های کشور، دادگستری دارایی و راه مأمور اجرای این قانون هسـتند. توضیـح ضـروری تبصـره‌ای که به عنوان تبصره ۲ ماده ۱۰ درج گردیـده از نظر موضوع بـا مفاد ماده۱۰ بی‌ارتباط بوده و به نظر می‌رسـد تبصـره مذکور می‌بایست در ذیل ماده ۵ درج گردد و عنوان تبصـره۲ ماده ۱۰ منـدرج در بنـد (ز) لایحه قانونی اصـلاح قانون نحوه رسـیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۱۸، ۲۵/۴/۱۳۵۸) مبنی بر اشتباه‌باشد.

آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی – مصوب ۹/۵/۱۳۵۰ هیات وزیران

ماده ۱ ـ در شهرهاییکه طبق ماده یک قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی اجازه‌اخذ جرایم بافسران شهربانی داده می‌شود شهربانی کل کشور عده‌ای از افسران را که آموزش لازم‌دیده‌اند جهت اخذ جرایم نقدی از متخلفین مقررات راهنمایی و رانندگی در آن شهرها تعیین خواهدنمود. ماده ۲ ـ میزان جرایم مربوط به تخلفات از مقررات راهنمایی و رانندگی طبق جدولهای (الف ـ ب ـج ـ د) ضمیمه می‌باشد. تبصره ـ یکصد و بیست نوع تخلفات رانندگی به سه گروه تقسیم و تخلفات رانندگی مشابه در یک‌رده و جمعا در بیست فقره خلاصه شده و برای هر گروه جریمه‌ای به شرح زیر تعیین می گردد. گروه اول ـ تخلفاتی که جریمه آنها یکهزار ریال است به این شرح می‌باشد: ۱ ـ توقف منجر بسد معبر. ۲ ـ عدم توجه به چراغ راهنما و تابلو ایست ۳ ـ عبور و حرکت غیرمجاز. ۴ ـ حرکت مارپیچ و انحراف به چپ ۵ ـ سبقت‌های غیرمجاز. ۶ ـ سرعت غیرمجاز. گروه دوم ـ تخلفاتی که جریمه آنها پانصد ریال است ۱ ـ توقف‌های غیرمجاز. ۲ ـ عدم رعایت فاصله و حق تقدم ۳ ـ دور زدن و گردشهای غیرمجاز. ۴ ـ نقص‌های فنی و یا استفاده از لاستیک غیرمجاز. ۵ ـ همراه نداشتن هریک از مدارک لازم ۶ ـ عدم رعایت مقررات در سوار کردن مسافر یا سرنشین ۷ ـ استفاده از پلاک غیرمجاز یا نداشتن پلاک ۸ ـ عدم توجه به فرمان پلیس راهنمایی یا پلیس مدارس ۹ ـ استفاده از بوقها یا وسایل و علایم ممنوع شده ۱۰ ـ عدم رعایت مقررات در بارگیری و حمل یا تخلیه بار. ۱۱ ـ عدم رعایت هر یک از مقررات ایمنی مربوط به دید. گروه سوم ـ تخلفاتی که جرایم آنها دویست ریال می‌باشد: ۱ ـ عدم رعایت مقررات تعیین مسیر و جهت عبور و یا قصور در دادن علامت ۲ ـ عدم مقررات ایمنی درب وسیله نقلیه ۳ ـ عدم رعایت نظافت شهر. ماده ۳ ـ قبض رسید تمبردار که در قبال وصول جرایم داده می‌شود طبق نمونه‌ایکه از طرف شهربانی کل کشور پیشنهاد می گردد وسیله وزارت دارایی تهیه و در اختیار شهربانی گذارده خواهد شد. تبصره ـ در شهر تهران قبض رسیدی که در قبال وصول جرایم رانندگی داده می‌شود طبق نمونه‌ای‌خواهد بود که از طرف شهرداری تهران تهیه و در اختیار اداره راهنمایی و رانندگی تهران گذارده‌می‌شود. ماده ۴ ـ در مواردیکه وصول جریمه به علت همراه نداشتن وجه یا هر علت دیگری از متخلف درمحل مقدور نباشد افسر مربوطه یک نسخه از برگ اخطاریه را به راننده تسلیم یا به وسیله نقلیه الصاق می‌نماید. چنانچه متخلف از دریافت برگ اخطاریه خودداری نماید افسر استنکاف متخلف را در برگ ثانی اخطاریه قید و نسخه اول را به وسیله نقلیه الصاق می‌نماید. ماده ۵ ـ نسخه دوم برگهای اخطاریه که جرایم آنها توسط متخلفین پرداخت نشده در واحد مربوط‌جمع‌آوری و به ترتیب پس از انقضا ۱۵ روز مهلت قانونی با متخلف طبق مقررات قانونی عمل‌خواهد شد. ماده ۶ ـ در صورت تعدد خلاف و جریمه هر یک از تخلفات به میزان مقرره در جدول‌های مذکوردر ماده ۲ اخذ می گردد. ماده ۷ ـ شماره حساب در شعب بانکهای ملی دریافت کننده جرایم نقدی رانندگی توسط شهربانی‌هر محل به وسیله مقتضی به اطلاع عامه خواهد رسید. تبصره ـ در شهر تهران شماره حساب در بانک ملی ایران برای دریافت جرایم نقدی توسط‌شهرداری تهران افتتاح و به اطلاع عامه خواهد رسید. ماده ۸ ـ راننده متخلف می‌تواند وسیله شخص دیگری هم جریمه را به حساب مربوط بانکی‌پرداخت و قبض رسید دریافت دارد. تبصره ـ در شهر تهران راننده متخلف می‌تواند جز در مورد تخلفات مندرج در جدول نمرات منفی‌تخلفات که باید برای پرداخت جریمه شخصا و با در دست داشتن گواهینامه رانندگی به یکی ازشعب اجراییات اداره راهنمایی و رانندگی مراجعه کند وسیله شخص دیگری جریمه خود را به‌حساب بانکی پرداخت کند. ماده ۹ ـ شخص معترض می‌تواند ظرف ۱۵ روز پس از دریافت برگ اخطاریه یا الصاق آن به وسیله‌نقلیه به دادگاه مربوط مراجعه نماید. ماده ۱۰ ـ افسران مجاز گواهینامه رانندگی متخلفین را که به علت سرعت و سبقت غیرمجاز و تجاوزبه چپ ، عبور از جهت و مسیر ممنوع عدم رعایت حق تقدم نقص فنی عبور از چراغ قرمز. عدم‌توجه به فرمان پلیس راهنما و دور زدن در نقاط غیرمجاز جریمه شده‌اند با دادن رسید اخذ و جهتانعکاس تخلف در پرونده آنان به اداره راهنمایی ارسال می‌دارند. تبصره ۱ ـ

نقص فنی عبارت است از نداشتن چراغهای جلو و عقب ، نامیزان بودن چرخهای جلو یافرمان حساس و میزان نبودن ترمز پایی ، نداشتن عاج در سطح اتکا لاستیک چرخ ، نداشتن برف‌پاک کن در مواقع بارندگی و زنجیر چرخ در یخبندان و دود کردن تبصره ۲ ـ وسایط نقلیایکه رانندگان آنها در حال مستی مبادرت به رانندگی نمایند یا دارای نقص‌فنی باشد و یا رانندگان آن‌ها با وجود قید در گواهینامه رانندگی از عینك طبی استفاده نکنند توسطافسران مجاز متوقف و از ادامه حرکت آنها جلوگیری به عمل میاید و در مورد وسایط نقلیه‌ای که‌نقص فنی دارند به تعمیرگاه اعزام و پلاکهای شماره آن اخذ و پس از رفع نقص و تایید افسر کارشناس‌پلاکها مسترد می گردد. ماده ۱۱ ـ اعتبار رسید گواهینامه رانندگانی که مرتکب تخلفات مندرج در ماده ۱۰ شده‌اند پنج روزمی‌باشد. راننده باید ظرف این مدت به اداره راهنمایی و رانندگی مراجعه نماید و در صورتی که‌مشمول مقررات ماده ۹ قانون نباشد گواهینامه او پس از انعکاس تخلف در پرونده مسترد می گردد. تبصره ـ به رانندگان متخلف مندرج در ماده ۱۰ این آیین نامه برای ادامه رانندگی موقت در مواردضروری و بر حسب مورد تا پنج روز مهلت داده می‌شود و مدت مهلت در رسید ذکر می گردد. ماده ۱۲ ـ در صورتی که افسران مجاز وسیله نقلیه فاقد شماره‌ای را در معابر عمومی مشاهده کنندعلاوه بر اخذ جریمه از ادامه حرکت اتومبیل جلوگیری به عمل میاورند. ماده ۱۳ ـ دادگاه مکلف است پس از صدور حکم محکومیت رانندگانی که به علت ارتکاب تخلفات‌مستی حین رانندگی ، تجاوز به چپ ، سرعت غیرمجاز. سبقت غیرمجاز. عبور از چراغ قرمز. عبور ازمسیر ممنوع عدم رعایت حق تقدم ، امتناع تاکسی از سوار کردن مسافر. نرساندن مسافر به مقصد.عدم استفاده از تاکسیمتر با داشتن مسافر و دور زدن در نقاط غیرمجاز محکوم شده‌اند مراتب‌محکومیت و نوع تخلف را جهت درج در پرونده صاحب گواهینامه به اداره راهنمایی اعلام نماید تامفاد ماده ۹ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی به مورد اجرا گذارده شود. ماده ۱۴ ـ گواهینامه رانندگانی که به علت تکرار در ارتکاب تخلف مندرج در ماده ۱۰ منگنه می‌شودحداکثر برای مدت یك ماه و به شرح زیر ضبط می گردد: ۱ ـ برای دو منگنه در یکسال ۱۰ روز. ۲ ـ برای سه منگنه در یکسال ۲۰ روز. ۳ ـ برای بیش از سه منگنه در یکسال ۳۰ روز. تبصره ـ در شهر تهران اداره راهنمایی و رانندگی می‌تواند گواهینامه رانندگانی را که ظرف مدت‌یك سال دارای ده نمره منفی باشند برای مدت یك ماه ضبط نماید. ماده ۱۵ ـ مقررات این آیین نامه در نقاطی که در حوزه استحفاظی ژاندارمری کشور قرار دارد به وسیله‌افسران و درجه‌داران دیپلمه پلیس راه که آموزش لازم دیده باشند اجرا می‌شود. ماده ۱۶ ـ کلیه اختیاراتی که در آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم‌رانندگی به شهربانی کشور داده شده است در تهران به شهرداری تهران واگذار می‌شود. ماده ۱۷ ـ هرکس با باز کردن قفل مخصوص وسایل نقلیه‌ای که از طرف اداره راهنمایی و رانندگی‌متوقف شده است به رانندگی با آن اقدام کند و یا محل آن را تغییر دهد به پنجهزار ریال جزای نقدی‌محکوم می‌شود.

قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین – مصوب ۲۸/۱۲/۷۳

مصوب ۲۸/۱۲/۷۳ ماده ۳۲ ـ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰ خرداد ۱۳۵۰ واصلاحات بعدی آن و آیین نامه های اجرایی قانون مذکور به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ ـ در صورتی که متخلف ظرف یك ماه پس از تاریخ اخطاریه ، جریمه را پرداخت ننماید جریمه رابایـد به ماخذ دو برابر مبلغ مندرج در اخطاریه به حسابهایی که به همین منظور توسط خزانه افتتاح خواهد شد بپردازد. جرایم موضوع این ماده مشمول مرور زمان نخواهد بود. ۲ ـ مجازات تخلفات رانندگی از دو هزار (۲۰۰۰) ریال الی یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال به تناسب جداول موجود تعیین می‌شود. ۳ ـ کلیه وجوه حاصل از جرایم رانندگی در شهرها و جاده‌ها بایـد به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود. همه ساله مبالغی به ترتیب زیر از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هرسال منظور می‌شود ، در اختیار دستگاههای مربوط قرار خواهد گرفت الف ـ معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه حاصل از جرایم رانندگی در هر یك از شهرها که به حساب‌درآمد عمومی کشور واریز می‌شود ، از محل اعتبار فوق الذکر به حساب

شهرداری مربوط واریزمی‌شود تـا جهت ایجـاد توقفگاه و ایجاد و اصـلاح و تعمیر و مرمت معابر و پل‌های زیر گـذر و روگـذرهزینه نمایـد. ب ـ معادل پنجاه درصد (۵۰٪) بـاقی مانـده از وجوه حاصل از جرایم راننـدگی در هر یک از شـهرها وهمچنین معادل هفتاد درصد (۷۰٪) کلیه وجوه حاصـل از جرایم راننـدگی در جاده‌هـا که به حساب‌درآمـد عمومی کشور واریز می‌شود ، از محـل اعتبـار مذکور در اختیار نیروی انتظامی قرار خواهدگرفت تا سه درصد (۳٪) آن را جهت تشویق به مأمورانی که تخلف را تشخیص و اقدام به صـدوراخطاریه می‌نماینـد و نیز ایجـاد انگیزه ، تلاش و ترغیب و تشویق سایر مأموران مربوطه به منظور اجرای هر چه بهتر وظایف محوله هزینه نمایـد مـابقی وجوه مـذکور جهت حسن انتظـام عبور و مرور ، آموزش ، اقـدامات پیشـگیرانه و تهیه وسایـل و قطعـات مخابراتی و وسایل نقلیه موتوری و لوازم آن وهمچنین هزینه سوخت و نگهـداری آنها ، خریـد اراضـی و احـداث و اجاره ابنیه مورد نیـاز ، تجهیزات وعلاـئم ، تهیه وسایـل آموزش همگـانی ، اعزام احتمـالی پرسـنل نیروی انتظامی جمهوری اسـلامی ایرانبه خارج از کشـور جهت مطـالعه و بازدیـد از مؤسـسات آموزشـی و ترافیکی و پرداخت حـق التـدریس برای آمـوزش راهنمـایی و راننـدگی به مصرف برسد ، همچنین معادل سی درصد باقی مانده وجوه حاصل از جرایم رانندگی در جاده‌ها در اختیار وزارت راه و ترابری قرار خواهد گرفت تا جهت رفع‌نقایص و خسارات و تأمین علائم و تجهیزات ایمنی در راهها مصرف گردد.

قانون لغو موارد مصرف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین – مصوب ۲۳/۹/۷۶

ماده واحـده ـ از اول فروردین ماه سال ۱۳۷۷ موارد مصـرف کلیه وجوهی که از بابت درآمدهای موضوع مواد مختلف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصـرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه های بعدی آن به عنوان درآمـد برای مصـرف یـاموارد خـاص در بودجه کـل کشور منظور می‌شود لغو می گردد. تبصـره ـ دولت می‌توانـد متنـاسب با فعالیتهای درآمدی دستگاههای ذینفع اعتبارات مناسبی را درلوایح بودجه سالانه منظور نماید.

لایحه قانونی راجع به مجازات متخلفین از اجرای مقررات طرح‌جدید ترافیک (مرحله سوم) – مصوب ۱۷/۳/۱۳۵۹

ماده ۱ ـ از تاریـخ اجرای طرح جدیـد ترافیـک (مرحله سـوم تردد وسایـط نقلیه در ساعـات و محـدوده‌ای از شـهر که از سـوی اداره راهنمـایی و راننـدگی تهران تعیین و به اطلاـع عموم می‌رسـد ممنوع بوده و متخلفین از اجرای این مقررات مبلغ یکهزار ریال جریمه خواهند شد.و ماده ۲ ـ عبور و توقف وسایط نقلیه غیرمجاز در مسیر ویژه ممنوع بوده و متخلفین مبلغ یکهزارریال جریمه خواهند شد. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف – مصوب ۲۴/۲/۱۳۵۶

مـاده واحـده ـ افسـران و درجه‌داران دیپلمه مـأمور راهنمـایی و راننـدگی شـهرداری پایتخت مکلفنـد درمحـدوده قانونی شـهر تهران راننـدگان موتور سـیکلت یـا موتورگـازی را که در پیاده‌رو مبادرت به‌راننـدگی می کننـد و یا در جهت مخالف مسیر مجاز حرکت می‌کننـد و یـا به وسـیله لوله خروج دود عمـدا صـدای ناهنجار ایجاد می‌کننـد علاوه بر اخـذ جزای نقـدی مقرر در آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده۱۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب خرداد ماه سال ۱۳۵۰، موتورسیکلت یا موتورگازی آنان را از سه ماه تا شـش ماه به ترتیب زیر توقیف نمایند. الف ـ ایجاد صدای ناهنجار لوله خروج دود سه ماه توقیف موتور سیکلت یـا موتورگـازی ب ـ راننـدگی در پیـاده‌رو سـه مـاه و در صـورتی که همراه بـا صـدای ناهنجـار لـوله خروج دود باشـد شـش‌ماه ج ـ راننـدگی در جهت مخالف مسیر مجاز سه ماه و در صورتی که همراه با صـدای ناهنجار لوله خروج دود باشد شـش ماه تبصـره ۱ ـ

مقررات این قانون در سایر شـهرها یا شهرکها و یا روستاها و یا راههای کشور بنا به‌پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران از تاریخی که در آگهی تعیین شود به وسیله افسران شـهربانی یا پلیس راه یا ژاندارمری بر حسب مورد اجرا خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورتی که عمل متهم با ماده جزایی دیگری قابل انطباق باشد اجرای این ماده مانع‌تعقیب کیفری او نخواهد بود. تبصره ۳ ـ آیین‌نامه اجرایی این قـانون متضـمن ترتیب توقیف موتورهـا و هزینه نگهـداری و ترتیب‌استرداد آنها و سایر موارد مربوط در محـدوده قانونی شهر تهران توسط شـهرداری پایتخت و در سایرنقاط توسط شـهربانی و ژانـدارمری بر حسب مورد تهیه و پس از تایید وزارتخانه‌های کشور ودادگستری قابل اجرا خواهد بود.

آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف – مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۶

فصل اول ــ شهر تهران (ماده ۱ تا ۷)

ماده ۱ ـ مأمورین اداره راهنمایی و راننـدگی تهران پس از مشاهـده هر یک از تخلفات ذیل موتورسـیکلت یا موتور گازی را به نحو مقتضی به پارکینگ منتقل می‌نمایند و وسایل مزبور مطابق قانون‌تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف مصوب ۱۳۵۶ حسب مورد تخلف به شـرح زیرتوقیف می‌شونـد: الف ـ ایجـاد صـدای ناهنجار لوله خروج دود۳ مـاه ب ـ رانـنـدگی در پیاده‌رو ۳ ماه و در صورتی‌که همراه با صـدای ناهنجار لوله خروج دود باشـد.۶ ماه ج ـ راننـدگی در جهت مخالف مسیر مجاز ۳ مـاه و در صورتی که همراه با صـدای ناهنجار لوله خروج‌دود باشـد.۶ ماه تبصـره ـ پس از توقیف وسـیله به راننـده آن توسط مسئولان مربوط رسـید داده خواهد شد. ماده ۲ ـ شهرداری تهران موظف است محلهای مناسبی را به منظور نگهداری موتور سیکلت‌ها وموتورهای‌گازی توقیفی تعیین و یا پرسنل مورد نیاز در اختیار اداره راهنمایی و رانندگی قرار دهد. تبصـره ـ هزینه نگهداری موتور سیکلت یا موتورگازی به ازا هر روز ۵۰ ریال خواهد بود. ماده ۳ ـ ترخیص موتور سیکلت یا موتورگازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت‌جریمه متعلقه و هزینه نگهداری می‌باشد. ماده ۴ ـ مسئولین پارکینگ پس از دریافت گواهی مبنی بر پرداخت جریمه و هزینه نگهداری که به‌تاییـد اداره راهنمـایی و راننـدگی رسـیده باشـد موتورسـیکلت یـا موتورگـازی توقیفی را به مالـك قانونی‌یا وکیل مسترد می‌دارد. تبصـره ـ در صورتی که موتور سیکلت یا موتور گازی هنگام ترخیص دارای تخلفات دیگر مشمول‌آیین نامه و راهنمایی و رانندگی باشد وفق همان مقررات عمل خواهد شد. ماده ۵ ـ در صورت عدم مراجعه مالك موتورسیکلت یا موتورگازی جهت ترخیص وسیله پس ازمـدت توقیف مقرر در قانون به ازا هر روز نگهداری اضافی وسـیله مذکور در پارکینگ ، مالك موظف‌است مبلغ ۸۰ ریال به عنوان هزینه نگهـداری بپردازد. مـاده ۶ ـ در صـورت عـدم مراجعـه مالـك پس از یکسـال از زمـان توقیـف شــهرداری تهران برای وصول‌جرایم و هزینه نگهـداری از طریق مراجع قضـایی ذیصـلاح اقـدام می‌نمایـد. مـاده ۷ ـ وجـوهی که به عنـوان هزینه نگهـداری مذکور در این آیین نامه وصول می‌شود در اختیارشهرداری تهران قرار می گیرد.

فصل دوم ــ شهرها ، شهرکها ، روستاها و راههای کشور (ماده ۸ تا ۱۱)

ماده ۸ ـ در محـدوده قانونی شـهرها ، شـهرکها ، روسـتاها و راههای کشور ، در صورتی که رانندگان‌موتور سـیکلت یا موتورگازی مرتکب هر یـک از تخلفات منـدرج در ماده ۱ و بنـدهای سه گانه آن‌شونـد به مجازاتهای مقرر در همان ماده محکوم خواهنـد شد. ماده ۹ ـ مأمورین راهنمایی و راننـدگی شـهربانی و پلیس راه ژانـدارمری موظفنـد پس از مشاهده هریك از تخلفات مندرجه در بند

الف ، ب ، ج ماده ۱ موتور سیکلت یا موتورگازی را به نحو مقتضی‌جهت نگهداری ، به راهنمایی و رانندگی ، کلانتری ، پاسگاه ژاندارمری و یا در صورت لزوم به‌پارکینگ اختصاصی منتقل می‌نمایند و پس از تعیین میزان توقیف بر حسب مورد تخلف به راننده‌آن رسید دهند. تبصره ـ هزینه نگهداری موتورسیکلت یا موتورگازی ، چنانچه در پارکینگ‌های اختصاصی‌نگهداری شوند ، به ازا هر روز برابر نرخ مصوبه محلی خواهد بود. ماده ۱۰ ـ ترخیص موتور سیکلت یا موتورگازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت‌جریمه متعلقه و هزینه نگهداری در پارکینگ اختصاصی و ارایه برگ ترخیص از سوی مرجع توقیف‌کننده می‌باشد. ماده ۱۱ ـ در صورت عدم مراجعه مالک پس از یکسال از زمان توقیف ، شهربانی یا ژاندارمری به‌منظور وصول جرایم و هزینه نگهداری در پارکینگ اختصاصی و تعیین تکلیف موظفند مراتب را به‌مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نمایند.

فصل سوم ـ مقررات عمومی (ماده ۱۲ تا ۱۳)

ماده ۱۲ ـ در رسیدی که به صاحب وسیله داده خواهد شد حسب مورد تبصره ماده ۲ و نیز مواد ۳ و۴ و ۵ و ۶ و یا تبصره ماده ۹ و نیز مواد ۱۰ و ۱۱ و مفاد آن به صاحب وسیله تفهیم خواهد شد. ماده ۱۳ ـ جرایم موضوع قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف که در مواد ۴ و ۱۰این آیین نامه به آنها اشاره شده است به حساب خزانه واریز خواهد شد. این آیین نامه مشتمل بر ۱۳ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۲۸/۴/۶۶ به تصویب شورای عالی قضایی ووزارت کشور رسید.

آیین نامه اجرایی قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت‌های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی – مصوب ۱۳۷۵

فصل اول ـ نحوه احراز مالکیت و شماره‌گذاری (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ در مورد موتور سیکلت‌هایی که اسناد و مدارک مالکیت آنها (برگ فروش شرکت یا کارخانه‌سازنده ، برگ فروش سازمان یا ارگان دولتی و سند رسمی به نام متصرف نیست و متصرف‌دسترسی به‌مالک ندارد و قادر به‌معرفی وی نمی‌باشد همچنین موتورسیکلت‌های فاقد مالکیت‌رسمی ، ضمن بازدید کاردان فنی ، نظریه اداره آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، نظریه مرجع‌صادرکننده برگ فروش در مورد اصالت سند ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی که به تایید دفتراسناد رسمی رسیده باشد اخذ و شماره‌گذاری با رعایت ضوابط قانونی انجام می‌شود. ماده ۲ ـ در مورد موتور سیکلت‌هایی که فاقد هرگونه اسناد و مدارک مالکیت می‌باشند ، پس ازبازدید کاردان فنی ، نظریه آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی وضمانت معتبر که امضای ضامن توسط دفتر اسناد رسمی گواهی شده باشد ، شماره‌گذاری می‌شود. ماده ۳ ـ موتورسیکلت‌هایی که متصرفان آنها جهت شماره‌گذاری مراجعه می‌نمایند برابر فرم‌تنظیمی پیوست این آیین نامه در دو نسخه احراز مالکیت شده و شماره‌گذاری به نام متصرف برابرمقررات انجام می‌شود.

فصل دوم ـ نحوه نگهداری موتورسیکلت‌های توقیف شده و تعیین تکلیف آنها (ماده ۴ تا ۶)

ماده ۴ ـ روش اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون یاد شده شامل نحوه اقدام مأموران انتظامی ، روش انتقال موتورسیکلت‌ها به توقفگاه و چگونگی نگهداری مناسب موتورسیکلت‌های توقیف‌شده طی دستورالعملی خواهد بود که توسط نیروی انتظامی

جمهوری اسلامی ایران تهیه و به‌واحدهای اجرایی ذی‌ربط ابلاغ خواهد شد ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند درصورتی که توقفگاه لازم و مناسب در اختیار نداشته باشد ، با هماهنگی لازم از توقفگاههای‌شهرداری استفاده نماید. ماده ۵ ـ متصرفان موتورسیکلت‌هایی که به موجب ماده (۴) این آیین نامه توقیف شده‌اند موظفندحداکثر ظرف شش ماه از تاریخ توقیف ، با در دست داشتن اسناد و مدارك مربوط به منظور تعیین‌تکلیف موتورسیکلت‌های خود به واحد شماره‌گذاری مراجعه نمایند. ماده ۶ ـ تکلیف موتورسیکلت‌هایی که در اجرای قانون یادشده در توقفگاهها توقیف گردیده ومالکیت آنها به ترتیبی که در مواد (۱) ، (۲) و (۳) این آیین نامه درج گردیده به اثبات نمی‌رسد یامدعی مالکیت مراجعه نمی‌کند ، پس از انقضای مهلت شش ماه از تاریخ توقیف ضمن هماهنگی بامقامات قضایی مشخص می‌شود.

فصل سوم ــ وجوه دریافتی از متقاضیان بابت ایجاد تسهیلات لازم و نحوه هزینه آن (ماده ۷ تا ۱۱

ماده ۷ ـ در اجرای تبصره (۲) قانون یاد شده جهت شماره‌گذاری هر دستگاه موتورسیکلت مبلغ‌پنجاه هزار ریال پس از احراز مالکیت و قبل از شماره‌گذاری از مالك اخذ و به حساب درامد عمومی‌واریز می‌شود. ماده ۸ ـ به ازای هر روز توقف موتورسیکلت در توقفگاه ، متناسب با عرف روز از مالك یا متصرف‌آن هزینه نگهداری دریافت و درامد حاصل شده به مالك حقیقی یا حقوقی توقفگاه تعلق خواهدگرفت ماده ۹ ـ نقل و انتقال موتورسیکلت قبل از شماره‌گذاری ممنوع می‌باشد. در صورتی که دفاتر اسنادرسمی مبادرت به نقل‌وانتقال این قبیل موتورسیکلت‌ها نمایند با آنها برابر مقررات رفتار خواهد شد. ماده ۱۰ ـ پس از اقدام به شماره‌گذاری چنانچه شماره مفقود گردد صدورالمثنی تابع مقررات راجع‌به صدور شماره المثنی برای خودروها خواهد بود. ماده ۱۱ ـ هر نوع جعل و تزویر نسبت به اسناد فوق الذکر جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین‌به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد.

قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه – مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴

ماده واحده ـ به شهرداری تهران اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات‌مربوط و بهره‌برداری از آن شرکتی بنام شرکت راه آهن شهری تهران و حومه تاسیس نماید. سرمایه‌شرکت مزبور از طرف دولت تامین و در اختیار شهرداری گذارده می‌شود. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. اساسنامه شرکت ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف شهرداری تهران پیشنهاد و پس از موافقت وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تایید هیأت وزیران برای تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین تقدیم خواهد شد. تبصره ۱ ـ آیین‌نامه مربوط به مقررات مالی و معاملاتی شرکت به تصویب مجمع عمومی خواهدرسید و آیین نامه استخدامی پس از تایید شورای حقوق و دستمزد تصویب مجمع عمومی شرکت می‌رسد. تبصره ۲ ـ شرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه تامین نیازمندیهای خود از زیر اراضی و املاك محدوده قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید ودر مواردی که برای نقشه برداری و گمانه زدن ورود به منازل و اماکن عمومی ضروری تشخیص شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام می‌نماید. شرکت مکلف است پیش‌بینی‌های لازم را برای‌جلوگیری و جبران هرگونه صدمه و خسارت به جان و مال اشخاص بنماید. در صورت وقوع خسارت به مستحدثات میزان خسارت وارده طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب‌اسفندماه ۱۳۵۱ پرداخت می‌گردد. در صورت احتیاج به تملك زمین یا مستحدثات برای اجرای این‌قانون از مقررات مذکور استفاده خواهد شد. تبصره ۳ ـ

مقررات مواد ۹، ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹ و همچنین قـانون‌کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقـات آن در مورد راه آهن شـهری تهران وحومه اجرا خواهـد شـد. وظـایف و اختیـارات راه و راه آهن دولـتی ایران در قانون کیفر بزه‌های مربوط به‌راه آهن در این مورد به عهده شرکت راه آهن شهری تهران و حومه خواهد بود.

لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه مصوب ۱۵ تیر ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی

مـاده یکم ـ به دولت اجـازه داده می‌شود به منظور احـداث راه‌آهن شـهری و تاسـیسات مربوط و بهره برداری از آن شـرکتی بنام راه آهن شـهری تهران و حومه (مترو) تاسـیس نمایـد. شـرکت دارای شخصـیت حقوقی و اسـتقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسـنامه مربوط اداره می‌شود. تبصره ۱ ـ شـرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه و تامین نیازمندیهای خود از زیر اراضـی و املاک محدوده قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای انجـام امور فنی و اجرایی ورود به منـازل و محلهای کسب و اماکن عمومی ضـروری تشـخیص داده شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادسـتان شهرسـتان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام نماید. در صورتی که بر اثر عملیـات اجرایی مترو خسارتی به مسـتحدثات اشـخاص وارد شودمیزان‌خسارت‌وارده (طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسـفندماه ۱۳۵۱) قابل پرداخت می‌باشد. تبصـره ۲ ـ مقررات مـواد ۹ و ۱۰ و ۱۳ قـانون ایمنی راهها و راه‌آهن مصوب تیرماه ۱۳۴۹ وهمچنین قـانون کیفر بزه‌هـای مربوط به راه‌آهن مصوب سـال ۱۳۲۰ و ملحقـات آن در مورد راه آهن شـهری تهران و حومه اجرا خواهـد شـد. وظـایف و اختیارات وزارت راه و راه‌آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن در این‌مورد به عهـده راه‌آهن شـهری تهران و حومه (مترو) خواهـد بود. تبصـره ۳ ـ آن قسـمت از تصـمیمات مجمع عمومی گذشـته که بدون حضور عضو سوم با دو رای موافق تصویب و به مرحله اجرا درامده است مشروط بر آنکه به تصویب مجمع عمومی مندرج در اساسـنامه مربوط برسـد معتبر است مـاده دوم ـ به منظور تـامین همـاهنگی در امور اجرایی احـداث راه‌آهن شـهری (مترو) شورایی به نـام‌شورای همـاهنگی مرکب از هفت نفر به شـرح زیر تشـکیل می‌گردد: ۱ ـ شـهردار تهران یا قایم‌مقام شـهردار. ۲ ـ معـاون سازمان برنـامه و بودجه ۳ ـ مـدیرعامل سازمـان آب تهران ۴ ـ مـدیرعامل شـرکت برق منطقه‌ای تهران ۵ ـ مـدیرعامل شـرکت مخابرات ۶ ـ مدیرعامل شرکت گاز. ۷ ـ رییس هیات مدیره و مدیرعامل شـرکت راه‌آهن شـهری (مترو(همچنین مسئولان سایر سازمانهایی که به تشـخیص شـهردار تهران حضور آنها در جلسات شورای‌هماهنگی لازم است وظایف شورای هماهنگی عبارتست از ایجاد هماهنگی در کارهای اجرایی راه‌آهن شهری که با تاسیسات یا طرحهای سازمانهای مختلف ارتباط حاصل می‌کند و رفع مشکلاتی که از عدم رعـایت هماهنگی ممکن است پیش آیـد و همچنین اتخاذ تصـمیم نسبت به کلیه مسایلی که از طرف هیات مـدیره شـرکت راه‌آهن شهری تهران و حـومه (مـترو) و یـا سـایر اعضـا شـورا در این زمینه مطرح می‌شـود. تصـمیمات شـورا در این گـونه مـوارد برای کلیه سازمانهای ذیربط لازم‌الاجرا خواهـد بود. تبصـره ۱ ـ تشـکیل جلسات شورای هماهنگی با پیشـنهاد رییس هیات مـدیره و مـدیرعامل شرکت‌راه‌آهن شهری (مترو) و دعوت شهردار تهران به عمل خواهد آمد. تبصره ۲ ـ ریاست شورای هماهنگی با شهردار تهران است ماده سوم ـ بررسـی و تصویب اساسنامه و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به وابستگی شرکت به‌کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور ـ شهرداری تهران ـ سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه تفویض می‌گردد.

لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران

ماده ۱ ـ شهرداری تهران موظف است علاوه بر بهره‌برداری از ترمینال موجود به تدریج نسبت به احداث ترمینالهای جدید متناسب با

نیاز شهر در شرق و غرب و شمال تهران اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه با توجه به امکانات دولت مکلف به تامین اعتبار لازم جهت احداث ترمینالهای‌جدید خواهد بود. ماده ۲ ـ شهرداری تهران غرفه های ترمینالهای شهر را به شرکتهای مسافربری که طبق شرایط خاص‌تشکیل می‌شود در مقابل اخذ اجاره بهای مناسب به صورت نمایندگی واگذار می‌نماید. شرایط‌تشکیل این شرکتها بر طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران بر اساس قوانین مصوب وزارت راه و ترابری و همکاری آن وزارت تهیه و به تصویب شورای شهر و در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. شرکتهای تعاونی متشکل از دارندگان اتوبوسها و کارکنان‌شرکتهای مسافربری موجود اولویت خواهند داشت تبصره ـ شرایط واگذاری غرفه‌ها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران تهیه و به‌تصویب شورای شهر یا در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند می‌تواند محل را باتوجه به شرایط واگذاری نمایندگی و با اخطار قبلی لااقل یکماه تصرف کند. ماده ۳ ـ مالکیت و مدیریت تاسیسات ترمینالها و مسئولیت خدمات با شهرداری تهران می‌باشد.شهرداری تهران موظف به نظارت بر برنامه ریزی مسافربری و کیفیت عرضه خدمات شرکتها خواهدبود. تبصره ـ حدود وظایف و اختیارات و نظارت شهرداری تهران و خدمات شرکتها بر طبق آیین نامه جداگانه‌ای خواهد بود که بر اساس ماده دوم و تبصره ذیل آن مشخص خواهد شد. ماده ۴ ـ شروع کار ترمینال و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری همزمان انجام‌خواهد شد. زمان و محدوده ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری حداقل یکماه قبل از شروع‌توسط شهرداری تهران اعلام می‌شود. ماده ۵ ـ سایر شهرداریهای شهرهای بزرگ کشور که جمعیت آنها بیش از یکصد هزار نفر باشند موظفند نسبت به ایجاد ترمینال مسافربری بین شهری در محلهای مناسب بر اساس مفاد این قانون باتوجه به امکانات اقدام نمایند. ماده ۶ ـ کلیه مقررات و قوانین مغایر و آیین نامه های موجود که مغایر با مفاد این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه‌های مسافربری و ممنوعیت تردد

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه‌های مسافربری و ممنوعیت تردد آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه‌های مسافربری و ممنوعیت تردد آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه‌های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری برون شهری در داخل شهر تهران – مصوب ۱۰/۸/۷۴ هیات وزیران ماده ۱ ـ شهرداریها غرفه‌های موجود در پایانه‌های مسافربری شهر را به شرکتهای مسافربری که طبق ضوابط وزارت راه و ترابری تشکیل می‌شوند جهت انجام خدمات مسافربری تحت شرایط زیر به‌صورت نمایندگی در مقابل اخذ اجاره بها و از طریق انعقاد قرارداد واگذاری ، واگذار می‌نمایند. تبصره ـ در واگذاری غرفه‌های پایانه‌های مسافربری شهر ، شرکتهای تعاونی مسافربری و شرکتهای مسافربری که قبل از اصلاح قانون در ترمینالها مستقر بوده‌اند اولویت خواهند داشت ماده ۲ ـ مبنای مال‌الاجاره ماهانه غرفه‌های قابل واگذاری به شرکتهای مسافربری به وسیله یک نفراز کارشناسان رسمی دادگستری که توسط شهرداری شهر انتخاب می گردد ، تعیین می‌شود ، تا با انجام‌تشریفات مزایده در حضور نمایندگان شهرداری شهر و سازمان حمل و نقل و پایانه های استان ، مبلغ قطعی مال الاجاره مشخص گردیده و از شرکت استفاده کننده غرفه اخذ شود. تبصره ۱ ـ کارشناس منتخب مذکور اجاره بهای ماهانه غرفه واگذار شده را با رعایت ارزش عرصه‌و اعیان و موقعیت غرفه متناسب با آن مقدار از سطح ترمینال که وسایط نقلیه شرکت مسافربری دران توقف یا مورد سایر استفاده‌ها قرار می‌دهند همچنین با ملحوظ داشتن هزینه هایی که برای نگهداری و سایر خدمات از طرف شهرداری مصروف می گردد ، به صورت یکجا به عنوان مال الاجاره غرفه اختصاصی شرکت مسافربری استفاده کننده به صورت قیمت پایه براورد می‌نمایند. تبصره ۲ ـ شرکت مسافربری استفاده کننده از غرفه واگذار

شده مکلف است مال الاجاره مندرج درقرارداد را بدون هیچگونه عذر و تعلل در سررسید معین در قرارداد واگذاری به شهرداری شهر تادیه نماید. تبصره ۳ ـ این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری وکسب و پیشه برای متصرفان یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد. تبصره ۴ ـ واگذاری سایر غرفه‌های پایانه نیز مشمول مقررات این آیین نامه خواهد بود و نقش‌سازمان حمل‌ونقل و پایانه‌ها صرفا در خصوص غرفه‌های شرکتهای مسافربری می‌باشد. ماده ۳ ـ شرکتهای مسافربری در هنگام عقد قرارداد باید معادل ۶ ماه اجاره‌بهای ماهانه هر سال را به صورت ضمانتنامه بانکی یا سپرده نقدی به منظور حسن انجام خدمات و تعهدات برابر قراردادمنعقد شده در اختیار شهرداری شهر بگذارند تا در صورت تعلل در پرداخت اجاره بها یا حدوث هرگونه خسارت به تاسیسات ، ساختمان ، لوازم و تجهیزات ترمینال از جانب بهره‌بردار یا عوامل وی ، شهرداری بتواند خسارت خود را از آن محل برداشت نماید. تبصره ۱ ـ تشخیص میزان خسارت با کارشناس منتخب شهرداری شهر و سازمان حمل‌ونقل وپایانه‌های استان می‌باشد. تبصره ۲ ـ چنانچه قبل از خاتمه قرارداد از محل ضمانتنامه مذکور شهرداری مبلغی وفق مقررات برداشت نماید شرکت مکلف است ظرف مدت ده روز بعد از اعلام کتبی شهرداری شهر آن را تامین نماید ، به طوری که همواره سپرده ، معادل ۶ ماه مال الاجاره باشد. بدیهی است در صورت عدم تامین سپرده ، شهرداری بلافاصله قرارداد واگذاری را لغو خواهد نمود. تبصره ۳ ـ دریافت هرگونه وجهی یا تضمین دیگری علاوه بر مال‌الاجاره و تضمین فوق الذکر تحت هر عنوان از قبیل سرقفلی ، پیش پرداخت و غیره توسط شهرداری از شرکتهای مسافربریاستفاده کننده از غرفه‌های پایانه‌های شهر ممنوع است ماده ۴ ـ قرارداد واگذاری غرفه‌های پایانه‌های شهر به مدت یکسال منعقد می‌شود و قابل تمدیدمی‌باشد. تبصره ۱ ـ شهرداری می‌تواند در صورت عدم انجام تعهدات مالی از سوی شرکتها یا عدم رعایت‌مقررات شهرداری و پس از کسب نظر سازمان حمل‌ونقل پایانه‌های استان که حداکثر ظرف ۱۵ روز اظهارنظر خواهند نمود و یا اعلام کتبی سازمان مذکور مبنی بر عدم تمدید قرارداد به لحاظ عدم رعایت مقررات مربوط از تمدید قرارداد خودداری نماید. تبصره ۲ ـ مفاد و شرایط قرارداد مذکور به صورت قرارداد نمونه توسط وزارت کشور و با کسب‌نظر از وزارت راه و ترابری تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۵ ـ مبلغ اجاره بها برای هر دو سال یکبار با توجه به روش مذکور در ماده ۲ این آیین نامه قابل تجدیدنظر است ماده ۶ ـ از تاریخ تصویب این آیین نامه ، آیین نامه قبلی شرایط واگذاری غرفه‌های ترمینالها لغو می‌شود.

قانون مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر – مصوب ۲۳/۱/۶۷

ماده ۱ ـ مجازات تجاوز از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر که توسط وزارت راه و ترابری اعلام‌می‌شود از ناحیه شرکت یا موسسه و یا پیمانکاری حمل و نقل حتی با رضایت صاحب کالا و یامسافر با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خاطی برای بار اول جزای نقدی از ۵ تا۲۰ برابر وجهی که اضافه دریافت شده و تعطیل موقت به مدت ۱۵ تا ۴۵ روز و برای بار دوم جزای‌نقدی از ۱۰ تا ۳۰ برابر اضافه دریافتی و تعطیل موقت به مدت شش ماه و برای بار سوم جزای نقدی‌از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه وجه دریافتی و تعطیل دایم شرکت یا موسسه یا پیمانکاری خواهد بود وصاحب امتیاز بعداً بهیچ عنوان اجازه فعالیت در امور حمل‌ونقل نخواهد داشت ماده ۲ ـ رانندگان وسایط نقلیه عمومی اعم از کامیون ، اتوبوس ، مینی‌بوس و غیره که اقدام به حمل‌بار و مسافر با مبلغی بیش از نرخ مصوب نمایند ، با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خاطی برای بار اول محکوم به پرداخت جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضافه وجه دریافتی ودر صورت تکرار جرم مزبور از ۵ تا ۲۰ برابر اضافه وجه دریافت شده محکوم خواهند شد. ماده ۳ ـ پرداخت هرگونه وجه اضافه از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر از ناحیه شرکت‌ها سازمانها و موسسات دولتی تحت هرعنوان از قبیل پاداش نقدی یا جنسی ممنوع بوده و در صورت تخلف ، متخلف یا متخلفین در مورد پرداخت اضافه از نرخ مقرر در حکم متصرف غیرقانونی در اموال دولتی محسوب می‌شوند و حسب مورد طبق قوانین و مقررات مربوطه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت ماده ۴ ـ

در موارد خاص و ضروری در محورهای معین با تشخیص و اعلان وزارت راه و ترابری تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر به صورت موقت قابل تغییر است ماده ۵ ـ پرداخت هرگونه وجه علاوه بر نرخ مقرر بابت حمل کالا و مسافر از ناحیه کارخانجات ، شرکتها ، موسسات خصوصی ، تجار ، واحدهای صنعتی و هر سازمان اقتصادی دیگر اعم از بزرگ وکوچک با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خاطی برای بار اول موجب محکومیت به جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضافه پرداختی و برای بار دوم از ۵ تا ۲۰ برابر و بار سوم‌به بعد از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه پرداختی خواهد بود. ماده ۶ ـ چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در موارد فوق شده باشد ودادستان در موارد غیرمهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد بااعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را ضمن انعکاس به وزارت راه و ترابری بایگانی می‌نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد. ماده ۷ ـ کلیه قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد از تاریخ اجرای این قانون در آن قسمت که‌مغایر است بلااثر می‌باشد.

قانون الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه – مصوب ۱۳۶۸

ماده ۱ ـ شرکتها و موسساتی که در امر حمل و نقل جاده‌ای بین شهری مسافر یا کالا اعم از داخلی و بین المللی فعالیت می‌نمایند موظفند بر حسب نوع فعالیت برای هر جابجایی از صورت وضعیت مسافری و بارنامه های داخلی و بین المللی موضوع این قانون استفاده نمایند و بجای آن مجاز به‌استفاده از اوراق انحصاری ـ اختصاصی یا انواع دیگر نمی‌باشند. ماده ۲ ـ بارنامه داخلی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن‌توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۱۰۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مجاز حمل و نقل جاده‌ای داخلی کالا جهت جابجایی محمولات بین شهرهای کشور قرار خواهد گرفت تبصره ـ صدور بارنامه جهت حمل محمولات بصورت خرده بار تابع ضوابطی خواهد بود که ازسوی وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و اعلام خواهد شد و میزان حق تمبر بارنامه خرده بار ۴۰ ریال تعیین می گردد. ماده ۳ ـ بارنامه بین‌المللی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن‌توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق‌تمبر به میزان ۲۵۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتهای مجاز حمل و نقل جاده‌ای بین المللی کالاـ قرار خواهد گرفت ماده ۴ ـ صورت وضعیت مسافری موضوع این قانون عبارتست از فرمی که طرح آن توسط وزارت‌راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان۱۰۰ ریال برای حمل مسافربری جاده‌ای داخلی و ۲۵۰ ریال برای مسافری جاده‌ای بین‌المللی به‌موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مسافربری جاده‌ای داخلی و بین المللی مجاز قرار خواهد گرفت ماده ۵ ـ سازمانها و موسسات دولتی صاحب بار چنانچه در رابطه با حمل کالاهای مربوطه به خود تمایل به استفاده از اوراق مخصوص به عنوان بارنامه داشته باشند می‌توانند پس از کسب موافقت وزارت راه و ترابری نسبت به چاپ بارنامه مخصوص خود از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند ، اینگونه بارنامه ها مشمول حق تمبر بارنامه‌های داخلی موضوع این قانون می‌باشند. تبصره ـ سازمانها و موسسات موضوع این ماده موظفند این نوع بارنامه‌ها را صرفا در اختیارشرکتها و موسسات حمل‌ونقل مجاز طرف قرارداد خود قرار دهند. ماده ۶ ـ چنانچه شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای مسافر و کالا بر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون استفاده ننمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به‌عنوان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه بنمایند یا به طور غیرمجاز صورت وضعیت مسافری یابارنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند یا مشخصات مسافر و محموله با اوراق مذکور مطابقت‌نداشته باشد و یا مندرجات آن را تکمیل ننمایند و یا اوراق مذکور در این قانون را به اشخاص دیگرو غیرمجاز واگذار نمایند متخلف محسوب و با رعایت شرایط و

امکانات خاطی و دفعات و مراتب‌جرم و مراتب تادیب ، وعظ ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ریال جزای نقدی و برای بار دوم از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار سوم از۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی و تعطیل از ۱ ماه تا ۳ ماه (دستمزد کارکنان موسسه یا شرکت در مدت تعطیل وسیله صاحب امتیاز پرداخت خواهد شد) و برای بار چهارم‌محور فعالیت مدیران و صاحبان امتیاز آنها لغو و مجوز فعالیت مجدد در امر حمل‌ونقل برای آنهاصادر نخواهد شد ، میزان مجازات در هر مورد با نصب پلاکارد در محل اعلام می‌گردد و مراتب در هرنوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد. ماده ۷ ـ چنانچه رانندگان وسایط نقلیه مسافربری و باربری بدون اوراق مذکور در این قانون اقدام به‌جابجایی مسافر یا حمل بار بنمایند و یا محموله و مسافر همراه آنان با موارد قید شده در بارنامه وصورت وضعیت مسافری که در اختیار دارند مطابقت نداشته باشد متخلف محسوب و با رعایت‌شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب ، وعظ ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول به ۱۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و برای بار دوم به ۱۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ‌کردن گواهینامه و در صورت تکرار برای بار سوم از ۲۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ کردن مجدد گواهینامه و در صورت تکرار به ۲۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و ضبط گواهینامه برای مدت ۶ ماه تا یکسال محکوم می‌گردند و مراتب در هر نوبت به وزارت راه وترابری منعکس خواهد شد. تبصره ۱ ـ در اجرای این ماده مأمورین پلیس راه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران موظفند اسنادو مدارک رانندگان وسایط نقلیه مسافربری و باربری را کنترل و در صورت مشاهده فقدان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه‌های موضوع این قانون و با احراز عدم انطباق تعداد مسافر و مشخصات محموله با صورت وضعیت مسافری و بارنامه ، رانندگان متخلف را به مراجع قضایی معرفی نمایندرانندده متخلف می‌تواند به جای رفتن به دادگاه حداکثر جریمه تعیین شده را پرداخت نماید در غیراین صورت موظف است بلافاصله پس از رساندن بار یا مسافر به مقصد خود را به مرجع تعیین شده‌معرفی کند. تبصره ۲ ـ تخلفات راننده در دفترچه کار وی که توسط وزارت راه و ترابری صادر می‌گردد به وسیله‌پلیس راه یا مأموران راهنمایی و رانندگی ثبت خواهد شد تردد در جاده‌ها بدون همراه داشتن دفترچه‌کار ممنوع است و موسسات و شرکتهای حمل‌ونقل باید از تحویل مسافر یا کالا به راننده‌ای که فاقددفترچه کار می‌باشد خودداری نموده و در غیر این صورت به مجازات‌های مقرر در ماده ۶ این قانون‌محکوم خواهند شد ، المثنی برای دفترچه کار حداکثر به مدت شش ماه به تشخیص وزارت راه وترابری صادر نمی‌گردد. ماده ۸ ـ وجوه حاصل از محل اخذ جرایم نقدی موضوع این قانون به حساب خزانه واریز خواهدشد. ماده ۹ ـ آیین نامه اجرایی در خصوص معافیت از اوراق مذکور در این قانون در مورد حداقل مسافت ، حداقل سرنشین و حداقل تناژ توسط وزارتخانه‌های راه‌وترابری ـ امور اقتصادی و دارایی تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۰ ـ رسیدگی به تخلفات مشروحه در این قانون در دادگاهها خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی‌ویکم‌اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۷/۳/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است

تصویب نامه در خصوص دریافت هزینه انتقال خودروها از محل ممنوعه به توقفگاه – مصوب ۵/۱۲/۱۳۷۵

وزارت کشور ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی هیات وزیران در جلسه مورخ ۵/۱۲/۱۳۷۵ بنا به پیشنهاد شماره ۶/۱/۲۱۵۰ مورخ ۵/۶/۱۳۷۵وزارت کشور و به استناد ماده (۵۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در مواردمعین ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ تصویب نمود: الف ـ بابت هزینه انتقال خودرو از محل ممنوعه به توقفگاه مبالغ زیر متناسب با نوع وسیله نقلیه ازدارنده آن اخذ و به حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌گردد: ۱ ـ جهت انتقال موتور سیکلت از محل ممنوعه به توقفگاه ۵۰۰۰ ریال ۲ ـ جهت

انتقال خودروهای سبک (از قبیل سواری و وانت از محل ممنوعه به توقفگاه ۱۰۰۰۰ریال ۳ ـ جهت انتقال خودروهای نیمه سبک (از قبیل مینی‌بوس و کامیونت از محل ممنوعه به توقفگاه۲۰۰۰۰ ریال ۴ ـ جهت انتقال خودروهای سنگین (از قبیل اتوبوس کامیون و تریلرکش از محل ممنوعه به‌توقفگاه ۵۰۰۰۰ ریال ب ـ معادل مبالغ واریزی فوق از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال پیش بینی می‌شود در اختیار وزارت کشور قرار خواهد گرفت تا به منظور ایجاد، توسعه و تجهیز توقفگاههای اختصاصی برای خودروهای مزبور همچنین اجاره یا خرید یا تعمیر و نگهداری لوازم و وسایل مورد نیاز از قبیل جرثقیل و غیره و سایر نیازمندیهای مؤثر در بهبود سیستم ترافیکی طبق مقررات هزینه نماید. ج ـ وسیله نقلیه پس از دریافت هزینه انتقال و نگهداری آن درتوقفگاه به مالك یا وکیل و یا قائم مقام قانونی وی مسترد خواهد شد.

قانون ایمنی راهها و راه آهن – مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ ـ شاهراه به راهی اطلاق می‌شود که حداقل دارای دو خط اتومبیل رو و یک شانه حداقل به‌عرض ۳ متر برای هر طرف رفت و برگشت بوده و دو طرف آن به نحوی محصور و در تمام طول شاهراه از هم کاملا مجزا باشد و ارتباط آنها با هم فقط به وسیله راههای فرعی که از زیر یا بالای شاهراه عبور کند تامین شود و هیچ راه دیگری آنرا قطع نکند ـ ماده ۲ ـ هر شاهراه که با خصوصیات فوق ساخته شده یا بشود از تاریخی که وزارت راه اعلام کندمشمول مقررات این قانون می‌باشد. ماده ۳ ـ وزارت راه مکلف است در هر شاهراه حداقل و حداکثر سرعت همچنین انواع وسایط نقلیه‌ای که عبور آنها مجاز نیست با نصب علایم مشخص کند و نیز کلیه علایم مربوط به مقررات رانندگی و محلهای توقف مجاز و سایر علایم لازم را که برای پیشگیری از خطرات احتمالی تصادف لازم است در طول راه برای اطلاع رانندگان نصب کند. ماده ۴ ـ ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام در شاهراهها وهمچنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است هر گاه به جهات مذکور حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود،راننده مجاز که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در شاهراه باشد نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه وسیله نقلیه را در شانه سمت‌راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله نقلیه خود یا وسیله دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مامورین انتظامی اطلاع دهد. عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. تبصره ۱ ـ وزارت راه مکلف است محل‌های توقف ضروری مجاز وسایط نقلیه در طول شاهراهها را ایجاد کند. تبصره ۲ ـ وسایل نقلیه غیرمجازی که به طور موقت و به سبب ضرورت و مأموریتهای ضروری می‌بایست در بزرگراه تردد نمایند. فقط با اجازه وزیر راه و ترابری و یا معاونین راهداری و حمل ونقل وی و یا بالاترین مقام اجرایی ادارات کل راه و ترابری استانها در حوزه استحفاظی خود و بانصب تابلو (عبور آزاد بزرگراه) در پشت وسیله نقلیه که به وسیله پلیس راه به راننده تحویل و اخذخواهد شد، می‌توانند وارد بزرگراه شوند تابلو فوق الذکر به تعداد لازم توسط وزارت راه و ترابری تهیه و تحویل پلیس‌راه می‌گردد. تعیین حداقل و حداکثر سرعت اینگونه وسایل طبق آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب وزارت راهو ترابری می‌رسد. تبصره ۳ ـ مأمورین سازمانهای دولتی و انتظامی و یا افرادی که به سبب ضرورت جهت انجام مأموریت و ارایه خدمات در سطح یا حاشیه بزرگراهها به صورت پیاده تردد یا توقف می‌نمایند بارعایت ضوابط ایمنی در صورت بروز حادثه از شمول حکم ماده ۴ مستثنی می‌باشند و مسئولیت راننده مقصر وسیله نقلیه مجاز که منجر به تصادف شده است به قوت خود باقی است تبصره ۴ ـ وسایل نقلیه غیرمجاز به عبور از آزادراهها که طبق این ماده واحده مجوز عبور می‌گیرند،موظف هستند از خطوط مجاز در آزادراهها عبور و مرور نمایند. ماده ۵ ـ دولت می‌تواند با تصویب کمیسیونهای راه و دارایی مجلسین برای شاهراهها عوارض‌مناسبی تعیین و وصول کند. ماده ۶ ـ اقدام به هرگونه عملیاتی که موجب خرابی جاده گردد همچنین ایجاد هرگونه متسحدثات یا درختکاری یا زراعت یا اقدام به حفاری در

حریم قـانونی شاهراههـا و راههای اصـلی و فرعی و راه آهن که میزان هر یک به طریق و وسایل متناسب مشـخص و از طرف وزارت راه آگهی می‌شود بدون‌اجازه وزارت راه ممنوع است تبصـره ۱ ـ وزارت راه مکلف است با حضور نماینـده دادسـرا و در نقاطی که دادسـرا نباشد با حضورنماینده دادگاه بخش این قبیل مستحدثات یا درختکاری و یا زراعت و حفریات را ضمن تنظیم‌صورت‌مجلس رأسا قلع و آثار تجاوز را محو کنـد. تبصـره ۲ ـ اشـخاص ذینفع می‌تواننـد به مراجع دادگستری مراجعه کننـد. دادگاه خارج از نوبت بهاین‌گونه پرونـده‌ها رسـیدگی نموده و حکم لازم را صادر می‌کند. ماده ۷ ـ هرگـاه در طول خطوط راه آهن از طرف وسایـل نقلیه راه آهن بر اثر راننـدگی وسایـل مزبور قتل‌یا جرح یا ضـرب واقع شود بایـد وسـیله نقلیه متوقف گردد و ضـمن مبادرت به کمکهای نخستین درمورد مجروحین و مصـدومین صورت مجلس در محـل حـادثه به وسـیله مـأمورین انتظامی راه آهن و مأمورین مربوط راه آهن تنظیم و پس از تحقیقات اولیه از راننده و مطلعین در صورتی که به سبب حادثه جسد یا اجسام دیگری روی خط راه آهن قرار گرفته و مـانع عبور قطـار و وسایل نقلیه راه آهن‌باشـد مأمورین پلیس انتظامی راه آهن آن را به مجازات محل به خارج خط در نقطه مناسبی انتقال داده بلافاصـله قطار و وسیله نقلیه را حرکت دهند. مأمورین پلیس انتظامی راه آهن موظفند آثار و علایم موجود را در محل حادثه حفظ کرده و مراتب رادر صورت وقوع قتل فورا به مقامات قضایی برای حضور و انجام تشـریفات قانونی گزارش دهند. ماده ۸ ـ راه آهن دولتی ایران مکلف است در طول راه آهن معابر و گـذرگاههای مجاز برای افراد ووسایل نقلیه را با نصب علامات مشخص کند. ماده ۹ ـ عبور از روی خطوط راه آهن ورود در محوطه ایسـتگاهها و کارخانه‌هـا و تاسیسات فنی‌راه آهن به اسـتثنای سکوهای مسافری و امکنه و گذرگاهها و معابر مجاز واقع در ایسـتگاهها و در طول‌خطوط ممنوع است جز برای آن عده از مأمورین راه آهن که بر حسب وظیفه مجاز به ورود و عبور می‌باشـند و در صورت تخلف و بروز حادثه راه آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود. ماده ۱۰ ـ عبور هرگونه وسـیله نقلیه اعم از موتوری و غیرموتوری از یـک طرف خـط آهن به طرف‌دیگر در غیر محلهـای مجاز ممنوع است و متخلف از این امر مسئول هرگونه پیش‌آمد و خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱ ـ تخلف از مقررات این ماده مستوجب پانصد ریال جزای نقدی است ترتیب رسـیدگی به‌تخلف مزبور به نحوی است که در قانون نحوه رسـیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب‌سال ۱۳۵۰ مقرر گردیـده و تا تشکیل گارد ترابری موضوع ماده ۱۶ قـانون تغییر نام وزارت راه وترابری افسـران یا درجـه‌داران دیپلمـه پلیس انتظـامی راه آهـن و در نقـاطی کـه پلیس انتظـامی راه آهـن نباشدافسـران یـا درجـه‌داران دیپلمـه پلیس‌راه ژانـدارمری کشور وظایف مـذکور در آن قانون را انجام خواهندداد و پس از تشـکیل گارد ترابری حق رسـیدگی به تخلفات و اخذ جرایم بـا افراد دیپلمه گارد مـذکور خواهـد بود. تبصـره ۲ ـ هرگـاه عبـور وسایـط نقلیه موجب خرابی یـا انحراف قسـمتی از ریـل و همچنین خاکریز وسایر تاسیسات مربوط به راه آهن گردد، راننده وسیله نقلیه به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال و جبران خسـارات وارده محکوم می‌شود. تبصـره ۳ ـ وجـوه حاصـل از اجرای تبصـره یـک به حسـاب خزانه‌داری کـل منظـور خواهد گردید. ماده ۱۱ ـ از تاریـخ تصویب این قـانون غرامت موضوع مـاده ۱۳ قـانون کیفر بزه‌هـای راه آهن مصوب‌فروردین ماه ۱۳۲۰ از پانصـد ریال تا پنجهزار ریال خواهـد بود و تجاوز به محـدوده ایسـتگاهها درحکم تجاوز به حریم خط‌آهن می‌باشد. تبصـره ـ حدود ایسـتگاه راه آهن عبـارتست از محوطه‌ای که مورد نیاز راه آهن بوده و بر اساس‌نقشه‌های مصوب راه آهن قانونا به تصـرف و تملک راه آهن درآمده باشد و به وسیله علایم مخصوص‌از طرف راه آهن مشخص می‌شود. ماده ۱۲ ـ تبصره ذیل به ماده ۲۱ قانون بزه‌های راه آهن اضـافه می‌شود: تبصـره ـ تعقیب متهم در دادگستری موکول به شـکایت راه آهن خواهـد بود. مـاده ۱۳ ـ هرگـاه بر اثر عبور انسان یا دام یا وسـیله نقلیه‌ای که حرکت آن بسـتگی به راه آهن ندارد وبرخورد آن با وسایل نقلیه مجاز راه آهن در روی خط آهن حـادثه‌ای منجر به قتـل یـا جرح ضـرب یاخسارت مالی شود راننـده مجاز که بر حسب وظیفه راننـدگی وسایل نقلیه راه آهن را روی خـط آهن به‌عهـده دارد در صورتی که نظامـات و مقررات مربوط را رعایت نموده باشـد مسـئولیتی نخواهـد داشت عـدم مسـئولیت راننده مذکور مانع اسـتفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. ماده ۱۴ ـ وزارت راه مکلف است هنگام ایجاد راههای جدید

و راه آهن گـذرگاههای ضـروری ومجاری لازم را در نظر گرفته موجبات ارتباط طرفين راه احداثی را به نحو مقتضـی فراهم کند و درمورد شاهراهها وسيله ارتباط تلفنی در طول راه به مسافتهای معين ايجاد نمايد. ماده ۱۵ ـ خارج از محدوده شهرها در مناطقی که هيـأت وزيران تصويب و وزارت راه اعلام‌می‌نمايـد احـداث ديوار به ارتفاع بيش از يک متر در اراضـی و مسـتحدثاتی که تا فاصـله هفتاد متر ازانتهای حريم راه آهن و شاهراهها و راههای اصلی واقع شده ممنوع است مگر برای اراضی واقع درمسير طوفان شن که به منظور جلوگيری از ورود تودههـای شـنی مالکين حسب مورد با اخـذ پروانه ازادارات راه يا راه آهن می‌تواننـد به احـداث آن اقـدام نماينـد. بـا متخلفين حسب مقررات تبصـره‌های يک‌و دو ماده ۶ اين قانون رفتار خواهـد شـد. تبصـره ـ نرده‌کشـی و سيم‌کشـی به هر ارتفاع و احداث هر نوع ساختمان و ترميم ديوارهای موجوددر اراضی مستحدثات فوق الذکر بلامانع است

آيين نامه اجرايی آموزشگاههای تعليم رانندگی – مصوب ۲۱/۱/۱۳۶۲ هيات وزيران

فصل اول ــ تعاريف (ماده ۱)

ماده ۱ ـ اصـطلاحات و جملا‌تی کـه در آيين نـامه به کـار برده شـده دارای معـانی زير می‌باشـد: ۱ ـ آموزشـگاه تعليم راننـدگی ـ موسـسه‌ای است که بر اساس مقررات اين آيين نامه تاسيس و ازمتقاضيان ثبت نام نموده و آموزشهای رانندگی را در محلهای تعيين شـده بـه آنـان تعليم می‌دهـد. ۲ ـ موســس آموزشـگاه تعليـم راننـدگی ـ شـخص حقيقی يـا حقـوقی است کـه منحصـرا بـه منظور تعليم‌رانندگی پروانه اخذ نموده است تبصـره ـ موسـس می‌تواند مديريت آموزشگاه را هم به عهده بگيرد. ۳ ـ مدير آموزشگاه تعليم رانندگی ـ شخصی است که برای اداره امور داخلی آموزشگاه تعيين‌می‌شود. ۴ ـ مربی آموزشگاه تعليم رانندگی ـ شخصی است که به هنر آمـوزان عملی و آموزش فنی و تيوری‌تعليم می‌دهـد. ۵ ـ هنراموز کسـی که برای فراگرفتن فن رانندگی در آموزشـگاه تعليم رانندگی ثبت‌نام می‌نمايد. ۶ ـ اتومبيل تعليماتی ـ اتومبيلی است که دارای علايم مشـخصه ، مندرج در اين آيين نامه بوده و به‌وسـيله آن به هنراموزان آموزشگاه تعليم رانندگی آموزش داده می‌شود.

فصل دوم ــ نوع و شرايط آموزشگاههای تعليم رانندگی (ماده ۲ تا ۱۸

ماده ۲ ـ آموزشـگاه تعليم راننـدگی درجه يک بايد دارای تجهيزات زير باشد: ۱ ـ حـداقل پانصد متر مربع زمين محصور و آسـفالته جهت پارکينگ اتومبيلهای آموزشـگاه با در ورودو خروج مناسب اتومبيل و احداث تاسـيسات زير: الف ـ کلاس آموزش آيين نامه راهنمايی و رانندگی ب ـ کلاس آموزش فنی مجهز به قطعات منفصـله اتومبيل (موتور ـ گيربکس ـ ديفرانسـيل و غير(. ج ـ دفتر کار منـاسب د ـ دسـتشويی و توالت ۲ ـ محلی برای آمـوزش تپه که به نظر افسـر کـاردان فنی منـاسب تشـخيص داده شـده و حسب مورد ازطرف مالک يا اهالی يا ساير مراجع ذينفع مورد اعتراض نباشـد. ۳ ـ حداقل ده دسـتگاه اتومبيل سواری تعليماتی که بيش از ۵ سال از مـدل سال عقبتر نباشد و ۵دسـتگاه کاميون با ظرفيت بارگيری حداقل ۵ تن و شـش دنده يا اتوبوس تعليماتی که بيشتر از ۷ سال‌از مـدل سال عقبتر نباشـد در تهران و در ساير اسـتانها و شهرسـتانها تعـداد وسايط نقليه مـذکور با نظرهياتی به انتخاب رييس شـهربانی استان در مرکز استان تعيين می‌گردد که در هر حال از سه دستگاه‌سواری و دو دستگاه کاميون يا اتوبوس کمتر نخواهد بود. تبصره ـ در بخشـها پروانه تاسـيس آموزشگاه رانندگی درجه يک داده نمی‌شود. ماده ۳ ـ آموزشگاههای تعليم رانندگی درجه ۲ بايد دارای تاسـيسات و تجهيزات زير باشـد: ۱ ـ در شـهرها چهارصـد متر مربع و در بخشـها سيصد متر مربع زمين محصور و آسـفالته جهت

احداث‌تاسیسات و پارکینگ اتومبیلهای آموزشگاه با در ورود و خروج مناسب برای اتومبیل ۲ـ شرایط مندرج در قسمتهای الف ، ج و د بند ۱ ماده ۲ ۳ـ در تهران ۱۰ دستگاه اتومبیل سواری تعلیماتی که بیشتر از ۵ سال از مدل سال عقبتر نباشد و درسایر استانها و شهرستانها و بخشها این تعداد با نظر هیات مذکور در بند ۳ ماده ۲ تعیین می‌شودبه‌طوری که از سه دستگاه اتومبیل سواری کمتر نباشد. ماده ۴ـ شرایط موسس و مدیر آموزشگاه ۱ـ حداقل سن ۲۵ سال تمام و متاهل باشد. ۲ـ عدم پیشینه کیفری و دارا بودن حسن شهرت به تایید مقامات شهربانی ۳ـ عدم ابتلای به بیماریهای مسری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و الکل به گواهی پزشک معرفی شده‌از سوی شهربانی ۴ـ لزوم اشتغال منحصر و تمام وقت مدیر برای اداره امور آموزشگاه ۵ـ حداقل دیپلم متوسطه برای مدیر و پنجم ابتدایی برای موسس در صورتی که شخص حقیقی‌باشد. ۶ـ دارا بودن گواهی‌نامه پایه یکم برای مدیر یا موسس آموزشگاه درجه یک (در صورتی که شخص‌حقیقی باشد) و گواهینامه پایه دوم برای مدیر و موسس آموزشگاه درجه دوم ماده ۵ـ اتومبیلهای تعلیماتی باید دارای تجهیزات و مدارک لازم مشخصه زیر باشد: ۱ـ دو کلاج و دو ترمز و دو آیینه در داخل اتومبیل ۲ـ بیمه شخص ثالث ۳ـ برگ معاینه معتبر ۴ـ قید نام آموزشگاه در دو طرف بدنه اتومبیل ۵ـ اطراف اتومبیل (روی در و گلگیر) به عرض ۲۰ سانتیمتر با نوار سیاه و سفید (شطرنجی مشخص گردد. ۶ـ نصب عمودی تابلو آموزشگاه با زمینه زرد روی سقف اتومبیل ۷ـ نصب تابلویی به شکل مثلث متساوی‌الاضلاع با زمینه قرمز روی سپرهای جلو و عقب اتومبیل‌که روی آن عبارت (احتیاط ـ تحت تعلیم نوشته شده باشد. ۸ـ حداقل موتور اتومبیل چهارسیلندر. تبصره ـ شهربانی مراکز استان و راهنمایی تهران می‌توانند از مالکین اتومبیلهای تعلیماتی بخواهنداتومبیلهای خود را به رنگهای مشخص و یکنواخت دراورند. ماده ۶ـ شرایط مربی تعلیم رانندگی ۱ـ حداقل سن به ترتیب برای آموزش هنراموزان پایه یک و دوم ۲۶ و ۲۳ سال تمام ۲ـ گذشت حداقل دو سال از تاریخ صدور گواهینامه پایه یکم و پایه دوم ۳ـ عدم سو پیشینه کیفری و دارا بودن حسن شهرت به تایید مقامات شهربانی ۴ـ تاهل ۵ـ سواد خواندن و نوشتن ۶ـ گواهینامه مخصوص مربی‌ها برای تعلیم هر نوع وسیله نقلیه ۷ـ عدم ابتلا به امراض مسری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و الکل و عدم هرگونه نقص عضو به‌گواهی پزشک معتمد شهربانی تبصره ۱ـ رعایت بند ۱ و ۲ و ۵ برای مربیان آیین نامه فنی ، الزامی نبوده ، لکن میزان اطلاعات آنهاباید مورد تایید موسس و مدیر آموزشگاه باشد. تبصره ۲ـ آموزش هنراموزان زن ، باید توسط مربیان زن انجام گیرد. ماده ۷ـ راهنمایی و رانندگی با اخذ مدارک لازم (عکس ، فتوکپی شناسنامه و اصل گواهی‌نامه‌رانندگی و معرفی‌نامه آموزشگاه و غیره کارت مخصوص برای مربی صادر می‌نماید که اعتبار آن ۳سال بوده و قابل تمدید است و مربی باید هنگام تعلیم آن را همراه داشته باشد. تبصره ـ مربیانی که فعلا مشغول به کار هستند باید از تاریخ تصویب تحت شرایط این آیین نامه ظرف مدت شش ماه کارت مربیگری اخذ نمایند. ماده ۸ـ شرایط صدور پروانه آموزشگاههای تعلیم رانندگی ۱ـ مراجعه موسس به نزدیکترین واحد راهنمایی و رانندگی که دارای کاردان فنی باشد و کسب‌موافقت کتبی مقامات انتظامی و راهنمایی شهرداری برای ایجاد آموزشگاه در محل مورد نظر. ۲ـ تاسیس آموزشگاه و اخذ پروانه ظرف مدت ۹ ماه از تاریخ اعلام موافقت کتبی مقامات مذکوردر بند ۱ ، این مهلت فقط سه ماه قابل تمدید است ۳ـ مالکیت یا اجاره‌نامه یا واگذاری رسمی مکان آموزشگاه و مالکیت حداقل تعداد اتومبیلهای لازم‌برای آموزشگاه مندرج در این آیین نامه به نام موسس باشد. ۴ـ معرفی مدیری که واجد شرایط مربوطه باشد (مسئولیت مدیریت آموزشگاه در غیاب مدیر به‌عهده موسس می‌باشد). ۵ـ تسلیم اصل اسناد محل آموزشگاه و اتومبیلها به راهنمایی و رانندگی محل ۶ـ معرفی اتومبیلهای تعلیماتی که بیمه شده باشد. ۷ـ معرفی مربیان آموزشگاه که حایز شرایط مندرج در ماده ۶ بوده و به استخدام آموزشگاه درامده‌باشد. ماده ۹ـ راهنمایی و رانندگی موظف است در صورت موافقت قبلی با ایجاد آموزشگاه در محل‌مورد نظر ، مدارک مذکور در ماده ۶ را اخذ و پس از مشاهده محل آموزشگاه و اتومبیلهای تعلیماتی‌و مدارک مدیر آموزشگاه و مربیان معرفی شده پروانه صادر و در صورت وجود نقص ، تذکرات لازم‌را برای رفع آن کتبا اعلام نمایند. تبصره ۱ـ تاسیس آموزشگاههای تعلیم رانندگی متعدد توسط شخص حقیقی و یا حقوقی در نقاط‌مختلف

کشور بـا رعایت شـرایط این آیین نامه بلامانع است تبصـره ۲ ـ صـدور پروانه تاسیس برای آموزشـگاههای تعلیم رانندگی دولتی و موسـسات وابسـته به‌آن الزامی نبوده لیکن آموزشگاههای مذکور ، مکلف به رعایت مواد ۵ و ۶ و ۱۴ این آیین نامه می‌باشـند. ماده ۱۰ ـ آموزشـگاههای تعلیم رانندگی موجود که دارای پروانه می‌باشـند باید ظرف مدت یکسال‌از تاریخ تصویب این آیین نامه وضع خود را بـا شـرایط منـدرج در این آیین نامه تطبیق داده و پروانه‌جدیـد اخـذ نماینـد ، در غیر این صورت از ادامه کار آنان جلوگیری خواهد شد. ماده ۱۱ ـ تمدید پروانه آموزشگاههای رانندگی هر سه سال یکبار توسط مرجع صادرکننده و با احراز شرایط مندرج در ماده ۸ انجـام می گیرد. ماده ۱۲ ـ مـدیر آموزشـگاه موظف است قرارداد منعقـده بـا هنراموز اعم از ساعتی یا دوره‌ای را در دونسـخه تنظیـم نمـوده و یکـبرگ آن را در دفـتر آموزشـگاه نگهـداری و نسـخه دوم را تسـلیم هنرامـوز نمایـد.همچنیـن مکلـف اسـت نـام و مشـخصات هنراموز را با ذکر ساعت و تاریخ تنظیم و نام مربی در دفترجداگانه ثبت نماید. ماده ۱۳ ـ واگذاری آموزشگاههای تعلیم راننـدگی به هر عنوان به اشـخاص دیگر بـا تغییر مکـان آنهاتـابع شـرایط این آیین نامه بوده و با نظر مرجع صادر کننـده پروانه انجام می گیرد. ماده ۱۴ ـ راهنمایی و رانندگی می‌تواند در شـهرها ، خیابانهای مخصوصـی را برای تعلیم رانندگی‌ممنوع اعلام نماید. ماده ۱۵ ـ تعـداد آموزشـگاههای تعلیـم راننـدگی در هر شهرسـتان در صـورت نیـاز در سـال یکبـار درکمیسـیونی مرکـب از فرمانـدار و نماینـدگان شـهربانی و دادگسـتری و شـورای محلی و اداره کـار و اموراجتمـاعی و اتحـادیه آموزشـگاههای راننـدگی (در صـورت تاسیس تعیین می گردد. ماده ۱۶ ـ نرخ آموزش عملی رانندگی و فنی و آیین نامه به ازا هر ساعت و یا مقطوعا تا زمان اخذگواهینامه تحت‌نظر هیاتی مرکب از نماینـدگان اسـتانداری ـ دادگستری ـ شـهرداری ـ شـهربانی ـ کمیته‌امور صـنفی ـ اداره بازرگانی و اتحادیه آموزشـگاههای تعلیم رانندگی (در صورت تاسیس تعیین‌می گردد. ماده ۱۷ ـ تخلف از هر یـک از موارد این آیین نامه که در قانون اخـذ جرایم و سـایر ملحقات آن‌پیش‌بینی نشـده باشـد به آموزشـگاه مربوطه اعلام می گردد تا حـداکثر ظرف مـدت ۲ ماه نسـبت به رفع‌آن اقدام نماید در غیر این صورت برای بار اول موجب تعطیل آموزشـگاه به مدت ۱۵ روز و برای باردوم به مدت یکماه خواهد بود و در صورت تکرار پروانه آموزشـگاه از طرف واحد صادرکننده لغو واز ادامه کار آن جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۱۸ ـ با توجه به مقررات قانون لغو مالکیت اراضـی و آیین نامه اجرایی آن به منظور امکان خریدیا واگذاری زمین مورد احتیاج متقاضـیان ، مراجع ذیربط موجبات قانونی این اقدام را فراهم خواهندنمود.

قانون کیفر بزه‌های مربوط راه آهن – مصوب ۳۱/۱/۱۳۲۰ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ ـ هرکس خـاک‌ریز ، خـاک‌بر ، پـل ، تونـل ، دیوار ، سـد ، امنیه ، بالاست ، تراورس ، ریل ، پیـچ و مهره‌ریل ، اتصالی ریل ، علاـیم خطر ، تیرهـای تلفن و تلگراف و سـیم‌های آن و وسایـل نقلیه راه‌آهن را خراب‌کنـد و به طـور کلی عملی نمایـد که مـوجب خروج قطـار از خـط یـا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به حبس جنایی درجه یک از پنـج تا پانزده سال محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفرکشـته شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد. هرگاه عمل منتهی به یکی از حادثه‌های مذکور نگردد در غیر مورد خرابی پل تونل و سد مرتکب به‌دو تا هفت سال حبس جنایی درجه دو و در مورد پل و تونل و سد از ۴ سال تا ده سال حبس جنایی‌درجه یک محکوم می‌شود. ماده ۲ ـ هرکس در غیر مورد مذکور در ماده یک در متعلقات راه‌آهن عملی نماید که بیم خروج قطاراز خـط یـا تصـادم یا حادثه مهم دیگر برود مرتکب به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنـج سال محکوم‌می‌شود و هرگاه عمـل مـذکور برای حرکت قطـار فقط ایجاد مانعی نمایـد و به طور کلی اسـباب اختلال‌حرکت قطار را فراهم کنـد مرتکب به حبس جنحه‌ای تا دو سال محکوم می‌شود. ماده ۳ ـ هرگاه بزه‌های مذکور در ماده یک و دو در اثر توطیه و تبانی دو نفر یا بیشتر انجام یابد یـک‌ثلث از کیفری کـه قطع نظر از تبـانی برای مرتکـب افزوده خواهـد شـد جز در مـورد اعـدام که مرتکب به‌همـان کیفر محکـوم می‌شود. مـاده ۴ ـ هرگـاه برای ارتکـاب بزه‌هـای مـذکوره در مـاده یـک جمعیتی از سه تن به بالاـ تشـکیل شود تشـکیل‌دهندگان و

محرکین فقط برای همین عمل به حبس جنحه‌ای از شش‌ماه تا سه سال محکوم‌می‌شوند. کسی که عضو این جمعیت شده باشد فقط برای همین عمل به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال‌محکوم خواهد شد. هرگاه از جمعیت مزبور دست کم سه تن مسلح باشند محرکین و تشکیل‌دهندگان هر یک به حبس‌جنایی درجه یک از سه سال تا پنج سال محکوم می‌شوند و کسی که عضو این جمعیت شده باشد به‌دو سال تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می گردد. ماده ۵ ـ هر یک از شرکت‌کنندگان که جمعیت مذکور در مواد فوق را منحل یا موجبات انحلال آن رافراهم سازد یا از جز توطیه‌کنندگان یا عضو جمعیت خارج شوند یا از وقوع بزه یا توطیه با تشکیل‌جمعیت برای ارتکاب بزه مانع شوند یا وجود جمعیت و تصمیمات آن را به مأمورین دولت افشاکنند از کیفر معاف خواهد بود مشروط بر اینکه پیش از تعقیب و پیش از وقوع بزه که جمعیت برایارتکاب آن تشکیل شده اقدامات مزبور به عمل آمده باشد. ماده ۶ ـ هرکس اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را از روی بی‌مبالاتی یا غفلت انجام دهد در مواردی که‌کیفر بزه عمدی اعدام یا حبس جنایی درجه یک است به حبس جنحه‌ای از یک سال تا سه سال و به‌تادیه غرامت از دویست تا ده هزار ریال محکوم می‌شود در مواردی که برای بزه عمدی حبس جنایی‌درجه دو مقرر شده کیفر مرتکب حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال و تادیه غرامت از صد تا هزارریال می‌باشد. ماده ۷ ـ هرکس وسایل نقلیه راه‌آهن را ضایع یا خراب کند به طوری که از خاصیت بهره‌برداری‌بیاندازد در صورتی که وسایط نقلیه از قبیل لکوموتیو یا اتوموتوریس باشد به حبس جنایی درجه دواز دو تا پنج سال محکوم می‌شود و در مورد سایر وسایط نقلیه راه‌آهن کیفر مرتکب حبس جنحه‌ایاز شش‌ماه تا سه سال خواهد بود مگر اینکه عمل مشمول عنوان شدیدتری باشد که در آن صورت‌مرتکب به کیفر همان بزه محکوم می گردد. ماده ۸ ـ مسافری که بدون جهت علامات موجود در واگونها را از قبیل ترمز خطر و غیره بکار برد وقطار بایستند به تادیه غرامت دویست تا پانصد ریال ملزم خواهد شد. ماده ۹ ـ مسافری که به تجهیزات واگون از قبیل چراغ ـ توری‌های پنجره ـ شیشه ـ پرده ـ جایگاه ـجامه‌دان زیانی وارد آورد به پرداخت خسارت طبق تعرفه راه‌آهن مصوب وزارت راه ملزم خواهد شدبرای خسارتی که قابل پیش‌بینی در تعرفه نبوده با رعایت اینکه مقدار خسارت از یکصد ریال تجاوزنکند طبق تشخیص اداره راه‌آهن ملزم خواهد شد در صورتی که عمل مشمول عناوین کیفری باشد به‌کیفر مقرر برای عمل نیز در مراجع صالحه محکوم می‌شود. ماده ۱۰ ـ وجوه مذکور در ماده ۸ به تشخیص رییس قطار وجوه مذکور در ماده ۹ مطابق تعرفه یاتشخیص راه‌آهن به حسب مورد در مقابل قبض رسمی اداری دریافت می گردد. در صورتی که واردکننده خسارت اعتراضی داشته باشد می‌تواند پس از پرداخت وجه تا مدت‌شش‌ماه به یکی از دادگاههای شهرستان خط سیر مراجعه نماید. هرگاه واردکننده خسارت از پرداخت این وجوه امتناع نماید چنانچه مالی همراه داشته باشد رییس‌قطار حق دارد به میزان خسارت مورد مطالبه از مال او بازداشت نموده و طبق آیین نامه مصوب‌وزارت راه ـ وزارت دادگستری خسارت راه‌آهن را از آن استیفا نماید نسبت به بازداشت مال نیزواردکننده خسارات از تاریخ بازداشت آن به شرح بالا حق شکایت خواهد داشت هرگاه دارایی ممتنع کفایت خسارت وارده را ندهد یا دارایی نداشته باشد و نتواند تضمین کافی بدهدچنانچه راه‌آهن مقتضی بداند می‌تواند صورت مجلس تنظیم و با خود او تحت مراقبت مأمورین به‌نزدیک‌ترین دادگاه مقصد ممتنع بفرستد ـ دادگاه به این قبیل موارد خارج از نوبت رسیدگی خواهدکرد. ماده ۱۱ ـ حمل مواد زود اشتعال و قابل احتراق و انفجار بدون اطلاع اداره راه‌آهن ممنوع است ومسافری که بدون اطلاع راه‌آهن مواد مزبور را در جامه‌دانهاو اثاثیه خود در واگنها حمل کند یا آنها رابه قسمت حمل و نقل اثاثیه (توشه بسپارد و همچنین هرکس بدون استحضار راه‌آهن مواد مزبور رابرای حمل به وسیله واگنهای باری تحویل نماید محکوم به تادیه غرامت از دویست تا هزار ریال‌خواهد گردید در صورتی که عمل مزبور منجر به حریق یا حادثه دیگری گردد که جرم شدیدتری‌شناخته شده باشد مرتکب به کیفر آن بزه محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ ـ هرگاه کسی باعث تضییع یا تلف مالی بشود که برای حمل به راه‌آهن سپرده شده است درقبال بنگاه راه‌آهن مسوول خساراتی است که از این جهت به راه‌آهن وارد شده باشد. ماده ۱۳ ـ هرکس در حریم راه‌آهن بدون اجازه کتبی بنگاه راه‌آهن ساختمان یا حفریات و به طور کلی‌هر دخل و تصرفی نماید

علاوه بر اجبار به اعاده محل به صورت اولیه محکوم به تادیه غرامت از ۵۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. آنچه پیش از اجرای این قانون داخل در حریم بوده‌در صورتی که راه‌آهن اجازه ابقا آن را ندهد مالک آن ملزم است که آن را از حریم راه‌آهن بردارد و اگرامتناع نماید راه‌آهن آن را برخواهد داشت و یا در صورت موافقت راه‌آهن به بهای عادلانه به راه‌آهن‌واگذار می‌شود حریم راه‌آهن عبارت از ۱۷ متر فاصله به هر یک از دو طرف محور خط می‌باشد. ماده ۱۴ ـ نگاهداری و چراندن دام در حریم راه‌آهن ممنوع است و راه‌آهن مسوول خسارت وارده که‌از تلف آنها حاصل می‌شود نخواهد بود. اگر از این راه خساراتی به راه‌آهن وارد شود مالکین دامها در قبال راه‌آهن مسوول خواهند بود. ماده ۱۵ ـ تا مسافت کمتر از پنجاه‌متر از خط آهن ساختن بناهایی که دارای سقف پوشالی باشد وخرمن نمودن کاه و علف و انبار نمودن مواد زود احتراق و زود اشتعال ممنوع است و متخلفین به‌تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۶ ـ هر یک از کارمندان راه‌آهن که متصدی راندن یا وظیفه‌دار تشکیل یا حرکت قطار می‌باشندلکوموتیو ـ واگن ـ در زین یا هرگونه وسایط نقلیه را که می‌دانند معیوب است و در صورت سیرموجب مخاطره خواهند شد به راه اندازد و یا به مناسبت وظیفه مانع تشکیل قطار و حرکت آن‌نشودبه حبس جنحه‌ای از شش‌ماه تا دو سال محکوم می‌شود همین کیفر درباره کارمندانی که ازمعیوب بودن وسایل نقلیه مطلع و بر حسب وظیفه مکلف به آگاه ساختن مقامات مربوطه بوده و آن‌مقامات را مسبوق نساخته‌اند اعمال می‌گردد. ماده ۱۷ ـ رییس قطار ـ راننده ـ ترمزبانان ـ سوزن‌بانان که بر خلاف مقررات در موقع حرکت قطار تارسیدن آن به مقصد یا در موقع حرکت و ورود قطار به ایستگاه محل خدمت خود را ترک و یا وظیفه‌خود را انجام ندهند به حبس جنحه‌ای از شش‌ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۸ ـ متصدیان حفظ ساختمان و بناهای مربوطه به راه‌آهن با آلات فنی آن که مسوول‌نگاهداری خط و نظارت ساختمانها و به طور کلی مأمور حفظ اموال راه‌آهن اعم از فنی و غیرفنی‌می‌باشند اگر وظیفه خود را ترک کنند محکوم به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش‌ماه خواهند شد. هرگاه بزه‌های مذکور در این ماده و دو ماده پیش منتهی به تصادم یا خروج قطار از خط و یا حادثه‌مهم دیگری بشود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه‌حادثه کسی کشته شود به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ده سال محکوم می‌گردد. در مورد این ماده و ماده ۱۷ در قسمتی که کیفر مرتکب حبس جنحه‌ای مقرر شده است تعقیب بزه‌منوط بدر خواست بنگاه راه‌آهن می‌باشد. ماده ۱۹ ـ اگر مأمورین راه‌آهن از امر مافوق خود که برای احتراز از خطر و حادثه راه‌آهن صادر شده‌تخلف کنند به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش‌ماه محکوم خواهند شد و چنانچه این تخلف منجربه حادثه راه‌آهن شود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می‌شود و اگر درنتیجه حادثه کسی کشته شود کیفر مرتکب حبس جنایی درجه یک است از سه تا ده سال ماده ۲۰ ـ هرگاه کارمند راه‌آهن از ساختمانها ـ تجهیزات ـ کارخانجات تاسیسات ثابت و وسایط‌نقلیه و غیر آن نقشه ـ عکس یا اطلاعاتی که جنحه سری دارند و افشا آن بر خلاف مصالح راه‌آهن ویا مصالح عمومی کشور باشد به کسی بدهد یا کسی را برای بدست آوردن چنین اسناد و مدارک‌کمک نماید در صورتی که عمل بزه شدیدتری نباشد به حبس جنایی درجه دو ، دو تا پنج سال‌محکوم می‌شود. ماده ۲۱ ـ چنانچه کارکنان لکوموتیو اعم از راننده یا آتشکار و همچنین سایر کارمندان راه‌آهن که‌مسوول تامین آمد و شد قطار هستند در غیر مورد مذکور در ماده ۶ مرتکب بی‌مبالاتی یا غلفت‌بشنوند که منجر به زیان دولت بشود علاوه بر جبران خسارت به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا یک‌سال محکوم می‌شوند. تبصره ـ تعقیب متهم در دادگستری موکول به شکایت راه‌آهن خواهد بود. ماده ۲۲ ـ کدخدایان و دهبانانی که به امر مقامات مربوطه مواظبت قسمتی از راه‌آهن به عهده آنهاواگذار شده هرگاه در انجام مأموریت خود بی‌مبالاتی و یا غفلتی بنمایند که موجب شود کسی به‌راه‌آهن خرابی وارد نماید به سه ماه تا سه سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شوند. ماده ۲۳ ـ هرگاه اعمال مذکور در این قانون منتهی به نتایج قابل کیفری گردد که در این قانون‌پیش‌بینی نشده است مقررات سایر قوانین کیفری مجری خواهد بود. ماده ۲۴ ـ وزارت راه می‌تواند ضمن آیین نامه که به موجب ماده ۴ قانون سازمان بنگاه راه‌آهن دولتیایران مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۱۴ اختیار

تنظیم آن داده شده از نظر انتظام و انضباط کارهای راه‌آهن برای‌تخلف کارمندان راه‌آهن از مقررات یا دستورهای روسای مافوق در موارد لزوم از یک روز تا بیست‌روز حبس انضباطی پیش‌بینی نموده و آن آیین نامه را پس از تصویب هیات‌وزیران به موقع اجراگذارد طرز رسیدگی و مرجع شایسته نیز در آیین نامه مذکور معین خواهد شد.

قانون اجازه واگذاری امتیاز سرقفلی و مشارکت غرفه و فروشگاههای پایانه‌های عمومی بار و مسافر مجتمع ها

ماده واحده ـ به سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور اجازه داده می‌شود امتیاز سرقفلی غرفه و فروشگاههای پایانه‌ها و مجتمع های خدمات رفاهی بین راهی و تیر پارکها را قبل از شروع به احداث‌یا تکمیل آنها ، به متقاضیان بهره برداری یا احداث واگذار نماید. مستحدثات مذکور پس از ارزیابی کارشناسی منتخب مجمع سازمان در قرارداد منعقد شده به‌حساب سرقفلی بهره بردار منظور می‌شود. همچنین سازمان مجازات احداث آنها را در قالب قرارداد مشارکت مدنی واگذار نماید. تبصره ـ صدور مجوز تأسیس و بهره برداری از پایانه‌ها و مجتمع‌های فوق و هرگونه تأسیسات‌رفاهی بین راهی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و ساماندهی و تمرکز آنها در نقاط مناسب شبکه راههای کشور به عهده سازمان مذکور است و در صورت بروز تخلف مراجع قضایی با درخواست‌سازمان دستور جلوگیری و پس از رسیدگی و حکم تخریب هرگونه ساخت و ساز غیر مجاز را صادرمی‌نماید. شرایط و ضوابط به نحوه ساخت و بهره برداری پایانه‌های یاد شده و تعرفه صدور مجوزهای مربوطه و سایر خدمات قابل ارائه سازمان در قالب طرح جامع خدمات رفاهی بین راهی خواهد بودکه به تصویب مجمع عمومی سازمان می‌رسد.

قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری – مصوب ۲۸ دی ماه ۱۳۶۷

ماده واحده ـ به منظور بهره‌برداری توسعه و نگاهداری پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه‌سنگین‌باربری مستحدثه موجود و نیز احداث بهره‌برداری توسعه و نگهداری پایانه‌های عمومی‌مورد نیاز در کلیه نقاط کشور که به تشخیص وزارت راه و ترابری ایجاد آنها جهت ارایه خدمات به‌رانندگان وسایل نقلیه باربری ضرورت خواهد یافت شرکت سهامی پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری تاسیس می‌گردد. احداث پایانه وسایل نقلیه باربری توسط شرکت موضوع این قانون مانع‌احداث و تاسیس پایانه باربری توسط بخش غیردولتی مطابق ضوابط وزارت راه و ترابری‌نمی‌باشد. تبصره ۱ ـ مجمع عمومی این شرکت مرکب از وزرای راه و ترابری برنامه و بودجه امور اقتصادی‌و دارایی خواهد بود. ریاست مجمع بر عهده وزیر راه و ترابری است تبصره ۲ ـ سهام پایانه هر محل تا ۴۹٪ قابل واگذاری به بخش غیردولتی می‌باشد نحوه واگذاری‌در اساسنامه شرکت مشخص می گردد. تبصره ۳ ـ اساسنامه شرکت در چارچوب این قانون و ماده ۳۰۰ قانون تجارت ظرف مدت ۳ ماه ازتاریخ تصویب این قانون توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تصویب مجمع عمومی به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. تبصره ۴ ـ شرکت موظف است بهره‌برداری از فروشگاهها و غرفه‌های پایانه از قبیل تعمیرگاهها،کارگاههای فنی فروشگاههای قطعات یدکی سالنهای تعویض روغن رستوران را طبق آیین نامه ای‌که توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تایید مجمع عمومی به تصویب هیأت وزیران خواهدرسید به بخش غیردولتی واگذار نماید. تبصره ۵ ـ شرکت به صورت خودکفا اداره می گردد و در قبال خدماتی که ارایه می‌نماید وجوهی‌دریافت می‌دارد، نوع خدمات و میزان وجوه دریافتی بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت راه و ترابری به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. تبصره ۶ ـ شرکتها و مؤسسات باربری موظفند در پایانه‌هایی که احداث می‌شود مستقر گردند مگرآنکه از خود دارای تاسیسات و تجهیزات متناسب با نوع فعالیت مطابق با ضوابط وزارت راه وترابری باشند، در غیر این صورت از فعالیت آنان جلوگیری خواهد شد. تبصره ۷ ـ شرکت می‌تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد تاسیسات رفاهی بین راهی درنقاط محروم کشور که

بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند اقدام نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه بیست و هشتم دی‌ماه‌یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۶۷ به تاییدشورای نگهبان رسیده است

قانون اصلاح قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری – مصوب ۲۵/۴/۷۴

ماده واحده ـ قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه‌باربری مصوب۲۸/۱۰/۱۳۶۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ ـ ماده واحده در ماده واحده قانون بعد از پایانه‌های عمومی (و مجتمع‌های خدمات رفاهی بین‌راهی) اضافه می‌شود. ۲ ـ تبصره ۴ به شرح زیر تغییر می‌یابد: تبصره ۴ ـ شرکت مجاز است بهره‌برداری از فروشگاهها و غرفه‌های احداثی در پایانه‌ها ومجتمع‌های خدمات رفاهی بین راهی را با اخذ سرقفلی یا بدون آن طبق آیین‌نامه‌ای که توسطوزارت راه و ترابری تهیه و به تصویب مجمع عمومی شرکت خواهد رسید به متقاضیان واجدشرایط اعم از بخش دولتی و یا غیردولتی با انعقاد قرارداد اجاره واگذار نماید. واگذاری بدون سرقفلی مشمول قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲/۵/۱۳۵۶ نبوده وهیچگونه حقی اعم از کسب و پیشه و تجارت و سرقفلی برای طرف قرارداد ایجاد نمی‌نماید و درصورت تخطی متصرف از مفاد قرارداد در هر زمان به تشخیص شرکت و یا انقضای مدت اجاره شرکت می‌تواند با اخطار قبلی یک ماهه از طریق دفتر اسناد رسمی و صدور اجراییه از طریق دوایر اجرای ثبت محل را تخلیه و تصرف نموده و به متقاضیان واجد شرایط دیگر واگذار نماید. لیکن درمورد اشخاصی که در هنگام انعقاد قرارداد به عنوان سرقفلی وجهی به شرکت پرداخت نموده باشند،شرکت موظف است در صورت تخلیه ارزش روز سر قفلی را به آنها مسترد نماید. کلیه فروشگاههاو غرفه‌های پایانه هر محل که قبل از تصویب این قانون به اشخاص واگذار شده نیز از هر حیث مشمول مقررات این تبصره می‌باشند. مگر اینکه قرارداد به نحو دیگری تنظیم شده باشد وجوه‌حاصل از فروش سرقفلی غرفه‌ها و همچنین یک درصد (۱٪) ارزش بارنامه‌های صادره در سراسرکشور که توسط شرکت وصول خواهد شد به حساب خزانه واریز می‌گردد. صددرصد (۱۰۰٪)وجوه واریزی به عنوان منابع تامین اعتبار بر اساس بودجه سالانه جهت توسعه و احداث پایانه‌های‌جدید و تیر پارکها (یا مجتمع‌های خدمات رفاهی بین‌راهی در اختیار شرکت مزبور قرار می‌گیرد. ۳ ـ تبصره ۷ به شرح زیر اصلاحی می‌گردد: تبصره ۷ ـ شرکت می‌تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد پایانه‌ها و تیرپارکها ومجتمع‌های رفاهی بین‌راهی در نقاط مختلف کشور که بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند،اقدام نماید. ۴ ـ تبصره زیر به عنوان تبصره ۸ به شرح زیر اضافه می‌گردد: تبصره ۸ ـ درج کرایه غیرواقعی حمل و نقل در بارنامه و هر فعل دیگری که موجب عدم پرداخت‌تمام یا قسمتی از وجوه موضوع تبصره ۴ و ۵ این قانون به شرکت شود، تخلف محسوب و مرتکب‌برای بار اول علاوه بر جبران خسارات وارده به شرکت به سه برابر مبلغ کسری جریمه خواهد شداین مبلغ در هر صورت از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال کمتر نخواهد بود. در صورت تکرار نیز،پروانه متخلف به صورت موقت یا دایم لغو می‌شود. ۵ ـ تبصره ۹ به شرح زیر به تبصره‌ها اضافه گردد: تبصره ۹ ـ وظایف معاونت حمل و نقل وزارت راه و ترابری به شرکت پایانه منتقل می‌شود و نام‌شرکت به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور تغییر می‌یابد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم تیرماه یکهزار وسیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۵/۱۳۷۴ به تایید شورای‌نگهبان رسیده است

فضای سبز

لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها – مصوب ۳/۳/۱۳۵۹

ماده ۱ ـ به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان قطع هر نوع‌درخت در معابر، بزرگراهها و پارک‌ها، باغات و محل‌هایی که به صورت باغ شناخته شوند و درمحدوده قانونی و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری ممنوع است ضوابط مربوط به چگونگی اجرای این ماده پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب شورای شهرقابل اجرا است ماده ۲ ـ شهرداری‌ها در محدوده قانونی و حریم شهرها مکلفند ظرف مدت یک سال شناسنامه‌ای‌شامل تعداد و نوع و محیط و سن تقریبی درختان محل‌های مشمول این قانون را تنظیم کنند و این‌شناسنامه هر پنج سال یکبار قابل تجدید و سند اجرای این قانون می‌باشد. تبصره ـ شهرداری‌ها مکلفند درختان معابر، میادین بزرگراهها و پارک‌ها را پس از تنظیم مشخصاتانان پلاک‌کوبی کنند. ماده ۳ ـ مأموران شهرداری‌ها بر حسب مورد می‌توانند برای تنظیم یا تطبیق برگ شناسایی درختانبا در دست داشتن معرفی نامه و نمایندگی دادستانی وارد محل‌های مشمول این قانون بشوند. ماده ۴ ـ از تاریخ اجرای این قانون اعم از اینکه شناسنامه موضوع ماده ۲ تنظیم و ابلاغ شده باشد یانه قطع درختان مشمول قانون ممنوع است مگر با تحصیل اجازه از شهرداری طبق مقررات و ضوابطمربوط تبصره ۱ ـ اراضی مشجر و اماکن مسکونی و محل‌های کسب و پیشه و تجارت که مساحت آن ازپانصد متر مربع تجاوز نکند از شمول قانون مستثنی است تفکیک قطعات اراضی مشجر و باغات بزرگ‌تر از پانصدمتر مربع با رعایت مقررات شهرسازی مجازاست ولی قطع درخت در قطعات تفکیک شده بود هر مساحت که باشد بدون تحصیل اجازه طبق‌مقررات این قانون ممنوع است تبصره ۲ ـ در پروانه‌های ساختمانی که بر اساس طرح جامع و یا هادی شهرها از طرف شهرداری‌هاصادر می‌شود تعداد درختی که در اثر ساختمان باید قطع شود تعیین و قید خواهد شد. در صورتی که‌پس از دریافت پروانه و قطع درخت ظرف مدت مندرج در پروانه بدون عذر موجه اقدام به‌ساختمان نشود مرتکب مشمول مجازات‌های مقرر در این قانون خواهد بود. تبصره ۳ ـ مالکین باغات و محل‌هایی که به صورت باغ شناخته شوند مکلفند به ازای درخت‌هایی‌که اجازه قطع آنان از طرف شهرداری صادر می‌شود به تعداد دو برابر در همان محل و یا هر محلی که‌شهرداری تعیین خواهد کرد بر طبق ضوابط و دستورالعمل‌های موجود در فصل مناسب غرس‌نمایند. تبصره ۴ ـ کاشت و حفاظت و آبیاری درختان معابر، میادین بزرگراهها و پارک‌های عمومی از اهم‌وظایف شهرداری‌ها می‌باشد. ماده ۵ ـ ضوابط مربوط به خزانه و جابجا کردن ـ جانشین ساختن و قطع درختان که ملازمه بابهره‌برداری از نهالستان‌ها، قلمستان‌ها و باغات و موارد دیگر دارد به موجب آیین نامه های اجراییاین قانون تعیین خواهد گردید. ماده ۶ ـ هرکس عالما و عامدا و بر خلاف مقررات این قانون مرتکب قطع و یا موجبات از بین رفتن‌درختان مشمول آن قانون را فراهم سازد به حبس جنحه‌ای تا سه سال و پرداخت جزای نقدی برحسب نوع و محیط سن درخت و موقعیت آن از یک هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهدشد. تبصره ۱ ـ در صورتی که قطع درخت از طرف مالکین به نحوی باشد که باغی را از این ببرد و اززمین آن به صورت تفکیک و خانه سازی استفاده کند همه زمین به نفع شهرداری ضبط می‌شود و به‌مصرف خدمات عمومی شهر و محرومین می‌رسد. تبصره ۲ ـ مجازات‌های مذکور در این ماده قابل تعلیق و یا تبدیل به جزای نقدی نبوده و احکام‌صادره فقط قابل پژوهش خواهد بود. ماده ۷ ـ گزارش مأموران شهرداری‌های مأمور اجرای این قانون که قبلا با وظایف ضابطین‌دادگستری آشنا شده‌اند به منزله گزارش ضابطین دادگستری است ماده ۸ ـ هرکس اعم از مأموران مجری این قانون و سایر اشخاص عالما جرایم مذکور در این قانون رابه خلاف حقیقت به کسی نسبت دهد و یا گزارش خلاف واقع بدهد به مجازات حبس جنحه‌ای تاسه سال محکوم می‌شود مگر اینکه در قوانین جزایی مجازات شدیدتری پیش‌بینی شده باشد که دراین صورت به مجازات اشد محکوم خواهد شد. مقررات تبصره ذیل ماده ۶ در این مورد نیز لازم‌الرعایه است

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا – مصوب ۳/۲/۱۳۷۴

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور پاکسازی وحفاظت هوا از آلودگی‌ها کلیه دستگاه‌ها و موسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفندمقررات و سیاست‌های مقرر در این قانون را رعایت نمایند. ماده ۲ ـ اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایـد ممنوع است منظور از آلودگی‌هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چنـد آلوده کننـد اعم از جامد، مایع گاز، تشعشع پرتوزا وغیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایرموجودات زنـده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشـد تغییر دهد. ماده ۳ ـ منابع آلوده کننده هوا که تحت مقررات این قانون قرار دارنـد بـه سـه دسـته زیر طبقـه بندی‌می‌شونـد: الـف وسایـل نقلیـه موتـوری ب کارخانجـات و کارگاه‌هـا و نیروگاه‌ها. ج منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه

فصل دوم ـ وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱)

ماده ۴ ـ استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده‌های دیگر واردهوای آزاد نمایند ممنوع است حـد مجـاز خروجی وسایـل نقلیه موتوری توسط سازمان حفاظت‌محیط زیست با همکاری وزارت صـنایع تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست‌می‌رسـد. ماده ۵ ـ هر وسـیله نقلیه موتوری که به کـار گرفته می‌شود بایـد دارای گواهی نـامه مخصوص مبنی بررعایت حـد مجاز خروجی آلوده کننـده‌های هوا باشـد. دارنـدگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه‌ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط زیست که توسط شهرداری‌هاایجاد می‌گردد تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهی نامه مبنی بر رعایت حـد مجاز آلودگی رادریافت نماینـد. در غیر این صورت از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهی نامه مذکور به ترتیبی که درایین‌نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود جلوگیری خواهد شد. تبصـره ۱ ـ هزینه انجـام آزمایش و معاینه وسایل نقلیه موتوری از دارنـدگان وسایـل نقلیـه مـذکورطبق تعرفه‌ای کـه توسـط وزارت کشـور و سازمـان حفـاظت محیـط زیسـت تهیـه و بـه تصـویب هیات‌وزیران می‌رسد اخذ خواهد شد. تبصـره ۲ – تاریـخ شـروع اجرای این ماده و تبصـره‌های آن حداکثر یک سال پس از تصویب این‌قانون تعیین می‌شود و سازمان حفاظت محیط زیست و شـهرداری و سایر دستگاه‌های ذیربط‌موظفند ظرف مدت مذکور امکانات لازم جهت اجرای این ماده را فراهم کنند. ماده ۶ ـ شهرداری‌ها، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران وزارت خانه‌ها و سازمان‌های ذیربط‌موظفنـد نحوه تردد وسایـل نقلیه موتوری و سیسـتم حمل و نقل شـهری را به صورتی طراحی وسامان دهنـد که ضـمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سـفرهای روزانه شـهری باشـد. تبصـره ـ آیین‌نامه اجرایی این ماده که در برگیرنـده ساعات و محـدوده مجاز تردد شـهری پیش‌بینیاسـتفاده مطلوب و بیشتر از وسایل نقلیه عمومی و امثال آن می‌باشد توسط وزارت کشور (شـهرداری‌ها) ونیروی انتظامی جمهوری اسـلامی ایران و سازمان حفاظت محیط زیست و در صورت‌لزوم با همکاری سازمان‌های ذیربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷ ـ در مواقع اضـطراری که به علت کیفیت خاص جوی آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که‌به تشـخیص وزارت بهـداشت درمان و آموزش پزشـکی سـلامت انسان و محیط زیست را شدیـدا به‌مخاطره بیانـدازد، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور (شـهرداری‌ها و نیرویانتظامی جمهوری اسـلامی ایران ممنوعیت‌ها یا محـدودیت‌های موقت زمانی مکانی و نوعی رابرای منابع آلوده کننده برقرار نموده و بلافاصـله مراتب را از طریق رسانه‌های همگانی به اطلاع عموم‌خواهد رسانید. با بر طرف شدن وضـعیت اضـطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت ومحدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضـی به اطلاع عموم خواهـد رسانیـد. ماده ۸ ـ سـاخت و تولیـد و ورود وسایـل نقلیه موتوری و همچنین موتور و سایر قطعات مرتبط بااحتراق وسایل نقلیه از قبیل کاربوراتور و فیلتر مستلزم رعایت استانداردهای حفاظت محیط زیست‌می‌باشد. ماده

۹ ـ وزارت صنایع موظف است سیاست‌ها و برنامه‌های تولیدی واحدها وشرکت‌های تابعه‌تولید وسایل نقلیه موتوری خود را به نحوی تنظیم نماید که اولاـ تولید وسایل نقلیه با موتورها وقطعات غیر استاندارد صورت نپذیرد ثانیا در برنامه‌ریزی ساخت خودرو برنامه تولید وسایل نقلیه وحمل و نقل عمومی را در اولویت قرار دهد ثالثا طراحی و ساخت اتومبیل‌ها به نحوی صورت گیردکه حتی المقدور امکان استفاده از گاز هم وجود داشته باشد. ماده ۱۰ ـ شماره گذاری هر نوع وسیله نقلیه موتوری مستلزم رعایت استانداردهای موضوع ماه ۸این قانون می‌باشد. ماده ۱۱ ـ استانداردهای موضوع مواد ۸ و ۹ این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست باهمکاری وزارت صنایع وزارت نفت و موسسات تحقیقاتی ذیصلاح تهیه و به تصویب هیات‌وزیران خواهد رسید.

فصل سوم ــ کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲ ـ احداث کارخانجات و کارگاه‌های جدید و توسعه و تغییر محل و یا خط تولیدکارخانجات وکارگاه‌های موجود مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست‌می‌باشد. ماده ۱۳ ـ وزارت خانه‌های صنایع معادن و فلزات کشاورزی و جهاد سازندگی هنگام صدور جوازتاسیس رونوشتی از جواز تاسیس مربوط را به سازمان حفاظت محیط زیست ارسال خواهند نمود. دارندگان جواز تاسیس مذکور مکلفند محل استقرار واحدهای صنعتی و یا تولیدی خود را طبق‌ضوابط استقرار موضوع ماده ۱۲ این قانون تعیین نمایند. صدور پروانه بهره‌برداری موکول به تایید محل استقرار با رعایت ضوابط موضوع ماده ۱۲ فوق براساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. تبصره ۱ ـ احداث نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، کارخانجات پتروشیمی کارخانجات صنایع نظامی فرودگاه‌ها و ترمینال‌های بارگیری موکول به رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط‌زیست از لحاظ محل استقرار می‌باشد. تبصره ۲ ـ ضوابط و معیارهای موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ توسط سازمان با مشارکت وزارت خانه‌های‌مذکور در این ماده تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۳ ـ سازمان حفاظت محیط زیست موظف است ضوابط و معیارهای زیست محیطی لازم رااز طریق وزارت خانه‌های ذیربط به دارندگان جواز تاسیس اعلام نماید. ماده ۱۴ ـ فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ رارعایت ننمایند و همچنین فعالیت و بهره برداری از کارخانجات و کارگاه‌ها و نیرگاه‌هایی که بیش ازحد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند ممنوع است ماده ۱۵ ـ سازمان حفاظت محیط زیست کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که آلودگی آنها بیش‌از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع و میزان‌آلودگی به صاحبان و یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها ابلاغ خواهد کرد تا در مهلت‌معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذیربط تعیین می‌شود نسبت به رفع‌آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتی که صاحب یا مسئول کارخانه و کارگاهی که موجبات آلودگی هوا را فراهم‌می‌نماید با دلایل قابل قبول سازمان اثبات نماید که طرف مهلت تعیین شده رفع آلودگی عملی‌نمی‌باشد سازمان می‌تواند باری یکبار مهلت اضافی مناسب در مورد این گونه کارخانجات وکارگاه‌ها قایل شود. تبصره ۲ ـ سازمان حفاظت محیط زیست موظف است استانداردهای هوای پاک و استانداردهاپالوده کننده‌های حاصل از کارخانجات و کارگاه‌ها که به هر طریق وارد هوای آزاد می‌گردند را برای هرمنطقه و با توجه به کیفیت هوا و مناسبات زیست محیطی آن مناطق تهیه نموده و در اختیارمتقاضیان و صاحبان کارخانجات و کارگاه‌ها قرار دهد. حد مجاز (استانداردهای محیط زیست این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۶ ـ در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده کننده ظرف‌مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط‌ننمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی‌ذیربط محل که بلافاصله توسط مأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود

از کار و فعالیت‌کارخانجات و کارگاه‌های آلوده کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد. ادامه کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های مزبور منوط به صدور اجازه سازمان‌حفاظت محیط زیست و یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده کننده پس‌از ابلاغ سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت و ادامه کار کارخانجات و کارگاه‌های مربوط‌ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانجات و کارگاه‌های مذکور راسا و بدون کسب‌اجازه از سازمان یا بدون صدور رای کارگاه صالحه مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها بنمایندبرحسب مورد به مجازات‌های مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوط به عدم رعایت دستورات‌مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد و چنانچه مدیران و مسئولان مذکور اداره و تصدی‌کارخانجات و کارگاه‌های دولتی یا وابسته به دولت را بر عهده داشته باشند موضوع در هیات‌رسیدگی به تخلفات اداری وزارت خانه یا دستگاه متبوع مدیر یا مسئول نیز مطرح و حکم مقتضی‌صادر خواهد گردید. ماده ۱۷ ـ در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب رییس سازمان حفاظت محیط زیست‌می‌تواند کارخانجات و کارگاه‌هایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در برداشته باشد یا اخطار سریع‌خواستار توقف فعالیت آنها گردد و در صورت استنکاف به حکم رییس دادگاه محل تا رفع موجبات‌خطر تعطیل نماید. ماده ۱۸ ـ در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و یا کارگاه‌ها ازطریق دیگر بجز انتقال یک یا برخی از آنها به نقاط مناسب امکان‌پذیر نبوده و یا فعالیت کارخانجات‌و کارگاه‌های مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیاندازد سازمان‌حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت خانه‌ها و دیگر دستگاه‌های دولتی ذیربط طرح انتقال‌کارخانجات و کارگاه‌های مذکور را به نقاط مناسب (ترجیحا شهرک‌ها و قطب‌های صنعتی تهیه و به‌هیات وزیران ارایه می‌نماید. دولت در صورت صلاحدید و موافقت حسب مورد اقدام خواهد نمود. ماده ۱۹ ـ قطب‌ها و شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی و نیروگاه‌ها و واحدهای تولیدی مکلفندحداقل ۱۰ درصد از فضای شهرک‌ها و یا مجموعه فضای تخصیص داده شده جهت احداث‌واحداهای تولیدی وخدماتی را به ایجاد فضای سبز و مشجر و کشت درختان مناسب منطقه‌اختصاص دهند. بهره برداری از واحدهای صنعتی و تولیدی مذکور منوط به رعایت این ماده و ایجاد فضای سبزمناسب می‌باشد. وزارت خانه‌های صنعتی موظف به نظارت بر حسن اجرای این ماده می‌باشند. ماده ۲۰ ـ کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها و کوره‌های آجرپزی و آهک‌پزی موظف به استفاده ازسوخت و سیستم‌های احتراقی مناسب قابل دسترسی به نحوی که موجبات کاهش آلودگی هوا رافراهم نماید هستند. تبصره ـ وزارت نفت موظف است در برنامه‌ریزی گاز رسانی و سوخت رسانی خود تامین سوخت‌مناطق صنعتی و مراکز استقرار کارخانجات و کارگاه‌ها و کوره‌های آجرپزی و مجاور شهرهای بزرگ‌را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۱ ـ آیین‌نامه اجرایی این فصل و همچنین ضوابط مربوط به محدودیت استقرار صنایع درمجاورت شهرها توسط سازمان حفاظت محیط زیست با مشارکت وزارت خانه‌های ذیربط تهیه و به‌تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل چهارم – منابع تجاری خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷

ماده ۲۲ ـ پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری خانگی ومتفرقه در هوای آزاد ممنوع است منابع تجاری خانگی و متفرقه از جهت نوع و میزان آلودگی توسط سازمان حفاظت محیط زیست‌مشخص و طبقه بندی شده و حد مجاز موضوع این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه‌و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ ـ کلیه منابع آلوده کننده از قبیل حمام‌ها، نانوایی‌ها، هتل‌ها و رستوران‌ها و غیره مکلفندضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از انتشار دود و دوده و سایر مواد آلوده کننده در هوای آزاد، ازسوخت مناسی ترجیحا گاز شهری که موجب کاهش آلودگی هوا می‌شود استفاده نمایند.

وزارت نفت موظف است در برنـامه سوخت رسـانی شـهرهای بزرگ تـامین سوخت منـاسب و گازرسانی منابع تجاری و واحـدهای خـدمات عمومی را در اولویت قرار دهـد. ماده ۲۴ ـ سوزانـدن و انباشـتن زباله‌های شـهری خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی وفضای بازممنوع می‌باشـد. ماده ۲۵ ـ وزارتین مسـکن و شـهرسازی و کشور موظفنـد هنگـام تهیه طرح‌هـای هادی و جامع وبهسازی شهرهـا به نحوی برنـامه ریزی نماینـد که فصـل جـداگانه‌ای از مطالعات طرح را به بررسـی‌مسایل زیست محیطی اختصاص دهنـد به گونه‌ای که طراحی شـهرها و شـهرک‌ها و مجتمع‌های‌مسـکونی از نظر فضای سبز و باز، همجواری کاربری‌ها، شبکه معابر و حمل و نقـل ضوابـط تراکم‌ساختمـانی و غیره بـا معیارهـای زیست محیطی مـورد تاییـد سازمـان متنـاسب باشـد. تبصـره ـ نقشه‌هـای شـهرها، شهرک‌هـای مسـکونی قطب‌هـا و شـهرک‌ها و مجتمع‌هـای صـنعتی اداری کشـاورزی و غیره موکـول بـه رعـایت ضوابـط و مقررات حفاظت محیط زیست می‌باشـد. ماده ۲۶ ـ آیین‌نـامه اجرایی موضوع مـاده ۲۵ این قانون مشترکا توسط وزارت مسـکن و شـهرسازی وزارت کشور وسازمـان حفـاظت محیـط زیست تهیه و به تصویب هیـات وزیران خواهـد رسیـد. مـاده ۲۷ ـ ایجـاد هرگـونه آلودگی صوتی بیش از حـد مجاز ممنوع می‌باشد. آیین‌نامه جلوگیری ازآلودگی صوتی توسط سازمان محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل پنجم ـ مجازات‌ها (ماده ۲۸ تا ۳۲)

مـاده ۲۸ ـ افرادی کـه بـا وسایـل نقلیه موتـوری آلـوده کننـده غیر مجـاز تردد می‌نماینـد و همچنیـن کسـانی که محـدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت ننمایند به حکم دادگاه صالح‌به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال بنـا بر تعـداد سـیلندر حجم موتور میزان آلودگی ودفعـات تکرار جرم محکوم خواهنـد شـد ضـمنا از تردد وسایل نقلیه آلوده کننـده مـذکور تا رفع موجباتالودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۲۹ ـ صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاه‌های آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴ و ۱۶ و۱۷ این قـانون عمـل نماینـد برای بـار اول به جزای نقـدی از پانصـد هزار ریـال تـا یک میلیون ریال و درصورت تکرار به حبس تعزیری از دو مـاه تـا شـش مـاه و جزای نقـدی از هفتصـد هزار ریـال تا دو میلیون‌ریال محکوم می‌شونـد. تبصره ۱ ـ صاحبان و مسئولان این گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده کننده علاوه بر محکومیت‌مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشـخاص حقیقی و حقوقی به حکم‌دادگاه صالحه می‌باشـند. تبصره ۲ ـ در مورد جرایم مقرر در این قانون علاوه بر اشـخاص حقیقی و حقوقی سازمان حفاظت‌محیط زیست برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصـی در زمینه خسارات وارده به محیـط زیست‌می‌باشـد. ماده ۳۰ ـ کسـانی که از انجـام بازرسـی مأموران سازمـان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری وتعیین میزان آلودگی ناشـی از فعالیت کارخانجات و کارگاه‌ها، منابع تجاری بهـداشتی و خـدمات واماکن عمومی ممانعت به عمل آورده و یـا اسـناد و مـدارک و اطلاعـات مورد نیـاز سازمان را در اختیارایشان نگذارنـد و یا اسـناد و مـدارک و اطلاعات مورد نیاز سازمـان را در اختیـار ایشـان نگذارنـد و یااسـناد و مـدارک و اطلاعـات خلاف واقع ارایه نماینـد برحسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقـدیاز پانصـد هزار ریـال تـا پنـج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا ۳ ماه وجزای نقـدی مذکور محکوم خواهند شد. تبصره ـ در صورتی که مأموران سازمان حفاظت محیط زیست در جرایم موضوع این ماده‌همکاری یا مشارکت داشـته یا گزارش خلاف واقع ارایه نمایند علاوه بر محکومیت در هیات‌های‌رسیدگی به تخلفات اداری به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهنـد شد. ماده ۳۱ ـ صاحبـان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون‌موجبات آلودگی هوا را فراهم نماینـد پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقـدی ازیکصـد هزار ریال تا پانصـد هزار ریال و در صورت تکرار از سـیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای‌نقـدی محکوم خواهنـد شد. ماده ۳۲ ـ مسئولین آلودگی حاصل از منابع

متفرقه و منابع خانگی و همچنین عاملین آلودگی‌صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تایک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

فصل ششم ــ مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶)

ماده ۳۳ ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت‌محیط زیست برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی آموزش قوانین و مقررات مسایل‌حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا بگذارد. ماده ۳۴ ـ درامدهای حاصل از اجرای این قانون پس از وصول بلافاصله به حساب خزانه واریزگردیده و معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه واریزی در هر سال و حداکثر تا سقف یک میلیارد ریال‌جهت اجرای این قانون به صورت ردیف جداگانه در لایحه بودجه هر سال منظور و در اختیارسازمان حفاظت محیط زیست و معادل بیست درصد (۲۰٪) تا سقف چهارصد میلیون ریال دراختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. ماده ۳۵ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون علاوه بر مواردی که در هریک از مواد قانون نسبت به آن‌تعیین تکلیف شده است حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان حفاظت‌محیط زیست و بر حسب مورد با مشارکت یا همکاری دستگاه‌های ذیربط تهیه و به تصویب هیات‌وزیران خواهد رسید. ماده ۳۶ ـ از تاریخ ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در زمینه جلوگیری از آلودگی‌هوالغو می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا

فصل اول ــ کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ عبارات و اصطلاحاتی که در آیین‌نامه به کار رفته است به شرح زیر تعریف می‌شوند: الف ـ قانون قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۳/۲/۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی ب ـ سازمان سازمان حفاظت محیط زیست پ ـ مواد آلوده کننده هوا: هر نوع ماده گازی بخار، مایع جامد و یا مجموعه ترکیبی از آنها که درهوای آزاد پخش و باعث آلودگی هوا و یا موجب تشدید آلودگی آن شود و یا ایجاد بوهای نامطبوع‌نماید از قبیل دود، دوده ذرات معلق اکسیدهای گوگرد، اکسیدهای ازت منواکسیدکربن اکسیدکننده‌ها، هیدروکربنها، اسیدها، آمونیاک و نظایر آن ت ـ گواهینامه مخصوص تاییدیه کتبی مراکز معاینه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی توسط‌وسایل نقلیه موتوری که به صورت برچسب صادر و بر روی وسایل نقلیه مذکور الصاق می‌شود.این گواهینامه می‌تواند علاوه بر رعایت حد مجاز آلودگی رعایت ضوابط ایمنی را در برداشته باشد. ث ـ آلوده کننده هر شخص حقیقی که اداره یا تصدی منابع مولد آلودگی را خواه برای خود، خواه به‌نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر برعهده داشته و یا شخصا و به طرق مختلف عامل ایجاد آلودگی باشد. ماده ۲ ـ منابع آلوده کننده هوا غیر از کارخانه‌ها و کارگاههای موضوع آیین‌نامه اجرایی فصل سوم‌قانون به شرح زیر طبقه بندی می‌شوند: الف ـ وسایل نقلیه موتوری هر نوع وسیله‌ای که با موتورهای درونسوز حرکت می‌کند و برای حمل‌ونقل مورد استفاده قرار می‌گیرد و در صورت به کار انداختن منشأ ایجاد یک یا چند ماده آلوده کننده‌می‌گردد. ب ـ منابع تجاری خانگی و منابع متفرقه ۱ ـ منابع تجاری به محلهای مشخصی اطلاق می‌شود که برای انجام فعالیتهای مختلف تجاری وخدماتی و نگهداری و عرضه تولیدات و کالا و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرید و بدون اینکه‌محدود به موارد زیر گردد، برحسب نوع فعالیت خدماتی و یا تجاری شامل گروههای زیر می‌گردد: گروه اول ـ هتلها،

مهمانخانه‌ها، رستورانها، شیرینی پزیها، نانواییها، گرمابه‌ها و امثال اینها. گروه دوم ـ دامداریها، مرغداریهای صنعتی کشتارگاهها، مؤسسات نگهداری حیوانات و امثال آنها. گروه سوم ـ بیمارستانها، مراکز درمانی و بهداشتی آزمایشگاهها و امثال اینها. ۲ ـ منابع خانگی از قبیل منازل و واحدها و مجتمعهای مسکونی به مکانی اطلاق می‌شود که صرفاجهت سکونت مورد استفاده واقع می‌شود. ۳ ـ منابع متفرقه عبارتست از منابعی غیر از کارخانه‌ها، کارگاهها، وسایل نقلیه موتوری و منابع تجاری و خانگی و هر عملی که ایجاد آلودگی هوا نمایـد از قبیل آتش سوزی زباله‌ها و انباشتن موادزایـد و متعفن در هوای آزاد. ماده ۳ ـ سازمان موظف است نسبت به شناسایی و تعیین نوع و میزان مواد آلوده کننده هوا به طرق مقتضـی از جمله اخذ اطلاعات مدارک لازم و در صورت لزوم بازدید و بازرسی اقدام نماید. تبصره ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوق مکلفند آمار، اطلاعات و اسناد و مدارک مورد نیاز سازمان‌که در جهت اجرای قانون و این آیین‌نامه درخواست می‌شود، در اختیار سازمان قرار دهند.

فصل دوم – وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۶)

ماده ۴ ـ شـرایط ایجـاد مراکز معـاینه وسایـل نقلیـه موتـوری اعـم از بنزینی گـاز سـوز و تجهیزات آن‌توسـط سازمـان بـا همـاهنگی وزارتخانه‌هـای کشـور و صـنایع تنظیـم و ابلاـغ خواهـد شـد. تبصـره ـ سازمـان مجـاز اسـت در جهـت حصـول اطمینـان‌از رونـد مطلوب‌دراجرای‌ماده ۵)قانون وعملکرد صحیح مراکز معـاینه نسبت به اخـذ آمـار و اطلاعـات هر یـک از مراکز مزبور در از طریق شهرداریهـای ذیربـط و انجـام معاینـات و آزمایشـهای موردی از برخی وسایل نقلیه موتوری که توسط‌مراکز یاد شـده مورد آزمایش قرارگرفته و گواهی زیست محیطی دریافت داشته‌اند ، اقدام‌نمایـد. ماده ۵ ـ راننـدگان وسایل نقلیه موتوری مکلفنـد برچسب حاوی گواهینامه مخصوص را در محل‌مناسبی که توسط مراکز معاینه تعیین می‌شود، بر روی شیشه اتومبیل خود نصب نمایند. ماده ۶ ـ طبق زمـان بنـدی مصوب شورای عالی ترافیک از تردد وسایل نقلیه موتوری که فاقـدبرچسب موضوع ماده (۵) باشند، در شهرهای تهران اصـفهان مشـهد، تبریز، شـیراز، اراک اهواز وکرج توسط مأموران انتظامی (مأموران راهنمایی و رانندگی جلوگیری شده و رانندگان وسایل نقلیه‌مـذکور مطابق ماده (۲۸) قانون محکوم خواهنـد شد. تبصـره۱ ـ وسایـل نقلیه مـذکور تـا هنگـام رفع موجبات آلودگی و انجـام معـاینه فنی مجـدد و دریافت گواهینامه اجازه تردد نخواهنـد داشت تبصـره۲ ـ شـمول مقررات این مـاده به سـایر شـهرها بنا به تصویب شورای عالی محیط زیست‌خواهد بود. تبصـره۳ ـ از تردد موتورهـای دو زمانه براساس زمان بنـدی که سازمان تعیین می‌کند در شهرهای یادشده جلوگیری خواهد شد.

فصل سوم ــ منابع تجاری و متفرقه (ماده ۷ تا ۱۰)

ماده ۷ ـ در اجرای ماده (۷) قانون دسـتورالعمل مربوط به مواقع اضطراری هوا توسط سازمان وسایر دستگاههای ذیربط تهیه و توسط وزارت کشور ابلاـغ می‌شود. مـاده۸ـ سازمـان پس از شـناسایی و طبقه بنـدی منـابع تجـاری خـانگی و منابع متفرقه آن دسـته ازمنابع مـذکور را که آلودگی آنها بیش از حـد مجاز می‌باشد، مشـخص و مراتب را با تعیین نوع و میزان‌آلودگی به مسؤولان و یا صاحبان منابع فوق الـذکر اعلام خواهد کرد تا در مهلت معین و مناسبی که‌توسط سازمان تعیین می‌شود، نسبت به رفع آلودگی اقدام نمایند. ماده ۹ ـ بیمارسـتانها، درمانگاهها و مراکز بهداشتی و درمانی وسایر مراکز مجاز که به منظور امحای‌زباله‌های خود از روش سوزاندن استفاده می‌نمایند، مکلفند از دستگاه زباله سوز مناسب که‌استانداردهای آلودگی هوا رعایت نماید، استفاده کنند. ماده ۱۰ ـ سازمان مجـاز است در اجرای مـاده (۲۳) قـانون درمناطقی که گاز شـهری در دسترس‌می‌باشـد، برای اشـخاص حقیقی و حقوقی که با عـدم

استفاده از گـاز موجبات آلودگی هوا را فراهم‌می‌سازنـد، اخطاريه صادر و مهلت مناسبی را جهت رفع آلودگی تعيين نمايـد. معاون اول رييس جمهور ـ حسن حبيبی

آيين نامه اجرايی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگيری از آلودگی هوا – مصوب ۱۴/۲/۱۳۷۶

فصل اول ــ کليات (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱ ـ در اين آيين نـامه عبـارات و اصـطلاحات زير در معـانی مشـروح مربوط به کـار می‌رونـد: محـدوده ممنوعه تردد: محـدوده جغرافيـايی داخـل شـهری است که توسـط مراجع صـلاحيتدار منـدرج در اين آيين نـامه تعيين می‌شود و عبور و مرور برای برخی از وسايـل نقليه در آن ممنوع است ساعات ممنوعه تردد: ساعاتی از شبانه‌روز است که توسط مقامات ياد شـده در اين آيين نامه تعيين می‌شود و عبور و مرور وسايـل نقليه در آن ساعـات ممنوع است وسايل نقليه عمومی وسايل نقليه جمعی که در مالکيت يا در اختيار يـا نظـارت مراجع دولتی يـا عمومی بوده و در شـبکه حمـل و نقـل عمومی شـهری به کـار گرفته می‌شود. ماده ۲ ـ شـهرهای مشمول محـدوديت يـا ممنوعيت تردد وسايل نقليه موضوع اين آيين نامه در نقاطی که بنابه اعلام سازمان حفاظت محيط زيست آلودگی‌هوا ناشـی از تردد وسايل نقليه موتوری بيش از حد مجاز بوده و سهم وسايل نقليه موتوری و تردد شهری در آلودگی هوای آنها بيش از سايرمنـابع آلوده کننـده باشـد، به پيشـنهاد سازمـان حفاظت محيط زيست يا شـهرداريهای کشور يا نيروی انتظامی و تصويب شورای هماهنگی ترافيک استـان مربوط تعيين می‌شونـد. تبصـره ۱ ـ محـدوده‌ها و ساعـات ممنـوعه تردد وسايـل نقليه همچنين نوع آنهـا در شهرهـای مشـمول بنـابه پيشـنهاد شـهرداری شـهر يا اداره کل حفاظت محيط زيست اسـتان يا نيروی انتظامی اسـتان مربوطو تصويب شورای هماهنگی ترافيک استان تعيين می‌شوند. تبصره ۲ ـ شورای هماهنگی ترافيک اسـتان با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط موارد استثنا از حکم تبصره (۱) اين مـاده را با توجه به تعـداد، نوع و کاربری وسايل نقليه و زمان اعمال محـدوديت يا ممنوعيت ، همزمان اعلام می کند

فصل دوم – نحوه صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدوديتها (ماده ۳ تا ۶)

ماده ۳ ـ عبورو مرور وسايل نقليه موتوری اعم از خودرو و انواع موتورسـيکلت در محدوده‌هاوساعات ممنوعه مستلزم دريافت مجوز تردد که توسط شـهرداريهای کشور صادر می‌شود می‌باشد. تبصـره ـ مدت اعتبار مجوزهای تردد به تصويب شورای عالی هماهنگی ترافيک شهرهای کشورمی‌رسد. ماده ۴ ـ در مواقع اضطراری موضوع ماده (۷) قانون نحوه جلوگيری از آلودگی هوا ـ مصوب ۱۳۷۴ ـمجوزهای تردد صادر شـده پس از اطلاع از طريق رسانه‌های همگانی به گونه‌ای که اعلام خواهد شد،به طور موقت از درجه اعتبار ساقط می‌شونـد. ماده ۵ ـ شـهرداريهای کشور مکلف هسـتند از طريق انتشـار آگهی در رسانه‌هـای همگـانی مردم را ازمحـدوده‌ها و ساعات ممنوعه تردد آگاه نماينـد و با نصب تابلوهای ويژه با هماهنگی اداره راهنمايی‌و راننـدگی نيروی انتظامی جمهوری اسـلامی ايران در مبادی ورودی محـدوده ممنوعه هشدارهای‌لازم را به عموم افراد بدهند. ماده ۶ ـ نيروی انتظامی موظف است با نصب تابلو ورود ممنـوع در مبـادی ورودی به محـدوده‌ممنوعه از تردد وسايـل نقليه فاقـد مجـوز موضـوع مـاده (۳) اين آيين نـامه در محـدوده موردنظر درساعـات ممنوعه جلوگيری کنـد و بـا متخلفين برابر مقررات مربوط رفتار نمايـد، همچنين موارد اسـتثنا(موضوع تبصـره ۲ ماده ۲ اين آيين نامه) را بر روی تابلوهای ويژه اعلام کند.

فصل سوم ـ ساماندهی حمل‌ونقل شهری (ماده ۷ تا ۱۴

ماده ۷ ـ به منظور کاهش تعداد و طول سفرهای روزانه شهری در شهرهای بزرگ کشور، سازمان اموراداری و استخدامی کشور موظف است راهکارهای مناسب را در جهت غیرمتمرکز کردن خدمات اداری و بانکی در امور غیرستادی توزیع ساعات شروع و اتمام کار (مدارس ادارات بانکها، بازار و غیراینها)، افزایش ساعات ارایه خدمات عمومی تفویض اختیار به ادارات تابعه هدایت دستگاههابه ساخت مجتمع های اداری مشترک و نظایر آن را تدوین به تصویب شورای عالی اداری برساند، همچنین به منظور کاهش آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری و تقلیل سفرهای غیرضرور شهری با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن ترتیبی اتخاذ کند تا تمامی دستگاههای دولتی و موسسات عمومی به ویژه ارایه دهندگان خدمات عمومی به طور سالانه درصدی از مراجعات حضوری ارباب رجوع خود را با استفاده از شبکه پست ، پست بانک ، مخابرات ، دیتا و جایگزین اطلاع رسانی و به کارگیری شیوه مکاتبه به جای مراجعه ، پاسخگویی کنند. تبصره ـ میزان کاهش مراجعات و فهرست انواع خدمات قابل ارایه از راههای یاد شده در هر سال توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن و دستگاه ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. عملکرد دستگاهها و مؤسسات موضوع این ماده هر شش ماه یک بار توسط سازمان یاد شده به‌دولت گزارش می‌شود. ماده ۸ ـ وزارتخانه های کشور و صنایع و سازمان برنامه و بودجه و شهرداریهای کشور مکلفند امکانات حمل و نقل عمومی سفرهای روزانه شهری را در شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ به گونه‌ای فراهم نمایند تا علاوه بر حصول اهداف تعیین شده در برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ اهتمام کامل برای تحقق اهداف الگوی مصرف الگوی حمل‌ونقل به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) نیز به عمل آید. ماده ۹ ـ به منظور افزایش ظرفیت ناوگان حمل‌ونقل داخل شهری دولت سالانه تسهیلات ویژه‌ای‌را در اختیار شرکتها و سازمانهای اتوبوسرانی شهری قرار می‌دهد تا با استفاده از آن تسهیلات به‌ظرفیت موجود ناوگان اضافه شود. شهرداریهای کشور مکلف هستند سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪)به مجموع ظرفیت موجود اضافه نمایند. وزارت صنایع مکلف است به منظور پاسخگویی به نیاز ناوگان حمل‌ونقل شهری افزایش ظرفیت تولیدات خود را در زمینه وسایل نقلیه عمومی در اولویت قرار دهد. ماده ۱۰ ـ برای کاهش حجم تصدی امور توسط دولت و تمرکز امور حمل‌ونقل جمعی کارکنان دولت و استفاده بهینه از امکانات موجود، دستگاههای اجرایی و تحت پوشش مستقر در شهرهای بزرگ می‌توانند به دو صورت زیر اقدام کنند: الف ـ تا پایان برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با رعایت ماده (۱۱) قانون محاسبات عمومی کشور ـ مصوب ۱۳۶۶ ـ به مرور نسبت به واگذاری امانی وسایل نقلیه جمعی خود به شرکتهای اتوبوسرانی در ازای ارایه خدمات مربوط با اولویت کارکنان دستگاههای طرف قرارداد دولت اقدام نمایند. تبصره ـ دستورالعمل اجرایی این بند توسط وزرای امور اقتصادی و دارایی و کشور و دستگاههای ذی ربط تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ب ـ در قبال قرارداد، در ساعات غیراداری و یا غیر از ساعات انتقال کارکنان خویش وسایل نقلیه جمعی خود را در اختیار شرکتهای واحد اتوبوسرانی قرار دهند. مفاد این ماده با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح در مورد نیروهای مسلح اعمال خواهدشد. ماده ۱۱ ـ به منظور کاهش آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ دستگاههای اجرایی نیروهای نظامی و انتظامی موظفند نسبت به گازسوز یا دوگانه سوز کردن تدریجی وسایل نقلیه تحت اختیارخود، همچنین استفاده از سایر سوختهای مناسب با حداقل ترکیبات آلاینده از جمله بنزین بدون سرب براساس زمان‌بندی مشخص اقدام نمایند. سازمان حفاظت محیط زیست کشور موظف است گزارش سالانه عملکرد دستگاهها را به دولت گزارش نماید. این اقدام در مورد نیروهای مسلح باهماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح انجام می‌شود. تبصره ۱ ـ جهت تشویق بخش خصوصی در مورد استفاده از سایر سوختها و گازسوز یا دوگانه سوز کردن وسایل نقلیه ، دولت با اعطای وام یا تسهیلات بانکی با سود متضمن نرخ ترجیحی

اقدام خواهد کرد. تبصره ۲ ـ وزارت نفت مکلف است به منظور به حداقل رساندن آلودگی ناشی از سوختهای آلاینده و جایگزین کردن کامل بنزین بدون سرب با بنزین معمولی و سایر سوختها، نسبت به تولید و عرضه بنزین بدون سرب در حد نیاز اقدام نماید. تبصره ۳ ـ وزارتخانه های نفت صنایع و شهرداری تهران برابر برنامه زمان بندی شده با به کارگیری‌تمامی امکانات و منابع موجود ، نسبت به گازسوز یا دوگانه سوز کردن وسایل نقلیه موتوری تمامی متقاضیان اقدام می‌نمایند. تبصره ۴ ـ سازمان برنامه و بودجه موظف است برای به اجرا درامدن مفاد این ماده اعتبارات لازم را در بودجه سالانه کشور پیش‌بینی نماید. تبصره ۵ ـ سازمان صداوسیما مکلف است با همکاری دستگاههای ذی‌ربط برنامه‌هایی را در راستای نمایاندن مزایای گازسوز کردن وسایل نقلیه و استفاده از بنزین بدون سرب از نظر اقتصادی و زیست محیطی همچنین برنامه‌های آموزشی متضمن ملاحظات ایمنی مربوط به گازسوز شدن ازطریق صداوسیما به عموم مردم ارایه نماید. تبصره ۶ ـ مؤسسه تحقیقات و استاندارد صنعتی ایران مکلف است بررسیهای لازم در مورد تدوین‌استانداردهای گازسوز وسایل نقلیه را تهیه و جهت اجرا به مراجع ذی‌ربط ارایه نماید. مراجع ذی‌ربط‌در تولید و اصلاح سیستم سوخت وسایل نقلیه موظف به رعایت استاندارد مزبور می‌باشند. ماده ۱۲ ـ شهرداریهای کشور در شهرهای بزرگ مکلف هستند حتی الامکان وسایل نقلیه عمومی باسوخت حداقل ترکیبات آلاینده از قبیل اتوبوس گازسوز ، مترو ، قطار شهری و غیر اینها یا با سوخت‌بنزین بدون سرب را در شبکه حمل و نقل شهری به کار گیرند و جهت تشویق مردم به استفاده بیشتراز وسایل نقلیه عمومی ، راهکارهای مناسبی را از جمله تنظیم برنامه زمانبندی حرکت وسایل نقلیه عمومی در خطوط و شبکه حمل و نقل شهری به مورد اجرا گذارند. ماده ۱۳ ـ وزارت صنایع موظف است تمامی تولیدکنندگان داخلی موتورسیکلتهای دوزمانه را دریک برنامه زمانی پنج ساله از زمان لازم الاجرا شدن این آیین نامه مکلف نماید فروش سالانه خود درسطح کشور را کاهش و با نوع موتور چهارزمانه جایگزین نمایند. نیروی انتظامی موظف است در پایان این دوره از تردد موتور سیکلتهای با سیستم دو زمانه درشهرهای کشور که به تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست با مشکل آلودگی هوا روبرو هستند جلوگیری کند. ماده ۱۴ ـ در اجرای تبصره (۱) ماده (۲) قانون مقررات صادرات و واردات از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه ، ورود موتورسیکلتهای دوزمانه ممنوع است

تصویب نامه در خصوص ماده (۱۵) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ – مصوب ۲۸/۸/۱۳۷۹

وزرای عضو کمیسیون مأمور تعیین حد مجاز استانداردهای محیط زیست در جلسه مورخ۱۵/۱۰/۱۳۷۸ با رعایت تصویب نامه شماره ۵۰۴۶۷/ت ۱۸۵۲۶ ه مورخ ۳/۸/۱۳۷۷ و به استنادماده (۱۵) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ـ مصوب ۱۳۷۴ ـ حد مجاز استانداردهای خروجی ازکارخانجات و کارگاههای صنعتی را به شرح جداول پیوست تصویب نمودند. این تصویب نامه در تاریخ ۲۸/۸/۱۳۷۹ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین نامه اجرایی تبصره ۸۲ قانون برنامه پنج ساله دوم اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۶/۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۹۲۰ ـ ۶۵ ـ ۱۰۱ مورخ۱۴/۱۰/۱۳۷۷ سازمان حفظ محیط زیست و بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی‌جمهوری اسلامی ایران و به استناد تبصره (۸۲) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی ،اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۳ ـ تصویب نمود، ماده ۱ ـ به استناد مواد ۸ و ۱۰ قانون جلوگیری از آلودگی هوا ـ مصوب ۱۳۷۴ ـ از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۰ تولید و ورود مینی بوس‌ها و اتوبوس‌های دیزلی که فاقد استاندارد مصوب یورو ـ یک ۱ ـ EURO) موضوع بند (۳) مصوبه شماره (۱۶۲) مورخ ۲۷/۵/۱۳۷۷ شورای عالی حفاظت محیط زیست

باشند، ممنوع می‌باشد. تشخیص عدم تطبیق نوع موتورهای اتوبوس‌ها و مینی بوس‌های دیزلی موضوع این ماده با استانداردهای مصوب (یورو ـ یک ، با سازمان حفاظت محیط زیست میباشد. ماده ۲ ـ از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۰ شماره گذاری مینی بوس‌ها و اتوبوس‌های شهری مصرف کننده گازوییل درسطح شهر تهران ممنوع است ماده ۳ ـ به منظور گازسوز کردن مینی بوس‌های تحت پوشش شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه سازمان برنامه و بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری الامی ایرانبه استناد تبصره‌های (۱) و (۴) ماده (۱۱) آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری ازآلودگی هوا ـ مصوب ۱۳۷۶ ـ تسهیلات و اعتبارات لازم را به صورت اعطای وام و تسهیلات بانکیبا سود متضمن نرخ ترجیحی با معرفی شهرداری‌ها، در اختیار مالکان مینی بوس‌های موضوع این‌ماده قرار خواهند داد. ماده ۴ ـ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به تناسب تامین اعتبار موضوع ماده (۳) مکلف‌است مینی بوس‌های تحت پوشش خود را به گازسوز تبدیل نماید. تبصره ـخروجی اگزوز مینی بوس‌های گازسوزی که جانشین می‌شوند، باید استانداردهای مربوطرا دارا باشند.

تصویب نامه راجع به انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیستشهر تهران (تهران بزرگ و دامداری‌ها و

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۳/۱۳۶۹ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کشور ـ صنایع‌سنگین ـ صنایع ـ مسکن و شهرسازی و بازرگانی و شهرداری تهران و با توجه به اصل یکصد و سی‌و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران (تهران بزرگ و دامداری‌ها و مرغداری‌های‌داخل محدوده شهر تهران (تهران بزرگ بر اساس طرح‌های تفصیلی و اجرایی که طبق ضوابط زیرتهیه می‌گردند، به خارج از محدوده شهر انتقال یابند. ۱ ـ طرح‌های تفصیلی و اجرایی انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست داخل محدوده شهرتهران توسط کمیته‌ای با مسئولیت استاندار تهران و با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی ذی ربط و شهرداری تهران تهیه و پس از تصویب کمیسیونی متشکل از وزرای کشور، صنایع سنگین ، صنایع ، جهاد سازندگی ، بازرگانی و مسکن و شهرسازی ، کار و امور اجتماعی ، سرپرست سازمان حفاظت‌محیط زیست و شهردار تهران به مورد اجرا گذاشته شود. ۲ – شرکت شهرک‌های صنعتی ایران مجری طرح ایجاد شهرک‌های صنعتی برای استقرار صنایع آلوده کننده و مزاحم شهر تهران خواهد بود و کلیه دستگاه‌های ذیربط مکلف به همکاری و تامین نیازهای زیربنایی و خدماتی شهرک های مزبور می‌باشند. ۳ ـ هفده (۱۷) قطعه زمین به پلاک‌های مشروحه زیر جهت ایجاد شهرک‌های صنعتی برای استقرارصنایع انتقالی از محدوده شهر تهران در اختیار شرکت شهرک‌های صنعتی ایران قرار گیرد. الف ـ در محور کرج ـ اشتهارد: پلاک‌های صحت آباد، مرادتپه قلیچ آباد و در پلاک‌های شماره ۱۱۶۰،۱۱۵۹ و ۱۱۶۱ دو قطعه ب ـ در محور تهران ـ قم پلاک‌های شمس آباد، محمد آباد و قنبراباد ج ـ در محور تهران ـ ورامین پلاک‌های دولت آباد و اسدآباد (تپه سیاه د ـ درمحور تهران ـ ساوه پلاک‌های نصیراباد، ده حسن و سفیدار ه ـ در محور کرج ـ قزوین پاک نجم آباد. ن ـ در محور تهران ـ گرمسار: پلاک‌های علی آباد و قرمزتپه و عباس آباد. ۴ ـ فعالیت‌ها و کارگاه‌های صنعتی و تولیدی و صنفی که بر اساس ضوابط مندرج در طرح‌های‌تفصیلی و اجرایی انتقال آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران تشخیص داده می‌شوندظرف مهلت زمانی که بنا به پیشنهاد شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و تصویب کمیسیون موضوع‌بند (۱) تعیین می‌شود، به محل‌های انتخاب شده در پلاک‌های مذکور در بند (۳) انتقال می‌یابند.شهرداری تهران سازمان حفاظت محیط زیست و سایر سازمان‌های ذیربط پس از مهلت مزبور براساس مقررات از ادامه فعالیت آنها در مکان‌های فعلی جلوگیری خواهند کرد. واحدهای تولیدی و صنعتی و صنفی مشمول این بند که بدون پروانه فعالیت داشته‌اند در صورت‌موافقت وزارتخانه صنعتی ذیربط با ادامه فعالیت آنها پس از انتقال به پلاک‌های موضوع بند (۳) باتایید وزارتخانه صنعتی ذیربط کارت شناسایی دریافت خواهند داشت ۵ ـ طرح‌های اجرایی و ضوابط انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهر تهران اعم ازسنتی یا صنعتی و دارای پروانه یا فاقد پروانه توسط وزارت جهاد سازندگی تهیه و به مورد

اجراگذاشته می‌شود. ۶ ـ کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تشکیل شورای عالی شهرسازی نسبت به تغییر کاربری اماکنی‌که بر اثر اجرای طرح‌های انتقال تخلیه می‌گردند، با توجه به وسعت و موقعیت آنها و نیازهای محلی‌و منطقه‌ای اقدام خواهد نمود. ۷ ـ شهرداری تهران سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی‌موظفند در انتقال و تعطیل صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران و دامداری‌ها ومرغداری‌های داخل محدوده شهر تهران با مجریان طرحهای انتقال همکاری نمایند. ۸ ـ از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه مفاد ابلاغیه شماره ۴۷۶۲ ـ ۱۲/م ن مورخ ۲/۲/۱۳۶۸ کان لم یکن‌می‌گردد.

تصویب نامه راجع به انتقال دامداری ها و مرغداری ها به خارج از محدوده شهر – مصوب ۸/۵/۱۳۷۶

هیات وزیران در جلسه مورخ ۸/۵/۱۳۷۶ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۲۲۸۵۸/ص ۱۰/و مورخ۱۲/۱۰/۱۳۷۴ وزارتخانه‌های کشور و جهاد سازندگی و به استناد بند (۴) ماده (۷۷) قانون برنامه‌پنج ساله دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۳تصویب نمود: دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهرهای با بیش از پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) نفر جمعیت براساس طرح‌های تفصیلی و اجرایی که طبق ضوابط زیر تهیه می‌گردند، به خارج از محدوده شهرانتقال می‌یابند. ۱ ـ طرح‌های تفصیلی واجرایی و تجمیع انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهرهای‌با بیش از ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت توسط کمیسیونی به مسئولیت استاندار و با عضویت رئیس سازمان جهاد سازندگی استان مدیرکل مسکن و شهرسازی استان ، رییس سازمان کشاورزی استان مدیرکل صنایع استان مدیرکل منابع طبیعی استان مدیرکل حفاظت محیط زیست استان رییس سازمان برنامه و بودجه استان و فرماندار و شهردار شهرهای مشمول حسب مورد تهیه و به مورد اجراگذاشته می‌شود. تبصره ـ کمیسیون فوق مکلف است در خصوص تعیین کاربری و تسریع درانتقال واحدهای دامداری هماهنگی لازم را با کمیسیون‌های ذی ربط شورای عالی شهرسازی و معماری به عمل‌آورد. ۲ ـ وزارت جهاد سازندگی مکلف است ضمن هماهنگی با دستگاه‌های ذیربط استانی نسبت به ایجاد مجتمع های دامپروری برای تجمیع و انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌ها اقدام نماید. تبصره ـ انتقال دامداری‌ها به مجتمع‌های مذکور، بر اساس برنامه زمان بندی شده صورت خواهدگرفت ۳ ـ با افرادی که به صورت غیرمجاز در شهرها نسبت به نگهداری دام اقدام می‌نمایند، مطابق‌مقررات برخورد می‌شود.

تبصره ۱۳ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران – مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸

تبصره ۱۳ ـ به منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی ناشی از صنایع آلوده کننده کارخانه‌ها و کارگاه ها موظفند یک در هزار از فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان‌ناشی از آلودگی ها و ایجاد فضای سبز نمایند. وجوه هزینه شده از این محل جز هزینه های قابل قبول موسسه مربوط محاسبه خواهدشد. آیین نامه اجرایی این تبصره توسط سازمان حفاظ محیط زیست با همکاری وزارت امور اقتصادی ودارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی تبصره ۱۳ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱ ـ عبارات و اصطلاحاتی که در این آیین نامه به کار رفته است دارای معانی زیر می‌باشند: ۱ ـ سازمان حفاظت محیط زیست در این آیین نامه اختصارا سازمان نامیده می‌شود. ۲ ـ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این آیین نامه اختصارا قانون نامیده می‌شود. ۳ ـ آلودگی یا آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن

موادخارجی به آب هوا،خاك یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آنها را به طوری که زیان آور و به‌حال انسان یا سایر موجودات زنده گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد. ۴ ـ صنایع آلوده کننده عبارت است از محل مشخصی که در آن یک یا چند دستگاه یا وسیله به‌منظور تولید فراورده‌ها یا عرضه خدمات مورد استفاده قرار می گیرد و بهره برداری از آن سبب ایجادآلودگی محیط زیست می‌شود. ۵ ـ وسایل و روش‌های مناسب عبارت است از مناسب‌ترین وسایل یا روش‌ها و یا استفاده ازسوخت‌ها که کاربرد آنها با توجه به شرایط محلی درجه پیشرفت و امکانات علمی و فنی وهزینه‌های مربوط کاهش موثر یا جلوگیری از آلودگی محیط زیست را امکان‌پذیر می‌سازد. ۶ ـ میزان معیار یا استاندارد: عبارت است از حدود مجاز و مشخصات ویژه‌ای که با توجه به اصول‌حفاظت و بهسازی محیط زیست برای محیط زیست منابع و آلوده کننده‌ها، تعیین می‌شود. تبصره ۱ ـ برای تعیین میزان معیار یا استاندارد، مفاد مواد (۲)، (۳)، (۷)، (۸) آیین نامه جلوگیری ازآلودگی آب و هوا مصوب ۱۳۵۴ مصوبه ۱۰۳ شورای عالی حفاظت محیط زیست و ماده (۵) آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۶۴ ملاک عمل است تبصره ۲ ـ آلودگی ناشی از مواد پرتوزا و همچنین آلودگی مواد نفتی در دریاها و رودخانه‌های‌مرزی از شمول این آیین نامه مستثنی می‌باشد و مطابق مقررات مربوط در مورد آنها اقدام خواهدشد. تبصره ۳ ـ منظور از کارگاه‌ها و کارخانجات در این آیین نامه کلیه کارگاه‌ها و کارخانجات اعم از آلوده‌کننده و غیر آن می‌باشد. ماده ۲ ـ سازمان در اجرای این آیین نامه ، کارخانجات و کارگاه‌های موضوع تبصره (۱۳) قانون رابرحسب نوع منبع و میزان آلودگی و تاثیرات سو بر محیط زیست بر اساس قانون حفاظت وبهسازی محیط زیست و آیین نامه های مربوط مشخص و اولویت بندی می‌نماید و انجام تکالیف‌مقرر و موارد پیش‌بینی شده در این آیین نامه و نحوه کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان‌های ناشی ازآلودگی و ایجاد فضای سبز را به آنها اعلام خواهد نمود. تبصره ـ صنایع آلوده کننده مطابق فهرستی است که به موجب تبصره ۱ ماده ۱۷ آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴ و ماده (۴) آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۶۴تعیین شده یا خواهد شد. ماده ۳ ـ کارخانجات و کارگاه‌های موضوع تبصره ۱۳ قانون موظفند یک درهزار فروش تولیدات وعرضه خدمات خود را درهر سال به حساب جداگانه‌ای واریز واز محل وجوه‌ای حساب هزینه‌های‌مربوط به انجام موارد مقرر در این آیین نامه را پرداخت نمایند. تبصره ۱ ـ مخارج و هزینه‌هایی که کارخانجات و کارگاه‌ها بر اساس طرح‌ها، برنامه‌ها ودستورالعمل‌های موردتایید سازمان در اجرای این آیین نامه به مصرف می‌رسانند، جز هزینه‌های‌قابل قبول آنان منظور خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورتی که یک در هزار فروش تولید کارخانجات و کارگاه‌ها پس از انجام هزینه‌های‌مقرر در این آیین نامه در پایان سال مالی تماما به مصرف نرسیده باشد معادل مانده آن در سال‌های‌بعد قابل هزینه می‌باشد و جز هزینه‌های قابل قبول مالیاتی سالی که وجوه مزبور به مصرف رسیده‌است احتساب خواهد شد. تبصره ۳ ـ وزارت امور اقتصادی و دارایی بنا به تقاضای سازمان میزان درامد و هزینه‌های مصرف‌شده هر یک از کارخانجات و کارگاه‌های موضوع تبصره ۱۳ قانون از محل یک در هزار فروش‌تولیدات آنها را در پایان سال مالی به سازمان اعلام خواهد نمود. ماده ۴ ـ سازمان بر اساس قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین نامه های مربوط طی‌اخطاریه‌ای نوع آلودگی و مراتب رفع آلودگی یا تقلیل آن را تا حد استانداردهای تعیین شده به‌صنایع آلوده کننده اعلام می‌نماید و صنایع مذکور پس از دریافت اخطاریه موظفند نسبت به رفع یاتقلیل آلودگی اقدام نمایند. در صورتی که سازمان نتیجه را بر اساس استانداردهای مصوب تاییدنماید، گواهی مبنی بر اجرای طرح جلوگیری یا کاهش از آلودگی مربوط صادر خواهد نمود که ملاک‌تشخیص هزینه‌های انجام شده برای اجرای طرح می‌باشد. تبصره ۱ ـ عدم تکافوی منابع یک در هزار فروش تولیدات صنایع آلوده کننده مانع انجام تکالیفی که اینگونه صنایع به موجب ماده (۱۱) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین نامه مربوط در جهت جلوگیری از آلودگی دارند نخواهد بود. تبصره ۲ ـ کارخانجات و کارگاه‌هایی که منبعد راه اندازی می گردند موظفند قبل از شروع بهره‌برداری و فروش تولیدات نسبت به اجرای طرح تصفیه فاضلاب یا نصب الکتروفیلتر و دستگاه‌های‌کنترل آلودگی و سایر تدابیر لازم اقدام نمایند. کارگاه‌ها و کارخانجات موضوع

این تبصره در زمان‌بهره برداری و فروش تولیدات صرفا می‌توانند هزینه‌های مربوط به اداره نگهداری و به روز رساندن‌تاسیسات کنترل آلودگی و ایجاد فضای سبز را از محل وجوه حاصل از یک در هزار موضوع تبصره ۱۳) قانون پرداخت نمایند. ماده ۵ ـ مجتمع‌های صنعتی و کارخانجات بزرگ موظفند در مواردی که سازمان ضروری تشخیص‌دهد با استفاده از وجوه موضوع ماده (۳) این آیین نامه اقدامات زیر را انجام می‌دهند: ۱ ـ نصب دستگاه و ایستگاه‌های اندازه‌گیری و کنترل آلودگی هوا و یا ایجاد آزمایشگاه و سیستم‌هایازمایش آب و فاضلاب ۲ ـ انجام مطالعات و تحقیقات کاربردی جهت پیشگیری و کنترل آلودگی ناشی از فعالیت منابع‌آلوده کننده یا تولیدات با نظارت و در قالب طرح‌های مورد تایید سازمان ۳ ـ تهیه و تامین تجهیزات و وسایل مناسب برای پیشگیری و جلوگیری موثر از آلودگی تحت‌نظارت سازمان ماده ۶ ـ کارخانجات و کارگاه‌ها می‌توانند به صورت منفرد، مشترک یا مجموعه و یا در چارچوب‌شهرک‌های صنعتی با استفاده از وجوه موضوع ماده ۱۳ این آیین نامه و تحت نظارت سازمان درخصوص تهیه و تامین تجهیزات و امکانات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی‌ها و جبران‌زیان ناشی ازآنها و همچنین پرداخت هزینه‌های کارشناسی و خدمات فنی رفع آلودگی و ایجادفضای سبز اقدام نمایند. هزینه‌های مزبور با تایید سازمان جز هزینه‌های قابل قبول مالیاتی محسوب خواهد شد. ماده ۷ ـ وزارتخانه‌های صنعتی ذیربط موظفند ماشین آلات تجهیزات و لوازم مورد نیاز در زمینه‌جلوگیری و یا کاهش آلودگی ناشی از فعالیت صنایع آلوده کننده را حسب مورد به گونه‌ای تعیین یاتایید نمایند که تامین کننده میزان معیار یا استانداردهای زیست محیطی مصوب باشند. ماده ۸ ـ سازمان در مواقع لازم روش‌ها و وسایل مناسب جهت رفع یا کاهش موثر آلودگی و جبران‌خسارات وارده به محیط زیست (از قبیل مرگ و میر آبزیان و سایر جانوران وحشی نشت گاز یا موادشیمیایی تخلیه فاضلاب به رودخانه‌ها و آب‌های تحت الارضی در یک منطقه استان یا شهر را براساس طرح مصوب و با تعیین سهم هر یک از کارخانجات و کارگاه‌ها در اجرای طرح مذکورمشخص و مراتب را جهت اجرا به کارخانجات و کارگاه‌های مذکور اعلام می‌نماید. هزینه‌هایاجرای طرح‌های موضوع این ماده از محل مازاد وجوه موضوع تبصره ۱۳ قانون که برای کنترل وجبران آلودگی کارگاه‌ها و کارخانجات مشمول زاید می‌باشند، تامین می‌گردد. تبصره ۱ ـ طرح‌های موضوع این ماده به تصویب کمیسیونی مرکب از مدیران کل مسکن وشهرسازی صنایع معادن و فلزات صنایع سنگین نیرو، کشاورزی جهاد سازندگی برنامه وبودجه و حفاظت محیط زیست خواهد رسید. مدیرکل حفاظت محیط زیست هر استان سمت دبیرکمیسیون مربوط را دارد. تبصره ۲ ـ در صورتی که وجوه حاصل از یک در هزار فروش تولیدات هزینه‌های مربوط به جبران‌خسارات وارده را تامین ننماید جبران خسارت مطابق مقررات مربوط به عمل خواهد آمد. ماده ۹ ـ سازمان بر اساس شرایط محلی و موقعیت استقرار کارخانجات و کارگاه‌ها نحوه ایجادفضای سبز مورد نیاز و برنامه زیباسازی محیط را تعیین و به کارخانجات و کارگاه‌ها اعلام خواهدنمود کارخانجات و کارگاهها موظفند بر اساس طرح‌ها و دستورالعمل‌های تعیین شده در موعدهای‌زمانی مقرر نسبت به ایجاد فضای سبز و زیباسازی محیط اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ ایجاد فضاهای سبز موردنیاز در داخل محدوده خدمات شهری بر اساس طرح‌های‌مصوب کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تشکیل شورای عالی معماری و شهرسازی ایران انجام‌خواهد گرفت تبصره ۲ ـ میزان فضای سبز مورد نیاز کارخانجات و کارگاه‌هایی که بیش از یک هکتار زمین دراختیار داشته باشند حداکثر ۲۵٪ مساحت کل آن کارخانجات و کارگاه‌ها میباشد. ماده ۱۱ ـ سازمان در مواقعی که لازم تشخیص دهد از صنایع آلوده کننده و کارخانجات و کارگاه‌هابازرسی به عمل میاورد و بر نحوه انجام تکالیف مقرر در این آیین نامه ، نظارت خواهد نمود.مسئولان و صاحبان صنایع مذکور موظف به همکاری با کارشناسان و ماموران سازمان می‌باشند ودر صورت درخواست باید اطلاعات و مدارک مورد نیاز را در اختیار سازمان قرار دهند. ماده ۱۲ ـ سازمان امور اداری و استخدامی کشور با توجه به وظایفی که به سازمان محیط زیست دراجرای تبصره ۱۳ قانون برعهده دارد، عندالاقتضا در تشکیلات و پست‌های سازمانی آن تجدیدنظرخواهد نمود. ماده ۱۳ ـ انجام وظایف و اختیارات سازمان در ارتباط با این آیین نامه در استان‌ها حتی المقدور ازطریق ادارات کل حفاظت محیط زیست استان صورت خواهد گرفت

این تصویب نامه در تاریخ ۷/۸/۱۳۶۹ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است

فن آوری اطلاعات

قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزار های رایانه ای – مصوب ۱۰/۱۰/۱۳۷۹

ماده ۱- حق نشـر، عرضه، اجرا و حق بهره برداری مادی و معنوی نرم افزار رایانه ای متعلق به پدیدآورنـده آن است. نحوه تـدوین و ارائه داده هـا در محیط قابل پردازش رایانه ای نیز مشـمول احکام نرم افزار خواهـد بود. مـدت حقوق مادی سـی (۳۰) سال از تاریخ پدیدآوردن نرم افزار و مدت حقوق معنوی نامحدود است. ماده ۲- در صورت وجود شرایط مقرر در قانون ثبت علائم و اختراعات، نرم افزار به عنوان اختراع شـناخته می شود، آئین نامه مربوط به این ماده به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۳- نام، عنوان و نشانه ویژه ای که معرف نرم افزار است از حمایت این قانون برخوردار است و هیـج کس نمی تواند آنها را برای نرم افزار دیگری از همـان نوع یاماننـد آن به ترتیبی که القای شـبهه کنـد بکار برد در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده (۱۳) این قانون محکوم خواهد شد. ماده ۴- حقوق ناشـی از آن بخش از نرم افزاری که به واسطه نرم افزارهای دیگر پدیـد می آید متعلق به دارنده حقوق نرم افزارهـای واسـط نیست. ماده ۵- پدیـدآوردن نرم افزارهـای مکمـل و سازگـار بـا دیگر نرم افزارهـا بـا رعـایت حقوق مادی نرم افزارهای اولیه مجاز است. ماده ۶- پدیدآوردن نرم افزارها ممکن است ناشی از استخدام و یا قرارداد باشد در اینصورت: الف- باید نام پدیدآورنـده توسط متقاضـی ثبت به مراجع یاد شـده در این قانون به منظور صـدور گواهی ثبت، اعلام شود. ب - اگر هـدف از استخدام یا انعقاد قرارداد، پدیدآوردن نرم افزار موردنظر بوده و یا پدیدآوردن آن جزء موضوع قرارداد باشد، حقوق مادی مربوط و حق تغییر و توسـعه نرم افزار متعلق به اسـتخدام کننده یا کارفرما است، مگر اینکه در قرارداد به صورت دیگری پیش بینی شده باشد. ماده ۷- تهیه نسـخه های پشتیبان و همچنین تکثیر نرم افزاری که به طریق مجاز برای اسـتفاده شخصی تهیه شده است چنانچه به طور همزمان مورد اسـتفاده قرار نگیرد، بلامانع است. ماده ۸- ثبت نرم افزارهـای موضوع مواد (۱) و (۲) این قانون پس از صدور تأییدیه فنی توسـط شورای عالی انفورماتیک حسب مورد توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی و یا مرجع ثبت شـرکتها انجام می پـذیرد. ماده ۹- دعوای نقض حقوق مورد حمـایت این قـانون، در صورتی در مراجع قضایی مسـموع است که پیش از اقامه دعوی، تأییـدیه فنی یادشـده در ماده (۸) این قـانون صـادر شـده باشـد.در مورد حق اختراع،علاوه بر تاییـدیه مزبور، تقاضای ثبت نیز بایـد به مرجع ذیربط تسـلیم شـده باشد. ماده ۱۰- برای صـدور تأییـدیه فنی موضوع مـاده (۸) در مورد نرم افزارهـایی که پدیدآورنـده آن مـدعی اختراع بودن آن است، کمیته ای به نـامه" کمیته حق اختراع "زیرنظر شورای عـالی انفورماتیک تشـکیل می شود. اعضای این کمیته مرکب از سه کارشـناس ارشد نرم افزار به عنوان نمایندگان شورای عالی انفورماتیک، نماینده سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور و یک کارشـناس حقوقی به انتخاب شورای عالی انفورماتیک خواهد بود. ماده ۱۱- شورا مکلف است از صدور تأییدیه فنی برای نرم افزارهایی که به تشـخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی خلاف اخلاق اسـلامی و عفت عمومی و سـلامت شخصـیت کودکان و نوجوانان باشند خودداری کند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید ظرف دو هفته راجع به استعلام کتبی شورای عالی انفورماتیک اعلام نظر کند. ماده ۱۲- به منظور حمایت عملی از حقوق یاد شده در این قانون، نظم بخشی و ساماندهی فعالیت های تجاری رایانه ای مجـاز، نظـام صـنفی رایـآنه ای توسط اعضای صـنف یاد شـده تحت نظارت شورا به وجود خواهـد آمـد. مجازات های مربوط به تخلفات صـنفی مربوط، برابر مجازات های جرایم یاد شده در لایحه قانونی امور صنفی – مصوب ۱۳/۴/۱۳۵۹ و اصلاحیه های آن – خواهد بود. ماده ۱۳- هر کس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض نمایـد علاوه بر جبران خسارت به حبس از نود و یک روز تا شش مـاه و جزای نقـدی از ده میلیون (۱۰ر۰۰۰ر۰۰۰) تـا پنجاه میلیون (۵۰ر۰۰۰ر۰۰۰) ریـال محکوم می گردد. تبصـره – خسارات

شاکی خصوصی از اموال شخص مرتکب جرم جبران می شود. ماده ۱۴- شاکی خصوصی می توان تقاضا کند مفاد حکم دادگاه در یکی از روزنامه ها با انتخاب و هزینه او آگهی شود. ماده ۱۵- رسیدگی جرم مذکور در ماده (۱۳) با شکایت شاکی خصوصی آغاز و با گذشت او موقوف می شود. ماده ۱۶- حقوق مذکور در ماده (۱) در صورتی مورد حمایت این قانون خواهد بود که موضوع برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع شده باشد. ماده ۱۷- آیین نامه اجرایی این قانون شامل مواردی از قبیل چگونگی صدور گواهی ثبت و تأییدیه فنی و هزینه های مربوط همچنین نحوه تشکیل نظام صنفی رایانه ای، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و با هماهنگی وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی و دادگستری به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ـ قانون فوق مشتمل بر هفده ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم دی ماده یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۷۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون تجارت الکترونیکی – مصوب ۵/۱۱/۱۳۸۲

شماره ۷۹۲۴۹ ۲۹/۱۰/۱۳۸۲ حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح تجارت الکترونیکی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است ، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارسال می گردد. رییس مجلس شورای اسلامی – مهدی کروبی شماره ۶۱۶۹۴ ۵/۱۱/۱۳۸۲ وزارت بازرگانی قانون تجارت الکترونیکی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هفدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۷۹۲۴۹ مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۸۲ واصل گردیده است ، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رییس جمهور – سیدمحمد خاتمی قانون تجارت الکترونیکی باب اول – مقررات عمومی مبحث اول – در کلیات فصل اول – قلمرو و شمول قانون ماده ۱ – این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسط های الکترونیکی و با استفاده از سیستمهای ارتباطی جدید به کار می رود. فصل دوم – تعاریف ماده ۲ – الف – (داده پیام) هر نمادی از واقعه ، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی ، نوری و یا فناوری های جدید اطلاعات تولید ، ارسال ، دریافت ، ذخیره یا پردازش می شود. ب – (اصل ساز) منشا اصلی (داده پیام) است که (داده پیام) به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می شود اما شامل شخصی که در خصوص (داده پیام) به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد. ج – (مخاطب) شخصی است که اصل ساز قصد دارد وی (داده پیام) را دریافت کند ، اما شامل شخصی که در ارتباط با (داده پیام) به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد. د – (ارجاع در داده پیام) یعنی به منابعی خارج از (داده پیام) عطف شود که در صورت مطابقت با ماده (۱۸) این قانون جزئی از (داده پیام) محسوب می شود. ه – (تمامیت داده پیام) عبارت است از موجودیت کامل و بدون تغییر (داده پیام) . اعمال ناشی از تصدی سیستم از قبیل ارسال ، ذخیره یا نمایش اطلاعات که به طور معمول انجام می شود خدشه ای به تمامیت (داده پیام) وارد نمی کند. و – (سیستم رایانه ای) هر نوع دستگاه یا مجموعه ای از دستگاههای متصل سخت افزاری – نرم افزاری است که از طریق اجرای برنامه های پردازش خودکار (داده پیام) عمل می کند. ز – (سیستم اطلاعاتی) سیستمی برای تولید (اصل سازی) ، ارسال ، دریافت ، ذخیره یا پردازش (داده پیام) است. ح – (سیستم اطلاعاتی مطمئن) سیستم اطلاعاتی است که: ۱ – به نحوی معقول در برابر سوء استفاده و نفوذ محفوظ باشد. ۲ – سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی صحیح را دارا باشد. ۳ – به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می دهد پیکربندی و سازماندهی شده باشد. ۴ – موافق با رویه ایمن باشد. ط – (رویه ایمن) رویه ای است برای تطبیق صحت ثبت (داده پیام) ، منشا و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله ، محتوا و یا ذخیره سازی (داده پیام) از یک زمان خاص. یک رویه ایمن ممکن است با

استفاده از الگوریتمها یا کدها ، کلمات یا ارقام شناسائی ، رمزنگاری ، روشهای تصدیق یا پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود. ی – (امضای الکترونیکی) عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به (داده پیام) است که برای شناسائی امضاءکننده (داده پیام) مورد استفاده قرار می گیرد. ک – (امضای الکترونیکی مطمئن) هر امضای الکترونیکی است که مطابق با ماده (۱۰) این قانون باشد. ل – (امضاءکننده) هر شخص یا قائم مقام وی که امضای الکترونیکی تولید می کند. م – (شخص) اعم است از شخص حقیقی و حقوقی و یا سیستم های رایانه ای تحت کنترل آنان. ن – (معقول) (سنجش عقلانی) ، با توجه به اوضاع و احوال مبادله (داده پیام) از جمله: طبیعت مبادله ، مهارت و موقعیت طرفین ، حجم مبادلات طرفین در موارد مشابه ، در دسترس بودن گزینه های پیشنهادی و رد آن گزینه ها از جانب هر یک از طرفین ، هزینه گزینه های پیشنهادی ، عرف و روشهای معمول و مورد استفاده در این نوع مبادلات ، ارزیابی می شود. س – (مصرف کننده) هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه ای اقدام می کند. ع – (تامین کننده) عبارت از شخصی است که بنا به اهلیت تجاری ، صنفی یا حرفه ای فعالیت می کند. ف – (وسائل ارتباط از راه دور) عبارت از هر نوع وسیله ای است که بدون حضور فیزیکی همزمان تامین کننده و مصرف کننده جهت فروش کالا و خدمات استفاه می شود. ص – (عقد از راه دور) ایجاب و قبول راجع به کالاها و خدمات بین تامین کننده و مصرف کننده با استفاده از وسائل ارتباط از راه دور است. ق – (واسط با دوام) یعنی وسائلی که به موجب آن مصرف کننده بتواند شخصا (داده پیام) های مربوطه را بر روی آن ذخیره کند از جمله شامل فلاپی دیسک ، دیسک فشرده ، دیسک سخت و یا پست الکترونیکی مصرف کننده. ر – (داده پیام های شخصی) یعنی (داده پیام) های مربوط به یک شخص حقیقی (موضوع (داده) مشخص و معین. فصل سوم – تفسیر قانون ماده ۳ – در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین المللی ، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد. ماده ۴ – در مواقع سکوت و یا ابهام باب اول این قانون ، محاکم قضایی باید براساس سایر قوانین موضوعه و رعایت چهارچوب فصول و مواد مندرج در این قانون ، قضاوت نمایند. فصل چهارم – اعتبار قراردادهای خصوصی ماده ۵ – هرگونه تغییر در تولید ، ارسال ، دریافت ، ذخیره و یا پردازش داده پیام با توافق و قرارداد خاص طرفین معتبر است. مبحث دوم – در احکام (داده پیام) – نوشته ، امضاء اصل ماده ۶ – هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد ، (داده پیام) در حکم نوشته است مگر در موارد زیر: الف – اسناد مالکیت اموال غیرمنقول. ب – فروش مواد داروئی به مصرف کنندگان نهایی. ج – اعلام ، اخطار ، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می کند و یا از بکارگیری روشهای خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می کند. ماده ۷ – هرگاه قانون ، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است. ماده ۸ – هرگاه قانون لازم بداند که اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود ، این امر با نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز در صورت وجود شرایط زیر امکان پذیر می باشد: الف – اطلاعات موردنظر قابل دسترسی بوده و امکان استفاده در صورت رجوع بعدی فراهم باشد. ب – داده پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید ، ارسال و یا دریافت شده و یا به قالبی که دقیقا نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید ، ارسال و یا دریافت شده ، نگهداری شود. ج – اطلاعاتی که مشخص کننده مبداء ، مقصد ، زمان ارسال و زمان دریافت داده پیام می باشند نیز در صورت وجود نگهداری شوند. د – شرایط دیگری که هر نهاد ، سازمان ، دستگاه دولتی و یا وزارتخانه درخصوص نگهداری داده پیام مرتبط با حوزه مسوولیت خود مقرر نموده فراهم شده باشد. ماده ۹ – هرگاه شرایطی به وجود آید که از مقطعی معین ارسال (داده پیام) خاتمه یافته و استفاده از اسناد کاغذی جایگزین آن شود سند کاغذی که تحت این شرایط صادر می شود باید به طور صریح ختم تبادل (داده پیام) را اعلام کند. جایگزینی اسناد کاغذی به جای (داده پیام) اثری بر حقوق و تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت. مبحث سوم – (داده پیام) مطمئن فصل اول – امضاء و سابقه الکترونیکی مطمئن ماده ۱۰ – امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد: الف – نسبت به امضاءکننده منحصر به فرد باشد. ب – هویت امضاءکننده (داده پیام) را معلوم نماید. ج –

به وسیله امضاءکننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد. د - به نحوی به یک (داده پیام) متصل شود که هر تغییری در آن (داده پیام) قابل تشخیص و کشف باشد. ماده ۱۱ - سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از (داده پیام) ی است که با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک است. فصل دوم - پذیرش ، ارزش اثباتی و آثار سابقه و امضای الکترونیکی مطمئن ماده ۱۲ - اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی توان براساس قواعد ادله موجود ، ارزش اثباتی (داده پیام) را صرفا به دلیل شکل و قالب آن رد کرد. ماده ۱۳ - به طورکلی ، ارزش اثباتی (داده پیام) ها با توجه به عوامل مطمئنه ازجمله تناسب روشهای ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله (داده پیام) تعیین می شود. ماده ۱۴ - کلیه (داده پیام) هائی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن ، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می شوند ، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضائی و حقوقی است. ماده ۱۵ - نسبت به (داده پیام) مطمئن ، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می توان ادعای جعلیت به (داده پیام) مزبور وارد و یا ثابت نمود که (داده پیام) مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است. ماده ۱۶ - هر (داده پیام) ی که توسط شخص ثالث مطابق با شرایط ماده (۱۱) این قانون ثبت و نگهداری می شود ، مقرون به صحت است. مبحث چهارم - مبادله (داده پیام) فصل اول - اعتبار قانونی ارجاع در (داده پیام) ، عقد و اراده طرفین ماده ۱۷ - (ارجاع در داده پیام) با رعایت موارد زیر معتبر است: الف - مورد ارجاع به طور صریح در (داده پیام) معین شود. ب - مورد ارجاع برای طرف مقابل که به آن تکیه می کند روشن و مشخص باشد. ج - (داده پیام) موضوع ارجاع مورد قبول طرف باشد. فصل دوم - انتساب (داده پیام) ماده ۱۸ - در موارد زیر (داده پیام) منسوب به اصل ساز است: الف - اگر توسط اصل ساز و یا به وسیله شخصی ارسال شده باشد که از جانب اصل ساز مجاز به این کار بوده است. ب - اگر به وسیله سیستم اطلاعاتی برنامه ریزی شده یا تصدی خودکار از جانب اصل ساز ارسال شود. ماده ۱۹ - (داده پیام) ی که براساس یکی از شروط زیر ارسال می شود مخاطب حق دارد آن را ارسال شده محسوب کرده ، و مطابق چنین فرضی (ارسال شده) عمل نماید: الف - قبلا به وسیله اصل ساز روشی معرفی و یا توافق شده باشد که معلوم کند آیا (داده پیام) همان است که اصل ساز ارسال کرده است ، ب - (داده پیام) دریافت شده توسط مخاطب از اقدامات شخصی ناشی شده که رابطه اش با اصل ساز ، یا نمایندگان وی باعث شده تا شخص مذکور به روش مورد استفاده اصل ساز دسترسی یافته و (داده پیام) را به مثابه (داده پیام) خود بشناسد. ماده ۲۰ - ماده (۱۹) این قانون شامل مواردی نیست که پیام از اصل ساز صادر نشده باشد و یا به طور اشتباه صادر شده باشد. ماده ۲۱ - هر (داده پیام) یک (داده پیام) مجزا و مستقل محسوب می گردد ، مگر آن که معلوم باشد که آن (داده پیام) نسخه مجددی از (داده پیام) اولیه است. فصل سوم - تصدیق دریافت ماده ۲۲ - هرگاه قبل یا به هنگام ارسال (داده پیام) اصل ساز از مخاطب بخواهد یا توافق کنند که دریافت (داده پیام) تصدیق شود ، اگر به شکل یا روش تصدیق توافق نشده باشد ، هر نوع ارتباط خودکار یا مکاتبه یا اتخاذ هر نوع تدبیر مناسب از سوی مخاطب که اصل ساز را به نحو معقول از دریافت (داده پیام) مطمئن کند تصدیق دریافت (داده پیام) محسوب می گردد. ماده ۲۳ - اگر اصل ساز به طور صریح هرگونه اثر حقوقی (داده پیام) را مشروط به تصدیق دریافت (داده پیام) کرده باشد ، (داده پیام) ارسال نشده تلقی می شود ، مگر آن که تصدیق آن دریافت شود. ماده ۲۴ - اماره دریافت (داده پیام) راجع به محتوای (داده پیام) صادق نیست. ماده ۲۵ - هنگامی که در تصدیق قید می شود (داده پیام) مطابق با الزامات فنی استاندارد یا روش مورد توافق طرفین دریافت شده ، فرض بر این است که آن الزامات رعایت شده اند. فصل چهارم - زمان و مکان ارسال و دریافت (داده پیام) ماده ۲۶ - ارسال (داده پیام) زمانی تحقق می یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل ساز یا قائم مقام وی وارد شود. ماده ۲۷ - زمان دریافت (داده پیام) مطابق شرایط زیر خواهد بود: الف - اگر سیستم اطلاعاتی

مخاطب برای دریافت (داده پیام) معین شده باشد دریافت ، زمانی محقق می شود که: ۱ - (داده پیام) به سیستم اطلاعاتی معین شده وارد شود؛ یا ۲ - چنانچه (داده پیام) به سیستم اطلاعاتی مخاطب غیر از سیستمی که منحصرا برای این کار معین شده وارد شود (داده پیام) بازیافت شود. ب - اگر مخاطب ، یک سیستم اطلاعاتی برای دریافت معین نکرده باشد ، دریافت زمانی محقق می شود که (داده پیام) وارد سیستم اطلاعاتی مخاطب شود. ماده ۲۸ - مفاد ماده (۲۷) این قانون بدون توجه به محل استقرار سیستم اطلاعاتی جاری است. ماده ۲۹ - اگر محل استقرار سیستم اطلاعاتی با محل استقرار دریافت (داده پیام) مختلف باشد مطابق قاعده زیر عمل می شود: الف - محل تجاری ، یا کاری اصل ساز محل ارسال (داده پیام) است و محل تجاری یا کاری مخاطب محل دریافت (داده پیام) است مگر آن که خلاف آن توافق شده باشد. ب - اگر اصل ساز بیش از یک محل تجاری یا کاری داشته باشد ، نزدیکترین محل به اصل معامله ، محل تجاری یا کاری خواهد بود در غیر این صورت محل اصلی شرکت ، محل تجاری یا کاری است. ج - اگر اصل ساز یا مخاطب فاقد محل تجاری یا کاری باشند ، اقامتگاه قانونی آنان ملاک خواهد بود. ماده ۳۰ - آثار حقوقی پس از انتساب ، دریافت تصدیق و زمان و مکان ارسال و دریافت (داده پیام) موضوع فصول دوم تا چهارم مبحث چهارم این قانون و همچنین محتوی (داده پیام) تابع قواعد عمومی است. باب دوم - دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی ماده ۳۱ - دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی واحدهائی هستند که برای ارائه خدمات صدور امضای الکترونیکی در کشور تاسیس می شوند. این خدمات شامل تولید ، صدور ، ذخیره ، ارسال ، تایید ، ابطال و به روز نگهداری گواهی های اصالت (امضای) الکترونیکی می باشد. ماده ۳۲ - آیین نامه و ضوابط نظام تاسیس و شرح وظایف این دفاتر توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارتخانه های بازرگانی ، ارتباطات و فناوری اطلاعات ، امور اقتصادی و دارایی و دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. باب سوم - در قواعد مختلف مبحث اول - حمایت های انحصاری در بستر مبادلات الکترونیکی فصل اول - حمایت از مصرف کننده ماده ۳۳ - فروشندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات بایستی اطلاعات موثر در تصمیم گیری مصرف کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. حداقل اطلاعات لازم ، شامل موارد زیر می باشد: الف - مشخصات فنی و ویژگیهای کاربردی کالا و یا خدمات. ب - هویت تامین کننده ، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول می باشد و نشانی وی. ج - آدرس پست الکترونیکی ، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند. د - کلیه هزینه هائی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود (ازجمله قیمت کالا ـ و یا خدمات ، میزان مالیات ، هزینه حمل ، هزینه تماس) . ه - مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می باشد. و - شرایط و فرایند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت ، تحویل و یا اجرا ، فسخ ، ارجاع ، خدمات پس از فروش. ماده ۳۴ - تامین کننده باید به طور جداگانه ضمن تایید اطلاعات مقدماتی ، اطلاعات زیر را ارسال نماید: الف - آدرس محل تجاری یا کاری تامین کننده برای شکایت احتمالی. ب - اطلاعات راجع به ضمانت و پشتیبانی پس از فروش. ج - شرایط و فراگرد فسخ معامله به موجب مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون. د - شرایط فسخ در قراردادهای انجام خدمات. ماده ۳۵ - اطلاعات اعلامی و تاییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف کننده باید در واسطی با دوام ، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات و ازجمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود. ماده ۳۶ - درصورت استفاده از ارتباط صوتی ، هویت تامین کننده و قصد وی از ایجاد تماس با مصرف کننده باید به طور روشن و صریح در شروع هر مکالمه بیان شود. ماده ۳۷ - در هر معامله از راه دور مصرف کننده باید حداقل هفت روزکاری ، وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد.تنها هزینه تحمیلی بر مصرف کننده هزینه بازپس فرستادن کالا خواهد بود. ماده ۳۸ - شروع اعمال حق انصراف به ترتیب زیر خواهد بود: الف - درصورت فروش کالا ، از تاریخ تسلیم کالا به مصرف کننده و در صورت فروش خدمات ، از روز انعقاد. ب - در هرحال آغاز اعمال حق انصراف مصرف کننده پس از ارائه

اطلاعاتی خواهـد بود که تامین کننده طبق مواد (۳۳) و (۳۴) این قانون موظف به ارائه آن است. ج – به محض استفاده مصـرف کننده از حق انصراف ، تامین کننده مکلف است بدون مطالبه هیچ گونه وجهی عین مبلغ دریافتی را در اسرع وقت به مصرف کننده مسترد نمایـد. د – حق انصـراف مصـرف کننـده در مواردی که شـرایط خاصـی بر نوع کالا و خدمات حاکم است اجرا نخواهد شد. مـوارد آن به موجب آیین نـامه ای است که در مـاده (۷۹) این قانون خواهـد آمد. ماده ۳۹ – در صورتی که تامین کننـده در حین معامله به دلیل عـدم موجودی کالا و یا عـدم امکان اجرای خدمات ، نتواند تعهدات خود را انجام دهد ، باید مبلغ دریافتی را فورا به مخاطب برگردانـد ، مگر دربیع کلی و تعهـداتی که برای همیشه وفای به تعهد غیرممکن نباشد و مخاطب آماده صبر کردن تا امکان تحویل کالا و یا ایفای تعهـد باشد. درصورتی که معلوم شود تامین کننده از ابتدا عدم امکان ایفای تعهد خود را می دانسـته ، علاوه بر لزوم استرداد مبلغ دریافتی ، به حداکثر مجازات مقرر در این قانون نیز محکوم خواهد شد. ماده ۴۰ – تامین کننده می تواند کالا یا خدمات مشابه آنچه را که به مصـرف کننده وعده کرده تحویل یا ارائه نماید مشـروط بر آن که قبل از معامله یا درحین انجام معامله آن را اعلام کرده باشـد. ماده ۴۱ – در صورتی که تـامین کننـده ، کالا ـ یـا خـدمات دیگری غیر از موضوع معـامله یا تعهـد را برای مخـاطب ارسـال نمایـد ، کالا و یا خـدمات ارجاع داده می شود و هزینه ارجاع به عهـده تامین کننـده است. کالا یا خـدمات ارسالی مـذکور چنانچه به عنوان یک معامله یا تعهد دیگر از سوی تامین کننده مورد ایجاب قرار گیرد ، مخاطب می تواند آن را قبول کند. ماده ۴۲ – حمایت های این فصل در موارد زیر اجرا نخواهـد شد: الف – خدمات مالی که فهرست آن به موجب آیین نامه ای اسـت که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. ب – معاملات راجع به فروش اموال غیرمنقول و یا حقوق مالکیت ناشی از اموال غیرمنقول به جز اجاره. ج – خرید از ماشـین های فروش مستقیم کالا و خدمات. د – معاملاتی که با استفاده از تلفن عمومی (همگانی) انجام می شود. ه – – معاملات راجع به حراجی ها. ماده ۴۳ – تامین کننده نباید سـکوت مصرف کننده را حمل بر رضایت وی کند. ماده ۴۴ – در موارد اختلاف و یا تردید مراجع قضائی رسیدگی خواهند کرد. ماده ۴۵ – اجرای حقوق مصرف کننده به موجب این قانون نبایـد بر اسـاس سـایر قوانین که حمـایت ضـعیف تری اعمال می کننـد متوقف شود. ماده ۴۶ – اسـتفاده از شـروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شـروط غیرمنصـفانه به ضـرر مصرف کننده ، موثر نیست. ماده ۴۷ – در معاملات از راه دور آن بخش از موضوع معامله که به روشـی غیراز وسائل ارتباط از راه دور انجام می شود مشـمول مقررات این قانون نخواهد بود. ماده ۴۸ – سازمانهـای قانونی و مـدنی حمایت از حقوق مصـرف کننـده می تواننـد به عنوان شاکی اقامه دعوی نماینـد. ترتیب آن به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیات وزیران می باشد. ماده ۴۹ – حقوق مصرف کننده در زمان اسـتفاده از وسایل پرداخت الکترونیکی به موجب قوانین و مقرراتی است که توسط مراجع قانونی ذی ربط تصویب شده و یا خواهد شـد. فصل دوم – در قواعد تبلیغ ماده ۵۰ – تامین کننـدگان در تبلیغ کالا و خـدمات خود نباید مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که سبب مشتبه شدن و یا فریب مخاطب از حیث کمیت و کیفیت شود. ماده ۵۱ – تامین کنندگانی که برای فروش کالا و خدمات خود تبلیغ می کنند نباید سلامتی افراد را به خطر اندازند. ماده ۵۲ – تامین کننده باید به نحوی تبلیغ کند که مصرف کننده به طور دقیق ، صحیـح و روشن اطلاعات مربوط به کالا و خـدمات را درک کند. ماده ۵۳ – در تبلیغات و بازاریابی باید هویت شـخص یا بنگاهی که تبلیغات به نفع اوست روشن و صـریح باشـد. ماده ۵۴ – تامین کنندگان نباید از خصوصـیات ویژه معاملات به روش الکترونیکی جهت مخفی نمودن حقایق مربوط به هویت یا محل کسب خود سوءاستفاده کنند. ماده ۵۵ – تامین کنندگان باید تمهیداتی را برای مصـرف کنندگان درنظر بگیرند تا آنان راجع به دریافت تبلیغات به نشانی پستی و یا پست الکترونیکی خود تصمیم بگیرند. ماده ۵۶ – تـامین کننـدگان در تبلیغات بایـد مطابق با رویه حرفه ای عمل نماینـد. ضوابط آن به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهـد آمد. ماده ۵۷ – تبلیغ و بازاریـابی برای کودکـان و نوجوانـان زیر سن قـانونی به موجب آیین نـامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. فصل سوم – حمایت از (داده پیام) های شخصـی (حمایت از داده) ماده ۵۸ – ذخیره ، پردازش

و یا توزیع (داده پیام) های شخصی مبین ریشه های قومی یا نژادی ، دیدگاههای عقیدتی ، مذهبی ، خصوصیات اخلاقی و (داده پیام) های راجع به وضعیت جسمانی ، روانی و یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هرعنوان غیرقانونی است. ماده ۵۹ – درصورت رضایت شخص موضوع (داده پیام) نیز به شرط آنکه محتوای داده پیام وفق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد ذخیره ، پردازش و توزیع (داده پیام) های شخصی در بستر مبادلات الکترونیکی باید با لحاظ شرایط زیر صورت پذیرد: الف – اهداف آن مشخص بوده وبه طور واضح شرح داده شده باشند. ب – (داده پیام) باید تنها به اندازه ضرورت و متناسب با اهدافی که در هنگام جمع آوری برای شخص موضوع (داده پیام) شرح داده شده جمع آوری گردد و تنها برای اهداف تعیین شده مورد استفاده قرار گیرد. ج – (داده پیام) باید صحیح و روزآمد باشد. د – شخص موضوع (داده پیام) باید به پرونده های رایانه ای حاوی (داده پیام) های شخصی مربوط به خود دسترسی داشته و بتواند (داده پیام) های ناقص و یا نادرست را محو یا اصلاح کند. ه – شخص موضوع (داده پیام) باید بتواند در هر زمان با رعایت ضوابط مربوطه درخواست محو کامل پرونده رایانه ای (داده پیام) های شخصی مربوط به خود را بنماید. ماده ۶۰ – ذخیره ، پردازش و یا توزیع (داده پیام) های مربوط به سوابق پزشکی و بهداشتی تابع آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. ماده ۶۱ – سایر موارد راجع به دسترسی موضوع (داده پیام) ، از قبیل استثنائات ، افشای آن برای اشخاص ثالث ، اعتراض ، فراگردهای ایمنی ، نهادهای مسوول دیدبانی و کنترل جریان (داده پیام) های شخصی به موجب مواد مندرج در باب چهارم این قانون و آیین نامه مربوطه خواهد بود. مبحث دوم – حفاظت از (داده پیام) در بستر مبادلات الکترونیکی فصل اول – حمایت از حقوق مولف در بستر مبادلات الکترونیکی ماده ۶۲ – حق تکثیر ، اجراء و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۳/۹/۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۲۶/۹/۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۴/۱۰/۱۳۷۹ ، به صورت (داده پیام) منحصرا در اختیار مولف است. کلیه آثار و تالیفاتی که در قالب (داده پیام) می باشند ، ازجمله اطلاعات ، نرم افزارها و برنامه های رایانه ای ، ابزار و روشهای رایانه ای و پایگاههای داده و همچنین حمایت از حقوق مالکیت های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی شامل حق اختراع ، حق طراحی ، حق مولف ، حقوق مرتبط با حق مولف ، حمایت از پایگاههای داده ، حمایت از نقشه مدارهای یکپارچه قطعات الکترونیکی و حمایت از اسرار تجاری ، مشمول قوانین مذکور در این ماده و قانون ثبت علائم و اختراعات مصوبت ۱/۴/۱۳۱۰ و آئین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجارتی و اختراعات مصوب ۱۴/۴/۱۳۳۷ خواهد بود ، منوط بر آن که امور مذکور در آن دو قانون موافق مصوبات مجلس شورای اسلامی باشد. تبصره ۱ – حقوق مرتبط با مالکیت ادبی و هنری که پیش از این به عنوان حقوق جانبی مالکیت ادبی و هنری شناخته می شدند شامل حقوق مادی و معنوی برای عناصر دیگری علاوه بر مولف ، از جمله حقوق هنرمندان مجری آثار ، تولیدکنندگان صفحات صوتی و تصویری و سازمانها و موسسات ضبط و پخش می باشند که مشمول قوانین مصوب ۳/۹/۱۳۴۸ و ۲۶/۹/۱۳۵۲ مورد اشاره در این ماده می باشند. تبصره ۲ – مدار یکپاچه یک جزء الکترونیکی با نقشه و منطقی خاص است که عملکرد و کارائی آن قابلیت جایگزینی با تعداد بسیار زیادی از اجزاء الکترونیکی متعارف را داراست. طراحی های نقشه ، جانمائی و منطق این مدارها بر اساس قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱/۴/۱۳۱۰ و آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجارتی و اختراعات مصوب ۱۴/۴/۱۳۳۷ مورد حمایت می باشد. ماده ۶۳ – اعمال موقت تکثیر ، اجراء و توزیع اثر که جزء لاینفک فراگرد فنی پردازش (داده پیام) در شبکه ها است از شمول مقرره فوق خارج است. فصل دوم – حمایت از اسرار تجاری ماده ۶۴ – به منظور حمایت از رقابتهای مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی ، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاهها و موسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید. ماده ۶۵ – اسرار تجاری الکترونیکی (داده پیام) ی است که شامل اطلاعات ، فرمولها ، الگوها ، نرم افزارها و برنامه ها ، ابزار و روشها ،

تکنیک ها و فرایندها ، تالیفات منتشرنشده ، روشهای انجام تجارت و داد و ستد ، فنون ، نقشه ها و فراگردها ، اطلاعات مالی ، فهرست مشتریان ، طرحهای تجاری و امثال اینها است ، که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاشهای معقولانه ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است. فصل سوم - حمایت از علائم تجاری ماده ۶۶ - به منظور حمایت از حقوق مصرف کنندگان و تشویق رقابت های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه و یا هرنوع نمایش بر خط علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف به اصالت کالا و خدمات شود ممنوع و متخلف به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید. باب چهارم - جرایم و مجازات ها مبحث اول - کلاهبرداری کامپیوتری ماده ۶۷ - هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی ، با سوء استفاده و یا استفاده غیرمجاز از (داده پیام) ها ، برنامه ها و سیستم های رایانه ای و وسایل ارتباط از راه دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود ، محو ، توقف (داده پیام) ، مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه ای و غیره دیگران را بفریبد و یا سبب گمراهی سیستم های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه ، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد مجرم محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبان اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال ماخوذه محکوم می شود. تبصره - شروع به این جرم نیز جرم محسوب و مجازات آن حداقل مجازات مقرر در این ماده می باشد. مبحث دوم - جعل کامپیوتری ماده ۶۸ - هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی ، از طریق ورود ، تغییر ، محو و توقف (داده پیام) و مداخله در پردازش (داده پیام) و سیستم های رایانه ای ، و یا استفاده از وسایل کاربردی سیستم های رمزنگاری تولید امضاء - مثل کلید اختصاصی - بدون مجوز امضاءکننده و یا تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی و یا عدم انطباق آن وسایل با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی مجعول و نظایر آن اقدام به جعل (داده پیام) های دارای ارزش مالی و اثباتی نماید تا با ارائه آن به مراجع اداری ، قضایی ، مالی و غیره به عنوان (داده پیام) های معتبر استفاده نماید جاعل محسوب و به مجازات حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می شود. تبصره - مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات در این ماده می باشد. مبحث سوم - نقض حقوق انحصاری در بستر مبادلات الکترونیک فصل اول - نقض حقوق مصرف کننده و قواعد تبلیغ ماده ۶۹ - تامین کننده متخلف از مواد (۳۳) ، (۳۴) ، (۳۵) ، (۳۶) و (۳۷) این قانون به مجازات از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. تبصره - تامین کننده متخلف از ماده (۳۷) به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۷۰ - تامین کننده متخلف از مواد (۳۹) ، (۵۰) ، (۵۱) ، (۵۲) ، (۵۳) ، (۵۴) و (۵۵) این قانون به مجازات از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - تامین کننده متخلف از ماده (۵۱) این قانون به حداکثر مجازات در این ماده محکوم خواهد شد. تبصره ۲ - تامین کننده متخلف از ماده (۵۵) این قانون به حداقل مجازات در این ماده محکوم خواهد شد. فصل دوم - نقض حمایت از (داده پیام) های شخصی / حمایت از داده ماده ۷۱ - هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی شرایط مقرر در مواد (۵۸) و (۵۹) این قانون را نقض نماید مجرم محسوب و به یک تا سه سال حبس محکوم می شود. ماده ۷۲ - هرگاه جرایم راجع به (داده پیام) های شخصی توسط دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی و سایر نهادهای مسوول ارتکاب یابد ، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در ماده (۷۱) این قانون محکوم خواهد شد. ماده ۷۳ - اگر به واسطه بی مبالاتی و بی احتیاطی دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی جرایم راجع به (داده پیام) های شخصی روی دهد ، مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می شود. مبحث چهارم - نقض حفاظت از (داده پیام) در بستر مبادلات الکترونیکی فصل اول - نقض حق مولف ماده ۷۴ - هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر ، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) مواردی که در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۳/۹/۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۲۶/۹/۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق

پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۴/۱۰/۱۳۷۹ ، منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود ، درصورتی که حق تصریح شده مولفان را نقض نماید به مجازات سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. فصل دوم – نقض اسرار تجاری ماده ۷۵ – متخلفین از ماده (۶۴) این قانون و هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی به منظور رقابت ، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه های تجاری ، صنعتی ، اقتصادی و خدماتی ، با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیرمجاز ، اسرار تجاری آنان را برای خود تحصیل نموده و یا برای اشخاص ثالث افشا نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و نیم ، و جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. فصل سوم – نقض علایم تجاری ماده ۷۶ – متخلفان از ماده (۶۶) این قانون به یک تا سه سال حبس و جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد. فصل چهارم – سایر ماده ۷۷ – سایر جرایم ، آیین دادرسی و مقررات مربوط به صلاحیت جزایی و روش های همکاری بین المللی قضایی جزایی مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی به موجب قانون خواهد بود. باب پنجم – جبران خسارت ماده ۷۸ – هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم موسسات خصوصی و دولتی ، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی ، خسارتی به اشخاص وارد شود ، موسسات مزبور مسوول جبران خسارت وارده می باشند مگراینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود. باب ششم – متفرقه ماده ۷۹ – وزارت بازرگانی موظف است زمینه های مرتبط با تجارت الکترونیکی را که در اجرای این قانون موثر می باشند شناسائی کرده و با ارائه پیشنهاد و تایید شورای عالی فناوری اطلاعات ، خواستار تدوین مقررات مربوطه و آئین نامه های این قانون توسط نهادهای ذی ربط شود. این آیین نامه ها و مقررات پس از تصویب هیات وزیران به مرحله اجرا درخواهند آمد. سایر آیین نامه های مورد اشاره در این قانون به ترتیب ذیل تهیه خواهند شد: الف – آیین نامه مربوط به مواد (۳۸) و (۴۲) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های بازرگانی ، امور اقتصادی و دارائی ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ب – آیین نامه مربوط به مواد (۵۶) و (۵۷) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های بازرگانی و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ج – آیین نامه مربوط به ماده (۶۰) این قانون به پیشنهاد وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۸۰ – وزارت بازرگانی موظف است به منظور حمایت از فعالیت های تجارت الکترونیکی ، با تجمیع واحدهای ذی ربط ، مرکزی را در این وزارتخانه ایجاد نماید.اساسنامه و آیین نامه این مرکز به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۸۱ – اصل سازان ، مخاطبین ، بایگانان ، مصرف کنندگان و کلیه کسانی که (داده پیام) در اختیار دارند موظفند (داده پیام) هائی را که تحت مسوولیت خود دارند به طریقی نگهداری نموده و پشتوانه تهیه نمایند که در صورت بروز هرگونه خطری برای یک نسخه ، نسخه دیگر مصون بماند. قانون فوق مشتمل بر هشتاد و یک ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هفدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی – مهدی کروبی

آئین نامه اجرائی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای – مصوب ۲۴/۴

شماره ۲۱۱۸۵/ت۲۶۰۸۹ هـ ۲۴/۴/۱۳۸۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ وزارت دادگستری ـ وزارت بازرگانی ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ـ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۱/۴/۱۳۸۳ بنا به پیشنهاد شماره

۲۰۰۹۷/۰۵ مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۸۰ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای ـ مصوب ۱۳۷۹ـ، آئین نامه اجرائی مواد یادشده را به شرح زیر تصویب نمود: آئین نامه اجرائی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای قسمت اول ـ ثبت نرم افزار بخش اول ـ تعاریف مربوط به ثبت نرم افزار: ماده ۱ـ در این آئین نامه منظور از کلمه «قانون»، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای ـ مصوب ۱۳۷۹ـ می باشد. ماده ۲ـ نرم افزار عبارت است از مجموعه برنامه های رایانه ای، رویه ها، دستورالعملها و مستندات مربوط به آنها و نیز اطلاعات مربوط به عملیات یک سیستم رایانه ای که دارای کاربری مشخص بوده و برروی یکی از حاملهای رایانه ای ضبط شده باشد. تبصره ۱ـ آثار و محصولات نرم افزاری نوشتاری، صوتی و تصویری که با کمک نرم افزار پردازش شده و به صورت یک پدیده مستقل تهیه و ارائه شود نیز مشمول این آئین نامه خواهد بود. تبصره ۲ـ خلق عملیات نرم افزاری در ذهن یا بیان مخلوق ذهنی بدون اینکه برنامه های رایانه ای و مستندات و دستورالعملهای آن تدوین شده باشد، نرم افزار محسوب نمی شود و برای خالق آن حقوقی ایجاد نمی نماید. ماده ۳ـ پدیدآورنده نرم افزار شخص یا اشخاصی هستند که براساس دانش و ابتکار خود کلیه مراحل مربوط اعم از تحلیل، طراحی، ساخت و پیاده سازی نرم افزار را انجام دهند. ماده ۴ـ حقوق معنوی نرم افزار رایانه ای بدون اینکه منحصر به این تعبیر باشد عبارت است از حق انتساب نرم افزار به پدیدآورنده آن و محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است. ماده ۵ ـ حقوق مادی نرم افزار رایانه ای بدون اینکه منحصر به مصادیق زیر باشد عبارت از حق استفاده شخصی، حق نشر، حق عرضه، حق اجراء، حق تکثیر و هرگونه بهره برداری اقتصادی است و قابل نقل و انتقال می باشد. ماده ۶ ـ نشر عبارت است از قراردادن نرم افزار در معرض استفاده عموم اعم از اینکه برروی یکی از حاملهای رایانه ای، تکثیر شده یا به منظور فوق در محیطهای رایانه ای قابل استفاده برای دیگران قرار داده شود. ماده ۷ـ عرضه عبارت است از ارائه نرم افزار برای استفاده شخص یا اشخاص معین دیگر در زمان یا مکان محدود و برای بهره برداری مشخص. ماده ۸ ـ اجراء عبارت است از استفاده عملی و کاربردی از نرم افزار در محیطهای رایانه ای. بخش دوم ـ حقوق پدیدآورنده: ماده ۹ـ حقوق مادی و معنوی نرم افزار به پدیدآورنده تعلق دارد. استفاده از تمام یا قسمتی از حقوق مادی موضوع قانون برای مدت ۳۰سال یا کمتر، با قید شرط یا بدون شرط به اشخاص دیگر قابل نقل و انتقال می باشد. اشخاصی که به ترتیب فوق اجازه نشر یا عرضه یا اجرای نرم افزاری را که دیگری پدیدآورده است به دست آورده اند مکلفند نام پدیدآورنده را نیز در نسخ عرضه شده ذکر نمایند مگر اینکه با پدیدآورنده به گونه ای دیگر توافق شده باشد. ماده ۱۰ـ نرم افزار ممکن است به سفارش شخص حقیقی یا حقوقی پدید آمده باشد. حقوق مادی نرم افزارهائی که مطابق ماده (۶) قانون پدید می آیند به مدت مقرر در ماده (۱) قانون (۳۰ سال) متعلق به سفارش دهنده است، مگر اینکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد ولی حقوق معنوی نرم افزارها متعلق به پدیدآورنده است. ماده ۱۱ـ هرگاه اشخاص متعدد در پدیدآوردن نرم افزار مشارکت داشته باشند، چنانچه سهم مشارکت هر یک در پدیدآوردن نرم افزار مشخص باشد، حقوق مادی حاصل از آن به نسبت مشارکت به هر یک تعلق می گیرد. در صورتی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است. تبصره ـ هر یک از شرکاء به تنهایی یا همه آنها به اتفاق می توانند در مورد نقض حقوق موضوع قانون به مراجع قضائی صالحه مراجعه نمایند. ماده ۱۲ـ استفاده از نرم افزارهای دیگر برای ایجاد نرم افزارهای سازگار و مکمل که قابلیتها و ظرفیتها یا کاربری جدید ایجاد کند بلامانع است و نقض حقوق پدیدآورنده نرم افزارهای دیگر محسوب نمی شود مشروط بر اینکه پدیدآورنده نرم افزار سازگار و مکمل رضایت کتبی پدیدآورندگان نرم افزارهائی که برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع شده است را گرفته باشد. ماده ۱۳ـ حقوق مادی و معنوی نرم افزارهای جدید که به واسطه نرم افزارهای دیگر پدید می آید متعلق به پدیدآورنده نرم افزار جدید است. ماده ۱۴ـ پاداش، جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی، هنری و ادبی طبق شرائط مسابقه به آثار موردحمایت این آئین نامه تعلق می گیرد،

متعلق به پدیدآورنـده آن خواهد بود. ماده ۱۵ـ اشخاصـی که نرم افزاری را بـا تغییراتی که عرفاً نتوان آن را یک نرم افزار جدیـد به حساب آورد، به نام خود ثبت، تکثیر، منتشر، عرضه و یا بهره برداری نمایند، حقوق پدیدآورنده نرم افزار یادشده را نقض کرده اند. ماده ۱۶ـ اشخاصـی که از نـام، عنوان و نشان ویژه ای که معرف نرم افزار خاصـی است برای نام، عنوان و نشان نرم افزار خود بـدون اخـذ مجوز دارنـده حقوق مادی و معنوی نرم افزار سابق و یا نماینـده قانونی وی اسـتفاده نمایند، ناقض حقوق پدیدآورنده محسوب می شونـد. ماده ۱۷ـ اشخاصـی که با علم و اطلاع از عـدم رعایت حقوق پدیدآورنـده، نرم افزاری را که بـدون اجازه پدیـد آورنـده منتشـر یا عرضه شـده است تهیه و مورد بهره برداری قراردهنـد، ناقض حقوق پدیدآورنـده محسوب می گردنـد. ماده ۱۸ـ حق تکثیر تمام یا بخشـی از نرم افزار برروی حاملهای رایانه ای متعلق به پدیدآورنده است و سایر اشـخاص حتی اگر قصد نشر یا عرضه یا بهره برداری نداشته باشـند مجاز به تکثیر نیستند. ماده ۱۹ـ خریـد و به کارگیری نرم افزارهای کپی غیرمجاز توسط دسـتگاههای دولتی و دیگر دسـتگاهها و واحـدها و سازمانهـای تـابعه آنهـا کـه شـمول قـانون بر آنهـا مسـتلزم ذکر نـام است ممنـوع می باشـد. ذیحسابـان دسـتگاههای یادشـده مجاز به پرداخت هزینه خریـد نرم افزارهای کپی غیرمجاز نیسـتند. تبصـره ـ کارکنان دسـتگاههای موضوع این ماده، مجاز به نصب و بهره برداری نسـخه کپی غیرمجاز نرم افزارهای مورد حمایت قانون روی رایانه های متعلق به دولت و دسـتگاه مرتبـط نمی باشـند. متخلفـان از این حکم، مشـمول مجـازات مقرر در قـانون خواهنـد بود. بخش سوم ـ اختراع نرم افزار: ماده ۲۰ـ به منظـور صـدور تأییـدیه فنی برای نرم افزارهـائی که پدیدآورنـده مـدعی اختـراع آن است، در اجرای مـاده (۱۰) قـانون، کمیتـه ای با ترکیب مقرر در مـاده مـذکور زیر نظر شورای عـالی انفورماتیک تشـکیل می شود. اعضای این کمیته به مـدت سه سال منصوب می شونـد و انتصـاب مجـدد آنـان نیز بلامـانع است. دسـتورالعمل مربوط به نحوه تشـکیل جلسـات و اتخاذ تصـمیم در کمیته مـذکور به تصویب شورای عالی انفورماتیک خواهد رسید. ماده ۲۱ـ در صورتی که متقاضـی، مـدعی اختراع نرم افزار باشـد ابتدا با مراجعه به اداره مالکیت صـنعتی، اظهارنامه مربوط را اخذ و تکمیل و همراه با مدارک و مسـتندات به اداره یادشده تسلیم و رسید دریافت می نماید. اداره مالکیت صـنعتی موظف است پس از انجام تشـریفات قانونی یک نسـخه از اظهارنامه به همراه مدارک و مستندات را به دبیرخـانه شورای عـالی انفورماتیک ارسال نمایـد. دبیرخانه مزبور موضوع را در کمیته حق اختراع مطرح و در صورت تأییـد یا عـدم تأییـد فنی اختراع، مراتب را به اداره مـالکیت صـنعتی اعلاـم تـا مرجع مـذکور حسب مورد و بر اسـاس ترتیبات و تشـریفات مقرر در قـانون ثبت علاـئم و اختراعـات و آئین نامه های مربوط مبادرت به صـدور ورقه اختراع و اعلام نتیجه نمایـد. ماده ۲۲ـ حقوق دارنده ورقه ثبت اختراع نرم افزار همـان است که در قـانون ثبت علاـئم و اختراعـات و اصـلاحات بعـدی آن مشـخص شـده است. تبصـره ـ اسـتفاده از حقـوق منـدرج در قـانون ثبت علاـئم و اختراعـات مـانع از برخورداری پدیدآورنـده نرم افزار از حقوق موضوع قـانون و مقررات ایـن آئیـن نـامه نخواهـدبود. بخش چهـارم ـ چگـونگی صـدور گـواهی ثبـت نرم افزار: مـاده ۲۳ـ دبیرخـانه شورای عـالی انفورماتیک با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی، فرمهای لازم برای تکمیل توسط متقاضی ثبت نرم افزار را تهیه تا از طریق دبیرخـانه مزبور در اختیـار متقاضـی قرار گیرد. ماده ۲۴ـ متقاضـی ثبـت نرم افزار پس از تکمیـل فرمهـا، دو نسـخه از نرم افزار را به دبیرخـانه تحویل داده و رسـید دریافت می دارد. علاوه بر آن متقاضـی بایـد به ازای هر نرم افزار مبلغ یکصـد هزار (۱۰۰،۰۰۰) ریال برای ثبت و یکصد هزار (۱۰۰،۰۰۰) ریال برای تأییـد فنی به حساب خزانه واریز و رسـید آن را نیز همراه تقاضای خود تحویل دهد. ماده ۲۵ـ شورای یادشـده پیش از تأیید فنی، باید با ارسال یک نسـخه از نرم افزار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی، عدم مخالفت نرم افزار را با اخلاق اسـلامی و عفت عمومی و سـلامت شخصـیت کودکان و نوجوانان اسـتعلام کند. وزارت یادشده موظف اسـت ظرف دو هفته نظر خود را به شورا اعلاـم کنـد. (اصـلاحی ۹/۱۰/۱۳۸۳) تبصـره ـ چنانچه وزارت مـذکور ظرف مـدت یک ماه، در پاسخ به اسـتعلام شورا قادر به اظهارنظر قطعی نباشد، موظف است ضـمن اعلام دلائل خود، حداکثر ظرف سه ماه نظر قطعی خود را اعلام نمایـد. درغیراینصورت عدم مخالفت نرم افزار با ضوابط و مقررات فرهنگی از جمله اخلاق اسـلامی، عفت عمومی و سـلامت

شخصیت کودکان و نوجوانان مورد تأیید تلقی خواهد شد. ماده ۲۶ـ شورا پس از دریافت تأییدیه وزارت مورداشاره موظف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به بررسی فنی نرم افزار اقدام و نظر خود را به وزارت یادشده اعلام نماید. عدم اعلام نظر شورا در مهلت مقرر به منزله تأیید فنی است. ماده ۲۷ـ وزارت مذکور موظف است حداکثر ظرف دو هفته پس از دریافت تأییدیه فنی شورا نسبت به ثبت نرم افزار و صدور گواهی ثبت به نام متقاضی اقدام نماید. تبصره ۱ـ دارنده گواهینامه ثبت نرم افزار می تواند شخصاً با مراجعه به وزارت تقاضا نماید حقوق مادی نرم افزار به شخص دیگری منتقل شود. در این صورت وزارت موظف است مراتب نقل و انتقال را ثبت و در گواهینامه ثبت نرم افزار درج نماید. تبصره ۲ـ وزارت موظف است مراتب ثبت و تغییرات مالکیت حقوق مادی نرم افزار را در جایگاه اینترنتی که به همین منظور ایجاد گردیده است درج کند. ماده ۲۸ـ چنانچه پدید آورنده، مدعی اختراع نرم افزار باشد، پس از طی مراحل مذکور در ماده(۲۱)، نرم افزار در کمیته حق اختراع مذکور در ماده(۱۰) قانون مورد بررسی قرار گرفته و مراتب تأیید یا عدم تأیید در فرم مربوط درج می گردد. ابلاغ تأیید یا عدم تأیید اختراع توسط دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور به اداره مالکیت صنعتی و از آن طریق به متقاضی صورت می گیرد. ماده ۲۹ـ شورای عالی انفورماتیک و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلفند از نسخ نرم افزارهائی که جهت تأیید و ثبت در اختیار آنها قرار می گیرد به نحوی محافظت نمایند که مندرجات آن جز با رضایت مالک حقوق مادی نرم افزار در دسترس سایر اشخاص قرار نگیرد. اشخاصی که در دبیرخانه شورا و وزارت مذکور متهم به اهمال و سوء استفاده باشند، با شکایت مالک به عنوان ناقض حقوق وی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. به علاوه تخلف این قبیل اشخاص حسب مورد در هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری یا هیئتهای انضباطی مشابه رسیدگی و مجازات اداری مقرر نیز در مورد آنان اعمال خواهد شد. تبصره ـ در موارد اختراع، موضوع تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود. ماده ۳۰ـ قبول تقاضای ثبت اختراع و نیز ثبت نرم افزار، مانع اعتراض و ادعای حق از ناحیه اشخاص دیگر نخواهد بود و افراد ذی حق می توانند به مراجع صالحه قضائی مراجعه نمایند. ماده ۳۱ـ چنانچه متقاضی ثبت نرم افزار نسبت به تصمیم شورای عالی انفورماتیک و یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعتراض داشته باشد حسب مورد می تواند در شورای یادشده و یا کمیته ای که توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین می شود تقاضای تجدید نظر و رسیدگی مجدد نماید. قسمت دوم ـ نظام صنفی رایانه ای بخش اول ـ تعاریف مربوط به نظام صنفی رایانه ای: ماده ۳۲ـ اصطلاحات اختصاری زیر در معانی مشروح مربوط به کار می رود: ۱ ـ نظام صنفی رایانه ای: قواعد و مقرراتی است که در جهت ساماندهی، ایجاد تشکیلات، تعیین وظائف و نظم بخشی به فعالیت تجاری رایانه ای مجاز و حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزار وضع و تحت نظارت شورای عالی انفورماتیک کشور تنظیم و تنسیق می گردد و از این پس « نظام صنفی رایانه ای » خوانده می شود. ۲ ـ فرد صنفی: شخص حقیقی یا حقوقی است که فعالیت خود را در زمینه امور تحقیقاتی، طراحی، تولیدی، خدماتی، تجاری رایانه ای (اعم از سخت افزار، نرم افزار و شبکه های اطلاع رسانی) قرار می دهد. تبصره ۱ـ ایجاد هر گونه مرکز پژوهشی، تحقیقاتی منوط به رعایت ضوابط قانونی مربوط است. تبصره ۲ـ اشخاص حقیقی یا حقوقی که طبق این آئین نامه و قانون مجوز فعالیت، پروانه تأسیس یا بهره برداری می گیرند، چنانچه مبادرت به عرضه مستقیم کالا یا خدمات به مصرف کننده نمایند مکلفند علاوه بر رعایت این آئین نامه بر اساس مقررات مربوط نسبت به اخذ پروانه کسب حسب قانون نظام صنفی و مجوزهای مربوط از مراجع ذی ربط اقدام کنند. ۳ ـ واحد صنفی: هر واحد اقتصادی که توسط فرد صنفی رایانه ای با اخذ پروانه کسب یا مجوز لازم برای فعالیت موضوع بند (۲) این ماده دائر می گردد، واحد صنفی نامیده می شود. ۴ ـ عضو صنف: دانش آموختگان رشته های کامپیوتر، مهندسی برق، ریاضی و رشته های مرتبط که حداقل دو سال از زمان فارغ التحصیلی آنان در رشته های مزبور گذشته و یا در آزمونی که به همین منظور از سوی نظام صنفی رایانه ای برگزار می گردد موفقیت لازم را احراز نمایند، به عنوان شخص حقیقی به عضویت نظام یادشده در می آیند. ۵ ـ صنف رایانه ای: آن گروه از افراد که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، صنف رایانه ای را تشکیل می دهند. ۶ ـ شاخه های نظام صنفی رایانه ای: شاخه

هـای صـنف بر اسـاس طبیعت کارهـای قابـل ارجـاع به آن به شـرح زیر دسـته بنـدی می‌شونـد: الف ـ برای انجام فعالیتهای مشاوره، نظارت، طراحی، تولید، نصب و راه اندازی، توسعه و پشتیبانی و آموزش سیستمهای نرم افزار، سخت افزار، شبکه های اطلاع رسانی و نظایر آن، « شاخه شـرکتها » با مشارکت افراد حقوقی صنف که حسب قانون تجارت ایجاد می شوند، تشکیل می گردد. ب ـ برای فعالیتهای مربوط به عرضه محصولات سـخت افزاری، نرم افزاری و حاملهای حاوی اطلاعات، قطعات و مواد مصـرفی که نوعاً نیاز به پشتیبانی فنی نداشـته و یا پشتیبانی فنی آنها توسط شرکتهای موضوع بند (الف) ارائه می شود، « شاخه فروشگاهها » با مشارکت افراد حقیقی صـنفی که دارای پروانه کسب حسب قانون نظام صـنفی هسـتند، تشـکیل می شود. تبصـره ـ عضویت اعضای فروشـگاهی در نظـام صـنفی رایـانه‌ای موجب سـلب اختیـارات قـانونی اتحادیه‌هـا و مجـامع امور صـنفی نمی‌شود. ج ـ برای فعالیتهـای مشـاوره ای و نظارت، « شاخه مشاوران » تشـکیل می گردد. مشاوران از میان اعضاء انتخاب می شوند. تبصـره ـ شـرائط احراز رتبه مشاوره و روش انتخاب و سـقف فعالیت آنان به موجب دستورالعملی که بر اساس قوانین و مقررات موجود به تصویب شورای عالی انفورماتیک می رسد، تعیین خواهد شد. بخش دوم ـ ارکان نظام صنفی رایانه ای: ماده ۳۳ـ ارکان نظام صنفی رایانه ای عبارتند از: نظام صنفی رایانه ای اسـتانها، شورای انتظـامی اسـتانها، هیئت عمومی نظـام، شورای مرکزی نظـام، شورای انتظـامی کـل، بـازرس و رئیس. الف ـ نظام صنفی رایانه ای اسـتانها: ماده ۳۴ـ نظام صـنفی رایانه ای هر اسـتان در صورتی که حـداقل اعضای جـدول زیر را به تشـخیص مراجع مذکور در آن پوشـش دهد، تشـکیل می شود: (جدول یک) حداقل عضو در استان مرجع تشخیص شرکتها و سایر اشخاص حقوقی ۱۰ شورای عالی انفورماتیک فروشـگاهها ۱۵ اتحادیه صـنفی مرکز استان مشاوران ۵ شورای عالی انفورماتیک تبصـره ۱ـ مادامی که نظام صـنفی رایانه ای اسـتان تشـکیل نشده است، امور مربوط به آن استان توسط شورای مرکزی نظام، سرپرستی یا اداره آن به نظام رایانه ای یکی از استانهای همجوار واگذار خواهد شد. تبصره ۲ـ عضویت در بیش از یک نظام صنفی استانی مجاز نمی باشد. ماده ۳۵ـ هر نظام اسـتانی دارای مجمع عمومی، هیئت مدیره، شورای انتظامی و بازرس است. محل استقرار دائم دفتر مرکزی آن در مرکز استان می باشد، ولی هیئت مدیره می تواند پس از تأیید شورای مرکزی در سایر شهرستانها نیز نمایندگی دایر نماید. ماده ۳۶ـ مجمع عمـومی نظـام هر اسـتان از اجتمـاع تمـامی اعضـای (حقوقی، فروشـگاهی و حقیقی) دارای حق رأی تشـکیل می گردد و وظـائف و اختیارات آن به شرح زیر است: ۱ ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرس. ۲ ـ تصویب خط مشی ها، سیاستها و برنامه ها و آئین نامه های اجرائی نظام. ۳ ـ بررسـی و تصویب پیشنهادهای هیئت مدیره. ۴ ـ تعیین میزان ورودیه، حق عضویت و سایر منابع درآمـدی. ۵ ـ عزل هیئت مـدیره و بازرس. ۶ ـ بررسـی و تصویب ترازنامه، صورتحساب درآمـد و هزینه های سال مالی گذشـته و بودجه سال آتی نظام. ۷ ـ اسـتماع و ارزیابی گزارش سالیانه هیئت مدیره در خصوص فعالیتهای نظام. ۸ ـ تصویب تغییرات در مفاد اساسنامه نظام. ۹ ـ تصویب انحلال نظام اسـتانی و ارجاع آن به هیئت عمومی صنف. ۱۰ ـ بررسـی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر اموری که طبق قوانین، آئین نامه های مربوط در صلاحیت مجمع عمومی است. تبصره ۱ـ هر مجمع توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس، یک منشی و دو نـاظر اداره می شود. تبصـره ۲ـ اعضـای هیئت رئیسه نبایـد از بین کسـانی باشـند که خود را در انتخابات هیئت مـدیره و بازرس نامزد کرده اند. تبصره ۳ـ تصویب موارد مربوط به بنـدهای (۸) و (۹) در اختیـار مجمع عمومی فوق العاده می باشـد. ماده ۳۷ـ نحوه تشـکیل جلسـات مجـامع عمـومی عـادی و فوق العـاده : تشـکیل مجمع عمومی عـادی در نوبت اول بـا حضور نصف به علاـوه یک اعضای هرشاخه (حقیقی، حقوقی و فروشگاهی) نظام می باشد که در صورت عدم حصول به نصاب لازم، در نوبت دوم که حداکثر پـانزده روز بعـد تشـکیل می شود بـا هر تعـداد از اعضـای کل شاخه ها برگزار خواهـد شـد. تصـمیمات مجمع عمومی عادی با رأی اکثریت نسبی حاضـران لاـزم الاجراء خواهـد بود. تبصـره ۱ـ نصـاب تشـکیل مجمع عمومی فوق العـاده همـان نصاب تشـکیل مجمع عمومی عادی است ولی تصـمیمات آن با رأی دو سوم حاضـران دارای اعتبار است. تبصره ۲ـ هر عضو می تواند حداکثر وکالت دو عضو غائب در جلسه را داشـته باشد. تبصـره ۳ـ دعوت برای تشـکیل مجـامع عمومی توسـط هیئت مـدیره یا بازرس و در دوره فترت

توسط دبیر صورت خواهـد گرفت. تبصره ۴ـ دعوت برای تشکیل مجامع عمومی بـا دعوت کتبی و یـا از طریق آگهی در روزنـامه کثیرالانتشـار منتخب مجمع عمومی و بـا تعیین زمان و مکان و دسـتورجلسه انجام و بایـد حـداقل پانزده روز قبل از تشـکیل مجمع به اطلاع عموم برسـد. مجمع می توانـد برای دعوت از اعضاء روش دیگری را جایگزین نمایـد. تبصره ۵ ـ یـک سوم از اعضای شاخه های (حقوقی، فروشگاهی، حقیقی) نظام می تواند درخواست تشـکیل مجمع عمومی فوق العاده نمایند. هیئت مدیره مکلف به قبول درخواست می باشد. تبصره ۶ ـ مجمع عمومی عـادی سالی یک بار و مجمع عمومی به طور فوق العاده می توانـد به دفعات تشـکیل شود. ماده ۳۸ـ هر نظام اسـتانی دارای هیئت مـدیره ای خواهـدبود که از اعضای داوطلب واجد شـرایط شاخه‌های آن توسط اعضای همـان شـاخه برای یـک دوره سه سـاله انتخـاب خواهندشـد. انتخاب مجـدد آنان برای یک دوره پیوسـته دیگر بلامانع است و هیئت مـدیره تا زمان انتخاب هیئت مـدیره جدیـد، کماکان عهده دار مسئولیت خواهدبود. ماده ۳۹ـ تعـداد نماینـدگان هر شاخه در هیئت مـدیره نظام استانی به شـرح جـدول زیر خواهـدبود که بین یک الی سه عضو علی البدل حسب تعداد برای هر شاخه خواهد داشت: (جـدول دو) تبصـره ـ با توجه به عـدم وجود زیرساخت مناسب جهت تعیین صـلاحیت مشاوران، هیئت مدیره های اسـتانی و شورای مرکزی دوره اول بـدون حضـور نماینـدگان ایـن شـاخه تشـکیل می شونـد. آئین نـامه چگـونگی احراز صـلاحیت مشـاوران پس از تصویب در شورای عالی انفورماتیک حـداکثر تا مجمع عمومی بعدی به اجراء گذاشـته می شود. ماده ۴۰ـ شرائط انتخاب شوندگان هیئتهای مدیره اسـتانی به شـرح زیر می باشد: ۱ ـ تابعیت دولت جمهوری اسـلامی ایران. ۲ ـ پایبنـدی به اسـلام و یا یکی از اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران. ۳ ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر. ۴ ـ داشتن حسن شهرت اجتماعی، شغلی، عملی، حرفه ای و عدم اشتهار به فساد اخلاقی، به تأیید ۵درصد واجدان حق رأی دادن در نظام است که این تعداد کمتر از ۲ نفر نمی باشد. ۵ ـ نداشتن پیشینه کیفری مؤثر. ماده ۴۱ـ اولین دوره انتخاب در اسـتان با نظارت شورای عالی انفورماتیک و با اطلاع اسـتاندار و توسط سازمان مـدیریت و برنامه ریزی هر اسـتان برگزار خواهـد شد. تبصـره ـ دسـتورالعمل مربوط به تشـکیل مجمع عمـومی مؤسـس اسـتانها، اساسـنامه الگـو، برگزاری انتخابـات اولین دوره هیئت مـدیره اسـتانها، انتخابـات شورای مرکزی، با رعایت قانون و مفاد این آئین نامه تهیه و به تصویب شورای عالی انفورماتیک خواهد رسید. ماده ۴۲ـ اهم وظائف و اختیارات هیئت مدیره به شـرح زیر است: ۱ ـ نظارت بر حسن انجام خـدمات ارائه شده توسط اشـخاص حقیقی و حقوقی در حوزه اسـتان. ۲ ـ تنظیم روابـط بین اعضـای صـنف و کارفرمایـان و ارائه اطلاعـات لازم به کارفرمایان در مورد اشـخاص واجـد صـلاحیت فنی. ۳ ـ دفـاع از حقوق اجتماعی و حیثیت حرفه ای صـنف. ۴ ـ همکاری با مراجع ذی ربط در امر ارزشـیابی، تعیین صـلاحیت و ظرفیت اشـتغال. ۵ ـ ارائـه خـدمات کارشناسـی فنی بـه مراجـع قضـائی و قبـول داوری در اختلافـاتی که دارای مـاهیت فنی است در چـارچوب قـوانین و مقررات مربوط کشور. ۶ ـ معرفی نماینده نظام جهت عضویت در کمیسـیون حل اختلاف مالیاتی، هیئتهای تشـخیص مطالبات تأمین اجتمـاعی و سـایر مراجع قانونی. ۷ ـ ارتقـای دانش فنی و کیفیت کـار اعضـای صـنف. ۸ ـ برنـامه ریزی در جهت تقـویت و توسـعه فرهنگ فناوری اطلاعات در اسـتان با برگزاری مسابقات حرفه ای و تخصصـی در چارچوب قوانین و مقررات. ۹ ـ انتخاب دبیر نظام صنفی رایـانه ای اسـتانی از بیـن خـود و یـا خـارج از آن و یـا عزل وی. ۱۰ ـ تعیین حـق الزحمه کارکنـان نظـام اسـتانی. ۱۱ ـ تنظیم دسـتورالعملهای اداری ـ مالی نظام اسـتانی طبق مقررات و نظام نامه های مصوب هیئت عمومی. ۱۲ ـ معرفی اعضای شورای انتظامی وفق مقررات این آئین نامه. ۱۳ ـ تشـکیل کمیسیونهای تخصصی استانی با رعایت نظام نامه های هیئت عمومی و شورای مرکزی. ۱۴ ـ بررسـی و تصویب بودجه سال آتی پیشنهادی نظام استانی. ماده ۴۳ـ هیئت مدیره در اولین نشـست خود یک نفر را به عنوان رئیس، یک یا دو نفر را به عنوان نایب رئیس و یک نفر را به عنوان خزانه دار انتخاب می نماید. ماده ۴۴ـ هیئت مدیره می تواند یک نفر را از بین خود و یا خارج از آن به عنوان دبیر انتخاب نماید. دبیر نظام، مسئول اداره امور دبیرخانه بوده و وظائف او به شـرح زیر است: ۱ ـ اسـتخدام یا به کارگماردن کارکنان اداری نظام و در صورت لزوم استخدام مشاور و کارشناس پس از تصویب هیئت مدیره. ۲ ـ

انجام مکاتبات و نامه های اداری نظام و نظارت بر حسن اجرای مقررات داخلی نظام. ۳ ـ گشایش حسابهای بانکی نظام به اتفاق خزانه دار و رئیس هیئت مدیره. ۴ ـ اجرای مصوبات و تصمیمات هیئت مدیره و مجمع عمومی و انجام امورجاری نظام. ۵ ـ حفظ و نگهداری اسناد و مدارک اداری و مشخصات کامل اعضاء. ۶ ـ تهیه و تنظیم کارت عضویت نظام با امضای خود و رئیس هیئت مدیره و مهر رسمی نظام. ۷ ـ ارسال شکایات واصل شده به شورای انتظامی استان. ۸ ـ نمایندگی نظام نزد کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی، مراجع قضایی و اداری با حق توکیل. ماده ۴۵ـ خزانه دار مسئول امور مالی نظام است و وظائف وی به شرح زیر است: ۱ ـ امضاء کلیه چکها، اسناد مالی و اوراق تعهدآور برعهده او و رئیس هیئت مدیره یا دبیر نظام است. ۲ ـ اداره امور مالی نظام، تنظیم دفاتر و اسناد صورتجلسات مالی و رسیدگی و حفظ حسابها. ۳ ـ وصول و جمع آوری ورودیه، حق عضویتها و کمکهای مالی. ۴ ـ تهیه و تنظیم ترازنامه جهت ارائه به هیئت مدیره و بازرس. ۵ ـ رسیدگی به صحت اسناد و مدارک ارائه شده در مورد پرداختها. ۶ ـ نظارت بر خرید و فروش و هر نوع عمل مالی. ۷ ـ حفظ اموال منقول و غیرمنقول، وجوه و اسناد مالی. ۸ ـ تنظیم بودجه سال آتی و تسلیم آن به هیئت مدیره جهت بررسی و تصویب. ب ـ شورای انتظامی استان: ماده ۴۶ـ هر نظام استانی دارای یک شورای انتظامی متشکل از ۳ تا ۵ نفر به معرفی هیئت مدیره که یک نفر از آنها حقوقدان می باشد خواهد بود و همگی با حکم رئیس شورای مرکزی نظام برای مدت سه سال منصوب شده و انتصاب مجدد آنان بلامانع خواهد بود. رسیدگی به شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص تخلفات حرفه ای، انضباطی و انتظامی اعضاء به عهده شورای یادشده می باشد. چگونگی رسیدگی به تخلفات و تعیین مجازاتهای انضباطی و موارد قابل تجدیدنظر در شورای انتظامی نظام طبق مواد آتی خواهد بود. تبصره ـ هرگاه تخلف عضو، عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین را داشته باشد، این شورا مکلف است مراتب را برای رسیدگی به جنبه جزائی آن در اسرع وقت به مراجع قضائی صالح اعلام دارد. رسیدگی مراجع قضائی مزبور مانع از اجرای مجازاتهای انتظامی اعضاء نخواهد بود. ماده ۴۷ـ شورای انتظامی در اولین جلسه خود یک رئیس و یک نائب رئیس و یک نفر منشی برای مدت یک سال انتخاب خواهد کرد و تجدید انتخاب آنان بلامانع خواهد بود. ماده ۴۸ـ هیئت مدیره می تواند در صورت اطلاع از وقوع تخلف، رأساً نیز به شورای انتظامی اعلام شکایت کند. ماده ۴۹ـ دبیرخانه شورای انتظامی استان در دبیرخانه نظام صنفی رایانه ای استان قرار داشته و پس از وصول شکایت و تشکیل پرونده با رعایت نوبت تعیین وقت می نماید. موارد خارج از نوبت به تشخیص رئیس شورای انتظامی استان تعیین می شود. تبصره ـ کلیه مکاتبات و تصمیمات و آرای شورای انتظامی استان با امضای رئیس و در غیاب وی نائب رئیس و از طریق دبیرخانه انجام و ابلاغ می شود. ماده ۵۰ ـ شورای انتظامی استان ملزم به رسیدگی به کلیه شکایات واصله می باشد. اگر شکایتی را وارد نداند و یا رسیدگی به شکایتی را در صلاحیت خود تشخیص ندهد نظر به رد شکایت یا عدم صلاحیت داده و در غیر این صورت پس از اخذ دفاعیات اتخاذ تصمیم می کند. شورا می تواند در صورت نیاز از طرفین برای استماع اظهارات آنان دعوت نماید. عدم حضور شاکی یا وکیل یا نماینده او در اولین جلسه رسیدگی بدون اعلام قبلی در حکم انصراف از شکایت است، لیکن عدم حضور مشتکی عنه مانع رسیدگی و اخذ تصمیم نخواهد بود. در صورت درخواست مشتکی عنه جهت حضور، شورا موظف به دعوت از وی می باشد. مشتکی عنه در صورت عدم امکان حضور، لایحه دفاعیه خود را قبل از جلسه رسیدگی به دبیرخانه شورای انتظامی استان تسلیم و یا یک نفر را به عنوان وکیل معرفی می نماید. تبصره ـ شورای انتظامی استان می تواند از نظرات مشورتی کارشناسان خبره استفاده نماید. ماده ۵۱ ـ مجازاتهای انتظامی به قرار زیر است : ۱ ـ اخطار شفاهی بدون درج در پرونده عضویت در نظام صنفی رایانه ای استان. ۲ ـ توبیخ کتبی یا درج در پرونده عضویت در نظام صنفی رایانه ای استان. ۳ ـ محرومیت موقت از فعالیت صنفی به مدت ۱ روز تا ۳ ماه. ۴ ـ محرومیت موقت از فعالیت صنفی به مدت سه ماه و یک روز تا یک سال. ۵ ـ محرومیت موقت از فعالیت صنفی به مدت یک سال و یک روز تا پنج سال. ماده ۵۲ ـ تخلفات انتظامی و انضباطی و مجازاتهای مربوط حسب مورد با توجه به شرائط، دفعات و مراتب تخلف به شرح زیر است: ۱ ـ عدم رعایت شئونات

شغلی و حرفه ای مربوط از درجه یک تا درجه دو. ۲ ـ سهل انگاری و یا عدم رعایت اصول فنی به نحوی که موجب تضییع حقوق غیر گردد به تناسب میزان خسارات وارده از درجه یک تا درجه سه. ۳ ـ صدور تأییدیه های خلاف واقع، از درجه یک تا درجه پنج. ۴ ـ ارائه صورت وضعیت یا سایر اوراق و مدارک که موجب تضییع حقوق دیگران شود از درجه دو تا درجه چهار. ۵ ـ امتناع از انجام تمام یا بخشی از تکالیف ناشی از قرارداد از درجه یک تا درجه سه. ۶ ـ جعل و تزویر در اوراق و اسناد و مدارک حرفه ای از درجه سه تا درجه پنج. ۷ ـ اشتغال در کارهایی که خارج از صلاحیت حرفه ای و یا ظرفیت اشتغال تعیین شده توسط مراجع ذی ربط، از درجه یک تا درجه پنج. ۸ ـ سوء استفاده از عضویت و یا موقعیتهای شغلی و اداری نظام به نفع خود و یا غیر از درجه دو تا درجه پنج. ۹ ـ دریافت و پرداخت هرگونه مال یا وجه یا قبول خدمت خارج از ضوابط از درجه سه تا درجه پنج. ۱۰ ـ عدم رعایت مقررات و ضوابط مصوب نظام از درجه یک تا درجه سه. ۱۱ ـ تأسیس هرگونه مؤسسه، دفتر یا محل کسب و پیشه برای انجام خدمات فنی بدون داشتن مجوز قانونی لازم از درجه دو تا درجه پنج. ۱۲ ـ انجام فعالیت در دوره محرومیت موقت، علاوه بر محدودیت سابق از درجه چهار تا درجه پنج. ماده ۵۳ ـ تشخیص تخلف و انطباق آن با هر یک از مجازاتهای مقرر به عهده شورای انتظامی استان است و تکرار تخلف از هر نوع که باشد موجب مجازات شدیدتر خواهد بود. ارتکاب جرائم متعدد مشمول جمع مجازاتها است که درهر حال مجموع محرومیت از ۱۰ سال فراتر نخواهد رفت. تبصره ـ شورای انتظامی استان موارد تخلف اعضای فروشگاهی را به مراجعی که در قانون نظام صنفی معین شده‌است، منعکس می‌کند تا طبق مفاد قانون یادشده نسبت به آن رسیدگی و احکام لازم صادر گردد. ماده ۵۴ ـ آرای شورای انتظامی باید مستند و مستدل و صریح بوده و در ذیل برگ رأی، نحوه اعتراض و مهلت آن به طور دقیق ذکر شود. آرای شورای انتظامی استان اعم از اینکه مبنی بر عدم وقوع تخلف و یا تعیین مجازات باشد، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ، حسب مورد در شورای تجدیدنظر استانی و یا شورای انتظامی کل قابل تجدیدنظر است. ماده ۵۵ ـ هر نظام استانی دارای یک شورای انتظامی تجدیدنظر است که متشکل از پنج نفر مرکب از یک نفر حقوقدان با ۱۰ سال سابقه به انتخاب استاندار، یک نفر به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، یک نفر از اعضای هیئت مدیره و دو نفر به انتخاب شورای مرکزی نظام می باشد که با حکم شورای مرکزی نظام برای مدت سه سال منصوب می گردند. جلسات شورای انتظامی استان با حضور دو سوم اعضاء رسمیت یافته و در هرحال آرای صادرشده با سه رأی موافق معتبر و لازم الاجراء خواهد بود. کلیه درخواستهای تجدیدنظر در این شورا بررسی می شود. کلیه احکام و مجازاتهای صادره تا درجه چهار در این شورا قطعی و لازم الاجراء بوده و مجازاتهای درجه پنج در صورت درخواست محکوم علیه قابل بررسی در شورای انتظامی کل خواهد بود. تبصره ـ شورای انتظامی تجدیدنظر در اولین جلسه خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر به عنوان نایب رئیس و یک نفر را به عنوان منشی از بین خود انتخاب می نماید. پ ـ شورای انتظامی کل نظام: ماده ۵۶ ـ شورای انتظامی کل نظام، مرجع تجدیدنظر آرای صادر شده مبنی بر محکومیت از درجه پنج شورای انتظامی استانها است و دارای پنج عضو می باشد. اعضای آن برای مدت سه سال به شرح زیر منصوب و انتخاب مجدد آنها بلامانع است: ۱ ـ یک نفر حقوقدان با ۱۵ سال سابقه کار به معرفی وزیر دادگستری. ۲ ـ دو نفر به انتخاب شورای عالی انفورماتیک. ۳ ـ دو نفر به انتخاب شورای مرکزی نظام. جلسات شورای انتظامی کل با حضور دو سوم اعضاء رسمیت یافته و آرای صادر شده با سه رأی موافق معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. تبصره ـ روش و مدت انتخاب رئیس و نایب رئیس و منشی و محل دبیرخانه آن همانند شورای انتظامی استان خواهد بود. ماده ۵۷ ـ تقاضاهای تجدیدنظر پس از ثبت در دبیرخانه نظام استانی به همراه پرونده حسب مورد برای شورای انتظامی تجدیدنظر و یا شورای انتظامی کل ارسال خواهد شد. ت ـ بازرس: ماده ۵۸ ـ مجمع عمومی استان یک نفر را به عنوان بازرس اصلی و یک نفر را به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب می نماید. وظائف و اختیارات بازرس به شرح زیر است: ۱ ـ بازرس می تواند در جلسات هیئت مدیره بدون داشتن حق رأی شرکت نماید. ۲ ـ بازرس اختیار دارد بدون دخالت در امور اجرائی بر فعالیت هیئت مدیره نظارت داشته و دفاتر و اسناد و

مدارک و اطلاعات مورد نیاز را بدون آنکه وقفه ای در فعالیتهای اجرائی هیئت مدیره ایجاد شود مطالبه و مورد بررسی قرار دهد. ۳ ـ بازرس می تواند برای حسابرسی صورتهای مالی پیشنهاد استفاده از مؤسسات حسابرسی را به هیئت مدیره ارائه نماید. هیئت مدیره موظف است نسبت به عقد قرارداد با مؤسسه مذکور اقدام کند. ۴ ـ بازرس موظف است صورتهای مالی مصوب هیئت مدیره را که حداقل دو هفته قبل از تشکیل مجمع عمومی سالیانه تهیه و در اختیار ایشان قرار می گیرد، مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را ظرف حداکثر پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار هیئت مدیره جهت طرح در مجمع عمومی قرار داده و گزارش سالیانه خود را به مجمع عمومی ارائه نمایـد. ث ـ هیئت عمومی: مـاده ۵۹ ـ به منظور هماهنگی در امور نظامهای استانی هیئت عمومی نظام صنفی رایـانه ای که از این پس به اختصـار هیئت عمومی خوانـده می شود، از کلیه اعضـای هیئت مـدیره نظامهای استانی در سـطح کشور تشـکیل می شود. هیئت عمومی هر سـال یکبـار بـا دعوت شورای مرکزی بـا حضور نماینـده شورای عالی انفورماتیک جلسـه عـادی خواهـد داشت. جلسـات هیئت عمومی با حضور حـداقل نیمی از اعضاء رسـمیت خواهـد یافت. تبصـره ـ تشـکیل اولین هیئت عمومی بنا به دعوت ریاست شورای عالی انفورماتیک خواهد بود. ماده ۶۰ ـ وظائف و اختیارات هیئت عمومی به شرح زیر است: ۱ ـ انتخاب اعضای شورای مرکزی از میان اعضای هیئت عمومی و عزل آنان. ۲ ـ استماع و ارزیابی گزارش سالیانه شورای مرکزی در خصوص فعالیتهـای نظام. ۳ ـ بررسـی و تصـویب ترازنـامه شورای مرکزی. ۴ ـ بررسـی و تصویب خط مشـیهای عمومی و پیشـنهادی شورای مرکزی. ۵ ـ دریـافت گزارش از فعالیتهـا و مشـکلات نظامهای اسـتانی و ارائه طریق به آنها. ۶ ـ اخذ تصـمیم در مورد تنظیم روابط بین نظامهای اسـتانی به پیشنهاد شورای مرکزی. ۷ ـ بررسـی و تصویب ضوابط، مقررات، نظام نامه ها و همچنین دسـتورالعمل پرداخت حق الزحمه اعضای شورای مرکزی، اعضای شورای انتظامی اسـتانی، شورای انتظامی کل، بازرسان استانی و بازرس نظام به پیشـنهاد شـورای مرکزی. ۸ ـ بررسـی و تصـویب نظامنـامه هـای داخلی نحـوه اداره هیئـت عمـومی. ۹ ـ بررسـی و تصـویب نظامنـامه پیشنهادی شورای مرکزی در خصوص نحوه مدیریت منابع مالی نظام. ۱۰ ـ انتخاب بازرس. تبصره ـ شرح وظائف و اختیارات بازرس شورای مرکزی مطـابق مـاده (۵۸) این آئین نـامه خواهـد بـود. ج ـ شـورای مرکزی: مـاده ۶۱ ـ برای اداره امـور کلاـن نظـام، شورای مرکزی مرکب از ۲۳ عضو اصلی و ۹ عضو علی البـدل تشـکیل می شود. ترکیب نمایندگان شورای مرکزی و اعضای علی البدل به همان نسبت مذکور در ستون آخر جدول ماده (۳۹) این آئین نـامه بوده و دارای یک رئیس، دو نایب رئیس و یک خزانه دار است. مـدت فعـالیت هر دوره شورای مرکزی سه سـال است. مـاده ۶۲ ـ جلسـات شـورای مرکزی در مواقـع لزوم به دعـوت رئیس شورای مرکزی و در غیـاب وی توسط نواب رئیس تشـکیل و بـا حضور نصف به علاوه یـک اعضـاء رسـمیت خواهـد یافت. تصـمیمات و مصوبات آن با حـداقل ۱۲ رأی موافق معتبر است. اعضای علی البـدل بـدون داشـتن حق رأی می تواننـد در جلسات شورای مرکزی شرکت کننـد. تصـمیمات شورای مرکزی پس از ثبت در دفتر مخصوص از طریق دبیرخانه شورای مرکزی به اشـخاص و مراجع ذی صلاح ابلاغ و پیگیری می شود. ماده ۶۳ ـ انجام هزینه های اداری، اسـتخدامی و سایر هزینه های اداره بهینه نظام، به موجب نظامنامه مالی و اداری است که توسط شورای مرکزی پیشنهاد و به تصویب هیئت عمومی خواهد رسید. ماده ۶۴ ـ هزینه های سازمانی نظام و ارکـان آن از محـل حق عضویت اعضـاء، کمکهـای اعطائی، دریافت بهای ارائه خـدمات پژوهشـی، کارشناسـی و آموزشـی، فروش نشـریات و برگزاری سـمینارها و نمایشـگاهها تأمین خواهد شد. نحوه و میزان دریافت هر یک از منابع مذکور به موجب نظامنامه ای خواهد بود که به پیشـنهاد شورای مرکزی و تصویب هیئت عمومی می رسد. ماده ۶۵ ـ اهم وظائف شورای مرکزی عبارتست از: ۱ ـ پیشـنهاد خط مشـی های کوتاه مـدت، میان مدت و دراز مدت جهت تصویب هیئت عمومی. ۲ ـ برنـامه ریزی و فراهم آوردن زمینه اجرای اهـداف و خـط مشـی هـای مصـوب هیئت عمومی. ۳ ـ ایجـاد زمینه منـاسب برای انجـام وظـائف ارکـان نظـام. ۴ ـ برگزاری آزمونهای تخصصـی احراز صلاحیت مشاوران مستقل. ۵ ـ تهیه پیش نویس تعیین حدود صـلاحیت اعضای صـنف برای تصویب در شورای عالی انفورماتیک. ۶ ـ همکاری با شورای عالی انفورماتیک در اجرای رتبه بندی و احراز صـلاحیت اعضای صنف. ۷ ـ تهیه

پیش نویس نحوه ارجاع کار و ظرفیت اشتغال اعضای صنف جهت تصویب در شوارى عالى انفورماتیک. ۸ ـ مشارکت در برگزاری کنفرانسها و گردهمائیهای تخصصی در داخل کشور و در سطح بین المللی. ۹ ـ داوری بین ارکان داخلی نظامهای استانی یا بین نظامهای استانی با یکدیگر. ۱۰ ـ همکاری با مراکز تحقیقاتی، علمی و آموزشی. ۱۱ ـ حمایت اجتماعی از اعضای نظام رایانه ای و دفاع از حقوق و حیثیت آنها و همچنین دفاع متقابل از حقوق جامعه به عنوان مصرف کنندگان محصولات صنف. ۱۲ ـ تهیه مبانی قیمت گذاری خدمات باتوجه به پیشنهادهای نظامهای استانی. ۱۳ ـ تعیین و معرفی امضاهای مجاز برای امضای اوراق و اسناد مالی و تعهدآور و قراردادها. ۱۴ ـ انتشار نشریه نظام و سایر نشریات تخصصی. ۱۵ ـ همکاری و ارائه نظرات مشورتی به دولت و دستگاههای اجرائی در زمینه برنامه های توسعه فناوری اطلاعات در کشور. تبصره ـ وظائف خزانه دار مشابه وظائف خزانه دار نظام استانی است. چ ـ رئیس سازمان: ماده ۶۶ ـ شورای مرکزی در اولین نشست خود سه نفر از اعضای اصلی شورا را به عنوان رئیس به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (شورای عالی انفورماتیک) پیشنهاد می نماید تا یکی از آنها با حکم رئیس جمهور به این سمت منصوب گردد. ماده ۶۷ ـ وظائف و اختیارات رئیس سازمان به شرح زیر است: ۱ ـ رئیس سازمان بالاترین مقام اجرائی و اداری سازمان بوده و نمایندگی سازمان در مراجع ملی و بین المللی را به عهده دارد. ۲ ـ مسئول اجرای مصوبات شورای مرکزی است. ۳ ـ نظارت بر عملکرد دبیرخانه و تهیه پیشنهادها و توصیه های لازم به منظور تحقق اهداف مندرج در قانون و ارائه آن به شورای مرکزی. ۴ ـ نظارت بر عملکرد نظامهای استانی با هماهنگی شورای مرکزی به منظور حسن جریان امور و حفظ حقوق، منافع، حیثیت و شئونات حرفه ای. ۵ ـ پیشنهاد تعیین دبیرکل. ۶ ـ افتتاح جلسات هیئت عمومی در مواقعی که دعوت کننده شورای مرکزی است. ۷ ـ ابلاغ دستورالعملها، مصوبات و بخشنامه های مربوط به فناوری به نظام مهندسی استانها. ۸ ـ انجام سایر وظائفی که از طرف هیئت عمومی یا شورای مرکزی به رئیس سازمان محول می شود و همچنین وظائفی که به منظور اداره نظام ضروری است. ۹ ـ امضاء مکاتبات عادی و اداری نظام. ماده ۶۸ ـ رئیس سازمان می تواند یک نفر از اعضای شورای مرکزی و یا خارج از آن را به عنوان دبیرکل به شورای مرکزی جهت کسب رأی اعتماد معرفی و یا درخواست عزل وی را نماید. تبصره ـ رئیس می تواند برخی از اختیارات خود را با حفظ مسئولیت به دبیر کل نظام محول کند. ماده ۶۹ ـ در کلیه موارد مبهم یا مسکوت در این آئین نامه، با رعایت مواد قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای، قانون نظام صنفی و این آئین نامه، نظر شورای عالی انفورماتیک ملاک عمل خواهد بود. معاون اول رییس جمهور ـ محمدرضا عارف

تصویب‌نامه درخصوص برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ۵/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره۴۹۳۴ مورخ ۲۳/۳/۱۳۸۴ وزارت بازرگانی و به استناد ماده (۷۹) قانون تجارت الکترونیکی ـ مصوب ۱۳۸۲ـ تصویب نمود: برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی به شرح پیوست تعیین می گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی ماده۱ـ معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری مکلف است با همکاری دستگاههای ذیربط نسبت به تدوین ساز و کار هماهنگ تنظیم لوایح قانونی فضای تبادل اطلاعات اقدام و آن را حداکثر تا پایان آذر سال ۱۳۸۴ به هیأت دولت ارایه کند. ماده۲ـ وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه و وزارت بازرگانی اقدامات زیر را انجام دهد •: تدوین قانون آیین دادرسی خاص تجارت الکترونیکی و امکان طرح دعاوی حقوقی در فضای تبادل اطلاعات متناسب با فضای غیرمادی و نامحسوس آن با توجه به قانون تجارت ایران و رعایت اهمیت اصل سرعت دراین نوع دعاوی، حداکثر تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵ •. تدوین قانون خاص در زمینه صلاحیت برای تجارت الکترونیکی و مواد راجع به استرداد، همکاری متقابل در جرایم خاص فضای تبادل اطلاعات، مواد قانونی فنون و ابزارهای پیشگیری برای جرایم خاص فضای تبادل اطلاعات به منظور مبارزه با جرایم خاص فضای تبادل اطلاعات و امکان همکاری

بین‌المللی متقابل و رعایت استانداردهای عدالت کیفری حداکثر تا اسفند ماه سال ۱۳۸۴ •. تدوین قانون مسوولیت کیفری برای اشخاص حقیقی ـ حقوقی و شناسایی نظریه‌های جدید مسوولیت و تصویب قانون برای جرایم ناشی از عمد/ بی‌مبالاتی مطابق کدهای رفتاری، کدهای کیفری فضای تبادل اطلاعات و امثال آن حداکثر تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵. ماده۳ـ وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه، نسبت به تدوین قواعد رفع تعارض قوانین جدید به عنوان بخشی از قانون عام آیین دادرسی مدنی فضای تبادل اطلاعات و قانون آیین دادرسی خاص تجارت الکترونیکی ازجمله قواعد داوری و واسطه‌گری برخط برای تسهیل در حل و فصل اختلافات ناشی از تجارت الکترونیکی حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده۴ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است، نسبت به اصلاح قوانین مخابراتی برای همخوان کردن مصوبات نهادهای ذیربط در عرصه فعالیت تأمین‌کنندگان خدمات اینترنتی و محتوا و پیروی این نهادها از قواعد عام مسوولیت مدنی و کیفری براساس نظریه‌های مرسوم حقوق مسوولیت حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده۵ ـ وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه، بانک مرکزی و وزارت بازرگانی، نسبت به تدوین حقوق جزای ماهوی شامل به رسمیت شناختن مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی در محیط تجارت الکترونیکی و جرایم جاسوسی صنعتی، افشای اسرار، کلاهبرداری (اشکال خاص)، کارت اعتباری، بانکداری الکترونیکی، حق مؤلف برای همخوانی با استانداردهای حقوق جزا و امکان مبارزه موثر با جرایم عصر صنعتی و فراصنعتی حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده۶ ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با همکاری وزارت دادگستری، قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، بانک مرکزی، وزارت بازرگانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به تدوین قانون جامع حمایت از داده/حریم خصوصی و قانون خاص حمایت از داده/حریم خصوصی در مخابرات به منظور حمایت خاص قانونی در عرصه تجارت الکترونیکی از سوی حاکمیت و الزام به رعایت ایمنی خاص توسط کاربران تجارت الکترونیکی، حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده۷ ـ وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه، وزارت بازرگانی، وزارت کشور و وزارت امورخارجه نسبت به تدوین و اصلاح مواد مربوط به استرداد مجرمان و تنظیم معاهدات دو یا چندجانبه برای ایجاد مبارزه با جرایم در سطح بین‌المللی و امکان هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی و ایجاد مدل دادرسی و مجازات برای اشخاص توقیف شده، مصادره، تفتیش و توقیف جریان جنایت، همکاری متقابل، نیابت قضایی و اعتبار بین‌المللی امر مختوم در حوزه تجارت الکترونیکی تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (شورای عالی انفورماتیک) مکلف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت بازرگانی، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی و وزارت دادگستری و قوه قضاییه نسبت به تدوین قانون حق تألیف در فضای تبادل اطلاعات برابر با استانداردهای بین‌المللی تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده۸ ـ وزارت بازرگانی مکلف است نسبت به تنظیم مدل قراردادی برای مبادلات فرامرزی تجارت الکترونیکی براساس مدل UN/CEFACT و شیوه‌نامه اتحادیه اروپایی ۱۹۹۵ برای ایجاد روابط سالم بدون مشکلات حقوقی در مبادلات و تسهیل تجاری حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده۹ـ وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت دادگستری و قوه قضائیه اقدامات زیر را انجام دهد •: تدوین الگوی داوری در دعاوی تجارت الکترونیکی برای کاهش دعاوی حقوقی با اعمال حداقل استانداردهای حقوقی در عرصه تجارت الکترونیکی حداکثر تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ •. تدوین الگوی قراردادی حل اختلاف برای دعاوی در الگوهای بنگاه به بنگاه (B۲B) و بنگاه به مشتری (B۲C) به منظور ساده وشفاف‌سازی روند حل و فصل اختلافات حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۵. ماده۱۰ـ بانک مرکزی مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی نسبت به تدوین و اجرای نظام پرداخت الکترونیکی به منظور کامل شدن چرخه تجارت الکترونیکی و توسعه بانکداری الکترونیکی حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۱۱ـ وزارت بازرگانی مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد •: تدوین و ابلاغ استانداردهای موضوع بند ط ماده ۳۳ قانون برنامهٔ چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در

حوزه‌های امنیت سیستمهای کاربردی تجارت الکترونیکی، فرایندهای محیط تجاری، تبادل اسناد، واسطهای اطلاع‌رسانی، پیغام، کدگذاری کالا و خدمات تا پایان مهرماه سال ۱۳۸۴ •. راه‌اندازی سیستم کتابخانه جامع فرایندهای تجاری مشترک الکترونیکی &(۱۷۷۷)(CBL;) در صنایع ذینفع با پشتیبانی از ویرایشهای موجود& (۱۷۷۸) EDI; و OpenEDI حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴. •راه‌اندازی سیستم مدیریت اسناد تجاری براساس استاندارد اسناد تجاری الکترونیکی سازمان ملل متحد (۳)(UNe Doc) حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۵ •. اصلاح استانداردها وتوصیه‌های ارایه شده در زمینه تجارت الکترونیکی به شرکتهای تجاری براساس استانداردها و توصیه‌های جدید سازمانهای معتبر بین‌المللی مانند& (۱۷۸۰) UNCTAD ; ، (&۱۷۸۱;) AFACT UN/CEFACT. ماده۱۲ـ وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری دستگاههای اجرایی ذیربط، به منظور افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به مباحث مختلف تجارت الکترونیکی از طریق برنامه‌های آموزشی کاربردی مناسب، به اشتراک گذاشتن تجربیات موفق، آموزش از طریق رسانه‌های گروهی، توسعه تسهیلات آموزشی و تشویق و تسهیل برای تولید فراورده‌ها و خدمات فرهنگی و برگزاری مسابقه‌ها و جشنواره‌های استانی و ملی برای خانوارها اقدام کند، شروع برنامه‌های یادشده از شهریور ماه سال ۱۳۸۴ است. ماده۱۳ـ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح موظف است با جلب موافقت فرماندهی کل قوا برای مشمولانی که موفق به دریافت گواهی درجه۱ کاربرد تجارت الکترونیکی شوند یک ماه بخشودگی خدمت اعطا کنند. تعریف ویژگیها و الزامات دریافت گواهی درجه۱ کاربرد تجارت الکترونیکی به عهده وزارت بازرگانی است. ماده۱۴ـ وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی به منظور افزایش آگاه‌سازی عمومی در آحاد مردم، با هدف فراگیری کاربرد اینترنت با محورهای شناساندن تأثیر تجارت الکترونیکی بر ارتقای وضعیت اقتصادی خانوار، آشنایی با ابزارها و رویه‌های به کارگیری تجارت الکترونیکی و ایجاد انگیزه برای چیرگی بر مقاومت خانوارها در برابر تغییر در فرهنگ خرید نسبت به برگزاری مسابقه‌ها و جشنواره‌های استانی و ملی برای خانوارها اقدام نماید. ماده ۱۵ـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی به منظور ارایه آموزش ضمن خدمت در خصوص استراتژیها، کاربرد و توسعه تجارت الکترونیکی نسبت به برگزاری دوره‌های مختلف آموزش تجارت الکترونیکی برای مدیران عالی، میانی و پایه و نیز کارشناسان دستگاههای اجرایی درخصوص مفاهیم پایه و ابزارهای مهندسی اینترنت و تجارت الکترونیکی، مدیریت راهبردی سازمانها مبتنی بر فناوری اطلاعات، تعریف جرم و بزه‌های فضای تبادل اطلاعات و روشهای پیشگیری از آنها اقدام کند. به نحوی که از میان جمع ۸۰۵۹۲ نفری کارشناسان، مدیران و معاونین با مدرک تحصیلی بالاتر از لیسانس در وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارائی و موسسات بانک مرکزی، گمرک و بیمه تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۶، حداقل ۲۰٪ آنها و دو راه حل عملیاتی نمونه مبتنی بر& (۱۷۸۲);ebxML و UNeDocs را فراگیرند. به علاوه این سازمان مکلف به برنامه‌ریزی لازم برای گسترش آموزش تا تمامی سطوح مدیریتی و کارشناسی ذیمدخل در دستگاه‌های فوق است به نحوی که تا پایان سال ۱۳۸۶ حداقل ۸۰٪ مدیران و کارشناسان این وزارتخانه‌ها تسلط کامل به مباحث مدیریتی و راهبری تجارت الکترونیکی در حوزه تخصصی خود را داشته باشند. ماده۱۶ـ وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه‌قضاییه و وزارت بازرگانی به‌منظور آموزش استراتژیها و کاربرد تجارت الکترونیکی نسبت به آموزش آن برای قضات و کادر دادرسی در سرفصلهایی چون تعریفهای بین‌المللی جرایم و بزه‌های رایانه‌ای، احراز هویت، روشهای تعیین مسیر و رهگیری داده‌ها در وب و شبکه‌های رایانه‌ای، اصول رمزگذاری و رمزگشایی در بسته‌های اطلاعاتی اقدام کند. ماده ۱۷ـ وزارت آموزش و پرورش مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به‌منظور آموزش مفاهیم، مهارتها و منافع تجارت الکترونیکی در مدارس کشور، نسبت به مبانی اینترنت و تجارت الکترونیکی در دوره‌های متوسطه مدارس آموزش داده و افزون بر آن نسبت به تدوین و تهیه مطالب آموزشی ویژه توسعه مهارت‌های وب، آموزش کاربردهای مقدماتی تجارت الکترونیکی در مواردی مانند اصول پرداخت

الکترونیکی، سیستمهای نقطه پایانی فروش& (۱۷۸۳)(pos;) ، رمزینه (بارکد) و آشنایی با مسایل ایمنی، حریم شخصی و حقوق تجارت الکترونیکی مبادرت ورزند. ماده ۱۸ـ وزارت بازرگانی مکلف است به منظور آموزش استراتژیها و کاربردها در تجارت الکترونیکی نسبت به تدوین برنامه‌های آموزشی دوره‌های آن ویژه بازرگانان و اصناف حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ و اجرای برنامه‌های آموزشی دوره‌های ویژه بازرگانان و اصناف با سطوح تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم و دانشگاهی در سرفصلهای مبانی اینترنت، مبانی تجارت الکترونیکی، سیستمهای نقطه پایانی فروش، رمزینه (بارکد) امنیت اطلاعات و مباحث حقوقی بطور پیوسته اقدام کند. ماده ۱۹ـ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی به‌منظور تأمین زمینه‌های لازم برای فناوری‌های توانمندساز سیستمهای تجارت الکترونیکی و افزایش مهارتها و نوآوری‌ها در تجارت الکترونیکی اقدامات زیر را انجام دهد •: ایجاد رشته‌ها و گرایشهای مرتبط با تجارت الکترونیکی در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی حداکثر تا پایان شهریورماه سال ۱۳۸۵ •. تدوین، اجرا و توسعه دوره‌های آموزشی برخط با همکاری دانشگاههای معتبر خارجی به منظور گسترش آموزش‌های الکترونیکی از راه دور در مقاطع مختلف تحصیلی با اولویت رشته های مدیریت، اقتصاد و حقوق. ماده ۲۰ـ وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی و وزارت آموزش و پرورش به منظور ارتقاء سطح دانش ذینفعان در رابطه با کاربردهای تجارت الکترونیکی، نسبت به تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی آموزش تجارت الکترونیکی در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت توسط موسسات آموزشی خصوصی اقدام کند. این آموزشها عمدتاً در زمینه‌های: استراتژی توسعه، مسایل امنیتی، مدیریت بازار، موفقیت تضمین شده در ایجاد بازرگانی الکترونیکی، چگونگی مشارکت کارافرینان در توسعه، توسعه بازرگانی الکترونیکی، چگونگی کاهش هزینه‌های بازرگانی، خدمات مشتری و پرداخت، فنون بازاریابی، تبلیغات و ارتقای جایگاه سایت در رده‌بندی پایگاههای وب، ایجاد طرح شغل الکترونیکی، برنامه‌ریزی منابع و مدیریت بازرگانی الکترونیکی خواهدبود. ماده۲۱ـ مرکز آمار ایران مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی به منظور دستیابی به آمارها و معیارهای دقیق پیشرفت توسعه تجارت الکترونیکی نسبت به سنجش دوره‌ای سطح آمادگی و کارایی تجارت الکترونیکی در کشور و ارزیابی دوره‌ای میزان آمادگی و کارایی زیرساختها و گسترش بهره‌برداری از تجارت الکترونیکی در میان بنگاهها و جامعه بر پایه سنجش پارامترهای علمی مانند الگوی رفتار کاربران در وب، حجم معاملات تجاری، شمار و حجم دعاوی، نقاط ضعف و قدرت، توانمندسازها، حجم و تغییرات شاخص بهای آگهی‌های تجاری، شناسایی الگوی تغییر در نوع خرید کالا و خدمات از دیدگاه برخط و غیر برخط بودن معامله، شمار سایت‌های تازه انتشار یافته تجارت الکترونیکی و سایت‌های متروک و سایر موارد اقدام کند. ماده۲۲ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با همکاری وزارت صنایع و معادن نسبت به حمایت از طراحی و پیاده‌سازی ابزارهای ایمن‌سازی تجارت الکترونیکی، انجام تحقیقات نظام‌مند و هماهنگ در زمینه تولید ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ارائه دهنده سرویس‌های پایه‌ای (مانند دیواره آتش، سیستمهای تشخیص نفوذی و ...) و تشویق دستگاهها و سازمانها به بهره گیری از ابزارهای ایمن‌سازی تجارت الکترونیکی تولید داخل اقدام کند. ماده۲۳ـ وزارت بازرگانی مکلف است به منظور فراهم سازی امکان مبادلات فرامرزی با استناد به امضای دیجیتال نسبت به تدوین قراردادها و معاهدات دو یا چند جانبه برای شناسایی بین‌المللی مراجع صدور گواهی دیجیتال (Cross Certificate) حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده۲۴ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است در راستای دستیابی به‌اهداف کمی برنامه چهارم توسعه و براساس برنامه‌های موضوع سند تلفیقی توسعه فناوری ارتباطات و به منظور تامین نیازهای توسعه تجارت الکترونیکی حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۶ نرخ نفوذ تلفن در کشور را در خطوط تلفن ثابت به ازای حداقل ۳۸ خط برای هر ۱۰۰ نفر و در زمینه تلفنهای همراه ۲۰ خط همراه به ازای هر صد نفر ضریب نفوذ کاربران اینترنت را به ۲۰ درصد افزایش دهد. ماده۲۵ـ وزارت بازرگانی ملکف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (شورای عالی انفورماتیک) به

منظور ارتقـاء و توسـعه واسطهـای نرم‌افزاری و کـاربردی تجـارت الکترونیکی و غنی‌سـازی شـبکه‌های اطلاع‌رسـانی و کاربردی در محیط فارسـی نسـبت به توسـعه برنامه‌های نرم‌افزارهای متن باز تجارت الکترونیکی و غنی‌سازی محتوای فارسـی خدمات ارتباطی و مخابراتی اقـدام کنـد. ماده۲۶ـ بانـک مرکزی مکلـف است بـا همکـاری شـبکه بـانکی کشـور به منظور اجرای سیسـتمهای پرداخت الکترونیکی نسـبت به راه‌اندازی سیستم جامع اتاق پایاپای وجوه الکترونیکی&(۱۷۸۴) (ACH;) و راه‌اندازی سیستم تسویه ناخالص آنی جـامع عملیـات بین بانکی& (۱۷۸۵)(RTGS;) حـداکثر تـا پایان سال ۱۳۸۴ اقـدام کند. ماده۲۷ـ وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعات مکلف است به منظور توسعه منابع و سـهولت دسترسـی به نرم‌افزار و سـخت‌افزار ویژه‌ی تجارت الکترونیکی برای ذینفعان عمومی و متخصصین، آموزش افراد و افزایش سرمایه گذاری در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات، اقدامات زیر را حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۴ انجـام دهـد •: پشتیبانی از کاربرد برنامه‌های متن باز& (۱۷۷۶&;۱۷۷۷) (Open Source;) در سازمانهای دولتی و شرکتهای بزرگ خصوصی و پشتیبانی از حقوق مالکیت معنوی مورد نیاز آن •. حمایت از ایجاد و توسعه صنعت مهندسی نرم‌افزار مبتنی بر راه‌حل‌هـای متـن بـاز (مـاننـد اعطـای تسـهیلات و وامهـای کـم‌بهره، برگزاری جشـنواره‌ها و نمایشـگاههای ویژه نرم‌افزارهـای متن بـاز، طراحی لوگوهای ملی و اعطای آن به نرم‌افزارهای متن باز که کیفیت بالای آن گواهی شـده است). ماده۲۸ـ وزارت بازرگـانی مکلـف است بـا همکـاری وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعـات بـه منظـور گردآوری و پردازش سیســتمهای اطلاع‌رسـانی کـاربردی تجـارت الکترونیکی ماننـد شـبکه جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور و نقطه تجاری و ارایه خـدمات اصـلی پشتیبـانی تجـارت الکترونیکی ماننـد کتابخانه ملی فراینـدهای تجـاری مشترک و میزبـانی پایگاههای وب ویژه تجارت الکترونیکی نسبت به ایجاد مرکز داده (Data Center) بخش بازرگانی و تجارت الکترونیکی کشور حداکثر تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده۲۹ـ کلیه دسـتگاههای اجرایی و شـرکتهای دولتی عرضه کننـده خـدمات به افراد و بنگاهها مکلفنـد برای بهینه‌سازی رویه‌ها و فراینـدهای اداری و تجاری و ساختارهای داخلی خود، عملیات بازبینی داخلی و بهینه‌سازی (BPR) با محوریت راه‌حلهای مبتنی بر معمـاری فنـاوری اطلاعـات و ارتباطـات را بـا توجه به سـند دولت الکترونیکی تـا پایـان سال ۱۳۸۴ آغاز کننـد. برنامه‌ریزی اجرایی این عملیـات بایـد به گـونه‌ای باشـد که برونـدادهای اصـلی آن مشـتمل بر طرح‌هـای جامع بکـارگیری فنـاوری اطلاعـات و ارتباطـات در داخـل دسـتگاهها و برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP) به ویژه در مـورد زیر سیسـتمهای ارایه خـدمت به شـهروندان و تعاملات الکترونیکی تا پایان سال۱۳۸۵ در دسترس و عملیاتی باشـد. ماده۳۰ـ بیمه مرکزی ایران مکلـف است به منظور تسـهیل در انجـام عملیـات بیمـه الکـترونیکی، نسـبت بـه بررســی، مطـالعه و سیاســتگذاری روش ارایـه خــدمات نـوین بیمـه‌ای در چـارچوب اسـتانداردهای تجـارت الکـترونیکی به گـونه‌ای اقـدام کنـد که تـا پایـان سـال ۱۳۸۵ اقـدامات زیر در صــنعت بیمـه تحقـق یابـد•: خودکارسازی سیستم بیمه&(۱۷۷۷&;۱۷۷۷) ;همراه بـا راه‌انـدازی مرکز داده متمرکز و سیسـتم جـامع پشتیبانی بیمه‌ای که بصورت مشترک توسط شـرکتهای بیمه‌ای مورد اسـتفاده قرار گیرد، به منظور مـدیریت بهینه منابع، ممانعت از تخلفات بیمه‌گذاران مختلف و استفاده مشترک از اطلاعات جامع صنعت •. طراحی و راه‌اندازی پورتال جامعه بیمه&(۱۷۷۸&;۱۷۷۷) (;ارایه انواع خدمات بر خط بیمه‌ای ماننـد بیمه خودرو، بیمه عمر، بیمه خـانوار، سیسـتمهای نرم‌افزاری بیمه، فروش بیمه نامه آتش‌سوزی منازل و خودرو از طریق اینترنت، مکانیزاسیـون بیمه باربری صدور و الحاقیه بیمه‌نامه، ساماندهی سیسـتمهای عملیاتی موجود برای بهبود و زمینه‌سازی کاربرد بیمه الکترونیکی) به منظور افزایش کارایی در صـنعت و بهره‌برداری اشتراکی از مجموعه اطلاعات صـنعت بیمه، ارایه انواع خدمات برخـط بیمه‌ای و سامانـدهی سیسـتمهای عملیـاتی موجود. ماده۳۱ـ گمرک ایران مکلـف است در چـارچوب اسـتانداردهای تجـارت الکـترونیکی و به منظـور ارتقـاء بهره‌وری در عملیـات مبـادی ورودی و خروجی کشور و تبـدیل این مبـادی به یـک مرکز پشتیبـانی منطقه‌ای گمرک ایران و همچنین انجـام عملیات ترخیص کالا از گمرکات کشور حـداکثر در ۲۴ساعت، نسبت به مطالعه و بررسی مناطق مشکل‌زا و مهندسی مجدد فرایندهای گمرکی در کشور حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده۳۲ـ وزارت امور اقتصادی

و دارایی مکلف است به منظور ایجاد شفافیت و انسجام در کلیه فرایندهای مالیاتی خودکار اقدامات زیر را در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی انجام دهد •: مطالعه، بررسی و تعیین چگونگی نحوه اخذ مالیاتهای تکلیفی، نقل و انتقال و تدوین قانون مربوطه حداکثر تا پایان شهریور ۱۳۸۵ •. تسهیل در امر مدیریت اخذ مالیاتها از طریق بهبود روشها و مهندسی مجدد دوره‌ای سیستم‌های تعیین، اظهار و پرداخت مالیات. ماده۳۳ ـ وزارت نفت مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی اقدامات زیر را انجام دهد •: عضویت در یکی از بازارهای معاملات الکترونیکی تجهیزات صنایع نفت و گاز و پتروشیمی تا پایان سال ۱۳۸۴ •. پیاده‌سازی سیستم خرید الکترونیکی (e-Procurement) به منظور فرایند خرید، افزایش نقدینگی، حمایت از تولیدکنندگان داخلی و جلوگیری از تاخیر در اجرای طرحها تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ •. ایجاد و راه‌اندازی بورس الکترونیکی نفت e-PEM به منظور کاهش ریسک معاملات، استفاده از فرصتهای جدید در معاملات کاهش هزینه معاملات و حضور فعال در معاملات بین‌المللی نفت و گاز تا پایان سال ۱۳۸۵. ماده۳۴ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی اقدامات زیر انجام دهد •: ارتقای درگاه (پورتال) موجود اطلاعات گردشگری به منظور تسهیل دسترسی به‌اطلاعات جامع، ایجاد فعالیت‌های مشترک بازاریابی و درک بهتر نیازهای گردشگران تا پایان سال۱۳۸۵ •. ایجاد و راه‌اندازی پایگاه اطلاعات گردشگری به منظور تأمین داده‌های منسجم و معتبر در بخش گردشگری، از میان بردن فعالیت‌های موازی، ایجاد منبع واحد اطلاعات برای طرح‌های برخط گردشگری تا پایان سال۱۳۸۵•. راه‌اندازی مرکز تماس (Call-Center) در قطبهای گردشگری کشور •، گسترش سیستمهای ذخیره‌ی برخط جا در هتلها و گسترش ارتباط آنها به‌سیستمهای بین‌المللی. ماده۳۵ـ وزارت راه و ترابری مکلف است به منظور گسترش گردشگری الکترونیکی با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری طرحهای لازم برای گسترش سیستمهای ذخیره‌ی برخط بلیت در شرکتهای هواپیمایی، موسسات حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و دریایی داخلی و گسترش ارتباط آنها به سیستمهای بین‌المللی را تا پایان سال ۱۳۸۵ به‌انجام رساند. ماده۳۶ـ بانک مرکزی مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی و به منظور کاهش هزینه عملیاتی، اصلاح و بهبود کارایی بخش بانکی، ارایه خدمات جدید بانکی، بهبود نحوه ارایه خدمات به مشتریان، تا پایان سال ۱۳۸۵ نسبت به ایجاد و راه‌اندازی نظام بانکداری جامع اینترنتی اقدام کند. ماده۳۷ـ وزارت صنایع و معادن (سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران) مکلف است در چارچوب استاندارهای تجارت الکترونیکی اقدامات لازم را برای تحقق موارد زیر انجام دهد •: ایجاد و راه‌اندازی پورتال جامع خودروسازی به منظور مرتبط کردن فعالان صنعت خودرو، ارایه اطلاعات درخصوص تازه‌ترین فناوری‌های صنعت خودرو، ارایه اطلاعات درخصوص گرایش‌ها و سمت گیری‌های بازار جهانی تا پایان شهریور سال۱۳۸۵•. گسترش تجارت الکترونیکی به منظور هماهنگ کردن تمامی عوامل موثر در صنعت خودروسازی (مانند شرکت‌های تولید خودرو، قطعه‌سازان، شرکت‌های طراحی و مشاوره‌ای در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات) از طریق فراهم‌سازی نیازهای مهندسی در بخش خودروسازی (مانند استانداردهای لازم در محیط تجاری و زنجیره ارزش خودروسازی و انجام عملیات لجستیک بر اساس مدلهای استاندارد تجاری B۲B) و استفاده از بهترین تجربیات در موضوعات لجستیک، تبادل اسناد CAD و اسناد فنی و مدلسازی فرایندهای لجستیک تا پایان سال ۱۳۸۴. ماده۳۸ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (شرکت مخابرات ایران) مکلف است در چهارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی طراحی و به بهره‌برداری رساندن سیستم مدیریت ارتباط با مشتریان/ مشترکین را تا پایان سال ۱۳۸۵ محقق کند. ماده۳۹ـ وزارتخانه‌های نیرو، نفت و ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف هستند تا پایان سال ۱۳۸۵ نسبت به ایجاد و راه‌اندازی و توسعه سیستم صدور قبض‌های الکترونیکی خدمات مشترکین خود اقدام کنند. ماده۴۰ـ وزارت بازرگانی مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی اقدامات زیر را انجام دهد •: ایجاد و راه‌اندازی پورتال اصناف تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵ •. نوسازی شبکه بازرگانی کشور از طریق یکپارچه‌سازی فعالیتهای اطلاع‌رسانی، گسترش

بازارهـای داد و سـتد الکترونیکی مبتنی بر فناوری خـدمات وبی. ماده۴۱ـ تمـامی دسـتگاههایی که در این برنامه متکفل تکالیفی در زمینه امنیت فضای تبادل اطلاعات شده‌انـد موظف هسـتند در انجام تکالیف محوله سـند راهبردی امنیت تبادل اطلاعات کشور و نیز مصوبـات شورای عـالی امنیت فضای تبادل اطلاعات را مورد توجه قرار دهنـد. ماده۴۲ـ تمامی دسـتگاههای ذیربط موظفند اعتبارات موردنیـاز اجرای تکالیف محوله طی این سـند را برای سال جاری از محل بودجه‌ی برنامه‌ی توسـعه کاربرد فناوری اطلاعات تامین و اعتبار موردنیاز برای سال آینـده را در قالب بودجه‌ی پیشـنهادی به سازمان مـدیریت و برنامه ریزی کشور ارایه کنند. ماده۴۳ـ تمامی وزارتخانه‌هـا و دسـتگاههایی که در این سـند تکالیفی برای آنها مقرر شـده‌است موظفنـد گزارش شـشماهه‌ی اقدامات خود را برای جمعبنـدی و ارایـه گزارش جـامع به هیـات وزیران به وزارت بازرگـانی ارایه کننـد. ــــــــــــــــــــــــــــ ۱ ـ Common Business Library. ۲ ـ Electronic Data Interchange ۳ ـ United Nations electronic Trade Documents. ۴ ـ United Nation Centre for Trade Facilitation and Electronic Business. ۵ ـ Asia/Pacific Centre for Trade Facilitation and Electronic Business. &۱۷۸۲; Electronic Business eXtensible Markup Language &۱۷۸۳;- Point of sale &۱۷۸۴;وظیفه اصلی این اتـاق، تسویه خودکار بدهیها و بستانکاریهای مستقیم میان بانکهای کشور به‌نمایندگی از سوی مشتریان است. این امر بویژه در مورد حجم زیادی از تراکنشـهای مـالی که هریـک ارزش کم تـا متوسط دارنـد بـاعث کـاهش حجم چـک و پـول نقـد در گردش میـان بانکهـا برای تراکنشهای مالی با ارزش کم و متوسط می‌شود&. ۱۷۸۵ـ ;این سیسـتم برخط خدمات آنی و غیرقابل استرداد مالی را به بانکها و نیز میان بانک و مشتریانش ارایه می کند و برای پیشگیری از اعمال بار زیاد تراکنش به این سیسـتم، لازم است در ۳سال نخست حداقل مبلغ تراکنش برخط ۱۰میلیون ریال مقرر شود&. ۱۷۷۷;&۱۷۷۶ـ ;برنامه راهبردی متن باز باید به گونه‌ای تنظیم شود که برنامه‌هایی چـون سیاسـتگذاری فنـاوری اطلاعـات (اجـرای برنـامه‌ای کـه حـوزه تـدارکـاتی نرم‌افـزار را تحت پوشـش قرار دهـد)، پشتیبـانی و آموزش ظرفیت سـازی در صـنایع نرم‌افزار داخلی را دربرگیرد&. ۱۷۷۷;&۱۷۷۷ـ ;به منظور طراحی و پیـاده سازی سیسـتم خودکار سـازی بیمـه بـایستی از یکی از متولوژیهـای مهندسـی اطلاعـات IE (Information Engineering)، متـدولـوژی زکمـن (Zachman International)، متـدولوژی EAP (Enterprise Architecture Planning) و یـا سایر متـدولوژیهای متـداول روز اسـتفاده شود&. ۱۷۷۷;&۱۷۷۸ ـ ;تحلیـل حوزه کـاری با اسـتفاده از متـدولوژیهای، (BSP(Business System Planning (IE (Information Engineering),EAP (Enterprise Architecture Planning و یـا سـایر متدولوژی‌های معتبر روز بایستی انجام پذیرد

آیینامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیک – مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسـه مـورخ ۵/۵/۱۳۸۴ بنـا به پیشـنهـاد شـمـاره ۱۶۵۹۵ مـورخ ۱/۵/۱۳۸۴ وزارت امـور اقتصـادی و دارایی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیکی را به شـرح زیر تصـویب نمود: آیینـامه گسـترش بهره‌برداری از خـدمات پول الکترونیـک مـاده ۱ـ به منظور ایجـاد تسـهیلات و ارتقـاء کیفیت خـدمات به مردم و در جهت تحقـق بنـد (۴) ماده (۱۰) قـانون برنامه چهارم توسـعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسـلامی ایران ـ مصـوب ۱۳۸۳ ـ کلیه بانکهـای کشور (دولتی و خصوصـی) موظفنـد نسبت به صـدور انواع کارت پول الکترونیکی (اعتبـاری، پیش پرداخت) و نصـب تجهیزات مربـوط از قبیـل دسـتگاههای خـودپرداز (ATM) و پایـانه فروش (pos) و پرداخت اینترنتی جهت استفاده فراینـد خرید و فروش کالا و خدمات در کشور اقدام نمایند. مشارکت بخش خصوصـی مطابق ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز می‌باشـد. ماده ۲ـ بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران آیین‌نامه‌ها، دسـتورالعملها، ضوابط و

مشـخصات فنی ـ اجرایی مربـوط بـه نظام و فراینـد بانکـداری الکـترونیکی اعـم از داخلی و بیـن‌المللی و تجهیزات و خـدمات پـول الکترونیـک از قبیـل انواع کـارت پول الکترونیکی، انواع دسـتگاههای الکترونیکی دریـافت و پرداخت مثـل پایـانه فروش (pos) و خودپرداز (ATM) ، شـرایط فعالیت شـرکتهای بخش خصوصـی در ارایه خـدمات پول الکترونیکی، ایجاد مرکز پایاپای بین بانکی، پرداخت اینترنتی، نحوه صدور گواهی دیجیتال مورد نیاز شبکه بانکی و همکاریهای بین‌المللی در ارایه خدمات پول الکترونیکی در داخـل و خـارج از کشور بـا همـاهنگی سیاسـتهای تجـارت الکترونیکی تهیه، تصویب و ابلاغ و نظارت می‌نمایـد. کلیه دسـتگاههای کشور موظف به رعایت اسـتانداردهای مذکور در خدمات مربوط می‌باشند. ماده ۳ـ مؤسـسات بیمه‌گر موظفند نسبت به تهیه و ارایه انواع خـدمات بیمه‌ای نوین متناسب با نیازهای جدیـد بانکـداری الکترونیکی و تجارت الکترونیکی اقـدام نماینـد. شورای عالی بیمه کشور مسئول ایجـاد همـاهنگی لازم می‌باشـد. ماده ۴ـ دسـتگاههای دولتی، شـرکتها و نهادهـا موظفنـد کلیه پرداختهـای کمکهـای غیرنقدی به کارکنان خود را بجای بن کاغذی با اسـتفاده از انواع کارتهای اعتباری پول الکترونیکی انجام دهند. کلیه فروشگاههای سراسـر کشور با اسـتفاده از شـبکه خـدمات الکترونیکی بانکها می‌توانند مبادرت به خرید و فروش کالا و خدمات مربوط به این بنها نماینـد. خزانه‌داری کـل کشــور همـاهنگی و نظـارت بر تحقـق ایـن فعالیتهـا را بر عهـده خواهـد داشت. مـاده ۵ ـ کلیه سازمانهـای صادرکننـده قبوض پرداخت و دریافت موظفند تمهیدات لازم را برای پرداخت و دریافت الکترونیکی با اسـتفاده از ابزارهای مذکور در ماده (۱) این آیین‌نامه و یا محیط اینترنت فراهم آورنـد. از آغاز سال ۱۳۸۵ با تصویب شورای اقتصاد خدمات دریافت قبوض در شعب بانکهـا (خـدمات غیرالکترونیکی) براسـاس تعرفه واقعی خواهـد بود. ماده ۶ ـ به منظور به‌روزآوری و شـفاف‌سازی حسابهـای دولتی (منـابع، مصارف، هزینه، درامـد) وزارت امور اقتصاد و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) موظف است کلیه حسابهای دولتی در کشور را طی شـش مـاه از حسابهای عادی به صورت حسابهای متمرکز (قابل پرداخت و دریافت در محیط شـبکه‌های الکترونیکی و اینترنتی و بر خط در سراسـر کشور) تبـدیل نمایـد. ماده ۷ـ به منظـور ارایه خـدمات بهینه و برقراری تسـهیلات اداری و اجرایی برای مردم و تکریم ارباب رجوع برای کلیه پرداختهای هزینه خـدمات و کالاهایی که توسط دسـتگاههای دولتی، شـرکتها، مؤسـساتی که شمول آن مستلزم ذکر نام است، ارایه می‌شود رسیـد پرداخت وجه توسط انواع دستگاههای الکترونیکی از قبیـل خودپرداز (ATM) ، پایـانه فروش (pos) یـا اینترنتی معتبر می‌باشـد. خزانه‌داری کـل کشور اعمـال همـاهنگی و نظارت بر اجرای این رویه را بر عهـده خواهد داشت. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

آیینامه اجرایی ماده (۴۸) قانون تجارت الکترونیکی

هیئت وزیران در جلسه مـورخ ۲/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشـنهاد شـماره ۱۲۱۹۴/۱ مورخ ۱۸/۶/۱۳۸۳ وزارت بـازرگـانـی و بـه اسـتنـاد مـاده (۴۸) قانـون تجـارت الکترونیکـی ـ مصوب ۱۳۸۲ ـ آیینامه اجرایی ماده یاد شده را به شـرح زیر تصویب نمود: آیینامه اجرایی ماده (۴۸) قـانون تجارت الکترونیکی ماده ۱ـ در این آیینامه اصـطلاحات زیر در معانی مشـروح مربوط به کار میرونـد: الف ـ سازمانهای قانونی و مدنی حمایت از مصـرفکننده (که از این پس سازمان نامیده میشوند): اعم از هر مؤسـسه، شرکت یا انجمنی است که مطابق قـانون یـا در اجرای آن بـا هـدف حمـایت از مصـرفکننده در زمینههـایی از قبیـل قیمـت کالاـ و خـدمات اعم از تولیـدی و وارداتی، سیسـتمهای مربوط به توزیع تـا مرحله مصـرف، ضـرر و زیـان کالاهـای مصـرفی و خـدماتی ایجـاد و یـا ثبت شـده یـا میشونـد. ب ـ مصـرفکننده: هر شـخص اعم از حقیقی و حقوقی است که به منظوری جز تجـارت یـا شـغل حرفهای به خریـد کالا و خـدمت اقـدام میکنـد. ج ـ تأمینکننـده: هر شـخص اعم از حقیقی و حقوقی است که بنا به اهلیت تجاری، صـنفی یا حرفهای فعالیت میکند. ماده ۲ـ سازمـان میتوانـد در موارد زیر و به ترتیب پیشبینی شـده در این آیینـامه، مبـادرت به طرح شـکایت در مراجع قضـایی یا سایر مراجع صلاحیتـدار نمایـد: الف ـ به تقاضـای مصـرفکننده متضـرر؛ ب ـ به تقاضـای یک یا چنـد مصـرفکننده در حالی که تعـداد کثیری از

مصرفکنندگان ضرر مشترکی را متحمل شده‌اند؛ ج ـ اقدام مستقل سازمان بدون تقاضای شاکی خصوصی. تبصره ۱ـ منظور از مصرفکننده متضرر در این ماده شخصی است که درنتیجه تخلف تأمینکننده از قواعد حمایت از مصرفکننده مقرر در باب سوم قانون تجارت الکترونیکی و موارد مذکور در فصل هشتم قانون نظام صنفی ـ مصوب ۱۳۸۲ ـ متحمل آسیب یا خسارت شده است. تبصره ۲ـ هر یک از اشخاص مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده میباید همراه با تقاضانامه، اسناد و مدارک مثبته ادعای خود را به سازمان ارایه نمایند. ماده ۳ـ درخواستهای مطرح شده از جانب مصرفکنندگان توسط سازمان، ثبت شده و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی، تاریخ و شماره ثبت به تقدیمکننده درخواست داده خواهد شد. نحوه طرح دعوی و شکایت توسط سازمان در مراجع ذیربط قانونی حسب مورد مطابق تشریفات آیین رسیدگی مراجع مربوط خواهد بود. ماده ۴ـ سازمان مکلف است نسبت به تقاضانامههای دریافت شده ظرف یک هفته تعیین تکلیف کند و در صورت مقتضی ظرف یک ماه نسبت به طرح شکایت در مراجع قانونی ذیربط اقدام نماید. در غیر این صورت پاسخ مناسبی به درخواستکننده ارایه کند. این مواعد با رضایت مصرفکننده و نیز در صورتی که موضوع نیاز به بررسی بیشتری توسط سازمان داشته‌باشد برای یک ماه قابل تمدید خواهد بود. ماده ۵ ـ سازمان میتواند براساس دلایل و مدارک موجود نسبت تعیین طرف دعوی اقدام کند که حسب مورد ممکن است طراح کالا، سازنده مواد اولیه، تولیدکننده، عرضهکننده و فروشنده یا مجموعهای از آنها باشد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۷۰۵۷/۱۰۰ مورخ ۱۴/۶/۱۳۸۳ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد بند (ج) ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ـ مصوب ۱۳۸۲ ـ اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات را به شرح زیر تصویب نمود: اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات ماده۱ـ هدف از تشکیل شورای عالی فناوری اطلاعات که در این اساسنامه به اختصار شورای عالی نامیده می‌شود، سیاستگذاری و تدوین راهبردهای ملی در قلمرو فناوری اطلاعات، تدوین برنامههای میان‌مدت و بلندمدت برای توسعه پژوهشهای بنیادی و کاربردی در قلمرو فناوری اطلاعات و گسترش کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور و برنامههای توسعه بخشهای مختلف می‌باشد. ماده۲ـ وظایف شورای عالی به شرح زیر است: ۱ـ تدوین اهداف کلان و راهبردی توسعه فناوری اطلاعات در کشور. ۲ـ سیاستگذاری و تدوین راهبردهای لازم برای گسترش به کارگیری فناوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. ۳ـ تمهید و تدوین نظام جامع فناوری اطلاعات و تعیین وظایف بخشهای مختلف کشور در نظام جامع یادشده. ۴ـ تدوین مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط لازم برای قلمرو فناوری اطلاعات. ۵ ـ تدوین برنامههای کلان پژوهش در جهت توسعه فناوری اطلاعات در کشور. ۶ ـ تدوین برنامههای همکاریهای ارتباطات بین‌المللی در قلمرو فناوری اطلاعات. ماده۳ـ ریاست شورای عالی برعهده رییس جمهور است و در غیاب ایشان، معاون اول رییس جمهور این وظیفه را برعهده خواهد داشت. ماده ۴ـ ترکیب اعضای شورای عالی به این شرح است: ۱ـ رییس جمهور (رییس شورای عالی). ۲ـ وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات. ۳ـ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات. ۴ـ وزیر بازرگانی. ۵ ـ وزیر صنایع و معادن. ۶ ـ رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. ۷ـ وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. ۸ ـ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. ۹ـ وزیر آموزش و پرورش. ۱۰ ـ وزیر رفاه و تأمین اجتماعی. ۱۱ ـ وزیر اموراقتصادی و دارایی. ۱۲ ـ رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳ـ سه نفر از متخصصان فناوری اطلاعات از بخش غیردولتی به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و حکم رییس جمهور. تبصره ـ وزرای ذیربط برحسب موضوع طرح شده ، بنا بر دعوت دبیر شورای عالی با حق رای در جلسه حضور خواهند یافت. ماده۵ ـ تصمیمات شورای عالی با رعایت سیاستهای کلی نظام و در چارچوب قوانین و مقررات، پس از تأیید رئیس جمهور توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ابلاغ می‌گردد و مسؤولیت نظارت

بر حُسن اجرای آن بر عهده وی خواهد بود. ماده۶ ـ دبیرخانه شورای عالی در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تشکیل و دبیر آن به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و با حکم رییس جمهور منصوب می‌شود. ماده۷ـ شورای عالی حداقل سالی دو بار تشکیل جلسه می‌دهد و جلسات آن، با حضور دو سوم اعضا رسمیت خواهد یافت. مصوبات شورای عالی با رای نصف بعلاوه یک اعضای حاضر در جلسه قابل اجرا خواهد بود. ماده۸ ـ شورای عالی می‌تواند کارگروههای تخصصی تشکیل دهد. شرح وظایف و نحوه تشکیل این کارگروهها به تصویب شورای عالی خواهد رسید. ماده۹ـ دبیرخانه شورای عالی به منظور جلوگیری از دوباره کاری و انجام فعالیتهای موازی، هماهنگی و تبادل نظر لازم را با دبیرخانه سایر شوراهای مشابه به عمل می‌آورد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

قانون اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار – مصوب ۱۳۸۴

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیارکه از سوی دولت به شماره ۴۲۳۹۲/۳۱۴۹۶ مورخ ۳/۸/۱۳۸۳ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و بک فوریت آن در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۵/۸/۱۳۸۳ تصویب گردید و در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۵/۲/۱۳۸۴ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، دراجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست اسال می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره ۹۳۱۰ ۲۶/۲/۱۳۸۴ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قانون اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴/۲/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۶۰۷۸۰/۲۶۰ مورخ ۱۸/۲/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور ـ سید محمد خاتمی قانون اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار ماده واحده ـ به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود نسبت به اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباط سیار که دراجرای بند (هـ) ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۹/۹/۱۳۸۲ با شرکت ایرانسل منعقد شده است با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ضوابط زیر اقدام کند. کلیه امور حاکمیتی از جمله فرکانس و شبکه مادر زیر ساخت و مالکیت آنها قابل واگذاری نمی‌باشد و صرفاً در انحصار دولت خواهد بود. ۱ـ کلیه موارد امنیتی موافقتنامه به تأیید شورای عالی امنیت ملی می‌رسد. اختیارات، وظایف، قوانین و مقررات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و شورای عالی امنیت ملی به قوت خود باقی است و مفاد این قانون نباید مانع اجرای آنها شود. ۲ـ دولت مکلف است با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بر ایجاد شبکه تلفن همراه موضوع این قانون نظارت کامل داشته باشد. ۳ـ موافقتنامه پس از تأیید توجیه اقتصادی آن توسط شورای اقتصاد، قابل اجرا می‌باشد. ۴ـ دولت مکلف است بر تنظیم مقررات مدیریت فرکانس کشور و سیاستگذاری در خصوص صدور مجوز فرکانس، در چارچوب سیاستهای کلی نظام نظارت کامل نماید. ۵ ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است جهت تأمین و توسعه شبکه زیرساخت اپراتور دوم، قبل از موعد مقرر اقدام نماید. ۶ ـ با توجه به قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۲/۱۲/۱۳۷۵، حداقل پنجاه و یک درصد (۵۱٪) از سهم ارزش مالی تجهیزات اصلی شبکه در طول اجرای قرارداد از داخل کشور تأمین می‌شود. ۷ـ مدیریت فنی و پشتیبانی فنی جزو مسؤولیتهای مدیران ایرانی کنسرسیوم ایرانسل می‌باشد. ۸ ـ کلیه تصمیمات هیأت مدیره و مجامع عمومی و فوق‌العاده شرکت مشروط به موافقت حداقل پنجاه درصد (۵۰٪)

سهامداران ایرانی این کنسرسیوم می‌باشد. ۹ـ سهام شرکتهای ایرانی که صددرصد (۱۰۰٪) سهام آنها متعلق به شخصیتهای حقیقی و حقوقی ایرانی است، در کنسرسیوم ایران‌سل نباید از پنجاه ویک درصد (۵۱٪)کمتر باشد. انتقال سهام بین سهامداران کنسرسیوم ایران‌سل باید به نحوی صورت پذیرد که سهام شرکتهای سهامداران ایرانی از پنجاه و یک درصد (۵۱٪) سهام کنسرسیوم ایران‌سل کمتر نگردد. ۱۰ـ تعرفه‌های ارتباطی ارائه شده از طرف کنسرسیوم ایران‌سل حداکثر بیست درصد (۲۰٪) بیشتر از تعرفه‌های شرکت مخابرات نباشد. حداقل تعرفه‌های اعلام شده از طرف ایران سل محدودیتی نخواهد داشت. ۱۱ـ بیست و هشت و یک دهم درصد(۲۸/۱٪)درامد حاصله از انجام خدمات ویژه و ارزش افزوده و مالیات متعلقه باید علاوه بر درامدهای کنسرسیوم ایران‌سل از بابت قرارداد اپراتوری دوم پرداخت گردد. ۱۲ـ موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباط سیار منعقده با شرکت ایران‌سل بارعایت کلیه موارد مذکور در این قانون باید اصلاح گردد و اجرایی شدن آن منوط به اعمال اصلاحات مذکور می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پنجم اردیبهشت ماه یکهزار وسیصدو هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۱۴/۲/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

پیشنویس لایحه (قانون حمایت از سازندگان پایگاههای داده)

باب نخست – کلیات فصل اول – محدوده حمایت ماده ۱– این قانون از «سازنده» پایگاه داده‌ای که ممکن است در ساخت آن از روشهای ابداعی تجمع و آرایش و/یا سرمایه گذاری صرف اقتصادی استفاده شده باشد حمایت میکند. ماده ۲– حمایتهای این قانون شامل برنامه و نرم افزارهای رایانه ای که برای ساخت یا عملیات پایگاه داده مورد استفاده قرار گرفته نخواهد شد. فصل دوم – تعاریف ماده ۳– «پایگاه داده» مجموعه‌ای از مطالب مستقل، داده یا اطلاعاتی است که بهطور منظم یا روشمند ترتیب یافته –که در این قانون به آن اثر نیز اطلاق میشود– و توسط ابزارهای الکترونیکی یا هر واسط دیگر قابل دستیابی است. ماده ۴– «سازنده» پایگاه داده عبارت از هر شخص حقیقی یا گروهی از اشخاص حقیقی یا شخصیت حقوقی است. ماده ۵– «مطالب» پایگاه داده عبارت از آثار مستقلی است که به وسیله سازنده پایگاه داده پدید نیامده. ماده ۶– «محتویات» پایگاه داده عبارت از است مطالب و سایر داده و اطلاعات تشکیل دهنده پایگاه داده. ماده ۷– «بخشهای غیراساسی» یعنی بخشهایی از پایگاه داده که در دسترس عموم قرار گرفته به طوری که تکثیر از آن موجب زیان به حقوق انحصاری سازنده پایگاه داده نشود. ماده ۸– «تغییر اساسی» به معنای اصلاح (اضافه، حذف یا تغییر) کمی و/یا کیفی در نحوه تجمع و آرایش محتویات پایگاه داده است به نحوی که با یک پایگاه داده جدید مواجه شویم. ماده ۹– «تغییر غیراساسی» اقداماتی است که صرفاً برای ادامه عملکرد و کارایی پایگاه داده ضروری باشد. ماده ۱۰– (رزرو) ماده ۱۱– (رزرو) فصل سوم – حقوق سازنده ماده ۱۲– «سازنده» پایگاه داده دارای حقوق انحصاری به شرح زیر است: ۱. تکثیر موقت یا دائم پایگاه داده به هر وسیله یا به هر شکلی جزئاً یا کلاً. ۲. ترجمه، تطبیق، ترتیب یا هر نوع تغییر در پایگاه داده. ۳. هر نوع تکثیر، توزیع، ارتباط، نمایش یا اجرای عمومی که ناشی از اعمال فوق باشد. ۴. هر شکل از توزیع عمومی پایگاه داده یا نسخههایی از آن. ۵. هر نوع ارتباط، نمایش یا اجرای عمومی پایگاه داده. ماده ۱۳– اثر زمانی مشترک محسوب میشود که در خلق آن چند شخص حقیقی همکاری داشته باشند. ماده ۱۴– اثر زمانی مرکب تلقی میشود که بر مبنای اثر اصلی و بدون مشارکت مولف اثر اصلی به وجود آمده باشد. ماده ۱۵– اثر زمانی جمعی است که به ابتکار یک شخص حقیقی یا حقوقی و تحت مدیریت یا نام وی ساخته و توزیع شده باشد. این اثر در مجموع ناشی از مشارکت اشخاص متعدد در ساخت آن است بدون آنکه به طور اختصاصی حق جداگانهای برای هر یک از آنها نسبت به مجموعه اثر ایجاد شده باشد. ماده ۱۶– اثر مشترک اصولاًـ در مالکیت مشاع سازندگان آن قرار دارد، مگر آنکه شرکت هر یک از سازندگان به قصد اشتراک نبوده و بدون ایجاد زحمت در اثر مشترک، به طور جداگانه بتوانند از نتیجه مشارکت خود بهرهمند شوند. ماده ۱۷– اثر مرکب در مالکیت سازندهای که آنرا ساخته قرار خواهد

گرفت مشروط بر آنکه حقوق اثر ابتدایی (اثر اصلی) را رعایت کرده باشد. ماده ۱۸- مالک اثر جمعی شخص حقیقی یا حقوقی است که اثر به نام او انتشار یافته، مگر آنکه بر خلاف آن توافق شده باشد. باب دوم – حق تالیف فصل چهارم - حق تالیف پایگاه داده ماده ۱۹- تجمع و آرایش فکری و اصیل از محتویات یک پایگاه داده تحت حمایت حق تالیف قرار خواهد گرفت. ماده ۲۰- حمایتهای حق تالیف این قانون نسبت به مطالب مندرج در پایگاه داده اعمال نخواهد شد. ماده ۲۱- مطالب مندرج در پایگاه داده براساس مجوز دارنده حق در اختیار سازنده پایگاه داده قرار خواهد گرفت. ماده ۲۲- اعطای حق تألیف برای پایگاه داده نباید به حقوق مکتسبه مطالب مندرج در آن خللی وارد کند. ماده ۲۳- حمایت قانون حق تألیف از پایگاههای داده به نام صاحبان حق اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی براساس قانون حاکم یا توافقهای بین المللی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها ملحق شده باشد به عنوان اثر ادبی- هنری اعطاء خواهد شد. فصل پنجم - مدت حمایت در حق تالیف ماده ۲۴- مدت حمایت حق تألیف از پایگاه داده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل میشود از تاریخ فوت سازنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشود برای همان مدت به منظور استفاده در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار خواهد گرفت. ماده ۲۵- مدت حمایت اثر مشترک پنجاه سال پس از فوت آخرین سازنده خواهد بود. ماده ۲۶- مدت حمایت از اثر جمعی تا پنجاه سال از تاریخ ساخت متعلق به مالک حقیقی یا حقوقی خواهد بود. ماده ۲۷- در موارد انقضاء و یا فسخ حقوق انتقالی، در صورت حیات سازنده، استفاده از حق مذکور متعلق به خود او و در غیر اینصورت تابع ترتیب مقرر در ماده ۲۴ خواهد بود. ماده ۲۸- تغییر اساسی در تجمع و آرایش محتویات، پایگاه داده جدیدی به وجود خواهد آورد که میتواند از تاریخ جدید موضوع حمایت این قانون قرار گیرد. چنین حمایتی نباید زیانی به حقوق موجود در ارتباط با پایگاه داده اصلی ایجاد کند. ماده ۲۹- هر نوع تغییر غیراساسی در تجمع و آرایش محتویات پایگاه داده اثری در مدت حمایت ایجاد نخواهد کرد. باب سوم - حقوق خاص مربوط به سازندگان پایگاه داده فصل ششم - حقوق سرمایه گذاری ماده ۳۰- سازندگان پایگاه دادهای که به نحو کمی و/یا کیفی سرمایه گذاری در تحصیل، تطبیق، و ارایه محتویات کرده اند در برابر «استخراج» و «کاراسازی مجدد» از همه یا بخشهای اساسی (کمی و/یا کیفی) محتویات پایگاه داده مطابق مقررات این باب حمایت خواهند شد. ماده ۳۱- حق مزبور در این فصل صرفنظر از اینکه پایگاه داده و/یا مطالب مندرج در آن تحت حمایت حق تألیف در این قانون یا حمایت سایر قوانین قرار دارد یا نه اعمال خواهد شد. ماده ۳۲- اجرای حقوق این فصل تاثیری بر حقوق مکتسبه مطالب مندرج در آن ندارد. فصل هفتم - مدت حمایت در حقوق خاص ماده ۳۳- حمایتهای قانونی این باب برای ۱۵ سال از تاریخ ساخت پایگاه داده اجرا خواهد شد. این مدت از تاریخ اولین روز در دسترس قرار دادن عمومی و یا ایجاد تغییرات اساسی در پایگاه داده محاسبه خواهد شد. ماده ۳۴- شروع مدت حمایت از سازنده پایگاه داده مطابق مقررات فصل پنجم از باب دوم این قانون خواهد بود. باب چهارم – بهره برداری منصفانه و مجوزهای قهری فصل هشتم – بهره برداری منصفانه ماده ۳۵- هرگاه کاربر قانونی برای دسترسی به محتویات پایگاه داده ناگزیر از اجرای حقوق انحصاری سازنده مذکور در ماده ۱۱ باشد نیازی به کسب مجوز از سازنده ندارد. ماده ۳۶- «استخراج» و/یا «کاراسازی مجدد» از بخشهای غیر اساسی محتویات پایگاه داده توسط کاربر قانونی به مقاصد علمی و فنی و آموزشی و تربیتی در حدود متعارف مجاز است. ماده ۳۷- کاربر قانونی پایگاه داده می تواند، بدون مجوز سازنده جهت استفاده شخصی از محتویات پایگاه داده به نحو غیر الکترونیکی تکثیر نماید. ماده ۳۸- کاربر قانونی در استفاده از امتیازات این فصل نباید به حقوق مشروع سازنده و صاحبان قانونی محتویات پایگاه داده خللی وارد کند. فصل هشتم – مجوز قهری ماده ۳۹- به منظور رقابت مشروع در صنعت پایگاه داده و ایجاد مشاغل اطلاعاتی، امتیاز پایگاههای دادهای که بر اساس شرایط زیر به وجود آمده اند می تواند به منظور تجاری براساس شرایط منصفانه و بدون تبعیض بر اساس آییننامه مخصوص به اشخاص متقاضی حقوق خصوصی واگذار شود: ۱. مراجع یا مؤسسات دولتی و دوایری که موظف شده اند اطلاعات را منتشر سازند و یا اصولاً وظیفه آنان انجام چنین کاری است. ۲.

شرکتها و مؤسساتی که دولتی نیستند ولی به موجب یک دستور اداری وظیفه انحصاری برای انتشار اطلاعات دارند. ماده ۴۰- کاربر قانونی پایگاه داده می تواند بدون مجوز سازنده پایگاه داده موضوع این فصل از بخشهای غیراساسی محتویات پایگاه داده به منظور تجاری استفاده کند مشروط برآنکه منبع آن را ذکر نماید. باب پنجم – حقوق مشترک فصل نهم – علامت ماده ۴۱- نام و عنوان و نشان ویژه و اسامی ملکی (domain name) در اینترنت که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچکس نمیتواند آن را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القا شبهه کند به کاربرد. ماده ۴۲- در انتهای نام، عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است و این قانون از آن حمایت میکند باید حرف لاتین C درون یک دایره حک شود. ماده ۴۳- سازندگان پایگاههای داده میتوانند نام و عنوان و نشان ویژه و اسامی ملکی اثر خود را در مراکزی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی آگهی می نماید به ثبت برسانند. چگونگی و ترتیب انجام تشریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرش درخواست ثبت به موجب آییننامه خواهد بود. فصل دهم – مجازاتها ماده ۴۴- هر کس حقوق انحصاری سازنده پایگاه داده را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام سازنده بدون اجازه او و یا عالماً یا عامداً به نام شخص دیگری غیر از سازنده به هر طریقی نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۴۵- متخلفان از ماده ۴۱ این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۴۶- نسبت به متخلفان از مواد این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق سازنده، استفاده از اثر با رعایت مقررات برای همگان آزاد است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت. ماده ۴۷- شاکی خصوصی میتواند از دادگاه صادر کننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود. ماده ۴۸- مراجع قضایی میتوانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند. ماده ۴۹- اثرهایی که پیش از تصویب این قانون پدید آمده از حمایت این قانون برخوردار است. اشخاصی که بدون اجازه از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون استفاده یا بهره برداری کرده اند به هیچ نحوی نمیتوانند حقوق انحصاری سازنده پایگاه داده را جز با اجازه سازنده و یا قائم مقام او و با رعایت این قانون اعمال نمایند. متخلفان از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار از کیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون اثر را به طور غیرقانونی مورد استفاده قرار دهند به کیفر مقرر در ماده ۴۵ محکوم خواهند شد. ماده ۵۰- دعاوی و شکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضایی مطرح گردیده، به اعتبار خود باقی است. ماده ۵۱- تعقیب بزه های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف میشود. فصل یازدهم – جبران خسارت ماده ۵۲- هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند ما بهالتفاوت از اموال مرتکب جبران میشود. ماده ۵۳- جبران خسارت ممکن است به صورت قانونی یا قضایی باشد. ماده ۵۴- خسارت قانونی معادل ۱۰۰ میلیون ریال الی ۹۵۰ میلیون ریال است. ماده ۵۵- خسارت قضایی براساس ضرر و زیان ناشی از دست دادن بازار یک اثر که در نتیجه فعل ناقض حق به سازنده وارد می شود محاسبه خواهد شد. اثبات این امر به عهده مدعی است که به طور نامحدود قابل تقویم به خسارت مالی است. ماده ۵۶- اگر اثر تحت حمایت این قانون مطابق آئین نامه مخصوص به ثبت نرسیده باشد جبران خسارت فقط به نحو قضایی صورت خواهد پذیرفت. ماده ۵۷- اگر سازنده اثر خود را مطابق قانون به ثبت رسانده باشد در انتخاب خسارت قضایی یا قانونی اختیار دارد و باید این مسأله را در دادخواست ابتدایی تصریح نماید. فصل دوازدهم – متفرقه ماده ۵۸- آئین نامه های اجرایی این قانون از طرف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت دادگستری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده

دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی که در تاریخ ۲۳/۱۲/۱۳۸۶ به تصویب ریاست قوه قضاییه نیز رسیده، در روزنامه رسمی کشور منتشر گردید. دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی اجرای پروژه‌های زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضاییه و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در دادگستری استان‌ها با اتکال به خداوند متعال و همت والا و تلاش مستمر مسئولان ستادی، رؤسا، مسئولین و کارکنان دادگستری‌های سراسر کشور، روندی روبه‌رشد و سریع یافته است. در این میان اجرای زیرساخت شبکه محلی (LAN) شامل کابل‌کشی و نصب و راه‌اندازی تجهیزات مرتبط در تمامی مراکز استان‌ها و در بیش از ۱۷۰ واحد قضایی (ساختمان‌های دادگستری در سراسر کشور، برقراری شبکه گسترده (WAN) برای بیش از ۱۴۰ نقطه قضایی در بستر مخابراتی، تأمین تجهیزات رایانه‌ای موردنیاز دادگستری‌های مراکز استان‌ها برای راه‌اندازی نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی و نرم‌افزار جامع اتوماسیون اداری، آموزش نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی به بیش از ۳۵۰۰ نفر از پرسنل شعب دادسراها و دادگاه‌ها شامل مدیران و کارکنان، استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در کلیه شعب مجتمع‌های قضایی ۲۰ مرکز استان و برخی شهرستان‌ها و راه‌اندازی تا ۹۵ درصدی در استان‌های باقیمانده، استقرار نرم‌افزار جامع و یکپارچه اتوماسیون اداری در ستاد قوه قضاییه و ۷ استان کشور، اجرای طرح بایگانی الکترونیکی و الکترونیکی نمودن پرونده‌های قضایی راکد در استان تهران و برخی استان‌های کشور در راستای اجرای بند الف ماده۱۳۱ قانون برنامه چهارم، نشان از تلاش گسترده در این حوزه است. در این میان استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی از جایگاه ویژه برخوردار است. هدف اصلی استقرار این نرم‌افزار عبارت است از: ـ افزایش سرعت، دقت، صحت و شفافیت در فرآیند دادرسی؛ ـ وجوه بانک اطلاعات مرکزی برای پیشینه همه پرونده‌های قضایی کشور؛ ـ تعیین وضعیت سجل قضایی اشخاص با دانستن اطلاعات پایه؛ ـ ارزیابی وضعیت رسیدگی به پرونده‌های مختلف در سراسر کشور؛ ـ کاستن مراسلات و مکاتبات کاغذی از نظام قضایی و اداری؛ ـ رعایت کمال حفاظت اطلاعاتی در حفظ و انتقال موارد قضایی؛ ـ امکان نظارت سلسله مراتبی و مستقیم بر جایگاه‌های سازمانی قوه قضاییه؛ ـ امکان پاسخگویی به مردم از طریق تماس با شبکه‌های الکترونیکی؛ ـ دریافت انواع گزارش‌های دوره‌ای، موردی، مقایسه‌ای یا تطبیقی؛ ـ صرفه‌جویی کلان در هزینه‌های رسیدگی به پرونده‌ها بر اثر افزایش دقت و سرعت؛ ـ امکان تهیه تحلیل‌ها و گزارش‌های تجمعی و مقایسه‌ای در مورد احکام صادره؛ ـ امکان تعیین کارکرد خارج از استاندارد و یا روال مرسوم در امر قضاء؛ ـ کسب اطلاع مقایسه‌ای از میزان کار ارجاعی به محاکم مختلف؛ ـ فراهم آوردن زمینه‌های پژوهش جرم‌شناسی بر حسب مناطق جغرافیایی، جایگاه اجتماعی، و جمعیت‌شناسی؛ ـ ارتقای پژوهش بر مبنای اطلاعات کارکرد محاکم و ویژگی‌های پرونده؛ ـ اطلاع‌رسانی در مورد طرح دعاوی تکراری در مراجع قضایی متعدد؛ ـ تسریع در برقراری ارتباط مراجع قضایی با سایر سازمان‌های تابعه؛ ـ امکان انتشارآرایی مراجع مختلف قضایی و قانونی برای بهره‌برداری مجامع علمی و قضات. لذا در راستای اجرای جامع و یکپارچه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه‌های ستادی و دادگستری‌های سراسر کشور و سازمان‌های تابعه، «دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی» به شرح زیر تصویب می‌گردد. ماده۱ـ به منظور استانداردسازی زیرساخت‌های حقوقی نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی و نیز یکسان‌سازی رویه‌های ورود اطلاعات پرونده‌ها به نرم‌افزار مذکور، کمیته‌های زیرساخت حقوقی نرم‌افزار و استانداردسازی رویه‌ها در شورای فناوری اطلاعات و ارتباطات حوزه معاونت حقوقی و توسعه قضایی و با همکاری خبرگان حقوقی و قضایی و متخصصین مربوط تشکیل و مصوبات در اصلاح نرم‌افزار اعمال و اجرا می‌گردد. ماده۲ـ براساس این دستورالعمل تمامی واحدهای قضایی که نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در آن‌ها استقرار یافته است، موظفند حداکثر تا ۳۱/۱/۱۳۸۷ نسبت به جمع‌آوری دفاتر شعب از قبیل ثبت عرایض، اندیکاتور، تعیین وقت، بازداشتی و دادنامه اقدام نمایند. ماده۳ـ

واحـدهای قضایی که در آینده نرم‌افزار در آن اسـتقرار می‌یابد، موظفند پس از دو ماه از زمان اسـتقرار نرم‌افزار در شـعب، نسـبت به جمع‌آوری دفاتر اقـدام نماینـد. ماده۴ـ برای واحـدهای قضـایی که نرم‌افزار مـدیریت پرونـده قضـایی در آن‌هـا اسـتقرار یـافته است، گزارش‌های آماری اسـتخراج‌شده از این نرم‌افزار، ملاك عمل خواهدبود و برای سایر واحدهای قضایی تا زمان اسـتقرار نرم‌افزار در شعب، لازم است تـا اطلاعـات عملکردی، در سیسـتم اطلاعات مـدیریت نرم‌افزار مـذکور وارد شود. ماده۵ ـ رؤسـای دادگستری‌ها، دادسـتان‌ها و مدیران واحدهای قضایی موظفند تا ضـمن فراگیری نرم‌افزار مذکور شـخصاً بر فرآیند رسـیدگی در مراجع نظارت و با استفاده از آن، گزارش‌های آماری تحلیلی تهیه و به صورت مستمر و ماهانه به حوزه ریاست قوه قضاییه و معاونت حقوقی و توسعه قضایی ارسال نماینـد. ماده۶ ـ بـا توجه به راه‌انـدازی سیسـتم الکترونیکی مکاتبـات قضایی در نرم‌افزار مـذکور، واحـدهای قضایی و سازمان‌های تابعه موظفنـد با ایجاد امکانات و زیرساخت‌های لازم، نسبت به ارسال و دریافت اطلاعات ماننـد استعلامات به صورت الکترونیکی و از طریق نرم‌افزار، همکاری و اقـدام نماینـد. ماده۷ـ با توجه به راه‌انـدازی سیسـتم پایانه ی قضایی در نرم‌افزار مدیریت پرونـده قضـایی، اطلاع‌رسـانی ابلاغ‌هـا به صورت الکترونیکی از طریق پست الکترونیکی، پیـام کوتاه و .... علاوه بر شـیوه مکاتبات، صورت پذیرد. ماده۸ ـ کلیه واحدهای قضایی موظفند شکواییه‌ها و دادخواست‌هایی که از طریق سیستم پایانه‌ی قضایی وارد و چاپ گرفتـه شـده است را قبـول و جهت رسـیدگی ارجـاع نماینـد. مـاده۹ـ بـا تـوجه به لزوم اسـتانداردسازی زیرساختهـای حوزه فنـاوری اطلاعـات و ارتباطـات در قوه‌قضاییه، تمامی بخش‌های سـتادی، سازمانهای تابعه و دادگستری‌های کشور موظفنـد به هنگام احـداث ساختمانهـای اداری و قضایی جدیـد، نسبت به ایجاد شـبکه داده محلی (LAN) براسـاس اسـتانداردهای شورای فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه‌قضاییه اقـدام و از مرجع مـذکور تأییـدیه مکتوب اخـذ نمایند. حوزه معاونت اداری و مالی قوه‌قضاییه بر اجرای صـحیح این بند، نظارت و تمهیدات لازم را فراهم خواهد نمود. رییس قوه‌قضاییه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشهای قوه قضائیه

بخشنامه به مراجع قضائی سراسر کشور – ۱۰ ۱ ۱۳۸۴

مـدیرعامل محترم روزنـامه رسـمی کشور با احترام، تصویر بخشـنامـه شـماره۱۳۸/۸۴/۱ ـ ۱۰/۱/۱۳۸۴ ریـاست محترم قوه قضـائیه به منظور رعـایت مفـاد آن جهت اطلاـع به پیوست ارسال می‌گردد. مسـتشار دیوانعالی کشور و مـدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسـرو حکیمی بخشـنامه به مراجع قضائی سراسـر کشور پیرو اعلام نظر مبارك مقام معظم رهبری (مـدظلهالعالی) بر عدم موضوعیت موارد مذکور در بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با اصـلاحات بعدی و اختیار جانی در انتخاب یکی از اعیان سه گانه منـدرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده مرقوم و در اجرای تبصـره ذیل آن، قیمت احشام سه گانه تعیین شـده برای اجرای دیات سال ۱۳۸۴ به شرح زیر ابلاغ می‌گردد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور – ۱۱ ۲ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسـمی کشور بـا احترام؛ تصویر بخشـنـامـه شمـاره ۱۶۱۴/۸۴/۱ ـ ۱۱/۲/۱۳۸۴ ریـاست مـحترم قوه‌قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه و مستشار دیوانعالی کشور ـ خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادسـتانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور نظر به اینکه در ارتباط با قاچاق کالاهای دارویی، بهداشتی، خوردنی و آشامیـدنی در صـورت عـدم احراز وقوع جرم، اسـترداد کالاـ مسـتلزم تحصـیل پروانه ورود از وزارت بهـداشت، درمـان و آموزش پزشـکی در جهت رعایت مقررات ماده ۱۶ قانون مواد خوردنی و آشـامیـدنی و آرایشـی و بهداشتی مـصوب ۱۳۶۴ می‌باشد تا بـه

منظور حفظ سلامت و بهداشت جامعه از ورود و توزیع کالاهای غیربهداشتی و نیز تاریخ مصرف گذشته، جلوگیری شود، لذا به موجب این بخشنامه به کلیه قضات محترم ابلاغ می‌گردد تا پس از کسب نظر مقامات بهداشتی کشور نسبت به تعیین تکلیف این کالاها اقدام نمایند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

اصلاحیه بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور – ۱۱ ۲ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویب اصلاحیه بخشنامه شماره ۱۶۱۴/۸۴/۱ـ ۱۱/۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی اصلاحیه بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور بدینوسیله سال ۱۳۶۴ مندرج در متن بخشنامه شماره ۱۶۱۴/۸۴/۱ـ ۱۱/۲/۱۳۸۴ در ارتباط با قاچاق کالاهای دارویی، بهداشتی، خوردنی و آشامیدنی به سال ۱۳۴۶ و عبارت «مقامات بهداشتی کشور» به عبارت «وزارت مرقوم» اصلاح می‌گردد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور – ۲۲ ۱ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام؛ تصویر بخشنامه شماره ۵۲۵/۸۴/۱ ـ ۲۲/۱/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه‌قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مدیر کل دبیرخانه قوه قضائیه و مستشار دیوانعالی کشور ـ خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور به منظور جلوگیری از اشاعه منکرات و جرائم منافی عفت عمومی (فحشاء)، حفظ حیثیت مرتکبان احتمالی این جرائم و پیشگیری از تبادل بی‌مورد این قبیل پرونده‌ها بین‌مراجع مختلف قضائی و با توجه به اختیارات حاصل از تبصره ۳ الحاقی به ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ناظر به تبصره ۳ ماده ۳ اصلاحی ۲۸/۷/۱۳۸۱، لازم است برای مدت ۳ سال دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم، تشکیل شود. بدین جهت رؤسای محترم دادگستری استان با بررسیهای کافی سه نفر از قضات ارشد هر شهرستان (غیر از مرکز استان) را که از حیث سن، تجربه و تأهل برای عضویت دادگاه کیفری استان، مناسب باشند به عنوان رئیس و مستشاران موقت، انتخاب و معرفی نمایند تا با حفظ سمت، ابلاغ قضائی آنان صادر گردد و هر بار که لازم باشد با حضور دادستان محل یا نماینده وی، براساس موازین به موارد مطروح رسیدگی نموده و رای مقتضی را صادر نمایند. همچنین دادستان شهرستانهائی که دادگاه کیفری استان ندارند به صرف درج عنوان اتهامی این قبیل منکرات در گزارش مأمورین یا شکایت شاکی و مادام که با بررسیهای لازم معلوم نشده است که رسیدگی به اتهام در صلاحیت محاکم کیفری استان می‌باشد نباید نسبت به ارسال پرونده و بدرقه متهم به مرکز استان اقدام نمایند. و در موارد وجود مفسده در بدرقه متهم به مرکز استان، طبق قسمت اخیر تبصره (۳) ماده ۳ اصلاحی قانون مذکور از جهت ضرورت، تحقیقات لازم در دادسرا انجام داده و پس از احراز اتهام و تنظیم کیفر خواست پرونده تکمیلاً به دادگاه کیفری استان ارسال شود. رئیس قوه قضائیه ـ سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور – ۱۵ ۲ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام، تصویر بخشنامه شماره ۱۸۲۸/۸۴/۱ مورخ ۱۵/۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال میگردد. مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه و مستشار دیوانعالی کشور ـ خسرو حکیمی بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور یکی از اهداف اصلی احیای دادسراها در سراسر کشور سپردن امر تعقیب و تحقیق از متهمین به مقامات قضائی میباشد تا قضات دادسرا با مباشرت در این امر موجب حفظ حقوق جامعه و متهمین گردند به همین منظور توجه

قضات و ضابطین دادگستری را به موارد ذیل معطوف مینماید. ۱ـ به موجب قسمت دوم بند هـ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب انجام تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم به عهده بازپرس است و در جرائمی که در صلاحیت دادگاههای کیفری استان نیست دادستان و به تبع او دادیاران دارای کلیه وظائف و اختیارات بازپرس میباشند، بنابراین مستفاد از این امر این است که مقامات دادسرا باید از بدو ارجاع و تشکیل پرونده مباشرتاً تحقیق امر کیفری را به عهده گرفته و بدون نظارت و حضور مقامات دادسرا هیچگونه تحقیقی توسط ضابطین صورت نگیرد بنابراین اولاً: تشکیل هرگونه پرونده قضائی در غیر از جرائم مشهود لازم است از ابتداء در دادسرا تشکیل شود. ثانیاً: استفاده از مهرهای متحدالشکل و ارجاع کلی به ضابطین و دستور به انجام تحقیقات کلی توسط مقامات ارجاع ممنوع است. ثالثاً: امر بازجوئی و استنطاق را شخصاً به عهده گرفته و در مواردی که ممکن نباشد با حضور و نظارت قاضی پرونده، بازجوئی با رعایت ضوابط و مقررات قانونی به عمل آمده و مراتب توسط مقام قضائی گواهی گردد. خامساً: در صورت وجود دلائل کافی و توجه اتهام با رعایت مواد ۱۳۲ و ۱۳۴ قانون آئین دادرسی، قرار تأمین مناسب و متناسب با نوع جرم صادر گردد و از تفویض این امر به ضابطین اکیداً جلوگیری شود یادآور میگردد برابر ماده ۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب تحت هیچ شرایطی آزادی متهم منوط به سپردن تأمین به ضابطین دادگستری نخواهد بود. سادساً: به منظور سرعت بخشیدن به امر تحقیقات مقدماتی و نظارت مستقیم مقامات قضائی، دادستانهای سراسر کشور موظف هستند هرچه سریعتر در مراکز مهم مانند ادارات آگاهی و سایر پاسگاههائی که مقدور باشد یکی از شعب بازپرسی یا دادیاری را با حفظ شئون آنان مستقر نماید. ۲ـ به موجب ماده ۱۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد بنابراین مقامات دادسرا موظف هستند قبل از هرچیز تحقیقات مقدماتی را تکمیل نموده و از وجود دلایل کافی و توجه اتهام به متهم مطمئن شوند و ضابطین دادگستری نیز نباید در خارج از حدود جرائم مشهود راساً و بدون دستور مقام قضائی کسی را احضار یا جلب نمایند. ۳ـ همانگونه که در قسمت دوم ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی تأکید شده است در زمان بازجوئی سئوالات باید مفید و روشن باشد و سئوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است و برابر ماده ۱۳۱ همان قانون پاسخ سئوالات همانطوری که بیان میشود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. لذا از طرح سئوالات خارج از موضوع اتهام و یا مربوط به مسائل اخلاقی و خانوادگی و سوابق متهم و بیان مطلبی در راستای مرعوب نمودن و منکوب شدن شخصیت وی جداً خودداری شود و از هرگونه عامل فشار فیزیکی و روانی اجتناب گردد بدیهی است اقرار و شهادت ناشی از شرائط مذکور نافذ نمیباشد و کرامت انسانی ایجاب میکند در جریان تحقیقات از بکارگیری الفاظ و کلمات توهینآمیز و تحقیرکننده جلوگیری شود. ۴ـ علاوه بر ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی رعایت مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آئین دادرسی کیفری درخصوص نحوه ضبط اشیائی که وسیله ارتکاب جرم هستند مورد تأکید است همچنین تفتیش منازل اشخاص باید با رعایت کلیه موازین شرعی و قانونی و توجه به حقوق مجاورین و در غیر موارد اضطراری باید در روز و با دستور و زیر نظر مقام قضائی به عمل آید و ضبط اموالی که ارتباطی با موضوع جرم ندارند ممنوع است. ۵ ـ با عنایت به موارد فوقالذکر مسئولیت قانونی هرگونه تخلفی که در جریان تحقیقات مقدماتی توسط ضابطین دادگستری به عمل آید علاوه بر مباشر به عهده قاضی پرونده نیز خواهدبود و دادسرای انتظامی قضات و سایر مقامات و مدیران قضائی که حسب وظائف قانونی موظف به نظارت بر جریان دادرسی میباشند مسئول اجرای دقیق این بخشنامه میباشند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای حوزههای قضائی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور – ۱۷ ۲ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام، تصویر بخشنامه شماره ۱۸۵۴/۸۴/۱ مورخ۱۷/۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال میگردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای

حوزههـای قضـائی و سازمان زنـدانها و اقـدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور مساعـدت در حل مشـکلات آن گروه از متهمان و محکومان زندانی که اتهام یا جرائم انتسابی به آنان از اهمیت ویژهای برخوردار نبوده و بدون پیشینه مؤثر کیفری باشند و نیز کسانی که محکومیت مالی دارند و در صورت اعطای مرخصی به آنان، میتوانند رضایت شاکی یا مدعی خصوصی را کسب نمایند یا صرفاً به خاطر جزای نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال در زندان به سر میبرند و همچنین مبتلایان به بیماریهای خاص و امراض صعبالعلاجی که بنابرتشخیص پزشکی نیازمند مداوا در خارج از زندان میباشند و همینطور کسانی که تا پایان محکومیت و آزادی آنان بیشتر از ۳ ماه باقی نمانده است و محبوس بودن این عده تا خاتمه اجرای حکم، جز تراکم تعداد زندانیان و تحمیل بار مالی بر زندان، ثمری ندارد، با نظارت رئیس حوزه قضائی (استان، شهرستان و بخش) و مراعات مقررات، حداکثر سه ماه مرخصی به آنان داده شود تا با استفاده از این فرصت مشکلات خود را مرتفع سازند. رئیس قوۀ قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور – ۱۶ ۳ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسـمی کشور با احترام، تصویر بخشـنامه شماره ۳۱۳۶/۸۴/۱ مورخ ۱۶/۳/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسـال می‌گردد. مسـتشار دیوانعـالی کشـور و مـدیرکل دبیرخـانه قوۀ قضـائیه ـ خسـرو حکیمی بخشـنامه به واحـدهای قضـائی سراسـر کشـور نظر به اینکه مشاهـده می‌شود بعضـی از قضـات، نسـبت به مرتکبـان جرائم مربوط به مواد مخـدر، همچنان به اسـتناد ماده ۱۷ لا‌یحه قانونی تشدیـد مجازات مرتکبین جرائم مواد مخـدر و اقـدامات تأمینی و درمانی به منظور مـداوا و اشـتغال به کار معتادین مصوب ۱۹/۳/۱۳۵۹ قرار بازداشت موقت تا شـروع دادرسـی یا صدور حکم برائت صادر می‌نمایند، در حالی که مواد۳۲، ۳۳ و ۳۵ قانون آیین دادرسـی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با تمدید بعدی، برای صدور قرار بازداشت قایل به تفصـیل و ترتیب خاصـی گردیده‌انـد که در اغلب دادسـراها و محاکم مراعات می‌گردد. به منظور ایجاد روش واحـد و کاهش میزان صـدور این نوع قرار، اقتضاء دارد از این به بعد در جرائم مربوط به موادمخدر نیز مانند سایر جرایم، با رعایت قیود و شـرایط منـدرج در مواد ۳۲، ۳۳ و ۳۵ قانون آیین دادرسـی کیفری اقـدام و از صـدور قرار بازداشت خلاف موازین مـذکور، اجتناب گردد. سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی ـ رئیس قوه قضائیه

طرح جامع رفع اطاله دادرسی

رئیس محترم هیئت‌مـدیره و مـدیرعامل روزنامه‌رسـمی به پیوست یـک نسـخه طرح جـامع رفع اطـاله دادرسـی درخصوص ارشـاد و معاضدت قضائی و امور رابطان و اسـتعلامات که در تاریخ ۳۰/۷/۱۳۸۴ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسـیده، جهت درج در روزنـامه رســمی ارسـال می‌گردد. رئیس حـوزه ریـاست قـوه قضـائیه ـ عبـدالرضا ایزدپنـاه طرح جـامع رفع اطـاله دادرسـی دستورالعمل شماره ۱ « ارشاد و معاضدت قضایی و امور رابطان و استعلامات» مقدمه با عنایت به بند هفدهم سیاستهای کلی نظام در بخش قضـایی، مصوب مقـام معظم رهبری که حـاکی از ضـرورت « گسترش دادن نظام معاضـدت و مشاورت قضایی» می‌باشـد و با تـوجه به بنـد نـوزدهم از برنـامه تفصـیلی پنجسـاله دوم قـوه قضـاییه که مبتنی بر « طرح ایجـاد و گسـترش مؤسـسات مـدنی ارشـاد و معاضـدت و..... برای آموزش و آگاه‌سـازی قضـایی» است؛ و بـا توجه به بنـد پنجم و شـشم سیاسـتهای کلی نظـام در بخش قضایی، مصوب مقـام معظـم رهـبری که حـاکی از ضـرورت « تمرکز دادن کلیه امور دارای مـاهیت قضـایی، در قوه قضـاییه.....» و « کاسـتن مراحـل دادرسـی به منظـور دسـتیـابی به قطعیت احکـام در زمـان منـاسب» و « بالا‌بردن ..... توان عملی ضابطـان دادگسـتری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی» بوده است؛ و همچنین نظر به بند ۵ قسمت الف و قسمت ج اهداف کلان پنج ساله دوم توسـعه قضایی که مبتنی بر « توانمنـدسازی مردم در امور قضایی از طریق آموزشـهای مردمی.....» و « بهبود کارایی و اثربخشـی

نظام قضایی کشور» می‌باشد؛ از آنجا که از مهمترین عوامل اطاله دادرسی و بروز نارضایتی در آحاد مراجعه‌کنندگان به دستگاه قضایی، « ناآشنایی با روند آغاز و پیگیری دعوا و چگونگی استفاده از وکلا و کارشناسان و مشاوران حقوقی» یا « عدم استطاعت مالی دراستفاده از وکلا و کارشناسان و مشاوران حقوقی» و یا « پراکندگی و بُعد مسافت میان واحدهای قضایی و ادارات مرتبط با آنها و صعوبت اخذ استعلامات از این ادارات و اطاله روند پیگیری پرونده می‌باشد»؛ بدین وسیله « طرح جامع رفع اطاله دادرسی» که در راستای اجرای مصوبات مذکور و رفع معضلات اخیرالذکر، در قالب دستورالعمل شماره یک، به تفصیل ارائه گردیده است، ابلاغ می گردد. مقتضی است رؤسای کل محترم دادگستری استانها، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی کشور، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (در مقام ضابط)، شورای عالی کارشناسان کشور، کانون وکلاء مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضاییه، و دیگر مقامات ذیربط شاغل در واحدهای قضایی سراسر کشور، نسبت به ایجاد « اداره ارشاد و معاضدت قضایی، وکالت اتفاقی و معاضدتی، کارشناسان، و امور رابطان و استعلامات» که منبعد در این دستورالعمل، اختصارا « اداره ارشاد و معاضدت قضایی» خوانده می‌شود، اقدام نموده و اهتمام تام و تمام در اجرای دقیق کلیه بندهای این طرح که انشاءا.... تأثیر به سزایی در رفع اطاله دادرسی خواهد داشت، مصروف نمایند. « اداره ارشاد و معاضدت قضایی» کلیات (اهداف و وظایف و تشکیلات): « اهداف» در اجرای ماده ۱۰ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی آن در دادگستریها و مجتمعهای قضایی، اداره مذکور (ارشاد و معاضدت قضایی) زیر نظر رؤسای حوزه‌های قضایی با هدف توانمند ساختن مراجعه کنندگان به دادگستری و جلب رضایت آنان و رعایت حقوق همه جانبه آنها تشکیل می گردد. این اهداف از طریق راهنمایی و ارشاد مراجعین در راستای اقامه دعوا و پیگیری آن و همچنین بهره‌گیری از وکلای معاضدتی برای مراجعین بی‌بضاعت و امکان وکالت اتفاقی و استفاده از کارشناسان و تجمیع نمایندگان واحدهای مرتبط با محاکم و دادسراها در این اداره، در جهت تسهیل امور استعلامات و تعاملات، عینیت خواهدیافت. « وظایف» الف ـ افزایش آگاهیهای مراجعان درخصوص اهداف، وظایف و تشکیلات قوه قضائیه، نحوه طرح شکایات و دعاوی و چگونگی تنظیم قراردادها و تعهدات و اعمال حقوقی، راهنمایی و ارائه راههای سهل و کوتاه در احقاق حق به مراجعان واحدهای قضائی، همکاری در ایجاد و گسترش دفاتر خدمات و راهنمایی حقوقی در ادارات، سازمانها و مؤسسات دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلاب اسلامی و اتحادیه‌های صنفی. ب ـ راهنمایی و ارشاد نسبت به چگونگی اخذ مشاوره و وکالت اتفاقی و کارشناسی. ج ـ تعیین وکیل معاضدتی برای اشخاص بی‌بضاعت. د ـ دلالت مراجعین به رابطان سازمانها و نهادهای مرتبط با محاکم، در جهت تسریع در اخذ استعلامات و انجام مکاتبات. « تشکیلات» این واحد در حوزه‌های قضایی اعم از دادگاه و دادسرا با اعضای زیر تشکیل می گردد: اداره ارشاد و معاضدت قضائی، کارشناسان، رابطان و استعلامات (مرکز استان درجه۱) * رئیس واحد امور ارشاد و معاضدت قضائی ـ کارشناس مسئول قضائی (مسئول واحد). ـ کارشناس امور قضائی. ـ کارشناس امور قضائی. ـ مددکار. ـ مددکار. ـ متصدی امور دفتری و پیگیری. ـ متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور وکالت اتفاقی و معاضدتی و کارشناسان ـ کارشناس مسئول امور قضائی (مسئول واحد). ـ کارشناس پیگیری و هماهنگی. ـ متصدی امور دفتری و پیگیری. ـ متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور رابطان و استعلامات ـ کارشناس مسئول امور رابطان و استعلامات (مسئول واحد). ـ کارشناس امور رابطان. ـ کارشناس امور استعلامات. ـ متصدی امور دفتری و هماهنگی. ـ متصدی امور دفتری (اپراتور). اداره ارشاد و معاضدت قضائی، کارشناسان، رابطان و استعلامات (مرکز استان درجه۲) * رئیس واحد امور ارشاد و معاضدت قضائی ـ کارشناس مسئول قضائی (مسئول واحد). ـ کارشناس امور قضائی. ـ مددکار. ـ متصدی امور دفتری و پیگیری. ـ متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور وکالت اتفاقی و معاضدتی و کارشناسان ـ کارشناس مسئول امور قضائی (مسئول واحد). ـ کارشناس پیگیری و هماهنگی. ـ متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور رابطان و استعلامات ـ کارشناس مسئول امور رابطان و استعلامات (مسئول

واحـد). ـ کارشـناس امور رابطـان و اسـتعلامات. ـ متصـدی امور دفتری و همـاهنگی. ـ متصـدی امور دفتری (اپراتور). اداره ارشاد و معاضدت قضائی، کارشناسان، رابطان و استعلامات (مرکز استان درجه۳) * رئیس واحد امور ارشاد و معاضدت قضائی ـ کارشـناس مسئول امور قضائی (مسـئول واحد). ـ کارشناس امور قضائی. ـ مددکار. ـ متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور وکالت اتفاقی و معاضـدتی و کارشـناسان ـ کارشـناس مسئول امور قضائی (مسـئول واحـد). ـ کارشـناس پیگیری و هماهنگی. ـ متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور رابطان و استعلامات ـ کارشـناس مسـئول امور رابطان و اسـتعلامات (مسئول واحد). ـ کارشناس امور رابطان و استعلامات. ـ متصـدی امور دفتری (اپراتور). واحـد ارشـاد و معاضـدت قضائی، کارشـناسان، رابطان و اسـتعلامات مجتمع قضائی * رئیس ـ کارشـناس امـور قضـائی(ارشـاد و معاضـدت قضائی). ـ کارشـناس امـور قضـائی (امـور وکـالت اتفـاقی و معاضـدتی و کارشـناسان). ـ کارشـناس پیگیری و هماهنگی (امور رابطان و اسـتعلامات). ـ مددکار. ـ متصدی امور دفتری و هماهنگی (اپراتور). واحد ارشاد و معاضدت قضائی، کارشـناسان، رابطان و اسـتعلامات شهرستانهای غیر از مرکز استان * رئیس ـ کارشناس امور قضائی (ارشـاد و معاضـدت). ـ کارشـناس امور قضـائی (امور وکـالت اتفاقی و معاضـدتی و کارشـناسان). ـ کارشـناس پیگیری و هماهنگی (امور رابطـان و اسـتعلامات). ـ مـددکار. ـ متصـدی امور دفـتری و پیگیری (اپراتور). * در دادگاههـای عمومی بخش، زیر نظر دفتر دادگـاه، یک یا دو پست به صورت مرکب (تحت عنوان کارشـناس امور قضایی) پیش‌بینی می گردد. * در شهرسـتانهایی که تعـداد شعـب آن اعـم از محـاکم و دادسـرای عمـومی و انقلاـب به ۲۰ شـعبه و بالاـتر می‌رسـد، تشـکیلات فوق قابـل اجرا می‌باشـد و برای شهرستانهای کوچک (کمتر از ۲۰ شعبه) به تعداد لازم، پست کارشناس امور قضائی و پیگیری پیش‌بینی می گردد. فصل اول ـ ارشاد و معاضدت قضایی ۱ـ واحـدهای مذکور در هر حوزه قضائی به تعداد لازم «کارشـناس» آشنا به مسائل حقوقی، کیفری و اداری را، جهت ارشاد و معاضـدت ارباب رجوع در اختیار خواهند داشت. ۲ـ انتخاب کارشـناسان مذکور از میان کارشناسان قضائی و حقوقی شاغـل و بازنشسـته دادگستری، وکلای دادگستری و مشـاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسـعه، از سوی قاضـی مسؤول ارشـاد و معاضـدت، با هماهنگی رؤسای واحـدهای قضایی و دادسـتانها، به معاونت آموزش هر اسـتان معرفی و پس از تأیید معـاونت مـذکور، ابلاـغ ایشـان، توسـط رئیس کـل دادگستری اسـتان صـادر خواهدشـد. تبصـره ـ ارشاد و معاضـدت توسط وکلای دادگستری و مشاوران موضوع ماده۱۸۷ و بازنشسـتگان افتخاری خواهـدبود؛ لکن دادگستری متناسب با فعالیت و آمار کارکرد آنها پاداش مناسبی به آنان پرداخت خواهدکرد. ۳ـ کارشـناسان مذکور مکلفند افراد نیازمند را ارشاد و راهنمایی و راههای سهل و ساده را برای انجام امور آنها ارائه کنند و عنداللزوم نسبت به تنظیم لوایح و عرایض موردنیاز اقدام کنند. ۴ـ واحدهای مذکور، دفاتری را برای ثبت مشـخصات مراجعـان و علت مراجعه و نتیجه راهنمـایی آنان و مشـخصات کارشـناس ارشاد کننـده، در اختیار کارشـناسان مستقر در حـوزه هـای قضـائی قرار خواهنـد داد. همچنیـن سوابـق مربـوط به صـدور جـواز وکـالت و مشـاوره اتفـاقی و تعیین وکیل معاضـدتی در دفـاتر مخصوص ثبت خواهـد شـد. دفاتر مـذکور توسط دفتر تشـکیلات و برنامه‌ریزی تهیه و در اختیار هر واحـد قرار خواهد گرفت. ۵ ـ معاونت آموزش دادگستریها، عهـده‌دار آموزش اعضای این واحدها خواهندبود. ۶ ـ کلیـه کارشناسان، بجز وکلا و مشاورین حقوقی و قضات بازنشسته، مکلف به گذراندن دوره‌های آموزشی مخصوص می‌باشند که سرفصلها و عناوین آن توسط معـاونت آموزش قوه قضائیه تعیین خواهـد شـد. ۷ـ عریضه نویسـان در هر حوزه قضـائی، زیر نظر واحـد مزبور، سامانـدهی و توسـط معاونتهای آموزش دادگستریها، آموزشـهای لازم را خواهند دید. ۸ ـ واحـد ارشاد در هر حوزه قضائی که لازم بدانـد، مرکز مشاوره قضائی تلفنی دایر می‌نماید. چگونگی خدمت رسانی و شـماره تلفن از طریق رسانه‌های جمعی به اطلاع شـهروندان خواهد رسید. ۹ـ بـا توجه به مـاده واحـده قـانون حمـایت قضائی از کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۶ (۱)، واحـدهای مذکور، کلیه شاغلان، مستمری و وظیفه بگیران اعم از کارمنـد و کـارگر در وزارتخانه‌هـا، سازمانهـا، مؤسـسات و شـرکتهای دولتی و شـهرداریها و نهادهـای انقلاـب اسلامی و نیروهای مسلح و مؤسساتی را که از بودجه عمومی کشور استفاده می کنند، را در حدود صلاحیت جهت طرح و یا دفاع از

دعاوی مربوط به خود یا قائم‌مقام قانونی او پس از فوت در دعاوی که از انجام وظیفه آنان ناشی می‌شود، برای استفاده از خدمات و راهنمایی حقوقی به واحد حقوقی دستگاه ذی ربط معرفی می کنند. ۱۰ـ مجامع امور صنفی(۲) نیز تسهیلات لازم را برای آموزشهای موردنیاز افراد صنف پیش‌بینی و با کمک واحد ارشاد، واحدهای حقوقی را برای مشاوره در امور مربوط به شکایات و حل و فصل اختلافات، در اتحادیه‌های اصناف دایر می‌نمایند. ۱۱ـ مشاوران املاک و خودرو موظفند برای تنظیم قراردادها از نظرهای حقوقی واحدهای حقوقی اتحادیه صنف خود با هماهنگی سازمان ثبت اسناد و مطابق دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاوران املاک و خودرو (مصوب ۱۶/۴/۱۳۸۴ ـ رئیس قوه قضائیه)، استفاده نمایند. ۱۲ـ واحد ارشاد، نمونه قراردادها و اوراق قضائی تهیه شده توسط مراجع ذی صلاح را در اختیار واحدهای حقوقی دولتی و صنفی قرار خواهدداد. فصل دوم ـ امور وکالت اتفاقی و معاضدتی الف ـ وکالت اتفاقی ۱ـ با توجه به ماده ۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۷ (۳) و آیین نامه صدور جواز وکالت اتفاقی مصوب ۳/۳/۱۳۷۸، اشخاص واجد شرایط مقرر در این دستورالعمل، می‌توانند برای اقربای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم با رعایت مقررات مربوط، وکالت نمایند. ۲ـ درخواست اخذ جواز وکالت اتفاقی، توسط شخص متقاضی به عمل می‌آید و به امضای طرفین (متقاضی و وکیل معاضدتی) رسیده و به کارشناسان مسؤول واحد در حوزه‌های قضائی سراسر کشور تسلیم می گردد. تبصره ـ فرم درخواست یاد شده، توسط دفتر تشکیلات و برنامه‌ریزی تهیه و در اختیار واحدهای استانی قرار می گیرد. ۳ـ درخواست باید متضمن معرفی کامل متقاضی و اعلام میزان تحصیلات و تجربیات و سایر جهات مؤثر در قضیه و نیز متضمن مشخصات کامل موکل یا موکلان موردنظر و درجه قرابت آنان و مشخصات موضوع دعوایی باشد که متقاضی قرار است عهده‌دار طرح یا دفاع از آن شود. ۴ـ متقاضی مکلف است مدارک مثبته قرابت و دیگر موارد استناد یا فتوکپی مصدق آنها را پیوست تقاضای خود بنماید. ۵ ـ برای هر مورد وکالت اتفاقی، باید جداگانه، درخواست با ضمایم کامل تهیه و تسلیم شود. ۶ ـ پس از احراز شرایط توسط کارشناس مسؤول واحد یا دفاتر ارشاد و معاضدت قضائی، درخواست به همراه سایر مستندات به کانون وکلای دادگستری و مرکز امور مشاوران و کارشناسان مستقر در استانها یا نمایندگان آنها در شهرستانها و حوزه‌های تابعه که به همین منظور تعیین می‌شوند، تسلیم خواهدشد. ۷ـ کانون وکلا و مرکز امور مشاوران یا نمایندگان آنها در حوزه‌های قضائی، پس از بررسی اسناد و مدارک پیشنهادی واحد ارشاد و معاضدت، مجوز لازم را صادر می‌نماید. ب ـ وکالت معاضدتی ۱ـ اشخاص بی‌بضاعت می‌توانند از واحد ارشاد و معاضدت، تقاضای تعیین وکیل معاضدتی نمایند. ۲ـ تقاضای مذکور همراه کلیه مستندات دعوا و تصدیق معتمدان یا شورای اسلامی محل مبنی بر بی‌بضاعت بودن متقاضی، به واحد ارشاد و معاضدت حوزه قضائی محل اقامت متقاضی تسلیم می‌شود. تبصره ـ تقاضای یاد شده باید حاوی مشخصات طرفین، نوع دعوا، شغل و درامد ماهانه متقاضی و استشهادیه محلی باشد. ۳ـ در صورتی که کارشناس واحد ارشاد، توضیحاتی را از متقاضی لازم بداند از مشارالیه به هر وسیله ممکن دعوت خواهد کرد. ۴ـ واحد ارشاد و معاضدت، پس از دریافت درخواست، هرگاه آن را ناقص ببیند، مکلف است مراتب را به متقاضی اعلام تا ظرف مدت ده روز نسبت به رفع نقص آن اقدام نماید، در صورت عدم رفع نقص پس از انقضای مدت مذکور، تقاضا بایگانی می‌شود و در صورت مراجعه ذی نفع، طبق مقررات اقدام خواهدشد. ۵ ـ واحد ارشاد و معاضدت با توجه به مستندات و مدارک ارائه شده و عندالاقتضاء، اخذ توضیح حضوری از متقاضی، چنانچه تشخیص دهد که هدف متقاضی، سوء استفاده و اذیت و آزار طرف مقابل است یا دعوا اصولاً ـ بی‌اساس است یا موضوع قبلاً ـ مسبوق به سابقه بوده و مردود اعلام شده است، درخواست متقاضی را رد می‌نماید. بدیهی است رد تقاضا نافی صلاحیت دادگاه در اجرای مقررات مواد ۵۰۵ و ۵۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مقررات جاری نخواهدبود. ۶ ـ قاضی ارشاد و معاضدت قضایی، در صورتی که درخواست متقاضی را موجه بداند، با رعایت مواد قبل و با عنایت به آیین‌نامه اجرایی مواد ۳۱و۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۵/۳/۱۳۸۴ و پس از هماهنگی با کانون وکلاء و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه، وکیلی را برای متقاضی تعیین می‌نماید. تبصره ـ هرگاه در حوزه

قضائی استان به تعداد موردنیاز وکیل وجود نداشته‌باشد، انتخاب وکیل خارج از استان با هماهنگی و معرفی کانون وکلاء و مرکز امور وکلاء و مشاوران قوه قضائیه صورت خواهد گرفت. ۷ـ هر وکیل یا مشاوره قوه قضاییه مکلف است در صورت ارجاع، هر ماه حداقل یک پرونده معاضدتی قبول نماید. ۸ ـ از تصمیم قاضی ارشاد و معاضدت در مورد تعیین وکیل چهار نسخه تهیه، نسخه اول به تقاضا کننده، نسخه دوم به وکیل منتخب، نسخه سوم در پرونده مربوط بایگانی و نسخه چهارم به کانون وکلاء و مرکز امور مشاوران جهت درج در پرونده وکیل، ارسال خواهدشد. ۹ـ وکیل منتخب، ملزم است نسبت به تنظیم قرارداد حق‌الوکاله اقدام و نسخه دوم آن را به واحد ارشاد و معاضدت ارسال واحد مذکور را از جریان کار ارجاع داده شده مطلع سازد. تبصره ـ وکیل انتخابی می‌تواند در صورت لزوم با کارشناس واحد ارشاد و معاضدت قضائی مشورت نماید. ۱۰ـ در مواردی که رعایت تشریفات ذکر شده موجب انقضای مواعد قانونی شود، رئیس حوزه قضائی یا دادستان محل اقامه دعوا، می‌توانند به شرط کامل بودن تقاضا نامه، مستقیماً وکیل معاضدتی انتخاب نمایند و نتیجه آن را جهت تشکیل پرونده به واحد ارشاد و معاضدت ارسال نمایند. ۱۱ـ کلیه اوراق مورد لزوم جهت انتخاب وکیل و مشاور معاضدتی، توسط کانون وکلاء و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه تهیه و در اختیار واحدهای مشاوره و معاضدت استانها قرار می گیرد. ۱۲ـ اگر متقاضی در دعوا، محکوم له واقع شود، حق‌الوکاله جزء خسارات دادرسی از محکوم علیه، به حکم دادگاه دریافت خواهدشد. ۱۳ـ در صورتی که در هر مرحله از دادرسی، واهی بودن ادعای عدم بضاعت متقاضی ثابت شود به درخواست وکیل، حق‌الوکاله از وی گرفته می‌شود. ج ـ ارشاد و معاضدت توسط کارشناسان رسمی نظر به اینکه برخی از مراجعات به دادگستری صرفاً جنبه فنی داشته و فاقد جنبه حقوقی می‌باشد، و این گونه موارد عمدتاً در مبحث «کارشناسی» (اعم از کارشناس خط، ساختمان، تصادفات، ثبت علایم و اختراعات، بیمه و سایر رشته‌های مورد نیاز) عینیت می‌یابد و با توجه به تأثیر بسزای نقش کارشناسان رسمی در رفع اختلافات و حل دعاوی و همچنین قانون کارشناسان رسمی دادگستری که تصریح نموده‌است: «کارشناس نمی‌تواند از قبول کاری که به او رجوع شده، خودداری نماید»، «کانون کارشناسان رسمی دادگستری» و «مرکز امور مشاوران حقوقی و کارشناسان رسمی» قوه قضائیه موظفند، حسب مورد نسبت به موارد ذیل اقدام نمایند: ۱ـ اجرای قرارهای کارشناسی معاضدتی و رایگان با عنایت به اینکه اجرای قرارهای کارشناسی، حسب تصریح قوانین بر عهده کارشناس مربوطه (به موجب تعیین دادگاه) خواهد بود و با توجه به قانون کارشناسان رسمی دادگستری بویژه تبصره ۲و۳ ماده ۳ تعرفه حق‌الزحمه کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۴ رئیس قوه قضائیه، که همه کارشناسان را موظف به انجام کارشناسی رایگان برای حداکثر ۳ مورد پرونده در سال (ویژه افراد بی‌بضاعت) نموده‌است، مقتضی است کانون و مرکز امور کارشناسان رسمی دادگستری با تعیین این گونه افراد، به موجب قرعه یا اولویت یا نوبت و یا هر روش منطقی دیگر و برنامه‌ریزی دقیق، برای حضور ایشان در واحد کارشناسی مجتمع قضایی یا دادگستری موردنظر، این امر را به نحوی ساماندهی نمایند که همواره به تعداد مورد نیاز از کارشناسان رسمی ـ خاصه در اموری که بیشتر مبتلی‌به می‌باشد اعم از ساختمان، تصادفات بیمه، خط و ..... ـ در این واحد مستقر گردیده و حسب ضرورت تحت نظر واحد ارشاد و معاضدت، انجام وظیفه نمایند. ۲ـ راهنمایی و ارشاد حسب وظایف مشخص شده برای واحد ارشاد، در صورت لزوم، مراجعه کنندگان از سوی این واحد به کارشناس دلالت خواهند شد. لذا مقتضی است کانون و مرکز کارشناسان رسمی دادگستری با استقرار دائمی نماینده بصیر خود در مجتمع قضایی یا دادگستری مربوطه به همراه کارشناسان ذی صلاحیت، در خصوص این گونه موارد ارشاد لازم را به عمل آورند و چه بسا با اتخاذ تدابیر مناسب توسط کارشناس مستقر، موضوع پیش از اقامه رسمی دعوا توسط مراجعه کننده، حل و فصل شده و منتهی به انصراف وی از تقدیم دادخواست گردد. ۳ـ حل اختلاف از طریق کارشناسان در بسیاری از اختلافات که موضوع اختلاف، در بردارنده جنبه تخصّصی است و مستلزم کارشناسی می‌باشد و آن موضوع، علت اصلی اختلاف و مانع از حصول توافق میان طرفین می‌باشد، طرفین ممکن است توافق کنند که یک کارشناس بی طرف راجع به موضوع اتخاذ تصمیم نماید. این امر که در ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی

دادگاههـای عمـومی و انقلاب در امـور مـدنی (مصوب سـال ۱۳۷۹) بـا ایـن عبـارت تصـریح شـده اسـت که: «... در این صـورت، کارشـناس مرضی الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخـاب می‌شود، ممکن است غیر از کارشـناس رسـمی باشـد» می‌توانـد بـا توافق طرفین، الزام آور نیز باشـد. نکته قابل توجه در این بخش آن است که واحـدهای ارشـاد و معاضـدت قضایی، موظفنـد حسب تشـخیص خود، افراد را نسـبت به این روش حل اختلاف، آگـاه نموده و مزایـای آن را از قبیـل رایگان بودن و عـدم ضـرورت رعایت تشـریفات بیان و نسـبت به ترغیـب و دلالـت ایشـان به استفاده از این روش و نیز تهیه صورت جلسات، جهت مراجعه به کارشـناس مرضی‌الطرفین اقدام نمایند. کارشنـاسان مستقر نیز فارغ از اینکه طرفین مراجعه کننـده به ایشان دارای دستور قضایی مبنی بر قرار کارشناسی باشند یا خیر، در صورت توافق طرفین، نسبت به ورود به موضوع اقـدام و نهـایت تلاـش را در جهت رفع اختلـاف مبـذول خواهنـد داشت. فصل سوم ـ امور رابطان و اسـتعلامات ۱ـ پزشـکی قـانونی ـ بـا عنـایت به ضـرورت مراجعه بسـیاری از اصـحاب دعاوی جزایی و حقوقی به ادارات پزشـکی قانونی، پیش بینی راهکارهایی در جهت تسـهیل تعامل ایشان در خصوص امور مرتبط با پزشـکی قانونی، ضـروری به نظر می‌رسـد. لذا مقتضـی اسـت رئیس کل دادگستری و مدیرکل پزشـکی قانونی هر اسـتان، توأمان نسـبت به اجرای موارد ذیل اقدام نمایند: الف: استقرار دائم یک پزشک قانـونی در هر یـک از مجتمعهای قضـایی (کیفـری) به منظور پاسـخگویی به ضـروریات اولیه اعم از پاسخ به استعلامات (با بهره‌گیری از رایـانه حـاوی اطلاعـات پزشـکی قانونی اسـتان) و معاینات مقـدماتی و ... ب: اسـتقرار پزشک قانونی کشـیک در کنار مقامات قضایی کشـیک دادسرا ج: عدم ضـرورت اخذ معرفی نـامه مجدد از مقام قضـایی برای مصدومـانی که نیـاز به معاینه مجدد دارند. د: برقراری ارتباط مناسب بین پزشکی قانونی استان با شوراهای حل اختلاف و واحدهای خسارت بیمه بدنی در جهت تسریع در پرداخت خسـارت. (این بنـد از طریق راه‌انـدازی شوراهـای حـل اختلاف در پزشـکی قانونی و با واحـدهای خسارت بیمه بـدنی، عینیت خواهد یافت). » رئیس سازمان پزشـکی قانونی مکلف است این قسـمت از دسـتورالعمل را به کلیه واحدهای پزشـکی قانونی کشور جهت اجراء ابلاغ نمایـد.» ۲ـ اسـتقرار بـاجه بـانکی ـ یکی از معضـلات موجود برای مراجعان به نظام قضایی کشور، پرداخت مبالغ قانونی به حسابهای دولتی، از طریق سیسـتم بانکی است که دشواری این امر و مشـکلات تردد و صـرف وقت، عمده نارضایتی افراد را موجب می‌گردد. در جهت رفع این مشـکل، اقداماتی از سوی قوه قضائیه انجام گردیده است تا نسبت به استقرار باجه بانک در دادگستریها و مجتمع‌های قضایی اقـدام شود. به همین منظور با مدیران بانک ملی مذاکراتی صورت پذیرفته و بانک مذکور پس از همـاهنگی بـا مـدیران اسـتانی خـود، نسبت بـه ابلاـغ موضـوع بـه اسـتانها اقـدام کرده اسـت و از سـوی دیگر موضـوع بـه اطلاـع دادگستری‌هـای اسـتان نیز رسـیده است. لـذا مقتضـی است رؤسای کل محترم دادگستری اسـتانها، در جهت اجرای طرح، هماهنگی لازم را با سـرپرستی بانک ملی در اسـتان مربوط برقرار و حسب ضـرورت نسبت به استقرار باجه یا گیشه بانک در واحدهای قضایی اقدام نمایند. ۳ـ کـانون کارشـناسان رسـمی دادگستری، مرکز امور مشـاوران حقوقی، وکلا و کارشـناسان قوه قضائیه ـ «نظر به نقش کرامنـد «کارشناسـی» در پرونده‌های دادسـراها و محاکم و مطابق بند ۱۳ سیاسـتهای کلی نظـام در امور قضائی، (مصوب مقام معظم رهبری) و قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۲ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، نظارت بر کارشـناسان رسـمی دادگستری و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه بر عهـده این قوه می‌باشـد و با توجه به اینکه متأسـفانه نحوه اجرای قرارهای کارشناسـی به یکی از معضـلات رسـیدگی قضایی و یکی از عوامل اصـلی اطاله دادرسی تبدیل گردیده است، لذا مقتضی است: الف: به منظور دسترسی مراجع قضایی و شوراهای حل اختلاف به کارشناس در خارج از وقت اداری و جلوگیری از بازداشت متهمـان و نیز فراهم آوردن امکـان تـأمین دلیل بویژه در اموری که جنبه فوریت دارد، در خارج از اوقات اداری، کانون کارشـناسان رسمی دادگستری و مرکز اجرایی ماده ۱۸۷ مکلفند نسبت به تعیین کارشناس کشیک و استقرار و نظارت بر حضور آنان در خارج از وقت اداری در رشـته‌های مورد نیاز از قبیل کارشـناس املاک، تصادفات و غیره اقدام نمایند و لیست کارشـناسان کشـیک را همه

ماهه از طریق رؤسای واحدهای قضایی به اطلاع قضات و اعضای شوراهای حل اختلاف برسانند. ب: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه موظفند یک نفر از کارشناسان بصیر و مطلع را به عنوان نماینده خود به کلیه واحدهای قضایی معرفی نمایند. ج: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه موظفند با تهیه سیستم رایانه‌ای و نرم افزار مناسب، به طور مرتب اسامی کارشناسانی که به دلایلی از قبیل محرومیت ـ بیماری ـ مرخصی ـ کهولت سن و غیره امکان انجام کارشناسی را ندارند و همچنین موارد تلاقی و همزمانی وقت ابلاغ شده را قبل از حلول وقت دادرسی، به دادگستری‌ها اعلام و نیز هر سال، جدیدترین اطلاعات مربوط به کارشناسان ذی صلاحیت را به صورت مجموعه‌ای از کارشناسان، با ذکر مشخصات کامل آنها چاپ و در اختیار دادگستریها قرار دهند. د: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه، موظفند برای دسترسی آسان مراجعان به کارشناسان و سرعت در انجام امور محوله بر حسب تخصص تعدادی از کارشناسان را به هر واحد قضایی در تهران و شهرهای بزرگ برای انجام کارشناسی معرفی کنند. هـ: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه وظیفه دارند، چنانچه اخطاریه‌های کارشناسان به نحوی از انحاء امکان ابلاغ نداشته باشد و مورد از موارد قرار رد کارشناسی نباشد، فورا به طرق مقتضی به وسیله نماینده کانون و مرکز امور مشاوران به کارشناسان مربوطه اطلاع داده شود و نتیجه آن را از طریق نماینده مزبور به مرجع قضایی مربوطه اعلام دارند. و: در صورتی که مطابق گزارشهای مقامات قضایی، هر یک از کارشناسان از انجام وظیفه خود طفره یا تعلل ورزد یا تخلفات دیگری مرتکب شود، کانون و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه موظفند فورا کارشناس مورد نظر را از طریق مراجع مربوط تحت تعقیب قرارداده و پس از رسیدگی قانونی، نتیجه آن را به مرجع قضایی ذی ربط ابلاغ نمایند. ز: چنانچه امور محوله به کارشناس از نظر کثرت ارجاعات خارج از حد متعارف باشد، و همچنین موارد تلاقی و همزمانی وقت ابلاغ شده، به نحوی که امکان انجام کارشناسی بموقع و سریع را از وی سلب نماید، کانون و مرکز امور مشاوران و شخص کارشناس، حسب مورد موظفند فورا مراتب را به دادگستریهای ذی‌ربط اعلام تا مقام قضایی صالح مطابق مورد، اتخاذ تصمیم و عنداللزوم کارشناس دیگری انتخاب نمایند و نیز برای انتخاب بعدی وی نیز این امر مورد توجه مقامات قضایی قرار گیرد. ح: جهت هماهنگی بیشتر کارشناسان با مقامات قضایی، رؤسای واحدهای قضایی (مجتمعها و دادگستریها) موظفند جلسات مستمری جهت رفع اشکالات جاری با حضور نماینده کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران تشکیل دهند. ۴ـ ادارات کل ثبت اسناد نظر به اینکه در جهت خدمت‌رسانی بیشتر و بهتر به مردم و تکریم ارباب رجوع و جلب رضایت آنان و جلوگیری از رفت و آمدهای مکرر به مراجع قضایی و واحدهای ثبتی و در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی، پاسخ فوری به استعلامات ثبتی مراجع قضایی راجع به وضعیت مالکیت پلاکهای ثبتی سهم بسزایی دارد، علی هذا ضرورت دارد واحدهای ثبتی، رابطی با تجهیزات لازم در دادگستریها و مجتمعهای قضائی مستقر و نسبت به پیگیری استعلامات و مکاتبات قضایی اقدام مقتضی و فوری به عمل آورند و به‌ویژه به استعلامات مراجع قضایی راجع به مالکیت پلاک ثبتی حداکثر ظرف سه روز پاسخ دهند. بدیهی است رؤسای واحدهای قضایی همکاری لازم را خواهند داشت» ۵ ـ نیروی انتظامی (در مقام ضابط) با عنایت به بند ۱۱ سیاستهای کلی قضایی نظام مصوب مقام معظم رهبری مبنی بر «ضرورت ارتباط ضابطان دستگاه قضایی با محاکم و دادسراها» و نقش کارساز ایشان در انجام دستورهای قضایی اعم از نظارت بر مأموران و ابلاغها و جلب افراد ... و نیز با توجه به تبعات منفی هر نوع تمرد یا تخطی یا سهل انگاری و افراط و تفریط ضابطان در اجرای دستور و به منظور امکان کنترل و نظارت بیشتر، لازم است در هر یک از دادسراها و مجتمعهای قضایی سراسر کشور یک یا چند نفر از عوامل بازرسی ناجا تحت نظارت و ریاست دادستان یا سرپرست دادسرای هر حوزه قضایی، مستقر شوند و نظارت دقیق بر عملکرد عوامل ناجا (در مقام ضابط قضایی) را عهده دار باشند. بدیهی است این افراد با حکم فرمانده نیروی انتظامی هر استان خطاب به رئیس کل دادگستری استان منصوب و علاوه بر انجام مأموریتهای محوله، حسب ضرورت موظف

به ارائه گزارشهای دوره‌ای و موردی به دادستان نیز می‌باشند. ۶ـ امور زندانیها نظر به اینکه عدم هماهنگی منظم اداره زندان با واحدهای قضایی موجب بسیاری از تجدید اوقات دادرسی، و نتیجتاً موجب اتلاف وقت قضات و طولانی شدن فرایند دادرسی می‌شود، از این حیث لازم است در واحدهای قضایی که حجم پرونده های کیفری، اقتضای استقرار نماینده‌ای از اداره زندانها را ضروری می‌نماید، فردی به عنوان رابط اداره زندان مجهز به سیستم رایانه‌ای در دادسراها و مجتمع‌های قضایی کیفری مستقر گردد تا اولاً ـ آمار دقیقی از زندانیان و علت زندانی بودن آنها توسط رابط تهیه شود. ثانیاً ـ این رابط نسبت به انتقال مشکلات زندانیان به مقامات ذی ربط قضایی به طرق مقتضی اقدام نماید. ثالثاً ـ مدیران دفاتر دادگاهها و منشیهای دادسراها موظف شوند در تعیین وقت رسیدگی راجع به زندانیها ـ از حیث اینکه آیا با توجه به طول مدت حبس، زندانی در زمان رسیدگی در زندان می‌باشد یا خیر؟ ـ دقت نظر لازم را معمول دارند که در این صورت، از نشانی دیگری در احضاریه استفاده شود. رابعاً ـ در صورتی که از حیث نظم و انضباط در رفت و آمد زندانیان، اقتضاء داشته باشد، صرفاً در روزهای خاصی، مانند روزهای فرد یا زوج نسبت به احضار آنها اقدام شود. خامساً ـ در جهت جلوگیری از جعل و تحریف نامه‌ها و مکاتبات، ارسال احضاریه‌ها و اوراق قضایی مربوط به زندانیان، بدواً به نظر رابط مزبور رسیده و از آن طریق به اداره زندان ابلاغ شود. ۷ـ سایر استعلامات همان طوری که در بخشهای گذشته به تعدادی از مهمترین نهادهای مرتبط از جمله پزشکی قانونی و سازمان ثبت اسناد و سازمان زندانها اشاره شد، سازمانها و نهادهای مرتبط، صرفاً به این موارد محدود نبوده و دستگاههای دیگر از جمله: بیمه، شهرداریها، دوایر راهنمایی و رانندگی، وزارتخانه‌های مختلف و واحدهای زیرمجموعه آنها از جمله: وزارت ارشاد، جهاد کشاورزی (سازمان جنگلها و مراتع و منابع طبیعی)، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان ثبت احوال، گمرک و ... را شامل می‌گردد. لذا با عنایت به آنکه ساماندهی نوع تعامل با این دستگاهها تأثیر به سزایی در رفع اطاله دادرسی و پیشبرد امور خواهد داشت، مقتضی است رؤسای واحدهای قضایی بدواً نسبت به شناسایی مهمترین دستگاههای مرتبط و اولویت بندی آنها اقدام نموده و حسب مورد با هماهنگی متولیان آنها، عنداللزوم نماینده‌ای از هر یک از دستگاههای مزبور تعیین و در واحد امور رابطین و استعلامات مستقر نمایند. بدیهی است رؤسای محترم واحدهای قضایی بنا به عرف و شرایط جغرافیایی و فرهنگی و اجتماعی منطقه محل خدمت خود، ارتباطات لازم سازمانی را برقرار و در جهت اجرای کامل این بند اقدام می‌نمایند. آن قسمت از دستورالعملها و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که مغایر این دستورالعمل می‌باشند، کان لم یکن تلقی می‌گردند و اعتبار لازم برای اجرای صحیح این دستورالعمل، سالانه توسط معاونت اداری و مالی پیشنهاد و در بودجه قوه قضائیه ملحوظ می‌گردد. رؤسای کل دادگستریها و سازمانهای وابسته قوه قضائیه موظفند به فوریت، نسبت به اجرای تمامی قسمتهای این دستورالعمل با همکاری و تعامل یکدیگر، از طریق تشکیل جلسه در شورای قضایی استان، ظرف یک ماه اقدام و گزارش هر قسمت را به صورت مستقل، هرماه به معاونت اول قوه قضائیه اعلام دارند.» رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی ۱ـ تمام وزارتخانه‌ها، شرکتها، مؤسسات و سازمانهای دولتی و دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است؛ همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) مکلفند بنا به درخواست کارکنان خود در زمان حیات یا وراث درجه اول آنان پس از فوت در دعواهایی که از انجام وظیفه آنان ناشی می‌شود یا به نحوی با وظایف ایشان مرتبط است با استفاده از کارشناسان حقوقی شاغل، به آنان خدمات حقوقی ارائه کنند. ۲ـ ماده ۳۰ قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ وظایف و اختیارات اتحادیه.... ح ـ ایجاد تسهیلات لازم برای آموزشهای موردنیاز افراد صنف به طور مستقل یا با کمک سازمانهای دولتی یا غیردولتی تشکیل کمیسیونهای رسیدگی به شکایات، حل اختلاف، بازرسی واحدهای صنفی، فنی و آموزش و کمیسیونهای دیگر مصوب هیأت عالی نظارت. ۳ـ ماده ۲ قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵: اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در عدلیه نباشد، اگر بخواهند برای اقربای سببی و نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آنها در سال، سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود.

دستورالعمل ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه – مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور احتراما به پیوست دو نسخه دستورالعمل ۱ـ ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه ۲ـ ساماندهی نظام ارجاع و دفاتر شعب دادگاهها و دادسراها و واحد ابلاغ و استفاده از فرمهای استاندارد که در تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ عبدالرضا ایزدپناه دستورالعمل ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه در راستای اجرایی نمودن بند هشتم از سیاستهای کلی قضائی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری درخصوص « اصلاح و تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه‌قضائیه بر دستگاههای اجرایی و قضایی و نهادها » و همچنین با عنایت به قسمت پنجم از بند ب اهداف کلان پنج ساله دوم توسعه قضایی مبنی بر « حفظ سلامت کادر قضایی و اداری از طریق بهبود وضع معیشتی آنان و تقویت نظارت و کنترل بر عملکرد و جلوگیری از هرگونه اعمال نفوذ و کار چاق کنی» و در جهت رفع بسترهای فساد و پیشگیری از وقوع جرم در فضاهای داخلی مجموعه نظام قضایی کشور، ذیلا دستورالعمل « ساماندهی نظارت بر تردّد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه» ابلاغ می گردد. لذا مقتضی است معاونتهای محترم قوه قضائیه، رئیس محترم مرکز حفاظت و اطلاعات کل، رؤسای محترم دیوانعالی و دیوان عدالت اداری، دادستان محترم کل، دادستان انتظامی قضات و خاصه ، رؤسای کل محترم دادگستری استانها، دقت نظر لازم را حسب مورد درخصوص اجرا یا نظارت بر اجرای مفاد این دستورالعمل اعمال نمایند: (۱) به منظور امکان اعمال نظارت بر افرادی که در واحد قضایی مربوطه تردد می‌نمایند، مقتضی است تمامی دفاتر کل به صورت مکانیزه و مجهز به رایانه بوده و تمامی اطلاعات مربوط به اصحاب دعوا و مرتبطین به فوریت در رایانه ثبت گردیده و بر این اساس، صحت و سقم اظهارات افراد حاضر در شعب یا دفاتر یا راهروهای واحد قضایی با مراجعه به رایانه دفتر کل، مشخص گردد و در همین راستا، نگهبانان ورودی و مسئولین اطلاعات از ورود کلیه افراد فاقد مستندات اعم از احضاریه و .... ممانعت به عمل خواهند آورد (مگر در مواردی که ذینفع بودن ارباب رجوع توسط دفتر کل یا شعبات ذیربط تأیید شود) (۲) به موجب ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی، « مدیر دفتر دادگاه، پس از وصول دادخواست باید فوری آنرا ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم‌کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست، تاریخ تسلیم را قید نماید». لذا نظر به اینکه عمده دفاتر شعب در حال حاضر، صرفا در صدور رسید، به ثبت شماره و تاریخ اکتفاء می‌نمایند، توجه متصدیان مربوطه را به اجرای دقیق و کامل ماده قانونی مذکور جلب نموده و بر برخورد قانونی با متخلفین تأکید می‌نماید. بدیهی است دقت در این امر، خاصه در مواردی که به فرد، ابلاغ حضوری شده و اخطاریه‌ای در دست ندارد، امکان کنترل ترددکنندگان در واحد قضائی را ـ با مطالبه رسید دادخواست از وی و کنترل مشخصات ـ میسر خواهد نمود. (فرم رسید دادخواست توسط دفتر تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضائیه استاندارد و جهت تکثیر ابلاغ می‌شود) (۳) از هرگونه جابجایی بی مورد مدیران دفاتر پرهیز گردیده و در قبال آن با برنامه زمانبندی‌شده، نسبت به جابجایی دوره‌ای مدیران دفاتر و کارکنان شعب در جهت پیشگیری از وقوع جرم اقدام گردد. همچنین هرگونه جابجایی مدیران دفاتر به اطلاع حفاظت اطلاعات رسیده، پس از کنترل دقیق اسناد و پرونده‌های شعبه مربوط و صورتجلسه تحویل و تحول پرونده و اسناد مربوطه، به صورت دقیق تنظیم و به امضای هردو مدیر دفتر برسد. همچنین درخصوص تعیین تکلیف پرونده‌هایی که احیانا مفقود یا ناقص گردیده است، اقدام لازم صورت پذیرفته و به مقامات ذیصلاح گزارش گردد. (۴) خارج کردن پرونده‌ها از شعب دادسراها و دادگاهها، حتی توسط قضات ممنوع بوده و در صورت ضرورت، با برگ شماری و تهیه بدل و تسلیم رسید به مسئول مربوط امکان‌پذیر خواهد بود لیکن خروج پرونده‌های مهًمه ملی و بین‌المللی ـ که برای دادرسان آنها ابلاغ ویژه صادر می‌گردد ـ، از شعبه رسیدگی کننده مطلقا ممنوع بوده و لازم است مکان مناسب مورد تأیید

حفاظت و اطلاعات، جهت استقرار دادرس و همکاران وی پیش‌بینی شود. (۵) به‌طورکلی ملاقات‌های شخصی قضات و کارکنان محاکم دادگستری در ساعات اداری با هماهنگی قبلی نگهبانی و اخذ کارت شناسایی معتبر از مراجعه کننده، به شعبه مربوط میسر خواهد شد. همچنین در صورت وجود فرم تردد (که از سوی دفتر تشکیلات و برنامه‌ریزی تهیه خواهد گردید) صرفا با رؤیت کارت شناسایی و انتقال اطلاعات آن بر روی فرم و تحویل فرم اکتفا خواهد گردید. بدیهی است اینگونه مراجعه کنندگان، تنها با تحویل فرم تایید شده توسط فرد مراجعه شونده، امکان خروج از واحد قضایی را خواهند داشت. (۶) رؤسای کل دادگستریها و رؤسای واحدهای قضایی موظفند در بازدیدهای بدون اطلاع قبلی از مجموعه تحت مدیریت خود، اعم از دفاتر شعب و معابر داخلی و محوطه و تعامل مستقیم با مراجعه کنندگان به واحد قضایی، حسب مورد اطلاعاتی از قبیل: دلیل مراجعه ایشان، تعداد دفعات مراجعه، علت اطاله دادرسی احتمالی، دیدگاه ایشان نسبت به‌نحوه رسیدگی، نوع رفتار دادرس و متصدیان دفتر شعب و ... را کسب نمایند و تصمیمات فوری در جهت رفع مشکل، حسب مورد اتخاذ نمایند. (۷) به موجب نظامنامه تخلفات انتظامی قضات و ماده۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که « ترک خدمت در خلال ساعات اداری» را جزو تخلفات کارکنان، احصاء نموده‌است، ضروری است هرگونه خروج از واحد قضایی در ساعات اداری صرفا با هماهنگی مقام بالاتر و اخذ مجوز (مرخصی ساعتی) صورت پذیرد. (۸) نظارت و ساماندهی امور نگهبانی در تمامی واحدهای قضایی برعهده حفاظت و اطلاعات می‌باشد. مسئولین واحدهای حفاظت و اطلاعات موظفند ضمن نظارت بر نگهبانان و تردد افراد به واحد قضایی مربوط، از ورود افراد متفرقه و فاقد مستندات لازم جهت مراجعه به واحد قضایی در موارد مشکوک، ممانعت نمایند. (۹) مسئولین واحدهای حفاظت و اطلاعات موظفند، حسب مورد با ایجاد راهکارهای مقتضی، اعم از: استقرار دفتر، صندوق پستی، پست الکترونیک و ... امکان ارتباط سهم‌الوصول مراجعین با آن واحد را فراهم نمایند. (۱۰) در جهت جلوگیری از آمد و شد افراد مرتبط با پرونده‌ها به دیوانعالی کشور (به ویژه پرونده‌های مربوط به شعبات تشخیص)، مقتضی است با اعلام شماره نمابر و تلفن از سوی اداره دفتر آن دیوان، امکان پاسخگوئی تلفنی به افراد ذینفع میسر گردد. رعایت توصیه‌های حفاظتی در این خصوص الزامی است. (۱۱) مقتضی است در ورودی تمامی ساختمانهای قوه‌قضائیه خاصه دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری، با رعایت اولویت و در جهت تأمین امنیت با حفظ کرامت اشخاص، دستگاه «گیت» نصب گردیده و افراد ملزم به عبور از آن شوند. همچنین با نصب تابلوهایی درخصوص معرفی ملزوماتی که به همراه داشتن آنها در ورود به واحدهای قضایی ممنوع می‌باشد و همچنین تابلوی « ممنوعیت ورود اشخاص فاقد سمت در پرونده» از بروز حوادث پیشگیری گردد. (۱۲) ضروری است در ورودی واحدهای قضایی و محلهای تردد مراجعین، سیستم دوربین مداربسته برقرار و نمایشگرهای مربوطه نیز در دفتر رئیس حوزه قضایی مستقر گردد. (۱۳) ضروری است از ورود دستگاههای مربوط به ضبط تصویر (اعم از: تلفنهای همراه) و صوت (اعم از: دستگاههای خبرنگاری و غیره)، به واحدهای قضایی جلوگیری نموده و این امر در موارد ضروری صرفا با هماهنگی رئیس حوزه قضایی امکان‌پذیر خواهدبود. (۱۴) مقتضی است قضات و کارمندان محترم، حتی‌الامکان در ساعات اداری از مکالمه با تلفن همراه خودداری نموده و دستگاههای مربوط را در حین دادرسی و تحقیقات قضایی خاموش نمایند. (۱۵) به مدیران و قضات و کارمندان قوه قضائیه تأکید می‌شود از پذیرش اشخاصی که خود را منتسب به نهادهای امنیتی و یا مقامات کشوری و قضایی می‌کنند، امتناع و پس از احراز هویت آنان چنانچه سوء استفاده و یا جعل عنوان و کذب ادعای آنها محرز شود، جهت بررسی و عند اللزوم تعقیب قانونی به واحدهای حفاظت و اطلاعات قوه‌قضائیه و دادسرا معرفی شوند. (۱۶) اجرای دقیق دستورالعمل‌های حفاظتی تدوین شده از سوی مرکز حفاظت و اطلاعات کل قوه‌قضاییه به شرح ذیل ضروری می‌باشد: الف: رفع نواقص و مختصات فیزیکی محاکم اعم از: امکان نفوذ غیرمجاز به بخشهای مختلف ساختمانهای واحدهای قضایی در ساعات اداری و غیراداری از سوی افراد فاقد صلاحیت و همچنین امکان استنساخ از اسناد و مدارک و سرقت آنها یا معدوم نمودن یا امکان آتش سوزی عمدی و امثالهم. ب: استقرار دفاتر، اسناد، مدارک، پرونده‌ها، رایانه‌ها

و ملزومات مربوطه در محل مناسب، دور از دسترسی افراد فاقد صلاحیت. ج: تحویل فوری « ملزومات و مکشوفات مرتبط با پرونده» به انبار واحد قضایی و ساماندهی امر تحویل و تحول و ورود و خروج آنها از انبار و همچنین دقت در درج مشخصات پرونده مربوط بر روی هریک از لوازم انتقالی به انبار. د: رعایت دقیق آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و نحوه تعیین طبقه‌بندی اسناد طبقه‌بندی شده (مصوب سال ۱۳۵۴) با عنایت به تعامل انواع مرتبطین با محاکم اعم از « سربازان، ضابطین، نیروهای شرکتی، محققین، وکلا، کاراموزان و ارباب دعوا» و دقت در صلاحیت هریک از ایشان در دسترسی به اسناد و پرونده‌ها با رعایت شأن مشارالیهم و طبقه‌بندی حفاظتی هر پرونده و سند. تبصره: شورای حفاظت و اطلاعات استان که به ریاست رئیس کل دادگستری استان و عضویت اعضای شورای قضائی استان تشکیل می گردد، نظارت لازم را بر اجرای مفاد این ماده به عمل خواهد آورد. دبیر این شورا، رئیس حفاظت و اطلاعات دادگستری کل استان می‌باشد. (۱۷) با عنایت به ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری و بند ۱۱ از ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، افشای اسرار و تصمیم‌های پرونده‌های قضایی در روند قبل و بعد از رسیدگی (و قبل از ابلاغ دادنامه)، از سوی قضات و کارمندان مرتبط، ممنوع می‌باشد. (۱۸) ضروری است کلیه کارکنان دستگاه قضایی از هرگونه مصاحبه با رسانه‌ها درخصوص پرونده‌های قضایی و یا اظهارنظری که شائبه اعلام موضع از سوی دستگاه قضایی را ایجاد نماید، پرهیز نمایند و در مواقع ضروری طبق آئین‌نامه مربوطه صرفا با هماهنگی معاونین رئیس قوه قضائیه و یا رؤسای کل دادگستری‌ها حسب مورد مبادرت ورزند. (۱۹) با توجه به آثار سوء و غیرقابل جبران تخلفات احتمالی کارکنان، هیأتهای بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات کارمندان (مستقر در دستگاه قضایی)، مجاز به اعمال تخفیف یا اغماض نسبت به متخلفین از مفاد این دستورالعمل نمی‌باشند. (۲۰) به موجب بند ۱۵ از ماده ۸ قانون تخلفات اداری و مواد ۲و۳و۴ نظامنامه تقصیرات انتظامی قضات، سهل‌انگاری رؤسای محاکم و دادستانها و مدیران در عدم ارائه گزارش تخلفات کارمندان تحت امر، تخلف محسوب می‌شود. لذا توجه رؤسای محترم واحدهای قضایی و اداری را به این امر و همچنین ضرورت توجیه کارمندان تحت امر و گوشزد نمودن تکلیف قانونی به ایشان، مبنی بر ضرورت ارائه گزارش تخلفات، جلب می‌نماید. (۲۱) ضروری است با ممانعت از حضور عریضه نویسان در اطراف واحدهای قضایی و ساماندهی و کنترل آنها، نسبت به صدور مجوز فعالیت برای ایشان از سوی رؤسای واحدهای قضایی (مدیریت واحد ارشاد و معاضدت قضایی) اقدام گردد. (۲۲) مقتضی است روابط عمومی دادگستری‌های کل استانها و سازمانهای وابسته با برقراری تعامل مستمر با رؤسای واحدهای قضایی و رسانه‌ها (خاصه صدا و سیما) به نحوی اقدام نمایند که « محوریت پاسخ‌گویی و تکریم ارباب رجوع و عدالت محوری در دستگاه قضایی» مورد تأکید قرار گرفته و از طریق برگزاری همایشها و مصاحبه با صاحبنظران داخل و خارج از دستگاه قضایی، پیشرفتهای صورت گرفته و خدمات انجام شده در سالهای اخیر در نظام قضایی کشور معرفی گردد. همچنین زمینه تشویق و تشهیر کارکنانی که حسن خلق و تکریم و پاسخگویی مناسب به ارباب رجوع را سرلوحه رفتار خود قرار داده و به هر نحو در جهت پیشرفت قوه قضائیه تلاش می کنند را، فراهم نمایند. (۲۳) معاونت آموزش قوه قضائیه موظف است با هماهنگی مرکز حفاظت و اطلاعات کل قوه‌قضائیه و اداره کل روابط عمومی قوه قضاییه، کمیسیونی را تشکیل و اقدام به تهیه، تدوین و نشر اقلام تبلیغاتی اعم از تابلو، بروشور، پلاکارد و ... در جهت توجیه کارکنان و مراجعین نسبت به سوء جریانات و پیشگیری از وقوع جرم نماید. مسئولیت اجرای این دستورالعمل بر عهده مسئولین کلیه واحدهای قضائی و اداری اعم از ستاد و استانها و همچنین رؤسای سازمانهای وابسته قوه‌قضائیه می‌باشد. « مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه» و « دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته» موظفند از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این دستورالعمل، ماهانه گزارش کاملی از روند اجرایی آن در تمامی حوزه‌های قضای و ستادی قوه قضائیه اعلام نمایند. این دستورالعمل مشتمل بر ۲۳ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳۸۴ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی طرح جامع رفع اطاله دادرسی دستورالعمل شماره ۲ ساماندهی نظام ارجاع و دفاتر شعب دادگاهها و دادسراها و واحد ابلاغ و

استفاده از فرمهای استاندارد مقدمه در اجرای بندهای چهارم (تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز) و ششم (کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی و قطعیت احکام در زمان مناسب) و نهم (استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی) سیاستهای قضایی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و همچنین با توجه به بند اول از قسمت الف اهداف کلان برنامه پنج ساله دوم توسعه قضائی مبنی بر « ایجاد و توسعه نهادهای شبه قضائی (شوراهای حل اختلاف، داوری‌های الزامی، هیأت‌های اداری و صنفی رسیدگی به تخلفات، مؤسسات میانجیگری و پیشگیری از اختلاف) » و بند سوم از قسمت ج آن برنامه مبنی بر « تخصصی نمودن محاکم و استفاده از کارشناسان و مشاوران و متخصصان در هر بخش ، لازم است پس از تصویب و ابلاغ دستورالعمل شماره۱ رفع اطاله دادرسی که مشتمل بر ساماندهی امر « ارشاد و معاضدت قضائی و امور کارشناسان و وکالت اتفاقی و امور رابطین و استعلامات» بوده است، مرحله بعدی که موضوع « ارجاع » پرونده‌ها و ساماندهی و تشخیص صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده می‌باشد و علی‌القاعده هرگونه سوء تدبیر یا اشتباه در ارجاع، تراکم کار دادگستری و نتیجتا اطاله دادرسی را به دنبال خواهد داشت، مدنظر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، آنگاه که در پی دقت در فحوای دعوای وارده، ضرورت رسیدگی به آن در محکمه احساس گردیده و لزوم آغاز مراحل دادرسی در شعبه احراز می‌شود، باید توجه داشت که « نا آشنایی بعضی از مدیران دفاتر، منشیان و متصدیان خدمات اداری (ثبات و بایگان) با شرح وظایف خود » و « عدم رعایت مقررات آیین دادرسی » نیز می‌تواند به شدت در تطویل روند دادرسی مؤثر باشد که در راستای پیشگیری از مشکلات مذکور، ضروری است رؤسای واحدهای قضایی و قضات محترم، اهتمام بیش از پیش به مقوله ارجاع مبذول داشته و ضمن توجه به صلاحیت محکمه و صلاحیتهای نهادهای شبه قضائی (شصت نهاد شبه قضایی)، صرفا در صورت احراز صلاحیت دادگستری، دادخواستها و شکایات را قبول و ارجاع نموده و در صورت قبول دعاوی وارده، نظارت لازم را بر « توجه اعضاء دفتری به شرح وظایف خود »، « استفاده از فرمهای استاندارد برای طرح شکایات و دعاوی» و «کنترل مستندات و مدارك قانونی » اعمال نمایند. این دستورالعمل بنا بر تفکیك مشکلات و راهکارها در دو فصل جداگانه با عنوان « ساماندهی نظام ارجاع » و « ساماندهی دفاتر شعب دادگاهها و دادسراها و واحد ابلاغ و استفاده از فرمهای استاندارد » ارائه می‌گردد. ضمن تأکید مجدد بر مسئولیت قضات ذیربط در اجرای تمامی بخشهای دستورالعمل، ضرورت توجه دقیق کارکنان اداری محاکم بر اجرای فصل دوم را نیز متذکر می‌گردد: فصل اول ساماندهی نظام ارجاع در راستای اعمال سیاست « قضازدایی » و کاهش ورودی پرونده ها به محاکم، یکی از مهمترین ابزارهای موجود، توجه به سایر مراجع و تقویت نهادهای شبه قضائی است. در همین زمینه، دقت نظر در ماده ۱۰ آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب۱۳۷۹) و ضرورت تفسیر موسّع از این قانون و همچنین توجه به « صلاحیت‌های واحد اجراء ادارات ثبت »، « تشکیل دفتر نهادهای شبه قضایی در دادگستریها و دادسراها »، «تشکیل مجتمع قضایی ویژه دعاوی بانکها در مراکز استان »، «تقویت نهاد داوری » و « توجه به ارجاع تخصصی پرونده ها »، راهکارهایی است که ذیلا به تفصیل بیان گردیده و توجه دقیق در اجرای مفاد هر بخش ضروری می‌باشد: الف ـ توجه به صلاحیت دادگستری در زمان ارجاع ۱ـ نظر به اینکه مطابق ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که مقرر داشته « رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد » رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری اعم از دادگاههای نظامی، ویژه روحانیت، دیوان عدالت اداری و مراجع شبه قضایی (از قبیل: کمیسیونهای مالیاتی، هیأتهای حل اختلاف کار، شوراهای حل اختلاف و یا نهادهای داوری) واگذار شده از دایره شمول رسیدگی دادگاهها خارج است، لذا چنانچه موضوعی در صلاحیت مراجع مذکور و یا کمیسیونهایی مانند کمیسیون موضوع مواد ۱۰۰ و ۷۷ قانون شهرداری، ماده ۷۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲(۱) و ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه(۲) باشد، قضات محترم قبل از هرگونه اقدام و رسیدگی به موضوع، به صلاحیت ذاتی دادگستری توجه و در صورت مواجهه

با یکی از موارد فوق از ارجاع به شعب دادگاهها امتناع و در صورت ارجاع به شعب، با صدور قرار عدم صلاحیت، از رسیدگی امتناع نمایند. همچنین مقتضی است رؤسای واحدها و مجتمع‌های قضایی با نصب تابلویی در محل واحد ارشاد و معاضدت قضایی، لیست نهادهای شبه قضایی و وظایف و صلاحیت هر یک از آنها را به همراه توضیحات لازم و مزایای مادی و معنوی پیگیری از طریق این نهادها، در معرض دید مراجعین قرار دهند. جهت سهولت و سرعت در کار، فهرست عناوین نهادهای شبه قضایی که رسیدگی به عناوین اشعاری از وظایف آنها می‌باشد، به پیوست ارسال می گردد. (ضمیمه شماره۱) ب- تشکیل دفتر نهادهای شبه قضائی زیر نظر واحد ارشاد و معاضدت قضایی از آنجایی که اشخاص جهت طرح دعوی و شکایات خود در ساعتهای اداری به دادگستریها مراجعه می کنند و علیرغم اینکه بسیاری از اینگونه دعاوی قابلیت حل و فصل و رسیدگی در شوراهای حل اختلاف و دیگر نهادهای شبه قضایی را دارند، لیکن بعلت فعالیت این شوراها و کمیسیونها در بعد از ساعات اداری یا خارج از محل دادگستری، استفاده از آنها غیر ممکن و یا مشکل می گردد. علیهذا لازم است رؤسای محترم حوزه‌های قضائی در جهت تسریع و تسهیل در رسیدگی به دعاوی و اختلافات و به منظور تکمیل ظرفیت نهادهای شبه قضایی، به ویژه نهاد شوراهای حل اختلاف، دفتری زیر نظر واحد ارشاد و معاضدت قضایی دادگستریها و دادسراها، به همین نام تشکیل و اعضاء دفتر را مکلف نمایند شکایات و دادخواستهایی که به دلالت « معاونت ارجاع» مربوط به نهادهای شبه قضایی باشد، اخذ و ثبت و نسبت به ارسال آن به نهادهای شبه قضایی مربوط اقدام و همچنین راهنمائی لازمه را در جهت مراجعه به شوراهای تخصصی ویژه (مانند شوراهای حل اختلاف صنفی)، انجام دهند&(۱۷۷۹) ;ج ـ احاله پرونده‌های موضوع مواد ۹۲و ۹۳ قانون ثبت به واحد اجراء ثبت اسناد (اسناد لازم الاجراء) مطابق ماده۹۲ قانون ثبت اسناد « مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول، بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه، لازم الاجراء است ....» و همچنین مطابق ماده۹۳ «کلیه اسناد رسمی راجع به معاملات املاك ثبت شده مستقلا و بدون مراجعه به محاکم لازم الاجرا است.» و نیز برابر ماده۱۳۲ قانون مذکور، پرداخت هزینه اجرایی پس از وصول طلب موضوع اجرائیه و آنهم توسط مدیون تجویز گردیده است و ریاست محترم سازمان ثبت اسناد و املاك کشور در ارتباط با توسعه واحدهای اجراء ثبت، اقداماتی به عمل آورده است و با توجه به اینکه ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی در خصوص مجازات اشخاصی که به قصد فرار از دین اموالشان را به نحوی به دیگران منتقل می‌نمایند، شامل بدهکاران اجرائیه ثبتی هم می‌شود، معاونتهای ذیربط درداگستریها و مجتمع‌های قضایی (ارجاع) قبل از ارجاع پرونده های مشمول مواد ۹۲و ۹۳ قانون ثبت اسناد (اسناد رسمی لازم الاجراء یا اسناد در حکم آن، مانند چك و قراردادهای بانکی) به نحوی با اطلاع رسانی شفاف، سعی در متقاعد کردن دادخواه به مراجعه به واحدهای اجراء ثبت بنماید تا در صورت تمایل، به واحدهای موصوف مراجعه والا به تکلیف قانونی خود عمل کنند. بدیهی است قضات محترم دادگستری به آثار بسیار مثبت مراجعه به واحدهای اجراء ثبت وقوف کامل دارند که از جمله آن فوریت در صدور اجرائیه ـ جلوگیری از معامله به قصد فرار از دین به لحاظ طولانی نبودن رسیدگی ـ عدم پرداخت هزینه دادرسی و اجراء و طبعا کم کردن ورودی پرونده‌ها به محاکم و فرصت بیشتر برای رسیدگی به پرونده‌های مهم دیگر می‌باشد. شایسته است رؤسای محترم واحدهای ارشاد و معاضدت قضائی ترتیبی اتخاذ نمایند که مزایای اخیرالذکر بصورت تابلویی در معرض دید مراجعین قرار داشته و بدین نحو مراجعین را ارشاد نمایند. به پیوست فهرست مواردی که در صلاحیت واحد اجراء ثبت می‌باشد جهت ملاحظه ارسال می گردد. (ضمیمه دو) همچنین رؤسای محترم واحدهای قضایی لازم است شعبه یا شعبی را جهت رسیدگی فوق‌العاده به اعتراضات ثبتی و واحدهای اجرایی آن مشخص نمایند. د ـ شرط داوری مندرج در قرارداد با توجه به بند۶ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه& (۱۷۸۰) ;در قسمت امور قضایی)، مبنی بر « فراهم نمودن زمینه تشکیل نهادهای داوری غیر دولتی » و نظر به محسنات عدیده داوری در حل و فصل اختلافات، که از مهمترین آنها: « سرعت در رسیدگی »، «حل و فصل نهایی خصومت »، «پیشگیری از اختلافات بعدی »، «کم کردن ورودی پرونده‌ها » و « ارزان بودن رسیدگی برای اصحاب دعوی » است و نظر به

اینکه شـرط داوری در قراردادهـا مطـابق باب هفتم قانون آئین دادرسـی مـدنی و ماده ۱۰ قانون مدنی&(۱۷۸۱)، ;برای طرفین لازم الاجراء است، بر این اساس چنانچه یکی از طرفین برخلاف شـرط موصوف، راسا به دادگستری مراجعه نماید، ادعای وی قانونا قابل استعمال نیست. علیهـذا به واحـدهای ارجاع و قضات محترم محاکم تاکیـد می‌شود در آن دسته از دعاوی که موضوع آنها عقود و قرارداد است و « شـرط داوری » (برای مـوارد حـدوث اختلاف) در آن گنجانـده شـده باشـد، نسبت به این موضـوع توجه و اتخاذ تصـمیم نمایند. رؤسای دادگستریها موظفند تعدادی از کارشـناسان در امور مختلف را به عنوان داوران پیشـنهادی دادگستری در هر حوزه قضـایی گزینش و به تناسب کمیت و کیفیت کار، شـعبی از شوراهای حل اختلاف را جهت داوری در دعاوی که طرفین داور مشخصـی ندارنـد یا داور به نحوی از انحاء از انجام داوری امتناع می‌نمایـد اختصاص دهنـد، همچنین شـعب ویژه ای از دادگاهها را جهت رسیدگی به اعتراض آراء داوری و اجرای احکـام آنهـا تعیین کننـد. هـ ـ تشـکیل مجتمع ثبتی ـ قضایی ویژه دعاوی بانکها در تهران و مراکز استانهای پرجمعیت نظر به اینکه مطابق ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و ماده۲ اصلاحی قانون چک، اسناد و قراردادهـای بـانکی و چکهـای صادره بر عهـده بانکهای ایران، همگی در حکم اسـناد لازم‌الاجراء بوده و بـدون صـدور حکم، قابل اجراء در واحـدهای اجراء ثبت اسـناد می‌باشـد و بـا توجه به اینکه بسـیاری از پرونـده هـای حقوقی محـاکم دادگستری در خصوص مطالبـات بانکهـا می‌باشـد (که همگی دارای قراردادهـای رسـمی یـا عـادی در حکم اسـناد رسـمی لازم‌الاجرا هسـتند) و یا مطالبات اشخاص راجع به چک است که قابل اجراء در واحدهای اجراء ثبت است، علیهذا برای سرعت در احقاق حق اینگونه مطالبات و کم کردن ورودی پرونـده ها به محاکم، رؤسای کل دادگستریها مکلفنـد با تشـکیل شورای قضایی اسـتان به همراهی مـدیر کل ثبت هر اسـتان و بـا دعوت از مـدیران بانکهای مربوطه و فرمانـدهان نیروی انتظامی اسـتان، زمینه تشـکیل « مجتمع ویژه بانک » را با همراهی واحـدهای اجـراء ثبت و اسـتقـرار شـعبه یا شـعبی از دادگاهها ـ که صـرفا در جهت رسیدگی به اعتراض به نحوه صدور اجرائیه های ثبتی اقـدام می‌نماینـد ـ را فراهم کننـد. مضافـا آنکه، چنـانچه در هر یک از مراکز اسـتانها، امکان تأسـیس مجتمع قضائی ویژه بانک میسـر نباشد، رؤسای کل محترم با تخصـیص شـعب کافی در یکی از مجتمع‌های قضایی موجود، اجرای این بخش از دستورالعمل را محقق خواهند نمود. و: ارجاع تخصصـی پرونده ها به منظور جلوگیری از اطاله دادرسـی و در جهت تخصصـی شدن رسیدگی‌های قضـایی و رعایت دقیق ماده۴ قانون اصـلاح قانون تشـکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب۱۳۸۱) و ماده۴ آیین‌نامه اصلاحی قـانون مزبور، لازم است در دادسـراها و دادگاههـای عمومی و انقلاب و دادگاههای کیفری اسـتان و تجدیـد نظر اسـتان مطابق این دسـتورالعمل (در مـواردی که شـعب مربوطه در واحـد قضـایی، بـالغ بر ۳ شـعبه یا بیشتر باشـد) نسبت به ارجاع پرونـده‌ها به شـعب تخصصی اقدام شود. بنابراین رؤسای کل دادگستری موظفند ظرف یک ماه قضات مسئول شعب (دادسرا و دادگاه) مربوط را، با در نظر گرفتن تخصصـهای مشـروحه ذیل جهت صدور ابلاغ تخصصی به کمیسیون نقل و انتقالات قضات اعلام کنند: بخش اول: امور کیفری از قبیل ۱ـ قتل و ایراد صـدمات بدنی (عمد و شـبه عمد و خطای محض) ۲ـ سـرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و جرایم در حکم آنان و صدور چک بلامحل ۳ـ تخریب و احراق و نهب و غارت و اتلاف اموال ۴ـ جعل و استفاده از سند مجعول ۵ـ رشاء، ارتشاء، اختلاس، تصـرف غیر قانونی اموال دولتی و عمومی و جرایم در حکم آنان ۶ـ منافی عفت (دایر کردن اماکن فساد و ....) ۷ـ جرایم مربوط به امور پزشـکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ۸ ـ جرایم زیست محیطی و منابع طبیعی ۹ـ جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب بخش دوم ـ امور حقوقی از قبیل ۱ـ دعاوی بازرگانی و امور تجاری داخلی و بین‌المللی و داوریها ۲ـ دعـاوی مربـوط به اموال غیر منقول و روابط موجر و مسـتأجر دعـاوی مـربـوط به تقاضای ابطال آراء کمیسـیونها مانند کمیسـیون ماد ۱۲ قانون زمین شهری ۳ـ اعتراض به تصمیمات مراجع غیر دادگستری، امور ثبتی و مالکیت معنوی ۴ـ مطالبه وجه، ضمان قهری و قراردادها و اموال منقول ۵ ـ امور خانوادگی و امور حسبی فصل دوم سامانـدهی دفاتر شـعب دادگاهها و دادسـراها و واحد ابلاغ و اسـتفاده از فرمهای اسـتاندارد در راستای سیاست « رفع اطاله دادرسی » و اعمال توأمان سرعت و دقت در دادرسیها، ضروری است شاغلین محترم اداری

محاکم ضمن توجه دقیق به شرح وظایف سازمانی خود، نکات ذیل‌الذکر را نیز دقیقا مد نظر قرار داده و با بهره‌برداری از فرمهای استاندارد شده برای کلیه مراحل دادرسی، امکان تحقق سیاستهای جاری دستگاه قضایی را فراهم نمایند: الف: ضرورت توجه دقیق شاغلین اداری محاکم به انجام وظایف خود نظر به تصریح ماده ۱۴ قانون اصول تشکیلات عدلیه که « مدیران دفاتر »، « اجزای تحریر و ضبط و ثبت» (منشی، بایگان و متصدی امور دفتری) و « مأمورین احضار و اعلام و اجراء » را در معیت محاکم می‌داند، ضروری است متصدیان اینگونه مشاغل که نحوه انجام وظیفه ایشان تأثیر بسیار قابل توجه در تسهیل یا تأخیر در روند رسیدگی و دادرسی خواهدداشت، توجه دقیق نسبت به شرح وظایف قانونی خود اعمال داشته و با اجرای دقیق وظیفه‌های احصاء شده، زمینه تسریع در روند دادرسی را فراهم نمایند. ذیلا دستورالعملهای مربوط به این مشاغل بیان می‌گردد. لذا ضروریست متصدیان آنها ضمن توجه به شرح وظایف مصوب، نکات زیر را نیز مورد اهتمام جدی قرار دهند و مقامات قضایی نیز مکلف به نظارت می‌باشند: (الف ـ۱) ـ مدیر دفتر مکلف است علاوه بر وظایف مصرح قانونی نسبت به انجام موارد ذیل که در جهت کوتاه کردن فرایند رسیدگی است اقدام کند: ـ هزینه دادرسی و الصاق تمبر را محاسبه و طبق قانون (مواد۴۸ الی ۶۶ ق.آ.د.م) اقدام نمایند. ـ اوراق قضایی مانند احضاریه و اجراییه را صادر و برای ابلاغ ارسال کند و پس از ابلاغ، نحوه ابلاغ را بررسی و در خصوص نتیجه ابلاغ، دقت نماید. ـ کلیه مکاتبات وارده و صادر شده را پیگیری و از حصول نتیجه و احیانا علت عدم حصول نتیجه اطمینان حاصل نماید. ـ در پایان هر هفته، دفتر اوقات را کنترل نماید، بطوری که مشخص شود برای هر پرونده اقدام لازم انجام شده یا خیر؟ مواردی از جمله « صدور رای » و یا « تجدید وقت » لحاظ گردیده باشد و آخر هر هفته به نظر ریاست دادگاه برسد. ـ ضمن ضمیمه نمودن قبض سپرده (فیشهای بانکی) بابت دستمزد کارشناس یا تأمین خواسته و غیره، شماره فیش بر روی دادخواست قید شود که اگر فیش صادر شده و لیکن در پرونده دیده نشد، آنرا بیابند. ـ مراقبت نمایند به هنگام ارسال هر پرونده به مرجع دیگر، پس از شمارش اوراق، آنها را منگنه نموده، ضمن ممهور نمودن به مهر دفتر در ظهر اوراق و همچنین در آخرین برگ، با قید تعداد کل اوراق به مرجعی که باید فرستاده شود، ارسال شود. ـ هنگام لاک و مهر نمودن پرونده‌ها دقت شود نوشته‌ها یا شماره‌نامه ها مخدوش، محو و یا پنهان نگردد. (الف ـ۲) ـ منشی مکلف است علاوه بر وظایف قانونی خود موارد ذیل را انجام دهد: نهایت دقت را در تعیین اوقات دادرسی به عمل آورده و آنها را در دفتر اوقات ثبت و نتیجه رسیدگی را نیز منعکس نماید. ـ پس از امضاء رای توسط رئیس دادگاه، به فوریت مراتب را در دفتر احکام ثبت و در کوتاهترین زمان ممکن جهت تایپ و سپس ابلاغ به واحد مربوط ارسال نماید. ـ پرونده های زندانی‌دار را با نصب اتیکت مشخص نموده و اقدامات مربوط به آنها را به صورت ویژه و با اولویت نسبت به سایر پرونده ها به انجام رساند. ـ حسب مورد، نامه‌ها و مکاتبات مربوط به بازپرسی یا دادیاری و دادگاه را دریافت و برای ثبت در دفاتر ثبت عرایض کیفری، نیابت قضایی و تعیین اوقات اقدام نماید. ـ در آماده نمودن پرونده های تعیین وقت شده، نظارت داشته و پرونده های مربوط به هر روز را یک روز قبل به شعبه رسیدگی کننده (مقام قضایی) تحویل نماید. (الف ـ۳)ـ متصدی امور دفتری و بایگانی مکلف است علاوه بر وظایف معینه، نسبت به موارد ذیل اقدام نماید: پرونده‌ها را به محض انجام دستورات قضایی، بلافاصله در کارتن مخصوص خود ضبط و اکیدا از آشفتگی و ماندن آنها بر روی میز و احیانا بر روی کف اطاق خودداری نمایند. ـ رعایت نظم در اوراق پرونده‌ها (اعم از کیفری یا حقوقی) و تنظیم و ترتیب آنها را معمول دارد (اوراق جابجا نشود و برگ شماری گردد و هر یک از اوراق در جای خود قرار داشته باشد) (الف ـ۴) ـ مأمور ابلاغ مکلف است ضمن انجام وظایف مصرح قانونی، نکات ذیل را نیز به طور جدی مدنظر قرار داده و اجرا نمایند: ـ در اسرع وقت نسبت به ابلاغ اوراق قضایی و اعاده نسخ ثانی به اداره یا واحد ابلاغ مربوط اقدام نمایند. ـ چنانچه دستور قضایی صادره مبنی بر « ابلاغ واقعی » باشد، لازمست حتما نسبت به ابلاغ اوراق مربوط صرفا به شخص مخاطب اقدام گردد. ـ مقتضی است در اجرای دقیق مفاد ماده ۶۸ و دو تبصره ذیل آن و همچنین ماده۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) نهایت اهتمام را به عمل آورند. ـ مقتضی است نسبت به اجرای دقیق مفاد بندهای

سه گانه ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) که در خصوص ضرورت ذکر « نام و مشخصات خود به طور روشن و خوانا، نام کسی که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین اینکه چه سمتی نسبت به مخاطب اخطاریه دارد و محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز، ماه و سال با تمام حروف » می‌باشد، اقدام نمایند. که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین اینکه چه سمتی نسبت به مخاطب اخطاریه دارد و محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز، ماه و سال با تمام حروف می‌باشد، اقدام نمایند. ب ـ استفاده از فرمهای جدید و اصلاح فرمهای سابق (استاندارد شده) در جریان دادرسی اصلاح فرمهای موجود و همچنین تهیه فرمهای جدید که در واقع در راستای اجرایی‌تر شدن مقررات قانون آیین دادرسی، انجام یافته است، تأثیر به سزایی در سهولت طرح دعوی قانونی توسط خواهان و پیگیری موضوع و کنترل مرحله به مرحله دعاوی خواهد داشت، به نحوی که با اعمال این موارد نواقص موجود در پرونده به مرحله بعد منتقل شده و در همان مرحله اصلاح می‌گردد و از این طریق کاهش جدی در فرایند دادرسی حاصل خواهد شد. لذا لازمست رؤسای واحدهای قضایی منبعد با بهره‌برداری از فرمهای اصلاح شده و فرمهای جدید، نسبت به اجرای دقیق این دستورالعمل در حوزه قضایی مربوط به خود نظارت داشته باشند: (ب ـ ۱) ـ فرم دادخواست به دادگاه نخستین این فرم پیش از این نیز وجود داشته، لکن با برگزاری جلسات متعدد و بهره‌برداری از دیدگاههای صاحبنظران، خاصه مدیران کل دفاتر دادگاهها و مقامات قضایی نسبت به اصلاحات کلّی در فرم، اقدام شده است که مهمترین آنها بدین شرح می‌باشد (نمونه فرم، پیوست است): ـ جابجایی « محل آرم و نقش تمبر » و عبارات و تغییر در اندازه کادرها به منظور سهولت استفاده مراجعین. ـ تذکرات لازم به خواهان در ظهر فرم، جهت پیش بینی گواه و ارائه اطلاعات از سایر دعاوی به دادگاه و ... ـ پیش بینی « محل دستور دادگاه » و « جدول ثبت اوقات رسیدگی » با کادر مشخص و تعیین زمان دقیق اوقات. ـ پیش بینی یک « برگ مخصوص » جهت « ادامه شرح دادخواست » به جای ظهر فرمهای قبلی. (ب ـ۲) ـ فرم رسید دادخواست: با عنایت به اینکه روال جاری در دفاتر دادگاهها به این نحو است که مدیران دفاتر شعب در قبال وصول دادخواست، صرفا به ارائه شماره ثبت و تاریخ به تقدیم کننده، بسنده می‌نمایند و این امر بر خلاف ماده ۴۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی که تصریح نموده است: « مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آنرا ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید ...» می‌باشد لذا به منظور رفع این روال ناصحیح و ایجاد وحدت رویه، فرم رسید دادخواست (که پیوست می‌باشد) جهت بهره‌برداری کلیه دفاتر شعب قضایی معرفی می‌گردد. بدیهی است منبعد این فرم جایگزین کلیه رسیدهای متفرقه کنونی خواهدبود. (ب ـ۳) ـ فرم‌های کنترل صحت شرایط دادخواست به دادگاه «نخستین » و «تجدید نظر » (چک لیست) با عنایت به مفاد مواد ۴۹ تا ۶۰ قانون آیین‌دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب، به ویژه ماده۵۴، این قانون، اعمال صحیح و دقیق این مواد توسط مدیر دفتر دادگاه و نظارت بر آن توسط رئیس شعبه، یکی از مؤثرترین طرق رفع اطاله دادرسی است. در بعضی از مواقع، بدون رفع نقایص موجود در دادخواست، دادگاه دستور تعیین وقت رسیدگی را می‌دهد، که پس از حلول جلسه دادرسی، قاضی دادگاه متوجه نقایص دادخواست می‌شود و پس از مدت بعضا طولانی، مجددا باید پرونده به دفتر دادگاه عودت داده‌شود تا کاری که فرضا چند ماه پیش باید انجام می‌شد، انجام می‌گردد. در همین راستا، فرم‌های کنترل صحت شرایط دادخواست به دادگاه نخستین و تجدید نظر (چک لیست) ارائه گردیده است که مدیران دفاتر به سهولت و در کوتاهترین زمان ممکن، نواقص موجود در دادخواست را کنترل نموده و جهت رفع نقص به خواهان اطلاع دهند. تاثیر اعمال این فرم‌ها (پیوست) در کوتاه کردن فرایند دادرسی و جلب رضایت مراجعین قابل توجه است. فرم چک لیست تجدیدنظر به نحوی تنظیم گردیده است که امکان کشف نواقص پرونده اعم از مستندات و سوابق قبل از ارسال پرونده به دادگاه تجدید نظر نیز میسر خواهد شد. (ب ـ۴) ـ فرم خلاصه وضعیت پرونده حقوقی بسیاری از دعاوی حقوقی، در جلسه اول منجر به تصمیم نهایی نگردیده و به لحاظ ضرورت رسیدگی جامع تر، منتهی به جلسات دوم و سوم و ... می گردد و مقام قضایی

رسیدگی کننده، بالاجبار در شروع هر بار رسیدگی، ملزم به مطالعه کامل پرونده و محتویات آن، جهت اشراف بر موضوع خواهد بود. فرم خلاصه وضعیت پرونده حقوقی، که پیوست می‌باشد فرمی است که با الصاق آن بر روی پرونده، اجمالی از روند رسیدگی، نظریات کارشناسان، مراجع، مستندات و تصمیمات جلسات قبلی را شامل خواهدبود. بهره گیری از چنین فرمی، تأثیر به سزایی در افزایش سرعت رسیدگی و بهبود عملکرد قضات خواهد داشت. (ب ـ ۵) ـ فرم دادخواست تجدید نظر این فرم نیز از فرمهای اصلاح شده است که با اصلاح برخی عبارات و کلمات، نسبت به پیش بینی جدول لازم جهت تسلیم دادخواست به شعب یا دفاتر زندان اقدام گردیده و همچنین عین مفاد قوانین مرتبط با امر تجدید نظرخواهی (از قانون آیین دادرسی کیفری و از قانون آیین دادرسی مدنی) که جهت خواهان قطعا کارگشا خواهد بود، در ظهر همین فرم پیش بینی شده است. این فرم نیز پیوست می‌باشد. (ب ـ۶) ـ فرم دادخواست فرجام خواهی فرم مذکور نیز که پیوست می‌باشد، جهت فرجام خواهی از شعب دیوانعالی کشور، تهیه گردیده و ضمن اصلاحات لازم در ابعاد و کادرها و رفع نقایص، مستندات قانونی لازم و مرتبط با فرجام خواهی (بالغ بر ۱۲ ماده قانونی) جهت راهنمایی فرجام خواه در ظهر فرم پیش بینی و همچنین محلی برای درج مشخصات ابلاغ فرم نیز در نظر گرفته شده است. (ب ـ ۷) ـ فرم شکواییه ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، تصریحا نکاتی را که می‌بایستی در شکواییه افراد به دادسراها رعایت شود، احصاء نموده است. لذا با عنایت به این ماده، فرمی با عنوان فرم شکواییه تهیه گردیده است که کلیه مستندات و اطلاعات لازم جهت ارائه یک شکایت قانونی به مرجع قضایی در آن پیش بینی گردیده است. فرم مذکور پیوست می‌باشد. ب ـ ۸ ـ فرم خلاصه وضعیت پرونده دادسرا پس از وصول شکایت فرد و مستندات ضمیمه آن، مقام قضایی مستقر در دادسرا، نسبت به بررسی و تحقیق و جمع آوری دلایل و گزارش ضابطین و پزشکی قانونی و سایر مراجع اقدام نموده و حسب وضعیت، قرار مقتضی یا کیفرخواست را صادر می‌نماید. نظر به ویژگی خاص پرونده های دادسرا، عمدتا پرونده، آمده و شد مکرر داشته و لذا لازمست خلاصه‌ای از این اقدامات متعدد به صورت یکجا، جهت اشراف مقام قضایی رسیدگی کننده و نظارت مقام قضایی بر محتوای کلّی موضوع، ارائه شود فرم مذکور که پیوست می‌باشد، چنین نقشی را ایفا خواهد کرد. ب ـ ۹ـ فرم خلاصه پرونده کیفری دادگاه این فرم نیز چنانکه در موارد پیشین ذکر شد، به منظور سهولت و سرعت اطلاع قضات بر ماوقع پرونده ها و تصمیمات قبلی و وضعیت شاکی و مشتکی عنه تدوین گردیده است و نسخه‌ای از آن پیوست می‌باشد. مسئولیت اجرای این دستورالعمل به عهده رؤسای کل دادگستریها و سازمان ثبت اسناد و املاک و معاونتهای ارجاع و دیگر مقامات قضایی ذیربط می‌باشد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمودهاشمی شاهرودی (ضمیمه یک) فهرست نهادهای شبه قضائی صلاحیت رسیدگی نهادهای خاص ۱ـ اتحادیه‌های صنفی و کمیسیونهای مربوط به قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲. ۲ـ سازمان تعزیرات حکومتی. ۳ـ شعبه حقوقی تحقیق اداره اوقاف موضوع ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه. ۴ـ شورای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی. ۵ ـ کمیسیون رسیدگی به شکایات جانبازان موضوع ماده ۱۶ قانون تسهیلات جانبازان مصوب۱۳۷۴. ۶ ـ کمیسیون کفالت نظام وظیفه موضوع ماده ۲۸ قانون نظام وظیفه. ۷ـ مراجع حل اختلاف مالیاتی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم. ۸ ـ مرجع رسیدگی به شکایت کارفرمایان درخصوص مطالبات حق بیمه موضوع قانون سازمان تأمین اجتماعی. ۹ـ هیأت تشخیص و حل اختلاف قانون کار. ۱۰ـ هیأت حل اختلاف امور گمرکی موضوع ماده ۵۰ قانون گمرک. ۱۱ـ هیأت حل اختلاف ثبت احوال موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال. ۱۲ـ هیأت نظارت بر مطبوعات موضوع قانون مطبوعات. داوری در قوانین موضوعه ۱ـ داوری قانون آئین دادرسی مدنی. ۲ـ داوری موضوع قانون بیمه و آئین‌نامه‌های آن. ۳ـ داوری اتحادیه و اتاق تعاونیها. ۴ـ داوری قانون صنایع و معادن. ۵ ـ داوری قانون بورس اوراق بهادار. ۶ ـ داوری واگذاری سهام شرکتهای دولتی (موضوع ماده۲۰ قانون برنامه سوم توسعه) امور اراضی و آب ۱ـ شورای اصلاحات ارضی. ۲ـ کمیسیون تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغها. ۳ـ کمیسیون قانون توزیع عادلانه آب. ۴ـ کمیسیون قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه. ۵ ـ کمیسیون

ماده ۳۴ قانون جنگلها و مراتع با اصلاحات بعدی. ۶ ـ کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع با اصلاحات بعدی. ۷ـ کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری. ۸ ـ مرجع تشخیص اراضی موات خارج از محدوده شهرها. ۹ـ هیأت نحوه خرید و تملک اراضی مورد نیاز دولت و شهرداریها. ثبت اسناد و املاک ۱ـ اداره ثبت (صلاحیت واحد اجرای ثبت در صدور اجرائیه ثبتی و رئیس ثبت در مقام رسیدگی به اعتراض افراد نسبت به عملیات مأمورین اجراء ثبت) ۲ـ هیأت نظارت و شورای عالی ثبت. ۳ـ هیأت حل اختلاف ثبتی موضوع مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت. ۴ـ هیأت حل اختلاف ثبتی موضوع ماده ۱۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه. ۵ ـ افراز و فروش املاک مشاع. کمیسیونهای شهرداری ـ کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورایعالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱. ـ کمیسیون ماده ۵۵ و ۷۷ قانون شهرداریها. ـ کمیسیونهای ماده ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون شهرداریها. اقدامات سازمانها و نهادها در برخی مسائل حقوقی ۱ـ اقدامات اولیه وزارت بهداشت قبل از مراجعه به دادگاه (موضوع ماده ۱۳ قانون بهداشت) ۲ـ حل اختلاف بین دستگاههای اجرایی راجع‌به املاک و مستغلات (کمیسیون مستقر در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) ۳ـ رفع تجاوز به اراضی مستحدث و ساحلی. ۴ـ سازمان حفاظت محیط زیست در مقام جلوگیری از آلودگی هوا. ۵ ـ شهرداری در مقام رفع سد معبر. ۶ ـ وزارت راه در مقام رفع مستحدثات غیرمجاز. ۷ـ وزارت کار در جریمه کارفرمایان (به کارگیری اتباع بیگانه) ۸ ـ وزارت نیرو در رفع مزاحمت و ممانعت از مستحدثات غیر مجاز آب و برق. ۹ـ هیأت حل اختلاف و رسیدگی به انحراف شوراهای اسلامی از وظایف قانونی. (ضمیمه دو) موارد صلاحیت واحد اجراء ثبت ۱ـ صدور اجرائیه راجع‌به مطالبه مهریه‌های موضوع سند ازدواج. ۲ـ صدور اجرائیه جهت چکهای بلامحل مربوط به بانکهایی که در حوزه مناطق ثبتی مربوطه واقع شده‌اند. ۳ـ رسیدگی و اظهارنظر نسبت به کلیه اعتراضات واصله از ادارات تابعه اجراء، نسبت به عملیات اجرائی با رعایت مواد ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۶۰ و سایر مواد آئیننامه اجرائی مفاد اسناد رسمی: ۴ـ بررسی و صدور اجرائیه جهت وصول مطالبات سازمان آب موضوع مادتین ۲۵۷ و ۲۵۸ آئیننامه اجرائی مفاد اسناد رسمی و وصول هزینه خدمات مشترک آپارتمان موضوع ماده ۱۰ مکرر قانون تملک آپارتمانها با رعایت ماده ۲۴۲ آئیننامه اجرای مفاد اسناد رسمی. ۵ ـ بررسی و صدور اجرائیه قبوض اقساطی که مدت آنها منقضی شده و ادامه عملیات اجرائی تا ختم پرونده. ۶ ـ بررسی و صدور اجرائیه اسناد ثبت نشده که قانون‌گذار آنان را در ردیف اسناد رسمی لازم‌الاجرا تلقی نموده و سازمان ثبت مکلف به اجرای آن می‌باشد مانند وصول عوارض شهرداری موضوع تبصره ماده ۱۳ قانون نوسازی و عمرانی شهری و ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها براساس مادتین ۲۴۳ و ۲۴۴ مفاد آئین‌نامه اجرای اسناد رسمی. ۷ـ صدور اجرائیه جهت وصول مطالبات ارتش جمهوری اسلامی ایران در مورد محکومیت‌های نقدی موضوع ماده ۲۵۹ آئیننامه اجرای اسناد رسمی و با رعایت ماده ۴۲۵ قانون دادرسی و کیفری ارتش. ۸ ـ صدور اجرائیه در مورد اسناد عادی شرکتهای تعاونی روستائی و اتحادیه‌های تعاونی روستائی و شرکتهای تعاونی کشاورزی صیادی و عشایری موضوع ماده ۲۵۶ آئیننامه اجرای مفاد اسناد رسمی و ماده واحده مصوب ۲/۲/۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی. ۹ـ صدور اجرائیه آراء صادره از طرف هیأت داوران ماده ۱۸ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۴۵. ۱۰ـ بررسی و صدور دستور تخلیه اماکن مورد اجاره که به علت انقضاء مدت و یا بدلیل عدم پرداخت مال‌الاجاره صادر شده و یا تخلیه مورد معامله پرونده‌های اجرائی. ۱۱ـ بررسی و رسیدگی و صدور اجرائیه قبوض وثیقه انبارهای عمومی موضوع ماده ۲۴۱ آئین‌نامه. ۱۲ـ اجرای مفاد اسناد رسمی مستند به ماده ۱۰ تصویبنامه انبارهای عمومی مصوب ۲/۱۰/۱۳۴۰ و ماده ۱۴ آئین‌نامه انبارهای عمومی. ۱۳ـ بررسی و صدور اجرائیه نسبت به قراردادهای تنظیمی بین بانکها و مشتریان در اجرای ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و تعقیب عملیات اجرائی تا ختم پرونده. ۱۴ـ بررسی و اقدام در مورد کلیه عملیات اجرائی مربوط به اجرائیه‌های صادره اسناد رهنی، شرطی ضمانتی وذمه. ۱۵ـ صدور دستور کسر حقوق بدهکاران پرونده‌ها به حسابداری ادارات یا کارخانجات یا سازمانهائی که بدهکار در آنجا مشغول به خدمت است. ۱۶ـ انجام مزایده و حراج اموال منقول و غیرمنقول مورد وثیقه که طبق قانون بایستی از طریق حراج یا مزایده بفروش برسد. (ضمیمه سه) لیست اسامی اتحادیههای صنفی (جدول) (ضمیمه چهار) برگ

دادخواست به دادگاه نخستین (فرمها)

بخشنامه به رؤسای کل محترم دادگستری استان‌های سراسر کشور – ۴ ۹ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۸۶۶۳/۸۵/۱ـ۱/۱۱/۱۳۸۵ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می گردد. مستشار دیوانعالی کشور ـ مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای کل محترم دادگستری استان‌های سراسر کشور پیرو بخشنامه شماره ۱۱۷۷۷/۸۴/۱ مورخ ۱۴/۹/۱۳۸۴ و به منظور سهولت و تسریع در جریان امور و جلوگیری از هر گونه وقفه در انجام مأموریت‌های قانونی محوله، به رؤسای کل دادگستری استان‌های سراسر کشور تفویض اختیار می‌شود تا در خصوص: ۱ـ تعیین عضو قضائی، موضوع مواد ۲۶ و ۲۸ قانون تأسیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳/۴/۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی. ۲ـ تعیین عضو قضائی، موضوع ماده۴۴ قانون تأمین اجتماعی (اصلاحی ۲۷/۷/۱۳۷۶ مصوب مجلس شورای اسلامی) اقدام نمایند. مدت ابلاغ احکام صادره برای اعضای منتخب یک سال می‌باشد و مقتضی است رؤسای کل محترم رونوشت احکام صادره را جهت اطلاع و ضبط در سابقه، به دبیرخانه کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال نمایند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای دادگستری استانهای سراسر کشور ۲۱ ۱۲ ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۱۷۰۸۳/۸۴/۱ ـ ۲۱/۱۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای دادگستری استانهای سراسر کشور موضوع: تفویض اختیار با توجه به اجرای قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی در سراسر کشور و به منظور سهولت در کار و جلوگیری از بروز وقفه در انجام مأموریت‌های محوله مطابق با قانون، به رؤسای کل دادگستری استانهای سراسر کشور تفویض اختیار می‌شود تا نسبت به صدور ابلاغ مأموریت برای قضات استان مربوطه در هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر موضوع ماده ۷۲ قانون نظام صنفی اقدام نمایند. بدیهی است مدت ابلاغ صادره برای اعضاء منتخب یکسال بوده و لازم است رونوشت احکام مزبور جهت اطلاع و ضبط در سابقه به دبیرخانه کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال گردد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور – مصوب ۱۳۸۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره۱۷۹۸۸/۸۵/۱ـ ۱۶/۱۰/۱۳۸۵ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور پیرو بخشنامه شماره م/۱/۶۷۶۳ـ ۲۲/۴/۱۳۷۴ در مورد اسکناس‌های مجعول: به منظور تمرکز آمار و اطلاعات و بررسی‌های فنی و تخصصی و نیز تکمیل آرشیو جعل اسناد بانکی اقتضاء دارد در مواردی که مراجع قضایی به موضوع اسکناس‌ها و چک‌های مسافرتی مجعول رسیدگی می‌نمایند، پس از طی مراحل قضایی به جای صدور دستور امحای آنها اسناد مجعول را به همراه نتیجه رسیدگی، مستقیم به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال و تحویل نمایند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای تمامی واحدهای قضایی سراسر کشور – ۱۷ ۱۰ ۱۳۸۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۸۱۰۵/۸۵/۱ ـ ۱۷/۱۰/۱۳۸۵ ریاست محترم قوه قضائیه جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای تمامی واحدهای قضایی سراسر کشور نظر به این که مطابق ماده ۳۸ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن کلیه دستگاههای اجرایی و مراجع ذیصلاح مکلفند پس از ضبط مواد مخدر و نیز اسلحه و مهمات و انواع مواد منفجره آنها را بلافاصله به ترتیب و حسب مورد به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (واحد نظامی محلی) تحویل داده تا تحت نظارت نماینده دادستان محل و نماینده تام‌الاختیار سازمان نگهداری و پس از ضبط قطعی به فروش رسانده شود و درصورت لزوم نیز بنا به تشخیص مراجع ذیربط معدوم گردد. با توجه به این که نگهداری مواد مخدر ضبط‌شده، علاوه بر این که موجب مشکلات عدیده برای دادگستری‌ها از حیث اشغال فضا و نکات امنیتی گردیده، از نظر مسایل بهداشتی نیز باعث انتشار انواع بیماری‌ها می‌شود، به رؤسای تمامی واحدهای قضایی تأکید می‌گردد بلافاصله پس از اتخاذ تصمیم مبنی بر ضبط مواد اشعاری وفق ماده مرقوم و بند الف آن اقدام نمایند. بدیهی است درصورت عدم اقدام به موقع مسؤولین ذیربط، مطابق مقررات با متخلف رفتار خواهد شد. رؤسای دادگستری‌ها مسؤول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه می‌باشند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به معاونین، رؤسای سازمانهای تابعه، رؤسای دادگستری‌ها و دادستان‌های سراسر کشور، مدیران حوزه

رئیس محترم هیئت‌مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۸۶۶۲/۸۵/۱ـ۱/۱۱/۱۳۸۵ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور ـ مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی بخشنامه به معاونین، رؤسای سازمانهای تابعه، رؤسای دادگستری‌ها و دادستان‌های سراسر کشور، مدیران حوزه‌های ستادی نظر به تصریح اصول ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۶۰ قانون اساسی و قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب سال ۱۳۷۸ که تصویب تشکیلات قضایی و اداری قوه قضائیه و همچنین استخدام کارکنان قضایی و اداری موردنیاز و پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضائیه و سازمانهای وابسته آن به هیئت وزیران را از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه دانسته است و در جهت حفظ استقلال دستگاه قضایی در تمامی شئوون و جلوگیری از تجزیه و تضعیف آن و نیز به منظور جلوگیری از بروز برخی از مسائل و مشکلات اجرایی و امکان برقراری تعامل منطقی و شایسته با مبادی خارج از قوهٔ قضائیه، اینگونه امور ضرورتاً می‌بایستی به صورت متمرکز در ستاد قوه قضائیه از طریق « معاونت اول» و « معاونت اداری و مالی» صورت پذیرد و اقدام مستقیم هر یک از بخشهای قوه قضائیه در طرح، مذاکره و تأمین نیازمندیهای مذکور از مبادی خارج از دستگاه قضایی نه تنها موجبات سلب استقلال قوه قضائیه و تضعیف آن را فراهم می‌نماید، بلکه ناهماهنگی و عدم تمرکز در مدیریت دستگاه را نیز به دنبال خواهدداشت و از ایجاد ارتباط درخور و شایسته با متولیان امور اجرایی کشور ممانعت خواهدنمود. لذا ضروری است تمامی ارکان و بخشهای قوه قضائیه اعم از صف و ستاد و سازمانهای وابسته، هرگونه نیازمندی خود اعم از بودجه و اعتبارات و نیروی انسانی و تشکیلات مورد نیاز را صرفاً از طریق مبادی مسئول در ستاد قوه قضائیه ـ ضمن معرفی نمایندگان مطلع و با تجربه به واحدهای ذی‌ربط ـ تأمین نمایند. بدیهی است اجرای مفاد این بخشنامه، مانع از برقراری فضای مفاهمه و همکاری با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بهره‌مندی از ظرفیتها، امکانات و مقدورات آن سازمان نخواهدبود. مسئولیت نظارت بر حُسن اجرای این بخشنامه بر عهده « معاون اول قوه قضائیه» و « معاون اداری و مالی قوه قضائیه» می‌باشد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای محترم کل دادگستری‌های سراسر کشور – ۲۹ ۶ ۱۳۸۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۶۹۳۱/۸۶/۱ـ ۲۹/۶/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به رؤسای محترم کل دادگستری‌های سراسر کشور موضوع: ابلاغ نمونه مکاتبات شماره ۱و۲ پیوست دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث پیرو نامه شماره ۶۲۵۶/۸۶/۱ـ ۵/۶/۱۳۸۶ به منظور یکسان‌سازی و اجتناب از مکاتبات متفاوت بین دادگستری‌ها و شرکت‌های بیمه، دو نمونه مکاتبات تهیه شده شامل نمونه شماره۱؛ مختص استعلام و ارسال مدارک مستندات لازم از سوی دادگستری به شرکت بیمه و نمونه شماره۲؛ مختص پاسخ شرکت‌های بیمه به دادگستری‌ها برای تأیید اصالت بیمه‌نامه و میزان تعهد شرکت بیمه در پرداخت خسارت به حادثه دیدگان ابلاغ می‌گردد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی پیوست نمونه شماره۲ دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث (پاسخ شرکت‌های بیمه به استعلام مرجع قضائی) بسمه تعالی (آرم شرکت مربوطه) دادیار محترم شعبه .... دادسرای عمومی و انقلاب .... موضوع: پرونده کلاسه: .... با احترام، بازگشت به نامه شماره .... مورخ .... به استحضار می‌رساند بیمه‌نامه شخص ثالث به شماره .... خریداری شده از این شرکت دارای اعتبار از تاریخ .... تا تاریخ .... با حداکثر تعهد خسارت بدنی به مبلغ ، فوت و نقص عضو هر سرنشین خودرو مقصر و هزینه درمان هر سرنشین خودرو و مقصر می‌باشد. غرامت خسارت وارده با عنایت به شرایط و ضوابط حاکم بر بیمه‌نامه صادره، به جز استثنائات قانونی مندرج در بندهای ذیل، قابل رسیدگی و پرداخت خواهدبود. استثنائات: ۱ـ بیمه‌گذار، مالك یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه، (بند الف، ماده۲ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷)، ۲ـ همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه‌ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسئول حادثه باشد. (بند ج، ماده۲ قانون بیمه اجباری شخص ثالث)، مگر اینکه به صورت اختیاری خریداری شده باشد که تعهد شرکت بیمه برابر با شرایط مندرج در بیمه‌نامه خواهدبود. همچنین رعایت کاربری وسیله نقلیه (موضوع ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶)، رعایت ظرفیت مجاز براساس بیمه‌نامه یا کارت خودرو (موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷)، اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه (موضوع ماده ۵ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷) و شرایط گواهینامه مقصر حادثه (موضوع ماده ۵ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷) در نوع تعهد بیمه، مبلغ قابل پرداخت و حق استرداد خسارت‌های پرداخت شده از راننده مقصر حادثه تعیین کننده خواهدبود. بدیهی است برابر استثنائات قانونی اشاره شده، پرداخت قسمتی یا کل خسارت منوط به اخذ تعهد وثیقه بازپرداخت از مقصر حادثه خواهدبود. شرکت سهامی بیمه .... پیوست نمونه شماره ۱ دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث (استعلام مرجع قضائی از شرکت‌های بیمه) شرکت بیمه ....؛ شعبه/ نماینده مستقر در استان .... /شهر .... حسب گزارش پاسگاه/ حوزه انتظامی .... در تاریخ .... ساعت .... حادثه رانندگی منجر به جرح ? فوت ? در محل .... اتفاق افتاده است. مقصر حادثه آقای/ خانم ....به شماره شناسنامه .... محل تولد .... محل صدور .... متولد...............کد ملی .... دارای گواهینامه پایه .... به شماره .... محل صدور .... تاریخ صدور ....، راننده خودرو ....، به شماره شهربانی .... بیمه‌نامه شماره ....

آن شـرکت را که تا تاریخ .... اعتبار دارد ارائه نموده‌است. مقتضـی است ضـمن بررسـی مدارک پیوست، نسبت به تأیید اصالت بیمه‌نامه و سقف تعهدات آن حداکثر ظرف مدت ۲روز کاری پس از دریافت این استعلام اعلام نظر گردد. ۱ـ اسامی حادثه دیدگان خودروی طرف مقصر: (نام، نام خانوادگی، مجروح یا متوفی، نسبت با راننده مقصر) ۲ـ اسامی حادثه دیدگان طرف مقابل: (نام، نام خانوادگی، مجروح یا متوفی) فهرست مـدارک پیوست: ۱ـ اصل کارت، سـند خودرو و گواهینامه مقصر حادثه و زیاندیده (درصورتیکه زیاندیده، راننده وسیله نقلیه آسیب دیده باشد). ۲ـ اصل شناسنامه مصدوم حادثه. ۳ـ کروکی افسر کاردان فنی و نظریه نهایی کارشناس رسمی دادگستری مبنی بر مقصر بودن راننده اتومبیل مورد بیمه. ۴ـ گزارش اولیه و نهایی حوزه انتظامی محل وقوع حادثه. ۵ ـ اوراق بازجویی طرفین پرونـده. ۶ ـ گواهی پزشـک قـانونی راجع به علت فوت (در مورد متوفی). ۷ـ برگ معاینه جسد و جواز دفن و خلاـصه رونوشت وفات (در مورد متوفی). ۸ ـ اعلام نظر پزشـکی قانونی در خصوص صدمه و جرح مصدوم حادثه (در صورت تعدد گواهی، تمام گواهی‌ها). ۹ـ گواهی انحصار وراثت (در مورد متوفی). دادیار شعبه ....

بخشنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور – ۳۱ ۶ ۱۳۸۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسـمی کشور با احترام تصویر بخشـنامه شماره ۶۹۷۳/۸۶/۱ـ ۳۱/۶/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشـنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور براساس بررسی‌های به عمل آمده عدم رعایت بعضی از مقررات قانونی و نکات لازم‌الرعایه در رسیدگی‌ها موجبات نقض تعداد قابل توجه آرای صادره توسط دادسـتانی کل و دیوان عالی کشور و اطاله رسیدگی‌ها و تضییع حقوق متهمین را فراهم آورده است لذا برای اجتناب از ادامه روند مزبور ضـروری است: ۱ـ در اجرای مـاده هشت آیین‌نـامه اجرایی قـانون اصـلاح قانون مبارزه با مواد مخـدر مصوب سال۱۳۷۷ کلیه مـواد مخـدر مکشــوفه مورد آزمـایش قرار گرفتـه و نوع آن تعیین شود. ۲ـ بـا توجه به اینکه تعیین درصـد خلوص مواد مخـدر مکشوفه و صـدور حکم براسـاس آن، مسـتنبط از ماده هشت آیین‌نامه اجرایی مزبور، تبصـره ماده یک قانون اصـلاح قانون مبارزه با مواد مخـدر مصوب سـال ۱۳۷۶ نـاظر بر مـواد ۲ تـا ۶ تصویبنـامه راجع‌به فهرست مواد مخـدر مصوب سـال ۱۳۳۸ هیئت وزیران با اصـلاحات بعـدی آن، تبصـره ماده سه قانون مربوط به مواد روان‌گردان (پسیکوتروپ) فاقـد وجاهت قانونی می‌باشد و لازم است با توجه به صدق عرفی مواد، صرفاً براساس میزان دقیق آن (بدون لفاف و پوشش) تعیین مجازات شود مگر آن‌که متهم مدعی مخلوط بودن آن با مواد خارجی شـده یا دلایل و قرائن کافی بر اختلاط مواد با مواد خارجی وجود داشـته باشـد که در این صورت به لحاظ ضرورت حفظ دماء، میزان مواد خارجی مخلوط تعیین و با کسر آن از وزن مواد مخدر مکشوفه نسبت به باقیمانده رسیدگی و تعیین مجازات شود. ۳ـ براسـاس تکلیف مقرر در بنـد ج ماده ۱۴ قـانون اصـلاح قانون تشـکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ جلسـات دادرسـی با حضور دادسـتان یا نماینـده وی تشـکیل شـده، پس از اسـتماع و انعکاس نظریات و مـدافعات دادسـتان یا نماینـده او، صورتجلسـات دادگـاه با ذکر نام به امضای نماینـده حاضـر در جلسه برسـد. در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران و رأی وحدت رویه شماره ۲۸/۶/۶۳ ـ ۱۵ هیـأت عمومی دیوان عالی کشور و ماده واحـده مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسـی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ و تبصره آن و نیز ماده ۲۲ آیین‌نـامه اجرایی قـانون اصـلاح قانون مبارزه با مواد مخـدر مصوب سال ۱۳۷۷ در کلیه مواردی که مجازات قـانونی مقرر حبس ابـد یا اعـدام می‌باشـد. الف ـ بـدواً به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید. ب ـ در صورت عجز متهم از تعیین وکیـل نسبت به تعیین وکیـل تسـخیری اقـدام گردد. ج ـ در سایر موارد، در صورت درخواست متهم، وکیل تسـخیری تعیین و قبل از محاکمه، فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد. د ـ تعیین یک وکیل تسـخیری، برای دو یا چنـد متهم در یک پرونده به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است. ۵ـ در راستای اجرای دقیق مواد ۲۸ و

۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ و مواد ۱۳ و ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، از طریق کمیته شناسایی اموال، نسبت به شناسایی کلیه اموال متهمین و تعیین مشخصات دقیق اموال مصادره شده و نیز مستثنیات آن در حکم یا حکم اصلاحی اقدام شود. دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات مسئول نظارت بر اجرای صحیح این بخشنامه می‌باشند.

رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور – ۳ ۷ ۱۳۸۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۶۹۷۳/۸۶/۱ـ ۳۱/۶/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور براساس بررسی‌های به عمل آمده عدم رعایت بعضی از مقررات قانونی و نکات لازم‌الرعایه در رسیدگی‌ها موجبات نقض تعداد قابل توجه آرای صادره توسط دادستانی کل و دیوان عالی کشور و اطاله رسیدگی‌ها و تضییع حقوق متهمین را فراهم آورده است لذا برای اجتناب از ادامه روند مزبور ضروری است: ۱ـ در اجرای ماده هشت آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال۱۳۷۷ کلیه مواد مخدر مکشوفه مورد آزمایش قرار گرفته و نوع آن تعیین شود. ۲ـ با توجه به اینکه تعیین درصد خلوص مواد مخدر مکشوفه و صدور حکم براساس آن، مستنبط از ماده هشت آیین‌نامه اجرایی مزبور، تبصره ماده یک قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ ناظر بر مواد ۲ تا ۶ تصویبنامه راجع‌به فهرست مواد مخدر مصوب سال ۱۳۳۸ هیئت وزیران با اصلاحات بعدی آن، تبصره ماده سه قانون مربوط به مواد روان‌گردان (پسیکوتروپ) فاقد وجاهت قانونی می‌باشد و لازم است با توجه به صدق عرفی مواد، صرفاً براساس میزان دقیق آن (بدون لفاف و پوشش) تعیین مجازات شود مگر آن‌که متهم مدعی مخلوط بودن آن با مواد خارجی شده یا دلایل و قرائن کافی بر اختلاط مواد با مواد خارجی وجود داشته باشد که در این صورت به لحاظ ضرورت حفظ دماء، میزان مواد خارجی مخلوط تعیین و با کسر آن از وزن مواد مخدر مکشوفه نسبت به باقیمانده رسیدگی و تعیین مجازات شود. ۳ـ براساس تکلیف مقرر در بند ج ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ جلسات دادرسی با حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده، پس از استماع و انعکاس نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او، صورتجلسات دادگاه با ذکر نام به امضای نماینده حاضر در جلسه برسد. در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رأی وحدت رویه شماره ۲۸/۶/۶۳ ـ ۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و ماده واحده مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ و تبصره آن و نیز ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ در کلیه مواردی که مجازات قانونی مقرر حبس ابد یا اعدام می‌باشد. الف ـ بدواً به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید. ب ـ در صورت عجز متهم از تعیین وکیل نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام گردد. ج ـ در سایر موارد، در صورت درخواست متهم، وکیل تسخیری تعیین و قبل از محاکمه، فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد. د ـ تعیین یک وکیل تسخیری، برای دو یا چند متهم در یک پرونده به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است. ۵ـ در راستای اجرای دقیق مواد ۲۸ و ۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ و مواد ۱۳ و ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، از طریق کمیته شناسایی اموال، نسبت به شناسایی کلیه اموال متهمین و تعیین مشخصات دقیق اموال مصادره شده و نیز مستثنیات آن در حکم یا حکم اصلاحی اقدام شود. دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات مسئول نظارت بر اجرای صحیح این بخشنامه می‌باشند.

رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به دادستان کل کشور ــ رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور – ۱۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۷۱۳۷/۸۶/۱ـ ۳/۷/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور با آن که به موجب ماده ۴۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی «وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.» اطلاع حاصل شد که احد از وکلای دادگستری با اعلام اشتباه نسبت به رأیی که به‌مناسبت شغل قضایی سابق خود در یکی از پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی صادر کرده بود، زمینه طرح مجدد آن را در مراجع قضایی فراهم کرده‌است! از آنجا که توسل به چنین اقداماتی، تخلف از قانون و سبب بی اعتباری احکام سابق‌الصدور می‌گردد، لزوماً خاطرنشان می‌گردد که در نظایر مورد چنانچه وکیلی به مناسبت مشاغل قضایی سابق خود در پرونده‌ای اظهارنظر یا حکمی صادر کرده‌باشد برای همیشه از قبول وکالت در آن موضوع ممنوع است. بنابراین در صورت مشاهده هرنوع تخلفی از وکلای دادگستری یا وکلاء و مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مراتب اعلام گردد تا اقدام مقتضی به عمل آید. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور – ۲۳ ۸ ۱۳۸۶

بخشنامه به دادستان کل کشور ـ رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور – ۱۵ بخشنامه به دادستان کل کشور ـ رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور ۱۵ ۷ ۱۳۸۶ مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام؛ تصویر بخشنامه شماره ۷۴۲۴/۸۶/۱ ـ ۱۵/۷/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به دادستان کل کشور ـ رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور نظر به ضرورت توسعه حمایت‌های حقوقی و قضایی ایرانیان خارج از کشور و تحقیق در امور مربوط به وکالتنامه‌های تنظیمی در نمایندگی‌ها و جلوگیری از بروز مشکلات در زمینه احراز صحت و سقم اسناد، مقرر است ظرف سه ماه از تاریخ صدور این بخشنامه دادستان کل کشور با استعلام از مراجع ذیربط، مشخصات دقیق افراد ممنوع المعامله را بصورت رسمی اعلام و در خصوص رفع اثر از بخشنامه‌های ۱۱۵۸۲/۱۵۰، ۹۱/۱۱۷۹۴/۶۸/۱۴۰ ـ ۲۸/۱۱/۱۳۶۸ ـ ۹۲/۱۷۲۷۶/۷۳/۱۴۰ ـ ۱۳/۹/۱۳۷۳ صادره از سوی دادستان وقت کل انقلاب اسلامی اقدام نماید. بدیهی است کلیه واحدهای ذیربط به ویژه وزارت اطلاعات همکاری لازم را خواهند داشت. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی

بخشنامه به کلیه مراجع قضایی ۲۹ ۸ ۱۳۸۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۹۰۵۷/۸۶/۱ ـ ۲۹/۸/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به کلیه مراجع قضایی به منظور ساماندهی نحوه اخذ محکومیت‌های مالی تقسیط‌شده، مقتضی است، در مواردی که مطابق حکم صادره تأدیه دین اعم از بدهی، مهریه، دیه و...... به نحو اقساط صورت می‌پذیرد، در موارد تمایل ذینفع و معرفی شماره حساب توسط وی ضمن هماهنگی با واحد اجرای احکام، اقساط بدهی در تاریخ مقرر به حساب مزبور واریز و رسید آن جهت نظارت به واحد اجرا ارائه گردد. واحدهای اجرای احکام موظفند یکی از کارکنان خود را جهت تنظیم امور اداری و پرداخت به موقع اقساط موضوع این بخشنامه معین نمایند. مسوولیت حُسن اجرای این بخشنامه به عهده رؤسای واحدهای قضایی می‌باشد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستری استان‌ها – مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسـمی کشور با احترام تصویر بخشـنامه شماره ۹۴۲۸/۸۶/۱ ـ ۱۰/۹/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسـال می گردد. بخشـنامه به رؤسـای کـل دادگستری اسـتان‌ها بنا بر پیشـنهاد سازمان زنـدانها و اقـدامات تأمینی و تربیتی کشور، به رؤسای کل دادگستری استانها تفویض اختیار می گردد تا در موارد لازم بتواننـد به محکومان زندانی که کمتر از ۶ مـاه به پایـان محکومیت آن بـاقی مانـده است و یـا کمتر از دو میلیون تومـان جریمه دارنـد هر دو هفته یکبـار به اعطای مرخصـی به زندانیان مذکور اقدام نمایند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های سراسر کشور – ۲۶ ۹ ۱۳۸۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسـمی کشور با احترام تصویر بخشـنامه شماره ۹۹۲۴/۸۶/۱ـ ۲۶/۹/۱۳۸۶ ریـاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می گردد. رؤسای کل دادگستری‌های اسـتان‌های سراسـر کشور به منظور تسـهیل و تسریع در جریان امور و جلوگیری از هرگونه وقفه در انجـام مأموریت‌هـای محوله، به رؤسای کل دادگسترهای اسـتان‌های کشور تفویض اختیار می‌شود که در اجرای مقررات بنـد یـک ماده ۲۳ و بنـد الف ماده ۲۴ قانون کانون کارشـناسان رسـمی دادگستری مصوب ۱۸/۱/۱۳۸۱ نسبت به انتخاب عضو حقوقـدان مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کارشـناسان و صـدور ابلاغ مأموریت برای قضات واجـد شـرایط اسـتان مربوطه اقـدام نماینـد. لازم است رونوشت احکام مزبور جهت اطلاع و ضبط در سابقه به دبیرخانه کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال گردد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ محسن محدث

بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور – ۱۳ ۱۱ ۱۳۸۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۱۴۵۹/۸۶/۱ مورخ ۱۳/۱۱/۱۳۸۶ ریاست قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسـال می‌گردد. بخشـنامه به مراجع قضـایی سراسـر کشـور نظر به اهمیت و لزوم رعـایت مقررات و قوانین آیین دادرسـی، بالاخص در زمینه‌هـای تعقیب، احضـار و جلب اشـخاص و نیز قواعـد مربوط به صـلاحیت‌های ذاتی، نسبی و محلی مراجع قضـایی، چگـونگی اعطـاء و اجرای نیابت‌هـای قضـایی کـه از متفرعـات بحـث صـلاحیت مراجـع قضـایی اسـت و بـا تـوجه بـه این که برخی گزارشـهای رسـیده حکایت از تشـتت و تنوع رویه‌ها در مورد « نیابت‌های قضایی» دارد و از طرفی، اعطای نیابت‌های مبهم، مجمل و کلی و مشـتمل بر نواقص، علاوه بر صـرف هزینه‌های زیاد و اتلاف وقت، موجبات سـرگردانی صاحبان دعاوی و ارباب رجوع و در نتیجه اطـاله دادرسـی را فراهم می‌آورد، بنـابراین ضـمن تـذکر لزوم رعـایت قوانین و مقررات مربوط از سوی کلیه مراجع و مقامـات قضـایی معطی و مجری، بر اعمـال دقیـق موارد و نکـات ذیـل تأکیـد می‌شود: ۱ـ در تنظیم برگ اعطـای نیـابت قضایی، ضـمن درج مشـخصات و نشـانی دقیق و کامل طرفین پرونـده و شـهود، می‌بایست نام و سـمت قاضـی معطی نیابت بطور دقیق ذکر شود و سـپس توسـط وی، برگه مزبور امضـا و مهر گردد. ۲ـ مراجع معطی نیـابت، در ارسـال برگ نیـابت به حوزه قضـایی موردنظر، دقت لازم را معمـول دارنـد تـا از ارسال آن بـه مرکز اسـتان که بـاعث طولانی‌شـدن زمـان اجرای نیـابت می‌شـود، جلـوگیری گردد. لازم اسـت حوزه‌هـای قضـایی که برگ اعطای نیابت اشـتباهاً به آن واحـد واصل گردیـده است، اوراق مربوطه را بـدون عودت به مرجع معطی نیابت، رأساً به حوزه قضایی مجری نیابت ارسال نمایند و رونوشت آن نیز به مرجع معطی نیابت جهت اطلاع و پی گیری داده شود تا موجب اطاله رسیدگی نگردد. ۳ـ ضـروری است ضـمن پرهیز از اعطای نیابت‌های مبهم، مجمل، کلی و ناقص، هر یک از اقـداماتی که می‌بـایست توسـط مرجع مجری نیابت معمول گردد، بطور روشن و خوانا و دقیق با ذکر جزئیات کامل در برگ اعطای نیابت قید

گردد و همچنین دلایـل مجرمیت متهم به صورت دقیق و مشـخص احصاء و در مواردی که اوراقی از پرونـده نیاز به ملاحظه قاضـی مجری نیابت باشد، رونوشت آنها پیوست گردد. ۴ـ در تنظیم برگ اعطای نیابت قضایی، می‌بایست اختیارات قانونی تفویض شده با توجه به موارد خواسته به صورت کامل واگـذار گردد تا از مکاتبه مجدد بین مرجع مجری با مرجع معطی نیابت جلوگیری شود. ۵ ـ از تقاضـای جلب و اعزام تحت‌الحفظ متهم بـدون تفهیم اتهام و صـدور قرار تأمین خودداری گردد و از جلب و احضار افراد، بـدون تـوجه اتهـام و دلایـل کـافی پرهیز بـه عمـل می‌آیـد. همچنیـن در مـورد محکـومین آراء غیـابی، دادنـامه غیـابی ضـمیمه گردد. ۶ ـ درخصوص تقاضای مربوط به ممنوع‌الخروج و استرداد مجرمین، با توجه به وظایف دادستانی کل کشور و اداره حقوقی قوه قضائیه، حسب مورد اقدام گردد. ۷ـ در مواردی که متهمین موضوع نیابت بیش از یک نفر باشـند و راجع به یکی از متهمین اقـدامات نیابتی کامـل گردد و یا پس از تحقیق و اخـذ تأمین از متهم، وجود اوراق نیابت جهت ادامه تحقیقات دیگر ضـروری باشـد، قاضـی مجری نیـابت موظف است، اوراق نیـابت را تفکیـک و در مورد متهمی که نسبت به وی تحقیقات انجام و تأمین اخـذ گردیـده است، فوراً اوراق مربوط را به همراه متهم موصوف به مرجع معطی نیابت اعاده و اعزام نماید و در هیچ شـرایطی مدت بازداشت وی بیش از ۴۸ ساعت نشود. ۸ ـ نیابت‌های صادره می‌بایست با اسـتفاده از نمابر (فاکس) ارسال شود و در جهت تضمین صحت و اصالت آن، مدیر دفتر حوزه قضـایی یـا جانشین طرف گیرنـده بایـد بـا درج مشـخصات خود و امضـاء ذیـل اوراق نیابت، مراتب را تأییـد نمایـد و در غیراینصورت ماننـد ضـرورت اعزام مأمور ضابط به همراه پرونده و غیره، حداکثر ظرف ۳ روز پرونده موضوع نیابت به مرجع مجری نیابت ارسال گردد. ۹ـ با توجه به اینکه در حوزه قضایی تهران، امور نیابت در مجتمع ویژه نیابت متمرکز گردیـده است، لازم اسـت تمـامی مکاتبـات بـا موضوع نیـابت از طریق نشانی کامل به همراه شـماره نمابر (فاکس) که متعاقباً از طریق دادگستری اسـتان تهران اعلام خواهدشد، به‌عمل آید: رؤسای حوزه‌های قضایی و دادسـتان‌ها مسئول نظارت بر حُسن اجرای این بخشنامه هستند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

دستورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه – ۹ ۱۱ ۱۳۸۶

بخشـنامه به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های سراسر کشور – ۲۶ ۹ ۱۳۸۶ مدیرعامل محترم روزنامه رسـمی کشور به پیوست « دسـتورالعمل ارزیابی عملکرد دادگسـتری‌ها، حـوزه‌های سـتادی و سازمان‌های وابسته قوه قضاییه» به منظور درج در روزنامه رسمی و اعلاـم نتیجه به حضور ارسـال می‌گردد. دسـتورالعمل ارزیـابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های سـتادی و سازمان‌های وابسـته قوه قضائیه در راسـتای بررسـی و ارزیابی برنامه‌ها و اقـدامات انجام شده در قوه قضائیه و شـناخت چالش‌ها و تنظیم سـیاست‌های نوین و جهت‌گیری فعالیت‌ها به منظور نیل به اهداف برنامه‌ها، دسـتورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضـائیه به شـرح زیر تصویب می‌گردد: ماده۱ـ اصـطلاحات به کـار برده شـده در این دسـتورالعمل به شـرح ذیل تعریف می‌گردد: الف ـ عملکرد: نتایـج حاصـل از انجـام وظایف و فعالیت‌ها. ب ـ ارزیابی: فرآینـد سـنجش، ارزش‌گـذاری و قضاوت. ج ـ شاخص: مشـخصه‌ای که در انـدازه‌گیری ورودی‌ها، فرآینـدها، سـتاده‌ها و یا پیامـدها مورداسـتفاده قرار می‌گیرد. د ـ اسـتاندارد: حد مطلوب تعیین شده برای سنجش شاخص‌های ارزیابی عملکرد. هـ ـ اقتصادی بودن: استفاده بهینه از امکانات و منابع. ماده۲ـ هدف از ارزیابی عملکرد عبارتست از سـنجش، ارزش‌گذاری و قضاوت درخصوص عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های سـتادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه براساس قوانین و مقررات و شرح وظایف و برنامه‌های مصوب با رویکرد معیارهای اثربخشی، کارآئی، اقتصادی و اخلاقی بمنظور ارتقای کیفیت خـدمات و نیل به اهـداف قوه قضائیه. ماده۳ـ عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های سـتادی و سازمان‌های وابسته قوه قضـائیه به شـرح زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: الف ـ کلیات ۱ـ مجری دسـتورالعمل: اداره کل پیگیری امور اسـتان‌ها و سازمان‌هـای وابسـته قوه قضائیه. ۲ـ اهـداف: تهیه گزارش وضـعیت موجود نظـام قضـائی کشور و ارزیـابی دادگستری‌هـا، حوزه‌های

ستادی و سازمان‌های وابسته براساس میزان اجرای سیاست‌های قضائی. ۳ـ دوره مورد بررسی: از ابتدای فروردین تا پایان اسفند. ۴ـ زمان اجرا: به صورت فصلی (سه ماهه) و جمع‌بندی سالانه. ۵ ـ نحوه اجرا: گزارش گیری، بررسی و بازرسی براساس شاخص‌های استاندارد. ۶ ـ نحوه کنترل : بازرسی میدانی در طول سال دوره مورد بررسی و سه ماهه اول سال بعد از دوره. ۷ـ بهره‌بردار: حوزه ریاست، معاونین قوه قضائیه، رؤسای سازمان‌های وابسته و حوزه‌های ذیربط. ب ـ ابعاد عمومی ب۱ـ نظام مدیریتی ۱ـ مدیریت راهبردی. ۲ـ مدیریت منابع انسانی. ۳ـ ساختار (تشکیلات، قوانین و مقررات). ۴ـ بهبود سیستم‌ها و روش‌های انجام کار. ۵ـ بهره گیری از فن آوری‌های اداری. ۶ ـ قانونگرائی. ب۲ـ شهروند مداری. ۱ـ شناخت نیازها. ۲ـ تطابق کیفیت خدمات با نیازها. ۳ـ انتظارات ارباب رجوع. ج ـ ابعاد اختصاصی ۱ـ میزان تحقق سیاست‌های محوری قوه قضائیه ـ فعالیت‌های پیشگیرانه از جرم. ـ نحوه اجرا یا میزان پیشرفت برنامه‌های جامع و عملیاتی قوه قضائیه. ـ نحوه اجرا یا میزان پیشرفت برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور. ـ اقدامات منتهی به کاهش وارده پرونده به محاکم. ـ اقدامات منتهی به افزایش مختومه پرونده در محاکم. ـ اقدامات منتهی به کاهش ورودی زندانی و زندانیان موجود. ـ اقدامات منتهی به کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها از زمان تشکیل پرونده تا مختومه‌شدن آن در مرجع قضائی. ـ توسعه کیفی شوراهای حل اختلاف. ـ کاهش موارد نقض پرونده‌ها در مراجع قضائی، تجدیدنظر و دیوانعالی کشور. ـ کاهش زمان اجرای احکام صادره. ۲ـ عملکرد دادگستری‌ها با توجه به میزان تحقق سیاست‌های محوری، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها ـ وضعیت ستاد مبارزه با جرایم خاص. ـ وضعیت شورای قضائی استان. ـ وضعیت دفتر امور زندانیان. ـ وضعیت برگزاری ملاقات‌های مردمی رئیس کل دادگستری. ـ وضعیت دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان. ـ وضعیت ضابطین استان. ـ اقدام در راستای حفظ حقوق شهروندی. ـ وضعیت واحدهای ارشاد و معاضدت. ـ تخصصی نمودن و مکانیزاسیون رسیدگی. ـ وضعیت حفاظت از بیت‌المال و منابع طبیعی. ـ اقدامات انجام شده در رابطه با دستورالعمل‌های رفع اطاله دادرسی. ـ بررسی کیفیت آراء محاکم. ۳ـ عملکرد حوزه‌های ستادی ـ ارزیابی عملکرد براساس شرح وظایف قانونی. ـ ارزیابی عملکرد براساس قوانین و برنامه‌های توسعه کشور. ـ ارزیابی عملکرد براساس برنامه‌های توسعه قضائی. ۴ـ عملکرد سازمان‌های وابسته قوه قضائیه ـ ارزیابی عملکرد براساس شرح وظایف قانونی. ـ ارزیابی عملکرد براساس قوانین و برنامه‌های توسعه کشور. ـ ارزیابی عملکرد براساس برنامه‌های توسعه قضائی. ۵ ـ میزان موفقیت دادگستری‌ها در اجرای سیاست‌های محوری، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها. ۶ ـ میزان موفقیت حوزه‌های ستادی براساس شرح وظایف قانونی. ۷ـ میزان موفقیت سازمان‌های وابسته براساس شرح وظایف قانونی. ماده۴ـ فرآیند تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد به شرح زیر است: الف ـ تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد در ابعاد عمومی: شاخص‌های ارزیابی عملکرد عمومی براساس ابعاد و محورهای قوه قضائیه و شهروندمداری با همکاری مراجع و حوزه‌های ذیربط توسط اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته تهیه و پس از تصویب رئیس قوه قضائیه به دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته به ابلاغ و ملاک ارزیابی قرار خواهدگرفت. ب ـ تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد در ابعاد اختصاصی: شاخص‌های ارزیابی عملکرد اختصاصی براساس ابعاد و محورهای مذکور در بند ج ماده۳ این دستورالعمل، با همکاری حوزه‌های ذیربط توسط اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته و با نگرش به قوانین و برنامه‌های توسعه کشور و برنامه‌های عملیاتی توسعه قضائی، احکام خاص مندرج در قوانین بودجه، قوانین و مصوبات خاص قوه قضائیه و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره دولتی و قوه قضائیه با هماهنگی و همکاری دستگاهها و حوزه‌های ذیربط تهیه و پس از تصویب رئیس قوه قضائیه به دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته ابلاغ و ملاک ارزیابی قرار خواهدگرفت. ماده۵ ـ معاونت‌ها، حوزه‌های ستادی مستقل، سازمان‌های وابسته و دادگستری کل استان‌ها براساس اعلام اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه همکاری لازم را معمول خواهند داشت. ماده۶ ـ این دستورالعمل در ۶ ماده در تاریخ۱۲/۸/۱۳۸۶ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا می‌باشد. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام به پیوست آئین‌نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه‌قضائیه که به تصویب ریاست محترم قوه‌قضائیه رسیده‌است جهت اطلاع ارسال می‌گردد. آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه الف ـ کلیات ماده۱ـ به منظور هماهنگی و تمرکز در سیاست‌ها، ایجاد هماهنگی در برنامه‌های کلان و تلفیقی اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه و در راستای برنامه دوم توسعه قضایی، « آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه» به شرح مواد آتی تصویب می‌شود. ماده۲ـ تعاریف: ۲ـ۱ـ قوه‌قضائیه: شامل بخش‌های ستادی و استانی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه‌قضائیه ۲ـ۲ـ نظام اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه: مجموعه‌ای از فرآیندهای برنامه‌ریزی، فراهم‌آوری، پردازش و نشر اطلاعات، پشتیبانی، نظارت، ارزیابی و کنترل آن و ارتباطات فی‌مابین. ۲ـ۳ـ روش‌های اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی به یکی از روش‌های شفاهی، مکتوب، مجازی (الکترونیکی)، سایر روش‌ها و یا ترکیبی از آن‌ها انجام خواهدشد. الف ـ اطلاع‌رسانی شفاهی (گفتاری): از طریق اعلام نظر، موضع و خبررسانی از طریق انجام مصاحبه با رسانه‌ها و یا به صورت مستقیم برای جمعی از افراد انجام می‌شود. ب ـ اطلاع‌رسانی مکتوب: شامل اعلام‌نظر، موضع و خبررسانی به صورت نوشتاری و از طریق انتشار نشریات ادواری و غیر ادواری، بولتن‌های خبری و گزارش‌های عملکرد می‌باشد. ج ـ اطلاع‌رسانی مجازی: اعلام نظر، موضع و خبررسانی از طریق فضای سایبر و یا استفاده از برخی نوآوری‌های تکنولوژیک نظیر sms را در برگیرد. د ـ سایر روش‌های اطلاع‌رسانی: شامل همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی و امثالهم است. ۲ـ۴ـ اطلاع‌رسانی ویژه (اطلاعات و اخبار ویژه): ارائه و نشر اطلاعات و اخبار ویژه شامل هرگونه طرح موضوع قبل از اقدام پیشگیرانه یا تعقیب قضایی اشخاص، از جمله پرونده‌های موضوع تبصره ذیل ماده۴ (الحاقی ۲۸/۷/۱۳۸۱) و ماده۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و مواد ۴۹۸ تا ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، پرونده‌های ملی، حساس و مهم و پرونده‌هایی که ممکن است بازتاب داخلی یا بین‌المللی داشته باشد و نیز در ارتباط با اتباع خارجی. البته با رعایت قوانین و مقررات مربوط به محرمانه بودن مطالب. ۲ـ ۵ ـ موضوعات اطلاع‌رسانی: سیاست‌ها و برنامه‌های قوه‌قضائیه، عملکرد قوه‌قضائیه، اخبار قضایی، پاسخ‌ها و مواضع رسمی قوه‌قضائیه در قبال موضوعات داخلی و بین‌المللی، اطلاعات پایه و عمومی حقوقی و قضایی. ۲ـ۶ ـ دوره اطلاع‌رسانی: الف ـ فوری (بدون فوت وقت): در موارد اطلاع‌رسانی ویژه و یا برحسب نیاز مسؤولین ذیربط. ب ـ دوره‌ای (روزانه، هفتگی، ماهانه، ...): اهم رخدادها، اخبار، گزارش عملکرد در چارچوب وظایف تشکیلاتی، قضایی و تخصصی هر بخش. ج ـ موردی: هرگونه گزارش برحسب نیاز مخاطبین در چارچوب آئین‌نامه اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۲ـ۷ـ مخاطبین نظام اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه: الف ـ مخاطبین درون قوه‌قضائیه (۱ـ رئیس قوه‌قضائیه، ۲ـ مسؤولان و مدیران عالی قوه‌قضائیه، ۳ـ قضات ۴ـ نخبگان حقوقی و خبرگان قضایی قوه‌قضائیه ۵ ـ کارکنان قوه‌قضائیه، ۶ ـ عوامل خبری قوه‌قضائیه) ب ـ مخاطبین محیطی ـ کشوری (بیرون قوه‌قضائیه) (۱ـ رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲ـ سران قوای مجریه و مقننه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ۳ـ مدیران عالی کشور (وزرا، نمایندگان مجلس، سفرا، ...) ۴ـ آیات عظام و فقها، نخبگان حقوقی و فقهی ۵ ـ مسؤولین و کارشناسان موضوعی، اشخاص مرتبط مانند وکلا، کارشناسان، خبرگان محلی ۶ ـ صنوف، احزاب، نهادهای مدنی ۷ـ شهروندان ۸ ـ عوامل خبری و سایر). ج ـ مخاطبین محیطی ـ بین‌المللی (۱ـ سران و مقامات سایر کشورها، ۲ـ مسؤولان و مقامات سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای ۳ـ کارشناسان و متخصصان بین‌المللی ۴ـ سازمان‌ها و نهادهای مدنی مرتبط، ۵ـ عوامل خبری و سایر). ۲ـ ۸ ـ حوزه جغرافیایی نظام اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه: محدوده اطلاع‌رسانی شامل موارد زیر است: الف ـ استان تهران (به عنوان مرکز اصلی فعالیت مدیران و مسؤولان عالی کشور و محل رسیدگی به پرونده‌های مهم قضایی). ب ـ سایر استان‌های کشور. ج ـ کشورهای اسلامی، کشورهای آسیایی، سایر کشورهای جهان. ۲ـ۹ـ اطلاعات طبقه‌بندی شده: اسناد و مطالبی است که به موجب قانون و « آئین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن

نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱/۱۰/۱۳۵۴» به چهاردسته محرمانه، خیلی محرمانه، سرّی و به کلی سرّی تقسیم شده‌است.» ۲ـ۱۰ـ عوامل خبری: افرادی هستند که به صورت مجاز از موضوعات خبری گزارش، فیلم، عکس و نوار تهیه و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند. ۲ـ۱۱ـ مسؤول اطلاع‌رسانی ویژه: فردی است که از سوی رئیس قوه‌قضائیه برای اخذ اطلاعات ویژه و انعکاس فوری آن به ایشان، تعیین می‌گردد. ۲ـ۱۲ـ مسؤول اطلاع‌رسانی داخلی: فردی است که از سوی بالاترین مقام تمامی بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه در سطوح سازمانی قوه‌قضائیه، به عنوان مسؤول اطلاع‌رسانی حوزه ذیربط به دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه، معرفی می‌شود. ب ـ ارکان نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه ماده۳ـ ارکان نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه به شرح زیر است: ۱ـ شورای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۲ـ دبیرخانه شورا. ۳ـ کمیته مرکزی هماهنگی شورا. ۴ـ کمیته‌های تخصصی شورا شامل: ۴ـ۱ـ کمیته ارتقای مدیریت و نظارت (مأموریت اصلی: توسعه مدیریت و منابع نظام اطلاع‌رسانی و توسعه علمی، پژوهشی و فناوری‌های نو و روزآمد. ۴ـ۲ـ کمیته ارتقای اطلاع رسانی (مأموریت اصلی: ارزیابی فرایند اطلاع‌رسانی و ارتقای کمی و کیفی اطلاع‌رسانی). ۴ـ۳ـ کمیته فرهنگ‌سازی و توسعه مشارکت‌ها (مأموریت اصلی: ارتقای سطح دانش حقوقی و قضایی جامعه، و توسعه تعامل و مشارکت مردم، مسؤولان، خبرگان، رسانه‌ها و نهادهای ذیربط). ۵ ـ کمیته‌های اطلاع‌رسانی استانی. ۶ ـ واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی تابعه. تبصره ـ تمامی فرآیندها و اقدامات اجرایی توسط واحدهای سازمانی ذیربط در قوه‌قضائیه انجام می‌شود و واحدهای مذکور موظف به اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب شورای اطلاع‌رسانی می‌باشند. ماده۴ـ اعضای « شورای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه» به شرح زیر است: ۱ـ رئیس شورا. ۲ـ سخنگوی قوه‌قضائیه (دبیر شورا). ۳ـ رئیس حوزه ریاست قوه‌قضائیه. ۴ـ رئیس سازمان بازرسی کل کشور. ۵ـ معاون حقوقی و توسعه قضایی. ۶ـ معاون آموزش. ۷ـ رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی. ۸ـ دبیر ستاد حقوق بشر. ۹ـ رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه‌قضائیه. ۱۰ـ رئیس کل دادگستری استان تهران. ۱۱ـ دادستان عمومی و انقلاب تهران. تبصره۱ـ رئیس شورای اطلاع‌رسانی توسط رئیس قوه‌قضائیه تعیین می‌شود. تبصره۲ـ جلسات شورای اطلاع‌رسانی حداقل هر ۳ماه یکبار تشکیل می‌شود. تبصره۳ـ دبیر شورا می‌تواند بر حسب مورد از مسوولان قضایی و نمایندگان سایر نهادهای کشور دعوت به عمل آورد. ماده۵ ـ وظایف و اختیارات شورای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه به شرح زیر است: ۱ـ تدوین و بازنگری برنامه راهبردی اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۲ـ بررسی و تصویب مفاهیم، تعاریف، مقررات، آیین‌نامه‌های اطلاع‌رسانی مورد نیاز. ۳ـ ایجاد تمهیدات لازم برای اجرای طرح جامع اطلاع‌رسانی و تسهیل، تسریع و توسعه فرآیند برنامه‌ریزی، فراهم‌آوری، پردازش و ساماندهی و نشر اطلاعات. ۴ـ بررسی و تصویب طرح‌ها، برنامه‌ها و بودجه‌های اطلاع‌رسانی. ۵ ـ ایجاد زمینه‌های لازم برای اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی، حقوقی و قضایی جامعه و مردم. ۶ ـ ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه تعامل و مشارکت مردم، مسؤولان، خبرگان، رسانه‌ها، نهادهای ذیربط. ۷ـ ایجاد تمهیدات لازم برای توسعه علمی و پژوهشی اطلاع‌رسانی. ۸ ـ ایجاد تمهیدات لازم برای بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات و سایر فناوری‌های نو در نظام اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۹ـ ایجاد تمهیدات لازم برای هماهنگی، ساماندهی و توسعه روابط عمومی‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۱۰ـ ایجاد تمهیدات لازم برای توسعه منابع انسانی، منابع مالی، مدیریت و برنامه‌ریزی، استانداردها، امکانات و تجهیزات اطلاع‌رسانی. ۱۱ـ نظارت، ارزیابی و کنترل عالی نظام اطلاع‌رسانی و روابط عمومی‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه از طریق دبیرخانه شورا و کمیته‌های آن. ماده۶ ـ وظایف و اختیارات دبیرخانه شورا: ایجاد ساختار و تشکیلات لازم دبیرخانه. تنظیم پیش‌نویس طرح‌ها و برنامه‌های شورا. تنظیم دستور جلسات شورا. تنظیم صورت‌جلسات شورا. پیگیری مصوبات شورا. مستندسازی فعالیت شورا و کمیته‌ها. انجام امور اداری و عمومی شورا و کمیته‌ها. تنظیم گزارش‌های دوره‌ای و موردی از عملکرد شورا و کمیته‌ها و ارائه به شورا. تبصره۱ـ دبیر شورا، مسؤولیت پیگیری مصوبات شورا و اداره دبیرخانه را بر عهده دارد. دبیر شورا می‌تواند با هماهنگی رئیس شورا، یک نفر را به عنوان مدیر هماهنگی اجرایی (یا رئیس دبیرخانه شورا) تعیین و انجام امور اجرایی و اداره دبیرخانه را به وی

تفویض نماید. تبصره۲ـ دبیر شورا موظف است تـا حـداکثر ظرف یک ماه، ساختار و تشکیلات دبیرخانه شورا را تهیه برای تصویب به رئیس شورا ارائه نماید. تبصره۳ـ دبیر شورا موظف است تا حداکثر در هر ۳ماه، گزارش جامعی از اقدامات دبیرخانه و کمیته‌های شورا، تهیه و به ریاست شورا ارائه نمایـد. ماده۷ـ اعضای کمیته مرکزی هماهنگی شورای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه عبارتنـد از: ۱ـ دبیر شـورای اطلاع‌رسـانی بـه عنـوان رئیس کمیته. ۲ـ دبیر کمیتـه بـه انتخـاب دبیر شـورای اطلاع‌رسـانی. ۳ـ مـدیرکل روابـط عمـومی و اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۴ـ مـدیرکل امور فرهنگی و اجتماعی قوه‌قضائیه. ۵ ـ مـدیران کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان‌های تابعه و دانشکده علوم‌قضایی و خدمات اداری. ۶ ـ نمایندگان اطلاع‌رسانی حوزه‌های سـتادی و معاونت‌های قوه‌قضائیه، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، دادستان کل کشور، وزارت دادگستری، دادسرا و دادگاه انتظامی قضات، دادگستری کل استان تهران، حفـاظت و اطلاعات قوه‌قضائیه. ۷ـ یکی از معـاونین دادسـتان به عنوان نماینـده اطلاع‌رسانی دادسـرای تهران. ۸ ـ دو نفر از مـدیران مسؤول یا سـردبیران نشـریات قوه‌قضائیه به انتخاب رئیس شورا. تبصـره ـ بر حسب ضـرورت و با موافقت رئیس کمیته، از نمایندگان سـایر بخش‌های خارج از قوه‌قضائیه یا کارشـناسان ذیربط دعوت خواهدشـد. ماده ۸ ـ وظـایف و اختیـارات کمیته مرکزی هماهنگی شورای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه بـدین شـرح است: ۱ـ انجـام کلیه وظـایف شورای اطلاع‌رسـانی برحسب تفویض شورا. ۲ـ بررسی و تصویب شـکلی و محتوایی انواع اطلاع‌رسانی‌هـا. ۳ـ نظـارت بر فرآینـدها و شـیوه‌های اطلاع‌رسـانی از قبیل پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، نشـریات و اخبار منتشـره. ۴ـ تصـمیم‌گیری در خصـوص اطلاع‌رسانی‌هـای ویژه. ۵ ـ ایجـاد همـاهنگی مـابین کمیته‌های تخصصـی و بخش‌هـای مختلف نظام اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۶ ـ ایجـاد همـاهنگی مـابین روابط عمومی‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه. ۷ـ نظارت، ارزیابی و کنترل فعالیت‌های کمیته‌های تخصصـی. ۸ـ تهیه مواد لازم برای بررسـی و تصویب شورای اطلاع‌رسـانی. ماده۹ـ وظایف و اختیارات کمیته‌های تخصصـی بدین شرح است: ۱ـ کارشناسـی موضوعات تخصصی مرتبط مبتنی بر راهبردها و مأموریت نظام اطلاع‌رسانی. ۲ـ هماهنگی بین بخش‌های اجرایی مرتبط در ساختار قوه‌قضائیه (اعم از سـتادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه) . ۳ـ نظـارت، ارزیـابی و کنترل بر صـحت فعـالیت بخش‌هـای اجرایی مرتبـط در ساختار قوه‌قضائیه (اعم از سـتادی، تشـکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه) در چارچوب نظام اطلاع‌رسانی. ۴ـ ارائه مصوبات کمیته‌ها به کمیته مرکزی هماهنگی شورا برای بررسی و تصویب. تبصـره۱ـ ریـاست کمیته‌هـای تخصصـی بـه پیشـنهاد دبیر شـورا و بـا حکـم رئیس شـورا و بر عهـده یکی از مـدیران کل قوه‌قضائیه یا نماینـدگان نهادهای عضو خواهـدبود، که فعالیت حوزه متبوعش مرتبط با موضوع تخصصـی آن کمیته باشد. تبصـره۲ـ جلسـات کمیته‌هـا بر حسب موضوع و نیـاز به صورت هفتگی و یـا حـداکثر ماهانه تشـکیل خواهدشـد. ماده۱۰ـ در هر اسـتان کمیته اطلاع‌رسانی با هـدف ایجاد هماهنگی و انسـجام و تسـریع و تسـهیل در اطلاع‌رسانی، به خصوص اطلاع‌رسانی‌های ویژه، به ریاسـت یکی از معاونین دادگستری اسـتان یا دادسـتان مرکز استان به انتخاب رئیس کل دادگستری استان، و دبیری مسؤول روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دادگستری و عضویت دادسـتان مرکز اسـتان و نماینـدگان اطلاع‌رسانی واحـدهای اسـتانی سازمان‌های تابعه قوه‌قضائیه، تشـکیل می‌شود. تبصـره ـ دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی وظیفه برقراری ارتباط مستمر، ایجاد هماهنگی مابین کمیته‌های اطلاع‌رسانی استان‌ها را بر عهده خواهد داشت. ج ـ شرایط اطلاع رسانی ماده۱۱ـ مسؤولین اطلاع‌رسانی در بخش‌های ستادی و استانی، تشکیلات قضایی و سازمان های تابعه قوه‌قضائیه موظفند: الف ـ اهم اطلاعات و اخبار حوزه تحت پوشـش خود را به صورت روزانه و به طریق منـاسب به دبیرخـانه شورای اطلاع‌رسـانی اعلام و ارسـال نماینـد. ب ـ اطلاعات و اخبار ویژه را پس از اطلاع، بـدون فوت وقت در تمـامی اوقـات شـبانه‌روز به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی و « مسؤول اطلاع‌رسانی ویژه»، از طریق مقتضـی منعکس نماینـد. تبصـره ـ دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی موظف است به صورت مسـتمر، دوره‌ای و سـطح‌مند نسبت به اطلاع‌رسانی به مخاطبین مختلف به ویژه مقامات عالی کشور اقدام نماید. جزئیات این اطلاع‌رسانی براساس دستورالعملی خواهدبود که توسط کمیته مرکزی هماهنگی شورا تهیه می‌شود. مـاده۱۲ـ مقامـات مجـاز به اطلاع‌رسـانی و محـدوده اطلاع‌رسـانی هر یـک: ۱ـ رئیس شورای اطلاع‌رسـانی، سـخنگوی

قوه‌قضائیه، معاون اول قوه‌قضائیه، دادستان کل کشور، رئیس حوزه ریاست: اطلاع‌رسانی در ارتباط با سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و مربوط به کلیت قوه‌قضائیه اعم از تشکیلات اداری، قضایی و سازمان‌های تابعه، اطلاع‌رسانی ویژه، مواضع رسمی و پاسخگویی‌های قوه‌قضائیه و به طور اخص در ارتباط با پرونده‌های ملی و حساس و مهم و پرونده‌هایی که ممکن است بازتاب داخلی یا بین‌المللی داشته‌باشد، اخبار مربوط به احضار یا بازداشت اتباع خارجی. ۲ـ رئیس دیوان عالی کشور، رئیس دیوان عدالت اداری، سایر معاونین قوه‌قضائیه، رؤسای سازمان‌های تابعه، رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه‌قضائیه، رئیس دانشکده علوم‌قضائی و خدمات اداری: اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اخبار حوزه مرتبط. ۳ـ رؤسای کل دادگستری استان، دادستان مرکز استان، مدیران کل سازمان‌های تابعه استانی، (معاونان رؤسای کل دادگستری استان، دادستان‌های استان و معاونان آنان، رؤسای دادگستری‌های شهرستان‌ها، رؤسای مجتمع‌های قضایی همگی با هماهنگی رئیس کل دادگستری استان): اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اخبار حوزه مرتبط و یا برحسب تفویض شورا. ۴ـ مدیران روابط عمومی و اطلاع‌رسانی یا مسئوولین اطلاع‌رسانی در هر بخش ستادی و استانی یا قضایی: اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اطلاع‌رسانی ویژه حوزه مرتبط با هماهنگی بالاترین مقام مرتبط و در چارچوب آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. تبصره ـ کمیته مرکزی هماهنگی شورا می‌تواند بر حسب لزوم، اطلاع‌رسانی در برخی موارد را با تعیین حدود و ثغور و شکل آن، به یک یا چند نفر از افراد مندرج در ماده ۱۲ این آئین‌نامه تفویض نماید. ماده۱۳ـ هرگونه اطلاع‌رسانی اعم از مصاحبه، افشاء، انتشار اخبار و صدور اطلاعیه در موارد زیر ممنوع می‌باشد: ـ اسناد و اطلاعات دارای طبقه‌بندی حفاظتی (اسناد سری و محرمانه دولتی). ـ مذاکرات غیرعلنی محاکم و تحقیقات مراجع قضائی و انتظامی در مرحله مقدماتی و انتشار جریان دادگاه علنی قبل از قطعی شدن حکم. ـ دعاوی خصوصی اشخاصی که حداقل یکی از طرفین دعوی تقاضای غیرعلنی بودن آن را نموده باشد و همچنین انتشار اسامی، عناوین اتهام که مغایر با حیثیت و آبروی اشخاص باشد. ـ جریان رسیدگی به جرائم خانوادگی، اطفال و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت طفل متهم. ـ اخباری که افشاء و انتشار آن موجب اختلال و مانع انجام صحیح و سالم در روند دادرسی عادلانه قضایی گردد. ـ اخباری که موجب تفرقه و دوگانگی و تشدید درگیری میان اقشار جامعه، گروه‌ها احزاب و مسئولین شود. ـ اخباری که موجب آشفتگی، اذهان عمومی و یا هراس بین آنان و یا موجب بی‌اعتمادی عمومی به نظام و دستگاه قضائی شود. ـ مصاحبه، صدور اطلاعیه یا خبری که مغایر شأن قضات و یا موجب خدشه‌دار شدن اقتدار و استقلال قضایی شود. ـ هرگونه اظهار عقیده مقامات قضایی در خصوص برائت و مجرمیت متهم قبل از اتمام رسیدگی و اعلام رأی. ـ گزارش‌های بازرسان بازرسی کل کشور به تشخیص رئیس قوه قضائیه. تبصره ـ در صورت ضرورت انتشار اطلاعیه، خبر و یا مصاحبه به منظور اطلاع‌رسانی همگانی، هشدار یا استمداد از کلیه اقشار جامعه درخصوص پرونده‌های قضایی که انتشار و افشاء اطلاعات آن مطابق مفاد این آئین‌نامه ممنوع می‌باشد، بنابه تشخیص شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و با کسب اجازه از رئیس قوه قضائیه، اطلاعات لازم و کافی از قاضی رسیدگی کننده پرونده اخذ و متن خبر و نحوه و میزان انتشار آن در حد ضرورت که متضمن افشاء اسرار و اطلاعات طبقه‌بندی شده نباشد، توسط شورا تهیه و در اختیار سخنگوی قوه قضائیه و یا روابط عمومی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و یا فردی بنا به تعیین شورا، قرار می‌گیرد. در صورت نیاز، روابط عمومی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه رأساً یا با هدایت عوامل خبری، فیلم و گزارش به میزان تعیین شده، تهیه و اطلاع‌رسانی می‌نماید. د ـ الزامات و شرایط همکاری واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی با عوامل خبری ماده۱۴ـ رعایت موارد زیر برای حضور عوامل خبری در هریک از اماکن قضایی و اداری قوه قضائیه الزامی است: ۱ـ هماهنگی با روابط عمومی مربوط ۲ـ رعایت اخلاق و شئونات حرفه‌ای ۳ـ ارائه معرفی‌نامه از رسانه متبوع ۴ـ تردد و فعالیت صرفاً در محل‌های تعیین شده توسط روابط عمومی ۵ ـ انجام فعالیت خبری در چارچوب موازین قانونی ماده۱۵ـ تهیه هرگونه خبر، فیلم و عکس در محیط دادسراها، دادگاه‌های علنی و نیز سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه باید با هماهنگی و تحت‌نظر واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی انجام پذیرد. نظارت بر

موضوعات فیلمبرداری و عکس و خبر و کنترل ممنوعیت‌های قانونی بر عهده واحد روابط عمومی و اطلاع‌رسانی می‌باشد. ماده۱۶ـ روابط عمومی‌ها موظفند در ارتباط با عوامل خبری، اقدامات زیر را انجام دهند: ۱ـ اخذ و تکمیل اسم، مشخصات و امضاء عوامل خبری مطابق فرم‌های مصوب ۲ـ هدایت و معرفی عوامل خبری به مراجع مربوط در چهارچوب محور تعیین شده از سوی رسانه اعزام کننده ۳ـ نظارت و کنترل عوامل خبری برای تهیه فیلم، عکس، صدا و گزارش در چارچوب موازین قانونی ۴ـ نگهداری کلیه معرفی‌نامه‌ها و نیز فرم‌های تکمیل و امضاء شده توسط خبرنگاران و سایر گروه‌های خبری و تهیه‌کنندگان فیلم و سریال و داستان در روابط عمومی و اطلاع‌رسانی. هـ ـ سایر مواد ماده۱۷ـ کلیه بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه در تمامی سطوح سازمان، در صورتی که دارای واحد روابط عمومی و اطلاع‌رسانی نیستند موظفند حداقل یک نفر را به عنوان مسئول و رابط اطلاع‌رسانی به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، معرفی نمایند. ماده۱۸ـ کلیه بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه مکلفند ضمن همکاری با شورای اطلاع‌رسانی، دبیرخانه شورا و کمیته‌های آن، برنامه‌های خود در حوزه اطلاع‌رسانی را منطبق با سیاست‌ها، برنامه‌ها و استانداردهای مصوب شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و کمیته‌های آن، تنظیم و اجرا نمایند. تبصره ـ برنامه و بودجه حوزه روابط عمومی و اطلاع‌رسانی باید به صورت سالانه پس از بررسی در کمیته‌های تخصصی، به تصویب شورای اطلاع‌رسانی و ریاست قوه‌قضائیه برسد. ماده۱۹ـ کلیه مصوبات و بخش‌نامه‌های شورای اطلاع‌رسانی برای ابلاغ به بخش‌های مختلف قوه‌قضائیه، پس از تائید ریاست قوه‌قضائیه از طریق رئیس شورا ابلاغ می‌شود. ماده۲۰ـ مسئوولیت اجرای مفاد این آئین‌نامه به عهده بالاترین مقام مسئوول بخش‌های مختلف قوه قضائیه می‌باشد. ماده۲۱ـ نظارت بر حُسن اجرای مفاد این آئین‌نامه بر عهده شورای اطلاع‌رسانی قوه‌قضائیه می‌باشد. در صورت مشاهده تخلف موارد توسط رئیس شورا به مراجع ذیصلاح جهت اقدام، گزارش خواهد شد. ماده۲۲ـ این آئین‌نامه در ۲۲ماده و ۱۵تبصره تنظیم و در تاریخ۱۹/۷/۱۳۸۶ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. از این تاریخ « آئین‌نامه اجرایی شورای عالی اطلاع‌رسانی و پاسخگویی قوه قضائیه»، منسوخ و آئین‌نامه حاضر جایگزین آن و لازم‌الاجرا است. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه جلوگیری از دسترسی افراد غیرمجاز به پرونده‌های قضایی

جلوگیری از دسترسی افراد غیرمجاز به پرونده‌های قضایی مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۸۸۶۱/۸۶/۱ ـ ۲۳/۸/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور پیرو بخشنامه شماره ۲۲۰۹۶/۷۹/۱ مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۷۹ و تاکید بر نظارت موثر و مستمر بر اجرای مدلول آن در دادگاه‌ها و دادسراها و نظر به اهمیت حفاظت از پرونده‌های مدنی و کیفری و مراقبت دائمی از محتویات آنها، لازم است اصول حفاظتی و نگهداری از آنها پیوسته مدنظر متصدیان مربوط قرار داشته و از دسترسی افراد غیرمجاز به پرونده‌های قضایی جلوگیری گردد و در صورت احراز خارج شدن مدارک و صورتجلسات و ادله استنادی طرفین از داخل آنها و گم شدن یا ربوده شدن پرونده و اسناد ضمیمه آن، ضمن اقدام فوری به منظور شناسایی و تعقیب مرتکب و دستیابی به پرونده یا برگ‌های مفقود یا مسروق، روسای واحدهای قضایی و دادستان‌ها موظف‌اند مراتب را به حفاظت و اطلاعات اعلام کنند تا اقدام مناسب به عمل آورند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

راهنمای ثبت

۱– قانون شرکتهای تجاری در ایران

قانون شرکتهای تجاری در ایران – در آغاز بخشی از قانون تجارت ایران برای نخستین بار در ۲۵ دلو ۱۳۰۳ خورشیدی تصویب و بقیه آن در دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ به تصویب رسید و به اجرا درآمد این قانون در ۱۳/۲/۱۳۱۱ در مجلس شورای ملی اصلاح تکمیل و تصویب شد که اینک حدود هشتاد سال از عمر آن می گذرد. این قانون برگردانی از قانون تجارت کشورهای فرانسه و بلژیک است که باطلبع حاصل تجربیات حقوقی و تجاری کشور ما نبوده و بدون توجه به نیازهای واقعی جامعه تجاری ما وضع گردیده است البته این بدان معنی نیست که نکات مثبت این قانون را انکار کنیم. قانونگذار در سال ۱۳۴۷ درصدد اصلاح قسمتی از قانون مذکور برآمد و با استفاده از تجربیات حاصله از عملکرد شرکت های سهامی و با توجه به مقتضیات حقوقی و اقتصادی و نیز پیشرفت هایی که این شرکت ها در دنیای تجارت داشته اند دیدگاه های خود را درباره قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به کنار نهاده و دیدگاه های نوینی ارائه نمود که قانون اصلاحی شرکتهای سهامی عام و خاص مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ با ۳۰۰ ماده خط مشی قضایی تجارت ما را تعیین نمود. اما متاسفانه از زمان اصلاح قانون تجارت تاکنون علیرغم پیشرفت بسیار در دنیای علم و تکنولوژی و اقتصاد و توسعه انواع مختلف شرکت های تجاری هیچگونه بازنگری در قانون مذکور صورت نگرفته است . این قانون نقایص و ایرادات قابل توجهی را در بر دارد. آنچه مسلم است شرکت های موضوع قانون تجارت نقش مهمی در جلب سرمایه های مردم و شکوفایی اقتصاد کشور ایفا می نمایند. در این راستا شایسته است که مقرراتی وضع گردد تا مردم با اعتماد به شرکت های مزبور و اطمینان خاطر از تضمین حقوق خود مبادرت به سرمایه گذاری بنمایند. از آنجایی که اغلب سرمایه گذاری ها در بخش های صنعتی خدماتی و بازرگانی بین المللی توسط اشخاص حقوقی صورت می گیرد اصلاح قوانین و هماهنگ کردن آنها با مقررات جامعه بین المللی ضروری به نظر می رسد. یادآوری می کنم که نقایص قانونی قابل توجهی در ارگان تصمیم گیرنده (مجمع عمومی موسس مجمع عمومی عادی و فوق العاده) ارگان اداره کننده (هیئت مدیره و مدیر عامل) و ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) وجود دارد که مشکلاتی را در بازرگانی داخل و بین المللی ایجاد نموده است. زیرا نحوه دعوت مجامع و اتخاذ تصمیم و افزایش و کاهش سرمایه و سیستم بازرسی و مدیریت و حمایت از حقوق سهامداران و توسعه حق کسب اطلاع آنان در حقوق فرانسه (قانون ۲۴ ژوییه ۱۹۶۶) در حقوق انگلیس (قانون شرکت های تجارتی ۱۹۸۵) و ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای تغییراتی پیدا کرده است). هم چنین قوانین حاکم بر شرکت های با مسئولیت محدود تضامنی نسبی مختلط سهامی و غیر سهامی (ماد ۹۴ تا ۲۲۲ مصوب ۱۳۱۱) با توجه به گذشت سالیان متمادی که از تصویب آنها می گذرد از نظر ارگان(تصمیم گیرنده) مدیریت و سیستم کنترل مشکلات زیادی را در عمل ایجاد کرده که در نتیجه تراکم دعاوی در دادگستری و رکود اقتصادی را در کشور فراهم ساخته است. به همین گونه قوانین مربوط به ورشکستگی شرکت ها مصوب ۱۳۱۱ نمی تواند از حقوق طلبکار حمایت کرده و اعتماد او را برای سرمایه گذاری جلب نماید. توجه داشته باشیم که قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ و آیین نامه مربوط به آن از حقوق سوییس اقتباس شده اتس و اداره تصفیه امور ورشکستگی که در حوزه قضایی چند شهرستان تاسیس گردیده به علت کندی امر تصفیه و هزینه زیاد آن در عمل مشکلاتی برای طلبکاران ایجاد کرده است . از طرف دیگر در سایر نقاط ایران امر تصفیه طبق قانون تجارت ۱۳۱۱ که با مطالعه قانون ۴ مارس ۱۸۸۹ فرانسه و سایر مقررات بعدی تهیه گردیده به هیچ وجه نیازهای حمایتی طلبکاران را فراهم می سازد. زیرا در قوانین ورشکستگی مصوب ۱۳ ژوییه ۱۹۶۷ و ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ در کشور سوییس تغییرات قابل توجهی صورت گرفته است به هر حال این دوگانگی درنظام تصفیه امور ورشکستگی افزون بر پیچیده کردن درک قانون آن هم به ضرر شرکتهای تجاری برای افزودن اعتبار و جلب اعتماد مردم نیاز به بازنگری کامل دارد.

۲– کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف

۱– در حقوق فرانسه

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف – در حقوق فرانسه از قرن هجدهم به بعد در حقوق تجارت فرانسه شرکتهای سهامی به دوگونه پدیدار شدند یک گونه شرکت های مختلط سهامی بودند که برای تاسیس آنها اجازه دولت لازم نبود و مسئولیت تضامنی برخی از شرکاء اساس کار بود و گونه دیگر شرکت های سهامی بی نام بودند که برای تاسیس آنها دریافت اجازه مخصوص از دولت لازم بود. برای اولین بار در قانون تجارت فرانسه محدودیت مسئولیت شرکاء به نسبت آورده آنهامطرح شد بدون اینکه این مسئولیت در اساسنامه شرکت ذکر شود گرچه تا این زمان ذکر مسئولیت و نحوه آن در اساسنامه ضروری بود در فرانسه نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر تحولات چشمگیری نسبت به مقررات شرکت های سهامی صورت گرفت. بطور مثال در قانون تجارت ۲۴ ژوییه ۱۸۷۶ فرانسه برای ایجاد شرکت های سهام الزام اخذ مجوز از دولت برطرف شد که رفع محدودیت ها باعث رشد و موفقیت زیاد این نوع شرکت ها گردید. در ادامه تغییرات و تحولات در قانون تجارت فرانسه در سال ۱۸۹۳ اصل بازرگانی بودن شرکت مورد تاکید قرارگرفت هر چند که شرکت سهامی به کار بازرگانی نپردازد. قانون سال ۱۹۶۳ در خصوص مسئولیت و تکالیف مدیران شرکت سهامی مقرراتی وضع کرد ولی از ۲۴ درخصوص ۱۹۶۶ که هم اکنون نیز قانون تجارت فرانسه تلقی می شود قانون فعلی تجارت فرانسه را تشکیل می دهد و آیین نامه این قانون در ۲۳ مارس ۱۹۶۷ به تصویب رسید. پس از تصویب قانون سال ۱۹۶۶ شرکت های تضامنی ، مختلط غیر سهامی، با مسئولیت محدود، سهامی و مختلط سهامی در قانون تجارتی محسوب شدند.

۲– در حقوق ژاپن

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف – در حقوق ژاپن رمز موفقیت ژاپن در جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی وانتقال تکنولوژی و بالاخره دانش فنی Know-How تصویب قوانین مربوط، دربعد از جنگ جهانی دوم بود زیرا صنایع ژاپن در طول جنگ به کلی نابود شده و بالعکس تکنولوژی غربی رشد قابل توجهی کرده بود. در قانون تجارت ژاپن هفت نوع واحد تجارتی وجود دارد که معروف ترین آنها شرکت سهامی عام وخاص یا Kabusshikigaisha و شرکت بامسئولیت محدود Yugengaisha می باشد. مجامع عمومی عادی و فوق العاده درشرکت های مزبور نحوه انتخاب مدیران و تقسیم سود ویژه بین سهامداران حائز اهمیت بوده و تصمیمات با اکثریت آراء حاضر در جلسه اتخاذ می گردد ولی هر گونه تغییرات در اساسنامه با آراء ۳/۲ عده حاضر صورت می گیرد. اخذ وام و صدور اوراق قرضه از اختیارات هیئت مدیره بوده و بازرسان مانند حقوق ایران و فرانسه از طرف مجمع عمومی سهامداران انتخاب می شوند که درکنترل صحت و درستی حسابهای شرکت نقش مهمی را ایفا می کنند. قانون ۱۹۵۰ سرمایه گذاری خارجی معروف به FIA تسهیلات فراوانی برای ورود سرمایه های خارجی و انتقال دانش فنی و تکنولوژی به ژاپن فراهم کردو منعقد گردید که به غیر از چند مورد ورود سرمایه خارجی فقط با موافقت وزیر مربوط به آن صنعت صورت می گرفت. قانون FIA در سال ۱۹۹۰ مورد تجدید نظر قرارگرفت و در حال حاضر سرمایه گذار خارجی می تواند فقط با اطلاع قبلی به وزارتخانه مربوط در ژاپن آزادانه اقدام به سرمایه گذاری کرده و در صورت لزوم سرمایه خود را با همان ارز از کشور مزبور خارج نماید.

۳– در حقوق انگلیس

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف – در حقوق انگلیس در قرن هجدهم میلادی با گسترش و نفوذ تفکر سرمایه دارای تاسیس شرکت های تجاری شروع می شود. در ابتدای قرن هجدهم به فرمان پادشاه یا مجلس انگلیس شرکت های بزرگ تاسیس

می شد درنیمه های قرن نوزدهم میلادی تشکیل شرکت و به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی منحصرا با ثبت شرکت نامه امکان پذیرگردید. شرکت ها به دو دسته عمده تقسیم می شدند: ۱- شرکت هایی با مسئولیت نامحدود (unlimited co) که در این شرکت ها مسئولیت و شخصیت شرکا مدنظر قرارداشت. ۲- شرکت هایی با مسئولیت محدود (limited co) که در عمل بیشتر به شرکت های سهامی در قانون ایران تشابه دارند. این دسته از شرکت ها خود به شرکت های سهامیعام که موسسان آن برای تشکیل سرمایه شان عموم مراجعه می کنند و شرکت های سهامی خاص که موسسان آن خود سرمایه شرکت را تامین می نمایند تقسیم می شوند. در انگلستان نیز مانند کشورهای دیگر قوانین مربوط به شرکت های تجاری که هم اکنون نیز مرعی است قانون شرکت های سال ۱۹۸۹ می باشد که از جمله اصلاحات آن ثبت اجباری شرکت و نظارت وزارت بازرگانی بر تاسیس و طرز کار شرکت ها است. در حقوق انگلستان اصل را بر این نهاده اند سهامداری می تواند سهامدار بهتری باشد که وضعیت شرکت کاملا اطلاع دارد.و ملزم به ثبت شرکت و نهادن نهادی نظارتی - اداری بر وضعیت شرکت ها مبتنی بر تقویت حق اطلاع از سهامداران است. پروفسور گاور استاد حقوق تجارت دانشگاه لندن شرکت های تجارتی را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱- شرکت بامسئولیت نامحدود Unlmimited companies که در این شرکت ها سرمایه به سهام تقسیم شده و هرصاحب سهم مسئولیت مدنی به بیش از مبلغ سهم خود در برابر بستانکاران دارد. توجه کنیم که سهام این شرکت ها بدون رضایت سایر اعضاء قابل نقل و انتقال نمی باشد . این نوع شرکت ها درانگلیس کمتر مورد استقبال عموم قرار دارد. ۲- شرکت با ضمانت پرداخت بدهی بطور محدود Companies Limited by Shares در این نوع شرکت مسئولیت شرکاء همانند شرکت سهامی عام و خاص درایران محدود به مبلغ اسمی سهام سهامدار است . شرکت مزبور شامل: - شرکت سهامی عام Public Joint -Stock Compaky که برای تاسیس آن وجود حداقل هفت نفر ضروری است. - شرکت سهامی خاص PrivateJoint -Stock Compaky که برای تاسیس آن دو نفر پیش بینی شده است.

۴- در حقوق آلمان

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف - در حقوق آلمان در طول جنگ جهانی و سالهای پس از آن نشان داده شد که قانون مصوب ۱۹۳۷ درباره شرکت های سهامی کاربری ندارد. زیرا قانون مزبور دیگر متناسب با نیازهی اقتصادی آلمان نبود درنتیجه برای جلوگیری از تمرکز قدرت در مجمع عمومی نهادی به نام هیئت نظارت به وجود آمد اما سهامداران به طور مفید و موثر در اداره شرکت مداخله ای نداشتند. بدین گونه بود که جدایی بین قانون و واقعیت و خواست سهامداران در هر زمان بیشتر می شد. قانون ۱۹۳۷ بیشتر به ترفندها و تقلب های منجر به ورشکستگی و جلوگیری نسبت به سو استفاده از دارایی شرکت ها پرداخته بود که تا حدودی سهامداران اقلیت توانستند از سود سرمایه گذاری خود بهره مند شوند. در سال ۱۹۶۵ برای مبارزه با حزب سوسیال دمکرات قلمرو بخش خصوصی گسترده شد آنگونه که بخش عظیمی از مردم آلمان به خرید سهام از شرکت های سهامی روی آوردند به طوری که شرکت وبا در سال ۱۹۶۵ حدود ۱۶۰۰۰۰۰ سهامدار و فولکس واگن ۱۱۰۰۰۰۰ سهامدار را جذب کردند که این سهامداران متشکل از ۳/۳۰ درصد کارکنان شرکت ۶/۲۳٪ خانم های خانه دار و ۳/۱۰ درصد بازنشتگان و سرانجام ۴/۱۰ درصد دانشجو و دانش آموز و بقیه از صاحبان مشاغل آزاد بودند. می بینیم که سیاست اطلاع رسانی مدیریت موثر و وضع قانون متناسب با نیاز جامعه چه گونه با موفقیت می تواند سرمایه های کوچک مردم را جذب کرده و آن را مانند قطرات باران تبدیل به دریایی نماید که نتیجه آن ایجاد اشتغال و حرکت چرخ هی واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی آلمان است. ارگان مدیریت دوگانه درشرکت های سهامی از ابتکارات حقوقدانان آلمانی است زیرا وظایف هیئت مدیره بطور کامل از وظایف هیئت نظارت جدا شده است توجه داشته باشیم که هیئت نظارت حق مدیریت درشرکت را ندارد اما در صحت و درستی اعمال آنان

مراقبت می نمایـد آنها تمامی اطلاعات لازم را از امور شـرکت دراختیار دارند. آنچه مسلم است مدیران از بین افراد لایق و شایسته انتخاب شدنـد و سـهامداران نیز حق طرح دعوی مـدنی علیه مـدیران و حق دسترسـی به اطلاعات بازرگانی شـرکت های سـهامی را کسب نمودند.

۵– در حقوق ایالات متحده آمریکا

کلیـات حقوق شـرکت هـا در کشورهـای مختلف – در حقوق ایالاـت متحـده آمریکـا درآمریکا نیز ماننـد حقوق تجارت انگلسـتان شرکت سـهامی زمـانی دارای شخصیت حقوقی می شود که اساسـنامه آن به ثبت برسـد. در حقوق تجـارت آمریکا تاسیـس و اداره شرکت های سـهامی تابع حقوق ایالتی بوده و سـهامداران از اختیارات زیادی در اداره شرکت برخوردارند. در آمریکا قوانین فدرال برای حمـایت از سـرمایه گـذاران مقرراتی وضع کرده که بر طبق قوانین فـدرال کمیسـیونی بـا اختیارات زیاد تحت عنوان کمیسـیون بورس اوراق بهادار برای کنترل نحوه تاسیـس و اداره شـرکت ها وجود دارد که تصـمیمات این کمیسیون برای کلیه شرکت ها لازم الاجرا است. به موجب قانون بورس اوراق بهادار اصـلاحی ۱۹۶۴ کلیه شرکتهایی که بیش از ۵۰۰ سهامدار دارند و سرمایه آنها بیش از یـک میلیـون دلاـر است بایـد از مقررات کمیسـیون بورس اوراق بهـادار SEC تبعیت نماینـد. در صـورت احراز تخلـف از طرف شرکت های پذیرفته شده در بورس کمیسـیون مزبور می تواند با صدور دسـتور توقف ازمعاملات سـهام آنها جلوگیری نماید. قانون فدرال مصوب ۱۹۳۳ اوراق بهادار (securities Exchamge Act ۱۹۳۴) معاملات سـهام را در بورس کنترل می کند. ضـمنا کارشناسان بسیاری (بیش از ۳۰۰۰۰ نفر) و همچنین مدیران شرکت ها در کنترل صحت حساب های شرکت و معاملات بازار بورس نقش مهمی را ایفا می کنند.

۳– طبقه بندی شرکتهای تجاری

طبقه بندی شـرکتهای تجاری – شرکتهای سرمایه در شرکتهای سرمایه فقط سرمایه مورد توجه قرار می گیرد نه شخص سرمایه گذار زیرا در این نوع شرکتها مسئولیت هر یک از سهامداران در مقابل اشخاص ثالث به حصه خود که (سهم) نامیده می شود محدود می گردد. از مشخصات بارز این نوع شـرکتها قابل انتقال بودن سـهام است و با فوت سهامدار اوراق سهام به وراث وی منتقل می گرد. در شـرکتهای سـرمایه پس از فوت ورشکستگی یا ممنوعیت قانونی و قضائی سهامدار شرکت همچنان به حیات خود ادامه می دهد. شرکتهای سهامی خاص و عام و شرکتهای مختلط سهامی و تعاونی جزو شرکتهای سرمایه محسوب می شوند.

۴– مسئولیت مدنی و جزائی راجع به تشکیل شرکت

مسـئولیت مـدنی و جزائی راجع به تشـکیل شـرکت – مسـئولیت مـدنی و جزائی راجع به تشـکیل شـرکت طبق ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) هرگـاه در مورد تشـکیل شـرکت سـهامی یا عملیات آن یا تصـمیماتی که توسط هر یک از ارکان شـرکت اتخاذ می گردد مقررات قانونی رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شـرکت یا عملیات یا تصـمیمات مـذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد. لیکن موسسـین و مدیران و بازرسان و صاحبان شـرکت نمی توانند در مقابل اشـخاص ثالث به این بطلان اسـتناد نمایند. چنانچه قبل از صـدور حکم بطلان شـرکت در مرحله بـدوی موجبات بطلان مرتفع شـده باشـد دادگاه قرار سـقوط دعوس بطلان را صادر خواهـد کرد . (ماده ۲۷۱ ل.ا.ق.ت) همچنین برای رفع موجبـات بطلان به درخواست خوانـده مهلت ۶ مـاهه ای در نظر گرفته شده است .(ماده ۲۷۲ ل.ا.ق.ت) در مورد مسـئولیت جزائی بایـد گفت که هر کس عالمان و بر خلاف واقع پـذیره نویسـی سـهام را تصدیق کند و یا بر خلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به

مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند و یا در عین ارزش آورده غیر نقد تقلب کند به حبس تادیبی از سه ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از ۰۰۰/۲۰ ریال تا ۰۰/۲۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم می شود (ماده ۲۴۳ ل.ا.ق.ت) هرکس اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی موسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار ریال تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. (ماده ۲۴۸ ل.ا.ق.ت)

۵- شرکت با مسئولیت محدود

۱- وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص وبا مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص وبا مسئولیت محدود ۱- در شرکت با مسئولیت محدود تعداد شرکا حداقل ۲ نفر و در شرکت سهامی خاص تعداد سهامداران حداقل ۳ نفر می باشند. ۲- حداقل سرمایه برای ثبت شرکت با مسئولیت محدود و سهامی خاص یک میلیون ریال است . ۳- در شرکت سهامی خاص حداقل ۳۵٪ سرمایه باید نقدا در یکی از شعب بانکها تودیع و گواهی مربوطه ارائه و ۶۵٪ در تعهد سهامداران باشد در شرکت با مسئولیت محدود باید کل سرمایه تحویل مدیرعامل شرکت شده ومدیرعامل شرکت شده و مدیرعامل اقرار به دریافت نمایند و ارائه گواهی بانکی دال بر انجام این امر ضرورت ندارد. ۴- انتخاب بازر س اصلی وعلی البدل در شرکت سهامی خاص اجباری ولی در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۵- مدت مدیریت در شرکت سهامی خاص حداکثر دو سال می باشد که قابل تمدید است در شرکت با مسئولیت محدود مدیران شرکت برای مدت نامحدود انتخاب می شوند و همچنین مخیر خواهند بود که مدتی برای مدیران در اساسنامه شرکت مقرر دارند. ۶- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار در شرکت سهامی خاص برای درج آگهی های دعوت شرکت الزامی و در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است . ۷- شرایط احراز حد نصاب در مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص سهل تر و در شرکت با مسئولیت محدود با توجه به نوع شرکت مشکل تر میباشد. ۸- مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص توسط هیات رئیسه ای مرکب از یک نفر رئیس و دو نفر ناظر و یک نفر منشی که از بین سهامداران انتخاب می شوند اداره می گردد. در شرکت با مسئولیت محدود اداره مجامع عمومی شرکت توسط هیات نظار در صورتی خواهد بود که تعداد شرکای آن از ۱۲ نفر بیشتر باشد. ۹- در شرکت سهامی خاص و با مسئولیت محدود شرکت در افزایش سرمایه اختیاری است . ۱۰- سرمایه در شرکت سهامی خاص به سهام تقسیم و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود به سهام یا قطعات سهام تقسیم نمی شود و شرکا فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض وتعهدات می باشند. ۱۱- مدیران در شرکت سهامی خاص الزاما بایستی سهامدار بوده یا تعداد سهام وثیقه مقرر در اساسنامه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارند مدیران در شرکت با مسئولیت محدود بصورت موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا از خارج انتخاب می شوند انجام وظیفه خواهند نمود. ۱۲- تقسیم سود در شرکت سهامی خاص به نسبت تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه شرکا تقسیم خواهد شد و در شرکت با مسئولیت محدود می توانند در اساسنامه ترتیب دیگری برای تقسیم سود مقرر دارند. ۱۳- حق رای در شرکت سهامی خاص به تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه خواهد بود. ۱۴- تقویم سهم الشرکه غیر نقدی در شرکت با مسئولیت محدود توسط شرکا صورت می گیرد شرکا در این خصوص دارای مسئولیت می باشند تقویم آورده غیر نقدی در شرکت سهامی خاص با کارشناس رسمی دادگستری خواهد بود. ۱۵- مدارک تاسیس در شرکت سهامی خاص عبارتند از : دو برگ اظهارنامه و دو جلد اساسنامه و گواهی بانک دایر بر پرداخت ۳۵٪ سرمایه تعدی و فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسان و صورتجلسه مجمع عمومی موسس و هیات مدیره . برای کسب اطلاعات بیشتر می توان به کتاب قانون

تجارت در باب شرکت سهامی و با مسئولیت محدود مراجعه نمود.

۲- اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود ماده ۱: نام ونوع شرکت : شرکت .... با مسئولیت محدود ماده ۲: موضوع شرکت: .... ماده ۳: مرکز اصلی شرکت: .... هیات مدیره می تواند تصویب نماید مرکز اصلی شرکت را به هرکجا که صلاح و مصلحت بداند منتقل و یا شعبی را تاسیس و صورتجلسه را جهت ثبت به اداره ثبت شرکتهای تقدیم نماید. ماده ۴: سرمایه شرکت: .... ماده ۵: مدت شرکت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود ماده۶: تابعیت شرکت : تابعیت شرکت ایرانی است . ماده ۷: هیچیک از شرکا حق انتقال سهم الشرکه خود را به غیر ندارند مگر با رضایت و و موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه شرکت که دارای اکثریت عددی نیز باشند و انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی ماده ۸: مجمع عمومی عادی شرکت در ظرف مدت چهارماه اول هر سال پس از انقضای سال مالی شرکت تشکیل ولی ممکن است بنابه دعوت هر یک از اعضای هیات مدیره یا شرکا مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده تشکیل گردد. ماده ۹: دعوت برای تشکیل مجامع عمومی توسط هر یک از اعضای هیات مدیره یا مدیرعامل و یا شرکا به وسیله دعوتنامه کتبی با درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار بعمل خواهد آمد.فاصله بین دعوت تاتشکیل مجمع حداقل ده روز و حداکثر ۴۰ روز خواهد بود. ماده ۱۰: در صورتی که کلیه شرکا در هر یک از جلسات مجامع عمومی حضور یابند رعایت ماده ۹ اساسنامه ضرورت نخواهد داشت. ماده ۱۱ : وظایف مجمع عمومی عادی یا عادی بطور فوق العاده بشرح زیر می باشد: الف: استماع گزارش هیات مدیره در امور مالی و ترازنامه سالیانه شرکت و تصویب آن ب: تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیات مدیره ج : تعیین خط مشی آینده شرکت و تصویب آن د: انتخاب هیات مدیره و در صورت لزوم بازرس ماده ۱۲: وظایف مجمع عمومی فوق العاده به قرار زیر است : الف - تغییر اساسنامه یا الحاق یا حدف یک یا چند مواد اساسنامه ب- تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت ج - افزایش یا تقلیل سرمایه شرکت د- ورود شریک یا شرکای جدید به شرکت ماده ۱۳: تصمیمات شرکا در مجمع عمومی فوق العاده با موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه که اکثریت عددی دارند ودر مجمع عمومی عادی از بین شرکا و یا از خارج انتخاب می شوند. ماده ۱۴: هیات مدیره شرکت مرکب از .... نفر خواهند بود که در مجمع عمومی عادی از بین شرکا و یا از خارج انتخاب می شوند. ماده ۱۵: هیات مدیره از بین خود یک نفر را به سمت رئیس هیات مدیره و یکنفر را به سمت مدیرعامل انتخاب و همچنین می تواند برای اعضای خود سمتهای دیگر تعیین نماید. ماده ۱۶: .... نماینده قانوی و تام الاختیار شرکت بوده و می تواند در کلیه امور مداخله و اقدام نماید مخصوصا در موارد زیر: امور اداری از هر قبیل انجام تشریفات قانونی حفظ و تنظیم فهرست دارایی شرکت و تنظیم بودجه و تعیین پرداخت حقوق و انجام هزینه ها رسیدگی به محاسبات پیشنهاد سود قابل تقسیم سالیانه تهیه آیین نامه های داخلی اجرای تصمیمات مجامع عمومی ادای دیون و وصول مطالبات تاسیس شعب واگذاری و قبول نمایندگی انتخاب و انتصاب و استخدام متخصصن و کارمندان و کارگران عقد هر گونه پیمان با شرکتها و بانکها و ادارات و اشخاص خرید وفروش و اجاره اموال منقول و غیر منقول و ماشین آلات و بطور کلی وسایل مورد نیاز و همچنین معاملات بنام و حساب شرکت مشارکت با سایر شرکتها و شخصیتهای حقیقی و حقوقی استقراض با رهن یا بدون رهن و تحصیل اعتبار و وام دادن و وام گرفتن از بانکا و اشخاص وشرکتها و باز کردن حساب جاری و ثابت در بانکها دریافت وجه از حسابهای شرکت صدور ظهرنویسی و پرداخت بروات و اسناد و سفته ها وهزینه ها مرافعات چه شرکت مدعی باشد و چه مدعی علیه در تمام مراحل با تمام اختیارات از رجوع به دادگاههای صالحه و ابتدایی و استیناف و دیوان کشور انتخاب وکیل و وکیل در توکیل دادن اختیارات لازمه بنامبرده و عزل آن قطع و فصل دعاوی با صلح وسازش اختیارات فوق جنبه محدودیت نداشته و هر تصمیمی را که

هیات مدیره جهت پیشرفت شرکت اتخاذ نماید معتبر می باشد. ماده ۱۷: جلسات هیات مدیره با حضور اکثریت اعضا رسمیت می یابد و تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرا معتبر است. ماده ۱۸: دارندگان حق امضا در شرکت : دارندگان حق امضای اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک سفته برات اسناد تعهدآور و قراردادها را هیات مدیره تعیین می کند. ماده ۱۹- هر یک از اعضا هیات مدیره می تواند تمام یا قسمتی از اختیارات و همچنین حق امضای خود را به هریک از شرکا برای هر مدت که صلاح بداند تفویض نماید و همچنین هیات مدیره می تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات خود را به مدیرعامل تفویض کند. ماده ۲۰- سال مالی شرکت از اول فروردین ماه هرسال شروع و به آخر اسفند ماه همان سال خاتمه می یابد به استثنای سال اول که ابتدای آن از تاریخ تاسیس شرکت است . ماده ۲۱: تقسیم سود از درآمد شرکت در پایان هر سال مالی هزینه های اداری حقوق کارکنان و مدیران استهلاکات مالیات و سایر عوارض دولتی کسر و پس از وضع صدی ده بابت ذخیره قانونی بقیه که سود ویژه است به نسبت سهم الشرکه بین شرکا تقسیم خواهد شد. ماده ۲۲: فوت یا محجوریت هر یک از شرکا باعث انحلال شرکت نخواهد شد و وارث یا وراث شریک متوفی ویا ولی محجور می تواند به مشارکت خود ادامه دهندد در غیر این صورت بایستی سهم الشرکه خود را پس از انجام تشریفات قانونی دریافت ویا به شرکت دیگری منتقل و از شرکت خارج شوند. ماده ۲۳: انحلال شرکت : مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت منحل خواهد شد. ماده ۲۴: در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده شرکا رای به انحلال شرکت دهد یک نفر از بین شرکا و یا از خارج از شرکت به سمت مدیرتصفیه تعیین خواهد شد وظایف مدیر تصفیه طبق قانون تجارت می باشد. ماده ۲۵: اختلافات حاصله بین شرکای شرکت از طریق حکمیت و داوری حل و فصل خواهد شد. ماده ۲۶: در سایر موضوعاتی که در این اساسنامه قید نشده است مطابق مقررات قانون تجارت ایران وسایر قوانین موضوعه عمل و رفتار خواهد گردید. ماده ۲۷: این اساسنامه در ۲۷ ماده تنظیم و به امضای کلیه موسسین شرکت به اسامی ذیل رسید و تمام صفحات آن امضا شد.

۳- روش و مراحل ثبت شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - روش و مراحل ثبت شرکت با مسئولیت محدود ۱- پس از تکمیل دو برگ تقاضانامه و دو برگ شرکتنامه (مطابق نمونه ضمیمه) و تهیه دو جلد اساسنامه و امضای ذیل تمام اوراق توسط تمام شرکا جهت پرداخت هزینه تعیین نام پس ازا خذ فیش به بانکهای معین مراجعه و فیش پرداختی را به واحد حسابداری اداره ثبت شرکتها ارائه واحد مزبور نسبت به ممهور نمودن برگ اظهارنامه اقدام می نماید. ۲- چند نام (با توجه به اینکه : ۱- نام خارجی نباشد ۲- سابقه ثبت نداشته باشد ۳- دارای معنا و مفهوم باشد ۴- با فرهنگ اسلامی مطابقت داشته باشد) انتخاب و به واحد تعیین نام اداره ثبت شرکتها مراجعه و مسئول مربوطه با بررسی نامهای ارائه شده نسبت به انتخاب و تعیین نام اقدام ونام تعیین شده را در روی برگ اظهارنامه قید می نماید و سپس اخذ موافقت از مسئولین اداره ثبت شرکتها در خصوص نام تعیین شده بعمل آید و این نام باید در واحد تعیین نام ثبت دفتر شود. ۳- مدارک را با توجه به مواردی که ذکر شد (۲ برگ تقاضانامه ۲ برگ شرکتنامه ۲ جلد اساسنامه فتوکپی شناسنامه کلیه شرکا ارائه مجوز در صورت نیاز ۲ نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۲ نسخه صورتجلسه هیات مدیره) تحویل قسمت پذیرش مدارک اداره ثبت شرکتها داده و رسید دریافت شود و با عنایت به تاریخ تعیین شده برای اعلام نتیجه در روز موعد به (احدی از شرکا یا وکیل رسمی شرکت) به باجه اعلام نتیجه اداره ثبت شرکتها مراجعه نماید. ۴- در صورتی که کارشناس اداره ثبت شرکتها ایرادی یا نقصی در مدارک ابرازی مشاهده ننماید نسبت به تهیه پیش نویس آگهی ثبت اقدام و پیش نویس مربوطه پس از تایید مسئولین اداره ثبت شرکتها تایپ و در روز مراجعه تحویل متقاضی داده می شود متقاضی بایستی به بانک مراجعه و نسبت به پرداخت حق الثبت که در ذیل اظهارنامه مبلغ آن قید شده اقدام نماید. تذکر۱: قبل از روز مراجعه به بانک به نمایندگی روابط عمومی جهت تعیین مبلغ حق الدرج آگهی تاسیس در روزنامه کثیرالانتشار و اخذ فیش مراجعه شود و مبلغ حق

الثبت و حق الـدرج در یـک مرحله به بانک پرداخت شود. تـذکر۲: در صورتی که کارشـناس اداره ثبت شـرکتها ایراد یا نقصـی در مـدارک مشاهده نماید مراتب کتبا به متقاضـی اعلام خواهد شد که نسبت به رفع نقص یا ایراد اقدام نماید. تذکر۳: در صورتی که کارشـناس اداره ثبت شـرکتها موضوع شـرکت را محتاج مجوز از مراجع ذیصلاح تشخیص دهد نسبت به تهیه استعلام اقدام و برگ استعلام پس از اخـذ امضـا از مسـئولیت مربوطه در دبیرخـانه اداره کل ثبت شـرکتها ثبت دفتر شـده و به مرجع مربوطه همراه با یک نسـخه فتوکپی از مـدارک تحویـل داده شود. ۵- پس از پرداخـت مبلـغ حـق الثبت فیش مربـوطه را به واحـد حسابـدارای اداره ثبت شرکتهـا ارائه و واحـد مربوطه نسبت به ممهور نمودن ذیـل برگ تقاضانـامه و درج مبلغ پرداختی و تاریـخ و شـماره فیش اقـدام می نماید. ۶- مدارک به واحد ثبت تاسیس و تغییرات اداره ثبت شرکتها تحویل داده شود و مسئول مربوطه پس از ثبت در دفتر و تعیین شمـاره ثبت شـرکت و درج بر روی اظهارنـامه اقـدام و در ذیل ثبت دفتر از شـخص معرفی شـده توسط شـرکا (که خود از شـرکا یا وکیل رسـمی شـرکت می باشـد) با قیـد جمله ثبت با سـند برابر است امضا اخـذ می نماید و سـپس آگهی تایپ شده بامضای رئیس اداره ثبت شـرکتها برسد یک نسخه از مدارک ضبط در پرونده شرکت شده و در بایگانی اداره ثبت شرکتها نگهداری خواهد شد و یک نسـخه دیگر از مدارک (تقاضانامه شرکت نامه اساسنامه صورتجلسه و مجمع عمومی موسس صورتجلسه هیات مدیره) ممهور به مهر اداره کـل ثبت شـرکتها ومـالکیت صـنعتی شـده و تحویل متقاضـی می گردد. ۷- متقاضـی مـدارک مربوط به خود وپرونده تشـکیل شـده را به قسـمت دبیرخـانه اداره کل ثبت شـرکتها ومالکیت صـنعتی برده و پس از ثبت آگهی در دفتر انـدیکاتور مسـئول مربوطه نسبت به درج شماره ثبت دفتر و ممهور نمودن آگهی تایپ شده اقدام و پرونده تشکیل شده را ضبط و بقیه مدارک تحویل متقاضی می گردد. ۸- متقاضـی پس از تحویل گرفتن مدارک مربوط به خود نسـخه دوم آگهی تاسـیس را به واحد روابط عمومی مستقر در اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی جهت درج در روزنامه کثیرالانتشار تحویل و نسخه اول آگهی تایپ شده تاسیس شرکت را به دفتر شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران واقع در خ بهشت (خ پارک شهر) جهت درج در روزنامه رسـمی (پس از پرداخت حق الـدرج که توسط مسـئول مربوطه تعیین می گردد) تسـلیم می نمایـد. تـذکر: در صورت نیاز فوری به آگهی تاسـیس شـرکت قبل از انتشار در روزنامه رسـمی چنـد نسـخه فتوکپی از آگهی تاسـیس تهیه و هنگام تحویل اصل آگهی به دفتر روزنامه رسمی فتوکپی ها توسط دفتر روزنامه رسمی ممهور به مهر می گردد که دارای اعتبار مربوطه خواهد بود .

۴- تعریف شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسـئولیت محدود - تعریف شـرکت با مسـئولیت محدود شـرکت با مسـئولیت محدود شـرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتی تشـکیل شده و هریک از شـرکا بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شـرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است (م ۹۴ ق.ت) در اسم شـرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و همچنین اسم شـرکت نباید متضـمن نام هیچ یک از شـرکا باشد و الا شـریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شـریک ضامن را در شـرکت تضامنی خواهـد داشت (م ۹۵ ق.ت) مدارک مورد نیاز شـرکت با مسـئولیت محدود : ۱- تقاضانامه ثبت شـرکت با مسـئولیت محـدود ۲ برگ ۲- شـرکت نامه ۲ برگ ۳- اساسـنامه ۲ جلـد ۴- صـورتجلسه مجمع عمومی موسسین و هیات مدیره ۲ نسخه ۵- فتوکپی شناسـنامه شـرکا ومـدیران (در صورتی که خارج از سـهامداران انتخاب شود) ۶- اخذ وارائه مجوز در صورت نیاز

۵- یادآوریهای مهم قبل از تکمیل مدارک شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - یادآوریهای مهم قبل از تکمیل مدارك شرکت با مسئولیت محدود ۱- حداقل تعداد شرکا در شرکت با مسئولیت محدود دو نفر خواهد بود (م ۹۴ ق.ت) ۲- حداقل سرمایه با توجه به رویه و حداقل مبلغ دریافت حق الثبت یک میلیون ریال می باشد. ۳- سعی شود در نام شرکت از نام شرکا استفاده نشود اسم شریکی که در نام شرکت قید شود حکم شریك ضامن در شرکت تضامنی را داشته و در بدو امر مسئول پرداخت کلیه قروض و تعهدات شرکت خواهد بود (م ۹۵ ق.ت) ۴- شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم وتسلیم شده باشد و مدیرعامل اقرار به دریافت کلیه سرمایه نقدی وسهم الشرکه غیر نقدی نماید و هر شرکت که برخلاف این ماده تشکیل شود باطل و از درجه اعتبار ساقط است (م ۹۶ق. ت) ۵- در شرکت نامه باید صراحتا قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هرکدام به چه میزان تقویم شده است و هر شرکت که برخلاف این ماده تشکیل شود باطل و از درجه اعتبار ساقط است (م ۹۷ ق .ت) ۶- کلیه شرکا نسبت به قیمتی که در حین تشکیل برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند (م ۹۸ ق.ت) ۷- سهم الشرکه شرکا نمی تواند به شکل اوراق تجارتی قابل انتقال اعم از با اسم و بی اسم و غیره درآید و سهم الشرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند (م ۱۰۲ ق.ت) ۸- انتقال سهم الشرکه به موجب سند رسمی خواهد بود (م ۱۰۳ ق. ت) ۹- شرکت بوسیله یک یا چند نفر مدیر که بصورت موظف یا غیر موظف از بین شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدود معین می شوند اداره می گردد (م ۱۰۴ ق.ت) ۱۰- مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد (م ۱۰۵ ق.ت) ۱۱- تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود و اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجددا دعوت شوند و در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد اساسنامه شرکت می تواند ترتیب دیگری برای حد نصاب مجامع مقرر دارد . (م ۱۰۶ ق.ت) ۱۲- هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد در مجامع دارای رای خواهد بود اساسنامه شرکت می تواند ترتیب دیگری مقرر نماید (م ۱۰۷ ق.ت) ۱۳- روابط شرکا شرکت تابع مقررات اساسنامه است و تقسیم سود به نسبت سرمایه شرکا است اساسنامه شرکت می تواند ترتیب دیگری برای تقسیم سود مقرر دارد (م ۱۰۸ ق.ت) ۱۴- در هر شرکت با مسئولیت محدود که تعداد شرکا بیش از ۱۲ نفر باشند باید دارای هیات نظار بوده و هیات نظار لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد (م ۱۰۹ ق.ت) هیات نظار مرکب از ۳ نفر بوده که از بین شرکا برای مدت یک سال انتخاب می شوند و اعضای هیات نظار نبایستی عضو هیات مدیره شرکت باشند. وظایف هیات نظار: الف: تحقیق نماید که سرمایه نقدی شرکت پرداخت شده و سهم الشرکه غیر نقدی تقویم وتسلیم شده باشد . ب: در شرکت نامه تقویم سهم الشرکه غیر نقدی به صراحت ذکر شده باشد. ج: دعوت شرکا برای مجمع عمومی فوق العاده . د: اعضای هیات نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام ماموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند (م ۱۶۷ ق.ت) ه: اعضای هیات نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله گزارش به مجمع عمومی میدهند و هر گاه در تنظیم صورت دارایی بی ترتیبی و خبطهایی مشاهده نمایند موضوع را در گزارش مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می کنند (م ۱۶۸ ق.ت) و: تا ۱۵ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و گزارش هیات نظار اطلاع حاصل کند. (م ۱۷۰ ق.ت) ۱۵- شرکای شرکت نمی توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آرا (م ۱۱۰ ق.ت) ۱۶- اتخاذ تصمیم راجع به تغییرات اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع (سه چهارم) سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید اساسنامه شرکت می تواند حد نصاب دیگری را مقرر دارد. (م ۱۱۱ ق.ت) ۱۷- در هیچ مورد اکثریت

شرکا نمی توانند شریکی را مجبور به افزایش سهم الشرکه خود در شرکت نمایند. (م ۱۱۲ ق.ت) ۱۸- سرمایه احتیاطی مجمع عمومی می تواند مقرر نماید درصدی از سود قابل تقسیم بعنوان سرمایه احتیاطی منظور گردد. ۱۹- شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود: ۱- وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده است. ۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد. ۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴- در صورت تصمیم عده ای از شرکا سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ۵- در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته ویکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج نمایند. ۶- در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد. (مواد ۹۳ و ۱۱۴ ق.ت) ۲۰- اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند: الف: موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند. ب: کسانی که به وسایل متقلبانه سهم الشرکه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند. ج: مدیرانی که بانبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند.(م ۱۱۵ ق.ت) ۲۱- ثبت کلیه شرکتهای مذکور (سهامی عام – سهامی خاص – با مسئولیت محدود – تضامنی – نسبی – مختلط سهامی – مختلط غیر سهامی – تعاونی) در این قانون (قانون تجارت) الزامی و تابع مقررات قانون ثبت شرکتها است. (م ۱۹۶ ق ت) ۲۲- در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتنامه ها و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد . (م ۱۹۶ ق ت) ۲۳- در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ (بند ۲۱) و ۱۹۷ (بند ۲۲) لازم الرعایه است. (م ۲۰۰ ق ت) ۲۴- در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکتهای مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می شود سرمایه شرکت صریحا باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحا معین شود الا شرکت متخلف به جزای نقدی محکوم خواهد شد. (م ۲۰۱ ق ت) ۲۵- در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه به عهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.(م ۲۱۳ ق. ت) ۲۶- هر شرکت تجارتی ایرانی مذکور در این قانون (قانون تجارت) و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی خواهد شد(قسمتی از م ۲۲۰ ق.ت) ۲۷- انتخاب بازرس در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است . ۲۸- انتخاب روزنامه برای درج آگهی های دعوت شرکت در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۲۹- پس از تشکیل شرکت با مسئولیت محدود حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ ثبت نسبت به تهیه دفاتر قانونی (دفتر روزنامه و کل) و پلمپ آنها در اداره ثبت شرکتها اقدام نمایند.

۶- تصفیه شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود – تصفیه شرکت با مسئولیت محدود با توجه به عدم پیش بینی مقررات مربوط به تصفیه شرکت با مسئولیت محدود در قانون تجارت و شباهت های زیاد این شرکت با شرکتهای سهامی به ویژه ازنظر مسئولیت شرکا پیش بینی مقرراتی نظیر آنچه در خصوص تصفیه شرکتهای سهامی در ل.ا.ق.ت. آمده است ضروری به نظر می رسد و مطلوب تر این است

که با در نظر گرفتن ویژگی های هر شرکت مقرراتی برای تحقق منظور فوق وضع گردد.

۷– مجمع عمومی و هیئت نظار

شرکت با مسئولیت محدود – مجمع عمومی و هیئت نظار افراد شریک در شرکت با مسئولیت محدود معمولا از افراد یک خانواده یا دوستان نزدیک و مورد اعتماد می باشند و از آنجا که معمولاـ تعداد محدود است نظارت تک تک اعضا بر فعالیت شریک امکانپذیر است. در قانون اگر تعداد شرکا زیر ۱۲ نفر باشند هیچ گونه تصریحی نشده است اما برای شرکا منعی وجود ندارد تا طبق فعالیت شرکت نظارت کنند ولی چنانچه تعداد بیشتر از ۱۲ نفر شوند ماده ۱۰۹ ق.ت. هیئت نظار را پیش بینی نموده است که لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد ووظیفه دیگر این هیئت نظارت و تحقیق جهت اطمینان از دستور و مواد ۹۶ و ۹۷ می باشد هم چنین هیئت نظار می تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید این ماده رعایت مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود را نیز لازم الرعایه می داند ماده ۱۶۵ هیئت نظار را حداقل سه نفر می داند و انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یک سال انتخاب خواهند شد. طبق ماده ۱۶۷ مسئولیتی بابت اعمال اداری ندارند ولی در انجام ماموریت خود طبق قوانین مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود هستند و طبق ماده ۱۶۸ وظایف بازرس شرکت را دارند و اختیارات بازرسان در ماده ۱۷۰ به هیئت نظار محول شده است و آچه قابل انتقاد است اجبار سه نفر هیئت نظارت که در شرکت با مسئولیت محدود که سرمایه کمتری دارد ناعادلانه است زیرا پرداخت هزینه های این تعداد سنگین خواهد بود از آنجا که ماده ۶۲ ق.ت. که هنوز برای شرکت با مسئولیت محدود طبق ماده ۲۹۹ ل.ا.ق.ت به قوت خود باقی است یک نفر بازرس را مجاز می داند که عادلانه تر است. انتخاب هیئت نظار توسط مجمع عمومی شرکا انجام میگیرد پس شرط تشکیل مجمع عمومی این است که تعداد شرکا بیش از ۱۲ نفر باشد تا هئیت نظار حداقل سالی یک بار آنها را جهت تشکیل مجمع عمومی عادی فوق العاده دعوت نماید و در صورتی که تعداد کمتر از ۱۲ نفر باشند تشکل مجامع عمومی کاملاـ اختیاری می باشد. اما به نظر می رسد که شرکا بتوانند در اساسنامه الزام تشکیل مجامع عمومی را طبق مقررات شرکتهای سهامی با توجه به مواد ۹۲ و ۹۷ و ۱۲۰ ل.ا.ق.ت. پیش بینی کنند. تصمیمات مجمع ماده ۱۰۶ ق.ت . مقرر می دارد: (تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود – اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجددا دعوت شوند دراین صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشند اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد. باید یادآور شد که تصمیمات می تواند دو نوع باشد: – تصمیمات عادی که با تکلیف ماده ۱۰۶ قانون تجارت سازگار است و حتی بدون تشکیل مجمع شرکا می توانند تصمیمات را به صورت صورتجلسه تهیه و به امضای سایر شرکا برسانند و تعداد آرا به نسبت سهم الشرکه هر شریک خواهد بود. – تصمیمات فوق العاده که درباره شرکت با مسئولیت محدود الزامی شناخته نشده است ولی با توجه به ماده ۱۱۱ و ۱۰۹ که هیئت نظار را مجاز به تشکیل و دعوت مجمع عمومی فوق العاده نموده و خصوصا ماده ۱۱۱ که تغییر در اساسنامه را با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را داشته باشند می داند پس چون این نسبت و اکثریت همان است که برای مجامع فوق العاده سهامی در نظر گرفته شده به نظر می رسد تشکیل مجمع عمومی فوق العاده برای این نوع شرکت نیز ضروری می باشد. – برای بار دوم چنانچه اکثریت مذکور تشکیل نگردد مجددا شرکا دعوت می شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود. اما در مورد تصمیمات در مجمع فوق العاده باید گفته شود که با اکثریت عددی شرکا که لااقل ۴/۳ سرمایه را نیز دارا باشند(ماده ۱۱۱ ق.ت.) و در تمام موارد مذکور تعداد آرای هر شریک به نسبت سهم الشرکه او می باشد. نحوه تقسیم سود ماده ۱۰۸ ق.ت. مقرر می دارد: (روابط بین شرکا تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد

تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد). اولا باید گفت منظور از سود درماده مذکور سود قبل از تقسیم است یعنی سودی که کلیه هزینه ها و ذخیره قانونی و غیره از آن کسر شده و در ترازنامه شرکت تفاوت بین بدهی و دارایی شرکت می باشد. ثانیا معمولا همان طور که در مواد ۱۰۲ و ۱۰۵ و ۱۱۱ و ۱۱۴ آمده همیشه اکثریت لازم به نسبت سرمایه تعیین شده است و بعید می دانیم که اساسنامه بتواند در مورد سود غیر از نسبت سهم الشرکه در سرمایه تصمیمی بگیرد و سهم ممتاز هم که نداریم. حق رای و روابط شرکا در ماده ۱۰۷ ق.ت. آمده است: (هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینک اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد). آنچه در شرکت های سهامی معمول است هر سهم یک رای دارد و برای انتخاب تعدادی از مدیران تعداد سهام در تعداد مدیران ضرب می شود و مجموع آن تعداد آرای یک سهامدار می باشد که می تواند آن تعداد رای خود را به یک نفر یا به هر نسبتی که بخواهد به چند نفر بدهد اماآنچه د راین ماده آمده تعداد آرا را به میزان تعداد با مقدار سهم الشرکه از سرمایه و نسبت بین سرمایه و سهم الشرکه رانسبت به آرا یک شریک نسبت به سایرین می داند آنچه معلوم نیست هدف قانونگذار از آن چه بوده استثنای مذکور (مگر اینک اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد) است که با مواد ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۱۱ و ۱۱۴ ق.ت. منطبق نیست زیرا در مواد مذکور صحبت از اکثریت لازم به نسبت سرمایه می باشد. ماده ۱۰۸ ق.ت. مقرر می دارد:(روابط بین شرکا تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد). از جمله روابط بین شرکا رابطه ای است که در مورد سود و میزان سهم الشرکه هر شریک در سود و زیان وجود دارد که قبلا- به طور مفصل توضیح داده شد اما اینکه ماده ۱۰۸ ق.ت. می گوید روابط بین شرکا تابع اساسنامه می باشد در صورتی که اساسنامه مخالف قانون نمی باشد و گرنه اساسنامه ای که مخالف قانن باشد اعتبار ندارد و لازم الرعایه نمی باشد. در مواد مختلف از جمله ماده ۱۰۵ ق.ت. و ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. تاکید می کند که در روابط شرکا و محدودیت اختیارات مدیران در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. تغییرات اساسنامه وتابعیت شرکت ماده ۱۱۱ ق.ت. مقرر می دارد: (هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.) اگر چه در مورد شرکت با مسئولیت محدود نص صریحی وجود ندارد که تشکیل مجمع عمومی فوق العاده را الزامی کرده باشد یا این اختیار را به صراحت به مدیران داده باشد ولی با تنقیح مناط و وحدت ملاک از ماده ۸۳ ل.ا.ق.ت. که مقرر می دارد: هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه... منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد و با توجه به تاریخ تصویب لایحه اصلاح ق.ت. که موخر بر ماده ۱۱۱ می باشد و نظر به ماده ۱۰۹ ق.ت. که اجازه دعوت مجمع عمومی فوق العاده را به هیئت نظار داده است می توان نتیجه گرفت که در شرکت با مسئولیت محدود نیز هر گونه تغییری د راساسنامه فقط توسط مجمع عمومی فوق العاده امکانپذیر است. ماده ۹۴ ل.ا.ق.ت. مقرر می دارد:(هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید) یعنی مجمع عمومی فوق العاده که حق تغییرات در سرمایه و اساسنامه را دارد نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. و ماده ۵۹۱ ق.ت. مقرر می دارد: (اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است) ایفا ماده ۵۹۰ ق.ت. اشعار می دارد: اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است. ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی نیز اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز عملیات آنها می داند و م اده ۲۲ (آ.د.م.د) اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز اصلی شرکت می داند و ماده اول قانون ثبت شرکتها موید آن است که شرکتهایی که در ایران تشکیل می شوند اقامتگاه آنها ایران است. بنابراین با توجه به نظر مرحوم دکتر حسن امامی و دکتر محمد جعفر لنگرودی و آنچه که در بالاذکر شده به نظر می رسد هیچ گونه تعارضی بین مواد مذکور نیست و همه معانی (مرکز عملیات) در ماده ۱۰۰۲ ق.م. و (اداره) در ماده ۵۹۰ ق.ت. و (مرکز اصلی شرکت) در ماده ۲۲ (ق.آ.د.م) مترادفند و هیچگونه تناقض و تضادی دیده نمی شود پس هیچ تغییر تابعیت صرفا در اختیار شرکا و با تغییر اساسنامه ممکن نیست و توافق دولت و شروط دیگر را

نیز می طلبد البته موادی دیگر چون ماده ۱۱۰ ق.ت. و ماده ۹۸۸ ق.م. را نیز باید در نظر گرفت. به هر صورت تغییر تابعیت کار ساده ای و صرفا با توافق شرکا نیست و اتفاق آرا د رماده ۱۱۰ ق.ت. فقط یکی از شروط است.

۸- نتیجه

شرکت با مسئولیت محدود - نتیجه شرکت با مسئولیت محدود که حداقل از دو نفر تشکیل می گردد اگر یکی از شرکا فوت نماید برای بقی شرکت قانون تجارت نصی را پیش بینی نکرده است. به نظر می رسد که همانند حقوق فرانسه شرکت بتواند به بقای خود ادامه دهد مگر اینکه اشخاص ذینفع تقاضای انحلال آن را بنمایند.در مورد عزل مدیر یا مدیران نیز در صورت بروز اختلاف مشکلاتی وجود دارد و ماده ۱۰۵ قانون تجارت به اجمال برگزار شده است. ضمنا مسئولیت جزایی پیش بینی شده در ماده ۱۱۵ قانون تجارت با توجه به تاریخ تصویب آن (۱۳۱۱) و پیش بینی ماده واحده راجع به کلاهبرداری بعلت سنگین بودن مجازات تناسب با جرم ارتکابی ندارد. هم چنین پیش بینی مجمع عادی و فوق العاده و برقراری سیستم بازرسی برای حمایت از حقوق شرکا و اشخاص ذینفع ضروری می باشد مشکلات قانونی موجب گردیده که با توجه به استقبال مردم از این شرکت دعاوی زیادی در دادگستری مطرح گردد.

۹- بطلان و ا نحلال شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - بطلان و ا نحلال شرکت با مسئولیت محدود ۱- بطلان اصولا برای تشکیل شرکت شرایطی لازم است از جمله این شرایط شرایط شکلی و ماهوی است که شرایط ماهوی برای انجام معاملات همان است که در ماده ۱۹۰ ق.م آمده است یعنی قصد و رضای شرکا اهلیت شرکا موضوع شرکت و مشروعیت جهت شرکت و شرایطی شکلی ضرورت وجود قرارداد کتبی و سایر تشریفات می باشد که ضمانت اجرای عدم رعایت این موارد بطلان شرکت می باشد. ماده ۱۰۰ ق.ت. مقرر می دارد: (هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ ق.ت. تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکا در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند. و ماده ۹۶ ق.ت در رابطه با تادیه سهم الشرک نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیرنقدی و ماده ۹۷ ق.ت. در رابطه با قید تقویم سهم الشرکه غیرنقدی می باشد که ماده ۱۰۰ ق.ت. ضمات اجرای عدم رعایت این موارد را بطلان شرکت می داند. البته منظور از این بطلان بطلان نسبی می باشد. یعنی چنانچه عوامل و اسباب بطلان بر طرف شود شرکت تشکیل میشود ولی اشخاص ثالث طرف قرارداد شرکت می توانند به آثار بطلان شرکت در مدتی که شرکت باطل بوده است استناد نمایند در مورد مسئولیت مدنی ماده ۱۰۱ ق.ت. مقرر می دارد: (اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند بعمل آنها است و هیئت نظار و مدیره هایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرو کار بوده وانجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکای دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشی از این بطلان متضامنا مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.) ۲- انحلال انحلال به علت شمول فقرات ۱و ۲و ۳ ماده ۹۳ ق.ت. ماده ۱۱۴ ق.ت. مقرر می دارد: (شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود: - در مورد فقرات ۱و ۲و ۳ ماده ۹۳. - در صورت تصمیم عده ای از شرکا که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. - در صورتی که به وساطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی ازشرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. - در صورت فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد. که به طور مختصر به شرح هر یک ازبندهای ماده مذکور می

پردازیم: - در مورد فقرات ۱و ۲و ۳ ماده ۹۳ - پیش تر گفتیم که به استناد ماده ۲۹۹ (ل.ا.ق.ت) مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۴۷ که مقرر می دارد: (آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهمی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجارتی می باشد نسبت به آن شرکت ها به قوت خود باقی است). مواد ۲۱ تا ۹۴ قانون تجارتمصوب ۱۳۱۱ در مورد شرکت با مسئولیت محدود مجری می باشد اگر چه در بعضی از کتابهایی که تحت عنوان قانون تجارت تالیف می شود آورده نمی شود. ماده ۹۳ قانون مذکور مقرر می دارد:(شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می شود): ۱- وقتی که شرکت مقصودی را برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد. ۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد. ۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی از تصریح قابل اعمال بودن موارد راجع به شرکت های سهامی به شرکت با مسئولیت محدود وبالعکس شاید بتوان نتیجه گرفت که بعضی از موارد ماده ۲۰۱ (ل.ا.ق.ت) را در موردشرکت با مسئولیت محدود می توان اعمال کرد زیرا در غیر این صورت حق و حقوق اقلیت شرکا درشرکت با مسئولیت محدود بدون حمایت جدی قانونگذار باقی ماده و در واقع موجبات تضییع آن ایجاد می شود. البته اگر چه این نظر بسیار بعید است ولی جهت رعایت حقوق حقه و مسلم اقلیت ضروری می باشد هر چند لازم است که با وحدت ملاک با شرایط شرکت با مسئولیت محدود تطبیق داده شود. در مورد غیر ممکن بودن مقصود شرکت ممکن است ناشی از قانون یا ظرفیت و توان شرکت باشد بطور مثال موضوع شرکت به موجب قانون جدیدی ممنوع اعلام شود در مورد مدت نیز باید گفت که انقضای مدت شرکت موت فرضی شخصیت حقوقی بوده مگر اینکه قبل از انقضای مدت تمدید شده باشد. و اما چنانچه شرکت تجارتی در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که به عهده او است ورشکست شود منحل شده محسوب می شود و به موجب ماه ۴۲۳ ق.ت. از یک سری معاملات ممنوع می باشد. البته لازم به ذکر است که ورشکستگی همیشه دیون بیشتر از دارایی نمی باشد و ممکن است به دلایل مختلف توقف از تادیه دیون ایجاد شود وتاجر مثلا دسترسی به اموال خود نداشته باشد یا فعلا نتواند اموال خود را مسترد کند. انحلال ارادی بند ب ماده ۱۱۴ ق.ت. مقرر می دارد:(در صورت تصمیم عده ای از شرکا که سهم الشرکه آنها بش از نصف سرمایه شرکت باشد). به نظر می رسد این امتیاز برای دارندگان اشخاصی که اکثریت سرمایه را دارند امتیازی خوب و کارا جهت کنترل شرکت باشد واز آنجا که اقلیت همچنان درمعرض تضییع حق می باشد لازم است در جهت حفظ حقوق اقلیت نیز قانون اصلاح گردد. البته شاید بتوان گفت که هیچ ایرادی ندارد که اساسنامه این اکثریت را بتواند تشدید کند و بطور مثال به اکثریت عددی شرکا با داشتن لااقل ۴/۳ سرمایه و یا با تراضی تمام شرکای شرکت منحل شود. انحلال به علت ضرر دکتر ستوده تهرانی درمورد (بند ج ماده ۱۱۴ ق.ت.) می گویند: (انحلال شرکت به تقاضای یکی از شرکا از طریق دادگاه مقررات انحلال شرکت را نزدیک به شرکت های تضامنی ونسبی و شرکت های مختلط غیرسهامی می نماید. در صورتی که درمورد شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی شرکا به طور انفرادی دارای چنین حقی نیستند زیرا در شرکتهای با مسئولیت محدود شخصیت شرکا تا اندازه ای دخالت دارد و شرکا باید با یکدیگر توافق داشته باشند و علاوه بر آن شرکا دارای آن اختیاراتی که برابر مجامع عمومی شرکت های سهامی پیش بینی شده است نبوده ودر صورتی که مدیر شرکت برای مدت نامحدودی تعیین شده باشد به هیچ وجه نمی تواند مانع عملیات او گردند ولی این تقاضا منوط است به اینکه اولا به واسطه زیان های حاصله نصف سرمایه شرکت از بین رفته باشد و ثانیا محکمه دلایل متقاضی را راجع به انحلال شرکت موجه تشخیص دهد و ثالثا سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که به او در صورت انحلال تعلق می گیرد بپردازند و او را از شرکت خارج نمایند. به این جهت موارد اعمال این ماده نادر است. آیا اساسنامه می تواند این موضوع را که از حقوق شرکا است از آنها سلب کند؟ به نظر می رسد برخلاف شرکتهای سهامی درمورد شرکتهای با مسئولیت محود این چنین موردی مخالف با بند ج ماده ۱۱۴ ق.ت. می باشد. انحلال به واسطه فوت شریک آنچه از مفهوم مخالف این بند ماده استنباط می شود اصل بر عدم انحلال شرکت بواسطه فوت احدی از شرکاست مگر اینکه دراساسنامه شرکت به این امرتصریح شده باشد.اما

درشرکت تضامنی برعکس شرکت با مسئولیت محدود به استناد بند (و) از ماده ۱۳۶ ق.ت. فوت یـا محجوریت یکی از شرکا از موجبات انحلال شرکت است. از آنجا که پیش تر گفتیم درشرکت بـا مسئولیت محدود نیز می شود مجمع عمومی فوق العاده تشکیل داد و تغییر در اساسنامه را نیز ازوظایف واختیارات این مجمع دانستیم لذا با توجه به بند(د) ماده ۱۱۴ ق.ت. که انحلا شرکت با فوت احد از شرکا را منوط به ذکر در اساسنامه کرده است می توان نتیجه گرفت که حتی بعد از فوت احد از شرکا به شرط اینکه اکثری عددی که دارای لااقل ۴/۳ سرمایه شرکت باشد را تقلیل ندهد میشود چنین موردی را در اساسنامه گنجاند اما در مورد ورشکستگی و محجوریت با توجه به عدم ذکر در قانون و هم چنین عدم تغییر در شخصیت شریک این مورد قابل اعمال نیست . البته ایرادی که ممکن است وارد باشد اینکه چنانچه ما اساسنامه شرکت با به صورتی در آوریم که هنگام فوت شریک منحل شده محسوب شود تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده برای تغییر در اساسنامه بعد از فوت شریک شرکت را ممکن است بـا اشکال قانونی مواجه شود.

۱۰- خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود - تقسیم سرمایه به سهم الشرکه: در شرکت با مسئولیت محدود برخلاف شرکت های سهامی که بحث از سهم است و سهامدار صحبت از شریک می باشد. سهم الشرکه که می تواند قسمتی از آن غیرنقدی هم باشد که در این صورت تقویم و تسلیم آن ضرورت دارد و ضمانت اجرایش ابطال شرکت است. - ممنوعیت تقسیم سرمایه به سهام: صدور ورقه سهام خاص شرکت های سهامی عام وخاص می باشد و درشرکت با مسئولیت محدود اصدار سهام ممنوع است. - محدود بودن مسئولیت شرکا تاحدود سهم الشرکه خود در مقابل قروض و دیون شرکت: به صراحت این ماده مسئولیت شرکا محدود به سرمایه ای می باشد که در شرکت دارند. - عدم آزادی شریک در انتقال سهم الشرکه خود: که ذیل ماده ۱۰۲ ق.ت. ثبت خواهد شد. ضمنا در شرکت با مسئولیت محدود برخلاف شرکت سهامی عام که حداقل باید پنج نفر مدیر و در سهامی خاص حداقل باید ۳ نفر مدیر داشته باشند تا شرکت تشکیل می شود(مواد ۳ و ۱۰۷(ل.ا.ق.ت)) در شرکت با مسئولیت محدود حداقل با دو نفر هم شرکت تشکیل می شود و هیچ شرط خاصی برای این شرکا ذکر نشده است ودر مورد حداکثر اعضا هم هیچ گونه محدودیتی قانونگذار قائل نشده است. در مورد (امور تجارتی) در ماده ۹۴ ق.ت. به نظر می رسد که وقتی ما شرکت های ماده ۲۰ ق.ت. را تجاری محسوب نمائیم اعمال آنها به تبع تاجر بودن شرکت تجارتی محسوب می شود ولو اینکه عمل تجارتی نباشد و این استثنای شرکت های سهامی مندرج در ماده ۲ (ل.ا.ق.ت) قابل تسری به بقیه شرکت های ماده ۲۰ نیز می باشد. ولی آنچه در تعرف شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۹۴ ق.ت آمده نیز میباشد. ولی آنچه در تعریف شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۹۴ ق.ت. آمده منظور این است که هدف تشکیل امورتجارتی می باشد یعنی شرکت صرفا می تواند یکی از موارد ده گانه ماد ۲۰ ق.ت. را موضوع فعالیت خود قرار دهد می دانیم که اعمال تجارتی دو نوع هستند یکی ماهوی و اصلی که ذاتا این گونه اعمال تجارتی محسوب می شوند و درماده ۲ ق.ت. احصا شده اند و دیگری اعمال تجارتی تبعی می باشند که به تبع تاجر بودن شخصی تاجر تجارتی محسوب می شوند و در ماده ۳ ق.ت. احصا شده اند و اما از تعریف ماده ۹۴ چنین استنباط می شود که شرکت با مسئولیت محدود برای این تشکیل می شود که یکی از اعمال ذاتی تجاری را انجام دهد در حالی که به استناد ماده ۲۰ ق.ت. و ماده ۳ قانون مذکور اعمال تبعی این نوع شرکت نیز تجارتی محسوب می شوند مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امورتجارتی او باشد نیز تجارتی می باشند بطور مثال اگر شرک با مسئولیت محدود که به استناد ماده ۲۰ ق.ت. تاجر محسوب می شود برای حوائج تجارتی خودکامیون خریداری نماید طرف غیرتاجر او می تواند در صورت عدم پرداخت چک مربوط به معامله علیه او اعلام ورشکستگی نماید ولی بطور مثال میوه فروش چنین اختیاری ندارد. - عدم تقسیم سرمایه به سهام یا

قطعات سهام: سهام و سهامداران اختصاص به شرکت سهامی دارد که براساس ماده ۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به شرکت سهامی و شرکت مختلط سهامی تقسیم شده است ولی مواد ۲۱ تا ۹۴ که مربوط به شرکت سهامی بود در سال ۱۳۴۷ نسخ گردید و لایحه اصلاحی قانون تجارت جایگزین آن شد و در تعریف ماده ۱ (ل.ا.ق.ت) اصطلاح (برای امور تجارتی) که درماده ۲۸ ق.ت. آمده بود حذف گردید و بدین وسیله قلمرو فعالیت شرکت های سهامی گسترده تر گردید و حتی در ماده ۳ (ل.ا.ق.ت) به صراحت هر گونه عمل غیرتجارتی را توسط شرکت سهامی تجارتی محسوب می کند(حتی معامله غیر منقول ماده ۴ ق.ت) و بعد از تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت اکثر بازرگانان و اشخاص معمولا فعالیت اقتصادی خود را در قالب شرکت های سهامی انجام می دهند و سرمایه شرکت به سهام تقسیم می شود و مسئولیت دارندگان سهام به میزان مبلغ اسمی و تا میزان سهمشان محدود می باشد که با شرکت با مسئولیت محدود در این موردتفاوت اساسی دارد. - میزان مسئولیت: در مسئولیت باید بین میزان مسئولیت شرکا و مدیران تفکیک قائل شد میزان مسئولیت شرکا محدود است به میزان سهم الشرکه ای که در سرمایه شرکت دارند و جز سرمایه ای که رد شرکت دارند مسئولیت دیگری ندارند واگر شرکت ورشکسته شود مسلما دیان قسمتی از طلب را از دست میدهند و اما باید متذکر شد که برخلاف شرکت های سهامی درشرکت با مسئولیت محدود نمی توان مقداری از سرمایه را تعهد کرد بلکه به استناد ماده ۹۶ قانون مذکور نیز مقرر میدارد:(در شرکت نامه باید صراحتا قید شده باشد که سهم الشرکه های غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است). و در ماده ۹۸ به تضامنی بودن مسئولیت شرکا نسبت به قیمت که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیرنقدی معین شده درمقابل اشخاص ثالث تصریح شده است و مهمتر از موارد فوق ماده ۱۰۰ قانون تجارت تصریح می کندکه: (هر شرکت با مسئولیت محدود که بر خلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است. لیکن شرکا در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند.) ماده ۱۰۱ ق.ت. نیز هیئت نظار را در صورت عدم انجام وظیفه مسئول می داند و به استناد ماده ۴۳۹ ق.ت. علیه شرکای شرکت با مسئولیت محدود بعد از ورشکستگی شرکت نمی توان دعوای ورشکستگی مطرح نمود (با تنقیح مناط و وحدت ملاک از ماده مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کنند علاوه بر مسئولیت مدنی قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در خصوص دسیسه و تقلب درکسب و تجارت مجازاتی جزایی پیش بینی نموده است و همچنین ماده ۱۱۵ ق.ت. مجازات کلاهبرداری را برای متخلفین احصا شده در آن ماده ذکر می کند می تواند شامل شرکا و هم شامل مدیران باشد. اما میزان مسئولیت مدیران شرکت مدیران شرکت برای آنکه مسئولیت شخصی نداشته باشند باید در ذیل تعهدات را که از طرف شرکت امضا می نمایند سمت خود را تصریح نمایند و در صورتی که شرکت مهر داشته باشد مهر شرکت را به امضای خود امضا نمایند دکتر ستوده تهرانی متعقدند علیرغم عدم تصریح در مورد مسئولیت مدیران در شرکت با مسئولیت محدود جز مواد ۱۰۱ و ۱۱۵ ق.ت مدیر شرکت در کلیه مواردی که مرتکب تقصیر یا تخلفاتی داشته باشد مسئولیت حقوقی یا جزایی دارد و مانند میران شرکت سهامی قابل تعقیب می باشد ایشان در ادامه می افزاید: (در نتیجه سو استفاده ای که مدیران شرکت با مسئولیت محدود ممکن است به شرکت مرتکب شوند عده ای قیده دارند که مسئولیت مدیر شرک با مسئولیت محدود باید شدیدتر شود تا نتواند به نام شرکت مرتکب سو استفاده هایی بشود و بعدا طلبکاران را به عنوان اینکه شخاص مسئول نمی باشند به شرکتی که دارایی کافی ندارد حواله دهد.) دکتر عرفانی نیز در این رابطه می گویند: (مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود به نمایندگی از طرف شرکت وظایف خود را طبق قانون یا اساسنامه انجام میدهند و چون تاجر محسوب نمی شوند بنابراین علیه آنان در صورت توقف شرکت ازادای دیون و قروضی که به عهده دارند نمی توان اعلام ورشکستگی نمود). بدیهی است که این مورد یکی از نقایص قانون تجارت می باشد.

۱۱- سهم الشرکه و مسائل مربوط به نقل و انتقال آن

شرکت بـا مسئولیت محـدود - سـهم الشـرکه و مسائل مربوط به نقل و انتقال آن ۱- عـدم قابلیت تبـدیل به اوراق تجاری ماده ۱۰۲ ق.ت می گویـد: (سـهم الشـرکه شـرکا نمی تواننـد به شـکل اوراق تجـارتی قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم وغیره درآیـد سـهم الشـرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشـته باشـند). براساس این ماده سـهم الشـرکه شرکا را نمی توان به غیر منتقل نمود مگر با رضایت دارندگان سه ربع سرمایه که اکثریت عددی را نیز دارا باشـند اما درعمل ممکن است تطابق اکثریت عددی با سه ربع سـرمایه فراهم نشود. مثل اینکه یک شخص به تنهایی ۷۵٪ سرمایه ودو شخص دیگر هر کدام ۱۰٪ و ۱۵٪ مابقی سرمایه را داشته باشند وهیچ یک با انتقال سهم الشرکه دیگری به شـخص ثالث رضایت نداشـته باشـند اگر شـریک اول با آنکه سه ربع سـرمایه را دارد به انتقال هم رضایت دهد انتقال عملی نمی گردد. به طور کلی تلفیق اکثریت عـدیی بـا اکثریت سـرمایه ای و تطبیق این دو بـا هم ضـرورت نـدارد. از طرفی وقتی که در انتقـال سهم الشـرکه به اسـتناد قسـمت اخیر ماده مذکور سخت گیری شده است معلوم است که در مورد اوراق تجارتی قابل انتقال به طریق اولی ممنوعیت بیشتری در نظر گرفته خواهد شد در شـرکت های سهامی که اوراق به صورت سهم با قیمت وارزش اسمی صادر می شونـد و سـهام بی نـام یـا قبض واقباض و سـهام با نام با ثبت در دفتر مخصوص قابل نقل و انتقال باشـند مسـئولیت سـهامدار بیشتراز مسئولیت شرکت با مسئولیت محدود می باشد و همان طور که از اسم این نوع شرکت می باشد پس ضرورت دارد که سهم الشرکه ها غیر قابل انتقال باشـند و صرفا با توافق ۴/۳ سـرمایه و با اکثریت مبلغ سرمایه و عده ای شرکا امکانپذیر باشد. ۲- تاثیر سهم الشرکه در حق رای ماده ۱۰۷ ق.ت. مقرر می دارد: (هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسـنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد). همان طور که از منطوق ماده روشن است میزان رای و تعداد آرای هر شریک بستگی به میزان سهم الشرکه او دارد و از آنجا که ماده ۱۱۴ قانون تجارت در مورد انحلال شرکت تصریح دارد اگر عده ای از شرکا که سهم الشـرکه آنها بیشتر از ۲/۱ سـرمایه شـرکت باشد تصـمیم به انحلال شـرکت بگیرند می توانند شـرکت را منحل کنند این شرکا بدون تشـکیل مجمع می توانند تصمیم خود را در صورتجلسه ای تنظیم کنند و به امضای شرکای مذکور برسانند و شرکت را منحل کنند. دکتر ستوده تهرانی معتقد است که اساسنامه شرکت می تواند در مورد تصمیم به انحلال شرکت اکثریت زیادتری را پیش بینی کند. وی همچنین می گوید: ماده ۱۰۷ قانون تجارت مقرر می دارد که : هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. مفاد این ماده به هیچ وجه با مقررات مواد ۱۰۲ و ۱۰۵ و ۱۱۱ و ۱۱۴ تطبیق نمی کند زیرا در مواد مزبور اکثریت لازم به نسـبت سرمایه تعیین شده و معلوم نیست به چه ترتیب اساسنامه شرکت بتواند حق رای شـرکای را تغییر دهـد. زیرا به فرض اساسـنامه برای بعضـی از سـهم الشـرکه حق دو یا چند رای را پیش بینی کند آرا مزبور در تنـاسب سـرمایه شـرکت تـاثیری نـدارد بنـابراین پیش بینی ترتیب دیگری در اساسـنامه برای حق رای شـرکا تاثیر عملی نـدارد. دکتر عرفانی گویا اسـتثنای ماده ۱۰۷ را می پـذیرد لـذا وی می گویـد: (هرشـریک به نسبت سـهم الشـرکه خود حق رای دارد مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشـته باشد (مسـتفاد از ماده ۱۰۷ ق.ت) در حقوق فرانسه نیز آرا هر شـریک مسـاوی بـا تعـداد سـهم الشـرکه ای است که شـریک در شرکت سرمایه گذاری کرده مگر اینکه اساسنامه برخلاف آن پیش بینی کرده باشد. ۳- تاثیر سهم الشـرکه در نحوه تقسیم سود و زیان ماده ۱۰۸ ق.ت. مقرر می دارد: (روابط بین شـرکا تابع اساسـنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد) دکتر اسکینی در ذیل این ماده می گویـد: (... بایـد توجه داشت که در ماده ۱۰۸ ق.ت. سودی مورد نظر مقنن است که قابـل تقسـیم باشـد منظور از سود قابـل تقسـیم سـودی است که شـرکت در پایـان هر دوره عملکرد به واقـع تحصـیل کرده است.این سود زمـانی محقق است که بیلاـن شـرکت در قسـمت دارایی مبلغی بیشتر از مبلغ منـدرج در قسـمت بـدهی شـرکت رانشان بدهد. لذا به نظر می رسد که سود قابل تقسـیم پس از کسـر کلیه هزینه ها بابت اسـتهلاک و اندوخته و ضـرر و زیان های سال جاری و سـنوات گذشته باشد و این سود است که به نسبت

سهم الشرکه هر شریک بین آنها تقسیم می شود. دکتر عرفانی پیشنهاد می کند: (به نظر می رسد که درشرکت با مسئولیت محدود مجمع عمومی عادی برای حفظ حقوق شرکای اقلیت الزاما یکبار در سال برای رسیدگی به حسابهای شرکت و تقسیم سود و استماع گزارش مدیران شرکت گردد تا آنان بتوانند با کسب اطلاع دقیق از وضع تجاری شرکت حقوق قانون خود را مطالبه و عنداللزوم به استناد بند ج ماده ق.ت. از دادگاه تقاضای انحلال شرکت با نمایند با این ترتیب اصلاح ماده ۱۰۶ ق.ت. ضروری می باشد. ۴- تاثیر سهم الشرکه در تصمیمات ماده ۱۰۶ ق.ت مقرر می دارد: (تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود- اگر در دعوت اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجددا دعوت شوند در این صورت تصمیمات با اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد - اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر می دارد. همان طور که ملاحظه می شود در دفعه اول تصمیم گیری با اکثریت لااقل نصف سرمایه صورت میگرد حال آنکه چنانچه این جلسه به علت عدم حضور شرکای مالک نصف سرمایه تشکیل نشود در دعوت دوم تصمیمات نه با اکثریت سرمایه که به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود بنا به تصف سرمایه شرکت باشد منحل می شود واگر چه قانون در مورد اکثریت زیادتر به سکوت گذاشته اما می توان گفت که اساسنامه می تواند اکثریت زیادتری را برای انحلال شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی کند. ۵- انتقال سهم الشرکه به موجب ماده ۱۰۲ ق.ت. سهم الشرکه نمی تواند به شکل اوراق تجارتی قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید همچنین این ماده انتقال سهم الشرکه را منوط به رضایت عده ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به انها بوده واکثریت عددی را نیز داشته باشند کرده است و ماده ۱۰۳ قانون مذکور انتقال سهم الشرکه را فقط از طریق سند رسمی قابل قبول می داند. حال سئوال این است که آیا انتقال قهری هم باید با رضایت ۴/۳ شرکا باشد؟ به نظر می رسد که در چنین مواردی که غیر ارادی است هیچ منعی ندارد و شرط رعایت رضایت لازم الرعایه نمی باشد. از انجا که نص صریحی در مورد ضمانت اجرای ماده ۱۰۲ نداریم و منعی هم در انتقال بدون رضایت دیده نمی شود یعنی شرکا می توانند سهم الشرکه را حتی بدون رضایت منتقل کنند. آیا انتقال بدو رضایت چه اثر حقوقی می تواند داشته باشد؟ از مفهوم ماده چنین برمی آید که این گونه انتقالها فاقد اثر حقوقی می باشند. در مورد انتقال سهم الشرکه به دیگر شرکا هیچ گونه معنی وجود ندارد و نیاز به رضایت ۴/۳ سرمایه نیز نمی باشد.

۱۲- محاسن و معایب شرکت با مسئولیت محدود درمقایسه با شرکت سهامی

شرکت با مسئولیت محدود - محاسن و معایب شرکت با مسئولیت محدود درمقایسه با شرکت سهامی محاسن - شرکت سهامی عام با حضور حداقل پنج سهامدار (مدیر) و شرکت سهامی خاص با حداقل سه سهامدار خاص با حداقل سه سهامدار تشکیل می گردد(مواد ۳ و ۱۰۷ ل.ا.ق.ت.) در صورتی که شرکت با مسئولیت محدود با حداقل دو شریک تشکیل می شود (ماده ق.ت.). - حداقل سرمایه در سهامی عام پنج میلیون ریال و سهامی خاص یک میلیون ریال به اضافه تکالیف حداقل ۳۵٪ نقدی کل سرمایه (مواد ۶ و ۳۰ ل.ا.ق.ت) می باشد اما درشرکت با مسئولیت محدود بدون ارائه مدارک تودیع سرمایه صرفا اقرار موسسین به میزان سرمایه و پرداخت به صندوق شرکت یا هیئت مدیره کفایت می کند. در واقع قانونگذار حداقل و حداکثری برای سرمایه شرکت مقرر نکرده است و این تقیصه موجب تضعیف حقوق طلبکاران این نوع شرکت می شود چرا که عمده تضمین طلب طلبکار سرمایه شرکت است. بنابراین لازم است که حداقل سرمایه مشخص و به میزانی باشد که تاحدودی جوابگوی طلب طلبماران باشد. - در شرکت با مسئولیت محدود یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که ممکن است از خارج از شرکا هم باشند برای مدت محدود یا نامحدود اراه شرکت را برعهده میگرند (ماده ۱۰۴ ق.ت.) در صورتی که درشرکت سهامی عام حداقل پنج نفر و در شرکت سهامی خاص حداقل سه نفر مدیر برای مدت حداکثر ۲ سال انتخاب می شوند (ماده ۳ و ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت) و ۱۰۹ (ق.ت)).

- قلمرو آگهی ها در شرکت های سهامی با توجه به مواد (۹۷ و ۹۸۵ (ل.ا.ق.ت)) وسیعتر از شرکت با مسئولیت محدود می باشد (ماده ۲۰ ق.ت). معایب - اگر چه تمام سهم الشرکه شرکت باید در شرکت با مسئولیت محدود در بدو تاسیس پذیره نویسی و پرداخت شود ولی این پرداخت ممکن است صوری باشد. - درشرکت با مسئولیت محدود ورقه ای به نام سهم الشرکه صادر نمی گردد و هم چنین این سهم الشرکه نمی تواند به صورت اوراق تجارتی قابل انتقال اعم از با نام یا بی نام صادر گردد ولی درشرکت سهامی عام نقل و انتقال سهام کاملا آزاد بوده و در شرکت سهامی خاص این نقل و انتقال ممکن است فقط مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی سهامداران بشود. حال این سئوال مطرح می شود آیا شرکت با مسئولیت محدود از جمله شرکت های شخص است؟ با توجه به اینکه مسئولیت شرکت جدا از مسئولیت شرکا می باشد و شریك درشرکت با مسئولیت محدود بجز سرمایه ای که درشرکت گذاشته است مسئولیت دیگری ندارد و اگر در نتیجه ضررهای مختلف شرکت ورشکسته شود طلبکاران یقینا از قسمتی از طلب خود محروم می شوند پس اگر چه شخصیت شرکا در شرکت دخالت دارد و غالبا این نوع شرکت بین اشخاص آنهم اشخاص یك خانواده یا اشنا باهم تشکیل می شود ولی به هر صورت شرکت با مسئولیت محدود یك شرکت سرمایه است و به استناد ماده ۹۵ ق.ت. که مقرر میدارد: (در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرت نباید متضمن اسم هیچ یك از شرکا باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریك ضامن درشرکت تضامنی را خواهد داشت.) شکی در تجارتی بودن شرکت با مسئولیت محدود و عدم مسئولیت شرکا جز به میزان سهم الشرکه باقی نمی ماند.

۱۳- نحوه اداره شرکت قلمرو اختیارات و مسئولیت مدیران

شرکت با مسئولیت محدود - نحوه اداره شرکت قلمرو اختیارات و مسئولیت مدیران ۱- مدیر یا مدیران ماده ۱۰۴ ق.ت. مقرر می دارد: شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می شوند اداره می گردد. منظور از مدیر (غیر موظف) آن دسته از مدیران می باشند که در قبال کار خود دستمزدی از شرکت نمی گیرند و مدیران موظف د رقبال کار خود از شرکت دستمزد می گیرند. در تمام شرکت ها اولین مدیران توسط مجمع عمومی موسسین و ضمن شرکت نمه به امضا موسسین تعیین می شوند ودر مراحل بعد توسط مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند. هر گاه مدیر حین تنظیم وامضای شرکت نامه معین نشده باشد انتخاب او به موجب سندی دیگر می تواند به اکثریت آرا باشد چه این اقدام مشمول ماده ۱۰۶ ق.ت. است که به اداره شرکت مربوط می شود. به موجب این ماده تصمیمات راجع به شرکت باید با اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود. مشکلی که مطرح می شود این است که هر گاه اکثریت مزبور حاصل نشود وضع شرکت چه خواهد شد. بخصوص در فرضی که شرکت فقط دارای دو شریك است که هر یك نصف سرمایه را دارند و در مورد مدیریت شرکت توافق نمی کنند آیا شرکت باید منحل شود یا هر یك از شرکا مدیر تلقی خواهند شد. برای عزل مدیران اگر در اساسنامه مقرراتی پیش بینی شود باید با رعایت آن اقدام گردد و در غیر این صورت فقط طبق اکثریت مذکور ماده ۱۰۶ ق.ت. اقدام می شود در مورد حدود مسئولیت مدیران در برابر شرکا با وحدت ملاك از ماده ۱۲۱ ق.ت. و ماده ۵۱ ق.ت. اعمال می شود. ۲- اختیارات مدیران ماده ۱۰۵ ق.ت. مقرر می دارد: (مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد - هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. به استناد ماده ۲۹۹ ل.ا.ق.ت که مواد ۲۱ تا ۹۴ ق.ت. را در مورد شرکت با مسئولیت محدود نافذ می داند. و این رابطه همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد لذا هر اقدامی از طرف مدیران با قصد نیابت از طرف شرکت نافذ است. ولی این اقدامات با توجه به مقررات ماده ۱۰۵ ق.ت.

و ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. بایـد در حدود موضوع شـرکت باشد پس ما در خصوص اختیارات مدیران شـرکت های تجارتی مواجه با دو مـاده قـانونی هستیم اول – ماده ۱۱۸ قانون شـرکت های سـهامی (اختیارات وسـیع مـدیران) دوم – ماده ۱۰۵ ق.ت. (محـدود نمودن اختیـارات مقرر در اساسـنامه). بحث بر سـر این است که هرگـاه مـدیر شـرکتی چکی به مبلغ صـد میلیـون ریـال صـادر کنـد که در اساسـنامه شـرکت اختیارات در امضای اسـناد تعهد آور تا مبلغ ده میلیون ریال باشد مسئول پرداخت این سند چه کسی است مدیر یا شرکت؟ دو نظریه مختلف وجود دارد عـده ای معتقدنـد قـانون تجـارت را ل.ا.ق.ت. در سال ۱۳۴۷ نسـخ کرده است (نظر اکثریت) عده ای نیز که اقلیت می باشند معتقدند قانون خاص قانون عام سابق را نسخ نمی کند لذا ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. در مورد شرکت های خـاص قانون عام سابق را نسخ نمی کنـد لـذا ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. در مورد شـرکت هـای سـهامی قابـل اعمـال است و در مورد بقیه شرکت ها ماده ۱۰۵ ق.ت. قابل اعمال است پس درمورد مثال بالا پذیرش این نظریه که شرکت شرکت سهامی است یا نوع دیگری از شقوق ماده ۲۰ ق.ت.است. اگر شـرکت سـهامی باشد شرکت مسئول می باشد و اگر نه مسئولیت شرکت تا حدودی است که در اساسـنامه ذکر شـده و مازاد بر آن را خود مـدیر باید بپردازد. ۳– مسـئولیت کیفری. ماده ۱۱۵ ق.ت. مقرر می دارد: (اشـخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند: – موسسـین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت سـهم الشـرکه نقدی و تقویم و تسـلیم سهم الشرکه غیرنقـدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شـرکت بدهند اظهار کرده باشـند. – کسانی که به وسایل متقلبانه سـهم الشـرکه غیرنقـدی را بیش از قیمت واقعی آن تقـویم کرده باشـند. – مـدیرانی که بـا نبودن صورت دارایی یـا به اسـتناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شـرکا تقسیم کنند. از آنجا که جرم مذکور در این ماده در حکم کلاهبرداری می باشد لذا لازم نیست که همه عناصـر جرم کلاهبرداری در آن وجود داشـته باشد و با توضیـح این مطلب به شـرح بندهای سه گانه ماده مذکور می پردازیم: تقلب در در تقویم یـا تسـلیم سـهم الشـرکه مولفین حقوق تجارت در نظم حقوقی کنونی ذیل بنـد الف ماده ۱۱۵ ق.ت. آورده اند:ارکان تحققی جرم موضوع بنـد (الف) عبارتنـد از: – اظهار خلاف واقع مبنی بر پرداخت تمام سـهم الشـرکه نقـدی و تقویم و تسـلیم سـهم الشـرکه غیرنقدی. – اظهار باید در اوراق و اسـنادی باشد که باید برای ثبت شـرکت بدهند به نظر می رسد تا زمانی که این اوراق و اسـناد به اداره ثبت شـرکت ارائه نشـده (اظهارکردن). تحقیق پیـدا نمی کنـد. – اظهار بایـد توسط موسسـین یا مـدیران باشـد. تقویم غیرواقعی سـهم الشـرکه غیرنقـدی مولفین حقوق تجـارت در نظم حقوقی کنونی در ذیـل بنـد (ب) از مـاده ۱۱۵ ق.ت. می گوینـد: (درمورد بنـد ب) نکات ذیل قابل ذکر است: – از مصادیق (وسایل متقلبانه) می توان به صـحنه سازی اظهارنامه کارشناسـی غیر واقع اسـتفاده از مـدارک جعلی یـا ارائه اسـنادی که راجع به مال معرفی شـده نباشـد به نحوی که راجع به آن متصور و متوهم شود اشاره نمـود. – منظـور از قیمـت واقعی قیمت بـازاری روز تقـویم است. – مرتکـبین این جرم ممکن است شـرکا مـدیران هیئت نظـار یـا هر شخص دیگری باشد که در تقویم سـرمایه شـرکت دخالت کرده اند. تقسیم منافع موهوم دکتر سـتوده تهرانی معتقد است: (راجع به منافع مرهوم کلیه مقرراتی که در شرکت های سهامی ذکر گردید نیز باید درنظر گرفته شود. ولی درباره شرکت با مسئولیت محدود قانون تصریح نکرده که در صورت تقسیم منافع موهوم در صورتی که شرکا سو نیتی نداشته باشند آیا منافع موهومی که تقسیم شده قابل استرداد است یا خیر؟ ضمنا موضوعی که باید درباره منافع د رنظر گرفته شود این است که سود ویژه شرکت افزایشی است که دردارایی شـرکت در پایان سال تشـکیل می شود ولی آیا شـرکت می تواند در اساسنامه خود تصریح کند که در پایان هر سال چند در صد به عنوان بهر سـرمایه بین شـرکا تقسـیم گردد یا خیر؟ ... قانون تجارت ایران چنین امری را مجاز نمی داند.) پس نتیجه اینکه سود غیر واقعی سود است که قانونا قابل تقسـیم بین شـرکا نمی باشـد و مجازات مدیران یاموسسـین مذکور در ماده ۱۱۵ ق.ت. طبق مقررات قانون مجازات اسـلامی می باشد. دکتر ستوده تهرانی در آخر متذکر می شود: (نتیجه رویه استفاده هایی که مدیران شرکت با مسئولیت محدود ممکن است به نام شرکت مرتکب شوند عده ای عقیده دارند که مسئولیت مدیر شرکت با مسئولیت محدود باید شدیـدتر شودتـا نتوانـد به نام شـرکت مرتکب سو اسـتفاده هایی شود و بعـدا طلبکاران به عنوان اینکه شـخصا مسـئول نمی باشـند به

شرکتی که دارایی کافی ندارد حواله دهد.)

۶- ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود

۱- کلیات

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - کلیات دعوت و تشکیل مجامع عمومی در شرکت با مسئولیت محدود فقط در ماده ۱۰۹ ق.ت که می گوید : هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکای آن بیش از ۱۲ نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده وهیئت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد...) اجباری شناخته شده است. در مفهوم مخالف ماده مذکور میتوان گفت که تشکیل مجمع عمومی عادی و فوق العاده در شرکتهای با مسئولیت محدود که شرکای آن کمتر از ۱۲ نفر می باشند کاملا اختیاری است ولی شرکا می توانند در اساسنامه الزام تشکیل مجامع عمومی را مطابق مقررات شرکتهای سهامی عام و خاص و با در نظر گرفتن مواد ۹۲ و ۹۷ و ۱۲۰ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی نمایند.

۲- تصمیمات عادی

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - تصمیمات عادی شرکت با مسئولیت محدود می تواند تصمیمات عادی خود را بدون تشکیل مجمع اتخاذ نماید و تصمیمات راجع به شرکت را به صورت صورتجلسه تهیه و به امضا شرکت برساند هر شریک به نسبت سهم الشرکه خود حق رای دارد مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۱۰۶ ق.ت. می گوید : تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجددا دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی بر خلاف مراتب فوق مقرر دارد. تقسیم سود در قانون تجارت ایران در ماده ۱۱۷ پیش بینی شده و مقرر می دارد: روابط شرکا تبع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد رد شرکت با مسئولیت محدود قانونگذار در ماده ۱۱۳ ق.ت. اندوخته قانونی را تحت عنوان سرمایه احتیاطی با رعایت ماده ۵۷ قانون شرکت سهامی ۱۳۱۱ که می گوید: همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد همین که سرمایه احتیاطی به عشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است الزامی دانسته است.

۳- تصمیمات فوق العاده

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - تصمیمات فوق العاده درشرکت با مسئولیت محدود تشکیل مجمع عمومی فوق العاده همانند شرکتهای سهامی عام و خاص الزامی شناخته نشده است ولی با عنایت به ماده ۱۱ ق.ت. که می گوید: هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد. به نظر می رسد که تشکیل مجمع عمومی فوق العاده از نظر اهمیت موارد پیش بینی شده در ماده ۱۱۱ مذکور می باشد. در این صورت وظایف مجمع عمومی فوق العاده در اساسنامه باید به شرح زیر پیش بینی گردد: ۱- تغییرات در اساسنامه یا الحاق یا حذف چند مواد از آن . ۲- افزایش یا کاهش سرمایه شرکت . ۳- ورود شریک یا شرکا جدید به شرکت.

۴- تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت. ۵- انحلال شرکت قبل از موعد. بدیهی است تصمیمات در موارد فوق باید با موافقت دارندگان ۴/۳ سرمایه شرکایی که اکثریت عددی را نیز دارند اتخاذ گردد.

۴– مسئولیت مدنی و جزایی

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - مسئولیت مدنی و جزایی اگر مجامع عمومی شرکت با مسئولیت محدود در تصمیمات خود از مقررات قانونی تخلف نموده و از این بابت شرکا یا اشخاص ثالث متضرر گردند زیان دیده می تواند براساس مقررات قانون مدنی و تعیین ضرر وارده و اثبات رابطه علیت جبران زیان وارده را از دادگاه درخواست نماید و در مواردی که شرکا با استناد به تصمیم مجامع مرتکب جرائمی از قبیل کلاهبرداری و غیره بشوند بر طبق مقررات پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی با آنان رفتار خواهد شد.

۷– ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیت محدود

۱– مسئولیت مدنی و جزایی مدیران

ارگان ادراه کننده شرکت با مسئولیت محدود - مسئولیت مدنی و جزایی مدیران مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود به نمایندگی از طرف شرکت و به نام شرکت وظایف خود را بر طبق قانون یا اساسنامه انجام می دهند و چون تاجر محسوب نمی شوند بنابراین علیه آنان در صورت توقف شرکت از ادای دیون و قروضی که به عهد دارند نمی توان اعلام ورشکستگی نمود و این یکی از نقایص قانون تجارت می باشد. زیرا امکان دارد که مدیران اموال شرکت را به دارایی شخصی خود انتقال دهند. و طلبکاران شرکت نیز در صورت وصول نشدن مطالبات خود ناچارخواهند بود فقط به دارایی شرکت مراجعه نمایند مگر آنکه دادخواست جداگانه ای براساس مقررات قانون مدنی به دادگاه تسلیم و پس از اثبات تقصیر مدیران و ضرر وارده رابطه علیت جبران زیان وارده را تقاضا نمایند. از نظر جزائی مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد به صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم نمایند کلاهبردار محسوب خواهند شد و زیان دیده می تواند تقاضای استرداد منافع موهوم تقسیم شده را جهت جبران زیاد وارده بنماید.

۲– محدودیت اختیارات مدیران

ارگان ادراه کننده شرکت با مسئولیت محدود - محدودیت اختیارات مدیران در قانون تجارت ایران هیچگونه محدودیتی درمورد اختیارات مدیران در شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی نشده است ولی قانونگذار با قید جمله ... مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگر مقرر شده باشد تحدید اختیارات مدیران را به شرکا واگذار نموده است قسمت دوم ماده (۱۰۵ ق.ت) می گوید : هر قراردادی که اختیارات مدیران را محدود نماید و در اساسنامه نیز به این امر اشاره ای نشده باشد در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن می باشد) اگر مدیری در خارج از موضوع شرکت اقدام نماید در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت در صورت ایراد شخصا جوابگو می باشد.

۳– قلمرو اختیارات مدیران

ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیت محدود - قلمرو اختیارات مدیران مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد (ماده ۱۰۵ ق.ت). برابر بند ۴ ماده ۴۹ قانون تجارت فرانسه حدود روابط مدیران با شرکا به اساسنامه محول شده است. یعنی مدیران در مواردی مانند تنظیم بعضی از قراردادها و یا انجام برخی از اعمال حقوقی مهم مانند اخذ وام از بانک (غیر از اعتبار) رهن اموال غیر منقول شرکت و یا وثیقه و غیره مکلف به کسب اجازه قبلی از شرکا می باشند و درصورت تجاوز از اختیار خود علاوه بر حبران زیان وارده شرکا می توانند عزل مدیر متخلف را بخواهند بدون اینکه نامبرده حق مطالبه ضرر و زیان ناشی از عزل را داشته باشد. سایر اختیارات مدیران عبارتند از : دعوت مجامع عمومی گزارش وضع مالی شرکت و کسر اندوخته های قانونی مندرج در ماده (۱۱۳ ق.ت) گزارش در ورد افزایش و کاهش سرمایه گزارش سالیانه راجع به فعالیت وضع عمومی شرکت و بالاخره اعلام صورتجلسه مربوط به انتخاب مدیران و بازرسان تصویب ترازنامه کاهش و افزایش سرمایه تغییرات در اساسنامه انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن به اداره ثبت شرکتها.

۴- انتخاب و عزل مدیران

ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیت محدود - انتخاب و عزل مدیران شرکت با مسئولیت محدود ممکن است توسط یک یا چند مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا خارج از شرکا انتخاب می گردند اداره شود مدیران مزبور می توانند برای مدت محدود یا نا محدود انتخاب شوند (ماده ۱۰۴ ق.ت). مدیران با اشخاص حقیقی بوده و اهلیت قانونی برای انجام مدیریت داشته باشند. در قانون تجارت ایران تصریحی در خصوص عزل مدیریا مدیران شرکت با مسئولیت محدود وجود ندارد ولی به نظر می رسد در صورتی که مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود با ارتکاب تقصیر (مانند ترک شرکت به قصد اضرار) موجبات ضرر شرکت را فراهم سازند شرکا با توجه به اصول عام پیش بینی شده در حقوق مدنی مجمع عمومی را تشکیل داده و با در دست داشتن ادله موجه و رعایت نصاب اتخاذ تصمیم در مجمع مدیر مقصر را عزل و مراتب را به اداره ثبت شرکتها اعلام نمایند.

۸- ارگان کنترل کننده شرکت با مسئولیت محدود

ارگان کنترل کننده شرکت با مسئولیت محدود - انتخاب هیئت نظار قانونگذار در حقوق ایران انتخاب بازرس یا بازرسان را جهت کنترل شرکت با مسئولیت محدود لازم ندانسته است لیکن در صورتی که تعداد شرکای با مسئولیت محدود بیش از ۱۲ نقر باشد انتخاب هیئت نظار را از بین شرکا الزامی دانسته است در این زمینه ماده ۱۰۱ قانون تجارت مقرر می دارد : (هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکای آن بیش از ۱۲ نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده ...) وظایف و اختیارات هیئت نظار: اول - کنترل آورده نقدی و غیر نقدی هیئت نظار باید پس از تشکیل بلافاصله اطمینان حاصل کند که تمام سرمایه نقدی به وسلیه شرکا تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی شرکت نیز تقویم و تسلیم شده و رد شرکتنامه صراحتا گردیده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان شده است (مستفاد از قسمت دو ماده ۱۰۹ ق.ت و رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ همان قانون). دوم - کنترل دفاتر و دارائی شرکت به موجب ماده ۱۰۹ ناظر به ماده ۱۶۸ ق.ت هیئت نظار مکلفند که دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را به طور دقیق کنترل نموده و در پایان هر سال مالی گزارشی به مجمع عمومی شرکت در این مورد تقدیم کنند و چانچه در تنظیم ترازنامه و تقسیم منافع شرکت به وسیله مدیران تخلفی مشاده نمایند باید آن را در گزارش خود قید کنند هر شریک می تواند از گزارش مزبور تا ۱۵ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی شخصا یا بوسیله نماینده اش کسب اطلاع نماید. سوم - دعوت مجمع عمومی عادی و فوق العاده هیئت نظا مکلف است سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را دعوت کرده و آن را تشکیل دهد. همچنین هیئت مزبور می تواند مجمع عمومی فوق العاده را نیز برای انعقاد دعوت نماید. نظار تصمیمات خود را با اکثریت آرای اعضا خود اتخاذ می

نماید. مسئولیت هیئت نظار (ماده ۱۰۹ ناظر به ماده ۱۶۷) در صورتی که تصمیمات و اقدامات هیئت نظار بر خلاف قوانین حاکم باشد مسئولیت آن متوجه اعضای هیئت خواهد بود. ضمنا هیئت نظار در صورتی تبانی در مورد تقویم سهم الشرکه غیر نقدی به بیش از قیمت واقعی آن علاوه بر مسئولیت تضامنی در مقابل اشخاص ثالث مشمول مجازات جزائی مقرر در ماده ۱۱۵ خواهند بود.

۹- انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود

۱- انحلال شرکت با مسئولیت محدود

انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود - انحلال شرکت با مسئولیت محدود موارد انحلال شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۱۱۴ ق.ت. به شرح زیر پیش بینی شده است: در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده (ماده ۹۳ ق.ت) (شرکتهای سهامی منسوخه سال ۱۳۱۱): وقتی که شرکت برای هدفی که تشکیل شده آن را انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد. وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شده و آن مدت منقضی شده باشد. در صورتی که شرکت ورشکسته اعلام گردد. در صورتی که به واسطه ضرهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکای شرکت با مسئولیت محدود تقاضای انحلال آن را کرده باشد دادگاه نیز دلایل مدعی را موجه تشخیص دهد و سایر شرکا حاضر نباشند سهم الشرکه ای که در صورت انحلال شرکت به او تعلق می گیرد پرداخت نموده و او را از شرکت خارج سازند. در صورتی که عده ای به انحلال اتخاذ تصمیم نموده باشند بدیهی است که اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود برای انحلال شرکت می تواند اکثریت سرمایه را به هر میزانی بیش از نصف اعم از ۴/۳ غیره پیش بینی نماید. در مورد فوت یکی از شرکا و آن در صورتی است که چنین موردی دراساسنامه پیش بینی شده باشد قانونگذار حجر یکی از شرکا را از موارد انحلال ندانسته است. لیکن در صورت ورشکستگی شرکت (نه یکی از شرکا) انحلال و تصفیه آن امری بدیهی است.

۲- تصفیه شرکت با مسئولیت محدود

انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود - تصفیه شرکت با مسئولیت محدود بعد از انحلال شرکت امر تصفیه آن آغاز می گردد. عملیات تصفیه شامل مراحل زیر خواهد بود: وصول مطالبات شرکت. نقد کردن دارایی شرکت. پرداخت دیون شرکت تقسیم دارایی باقیمانده شرکت بین شرکا در شرکت با مسئولیت محدود امر تصفیه به موجب ماده ۲۱۳ ق.ت. به عهده مدیران شرکت می باشد. مگر اینکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. وظایف مدیران یا مدیران تصفیه مدیران شرکت که برای تصفیه تعیین می شوند مکلفند اسامی خود را به اداره ثبت شرکتها اعلام نمایند (ماده ۲۰۵ ق.ت) مدیر تصفیه در حکم وکیل شرکا بوده و حتی مدیر مزبور می تواند از طریق دادگاه انتخاب گردد. رسیدگی به حسابهای شرکت تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان به هنگام انحلال آن اجرای تعهدات شرکت وصول مطالبات و نقد کردن دارایی شرکت و پرداخت دیون شرکت و تقسیم دارایی باقیمانده بین شرکا از وظایف مدیر یا مدیران تصفیه می باشند. مسئولیت مدنی و جزائی مدیران تصفیه اگر مدیران تصفیه از مقررات قانونی و یا اساسنامه تخلف نمایند و از این تخلف به اشخاص ذینفع ضرر و زیانی وارد گردد متضرر می تواند پس از اثبات تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر وارده جبران خسارت وارده را مطالبه نماید. از نظر جزایی در صورتی که مدیران تصفیه بر خلاف قوانین عام مرتکب جرائمی از قبیل خیانت درامانت کلاهبرداری و غیره شوند طبق مقررات پیش بینی شده تعقیب و مجازات خواهند شد.

۱۰- تشکیل شرکت با مسئولیت محدود

۱- مسئولیت مدنی و جزایی راجع به تشکیل شرکت

تشکیل شرکت با مسئولیت محدود - مسئولیت مدنی و جزایی راجع به تشکیل شرکت در مورد مسئولیت مدنی موسسین نسبت به اشخاص متضرر از تاسیس شرکت باید به مقررات خاص قانون تجارت و قانون مدنی توجه نمود. مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون تجارت بطلان تاسیس شرکت با مسئولیت محدودی که بر خلاف مواد ۹۶ و ۹۷ (تادیه تمام سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم آورده های غیر نقدی) تاسیس شده باشد را پیش بینی نموده و آن را از درجه اعتبار ساقط دانسته است. در صورتی که حکم بطلان شرکت به شرح فوق صادر گردد شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها می باشد و نیز هیئت نظار و مدیرانی که در حین حدوث سبب بطلان درسمت خود باقی بوده و به وظایف خود عمل ننموده باشند به نحو تضامنی مسئول می باشند. مدت مرور زمان دعاوی ناشی از این امر نیز ۱۰ سال از تاریخ حدوث سبب بطلان می باشد بر طبق مقررات خاص قانون مدنی اگر موسسین شرکت با مسئولیت محدود در تاسیس شرکت از مقررات قانونی یا اساسنامه مربوطه تخلف نمایند و از این تخلف به سایر شرکا و یا اشخاص ثالث ضرر و زیانی وارد گردد هر ذینفع می تواند با توسل به مقررات عام پیش بینی شده راجع به مسئولیت مدنی در دادگاه صلاحیتدار طرح دعوی نماید. از نظر مسئولیت جزایی موسسین و مدیرانی که بر خلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید به اداره ثبت شرکتها بدهند اظهاربنمایند کلاهبردار محسوب و مطابق قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/۹/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مجازات خواهد شد.

۲- شرایط ماهوی

تشکیل شرکت با مسئولیت محدود - شرایط ماهوی اول - رضایت و اهلیت در قرارداد تشکیل شرکت با مسئولیت محدود که بین شرکا امضا می شود مانند شرکتهای دیگر رضایت شرکا باید بدون عیوب مانند اشتباه اکراه یا تدلیس باشد به عبارت دیگر هر شرکت باید با اراده آزاد خود قرارداد شرکت یا شرکتنامه را امضا کند. در پاسخ به این سئوال که آیا محجورین می توانند شریک شرکت شوند یا شرکتنامه باید گفت برابر ماده (۱۲۱۲ ق.م) اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است به این ترتیب صغیری که به سن بلوغ نرسیده است نمی تواند هیچگونه اعمال حقوقی انجام دهد. اما مطابق قسمت دوم ماده (۱۲۱۲ ق.م) و ماده ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی صغیر ممیز می تواند اموال و منافعی را که به سعی خود او حاصل شده با اذن ولی یا قیم اداره نماید و در صورتی که ولی یا قیم او مقتضی بداند و نامبرده اجازه اشتغال به کار یا پیشه داده می شود به این ترتیب نامبرده می تواند شریک شرکت با مسئولیت محدود شود اما سایر محجورین فقط می توانند به وسیله نماینده قانونی خود شریک شرکت شوند. دوم - موضوع شرکت و میزان سرمایه به هنگام تشکیل شرکت با مسئولیت محدود شرکا که مکلف به تنظیم شرکتنامه و امضا آن می باشند موضوع شرکت را در آن قید و این موضوع مطابق ماده (۱۹۰ ق.م) باید مشروع باشد. هر چند در ماده مزبور به علت تعهد اشاره نشده است لیکن علت تعهد نباید به تجویز ماده (۳۴۸ ق.م) امر ممنوع باشد. با وجود اینکه در قانون تجارت ایران برای سرمایه شرکت با مسئولیت محدود حداقل سرمایه ای پیش بینی نشده ولی با این حال شرکت با مسئولیت محدود زمانی تشکیل میشود که کلیه سرمایه نقدی آن تادیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. به نظر می رسد که در حقوق ایران به منظور جلوگیری از تشکیل شرکتهای با مسئولیت محدود بطور صوری و بدون سرمایه و حمایت از بستانکاران بهتر است که همانند شرکتهای سهامی موسسین مکلف باشند که حداقل سرمایه ای به حساب شرکت در بانک پرداخت و فیش مربوطه

را نیز بـه اداره ثبت شـرکتها ارائه نماینـد. برابر مـواد (۱۰۰ و ۹۶ ق.ت) شـرکا می تواننـد سـهم الشـرکه خود را به طور غیرنقـدی به شرکت پس از تقویم تسـلیم نمایند و این امر باید در شـرکتنامه نیز قید گردد. بدیهی است شـرکا مزبور نسبت به قیمت آن در مقابل اشـخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند. با این ترتیب مقررات راجع به آورده های غیرنقدی در شرکتهای با مسئولیت محدود حقوق اشـخاص ثالث و شـرکایی که آورده نقـدی به شـرکت تادیه نموده انـد را تامین نمی نمایـد زیرا درتقویم آورده های غیر نقدی نظر کتبی کارشـناس رسمی وزارت دادگستری همانند شرکتهای سهامی پیش بینی نشده است. سوم – تعداد شرکا و سهم الشرکه مطابق ماده (۹۴ ق.ت) حداقل شـرکا شـرکت با مسئولیت محدود ۲ نفر تعیین گردیـده ولی قانونگـذار حداکثر شـرکا را پیش بینی ننموده است اما در حقوق فرانسه حداکثر شرکای شرکت با مسئولیت محدود ۵۰ نفر در نظر گرفته شده است و چنانچه تعداد شرکا بیشتر از ۵۰ نفر باشد شرکت باید نوع خود را تغییر داده و ظرف دو سال به شرکت سهامی تبدیل گردد. اگر شرکت با مسئولیت محدودی با حداقل ۲ نفر تشکیل گردد وبعد از تشکیل یکی از شرکا سهم خود را به دیگری انتقال دهد آیا شرکت می تواند با یک نفر شریک به بقای خود ادامه دهد یا خیر؟ در قانون تجارت ایران پاسـخی به این مسئله داده نشده است ولی در قانون فرانسه آمده که اگر سهم الشـرکه یـا سـهام شـرکتی در دست یـک نفر به علت انتقـال یا ارث و غیره جمع شود این امر موجبات انحلال شـرکت را فراهم نمی آورد ولی هر کسـی می تواند انحلال شـرکت را از دادگاه بخواهد مگر آنکه شـریک منحصـر به فرد ظرف یکسال وضع خود را از لحاظ تعداد شـرکا با قانون تطبیق دهد. چهارم – نام شرکت و مدت آن در نام شرکت باید عبارت (مسئولیت محدود) قید شود و الا شرکت با مسـئولیت محدود در مقابل اشـخاص شـرکت تضامنی محسوب شده و تابع مقررات آن خواهد بود ضمنا نام شرکت نباید متضـمن نام هیچیک از شـرکا باشـد حال اگر شـریک نام خود را به دنبال اسم شـرکت قیـد نماید در مقابل اشـخاص ثالث در حکم شریک ضامن در شـرکت تضامنی خواهد بود. درمورد مدت شرکت در قانون تجارت ایران ذکری به عمل نیامده و معمولا شرکا به هنگام تشـکیل شـرکت مـدت آن را نامحـدود قید می نمایند ولی در حقوق فرانسه مدت شـرکت ۹۹ سال می باشـد و این مـدت از تاریخ ثبت آغاز می گردد.

۳– شرایط شکلی

تشـکیل شـرکت بـا مسـئولیت محـدود – شـرایط شـکلی اول – لزوم تنظیم شـرکتنامه و نشـر آگهی آن در قـانون تجـارت ایران نص صریحی در خصوص لزوم تنظیم شرکتنامه وجود ندارد ولی با عنایت به ماده (۹۷ ق.ت) ملاحظه می شود که موسسین شرکت الزاما باید شـرکتنامه بین خود تنظیم وامضا نمایند. تنظیم اساسـنامه برای شـرکت با مسـئولیت محدود علاوه بر شرکتنامه ضروری می باشد زیرا شـرکا می تواننـد اراده خود را از نظر قلمرو و اختیـارات و اتخـاذ تصـمیم و یا حق رای و بالاخره روابط فیما بین در آن منعکس نمایند. برابر بند ۲ ماده ۴۷ قانون ثبت اسـناد و املاک با اصلاحات بعدی صلحنامه وهبه نامه و شرکتنامه باید طبق سند رسمی تنظیم گردد. از طرف دیگر طبق ماده ۱ نظامنامه قانون تجارت شرکتهای تجارتی باید به موجب شرکتنامه رسمی تشکیل شوند. مطابق ماده (۱۹۷ ق.ت) ظرف ماه اول تشـکیل هر شـرکت خلاصه شـرکتنامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد و نیز برابر ماده (۱۹۶ ق.ت) (اساسنامه و نوشته جاتی که برای به ثبت رسیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود.) نظامنامه منـدرج در مواد فوق بایـد در تهران در دایره ثبت شـرکتها و در خارج از تهران در اداره ثبت اسـناد مرکز اصـلی شـرکت به ثبت برسد و طبق ماده ۳ نظامنامه تسلیم تقاضانامه در دو نسخه الزامی است وعلاوه بر آن در شرکتهای با مسئولیت محدود باید یک نسـخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) یک نسخه مصدق از شرکتنامه اسامی شریک یا شرکایی که برای اداره شرکت تعیین شده اند و بالاخره نوشـته ای به امضا مـدیر شـرکت حاکی از پرداخت تمام سـرمایه نقـدی و سـرمایه غیرنقـدی با تعیین قیمت حصه های غیر نقـدی نیز تقـدیم گردد. بعد از ثبت شـرکت متصدی ثبت باید نسـخه ثانی تقاضانامه را با قید تاریخ و نمره ثبت امضا و به مهر اداره

ممهور نموده و به متقاضی بدهد این سند سند ثبت شرکت محسوب خواهد شد متعاقبا در ظرف ماه اول ثبت هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمات آن توسط اداره ثبت محل در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیر الانتشار مرکز اصلی شرکت به هزینه خود شرکت منتشر می گردد. دوم – وضعیت قراردادهای تنظیمی به حساب شرکت قبل از تشکیل آن طبق اصل تفکیك و تنجیز شخصیت حقوقی شرکت از شرکا و سهامداران تا زمانی که شرکت تشکیل نشده و دارای شخصیت حقوقی نگشته است نمی تواند با اشخاص ثالث قرارداد تنظیم نموده و دارای حقوق وتعهدات گردد. اگر قبل از تشکیل شرکت با مسئولیت محدود موسسین به حساب شرکت با اشخاص ثالث تعهداتی بنمایند آیا شرکت پس از تشکیل در مقابل صاحبان حق جوابگو می باشد یا خیر؟ قانون تجارت دراین زمینه سکوت نموده ولی به نظر می رسد برای حفظ حقوق اشخاص ثالث که قبل از تشکیل شرکت با موسسین قرارداد تنظیم نموده اند موسسین در مقابل آنان و همچنین نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که برای تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسئولیت تضامنی داشته باشند.

۱۱– تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود

۱– تعریف شرکت

تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود – تعریف شرکت شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتی تشکیل شده و هریك از شرکا بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است (ماده ۹۴ ل.ا.ق.ت). در این تعریف: اولا – سرمایه به سهم الشرکه تقسیم شده نه به سهام و در شرکت با مسئولیت محدود ورقه ای به نام سهم الشرکه صادر نمی شود. ثانیا – مسئولیت شرکا در مقابل دیون و قروض شرکت در حدود سهم الشرکه ای است که هر شریك سرمایه گذاری نموده. ثالثا – سهم الشرکه آزادانه قابل نقل و انتقال نمی باشد. رابعا – شرکت با مسئولیت محدود حداقل بین دو نفر و حداکثر بین هر چند نفری که باشد تشکیل می گردد.

۲– خصوصیات شرکت

تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود – خصوصیات شرکت اول – محاسن ومعایب شرکت با مسئولیت محدود در مقایسه با شرکتهای سهامی شرکت سهامی عام با حضور الزامی حداقل پنج سهامدار (مدیر) و شرکت سهامی خاص با حداقل سه سهامداران تشکیل می گردد در صورتی که شرکت با مسئولیت محدود را میتوان با حداقل دو شریك تشکیل داد. در شرکت با مسئولیت محدود هیچگونه حداقل سرمایه ای پیش بینی نشده و الزام قانونی ارائه مدارك در این زمینه به اداره ثبت شرکتها برای موسسین وجود ندارد فقط اقرار موسسین به میزان سرمایه و پرداخت آن به صندوق شرکت یا هیئت مدیره در شرکت نامه کافی خواهد بود در صورتی که حداقل سرمایه در شرکت سهامی عام و خاص به ترتیب پنج میلیون و یک میلیون ریال می باشد و موسسین مکلفند حداقل ۳۵٪ کل سرمایه را به حساب شرکت در شرف تاسیس واریز و فیش بانکی را به اداره ثبت شرکتها ارائه نمایند. شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که ممکن است خارج از شرکا هم باشند برای مدت محدود یا نامحدود اداره می شود ولی در شرکتهای سهامی عام و خاص به ترتیب حداقل مدیران نباید از پنج و سه نفرکمتر باشد و نیز این مدیران برای مدت حداکثر ۲ سال انتخاب می شوند. و بالاخره آخرین حسن شرکت با مسئولیت محدود در مقایسه با شرکتهای سهامی این است که قلمرو آگهی ها در شرکت های سهامی وسیعتر از شرکت با مسئولیت محدود می باشد. از معایب شرکت با مسئولیت محدود این است که پذیره نویسی و پرداخت تمام سهم الشرکه به صورت اوراق تجارتی قابل انتقال اعم

از با نام و بی نام صادر نمی گردد. ولی در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام کاملا آزاده بوده و درشرکتهای سهامی خاص این نقل و انتقال ممکن است مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی سهامداران بشود. دوم – مقررات مالیاتی مطابق بند (د) ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳/۱۲/۱۳۶۶ جمع درآمد مشمول مالیات شرکتهای سهامی و مختلط سهامی و سایر اشخاص حقوقی (از جمله شرکت با مسئولیت محدود) پس از کسر مالیات به نرخ ۱۰٪ نسبت به مجموع درآمد به عنوان مالیات شرکت محاسبه و وصول می شود به شرح زیر می باشد: ۱- درمورد شرکتهای سهامی و مختلط سهامی به نسبت درآمد سهام بی نام کلا به نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم و درمورد سهام با نام و سهم الشرکه شرکا ضامن و با توجه به درآمد سهم هر یک از سهامداران و سهم الشرکه شرکا ضامن به نرخ ماده ۱۳۱ همان قانون . ۲- درمورد سایر اشخاص حقوقی از جمله شرکت با مسئولیت محدود به نسبتی از سود مشمول مالیات که طبق اساسنامه یا شرکت نامه شخص حقوقی به هر یک از صاحبان سرمایه یا اعضا شخص حقوقی تعلق می گیرد به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون . امتیازی که شرکتهای سهامی عام در مقایسه با شرکتهای با مسئولیت محدود دارند این است که شرکتهایی که سهام آنهااز طرف هیئت پذیرش بورس برابر قانون برای معامله در بازار بورس پذیرفته شده اند از سال پذیرش تا سالی که فهرست نرخها در بورس حذف نشده اند از پرداخت ده درصد مالیات شرکت معاف می باشند مشروط بر اینکه کلیه نقل و انتقالات سهام شرکتهای مزبور از طریق کارگزاران بورس انجام و در دفاتر مربوط ثبت گردد. سوم – حقوق و تعهدات شرکا شرکت هر شریک به هر میزان که سهم الشرکه دارد میتواند سهم الشرکه که خود را با رعایت شرایط مندرج در مواد (۱۰۲ و ۱۰۳ ل.ا.ق.ت) به شخص دیگری انتقال دهد و در صورتی که شرکت نصف سرمایه خود را از دست بدهد هر شریکی می تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را بنماید به شرط اینکه محکمه دلایل او را موجه تشخیص داده و سایر شرکا نیز جهت خروج او از شرکت حاضر به پرداخت سهم الشرکه ای که در صورت اطلاع حاصل نماید. از حقوق دیگر حق استفاده از سود شرکت و استرداد سهم الشرکه می باشد که نحوه استفاده شرکا از سود شرکت موکول به اساسنامه یعنی توافق فیما بین شرکا گردیده است ولی اگر اساسنامه راجع به سود و زیان مقررات خاصی را پیش بینی نکرده باشد تقسیم سود و زیان به نسبت سرمایه شرکا خواهد بود. استرداد سهم الشرکه موکول به موافقت شرکا می باشد که به موجب آن تصمیمات راجع به شرکت باید با اکثریت حداقل نصف سرمایه دردعوت اول اتخاذ گردد. چنانچه اکثریت حاصل نشد کلیه شرکا برای بار دوم دعوت شده و در این صورت تصمیمات با اکثریت عددی شرکا اتخاذ خواهد شد هر چند که اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشند. حق رای هم یکی دیگر از حقوق شرکا می باشد که هر شریکی به نسبت سهم الشرکه خود در شرکت دارای رای می باشد مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری را مقرر داشته باشد. درمورد تعهدات شرکا باید متذکر شد که برابر ماده (۹۴ ق.ت) مسئولیت هر شریک در مقابل قروض و تعهدات شرکت محدود به مبلغ اسمی سهم الشرکه ای است که در شرکت سرمایه گذاری نموده است. بنابراین اگر شرکت منحل شده و اموال آن تصفیه گردد طلبکاران شرکت برای وصول مطالبات خود فقط حق دارند به دارائی باقیمانده شرکت مراجعه و از حاصل فروش آن مطالبات خود را برداشت نمایند. اداره تصفیه برای طلبکارانی که طلب خود را به طور کامل حصول ننموده اند سند عدم کفایت دارائی صادر می کند. طلبکاران شرکت قادر نخواهند بود در صورت توقف شرکت از ادای دیون مطالبات خود را از اموال شخصی شرکا مطالبه نمایند و این امر موجبات سو استفاده شرکا شرکت را فراهم می سازد به این معنی که ممکن است شخص ثالثی کالایی را به طور نسیه به شرکت بفروشد ولی شرکت از پرداخت ثمن معامله خودداری نماید. در اینجا طلبکار فقط میتواند به مقررات راجع به ورشکستگی علیه شرکت متوسل شود و مالا قسمتی از طلب چنین شخصی بلاوصول خواهد ماند. برابر ماده (۱۱۲ ق.ت) در هیچ مورد شرکا نمی توانند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود بنماید و این امر کاملا منطقی است زیرا تاسیس شرکت تجارتی امری اختیاری می باشد و بر خلاف حقوق مدنی شرکت قهری وجود خارجی ندارد و قانونگذار سعی کرده ارداه سرمایه گذار را در پذیرش افزایش سرمایه مورد توجه قرار دهد. سایر تعهدات شرکا عبارتند از : رقابت

غیر قانونی توزیع سود موهوم و تغییر تابعیت شرکت. در توضیح هر کدام باید گفت که در اساسنامه شرکا می توانند تعهد نمایند معاملاتی نظیر معاملات شرکت را که موجب رقابت با عملیات شرکت باشد انجام ندهند و در صورت تخلف و ایجاد ضرر مسئول جبران آن خواهند بود. مدیرانی که بدون تنظیم ترازنامه یا با استناد به صورت دارائی مزور سود موهومی را بین شرکا تقسیم نمایند کلاهبردار محسوب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد. درخاتمه باید متذکر شد که به موجب ماده (۱۱۰ ق.ت) شرکا حق ندارند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آرا.

۱۲– تشکیل شرکت سهامی

۱– تشکیل شرکت سهامی عام

تشکیل شرکت سهامی – تشکیل شرکت سهامی عام توضیح مختصری درباره شرکتهای سهامی عام برای انجام پروژه های بزرگ عمرانی صنعتی کشاورزی وجود شرکتهای بزرگ لازم و ضروری است در اینگونه شرکتها سرمایه های اندک در قالب سهام به عمومی مردم واگذار می شود موسسین یا مدیران با اداره شرکت سرمایه حاصله را در جریان گردش صحیح اقتصادی قرار می دهند و در اثر این عمل دو منفعت حاصل می گردد در مرحله اول سودی از سرمایه گذاری یا انجام فعالیت های عمرانی نصیب سهامدار می شود و در مرحله دوم رونق و آبادانی را برای کشور به ارمغان می آورد. شرکت سهامی عام نوع بخصوص ومنحصر بفرد شرکت های بزرگ می باشد که اجازه فروش سهام به عموم مردم را دارد و مردم می توانند در هنگام اعلام پذیره نویسی به شعب بانک اعلام شده مراجعه و ورقه تعهد سهم را امضا و وجوه معینه را به حساب شرکت واریز نمایند. ذیلا توضیحات مختصری در خصوص این نوع شرکت با استفاده از مفاد لایحه اصلاحی قانون تجارت بیان می گردد. شرکت هایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند شرکت سهامی عام نامیده می شود و باید بلافاصله قبل یا بعد از نام شرکت عبارت سهامی عام در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و اگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود (مستفاد از ماده ۴ ل.ا.ق.ت) و سرمایه در موقع تاسیس شرکتهای سهامی عام نباید از پنج میلیون ریال کمتر باشد و در صورتی که بنا به موجباتی سرمایه شرکت سهامی عام در هر زمان کمتر از مبلغ مذکور شود باید ظرف یک سال از طریق افزایش سرمایه – سرمایه شرکت به حد مقرر برسد و در صورت عدم حصول شرکت سهامی عام باید به انواع شرکت های دیگر مصرح در قانون تجارت تبدیل شود و در غیر این صورت هر ذینفع (سهامدار) می تواند انحلال شرکت سهامی عام را از دادگاه صلاحیتدار تقاضا نماید شرایط تاسیس شرکت سهامی عام برای تاسیس شرکت سهامی عام موسسین در بدو امر بایستی حداقل ۲۰٪ سرمایه را شخصا تعهد و لااقل ۳۵٪ از مبلغ تعهدی را در حسابی بنام شرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضای کلیه موسسین رسیده باشد به اداره ثبت شرکتها تسلیم ورسید دریافت دارند چنانچه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده توديع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنام و مدارک فوق الذکر به اداره ثبت شرکتها تسلیم دارند. اداره ثبت شرکتها بر اساس (ماده ۱۰ ل.ا.ق.ت)پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم مربوطه و تطبیق مندرجات آن با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود و اعلامیه پذیره نویسی توسط موسسین در جراید آگهی و در بانکی که تعهد سهام نزد آن بعمل آمده درمعرض دید علاقه مندان قرار می گیرد علاقه مندان به خرید سهام در ظرف مهلتی که اعلام شده به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضا و مبلغی که باید نقدا پرداخت شود پرداخت ورسید دریافت خواهند داشت ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضای پذیره نویس یا قائم مقام قانونی وی خواهد رسید نسخه اول در بانک نگهداری و نسخه دوم با قید

رسید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره نویس تسلیم می شود و در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخص دیگر به جای پذیره نویس امضا نماید باید سمت و نشانی و هویت کامل خود را در ورقه قید نماید و مدارک مزبور ضمیمه ورقه تعهد سهم خواهد شد امضای ورقه سهم نشانه قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهم خواهد بود پس ازا نقضای مهلت پذیره نویسی یا تمدید آن موسسین حداکثر در ظرف یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز تعهد صحیح سرمایه شرکت که اقلا ۳۵٪ آن پرداخت شده باشد مجمع عمومی موسسن را دعوت خواهند نمود. مجمع عمومی موسسن پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و پرداخت مبالغ لازم وارد شور شده و اساسنامه شرکت را تصویب و اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می نمایند و مدیران و بازرسان باید کتبا قبولی خود را اعلام و در این مرحله شرکت تشکیل شده محسوب می گردد آنگاه اساسنامه مصوبه مجمع عمومی موسسن به ضمیمه صورتجلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان و صورتجلسه هیات مدیره و سایر مدارک مورد نیاز جهت ثبت به اداره ثبت شرکتها تحویل گردد و چنانچه شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به ثبت نرسد به درخواست هر یک از موسسین با پذیره نویسان اداره ثبت شرکتها گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده ارسال می دارد تا موسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی را مسترد دارند و هر گونه هزنیه که برای تاسیس شرکت پرداخت شده بعهده موسسین می باشد. مدارک لازم جهت کسب اجازه پذیره نویسی شرکت در شرف تاسیس سهام عام از مرجع ثبت شرکتها ۱- دو نسخه طرح اظهارنامه شرکت سهامی عام ۲- دو نسخه طرح اساسنامه شرکت سهامی عام ۳- دو نسخه طرح اعلامیه پذیره نویسی ۴- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل ۳۵٪ سرمایه تعهد شده توسط موسسین ۵- فتوکپی شناسنامه موسسین مدارک لازم جهت تاسیس شرکت سهام عام ۱- دو نسخه اظهارنامه ۲- دو نسخه اساسنامه توضیح: اینکه از طرح اساسنامه این مجلد می توان بعنوان اساسنامه استفاده نمود ودر این مرحله در ماده ۶ اساسنامه سرمایه ای که در هنگام پذیره نویسی تعهد شده به اضافه ۲۰٪ سرمایه تعهد شده توسط موسسین قید گردد. ۳- دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۴- دو نسخه صورتجلسه هیات مدیره (تعداد مدیران حداقل پنج نفر میباشد) ۵- آگهی دعوت مجمع موسسین در روزنامه تعیین شده ۶- فتوکپی شناسنامه مدیران (در مورد اشخاص حقوقی ارائه برگ نمایندگی الزامی است) ۷- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت ۸- ارائه مجوز یا موافقت اصولی یا مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز توجه : ۱- حداقل سرمایه مبلغ پنج میلیون ریال باشد. ۲- حداقل ۲۰٪ سرمایه تعیین شده توسط موسسین تعهد گردد و ۳۵٪ از میزان تعهد شده پرداخت گردد. ۳- اظهارنامه و طرح اساسنامه و طرح اعلامیه پذیره نویسی به امضای موسسین رسیده باشد. ۴- اخذ وارائه مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز نحوه انتخاب مدیران شرکت سهامی عام و خاص بوسیله هیئت مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلا یا بعضا قابل عزل می باشند. اداره می شود. به موجب ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره الزامی است. اما به نظر می رسد این الزام برای هیئت مدیره که از مهم ترین ارکان شرکت و مغز متفکر و موتور محرکه آن به شمار می رود. منطقی نباشد. زیرا امروزه مدیریت به صورت یک امر تخصصی درآمده و ثابت شده است که اکثر صاحبان شرکت ها مانند صنایع حمل و نقل و ... با همه علاقه و دلسوزی دیگر نمی توانند مدیری موفق باشند. بنابراین محروم کردن شرکت ها از استفاده چنین افرادی لایق نوعی علم گریزی وعین ضرر است .هر چند درعمل برای جبران این نقیصه سهامداران قسمتی از سهام خود را به فردی که متخصص امر مدیریت است تملیک می کنند تا او واجد شرایط عضویت در هیئت مدیره شود. اما به موجب یک قرارداد از وی تعهد گرفته میشود که پس از اتمام دوره مدیریت سهم مزبور را به تملیک کننده مسترد دارد. قانونگذار واژه اداره شرکت توسط هیئت مدیره را برای اولین بار در لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به کار برده است. اما در آن تعریفی از مدیران به عمل نیاورده است و صرفا در ماده ۱۰۷ لایحه مذکور چنین مقرر کرده است: (شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده

وکلاـ یـا بعضـا قابل عزل می باشـند اداره خواهـد شـد. به نظر نمی رسـد بـا پرهیز از تعریف عناوینی با چنین اهیمت بتوان مشـکلات مربوط به آن را حـل نمود. درهر حـال در مقـام تعریف مـدیران شایـد بتوان گفت: مـدیران افراد بـا صـلاحیتی هستند که به وسـیله صاحبان سـهام برای مـدت معینی انتخاب شـده و کنترل و اداره شـرکت را به عهده دارند. با وجود آنکه طبق ماده ۴۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ داره شـرکت سـهامی به عهده یك یا چند نماینده (که از میان شرکا به سمت مدیری انتخاب می شدند) قرار داشت و در هیـچ یك از مواد قانون اخیر الـذکر نیز اشاره ای به هیئتی بودن مـدیریت شـرکت سـهامی نشده بود ولی عملا هیئت مدیره اداره امور شـرکت را بر عهده داشت. هم چنین حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عام را ماده ۱۰۷ تعیین نموده. به موجب قسـمت اخیر این ماده اعضای هیئت مدیره درشـرکت های سهامی عام نباید کمتر از پنج نفر باشد ولی راجع به حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی خاص صراحتی ندارد. ماده ۳ (ل.ا.ق.ت.) بطور اطلاق بیان می دارد که تعداد شرکا در شرکت هـای سـهامی نبایـد از سه نفر کمتر باشـد. متعاقب آن در ماده ۴ شـرکت سـهامی را به دو نوع عـام و خاص تقسـیم می کند بنابراین حـداقل تعـدا اعضای هیئت مـدیره مندرج در ماده ۳ بایـد هر دو نوع شـرکت سـهامی عـام و خاص را شامل گردد که چنین نیست زیرا ماده ۱۰۷ حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره را در شـرکت سهامی عام ۵ نفر ذکر میکنـد. یدین ترتیب ملاحظه می گردد که بین مواد ۳ و ۱۰۷ قانون مذکور تعارض وجود دارد. یعنی چگونه ممکن است شـرکت سـهامی عام که می تواند با سه نفر عضو تشکیل شود باید حداقل ۵ مـدیر داشـته باشد؟ برای رفع این تعارض می توان چنین توجیه نمود که ماده ۱۰۷ وارد بر ماده ۳ بوده و اطلاـق آن را در مورد شـرکت های سـهامی عام ازبین برده و بـدین نحو ماده ۳ را تخصـیص می دد. از طرفی چون در هیـچ یک از مواد (ل.ا.ق.ت.) در مورد تعـداد اعضای هیئت مـدیره شـرکت های سـهامی خاص جاری است و بـدین ترتیب اعضای هیئت مـدیره درشـرکت های سـهامی خاص نمیتوانـد از سه نفر عضو کمتر باشـد. به طوری که ملاحظه میگردد قانونگـذار حـداقل اعضای هیئت مدیره شـرکت های سهامی را بر شمرده اما حداکثر تعداد آنان را پیش بینی نکرده است. از این رو تعداد اعضای هیئت مدیره در هر دو نوع شـرکت سـهامی می توانـد به هر تعـداد باشـد و این امر ممکن است نظم اداره شـرکت را مختل نماید. به نظر میرسد چنانچه مقنن سـقفی برای تعـداد اعضای هیئت مدیره تعیین یا تناسبی بین تعداد سـهامداران از یک سو و تعداد مدیران از سوی دیگر برقرار نماید مفید خواهد بود. به موجب ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت.) شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلا یا بعضا قابل عزل می باشـند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شـرکت های سـهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد. با توجه به مفاد ماده مذکور: اولا: اشخاصـی به عضویت هیئت مدیره پذیرفته خواهند شد که سهامدارشـرکت باشند به عبارت دیگر عضو هیئت مـدیره را نمی توان از غیر سـهامداران شـرکت انتخـاب نمود. ثانیـا: اعضای هیئت مـدیره در هر موقع توسط مجمع عمومی قابل عزل می باشـند. هر چند ماده مذکور صـراحتا مرجع عزل مدیران را مشخص نکرده است ولی عبارت صاحبان سهام در آن مجمع عمومی متبـادر به هن میگردد. چنـانچه ماده ۷۲ (ل.ا.ق.ت.) می گوید: مجمع عمومی شـرکت سـهامی از اجتماع صابحان سهام تشـکیل می شود... بنابراین مجمع عمومی شـرکت هر زمان می تواند تمام یا بعضـی از اعضای هیئت مدیره را از سمت مدیری عزل نمایـد و این مهم را بدون ارائه هیچ گوه دلیلی عملی سازد. در توجیه این امر گفته اند که در واقع رابطه مجمع عمومی با هیئت مـدیره رابطه وکیل و موکل است. لذا مجمع عمومی که صابحان سـهام تشـکیل شده است. هر زمان اختیار دارد با رعایت مقررات و تشـریفات مندرج در قانون تمام یا بعضـی از اعضای هیئت مدیره را از سـمت خود عزل نماید. بعضـی از علمای حقوق تجارت نیز با عزل اعضای هیئت مـدیره به نحوی که در ماده ۱۰۷ مذکور پیش بینی گردی گردید موافق نیسـتند و معتقدند که مدیر جزیی از ارکان شرکت است و همانطور که نمی تواد درهر شرایطی استعفا کند نباید درهر شرایطی هم قابل عزل باشد (معذلک با توجه به قاعـده آمره عزل مـدیر این راه حل اجتناب ناپذیر است) این گروه مخالف اسـتعفای بلاتوجیه مدیر نیز هسـتند. ثالثا: عضو یا اعضای هیئت مدیره که توسط مجمع عمومی عزل گردیده اند نمی توانند به سـبب عزل از شـرکت مطالبه ضرر و زیان کنند مگر آنکه عزل

ایشان مطابق قواعـد عام در شـرایطی صورت گرفته باشد که موجد مسـئولیت مدنی مسـئولان عزل باشد. به موجب اصل چهلم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران (هیـچ کس نمی تواند اعمال حق خویش راوسـلیه اضـرار به غیر یا تجاوزبه منافع عمومی قراردهد.) اجرای این قـانون که از مصـادیق نظریه سو اسـتفاده از حق است به مـدیر معزول اجازه می دهـد خسارت خود را مطالبه کنـد. مطالبه خسارت مذکور باید از دادگاه های دادگستری به عمل آید. رابعا: اعضای هیئت مدیره شـرکت سـهامی از ارکان شـرکت بوده و به هیچ وجه مشـمول مقررات قانون کار نیسـتند بدین ترتیب در صورت معزول یا مستعفی شدن و به طور کلی قطع رابطه مدیریتی آنها با شرکت مراجع حل اختلاف مذکور در قانون کار ماذون رسیدگی به شکایت ایشان نیستند زیرا رابطه هیئت مدیره با شرکت رابطه کـارگری و کارفرمـایی نیست. و همـانطور که بیـان گردیـد چنانچه فرد یا افراد معزول در مورد عزل خود مـدعی ورود خساراتی به خود باشند باید به مراجع دادگستری مراجعه نمایند. گفتیم که اعضای هیئت مدیره کلا یا بعضا از سوی مجمع عمومی قابل عزل می باشـند. ولی اشـکال که عملا برای عزل پیش می آیـد این است که مجامع عمومی معمولا اختیار دارنـد فقط درباره موضوعهایی که در دسـتور جلسه است بحث کرده و تصـمیم بگیرنـد و مـدیران شـرکت هـای سـهامی حاضـر به درج این موضوع در دسـتور جلسـه شرکت نمی شوند . برای رفع این اشـکال صاحبان سـهام دو وسیله دردست دارند یکی آنکه چنانچه صاحبان سهام از عملیات هیئت مدیره راضـی نباشـند در مجمع عمومی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب نکنند این موضوع به عنوان رای عدم اعتاد نسبت به مدیران تلقی شده و چون امور شـرکت مختل می ماند مدیران مجبور به استعفا میشوند . دیگر آنکه یک پنجم سهامداران به ترتیبی که در مواد ۹۵ و ۹۶ (ل.ا.ق.ت.) بیان شد. کتبا تقاضای تشکیل مجمع عمومی را برای عزل مدیران بنمایند. دراین صورت هیئت مـدیره مکلف است مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت کند. دراین مورد نیز گفته شده که مجمع می تواد مدیر را عزل کنـد حتی اگر عزل او جز دسـتور جلسه نباشـد. دو نکته دیگر قابـل ذکر درمورد عزل مـدیران یکی آن است که هرگـاه عضـو هیئت مدیره شرکت از کارکنان شرکت باشد عزل او خللی به رابطه استخدامی او با شرکت وارد نمی آورد و او هم چنان درشرکت بـه کـار خـود ادامـه خوهـد داد. دیگر آنکـه عزل مـدیر به منزله عزل او از شـرکت نیست و او همچنـان در زمره یکی از سـهامداران شکرت می باشد. خامسا: سمت مدیری در هیئت مدیره شرکت سهامی مباشرتی بوده و قابل واگذاری نیست. از این رو مدیران نمی تواننـد سـمت خود را به دیگران انتقـال دهنـد. چون اداره شـرکت در واقع وظیفه مـدیران است نه حق آنهـا لـذا وظیفه مـذکور قابل واگـذاری نیست. لیکن در مقررات شـرکت های سـهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ چنین اجازه ای به مـدیران داده شـده بـود. مقررات مـذکور بـا دو شـرط اجـازه می داد که عضو هیئت مـدیره برای خود جانشـین تعیین نمایـد یکی اینکه اساسـنامه چنین موضعی را تصریح کرده بود (حق وکالت در توکیل) و دیگر اینکه مدیران دیگر نیز این موضوع را تایید می کردند. ولی به هر حال مسئولیت اعمال شخص خارج به عهده خود مدیران بود (ماده ۴۹ قانون اخیرالذکر). در (ل.ا.ق.ت.) مصوب ۱۳۴۷ واگذاری سمت مـدیریت از سوی هیئت مـدیره فقط به مـدیر عمل پیش بینی شـده است. به موجب قسـمت اول مده ۱۲۴ قانون مـذکور هیئت مدیره مکلف است اقلا یک شـخص حقیقی را به مـدیرعاملی شـرکت برگزینـد. به موجب ماده ۱۰۸ (ل.ا.ق.ت.) . مدیران شـرکت توسط مجمع عمومی موسـس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شونـد. بـدیهی است که فقط اولین مـدیران شـرکت توسط مجمع عمومی موسـس انتخاب می شوند. قانونگذار درشـرکت های سـهامی خاص تشـکیل مجمع عمومی موسس را الزامی ننموده (ماده ۸۲ قانون فوق الـذکر) لذا این نوع شـکرت مخیر در تشـکل مجمع عمومی موسـس یا عدم آن می باشد. معمولا رویه چنین است که به هنگام تاسیس شرکت های سهامی خاص انتخاب اولین مدیران برابر ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت.). در صورتجلسه ای قید می شود و به امضای کلیه سهامداران می رسد. صورتجلسـهه مذکور به انضمام سایر مدارکی که در ماده اخیر بدانها اشاره شده به ضمیمه اظهارنامه برای ثبت و تشـکیل شـرکت به اداره کل ثبت شـرکت ها ارسال می گردد. طبق بند ۳ ماده مـذکور که مقرر می دارد: انتخاب اولین مـدیران و بازرس یا بازرسان شـرکت که بایـد در صورتجلسه قید و به امضای کلیه سـهامداران رسـیده باشد. ظاهرا به نظر می رسد که اعضای

هیئت مدیره باید مورد تائید همه سهامداران باشند. حال اگرشرکت مذکور بخواهد از طریق تشکیل مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوما نحوه تشکیل مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوما نحوه تشکیل جلسه مجمع عمومی اخذ را می باید طبق ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت.). انجام گیرد. ماده مذکور دراین خصوص مقرر می دارد: (درمجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است .اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد. مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند. مجمع عمومی جدید.

۲– تشکیل مجمع عمومی موسس

تشکیل شرکت سهامی – تشکیل مجمع عمومی موسس ۱– اقدامات مقدماتی موسسین برای تشکیل مجمع با توجه به ماده ۱۶ (ل.ا.ق.ت) موسسین باید قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس اعمال زیر را انجام دهند: رسیدگی به تعهدات پذیره نویسان حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از انقضای مهلت پذیره نویسی اعم از اینکه مهلت مذکور تمدید شده یا نشده باشد. احراز اینکه کلیه سرمایه شرکت به طور صحیح پذیره نویسی شده باشد. ملاحظه این که الااقل ۳۵ درصد کل سرمایه شرکت بطور نقدی پرداخت گردیده است. تعیین و اعلام تعداد سهام هر پذیره نویس. جلب نظر کارشناس درارزیابی آورده های غیرنقدی که فقط به موسسین تعلق دارد. برابر ماده ۷۷ (ل.ا.ق.ت) صاحبان آورده غیر نقدی از حق رای به هنگام رسیدگی مجمع موسس در مورد آورده های مذکور محروم می باشند و از سوی دیگر سرمایه غیر نقدی را که موضوع مذاکره و رای می باشد. از حیث حد نصاب جز سرمایه شرکت منظور نمی دارند. دعوت مجمع عمومی موسس که چنین دعوتی در روزنامه کثیر الانتشار به عمل می آید که برابر بند ۱۴ از ماده ۹ در طرح پذیره نویسی قبلا تعیین گردیده است. به نظر می رسد در دعوت مجمع عمومی موسس رعایت مفاد مواد ۹۷ و ۹۸ به بعد (ل.ا.ق.ت) الزامی باشد. به دستور ماده ۹۸ (ل.ا.ق.ت) فاصله نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود. ۲– وظایف مجمع عمومی موسس مجمع عمومی موسسین شرکت بایستی بدوا در اجرای ماده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) هیئت رئیسه شامل ریاست مجمع و نظار و منشی جلسه را انتخاب و برابر ماده ۷۴ (ل.ا.ق.ت) به گزارش موسسین رسیدگی و در صورت لزوم آن را تصویب نماید. سپس ضمن احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبلغ لازم به تصویب طرح اساسنامه شرکت و عنداللزوم به اصلاح آن مبادرت و رزد و بالاخره مجمع مذکور اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب و روزنامه کثیرالانتشاری را برای آگهی های بعدی شرکت تعیین نماید. برابر ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت) حد نصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی موسس عبارت است از : در دعوت اول باید عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده اند حاضر باشند و در دعوت دوم چنانچه دراولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع عمومی برای بار دوم دعوت می شود که دراین صورت حضور لااقل صاحبان ثلث سرمایه شرکت الزامی است و چنانچه در دعوت سوم اکثریت لازم (صاحبان ثلث سرمایه شرکت) در مجمع عمومی حاضر نشدند موسسین باید عدم تشکیل شرکت را اعلام دارند. در هر یک از مجامع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت ۳/۲ رای حاضر در جلسه اتخاذ گردد. تبصره ماده فوق د رنجمع عمومی موسس برای هر سهم حق یک رای قائل شه است و بدین ترتیب تعداد آرا برابر با تعداد سهام خواهد بود . پس از آنکه مدیران و بازرسان شرکت کتبا سمت خود را قبول نمودند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود(قسمت اخیر ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت) .

۳– تشکیل شرکت سهامی خاص

تشکیل شرکت سهامی - تشکیل شرکت سهامی خاص شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن در موقع تاسیس منحصرا بوسیله موسسین تامین می گردد. اول - تشریفات تشکیل شرکت سهامی خاص برای تشکیل شرکت سهامی خاص رعایت نکات ذیل الزامی است: ۱- اساسنامه شرکت که باید به امضای کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از ۳۵٪ کل سهام باشد. ۲- همچنین تادیه و تقویم سرمایه غیر نقدی و تفکیک آن در اظهارنامه و ذکر سهام ممتاز در صورت وجود چنین سهامی. ۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. ۴- قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷ ۵- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت. دوم - خصوصیات شرکت سهامی خاص سرمایه شرکت به هنگام تاسیس نباید کمتر از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد و نیز شرکای شرکت نباید کمتر از ۳ نفر باشند. سهام شرکت قابل معامله در بازار بورس نمی باشد و نقل انتقال سهام شرکت مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی صاحبان سهام است . ضمنا این شرکت نمی تواد مبادرت به صدور اوراق قرضه نماید.

۱۳- تعریف و انواع شرکت سهامی

۱- تعریف شرکت سهامی

تعریف و انواع شرکت سهامی - تعریف شرکت سهامی برابر ماده اول لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷ که می گوید: (شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنها است) در شرکت سهامی سرمایه شرکت به سهام متساوی القیمه تقسیم شده مبلغ اسمی سهام و حتی در صورت تجزیه آن به قطعات سهام باید متساوی باشد. تجزیه سهم بدین صورت است که هر سهم ممکن است به چند قطعه معین که (پاره سهم) نامیده می شود تجزیه گردد. هر پاره سهم دارای ارزش معین بوده ولی فاقد حقوق مربوط به یک سهم می باشد و مجموع آنها یک سهم را تشکیل می دهد.

۲- انواع شرکت سهامی

تعریف و انواع شرکت سهامی - انواع شرکت سهامی ماده ۴ لایحه اصلاح قانون تجارت می گوید : شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود: نوع اول - شرکتهای سهامی عام هستند که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. نوع دوم - شرکتهای سهامی خاص هستند که تمام سرمایه آنها درموقع تاسیس منحصرا توسط موسسین تامین گردیده است.

۳- جهات افتراق شرکت سهامی عام و خاص

تعریف و انواع شرکت سهامی - جهات افتراق شرکت سهامی عام و خاص جهات افتراق دو شرکت مذکور به شرح زیر می باشد: شرکت سهامی عام برای تامین سرمایه اقدام به پذیره نویسی عمومی می نماید ولی شرکت سهامی خاص حق مراجعه به عامه را ندارد. امکان صدور اوراق قرضه برای شرکت سهامی عام وجود دارد ولی شرکت سهامی خاص چنین حقی ندارد. نقل وانتقال سهام در شرکتهای سهامی عام مشروط به مووافقت سهامداران نیست. ولی در شرکت سهامی خاص چنین نقل و انتقالی منوط به

توافق مدیران یا مجامع عمومی شرکت می تواد باشد. سهام شرکت سهامی عام قابل عرضه در بازار بورس می باشد ولی شرکت سهامی خاص چنین اجازه ای ندارد. حداقل سرمایه برای تاسیس شرکت سهامی عام ۰۰۰/۰۰۰/۵ ریال می باشد در حالی که حداقل سرمایه برای تاسیس شرکت سهامی خاص ۰۰۰/۰۰۰/۱ ریال می باشد . مدیران و سهامداران شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و شرکت سهامی خاص حداقل ۳ نفر می باشد (مواد ۳ و ۱۰۷ ل.ا.ق.ت).

۱۴– ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی

۱– نظریات مختلف

ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی - نظریات مختلف در مورد ماهیت حقوقی شرکت دو نظریه مختلف وجود دارد: دسته اول معتقدند که شرکت قراردادی بیش نیست که بین شرکائ تنظیم می گردد و دسته دوم می گویند که شرکت تجارتی شخصیت حقوقی مستقل دارد. دلایل دسته اول از این قرار است: اولا: سهامدار قبلا با پذیره نویسی یا خرید سهام شرکت رضایت خود را اعلام می نماید و چنین عملی در واقع امضای قرار داد شرکت می باشد. ثانیا: اختیارات مجامع عموی شرکت ناشی از عقد است و سهامداران به مجامع مذکور اختیار می دهند تا تصمیمات در امور شرکت بر مبنای اکثریت آرا اتخاذ گردد و بدین ترتیب اقلیت اراده اکثریت را مورد قبول قرار می دهند. ثالثا: شرکت سهامی به وسیله نمایندگان انتخابی اداره می شود که این امر بر مبنای عقد وکالت می باشد و آنان امین مالکین مشاع می باشند. برابر نظریه شخصیت حقوقی دارائی شخصی سهامداران از آورده های آنان به شرکت منفک و مجزا می گردد و در نتیجه طلبکاران شرکت فقط حق دارند طلب خود را از طریق تعقیب از اموال شرکت مطالبه نمایند و خود شرکت نیز در صورت داین بودن می تواند اقدام به وصول مطالبات خود کند. بنابراین دارائی متعلق به شخص حقوقی منفک از دارائی اشخاص حقیقی که شرکت را تاسیس نموده اند می باشد.

۲– شخص حقوقی در قانون تجارت ایران

ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی - شخص حقوقی در قانونی تجارت ایران لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷ با حذف تنظیم شرکت نامه برای تاسیس شرکت و الزام به تنظیم اظهارنامه و ضمیمه نمودن آن به اساسنامه شرکت ظاهرا به نظریه شخص حقوقی که در آن شخصیت سهامداران مورد نظر نمی باشد توجه خاصی نموده است.

۱۵– شرکت های سهامی خاص و عام

۱– تشریفات فروش سهام جدید

شرکت سهامی خاص - تشریفات فروش سهام جدید - در شرکت های سهامی عام شرکت های سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم و رسید دریافت کنند. (ماده ۱۷۳ لایحه اصلاحی). آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید گردد (ماده ۱۷۵ لایحه اصلاحی). مرجع ثبت شرکتها پس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار

اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود . (ماده ۱۷۶ لایحه اصلاحی). اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنـامه کثیر الانتشاری که آگهی های شرکت در آن نشر می گردد حداقل در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز دربانکی که تهد سهام در نزد آن به عمل می آید درمعرض دید علاقه مندان قرارداده شود. در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکت ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه مندان آماده است (مده ۱۷۷ لایحه اصلاحی). خریداران ظرف مهلتی که د راعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از ۲ ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه سهام را امضا کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد. (ماده ۱۷۸ لایحه اصلاحی). پذیره نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم به عمل می آید. ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضای پذیره نویسی یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر وامضای بانک به پذیره نویس تسلیم می شود. در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضا کند هویت و نشانی کامل و سمت امضای کننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد. امضای ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می باشد. (ماده ۱۴ و ۱۵ لایحه اصلاحی ناظر به ماده ۱۸۰ لایحه اصلاحی). پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت آگهی به مرجع ثبت شرکت ها اطلاع خواهد داد. هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد. (ماده ۱۸۱ لایحه اصلاحی). هر گاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکت ها به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیره نویسی به آن تسلیم شده است گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد.(ماده ۱۸۲ لایحه اصلاحی). – در شرکت های سهامی خاص به موجب ماده ۱۶۹ لایحه اصلاحی در شرکت های سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در ان متشر می گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد دراین آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم درخرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایطی خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد . برای ثبت افزایش سرمایه شرکت های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت ها کافی خواهد بود: – صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیئت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرارداده است. – در یک نسخه از روزنامه ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است. – اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امیتازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود. – در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقدی باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد. مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با

حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره نویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیرنقد مربوط می شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده باید به اظهارنامه مذکور ضمیمه شود اظهارنامه های مذکور باید به امضای کلیه اعضای هیئت مدیره رسیده باشد .(ماده ۱۸۳ لایحه اصلاحی). افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام دراین طریق شرکت سهامی اقدام به بالا بردن بهای اسمی سهام خود می نماید به طور مثال شرکتی دارای پانصد سهم هزار ریالی است و می خواهد سرمایه اش را دو برابر کند. مجمع عمومی این طریق را مورد تصویب قرار می دهد و مقرر می کند که از این پس هر سهم ۲۰۰۰ ریال ارزش خواهد داشت واز صاحبان سرمایه می خواهد که به نسبت سهامی خود مبلغ اضافی را پرداخت کنند. افزایش سرمایه در شرکت های سهامی خاص به روش مذکور مشکل چندانی ایجاد نمی کند ولی در شرکت های سهامی عام بایدکه مبلغ اسمی هر سهم پس از افزایش سرمایه از ده هزار ریال بیشتر نشود. (ماده ۲۹ لایحه اصلاحی). افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند. (ماده ۱۵۹ لایحه). این ماده در راستای ماده ۹۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ و این قاعده کلی تدوین شده است که هیچ اکثریتی حق ندارد بر تعهدات شرکا بیفزاید. مفهوم این قاعده این است که نمی توان شرکا را وادار کرد علاوه بر آنچه رد شرکت دارند. مبلغی به شرکت بیاورند. برعکس به نظر ما ایرادی ندارد اگر سود تقسیم شده شرکا در شرکت بابت اضافه ارزش سهام گذاشته شود چون عدم تقسیم سود به معنای افزودن بر تعهد شرکا نیست. درموردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقدا پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می شود باید هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلا پرداخته یا تهاتر شود. (ماده ۱۸۸ لایحه اصلاحی). مقررات کلی مربوط به افزایش سرمایه تصمیم مربوط به افزایش سرمایه در صلاحیت انحصاری مجمع عمومی فوق العاده می باشد. اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد. (ماده ۱۶۴ لایحه اصلاحی). برای افزایش سرمایه شرکت رعایت ۳ شرط ضروریست: - تصویب مجمع عمومی فوق العاده (ماده ۸۳ لایحه اصلاحی). - تادیه تمام سرمایه قبلی شرکت . (ماده ۱۶۵ لایحه اصلاحی). - تادیه مبلغی افزایش سرمایه. (ماده ۱۸۸ لایحه اصلاحی). مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرسان شرکت درمورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند. مجمع مزبور ضمن اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش سرمایه شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار آن را به هیئت مدیره مدیره واگذار خواهد کرد. هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف ۱ ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. کاهش سرمایه و انواع آن کاهش سرمایه هم در فرضی که شرکت به سبب زیان در شرایط نامطلوبی قرار دارد مفیداست وهم در فرضی که شرکت سود ده است. هرگاه شرکت به سبب زیان قسمتی از سرمایه اشت را از دست بدهد تا این ضرر جبران نشود تقسیم سود میان شرکا انکان پذیر نخواهد بود. البته قبل از تقسیم سود بایدمبلغی نیز به عنوان اندوخته الزاما کنار گذاشته شود. با کاهش سرمایه به حد دارایی واقعی آن شرکا می توانند در صورت سوددهی شرکت سود حاصل را بین خودتقسیم کنند چه لازم نیست مانند فرض ذکر شده منتظر جبران کمبود سرمایه ناشی از زیان بمانند. هرگاه شرکت از لحاظ مالی در وضعیت مطلوبی باشد کاهش سرمایه کمتر مورد پیدا می کند ولی اگر هم سرمایه اش کاهش یابد بی فایده نخواهد بود. در واقع ممکن است دارایی شرکت کافی باشد در حالی که هنوز قسمتی از مبلغ اسمی پرداخت نشده سهام موجب می شود بدهی شرکا به شرکت از میان برود. کاهش سرمایه بر دو نوع می باشد: اجباری: شرکتهای سهامی در پاره ای موارد به موجب قانون مکلف به کاهش سرمایه خود می باشند از جمله موارد آن ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحی می باشد که به موجب آن اگر بر اثر زیان های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی

فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقا شرکت مورد و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت اینکه سرمایه شرکت از حداقل قانونی کمتر نشود سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. اختیاری: علاوه بر کاهش سرمایه به صورت اجباری شرکت های سهامی می توانند هر وقت که مایل باشند با رعایت تشریفات قانونی نسبت به کاهش سرمایه اقدام نمایند. (ماده ۱۸۹ لایحه اصلاحی). طرق کاهش سرمایه در تبصره ۱۸۹ لایحه اصلاحی دو طریق برای کاهش سرمایه پیش بینی گردیده است: - از طریق کاهش تعداد سهام شرکت: در این روش شرکت سهامی بدون اینکه از مبلغ اسمی سهام بکاهد اقدام به کاهش تعداد سهام موجود شرکت می نماید. بطور مثال شرکت با صدور سهام جدید مقرر می دارد که هر دو سهم سابق با یک سهم جدید تعویض گردد. سهامداران در این صورت با مراجعه به شرکت به نسبت تعیین شده سهام جدید دریافت می دارند که البته مبلغ اسمی سهام جدید با سهام قدیم تفاوت ندارد. در این روش مشکل سهم منفرد باقی می ماند. - از طریق کاهش مبلغ اسمی سهام شرکت: دراین روش اسمی سهام شرکت کاهش پیدا می کند و سهام قدیم شرکت کلا باطل می گردد و سهام جدید که از ارزش اسمی کمتر برخوردار هستند بین سهامداران شرکت با توجه به تعداد سهام آنهاتوزیع می گردد.

۲- تعریف شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - تعریف شرکت سهامی خاص شرکتی است بازرگانی که تمام سرمایه آن منحصرا توسط موسین تامین گردیده و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است و تعداد سهامداران نباید از سه نفر کمتر باشد. عنوان شرکت سهامی خاص باید قبل از نام شرکت یا بعداز آن بدون فاصله بانام شرکت بطور روشن و خوانا قید شود .

۳- مسئولیت مدنی

شرکت سهامی خاص - مسئولیت مدنی قانون در مورد تشکیل شرکت سهامی مقرراتی پیش بینی نموده است که موسسین شرکت موظفند آنها را رعایت نموده و انجام آن اعمال جز قواعد آمره بوده و موسسین شرکت نمی توانند با تراضی و توافق و یا تصریح در اساسنامه از انجام آن قواعد صرفنظر نمایند لذا اگر قواعد مربوط به تاسیس شرکت رعایت نگردد بطور مثال کلیه سهام شرکت پذیره نویسی نشده است ولی موسسین شرکت چنین وانمود نمایند که تمام سهام شرکت پذیره نویسی شده است در این صورت هر ذینفع می تواند تقاضای بطلان شرکت را از دادگاه بخواهد در هر حال اگر دادگاه نیز حکم به بطلان شرکت بدهد موسسین و مدیران و بازرسان و سهامداران شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند (ماده ۲۷۰). در صورتی که قبل از بطلان (صدور حکم بطلان) شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دادگاه قرار سقوط دعوی را به جهت رفع موجبات بطلان صادر خواهد کرد در هر حال خواند دعوی می تواند تقاضای استمهال نموده تا موجبات بطلان شرکت را برطرف نموده و دادگاه می تواند مهلتی که بیش از شش ماه نباشد جهت رفع موجبات بطلان تعیین نماید و اگر در ظرف مهلت مزبور رفع نقص نگردیده و موجبات بطلان برطرف نگردد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد(ماده ۲۷۲). سئوال: اگر دادگاه اقدام به صدور حکم مبنی بر بطلان شرکت نماید و از این حکم به اشخاص ثالث و سهامداران شرکت زیان وارد گردد این خسارت وارده چگونه جبران می گردد؟ دراین صورت ماده ۲۷۳ مسئولین بطلان شرکت را در مقابل خسارت وارده متضاما مسئول دانسته است در مورد اصطلاح متضامنا لازم به توضیح است که کلیه اشخاصی که باعث ورود خسارت به شرکت گردیده اند موظف هستند هر کدام از آنها در

صورت مراجعه کسانی که زیان دیده اند کلیه خسارت شخص زیان دیده را جبران نمایند ایشان نمی توانند خسارت را تقسیط کنند وبه این استناد که او یکی از مسئولین می باشد از پرداخت خسارات خودداری نماید بنابراین تمام زیان دیدگان می توانند برای جبران خسارت خودبه همه کسانی که به آنها خسارت وارد کرده اند رجوع نمایند و یا برای کل زیان وارده به یکی از متخلفین رجوع نمایند وتنها شخص پرداخت کننده اگر بیش از سهم خود واندازه خسارت وارده که باید در نهایت بین متضامنین تقسیم گردد پرداخت نماید می تواند به نسبت مازاد بر پرداخت به سایر مسئولین رجوع نماید. درهر حال در صورتی که دادگاه حکم به بطلان شرکت را صادر نماید دادگاه ضمن صدور حکم بطلان شرکت یک یا چند نفر را جهت تصفیه امر شرکت به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می نماید و دادگاه خود میزان حق الزحمه مدیران تصفیه را مشخص می نماید و در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه از قبول سمت مزبور خودداری نمایند امر تصفیه به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود دادگاه صادر کننده حکم ارجاع می گردد (ماده ۲۷۵). مطالبه خسارت سهامداران از مدیران ماده ۳۲۸ مدنی در مبحث الزامات خارج از قرارداد (اتلاف) کسانی را که باعث تلف یا نقص و یا ورود خسارت به دیگری شده اند را مسئول جبران خسارت نموده است و حتی در ماده ۳۳۱ ق. مدنی اگر تلف به طور مستقیم هم نبوده و شخص سبب ورود ضرر باشد و به تسبیت به دیگری زیان وارد نموده باشد نیز مسئول جبران خسارت می باشد البته در فرض دوم باید اظهار نمود که مسبب در صورتی مسئول جبران خسارت است که اقوی از مباشر تلف باشد. ماده ۲۷۶ اظهار داشته که شخص و یا اشخاصی که حداق ۵/۱ یا ۲۰ درصد سهام شرکت را دارا باشند می توانند در صورت تخلف و تقصیر مدیران شرکت به هزینه خود علیه هر یک از مدیران و یا تمام آنها طرح شکایت نموده وتقاضای جبران خسارت وارده را به شرکت بنمایند دراین صورت اگر مدیران شرکت تقصیرشان احراز گردد و محکوم شوند علاوه بر جبران خسارت وارده را به شرکت بنمایند دراین صورت اگر مدیران شرکت تقصیرشان احراز گردد و محکوم شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به شرکت مسئول پرداخت کلیه خساراتی خواهند بود که از طریق دادرسی به شکات وارد شده است (از باب تسبیت) و اگر تقصیر مدیران احراز نگردد هزینه مزبور به عهده خود خواهانها می باشد سئوال: آیا موسسین شرکت می توانند در زمان تاسیس در اساسنامه شرکت شرط عدم مسئولیت مدیران را در رابطه با خسارتهای وارده توسط آنها به شرکت را بنمایند؟ به نظر می رسد که این شرط ممکن است در مقابل سهامداران قابل استناد باشد ولی در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نمی باشد و از طرف دیگر شرط عدم مسئولیت فقط در صورتی مورد قبول می باشد که خسارت وارده عمدا نبوده و مدیر مزبور به عمد باعث ورود ضرر نگردیده باشد چرا که شرط عدم مسئولیت در مورد خسارت های عمومی قابل اجرا نمی باشد. سئوال: آیا اساسنامه شرکت و یا مجمع عمومی می توانند حق اقامه دعوی بر علیه مدیران شرکت را محدود نمایند؟ طبق ماده ۲۷۷ چنین شرطی فاقد اثر بوده و نمی توان حق اقامه دعوی را محدود نمود. تطبیق وضع شرکت های موجود با قانون جدید بعد از تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ قانونگذار در ماده ۲۸۴ این قانون مقرر نمود که از تاریخ تصویب این قانون به مدت سه سال کلیه شرکت های سهامی موظفند خود را به صورت یکی از شرکت های سهامی عام یا خاص و یا دیگر شرکت های موجود در قانون تجارت درآورده والا منحل محسوب خواهند شد از طر دیگر می دانیم که تغییر اساسنامه شرکت از وظایف مجمع عمومی فوق العاده می باشد در صورتی که ماده ۲۸۵ این قانون به طور استثنایی این وظیفه را به عهده مجمع عمومی عادی گذاشته است مگر اینکه تغییر اساسنامه مستلزم افزایش سرمایه باشد که در این صورت باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. برای تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی خاص اولا باید سرمایه شرکت تا حداقل میزان مقرر سرمایه در قانون یعنی یک میلیون ریال افزایش یافته و اساسنامه شرکت باید مطابق قانون جدید اصلاح گردد و مراتب باید جهت ثبت به مرجع شرکتها اعلام شود و مرجع مزبور پس از احراز تطبیق وضع شرکت با مقررات جدید مراتب را ثبت نموده و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. می دانیم که یکی از مواردی که در موقع افزایش سرمایه شرکت باید رعایت شود این است که سرمایه قبلی شرکت کلا پرداخت شده باشد و

سهامداران سابق از بابت تادیه وجوه تعهدی بابت سهامی که ابتیاع نموده اند باید به شرکت بدهکار نباشند ولی در ماده ۲۸۸ قانون جدید این الزام برداشته سده و شرکت هایی که جهت تطبیق شرایط خود با شرکت سهامی خاص مجبور افزایش سرمایه باشند لازم نیست که چنین شرطی را رعایت نمایند. درهر حال ضمانت اجرای عدم تطبیق شرکت با یکی از شرکت های موجود یا سهامی خاص و عام را ماده ۲۹۷ این قانون پیش بینی نموده و رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل را ماده ۲۹۷ این قانون پیش بینی نموده و رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل که اقدام به دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده ننمایند و یا مدارك و اسناد لازم را جهت تطبیق شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم ننمایند به مجازات مقرر در ماده مارالذکر محکوم شده و علاوه بر مجازات کیفری اعضای مزبور متضمنا مسئول خسارت وارده که بر اثر انحلال شرکت به وجود آمده خواهند بود بنابراین هر یك از اعضای مزبور که بخواهند ازمجازات فوق و مسئولیت مدنی تبری جویند باید این وظیفه قانونی را به سایر مسئولین تذکر داده و علاوه بر این بوسیله اظهارنامه رسمی این موضوع را به اطلاع تك تك اعضا برساند اگر جلسات هیئت مدیره به جهتی تشکیل نگردد ارسال اظهارنامه رسمی کفایت می کند.

۴– جرایم مربوط به سهام

شرکت سهامی خاص – جرایم مربوط به سهام ماده ۲۴۳ کلیه اعمالی را که باید از بدو تاسیس تا زمان انتشار اوراق سهام شرکت و پذیره نویسی رعایت شود را مدنظر قرارداده وتخلفاتی را که ممکن است در این مرحله صورت بگیرد را در بندهای ۶ گانه آورده وضمانت اجرای آن نیز مجازات صدر ماده می باشد. ماده ۲۴۴ جرایم مربوط به سهام شرکت می باشد لذا کسانی که درشرکت سهامی بدون ذکر مبلغ اسمی سهم یا گواهینامه موقت سهمی صادر نماید با این سهام و گواهی نامه موقت را که در آن مبلغ اسمی قید نشده است را به فروش برساند و یا سهمی بی نام را بدون اینکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد و یا حتی در معرض فروش قراردهد و یا کسانی که سهام با نام را قبل از اینکه حداقل سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد را صادر نماید و یا بفروشد و یا حتی در معرض فروش قرار دهد به مجازات مقرر دراین ماده محکوم خواهد شد. مطابق قانون در سهام و گواهی نامه موقت اسمی باید قید شود و لذا اگر مبلغ اسمی آن قید نشده باشد به جهت مجهول بودن ارزش واقعی سهام مزبور ممکن است به اشخاص ثالث زیان وارد شده و بدین جهت قانونگذاری را منع نموده است و یا فروش سهام قبل از آن که مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد ممنوع است در این ماده کلمه معرض فروش نیز ذکر شده است لذا چنین نتیجه می توان گرفت که اگر سهام شرکتی که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت نشده باشد در معرض فروش قرار داده شود حتی اگر مشتری نیز جهت خرید آن سهام پیدا نشود باز هم جرم واقع شده یعنی حصول نتیجه فروش برای تحقق جرم لازم نیست (ماده ۲۴۵ لایحه قانونی). می دانیم که هیئت مدیره شرکت های سهامی دارای وظایف خاص بوده بطور مثال ایشان موظفند در صورتی که مبلغ اسمی سهام درظرف مهلت مقرر قانونی پرداخت نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان سرمایه پرداختی دعوت نمایند لذا اگر به وظیفه ای که قانون به آنها محول کرده است عمل ننمایند به مجازات دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد و یا اگر قبل از پرداخت تمام سرمایه شرکت اقدام به صدور اوراق قرضه نمایند بنابراین هیئت مدیره که توسط مجمع عمومی موسس و یاعادی انتخاب می شود ممکن است چنین اختیاری نیز برای یک یا چند مرتبه انتشار اوراق قرضه را نیز داشته باشند لذا اگر قبل از پرداخت تمام سرمایه شرکت توسط سهامداران اقدام به انتشار اوراق قرضه را نیز داشته باشند لذا اگر قبل از پرداخت تمام سرمایه شرکت توسط سهامداران اقدام به انتشار اوراق قرضه نمایند مرتکب تخلف شده و مشمول مجازات ماده ۲۴۶ می گردند. درهر حال اگر در جلسات هیئت مدیره که جهت بررسی اوضاع شرکت و انجام وظایف محوله تشکیل می شود هریک از اعضا که به دیگران تذکر دهد که به جهت عدم ایفا تعهدات شرکا مبنی بر پرداخت دیونی که از بابت خرید سهام موظف به پرداخت آن می باشند

سرمایه شرکت تحقق پیدا نکرده لذا به هیئت مدیره اخطار نماید که برای تقلیل سرمایه شرکت وانجام وظیفه قانونی باید مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نمود ولی دیگر اعضا التفاتی به اظهارات او نکنند عضو مزبور از مقررات جزایی معاف خواهد بود مشروط بر اینکه این امر را مطابق اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضای هیئت مدیره اعلام نماید (ماده ۲۴۷) سئوالی که مطرح می شود اینکه اگر جلسات هیئت مدیره به هر دلیل بطور مثال نرسیدن به حد نصاب قانونی تشکیل نگردد برای سلب مسئولیت جزایی از خود چه باید کرد؟ قسمت اخیر ماده ۲۴۷ پاسخ این سئوال را داده که عضو مزبور با ارسال اظهارنامه رسمی جهت هر یک از اعضای هیئت مدیره از مقررات جزایی بری شده و مسئولیت جزایی نخواهد داشت. ماده ۲۴۹ کسانی که مرتکب اعمال مندرج در این ماده شوند را به عنوان کلاهبردار نام برده است. بنابراین افرادی که با توسل به وسایل متقلبانه دیگران را برخلاف واقع تشویق به خرید سهام شرکت نمایند و یا اطلاعات واهی وغیرواقع و موهوم ارائه نمایند و باعث اغوا افراد گردند مشمول مجازات کلاهبرداران بوده و اکنون با توجه به تصویب قانون مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مرتکبین اعمال مندرج در ماده مشمول مجازات ۱ تا ۷ سال حبس می باشند. مدیرعامل و رئیس و اعضای هیئت مدیره که قبل از ثبت افزایش سرمایه شرکت و یا در صورتی که افزایش سرمایه شرکت به صورت مزورانه باشد به ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد وهم چنین در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق اقدام به صدور و انتشار سهام جدید نمایند به مجازات دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد(۲۶۱) در مورد قسمت اخیر ماده ۲۶۱ در صورتی جرم محقق شده است که علاوه بر صدور سهام منتشر هم بشود بنابراین اگر قبل از انتشارو بعد از صدور متخلفین از انتشار سهام مزبور خودداری نمایند آنان را نمی توان به صرف صدور سهام جدید مجرم شناخت پس صدور سهام یکی از عناصر مادی جرم است در صورتی عنصر مادی جرم تحقق کامل پیدا می نماید که سهام متشر نیز بشود. در موقع افزایش سرمایه شرکت حق تقدمی جهت پذیره نویسی سهام منتشره جدیدی برای سهامداران سابق در نظر گرفته شده است که ایشان می توانند سهام جدید را قبل از اشخاص ثالث پذیره نویسی نمایند البته این حق تقدم در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده برخلاف این حق انتشار سهام جدید را به جهتی از مصالح شرکت جهت افراد خاصی صادر نکرده باشد و یا حق تقدم سهامداران سابق را از آنان سلب نکرده باشد در صورتی که رئیس یا اعضای هیئت مدیره مدیرعامل این حق تقدم را از سهامداران قدیمی برخلاف قانون سلب کنند و یا مهلت لازمه را جهت پذیره نویسی به سهامداران سابق ندهند در این صورت به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد (بند ۱ ماده ۲۶۲) و همچنین اگر رئیس یا اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل جهت تضییع حق تقدم سهامداران سابق جهت پذیره نویسی سهام جدید برخلاف واقع اطلاعات نادرست در اختیار مجمع عمومی بگذارند به حبس از شش ماه تا ۳ سال یا جزای نقدی از یکصدهزار ریال یا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد(ماده ۲۶۳). درمورد کاهش سرمایه شرکت نیز رئیس یا اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی موظفند که مساورات در حقوق سهامداران را رعایت نموده و پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه شرکت را حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت جهت ارائه گزارش و راپرت به مجمع تسلیم نمایند و تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده را دائر بر تصویب کاهش سرمایه شرکت را از طریق روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد جهت اطلاع عموم منتشر نمایند درغیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۲۶۴ محکوم خواهند شد.

۵- انحلال و تصفیه و اشکالات قانونی

شرکت سهامی خاص - انحلال و تصفیه و اشکالات قانونی انحلال واژه مصطلحی است که برای خاتمه دادن به حیات یک شرکت تجاری استفاده می شود. ممکن است واژه انحلال مترادف با واژه تصفیه دانسته شود در صورتی که انحلال مرحله ای پیش از مرحله

تصفیه شرکت است. در مرحله انحلال تصمیم به پایان فعالیت شرکت گرفته می شود ولی در دوران تصفیه شرکت به سوی ختم حیات شخصیت حقوقی پیش می رود. انحلال یا تصفیه در حقیقت مرحله ای است که اموال و دارایی های شرکت جمع آوری و فروخته می شود و آنگاه تعهدات و دیون شرکت ایفا ودر صورت وجود دارایی مازاد موجودی بین شرکا (بر طبق اساسنامه) تقسیم می گردد.

۶– ارگان تصمیم گیرنده

شرکت سهامی خاص – ارگان تصمیم گیرنده اساسنامه مهمترین رکن شرکت سهامی است. در واقع چهارچوب روابط و تقسیم منافع و زیان و نحوه اداره شرکت را اساسنامه معین میکند. اساسنامه تابع نظر موسسین و اکثریت دارندگان سهام است و بخاطر اهمیت آن قانون موارد الزام آوری را در آن شرط نموده است بعبارتی دیگر اساسنامه در تشکیل شرکتهای سهامی نقش مهم و موثری دارد و در واقع عقد شرکت در قالب تنظیم اساسنامه و امضای آن منعقد می گردد. به دستور بند ۱ از ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت) اساسنامه شرکت در شرکتهای سهامی خاص می بایست به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. لیکن در ماده ۱۵ (ل.ا.ق.ت) در شرکت های سهامی عام امضای ورقه سهم بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت است. این عقد پس از تصویب اساسنامه با قبول سمت از ناحیه مدیران و بازرسان شرکت شخصیت حقوقی شرکت را ایجاد و سپس با ثبت آن به مرحله کمال خود می رسد(مواد ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ از (ل.ا.ق.ت) لذا اساسنامه در واقع قانون حاکم بر شرکت های سهامی است فلذا چنانچه با مقررا لایحه مورد اشاره مغایرت نداشته باشد اختیارات و نحوه تشکیل مجامع عمومی را می توان درآن پیش بینی نمود. این امر در ماده ۷۲(ل.ا.ق.ت) چنین مقرر شده است: (مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آرا لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد. حال سئوال این است که چنانچه نصاب مقرر در تشکیل جلسات مجمع از حداقل مقرر در قانون کمتر باشد و یا تصمیمات اتخاذ شده با مقررات آمره (ل.ا.ق.ت) مغایرت داشته باشد تکلیف چیست؟ آیا صرف تقاضای ابطال تصمیمات اتخاذ شده کافی است یا ضمن ابطال تصمیمات ابطال آن قسمت از اساسنامه نیز لازم است؟ به نظرمی رسد می بایست قائل به تفکیک شد. چنانچه در اساسنامه مقرراتی مغایر با قانون – حداقل از حیث نصاب تشکیل جلسات – تصویب شده باشد ضمن ابطال تصمیمات اتخاذ شده ابطال اساسنامه نیز از این حیث لازم است. اگر چه فقط ابطال تصمیمات غیرقانونی تقاضا شود با ابقای اساسنامه مجامع بعدی حق تصویب مقررات مغایرت با اساسنامه را نخواهد داشت. لیکن با ابطال اساسنامه یا مجمع عمومی فوق العاده جهت تغییر اساسنامه دعوت خواهد شد و یا شرکت ناچار است براساس مقررات لایحه تصمیم بگیرد. و اما چنانچه اساسنامه مغایرتی با قانون نداشته باشد معذلك مجامع عمومی برخلاف مصوبات اساسنامه و قانون اخذ تصمیمات نمایند فقط تصمیمات اتخاذ شده بایستی در محاکم عمومی صالحه با رعایت مواد ۲۷۰ تا ۲۷۳(ل.ا.ق.ت) ابطال گردد.

۷– مزایای مدیران

شرکت سهامی خاص – مزایای مدیران برای اعضای موظف وغیر موظف هیئت مدیره در (ل.ا.ق.ت) مزایایی منظور گردیده که ذیلا مختصری درباره آن به صحبت می پردازیم. به موجب صدر ماده ۱۳۴ لایحه مذکور (مجمع عمومی صاحبان سهام می تواند باتوجه به ساعات حضر اعضای غیر موظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این

مبلغ را بـا تـوجه به تعـداد ساعـات و اوقـاتی که هر عضو هیئت مـدیره در جلسـات هیئت حضور داشـته است تعیین خواهـد کرد...) بنابراین به ساعات غیبت هر یک از مـدیران غیر موظف حق حضور مزبور تعلق نخواهـد گرفت. به طوری که ملاحظه می گردد حق حضـور جلسـات هیئت مـدیره فقـط به مـدیران غیر موظـف شـرکت پرداخت می گردد. حق حضور مـذکور جز هزینه هـای عمومی شرکت منظور می شـود. به موجب مـاده ۱۳۴(ل.ا.ق.ت) می توان درصـدی از سودخـالص سالانـه شـرکت را به عنوان پـاداش برای اعضـای هیئت مـدیره اعم از موظـف یـا غیر موظف تعیین نمود. پرداخت این پـاداش به اعضـا دارای دو شـرط است. یکی آنکه این موضوع در اساسـنامه شـرکت پیش بینی شده باشد دیگر آنکه مجمع عمومی عادی سالانه پرداخت آن را تصویب کند. قسـمت دوم ماده ۱۳۴ در این خصـوص مقرر می دارد: (... همچنین در صـورتی که در اساسـنامه پیش بینی شـده باشـد مجمـع عمومی می تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضای هیئت مدیره پرداخت شود) باید توجه داشت که به موجب ماده ۲۴۱ (ل.ا.ق.ت) پاداش مذکور نباید در شرکت های سهامی عام از پنج درصد و درشرکت های سهامی خاص از ده درصـد سودی که در همان سال به صاحبان سـهام پرداخت می شود تجاوز کنـد. مجددا یادآوری می شود که پاداش مذکور هم به اعضـای موظف تعلق می گیرد هم به اعضـای غیر موظف. - در اینجـا بی مناسبت نیست مختصـری درباره اعضای موظف و غیره موظف هیئت مـدیره بطور جـداگانه به بحث بپردازیم: ا عضای غیر موظف هیئت مدیره- اعضای مذکور سـهامداران شـرکت بوده و بجز رابطه مدیریت ارتباط کاری دیگری با شـرکت ندارند. این مدیران وکیل و امین شـرکت بوده که حقوق و اختیارات شـرکت را طبـق مقررات موضـوعه و اساسـنامه آن اعمـال می نماینـد و از ایـن جهـت اعمـال آنهـا شـرکت محسوب م یشـود بنـابراین به منزله کارفرمای شـرکت می باشـند. بنابراین رابطه اعضای غیر موظف باشـرکت به هیـچ وجه رابطه اسـتخدامی نیست و چنانچه هر یک از آنها از عضویت هئیت مدیره مستعفی یا معزول یا به هر علت دیگری برکنار گردند نمی توانند بابت عضو مذکور به مراجع مشـمول قـانون کـار و لا-جرم هیـچ یـک از حمایت های منـدرج در آن نیسـتند ادعای آنها در مراجع مـذکور قابلیت اسـتماع نـدارد. اعضای موظف هیئت مدیره - اصـطلاح (اعضای موظف) به صراحت در (ل.ا.ق.ت) به کار نرفته فقط در مقابل (اعضای غیرموظف) مندرج درماده ۱۳۴ به ناچـار عبـارت مـذکور مصـطلح گشـته است و ظـاهرا به سـهامداری اطلاـق می گردد که علاوه بر عضویت درهیئت مـدیره به شـغلی از مشاغل شـرکت اشـتغال دارد. ممکن است این اشـتغال قبل از مـدیریت در شـرکت باشد یا آنکه پس از برگزیده شـدن به سـمت مـدیری در هیئت مـدیره تصـدی یکی از مشاغل شـرکت را نیز عهـده دار گردیده است. قانونگذار مقررات ویژه ای درباره قرارداد کار عضو هیئت مدیره را با شـرکت پیش بینی نکرده است و ظاهرا از نظر مقررات کاری مشـمول مقررات استخدامی شرکت است چنانچه شرکت دولتی مشمول مقررات خاص باشد مدیر مذکور هم از نظر شغلی تابع مقررات شرکتی است که در آن به کار مشـغول گردیده واگر شـرکت از نظر اسـتخدامی تابع مقررات قانون کار باشد (این گونه شـرکت ها ممکن است حتی دولتی مشـمول مقررات خـاص هم باشـند ولی مجاز باشـند که طبق مقررات قانون کار افرادی را نیز اسـتخدام نماینـد) مدیرمـذکور فقط از لحـاظ شـغلی که تصـدی آن را به عنوان ابوابجمعی شـرکت دارد(نه عضویت در هیئت مـدیره)مشـمول مقررات قـانون کـار قرارمی گیرد. این وضـعیت در مورد مدیری که از قبل در شـرکت به کار اشـتغال داشـته (به طریق اولی) نیز حکمفرماست. در مورد قرارداد کار مـدیرانی که پس از انتخاب شـدن به عضویت هیئت مـدیره به شـغلی در شـرکت اشـتغال یافته اند باید توجه داشت که مقررات مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت) می بایست حتما رعایت گردد. یعنی قرارداد استخدامی این قبیل مدیران اعم از اینکه شرکت محل کار آنها مشمول مقررات قانون کار باشد یا نه به تاییدهیئت مدیره برسد. و مورد موافقت مجمع عمومی نیز قرار بگیرد. چنانچه تشریفات مـذکور رعایت نشود قرارداد اسـتخدامی مـدیر بلااثر می گردد ولی مـدیریت او در هیئت مـدیره پابرجا خواهـد بود. درهر مورد که عضو هیئت مـدیره در شـرکت شاغـل باشـد و به نحوی از انحـا قرارداد او لغو گردد به عضویت او در هیئت مـدیره لطمه ای نخواهد خورد. همین طور است اگر مـدیر شاغـل در شـرکت به عللی از عضویت در هیئت مـدیره کنـار برود رابطه شـغلی او با شـرکت قطع

نخواهد شد.

۸– منع تحصیل وام از شرکت

شرکت سهامی خاص - منع تحصیل وام از شرکت مدیرعامل واعضای هیئت مدیره شرکت از گرفتن هر گونه وام یا اعتبار از شرکت ممنوع هستند و این ممنوعیت حتی به بعضی از افراد خانواده و فامیل مدیران مذکور سرایت می کند. این افراد شامل همسر پدر و مادر واجداد خواهر و برادر همچنین اولاد و فرزندان آنان می گردد. البته وابستگان افراد مذکور مشمول این ممنوعیت نیستند مانند همسر برادر یا خواهر همسر اولاد (عروس یا داماد). اشخاص حقوقی عضو هیئت مدیره از قاعده فوق مستثنی بوده و لیکن اشخاص حقیقی که به عنوان نمایندگان اشخاص حقوقی درهیئت مدیره شرکت دارند به مثابه مدیرعامل و سایر اشخاص حقیقی که عضو هیئت مدیره هستند بوده و نمی توانند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت دریافت دارند. این ممنوعیت شامل افراد خانواده و فامیل آنها که فوقا بدانها اشاره شد نیز می گردد. هرگاه علیرغم ممنوعیت فوق مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره توانسته باشد از شرکت تحصیل وام یا اعتبار نماید عملیات مذکور بخودی خود باطل است و باید وجوه واعتبار ماخوذه با احتساب خسارات به بانک مسترد گردد. مدیران عامل واعضای هیئت مدیره بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری از قاعده فوق مستثنی هستند و بانکها و شرکت های مذکور می توانند به مدیران و افراد فامیل و خانواده آنها هر گونه وام یا اعتباری واگذار کنند مشروط بر اینکه اعطای وام یا اعتبار مذکور تحت لوای همان قیود و شرایطی باشد که برای اعطای وام یا اعتبار سایرین رعایت می گردد. (ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت.)

۹– شرکتهای شخص

شرکت سهامی خاص - شرکتهای شخص در این نوع شرکتها شخصیت و روابط شرکائ با یکدیگر اهمیت مخصوص دارد و مسئولیت هر یک از شرکای ضامن در مقابل اشخاص ثالث نامحدود و تضامنی است و شخص ثالث می تواند برای وصول طلب خود به فرد فرد شرکائ مراجعه نماید و شریک ضامن ملزم به تادیه طلب شرکت می باشد. اصولا درشرکتهای شخص سهم الشرکه در حال حیات یا پس از فوت قابل انتقال نیست مگر با رضایت سایر شرکائ شرکتهای تضامنی و نسبی از جمله شرکتهای شخص هستند و شرکتهای مختلط غیر سهامی و شرکت با مسئولیت محدود را نیز می توان جزئ شرکتهای شخص دانست.

۱۰– وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص و با مسئولیت محدود

شرکت سهامی خاص - وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص و با مسئولیت محدود ۱- در شرکت با مسئولیت محدود تعداد شرکا حداقل ۲ نفر و در شرکت سهامی خاص تعداد سهامداران حداقل ۳ نفر می باشند. ۲- حداقل سرمایه برای ثبت شرکت با مسئولیت محدود و سهامی خاص یک میلیون ریال است . ۳- در شرکت سهامی خاص حداقل ۳۵٪ سرمایه باید نقدا در یکی از شعب بانکها تودیع و گواهی مربوطه ارائه و ۶۵٪ در تعهد سهامداران باشد در شرکت با مسئولیت محدود باید کل سرمایه تحویل مدیرعامل شرکت شده و مدیرعامل اقرار به دریافت نماید و ارائه گواهی بانکی دال بر انجام این امر ضرورت ندارد . ۴- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل در شرکت سهامی خاص اجباری ولی در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۵- مدت مدیریت در شرکت سهامی خاص حداکثر دوسال می باشد که قابل تمدید است و در شرکت با مسئولیت محدود مدیران شرکت برای مدت نامحدود انتخاب می شوند و همچنین مخیر خواهند بود که مدتی برای مدیران در اساسنامه شرکت مقرر دارند. ۶- انتخاب روزنامه

کثیرالانتشار در شرکت سهامی خاص برای درج آگهی های دعوت شرکت در سهامی خاص الزامی و در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است . ۷- شرایط احراز حد نصاب در مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص سهل تر و در شرکت با مسئولیت محدود با توجه به نوع شرکت مشکل تر می باشد. ۸- مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص توسط هیات رئیسه ای مرکب از یک نفر رئیس و دو نفر ناظر و یک نفر منشی که از بین سهامداران انتخاب می شوند اداره می گردد در شرکت با مسئولیت محدود اداره مجامع عمومی شرکت توسط هیات نظار در صورتی خواهد بود که تعداد شرکای آن از ۱۲ نفر بیشتر باشد. ۹- در شرکت سهامی خاص و با مسئولیت محدود شرکت در افزایش سرمایه اختیاری است. ۱۰- سرمایه در شرکت سهامی خاص به سهام تقسیم و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود به سهام یا قطعات سهام تقسیم نمی شود و شرکا فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات می باشند. ۱۱- مدیران در شرکت سهامی خاص الزاما بایستی سهامدار بوده یا تعداد سهام وثیقه مقرر در اساسنامه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارند مدیران در شرکت با مسئولیت محدود بصورت موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا از خارج انتخاب می شوند انجام وظیفه خواهند نمود. ۱۲- تقسیم سود در شرکت سهامی خاص به نسبت تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه شرکا تقسیم خواهد شد و در شرکت با مسئولیت محدود می توانند در اساسنامه ترتیب دیگری برای تقسیم سود مقرر دارند. ۱۳- حق رای در شرکت سهامی خاص به تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه خواهد بود. ۱۴- تقویم سهم الشرکه غیر نقدی در شرکت با مسئولیت محدود توسط شرکا صورت می گیرد شرکا در این خصوص دارای مسئولیت می باشند تقویم آورده غیر نقدی در شرکت سهامی خاص با کارشناس رسمی دادگستری خواهد بود. ۱۵- مدارک تاسیس در شرکت سهامی خاص عبارتند از : دوبرگ اظهارنامه و دو جلد اساسنامه و گواهی بانک دایر بر پرداخت ۳۵٪ سرمایه تعهدی و فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسان و صورتجلسات مجمع عمومی موسس و هیات مدیره . مدارک تاسیس در شرکت با مسئولیت محدود عبارتند از : دو برگ تقاضانامه و دو برگ شرکت نامه و دوجلد اساسنامه و فتوکپی شناسنامه شرکا و صورتجلسه مجمع عمومی موسس و هیات مدیره . ۱۶- برای کسب اطلاعات بیشتر می توان به کتاب قانون تجارت در باب شرکت سهامی و با مسئولیت محدود مراجعه نمود.

۱۱- اساسنامه شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - اساسنامه شرکت سهامی خاص ماده ۱) نام شرکت نام شرکت عبارت است از شرکت .... (شرکت سهامی خاص) ماده ۲) موضوع شرکت موضوع شرکت عبارتست از:

....

.... ماده ۳) مدت

شرکت از تاریخ ثبت بمدت نامحدود تعیین شده است . ماده ۴) مرکز اصلی شرکت و شعب آن مرکز اصلی شرکت .... انتقال مرکز اصلی به هر نقطه دیگر

در ایران منوط به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده است و همچنین مجمع عمومی می تواند به هیات مدیره در خصوص تغییر مرکز شرکت تفویض اختیار نماید هیات مدیره می تواند هر موقع لازم بداند شعب یا نمایندگی هایی در داخل یا خارج از ایران دایر یا آنها را منحل نماید. ماده ۵) سرمایه سرمایه نقدی شرکت مبلغ .... ریال منقسم به .... سهم با نام .... و .... سهم بی نام هر یک به ارزش .... ریال می باشد که مبلغ .... ریال آن نقدا پرداخت و مبل .... ریال بقیه از طرف صاحبان سهام تعهد شده است. ماده ۶) پرداخت بقیه مبلغ اسمی سهام قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام مذکور در ماده ششم بر حسب احتیاجات شرکت در موعد یا مواعدی که طبق تصمیم هیات مدیره تعیین میشود پرداخت میگردد و

در این مورد هیات مـدیره وفق مواد ۳۵ تا ۳۸ لایحه قانونی اصـلاح قسمتی از قانون تجارت اقدام خواهد نمود . ماده ۷) اوراق سهام کلیه سـهام شـرکت (بانام و یا بی نام و یا تواما) است اوراق سهام شرکت متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب و حاوی نکات مذکور در ماده ۲۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفندماده ۱۳۴۷ بوده و به امضای دونفر از مدیران شرکت که ازطرف هیات مدیره تعیین می شوند خواهد رسید و به مهر شرکت ممهور می گردد. ماده ۸) گواهینامه موقت سهام تا زمانی که اوراق سـهام صادر نشده است شـرکت به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم می دهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن است. ماده ۹) غیر قابل تقسیم بودن سـهام سهام شرکت غیر قابل تقسیم می باشد مالکین مشاع مکلفند که در برابر شرکت تنهـا به یـک نفر از خودشان نماینـدگی بدهنـد. ماده ۱۰) انتقـال سـهام بانـام صاحبان سـهام حق انتقال سـهام خود را ندارنـد مگر با موافقت هیـات مـدیره نقـل و انتقـال سـهام بـا نـام بایـد در دفتـر ثبت سـهام شـرکت به ثبت برسـد و انتقـال دهنـده و انتقـال گیرنـده یانماینـدگان قـانونی آنهـا بایـد در دفتر شـرکت حاضـر شـده نقـل و انتقال را گواهی نماینـد نقل و انتقال سـهام با نام بـدون رعایت تشـریفات فوق از درجه اعتبار ساقط بوده و شـرکت کسی را صاحب سهم خواهد شناخت که سهام به نام او در دفتر سهام شرکت به ثبت رسیده با شد و علی الاصول مواد۳۹ و ۴۰ لایحه اصـلاحی قانون تجارت مجری خواهد بود. ماده ۱۱) مسئولیت صاحبان سهام مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. ماده ۱۲) کاهش یا افزایش سرمایه شرکت هر گونه کاهش یا افزایش در سـرمایه شـرکت با رعایت مقررات لایحه قانونی اصـلاح قسـمتی از قانون تجارت مصوب اسفندماه۱۳۴۷ صورت خواهد گرفت. تذکر: اساسـنامه شـرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیات مدیره باشد. ماده ۱۳) حق تقدم در خرید سـهام جدید در صورت افزایش سـرمایه صاحبان سـهام شرکت در خرید سهام جدید به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم خواهند داشت ترتیب اسـتفاده از این حق تقدم طبق مقررات لایحه قانونی اصـلاح قسـمتی از قانون تجارت مصوب اسـفند ماه ۱۳۴۷ خواهد بود. ماده ۱۴) مقررات مشترک بین مجـامع عمومی مجامع عمومی عادی سالانه و مجامع عمومی فوق العاده را هیات مـدیره دعوت می کنـد هیات مـدیره و همچنین بازرس شـرکت می توانند در مواقع مقتضـی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند در این صورت دسـتور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود. علاوه بر این سـهامدارانی که اقلا یک پنجم سـهام شـرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیات مدیره خواستار شوند وهیات مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشـریفات مقرره دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بـازرس یـا بازرسـان شـرکت خواسـتار شونـد و بازرس یا بازرسان ملکف خواهنـد بود که با رعایت تشـریفات مقرره مجمع مورد تقاضا را حـداکثر تا ده روز دعوت نماینـد وگرنه آن گروه از صاحبان سـهام حق خواهنـد داشت مسـتقیما بدعوت مجمع اقدام کنند بشـرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعـایت نموده و در اگهی دعوت به عـدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرسان تصریح نمایند. ماده ۱۵) شـرایط لازم برای داشتن حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام با نمایندگان آنـان قطع نظر از عـده سـهام خود می تواننـد در مجـامع عمومی حضور بهم رساننـد و برای هریـک سـهم یک رای خواهنـد داشـت مشروط بر اینکه بهای مطالبه شده سهام خود را کاملا پرداخت نموده باشند. ماده ۱۶) محل انعقاد مجامع عمومی مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده در مرکز اصـلی شرکت یا در محلی که در آگهی دعوت صاحبان سهام تعیین می شود منعقد خواهد شد. ماده ۱۷) دعوت مجامع عمومی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار که آگهی های مربوط به شـرکت در آن نشـر می گردد بعمل خواهـد آمد و دسـتور جلسه و تاریخ ومحل تشـکیل مجمع باقید ساعت و نشانی کامل در آگهی ذکر خواهد شد. تبصره۱: در مواقعی که کلیه صاحبان سـهام در مجمع عمومی حاضر باشند انتشار آگهی و رعایت تشـریفات دعوت الزامی نیست. ماده ۱۸) دسـتور جلسه هر گاه مجمع عمومی بوسـیله هیات مدیره دعوت شده باشد دسـتور جلسه را هیات مدیره و هرگاه بوسیله بازرس دعوت شده باشد بازرس معین می نماید. دستور جلسه باید در اگهی دعوت بطور خلاصه ذکر

گردد مطالبی که در دستور جلسه پیش بینی نشده باشد به هیچ وجه درمجامع عمومی مطرح نخواهد شد. ماده ۱۹) فاصله بین دعوت و انعقاد مجامع عمومی فاصله بین دعوت و انعقاد هر یک از جلسات مجامع عمومی عادی و مجامع عمومی فوق العاده حداقل ۱۰ روز و حداکثر ۴۰ روز خواهد بود. ماده ۲۰) وکالت و نمایندگی درکلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحبان سهام و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی بشرط تسلیم مدرک وکالت یا نمایندگی بمنزله حضور خود صاحب سهم است . ماده ۲۱) هیات رئیسه مجمع مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده به ریاست رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره و در غیاب آنها به ریاست یکی از مدیرانی که به این منظور از طرف هیات مدیره انتخاب شده باشند تشکیل خواهد گردید مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی ازمدیران یا کلیه آنها جزئ دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه با اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد دو نفر ناظر از سهامداران از طرف مجمع عمومی با اکثریت آرای یک نفر منشی از بین صاحبان سهام یا از خارج تعیین می نمایند هر گاه مجامع عمومی عادی بوسیله بازرس دعوت شده باشد ریاست با بازرس خواهد بود. ماده ۲۲) صورتجلسه ها از مذاکرات و تصمیمات مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده صورتجلسه ای ترتیب داده می شود که به امضای هیات رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد. چنانچه تصمیمات مجامع عمومی شامل یکی از موارد مشروحه زیر باشد یک نسخه از صورتجلسه مربوطه جهت ثبت و درج در روزنامه رسمی به اداره ثبت شرکتها تقدیم می گردد. ۱- انتخاب مدیران و بازرسان ۲- تصویب ترازنامه ۳- کاهش یا افزایش سرمایه شرکت و یا هرگونه تغییر در مواد اساسنامه ۴- انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن ماده ۲۳) اثر تصمیمات مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده که طبق مقررات قانون و اساسنامه حاضر تشکیل می گردد نماینده عموم سهامداران است و تصمیمات آنها برای همه صاحبان سهام ولو غايبين ومخالفین الزام آور می باشد. ماده ۲۴) مجمع عمومی عادی مجمع عمومی عادی شرکت لااقل سالی یک دفعه حداکثر ظرف مدت ۴ ماه از تاریخ انقضای سال مالی شرکت منعقد می گردد. ماده ۲۵) حد نصاب مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلا بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و باحضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۲۶) تصمیمات در مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف بعلاوه یک رای حاضر در جلسه رسمیت خواهد یافت مگر در موارد انتخاب مدیران وبازرسان که مطابق ذیل ماده ۸۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت عمل خواهد شد. ماده ۲۷) اختیارات مجامع عمومی عادی مجمع عمومی عادی می تواند به استثنای مواردی که درباره آنها در قوانین تعیین تکلیف شده یا اتخاذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده و موسس می باشد تصمیم گیری نماید. ماده ۲۸) حد نصاب مجمع عمومی فوق العاده در مجمع عموی فوق العاد باید دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند حاضر باشند اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۲۹) اکثریت در مجمع عمومی فوق العاده تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود . ماده ۳۰) اختیارات مجمع عمومی فوق العاده هر گونه تغییر در موارد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد. ماده ۳۱) عده اعضای هیات مدیره شرکت بوسیله هیات مدیره ای مرکب از .... نفر عضو که بوسیله مجمع عمومی عادی از بین صاحبان سهام انتخاب می شوند اداره خواهد شد مدیران کلا یابعضا قابل عزل می باشند . تبصره۲: انتخاب مجدد مدیران توسط مجمع عمومی عادی بلامانع است. ماده ۳۲) مدت ماموریت مدت ماموریت مدیران دوسال است مدت مذکور تاوقتی که تشریفات راجع به ثبت و آگهی انتخاب مدیران بعدی انجام گیرد خودبخود

ادامه پیدا می کند. ماده ۳۳) سهام وثیقه مدیران هریک از مدیران باید در مدت خود مالک حداقل .... سهم از سهام شرکت بوده و ورقه سهم مزبور را به عنوان وثیقه و تضمین خساراتی که ممکن است از تصمیمات مدیران منفردا یا مشترکا بر شرکت وارد شود به صندوق شرکت بسپارد وثیقه بودن ورقه سهم مانع استفاده مدیر از حقوق ناشیه از آن از قبیل حق رای و دریافت سود نمی باشد ولی مادامی که مدیرمفاصا حساب دوره تصدی خود را از شرکت دریافت نکرده سهم مذکور به عنوان وثیقه در صندوق شرکت باقی خواهد ماند. ماده ۳۴) رئیس و نائب رئیس هیات مدیره هیات مدیره در اولین جلسه خود که حداکثر ظرف یک هفته بعداز مجمع عمومی عادی که هیات مدیره را انتخاب کرده است منعقد خواهد شد و از بین اعضای هیات یک رئیس و یک نائب رئیس برای هیات مدیره تعیین می نماید.مدت ریاست رئیس ونائب رئیس بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهد بود هیات مدیره می تواند از بین خود یا از خارج یک نفر را هم بسمت منشی برای مدت یکسال انتخاب نماید. رئیس و نائب رئیس قابل عزل و تجدید انتخاب خواهند بود در صورت غیبت رئیس و نائب رئیس اعضای هیات مدیره یک نفر از اعضای حاضر در جلسه را تعیین می نماید تا وظایف رئیس را انجام دهد. ماده ۳۵) مواقع تشکیل جلسات هیات مدیره هیات مدیره در مواقعی که خود بطور هفتگی یا ماهیانه معین می کند ویا به دعوت کتبی رئیس و یا نائب رئیس ویا دیگر اعضای هیات مدیره یا به دعوت مدیرعال در هر موقع که ضرورت ایجاب کند تشکیل جلسه خواهد داد چنانچه تاریخ تشکیل جلسه بعدی در صورتجلسه تعیین و ذکر گردد در این صورت ارسال دعوت نامه برای اعضایی که در جلسه مذکور حضور داشته اند ضروری نخواهد بود. ماده ۳۶) محل تشکیل جلسات هیات مدیره جلسات هیات مدیره در مرکز اصلی شرکت یا در هر محل دیگری که در دعوت نامه تعیین شده باشد تشکیل خواهد شد. ماده ۳۷) حدنصاب و اکثریت لازم برای رسمیت جلسه جلست هیات مدیره در صورتی رسمیت دارد که اکثریت مدیران در جلسه حضر داشته باشند. تصمیمات با اکثریت آرای حاضرین اتخاذ می گردد. ماده ۳۸) تصمیمات امضا؛ شده تصمیماتی که به امضای کلیه مدیران رسیده باشد دارای اعتبار تصمیماتی خواهد بود که در جلسه هیات مدیره اتخاذ شده باشد. ماده ۳۹) صورتجلسات هیات مدیره برای هریک از جلسات هیات مدیره صورتجلسه ای تنظیم و به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه می رسد. در صورتجلسات هیات مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می باشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ ذکر و نظر هریک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد در صورتجلسه درج می گردد. در مورد ماده ۳۸ تصمیم امضا دشه توسط مدیران بجای صورتجلسه هیات مدیره نگهداری خواهد شد. ماده ۴۰) اختیارات هیات مدیره هیات مدیره برای هرگونه اقدامی بنام شرکت و انجام هرگونه عملیات و معاملاتی که مربوط به موضوع شرکت بوده و اتخاذ تصمیم درباره آنها صریحا در صلاحیت مجامع عمومی قرار نگرفته باشد دارای وسیع ترین اختیارات است هیات مدیره مخصوصا اختیارات زیر را دارا می باشد. ۱- نمایندگی شرکت در برابر اشخاص وکلیه ادارات دولتی و موسسات خصوصی ۲- تصویب آیین نامه های داخلی شرکت به پیشنهاد مدیرعامل ۳- ایجاد وحذف نمایندگی ها یا شعبه ها در هرنقطه ای از ایران یا خارج از ایران ۴- نصب وعزل کلیه ماموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و انعام و ترفیع و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنها ۵- تصویب بودجه برای اداره کردن شرکت ۶- افتتاح حساب و استفاده از آن بنام شرکت نزد بانکها و موسسات ۷- دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن از اصل و بهره و متفرعات ۸- تعهد ظهرنویسی قبولی پرداخت و واخواست اوراق تجارتی ۹- عقد هرنوع قرارداد و تغییر و تبدیل یا فسخ و اقاله آن در مورد خرید وفروش و معاوضه اموال منقول و غیر منقول و ماشین آلات و مناقصه و مزایده و غیره که جزئ موضوع شرکت باشد بالجمله انجام کلیه عملیات ومعاملات مذکور در ماده (۳) این اساسنامه ۱۰) مبادرت به تقاضا و اقدام برای ثبت هر گونه علامت تجارتی ۱۱) به امانت گذاردن هر نوع اسناد و مدارک و وجوه در صندوق های دولتی و خصوصی و استرداد آنها ۱۲) تحصیل اعتبار از بانکها و شرکتها وموسسات و هرنوع استقراض و اخذ وجه به هر مبلغ وبه هر

مدت و به هر میزان بهره و کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد. ۱۳) اقامه هر گونه دعوی و دفاع از هر گونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات مراجعه به امر دادرسی از حق پژوهش فرجام مصالحه تعیین وکیل سازش ادعای جعل نسبت به سند طرف واسترداد سند تعین داور با یا بدون اختیار صلح و بطور کلی استفاده از کلیه حقوق و اجرای کلیه تکالیف ناشیه از قانون داوری تعیین وکیل برای دادرسی و غیره با یا بدون حق توکیل و توکیل در توکیل ولو کرارا تعیین مصدق و کارشناس اقرار خواه در ماهیت دعوتی و خواه به امری که کاملاـ قاطع دعوی باشد دعوی خسارت استرداد دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث اقدام به دعوای متقابل و دفاع از آن تامین مدعی به تقاضای توقیف اشخاص و اموال از دادگاهها اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شرکت درخواست صدور برگ ارجایی و تعقیب عملیات اجرایی و اخذ محکوم به چه در دادگاه و چه در ادارات و دوایر ثبت اسناد . ۱۴) تعیین میزان استهلاکها ۱۵) تنظیم خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت هر شش ماه یک بار و دادن آن به بازرس شرکت ۱۶) تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود وزیان شرکت طبق ماده ۲۳۲ لاحیه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت . ۱۷) دعوت مجامع عمومی عادی و فوق العاده و تعیین دستور جلسه آنها ۱۸) پیشنهاد هر نوع اندوخته علاوه بر پنج درصد اندوخته موضوع مواد ۱۴۰ و ۲۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۹) پیشنهاد تقسیم سود بین صاحبان سهام ۲۰) پیشنهاد اصلاح اساسنامه در مواقعی که مفید تشخیص داده شود. اختیارات هیات مدیره منحصر به موارد فوق نیست شرح موارد فوق الذکر تمثیلی بوده ودر حدود مقررات صدر ماده حاضر بهیچوجه به اختیارات تام هیات مدیره خللی وارد نمی سازد . ماده ۴۱) پاداش اعضای هیات مدیره مجمع عمومی عادی هرسال نسبت معینی از سود ویژه شرکت را بصورت پاداش برای اعضای هیات مدیره تصویب خواهد نمود. ماده ۴۲) مسئولیت اعضای هیات مدیره مسئولیت هریک از اعضای هیات مدیره شرکت طبق مقررات لایحه اصلاحی قانون تجارت و قوانین جاریه کشور است . ماده ۴۳) معاملات مدیران باشرکت اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات وشرکتهایی که اعضای هیات مدیره و یامدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیات مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیات مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع ویا سهیم شوند و در صورت اجازه نیزمفاد ماده ۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت لازم الرعایه می باشد. ماده ۴۴) مدیرعامل هیات مدیره باید اقلاـ یک نفر شخص حقیقی را از بین اعضای خود یا از خارج به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود و اختیارت او را تعیین کند. هیات مدیره می تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات مشروحه در ماده ۴۰ این اساسنامه را با حق توکیل بمدیر عامل تفویض نماید در صورتی که مدیرعامل عضو هیات مدیره باشد دوره مدیریت عمل از مدت عضویت آنها در هیات مدیره بیشتر نخواهد بود . تبصره۳: هیات مدیره در صورت تمایل می تواند معاونی برای مدیرعامل تعیین و حدود اختیارات وی را مشخص نماید. تبصره۴: نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورتجلسه هیات مدیره به اداره ثبت شرکتها اعلام و پس از ثبت در رزونامه رسمی آگهی شود. تبصره ۵: هیات مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نماید. ماده ۴۵) صاحبان امضای مجاز نحوه امضای اسناد و اوراق تعهدآور شرکت و چکها و بروات وسفته ها و سایر اوراق تجارتی و غیره و نیز اشخاصی را که حق امضا دراند هیات مدیره تعیین خواهد نمود. ماده ۴۶) ترتیب انتخاب و وظایف بازرس مجمع عمومی یک بازرس اصلی و یک بازرس علی البدل برای مدت یکسال معین می کند . بازرس اصلی یا علی البدل باید درباره صحت صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود وزیان و ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته اند اظهارنظر کنند و گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عموی عادی تسلیم نمایند. گزارش بازرس باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهم در مرکز شرکت آماده باشد تصمیماتی که بدون دریافت گزارش بازرس راجع به

تصویب صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود وزیان شرکت از طرف مجمع عمومی اتخاذ شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. تبصره۶: در صورت فوت یا استعفا یا سلب شرایط قانونی بازرس اصلی وظیفه او را بازرس علی البدل انجام خواهد داد. ماده ۴۷) اختیارات بازرس بازرس اصلی یا برحسب مورد بازرس علی البدل می تواند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد ومدارك و اطلاعات مربوط به شركت را مطالبه كرده و مورد رسیدگی قرار دهد. ماده ۴۸) مسئولیت بازرس مسئولیت بازرس اصلی یا علی البدل در مقابل شرکت و اشخاص ثالث طبق مقررات ماده ۱۵۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت می باشد. ماده ۴۹) حق الزحمه بازرس حق الزحمه بازرس اصلی وبازرس علی البدل را مجمع عمومی عادی تعیین می نماید وتا اتخاذ تصمیم مجدد به همان میزان باقی خواهد ماند. ماده ۵۰) معاملات بازرس با شرکت بازرس اصلی و یا علی البدل نمی توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شوند. ماده ۵۱) سال مالی سال مالی شرکت روز اول فروردین هر سال آغاز می شود و روز آخر اسفند همان سال به پایان می رسد اولین سال مالی شرکت از تاریخ تاسیس تا آخر اسفند ماه همان سال می باشد. ماده ۵۲) صورتحساب شش ماهه هیات مدیره باید طبق ماده ۱۳۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت لااقل هر ششماه یکبار خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرس بدهد. ماده ۵۳) حسابهای سالانه هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای هرسال مالی طبق ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود وزیان شرکت به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند اسناد مذکور در این ماده باید اقلا بیست روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عموی عادی سالانه در اختیار بازرس گذاشته شود تا پس از رسیدگی به گزارش بازرس به مجمع عمومی صاحبان سهام تقدیم گردد. ماده ۵۴) حق مراجعه صاحبان سهام از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی سالانه هر صاحب سهم می تواد در مرکز اصلی شرکت به صورتحسابها و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود وزیان شرکت رونوشت بگیرد. ماده ۵۵) اقلام ترازنامه استهلاکات ارزیابی دارایی های شرکت طبق موازین و اصول صحیح حسابداری بعمل خوهد آمد در ترازنامه باید استهلاك اموال و اندوخته های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاك و اندوخته ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد پایین امدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه بعلل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیانها و هزینه های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد. تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود. ماده ۵۶) تقدیم ترازنامه ترازنامه هر سال باید حداکثر ظرف مدت ۴ ماه پس از انقضای سال مالی شرکت برای تصویب به مجمع عمومی صاحبان سهام تقدیم گردد. ماده ۵۷) مفاصا تصویب ترازنامه از طرف مجمع عمومی برای هیات مدیره بمنزله مفاصا خواهد بود. ماده ۵۸) سود خالص سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصله در همان سال مالی منهای کلیه هزینه های و استهلاکات و اندوخته ها ماده ۵۹) اندوخته قانونی و اختیاری از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل یك بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بعنوان اندوخته قانونی موضوع شو دهر تصمیمی بر خلاف این امر باطل است. ماده ۶۰) سود قابل تقسیم سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سال مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده فوق و سایر اندوخته های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عموی عادی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. ماده ۶۱) انحلال شرکت در موارد زیر منحل می شود : ۱- در مواردی که بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیات مدیره مکلف است طبق ماده ۱۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع

انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود هر گاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات قانی سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. ۲- در صورتی که هیات مدیره شرکت به دعوت مجمع عموی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. در موارد مذکور مفاد ماده ۱۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مراعات گردد. ماده ۶۲) تصفیه هر گاه شرکت طبق مندرجات ماده فوق منحل گردد تصفیه امور آن با تابعیت از مقررات مواد مربوطه لایحه قانونی اصلاح قمستی از قانون تجارت بعمل خواهد امد. ماده ۶۳) موارد پیش بینی نشده در موارد مسائلی که در این اساسنامه پیش بینی نشده است طبق قانون تجارت وسایر قوانین ممکلتی عمل خواهد شد. ماده ۶۴) این اساسنامه در ۶۳ ماده و ۷ تبصره در جلسه مورخ .... به تصویب مجمع عمومی موسس رسید.

۱۲- یادآوریهای مهم قبل از تکیمل مدارک شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - یادآوریهای مهم قبل از تکیمل مدارک شرکت سهامی خاص ۱- حداقل تعداد سهامداران در شرکت سهامی خاص ۳ نفر میباشد (ماده ۳ ل.ا.ق.ت) ۲- حداقل سرمایه در شرکت سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد (ماده ۵ ل.ا.ق.ت) ۳- پس از تهیه مدارک لازم (اظهارنامه اساسنامه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین صورتجلسه هیات مدیره فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسین مجوز در خصوص موضوع در صورت نیاز) نسبت به تکمیل آن براساس نمونه فرم های ضمیمه این راهنما و قید نام شرکت و امضای ذیل تمام اوراق اساسنامه اظهارنامه اقدام شود. ۴- در موقع تنظیم صورتجلسه مجمع عمومی موسس وفق دستور ماده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) هیات رئیسه ای مشتمل بر یک رئیس و دو ناظر و یک منشی از بین سهامداران انتخاب (منشی می تواند خارج از سهامداران باشد) و سپس رئیس رسمیت جلسه را اعلام و نسبت به : الف) تصویب اساسنامه ب) انتخاب هیات مدیره ج) انتخاب بازرسان د) انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت اقدام می نماید و ذیل صورتجلسه مصوبات مجمعع توسط هیات رئیسه باید امضا شود. ۵- الف) شرکت سهامی خاص بوسیله هیات مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد (ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت) ب) اشخاص حقوقی را می توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود در این صورت شخص حقوقی یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی می نماید. (ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت) ج) محجورین و ورشکستگان ومرتکبین به جنایت سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری اختلاس تدلیس که به موجب حکم قطعی دادگاه محکوم شده باشند نمی توانند به مدیریت شکرت انتخاب شوند (ماده ۱۱۱ ل.ا.ق.ت) د) در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالك تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام لازم را به عنوان وثیقه تهیه و به صندوق شرکت بسپارد وگرنه مستعفی محسوب خواهد شد. (ماده ۱۱۵ ل.ا.ق.ت) ه) مدت مدیریت در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال بیشتر نمی تواند باشد (ماده ۱۰۹ ل.ا.ق.ت) و) هیات مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیات یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند انتخاب ومدت ریاست رئیس و نایب رئیس نباید از مدت عضویت آنها در هیات مدیره بیشتر باشد (ماده ۱۱۹ ل.ا.ق.ت) ز) رئیس هیات مدیره علاوه برد عوت و اداره جلسات موظف است مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیات مدیره موظف به دعوت است دعوت نماید و هرگاه رئیس هیات مدیره موقتا نتوانست وظایف خودرا انجام دهد نایب رئیس به جای وی انجام وظیفه می نماید. (مواد ۱۱۹ و ۱۲۰ ل.ا.ق.ت) ح) برای هریک از جلسات هیات مدیره باید صورت جلسه ای تنظیم و به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد (م ۱۲۳ ل.ا.ق. ت) ط) هیات مدیره باید یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت انتخاب که حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین نماید مدیرعامل در عین حال نمی تواند رئیس هیات مدیره باشد مگر با تصویب

سه چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی (م ۱۲۴ ل.ا.ق.ت) و هیات مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نمایند و انتخاب مدیرعامل باید با ارسال یک نسخه صورتجلسه هیات مدیره به اداره ثبت شرکتها به ثبت برسد و در روزنامه رسمی آگهی گردد. (م ۱۲۸ ل.ا.ق.ت) و هیچ کس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد (م ۱۲۶ ل.ا.ق. ت) ی) اعضای هیات مدیره و مدیر عامل شرکت نمی توانند بدون اجازه هیات مدیره در معالاتی که باشرکت یا به حساب شرکت می شود طرف معامله قرار بگیرند و در صورت اجازه هیات مدیره بلافاصله باید بازرس شرکت در جریان امر قرار گیرد. (م ۱۲۹ل.ا.ق.ت) مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع برحسب مورد منفردا یا مشترکا مسئول بوده و دادگاه حدود مسولیت را برای جبران خسارت تعیین می نماید. (م ۱۴۲ ل.ا.ق.ت) ک) مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می تواند مقرر دارد با توجه به ساعات حضور اعضای غیر موظف هیات مدیره مبلغی بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات پرداخت شود. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد مجمع عمومی می تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضای هیات مدیره اعطا گردد. (م ۱۳۴ ل.ا.ق.ت) ۶- مجمع عمومی عادی هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می کند تابرطبق قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرسان بلامانع است . مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند بشرط آنکه جانشین آنها را انتخاب نماید. (م ۱۴۴ ل.ا.ق.ت) انتخاب اولین بازرسان توسط مجمع عمومی موسس صورت می گیرد . (م ۱۴۵ل.ا.ق.ت) الف) بازرسان شرت کتبا قبول سمت نمایند و قبول سمت به خودی خود دلیل براین است که بازرس با علم به تکالیف و مسئولیت های خود عهده دار آن گردیده است (م ۱۷ ل.ا.ق.ت) ب) انتخاب بازرس یا بازرسان (همراه با انتخاب مدیران) باید در صورتجلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران برسد (م ۲۰ ل.ا.ق.ت) امضای ذیل صورتجلسه توسط بازرس حاکی از قبولی سمت می باشد. ج) مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازس علی البدل را انتخاب نماید تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند(م ۱۴۶ ل.ا.ق.ت) د) اشخاص ذیل را نمی توان بهسمت بازرس شرکت انتخاب نمود: د- ۱) محجورین وکسانی که حکم ورشکستگی آنان صادره شده یا بعلت ارتکاب جنایت یا سرقت یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا اختلاس یا تدلیس بموجب حکم قطعی محکوم و از حقوق اجتماعی کلا یا بعضا محروم شده باشند. د-۲) مدیران یا مدیرعامل شرکت . د-۳) اقربای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل شرکت تا درجه سوم از طبقه اول و دوم. د-۴) هرکس که خود یا همسرش از شرکت موظفا حقوق دریافت می دارد. (۱۴۷ ل.ا.ق.ت) ه) بازرسان مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دروه عملکرد و حساب سود وزیان و ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل کنند که حقوق صاحبان سهام در حدود قانون و اساسنامه رعایت شده و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را آگاه سازند (م ۱۴۸ ل.ا.ق.ت) و همچنین بازرسان مکلفند با توجه به موارد فوق الذکر گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند و این گزارش باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد و در صورتی که بازرسان متعدد باشند هر یک به تنهایی می توانند گزارشی را تهیه نمایند. (م ۱۵۰ ل.ا.ق.ت) و) بازرس یا بازرسان باید هر گونه تقصیر یا تخلف مدیران شرکت را به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورت اطلاع از وقوع جرمی در حین بازرسی مراتب را به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند (م ۱۵۱ ل.ا.ق.ت) و در صورتی که مجمع بدون دریافت گزارش بازرس یا براساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ ل.ا.ق.ت) بعنوان بازرس تعیین شده صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب نماید این تصویب اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط است (م ۱۵۲

ل.ا.ق.ت) ح) در صورتی که مجمع عمومی بازرس تعیین نکرده و یا بازرسان تعیین شده به عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه صلاحیتدار به تقاضای اشخاص ذینفع به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت بازرس یا بازرسانی را انتخاب تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهند و تصمیم رئیس دادگاه غیر قابل شکایت است . (مستفاد از م ۱۵۳ ل.ا.ق.ت) و بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت خواهند بود.(م ۱۵۴ ل.ا.ق.ت) و بازرس یا بازرسان نمی توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شوند (م ۱۵۶ ل.ا.ق.ت) و تعیین حق الزحمه بازرس یا بازرسان با مجمع عمومی عادی خواهد بود (م ۱۵۵ ل.ا.ق.ت) ط) چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکنند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند راسا اقدام به دعوت مجمع مزبور نمایند (م ۹۱ ل.ا.ق.ت) هیات مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند در این صورت دستور جلسه باید در اگهی دعوت قید شود. ۷- مجمع عمومی موسس نام روزنامه کثیرالانتشار که هر گونه آگهی راجع به شرکت در آن منتشر خواهد شد تعیین می نماید (مستفاد از بند ۵ ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت) این وظیفه پس از تشکیل شرکت بعهده مجمع عمومی عادی خواهد بود. درا نتخاب روزنامه حتما کثیرالانتشار بودن روزنامه رعایت شود. کلیه دعوت های صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار ی که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به عمل آید. (م ۹۸ ل.ا.ق.ت) ۸- پس از تشکیل و ثبت شرکت سهامی خاص هیات مدیره می باید حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ ثبت نسبت به تهیه دفاتر قانونی شرکت (روزنامه -کل) و پلمپ دفاتر در اداره ثبت شرکتها اقدام نماید. ۹- وفق ماده ۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم شرکتهای سهامی موظفند ظرف مدت یکماه از تاریخ ثبت نسبت به پرداخت مبلغ دو در هزار حق تمبر (باتوجه به مبلغ سرمایه) به ادارات دارایی مراجعه نمایند عدم انجام امر مذکور در مهلت مقرر مشمول جریمه خواهد بود.

۱۳- روش ومراحل ثبت شرکتهای سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - روش ومراحل ثبت شرکتهای سهامی خاص الف) پس از تکمیل دو برگ اظهارنامه و اساسنامه شرکت جهت پرداخت هزینه تعیین نام به بانک مراجعه و سپس حسابداری اداره ثبت شرکتها با رویت فیش پرداختی نسبت به ممهور نمودن ذیل برگ اظهارنامه اقدام مینماید . ب) چند نام (باتوجه به اینکه: ۱- نام خارجی نباشد. ۲- سابقه ثبت نداشته باشد. ۳- دارای معنا و مفهوم باشد. ۴- با فرهنگ انقلاب اسلامی مطابقت داشته باشد) انتخاب به واحد تعیین نام اداره ثبت شرکتها مراجعه ومسئول مربوط نسبت به تعیین نام اقدام نموده و سپس اخذ موافقت از مسئولین اداره ثبت شرکتها در خصوص نام تعیین شده بعمل آید وسپس این نام باید توسط واحد تعیین نام ثبت دفتر شود. ج) مدارک را با توجه به مواردی که ذکر شد(۲ برگ اظهارنامه ۲ جلد اساسنامه ۲ نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۲ نسخه صورتجلسه هیات مدیره گواهی بانکی دایر بر پرداخت حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسین مجوز در صورت نیاز) تحویل قسمت پذیرش مدارک اداره ثبت شرکتها داده ورسید دریافت شود و با عنایت به تاریخ تعیین شده برای اعلام نتیجه در روز موعد برای اخذ نتیجه به باجه اعلام نتیجه اداره ثبت شرکتها مراجعه نمایند. د) در صورتی که کارشناس اداره ثبت شرکتها ایرادی در مدارک ابرازی مشاهده ننماید نسبت به تهیه پیش نویس آگهی ثبت اقدام و پیش نویس مربوطه پس از مسئولین اداره ثبت شرکتها تایپ و در روز مراجعه تحویل متقاضی داده میشود . متقاضی بایستی به بانک مراجعه و نسبت به پرداخت حق الثبت که در ذیل اظهارنامه مبلغ آن قید شده اقدام نماید . توجه: قبل از مراجعه به بانک به نمایندگی روابط عمومی جهت تعیین مبلغ حق الدرج آگهی تاسیس در روزنامه انتخاب مجمع

عمومی موسس و اخذ فیش مراجعه شود و مبلغ حق الثبت و حق الدرج یکجا به بانک مربوطه پرداخت گردد. ه) پس از پرداخت مبلغ حق الثبت به واحد حسابداری اداره ثبت شرکتها مراجعه و واحد مربوطه پس از رویت فیش پرداختی نسبت به ممهور نمودن ذیل اظهارنامه اقدام می نماید. و) مدارک به قسمت ثبت دفاتر ثبت شرکتها تحویل داده شود و مسئول مربوطه پس از ثبت در دفتر و تعیین شماره ثبت شرکت و درج بر روی اظهارنامه اقدام و در ذیل ثبت دفتر از شخص معرفی شده توسط سهامداران (که خود یا از سهامداران بوده یا وکیل رسمی شرکت می باشد) با قید ثبت باسند برابراست امضا اخذ می نماید و سپس آگهی تاسیس تایپ شده باید به امضای رئیس اداره ثبت شرکتها برسد. یک نسخه از مدارک ضبط در پرونده شرکت که در بایگانی اداره ثبت شرکتها نگهداری خواهد شد و یک نسخه دیگر ازمدارک (اظهارنامه یک برگ اساسنامه یک جلد صورتجحلسه مجمع عمومی موسسین یک نسخه صورتجلسه هیات مدیره یک نسخه) ممهور به مهر اداره شده و تحویل متقاضی می گردد. متقاضی مدارک خود و پرونده متشکله را به قسمت دبیرخانه اداره برده و پس از ثبت آگهی در دفتر اندیکاتور نسبت به درج شماره ثبت دفتر و ممهور نمودن آگهی تایپ شده اقدام ونسخه مربوط به اداره را ضبط می نماید. ز) متقاضی پس از تحویل گرفتن مدارک نسخه دوم آگهی تاسیس را به واحد روابط عمومی مستقر دراداره ثبت شرکتها جهت درج در روزنامه کثیرالانتشار شرکت تحویل و نسخه اول آگهی تایپ شده را به دفتر شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی واقع در خ بهشت (خ جنوبی پارک شهر) جهت درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (پس از پرداخت حق الدرج که توسط مسول مربوطه تعیین می شود) تسلیم می نماید. توجه: چنانچه قبل از انتشار روزنامه نیاز فوری به آگهی باشد چند نسخه فتوکپی تهیه و هنگام تحویل اصل آگهی به روزنامه رسمی فتوکپی ها توسط دفتر روزنامه رسمی ممهور به مهر می گردد که دارای اعتبار مربوطه خواهد بود.

۱۴- مدارک مورد نیاز برای ثبت شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - مدارک مورد نیاز برای ثبت شرکت سهامی خاص مدارک مورد نیاز برای ثبت شرکت سهامی خاص : ۱- دوبرگ اظهارنامه شرکت سهامی خاص وتکمیل آن و امضای ذیل اظهارنامه توسط کلیه سهامداران . ۲- دو جلد اساسنامه شرکت سهامی خاص وامضائ ذیل تمام صفحات آن توسط کلیه سهامداران . ۳- دونسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین که به امضای سهامداران و بازرسین رسیده باشد. ۴- دونسخه صورتجلسه هیات مدیره که به امضائ مدیران منتخب مجمع رسیده باشد. ۵- فتوکپی برابر اصل شده شناسنامه کلیه سهامداران و بازرسین. ۶- ارائه گواهی پرداخت حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت از بانکی که حساب شرکت در شرف تاسیس در آنجا باز شده است. تذکر: در صورتیکه مقداری از سرمایه شرکت اورده غیر نقدی باشد (اموال منقول و غیر منقول) ارائه تقویم نامه کارشناس رسمی دادگستری الزامی است و در صورتی که اموال غیرمنقول جز سرمایه شرکت قرارداده شود ارائه اصل سندمالکیت ضروری است . ۷- ارائه مجوز در صورت نیاز بنابه اعلام کارشناس اداره ثبت شرکتها.

۱۵- مسئولیت جزایی

شرکت سهامی خاص - مسئولیت جزایی جرایم مربوط به تاسیس شرکت ماده ۲۴۳ مجازات حبس ۳ ماه تا ۲ سال یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا هر دو مجازات را برای مرتکبین اعمال ذیل ماه در نظر گرفته است در بند ۱ مقرر شده هر کس که عالما و برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت تسلیم کند ویا در تعیین ارزش آورده غیر نقد تقلب اعمال کند. در مورد این بند نکاتی به نظر می رسد که بررسی آنها لازم و ضروری می باشد اولا از عنوان هر کس استفاده شده است که

معلوم نیست هر کس یعنی چه آیا کسانی که هیچ سمتی در شرکت ندارند و پذیره نویسی را تصدیق نمایند مشمول این بند خواهند بود یـا خیر و منظور از تصـدیق چیست؟ آیـا صـرف تاییـد پـذیره نویسـی هر چنـد می باشـد را انجام یا تنظیم نموده باشـد؟ و یا اگر شخص متقلب با توسل به تقلب باعث بردن مال دیگری بشود و بـدین طریق به اشـخاص ثالث ضـرر وارد نمایـد با توجه به اینکه در سال ۶۷ مقررات ویژه ای در رابطه بـا کلاهـبرداری تنظیم شـده است بـازهم مورد مشـمول مقررات جزایی تجاری بوده و یا مشـمول قانون مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری خواهـد بود. از طرف دیگر اعلامیه پـذیره نویسـی سـهام شـرکت باید زمانی منتشـر شود که کلیه سـهام شـرکت پذیره نویسـی شده باشد و اداره ثبت شـرکت ها اجازه انتشار اعلامیه را داده باشد و همچنین اگر شرکت قانونا تشکیل نشده باشد و موسسین یا مسئولین تشکیل شرکت بر خلاف واقع چنین وانمود نمایند که شرکت در مرجع ثبت شرکت ها ثبت شده است و بدین طریق اشـخاص ثالث را ترغیب به معامله با شرکت نموده باشد و آورده غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن محاسـبه نموده باشـد نیز مشـمول این مـاده ۲۴۳ می باشـد حـال همچنان که درصـدر این صـفحه مطرح گردیـد اگر انجام اعمال مندرج در این بند باعث و یا حیف و میل بشود و یا به نفع طرف مقابل قرار بگیرد آیا باز هم مشـمول ماده ۲۴۳ خواهد بود یا ماده ۱ قـانون تشدیـد مجـازات مرتکبین اختلـس وتقلب دیگر وجوه ... تحصـیل کرده و از این راه مـال دیگری را ببرد آیا با وجود تصـریح این ماده باز هم در صورت وجود شـرایط ذکر شده در این ماده باید متخلف را مشـمول ماده ۲۴۳ به عنوان قانون خاص در رابطه با جرایم شـرکت ها بـدانیم یا مشـمول قانون مجازات کلاهبرداری؟ در رابطه با بند ۳ ماده ۲۴۳ بایـد اظهار نمود که این بند بر خلاف بندها دیگر این ماده تنها مربوط به زمان تاسیس شرکت نبوده است و به صورت عام می باشد بنابراین اگر کسی که موظف است اطلاعاتی را در رابطه با شرکت به مرجع ثبت شرکت ها ارسال نماید واز چنین امری امتناع کند مشمول مجازات ماده ۲۴۳ می باشد بنابراین در این بند مطلب به طور عام بیان شده است.

۱۶– کلیات

شرکت سـهامی عام - کلیات برای انجام پروژه های بزرگ عمرانی صـنعتی کشاورزی وجود شرکتهای بزرگ لازم و ضروری است در اینگونه شـرکتها سـرمایه های اندک در قالب سـهام به عمومی مردم واگذار می شود موسسـین یا مدیران با اداره شـرکت سرمایه حاصـله را در جریان گردش صـحیح اقتصادی قرار می دهنـد و در اثر این عمل دو منفعت حاصل می گردد در مرحله اول سودی از سرمایه گـذاری یا انجام فعالیت های عمرانی نصـیب سـهامدار می شود و در مرحله دوم رونق و آبادانی را برای کشور به ارمغان می آورد. شـرکت سهامی عام نوع بخصوص ومنحصر بفرد شرکت های بزرگ می باشد که اجازه فروش سهام به عموم مردم را دارد و مردم می توانند در هنگام اعلام پذیره نویسی به شعب بانک اعلام شده مراجعه و ورقه تعهد سهم را امضا و وجوه معینه را به حساب شرکت واریز نمایند. ذیلا توضیحات مختصری در خصوص این نوع شرکت با استفاده از مفاد لایحه اصلاحی قانون تجارت بیان می گردد. شـرکت هایی که موسسـین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند شرکت سهامی عام نامیده می شود و باید بلافاصـله قبل یا بعد از نام شـرکت عبارت سـهامی عام در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و اگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود (مستفاد از ماده ۴ ل.ا.ق.ت) و سـرمایه در موقع تاسیس شرکتهای سهامی عام نباید از پنج میلیون ریال کمتر باشد و در صورتی که بنا به موجباتی سرمایه شرکت سهامی عام در هر زمان کمتر از مبلغ مذکور شود باید ظرف یک سال از طریق افزایش سـرمایه - سـرمایه شـرکت به حد مقرر برسد و در صورت عدم حصول شـرکت سـهامی عام باید به انواع شرکت های دیگر مصـرح در قانون تجارت تبـدیل شود و در غیر این صورت هر ذینفع (سـهامدار) می تواند انحلال شـرکت سـهامی عام را از دادگاه صلاحیتـدار تقاضا نمایـد (ماده ۵ ل.ا.ق.ت) برای تاسـیس شـرکت سـهامی عام موسسـین در بـدو امر بایستی حداقل ۲۰٪ سرمایه را شخصا تعهد و لااقل ۳۵٪ از مبلغ تعهدی را در حسابی بنام شـرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به

ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضای کلیه موسسین رسیده باشد به اداره ثبت شرکتها تسلیم ورسید دریافت دارنـد چنانچه قسـمتی از تعهـد موسسـین به صورت غیر نقـد باشـد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده تودیع و گواهی بانک را به ضـمیمه اظهارنام و مدارک فوق الذکر به اداره ثبت شرکتها تسلیم دارند. اداره ثبت شرکتها بر اساس ماده ۱۰ ل.ا.ق.ت پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم مربوطه و تطبیق مندرجات آن با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود و اعلامیه پذیره نویسی توسط موسسین در جراید آگهی و در بانکی که تعهـد سـهام نزد آن بعمل آمـده درمعرض دیـد علاقه مندان قرار می گیرد علاقه مندان به خرید سـهام در ظرف مهلتی که اعلام شـده به بانک مراجعه و ورقه تعهـد سـهام را امضا و مبلغی که بایـد نقدا پرداخت شود پرداخت ورسـید دریافت خواهند داشت ورقه تعهـد سـهم در دو نسـخه تنظیم و بـا قیـد تاریـخ به امضـای پـذیره نویس یا قائم مقام قانونی وی خواهـد رسـید نسـخه اول در بانک نگهداری و نسـخه دوم با قید رسـید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره نویس تسـلیم می شود و در صورتی که ورقه تعهد سـهم را شخص دیگر به جای پذیره نویس امضا نماید باید سـمت و نشانی و هویت کامل خود را در ورقه قید نماید و مدارک مزبور ضمیمه ورقه تعهد سهم خواهد شد امضای ورقه سهم نشانه قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهم خواهد بود پس ازا نقضای مهلت پـذیره نویسـی یا تمدیـد آن موسسـین حداکثر در ظرف یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسـیدگی و پس از احراز تعهد صـحیح سـرمایه شرکت که اقلا ۳۵٪ آن پرداخت شـده باشـد مجمـع عمـومی موسـس را دعوت خواهنـد نمود. مجمع عمومی موسـس پس از رسـیدگی و احراز پـذیره نویسـی کلیه سـهام شـرکت و پرداخت مبـالغ لازم وارد شور شـده و اساسـنامه شـرکت را تصویب و اولین مـدیران و بازرس یا بازرسان شـرکت را انتخاب می نماینـد و مـدیران و بازرسان باید کتبا قبولی خود را اعلام و در این مرحله شـرکت تشـکیل شـده محسوب می گردد آنگـاه اساسـنامه مصوبه مجمع عمومی موسـس به ضـمیمه صورتجلسه مجمع و اعلامیه قبولی مـدیران و بازرسان و صورتجلسه هیات مدیره و سایر مدارک مورد نیاز جهت ثبت به اداره ثبت شـرکتها تحویل گردد و چنانچه شـرکت تا شـش ماه از تاریـخ تسـلیم اظهارنامه به ثبت نرسـد به درخواست هر یک از موسسـین یا پذیره نویسان اداره ثبت شرکتها گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده ارسال می دارد تا موسسـین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی را مسترد دارند و هر گونه هزینه که برای تاسـیس شـرکت پرداخت شده بعهده موسسـین می باشد. مدارک لازم جهت کسب اجازه پذیره نویسـی شرکت در شرف تاسیس سهام عام از مرجع ثبت شرکتها ۱- دو نسـخه طرح اظهارنامه شـرکت سـهامی عام ۲- دو نسـخه طرح اساسـنامه شـرکت سهامی عام ۳- دو نسـخه طرح اعلامیه پذیره نویسی ۴- گواهی بانکی مبنی بر واریز حـداقل ۳۵٪ سـرمایه تعهد شده توسط موسسین ۵- فتوکپی شناسنامه موسسین مدارک لازم جهت تاسـیس شـرکت سهام عام ۱- دو نسـخه اظهارنامه ۲- دو نسـخه اساسـنامه (توضـیح اینکه از طرح اساسنامه این مجلد می توان بعنوان اساسـنامه استفاده نمود ودر این مرحله در ماده ۶ اساسـنامه سرمایه ای که در هنگام پذیره نویسی تعهد شده به اضافه ۲۰٪ سـرمایه تعهد شده توسط موسسین قید گردد.) ۳- دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۴- دو نسخه صورتجلسه هیات مـدیره (تعداد مدیران حداقل پنج نفر میباشد) ۵- آگهی دعوت مجمع موسسـین در روزنامه تعیین شده ۶- فتوکپی شناسنامه مدیران (در مورد اشـخاص حقوقی ارائه برگ نمایندگی الزامی است) ۷- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت ۸- ارائه مجوز یـا موافقت اصولی یـا مجوز از مراجع ذیصـلاح در صورت نیـاز یادآوریهـا: ۱- حـداقل سـرمایه مبلغ پنج میلیون ریال باشد. ۲- حداقل ۲۰٪ سرمایه تعیین شده توسط موسسین تعهد گردد و ۳۵٪ از میزان تعهد شده پرداخت گردد. ۳- اظهارنامه و طرح اساسنامه و طرح اعلامیه پذیره نویسی به امضای موسسین رسیده باشد. ۴- اخذ وارائه مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز .

۱۷- اساسنامه شرکت سهامی عام

شرکت سـهامی عام – اساسـنامه شرکت سهامی عام ماده۱) تشکیل شـرکت بین دارندگان سـهامی که طبق مقررات اساسنامه حاضر بوجود آمده یا بعدا بوجود آید با رعایت قوانین جاریه و مقررات اساسـنامه حاضـر شـرکتی بنام (شـرکت سهامی عام) که در موارد بعدی بطور اختصار شـرکت نامیده می شود تشـکیل می گردد. ماده۲) نام شـرکت نام شرکت عبارت است از .... شرکـــــــــــت ســــــــــــهامی عـــــــــــام مـــــــــــاده۳) موضـــــــــــوع شـــــــــــرکت

....

.... – سـرمایه گذاری و مشارکت در سایر شـرکتها از طریق تعهد سـهام شرکتهای جدید و یا خرید و تعهد سهام شرکتهای موجود. – اخذ نمایندگی ایجاد شعبه و اعطـای نماینـدگی در داخل وخارج از کشور ماده ۴) مدت شـرکت شرکت برای مدت نامحدود تشکیل شده است. ماده ۵) مرکز اصلی شرکت و شعب آن مرکز اصلی شرکت در .... می باشد تعیین و تغییر نشانی مرکز اصلی شرکت در صورت لزوم بنا به تصویب هیات مـدیره صورت خواهـد گرفت. ماده۶) سـرمایه وتعداد سهام ماده ۷) پرداخت بقیه مبلغ اسـمی سهام قسمت پرداخت نشده مبلغ اسـمی هر سـهم ظرف پنج سال از تاریخ تاسیس شـرکت باید در موعد یا مواعدی که طبق تصـمیم هیات مدیره تعیین می شود پرداخت گردد. مطالبه تمام یا قسـمتی از مبلغ پرداخت نشده سـهام از طریق نشـر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی هـای مربوط به شـرکت در آن منتشـر می شود بعمـل خواهـد آمـد فاصـله بین مطـالبه و تاریـخ اولین پرداخت کمتر از دومـاه نخواهد بود هر یک از تعهد کنندگان سـهام که از پرداخت وجوه مورد تعهد خود در موعد یا مواعد مقرر خودداری کنند نسبت به مبلغی که تادیه نشده باشد باید خسارت دیرکرد از قرار دوازده درصد در سال نیز بپردازند پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشـتن یـک ماه اگر مبلغ مورد مطالبه وخسارت تاخیر آن تماما پرداخت نشود شـرکت اینگونه سـهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس وگرنه از طریق مزایده بفروش خواهد رسانید از حاصل فروش سـهم بدوا کلیه هزینه های مترتبه برداشت گردیـده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سـهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشـد مازاد به وی پرداخت خواهـد شد. ماده۸) در مورد ماده فوق آگهی فروش سـهم با قید مشـخصات سـهام مورد مزایـده فقـط یـک نوبت در روزنـامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شـرکت در آن نشـر می گردد منتشـر و یک نسـخه از آگهی وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود هر گاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهیهای مربوط به سـهام اعم از اصل و خسارت و هزینه ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد در صورت فروش نام صاحب سـهم سابق از دفاتر شـرکت حذف اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد. دارنـدگان سـهام مذکور در ماده ۷ حق حضور ورای در مجامع عمومی صاحبان سـهام شـرکت را نخواهند داشت و در احتساب حدنصاب تشـکیل مجامع عمومی تعداد اینگونه سـهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد به علاوه حق دریافت سود قابل تقسـیم و حق رجحان در خرید سـهام جدید شـرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به اینگونه سهام معلق خواهـد ماند. ماده ۹) در مورد ماده قبل هر گاه دارنـدگان سـهام قبل از فروش سـهام بدهی خود را بابت اصل و خسارت وهزینه ها به شرکت پرداخت کننده مجددا حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهـام خود را که مشـمول مرور زمان نشـده باشـد مطالبه نماینـد. ماده ۱۰) اوراق سـهام کلیه سـهام شـرکت با نام است اوراق سـهام شرکت متحدالشـکل و چاپی و دارای شـماره ترتیب بوده وباید به امضای دو نفر که از طرف هیات مدیره تعیین می شوند برسد و به مهر شـرکت ممهور گردد به علاوه در این اوراق باید نکات زیر قید شود: ۱– نام شـرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها ۲– مبلغ سـرمایه ثبت شـده و مبلغ پرداخت شده آن ۳– تعیین نوع سـهم ۴– مبلغ اسـمی سـهم و مقـدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد ۵– تعـداد سـهامی که هر ورقه نماینـده آن است ماده ۱۱) گواهینامه موقت سـهام تا زمانی که اوراق سـهام صادر نشده است

شرکت بایـد به صاحبان سـهام گواهینامه موقت سـهم بدهـد که معرف تعـداد و نوع سـهام و مبلغ پرداخت شـده آن باشد. ماده ۱۲) انتقال سـهام انتقال سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضا نماید مادام که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است هویت کامل و نشانی انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده او خواهد رسـید تملك هر یك از سـهام شرکت قهرا متضمن قبول مقررات اساسنامه و تصـمیمات مجامع عمومی سهامداران خواهد بود. ماده ۱۳) غیر قابل تقسـمی بودن سـهام سهام شرکت غیر قابل تقسیم است مالکین مشاع سـهام مکلفنـد که در برابر شـرکت به یك نفر نماینـدگی بدهنـد. ماده ۱۴) مسـئولیت صاحبان سـهام مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. ماده ۱۵) سـرمایه شرکت سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسـمی سهام موجود افزایش داد. تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان پذیر است: ۱- پرداخت مبلغ اسـمی سهم به نقد ۲- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشـخاص از شـرکت به سهام جدید ۳- انتقال سود تقسـیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصـله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت ۴- تبدیل اوراق قرضه به سـهام ماده ۱۶) مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیات مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مـذکور در مـاده ۱۵ افزایش دهـد. ماده ۱۷) مجمـع عمومی فوق العـاده که افزایش سـرمایه را از طریق فروش سـهام جـدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیات مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سـهام را نسبت به پذیره نویسـی تمام یا قسمتی از سـهام جدیـد از آنان سلـب کنـد به شـرط آنکه چنین تصـمیمی پس از قرائت گزارش هیات مـدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود. ماده ۱۸) علاوه بر کاهش اجباری سرمایه به علت از بین رفتن قسمتی از سرمایه شرکت مجمع عمومی فوق العاده شـرکت می تواند به پیشنهاد هیات مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت بطور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشـروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود. تبصره ۱: کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسـمی سـهام صورت گرفته و کاهش اختیاری سـرمایه از طریق کاهش بهای اسـمی به نسبت متساوی ورد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد. تبصره۲: در مورد کاهش اختیاری سرمایه تا زمانی که سهام شرکت در سازمان بورس اوراق بهـادار تهران پـذیرفته شـده است میزان سـرمایه هیچگـاه نبایـد کمتر از حـد نصـاب مقرر در زمان درج نام شـرکت در فهرست شرکتهای بورس باشد. ماده ۱۹) حق تقدم در خرید سـهام جدید در صورت افزایش سرمایه صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم خواهند داشت و این حق قابل نقل وانتقال است. مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند بنابه پیشـنهاد هیات مدیره و تصویب مجمع عمومی فوق العاده تعیین خواهد شد و در هر حال کمتر از شـصت روز نخواهـد بود این مهلت از روزی که برای پذیره نویسـی تعیین می گردد شـروع می شود و نحوه اسـتفاده از این حق تقـدم بـدین ترتیـب است کـه پس از اتخـاذ تصـمیم راجع بـه افزایش سـرمایه بایـد مراتـب از طریـق نشـر آگهی در رزونـامه کثیرالانتشـاری که آگهی هـای مربوط به شـرکت در آن نشـر می گردد به اطلاع صاحبـان سـهام برسـد برای صاحبـان سـهام بـا نام گواهینـامه حق خریـد بایـد توسط پست سفارشـی ارسال گردد. ماده ۲۰) اضـافه ارزش سـهم مجمـع عمومی فوق العـاده بـا توجه به پیشـنهاد و گزارش هیات مـدیره می توانـد مقرر دارد که برای افزایش سـرمایه سـهام جدیـدی با اضافه ارزش یعنی به مبلغی بیش از ارزش اسـمی آنها بفروش برسد عواید حاصل از اضافه ارزش سـهام را می توان بحساب اندوخته منتقل ساخت یا بین صاحبان سـهام تقسـیم نمود یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام داد. ماده ۲۱) اوراق قرضه شـرکت می تواند با تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتبا به مرجع ثبت شـرکتها اعلام شود مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود. تبصره ۱: قبل از انجام تشریفات مذکور در

ماده فوق هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است. تبصره ۲: در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه ونیز قطعات اوراق قرضه باید متساوی باشد. تبصره ۳: در اطلاعیه انتشار اوراق قرضه رعایت موارد مندرج در ماده ۵۸ قانون تجارت الزامی است. ماده ۲۲) مقررات مشترک بین مجامع عمومی مجامع عمومی عادی سالیانه و مجامع عمومی فوق العاده را هیات مدیره دعوت می کند هیات مدیره و همچنین بازرس شرکت می تواند مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند. علاوه بر این سهامدارانی که اقلا یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجامع عمومی از هیات مدیره خواستار شوند و هیات مدیره باید حداکثر تا بیست روز از تاریخ تقاضات مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرره دعوت کند در غیر اینصورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس شرکت خواستار شوند و بازرس مکلف خواهد بود که با رعایت تشریفات مقرره مجمع ممورد تقاضا را حداکثر تا ده روز از تاریخ تقاضات دعوت نماید و گرنه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیما به دعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرسان تصریح نمایند. تبصره۱: چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالیانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند راسا اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند. تبصره۲: هیچ مجمع عمومی نمی تواند تعهدات شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند به تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. ماده ۲۳) شرایط لازم برای داشتن حق حضور ورای در مجامع عمومی در کلیه مجامع عمومی کلیه صاحبان سهام یا وکیل یا قائم مقام قانونی یا نمایندگان آنها قطع نظر از عده سهام خود می توانند حضور بهم رسانند و برای هر یک سهم حق یک رای خواهند داشت مشروط بر این که بهای مطالبه شده سهام خود را کاملا پرداخت نموده باشند. تبصره ۱: هر گاه سهامداران شرکت سهام خودشان را به دیگران انتقال دهند سهامداران بعدی وقتی با واجد بودن شرایط فوق در مجامع عادی و فوق العاده حق حضور و رای دارند که قبل از انعقاد این مجامع انتقال سهام به آنها طبق ماده ۱۲ اساسنامه حاضر در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت رسیده یا گواهینامه موقت سهم در دست داشته و از شرکت با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ورقه ورود به جلسه دریافت کرده باشند. تبصره۲: تا زمانی که نام شرکت در فهرست نرخ های بورس درج می باشد شرکت می تواند حداقل یک هفته قبل از تاریخ تشکیل مجمع کتبا از سازمان بورس جهت اعزام نماینده در کلیه مجامع عمومی دعوت نماید. ماده ۲۴) آگهی دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عموی از طریق نشر اگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد بعمل خواهد آمد و دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل در آگهی ذکر خواهد شد. تبصره: در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع عمومی حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست. ماده ۲۵) محل انعقاد مجامع عمومی مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده در مرکز اصلی شرکت یا در محلی که در آگهی دعوت صاحبان سهام تعیین می شود منعقد خواهد شد. ماده ۲۶) دستور جلسه دستور جلسه هر مجمع عمومی را مقام دعوت کننده آن معین می نماید دستور جلسه باید در آگهی دعوت ذکر گردد مطالبی که در دستور جلسه پیش بینی نشده باشد قابل طرح در مجمع نخواهد بود مگر اینکه کلیه صاحبان سهام در مجمع عمومی حاضر باشند. ماده ۲۷) فاصله بین دعوت و انعقاد مجامع عمومی فاصله بین دعوت و انعقاد هر یک از جلسات مجامع عمومی عادی و فوق العاده ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود. ماده ۲۸) وکالت و نمایندگی در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحبان سهام و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی به شرط تسلیم مدرک وکالت یا نمایندگی بمنزله حضور خود صاحب سهم است . ماده ۲۹) هیات رئیسه مجمع مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده به ریاست رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره و در غیاب آنها به ریاست یکی از مدیرانی که به این منظور ازطرف هیات مدیره انتخاب شده باشد تشکیل خواهد گردید مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها در دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه با

اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد دو نفر از سهامداران حاضر از طرف مجمع بعنوان ناظر انتخاب می شوند همچنین مجمع عمومی با اکثریت آرا یک نفر منشی از بین صاحبان سهام یا از خارج تعیین می نماید. ماده ۳۰) ورقه ورودی و ورقه حضور و غیاب قبل از تشکیل هریک از مجامع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند از حاضرین در مجمع فهرستی ترتیب داده خواهد شد که در ان هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آرای هریک از حاضرین قید و به امضای آنان خواهد رسید . ماده ۳۱) طریقه اخذ رای اخذ رای بطور شفاهی بعمل می آید مگر اینکه مجمع عموی با اکثریت آرا مقرر دارد که اخذ رای بطور کتبی صورت گیرد. ماده ۳۲) تمدید جلسات هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیات رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند تمدید جلسه محتاج به دعوت آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع به همان حد نصاب جلسه اولیه رسمیت خواهد داشت. ماده ۳۳) صورتجلسه ها از مذاکرات و تصمیمات مجامع عمومی صورتجلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به امضای هیات رئیسه مجمع رسیده باشد و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد. ماده ۳۴) اثر تصمیمات مجامع عمومی که طبق مقررات قانونی و اساسنامه حاضر تشکیل گردد نماینده عموم سهامداران است و تصمیمات آنها برای همگی صاحبان سهام الزام آور می باشد. ماده ۳۵) مجمع عمومی عادی مجمع عمومی عادی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه ظرف مدت چهارماه از تاریخ انقضای سال مالی شرکت منعقد گردد. ماده ۳۶) حد نصاب مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلا بیش از نصف سهام شرکت که حق رای دارند ضروری است اگر در اولین جلسه دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند می تواند رسمیت یافته و تصمیم گیری کند به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۳۷) اکثریت در مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر درجلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران وبازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود در مورد انتخاب مدیران تعداد ارای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شود ضرب می وشد و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهنده می تواند آرای خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر که مایل باشد تقسیم کند. ماده ۳۸) وظایف مجمع عمومی عادی وظایف مجمع عمومی عادی بدین قرار می باشد : - استماع گزارش هیات مدیره راجع به امور شرکت و گزارش راجع بوضع شرکت و ترازنامه و حسابهای تقدیمی هیات مدیره - رسیدگی تصویب رد ویا تصحیح حسابها - تصویب سود قابل تقسیم و اندوخته ها - نصب تعویض عزل یا تجدید انتخاب مدیران و بازرس اصلی وعلی البدل تعیین حق حضور و پاداش اعضای هیات مدیره و همچنین تعیین حق الزحمه بازرس اعم از اصلی وعلی البدل - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی های مربوط به شرکت در آن متنشر می گردد. - اتخاذ تصمیم در مورد هر گونه موضوعاتی که جزئ دستور جلسه بوده و در صلاحیت مجمع فوق العاده نباشد. تبصره: تصویب ترازنامه و حسابها باید پس از استماع گزارش بازرس اصلی یا برحسب مورد بازرس علی البدل بعمل آید و الاباطل و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ماده ۳۹) مجمع عمومی فوق العاده - حدنصاب رسمیت در مجمع عمومی فوق العاده باید دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند حاضر باشند اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت وبا حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خوهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۴۰) اکثریت تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره با کثریت دو سوم آرای سهام حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. ماده ۴۱) اختیارات هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت منحصرا در صلاحیت مجمع فوق العاده می

باشد. تبصره: در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورتجلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد: ۱- انتخاب مدیران وبازرس یا بازرسان ۲- تصویب ترازنامه ۳- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه ۴- انحلال شرکت ونحوه تصفیه آن ماده ۴۲) تعداد اعضای هیات مدیره شرکت بوسیله هیات مدیره ای مرکب از حداقل پنج نفر عضو اصلی ودو عضو علی البدل که بوسیله مجمع عمومی عادی از بین صاحبان سهام انتخاب می شوند اداره خواهد شد مدیران قابل عزل و تجدید انتخاب می باشند هر یک از مدیران می توانند با اطلاع کتبی به رئیس هیات مدیره در هر موقع از سمت خود استعفا دهند در صورتی که برا ثر فوت یا استعفا و یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضای هیات مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که تعداد اعضای علی البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیات مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضای هیات مدیره دعوت نمایند. تبصره: هر گاه هیات مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلا تصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل تعداد مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کند ونیز بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند. ماده ۴۳) انتخاب اشخاص حقوقی به عضویت هیات مدیره اشخاص حقوقی را می توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود در این صورت شخص حقوقی باید یک نفر را به نمایندگی خود جهت انجام وظایف مدیریت کتبا به شرکت معرفی نماید. تبصره: اشخاص مندرج در ماده ۱۱۱ قانون تجارت را نمی توان به سمت مدیرعامل شرکت انتخاب نمود. ماده ۴۴) مدت ماموریت مدیران مدت ماموریت مدیران دوسال است این ماموریت تاوقتی که تشریفات راجع به ثبت و آگهی انتخاب مدیران بعدی انجام گیرد خود به خود ادامه پیدا می کند. ماده ۴۵) سهام وثیقه هریک از مدیارن باید لااقل ...... سهم از سهام شرکت را در تمام مدت ماموریت خود دارا باشد این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفردا یا مشترکا بر شرکت وارد شود سهام مذکور قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود را در شرکت دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند وثیقه بودن این سهام مانع استفاده از حق رای در مجامع و پرداخت سود آنها به صاحبانشان نخواهد بود. ماده ۴۶) رئیس و نائب رئیس ومنشی هیات مدیره هیات مدیره در اولین جلسه خود که حداکثر ظرف مدت یک هفته بعد از مجمع عمومی عادی که هیات مدیره را انتخاب کرده است منعقد خواهد شد از بین اعضای هیات یک رئیس یک نائب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیات مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نائب رئیس بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهد بود رئیس و نائب رئیس قابل عزل و تجدید انتخاب خواهند بود در صورت غیبت رئیس و نائب رئیس اعضای هیات مدیره یک نفر از اعضای حاضر در جلسه را تعیین می نمایند تا وظایف رئیس را انجام دهد هیات مدیره از بین اعضای هیات یا خارج یک نفر را به عنوان منشی انتخاب می نماید. ماده ۴۷) مواقع تشکیل جلسات هیات مدیره هیات مدیره در مواقعی که خود به طور هفتگی یا ماهیانه معین می کند با دعوت کتبی یا تلگرافی رئیس یا نائب رئیس و یا دونفراز اعضای هیات مدیره یا به دعوت مدیرعامل در هر موقع که ضرورت ایجاب کند تشکیل جلسه خواهد داد بین تاریخ ارسال دعوتنامه و تشکیل جلسه هیات مدیره فاصله معقولی رعایت خواهد شد چنانچه در یک جلسه هیات مدیره تاریخ تشکیل جلسه بعد تعیین و در صورتجلسه قید شده باشد ارسال دعوتنامه برای مدیرانی که در همان جلسه حضور داشته اند ضرورت نخواهد داشت. ماده ۴۸) محل تشکیل جلسات هیات مدیره جلسات هیات مدیره در مرکز اصلی شرکت یا در هر محل دیگری که در دعوتنامه تعیین شده باشد تشکیل خواهد شد. ماده ۴۹) حدنصاب و اکثریت لازم برای رسمیت جلسه و حق دادن رای به سمت وکالت جلسه هیات مدیره در صورتی رسمیت دارد که دو سوم اعضای هیات مدیره در ان جلسات حضور داشته باشند تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرای حاضرین معتبر خواهد بود

هر یک از مدیران می تواند به مسئولیت خود یک نفر از اعضای هیات مدیره را به وکالت تعیین کند تا در غیاب او در جلسه هیات مدیره شرکت نماید هیچ یک از مدیران نمی تواند وکالت بیش از یک مدیر را قبول کند مدیرعامل در جلسات هیات مدیره شرکت خواهد نمود و در صورتی که عضو هیات مدیره نباشد حق رای نخواهد داشت. ماده ۵۰) تصمیمات امضا شده تصمیماتی که به امضای کلیه مدیران رسیده باشد دارای اعتبار تصمیماتی خواهد بود که در جلسه هیات مدیره اتخاذ شده باشد. ماده ۵۱) صورتجلسات هیات مدیره برای هریک از جلسات هیات مدیره باید صورتجلسه ای تنظیم و لااقل به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد نام مدیران حاضر و غایب و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در هر جلسه با قید تاریخ در صورتجلسه ذکر می گردد نظر هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد باید در صورتجلسه قید شود در مورد ماده ۵۰ تصمیم امضا شده توسط مدیران به جای صورتجلسه هیات مدیره نگهداری خواهد شد. ماده ۵۲) اختیارات هیات مدیره هیات مدیره برای هر گونه اقدامی به نام شرکت و انجام هر نوع عملیات و معاملاتی که مربوط به موضوع شرکت بوده و اتخاذ تصمیم درباره آنها صریحا در صلاحیت مجمع عمومی قرار نگرفته باشد دارای اختیارات نامحدود است در زیر قسمتی از اختیارات هیات مدیره تصریح شده است : ۱- نمایندگی شرکت بر این اشخاص ثالث و کلیه ادارات دولتی و موسسات خصوصی ۲- تصویب آیین نامه های داخلی شرکت ۳- ایجاد و حذف نمایندگی ها یا شعبه ها در هر نقطه از ایران یا خارج از ایران ۴- نصب و عزل کلیه ماموران وکارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و انعام و ترفیع و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمات ومرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنان ۵- تصویب بودجه برای اداره کردن شرکت ۶- افتتاح حساب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانکها و موسسات ۷- دریافت مطالبات شرکت و پرداخت و واخواست اوراق تجارتی ۸- تعهد ظهرنویسی قبولی پرداخت و واخواست اوراق تجارتی ۹- عقد هر نوع قرارداد و تغییر و تبدیل یا فسخ و اقاله آن در مورد خرید وفروش و معاوضه امول منقول و غیر منقول که جزی موضوع شرکت باشد و بالجمله انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده ۳ این اساسنامه ۱۰- واگذاری یا تحصیل هر گونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) ۱۱- مبادرت به تقاضا و اقدام در مورد ثبت هر گونه اختراع ویا خرید و یا تحصیل یا فروش یا واگذاری اختراعات وورقه اختراع و یا هر گونه حقوق و امتیازات مربوط به آنها ۱۲- مبادرات به تقاضا و اقدام برای ثبت هر گونه علامت تجاری ۱۳- اجاره استجاره و واگذاری و فسخ اجاره و تقاضای تعدیل اجاره بها و دفاع از این نوع تقاضاها در تمام مراحل و مراجع و تخلیه عین مستاجره و تقاضای تجدید نظر در رای صادره یا اجرای آن ۱۴- به امانت گذاردن هر نوع اسناد ومدارک و وجوه در صندوقهای دولتی و خصوصی و استرداد آنها ۱۵- تحصیل اعتبار از بانکها و شرکتها و موسسات و هرنوع استقراض و اخذ وجه به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان بهره و کارمزد ویا هر گونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقر

۱۶- شرکت های سهامی عام و خاص

۱- محاسبه میزان حق تقدم

شرکت های سهامی عام و خاص - محاسبه میزان حق تقدم میزان حق تقدم از طریق مقایسه مبلغ سرمایه موجود با ملبغ افزایش سرمایه محاسبه می شود برای مثال اگر شرکتی که سرمایه اش از ۲۰ هزار سهم ۱۰۰۰ ریالی تشکیل می شود (۲۰ میلیون ریال سرمایه دارد) سرمایه اش را به دو برابر افزایش دهد و ۲۰ هزار سهم جدید هزار ریالی صادرکند حق تقدم هر سهم معادل حق خرید یک سهم خواهد بود. پس اگر شخصی صد سهم داشته باشد می تواند صد سهم جدید خریداری کند. هرگاه در فرض مزبور شرکت فقط ۱۰ هزار سهم جدید منتشر کند حق تقدم شخصی که صد سهم دارد پنجاه سهم خواهد بود. این گونه است که ماده

۱۶۶ لایحه اصلاحی مقرر داشته است که خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است. مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور راعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پـذیره نویسـی تعیین می گردد شـروع می شود. – محـدودیت نقل اوحق تقـدم صاحبان سـهام در خرید سهام جدید به صراحت ماده ۱۶۶ لایحه قانونی حق تقدم صاحبان سهام در خرید سهام جدید قابل نقل و انتقال است. اما ماده مزبور حقوق حـاکم بر آن و محـدودیت هـای آن را تعیین نکرده است. از این رو نقـل وانتقال حق تقـدم در نهایت منجر به انتقال سـهام و سهامـداران شـدن انتقـال گیرنـده می شود. بنـابراین رعایت محـدودیت های موجود درباره انتقال سام در این خصوص نیز ضـروری است.از این رو اگر در یک شـرکت سـهامی خاص انتقال سـهم منوط به موافقت مدیران باشد انتقال حق تقدم در خرید سهام جدید نیز بایـد منوط به موافقت مزبور باشـد و پیش بینی این مورد در قـانون تجارت ایران لازم به نظر می رسـد. سـلب حق تقـدم اگر حق تقدم صاحبان سـهام به طور کامل اعمال شود مانعی برای ورود اشـخاص ناخواسـته به شـرکت است. اما عدم ورود اشخاص ثالث به شرکت در همه موارد مطلوب نیست. اگر یکی از طلبکاران مهم شـرکت قبول کند که طلبش به سـهام تبدیل شود یا گروه با نفوذی بپذیرند که به شرکت وارد شوند سلب حق تقدم صاحبان سهام راه حل مفیدی برای تقویت قدرت مالی شرکت است. به همین علت این نکته همواره مورد قبول بوده است که حق تقدم شـرکا را می توان سـلب کرد و در اساسـنامه ها در قدیم همواره از این اختیار به سلب حق تقـدم صاحبان سـهام تعبیر می شد. مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سـرمایه را از طریق فروش سام جدید تصویب می کند یا اجازه آن رابه هیئت مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سـهام را نسـبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود. گزاش مذکور باید مشـتمل بر توجیه لزوم افزایش سـرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصـی که سـهام جدید برای تخصـیص به آنها د رنظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت اینگونه سـهام در نظر گرفته شـده است باشـد. گزارش بـازرس یـا بازرسان بایـد حاکی از تاییـد عوامل و جهاتی باشـد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است (ماده ۱۶۷ لایحه اصـلاحی). در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سـلب شده باشد یا صاحبان سـهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر اسـتفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و به متقاضیـان فروخته خواهـد شـد. (مـاده ۱۷۲ لاـیحه اصـلاحی). نصاب آرا در سـلب حق تقـدم درخصوص تصـمیم مجمع عمومی فوق العاده مبنی بر سـلب حق تقـدم در پـذیره نویسـی سـهام جدیـد چنانچه سـلب حق تقدم از بعضـی صاحبان سـهام به نفع بعضـی دیگر انجام گیرد سـهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رای درباره سلب حق تقـدم سایر سـهامداران شـرکت کننـد در احتساب حـد نصاب رسـمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصـمیمات مجمع عمومی سـهام سـهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد. (ماده ۱۶۸ لایحه اصلاحی).

۲– قلمرو محدودیت اختیارات بازرس یا بازرسان

شرکت هـای سـهامی عـام و خـاص – قلمرو محـدودیت اختیـارات بـازرس یـا بازرسـان برای آنکه بازرس بتوانـد در بهترین شـرایط وظایفش را انجام دهد قانونگذار اختیارات وسـیعی به او اعطا کرده است. در واقع در قسمت اول ماده ۱۴۹ (ل.ا.ق.ت) مقرر میدارد: (بـازرس یـا بازرسـان می تواننـد در هر موقع هر گونه رسـیدگی و بازرسـی یـا بازرسان می تواننـد درهر موقع هر گونه رسـیدگی و بازرسـی لازم را انجام داده واسـناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شـرکت را مطالعه کرده و مورد رسیدی قراردهند...) آنچه مسلم است اگرمـدارک و اطلاعات مزبور نزد شـرکت باشـد مـدیران و مـدیرعامل باید آنها را در اختیار بازرس یا بازرسان قراردهند ولی

اگر این اطلاعات در اختیار اشخاص خارج از شرکت باشد آیا بازرس می تواند آنها را نیز از اشخاص مزبور مطالبه کند؟ در قانون ۱۹۶۶ فرانسه به صراحت این حق به بازرس داده شده است که اطلاعات مربوط به شرکت را از خود شرکت (مدیران) یا شرکت های وابسته به آن و یا از اشخاصی که به حساب شرکت اقداماتی کرده اند و به شرکت خدمات می دهند مانند بانکها کارگزاران بورس و سردفتران. البته مشتریان شرکت مشمول این قاعده نمی شوند چه این اشخاص به نام شرکت عمل نمی کنند. در حقوق ایران چنین اختیاراتی به بازرس داده نشده است و به نظر می رسد که او فقط می تواند به خود شرکت یا شرکت های وابسته به آن مراجعه کند. اطلاعات را نیز باید از مرکز شرکت مطالبه ودرهمان جامطالعه نماید. عبارت ماده ۱۴۹ یعنی (اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت) نیز همین معنا را می رساند. با توجه به شرایط فعلی قانونگذاری ایران این راه حل منطقی است چه بازرسان دارای تشکیلات منسجمی نیستند تا بتوان از آن طریق آنان را به رعایت شئون حرفه ای مجبور ساخت. اگر آنان اختیار مراجعه به اشخاصی غیر از شرکت را داشته باشند ممکن است رعایت امانت را نکرده اطلاعات حرفه ای این اشخاص را به دیگران منتقل کنند بدون اینکه به مجازات انتظامی خاصی محکوم شوند. به موجب قسمت اخیر ماد ۱۴۹ (ل.ا.ق.ت) بازرس یا بازرسان می توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آنکه آنها را قبلا به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می کند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت. آنچه که از لفظ کارشناسان متبادر به ذهن می شود کارشناس رسمی می باشد که دارای تشکیلات و مقررات مربوط به خودمی باشند. هم چنین به موجب تبصره ماده ۱۵۰ (ل.ا.ق.ت)در صورتی که بازرسان شرکت بیش از یک نفر باشند هر یک می توانند به تنهایی وظایف خود را انجام دهند اما کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل درگزارش قید خواهد شد. بازرسان دارای وظایفی به شرح ذیل می باشند: - رسیدگی و اظهارنظر درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورتحساب دوره جامعی به مجمع عمومی عادی شرکت . این گزارش باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه به صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. اهمیت گزارش بازرسان به حدی است که ترازنامه شرکت بدون آن قابل تصویب نبوده و در صورت تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. (مواد ۱۴۸ و ۱۵۰ و ۱۵۲ و ۸۹(ل.ا.ق.ت)). - آگاه ساختن مجمع عمومی درباره اطلاعاتی که مدیران بر خلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرارداده اند (قسمت اخیر ماده ۱۴۸ (ل.ا.ق.ت)).

۳- مسئولیت مدنی و جزایی بازرس یا بازرسان

شرکت های سهامی عام و خاص - مسئولیت مدنی و جزایی بازرس یا بازرسان بازرسان در انجام وظایف قانونی دارای دو نوع مسئولیت می باشند: مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری. البته در صورت تشکیل کانون بازرسین علاوه بر مسئولیت های فوق دارای مسئولیت انتظامی هم خواهند بود.(آیین نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت)). - مسئولیت مدنی: به موجب ماده ۱۵۴ (ل.ا.ق.ت) بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. براساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی اولا: بازرس زمانی مسئول است که مرتکب خطا و تقصیری گردیده باشد. ثانیا: اثبات خطا و تقصیر برعهده مدعی است. ثالثا: باید اثبات شود که ضرر بوجود آمده ناشی از تقصیر بازرس می باشد و رابطه علت و معلولی بین زیان و فعل بازرس وجود دارد. هر گاه بازرسان شرکت بیش از یکی باشند و ضرر بوجود آمده ناشی از خطای هر دو باشد ضر و زیان وارده بین آنان تقسیم می شود. - مسئولیت کیفری: بازرسان هم مانند هر شخص دیگری امکان دارد مرتکب جرمی شوند بدیهی است مسئولیت آنها به میزان مجازات پیش بینی شده در قانون مجازات می باشد. اما در (ل.ا.ق.ت) سال ۱۳۴۷ جرایم خاصی برای بازرسان مقرر گردیده است که مختص

بازرسین شرکت سهامی است. به موجب ماده ۲۶۶ (ل.ا.ق.ت) (هر کس باوجودنع قاونی عالما سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد) همچنین به موجب ماده ۲۶۷ (ل.ا.ق.ت) هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالما راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد ویا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از ۳ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۴- مجمع عمومی موسس

شرکت های سهامی عام و خاص - مجمع عمومی موسس ماده ۷۲(ل.ا.ق.ت) می گوید: مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. براساس این ماده و ماده ۱۷ از لایحه قانونی مذکور و ماده ۴۵ سابق قانون تجارت مصوب ۱۳/۱۲/۱۳۱۱ می توان مجمع عمومی موسس در شرف تاسیس را به شرح آتی تعریف نمود: به صحت اظهارات موسسین در زمینه احراز پذیره نویس کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت و تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی سهامداران با رعایت مقررات قانونی. به مستفاد از مواد ۲۰ و ۲۳ لایحه قانونی فوق الذکر در شرکت های سهامی خاص اولین جلسه کلیه سهامداران که طبق مقررات قانونی با هدف های فوق تشکیل می شود به منزله مجمع عمومی موسس تلقی خواهدشد. لازم به توضیح است که در شرکت های سهامی عام نباید هیئت موسس را با مجمع عمومی موسس اشتباه نمود زیرا: هیئت بنیانگذاری شرکت اقدام کرده اند و قانونا ملزم هستند حداقل بیست درصد کل سرمایه شرکت را تعهد نموده و لااقل سی و پنج درصد مبلغی مورد تعهد را به حساب (شرکت در شرف تاسیس) نزد بانک واریز نمایند. ولی مجمع عمومی موسس تشکیل می شود از کلیه صاحبان سهام شرکت اعم از موسسین و پذیره نویسان. در این مجمع اعضا می توانند در مورد هر موضوع راجع به اطلاعات شرکت یا گزارش قانونی را مورد بحث و بررسی قرارداده و فقط در مورد موضوعات آگهی شده می توانند اتخاذ تصمیم نمایند. حدنصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی موسس به دستور ماده ۷۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقررات مربوط به : عده لازم از صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی و آرای لازم جهت اتخاذ تصمیم در اساسنامه معین می شود مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاصی برای ان مقرر شده است. حدنصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی موسس در ماده ۷۵ لایحه قانونی فوق الذکر به شرح ذیل پیش بینی شده است: (در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است .اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند مشروط بر این که لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. درهر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آرای حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشد موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند. در خصوص ماده مذکور مراتب ذیل قانون توجه است: - جلسه مجمع عمومی موسس در نوبت اول فقط هنگامی رسمیت خواهد داشت که لااقل تعدادی از پذیره نویسان که نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده اند حاضر باشند بدیهی است این تعداد نباید از سه نفر کمتر باشد چرا که در این صورت عنوان مجمع بر آن جلسه صادق نیست. - منظور از اصطلاح (پذیره نویسان) درماده ۷۵ اعم است از موسسین و تعهدکنندگان خرید سهام زیرا موسسین خود با تعهد بیست درصد کل سهام سرمایه شرکت و پرداخت سی و پنج درصد آن هم ردیف پذیره نویسان می باشند. - نظر به اینکه به موجب تبصره ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت) (در مجمع عمومی موسس

کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند وهر سهم دارای یک رای خواهد بود علی الاصول در صورت تمایل پذیره نویسان به تشکیل شرکت اکثریت مورد نظر مقنن حاصل می شود مگر این که آنها از تشکیل شرکت انصراف حاصل کرده و با عدم حضور در جلسات مجمع عمومی موجبات عدم تشکیل شرکت را فراهم سازند. درباره اعتبار تصمیمات مجمع عمومی موسس ماده ۷۵ لایحه قانونی فوق الذکر صراحت دارد که تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آرای حاضرین اتخاذ گردد. لذا طبق ماده ۱۰۳ لایحه قانونی مورد بحث: (درکلیه مواردی که در این قانون اکثریت آرا در مجامع ذکر شده است مراد اکثریت حاضرین در جلسه است) و حکم ماده ۷۵ ناظر به جلسه اول و جلسات دوم و سوم مجمع عمومی موسس است . به همین دلیل در ماده ۷۵ لایحه قانونی مذکور (دو ثلث آرای حاضرین) مناط اعتبار قرارداده شده است. تا چنین اکثریتی درجلسات دوم و سوم اساس اتخاذ تصمیمات باشد. وظایف مجمع عمومی موسس با رسمیت یافتن جلسه مجمع عمومی موسس قانونا وظایفی بر عهده این مجمع محول شده است که ذیلا مورد بررسی قرار می دهیم: - رسیدگی به تعهدات پذیره نویسان اعم از تصویب آورده های غیرنقدی و مزایای مورد مطالبه موسسین وغیره به حکم قسمت اخیر ماده ۷۷ (ل.ا.ق.ت) موسسینی که تصویب تقویم آورده غیر نقدی ایشان و یا مزایای مورد مطالبه آنها در دستور کار جلسه می باشد بایستی از صورت حاضرین در جلسه حذف شوند و بدون در نظر گرفتن حضور و رای آنهادر خصوص مورد به اکثریت دو ثلث آرا حاضرین اتخاذ تصمیم نمایند.

۵- مجمع عمومی عادی صاحبان سهام

شرکت های سهامی عام و خاص - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام مجمع عمومی عادی عبارت است از اجتماع سالانه صاحبان سهام شرکت طبق اصول قوانین تجاری و مالی و مقررات اساسنامه شرکت به منظور اتخاذ تصمیم بنیادی نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه در صلاحیت مجامع عمومی موسس و فوق العاده است. (ماده ۸۶ (ل.ا.ق.ت). (در حقوق انگلیس به موجب ماده ۳۶۶ قانون شرکت ها مصوب ۱۹۸۵ هر شرکتی موظف است که در پایان سال مالی مجمع عمومی سالیانه را دعوت و تشکیل دهند ضمنا فاصله دو مجمع سالیانه نباید بیشتر از ۱۵ ماه باشد بنا به ماده ۳۶۶ (قسمت الف) شرکت سهامی خاص می تواند بنا به تصمیم سهامداران از تشکیل مجمع عمومی سالیانه خودداری نماید. در هر حال استنکاف از تشکیل مجمع عمومی سالیانه در صورتی که مقرر شده باشد موجبات مسئولیت مدنی هیئت مدیره را فراهم می سازد اداره بازرگانی و صنعت می توانند بنا به تقاضای هر سهامدار یا راسا مجمع را دعوت نماید. برای تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه شرکت سهامی حضوردارندگان اقلا بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین جلسه که دعوت به عمل آمد حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع عمومی برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهام که حق رای دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود (مواد ۸۷ و ۳۷ و ۴۹ و ۵۰ و بند ۲ ماده ۲۵۳ (ل.ا.ق.ت)) به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. بر قاعده کلی فوق استثنایی وارد است و آن موقعی است که مجمع عمومی عادی بخواهد نوع خاصی از سهام شرکت را که برای آنها حقوقی در نظر گرفته شده است. در آن حقوق تغییراتی بدهد. در این مورد ماده ۹۳ (ل.ا.ق.ت)می گوید: (در هرموقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهامی در جلسه خاصی آن را تصویب کنند. و برای آن که تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این گونه سهام در جلسه حاضر باشند. و اگر دراین دعوت این حد نصاب حاصل نشود دردعوت دوم حضور دارندگان اقلاـ یک سوم این گونه سهام کافی خواهد بود تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آرا معتبر خواهد بود. در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. استثنا بر این اصل در مورد انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت است که برای انتخاب آنها اکثریت نسبی کافی خواهد بود. ماده ۸۸

(ل.ا.ق.ت) برای انتخاب مدیران فرمولی ارائه داده و می گوید: (... در مورد انتخاب مدیران تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب میشود و حق رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رای دهنده می تواند آرای خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند.اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر می دارد. براین اساس اگر اقلیت موجود بین سهامداران حاضر در جلسه مجمع عمومی عادی بخواهند نماینده ای در هیئت مدیره داشته باشند می توانند با هم ائتلاف نموده با درنظر گرفتن موقعیت آرای حاضرین در جلسه رسمی همگی آرای خود را به یک یا دو نفر از کاندیدهای عضو در هیئت مدیره بدهند تا از این طریق آنها نیز نماینده ای در هیئت مدیره داشته باشند. در حقوق ایالت متحده آمریکا تصمیمات برای انتخاب مدیران اکثریت نسبی ارا به استثنا مقررات خاص صورت می گیرد و برخلاف حقوق فرانسه وکالت به صورت سفید امضا برای رای در مجمع مورد پذیرش نمی باشد. رای ادغامی در ۲۰ ایالت به صورت اجباری و در ۱۷ ایالت اختیاری می باشد تا اقلیت بتوانند از میان خود یک یا چند نفر را برای هیئت مدیره انتخاب نمایند بطور مثال اگر شرکتی دارای ۱۰۰۰ سهم بوده و مدیران آن ۱۰ نفر باشند تعداد مدیران در سهام سهامداران بشرح زیر ضرب می شود. و هر سهامدار می تواند آرا خود را به یک یا چند نفر بدهد اما اگر اقلیت ائتلاف داشته باشند در این صورت می توانند حداقل یک نفر مدیر از میان خود انتخاب نمایند. چنانچه در اولین جلسه مجمع عمومی عادی که دعوت به عمل آمده حد نصاب قانونی حاصل نشود ودر دعوت دوم نیز کسی از سهامداران در جلسه حاضر نگردد سومین دعوت از مجمع عمومی عادی در قانون پیش بینی نشده است. فلذا باید مجمع عمومی عادی به طرز فوق العاده دعوت شود. (ماده ۹۲ (ل.ا.ق.ت)). وظایف واختیارات مجمع عمومی عادی صاحبان سهام با صراحت ماده ۸۶ لایحه قانونی تجارت مجمع عمومی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی فوق العاده است تصمیم بگیرد. وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر است: – اخذ تصمیم نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه قانونا استثنا شده است (ماده ۸۶). – انتخاب مدیران شرکت. (ماده ۸۸). – انتخاب بازرسان شرکت. (ماده ۸۸). – تشکیل جلسه سالانه در موقع معین در اساسنامه برای رسیدگی به ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت. در این موارد پس از استما گزارش بازرس یا بازرسان مالی شرکت نسبت به ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی و استماع گزارش مدیران و رسیدگی به این گزارشات و سایر امور مربوط به حساب های سال مالی شرکت اتخاذ تصمیم خواهد نمود. (بند ۱۲ ماده ۵۸ و ماده ۸۹ و ماده ۱۴۸ و مواد ۱۵۰ و ۱۵۲(ل.ا.ق.ت) به نحوی که طبق تبصره ماده ۸۹ : بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود. – اظهارنظر نسبت به اظهارنامه مالیات لازم التسلیم به حوزه مالیاتی مربوط که این اظهارنامه توجها به بند ۱۶ ماد ه۸ و به مستفاد از مواد ۲۵ و ۲۸ و ۱۱۸ و ۱۱۹ لایحه قانونی بایستی به امضای دارندگان حق امضا پیش بینی شده در اساسنامه رسیده و به مهر شرکت ممهور گردد. – تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و آگهی ها و اطلاعیه های شرکت در آن منتشر خواهد شد(تبصره ماده ۱۷ و بند ۱۴ ماده ۹ و بند ۵ ماده ۲۰) – تعیین جانشینان مدیرانی که فوت یا استعفا نموده و یا از آنها سلب شرایط شده است. (مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ لایحه). – تعیین حق الزحمه مدیران و بازرسان شرکت. (ماده ۱۳۴ و ۱۵۵). – طبق ماده ۹۰ لایحه قانونی تجارت: (تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود. و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویزه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. – تنظیم صورت مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی توسط منشی که به امضای هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از صورتجلسه مذکور در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد نسخه دیگر به مرجع ثبت شرکت ها ارسال می گردد(مواد ۱۰۵ و ۱۰۶). – شور و تصویب اولین طرح اساسنامه شرکت. (مواد ۸ و ۱۷). مجمع عمومی عادی متشکله به طور فوق العاده مجمع عمومی عادی متشکله به طور فوق العاده را نباید با مجمع عمومی فوق العاده که طبق بند ۳ ماده ۷۳ لایحه قانونی تجارت یکی از

انواع خاص مجامع عمومی در شرکت های سهامی است اشتباه کرد. مجمع عمومی عادی متشکله به طورفوق العاده در واقع همان مجمع عمومی عادی موضوع بند ۲ ماده ۷۳ لایحه قانونی فوق الذکر است لیکن چون به موجب ماده ۸۶ لایحه قانونی مذکور: (مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه در صلاحیت مجمع عمومی است - بایستی تصمیم گیری نماید لذا اقدام به دعوت فوق العاده این مجمع می شود. در نتیجه وقتی این مجمع عمومی طبق مواد ۸۹ و ۱۴۸ و ۱۵۰ و ۱۵۲ لایحه قانونی تجارت جلسه سالانه خود را تشکیل می دهد به نام مجمع عمومی عادی سالانه نامید می شود. و در مواقعی که ضرورتی تشکیل آن را اقتضا می نماید - مانند مورد مواد ۱۳۶ و ۱۵۳ لایحه قانونی یا موردی که بیش تر در عمل پیش می آید و ذیلا ذکر خواهد شد - مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده دعوت به تشکیل می شود. ماده ۹۲ لایحه قانونی تجارت می گوید: (هیئت مدیره و همچنی بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.) لذا چنانچه برای تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه در جلسه اول اکثریتی حاصل نشود. و پس از این که در اجرای ماده ۸۷ لایحه قانونی تجارت مجمع عمومی عادی سالانه برای نوبت دوم دعوت شد در جلسه دوم هم فقط دو نفر از سهامداران حاضر گردند در این صورت چون عبارت ماده ۸۷ لایحه قانونی تجارت نسبت به مورد چنین است: (اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشود مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور (هرعده) از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. وکلمات (هر عده) مفید این معناست که در جلسه دوم می بایستی بیش از یک نفر از سهامداران حاضر شده باشند تا بتوان گفت (عده ای) در جلسه حاضر بوده اند. وچون در قانون دعوت مجمع عمومی عادی سالانه برای بار سوم و نیز ترتیب چنین دعوتی پیش بینی نشده است لذا ا زمجموع مقررات مربوطه چنین استنباط می شود که اگر در جلسه دوم از سهامداران فقط یک نفر حضور خود را در مجمع عمومی عادی سالانه انعکاس دهد به لحاظ عدم امکان تشکیل جلسه دوم راه حل قضیه در مرتبه سوم دعوت از مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده است. و چون برای تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده هر چند بار هم که دعوت به عمل آید قانونامحدودیتی پیش بینی نشده است لذا از نظر قاون تجدید دعوت اشکالی نخواهد داشت.النهایه بدون این که درآگهی دعوت ذکری از نوبت آگهی یا نتیجه دعوت ها به جلسات اول و دوم مجمع عمومی عادی سالانه به میان آید دردعوت از مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت دستور جلسه هرچه باشد در آگهی دعوت باید قید شود. و در هر حال هر بار که مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده دعوت می شود باید حد نصاب پیش بینی شده در صدر ماده ۸۷ (ل.ا.ق.ت) یعنی حضور دارندگان اقلا بیش از نصف سهامی که حق رای دارند در جلسه وجود داشته باشد والا جلسه متشکله رسمی محسوب نخواهد شد. ذکر چند مورد در این خصوص قابل اهمیت است: - غالبا دیده شده که مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (ماده ۹۲ (ل.ا.ق.ت)) به علت عدم حصول نصاب قانونی برای بار سوم به منظور تشکیل جلسه از طریق جراید دعوت می شود. در حالی که طبق ماده ۸۷ لایحه قانونی مذکور دعوت مجمع عمومی عادی برای بیش از دو نوبت پیش بینی نشده است. - در دعوت نوبت اول جلسه مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلا بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است تا جلسه رسمیت یابد. و طبقم اده ۸۸ همان لایحه برای این که تصمیمات مجمع معتبر باشد اکثریت نصف به علاوه یک آرا حاضر در جلسه رسمی لازم است مگر در موردانتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. - در دعوت نوبت دوم جلسه مجمع عمومی عادی باحضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت خواهد یافت واخذ تصمیم خواهد نمود به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. بنابراین اگر مجمع عمومی عادی طبق ماده ۹۲ لایحه قانونی فوق الذکر (به طور فوق العاده) دعوت می شود نباید آن را با مجمع عمومی فوق العاده که حدود وظایف و حد نصاب رسمیت جلسه و اعتبار تصمیمات متخذه از سوی آن مجمع در مواد ۸۳ تا ۸۵ لایحه قانونی مذکور مصرح است اشتباه نمود. بلکه مجمع متشکله براساس ماده ۹۲ لایحه قانونی

مورد بحث همان مجمع عموم عادی را در جلسه نوبت دوم با هر عده معتبر می شناسد لذا به نظر دعوت چنین مجمعی برای نوبت سوم وجاهت قانونی ندارد. ولی اگر مسامحه در دعوت سوم براساس مصلحت شرکت قابل توجیه باشد در آن صورت نیز باید معتقد بود که طبق ماده ۸۷ لایحه قانونی مذکور مجمع با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت خواهد یافت و بالحاظ ماده ۸۸ لایحه قانونی اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

۶- مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام

شرکت های سهامی عام و خاص - مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت عبارت است از اجتماع صاحبان سهام شرکت به طور فوق العاده طبق و قوانین تجاری و مالی و مقررات اساسنامه شرکت به منظور اتخاذ تصمیمات بنیادی نسبت به آنچه که قانونا در صلاحیت این مجمع عمومی است. (ماده ۸۳ (ل.ا.ق.ت) . در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین در دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت می شود و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن که دردعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. (ماده ۸۴ (ل.ا.ق.ت)). طبق ماده ۸۵ لایحه قانونی تجارت: (تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دو سوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود) و طبق ماده ۷۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ شرکت مجاز است حق رای سهامداران را منوط به داشتن حداقل تعداد مشخصی سهم کند. این راه حل قانونگذار در رابطه با مجامع عمومی فوق العاده قابل انتقال است زیرا وظیفه این مجامع عمدتا تغییر اساسنامه شرکت است و اساسنامه حاصل کار مجمع عمومی موسس می باشد که در آن تمام شرکا بلااستثنا حق حضور و رای دارند. در واقع راه حل قانونگذار متضمن این تالی فاسد است که عده ای ازشرکا میتوانند بعد از تصویب اساسنامه و بدون حضور دیگران اساسنامه را تغییر داده و به حقوق دیگران لطمه وارد کنند. به نظر می رسد که اگر قانونگذار راه حل قانون فرانسه را اعمال نماید منطقی تر باشد. زیرا به موجب قانون فرانسه در مجمع عمومی فوق العاده نیز مانند مجمع عمومی موسس هر صاحب سهم بدون توجه به اینکه چه تعداد سهام را مالك است حق حضور و رای دارد و پیش بینی شرط خلاف آن در اساسنامه باطل است. ماده ۱۰۳ لایحه مذکور نسبت به موارد اکثریت ضابطه کلی به دست داده و مقرر می دارد: (در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آرا در مجامع عمومی ذکرشده است مراد اکثریت آرای حاضرین در جلسه است.) وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق العاده گاهی در شرکت ضرورتی پیش می اید که اقدام به تغییر و تبدیلاتی را ایجاب می نماید. اخذ تصمیم درباره این تغییرات و تبدیلات از وظایف مجمع عمومی فوق العاده صاحب سهام است. در حقوق انگلیس قانون شرکت ها مصوب ۱۹۸۵ مجمع عمومی فوق العاده را تعریف نموده و تصریح شده اگر مجمعی غیر از مجمع عمومی عادی سالیانه تشکیل گردد مجمع عمومی فوق العاده نامیده می شود. ملاحظه می شود که عدم تشکیل مجمع عمومی فوق العاده هیچگونه مسئولیتی را متوجه مدیران نمی کند و تشکیل مجمع اخیر الذکر به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ موکول به نظر مدیران شرکت می باشد ضمنا طبق ماده ۳۶۸ قانون شرکت ها مجمع عمومی فوق العاده بنا به درخواست سهامداران تشکیل می گردد و تصمیمات فقط برای آن طبق ماضی لازم الجرا خواهد بود (بطور مثال درمورد درخواست صاحبان سهام ممتاز). افزایش سرمایه شرکت و انواع آن افزایش سرمایه شرکت می تواند بنا به دلایلی متعددی انجام پذیر .از قبیل توسعه فعالیت های شرکت فراهم نمودن امکان تادیه شرکت ویا تبدیل شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت های تجاری. - اجباری : شرکت های سهامی در پاره ای موارد به موجب قانون مکلف به افزایش تاسیس به هر علت از حداقل قانونی کمتر شود که باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام لازم صورت پذیرد (ماده ۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت). هم چنین به موجب ماده ۶۱ لایحه اصلاحی در صورتی که اوراق قرضه قابل تعویض با سهام

شرکت باشد مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلا برابر مبلغ قرضه تصویب کند. - اختیاری : علاوه بر موراد مذکرو در بالا شرکت های سهامی می توانند هر وقت که مایل باشند بارعایت مقررات قانونی نسبت به افزایش اقدام نمایند. افزایش سرمایه شرکت اعم از موارد اجباری یا اختیاری از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود امکانپذیر می باشد (ماده ۱۵۷ لایحه اصلاحی) هر گونه تغییر در میزان سرمایه شرکت منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد (ماده ۸۳ لایحه اصلاحی). مجمع عموم فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت درمورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند. ماده ۱۶۱ لایحه اصلاحی. پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگرتا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حساب های سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد گزارش باید حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهانامه درباره پیشنهاد هیئت مدیهر نیز باشد (تبصره ۲ ماده ۱۶۱ لایحه اصلاحی). مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیئت مدیهر اجاز می دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند. سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور قانون افزایش دهد (ماده ۱۶۲ لایحه اصلاحی). اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد. بدیهی است که مادام که سرمایه شرکت به طور کامل تادیه نشده باشد افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود (مواد ۱۶۴ و ۱۶۵ لایحه اصلاحی). افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید. در این روش شرکت سهامی بدون اینکه به میزان مبلغ اسمی سهام بیافزاید اقدام به انتشار سهام جدیدی می نماید. مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید وتادیه قیمت آن را تعیین و یا اختیار تعیین آن را به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد. روشهای پرداخت قیمت سهام جدید: تایده مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکانپذیر می باشد: - پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد: درشرکت سهامی عام افزایش سرمایه فقط به صورت نقدی امکانپذیر است. به عکس در شرکت سهامی خاص به طورغیر نقدی هم می توان سرمایه را افزای شداد (تبصره ۱ ماده ۱۵۸ لایحه اصلاحی). - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت سهام جدید: در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد باامضای ورقه خرید سهام توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی سهام جدید باشند انجام می گیرد.(ماده ۱۸۵ لایحه اصلاحی) چنین اقدامی زمانی از طرف شرکت قابل اعمال است که شرکت در فروخته شدن سهام جدید خود تردید داشته باشد زیرا طلبکاران شرکت حاضر نمی شوند بدون کسب امتیازتی از قبیل سلب حق تقدم خرید سهام جدید از بعضی و یا کل سهامداران شرکت به تبدیل مطالبات حال شده خود به سهام مذکور مبادرات نمایند مگر اینکه شرکت از نظر مالی وضع موفقیت آمیزی داشته باشد دراین صورت نیز شرت حاضر نخواهد بود از سهامداران خود در خرید سهام جدید سلب حق تقدم کرده بدین ترتیب موجبات نارضایتی آنان را فراهم سازد زیرا سهامداران که با سرمایه گذاری در شرکت سرمایه خود را به خطر انداخته است به هیچ وجه راضی نخواهد بود که از مزایای اضافه ارزش متعلقه به سهام جدید صرفنظر کند. - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهامی جدید به سرمایه شرکت: (این روش افزایش سرمایه هم برای شرکا مفیداست و هم برای شرکت. در واقع شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهامی فروخته شده را به اندوخته اختیاری منتقل کند (ماده ۱۶۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷) و شرکا نمیتوانند او را به تقسیم آن بین خود وادار کنند. تخصیص سهام جدید به شرکا به نسبت حقشان نسبت به اندوخته به آنان امکان می دهد با فروش سهام دریافتی به اشخاص ثالث وجه نقد به دست آورند. شرکت نیز بیدن وسیله اندوخته ها و سود تقسیم نشده را که در حساب بدهکاری خود نگاهداری می کند به حساب سرمایه منتقل کرده از طلبکاران (بابت اندوخته

و سود تقسیم نشده) شریک می سازد. بیهوده نیست که استفاده از این نوع واکنش سرمایه بسیار رواج دارد. - تبدیل اوراق قرضه به سهام: تنها شرکت سهامی عام می تواند به موجب قانون تجارت مبادرت به انتشار اوراق قرضه نماید و در صورتی که اوراق مزبور قابلیت تبدیل یا تعویض با سهام شرکت را داشته باشد شرکت باید سرمایه خود را تامیزان مبلغ این اوراق افزایش دهد . شرکت سهامی خاص حق انتشار اوراق قرضه را ندارد و در تیجه از این طریق نمی تواند نسبت به افزایش سرمایه اقدام نماید. تشریفات تبدیل وتعویض اوراق قرضه با سهام شرکت در مواد ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ لایحه اصلاحی بیان گردیده است.

۷- جرایم مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص

شرکت های سهامی عام و خاص - جرایم مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص اگر شخصی بدون اینکه دارای سهامی شرکت باشد با توسل به وسایل متقلبانه و مزورانه خود را سهامدار شرکت قلمداد نموده و درجلسه مجمع عمومی نیز شرکت نماید واخذ رای از ایشان شده باشد و یا کسی مانع از حضور دارنده سهام شرکت درجلسات مجمع عمومی شود مطابق ماده ۲۵۳ مجازات خواهد شد در ماده ۲۵۳ صراحت به اخذ رای شده است بنابراین اگر کسی در جلسه مجمع مزورانه شرکت نماید ولی در اخذ رای دخالت نکند و به عنوان سهامدار رای نداده سهم به تعهدات خودش در قبال شرکت عمل ننموده باشد مسئولین شرکت به جهت تخلف از انجام تعهدات مانع حضور ایشان در جسله مجمع شوند دراین صورت جرمی اتفاق نیفتاده بلکه مسئولین به وظیفه قانونی خود عمل نموده پس بنابراین صرف داشتن سهم شرکت دلیل بر محقق بودن جهت حضور در جلسات مجامع عمومی و دادن رای به عنوان سهامدار نمی باشد. یکی دیگر از وظایف رئیس واعضای هیئت مدیره شرکت دعوت از سهامداران شرکت در ظرف مدت شش ماه پس از پایان سالی مالی شرکت می باشد بنابراین در صورتی که افراد مزبور اقدام به این ارم ننمایند به حبس از ۲ ماه تاشش ماه و یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو محکوم خواهند شد(ماده ۲۵۴ و ۲۳۲). برای حضور در جلسات مجمع عمومی هر صاحب سهمی باید با ارائه سهم خود یا گواهی نامه موقت سهم ورقه حضور در جلسه مجمع را دریافت نماید در غیر این صورت از حضور ایشان در جلسات ممانعت خواهد شد و رئیس واعضای هیئت مدیره موظفند صورت اعضای حاضرین در مجمع را ترتیب داده در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۲۵۵ محکوم خواهد شد. بعد از تشکیل جلسه مجمع عمومی صورت جلسه ای از مذاکرات و تصمیمات مجمع توسط منشی ترتیب داده می شود که این صورت جلسه باید به امضای رئیس مجمع برسد ویک نسخه از آن در مرکز شرکت بایگانی ونسخه دیگر جهت اطلاع و پیوست به سوابق به اداره ثبت شرکت ها ارسال می شود در صورتی که هیئت رئیسه مجمع این صورت جلسه را تنظیم ننماید مرتکب جرم شده است (ماده ۲۵۶). از وظایف دیگر رئیس واعضای هیئت مدیره شرکت دعوت از مجمع عمومی جهت تعیین بازرس یا بازرسان شرکت است. بنابراین اگر اقدام به دعوت مجمع عمومی ننمایند و یا در موقعی که بازرسان شرکت را جهت ارائه گزارش به مجمع عمومی به این مجمع دعوت ننمایند مطابق ماده ۲۵۹ مجازات خواهند شد از طرف دیگر می دانیم که رئیس واعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل موظفند زمینه لازم جهت اطلاع بازرسان شرکت از اوضاع واحوال شرکت و اقداماتی راکه شرکت در طی فعالیت خود انجام می دهد فراهم نموده تا بازرسان شرکت در صورتی که تخلفاتی مشاهده نمودند و یا در رابطه با اقدامات شرکت تهیه گزارش نموده و در موقع مجمع عمومی سالانه به صورت راپرت به اطلاع سهامداران شرکت برسانند. بنابراین اگر اعضای مارالذکر از فعالیت های بازرسان ممانعت به عمل آورند و یامخل فعالیت آنان شوند مجازات خواهند شد (ماده ۲۶۰). ماده ۱۴۷ اظهار می دارد اشخاص زیر نمی توانند به سمت بازرس شرکت سهامی انتخاب شوند: - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون. - مدیران و مدیرعامل شرکت . - اقربا سببی ونسبی مدیران و مدیرعامل تادرجه سوم از طبقه اول و دوم. -هر کس که خود یاهمسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفا حقوق دریافت نماید. بند یک ماده فوق الذکر اشاره به ماده ۱۱۱ نموده است که در این ماده شرایطی که باید مدیران شرکت

داشته باشند قید شده است که اولا محجور نباشند و حکم ورشکستگی آنها صادر نشده باشد. ثانیا مرتکب جرایم سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری جنحه هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی نشده باشند بنابراین اگر کسی که یکی از صفات مندرج در این ماده را داشته باشد و برخلاف قانون به عنوان بازرس شرکت انتخاب شده باشد مطابق تبصره ذیل ماده ۱۱۱ دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل بازرس و بازرسانی را که برخلاف واقع انتخاب شده باشند را خواهد داد امروز به جهت تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب دیگر دادگاه شهرستان موضوعیت نداشته به نظر می رسد این تقاضا را می توان از رئیس شعبه ۱ دادگاه عمومی شهرستان درخواست نمود نه تنها بازرس که برخلاف قانون انتخاب شده است را می توان عزل کرد بلکه بازرسی که با علم به عدم صلاحیت خود سمت بازرسی شرکت را پذیرفته باشد مطابق ماده ۲۶۶ قابل مجازات نیز می باشد. نکته جالبی که به نظر می رسد اینکه قانونگذار شرایط انتخاب بازرس را خیلی دقیق تر و سخت تر و با وسواس بیشتر از شرایطی که باید رئیس واعضای هیئت مدیره داشته باشند در نظر گرفته است چرا که شرایط مدیران را در ماده ۱۱۱ قید نموده در صورتی که در ماده ۱۴۷ همین قانون شرایط بازرس را توسعه داده به حدی که شرایط مدیران را در غالب یک بند از شرایط بازرسان قید کرده است بنابراین چنین نتیجه گرفته می شود که کار بازرس در شرکت خیلی حساس و مهم بوده چرا که بازرس کسی است که باید نظارت بر کلیه اعمال شرکت بنماید حتی اعمالی که مدیران انجام می دهند لذا وجود یک بازرس با صلاحیت می تواند جلوی خیلی از تخلفات احتمالی را در شرکت گرفته و مانع تضییع حقوق شرکا و اشخاص ثالث که با شرکت در ارتباط می باشند شود بنابراین اگر بازرس شرکت که باید چشم ناظر بر اعمال شرکت داشته باشد برخلاف واقع اطلاعات نادرست به مجمع عمومی داده و یا اطلاعاتی را که توسط هیئت مدیره به مجمع عمومی داده می شود برخلاف واقع تصدیق نماید مطابق ماده ۲۶۷ مجازات خواهد شد. تقسیم منافع موهوم بند ۱ ماده ۲۵۸ چنین مقرر می دارد: رئیس واعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه ضرر و منافع موهوم را بین صاحبان سهام تقیم کرده باشند به مجازات حبس تادیبی از یک سال تا ۳ سال محکوم خواهد شد. منظور از منافع موهوم به منافعی گفته می شود که غیر واقعی بوده و واقعا وجود خارجی نداشته و مسئولین شرکت برخلاف حقیقت چنین وانمود کرده باشند که شرکت سود کرده است و این سود غیرواقعی را تقسیم نمایند می دانیم که سود قابل تقسیم به سودی گفته می شود که از حاصل کسر هزینه ها و بدهکاریهای و ذخایر و کسورات سال های قبل شرکت از درآمد کلی حاصل یا به دست می آید بطور مثال اگر یک شرکت در سال مالی خود یک میلیون تومان معامله کرده باشد و در کنار این درآمد پانصدر هزارتومان هزینه کرده باشد و یکصدهزار تومان نز بدهی داشته باشد و از سال مالی قبل خود نیز ۱۵۰ هزار تومان کسری داشته باشد از کل درآمد که یک میلیون تومان است می ماند ۲۵۰ هزارتومان که تازه ۱۰ درصد از این مبلغ نیز باید به عنوان ذخیره در حساب شرکت بماند و مابقی به عنوان سود قابل تقسیم بین شرکا به نسبت سهم تقسیم می شود. بنابراین اگر مدیران و اعضای هیئت مدیره برخلاف واقع اقدام به تقسیم منافع موهوم نمایند و بدین طریق در حقیقت سرمایه شرکت را به عنوان سود تقسیم نمایند مجازات خواهند شد. تنظیم ترازنامه غیرواقعی یکی دیگر از وظایف رئیس واعضای هیئت مدیره تنظیم ترازنامه شرکت و حساب سود و زیان مالی شرکت در سال مالی گذشته می باشد (یا سال مالی قبل) بنابراین ایشان موظفند که ترازنامه شرکت را تنظیم نمود و جهت ارائه در مجمع عمومی سالانه در اختیار بازرسان شرکت بگذارند. لذا اگر اعضای فوق جهت پنهان و مخفی نگه داشتن وضعیت شرکت اقدام به سندسازی نموده و ترازنامه غیرواقعی به صاحبان سهام ارائه نمایند مطابق بند ۲ ماده ۲۵۸ محکوم خواهند شد. استفاده ازاموال واعتبارات شرکت اموال و اعتباراتی که در شرکت به عنوان سرمایه شرکت می باشد جهت جریان انداختن و کسب منافع و سود در اختیار رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت قرارداده می شود وایشان موظفند که از امکانات مزبور جهت توسعه و رسیدن به مقاصد شرکت استفاده نمایند بدین طریق باید هر چه بیشتر بر منافع و سود شرکت اضافه نموده و سهم شرکا را

افزایش دهنـد. لذا اعضای مزبور حق اسـتفاده شخصـی از اموال شـرکت را نداشـته و تنها در چهارچوب اختیارات و مقررات مربوطه حق اسـتفاده را دارنـد لـذا اگر ایشان از اموال مارالذکر به نفع خود اسـتفاده نموده و یا سـرمایه شـرکت را در اموری که منافع آن به مسـئولین شرکت تعلق دارد مصرف نمایند مطابق ماده ۲۵۸ مجازات خواهند شد. سواسـتفاده از اختیارات به ضرر شرکت هر یک از مسئولین شرکت دارای اختیاراتی می باشند که مطابق قانون و اساسنامه شرکت به آنها محول شده است و ایشان می توانند با استفاده از اختیارات خوداموری مربوط به شـرکت را انجام دهنـد بنابراین اگر افراد مزبور از اختیارات محوله سو اسـتفاده نمودند و با سونیت از اختیـارات مزبور به نفع خود به طور مسـتقیم و غیرمسـتقیم حفاظی ایجاد نماینـد مجرم و طبق بنـد ۴ ماده ۲۵۸ به مجازات خواهند رسـید به طور مثـال مـدیرعامل شـرکت که امور اجرایی و معاملات مربوط به شـرکت را انجـام یم دهـد و این حق طبق قـانون به او واگذار شده است از این اختیار سو اسـتفاده نماید و اموال شـرکت را به قیمت کمتر از قیمت واقعی به شـرکتی که خود سهامدار می باشد واگذار نماید و یا اجناس مربوط به شـرکتی که خود در آنجا سـهیم است را به قیمت بیشتر از قیمت واقعی برای شـرکتی که به عنوان مـدیرعامل دخالت نموده بخرد مشـمول این ماده خواهـد بود. عدم اقدام به موقع جهت تقلیل سـرمایه شـکرت در صورتی که بیش از نیمی از سرمایه شرت از بین رفته باشد. درصورتی که بر اثر معاملات شرکت و یا زیان های وارده ناشی از این معاملات و یا عوامـل مختلف ناشـی از سـقوط قیمت دربـازار اجنـاس مربوط به شـرکت بیش ازنیمی از سـرمایه شـرکت از بین برود هیئت مـدیره موظف است مطابق ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نموده تا موضوع انحلال و یا بقا شرکت و تقلیل سرمایه شرکت به رای گذاشـته شود بنـابراین اگر اعضای مزبور به این وظیفه قانونی عمل نمایـد طبق ماده ۲۶۸ مجازات خواهنـد شد. جرایم مربوط به کاهش سرمایه شرکت در صورتی که هیئت مدیره تصمیم به کاهش سرمایه شرکت بگیرد این امر را حداقل چهل و پنج روز قبل از تشـکیل مجمع عمومی فوق العـاده بایـد به اطلاـع بـازرس شـرکت رسانیـده و رعـایت تساوی در تقلیل سـهام شـرکا را بنماینـد و در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده تصـمیم به تقلیل سـرمایه شـرکت گرفت بایدمهلت و شـرایط آن در روزنامه رسـمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شـرکت در آن نشـر می گردد آگهی شود درغیر این صورت مطابق ماده ۲۶۴ مجازات خواهند شـد. جرایم مـدیران تصـفیه در صورتی که شـرکت سـهامی به یکی از دلایـل در ماده ۱۹۹ منحـل شود در این صورت اگر انحلال شرکت به تصـمیم مجمع عمومی فوق العاده باشـد مـدیر تصـفیه نیز توسط این مجمع انتخاب می گردد واگر به جهت صـدور حکم دادگـاه باشـد مـدیر تصـفیه توسط دادگاه انتخاب می شود دراین صورت مـدیر تصـفیه موظف است ظرف مـدت یکماه تصـمیم به انحلال شـرکت را به مرجع ثبت شـرکت ها اطلاع داده و از زمان شروع به امر تصفیه باید ظرف شش ماه گزارش مربوط به ترازنامه شرکت و دارایی و بدهی های شـرکت را به اطلاع مجمع عمومی برساند مدیر تصفیه برای مدت معین اگر انتخاب شده باشدموظف است قبل از انقضای مـدت ماموریت خود تقاضای تمدید مدت ماموریت خود را بنماید و همچنین مدیر تصـفیه باید اگر امر تصـفیه چندین سال طول بکشد همه گزارش مربوط به سود و زیان شـرکت و ترازنامه و دارایی ها و بدهی های شـرکت را وکلیه اعمالی را که در رابطه با امر تصـفیه شـرکت انجم می دهـد را به اطلاع مجمع عمومی برساند و همچنین در صورتی که امر تصـفیه خاتمه پیدا کند باید خاتمه عملیات خود را به مرجع ثبت شـرکت ها گزاش نماید و کلیه وجوهی که بعد از تصفیه و دریافت طلب های شرکت و پرداخت بـدهی هـای شـرکت باقیمانـده باشـد بایـد در حسـاب مخصوصـی در یکی از بانکهـا تودیع نموده و صورت افراد و کلیه طلبکـاری هـایی که طلب خود را وصول نکرده انـد به بانـک مزبور تسـلیم نمایـد و بایـد پایـان یـافتن امر تصـفیه را ازطریق روزنامه کثیرالانتشـاری که آگهی هـای مربوط به شـرکت از آنجا منتشـر می شود برای اطلاع اشـخاص ذینفع منتشـر نمایـد بنابراین مـدیرت تصـفیه اگر به هر یـک از وظـایف مقرر در فوق عمـل ننمایـد برخلاف امرقانونی و وظیفه محوله قانونی به خود عمل نموده و مطابق ماده ۲۶۸ مجازات خواهد شد.

۸- اضافه ارزش سهامی یابهای انتشار

شرکت های سهامی عام و خاص - اضافه ارزش سهامی یابهای انتشار می دانیم که در بدو تاسیس شرکت مجموع ارزش اسمی سهام معادل آورده های نقدی و غیرنقدی سهامداران شرکت می باشد بنابراین در این مرحله هیچگونه اختلافی بین ارزش اسمی و ارزش تجاری سهام وجود ندارد ولی در اثر فعالیت و رونق بازار شرکت تغییراتی در ارزش تجاری سهام به وجود می آید که عملا بیشتر از ارزش اسمی آن می باشد بطور مثال اگر شرکتی دارای ۳۰ میلیون ریال سرمایه بوده که به ۳۰ هزاران سهم هزار ریالی تقسیم گردیده ودارای ۱۵ میلیون ریال اندوخته باشد ارزش تجاری هر سهم عبارت خواهد بوداز: شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهام به عنوان اضافه ارزش سهام از خریداران دریافت کند. شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقدا بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازا آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد. (ماده ۱۶۰ لایحه اصلاحی). اگر شرکت وجوه دریافتی از بابت اضافه ارزش سهام را جزو سرمایه شرکت منظور نماید در چنین صورتی غیرقابل تقسیم بین سهامداران خواهد بود اما بر عکس اگر آنها را به ذخائر شرکت منتقل سازد می تواند پس از کسر مخارج واستهلاکات و ذخیره ها و غیره مابقی اضافی مذکور را بین صابحان سهام توزیع نماید و یا سود قابل تقسیم مزبور را به سرمایه انتقال دهد.

۹- مقایسه طرق کاهش

شرکت های سهامی عام و خاص - مقایسه طرق کاهش آنچه که همواره باید به عنوان یک اصل در کاهش سرمایه مدنظر قرار گیرد رعایت تساوی حقوق شرکای شرکت می باشد. (ماده ۱۸۹ لایحه اصلاحی) به نظر می رسد در روش کاهش سرمایه از طریق کاهش مبلغ اسمی سهام حقوق سهامداران (تساوی آن) به نحو مطلوب تری حفظ می گردد چرا که در این روش کاهش مبلغ اسمی سهام بدون توجه به تعداد سهام اشخاص و نوع آن از قبیل عادی یا ممتاز صورت می گیرد و این کاهش بر تمام سهامداران تاثیر یکسانی دارد و باعث نمی شود که سهامداری از شرکت خارج می گردد. اما در روش کاهش سرمایه از طریق تقلیل تعداد سهام این امر متصور می باشد که سهامدارانی که دارای سهام منفرد می باشند به واسطه تقلیل تعداد سهام از شرکت خارج شوند و نتیجتا رعایت تساوی حقوق سهامداران دچار نقصان گردد. ظاهرا قانونگذار هم با این استدلال کاهش اختیاری سرمایه را از طریق تقلیل تعداد سهام تجویز ننموده است و تنها روش کاهش مبلغ اسمی را که تساوی حقوق سهامداران را به نحو مطلوب تری تضمین می نماید اجازه داده است. بدیهی است که در خصوص کاهش اجباری سرمایه چون قهرا صورت می پذیرد قانونگذار مجمع فوق العاده را مخیر به اتنخاب یکی از دو روش - با توجه به مصلحت شرکت - نموده است. تشریفات کاهش سرمایه هر گونه تصمیم در خصوص کاهش سرمایه شرکت سهامی منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد. (ماده ۸۳ لایحه اصلاحی). پیشنهاد هیئت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل ۴۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. (ماده ۱۹۰ لایحه اصلاحی) پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیئت مدیره را مورد رسیدگی قرارداده و نظرخود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهند نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت. (ماده ۱۹۱ لایحه اصلاحی). هیئت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف مدت یک ماه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد

آگهی کنـد (ماده ۱۹۲ لایحه اصـلاحی). اعتراض به کاهش سـرمایه گفته شد که سـرمایه شـرکت وثیقه طلب طلبکاران شرکت می باشد و هر گونه کاهشـی در سرمایه باعث می شود که طلبکاران از تضمین کمتری نسبت به بازپرداخت طلب خود برخوردار باشند. طلبکـاران شـرکت در خصوص کـاهش اجبـاری سـرمایه به ناچـاری می بـایست تبعات آن را تحمل نماینـد اما د رخصوص کاهش اختیاری سـرمایه چنین اجباری ندارند و می توانند نسبت به آن اعتراض نمایند. در مورد کاهش اختیاری سـرمایه شرکت هر یک از دارنـدگان اوراق قرضه و یا بسـتانکارانی که منشا طلب آنها قبل از تاریـخ نشـر آخرین آگهی مـذکور در ماده ۱۹۲ باشد می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشـر آخرین آگهی اعتراض خود را نسـبت به کاهش سـرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند. (ماده ۱۹۳ لایحه اصـلاحی). در صورتی که به نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سـرمایه وارد تشخیص شود.و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معـترض وثیقه ای که به نظر دادگـاه کـافی باشـد نسپارد در این صـورت آن دین حـال شـده ودادگـاه حکم به پرداخت آن خواهد داد.(ماده ۱۹۴ لایحه اصـلاحی). اطلاعیه کاهش سـرمایه و رد مبلغ کاهش یافته برای کاهش بهای اسـمی سـهام شـرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه ای به اطلاع کلیه صاحبان سهم برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شـرکت در آن نشر می گردد منتشـر شود و برای صاحبان سهام با نام توسط پست سفارشی ارسال گردد. (ماده ۱۹۶ لایحه اصلاحی) اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: – نام و نشانی مرکز اصلی شرکت. – مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه. – مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش. – نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بـازپرداخت انجـام می گیرد. ممنـوعیت خریـد سـهام شـرکت توسـط خودشـرکت به مـوجب مـاده ۱۹۸ لایحه اصـلاحی :(خریـد سـهام شـرکت توسـط همـان شـرکت ممنوع است).(علت وضع این مـاده جلوگیری از ایجاد ضـرر به سـهامداران راخریـداری و باطل نماید.بدین ترتیب اشـخاص اخیر از وضع بهتری نسـبت به سایر صاحبان سـهم برخوردار شوند. از طرف دیگر با چنین اقدامی اصل تساوی حقوق سـهامداران درشـرکت رعایت نشده اشـخاص ثالث نیز که با شرکت طرف قرارداد می باشند که با کاهش مخفی سـرمایه مواجه خواهنـد شـد. اما این سـئوال مطرح می شود که آیا شـرکت می تواند تحت شـرایطی مبادرت به خرید سهام خود بنمایـد؟ نظر به اینکه ماده ۱۹۸ مذکور اصل ممنوعیت خرید سـهام شـرکت بوسیله خود شرکت را بیان کرده لذا مشکل است اشاره مقنن را در ماد ۶۵ه و بند ۲ از ماده ۲۶۲ لایحه اصـلاحی به کاهش سرمایه از طریق بازخرید سهام به عنوان قاعده خاص تلقی نمـود. ممکن است گفته شـود که اگر بازخریـد سـهام شـرکت تـوام بـا تقلیـل سـرمایه باشـد در این صورت لطمه ای به حقوق صاحبان سـهم و اشخاص ثالث وارد نمی شود. در پاسخ می توان گفت که اگر این کاهش تحت ضوابط دقیق قانونی صورت نگیرد و متاسـفانه قانون تجارت ایران آن را پیش بینی ننموده است امکان دارد که شرکت به تغییرات صوری سرمایه مبادرت ورزد و چنین عملی برخلاـف اصل ثبات وثیقه طلب طلبکاران و رعایت تساوی حقوق صاحبان سـهام خواهـد بود. از وظایف دیگر مجمع عمومی فوق العاده تغییرات در اساسـنامه و تبـدیل نوع شـرکت می باشـد. به هر حال مجمع عمومی فوق العاده به علت تصـمیمات مهمی که اتخـاذ می نمایـد از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به همین دلیـل نصـاب اتخاذ تصـمیم در این مجمع با ۳/۲ آرا حاضـر در جلسه اتخاذ می گردد.

۱۰– تصفیه شرکت های سهامی

شرکت های سـهامی عام و خاص – تصفیه شرکت های سهامی نتایج انحلال شرکت تصفیه و تقسیم اموال آن است. تصفیه و تقسیم اموال شـرکت در زمـانی که شـرکت به حکم دادگاه باطل اعلام می گردد نیز انجام می شود (ماده ۲۷۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷). لایحه قانونی ۱۳۴۷ نسبت به قانون تجارت ۱۳۱۱ در مورد تصفیه امور شرکت وتقسیم اموال آن مقررات کامل تری دارد. با تصمیم مجمع

عمومی فوق العاده صاحبان سهام به انحلال شرکت تجاری دوران تصفیه شرکت آغاز می گردد. در انحلال غیر اختیاری نیز با تصمیم مرجع ذیصلاح قضایی مبنی بر انحلال شرکت دوران تصفیه شروع می شود. از آنجا که قانونگذار به لحاظ حفظ حقوق سهامداران واشخاص ثالث ذینفع و نیز پرداخت سریعتر دیون شرکت بر مسئله تسریع در امر تصفیه و کوتاه شدن زمان تصفیه تاکید خاصی معمول داشته و سقف زمانی خاصی را برای ماموریت مدیران منظور نموده است لذا بدین لحاظ از ایجاد هر گونه فاصله ای در مدت تصفیه که امور مربوطه را معلق و معطل بگذارد اجتناب و مقررات نسبتا روشنی را برای انتخاب عزل تمدید و پایان ماموریت مدیران تصفیه پیش بینی نموده است. مجمعوع عملیاتی را که پس از انحلال شرکت به منظور پرداخت قروض و وصول مطالبات و تقسیم مازاد دارایی شرکت انجام می دهند تصفیه امورشرکت می گویند. شخصیت حقوقی شرکت در حال تصفیه بقای شخصیت حقوقی شرکت در دوران تصفیه موجب بهره مندی شرکت از مزایای یک شخص حقوقی را فراهم می آور و در طول مدت تصفیه شرکت از این مزایا می تواند استفاده کند و در نتیجه در دوران تصفیه اولا مدیران تصفیه می توانند به نام شرکت در حال تصفیه اقدامات لازم را برای انجام عملیات تصفیه و خاتمه حیات شخص حقوقی ایجاد شده بنمایند. (ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت) ثانیا بستانکاران شرکت بدوا حق رجوع به سهامدراان برای ایفای طلب خود را ندارند و پاسخگوی مطالبات آنان شرکت در حال تصفیه می باشد نه شخص سهامداران مگر اینکه در شرکت های شخص دارایی شرکت تکافوی بدهی های آن را بنماید که در این صورت نیز پس از تادیه بدهی ها از شرکت به قدر ممکن طبق قانون تجارت رجوع به سهامداران ممکن می گردد.(ماده ۱۱۶ ق.ت) ثالثا اموال و دارایی های متعلق به شرکت با ابقای شخصیت حقوقی شرکت پس از انحلال نیز در اختیار و ملکیت شخص حقوقی خواهد ماند تا اینکه حقوق اشخاص ثالث و بستانکاران تایده گردد سپس مازاد بر آن طبق مقررات تقسیم خواهد شد (ماده ۲۳۳ ل.ا.ق.ت) رابعا کلیه دعاوی بر ضد شرکت و یا دعاوی شرکت بر ضد اشخاص به نام و از طرف شرکت اقامه می شود و شرکا یا سهامداران مادام که شخصیت حقوقی باشد نمی توانند برای پرداخت بدهی مربوط به شرکت مورد تعقیب واقع شوند (ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت). بنابراین شرکت در طول تصفیه شخصیت حقوقی خود را حفظ می کند در نتیجه دارای حقوق و تعهداتی مستقل از شرکاست البته حقوق وتعهداتی محدودتر از زمان قبل از انحلال آن. وجود شخصیت حقوقی ناقص شرکت (که فقط به منظور امر تصفیه باقی می ماند) نتایجی در بردارد که با نتایج وجود شخصیت حقوقی کامل شرکت متفاوت است. - نام شرکت : طبق ماده ۲۰۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷ نام شرکت در طول امر تصفیه ذکر می شود. هم چنین نام مدیریا مدیران تصفیه باید در تمام اوراق و آگهی هیا مربوط به شرکت قید گردد. نتیجه این وضع این است که تا زمانی که امر تصفیه به پایان نرسیده است هیچ شرکت دیگری حق ندارد از نام شرکت استفاده کند.هر گاه مدیر تصفیه از اجرای مقررات ماده ۲۰۶ خودداری کند وبه این سبب به اشخاص ثالث زیان وارد شود(برای مثال اشخاص بدون آنکه بدانند شرکت در حال تصفیه است با او معامله کنند) مدیر تصفیه با توجه به قواعد عام مسئولیت مدنی محکوم به پرداخت خسارات وارده بر آنها خواهد بود. - نشانی شرکت: شرکت در طول تصفیه نشانی سابق خود را حفظ خواهد کرد (نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد. (ماده ۲۰۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷). لازم نیست این نشانی در اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید شود چه آنجه لازم نیست در اوراق و آگهی های مذکور ذکر گردد عبارت (در حال تصفیه) است نه چیز دیگر (ماده ۲۰۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷) البته این امر نقصی است که در قانون وجود دارد و قانونگذار باید آن را رفع کند. - اهلیت شرکت: شرکت فقط برای انجام یافتن امور تصفیه موجود است: یعنی اقدامات مدیر تصفیه به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت محدود می شود و معاملات جدید ممنوع است مگر برای اجرای تعهدات شرکت (ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷)این محدودیت تصمیمات مجمع عمومی در زمان تصفیه را نیز شامل می شود. یعنی مجمع عمومی فقط در مورد امور تصفیه می تواند تصمیم گیری کند. برای مثال نمی تواند تصمیم بگیرد

که شرکت به شرکت ديگی تبديل شود. - دارايی شرکت: شرکت در زمان تصفيه دارايی خود را حفظ می کند و انحلال آن موجب نمی شود دارايی اش به صورت مشاع غير مشاع در مالکيت قرار گيرد. اين قاعده کاملا- منطقی است چه دارايی شرکت تضمين طلب طلبکاران آن است و طلبکاران شرکا نسبت به آن حقی ندارند. - ورشکستگی شرکت: هر گاه در حين امر تصفيه معلوم شود که شرکت ورشکسته است می توان صدور حکم ورشکستگی آن را از دادگاه صلاحيت درا مرکز اصلی شرکت تقاضا کرد. در اين صورت تصفيه امور شرکت وتقسيم دارايی آن مطابق مقررات مربوط به ورشکستگی انجام خواهد شد(ماده ۲۰۳ لايحه قانونی ۱۳۴۷). - اقامه دعوی: شرکت در حال تصفيه می تواند عليه اشخاص ديگر اقامه دعوی کند و هم چنين می توان آن را مورد تعقيب قضايی قرارداد . اقامه کننده دعوی برای شرکت منحصرا مدير تصفيه است و طرف دعوی اشخاص ثالث عليه شرکت نيز شخص اخير است نه شرکای شرکت. مديران تصفيه امر تصفيه با مديران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت يا مجمع عمومی فوق العاده ای که رای به انحلال شرکت می دهد ترتيب ديگری مقرر داشته باشد (ماده ۲۰۴ ل.ا.ق.ت) در مواردی که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می گيرد. مدير يا مديران تصفيه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال تعيين خواهد کرد. در صورتی که به هر علت مدير تصفيه تعيين نشده باشد يا تعيين شده ولی به وظايف خود عمل نکند هر ذينفع حق دارد تعيين مدير تصفيه را از دادگاه درخواست کند ماده ۲۰۵ لايحه اصلاح قانون تجارت. بدين ترتيب می توان گفت که مديران تصفيه شرکت سهامی عبارت خواهند بود از : - هيئت مديره شرکت - يا شخص يا اشخاصی که اساسنامه تعيين کرده است - يا شخص يا اشخاصی که مجمع عمومی فوق العاده تعيين می کند. - يا شخص يا اشخاصی که دادگاه تعيين می نمايد. درهر مورد که بر اثر انحلال يا بطلان شرکت مدير تصفيه بايد از طرف دادگاه تعيين شود و مدير يا مديران تصفيه ای که توسط دادگاه تعيين شده اند حاضرين به قبول سمت مديريت تصفيه نباشند دادگاه امر تصفيه را به اداره تصفيه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می نمايد. تبصره - تعيين حق الزحمه مدير يا مديران تصفيه ای که توسط دادگاه تعيين می گردد به عهده دادگاه است. اعلام به مرجع ثبت شرکتها مديران تصفيه مکلفند ظرف پنج روز تصميم راجع به انحلال واسامی مدير يا مديران تصفيه و نشانی آنها را به مرجع ثبت شرکت اعلام تا پس از ثبت برای اطلاع عمومی درروزنامه رسمی و روزنامه کثير الانتشاری که اطلاعيه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود. انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسيده و اعلان نشده است نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است. چندنکته قابل ذکر است: - نشانی مديريا مديران تصفيه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود. مگر آنکه موجب تصميم مجمع عمومی فوق العاده ياحکم دادگاه نشانی ديگری تعيين شده باشد. - در مدت تصفيه اطلاعيه ها و آگهی های شرکت در حال تصفيه درهمان روزنامه کثير الانتشاری انتشار می يابد که توسط آخرين مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعيين شده است. - مدير يا مديران تصفيه هر شرکت سهامی که عالما ظرف يک ماه پس از انتخاب تصميم راجع به انحلال شرکت و نام نشانی خود را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام نکنند به حبس يا جزای نقدی يا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. برفرض صحت ادعا مبنی بر توقف يا انحلال و تصفيه شرکت با عنايت به مدلول و مدت ملاک ماده ۲۰۹ قانون تجارت لزوما می بايست به اداره ثبت شرکت ها اعلام و آگهی شود که پاسخ استعلام دايره ثبت شرکت ها چنين حکايتی ندارد. مدت ماموريت مدير تصفيه قانونگذار به منظور جلوگيری از طولانی شدن مدت تصفيه در ماد ه۲۱۴ لايحه قانون ۱۳۴۷ مقرر کرده است: (مدت ماموريت مدير يا مديران تصفيه نبايد از دو سال تجاوز کند . اگر تا پايان ماموريت مديران تصفيه خاتمه نيافته باشد مدير يا مديران تصفيه بايد با ذکر علل وجهات خاتمه نيافتن تصفيه امورشرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفيه لازم می دانند و تدابيری را که جهت پايان دادن به امر تصفيه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهم رسانيده تمديد مدت ماموريت خود را خواستار شوند. تطويل زمان تصفيه علی القاعده موجبات ايجاد هزينه های زياد و ضرر و زيان صاحبان سهم و يا اشخاص ذينفع ديگر را فراهم می آورد و چه بسا اطمينان مردم را از شرکت های تجاری بکاهد لذا مديران تصفيه می بايست هر چه سريعتر ود

رحداقل زمان ممکن عملیات تصفیه را به انجم برسانند و ختم عملیات تصفیه را اعلام کنند. بدین منظور قانونگذار مهلت زمان خاصی را پیش بینی نموده است تا از طولانی نمودن زمان تصفیه توسط مدیران جلوگیری گردد. علی الاصول تمدید ماموریت بامرجعی است که مدیر تصفیه را تعیین می نماید اگر مدیران توسط صاحبان سهام انتخاب شده باشند تمدید زمان ماموریت آنان یا مجمع عمومی شرکت است و چنانچه مدیران از طرف دادگاه انتخاب شده باشند می باید با رعایت تشریفات مقرر توسط دادگاه تمدید ماموریت صورت گیرد. انتخاب اولین مدیران تصفیه شرکت توسط مجمع عمومی فوق العاده شرکت (که تصمیم به انحلال شرکت می گیرد) انجام می شود ولی به نظر نمی رسد که تمدید ماموریت آنان نیز به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده داشته باشد بلکه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام نیز می تواند دراین خصوص اتخاذ تصمیم نماید بهتر است که موضوع توسط قانونگذار تصریح شود. فوت و حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه درصورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و درصورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخا بکند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین مدیرتصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرا به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکت ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد با فوت مدیر تصفیه این سمت به خاندان ورثه او منتقل نمی شود مگراینکه مجمع از ورثه وی فردی را به عنوان مدیر انتخاب نماید. عزل مدیر در مدت ماموریت اگر برای مدیران تصفیه نقش وکیل برای صاحبان سهام را قایل باشیم با عنایت به اینکه موکل حق عزل وکیل خود را در هر موقعی دارد سهامداران می توانند هر موقع بخواهند مدیران منتخب را معزول نمایند. منتها چون مدیران وکی اکثریت سهامداران شرکت هستند لذا عزل آنها موکول به تصمیم مجمع عمومی و مرجعی است که آنان را انتخاب نموده است. در مواردی نیز که مدیران تویط دادگاه تعیین می شوند دادگاه به عنوان قائم مقام قانونی صاحبان سهام حق عزل مدیران را دارد. دراینجا این پرسش مطرح است که آیا صاحبان سهام به هر کیفتی که اراده کنند می توانند از این حق خود در جهت عزل و نصب مدیران استفاده کنند یا اینکه در اعمال آن محدودیت دارند؟ و آیا مدیران می توانند از بابت عزل خود از سمت مدیریت شرکت تقاضای ضرر و زیان وادعای خسارت نمایند؟ پاسخ به پرسش های فوق به مسئله سو استفاده یا حسن نیت شخص دراعمال حق قانونی اش برمی گردد. بدیهی است که اگر عزل مدیر به طور عادی و در شرایط طبیعی انجام شود و این عزل و برکناری به قصد اضرار به مدیر انجام نگردد و از این رهگذر مدیران به طور مادی یا معنوی متضرر نگردند هیچ گونه مسئولیتی متوجه صاحبان سهام نخواهد شد و مدیران معزول نیز نمی توانند درخواست ضرر و زیان بنمایند چرا که این حق مسلم صاحبان سهم است که برای رعایت مصالح و منافع خود مدیری راکه در لیاقت و کفایت او شک می کنند از مدیریت شرکت معاف نمایند واو را بر کنار کنند. امکان عزل مدیر قبل از اتمام مدت مقرر در اساسنامه : طبق مواد ۴۸ و ۵۱ قانون تجارت (منسوخه) مدیر یا مدیران شرکت سهامی که برای مدت محدودی به مدیریت انتخاب می شوند قابل عزل می باشند و با ملاحظه مفاد این مواد پیداست که مجمع عمومی می تواند هر وقت بخواهد در طول مدت تصدی مدیر یا مدیران اقدام به عزل آنها بنماید بنابراین تعیین مدت در اساسنامه برای تصدی مدیر یا مدیران تاثیری در حق مجمع عمومی از لحاظ اختیار عزل که قانون برای آن مجمع مقرر دانسته ندارد ودر چنین مواقعی

برای عزل مدیر یا مدیران حاجت به تغییر مواد اساسنامه نمی باشد. وظایف و اختیارات مدیر و یا هیئت مدیره تصفیه از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه می یابد و تصفیه شرکت شروع می شود. وظایف و اختیارات هیئت تصفیه به قرار زیر است: - تحویل کلیه اموال و دفاتر واوراق و اسناد مربوط به شرکت تنظیم صورت جلسه ای که به امضای مدیران شرکت و هیئت تصفیه برسد. - خاتمه دادن کارهای جاری با قید اینکه کار جدید شروع نخواهد شد. - اجرای تعهدات شرکت و عدم قبول تعهد جدید مگر اینکه اجرای تعهدات سابق شرکت معاملات جدیدی را ایجاب نماید. - وصول مطالبات - پرداخت بدهی ها. - طرح دعوی و تعقیب دعاوی سابق و دفاع از کلیه دعاوی مطروحه بر علیه شرکت از طریق دادرسی یا ارجاع به داوری و سازش راسا یا بوسیله وکیل دادگستری. -نقد کردن دارایی شرکت: مدیر یا مدیران تصفیه باید اموال شرکت را اعم از منقول وغیر منقول به فروش رسانیده و تبدیل به پول نقد کنند. زیرا علاوه بر پرداخت دیون شرکت که باید نقدی باشد تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام آن نیز باید نقدی انجام گیرد. مدیر یا مدیران تصفیه در فروش اموال باید صلاح و صرفه شرکت را مراعات کنند. هر چند قانون بیانی در این خصوص ندارد. ولی صواب این است که فروش اموال از طریق مزایده و با کسب نظر کارشناس رسمی به عمل آید. - دعوت بستانکاران: مدیر یا مدیران تصفیه باید طی آگهی که سه دفعه و هر دفعه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه و آگهی های مربوط به شرکت در آن مندرج می شود منتشر می کند شروع تصفیه را اعلان و بستانکاران شرکت را دعوت نمایند. بررسی اسناد در دست بستانکاران که مراجعه می کنند و تهیه لیستی از دیون مالی و موجل شرکت از اموری است که مدیران تصفیه باید آن را انجام دهند. - بستانکاران شرکت می توانند انواع زیر باشند: - بستانکاران با وثیقه - بستانکاران با حق رجحان. - بستانکاران عادی. بستانکاری که دارای وثیقه است نسبت به حاص فروش مال مورد وثیقه بر سایر طلبکاران مقدم خواهد بود و از مبلغ به دست آمده از فروش آن نخست طلب او باید پرداخت گردد. بستانکاران باحق رجحان شرکت منحله عبارتند از: - کارکنان شرکت برای شش ماه حقوق و دستمزد قبل از انحلال شرکت. - کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای مزد سه ماه قبل از انحلال شرکت. گروه اول در دریافت حقوق ودستمزد خود از دارایی شرکت منحله برگروه دوم مقدم هستند. اول حقوق و دستمزد آنها به طور کامل پرداخت می شود و سپس به پرداخت دستمزد استحقاقی گروه دوم اقدام می گردد. مطالبات بستانکاران عادی بعد از بستانکاران با حق رجحان پرداخت می شود. - تقسیم دارایی نقدی شرکت بین صاحبان سهام به نسبت سهام آنها به شرطی که در مدت تصفیه مورد احتیاج نبوده و حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده موضوع شود. - دعوت مجمع عمومی عادی سالانه سهامداران مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است. - تسلیم گزارش و صورت حساب دارایی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود وزیان دوره عملکرد سالانه با کلیه اقدامات و معاملات که انجام شده است. تبصره ۱- صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات حسابها در دوره تصفیه کسب اطلاع کنند. تبصره ۲- در صورتی که مجمع عمومی دو دفعه دعوت شود ولی تشکیل نگردد و یا تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد باید مدیران تصفیه گزارش عملیات خود را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند. - دعوت مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام درصورت لزوم طبق تشریفاتی که قبل از انحلال انجام می گرفت. - باز پرداخت مبلغ رسمی سهام به سهامداران پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و پرداخت کلیه دیون شرکت. - تودیع باقیمانده وجوه در حساب مخصوص نزدیکی از بانک های ایران با تسلیم صورت حساب و اسامی بستانکارا و صاحبان سهامی که حقوق خود را استیفا نکرده اند وآگهی مراتب در روزنامه . تبصره - این وجوه تا ده سال دراختیار بانک خواهد بود که به مراجعه کنندگان ذی حق پرداخت شود و سپس از پایان ده سال به عنوان مال بلاصاحب به خزانه دولت تحویل خواهد شد. - اعلام پایان تصفیه به ثبت شرکت ها برای ثبت و انتشار در روزنامه کثیرالانتشار در روزنامه کثیرالانتشار. - تحویل دفاتر و اسناد و مدارک به اداره ثبت شرکتها که تا ده سال از اعلام ختم تصفیه باقی بماند. ممنوعیت مدیران

تصفیه به موجب ماده ۲۱۳ لایحه اصلاح قانون تجارت انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلا یا بعضا اشخاص زیرممنوع است: - مدیر یا مدیران تصفیه - اقارب مدیر یا مدیران تصفیه از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم به تصریح ماده مزبور هر نقل و انتقالی که برخلاف مقررات فوق انجام گیرد باطل خواهد بود. علاوه بر آن مدیر یا مدیران تصفیه ای که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت درحال تصفیه مبادرت کنند به مجازات حبس محکوم خواهند شد. ناظر یا ناظران دعوت مجامع عمومی درکلیه موارد به عهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به تکلیف مزبور عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود. اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی می تواند برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر تعیین نماید. در صورتی که ناظر یا ناظران نیز به تکلیف خود عمل نکرده و به دعوت مجمع عمومی اقدام ننمایند یا ناظر در اساسنامه پیش بینی نشده یا مجمع عمومی به تعیین ناظر اقدام نکرده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد. اساسنامه یا مجمع عمومی صاحبان سهام می تواند برای دوره تصفیه ناظر یا ناظرانی تعیین کند ناظر یا ناظران مکلفند به عملیات تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کنند. به نظر می رسد که مجمع عمومی عادی می تواند به عزل ناظر یا ناظران و تعیین جانشین برای آنها اقدام کند. وضعیت شرکت در مدت تصفیه همانطور که قبلا گفته شد برابر ماده ۲۱۷ لایحه اصلاح قانون تجارت مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفاتی که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارش حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. ضمانت اجرای کیفری این ماده در بند ۳ ماده ۲۶۸ ذکر گردیده است. در مدت زمان تصفیه صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حساب ها کسب اطلاع کنند. در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت وتشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هر گونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد منتشر شود. درماده ۲۲۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت لزوم مطلع کردن سهامداران از عدم تشکیل مجامع عمومی صحبت شده وتصریح دارد:(در مواردی که به موجب این قانون هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط درآن درج می گردد برای اطلاع عمومی سهامدراان منتشر کنند. و بالاخره آن قسمت از دارایی نقدی شکرت که در مدت تصفیه مورداحتیاج نیست بین صاحبان سهام تقسیم می شود مشروط بر اینکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

۱۱- مسئولیت مدنی و جزایی در شرکت های سهامی

شرکت های سهامی عام و خاص - مسئولیت مدنی و جزایی در شرکت های سهامی با توجه به اینکه شرکت سهامی اعم از خاص و عام از مجموع چند نفر شریک یا سرمایه مشترک که دور هم جمع شده و جهت انجام اعمال واموری که مد نظر شرکا می باشد تشکیل می شود تا مسئولین شرکت با به کارانداختن سرمایه کسب منافع نموده و منافع حاصله را بین شرکا به نسبت سهم تقسیم نمایند و همچنین تشکیل شرکت و انجام فعالیتها مورد نظر شرکت مستلزم ایجاد رابطه و معامله با افراد خارج از شرکت می باشد واز این معاملات و خرید و فروشهایی که شرکت با افراد خارج از شرکت انجام می دهد مبنای حصول سود بوده (سود خالص قابل تقسیم) که این سود بین سهامداران به نسبت سهم تقسیم می شود بر این مبنا شرکا یا مسئولین ممکن است که به خاطر رسیدن به

سود بیشتر دست به تخلفاتی زده و یا با سرمایه اندك اقدام به تاسیس شرکت نموده بنابراین دولت به عنوان حافظ منافع عموم درامر شرکت ها دخالت نموده و با وضع قوانین و مقررات چهارچوبه قانونی تشکیل و فعالیت و سایر اقدامات که از بدو تشکیل شرکت تا زمان انحلال شرکت حتی بعد از انحلال و تصفیه شرکت را مشخص نموده تا بدین طریق منافع و حقوق اشخاص ثالث که با شرکت در مراوده و معامله باشند تضمین شده و شرکا با توسل به تقلب و راههایی غیرقانونی حقوق اشخاص ثالث را در معرض تضییع قراردهد و حتی در بعضی موارد قانون گذار به خاطر حفظ حقوق شرکا و جلوگیری از تفویت منافع شرکت مجبور به تنظیم مقرراتی شده است و بدین وسیله رابطه بین شرکا و وظیفه مسئولین شرکت را مشخص نموده است با این حال قانونگذار تنها به ذکر قواعدکلی و شکلی شرکت اکتفا ننموده و تنها به مقررات تنظیمی بسنده ننموده است بلکه جهت حسن اجرای مقررات و جلوگیری از تخلفات احتمالی ضمانت اجراهایی منظور نموده است که تحت عنوان مقررات جزایی عنوان شده است لذا در صورت تخلف هر یک از ارکان اداره کننده و اجرایی شرکت متخلفین را با تعیین مجازات به کیفر عمل خودشان وعاقبت بی قانونی و تخلف از مقررات مسبوق نموده است این مجازاتها را قانونگذار در بخش یازدهم اصلاحی سال ۴۷ مقرر نموده است لذا بر آن شده ایم تا با تحلیل مقررات جزایی مربوط به این بخش گامی هر چند کوچک در جهت تبیین و تفسیر مقررات جزایی تجارت برداریم. لازم به ذکر است که در هر موردی که حداکثر مجازات قانونی بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل ان کمتر از ۹۱ روز باشد دادگاه موظف است که طبق بند ۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در صورتی که بخواهد به کمتر از ۹۱ روز حبس حکم دهد به جای حکم حبس محکوم را به جزای نقدی از ۷۰۰۰۱ ریال تا سه میلیون ریال محکوم نماید درغیر این صورت اگر دادگاه بخواهد اعمال حبس نماید باید مجازات حبس را بیش از ۹۱ روز معین نماید. لازم به ذکر است که کلیه مواد استنادی در این مورد منظور قانون لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ می باشد در غیر این صورت اگر منظور قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ و یا سایر قوانین باشد درکنار مواد مرجع استنادی تصریح خواهد شد.

۱۲- انتخاب وعزل بازرس یا بازرسان

شرکت های سهامی عام و خاص - انتخاب وعزل بازرس یا بازرسان انتخاب بازرس یا بازرسان در شرکت های سهامی اجباری است و مدت ماموریت بازرسان حداکثر یک سال می باشد. مجمع عمومی عادی درهر سال یک یا چند بازرس انتخاب می کند تا بر طبق قانون به وظایف خود عمل کند انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است. (ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت) ۱۳۴۷) انتخاب اولین بازرس یا بازرسان در شرکت های سهامی عام با مجمع عمومی موسس (ماده ۱۴۵(ل.ا.ق.ت) ۱۳۴۷) و در شرکت های سهامی خاص با سهامداران شرکت است که مطابق بند ۳ ماده ۲۰(ل.ا.ق.ت) این انتخاب باید در صورتجلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران برسد. علاوه بر انتخاب بازرس یا بازرسان اصلی مجمع عمومی باید یك یا چند بازرس علی البدل نیز انتخاب کند تا درصورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند(ماده ۱۴۶ (ل.ا.ق.ت)). مطابق تبصره ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت)در حوزه هایی که وزارت اقتصاد اعلام می کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکت های سهامی عام اشخاصی می توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکت ها مندرج شده باشد. ماده ۱ آیین نامه اجرایی تبصره ماده مزبور مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۴۹ کمیسیون اقتصاد مجلسین شرایط لازم برای بازرسان شرکت های سهامی عام را به شرح زیر تعیین می نماید: - داشتن حسن شهرت و نداشتن کیفری موثر. - داشتن درجه لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته های متناسب با وظایف و مسئولیت های بازرسی به تشخیص کمیسیون مذکور در ماده ۲. - عدم اشتغال به نمایندگی در مجلس. - عدم اشتغال به طور تمام وقت در موسسات وابسته به دولت و شهرداریها و موسسات وابسته به آن. در حقوق ایالات متحده آمریکا آنگلیس و فرانسه بازرس انتخاب می شود نظر بازرس در صحت و درستی حسابهای شرکت و

اطلاعات داده شده به سهامداران و مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار است و موجبات جلب اعتماد مردم را به سرمایه گذاری فرام می سازد. ضمنا حق الزحمه بازرسان براساس ماده ۱۵۵ (ل.ا.ق.ت) در مجمع عمومی عادی سالیانه تعیین می گردد. به موجب ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت) مجمع عمومی عادی درهر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نمایـد. به موج بماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) برای انتخاب بازرسان اکثریت نسبی آرا حاضر در جلسه رسمی معتبر می باشد و نیازی به اکثریت مطلق آرا نمی باشد. مکانیزم تعیین شده برای انتخاب مدیران با توجه به سکوت قانون در خصوص بازرسان در مورد آنان نیز لازم الرعایه می باشد. با توجه به حساسیت وظایف بازرسان به عنوان ارگان کنترل کننده شرکت های سهامی و در جهت حفظ حقوق سهامداران قانونگذار در خصوص انتخاب افراد به عنوان بازرس یا بازرسین شرکت مقررات سختی را وضع نموده است. به موجب ماده ۱۴۷ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر نیم توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند: اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این (ل.ا.ق.ت) ماده مذکور درخصوص صفات سلبیه اشخاصی است که به مدیریت شرکت های سهامی انتخاب می شونـد که عبارتست از: - محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. - کسانی که به علت ارتکاب جنایبت یا یکی از جنحه های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلا یا بعضا محروم شده باشند درمدت محرومیت سرقت خیانت درامانت کلاهبرداری جنحه هایی که موجب قانون در حکم خیانت درامانت یا کلاهبرداری شناخته شده است اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی. - مدیران و مدیرعامل شرکت بدیهی است اشخاص که اعمال آنها موضوع وظایف بازرسی است خود نمی توانند به عنوان بازرس انتخاب گردند. - اقربا سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم - هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکوردر بند ۲ موظفا حقوق دریافت می دارد.

۱۳- نحوه فعالیت هیئت مدیره

شرکت های سهامی عام و خاص - نحوه فعالیت هیئت مدیره برابر ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت.) شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. درمقررات شرکت سهامی (ق.ت) ۱۳۱۱ نیز طبق ماده ۴۸ آن اداره شرکت بعهده یک یا چند نفر واگذار شده بود. ماده مذکور مقرر می داشت (شرکت سهامی به واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف که از میان شرکا به سمت مدیر و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل باشند اداره خواهد شد.) بطوری که ملاحظه می گردد به موجب ماده اخیر الذکر اداره شرکت سهامی توسط یک نفرهم امکان پذیر بود. ولی باوجود صراحت ماده مذکور عملا شرکت های سهامی به وسیله هیئت مدیره اداره می گردید. در مقررات شرکت های سهامی سابق راجع به قلمرو اختیارات مدیران شرکت های سهامی تصریحی وجود نداشت فقط در ماده ۵۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به مسئولیت مدیران اشاره کرده بود. به موجب ماده مذکور (مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل د رمقابل موکل دارد).از این رو قلمرو اختیارات مدیران محدود به قلمرو وکیل و تابع مقررات وکالت بود. و اساسنامه شرکت می توانست اختیارات مدیران را به طور وسیع معین یا آنکه آنها را محدودکند. در صورتیکه اختیارات مدیران در اساسنامه پیش بینی نشده یا محدود تعیین شده بود با توجه به مقررات قانون مدنی درباب وکالت هیئت مدیره ناچار بود برای انجام امور شرکت در هر مورد برای گرفتن مجوز به مجمع عمومی مراجعه کند.البته بعدها برای جلوگیری از این گرفتاریها اغلب شرکتها در اساسنامه طی ماده مخصوصی کلیه اختیارات لازم برای هیئت مدیره پیش بینی می کردند. البته بعضی از مدیران نیز برای فرار از مسئولیت انجام بیشتر امورشرکت را موکول به تصویب مجمع عمومی می نمودند. در (ل.ا.ق.ت) مصوب ۱۳۴۷ قانونگذار با این نگاه که اولا مدیران شرکت وکیل صاحبان سهام نیستند بلکه وکیل شرکت که یک شخصیت حقوقی علیحده است می باشند ثانیا شرکت سهامی یک سازمان حقوقی مستقلی بوده و دارای ارکان تشکیلاتی که هیئت مدیره یکی از ارکان می باشد و با توجه به اینکه هر

یـک از اعضـا ارکـان شـرکت دارای وظایف و اختیارات خاصـی بوده که نبایـد در وظایف و اختیارات یکـدیگر دخالت مبادرت به تصویب ماده ۱۱۸ کرد به موجب ماده مذکور :(جز در مورد موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صـلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امورشرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.) هر چند که ماده مذکور علی الاطلاق راجع به قلمرو اختیارات مدیران شـرکت سـهامی سخن بهمیان آورده لیکن مقررات این ماده فقط راجع به اعضای هیئت مـدیره است و مدیرعامل رادر بر نمی گیرد. حدوداختیارات مدیرعامل نشات گرفته از هیئت مدیره است ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص مقرر کرده است: (مـدیر عامـل شـرکت در حـدود اختیـاراتی که توسط هیئت مـدیره به او تفویض شده است نمانیده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد.) بطوری که ملاحظه می گردد ماده ۱۱۸ مذکور اختیارات تام هیئت مـدیره مقیـد به دو قیـد نمـوده که راجع به هر یـک از آنهـا توضـیحاتی داده خواهـد شـد. - هیئت مـدیره نمی توانـد راجع به موضوعـاتی که به موجب مقررات (ل.ا.ق.ت) اخـذ تصـمیم و اقـدام دربـاره آنها در صـلاحیت خاص مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده هیـچ گونه اقـدامی انجـام دهـد.بـدین ترتیب هیئت مـدیره نمی توانـد اعضای خود را انتخاب یا عزل کنـد یا حق حضور مـدیران را تعیین نمایـد یـا آنکه ترازنـامه سالیانه و حساب سود و زیان شـرکت را تصویب کنـد. چه این موارد در صـلاحیت مجامع عمومی عادی شـرکت می باشد. همینطور هیئت مدیره نمی تواند مقررات اساسـنامه را مورد تغییر یا اصلاح قراردهد یا آنکه سرمایه شرکت را کم یـا زیـاد کنـد. زیرا این موارد در صـلاحیت خـاص مجامع عمومی فوق العـاده است. - تصـمیمات هیئت مـدیره بـاید درحدود موضوع شـرکت باشد اقدامات وتصمیمات مدیران در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که قاعده مذکور در آن رعایت شـده باشد. این قاعده با این منطق حقوقی منطبق است که مدیران نمی توانند بیشتر از شـرکت دارای حق باشـند. این راه حل که برای حفظ حقوق شرکت و شرکای شرکت مقرر شده بیشتر باقواعد وکالت سازگاری دارد تا با مقررات مربوط به امور تجارت. گفتیم که هیئت مدیره بایستی در چارچوب اساسـنامه شـرکت و موضوعی که شـرکت برای آن بوجود آمده فعالیت نماید. حال اگر هیئت مدیره دایره عمل و اقدام خود را به خارج از موضوع شـرکت بکشاند یا آنکه فقط در خارج از موضوع شرکت فعالیت کند به موجب مفهوم مخالف ماده ۱۱۸ مورد بحث در مقابل شرکت مسئول می باشد. این امر ممکن است به حقوق شخص ثالث که طرف عمل واقـدام هیئت مـدیره می باشـد لطمه وارد نمایـد. یعنی ممکن است عمل یا اقـدام مـذکور از سوی دادگاه باطل اعلام و موجب ضرر شـخص ثـالث گردد. در این خصوص بعضـی از علمای حقوق تجارت عقیـده دارنـد که چنانچه هیئت مـدیره شـرکت سـهامی خارج از چارچوب و موضوع شـرکت اقـدام کنـد در مقابل اشـخاص ثالث با حسن نیت مسـئولیت دارنـد. طبق نظر مـذکور اقدامات هیئت مـدیره در قبـال اشـخاص ثـالث معتبر است حتی اگر اقـدامات مـذکور خـارج از موضوع شـرکت باشـد مگر اینکه ثـابت شود اشـخاص ثالث از اقدامات خارج از موضوع شـرکت هیئت مدیره اطلاع داشته و با این عمل با شرکت رابطه تجاری برقرار کرده اند. به هر حـال به نظر میرسـد مـاده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) تـاب تفسیر فوق را نـدارد و در فرض مطروحه شـخص ثـالث فقط می توانـدجبران خسارت وارده را از هیئت مـدیره مطالبه کند و در توجیه ان می تواند گفت که شـرکت های سـهامی خاص پس از تشـکیل باید در اداره کل ثبت شـرکت ها و مالکیت صـنعتی به ثبت برسـند و پس از ثبت لازم است که آگهی تاسیس شـرکت مذکور برای اطلاع عموم روزنامه رسـمی کشورجمهوری اسـلامی ایران و یکی از روزنامه های کثیر الانتشار درج گردد. آگهی مذکور مشتمل است بر مشـخصات کامل شـرکت سـهامی خاص از جمله نام میزان سـرمایه مرکز اصـلی مدت شـرکت و دارندگان امضای مجاز و مهمتر از همه موضوع شـکرت و نوع فعالیتهای که شـرکت به منظور آن تشـکیل می شود. بنابراین فرض قانونگذار این است که شخص ثالث طرف عمل و اقدام شـرکت به موضوع شـرکت اشـرف دارد. بنابراین اگر قرار منعقده خارج از موضوع شرکت باشد شرکت در قبال

آن مسئوليت نـدارد و ثالث فقط مى توانـد به اعضاى هيئت مـديره و مديرعامل (اشخاصـى كه بى واسـطه در انعقاد قرارداد دخالت داشـته اند) مراجعه كند. بنابراين لازم است كه افراد (اعم از شـخص حقيقى يا حقوقى) در معاملات با شركت هاى سهامى ابتدائا در ماده موضوع شركت تحقيق كرده و با اين شناخت اقدام خود را آغاز كنند و گرنه ممكن است متحمل ضرر گردند. با تصويب ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) اعضاى هيئت مـديره داراى كليه اختيارات تام براى اداره امور شـركت در محدود موضوع شـركت مى باشـند و مى تواننـد بى نياز از داشـتن وكالتنامه كليه امور شـركت را تحت عنوان (هيئت مـديره شـركت) انجام دهنـد. ماده ۵۸۸ ق.ت. مقرر مى دارد: شـخص حقوقى مى توانـد داراى كيه حقوق و تكـاليفى شود كه قـانون براى افراد قائل است مگر حقوق و وظايفى كه بالطبيعه فقط انسان ممكن است داراى آن باشـد مانند حقوق و وظايف ابوت بنوت و امثال ذلك. طبق ماده مذكور شـركت سـهامى كه يك شخص حقوقى است مى تواند به نام شـركت اقامه دعوى كند يا به دفاع از دعوايى كه عليه شركت شده بپردازد خريد و فروش كند وام بگيرد يا وام بدهـد رهن بدهـد يا رهن بگيرد وقس عليهذا. و چون اعمال حقوقى مذكور توسط هيئت مديره انجام گيرد لذا ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) هيئت مـديره شـركت را بـاكليه اختيـارات لازم مامور اداره امور شـركت نموده بجز آنچه را كه اسـتناد كرده است. لايحه اصـلاح قانون تجارت در ماده ۱۲۹ اعضاى هيئت مـديره (و اشـخاص ديگرى) را كه بـدون اجازه هيئت مديره مسـتقيم يا غير مسـتقيم طرف معامله يا سـهيم درمعامله مى شونـد از انجام معامله منع كرده است. بايـد توجه داشت ممنوعيت مذكور جز مسـتثنيات ماده ۱۱۸ نمى باشـد معاملات موضوع ماده ۱۲۹ معاملات شخصـى اعضاى هيئت مديره بوده و به شـركت مربوط نمى گردد كه در حيطه ماده ۱۱۸ فراربگيرد. همينطور است معاملات موضوع ماده ۱۳۳ و محدوديت هايى كه در ماده ۱۳۲ براى اعضاى هيئت مديره پيش بينى گرديـده است. راجع به مواد مـذكور در جـاى خود توضـيحات لازم داده خواهـد شـد. در قـانون تجـارت مصوب ۱۳۱۱ مـديران شـركت سـهامى تـابع مقررات وكـالت بودنـد. از آنجـا كه به موجب قوانين مقررات راجع به وكالت انجام بعضـى از اعمال حقوق توسط وكيل نياز به تصـريح آن در قوانين مقررات راجع به وكالت انجام بعضـى از اعمال حقوق توسط وكيل نياز به تصـريح آن در قرارداد دارد. مى بايـد اختيار انجام اين قبيل اعمال توسط هيئت مـديهر در اساسـنامه قيـد مى گرديـد. اختياراتى نظير خريد و فروش وام دادن و وام گرفتن رهن دادن و رهن گرفتن حق مصالحه و سازش و داورى حق وكالت در توكيل حق اقامه دعوى و دفاع از آن بايد مورد به مورد در اساسـنامه تصـريح مى گشت. اگر چنانچه يكى از اختيارات مذكور در اساسـنامه پيش بينى نشده بود در مواقع لزوم هيئت مديره ناگزير از دعوت مجمع عمومى بود تا مجمع مذكور اختيار انجام آن را به هيئت مديره تفويض ميكرد. لايحه اصلاح قانون تجارت در ماده ۱۱۸ بدون در نظر گرفتن محدوديت هايى كه در اساسنامه يا به موجب تصميمات مجامع عمومى براى هيئت مديره در نظر گرفته شده به هيئت مديره اختيار تام براى اداره امور شـركت داده است و بر همين مبنا اشخاص ثالث ميتوانند به شركت (از طريق اعضاى هيئت مـديره آن) فارغ از دغـدغه هاى موضوعات ومسائل درونى شـركت در حدود موضوع شـركت وارد دادو سـتد شـده و روابط تجارى و مالى برقرار كننـد. البته جنانچه در اساسـنامه يا به موجب تصـميمات مجامع عمومى اختيارات تام مـديران محـدود گشـته باشـد مـديران لزوم به رعـايت آن محـدوديت هـا خواهنـد بود و هر گاه خارج از چارچوب پيش بينى شـده مبادرت به اخـذ تصـميم يا اقـدام نماينـد در مقابل شـركت مسـئول خواهند بود. بنابراين اگر هيئت مديره در روند كار اداى شـركت ناچار بايـد پا را فراتر از محدوديت اختياراتش بگذارد نبايد قبل از آنكه نظر مثبت مجمع عمومى شـركت را در مورد آن بگيرد هيچ گونه اقـدامى انجام بدهـد. اگر هيئت مديهر بدون جلب موافقت مجمع مذكور كارخود را انجام بدهد ماده ۱۱۸ اقدام انجام شده را در مورد شخص ثالث نافذ و معتبر مى شناسد. فقط اعضاى هيئت مديره در مقابل شركت مسئول آن اقدام خواهند بود و شركت حق خواهد داشت در صورت ورود خسارت بخود جبران آن را از مديران مطالبه كند. قسـمت اخير ماده ۱۱۸ در اين خصوص مقرر مى دارد: محدود كردن اختيارات مديران در اساسـنامه يا به موجب تصميمات مجامع عمومى فقط از لحاظ روابط بين مديران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشـخاص ثالث باطل و كان لم يكن است. از اين رو شـركت و صاحبان سـهام نمى توانند تقاضاى ابطال

عمل یا اقدام هیئت مدیره را که خارج از حیطه اختیارات او بوده بکنند. اشخاص ثالث نیز نمی توانند به استناد محدودیت هایی که برای مدیران به لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام مقرر شده به آن عمل یا اقدام خدشه ای وارد کنند. شایان ذکراست در صورتی که چارچوب اختیارات هیئت مدیره اساسنامه شرکت از قبل تعیین شده باشد چون لازمه افزایش و کاهش اختیارات مدیران نیاز به تغییر یا اصلاح اساسنامه شرکت دارد از این رو این امر در صلاحیت خاص مجمع عمومی فوق العاده می باشد و مجمع عمومی عادی از این لحاظ نمی تواند کاری انجام دهد بجز عزل مدیران. هیئت عمومی شعب حقوقی دیوانعالی کشور در رای اصراری شماره ۲۲-۱۱/۷/۷۴ راجع به پرونده شماره ۱۵/۱۳۷۴ با استناد به مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ و وحدت ملاک ماده ۱۳۰ (ل.ا.ق.ت) چنین حکم کرده است که عدم رعایت اساسنامه راجع به فروش اموال غیر منقول شرکت سهامی موجب عدم نفوذ معامله در برابر اشخاص ثالث نیست. لازم به ذکر است که اختیاراتی که به موجب ماده ۱۱۸ به مدیران تفویض گردیده برای هیئت مدیره به عنوان یکی از ارکان شرکت وضع شده که با توجه به قواعد و ضوابط تعیین شده در (ل.ا.ق.ت) مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند. بنابراین اعضای هیئت مدیره منفردا حق مداخله در امور شرکت را ندارند. به طوری که اشاره شد اعضای هیئت مدیره منفردا حق مداخله درامور شرکت را ندارند بلکه مجموع آنها با توجه به مقررات ذیربط و اساسنامه شرت باید امور شرکت را اداره نمایند. از آنجا که تعداد مدیران در شرکت های سهامی خاص حداقل سه نفر هستند و اکثرا با توجه به کثرت صاحبان سهام بیش از این دارای مدیر هستند لاجرم در اداره شرکت واتخاذ تصمیم راجع به آن امکان تداخل نظرات وجود دارد لذا قانونگذار برای جلوگیری از این امر رعایت ضوابطی را ضروری اعلام نموده است ماده ۱۲۱ (ل.ا.ق.ت) دراین خصوص مقرر می دارد: برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید با اکثریت ارا حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد. با توجه به تصریح ماده مذکور اعضای هیئت مدیره باید شخصا در جلسات حضور بهم رسانند و نمی توانند به جای خود وکیل یا نماینده اعزام نمایند . این ممنوعیت شامل دادن وکالت یا نمایندگی هر یک از اعضای هئیت مدیره به دیگری نیز می گردد. قبلا- گفتیم که در مقررات شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ تحت شرایطی هر یک از مدیران می توانست برای خود جانشینی به عنوان نماینده تعیین کند. با توجه به صدور ماده چنانچه هیئت مدیره متشکل از ۹ نفر عضو باشد حضور شخصی لااقل ۵ نفر از اعضا درجلسه هیئت مدیره الزامی است تا جلسه رسمیت یابد و گرنه جلسه تشکیل گردید اتخاذ تصمیم منوط به اکثریت آرا حاضرین در جلسه خواهد بود در این جلسه تصمیم یا تصمیمات متخذهع لااقل با تصویب سه نفر از حاضرین معتبر می باشد. هر گاه در اساسنامه اکثریت بیشتری برای تصویب تصمیمات پیش بینی شده باشد طبق قسمت اخیر ماده ۱۲۱ اکثریت مذکورمالک خواهد بود. به نظر می رسد اساسنامه شرکت نمی تواند نصاب مقرر در قسمت اول ماده مذکور را افزایش دهد. زیرا ظاهرا قید استثنا کننده مندرج در قسمت اخیر ماده نظر به اکثریت آرا حاضرین در جلسه دارد نه (حضور بیش از نصف اعضای هیئت مدیره). به هر حال تعیین نصابهایی کمتر از میزان تعیین شده مندرج در ماده ۱۲۱ صحیح نبوده و موجب بطلان تصمیمات متخذه درجلسه هیئت مدیره می باشد. مساله ای که در اینجا مطرح می شود این است که هرگاه نیمی از اعضای حاضر در جلسه موافق و نیمی دیگر مخالف تصمیم گیری در مورد دستور جلسه بودند چه باید کرد؟ به نظر می رسد دراین مورد چون مندرج در قسمت اخیر ماده ۱۲۱ حاصل نگردیده پس تصویبی هم صورت نگرفته است . البته این حالت در مواردی پیش می آید که اکثریتی که در جلسه حضور یافته اند رقم زوجی را تشکیل دهند. حال چنانچه در مورد مساله ای عده موافق و مخالف مساوی باشند و یک یا چند عضو دیگر هیئت مدیره که در جلسه هم حضور دارند حاضر به دادن رای نباشد و باصطلاح رای ممتنع بدهند تکلیف چیست؟ در این مورد هم به نظر می رسد آرا ممتنع را باید جز آرا مخالفین بحساب آورد. معمولا در اساسنامه شرکت ها نوعی ضمانت اجرا در مورد غیبت غیر موجه هر یک از مدیران در هیئت مدیره پیش بینی می گردد بطور مثال غیبت غیرموجه دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب هر مدیری به منزله استعفا او از هیئت مدیره محسوب می گردد.

قانونگذار در ماد ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) برای اداره امور شرکت اختیارات تام به هیئت مدیره داده است.بدیهی است که لازمه این اختیارات ایجاد تکلیف و مسئولیت برای مدیران است و عدم رعایت آنها نیز موجد مسئولیت مدنی و بعضا کیفری است که قانونگذار موارد آنها را در قانون پیش بینی نموده است.با توجه به اینکه اعضای هیئت مدیره منتخب مجمع عمومی موسس یا مجمع عمومی عادی همه در یک سطح قرار دارند و امکان مخدوش گردیدن وظایف و لوث مسئولیت آنها بدون اعمال مدیریت وجود دارد قانونگذار به موجب ماد ۱۱۹۰ (ل.ا.ق.ت) هیئت مدیره را مکلف نموده که از بین خود یک رئیس و یک نایب رئیس انتخاب کند به موجب ماده مذکور: هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخصی حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نائب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هرترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود. به طوری که از ماده مذکور استنباط می گردد هیئت مدیره می تواند مدت ریاست رئیس و نایب رئیس را بطور محدود معین کند. یعنی علاوه بر آنکه مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره نمی تواند بیش از مدت عضویت او در هیئت مدیره باشد هیئت مدیره می تواند مدت مذکور را کمتر از مدت عضویت مدیر تعیین کند. چنانچه این مدت دراساسنامه تعیین شده باشد مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس نباید از مدت مذکور هم تجاوز کند. باید توجه داشت که چون حداکثر مدت مدیریت به موجب ماد ۱۰۹۰ (ل.ا.ق.ت) ۲ سال است مدت مذکور هیچ گاه از دو سال تجاوز نخواهد کرد. ممکن است اساسنامه شرکت نحوه انتخاب رئیس و نایب رئیس را تعیین کرده باشد به هر حال انتخابات مذکور باز هم به عهده هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند ولی بلافاصله باید رئیس و نایب رئیس دیگری را تعیین نماید. ماده مذکور مقرر داشته رئیس و نایب رئیس بای شخص حقیقی باشد. ولی با توجه به اینکه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره نیز باید یک نفر شخص حقیقی را به نمایندگی دائمی خودبه هیئت مدیره معرفی کند لذا نماینده شخص حقوقی هم می تواند به سمت های مذکور انتخاب شود. تبصره ۱ ماده ۱۱۹ در این خصوص مقرر می دارد: از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضوهیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد. می توان گفت مقنن درمورد اینکه رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره حتما شخص حقیقی باشد تاکید ویژه داشته است. مقررات ماده مذکور از قواعد آمره بوده و به موجب قسمت اخیر آن هرترتیبی که خلاف ماده مذکور مقرر شود کان لم یکن می باشد. به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۹ هر گاه رئیس هیئت مدیره موقتا نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهند داد با توجه به این تبصره نایب رئیس هیئت مدیره عهده دار وظیفه ای نخواهد بود مگر آنکه رئیس هیئت مدیره بطور موقت نتواند وظایفش را انجام دهد. به عبارت دیگر وظایف نایب رئیس هیئت مدیره جنبه موقتی دارد و هر گاه رئیس هیئت مدیره به طور دائمی قادر نباشد وظایف خود را انجام دهد باید برای هیئت مدیره رئیس انتخاب شود. رئیس هیئت مدیره که در اولین جلسه هیئت مدیهر از بین اعضا انتخاب می گردد در وهله اول خود عضوی از اعضای هیئت مدیره است که همپای آنان دارای وظایف خاص هیئت مدیره است. لکن قانونگذار به لحاظ اهمیت خاص برخی از وظایف مدیران ابتدائا رئیس هیئت را موظف به انجام آن نموده است و بدیهی است در مواقعی که رئیس هیئت مدیره موقتا نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف خاص او به عهده نایب رئیس خواهد بود. با توجه به مقررات (ل.ا.ق.ت) وظایف رئیس هیئت مدیره را می توان بشرح زیر برشمرد: - دعوت واداره جلسات هیئت مدیره. هر چند که به موجب صدر ماده ۱۲۲ (ل.ا.ق.ت) ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی الزاما با توجه به ماده ۱۲۰ قانون مذکور دعوت و اداره جلسات به عهده رئیس هیئت مدیره خواهد بود. رئیس هیئت مدیره باید در دعوت اعضا مقررات اساسنامه را از قبیل نحوه دعوت اعضا از نظر اینکه دعوت به صورت کتبی باشد یا شفاهی یا غیره نظیر فکس و تلفن مهلت دعوت و محل تشکیل جلسات هیئت مدیره کاملا رعایت نماید. عدم رعایت مقررات مذکور می تواند از جمله

موارد بطلان مصوبات هیئت مـدیره در جلسات مذکور باشد. – دعوت مجامع عمومی عادی سالانه شـرکت وظیفه دیگری که قانون موکـدا برای رئیس هیئت مـدیره پیش بینی کرده مربوط به مواقعی است که هیئت مـدیره مکلف به دعوت مجمع عمومی می باشـد. ماده ۱۲۰ در این خصوص مقرر داشتـه است: (رئیس هیئت مدیره... موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مـدیره مکلف به دعوت آنها می باشـد دعوت آنها می باشـد دعوت نمایـد. از جمله موارد مذکور مورد ماده ۱۳۸ (ل.ا.ق.ت) است به موجب ماده مذکور هیئت مدیره موظف گردیده که مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شـرکت دعوت نماید. به طوری که ملاحظه می گردد قانونگذار طی دو ماده مسئولیت دعوت مجامع عمومی عادی سالانه را بر دوش رئیس هیئت مـدیره گـذارده که در یک مورد آن تحت عنوان رئیس هیئت مـدیره مکلف به اجرای آن است (مـاده ۱۲۰) و در مـورد دیگر به عنوان عضوی از اعضـای هیئت مـدیره (مـاده ۱۳۸). عـدم دعوت مجمع عمومی عـادی از طرف رئیس هیئت مـدیره موجب مسئولیت مـدنی او می گردد. علاوه بر مسـئولیت مـذکور رئیس هیئت مـدیره (بهمراه سایر اعضا) مسئولیت کیفری نیز خواهد داشت. ماده ۲۵۴ (ل.ا.ق.ت) برای رئیس و اعضای هیئت مدیره شـرکت که حداکثر ۶ ماه پس از پایان هر سـال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سـهام را دعوت نکننـد مجازات حبس از ۲ ماه تا ۶ ماه یا جزای نقـدی از بیست هزار تا دویست هزار ریـال یا هر دو مجازات را تعیین کرده است. – دعوت مجمع عمومی فوق العاده در صورتی که نصف سـرمایه شـرکت از بیـن رفتـه باشـد ازمـوارد دیگری اسـت کـه رئیس هیئت مـدیره موظـف به دعـوت مجمـع عمـومی می باشـد. موضـوع مـاده ۱۴۱ (ل.ا.ق.ت) می باشـد.براساس قسـمت اول ماده مذکور اگر بر اثر زیان های وارده حداقل نصف سـرمایه شـرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف گردیده بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقا شرکت مورد شور و رای واقع شود. بـا توجه به مـاده ۱۲۰ (ل.ا.ق.ت) رئیس هیئت مـدیره نیز در مورد مـاده ۱۴۱ شـخصا مکلف به دعوت مجمع عمومی فوق العـاده است و در صورت عـدم دعوت نـامبرده دارای مسئولیت مـدنی است. ضـمنا مـاده ۲۶۵ قـانون مـذکور نیز برای رئیس و اعضـای هیئت مـدیره که از دعـوت مجمـع فوق الـذکر خودداری کرده انـد. مجـازات تعیین نموده است. – ریـاست مجـامع عمومی ریـاست مجـامع عمومی با رئیس هیئت مـدیره است مگر آنکه ترتیب دیگری در اساسـنامه پیش بینی شـده باشـد. درمواردی هم که دسـتور جلسه انتخاب یا عزل تمام یا بعضـی از مدیران باشد ریاست مجامع مذکور با یکی از سـهامداران حاضردر جلسه خواهد بود. در این مورد مـاده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) چنین مقرر می دارد: (در صـورتی که ترتیب هیئت رئیسه مجمـع عمومی در اساسـنامه پیش بینی نشـده باشـد ریاست مجمع با رئیس هیئت مـدیهر خواهـد بود. مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضـی از مدیران یا کلیه آنها جزو دسـتور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سـهامداران در صورت عدم حضور رئیس به عهده نایب رئیس می باشـد) ضـمنا دعوت به تشـکیل جلسه در صورت عـدم حضور رئیس به عهـده نایب رئیس می باشـد و اداره جلسات هیئت مـدیره و تنظیـم صـورتجلسه به مـوجب مـاده ۱۲۳ بوسـلیه رئیس هیئـت مـدیره و درغیر ایـن صـورت بوسـلیه نـایب رئیس اتخـاذ می گردد وتصمیمات با اکثریت عددی عده حاضردر جلسه اتخاذ می شود (ماده ۱۲۱ (ل.ا.ق.ت))

۱۴– نحوه انتخاب قلمرو و محدودیت اختیارات مدیران

شرکت های سـهامی عام و خاص – نحوه انتخاب قلمرو و محـدودیت اختیارات مـدیران نحوه انتخاب مـدیران ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت) اداره شـرکت سـهامی را به عهده هیئت مدیره گذارده و ماده ۱۱۸ قلمرو و اختیـارات هیئت مـذکور را تعیین نموده است. گفتیم که قلمرو مـذکور تمام اموری را که درباره موضوع شـرکت باشـد در برمی گیرد و به موجب ماده اخیر الـذکر محـدود کردن اختیارات مـدیران فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سـهام است و درمقابل اشـخاص ثالث باطل و کان لم یکن می باشد . با این همه قانونگذار لزوم حضور شـخص دیگری را برای اداره شـرکت به نام مدیرعامل در (ل.ا.ق.ت) پیش بینی نموده است. این امر را چنین

می توان توجیه کرد که قانونگذار با مکلف نمودن هیئت مدیره به انتخاب مدیر عامل و دادن سمت نمایندگی شرکت به وی (البته در حدود اختیاراتی که هیئت مدیره به او تفویض کرده است) اداره کلی شرکت و اداره عملی آن را از یک دیگر مجزا نموده است و بدین ترتیب مسئولیت اداره کل عملیات شرکت را از طریق اتخاذ تصمیمات قانونی به هیئت مدیره واگذار نموده (ماده ۱۲۱ (ل.ا.ق.ت)) و اداره عملی شرکت و پرداختن به راهکارهای عملی و اجرای تصمیمات هیئت مدیره را به عهده مدیر عامل نهاده است (ماده ۱۲۵(ل.ا.ق.ت)). ماده ۱۲۴ (ل.ا.ق.ت) درمورد مدیرعامل چنین مقرر می دارد: هیئت مدیره باید اقلا یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدوداختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد. دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخوهد بود. مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آرا حاضر در مجمع عمومی. تبصره- هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیر عامل را عزل کند نکاتی که از این ماده لازم است در اینجا بیان گردد بطور خلاصه در زیر برشمرده می شود: - مدیرعامل باید حتما شخص حقیقی باشد بنابراین نمی توان نماینده شخص حقوقی را به عنوان مدیرعامل شرکت برگزید. در مورد اینکه نماینده شخص حقوقی میتواند رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره باشد تبصره یک ماده ۱۱۹ صراحت دارد. به موجب تبصره مذکور نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در حکم عضو هیئت مدیره تلقی گردیده است ولی در مورد مدیر عامل چنین تصریح وجود ندارد وتسری تبصره مذکور به ماده ۱۲۴ با توجه به قید (از نظر اجرای مفاد این ماده) مندرج در تبصره صحیح به نظر نمی رسد. ماده ۱۲۴ به این نکته تاکید دارد که اگر مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود.از این قسمت ماده دو نکته استخراج می گردد یکی آنکه مدیرعامل میتواند از غیر عضو هیئت مدیره تعیین گردد. دیگر آنکه مدیرعامل می تواد غیر سهامدار هم باشد. درمورد اینکه هیئت مدیره می تواند مدیرعامل را خارج از سهامداران شرکت انتخاب کند بعضی از حقوقدانان عقیده دارند که هر چند قانون در این مورد سکوت کرده است ولی با اطلاق ماده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد که چون مدیران باید دارای تعداد سهامی که اساسنامه شرکت مقرر کرده باشند بنابراین به نظر می رسد که مدیرعامل باید جزو مدیران شرکت باشد الزاما وی نیز باید تعداد سهامی را (که به موجب اساسنامه مقرر شده وسهام وثیقه نام دارد) داشته باشد. از سوی دیگرعضو عادی هیئت مدیره ملزم به سپردن سهام وثیقه مذکور به صندوق شرکت است. پس چرا نباید مدیر عامل که برابر ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) نماینده شکر محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد مشمول مقررات ماده ۱۱۴ نباشد؟ - صدر ماده ۱۲۴ به هیئت مدیره اجازه داده که مدت تصدی مدیرعامل را تعیین کند ودر قسمت دیگر ماده به این اشاره دارد که اگر مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. با توجه به مقررات مذکور (مندرج در ماده ۱۲۴) به نظر می رسد هیئت مدیره می تواند مدت تصدی مدیرعامل شرکت را چنانچه عضو هیئت مدیره نباشد به میزانی تعیین کند که فراتر از مدت عضویت هیئت مدیره باشد . این استنباط از ماده مورد بحث با نبود هیچ گونه منع قانونی صحیح به نظر می رسد بخصوص که تبصره این ماده صراحت دارد بر اینکه هیئت مدیره درهر موقع می تواند مدیر عامل را عزل کند. درتبیین این نظر میتوان گفت که چون انتخاب و عزل مدیر عامل تشریفات انتخاب و عزل اعضای هیئت مدیره را ندارد پس لزومی به تسری مقررات ماده ۱۰۹ (ل.ا.ق.ت) (درمورد حداکثرمدت عضویت هیئت مدیره) به مدت تصدی مدیرعامل نمی باشد حتی تسری آن هم مع الفارق است و صحیح به نظر نمی رسد. به هر حال با پایان گرفتن دوره مدیریت اعضای هیئت مدیره و انتخاب اعضای جدید مدیر عامل منتخب هیئت مدیره قبلی که عضو هیئت مدیره نبوده تا زمانی که استعفا نکند یا به دلایل قانونی معزول نگردد همچنان مدیر عامل شرکت باقی خواهد ماند تا هنگامی هیئت مدیره جدید مدیرعامل دیگری را برگزیند در این صورت است که مدیرعاملی او خاتمه می یابد. - هیئت مدیره می تواد بیش از یک مدیرعامل هم انتخاب کند زیرا صدر ماده ۱۲۴ مقرر میدارد که هیئت مدیره باید اقلا یک نفر را به مدیریت عاملی شرکت برگزیند بنابراین

شرکت سهامی می تواند بیش از یک مدیر داشته باشد. با این حال به سبب مشکلاتی که در تبیین اختیارات هر کدام از آنان پیش می آید عملا دیده نشده شرکتی بیش از یک مدیرعامل داشته باشد. - هر گاه مدیر عامل ختیار انتخاب قائم مقام را داشته باشد می تواند شخص یا اشخاصی را برای امورخاص قائم مقام خود کند ولی این انتخاب مسئولیت های اورا در تصدی امور شرکت محدود نمی کند. - در صورتی که هیئت مدیره رئیس هیئت مدیره را به سمت مدیر عاملی برگزیند لازم است که این انتخاب به تصویب مجمع عمومی هم برسد. آنهم بااکثریت ۴/۳ آرا حاضر درمجمع مذکور. به نظر می رسد اگر آرا ماخوذه مجمع عمومی درمورد عضوی که به ریاست هیئت مدیره انتخاب گردیده اکثریت ۴/۳ آرا مذکور را داشته باشد دیگر نیازی به تشکیل مجمع عمومی دراین خصوص نباشد. - مدیر عامل چه از بین اعضای هیئت مدیره انتخاب شده باشد یا خارج از آن به موجب صریح ماده ۱۲۴ استحقاق حق الزحمه را دارد. میزان این حق الزحمه را هیئت مدیره تعیین می کند. - هیئت مدیره در هر موقع میتواند مدیر عامل را عزل کند بعضی از حقوقدانان گفته اند هرچند مدیرعامل منتخب هیئت مدیره است ولی این امر مانع از عزل مدیر عامل توسط مجمع عمومی نمی گردد. زیرا رابطه مجمع عمومی با مدیرعامل رابطه وکیل و موکل است و مدیرعامل نسبت به اعمال خویش و نحوه اداره شرکت در مقابل هیئت مدیره و مجمع پاسخگو و مسئول می باشد. - انتخاب محدود مدیرعامل بلامانع است. هر چند که قانونگذار به صراحت این نکته را پیش بینی نکرده لیکن آنرا هم منع نکرده است. - اگر مدیرعامل درعین اینکه عضوهیئت مدیره شرکت است قبل از انقضا دوره مدیریت از عضویت در هیئت مدیره معزول شود یا به نحو دیگری کنار برود سمت مدیرعاملی او پا برجاست مگر آنکه خود از این سمت استعفا کند یا هیئت مدیره او را عزل نمایند. - طبق ماده ۱۲۸ (ل.ا.ق.ت) نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورتجلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. - در مورد وضعیت و ماهیت حقوقی رابطه مدیرعامل با شرکت اختلاف نظر وجود دارد. برخی مدیرعامل راکارگر و برخی دیگر وکیل شرکت می دانند. مدیرعامل چنانچه کارگر محسوب گردد مشمول حقوق و تکالیف مندرج در قانون کار خواهد بود و از حمایت های قانون مزبور نیز بهره خواهدگرفت. اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۱۳۸۰/۷ - ۲۱/۳/۶۳ راجع به اینکه آیا مدیران عامل شرکت های تعاونی روستایی کارگر محسوبند و قوانین کار شامل آنان می شود یا نه؟ چنین ابراز داشته است: (با توجه به مواد ۱ و ۳ قانون کار (قانون کار مصب ۱۳۳۹) که راجع به تعریف کارگر و کارفرما است می توان مدیران عامل شرکت های تعاونی را مشمول مقررات این قانون دانسته و کارگر محسوب داشت.) یکی از اساتید حقوق تجارت راجع به رابطه کاری فیمابین مدیرعامل و شرکت سهامی چنین نظری ابراز داشته اند: (برپایه مواد مختلف لایحه اصلاح قانون تجارت در مورد اختیارات و مسئولیت های مدیرعامل و به ویژه ماده ۱۲۴ و تبصره آن و ماده ۱۲۵ مدیرعامل را نمی توان کارگر دانست مدیر عامل نماینده شرکت و شخص حقوقی است و در بیشتر موارد رابطه تبعیت حقوقی بین او و شرکت به ترتیبی که موجب احراز رابطه کارگری و کارفرمایی شود وجود ندارد. - در مجموع پرسش و پاسخ کارشناسان اداره کل نظارت وتنظیم روابط وزارت کار و اموراجتماعی در مورد این پرسش: (مدیران عامل در شرکت های تجاری مشمول قانون کار هستند یاخیر؟ بعد از اشاره به موارد مشابهت و نیز موارد مفارقت قرارداد کار (موضوع قانون کار) و نیز عقد وکالت (موضوع قانون مدنی) چنین نتیجه گرفته اند: به نظر می رسد رابطه میان (مدیرعامل) و شرکت تجاری رابطه کارگری و کارفرمایی موضوع قانون کارنبوده و مسئولیت وی در مقابل شرکت همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل می باشد. مضافا به اینکه درلایحه قانونی مربوط ب تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی و ... مصوب ۲۴/۳/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی نیز ممستولیت مدیر هر واحد در مقابل آن واحد همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل اعلام گردیده است و از آنجا که به نظر نمی رسد مدیران واحدهای مشمول قانون مزبور دارای خصوصیتی در قیاس با مدیران واحدهای تجاری باشند. بلحاظ وحدت ملاک میتوان حکم یاد شده را به مدیران اخیرالاشاره نیز تسری داد. هر چند که انتخاب مدیرعامل با هیئت مدیره است ولی قانونگذار اشخاصی را ازاینکه به مدیریت

عامل شرکت سهامی انتخاب شوند منع کرده است لذا هیئت مدیره شرکت سهامی نیز نمی توانند آنها را به سمت مدیرعاملی انتخاب نمایند از جمله این اشخاص یکی اشخاصی مذکور در ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) و دیگر مدیران عامل شرکت های می باشند. ماده ۱۲۶(ل.ا.ق.ت) دراین خصوص مقرر می دارد: اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی توانند به مدیریت عامل شرکت شوند و همچنین هیچ کس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش ازیک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعامل که بر خلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت های سمت مدیرعامل شامل حال او خواهد شد. علاوه بر موارد مذکور در ماده ۱۲۶ فوق الذکر همانطور که قبلا راجع به اعضای هیئت مدیره بیان گردید دارندگان بعضی از مشاغل و سمت ها نیز حق مدیرعامل شدن در شرکت ها را ندارند.اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عضویت در هیئت مدیره یا مدیریت عامل انواع مختلف شرکت های خصوصی بجز شرکت های تعاونی ادارات و موسسات را برای رئیس جمهور معاونات رئیس جمهور و وزیران و کارمندان دولت ممنوع کرده است. هم چنین به موجب بند ۳ ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ عضویت در هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت های تجاری و بانها یا موسسات بیمه و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت منافی شغل سردفتری و دفتریاری اعلام شده است. چنانچه یکی از افراد فوق الذکر به عنوان مدیرعامل شرکت انتخاب گردد هر ذینفعی می تواند حکم عزل او را ازدادگاه صالح تقاضا کند. ماده ۱۲۷ (ل.ا.ق.ت) دراین مقام مقرر می دارد: هر کس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود. مفاد حکم مذکور درمورد اشخاص دیگری هم که به موجب مقررات خاص ممنوع از مدیرعاملی در شرکت های می باشند قابل اعمال خواهد بود. نکته مهم ماده ۱۲۶ د رمورد تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی است که از انتخاب شدن به سمت مدیرعاملی ممنوع بوده است. ماده مذکور هم تصمیمات و اقدامات مدیرعامل مبحوث عنه را در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر اعلام می دارد و هم چنین مدیرعامل مذکور را مشمول مسئولیت های سمت مدیرعاملی قرار میدهد.

۱۵- ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) واشکالات قانونی

شرکت های سهامی عام و خاص - ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) واشکالات قانونی در شرکت سهامی کنترل و اداره امور شرکت بر عهده سهامداران است این کنترل به وسیله حق کسب اطلاع از امور شرکت و حق رای در مجامع متجلی می گردد لکن تجربه نشان داده است که کنترل سهامداران کافی نبوده و تقویت آن ضروری است. در گذشته خودسهامداران نظارت بر کار هیئت مدیره را عهده دار بودند ولی به سبب عدم حضور دائم آنان در اداره شرکت و نیز نداشتن تخصص در امور اداری و مالی این نظارت در حفظ حقوق آنان موثر نبوده به همین دلیل از دیرباز در قوانین مختلف جهان پیش بینی کرده اند که اشخاص ثالث بر کار هیئت مدیره نظارت داشته باشند. این اشخاص درقانون تجارت ۱۳۱۱ (مفتش) و در لایحه قانونی ۱۳۴۷ (بازرس) نامیده شده اند. در قانون تجارت ۱۳۱۱ به اختصار به تکالیف مفتشان شرکت سهامی اشاره شده و فقط سه ماده (مواد ۶۲ لغایت ۶۴) به این رکن اساسی شرکت سهامی اختصاصی داده بود. در لایحه قانونی سال ۱۳۴۷ به تبعیت از قانون ۱۹۶۶ فرانسه مواد بیشتر و مفصل تری به امر نظارت در شرکت سهامی اختصاص داده شده است که با بررسی آنها به ترتیب وضعیت بازرسی و اختیارات و مسئولیت های او پی خواهیم برد.

۱۶- اشکالات قانونی از نظر کلیات و تاسیس

شرکت های سهامی عام و خاص – اشکالات قانونی از نظر کلیات و تاسیس شرکت های سهامی عام نقش اقتصادی مهمی را در دنیا از نظر بازرگانی داخلی و بین المللی ایفاء می نمایند، زیرا شرکت های بزرگ صنعتی و خدماتی در قالب حقوقی شرکت سهامی عام تاسیس می شوند مانند بانک های خصوصی ، بیمه، حمل و نقل زمینی ، هوایی، و دریایی، صنایع نفتی و هواپیما و کشتی سازی و غیره. اما شرکت های سهامی خاص در حقوق ایران و کشورهایی نظیر فرانسه، آلمان، انگلیس، آمریکا و ژاپن معمولاً از تعداد اعضای خانواده و یا شرکای کمتری تشکیل می گردند و به علت عدم امکان جذب سرمایه های مردم فعالیت اقتصادی چندانی نظیر شرکت های با مسئولیت محدود ندارند. این شرکت ها عموما از نظر تاسیس و فعالیت و انحلال و تصفیه تابع قوانین تجارت و در صورت لزوم تابع مقررات دیگر می باشند. ۱- زمان ایجاد شخصیت حقوقی تعیین آغاز شخصیت حقوقی از این نظر واجداهمیت است که نقطه شروع تعهدات شرکت را معین می کند. در واقع تا قبل از تحقق شخصیت حقوقی علی الاصول نمی توانـد تعهداتی را که شرکاء بر عهده گرفته انـد، بر عهده شرکت گذاشت ، چراکه شرکتی وجود ندارد تا بتواند متعهد شود. در کشورهای اروپایی و شخصیت حقوقی نقطه آغازی مشخص شده است. این نقطه آغاز زمان ثبت شرکت تجاری است. در قانون تجارت ایران نظریه شخصیت حقوقی در مقابل نظریه قراردادی برای شرکت ها مانند اتحادیه اروپا و گروه کامن لا پذیرفته شده است. ماده ۵۸۳ ق.ت دراین زمینه مقرر می دارد کلیه شرکت های تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند. ولی این ماده زمان ایجاد شخصیت حقوقی را تعیین ننموده است که از این نظر در عمل مشکلاتی ایجاد کرده است که البته می توان بامراجعه به مواد قانون تجارت در این مورد اظهارنظر نمود. بطور مثال در شرکت های سهامی عام و خاص و شخصیت حقوقی شرکت اززمانی آغاز می شود که مدیران و بازرسان کتبا سمت خود را قبول نمایند این امر دلیل بر این است که مدیران و بازرس با آگاهی از تکالیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده است از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود(ماده ۱۷ قانون تجارت اصلاحی ۲۲/۱۱/۱۳۵۳) تاریخ دقیق ایجاد شخصیت حقوقی در ماده ۵۸۴ مشخص گردیده که از تاریخ ثبت دردفتر مخصوص وزارت دادگستری ایجاد می گردد و در مورد سایر شرکت ها ایجاد شخصیت حقوقی به شیوه خاصی پیش بینی شده است، مثلا درشرکت با مسئولیت محدودشرکت وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد (ماده ۹۶ ق.ت) و در شرکت تضامنی و نسبی تشکیل شرکت موکول به پرداخت تمام سرمایه نقدی وتقویم و تسلیم سهم الشرکه غیرنقدی است (ماده ۱۱۸ و ماده ۱۸۵ ناظر به ماده ۱۱۸ ق.ت) ملاحظه می شود که در مقررات راجع به زمان شروع شخصیت حقوقی درشرکت های مختلف بطور هماهنگ اما نامفهوم پیش بینی شده است. آگاهی ازتاریخ دقیق ایجاد شخصیت حقوقی در تنظیم قراردادها و مسئولیت مدنی شرکت و اشخاص حقیقی ضروری است. گرچه ماده ۲۲۰ ق.ت. به موادی اشاره کرده که اگر شرکتی مطابق قانوت تجارت تشکیل نشده باشد در این صورت شرکت تضامنی محسوب شده واحکام راجع به شرکت های تضامنی در آن مورد اجرا می گردد. ملاحظه می شود که ماده اخیر به وضعیت شرکت عملی اشاره کرده و شخصیت حقوقی مستقلی را نسبت به آن قائل می باشد. با قبول این فرض طلبکاران چنین شرکتی می توانند در ابتدای امر به شرکت مراجعه کرده و در صورت عدم وصول مطالبات خود تقاضای ورشکستگی آن را بنماینـد که پس از تصفیه اموال چنانچه دارایی شرکت تکافوی مطالبات بستانکاران را ننمایـد در چنین صورتی به دارایی شرکاء به طور منفرد یا جمعی مراجعه می نمایند ولی اصلح این است که برای شرکت عملی مزبور شخصیت حقوقی قائل نشده و به طلبکاران انکان داده شود که به دارایی شخصی شرکاء به نحو تضامن مراجعه بنمایند. از طرف دیگر اعلام ورشکستگی برای شرکتی که فاقد نام خاص و مرکز اصلی است مشکل به نظر می رسد و تسری دادن نظریه قراردادی در این مورد مناسب می باشد. درمورد نظریه قراردادی عده ای از متخصصین حقوق تجارت معتقدند که شرکت تجارتی مانند هر شرکت دیگر عقد و قراردادی بیش نیست زیرا شرکاء به هنگم پرداخت ارزش سهام خود عملا قرارداد شرکت را امضاء می نمایند بنابراین می توان مجمع عمومی را نیز به صورت قرارداد با توافق شرکاء تشکیل داد و مدیر یا مدیران می

توانند به وکالت از سایر شرکاء ادامه شرکت را به عهده بگیرند. البته این نظریه با توجه به امتیازات پذیرش شخصیت حقوقی مورد انتقاد قرار گرفته است. زیرا دارایی متعلق به شخص حقوقی منفک از دارایی اشخاص حقیقی که شرکت را تاسیس نموده اند، مورد قبول قرارگرفته او از نظر تنظیم قراردادها و اعلام ورشکستگی و طرح سایر دعاوی که در مرکز اصلی شرکت صورت می گیرد، تسهیلات زیادی درمبادلات بازرگانی ایجاد می کند. ۲- مسئله تعداد شرکاء و موسسین قانونگذار لفظ موسس را در قانون تعریف نکرده است به همین علت در عمل برای تعیین اشخاصی که بتوان آنان را موسس تلقی کرد به ناچار باید ملاک های متعددی را در نظر گرفت. در تعریف آن می توان گفت: موسس شرکت به شخصی اطلاق می شود که برای ایجاد شرکت پیش قدم می شود سرمایه شرکت را از طریق جمع کردن شرکای دیگر فراهم می کند و مطابق مقررات قانونی اقدامات لازم را برای تشکیل شرکت به انجام می رساند. در خصوص شرکت های سهامی ل.ا.ق.ت. حداقلی برای شرکاء و موسسین در نظر گرفته است: ماده ۳ ل.ا.ق.ت. می گوید: در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از ۳ نفر کمتر باشد. ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت. می گویدک عده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از ۵ نفر کمتر باشد. به نظر می رسد بین این دو ماده تزاحم ظاهری وجود دارد زیرا در ماده ۳ در مورد شرکت سهامی بطور اطلاق حداقل شرکاء را ۳ نفر پیش بینی کرده که هم سهمی خاص و هم سهامی عام تلقی می شود . حال آنکه درماده ۱۰۷ حداقل را برای شرکت سهامی عام ۵ نفر ذکر کرده برای حل این تزاحم ظاهری دو نظریه و راه حل وجود دارد: مقررات ماده ۳ با مقررات ماده ۱۰۷ که مقرر می دارد اعضای هیئت مدیره در شرکت سهامی عام نباید از ۵ نفر کمتر باشد و از طرف دیگر سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره را ضروری می داند. متزاحم است بنابراین حکم ماده ۱۰۷ نیز تکالیف را در سهامی عام مشخص کرده است. با توجه به اینکه ماده ۳ در ابتدا بحث کلی شرکت های سهامی است شامل هر دو نوع شرکت می باشد. منتهی حداقل ۳ نفر برای شروع و اولین اقدام برای تشکیل یک شرکت سهامی است. و حکم ماده ۱۰۷ زمانین است که شرکت تشکیل شده و هیئت مدیره شکل یافته و برای مرحله دوم یعنی ثبت پس از تشکیل است که ضرورت دارد هیئت مدیره ۵ نفر باشند. بنابراین حداقل موسسین در هر نوع شرکت ۳ نفر کفایت می کند. و از مرحله اقدامات ثبت و انتخاب مدیران و قبول سمت آنهاست که باید در سهامی عام ۵ نفر عضو وجود داشته باشد. با این استدلال یک شرکت سهامی برای اینکه به حداقل مذکور در ماده ۱۰۷ برسد باید د و نفر دیگر تحت عنوان پذیره نویس به جمع موسسان اضافه شوند تا هم هیئت مدیره تکمیل گردد و هم هر ۵ نفر سهامدار شرکت باشند. مقررات ماده ۳ با مقررات ماده ۱۰۷ که مقرر می دارد اعضای هیئت مدیره در شرکت سهامی عام نباید از ۵ نفر کمتر باشد و از طرف دیگر سهامدار بودن اعضائ هیئت مدیره را ضروری می داند متزاحم است بنابراین حکم ماده ۳ فقط در خصوص شرکت های سهامی خاص مجری است و ماده ۱۰۷ نیز تکالیف را در سهامی عام مشخص کرده است. با توجه به اینکه ماده ۳ در ابتدا بحث کلی شرکت های سهامی است شامل هر دو نوع شرکت می باشد. منتهی حداقل ۳ نفر برای شروع و اولین اقدام برای تشکیل یک شرکت سهامی است. و حکم ماده ۱۰۷ زمانی است که شرکت تشکیل شده و هیئت مدیره شکل یافته و برای مرحله دوم یعنی ثبت پس از تشکیل است که ضرورت دارد هیئت مدیره ۵ نفر باشند. بنابراین حداقل موسسین در هر دو نوع شرکت ۳ نفر کفایت می کند. و از مرحله اقدامات ثبت و انتخاب مدیران و قبول سمت آنهاست که باید در سهامی عام ۵ نفر عضو وجودداشته باشد . این استدلال یک شرکت سهامی برای اینکه به حداقل مذکور در ماده ۱۰۷ برسد باید دو نفر دیگر تحت عنوان پذیره نویس به جمع موسسان اضافه شوند تاهم هیئت مدیره تکمیل گردد و هم هر ۵ نفر سهامدار شرکت باشند. ۳- مسائل مربوط به اداره ثبت شرکت ها با توجه به گذشت بیش از هفتاد سال از فعالیت اداره ثبت شرکت ها امکانات این اداره با تعداد شرکت های ثبت شده (حدود ۴۰۰ هزار) در زمینه دسترسی به سیستم الکترونیکی و آموزش پرسنل هماهنگ نمی باشد . این عدم هماهنگی ، سرگردانی و نارضایتی و اتلاف وقت مراجعین را در پی دارد. بایسته است که با ترتیب کادر متخصص مدیریت بازرگانی و صنعتی زبان و ادبیات فارسی و خارجی الکترونیک، گرافیک و دگرگونی بزرگی انجام پذیرد. بخصوص که این

دگرگونی توام با بهره گیری از صنایع الکترونیک و علوم و فنون جدید، می تواند از اتلاف وقت نیروی انسانی و مراجعان جلوگیری و سرعت انتقال و تبادل اطلاعات را فراهم سازد که در نتیجه اداره ثبت شرکت ها را همانند سایر کشورهای پیشرفته دنیا با تحولات جهان تجارت همگام خواهد ساخت. پیشنهاد می شود برای کاهش مسائل مربوط به اداره ثبت شرکت ها تمام شرکت های تجاری درایران تشکلی همانند کانون وکلا سازمان نظام مهندسی به هر نامی که خود آنان انتخاب می کنند تشکیل دهند تا این تشکل صنفی مشکلات شرکت های شرکت های تجاری پیشنهادهای خود را به قانونگذار مجریان و دست اندرکاران مربوط ارائه دهد . وجود چنین تشکلی قطعا همانند تشکل های مشابه سودمندی بسیاری را برای شرکت های تجاری در برخواهد داشت این تشکل می تواند شامل یک هیئت رئیسه مرکزی باشد که با برگزاری انتخابات تعیین می شوند و دپارتمان یا بخش های مختلفی حسب مورد و با توجه به نوع شرح کاری شرکت ها مثل راه سازی، تولید لوازم خانگی ، نساجی و ... که در داخل آنها نیز انتخابات برگزار و هیئت رئیسه نیز انتخاب می شوند. این گونه کانون یا سازمان دارای اساسنامه ای خواهد بود که اختیارات و مسئولیت ها در آن تشریح می شوند و برای بازاریابی داخلی و خارجی و راه کاری بهتر شدن و ضعیت شرکت های تجاری در ایران اقدام می نماید. پیشنهاد دیگر اینکه در دنیای تجارت امروز به پلیس و دادگاه مخصوصی نیا زاست که به مسائل و دعاوی شرکت های تجاری رسیدگی نماید تا عدالت نیز در این زمینه به شایستگی برقرار گردد. ۴- نحوه تاسیس شرکت سهامی عام برای تاسیس شرکت سهامی عام رعایت ماده ۶ ل.ا.ق.ت. الزامی است بر طبق این ماده اولین اقدام موسسین پذیره نویسی ۲۰٪ کل سرمایه شرکت است که از این مبلغ حداقل ۳۵٪ آنرا نقدادر حساب بانکی شرکت در شرف تاسیس واریز نموده و رسید آن را به اداره ثبت شرکت ها به انضمام اظهارنامه طرح اساسنامه و پذیره نویسی تسلیم نمایند. با توجه به اینکه حداقل سرمایه شرکت سهامی عام ۵ میلیون ریال بوده و ۳۵٪ مبلغ اخیر در حال حاضر بسیار ناچیز است و موجب می گردد که مسئولیت صاحبان سهام در شرکت های سهامی عام محدود به مبلغ اسمی آنها باشد (ماده یک لایحه اصلاحی) در نتیجه طلبکاران این شرکت ها بیشترین ضرر را متحمل می شوند از طرفی هدف قانونگذار مبنی بر اینکه افراد برای فعالیت های کوچک به این نوع شکرت ها روی نیاورند، تامین نگردد. وباب سوء استفاده برای کلاهبرداران که اغلب با تشکیل شرکت با حداقل سرمایه و با استفاده از عنوان آن به انحا و عناوین مختلف مبادرت به تحصیل مال به طرق نامشروع می نمایند همیشه باز باشد. بنابراین اصلاح میزان حداقل سرمایه و درصدی نقدی واریز شده ضروی به نظر می رسد. زیرا هدف قانونگذار درسال ۱۳۴۷ این بوده که شرکت در بدو تاسیس از نقدینگی مناسبی برای جلب اعتماد مردم برخوردر باشد. در حالی که این مبلغ امروزه برای هدف مذکور بسیار ناچیز است . نهایت کلام اینکه اگر چه حداقل سرمایه تعیین شده برای تشکیل شرکت سهامی عام از شرکت سهامی خاص بیشتر است و مقررات این تحولات به گونه ای تدوین گردیده که بدون توجه به اهمیت فعالیت شرکت شرکا می توانند هر نوع شرکت سهامی را انتخاب کنند اما در عمل معلوم شده است مقررات پیچیده راجع به شرکتهای سهامی را انتخاب کنند. اما در علم معلوم شده است که مقررات پیچیده راجع به شرکت های سهامی عام برای فعالیت های عمومی گرفته نمی شود و شرکا به جای تشکیل مجمع عمومی به تدوین صورتمجلس و دریافت امضای تک تک شرکا بسنده می کنند. از اقدامات دیگر موسسین بررسی تعهدات پذیره نویسان پس از انقضای مهلت مقرر در اعلامیه پذیره نویسی و تعیین میزان سهم هر یک از سهامداران که در مورد ۱۶ و ۷۶ ل.ا.ق.ت. پیش بینی شده و تقویم آورده های غیر نقدی موسسین می باشد. برای اجرای این امر پس از کسب نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری به ارائه گزارش به مجمع می پردازند. در صورتی که موسسین برای خود مزایای مطالبه کرده باشند باید توجیه آنرا به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع عمومی موسس تقدیم کنند. به نظر می رسد که شناسایی مزایا برای موسسین موجبات شک و تردید سایر سهامداران را فراهم می سازد به همین دلیل در حقوق فرانسه مزایای موسسین که تحت عنوان سهم موسسین در ازای انجام خدماتی به آنان داده می شد به موجب قانون ۲۴ ژوییه ۱۹۶۸ حذف گردید. درمورد آورده های منقول موسسین به موجب تبصره ماده ۶ ل.ا.ق.ت. باید

عینا تسلیم گردد و در صورتی که قبل از تشکیل مجمع عمومی موسسی مال مزبور تلف شود صاحب آن آورده مسئول خواهد بود. مهمترین وجه افتراق شرکت سهامی عام و خاص این است که شرکت سهامی عام می تواند از طریق پذیره نویسی سرمایه و پس انداز مردم را جذب کند همچنین می تواند در بازار بورس پذیرفته شده و اوراق خود را به عامه عرضه نماید در صورتی که شرکت سهامی خاص چنین حقی را ندارد. دعوت مجمع عمومی موسس با رعایت مواد ۹۸ و ۷۵ ل.ا.ق.ت. صورت می پذیرد و در دعوت اول با حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده باشند رسمیت پیدا می کند و در غیر این صورت آگهی دعوت مجمع برای دومین بار با فاصله لااقل ۲۰ روز قبل از انعقاد آن مجمع با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشار که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. برای مجمع عمومی جدید حضور عده ای لازم است که لا ـ اقل ۳/۱ سرمایه شرکت را داشته باشند. ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت. دع.ت سومی را با همان شرایط در صورت عدم حصول نصاب رسمیت مجمع عمومی موسس پیش بینی کرده است واین امر موجب اتلاف وقت و صرف هزینه می شود لذا حذف دعوت سوم مجمع مزبور از ماده ۷۵ مفید به نظر می رسد. وظایف مجمع عمومی موسس در ماده ۷۴ ل.ا.ق.ت. به شرح زیر آمده است: - رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و احراز پذیره نویسی کلیه سهامداران و اطمینان از تادیه مبالغ لازم. - برری آورده های غیرنقدی و مزایای مطالبه شده. - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن. - انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت. - انتخاب روزنامه کثیرالانتشار. در حقوق انگلیس موسسین که پرومتر نامید می شود اقدام به تشکیل شرکت سهامی می نمایند. در بدو امر پیش نویس اساسنامه اظهارنامه و صورتلجسات توسط یک یا چند نفر از موسسین تهیه می گردد واقداماتی از قبیل تهیه محل برای مرکز اصلی شرکت واستخدام مشاور و افتتاح حساب بانکی صورت گرفته و بالاخره مجمع عمومی موسس تشکیل می گردد. در حقوق انگلیس مانند حقوق ایران (ماده ۲۳ ل.ا.ق.ت) موسسین درمقابل پذیره نویسان و شرکت در شرف تاسیس مسئولیت تضامنی دارند. در اظهارنامه شرکت حداقل نام ۷ نفر برای شرکت سهامی عام و ۲ نفر برای شرکت سهامی خاص قید می گردد و بالاخره اسم شرکت موضوع آن و قلمرو و محدودیت آختیارات مدیران قید می گردد ضمنا تعیین سرمایه شرکت وتقسیم آن به تعداد سهام و تعیین ارزش اسمی آن از اهمیت خاصی برخورداراست. موسسین اساسنامه شرکت را امضا کرده و شاهدی نیز آنرا گواهی و امضا می نماید. بعد از پرداخت حق الثبت که شامل تمبر اظهارنامه واساسنامه است به انضمام مدارک مزبور به اداره ثبت تحویل می گردد. تاریخ صدور گواهی ثبت شرکت تاریخ تشکیل آن محسوب می شود. ۵- نحوه تاسیس شرکت سهامی خاص مقنن برای تشکیل سهامی خاص مقررات ساده تری را نسبت به سهامی عام در ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت. ۱۳۴۷ پیش بینی نموده و مقرر می دارد: برای تاسیس و ثبت شرکت های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود: اساسنامه شرکت که باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. - اظهارنامه مشعربر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از ۳۵٪ کل سهامداران مکلفند که اظهارنامه مذکور را امضا نمایند. هر گاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقدی باشد باید تمام آن تادیه شده و صورت تقویم آن نیز به تفکیک در اظهارنامه منعکس گردد در صورتی که سهام ممتازه ای وجودداشته باشد بای شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود. - انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد - قبول سمت مدیران و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت. - ذکر نام روزنامه کثیر الانتشار که هر گونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد. در اینجا ذکر دو نکته ضروری است: اظهارنامه مذکور در بند ۲ ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت. با اظهارنامه صدر ماده ۲۰ متفاوت است و اظهارنامه بند دوم سندی است که سهامداران تایید می کنند که کلیه سهام تعهد شده است. - درشرکت سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن اولین جلسه ای که موسسان برای تصویب اساسنامه و انتخاب هیئت مدیره و بازرسان تشکیل می دهند . در واقع می تواند جلسه مجمع عمومی موسس تلقی

گردد. در حقوق انگلیس بعد از پرداخت حق الثبت به استناد قانون شرکت ها مصوب ۱۹۴۸ مدارک به اداره ثبت شرکت ها تحویل داده می شود و پس از ثبت گواهی شخصیت حقوقی صادر می گردد. شرکت سهامی خاص دارای محدودیت های زیر می باشد: - سهام شرکت سهامی خاص قابل معامله در بازار بورس نمی باشد (ماده ۲۱ لایحه) - نقل و انتقال سهام شرکت سهامی خاص مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی صاحبان سهام است.(از مفهوم مخالف ماده ۴۱). - شرکت سهامی خاص نمی تواند مبادرت به صدور اوراق قرضه نماید. تمام سرمایه شرکت سهامی خاص به وسیله موسسین تامین می گردد. - شرکای شرکت سهامی خاص نباید از ۳ نفر کمترباشد (ماده ۳ ل.ا.ق.ت.) - سرمایه شرکت سهامی خاص در هنگام تاسیس نباید از یک میلیون ریال کمتر باشد. (ماده ۵ ل.ا.ق.ت.).

۱۷- ارگان اداره کننده و اشکلات قانونی

شرکت های سهامی عام و خاص - ارگان اداره کننده و اشکلات قانونی شرکت های سهامی عام نقش اقتصادی و تجاری بسیارموثری در بازرگانی داخلی و خارجی دارند. نقش مدیریت برای بالابردن میزان فعالیت و موفقیت شرکت های مزبور در بازار سرمایه و ایجاد اشتغال از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ترکیب و سازمان ارگان عالی مدیریت در حقوق ایران انگلیس و ایالات متحده آمریکا به صورت واحد بوده اما در برخی از کشورها مانند آلمان به شکل دوگانه یعنی شامل هیئت مدیره و هیئت مراقب می باشد. حقوق فرانسه در قانون ۲۴ ژوییه ۱۹۶۶ با الهام از حقوق آلمان ترکیب دو سیستم را پذیرفته و موسسین مخیر هستند که سیستم هیئت مدیره واحد یا دوگانه را بپذیرد. در حقوق ایران مشکلات قانونی از نظر عزل مدیران که مجمع بدون توجیه منطقی می تواند آنها را عزل نماید به ثبات مدیریت لطمه می زند و یا در مورد استعفای مدیر یا قصد اضرار و یا انقضای مدت مدیریت آنان مسئولیت مدنی برای فاعل زیان در قانون تجارت پیش بینی نشده و بالاخره نحوه انشای مواد ۱۲۹ و ۳۰و۱۳۱(ل.ا.ق.ت.)علاوه ب رابهامات موجود نیاز به بازنویسی دارد.

۱۸- نحوه انتخاب مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص - نحوه انتخاب مدیران شرکت سهامی عام و خاص بوسیله هیئت مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلاً یا بعضا قابل عزل می باشند. اداره می شود. به موجب ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره الزامی است. اما به نظر می رسد این الزام برای هیئت مدیره که از مهم ترین ارکان شرکت و مغز متفکر و موتور محرکه آن به شمار می رود. منطقی نباشد. زیرا امروزه مدیریت به صورت یک امر تخصصی درآمده و ثابت شده است که اکثر صاحبان شرکت ها مانند صنایع حمل و نقل و ... با همه علاقه و دلسوزی دیگر نمی توانند مدیری موفق باشند. بنابراین محروم کردن شرکت ها از استفاده چنین افرادی لایق نوعی علم گریزی وعین ضرر است .هر چند درعمل برای جبران این نقیصه سهامداران قسمتی از سهام خود را به فردی که متخصص امر مدیریت است تملیک می کنند تا او واجد شرایط عضویت در هیئت مدیره شود. اما به موجب یک قرارداد از وی تعهد گرفته میشود که پس از اتمام دوره مدیریت سهم مزبور را به تملیک کننده مسترد دارد. قانونگذار واژه اداره شرکت توسط هیئت مدیره را برای اولین بار در لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به کار برده است. اما در آن تعریفی از مدیران به عمل نیاورده است و صرفا در ماده ۱۰۷ لایحه مذکور چنین مقرر کرده است: (شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. به نظر نمی رسد با پرهیز از تعریف عناوینی با چنین اهیمت بتوان مشکلات مربوط به آن را حل نمود. درهر حال در مقام تعریف مدیران

شاید بتوان گفت: مدیران افراد با صلاحیتی هستند که به وسیله صاحبان سهام برای مدت معینی انتخاب شده و کنترل و اداره شرکت را به عهـده دارند. با وجود آنکه طبق ماده ۴۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ داره شـرکت سهامی به عهده یک یا چند نماینده (که از میـان شـرکا به سـمت مـدیری انتخـاب می شدنـد) قرار داشت و در هیـچ یـک از مواد قانون اخیر الـذکر نیز اشاره ای به هیئتی بودن مدیریت شـرکت سهامی نشده بود ولی عملا هیئت مدیره اداره امور شرکت را بر عهده داشت. هم چنین حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره در شـرکت های سـهامی عام را ماده ۱۰۷ تعیین نموده. به موجب قسـمت اخیر این مـاده اعضای هیئت مـدیره درشـرکت های سهامی عام نبایـد کمتر از پنـج نفر باشـد ولی راجع به حـداقل تعـداد اعضای هیئت مدیره در شـرکت های سـهامی خاص صـراحتی ندارد. ماده ۳ (ل.ا.ق.ت.) بطور اطلاق بیان می دارد که تعداد شـرکا در شـرکت های سهامی نباید از سه نفر کمتر باشد. متعاقب آن در ماده ۴ شـرکت سـهامی را به دو نوع عام و خاص تقسیم می کند بنابراین حداقل تعدا اعضای هیئت مدیره مندرج در ماده ۳ باید هر دو نـوع شـرکت سـهامی عـام و خـاص را شامـل گردد که چنین نیست زیرا مـاده ۱۰۷ حـداقل تعـداد اعضای هیئت مـدیره را در شرکت سهامی عام ۵ نفر ذکر میکنـد. یدین ترتیب ملاحظه می گردد که بین مواد ۳ و ۱۰۷ قانون مذکور تعارض وجود دارد. یعنی چگونه ممکن است شـرکت سـهامی عام که می توانـد با سه نفر عضو تشکیل شود بایـد حداقل ۵ مدیر داشـته باشد؟ برای رفع این تعـارض می توان چنین توجیه نمود که ماده ۱۰۷ وارد بر ماده ۳ بوده و اطلاق آن را در مورد شـرکت های سهامی عام ازبین برده و بدین نحو ماده ۳ را تخصـیص می دد. از طرفی چون در هیـچ یک از مواد (ل.ا.ق.ت.) در مورد تعـداد اعضای هیئت مدیره شـرکت هـای سـهامی خـاص جاری است و بـدین ترتیب اعضای هیئت مـدیره درشـرکت های سـهامی خاص نمیتوانـد از سه نفر عضو کمتر باشد. به طوری که ملاحظه میگردد قانونگذار حداقل اعضای هیئت مدیره شـرکت های سـهامی را بر شـمرده اما حداکثر تعداد آنان را پیش بینی نکرده است. از این رو تعـداد اعضای هیئت مـدیره در هر دو نوع شـرکت سـهامی می تواند به هر تعداد باشد و این امر ممکن است نظم اداره شرکت را مختل نماید. به نظر میرسد چنانچه مقنن سقفی برای تعداد اعضای هیئت مدیره تعیین یا تناسبی بین تعـداد سـهامداران از یک سو و تعـداد مدیران از سوی دیگر برقرار نماید مفید خواهد بود. به موجب ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت.) شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده وکلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مـدیره در شـرکت های سـهامی عمومی نبایـد از پنـج نفر کمتر باشد. با توجه به مفاد ماده مذکور: اولا: اشخاصـی به عضویت هیئت مدیره پذیرفته خواهند شد که سهامدارشـرکت باشند به عبارت دیگر عضو هیئت مدیره را نمی توان از غیر سهامداران شرکت انتخاب نمود. ثانیا: اعضای هیئت مـدیره در هر موقع توسط مجمع عمومی قابل عزل می باشـند. هر چنـد ماده مذکور صـراحتا مرجع عزل مـدیران را مشـخص نکرده است ولی عبـارت صاحبـان سـهام در آن مجمـع عمـومی متبـادر بـه هن میگردد. چنـانچه مـاده ۷۲ (ل.ا.ق.ت.) می گوید: مجمع عمومی شـرکت سـهامی از اجتماع صابحان سهام تشکیل می شود... بنابراین مجمع عمومی شرکت هر زمان می توانـد تمام یا بعضـی از اعضای هیئت مـدیره را از سـمت مدیری عزل نماید و این مهم را بدون ارائه هیچ گوه دلیلی عملی سـازد. در توجیه این امر گفته انـد که در واقع رابطه مجمع عمومی با هیئت مـدیره رابطه وکیل و موکل است. لـذا مجمع عمومی که صابحان سهام تشکیل شده است. هر زمان اختیار دارد با رعایت مقررات و تشریفات مندرج در قانون تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره را از سـمت خود عزل نماید. بعضی از علمای حقوق تجارت نیز با عزل اعضای هیئت مدیره به نحوی که در ماده ۱۰۷ مذکور پیش بینی گردی موافق گردیـد موافـق نیسـتند و معتقدنـد کـه مـدیر جزیی از ارکـان شـرکت است و همـانطور که نمی تـواد درهر شرایطی اسـتعفا کنـد نبایـد درهر شـرایطی هم قابل عزل باشـد (معـذلک با توجه به قاعده آمره عزل مدیر این راه حل اجتناب ناپذیر است) این گروه مخالف اسـتعفای بلاتوجیه مدیر نیز هستند. ثالثا: عضو یا اعضای هیئت مدیره که توسط مجمع عمومی عزل گردیده اند نمی توانند به سبب عزل از شـرکت مطالبه ضـرر و زیان کنند مگر آنکه عزل ایشان مطابق قواعد عام در شـرایطی صورت گرفته باشـد که موجـد مسئولیت مـدنی مسئولان عزل باشد. به موجب اصل چهلم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران (هیچ کس نمی

تواند اعمال حق خویش راوسلیه اضرار به غیر یا تجاوزبه منافع عمومی قراردهد.) اجرای این قانون که از مصادیق نظریه سو استفاده از حق است به مدیر معزول اجازه می دهد خسارت خود را مطالبه کند. مطالبه خسارت مذکور باید از دادگاه های دادگستری به عمل آید. رابعا: اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی از ارکان شرکت بوده و به هیچ وجه مشمول مقررات قانون کار نیستند بدین ترتیب در صورت معزول یا مستعفی شدن و به طور کلی قطع رابطه مدیریتی آنها با شرکت مراجع حل اختلاف مذکور در قانون کار ماذون رسیدگی به شکایت ایشان نیستند زیرا رابطه هیئت مدیره با شرکت رابطه کارگری و کارفرمایی نیست. و همانطور که بیان گردید چنانچه فرد یا افراد معزول در مورد عزل خود مدعی ورود خساراتی به خود باشند باید به مراجع دادگستری مراجعه نمایند. گفتیم که اعضای هیئت مدیره کلا یا بعضا از سوی مجمع عمومی قابل عزل می باشند. ولی اشکال که عملا برای عزل پیش می آید این است که مجامع عمومی معمولا اختیار دارند فقط درباره موضوعهایی که در دستور جلسه است بحث کرده و تصمیم بگیرند و مدیران شرکت های سهامی حاضر به درج این موضوع در دستور جلسه شرکت نمی شوند . برای رفع این اشکال صاحبان سهام دو وسیله دردست دارند یکی آنکه چنانچه صاحبان سهام از عملیات هیئت مدیره راضی نباشند در مجمع عمومی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب نکنند این موضوع به عنوان رای عدم اعتاد نسبت به مدیران تلقی شده و چون امور شرکت مختل می ماند مدیران مجبور به استعفا میشوند . دیگر آنکه یك پنجم سهامداران به ترتیبی که در مواد ۹۵ و ۹۶ (ل.ا.ق.ت.) بیان شد. کتبا تقاضای تشکیل مجمع عمومی را برای عزل مدیران بنمایند. دراین صورت هیئت مدیره مکلف است مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت کند. دراین مورد نیز گفته شده که مجمع می تواد مدیر را عزل کند حتی اگر عزل او جز دستور جلسه نباشد. دو نکته دیگر قابل ذکر درمورد عزل مدیران یکی آن است که هرگاه عضو هیئت مدیره شرکت از کارکنان شرکت باشد عزل او خللی به رابطه استخدامی او با شرکت وارد نمی آورد و او هم چنان درشرکت به کار خود ادامه خوهد داد. دیگر آنکه عزل مدیر به منزله عزل او از شرکت نیست و او همچنان در زمره یکی از سهامداران شکرت می باشد. خامسا: سمت مدیری در هیئت مدیره شرکت سهامی مباشرتی بوده و قابل واگذاری نیست. از این رو مدیران نمی توانند سمت خود را به دیگران انتقال دهند. چون اداره شرکت در واقع وظیفه مدیران است نه حق آنها لذا وظیفه مذکور قابل واگذاری نیست. لیکن در مقررات شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ چنین اجازه ای به مدیران داده شده بود. مقررات مذکور با دو شرط اجازه می داد که عضو هیئت مدیره برای خود جانشین تعیین نماید یکی اینکه اساسنامه چنین موضعی را تصریح کرده بود (حق وکالت در توکیل) و دیگر اینکه مدیران دیگر نیز این موضوع را تایید می کردند. ولی به هر حال مسئولیت اعمال شخص خارج به عهده خود مدیران بود (ماده ۴۹ قانون اخیرالذکر). در (ل.ا.ق.ت.) مصوب ۱۳۴۷ واگذاری سمت مدیریت از سوی هیئت مدیره فقط به مدیر عمل پیش بینی شده است. به موجب قسمت اول مده ۱۲۴ قانون مذکور هیئت مدیره مکلف است اقلا یک شخص حقیقی را به مدیرعاملی شرکت برگزیند. به موجب ماده ۱۰۸ (ل.ا.ق.ت.) . مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند. بدیهی است که فقط اولین مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس انتخاب می شوند. قانونگذار درشرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس را الزامی ننموده (ماده ۸۲ قانون فوق الذکر) لذا این نوع شکرت مخیر در تشکل مجمع عمومی موسس یا عدم آن می باشد. معمولا رویه چنین است که به هنگام تاسیس شرکت های سهامی خاص انتخاب اولین مدیران برابر ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت.). در صورتجلسه ای قید می شود و به امضای کلیه سهامداران می رسد. صورتجلسهه مذکور به انضمام سایر مدارکی که در ماده اخیر بدانها اشاره شده به ضمیمه اظهارنامه برای ثبت و تشکیل شرکت به اداره کل ثبت شرکت ها ارسال می گردد. طبق بند ۳ ماده مذکور که مقرر می دارد: انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورتجلسه قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. ظاهرا به نظر می رسد که اعضای هیئت مدیره باید مورد تائید همه سهامداران باشند. حال اگرشرکت مذکور بخواهد از طریق تشکیل مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوما نحوه تشکیل

مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوما نحوه تشکیل جلسه مجمع عمومی اخذ را می باید طبق ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت.). انجام گیرد. ماده مذکور دراین خصوص مقرر می دارد: (درمجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است .اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد. مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند.. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شکرت در ان حاضر باشند. درهر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آرا حاضرین اتخاذ شود... به طوری که ملاحظه می گردد ماده ۷۵ و بند ۳ ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت.) از نظرکسب تعداد آرا ماخوذه برای عضویت در هیئت مدیره شرکت سهامی خاص تعارض دارد. این تعارض ظاهری است. اعضای اولین هیئت مدیره شرکت سهامی خاص چه در مجمع عمومی موسس انتخاب گردند و چه توسط سهامداران شرکت (بدون تشکیل مجمع عمومی موسس). بایستی با اکثریتی که در ماده ۷۵ مذکور پیش بینی شده انتخاب گردند. فقط بند۳ ماده ۲۰ کلیه سهامداران شرکت سهامی خاص را مکلف نموده که ذیل صورتجلسه مذکرو را (که مسلما حاوی نحوه انتخاب اعضای هیئت مدیره و تعداد آرایی هر یک از آنها به دست آورده نیز می باشد) امضا نمایند. انتخاب هیئت مدیره های بعدی در طول حیات شرکت توسط مجمع عمومی عادی به عمل خواهد آمد ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت.) در این خصوص مقرر می دارد: در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف بعلاوه یک ارا حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. درمورد انتخاب مدیران تعداد آاری هر رای دهنده درعدد مدیرانی که باید انتخابشوند ضرب می شود و حق رای دهند برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهند می تواند آرای خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد. مجمع عمومی مذکور (موسس وعادی) علاوه بر انتخاب اعضای اصلی هیئت مدیره معمولا چند نفر را نیز به عنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره انتخاب می نمایند تا در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد آنها از داقل مقرر در قانون کمتر شود اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه یا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را بگیرند . ضمنا اعضای علی البدل در صورت عدم حضور موقت اعضای هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.انتخاب مجدد مدیران بلامانع است. در صورت عدم ذکر مدت در اساسنامه مجمع عمومی عادی می تواند مدت تصدی مدیران را تعیین نماید لیکن اساسنامه وتصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام نمی تواند برخلاف نص ماده فوق الذکر مدت ماموریت مدیران را بسش از دو سال تعیین کند. در صورتی که مدت مزبور در اساسنامه قید شده باشد تغییر آن به مدتی کمتر از ۲ سال از طریق تغییر اساسنامه توسط مجمع عمومی عادی باشد مجمع مذکور می تواند هر زمان مطابق مقررات مندرج در اساسنامه تشکیل جلسه داده و به مدیریت ماموریت مدیران خاتمه دهد و اعضای دیگری را حداکثر تا دو سال جایگزین آنان بنماید. قبل از اصلاح قانون تجارت دوره مدیریت طرح ماده ۴۶ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ چهارسال و تجدید انتخاب آنان بلامانع بود مگر آنکه اساسنامه شرکت غیر از این مقرر میداشت و در صورتی که طبق مقررات اساسنامه تعیین مدیران موکول به تصویب مجمع عمومی نبود فرضا اساسنامه تعیین آنان را به سازمانهایی غیر از صاحبان سهام محول نموده بود دروه مدیریت نمی توانست از دو سال تجاوز کند. اعضای هیئت مدیره ممکن است از اشخاص حقیقی باشند در مقررات مربوط به شرکت های سهامی مذکور ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ پیش بینی نشده بود که شخص حقوقی بتواند به مدیریت شرکت سهامی انتخاب گردد. اما با توجه به ماده ۵۸۳ ق.ت. که مقرر می دارد: کلیه شرکت های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند و نیز ماده ۵۸۸ بدین شرح که : شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افرادا قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبیعه فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت بنوت و امثال ذلک. می توانستند به سمت مدیریت شرکت سهامی انتخاب شوند. ماده ۱۱۰ (ل.ا.ق.ت.) صراحت دارد بر اینکه

: اشخاصـی حقوقی را می توان به مدیریت شـرکت انتخاب نمود. در این صورت شـخص حقوقی همان مسئولیت های مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مـدیره را داشـته و بایـد یـک نفر را به نماینـدگی دائمی خود جهت انجام وظایف مـدیریت معرفی نمایـد. چنین نماینده ای مشـمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت های مدنی و جزایی عضو هیئت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نماینـدگی تعیین نموده است مسـئولیت تضامنی خواهد داشت. شـخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود راعزل کند به شـرط آنکه درهمان موقع جانشـین او را کتبا به شـرکت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می شود. با توجه به ماده فوق اولا شـخص حقوقی عضو هیئت مـدیره دارای همان مسـئولیت مـدنی است که شـخص حقیقی عضو هیئت مدیره داراست. ثانیا شخص حقوقی بـا نماینـده خود از جهت مـدنی مسئولیت تضـامنی دارد. ثالثـا نماینـده شـخص حقوقی هم مشـمول همان شـرایط و تعهدات و مسـئولیت های مدنی و جزایی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره می باشد. نکته قابل ذکر درمورد مسئولیت مدنی نماینده شخص حقوقی این است که نماینـده مـذکور که در حکم وکیل شـخص حقوقی و بایـد دسـتورات اویعنی موکل را در هیئت مدیره اجرا کنـد چگونه می توانـد در قبال اجرای این دسـتورات مسـئولیت شخصـی داشته باشـد؟ منطق این راه حل این است که نماینـده شخص حقـوقی درعین اینکه وکیـل شـخص اخیر است رکنی از ارکـان شـرکت محسوب می شود (رکن مـدیریت) و بنـابراین بـاید مسـئولیت شخصـی داشـته باشد. اما قانونگذار پیش بینی نکرده است که در صورت اختلاف نظر میان شخص حقوقی و نماینده او و ابزار این اختلاف در هیئت مدیره مدیر نماینده مسـئول خواهد بود یا خیر؟ به نظر می رسد با رعایت مقررات عام راجع به وکالت در صورتی که نماینده صـرفا دستور شخص حقوقی را انجام داده باشد پس از پرداخت خسارت ناشی از عمل خود در هیئت مدیره حق دارد به شـخص حقوقی مراجعه کند. مسئله دیگری که قانونگذار معین نکرده این است که چه کسی نماینده شخص حقوقی را برای عضویت درهیئت مـدیره شـرکت انتخاب می کند. بدیهی است این سـئوال بیشتری در مورد شـرکت هایی مطرح می شود که عضـو هیئت مدیره شـرکت دیگری هسـتند نه اشخاص حقوقی دیگر در مورد این اشخاص حقوقی مانند وزارتخانه ها معمولا بالاترین مقام شخص حقوقی مانند وزیر حق انتخاب نماینده شخص حقوقی را در شرکت دارد. در این صورت مسئله این است که انتخاب نمانیده با هیئت مدیره شـخص حقوقی مدیر است یا با مجمع عمومی آن . به نظر می رسد هیئت مدیره که اداره شـرکت به عهده اوست حق انتخاب نماینـده برای عضویت در هیئت مـدیره شـرکت دیگر را دارد. معذلک با توجه به عدم منع آن توسط قانونگذار هیئت مدیره می تواد اختیار تعیین نماینده را به مدیرعامل واگذار کند. به هر حال مدت ماموریت نماینده شخص حقوقی در هیئت مدیره شرکت تحت تاثیر دو عامل خواهد بود یکی آنه به محض اتمام مدت ماموریت شـخص حقوقی مدت ماموریت نماینده مذکور هم تمام می شود. دیگر اینکه اگر مدت ماموریت هیئت مدیره به اتمام برسد نماینده شخص حقوقی هم دیگر سمت نمایندگی شخص مذکور را نخواهد داشت. نکته قابل ذکر اینکه در صورتیکه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره باشد لازم نیست شخص حقیقی نماینده وی هم دارای سهم درشرکت مذکور باشد.

۱۹– قلمرو اختیارات مدیران

شرکت هـای سـهامی عـام و خـاص – قلمرو اختیـارات مـدیران به طوری که قبلاـ بیان گردیـد هیئت مـدیره مسـتقیما در اداره عملی شرکـت مـداخله نمی کنـد و ایـن امر را به شـخص دیگری به عنـوان مـدیرعامل واگـذار می کنـد به مـوجب مـاده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) مـدیرعامل شـرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شـرکت محسوب و از طرف شـرکت حق امضـا دارد. بـا توجه به مـاده مـذکور ملاـحظه می گردد: – مرجع تعیین اختیـارات مـدیرعامل فقـط هیئت مـدیره است. بنـابراین چنانچه در اساسـنامه محـدودیت اختیارات مـدیرعامل تعیین شـده باشـد هیئت مـدیره می توانـد به موجب صـریح ماده مذکور دایره اختیـارات مـدیرعامل را وسیعتریا تنـگ تر بنمایـد.قبـل از تصـویب لاـیحه اصـلاح قـانون تجـارت مصوب ۱۳۴۷ چنـانچه وظـایف و

اختیارات مـدیرعامل به وسـیله اساسـنامه تعیین شـده بود هیئت مـدیره نمی توانست اختیارات مزبور را تقلیل دهد یا اضافه کند. و در مـوارد لزوم مجمـع عمـومی را دعـوت کرده و تقاضـای تغییرآنهـا را از مجمـع عمـومی می کردنـد و در صورتی که اساسـنامه تعیین اختیارات و وظایف مدیرعامل را موکول به تصـمیم هیئت مدیره می نمود هیئت مدیره در هر موقع اختیار داشت اختیارات و وظایف مـذکور را تغییر دهد. – اختیارات مدیرعامل محدود به میزانی است که به موجب ماده ۱۲۵توسط هیئت مدیره به او تفویض گردیده و شامل اختیارات منـدرج در ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت)نمی گردد . مقررات ماده اخیرالـذکر فقط راجع به اختیارات اعضای هیئت مـدیره است. گرچه در ماده مذکورسخن از مـدیران شـرکت شده است ولی غرض از لفظ مدیران اعضای هیئت مدیره می باشد و لاغیر. – چنـانچه هیئت مـدیره برای اداره امور شـرکت اختیـار تـام بدهنـد مـدیرعامل دارای تمـام اختیارات است مگر آنچه را که خود هیئت مـدیهر اختیار انجام آن را نداشـته باشد. به موجب ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) هیئت مدیره حق مداخله در اموری که در صـلاحیت خاص مجامع عمومی است ندارد لاجرم مدیرعامل نیز نمی تواند چنین حقی را دارا باشد. همچنین مدیرعامل حق اقدام درمورد آنچه را که خارج از موضوع شـرکت است نـدارد. صـرفنظر ازموارد فوق الـذکر مـدیرعامل نمی توانـد در مورد اموری که در صـلاحیت خاص هیئت مـدیره است اقدامی بعمل آورد حتی اگر این اجازه به وی داده شده باشد مانند تعیین رئیس هیئت مدیره و نایب او (ماده ۱۱۹ (ل.ا.ق.ت)) دعوت و اداره جلسـات هیئت مـدیره دعوت مجامع عمومی (ماده ۱۲۰ (ل.ا.ق.ت)) دادن اجـازه انجام معاملات موضوع ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) و اعطـای اجـازه گرفتـن وام بـه اعضـای هیئـت مـدیره از بانکهـا و شـرکت هـای مـالی و اعتبـاری (مـاده ۱۳۲ (ل.ا.ق.ت)). – سـمت مدیریت عاملی شـرکت سهامی قابل واگذاری به غیر نیست. مدیرعامل حق ندارد تمام یا قسمتی از اختیاراتی که توسط هیئت مـدیره به او تفویض شـده است به دیگران واگـذار نماید. زیرا که نظر قانونگذار در ماده ۱۲۴ (ل.ا.ق.ت) این است که هیئت مـدیره یک نفر شـخص حقیقی را برای تصـدی اداره شـرکت برگزینـد. و چنانچه می خواست که مدیرعامل مذکور دارای حق وکـالت درتوکیـل باشـد طبق مقررات راجع به وکـالت می بـایست آن را ذکر می کرد. پس عـدم ذکر آن در قـانون نمی تواند دلالت بر اباحه حق مـذکور نمایـد. لازم به ذکر است کسانی که به سـمت وکیل دادگستری از سوی شـرکت های سـهامی درمراجع قضایی حضور می یابنـد وکیل شـرکت هسـتند نه وکیل مـدیرعامل در مقررات شـرکت های سـهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ذکری از مدیرعامل نشده بود. مدیرعامل طبق مقررات اساسـنامه یک نفر مدیر برای شرکت معین می کرد مدیر مزبور درعین حال دارای اختیارات هیئت مدیره و مدیرعامل نیز می بود. اختیارات مدیرعامل یا طبق اساسنامه یا طبق تصمیم هیئت مدیره معین می گشت. اختیارات مدیرعامل اگر از اختیارات معمولی تجاوز می کرد موارد آن تصریح می گردید. مدیر عامل در صورتی که اختیار وکالت در توکیل می داشت. می توانست برای خود معاونانی تعیین کنـد یا آن که تمام یا قسـمتی از اختیارات خود را به نمایندگان دیگر واگذار نماید. در این صورت نمایندگان مزبور نماینده شـرکت بودند و به نام شرکت عمل می کردند نه به نام مدیرعامل ولی مـدیرعامل چون مسئول کلیه امور شـرکت بود موظف بود در کار معاونان یا نماینـدگان مـذکور نیز نظارت کنـد. – مدیرعامل طبق ماده ۱۲۵ در حدوداختیاراتی که هیئت مدیره به او تفویض کرده نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد. با توجه به ماده مـذکور تعـدادی از اساتیـد حقوق تجارت عقیده دارند که نمایندگی شـرکت خاص مدیرعامل است و هیئت مدیره نمیتواند نماینـده باشـد اما می توانـد به یکی از اعضا خود اختیار دهـد که همراه مـدیرعامل در مقابل اشـخاص ثالث حق امضا داشته باشد و بـدین ترتیب مـدیریت اداری را از مـدیریت عملی جـدا می داننـد و چنین ابراز می نمایند که لفظ اداره که در ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) آمده متضمن مفهوم نمایندگی مندرج در ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) نمی باشد تا هیئت مدیره واجد صـفت نمایندگی گردد و برای مثال به ماده ۱۰۵ قـانوت تجارت مصوب ۱۳۱۱ اشـاره می کننـد که :(بـاتوجه به مفاد این ماده معقول نخواهـد بود که بگوئیم قانونگـذار اداره شـرکت را شامل نماینـدگی هم می دانـد به علاوه اگر طبق قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مدیران شـرکت های سهامی سابق در مقابل اشـخاص ثالث حق اقدام داشـتند بدان دلیل بود که قانونگذار مدیران را به طور صـریح نمایندگان شـرت معرفی کرده بود.(به

موجب ماده ۴۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ (شرکت سهامی بواسطه یک یا چند نفر نماینده ... اداره خواهدشد) در حالی که در ماده ۱۱۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ از لفظ نمایندگی استفاده نکرده است. هم چنین طرفداران این نظریه در توجیه نظر خود اظهار می نمایند که قبول این نظر که هیئت مدیره می تواند به نمایندگی از طرف شرکت در مقابل اشخاص ثالث حق امضا داشته باشد برای اشخاص خارج از شرکت خطر آفرین است چه ممکن است در معامله ای مدیرعامل شرکت باوجود اختیارات با شخصی طرف قرارداد شده باشد و هیئت مدیره با شخص دیگری. قانونگذار با وضع این قاعده که مدیرعامل نماینده قانونی شرکت در مقابل اشخاص ثالث است قصد داشته از بروز چنین اشکالاتی جلوگیری کند به همین علت باید قبول کرد که مدیرعامل تنها نماینده شرکت در مقابل اشخاص ثالث است. لفظ مدیرعامل مبین این معناست که هیئت مدیره تصمیم میگیرد و مدیرعامل عمل می کند. با ملحوظ قراردادن نظریه مذکور باید به این نکته نیز توجه داشت که درست است مقنن در ماده ۱۱۸ لفظ نمایندگی را به کار نبرده ولی معلوم هم نیست که دو لفظ اداره و نمایندگی را هم به یک معنا به کار نبرده باشد به هر حال چنین استنتاج و استنباط منفی از ماده ۱۱۸ و منع انجام اموری که اتخاذ تصمیم و اقدام و به طور کلی اداره آنها صریحا بعهده هیئت مدیره واگذار شده نیاز به توجیه بیشتری دارد. از طرفی باید توجه داشت که ماده ۱۲۴ هیئت مدیره رامکلف نموده که اقلا یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزینند. لاجرم تکلیف مذکور ایجاب می کند که مدیریت عملی شرکت طبق ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) که صریحا مدیرعامل را نماینده شرکت قلمداد می کند در حدود اختیارات مفوضه با مدیر عامل باشد که عملا هم چنین است.

۲۰- محدودیت اختیارات مدیران و مزایا

شرکت های سهامی عام و خاص - محدودیت اختیارات مدیران و مزایا اصولا مدیران شرکت با توجه به این که دارای شخصیت حقوقی مستقلی هستند باید بتوانند برابر مقررات قانونی هرگونه معامله ای با شرکت منعقد کنند. اما مقنن به لحاظ حقوق شرکت ونیز سهامداران و جلوگیری از بروز هر گونه سوظن در مورد نحوه استفاده مدیران از اختیارات خودمحدودیت هایی را برای آنان پیش بینی کرده است. لازم به ذکر است که دایره این محدودیت ها گاه فراتر از شرکتی می باشد که مدیران عضو آن می باشند. که آنها را در پنج قسمت مورد بررسی قرار می دهیم.

۲۱- منع معامله با شرکت

شرکت های سهامی عام و خاص - منع معامله با شرکت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هرگاه بخواهند در معلات شرکت طرف معامله قراربگیرند یا تسهیم شوند باید قبلا از هیئت مدیره اجازه بگیرند. عدم کسب اجازه از هیئت مدیره ممکن است معامله مذکور را دچار تزلزل نموده و حتی ابطال آن در پی داشته باشد. قسمت اول ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص چنین مقرر می دارد: اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره ویا مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع شوند. به طوری که ملاحظه می گردد دامنه ممنوعیت معامله بدون اجازه هیئت مدیره به موسسات و شرکت های دیگری نیز کشیده شده است. بدین ترتیب که نه تنها مدیران شرکت نمی توانند بدون کسب مجوز مذکور طرف معامله قرار بگیرند بلکه موسسات و شرکت هایی که مدیران فوق الذکر در آن شریک یا مدیر هستند بدون اجازه هیئت مدیره فوق الذکر ممنوع از معامله می باشند. قبل ازاصلاح قانون تجار به موجب ماده ۵۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مدیران شرکت نمی توانستند بدون اجازه

مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شد بطور مستقیم یا غیر مستقیم سهیم شوند. باوجود این ماده در عمل دیده می شد در هر سال مجمع عمومی بطور کلی اجازه می داد که اعضای شرکت بتوانند با شرکت معاملات مزبور به ضمیمه ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت به مجمع عمومی برای تائید تسلیم می شد. به طوری که ملاحظه می گردد شرکت های سهامی سابق تنها از سهیم شدن در معاملات شرکت ممنوع بودند. منظور از شریك در صدر ماده ۱۲۹ عبارت است از این که مدیر یا مدیران شرکت سهامی خاص با موسسه یا شرکت دیگر شریك باشند نه سهامدار جز به نظر می رسد که مدیر شرکت سهامی خاص اگر در یك شرکت بزرگ سهامی عام که سرمایه آن چندین صد هزار سهام ده هزار ریالی است دارای چند برگ سهام باشد نمی توان به او عرفا شریك اطلاق کرد. به هر حال اگر شریك محسوب گردد برای انجام هر معامله ای با آن شرکت کسب مجوز برای وی لازم خواهد بود. عضو هیئت مدیره یا مدیرعاملی که می خواهد با شرکت معامله ای انجام دهد باید هیئت مدیره را از قصد خود آگاه کند تا موضوع در دستور کار هیئت مدیره قرار گرفته. و در جلسه هیئت مدیره نسبت به آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم گردد. البته عضو هیئت مدیره که در معامله ذینفع است حق رای نخواهد داشت . در صورتی که هیئت مدیره انجام معامله با شرکت را به شخص ذینفع بدهد مکلف است اولا بلافاصله بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده است مطلع نماید. ثانیا گزارش آن را به اولین مجمع عمومی بدهد تا در مورد آن نظر خود را اعلام نمایند. بازرس شرکت نیز مکلف است گزارشی که حاوی جزئیات معامله باشد به انضمام نظر جامع خود (راجع به معامله مذکور) به همین مجمع تقدیم کند. ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) راجع به دو گزارش مزبور چنین مقرر می دارد: (... و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خد را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند... بنابراین بازرس نمی تواند درگزارش خود به ذکر کلیات اکتفا کند بطور مثال فلان معامله با فلان مدیر یا مدیرعامل انجام گرفته بی شك گزارش جزئیات باید مستلزم مشخصات و موضوع دقیق قرارداد. نامه مدیر یا مدیرعامل ذینفع شرایط اساسی معامله مثل قیمت زمان پرداخت ثمن سود معین شده در قرارداد تضمین های احتمالی و موارد دیگر باشد عدم رعایت دستور قانونگذار درمورد بیان جزئیات معامله موجب بی اعتباری گزارش بازرس خواهد بود. هم چنین است اگر بازرس ضمن گزارش مذکور نظر شخصی و کارشناسانه خود را راجع به معامله انجام شده به مجمع عمومی تقدیم نکند. هر گاه مجمع عمومی براساس چنین گزارشی تصمیمی اتخاذ کند تصمیم مزبور به حکم قاعده عام مندرج در ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) مصوب ۱۳۴۷ قابل ابطال است. چنانچه موضوع معامله به بازرس اطلاع داده نشود هر زمان که بازرس متوجه معامله مذکور گردد باید طبق ماده ۱۵۱(ل.ا.ق.ت) عمل نموده و مراتب را به مجمع عمومی اطلاع دهد. به موجب قسمت اخیر ماده ۱۲۹:(... عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت. به نظر می رسد منظور از مدیرعامل ذینفعی که حق رای در جلسه هیئت مدیره را ندارد مدیرعاملی است که عضو هیئت مدیره نیز می باشد. زیرا اگر مدیرعامل مذکور عضو هیئت مدیره نباشد در جلسات هیئت مدیره قانونا حق رای ندارد. هم چنین مدیرعامل ذینفعی که حق رای در مجمع عمومی ندارد مدیرعاملی است که الزاما سهامدار شرکت است. بنابراین چنانچه مدیر مذکور از بین صاحبان سهام انتخاب نشده باشد به ناچار در مجمع عمومی حق رای نخواهد داشت. مجمع عمومی تصمیم گیرنده در مورد معامله ای که هیئت مدیره اجازه آن را داده است مجمع عمومی عادی سالانه شرکت می باشد. معاملاتی که با اجازه هیئت مدیره منعقد گردیده و به اولین مجمع عمومی گزارش آن داده شده از دوحالت خارج نیستند یا مورد تصویب مجمع عمومی قرار می گیرد یا رد می گردند در هر دو حالت معاملات مذکور در مقابل اشخاص ثالث معتبر است (مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. که در این مورد بعدا توضیح داده خواهد شد.) و به موجب مفهوم مخالف قسمت اول ماده ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت) معاملات مذکور قابل ابطال نمی باشند. به

عقیـده یکی از اساتیـد حقوق تجارت عدم قابلیت ابطال این گونه معاملات منطقی نیست چه ممکن است معامله انجام شده متضـمن زیان قابل ملاحظه ای برای شـرکت باشد. البته قانونگذار پیش بینی کرده است که د چنین صورتی جبران خسارات وارده بر شـرکت بر عهده مدیر یا میدران یامدیرعامل ذینفع است ولی این راه حل برای جبران خسارت شرکت کافی نیست. چه ممکن است اشخاص اخیر معسر یا ورشکسته باشند. لازم به ذکر است که قانونگذار از فرض موردی را که مجوز معامله موضوع ماده ۱۲۹ از هیئت مدیره صـادر شـده ولی گزارش آن به مجمع عمومی داده نشـده پیش بینی نکرده است. در اصـل چنین معامله ای باطل نیست زیرا تصویب مجمع عـمومی شـرط صـحت معاملات موضـوع مـاده اخیر الـذکر نیـم باشـد. بـه هرحـال به نظر می رسـد این مـورد مشـمول مـاده ۱۳۰(ل.ا.ق.ت) می پردازیم . به موجب ماده ۱۳۰ (معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ درهر حال ولو آنکه توسط مجمع عمومی تصویب نشود درمقابل اشـخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شـخص ثالث در آن شـرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده انـد که همگی آنها متضامنا مسـئول جبران خسارات وارده به شـرکت می باشـند. صدر ماده مذکور به صـراحت مشـخص نیست که منظور از معاملات موضوع ماده ۱۲۹ معاملاـتی است که هیئت مـدیره بـا آن موافقت کرده است یـا خیر. به هر حال با توجه به ماده ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت) می توان به این نـتیجه دست یـافت که منظور مقنن در اده ۱۳۰ معاملاتی است که به تائید هیئت مدیره رسـیده است بخصوص بالحـاظ قراردادن عبـارت ولو آنکه توسـط مجمع عـادی تصویب نشود معلوم میگردد مراد قانونگـذار در ماده اخیر الـذکر معاملاتی است که مجوز آن توسط هیئت مدیره صادر گردیده خواه توسط مجمع عمومی مورد تصویب قرار گرفته باشد یا نه. به هر حال ماده ۱۳۰ در شـرح خود معاملاتی مـذکور در فوق را در مقابل اشـخاص ثالث معتبر می شـناسد. مگر در موارد تدلیس و تقلب که شـخص ثالث در آن شـرکت کرده باشد. که در این صورت شـرکت می تواند به دلیل تدلیس یا تقلب ثالث حسب مورد کیفری یا مـدنی بودن موضوع تـدلیس و تقلب ابطال یا فسخ آن را ازدادگاه صـلاحیت دار درخواست نماید. به غیز ا موارد تدلیس و تقلب ابطال یا فسخ آن را از دادگاه صـلاحیت دار درخواست نماید. به غیر از موارد تدلیس و تقلب هر گاه از معاملات موضوع ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) (معاملاتی که محور آن توسط هیئت مدیره صادر شده است) ضـرری به شـرکت وارد آمده باشد شـرکت فقط می تواند جبران خسارت آن را مطالبه نمایـد و نمی توانـد ابطال آن را بخواهـد. در دعاوی مـذکور خوانده دعوی حسب مورد هیئت مدیره و مـدیرعامل یا مـدیران ذینفع و مـدیرانی است که اجازه این نوع معاملات را داده اند. تا اینجا مطالب راجع به معاملاتی بود که هیئت مـدیره مجوز آن را صادر کرده بود که در مورد مسائل آن توضـیحاتی داده شـد. حال اگر معاملات موضوع ماده ۱۲۹ بدون صدور مجوز هیئت مـدیره منعقـد شود و بعد گزارش آن به مجمع واصل گردد باید دید تکلیف آن چگونه است. در این مورد قسـمت اول ماده ۱۳۱(ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد: (در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شـرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریـخ انعقـاد معـامله و در صورتی که معـامله مخفیـانه انجـام گرفته باشـد تا سه سال از تاریـخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت دار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذینفع در مقابل شـرکت باقی خواهد بود... صـدر این ماده صـراحت دارد بر اینکه موضوع آن راجع به معاملاتی است که بدون اجازه هیئت مدیره انجام شده. معاملات مذکور از نظر تصویب آن در مجمع عمومی عـادی سالاـنه بـا دوحالت تصویب یا عـدم تصویب مجمع عمومی مواجه است. در صورتی که مجمع عمومی آنهـا را تصویب کنـد معاملاـتی انجام شـده مزبور معتبر بوده و از این نظر به هیـچ وجه قابل ابطال نمی باشـد. ولی در صورتی که از معامله مـذکور ضـرر و زیانی به شـرکت وارد آمـده باشد مدیرانی که دخالت در معاملات مذکور داشـته اند مسئول خواهنـد بود. هر گاه معاملات مـذکور به تصویب مجمع عمومی نرسد شـرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله بطلان آن را از دادگاه صالـح تقاضا کنـد و چنانچه معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن می تواند به دادگاه مراجعه

کنـد. در این حـالت نیز ماننـد مورد فوق الـذکر (مجمع عمومی انجـام معامله را تصویب کرده است) مسئولیت مـدیر و مـدیران و یا مدیرعامل ذینفع در مقابل شـرکت پا برجا خواهد بود. تصمیم راجع به تقاضای بطلان معامله با مجمع عمومی عادی است که پس از استماع گزارش بـازرس مبنی بر عـدم رعایت تشـریفات لازم جهت انجام معامله در مورد آن رای خواهـد داد. عضو هیئت مـدیره و همچنین مـدیرعاملی که سـهامدار می باشـد در مجمع مذکور حق رای نخواهد داشت. چنانچه مدیر عامل از بین سـهامداران انتخاب نشده باشد به دلیل سهامدار نبودن قانونا حق رای ندارد.

۲۲– منع مضمون عنه واقع شدن

شرکت های سـهامی عام و خاص – منع مضـمون عنه واقع شدن ماده ۱۳۲(ل.ا.ق.ت) که در بیان منع مدیران شـرکت از تحصیل هر گونه وام یـا اعتبـار از شـرکت است ضـمنا شـرکت هـا را هم از ضـمانت کردن و تعهـد دیون مـدیران خود منع کرده است. چنـانچه مـدیران مـذکور و همچنین افراد وابسـته به آنان (همسـر پـدر و مادر اجـداد خواهر و برادر اولاد و فرزنـد آنان) وام یا اعتبار دریافت کرده باشـند شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند ممنوعیت فوق شامل اشخاص حقوقی نمی گردد. بانکها و شرکت هـای مـالی واعتبـاری می تواننـد ضـامن دیـون مـدیران خود گردنـد مشـروط بر اینکه تحت قیود و شـرایط باشـد که در مورد سـایر متقاضـیان رعـایت می گردد. ماده ۱۳۲ (ل.ا.ق.ت) که در بیـان منع مـدیران شـرکت سـهامی از تحصـیل هرگونه وام یا اعتبار اسـت همچنین شـرکت را از تضـمین و دیون ایشان نیز منع کرده است چنین مقرر می دارد: (مـدیر عامل شـرکت و اعضای هیئت مدیره به اسـتثنای اشـخاص حقوقی حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شـرکت تحصـیل نمایند و شـرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهـد کنـد. اینگونه عملیـات بخودی خود باطـل است. در مورد بانکها و شـرکت های مالی و اعتباری معاملات مـذکور در این ماده بشرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شـخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شـرکت می کنند و همچنین شامل همسرو پدر و مادر و اجداد واولاد و اولاد و اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می باشد.

۲۳– منع رقابت با شرکت

شرکت های سـهامی عام و خاص – منع رقابت با شـرکت (ل.ا.ق.ت) مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت را از انجام هر معامله ای که نظیر معاملات شـرکت بوده و متضـمن رقابت باعملیات شرکت هم باشد منع کرده است. قسمت اول ماد ۱۳۳۰ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص مقرر می دارد: مـدیران و مدیرعامل نمی توانند معاملاتی نظیر معاملات شـرکت که متضـمن رقابت با عملیات شـرکت باشدانجام دهند. مقررات مذکور جنبه آمره دارد و هیچ یک از ارکان شرکت نمی توانند به انجام خلاف این قاعده رضایت دهند و اساسـنامه هم نمی توانـد خلاف آن را پیش بینی کنـد. با توجه به اطلاق ماده مذکور ممنوعیت رقابت تجاری شامل شـخص حقوقی عضو هیئت مـدیره نیز می شود. همچنین چون نماینـده شـخص حقوقی عضو هیئت مـدیره مطابق قسـمت دوم ماده ۱۱۰ (ل.ا.ق.ت) مشـمول همان شـرایط و تعهـدات و مسـئولیت های مدنی و جزایی عضو هیئت مدیره است قاعده مقرر در ماده ۱۳۳ شامل او نیز می گردد. بایـد توجه داشت که ضـمانت اجرای منع رقـابت تجاری با شـرکت از جانب مـدیران بطلان معاملات مـدیر با اشـخاص ثالث نیست . در واقع نه قانونگذار در ماده ۱۳۳ مـذکور چنین بطلانی را پیش بینی کرده و نه از اصولی کلی حقوقی می توان چنین نتیجه ای گرفت بلکه ضـمانت اجرای انجام دادن معاملاتی نظیر معاملات شرکت این است که مدیر متخلف مسئول جبران ضررهای وارده بر شـرکت به سـبب این گونه معاملات خواهـد بود. به موجب قسـمت دوم مـاده مـذکور (هر گونه مـدیری که از مقررات این ماده

تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت.) به طوری که ملاحظه می گردد مسئولیت مدیر برای آنکه به منصه ظهور برسد نیاز به گذر از مراحلی دارد علی الظاهر اثبات معاملاتی نظیر معاملات شرکت برای ذینفع یعنی شرکت کار مشکلی نخواهد بود. اما قانونگذار براین نکته تاکید دارد که معاملات مذکور نه تنها باید نظیر معاملات شرکت باشد بلکه باید متضمن رقابت با عملیات شرکت هم باشد. که اثبات این امر چندان ساده هم نخواهد بود. قانونگذار که در قسمت اخیر ماده ضرر را اعم از ورود خسارات یا تفویت منفعت بر شمرده تا حدود زیادی طی راه ناهموار اثبات موضوع دعوی را برای شرکت (مدعی) مطلوب نموده است. منع رقابت مدیران با شرکت در مورد شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مصداق نداشت.

۲۴– منع دریافت حقوق یا پاداش

شرکت های سهامی عام و خاص – منع دریافت حقوق یا پاداش قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ راجع به حق الزحمه یا حقوق و مزایای مدیران ساکت بود فقط ماده ۴۸ آن مقرر می داشت: (شرکت سهامی بواسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف ... اداره خواهد شد) و عملا شرکت های مذکور بوسیله چند نفر مدیر اداره می گردید که به جمع آنها مدیران یا هیئت مدیره اطلاق می گردید. چنانچه عضو هیئت مدیره از سهامدارانی می بود که به عنوان مدیر فنی مدیر داخلی یا عناوی دیگر در شرکت به کار اشتغال داشت یا بعدا به استخدام شرکت در می آمد (که معمولا همین طور بود) نماینده موظف نامیده می شد و گرنه (نماینده غیر موظف به وی اطلاق می گردید). عملا دستمزد مدیران مذکور به طریق حق حضور تعیین می شد. یعنی مدیران برای هر جلسه مبلغی دریافت می داشتند یا گر در اساسنامه پیش بینی شده بود در پایان سال چند درصدی از منافع به عنوان پاداش به آنها تعلق می گرفت. (ل.ا.ق.ت) مصوب ۱۳۴۷ نیز ظاهرا همان تقسیم بندی قانون تجارت ۱۳۱۱ را (از نظر مدیران موظف و غیر موظف) بطور خلاصه تری پذیرفته است. بدین صورت که در ماده ۱۳۴ صریحا از (مدیران غیر موظف) نام برده و به مدیران موظف ضمن کلمه مدیران که شامل هر دو گروه مدیران موظف وغیر موظف می گردد اشاره کرده است. قانونگذار در لایحه مذکور با تجربه ای که از وضعیت دریافتی مدیران شرکتهای سهامی سابق داشت که مدیران مذکور علاوه بر دریافت حق الزحمه ها و پاداشهایی که در اساسنامه پیش بینی شده بود یا به تصویب مجمع عمومی می رسید مشاغلی هم در محدودیتهایی برای دریافتی های هیئت مدیره به وجودآورده است. نه در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نه در (ل.ا.ق.ت) ۱۳۴۷ از مدیران موظف و غیر موظف تعریفی به عمل نیامده و مفارقت آن دو نیز معلوم نگردیده است. اما ظاهرا همان تعاریف و تفاریقی که عملا در شرکت های سهامی سابق درمورد مدیران موظف و غیر موظف داشتند و قبلا درباره آنها بحث شد درباره مدیران فعلی نیز مصداق دارد. با در نظر گرفتن آنچه که گفتیم و با توجه به ماده ۱۳۴ (ل.ا.ق.ت) به اعضای غیر موظف هیئت مدیره هیچ گونه حقوقی و مزایایی مانند کارمندان کشوری (مستخدمین دولت) یا مزدبگیران مشمول قانون کار یا سایر مقررات خاص استخدامی تعلق نمی گیرد مگر آنچه که در ماده مذکور پیش بینی گردیده است. قسمت اخیر ماده ۱۳۴ در مورد ممنوعیت فوق الذکر چنین اشعار می دارد: (... اعضای غیر موظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه دراین ماده پیش بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

۲۵– مسئولیت مدنی و جزایی مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص – مسئولیت مدنی و جزایی مدیران هر چند که اداره شرکت سهامی به عهده افرادی است که تحت

عنوان هیئت مدیره اداره امورشرکت را به عهده گرفته اند ولی مدیران مذکورمعمولا منتخب کل سهامداران نیستند (بندرت این رخداد بوقوع می پیوندد) و با این وجود اداره شرکت به عهده آنهاست و هیچ کدام از سهامداران حتی آنهایی که در انتخاب مدیران رای مثبت به همه آنها داده اند حق مداخله در امور شرکت را ندارند. به موجب مواد ۱۰۷ و ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) هیئت مدیره نمایندگان شرکت سهامی هستند و در حدود موضوع شرکت و در چارچوب قانون و اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی به نام و به حساب شرکت اعمال حقوقی انجام می دهند. و از این جهت رابطه بین مدیران با شرکت یک رابطه قراردادی است که بیشتر در قالب نظریه نمایندگی تعبیر و تحلیل می شود. ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) ضمن بیان اصل تام بودن اختیارات هیئت مدیره درعین حال حقوق اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت را به خوبی در نظر گرفته است بدین بیان (... محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.) بنابراین اگر مدیری خارج از موضوع شرکت یا مصوبات مجامع عمومی مبادرت به انعقاد قرارداد نماید و از این رهگذر به شرکت و صاحبان سهام خسارتی وارد شود. شرکت و اشخاص ذینفع (سهامداران) می توانند مطابق قواعد حاکم برمسئولیت قراردادی و با اثبات تقصیر مدیران متخلف جبران خسارت وارده را مطالبه نمایند. در فرض فوق به غیر از مدیران و سهامداران اشخاص دیگری نیز تحت عنوان اشخاص ثالث دیده میشوند. آیا این اشخاص که غالبا فارغ از چم و خم کار شرکت و مدیران و سهامدارانش هستند در صورت ورود خسارتی به انان باید مانند شرکت و سهامداران برای مطالبه حق خود ناگزیر از اثبات تقصیر مدیران شرکت باشند؟ و آیا اشخاص ثالث در صورتی که بنا به علت یا عللی از مفاد قراردادی که صحیحا با شرکت منعقد کرده اند رضایت نداشته و تمایل به برهم زدن آن داشته باشند می توانند ادعای بطلان قرارداد مذکور را به دلیلی که فقط به شرکت و فعل مدیران مرتبط است بنمایند؟ لایحه اصلاحی قانون تجارب مصوب ۱۳۴۷ در چارچوب ضوابطی خاص به دو سئوال مذکور پاسخ منفی می دهد. راجع به آنچه که فوقا ذکر شد تحت سه گفتار بشرح زیرمورد بررسی قرار می گیرد. لایحه اصلاح قانون تجارت در ماده ۱۱۸ با بیان اصل تام اختیارات هیئت مدیره به اشخاص ثالث این آسودگی خیال را بخشیده که در پناه اصل مذکور و فارغ از محدودیت هایی که خارج از ماده یاد شده برای هیئت مدیره مقرر گردیده با شرکت سهامی روابط مالی برقرار کنند. واین اطمینان را داشته باشد که شرکت سهامی مسئول تعهداتی است که مدیران وی در قبال اشخاص ثالث به عهده گرفته اند. قانونگذار به همین حد بسنده کرده واجازه نمی دهد که اشخاص ثالث مستندا به عدم رعایت مقررات مربوط به نحوه انتخاب مدیران شرکت بتوانند در روابط مالی و غیر مالی برقرار شده و یا معاملات منعقده قبلی که طبق اصول حقوقی صحیحا انجام گردیده خللی وارد آورند. بطور مثال انتخاب هیئت مدیره که قانونا با مجمع عمومی عادی است توسط مجمع عمومی فوق العاده انجام گیرد یا آنکه شخصی به مدیریت عامل شرکت انتخاب گردد که حکم ورشکستگی او قبلا توسط دادگاه صالح صادر شده است. اشخاص ثالث نمی توانند به این دلیل که چون انتخاب مدیرعامل صحیحا انجام نگرفته قرارداد قبلی منعقده را که توسط مدیر مذکور انجام گردیده و غیرمعتبر بدانند. دراین خصوص ماده ۱۳۵ (ل.ا.ق.ت) چنین مقرر کرده است: (کلیه اعمال واقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی توان به عذرعدم اجرای تشریفات مربوط به طرح انتخاب آنها اعمال واقدامات آنان را غیر معتبر دانست. چند نکته راجع به این ماده قابل ذکراست. اولا بعضی از حقوقدانان معتقدند گرچه ماده مذکور به کلیه اعمال و اقدامات مدیرعامل بمانند اعمال واقدامات هیئت مدیره درمقابل اشخاص ثالث نفوذ واعتبار داده لکن چون اختیارات مدیرعامل مقتبس از هیئت مدیره است. بنابراین کلیه اقدامات مدیرعامل در حدودی که به وی تفویض گردیده در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر می باشد نه راجع به کلیه اموری که ماده ۱۱۸ به هیئت مدیره اختیار انجام آن داده شده است. بدیهی است چنانچه هیئت مدیره در مورد انجام امور شرکت به مدیرعامل اختیار تام داده باشد اعمال و اقدامات مدیرعامل مذکور در حدود ماده ۱۱۸ نسبت به اشخاص ثالث دارای نفوذ و اعتبار خواهد بود. حال ببنیم از برداشت واستنباط مذکور ازماده ۱۳۵ (درمورد

اعمال و اقدامات مدیرعامل شرکت که خارج از محدوده اختیاراتش اقدام نموده) چه نتیجه ای حاصل می گردد. برای روشن شدن موضوع مثال مدیرعامل ورشکسته ای را که درابتدای مطلب به آن اشاره کردیم پی می گیریم مدیرعامل مزبور حائز شرایط مدیرعامل نبوده لیکن به این سمت انتخاب شده است. این مدیرعامل طبق مقررات حاکم بر قراردادها قراردادی با شخص ثالث (رشید و عاقل و بالغ و مختار) منعقد نموده موضوع قرارداد هم مصوبه هیئت مدیره است و تشریفات عقد قرارداد نیز در محل شرکت طبق ضوابط اساسنامه و مقررات مربوط انجام گرفته است.پس از انعقاد قرارداد شرکت یا ثالث مذکور از انجام عقد به عللی پشیمان می گردند. آیا واقعا شرکت یا شخص مذکور مجاز هستند که ابطال قرارداد مذکور را به لحاظ اینکه در موقع انعقاد قرارداد مدیرعامل حائز شرایط مدیری نبوده است بخواهند؟ اگر به صراحت و ظاهر ماده ۱۳۵ مراجعه کنیم می بینیم که قانونگذار صریحا معامله مذکور را نافذ و معتبر دانسته است. بنابراین معامله مذکور را طبق صریح این ماده (... نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل ...)غیر معتبر دانست. درست است که قانونگذار در ماده ۱۱۸ فقط نظر به هیئت مدیهر داشته که نظری است کاملاـ صواب. ولی دلیل نمی شود همین نظر را بر ماده ۱۳۵ باز کنیم. در این ماده با اینکه قانونگذار لفظ (مدیران) را همانطور که در ماده ۱۱۸ به کار برده شده استعمال نموده ولی بلافاصله لفظ (مدیرعامل) را نیز به کار گرفته است و مدیرعامل را صریحا همطراز هیئت مدیره برشمرده است. پس چگونه می توانیم (مدیرعامل) مذکور در این ماده را محدود به اختیاراتی کنیم که هیئت مدیره تفویض کرده است بدون اینکه مقیدی در این خصوص در ماده مذکور صریحا یا تلویحا وجود داشته باشد. اگر کارایی ماده مذکور را در نظر بگیریم متوجه می شویم منظور قانونگذار از این ماده به هیچ وجه گسیختن رابطه صمیمی که بین شرکت (توسط مدیرعامل) و شخص ثالث برقرار (و محرز) گردیده نمی باشد و اصولا چنین تصوری عقلایی نیست. زیرا اگر در نفوذ قرارداد مذکور از لحاظ شرایط صحت عقد و اصول حاکم بر حقوق مدنی تردید حاصل گردد ماده مذکور مانع نمی باشد. یعنی شرکت یا شخص ثالث مجاز و مختار است صحت قرارداد مذکور را برپایه قواعد حقوق مدنی قائم به قراردادها زیر سئوال ببرند و عدم نفوذ ابطال انحلال فسخ انفساخ و ... و بالاخره بی اعتباری بعضی یا تمام آن را تقاضا کنند ولی چنانچه به آنها اجازه داده شود که قرارداد را به دلیل انتخاب ناصحیح مدیرعامل شرکت مخدوش کنند و بدنی تریتب به حقوق شرکت و لاجرم صاحبان سهام لطمه وارد نمایند غیر منصفانه است وصول حاکم بر عدالت آن را نمی پذیرد صرفنظر از این که با منطق هم موافق نیست. طبق قواعد عمومی مدیرعاملی که خارج از اختیارات خودعمل یا اقدامی کند که موجب ضرر شرکت گردد در مقابل شرکت مسئولیت دارد و هیئت مدیره فقط می تواند جبران خسارات وارده را مطالبه کند نه بطلان آن عمل یا اقدام را. قسمت اول ماد ه۱۳۵ بدین شرح (کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است یک قاعده کلی را بیان می کند که آن عبارت است از قاعده صحت اعمال مدیران و مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث و در قسمت بعدی ماده به این بیان و نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست ملاحظه میگردد که قانونگذار قسمت اخیر را باقید نمیتوان و بدون ذکر مخاطب آن شروع کرده است. حال این سئوال به ذهن خطور می کند که مخاطب ماده چه شخصی است؟ چه شخصی نمی تواند به عذرعدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اعمال و اقدامات آنها را غیر معتبر بداند؟ و بالاخره اگر بخواهیم برای قسمت دوم ماده ۱۳۵ فاعل یا فاعلهایی معین کنیم چه شخص یا اشخاصی باید جای فاعل را بگیرند؟ شرکت شخص ثالث مدیرعامل اعضای هیئت مدیره ذینفع دادگاه مراجع دولتی یا خصوصی. چنانچه به نص صریح و روان ماده مذکور توجه کنیم مخاطب هریک از اشخاص نامبرده (حتی قائم مقام آنها) آنها می توانند قرار بگیرند. بنابراین هیچ شخص و هیچ کس و هیچ مقامی نمی توانند به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر بدانند. ثالثا باید توجه کرد که مقررات ماده ۱۳۵ فقط ناظر به عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل می باشد و لاـغیر. رابعا تقاضای ابطال

تصـمیمات مجمع عمومی شـرکت سـهامی راجع به انتخاب اعضای هیئت مـدیره که تمام یا بعضـی از آنان واجد شـرایط مدیر شدن نبوده انـد و هم چنین درخواست ابطال اعمال و اقـدامات مـدیرعاملی که او نیز واجـد شـرایط مدیریت عاملی نبوده ولی توسط هیئت مدیره وانتخاب شده است طبق ماده ۱۳۵ قابل پذیرش نخواهد بود و طبق ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) طرح دعاوی فوق الذکر قابل استماع نمی باشـد. زیرا که حکم ماده ۱۳۵ در خصوص اعتبار داشـتن اعمال و اقـدامات هیئت مـدیره و مـدیرعاملی است که در مورد آنان تشـریفات مربوط به طرح انتخابشـان رعایت نگردیـده ماده ۲۷۰ را تخصـیص داده است و ابطـال شامـل اعمال و اقدامات مـدیران و مدیرعامل موضوع ماده ۱۳۵ نمی گردد. مسئولیت در قبال مشـکلات مالی شرکت گفته شد که هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و اشـخاص ثـالث نسبت به تخلف از مقررات قـانونی یـا اساسـنامه شـرکت یـا مصوبـات مجـامع عمومی مسـئولیت دارنـد. (مـاده ۱۴۲ (ل.ا.ق.ت)) پیش بینی چنین مسـئولیتی برای حفـظ حیات شـرکت است و در واقع هشـداری است به مـدیران شـرکت که د راعمال خود رعـایت غبطه شـرکت را بنماینـد. تـا شـرکت دچار خسـران و لاجرم ورشکسـتگی نگردد. علیرغم اخطار مـذکور ممکن اسـت شرکت بر اثر زیـان هـای وارده طبق مقررات قانونی ورشکسـته اعلام گردد. یا آنکه با فراهم آمـدن یکی از اسباب انحلال شـرکت (موضوع ماده ۱۹۹ (ل.ا.ق.ت)) شـرکت سـهامی منحل گردد. قانونگـذار در دو مورد مـذکور نیز اعضای هیئت مـدیره و مدیرعامل (متصـدیان وقت) شـرکت را که ورشکسـتگی شـرکت به خـاطر تخلـف آنهـا صورت گرفته مسـئول شـناخته است و همین طور اگر شرکت منحـل گردد و پس از انحلال دارایی شـرکت برای تادیه دیون آن کافی نباشـد ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) دراین خصـوص مقرر میـدارد: در صورتی که شـرکت ورشکسـته شود یـا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شـرکت برای تادیه دیون آن کافی نیسـت دادگـاه صـلاحیت دار می توانـد به تقاضـای هر ذینفع هر یک از مـدیران یا مـدیرعاملی را که ورشکسـتگی شـرکت یا کافی نبودن دارایی شـرکت به نحوی از انحا معلول تخلفات او بودهاست منفردا یا متضامنا به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت ان از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نمایـد. به موجب ماده مـذکور: - از آنجا که ورشکسـتگی شـرکت سـهامی در نتیجه وجود دین وعدم پرداخت آن حادث می گردد و در مورد انحلال شرکت نیز ماد ۱۴۳ه (ل.ا.ق.ت) نظر بردیون شرکت و عدم تکافوی دارایی شرکت برای جبران آن دارد می توان اذعـان کرد که غرض مقنن از وضع ماده ۱۴۳ حمایت از بسـتانکارانی است که نتوانسته اند طلب خود را از شـرکت دریافت دارنـد. لـذا به ایشان اجازه داده یا اثبات تخلف هر یک از مـدیران یا مـدیرعاملی که ورشکسـتگی شـرکت یا کافی نبودن دارایی آن معلول عمل آنها بوده است خسارات وارده به خود رامطالبه نماینـد. - ذینفع مندرج در این ماده هر طلبکاری را که نتوانسـته تمام یا بعض طلب خود را وصول کند در بر می گیرد. سـهامداران شـرکت نمی توانند به استناد این ماده علیه مدیران اقامه دعوی کننـد. چون سـهامداران شـرکت از عـدم کفایت دارایی شـرکت برای تادیه دیون ضـرری متحمل نمی شوند. مگر اینکه سهامدار شـرکت مانند اشخاص ثالث با شرکت قراردادی منعقد نموده و از این بابت طلبکار واقع شده باشد. - ورشکستگی موضوع این مـاده هم می توانـد معلول تخلف اعضـای هیئت مـدیره و مـدیرعامل از مقررات قـانونی یـا اساسـنامه شـرکت یـا مصوبات مجمع عمومی باشد هم می تواند از سو مدیریت ناشـی گردد. بطور مثال هیئت مدیره یا مدیرعاملی که در اداره شرکت سهل انگاری کنند یا دسـتور خریدهای بی مورد را صادر نمایند. یا افراد نالایقی را به کارگمارند. همینطور است در موردی که پس از انحلال شـرکت معلوم شود که دارایی شـرکت برای تادیه دیون آن کافی نباشـد. - مسـئولیت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل در ماده مذکور بنا به نظر قاضی می تواندانفرادی یا تضامنی باشد. یعنی دادگاه می تواند کلیه مدیران مسئول را متضامنا محکوم به پرداخت دیون شرکت به محکوم له نماید یا سـهم هر یک را مشـخص کرده هر یک از منفردا محکوم کند. - میزان مسئولیت مدیران یا مدیرعامل متخلف محـدود به آن قسـمت از دیون است که مطالبه شـده و دارایی شـرکت تکافوی پرداخت آن را نمی کنـد. - چنانچه دادگاه مـدیران متخلف را متضامنا محکوم به پرداخت دیون مورد مطالبه نمایـد هر یک از مدیران که کل محکوم به را بپردازد حق دارد بابت سـهم هر یک از محکوم علیهم به آنان مراجعه کنـد. - اگر مدیری که به پرداخت خسارت محکوم شده است به پرداخت آن تن در ندهد

چنانچه شخصا تاجر باشد ذینفع می تواند ورشکستگی او را از دادگاه درخواست نماید. (ماده ۴۱۲ ق.ت.) و به موجب ماد ۱۴۳۰ (ل.ا.ق.ت) اگر پس از انحلال یا ورشکستگی دارایی شرکت تکافوی طلب بستانکاران را ننماید آنان می توانند علیه مدیران متخلف طرح دعوی نموده و بقیه طلب خود را از دارایی شخصی مدیران مطالبه نمایند. - شخص حقوقی عضو هیئت مدیره نیزمشمول مقررات این ماده است و با شخص حقیقی نماینده خود مسئولیت تضامنی دارد. - ماده ۱۴۳ مورد بحث ابداع لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می باشد و در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در مورد شرکت های سهامی چنین قاعده ای ملاحظه نگردید. نتیجه: اشکالات زیر درارگان اداره کننده قابل توجه می باشد: - قید کلمه شرکا درماده ۳ (ل.ا.ق.ت) در شرکت های سهامی تناسبی ندارد زیرا این واژه مختص شرکت های شخص بوده و بهتر اس از کلمه سهامدار به جای آن استفاده شود. - عزل مدیران درماد ۱۰۷۰ (ل.ا.ق.ت) بخودی خود و بدون توجیه صورت می گیرد. در صورتی که این امر به ثبات مدیریت لطمه وارد خواهد ساخت. - ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) از نظر نگارش فهم مطلب را مشکل ساخته و اصلح است که صدر ماده مزبور چنین پیش بینی گردد: (اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت نمی توانند در معاملات با شرکت یا به حساب شرکت بطور مستقیم یا غیر مستقیم بدون اجازه هیئت مدیره طرف معامله واقع یا سهیم شوند. به همین ترتیب است در صورتی که اشخاص مذکور در شرکت دیگری هم سمت مدیریت داشته باشند...) - از نظر مسئولیت مدنی در قبال اشخاص ثالث به هنگام اقدام یا اتخاذ تصمیم خارج ازموضوع شرکت در حقوق فرانسه شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئول می دانند ولی به نظر می رسد که در حقوق ایران شخص مدیران بنحو تضامن در این مورد جوابگو باشند. در خاتمه میزان سهام وثیقه با نام مدیران در اده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت) بطور مبهم قید گردیده است و به نظر می رسد که پیش بینی مبلغ قابل توجهی بابت وثیقه به نسبت سرمایه شرکت موجبات دقت بیشتر مدیران را دراداره امور شرکت فراهم سازد زیرا براساس ماده مذکور مدیران در صورت ارتکاب تقصیر مسئول جبران ضرر و زیان وارده به شرکت می باشند.

۲۶- اهلیت قانونی و سهام و ثیقه مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص - اهلیت قانونی و سهام و ثیقه مدیران هرگاه دراساسنامه شرکت سهامی شرایطی برای سهامدار شدن پیش بینی نشده باشد همگان چنین حقی را دارند. به موجب ماده ۹۵۶ قانون مدنی اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود. بنابراین صغار محجورین و مجانین می توانند در شرکت های سهامی دارای سهام باشند. لیکن برای عضویت در هیئت مدیره شرکت چنین حقی برای همه سهامداران وجود ندارد و قانونگذار بعضی از سهامداران را ازعضویت در هیئت مدیره ممنوع اعالم کرده است. مقررات شرکت های سهامی مذکور در ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ هیچ گونه قید و شرطی برای احراز سمت مدیریت درشرکت سهامی قائل نشده بود جز اینکه مدیران باید از میان شرکا باشند. البته برای احراز سمت مدیریت عضو می بایست اهلیت لازم را برای وکیل شدن داشته باشد. امادر (ل.ا.ق.ت.) مصوب ۱۳۴۷ قانونگذار صریحا بعضی از اشخاص را از انتخاب شدن به عضویت هیئت مدیهر منع کرده است. به موجب ماده ۱۱۱ قانون اخیر الذکر: اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: - محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادرشده است. - کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاـ یا بعضا محروم شده باشند درمدت محرومیت سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری جنحه هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است. اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی. در زیر مختصری درمورد اشخاص مذکور توضیحاتی داده می شود. - محجورین : ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی صغار و اشخاص غیررشید و مجانین را محجور اعلام نمود . و ایشان را از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع کدره است.وقتی که اشخاص مذکور از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع باشند به طریق اولی

اداره امور یا اموال دیگران را نیز نمی توانند عهده دار گردنـد. نکته قابل ذکر در اینجا این است که آیا حکم منـدرج دربند ۱ ماده مـذکور محجورین را هم در بر می گیرد یـا خیر. بنـد مزبرو صـراحت دادر به اینکه کسـانی که حکم ورشکسـتگی آنها صادر شـده ممنوع از عضویت در هیئت مـدیره هسـتند. آیا لازم است که در مورد محجورین هم حکم حجر از دادگاه صادر شـده باشـد. به نظر می رسـد صـیانت و حفظ حقوق بشـر ایجاب می کنـد که اعلام حجر افراد به موجب حکم دادگاه صالـح باشـد مگر در مورد صـغر بنـابراین عزل مـدیر به لحـاظ محجـور بودن یـا محجور شـدن وی نیازمنـد اثبـات حجر او در مراجع قضـایی است. - ورشکسـتگان : ورشکسـتگی از موانع اشـتغال به امر تجارت و به طریق اولی تصـدی اداره اور شـرکت می باشـد. اعلام ورشکسـتگی باید به موجب حکم دادگـاه صالـح انجام گیرد. - محکوم شـدگان به بعضـی از مجازات های کیفری : جرایم مـذکور در بنـد ۲ ماده ۱۱۱ مذکور منطبق با تقسیم بندی جرایم در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ می باشد. در قانون مجازات اسلامی تقسیم بندی جرایم به جنحه و جنایت وجود ندارد. به موجب ماده ۱۲ قانون مذکورك دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تغزیر یامجازات بازدارنده محکوم کرده است... مدتی از حقوق اجتماعی محروم ...نماید قانونگذار در سال ۱۳۷۷ طی یک ماده الحاقی به قانون فوق (تحت ماده ۶۲ مکرر) بطور کلی محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمـدی را (شـرحی که ذیلا درج می گردد) موجب محرومیت از حقوق اجتمـاعی ذکر کرده است . (که پس از انقضـای مـدت محرومیت و نیز اجرای حکم ازآن رفع اثر می گردد). - محکومان به قطع عضو در جرایم مشـمول حد پنج سال پس از اجرای حکم. - محکومان به شـلاق در تجرایم مشمول حد یک سال پس از اجرای حکم. - محکومـان به حبس تعزیری بیش از سه سـال دو سـال پس از اجرای حکم. تبصـره یـک ماده مـذکور حقوق اجتماعی را تعریف کرده و هشت مورد آن را به عنوان مثال ذکرکـدره است که در بین آنها از عضویت د رهیئت مـدیره شـرکتهای سهامی ذکری به میان نیامـده است . ولی با توجه به اینکه ژ(ل.ا.ق.ت.) درماده ۱۱۱ محرومیت از حقوق اجتماعی را در مورد عضـو هیئت مـدیره شـرکت سـهامی مـانع عضویت او در هیئت مـدیره می دانـد لاـجرم کسانی که به موجب حکم قطعی دادگاه از حقوق اجتماعی محروم شـده باشـند درمـدت محرومیت حق پـذیرفته شـدن به عضویت د رهئت مـدیهر را ندارنـد. و چنانچه قبل از صـدور حکم قطعی مدیر هیئت مدیره باشـند می باید معزول گردند. حتی اگر هم به نظر دادگاه مدیریت در شـرکت های سـهامی از حقوق اجتماعی بشمار نرود. به نظر می رسد با توجه به ماده ۱۱۱ مورد بحث یکی از مصادیق حقوق اجتماعی هم مدیریت در شرکت های سهـامی است . علاـوه بر ممنوعیت اشـخاص فوق الـذکر به عضویت در هیئت مـدیره شـرکت به موجب مقررات خاصـی دارنـدگان بعضـی از مشاغل و سـمت ها حق مدیر شدن درشـرکت های سـهامی را ندارند. اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران عضویت در هیئت مدیره یا مدیریت عامل انواع مختلف شـرکت های خصوصـی غیر از شـرکت های تعاونی ادارات و موسسات را برای رئیس جمهور معاونان رئیس جمهور وزیران و کارمنـدان دولت ممنوع کرده است. هم چنین به موجب بند ۳ مده ۱۵ قانون دفاتر اسـناد رسمی و کانون سردفتران مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ عضویت درهیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت های تجاری و بانکها و یا موسسات بیمه و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت منافی شـغل سـردفتری و دفتریاری اعلام شـده است. حال چنانچه علیرغم منع قانون اشـخاص مـذکور در فوق به عضویت هیئت مـدیره پـذیرفته شونـد یا آنکه مدیر شـکرت سـهامی مشـمول یکی از بندهای فوق قرار گیرد تکلیف چیست؟ تبصره ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت.) راهکار فوق بوده و مقرر میدارد: (دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مـدیری را که برخلاـف مفـاد این مـاده انتخـاب شود یـا پس از انتخـاب مشـمول مفـاد این ماده گردد صادر خواهـد کردو حکم دادگـاه مزبـور قطعی خواهـد بـود.) قاعـده مزبـور که در مورد محجورین و ورشکسـتگان و محرومین از حقوق اجتماعی به علت ارتکاب بعضـی از جرایم می باشد درمورد اشخاص دیگری هم که به موجب مقررات خاص ممنوع از مدیریت در شرکت های سـهامی می باشند قابل اعمال خواهد بود. ضمنا حکم ماده مذکور درمورد شخص حقیقی نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره نیز لازم الرعایه خواهد بود. اصل هشـتاد و یکم قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران دادن امتیاز تشـکیل شـرکت ها و

موسسات در امورتجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات را به خارجیان مطلقا ممنوع اعلام نموده است. به نظر یکی از استادان حقوق تجارت چون مدیر باید الزاما از شرکای شرکت باشد با اطلاق اصل مذکور بالطبع خارجیان نمی توانند عضو هیئت مدیره شرکت سهامی در ایران گردند. به نظر می رسد اطلاق اصل مذکور راجع به منع دادن امتیاز تشکیل شرکت به خارجیان است و صرف سهامدار شرکتی بودن ویا عضو هیئت مدیره شرکت ایرانی بودن مشمول ممنوعیت اصل مذکور نیست. چون سهامدار شرکت ایرانی بودن به معنی دادن امتیاز تشکیل شرکت به خارجیان نیست. در مورد اخیر به نظر می رسد که هر گاه تمامی اعضای هیئت مدیره خارجی باشند اصل هشتاد و یکم از حاکم خواهد بود. نکته مهم دیگر که ما آن را از صفحه ۱۲۹ کتاب قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی نقل می کنیم عبارتست از اینکه در دعوی عزل مدیر شرکت شرکت نیز بایـد طرف دعوی قرارگیرد . رای شعبه ۲۵ دادگاه عمومی تهران در دادنامه شماره ۲۷۱- ۲۴/۳/۷۲ در این باره چنین است نظر به اینکه خواسته خواهان بطور خلاصه این است عزل خوانده (آقای ... مدیر شرکت) از مدیریت و عضویت د رهیئت مدیره شرکت سهامی خاص تولیدی و صنعیت .. اقتضا داشت که شرکت مذکور نیز که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و به نظر دادگاه نیز ذینفع در دعوی است به دادرسی دعوت و فراخواهد می شد. با این ترتیب دعوی قابلیت استماع را ندارد. قرار رد دعوی صادر و اعلام می گردد...) قبلا گفته شد که مدیران شرکت باید از بین سهامداران انتخاب شوند (ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت.) اما قانونگذار صرف سهامدار بودن را کافی ندانسته و در ماده ۱۱۴ قانون مذکور چنین تکلیف نموده که : مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند . این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفردا یا مشترکا برشرکت واردشود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند. ازاین رو به سهام مذکور وثیقه می گویند به موجب مقررات شرکت سهامی در ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ نیز مدیران مکلف بودند تعداد سهامی را که اساسنامه مقرر می داشت در صندوق شرکت ودیعه بگذارند تا چنانچه از اعمال آنها خسارتی به شرکت وارد گردد از محل سهام مذکور جبران شود. اما تعداد سهام وثیقه عملا نه در شرکت های سهامی سابق به میزانی بود که در صورت ورود ضرر و خسارات به شرکت جبران مافات از آن بشود نه طبق روال معمول شرکت های سهامی فعلی چنین است. امروزه تعداد سهام وثیقه عملا نه در شرکت های سهامی سابق به میزانی بود که در صورت ورود ضرر و خسارات به شرکت جبران مافات از آن بشود نه طبق روال معمول شرکت های سهامی فعلی چنین است. امروزه عملا تعداد سهام وثیقه ای که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند به میزانی نیست ک منظور قانونگذار را که ماده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت.) براساس آن تنظیم گردیده تامین نماید. هر چند که در ماده مذکور حداقل تعداد سهام وثیقه را به میزانی که در مجامع عمومی جهت دادن رای لازم است. تعیین نموده ولی از آنجا که معمولا به عنوان وثیقه منظور خواهد شد مگر آنکه در اساسنامه تعداد سهام وثیقه بیشتری تعیین شده باشد. برای تامین نظر مقنن بهتر است در اساسنامه شرکت های سهامی تعداد سهام وثیقه لازم برای مدیران به اندازه ای تعیین شود که مدیر خود را در منافع شرکت ذینفع احساس کند. این ارم موجب خواهد شد تا مدیر با رغبت بیشتری وظایف خود را انجام داده و غبطه شرکت را رعایت کند. به طوری که ظاهر صدر ماده ۱۱۴ مذکور می رساند مدیران باید در زمان انتخاب شدن تعداد سهامی را که در اساسنامه شرکت مقرر شده دارا باشند والا نمی توانند به عضویت هیئت مدیره درآیند ولی بلافاصله ماده ۱۱۵ (ل.ا.ق.ت.) به مدیری که دارای سهام کافی نیست فرصت یک ماهه می دهد تا سهام لازم را تهیه نماید. ماده مذکور دراین خصوص مقرر می دارد: در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد و هم چنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب خواهد شد. براساس ماده مذکور بعضی از

حقوقدانان معتقدند که اعضای هیئت مدیره را می توان از غیر سهامداران نیز انتخاب نمود ودلیل آنان نیز این است که حکم ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت.) راکه مقرر می دارد اعضای هیئت مدیره باید از بین صاحبان سهام انتخاب شوند باید با توجه به ماده ۱۱۵ قانون مذکور تفسیر کرد. براساس این نظریه مدیری که خارج از سهامداران انتخاب شده با توجه به مجوز موضوع ماده اخیر الذکر فرصت دارد که سهام مورد نظر را تهیه کند. ولی باید توجه داشت که ماده ۱۱۵ مبین یک حکم خاص بوده وناظر به ماده ۱۱۴ یعنی لزو داشتن سهام وثیقه است و علی الاصول اعضای هیئت مدیره باید ازبین سهامداران شرکت انتخاب شوند. وثیقه بون سهام مدیران مانع بهره مندی سهامداران مزبور از امتیازاتی که به سهام آنان تعلق می گیرد نمی گردد مانند استفاده از سود سهام و داشتن حق رای. هم چنین اگر سهام مدیری بیشتر از تعدا سهام وثیقه باشد همه سهام مزبور وثیقه نخواهد بود. بلکه آن تعداد که برای وثیقه مدیران لازم دانسته شده به عنوان وثیقه در صندوق شرکت سپرده می شود. سهام وثیقه قابل نقل و انتقال نیست بعضی از استادان حقوق تجارت معتقدند که مدیران ممکن است سهام مزبور را حتی در موقعی که درشرکت ودیعه است انتقال دهند. ولی انتقال مزبور تا زمانی که به مدیران مفاصا داده نشده است تحقق پیدا نمی کند . بنابراین واگذاری سهام از طرف مدیران به شرط آن که مجمع نسبت به عملیات مدیران مفاصا بدهد اشکالی ندارد. سهام وثیقه تا زمانی که عضو هیئت مدیره مفاصا حساب دوره تصدی خود را نگرفته آزاد نمی شود. ماده ۱۱۶ (ل.ا.ق.ت.) در این خصوص مقرر می دارد: تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب و سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب شده است سهام مورد وثیقه این گونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد. معمولا مدیران شرکت های سهامی برای رفع مسئولیت از خود ضمن تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت تقاضای مقاصا نیز می نمایند. هر چند که تصویب ترازنامه و حساب سود وزیان شرکت توسط مجمع عمومی به منزله مفاصا هر یک از مدیران شرکت است ولی مفاصا مذکور آنها را زا مسئولیت مبری نمی کند. و در صورت اثبات تقصیر مسئول جبران خسارت خواهند بود. چون سهام وثیقه تضمین خسارات مدیران است لذا سهام مذکور وثیقه کلیه خسارات ناشی از تقصیرات تمام مدیران می باشد خواه یک نفر از ایشان مقصر باشد یا همه آنها. شرکت حق ندارد برای جبران خسارات ناشی از تقصیر مدیران راسا به فروش سهام وثیقه مبادرت ورزد بلکه باید از طریق مراجع قضایی اقدام کند مگر آنکه وکالت در فروش داشته باشد. سهام وثیقه تا جبران کامل خسارات وارده بر شرکت در وثیقه خواهد ماند و جبران قسمتی از خسارت موجب نمی شود سهام وثیقه به آن نسبت فک شود. بازرسان شرکت مکلفند نظارت کامل بر سهام وثیقه مدیران داشته باشند و چنانچه تخلفی مشاهده کنند به مجمع عمومی سالانه گزارش نمایند. ماد ۱۱۷ (ل.ا.ق.ت.) در این خصوص مقرر می دارد: بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هر گونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند . تا اینجا گفتیم که اداره شرکت سهامی به عهده اعضای هیئت مدیره است هیئت مدیره ای که ممکن است همه اعضای آن اشخاص حقیقی یا حقوقی یا آمیزه ای از هر دو آنها باشند و نیز گفتیم که شخص حقوقی عضو هیئت مدیره یک شخص حقیقی را به نمایندگی خود در شرکت معرفی می نماید. اشخاص حقیقی در طول مدت مدیریت خود ممکن است بنابه عللی سمت خود را در هیئت مدیره از دست بدهند . مانند آنکه مستعفی شده یا آنکه با از دست دادن شرایط پیش بینی شده در قانون معزول گردند. یا آنکه فوت نمایند. البته این فرضیات در مورد اشخاص حقوقی هم به نوع خصا خود مصداق می یابد. چنانچه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره به دلایل قانونی منحل گردد در این صورت نماینده او نیز سمت خود را در هیئت مدیره از دست خواهد داد. یا آنکه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره از سمت مدیری استعفا کند . بدیهی است نماینده او نیز دیگر سمتی در هیئت مدیره نخواهد داشت. مسلما با استعفا یا فوت یا سلب شرایط از یک یا چند نفر ازمدیران شرکت هیئت مدیره دچار خلا گردیده و چه بسا خلا مذکور موجب اختلال در روند اداره امور شرکت شود. از این رو قانونگذار به منظور احتراز از بروز اشکالات ناشی از

خالي شدن جايگاه مديران شـركت به موجب ماده ۱۱۲ (ل.ا.ق.ت.) چنين پيش بيني كرده است: درصورتي كه براثر فوت يا استعفا يا سلب شرايط از يک يا چند نفر از مديران تعداد اعضاي هيئت مديره از حداقل مقرر در اين قانون كمتر شود اعضاي علي البدل به ترتيب مقرر در اساسنامه والاـ به ترتيب مقرر توسط مجمع عمومي جـاي آنـان راخواهنـد گرفت و در صورتي كه عضو علي البـدل تعيين نشـده باشـد و يا تعـداد اعضاي علي البـدل كافي براي تصـدي محل هاي خالي در هيئت مـديره نباشـد مـديران باقيمانـده باي بلافاصـله مجمع عمومي عادي شـركت را جهت تكميل اعضاي هيئت مديره دعوت نمايند. مستعفي شدن عضو هيئت مديره موضوع ماده ۱۱۵ (ل.ا.ق.ت.) را نيز بايد به موارد صدر ماده ۱۱۲ افزود و آن در مورد مديري كه هنگام انتخاب نكرده و به صندوق شركت توديع ننموده است چنين مديري مستعفي محسوب مي گردد. منظور از سلب شرايط معزول شدن مدير به يكي از دلايل قانوني است كه بعضـا موراد آن طي مـاده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت.) ذكر يـا در مقررات ديگر پيش بيني شـده است . ماننـد محجور شـدن يا به اسـتخدام رسـمي دولت درآمـدن يكي از اعضاي هيئت مديره. لازم به ذكر است كه ماد ۱۱۲ قانون مـذكور در بيان جايگزيني مديران متوفي مسـتعفي يا سـلب شـرايط مشـعر است براينكه در صورتي كه تعداد اعضاي هيئت مديره از حداقل مقرر در اين قانون كمتر شود بايد نسبت به جايگزيني آنان اقـدام گردد. قبلا گفتيم كه حداقل تعداد مديران در شـركت هاي سـهامي خاص ۳ نفر و در شـركت هاي سهامي عام پنج نفر مي باشد. آيا منظور قانونگذار در ماده ۱۱۲ اين حداقلها سمت يا تعداد مديراني است كه در اساسنامه تعيين شده است . ظاهر ماده اشـعار بر حـداقل مقرر در قانون را دارد زيرا كه مي گويد: حداقل مقرر در اين قانون پذيرش ظاهر ماده مذكور ما را به بيراهه مي كشاند. فرضا اگر تعداد مديران شـركت سهامي خاصي طبق اساسنامه ۷ نفر باشد. با توجه به ظاهر عبارت مندرج در ماده بـدين شـرح تعـداد اعضاي هيئت مـديره از حـداقل مقرردر يان قانون كمتر شود. اگر تا ۴ نفر آنـان به عللي از عضويت خـارج گردنـد مـديران باقيمانـده كه سه نفر هسـتند (و برابر حـداقل مقرر قانون هسـتند) مي تواننـد امور شـركت را اداره نماينـد و نيازي به جـايگزيني افراد خـارج شـده نمي باشـد. ولي اگر نفر پنجم هم به عللي از گردونه مـديريت خـارج گردد و فقـط دو نفر مـدير بـاقي بماننـد چون اين تعـداد از حـداقل مقرر در قـانون كمتر است. اين هنگام است كه وضـعيت هيئت مـديره از نظر تعـداد آنها مشـمول مقررات ماده ۱۱۲ قرار مي گيرد و بايـد محـل هاي خالي هيئت مـديره پر گردد. پرواضـح است كه واقعيت و نفس امر چنين نيسـت زيرا درسـت اسـت كه قانونگـذار حـداقل اعضـاي هيئت مـديره را پيش بيني كرده است ولي منظـور مقنن آن بـوده كه اختيـار اداره شركت سـهامي خاص اقلا در دست يك گروه سه نفري باشـد نه كمتر از آن. نه مقررات شـركت سـهامي مندرج در ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ و نه لايحه اصـلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ هيچ گاه اجازه نداده اند كه اعضاي هيئت مديره در يك شـركت سهامي بين حداقل و حداكثرنوسان داشته باشد. عملا هم شركت هاي سهامي دراساسنامه خود تعداد مشخصي را براي عضويت در هيئت مديره تعيين مي كنند و طبق آن در مجامع عمومي اعضاي هيئت مديره انتخاب مي گردند. از طرفي قبول كاهش اجباري مديران شركت و عدم جايگزيني آنان مغاير با اساسـنامه شـركت و خواست مجمع عمومي موسـس مي باشد زيرا مجمع عمومي موسس مصوب هيئت مـديره اي است كه تعـداد اعضاي آن مشـخص و تعيين شـده است بنابراين در صورتي كه تعداد مذكور به عللي از ميزان تعيين شده در اساسـنامه كمتر شود به منظور تامين نظر موسـسان و نيز مرعي داشـتن اساسـنامه با راهكارهاي قانوني بايد نسبت به تكميل نفرات اعضاي هيئت مـديره اقدام گردد. منظور از عضو يا اعضاي علي البدل در ماده ۱۱۲ (ل.ا.ق.ت.) كساني هستند كه در مجمع عمومي موسـس يا مجامع عمومي عادي داوطلب عضويت در هيئت مديره شـركت بوده اند ولي چون راي كمتري نسبت به پذيرفته شدگان مـديريت آورده انـد به عنوان عضو علي البـدل انتخـاب گرديـده انـد. معمولاـ تعـداد اعضاي علي البـدل و نيز نحوه انتخاب آنان در اساسـنامه شـركت پيش بيني مي گردد و بـا توجه به عبـارت والاـ به ترتيب مقرر توسـط مجمع عمومي مـذكور در مـاده ۱۱۲ مجمع عمومي هم مي توانـد درموقع انتخـاب اعضاي اصـلي هيئت مـديره يك يا چنـد نفري را به عنوان علي البـدل انتخاب نمايـد. معمولا اعضاي علي البـدل در مورد اداره شـركت در دو هنگام داراي نقش مي باشـند يكي در مواقعي كه يك يا چنـد نفر از مـديران براي

مدت محدودی به علت ماموریت یا بیماری نظائر آن در معذوریت بسر می برند و نمی توانند در جلسات هیئت مدیره موقتا حضور یابند که در این صورت عضو یا اعضای علی البدل به جای آنها در جلسات مذکور شرکت می کنند .دیگر موارد مذکور در ماده ۱۱۲ می باشد که در این صورت نقش علی البدل از چهره آنها زدوده می شود و تا پایان دوره مدیریت باقیمانده عضو یا اعضای خارج شده دارای سمت مدیری در هیئت مدیره می باشند وبعبارت دیگر مدت مدیریت اصلی افراد مذکور بقیه مدت مدیریت مدیر یا مدیرانی است که به جای آنها انتخاب گردیده اند. علی البدل هایی که بدین ترتیب رسما به عضویت هیئت مدیره درمی آیند با اعلام قبولی کار خود را در هیئت مدیره آغاز می کنند و مراتب مذکور نیز به اداره کل ثبت شرکت ها اعلام می گردد. مستنبط از قسمت اخیر ماده ۱۱۰ (ل.ا.ق.ت.) که به موجب آن شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آنکه درهمان موقع جانشین او را کتبا به شرکت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می شود به نظر می رسد چنانچه نماینده شخص حقوقی در جلسه حاضر گردد. مگر آنکه شخص حقوقی کتبا این اجازه را به عضو علی البدل بدهد . به طریق اولی در صورت استعفا شخصی حقوقی یا فوت یاعزل یا حجر نماینده شخص حقوقی عضو علی البدل نمی تواند جایگزین او گردد مگر در موارد استثنایی که علی البدل شخص حقوقی یا نماینده او نیز قبلا انتخاب شده باشد. طبق قسمت اخیر ماده ۱۱۲ در صورتیکه عضو علی البدل تعیین نشده باشد ویا تعداد اعضای علی البدل برای تصدی محل های خالی در هیئت مدیره کافی نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت برای تکمیل اعضای هیئت مدیره دعوت نمایند. لازم به یادآوری است که دعوت مجمع عمومی توسط مدیران با قیمانده مذکور به هرتعداد که باشند حتی اگر یک نفر باشد قانونی و رسمی بوده و به هر حال بدلیل عدم رعایت ضوابط مربوط به تشکیل جلسات هیئت مدیره و نحوه اتخاذ تصمیم هیچکس نمی تواند متعرض آن گردد. مجمع عمومی که طبق این ماده تشکیل می گردد از مصادیق مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده موضوع ماده ۹۲ (ل.ا.ق.ت.) می باید در صورتیکه اعضای باقیمانده هیئت مدیره نیز از دعوت مجمع عمومی فوق الذکر خوداری کند قانونگذار ترتیب دعوت مجمع عمومی عادی را جهت تعیین بقیه اعضای هیئت مدیره پیش بینی کرده است. ماده ۱۱۳ (ل.ا.ق.ت.) در این خصوص مقرر می دارد: (در مورد ماده ۱۱۲ هر گاه هیئت مدیره کسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلاتصدی مانده خوداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان موکلف به انجام چنین درخواستی می باشند. در مواردی هم که همه اعضای هیئت مدیره فوت یا استعفا کرده و یا شرایطی مدیریت را از دست بدهند هر ذینفعی حق دارد طبق ماده اخیر الذکر از بازرس یا بازرسان از مجمع عمومی عادی صاحبان سهام دعوت کند واگر بازرسان هم امتناع بورزند سهامدارانی که مالك حداقل یك پنجم سهام شرکت هستند حق دارند سهامداران جهت مجمع عمومی دعوت کنند (ماده ۹۵(ل.ا.ق.ت.)).

۱۷- طرز کار شرکت سهامی

۱- ارگان تصمیم گیرنده شرکت سهامی

طرز کار شرکت سهامی - ارگان تصمیم گیرنده شرکت سهامی ارگان تصمیم گیرنده مجامع سهامداران هستند که از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. این مجامع عبارتند از: مجمع عمومی موسس مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق العاده. نظر به اینکه مجمع عمومی موسس قبلا مورد بحث قرار گرفته است لذا ذیلا به مطالعه دو مجمع دیگر می پردازیم.

۲- مسئولیت مدنی و جزائی ارگان تصمیم گیرنده

طرز کار شرکت سهامی - مسئولیت مدنی و جزائی ارگان تصمیم گیرنده مسئولیت مدنی باید گفت که مجمع عمومی عادی یا فوق العاده شرکت سهامی ممکن است بدون رعایت مقررات قانونی تصمیماتی اتخاذ کند که بنا به تقاضای هر ذینفع (سهامدار زیان دیده طلبکار صاحب سهم انتفاعی که در سود یا مزایای متعلقه به وی لطمه وارد شده و نیز خود شرکت در صورت متضرر شدن از این تصمیمات) دادگاه حکم بطلان تصمیمات مذکور را صادر می نماید لکن مدیران و بازرسان و سهامداران شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند (ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت). اشخاص ثالث می توانند پس از قطعیت حکم بطلان صادره از کسانی که مسئول بطلان بوده اند خسارات وارده را اخذ نمایند. از نظر اعتبار قضیه محکوم بها طبق اصل کلی حکم بطلان صادره بین طرفین از اعتبار قانونی (به طور مطلق) برخوردار است. ولی به لحاظ اینکه ممکن است حکم بطلان در اثر تبانی سهامداران ویا مدیران شرکت سهامی صادرگردد قانونگذار در جهت تقویت اعتبار شرکت های سهامی به اشخاص ذینفع حق داده تا علیه کسانی که مسئول بطلان بوده اند دعوی مسئولیت اقامه نمایند. ضمنا کسانی که به صاحبان سهام واشخاص ثالث در اثر بطلان خساراتی وارد کرده باشند مسئولیت تضامنی خواهند داشت. راجع به تغییرات دراساسنامه در صورتی که مجمع عمومی تابعیت شرکت را تغییردهد ویا با اکثریت (نه به اتفاق آرا) تعهدات صاحبان سهام را افزایش دهد چون بر خلاف ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) می باشد لذا تصمیم متخذه در این مورد باطل خواهد بود. درمورد انحلال شرکت قبل از موعد در صورتی که پس ازتاسیس سرمایه شرکتهای مزبور (شرکت سهامی عام ۵//۰۰۰/۰۰۰ ریال و شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال) به هر علت از حداقل مذکور کمتر شود شرکت مکلف است ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام کند و یا نوع شرکت را تغییر دهد و گرنه هر ذینفع حق دارد انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست نماید. مسئولیت جزائی اگر هیئت رئیسه هر مجمع عمومی از تنظیم صورت جلسه ای توسط منشی از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی که به امضای هیئت رئیسه نیز رسیده باشد خودداری نماید به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. مطابق ماده ۲۵۳ و ۲۵۷ ناظر به ماده ۲۵۵ (ل.ا.ق.ت) هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید به حبس تادیبی از ۳ ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. بند ۳ از ماده ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت) هر کس را که از اعلام مطالب مندرج در ماده ۱۰۶ (ل.ا.ق.ت) و یا سایر موارد مقرر در قانون که باید به مرجع ثبت شرکتها اعلام گردد بعضا یا کلا خودداری کند و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مذکور اعلام دارد به حبس تادیبی از ۳ ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم می نماید. ارگان اداره کننده شرکتهای سهامی عام و خاص به وسیله هیئت مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره می شود عده اعضای هیئت مدیره در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و درشرکت سهامی خاص نباید از ۳ نفر کمتر باشد (مواد ۱۰۷ و ۳ ل.ا.ق.ت). اول - انتخاب و عزل مدیران به هنگام تاسیس شرکت مجمع عمومی موسس اولین مدیران شرکت را انتخاب می نماید و مدت مدیریت آنان که در هر حال نباید از دو سال تجاوز کند در اساسنامه تعیین می شود در طول حیات شرکت هیئت مدیره از میان سهامداران شرکت و توسط مجمع عمومی عادی با اکثریت نسبی انتخاب می شود و مجمع مزبور می تواند در تصمیمات بعدی خود هیئت مدیره را کلا ویا بعضا عزل کند برای انتخاب مدیران تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و بدین ترتیب هر سهامدار رای دهنده می تواند یک یا چند نفری را که مایل باشد انتخاب نماید. ضمنا صورت جلسه مجمع عمومی در مورد انتخاب مدیران باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد (مواد ۸۸ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت). مطابق ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: افراد محجور افراد ورشکسته (تاجر ورشکسته) محکومین جزائی (کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه ها به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلا یا بعضا محروم شده باشند) ونیز کسانی که در

امور دولتی و دفاتر اسناد رسمی برابر اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای مشاغلی هستند. دادگاه عمومی بنا به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که بر خلاف ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) انتخاب شود صادر خواهد نمود و حکم دادگاه موصوف قطعی خواهد بود. ماده ۱۲۶ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد که علاوه بر اشخاص مندرج در ماده ۱۱۱ افرادی که مدیریت عاملی بیش از یک شرکت را دارا باشند نیز نمی توانند به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب شوند. اعضای هیئت مدیره ممکن است از اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد. شخص حقوقی باید یک نفر را به نمایندگی خود جهت انجام وظایف مدیریت به شرکت معرفی نماید. مسئولیت مدنی و جزائی نماینده شخص حقوقی و مدیره همانند مسئولیت مدیران طبیعی می باشد ولی از جهت مسئولیت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین و معرفی نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت (ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت). مدیران شرکت نمی توانند از بابت عزل خود از مدیریت شرکت تقاضای ضرر و زیان بنمایند مگر اینکه عزل آنان درنتیجه سو استفاده از حق صورت گرفته باشد. با مداقه در ماده ۱۱۲ به بعد (ل.ا.ق.ت) برای استعفای مدیران منع قانونی وجود ندارد. اما اگر مدیری با قصد اضرار به شرکت یا بی موقع استعفا دهد ممکن است مرتکب تقصیر جرمی یاتقصیر عمدی شده و به جبران ضرر و زیان وارده به شرکت محکوم شود. مدیران باید از بین سهامداران انتخاب شوند و دارای تعداد سهامی باشند که در اساسنامه شرکت مقرر شده است. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد و نیز برای جبران خسارات احتمالی از سوی مدیران مطابق ماده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت) باید تعدادی سهام با نام و غیر قابل انتقال به عنوان وثیقه به صندوق شرکت بسپارد تعداد سهام مورد وثیقه برای هر یک از مدیران باید به میزانی باشد که خسارات مورد بحث را جبران نماید. هر مدیری می تواند سهام مورد وثیقه خود را پس از پایان دوره مدیریتش از صندوق آزاد نماید. پس از انتخاب هیئت مدیره از طرف مجمع عمومی عادی برابر ماده ۱۱۹ (ل.ا.ق.ت) هیئت مزبور اولین جلسه خود را تشکیل می دهد و از بین خود یک رئیس ویا نایب رئیس تعیین می کند. هیئت مدیره مکلف است لااقل یک نفر شخص حقیقی را به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب نماید و مدت تصدی شخص اخیر در صورتی که عضو هیئت مدیره باشد نباید از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر باشد. وقتی که مدیر عامل از میان اعضای هیئت مدیره انتخاب می شود الزاما سهامدار شرکت نیز می باشد ولی از مفهوم مخالف ماده ۱۲۴ (ل.ا.ق.ت) این طور استنباط می شود که مدیرعامل می تواند از خارج از اعضای هیئت مدیره نیز انتخاب شود. آیا هیئت مدیره شرکت می تواند خارج از اعضای خود یک نفر شخص طبیعی را که حتی سهامدار همان شرکت هم نباشد به آن سمت انتخاب نماید؟ به نظر می رسد اصلح است برای جلب اعتماد مردم به سرمایه گذاری در شرکتهای سهامی و برای حسن اداره شرکت مدیر عامل از میان سهامداران انتخاب شود تا خود در نفع و ضرر شرکت سهیم باشد و در صورت ارتکاب تقصیر یا سو استفاده از اختیارات سهام وثیقه برای جبران خسارات احتمالی وارده به شرکت و سهامدار و شخص ثالث ذینفع در صندوق شرکت داشته باشد. دوم – اختیارات مدیران و محدودیت آن ۱– قلمرو اختیارات مدیران ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) در تعیین قلمرو اختیارات مدیران مقرر می دارد: (جز درباره موضوعی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات واقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده درمقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.) این اختیارات شامل موارد زیر می باشند: انجام عملیات شرکت تعیین و انتخاب و عزل نماینده و وکیل با حق وکالت در توکیل اقدام به هرگونه معاملات منقول و غیر منقول انعقاد هر گونه قرارداد اجاره رهن دارائی شرکت و قبول رهن مشتریان دادن هر گونه رسید و مفاصا کشیدن و امضا و ظهر نویسی چک ها و بروا و سفته ها انجام تشریفات گمرکی... ۲– محدودیت اختیارات مدیران مواد ۱۱۸ و ۱۲۹ به بعد (ل.ا.ق.ت) در موارد زیر اختیارات تامه مدیران را محدود نموده است: مدیران حق ندارند درباره موضوعی که به موجب

مقررات قانون تجارت اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است (انتخاب هیئت رئیسه برای مجامع تصویب ترازنامه سالیانه و حساب سود و زیان تعیین روزنامه کثیرالانتشارتعیین حق الزحمه مدیران و بازرسان و تعیین جانشینان در خاتمه مدت آن و ...) اقدام واتخاذ تصمیم بنماید. مدیران نمی توانند در خارج از موضوع شرکت معامله و یا اقدام نمایند زیرا بر خلاف هدف شرکت بوده علیه منافع عمومی شرکت می باشد. اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت حق ندارند بدون اجازه هیئت مدیره بطور مستقیم یا غیرمستقیم در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود طرف معامله واقع ویا سهیم شوند (ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت). اعضای هیئت مدیره ومدیر عامل (به استثنای اشخاص حقوقی) از تحصیل هر گونه وام یا اعتبار از شرکت ممنوع می باشند و ضمنا شرکت نمی تواند دیون مدیران مزبور را در مقابل ثالث تعهد و یا تضمین نماید. این گونه عملیات به خودی خود باطل محسوب می شود . مدیران و مدیر عامل حق ندارند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت محسوب شود انجام دهند . در صورتی تخلف مسئول جبران ضرر وارده به شرکت اعم از ورود خسارت یا تفویت منفعت خواهند بود. (ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت). سوم – الزامات قانونی مدیران ۱- هیئت مدیره مکلف است در اولین جلسه خود یک رئیس و یک نایب رئیس از اشخاص حقیقی که مدت ریاست آنها نباید بیشتر از مدت عضویت در هیئت مدیره باشد برای هیئت مدیره انتخاب نمایند. درهر حال مدت مدیریت مدیران از دو سال تجاوز نخواهد کرد و انتخاب مجدد آنان بلامانع می باشد. ۲- رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت واداره جلسات هیئت مدیره مکلف است مجامع عمومی سهامداران (اعم از عادی و فوق العاده و مجمع خاص) را در موارد زیر که هیئت مدیره ملزم به دعوت کردن آنها می باشد فراخواند: مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت. دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده بنا به درخواست سهامدارانی که اقلا ۵/۱ سهام شرکت را مالک می باشند. دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در مواقع مقتضی. دعوت مجمع عمومی فوق العاده در موارد تغییر در اساسنامه کاهش و افزایش سرمایه شرکت انحلال شرکت قبل از موعد یا تغییر نوع شرکت زیانهای وارده به شرکت حداقل به میزان نصف سرمایه شرکت. مجامع عمومی توسط رئیس هیئت مدیره و در غیاب او توسط جانشین او افتتاح خواهد گردید (مستفاد از مواد ۸۳ و ۹۱ و ۹۲ . ۹۵ و ۱۰۱و ۱۰۲ و ۱۳۸ و ۱۴۱ و ۱۲۰ ل.ا.ق.ت). ۳- رئیس هیئت مدیره در مواردی که مجمع عمومی (اعم از عادی و فوق العاده) نتواد درباره موضوعات مطروحه در دستور جمعی اتخاذ تصمیم نماید اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعدی را که نباید بیش از دو هفته باشد تعیین می نماید (مستفاد از ماده ۱۰۴ ل.ا.ق.ت). ۴- در زمان انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان تصویب ترازنامه کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییرات در اساسنامه و انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن باید یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی یا هیئت مدیره توسط رئیس هیئت مزبور یا سایر مدیران به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد (ماده ۱۰۶ ل.ا.ق.ت). ۵- برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش ازنصف اعضای هیئت مدیره الزامی است. ۶- هیئت مدیره موظف است در هر سال مالی ۲۰/۱ یا ۵ درصد از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی کسر نماید اما اگر اندوخته قانونی به ۱۰/۱ سرمایه شرکت رسیده کسر کردن آن اختیاری خواهد بود و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش داده شود وضع ۲۰/۱ مذکور تا هنگامی که اندوخته قانونی که به ۱۰/۱ سرمایه بالغ گردد ادامه خواهد یافت. ۷- برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورت جلسه ای که اسامی مدیران حاضر یا غایب در جلسه وخلاصه ای از مذاکرات و تصمیمات متخذه با قید تاریخ در آن ذکر شده تنظیم و حداقل به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. ۸- پیشنهاد هیئت مدیره درمورد افزایش یا کاهش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش یا کاهش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از ابتدای سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از اول سال مالی قبل باشد. چهارم – مسئولیت مدنی و جزائی مدیران در مورد مسئولیت مدنی مدیران ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد : (اگر عملیات یا تصمیمات ارگان مدیریت (شامل هیئت مدیره و مدیر عامل) بر خلاف مقررات قانون و یا اساسنامه باشد هر ذینفع می تواند از دادگاه ذیصلاح صدور حکم بطلان وطرح دعوی

علیه تصمیمات را حسب در خواست نمایـد.) قانون اصلاحی تجارت مسئولیت فردی – اشتراکی – تضامنی مدیران را به شرح زیر پیش بینی نموده است: اولا – در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پیش از انحلال دادگاه صلاحیتدار می توانـد به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران ویا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحا معلول تخلفات او بوده است منفردا یـا متضامنا یه تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نمایـد (ماده ۱۴۳ ل.ا.ق.ت) . ثانیـا –در صورت صـدرو حکم قطعی بطلان عملیات و تصـمیمات شرکت اگر مـدیران مسئول بطلان باشند متضامنا مسئول جبران ضـرر و زیـانی خواهنـد بود که در اثر بطلان مزبور به سهامداران و اشخاص ثالث ذینفع وارد شـده است (ماده ۲۷۳ ل.ا.ق.ت). ثالثا – مـدیران (هیئت مـدیره و مدیر عامل) نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی (عادی یا فوق العاده) در مقابل شرکت و اشخاص ثالث بر حسب مورد منفردا یا مشترکا مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک از مـدیران مزبور را جهت جبران ضـرر و زیان وارده به متضـرر تعیین خواهـد نمود (ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت) رابعـا – مسئولیت انفرادی هر مدیری که معاملاتی نظیر معاملات شرکت انجام دهد که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد در ماده ۱۳۳ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شـده است. خامسا – مسئولیت تضامنی مدیران در زمانی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد شود درماده ۱۳۰ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شده است. سادسا – شـخص یا اشخاصـی که مجموع سهام آنان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشـد حق دارنـد درصورت احراز تخلف یا تقصیر مدیران (هیئت مدیره و مدیر عامل) به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه تمـام یا بعضـی از مـدیران مزبور اقامه دعوی مسئولیت نموده جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند (ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت). در مورد مسئولیت جزائی مدیران باید به مقررات خاص قانون اصلاحی تجارت اشاره ای نمائیم: عدم دعوت مجمع و عـدم تنظیم اسناد: اگر رئیس و اعضـای هیئت مـدیره شرکت سهامی حـداکثر تا ۶ مـاه پس از پایـان هر سال مالی مجمع عمومی عادی سهامداران را دعوت نکننـد به حبس از ۲ تا ۶ مـاه یا به جزای نقـدی از ۰۰۰/۱۰ ریال تا ۰۰۰/۲۰۰ ریـال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد (ماده ۲۴۵ ل.ا.ق.ت). عدم تنظیم صورت حاضرین درمجمع : که در این صورت رئیس واعضای هیئت مـدیره به جزای نقدی از ۰۰۰/۲۰ ریال محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۵ ل.ا.ق.ت). جلوگیری از حضور سهامدار درمجامع عمومی و عـدم رعایت حق رای : که در صورت انجام این کار توسط هر یک از مدیران (اعضای هیئت مدیره مدیر عامل) شرکت سهامی به حبس تـادیبی از ۳ مـاه تـا یک سال یا به جزای نقـدی از ۰۰۰/۲۰ ریال تا ۰۰۰/۲۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهنـد شـد (مستنبط از ماده ۲۵۳ و ۲۵۷ نـاظربه ماده ۲۵۵ ل.ا.ق.ت). تقسیم سود موهوم : هر گـاه رئیس و اعضای هیئت مـدیره و مـدیر عامل شرکت بدون صورت دارائی و ترازنامه یا به استناده صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند و یا ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به سهامداران رائه یا منتشر کرده باشند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهنـد شد (مستفاد از بند ۱ و ۲ ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت). استفاده خلاف از اموال واعتبارات شرکت: که در این صورت رئیس واعضای هیئت مـدیره و مدیر عامل شرکت به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد (مستفاد از بند ۳ و ۴ ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت). در صورت سلب حق تقـدم به هنگـام افزایش سرمایه و دادن اطلاعات نادرست: توسط رئیس و اعضای هیئت مـدیره و مـدیرعامل هر شرکت سهامی به جزای نقـدی از ۰۰۰/۲۰ ریـال تا ۰۰۰/۲۰۰ ریال محکوم خواهنـد شـد. در صورتی که مـدیران مـذکور عالما مبادرت به این کار نماینـد به حبس از شـش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از ۰۰۰/۱۰۰ ریال تا ۰۰۰/۰۰۰/۱ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهنـد شـد (بند ۱ از ماده ۲۶۲ و ماده ۲۶۳). عـدم رعایت مقررات راجع به کاهش سرمایه : توسط رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی منجر به جزای نقدی از ۰۰۰/۲۰ ریال تا ۰۰۰/۲۰۰ ریال محکومیت خواهد شد (ماده ۲۶۴ ل.ا.ق.ت). با از میان رفتن بیش از نصف سرمایه: رئیس هیئت مدیره هر شرکت سهامی باید حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده سهامداران را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مور

۳– مجمع عمومی فوق العاده

طرز کار شـرکت سهامی – مجمع عمومی فوق العاده ۱– حد نصاب برای تشـکیل مجمع و اتخاذ تصمیم مجمع عمومی فوق العاده با حداقل دارندگان بیش از یک دوم سهامی که حق رای دارند یا نمایندگان آنها در جلسه رسمیت خواهد داشت. اگر این حد نصاب دراولین دعوت حاصل نشود مجمع برای مرتبه دوم دعوت خواهند شد و حد نصاب در این مجمع با حضور بیش از یک سوم سـهام صاحبان سـهام با حق رای شـرکت است مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول ذکر شده باشد . تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده با شـرکت دو سوم آرا صاحبان سـهام حاضر در جلسه معتبر خواهد بود (مواد ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.ت). ۲– وظایف واختیارات مجمع عمومی فوق العـاده وظـایف مجمع عبـارت است از: افزایش سـرمایه کاهش سـرمایه تغییرات اساسـنامه انحلال شـرکت قبل از موعد و یا تغییر نوع شرکت. اولا – افزایش سرمایه: حدود اختیارات مجمع عمومی فوق العاده درمورد افزایش سرمایه: افزایش از نظر حقوقی وقتی صورت می گیرد که سـرمایه شـرکت تمامـا تـادیه شـده باشـد که این افزایش به چهار صورت تحقق می یابـد: افزایش سرمایه از طریق پرداخت مبلغ اسـمی سهم به نقد . به وسیله تبدیل سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام به سـرمایه شـرکت. به صورت تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشـخاص از شـرکت به سـهام جدید. بالاخره با تبدیل اوراق قرضه به سهام . مجمع عمومی فوق العاده می توانـد به هیئت مـدیره اختیار دهـد که در ظرف مـدت معینی که از ۵ سال تجاوز ننماید سرمایه شرکـت را تـا میزان مبلغ معینی بـه یکی از طرق منـدرج در مـاده ۱۵۹ (ل.ا.ق.ت) افزایش دهـد (مـواد ۱۶۱ و ۱۶۲ ل.ا.ق.ت) این تفویض اختیار به هیئت مـدیره به طور اسـتثنا است زیرا افزایش سـرمایه در صـلاحیت اصـلی مجمع عمومی فوق العاده می باشـد. ۱– افزایش سـرمایه از طریق پرداخت مبلغ اسـمی سـهم به نقـد : شـرکت سـهامی برای ادامه کـار و فعـالیت تجـاری خود از طریق فراهم ساختن سرمایه ضروری مبادرت به انتشار سهام جدید عادی می نماید و چنین اقدامی در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که شرکت از اعتبار کافی برخوردار باشـد والا اگر شـرکت متحمل زیان شـد و ذخائر خود را نیز مصـرف کرده باشـد اصـلح است که به عوض سهام عادی جدیـد مبادرت به صـدور سـهام ممتازه و یا اوراق قرضه بنماید. بدیهی است اگر شـرکت اطمینان از فروش سـهام عادی جدیـد خود داشـته باشـد دراین صورت نه امتیازی به سـهامداران جدید خود می دهد و نه بار مالی پرداخت بهره اوراق قرضه را در مواعـد معین تحمل می نماید. ارزش اسـمی سـهام جدید که منتشـر می گردد باید مساوی با بهای اسـمی سـهام قدیم باشد زیرا برابر ماده ۳۲ (ل.ا.ق.ت) مبلغ اسـمی سـهام و همچنین قطعات سـهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد . بدین ترتیب ارزش اسمی کلیه سهام شرکت در طول مدت حیاتشرکت چه در صورت تجزیه سهام به قطعات باید متساوی باشد. منظور از اضافه ارزش هر سهم که د ر ماده ۱۶۰ (ل.ا.ق.ت) اشاره گردیده مبلغی علاوه بر مبلغ اسـمی هر سـهم است که شـرکت می تواند به مناسبت افزایش از پذیره نویسان مطالبه نماید وعلت چنین مطالبه ای هم این است که سهامداران قدیم شرکت متضرر نشوند. در مورد پاسخ به این سئوال که آیا جمع اضافه ارزشـهای دریافتی شـرکت از پذیره نویسان جزو سـرمایه شرکت محسوب می شو و یا م توان آنها را در ردیف منافع محول نموده و می گویـد : شـرکت می تواند از عواید حاصـله از اضافه ارزش سـهام فروخته شده را اندوخته منتقل سازد یا نقدا بین صاحبـان سـهام سـابق تقسـیم کنـد یا در ازا آن سـهام جدیـد به صاحبان سـهام سابق بدهـد. بر طبق ماده ۱۶۶ (ل.ا.ق.ت) حق تقـدم صاحبان سـهام قدیم پیش بینی شده است که می گوید: در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقـدم دارنـد واین حق قابل نقل وانتقال است مهلتی که طی آن سـهامداران می تواننـد حق تقـدم مذکور را اعمال کنند کمتر از ۶۰ روز نخواهد بود . این مهلت از روزی که برای پذیره نویسـی تعیین می گردد شـروع می شود. مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هنگام تصویب افزایش سـرمایه از طریق فروش سـهام حق تقدم سـهامداران را نسبت به پذیره نویسی تمام و یا قمستی از سهام جدید از آنان سلب نماید مشروط بر آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیات مدیره و بازرس و بازرسان شرکت اتخاذ گردد و الا

تصمیم مزبور باطل خواهد بود (ماده ۱۶۷ ل.ا.ق.ت). در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از سهامداران سابق سلب شده یا صاحب سهام از حق تقدم خود در ظرف مدت مقرر استفاده ننمایند تمام یا باقیمانده سهام جدید حسب مورد عرضه شده و به متقاضیان فروخته خواهد شد (ماده ۱۷۲ ل.ا.ق.ت). بر طبق ماده ۱۷۱ (ل.ا.ق.ت) گواهینامه حق خرید سهامی که صاحبان سهام حق تقدم در خرید آن را دارند باید شامل نکات زیر باشد: نام و شماره ثبت مرکز اصلی شرکت مبلغ سرمایه فعلی و نیز مبلغ افزایش سرمایه شرکت. تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن. نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود. مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند. گواهینامه مذکور باید لااقل به امضای دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می شود برسد. شرکت سهامی عام باید قبل عرضه سهام جدید جهت پذیره نویس مردم ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید برای افزایش سرمایه را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت نماید که اعلامیه مزبور الزاما باید به امضای مجاز شرکت رسیده باشد و نیز شامل نکات مقرر در مواد ۱۷۴ و ۱۷۷ (ل.ا.ق.ت)باشد سپس مراجع ثبت شرکتها پس از بررسی طرح اعلامیه مزبور و ضمائم مربوط اجازه انتشار آن را صادر مینماید و شرکت اعلامیه پذیره نویسی سهام افزایش سرمایه را باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشار که آگهی های شرکت در آن منتشر می گردد لااقل در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی نماید و نیز در آگهی مزبور باید در تاریخ شروع پذیره نویسی سهام افزایش سرمایه و تاریخ خاتمه آن که مجموعا نباید کمتر از ۲ ماه باشد قید شود. حال اگر مقدار سهام خریداری شده بیشتر از کل سهم تعیین شده برای افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره باید نسبت به تعدیل سهام مذکور با تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط صادر نماید (ماده ۸۸۱ ل.ا.ق.ت). مطابق ماده ۸۲ (ل.ا.ق.ت) و ماده ۷۶ همان قانون اگر قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقدی تادیه شود باید بدوا آورده های غیر نقدی طبق نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری ارزیابی گردد و گزارش مربوط به ارزیابی آورده های غیر نقدی در اختیار مجمع عمومی فوق العاده قرار گیرد اگر آورده های غیر نقدی یا مزایای که مطالبه شده مورد تصویب مجمع عمومی فوق العاده قرار نگیرد دومین جلسه مجمع اخیرکه حد نصاب آن حضور بیش از نصف پذیره نویسان هرمقدار سهام جدید و صاحبان سهام شرکت می باشد . به فاصله مدتی که از یک ماه تجاوز ننماید تشکیل می شود و در فاصله دو جلسه مذکور صاحبان آورده های غیر نقدی که آورده آنها مورد تصویب واقع نشده می توانند تعهد غیر نقدی خود را به تعهد نقدی تبدیل و مبلغ معادل آن را پرداخت کنند وهمچنین کسانی که مزایای مورد مطالبه آنان از طرف مجمع عمومی فوق العاده پذیرفته نشده است در صورت تمایل می توانند از مزایای مزبور انصراف حاصل و در شرکت باقی بمانند. در شرکت سهامی خاص قانونگذار تشریفات کمتری برای افزایش سرمایه از طریق صدور سهام قائل شده است. به منظور ثبت افزایش سرمایه شرکت مزبور فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک مندرج در ماده ۱۸۳ ناظر به ماده ۱۶۹ (ل.ا.ق.ت) کافی خواهد بود. برای افزایش سرمایه در شرکت سهامی خاص از طریق فروش سهام جدید مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیات مدیره و پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت دراین مورد مراتب را تصویب نماید. در صورتی که سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از سهامداران به نفع بعضی دیگر انجام پذیرد صاحبن سهامی که سهام جدید برای تخصیص به آنان درنظر گرفته شده است حق شرکت در اخذ رای درباره سلب حق تقدم مورد بحث ندارند و در حدنصاب رسمیت جلسه و اکثریت برای اتخاذ تصمیم نیز آرای آنان به حساب نخواهد آمد و همچنین مهلتی که طی آن صاحبان سهام می توانند حق تقدم خود را در خرید سهام جدید به مناسبت افزایش سرمایه شرکت اعمال کنند حداقل ۶۰ روز خواهد بود و این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود (مواد ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ ل.ا.ق.ت). شرکت سهامی خاص نمی تواند در اساسنامه خود اختیار افزایش سرمایه را برای هیات مدیره تفویض نماید و ضمنا مادامی که سرمایه شرکت کلا تادیه نشده باشد افزایش سرمایه مجاز

نخواهد بود (مواد ۱۶۴ و ۱۶۵ ل.ا.ق.ت). ۲- افزایش سرمایه به وسیله تبدیل سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام به سرمایه شرکت: سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص در هر سال مالی منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته ها(اختیاری - مالیاتی و قانونی) و حسب مورد به علاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده منهای پاداش اعضای موظف هیات مدیره با در نظر گرفتن شرایط مقرر درماده ۲۴۱ (تلفیقی از مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۱ ل.ا.ق.ت). اگر شرکت بخواهد سود تقسیم نشده یا اندوخته و یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام راتبدیل به سرمایه بنماید(بند ۳ از ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت) . در چنین حالتی شرکت با استفاده از منابع مالی مربوط از یک نوع خودکفائی برخوردار می باشد و چون سهامداران شرکت هیچگونه مبلغ جدیدی از بابت افزایش سرمایه مذکور پرداخت نمی نمایند. لذا توزیع اوراق تعهد سهام بین صاحبان سهام از طرف شرکت برای پذیره نویسی و به طریق اولی انتشار اعلامیه و آگهی مربوط پذیره نویسی الزامی نخواهد بود. مطابق تبصره ۲ از ماده ۱۵۸ (ل.ا.ق.ت) انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع شده است و این امر شاید به منظور تضمین بیشتر مطالبات اشخاص ثالث از شرکت بوده است ولی عملاـ اگر اندوخته های قانونی به سرمایه منتقل شود موجب افزایش سرمایه شرکت خواهد بود و چنین اقدامی به نفع طلبکاران شرکت می باشد نه به ضرر آنان گر چه ممکن است اندوخته مذکور با صدور سهام جدید مجانی بین سهامداران تقسیم گردد. در صورتی که کلیه صاحبان سهام با افزایش مبلغ اسمی سهام شرکت موافق باشند. در این صورت سهام سابق شرکت باطل و به عوض آنها سهام جدید با مبلغ اسمی بیشتر تعیین شده از طرف شرکت صادر می گردد. مطابق ماده ۱۸۸ (ل.ا.ق.ت) در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت گیرد کلیه افزایش باید نقدا پرداخت شود. افزایش سرمایه شرکت موجب بالاـ رفتن اعتبار آن درمقابل اشخاص طرف قرارداد با شرکت بالاخص با بانکها و موسسات مالی معتبر می گردد. در صورتی که شرکت ذخائر قابل تقسیم و یا اضافه ارزش سهام فروخته شده را بدوا بین صاحبان سهام تقسیم و سپس مبادرت به صدور سهام جدید با پرداخت مبلغ اسمی بنماید کاری بیهوده و عبث خواهد بود زیرا حتی در صورتی که سهامداران شرکت پس از دریافت سود متعلقه به خود مجددا آنها راصرف خرید سهام جدید شرکت بنمایند شرکت ناچار خواهد بود برای پذیره نویسی سهام جدید تشریفات قانونی که مستلزم هزینه و اتلاف وقت است انجام دهد. مجمع عمومی فوق العاده می تواند راسا مبادرت به افزایش سرمایه نماید یا این کار را به هیئت مدیره محول می کند درهر حال هیات مدیره مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش حداکثر مدت یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت راجع به میزان سرمایه ثبت شده شرکت جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از انجام تشریفات ثبت نتیجه جهت اطلاع عموم آگهی شود (مواد ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ ل.ا.ق.ت). ۳- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید: مطابق ماده ۱۸۵ (ل.ا.ق.ت) مجمع عمومی فوق العاده اختیار دارد از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده طلبکاران شرکت به سهام جدید سرمایه شرکت را افزایش دهد و این در صروتی استکه شرکت در فروخته شدن سهام جدیدی خود تردید داشته باشد زیرا طلبکار شرکت حاضر نمی شوند بدون کسب امتیازاتی از قبیل سلب حق تقدم خرید سهام جدید از بعضی و یا کل سهامداران شرکت به تبدیل مطالبات حال شده خود به سهام مذکور مبادرت نمایند مگر اینکه شرکت از نظر مالی وضع موفقیت آمیزی داشته باشد. با توجه به ماده ۱۸۵ (ل.ا.ق.ت) ملاحظه می گردد که برای تبدیل مطالبات نقدی حال نشده اشخاص به سهام جدید علاوه بر اتخاذ تصمیم مجمع مزبور تمایل طلبکاران در تبدیل مطالبات حال شده آنان به سهام جدید الزامی می باشد. حال باید دید که آیا بین دین شرکت و دین طلبکار شرکت که پس از خرید سهام جدید ایجاد می شود تهاتر حاصل خواهد شد یا خیر؟ مطابق ماده ۱۸۸ (ل.ا.ق.ت) که اشاره ای به تهاتر نموده است کلیه افزایش سرمایه از طریق مذکور باید نقدا پرداخت شود و به هنگام پذیره نویسی تمام سهام جدید بر حسب مورد کلاـ پرداخت یا تهاتر شود. با توجه به اینکه تهاتر قهری مندرج در ماده ۲۹۵ قانون مدنی ایران نمی تواند در این مورد مصداق داشته باشد اگر طرفین با رعایت مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ قانون مذکور در شرایط تهاتر توافق نمایند آیا بین دیون تهاتر حاصل می

شود یا خیر؟ مجمع عمومی فوق العاده که تبدیل مطالبات حال شده اشخاص را به سهام جدید برای افزایش سرمایه تصویب نموده و طلبکار نیز به این امر رضایت داده است تصور نمی شود که به حقوق اشخاص ثالث لطمه وارد شده باشد مگر اینکه این شرکت به نفع اشخاص اخیر توقیف شود. اگر طلبکار شرکتی ورقه تعهد سهام جدید شرکت مزبور را به منظور تبدیل مطالبات خود به سهام پذیره نویسی نماید آیا اشخاص ثالث می توانند قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه دیون شرکت به طلبکار مزبور را تامین یا توقیف نمایند؟ مطابق ماده ۱۸۴ (ل.ا.ق.ت) وجوهی راکه به حساب افزایش سرمایه پرداخت می شود و باید در حساب سپرده مخصوص نیز نگهداری شود قابل تامین و توقیف و انتقال به حسابهای شرکت نیست مگر اینکه افزایش سرمایه شرکت مزبور در مرجع ثبت شرکتها به ثبت رسیده باشد. ورقه تعهد سهم مذکور درمورد شرکتهای سهامی عام باید مشتمل بر نکات مندرج در ماده ۱۸۶ (ل.ا.ق.ت) ناظر به ماده ۱۷۹ همان قانون باشد و همچنین شرکت مکلف است برای به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه با تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید مدارک مذکور در ماده ۱۸۷ (ل.ا.ق.ت) را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نماید. ۴- تبدیل اوراق به سهام: قانونگذار برای افزایش سرمایه با صدور سهام جدید که با اوراق قرضه قابل تبدیل یا تعویض باشد تشریفات خاصی به شرح زیر قائل شده است: در صورت قابل تبدیل بودن اوراق قرضه به سهام شرکت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرسان اجازه انتشار اوراق قرضه را می دهد و ضمن تعیین شرایط و مهلتی به هیات مدیره اجازه می دهد تا سرمایه شرکت را افزایش دهد و هیات مدیره نیز در پایان مهلت تعیین شده معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه ای که برای تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس ازانجام تشریفات ثبت افزایش مزبور در مرجع ثبت شرکتها سهام جدید انتشار و به صاحبان اوراق مذکور معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق به شرکت تسلیم نموده اند تحویل می دهد. در تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت حق تقدم سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تبدیل مزبور خود به خود متفی می باشد. در صورت قابل تعویض بودن اوراق قرضه با سهام شرکت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش مخصوص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را لااقل برابر بامبلغ اسمی اوراق مزبور تصویب می کند ای قبیل افزایش سرمایه باید قبل از انتشار اوراق قرضه به وسیله یک یا چند بانک ویا موسسه مالی معتبر پذیره نویسی شود و قرار داد مربوط به اینگونه عمومی فوق العاده سهامداران برسد والا ـ فاقد هر گونه اعتبار خواهد بود. اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت الزاما باید با نام باشد (مواد ۶۱ و ۶۲ ل.ا.ق.ت) و شرکت مکلف است اوراق مذکوررا به صاحبان مربوط انتقال داده در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برساند (مواد ۶۷ و ۶۸ ل.ا.ق.ت). ثانیا – کاهش سرمایه: کاهش سرمایه شرکت بر خلاف استهلاک آن موجب تغییر مبلغ اسمی سرمایه شده در نتیجه و ثیقه طلبکاران شرکت تقلیل پیدا می کند. کاهش سرمایه شرکت معمولا بنا به دلایل و طرق مشروحه زیر به عمل می آید: ۱- کاهش سرمایه به علت زیان های وارده به شرکت: در چنین صورتی باید سرمایه شرکت ارزیابی شده و بر مبنای واقعیت موجود تقلیل داده شود. به تجویز ماده ۱۴۱ (ل.ا.ق.ت) کاهش سرمایه هنگامی اجباری محسوب می شود که زیان های وارده شرکت حداقل برابر نصف سرمایه شرکت باشد. کاهش اجباری سرمایه برابر تبصره ماده ۱۸۹ به شرح زیر به عمل می آید: تقلیل تعداد سهام شرکت: مثلا تعویض دو سهم قدیم در مقابل یک سهم جدید که این کار به ضرر سهامدارانی است که لااقل یک سهم داشته یا تعداد سهام آنان منفرد باشد و برای این قبیل سهامداران هم نمی توان سهام انتفاعی قائل شد زیرا اعطای سهامی انتفاعی غالبا موجبات نارضایتی سهامداران شرکت واشخاص ثالث را فراهم می سازد. برای تعیین وتکلیف این صاحبان سهام منفرد می توان در صورت تقلیل اجباری سرمایه از طریق تقلیل تعداد سهام درمواردی که بعضی از سهامداران فقط یک سهم ویا سهام منفرد غیر قابل تبدیل به سهام جدید داشته باشند. باطل شده محسوب و سهامدار حقی از این بابت نخواهد داشت ویا اینکه چنین سهامدارانی را به خرید سهام جدید شرکت ملزم نمود. تقلیل قیمت اسمی سهام: در این حالت ارزش اسمی سهام شرکت تقلیل پیدا می کند به طوری که سهام قدیم کلا باطل شده

وسهم جدید با ارزش اسمی کمتر بین سهامداران شرکت به نسبت سهام آنان توزیع می گردد. ۲- کاهش سرمایه به علت زیاد بودن دارائی شرکت: هنگامی که میزان سرمایه شرکت با فعالیت آن تناسبی نداشته و از نظر تجاری قابل توجیه نباشد. در اینصورت می توان از طریق توزیع قسمتی از سرمایه شرکت بین سهامداران آن سرمایه شرکت را کاهش داد و این کاهش که به طور اختیاری است کمتر در شرکتها عملی می شود. در صورتی که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه وارد نشود یا سرمایه شرکت از حداقل مقرر درماده ۵ (ل.ا.ق.ت) کمتر نشود مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان اتخاذ تصمیم می نماید . هیات مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه مکلف است تصمیم مجمع عمومی فوق العاده را درباره کاهش مزبور حداکثر ظرف مدت یک ماه در روزنامه کثیر الانتشار آگهی نماید تا از این طریق از اشخاص ثالث حمایت به عمل آورده باشد. ۳- آیا کاهش سرمایه از طریق خرید سهام شرکت به وسیله خود شرکت امکان پذیر است یا خیر؟ برابر ماده ۱۹۸ (ل.ا.ق.ت) خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع می باشد زیرا شرکت ممکن است سهامی بعضی از سهامداران را خریداری و باطل نماید و اشخاص اخیر از وضع بهتری نسبت به سایر صاحبان سهام برخوردار شوند وعلت دیگر ممنوعیت این کار این است که اصل تساوی حقوق سهامدار در شرکت با چنین اقدامی رعایت نشده و اشخاص ثالث نیز که با شرکت طرف قرارداد می باشند با کاهش مخفی سرمایه مواجه خواهند شد. ثالثا – تغییرات در اساسنامه: در صورتی که تغییرات در اساسنامه به اصل تساوی حقوق سهامداران در شرکت خللی وارد نکند مجمع عمومی فوق العاده اختیار کامل دارد که در اساسنامه شرکت با اکثریت دو سوم آرا حاضر در جلسه رسمی تغییراتی بدهد (مواد ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.ت). یکی از استثنائات اصل مذکور غیر قابل تغییر بودن تابعیت شرکت می باشد که چون اعطای تابعیت یا سلب آن علی الاصول از جمله اختیارات دولت می باشد لیکن اگر شرکتی مرکز اصلی خود را به کشور دیگری انتقال دهد در این صورت قهرا شرکت تابعیت آن کشور را کسب می نماید . امروزه دولتها در نقل و انتقال بین المللی مرکز اصلی شرکتها نرمش به خرج داده و با انعقاد قرارداد با کشورهای دیگر به شرکتها اجازه می دهند که تحت شرایطی تابعیت کشور خارجی را با حفظ تابعیت کشور اصلی کسب نمایند. با صراحت ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) هیچ مجمعی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. بدیهی است چنانچه بر خلاف این ماده اتخاذ تصمیم بنماید ضمانت اجرائی آن بطلان تصمیم متخذه خواهد بود. استثنائ دیگر منع افزایش تعهدات صاحبان سهام می باشد که مجمع عمومی فوق العاده حق ندارد با اکثریت مقرر تعهدات سهامداران را افزایش دهد واین به خاطر رعایت اصل تساوی حقوق سهامداران و آزادی قراردادهاست. رابعا – انحلال شرکت قبل ازموعد و یا تغییر نوع شرکت: وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد ویا مدت شرکت منقضی شده باشد درصورت ورشکستگی شرکت در هر موقع به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده و بالاخره در زمان انحلال به حکم قطعی دادگاه شرکت سهامی منحل می گردد(ماده ۱۹۹ل.ا.ق.ت). تغییر نوع شرکت در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد که با توجه به مواد ۵ و ۲۷۸ به بعد (ل.ا.ق.ت) به شرح زیر به عمل می آید: ۱- تبدیل شرکت سهامی خاص به سهامی عام: شرکت سهامی خاص با رعایت شرایط ذیل می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود: موضوع شرکت به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد سرمایه آن نباید از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر باشد در غیر اینصورت افزایش سرمایه الزامی است. از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت دو سال گذشته و دو ترازنامه سال مالی آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. اساسنامه شرکت سهامی خاص با رعایت مقررات لایحه اصلاح قمستی از قانون تجارت در مورد شرکت سهامی اصلاح ویا مجددا تنظیم گردد. شرکت سهامی خاص باید ظرف مدت یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده سهامداران تبدیل شرکت را به سهامی عام تصویب نموده است صورتجلسه مجمع مزبور را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نماید: اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده وبه تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت. صورت دارائی شرکت. اعلامیه تبدیل

شرکت که به امضا صاحبان امضا مجاز شرکت رسیده باشد و حاوی نام و شماره ثبت شرکت موضوع شرکت مرکز اصلی شرکت تاریخ انقضای مدت آن سرمایه شرکت تعداد امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار هویت کالم رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیر عامل شرکت شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی مقررات اساسنامه مبلغ دیون شرکت ذکر نام روزنامه کثیر الانتشار باشد. اداره ثبت شرکتها پس از دریافت مدارك فوق و تطبیق مندرجات آنها با قانون تجارت تبدیل شرکت سهامی خاص را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی می نماید. ۲- تبدیل شرکت سهامی به انواع شرکتهای دیگر: مطابق ماده ۵ (ل.ا.ق.ت) هرگاه سرمایه شرکت سهامی عام از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سرمایه شرکت سهامی خاص از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر می شود باید ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام نموده و یا شرکت را به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجارتی تغییر دهند در غیر این صورت هر ذینفع می تواند از دادگاه ذیصلاح انحلال شرکت را درخواست نماید.

۴- مقررات مشترک راجع به مجامع عمومی عادی و فوق العاده

طرز کار شرکت سهامی - مقررات مشترك راجع به مجامع عمومی عادی و فوق العاده دعوت مجامع دعوت مجامع از جمله وظایف هیات مدیره بوده و در صورت خودداری هیئت مدیره از دعوت این امر به عهده بازرس یا بازرسان شرکت محول شده است. دعوت مجامع عمومی و فوق العاده از طریق انتشار آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار به عمل می آید و تاریخ تشکیل جلسه نباید زودتر از ۱۰ روز و دیرتر ازز ۴۰ روز پس از انتشار دعوتنامه تعیین شود. ضمنا در صورتی که کلیه صاحبان سهام شرکت در مجمع عمومی حضور داشته باشند ارسال دعوتنامه قبلی لازم نمی باشد. از طرف دیگر سهامدارانی که لااقل یك پنجم سهام شرکت را دارا می باشند حق دارند دعوت و تشکیل مجمع عمومی را از هیات مدیره و در صورت امتناع هیئت مدیره از بازرس یا بازرسان خواستار شوند. نحوه شرکت در مجامع عمومی قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق العاده هر صاحب سهمی که بخواهد در مجمع عمومی یا فوق العاده شرکت کند می بایست ورقه ورود به جلسه مجمع را با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهام متعلق به خود از شرکت دریافت نماید. همچنین هر سهامدار می تواند برای خود وکیل یا قائم مقام قانونی جهت حضور در کلیه مجامع تعیین نماید. نحوه اخذ رای اخذ رای در مجامع معمولا با ورقه انجام می شود ولی به علت سکوت قانون تجارت در این مورد رای گیری با قیام و قعود و یابلند کردن انگشت مجاز می باشد. در کلیه مجامع تصمیمات به اکثریت آرا به ترتیب مقرر اتخاذ می گردد . مراد از اکثریت اکثریت آرای حاضرین در جلسه می باشد (ماده ۱۰۳ ل.ا.ق.ت) . انتخاب هیئت رئیسه مجمع عمومی عادی یا فوق العاده توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یك رئیس و دو ناظر ویك منشی اداره می شود ریاست مجمع از بین صاحبان حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. محدودیت اختیارات مجامع عمومی با توجه به ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) که می گوید : (هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمیتواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید) این سئوال مطرح می شود که منظور از افزایش تعهدات صاحبان سهام توسط اکثریت سهامداران شرکت چیست؟ مثلا افزایش سرمایه شرکت و الزام هر سهامدار به مشارکت در آن موجب ازدیاد تعهد او می شود و چنین عملی بر خلاف نص صریح قانون می باشد. ولی با توجه به مفهوم مخالف قسمت اخیر ماده ۹۴می توان گفت که اگر کلیه سهامداران شرکت به پیشنهاد شرکت در مورد افزایش سرمایه رای توافق بدهند در این صورت منع قانونی نخواهد داشت. حق کسب اطلاع سهامداران قانون تجارت ایران در ماده ۱۳۹ فقط حق کسب اطلاع سهامداران قبل از تشکیل مجمع عمومی را پیش بینی نموده و مقرر می دارد: هر صاحب سهم می تواد از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی درمرکز شرکت به صورت حسابها مراجعه کرده از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

۵- مجمع عمومی عادی

طرز کار شرکت سهامی - مجمع عمومی عادی ۱- حد نصاب برای تشکیل مجمع و اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلا بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری می باشد. هر گاه در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهند شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند جلسه رسمیت می یابد و تصمیمات لازم را نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است اتخاذ خواهند نمود مشروط بر آنه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد (مواد ۸۶ و ۸۷ ل.ا.ق.ت) تصمیمات در مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر می باشد. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود (بند ۱ ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت). ۲- وظایف مجمع عمومی عادی این وظایف شامل موارد زیر خواهد بود: استماع گزارش و پیشنهادات هیات مدیره و بازرسان شرکت در مورد وضع مال و خط مشی آینده شرکت و اخذ تصمیم درباره آنها. تصویب ترازنامه سالیانه وحساب سود و زیان تعیین حق الزحمه مدیران و بازرسان و تعیین جانشینان در خاتمه ماموریت آنان. تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می شود. ۳- اختیارات مجمع عمومی عادی اولا - رسیدگی به حسابهای شرکت و تقسیم سود. ثانیا - برابر ماده ۹۰ (ل.ا.ق.ت) که می گوید : (تقسیم سود و اندوخته صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ۱۰٪ از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. درماده مذکور مقنن به سود ویژه اشاره می کند و منظور از آن عبارت است از وضع تمام مخارج شرکت مانند : هزینه تجارتی و مخارج بهره برداری استهلاک هزینه عمومی و تبلیغات مالیات و پاداش مطالبات مشکوک الوصول پذیرایی و غیره از درآمد کل شرکت . از شود ویژه به میزان ۲۰/۱ یا ۵۰٪ جهت تشکیل ذخیره قانونی شرکت تا زمانی که میزان آن به ۱۰٪ سرمایه اصلی شرکت برسد برداشت می شود و بعد از آن برداشت به عنان ذخیره قانونی اختیاری خواهد بود (ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت). ثالثا - انتخاب مدیران و بازرسان : مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند و مدت مدیریت آنان نباید از دو سال تجاوزنماید (مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت) از طرف دیگر مجمع مزبور می تواند در تصمیمات بعدی خود هیات مدیره راکلا یا بعضا عزل نماید. نحوه انتخاب مدیران شرکت در ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) با اکثریت نسبی پیش بینی شده است و تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب میشود و حق هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود وحق هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. و در قسمت دوم ماده ۸۸ مذکور گفته شده است که : با توجه به اصل رعایت تساوی حقوق هر سهامدار در تخصیص رای به انتخاب مدیران تعداد سها هر رای دهنده تعدا آرا صاحبان سهام ممتاز مندرج در ماده ۴۲ (ل.ا.ق.ت) مانند سهام عادی حساب می شود در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود.) معمولا اقلیت از سیستم رای ادغامی استفاده می نمایند به این معنی که سهامداران اقلیت آرا خود را روی یک یا چند مدیر کاندیدا متمرکز می کنند تا بدین وسیله بتوانند در هیئت مدیره نفوذ نمایند و تا حدودی در کنترل شرکت مدخلیت داشته باشند. رابعا - تعیین روزنامه کثیرالانتشار شرکت از جمله اختیارات مجمع عمومی عادی سالیانه برای آگهی ها و اطلاعیه های بعدی سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد می باشد.

۱۸- انحلال و تصفیه شرکت سهامی

۱- انحلال شرکت سهامی

انحلال و تصفیه شرکت سهامی - انحلال شرکت سهامی شرکت سهامی ممکن است بنا به علل زیر منحل شود: از بین رفتن حداقل نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان های وارده به شرکت (ماده ۱۴۱ ل.ا.ق.ت). از بین رفتن موضوع شرکت یا غیر ممکن شدن انجام موضوع شرکت (بند ۱ از ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت). در صورت انقضای مدت شرکت (بند ۲ ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت). تقلیل سرمایه شرکت به کمتر از حداقل قانونی (حداقل سرمایه شرکت سهامی عام ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حداقل سرمایه شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد). در صورت ورشکستگی شرکت. در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مبنی بر انحلال شرکت. انحلال شرکت هب حکم دادگاه موارد مندرج در ماده ۲۰۱ (ل.ا.ق.ت) ناظر به انحلال شرکت از طریق دادگاه با درخواست ذینفع می باشد. به تجویز مواد ۱۰۶ و ۲۰۹ و ۲۱۰ (ل.ا.ق.ت) یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده در مورد انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن باید به مرجع ثبت شرکتها ارسال شود تا پس از ثبت برای اطلاع مردم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیر الانتشار که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شود .

۲- تصفیه شرکت سهامی

انحلال و تصفیه شرکت سهامی - تصفیه شرکت سهامی تصفیه شرکت سهامی مشتمل بر عملیات زیر می باشد: نقد کردن دارائی شرکت منحله وصول مطالبات شرکت منحله پرداخت دیون شرکت منحله تقسیم باقیمانده دارائی شرکت بین سهامداران. اول - انتخاب وعزل مدیر یا مدیران تصفیه تصفیه امور شرکت سهامی با مدیران شرکت است مگر اینکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده که رای به انحلال شرکت می دهد ترتیب دیگر مقرر داشته باشد (ماده ۲۰۴ ل.ا.ق.ت). پس در درجه اول مدیران شرکت برای انجام امور تصفیه انتخاب می شوند از طرف دیگر شرکت می تواند مدیر یا مدیران تصفیه غیر از مدیران شرکت انتخاب نماید. با این کار دیگر وظایف مدیران شرکت و سایر نمایندگان خاتمه می یابد. چنانچه به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشدهباشد و یا تعین شده ولی به وظایف خود عمل ننماید هر ذینفع می تواند تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه ذیصلاح درخواست نماید. مدت ماموریت مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر ۲ سال است تمدید این مدت با ذکر علل و جهات از طرف مدیر تصفیه به مجمع عمومی سهامداران بلامانع است. اگر مدیر تصفیه قصد استعفاء داشته باشد باید مراتب را به مجمع عمومی عادی سهامداران شرکت اعلام نماید و نیز در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه هرگاه مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین دعوت کند ولی اگر مدیر تصفیه مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهدکه مجمع عمومی عادی سهامداران را برای تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت کند. برای دوره تصفیه ممکن است به موجب اساسنامه یا به تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام یک یا چند ناظر تعیین شود تا به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی سهامداران تقدیم کنند. دوم - اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه مدیران تصفیه نمایند شرکت در حال تصفیه محسوب شده و دارای کلیه اختیارات لازم جهت امر تصفیه حتی از طریق اقامه دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش می باشند و حق دارند و می توانند برای طرح دعاوی و دفاع از آنها وکیل تعیین کنند (ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت) ولی مدیر تصفیه نمی تواند دارائی شرکت در حال تصفیه را به خود یا به اقارب خود از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم انتقال دهد (ماده ۲۱۳ ل.ا.ق.ت). سوم - وظایف مدیران ۱- عملیات تصفیه شرکت منحله وصول مطالبات شرکت از بدهکاران اعم از سهامداران یا اشخاص ثالث ولو از طریق اقامه دعوی در مراجع قضائی. نقد کردن دارائی شرکت از طریق فروش اموال منقول یا غیر منقول. پرداخت دیون شرکت با رعایت حقوق صاحبان مطالبات ممتازه. تقسیم باقیمانده دارائی شرکت بین سهامداران. ۲- دعوت مجامع عمومی اول - مقام دعوت کننده مجامع عمومی در دوران تصفیه دعوت مجامع اعم از عادی فوق العاده یا عادی به

طور فوق العاده به عهده مدیران تصـفیه است. در صورت خودداری مدیر تصـفیه از انجام تکلیف ناظر مکلف است نسبت به دعوت مجمع عمومی اقـدام نمایـد و یا اینکه دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشـکیل مجمع عمومی خواهـد داد (ماده ۲۱۹ ل.ا.ق.ت). دوم – حق کسب اطلاع سـهامداران سـهامداران شـرکت حق ندارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصـفیه کسب اطلاع نمایند (ماده ۲۲۰ ل.ا.ق.ت). مدیر یا مدیران تصـفیه مکلفند تا زمانی که امر تصـفیه شـرکت خاتمه نیافته است همه سـاله مجمع عمومی عـادی سـهامداران را با رعایت شـرایط وتشـریفاتی که در قانون و اساسـنامه پیش بینی شـده است دعوت و صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنـامه و حسـاب سود و زیـان عملیـات خود را به مجمع عمومی سالیانه تسـلیم و گزارشـی از اعمالی که تا زمان تشـکیل مجمع مزبور انجام داده اند به مجمع عمومی عادی تقدیم نمایند. ۳- الزامات رعایت تشریفات قانونی در طول مدت تصـفیه مقررات راجع به دعوت و تشـکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال شرکت باید رعایت شود و هر گونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصـفیه برای سـهامداران منتشر می کنند باید در روزنامه کثیر الانتشار که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شـرکت در آن درج می گردد تشـکیل شود ولی اتخاذ تصمیم ننماید مدیر یا مدیران تصـفیه مکلف به انتشـار گزارش خود و صورتحسابهـای مقرر در مـاده ۲۱۷ (ل.ا.ق.ت) در روزنـامه کثیر الانتشـاری که اطلاعیه هیا مربوط به شـرکت در آن درج می گردد جهت اطلاع عموم صاحبان سـهام می باشـند. ۴- اعلام ختم تصـفیه به مرجع ثبت شـرکت مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف یک ماه پس از پایان امر تصفیه شرکت سهامی مراتب را به مرجع ثبت شرکتها به منظور حذف نام شرکت از دفتر مرجع مـذکور و دفتر ثبت تجارتی اعلام نماینـد و نیز جریان امر باید در روزنامه رسـمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شـرکت در آن درج می شود آگهی شود. پس از پایان تصـفیه در صورتی که وجوهی متعلق به بسـتانکاران و سـهامداران شـرکت بـاقی مانـده باشـد مـدیر تصـفیه مکلف است وجوه باقیمانـده را در حساب مخصوص نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بسـتانکاران و صاحبان سـهامی را که روزنامه رسـمی و کثیر الانتشار به اطلاع اشـخاص ذینفع برساننـد تا برای دریافت مطالبات خود به بانک مورد نظر مراجعه کنند. چهارم – مسـئولیت مدنی و جزائی مدیران تصـفیه مسـئولیت مدنی مدیران تصـفیه در اثر ارتکاب تقصیـرتابع اصول کلی حقوق مدنی می باشد و چنانچه در اثر تقصیر مدیران تصفیه به سهامدار شخص ثالث ذینفع یا شـرکت مسـتقیما خسارتی وارد گردد زیان دیده برای اخذ خسارت باید تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعـل زیـان آور و ضـرر وارده رااثبات نمایـد. ماده ۲۲۶ (ل.ا.ق.ت) مـدیر یـا مـدیران تصـفیه را که از مقررات منـدرج در مـاده ۲۲۵ (ل.ا.ق.ت) تخلف نموده باشد از لحاظ میزان خسارات وارده به بسـتانکارانی که طلب خود را دریافت نکرده باشند مسئول می داند. در صورتی که پس ازانحلال شـرکت معلوم شود که دارائی شـرکت برای تادیه طلب بسـتانکار تکافو نمی کند دادگاه ذیصـلاح می توانـد به تقاضـای هر ذینفع هر یـک از مـدیران یا مـدیر عاملی را که کافی نبودن دارائی شـرکت به نحوی از انحا معلول تخلفات او بـوده منفردا یـا متضامنـا به پرداخت آن قسـمت از دیـونی که تـادیه ان از دارائی شـرکت امکـان پـذیر نیست محکوم کنـد. در مورد مسئولیت جزائی مدیران تصـفیه ماده ۲۶۸ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد که مـدیر یـا مـدیران تصـفیه هر شـرکت در صـورتی که عـالما مرتکب جرائم زیر شونـد به حبس تادیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه یا جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهنـد شـد: عـدم اعلام نـام ونشانی مربوط به مرجع ثبت شـرکتها درظرف مـدت یـک ماه پس از اتخاذ تصـمیم راجع به انحلال شرکت. دعوت ننمودن مجمع عمومی عادی صاحبان سهام و اطلاع ندادن به مجمع از وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصـفیه امور شـرکت و مـدتی را که جهت خاتمه امر تصـفیه لازم می داننـد تا مدت ۶ ماه پس از شـروع به امر تصـفیه. دعوت ننمودن مجمع عمومی عـادی صاحبـان سـهام شـرکت همه ساله تا قبل از خاتمه امر تصـفیه با رعایت شـرایط و تشـریفاتی که در این قانون و اساسـنامه شـرکت پیش بینی شـده است و نیز عدم تسـلیم صورت دارائی منقول و غیر منقول وترازنامه و حساب سود و زیان عملیات مربوط به مجمع مذکور به انضـمام گزارش حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند. ادامه دادن به عملیات امر تصفیه

پس از خاتمه دوره تصدی مدیریت مشروط بر آنکه تمدید ماموریت خود را خواستار شده باشند. عدم اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها در ظرف مدت یک ماه پس از خاتمه آن عدم تودیع وجوه باقیمانده پس از ختم تصفیه متعلق به سهامداران و بستانکارانی که طلب خود را وصول ننموده اند در حساب مخصوص در یکی از بانکهای ایرانی. عدم اطلاع تودیع وجوه باقیمانده مذکور به اشخاص ذینفع در طی آگهی ختم تصفیه و نیز ارتکاب جرائم مندرج در ماده ۲۶۹ (ل.ا.ق.ت) منجر به حبس تادیبی از ۱ سال تا ۳ سال محکومیت خواهد داشت.

۱۹- شرکت مختلط سهامی

۱- علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهامی - علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی شرکت مختلط سهامی نیز همانند شرکت مختلط غیر سهامی مهجور مانده و اشخاص رغبت چندانی به تشکیل این نوع شرکت از خود نشان نمی دهند. این امر البته به دلائل مختلفی است که برخی از آنها مربوط به موانع موجود بر سر راه شرکای ضامن است و به همان دلایلی که اشخاص را از تشکیل شرکت تضامنی منع می کند از تشکیل این شرکت نیز باز داشته است و چون در بحث شرکت تضامنی بدان اشاره از تکرار آن خودداری میشود. برخی دلائل دیگر مربوط به شرکای سهامی است که در بخش مربوط به علل مهجوریت شرکت مختلط غیرسهامی توضیح داده شد و از تکرار آن خودداری می شود. ولی در خصوص دلائل مربوط به شرکای سهامی ذکر یک نکته مهم است که بدان اشاره می شود: یکی از دلائل اهمیت شرکت مختلط سهامی درگذشته این بود که تشکیل شرکت سهامی منوط به اجازه قبلی دولت بود. در صورتی که تشکیل شرکت مختلط سهامی احتیاج به اجازه قبلی نداشت و آزاد بود. با آزاد شدن تشکیل شرکت های سهامی و هم چنین با پیش بینی شرکت های با مسئولیت محدود دیگر احتیاجی به تشکیل شرکت مختلط سهامی پیدا نمی شود. مجموعه این دلایل و عوامل سبب شده تا از تعداد این شرکت های کاسته شده و روز به روز نیز عرصه را به نفع شرکت های سهامی و با مسئولیت محدود خالی نمایند.

۲- اداره شرکت

شرکت مختلط سهامی - اداره شرکت اداره این شرکت همانگونه که ماده ۱۶۴ ق.ت صراحت دارد با شریک یا شرکای ضامن می باشد ماده فوق می گوید: (مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکای ضامن است). این امر به خاطر مسئولیت سنگینی است که شرکای مذکور در برابر طلبکاران شرکت دارند چرا که مسئولیت شرکای شرکت سهامی فقط تا میزان آورده است در حالی که شرکای ضامن از دارایی خود باقیمانده دیون شرکت را باید بپردازند. بنابراین باید به نحوی مدیریت نمایند که پاسخگوی اعمال و فعالیت های خود در شرکت باشند. با توجه به این ماده شرکای سهامی حقی در اداره امور شرکت ندارند اما این امر آنها را از وظیفه نظارتی منع نمی کند و مانع از آن نمی شود که آنها در جریان امورشرکت قرار گیرند. ماده ۱۶۵ ق.ت. بدون در نظر گرفتن محدودیت در مورد هیئت نظار اشعار داشته: ۹در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیئت نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکا برقرار می شود واین هیئت را مجمع عمومی شرکا بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود...) بنابراین شرکای سهامی نیز می توانند عضو هیئت نظار باشند. از طرف دیگر ماده ۱۷۰ ق.ت. نیز درمورد حق اطلاع شرکا اشعار داشته است که: (تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شکرت حاضر شده از صورت بیلان و

صورت دارایی و راپرت هیئت نظار اطلاع حاصل کند). با توجه به مطالب فوق باید گفت شرکای سهامی در اداره امور شرکت نقشی ندارند ولی می توانند عضو هیئت نظار شده بر امور شرکت نظارت کرده و در جریان مسائل شرکت قرار بگیرند.

۳– حدود مسئولیت شرکا

شرکت مختلط سهامی – حدود مسئولیت شرکا همانگونه که از تعریف فوق برمی آید دو نوع شریک در شرکت فوق وجود دارد و مسئولیت هر گروه نیز متفاوت می باشد که به بیان آن می پردازیم: ماده ۱۶۲ ق.ت. می گوید:(... شرکای سهامی... مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه ای است که در شرکت دارند...) بنابراین گروه اول از شرکا که سرمایه شرکت را تامین می کنند به صراحت ماده مذکور فقط تا میزان سرمایه خود که درشرکت گذاشته اند مسئولیت دارند و رد صورتی که تمام سرمایه تعهد شده خود را به شرکت نداده باشند در صورت ورشکستگی مدیر تصفیه مابقی آن را از آنان وصول خواهد کرد. در این خصوص ماده ۱۷۳ ق.ت. می گوید:(هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکسته شود و شرکای سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخت باشند مدیر تصفیه آنچه راکه برعهده آنها باقی است وصول می کند). ورد صورتی هم که شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود ماده ۱۷۴ ق.ت. تصریح دارد که :(... هریك از طلبكاران شرکت می توانند به هر یك از شرکای سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت رجوع کرده در حدود بدهی آن شری طلب خود را مطالبه نمایند. مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ یك از شرکای سهامی را ندارند.) در خصوص شریك ضامن ماده ۱۶۲ ق.ت. اشعار می دارد: (شریك ضامن کسی است که سرمایه او به صورت صهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود و در صورت تعدد شریك ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود) بنابراین برخلاف شرکا دسته اول شرکا تضامنی چون اعتبار و کار و صنعت خود را به شرکت می آورند بر همین مبنا هم مسئولیت دارند در صورتی که سرمایه شرکت نتواند پاسخ بدهی های شرکت را بدهد خود آنها از دارایی خود باید آن را جبران نمایند. و در واقع همان مقررات شرکت تضامنی در اینجا حاکم می باشد.

۴– تفاوت شرکت مختلط سهامی با غیرسهامی

شرکت مختلط سهامی – تفاوت شرکت مختلط سهامی با غیرسهامی در شرکت مختلط غیرسهامی سهم شریك با مسئولیت محدود به قطعات سهام تقسیم نمی شود و آزادانه قابل معامله نسبت و شخصیت شرکای با مسئولیت محدود در شرکت مدنظر است در صورتی که در شرکت مختلط سهامی شرکای با مسئولیت محدود به صورت سهم در می آید و مانند سهام شرکت های سهامی قابل نقل وانتقال است و شخصیت شرکای صاحب سهم از اهمیت برخوردار نیست و هر صاحب سهمی شریك شرکت محسوب می شود. به همین ترتیب شرکت مختلط همه مزایای شرکت مختلط غیر سهامی را واجداست با این مزیت که معامله سهام در ان کاملا ازاد می باشد.

۵– مشارکت اشخاص حقوقی در شرکت به عنوان شریک ضامن

شرکت مختلط سهامی – مشارکت اشخاص حقوقی در شرکت به عنوان شریك ضامن این بحث در خصوص شرکت های غیر سهامی نیز مطرح است که آیا اشخاص حقوقی می توانند به عنوان شریك ضامن عضو شرکت شوند یا نه؟ عده ای اعتقاد دارند که چون شریك ضامن در شرکت های مختلط کار و صنعت خود را در شرکت می گذارند باید حتما شخص حقیقی باشند. بعلاوه

اینکه برخی معتقدند این اشخاص نمی توانند عضو شرکت تضامنی گردند. این نگرش به نظر نمی رسد چندان قابل دفاع باشد چرا که در شرکت های تضامنی نیز مسئولیت هر شریک تا میزان دارایی وی می باشد که در خصوص اشخاص حقوقی هم نمی تواند با مانعی موجه شود و از طرف دیگر اشخاص حقوقی نیز می توانند تخصص خود را به شرکت آورند مضافا به اینکه ماده ۵۸۸ ق.ت. تصریح می کند که:(شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبیعه فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت – بنوت و امثال ذلک). بنابراین دلیلی وجود ندارد که اشخاص حقوقی نتوانند به عنوان شریک ضامن در شرکت های مذکور عضو شوند.

۲۰– شرکت مختلط غیرسهامی

۱– علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط غیرسهامی – علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی همانگونه که در تعریف این شرکت گذشت این شرکت دو نوع شریک دارد. یک عده شرکای ضامن هستند و شرکای دیگر مسئولیت محدود دارند و مسئولیت آنها به اندازه سرمایه ای است که به شرکت آورده اند. نگاهی به قواعد و مقررات و مسئولیت شرکا مبین این است که این شرکت همانند شرکت های مضاربه ای قانون مدنی که عده ای که سرمایه دارند و نمی خواهند. مستقیما فعالیت تجارری کنند یا نمی توانند تجارت نمایند سرمایه خود را در اختیار افرادی قرار می دهند که فاقد سرمایه اما واجد تخصص و صنعت هستند. تا در نتیجه فعالیت شرکای ضامن در سود سرمایه خود سهیم شوند اما امروزه ازاین نوع شرکت ها کاسته شده و این امر به دلایل متعددی می باشد که ذیلا بدان اشاره می شود: برخی از دلایل مذکور همان دلایل کاهش رغبت افراد به این نوع شرکت می باشد. برخی دلایل دیگر مربوط به موانع و محدودیت های داخل خود شرکت و برخی دیگر تسهیلاتی است که در تشکیل شرکتهای دیگر وجود دارد می باشد که ذیلا بدان اشاره می شود: – ماده ۱۴۸ ق.ت. می گوید: (هیچ شریک با مسئولیت نمی تواند بدون رضایت سایر شرکا شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند) و این خود محدودیت بزرگی است که برای شریک شرکت مذکور قائل شده است و آنها را به سمت تشکیل شرکت های سرمایه ای می کشاند. – گر شخصی بدون رضایت سایر شرکا داخل شرکت شود این شخص نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش درامور شرکت را خواهد داشت. این مطلب که در ماده ۱۴۹ ق.ت. آمده شرکای شرکت را با محدودیت بزرگی مواجه می سازد. – مطلب دیگر در ماده ۱۵۵ ق.ت آمده است. ماده مذکور می گوید:(هرکس به عنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که بر خلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). – توسعه شرکت های سهامی در قرون اخیر و امکان تشکیل شرکت با مسئولیت محدود باعث شده است تا روز به روز اهمیت این شرکت های کاسته شود. در روزگاران گذشته اگر محدود بودن مسئولیت شرکایی که سرمایه به این شرکت ها می آورند باعث میل و رغبت آنها به این شرکت ها می شد امروزه با وجود شرکت های سهامی و با مسئولیت محدود که مسئولیت همه شرکا به میزان سرمایه آنهاست و از طرف دیگر برخلاف شرکت مختلط غیرسهامی در انتخاب مدیران و اداره امور شرکت نقش مستقیم دارند دیگر شرکت مختلط آن اهمیت سابق خود را از دست داده و اشخاص سرمایه گذار را به سمت تشکیل شرکتهای سهامی یا با مسئولیت محدود سوق می دهد. و از طرف دیگرفوت یا محجوریت شرکا یا مدیر نیز تاثیری در امورشرکت نداشته و شرکا می توانند با تعیین مدیر یا مدیران دیگرموجودیت شرکت را حفظ کنند. مجموعه این عوامل و عوامل دیگری که باشرکت های دیگر یکسان است سبب شده اند که امروزه این شرکت ها مهجور بمانند به

گونه ای که از بدو تدوین قانون شاید تعداد انگشت شماری از این نوع شرکت ها تشکیل و به ثبت رسیده باشد.

۲– اداره شرکت

شرکت مختلط غیرسهامی – اداره شرکت مطابق ماده ۱۴۴ ق.ت: (اداره شرکت مختلط سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکای شرکت تضامنی مقرر است). و در مورد شرکای با مسئولیت محدود ماده ۱۴۵ اشعار داشته:(شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف اوست). آنگونه که از مواد فوق برمی آید در شرکت مختلط غیرسهامی فقط شرکای ضامن هستند کهحق اداره کردن شرک را دارند و به عبارت دیگر اداره و مدیریت شرکت تنها بر عهده آنهاست و شرکای با مسئولیت محدود نمی توانند در این امر دخالت کنند. علت این امر نیز این است که شرکای ضامن در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت نامحدد دارند وطبیعی است که باید حقوق آنها در مقابل شرکای با مسئولیت محدود حفظ شود و اراده آنها می تواند در تصمیم شرکای ضامن تاثیر گذارد. حال سئوال این است که آیا شرکای با مسئولیت محدود هیچ دخالتی در شرکت نمی توانند بکنند و حدود این منع قانونی تا کجاست؟ همانگونه که قانونگذار تصریح کرده شرکای با مسئولیت محدود نمی توانند در اداره شرکت دخالت کنند. بدیهی است که منظور از اداره شرکت انجام دادن کلیه عملیات و معاملاتی است که برای شرکت ایجاد تعهد کند و هدف از آن نیز حفظ حقوق شرکای ضامن در قبال سایر شرکا واشخاص ثالث می باشد. پس بنابراین نباید نتیجه گرفت که اعمال شریک با مسئولیت محدود در درون شرکت نیز که ارتباطی باحقوق اشخاص ثالث ندارد ممنوع است. بنابراین شریک با مسئولیت محدود می تواند در رای دادن مشورت شرکت در مجامع و سایر اموری که جنبه اداری درون شرکت دارد دخالت کند. کما اینکه خود مقنن به حق نظارت شرکای با مسئولیت محدود تصریح کرده است. ماده ۱۴۷ ق.ت در این خصوص می گوید:(هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت را داشته و می تواند از روی دفاتر واسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.) بنابراین قانون تجارت برخلاف مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ که دخالت شرای با مسئولیت محدود را در اداره شرکت منع کرده است در ماده ۱۴۷ به صراحت حق نظارت را به آنها اعطا نموده واین موضوع جنبه نظم عمومی داشته تا آنجا که قرارداد بر خلاف آن را از درجه اعتبار ساقط دانسته است. نکته ای که در خصوص اداره شرکت قابل توجه است انتخاب مدیران شرکت است. مسئله این است که آیا شرکا می توانند از اشخاص خارج شرکت همانند ماده ۱۲۰ ق.ت. اشخاص را به عنوان مدیر انتخاب نمایند و آیا اصولا انتخاب شرکای با مسئولیت محدود به عنوان مدیر مجاز است؟ ظاهر ماده ۱۴۴ ق.ت. چنین امری را نمی پذیرد چرا که اداره آن را از وظایف شرکا ضامن می داند و طبیعی است که با پذیرش آن شرکای با مسئولیت محدود نیز نمی توانند به عنوان مدیر انتخاب شوند. و این سیاست قانونگذار شرکت های مختلط را در بهر ه بردن از متخصصین امر مدیریت محدود می کند. ولی به نظر می رسد که با استفاده از اصول کلی حاکم بر شرکتهای تضامنی می توان استنباط کرد که انتخاب مدیران از بین اشخاص خارج از شرکت و حتی شرکای با مسئولیت محدود امکانپذیر باشد. ماده ۱۲۰ ق.ت. که در خصوص اداره شرکت های تضامنی است چنین امری را تجویز می کند و از طرف دیگر لحن ماده ۱۴۴ به گونه ای است که ادراه شرکت را از اختصاصات شرکای ضامن می داند کما اینکه اداره شرکت تضامنی یا هرشرکت دیگی نیز از اختیارات و وظایف شرکاست. بنابراین در صورتی که اشخاص ضامن شخص را حتی خارج از شرکت نیز به این سمت بگمارند باز هم خود آنها هستند که شرکت را اداره می کنند چرا که مدیر مذکور نماینده آنها تلقی می شود و مانند این است که خودشان شرکت را اداره نمایند. بنابراین می توان با این توضیح و به خاطر نفعی که شرکت در انتخاب مدیران متخصص می تواند داشته باشد چنین امری را برای شرکت تجویز کرد.

۲۱- بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط.

۱- عدم تعیین زمان برای تقسیم سود در شرکت های تضامنی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط. - عدم تعیین زمان برای تقسیم سود در شرکت های تضامنی قانونگذار در شرکت تضامنی برخلاف شرکت سهامی زمان خاصی را برای تقسیم سود معین نکرده است که شایسته است در این مورد پیش بینی های لازم به عمل آید.

۲- عدم تعیین حدود اختیارات و وظایف مدیران در شرکت های تضامنی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط. - عدم تعیین حدود اختیارات و وظایف مدیران در شرکت های تضامنی همچنین قانونگذار در خصوص حدود اختیارات و وظایف مدیران در شرکت های تضامنی مقرراتی وضع ننموده است که باید در این مورد نیز چاره بیندیشد.

۳- لزوم تعیین مدیر درشرکت های تضامنی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط. - لزوم تعیین مدیر درشرکت های تضامنی طبق ماده ۱۲۰ ق.ت. در شرکتهای تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت میدری معین نمایند. اما قانون مذکور تعیین نمی کند که هر گاه شرکا به این تکلیف عمل نکنند چه باید کرد.بدیهی است که تشکیل شرکت تضامنی برخلاف آنچه درخصوص شرکتهای سهامی صادق است منوط به نصب مدیر نیست. بنابراین هر اقدامی که هیر یک از شرکا انجام دهند مستلزم تنفیذ آن توسط کلیه شرکا خواهد بود که چنین ترتیبی با طبیعت شرکت تضامنی مطابقت ندارد و اصولا شرکا باید حتما مدیر یا مدیران را تعیین کنند و این اشکالی است که قانونگذار باید نسبت به رفع آن اقدام نماید.

۴- اصلاح عبارتی از ماده ۱۲۵ قانون تجار در خصوص شرکت تضامنی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط. - اصلاح عبارتی از ماده ۱۲۵ قانون تجار در خصوص شرکت تضامنی در ماده ۱۲۵ ق.ت. که مقرر شده: (هر کس به عنوان شریک ضامن درشرکت تضامی موجودی داخل شود...) به نظر می رسد قید کلمه ضامن بی وجه است. زیرا هر شریکی وارد شرکت شود ضامن است و در واقع همه شرکا ضامن هستند نه آنکه شریکی ضامن و شریکی غیرضامن باشد. بنابراین حذف کلمه مزبور خالی از وجه نمی باشد.

۵- دلایل عدم اقبال شرکت های تضامنی و نسبی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط. - دلایل عدم اقبال شرکت های تضامنی و نسبی این نوع شرکت از نظر تاریخی سابقه طولانی دارد و از حقوق روم اقتباس شده و در قرون وسطی به شکل فعلی آن در اروپا رواج داشت . با اینکه این نوع شرکت تقریبا در اکثر کشورها وجود دارد . ولی اقبال عمومی درگرایش به این شرکت ها به خاطر مسئولیت نامحدودی که برای شرکای قائل است کم می باشد. گذری به قانون مربوط به شرکت های تضامنی موید این ادعاست با نگاهی به قوانین بتوان

دلایل عدم اقبال به این شرکتها را دریافت: ذیل ماده ۱۱۶ ق.ت مقرر میدارد: (... اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). ماده ۱۲۴ ق.ت. نیز می گوید: (... پس از انحلال طلبکاران شرکت می توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکا نمی توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد...). ماده ۱۲۶ ق.ت. نیز مقرر می دارد: (هر گاه شرکت تضامنی منحل شود ... اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طالبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکا ضامن مطالبه کنند...) نگاهی به مواد فوق نشان از مسئولیت نامحدود شرکا پس از انحلال شرکت دارد و طبیعی است که این مسئولیت نامحدود از رغبت و گرایش سرمایه گذاران برای تشکیل این نوع شرکت کاسته و آنها را به سمت تشکیل شرکت های سرمایه ای سوق دهد. ماده ۱۱۸ ق.ت. مقرر می دارد: (شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.) همانگونه که ماده فوق اشعار داشته شرکا تا تمام سرمایه شرکت را نقدا تادیه نکنند یا سهم الشرکه غیرنقدی تسلیم ننمایند نمی توانند شرکت تضامنی را تشکیل دهند درحالی که درشرکت های دیگر بخصوص شرکتهای سهامی شرکا می توانند با پرداخت درصدی از سرمایه و تعهد مابقی آن شرکت را تشکیل دهند و این امر نیز می توانند یکی از موانع رغبت به این شرکت تلقی شود. - عامل دیگر می تواند مربوط به محدودیت در انتقال سهم الشرکه باشد. ماده ۱۲۳ ق.ت. می گوید: (در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکا نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکا). همانگونه که مذکور است در شرکت تضامنی در صورتی که شریکی بخواهد سهم خود را انتقال دهد بایدهمه شرکا بدان رضایت هند. اولا این انتقال غیر ممکن است و این هم می تواند مانعی در رغبت افراد به تشکیل این شرکت باشد چرا که در مقام مقایسه در سایر شرکت ها به خصوص شرکت های سهامی شرکا به راحتی می توانند سهم خود را به دیگری انتقال دهند و از مزایای شرکت نیز استفاده کنند. - عامل دیگر مربوط به شرکایی است که به شرکت تضامنی موجودی داخل شوند چرا که قانون این شرکا را در مقابل قروض قبل از وصول نیز مسئول می داند. ماده ۱۲۵ ق.ت. د راین خصوص اشعار می دارد: (هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامنا با سایرشرکا مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). - محدودیت دیگر شرکای شرکت تضامنی در ماده ۱۳۴ ق.ت. مذکوراست .با توجه به این ماده:(هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکا (به حساب شخص خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود درشرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود). وطبیعی است که اگر عضو شرکت بودن مانع تجارت دیگر شود و باصطلاح آزادی تجارت را از افراد بگیرد این امر خود می تواند سبب بی میلی در گرایش آن باشد. - عامل مهم دیگری که می تواند در عدم رغبت افراد در تشکیل این شرکتها موثر باشد مربوط به فوت یا محجوریت شرکای شرکت تضامنی می باشد. از آنجایی که در شرکت تضامنی شخصیت شرکا دارای اهمیت زیادی می باشد و به خاطر همین امر معمولا این نوع شرکت بین افراد یک خانواده یا بین دوستان معتمد شکل می گیرد وجود هر شریک در شرکت برای بقیه از اهمیت بالایی برخوردار است و مقنن هم با توجه به این مسئله مواد مربوطه را انشا کرده است. در حالی که د رشرکت های سرمایه ای این سرمایه است که سرمایه سهام به آسانی قابل انتقال است. با توجه به این امر فوت یا محجوری هر یک ازشرکا شرکت و بقیه شرکا را با مخاطره ای جدی روبرو می سازد و ممکن است با فوت هر شریک شرکت در معرض انحلال قرار گیرد و این موضوعی است که رغبت افراد را در تشکیل این شرکت های ممکن است کاهش دهد. در این خصوص ماده ۱۳۶ ق.ت. می گوید:(شرکت

تضامنی در موارد ذیل منحل می شود...). - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ...) و مواد مذکور اشعار می دارند: ماده ۱۳۹ ق.ت: (در صورت فوت یکی از شرکا بقا شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوه و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.) ماده ۱۴۰ ق.ت.: (در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد). - یکی دیگر از دلایلی را که می توان به این بحث افزود رواج شرکت های سرمایه به خصوص شرکت با مسئولیت محدد می باشد چرا که برخلاف شرکت تضامنی مسئولیت شرکا محدود است و شرکا می توانند اموال شخصی خود را از توقیف و تعرض طلبکاران شرکت مصون نگه دارند. آنچه گفته شد از موانع و محدودیت هایی است که به شرکای شرکت تضامنی تحمیل می شود وباعث ایجاد مسئولیت نامحدود گشته و همین امر رغبت اشخاص را برای تشکیل شرکت کاهش می دهد و از طرف دیگر آنها را به سمت تشکیل شرکت های سرمایه ای سوق می دهد. و رزو به روز از تعداد شرکت های مذکور می کاهد.

۶- تشکیل شرکت و مشکلات موجود

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط. - تشکیل شرکت و مشکلات موجود شرکت تضامنی به موجب قراردادی بین شرکا منعقد می گردد و تشکیل می شود این قرارداد باید علاوه بر دارا بودن شرایط عمومی که برای تشکیل قرارداد ضروری است از قبیل قصد و رضای شرکا اهلیت داشتن موضوع و مشروعیت جهت تشکیل شرکت باید شرایط شکلی را نیز که از قوانین مختلفه مربوط به شرکت ها قابل استنباط است داشته باشد. در غیر اینصروت شرکت نمی تواند اعتبار حقوقی کسب کند استنباط است داشته باشد . درغیر این صورت شرکت نمی توانـد اعتبار حقوقی کسب کنـد و فعالیت آن می تواند برای شرکا در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت به دنبال داشته باشد. بنابراین شرکت تضامین باید به موجب قراردد کتبی که شرکت نامه نامیده می شود بوجود آید و این شرکت نامه نیز باید به شکل رسمی تنظیم شده و به ثبت برسد چراکه در غیر این صورت مطابق مواد ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد. و مطابق ماده ۱۹۵ قانون تجارت ثبت کلیه شرکت های مذکور در این قانون الزامی و تابع مقررات ثبت شرکت هاست . بنابراین شرکت نامه بایـد به صورت رسمی تنظیم گردد. بعد از تنظیم و ثبت شرکت نامه شرکت نامه باید برای آگاهی عموم منتشر گردد. گر چه انتشار شرکت نامه از شرایط شکلی تشکیل شرکت لیکن ماده ۱۹۷ قانون تجارت نشر آن را لازم دانست و ماده ۱۹۸ نیز ضمانت اجرای عدم رعایت ماده مزبور را جواز ابطال عملیات شرکت دانسته است و ازطرف دیگر در عمل نیز برای به رسمیت شناختن شرکت رعایت مقررات انتشار شرکت نامه ضروری است. گذشته از آنچه در خصوص تنظیم قرارداد شرکت ثبت و انتشار آن گفته شد مطابق ماده ۱۱۸ قانون تجارت:(شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.) بنابراین مطابق این ماده تا زمانی که تمام سرمایه شرکت (خواه نقدی و خواه غیر نقدی) تادیه و تسلیم نشده باشد شرکت تضامنی تشکیل نمی شود. سهم الشرکه غیرنقدی نیز مطابق ماده ۱۲۲ قانون تجارت بایـد قبل از تشکیل با رضایت همه شرکا تقویم شود . قانونگذار برای عدم رعایت مقررات پیش بینی شده درماده ۱۱۸ ق.ت. ضمانت اجرایی پیش بینی ننموده است و جا دارد در این خصوص تمهیدات لازم به عمل آید. نکته دیگر در خصوص اساسنامه شرکت است چرا که هر شخصیت حقوقی برای فعالیت و رسیدن به اهدافی که در پیش گرفته است احتیاج به برنامه وتشکیلاتی دارد که قبلا باید طرح وتصویب شده باشد. این امر نیز معمولا در سندی انجام می شود که اساسنامه نامیده می شود در واقع اساسنامه سندی است که معرف تشکیلات اهداف و شیوه ای است که شخصیت حقوقی برای

فعالیت و ادامه آن بر آن اساس عمل می کند. درمقررات مربوط به شرکت تضامنی هیچ تصریح قانونی بر لزوم وجود اساسنامه دیده نمی شود. وهمه جا از عنوان شرکت نامه استفاده شده است و از طرفی شرکت نامه عقد شرکت محسوب می شود و شرایط انعقاد وتعداد شرکا و اراده آنها برای تشکیل شرکت و سایر نکات ضروری در آن درج می شود. بنابراین می توان گفت با درج این نکات در شرکت نامه ضرورت چندانی به وجود اساسنامه احساس نمی شود و به همین خاطر قانونگذار نیز آن را ضروری ندانسته است اما از نجا که ممکن است تعداد شرکای شرکت تضامنی نیز زیادتر باشند و از طرفی اهداف و گستره فعالیت شرکت گسترده باشد می توان علاوه بر شرکت نامه که عقد شرکت تلقی می شود سایر مسائل مربوط را در اساسنامه گنجاند و مبنای کار شرکت تلقی گردد. هم چنین در شرکت تضامنی لازم است که شرکا مطابق ماده ۱۲۰ قانون تجارت لااقل یک نفر را از میان خود یا خارج به سمت مدیریت معین نمایند و حدود مسئولیت مدیر مذکور نیز مطابق ماده ۱۲۱ قانون تجارت و ماده ۵۱ قانون تجارت در خصوص شرکت های سهامی که اعتبار آن در این مورد همچنان باقی است مسئولیت وکیل در مقابل موکل است ولی از لحاظ کیفری در این مورد قاعده خاصی وضع نشده بنابراین تاع مقررات عمومی است و مدیری که به این ترتیب انتخاب می شود مدیر اجرایی شرکت بوده و نماینده شرکت برای انجام امور مربوطه طبق اساسنامه یا شرکت نامه می باشد.

۲۲- افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام

۱- مقدمه

افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام - مقدمه افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص جهت سهامداران شرکت و کسانی که مایل به سرمایه گذاری در شرکت می باشند وفق مقررات مواد ۱۵۷ الی ۱۶۹ و مواد ۱۸۳ الی ۱۸۸ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت صورت می پذیرد. افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام برای سهامداران تابع مواد فوق الذکر و کسانی که قصد دارند به جرگه سهامداران وارد شوند وفق مواد ۱۷۰ الی ۱۸۲ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت صورت خواهد گرفت. روش افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد (ماده ۱۵۷ ل.ا.ق.ت) الف: پرداخت مبلغ اسمی یا مبلغ افزایش سرمایه به نقد: در این حالت ارائه گواهی بانکی با رعایت ماده ۱۸۴ ل.ا.ق.ت بهمراه سایر مدارک به اداره ثبت شرکتها الزامی است. ب: تبدیل مطالبات حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید: در تبدیل مطالبات حال شده اشخاص به سهم رعایت مواد ۱۷۵ الی ۱۸۷ ل.ا.ق.ت الزامی است سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر می گردد می بایستی ورقه خرید سهم توسط طلبکاری که مایل به پذیره نویسی می باشد امضا شود در ورقه خرید سهم رعایت بندهای ذیل ماده ۱۷۹ ل.ا.ق.ت ضروری است در مورد مواد فوق الاشاره در موقع ارائه مدارک افزایش سرمایه می بایستی لیست کاملی از بستانکاران شرکت شامل مطالبات حال شده آنان که تبدیل به سهام گردیده و رونوشت اسناد و مدارکی که حاکی است از تصفیه این مطالبات که صحت آن به تایید بازرسان شرکت رسیده باشد وتایید هیات مدیره دایر بر تبدیل مطالبات به سهام به همراه سایر مدارک به اداره ثبت شرکتها تسلیم شود. ج: انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته شرکت یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه: سود یا اندوخته مازاد بر اندوخته قانونی و یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید براساس ماده ۱۶۰ ل.ا.ق.ت را به سرمایه شرکت اضافه نماید در این حالت کلیه عواید حاصله و سود یا اندوخته قانونی به نسبت سهام به هر یک از سهامداران تعلق می گیرد صورتجلسه هیات مدیره دایر بر رعایت موارد بهمراه سایر مدارک به اداره ثبت شرکتها تسلیم گردد. د: تبدیل اوراق قرضه به سهام: افزایش سرمایه از طریق تبدیل اوراق قرضه به سهام فقط در شرکت های سهامی عام با رعایت مفاد مواد ۵۱ الی ۷۱ ل.ا.ق.ت امکان پذیر می باشد. ورقه قرضه

ورقه قابل معامله ای است که معرف مبلغی وام با بهره معین است که تمام یا جزئ آن در موعد یا مواعد معین باید به مالک آن مسترد گردد دارندگان اوراق قرضه جزئ سهامداران شرکت محسوب نمی شوند و در اداره شرکت حق هیچگونه دخالتی را ندارند و فقط بستانکاران شرکت محسوب می گردند. مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند در صورتی که موعد پرداخت اوراق قرضه فرا رسیده باشد تعویض این اوراق با سهام شرکت را تصویب نماید این تصمیم باید مقارن و همزمان با تصمیم افزایش سرمایه حداقل تاسقف اوراق قرضه منتشره باشد این تصویب باید با رعایت ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت و خصوصا تبصره ۲ آن همراه باشد. و: افزایش سرمایه از طریق تادیه غیرنقد افزایش سرمایه از محل تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد فقط در شرکتهای سهامی خاص امکان پذیر می باشد. وفق بند ۴ ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت چنانچه تمام یا قسمتی از افزایش سرمایه از طریق آورده های غیر نقدی سهامداران یا افراد دیگری که مجمع با ورود آنان به شرکت موافقت می نماید باشد بر اساس رعایت ماده ۸۲ قانون فوق الذکر این اموال می بایستی مورد تقویم و ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری واقع گردیده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده با دستور جلسه افزایش سرمایه رسیده و مدارک آن بانضمام سایر مدارک مورد نیاز به اداره ثبت شرکتها ارائه گردد. مبلغ افزایش سرمایه از آورده غیر نقدی تابع مبلغ وارزش تعیین شده آن توسط کارشناس مربوطه بوده و ذکر مبلغی بیش از آن مجاز نمی باشد چنانچه این آورده مربوط به تعدادی از سهامداران یا افراد جدیدالورود به شرکت باشد رعایت مواد ۷۷ الی ۸۱ ل.ا.ق.ت الزامی است (در زمانی که در مجمع بحث در مورد افزایش سرمایه شرکت کلا یا جزئا از محل آورده های غیرنقد و استفاده از مزایای درخواست شده مربوط به آن سهام می باشد. سهامداران آورنده آورده های غیر نقد حق رای در جلسه نداشته و آن قسمت از سرمایه غیر نقد که موضوع مذاکره و رای می باشد از حیث حد نصاب جهت اعلام رسمیت جلسه و رای گیری محسوب نمی گردد و چنانچه مجمع با این آورده ها و امتیازات درخواست شده موافقت ننماید دومین جلسه مجمع بلافاصله زمانی که بیش از یک ماه نخواهد بود تشکیل ودر حد فاصل دو جلسه اشخاص که آورده های غیر نقد آنان و یا مزایای درخواست شده توسط مجمع قبول نشده باشد در صورت تمایل می توانند بمیزان ارزش تعیین شده اموال غیر نقد بصورت نقد مبلغ سهام را تعهد و تادیه نمایند و همچنین از مزایا و امتیازات درخواستی نیز انصراف حاصل نمایند در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و درخواست کنندگان مزایا و امتیازات ذکر شده بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب و سایر پذیره نویسان می توانند بجای آنان این سهام را تعهد و مبالغ لازم را تادیه و سهام مربوطه را ابتیاع نمایند ضمنا در جلسه ثانوی که جهت رسیدگی به وضع اورده های غیر نقد و مزایای مطالبه شده جهت آن تشکیل می گردد می بایستی بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند و در آگهی دعوت نوبت دوم باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه نوبت دوم قید گردد (ماده ۸۰ ل.ا.ق.ت) همچنین در صورت انصراف سهامداران از تبدیل آورده های غیرنقد به سرمایه شرکت و عدم خریداری سهام جدید توسط سایر سهامداران در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه بصورت نقد بوده و مبالغ آن تادیه و گواهی از بانک ارائه گردیده شرکت می تواند در صورت انصراف از کل افزایش سرمایه به استناد ماده ۱۹ قانون تجارت از اداره ثبت شرکتها خواستار دریافت گواهینامه استرداد سرمایه واریزی جهت قسمتی از افزایش سرمایه را نماید و اداره مذکور به استناد ماده مار الذکر ملزم به ارائه چنین گواهینامه ای می باشد. افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام (انحصارا جهت شخص سهامداران) و سهامی خاص (سهامداران و افراد جدیدالورود) مجامعی که جهت اتخاذ تصمیم در خصوص امر مذکور تشکیل می گردد به دو صورت ذیل امکان پذیر است : الف: تشکیل مجمع با حضور کلیه سهامداران الف - ۱: جلسه مجمع عمومی فوق العاده با حضور صددرصد سهامداران تشکیل و عملی شدن افزایش سرمایه را به یکی از طرق مذکور در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت یا تجمیعی از بندهای ماده مذکور تصویب و ماده مربوطه اساسنامه را اصلاح می نماید در این مورد مدارک ذیل طبق ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت ضروری می باشد. ۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده دایر بر افزایش سرمایه با رعایت کامل مفاد اساسنامه شرکت و قانون تجارت یعنی مواد ۱۰۵ و ۱۰۱ و ۱۶۱ و تبصره ۲ آن

۲- فهرست صد در صد سهامداران حاضر در جلسه با تایید هیات رئیسه جلسه در رعایت ماده ۱۰۵ (ل.ا.ق.ت) ۳- دو نسخه اظهارنامه مبنی بر افزایش سرمایه و اعلام سرمایه جدید و تعداد سهام شرکت و اسامی سهامداران و تعداد سهام هر یک از آنان و امتیازات و نوع سهام (برگهای اظهارنامه از واحد فروش اوراق بهادار مستقر در اداره ثبت شرکتها تهیه شود) ۴- مدارک لازم در مورد بندهای مربوط به افزایش سرمایه با توجه به ماده ۱۵۸ ل.اق.ت الف- ۲: جلسه مجمع عمومی فوق العاده با حضور صد در صد سهامداران تشکیل و رای بر تصویب افزایش سرمایه به یکی از طرق مذکور در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت یا چند طریق آن تواما داده و مقرر می گردد پس از عملی شدن افزایش سرمایه ماده اساسنامه مربوطه اصلاح گردد که با توجه به اینکه هیات مدیره مجری مصوبات مجمع می باشد بایستی طبق ماده ۱۶۳ ل.ا.ق.ت و با عنایت بماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت عمل نماید ضمنا مدارک ذیل جهت ثبت لازم می باشد: ۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده با رعایت مواد ۱۰۱ و ۱۶۱ ل.ا.ق.ت و تبصره های ۱و۲ آن ۲- فهرست کلیه سهامداران حاضر در جلسه با امضای آنان و تایید هیات رئیسه جلسه در رعایت ماده ۱۰۵ ۳- آگهی حق تقدم یا افزایش سرمایه در رعایت ماده ۱۶۹ و ۱۶۶ ل.ا.ق.ت ۴- صورتجلسه هیات مدیره جهت انجام مصوبات مجمع وعملی شدن افزایش سرمایه ۵- دو نسخه اظهارنامه دال بر افزایش سرمایه ۶- مدارک لازم در مورد بندهای مربوط به نحوه افزایش سرمایه در رعایت ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت ب - تشکیل مجمع با حضور اکثریت سهامداران: در این مورد می بایستی دعوت از سهامداران شرکت جهت حضور در مجمع فوق العاده با رعایت مواد ۸۴ و ۹۸ و ۱۰۰ ل.ا.ق.ت و اساسنامه شرکت بعمل آید. ماده ۸۴ ل.ا.ق.ت مقرر می دارد جلسه مجمع در نوبت اول با حضور بیش از ۵۱٪ از سهامداران ودر نوبت دوم با حضور بیش از یک سوم سهامداران رسمیت می یابد به شرطی که در آگهی دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید گردد.ماده ۹۸ ل.ا.ق.ت فاصله بین نشر دعوتنامه و مجمع را حداقل ۱۰ روز و حداکثر ۴۰ روز مقرر داشته است. طبق ماده ۱۰۰ ل.ا.ق.ت در آگهی دعوت منتشره در روزنامه شرکت دستور جلسه و ساعت و نشانی کامل محل جلسه و تاریخ آن می بایستی صراحتا قید گردد. مدارک لازم در بند فوق با نظر به ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت عبارتست از : ۱- آگهی دعوت مجمع مندرج در روزنامه شرکت با رعایت مفاد مواد ذکر شده ۲- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده دایر بر افزایش سرمایه با رعایت کامل ماده ۱۰۱ و ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت و تبصره های آن ۳- دو نسخه اظهارنامه دال بر اعلام سرمایه جدید و تعداد سهام و مزایا و نوع آن و اسامی سهامداران با تعداد سهام آنان ۴- مدارک لازم در مورد عملی شدن افزایش سرمایه به یکی از طرق مندرج در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت یا تجمیعی از بندهای مزبور ۵- فهرست سهامداران حاضر در مجمع با امضای آنان و تایید هیات رئیسه جلسه مبنی بر صحت حضور آنان ۶- صورتجلسه هیات مدیره دال بر انجام افزایش سرمایه در اجرای مصوبه مجمع عمومی فوق العاده مربوطه ۷- فهرست سهامداران پس از افزایش سرمایه با تایید هیات مدیره مستندا به تبصره بند ۴ ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت ۸- آگهی حق تقدم یا افزایش سرمایه در اجرای مواد ۱۶۶ و ۱۶۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت جهت شرکتهای سهامی خاص و آگهی مذکور در رعایت مواد فوق الذکر و رعایت مواد ۱۷۰ و ۱۷۱ ل.ا.ق.ت جهت شرکتهای سهامی عام.

۲- توضیحات

افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام - توضیحات در خصوص مجامع فوق الاشعار : الف- چنانچه مجمع در رعایت ماده ۱۶۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت تصویب نماید که تمام یا قسمتی از حق تقدم صاحبان سهام به نسبت تمام یا بخشی از پذیره نویسی سهام جدید مربوط به افزایش سرمایه مصوبه همان مجمع را سلب نماید می بایستی این ماده و تبصره مربوط به آن کاملا رعایت گردد هیات مدیره در گزارش خود در رعایت این ماده وتبصره آن بایستی غیر از توجیه لزوم افزایش سرمایه علل و موارد سلب حق تقدم از بعض یا کلیه سهامداران را ذکر و اسامی افراد جدید یا سهامدارانی را که اینگونه سهام بنفع آن سلب حق تقدم گردیده معرفی وتعداد و قیمت سهام و عواملی را که در تعیین قیمت مدنظر واقع گردیده اعلام نماید و ضمنا بازرس یا بازرسان

شرکت می بایستی گزارش هیات مدیره و علل ذکر شده جهت سلب حق تقدم سهامداران را کاملا تایید نمایند. چنانچه سلب حق تقدم از بعضی از سهامداران بنفع تعدادی دیگر از سهامداران باشد براساس ماده ۱۶۸ ل.ا.ق.ت سهامدارانی که اینگونه سهام جهت آنان منظور شده نمی توانند در اخذ رای جهت اعلام نظریه مجمع در مورد سلب حق تقدم سایر سهامدارانی بنفع آنان شرکت نمایند در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و دارا بودن اکثریت قانونی جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع سهام این سهامداران ملحوظ نظر و محسوب نمی گردد. ب- بر اساس ماده ۱۶۵ ل.ا.ق.ت مادامی که سرمایه قبلی و تعهدی شرکت کلا پرداخت نشده و تادیه نشده باشد افزایش سرمایه جدید مجاز نمی باشد. ج- بر اساس تبصره ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت اظهارنامه های افزایش سرمایه می باستی توسط کلیه اعضای هیات مدیره امضا شود . د- بموجب ماده ۱۸۴ ل.ا.ق.ت اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه در شرکت برای هیات مدیره باشد و هیات مدیره راسا مجاز به افزایش سرمایه نبوده و فقط مجری مصبات مجمع عمومی برای عملی نمودن افزایش سرمایه می باشد . ه- افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نمی باشد مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند : (ماده ۱۵۹ ل.ا.ق.ت) و- طبق ماده ۹۴ هیچ مجمعی و با هیچ اکثریتی نمی تواند برتعهدات صاحبان سهام بیفزاید. ز- شرکتهای سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در سازمان بورس و اوراق بهادار یا بانکها به عموم عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هرنوع اقدام تبلیغاتی دیگر برای فروش سهام به غیر سهامداران مبادرت نمایند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام که در قانون تجارت ذکر گردیده تبعیت و پیروی نمایند: (ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت) ح- بموجب ماده ۱۶۲ ل.ا.ق.ت مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیات مدیره اجازه دهدکه ظرف مدت معینی که می بایستی از ۵ سال تجاوز ننماید سرمایه شرکت را به یکی از طرق ذکر شده در قانون و تا سقف مبلغ مشخص شده افزایش دهد. ط- مستفاد از ماده ۱۸۸ ل.ا.ق.ت در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت گیرد کلیه این افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت گیرد کلیه این افزایش سرمایه باید نقدا پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال این افزایش سرمایه صادر می شود باید هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلا پرداخته یا تهاتر شود. ی- بر اساس ماده ۱۶۳ ل.ا.ق.ت هیات مدیره در هر حال مکلف و موظف است در هر نوبت پس از عملی شدن افزایش سرمایه مراتب آن را حداکثر ظرف یک ماه ضمن اصلاح ماده اساسنامه به اداره ثبت شرکتها اعلام تا آن مرجع نسبت به ثبت و آگهی مفاد آن اقدام نماید. ک- طبق تبصره ۱ ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیات مدیره شرکت واگذار خواهد کرد.

۳- روش افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام

افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام - روش افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام مستندا به ماده ۱۷۲ ل.ا.ق.ت و با عنایت به صورتجلسه مجمع عموی فوق العاده اگر تمام مبلغ افزایش سرمایه جهت متقاضیان و افراد غیر سهامدار شرکت در نظر گرفته شود بایستی از کلیه سهامداران شرکت در همان مجمع سلب حق تقدم گردد و یا چنانچه به استناد ماده ۱۷۰ ل.ا.ق.ت و با رعایت ماده ۱۶۹ ل.ا.ق.ت بایستی آگهی افزایش سرمایه و استفاده از حق تقدم در افزایش سرمایه جهت سهامداران انتشار یافته و مفاد ماده ۱۷۰ ل.ا.ق.ت رعایت گردد لیکن اگر صاحبان سهام شرکت در مهلت و فرجه قانونی از تمام یا قسمتی از حق تقدم خود در افزایش سرمایه استفاده ننموده باشند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام خریداری یا پذیره نشده به متقاضیان جدید و افرادی که مایل به پذیره نویسی در شرکت مربوطه می باشند بایستی با رعایت موارد آتی الذکر سهام خریداری یا پذیره نشده فروخته یا واگذار شود. در شرکتهای سهامی عام می بایستی بر اساس ماده ۱۷۳ ل.ا.ق.ت قبل از عرضه نمودن سهام جدید برای افزایش

سرمایه مصوب مجمع یا سهام باقیمانده و خریداری و یا پذیره نشده توسط سهامداران قبلی شرکت خواهان پذیره نویسی عمومی برای آن باشد می بایستی بدوا طرح اعلامیه پذبره نویسی سهام جدید را که با رعایت ماده ۱۷۴ ل.ا.ق.ت تنظیم گردیده به انضمام آخرین ترازنامه و حساب سود وزیان شرکت که به تصویب مجمع رسیده است و در صورتی که شرکت تا آن زمان ترازی تصویب ننموده باشد با قید و ذکر این مورد در طرح اعلامیه پذیره نویسی با رعایت مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ ل.ا.ق.ت کلیه مدارک مربوطه را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت نمایند. اداره ثبت شرکتها موظف می باشد که طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضمایم آن را با عنایت بمفاد مواد لایحه اصلاحی قانون تجارت و اساسنامه شرکت بررسی و در صورت صحت مدارک اجازه پذیره نویسی سهام جدید را جهت پذیره نویسان جدید و افراد مایل به سرمایه گذاری در شرکت صادر نماید مدارکی که در این مرحله باید تحویل اداره ثبت شرکتها گردد عبارتند از : ۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده دال بر تصویب افزایش با رعایت کلیه مفاد اساسنامه و مواد لایحه اصلاحی قانون تجارت ۲- آگهی دعوت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده (البته در صورت عدم تشکیل جلسه مجمع با حضور کلیه سهامداران) ۳- فهرست سهامداران حاضر در مجمع عمومی فوق العاده با رعایت ماده ۱۰۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۴- آگهی افزایش سرمایه و حق تقدم منتشره در روزنامه کثیرالانتشار شرکت در رعایت مواد ۱۶۶و ۱۶۹ و ۱۷۰و ۱۷۱ ل.ا.ق.ت انحصارا جهت سهامداران شرکت ۵- ارائه مدارک لازم در جهت افزایش سرمایه از طریق یکی از طرق یا تجمیعی از بندهای ذکر شده در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت ۶- صورتجلسه هیات مدیره بعداز انقضای مهلت مقرره قانونی در رعایت ماده ۱۶۶ ل.ا.ق.ت دال بر عملی شدن قسمتی از افزایش سرمایه که مربوط به سهامداران قبلی شرکت می باشد. توجه: (در مورد بند ۴و۵و۶ در صورتی مدارک ذکر شده ضمیمه می گردد که در جلسه مجمع عمومی فوق العاده مربوط به افزایش از کلیه صاحبان سهام شرکت سلب حق تقدم نگردیده باشد) ۷- فهرست سهامداران پس از افزایش سرمایه همراه با قید تعداد سهام آنان ۸- آخرین ترازنامه و حساب و سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی شرکت رسیده باشد . طرح اعلامیه پذیره نویسی طرح اعلامیه پذیره نویسی باید با استناد به ماده ۱۷۴ ل.ا.ق.ت تهیه و شامل موارد زیر به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت برسد: ۱- نام و شماره ثبت شرکت ۲- موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن ۳- نشانی مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت دارای شعبی باشد نشانی شعب آن ۴- در صورتی که شرکت برای مدت محدودی تاسیس وتشکیل گردیده باشد تاریخ انقضای مدت آن ۵- آخرین مبلغ سرمایه ثبت شده شرکت قبل از این افزایش سرمایه ۶- چنانچه شرکت دارای سهام ممتاز میباشد تعداد سهام ممتاز و امتیازات مربوط به آن ۷- هویت و مشخصات کامل اعضای هیات مدیره و مدیرعامل وقت شرکت ۸- شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام طبق اساسنامه در مجامع عمومی شرکت ۹- مقررات اساسنامه در مورد نحوه تقسیم سود شرکت و تشکیل اندوخته و تقسیم داراییهای شرکت بعد از تصفیه ۱۰- چنانچه شرکت دارای اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام شرکت باشد ذکر مبلغ باز پرداخت نشده این اوراق و تضمینات مربوط به آن ۱۱- چنانچه شرکت دارای اوراق قرضه غیر قابل تبدیل به سهام شرکت باشد ذکر مبلغ بازپرداخت نشده این اوراق و تضمینات مربوط به آن ۱۲- ذکر مبلغ دیون شرکت و همچنین دیون مربوط به اشخاص ثالث که در صورت عدم پرداخت آن توسط افراد مزبور استرداد وجوه آن توسط شرکت تضمین گردیده است . ۱۳- مبلغ افزایش سرمایه مورد نظر و مصوبه مجمع فوق العاده ۱۴- تعداد و نوع سهام جدیدی که قبل از انتشار این طرح توسط صاحبان سهام شرکت با استفاده از حق تقدم منتشره با عنایت بمواد ۱۶۹و ۱۷۰و۱۷۱ ل.ا.

۲۳- سهام و اوراق قرضه

۱- تعریف سهام و انواع آن

سهام و اوراق قرضه – تعریف سهام و انواع آن اول – تعریف سهام در تعریف سهام می توان گفت: سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد. ورقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. سهم ممکن است با نام و یا بی نام باشد. در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعیت مقررات قانون تجارت مزایایی قائل شوند این گونه سهام سهام ممتاز نامیده می شود. مجموع ارزش اسمی سهام سرمایه شرکت را تشکیل می دهد و پس از انحلال شرکت هر سهامداری حق دارد مبلغ اسمی سهام خود را دریافت نماید در صورتی که سهم انتفاعی جز سرمایه شرکت نبوده و صاحب آن حق مطالبه مبلغ اسمی آن را پس از انحلال شرکت ندارد. اصولا همه سهامداران در شرکت سهامی از تساوی حقوق برخوردارند و این حقوق شامل میزان مشارکت تعهدات و منافع صاحب سهم در شرت سهامی می باشد و برای استفاده از این حقوق دارنده سهم باید مبلغ اسمی سهمی را که پذیره نویسی نموده در مهلت قانون پرداخت نماید. دوم – انواع سهام سهم با نام: سهمی است که بر مالکیت شخص معینی دلالت می کند و نام مشخصات صاحب سهم در ورقه سهم و در دفتر ثبت شرکت درج می گردد و در موارد زیر صدور سهام با نام الزامی است: مادامی که تمام مبلغ اسمی هر سهم بی نام پرداخت نشده باشد. سهامی که مدیران شرکت به عنوان وثیقه می سپارند و تا خاتمه مفاصا حساب دوره تصدی مدیران غیر قابل انتقال می باشد. سهام محجورین و صغار به منظور حمایت از حقوق آنها. سهام با نام و هر گونه نقل و انتقال آنها باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و الا فاقد اعتبار قانونی برای شرکت و اشخاص ثالث خواهد بود. در صورتی که قسمتی از مبلغ اسمی سهم با نام پرداخت نشود منتقل الیه قائم مقام ناقل خواهد بود. سهم بی نام: سهمی است که نام دارنده در آن درج نم یشود و به صورت سند در وجه حامل تنظیم دارنده آن مالك شناخته می شود مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد. این سهم به راحتی قابل نقل و انتقال بوده و انتقال مالکیت با قبض واقباض تحقق می یابد. این نوع سهام از حیث صلاحیت محاکم در حکم اموال منقول است وباید به دادگاه محلی رجوع شود. سرقت و یا مفقود شدن سهام بی نام و همچنین خیانت درامانت امین و وکیل نسبت به سهام بی نام که به آنها سپرده شده خطر بزرگی برای صاحب آن محسوب می شود. زیرا بی نام بودن سهم مانع شناسایی دارنده اصلی می شود و سارق و یا یابنده به آسانی می تواند سهم مزبور را در بازار بورس و یا خارج از آن به اشخاص دیگر بفروشد و خریدار نیز حق دارد به تصرف خود به عنوان مالکیت استناد نماید. سهام ممتازه: یکی از اصول اساسی شرکتهای سهامی تساوی حقوق سهامداران است . مگر در دو مورد اول آنکه شرکت با مشکلات مالی مواجه باشد و نتواند به آسانی به منابع مالی دسترسی یابد. در این صورت ناچار خواهد بود امتیازات بیشتری به سهامداران جدید قائل شود و دوم اینکه در هنگام افزایش سرمایه شرکت شرکت از ذخایر مالی خود برای این منظور استفاده نماید که در این صورت باید حقوق بیشتری برای سهامداران سابق شرکت در نظر گرفت . در این دو مورد سهم ممتاز صادر می شود. امتیازاتی که توسط ممتاز به وجود می آید می تواند به صورت برداشت نفع ثابت از سود قابل تقسیم شرکت باشد و یا اینکه دارنده سهم ممتاز می تواند نسبت به صاحبان سهام عادی در برداشت ارزش اسمی ممتاز به هنگام انحلال و تصفیه وتقسیم دارائی شرکت اولویت داشته باشد. به هنگام انحلال و تصفیه شرکت مطالبات معوقه صاحبان سهام ممتاز از دارائی شرکت پرداخت می گردد و نیز هنگام استهلاك سهام شرکت صاحبان سهام ممتاز دارای اولویت می باشند. سهم موسس یا انتفاعی: سهم موسس یا انتفاعی سهمی است که دارنده آن بدون داشتن حقی به سرمایه شرکت از منافع شرکت به نسبت سهم خود بهره مند گردد و معمولا این گونه سهام را موسسان بابت اطلاعات علمی و فنی و تجارتی که به شرکت می آورند به خود تخصیص می دهند. در اساسنامه شرکت می باید حقوق صاحبان سهام موسس یا انتفاعی مثل حق حضور در مجامع حق رای حق اولویت در پذیره نویسی سهام و غیره تصریح گردد. چون سهامداران مزبور مالك سرمایه نمی باشند لذا نمی توانند سهامداران شرکت محسوب شوند ولی در منافع شرکت حقوقی دارند که از آن مانند طلبکار منتفع می گردند و استفاده آنها از سود شرکت بستگی به موفقیت و سودآوری شرکت دارد. سوم – شکل سهام و مطالبه مبلغ اسمی

سهام در ورقه سهام باید نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن تعیین نوع سهم مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد و بالاخره تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است ذکر گردد. در مورد مطالبه مبلغ اسمی سهام باید گفت که بهای تعهد شده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر که حداکثر نباید از پنج سال تجاوز نماید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض مطالبه شود (بند ۷ ماده ۸ ل.ا.ق.ت) مطالبه تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام باید در روزنامه کثیرالانتشار درج گردد در صورتی که صاحب سهم بقیه بهای تعهد شده را در مهلت مقرر پرداخت ننماید و مبلغ پرداخت نشده خسارت دیر کرد به نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال تعلق خواهد گرفت. دارندگان سهایم که با وجود مطالبه هیات مدیره بقیه تعهد خود را بابت سهام پرداخت ننموده اند . حق حضور و رای در جامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد و در صورت پرداخت بدهی خود مجددا حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند یافت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را در صورتی که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند (مواد ۳۷ و ۳۸ ل.ا.ق.ت) چهارم – تبدیل سهام برای تبدیل سهام بینام به سهام با نام باید مرابت در سه نوبت و هر یک به فاصله ۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار شرکت نشر گردد و در مدتی که نباید کمتر از ۶ ماده از تاریخ اولین آگهی باشد به صاحبان سهام فرصت داده شود تا به منظور تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه نمایند. پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل و به تعداد آنها سهام با نام صادر و از طریق بورس اوراق بهادار و یا از طریق حراج به فروش می رسد. برای تبدیل سهام با نام به سهام بی نام مراتب فقط یک مرتبه در روزنامه کثیرالانتشار شرکت آگهی می گردد و مهلت مذکور شرکت نسبت به تبدیل سهام اقدام می نماید. در کلیه موارد تبدیل سهام بی نام به سهام با نام و بالعکس مراتب باید پس از انقضای مهلت های مقرر در قانون در اداره ثبت شرکتها جهت اطلاع عمومی اعلام گردد. پنجم – وثیقه سهام چنانچه سهم بی نام به رهن گذاشته شود باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می گردد داده شود (ماده ۷۷۲ ق.م) و در مورد رهن سهم با نام مراتب در دفتر سهام شرکت ثبت می گردد و الا از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار خواهد بود.

۲– اوراق قرضه (اوراق سرمایه گذاری)

سهام و اوراق قرضه – اوراق قرضه (اوراق سرمایه گذاری) در شرکتهای سهامی فقط شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایطی مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید. این اوراق مانند سهام قابل معامله بوده و نقل و انتقال آن مثل سهام بی نام (با قبض و اقباض) وسهام با نام (ثبت دردفتر نقل و انتقال سهام شرکت) صورت می گیرد. ورقه مزبور معرف مبلغی وام است. بدین معنی که دارنده ورقه قرضه بستانکار شرکت می گردد و برخلاف صاحب سهم نمی تواند از حقوق ناشی از سهم منتفع گردد. به ورقه قرضه بهره معینی تعلق می گیرد و این بهره مبلغ ثابت بوده و در هر سال مالی به دارنده ورقه توسط شرکت پرداخت می گردد. شرکت ملزم است تمامی وام دریافتی را در یک دفعه و یا به اقساط به صاحب ورقه قرضه مسترد نماید و نیز شرکت می تواند علاوه بر بهره حقوق دیگری از قبیل قابل تعویض یا قابل تبدیل بودن ورقه قرضه به سهام را به صاحب آن اعطا نماید. اول – انتشار اوراق قرضه انتشار اوراق قرضه در ایران از طرف دولت و موسسات وابسته به آن سابقه طولانی دارد ولی صدور این اوراق در بخش خصوصی به علت عدم نیاز به سرمایه های عظیم برای واحدهای تولیدی متداول نشده است با وجود آن ترتیبات قانونی آن در مواد ۵۱ الی ۷۱ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شده است. موارد انتشار اوراق قرضه توسط شرکتهای سهامی عبارتند از : نیاز به سرمایه بیشتر برای توسعه فعالیتهای تولیدی و اقتصادی کم هزینه بودن انتشار اوراق قرضه نسبت به انتشار سهام تمایل شرکت سهامی به عدم تغییر در ترکیب مجمع عمومی. دوم – نحوه انتشار اوراق قرضه انتشار اوراق قرضه وقتی امکان پذیر است که شرکت سهامی عام کلیه سرمایه ثبت شده خود را تادیه نموده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد. ضمنا ترازنامه های سالیانه مربوط به دو سال گذشته نیز

به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد. چنانچه در اساسنامه بنا به پیشنهاد هیات مدیره شرکت انتشار اوراق قرضه را تصویب نموده شرایط آن را نیز تعیین می کند مبلغ اسمی اوراق قرضه و همچنین قطعات اوراق قرضه در صورت تجزیه باید متساوی باشد (مواد ۵۵ و ۵۶ ل.ا.ق.ت). سوم– اطلاعیه انتشار اوراق قرضه اطلاعیه انتشار اوراق قرضه مشتمل بر نکات مندرج در ماده ۵۸ (ل.ا.ق.ت) است که پس از امضا توسط دارندگان امضای مجاز شرکت باید به انضمام تصمیم کتبی راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن به مرجع ثبت شرکتها اعلام گردد. اداره ثبت شرکتها پس از ثبت مفاد تصمیم شرکت راجع به فروش اوراق قرضه خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق مزبور به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی می نماید . توضیح آنکه بدون انجام تشریفات مورد بحث هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع می باشد. پس از انتشار آگهی فوق شرکت مکلف است که تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشار که آگهی های مربوط به شرکت در آن شر می گردد آگهی نماید (مواد ۵۷ . ۵۸. ۵۹ ل.ا.ق.ت). برابر ماده ۶۰ (ل.ا.ق.ت) ورقه قرضه مانند سهام شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است توسط لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین شده اند امضا می شود: ۱– نام شرکت ۲– شماره و تاریخ ثبت شرکت ۳– مرکز اصلی شرکت ۴– مبلغ سرمایه شرکت ۵– مدت شرکت ۶– مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه ۷– تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه قرضه (اگر قابل بازخرید باشد) ۸– تضمیناتی که احتمالا برای قرضه در نظر گرفته شده است. ۹– در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا موسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده اند. ۱۰– در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل. چهارم – حقوق صاحبان اوراق قرضه ۱– حق دریافت بهره نرخ بهره که ضمن تصمیم شرکت راجع به فروش و شرایط انتشار اوراق قرضه تعیین می گردد در اطلاعیه انتشار اوراق قرضه همانطوری که در بند ۹ ماده ۵۸ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شده برای اطلاع خریداران قید می شود تا علاوه بر مبلغ اسمی هر ورقه نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و همچنین ترتیب محاسبه آن مشخص گردد. ۲– حق دریافت مبلغ اسمی ورقه قرضه هر صاحب ورقه قرضه حق دارد پس از انقضای موعد یا مواعد قرضه مبلغ اسمی آن را مطالبه نماید و شرکت صادر کننده ورقه مزبور نیز مکلف است مبلغ اسمی مندرج در ورقه قرضه را در موعد یا مواعد معین به دارنده اش مسترد دارد. برای جلوگیری از تضرر صاحب ورقه ناشی از کاهش ارزش پول شرکتها معمولاـ در بازپرداخت مبلغ اسمی میزان افزایش نرخ بعضی از محصولات یا خدمات شرکت را پیش بینی می نمایند و یا اینکه جایزه ای برای دارندگان ورقه در نظر می گیرند. ۳– حقوق دیگری که ممکن است به صاحب ورقه تعلق گیرد. ماده ۵۲ (ل.ا.ق.ت) مقرر داشته که (برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود) این حقوق ممکن است شامل: حق تبدیل ورقه قرضه با سهم شرکت که با افزایش سرمایه شرکت تحقق می یابد حق تعویض ورقه قرضه با سهم شرکت که این امر نیز با افزایش سرمایه صورت می گیرد باشد.

۳– مسئولیت مدنی و جزائی راجع به سهام و اوراق قرضه

سهام و اوراق قرضه – مسئولیت مدنی و جزائی راجع به سهام و اوراق قرضه اول – مسئولیت مدنی هرگاه تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده در مورد انتشار سهام و اوراق قرضه و تعیین شرایط و همچنین انجام سایر تشریفات مربوط به آن برخلاف مقررات قانونی باشد به تجویز ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) بطلان تصمیمات یا عملیات مذکور بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع و به حکم دادگاه اعلان خواهد شد و موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. تبصره ذیل ماده ۵۷ (ل.ا.ق.ت) هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه را قبل از انجام تشریقات مقرر در ماده اخیر الذکر منع

نموده است بدیهی است ضمانت اجرای تخلف از ماده مذکور بطلان عمل می باشد زیرا نهی مقنن با توجه به ماده ۳۴۸ ق.م موجب فساد معامله خواهد بود . ماده ۴۰ (ل.ا.ق.ت) انتقال سهام با نام را در صورتی که شرایط قانونی مربوط به انتقال سهام مزبور به انتقال سهام مزبور رعایت نشود از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار شناخته است. دوم – مسئولیت جزائی ۱- مقررات جزائی مربوط به ورقه سهم برابر ماده ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر به حبس تادیبی از ۳ ماه تا ۲ سال به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: هر کس در ورقه سهم با نام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه واقعا پرداخت شده است قید کند. هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام پذیرفته باشد صادر نماید. هر کس سهام یا قطعات سهم را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند. هر کس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی نام یا گواهینامه موقت بی نام صادر کند . به دستور ماده ۲۴۴ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۵۰/۰۰۰ ریال تا ۵۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: هر کس عالما سهام یا گواهینامه موقت سهام را بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کرده یا بفروشد و یا به معرض فروش بگذارد. هر کس سهام با نام را قبل از آنکه لااقل ۳۵٪ مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کرده یا بفروشد و یا به معرض فروش بگذارد. همچنین ماده ۴۲۵ (ل.ا.ق.ت) محکومیت هر کس را که عالما در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۳۴۴ فوق شرکت کرده یا انجام عملیات مزبور را تسهیل نماید بر حسب مورد به مجازات شریک یا معاون مرتکب اصلی محکوم می نماید. ۲- مقررات جزائی مربوط به اوراق قرضه هرگاه رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی عام قبل از پرداخت کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی شرکت اقدام به انتشار اوراق قرضه بنماید به جزای نقدی ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۰ ل.ا.ق.ت) . به دستور ماده ۲۵۱ (ل.ا.ق.ت) هر گاه رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی عام بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد. هرگاه رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عام نکات مندرج درماده ۶۰ را در اوراق قرضه قید نکنند به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۲ ل.ا.ق.ت).

۲۴- شرکت مختلط سهامی

۱- تشکیل شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهمی – تشکیل شرکت مختلط سهامی شرکت مذکور با تنظیم شرکتنامه و اساسنامه و موافقت شریک یا شرکای ضامن تشکیل می گردد. برای تشکیل شرکت مختلط سهامی شرایط ذیل الزامی است: ۱- تعهد پرداخت تمام سرمایه و تادیه نقدی حداقل یک سوم آن توسط شرکا ۲- تقویم سهم الشرکه غیرنقدی بر طبق ماده ۱۴۱ قانون شرکت سهامی منسوخه و تسلیم آن. ۳- تقسیم سهم الشرکه یاسهام شرکا به یکصد ریالی چانچه سرمایه بیشتر از دویست هزار ریال باشد و در صورتی که سرمایه کمتر از مبلغ اخیر الذکر باشد حداقل هر سهم الشرکه یا سهام نباید کمتر از ۵۰ ریال باشد. ۴- تهیه نوشته ای از طرف هیئت مدیره که به موجب آن سرمایه متعهد و تادیه ثلث آن اعلام شده و همچنین اسامی شرکا و میزان پرداخت شده در آن قید گردد.

۲- ارگان اداره کننده شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهمی - ارگان اداره کننده شرکت مختلط سهامی با وجود اینکه شرکت مختلط سهامی دارای دو نوع شریک می باشد ولی مدیریت شرکت مخصوص به شریک یا شرکای ضامن است. اگر شریک ضامن یک نفر باشد به تنهایی مدیریت شرکت را تقبل می نماید و در صورت تعدد اساسنامه پیش بینی می نماید که به طور جمعی باید مدیریت نمایند یا اینکه یک یا چند نفر از میان آنان اداره امور شرکت را به عهده می گیرند. نام مدیریت شرکت باید دراساسنامه قیدگردد و چون جهت تغییر اساسنامه موافقت شریک نیز لازم است در نتیجه مدیر شرکت مختلط سهامی غیر قابل عزل می باشد. اختیارات حقوق وظایف و میزان مسئولیت مدیران در این نوع شرکت همانند مقررات شرکتها تضامنی است زیرا مدیران شرکت شرکای ضامن می باشند. فوت یا محجوریت مدیر شرکت امکان انحلال شرکت را فراهم ساخته و استعفای مدیر با موافقت مجمع عمومی صاحبان سهام خواهد بود.

۳- ارگان کنترل کننده شرکت

شرکت مختلط سهمی - ارگان کنترل کننده شرکت کنترل شرکتهای مختلط سهامی از طریق هیئتی مرکب از حداقل سه نفر بوده که از میان شرکا با تصویب مجمع عمومی انتخاب می گردند . شریک ضامن نیز می تواند از اعضای ارگان کنترل کننده باشد. شرکای سهامی در شرکتهای مختلط سهامی حق نظارت فردی بر امور شرکت را ندارند واین حق را توسط نمایندگان خود درهیئت نظار اعمال می نمایند. لیکن تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده و از صورت بیلان و صورت دارایی وگزارش هیئت نظار اطلاع حاصل نماید. مدت ماموریت اولین هیئت نظار یک سال است و تجدید انتخاب آنان به موجب شرایط مقرر در اساسنامه به عمل می آید و می توان مدنت ماموریت آنان را به طور نامحدود تعیین نمود. وظیفه اولین هیئت نظار این است که بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق نمایند که شرایط لازم جهت تشکیل شرکت رعایت شده یا خیر؟ وظایف دیگراین هیئت عبارت است از: - اعضای هیئت نظار دفاتر و صندوق وکلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق درآورده همه ساله گزارشی به مجمع عمومی می دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارایی بی ترتیبی مشاهده نمایند در گزارش مذکور نموده واگر مخالفتی یا پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می کنند. هیئت نظار می تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نموده و با تحصیل موافقت مجمع مزبور شرکت را منحل کند.

۴- ارگان تصمیم گیرنده شرکت

شرکت مختلط سهمی - ارگان تصمیم گیرنده شرکت شرکت مختلط سهامی نخست دارای مجمع عمومی موسس می باشد که صاحبان سهام شرکت آن را تشکیل می دهند. از وظایف این مجمع تقویم سهم الشرکه غیرنقدی و تصویب اظهارنامه جهت تقدیم به اداره ثبت شرکتها می باشد. مجمع عمومی عادی شرکت سالی یک مرتبه تشکیل می گردد وبه نظر می رسد که جهت تشکیل ان از مقررات شرکتها سهامی و یا از شرایط اساسنامه پیروی می شود. هر زمانی که تغییر در اساسنامه ویا انحلال شرکت مطرح شود مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. هیئت نظار می تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده جهت تصمیم گیری نسبت به انحلاـ شرکت در صورتی که این حق به مجمع مذکور در اساسنامه داده شده باشد دعوت نماید. در صورتی که حق انحلال و یا تغییرات اساسنامه به مجمع عمومی داده شده باشد از آنجایی که شرکت مختلط سهامی دارای شرکای ضامن نیز باشد و با توجه به مقررات شرکتها تضامنی رعایت تمام آنها شرط است در ابتدا باید مجمع عمومی با توجه به مقررات شرکتهای سهامی نسبت به موضوع رای داده و شرکای ضامن نیز به آن رضایت بدهند.

۵- بطلان شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهمی – بطلان شرکت مختلط سهامی به موجب ماده ۱۱۷ ق.ت. هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۹ و ۵۰ تشکیل می شود باطل است لیکن شرکا نمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند. این مواد در مورد شرکتهای سهامی منسوخه می باشد: در صورتی که سرمایه شرکت سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد سهام یا قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود (ماده ۲۸). مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یاتصدیق موقتی (اعم از با اسم یا بی اسم) نمی توان صادر کرد. هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده شده باشد. باطل وصادر کنندگان متضامنا مسئول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق شده است (ماده ۲۹). چیزی که در ازا سهام غیر نقدی تعهد شود تماما باید تحویل شود (ماده ۳۹). برای اینکه تعهد وتادیه وجه سرمایه از طرف شرکا ثابت شود باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می سپارد و به ثبت می رسد اعلام نماید و باید اسامی شرکا را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسختین شرکتنامه به نوشته مزبور منضم نماید (ماده ۵۰). هر شرکت سهامی که بر خلاف موارد فوق الذکر تشکیل شود باطل است لیکن شرکا نمی توانند درمقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. اگر حکم به بطلان شرکت به استناد ماده ۱۷۸ صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنهاست و هیئت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده وانجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکای دیگر واشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشی از این بطلان متضامنا مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

۶– انحلال وتصفیه

شرکت مختلط سهمی – انحلال وتصفیه به موجب ماده ۱۸۱ ق.ت. مجمع عمومی به خودی خود نمی تواند تصمیم به انحلال شرکت بگیرد بلکه موقعی این حق را خواهد داشت که در اساسنامه پیش بینی شده باشد. بر طبق ماده فوق شرکت مختلط سهامی در موارد ذیل منحل می شود: – درمورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ماده ۹۳ . – برحسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد. – بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن. – در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن مشروط بر این که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشند. هر گاه در اساسنامه حق تصمیم به انحلال برای مجمع معین نشده و بین مجمع و شرکای ضامن توافقی حاصل نشود محکمه با موجه دیدن دلایل طرفداران انحلال حکم به انحلال خواهد داد (مستفاد از ماده ۱۸۲ ق.ت.)تا زمانی که شرکت منحل نگردیده مطالبه قروض از خود شرکت به عمل می آید ولی پس از انحلال طلبکاران می توانند به هر یك از شرکای ضامن یا به تمام آنها مراجعه نمایند به هر حال هیچ شریکی نمی تواند با استناد به اینکه میزان سهم الشرکه او از میزان قروض شرکت کمتر است از تادیه قروض خودداری نماید فقط در روابط بین شرکا مسئولیت در پرداخت به میزان سرمایه آنها خواهد بود(مستفاد از ماده ۱۷۲ ناظر بر ماده ۱۲۴ ق.ت.).شرکت در موارد ورشکستگی نیز منحل می گردد ولی ورشکستگی هیچیك از شرکا ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸ . امر تصفیه شرکتها مختلط سهامی همانند شرکتها مختلط غیر سهامی از مقررات مواد ۲۰۲ به بعد قانون تجارت پیروی می نماید. اگر انحلال ناشی از ورشکستگی باشد تصفیه تابع مقررات مربوط به ورشکستگی خواهد بود. اگر شرکت به غیر از موارد ورشکستگی منحل شود طلبکاران حق مراجعه به شرکای سهامی را که بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت می باشند. دارند و تا میزان بدهی آن شریك طلب خود را مطالبه خواهند نمود لیکن قبل از انحلال طلبکاران حق مراجعه به شرکای سهامی را جهت وصول طلب خود ندارند.

۷- تعریف و وضعیت حقوقی شرکای شرکت

شرکت مختلط سهمی - تعریف و وضعیت حقوقی شرکای شرکت الف - تعریف شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکای سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود) (ماده ۱۶۲ ق.ت.). با توجه به ماده فوق شرکت مختلط سهامی نیز مانند شرکت مختلط غیرسهامی دارای دو نوع شریک می باشد یک یا چند نفر شریک ضامن که میزان مسئولیت آنها درقبال قروض شرکت تضامنی است و یک عده شرکای غیر ضامن که میزان مسئولیت آنها در قبال قروض شرکت تضامنی است و یک عده شرکای غیر ضامن که در حکم سهامدارا شرکتهای سهامی بوده و حدود و مسئولیت آنان تا میزان آورده شان می باشد و آنان تحت عنوان شرکای سهامی یا شرکای غیر ضامن نامیده می شوند. در شرکت مختلط سهامی وجود یک شریک ضامن برای تشکیل شرکت کافی بوده ولی شریک سهامی حتما باید بیش از یک نفر باشد. شرکت مختلط سهامی برای امور تجارتی تشکیل می گردد. در شرکت مختلط سهامی سهم الشرکه شرکای غیر ضامن به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده و مانند شرکتهای سهامی قابل نقل و انتقال می باشد. مطابق ماده ۱۶۳ ق.ت. در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و لااقل اسم یکی از شرکای ضامن قید شود. ب - وضعیت حقوقی شرکای شرکت درشرکت مختلط سهامی شرکای سهامی که سرمایه آنها به صورت سهام با ارزش مساوی درآمده و مسئولیت آنان درمقابل بدهی شرکت تا میزان همان سرمایه ای است که درشرکت سرمایه گذاری نموده اند حق دخالت در امور شرکت را ندارند و فقط حق نظارت بر آن را دارند و مکلفند آورده خود را کاملا پذیره نویسی کرده ولااقل ثلث آن را به صورت نقد در موقع تاسیس شرکت تادیه نمایند. شرکت یا شرکای ضامن درشرکت مختلط سهامی که سرمایه آنها به صورت سهام درنیامده و مسئول کلیه قروض شرکت علاوه بر دارایی موجود شرکت می باشند در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنان درمقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگرتابع مقررات شرکت خواهد بود. شرکای مزبور مدیریت شرکت را به عهده دارند و سرمایه را در این شرکت فقط شرکای سهامی تامین می کنند و شریک ضامن ملزم به سرمایه گذاری نبوده وفقط با انجام کار و فعالیت صنعتی خود اداره امور شرکت را عهده دار می گردد و درمقابل قسمتی از منافع شرکت را که معمولا به نسبت یک دوم یک سوم ویا یک چهارم خواهد بود. در پایان سال مالی دریافت می نمایندم.

۲۵- شرکت مختلط غیر سهامی

۱- تعریف وضعیت حقوقی شرکای شرکت مختلط غیر سهامی

شرکت مختلط غیر سهامی - تعریف وضعیت حقوقی شرکای شرکت مختلط غیر سهامی الف - تعریف شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجارتی تحت اسم مخصوص بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می گردد در این شرکت شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت حاصل شود و مسئولیت شریک با مسئولیت محدود تا میزان سرمایه ای است که در شرکت سرمایه گذاری کرده یا خواهد کرد. به دنبال نام این شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و حداقل نام یکی از شرکا ضامن قید گردد). (ماده ۱۴۱ ق.ت) شرکت مختلط غیر سهامی دو نوع شریک دارد: شریک ضامن که شبیه ضامن درشرکت تضامنی است و غیر ضامن که وجود شریک اخیرالذکر شریک مختلط غیر سهامی را از شرکت تضامنی متمایز می سازد. ب - وضعیت حقوقی شرکا شریک ضامن که مقداری از سرمایه شرکت را پرداخت می نماید مسئول کلیه بدهیهایی است که شرکت ممکن است علاوه بر دارایی خود پیدا نماید. یعنی اگر سرمایه شرکت تکافوی طلب طلبکاران را ننمود طلبکاران می توانند به اموال و دارایی فردفرد شرکا ضامن و یا به

کلیه آنـان به نحـو تضـامن مراجعه نموده و آن قسـمت از طلب خود را که از دارائی شـرکت دریـافت ننموده انـد وصول نماینـد. در صورتی که شـرکا با مسـئولیت محدود فقط در حدود آورده خود به شـرکت در مقابل طلبکاران جوابگو خواهند بود و به هیچ وجه طلبکـار حق مراجعه به اموال و دارائی شخصـی شـرکا اخیر الـذکر را نـدارد. در شـرکت مختلـط غیر سـهامی روابـط بین شـرکا تـابع شرکتنـامه خواهـد بود. نـام شـریک غیر ضـامن نبایـد به دنبال اسم شـرکت آورده شود و اگر بر خلاف این مورد عمل شود شـریک مذکور ضامن تلقی خواهد شد.

۲– تشکیل شرکت مختلط غیر سهامی

شرکت مختلـط غیر سـهامی – تشـکیل شـرکت مختلط غیر سـهامی شـرکت مختلط غیر سـهامی که از نظر طبقه بنـدی جز شـرکتهای شخص محسوب می شود با تنظیم شرکتنامه واساسنامه و امضای شرکا تشکیل و به ثبت می رسد . روابط شرکا تابع شرکتنامه خواهد بود. تنظیم اساسـنامه نیز درشـرکت متداول و مورد اسـتفاده قرار می گیرد. در تنظیم شـرکتنامه و اساسنامه باید مفاد ماده ۱۶۱ ق.ت. نـاظر به مواد ۱۳۶ تا ۱۴۰ همـان قـانون مورد توجه قرار گیرد. بعـد از ثبت شـرکت مختلـط غیر سـهامی خلاصه ای از شـرکتنامه در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیر الانتشار درج می گردد.

۳– ارگان اداره کننده شرکت مختلط غیرسهامی

شرکت مختلط غیر سـهامی – ارگان اداره کننده شـرکت مختلط غیرسـهامی اداره امور شـرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکـا ضـامن بوده و قلمرو اختیـارات آنان از مقررات شـرکت تضامنی تبعیت می نمایـد. به این ترتیب شـریک ضامن مسئول تادیه قروضـی است که شـرکت مختلط غیر سـهامی بر اثر فعالیت خود به دیگران پیـدا می نمایـد. بـدیهی است که طلبکار پس از انحلال شرکت در بـدو امر به دارایی شـخص حقوقی مراجعه کرده و در صورت عـدم تکـافوی دارایی شـرکت می توانـد بطور نامحـدود و تضـامنی به دارائی شخصـی شـرکای ضامن مراجعه نمایـد (مسـتفاد از مواد ۱۴۱ و ۱۶۴ و ۱۵۱ و ۱۵۷ ق.ت). شـریک با مسئولیت محدود حق اداره کردن شـرکت را ندارد و در صورت انجام معاملاتی برای شرکت در مورد تعهدات ناشی از آن معاملات درمقابل طرف معـامله ضامن خواهـد بود مگر اینکه تصـریح نمایـد که معامله را به وکالت از طرف شـرکت انجام می دهـد. در صورت زیاد بـودن شـرکا کلیه آنـان حق مـداخله در امور شـرکت را خواهنـد داشت. به نظر می رسـد که اساسـنامه شـرکت می توانـد اداره امور شرکت را به یک یا چنـد مدیر منتخب واگذار نموده و نحوه مدیریت مدیر یا مدیران را تعیین کرده و قلمرو و حدود اختیارات آنان را ترسـیم نماید. برابر ماده ۱۴۴ نـاظر به ماده ۱۲۳ ق.ت. هیـچ یک از شـرکای ضامن نمی تواندسـهم خود را به دیگری منتقل کند. مگر به رضایت تمام شـرکا. و نیز به موجب ماده ۱۴۸ ق.ت. شـریک با مسئولیت محدود حق ندارد بدون رضایت سایر شرکا تمام یا قسـمتی از سـهم الشـرکه خود را به شـخص ثالث انتقال داده و او را در شـرکت مختلط داخل نماید. در چنین صورتی شـخص ثالث مزبور حق دخالت در اداره شـرکت و حق بازرسـی در امور شـرکت را نخواهد داشت. ضمنا در اساسنامه شرکت مختلط غیر سهامی می توان بازرس یا بازرسان را برای کنترل و مراقبت شرکت پیش بینی نمود.

۴– ارگان تصمیم گیرنده

شرکت مختلط غیر سـهامی – ارگان تصـمیم گیرنده در قانون تجارت ایران تشـکیل مجامع عمومی عادی یا فوق العاده برای شرکت مختلط غیر سهامی پیش بینی نشده است ولی این مانع از آن نیست که شرکای به هنگام تاسیس شرکت مجامع مزبور را در اساسنامه

پیش بینی نمایند. شریک یا شرکا با مسئولیت محدود نمی توانند از سود شرکت استفاده نمایند مگر در صورتی که تقسیم سود بین آنان موجبات تقلیل سرمایه را فراهم ننماید . از طرف دیگر چنانچه در اثر زیانهای وارده سهم الشرکه شریک با مسئولیت محدود تقصان پیدا نماید. تا جبران کسری مذکور هیچگونه سودی را نمی توان به وی تخصیص داد و در صورتی که وجهی برخلاف موارد فوق تادیه گردد شریک با مسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی در مقابل تعهدات شرکت جوابگو خواهد بود مگر این که ثابت نماید با حسن نیت و با استناد به ترازنامه مرتب وجه مزبور را دریافت نموده است. (مستفاد از ماده ۱۵۴ ق.ت)

۵– انحلال و تصفیه

شرکت مختلط غیر سهامی – انحلال و تصفیه شرکت مختلط غیر سهامی در موارد ذیل منحل می گردد (ماده ۱۶۱ ناظر بر ماده ۱۳۶ ق.ت) ۱ – در موارد فقرات ۱و ۲و۳ ماده ۹۳ ق.ت. (منسوخه). ۲– در صورت تراضی تمام شرکا ۳ – در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا نموده و دادگاه با احراز موجه بودن دلایل مزبور حکم به انحلال شرکت بدهد. ۴ – در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق با ماده ۱۳۷ ق.ت. ۵ – در صورت ورشکستگی یکی از ای شرکا مطابق ماده ۱۳۸ ق.ت. ۶ – در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق.ت. مطابق قسمت دوم ماده ۱۶۱ ق.ت مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکای با مسئولیت محدودموجب انحلال شرکت نمی شود. امر تصفیه به عهده مدیر یا مدیران شرکت می باشد مگر آنکه شرکای ضامن اشخاص دیگری رااز خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نماید در صورت اختلاف نظر بین شرکای ضامن دادگاه اشخاصی را برای تصفیه تعیین می نماید و شرکای غیر ضامن نیز حق دارند کهیک یا چند نفر را جهت نظارت در امر تصفیه معین نمایند. وظیفه مدیران تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است. اگر شرکت مختلط غیر سهامی منحل شده وشریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تادیه مسترد داشته باشد طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیما علیه شریک با مسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند و اگر شرکت ورشکسته شده باشد حق مزبور با مدیر تصفیه می باشد. در صورت ورشکستگی شرکت مختلط غیر سهامی دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده واطلبکاران شخص شرکا در آن دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخص شرکا در آن حقی ندارند سهم الشرکه شرکای با مسئولیت محدود نیز جز دارایی شرکت محسوب می گردد. در صورت عدم تکافوی دارایی شرکت برای تادیه قروض طلبکاران بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکای ضامن وصول می نمایند و دراین صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بودو در صورت ورشکستگی یکی از شرکای شرکت و یا طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بود. در صورت ورشکستگی یکی از شرکای شرکت ویا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود(مستفاد از مواد ۱۵۶و ۱۵۷ و ۱۵۸ ق.ت). دفاتر هر شرکتی که منحل شود بانظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا دو سال محفوظ می ماند و نیز هر شرکتی مجاز است که جهت تصفیه ترتیب دیگری را در اساسنامه خود مقرر دارد (مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.ت.).

۲۶– شرکت تعاونی

۱– مفهوم تعاون

شرکت تعاونی – مفهوم تعاون همانگونه که ذکر گردید اهداف بخش تعاون در نظام اقتصادی ایران دراصول مذکوره قانون ذکر

شـده است منتهی از انجا که اهـداف مذکور کلی بوده اند قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسـلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ با الهام از روح اصول فوق و شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه اهداف زیر را برای بخش تعاونی ها بر شمرده اند: ماده ۱ قاون فوق الاشعار می گویـد: - ایجـاد و تـامین شـرایط وامکانـات کـار برای همه به منظور رسیدن به اشـتغال کامل. - قرار دادن وسائل کار در اختیار کسـانی که قـادر به کارنـد ولی وسائل کار ندارنـد. - پیشـگیری از تمرکز و تـداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص جهت تحقق عـدالت اجتمـاعی. - جلوگیری از کارفرمـای مطلق شـدن دولت. - قرار گرفتن مـدیریت و سـرمایه و منـافع حاصـله در اختیـار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود. - پیشگیری از انحصار احتکار تورم و اضرار به غیر. - توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم. تبصـره - اهـداف مـذکور این ماده بایـد رعایت ضـرورتهای حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصـاد کشـور در هر یـک از مراحـل رشـد عملی شـود. نکته در خور توجه در این خصوص در مورد نقش والا-یی است که قـانون اساسـی و قـانون فوق الاشـعار به بخش تعـاونی به عنوان یکی از بخش هـای اصـلی اقتصاد کشور قائل شـده انـد. اکنون با عنایت به مقدماتی که ذکر شد و جایگاهی که تعاونی ها د راقتصاد کشور دارند و بخصوص موقعیت حقوقی و قانونی آنها به بررسی شرکت های تعاونی که از طریق آنها اهـداف مذکور قابل تحقق اند می پردازیم: با توجه به مقررات شـرکت های تعاونی واهدافی که قانون برای آنهـا برشـمرده و موقعیت ویژه ای که در اقتصاد ممکلت دارنـد و هم چنین با توجه به ماده ۲ قـانون بخش تعاونی که مقرر می دارد:(شـرکت هایی که بارعایت مقررات این قانون تشـکیل و به ثبت برسـند تعاونی شـناخته می شوند.) می توان در تعریف شرکت تعاونی گفت: (شـرکت تعاونی شـرکتی است که بین اشخاص حقیقی برای فعالیت در امور مربوط به تولید وتوزیع در جهت اهداف مصرح در قانون بخش تعاونی به منظور بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی و اعضا از طریق همکاری و تشریک مساعی آنها با رعایت مقررات قانون مزبور تشکیل می شود). در این تعریف چند نکته مورد توجه قرار گرفته که به اختصار به آنها اشاره می شود: - فقط اشـخاص حقیقی می تواننـد عضـو شـرکت شونـد. ایـن مطلـب در مـاده ۸ قـانون بخش تعـاون بـدان اشـاره شـده. مـاده مـذکور می گوید:(عضو در شـرکت های شخصـی است حقیقی). - شـرکت تعاونی فقط درامور مربوط به تولید و توزیع می توانند فعالیت کنند که دراصل ۴۴ (ق.ا.ج.ا) مـذکور افتاده است. - شـرکت های تعاونی فقط به منظور رسـیدن به اهـداف خاصـی که در ماده ۱ قانون بخش تعاون آمده می توانند تشکیل شده و فعالیت نمایند. - طرق فعالیت در شرکت های تعاونی تولید و توزیع همکاری و تشریک مسـاعی است و به طریق دیگر نمی تواننـد فعالیت نماینـد. - رعایت مقررات قانونی قانون بخش تعاون در تشـکیل و فعالیت شـرکت های مذکور الزامی است.

۲- جایگاه شرکت های تعاونی در قوانین موضوعه

شرکت تعـاونی - جایگـاه شـرکت های تعاونی در قوانین موضوعه همانگونه که مـذکور افتاد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به هنگام بحث از شـرکت های تجاری مبحث هفتم از شـرکت ها را به شرکت های تعاونی اختصاص داده و از ماده ۱۹۰ تا ۱۹۵ قواعد آن را بیـان داشـته و در مـاده ۲۰ نیز بـه تجـاری بـودن ایـن شـرکت تصـریح نمـوده اسـت. (بنـد ۷ مـاده ۲۰ ق.ت). اماازانجـاکه مقررات مذکورپاسـخگوی نقش تعاونی هادراقتصادوهمچنین ساختارتشـکیلات وسایرمسائل مربوط بدان نبودمقنن مجبورشد تاقانون دیگری رابـه آن اختصـاس دهـدوبه همین منظوردرسـال ۱۳۳۲قـانونی بـاعنوان (لا-یحه قـانونی شـرکتهای تعـاونی) درچهارده ماده تصویب کردودرماده ۱۱باتصـریح اینکه شـرکتهای تعـاونی ملزم به تبعیت ازمواد قـانون تجـارت راجع به تشـکیل سازمـان نیسـتند شـرکتهای تعاونی رادرامورمزبورازشمول قانون تجارت خارج نموده مستقل ساخته است . این قانون حاوی نکات جدید نو تازه ای درخصوص تعـاونی هـابودولی بـااین حـال این شـرکتهاراملزم به تبعیت ازقـانون مـذکورنمی کردوبه آنها اجازه می دادکه همچنان اگرخواسـتند بتوانند مطابق قانون تجارت تشـکیل شوند. درسال ۱۳۳۴قانون دیگری باعنوان ((لایحه قانونی شـرکتهای تعاونی)) جایگزین قاونون

قبلی گردید و حاوی جزئیات بیشتری نسبت به قانون سابق بود ولی بااین حال هیچ کدام ازاین قوانین پاسخگوی بخش تعاونی درحال رشد نبودتااینکه قانونگذارمجبورگردید درمورخه ۱۶/۳/۱۳۵۰ قانون مفصل و نسبتا دقیق درخصوص شرکتهای تعاونی تصویب کند وضمن بیان مقررات آن نهادهای جدیدی راپیش بینی کردقانون مذکورشرکتهای تعاونی راچنین تعریف می کند شرکتهای تعاونی شرکتی است ازاشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور رفع نیازمندی های مشترك و بهبودوضع اقتصادی واجتماعی اعضاازطریق خودیاری و کمك متقابل وهمکاری انان موافق اصولی که دراین قانون مصرح است تشکیل می شودتعداداعضای شرکت تعاونی نبایداز۷نفرکمترباشد. ماده ۱ و تبصره قانون مذکرو از سال تصویب آن مبنای فعالیت و تشکیل شرکت های تعاونی گردید کلیه قوانین قبلی از جمله مقررات قانون تشکیل و ادامه فعالیت دهند. ولی با این حال قانون مذکور نیز دوام نیاورد و جای خود را به قانون مصوب ۱۳۷۰ داد. این قانون در سال مذکور تحت عنوان (قانون بخش تعاونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران) در ۷۱ ماده به تصویب رسید و کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن را ملغی اعلام کرد و هم اکنون کلیه شرکت های تعاونی باید مطابق قانون مذکور تشکیل شوند و الا نمی توانند از امتیازات و مزایا و سایر مقررات مربوطه استفاده نمایند. از خصوصیات قانون بخش تعاونی ایجاد وزارت تعان واتاق تعاونی است نکته ای که در خصوص این قانون قابل ذکر است این است که علیرغم اینکه کلیه قوانین و مقررات مغایر را ملغی اعلام کرده است با این حال صریحا قانون ۱۳۵۰ را نسخ نکرده و بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مقرراتی از قانون مزبور که با قانون بخش تعاونی مخابرات ندارد و به قوت خود باقی است و قابل استناد و لازم الرعایه است.

۳– استقلال شرکت های تعاونی

شرکت تعاونی – استقلال شرکت های تعاونی با توجه به آنچه گذشت در متن قوانین تجاری شرکت های مذکور جایگاه چندانی نداشته و علاوه بر مقررات مختصری که قانون تجارت برای شرکت های تعاونی مقرر کدره بود ماده ۲۰ ق.ت. آن را یکی از اقسام شرکت های تجاری قلمداد کرده و ماده ۱۹۳ ق.ت. با بیان اینه شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصولشرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکا ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود جایگاه چندانی برای شرکتهای مذکور قائل نشده بود و شاید یکی از مهمترین دلایل عدم رشد و عدم نیاز به شرکت و موسسات مذکور بود. اما همانگونه که گذشت نیاز روزافزون جامعه به بخش تعاونی ونقش بزرگی که معمولا این نوع شرکتها در اقتصاد مملکت ایفا می کنند مقنن را بر آن داشت تا مقررات مورد نیاز آن را تدوین کند تا جایی که قانون اساسی نیز جایگاه خاص خود را یافت و حتی برای نظارت و سازماندهی آن وزارت تعاون تشکیل شد و نقطه اوج آن نیز مقررات ۱۳۷۰ در خصوص شرکت های مذکوربود به گونه ای که شرکت ای تعاونی به صورت کاملا مستقل در برابر سایر شرکت ها خود نمایی کردند. این استقلال نیز بیشتردر دو جنبه مشهود بود: یکی در اهدافی که این شرکت ها داشتند و دوم مقرراتی که در این خصوص تدوین شده بود. ۱– استقلال از جنبه اهداف شرکت ها در خصوص اهداف همانگونه که مقررات مذکور نیز بیان داشته اند و ماده ۱ به طور مفصل آن را برشمرده باید گفت قرارداد وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند.پیشگیری از تمرکز ثروت و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی – قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع و اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود – پیشگیری از انحصار تورم و احتکار از جمله این اهداف اند. اهداف مذکور از مهمترین اهداف شرکت تعاونی است و اصولا تحقق بشخیدن به آنها علت غایی تشکیل آن است و لذا اهتمام شرکت های تعاونی در نیل به آنها به سبب جهتی که برای فعالیت های آن تعیین شده یك ضرورت است اما منظور شرکت تعاونی حمایت از منافع مادی بهتر کردن وضع کار و شغل تحصیل رزق و انتظام امور معاش و معیشت اعضا و به طور کلی بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی هر دو

است. فی الواقع اهداف و منظور فوق خصوصیاتی است که شرکت تعاونی را از شرکت تجاری منفک و ممتاز می سازد . زیرا در شرکت تجاری سودآوری به معنای خاص آن یعنی کسب پول مطرح و منظور است و در نتیجه فقط وضع مادی صاحبان سرمایه مطمح نظر است. در صورتی که در شرکت تعاونی وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا هر دو منظور است. بنابراین شرکت ها تعاونی در اهداف و منظور خود استقلال کامل یعنی وضع اجتماعی و اقتصادی اعضا را در نظر دارند در حالیکه در سایر شرکت ها فقط وضع مادی مدنظر است.و همین هدف این شرکت ها را فراتر از نگرش مادی در نظر گرفته است. ۲- استقلال از جنبه مقررات با تصویب قانون بخش تعاونی ۱۳۷۰ مقررات بخش تعاونی استقلال کامل یافت تا جایی که هیچ شرکت تعاونی بدون رعایت مقررات مذکرو نمی تواند تشکیل شود وبه ثبت برسد و فعالیت کند زیرا طبق قانون وزارت تعاون که نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات تعاونی را بر عهده دارد.(ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی). اولاـ اقدامات مربوط به تاسیس شرکت های تعاونی را تحت نظارت و کنترل دارد ووقتی مجوز تشکیل آنها را می دهد که در انجام مقدمات مزبور مقررات مربوطه رعایت شده باشد و ثانیا موظف است که باخودداری از صدور مجوز ثبت از ثبت شرکت هایی که در مراحل تشکیل آنها مقررات مزبور مراعات نشده ممانعت به عمل آورده از فعالیت شرکت هایی که به هر نحو از عنوان تعاونی سو استفاده میکنند. جلوگیری نماید و از تعاونی هایی که برخلاف قانون و مقررات بخش تعاونی و اساسنامه خود عمل می کنند سلب مزایا کند. (بندهای ۱۸ و ۲۸ و ۲۹ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی) و بدین گونه شرکت های مذکور هم از لحاظ مقررات جنبه استقلال کامل یافته و با توجه به جایگاه آنها در اقتصاد مملکت در قوانین جاریه از جمله قانون اساسی و هم چنین قوانین عادی موقعیت ممتازی یافته اند.

۲۷- تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی

۱- تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی - تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی شرکتهای تعاونی شرکتهایی هستند که تمام یا حداقل ۵۱٪ سرمایه به وسیله اعضا دراختیار شرکت تعاونی قرار گیرد و وزارتخانه ها سازمان ها شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و تحت پوشش دولت بانکها شهرداریها شوراهای اسلامی کشوری بنیاد مستضعفان مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می توانند جهت اجرای بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی از راه ام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت مضاربه مزارعه مساقات اجاره اجاره به شرط تملیک بیع شرط فروش اقساطی و صلح اقدام به کمک در تامین یا افزایش سرمایه شرکتهای تعاونی نمایند بدون آنکه عضو باشند. تعاونی های تولید شامل تعاونی های مربوط به کشاورزی دامداری دامپروری و پرورش و غیره تعاونی های توزیع شامل تعاونی هایی می شوند که نیاز مشاغل تولیدی یا مصرف کنندگان عضو خود را در چهار چوب مصالح عمومی و به منظور کاهش هزینه ها و قیمت ها تامین می نمایند. تاسیس شرکتهای تعاونی بر اساس اقدام مجمع موسس که شامل عده ای افراد واجد شرایط عضویت می باشد صورت می گیرد. تعداد اعضای مجمع عمومی موسس هفت نفر است که سه نفر به عنوان هیئت موسس و یک نفر به عنوان نماینده در اداره کل تعاون می باشند. دراولین جلسه رسمی مجمع عمومی عادی که با شرکت متقاضیان همراه با رسید لازم التادیه سهام مقرر تشکیل می شود اساسنامه پیشنهادی پس از بحث و بررسی با موافقت حداقل دو سوم اعضا تصویب شده و اعضایی که با مصوبه آن مجمع در مورد اساسنامه موافقت نداشته باشند می توانند درهمان جلسه تقاضای عضویت خود را پس بگیرند.(مستفاد از ماده ۳۱). حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونی ها به نسبت سرمایه و فرصت اشتغال و نوع فعالیت و رعایت اصل عدم تمرکز و تداول ثروت به موجب آیین نامه مصوبه وزارت تعاون تعیین می گردد. ولی در هر حال تعداد اعضا از ۷ نفر کمتر نخواهد بود(ماده ۶). در اولین جلسه مجمع عمومی عادی اعضای هیئت مدیره انتخاب می گردند ودر اولین جلسه هیئت

مـدیره اسامی و مشخصات کامل اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل و بازرسان شـرکت تهیه و جهت بررسـی تقدیم اداره کل تعاون می گردد. اولین هیئت مدیره منتخب شـرکت تعاونی مکلف است پس از اعلام قبولی با انجام تشـریفات مقرر نسبت به ثبت تعاونی اقـدام نمایـد. برای انجام ثبت شـرکتها و اتحادیه های تعاونی پس از طرح و تصویب آن ارائه مدارک مندرج در ماده ۵۱ الزامی می باشد که باید در چهار نسـخه به اداره ثبت شـرکتها داده شود. سـرمایه تامین یا تعهد شده از طرف اعضا درهر مرحله تاسیس شرکت نباید کمتر ۵۱ درصد کل سـرمایه شـرکت باشد و هر تعاونی وقتی ثبت وتشـکیل می گردد که حداقل یک سوم سـرمایه آن تادیه و در صورتی که به صورت نقـدی و جنسـی باشـد تقویم و تسـلیم شـده باشـد. شـرایط عضویت در تعاونی ها در ماده ۹ آمـده است و خروج عضو از تعاونی اختیاری بوده و نمی توان آن را منع کرد ولی در صورتی که خروج نامبرده موجب ضـرری برای تعانی باشـد ملزم به جبران آن خواهـد بود. در صورت فوت عضو ورثه او بـا وجود شـرایط لازم عضو تعـاونی محسوب می شونـد و در صورت تعدد ورثه بایستی ما به التفاوت افزایش سـهم ناشـی از تعدد خود راپپردازند و در غیر این صورت با اعلام عدم تمایل عضویت آنان لغو می گردد و در صورت لغو عضویت به هر علت سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو به قیمت روز تقویم و به دیون تعاونی تبدیل می شود که پس از کسر دیون وی به تعاونی به او یا ورثه اش پرداخت می شود.

۲- ارگان اداره کننده

تعریف و تشکیل و ثبت شـرکتهای تعـاونی - ارگـان اداره کننـده اداره امور تعاونی بر طبق اساسـنامه به عهـده هیئت مـدیره منتخب مجمع عمومی می باشـد. خـدماتی که اعضا هیئت مـدیره درازا عضویت در هیئت مدیره شـرکتهای تعاونی انجام می دهند بلاعوض است ولی هزینه اجرای ماموریتهـایی که از طرف تعـاونی در حـدود بـودجه مصوب مجمـع عمـومی به آنـان ارجـاع می شـود قـابل پرداخت می باشد و مجمع می تواند مبلغی از سود خالص را به عنوان پاداش به آنان بپردازد (تبصـره ۴ ماده ۳۶) وظایف و اختیارات هیئت مدیره در ماده ۳۷ (ق.ت.ج.ا) طی ۱۰ بند و یک تبصره احصا شده است. الف - نحوه انتخاب اعضا هیئت مدیره انتخاب اعضا اصـلی و علی البـدل هیئت مدیره بر عهده مجمع عمومی است که با اکثریت مطلق آرا به عمل می آید. اگر در دوره اول رای گیری تمام یا بعضـی از داوطلبان حائز اکثریت مطلق نگردند بلافاصله از بین دارندگان بشترین آرا به تعداد دو برابر مورد نیاز برای تکمیل هیئت مدیره وعلی البدل با اکثریت نسبی رای گیری به عمل می آید. هیئت مدیره مرکب از حداقل ۳ و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضای اصلی اعضای علی البدل می باشد. در تعاونی های بزرگ در مقابل افزایش هر چهارصد نفر یک نفر به اعضای اصـلی و یـک نفر به اعضای علی البـدل اضافه می گردد. مشـروط بر آنکه مازاد بر ۱۵ نفر نشود.اعضای هیئت مـدیره برای مـدت ۲ سال با رای مخفی انتخاب می شوند(مسـتفاد از ماده ۳۶ و تبصـره آن). در صورت استعفا فوت ممنوعیت قانونی و یا غیبت غیر موجه مکرر مطابق تبصـره ۳ ماده ۳۶ عمـل می گردد. ب - قلمرو اختیـارات هیئت مـدیره در اولین جلسه هیئت مـدیره از میـان خـود یک رئیس و یک نایب رئیس ویک یا دو نفر منشـی انتخاب می نمایـد و نیز بایـد بلافاصـله بعد از انتخاب شدن فرد واجد شـرایطی را از بین اعضا و یا از خارج تعاونی برای مـدت ۲ سال به عنوان مدیر عامل انتخاب نماید تا مدیریت عملیات تعاونی و اجرای تصـمیمات مجمع عمومی و هیئت مـدیره را به عهـده گیرد. وظایف و اختیارات هیئت مـدیره وظایف خود را به صورت جمعی انجام می دهد و هیچیک از اعضای هیئت مدیره حق ندارد از اختیارات هیئت منفردا اسـتفاده کند مگر در موارد خاص که وکالت یا نمایندگی کتبی از طرف هئیت مدیره داشته باشد. هیئت مزبور می تواند قسـمتی از اختیارات خود را با اکثریت سه چهارم آرا به مدیر عامل تفویض نمایـد. هیئت مـدیره مکلف است که از حـدود اختیـارات خود خـارج نشـده و قوانین ومقررات مربوطه را رعـایت نمایـد در غیر این صورت طبق بند ۵ ماده ۵۴ با آنان رفتار خواهد شد.

۳– ارگان تصمیم گیرنده

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی – ارگان تصمیم گیرنده بالاترین مرجع تصمیم گیری و نظارت درامور شرکتهای تعاونی مجامع عمومی هستند که از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام الاختیار به صورت عادی و فوق العاده تشکیل شده و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم تنها دارای یک رای می باشد. الف – مجمع عمومی عادی مجمع عمومی عادی حداقل سالی یک بار پس از پایان سال مالی جهت انجام وظایف قانونی خود با دعوت هیئت مدیره تشکیل گردیده و وظایفش به شرح زیر می باشد: انتخاب هیئت مدیره و بازرس یا بازرسان برای مدت ۲ سال رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه و حساب سود زیان سایر گزارشهای مالی هیئت مدیره تعیین خط مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه گذاری واعتبارات وامهای درخواستی و سایر عملیات مالی به پیشنهاد هیئت مدیره و .... (مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۷). ب – مجمع عمومی فوق العاده مجمع عمومی فوق العاده بنا به تقاضای کتبی حداقل یک سوم اعضای تعاونی و یا اکثریت مطلق اعضا هیئت مدیره و یا بازرس و یا بازرسان با حضور حداقل دو سوم اعضا کل مجمع تشکیل می شود . در تعاونی های دارای بیش از پانصد نفر عضو در صورتی که بار اول مجمع با دو سوم اعضا تشکیل نشود بار دوم با نصف به علاوه یک رسمیت خواهد داشت . در صورت عدم تشکیل مجمع عمومی فوق العاده توسط هیئت مدیره ظرف مدت حداکثر یک ماه وزارت تعاون اقدام به این کار می نماید. وظایف مجمع عمومی فوق العاده تغییر در مواداساسنامه (درحدود قانون) تصمیم گیری نسبت به عزل یا قبول استعفای هیئت مدیره و انحلال یا ادغام تعاونی خواهد بود (ماده ۳۵).

۴– ارگان کنترل کننده

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی – ارگان کنترل کننده مجمع عمومی عادی برای مدت ۲ سال بازرس یا بازرسانی را جهت اداره امور شرکت انتخاب می نماید که انتخاب مجدد آنان بلامانع می باشد. بازرسان مزبور علاوه بر داشتن شرایط عضویت باید دارای شرایط مندرج درماده ۳۸ نیز باشند. حق الزحمه و پاداش آنان نیز با تصویب مجمع عمومی تعیین می گردد (ماده ۴۰) وظایف بازرس یا بازرسان تعاونی در ماده ۴۱ (ق.ت.ج.ا) احصا گردیده است. مطابق تبصره ماده فوق بازرس حق دخالت مستقیم در اداره امورتعاونی را نداشته ولی می توانند بدون حق رای در جلسات هیئت مدیره شرکت کنند و نظرات خود را نسبت به مسایل جاری تعاونی اظهار دارند.

۵– ادغام انحلال وتصفیه

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی – ادغام انحلال وتصفیه الف – ادغام مجامع عمومی فوق العاده می توانند ادغام شرکتهای تعاونی را با یکدیگر تصویب نمایند. صورتجلسات مجامع عمومی فوق العاده تعاونی هایی که با هم ادغام شده اسند به همراه مدارک مربوطه حداکثر ظرف مدت دو هفته جهت ثبت به اداره ثبت شرکتها تسلیم شده و خلاصه تصمیمات نیز به اطلاع کلیه اعضا و بستانکاران می رسد (مستفاد از ماده ۵۳). ب – انحلال و تصفیه شرکتهای تعاونی با رای مجمع عمومی فوق العاده یا وزارت تعاون در موارد زیر منحل می گردند: در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده کاهش تعداد اعضا از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۳ ماده تعدا اعضا به نصاب مقرر نرسیده باشد. انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد توقف بیش از یک سال بدون عذر موجه عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به وسلیه وزارت تعاون بر طبق آیین نامه مربوط و

بالاخره در صورت ورشکستگی طبق قوانین مربوط. بعد از انحلال سه نفر جهت امر تصفیه ظرف مدت یک ماه انتخاب و به اداره ثبت محل معرفی می گردند.

۲۸- شرکت نسبی

شرکت نسبی - تعریف و خصوصیات شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتی تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه ای است که درشرکت گذاشته است.(ماده ۱۸۳ ق.ت) قانونگذار برای آگاهی اشخاص ثالث از نسبی بودن مسئولیت شرکا قید عبارت مزبور را لازم دانسته است. منظور از مسئولیت شرکا به نسبت سرمایه این است که هر شریک در صورتی که دارائی شرکت پس از انحلال و تصفیه برای ادای دیون و قروض شرکت کافی نباشد به نسبت سهم الشرکه خود از کل قروض در مقابل طلبکاران مسئولیت مدنی دارد. نحوه تاسیس و طرز کار و انحلال شرکت نسبی همانند شرکت تضامنی است و تنها وجه افتراق این دو شرکت در میزان مسئولیت مدنی شرکا بعد از انحلال شرکت در مقابل طلب طلبکاران می باشد.

۲۹- شرکت تضامنی

۱- کلیات

شرکت تضامنی - کلیات یکی دیگر از شرکتهایی که بعداز شرکت سهامی خاص و شرکت با مسئولیت محدود در امور تجارتی مورد استقبال واقع می شود شرکت تضامنی است شرکت تضامنی از جمله شرکتهای شخصی محسوب گردیده و شخصیت شرکا نقش بسیار مهمی در این نوع شرکت ایفا می نماید مواد ۱۱۶ و ۱۱۷ ق ت شرکت تضامنی را شرکتی می داند که در تحت اسم مخصوص برای امور تجارتی بین حداقل دونفر شریک با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود و اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض شرکت کافی نباشد هریک از شرکا به تنهایی مسئول پرداخت تمام قروض شرکت می باشند و اگر شرکا قراری بر خلاف مورد فوق بین خودمقرر نموده باشند این قرار در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود . بلافاصله بعداز نام شرکت باید نام یک نفر از شرکا در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام کلیه شرکا نباشد و عباراتی از قبیل و شرکا یا برادران قید شود مانند شرکت ضامنی حسن زاده و برادران شرکت تضامنی وقتی تشکیل شده محسوب می شود که تمام سرمایه نقدی پرداخت و سهم الشرکه غیر نقدی نیز با توافق کلیه شرکا ارزیابی و تسلیم شده باشد (ماده ۱۱۸ ق ت) در شرکت تضامنی نقسیم منفعت به نسبت سهم الشرکه شرکا است ولی شرکا می توانند ترتیب دیگری برای تقسیم منفعت بین خود مقرر نمایند اداره شرکت تضامنی با مدیری است که از بین شرکا یا خارج از شرکا انتخاب می شود مسئولیت مدیر در اداره شرکت در قبال شرکا مسئولیت وکیل است در مقابل موکل (ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ ق ت) نقل و انتقال سهم الشرکه در شرکت تضامنی با رضایت کلیه شرکا بعمل می آید و فلسفه این امر به دلیل وجود شخصیت شرکا می باشد. (ماده ۱۲۳ ق. ت) مطالبه پرداخت دیون شرکت از شرکا به انتخاب طلبکار می باشد طلبکار می تواند از یک یا چند نفر از شرکا درخواست پرداخت دیون شرکت را بنماید و شریکی که از او درخواست پرداخت دیون شده نمی تواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت بیش از سهم وی در شرکت می باشد از پرداخت خودداری نماید و در صورت پرداخت دیون شرکت توسط احدی از شرکا این شخص حق دارد به نسبت سهم الشرکه به سایر شرکا مراجعه نماید و اگر در اساسنامه ترتیب دیگری برای پرداخت دیون مقرر شده باشد در روابط فیمابین شرکا آن امر مجری خواهد بود. (ماده ۱۲۴ ق ت) هیچکدام از شرکای تضامنی نمی تواند بدون اجازه سایر شرکا به حساب خود به تجارتی از نوع تجارت شرکت

تضامنی که وی در آن شریک است اقدام ورزد. (ماده ۱۳۴ ق ت) تازمانی که شرکت تضامنی منحل نشده باشد باید درخواست پرداخت قروض از خود شرکت بعمل آید ودر صورت انحلال طلبکاران شرکت می توانند به شرکا برای وصول مطالبات خود اقدام نمایند. (ماده ۱۲۴ ق ت)

۲- موارد انحلال شرکت تضامنی

شرکت تضامنی - موارد انحلال شرکت تضامنی ۱- شرکت برای انجام هدفی تاسیس شده و آن امر انجام گردد و یا انجام آن غیر مقدور باشد . ۲- شرکت برای مدتی معین تشکیل و آن مدت منقضی شده و قبل از انقضای اخرین روز صورتجلسه تمدید مدت تحویل اداره ثبت شرکتها نشده باشد. ۳- در صورتی که ورشکست شده باشد (ورشکستگی توقف از پرداخت دیون می باشد) ۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده شرکت تضامنی ۵- در صورت تراضی تمام شرکا ۶- در صورتی که احدی از شرکا بنا به دلایلی از محکمه درخواست انحلال کرده و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال شرکت بدهد. ۷- در صورتی که احدی از شرکا ورشکست شود وسهم ورشکسته در شرکت از منافع کافی برای پرداخت دیون وی نباشد می توانند تقاضای انحلال شرکت را نمایند مشروط بر اینکه شش ماه قبل قصد خود را بوسیله اظهارنامه به اطلاع شرکت رسانده باشند در این صورت سایر شرکا می تواننـد قبل از صـدور رای قطعی دایر بر انحلال شرکت با پرداخت طلب طلبکاران (تاحد دارایی مدیون) یا با جلب رضایت آنان بطرق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری بعمل آورند. ۸- در صورتی که احدی از شرکا شرکت را فسخ نماید و وفق اساسنامه اجازه این کار را داشته باشند. ۹- در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا و قید این امر در اساسنامه ۱۰- در صورت انحلال شرکت احدی از شرکا یا خارج از شرکا به عنوان مدیر تصفیه انتخاب خواهد شد. ۱۱- هر گاه شرکت تضامنی منحل شود تازمانی که دیون شرکت از دارایی آن پرداخت نشده باشد هیچکدام از طلبکاران شخصی شرکا حقی در آن دارایی نخواهند داشت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض کافی نباشد طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکای ضامن مطالبه نمایند ولی طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکا حق تقدمی ندارند (ماده ۱۲۶ ق ت) و در صورتی می توان شرکا را برای وصول طلب تحت تعقیب قرارداد که شرکت منحل شده باشد. ۱۲- هر کس که به عنوان شریک ضامن وارد شرکت تضامنی شود متضامنا با سایر شرکا مسئول پرداخت قروضی خواهد بود که قبل از ورود وی حاصل شده و اعم از اینکه تغییری در اسم شرکت داده یا نداده شده باشد چنانچه شرکا قراری فیمابین برخلاف فوق نموده باشند این قرار در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود (ماده ۱۲۵ ق ت) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا بقای شرکت منوط به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود . (مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق ت) مدارک مورد نیاز برای تقاضای ثبت شرکت تضامنی: ۱- تقاضانامه ۲ برگ ۲- شرکت نامه ۲ برگ ۳- اساسنامه ۲ جلد ۴- فتوکپی شناسنامه شرکا روش ومراحل ثبت همانند شرکت با مسئولیت محدود خواهد بود خواهشمند است به مبحث مربوطه مراجعه شود.

۳- اساسنامه شرکت تضامنی

شرکت تضامنی - اساسنامه شرکت تضامنی ماده ۱- نام شرکت: شرکت تضامنی .... ماده ۲- نوع شرکت: .... ماده ۳- موضوع شرکت: .... ماده ۴- مرکز اصلی شرکت : .... هیات مدیره می تواند مرکز شرکت را به هر کجا که صلاح و مصلحت بداند منتقل ویا شعبی تاسیس نماید. ماده ۵- مدت شرکت : .... ماده ۶-سرمایه شرکت :سرمایه شرکت مبلغ

.... که تماما بصورت نقدی پرداخت شده و سرمایه غیر نقدی که معادل مبلغ .... ریال است تقدیم و تسلیم شده است . (طبق ماده ۱۱۸) ماده ۷- تابعیت شرکت .... ماده ۸- سهم الشرکه شرکا: .... ماده ۹- مدیران شرکت : اداره امور شرکت بعهد .... نفر خواهد بود و مدت مدیریت آنان .... سال است اولین مدیران شرکت عبارتند از : .... کلیه قراردادها و اوراق تعهدآور و اوراق بهادار اعم از چک سفته و اعتبارات بانکی و اسناد مالی و غیره با امضای مدیرعامل ویک نفر دیگر از مدیران متفقا با مهر شرکت معتبر خواهد بود. ماده ۱۰- مسئولیت مدیران : حدود مسئولیت مدیر یا مدیران بتصریح ماده ۱۲۱ قانون تجارت همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده است . ماده ۱۱- اختیارات مدیران: مدیران شرکت متفقا نماینده قانونی و تام الاختیار شرکت بوده و بدون اجازه نامه مخصوص می توانند در تمام امور شرکت از هر قبیل اعم از انجام تشریفات قانونی حفظ اموال وتنظیم فهرست دارایی رسیدگی به حسابها و پیشنهاد سود قابل تقسیم سالانه قبول و واگذاری نمایندگی امضای دفاتر اسناد رسمی تعیین وکیل با حق توکیل ولو کرارا استخدام کارمند و اخراج آن مشارکت با شخصیتهای حقیقی و حقوقی و بانکها استقراض با رهن وبدون رهن تعیین اعتبار وام دادن وام گرفتن از بانکها اشخاص و شرکتها وادارات و افتتاح حسابهای جاری و سپرده در کلیه بانکها وموسسات واردات وصادرات و خرید وفروش و توزیع کلیه کالاهای مجاز ماده ۱۲- انتقال سهم الشرکه: هیچ یک از شرکا نمی تواند سهم الشرکه خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضاتی تمام شرکا ماده ۱۳- تغییر اساسنامه: هر نوع تغییری در مورد این اساسنامه از قبیل ازدیاد یا کسر کردن سرمایه تغییر نام شرکت قبول شریک یا شرکای جدید برای شرکت وبطور کلی هر گونه اصلاحات و الحاقات مورد لزوم در مفاد اساسنامه با موافقت کلیه شرکا امکان پذیراست. ماده ۱۴- سال مالی : سال مالی شرکت از اول فروردین هرسال شروع و در پایان اسفند همان سال پایان می یابد و اولین سال مالی شرکت از روز شروع بکار آن (تاریخ ثبت شرکت) آغاز و با پایان اسفند همان سال پایان می یابد. ماده ۱۵- ترتیب تقسیم سود شرکت: از کلیه درآمد شرکت بدوا تمام هزینه های اداری و انتفاعی و مصارف ضروری و حقوق کارکنان و استهلاک اثاثیه و مالیات کسر و بقیه آن که سود ویژه است پس از وضع ۵٪ ذخیره احتیاطی که برای جبران زیانهای احتمالی در نظر گرفته می شود بقیه بین شرکا به نسبت سهم الشرکه با توجه به ماده ۱۳۲ تقسیم خواهد شد. ماده ۱۶- حق الزحمه مدیران: مدیران شرکت می توانند با موافقت شرکا همه ماهه حقوق خودرا از صندوق شرکت دریافت وبه هزینه قطعی شرکت منظور نمایند. ماده ۱۷- مجامع عمومی شرکا: مجامع عمومی شرکا اعم از عادی یا فوق العاده به وسیله دعوتنامه کتبی از طرف هر یک از مدیران شرکت و ارسال آن از طریق پست سفارشی به نشانی شرکا و یا به وسیله درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار بعمل خواهد آمد فاصله دعوت از روزانتشار تا تشکیل جلسه ده روز خواهد بود. ماده ۱۸- وظایف مجمع عمومی عادی: وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر می باشد : الف – استماع گزارش هیات مدیره درا مور مالی و ترازنامه سالیانه شرکت و تصویب آن ب – تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیات مدیره ج – تعیین خط مشی آینده شرکت و تصویب آن د – انتخاب هیات مدیره و در صورت لزوم بازرس ماده ۱۹- وظایف مجمع عمومی فوق العاده : وظایف مجمع عمومی فوق العاده به قرار زیر است : الف – تغییر اساسنامه یا الحاق و یا حذف یا چند ماده اساسنامه ب – تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت ج – افزایش یا تقلیل سرمایه شرکت با عنایت به ماده ۱۳۳ قانون تجارت د – ورود شریک یا شرکای جدید به شرکت ماده ۲۰- تصمیمات مجامع عمومی طبق دستور ماده ۱۰۶ قانون تجارت معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۲۱- در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی ویا قیم محجور و طبق دستور ماده ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون تجارت خواهد بود. ماده ۲۲- انحلال شرکت : شرکت مطابق ماده ۱۳۶ قانون تجارت منحل خواهد شد در صورتی که مجمع شرکا رای به انحلال شرکت دهد یک نفر از بین شرکا و یا از خارج از شرکت به سمت مدیر تصفیه تعیین خواهد شد

وظایف مدیرتصـفیه طبق قانون تجارت می باشد. ماده ۲۳- اختلافات بین شـرکا در رابطه با امور شرکت از طریق حکمیت و داوری حل و فصل خواهـد شد. ماده ۲۴- موارد سـکوت :درباره سایر موارد و موضوعاتی که در این اساسـنامه قیـد و پیش بینی نشده طبق مقررات قانون تجارت رفتار خواهـد شد. ماده ۲۵- تصویب اساسـنامه : این اساسنامه در ۲۵ ماده تنظیم و با امضای شـرکا در ذیل آن مورد تصویب و قبول شرکا واقع گردیده است .

۴- مسئولیت شرکای تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت

شرکت تضامنی - مسـئولیت شـرکای تضامنی در مقابل طلبکاران شـرکت شـرکای شـرکت تضامنی مسـئولیت تضامنی دارند و کلیه بسـتانکاران مطالبات خود را از شـرکت مطالبه می نمایند. حال اگر دارائی شـرکت تکافوی ادای دیون بسـتانکاران را نکند اشخاص اخیر حق دارنـد به شـرکای شـرکت تضامنی جهت وصول مابقی مطالبات خود منفردا و یا مجتمعا مراجعه نماینـد. هیچیک از شـرکا نمی توانند با اسـتناد به اینکه میزان قروض شـرکت از میزان سـهم او در شرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شـرکا مسـئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شـرکت به نسبت سرمایه ای خواهد بود که در شرکت گذاشته انـد. آن هم در صورتی که در شـرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشـده باشد (مسـتفاد ازماده ۱۱۶ ق.ت). در تائیـد مطالب بالا ماده ۴۰۳ ق.ت. می گوید : (در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می تواند به ضـامن و مـدیون اصـلی مجتمعـا رجوع کرده یـا پس از رجوع به یکی از آنهـا و عـدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید

۵- مسئولیت شرکا در مقابل طلبکار شخصی خود

شرکت تضامنی - مسـئولیت شـرکا در مقابل طلبکار شخصـی خود طلبکاران شخصـی شـرکا حق ندارنـد که طلب خود را از دارائی شرکت تامین و یا وصول نمایند. اما می توانند نسبت به سـهمیه مدیون خود (شریک تضامنی شرکت) از منافع شرکت یا سهامی که ممکن از در صورت انحلال شـرکت عایـد مدیون مزبور گردد هر اقدام قانونی که مقتضـی باشد به عمل آورند. طلبکاران شخصـی شرکا در صورتی که نتوانسته باشـند طلب خود را از دارائی شخصـی مدیون وصول کنند و سـهم مدیون از منافع شرکت برای تادیه طلب آنها کافی نباشـد می توانند انحلال شـرکت را تقاضا نمایند. (مسـتفاد از ماده ۱۲۹ ق.ت) در موردتهـاتر دیون مطالبی در ماده ۱۳۰ ذکر گردیده که خلاصه آنها عبارتند از : ۱- مدیون شـرکت حق ندارد در مقابل طلبی که از یکی از شرکا شرکت مزبور دارد استناد به تهاتر کند. ۲- شـریک شرکت نیز نمی تواند در مقابل کسی که به شرکت مدیون بوده ولی از شریک مزبور طلب شخصی دارد استناد به تهاتر کند. ۳- تهاتر دیون طلبکار شخصـی یکی از شرکا پس از انحلال شرکت به دلیل از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت وتعلق دارائی آن به شـرکا تجویز شده است (در اینجا اصل تفکیک شخصیت حقوقی شرکت با شرکا مورد توجه قرار گرفته است.)

۶- تعریف شرکت و وضعیت حقوقی شرکا

شرکت تضامنی - تعریف شرکت و وضعیت حقوقی شرکا شرکت تضامنی شرکتی است که تحت اسم مخصوص برای امور تجارتی بین دو یا چنـد نفر با مسـئولیت تضامنی تشـکیل می شود . اگر دارائی شـرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شـرکا مسئول پرداخت تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخ تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکا برخلاف

این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود . در اسم شرکت تضامنی باید عبارت شرکت تضامنی و حداقل اسم یک نفر از شرکا ذکر شود . در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شه است عبارتی از قبیل : (و شرکا) یا (برادران) قید گردد. (ماده ۱۱۷ ق.ت). از مطالب بالا می فهمیم که شرکت تضامنی بین دو یا چند نفر شریک تشکیل می شود و شرکای شرکت تضامنی در برابر تعهدات شرکت متضامنا و بطور نامحدود مسئولیت دارند. هر گونه توافق بین شرکا جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث کان لم یکن می باشد. آخرین نکته ای که از مطالب بالا فهمیده می شود این است که خصوصیت شخصی بودن قرارداد شرکت تضامنی موجب شده سهم الشرکه هر یک از شرکا اصولا غیر قابل انتقال باشد مگر با رضایت کلیه شرکا در طول حیات شرکا و پس از فوت یکی از شرکا.

۳۰- تاسیس و اداره شرکت تضامنی

۱- اداره شرکت تضامنی

تاسیس و اداره شرکت تضامنی - اداره شرکت تضامنی اول - نحوه انتخاب و عزل مدیر شرکت تضامی توسط حداقل یک مدیر که شرکا از میان خود انتخاب می نماید اداره می شود مدیر مزبور ممکن است غیر از شرکا بوده و از خارج انتخاب شود (ماده ۱۲۰ق.ت) در صورتی که مدیران از بین شرکا بدون قید در اساسنامه انتخاب شده باشند با توجه به شرایط اساسنامه به اتفاق ارا سایر شرکا قابل عزل می باشند مدیر غیر شریک با شرایط پیش بینی شده در اساسنامه و در غیر این صورت با تصمیم اکثریت شرکا معزول می شود. در صورتی که عزل مدیری بدون دلیل موجه باشد مدیر معزول حق مطالبه ضرر و زیان را از شرکت خواهد داشت. مدیر یا مدیران مندرج در شرکتنامه قابل عزل نمی باشند و حق استعفا نیز ندارند مگر با توافق کلیه شرک شرکت تضامنی. در صورتی که مدیر یا مدیران در اساسنامه انتخاب شده باشند. ممکن است طبق اساسنامه نسبت به تغییر مدیر یا مدیران مذکور عمل شود. اگر مدیر یا مدیران در شرکتنامه یا اساسنامه انتخاب نشده ولی انتخاب آنان بعدا صورت گرفته باشد در این صورت شرکا می توانند مدیر یا مدیران فوق را معزول نمایند. بدیهی است مدیر یا مدیران حق استعفا خواهند داشت. دوم - قلمرو محدودیت اختیارات مدیر مدیر شرکت تضامنی برای اینکه بتواند شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد سازد باید به نام شرکت و در حدود اختیارات خود اقدام و اتخاذ تصمیم نماید. درغیر این صورت شخصا مسئول تعهدات مزبور خواهد بود. دردو مورد به محدودیت اختیارات مدیر یا شریک شرکت تضامنی به طور صریح اشاره شده است: ۱- تا جبران ضررهای وارده به شرکت تقسیم سود ممنوع می باشد (ماده ۱۳۲ ق.ت). ۲- محدودیت انجام عملیات تجارتی (ماده ۱۳۴ ق.ت). سوم - مسئولیت مدنی مدیر شرکت مسئولیت مدنی مدیران در مقابل شرکت از مقررات عقد وکاکت پیروی می نماید و مسئولیت مدنی مدیر در مقابل شرکا تابع اصول کلی حقوق مدنی که در باب تسبیب و قانون مسئولیت مدنی پیش بینی شده است می باشد بالاخص در مواردی که قلمرو اختیارات مدیران در اساسنامه تعیین شده است.

۲- تقسیم سود

تاسیس و اداره شرکت تضامنی - تقسیم سود منافع درشرکت تضامنی به نسبت سهم الشرکه بین شرکا تقسیم می شود مگر آنکه شرکتنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد لیکن تادیه هر نوع منفعت به شرکا تا زمانی که کمبود سهم الشرکه شرکا به علت زیان های وارده جبران نشده باشد ممنوع خواهد بود(مستفاد از مواد ۱۱۹ و ۱۳۲ ق.ت).

۳- تاسیس شرکت تضامنی

تاسیس و اداره شرکت تضامنی - تاسیس شرکت تضامنی تاسیس شرکت تضامنی با تنظیم شرکتنامه که به صورت اوراق چاپی در اداره ثبت شرکتها موجود می باشد صورت می گیرد. در شرکتنامه مذکور باید نام نوع موضوع شرکت و مرکز اصلی ونشانی کامل همچنین اسامی شرکا یا موسسین و شماره شناسنامه و محل اقامت آنها و غیره قید گردد. برای تشکیل شرکت تضامنی تمام سرمایه نقدی تادیه و چانچه سهم الشرکه غیر نقدی باشد باید تقویم شده و تسلیم گردد. به هنگام تاسیس شرکت اساسنامه مربوط به آن نیز که در واقع آئین نامه داخلی شرکت می باشد توسط موسسین تنظیم می گردد. مطابق ماده ۱۹۵ ق.ت. ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی است و تابع مقررات قانون ثبت شرکتهاست.

۳۱- انحلال شرکت تضامنی

انحلال شرکت تضامنی - انحلال شرکت تضامنی زمانی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد و بالاخره در صورت ورشکستگی شرکت شرکت تضامنی منحل می گردد (فقرات ۱و ۲و ۳و ماده ۹۳ ق.ت) موارد دیگری که باعث انحلال شرکت می شوند عبارتند از : تراضی تمام شرکا صدور حکم انحلال از دادگاه تقاضای فسخ از طرف یکی از شرکا ورشکستگی یکی از شرکا و در خاتمه فوت یا محجوریت یکی از شرکا. الف - نتایج انحلال اول - ثبت و اعلام انحلال انحلال شرکت تضامنی باید طبق ماده (۲۰۰ ق.ت) ناظر به مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ همان قانون و برابر نظامنامه وزارت عدلیه اعلام شود. این نظامنامه در ماده ۹ خود می گوید: (در هر موقع که تصمیمات راجع به تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت قبل از مدت معینه یا تغییر کیفیت تفریغ حساب یا تغییر اسم شرکت یا تغییر دیگر در اساسنامه یا تبدیل و یا خروج بعضی از شرکا ضامن از شرکت اتخاذ شود و همچنین در هر موقعی که مدیر یا مدیران شرکت تغییر می یابد و یا تصمیمی نسبت به مورد معین در ماده ۵۸ قانون تجارت اتخاذ شود مقررات این نظامنامه راجع به ثبت و انتشار باید در مورد تغییرات حاصله نیز رعایت شود. شرکا شرکت تضامنی مکلفند که انحلال خود را با تقدیم مدارک مقرر بدوا در اداره ثبت شرکتها به ثبت برساند و سپس در ظرف ماه اول از تاریخ ثبت انحلال آن را به هزینه خود شرکت توسط اداره ثبت محل در روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیر الانتشار مرکز اصلی شرکت منتشر نمایند. دوم - تصفیه شرکت تضامنی شرکت تضامنی پس از انحلال باید تصفیه شود. در بعضی کشورها شرکت پس از انحلال و در حلا تصفیه می تواند با شرکت دیگر ادغام شده ویا نوع خود را تغییر دهد . بدین ترتیب تصفیه صورت نمی گیرد. در قانون تجارت ایران تبدیل شرکت تضامنی به شرکت سهامی (اعم از عام و خاص) فقط در زمان حیات شرکت پیش بینی شده است (ماده ۱۳۵ ق.ت.) و ظاهرا چنین تبدیلی پس از انحلال امکانپذیر نمی باشد ولی با اصلاح ماده ۱۳۵ مذکور شرکا می توانند پس از پرداخت طلب طلبکاران حتی در زمان انحلال شرکت و در طول مدت تصفیه شرکت تضامنی را به شرکت سهامی عام و خاص تبدیل نماید. مدیر یا مدیران تصفیه دارائی شرکت منحله را نقد و مطالبات شرکت را نیز وصول می نمایند. همچنین دیون شرکت را پرداخته و در آخر دارائی باقیمانده شرکت را بین شرکا تقسیم می کنند. سوم - انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه امر تصفیه درشرکت تضامنی با مدیر یامدیران شرکت می باشد مگر آنکه شرکای ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. در صورت عدم توافق سایر شرکا با اشخاص تعیین شده دادگاه عمومی اشخاصی را برای امر تصفیه تعیین خواهد کرد. اسامی مدیرانی که غیر از مدیران شرکت باشند باید در اداره ثبت شرکتها در تهران و دردایره ثبت شرکتها در شهرستانها به ثبت و آگهی برسد. چهارم- وظایف مدیر یا مدیران تصفیه از کارهایی که مدیر تصفیه مکلف به اجرای آن می باشد خاتمه دادن به کارهای جاری شرکت و

اجرا نمودن تعهدات شرکت می باشد و در صورت نیاز می تواد برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی نیز بنماید. از جمله کارهای دیگر مدیر تصفیه وصول مطالبات شرکت تضامنی و تقسیم دارائی شرکت می باشد آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفیه مورد نیاز نمی باشد بطور موقت بین شرکا تقسیم می شود. مدیر یا مدیر عامل تصفیه حساب شرکا را نسبت به هم وسهم هر یک از شرکا را از نفع و ضرر تعیین می نماید. در صورت اختلاف نظر در موردتقسیم بین شرکا حل مساله با دادگاه ذیصلاح می باشد. ب – مرور زمان دفاتر هر شرکتی که محل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند (در ماده ۲۱۷ ق.ت) ضمنا مدت مرور زمان در دعاوی مطروحه از طرف اشخاص ثالث علیه شرکا یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت در صورتی که شرکا یا وراث قانونا مسئول باشند ۵ سال است و مبدا مرور زمان از روزی است که انحلال شرکت تضامنی یا ستعفا شریك یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی آگهی شود. چنانچه طلب پس از ثبت و آگهی مزبور قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده باشد. شرکای شرکت تضامنی در مدت ۵ سال از تاریخ جاری شدن مرور زمان هر کدان منفردا و متضامنا در مورد تعهدات شرکت درمقابل اشخاص ثالث مسئول می باشند. مرور زمان پیش بینی شده در ماده ۲۱۹ ق.ت. که مدت آن ۵ سال است مانند سایر مرورزمانهای مندرج در قانون تجارت قاعده خاص بوده و به قوت خود باقی است و با احراز شرایط زیر جاری می گردد: دعوی شخص ثالث علیه شرکای شرکت تضامنی یا وراث آنها باشد. شرکای یا وراث آنها قانونا مسئول قرار داده شده باشند. دعوی شخص ثالث راجع به معاملات (تعهدات) شرکت باشند. مبدا مرور زمان از تاریخ ثبت انحلال شرکت یا کناره گیری شریك یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت و اعلان در مجله رسمی شروع می شود.

۳۲– ثبت شرکت داخلی و شعبه آن

ثبت شرکت داخلی و شعبه آن – ثبت شرکت قانون تجارت در ماده ۲۲۰ مقرر می دارد: هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتی خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور دراین قانون در نیاورد و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می گردد. هر شرکت تجارتی ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ماده ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید. که در تحت چه نمره درایران به ثبت رسیده و الا ـ محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتهایی است که در قانون ثبت شرکتها برای عدم ثبت مقرر شده . مرجع ثبت شرکتها درتهران (اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی) و در خارج از آن اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت است که دایره و دفتر مخصوصی برای اینکار در نظر گرفته شده است. برای ثبت شرکت اظهارنامه تقاضای ثبت وتقاضانامه ثبت شرکت باید براساس قانون و آئین ثبت شرکت تقدیم گردد و برای انجام این امر اوراق چاپی مخصوص به وسیله اداره ثبت شرکتها تهیه و تنظیم شده متقاضی ثبت شرکت آنها را در دو نسخه تنظیم و تسلیم مرجع ثبت می نماید. به موجب ماده ۱۹۶ ق.ت.: اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین شده که به طور خلاصه به شرح زیر می باشد: شرکت نامه حاوی مشخصات شرکت. اساسنامه صورتجلسه مجمع عمومی. صورتجلسه انتخاب هیئت مدیره و قبولی آنان . رسید سرمایه. پس از آنکه درخواست ثبت شرکت در دو نسخه با ضمائم تسلیم متصدی ثبت گردید یک نسخه از آن در پرونده ضبط کرده و مندرجات آن را در دفتر مخصوص ثبت شرکتها به ثبت می رساند و متصدی مزبور نسخه ثانی آن را با قید تاریخ و شماره ثبت پس از امضا و مهر به متقاضی تسلیم می نماید... (ماده ۵ نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵) و متعاقبا صاحبان امضا مجاز دفتر مخصوص را امضا می کنند

و ثبت در دفتر مزبور مانند ثبت سند در دفترخانه اسناد رسمی است زیرا به موجب ماده ۵ اصلاح آیین نامه ثبت شرکتها اداره ثبت شرکتها در تهران و دوایر ثبت شرکتها در شهرستانها در ثبت شرکت نامه قائم مقام دفتر خانه های رسمی می باشند. ضمنا خلاصه ای از وضعیت شرکت در دفتر جداگانه ای که حاوی شماره ردیف ثبت شرکت و خلاصه مفاد شرکت نامه واساسنامه می باشد و در صفحه مربوط به همان شرکت ثبت می شود و متقاضی ثبت دفتر را با اصل تصدیق می نماید. به موجب ماده ۱۹۷ ق.ت. که می گوید (در ظرف ماه اول تشکیل شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد انتشار ثبت در ظف ماه اول تشکیل شرکت به انضمام خلاصه ای از شرکت نامه و پیوستهای آن متشر می گردد. به موجب ماده ۲۰۰ ق.ت. (درهر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال بواسطه انقضا مدت شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریق حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها ازشرکت یا تغییر اسم شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم الرعایه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ شود رعایت خواهد شد. به عبارت دیگر صورتجلسه تنظیمی در شرکت پس از امضا به اداره ثبت شرکتها تسلیم می شود تا به استناد ماده ۹ نظامنامه مذکور در موقع تغییر مدیر یا مدیران شرکت تشریفات ثبت و آگهی صورت پذیرد باید مراتب ثبت و منتشر گردد. ثبت شعبه شرکت شعبه شرکت اگر به هنگام تاسیس شرکت معین شده باشد با شرکت اصلی ثبت و آگهی می شود و چنانچه شعبه متعاقبا تاسیس گردد تغییرات در شرکت محسوب شده و طبق مقررات تغییر نسبت به ثبت و نشر آن اقدام می شود. ثبت شعبه شرکت در محل شعبه منتشر می شود . به عنوان مثال شرکت دوچرخه سازی (سهامی خاص) در تهران تشکیل شده و اگر قرار باشد شعبه ای از آن در اردبیل تشکیل گردد باید مراحل زیر رعایت شود: – تنظیم صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده و در صورتی که اختیار تاسیس شعبه در اساسنامه به هیئت مدیره داده شده باشد تنظیم صورتجلسه توسط هیئت مدیره. – تقدیم صورتجلسه مربوط به اداره ثبت شرکتها در مثال فوق تهران (مرکز اصلی شرکت) به انضمام یک نسخه اساسنامه موجود با آخرین اصلاحات. – بررسی صورتجلسه توسط کارشناس مربوط و در صورت عدم ایراد واریز هزینه ثبت شعبه تاسیس شده در دفاتر اداره ثبت تهران به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی منتشر می گردد. – ارسال یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده (یا هیئت مدیره در صورت داشتن اختیار با نضمام یک نسخه اساسنامه و آگهی ثبت مربوط به اردبیل (محل شعبه). – مراتب فوق در محل شعبه (اردبیل) به عنوان شعبه ثبت و شماره مستقلی در اردبیل به آن داده خواهد شد. – آگهی تاسیس شعبه توسط اداره ثبت شرکتهای اردبیل در روزنامه رسمی و روزنامه کثیر الانتشار . شایان ذکر است که هزینه ثبت تاسیس شعبه همان هزینه تاسیس شعبه در مرکز اصلی شرکت می باشد. شرکت فرعی گاهی شرکت اصلی مترصد می شود که شرکت دیگری را در درون شرکت مزبور ایجاد نماید و سرمایه آن متعلق به شرکای اصلی باشد ویا ممکن است اکثریت سرمایه متعلق به شرکت اصلی بوده و افراد دیگری نیز سرمایه گذاری نماید در کلیه این موارد تشریفات و مقررات ثبت همانند ثبت شرکت اصلی می باشد و فقط حق الثبت به میزان سرمایه اضافه شده به سرمایه اصلی پرداخت می گردد.

۳۳– موسسات غیرتجاری

۱– کلیات

موسسات غیرتجاری – کلیات در کنار شرکتها که به کار تجارت اشتغال دارند قانونگذار نهاد حقوقی خاصی را که دارای شخصیت حقوقی می باشد جهت انجام اموری که جنبه غیر تجارتی دارد از قبیل کارهای علمی یا ادبی یا امور خیریه یا خدماتی پیش بینی نموده است ماده یک آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجارتی موسسه غیر تجارتی را چنین تعریف نموده است :

مقصود از تشکیلات و موسسات غیر تجارتی مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و موسساتی است که برای مقاصد غیر تجارتی از قبیل امور علمی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می شود اعم از آنکه موسسین وتشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند . بنابراین ارائه خدمات علمی و آموزشی و خدمات شهری و ارائه کمک های انسانی در قالب شخصیت حقوقی متصور بوده و از این جهت موسسات غیر تجارتی به دوقسمت تقسیم می شوند: الف: موسساتی که مقصود از تشکیل آنها جلب منافع وتقسیم آن بین اعضای خودنباشد اینگونه موسسات اصطلاحا موسسات غیر انتفاعی نامیده می شود کلیه فعالیت های اجتماعی از قبیل انجمن های اسلامی و تخصصی و علمی خاص و احزاب و دستجات سیاسی و موسسین آن هنگامی که در خواست ثبت می نمایند توسط اداره ثبت شرکتها مراتب از اداره کل اطلاعات نیروی انتظامی استعلام می شود و پس از وصول پاسخ مثبت نسبت به ثبت اقدام می گردد. ب: موسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضای خود یا غیر باشد اینگونه موسسات موسسات غیر تجارتی نامیده می شوند بنابراین فعالیت هایی از قبیل آموزشگاههای علمی و فنی و کلاس های زبان ومدارس غیر انتفاعی و موسسات گاز رسانی یا ارائه خدمات شهری مانند نظافت و فضای سبز و موارد دیگر در زمینه های فوق در قالب موسسات غیرتجارتی متصور می باشد و موسسین باید پس از به ثبت رساندن موسسه نسبت به اخذ مجوز فعالیت اقدام نمایند.

۲- مدارک لازم برای ثبت موسسه غیر تجارتی

موسسات غیرتجاری - مدارک لازم برای ثبت موسسه غیر تجارتی ۱- اخذ دو نسخه تقاضا نامه ثبت موسسه از اداره ثبت شرکتها وتکمیل و امضا توسط شرکا (بر طبق نمونه پیوست) ۲- تنظیم اساسنامه حداقل در ۲ جلد و امضای ذیل تمام صفحات توسط کلیه شرکا یا اعضا ۳- تنظیم صورتجلسه مجمع موسسین حداقل در ۲ نسخه ۴- فتوکپی شناسنامه شرکا ۵- اخذ مجوز در رابطه با موضوع موسسه در صورت لزوم تذکر ۱- حداقل وجود دو نفر شریک در موسسه الزامی است. تذکر ۲- قید سرمایه به هر میزان در موسسه مجاز می باشد. تذکر ۳- امضای مدیر شعبه و فتوکپی شناسنامه و قید محل سکونت در صورتی که شرکت شعبه داشته باشد الزامی است. روش ومراحل ثبت موسسه ۱- کامل نمودن فرم تقاضانام ثبت موسسه و امضا توسط شرکا ۲- کامل نمودن فرم صورتجلسه موسسین و امضا توسط شرکا ۳- تظیم و امضای کلیه صفحات اساسنامه توسط شرکا ۴- چند نام انتخاب و به مسئول تعیین نام اداره ثبت شرکتها ارائه گردد (توجه شود نام انتخاب شده اولا باید با فرهنگ انقلاب اسلامی مطابقت داشته و ثانیا سابقه ثبت نداشته باشد ثالثا از نامهای خارجی نباشد) و مسئول مربوطه پس از بررسی گواهی لازم را با انتخاب یکی از اسامی پیشنهادی صادر می نماید. ۵- پس از تعیین انم به قسمت ارجاع اداره ثبت شرکتها مراجعه و ممیز مربوطه پس از برسی اولیه با توجه به موضوع فعالیت موسسه چنانچه نیاز به اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح داشته باشد عندالزوم به مرجع مربوطه جهت اخذ مجوز معرفی می شود. ۶- پس از وصول و ارائه مجوز لازم (در رابطه با موضوع موسسه) ممیز ثبت شرکتها بشرط عدم وجود نقص مدارک متقاضی را جهت پرداختن حق الثبت به حسابداری راهنمایی و مسئول حسابداری با توجه به سرمایه موسسه و تعیین مبلغ حق الثبت متقاضی را جهت پرداخت حق الثبت به بانک ملی ایران هدایت و پس از پرداخت وجه مذکور و ارائه فیش پرداختی به حسابداری حسابدار اقدام به ممهور نمودن تقاضانامه متقاضی می کند و ممیز مربوطه دستور ثبت را صادر و متقاضی به قسمت ثبت شرکتها مراجعه می نماید. ۷- در قسمت ثبت شرکتها پیش نویس آگهی تاسیس تهیه شده پس از امضای رئیس اداره ثبت شرکتها و تایپ آگهی مربوط متقاضی مجددا به قسمت ثبت شرکتها مراجعه و پس از احراز هویت توسط مسئول قسمت از متقاضی ذیل ثبت دفتر (اصالتا یا وکالتا) امضا اخذ مینماید و سپس یک نسخه از مدارک (اساسنامه صورتجلسه تقاضانامه) که ممهور به مهر اداره ثبت شرکتها می باشد به متقاضی تسلیم می گردد و متقاضی به دبیرخانه اداره مراجعه و پرونده را تحویل داده یک برگ آگهی تایپ شده را به

اداره کل دفتر روابط عمومی و امور بین المللی برده و پس از تعیین مبلغ جهت درج در روزنامه کثیرالانتشار به بانک مراجعه و همراه فیش پرداخت شده به دبیرخانه مراجعه می کند. پس از امضای نسخ تایپ شده توسط رئیس اداره ثبت شرکتها در این مرحله آگهی صادر و دو نسخه تایپی به متقاضی تحویل می گردد یک نسخه جهت درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی (واقع در خ بهشت ضلع جنوبی پارک شهر) و نسخه دیگر همراه فیش پرداختی به قسمت دایره آگهی ها جهت درج در روزنامه کثیرالانتشار داده می شود. در این مرحله کار ثبت موسسه پایان یافته است.

۳- اساسنامه موسسه غیر تجارتی

موسسات غیرتجاری - اساسنامه موسسه غیر تجارتی ماده ۱: نام ونوع موسسه: .... ماده ۲: موضوع موسسه : .... ماده ۳: مرکز اصلی موسسه: .... ماده ۴: سرمایه موسسه: ماده ۵: مدت موسسه: از تاریخ .... بمدت نامحدود ماده ۶: تابعیت موسسه : تابعیت ایرانی است . ماده ۷: هیچ یک از شرکا حق انتقال سهم الشرکه خود را بغیر ندارند مگر با رضایت و موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه موسسه که دارای اکثریت عددی نیز باشند و انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمی ماده ۸: مجمع عمومی عادی موسسه در ظرف مدت چهارماه اول هر سال پس از انقضای سال مالی موسسه تشکیل ولی ممکن است بنابه دعوت هریک از اعضای هیات مدیره یا شرکا بطور فوق العاده تشکیل گردد. ماده ۹: دعوت هر یک از جلسات مجامع عمومی توسط هر یک از اعضای هیات مدیره مدیرعامل یا شرکا بوسیله دعوتنامه کتبی یا درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار بعمل خواهد آمد فاصله دعوت از روز انتشار تا تشکیل جلسه ۱۲ روز خواهد بود . ماده ۱۰: در صورتی که کلیه شرکا در هریک از جلسات مجامع عمومی حضور یابند رعایت ماده ۸ اساسنامه ضرورت نخواهد داشت . ماده ۱۱: وظایف مجمع عمومی عادی بشرح زیر میباشد: الف - استماع گزارش هیات مدیره در امور مالی و ترازنامه سالیانه موسسه و تصویب آن ب- تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیات مدیره ج - تعیین خط مشی آینده موسسه و تصویب آن د - انتخاب هیات مدیره و در صورت لزوم بازرس ماده ۱۲: وظایف مجمع عمومی فوق العاده بقرار زیر است : الف: تغییر اساسنامه یا الحاق یا حذف یک یا چند مواد اساسنامه ب: افزایش یاتقلیل سرمایه موسسه ج : ورود شریک یا شرکا جدید موسسه ماده ۱۳: تصمیمات شرکا در مجمع عمومی فوق العاده با موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه که اکثریت عددی دارند و در مجمع عمومی عادی طبق دستور ماده ۱۰۶ قانون تجارت معتبر و لازم الاجرا خواهدبود. ماده ۱۴: هیات مدیره موسسه مرکب از .... نفر خواهد بود که در مجمع عمومی از بین شرکا و یا از خارج انتخاب می نماید. ماده ۱۵: هیات مدیره از بین خود یک نفر را به سمت رئیس هیات مدیره و یک نفر را به سمت مدیرعامل انتخاب و همچنین می تواند برای اعضای خود سمتهای دیگری تعیین نماید. ماده ۱۶: .... نماینده قانونی و تام الاختیار موسسه بوده و می تواند در کلیه امور مداخله و اقدام نماید مخصوصا در موارد زیر: امور اداری موسسه از هر قبیل انجام تشریفات قانونی حفظ و تنظیم فهرست دارایی موسسه و تنظیم بودجه و تعیین و پرداخت حقوق و انجام هزینه ها و رسیدگی به محاسبات پیشنهاد سود قابل تقسیم سالیانه تهیه آیین نامه های داخلی اجرای تصمیمات مجامع عمومی ادای دیون و وصول مطالبات تاسیس شعب واگذاری وقبول نمایندگی انتخاب و انتصاب و استخدام متخصصین و کارمندان و کارگران عقد هر گونه پیمان با شرکتها و بانکها و ادارات و اشخاص خرید وفروش و اجاره اموال منقول و غیر منقول و ماشین آلات و بطور کلی وسایل مورد نیاز و همچنین معاملات بنام و حساب موسسه مشارکت با سایر موسسات و شخصیتهای حقوقی و حقیقی استقراض یا رهن یا بدون رهن و تحصیل اعتبار و وام دادن و وام گرفتن از بانکها و اشخاص وموسسات و بازکردن حسابجاری و ثابت در بانکها دریافت وجه از حسابهای موسسه صدور ظهرنویسی و پرداخت بروات و اسناد وسفته ها و هزینه ها طرح مرافعات موسسه چه مدعی باشد و چه

مـدعی علیه در تمام مراحل با تمام اختیارات از جمله رجوع به دادگاههای صالحه بـدوی و تجدید نظر و دیوان کشور انتخاب وکیل و وکیـل در توکیـل دادن اختیارات لازمه به نامبرده و عزل آن قطع و فصل دعاوی با صـلح و سازش اختیارات فوق جنبه محـدودیت نداشـته و هر تصـمیمی را که هیـات مـدیره جهت پیشـرفت موسـسه اتخـاذ نمایـد معتبر می باشـد. مـاده ۱۷: جلسـات هیات مـدیره با حضوراکثریت اعضا رسمیت می یابد و تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرا معتبر است . ماده ۱۸: دارندگان حق امضا در موسسه : دارندگان حق اکضای اوراق واسـناد بهادار از قبیل چک سـفته برات اسناد تعهدآور و قراردادها را هیات مدیره تعیین می کند . ماده ۱۹: هر یک از اعضای هیات مـدیره می تواند تمام یا قسـمتی از اختیارات و همچنین حق امضای خود را به هریک از شـرکا برای هر مدت که صلاح بداند تفویض نماید و همچنین هیات مدیره می تواند تمام یاقسمتی از اختیارات خود را به مدیرعامل تفویض نماید. ماده ۲۰: سال مالی موسـسه از اول فروردین ماه هر سال شـروع و به اخر اسـفند ماه همان سال خاتمه می یابد به استثنای سال اول که ابتدای آن از تاریخ تاسیس موسسه است. ماده ۲۱: تقسیم سود: از درآمد موسسه در پایان هر سال مالی هزینه اداری حقوق کارکنان و مدیران استهلاکات مالیات سایر عوارض دولتی کسر و پس از وضع صدی ده بابت ذخیره قانونی بقیه که سود ویژه است به نسبت سهم الشـرکه بین شرکا تقسیم خواهد شد. ماده ۲۲ : فوت یا محجوریت هریک از شـرکا باعث انحلال موسـسه نخواهد شد و وراث شریک متوفی ویا ولی محجور می توانند به مشارکت خود ادامه دهند. در غیر این صورت بایستی سهم الشرکه خود را پس از انجام تشـریفات قـانونی دریافت ویا به شـریک دیگر منتقل و از موسـسه خارج شونـد. ماده ۲۳ : انحلال : موسـسه مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجـارت منحل خواهـد شـد در صورتی که مجمع شـرکا رای به انحلال موسـسه دهـد یک نفر از بین شـرکا و یا از خارج موسـسه به سمت مدیرتصـفیه تعیین خواهد شد وظایف مدیرتصفیه طبق قانون تجارت می باشد. ماده ۲۴: اختلافات حاصله بین شرکای موسسه از طریق حکمیت و داوری حل وفصل خواهـد شد. ماده ۲۵: در سایر موضوعاتی که در این اساسـنامه قید نشده است مطابق مقررات قـانون تجارت ایران عمل و رفتار خواهدشـد. ماده ۲۶: این اساسـنامه در ۲۶ ماده تنظیم و به امضای کلیه موسسـین موسـسه به اسامی ذیل رسید و تمام مشخصات امضا شد.

۳۴- موسسات غیر تجاری ثبت شرکتهای خارجی و داخلی و شعب

موسـسات غیر تجـاری ثبت شـرکتهای خارجی و داخلی و شـعب - موسـسات غیر تجاری الف - تعریف وثبت موسـسات تشـکیل و موسـسات غیر تجاری موسساتی هستند که جهت مقاصد غیر تجاری مثل امور علمی ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می شوند و تشـکیل دهنـدگان آنها ممکن است قصد انتفاع داشـته و یا نداشـته باشـند. تشـکیل مزبور از تاریخ ثبت شخصـیت حقوقی پیدا می کنند و می تواند عناوینی از قبیل انجمن بنگاه کانون و امثال آن را اتخاذ نمایند. موسسات غیر تجاری به دو قسمت تقسیم می شوند: ۱- موسـساتی که هدفشان جلب منافع و تقسیـم آن بین اعضا خود نباشد. ۲- موسـساتی که هدفشان جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضا خود یا غیر باشد مانند کانون های فنی و حقوقی و غیره. حداقل شرکا در موسسات فوق نباید کمتر از دو نفر باشد و قیـد سـرمایه بـه هرمیزان مجـاز اسـت . موسـسات غیر تجـاری هماننـد موسـسات تجـاری بایـد در تهران دراداره ثبـت شـرکتها و در شهرسـتانها دردایره ثبت شـرکتهای اداره ثبت مرکز اصـلی موسسه به ثبت برسند و جهت آن کلیه اقدامات تاسیس شرکتها به همراه رعایت مواد آئین نامه اصـلاحی ثبت تشـکیل و موسـسات غیر تجاری که در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسـیده است ضروری می باشد. جهت ثبت تشـکیلات غیر تجـاری تسـلیم اظهارنامه (فرم چاپی تقاضانامه ثبت موسـسه به همراه ضـمائم لازم در دو نسـخه که دارای تاریـخ وامضـا بوده الزامی است ضـمائم آن شامـل نسـخه اصـلی یـا رونوشت وکالتنـامه (در صورت تقاضـا توسط وکیل) رونوشت. گواهی شده تصدیق کشوری که موسـسه در آنجا به ثبت رسـیده به همراه ترجمه مصدق فارسـی آن دو نسخه اساسنامه و امضا تمام صفحـات آن توسـط شـرکا صورت مجلس مجمع عمومی موسـس مبنی بر انتخـاب هیئت مـدیره و معرفی صاحبـان امضا (دونسـخه)

رسید پرداخت حق الثبت و فتوکپی شناسنامه شرکا می باشد. در صورت غیر انتفاعی بودن موسسه اجازه نامه نیروی انتظامی محل جهت ثبت ضروری می باشد و در صورت انتفاعی بودن آن موضوع موسسه با مدارک تحصیلی و تخصص موسسین تطبیق داده شده سپس دستور ثبت صادر می گردد. اساسنامه موسسات غیر تجاری می تواند مانند اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود باشد و در آن مواردی مانند موضوع موسسه ارگان اداره کننده (هیئت مدیره) وارگان تصمیم گیرنده (مجامع عمومی) و اختیارات آنها و غیره آورده شود. موسسه مزبور دارای مجمع عمومی عادی و فوق العاده نیز می باشد که هر کدام دارای وظایفی هستند. هیئت مدیره موسسه می تواند در مجمع عمومی عادی از بین شرکا یا خارج از آن انتخاب گردد و مدیران می توانند برای مدت محدود یا نامحدود معین شوند و دارای اختیارات تام نیز می باشند مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری را مقرر داشته باشد. جلسات هیئت با حضور اکثریت اعضا موسسه رسمیت پیدا نموده و تصمیمات هیئت مدیره با اکثریت آرا مناط اعتبار خواهد بود. در صورتی که تقاضای ثبت مورد قبول واقع شود مراتب دردفتر مخصوصی ثبت و ورقه ای حاکی از تصدیق ثبت به تقاضا کننده داده می شود علاوه بر آن خلاصه مراتب در روزنامه رسمی یا یکی از روزنامه های کثیر الانتشار با هزینه متقاضی منتشر می گردد. ب - انحلال وتصفیه انحلال موسسات غیر تجاری می تواند اختیاری و با تصمیم مجمع عمومی فوق العاده و یا به موجب حکم دادگاه باشد . چنانچه انحلال اختیاری صورت گرفته باشد تصفیه آن مطابق مقررات مندرج در اساسنامه توسط مدیر یا مدیران آن انجام می گیرد ودر صورتی که متصدی امر تصفیه وچگونگی انجام آن معین نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده به هنگام انحلال یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه با تعیین حدود اختیارات آن معرفی می نماید. اگر انحلال به موجب حکم دادگاه باشد امر تصفیه به عهده متصدی تصفیه مقرر در اساسنامه خواهد بود و چنانچه متصدی مشخص نشده باشد دادگاه ضمن حکم انحلال یک نفر را جهت تصفیه معین می نماید و مطابق قانون تجارت امر تصفیه صورت خواهد گرفت.

۳۵- شرکتهای خارجی وثبت آن در ایران

۱- روش ثبت شعبه شرکت خارجی

شرکتهای خارجی وثبت آن در ایران - روش ثبت شعبه شرکت خارجی اگر شرکت خارجی ثبت شده درایران تقاضای تاسیس شعبه رانیز داشته باشد باید اظهارنامه ثبت به فارسی سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران و سواد مصدق از اختیارنامه نماینده که مدیر شعبه است را تقدیم نماید (ماده ۸ اظهارنامه). تبصره - ممکن است تقاضای ثبت شعبه درضمن تقاضای ثبت خود شرکت به عمل آید دراین صورت تقدیم سواد مصدق سند ثبت خود شرکت لازم نخواهد بود.

۲- ثبت تغییرات در شرکتهای خارجی

شرکتهای خارجی وثبت آن در ایران - ثبت تغییرات در شرکتهای خارجی تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران یا شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتبا اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است. مگر اینکه شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت برساند.(ماده ۷ قانون ثبت شرکتها). قانون ثبت شرکتها در خصوص ورشتکستگی انحلال و تصفیه شرکتهای خارجی مورد را به سکوت برگزار نموده است. به طور مسلم هنگامی که شرکت در کشور اصلی خود ورشکسته و یا منحل می گردد شعبه آن نیز در ایران منحل می گردد وانحلال و ورشکستگی آنها تابع مقررات اصلی خود شرکت می باشد.

۳- روش ثبت شرکتهای خارجی

شرکتهای خارجی وثبت آن در ایران – روش ثبت شرکتهای خارجی مطابق ماده ۳ قانون ثبت شرکتها فعالیت شرکتهای خارجی درایران منوط به قانونی بودن آنها در کشور اصلی خود و ثبت در اداره ثبت اسناد تهران است. منوط به قانونی بودن آنها درکشور اصلی خود وثبت در اداره ثبت اسناد تهران است. بنابراین نخست اداره ثبت اسناد تهران با بررسی مدارک لازم از قبیل گواهی اداره ثبت محل و یا گواهی دفتر ثبت تجارتی قانونی بودن شرکت را در کشور اصلی خود احراز می نماید (هر چند که در خصوص ملاحظه اسناد قانون ثبت شرکتها تصریحی ندارد). جهت ثبت شرکتهای خارجی ارائه مدارک زیر به اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی الزایم است: ۱- اظهارنامه ثبت. ۲- یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت. ۳- یک نسخه مصدق از اختیارنامه عمده شرکت درایران و در صورتی که شرکت چند نماینده مستقل درایران داشته باشد یک نسخه مصدق از اختیارنامه هر یک از آنها. ۴- داشتن مجوز (قرارداد قانونی) با یکی از وزارتخانه ها یا سازمان های دولتی و یا چنانچه شرکت خارجی باشد شرایط عملیات آن باید به موجب امتیازات صحیح و منظمی مقرر گردیده باشد. اظهارنامه ثبت شرکتها باید به فارسی نوشته شود وحاوی نام کامل شرکت نوع شرکت از قبیل سهامی تضامنی و مختلط وغیره مرکز اصلی شرکت و در آدرس صحیح آن تابعیت شرکت مقدار سرمایه شرکت در تاریخ تقاض و سایر موارد مندرج در ماده ۶ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب سال ۱۳۱۰ باشد. اساسنامه شرکت واختیارنامه نماینده وعمده آن در ایران و سایر نمایندگان و نیز آخرین بیلان شرکت باید در مرکزی اصلی شرکت توسط شخص یا اشخاصی که حق امضای از طرف شرکت دارند تصدیق گردد وامضا آنها نیز به تصدیق مقامات صلاحیتدار کشوری که امضا در انجا واقع شده و یا نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشور مزبور و یا نماینده سیاسی یا کنسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد. اداره ثبت شرکتها علاوه بر مدارک فوق (اظهارنامه و ضمائم آن) صورت جلسه مجمع عمومی موسسین وهیئت مدیره چنانچه شرکت از نوع سهامی خاص باشد رسید بانکی سرمایه مبنی بر پرداخت حداقل ۳۵٪ از سرمایه را از ذینفع مطالبه می نماید بعداز طی مراحل فوق مطابق ماده ۲۰ نظامنامه (در ظرف یک ماده از تاریخ ثبت هرشرکت خارجی یا شعبه آن دایره ثبت شرکتها باید مراتب ذیل را به خرج خود شرکت در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از روزنامه های یومیه تهران منتشر نماید: ۱- خلاصه اساسنامه شرکت ۲- اسم نماینده عمده شرکت درایران و اگر شرکت در ایران چند نفر نماینده مستقل داشته باشد اسم همه آنها. ۳- اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضا دارند. ۴- اسم شخص یا اشخاص مقیم در ایران که برای دریافت کلیه ابلاغیه های مربوط به شرکت صلاحیت دارند. پس از ثبت شرکت باید از طرف اداره ثبت به تقاضا کنند ه تصدیقی ارائه گردد.

۴- مقررات جزائی

شرکتهای خارجی وثبت آن در ایران – مقررات جزائی اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شرکتهای خارجی در ایران اقدام به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضا موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدائی تهران محکوم به تاخیر پس از صدور حکم متخلف را به تادیه پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هر گاه حکم قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود. ماده ۵ قانون ثبت شرکتها. اگر نماینده یا مدیر شعبه هر شرکت خارجی قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت درایران اقدام به عملیات تجارتی یا صنعتی یا مالی نماید محکوم به جزای نقدی خواهد شد. بنابراین تنها توجه و تقاضای مدعی العموم (دادستان) تهران موجب اعمال مجازات مقرر نسبت به تخلف عدم ثبت شرکت خارجی می باشد.

۳۶- راهنمای ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی

۱- قانون اجازه ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی

راهنمای ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی - قانون اجازه ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی ۱- قانون اجازه ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی (مصوب ۲۱/۸/۱۳۷۶مجلس شورای اسلامی) ماده واحده - شرکتهای خارجی که درکشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می شوند مشروط به عمل متقابل ازسوی کشور متبوع می توانند درزمینه هائی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می شود درچهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یانمایندگی خود اقدام نمایند. تبصره - آئین نامه اجرائی این قانون بنابه پیشنهاد وزارت اموراقتصادی و دارائی با هماهنگی سایر مراجع ذیربط به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ۲- تاریخچه مختصر ثبت شرکتها و ثبت شعب شرکتهای خارجی ثبت شرکتهای خارجی یا شعب آنها در دو مقطع به طور مختصر تشریح می گردد. الف: قبل از انقلاب اسلامی ثبت شرکتهای خارجی و شعب یا نمایندگی آنها در قبل ازا نقلاب اسلامی بر اساس ماده ۳ قانون راجع به ثبت شرکتها مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۱۱ شمسی با اصلاحات بعدی و رعایت مواد ۴و۵و۶و۷و۸و۹ همان قانون و همچنین مواد ۱ تا ۲۴ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی صورت می گرفت. منعی برای ثبت شرکتهای خارجی وجود نداشت و همچنین تفکیکی برای ثبت شرکت خارجی یا ثبت شعبه شرکت خارجی و یا ثبت نمایندگی شرکت خارجی به طور خاص نبود. ب: بعد از انقلاب اسلامی ثبت شرکتهای خارجی و شعب و نمایندگی آنها بعد از انقلاب اسلامی بر خلاف اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که می گوید دادن امتیاز تشکیل شرکتها وموسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقا ممنوع است تشخیص داده شد به همین جهت نخست وزیر وقت شهید رجائی طی نامه شماره ۸۳۲۴۰ مورخ ۱۳۶۰/۱/۸ مراتب را از شورای نگهبان قانون اساسی سوال نمودند و شواری نگهبان قانون اساسی در نظریه مورخ ۱۳۶۰/۲/۲ خود اعلام داشت (شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده اند می توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقده طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل قانون اساسی مغایرتی ندارد. بعد از وصول نظریه شورای نگهبان قانون اساسی شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران وزارتخانه ها و ادارات و شرکتهای دولتی دارای قرارداد بودند با رعایت نظر شورای نگهبان در خصوص اصل ۸۱ قانون اساسی و ارائه معرفی نامه دستگاه ذیربط و قرارداد و مدارک ثبت شرکت ثبت می شدند. با توجه به وضعیت اقتصادی در جهان و اشتیاق شرکتهای خارجی به حضور در جمهوری اسلامی ایران دولت لایحه اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی را تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود و النهایه قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی رسید. ۳- چه شرکتهائی مجاز به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران هستند؟ آئین نامه اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی تحت شماره ۹۳۰-۷۸ / م / ت ۱۹۷۷۶ ه مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۳به تصویب هیات وزیران رسید بر اساس ماده یک آئین نامه شرکتهایی که در کشور متبوع خود تشکیل شده و دارای شخصیت حقوقی ثبت شده هستند می توانند برای فعالیت در ایران در زمینه هایی که ذکر خواهد شد براساس قوانین و مقررات مربوطه اقدام به ثبت شعبه یا نمایندگی خود نمایند ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی در ایران مشروط به عمل متقابل کشور متبوع شرکت خارجی می باشد یعنی اگر در کشور متبوع شرکت خارجی شعب یا نمایندگیهای شرکت های ایرانی به ثبت برسند آن شرکتها نیز می توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خود در ایران اقدام نمایند. ۴- زمینه های فعالیت برای شرکتهای خارجی ۱- ارائه خدمات بعداز فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی در صورتی که شرکتهای خارجی اقدام به فروش کالا یا خدمات به اشخاص ایرانی بنمایند برای ارائه خدمات بعد از فروش می توانند تقاضای

ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی را بنمایند. ۲- انجام عملیات اجرائی قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی وشرکت خارجی منعقد می شود. در خصوص شروع عملیات اجرایی و انجام موضوع قراردادهای منعقده بین اشخاص ایرانی (اشخاص حقیقی اشخاص حقوقی اعم از خصوصی و دولتی) و شرکتهای خارجی طرف خارجی می تواند تقاضای ثبت شعبه یا نمایندگی خود را نماید. ۳- بررسی و زمینه سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران مقدمتا باید گفت شرکتهای خارجی که قصد سرمایه گذاری در ایران را دارند به دو نحو زیر می توانند اقدام نمایند: الف: در چهارچوب مقررات قانون مربوط به جلب و حمایت سرمایه های خارجی مصوب آذرماه ۱۳۳۴ از طریق مراجعه به سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران و تسلیم مدارک و اخذ مصوبه هیات وزیران جهت سرمایه گذاری . ب: مشارکت مستقیم با اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی از طریق ایجاد شرکتهای تجاری یا سهیم شدن در شرکتهای تجاری موجود در ارتباط با بررسی و زمینه سازی برای اقدام در زمینه دو مورد فوق شرکتهای خارجی می توانند اقدام به تاسیس شعبه یا نمایندگی نمایند. ۴- همکاری با شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث در مواردی که شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی برای انجام امور صنعتی فنی عمرانی و غیره در کشورهای ثالث انتخاب شده و جهت انجام مور مربوطه با یک یا چند شرکت خارجی قرارداد مشارکت منعقد نموده باشند شرکتهای خارجی طرف قرارداد با ارائه مدارک لازم می توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند همچنین شرکتهای فنی و مهندسی خارجی که برای انجام پروژه هایی در کشور ثالث انتخاب شده اند و جهت انجام اینگونه پروژه ها با شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی طی قرارداد مشارکت داشته باشند می توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند. ۵- افزایش صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران و انتقال دانش فنی و فن آوری شرکتهای خارجی که در پیشبرد صادرات محصولات غیر نفتی از قبیل تولیدات صنعتی و کشاورزی و صنایع دستی و .... فعالیت داشته باشند. شرکتهای خارجی که دانش فنی ساخت محصولات را به اشخاص ایرانی منتقل می نمایند و شرکتهای خارجی که فن آوری محصولات صنعتی را در اختیار داشته و در ارتباط با ایجاد تاسیسات و کارخانه ها و کارگاههای مختلف جهت تولید انواع محصولات اقدام به انتقال فن آوری به اشخاص ایرانی می نمایند می توانند نسبت به ثبت شعبه و نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند. ۶- انجام فعالیت هایی که مجوز آن توسط دستگاههای دولتی که بطور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند صادر می گردد از قبیل ارائه خدمات در زمینه های حمل و نقل بیمه و بازرسی کالا بانکی بازاریابی و غیره شرکتهای خارجی که در ارتباط با ارائه خدمات در زمینه های مختلف بایکی از دستگاه های دولتی ایران دارای قرارداد باشند ویا برای ارائه خدمات در زمینه های مذکور محتاج به اخذ مجوز از دستگاههای دولتی خاصی باشد که قانونا مجاز به صدور مجوز فعالیت باشند می توانند نسبت به ثبت شعبه و نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند ارائه خدمات در زمینه های حمل و نقل اعم از دریایی هوایی زمین با اخذ مجوز از سازمان های ذیربط مانند سازمان حمل و نقل پایانه های کشور میسر است و همچنین فعالیت در زمینه های بانکی با اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز می باشد و همینطور سایر دستگاههای مسئول می توانند در زمینه های یادشده مجوز فعالیت صادر نمایند. ۵- شعبه شرکت خارجی بر اساس ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی شعبه شرکت خارجی واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیما به وسیله نماینده یا نمایندگان خود موضوع و وظایف شرکت اصلی را درمحل انجام می دهند. ۶- مسئولیت شرکت خارجی فعالیت شعبه در ایران تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود بنابراین کلیه وظایف و مسئولیت های قانونی را شرکت اصلی دارد و در صورت لزوم پاسخگو خواهد بود. ۷- اسناد و مدارک مورد لزوم برای ثبت شعبه شرکت خارجی شرکت های خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران بایستی اسناد و مدارک زیر را تهیه و به اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی ارائه نمایند: ۱- درخواست کتبی شرکت ۲- تصویر مصدق اساسنامه شرکت آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذیربط ۳- آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت ۴- گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت های شرکت گزارش

توجیهی مشتمل بر: الف: اطلاعات مربوط به فعالیت های شرکت ب: تبیین دلائل و ضرورت ثبت شعبه در ایران ج : تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه د: برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز ه: نحوه تامین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شعبه ۵- ارائه معرفی نامه از دستگاه دولتی در صورتی که دارای قرارداد با آن دستگاه باشند. ۶- اظهارنامه ثبت شعبه شرکت خارجی ۷- تصدیق ثبت شرکت خارجی ۸- اختیارنامه نماینده یا نمایندگان شرکت خارجی ۹- ارائه تعهد نامه دایر بر اینکه چنانچه مجوز فعالیت آنها از سوی مراجع ذی صلاح لغو شود در ظرف مدت معینی که توسط اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی ابلاغ می شود نسبت به انحلال شعبه و معرفی مدیر تصفیه اقدام نمایند. ۱۰- کلیه اسناد شرکت که در کشور خارجی تهیه می گردد پس از تایید مرجع ذیربط و تایید وزارت خارجه آن کشور بایستی به تایید سفارت یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برسد و پس از ترجمه رسمی به فارسی و تایید اداره فنی دادگستری اصل و ترجمه ان به اداره ثبت شرکتها ارائه گردد. ۸- نماینده یا نمایندگی شرکت خارجی نماینده شرکت خارجی شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس قرارداد نمایندگی انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را درمحل برعهد گرفته است. ۹- مسئولیت نماینده یا نمایندگی شرکت خارجی نماینده یا نمایندگی شرکت خارجی نسبت به فعالیتهایی که تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می پذیرد مسئولیت خواهد داشت. ۱۰- اداره امور نمایندگی اداره امور نمایندگی ثبت شده طبق آئین نامه اجرای قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد. ۱۱- اسناد ومدارک مورد لزوم برای ثبت نمایندگی شرکت خارجی الف: در صورتیکه شخص حقیقی نماینده شرکت خارجی باشد بایستی ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به اداره ثبت شرکتها ارائه نماید. ۱- تصویر مصدق قرارداد نمایندگی با شرکت خارجی ۲- تصویر شناسنامه ۳- آدرس محل سکونت نماینده و محل نمایندگی ۴- ارائه سابقه فعالیت شخص متقاضی ثبت نمایندگی در زمینه امور پیش بینی شد در قرارداد نمایندگی ۵- تصویر مصدق اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذیربط ۶- گزارش فعالیتهای شرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی ۷- آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی ۸- ارائه معرفی نامه وزارتخانه ذیربط در صورتی که قرارداد با دستگاه مربوطه منعقد شده باشد ۹- اظهارنامه ثبت شعبه شرکت خارجی ۱۰- تصدیق ثبت شرکت خارجی ۱۱- اختیارنامه نماینده یا نمایندگان عمده شرکت خارجی ۱۲- کلیه اسناد شرکت که در کشور خارجی تهیه می گردد پس از تایید مرجع ذیربط نظیر مرجع ثبت شرکتها و تایید وزارت خارجه آن کشور بایستی به تایید سفارت یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برسد و پس از ترجمه رسمی به فارسی و تایید اداره فنی دادگستری اصل و ترجمه آن به اداره ثبت شرکتها ارائه گردد . ب: در صورتیکه شخص حقوقی نماینده شرکت خارجی باشد بایستی ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به اداره ثبت شرکتها ارائه نماید. ۱- تصویر مصدق قرارداد نمایندگی با شرکت خارجی ۲- تصویر مصدق اساسنامه شرکت متقاضی ثبت نمایندگی ۳- روزنامه رسمی حاوی آگهی تاسیس شرکت ۴- روزنامه رسمی حاوی آگهی آخرین تغییرات ثبت شده خصوصا در مورد مدیران ۵- ارائه سابقه فعالیت شخص حقوقی متقاضی ثبت نمایندگی در زمینه امور پیش بینی شده در قرارداد نمایندگی ۶- اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذی ربط ۷- گزارش فعالیت های شرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی ۸- آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی ۹- ارائه معرفی نامه وزارتخانه ذیربط در صورتی که قرارداد با دستگاه مربوطه منعقد شده باشد. ۱۰- اظهارنامه ثبت نمایندگی شرکت خارجی ۱۱- تصدیق ثبت شرکت خارجی ۱۲- کلیه اسناد شرکت که در کشور خارجی تهیه می گردد پس از تایید مرجع ذیربط و تایید وزارت خارجه آن کشور بایستی به تایید سفارت یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برسد و پس از ترجمه رسمی به فارسی و تایید اداره فنی دادگستری اصل و ترجمه آن به اداره ثبت شرکتها ارائه گردد.

۱۲- گزارش فعالیت نمایندگی نماینده یا نمایندگی شرکت خارجی بر اساس ماده ۸ آئین نامه اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی موظفند گزارش فعالیت نمایندگی در ایران را همراه با صورتهای مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت چهارماه پس از پایان سال مالی به دستگاههای ذیربط ارسال دارند. تذکر: حسابرسی مذکور تا زمانی که آئین نامه اجرائی تبصره ۴ ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲ اعلام نشده است باید توسط سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی مورد قبول دستگاه ذی ربط که شرکای آن افراد حقیقی تایید شده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند انجام گیرد. ۱۳- وظایف و مسئولیت های شعبه شرکت خارجی ۱- انحلال شعبه شرکت در صورت لغو مجوز فعالیت از سوی مرجع ذی صلاح ۲- ارائه گزارش سالانه شرکت اصلی مشتمل بر گزارش های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع به دستگاه ذیربط ۳- ارائه گزارش فعالیت شعبه یا نمایندگی در ایران همراه با صورتهای مالی حسابرسی شده ظرف ۴ ماه پس از پایان سال مالی به دستگاه ذیربط برابر ماده ۸ آئین نامه ۴- اداره امور شعبه یا نمایندگی توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران بسمه تعالی تعهدنامه اینجانب .... نماینده تام الاختیار شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی .... بر اساس تبصره و ماده ۶ آئین نام اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات محترم وزیران تعهد می نمایم در صورتیکه مجوز فعالیت شعبه یا نمایندگی شرکت از سوی مراجع ذی صلاح لغو شود در مهلتی که توسط اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی اعلام می گردد نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی شرکت و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایم ودر صورتیکه در ظرف مهلت اعلامی نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی اقدام ننمایم اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی مجاز است که راسا نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی اقدام لازم را مبذول نماید. نام و امضائ نماینده تام الاختیار

۲- روش و مراحل ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی

راهنمای ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی - روش و مراحل ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی ۱- نماینده یا وکیل قانونی شرکت خارجی برای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی پس از تهیه مدارک مذکور در بندهای ۷و ۱۱و۱۵و۱۶ این راهنما بنحو ذیل اقدام نماید . ۲- به قسمت حسابداری اداره ثبت شرکتها مراجعه و قبض پرداخت هزینه تعیین نام را اخذ وبه بانک ملی مستقر در ساختمان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا یکی از شعب بانک ملی فیاض بخش حافظ ثبت کل مراجعه و وجه مربوطه را واریز و سپس به قسمت حسابداری مراجعه تا مسئول مربوطه نسبت به ممهر نمودن اظهارنامه اقدام نماید. ۳- با در دست داشتن اسناد ومدارک به واحد تعیین نام اداره ثبت شرکتها مراجعه و نام شرکت خارجی توسط مسئول تعیین نام در روی اظهارنامه درج گردد و سپس موافقت مسئول اداره ثبت شرکتها در رابطه با نام اخذ گردد. تذکر : توجه شود که نام اخذ شده عین نام کامل شرکت خارجی با قید شعبه یا نمایندگی باشد و از ترجمه نام یا اختصار آن اکیدا خودداری گردد. ۴- مدارک به قسمت پذیرش اداره ثبت شرکتها تحویل و رسیدی که در آن تاریخ مراجعه مشخص شده اخذ شود. ۵- در تاریخ تعیین شده به قسمت اعلام نتیجه مراجعه با ارائه اصل رسید نسبت به دریافت مدارک اقدام گردد . الف: ۱- در صورتی که کارشناس ایراد و نقصی در مدارک تحویل مشاهده ننموده نسبت به تهیه پیش نویس آگهی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی اقدام و پس از امضائ مسئول اداره ثبت شرکتها تحریر می گردد. ۲- متقاضی با مراجعه به بانکهای نامبرده در فوق نسبت به پرداخت حق الثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی و پرداخت حق الدرج در روزنامه کثیرالانتشار پس از اخذ قبض از واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها اقدام می کند. ۳- قبض های پرداختی حق الثبت به بانک به حسابداری اداره ثبت شرکتها ارائه و مسئول حسابداری نسبت به درج مبلغ پرداختی در روی اظهارنامه و ممهور نمودن آن اقدام می نماید. ۴- به قسمت ثبت تاسیس و تغییرات مراجعه تا مراتب ثبت با

سند برابر است از نماینده یا وکیل قانونی امضا اخذشود و شماره ثبت نمایندگی یا شعبه شرکت خارجی تعیین می گردد. ۵- پس از ثبت در دفاتر مسئول اداره ثبت شرکتها نسبت به امضا آگهی ثبت اقدام و سپس در دفتر اندیکاتور ثبت می شود. ۶- یک نسخه از آگهی تاسیس شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی به واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها جهت درج در روزنامه کثیر الانتشار تحویل و رسید اخذ می شود . ۷- نسخه اصلی آگهی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی تحویل دفتر شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران واقع در پارک شهر خ بهشت ساختمان دادگستری جهت درج در روزنامه رسمی گردد پس از تعیین حق الدرج و صدور قبض بانکی وجه مربوطه به بانک مستقر در ساختمان مذکور پرداخت و قبض مربوطه و آگهی تحویل دفتر شود مسئول مربوطه ضمن تحویل برگ رسید تاریخ مراجعه و وصول نسخ روزنامه رسمی حاوی درج آگهی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی را معین می کند. ب: ۱- در صورت نقص در مدارک یا وجود ایراد کارشناس مراتب را کتبا اعلام می نماید. ۲- پس از رفع نقص یا ایراد مدارک به قسمت پذیرش اداره ثبت شرکتها تحویل تا بنحو فوق مورد بررسی وآگهی قرار گیرد.

۳- روش و مراحل ثبت شرکت (مشارکت ایرانی و خارجی)

راهنمای ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی - روش و مراحل ثبت شرکت (مشارکت ایرانی و خارجی) چنانچه شریک خارجی شخص یا اشخاص باشد حداکثر میزان سهم ایشان ۴۹٪ می باشد و این مطلب بعد از تصویب لایحه قانونگذاری به لحاظ مطالب به وجود آمده در کشور اسرائیل و فلسطین به وجود آمده است بنابراین خارجیان می توانند برای ثبت شرکت در ایران اقدام نموده ولی میزان سهم ایشان می تواند حداکثر ۴۹٪ سهام باشد. برای ثبت شرکت خارجی با شخص یا شرکت ایرانی مدارک لازم به شرح زیر می باشد: ۱- ترجمه و کپی از تمامی صفحات پاسپورت فرد خارجی به گونه که نامبرده دارای مهر ویزای ایران باشد. ۲- امضای فرد خارجی در ذیل اوراق ثبت شرکتهای ایران ۳- تعیین میزان سرمایه شرکت به گونه ای که کمتر از ده هزار دلار امریکا نباشد. چنانچه شریک خارجی شرکت باشد بازهم حداکثر میزان سهم ایشان ۴۹٪ می باشد مگر اینکه اداره سرمایه گذاری اتباع خارجی با داشتن میزان سهام بیش از ۴۹٪ موافقت کند که لازمه این موافقت پس از ثبت شرکت ایرانی به میزان ۴۹٪ خارجی و ۵۱٪ ایرانی قابل بررسی و اجرا می باشد. مدارک لازم برای ثبت شرکت به گونه ای که شریک خارجی شرکت باشد به شرح زیر میباشد: ۱- ترجمه و اصل اساسنامه شرکت خارجی ۲- ترجمه و اصل سوگند نامه شرکت خارجی ۳- ترجمه و اصل اظهارنامه ثبت شرکت خارجی ۴- ترجمه گواهی ثبت شرکت خارجی در کشور متبوع ۵- ترجمه و اصل موافقت نامه فی مابین شرکت ایرانی و خارجی مبنی بر ایجاد و ثبت شرکت جدید در ایران ۶- دو نامه معرفی نامه ترجمه و اصل ۷- معرفی فقط یک نماینده جهت عضویت در هیات مدیره در شرکت شرف تاسیس و حضور در مجامع و جلسات هیات مدیره آن شایان ذکر است هر شرکت می تواند فقط یک نماینده جهت شرکت در شرف تاسیس معرفی نماید ۸- ترجمه و اصل اختیار و وکالت با حق توکیل به غیر توسط شرکت خارجی به نماینده شرکت بطوریکه در تمامی موارد نماینده اختیار تام داشته باشد ۹- سرمایه شرکت ایرانی می بایست مطابق با ۵۱٪ سرمایه شرکت خارجی باشد و سرمایه شرکت در شرف تاسیس متشکل از مجموع سرمایه دو شرکت ایرانی و خارجی می باشد. ۱۰- امضائ نماینده و مهر شرکت خارجی در ذیل اوراق ثبت شرکت در شرف تاسیس که از طرف شرکت سمائ در اختیار شما گذاشته می شود. ۱۱- اساسنامه ها متشکل از دو قسمت خارجی و ایرانی می باشد که در ذیل قسمت لاتین نماینده شرکت خارجی و در ذیل اوراق قسمت فارسی شرکا ایرانی امضا می نمایند. چنانچه دوشرکت ایرانی و خارجی قصد مشارکت و جوینت ونچر داشته باشند تمامی مراحل ان مانند یازده مورد فوق می باشد با این فرق که اوراق ایرانی نیازی به ترجمه ندارد و بعد از ثبت مراحل در واحد دارائی قمست اتباع خارجه دارد که در صورت نیاز به استفاده از تسهیلات مشارکت مطالب را با شرکت

سما در میان بگذارید. نمونه معرفی نامه اول : احتراما آقای .... فرزند .... به نمایندگی این شرکت جهت حضور در مجامع و جلسات هیات مدیره در شرکت در شرف تاسیس .... به حضور معرفی می گردد. مهر و امضا شرکت خارجی معرفی نامه دوم : اداره محترم ثبت شرکتها احتراما این شرکت ضمن موافقت خود جهت تاسیس شرکت در شرف تاسیس در ایران آقای .... فرزند .... را به نمایندگی خود با حق توکیل به غیر جهت عضویت در هیات مدیره شرکت در شرف تاسیس .... به حضور معرفی می نماید ضمنا نامبرده در کلیه موارد ثبت از این شرکت وکالت تام با حق توکیل به غیر را دارد. نمونه امضا نماینده شرکت نمونه امضا شرکت خارجی هر دونامه فوق به لاتین و با ترجمه فارسی ضمیمه باشد. تمامی ترجمه ها باید به تایید سفارت ایران در کشور متبوع برسد.

۴- شرکت های تضامنی ونسبی

راهنمای ثبت شعبه یانمایندگی شرکتهای خارجی - شرکت های تضامنی ونسبی نظر به اینکه شرکت نسبی از نظر نحوه تاسیس و طرز کار و انحلال با توجه به مواد ۱۸۵ تا ۱۸۹ ق.ت. همانند شرکت تضامنی است (مواد ۱۱۸ تا ۱۲۳ و ۱۲۶ جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه آنها از کل بدهی می باشد و مواد ۱۲۷ تا ۱۲۶جزمسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه آنها از کل بدهی می باشد و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶) و تنها وجه افتراق این دو شرکت در میزان مسئولیت مدنی شرکا بعد از انحلال در مقابل طلب طلبکاران می باشد لذا شرکت تضامنی را مورد مطالعه قرار می دهیم. شرکت تضامنی مطابق ماده ۱۱۶ ق.ت.(شرکتی است که تحت اسم مخصوص برای امور تجارتی بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود. اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). بنابراین مطابق ماده فوق الذکر شرکت تضامنی تحت عنوان اسم خاص و برای امور تجارتی تشکیل می شود و حداقل دو نفر باید در آن عضویت داشته باشند. این شرکت یکی از قدیمی ترین نوع شرکت ها می باشد و به علت مسئولیت نامحدود شرکا در براب اشخاص ثالث بسیار مورد اقبال اشخاص ثالث است و به همین علت هم افراد تمایل کمتری به تشکیل این نوع شرکت از خود نشان می دهند. این شرکت درایران و فراسنه دارای شخصیت حقوقی است در حالی که در کشورهای آنگلوساکسون فاقد شخصیت حقوقی می باشد. مطابق ماده ۱۱۷ ق.ت. : (در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر از شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عباراتی از قبیل (و شرکا) یا (برادران) قید شود.) به خاطره اهمیت فوق العاده ای که شخصیت و اعتبار شریک در شرکت تضامنی دارد قانون تصریح اسم شریک یا شرکا را به دنبال نام شرکت ضروری می داند واین امر بدین لحاظ می باشد که چون اعتبار شریک ضامن اعتبار شرکت می باشد. کسی که بخواهد با شرکت تضامنی معامله کند باید ازقبل بداند که اعتبار چه کسانی سرمایه شرکت می باشد. ولی از آنجا که ممکن است تعداد شرکا زیاد باشد قید نام همه آنان امکان ندارد و به همین دلیل قانونگذار تصریح کرده است که در این حالت اسم یکی از شرکا نوشته شده وبه دنبال آن عباراتی از قبیل (و شرکا) یا (و برادران) نوشته می شود. در این حالت هر کسی بخواهد با شرکت تضامنی معامله کند می تواند با شناخت شریکی که اسم او به دنبال اسم شرکت آمده و عبارات بعدی با اطمینان بیشتری با شرکت وارد معامله وتجارت گردد. نکته مهمی که در این بحث وجود دارد تاکید قانونگذار بر مسئولیت جمعی شرکا است چرا که قید الزام به درج نام شریک و یا شرکا در اسم شرکت مبین این است که آنها در قبال همه طلبکاران مسئولیت تضامنی خواهند داشت و قبل از اینکه افراد به معامه با شرکت فکر کنند اعتبار شرکایی برای آنها مهم است که شرکت را بوجود آورده اند و به خاطر همین نکته قانونگذار در جای دیگر که شریک مسئولیت تضامنی در شرکت ندارد از درج نام شریک دراسم شرکت ممانعت به عمل آورده و در صورتی که اسم شریک

بـدون داشـتن مسـئوليت تضـامنی در شـركت به دنبال اسم شـركت آورده شود. او را در قبال طلبكاران دارای مسـئوليت تضامنی می شناسد (ماده ۹۵ ق.ت). نكته ديگر كه در اين خصوص قابـل ذكر است فوت و يـا خروج شـريك يا شـركايی است كه اسم آنها در شركت آمـده است. در اين حالت چون متعاملين با شـركت بيشتر به اعتبار شـريك يا شـركای مذكور باشـركت معامله می كنند واز آنجا كه بقای نام آنها به دنبال شـركت مفهوم اين نكته است كه آنها هنوز در شـركت حضور دارنـد طبيعی است كه بايد با فوت يا خروج آنها اسم آنها نيز از شركت حذف گردد.

۳۷- راهنمای ثبت صندوق قرض الحسنه

۱- مدارک مورد نياز ثبت موسسه قرض الحسنه

راهنمای ثبت صـندوق قرض الحسـنه - مدارك مورد نياز ثبت موسـسه قرض الحسـنه صندوقهای قرض الحسنه در قالب موسسه غير انتفـاعی در اداره ثبت شـركتها و موسـسات غير تجـاری پس از كسب موافقت اداره كـل اطلاعـات نيروی انتظامی بنا به روش زير به ثبت می رسـد. الف : مدارك مورد نياز ثبت موسـسه قرض الحسـنه: ۱- دو جلد اساسـنامه كه به امضای موسـين و هيات امنا رسيده باشد و يك نسـخه كپی آن . ۲- دو برگ تقاضا نامه ثبت موسـسات غير تجاری كه به امضائ موسسـين و اعضائ هيات امنا رسـيده باشد و يك نسخه كپی آن ۳- مجوز ثبت صادره از اداره كل اطلاعات نيروی انتظامی ۴- فتوكپی شناسنامه برابر اصل شده موسسين و هيات امنا و هيات مديره و بازرسـين ويك نسخه كپی آن . ب : روش ثبت موسسه قرض الحسنه: ۱- با استفاده از اساسنامه ضميمه دو جلـد اساسـنامه كه ذيل تمام صـفحات به امضای موسسـين و هيات واعضا هيات مديره امنا رسـيده باشدو يك نسـخه كپی ان ۲- صورتجسات ضميمه اساسنامه كه اعضای هيات امناو هيات امنا و هيات مديره و بازرسين مشحص شده و به امضای انان رسيده باشد ۳- تقاضانـامه ثبت موسـسات غير تجـاری كه برای تقاضانامه ثبت موسـسه قرض الحسـنه نيز ازان می توان اسـتفاده نمود تكميل و به امضا موسسـين و هيات امنا و هيات مديره رسيده باشد. (تذكر : تقاضانامه مذكور بايستی ازاداره ثبت شركتها وموسسات غير تجاری ابتياع شود) ۴-فتوكپی شناسنامه موسسين واعضای هيات امنا و اعضای هيات مديره و بازرسين درمراجع ذيصلاح برابراصل شود . ۵- پس ازتهيه مدارك فوق الذكر يك سری كپی ازتمام انها تهيه شود به همراه ساير مدارك تحويل اداره ثبت شركتها و موسسات غير تجاری شود . ۶- احدی ازاعضا هيات مديره يا هيات امنا يا وكيل رسـمی شـركت با دردست داشتن مدارك فوق الذكر برای تعيين نـام به قسـمت تعيين نـام اداره ثبت شـركتها مراجعه نمايـد (دراين راسـتا لاـزم است قبلا هماهنگی لازم بين موسيسـين و اعضا هيات مديره و هيات امنا درخصوص تعيين چندنام برای موسـسه قرض الحسـنه به عمل ايدو چند نام انتخاب شود و معمولا برای موسـسات قرض الحسـنه ازاسـما متبرك كه دارای قداست خاصـی دربين مردم می باشد و بدون سابقه ثبت هم باشد استفاده و به قسمت تعيين نام مراجعه شود) ۷-مسـئول تعيين نام يكی ازاسما كه دارای معنا و مفهوم خاص باشد و نيز سابقه ثبت ندارد را درانتخاب و درروی برگ تقاضانامه درج می نمايد و بايستی موافقت بااين نام ازمسـئولين اداره ثبت شـركتها اخذ ونام معينه دردفتر تعيين نام ثبت شود . ۸- مـدارك اصل و كپی تحويل قسـمت پذيرش شود و مسـئول مربوطه در بدو امر نسـبت به بررسـی اجمالی مدارك اقدام و سـپس تحويل گرفته می شود وبرگ رسـيد با تعيين تاريخ مراجعه بعدی برای اخذ پاسخ صادر و تحويل ذينفع می شود. ۹- در تاريخ معينه در برگ رسـيد به قسـمت اعلام نتيجه مراجعه شود كارشناس مربوطه برای ثبت موسسه قرض الحسنه نياز به استعلام دارد فلذا نسبت به اسـتعلام از اداره كل اطلاعات نيروی انتظامی اقدام می نمايد و شماره و تاريخ استعلام را به ذينفع جهت پيگيری بعدی تسليم می نمايد. ۱۰- پس از گـذشت مـدتی بـايستی بـا هماهنگی قبلی به اداره اسـتعلام شونـده مراجعه و فرم های مربوطه توسط موسسـين و اعضای هيات امنا و اعضای هيات مديره كامل شود و اداره مذكور پس از بررسی صلاحيت متقاضيان مراتب موافقت با ثبت موسسه

قرض الحسنه را کتبا به اداره ثبت شرکتها اعلام می نماید. ۱۱- کارشناس اداره ثبت شرکتها پس از وصول مراتب موافقت اداره استعلام شونده نسبت به تهیه آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه اقدام می نماید. ۱۲- در مراجعه بعدی به اداره ثبت شرکتها آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه را دریافت و به حسابداری جهت دریافت قبض حق الثبت و هم چنین واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها جهت تعیین حق الدرج انتشار آگهی تاسیس در روزنامه کثیرالانتشار مراجعه و مبالغ معینه به شعبه بانک ملی ایران مستقر در سازمان ثبت پرداخت گردد. ۱۳- پس از پرداخت ها فیش پرداختی حق الثبت به واحد حسابداری اداره ثبت شرکتها ارائه و مسئول مربوطه نسبت به ممهور نمودن پیش نویس آگهی اقدام می نماید و سپس آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه به واحد ثبت تاسیس و تغییرات تحویل داده می شود. ۱۴- مسئول مربوطه با ثبت آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه در دفتر ثبت ضمن تعیین شماره ثبت و درج آن در روی اوراق مربوطه در ذیل ثبت از شخص معرفی شده در ذیل صورتجلسه ها با قید جمله ثبت با سند برابر است امضا اخذ می نماید. ۱۵- آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه به دبیرخانه تحویل شود دبیرخانه ضمن شماره نمودن آگهی تاسیس نسخه مدارک مربوط به موسسه را تحویل نماینده معرفی شده می نماید و نماینده مذکور نسخه آگهی مربوط به درج در روزنامه کثیرالانتشار را تقدیم واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها می کند و نسخه مربوط به درج روزنامه رسمی به شرکت روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران سهامی خاص مستقر در خ بهشت ساختمان دادگستری تحویل می دهد و مسئول مربوطه ضمن تعیین مبلغ حق الدرج و صدور فیش نماینده موسسه بایستی مبلغ معینه را به بانک پرداخت و فیش مربوطه را به دفتر روزنامه رسمی تحویل نماید و در این مرحله کار ثبت موسسه به اتمام رسیده است. تذکر: ۱- در صورت نیاز فوری به آگهی تاسیس چند نسخه کپی از آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه تهیه که در هنگام تحویل آگهی ممهور به مهر روزنامه رسمی می شود و تا زمان انتشار روزنامه رسمی از این آگهی مهر شده می توان استفاده قانونی کرد. ۲- موسسات نیز مانند شرکتها می توانند دفاتر روزنامه وکل و دارایی داشته باشند و در این صورت لازم است که دفاتر مزبور تهیه و باارائه آگهی ممهور به مهر روزنامه رسمی و ابتیاع اظهارنام پلمپ دفاتر از واحد فروش اوراق بهادار و تکمیل امضائ آنها توسط دارندگان یا مدیرعامل و یا .... موسسه و ارائه آن به واحد پلمپ دفاتر نسبت به پلمپ دفاتر روزنامه و کل و دارایی اقدام لازم بعمل خواهد آمد. ۱۶- برای اعمال تغییرات بعدی در موسسه قرض الحسنه می توان از راهنمای ثبت موسسه وتغییرات آن مندرج در این راهنما استفاده شود.

۲- اساسنامه صندوق قرض الحسنه

راهنمای ثبت صندوق قرض الحسنه - اساسنامه صندوق قرض الحسنه این صندوق با الهام از تعالیم عالیه اسلام و با استظهار به عنایات خاصه حضرت بقیه اله امام زمان حجه بن الحسن العسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف به منظور انجام خدمات عام المنفعه و نشر و تعلیم و ترویج فرهنگ اسلامی به هرنوع و هر کیفیت وکمک به تامین نیازها و بهبود زندگی نیازمندان جامعه و اعطای وامهای بدون بهره (قرض الحسنه) از طریق دریافت پولهای ذخیره شده توسط مردم که بصورت قرض در اختیار صندوق قرار خواهند داد با حفظ ورعایت موازین شرعی و مقررات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می گردد. فصل اول نام - تابعیت - مدت- مرکز - موضوع - سرمایه ماده ۱- این موسسه بنام صندوق .... است که در این اساسنامه اختصارا صندوق نامیده می شود. ماده ۲- صندوق دارای تابعیت ایرانی است. ماده ۳- صندوق برای مدت نامحدود تشکیل شده است . ماده ۴- مرکز اصلی صندوق در .... است و صندوق می تواند پس از کسب موافقت با رعایت مقررات و موازین مربوطه در تهران یا سایر نقاط داخل و خارج کشور شعبه دایر و یا نمایندگی اعطا نماید. ماده ۵- موضوع صندوق انجام کارهای عام المنفعه بطور غیر انتفاعی و بشرح زیر می باشد. الف -پرداخت وامهای بدون بهره (قرض الحسنه) و اعطای اعتبارات بدون بهره به اشخاص اعم از حقیقی و

حقوقی با رعایت موازین شرعی . ب - دریافت وام و اعتبار بـدون بهره از منابع داخلی و خارجی و قبول هـدایا ج - وصول وجوه و اسناد امـانتی اشـخاص و قبول نماینـدگی و وکالت د - اقـدام در جهت اشاعه و نشـر و ترویـج فرهنگ اسـلامی بهر نحو و کیفیت و انجام امور خیریه و خدمات عام المنفعه در جهت پیشبرد اهداف اسلامی (انتشار هر گونه مطبوعه ای پس از کسب اجازه از وزارت ارشاد اسـلامی و دریافت پروانه انتشار با رعایت کامل قانون مطبوعات انجام خواهـد گرفت.) ه- افتتاح حسابهای پس انداز و جاری ویا هرنوع حساب بدون بهره دیگر و- انجام عملیاتی از قبیل اداره اموال دیگران اعم از منقول و غیر منقول حفاظت وصایت قیمومت و وکالت ز- از آنجا که کلیه اهداف و فعالیتهای صـندوق منحصـرا در جهت جلب رضای خداوند و خدمت به جامعه مسلمین است لـذا انجـام عقود شـرعی در حـدود تـامین هزینه متعـارف صـندوق مجـاز بوده و کیفیت آن مطابق با قوانین فقهی شـرعی و مقررات کشوری و بر اساس آیین نامه های داخلی خواهد بود. تبصـره ۱- طرحها برنامه ها و سایر اقداماتی که در اساسـنامه پیش بینی شده و به نحوی بـا وظـایف یکی از وزارتخانه ها یا سازمانهای دولتی ارتباط دارد پس از کسب موافقت وزارتخانه یا سازمان دولتی ذیربط به مرحله اجرا درخواهـد آمد. تبصـره ۲- صـندوق و اعضـا وابسته به آن بنام صـندوق حق فعالیت سیاسـی یا وابسـتگی به احزاب و گروههای سیاسـی را ندارد. تبصره ۳- صـندوق و اعضائ وابسـته به آن التزام خود را به قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران اعلام می دارند. تبصره ۴- هر گونه تغییر در مفاد اساسنامه هیات مدیره پس از موافقت نیروی انتظامی قابل اجرا می باشد. ماده ۶- سرمایه صنـدوق .... ریال است که توسط موسسـین و مردم تامین گردیـده است. فصل دوم - ارکان صـندوق ماده ۷- ارکان صندوق عبارتنـد از : هیات امنا هیات مدیره و بازرسان که تابع مقررات کلی اساسـنامه خواهند بود. ماده ۸- هیات امنا صندوق مرکب از ۲۹ نفر است که از سوی موسسـین انتخاب می شوند این هیات بالاترین مقام صندوق بوده و در هر حال و هر مورد نایب مناب موسسین می باشـد. ماده ۹- هر یـک از اعضـا هیـات امنـا بایـد در هنگـام حیات خود یک فرد متـدین و مورد اعتماد را که دارای صـلاحیت اخلاقی باشـد برای جانشینی خویش معرفی نمایـد که بعـد از وفات وی بعنوان عضو هیات امنا انجام وظیفه نمایـد عضو مذکور باید مورد قبول حداقل سه چهارم اعضا هیات امنا قرار گیرد و بهمین ترتیب هر کس که بعدا به عضـیت هیات امنا برگزیده می شود باید جانشـین خود را به ترتیب ذکر شـده معین و معرفی نمایـد بطوریکه تکالیف و وظایف مقرره در این اساسـنامه بدون وقفه انجام پذیر باشد. تبصره ۱- چنـانچه هر یـک از اعضـا هیـات امنـا در زمان حیات خویش از تعیین ومعرفی جانشـین و یا از ادامه همکاری به هر صورت وبه هریک کیفیت خودداری نماید هیات امنا شـخص واجد شـرایط و مورد اعتماد خود را از میان داوطلبان و با اکثریت آرا انتخاب نموده و بعنوان عضو هیات امنا به جانشـینی شـخص مذکور خواهد پذیرفت . تبصره ۲- امتناع یا عـدم حضور در جلسات در صورتی محرز می شود که عضو ممتنع کتبـا انصـراف خود را به هیـات امنـا اطلاع دهـد و در غیر اینصورت با اخطار کتبی هیات امنا چنانچه ظرف ۱۵ روز عضو مذکور حاضر به ادامه همکاری نشود یا دلیل موجه عدم حضور خود را ارائه ندهد از عضویت در هیات امنا مستعفی تلقی می شود و هیات امنا برای انتخاب جانشنی او تصمیم خواهد گرفت. تبصره ۳- چنانچه اکثریت هیات امنا تشخیص دهنـد که یکی از اعضا هیات امنا یا جانشـین او فاقـد صـلاحیت اخلاقی و دینی است ویا بعـدا این تغییر در وی بوجود آیـد شـخص دیگری را که واجـد شـرایط و مورد اعتماد باشـد با اکثریت آرائ به جای شـخص نامبرده انتخاب خواهند نمود. ماده ۱۰- هیات امنا حـداقل هر سه مـاه یکبار برای رسـیدگی به امور صـندوق تشـکیل جلسه خواهنـد داد دعوت از اعضا هیات امنا بوسـیله رئیس هیات مـدیره و یـا نـائب رئیس بعمل خواهـد آمـدو در مورد ضـروری اعضا هیات امنا یا هیات مـدیره ویا بازرسان می تواننـد هیات امنا را دعوت کنند. تبصره: جلسه هیات امنا با حضور حداقل دوسوم اعضا رسمیت خواهد یافت. ماده ۱۱- دعوت هیات امنا بوسیله پست یا تلفن و یا به هر نحو مقتضـی دیگر بعمل خواهـد آمـد فاصـله تاریـخ ابلاغ دعوتنامه با روز جلسه باید حداقل ۵ روز باشـد. ماده ۱۲- تصمیمات هیات امنا با رای دو سوم افراد حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. ماده ۱۳- وظایف و اختیارات هیات امنا عبارت است از : رسـیدگی به ترازنامه و بیلان اسـتماع گزارش بازرسان انتخاب و عزل و تجدیـد انتخاب اعضا هیات مـدیره و بازرسان تعیین روزنامه

کثیرالانتشار برای درج آگهی های صـندوق اصـلاح اساسـنامه بجز مواردی که مربوط به اهـداف و مدت صـندوق است تامین زمان احتمالی تعیین خط مشـی صندوق انحلال تصفیه ماده ۱۴- هیات مدیره صـندوق دارای حداقل ۷ نفر عضو اصلی و ۵ نفر عضو علی البـدل خواهـد بود که توسط هیات امنا از بین اعضا یا از خارج بمدت ۲ سال انتخاب می شوند ماده ۱۵- شرکت اعضا هیات مدیره در جلسات هیات مـدیره ضـروری است و غیبت هر یک از اعضا بـدون عـذر موجه و بـدون اطلاع قبلی تا سه جلسه متوالی در حکم استعفای عضو غایب خواهـد بود. ماده ۱۶- در صورت استعفا یـا فوت یا سـلب شـرایط از هر یک از اعضا هیات مـدیره عضو علی البـدل برای مـدت باقی مانـده هیات مـدیره بجای عضو اصـلی انجام وظیفه خواهد نمود. ماده ۱۷- صاحبان امضا اعضا اصـلی هیات مدیره و کلیه اسـناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضا حداقل دو نفر از اعضا اصـلی و مدیرعامل یا قائم مقام او و مهر صـندوق معتبر خواهد بود. ماده ۱۸- هیات مـدیره بایـد در نخستین جلسه خود که حـداکثر یک هفته بعد از انتخاب آنان توسط هیات امنا تشـکیل خواهـد شـد از بین خود یـک نفر را بعنوان رئیس هیـات مـدیره و یـک نفر را بعنوان نـایب رئیس انتخاب نماینـد. ماده ۱۹- انتخاب مجـدد هر یـک از اعضا اصـلی و علی البـدل هیات مـدیره بلامانع است. ماده ۲۰- هیـات مـدیره علاوه بر جلساتی که بطور مرتب و حداقل هر ۱۵ روز یکبار تشـکیل خواهد داد بنابه ضرورت با دعوت کتبی یا تلفنی رئیس یا نائب رئیس یا مدیرعامل و یا چند نفر از اعضا هیات مدیره تشـکیل جلسه فوق العاده خواهد داد فاصله بین ارسال دعوتنامه و یا تلفن و تشکیل جلسه هیات مدیره حداکثر سه روز خواهد بود. ماده ۲۱- جلسات هیات مدیره در صورتی رسمی و معتبر خواهد بود که حداقل با حضور دوسوم اعضا تشکیل شود هر گونه تصـمیم با رای موافق اکثریت مطلق هیات مـدیره معتبر خواهد بود. ماده ۲۲- وظایف و اختیارات هیات مـدیره: نمایندگی در برابر اشخاص ثالث ادارات و موسسات دولتی و خصوصی عزل و نصب ماموران و کارکنان صندوق تعیین شغل یا ترفیع و تنبیه و اجرای شـرایط اسـتخدامی افتتـاح حسـاب جـاری و هرگونه حساب دیگر نزد بانکها یا سایر موسـسات و اشـخاص حقوقی و اعتباری وصول مطالبـات و پرداخت دیون صـنوق قبول تعهـد ظهرنویسـی ویا قبولی انجام هر نوع معامله و انعقاد قرارداد و تقسـیم و تبـدیل و فسـخ و اقاله و ابطـال و واگـذاری و اجرای آنهـا نسبت به امـوال منقـول و غیر منقول و حقوق و اسـناد و اوراق اجـاره و اسـتجاره و واگـذاری و فسـخ اجاره و درخواست تعـدیل و دفاع از آن رهن گـذاردن و رهن گرفتن اموال صـندوق اقامه و تعقیب و دفاع از هر گونه دعوت یـا انصـراف و استرداد آن با داشـتن تمام اختیاراتـدر کلیه مراحل دادرسـی اعم از دادگاههای عمومی و دیوان کشور و سایر مراجع یا حق مصالحه و سازش و تعیین وکیل با حق توکیل غیر ادعای جعل و انکار نسـبت به سند طرف واسترداد سند و تعیین جاعـل ارجـاع دعوی به داوری و تعیین داور و کیل با حق توکیل غیر ولو کرارا و عزل و انتخاب مجـدد آنها تعیین میزان حق الوکاله انتخاب مصدق و کارشناس اقرار نسبت به کلیه امور دعوی خسارت جلب ثالث و دفاع از آن دعوی متقابل و دفاع از آن درخواست صـدور اجرائیه اعم از دادگاههـای دادگسـتری و اجرای ثبت و هر دادگـاه دیگر و تعقیب عملیـات اجرائی و اخـذ محکـوم به اجرای مصوبـات هیات امنا قبول یا رد هـدایات و وجوه بلاعوض یا کسب اختیار نام در نوع مصـرف آن . ماده ۲۳- هیات مدیره باید ازبین خود یاازخـارج یـک نفر شـخص حقیقی ایرانی مسـلمان و خوشـنام را به مـدیریت عامـل انتخاب نمود ه و حـدود اختیارات و مـدت تصـدی و حق الزحمه اورا تعیین نماید مدیر عامل بالاترین مقام اجرائی صـندوق است و درحدود اختیاراتی که ازطرف هیات مدیره به وی تفویض شـده است نماینـده صـندوق محسوب شـده و ازطرف صـندوق حق امضا دارد . ماده ۲۴-اگر مـدیرعامل عضو هیات مـدیره باشـد دوره مـدیریت عامـل اوازمـدت عضویت اودرهیـات مـدیره بیشتر نخواهـد بود ولی درهرحـال انتخاب مجـدد او برطبق مقررات این اساسنامه بلامانع است ماده ۲۵- مدیرعامل می تواند به مسئولیت خود برای خویش قائم مقام ویا معاون انتخاب نموده و باقبول مسـئولیت کامل تمام یاقسـمتی ازاختیارات خود را به اویا هریک ازکارکنان صندوق تفویض نماید . ماده ۲۶- هیات امنا یک بـازرس اصـلی و یـک بازرس علی البـدل برای مـدت یکسال ازبین خود یا ازخارج انتخاب می کننـد. ماده ۲۷- بازرس بایـد درباره صحت صورت دارائی و عملکردصـندوق و درباره صـحت دارائی وعملکرد صندوق و درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران

دراختیـار هیات امناگذاشـته انـد کتبا اظهار نظرنمایـد. ماده ۲۸- درصورت فوت یااسـتعفا یامعذوریت بازرس اصـلی یاسـلب شـرایط ازاوبـازرس علی البـدل بجـای اوانجام وظیفه خواهـد نمود . ماده ۲۹- بـازرس می توانـد درهرموقع و بهرگونه رسـیدگی و بازرسـی رادرمورد عملیات صـندوق انجام داده و اسـناد و مدارک و اطلاعات مربوطه رامطالعه کرده و مورد رسـیدگی قراردهد و درصورت لزوم تقاضای تشـکیل جلسه فوق العاده هیات امنا را بنماید . ماده ۳۰-هیات مدیره و بازرسان تازمانی که جانشـین انها ازسوی هیات امنـا تعیین و معرفی نشـده است به مسـئولیت خودبـاقی خواهنـد بود . فصـل سوم –سال مالی – انحلال و تصـفیه ماده ۳۱- سال مالی صندوق ازاول فرودین ماه هرسال شـروع ودرپایان اسـفندماه همان سال خاتمه می یابد اولین سال مالی صـندوق ازتاریخ ثبت تاپایان اسـفند همان سال است. مـده ۳۲-انحلاـل و تصـفیه : چنـانچه بعللی تصـمیم به انحلاـل صـندوق گرفته شود هیات امنا بااکثریت سـه چهـارم مجمع ارا ۵ نفر راازبین خود یااعضاهیاتمـدیره یاخارج تعنوان هیات تصـفیه انتخاب می نماینـد . ماده ۳۳-هیات تصفیه پس ازرسیدگی به حسابها و تصـفیه بدهی هاو تعیین دارائی مسـلم اعم ازمنقول وغیرمنقول و وصول مطالبات باقی مانده دارائی صندوق راباتصویب هیات امنا و بانظر نماینده ولی فقیه به یکی ازمراکز خیریه واگذارخواهدکرد

۳۸- راهنمای اخذ کارت بازرگانی

۱- مدارک مورد نیاز برای صدور اظهارنامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی در اداره ثبت شرکتها

راهنمـای اخـذ کـارت بازرگـانی - مـدارک مـورد نیـاز برای صـدور اظهارنـامه ثبت نـام در دفـاتر بازرگـانی در اداره ثبت شـرکتها تشـریفات صدور کارت بازرگانی در اداره کل ثبت شـرکتها و مالیکت صـنعتی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران صورت می گیرد. در بـدو امر مراحـل و مـدارک مـورد نیـاز دراداره ثبت شـرکتها ذکر و در مرحله دوم مراحـل و مـدارک مـورد نیـاز در اتـاق بازرگانی شرح داده می شود. ۱- سه برگ اظهارنـامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی ۲- پلمپ دفـاتر تجارتی (روزنامه و کل) در سال جـاری و ارائه گواهی پلمپ دفـاتر تجـارتی ۳- یـک برگ فتوکپی شناسـنامه (در صورتی که متقاضـی شـخص حقیقی باشـد) ۴- فتوکپی آگهی تاسیس شـرکت و آخرین تغییرات آن (در صورتی که متقاضـی شخص حقوقی باشد) ۵- فیش پرداختی حق الثبت نام در دفاتر بازرگانی ۶- چنانچه امور توسط وکیل رسـمی شـرکت یا شخص انجام می شود اصل یا فتوکپی برابر اصل سند رسمی وکالت شـرح موارد : ۱- سه برگ اظهارنـامه ثبت نـام در دفـاتر بازرگـانی را از دایره فروش اوراق بهـادار مسـتقر در اداره کل ثبت شرکتها ومالکیت صـنعتی ابتیاع و طبق فرم ضمیمه آن را تکمیل و امضا نمایید. ۲- هر شخصـی (اعم از حقیقی یا حقوقی) که تاجر محسوب شود می بـایستی دارای دفـاتر قـانونی باشـد این دفـاتر طبق قانون تجارت دفتر روزنامه دفتر کل دفتر دارایی و دفتر کپیه می باشـد امروزه با وجود دسـتگاههایی از قبیل فتوکپی فاکس و امثالهم وجود دفتر کپیه ضـروری بنظر نمی رسـد و دیگر دفاتر در اداره ثبت شـرکتها پلمپ می شود و تاجر وفق مقررات نسبت به درج صورت حسابهای خود در آنها اقدام می نماید این دفاتر وقتی دارای سندیت خواهد بود که در اداره ثبت شـرکتها نسبت به ثبت و پلمپ آنها اقدام نماید. برای اخذ کارت بازرگانی اشـخاص حقوقی و حقیقی بایستی دارای دفاتر قانونی (روزنامه وکل) باشند بنابراین با توجه به میزان معاملات خود نسبت به اخذ دفتر با تعداد صفحات لازم (۵۰ برگی ۱۰۰ برگی ۲۰۰ برگی و یـا بالاتر) تهیه و در دایره پلمپ دفاتر ثبت شـرکتها اقـدام ویک برگ گواهی پلمپ دفاتر تجارتی از واحد فروش اوراق بهادار تهیه و پس از پلمپ دفاتر نسبت به تکمیل آن (طبق فرم ضمیمه) اقدام و مسئول مربوطه نسبت به امضـا و مهر آن اقـدام خواهـد نمود. ۳- در صورتی که متقاضـی کـارت بازرگانی شـخص حقیقی باشـد ارائه یک برگ فتوکپی صفحه اول شناسنامه ضروری است . ۴- در صورتی که متقاضـی کارت بازرگانی شخص حقوقی باشد ارائه روزنامه رسمی تاسیس شرکت همراه با آخرین تغییرات در شـرکت ضـروری می باشد. ۵- حق الثبت نـام در دفاتر بازرگانی با عنایت به قانون درآمـدهای

دولت و مصرف آن در موارد معین مبلغ چهل هزار ریال می باشد که پس از اخذ فیش نسبت به واریز مبلغ مذکور در شعب بانک ملی معین اقدام ورسید پرداخت به واحد مربوطه بهمراه سایرمدارک ارائه گردد. ۶- در صورتی که امور توسط وکیل انجام می پذیرد ارائه وکالت نامه رسمی نیز ضروری میباشد. پس از تهیه مدارک فوق الاشعار به واحد ثبت نام دفاتر بازرگانی مراجعه ومسئول مربوطه نسبت به ثبت اظهارنامه ها در دفتر ثبت نام تجارتی اقدام و شماره دفتر را در روی سه نسخه اظهارنامه درج و نسبت به امضا و مهر نمودن اظهارنامه ها اقدام می نماید سپس یک نسخه از اظهارناه را جهت بایگانی در سوابق ضبط و دیگر نسخ را تحویل متقاضی میدهد. در این مرحله انجام کار در اداره ثبت شرکتها به اتمام رسیده با در دست داشتن مدارک به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن مراجعه گردد. رعایت نکات زیر جهت دریافت کارت بازرگانی الزامی است : ۱- امضائ دوبرگ اظهارنامه پلمپ دفاتر وسه برگ اظهارنامه کارت بازرگانی و در صورت شرکت بودن زدن مهر شرکت روی آن ۲- امضا وکالت نامه وکیل مربوطه توسط شخص و در صورت شرکتی بودن کارت زدن مهر شرکت بر روی امضای مدیرعامل ۳- پرداخت مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ریال به عنوان کارمزد و واریزی ثبت شرکتها و حق الوکاله وکیل ۴- ارائه کپی شناسنامه برای کارت شخصی وارائه کپی کلیه مدارک شرکت و روزنامه رسمی و کپی شناسنامه مدیرعامل برای شرکت پس از تکمیل مدارک بالا وتسلیم آن به شرکت سه روز بعد به شرکت مراجعه کرده و ضمن دریافت اسنادو مدارک به شرح بالا مراحل زیر را دنبال می کنید: ۱- ابتدا با همراه داشتن دو قطعه عکس و مدارک تسلیمی از طرف شرکت به اتاق بازرگانی واقع در خ طالقانی جنب سفارت امریکا تشریف برده و به مسئول مربوطه مراجعه و با ارائه مدارک تقاضای معرفی نامه به اداره سو پیشینه و دریافت فرمهای مخصوص کارت بازرگانی را می نمایید. ۲- سپس بعد از اخذ معرفی نامه به نزدیکترین محل اداره تشخیص هویت نیروی انتظامی مراجعه تا از شما انگشت نگاری به عمل آید. ۳- فرمهای مخصوص کارت بازرگانی را تایپ وتنظیم به شرکت تحویل می دهید و در مورد مراحل بعدی مشورت می نمایید. ۴- از میان فرمها یک فرم به نام (فرم الف) مخصوص ارائه به بانک جهت گرفتن استعلام خوش حسابی جهت شرکت شما و یا شخص شما می باشد که همزمان با عملیات انگشت نگاری می توانید به همراه فرم الف به بانک مربوطه مراجعه و فرم را تحویل فرمایید و اگر شرکت جدیدالتاسیس باشد می بایست از حساب جاری مدیرعامل نیز استعلام به عمل آید و در صورت نداشتن حساب جاری مدیرعامل باید حتما سه ماه از افتتاح حساب شرکتی گذاشته باشد. ۱- (فرم د) را از اوراق جدا کرده و به دفتر خانه ای برده و در صورت شرکتی بودن امضا و مهر و شخصی بودن امضا را گواهی می نمایید. ۲- در مورد کارتهای شخصی ارائه دو نفر معرف با سابقه ۳ سال بازرگانی که دارای کارت بازرگانی می باشند الزامی است مگر اینکه متقاضی دارای مدرک لیسانس باشد که ارائه معرفین در (فرم ج) صورت می گیرد. ۳- مهمترین مرحله اگر سند مالکیت به صورت شش دانگ متعلق به متقاضی کارت باشد مشکلی نیست ولی اگر محل اجاره باشد باید همراه اجاره نامه محل و فیش برق و تلفن و اصل سند مالکیت شش دانگ به همراه شخص مالک محل به اتاق بازرگانی مراجعه گردد. پس از تکمیل موارد بالا به همراه مدارک زیر: ۱- فرمهای تایپ شده اتاق بازرگانی به طور کامل که توسط شرکت صورت گرفته است . ۲- اصل و کپی گواهی حسن اعتبار بانکی و تایید اداره اعتبارات مبنی برنداشتن چک برگشتی از شخص یا مدیرعامل شرکت ۳- اصل کلیه مدارک معرفین و کپی از کارت بازرگانی ایشان و تاییدیه توسط ایشان مبنی برمعتبر بودن شما جهت دریافت کارت بازرگانی ۴- اصل وکپی تعهدنامه و تصدیق امضا شخص یا مدیرعامل و مهر شرکت در دفترخانه ۵- مدارک به ثبت رسیده توسط شرکت و گواهی پلمپ آن که در مرحله اول به شما تسلیم گردیده است . ۶- اصل و فتوکپی گواهی عدم سو پیشینه مدیرعامل یا شخص ۷- چهار قطعه عکس ۴*۶ بدون روتوش و کراوات ۸- اصل و دو سری کپی از شناسنامه و کارت پایان خدمت مدیرعامل یا شخص متقاضی ۹- اصل ودو سری کپی از سند مالکیت حتی صفحات سفید سند و فیش نوسازی و قبض برق و تلفن ۱۰- و به همراه مبلغ ۲/۶۰۰/۰۰۰ ریال وجه نقد به اتاق بازرگانی مراجعه و پس از تکمیل مدارک اقدام به اخذ کارت بازرگانی نمائید.

۲- ابطال کارت بازرگانی

راهنمای اخذ کارت بازرگانی - ابطال کارت بازرگانی متقاضـی ابطال کارت بازرگانی با در دست داشتن اصل کارت بازرگانی و یـک برگ تقاضـای ابطـال به واحـد ثبت نـام در دفتر بازرگـانی مراجعه ومـدارک مزبور ارائه شود و مسئول مربوطه نسبت به ثبت تقاضانـامه و درج شـماره در روی آن مراتب را در دفتر ثبت می نمایـد پس از ثبت به اتاق بازرگانی مراجعه و مـدارک مـذکور در صفحات بعدی تهیه و تحویل گردد.

۳- مدارک مورد نیاز جهت ابطال کارت بازرگانی (ویژه اشخاص حقوقی)

راهنمای اخذ کارت بازرگانی - مدارک مورد نیاز جهت ابطال کارت بازرگانی (ویژه اشـخاص حقوقی) ۱- تقاضای شرکت در ۲ نسخه ۲- گواهی مفاصاحسـاب دارایی آخرین سـال مالیاتی : اصل و کپی آن ۳- اظهارنـامه ابطالی ثبت دفاتر تجارتی ۲ نسخه اصل ۴- صورتجلسه مجمع عمومی برای شـرکتهای سـهامی عـام خـاص تعـاونی هـا و صورتجلسه هیـات مـدیره برای سـایر شـرکتها مبنی برانحلال شـرکت ۵- تصویر روزنـامه رسـمی مبنی بر اعلام انحلال شـرکت ۶- اصـل کـارت بازرگانی و کپی صـفحات اول و دوم تذکر ۱- اشـخاص اعم از حقیقی و حقوقی برای ابطـال کـارت خود می تواننـد در تهران درخواست خود را به اتـاق بازرگانی و در شهرسـتانها به نمایندگی اتاق بازرگانی و یا به ادارات کل بازرگانی اسـتانها تسـلیم نمایند یا می توانند مسـتقیما به وزارت بازرگانی مراجعه کننـد در هر حـال ابطـال بـا مـوافقت و ابلاـغ وزارت بازرگـانی در اداره مرکزی کـارت بازرگـانی صـورت خواهـد گرفت. تذکر۲- کلیه شـرایط فوق برای اشـخاص خارجی نیز قابل اعمال و تسـری است. تذکر ۳- در صورت مفقود شـدن کارت بازرگانی اشـخاص حقیقی و حقوقی تنهـا ارائه درخواست شـخص واعلام مفقودی در روزنامه کثیرالانتشار کافی است . تـذکر۴- در صورت سرقت کارت بازرگانی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها ارائه درخواست شخص واعلام مفقودی در روزنامه کثیرالانتشار و گواهی از اداره آگاهی و امثالهم کافی می باشد.

۳۹- مالکیت صنعتی(قانون ثبت اختراعات،طرحهای صنعتی،علائم تجاری)

۱- اختراعات

ماده۱ـ اختراع نتیجه فکر فرد یـا افراد است که برای اولین بار فرآینـد یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کنـد و مشـکلی را دریک حرفه فن فناوری صـنعت و مانند آنها حل می‌نماید. ماده۲ـ اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صـنعتی باشد. ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده مهارت عادی در فن مذکور معلوم و آشکار نباشـد و از نظر صـنعتی اختراعی کاربردی محسوب می‌شود که در رشـته‌ای از صـنعت قابل ساخت یا اسـتفاده باشد. مراد از صـنعت معنـای گسترده آن است و شامـل مواردی نظیر صـنایع‌دستی کشـاورزی مـاهیگیری و خـدمات نیز می‌شود. ماده۳ـ گواهینامه اختراع سنـدی است که اداره مالکیت صـنعتی برای حمایت از اختراع صادر می‌کند و دارنده آن می‌تواند از حقوق انحصاری بهره‌مند شود. ماده۴ـ موارد زیر از حیطه حمایت از اختراع خارج است الف ـ کشـفیات نظریه‌های علمی روشـهای ریاضی و آثار هنری ب ـ طرحها و قواعد یا روشـهای انجام کار تجاری و سایر فعالیتهای ذهنی و اجتماعی ج ـ روشـهای تشخیص و معالجه بیماریهای انسان یا حیوان این بنـد شامـل فرآورده‌هـای منطبق بـا تعریف اختراع و مورد اسـتفاده در روشـهای مزبور نمی‌شود. د ـ منـابع ژنتیک و اجزاء ژنتیک تشـکیل‌دهنده آنها و همچنین فرآینـدهای بیولوژیک تولیـد آنها. هـ ـ آنچه قبلاً در فنون و صـنایع پیش‌بینی شده باشد. فن یا صـنعت

قبلی عبارت است از هر چیزی که در نقطه‌ای از جهان ازطریق انتشار کتبی یا شفاهی یا ازطریق استفاده عملی و یا هرطریق دیگر، قبل از تقاضا و یا درموارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ثبت اختراع افشاء شده باشد. درصورتی که افشاء اختراع ظرف مدت شش ماه قبل از تاریخ تقاضا یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ حق تقدم اختراع صورت گرفته باشد، مانع ثبت نخواهد بود. و ـ اختراعاتی که بهره‌برداری از آنها خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی و اخلاق‌حسنه باشد. ماده۵ ـ چگونگی ذکر نام مخترع در گواهینامه اختراع و نحوه تعلق حق اختراع ثبت شده به شرح زیر است الف ـ حقوق اختراع ثبت شده منحصراً به مخترع تعلق دارد. ب ـ اگر افرادی به صورت مشترك اختراعی کرده باشند، حقوق ناشی از اختراع مشترکاً به آنان تعلق می گیرد. ج ـ هرگاه دو یا چند نفر، مستقل از دیگری اختراع واحدی کرده باشند شخصی که اظهارنامه اختراع خود را زودتر تسلیم کرده و یا درصورت ادعای حق تقدم هرکدام بتوانند اثبات کنند که در تاریخ مقدم اظهارنامه خود را به صورت معتبر تسلیم کرده‌اند، مشروط بر این‌که اظهارنامه مذکور مسترد یا رد نگردیده یا مسکوت گذاشته نشده باشد، حق ثبت اختراع را خواهند داشت د ـ حقوق ناشی از اختراع ثبت شده قابل انتقال است و درصورت فوت صاحب حق به ورثه او منتقل می‌شود. هـ ـ درصورتی که اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد باشد، حقوق مادی آن متعلق به کارفرما خواهد بود، مگر آن که خلاف آن درقرارداد شرط شده باشد. و ـ نام مخترع در گواهینامه اختراع قید می‌شود مگر این که کتباً از اداره مالکیت صنعتی درخواست کند که نامش ذکر نشود. هرگونه اظهار یا تعهد مخترع مبنی بر این که نام شخص دیگری به عنوان مخترع قید گردد، فاقد اثر قانونی است ماده۶ ـ اظهارنامه ثبت اختراع که به اداره مالکیت صنعتی داده می‌شود، باید موضوعی را که حمایت از آن درخواست می‌شود، تعیین کرده و به فارسی تنظیم شود، دارای تاریخ و امضاء بوده و خواسته توصیف ادعا، خلاصه‌ای از توصیف اختراع و درصورت لزوم نقشه‌های مربوطه را دربرداشته باشد. هزینه‌های ثبت اظهارنامه از درخواست‌کننده ثبت دریافت می‌شود. در تنظیم و تسلیم اظهارنامه باید موارد زیر رعایت شود: الف ـ نام و سایر اطلاعات لازم درخصوص متقاضی مخترع و نماینده قانونی او، درصورت وجود و عنوان اختراع در اظهارنامه درج شود. ب ـ درمواقعی که متقاضی شخص مخترع نیست مدارك دال بر سمت قانونی وی همراه اظهارنامه تحویل گردد. ج ـ ادعای مذکور در اظهارنامه گویا و مختصر بوده و با توصیف همراه باشد، به نحوی که برای شخص دارای مهارت عادی در فن مربوط واضح و کامل بوده و حداقل یک روش اجرائی برای اختراع ارائه کند. خلاصه توصیف فقط به منظور ارائه اطلاعات فنی است و نمی‌توان برای تفسیر محدوده حمایت به آن استناد کرد. ماده۷ ـ متقاضی ثبت اختراع تا زمانی که اظهارنامه او برای ثبت اختراع قبول نشده است می‌تواند آن را مسترد کند. ماده۸ ـ اظهارنامه باید فقط به یک اختراع یا به دسته‌ای از اختراعات مرتبط که یک اختراع کلی را تشکیل می‌دهند مربوط باشد. دراختراع کلی ذکر نکردن ارتباط اجزاء آن موجب بی‌اعتباری گواهینامه اختراع مربوط نمی‌شود. متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه وی مورد موافقت قرار نگرفته است الف ـ اظهارنامه خود را اصلاح کند، مشروط بر آن که از حدود اظهارنامه نخست تجاوز نکند. ب ـ آن را به دو یا چند اظهارنامه تقسیم کند. اظهارنامه تقسیمی باید دارای تاریخ تقاضای اولیه بوده و درصورت اقتضاء، مشمول حق تقدم اظهارنامه نخستین است ماده۹ـ متقاضی می‌تواند همراه با اظهارنامه خود، طی اعلامیه‌ای حق تقدم مقرر در کنوانسیون پاریس برای حمایت ازمالکیت صنعتی مورخ ۱۲۶۱ هجری شمسی (۲۰ مارس ۱۸۸۳ میلادی و اصلاحات بعدی آن را درخواست نماید. حق تقدم می‌تواند براساس یک یا چند اظهارنامه ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی باشد که در هر کشور یا برای هر کشور عضو کنوانسیون مذکور تسلیم شده است درصورت درخواست حق تقدم الف ـ اداره مالکیت صنعتی از متقاضی می‌خواهد ظرف مدت معین رونوشت اظهارنامه‌ای را ارائه دهد که توسط مرجع ثبت اظهارنامه‌ای که مبنای حق تقدم است گواهی شده باشد. ب ـ با پذیرش درخواست حق تقدم حمایتهای مذکور در کنوانسیون پاریس شامل آن خواهد بود. درصورت عدم مراعات شرایط مندرج در این ماده و مقررات مربوط به آن اعلامیه مذکور کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. ماده۱۰ـ بنا به درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید شماره و تاریخ اظهارنامه اختراعی را که در خارج تسلیم کرده و عیناً و

ماهیتاً مربوط به اختراع مذکور در اظهارنامه تسلیم شده به اداره مالکیت صنعتی است ارائه دهد. همچنین با درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید مدارک زیر را به اداره مذکور تسلیم کند: الف ـ تصویر هرگونه نامه و اخطاریه‌ای که متقاضی درمورد نتایج بررسی‌های انجام شده درخصوص اظهارنامه‌های خارج دریافت کرده است ب ـ تصویر گواهینامه اختراع که براساس اظهارنامه‌های خارجی ثبت شده است ج ـ تصویر هرگونه تصمیم نهایی مبنی بر رد اظهارنامه خارجی یا رد ثبت اختراع ادعا شده در اظهارنامه خارجی د ـ تصویر هر تصمیم نهایی مبنی بر بی‌اعتباری گواهینامه اختراع صادرشده براساس اظهارنامه خارجی ماده۱۱ـ اداره مالکیت صنعتی تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه تلقی خواهد کرد مشروط بر این که اظهارنامه در زمان دریافت حاوی نکات زیر باشد: الف ـ ذکر صریح یا ضمنی این نکته که ثبت یک اختراع تقاضا می‌شود. ب ـ ذکر نکاتی که شناخت هویت متقاضی را میسر می‌کند. ج ـ توصیف اجمالی اختراع اگر اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که اظهارنامه در زمان تقاضا فاقد شرایط فوق بوده است از متقاضی دعوت خواهد کرد تا از تاریخ ابلاغ ظرف سی روز اصلاحات لازم را انجام دهد و تاریخ تقاضا همان تاریخ دریافت اصلاحات مذکور خواهد بود ولی اگر در مهلت تعیین شده اصلاح صورت نگیرد، اظهارنامه کان‌لم‌یکن تلقی خواهد شد. ماده۱۲ـ چنانچه در اظهارنامه به نقشه‌هایی اشاره شود که در آن درج یا ضمیمه نشده است اداره مالکیت صنعتی از متقاضی دعوت می‌کند تا نقشه‌ها را ارائه دهد. اگر متقاضی دعوت را اجابت کرده و نقشه‌های مورد اشاره را ارائه نماید، اداره مذکور تاریخ دریافت نقشه را تاریخ تقاضا تلقی خواهد نمود. درغیر این صورت تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه قید نموده و اشاره به نقشه‌ها را کأن لم یکن تلقی خواهد کرد. ماده۱۳ـ پس از قید تاریخ تقاضا، اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از نظر انطباق با شرایط مندرج در این قانون و آئین‌نامه آن بررسی خواهد کرد و درصورت تشخیص انطباق اقدام لازم را برای ثبت اختراع انجام می‌دهد. درغیر این صورت اظهارنامه را رد و مراتب را به متقاضی ابلاغ می‌کند. ماده۱۴ـ اداره مالکیت صنعتی پس از ثبت اختراع باید: الف ـ درخصوص ثبت اختراع یک نوبت آگهی منتشر کند. ب ـ گواهینامه ثبت اختراع را صادر کند. ج ـ رونوشت گواهینامه ثبت اختراع را بایگانی و پس از دریافت هزینه مقرر، اصل آن را به متقاضی تسلیم کند. د ـ به درخواست دارنده گواهینامه اختراع تغییراتی را در مضمون و نقشه‌های اختراع به منظور تعیین حدود حمایت اعطاء شده انجام دهد، مشروط بر این که در نتیجه این تغییرات اطلاعات مندرج در گواهینامه اختراع ازحدود اطلاعات مذکور در اظهارنامه اولیه‌ای که اختراع براساس آن ثبت شده است تجاوز نکند. ماده۱۵ـ حقوق ناشی از گواهینامه اختراع به ترتیب زیر است الف ـ بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع مشروط به موافقت مالک آن است بهره‌برداری از اختراع ثبت شده به شرح آتی خواهد بود: ۱ ـ درصورتی که اختراع درخصوص فرآورده باشد: اول ـ ساخت صادرات و واردات عرضه برای فروش فروش و استفاده از فرآورده دوم ـ ذخیره به قصد عرضه برای فروش فروش یا استفاده از فرآورده ۲ ـ درصورتی که موضوع ثبت اختراع فرآیند باشد: اول ـ استفاده از فرآیند. دوم ـ انجام هر یک از موارد مندرج در جزء (۱) بند (الف این ماده درخصوص کالاهایی که مستقیماً از طریق این فرآیند به دست می‌آید. ب ـ مالک می‌تواند با رعایت بند (ج این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدون اجازه او بهره‌برداریهای مندرج در بند (الف را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند. ج ـ حقوق ناشی از گواهینامه اختراع شامل موارد زیر نمی‌شود: ۱ـ بهره‌برداری از کالاهایی که توسط مالک اختراع یا با توافق او در بازار ایران عرضه‌می‌شود. ۲ـ استفاده از وسایل موضوع اختراع در هواپیماها، وسائط نقلیه زمینی یا کشتی‌های سایر کشورها که به طور موقت یا تصادفاً وارد حریم هوایی مرزهای زمینی یا آبهای کشور می‌شود. ۳ـ بهره‌برداریهایی که فقط با اهداف آزمایشی درباره اختراع ثبت شده انجام می‌شود. ۴ـ بهره‌برداری توسط هر شخصی که با حفسن نیت قبل از تقاضای ثبت اختراع یا درمواقعی که حق تقدم تقاضا شده است قبل از تاریخ تقاضای حق تقدم همان اختراع از اختراع استفاده می‌کرده یا اقدامات جدی و مؤثری جهت آماده شدن برای استفاده از آن در ایران به عمل می‌آورده است د ـ حقوق استفاده

کننده قبلی که در جزء(۴) بند (ج این ماده قید شده است تنها به همراه شرکت یا کسب و کار یا به همراه بخشی که در آن از اختراع استفاده می‌شده یا مقدمات استفاده از آن فراهم گردیده قابل انتقال یا واگذاری است ماده۱۶ـ اعتبار گواهینامه اختراع با رعایت این ماده پس از بیست‌سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه اختراع منقضی می‌شود. به‌منظور حفظ اعتبار گواهینامه یا اظهارنامه اختراع پس از گذشت یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه و قبل از شروع هر سال مبلغی که به موجب آئین‌نامه این قانون تعیین می‌شود، توسط متقاضی به اداره مالکیت صنعتی پرداخت می‌گردد. تأخیر در پرداخت، حداکثر تا شش ماه در صورت پرداخت جریمه مجاز است درصورتی که هزینه سالانه پرداخت نشود، اظهارنامه مربوط مسترد شده تلقی و یا گواهینامه اختراع فاقد اعتبار می‌شود. ماده۱۷ـ دولت یا شخص مجاز از طرف آن با رعایت ترتیبات زیر، می‌توانند از اختراع بهره‌برداری نمایند: الف ـ درمواردی که با نظر وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط منافع عمومی مانند امنیت ملی تغذیه بهداشت یا توسعه سایر بخشهای حیاتی اقتصادی کشور، اقتضاء کند که دولت یا شخص ثالث از اختراع بهره‌برداری نماید و یا بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد بوده و از نظر مقام مذکور، بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد، موضوع در کمیسیونی مرکب از رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، یکی از قضات دیوان عالی کشور با معرفی رئیس قوه قضائیه دادستان کل کشور، نماینده رئیس‌جمهور و وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط مطرح و درصورت تصویب با تعیین کمیسیون مذکور، سازمان دولتی یا شخص ثالث بدون موافقت مالک اختراع از اختراع بهره‌برداری می‌نماید. ب ـ بهره‌برداری از اختراع محدود به منظوری خواهد بود که در مجوز آمده است و مشروط به پرداخت مبلغ مناسب به مالک مذکور با درنظرگرفتن ارزش اقتصادی مورد اجازه می‌باشد. درصورتی که مالک اختراع یا هر شخص ذی‌نفع دیگر توضیحی داشته باشند، کمیسیون پس از رسیدگی به اظهارات آنان و لحاظ کردن بهره‌برداری در فعالیتهای غیررقابتی اتخاذ تصمیم خواهد کرد. کمیسیون می‌تواند بنا به درخواست مالک اختراع یا سازمان دولتی یا شخص ثالثی که مجوز بهره‌برداری از اختراع ثبت شده را دارد، پس از رسیدگی به اظهارات طرفین یا یکی از آنها در محدوده‌ای که ضرورت اقتضاء نماید، نسبت به تصمیم‌گیری مجدد اقدام کند. ج ـ درصورتی که مالک اختراع ادعا نماید که شرایط و اوضاع و احوالی که باعث اتخاذ تصمیم شده دیگر وجود ندارد و امکان تکرار آن میسر نیست و یا این که ادعا نماید سازمان دولتی یا شخص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده نتوانسته طبق مفاد تصمیم و شرایط آن عمل کند، موضوع در کمیسیون مطرح و بررسی و پس از استماع اظهارات مالک اختراع وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط و بهره‌بردار، اجازه بهره‌برداری لغو شده و حسب مورد اجازه بهره‌برداری برای مالک یا بهره‌بردار دیگر صادر می‌شود. با احراز شرایط مقرر در این بند، اگر کمیسیون تشخیص دهد حفظ حقوق قانونی اشخاصی که این اجازه را کسب کرده‌اند، بقاء تصمیم را ایجاب می‌نماید آن تصمیم را لغو نمی‌کند. درمواردی که اجازه بهره‌برداری توسط کمیسیون به شخص ثالثی داده شده است می‌توان آن مجوز را فقط به همراه شرکت یا کسب و کار شخص تعیین‌شده ازطرف کمیسیون یا به همراه قسمتی از شرکت یا کسب و کاری که اختراع در آن بهره‌برداری می‌شود، انتقال داد. د ـ اجازه بهره‌برداری موضوع این ماده مانع انجام امور زیر نیست ۱ ـ انعقاد قرارداد بهره‌برداری توسط مالک اختراع با رعایت مقررات این ماده ۲ ـ بهره‌برداری مستمر از حقوق تفویضی توسط مالک اختراع طبق مندرجات بند (الف ماده (۱۵). ۳ ـ صدور اجازه استفاده ناخواسته طبق اجزاء (۱) و (۲) بند (ح این ماده هـ ـ درخواست اجازه بهره‌برداری از کمیسیون باید همراه دلیل و سندی باشد که به‌موجب آن ثابت شود دستگاه دولتی یا شخص مجاز، از مالک اختراع درخواست بهره‌برداری کرده ولی نتوانسته است اجازه بهره‌برداری را با شرایط معقول و ظرف مدت زمان متعارف تحصیل نماید. رعایت مراتب این بند، درصورت فوریت ناشی از مصالح ملی یا موارد حصول شرایط قهریه در کشور کلاً به تشخیص کمیسیون لازم نخواهد بود، مشروط بر آن که در این قبیل موارد مالک اختراع دراولین فرصت ممکن از تصمیم کمیسیون مطلع شود. و ـ بهره‌برداری از اختراع توسط سازمان دولتی یا اشخاص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده‌اند، برای عرضه در بازار ایران است ز ـ اجازه کمیسیون

درخصوص بهره‌برداری از اختراع در زمینه فنـاوری نیمه‌هادیهـا، تنهـا در موردی جـایز است که به منظور اسـتفاده غیرتجاری عمومی بوده یا درموردی باشد که وزیر یا بالاترین مقام دسـتگاه ذی‌ربط تشخیص دهد که نحوه استفاده از اختراع ثبت شده توسط مالک یا اسـتفاده کننـده آن غیررقـابتی است ح ـ پروانه بهره‌برداری بـدون موافقت مالـک در موارد زیر نیز بـا ترتیبـاتی که ذکر می‌شود قابل صـدور است ۱ـ درصورتی که در یـک گواهینـامه اختـراع ادعـا شـده باشـد که بـدون اسـتفاده از یـک اختـراع ثبت‌شـده قبلی قـابل بهره‌برداری نیست و اختراع مؤخر نسـبت به اختراع مقدم متضـمن پیشـرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجه باشد، اداره مـالکیت صـنعتی به درخواست مالک اختراع مؤخر پروانه بهره‌برداری از اختراع مقـدم را درحـد ضـرورت بـدون موافقت مالک آن صادر می کند. ۲ـ درمواقعی که طبق جزء (۱) این بند پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک صادر شده باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالـک اختراع مقـدم پروانه بهره‌برداری از اختراع مؤخر را نیز بـدون موافقت مالـک آن صـادر می کنـد. ۳ـ درصورت درخـواست صـدور پروانه بهره‌برداری بـدون موافقت مالـک طبق اجزاء (۱) و (۲) این بنـد در تصـمیم مربوط به صـدور هر یـک از پروانه‌هـای مـذکور، حـدود و کـاربرد پروانه و مبلغ مناسبی که بایـد به مالک اختراع ذی‌ربط پرداخت شود و شـرایط پرداخت تعیین می‌شود. ۴ـ درصـورت صـدور پروانه بهره‌برداری طبـق جزء (۱) انتقـال آن فقـط به همراه اختـراع مـؤخر و درصورت صـدور پروانه بهره‌برداری طبق جزء (۲) انتقـال آن فقط به همراه اختراع مقـدم مجاز است ۵ ـ درخواست صـدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک مشـروط به پرداخت هزینه مقرر می‌باشـد. ۶ ـ درصورت صـدور پروانه بهره‌برداری بـدون موافقت مالک، اجزاء ۱) و (۲) این بنـد و بنـدهای (ب تا (و) و نیز بنـد (ط این ماده قابل اعمال است ط ـ تصـمیمات کمیسیون درمحـدوده بندهای این ماده در دادگاه عمومی تهران قابل اعتراض است ماده۱۸ـ هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال گواهینامه اختراعی را از دادگاه درخواست نماید. درصورتی که ذی‌نفع ثابت کند یکی از شـرایط مندرج در مواد (۱)، (۲)، (۴) و صدر ماده (۶) و بنـد (ج آن رعایت نشـده است یا این که مالک اختراع مخترع یـا قـائم مقـام قـانونی او نیست حکم ابطـال گواهینـامه اختراع صادر می‌شود. هر گواهینامه اختراع یا ادعا یا بخشـی از ادعاهـای مربوط که باطـل شـده است از تاریـخ ثبت اختراع باطـل تلقی می‌شود. رأی نهـایی دادگـاه به اداره مـالکیت صـنعتی ابلاغ می گردد و اداره مزبـور آن را ثبت و پس از دریـافت هزینه آگهی مربـوط به آن را دراولین فرصت ممکن منتشـر می کنـد. مـاده۱۹ـ چنانچه مالک اختراع بخواهـد ازاختراع ثبت شـده اسـتفاده کنـد، سازمان ثبت اسـناد و املاک کشور حداکثر ظرف مهلت یک هفته موضـوع را به دسـتگاه یـا دسـتگاههای ذی‌ربـط منعکس می‌نمایـد. دسـتگاههای مـذکور در خصوص امکـان بهره‌برداری از اخـتراع حـداکثر ظرف مـدت دومـاه اظهـار نظر نموده و نتیجه را جهت صـدور پروانه بهره‌برداری کتباً به سازمان ثبت اسـناد و املاک اعلام می‌نماید.

۲– طرحهای صنعتی

ماده۲۰ـ از نظر این قـانون هرگونه ترکیب خطوط یـا رنگهـا و هرگونه شـکل سه‌بعـدی با خطوط رنگها و یا بـدون آن به‌گونه‌ای که ترکیب یـا شـکل یـک فرآورده صـنعتی یـا محصولی از صـنایع دسـتی را تغییر دهـد، طرح صـنعتی است در یـک طرح صـنعتی تنها دسترسی به یک نتیجه فنی بدون تغییر ظاهری مشمول حمایت از این قانون نمی‌باشد. ماده۲۱ـ طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که جدیـد و یا اصیل باشد. طرح صـنعتی زمانی جدیـد است که ازطریق انتشار به طور محســوس و یا از طریق اسـتفاده به هر نحو دیگر قبـل از تاریـخ تسـلیم اظهـارنـامه یا بر حسب مورد قبل از حق تقـدم اظهارنامه برای ثبت در هیـچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشاء نشـده باشـد. مفاد قسـمت اخیر بنـد (هـ) و بنـد (و) ماده (۴) این قـانون درخصوص طرحهـای صـنعتی نیز قابـل اعمـال است ماده۲۲ـ اظهارنـامه ثبت طرح صـنعتی کـه بـه اداره مـالکیت صـنعتی تسـلیم می‌شـود، همراه نقشـه عکس وسایرمشـخصات گرافیکی کالا که‌تشکیل‌دهنده طرح صنعتی هستند و ذکر نوع فرآورده‌هـایی که طرح صـنعتی برای آنها اسـتفاده می‌شود، خواهـد بود. اگر طرح

صنعتی سه بعدی باشد، اداره مالکیت صنعتی می‌تواند نمونه واقعی یا ماکتی از آن را نیز به همراه اظهارنامه درخواست نماید. اظهارنامه مشمول هزینه مقرر برای تسلیم آن خواهد بود. اظهارنامه باید در بردارنده مشخصات طرح باشد و درمواردی که متقاضی همان طراح نیست اظهارنامه باید به همراه مدرکی باشد که ذی‌حق بودن متقاضی را برای ثبت طرح صنعتی ثابت نماید. ماده۲۳ـ مفاد مواد (۵)، (۹) و بند (ج مواد(۱۱) و (۱۵) این قانون درخصوص طرحهای صنعتی نیز قابل اعمال است ماده۲۴ـ دو یاچند طرح صنعتی را می‌توان در یک اظهارنامه قید و تسلیم نمود، مشروط بر آن‌که مربوط به یک طبقه‌بندی بین‌المللی و یا مربوط به یک مجموعه یا ترکیبی از اجزاء باشد. ماده۲۵ـ ممکن است ضمن اظهارنامه درخواست شود که انتشار آگهی ثبت طرح صنعتی از تاریخ تسلیم اظهارنامه حداکثر تا دوازده ماه و یا اگر ادعای حق تقدم شده است از تاریخ حق تقدم به تأخیر افتد. ماده۲۶ـ متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه در جریان بررسی است آن را مسترد نماید. ماده۲۷ـ بررسی ثبت و انتشار آگهی طرح صنعتی به ترتیب زیر خواهد بود: الف ـ تاریخ اظهارنامه همان تاریخ تسلیم آن به اداره مالکیت صنعتی است مشروط بر این که در زمان تسلیم اظهارنامه حاوی کلیه اطلاعاتی باشد که شناسایی متقاضی و همچنین نمایش گرافیکی کالای متضمن طرح صنعتی را میسر سازد. ب ـ اداره مالکیت صنعتی پس از وصول اظهارنامه آن را ازنظر مطابقت با مفاد ماده (۲۲) و نیز این‌که طرح صنعتی مذکور، وفق مقررات مندرج در ماده (۲۰) و بند (و) ماده (۴) و مقررات مربوط می‌باشد، بررسی می‌کند. ج ـ درصورتی که اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد شرایط موضوع بند (ب این ماده رعایت شده است طرح صنعتی را ثبت و آگهی مربوط را منتشر و گواهی ثبت آن را به نام متقاضی صادر می‌نماید در غیر این‌صورت اظهارنامه را مردود اعلام می‌کند. د ـ هرگاه درخواستی طبق ماده (۲۵) ارائه شده باشد، پس از ثبت طرح صنعتی نمونه طرح و مفاد اظهارنامه منتشر نمی‌شود. در این صورت اداره مالکیت صنعتی یک آگهی حاوی تأخیر انتشار طرح صنعتی مذکور و اطلاعات مربوط به هویت مالک طرح ثبت شده و تاریخ تسلیم اظهارنامه و مدت تأخیر مورد درخواست و سایر امور ضروری را منتشر می‌کند. پس از انقضاء مدت تأخیر درخواست شده اداره مالکیت صنعتی آگهی طرح صنعتی ثبت‌شده را منتشر خواهد کرد. رسیدگی به دعوی راجع به یک طرح صنعتی ثبت شده درمدت تأخیر انتشار آگهی مشروط به آن است که اطلاعات مندرج در دفاتر ثبت و اطلاعات مربوط به پرونده اظهارنامه به شخصی که علیه او دعوی اقامه می‌شود به طور کتبی ابلاغ شده باشد. ماده۲۸ـ حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف ـ بهره‌برداری از هر طرح صنعتی که در ایران ثبت شده باشد، توسط اشخاص مشروط به موافقت مالک آن است ب ـ بهره‌برداری از یک طرح صنعتی ثبت شده عبارت است از: ساخت فروش و وارد کردن اقلام حاوی آن طرح صنعتی ج ـ مالک طرح صنعتی ثبت شده می‌تواند علیه شخصی که بدون موافقت او افعال مذکور در بند (ب این ماده را انجام دهد یا مرتکب عملی شود که عادتاً موجبات تجاوز آینده را فراهم آورد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. د ـ مدت اعتبار طرح صنعتی پنج سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن خواهد بود. این مدت را می‌توان برای دو دوره پنجساله متوالی دیگر پس از پرداخت هزینه مربوط تمدید نمود. پس از انقضاء هر دوره که از پایان دوره شروع می‌شود، یک مهلت شش ماهه برای پرداخت هزینه تمدید گردیده و همچنین جریمه تأخیر در نظر گرفته خواهد شد. ماده۲۹ـ هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت طرح صنعتی را درخواست نماید. در این صورت باید ثابت کند که یکی از شرایط مندرج در مواد (۲۰) و (۲۱) رعایت نشده است و یا کسی که طرح صنعتی به نام وی ثبت شده پدیدآورنده آن‌طرح یا قائم‌مقام قانونی او نیست مفاد قسمت‌اخیر ماده(۱۸) دراین خصوص نیز اعمال می‌شود.

۳– علائم تجاری

ماده۳۰ـ علامت علامت جمعی و نام تجاری عبارتند از: الف ـ علامت یعنی هر نشان قابل رؤیتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد. ب ـ علامت جمعی یعنی هر نشان قابل رؤیتی که باعنوان علامت جمعی در

اظهارنامه ثبت معرفی شود و بتواند مبدأ و یا هرگونه خصوصیات دیگر مانند کیفیت کالا یاخدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده جمعی استفاده می‌کنند متمایز سازد. ج ـ نام تجارتی یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص‌کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد. ماده۳۱ـ حق استفاده انحصاری از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد. ماده۳۲ـ علامت درموارد زیر قابل ثبت نیست الف ـ نتواند کالاها یا خدمات یک مؤسسه را از کالاها و خدمات مؤسسه دیگر متمایز سازد. ب ـ خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد. ج ـ مراکز تجاری یا عمومی را به ویژه درمورد مبدأ جغرافیایی کالاها یا خدمات یا خصوصیات آنها گمراه کند. د ـ عین یا تقلید نشان نظامی پرچم یا سایر نشانهای مملکتی یا نام یا نام اختصاری یا حروف اول یک نام یا نشان رسمی متعلق به کشور، سازمانهای بین‌الدولی یا سازمانهایی که تحت کنوانسیونهای بین‌المللی تأسیس شده‌اند، بوده یا موارد مذکور یکی از اجزاء آن علامت باشد، مگر آن که توسط مقام صلاحیتدار کشور مربوط یا سازمان ذی‌ربط اجازه استفاده از آن صادر شود. هـ ـ عین یا به طرز گمراه‌کننده‌ای شبیه یا ترجمه یک علامت یا نام تجاری باشد که برای همان کالاها یا خدمات مشابه متعلق به مؤسسه دیگری در ایران معروف است و ـ عین یا شبیه آن قبلاً برای خدمات غیرمشابه ثبت و معروف شده باشد مشروط بر آن که عرفاً میان استفاده از علامت و مالک علامت معروف ارتباط وجود داشته و ثبت آن به منافع مالک علامت قبلی لطمه وارد سازد. ز ـ عین علامتی باشد که قبلاً به نام مالک دیگری ثبت شده و یا تاریخ تقاضای ثبت آن مقدم یا دارای حق تقدم برای همان کالا و خدمات و یا برای کالا و خدماتی است که به‌لحاظ ارتباط و شباهت موجب فریب و گمراهی شود. ماده۳۳ـ اظهارنامه ثبت‌علامت به همراه نمونه علامت وفهرست کالاها یا خدماتی که ثبت علامت برای آنها درخواست شده و براساس طبقه‌بندی قابل اجراء یا طبقه‌بندی بین‌المللی باشد، به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. پرداخت هزینه‌های ثبت علامت بر عهده متقاضی است ماده۳۴ـ درصورتی که اظهارنامه دربردارنده ادعای حق تقدم به شرح مذکور در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی باشد که توسط متقاضی یا سلف او در هر کشور عضو کنوانسیون تقاضا شده است طبق مفاد ماده (۹) این قانون رفتار می‌شود. ماده۳۵ـ متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه او هنوز ثبت‌نشده آن را مسترد کند. ماده۳۶ـ اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را ازلحاظ انطباق با شرایط و مقررات مندرج در این قانون بررسی و درصورتی که علامت را قابل ثبت بداند، اجازه انتشار آگهی مربوط به آن را صادر می‌کند. ماده۳۷ـ هر ذی‌نفع می‌تواند حداکثر تا سی روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را مبنی بر عدم رعایت مفاد بند (الف ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون به اداره مالکیت صنعتی تسلیم نماید. دراین صورت : ۱ـ اداره مالکیت صنعتی رونوشت اعتراض‌نامه را به متقاضی ابلاغ کرده و بیست روز به او مهلت می‌دهد تا نظر خود را اعلام کند. متقاضی درصورت تأکید بر تقاضای خود یادداشت متقابلی را به همراه استدلال مربوط به اداره مذکور می‌فرستد. درغیر این‌صورت اظهارنامه وی مسترد شده تلقی خواهد شد. ۲ـ اگر متقاضی یادداشت متقابلی بفرستد، اداره مالکیت صنعتی رونوشت آن را دراختیار معترض قرار می‌دهد و با درنظر گرفتن نظرات طرفین و مواد این قانون تصمیم می‌گیرد که علامت را ثبت و یا آن را رد کند. ماده۳۸ـ پس از انتشار آگهی اظهارنامه و تا زمان ثبت علامت متقاضی از امتیازات و حقوقی برخوردار است که درصورت ثبت برخوردار خواهد بود. با این حال هرگاه به وسیله متقاضی ثبت درباره عملی که پس از آگهی اظهارنامه‌انجام شده دعوایی مطرح شود و خوانده ثابت کند که در زمان انجام عمل علامت، قانوناً قابل ثبت نبوده است به دفاع خوانده رسیدگی و درمورد ثبت یا عدم ثبت علامت تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود. ماده۳۹ـ هرگاه اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که شرایط مندرج در این قانون رعایت شده است علامت را ثبت کرده و آگهی مربوط به ثبت آن را منتشر و گواهینامه ثبت را به‌نام متقاضی صادر می‌نماید. ماده۴۰ـ حقوق ناشی از ثبت علامت مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف ـ استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیراز مالک علامت مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد. ب ـ مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از

علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یاخدمات مشابه موجب گمراهی عموم می‌گردد. ج ـ حقوق ناشی از ثبت علامت اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می‌گردد، شامل نمی‌شود. د ـ مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می‌باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره‌های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می‌شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تأخیر، درنظر گرفته می‌شود. ماده۴۱ـ هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت علامت را درخواست نماید. دراین‌صورت باید ثابت کند مفاد بند (الف ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون رعایت نشده است ابطال ثبت یک علامت از تاریخ ثبت آن مؤثر است و آگهی مربوط به آن نیز دراولین فرصت ممکن منتشر می‌شود. هر ذی‌نفع که ثابت کند که مالک علامت ثبت شده شخصاً یا به وسیله شخصی که از طرف او مجاز بوده است آن علامت را حداقل به مدت سه سال کامل از تاریخ ثبت تا یک ماه قبل از تاریخ درخواست ذی‌نفع استفاده نکرده است می‌تواند لغو آن را از دادگاه تقاضا کند. درصورتی که ثابت شود قوه‌قهریه مانع استفاده از علامت شده‌است ثبت علامت لغو نمی‌شود. ماده۴۲ـ با رعایت این ماده و ماده (۴۳)، مواد (۳۱) تا (۴۱) این قانون درمورد علائم جمعی نیز قابل اعمال است در اظهارنامه ثبت علامت جمعی ضمن اشاره به جمعی بودن علامت نسخه‌ای از ضوابط و شرایط استفاده از آن نیز ضمیمه می‌شود. مالک علامت جمعی ثبت شده باید اداره مالکیت صنعتی را از هرگونه تغییر در ضوابط و شرایط مذکور در صدر این ماده مطلع کند. ماده۴۳ـ علاوه بر موجبات ابطال مذکور در ماده (۴۱)، هرگاه خواهان ثابت کند که مالک علامت ثبت شده از آن به تنهایی و یا برخلاف ضوابط مندرج در ذیل ماده(۴۲) از آن استفاده کرده و یا اجازه استفاده از آن را صادر می‌کند یا به نحوی از علامت جمعی استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد که موجب فریب مراکز تجاری یا عمومی نسبت به مبدأ و یا هرخصوصیت مشترک دیگر کالا ـ و خدمات مربوط گردد، دادگاه علامت جمعی را باطل می‌کند. ماده۴۴ـ قرارداد اجازه بهره‌برداری از ثبت یا اظهارنامه ثبت علامت باید به طور مؤثر کنترل اجازه دهنده بر کیفیت و مرغوبیت کالا و ارائه خدمات توسط استفاده‌کننده را در برداشته باشد. درغیر این صورت یا درصورتی که کنترل به طور مؤثر انجام نگیرد، قرارداد اجازه بهره‌برداری فاقد اعتبار خواهد بود. ماده۴۵ـ ثبت علامت جمعی یا اظهارنامه آن نمی‌تواند موضوع قرارداد اجازه بهره‌برداری باشد. ماده۴۶ـ اسم یا عنوانی که ماهیت یا طریقه استفاده از آن برخلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد و یا موجبات فریب مراکز تجاری یا عمومی را نسبت به ماهیت مؤسسه‌ای فراهم کند که اسم یا عنوان معرف آن است نمی‌تواند به عنوان یک نام تجارتی به کار رود. ماده۴۷ـ با رعایت قوانین و مقررات ثبت اجباری نامهای تجارتی این قبیل نامها حتی بدون ثبت در برابر عمل خلاف قانون اشخاص ثالث حمایت می‌شوند. هرگونه استفاده از نام تجارتی توسط اشخاص ثالث به صورت نام تجارتی یا علامت یا علامت جمعی یا هرگونه استفاده از آنها که عرفاً باعث فریب عموم شود، غیرقانونی تلقی می‌شود.

۴– مقررات عمومی

ماده۴۸ـ هرگونه تغییر در مالکیت اختراع ثبت طرح صنعتی یا ثبت علائم تجاری یا علامت جمعی یا حق مالکیت ناشی از تسلیم اظهارنامه مربوط به درخواست کتبی هر ذی‌نفع از اداره مالکیت صنعتی انجام شده و به ثبت می‌رسد و جز درمورد تغییر مالکیت اظهارنامه توسط اداره مذکور آگهی می‌شود. تأثیر این گونه تغییر نسبت به اشخاص ثالث منوط به تسلیم درخواست مذکور است تغییر در مالکیت ثبت علامت یا علامت جمعی درصورتی که در مواردی مانند ماهیت مبدأ، مراحل ساخت خصوصیات یا تناسب با هدف کالاها یاخدمات سبب گمراهی یا فریب عمومی شود، معتبر نیست هرگونه تغییر در مالکیت ثبت یک علامت جمعی یا

مالکیت اظهارنامه مربوط به آن منوط به موافقت قبلی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. ماده۴۹ـ هرگونه تغییر در مالکیت نام تجاری باید همراه با انتقال مؤسسه یا بخشی از آن که با نام مزبور شناخته می‌شود، صورت پذیرد. ماده۵۰ ـ هرگونه قرارداد اجازه بهره‌برداری از اختراع و طرحهای صنعتی ثبت شده یا علامت ثبت شده یا اظهارنامه مربوط به آنها به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. اداره مالکیت صنعتی مفاد قرارداد را به صورت محرمانه حفظ ولی اجازه بهره‌برداری را ثبت و آگهی می‌کند. تأثیر این گونه قراردادها نسبت به اشخاص ثالث منوط به مراعات مراتب فوق است ماده۵۱ ـ درصورتی که محل اقامت متقاضی یا مرکز اصلی تجارت وی خارج از ایران باشد، وکیل قانونی او که مقیم و شاغل در ایران است می‌تواند به نمایندگی از او اقدامات لازم را انجام دهد. ماده۵۲ ـ تصدی امور مربوط به مالکیت صنعتی و همچنین نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی و اتحادیه‌های مربوط به کنوانسیونهای ذی‌ربط به عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است ثبت کلیه موضوعات مالکیت صنعتی اعم از اختراع علامت علامت جمعی طرح صنعتی نیز توسط اداره مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام می‌شود. در مواردی که مراجع دیگر به موجب قانون اقدام به بررسی و ثبت می‌نمایند درصورتی از حمایتها و امتیازات مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند که حسب مورد مالکیت یا اختراع آنها در اداره مالکیت صنعتی به ثبت رسیده باشد. ماده۵۳ ـ اداره مالکیت صنعتی با استفاده از شیوه‌های نوین دفاتر جداگانه‌ای برای ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجارتی پیش‌بینی می‌کند. علائم جمعی در بخش ویژه‌ای در دفتر ثبت علائم ثبت می‌شود. ماده۵۴ ـ اطلاعات موجود در دفاتر ثبت قابل دسترسی همگان بوده و هر شخص می‌تواند برابر مقررات مندرج در آئین‌نامه اجرائی اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت نماید. ماده۵۵ ـ اداره مالکیت صنعتی کلیه آگهی‌های مذکور در این قانون را در روزنامه رسمی کشور منتشر خواهد کرد. ماده۵۶ ـ اداره مالکیت صنعتی مجاز است هرگونه اشتباه در ترجمه یا نسخه‌برداری اشتباه اداری اشتباه در اظهارنامه و یا اشتباه در هر یک از ثبت‌های انجام‌شده طبق این قانون یا آئین‌نامه اجرائی را تصحیح کند. ماده۵۷ ـ اداره مالکیت صنعتی پس از دریافت هرگونه درخواست کتبی مبنی بر تمدید مهلت انجام هر اقدامی که در این قانون یا آئین‌نامه اجرائی آن پیش‌بینی شده است پس از بررسی شرایط موجود می‌تواند آن را تمدید نماید. این کار پس از اعلام به اشخاص ذی‌نفع طبق مقررات مذکور در آئین‌نامه انجام می‌شود. ماده۵۸ ـ اداره مالکیت صنعتی قبل از اعمال اختیارات قانونی به طرفی که می‌خواهد علیه او تصمیم بگیرد فرصت کافی می‌دهد تا مطالب خود را اعلام نماید. دراین صورت هرگونه تصمیم با لحاظ اعلام مذکور اتخاذ می‌شود. ماده۵۹ ـ رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاههای عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش‌ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. تصمیمات اداره مالکیت صنعتی توسط اشخاص ذی‌نفع قابل اعتراض است و دادخواست مربوط باید ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم به ذی‌نفع و یا اطلاع او از آن به دادگاه صالح تقدیم گردد. تجدیدنظرخواهی از آراء و نحوه رسیدگی تابع مقررات آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است ماده۶۰ ـ نقض حقوق مندرج در این قانون عبارت است از معنای انجام هرگونه فعالیتی در ایران که توسط اشخاصی غیر از مالک حقوق تحت حمایت این قانون و بدون موافقت او انجام می‌گیرد. علاوه بر مالک حقوق تحت حمایت این قانون هرگاه ثابت شود دارنده اجازه استفاده، از مالک درخواست کرده است تا برای خواسته معینی به دادگاه دادخواست بدهد و مالک امتناع کرده یا نتوانسته آن را انجام دهد، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید. ماده۶۱ ـ هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد(۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته‌شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود. در دعوای

مدنی راجع به نقض حقوق مالك اختراع در مواقعی که اختراع فرآیند دستیابی به یک فرآورده باشد، درصورت وجود شرایط زیر، مسؤولیت اثبات این که فرآورده ازطریق آن فرآیند ساخته نشده است به عهده خوانده دعوی نقض حق خواهد بود. در این صورت دادگاه درصورت ارائه اسناد و مدارك منافع مشروع خوانده دعوی نقض حق را از جهت عدم افشاء اسرار تولیدی و تجاری وی در نظر خواهد گرفت ۱ـ فرآورده جدید باشد. ۲ـ احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرآیند مزبور ساخته شده و مالك حقوق ثبت‌شده علی‌رغم تلاشهای معقول نتوانسته است فرآیندی را که واقعاً استفاده شده تعیین نماید. ماده۶۲ ـ درصورت تعارض مفاد این قانون با مقررات مندرج در معاهدات بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته و یا می‌پیوندد، مقررات معاهدات مذکور مقدم است ماده۶۳ ـ باپیش‌بینی درقانون بودجه سالانه تامعادل پنجاه درصد(۵۰٪) از درآمد ارزی ناشی از اجراء مفاد کنوانسیونهای مربوط به ثبت بین‌المللی مالکیت صنعتی که از تاریخ تصویب این‌قانون عاید می‌گردد، برای ارتقاء و تجهیز اداره مالکیت صنعتی و ارتقاء کیفی آن در قانون بودجه سالانه اختصاص می‌یابد. پس از تأیید اداره مالکیت صنعتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ارز مورد نیاز صاحبان ایرانی حقوق مالکیت صنعتی را جهت ثبت بین‌المللی این حقوق برابر تعرفه‌های مذکور در کنوانسیونها و مقررات بین‌المللی با نرخ رسمی تأمین نماید. ماده۶۴ ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف یک سال از تاریخ تصویب توسط سازمان ثبت اسناد و املاك کشور تهیه و به‌تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. در آئین‌نامه مذکور به‌ویژه باید تعرفه هزینه‌های مربوط به اظهارنامه‌های ثبت اختراعات و طرحهای صنعتی ثبت علائم و علائم جمعی و تمدید ثبت آنها و جرائم تأخیر در تمدید با رعایت این قانون و مفاد کنوانسیونهای مربوط که جمهوری اسلامی ایران عضویت در آنها را پذیرفته است تعیین شود و درصورت لزوم هر سه سال یک بار قابل تجدید نظر می‌باشد. ماده۶۵ ـ اختراعات و علائم تجارتی که قبلاً ـ برابر مقررات سابق ثبت شده است، معتبر بوده و مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد. در این صورت : الف ـ درمورد اختراعات باید هزینه‌های سالانه مقرر در این قانون برای مدت باقیمانده پرداخت شود. ب ـ علائم باید درموعد مقرر در همان قانون تمدید شده و پس از تمدید براساس طبقه‌بندی بین‌المللی مجدداً طبقه‌بندی شود. ماده ۶۶ ـ از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱/۴/۱۳۱۰و اصلاحات بعدی آن و آئین‌نامه‌های مربوط به آن ملغی می‌شود. قانون فوق مشتمل بر شصت و شش ماده در جلسه مورخ هفتم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید.

۴۰– اعاده اعتبار و حیثیت

اعاده اعتبار و حیثیت – اعاده اعتبار و حیثیت برابر ماده ۵۶۱ ق.ت. (هرتاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است بپردازد حقا اعاده اعتبار می نماید) که اعاده اعتبار حقیقی است. نوع دیگری از اعاده اعتبار نیز وجود دارد به نام اعاده اعتبار قانونی و آن موقعی است که تاجر ورشکسته ای که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده تمام وجوهی که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب درمورد شریک شرکت ورشکسته که شخصا تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می شود و تاجر ورشکسته ای که کلیه بستانکاران ذمه او را بری کرده یا به ادعاده اعتبار وی رضایت بدهند می تواند اعتبار خود را اعاده نماید.

۴۱– تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه

۱– خاتمه ورشکستگی

تصـفیه امور ورشکسـتگی طبق قانون اداره تصـفیه - خاتمه ورشکسـتگی در تصـفیه عادی پس از تقسیم اموال و خاتمه ورشکستگی کارمند مربوطه گزارشـی مبنی بر خاتمه ورشکسـتگی به رئیس اداره تصـفیه می دهد. دراین گزارش خلاصه عملیات تصفیه و علت ورشکسـتگی و مبلغ دارائی بدهی و میزان کسری و همچنین سهمیه هایی که برابر ماده ۴۷ قانون اداره تصفیه در صندوق دادگستری به ودیعه گذاشته شده قید می گردد. متعاقبا ورشکستگی از طرف رئیس اداره تصفیه اعلام و انتشار می گردد.

۲- اداره تصفیه

تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه - اداره تصفیه به موجب ماده ۱ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی سازمانی به نام اداره تصـفیه امور ورشکستگی که در حال حاضر زیر نظر شورای عالی قضائی وزارت دادگستری انجام وظیفه می نماید در تهران و در بعضـی از شهرستانهای مهم تاسیس گردیده است. اما در تقاطی که اداره تصفیه تشکیل نشده است. امرتصفیه توسط مدیر تصفیه و نظـارت عضو نـاظر صورت میگیرد. برابر مـاده ۲ (ق.ا.ت.ا.و) (رئیس و کارمنـدان اداره تصـفیه ممکـن اسـت از بین خـدمتگزاران قضائی یا اداری یا غیر از خـدمتگزاران دولت انتخاب شونـد...). کارمنـدان اداره تصـفیه به دو گروه تقسیم می شوند یکی قضات و دیگری کارمنـدان اداری. قضـات اداره تصـفیه نقش مـدیر را در رسیدگی به پرونـده هـای ورشکسـتگی و عملیـات تصـفیه ایفا می نمایند. قضات مزبور که از جمله قضات ایسـتاده می باشـند از میان دادرسان وزارت دادگستری بنا به پیشـنهاد مدیر کل اداره تصـفیه امور ورشکسـتگی تحت نظـارت شورای عـالی قضـائی تعیین می شونـد. کارمنـدان اداری به سه دسـته تقسیم می شونـد: کارمنـدان حسابـداری که امور حسابـداری را طبق مقررات خـاص حسابـداری و دسـتورات رئیس حسابـداری اداره کـل تصـفیه یا رئیس اداره تصـفیه انجام میدهند. کارمندان دبیرخانه که امور دفتری اداره تصفیه وامور اجرائی و دستورات قضات را انجام می دهند. کارمندانی که معمولا سابقه قضائی دارند و مانند قضات به پرونده های ورشکسـتگی رسیدگی می نمایند. اول - دفاتر اداره تصـفیه و برگهای نمونه طبق مـاده ۱ آئین نامه قانون اداره تصـفیه امور ورشکسـتگی اداره تصـفیه ملزم به داشـتن دفاتر زیر می باشـد: ۱- دفتر فهرست ورشکستگان ۲- دفتر فهرست مـاموریت ها ۳- دفتر صـندوق و دفتر تراز آزمایش. ۵- دفتر نماینـده دوم - امور مالی اداره تصـفیه - صندوق (الف و ب) اداره تصفیه که عملیات مربوط به امور ورشکستگی را انجام می دهد نیاز به هزینه های ضروری دارد. به همین جهت قانونگذار صراحتا حق وصول هزینه های مزبور را پس از مشخص شدن اموال ورشکسته و قبل از تقسیم آنها بین غرما به اداره مزبور داده است. (صـندوق الف) از طرف دیگر برای جلوگیری از محظورات مالی صـندوق دیگری نیز پیش بینی گردیده است که در آمـدهایی را طبق قـانون وصول نمایـد. اداره تصـفیه قبلاـ اسـتقلال مـالی داشت ولی به موجب ماده واحـده لایحه قانونی راجع به درآمدهای اختصاصـی چون کلیه درآمدهای اختصاصـی وزارتخانه ها و موسسات دولتی باید به درآمد عمومی منتقل گردد. لذا در آمدهای اداره تصفیه امور ورشکستگی نیز به درآمد عمومی انتقال یافته و درمقابل اعتبار مورد نیاز اداره مزبور ضمن بودجه وزارت دادگستری در ردیف خاصـی منظور می گردد. طبق مـاده ۵۱ (ق.ا.ت.ا.و) اداره تصـفیه دارای دو صـندوق به نام صندوق الف و ب می باشد که ذیلا به شرح آنها می پردازیم: صندوق الف باید بین درامد و هزینه صندوق مزبور قائل به تفکیک شد: درآمد صندوق الف عبارت از وجوهی است که حاصل ویژه دارائی ورشکسـته به عنوان هزینه امور ورشکستگی به شرح زیر احتساب وبرداشت می شود: تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال ۸٪ نسبت به مازاد ۱۰۰/۰۰۰ ریال تا ۵۰۰/۰۰۰ ریال ۷٪ نسبت هب مازاد ۵۰۰/۰۰۰ ریال به بالا ۶٪ در رابطه بـا هزنیه صـندوق (الـف) وجوهی که به شـرح مـاده ۱ تصـویب نـامه مـذکور وصـول می شـود بایـد به تجویز مـاده واحـده راجع به درآمدهای اختصاصی وزارتخانه ها به درآمد عمومی انتقال گردد و همانطور که اشاره شد هزینه های امور ورشکسته از محل اعتبار مصوبه سالیانه اداره تصـفیه تامین می گردد و اسناد هزینه باید به امضای متفق رئیس اداره کل تصفیه ذیحساب وزارت دارائی برسد.

صندوق ب درامد صندوق (ب) عبارت است از ۲۵٪ حقوقی که به موجب قانون ثبت شرکتها و ماده ۱۱ قانون تجارت برای امضا دفاتر تعلق می گیرد ضمنا میزان حق الثبت و پلمپ دفاتر تجارتی به استثنا بهای تقاضانامه و اظهارنامه پلمپ و نیز درآمد صندوق (ب) به ازا هر یکصد صفحه دفتر تجارتی ۲۰۰ ریال کسر صد صفحه اول حداقل حق الثبت یکصد صفحه ۲۰۰ ریال محاسبه می شود. وجوه صندوق (ب) پس از تامین کسری اعتبارات صندوق (الف) طبق بودجه ای که هر سال از طرف وزارت دادگستری تنظیم و به تصویب هیئت وزیران می رسد به تریتب به مصارف زیر خواهد رسید: پرداخت کسری هزینه های بیمارستان وزارت دادگستری پرداخت حقوق و مزایای کارمندانی که حسب ضرورت از طرف اداره کل تصفیه پرداخت شده ودر دادگستری مشغول به کار می باشند. پرداخت فوق العاده سختی معیشت قضائی که در بخش های خارج از مرکز و نقاط دوردست و صعب المعیشه انجام وظیفه می نمایند. کمک به صندوق تعاونی کارمندان قضائی و اداری دادگستری تامین هزینه های لازم برای اجرا قانون اطفال بزهکار وتاسیس دادگاه بخش در خارج از مقرر دادگاه شهرستان. تامین هزینه های لازم به منظور اجرای قانون اقدامات تامینی.

۳– وظایف اداره تصفیه

تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه – وظایف اداره تصفیه اول – اقدامات تامین و حفظ حقوق اشخاص ثالث اراه تصفیه ه تجویز ماده ۳ (آ.ق.ا.ت.ا.و) حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی ورشکسته را بر حسب تاریخ در دفتر فهرست ورشکستگان ثبت و شماره گذاری کرده و به نظر رئیس اداره می رساند. سپس پرونده معمولا به یکی از کارمندان قضائی یا اداری محول می گردد. متصدی پرونده مکلف است از روز شروع ماموریت خود برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته اقدامات تامینی علیه مدیوئین او به عمل آورد و برای انجام امور فوق قانونگذار استقراض اداره تصفیه را عنداللزوم به اعتبار دارائی موجود ورشکسته برای اقدامات تامینی بدوی پیش بینی نموده است. سایر اقدامات تامینی عبارت است از: صورت برداری از اموال ورشکسته و مهر و موم آنها و توقیف ورشکسته. دوم – فروش اموال و تقسیم وجوه حاصله بین بستانکاران در صورتی که قرارداد ارفاقی با تاجر ورشکسته منعقد نشده باشد اموال تاجر مزبور اصولا به طریق مزایده به فروش رسیده و حاصل فروش بین بستانکاران ورشکسته تقسیم می شود. اگره هیئتی از بستانکاران که واحد شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ ق.ت. می باشند رضایت بدهند و وقتی که مال در بازار بورس یا در بازار ارزش معینی دارد(مانند سهام شرکتها) به استثنای اشیا مورد وثیقه که آنها را نمی توان بدون جلب رضایت صاحبان حق وثیقه به طریق غیر مزایده فروخت و نیز اموال فاسد شدنی و اشیایی که در معرض تنزل قیمت هستند و نگهداری آنها مستلزم هزینه غیر متناسبی باشد استثنائا بدون مزایده و به طریق عادی به فروش میرسد. گاهی به علت طول عملیات تصفیه امور ورشکستگی اداره تصفیه به تقسیم موقت سهام مبادرت می کند. این تقسیم موقت باید پس از انقضا مهلت ۲۰ روز از تاریخ انتشار آگهی مربوط به صورت طبکاران انجام پذیرد. ضمنا اداره تصفیه صورت موقت تقسیم سهام را تهیه نموده و با اعلام قبلی آن را به مدت ۱۰ روز دردسترس بستانکاران قرار می دهد. درمورد بستانکارانی که طلب آنها موجل است قبل از رسیدن سررسید طلب پرداختی به آنان صورت نمی گیرد مگر آنکه نسبت به کسر فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند. (مواد ۴۸ و ۳۶ ق.ا.ت. ا.و. و ۵۴ آ.ق.ا.ت.ا.و). صورت تقسیم و حساب نهائی که پس از قطعیت کلیه دعاوی مربوط به اموال دیون ورشکسته تنظیم می گردد. درمدت ۱۰ روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به اطلاع آنان خواهد رسید. ضمنا خلاصه ای از صورت مربوط به سهم هر یک از بستانکاران به انان فرستاده می شود. پس از انقضا مدت نامبرده اداره تصفیه بدوا هزینه توقف و هزینه تصفیه را احتساب و برداشت نموده و سپس اقدام به پرداخت سهم هر یک از سهام می نماید. اگر بستانکاری کاملا به حق خودرسید باید سند مربوط را به اداره تصفیه تسلیم نماید. اما اگر قسمتی از طلب خود را دریافت کرد مراتب در سند قید شده و به بستانکار مزبور سند عدم کفایت دارایی داده خواهد شد تا به هنگام ملائت ورشکسته بتواند با ارائه سند مزبور بقیه طلب خودرا ادعا و وصول نماید.

۴۲- ورشکستگی و تصفیه اموال

۱- تصفیه امور ورشکستگی مطابق قانون تجارت

ورشکستگی و تصفیه اموال – تصفیه امور ورشکستگی مطابق قانون تجارت برابر ماده ۴۰۴ قانون تجارت دادگاه درضمن صدور حکم ورشکستگی و یا حداکثر ظرف ۵ روز از صدور حکم یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه و مطابق با ماده ۴۲۷ ق.ت. یک نفر را به سمت عضو ناظر تعیین می نماید. الف – وظایف عضو ناظر و مدیر تصفیه عضو ناظر و مدیر تصفیه به منظور اقدامات تامینی به دعوت بستانکاران و بدهکاران ورشکسته اداره اموال و وصول مطالبات ورشکسته فروش اموال ورشکسته تقسیم دارائی ورشکسته بین بستانکاران و بالاخره اعلام خاتمه ورشکستگی اقدام می نمایند. برابر ماده ۴۳۴ ق.ت. دادگاه به عضو ناظر ماموریت می دهد که از کلیه اموال تاجر ورشکسته فورا صورت برداری نماید و این صورت برداری علی اقاعده باید در یک روز انجام شود چنانچه به نظر عضو ناظر مدت صورت برداری از دارائی تاجر متجاوز از یک روز باشد عضو ناظر اقدام به مهر وموم اموال تاجر می نماید. درمهر و موم اموال تاجر ورشکسته عضو ناظر به ترتیب انبارها حجره ها صندوق اسناد دفاتر نوشته ها اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر را مهر و موم خواهد نمود(ماده ۴۳۸ ق.ت.) اگر شرکت ورشکسته تضامنی نسبی یا مختلط باشد اموال شخصی شرکا ضامن مهر وموم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی شرکا نیز به موجب حکم جداگانه یا ضمن حکم ورشکستگی شرکا نیز به موجب حکم جداگانه یا ضمن حکم ورشکستگی شرکت صادر شده باشد. البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم هستند اشیائی که ممکن از قریبا ضایع شود و یا کسر قیمت حاصل نمایند واشیائی که برای به کارانداختن سرمایه تاجر ورشکسته واستفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت طلبکاران باشد از مهر و موم مستثنی هستند. مدیر تصفیه همچنین مکلف است صورت طلبکاران احتمالی ورشکسته را تهیه نماید و برای این منظور باید به صورت قروضی که تاجر متوقف داده است مراجعه نماید و در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد بر طبق ماده ۴۴۹ ق.ت. عمل نماید. وقتی که حکم ورشکستگی صادر گردید بستانکاران تاجر ورشکسته مکلفند پس از آگهی دعوت مدیر تصفیه اسناد طلب خود یا رونوشت مصدق آن را به عنوان انضمام فهرستی که کلیه مطالبات بستانکاران را معین نماید به مدیر دفتر دادگاه صادر کننده حکم تسلیم نموده و رسید آن را دریافت دارند. تشخیص مطالبات بستانکاران مزبور باید ظرف ۳ روز از تاریخ پایان مهلت های نشر آخرین آگهی در روزنامه شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر تعیین گردیده است ادامه یابد در صورتی که طلب مسلم و قبول شده مدیر تصفیه بر روی سند این عبارت را می نویسد: جزو قروض ... مبلغ... قبول شد به تاریخ... و عضو ناظر نیز آنرا گواهی می کند. اول – طبقه بندی بستانکاران بستانکاران را می توا به چهار طبقه زیر تقسیم نمود: ۱- بستانکاران با حق وثیقه منقول ۲- بستانکاران با حق وثیقه غیر منقول ۳- بستانکاران با حق رجحان ۴- بستانکارن عادی که به غرما مشهور شده اند و به نسبت طلب خود حصه می برند. ۱- بستانکاران با حق وثیقه منقول طلبکارانی که رهینه منقول در دست دارند به عبارت دیگر درقبال طلب خود مال منقولی از تاجر اخذ نموده اند نام آنان فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می شود به این معنا که آنها می توانند تمام طلب خود را که صحت آنها تصدیق شده از دارائی تاجر ورشکسته بگیرند و نیازی نیست که داخل در غرما شوند. مدیر تصفیه می تواند هر موقع که بخوهد با اجازه عضو ناظر طلب بستانکاران مزبور را داده و مال الرهانه را از رهن خارج ساخته و جز دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد.در صورتی که مورد وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت دادستان و با حضور مرتهن آنان را به فروش برساند. ۲- بستانکاران با حق وثیقه غیر منقول طلبکارانی که رهینه غیر منقول دارند نسبت به مال مزبور تقدم دارند وشکی نیست که قبل از پرداخت طلب این قبیل اشخاص که

در مقابـل طلب خـود مـال غیر منقـول تـاجر ورشکسـته را در تصـرف دارنـد نمی توان از آنـان خلع یـد نمود. به این ترتیب از وجوه حاصـل از فروش مـال غیر منقول بـدوا بایـد طلب طلبکـاری که رهینه غیر منقول دارد پرداخت گردد حـال اگر حاصل فروش مزبور کفایت طلب مرتهن را ننمایـد نسـبت به بقیه طلب جز غرما معمولی منظور شده واز وجوهی که برای غرما مقرر شده است حصه می برد به شـرط آنکه طلب وی تصـدیق شـده باشد. (ماده ۵۱۸ ق.ت). ۳- بسـتانکاران بـا حق رجحان ماده ۵۸ قانون اداره تصـفیه امور ورشکسـتگی بسـتانکاران با حق رجحان را به شـرح زیر احصا نموده است: طبقه اول: حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف حقوق خدمتگزار بنگاه ورشکسته برای مدت ۶ ماه آخر قبل از توقف دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف . طبقه دوم: طلب اشخاصـی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسـته از جهت ولایـت و یـا قیـومت مـدیون شـده است. طبقه سـوم: طلب پزشـک و دارو فروش ومطالبـاتی که به مصـرف مداوای مدیون وخانواده اش در ظرف سال قبل از توقف رسـیده باشد. طبقه چهارم: نفقه زن مطابق ماد ۱۲۰۶ قانونی مدنی مهریه زن تـا میزان ۱۰/۰۰۰ ریـا لبه شـرط آنکه ازدواج اقلاه ۵ سـال قبـل از توقف واقع شـده باشـد و نسبت به مازاد جز سایر دیون محسـوب می شود. ۴- بسـتانکاران عـادی بسـتانکاران عـادی کسـانی هسـتند که حق وثیقه یـا حق رجحان نسبت به اموال و دارایی ورشکسـته ندارند. بدیهی طلب بستانکاران مزبور پس از ادعای مطالبات با حق وثیقه یا حق رجحان از باقیمانده دارایی ورشکسته به نسـبت طلب آنان پرداخت می شود. دوم – قرارداد ارفاقی پس از صدور حکم ورشکسـتگی تاجر و تشخیص طلبکاران حقیقی او به منظـور ارفـاق و مـدارا و کمـک و همراهی بین تـاجر و طلبکـاران مزبور تحت شـرایط قـانونی قرارداد ارفـاقی تنظیم می گردد که به موجب آن طلبکاران از دریافت قسمتی از طلب خود از تاجر ورشکسته صرف نظر کرده و بقیه را با ترتیب معینی و صول می نمایند. ضمنـا به تـاجر موصـوف مهلت می دهنـد که بنگـاه تجـارتی خـود را بازسـازی نمـوده و در صورت سوددهی مـابقی بـدهی خود را پرداخت نمایـد تـاجر ورشکسـته نیز به نوبه خود مراتب فوق را متعهـد می گردد. اما این امر که انعقاد قرارداد ارفاقی بعـد از صـدور حکم ورشکسـتگی تاجر یا شـرکت تجارتی باشد قابل انتقاد به نظر می رسد زیرا اگر تاجری به جهت مشـکلات اقتصادی و حوادث غیر مـترقبه از پرداخت دیون خود متوقف گردیـده است عـدالت ونصـفت حکم می کنـد که قبـل از اینکه حکم ورشکسـتگی چنین شخصـی صادرشده و موجبات تزلزل اعتبار تجارتی او فراهم گردد قاضـی دادگاه قادر باشد که با دعوت طلبکاران تاجر متوقف و با جلب رضایت آنان یا حتی راسا با توجه به اهمیت واحـد تولیدی و صـنعتی و یا تجارتی به تاجر یا شـرکت متوقف مهلت بازسازی و ادای دیون را بدهد. ۱- دعوت بسـتانکاران حد نصاب رسـمیت جلسه وانعقاد قرارداد ارفاقی پس از رسیدگی به مطالبات عضو ناظر به موجب مـاده ۴۷۶ ق.ت. بایـد از کلیه بسـتانکارانی که طلب آنان تشـخیص و تصـدیق یا موقتا قبول شـده است در ظرف ۸ روز از تاریخ موعدی که تعیین گردیده توسط مدیر دفتر دادگاه صادرکننده حکم دعوت به عمل آورد و در مجمع مزبور که تحت ریاست عضو ناظر تشـکیل می گردد علاوه بر طلبکاران یا وکیل ثابت الوکاله آنان تاجر ورشکسـته هم بایـد شـخصا حضور به رسانـده ودر مـذاکرات شـرکت نمایـد. برای رسـمیت مجمع مزبور و اتخـاذ تصـمیم دو نوع اکثریت پیش بینی گردیـده که یکی اکثریت عـددی ودیگری اکثریت مبلغی می باشد. درمورد اکثریت عددی حضور لااقل نصف به علاوه یک طلبکارانی که مطالبات آنان تشخیص و تصـدیق شـده یا موقتا مورد قبول قرار گرفته است برای اتخاذ تصـمیم ضـروری است ولی برای اینکه تصـمیم مزبور به مورد اجرا در آیـد اکثریت مبلغی نیز الزامی می باشـد. به عبـارت دیگر طلبکـاران مزبور بایـد سه چهـارم از کلیه مطالبـات را هم دارا باشـند. وقتی مجمع طلبکـاران بـا توجه به اکثریت عـددی (نصف به علاـوه یـک طلبکـاران) و اکثریت مبلغی (دارنـدگان سه چهارم از مطالبات) تشـکیل گردید. موضوع قراردد ارفاقی که هدف آن کمک و همراهیو ارفاق به ورشکسـته می باشد بین تاجر ورشکسته و طلبکاران وی با شـرایط پیش بینی شـده در قانون منعقـد می گردد. در جلسه مزبور مـدیر تصـفیه گزارش خود را ارائه می دهـد و سـپس تاجر ورشکسـته نظریاتی در مورد دیون و ادامه کار تجارتی خود و امکانات پرداخت قروض خود به اطلاع حضار می رساند. در صورتی

که اکثریت لازم در خصوص انعقاد قرارداد ارفاقی حاصل شد عمل ورشکستگی درهمین جا خاتمه پیدا نموده و تاجر به کار تجارتی خود ادامه می دهد. درمورد تاجر ورشکسته به تقلب قرارداد ارفاقی منعقد نمی شود زیرا شکی نیست که ورشکسته به تقلب با توسل به وسایل متقلبانه به اضرار طلبکاران اهتمام ورزیده است ولی درمورد تاجر ورشکسته به تقصیر انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است. ۲- موارد بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی به موجب ماده ۴۹۲ قانون تجارت قرارداد ارفاقی در موارد زیر باطل می شود: ۱- در صروتی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شود. ۲- چنانچه کشف شود که قبل ا زانعقاد قرارداد ارفاقی درمیزان دارائی یامقدارقروض تاجر ورشکسته حیله وتزویری به کار رفته و مقدار واقعی آنها د رصورت حسابها قید نشده است. مواردی که می توان قرارداد ارفاقی را فسخ نمود دو مورد می باشد: اول انکه اگر تاجر ورشکسته از شرایط قرارداد ارفاقی سرپیچی کرده یا آن را اجرا ننماید و دوم در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را کسی ضمانت کرده باشد طلبکار می تواند اجزای کلی یا جزئی قرارداد را از ضامن بخواهد و در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است.در مورد اخیر اگر قسمتی از قرارداد ضامن نداشته باشد قرارداد نسبت به آن فسخ می شود(مواد ۴۹۴ و ۴۹۵ ق.ت.). سوم - فروش اموال ورشکسته مدیر تصفیه پس ا زانجام تشریفات راجع به جمع آوری اموال ورشکسته و حفاظت آنها و همچنین تشخیص دیون و مطالبات ورشکسته و تهیه صورت طبقه بندی بستانکاران او در صورتی که بین تاجر ورشکسته و بستانکاران وی قرارداد ارفاقی منعقد نشده ویا به دلایلی ابطال و یا فسخ شده باشد. اقدام به فروش اموال ورشکسته و تبدیل آنها به پول نقد می نماید تا حاصل فروش را بتواند آنها به پول نقد می نماید تا حاصل فروش را بتواند بین غرما تقسیم کند. را معین کرده است امکان پذیر می باشد و مرجع صلاحیتدار برای رسیدگی به شکایت مزبور دادگاهی که عضو ناظر و مدیر تصفیه را معین کرده است می باشد. چنانکه تصمیمات مدیر تصفیه در خصوص تشخیص مطالبات طلبکاران پس از انجام تشریفات قانونی از طرف هر طلبکار و تاجر ورشکسته قابل اعتراض است (مستفاد از مواد ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۶۴ ق.ت.). از طرف دیگر برابر ماده ۴۷۳ ق.ت. طلبکارانی که در مواعد تصفیه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ ق.ت. عمل ننمایند. نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که در مورد تقسیم وجوه قبل از حضور آنان به عمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند. اما در تقسیم وجوهی که ممکن است بعدا به عمل آید جز غرما محسوب می شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه ای را که درتقسیمات سابق به انان تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه کنند. ب- مسئولیت مدنی و جزائی مدیر تصفیه وعضو ناظر مدیر تصفیه یا عضو ناظر ممکن است تصمیمات خود را بر خلاف قانون اتخاذ نموده و به منابع خصوصی طلبکاران و یا ورشکسته لطمه وارد سازند. در چنین مواردی اشخاص متضرر می توانند بطلان و تصمیمات مورد بحث را از دادگاه صلاحیتدار تقاضا نمایند. گاهی اتفاق می افتد که مدیر تصفیه یا عضو ناظر در اثر ارتکاب تقصیر درامور تصفیه به طلبکاران و شخص ورشکسته و یا سایر اشخاص ذینفع خسارت وارد نمایند. بدیهی است اشخاص متضرر به منظور اخذ خسارت وارده باید با توجه به مواد ۳۲۸ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی قانون مسئولیت مدنی تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر وارده را در دادگاه ثابت نمایند. اگرمدیر تصفیه در حین تصدی به امور تصفیه ورشکستگی تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل نماید به اشد مجازات خیانت درامانت محکوم خواهد شد. مجازات خیانت در امانت برابر مواد ۷۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بر حسب نحوه بزه ارتکابی تعیین گردیده است.

۲- انواع ورشکستگی

ورشکستگی و تصفیه اموال - انواع ورشکستگی ورشکستگی را می توان به عادی به تقصیر و به تقلب تقسیم نمود. الف - ورشکستگی عادی برابر مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ ق.ت. کسی ورشکسته عادی محسوب می شود که تاجر یا شرکت تجارتی بوده و از پرداخت وجوهی که برعهده دارد متوقف گردد و ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در ادای قروض یاسایر تعهدات نقدی او حاصل

شـده باشـد توقف خود را به دفتر دادگـاه عمومی محـل اقـامت خوداظهـار خود اظهـار نموده و صورت حسـاب دارائی و کلیه دفـاتر تجـارتی خود را به دفتر دادگاه مزبور تسـلیم نمایـد. صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجارتی خود را به دفتر دادگاه مزبور تسلیم نماید . صورت حساب موصوف باید مورخ بوده و به امضا تاجر رسـیده و تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشـروح صورت کلیه قروض و مطالبات و نیز صورت نفع و ضـرر و صورت مخارج شخصی در آن مندرج گردد. بنابراین اگر تاجر یا شـرکت تجارتی بـدهکار ظرف مهلت مقرر توقف از تادیه دیون خود را به دادگاه صـلاحیتدار به انضـمام مـدارک موردنظر اعلام کرد ورشکسـتگی عادی محسوب می شود. ب – ورشکستگی به تقصیر اول- موارد چهارگانه الزامی صدور حکم ورشستگی به تقصیر (ماده ۵۴۱ ق.ت). ۱- مخارج شخصـی یامخارج افراد تحت تکفل تاجر در ایام عادی به نسبت عایدی او فوق العاده شود. ۲- تـاجر مبـالغ زیـادی از سـرمایه خود را صـرف معاملاتی کنـد که در عرف تجارتی موهوم بوده و یا سودآوری معاملات مـذکور منوط به اتفاق محض باشـد. ۳- تاجر به منظور به تاخیر انـداختن ورشکسـتگی خود خریـدی گرانتر یا فروشـی ارازانتر از قیمت روز کند و برای بدست آوردن وجه نقد به روش دور از صرفه متوسل شود مثل استقراض یا صدور برات سازشی وغیره. ۴- تاجر پس از تاریخ توقف از ادای دیون و قروضـی که بر عهده دارد یکی از طلبکاران خود را بر سایرین ترجیح داده و طلب او را بپردازد. دوم – موارد سه گـانه اختیـاری صـدور حکم ورشسـتگی به تقصیر (ماده ۵۴۲ ق.ت.) ۱- تـاجر به حسـاب دیگری و بـدون آنکه عوضـی دریافت نمایـد تعهداتی کرده باشد که نظر به وضـعیت مالی او انجام تعهدات مزبور فوق العاده باشد. ۲- عملیات تجارتی او متوقف شـده و مطابق ماده ۴۱۳ قـانون تجارت رفتار نکرده باشـد. ۳- تـاجر دفـاتر نداشـته یـا دفـاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت واقعی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکند مشروط بر آنکه مورد اخیر الذکر تقلبی نکرده باشد. سوم – تعقیب جزائی و مجـازات تـاجر ورشکسـته به تقصـیر تعقیب تـاجر ورشکسـته به تقصـیر بنا به تقاضای هر یک از طلبکاران یا دادسـتان و یا مدیر تصـفیه پس از تصویب اکثریت بستانکاران به عمل می آید (مواد ۵۴۴ و ۵۴۷ ق.ت.) اگر تعقیب تاجر ورشکسته به تقصـیر از طرف دادسـتان به عمل آمده باشد هزینه دادرسـی آن به هیچ وجه به عهده هیئت طلبکاران نمی باشد. اگر مدیر تصفیه ورشکسـته به تقصـیر را به نام بسـتانکاران تعقیب نماید در صورت برائت ورشکسـته موصوف هزینه تعقیب به عهده بسـتانکاران می باشد و چنانچه تعقیب از طرف یکی از طلبکاران به عمل آمده باشد و ورشکسته برائت حاصل نماید هزینه دادرسی به عهده طلبکار است اما د رصورت محکومیت ورشکسـته مزبور هزینه دادرسـی به عهده دولت خواهد بود. مجازات تاجر ورشکسـته به تقصـیر از ۶ ماه تا ۲ سال حبس می باشـد (ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسـلامی (تعزیرات)). ج – ورشکسـتگی به تقلب مطابق ماده ۵۴۹ ق.ت. اگر تـاجر دفـاتر تجـارتی خود را از روی عمـد و سونیت مفقود نمایـد یـا قسـمتی از دارائی خود را مخفی کنـد و یـا به طریق مواضـعه و معاملات صوری آن را از بین ببرد و بالاخره اگر به وسـیله اسنادن یا به وسیله صورت دارائی و قروض به طور تقلب به میزانی که در واقع مدیون نمی باشد خود را مدیون قلمداد نماید ورشکسته به تقلب محسوب می شود. تعقیب جزائی و مجازات تاجر ورشکسته به تقلب تعقیب جزائی تـاجر ورشکسـته به تقلب هماننـد تعقب جزائی ورشکسـته به تقصـیر می باشـد و مجـازات کسـانی که به عنـوان ورشکسته به تقلب محکوم می شوند از ۱ تا ۵ سال حبس می باشد (ماده ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)).

۳– اعلام ورشکستگی

ورشکسـتگی و تصـفیه اموال – اعلام ورشکستگی برابر ماده ۴۱۵ ق.ت. ورشکسـتگی تاجر به حکم محکمه بـدایت بر حسب اظهار خود تـاجر به موجب تقاضـای یک یا چنـد نفر از طلبکاران و برحسب تقاضای مـدعی العموم اعلام می شود. الف – بر حسب اظهار خود تاجر هر تاجر بـدهکار مکلف است دادخواست توقف خود را ظرف سه روز از تایخ وقفه در پرداخت دیون به انضـمام صورت حسـاب دارائی و کلیه دفـاتر تجـارتی مربوط به دفتر دادگـاه حقوقی یک محل اقامت خود تسـلیم نمایـد. صورتحساب مـذکور باید

مورخ باشد و به امضا تاجر نیز رسیده و تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف به طور مشروح صورت قروض و مطالبات صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی هم ذکر شده باشد. تاجری که به محض حصول توقف از پرداخت دیون نقدی خود در ظرف مدت ۳ روز با در نظر گرفتن ماده ۴۱۳ ق.ت. اعلام توقف ننماید دادگاه می تواند برابر بند ۲ از ماده ۵۴۲ و ۵۴۳ ق.ت. چنین تاجری را ورشکسته به تقصیر اعلام نماید. ب – به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران مطابق بند ب از ماده ۴۱۵ ق.ت هر کسی که از تاجر مطالباتی دارد می تواند در صورت وقفه در تادیه مطالبات مزبور از طرف تاجر یا شرکت تجارتی دادخواست ورشکستگی علیه هر یک از آنها تهیه و به دادگاه تقدیم نماید. چنین حقی فقط برای حفظ حقوق او بوده است. زیرا بعضی از تجار بر اثر سهل انگاری و یا تعمدا حاضر نمی شوند بطور آشکار وضع اسف بار مالی خود را به دادگاه اعلام نمایند و چه بسا باقیمانده اموال را نیز به طرق مختلف به دیگران منتقل می سازند لذا اقدام قانونی طلبکار برای رفع چنین مشکلاتی و جلوگیری از سو استفاده و حیف و میل شدن مابقی اموال تاجر متوقف ضروری می باشد. ج – به موجب تقاضای دادستان دادستان به نمایندگی از طرف جامعه حق دارد صدرو حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی متوقف را از دادگاه مربوطه تقاضا نماید. زیرا ورشکستگی با اقتصاد کشور ارتباط مستقیم دارد اشخاص ثالث می توانند در مواردی که تاجر یا شرکت تجارتی مرتکب جرائمی راجع به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب شده باشد مراتب را به دادستانی محل وقوع جرم اطلاع دهند. زیرا ورشکستگی ممکن است موجبات تزلزل اعتبار مالی دیگران را نیز فراهم سازد.

۴– شرایط آغاز رسیدگی

ورشکستگی و تصفیه اموال – شرایط آغاز رسیدگی بدهکار باید تاجر یا شرکت تجارتی بوده و از تادیه دیون خود متوقف باشد. الف – خصوصیات بدهکار اول – تاجر یا شرکت تجارتی ماده ۴۱۲ ق.ت. مقرر می دارد: ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که برعهده اوست حاصل می شود. برابر ماده مذکور در صورتی که هر تاجر یا شرکت تجارتی نتواند دیون خود را درموعد مقرر پرداخت نماید ورشکسته محسوب می شود و قانونگذار ورشکستگی را به غیر تاجر و حتی شرکت غیر تجارتی توسعه نداده است. در پاسخ به این پرسش که آیا می توان علیه کسبه جز یا پیشه ورانی که از ادای دیون خود متوقف شده اند دادخواست توقف داد باید گفت قانون کسبه جز را از شمول ورشکستگی معاف نموده و درباره آنان اعمال مقررات راجع به اعسار و تجویز نموده است ولی به نظر می رسد اگر شخص حقیقی غیر تاجر اعم از کسبه جز یا پیشه ور بطور معمولی عمل تجارتی انجام و فقط زندگی خود و خانواده اش را به وسیله آن تامین کند در این صورت تاجر محسوب نمی شود. اما در صورتی که از حاصل کار دیگران یا انجام معامله سود ببرند علیه چنین اشخاص تحت شرایطی که د رمورد اصلاح ماده ۴۱۲ ق.ت. پیشنهاد گردیده می توان دادخواست ورشکستگی تسلیم نمود. هر چند که نام آنان در دفتر تجارتی ثبت نشده باشد. در مورد شرکتهای تجارتی قانونگذار کلیه معاملات شرکتهای تجارتی را به تبع شرکت تجارتی می داند ولی شرکا و مدیران شرکتهای مزبور را اصولا تاجر محسوب نمی کند (بند ۴ ماده ۳ ق.ت) اصل توسعه دادن ورشکستگی به اموال شخصی بعضی از مدیران در قانون تجارت ایران پیش بینی نشده است. بنابراین لازم است گفته شود که اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران یا مدیر عامل را منفردا یا متضامنا به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید. دوم – تاجر متوفی قسمت دوم ماده ۴۱۲ ق.ت. می گوید(حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد ازمرگ او نیز می توان صادر نمود همین حکم را میتوان درمورد تاجر متواری نیز جاری ساخت). ب – توقف از ادای دیون قانون تجارت ایران توقف از ادای دیون را تعریف ننموده و ظاهرا عدم توانائی پرداخت غیر اداری دین است. زیرا عدم توانائی پرداخت هنگامی تحقق پیدا می

کنـد که دارائی منفی بدهکار از دارائی مثبت او بیشتر باشد وعدم تعادل دو دارائی دقیقا پس از تصـفیه اموال مشخص می گردد. از طرف دیگر توقف از ادای دیون نیز دارای مفهومی بسیار خشن می باشـد زیرا ظاهرا بـا ملاـحظه کلمات مـذکور در بـدو امر چنین تصور می شود که بـدهکار با اینکه توانائی پرداخت دیون خود را در انقضا مهلت داشـته ولی از پرداخت آنها خوداری نموده است. بـا این تعبیر علی الاـوصول بایـد عـدم پرداخت دین واحـد برای تحقق تقف کـافی باشـد.اگر بازههم توقف از ادای دیون را نشانگر ضعف بنیه مالی تاجر بـدانیم ممکن است تاجری که مشـکل مالی دارد سـعی کنـد برای مدت کوتاهی به ظاهر خود را دارای اعتبار جلوه بدهـد . به عبـارت دیگر تـاجر مزبور بـا اخـذ ام موقتـا دیون تجـاری خود را پرداخت کنـد تولی از ادای مالیات و حقوق تامین اجتمـاعی خـودداری نمایـد. بـدین ترتیب توقـف از پرداخت شـرط رضـایت بخش و کـافی برای ورشکسـتگی تـاجر نخواهـد بـود. دادگاههای ایران از تفسیر مضیق و محدود ماده ۴۱۲ ق.ت. خودداری نموده اند و پیشـنهاد می شود که قسمت اول ماده ۴۱۲ ق.ت. به شـرح زیر اصـلاح گردد: ورشکسـتگی تـاجر یـا شـرکت تجارتی ه رخص حقوقی خصوصـی حتی غیر تاجر یا هر شـخص حقیقی غیر تاجر که موضوع فعالیت آنان اقتصادی و یا سودآور باشد در نتیجه عدم توانائی از تادیه دیونی که بر عهده دارد حاصـل می گردد.

۵- رسیدگی به دعوی و صدور حکم

ورشکسـتگی و تصـفیه امـوال - رسـیدگی به دعـوی و صـدور حکم در حکومت قـانون سـابق دادگاههـای حقوقی یـک صـلاحیت رسـیدگی به دادخواست ورشکسـتگی را بطور اختصاصـی طبق قانون آئین دادرسی مدنی داشتند. طبق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دادگـاه هـای عمومی و انقلاب (در امور مـدنی) مصوب ۲۱/۱/۷۹ همین که خواهـان دادخواست خود را بـا ضـمائم مربوط به دفتر دادگـاه تقـدیم نمود مـدیر دفتر مکلف است در صورتی که دادخواست کامـل باشـد بلافاصـله و الاـ پس رفع نقص یـک نسـخه از دادخواست و پیوستها را با تعیین روز و ساعت جلسه دادرسی برای خوانده ارسال نمایدو روز جلسه دادگاه باید به نحوی تعیین شود که فاصله بین ابلاغ دادخواست و روز جلسه کمتر از ۵ روز نباشد . ضمنا در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشـد فاصـله بین ابلاغ و قت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود. آنچه مسـلم است ادعای خواهان باید مسـتند به دلیل باشد. در غیر این صورت ولو اینکه خوانده هم سکوت کرده باشد خواهان محکوم به بی حقی خواهد بود زیرا برابر ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسـی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مـدنی) مصوب ۷۹/۱/۲۱ دلیل عبارت از امری است که اصـحاب دعوی برای اثبات یا دفاع از دعوی به آن استناد می نمایند. قانون تجارت ایران دادگاه رسیدگی کنند به دعوای ورشکستگی را مکلف کرده که پس از احراز تاجر بودن فرد و علم به توقف از ادای وجوهی که بر عهده اوست حکم ورشکستگی تاجر را صادر نماید بدیهی است در این مورد باید به دلائل اقامه شده توجه نماید. قبل از صدور حکم ورشکسـتگی دادگاه باید راسا یا توسط قاضـی دیگر و یا مدیر تصـفیه و بالاخره توسط مدیر دفتر اطلاعات کافی از وضع تاجر (اعم از حقیقی یا حقوقی) کسب نماید تا معلوم شود که آیا شـخص مزبور قادر به ادامه فعالیت تجارتی می باشـد یا خیر؟ چون هدف حقوق تجارت کمک به بازسازی واحدهای تولید صـنعتی تجارتی یا خـدماتی است لـذا باید تحقیقات لازم در این مورد به عمل آید. مسـئله دیگری ک قبل از صدور حکم ورشکسـتگی باید در نظر گرفته شود این است که قاضی رسیدگی کنند به دعوی ورشکستگی مخیر است قبل از صدور حکم توقف در صورتی که امیدی به ادامه کـار تـاجر داشـته باشـد هیئت بسـتانکاران را برای مشـاوره در انعقـاد قرارداد ارفـاقی دعوت نمایـد حـال اگر تاجر بـدهکار در مهلتهـای تعیین شـده نتوانست دیون خود را پرداخت کنـد دراین صورت دادگاه می توانـد حکم ورشکسـتگی و تصـفیه اموال تاجر مزبور را صادر نمایـد. دادگاه رسیدگی کننده به دعوای ورشکسـتگی می تواند به وسـیله مدیر تصـفیه و با نظارت خود و طلبکاران بـدون اینکه حکم توقف صادر کنـد قسـمتی از اموال تاجر متوقف را فروخته بین طلبکاران تقسـیم نمایـد و چنین اقدامی در صورت

رضایت طلبکاران امکانپذیر خواهد بود. قاضی پرونده ورشکستگی باید مجاز باشد تاجر بدهکار را که پس از دعوی حاضر نشده است جلب و حتی زندانی نموده و نیز اقدامات تامینی لازم نسبت به اموال نامبرده از قبیل منع انتقال اموال و پرداخت دیون به عمل آورد. بدیهی است پس از رد تقاضای ورشکستگی کلیه ممنوعیت های مورد بحث ملغی الاثر خواهد بود.

۶- محتوی حکم به موجب قانون تجارت

ورشکستگی و تصفیه اموال - محتوی حکم به موجب قانون تجارت حکم ورشکستگی حکم اعلامی است یعنی آثار حکم محدود به طرفین دعوی نبوده بلکه نسبت به کلیه افراد دارای اعتبار می باشد . ضمنا حکم ورشکستگی بطور موقت اجر می شود و چون حکم به قطعیت نرسیده عملیات اجرائی معمولا محدود به اقدامات تامینی می باشد. اگر در هر حوزه دادگاه عمومی اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تاسیس نشده باشد دادگاه مکلف به تعیین عضو ناظر خواهد بود. الف - تعیین عضو ناظر عضو ناظر مامور اداره امور مربوط به ورشکستگی است و دادگاه میتواند در موردی که مقتضی بداند عضو ناظر را تبدیل و شخص دیگری را به جای او تعیین نماید (مواد ۴۲۸ و ۴۳۲ ق.ت) عضو ناظر در کلیه امور مربوط به ورشکستگی و سرعت جریان آن نظارت داشته و در تمام منازعاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه می باشد مداخله و مراتب راگزارش می نماید. در صورت شکایت از تصمیمات عضو ناظر باید به دادگاهی که عضو ناظر راتعیین نموده مراجعه کرد. ب - اقدامات تامینی دادگاه در حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی دستور مهر و موم انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشته ها و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر را صادر می نماید عضو ناظر ممکن است فورا از کلیه دارائی تاجر یا شرکت تجارتی صورت برداری نماید واز آنجائی که این عمل معمولا مدتی به طول می انجامد لذا عضو ناظر برای جلوگیری از حیف و میل دارائی ورشکسته قبل از صورت برداری اقدام به مهر وموم آنها می نماید. ماده ۴۳۴ ق.ت. می گوید (مهر و موم باید فورا به توسط ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فورا شروع به برداشت صورت شود. اگر شرکت تجارتی ورشکسته تضامنی یا مختلط و یا نسبی باشد اموال شخص شرکا ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر آنکه دادگاه حکم ورشکستگی شخص شرکا شرکتهای مذکور را به موجب حکم جداگانه و یا در ضمن حکم دادگاه صادر نماید. ج- صدورقرار توقیف تاجر چنانچه تاجر مفاد ماد ۴۱۳ ق.ت. را در مورد اعلام وقفه از تادیه دیون و تسلیم صورت حساب دارائی وکلیه دفاتر تجارتی خود که متضمن مراتب مندرج در ماده ۴۱۴ قانون مذکور می باشد به دادگاه عمومی یک محل اقامت خود رعایت نکند دادگاه مکلف است قرار توقیف تاجر را صادر نماید و این سخت گیری قانونگذار از مواردی است که تاجر ورشکسته به تقصیر نیز باشد. ضمنا قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده می شود که معلوم گردد تاجر ورشکسته می خواهد به واسطه اقدامات خود از ادراه امور ورشکستگی و تصفیه دارائی مربوطه جلوگیری نماید (مواد ۴۳۵ و ۴۳۶ ق.ت.). د - تعیین تاریخ توقف دادگاه باید تاریخ توقف را تعیین نماید. هر چند که ماد ۴۱۶ ق.ت. در صورت تعیین نشدن تاریخ از طرف دادگاه تاریخ صدور حکم ورشکستگی را تاریخ توقف محسوب می کند. از طرف دیگر بستانکاران می توانند تا انقضا مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات خودمعین شده است تغییر تاریخ توقف را از دادگاه صادرکننده حکم درخواست نمایند. با تعیین تاریخ توقف تاجر یا شرکت تجارتی ورشکسته از تاریخ توقف حق مداخله یا دخل و تصرف در تمام اموال خود اعم از اعیانی و منافع و حقوق مالی را ندارد. ه - تعیین مدیر تصفیه دادگاه ضمن حکم ورشکستگی خود یا حداکثر در ظرف ۵ روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می نماید تا حسابهای تاجر ورشکسته را تصفیه و دیون او ر پرداخت نماید و در قبال انجام وظایف قانونی مستحق دریافت خق الزحمه ای است که از طرف دادگاه معین می شود.

۷- آثار حکم ورشکستگی نسبت به ورشکسته

ورشکستگی و تصفیه اموال - آثار حکم ورشکستگی نسبت به ورشکسته تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم ازمداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است درکلیه اختیارات و حقوق مالی رشکسته که استفاده از آن موثر درتادیه دیون او باشد مدیرتصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند.(ماده ۴۱۸ ق.ت.) آثار حکم ورشکستگی وقتی ظاهر می شود که حکم ورشکستگی از دادگاه صلاحیتدار صادر شده باشد و برابر ماده ۴۱۹ ق.ت. از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. ماده ۴۱۸ بطور صریح تاریخ صدور حکم را مبدا سلب مداخله تاجر در تمام اموال خود تعیین نموده است و منطقی هم به نظر می رسد زیرا اشخاص طرف معامله تاجر بدون آگاهی از وضع مالی او مبادرت به تنظیم قراردادهایی نموده و به مورد اجرا می گذارند حال اگر پس از مدتی چنین قراردادهایی به علت توقف تاجر باطل اعلام گردد مآلا اشخاص مذکور که سونیتی هم نداشته اند متضرر خواهند شد. الف - مستثنیات دین برابر ماد ۱۶ (ق.ا.ت.ا.و.) (مستثنیات دین تحت اختیار و رشکسته گذاشته شده ولی جز صورت اموال قید خواهد شد). ماد ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به مستثنیات دین اشاره نمی کند. ولی اموال زیر را برای اجرای حکم غیر قابل توقیف می داند: ۱- لباس و اشیا و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است. ۲- آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفقه او. ۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه وران و کشاورزان. ۴- اموال و اشیایی که به موجب قانون مخصوص غیر قابل توقیف می باشند. تبصره : تصنیفات و تالیفات و ترجمه هائی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مولف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی شود. ب- ورشکستگی شخصی مدیران شرکت واشخاص دیگر ماده ۴۱۲ فقط درمورد ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی که از ادای دیون و وجوهی که بر عهده دارد متوقف گشته است صحبت کرده و سخنی درباره ورشکستگی مدیران یا شرکا شرکت بیان ننموده است. برابر ماده ۴۳۹ ق.ت. درمورد شرکا ضامن شرکتهای تضامنی یا مختلط یا نسبی دادگاه اختیار دارد حکم ورشکستگی شرکا ضامن را در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادرنماید. ولی در مورد شرکتهای سهامی عام و خاص با مسئولیت محدود شرکتهای مختلط (درمورد سهامداران و شرکا با مسئولیت محدود) سکوت نموده است. امروزه اصل تفکیک بنگاههای تجارتی از اداره کنندگان و شرکا آن موجب گردیده است که ورشکستگی شخصی مدیران و سایر تدابیر تامینی را پیش بینی نمایند تا دست اندرکاران شرکتها در تحت پوشش شخص حقوقی سهامداران شرکا و یا اشخاص ثالث را تضرر ننمایند و برای حمایت از واحدهای تولیدی و صنعتی و تجاری و خدماتی عام المنفعه در قوانین جدید کلمه (ورشکستگی) را فقط در مورد مدیران و دست اندرکاران واحدهای مذکور بکاربرده اند. ج - اثر ورشکستگی شخصی شریک یا سهامدار در انحلال شرکت در طبقه بندی شرکتهای تجارتی آنها را با توجه به خصوصیاتی که دارند به شرکتهای شخص (شامل: شرکت تضامنی شرکت نسبی شرکت با مسئولیت محدود شرکت مختلط غیر سهامی) و به شرکتهای سرمایه (شامل: شرکت سهامی عام و خاص شرکت مختلط سهامی شرکت تعاونی) تقسیم می نمایند. اول - در شرکتهای شخص در این شرکتها که نمونه بارز آن شرکت تضامنی است ماده ۱۲۸ ق.ت. مقرر می دارد(ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکا ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.) این ماده با در نظر گرفتن اصل انفکاک و تنجیز دارائی شخص حقوقی (شرکت) از اشخاص حقیقی آن (شرکا) ورشکستگی بعضی از شرکا را موجب ورشکستگی شرکت نمی داند. اما چون ممکن است شرکا تحت پوشش شخص حقوقی ورشکستگی شرکت نمی داند اما چون ممکن است شرکا تحت پوشش شخص حقوقی و

به قصـد فرار از دین اموال شـرکت را به نـام خود منتقـل سازنـد لـذا مـاده ۱۳۸ ق.ت. برای حفـظ حقوق بسـتانکاران تحت شـرایطی ورشکسـتگی شرکت تضامنی را به تبع ورشکستگی یک یا چند نفر از شرکا تقاضای کتبی مدیر تصفیه شخص ورشکسته از شرکت تضـامنی مبنی بر انحلال شـرکت اخیر انقضا مـدت ۶ ماه از تاریـخ تاقضای مـدیر تصـفیه و منصـرف نکردن مدیر تصـفیه از تقاضای انحلال توسط شـرکت. برابر ماده ۱۲۹ قانونگـذار برای اثبات امور تجارتی سـعی نموده از انحلال شـرکت به علت عدم تادیه قروض شخصـی شـرکا در صورتی که نتوانسـته باشـند طلب خود را از دارائی شخص مدیون (شریک شرکت تضامنی) وصول کنند و سهم مـدیون از منافع شـرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشـد می توانند انحلال شـرکت را تقاضا نمایند به شـرط اینکه لااقل ۶ ماه قبل قصد خود را به وسـیله اظهارنامه رسـمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند. در این صورت شرکت یا بعضی از شرکا می توانند مادامی که حکم نهائی صادر نشـده با تادیه طلب دائن مزبور تا حد دارائی مدیو در شـرکت یا با جلب رضایت وی به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند. دوم – درشـرکتهای سرمایه شرکت سهامی عام و خاص نمونه بارز شرکتهای سرمایه است و با توجه به ماده ۱ لایحه اصـلاح قسـمتی از قانون تجارت مسئولیت هر سـهامدار محدود به مبلغ اسـمی سـهم او می باشد. لذا ورشکسـتگی شـخص سهامدار بنا به محدودیت مسئولیت او موجب ورشکسـتگی شـرکت نمی شود ولی قانونگذار برای حفظ حقوق طلبکاران شرکتهای سهامی درماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) مسئولیت فری یا تضامنی مدیران را پیش بینی نموده و اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد که دارائی شـرکت برای ادای دیون آن تکافو نمی نمایـد هر طلبکاری می تواند از دادگاه ذیصـلاح محکومیت مدیران شرکت سـهامی را که با ارتکاب تقصیر موجبات ورشکستگی شرکت و عدم تکافوی دارائی آن را فراهم ساخته اند به پرداخت آن قسمت از دیون که وصول آن از دارائی شرکت امکانپذیر نیست تقاضا نماید.

۸– آثار حکم ورشکستگی نسبت به قراردادهای ورشکسته

ورشکسـتگی و تصفیه اموال – آثار حکم ورشکستگی نسبت به قراردادهای ورشکسته الف – معاملات تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف اول – معاملات به قصد فرار از دین یا برای اضرار طلبکاران ماده ۴۲۴ ق.ت. می گوید (هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری برای اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضـرار طلبکارها معامله نموده که متضـمن ضـرری بیش از ربع (۴/۱) قیمت حین المعامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوای فسخ در ظرف دو سـال از تاریـخ وقوع معـامله در محکمه پـذیرفته می شود. دراین مـاده اصـل صـحت معاملاـت تـاجر قبل از توقف به لحاظ ثبات معاملات مورد توجه بود و فقط تحت شرایط مندرج در ماده قابل فسخ می باشد درعین حال به طرف معامله امکان داده می شود که قبل از صـدور حکم فسـخ معامله از دادگاه تفاوت قیمت را پرداخت نموده و از فسـخ معامله جلوگیری نمایـد. دوم – نحوه پرداخت قیمت حین المعـامله به محکوم علیه هرگـاه محکمه به موجب مـاده قبـل حکم فسـخ معامله را صادر نمایـد محکوم علیه بایـد پس از قطعی شـدن حکم مـالی را که موضوع معامله بوده است عینا به مـدیر تصـفیه تسـلیم و قیمت حین المعامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر بین غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد(ماده ۴۲۵ ق.ت.). این مادهمعاملات معاوضی رامورد توجه قرارداده و معاملات غیر معاوضی مثل هبه و سایر نقل وانتقالات بلاعوض بخاطر ثبات معالمات مـدنظر نمی باشـد. سوم – معاملاـت صوری یا مسـبوق به تبانی اگر تاجر معامله ای قبل از تاریـخ توقف بنمایـد که صوری بوده و یا مسبوق به تبانی باشـد پس از ثابت شدن دردادگاه آن معامله خود بخود باطل بوده و عین و منافع مال موضوع معامله به تاجر مسترد می گردد وطرف معامله اگر طلبکار شود جز غرما حصه ای خواهد بود (مستفاد از ماده ۴۲۶ ق.ت.) ب – معاملات تاجر ورشکسته از تاریـخ توقف تا صدور حکم ورشکسـتگی بین تاریخ توقیف یعنی تاریخی که تاجر از پرداخت دیون و قروضـی که بر عهده دارد

عاجز و متوقف می شود تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی از دادگاه عمومی که اصطلاحا به دوران مشکوک معروف است گاهی اتفاق می افتد ک تاجر معاملاتی انجام می دهد که به ضرر بستانکاران است ویا با سونیت بعضی ازاموال خود را به دیگران منتقل می نماید . برای حمایت از حقوق بستانکاران و برای جلوگیری از سلب اعتماد آنان نسبت به واحدهای تجارتی در حقوق اغلب کشورهای جهان مقرراتی وضع شده است. ماده ۴۲۳ ق.ت. می گوید: هر گاه تاجر پس از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود: هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر گونه نقل وانتقالات بلاعوض اعم ازاینکه راجع به منقول یا غیرمنقول باشد. تادیه هر قرض اعم از حال یا موجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد. هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود. ج – معاملات تاجر ورشکسته بعد از صدور حکم ورشکستگی ازتاریخ صدور حکم ورشکستگی تاجر ورشکسته از مداخله در تمام اموال خود اعم از اعیانی و منافع و حقوق مالی از قبیل حق دائن بر مدیون حق شفعه حق خیار حق تحجیر و غیره حتی اموالی که ممکن است بعدا عاید او گردد ممنوع می باشد و مدیر تصفیه یا ادراه تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته می باشد و چنانچه تاجر بعد از صدور حکم معاملاتی نسبت به دارائی خود بنماید باطل و بلااثر است. اول – تعلیق دعاوی فردی در حقوق مدنی هر کس باید مراقب منافع فردی خود باشد و در صورت اقدام فوری نسبت به دیگران در وصول طلب خود شانس بهتری خواهد داشت اما درحقوق تجارت هدف اساسی قوانین و مقررات ورشکستگی ایجاد تساوی بین طلبکاران تاجر یا شرت تجارتی ورشکسته درامر وصول مطالبات می باشد. به همین جهت ماده ۴۱۹ ق.ت. مقرر می دارد : از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. درهمین زمینه قانونگذار با تعیین مدیر تصفیه یا اداره تصفیه دعاوی و تعقیبات فردی را علیه تاجر ورشکسته تعلیق کرده و تصریح نموده است که مدیر تصفیه یا اداره تصفیه به نمایندگی قانونی از طرف طلبکاران و تاجر ورشکسته وظایف محوله را انجام خواهد داد. از طرف دیگر نسبت به تصمیمات مدیر تصفیه یا اداره تصفیه می توان به دادگاه صادرکننند حکم توقف شکایت نمود. دوم – حال شدن دیون موجل تجاوز ورشکسته ماده ۴۲۱ ق.ت. مقرر می دارد: همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود. مساله حال شدن دیون موجل این طور توجیه شده که چون طلبکار در بدو امر به تاجر یا شرکت تجارتی به لحاظ اعتبار آنان اعتماد می نماید لذا حاضر می شود به تاجر یا شرکت تجارتی در ادای دیون مهلت دهد ولی به علت وخیم شدن وضع مالی تاجر و ورشکستگی او طلب طلبکار درمعرض تضییع قرار می گیرد بنابراین باید از ورود ضرر به طلبکار جلوگیری شود و برای این منظورطلب وی حال گردد. زیرا اگر اجل تبدیل به حال نشود مدیر تصفیه یا اداره تصفیه اموال تاجر را بین طلبکارانی که طلب مال دارند به نسبت حصه آنان تقسیم می نماید و دیگر مالی باقی نخواهد ماند تا صاحب طلب موجل پس از حال شدن طلب اسناد مربوطه را ارائه و طلب خود را وصول نماید و از این بابت متضرر خواهد شد.

۴۳– مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی

۱– مالیات بر درآمد شرکتهای تجارتی و موسسات غیر تجارتی

مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی – مالیات بر درآمد شرکتهای تجارتی و موسسات غیر تجارتی شرکتهای تجارتی مشمول مالیات را می توا به شرح زیر طبقه بندی نمود: الف – شرکتهایی که صددرصد سرمایه آنها متعلق به دولت یا شهرداری ها می باشد. این شرکتها باید درظرف چهارماه بعد از سال مالی به حوزه مالیاتی مرکزی شرکت مراجعه نموده و ترازنامه و حساب سود و زیان خود را به حوزه مزبور ارائه و مالیات متعلقه را پرداخت نمایند و از کل درآمد مشمول مالیات به نرخ ۱۰٪ به

عنوان مالیات اخذ نموده و نیز از جمع درامد پس از کسر ۱۰٪ مالیات مزبور نسبت به بقیه نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی ۷/۲/۱۳۷۱ مالیات تعلق می گیرد. در صورتی که شرکت تجارتی سهامداران متعدد دولتی داشته باشد ۹۰٪ بقیه درامد به نسبت سهام آنان تقسیم و سهم هر یک از آنان به طور مجزا مشمول مالیات به نرخ ماده ۱۳۱ خواهد بود(مستفاد از بند الف ماده ۱۰۵ ق.م.م) شرکتهای دولتی فوق الذکر از معافیتهای مالیاتی (به استثنای معافیت کشاورزی) استفاده نمی کنند و چنانچه صورتهای مالی مورد رسیدگی سازمان حسابرسی دولتی قرار گرفته و به تائید مجمع عمومی نیز برسد و در موعد مقرر ارائه گردد از نظر مالیاتی محتاج به رسیدگی مجدد نخواهد بود. ب – شرکتهایی که قسمتی از سرمایه آنها به طور مستقیم متعلق به دولت یا شهرداری ها می باشد. این شرکتها به دو دسته تقسیم می شوند: اول – سهام دولت بیش از ۵۰٪ باشد. دوم – سهام دولت معادل ۵۰٪ و یا کمتر در شرت باشد. درشرکت اول بایدترازنامه و حساب سود و زیان ظرف مدت چهار ماه پس از پایان سال مالی به حوزه مالیاتی محل مرکزی اصلی شرکت تسلیم و مالیات متعلقه ۱۰٪ به نسبت درآمد سهم دولت بوده و بقیه به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م خواهد بود و چنانچه سهم الشرکه دولت به چندشرکت تعلق داشته باشد سهم مزبور به نسبت سهام شرکتها تقسیم شده و مالیات براساس ماده ۱۳۱ مذکور محاسبه می شود. در شرکت دوم سهم دولت از معافیت مالیاتی برخوردار نبوده ولی سهم بخش خصوصی از معافیت مالیاتی منتفع می گردد. ج – سایر اشخاص حقوقی شرکتهای سهامی عام و خاص مختلط سهامی و شرکتهای تعاونی واتحادیه آنها شرکت با مسئولیت محدود تضامنی نسبی مختلط غیرسهامی در این شرکتها ۱۰٪ از کل درآمد به عنوان مالیات شرکت محاسبه و وصول شده و ازکل درآمد مشمول مالیات پس از کسر ۱۰٪ نسبت به بقیه به شرح زیر عمل خواهدشد: اول: شرکتهای سهامی مختلط سهامی تعاونی و اتحادیه آنها ۱– از درآمد سهم صاحبان سهام بی نام به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م ۲– از اندوخته سهم صاحبان سهام با نام و شرکای ضامن و یا اعضای شرکتهای تعاونی به نسبت سهم هر یک از آنها به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م. ۳– از بقیه درآمد مشمول مالیات اعم از سود تقسیم نشده به نسبت هر یک از آنها به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م. ضمنا افزایش بها ناشی از ارزیابی مجدد دارایی شرکتهایی که بیش از ۵۰٪ سرمایه آنها به طور مستقیم یا با واسطه به وزارت خانه ها شرکتها و موسسات دولتی متعلق می باشد برای یک مرتبه و تاسقف زیان مندرج در ترازنامه مصوب مجمع عمومی شرکت با رعایت شرایط زیر در طول مدت اجرای قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از پرداخت مالیات معاف خواهند بود: ۱– سهام شرکت پذیرفته شده در بورس یا سهام شرکتی که یک سال پس از ارزیابی در دفاتر ثبت و در بورس پذیرفته شود. ۲– زیان سنواتی از محل افزایش مذکور مستهلک شده باشند. دوم: شرکت های با مسئولیت محدود تضامنی نسبی مختلط غیر سهامی پس از کسر ۱۰٪ کل درآمد به عنوان مالیات شرکت بقیه درآمد مشمول مالیات به نسبت سرمایه یا سهم الشرکه یا به نسبتی که در اساسنامه تعیین گردیده تقسیم و سهم هر یک به طور جداگانه مشمول مالیات به نرخ ماده ۱۳۱ خواهد بود. مالیات موسسات غیر تجارتی اشخاص حقوقی ایرانی غیر تجارتی که به منظور تقسیم سود تاسیس نشده اند در صورتی که دارای فعالیت انتفاعی باشند و در جمع فعالیت های خود سود داشته باشند این سود درآمد مشمول مالیات محسوب و به نرخ ماده۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم مشمول مالیات خواهد بود.

۲– مالیات اشخاص حقوقی خارجی

مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی – مالیات اشخاص حقوقی خارجی الف – مالیات اشخاص حقوقی خارجی که در ایران درآمد حاصل می کنند (مواد ۱۰۵ – ۱۱۳ –۱۳۰ ق.م.م) این شرکتها در صورتی که درایران تحصیل درامد بنمایند خواه از بابت بهره برداری سرمایه و یا واگذاری امتیازات و سایر حقوق متعلق به خود از بابت دادت تعلیمات کمک های فنی مشمول مالیات به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م.خواهند بود (ماده ۱۰۵ ق.م.م) بر طبق بند ج ماده ۱۰۵ ناظر به ماده ۱۱۳ ق.م.م . مالیات موسسات

کشتیرانی و هواپیمایی خارجی بابت کرایه مسافر و حمل کالا و امثال آنها از ایران بطور مقطوع ۵ در صدر کلیه رجوهی است که از این بـابت عایـد آنها می گردد. اعم از اینکه وجوه مزبور در ایران یا درمقصـد یا در بین راه دریافت گردد. تبصـره - در مواردی که مالیات متعلق بر درامـد موسـسات کشتیرانی و هواپیمایی ایرانی در کشور های دیگر بیش از ۵٪ کرایه دریافتی باشد با اعلام سازمان ذیربط ایرانی وزارات امور اقتصـادی و دارائی موظف است مالیـات شـرکتهای کشتیرانی و هواپیمـایی تابع کشورهای فوق را معادل نرخ مالیـاتی آنهـا افزایش دهـد. ب - اجتنـاب از اخـذ مالیـات مضـاعف براساس تصویب نامه هیئت وزیران راجع به اجتناب از اخذ مالیـات مضاعف بر اساس ماده (۱۶۸) قـانون مالیاتهـای مسـتقیم کلیه قراردادها و موافقت نامه های مربوط به اجتناب از اخـذ مالیات مضاعف که قبلا براساس ماده ۱۶۰ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۴۵ و تبصـره آن به تصویب قانونگذار یا هیات وزیران رسیده است بنا به دلایل مشـروحه زیر باید ادامه یابد و مراتب توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به نمایندگی از طرف دولت به مجلس شورای اسـلامی گزار گردد. ۱- عـدم لغو این قرارداد و موافقتنـامه هـا از سوی کشورهـای مقابـل و لزوم رعایت این موضوع از نظر عرف بین المللی. ۲- مطرح بودن شرط عمل متقابل در کلیه این قراردادها و موافقتنامه ها . ۳- امکان فراهم شدن زمینه استفاده آتی از برخی موافقتنامه هایی که در حال حاضـر به دلیل مناسـبات سیاسـی قابل استفاده نیستند. ۴- نقش این قرارداد در توسـعه فعالیتهای تجاری و حمل و نقل دریایی و هوایی بین ایران و کشورهای مقابل.

۳- معافیت از مالیات بر درامد - جرائم مالیاتی

مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی - معافیت از مالیات بر درامد - جرائم مالیاتی معافیتها معافیتهای مالیاتی مندرج در مواد ۲ و ۱۳۲ تا ۱۴۶ ق.م.م. به شـرح زیر می باشد: ۱- مقررات ماده ۱۸۹ ق.م.م. ۲- درآمد حاصـله از کلیه فعالیتهای مربوط به رشته کشاورزی دامداری دامپروری پرورش ماهی زنبور عسل و پرورش طیور.. ۳- موسسات عام المنفعه واحدهای تولیدی و معدنی که در خارج از شـعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران و ۵۰ کیلومتری مرکز اصـفهان بخصوص در نقاط محروم کشور ایجاد گردد. ۴- مرکز فرهنگی - هنری که دارای پروانه وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی باشـند برای مـدت ۵ سـال و در صورتی که حوزه فعـالیت مراکز مذکور در مناطق محروم کشور باشد این معافیت تا ۸ سال نیز قابل افزایش می باشد. ۵- در آمد شرکتهای تعاونی و روستائی عشایری کشاورزی صـیادان کارمندی دانشـجویان دانش آموزان و اتحادیه های انها. ۷- ماده ۱۴۳ ق.م.م.معافیت مالیاتی شرکتهائی را پیش بینی می کنـد که در بورس اوراق بهادار پـذیرفته شـده اند. جرائم مالیاتی ۱- عدم تسـلیم اظهارنامه مالیاتی مودی یا تکمیل ننمودن قسـمتهائی که مربوط به مشـخصات وی می باشد و عدم تسـلیم ترازنامه و حساب سود و زیان و عدم ارائه دفاتر قانونی (دفتر روزنـامه - دفتر کل) به ممیز مالیاتی مسـتوجب پرداخت جریمه بین ۱ تا ۲۰ درصد می باشد. ۲- عدم پرداخت مالیات موعد قانونی مـوجب تعلق جریمه ای معـادل ۵/۲ ٪ مالیـات به ازا هر مـاه خواهـد بود (مـاد ۱۹۰ اصلاحی ۱/۱/۷۲). ۳- مدیران اشـخاص حقوقی مجتمعـا یا منفردا نسبت به پرداخت مالیات بر درامـد اشـخاص حقوقی و همچنین مالیاتهایی که اشـخاص حقوقی به موجب مقررات قانونی مالیاتهای مسـتقیم مکلف به کسـر و ایصال ان بوده و مربوط به دوران مـدیریت آنان باشد با شـخص حقوقی (اعم از شـرکت یاموسسه) مسئولیت تضامنی دارند (ماد ۱۹۸ ق.م.م.) ۴- در صورت تخلف شـخص حقیقی یا حقوقی از انجام وظایف مقرره درماده ۱۹۸ علاوه بر مسئولیت تضامنی مشمول جریمه ای معادل ۲۰٪ مالیات پرداخت نشده خواهد بود. ۵- تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و اسـتناد به دفاتر برخلاف حقیقت به منظور فرار از پرداخت مالیات مسـتوجب مجازات حبس از ۳ ماده تا ۲ سال می باشد این مجـازات در مرودمـدیر یـا مـدیرانی که از انجـام وظایف فوق خودداری کرده و موجبات تشـخیص مالیات کمتر از میران واقعص را فراهم سازنـد اعمال خواهد شد. ۶- در مورد ممنوع الخروج شـدن بـدهکاران مالیاتی ماده ۲۰۲ ق.م.م. مطابق تبصـره ۱ این ماده در مواردی که بدهی مالیاتی قطعی نشده باشدن حکم این ماده در صورت سپردن تضـمین معتبر جاری نخواهد بود و نیز بنابر تبصـره ۲

این ماده در صورتی که مودیان مالیاتی به قصد فرار از پرداخت مالیات اقدام به نقل وانتقال اموال خود به همسر یا فرزندان نمایند وزارت امور اقتصادی و دارائی می تواند نسبت به ابطال اسناد مذکور از طریق مراجع قضائی اقدام نماید.

۴۴- شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران

۱- شرایط اشتغال تبعه بیگانه از نظر قانون کار

شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران - شرایط اشتغال تبعه بیگانه از نظر قانون کار الف - بخش دولتی مانند آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و ... ب - بخش پروژه این بخش کسانی هستند که با دولت قرارداد دارند برای نصب و راه اندازی مجتمع هائی مانند فولاد پتروشیمی و نفت و غیره مشروط بر اینکه کلیه کارمندان و کارکنان استخدامی شان با ایرانیان تشابه تخصصی نداشته باشند(اینان کارفرمایان خارجی هستند). مانند شرکتهای بللی فوکی یا سایپم. ج - بخش خصوصی این بخش شامل بخش هی تجاری بازرگانی نمایندگی های خارجی و نیز شرکتهای داخلی که نیاز به کارشناس خارجی دارند می باشد شرکتهای این بخش باید در ایران به ثبت رسیده باشند چه شرکت خارجی باشد مانند میتسوبیشی و چه ایرانی باشد مانند فرش کاشان. ارائه روزنامه رسمی جهت اثبات موضوع فوق به وزارت کار الزامی است. د- بخش کارفرما در این بخش همسر تبعه خارجی ایرانی است همسرایرانی و او را به کار می گمارد . در این صورت بدون دیگر پروانه کار صادر می شود وحداکثر همکاری با حداقل شرایط نسبت به آنها صورت می گیرد. اداره اتباع بیگانه (وزارت کار) مشخصا پروانه کار صادر می نماید و نیاز به کسب مجوز سایر مقدمات نیست دخالت نیروی انتظامی جهت اقامت تبعه خارجی می باشد.

۲- تشریفات صدور پروانه کار

شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران - تشریفات صدور پروانه کار جهت ورود شخص خارجی به ایران بعد از اعلام کارفرما با پرکردن فرم شماره ۱ و سپردن تعهد فرم شماره ۲ به وزارت کار وزارتخانه مذکور به وزارت امور خارجه اعلام و وزارتخانه اخیر به کنسولگری یا سفارت تلکس زده وبا پیگیری کارگر خارجی در کشور متبوع نامبرده به ایران می آید. سپس فرم شماره ۳ توسط کارفرما جهت صدور پروانه کارتکمیل می گردد. بخش دولتی فرم شماره ۴ را نیز تکمیل می کنند نمایندگان سیاسی و کنسولی تنها فرم شماره ۵ را تکمیل می کنند.

۳- اشتغال به کار بیگانگان در ایران از نظر قانون تامین اجتماعی

شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران - اشتغال به کار بیگانگان در ایران از نظر قانون تامین اجتماعی اتباع خارجی جهت اشتغال در ایران بایستی بیمه شوند و در خصوص بیمه با آنان مطابق اتباع ایرانی رفتار می شود. اگرتبعه بیگانه درکشور خود بیمه بود باید بیمه نامه موسسه بیمه گذار و مزایای مورد استفاده و ... را که به تائید سفارت ایران درکشور خارجی رسیده است ارائه داده تا اگر با مقررات تامین اجتماعی ایران انطباق داشت نامبرده را از پرداخت حق بیمه معاف و در صورت عدم انطباق پرداخت بیمه اجباری است. نتیجه با مطالعه و تجزیه و تحلیل قانون تجارت ایران و حقوق فرانسه و انگلیس درباره شرکتهای تجارتی وموسسات غیر تجارتی و بررسی مقررات مالیاتی و ثبت شرکتهای خارجی و اشتغال به کار اتباع بیگانه ملاحظه شد که قانون ایران دارای نواقص فراوانی می باشد ومشکلات عدیده ای را تنظیم روابط بازرگانی بین افراد جامعه با یکدیگر و با شرکتهای خارجی فراهم

ساخته است.

۴۵- پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ

۱- شرکت های سهامی عام و خاص

پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ - شرکت های سهامی عام و خاص سئوال۱- مجمع عمومی عادی در دعوت اول با حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رای دارند رسمیت پیدا می کند. پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: قسمت اول ماده ۸۷ ل.ا.ق.ت. رسمیت جلسه مجمع عمومی عادی را در دعوت اول باحضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری دانسته است . منظور از کلمات (سهامی که حق رای دارند) این است که برخی از سهاام مانند (سهم موسس) در حقوق فرانسه فاقد حق رای می باشند وجزو نصاب مذکور محاسبه نمی وشد . البته قانون تجارت ایران کلمه (سهم موسس) را پیش بینی ننموده اما در بند ۷ ماده ۹ (ل.ا.ق.ت) به (مزایای موسسین) اشاره کرده است. سهم موسس در قانون تجارت فرانسه در ۲۴ ژوییه ۱۹۶۷ به علت شک و تردید که در سایر سهامداران ایجاد می کرد نسخ گردید. به طوری که ملاحظه شد در قسمت اول ماده ۸۷ (ل.ا.ق.ت) نصاب سرمایه مورد نظر قانونگذار می باشد. بطورمثال اگر کل سهام شرکت به تعداد ۳۰۰۰۰ باشد حضور عده ای که بیش از ۱۵۰۰۰ سهم داشته باشند برای رسمیت جلسه اول کافی است. اما در مورد دعوت دوم مجمع ماده مزبور مقرر می دارد:(... اگر دراولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هرعده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته واخذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.) قسمت اخیر ماده مبهم بوده ومعلوم نیست که منظور قانونگذار از (هر عده) چند نفر می باشد و در لسان عرف (عده) ممکن است به ۱۵ یا ۱۰ و یا ۴ نفر و غیره اطلاق شود و این ابهام در ماده قانونی فلسفه وجودی مجمع عمومی را که طبق ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) دارای صلاحیت وسیع برای اتخاذ تصمیم برای امور شرکت می باشد مورد سئوال قرار می دهد. به نظر می رسد که با اصلاح این قسمت از ماده به جای کلمه (عده) نصاب حداقل ۳/۱ که کمتر از ۳ نفر نباشد پیش بینی گردد تا سهامداران اقلیت بتوانند از حقوق خود محروم نشده و انتخاب هیئت رئیسه نیز امکانپذیر باشد. سئوال ۲ - تصمیمات در نجمع عمومی عادی به موجب ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت.با اکثریت مطلق (نصف +۱) آرا حاضر در جلسه معتبر می باشد این قسمت از ماده در مورد آرا ممتنع اظهار نظر ننموده پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: این قسمت از ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) از بند اول ماده ۲۸ قانون ۲۴ ژوییه ۱۸۶۷ فرانسه اصلاحی ۲۵ فوریه ۱۹۵۳ که می گوید: تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت آرا معتبر اتخاذ خواهد شد الهام گرفته است ولی تغییرات بعدی در حقوق فرانسه مورد توجه قانونگذار ایرانی واقع نشده و آرا سفید مورد ارزیابی قرار نگرفته است در صورتی که در ماده ۱۵۵ قانون ۲۴ ژوییه ۱۹۶۶ فرانسه راه حل بهتری مورد پذیرش واقع نشده که می گوید: مجمع عمومی عادی با اکثریت آرا محاسبه نمی شود. به طوری که ملاحظه می شود در مورد ارزش و اعتبار رای سفید سهامدار در مجمع عمومی عادی قانون سکوت اختیار نموده است و اصولا به نحوه رای دادن سهامداران که آیا به صورت کتبی یا با قیام و قعود و یا با بلند کردن دست می باشد اشاره ای ننموده است. امروز در حقوق اتحادیه اروپا نوع رای دادن و اینکه می تواند به صورت مخفی هم باشد پیش بینی شده است. بنابراین قسمت اول مواد ۸۷ و ۸۸ ل.ا.ق.ت.بشرح زیر ضروری می باشد:(در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت آرا حاضر توام با اظهارنظر بعمل آید اوراق سفید در نظر گرفته نخواهد شد. سئوال ۳- به موجب ماده ۹۰ ل.اق.ت. تقسیم سود ویژه بین صاحبان سهام تا ۱۰٪ اجباری است نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: سود ویژه یا سود ناخالص که پس از کسر استهلاکات هزینه ها اندوخته های قانونی واختیاری زیان سنوات قبل با در نظر گرفتن مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ ل.اق.ت. تعیین می

گردد ملاک برای تقسیم حداقل تا ۱۰٪ سود مزبور بین سهامداران می باشد. آنچه مسلم است مدیران شرکت می توانند ۹۰٪ باقیمانده سود را به مصارف مختلف برسانند و این امر به ضرر سهامداران می باشد زیرا سرمایه گذار می خواهد بطور نسبی از سود سرمایه خود بهره مند گردد نه اینکه مبلغ ناچیزی را دریافت نموده ودر انتظار اقدام مبهم بعدی مدیران باشد.لذا بهتر است که میزان ۱۰٪ به حداقل ۴۰٪ سود افزایش یابد و تقسیم مبلغ اخیر شاید بتواند سهامداران را به سرمایه گذاری بیشتر تشویق نماید. سئوال۴- آیا پیش بینی ذکر مبلغ سرمایه و تاریخ تاسیس در اسناد آگهی ها صورتحسابها و نشریات شرکت ها ضروری است؟ پاسخ: در بسیاری از کشورها قانونگذار پیش بینی کرده است که مبلغ سرمایه شرکت های سهامی باید در کلیه اسناد آگهی ها صورتحسابها و نشریات مختلف شرکت قید شود. در قانون تجارت ایران چنین تکلیفی مقرر نشده است. در حالی که الزامی کردن این اصل به شفافیت فعالیت شرکت ها کمک کرده و به کسانی که از طریق بروس سهام شرکت را رد وبدل می کنند امکان می دهد که با دید بازتری معاملات سهام را انجام دهند. گرچه در حال حاضر اداره ثبت شرکت ها برای ثبت صورتجلسات ذکر میزان سرمایه شرکت را عملا الزامی کرده است و این خود اقدام مفید و موثری است به نظر می رسد که بایسته است قانونگذار برای تحقق مراتب پیش بینی لازم را بنماید. سئوال ۵- افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام با انتشار سهام جدید و فروش به نقد در بند ۱ از ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت. پیش بنی شده است و شرکت زمانی می تاند می تواند به این نوع افزایش سرمایه متوسل شود که از سلامت اقتصادی و مدیریت شایسته برخوردار باشد تا مردم با اعتماد به آینده شرکت و برنامه هایی که ارائه داده شده از سهام پیشنهادی شرکت خریداری نمایند. به این ترتیب بخش های یا صنعتی کشور خواهند توانست نقدینگی کافی را برای گسترش فعالتی خود که نتیجه آن شکوفایی اقتصاد کشور می باشد فراهم نمایند. در این طریق افزایش نه تنها برای دولت بار مالی نخواهد داشت بلکه از طریق وصول مالیات به منبع درآمد مالی قابل توجهی دسترسی پیدا خواهد نمود که در صورت استفاده بهینه از آن رفاه و آسایش مردم فراهم می گردد. سئوال ۶- کاهش سرمایه در قانون تجارت ایران و حقوق کشورهای دیگر چه فلسفه وجودی دارد؟ پاسخ: فلسفه وجودی کاهش سرمایه در حقوق تجارت ایران و در کشورهای دیگر اعلام واقعیت مالی شرکت به سهامداران و سرمایه گذاران می باشد تا اعتماد آنان به احیانا مبادرت به پرداخت سود موهوم نماید نه تنها به اعتبار شرکت بازرگای لطمه بزرگی وارد می کند بلکه این عمل قابل مجازات نیز می باشد(ماده ۲۵۸ ل.اق.ت.) گرچه قانون تجارت ایران عدم مبادرت رئیس و هیئت مدیره را در صورت تخلف از اجرای ماده ۱۴۱ همان قانون در مورد زیان وارده به بیش از نصف سرمایه شرکت جنبه کیفری داده ولی کاهش اختیاری سرمایه را فاقد ضمانت اجرایی دانسته است(ماده ۲۶۵ ل.ا.ق.ت). سئوال ۷- آیا موسسان می توانند تعداد سهامی را که هر پذیره نویس تعهد کرده کم کنند یا خیر؟ پاسخ: قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن به این سئوال جوابی نداده است. به نظ میرسد در مواردی که شرکت برای سرمایه حدی تعیین نکرده و سرمایه جمع اوری شده از طریق پذیره نویسی بیش از حد نیاز لازم باشدمیزان سهام همه پذیره نویسان به نسبت پذیره نویسی آنها راه حل مناسبی است واین امر متضمن این فایده است که همه اشخاص پذیره نویس در شرکت باقی ماده و صاحب سهم شوند و نهایت امر سرمایه های کوچک جلب شده و تعداد سهامداران زیاد می شود واز نفوذ اشخاصی که سهام بیشتری خریداری کرده اند جلوگیری می کند. در اغلب قوانین تجارت دنیا چنین راه حلی پیش بینی شده است. سئوال ۸ – سهام انتفاعی و موسس چگونه سهامی است و چه مزایای دارد؟ پاسخ: این دو نوع سهام در قانون تجارت ایران پیش بینی نشده ولی از لحاظ شرکت شریک است ولی وقتی از سرمایه شرکت سهم می برد که سرمایه دارندگان سهام پرداخت شده باشد.صدور سهام انتفاعی در مواقعی است که شرکت امتیازی در مورد انجام صنایع جز یا اعمال تجارت خاص از دولت تحصیل کرده و شرط شده باشد که در پایاان مدت شرکت سرمایه آن به دولت واگذار شود. در این حالت ممکن است شرکت منافعی به دست آورد و بخواهد منافع حاصله که مازاد بر سرمایه است مستهلک سازد.آن گاه به جای اینکه منافع بر سرمایه شرکت افزوده شود تبدیل به سهامی انتفاعی گردیده و به نسبت به صاحبان سهام تسلیم می گردد. سهام موسس به لحاظ ابتکار یا

کوشش و زحمت موسسین شرکت به آنان داده می شود این قبیل سهام دارای امتیازی در تقسیم سود بین شرکا است که براین سهام معمومال در صـد بیشتری نسبت به سـهام سود تعلق می گیرد. جا دارد قانونگـذار این دو نوع سـهام یاد شده را د رمواد قانونی پیش بینی نموده یا حداقل ضـرورت درج آن را در اساسـنامه مشخص نماید. سئوال ۹ – تبدیل شـرکت سهامی عام به خاص و بالعکس د رصالحیت مجمع عمومی فوق العاده است اگر ادغام شـرکت ها در حقوق تجارت ایران پذیرفته شده و در صـلاحیت مجمع اخیر آیا مفید خواهد بود؟ پاسخ: ادغام شرکت های در حقوق انگلیس و آمریکا و سایر کشورها مدتهاست تحت عنوان فشن پیش بینی شده است ولی متاسـفانه این امر در قانون تجارت ۱۳۱۱ و ۱۳۴۷ شـرکت های سهامی عام و خاص مورد توجه قرار نگرفته است. در حال حاضر بعلت نبودن مقررات راجع به ادغام دو یا چند شرکت با هم مشکلاتی برای فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی ایجاد گردیده است لـذا پیش بینی قانونی در این زمینه ضـروری به نظر می رسـد. سـئوال ۱۰ – در مـاده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت تعداد مدیران شـرکت های سهامی عمـومی ۵ نفر و برای سـهامی خـاص در ماده ۳ ل.ا.ق.ت تعداد شـرکا ۳ نفر قیـد شده است چه اشـکلاتی در این مواد وجود دارد؟ پاسخ: ماده ۳ ل.ا.ق.ت می گوید که تعداد شرکا نباید از ۳ نفر کمتر باشد بهتر است به جای شرکا کلمه مدیران قید شود زیرا در ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت قانونگذار حداقل تعداد مدیران شـرکت سهامی عام را ۵ نفر پیش بینی نموده است و اصولاـ به کاربردن واژه شرکا در شـرکت های سهامی تناسبی ندارد زیرا در شرکت های شخص استفاده از کلمات شریك و سهم الشرکه و در شرکت های سرمایه قید سهامدار و سهام مورد پذیرش قرار نگرفته است. سئوال ۱۱– درمورد حد نصاب رسمیت جلسه در مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی نظر پیشـنهادی چیست؟ پاسـخ: جلسه مجمع عمومی موسـس در دعوت اول و دوم باحضور عـده ای است که حداقل ۳/۲ کل سرمایه شرکت را داشته باشند و در دعوت دوم حضور دارندگان با حضور حداقل ۳/۱ صاحبان کل سرمایه رسمیت پیدا می نماید (ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت) به نظر میرسد که نصاب رسـمیت جلسه مجمع عمومی مزبور که در انتخاب مدیران تاثیر بسـزایی دارد و در دو دعوت به ترتیب : بـا نصف بعلاـوه یك و حـداقل ۳/۱+ تشـکیل گردد امـا در مورد مجمع عمومی عادی به طوری که اشاره شـده در دعوت دوم حضور حداقل بیشتر از ۳/۱ سـهامداران برای نصاب رسـمیت جلسه ضروری به نظر می رسد. سئوال ۱۲– آیا مجمع می تواند بدون احراز تقصیر مدیر شـرکت را عزل نماید؟ پیشـنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: مدیران در شرکت ای سهامی عام و خاص از طرف مجمع عمومی عادی سالیانه حداکثر برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند و عزل آنان نیز بوسیله همان مجمع با در موارد اسـتثنایی بوسـیله مجمع عمومی عـادی بطور فوق العاده صورت می گیرد(مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت) عزل مدیران نیـازی به توجیه نـدارد و این امر به ثبـات مـدیر لطمه وارد می سـازد.به نظر می رسـد که اگر عزل مـدیر توسط مجمع عمومی عادی مستند به ارتکاب تقصیر عمده نباشد شرکت مکلف به جبران خسارت وارده به مدیر خواهد بود. سئوال ۱۳ – مدت مدیریت مدیران حداکثر ۲ سال می باشـد. آیا پس از انقضا مـدت مـذکور مـدیر می توانـد به مـدیریت خود ادام دهد؟ به چه دلیل؟ پاسخ: گرچه به مـدیریت ماده ۱۰۹ل.ا.ق.ت مـدیریت مـدیران که در اساسـنامه معین می شود نبایـد از دو سـال تجـاوز نمایـد لیکن قانونگـذار برای جلوگیری از اختلاـل در امر مـدیریت شـرکت در مـاده ۱۳۶ مقرر داشـته که: (در صورت انقضـا مـدت مـاموریت مـدیران و تا زمان انتخاب مدیران جدید سابق کما کان مسـئوال امور شـرکت و اداره آن خواهند بود...) لذا تاکید بر این بوده که مدیران سابق بازرس یـا صاحبان حـداقل ۳/۱ سـهام مجمع عمـومی عـادی سـهامداران را برای انتخـاب مـدیران لاـحق دعوت نماینـد در غیر این صورت قسـمتاخیر مـاده مزبور به هر ذینفع حق داده شـده که از مرجع ثبت شـرکت هـا دعوت مجمع عمومی عـادی را برای انتخاب مـدیران تقاضا کند. سـئوال ۱۴ – آیـا مـدیران می توانـد در هر موقعی از سال اسـتعفا دهـد اگر چنین حقی را دارا باشـد چه مسئولیتی دارد؟ پاسخ: استعفا مدیر در ماده ۱۱۲ ل.ا.ق.ت پیش بینی شده است در این صورت اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسـنامه وظیفه مـدیریت را عهـده دار می شوند و الا هیئت مدیره مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده را دعوت کرده و مدیر جدید را انتخاب می نماید. قانونگذار برای استعفا مدیر یا مدیران شرایط خاصی را پیش بینی نکرده و در این مورد منع قانونی ندارد ولی به نظر می رسد

که اگر مدیری با قصد اضرار به شرکت استعفا دهد یا مرتکب تقصیر غیرعمدی مهم گردد مسئول جبران زیان وارده به شرکت مدنی مصوب ۷/۲/۱۳۳۹ خواهد بود. سئوال ۱۵- ایا مدیر می تواند در دو شرکت مدیریت بنماید و این امر مفاسدی دارد؟ هر چند که ماده ۱۲۶ داشتن سمت مدیر عاملی را در دو شرکت را ممنون نموده است نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: ماده ۱۲۶ ل.ا.ق.ت داشتن سمت مدیرعاملی در دو شرکت را منع نموده و این امر مفاسدی دارد دارد زیرا در مدیر نمی تواند درعین حال مدیریت دو شرکت را بنحو احسن اداره نمایـد و لازمه مدیریت داشتن دقت و مراقبت بیشتر می باشد. از طرف دیگر مدیر ممکن است بین دو شرکت معاملاتی انجام داده و از این بابت مرتکب سو استفاده هایی گردد. سئوال۱۶- قلمرو محدودیت اختیارات مدیران در شرکت سهامی عام و خاص که در مواد ۱۲۹ الی ۱۳۴ و سایر مواد ل.ا.ق.ت پیش بینی شده است چه ایرادات قانونی دارد؟ پاسخ: ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت مقرر می دارد: (اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و هم چنین موسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شریک شرکت یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنهاباشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهیم شوند.... این قسمت از ماده که نگارش مطلوبی نداشته و فهم مطلب را دشورا می سازد می توان به شرح زیر انشا نمود: (اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت نمی توانند درمعاملات با شرکت یا به حساب شرکت بطور مستقیم یا غیر مستقیم بدون اجازه هیئت مدیره طرف معامله واقع یا سهیم شوند بهمین ترتیب است در صورتی که اشخاص مذکور در شرکت دیگری هم سمت مدیریت داشته باشند...) ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت معاملات موضوع ماده ۱۲۹ را که بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد ولو اینکه به تصویب مجمع عمومی عادی نرسد در مقابل اشخاص ثالث معتبر دانسته است. حال اگر بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد مدیران ذینفع و مدیرانی که اجاز معامله را داده اند بنحو تضامن مسئول جبران خسارت وارده از معامله به شرکت می باشند. به نظر می رسد که قیدد کلمات (در صورت عدم تصویب مجمع) در ماده برای مسئولیت تضامنی مدیران ضروری می باشد. در ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت اصلح است که اخذ وام علاوه بر شخص حقیقی به اشخاص حقوقی هم تسری داده شود. سئوال ۱۷ - اگر مدیر خارج از موضوع شرکت اقداماتی نموده و تصمیمات اتخاذ نمایـد طبق ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. چه مسئولیت مدنی دارد نظر و پیشنهاد چیست؟ پاسخ: اگر مدیر خارج از موضوع شرکت عمل نماید بر خلاف ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. اقدام نموده است. ضمانت اجرایی این مورد در ماده مزبور پیش بینی نشده است. حال باید دید که آیا مدیر در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث و یا هر دو مسئولیت مدنی در قبال اقدام و تصمیم خلاف قانون دارد یا خیر؟ در چنین موارد حقوق فرانسه شرکت در مقابل شخص ثالث مسئول می دانـد اما ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت ایران مقرر می دارد: (مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی... منفردا یا مشترکا مسئول می باشند...) به عبارت دیگر اگر مدیر یا شرکتی خارج از موضوع شرکت اقدام نمایـد شخصا درمقابل شرکت و اشخاص ثالث مسئولیت مدنی دارد. به نظر می رسد به منظور حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث اصلح است که مدیران بنحو تضامن در مقابل آنان برای جبران زیان وارده جوابگو باشند. سئوال ۱۸ - آیا مسئولیت های جزایی پیش بینی شده برای مدیران در شرکت های سهامی عام و خاص نیاز به اصلاحاتی پیشنهاد چیست؟ پاسخ: مواد ۲۵۴ ناظر به ماده ۲۳۳ (عدم دعوت مجمع و عدم تنظیم اسناد) ۲۵۵ (عدم تنظیم صورت حاضرین در مجمع) ۲۵۳ و ۲۵۷ ناظر به ماده ۲۵۵ (جلوگیری از حضور سهامداران در مجامع عمومی و عدم رعایت حق رای) ۲۵۸ (تقسیم سود موهوم) ۲۵۸ (استفاده خلاف از اموال و اعتبارات شرکت) ۲۶۲ و ۲۶۳ (سلب حق تقدم به هنگام افزایش سرمایه و دادن اطلاعات نادرست) ۲۶۴ (عدم رعایت مقررات راجع به کاهش سرمایه) ماده ۲۶۵ (از میان رفتن بیش از نصف سرمایه) ماده ۵۵۱ (ورشکستگی شرکت) در سال ۱۳۴۷ مجازات هایی را پیش بینی نموده که با توجه به گذشت حدود ۳۴ سال و سقوط ارزش پول بخصوص در مورد جزای نقدی نیاز به تجدید نظر دارد. سئوال ۱۹ - آیا ترکیب هیئت مدیره در شرکت های سهامی خاص که شامل مدیرعامل رئیس هیئت مدیره نایب رئیس و اعضای هیئت مدیره می باشد نیاز به

اصلاحاتی دارد؟ پاسخ: با توجه به اینکه شرکت سهامی خاص از جمله شرکت های سرمایه است و درماده ۳ ل.ا.ق.ت مدیرعامل را می توان از خارج شرکت انتخاب نمود (مستفاد از مفهوم مخالف ۱۲۴). النهایه چون مدیر مزبور سهام با نام به عنوان وثیقه در صندوق شرکت می سپارد جزور سهامداران محسوب خواهد شد. اصلاح ماده مذکور به جای جمله: (... در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد...) جمله: (... در صورتی که مدیرعامل خارج از سهامداران باشد...) قید گردد. سئوال ۲۰- آیا بازرس طبق آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت در شرکت سهامی عام باید درجه لیسانس و تجربه کافی برای اشتغال به شغل داشته باشد یا خیر؟ پاسخ: آیین نامه اجرایی ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. مصوب بهمن ۱۳۴۹ شرایط لازم را برای انتخاب بازرس شرکت سهامی عام پیش بینی نموده است که به موجب آن بازرس باید دارای درجه لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته های متناسب با وظایف و مسئولیت های بازرسی بوده و نباید و موسسات دولتی یا وابسته به آن شهرداری بطور تمام وقت اشتغال به کار داشت باشد. هم چنین بازرس مزبور با داشتن ۵ سال تجربه کاری درکمسیونی که به موجب ماده ۲ آیین نامه مزبور تعیین گردیده از نظر صلاحیت مورد بررسی قرار گرفته و در آزمایش مربوط نیز موفق گردد. متاسفانه این آیین نامه تاکنون اجرا نگردیده در صورتی که در حقوق کشورهای پیشرفته مانند: فرانسه و ایالات متحده آمریکا و انگلیس بازرس حساب دوره های تخصصی را گذرانده و پس از احراز صلاحیت به سمت بازرسی انتخاب می شود. نظر بازرس در صحت و درستی حساب های شرکت و اطلاعات داده شده از اهمیت ویژه برخورداراست و موجبات تحرت در بازار بورس را با جلب اعتماد مردم به حساب های شرکت و عملیات مدیران فراهم می سازد. سئوال ۲۱ – چرا آیین نامه مزبور تا کنون در شرکت های سهامی عام به مورد اجرا در نیامده است؟ پاسخ: اجرای آیین نامه راجع به شرایط انتخاب بازرس برای شرکت های عام مصوب ۱۳۴۹ تا کنون بدون هیچ گونه دلیلی به تعویق افتاده که از هر لحاظ به صحت معاملات بورسی و اعتماد مردم به سرمایه گذاری در واحدهای بزرگ تولیدی صنعتی و خدماتی لطمه وارد می سازیم. سئوال ۲۲ – آیا در شرکت های سهامی خاص نیاز به تخصص بازرس وجود دارد یاخیر؟ پاسخ: به نظر می رسد در شرکت سهامی خاص نیز بازرس یا بازرسان اصلی انتخاب شوند که تخصص و شرایط لازم را بر طبق آیین نامه مزبور داشته باشند. سئوال ۲۳- آیا مقررات راجع به مسئولیت مدنی و جزایی بازرس که در قانون ۱۳۴۷ پیش بینی شده کافی به نظر می رسد؟ پاسخ: مقررات جزایی راجع به تخلفات بازرس و بازرسان در مواد ۲۶۶ و ۲۶۷ ل.ا.ق.ت پیش بینی شده است به نظر می رسد میزان جازی نقدی که از ۲۰ هزار ریال تا ۱۰۰ هزار ریال پیش بینی شده است با توجه به تاریخ تصویب قانون و سقوط ارزش پول اصلاح گردد. سئوال ۲۴- آیا سیستم بازرسی خارج از شرکت برای شرت سهامی عام مورد نیاز می باشد یا خیر؟ پاسخ: سیستم ارگان بازرسی خارج از شرکت در حقوق اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی وجود دارد. در ایالات متحده آمریکا کمیسیون بورس اوراق بهادار که به موجب قانون فدرال ۱۹۳۳ اصلاحی ۱۹۶۴ تشکیل گردیده است حساب ها و گزارشات مدیران و بازرسان شرکت های سهامی پذیرفته شده در بورس را مورد تجزیه و تحلیل قرارداده و در صورت لزوم شرکت متخلف را ارشاد می نماید و در مواردی می تواند خرید و فروش سهام شرکتی که مقرراتی کمیسیون بورس اوراق بهادار را نقض نموده باشد در بازار بورس بطور موقت تعلیق نماید. در حقوق فرانسه نیز سازمانی به نام کمیسیون بورس اوراق بهادار مشابه ایالات متحده آمریکا درکنترل حسابهای شرکت های سهامی عام تاسیس گردیده است به نظر می رسد که در حقوق ایران کمیسیون مشابهی برای جلوگیری از انتشار ترازنامه و اطلاعات برخلاف واقع پیش بینی گردد.

۲- شرکت با مسئولیت محدود

پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ – شرکت با مسئولیت محدود سئوال ۲۵- در شرکت با مسئولیت محدود تشکیل مجمع عمومی عادی و فوق العاده پیش بینی نشده فقط قانونگذار در ماده ۱۰۶ ق.ت. تصمیمات راجع به شرکت را به اکثریت لااقل نصف

سرمایه و در دعوت دوم با اکثریت عددی شرکا پذیرفته است پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: گرچه در ماده ۱۰۶ ق.ت. تصمیمات راجع به شرکت با مسئولیت محدود در دعوت اول با اکثریت لااقل نصف کل سرمایه شرکت بوده و اگر در دعوت اول اکثریت مزبور حاصل نشد با اکثریت عددی شرکت شرکا (نصاب عددی) اتخاذ می گردد و ظاهرا نیازی به تشکیل مجمع وجود ندارد ولی اداره ثبت شرکت ها سالهاست با ارائه اساسنامه نمونه پیشنهاد نموده که در این قبیل شرکت ها مجمع عمومی عادی و فوق العاده پیش بینی گردد که به صورت عرف در ثبت شرکت مورد استفاده قرار میگیرد. در حقوق فرانسه تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه برای شرکت با مسئولیت محدود قانوین شناخته شده است و این مجمع به حساب های شرکت رسیدگی و آن را تصویب کرده و سود قابل تقسیم را تعیین می نماید (ماده ۵۸ قانون ۲۴ ژوییه ۱۹۶۶). بنابراین به نظر می رسد که همانند حقوق سایر کشورهامواردی راجع به مجمع عمومی عادی و فوق العاده برای شرکت مزبور با حذف ماده ۱۰۶ ق.ت. به تصویب برسد. سئوال ۲۶- در ماده ۱۱۱ ق.ت. تغییرات راجع به اساسنامه با اکثریت عددی شرکایی که حداقل ۴/۳ سرمایه را هم داشته باشند صورت می گیرد. در این زمینه نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: تغییرات راجع به اساسنامه با اکثریت عددی شرکایی که حداقل ۴/۳ سرمایه راهم داشته باشند صورت میگیرد که ممکن است بدون تشکیل مجمع صورت بگیرد. به نظر می رسد که این امر در صلاحیت و اختیارات مجمع عمومی فوق العاده قرار بگیرد ونصاب ۴/۳ سرمایه نیز به ۳/۲ تقلیل داده شود تا تصمیم گیری از سهولت نسبی برخوردار باشد. سئوال ۲۷ – شرکت با مسئولیت محدود حداقل از ۲ نفر تشکیل می گردد.اگر یکی از شرکا فوت نماید آیا شرکت می تواند با یک مدیر به فعالیت تجاری خود ادام دهد یا خیر؟ پاسخ: شرکت با مسئولیت محدود با استناد به ماده ۹۴ ق.ت. حداقل از ۲ نفر تشکیل می گردد.حال اگر یکی از شرکا فوت نماید نص قانونی وجود ندارد که شرکت بتواند با یك شریك به بقا خود ادامه دهد اما برای جلوگیری از انحلال بهتر است که شرکت به فعالیت خود ادامه دهد. پیش بینی ماده قانونی در این زمینه ضروری است تا اشخاص ذینفع بتوانند از داداه تقاضای انحلال شرکت مزبور را بنمایند. سئوال ۲۸- شرکت با مسئولیت محدود که حداقل بوسیله یك مدیر موظف یا غیرموظف اداره می شود می تواند از بین شرکا یا خارج از آنان برای مدت محدود یا نامحدود انتخاب شود. نظر پیشنهادچیست؟ پاسخ: انتخاب مدیر شرکت با مسئولیت محدود برای مدت نامحدود مشکلات زیادی برای شرکای اقلیت فراهم می سازد زیرا آنان نمی توانند مدیر سهل انگار و یا متخلف راعزل نمایند زیرا تصمیمات در شرکت با مسئولیت محدود با شرکایی است که اکثریت سهم الشرکه را دارا می باشند. بنابراین اقلیت قادر به عزل مدیر مادام العمر نمی باشند. از طرف دیگر امکان اقامه دعوی در دادگاه نیز پیش بینی نشده است. اصلح است که مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود مانند شرکت های سهامی عام و خاص برای مدت معین انتخاب شوند. سئوال ۲۹- مدیر یا مدیران در شرکت با مسئولیت محدود با اکثریت حداقل نصف سرمایه انتخاب می شوند اگر این نصاب حاصل نشد در دعوت دوم با اکثریت عددی که دارای نصف سرمایه نیست انتخاب می شوند پیشنهاد اصلاحی در این زمینه چیست؟ پاسخ: در مورد انتخاب مدیران شرکت با مسئولیت محدود نص صریحی وجود ندارد اما ماده ۱۰۶ ق.ت. کلیه تصمیمات راجع به شرکت را در دعوت اول با اکثریت حداقل نصف سرمایه شرکت قابل قبول می داند. به کاربردن کلمه اکثریت (لااقل نصف سرمایه) تا حدود مبهم می باشد زیرا معلوم نیست که آیا منظور اکثریت مطلق بوده و یا ۵۰٪ کل سهم الشرکه؟در دعوت دوم تصمیمات با اکثریت عددی که دارای نصف سرمایه نیستنداتخاذ میگردد. به نظر می رسد که انتخاب مدیران با اکثریت نسبی آرا شرکا با توجه به میزان سهم الشرکه آنان صورت پذیرد. سئوال ۳۰- در مورد عزل مدیر یا مدیران در شرکت با مسئولیت محدود نصب صریحی وجود ندارد و در عمل مشکلاتی در صورت بروز اختلاف بین شرکا ایجاد کرده است. برای رفع این مشکل پیشنهاد قانونی چیست؟ پاسخ: به موجب ماده ۱۰۴ ق.ت. شرکت با مسئولیت محدود ممکن است توسط یك یا چند مدیر موظف یا غیرموظف از بین شرکا یا خارج آنان انتخاب می گردند اداره شود. ملاحظه می شود که قانونگذار انتخاب مدیر یا مدیران را برای مدت محدود یا نامحدود در اختیار شرکا گذاشته و در مورد عزل آنان تصریحی ننموده

است که در عمل مشکلات زیادی به هنگام بروز اختلاف ایجاد می کند. بعضی از حقوقدانان معتقدند که قابل عزل بودن مدیران ممکن است در اساسنامه شرکت تصریح گردد. عده ای دیگر معتقدند عزل مدیر با در دست داشتن دلایل موجه و با تقدم دادخواست از دادگاه تقاضا گردد. در حقوق فرانسه رضایت عده ای از شرکا که بیش از نصف سرمایه و دلایل موجه نیز داشته باشند برای عزل مدیر کافی می باشد ضمنا شرکا می توانند از دادگاه تجارت نیز به موجب ماده ۵۵ قانون ۲۴ ژوییه ۱۹۶۶ تقاضای عزل مدیر را به شرط داشتن دلایل کافی درخواست نمایند. در حال حاضر به نظر می رسد که مجمع عمومی عادی در صورت تقصیر مدیره می تواند نسبت به عزل مدیر متخلف اتخاذ تصمیم نماید. سئوال ۳۱- قلمرو محدودیت اختیارات مدیران در ماد ۱۰۵ ق.ت. به اجمال برگزار شده و به اساسنامه محول گردیده است که گاهی موجبات سو استفاده مدیران را فراهم می سازد. نظر پیشنهادی چیست؟ پاسخ: ماده ۱۰۵ ق.ت. به مدیر شرکت با مسئولیت محدود اختیارات تام تفویض نموده است مگر اینکه اساسنامه قلمرو آن را محدود نماید. به نظر می رسد که ممکن است مدیران از اختیارات خود در اداره امور شرکت سو استفاده نمایند. به همین جهت اصلح است که محدودیت هایی در قانون تجارت همانند شرکت سهامی عام برای حفظ حقوق شرکای اقلیت پیش بینی گردد. سئوال ۳۲- مسئولیت مدنی و جزایی مدیران همانند شرکت های سهامی عام و خاص در قانون بطور دقیق پیش بینی نشده است. در این مورد پیشنهاد چیست؟ پاسخ: مقررات جزایی طبق قانون شرکت سهامی عام وخاص پیش بینی گردد. سئوال ۳۳- مسئولیت جزایی مدیران در بند (ج) ماده ۱۱۵ ق.ت. کلاهبرداری پیش بینی شده و آن در صورتی است که مدیر با نبودن صورت دارایی یا با استناد به صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم شده را جهت جبران زیان وارده بنماید. نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: ماده ۱۱۵ ق.ت. مجازات متخلفین را در شرکت با مسئولیت محدود در چند مورد مانند پرداخت برخلاف واقع سهم الشرکه نقدی و غیرنقدی تقویم غیر واقعی آورده های غیرنقدی و تنظیم صورت دارایی مزور و ارائه منافع موهوم جرم کلاهبرداری محسوب داشته است. با توجه به اینکه در سال ۱۳۱۱ مجازات جرم مزبور از درجه جنحه و خفیف بوده ولی در حال حاضر طبق قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۲۸/۶/۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی و تائید مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورخ ۱۵/۹/۱۳۶۷ مجازات کلاهبرداری علاوه بر مجازات در حقوق شرکت ها هیچ گونه تعادلی با جرایم ارتکابی مندرج در ماده مذکور ندارد. سئوال ۳۴- نحوه کنترل شرکت با مسئولیت محدود با توجه به مواد ۹۴ تا ۱۱۵ ق.ت. چه اشکلاتی دارد؟ پاسخ : ارگان کنترل کننده در شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی نشده است اما بنابه ماده ۱۰۹ ق.ت. ناظر به مواد ۹۶و ۹۷ و ۱۶۵ و ۱۶۸ و ۱۷۰ همان قانون در صورتی که عده شرکای شرکت بیش از ۱۲ نفر باشد حداقل ۳ نفر تحت عنوان هیئت نظار از بین شرکا برای اولین بار برای مدت یک سال انتخاب می شوند تا نسبت به کنترل آورده های نقدی و غیرنقدی دفاتر و دارایی شرکت و دعوت مجمع عمومی عادی و فوق العاده اقدام نمایند و مسئله قرابت سببی یا نسبی هیئت نظار با مدیران و سایر شرایط قانونی لازم پیش بینی نشده است و این امر موجبات ضعف نظارت را فراهم ساخته است. سئوال ۳۵ - آیا هیئت نظارت در شرکت مذکرو که از حقوق فرانسه اقتباس شده در ایران عملا- مورد استفاده قرار می گیرد؟ پاسخ : هیئت نظار در ایران مورد استفاده زیادی قرار نگرفته است زیرا اغلب شرکت های با مسئولیت محدود با تعداد کمتر از ۱۲ نفر تاسیس می شوند و این امراصولا به دلیل ضعف همکاری دسته جمعی است. سئوال ۳۶- با توجه به استقبال مردم از شرکت با مسئولیت محدود پیشنهاد برای سیستم بازرسی این شرکت چیست و برای حمایت از طلبکاران جه مقرراتی ضروری می باشد؟ پاسخ: به نظر می رسد با توجه به استقبال مردم از شرکت با مسئولیت محدود به دلیل مسئولیت مدنی شرکا که در حدود سهم الشرکه می باشد سیستم بازرسی همانند شرکت های سهامی عام و خاص پیش بینی گردیده و برای حمایت از طلبکاران مسئولیت مدنی مدیران به بعد از انحلال ورشکستگی شرکت تسری داده شود. سئوال ۳۷- درارزیابی آورده های نقدی برای مقومی که گزارش خلاف واقع داده باشد جرم کلاهبرداری پیش بینی شده است. آیا به جای مجازات مزبور می توان از تدابیر تامینی جرم کلاهبرداری پیش بینی شده است. آیا به

جای مجازات مزبور می توان از تدابیر تامینی و ضمانت اجرایی دیگری استفاده نمود؟ پاسخ : مجازات جرم کلاهبرداری که در حال حاضر به موجب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/۹/۱۳۶۷ علاوه بر رد اصل مال به حبس از ۲ تا ۱۰ سال در نظر گرفته شده است اعمال آن برای مقومی که گزارش خلاف واقع داده باشد به دلیل عدم تطبیق جرم ارتکابی با میزان مجازات تعیین شده بر خلاف عدالت و انصاف می باشد بنابراین می توان حتی به جای مجازات از تدابیر تامینی از قبیل نظر کارشناس رسمی دادگستری و تصویب مجمع استفاده نمود. س

۳- سایر شرکت ها

پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ - سایر شرکت ها سئوال ۳۸ - سیستم بازرسی در شرکت های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی چه اشکالاتی دارد؟ پاسخ: در شرکتهای تضامنی نسبی و مختلط غیر سهامی بازرس یا بازرسان پیش بینی نشده است اما در شرکت مختلط سهامی همانند شرکت با مسئولیت محدود هیئت نظار در نظر گرفته شده است به نظر می رسد که مشابه شرکتهای سهامی عام و خاص در این شرکت های مقرراتی راجع به سیستم کنترل کننده پیش بینی گردد. سئوال ۳۹- در مورد مجامع عمومی عادی و فوق العاده در شرکت های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی اشاره نشده و به اساسنامه موکول شده است نظر پیشنهاد چیست؟ پاسخ: درشرکت تضامنی نسبی مختلط سهامی و غیر سهامی مجامع عممی عادی فوق العاده وجود ندارد ولی عرف اداره ثبت شرکت ها مبنی بر پیش بینی آنها در اساسنامه می باشد بهتر است ماده قانونی در این مورد تدوین گردد. سئوال ۴۰- در شرکت های تعاون که بازرس یا بازرسان برای کنترل حسابهای شرکت و اقدامات مدیران پیش بینی شده چه ایراداتی به نظر می رسد؟ پاسخ: در شرکت های تعاونی که بازرس یا بازرسان برای کنترل حساب های شرکت و اقدامات مدیران پیش بینی شده فاقد شرایط لازم بازرسی براساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. می باشد و اصلاح مقررات راجع به بازرسی با آیین نامه اجرایی مزبور ضروری به نظر می رسد. سئوال ۴۱- شرکت های تضامنی ونسبی هر کدام توسط حداقل یک مدیر که از میان خود یا از خارج انتخاب می نمایند اداره می شود. قانونگذار در مورد عزل مدیری که انتخاب او با قید در شرکت نامه صورت گرفته باشد اشاره ای ننموده نظر پیشنهادی در این مورد چیست؟ پاسخ: درشرکت تضامنی یا نسبی (ماده ۱۸۵ ناظر به ماده ۱۲۰ ق.ت) شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیر انتخاب نمایند. در این مواد به مدت مدیریت مدیر اشاره ای نشده است و شرکا می توانند در اساسنامه تعداد مدیران و مدت مدیریت را تعیین نمایند. عزل مدیر نیز در قانون پیش بینی نشده است که در عمل مشکلات حقوقی ایجاد می نماید. درشرکت تضامنی اصولا محور اعتبار قائم به شخص می باشد. بنابراین مدیر یا مدیران مندرج در شرکت نامه قابل عزل نمی باشند و حق استعفا ندارند مگر با رضایت کلیه شرکا شرکت. سئوال ۴۲- مدیر یا مدیرانی که در اساسنامه انتخاب شده باشند به چه ترتیب در شرکت های مزبور قابل عزل می باشند؟ پاسخ: چنانچه مدیر یا مدیران دراساسنامه انتخاب شده باشند ممکن است طبق اساسنامه نسبت به تغییر مدیر یا مدیران مذکور عمل شود. سئوال ۴۳- مدیر یا مدیرانی که در شرکت نامه یا اساسنامه انتخاب نشده اما انتخاب آنان بعدا صورت گرفته باشد به چه ترتیب قابل عزل می باشند؟ پاسخ: اگر مدیر یا مدیران در شرکت نامه یا اساسنامه انتخاب نشده ولی انتخاب آنان بعدا صورت گرفته باشد دراین صورت شرکا می توانند مدیر یا مدیران فوق لا معزول نمایند. بدیهی است مدیر ای مدیران فوق حق استعفا خواهند داشت. سئوال ۴۴- مدیر شرکت تضامنی در چه مواردی شخصا مسئول می باشد؟ پاسخ: برابر ماده ۱۲۱ ق.ت. : حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ ق.ت. مقرر شده است و ماده ۵۱ اخیر الذکر مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا را مانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل خود می داند. به نظر می رسد منظور از موکل شرکت می باشد که مدیر در صورت تعدی و تفریط در اقدامات و تصمیمات خود به نمایندگی از طرف شرکت دارای مسئولیت مدنی می باشد اما مسئولیت مدنی مدیر در مقابل شرکا

تابع اصول کلی حقوقی مدنی از باب تسبیت وباعنایت به قانون مسئولیت مدنی خواهد بود. سئوال ۴۵- محدودیت اختیارات مدیران درمورد ضررهای وارده به شرکت و انجام عملیات تجارتی از نوع تجارت شرکت در مواد ۱۳۲ و ۱۳۴ ق.ت. پیش بینی شده است. پیشنهاد مواردديگر چیست؟ پاسخ: محدودیت اختیارات مدیر در شرکت تضامنی انجام تجارتی از نوع تجارت شرکت بدون رضایت شرکا و ضررهای وارده به شرکت می باشد. مادام که کمبود زیانهای مزبور جبران نشود تادیه هر نوع منفعت به شرکا ممنوع است. ضمنا بهتر است محدودیت معاملات مدیر در مواردی که با شرکت خود معامله می نماید یا در شرکت دیگر شریک می باشد برای حفظ حقوق شرکا پیش بینی گردد. سئوال ۴۶- مسئولیت مدیران درماده ۱۲۱ ق.ت. ناظر بر ماده ۵۱ در مقابل شرکت همان مسئولیت وکیل درمقابل موکل می باشد. پیشنهاد برای رفع ابهام این مواد چیست؟ پاسخ: به نظر می رسد با توجه به ابهام ماده ۱۲۱ ق.ت. نص جدیدی مانند ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت پیش بینی گردد که میگوید: (مدیران و مدیرعامل در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت ویا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفردا و مشترکا مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود). ضمنا اقدامات مدیر نیز در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت نافذ و معتبر بوده و به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان رانباید غیر معتبر دانست (مستفاد از ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت) این قسمت از ماده نیز در شرکت تضامنی مفقود می باشد. سئوال ۴۷ – مدیریت در شرکت مختلط سهامی و غیر سهامی با شریک ضامن می باشد و شرکای دیگر حق اداره کردن شرکت را ندارند. آیا شرکت ضامن می تواند انجام امور وکالت به شریک غیرضامن تفویض نماید؟ پاسخ: اداره امور شرکت های مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن می باشد و شریک با مسئولیت محدود حق مداخله درامور مدیریت وانجام معامله را برای شرکت ندارد مگر اینکه باسمت وکالت از طرف شرکت اقدام نماید (مستفاد از مواد ۱۴۵ و ۱۴۶ ق.ت.) این قسمت از ماده قابل انتقاد می باشد زیرا طرف معامله ممکن است با تصور اینکه شریک با مسئولیت محدود دارای اختیارات نامحدود و تضامنی است مبادرت به امضای قرارداد بنماید در حالی که شریک مزبور فاقد مسئولیت تضامنی است و از طرف دیگر مدیران غیر ضامن درانجام معاملات شرکت بی احتیاطی نمایند. سئوال ۴۸ – آیا مدیر می تواند استعفا داده یا توسط شرکای دیگر عزل شود؟ و تحت چه شرایط صورت می گیرد؟ پاسخ: راجع به استعفا یا عزل مدیران در شرکت مختلط غیر سهامی موادی پیش بینی نشده است ولی مدیرضآمن همآنند شرکت تضامنی که اشاره شده بر حسب اینکه نام او در شرکت نامه یا اساسنامه قید شده یا نشده باشد عمل می شود به عبارت دیگر ممکن است عزل مدیر به اتفاق آرا یا بر طبق اساسنامه و یا نظر اکثریت شرکا باشد. سئوال ۴۹- هیئت مدیره در تعاونی ها مرکب از حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی وتا ۳/۱ اعضای اصلی اعضای علی البدل می باشند و برای تعاونی های بیش از ۴۰۰ نفر یک نفر به اعضای اصلی و یک نفر به اعضای علی البدل اضافه می گردد وبه شرط آنکه بیشتر از ۱۵ نفر نباشند. آیا بهتراست که تعداد مدیران با شرکت های سهامی عام و خاص هماهنگ گردد؟ پاسخ: تعداد مدیران در شرکت های تعاونی که به موجب ماده ۳۶ حداقل ۳ و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و به تعداد ۳/۱ اعضای اصلی اعضای علی البدل انتخاب می گردد از طرف دیگر در تعاونی های بیش از ۴۰۰ نفر یک نفر به اعضای اصلی و یک نفر به اعضای علی البدل اضافه می شود. به نظر می رسد بهتر است که شرکت تعاونی همانند شرکت سهامی خاص حداقل توسط ۳ نفر به عنوان مدیران اصلی و در صورت لزوم با عضو یا اعضای علی البدل اداره می شود. سئوال ۵۰- مدت مدیریت در تعاونی ها حداکثر ۲ سال می باشد و این مدت قابل تمدیدی بوده وانتخاب مجدد هر مدیر بلامانع است. دراین مورد پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: به نظر می رسد مدت مدیریت که در تعاونی ها حداکثر ۲ سال پیش بینی شده است فقط یکبار قابل تمدید باشد تا اعضای دیگر بتوانند در اداره امور تعاونی که کمک متقابل محسوب می شود مشارکت نمایند. سئوال۵۱- هیئت مدیره از میان خود یک نفر رئیس یک نفر نایب رئیس یک یا دو نفر منشی انتخاب می نماید وسپس فرد واجد شرایطی از بین اعضای خود یا از خارج تعاونی به عنوان مدیرعامل انتخاب می نماید.پیشنهاد اصلاحی در

این مورد چیست؟ پاسخ: مدیرعامل که به موجب ماده ۳۹ قـانون بخش تعـاون ممکن است از بین اعضای تعاونی یا از خارج از آن برای مدت ۲ سال انتخاب گردد ظاهرا همانند شرکت های سهامی عام و خاص می باشد ولی پیش بینی نشده که مدیرعامل تعدادی سهام به عنوان وثیقه در صـندوق شرکت برای دوران مدیریت خود بسپارد تا در صورت احراز تخلف زیان وارده به شرکت از محل مزبور تامین گردد. سئوال ۵۲ - مجمع عـادی در شرکت تعاونی یک بار در سال تشکیل می گردد و وظایف این مجمع با شرکت های سهامی عام و خاص اختلاف فاحشی دارد. آیا هماهنگی مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ این قانون با مواد ۸۳ و ۸۴ و ۸۶ و ۸۸ ل.ا.ق.ت. ضروری است؟ پاسخ: مجمع عمومی عادی در شرکت تعاونی سالی یک مرتبه تشکیل می گردد. و وظایف مجمع مذکور عبارتند از: انتخاب هیئت مـدیره و بازرس یا بازرسان برای مدت ۲ سال رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه و حساب سود و زیان سایر گزارش های مالی هیئت مدیره تعیین برنامه شرکت و تصویب بودجه سال جاری و سرمایه گذاری و اعتبارات و وام های درخواستی و سایر عملیات مالی بنا به پیشنهااد هیئت مدیره و بالاخره افزایش و کاهش سرمایه و اتخاذ تصمیم راجع به اندوخته ها. به نر یم رسد که افزایش و کاهش سرمایه در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده قرار گیرد زیرا آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و بعلاوه با حقوق شرکت های سهامی عام و خاص نیز هماهنگ می گردد. سئوال ۵۳- تصمیمات در مورد مجمع عمومی فوق العاده با حضور حداقل ۳/۲ اعضا (به استثنای تعاونی های بیش از ۵۰۰ نفر) اتخاذ می گردد. در مورد هماهنگی نصاب مزبور با ماده ۸۴ ل.ا.ق.ت. پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: دلیلی به نظر نمی رسد که تعاونی های بیش از ۵۰۰ نفر از نصاب اتخاذ تصمیم برای مجمع عمومی فوق العـاده مستثنی شونـد و در هر حال حضور حـداقل ۳/۲ اعضـا برای تصـمیم گیری در مجمع مزبور بـدون توجه به تعـداد اعضـا ضروری می باشد. سئوال ۵۴- وظایف مجمع عمومی فوق العاده طبق ماده ۳۵ بخش تعاونی عبارت از تغییر در مواد اساسنامه عزل یا قبول استعفای هیئت مدیره انحلال و ادغام تعاونی می باشد.آیا اصلح است که این ماده با ماده ۸۳ شرکت های سهامی عام و خاص هماهنگ گردد؟ پاسخ: وظایف مجمع عمومی فوق العـاده در بخش تعـاون بطور ناهماهنگ با شرکت های سهامی عام و خاص احصا شده به نظر می رسد که با توجه به ماده ۸۳ ل.ا.ق.ت فقط افزایش سرمایه کاهش سرمایه تغییرات در اساسنامه و انحلال شرکت یا تبدیل نوع شرکت و ادغام تعاونی درصلاحیت مجمع مذکور باشد. سئوال ۵۵- وظایف و اختیارات هیئت مـدیره در ماده ۳۷ قـانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ با اصلاحات بعـدی بطور ناهماهنگ پیش بینی شـده آیا بهتر است با مقررات شرکت های سهامی عام و خاص هماهنگ گردد؟ پاسخ: به نظر می رسد که وظایف و اختیارات هیئت مـدیره با مقایسه شرکت هـای سهامی عـام و خـاص نـاقص بوده و مواردی از قبیـل ارائه گزارش هـای توجیهی به هنگـام افزایش سرمایه و خودداری از دعوت و تقسیم سود پیش بینی شود.

۴۶- نتیجه

نتیجه - نتیجه درشرکت تضامنی یا نسبی که مدیر از بین اعضا یا خارج از آن بطور محدود و یا نامحدود انتخاب می شود مشکلاتی از نظر عزل بوجود آمـده است. زیرا مـدیر منـدج در شرکت نامه فقط با رضایت کلیه شرکا قابل عزل می باشد و در سایر موارد نیز عدم امکان عزل مدیر موجبات اضـرار آنان را فراهم می سازد. در قانون شرکت های تضامنی عدم امکان عزل مدیر موجبات اضرار آنـان را فراهم می سازد. در قـانون شرکت هـای تضـامنی ماده (۱۲ حـدود مسئولیت مـدیر یا مـدیران را به ماده ۵۱ قـانون تجارت منسوخه ۱۳۱۲ شرکت سهامی احاله داده است و معلوم نیست که مسئولیت مـدیر در مقابل شرکا ماننـد مسئولیت وکیل در مقابل موکل خود می باشـد و یا فقط در مقابل شرکت براساس قانون وکالت مسئولیت دارد. لـذا اصلاح ماده مزبور ضروری به نظر می رسد. در شرکت مختلط سهامی و غیر سهامی اداره امور شرکت به عهده شریک یا شرکای ضامن می باشد و شریک سهامی ویا با مسئولیت محـدود حق مداخله در امور مدیریت وانجام معامله را برای شرکت ندارد. مگر اینکه وکالت مخصوص از طرف شرکت

داشته باشد (مستفاد از مواد ۱۴۵ و ۱۴۶ ق.ت.) و به نظر می رسد که طرف معامله با شرکت ممکن است به تصور اینکه شریک با مسئولیت محدود دارای مسئولیت تضامنی است معاملات انجام داده و از این بابت متضرر گردد. بطور کلی ارگان کنترل کننده شامل بازرس یا بازرسان در شرکت های مزبور پیش بینی نشده ولی در شرکت مختلط سهامی فقط هیئت نظار در گرفته شده است که کارایی لازم را از نظر کنترل صحت و درستی حسابهای شرکت از قبیل ترازنام حساب سود و زیان و گزارش سالیانه مدیران ندارد. در شرکت تعاونی تعداد مدیران مندرج در ماده ۳۶ قانون شرکت تعاونی که حداقل ۳ و حداکثر ۷ نفر پیش بینی شده است در شرکت های بیش از ۴۰۰ نفر این تعداد اضافه شده است هماهنگی این قسمت از ماده با شرکت سهامی مفید به نظر میرسد تا تعداد مدیران به ۳ یا ۵ نفر تقلیل پیدا نماید و مدیران نیز از بین اعضای تعاونی که آشنایی به مسائل شرکت دارند انتخاب گردند. ضمنا در خصوص قلمرو اختیارات و وظایف مدیران در شرکت تعاونی مانند شرکت های سهامی مقرراتی وضع نگردیده است. برخی دیگر از مواد قانون شرکت های تعاونی نقایصی دارند مثلا در ماده ۱۰ نحوه حق نظارت اعضا در تعاونی مشخص نگردیده و در بند ۱ ماده ۱۳ سلب شرایط عضویت یا شرایط اختصاصی بطور مشخص روشن نشده است و بالاخره تقویم آورده های غیرنقدی ممکن است منتهی به ارزیابی غیرواقع گردد و در صورتی که در شرکت های سهامی برای قسمتی از تقویم آورده های غیرنقدی موسسین جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری و تصویب مجمع عمومی موسسین (با محدودیت رعایت میزان ارزیابی کارشناس) و بالاخره عدم لحاظ میزان آورده غیرنقدی در حد نصاب رسمیت مجمع عمومی موسسین و سلب حق رای از دارنده آورده غیرنقدی مزبور در مواد ۷۵ و ۷۶ به بعد (ل.ا.ق.ت.) پیش بینی شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با

برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹